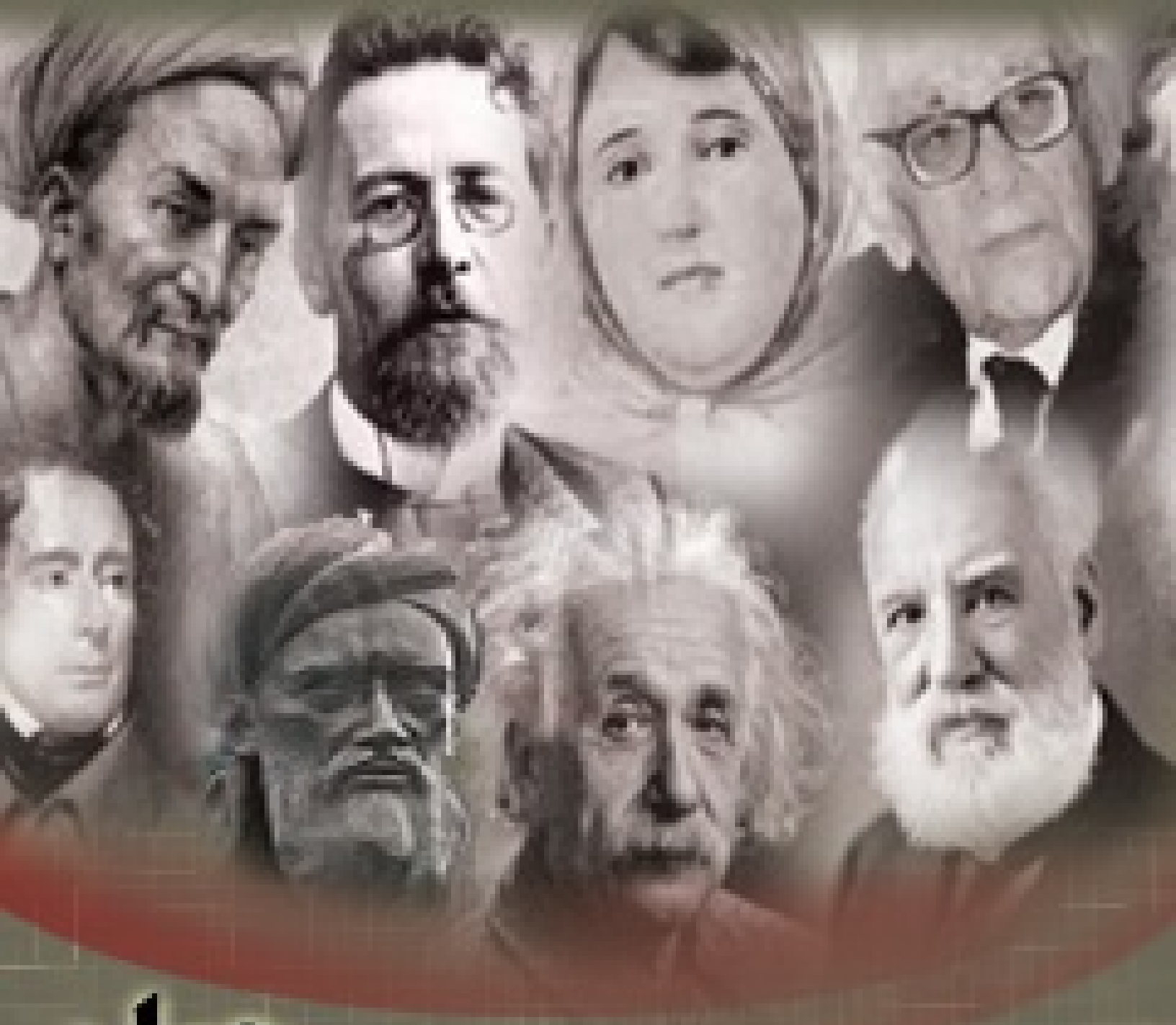


زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۸

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد 18

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : [۱۸۹۰] ص.: مصور.
یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۹۰].
عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : ۳ CT۲۰ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲ /۰ ۹۲۰

روزنامه نگاری

اباذری، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم اباذری
محل تولد : میانه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/7
زندگینامه علمی
فروردین سال 1339 برابر رمضان 1379 در شهر میانه به دنیا آمد. در آذر ماه 1360 پس از پایان خدمت مقدس سربازی به حوزه علمیه تبریز (مدرسه حضرت ولی عصر عج) وارد شد. مقدمات و سطح را در آن حوزه نزد اساتید معظم فرا گرفت. در نیمه شعبان 1404 برابر 27/2/1363 در حالی که در انتهای شرح لمعتین بود توسط حضرت آیه الله ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) ملبس و مفتخر به لباس روحانیت گردید.
در آغاز سال تحصیلی 1364 به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در جوار حرم نورانی حضرت معصومه سلام الله علیها تحصیلات سطح عالی را از محضر حضرات آیات: محمد ستوده، مصطفی اعتمادی، عباس محفوظی، احمد پایانی بهره برد و درس خارج فقه، اصول، تفسیر و فلسفه را مجموعاً به مدت بیش از 12 سال از محضر حضرات آیات عظام: محمد ابراهیم جناتی، عبد الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، حسینعلی منتظری، یوسف صانعی، مسلم ملکوتی، سید محمد مفتی شیعه و زین العابدین عسگری گیلانی استفاده نمود. و در ضمن آن به طور پراکنده به تدریس بعضی کتب درسی و تحقیق پیرامون موضوعات علمی پرداخت.
در طول هشت سال دفاع مقدس در چند مرحله به عنوان رزمی، تبلیغی مجموعا" به مدت بیست ماه در جبهه ها و عملیات مختلف از جمله در جبهه های پاوه، مهران، میمک، موسیان، خرمشهر، پاسگاه زید، فاو، سرپل ذهاب، بازی دراز، پادگان ابوذر، استان سلیمانیه حضور یافت و در نهایت پس از عملیات بیت المقدس 3 و آزاد سازی قله گوجار و تپه اولاغلو به همراه بچه های گردان محمد رسول الله از لشکر 5 نصر خراسان، مجروح شیمیایی شده و به مدت یک هفته در سنندج ساختمان استانداری بستری گردید.
در سال 1370 به طور جدی کار پژوهشی، تحقیقاتی خود را با پژوهشکده

باقر العلوم (ع) به مدیریت اندیشمند با اخلاص استاد محمود مهدی پور و با کاروان سالاری و هدایت ادیب و شاعر فرزانه استاد جواد محدثی آغاز کرد و در قالب مجموعه های: دیدار با ابرار، دیار ابرار، راویان نور، بانوان نمونه، گلشن ابرار و... به این همکاری ادامه داد که این کارها با فعالیت های تحت عناوین: عضو شورای نویسندگان، بررسی کتب و مقالات مجموعه مدیر گروه مجموعه «بانوان نمونه» و مسؤول بررسی و بازنگری مجدد مجموعه «دیدار با ابرار» به مرحله رشد و بالندگی رسید که هنوز هم بعضی از این همکاری ها ادامه دارد.
همچنین با مؤسسات فرهنگی، پژوهشی دیگر مانند: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دار الحدیث، معاونت فرهنگی آستان مقدس حرم حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و حضرت معصومه سلام الله علیها، ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر در مجموعه هایی مثل: خاطرات انقلاب، تاریخ انقلاب، تاریخ منطقه ای انقلاب، شورای ستارگان حرم، ماهنامه کوثر، هفته نامه ری، آیینه رشد مدیران و ... همکاری می کند و به عنوان کارشناس در خدمت واحد اندیشمندان صدا و سیمای مرکز قم نیز هست.
تا کنون حدود 25 جلد کتاب و بیش از 80 مقاله در موضوعات مختلف از وی در روزنامه ها، مجلات و مجموعه های دیگر از جمله روزنامه های: ایران، جام جم، جمهوری اسلامی، همشهری، پرتو و مجلات فرهنگ کوثر و پگاه و... به چاپ رسیده است. هم اکنون خاطرات انقلاب چند نفر از شخصیت های بارز حوزوی را در دست مصاحبه، بازنویسی تنظیم و تدوین دارد و تحقیقات خود را در برخی موضوعات دیگر پیگیری می کند.

اباذری، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود اباذری
محل تولد : نائین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/22

ابجدیان، امراللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال 1347، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه سنت لوئیس آمریکا در سال 1350.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
پژوهش و تحقیق در زمینه تاریخ ادبیات انگلیس.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ ادبیات انگلیس، نمایشنامه مکبث، نمایشنامه دکتر فاکتوس.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 1، تعداد مقالات بزبان خارجی: 6
زمینه علمی مقالات:
ادبیات انگلیس.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابراهیم پور لیالستانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ابراهیم پور لیالستانی
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

ابراهیم پور، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر ابراهیم پور
محل تولد : گنبد کاووس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدائی خویش را از مشهد آغاز نمودم و همزمان در ایام تعطیل مکتب خانه‌ها به آموزش قرآن و مفاتیح و... پرداختم. دوره راهنمایی و یک سال از مقطع دبیرستان را نیز پشت سر گذاشته و وارد حوزه علمیه مشهد شدم.
از سال 1365 دروس حوزه را آغاز نموده و بخشی از مقدمات را در مدرسه المهدی و مابقی آن تا اصول فقه را در مدرسه امام باقر(ع) پشت سر گذاشتم و پس از آن از درس لمعه مرحوم فقیه سبزواری درک نموده و بهره بردم و همزمان خود را برای شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم آماده می‌نمودم. در سال1370 در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم شرکت نموده و پس از قبولی و پذیرفته شدن در امتحانات شفاهی و مصاحبه، رسماً طلبه حوزه علمیه قم شده و به ادامه تحصیل پرداختم.
دروس رسائل را نزد استاد حسینی خراسانی و مکاسب محرمه را نزد استاد دوزدوزانی و بیع استاد پایانی، خیارات استاد بیگدلی و کفایه را نزد استاد اعتمادی گذرانده و دروس حوزه از قبیل، تفسیر، فلسفه، تاریخ و... را همزمان از اساتید حوزه در آن دوره فراگرفتم. ضمناً در این مدت دوره تخصصی تربیت مربی کودک و نوجوان را نیز سپری نمودم.
از سال 1375 با به پایان رساندن دوره سطح و قبولی در امتحانات کتبی، دروس خارج فقه و اصول را آغاز نمودم و با شرکت در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی و اصول استاد سبحانی، به نحوه استنباط احکام از لابلای آیات و روایات پی برده و آشنا شدم. در این مدت حدود دو سال نیز در درس تفسیر استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی نیز شرکت جسته و بهره بردم.
همزمان با حضور در درس خارج اساتید فوق در دوره‌ها و رشته‌های تخصصی گوناگون نیز شرکت می‌نمودم تا از تجربیات و علوم مختلف مورد

نیاز بهره‌مند گردم. در این مدت دوره مدیریت مساجد و رشته تخصصی مذاهب اسلامی و رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، دوره تقریب مذاهب اسلامی، دوره شناخت وهابیت و دوره کارورزی تفسیر را طی نموده و بهره‌های لازم را کسب نمودم. در این میان مدتی را نیز به کارهای تحقیقاتی پرداخته و با نقدهای مختلف با روشها و شیوه‌های مختلف تحقیق آشنا شدم، به طور مثال دو سال در واحد اخلاق بخش تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات همکاری داشته و با قالبها و روش‌های کار کودک آشنا شدم و پس از آن با پاسخ به شبهات در بخش تحقیقات موسسه مذاهب اسلامی به چگونگی پاسخ‌ها و تحقیقات لازمه در این زمینه پی برده و پس از حدود یک سال فعالیت در آنجا بعضی از پاسخها به همراه تحقیقات دیگران ظاهراً به چاپ رسید. و هم اکنون سال دومی است که با واحد تفسیر دوره کارورزی تفسیر همکاری می‌نمایم که در این مدت تلاش دوستان به ثمر نشسته و دو جلد تفسیر همراه آیه‌های نور در قطع پالتویی آماده چاپ شده و مابقی نیز در دست انجام می‌باشد. طرح دیگری که در دست اقدام است تهیه درسنامه روشها و قالب‌های تفسیر است که کارهای مقدماتی آن در شرف اتمام است.

ابراهیم زاده، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ابراهیم زاده
محل تولد : بغداد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
حسن ابراهیم زاده در سال 1344 در شهر بغداد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی تا مقطع دوم دبیرستان را در شهر ایلام سپری و آنگاه در سال 1361 وارد حوزه علمیه آشتیان و سپس حوزه علمیه قم شد.
در کنار تحصیل، فعالیت های نگارشی خود را آغاز کرد. مخاطب نوشتارهای وی اغلب قشر جوان است. وی زمینه مطالعاتی و نگارش خود را در حوزه های سیره و حیات علمای شیعه، جریان شناسی نهضت روحانیت و نقد مسائل سیاسی اجتماعی و رسانه ای روز جهت داده است.
ایشان بنامهای مستعار حسن ملکشاهی و ... نیز در برخی از مجلات و روزنامه ها قلم می زند. وی که در کنار بهره گیری از اساتید فقه و اصول، تفسیر و اخلاق حوزه، به مدت ده سال در جلسات نقد و بررسی مرکز ادبی حوزه شرکت کرده است، به مناسبت های مختلف، نگارش متون کوتاه و بلند ادبی را نیز در برنامه نگارشی خود دارد.

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله ابراهیم زاده
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1336 هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی 1352 برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .
تا سال 1368 سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال 1373 لغایت 1377) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود 1360 و پس از آن آغاز کردم

و به طور متناوب ادامه دارد .
به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال 1371 با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از 50 کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم.
برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :
1. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال 1378) انتخاب گردید .
2. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال 1383 در تهران از میان حدود 75 کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا ابراهیم نژاد
محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال 1344 وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال 1351 ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.
در سال 1351 وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال 1354 دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال 1370 ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم.
در سال 1370 ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی راد، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیمی راد
محل تولد : قوچان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1353 وارد حوزه علمیه قوچان شدم و در سال 1355 در حوزه علمیه فاروج ادامه تحصیل دادم. در سال 1356 در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و در مدسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.
در سال 1363 دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. البته عمده درس های فقه و اصول را در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت کرده ام و استفاده نموده ام. در فلسفه از اساتیدی همچون استاد فیاضی، انصاری شیرازی، جوادی آملی، و مصباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسفی بدایه و نهایه و شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.
از سال 1365 مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود 4 سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود 8 سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالجواد ابراهیمی فر
محل تولد : گنبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال 1341 در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می‌گذراند به پایان برد.
آنگاه در سال 56 ـ 57 با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجةالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجة الاسلام حاجیانی (تبصرة المتعلمین را) و حجة الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجة الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایة الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایة الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از

رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایة الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.
همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال 58 با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.
در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایة الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).
در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.
سال تحصیلی 62 ـ 63 با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال 1375 ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.
از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و

کفایة الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال 73 در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:
الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایة الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.
ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال 73 تا سال تحصیلی 79 ـ 80 به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایة الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.
ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال 76 تا 83 در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.
د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.
در سال 1369 با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال 1369 انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.
از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال 1372 به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال 1373 به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال 74 به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در

جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال 1378 به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (2) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (1) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی فر، عبدالرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرضا ابراهیمی فر
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1363/7/1

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیمی ورکیانی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولّد 1323 در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال 1335 پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبدالله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال 1343 با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.
سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجةالاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی

شرکت داشتم.
در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرمارودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره 8 ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و..... بوده اند.
سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج 1 و2، اسلام و حقوق بین الملل ج 1 و2 فراهم آمد.
ناگفته نماند که که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال 1360 به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه 14 استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال 1371 از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.
موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و .... که معمولاً در هر یک از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب "تاریخ صدر اسلام" (بعثت نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال 1382 به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال 1384 کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری" به چاپ رسید و مقالات متعّددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون حقوق اهل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام

ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان "اسلام و آزادی" در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضر سرگرم تدوین جلد دوم تاریخ اسلامی در رابطه با زندگی سیاسی امامان اهلبیت (ع) و کتابی در زمینه "حقوق بین الملل اسلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام" بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الاباالله علیه توکلت و الیه انیب. »
البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسی وابسته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها و یا جائی دیگر مثل دانشگاه شهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشته باشند. مقالاتی نیز در دست انجام است مثل: "پیامبر اعظم(ص) تنها روح آئین جهانی" و "مبانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی" و "نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسلام" که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علهیم السلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان "بلوغ دختران" را تقریبا آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم ابراهیمی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1373 در رشته علوم تجربی از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. درسال 1374 وارد دانشگاه امام صادق علیه السلام شدم و در رشته فلسفه و کلام اسلامی تحصیلات دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته ادامه دادم. در سال1382 از آنجا فارغ التحصل شدم.
پس از فارغ التحصیلی مدت 6ماه با دانشنامه بزرگ جهان اسلام همکاری داشتم که به خاطر اقامت گزیدن در قم از همکاری با آن مرکز بی نصیب ماندم و از همان سال تاکنون با شورای سیاستگذاری ائمه جمعه واقع در تهران مشغول همکاری علمی می باشم.
در سال 1383پایه اول تا ششم حوزه را (حدودا60 امتحان) در ظرف حدوداً یک ماه امتحان دادم که بحمدالله موفق به گذراندن 6پایه اول حوزه شده و در پایه هفتم در همان سال تحصیلی 83-84 شرکت نموده و در نهایت و به شکر خدا پایه هفتم را همچون پایه های شش گانه قبل با درجه ممتازی گذراندم.
هم اکنون که در سال 1386می باشم در پایه دهم مشغول به تحصیل می باشم. لازم به توضیح است که در همان سال فارغ التحصیلی از دانشگاه یعنی سال 1383 دو سال پی درپی در مرحله علمی پذیرفته شدم، ولی با خواست خداوند و به مصلحت، جزو پذیرفته شدگان محسوب نشدم. در این مدت پس از فارغ التحصلی از دانشگاه با مؤسسات مختلف، عمر گذرانیدم و هم اکنون که درسن 30سالگی به سر می برم، اکثر کارهایم را حول موضوع «فهم دین و ترمیم نظام فکری دین» منسجم و یکپارچه شده است که امید است پس از تلاش سالیان متمادی اثری گرانبها را در این مهم عرضه نمایم.

ابراهیمی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر ابراهیمی در سال 1330ش در یکی از روستاهای شهرستان اردبیل به دنیا آمد .میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال 1360ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از وزارت دارایی به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد. کتاب "یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ابراهیمی تحصیلات مقدماتی خود را در تهران به پایان رسانده است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ابراهیمی پس از انجام خدمت سربازی به استخدام وزارت دارائی درآمد. امّا میل و کشش او به داستان‌نویسی و ادبیات کودکان موجب شد که در سال 1360ش. بنا به درخواست کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به آن کانون منتقل شود و هم اکنون در همین مرکز به ارائهٔ خدمات فرهنگی اشتغال دارد.
جوائز و نشانها : کتاب "یک سنگ و یک دوست " تالیف جعفر ابراهیمی ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. شاعر، نازک خیال کودکان را گاه در «باران» و گاه در «گنجشک» گاه در «گیسوان سبز» یا که در «بقچ? گلدار» به مدد تصویرگران به روی کاغذ آورده است.کتابهای «آب مثل سلام»، «آواز پوپک» ، «قالی رنگین کمان» و «لبخند شبنمها» توانسته اند توأماً امتیاز بهترین کتاب سال کودکان (در دوره دوازدهم کتاب سال)در بخش شعر را به خود اختصاص بدهند.
چگونگی عرضه آثار : سالهاست که کودکان سرزمین ما، با سروده های جعفر ابراهیمی که همگون با روح لطیف آنهاست آشنایند. کودکان این بار شاهد اشعاری چند از این شاعر، در چهار کتاب: آب، مثل سلام؛ آواز پوپک؛ قالی رنگین کمان و لبخند شبنمها هستند که برای گروههای سنی «ج» و

«د» مناسب می باشد. ----------

آثار :
1 آب مثل سلام
ویژگی اثر : سرود? جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: ساعد مشگی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، 1372.
2 آواز پوپک
ویژگی اثر : سرود? جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: مریم رحمتی اوینی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
3 دوستی کلاغ و کبوتر
4 شکوفه‌های شعر
5 غنچه‌های شعر
6 قالی رنگین کمان
ویژگی اثر : سرود? جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: کارگاه شریف؛ تهران: انتشارات مدرسه، 1372.
7 کبوتر
8 گل باغ آشنایی
9 لبخند شبنمها
ویژگی اثر : سرود? جعفر ابراهیمی (شاهد)؛ تصویرگر: غلامعلی مکتبی؛ تهران: انتشارات مدرسه، 1372
10 مادر بزرگ
11 یک سنگ و یک دوست
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.قابل ذکر است که کتاب مذکور برای گروه سنی «ج» و «د» (سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی) نوشته شده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحمت الله ابراهیمی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر متولد 1349 در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال 1367 بوده است.
این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریابای افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریابای و دروس فلسفه و منظومه آقای دریابای و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.
این حقیر تالیفات خود را از سال 1376 آغاز کردم که تاکنون 5 اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابراهیمی، لیلا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران ابراهیمی: 25 سال سن دارد، فرزند سوم خانواده‌ای هست که 4 فرزند دارند. پدر از اهالی شمال و مادر اهل عشق‌آباد ترکمنستان هستند، رشته تحصیلی تربیت بدنی است ضمن این‌که عضو کمیسیون ورزشی ایران هم هست، همچنین باید اشاره کرد، برادرش «آرش ابراهیمی»، دونده بود، اما در سال 1383 در اثر ایست قلبی فوت کردند که جا دارد یادش را گرامی بداریم.
سال قبل بود که در پرش ارتفاع، خانم «صدارتی» برنز آسیا را کسب کرد و پس از آن دیگر هیچ. دیگر از دو میدانی بانوان خبری نبود، تا این‌که در تابستان 86 یک بانوی ایرانی با اعتماد به نفس بالا و تمرینات مستمر و امید به آینده ورزشی خوب، مدال برنز 3000 متر با مانع را کسب کرد، که اگر کمی شانس با او بود و در زمان پرش و افتادن در چاله آب لباس‌هایش سنگین نمی‌شد، به طور حتم طلا را از دست نمی‌داد. او تنها هشت صدم ثانیه با ورودی المپیک پکن فاصله دارد. آنقدر اعتماد به نفس بالایی دارد که می‌گوید: تمام سعیم را می‌کنم تا در این مسابقات مهم شرکت کنم. او عامل موفقیت خود را تنها تمرین می‌داند... از شرایط گذشته دو و میدانی بانوان راضی نیست، می‌گوید: یادم است یک‌بار در نیمه ماراتن، اول شدم. 22 کیلومتر دویدم و یک پارچ و لیوان به من جایزه دادند، حالا شرایط خیلی بهتر شده، مسئولان به فکر دو میدانی - این ورزش مادر- افتاده‌اند. او انواع و اقسام رکوردهای ایران را در رشته های مختلف دو ومیدانی جابه جا کرده و بیشتر در دوهای استقامت فعالیت می‌کند.
برای اولین بار که بانوان آسیایی در رده 3000 متر با مانع می‌دویدند، او هم در این رشته شرکت کرد و مقام آورد. او مسابقات اردن را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند. با این‌که 25 سال سن بیشتر ندارد، اما به‌خاطر سال‌ها حضور در مسابقات داخلی و برون مرزی، هم‌اکنون در باشگاه ملاصدرا مربیگری هم می‌کند. شاید برای‌تان جالب باشد تمامی رکوردهای ایران در رده بانوان و استقامت داخل سالن از 800 تا 5000 متر در اختیار اوست و در فضای باز تنها رکورد 800 متر ایران را جابه‌جا نکرده، اما تا 0500 متر تمامی رکوردها در اختیار اوست، یعنی 1500 متر و 3000 متر ...

ابراهیمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین ابراهیمی
محل تولد : کازرون
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1

ابراهیمی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی ابراهیمی
محل تولد : افغانستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علی ابراهیمی فرزند غلامحسین، فرزند ابراهیم، متولد 1346 اهل افغانستان ولایت دایکندی (ارزگان شمالی) از توابع شهرستان کیساب هستم. از سال 1352 به مدرسه دولتی رفته و تا سال 1357 (که همراه بود با کودتای کمونیستی در افغانستان) درس خوانده و ششم ابتدائی را به پایان رساندم. در سال 1359 به پاکستان مهاجرت کردم. در سوم خرداد سال 60 (روز آزادی خرمشهر) وارد بیرجند ایران شدم، پس از آن به تهران آمدم و در نواحی اطراف کرج (گرم دره و احمدآباد) به کار کشاورزی و باغبانی مشغول شدم.
در سال 1363 به قم مسافرت کردم و با تشویق یکی از بستگان درس طلبگی را شروع نمودم. در سال 1364 به طور رسمی در مدرسه الجواد قم پذیرفته شدم و تا سال 1368 ادامه دادم. در سال بعد وارد حوزه گشته و سطوح عالیه را آغاز نمودم.
از سال 1376 درس خارج را ادامه دادم و در سال 1382 وارد دوره تخصصی در رشته حقوق شدم و در مقطع کارشناسی پذیرفته گشتم و در مدرسه مرعشیه از طرف مرکز جهانی مورد حمایت قرار گرفتم. که ادامه آن در مقطع کارشناسی ارشد هنوز برقرار است. چندین مرتبه در طول دوره تحصیل به افغانستان مسافرت تبلیغی داشتم. هر مرتبه بین چهار ماه الی یکسال سفرم به درازا می کشید.
در جهاد علیه روسیه و سربازان آن در افغانستان شرکت کردم و نیز در میان مجاهدین به تدریس احکام، عقاید و برپایی نماز جماعت اقدام نمودم و در ایجاد وحدت بین گروه های جهادی به قدر توان خود تلاش کردم.
آخرین مسافرتم به افغانستان برمی گردد به سال های 79 الی 80 که همراه بود با برقراری دولت موقت و انتقالی بعد از کنفرانس بن آلمان؛ و در این مسافرت من با نیازمندی مبرم کشور آشنا شدم تا در برنامه های

بعدی در اولویت کاری ام قرار گیرد که از جمله آن آموختن رشته های تخصصی کامپیوتر، بدست آوردن مدرک رسمی دولتی تا در افغانستان با شرایط روز مطابقت داشته باشیم و فعلا تلاشم در این راستا ادامه دارد.
آشنایی با فنون نویسندگی از دیگر ضرورت های روز افغانستان است که یک طلبه باید آن را فرا بگیرد. بنابراین سعی کردم تا در این راستا توفیقاتی بدست آورم که شکر خدا این آرزو برآورده شد و من اینک می توانم در این حوزه کم و بیش توانایی خود را آزمایش کنم و از سه سال به این طرف رشد تکاملی داشته ام و مقالاتی را در موضوعات مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر کرده ام که در نشریات مختلف به نشر رسیده است.
آشنایی با رایانه و اینترنت نیز از اهداف دیگر حقیر بود که در طول دوره تحصیلی در این اواخر موفق شدم با خرید یک دستگاه رایانه، با تایپ، صفحه آرائی و تحقیق به وسیله آن با استفاده از نرم افزارهای تولید شده و کتابخانه های دیجیتالی به سرعت کار خود افزایش بدهم.

ابراهیمی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی ابراهیمی
محل تولد : قائمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

ابراهیمی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی ابراهیمی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/10/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی ابراهیمی متولد 1342 در مشهد از خانواده ای روحانی هستم. دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه جوادیه که یکی از مدارس حاج آقای عابدزاده بود گذراندم و پس از تعطیلی آن مدارس توسط رژیم پهلوی به مدارس دولتی رفتم و تا پایان دوره راهنمایی تحصیل کردم. بعد از اتمام دوره راهنمایی که مصادف با سال 57 شروع انقلاب اسلامی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه علمیه حاج آقای موسوی نژاد به تحصیل پرداختم و همزمان دروس دبیرستان را نیز تا مقطع دیپلم ادامه دادم.
دروس سطح اول و عالی حوزه علمیه و 2 سال درس خارج را در مشهد گذراندم و از سال سوم ورود به حوزه به تدریس ادبیات، منطق و معانی بیان و اصول نیز پرداختم. در سال 1366 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1372 در درسهای خارج فقه و اصول استادان محترم آن حوزه بنام آیت الله تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و ... شرکت کردم و درسهای فلسفه را نیز در مشهد و قم نزد استاد آقای آشتیانی و آیت الله حسن زاده آملی گذراندم.
در ایام تحصیل در قم در امتحانات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در مقطع فوق لیسانس ادامه تحصیل دادم. در سال 1372 موفق به اخذ فوق لیسانس شدم و مجددا به مشهد مراجعت کردم و در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد مشغول به کار شدم. در سال 1376 به استخدام دانشگاه علوم پزشکی مشهد درآمدم و به عنوان عضو هیئت علمی و مدیر گروه فعالیت خود را ادامه دادم. در بهمن سال 1377 در گرایش علوم قرآن و حدیث در دانشگاه قم در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در سال 1382 فارغ التحصیل شدم و هم اکنون در رتبه استادیاری پایه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در گروه معارف

اسلامی مشغول به کار هستم و بعضی از واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی مثل اصول و فلسفه تعلیم و تربیت را در این دانشگاه نیز تدریس می کنم.

ابراهیمی، نادر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نادر ابراهیمی در [چهاردهم] فروردین‌ماه سال ۱۳۱۵ در تهران به‌دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند و پس از گرفتن دیپلم ادبی از دبیرستان دارالفنون، به دانشکده‌ی حقوق وارد شد. اما این دانشکده را پس از دو سال رها کرد و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی به درجه‌ی لیسانس رسید. او از ۱۳ سالگی به یک سازمان سیاسی پیوست که بارها دستگیری، بازجویی و زندان رفتن را برایش درپی داشت. ارایه‌ی فهرست کاملی از شغل‌های ابراهیمی، کار دشواری است. او خود در دو کتاب "ابن مشغله" و "ابوالمشاغل" ضمن شرح وقایع زندگی، به فعالیت‌های گوناگون خود نیز پرداخته است. ازجمله شغل‌های او بوده است: کمک‌کارگری تعمیرگاه سیار در ترکمن‌صحرا، کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویلداری بانک، صفحه‌بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میرزایی یک حجره‌ی فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران‌شناسی عملی و چاپ مقاله‌های ایران‌شناختی، فیلمسازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب‌های کودکان، مدیریت یک کتاب‌فروشی، خطاطی، نقاشی و نقاشی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه‌ها و ... در تمام سال‌های پرکار و بی‌کار یا وقت‌هایی که در زندان به‌سر می‌برد، نوشتن را ـ که از ۱۶ سالگی آغاز کرده بود ـ کنار نگذاشت. در سال ۱۳۴۲ نخستین کتاب خود را با عنوان " خانه‌یی برای شب" به‌چاپ رسانید که داستان "دشنام" در آن با استقبالی چشمگیر مواجه شد. تا سال ۱۳۸۰ علاوه بر صدها مقاله‌ی تحقیقی و نقد، بیش از صد کتاب از او چاپ و منتشر شده است که دربرگیرنده‌ی داستان بلند (رمان) و کوتاه، کتاب کودک و نوجوان، نمایشنامه، فیلمنامه و پژوهش در زمینه‌های گوناگون است. ضمن آن‌که چند اثرش به زبان‌های مختلف دنیا برگردانده شده است. نادر ابراهیمی چندین فیلم مستند و سینمایی و همچنین دو مجموعه‌ی تلویزیونی را نوشته و کارگردانی کرده، و آهنگ‌ها و ترانه‌هایی برای آن‌ها ساخته است. او همچنین توانسته است نخستین مؤسسه‌ی غیرانتفاعی ـ غیردولتی ایران‌شناسی را تاسیس کند؛ که هزینه و زحمت‌های فراوانی برای سفر، تهیه‌ی فیلم و عکس و اسلاید از سراسر ایران و بایگانی کردن آن‌ها صرف کرد؛ ولی چنان‌که باید، شناخته و به‌کار گرفته نشد و با فرارسیدن انقلاب و جنگ، متوقف شد. او فعالیت حرفه‌یی

خود را در زمینه‌ی ادبیات کودکان، با تاسیس "مؤسسه‌ی همگام با کودکان و نوجوانان" ـ با همکاری همسرش ـ در آن مؤسسه متمرکز کرد. این مؤسسه، به‌منظور مطالعه در زمینه‌ی مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان برپا شد و فعالیتش را در حیطه‌ی نوشتن، چاپ و پخش کتاب، نقاشی، عکاسی، و پژوهش درباره‌ی خلق‌وخو، رفتار و زبان کودکان و نیز بررسی شیوه‌های یادگیری آنان دنبال کرد. "همگام" عنوان "ناشر برگزیده‌ی آسیا" و "ناشر برگزیده‌ی نخست جهان" را از جشنواره‌های آسیایی و جهانی تصویرگری کتاب کودک دریافت کرد. ابراهیمی در زمینه‌ی ادبیات کودکان، جایزه‌ی نخست براتیلاوا، جایزه‌ی نخست تعلیم و تربیت یونسکو، جایزه‌ی کتاب برگزیده‌ی سال ایران و چندین جایزه‌ی دیگر را هم دریافت کرده است. او همچنین عنوان "نویسنده‌ی برگزیده‌ی ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب" را به‌خاطر داستان بلند و هفت‌جلدی "آتش بدون دود" به‌دست آورده است. نادر ابراهیمی در زندگی پرفرازونشیب خود، جایگاه خاصی برای ورزش نگهداشته است. او رشته‌های مختلف ورزشی را تجربه کرده، یکی از قدیم‌ترین گروه‌های کوهنوردی به‌نام "اَبَرمرد" را بنیان نهاده و در توسعه‌ی کوهنوردی و اخلاق کوهنوردی، تاثیرگذار بوده است. نادر ابراهیمی در حال حاضر که ۷۰ سال دارد، به علت بیماری در منزل استراحت می کند، بیماری اش آرام آرام در حال بهبود است. امید که بتواند انبوه کارهای ناتمامش را که شامل تحقیقات، داستانهای بلند و کوتاه و فیلمنامه می شود، به پایان برساند.

ابرزی فارسی، عمیدالدین، ابونصر اسعد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 624 ق)، شاعر و ادیب. وی اهل ابرج فارس بود و وزیر اتابک سعد بن زنگی و معاصر امام فخر رازی بود. پس از مرگ سعد بن زنگی به اتهام مکاتبه‌ی پنهانی با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به وسیله‌ی ابوبکر سعد زنگی در قلعه‌ی اشکنوان زندانی شد و پس از چند ماه درگذشت. وی قصیده‌ای غرا در یکصد و یازده بیت به زبان عربی سروده که به قصیده‌ی «اشکنوانیه» معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (3/ 716- 720)، دستور الوزراء (237- 239)، ریحانه (1/ 70)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مرآت الفصاحه (55- 57).

ابرقوهی، عبدالسلام

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مترجم. وی کتاب «سیره‌ی رسول» تألیف سعدالدین محمد کازرونی را تحت نام «نهایة المسؤول فی درایة الرسول» به نام یکی از اعیان زمان خود، ابوالشرف محمد، ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (236).

ابطحی سدهی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید مهدی حسینی. از سلسله سادات معروف به سادات حکیمی. در ماه صفر سال 1294 در سده متولّد، و در ماه رجب 1371 در سفر زیارت مشهد در آنجا وفات یافته، در صحن دارالضیافه مدفون گردید.
در خدمت آقای شیخ مرتضی ریزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و شیخ عبدالحسین محلاّتی، و جهانگیر خان قشقائی، و میرزا هدایت اللّه چهار سوقی تحصیل نموده، و در حدود پنجاه مجلّد کتاب و رساله تألیف نموده که از آن جمله است:
1- تعلیقه بر فرائد 2- ختام الغرر [مطبوع] 3- رساله در تعارض ادلّه 4- رساله در تعادل و تراجیح 5- رساله استدلالی در توحید 6- رساله در حجّیّت مظنّه 7- رساله در رضاع 8- رساله در صلات 9- رساله در طهارت 10- رساله در قضا و شهادات 11- رساله در معاملات 12- رساله استدلالی در معاد 13- رساله استدلالی در امامت 14- رساله در نبوّت 15- رساله در ولایت حاکم 16- شرح فارسی بر کفایه آخوند خراسانی؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابطحی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ابطحی
محل تولد : کاشان
شهرت : ابطحی کاشانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله ابطحی کاشانی در سال 1309 در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاک پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.
آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در 14 سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.
آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.
آیةالله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در

بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابن ابی‌الخیر حمدانی، برهان‌الدین، ابوالحارث محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم، مفسر و واعظ شیعی. شیخ منتجب‌الدین از او به صفتهای عالم، مفسر، صالح و واعظ یاد کرده است. از آثار وی: «مفتاح التفسیر» یا «تفسیر ابن ابی‌الخیر»؛ «دلائل القرآن»؛ «عین الاصول»؛ «شرح الشهاب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (21/ 323، 15/ 367، 13/ 344، 8/ 252، 4/ 240). ریاض العلماء (5/ 128)، فوائد الرضویه (571)، فهرست منتجب‌الدین (161).

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(280 -204 ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیثم سامی و عبداللّه وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیداللّه، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در 14 جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سرقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 138)، تاریخ بغداد (4/ 211- 212)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (2/ 401- 403)، کشف الظنون (288)، مروج الذهب، ترجمه (2/ 665)، هدیة العارفین (1/ 51- 52).

ابن ابی‌مریم شیرازی، ابوعبداللّٰه نصر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 565 ق)، مفسر، خطیب، دانشمند و ادیب. اهل فسا بود. در تفسیر، قرائت و نحو مهارت داشت و خطیب شیراز بود. از برهان‌الدین محمود کرمانی روایت می‌کرد. قاضی مجدالدین اسماعیل و قاضی سراج‌الدین مکرم از شاگردان او بودند. از آثارش: «الکشف والبیان»، در تفسیر قرآن، در هشت جلد، مشهور به «تفسیر ابن ابی‌مریم»؛ «الموضح»، در قراآت هشتگانه یا دهگانه، که آن را شاگردان از گفته‌های استاد تقریر کرده‌اند؛ «الارفاد فی شرح الارشاد»؛ «الافصاح فی شرح الایضاح»، در شرح «ایضاح» ابوعلی فارسی؛ «عیون التصریف»؛ «المنتقی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 347- 348)، تذکره‌ی هزار مزار (430-429)، ریحانه (7/ 366- 367)، کشف الظنون (1904- 1905، 437، 212،)، معجم الادباء (19/ 224- 225)، معجم المؤلفین (13/ 90- 91)، هدیة العارفین (2/ 491).

ابن ابی‌منصور منجم فارسی، ابوعلی یحیی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 230 ق)، ادیب و اخترشناس. او بزرگ خاندان آل‌منجم است. نوادگان وی همگی اخترشناس بودند. ابن‌خلکان آنها را زرتشتیانی می‌داند که به دست مأمون اسلام آوردند. یحیی با فضل بن سهل ذوالریاستین دوستی داشت و برا او اختر می‌دید. پس از وی به مأمون عباسی پیوست و به دستور او به اخترشناسی پرداخت اما موفق به ادامه‌ی آن نشد. محمد، علی، سعید و حسن چهار پسر وی نیز در ادب، فصاحت زبان و اخترشناسی آوازه داشتند. در سفرش به طرسوس درگذشت و در حلب در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الاغانی»؛ «کتاب الطبیخ»؛ «کتاب العود والملاهی»؛ «کتاب المعاریض»؛ «الزیج الممتحن»؛ «مقالة فی ارتفاع سدس ساعة لعرض مدینه السلام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ علوم عقلی (50 ،46)، ریحانه (370 -369 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (247)، کشف الظنون (1441 ،1435 ،130)، معجم المؤلفین (13/ 233)، هدیة العارفین (2/ 517).

ابن ابی‌یمان بندنیجی، ابوبشر، یمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(284 -200 ق)، ادیب و لغوی. از دهقان‌زادگان ایرانی بود که در شهر بندنیج، نزدیک بغداد در حالی که نابینا بود به دنیا آمد. وی از ثروتمندان و ملاکین عجم بود که تمامی املاک و بستانهای خود را که از پدرش به ارث رسیده بود، فروخت و صرف هزینه‌ی علما و تحصیل علم کرد. او نزد ابن‌سکیت و ریاشی و دیگری علمای بصره و کوفه به تحصیل پرداخت. ابوبشر شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «التفقیه»؛ «العروض»؛ «معانی الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 276)، ایضاح المکنون (506، 313، 283/ 2)، روضات الجنات (8/ 200)، ریحانه (1/ 283)، الفهرست لابن الندیم (285، 131)، معجم الادباء (57 -56/ 20)، معجم المؤلفین (257 -256/ 13)، هدیة العارفین (548/ 2).

ابن احمد عجمی، حافظ الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 957 ق)، محقق. نیاکانش از مردم بردعه بودند. در تبریز درس خواند. از آثار وی: ترجمه‌ی «ظفرنامه‌ی تیموری»، به ترکی؛ «حاشیه‌ی شرح وقایة الروایة» برهان الشریعه‌ی حنفی، «السبعة السیارة»؛ «نقطة العلم»؛ «محاکمات الفرید فی حاشیه تجرید»، وی در این کتاب شروح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را به ذوق و سلیقه‌ی خود به محک نقد زده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1975)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن احمد عجمی)، هدیة العارفین (2/ 243).

ابن اخوه بغدادی، جمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، شاعر، ادیب و محدث شیعی. از بزرگان دودمان آل‌اخوه بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. نزد ابوالسعادات هبة اللّه بن شجری، ابوشجاع صابر بن حسین، ابوالفوارس زینبی، ابوالخطاب نصر بن احمد، ابوعبداللّه نعالی و ابوغانم هروی درس خواند و حدیث شنید. بانوی دانشمند، دختر سید مرتضی، که کتاب «نهج‌البلاغه» را از عمویش سید رضی نقل کرده نیز از مشایخ اوست. وی در طلب حدیث به ایران آمد و در کاشان و خراسان و ری و طبرستان حدیث شنید و چندی در اصفهان مسکن گزید و سالهای واپسین عمر خود را در شیراز گذراند و در همان جا درگذشت. ضیاءالدین راوندی، قطب‌الدین راوندی و عمادالدین راوندی و سدیدالدین طوسی از شاگردان وی بودند. وی به خاطر خط خوبی که داشت حدود یکهزار مجلد کتاب را استنساخ کرد. او شعر را نیز خوب می‌گفت و اشعاری از او باقی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 65)، اعیان الشیعه (7/ 466- 469)، ریاض العلماء (5/ 409، 3/ 107)، ریحانه (7/ 377).

ابن اشته اصفهانی، ابوبکر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 360 ق)، نحوی و ادیب. اهل اصفهان بود. به مصر مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آن سرزمین زیست. نزد ابوبکر بن مجاهد، محمد بن احمد بن حسن کسایی، محمد بن یعقوب المعدل، ابوبکر نقاش، ابوبکر ادمی، ابراهیم بن جعفر باطرقانی، محمد بن احمد بن عبدالوهاب و عبداللّه بن باذانَ و یوسف بن جعفر بن معروف، درس خواند. خلف بن ابراهیم، عبداللّه بن محمد بن اسداندلسی، عبدالمنعم بن غلبون، محمد بن عبداللّه المؤدب از شاگردان وی بودند. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «المحبر»؛ «المفید فی الشاذ» یا «شواذ القرآآت»؛ «المصاحف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 97)، کشف الظنون (1459)، معجم المؤلفین (10/ 237)، الوافی بالوفیات (3/ 347).

ابن الاسود

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد بن علویه کرانی کرمانی (کوانی) کاتب اصفهانی، شاعر محدّث ادیب لغوی شیعی، از مجاهرین شعرای اهل بیت است.
ابوحاتم سجستانی که خود از بزرگان شعر و ادب است خطاب به اهل بصره گوید: قسم به خدا این شاعر اصفهانی در محکم بودن اشعار، و کثرت فوائد آن، بر همه تفوّق یافته است.
بیشتر از یک صد سال عمر کرده، و در 312 (و به قولی 320) وفات یافته است.
کتب زیر از اوست: 1- الاعتقاد، یا دعاء الاعتقاد 2- الفیّه، و آن قصیده‌ای است در هزار بیات در مدح حضرت علی علیه‌السلام 3- الرسائل المختاره، در ادعیه 4- الشیب و الخضاب، و غیره.
نجاشی در رجال خود (:64) و عموم مؤلّفین شیعه در کتب خود او را به احترام نام برده‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن الرسول، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا ابن الرسول
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در خانواده ای روحانی در اصفهان چشم به جهان گشوده ام. در شش ماهگی همراه پدر و مادرم به قم هجرت کرده و تا بیست و چند سالگی همواره در میان قم و اصفهان در تردد بوده ایم. بخشی از تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را هم در قم گذرانده ام.
همه قبیله من عالمان دین بوده اند. پدربزرگم مجتهد و مدرس حوزه علمیه اصفهان، پدرم مدرس خارج حوزه علمیه اصفهان و ممتحن دروس سطح عالی است. خود نیز از سال 1364 رسماً وارد حوزه علمیه قم مدرسه علمیه رضویه شدم و در سال 1365 با قبولی در دانشگاه اصفهان همزمان به حوزه اصفهان منتقل شدم و دروس حوزوی را در کنار دانشگاه ادامه دادم. تاکنون این مقارنت به لطف خداوند ادامه یافته است. و اکنون مدرس دانشگاه مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان بوده و گاه گاه در موسسات آموزشی دیگر و نیز مدارس علمیه به تدریس ادبیات عرب اشتغال داشته ام.

ابن الفتی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعبداللّٰه سلیمان بن عبداللَّه، ادیب نحوی لغوی، از فضلای قرن ششم، در 575 در اصفهان وفات یافته است.
فرزندش ابوعلی حسن نیز به این لقب معروف بوده، منصب قضاوت خوزستان، و سپس تدریس نظامیّه بغداد را یافته، در آنجا روز 2 شنبه 5 شوال 525 وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. 381. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.
محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.
نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.
در سنه‌ی 355 وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی 381 بوده.
وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمةاللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند

گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّٰه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.
این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّٰه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّٰه جاری شده.
بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّٰه شوشتری نوراللّٰه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.
قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکرة المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.
مرحوم حاج شیخ عبداللّٰه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (1300) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.
نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیة‌اللّٰه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست

دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:
1- سید ابراهیم لواسانی 2- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر 3- سید محمود مرعشی 4- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی 5- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.
از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: 1- کتاب من لا یحضره الفقیه 2- کتاب علل‌الشرایع 3- کتاب معانی‌الاخبار 4- کتاب الامالی 5- کتاب التوحید 6- کتاب خصال 7- کتاب المقنع 8- کتاب ثواب الاعمال 9- کتاب عقاب الاعمال 10- کتاب عیون اخبارالرضا 11- کتاب الاعتقادات 12- کتاب حقوق الاخوان 13- کتاب صفات الشیعه 14- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینة‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.
این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال 352 هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال 354 در کوفه بوده سپس در 355 به بغداد مراجعت کرده و در 367 به خراسان سفر کرد و تا سال 368 در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال 372 کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.
رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.
1- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)
2- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.
3- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.
4- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسهِ

مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است
5- مرحوم حجةالاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیةاللّه آملی معاصر ما.
6- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.
7- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.
و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرةالمقابر نویسنده کنند.
(وف 381 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (159 / 7)، اعیان الشیعه (25 -24 / 10)، ایضاح المکنون (584، 505، 491، 490، 456، 350، 342، 316، 315، 297، 261، 196، 103، 2 / 477، 473، 348، 123، 1)، تاریخ ادبی ایران (548 -547 / 1)، تاریخ بغداد (89 / 3)، خاتمة مستدرک الوسائل (265 -257، 240 / 3)، دانشنامه (432 -431 / 3)، دایرة المعارف

فارسی (17 -16 / 1)، الذریعه (179 / 24، 232 / 22، 204 / 21، 260 / 16، 375، 313، 45 / 15، 162 / 7، 482 / 4، 315، 226 / 2)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (316 -311 / 2)، روضات الجنات (135 -123 / 6)، رجال ابن‌داود (قسم 325 -324 / 1)، ریاض العلماء (122 -119 / 5)، ری باستان (422 / 2، 426 -424 / 1)، ریحانه (439 -434 / 3)، سیر النبلاء (304 -303 / 16)، الفهرست لابن الندیم (363)، الفهرست للطوسی (305 -304)، فوائد الرضویه (564 -560)، کشف الظنون (1174)، الکنی والالقاب (223 -221 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (617 -612 / 5)، مجالس المؤمنین (463 -454 / 1)، معجم المؤلفین (3 / 11)، معجم رجال الحدیث (326 -316 / 16)، هدیة الاحباب (50 -49)، هدیة العارفین (53 -52 / 2).

ابن حاجب، جمال‌الدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جمال‌الدین ابوعمر و عثمان بن عمر نحوی معروف (و. 570- ف.646 ه.ق.) وی اصلا از کردان ایرانی بود و در مصر متولد شد و در قاهره به تحصیل علوم ادبی و فقه پرداخت و چندی نیز در دمشق تدریس کرد. از تألیفات او: کافیه (نحو)، شافیه (صرف)، مختصرالمنتهی (تلخیص کتاب دیگر او به نام منتهی السؤال و الامل)، الامالی و غیره است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن خطیب گنجوی، تاج‌الدین امیراحمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، شاعر و ادیب. مشهور به پسر خطیب گنجه یا پورخطیب گنجه. وی معاصر محمود غزنوی بود و با همسرش مهستی گنجوی به دربار غزنوی پیوستگی داشت. همسرش از سرایندگان شهرآشوب بود و میان او و مهستی مناظره در می‌گرفت. در سده‌ی هفتم قمری داستان امیراحمد و مهستی درباره‌ی شوخ‌طبعیهای وی و همسرش به نثر نوشته شد. از وی اشعاری در تذکره‌ها باقی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (718)، تاریخ نظم و نثر (739، 85)، تذکره‌ی روز روشن (18)، دانشمندان آذربایجان (76)، الذریعه (21 /9)، مجالس النفائس (327).

ابن شهرآشوب سروی مازندرانی، رشیدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(588 -488 ق)، عالم، متکلم، محدث، فقیه، مفسر، ادیب و شاعر شیعی. در ساری متولد شد. نیای وی شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بود و ابن شهرآشوب به واسطه‌ی پدر خود از او روایت می‌کرد. در هشت سالگی قرآن را حفظ می‌خواند. از زمخشری و احمد و محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه‌ی روایت داشت. بنا به دلایل مذهبی به حلب که در آن زمان در پرتو حمایت حمدانیها پیشرفته‌ترین مرکز علمی تشیع و پناهگاه شیعیان بود، رفت. مدتی نیز در بغداد اقامت داشت. به دلیل اینکه بلاغتش در خطبه مورد پسند مقتفی، خلیفه‌ی عباسی، واقع شد و مواعظش در وی مؤثر افتاد، منصب تدریس در بغداد و لقب رشیدالدین گرفت. پدرش شیخ علی بن شهرآشوب، ابومنصور احمد طبرسی، امین‌الدین طبرسی، ابوالفتوح رازی، قطب راوندی، وفتال نیشابوری، از جمله‌ی استادان وی بودند. شاگردان زیادی نزد وی تربیت شدند. محقق حلی خود را به یک واسطه شاگرد او می‌دانسته است. شهرت و مقبولیت وی چندان بود که علی‌رغم اعتقادات شیعی، مورد احترام و قبول اهل تسنن نیز بود و وی را از محدثین ثقه می‌دانند. مقبره‌ی ابن شهرآشوب در جبل‌جوشن نزدیک مشهد حسینی قرار دارد. از آثار وی: «معالم العلما»، که فصلی از آن درباره‌ی شعرای شیعه است؛ «مناقب آل ابی‌طالب»؛ «متشابه القرآن»؛ «بیان التنزیل»؛ «اعلام الطرائق فی الحدود والحقائق»؛ «انساب آل‌ابیطالب»؛ «الاسباب والنزول علی مذهب آل‌رسول (ص)»؛ «الحاوی»؛ «الاوصاف»؛ «المنهاج»؛ «المخزون المکنون فی عیون الفنون».[1]
ساری قدیم‌الایام معدن رجال و دانشمندان بزرگ علمی بوده و بزرگان از قبیل علامه جلیل‌القدر جناب محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی منسوب به آن می‌باشد.
این بزرگوار از علماء قرن ششم هجری و صاحب تألیفات عدیده مانند مناقب آل ابیطالب و متشابهات القرآن و معالم‌العلماء و غیره می‌باشد.
علماء علم رجال وی را چنین ستوده‌اند.
محمد بن علی بن آشوب السروی نوراللَّه مرقده السنی فخر الشیعه و تاج‌الشریعه محی آثار المناقب والفضائل والبحر المتلاطم الزخار الذی لیس له ساحل قطب المحدثین و شیخ مشایخهم رئیس‌العلماء و فقیههم رشید الملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین فقیه وجیه و محدث مفسر محقق

ادیب اریب شاعر منشی بلیغ جامع فنون فضائل و محاسن عالم ربانی شیخ رشید بن ابن شهر آشوب المازندرانی صاحب 1- مناقب آل ابیطالب 2- والمعالم 3- و مثالب النواصب 4- والمخزون المکنون فی عیون الفنون 5- و اعلام الطرائق فی الحدود 6- والحقایق 7- والاوصاف 8- و مائدة الفایده 9- والمثال فی الامثال والاسباب 10- والنزول علی مذهب آل الرسول 11- والحاوی 12- والانصاف 13- والمنهاج الی غیر ذلک مما ذکره فی رجاله المسمی بمعالم العلماء.
وی در شب جمعه 22 شعبان سنه 588 ق ه وفات یافته و در بیرون حلب در بالای کوه معروف به جبل جوشن در جوار مشهدالسقط (محسن بن حسین الشهید (ع)) و قبر احمد بن منیر و ابن‌زهره.
و ما به خواست خدا عده‌ای از رجال گذشته و معاصر این شهر را به نظر ارباب فضل و دانش می‌آوریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (167 /7)، اعیان الشیعه (17 /10)، ایضاح المکنون (452 ،427 ،421 /2 ،103 ،69 /1)، خاتمة مستدرک الوسائل (60 -56 /3)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (663 -662 /5)، الذریعه (233 ،154 /23 ،319 -318 /22 ،201 ،99 -98 /21 ،231 /20 ،76 ،73 ،63 -62 ،11 -10 /19 ،178 -177 /3 ،477 ،476 ،378 ،239 ،12 /2)، روضات الجنات (272 -269 /6)، ریاض العلماء (128 -124 /5)، ریحانه (60 -58 /8)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 274 -273 /6)، فوائد الرضویه (571 -568)، قصص العلماء (429 -428)، کشف الظنون (1584، 1269، 77)، الکنی والالقاب (333 -332 /1)، لسان المیزان (395 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن شهرآشوب)، مؤلفین کتب چاپی (625 -624 /5)، معجم المؤلفین (17 -16 /11)، نامه‌ی دانشوران (46 -45 /5)، الوافی بالوفیات (164 /4)، هدیة الاحباب (69)، هدیة العارفین (102 /2).

ابن عبدالباقی بخاری مکی، علاءالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 991 ق)، قاضی، خطیب و ادیب. معروف به خطیب مدینه. وی در 991 ق در مدینه به ایراد خطبه می‌پرداخت. از آثار وی: «الطراز المنقوش فی فضائل الحبوش»، تألیف 991 ق، موسوم به «نزهة الناظر و سلوة الخاطر»؛ «عقد الفرائد فیما نظم من الفوائد»، در ادب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (55 -54 /7)، ایضاح المکنون (109 /2)، کشف الظنون (1109)، معجم المؤلفین (123 /10)، هدیة العارفین (256 /2).

ابن فورک

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوبکر محمد بن حسن بن فورک (بر وزن دوزخ) ادیب متکلم اسولی، واعظ نحوی مدتی در عراق به مذهب اشعری تدریس می‌نموده سپس به ری مهاجرت کرده و بر حسب خواهش مردم نیشابور بدانجا رفته و ساکن شده و جهت او مدرسه و خانقاهی بنا کردند.
بالاخره به سال 406 وفات یافته، و علت آن را مسموم شدن در مراجعت از غزنه نوشته‌اند و پس از فوت در حیره مدفون گردیده و قبرش معروف است.
تعداد تألیفاتش را در اصول دین و اصول فقه و معانی قرآن حدود یکصد جلد نوشته‌اند.
از کلمات اوست که گوید: گرفتاری عیال نتیجه متابعت شهوات حلال است پس چه گمان می‌کنی در پیروی از شهوات حرام؟
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن لزه کرخی اصفهانی، ابوعمرو بندار

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، لغوی. در کرخ بغداد درس خواند و سپس به اصفهان سفر کرد. در آن شهر شهرت بسیار کسب کرد. حافظه‌ای قوی داشت، حدود هفتصد یا نهصد قصیده حفظ بود. ابوعبید هروی استادش بود و ابن‌کیسان بغدادی شاگرد وی. در شعر، خبر و انساب سرآمد همروزگاران خود بود. برخی منابع از او به ابن‌لره یاد کرده‌اند. در زمان خلافت متوکل عباسی، مبرد را در سامرا ملاقات و او را به خلیفه معرفی کرد. از آثار وی: «معانی الشعرا»؛ «جامع اللغه»؛«شرح معانی الباهلی» (الانصاری)؛ «الوحوش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (814 -813 /6)، روضات الجنات (141 -139 /2)، ریحانه (181 /8)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (139)، الکنی والالقاب (397 /1)، معجم الادباء (134 -128 /7).

ابن لنکک، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 360 ق)، نحوی. شاعر. از مردم بصره و معاصر متنبی بود. به بغداد رفت و به خدمت مهلبی وزیر درآمد. احتمالاً به اشاره‌ی مهلبی، در 351 ق که متنبی از وزیر دیدن کرد، ابن‌لنکک در اشاری وی را هجو کرد. «دیوان» اشعار او را گرد آورده بودند و شعر او پسند خاطر صاحب بن عباد افتاده بود، اما اکنون از سروده‌های وی مگر اندکی به جا نمانده است. از شهرت او به ابن‌لنکک (پسر مرد لنگ) چنین برمی‌آید که تبار ایرانی داشته است. وی قصیده‌ی تائیه‌ی دعبل را که در مدح اهل‌بیت سروده روایت می‌کرد. از این روی می‌توان حدس زد که وی با شیعیان همدلی داشته است. پسرش ابراهیم نیز شاعر بود و به ابن‌لنکک شهرت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 243)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (815 -814 /6)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 671)، ریحانه (8/ 181)، معجم الادباء (11 -6 /19)، الوافی بالوفیات (157 -156 /1).

ابن مقفع، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن مقفع: روزبه پسر دادویه معروف به ابومحمد عبدالله ابن مقفع (کشته شده در سال ۱۴۲ قمری / ۷۶۰ میلادی) نویسنده و مترجم ایرانی و ساکن بصره بود. کنیت وی: (أبی محمد) بود . زندگی
ابو محمد عبد اللّه ابن المقفّع (106- 142 ق) نویسنده و مترجم آثار پهلوی به عربی است. ابن مقفع تا زمانی که اسلام نیاورده بود. همچنان به روزبه نامور بود و ابو عمرو کنیه داشت. پس از تشرف به اسلام، نام عبد اللّه و کنیه ابو محمد برگزید. ولادتش در حدود 106 ق، ظاهرا در جورد گور (فیروز آباد فارس) رخ داده است. در کودکی با پدر به بصره رفت و چنان با «تازی شیوا» و «شیوایی تازی» آشنا و مأنوس شد و آموزش دید که خود در رده شیوایان زبان تازی جای گرفت. ابن مقفع هم با امویان و هم با عباسیان ارتباط داشته و در هر دو روزگار به دبیری پرداخته است. نام پدر ابن مقفع در واقع داذویه بوده، هر چند که گاه، داذویه به داذبه تحریف شده است. ابن ندیم نام اسلامی پدر او را مبارک ذکر کرده که گویی ترجمه عربی روزبه است، اما زبیدی در تاج العروس او را داذ جشنش (داد گشنسب) خوانده، با این همه منیوی معتقد است که نام عبد اللّه، پیش از مسلمان شدن، داذبه بوده که به روزبه تصحیف گشته است. داذویه که از اعیان و اصیل زادگان فارس بود، زمانی که حجاج بن یوسف بر عراق حکم می‌راند، از جانب وی مأمور خراج فارس شد، اما در کار اموال، ناروایی کرد و حجاج او را چندان شکنجه داد تا دستش مقفع (ناقص و ترنجیده) گشت. کلمه «مقفع» لقبی برای داذویه شد و فرزندش روزبه، ابن مقفع خوانده شد. پدر او یعنی دادویه از مردم شهر گور (فیروزآباد) پارس بود که در شهر بصره نشیمن گزیده بود.
عقاید:
پوردادویه نخستین کس از خاندان خود بود که مسلمان شد و پس از آن توانست پیشهٔ دبیری امور کرمان را برای استاندار پارس و کرمان یعنی عیسی بن علی، عموی منصور خلیفه عباسی بر عهده گیرد. ابن مقفع سرانجام به دستور ابوجعفر المنصور ، خلیفه عباسی، در سن ۳۶ سالگی به اتهام زندقه بودن در بغداد کشته شد. بعضی ادعا می‌کنند که ابن مقفع فقط ظاهراً مسلمان شده بوده‌است و یکی از دلایلی که برای داشتن گرایش زرتشتی از سوی او می‌آورند این است که می‌گویند روزی که

روزبه از برابر یک آتشکده می‌گذشت این شعر را خوانده‌است: ای خانهٔ دلدار که از بیم بداندیش روی از تو همی تافته و دل بتو دارم
رو تافتنم را منگر زانکه به هر حال جان بهر تو می‌بازم و منزل بتو دارم
بعضی نیز ادعا می‌کنند که عقاید زندیقی داشته‌است. از مهدی خلیفه نقل است (به مضمون) که «کتابی در زندقه ندیدم که با ابن مقفع ارتباطی نداشته باشد».

:آثار و فعالیت ها

روزبه کتاب‌های زیادی از پارسی میانه به عربی برگرداند. از میان کتابهایی که روزبه ترجمه کرد می‌توان از کلیله و دمنه، تاجنامه انوشیروان، آیین‌نامه ، سخنوری بزرگ (الأدب الکبیر) و سخنوری خُرد (الأدب الصغیر) نام برد. نثر عربی ابن مقفع بسیار شیوا بوده و نثر وی سرمشق سخندانان و نویسندگان عربی‌نویس و عربی زبان بوده‌است. ترجمه‌های او از بهترین آثار ادبی و اخلاقی زبان عربی شمرده می‌شوند. روزبه نخستین کسی است که رسماً آثاری به نثر عربی نوشت[نیازمند منبع]. آثار وی در بعضی دانشگاه‌های جهان، از جمله دانشگاه‌های کشورهای عرب مانند دانشگاه قاهره، به عنوان نمونه‌های خوب و شیوایی از نثر عربی بررسی می‌شوند. آثار وی عبارتند از: کلیلة و دمنه، الأدب الکبیر، الأدب الصغیر و المنطق,سیرالملوک (ترجمه عربی خداینامه) , نامهٔ تنسر,عجائب سجستان (ترجمهٔ ریکیهای سگستان) که عمدتا از فارسی میانه به عربی ترجمه کرده است. : سیمای فرهنگی ابن مقفع سیمای فرهنگی ابن مقفع با همه آوازه‌مندی، در هاله‌ای از ابهام است. ظاهرا نمی‌توان گفت او مسلمان نبوده، اما از دیگر سوی نیز نمی‌توان چهره دین ورزی مصمّم از وی به نمایش گذاشت. به هر روی، از مکارم اخلاق خالی نبوده است. انسان دوستی، اخلاق، آداب دانی، خوش زبانی و زیبارویی همه در زندگی کاملا مرفه او جمع آمده بود. ابن مقفع مردی آزاده و آزاده اندیش بود. فضایل اخلاقی و ارزشهای شخصی او در حدی بوده که کار پژوهشگران را دشوار ساخته است و باعث شده آنان درباره وی به اختلاف دچار گشته و او را در دو قطب متضاد، دین‌داری کامل و الحاد مطلق جای دهند. برای زندگی اخلاقی او و وقار و احتشام عباداتش آنچنان است که محققاً مسلمان به دشواری می‌تواند وی را از دین خویش خارج بداند. با این همه تهی بودن آثار او از دفاع مستقیم از اسلام و شریعت، شوخ چشمی‌های گاه به گاه او و به خصوص هم نشینی با متهمان به زندقه، باعث می‌شود که گروهی دیگر به زندقه او حکم کنند. شاید پس از ترجمانی و زباندانی و ادبیّت، بحث انگیزترین موضوع پیرامون ابن مقفع، طرح «زندقه» در مورد اوست. وی همچنین از بزرگترین راهبران «نهضت ترجمانی» در سده‌های نخستین

اسلامی است و از این حیث تأثیری ژرف و بی‌مانند بر تمدن مسلمانان نهاده است.

ابن واضح یعقوبی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد بن ابی یعقوب اسحق بن جعفر بن وهب بن واضح کاتب عباسی معروف به ابن واضح، و ابن یعقوبی، و گاهی او را یعقوبی گویند، اصفهانی شیعی، از قدمای مشاهیر مورخین و جغرافی دانان شیعه است مردی جهانگرد بوده که مسافرت را دوست می‌داشته و شرق و غرب بلاد اسلام را سیاحت کرده، در سال 260 به ارمنستان رفته سپس به هند و از آنجا به مصر و بلاد مغرب بعد از آن کتب تاریخی و جغرافیائی خود را به رشته تحریر در آورده است.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- اخبار الامم السالفة 2- الاسماء 3- البلدان در جغرافیا 4- التاریخ که به تاریخ یعقوبی معروف است و در دو مجلد به طبع رسیده است 5- المسالک و الممالک 6- مشاکلة الناس لزمانهم؛ و غیره.
صاحب عنوان در سال 284 وفات یافته است.
مخفی نماند که صاحب عنوان غیر از شیخ ابوبکر احمد بن یعقوب ابن ناصح نحوی ادیب، شاگرد ابن منده اصفهانی است. وی در سال 340 و اندی وفات یافته و برادرش ابی الحسن محمّد بن یعقوب بن ناصح ادیب نحوی متوفی بسال 354 می‌باشد. هر دو برادر در نیشابور ساکن بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌بُطه قمی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، ادیب، محدث، نحوی، لغوی و رجال‌شناس امامی. در روزگار غیبت صغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایتهایش احادیث سستی یافت می‌شود. وی از احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین به حسن قمی و محمد بن حسن صفّار و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب حدیث شنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسماء اللّه تعالی و ما یدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن‌بطه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 261)، الذریعه (70 /17، 375 -374 /16)، رجال النجاشی (283 -282 /2)، ریحانه (417 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 254 -253 /4)، الفهرست للطوسی (39)، معجم المؤلفین (148 /9).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 423 /413 ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلةالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا 698 ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ 391 ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدة الرائیة» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اطلس خط (308 -300)، الاعلام (183 /5)، پیدایش خط و خطاطان (75 ،74 -70)، تاریخ گزیده (696)، تاریخ هنرهای ملی (744 -739 /2)، خوشنویسان و هنرمندان (22)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (454 /3)، دائرةالمعارف البستانی (411 -410 /1)، ریحانه (424 -422 /7)، سرآمدان فرهنگ (36 -35 /1)، سیر النبلاء (320 -315 /17)، کارنامه‌ی بزرگان (24)، کشف الظنون (1339)، الکنی والالقاب (234 /1)، گلستان هنر (19 ،18 ،12)، مجالس المؤمنین (488 /2)، معجم الادباء (134 -120 /15)، معجم المؤلفین (258 /7)، مناقب هنرمندان (113 ،42 ،38 -37)، نامه‌ی دانشوران (105 -91 /5)، وفیات الاعیان (344 -342 /3)، هدیة الاحباب (51).

ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 684 ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن‌بی‌بی منجمّه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی‌بی منجّمه شهرت داشت. ابن‌بی‌بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهردار پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلانیه فی الامور العلائیه» است مشهور به «تاریخ ابن‌بی‌بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای 588 و 679 ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عَطاء مَلکِ جوینی اهدا کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (3/ 1213- 1217)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (3/ 455- 456)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بی‌بی).

ابن‌جبّان، ابومنصور محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 416 ق)، لغوی و ادیب. وی اهل ری و ساکن اصفهان بود. در 391 ق رهسپار بغداد شد. او سرآمد اقران در لغت و از معاشران ابوعلی فارسی از وندیمان صاحب بن عباد بود. در اواخر عمر به حج رفت. از وی اشعار پراکنده‌ای به جا مانده است. ازآثارش: «انتهاز الفُرَص فی تبیین المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیة الافعال»؛ «الشامل»، در لغت؛ «شرح الفصیح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (133)، لسان المیزان (365 /6)، معجم الادباء (262 -260 /18)، معجم المؤلفین (31 -30 /11)، الوافی بالوفیات (180 /4).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(334 -245 ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در 311 ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در 312 ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در 315 ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسة المملکة و سیرة الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الوزراء (131 -126) الاعلام (133 /5)، تاریخ بغداد (16 -14 /12)، روضات الجنات (207 -206 /5)، سیر النبلاء (301 -298 /15)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (212 -211، 60)، معجم الادباء (73 -68 /14)، معجم المؤلفین (162 -161 /7).

ابن‌جراح، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(296 -243 ق)، ادیب و دبیر دیوان خلفای عباسی. از خانواده‌ای ایرانی‌نژاد مسیحی در شهر بغداد متولد شد و در دربار خلفای عباسی به کار دیوانی پرداخت. ابتدا ریاست دیوان خراج ولایت شرقی را به عهده داشت. در 285 ق همراه وزیر به ایالت جبال رفت و پس از بازگشت از سفر، دیوان خود را که تا آن هنگام زیر نظر احمد بن فرات بود مستقل ساخت. در ایامی که قرامطه به کاروان حج حمله کردند، به ریاست دیوان جیش منصوب شد. وی پس از مرگ مکتفی از خلافت ابن‌معتز هواداری کرد و چند ماه بعد در شمار یکی از اعضای اصلی توطئه علیه مقتدر خلیفه‌ی جوان قرار گرفت و در زمان ابن‌معتز 24 ساعت مقام وزارت داشت. ابن‌فرات که دشمن دیرینه‌ی وی بود پس از مدتی تقیب ابن‌جراح را دستگیر و اعدام کرد. از آثار وی: «الشعر والشعراء»؛ «الورقه فی اخبار الشعراء»؛ «کتاب الوزراء» «کتاب الاربعه علی مثال کتاب ابن‌هفان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 355)، تاریخ بغداد (5/ 255)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (3/ 474)، ریحانه (7/ 438- 439)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (211)، معجم المؤلفین (9/ 295)، هدیة العارفین (3/ 695) ،(22/2).

ابن‌جنگ سجزی، ابوسعید، خلیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(378 -289 ق)، فقیه و ادیب حنفی مذهب. در سیستان به دنیا آمد. به شهرهای بسیاری سفر کرد و در دمشق و نیشابور از ابوالقاسم بغوی و یحیی بن صاعد و ابوالعباس سراج حدیث شنید و الحاکم و ابوذر هروی و عبدالوهاب بن محمد خطابی از وی روایت کرده‌اند. او معاصر ملک مظفر صالح بن نوح سامانی، و در فقه بی‌نظیر بود. در 320 ق امیر ابوجعفر، فرمانروای صفاری سیستان وی را به قضاوت سیستان گماشت. چندی نیز قاضی سمرقند بود. در فرغانه درگذشت. ابوبکر خوارزمی در رثای او شعر گفته است. از آثار وی: «الدعوات والآداب والمواعظ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 363)، ایضاح المکنون (2/ 295)، تاریخ سیستان (20، 313، 327)، سیر النبلاء (16/ 437- 439)، معجم الادباء (11/ 77- 80)، معجم المؤلفین (4/ 113).

ابن‌حازم، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فرهنگ‌نویس. معروف به لحیانی. وی غلام کسایی مروزی و معاصر محمود غزنوی و فراء بود. در لغت عرب استاد بود و با دانشمندان و سخنوران عرب دیدار و گفتگو می‌کرد. نزد اصمعی و ابوعبیده و ابوعمرو شیبانی درس خواند. ابوعبید قاسم بن سلام شاگرد وی بود. تنها اثرش: «کتاب النوادر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (2/ 345)، ریحانه (5/ 125)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (84)، معجم الادباء (14/ 106- 108)، معجم المؤلفین (7/ 56).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 406 ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قرآآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (6/ 278)، سیر النبلاء (17/ 237- 238)، کشف الظنون (460)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (3/ 278)، الوافی بالوفیات (12/ 239- 240)، هدیة العارفین (1/ 274).

ابن‌حسول رازی، صفی‌الملک، ابوالعلاء محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 450 ق)، ادیب و خوشنویس شیعی. از مردم همدان بود، اما در ری نشو و نما یافت. پدرش نیز ادیب و کاتب بود. وی از صاحب بن عباد و ابن‌فارس ادب آموخت. ابتدا در دستگاه آل‌بویه‌ی ری عهده‌دار دیوان رسایل بود، سپس به وزارت ابوطالب مجدالدوله رسید و با تسلط محمود غزنوی بر ری، به غزنویات پیوست و به دبیری گمارده شد. در 434 ق به هنگام تسلط ترکان سلجوقی بر ری به خدمت آنها درآمد و منشی عمیدالملک کندری شد. از آثار وی: «تفضیل الاتراک علی سائر الاجناد»؛ «مناقب الحضرة السلطانیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 162)، اعیان الشیعه (2/ 383)، بزرگان و سخن سرایان همدان (1/ 31- 34)، تاریخ بیهق (111)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 445)، راحة الصدور (482 -480)، کشف الظنون (462)، معجم المؤلفین (10/ 318)، الوافی بالوفیات (4/ 132- 135).

ابن‌حمزه‌ی طوسی، عمادالدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 560 ق)، فقیه، متلکم و واعظ شیعی. مشهور به صاحب «وسیله»، عماد طوسی، ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر. از مردم طوس بود. به دلیل تأخر وی از شیخ طوسی که در اسم و کنیه و نسبت با او مشترک است، وی را ابوجعفر ثانی و ابوجعفر متأخر نام نهادند. وی معاصر شیخ منتجب‌الدین رازی و از مشایخ ابن شهرآشوب بود. ابن‌حمزه در کربلا وفات یافت و همان جا در بیرون دروازه نجف دفن شد. از آثار وی: «الرایع فی الشرایع»؛ «ثاقب المناقب»، در ذکر معجزات پیغمبر (ص)، و ائمه (ع)؛ «الوسیلة الی نیل الفضیلة» و «الواسطة»، که هر دو از متون فقهی‌اند. برخی از رجال‌شناسان، همچون نظام‌الدین ساوجی و به تبع او سید صدرالدین عاملی، ابویعلی محمد بن حسن بن حمزه‌ی جعفری را به اشتباه مؤلف «الوسیلة» دانسته‌اند، در حالی که نجاشی در شرح حالی ابویعلی نامی از «الوسیلة» نمی‌برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (264 -263 /2)، ایضاح المکنون (349 /3، 101، 155- 156)، بحارالانوار (38، 19 /1)، تنقیح المقال (331 /2)، الذریعه (76 -75 /11، 25 /66، 10 /5، 5 /5)، رجال النجاشی (334 -333 /2)، روضات الجنات (254 -243 /6)، ریاض العلماء (17 -16 /6، 124 -122 /5)، ریحانه (203 -202 /4)، فقهای نامدار شیعه (106 -103)، فوائد الرضویه (566 -564)، فهرست منتجب‌الدین (164)، الکنی والالقاب (268 -267 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حمزه)، مؤلفین کتب چاپی (620 -619 /5)، معجم رجال الحدیث (327 /16)، معجم المؤلفین (4 /11).

ابن‌حمّویه جوینی، صاحب، فخرالدین، ابوالمظفر یوسف

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(582- 647 ق)، ادیب، شاعر و محدث. اصل وی از جوین نیشابور بود. در دمشق به دنیا آمد و در آنجا و مصر حدیث شنید. از 624 ق به خدمت محمد بن محمد، فرمانروای ایوبی دمشق، درآمد و تا زمان مرگ او با وی همکاری داشت. در 640 ق سلطان نجم‌الدین ایوب او را زندانی کرد. ابن‌حمویه تا 643 ق در زندان به سر برد. سلطان در این سال وی را از بند رها کرد و فرماندهی سپاه خود را به او داد. پس از درگذشت نجم‌الدین، اروپائیان بر «دمیاط» دست یافتند که ابن‌حمویه در جنگ با آنها کشته شد و جنازه‌ی وی به مصر برده شد. از آثارش: «تقویم الندیم و عقبی النعیم المقیم»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (10/ 255، 9/ 328- 329)، کشف الظنون (470)، معجم المولفین (13/ 331).

ابن‌خاتون طوسی، شمس‌الدین، ابوالمعالی محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1055 ق)، فقیه امامی و ادیب. از پیشوایان و برجستگان علمای امامیه و شاگرد شیخ‌بهایی و در علوم و فنون مختلف سرآمد بود. پس از فراغت از تحصیل مدتی در حیدرآباد دکن مسکن گزید، و از آنجا به مشهد مقدس رفت و پس از چندی به هندوستان بازگشت و در آن دیار وزارت سلاطین قطب شاهیه را در حیدرآباد عهده‌دار شد. در 1038 ق سلطان عبداللّٰه قطب شاه که به جای سلطان محمد قطب شاه نشسته بود، منصب صدارت عظمی را به وی داد و او را به لقب پیشوا ملقب ساخت. وی شیخ اجازه سید حسین فرزند حیدر کرکی است. در حیدرآباد دکن از دنیا رفت. از آثار وی: ترجمه‌ی «اربعین» استادش شیخ‌بهایی که به امر سلطان محمد قطب شاه از سلاطین قطب شاهیه‌ی هند نوشت و به نام ترجمه‌ی «قطب شاهی» نامید و در سفری که به عنوان سفیر حیدرآباد به ایران آمد ترجمه‌ی قطب شاهی را به استادش شیخ‌بهائی نشان داد، و شیخ در 1028 ق تقریظی لطیف بر آن نوشت؛ «شرح الارشاد» علامه‌ی حلی؛ «شرح جامع عباسی» شیخ بهائی؛ «توضیح اخلاق عبداللّٰه شاهی»، به فارسی، در شرح کتاب «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی، به درخواست عبداللّٰه قطب شاه؛ کتابی در «امامت»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (11 -10 /10)، الذریعه (172 ،80 -79 /13 ،76 /4)، روضات الجنات (87 /1)، ریاض العلماء (135 -134 /5)، ریحانه (490 -489 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 513 -512 /11)، فوائد الرضویه (567)، الکنی والالقاب (272 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خاتون)، معجم المؤلفین (6 /11)، هدیة الاحباب (56).

ابن‌خالویه، ابوعبداللَّه حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 370 ق)، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر امامی. اصلش از همدان بود. در 314 ق وارد بغداد شد و در محضر بزرگان علم و ادب حضور یافت. قرآن را از ابن‌مجاهد، نحو و ادب را از ابن‌دُرَید و ابن انباری و نِفْطویه، و لغت را از ابوعمر زاهد آموخت و از محمد بن مخلد عطار حدیث شنید. پس از آن ساکن حلب و ادب‌آموز فرزندان سیف‌الدوله حمدانی شد. ابن‌عدی معروف به ابن‌قطان، ابن‌غلبون، معافی بن زکریا و حسین بن سلیمان انطاکی از شاگردان وی بودند. او با متنبی در محضر سیف‌الدوله مباحثات بسیار داشته است. زجاجی نحوی و ابوعلی فارسی معاصر او بودند. وی در حلب وفات یافت. از آثارش: «الآل»؛ «الاشتقاق»؛ «شرح مقصورة ابن‌درید»؛ «اعراب ثلاثین سورة من القرآن العزیز»؛ «لیس»، در ادب؛ «الجمل»، در نحو؛ «شرح المقصور والممدود»؛ «الاسماء الاسد»؛ «الفصیح»؛ «شرح قصیده‌ی نفطویّه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (249 -248 /2)، اعیان الشیعه (423 -419 /5)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (528 -527 /4)، الذریعه (37 /1)، رجال النجاشی (188 /1)، روضات الجنات (145 -141 /3)، ریاض العلماء (28 -23 /2)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (141)، کشف الظنون (1391، 1343، 1272، 602، 123، 86)، الکنی والالقاب (275 -274 /1)، لسان المیزان (490 -489 /2)، معجم الادباء (205 -200 /9)، معجم المؤلفین (310 /3)، الوافی بالوفیات (325 -323 /12)، وفیات الاعیان (179 -178 /2).

ابن‌خراسانی، ابوالعزّ محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(576 -494 ق)، شاعر، نحوی، عروضی و محدث. وی نزد ابومنصور جوالیقی به تحصیل پرداخت. از ابوالحسین طیوری و ابوسعد بن خشیش حدیث شنید و ابن‌الاخضر و ابوالفتوح بن حصری از وی روایت کرده‌اند. وی علاقه‌ی وافری به علم عروض داشت و در سرودن شعر بسیار توانا و استاد بود. در پایان عرم دچار پریشانی حواس شد. از آثار وی: «دیوان» اشعار، در پنج مجلد؛ «النوادر»؛ «العروض» و چندین اثر دیگر در فنون ادبی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 252)، ایضاح المکنون (2/ 100)، ریحانه (7/ 496- 497)، سیر النبلاء (21/ 82- 83)، کشف الظنون (765)، لسان المیزان (6/ 510)، معجم الادباء (19/ 46- 47)، معجم المؤلفین (11/ 304)، الوافی بالوفیات (1/ 150)، هدیة العارفین (2/ 98).

ابن‌خمّار، ابوالخیر حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(331- ح 421 ق)، طبیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عَدی بود. ابن‌ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیّب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن‌سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله‌ی دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم به دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفة والنصاری»؛ «مقالة فی التوحید والتثلیث»؛ «مقالة فی الصدیق والصداقة»؛ «مقاله فی السعادة»؛ «مقالة فی الاخلاق»؛ «مقالة فی الصرع»؛ «کتاب دیابطا» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلة فی الجو الحادثه عن البخار المائی و هی الهالة والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقالة فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعة فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (282 -281 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (226)، تاریخ طب (701 -699 /2)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (16 -14)، چهار مقاله (119، 118)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (956 -955 /7)، ریحانه (509 -508 /7)، عیون الانباء (323 -322 /1)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (477 -476، 447)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خمار)، معجم المؤلفین (229 /3)، الملل والنحل (369)، نامه‌ی دانشوران (88 -85 /1)، الوافی بالوفیات (42 -41 /12)، هدیة العارفین (277 /1).

ابن‌خَیّاط، ابوبکر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 320 ق) نحوی و لغوی. از مردم سمرقند بود، در بغداد زیست و در بصره از دنیا رفت. ابوعلی فارسی و ابوالقاسم زجاجی از شاگردان او بودند. با ابراهیم بن سری زجّاج مشاجرات نحوی داشت. به ظاهر در دوره‌ای از زندگی دچار کری کامل شده بود. به گفته‌ی یاقوت حموی او مردی خوش‌اندام، خوش‌اخلاق و خوش برخورد بود. او شیوه‌ی نحویان کوفه و بصره را در نحو به هم می‌آمیخت، در پاره‌ای از موارد از لحاظ روش، بصری بود ولی بعضی از نظرات کوفیان را نیز می‌پذیرفت. آثار وی: کتاب «المعانی القرآن»؛ «النحو الکبیر»؛ کتاب «الموجز» و کتاب «المقنع» هردو در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (199 -198 /6)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (554 -553 /4)، ریحانه (512 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (137)، کشف الظنون (1935، 1899، 1810، 1730)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خیاط)، معجم الادباء (142 -141 /17)، معجم‌المؤلفین (23 /9)، الوافی بالوفیات (88 /2)، هدیة العارفین (31 /2).

ابن‌دُرُستُوَیه فسوی، ابومحمد عبداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(347 -258 ق)، نحوی، لغوی و عالم دینی. پدرش از محدثین بزرگ بود. وی از مردم فسای فارس بود که در نوجوانی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد. در بسیاری از علوم، از جمله در علم حدیث، سرآمد زمان خویش بود. مجموعه‌هایی گرد آورده بود که حداقل تا زمان خطیب بغدادی باقی بود. در بغداد درس خواند و از محضر استادانی چون ابن‌قتیبه‌ی دینوری و ابوالعباس مبرد بهره گرفت. ابن‌درستویه مفسر قرآن نیز بود و در تفسیر دو دیدگاه اخفش بصری و ثعلب کوفی را تلفیق می‌کرد. ابن‌درستویه در آثار نحوی، طرفدار مکتب بصره بود. گویا کتبی نیز در رد افکار نحویون کوفی نیز نوشته بوده است. اما در تفسیر قرآن و حدیث روشی مختلط داشته است. دارقطنی، ابن‌شاهین و ابوعبیداللّه مرزبانی از شاگردان وی بودند. از آثار وی: «کتاب الکتّاب المتمم» یا «ادب الکاتب المتمم»، در بررسی جزئیات خط و املا برای دبیران؛ کتاب «الارشاد»، در نحو؛ «معانی الشعر»؛ «اخبار النحویین»؛ «نقض کتاب العین»؛ «التوسط بین الاخفش و ثعلب»، در تفسیر قرآن؛ شرح «کتاب الجرمی»؛ «کتاب الهجاء»؛ کتاب «غریب الحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 204)، ایضاح المکنون (558، 374، 343، 330، 299، 298، 282/ 2، 556، 553، 374/ 1)، تاریخ بغداد (429 -428/ 9)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (4/ 564)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 475)، دایرةالمعارف فارسی (1/ 18)، روضات الجنات (105 -104/ 5)، ریحانه (7/ 517)، سیر النبلاء (532 -531/ 15)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (107 -106)، کشف الظنون (2041، 1730، 1729، 1472، 1461، 1452 -1451، 1415، 1272، 1205، 1108، 839، 700، 506، 116، 115 -68)، الکنی والالقاب (1/ 284)، لسان المیزان (744 -742/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌درستویه)، معجم المؤلفین (40 /6)، نامه‌ی دانشوران (126 -125 /3)، وفیات الاعیان (45 -44 /3)، هدیةالعارفین (1/ 446).

ابن‌دوست، ابوسعید، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(431 -357 ق)، عالم، ادیب و شاعر. جدش ملقب به دوست بود. عبدالرحمان از مردم نیشابور و ناشنوا بود. نزد ابونصر جوهری لغت و ادب آموخت. ابوالحسن واحدی مفسیر از شاگردان اوست. از آثار او: «ردّ علی الزجاجی»، در استدارکش بر «اصلاح منطق» ابن‌سکیت؛ «دیوان» شعر. در «الاعلام» زرکلی نام او را به استناد «جواهر المضیئه» ابن‌درست نوشته است، اما با توجه به آنکه اغلب منابع او را ابن‌دوست ذکر کرده‌اند، بنا را بر ضبط ابن‌دوست می‌گذاریم. همین ضبط را «دائرةالمعارف البستانی» به صورت ابن‌دُوَست [dowast] آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 102)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 482)، ریحانه (7/ 520)، سیر النبلاء (17/ 509- 510)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌دوست)، معجم المؤلفین (5/ 188).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 253 ق)، قاری، نحوی و محدث. اصل وی از اصفهان بود. در ری متولد شد. نزد نُصیر و خلاّدبن خالد قرآن آموخت. در عربیت و قراآت استاد و راوی حدیث بود. از آثار وی: «الجامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العدد»؛ کتابی در «جواز قراءة القرآن علی طریق المخاطبه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 213)، ری باستان (2/ 378)، معجم المؤلفین (11/ 103)، الوافی بالوفیات (4/ 294).

ابن‌ساعاتی، فخرالدین رضوان، رمضان

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 627 -617 ق)، پزشک و ادیب. در دمشق متولد شد. وی با اینکه پزشک بود، در ادب و منطق و سایر موضوعات فلسفی و نیز در ساعت‌سازی مهارت داشت. در ابتدا وزیر محمد بن ایوب، برادرزاده‌ی صلاح‌الدین بود، سپس وزیر و طبیب خاص برادر وی شد. در دمشق درگذشت. از آثار وی: «رسالة فی عمل الساعات و استعمالها»، درباره‌ی ساختن ساعت؛ «حاشیه‌ی قانون ابن‌سینا»؛ «المختارات فی الاشعار»؛ «تکمیل کتاب القولنج ابن‌سینا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 53)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (4/ 619)، ریحانه (7/ 557- 558)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌ساعاتی)، معجم الادباء (11/ 141)، هدیة العارفین (1/ 369).

ابن‌ساوجی، ابوالمحاسن محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 732 ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از مردم نخجوان بود. از وی اشعاری در تذکره‌ها به جای مانده است. از آثار او: منظومه‌ای است به نام «درّة المعانی»، در ترجمه و شرح «لآلی المنثوره»، که ابن‌ساوجی آن را در 732 ق سروده است؛ نسخه‌ای از ترجمه‌ی کتاب «مسالک و ممالک» ابواسحاق ابراهیم اصطخری به خط ابن‌ساوجی به تاریخ 726 ق؛ کتاب «السامی فی الاسلامی»، به خط نسخ و رقاع و عناوین ثلث دودانگ، با رقم: «ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد یعرف ابن الساوجی... سنة احدی عشر و سبعمائة الهجریة، بالسلطانیة» (711).کاتب این نسخه را برای فرزندش، ابوطاهر محمد، کتابت کرده است و اکنون این کتاب در کتابخانه‌ی سلطنتی موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (4/ 1170)، تاریخ نظم ونثر (771)، دانشمندان آذربایجان (21)، فرهنگ سخنوران (19).

ابن‌سِکّیت، ابویوسف یعقوب

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(244 -186 ق)، لغوی، نحوی، شاعر و زبان‌شناس شیعی. پدرش سکیت، شاعر و از مردم دورق خوزستان بود. نخست نزد پدر، که در شعر و لغت صاحب‌نظر بود، و سپس نزد ابوعمرو شیبانی، فرّاء و ابن اعرابی و دیگران، درس خواند. ابن‌سکیت گوید: پدرم در شعر بر من مقدم است و من در نحو بر وی. از اصحاب خاص امام محمدتقی (ع) و امام علی‌النقی (ع)، و محدثی ثقه و صادق بود. در درب القنطره‌ی بغداد مقیم و همراه پدرش به تدریس مشغول بود. ابن‌سکیت معلم فرزندان متوکل خلیفه عباسی بود و در ابراز شیعیگری خود زبانی بی‌پروا داشت، چندان که جان خود را نیز به خاطر آن از دست داد. روزی متوکل که با اهل‌بیت (ع) دشمنی داشت، از او پرسید که آیا فرزندان من بهترند یا پسران علی (ع)، ابن‌سکیت در جواب گفت: من، تو و فرزندان تو را با قنبر، خادم علی (ع)، برابر ندارم. متوکل برآشفت و فرمان داد زبان وی را از قفا بیرون کشند. غلامان او را به بدترین صورت کشتند. ابن‌سکیت در نحو از پیروان مکتب کوفه بود. و سبب اشتهار وی آثار لغوی اوست کهبه مکتب بصره تعلق دارد، بدین سبب نیز او را نماینده‌ی مکتب تلفیقی کوفه و بصره دانسته‌اند. ابن‌سکیت متخصص لغت و شعر عرب بود و بیش از بیست اثر از خود بر جای گذاشته است که برخی از آنها عبارت‌اند از: «اصلاح المنطق» که به گفته مبرد کتابی در لغت همسنگ آن در بغداد دیده نشده؛ کتاب «الالفاظ»؛ کتاب «القلب والابدال»؛ کتاب «الاضداد». علاوه بر اینها، ابن‌ندیم از سی شاعر قدیم نام می‌برد که ابن‌سکیت دواوین ایشان را با دقت تحسین برانگیزی جمع‌آوری و شرح کرده است که از این تعداد تنها چند اثر باقی مانده است. از دیگر آثار او: «الاصوات»؛ «الامثال»؛ «معانی الشعر الکبیر»؛ «معانی الشعر الصغیر»؛ «المقصور والممدود»؛ «المذکر والمؤنث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 255)، اعیان الشیعه (306 -305 /10)، ایضاح المکنون (507، 348، 345، 342، 335، 330، 328، 320، 318، 302، 290، 277، 276، 273، 262، 261 /2، 94 /1)، تاریخ بغداد (274 -273 /14)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (632 -631 /4)، دائرةالمعارف البستانی (525 -523 /1)، الذریعه (173 /2)، رجال ابن‌داود (قسم 379 /1)، رجال

النجاشی (426 -425 /2)، روضات الجنات (200 -198 /8)، ریاض العلماء (21 /6 ،387 -381 /5)، ریحانه (571 -569 /7)، سیر النبلاء (19 -16 /12)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (263 -260 ،122 -121)، کشف الظنون (2009 ،1406 ،1358 ،1355 ،507 ،264 ،108)، الکنی والالقاب (316 -314 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سکیت)، مؤلفین کتب چاپی (869 -868 /6)، مجالس المؤمنین (556 -555 /1)، معجم الادباء (52 -50 /20)، معجم رجال الحدیث (130 -129 /20)، معجم المؤلفین (244 -243 /13)، نامه‌ی دانشوران (260 -252 /2)، وفیات الاعیان (401 -395 /6)، هدیة الاحباب (64 -63)، هدیة العارفین (537 -536 /2).

ابن‌سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن‌عمید بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 638)، تاریخ قم (217).

ابن‌شاذان، ابوعلی احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 450 ق)، ادیب. در دوران فرمانروایی چغری بیک و آلب ارسلان در دستگاه سلجوقیان در بلخ و شمال افغانستان به کار دیوانی مشغول بود. ابن‌شادان از ابوالعباس محمد بن احمد نقاش کلام آموخت. از شاگردان او می‌توان، ابوالمعالی ثابت بن بُندار بقّال و ابوعلی محمد بن سعد کاتب را نام برد. خواجه نظام‌الملک نیز مدتی در شهر بلخ نزد وی، که در آن زمان از طرف چغری بیک حاکم آن شهر بود، به دبیری اشتغال داشت و این یکی از دلایل اشتهار ابوعلی شد، چه از طریق او بود که خواجه نظام‌الملک به خدمت آلب ارسلان درآمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از فردوسی تا سعدی (258)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5/ 653)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌شاذان و احمد)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (47).

ابن‌شاه، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(376 -313 ق)، شاعر، ادیب، صوفی و فقیه حنفی. اصل وی از خوارزم بود و خود از اهالی بخارا. ابن‌سینا از شاگردان او بود. به گفته‌ی ذهبی او از پیشگامان بود و تصانیف زیبائی داشت. از آثارش: «دیوان» اشعار، که ابن‌ماکولا آن را دیده که اکثرش به خط ابن‌سینا بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 202)، ایضاح المکنون (1/ 485)، معجم المؤلفین (2/ 77).

ابن‌شاه‌مردان ابهری، عبیداللَّه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 600 ق)، ادیب و زبان‌شناس. در «الذریعه» نام وی عبداللَّه ذکر شده است. از آثار وی: «حدائق الآداب» یا «خلائق الادب»، در لغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (6/ 280)، کشف الظنون (632)، معجم الادباء (12/ 72)، معجم المؤلفین (6/ 245)، هدیة العارفین (1/ 650).

ابن‌شاهین، ابوجعفر عمر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(385 -297 ق)، محدث، حافظ، واعظ و مفسر. از محدثین ثقه و مورد اعتماد است که در بغداد متولد شد و در شام، عراق، بصره و فارس حدیث شنید. ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی از جمله‌ی محدثانی بودند که وی از آنان حدیث شنید. و ابوبکر برقانی، ابوسعد مالینی و ابوبکر محمد بن اسماعیل وراق از او روایت حدیث کردند. بیش از سیصد تصنیف داشته است از جمله‌ی آنها: «تفسیر قرآن»، حدود سی مجلد با اسناد مفصل؛ «المسند» یا «السنة»، در حدیث؛ «معجم الشیوخ»؛ «کشف الممالک»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه»؛ «تاریخ اسماء الثقات»؛ «الافراد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 196)، تاریخ بغداد (11/ 265- 268)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 539- 540)، سیر النبلاء (16/ 431- 435)، کشف الظنون (1920، 1425- 1426، 1394)، معجم المؤلفین (7/ 273- 274)، هدیة العارفین (1/ 781).

ابن‌طباطبایی اصفهانی، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 322 ق)، عالم، ادیب، شاعر، و محقق. در اصفهان متولد شد. در همان جا تحصیل کرد و تا پایان عمر در همان شهر زیست، از این رو به ابن طباطبای اصفهانی شهرت یافت. گرچه در عصری می‌زیست که بازار سیاست گرم بود، اما او یکسره به کارهای علمی و ادبی و شعر و شاعری پرداخخت و عمری را به آسودگی گذراند. بیشترین شهرت او از رهگذر توجه به شعر و شاعری به زبان عربی است. شعرهای او را متوسط دانسته‌اند، اما در نقد ادبی توانا بود. در شرح واقعه‌ی غدیر خم اشعاری سروده است. عبداللّٰه بن معتز، شاعر معروف بغدادی را بسیار دوست می‌داشت، اما هرگز با او ملاقات نکرد. برخی از آثار او: «المدخل فی معرفة المعمی من الشعر»؛ «الشعر والشعرا»؛ «تهذیب الطبع»؛ «دیوان» شعر؛ «تقریظ الدفاتر»؛ «عیار الشعر». ظاهراً ابن‌خلکان در «وفیات» وجه تفاوتی میان او و احمد بن محمد بن اسماعیل الدیباج، ابن‌طباطبای مصری نیافته و به همین جهت در ضبط اشعارشان به اشتباه افتاده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 199)، اعیان الشیعه (80 -72 /9)، الذریعه (1363 /15، 26/ 9، 511، 387/ 4)، ریحانه (82 -81 /8)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (225)، معجم الادباء (156 -143 /17)، معجم المؤلفین (312 /8)، وفیات الاعیان (130 /1)، الوافی بالوفیات (80 -79 /2)، یادگار (س 3، ش 10، ص 69 -68).

ابن‌طلیق، اسحاق

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوم ق)، کاتب و مترجم. وی نخستین کسی بود که در خراسان نگارشها را از فارسی به عربی گزارش کرد و عربی‌نویسی را در دیوانها رواج داد. وی از بنی‌نهشل و از نزدیکان و همراهان نصر بن سیار ولایتدار خراسان و از دبیران وی بود. در 124 ق یوسف بن عمر فرمانروای عراق به نصرنامه نوشت که در نگارش دیوانی به هیچ وجه از زرتشتیان یاری نخواهد کرد. اسحاق از آن پس فرمان یافت تا دفاتر دیوانی را از فارسی به عربی برگرداند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق).

ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 313 ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستظرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 343)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (2/ 402)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (243)، معجم المؤلفین (6/ 236)، هدیة العارفین (1/ 646).

ابن‌عبدک گرگانی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 340 ق)، مفسر، ادیب، فقیه و متکلم امامی. معروف به عبدکی. عبدک اختصار عبدالکریم است. اهل گرگان بود و پیشوای شیعیان آنجا. مدتی در نیشابور توطن کرد. از عمران بن موسی جرجانی و همطبقه او حدیث شنید. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. او سرانجام در گرگان درگذشت. از آثار وی: «التفسیر» یا «تفسیر ابن‌عبدک»؛ «شرح الجامع الصغیر» و «شرح الجامع الکبیر» محمد بن حسن شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ «الاقتداء بعلی»؛ «الرد علی الاسماعیلیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 159)، اعیان الشیعه (9/ 437- 438)، الذریعه (10/ 183، 4/ 244)، رجال ابن‌داود (قسم 1/ 325)، رجال النجاشی (2/ 300- 301)، ریحانه (8/ 103)، الفهرست للطوسی (306، 368)، کشف الظنون (562، 568)، معجم رجال الحدیث (16/ 331)، معجم المؤلفین (11/ 26).

ابن‌عُجیم فارسی، ابوالحسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 420 ق)، طبیب، ادیب و منجم. در فارسی متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و تحصیلات طبی را نزد پزشکان زمان آموخت و در همان سرزمین سالیان دراز به طبابت اشتغال ورزید. ابن‌عجیم در خدمت بهاءالدوله دیلمی مقامی بس ارجمند داشت و ابتدا در زمره‌ی اطباء مخصوص وی بود. او علاوه بر طب در ادب و کتابت نیز دستی بسزا داشت تا آنجا که امر کتابت بصره ب وی تفویض شد. از تاریخ تولد و وفات وی اطلاع دقیقی در دست نیست. زمان وفاتش در حدود زمان درگذشت ابن‌سینا است و از خلال بعضی کتب چنین برمی‌آید که تا حدود 430 ق زنده بوده است. فیلسوف‌الدوله در «مطرح الانظار» می‌نویسد که وی کتابی در کلیات طب داشته که ظاهراً به اتمام آن توفیق نیافته است. از آثارش: «نقل اقوال حکمای قبل از اسلام در حرکت و کروی بودن زمین»؛ «جواب سؤالهای ابوریحان بیرونی درباره‌ی افلاک و ثوابت و سیارات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (206 -205 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (589)، تاریخ طب (688 -687 /2)، دانشمندان و سخن سرایان فارسی (57 /1)، ریحانه (107 /8)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسین فارسی)، نامه‌ی دانشوران (385 -384 /4).

ابن‌عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 873 وف 945 -943 ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن‌عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عبیداللّه احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و درگذشت و در کنار بارگاه خواجه عبیداللّه دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضایا»؛ «الاستعارات البدیعة»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه‌ی» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه‌ی «شرح عقاید نسفیه‌ی» تفتازانی؛ حاشیه‌ی «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرسالة الترشیحیة»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویة» ترمذی؛ شرح «طوالع الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرسالة العضدیة»؛ «الفرید» در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332 -331 /6)، ایضاح المکنون (44 /2)، ریحانه (141 -140 /3)، کشف الظنون (2022، 1916، 1614، 1372، 1259، 1146، 1144، 1116، 1060، 878، 853، 477، 190، 41، 39)، الکنی والالقاب (468 /2)، معجم المؤلفین (102 -101 /1)، هدیةالاحباب (198).

ابن‌عربشاه اسفراینی، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1007 ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به عصامی و همچنین حفید یا حفید عصام. در مکه‌ی معظمه به دنیا آمد. و در همان جا نشو و نما یافت. از رجال بلاغت محسوب می‌شد. وی در زادگاه خویش منصب قضاوت داشت و سرانجام در همان شهر درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «شرح الاستعارات» جدش عصام‌الدین بر «سمرقندیه»، در بلاغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 70)، معجم المؤلفین (7/ 34)، هدیة العارفین (1/ 751).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(854 -791 ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در 803 ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در 824 ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّٰه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 218)، ایضاح المکنون (2/ 228، 1/ 178)، تاریخ ادبیات زبان عربی (635)، دائرةالمعارف اسلامیه (1/ 230- 231)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5/ 706- 707)، الذریعه (15/ 220)، ریحانه (8/ 110- 111)، کشف الظنون (1646، 1216، 1198، 1174، 1152، 1128، 714، 397)، الکنی والالقاب (1/ 355)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (2/ 122)، هدیة العارفین (1/ 130).

ابن‌عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 360 ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن‌سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل‌بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت وشمگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن‌عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن‌عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن‌عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن‌عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن‌عمید». ابن‌ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغة» را از آثار وی می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 328)، تاریخ ادبیات در ایران (639 -638 /1)، تاریخ گزیده (792، 791، 417، 416، 412)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (740 -739 /5)، الذریعه (241، 240 /10، 224 /3)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن‌عمید، روضة‌الصفا (50 /4)، ریحانه (128 -125 /8)، سیر النبلاء (138 -137 /16)، فوائد الرضویه (528 -521)، مجالس المؤمنین (445 -443 /2)، معجم المؤلفین (258 -257 /9)، الوافی بالوفیات (383 -381 /2)، وفیات الاعیان (113 -103 /5)، هدیة الاحباب (78 -77)، هدیة العارفین (46 /2).

ابن‌فارس رازی، ابوالحسن، ابوالحسین احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(395 /375 -329 ق)، ادیب، لغوی و محدث. در قزوین به دنیا آمد، سپس به همدان رفت و پس از چندی به ری مهاجرت کرد. در نحو شیوه‌ی کوفیان را اختیار کرد. بدیع الزمان همدانی و صاحب بن عباد از مشهورترین شاگردانش بودند. خطیب تبریزی، صاحب بن عباد و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. چندی در ری معلم ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی بود و همین، سبب نزدیکی بیشتر صاحب بن عباد به وی شد. در مذهب وی اختلاف نظر بسیار است، برخی او را مالکی یا شافعی و برخی دیگر او را شیعی می‌دانند؛ علت این امر را شاید بتوان در گستردگی اندیشه‌اش یافت. برخی از آثار او: «الاتباع والمُزاوجه»؛ «اختلاف النحاة»؛ «اخلاق النبی»؛ «اصول الفقه»؛ «امثلة الاسجاع»؛ «اللامات»؛ «انتصار لثعلب»؛ «تفسیر اسماء النبی»؛ «حلیة الفقهاء»؛ «دارات العرب»؛ «دیوان» شعر؛ «ذخائر الکلمات»؛ «ذم الخطاء فی الشعر»؛ «الصاحبی»؛ کتاب «المجمل»؛ در لغت؛ «النیروز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 184)، اعیان الشیعه (63 -60 /3)، ایضاح المکنون (1/ 421)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (754 -751 /5)، الذریعه (435 /24 ،16 -15 /22 ،296 /269،21 /18 ،296 /16 ،9 /5 ،348 -347 /2 ،361 ،81 /1)، روضات الجنات (244 -242 /1)، ریحانه (135 -134 /8)، سیر النبلاء (106 -103 /17)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (67 -65)، معجم الادباء (98 -80 /4)، معجم المؤلفین (41 -40 /2)، نامه‌ی دانشوران (72 -65 /6)، الوافی بالوفیات (280 -278 /7)، وفیات الاعیان (120 -118 /1)، هدیة العارفین (69 -68 /1).

ابن‌فتی، ابوعبداللّٰه سلمان، سلیمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 493 ق)، لغوی، نحوی و مفسر. متولد نهروان بود. یاقوت حموی گوید که نشو و نمای او در ری بوده است. وی در بغداد نحو را نزد ثمانینی و لغت را نزد حسن بن دهّان و حدیث را از قاضی ابوطیّب طبری فراگرفت، و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت. سرانجام در اصفهان مقیم شد و در همان جا درگذشت. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الایضاح» ابوعلی فارسی، در نحو؛ «شرح دیوان المتنبی»؛ «شرح الامالی»؛ «علل القراآت»؛ «القانون»، در زبان شناسی، ده مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 169)، روضات الجنات (4/ 82- 84)، ریحانه (8/ 137- 138)، کشف الظنون (163، 212، 446، 812، 1160، 1313)، معجم الادباء (11/ 251- 253)، معجم المؤلفین (4/ 239)، الوافی بالوفیات (15/ 311- 313).

ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 340 ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان».[1]
ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جعرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال 290 ه.ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن فقیه از جیهانی گرفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احسن التقّاسیم (7 -6 /1)، بزرگان و سخن سرایان همدان (138 /1)، ریحانه (141 -140 /8)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5 و 767 -766 /6)، مقدمه بر تاریخ علم (734 /1).

ابن‌فورجه بروجردی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(455 -330 ق)، ادیب، شاعر، مؤلف و محقق. اهل نهاوند بود. برخی منابع، وی را از مردم اصفهان می‌دانند. در بغداد از محضر سید مرتضی بهره برد و مناظراتی نیز با وی داشت، از ابوالعلاء معری بهره جست و در ری اقامت گزید و صدارت و ریاست علمی داشت. گویند بیش از یک صد و سی و دو سال عمر کرد. در سال تولد و وفات وی اختلاف است. ابن‌فورجه در نظم و نثر مبرّز بوده است. از آثار وی: «التجنی علی بن جنی»؛ «الفتح علی ابن الفتح»، که هر دو اثر در رد ابن‌جنی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 341)، تاریخ بروجرد (48 -42 /2)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 641)، ریحانه (142 -141 /8)، معجم الادباء (18/ 188)، معجم المؤلفین (9/ 269)، الوافی بالوفیات (25 -24 /3).

ابن‌قتلمش، ابومنصور محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(620 -543 /542 ق)، ادیب، نحوی، شاعر و ریاضیدان. از امیرزادگان سمرقند بود ولی در بغداد به دنیا آمد. در ریاضی و در حل مشکلات هندسه‌ی اقلیدسی تبحر داشت. گویند شوق بسیار به قمار داشت و مدتی حاجب خلیفه بود. در بغداد درگذشت و درشو نیزیه دفن شد. اشعار پراکنده‌ای از وی در تذکره‌ها به جا مانده است. از آثارش: «التبر المسبوک والوشی المحبوک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (645 -644 /1)، ریحانه (159 /8)، معجم الادباء (206 -205 /18)، معجم المؤلفین (52 /10)، الوافی بالوفیات (127 -125 /3).

ابن‌قتیبه‌ی دینوری، ابومحمد عبداللّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(276 -213 ق)، فرهنگ‌نویس، زبان‌شناس، نویسنده، محدث و مفسر. از مردم مرو بود. نزد استادانی چون اسحاق بن راهویه، ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی و عباس بن فرج ریاشی درس خواند. بیشترین تأثیر را از ابن‌مقفع و ارسطو پذیرفت. آثار جاحظ را خوب می‌شناخت. شکوفایی او با جنبش سنت‌گرایی متوکل همزمان بود. وی توانست با پاره‌ای از نوشته‌های خود از اصلاحات متوکل پشتیبانی کند، و در اندک زمانی سخنگوی این مذهب شود. در 236 ق قاضی دینور شد و بعد از آن همین سمت را در بصره داشت تا زنگیان، شهر را تاراج کردند. ابن‌قتیبه پس از آن تمام همّ خود را بر سر تدریس گذاشت. وی علاوه بر پایگاه بلندی که در میان اهل سنت داشت، پایه‌گذار مکتب زبان‌شناسی بغداد بود که مکتبی آمیخته از مکاتب نحوی کوفه و بصره به شمار می‌رفت. وی سومین نثرنویس بزرگ عرب پس از ابن‌مقفع و جاحظ است. آوازه‌ی او در عرب به خاطر توانایی وی در نگارش آثار ادبی است که گونه‌ای انسان‌گرایی را در جریانهای فکری آن زمان نشان می‌دهد. پسرش، احمد، و قاسم بن اصنع و عبدالرحمان شکری از شاگردان او بودند. آثار او تا مصر نیز رفت. از آثارش: «ادب الکاتب»، کتابی واژگانی است برای دبیران که پیشگفتار پرآوازه‌ی آن بیانیه‌ای فرنگی- سیاسی است؛ «کتاب الانواء» درباره‌ی گاهنامه اخترشناسی با اطلاعاتی درباره‌ی برجهای دوازده‌گانه، کهکشان راه شیری و پیکره‌های آسمانی که تمام متن کتاب باقی مانده است؛ «المعارف»، در شناخت و شرح رجال؛ «الشعر والشعراء» برگزیده‌ی شعر عرب به ترتیب زمان حیات شاعران که پیشگفتار آن بیانیه‌ی مکتب نئوکلاسیک شمرده می‌شود؛ «تفسیر غریب قرآن»، تفسیر واژگانی بر آیه‌های دشوار؛ «تأویل مختلف الحدیث»، بزرگ‌ترین اثر کلامی ابن‌قتیبه که در آن شرح اندیشه‌های دینی و سیاسی و باورهای وی آمده است؛ «تأویل القرآن»، در معانی و بیان و اعجاز قرآن؛ «عیون الاخبار»، مجموعه‌ی بزرگ ادبی؛ «غریب الحدیث»، شرحی لغوی بر حدیث از پیامبر (ص) تا معاویه؛ «اعلام النبوة»؛ «الامامة والسیاسة»؛ «جامع النحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 280)، ایضاح المکنون (506، 146، 134 /2، 356، /1)، تاریخ مشاهیر کرد (1/ 7)، تاریخ بغداد (10/ 170)،

دائرةالمعارف البستانی (1/ 645)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (775- 781 /6)، روضات الجنات (5/ 100- 103)، ریحانه (8/ 152)، سیر النبلاء (297 -296 ،7 /12)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (130)، کشف الظنون (1724 ،1465 ،1464 ،1415 ،1399 ،1392 ،1204 ،1184 ،1102 ،807 ،760 ،722 ،609 ،575 ،463 ،335 ،108 ،47 ،32)، الکنی والالقاب (387 -383 /1)، لسان المیزان (4/ 158- 161)، معجم المؤلفین (13/ 402 ،150 /6)، وفیات الاعیان (3/ 42- 43)، هدیة العارفین (1/ 441- 442).

ابن‌مبارک، ابوعثمان سعدان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 220 ق)، ادیب، نحوی و محدث. وی برده و از اسیرانی بود که در طخارستان به دست مسلمانان افتاد. ابن‌مبارک نابینا بود و در نحو از مکتب کوفیان پیروی می‌کرد. از ابوعبید معمر بن مثنی روایت می‌کرده و ابن‌دینا هاشمی نیز از او روایت کرده است. از آثار وی: «خلق الانسان»؛ «کتاب الوحوش»؛ «الارض والمیاه والبحار والجبال»؛ «النقائص والامثال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 140)، تاریخ بغداد (9/ 203)، ریحانه (8/ 189)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (119)، معجم الادباء (11/ 189- 190)، معجم المؤلفین (4/ 214).

ابن‌مجاور شیرازی، نجم‌الدین ابوالفتح یوسف

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 601 ق)، ادیب و شاعر. پدر وی از صوفیان شیراز بود که در دمشق خانقاه بنا کرده بود. یوسف در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما یافت و در همان شهر مکتب خانه‌ای بنا کرد و به تعلیم پرداخت. صلاح‌الدین او را به عنوان مربی پسرش برگزید و پس از آن هم مدتی وزارت مصر را عهده‌دار بود. وی در سرودن شعر نیز توانا بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 301- 302)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (6/ 831)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 676).

ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(690 -601 ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی‌تبار. از کندی و ابن‌مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال 621 ق در مکه بود و از آنجا به جده رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر/ مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن‌مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 341)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (831 -829 6/)، معجم المؤلفین (13/ 345).

ابن‌مدبر، ابوالحسن احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 270 ق)، کاتب و شاعر. در روزگار خلافت واثق عباسی سرپرست دیوان سپاه و از دولتمردان بود. در سالهای نخست خلافت متوکل سرپرستی هفت دیوان را داشت. متوکل اشعار او را می‌پسندید و آنها را ارج می‌نهاد. نفوذ ابن‌مدبر در دربار باعث بدگمانی وزیر خلیفه عبیداللّه بن خاقان شد و گویا ابن‌مدبر و برادرش به زندان افتادند. اما پس از چندی کارگزار خراج دمشق و اردن شد و به دمشق رهسپار شد. پس از آن وی کارگزار مصر شد و به علت مالیاتهای تازه که وضع کرده بود از منفورترین کارگزاران خراج شد. وی با ابن‌طولون کشمکشهایی پیدا کرد که درگیری آنها به سامرا نیز کشید و احمد بن طولون ابن‌مدبر را به زندان افکند و دارایی وی را مصادره کرد. برخی منابع گفته‌اند به اشاره ابن‌طولون در زندان کشته شد و برخی دیگر می‌گویند در 258 ق آزاد شد و پیشکار دارایی شام و اردن و فلسطین شد و به دمشق رفت. ابن‌طولون که دمشق را تسخیر کرد بار دیگر ابن‌مدبر را بازداشت نمود و به پرداخت 600 هزار درهم محکوم کرد. وی را به مصر بردند و در آنجا تا پایان عمر زندانی بود. وی هر کسی که شعرش را می‌پسندید صله می‌داد و به هر کسی که شعرش را نمی‌پذیرفت دستور می‌داد 100 رکعت نماز بخواند. از آثارش: کتاب «المجالسه والمذاکره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (6/ 833)، ریحانه (198 -197 /8)، سیر النبلاء (126 -125 /13)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (203)، الکنی والالقاب (1/ 404)، معجم‌الادباء (1/ 228)، الوافی بالوفیات (4038 /8)، وفیات الاعیان (57 -56 /7).

ابن‌مراغی همدانی، ابوالفتح محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 371 ق)، ادیب، نحوی و محدث شیعی. در بغداد ساکن شد و از ابن‌قتیبه حدیث شنید. آموزگار عزالدوله بویهی بود. ابوالحسین محاملی از وی روایت می‌کرد. حافظه‌ای نیکو داشت و در نحو و لغت زبانزد بغدادیان بود. برخی وی را منسوب به قبیله هَمْدان و گروهی او را همدانی دانسته‌اند. از آثارش: «استدراک لما اغفلة الخلیل»؛ «البهجة»، نظیر کتاب «الکامل للمبرد»؛ «مختار الاخبار»؛ «کتاب الخلیلی فی الامامة»؛ «ذکر المجاز فی القرآن»؛ «اسماء البلدان»، و جلد دوم آن به نام «اخبار البلدان»؛ «کتاب الجزء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 298)، اعیان الشیعه (9/ 201)، ایضاح المکنون (2/ 293، 447)، تاریخ بغداد (2/ 152- 154)، الذریعه (20/ 169، 159، 3/ 23، 65- 2/ 22)، رجال النجاشی (2/ 318- 319)، ریحانه (199 /8- 5/ 279)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4/ 258)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (144)، کشف الظنون (78، 87)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌مراغی)، معجم الادباء (18/ 101- 103)، معجم رجال الحدیث (15/ 159- 160)، معجم المؤلفین (9/ 157)، هدیة العارفین (2/ 50).

ابن‌مردان، ابوموسی عیسی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، نحوی. وی از یاران فرّاء نحوی بود. از آثار او: «القیاس علی اصول النحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (200 /8)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (119 -118)، کشف الظنون (1366).

ابن‌مرزبان، ابونصر سهل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 420 ق)، ادیب و شاعر. از مردم اصفهان بود که در قاین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در نیشابور مسکن گزید و چند بار در جستجوی کتاب به بغداد سفر کرد و کتابهایی نفیس گرد آورد. ابن‌مرزبان معاصر ثعالبی بود و با او مکاتبه داشت. از آثار وی: «اخبار ابی‌العیناء»؛ «اخبار ابن‌الرومی»؛ «اخبار جحظة البرمکی»؛ «الآداب فی الطعام والشراب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 210)، معجم المؤلفین (4/ 286).

ابن‌مسکویه، ابوعلی، ابوعبداللَّه احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 421 ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل‌بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن‌عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در 355 ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن‌عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن‌عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل‌بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحیان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن‌مسکویه پس از اعدام ابن‌سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (375 ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن‌مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن‌مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه‌ی وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن‌قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله 372 ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمة الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد.[1]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. 421 ه.ق.) بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. 352) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابو علی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فسلفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارة فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوات)، تهذیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (ه.م.)، جاویدان خرد، کتاب العادة تجارب الامم (ه.م.) ابن مسکویه در ما بعدالطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. 421 ه.ق) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم» و «تهذیب‌الاخلاق و تطهیرالاعراق» و کتاب «جاویدان خرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (205 -204 /1)، اعیان الشیعه (172 -158 /3)، تاریخ ادبیات در ایران (302 -300 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (195 -173)، تاریخ فلسفه در اسلام (682 -665 /1)، تازیخ گزیده (689)، تاریخ نظم و نثر (123)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (854 -852 /6)، دایرةالمعارف فارسی (34 /1)، الذرّیعه (66 /4، 105 /2، 387 /1)، روضات الجنات (266 -264 /1)، ری باستان (287، 286 /2)، ریحانه (208 -206 /8)، کشف الظنون (1937، 1436، 1303، 514، 43)، الکنی والالقاب (409 -408 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مؤلفین کتب چاپی (337 -336 /1)، مجالس المؤمنین (190 -189 /2)، معجم الادباء (19 -5 /5)، معجم المؤلفین (169 -168 /2)، هدیة العارفین (73 /1).

ابن‌مظفر شیرازی، جلال‌الدین، ابوالمیامن مسعود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 725 ق)، مفسر، واعظ، عارف و دانشور. وی نیای مادری ابوالعباس زرکوب شیرازی، نویسنده‌ی «شیرازنامه» و نیای سوم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شد الازار» بود. دوبار حج گزارد اما سعی کرد که مردم بر آن مطلع نشوند. او در مسجد آدینه‌ی سنقری وعظ می‌کرد و در بقعه‌ی شیخ کبیر درس حکمت می‌گفت. در شیراز سپرده شد. از تألیفات وی: «کتاب مفتاح الروایات و مصباح الحکایات»، کتابی در فضائل اهل‌بیت- علیهم‌السلام- در چهار مجلد، مشتمل بر دوازده باب. بعلاوه وی دارای تألیفات و مجموعات و اجازات و اسانید معتبر است که اکثر آنها از شیوخ پدرش بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (217)، بزرگان نامی پارس (407 -406 1/)، تذکره‌ی هزار مزار (132 -131)، شیرازنامه (179)، معجم المؤلفین (12/ 231).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، ابومحمد منصور

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 740 /733 ق)، عارف، عالم دینی و سخنور. مشهور به راست‌گوی. نزد پدر به تحصیل پرداخت و مصنفات پدر را خواند. آنگاه به سلک مریدان شیخ یوسف سروستانی درآمد و بر دست او خرقه پوشید. حج گزارد و از علما و مشایخ حجاز بهره گرفت. در راه بازگشت چندی در بصره ماند و به فراگیری علوم پرداخت. پس از مرگ پدرش به کرمان و سیرجان و کرانه‌های خلیج‌فارس و دریای عمان رفت و از راه دریا خود را به عدن و یمن رسانید و به دربار شمس‌الدین مظفر ابومنصور یوسف بن عمر رسولی، سلطان یمن راه یافت و کتاب «الاربعین العوالی» تألیف سلطان را، جهت اطمینان از صحت آن، بر سلطان خواند. از آنجا به مکه رفت و بار دیگر حج گزارد و به زادگاهش بازگشت. رکن‌الدین در مسجد عتیق وعظ می‌کرد و ضمن گفتار خود بی‌پروا به حکام و کار بدستان دولتی می‌تاخت و از آنان بسختی انتقاد می‌کرد. از شاگردان وی ابوالعباس زرکوب شیرازی، مؤلف «شیرازنامه» است. زرکوب قسمتی از «صحیح» بخاری را نزد وی خواند و از او به دریافت اجازه نیز نائل شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (246 -243 ،23 -22)، شیرازنامه (مقدمه/ شانزده 190 ،179).

ابن‌مظفر شیرازی، رکن‌الدین، یحیی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 769 ق)، خطیب و واعظ. سخنوری زبان‌آور و مردم دوست بود. آوازه‌ای خوش داشت و در سخن گفتن چون پدرش سخت بی‌پروا بود. در جامع سنقری به جای پدران خود وعظ می‌کرد و شیخ ابواسحاق اینجو خطابت مسجد عتیق را به او سپرد. وی در علم اصوات و ایقاعات دست داشت. او در شیراز از دنیا رفت و در کنار پدر دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزار مزار (255 -254، 23).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابوالیمن اسعد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 670 ق)، واعظ و ادیب. پسر مهتر مظفر بود. به مدد حافظه‌ی توانا بسیاری از کتابها و آیات و احادیث و احکام را در خاطر داشت و آنها را درس می‌داد، و در مسجد عتیق و مسجد بغدادی وعظ می‌کرد. در وعظ بسیار خوش‌بیان بود. هنوز جوان بود که در پی‌ریزش سقف خانه‌اش در زیر آوار از پای درآمد. وی پیش از پدر وفات کرد. و در مقبره خانوادگی دفن شد. پدرش در سوک او بسی ابیات سرود که تمامی حاکی از سوزش و احتراق بود. در «شیرازنامه» این مشخصات با سعدالدین محمد انطباق داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (213)، تذکره‌ی هزار مزار (243 -242 25،)، شیرازنامه (179).

ابن‌مظفر شیرازی، سعدالدین، ابومنصور محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 634 ق)، عالم دینی، زاهد و واعظ. نزد پدرش و شمس‌الدین عمر ترکی و محمود بن حسن کازرونی- از شاگردان برجسته شیخ ابواسحاق مرشد کازرونی- درس خواند. در سفری دور و دراز که دوازده سال طول کشید تا هند را سیاحت کرد. در مدرسه‌ی اتابکیه و منکو برزیه‌ی شیراز استاد شد. سعدالدین حافظه‌ای پرتوان داشت و بخش بزرگی از کتابهای علمی را از بر درس می‌گفت. در علوم حدیث اجازه وی را معتبر می‌شناختند. او از عبدالرحیم سروستانی و ابوالفتوح عجلی و شیخ عبدالوهاب ابن سکینه بغدادی و دیگران روایت کرده است. در جامع عتیق و جامع سنقری وعظ می‌کرد و بسیاری شیفته‌ی سخنانش بودند. توجه مردم به شیخ باعث شد که امیر فخرالدین، وزیر اتابک سعد پس از اتمام بنای مسجد جامع فخریه از او درخواست کند تا در آنجا به موعظه بپردازد. وی بسیار متعصب بود و سعی داشت تا مردم را نیز با چنان خصلتی بار آورد. او نیای چهارم جُنید شیرازی، نویسنده «شدالازار» است. مدفن او در کنار پدرش در مقبره‌ی باغ نو است. مؤلفات و خطبه‌ها و اشعار عربی از او مانده که برخی از آنها در «شد الازار» آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (211 -209)، بزرگان نامی پارس (271 -270 /1)، تذکره‌ی هزار مزار (284 -278 ،19 -18)، شیرازنامه (180 -179).

ابن‌مظفر شیرازی، شمس‌الدین، ابوالمؤید عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 700 ق)، واعظ و محدث. مردی پارسا بود و در اخبار و حدیث استادی داشت. در رباط شیخ ابراهیم کرخی وعظ می‌کرد. منصور راستگو برادر او بود. وی با خط بسیار حدیث نوشت و اجازه‌ها داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی هزارمزار (250 ،24)، شیرازنامه (179).

ابن‌مظفر شیرازی، ظهیرالدین، ابوالفضایل اسماعیل

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 730 ق)، واعظ و عالم اهل سنت. وی نیز مانند برادرش منصور راستگو سخنوری پرآوازه بود. هنگامی که سلطان محمد خدابنده فرمان داد تا نام خلفای سه‌گانه را از خطبه و سکه بیندازند و بر نام حضرت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین- علیهم‌السلام- اقتصار نمایند، این فرمان در تمام بلاد قلمرو اولجایتو به موقع اجرا گذارده شد جز در قزوین و شیراز و اصفهان و بغداد که پاره‌ای از مردم سر از اطاعت این حکم باز زدند، و بعضی فتنه‌ها روی داد؛ اسماعیل نیز چنان مخالفتی نشان داد که باعث فتنه‌ها شد، و خواستند وی را از شهر بیرون کنند. در شیراز از دنیا رفت و نزد پدر و برادر دفن شد. از آثارش: «فضائل الصلوات» در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان شیراز (217)، تذکره‌ی هزار مزار (247 -246 ،22).

ابن‌مظفر شیرازی، نجم‌الدین، ابوالفتح محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 740 ق)، زاهد، واعظ و نساخ. نزد شهاب‌الدین زنجانی و نورالدین خراسانی درس خواند. زبان‌آور بود و در رباط ضیائیه و گاه مسجد عتیق وعظ می‌کرد. در حفظ قرآن و ضبط وجوه قراآت و بیان متشابهات نیز دست داشت. از طریقه‌ی پدر و عم خود پیروی کرد و به انزوا گرایید و به در خانه حاکمی نرفت. وی در مقبره‌ی پدرانش مدفون است. معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، نویسنده‌ی «شدالازار» پسر او بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان نامی پارس (397 -396)، تذکره‌ی هزار مزار (16، 251- 254).

ابن‌معروف، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، ادیب و فرهنگ نویس. وی مؤلف فرهنگی است به نام «کنزاللغات» یا «کنز اللغه» که این کتاب را به نام سلطان محمد کارکیا و پسرش کارکیا میرزا علی تدوین کرد. این کتاب از بدو تألیف مورد استفاده‌ی طالبان علم بود. مؤلف در گردآوری این کتاب از قرآن و اکثر کتابهای لغت عربی و تفسیر، حدیث فقه و طب بهره برده است. وی در آغاز هر باب به ذکر مصادر مبادرت کرده و از بیان مشتقات آنها خودداری کرده و بعد از ذکر مصادر به لغات غیر مشتقه پرداخته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 380)، تاریخ ادبیات در ایران (4/ 112)، تاریخ نظم و نثر (260)، الذریعه (18/ 164)، ریحانه (8/ 214)، کشف الظنون (1518).

ابن‌مقفع، عبداللّٰه

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(102- ح 139 ق)، مترجم و عالم. وی یکی از نخستین مترجمان آثار ادبی تمدنهای هند و ایرانی به زبان عربی و یکی از آفرینندگان نثر ادبی عربی است. در خاندانی نجیب‌زاده در جور فارس، فیروزآباد کنونی، متولد شد. پدرش، دادویه که با نام اسلامی مبارک، معروف بود در زمان حجاج تحصیلدار مالیات بود و چون به جرم اختلاس شکنجه شد، وی را به تمسخر مقفع خواندند. عبداللّٰه نام اسلامی روزبه بود. در آغاز در کرمان منشی حکام و صاحب منصبان اموی بود. در آنجا ثروتی هنگفت به دست آورد. پس از آن به خدمت عیسی بن علی، عموی منصور، خلیفه‌ی عباسی، درآمد. بهترین سالهای عمر وی در کوفه و بصره طی شد. در محفل ادیبان و ظریفان رفت و آمد داشت. مرگ وی عللی سیاسی داشت. ابن‌مقفع با دست بردن در متن دستخط امان نامه‌ی منصور خلیفه سبب برآشفتگی و بدگمانی خلیفه در حق خود شد. خلیفه فرمان داد تا دست کاتب گستاخ را قطع کنند. حاکم بصره که از مدتها پیش کینه‌ی وی را در دل داشت از این پیشامد برای گرفتن انتقام شدید بهره برد و ابن‌مقفع را زیر شکنجه‌های سهمناک به قتل رساند. ابن‌مقفع، با وجود کمی عمر خود آثار گرانبهایی را تألیف و ترجمه کرد، از آن جمله‌اند: ترجمه‌ی «کلیله و دمنه»، که قدیمی‌ترین ترجمه از این اثر هندی است؛ «ادب الصغیر» و «ادب الکبیر»؛ «الیتیمة»؛ «خدای نامه» که ترجمه‌ای است از «آیین نامه‌ی» عهد ساسانیان؛ «کتاب مزدک»؛ «کتاب التاج».[1]
عبداللّٰه روزبه (مقت. 142 یا 143 یا 145 ه.ق.) اصل وی از فارس است و او در آغاز کاتب عیسی بن علی بود و یکی از ناقلان بزرگ کتب از فارسی به عربی است. از تألیفات اوست: التاج در سیرت انوشروان، آیین‌نامه، کلیله و دمنه، الیتیمة (در رسائل). ابن مقفع به تحریک سفیان بن معاویه و موافقت منصور خلیفه در 36 سالگی کشته شده و در کیفیت مرگ او روایات مختلف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (284 -283 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (187 -185)، تاریخ ادبیات زبان عربی (352 -346، 338 -329)، تاریخ الحکماء قفطی (307 -306)، تاریخ گزیده (687)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (868 -864 /6)، دائرةالمعارف اسلامی (1674 /2)، روضات الجنات (219 /3)،

ریحانه (226 -222 /8)، سیر النبلاء (209 -208 /6)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (196 -195)، کشف الظنون (745، 217)، الکنی والالقاب (425 -421 /1)، لسان المیزان (175 -173 /4)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌المقفع)، معجم المؤلفین (402 /13، 156 /6)، مؤلفین کتب چاپی (1001 -999 /3)، الوافی بالوفیات (639 -633 /17)، وفیات الاعیان (155 -151 /2)، هدیة العارفین (438 /1).

ابن‌منتجب مروزی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 536 ق)، کاتب، ادیب و شاعر. از مردم مرو بود. پدرش محمد نیز ادیب و شاعری فاضل بود و خطی نیکو داشت و لقب منتجب‌الملک داشت و زمخشری وی را مدح و مرثیه گفته بود. وی به عراق سفر کرد و شهرهای این سرزمین را سیاحت کرد. در مرو از ابوعلی اسماعیل بن احمد بن حسین بیهقی حدیث شنید. سرانجام در یورش خوارزمشاهیان به مرو کشته شد. از آثار وی: «تعلة المشتاق الی ساکنی العراق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 149)، ایضاح المکنون (1/ 297)، معجم الادباء (15/ 58- 61)، معجم المؤلفین (7/ 183).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(352 -277 /276 ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النیروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 183)، ریحانه (8/ 267، 369/ 7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (238)، کشف الظنون (1559، 1468، 1256)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (15/ 112- 120)، معجم المؤلفین (7/ 256)، وفیات الاعیان (3/ 375- 376)، هدیة العارفین (1/ 680).

ابن‌منجّم، ابوعبداللّٰه هارون

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(288 -251 ق)، ادیب، اخباری و شاعر. معروف به ابن ابی‌منصور منجم. وی در بغداد متولد شد. با ادیبان و خلفای هم روزگارش مجالست داشت. در جوانی در شهر بغداد درگذشت. از آثارش. «البارع»، در اخبار شعراء مولدین؛ «المختار»، در اغانی؛ کتاب «النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ماقیل فیهن من الشعر والکلام الحسن» یا «اخبار النساء»؛ «اختیار الشعراء کبیر»، که ناتمام ماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (43 -42 /9)، ریحانه (368 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (238)، کشف الظنون (217)، الکنی والالقاب (210 /3)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعبداللّٰه). سیر النبلاء (405 -404 /13)، معجم الادباء (263 -262 /19)، معجم المولفین (129 /13)، وفیات الاعیان (79 -78 /6)، هدیه العارفین (503 /2).

ابن‌مهریزد اصفهانی، ابومسلم محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(459 /457 -366 ق)، ادیب، مفسر و محدث معتزلی. معروف به ابومسلم اصفهانی. وی محدث اصفهانی و از بزرگان معتزله‌ی عصر خویش است. ابومسلم آشنای به عربیت و به گفته یحیی بن منده آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقْری بود و سعید بن ابی‌رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن حَمد کبریتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «جامع التأویل لمحکم التنزیل» یا «تفسیر قرآن»، تفسیر بزرگی در بیست مجلد؛ «جامع الرسائل»؛ «ناسخ الحدیث و منسوخه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 163)، سیر النبلاء (147 -146 /18)، لسان المیزان (374 -373 /6)، معجم المؤلفین (50 -49 /11)، میزان الاعتدال (3/ 655)، الوافی بالوفیات (131 -130 /4)، هدیة العارفین (2/ 71).

ابن‌هارون توزی، ابومحمد عبداللَّه

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 203 ق)، ادیب و نحوی. نسبت وی به توز، شهری نزدیک اهواز، می‌رسد. نخست برده‌ی قریشیان بود. شاگرد اصمعی بود و «الکتاب» سیبویه رانزد ابوعمر جرمی خواند از آثارش «کتاب الاضداد»؛ «کتاب الامثال»؛ «کتاب الخیل»؛ «کتاب فعلت و افعلت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (294، 2/ 173، 1/ 94)، روضات الجنات (3 /6)، ریحانه (267 -266 /8)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (99 -98)، لغت‌نامه (ذیل/ ثوری)، معجم المؤلفین (143 /6).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 215 ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانةالحکمة و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسة»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلة و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 211)، اعیان الشیعه (7/ 323)، ایضاح المکنون (2/ 41)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 187)، ریحانه (8/ 266)، الفهرست لابن‌الندیم (174)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (1/ 266-267)، معجم المؤلفین (4/ 286).

ابن‌هارون عسکری، ابوالحسین احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 369 ق)، نحوی و لغوی. از مردم شهر عسکر مکرم خوزستان بود. از آثار او: «شرح التلقین فی النحو لابن‌جنی» که آن را در 369 ق به پایان برد؛ «شرح العیون»؛ «شرح المجاری»؛ «شرح مختصر ابن‌اسماعیل مبرمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :روضات الجنات (1/ 241- 242)، ریحانه (8/ 266)، کشف الظنون (481)، معجم الادباء (4/ 231- 232)، معجم المؤلفین (2/ 124).

ابن‌هندو، ابوالفرج علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 420 /410 ق)، ادیب، شاعر، طبیب و منجم. از مردم ری بود. در نیشابور تحصیل کرد و هم در آنجا با دانش یونانی آشنا شد. از شاگردان ابوالحسن دائلی بود. پزشکی را نزد ابن‌خمار آموخت. مدتی در گرگان در خدمت قابوس وشمگیر بود. در اشعارش قابوس و فرزند وی، منوچهر، را ستود. پس از آن به خدمت عضدالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا پایان زندگی دبیر وی بود. از آثارش: «مفتاح الطب»؛ «الکلم الروحانیة من الحکم الیونانیه»؛ «کتاب النفس»؛ «المقالة المشوقة فی المدخل الی العلم الفلسفه»؛ «الرسالة المشرقیه»؛ «انموذج الحکمة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (89 -88 /5)، ایضاح المکنون (704 -379 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (302 /1)، تاریخ طب (678 /2)، تاریخ طبرستان (125 -138)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (920 /7)، دائرةالمعارف البستانی (732 /1)، الذریعه (36 /9)، ریحانه (280 -279 /8)، روضات الجنات (216 -215 /5)، کشف الظنون (1762)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌هندو)، معجم الادباء (146 -136 /13)، معجم المؤلفین (83 -82 /7)، نامه‌ی دانشوران (134 -127 /3).

ابن‌هیصم هروی، صدرالاسلام، مجدالدین، علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(زنده قبل از 280 ق)، ادیب، شاعر و محدث. در هرات متولد شد، از آنجا به بغداد رفت و از عثمان بن سعید دارمی (م ح 280 ق)، حدیث شنید. ابواحمد غطریفی گرگانی از او حدیث شنید. ابن‌هیصم در سرودن شعر به زبان عربی توانا بد. از آثار وی: «مفتاح البلاغة»؛ «کتاب البَسملة»؛ «نهج الرشاد»؛ «عقود الجواهر»؛ «لطائف النُکَت»؛ «تصفیة القلوب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (8/ 286)، تاریخ بغداد (5 /12)، ریحانه (1/ 363)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (280 -277 /13)، معجم المؤلفین (7/ 141)، هدیة العارفین (698 -697 /1).

ابن‌یمین فریومدی، امیر فخرالدین، محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 772 /769 ق)، شاعر و ادیب. پدرش از ترکانی بود که از ماوراءالنهر به خراسان آمده بودند. با دربار ابوسعید و طغاتیمور مراوده داشت. ابن‌یمین نخست در دیوان استیفا مشغول به کار شد. سپس به تبریز رفت و در دستگاه غیاث‌الدین محمد فرزند رشیدالدین فضل‌اللّه به خدمت مشغول شد. از آنجا عازم عراق عجم شد و سپس به زادگاهش بازگشت. وی علاءالدین محمد فریومدی را می‌ستود و با سربداران دوست بود. در 743 ق در نبرد میان وجیه‌الدین مسعود سربداری با ابوالحسین محمد بن غیاث‌الدین کرت «دیوان» اشعارش گم شد و گویا به سارت آل‌کرت درآمد. در دربار آل‌کرت به گردآوری مجدد «دیوان» اشعارش همت گماشت. سپس به سبزوار رفت و انزوا گزید. شعر وی برخلاف گویندگان معاصر وی ساده و دوراز تکلّف است. در سرودن قطعه بیش از دیگر قالبها تبحر داشت. به جز «دیوان» شعر، مثنوی «مجلس افروز» از جمله آثار باقی مانده از اوست. وی از نخستین شاعرانی است که در مناقب امامان و درباره‌ی فاجعه کربلا شعر سروده است. از شاگردان برجسته‌ی وی می‌توان به ابوعلی فارسی اشاره کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (39 -37 /1)، از سعدی تا جامی (301 -291)، ایضاح المکنون (488 /1)، با کاروان حله (274 -271)، تاریخ ادبیات در ایران (962 -951 /3)، تاریخ نظم و نثر (201 -200)، تذکرة الشعراء (314 -306)، حبیب السیر (386 /3)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (926 -924 /7)، دایرةالمعارف فارسی (23 /1)، الذریعه (34 /9)، ریحانه (284 -282 /8)، سرآمدان فرهنگ (53 /1)، سیری در شعر فارسی (89)، فرهنگ ادبیات فارسی (18 -17)، الکنی والالقاب (454 /1)، فهرست کتب چاپی (4 -2 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌یمین)، مجالس المؤمنین (672 -671 /2)، مجمع الفصحا (8 -1 /4)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 769 ،743)، هدیة العارفین (408 /2)، هفت اقلیم (286 -285 /2).

ابوالفتح بستی، نظام الدین عمید

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بستی، علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز (ف. بخارا 400 یا 401 ه.ق.). از مشاهیر مترسلان و شاعران پارسی و تازی در آغاز عهد غزنویان و اواخر قرن چهارم است. وی نخست در خدمت «بایتوز» امیر بست به سر می‌برد و دبیر او بود و پس از غلبه سبکیگین بر بایتوز به دبیری سبکتیگین منصوب شد و تا پایان حیات آن امیر و اوایل پادشاهی محمود صاحب دیوان رسائل بود، تا عاقبت به عللی سلطان بر او متغییر شد و بستی به دیار ترک افتاد و در آن غربت فروشده. عوفی گفته که خود و دیوان پارسی و تازی او را دیده.
(وف 401 / 400 ق)، شاعر و کاتب. ابتدا در دربار سامانیان به شغل دبیری اشتغال داشت و بعد از آن به خدمت امیر بست پیوست و تا هنگامی که ناصرالدین سبکتکین بر امیر بست غلبه یافت، سمت دبیری داشت ابوالفتح از بیم او متواری شد، لیکن سبکتکین که بر مرتبه‌ی او در دانش وقوف داشت وی را به خدمت خواند و به دبیری برگزید. ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در اوایل سلطنت محمود نیز همچنان در شغل خود باقی ماند تا عاقبت به جهاتی سلطان بر او متغیر شد. وی در شعر و نثر عربی مهارت بسیار و در هر دو شهرت داشت و دارای دو «دیوان» بود، یکی تازی و دیگری فارسی. در بخارا درگذشت. ابوالفتح چند رساله‌ی در انشاء نیز نوشته است.[1]
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (144 / 5)، تاریخ ادبیات در ایران (458 -457 / 1)، تاریخ گزیده (690)، تاریخ نظم و نثر (45)، تذکره‌ی روز روشن (23)، دایرة المعارف فارسی (26 / 1)، لباب الالباب (64 / 1)، مجمع الفصحا (150 / 1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 400)، نامه‌ی دانشوران (197 -173 / 4)، وفیات الاعیان (378 -376 / 3).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(356 -284 ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الفرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظة البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرة النسب»؛ «دعوة التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[1]
اصفهانی علی بن حسین (و. 284 ه.ق./ 897 م.- ف. 356 ه.ق./ 967 م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] استادان موسیقی (31)، الاعلام (88 /5)، اعیان الشیعه (201 -198 /8)، تاریخ ادبیات در ایران (642 /1)، تاریخ الاسلام (حوادث 145 -143 /380 -351)، تاریخ برگزیدگان (274 -272)، تاریخ بغداد (400 -398 /11)، تاریخ در ایران (24 -23)، تاریخ هنرهای ملی (736 -735 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (978 -977 /7)، دائرةالمعارف البستانی (304 -303 /2)، دایرةالمعارف فارسی (26 /1)، الذریعه (377 -376 /21، 742 /9، 287 /8، 250 -249 /2)، سرآمدان

فرهنگ (82 -81 /1)، سیر النبلاء (203 -201 -16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 184 -183 /4)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (189)، الفهرست للطوسی (379)، فوائد الرضویه (280 -278)، الکامل (25 /7)، کشف الظنون (1951 ،1947 ،1444 ،1256 ،756 ،605 ،419 ،360 ،161 ،129 ،128)، الکنی و الالقاب (139 -138 /1)، لسان المیزان (15 -13 /5)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (136 -94 /13)، معجم المؤلفین (79 -78 /7)، مؤلفین کتب چاپی (213 -212 /4)، نامه‌ی دانشوران (58 -44 /4)، الوافی بالوفیات (26 -20 /21)، وفیات الاعیان (309 -307 /3)، هدیة العارفین (681 /1).

ابوالقاسمی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ابوترابی علوی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ابوترابی علوی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر بن العالم الجلیل آسید ابوتراب قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین بودند تولد ایشان در سال 1316 قمری در دارالسلطنه قزوین واقع شده و پس از دو سال در خدمت والد خود به عتبات عالیات مشرف و مدت 15 سال در تحت مراقبت چنان پدری که مظهر قدس و ورع و تقوا بودند تربیت و در سال 1331 ق مراجعت به ایران و قزوین نموده و در آنجا شروع به مقدمات و سطوح را خدمت والد خود و سایر علماء خوانده و در سال 1342 ق مهاجرت به قم و خدمت مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللَّه آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و مراتب دانش و اجتهادشان مورد تصدیق آن مرحوم و مشحون به دست خط مبارکشان گردیده و از مرحوم محدث قمی و والدشان هم اجازه روایتی داشته و بعد به امر مرحوم آیت‌اللَّه حایری به قزوین آمده و تا آخر عمر به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین اشتغال داشته تا بعد از 1380 وفات و به صالحین نیاکانش ملحق گردیده است چنانچه در ذیل ترجمه والدشان اشاره نمودم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ابوترابی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ابوترابی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/10/3

ابوترابی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، در سال 1318 هجری شمسی در شهر مقدس قم متولد شد. پدر بزرگوارش آیت الله سید عباس ابوترابی، فرزند آیت الله سید ابوتراب و مادرش دختر آیت الله سید محمد باقر علوی قزوینی است. حجت الاسلام ابوترابی تحصیلات ابتدایی تا پایان دوره دبیرستان را با موفقیت سپری کرد و در سال 1336، موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. پس از اخذ دیپلم با توصیه پدر بزرگوارش به تحصیل دروس دینی علاقمند شد و در سال 1337 به مشهد مقدس عزیمت نمود و در مدرسه نواب اقامت گزید. دروس مقدماتی و دوره سطح را با جدیت و تلاش شبانه روزی و استعدادی شگرف در حوزه علمیه مشهد گذراند و از اساتید بزرگی چون ادیب نیشابوری و مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بهره های فراوانی برد. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال 42، همراه با حاج آقا مصطفی وارد جریانات سیاسی شد و در تظاهرات مردم قم در 15 خرداد سال 42، حضوری فعال داشت. در هجوم عوامل رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه، مورد ضرب و شتم مأمورین شاه قرار گرفت. در پی تبعید حضرت امام (ره) به نجف اشرف، ایشان نیز به نجف مشرف و مشغول تحصیل شد و در محضر امام راحل(ره) از درس خارج فقه و اصول معظم له بهره مند شد. پس از حدود شش سال تحصیل در نجف، هنگامی که اعلامیه های امام خمینی (ره) را در کیف خود جاسازی کرده بود تا به ایران بیاورد، در مرز خسروی باز داشت شد و ساواک ایشان را به زندان قصر شیرین، سپس به زندان کرمانشاه و زندان کمیته مشترک و پس از آن به زندان اوین منتقل کرد و او را مورد شکنجه و بازجویی قرار داد. پس از آزادی از زندان، فصل جدیدی در فعالیتهای سیاسی ایشان آغاز شد و همراه با شهید مجاهد، سید علی اندرزگو علاوه برمبارزات سیاسی، به سازماندهی جهاد مسلحانه همت گماشتند و در این دوره بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفتند. مرحوم ابوترابی به واسطه حشر و نشر فراوان با شهید اندرزگو، عمیقاً با خصوصیات اخلاقی و صفات حسنه آن مجاهد فی سبیل الله آشنا شده بود و خاطرات بسیاری از او به یاد داشت. در توصیف شهید اندرزگو فرموده است که: "شهید سید علی اندرزگو، از یک اخلاق اسلامی در سطح بسیار بالا برخوردار بود و آن گونه بود که قرآن می فرماید: "... اشداء علی الکفار و رحماء بینهم". مرحوم

ابوترابی، با افرادی چون شهید رجایی ارتباط نزدیک و همکاری تنگاتنگی داشت و در جلسات ماهانه شهید آیت الله بهشتی شرکت می کرد و از نزدیک با آن شهید عزیز در زمینه جذب نیروهای فعال و تحصیلکرده همکاری داشت. وی همچنین با سایر مبارزان و علمای مجاهد دوران ستمشاهی، از جمله رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای همکاری و ارتباط داشت. با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران، او سر از پا نمی شناخت و خواب را بر خویش حرام کرده بود به طوری که خود ایشان می گفت: "در آن روزهای پر التهاب، کار ما سنگین بود و بسیار اتفاق می افتاد که در طول شبانه روز کمتر از یک ساعت می خوابیدیم". در جریان پیروزی انقلاب، فرماندهی گروهی از مردم که کاخ سعدآباد را به تصرف در آوردند به عهده داشت و امکانات و وسایل موجود در کاخ را مورد حفاظت قرار داده و تحویل مقامات ذی صلاح داد. ایشان همچنین با همکاری برادرشان حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی، در تصرف پادگان لشکر قزوین نقش کلیدی داشتند و از خروج اسلحه و ادوات و تجهیزات جنگی ممانعت کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی قزوین به خدمت محرومان و مستضعفان پرداخت و پس از آن با رأی مردم، به عضویت شورای شهر قزوین انتخاب و رئیس شورا شد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، با لباس رزم به سوی جبهه رفت و در کنار شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگهای نا منظم به سازماندهی نیروهای مردمی پرداخت و شخصاً به ماموریت های شناسایی رزمی و دشوار می رفت. آزادی منطقه پر حادثه و خطرناک ((دب حردان)) به فرماندهی وی و در رأس یک گروه متشکل از یکصد رزمنده فداکار، یکی از اقدامات ایشان است. مرحوم ابوترابی سرانجام در روز 26 آذر ماه سال 59 در جریان یکی از مأموریتهای شناسایی که برای تکمیل شناسایی قبلی خویش انجام داد تا نیروهای ستاد جنگهای نامنظم آماده یک عملیات گسترده شوند، بر اثر اشتباه یکی از همراهان خود، در حالی که هفت کیلومتر از نیروهای خودی دور شده و تا 200 متری دشمن پیشروی کرده بود، هنگام بازگشت مورد شناسایی دشمن بعثی قرار گرفت و گرچه می توانست خود را از دام دشمن برهاند، اما چون قصد داشت همراهان خود را نجات دهد، با تانک و نفربر به تعقیب وی پرداختند و نهایتاً به اسارت دشمن در آمد. مرحوم ابوترابی پانزده ماه اول اسارت را در سلولهای زندانهای بغداد و تحت شدید ترین شکنجه ها گذراند و در اراده پولادین این مرد خدا خللی ایجاد نشد تا پس از سپری کردن سختی های فراوان و دو بار تا پای چوبه دار رفتن با لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی، ایشان به اردوگاه و جمع اسیران ایرانی منتقل شد. حجت الاسلام ابوترابی پس از حضور در جمع سایر اسیران، با رهبری حکیمانه خود و با

تمسک به ائمه معصومین (ع) و با معنویت و سعه صدر و حلم و بردباری فوق العاده مکر و حیله دشمنان بعثی را بی تأثیر نمود و شمع محفل ایران شد و در جهت تقویت روحیه مقاومت و ایمان آنان از هیچ اقدام و ایثاری دریغ نورزید. هدف و راه را به آنان نشان می داد و چون ابری فیاض، امید و ایمان را بر آنان می بارید. اردوگاههای عنبر، موصل1، 3، 4 و رمادیه و تکریت 5، 17، 18، و نیز سلولهای زندانهای بغداد شاهد خوبیها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر آن عارف حکیم هستند. این عارف مجاهد، پس از ده سال اسارت سرانجام در سال 1369، همراه با خیل آزادگان سرافراز به میهن اسلامی بازگشت و به جای آنکه پس از سی سال مبارزه و تلاش طاقت فرسا به استراحت بپردازد، راهی دشوارتر را در پیش گرفت و همراهی آزادگان و پی گیری مشکلات آنان را وظیفه خود می دانست و در این راه تمام تلاش و توان خود را صرف کرد و در تاریخ 7/7/69 با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه نماینده ولی فقیه در امور آزادگان قرار گرفت و تمام سعی خویش را به کار بست تا آزادگان، مایه عزت و تقویت نظام جمهوری اسلامی باشند. در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، با رأی بالای مردم قدرشناس تهران به عنوان نفر دوم و سوم مجلس راه یافت و در خانه ملت، با نطق های خود، مسئولین و کارگزاران نظام را به رعایت عدالت، توجه به توده مردم و حفظ ارزشهای دینی نمود. مرحوم ابوترابی، تقویت و دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه را واجب می دانست و نسبت به شخص مقام معظم رهبری ارادت و اعتقاد ویژه ای داشت و اطاعت از ایشان و تقویت معظم له را در هر مجلس و محفلی متذکر می شد. آن مجاهد خستگی ناپذیر، سرانجام در تاریخ دوازدهم خرداد 79 در حالی که همراه پدر بزرگوارشان عازم مشهد مقدس و زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) بودند، در جاده بین سبزوار و نیشابور، براثر تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد و ارواح آن عالمان وارسته از خاک به افلاک پر کشیده و به لقاء الله پیوستند. این بزرگوار در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) غرفه 24 به خاک سپرده شد.

ابونراس اهوازی، حسن

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران معروف دوره‌ی بنی‌عباس است که بین 130 و 145 ق در اهواز از مادری ایرانی متولد شد و در بصره و کوفه پرورش یافت و سپس به بغداد رفت و به خدمت برامکه پیوست و بعد از افول دولت آنها به مصر گریخت، ولی دگر بار به بغداد بازگشت و از مقربان خلیفه، امین، شد. ابونراس به قولی در زندان و به 2 قولی دیگر در میخانه‌ای در بغداد بین 198 و 200 ق وفات یافت. اشعار وی بیشتر در وصف می و معشوق و بعضی در مدح هارون الرشید وامین است. «دیوان» اشعار او بعد از مرگش توسط ادبا تدوین گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (241 -240 /2)، تاریخ ادبیات زبان عربی (315 -296)، تاریخ بغداد (450 -436 /7)، خاندان نوبختی (23 -21)، دائرةالمعارف البستانی (371 -368 /2)، دایرةالمعارف فارسی (36 /1)، روضات الجنات (51 -36 /3)، ریاض العلماء (526 -525 /5)، ریحانه (290 -287 /7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه، (267 -266)، الکنی و الالقاب (168 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونواس)، مجالس المومنین (583 -582 /2)، الوافی بالوفیات (286 -283 /12)، وفیات الاعیان (104 -95 /2).

ابونصر (ابومضر)

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نجم‌الدین محمود بن جریر ضبی اصفهانی، ادیب نحوی معتزلی لغوی معروف به «فرید العصر»، در نحو و لغت و طب، بلکه در جمیع علوم و فنون سرآمد اهل زمان بوده و بدو مثال می‌زدند. در خوارزم سکونت داشته و مذهب معتزله را ترویج می‌کرده و جمعی کثیر از علما که از آن جمله است زمخشری از محضر او مستفید شده‌اند. در سال 507 در مرو وفات یافته کتاب: 1- زاد الراکب، در متفرقات ادب و اشعار و حکایات 2- مسالک العباد، در تصوف به فارسی 3- مناهج الطالبین از اوست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ابونصر قاینی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. معروف به مناح. وی از ادبای معروف عصر خود بود که شعر عربی را نیکو می‌سرود و در حکمت نیز دست داشت. در بعضی منابع کتاب «قراضه‌ی طبیعیات» را به وی نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (352)، بهارستان (169 -167)، تاریخ نظم و نثر (63)، الذریعه (65 /17).

ابونصر قباوی بخاری، احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، مترجم. وی از مردم قبای بخارا بود. در سال 523 ق کتاب «تاریخ بخارا» را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی در سال 332 ق برای نوح بن نصر سامانی نوشته بود، با جرح و تعدیل‌هایی ازعربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرد که از شاهکارهای نثر فارسی است. این کتاب در سال 570 توسط محمد بن زفر بن عمر، خلاص شد و اینک همان خلاصه در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (978 -977 /2)، تاریخ بخارا (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (70 /1)، دایرةالمعارف فارسی (594 /1).

ابونصر مشکان، منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 431 ق)، نویسنده و منشی معروف به شیخ عمید. صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی و پسرش مسعود بود. از منشیان زبردست زمان خود که در نثر عربی و فارسی استاد بود. ابوالفضل بیهقی مورخ معروف که دستیار و دست پرورده‌ی او در دیوان رسالت بود، از استاد خود به نیکی یاد می‌کند و سبک نگارش خود را متأثر از وی می‌داند و چندین مکتوب وی را در تاریخ خود آورده است که آثار قلمی وی همین مکاتیبی است که بیهقی در اثر خود نقل کرده است.[1]
شیخ العمید ابونصر بن مشکان (ف. 431 ه.ق.). وی در ادب فارسی و تازی دست داشت و صاحب دیوان رسایل محمود ومسعود غزنوی بود (تا پایان حیات) نمونه‌هایی از انشای او در تاریخ بیهقی موجود است و ابوالفضل بیهقی خود شاگرد او بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (634 /1)، تاریخ برگزیدگان (167)، تاریخ گزیده (391)، دایرةالمعارف فارسی (36 /1)، سبک شناسی (69 -66 /2)، الکامل (21 /8)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 431).

ابهری، شمس‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید شمس‌الدین بن السید الجلیل السید اسدالله موسوی ابهری که از ذراری حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام و از علماء مبرز معاصرین بوده است در تهران وی در سال 1324 قمری در ابهر متولد شده پس از تحصیل سطوح در قزوین در سال 1349 قمری ببلده طیبه قم عزیمت نموده و در حوزه درس اساتید بزرگ بالاخص مرحوم آیه‌الله حایری و مرحومین آیتین آقای حجت و آقای حاج سید محمد تقی خونساری قدس‌الله انفسهم استفاده نموده و از آن بزرگواران مفتخر به اخذ تصدیق اجتهاد شده و پس از فوت مرحوم آیه‌الله حایری بنجف اشرف مشرف گردیده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله اصفهانی حاضر و از آن بزرگوار هم به اخذ تصدیق اجتهاد نائل و در اثر تأکید و تقاضای اهالی ابهر بامر مرحوم آیه‌الله اصفهانی به ابهر مراجعت نموده و در مسجد جامع ابهر باقامه جماعت و وظائف دینی پرداخته و مورد توجه عموم قرار گرفته و بواسطه حسن عمل و اخلاق حسنه محبوبیت بسزائی تحصیل کرده تا در سال 1362 قمری و غائله توده‌ای‌های آذربایجان که مجبور بمهاجرت به تهران گردیده و مورد اقبال و توجه جمعی از علاقمندان گشته و آنان از مقام فضل و دانش و محامد آداب ایشان استفاده نموده و چند سالی در مسجد سلیمی خیابان ناصر خسرو اقامه جماعت و بعد در مسجد باب‌الحوائج خیابان صفا شهباز به اداء وظیفه دینی و روحی اشتغال یافته تا در ایام فاطمیه که در سال 1392 قمری که در منزلش مجلس سوگواری منعقد بود بسکته قلبی بدرود حیات گفته و با تشییع مجلّلی حمل بقم و در جنب وادی‌السلام قم مدفون گردیده است.
از آثار ایشانست تعمیر ماسجد خاصه تجدید بناء مسجد جامع ابهر که از آثار قدیمه میباشد که توسط آنمرحوم آباد گردیده و نیز مدرسه برای طلاّب علوم دینی احداث و بنا نموده و چندین طلبه را تکفل و تشویق بتحصیل علوم دینی نموده که از فضلاء امروز ابهر و حومیه آن در قم میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابهری، کمال الدین ابوعمرو، ابوعمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، ادیب، شاعر. از وزیران سلجوقیان بزرگ بود. پیش از وزارت، در دستگاه سلطنت کارهای خطیر و مشاغل مهم دیوانی داشت وی زمان هرج و مرج سلطنت طغرل از بیم دشمنان در جامه‌ی اهل تصوف به حجاز رفت و از آن جا، رباعیی در وصف حال خود سرود و به ابهر فرستاد. همان رباعی در تذکره‌ها به عنوان شاهد شعری وی ثبت شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (178)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1143 -142 /9)، دستورالوزراء (220 -219)، نسائم الاسحار (91 -90).

ابهری، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید نورالدین بن آیه‌الله الحاج السید شمس‌الدین موسوی ابهری مزبور از علماء معاصر و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم است. وی در ابهر متولد شده و با معیت والدش بتهران آمده و پس از خواندن مقدمات بقم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ به پایان رسانیده آنگاه در درس خارج آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیه‌الله العظمی امام خمینی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و نیز آیه‌الله العظمی گلپایگانی شرکت و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا معقولا و منقولا استفاده‌ی کامل نموده و هم از فلسفه و تفسیر علامه طباطبائی بهره‌مند و بنابر دعوت مردم شهر آراء تهران و امریه حضرت آیه‌الله العظمی شریعتمداری بتهران منتقل و در مسجد شهر آراء باقامه‌ی جماعت و ترویج دین پرداخته تا فوت مرحوم والدش در جمادی الاولی 1392 قمری که در مسجد آن مرحوم نیز بانجام وظیفه مشغول میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ابیوردی کوفنی، ابوالمظفر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 507 ق)، ادیب، شاعر، نسب شناس و محدث شیعی. در بعضی کتب شهرت او را کوفنی نوشته‌اند. در کوفن، دهی میان ابیورد و نسا، متولد شد. به بغداد رفت و به خدمت مؤید الملک بن نظام الملک درآمد. و به درخواست او عمیدالدوله را هجو کرد و عمیدالدوله شکایت به نزد خلیفه برد که ابیوردی شعر در هجای خلیفه عباسی و مدح خلیفه فاطمی مصر سروده است. خلیفه خون او را مباح کرد. ابیوردی به همدان گریخت و نسبت مجعول منسوب به معاویة بن محمد بن عثمان را برای خود ساخت. وی پس از فرار از بغداد، مدتها در اصفهان به پریشانی زیست، و از رهگذر تعلیم فرزندان زین الملک برسق گذران زندگی می‌کرد، ولی بعد به دربار سلطان محمد سلجوقی راه یافت و سلطان او را مشرف مملکت خود کرد. گویند بعد از قاضی ابویوسف اسفراین متصدی دارالکتب نظامیه‌ی بغداد شد. و در اصفهان مسموم شد و از دنیا رفت. ابیوردی از اسماعیل بن مسعده‌ی جرجانی، عبدالوهاب بن محمد بن الشهید و ابوبکر بن خلف شیرازی حدیث شنید و از ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و عبدالقاهر جرجانی، روایت کرد. محمد بن طاهر مقدسی در کتاب «انساب» خویش از ابیوردی بسیار روایت کرده است. از آثار وی: «قبسة العجلان فی نسب آل ابی‌سفیان»؛ «المجتبی من المجتنی»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «طبقات العلم»؛ «تعلة المشتاق»؛ «کوکب المتأمل»؛ «کتاب فی انساب»؛ «الدرة الثمینة»؛ «تاریخ ابیورد و نسا». وی صاحب «دیوان» شعری است در سه بخش: «عراقیات»، «نجدیات» و «جدیات». او را در مرثیه امام حسین (ع) قصیده‌ای است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 209)، اعیان الشیعه (9/ 102)، تاریخ ادبیات در ایران (2/ 239)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (9/ 1146)، الذریعه (35 /17 ،96 /8 ،219 /4)، روضات الجنات (8/ 19)، ریاض العلماء (29 -30 /5)، ریحانه (1/ 72)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 6/ 247)، الکامل (268 -267 /8)، کشف الظنون (1942، 1930، 1637، 1105، 945، 774، 398، 281)، الکنی و الالقاب (11 -10 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابیوردی)، معجم الادباء (266 -234 /17)، معجم المؤلفین (314 /8)، الوافی

بالوفيات (93 -91 /2)، وفيات الاعيان (449 -444 /4)، هدية العارفين (82 -81 /2).

ابیوردی، حسام الدین، ابومحمد حسن

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(816 -761 ق)، دانشمند، فقیه و خطیب شافعی. اصل وی از سرخس بود ولی در ابیورد تولد یافت و همان جا نشو و نما کرد. وی شاگرد ملا سعدالدین تفتازانی بود. به بغداد رفت و بعد از ان به اصفهان، و در این شهر به تحصیل علوم ریاضی پرداخت. ابیوردی در مکه سکومت گزید و در آخر عمر راهی یمن شد و در آنجا مجلس درس دایر کرد. وی از زاهدان زمان، و بر مذهب غلاة و اهل تفویض بود. از آثار وی: «ربیع الجنان فی المعانی و البیان»؛ حاشیه بر شرح قطب الدین رازی بر «مطالع الانوار» سراج الدین ارموی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1147 -1146 /9)، روضات الجنات (38 -37 /4)، ریحانه (42 /2)، کشف الظنون (1716 ،833)، معجم المؤلفین (251 -250 /3)، هدیة العارفین (287 /1).

اثناعشری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن فرزند حاج ولی‌اللَّه اثناعشری از دانشمندان خدوم و مروجین دین و مبلغین احکام و ناشرین معارف اهل بیت و دلسوخته‌گان خاندان رسالت علیهم‌السلام و سالار شهیدان علیه الصلوه والسلام است، که در منزل خود به خدمات دینی و روحی و تبلیغ اسلام و تهذیب نفس و اخلاق داوطلبان و شیفته‌گان اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص منتظرین ظهور حضرت مهدی فاطمه سلام‌اللَّه علیها و علیه اشتغال دارند.
وی در تاریخ 1312 شمسی در تهران متولد شده و در دامن پدری باایمان و تقوا و ولایت آل اللَّه پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و از محضر و درس عالم ربانی و سالک سبحانی ثقةالاسلام حاج شیخ حسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله طهران استفاده نموده و نیز قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر قزوینی فراگرفته و در ماه ذیقعده سال 1370 قمری به قم آمده و از محضر و دروس مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مقداری آیت‌اللَّه حجت رحمه‌اللَّه و حاج شیخ عبدالنبی عراقی و بالاخص آیت‌اللَّه بروجردی استفاده کرده و در سال 1344 شمسی به نجف اشرف مشرف شده و حدود سه سال اقامت و از محضر و ابحاث حاج شیخ محمدحسین تهرانی معروف به قاجار که از اعاظم علماء و فقهاء نجف بوده استفاده کرده و در سال 1347 شمسی مراجعت به تهران نموده و تا حال تحریر 1411 قمری به خدمات یاد شده اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اثنی عشری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا حسن اثنی عشری برادر مرحوم حسین اثنی عشری که پس از وی در مساجد او در شهر ری به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته تا در هفتم ماه صفر 1391 وفات نموده و در کشیکخانه آستانه مقدسه مدفون گردیده است وی نیز مقدمات را در ری خوانده و به قم مهاجرت کرده و سطوح و نهائی را از اساتید حوزه آموخته آنگاه به ری برگشته و بخدمات دینی پرداخته تا در سال مذکور دعوت حق را اجابت نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اثنی عشری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا حسین بن السید الجلیل المرحوم الحاج السید حاج آقا اثنی عشری اعتمادی از علماء ابرار و اتقیاء اخیار شهرستان ری (زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) است که به تقوا و پارسائی و تعصب در دین معروف و موصوف بوده‌اند.
وی در سال 1318 قمری در شهر ری متولد و در مهد تربیت مرحوم والدش که از روساء آستانه مقدسه و محترمین زاویه مقدسه بوده نشو و نما یافته و دروس جدید را به پایان رسانیده آنگاه بتحصیل مقدمات و ادبیات در مدرسه محمدیه تهران پرداخته و بعد از تکمیل آن در سال 1349 قمری به قم مهاجرت و سطوح را از اساتید حوزه چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله فراگرفته و در دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه حایری مقداری و پس از ایشان از محضر مرحومین علمین آیتین حجت و خونساری استفاده نموده و در سال 1362 قمری بوطن مذکور خود برگشته و بوظائف دینی پرداخته و در آستانه مقدسه اقامه جماعت و همه شب تبلیغ دین و تفسیر کتاب مبین نموده و در امر بمعروف و نهی از منکر بسیار ساعی و جدی و در این موضوع (لا یخافه لومه لائم) بوده تا در شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان 1384 قمری که در هنگام انجام وظیفه در بالای منبر بسکته قلبی بدرود حیات گفته و در رواق مطهر نزدیک درب حرم شریف مدفون گردیده است.
از آثار اوست تفسیر اثنی عشری در 14 جلد که در حیات آن مرحوم طبع و نشر گردیده و دیگری رساله‌ای در اخبار و احادیث و رساله‌ای در اصول عقاید که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اجلالی، امین‌پاشا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از ایران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعه مسائل دستوری، دروس حماسی و عرفانی، فرهنگ شاهنامه، راهنمائی 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مشاوره 3 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تحقیقی و تدریسی بیشتر برای کمک درس دانشجویان و استفاده آنان در درک بهتر مطالب ادبی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبی، عرفانی، دستوری، فرهنگی و لغوی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

احترامی، منوچهر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منوچهر احترامی متولد سال ۱۳۲۰ است. در مدارس مروی و دارالفنون دوران تحصیل را طی کرد و از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التّحصیل شد.
وی سال‌ها به عنوان طنزنویس با نشریات مختلف همکاری داشت و طی چندسال گذشته اغلب آثارش را در مجله گل‌آقا چاپ می‌کرد.
طنزنویسی را به طور جدّی از سال ۱۳۳۷ با مجله توفیق آغاز کرد و با مطبوعات دیگر و نیز رادیو و تلویزیون هم همکاری داشت. امضاهای مستعار، «م.پسرخاله»، «الف ـ اینکاره» و ... از امضاهای اوست .
احترامی مجموعه‌ای از این آثار را درکتاب «جامع الحکایات» منتشر کرد و چاپ بخشی از داستان‌های طنزش را در مجموعه «بچه ها، من هم بازی» تدارک دید.
منوچهر احترامی تاکنون بیش از پنجاه عنوان کتاب برای کودکان نوشته و منتشر کرده که «حسنی نگو یه دسته گل» و «خروس نگو یه ساعت» و «خرس وکوزه عسل» و «دزده و مرغ فلفلی» و... از آن جمله‌اند.
خودش دربارهٔ تحصیلش می‌گوید:«چند ماهی رشتهٔ ریاضی خواندم. چون شیطان بودم، بیرونم کردند. جایی اسمم را ننوشتند و مجبور شدم بروم مدرسهٔ مروی در محلّهٔ ناصرخسرو. چهارم و پنجم را آن‌جا خواندم و ششم را دارالفنون. انصافاً هم سطح این دو مدرسه بالا بود. ما بیست و پنج نفر بودیم که بیست و چهار نفرمان برای دورهٔ لیسانس پذیرفته شدیم. سال سی و نه دانشکدهٔ حقوق قبول شدم. بچه‌ی درس‌نخوان شاگرد اوّلی بودم!» و ایضاً بخوانید خاطره‌ای از دوران تحصیل ایشان:«یادم هست یک‌بار چون بچّهٔ زرنگ کلاس بودم، همه امتحان ریاضی را از روی دست من نوشتند. معلّممان دید که برگه‌ام را آویزان کرده‌ام که بقیه ببینند، با خودکار قرمز بالای برگه نمرهٔ یک گذاشت و رفت. همه آن امتحان را هجده شدند و من، یک! جالب این‌جاست که رفقا هنوز هم این خاطرهٔ بد من را به عنوان خاطرهٔ شیرین دورهٔ تحصیلشان همه‌جا تعریف می‌کنند»
احترامی در عرصهٔ طنز به خاطر تسلّط بر ادبیات فارسی از سبک‌ها و قالب‌های گوناگون استفاده می‌کند.
وی در روز چهارشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ بر اثر نارسایی قلبی، در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

احدی نسب، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی احدی نسب
محل تولد : شمیران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1372 همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی احدی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبده" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:
1- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.
2- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایة الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.
خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیة الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.
مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.
منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسانبخش، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق احسانبخش از علماء و ائمه جماعت و مروجین ارزنده‌ی معاصر رشت می‌باشد.
وی در شهر رشت متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در محل خود خوانده سپس مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ قم به پایان رسانیده و پس از آن از محضر آیات عظام حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و دیگران استفاده نموده و بعد به وطن خویش شهر رشت برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت در مسجد (چینی‌چیان) و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

احسانی فر، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد احسانی فر
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/7/1
زندگینامه علمی
با اخذ سوم نظری در دبیرستان، در اوّل پاییز سال 1360 وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. به رغم نشاط و رونق علمی کم نظیر این حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاجّ شیخ علیرضا ممجَّد لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمد و شدها، در سال تحصیلی بعد به حوزه مشهد و در سال سوّم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز 1363 وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم.
جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجّد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اوّل اصول مظفّر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال 1367 حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احسائی، علینقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1246 ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. دومین فرزند شیخ احمد احسائی. که در حساهجر مرکز شیعی نشین ساحل شبه جزیره‌ی عرب متولد شد. شاگرد و پیرو مکتب تند پدرش در تشیع بود و در سفرهای ایران و عراق او را همراهی می‌کرد. بیش از ده تألیف در کلام و تفسیر، نزدیک به شیوه‌ی فلسفی پدرش، دارد که برخی از آنها چاپ شده است. علینقی در کرمانشاه درگذشت و چون انتقال جنازه را حرام می‌دانست، در همان جا به خاکش سپردند. وی شعر نیز می‌سرود و «دیوان» اشعارش به چاپ رسیده است. از آثارش: «نهج المحجة»، در امامت؛ «منهج السالکین» یا «منهاج السالکین»، در اخلاق؛ «المعاد»؛ «واضح المنار فی علم الاسرار»؛ «رسالة فی القصة الموسی و الخضر»؛ «رسالة العلم»؛ «الرد علی رسالة بعض العرفا»؛ «مشرق الانوار» در حکمت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (9/ 1204)، الذریعه (12 -11 /25، 424 /24، 189، 161 /23، 173 /21، 195 /20، 98 /17، 316 /15، 197 /10، 763 /9)، مؤلفین کتب چاپی (4/ 602)، معجم المؤلفین (7/ 254- 255).

احمدپناهی، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جلال احمد پناهی
محل تولد : سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا احمد خان بیگی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال تحصیلی 58 - 57 با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال 59 دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.
در سال 78 با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال 81 فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال 78 برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال 81 به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.
در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدزاده بزاز، عبدالمطلب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالمطلب احمدزاده بزاز
محل تولد : خرمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1360 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) اهواز شدم. در زمان ورود به حوزه مدرک سال دوم تجربی را داشتم، تا سال 1365 در این حوزه درس خواندم. ادبیات را به طور کامل، معالم الاصول، شرح لمعه، اصول مظفر و قسمت قطع و ظن رسائل را در اهواز به پایان بردم. از سال 1365 به حوزه قم آمدم و تا سال 69- 68 باقیمانده سطح یعنی برائت و استصحاب، رسائل، مکاسب و کفایه را گذراندم. پس از آن همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی، باقیمانده دوره متوسطه را به صورت متفرقه خواندم.
درس خارج اصول از ابتدا بر اساس کفایة الاصول از سال 1369 شروع و در سال 1386 به پایان رسیده است. درس خارج فقه در سالهای 69 و 70 مباحث صلاة بوده است و پس از آن مباحث فقه المعاملات (از ابتدای بیع) بر اساس مکاسب شروع شده که تاکنون ادامه دارد.حدوداً ده سال همزمان با درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی از محضر درس خارج مباحث طهارت تا خمس (بر اساس عروه) حضرت حجةالاسلام حاج شیخ محسن وحید خراسانی نیز استفاده برده ام.
از سال 1371 جهت تحصیل در رشته حقوق وارد دانشگاه مفید شده ام که اکنون در حال تدوین رساله در مقطع دکتری می باشم. امتحان جامع نیز سپری شده است.
در زمان تحصیل دروس حوزوی، به صورت پراکنده از مباحث ادبیات گرفته تا فقه و اصول تدریس داشته ام که بیشتر آنها را در خاطر ندارم. پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد نیز دروس تخصصی رشته حقوق را از جمله در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز تدریس کرده ام.

احمدسلطانی، منیره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
خلاصه : منیره احمد سلطانی در سال 1331در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان «کسایی» گذراند بعد به دبیرستان « عطار» رفت و در ادامه در دبیرستان « اسدی» دوره متوسطه را به اتمام رسانید. خانم باوندی (همسر محمد زهری) نیز یکی از معلمان منیره احمد سلطانی بود که دراین راه او را بسیار تشویق کرد و در واقع جرقه شوقی را که معلمان ابتدایی او زده بودند به آتش اشتیاقی برای مطالعه بدل کرد. در سال 1347 دررشته حقوق دانشگاه پذیرفته شد که به احترام پدر وارد دانش سرای عالی شد و در سال 1351 مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علامه طباطبایی گرفت و بعد از یک وقفه طولانی به دلیل حوادث انتقلاب اسلامی در سال 1364 مدرک کارشناسی ارشد خود را نیز اخذ کرد و در سال 1370 در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تحصیلات خود را ادامه داد و از پایان نامه دکتری خود دفاع کرد. منیره احمد سلطانی نیز یکی از همان استادان برجسته و با پشتکاری است که نکات پیچیده در ادبیات را بیان می کند و با این اندیشه آثار برجسته ای از خود به جا گذاشته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منیره احمد سلطانی در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد شد. پدرش مردی آگاه و روشن بین بود و در آن ایام به همان اندازه که تحصیلات پسرانش اهمیت داشت، تحصیل دخترش نیز حائز اهمیت بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسی از دانشسرای عالی، سال ۱۳۵۱ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد سال ۱۳۶۴ از دانشگاه علامه طباطبایی ـ دریافت مدرک دکتری ۱۳۷۰ دانشگاه آزاد واحد کرج - گذرادن دوره بهداشت و پزشکیاری در دانشگاه تهران
خاطرات و وقایع تحصیل : منیره احمد سلطانی بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ در دانشسرای عالی سرگرم تحصیل بود و کارشناسی خود را گرفت. در همین ایام به خاطر کار مجبور شد به لنگرود برود و همسرش عبدالحسین فرزاد (مترجم و استاد دانشگاه) هم با او به آنجا رفت. یک سال بعد مأموران ساواک عبدالحسین فرزاد را دستگیر کردند و در این

روزها منیره احمدسلطانی ایام سختی را سپری کرد چون مجبور بود ـ با این که شاغل بود ـ بدون همسرش زندگی و فرزندان را اداره کند. یک سال و اندی بعد وقتی فرزاد از زندان آزاد شد، از آموزش و پرورش اخراج شده بود و همین امر موجب شد که فرزاد هم بتواند به تحصیلاتش ادامه دهد. در این ایام منیره احمدسلطانی در لنگرود زندگی می کرد. در سال ۱۳۵۶ به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه ـ در منطقه سیزده ـ سرگرم تدریس شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : منیره احمد سلطانی در سال 1356 از لنگرود به تهران آمد و در دبیرستان فرزانه سرگرم تدریس شدو بعد از دوره کارشناسی ارشد مدتی به عنوان مدرس تربیت معلم درس "ادبیات کودکان و نوجوانان" تدریس میکرد
استادان و مربیان : در زمان سپری کردن دوره آموزش عالی و کارشناسی ارشد و دکتری توانست از محضر استادان بسیار برجسته استفاده کند، استادانی چون دکتر تفضلی، دکتر سادات ناصری، دکتر زرین کوب، دکتر مشکور، دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر جعفر شعار، دکتر استعلامی، دکتر شمیسا، دکتر شهیدی، دکتر پورنامداریان، دکتر ابوالقاسمی و دیگر استادان...
همسر و فرزندان : همسر وی عبدالحسین فرزاد ـ مترجم و استاد دانشگاه است.
فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی منیره احمد سلطانی میتوان به : تدریس در دانشگاه هایشهید بهشتی، آزاد اسلامی، مراکز تربیت معلم، پیام نور منیره احمدسلطانی در دوره کارشناسی تاکنون استاد راهنمای بیش از ۵۰ پایان نامه بوده که موضوع بیشتر آن ها ادبیات بوده و همچنین بخشی از آنها ادبیات کهن و تعدادی دیگر به ادبیات معاصر و حتی ادبیات کودکان و نوجوانان ازجمله «نقد انوری و تأثیر او بر سعدی و حافظ» ، «نقد و بررسی اشعار منوچهری»، «صور خیال و صنایع لفظی در مخزن الاسرار نظامی»، «بازتاب تضاد دراندیشه انوری»، «بررسی اصطلاح عشق در آثار عین القضات» و... اختصاص داشته است. او در دوره کارشناسی ارشد نیز استاد راهنمای رساله های بسیاری بوده است. استاد راهنمای پایان نامه های کارشناسی ارشد
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ـ همکاری با مطبوعات از سال ۱۳۷۰ از قبیل: فصلنامه پژوهش ادبی، اطلاعات شوکران، کیهان فرهنگی، رشد زبان و ادب فارسی، رودکی و سروش، انتخاب، فرهنگ منیره احمد سلطانی از دهه ۷۰ نیز با نوشتن نقد و مقالات ادبی وارد عرصه مطبوعات شد. این فعالیت نخست در کیهان فرهنگی و سپس در مجله رشد زبان و ادب فارسی و ادبیات معاصر شکل گرفت. هرچند در سال ۱۳۷۸ با ۲۵

سال سابقه تدریس از آموزش و پرورش کناره گیری کرد، اما تاکنون هیچ گاه تدریس را رها نکرده و تنها محل خدمتش را از آموزش و پرورش به دانشگاه منتقل کرده است.
آرا و گرایشهای خاص : منیره احمد سلطانی معتقد است، اگرچه به تازگی درباره نقد علمی و کاربردی در ایران حرکت هایی صورت گرفته، اما «پیری» نوع خاصی از نقد علمی را در کتاب خود مطرح می کند و معتقد است که سخن گفتن و بررسی یک اثر باید با مدارک و استنادهایی علمی و نه به شکل احساسی صورت بگیرد. در نقدی که «پیری» مطرح می کند باید همه جوانب اثر مورد بررسی قرار گیرد. منیره احمد سلطانی به دانشجویان توصیه می کند که بیشتر مطالعه کنند زیرا شرایط تحقیق و پژوهش مهیا است و دانشجویان می توانند از این شرایط استفاده بهینه کنند و در مسیر افزایش سطح علمی خود، کوشا باشند. محققان و پژوهشگران نیز با توجه به تجربیاتشان می توانند به نسل جوان کمک کنند تا بتوانند آینده کشورمان را بسازند. این یعنی همیاری و سازندگی آینده و کشور.
جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه سال 1375

آثار :
1 «قصیده فنی و تصویرآفرینی خاقانی»
ویژگی اثر : چاپ 1371
2 اساطیر شاخه طلایی اثر سرجیمز فریزر
ویژگی اثر : در دست چاپ
3 ترجمه چگونه نقد بنویسیم اثر ب. پیری
4 ترجمه زنان در سلامت وبیماری
5 ترجمه فرهنگ فولکلور جهان (?? جلد)
6 کتاب «واژگان فارسی در زبان فارسی»
7 کتاب خاقانی شروانی؛ نقد و پژوهش با نمونه اشعار
ویژگی اثر : چاپ 1376
8 کتاب دستور گشتاری بر مبنای زبان شناسی و معناشناسی
9 کتاب گزینه اشعار انوری ابیوردی
10 کتاب معانی و بیان در شعر معاصر
11 هزار واژه اشتقاقی در زبان انگلیسی، اسطوره بریتانیا اثر (چارلز اسکوا)، ستاره شناسی و مسائل الهی
ویژگی اثر : در دست چاپ منابع زندگینامه
:http://www.iranologyfo.com/

احمدوند، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن احمدوند
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 68 رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه کرمانیها شروع به خواندن مقدمات نمودم، بعد از یک سال به مدرسه شهیدین رفتم و به دلیل عدم تطابق با برنامه های مدرسه از آنجا اخراج گردیدم، پس از آن به صورت آزاد به ادامه تحصیل علوم دینی پرداختم و به صورت متفرقه امتحان پایه های چهارم و پنجم حوزه را با موفقیت گذراندم و دو مرتبه به صورت رسمی طلبه حوزه علمیه شدم و در سال 78 وارد درس خارج و به مدت هشت سال در درس خارج اساتیدی همچون مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، آیت الله مددی، آیت الله شبیری زنجانی و آیت الله صانعی شرکت نمودم و همزمان با شرکت در دروس خارج به تحقیق و ترجمه و تالیف روی آوردم که ثمره آن تالیف چندین کتاب و ترجمه چندین اثر و تحریر مقالات متعددی است که برخی به زیور چاپ آراسته و برخی نیز در شرف چاپ و نشر است.

احمدوند، معروف علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف علی احمدوند
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب معروف علی احمدوند در سال 1342 در روستای دهلق از توابع شهرستان ملایر به دنیا آمدم. دوران تحصیل ابتدائی را در زادگاه خود آموختم و برای تحصیل در دوره راهنمائی به دهستان آورزمان با فاصله 8 کیلومتر از روستای خودمان رفتم. دوران دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان رساندم.
در سال 1361 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم. و همزمان با تحصیل در حوزه در جبهه های جنگ نیز شرکت می نمودم. از سال 1365 در کنار دروس حوزوی وارد مؤسسه در راه حق شدم و مدت 5 سال دوره عمومی آن مرکز را آموزش دیدم.
در سال 1373 در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته شدم. تا سال 1376 تحصیلات آن مقطع را با نگارش پایان نامه به اتمام رساندم و از مهر همان سال در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان به عنوان عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و از آبان ماه همان سال به مدت 4 سال ریاست دانشکده الهیات آن دانشگاه را به عهده داشتم و در کنار آن به تدریس نیز اشتغال داشتم. در سال 1382 به عنوان دانشجوی دکترا در رشته کلام در دانشگاه قم پذیرفته شدم که در حال حاضر پس از گذراندن دوره آموزشی به نگارش پایان نامه اشتغال دارم و در بعضی از مراکز دانشگاهی اشتغال به تدریس نیز دارم.

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد علی احمدی ابهری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
وی در سال 1335در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیةالله سیّد شمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیةالله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیّه قم بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال 1358 موفق به اخذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.
در ابتدای تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال 1359 به حوزه علمیّه قم وارد شده و از محضر اساتید بزرگواری چون آیات عظام محقق داماد، محفوظی، مکارم شیرازی، صالحی مازندرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.
همراه با تحصیلات حوزوی از سال 1370 تا 1373 در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی جلفایی، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید احمدی جلفایی
محل تولد : هادی شهر جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/1/15
زندگینامه علمی
اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد 15/ 01/ 1357 در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال 1357 همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال 1379 ملبس به لباس روحانیت شده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.
در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.
بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیة الله مکارم شیرازی، حضرت آیة الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیة الله وحید خراسانی، حضرت آیة الله سید احمد مودی، حضرت آیة الله کریمی، حضرت آیة الله سید موسی بشیری زنجانی، حجةالاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از

خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی راد، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی احمدی راد
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
پس از آن که دروس مقدماتی در حوزه شهرستان نیشابور را فرا گرفتم، به حوزه مشهد رفتم. در آن حوزه ضمن فراگیری درسهای حوزوی در جلسات سخنرانی بزرگان حوزه شرکت می کردم از جمله برنامه های بسیار آموزنده، رهگشا و عالمانه مقام معظم رهبری در مسجد کرامت، مسجد امام حسن مجتبی، درسهای اعتقادی شهید هاشمی نژاد و گاه درسهای تفسیری عارف بزرگوار آقا میرزا جواد آقا تهرانی.
در حوزه قم افزون به شرکت در درسهای بزرگان که از آنها در بخش اساتید نام بردم و کارهای تبلیغی معمولی از آغاز آبان 1362 تاکنون با مجله حوزه بوده ام در پی ریزی بنای آن ادامه حیات و... ؛ و نیز در مجله فقه از آغاز تاکنون به اندازه توانایی نقش داشته ام پی ریزی و ادامه حیات؛ در ضمن در مجله حوزه علاوه بر ویراستاری محتوا و بازنویسی عضو هیات تحریریه و سیاست گذاری مجله نیز هستم.
در مجله فقه نیز افزون بر عضویت در هیات تحریریه و سیاست گذاری از آغاز بهمن 72 تا سال 1383 تمامی شماره ها را بنده ویراستاری و بازنویسی کرده ام.

احمدی شاهرودی، احمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1305(1346 ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود).
درگذشت: 25 شعبان 1417 ق.
آیت‌الله احمدعلی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمدحسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقا شیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت. پس از چند سالی، به حوزه علمیه مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دوره عالی دورس فقه واصول به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمدتقی خوانساری، حجت کوه کمره‌ای، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها برگرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.
ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامه جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماه‌ها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیه آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.
برخی از تألیفات چاپ شده آن فقید عبارت است از:
تقلید الاعلم؛ سیری درعقاید (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ به سوی خدا بروید؛ مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء؛ انگیزه حق (درباره مناقب امیرالمومنین- ع)، جنگ خیبر؛ تفسیر موضوعی. تألیفات چاپ نشده ایشان

عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی (درباره لباس مشکوک)، رساله در مسئله‌ی بداء؛ ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی؛ روحانیت در عصر انقلاب.
آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان 1417 ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله بدرود حیات گفت.
احمدعلی احمدی فرزند آقا شیخ محمدحسن احمدی میامئی شاهرودی در ساله 1305 شمسی در میامی که در ده فرسنگی شاهرود در طریق خراسان واقع شده به دنیا آمده و در مهد پرورش والدش که از علماء برجسته آن منطقه بوده نشو و نما نموده است.
مرحوم شیخ محمدحسن پدر مترجم ما در علوم مختلفه بالاخص علم طب اطلاعاتی داشتند و مردم آن بخش از وجودش استفاده می‌کردند. و پدر ایشان آقا شیخ احمد نیز از اوتاد و زهاد زمان خود و دارای تألیفات بوده‌اند و همینطور پدران او تا چند پشت روحانی بوده‌اند.
وی پس از پایان تحصیلات ابتدائی برای تحصیلات مذهبی خود به مشهد مشرف شده و تحت سرپرستی رئیس حوزه علمیه مرحوم آیت‌اللّه احمد کفائی قرار و دوره مقدمات و ادبیات را خدمت ادیب نیشابوری به پایان رسانیده سپس دوره سطح را از محضر اساتید بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی تکمیل و اصول و معارف الهی را در خدمت حاج شیخ مجتبی قزوینی که از شاگردان بزرگ میرزا مهدی غروی اصفهانی بوده و نیز مقداری از فلسفه و کلام را از آن مرحوم استفاده کرده و بعد از پایان دوره سطح در حوزه مشهد به اتفاق بعضی از فضلاء مشهد هجرت به قم نموده و از درس خارج مکاسب و اسفار آقای خمینی و آقای حجت کوهکمری و حاج سیدمحمدتقی خونساری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و بالاخص حاج آقا حسین بروجردی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در نجف اشرف از اساتید بزرگ حوزه نجف چون آقای حکیم و آقای شاهرودی و حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده کرده سپس به قم مراجعت و از طرف آقای بروجردی اعزام به حومه فارس شهر آباده گردیده و حدود دو سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و کتاب اسلام و عقاید را بر رد مذاهب باطله مخصوصا صوفیه در آنجا تألیف نموده و پس از برگشت از استان فارس اعزام به فیروز کوه شده و مدتی هم در آنجا مشغول ارشاد بوده و پس از چندی که مبارزه با فرقه ضاله بهائیه آغاز گردید به اتفاق چند نفر دیگر به امر معظم له به منطقه فریدون و چهار محال رفته و با آنان مبارزه نموده که به نابودی برخی از رهبران گمراه آنها منتهی شده و پس از آن از طرف آن مرحوم به قراء اطراف کاشان که مرکز بهائیه بوده رفته تا عده‌ای از آنها توبه نموده و به دامن

اسلام برگشتند و برخی هم مانند دکتر برجیس که مبلغ آنها بود در کاشان کشته شده و آن گروهک تضعیف و نابود شدند.
و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از طرف حوزه علمیه قم در تهران انجام وظیفه نمود سپس به قم مراجعت و تا حال تحریر این کتاب اشتغال به تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت در مسجد امام رضا علیه‌السلام در سالاریه اشتغال دارند.
دارای تألیفات چندی می‌باشند.
1- اسلام و عقاید که مکرر به طبع رسیده.
2- رساله تقلید اعلم عربی.
3- کتاب سوی خدا بروید.
4- انگیزه حق در مناقب امیرالمؤمنین.
5- رساله در بداء و روحانیت در عصر انقلاب و قبل از انقلاب.
6- کتابی در احکام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی طالشیان، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا احمدی طالشیان
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/2
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا احمدی طالشیان متولد 1345پس از گذراندن سال اول دبیرستان در سال 1361 وارد حوزه علمیه بابل مدرسه صدر سابق و خاتم الانبیاء فعلی شدم. پس ازآن درتهران درمدرسه های شهید بهشتی و مدرسه حاج آقا مجتهدی درس خوانده و در سال 1365 وارد مدرسه رسول اکرم (ص) قم شدم.
از سال 1375 در درس خارج شرکت کردم که بیشتر آن در کلاس حاج شیخ صادق لاریجانی بوده است در این مدت به صورت متفرقه درسهای دبیرستان را گذراندم.
در سال 1375 از موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شده و هم اکنون مشغول نوشتن پایان نامه ارشد با عنوان تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه می باشم.
در طول سالهای گذشته همکاری های متعدد علمی و اجرائی با نهادهای مختلف بخصوص کنگره های علمی مانند: شیخ انصاری، کنفرانس وحدت، شهید صدر، نقش اجتهاد در زمان و مکان داشتم. همکاری های تحقیقاتی و علمی با مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشته و چند عنوان کتاب نیز تدوین نموده ام.
در نمایشگاه های سراسری نرم افزاری علوم اسلامی مرکز تحقیقات کامپیوتری مسئولیت تهیه و انتشار خبرنامه را نیز داشتم .

احمدی فراز، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی احمدی فراز
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد مهدی احمدی فراز در سال 1350متولد و در سال 1365مشغول تحصیل شدم و سال 1368موفق به اخذ دیپلم شدم. بعد از آن به خدمت سربازی اعزام و یک سال از سربازی را گذراندم. دانشگاه قبول شدم و از خدمت معاف شدم و مشغول به تحصیل شدم. بعد از اخذ مدرک کارشناسی دو مرتبه به خدمت سربازی رفتم و در سال 1370مشغول به تحصیل در حوزه و دانشگاه شدم.
سال 1378مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم و در سالهای بعد آن دروس حوزوی را تا پایه 8 خواندم و فعالیت های جنبی داشته ام که بطور خلاصه عبارتند از:
1- حفظ قرآن کریم 2- حفظ کلمات قصار نهج البلاغه 3- شرکت در کلاسهای مکالمه عربی دفتر تبلیغات حوزه علمیه و اخذ مدرک از موسسه باقرالعلوم قم 4- در حال حاضر کلاسهای ترجمه انگلیسی بصورت کارگاه شرکت دارم که متون را از عربی به انگلیسی برمی گردانیم.

احمدی گیوی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : حسن احمدی گیوی متولد اول بهمن۶ ۱۳۰ در گیوی خلخال چشم به جهان گشود وی بعد از تحصیل در مدرسه ناصری خلخال گرچه مدارج دانشگاهی اش را تا اخذ مدرک فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی پی می گیرد،اما قریحه ادبی و ذوق شعر و شاعری که از عنفوان جوانی در او متبلور بوده است،حسن احمدی گیوی را ترغیب به تحصیل در زبان و ادب فارسی می کند،آنچنان که دکترای خویش را با موضوع «دستور تاریخی فعل» و با راهنمایی دکتر محمد معین و بعد دکتر محمد مقدم به نگارش در می آورد و در سال ۱۳۴۴ از رساله دکترای خود دفاع می کند. او اکنون استاد بلند مرتبه ادبیات و چهره شناخته شده نزد ادیبان و مؤلفان و محققان زبان فارسی امروز است. و مؤلف بیش از پنجاه جلد کتاب در زمینه ادبیات فارسی است
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - تحصیل در مدرسه ناصری خلخال - فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی - دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران
استادان و مربیان : از استادان وی میتوان به آقایان دکتر معین ، دکتر محمد مقدم و دکتر خیام پور اشاره کرد.
هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران حسن احمدی گیوی میتوان دکتر محمد استعلامی و دکتر نجفی اسداللهی را نام برد.
فعالیتهای آموزشی : حسن احمدی گیوی بیش از چهارده فعالیت پژوهشی در موسسه لغت نامه دهخدا داشته و در دانشگاههای متعدد زبان و ادب فارسی تدریس کرده است.
آرا و گرایشهای خاص : او درباره زبان فارسی دیدگاه های نو و تازه ای دارد.او معتقد است: «زبان فارسی یکی از زبان های مهم خانواده زبان های هند و اروپایی است، با وجود پژوهش های دامنه داری که در زمینه تاریخ زبان فارسی و زبان های ایرانی میانه و باستان انجام گرفته است، هنوز به درستی نمی دانیم زبان فارسی دنباله مستقیم کدام یک از زبان های ایرانی میانه است. او به محتوای سخن ایمان دارد تا قالبی که با آن شعری سروده شده باشد. «از حضرت محمد(ص) پرسیدند عقیده شما درباره شعر چیست. ایشان فرمودند: «شعر سخن است و سخن، خوب و

بد دارد». اگر در شعر سعدی یک سخن سست دیدید، نمی توانید بگویید چون این سخن را سعدی گفته پس خوب است. حتی گمنام ترین شاعر هم می تواند سخن تازه و دلنشینی را بگوید. من از معدود معلمان ایران هستم که شعرهای سپید بسیاری را در حافظه ام دارم . من همانطور که به فردوسی و مولانا و حافظ عشق می ورزم به نیما، شاملو، فروغ، سهراب، دکتر شفیعی کدکنی و... هم احترام می گذارم. برای من قالب ها و الفاظ به منزله لباس است. اینها شخصیت مستقلی ندارند.» خطر تحریف آن نگاه قابل توجهی دارد: «من خطری که برای زبان فارسی احساس می کنم، خیلی مربوط به صدا و سیما و نهادهای مشابه نیست. اصل خطر به دلیل زبان های علمی دنیا است که با اختراعات فراوانی که صورت می گیرد و وارد مملکت می شود، این زبان علمی به سرعت با فارسی در آمیخته می شود. متأسفانه ما به دلیل کمبود بودجه تحقیقاتی برای اهل فرهنگ و تحقیق تاب مقاومت در برابر این هجوم گسترده نداریم. در نتیجه ما اینطور بی رحمانه تهدید می شویم. احمدی گیوی معتقد است که ادبیات معاصر ما نیز نخبگان بسیاری پرورانده، اما در کوران آثار بی محتوا گم شده است. «مردم آنقدر کتاب بد خوانده اند که طعم کتاب خوب را حس نمی کنند. در گذشته پدید آورندگان آثار جدی قوی تر بودند و با نویسندگان عامه پسند مبارزه می کردند. اما حالا کفه ترازو به نفع باری به هر جهت نویس ها سنگین شده است...
جوائز و نشانها : - سه شنبه اول بهمن ماه دو سه سال پیش بود، مراسم بزرگداشتی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تولد «دکتر حسن احمدی گیوی » استاد برجسته ادبیات فارسی در تالار بعثت باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد. دوتن از برجسته ترین ادیبان ایرانی «دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی» و «دکتر حسن انوری» بانی این بزرگداشت در روز تولد دوست و همکار خود بودند، حرکتی زیبا و بدیع که نشان از صافی و صفای باطن آن دو استاد و ارزش و اعتبار « حسن احمدی گیوی » داشت. - انتخاب به عنوان نویسنده کتاب برتر سال ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد برای «دستور تاریخی فعل»
چگونگی عرضه آثار : حسن احمدی گیوی در خلال سالهایی که در موسسه دهخدا مشغول بوده است زیر نظر استاد محمد معین مشغول به کار بوده و تحقیق و تفحص در زبان و ادب فارسی را به جد دنبال می کرد: «از سال چهل تا امروز یعنی حدود ۴۵ سال است که من در مؤسسه لغت نامه دهخدا کارمی کنم و ۲۴ جلد از ۲۲۲ جلد مجموعه لغت نامه دهخدا را من نوشتم. یعنی بیش از دیگر همکاران این مؤسسه، مجلدات لغت نامه را تألیف کرده ام.» با این حال احمدی گیوی مهمترین اثر خویش را همان دستور تاریخی فعل می داند.این کتاب مشتمل بر ۱۹۶۴ صفحه است.از

دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند. کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد. حسن احمدی گیوی شاعر نیز هست: «شعرهای من بیشتردر قالب کلاسیک سروده شده، البته شعر آزاد هم دارم اما شعر سپید اصلاً نگفتم و نمی توانم بگویم. اشعار من عموماً در قالب غزل نیست. درمجموعه دو - سه غزل دارم که این غزل ها هم به یاد عزیزانم سروده شده است. شعرهای من بیشتر یا قطعه هستند و یا قصیده. عموماً شعرهایم ملی و میهنی، سیاسی و اجتماعی و انتقادی و مبارزاتی و انقلابی اند. چه قبل ازانقلاب و چه در جریان انقلاب و چه بعد ازانقلاب اشعاری که سروده ام، همه را در یک جلد گردآوری کرده ام.» با این حال او به همه قالب ها ی شعری معتقد است و بر خلاف بسیاری از همنسلانش که در عرصه پژوهش ادب فارسی، سخن از شعر نو گفتن را بر نمی تابند.

آثار :

1 آیین پژوهش و مرجع شناسی

ویژگی اثر : از دیگر آثار مهم احمدی گیوی کتاب «آیین پژوهش و مرجع شناسی» است: «آیین پژوهش و مرجع شناسی را به عنوان یک کتاب درسی و دانشگاهی تألیف کرده ام. زمانی که من در دانشگاه رشته ادبیات فارسی تدریس می کردم. شیوه تحقیق و مرجع شناسی را درچندین فصل برای دانشجویان تشریح کرده ام. شیوه مراجعه به منابع و مآخذ چیست؟ پیداکردن کتاب ها، آیین کتابداری، آیین نقطه گذاری، آیین تلخیص، یادداشت برداری ضمن مطالعه جزو مباحثی بودند که دراین کتاب توضیح داده شده است.»

2 ادب و نگارش

3 از فن نگارش تا هنر نویسندگی
4 دستور تاریخی فعل
ویژگی اثر : اما موضوع «فعل» بعد از آن احمدی گیوی را رها نکرد و به مهمترین دغدغه پژوهشی او بدل شد: «تمام مباحث فعل را از دوران رودکی و بلعمی و بیهقی مرور کردم و تا آثار جلال آل احمد و اسلامی ندوشن و دکتر ناتل خانلری و آثار دیگر نویسندگان معاصر را فیش کردم. حدود ????? فیش تهیه کردم. منابع تحقیق من متون نثر بودند، از متون نظم فقط سه کتاب موردنظر من قرار گرفت که فردوسی و سعدی و ملک الشعرای بهار بودند. حداقل چند نکته جدید که درهیچ یک از کتاب های دستور زبان مطرح نشده بود ، دراین تحقیق چهل ساله کشف و ضبط کردم. بنده در تبریز شاگرد دکتر خیام پور بودم و از آنجا که سخت شیفته دستور نویسی ایشان بودم، علاقه ای خاص به دستور زبان پیدا کردم. وقتی به تهران آمدم و در دوره دکتری قبول شدم، آقای دکتر معین، من و آقای دکتر محمد استعلامی ودکتر نجفی اسداللهی را به لغت نامه دعوت کرد و از من پرسید که برای رساله دکتری فکری کرده ای؟ گفتم می خواهم با شما مشورت کنم. گفت روی فعل کار نشده، شما درباره فعل رساله بگیرید. اقسام فعل به اعتبار زمان. خودایشان ? جلد کتاب درباره اسم نوشته بودند. بعد از دوسه سال که با ایشان کار کردم دکتر معین سکته کردند و من با آقای مقدم ? سال دیگر کار کردم تا این کتاب تمام شد. این اثر به دلایلی چاپ نشد و من تصمیم گرفتم در همه مسائل فعل تحقیق کنم. اینگونه بود که در مجموع ?? سال طول کشید و این کتاب دوجلدی حاصل تلاش ? دهه من است. چهل سال تلاش و هفتاد و پنج هزار فیش.»این کتاب مشتمل بر ???? صفحه است و برخی از فصول مهم آن به این شرح است: «تعریف فعل و کلیات»، «اقسام فعل به اعتبار زمان» (که یکی از فصول اصلی کتاب است)، «اقسام فعل به اعتبار مفعول»، «اقسام فعل به اعتبار فاعل»، «اقسام فعل به اعتبار ساختار»، «اقسام فعل به اعتبار نقش»، «اقسام فعل به اعتبار صرف»، «اقسام فعل به اعتبار وجه»، «اقسام فعل از جهات گوناگون» «مفردات فعل »، «فعل و گفتنی های ناگفته». احمدی گیوی در پیشگفتار کتاب نوشته است: «...فعل، کار دستور نویسی و استخراج قواعد زبان را با دشواریهایی همراه می کند.و علت عمده آن این است که مرز دقیقی میان زبان نوشتاری روز با زبان کهن، با همه وجوه افتراق آنها دیده نمی شود و کاربردهای نحوی و صرفی دیرین، چه در نثر و چه در شعر امروز فراوان به چشم می خورد...لازمه پژوهش جامع در دستور زبان فارسی این است که برای هر واحد جغرافیایی ـ تاریخی دستور زبانی جداگانه نوشته شود و علاوه بر این، هر یک از مقولات دستوری از آغاز تا امروز جداگانه بررسی

شود.» و به راستی که حسن احمدی گیوی در نگارش این اثر ماندگار،چنین کرده است.

5 دستور تطبیقی زبان ترکی به فارسی

ویژگی اثر : حسن احمدی گیوی به زبان و فرهنگ آذری نیز توجه ویژه دارد و در این زمینه نیز پژوهش های مهمی را به ثمر رسانده است.کتاب دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی از آن جمله است.زبان ترکی آذربایجانی، زبان بخش بزرگی از شمال غرب ایران، شامل استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، و نیز بخشی از مناطق مرکزی ایران از جمله قزوین، ساوه، همدان و شهرهای استان مرکزی است.کتاب احمدی گیوی، یک دوره کامل دستور زبان ترکی است که جزء به جزء با دستور زبان فارسی سنجیده شده و در آخر نیز فصلی با عنوان «رهنمود آموزش زبان ترکی به فارسی زبانان» به آن افزوده شده است

6 دستور زبان فارسی

ویژگی اثر : . دستور زبان فارسی نیز عنوان اثر دیگری از حسن احمدی گیوی است که به همراه دکترحسن انوری، در خرداد ???? در دو جلد انتشار یافت و به سرعت به یکی از منابع مهم درسی و پژوهشی بدل گشت. این کتاب، مجموعه ای جامع و مفید از اصول و قواعد دستور زبان نوشتاری امروز است که شاهدها و مثال های بسیار از این زبان را دربر دارد.در آخر هر بخش، تمرین ها و پرسش های مناسبی آورده شده و در آخر کتاب نیز جمله ها و عبارت های گوناگونی تجزیه و ترکیب شده است.احمدی گیوی درباره نگارش دستور زبان های فارسی در صد سال گذشته اطلاعات جالبی را بازگو می کند.او می گوید: «دستور زبان فارسی برای نخستین بار یکصد و بیست سال پیش توسط حاج میرزا حبیب اصفهانی به نگارش در آمد. قبل از این تاریخ ما دستور تدوین شده ای نداشتیم. البته آنچه عالم بزرگوار حبیب اصفهانی نوشته بود، چندان کامل نبود و بعد بزرگانی با دانش و بینش خیره کننده ای در یک کارگروهی پنج استاد را نوشتند. البته نباید از حق گذشت که استاد ارجمند دکتر پرویز ناتل خانلری که خدایش رحمت کند در این وادی رنج بسیاری برد و گنج شایسته ای نیز برجا نهاد. اما کار ارزشمندی که در این باب صورت گرفته اثر فناناپذیر دکتر خیام پور تبریزی است. ایشان دستور را به نحو حیرت آوری کامل کرد و به آنچه که دیگران به آن بی توجه بودند، به درستی پرداخت. به عقیده من صحیح ترین، سازنده ترین و کارساز ترین قدمی که در دستور زبان فارسی به صورت علمی و تحقیقی نوشته شده، اثر دکتر خیام پور است که دستور زبان فارسی من و دکترحسن انوری هم ملهم از همین اثر است. با این تفاوت که ما از کمک زبان شناسان استفاده کردیم. چون دستور بدون زبان شناسی امروز می لنگد. به همین دلیل دستور زبان

فارسی که ما نوشتیم، بین زبان شناسی و دستور سنتی است. به همین دلیل کتاب های ما در تیراژهای وسیع منتشر می شود. گذشته از دستور زبان فارسی که برای آموزش و پرورش در تیراژ میلیونی چاپ می شود کتاب دستور زبانی به چاپ رسانده ایم که در عرض ?? سال ?? بار تجدید چاپ شد. آن هم در تیراژ بالا. این به خاطر اعتدال ماست. هم به ساخت گرایی توجه داشتیم و هم به معنا وفادار ماندیم. همین است که سخت مورد استقبال ادب دوستان قرار گرفته ایم.»

7 زبان و نگارش فارسی

ویژگی اثر : .» حسن احمدی گیوی اثری با عنوان زبان و نگارش فارسی نیز نگاشته و هدف از تدوین این کتاب را فراهم آوردن امکانی برای علاقه مندان به زبان فارسی می داند که با قواعد نگارش و خط فارسی و انواع نوشته ها از قبیل مقاله، داستان، رمان، گزارش، ترجمه و ...بیشتر آشنا شوند.احمدی گیوی در این کتاب از طرح بحث های طولانی و مطالب کاملاً تخصصی خودداری کرده و نمونه هایی از نوشته های ادبی، اجتماعی، اخلاقی و حکایات و داستان ها را نقل کرده است، به گونه ای که مخاطبان کتاب، طیف گسترده ای از علاقه مندان غیر حرفه ای باشند.

8 شوریده و بی قرار

9 گزیده از فن نگارش تا هنر نویسندگی

ویژگی اثر : کتاب «از فن نگارش تا هنر نویسندگی» نیز یکی دیگر از تألیفات احمدی گیوی است.این کتاب بیشتر اثری درسی و دانشگاهی است و برای دانشجویانی که در رشته های غیراز ادبیات تحصیل می کنند، نوشتن و شیوه نگارش را توضیح می دهد.

10 گزیده اشعار و مقالات دهخدا

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

احمدی میانجی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیةا... حاج شیخ علی احمدی میانجی در چهار محرم 1345 قمری (1304 شمسی) در روستای پورسخلو میانه به دینا آمد و در سال 1358 قمری برای تحصیل علوم اسلامی به میانه رفت و تا آخر شرح لمعه را نزد اساتید آن شهر آموخت سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم منتقل و سطوح را نزد مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی و مرحوم آیةا... علامه طباطبائی آموخت و سپس خارج فقه و اصول را از محاضر آیات عظام بروجردی و داماد گلپایگانی استفاضه نمود. ایشان هم اکنون از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم هستند. کتاب"الاسیر فی اسلام"تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : علی احمدی میانجیدوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملاً تربیت اسلامی یافت.
خاطرات کودکی : علی احمدی میانجی، مرحوم حضرت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت اللّه آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود.(3) او با مشورت و هدایت آیت اللّه حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت اللّه احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی احمدی میانجی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشأت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به

زبان فارسی مسلط شود. سال 1358 ه . ق (بهار 1318) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند. آیت اللّه احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت اللّه حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. بنا به نوشته آیت اللّه احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت اللّه آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت اللّه حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجة الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید. وی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. آیت اللّه احمدی، درمدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت اللّه میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد. آیت اللّه احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت اللّه سید حسین قاضی آموخت.(6) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت.آیت اللّه احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت اللّه آقا میرزا احمد کافی الملک یاد گرفت.(7) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد(8) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد.

خاطرات و وقایع تحصیل : علی احمدی میانجی در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت اللّه احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قران، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت اللّه احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت اللّه احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

فعالیتهای ضمن تحصیل : علی احمدی میانجی در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد

استادان و مربیان : از استادان علی احمدی میانجی می توان به اساتید زیر اشاره کرد: آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی هدایت آیت الله حائری مرحوم آیةا... حاج سید حسین قاضی نایینی ایروانی کاشف الغطا آیت الله میرزا رضی زنوزی حضرت علامه طباطبایی آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک بروجردی گلپایگانی محقق داماد

هم دوره ای ها و همکاران : علی احمدی میانجی و با آیات عظام: میلانی، خویی و مرعشی نجفی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد.

وقایع میانسالی : علی احمدی میانجی با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلای جوان می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب

شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت اللّه احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت اللّه بهاء الدینی و یا آیت اللّه بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت اللّه احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:1 - سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ 2 - از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ 3 - از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ 4 - خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ 5 - خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ 6 - در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.
زمان و علت فوت : علی احمدی میانجی پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور 1379 چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظّم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امامِ قم به حرم حضرت معصومه (س) تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوارِ کریمه‌اهل‌بیت (ع) جنب مرقد علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد.
فعالیتهای آموزشی : علی احمدی میانجی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلای پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت اللّه احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت اللّه قدّوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با

جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عمده خدمات فرهنگی - اجتماعی مرحوم علی احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:الف) میانه:در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت اللّه شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت اللّه احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.در سال 1348 آیت اللّه احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی - مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانانِ دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال 1356 به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همّت آیت اللّه احمدی و با همیاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، امّا صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از 30 سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می‌کند.ب) قم:صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت اللّه احمدی جزء مؤسسین پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.اشتیاق آیت اللّه احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بودکه محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی احمدی میانجی سال 1341، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت اللّه احمدی حضور متعهدانه خود

را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح اللّه خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشنگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.آیت اللّه احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می‌کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.عید نوروز و خرداد سال 1342، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عموی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایت‌های رژیم بپردازد، آیت اللّه احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد همانگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت. ین عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست.

همفکران فرد : با توجه به نگرش پویای علی احمدی میانجی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند.

آرا و گرایشهای خاص : نوع فعالیت‌های اجتماعی علی احمدی میانجی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این موضوعات تحقیق و تدریس می‌کنند؛ اما آیت اللّه احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.کتاب

ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال 1339 شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال 1328 آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود 23 سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.آیت اللّه احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبانی اسلام و تشیّع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات بااستدلال و برهان از حریم اسلام و تشیّع دفاع کنند.
جوائز و نشانها : کتاب"الاسیر فی اسلام"تالیف علی احمدی میانجی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی‌فقیه جامع الشرایط اداره شود، به جدّ اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت ذمه‌اش مشغول خواهد شد.ایشان در باب اخذ وجوه شرعیه (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند. ----------
---
آثار :
1 احادیث اهل البیت عن طرق اهل السنة
ویژگی اثر : این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت اللّه احمدی و مرحوم آیت اللّه حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری

به شمار می‌آید.این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع آوری شده، نزدیک به دویست عنوان واثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال 1379 ش، زیور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

2 اصول مالکیت در سالام

ویژگی اثر : تالیف

3 الاسیر فی الاسلام

ویژگی اثر : این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «الاسیر فی اسلام»: یکی از مسائلی که جامعه بشری گاه بدان دچار می‌شده و خواهد شد جنگ و یکی از مسائل اجتناب ناپذیر هر جنگ اسارت است، هر یک از ادیان الهی و یا مرام و مسلک بشری در این مورد قوانین و مقرارتی دارد، لیکن دین مقدس اسلام مانند سایر موضوعات، در این مورد نیز بهترین و جامعترین قوانین را آورده است. مؤلف محترم کتاب با تتبع ژرف و تحقیق عمیق این مساله را از نظر اسلام به طور دقیق بررسی نموده و احکام اسلام را در این باره بازگو نموده و برتری آن را به اثبات رسانده است. کتاب مقدمه‌ای نسبتاً طولانی و بسیار پربار درباره چگونگی جنگ و اسارتهایی که در طول جنگ‌های صلیبی، مغول، و تاتار، جنگ جهانی دوم و ... رخ داده و جنایتهایی که به اسیران روا داشته‌اند، دارد؛ متن کتاب سه بخش است 10ـ علل بروز جنگ‌ها و نتایج و آثار آن، 2ـ توضیح و تشریح اسیر گرفتن از کفار و شورشیان (بغات)، 3ـ تبیین و ترسیم حقوق در اسلام. مولف محقق کتاب، موضوع اسارات را، هم از دیدگاه فقهی شیعه و سنی بررسی نموده و هم از نظر گاه تاریخی، و با تتبع گسترده، سیره رسول خدا(ص) و امیر المومنین (ع) با سایران را ترسیم نموده است. مقایسه قوانین اسارت و اسیر در اسلام با دیگر قوانین بشری دنیا، و اثبات جامعیت و برتری آن عصر فضا از دیگر ویژگیهای کتاب است

4 التبرک

ویژگی اثر : در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت اللّه احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با

این تهاجم فرهنگی برخاست. او دراین اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.این کتاب در سال 1356 ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

5 السجود علی الارض

ویژگی اثر : در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقاهتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث مبسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

6 حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمه»

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال 1365 به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

7 حاشیه و تعلیقه بر کتاب شیعه در اسلام

ویژگی اثر : حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت اللّه احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر

اسلامی در سال 1365 به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است.اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است.

8 لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی

ویژگی اثر : در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث مبسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عریف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال 1374 به چاپ رسانده است.

9 مالکیت خصوصی

ویژگی اثر : در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره کشی از ضعیفان است و... . آیت اللّه احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیراموی مالکیت خصوصی در رمضان سال 1359، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می‌کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال 1361 از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

10 مکاتیب الامام الرضا(ع)

ویژگی اثر : تالیف

11 مکاتیب الرسول

ویژگی اثر : کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال 1339 شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال 1328 آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود 23 سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت اللّه احمدی است.: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع) ، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان

وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال 1339، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال 1377 ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

12 مواقف الشیعه

ویژگی اثر : این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر (ص) ، اصحاب امامان معصوم (ع) ، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل‌بیت (ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست - به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال 1375 ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده ویک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

احمدی نژاد، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم احمدی نژاد
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/8/15
زندگینامه علمی
اینجانب ابوالقاسم احمدی نژاد در سال 1339 در آبادان متولد شدم. دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آبادان گذراندم. در زمان اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی به همراه بچه های مسجد مهدی موعود (عج) در پخش اعلامیه و تظاهرات فعالیت می کردم. سال آخر دبیرستان مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی شد و در اولین انجمن اسلامی دبیرستان به عضویت شورا بر گزیده شدم.
در سال 1358 در انستیتو تکنولوژی بروجرد در رشته برق پذیرفته شدم ودر آنجا نیز به عنوان نماینده انجمن اسلامی انتخاب شدم. در سال 1359 بعد ازانصراف از انستیتو تکنولوژی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسول اکرم (ص) وامام باقر (ع) دروس مقدماتی و سطح را خواندم و از سال 1373 تا کنون مشغول به تحصیل درس خارج می باشم.
در این مدت از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات خسرو شاهی، فتوحی، مرحوم آیت وجدانی، مرحوم آیت الله پایانی و همچنین آیت الله اعتمادی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی بهره وافر برده ام.
از قبل از دوران انقلاب به ادبیات کودک و نوجوان علاقمند بودم و در این زمینه مطالعه می کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با ورود به حوزۀ علمیه قم در مرکز تحقیقات جهاد سازندگی که شعبه ای در قم داشت به نقد و برسی کتابهای کودک و نوجوان مشغول شدم. پس از کسب تجربه و تخصص در واحد کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان مسئول نقد و بررسی کتاب سالهای متمادی مشغول به فعالیت بودم.
در کنار تحقیق تاکنون بارها به تدریس، نقد و بررسی کتاب کودک و نوجوان در حوزه علمیه قم و نهادهای دیگر اشتغال داشته ام که بخش خواهران دفتر تبلیغات، طرح هجرت، حوزه علمیه گچساران و... از این قبیل است.
در پی این همکاریها، چندین سال عضو هیئت طرح و برنامه مرکز تربیت

مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات بوده ام. مدت کوتاهی نیز با مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای قم در زمینه نقد سریالهای تلویزیونی کودک و نوجوان همکاری داشته ام. به غیر از سفرهای ایام دفاع مقدس همه سفرهای تبلیغی بنده تخصصی بوده و فقط شامل کار با کودک و نوجوان بوده است و به شهرهای: سنندج، شیراز، اهواز، گچساران، بندرعباس، آبادان، تهران، گرمسار، شوشتر، زاهدان، اصفهان، کرمان، همدان و... جهت تبلیغ صاحب نظر و رای می باشم.
در سال 1375 به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وارد شدم و سالها به عنوان معاونت شبکه جهانی نور انجام وظیفه نموده و در به ثمر رساندن بانک اطلاعات شبکه جهانی نور، نرم افزار پایگاه های قرآنی، پایگاه امام علی (ع) همکاری عملی و اجرایی داشته ام.
هم اکنون نیز به عنوان مدیر سازمان آموزش کامپیوتر نور، مدیر گروه آموزش از راه دور دانشکده باقرالعلوم (ع) و عضو طرح و برنامه مدرسه اسلامی هنر مشغول به فعالیت می باشم.

احمدی نیشابوری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن احمدی نیشابوری فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید نوراللَّه نیشابوری داماد بزرگ مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری رحمه‌اللّه علیهم اجمعین می‌باشد. آن مرحوم در نیشابور شهر تاریخی استان خراسان به دنیا آمده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن اولیات به تحصیل علوم عربی پرداخته و مقدمات و سطوح اولیه را در نیشابور و مشهد خوانده سپس هجرت به اعتاب عالیات نموده و سالها در اعتاب مقدسه نجف اشرف و کربلاء معلی اقامت و از محضر آیات عظام بهره‌مند شده و پس از آن به ایران برگشته و در مشهد مقدس متوطن و به وظائف دینی و روحی تا حد خود اشتغال داشته و آنچه را که داشته به آن عمل نموده و در دوران اقامتش در مشهد مقدس مانند اقامتش در نجف اشرف در ظهر و شام موفق به نماز در حرم مطهر و به گفتن اذان بلند اعلام وقت فریضه می‌نمود.
نگارنده گوید: گرچه در اوساط علمی به علم مشهور نبود ولی نزد همگان به داشتن تقوی و ورع و اعمال صالحه معروف و موصوف بود و هر کس او را می‌شناخت به پاکی و بزرگواری می‌شناخت و پس از رحلتش هم او را به خوبی یاد و برای او طلب مغفرت می‌نماید.
در قضاء حوائج مؤمنین سعی بلیغ داشت و از بعضی ثقات و وابستگانش شنیدم دارای تألیفات متشتت و مخطوط بود و با بیت مرحوم آی اللّه العظمی حاج سیدمحمود حسینی شاهرودی نسبت سببی داشت و از محضر آن بزرگوار هم در نجف استفاده نموده بود. وی در حدود هفتاد سالگی در روز میلاد مادرش حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام روز بیستم جمادی‌الثانی 1411 قمری در مشهد مقدس درگذشت و در مشهد و قم و نیشابور مجالس بسیاری برای بزرگداشت او برگزار شد و عموما برای ارتحال او ابراز تاثر می‌نمودند.
فرزندان صالح و دانشمندی دارد که در مشهد و حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند و خاطره آن پدر را زنده می‌دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، احمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمدرضا احمدی در سال 1319 در کرمان بدنیا آمد.در کارنامه ادبی چهل و چندساله‌اش، آثار مختلفی در حوزه‌های داستان، شعر کودک، شعر بزرگسال، دکلمه شعر و... ثبت شده‌اند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر و نویسندگی
والدین و انساب : جد پدری احمدرضا احمدی ،ثقه‌الاسلام کرمانی، و جد مادری‌اش آقا شیخ محمود کرمانی است. حاج محمدرضا کرمانی از فعالان نهضت مشروطیت در کرمان، دایی مادری احمدی است. پدر وی مصطفی از کارمندان وزارت دارایی و نیز از درویشان حلقه ذوالریاتین بود. خاندان او در این شهر از اعقاب حاج احمد فقیه کرمانی بودند که احوال‌شان در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ناظم‌الاسلام کرمانی آمده است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمدرضا احمدی در 30 اردیبهشت 1319 در کرمان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود
تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدرضا احمدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاویانی کرمان و بعد از کوچیدن خانواده‌اش به تهران در سال 1326 در مدرسه‌های ادبی و صفوی تهران و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان دارالفنون ناصرخسرو و هدف شماره 3 طی کرد و در سال 1345 با اخذ دیپلم ادبی از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد و دورهٔ سربازی را با عنوان سپاهی دانش در روستای ماهونک کرمان گذراند
هم دوره ای ها و همکاران : نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری از همکاران احمدی می باشند.
همسر و فرزندان : احمدرضا احمدی تنها یک دختر 21 ساله به نام ماهور دارد که در رشته موسیقی از هنرستان ملی موسیقی در تهران فارغ التحصیل شده است
وقایع میانسالی : احمدرضا احمدی در سال 46 راهی آمریکا شد و مدت یک سال در این کشور مقیم شد. تجربه سفر، شناخت جهان و افقهای تازهتر سبب شد که شاعر در بازگشت یعنی در سال 47 مجموعه »وقت خوب مصائب« را به بازار بفرستد. ناشر این اثر، کتاب زمان بود; ناشری

که آثار روشنفکرانی چون حقوقی، رحمانی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی و... را منتشر میکرد. احمدی با انتشار این شعرهای سهل و ممتنع جایگاه خود را در شعر ایران تثبیت کرد. احمدی پس از یک سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و از سال 49 کار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد و تا سال 73 که بازنشسته شد، در همین مؤسسه فعالیت داشت. قابل ذکر است او در سال 1355 همکاری با برنامه رادیویی ظهر روز هفتم را با تهیه‌کنندگی مسعود بهنود در نگارش و قرائت متن پذیرفت. «طرح» نام نخستین دفتر شعر احمدی است. این دفتر زمینه پدید آمدن جریانی را در شعر نو فارسی فراهم کرد که بعدها موج نو نام گرفت

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمدضا احمدی اولین مجموعه شعرش را با عنوان « طرح» در سال 1341 چاپ و منتشر کرد. وی پس از پایان خدمت در گروه صنعتی بهشهر، گروه تبلیغات استخدام شد. مدتی بعد با انتشارات روزن به همکاری پرداخت و سردبیری مجله روزن را بر عهده گرفت. در سال 1349 برای گذراندن دوره‌ای یک ماهه در رشته انیمیشن کودکان راهی آمریکا شد. از مهر همان سال تا 1358 مدیریت تولید صفحه و نوار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را داشت و از سال 1358 با سمت ویراستاری در مرکز انتشارات کانون به کار پرداخت و در سال 1373 بازنشسته شد. هم‌کاری با مجله‌های رودکی، فیلم، گزارش فیلم، جنگ روزن، کلک و نگاه نو از دیگر فعالیت‌های او به‌شمار می‌روند. احمدی هم‌چنین در فیلم‌های «نار و نی» اثر سعید ابراهیمی‌فر و « بانوی اردیبهشت» رخشان بنی‌اعتماد گویندگی و در فیلم «پستچی» داریوش مهرجویی در سال 1351 بازی کرده است. در سال 1378 داور نخستین جشنواره موسیقی پاپ در ایران می‌شود و در سال 1379 داور جشنواره 20 سال شعر و قصه کودک در ایران. در مدتی که مدیر تولید مرکز تهیه صفحه و نوار در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمدی در سال 1343 به همراه نادر ابراهیمی، اسماعیل نوری علاء، مهرداد صمدی، محمدعلی سپانلو، بهرام بیضایی، اکبر رادی، جعفر کوش‌آبادی، مریم جزایری و جمیله دبیری گروه ادبی طرفه را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. انتشار دو شماره مجله طرفه و تعدادی کتاب در زمینه شعر و داستان از فعالیتهای این گروه است.

آرا و گرایشهای خاص : به عقیده ی احمدرضا احمدی ،شعر چندصد سال پیش، به اعتلای روحی آدم‌ها کمک می‌کرد، ولی الان نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. به طور کلی فعالیتهای احمدی را می‌توان به 5 بخش زیر تقسیم کرد: 1ـ شعر 2ـ نثر 3ـ ادبیات کودک 4ـ نوار کاست و اشعار صدای

او 5ـ سینما: بازیگری.
جوائز و نشانها : در سال 1386 در دومین جشنواره شعر فجر از احمدرضا احمدی به عنوان شاعر برگزیده بخش آزاد تقدیر شد. در سال 1381 ناصر صفاریان در فیلمی با عنوان «وقت خوب مصائب»، به زندگی و آثار این شاعر پرداخت. در بهار خرگوش سفیدم را یافتم، با نقاشی نفیسه ریاحی70(این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.) «اسب و سیب و بهار» با نقاشی کریم نصر80، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد) از طرف دیگر احمدی شیوه تازهای در شعر نو پیشنهاد میکرد و با چاپ »روزنامه شیشهای« در سال 42 توسط نشر طرفه بهعنوان شاعری آوانگارد شناخته شد
چگونگی عرضه آثار : آثاری ازجمله مجموعه «صدای شاعر» که معرفی شعر معاصر و شعر کلاسیک فارسی بود، مجموعه زندگی و آثار موسیقیدانان ایران و جهان، مجموعه آوازهای فولکلور ایران، مجموعه کل ردیف موسیقی ایران، مجموعه بازسازی تصنیفهای کلاسیک موسیقی ایران و مجموعه قصه برای کودکان را تولید کرده است. احمدرضا احمدی کتابهای «پسرک تنها روی برف»، «برف هفت گل بنفشه را پوشانده بود»، «همهی این قایقهای کاغذی»، «شب دوازدهم»، «خواب دوازدهم»، «چهار مهمان»، «باز هم نوشتم صبح، صبح شد»، «قاصدک و قاصدکها»، «در یک صبح مهآلود» و «دیگر شب کامل بود» را نیز برای انتشار نزد ناشران مختلف دارد. ----------
---
آثار :
1 ساعت 10 صبح بود(1385)
2 از نگاه تو زیر آسمان لاجوردی(1376)
3 اسب و سیب و بهار
ویژگی اثر : با نقاشی کریم نصر80، (این کتاب هم برنده انتخاب شورای کتاب کودک شد)
4 تو دیگر از این بوته هزار گل سرخ داری
ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمیفر و مینا ضرابی 68
5 چای در غروب جمعه روی میز سرد میشود(1386)
6 در بهار پرنده را صدا کردیم، جواب داد
ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی 69
7 در بهار خرگوش سفیدم را یافتم
ویژگی اثر : با نقاشی نفیسه ریاحی70، (این کتاب ازسوی شورای کتاب کودک کتاب به عنوان کتاب سال برگزیده شد.)
8 در قلمرو ادبیات کودکان: من حرفی دارم که فقط شما بچهها باور

می‌کنید
ویژگی اثر : با نقاشی عباس کیارستمی 1348
9 در قلمرو نثر: حکایت آشنایی من(1377)
10 روزنامه شیشه‌ای
ویژگی اثر : 1343
11 روزهای آخر پاییز بود
ویژگی اثر : با نقاشی فرح اصولی 69
12 عاشقی بود که صبحگاه دیر به مسافرخانه آمده بود(1378)
13 عزیزمن(1384)
14 عکاس در حیاط خانه ما منتظر بود
ویژگی اثر : با نقاشی نسرین خسروی 69
15 قافیه در باد گم می‌شود(1369)
16 کتاب منتخبات(1381)
17 گزیده ادبیات معاصر(1378)
18 لکه‌ای از عمر بر دیوار بود(1372)
19 ما روی زمین هستیم(1352)،
20 من فقط سپیدی اسب را گریستم (1350)،
21 نثرهای یومیه(تجدید چاپ 82)
22 نوشتم باران، باران بارید
ویژگی اثر : با نقاشی فردوس ابراهیمی‌فر 68
23 هزار اقاقیا در چشمان تو هیچ بود (1379)
24 هزار پله به دریا مانده (1346)
25 هفت روز هفته دارم
ویژگی اثر : با نقاشی محمدرضا دادگر 1364
26 هفت کمان هفت‌رنگ
ویژگی اثر : با نقاشی هوشنگ محمدیان 1364
27 همه آن سال‌ها (1371)
28 وقت خوب مصائب(1347)،
29 ویرانه‌های دل را به باد می‌سپارم(1373)
30 یادگاری(1377)
31 یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد(1380)

احمدی، حبیب الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله احمدی
محل تولد : فریدن اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بعد از طی مراحل دبستان تا پنجم ابتدایی، در سال 51 وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از طی مقدمات در حوزه به مدت چهار سال، دروس سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تا سال 59 و 60 به اتمام رساندم. از سال 61 به مدت 7 سال در درس خارج اصول و 14 سال در درس خارج فقه شرکت نمودم. همزمان با فقه و اصول حدود دوازده سال در دروس تفسیر و به مدت ده سال نیز در فلسفه از منظومه و اشارات و اسفار شرکت نمودم.
همزمان با شرکت در دروس سطح عالی و خارج، در مدارس حوزه و نیز مرکز جهانی علوم اسلامی حدود هفت سال تدریس نمودم. موضوعات تدریس شده عبارتند از: فقه، اصول، تاریخ، علوم قرآنی و تفسیر بوده است. از سال 77 شروع به تدریس سطح عالی حوزه یعنی رسائل و مکاسب نمودم و اکنون هم مکاسب و کفایه تدریس می نمایم.
در همین سال شروع به نوشتن نمودم که برخی آثار به صورت مقاله در روزنامه ها و مجله های عمومی و تخصصی منتشر شده اند و برخی دیگر نیز به صورت کتاب منتشر شده اند و برخی هم به صورت دست نوشته باقی مانده اند.

احمدی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن احمدی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.
در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمة الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهارة) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.
بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال 83 ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.
حدود 10 سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.
از سال 75 وارد موسسه دائرة المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.
با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح 2 و 3 نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین احمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در تاریخ 1369 بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضا شرکت می کنم. یک دوره کامل عروة الوثقی را با مطابقت فتواهای مراجع حاضر درس گرفته ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود 2سال) دوره عمومی را خوانده ام.
پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده ام و آثاری اندک دارم که بعضاً به چاپ رسیده اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته ام و حدودا 10 کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده ام و... .

احمدی، ذکرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ذکر الله احمدی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ذکرالله احمدی در سال 1353وارد حوزه علمیه آیة الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشنائی با ادبیات، صرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیه را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جسته و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیة الله محمدی گیلانی و آیة الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.
در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی احمدی
محل تولد : قصر شیرین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی احمدی فرزند محمد به شناسنامه 517 به سال 1355در قصر شیرین استان کرمانشاه متولد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی و دو سال از دبیرستان نظام قدیم در سال 1372وارد حوزه علمیه قم شدم.
پس از اتمام تحصیلات سطح 1 حوزه در سال 1378به کارهای پژوهشی روی آوردم. نگارش 4 کتاب مستقل و بیش از 4 کتاب به صورت گروهی حاصل این سالها می باشد. البته در زمینه های دیگر هم که با نویسندگی مرتبط است فعالیت داشته ام از جمله تصحیح و مقابله، ویرایش و آموزش، هم اکنون هم چندین طرح پژوهشی در دست کار دارم که برخی در مرحله تدوین و برخی در مرحله تایپ است.

احمدی، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم احمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.
در سال 1364 در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال 1369 کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال 1374 به پایان رساندم.
در سال 1375 در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال 1376 در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال 1378 تا 1379 در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.
هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

احمدی، محمد رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
از سال 1362 در مقطع لیسانس وارد دانشگاه شدم و در رشته الهیات مشغول به تحصیل شدم. همزمان به صورت آزاد در دروس حوزه مبارکه علمیه قم نیز شرکت نمودم. در سال 1366 در مقطع فوق لیسانس رشته علوم قرآن و حدیث ادامه تحصیل دادم. سپس در سال 1368 وارد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز تهران شدم و در سال 1371 موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی شدم.
در سال 1372 به عنوان پژوهشگر در مرکز تحقیقات اسلامی به کار مشغول شدم و به عنوان مدیر مسئول فصلنامه مربیان و ماهنامه های مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی، به فعالیت علمی و تحقیقی ادامه دادم. در سال 1376 به عنوان معاون پژوهشی مرکز یاد شده گمارده شدم و تا سال 1379 به کار ادامه دادم.
در سال 1379 در مقطع دکتری مدیریت استراتژیک در دانشگاه عالی دفاع ملی پذیرفته شدم و پس از اتمام دروس نظری در سال 1382 به عنوان مدیر گروه پژوهشهای فرهنگی، رفتاری و اجتماعی در پژوهشکده تحقیقات اسلامی مشغول گردیدم. در طی مدت یاد شده علاوه بر سردبیری و مدیر مسئولی نشریات یاد شده، تدوین فیلمنامه های آموزشی در موضوع نماز، ویژه نامه های مختلف و کتابهای متعدد در موضوعات مختلف با اشراف، هدایت علمی و زیر نظر حقیر تهیه شده است.
همچنین پروژه های تحقیقی متعددی زیر نظر حقیر اجرا و نتیجه آن برای استفاده کاربران مربوط گزارش شده. چندین جلد کتاب نیز به طور مستقل تالیف نموده ام و مقالات و جزوات متعددی در موضوعات متنوع با قلم حقیر منتشر شده و اخیراً نیز مجموعه شعری با نام «سلاله هابیل» منتشر نموده ام.
در کنار فعالیت های پژوهشی و تالیفی فوق، در مراکز متعدد آموزش عالی نیز به صورت مدعو تدریس نموده و یا به ایراد سخنرانی علمی و تحلیلی مسائل راهبردی داخلی، منطقه ای و بین المللی پرداخته ام، مانند تدریس در دانشگاه امام حسین(ع)، جهاد دانشگاهی واحد استان قم، تحلیل مسائل راهبردی در شبکه استانی سیمای قم، سخنرانی در دانشگاه شهرکرد، دانشکده آب و برق مشهد مقدس، دوره های طرح ولایت دانشجویان

بسیجی، دوره های طرح بصیرت مسئولان و فرماندهان سپاه طرح معرفت هادیان سیاسی بسیج و... . در ضمن بنده در حال حاضر عضو هیات علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی هستم .

احمدی، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مهدی احمدی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد 1332 شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.
در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولا بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.
بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال 45 ـ 44 بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمده و در مدرسه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم.
هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولا جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم

وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.
سال تحصیلی 49 ـ 48 بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعا از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال 54 در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:
1. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.
2. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.
3. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.
در سال 1354 به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال 1374 به درس خارج اشتغال داشتم.
اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم احمدی
محل تولد : روستای یام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/5
زندگینامه علمی
در نیمه دوم سال 1362 در تهران، دروس طلبگی را شروع کردم. بحمدالله تعالی 7 - 9 نفر از بستگانم (ازجمله پدر بزرگ ها، دایی و پسردایی ام) روحانی بوده و هستند. در اسفند 1367 معمم شدم و در نیمه دوم 1368 متأهل گردیدم.
از همان دوران نوجوانی به مطالعه کتاب به ویژه داستان و شعر علاقه داشتم که بحمدالله تعالی با ورود به حوزه علمیه، به مطالعه کتاب و گوش دادن به نوارهای سخنرانی، بیشتر اهمیت می دادم، چنان که در برخی از کتابخانه های تهران عضو شده و در اوقات فراغت، به کتابخانه های چهل ستون، ملک، پارک شهر، مجلس شورای اسلامی بهارستان و غیره می رفتم. از سال 1365 به این نتیجه رسیدم که علاوه بر مطالعه و نگارش مطالب مهم کتابها، مجلات، روزنامه ها و سخنرانی ها (نوار و زنده) می باید به خریدن کتاب هم بپردازم، لذا از آن سال تاکنون بخشی از شهریه و درآمدم را به خرید کتاب اختصاص داده ام و کتابخانه شخصی ام، حدود سه هزار کتاب در موضوعات گوناگون دارد.
از آذرماه 1369 به نگارش مقاله روی آوردم که نخستین مقاله ام با عنوان "کعبه می‌گرید." در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد و از سوی مدیر مدرسه شهید بهشتی و برخی از استادان و دوستان طلبه، مورد تشویق قرار گرفتم. از این روی، هر ماه مقاله یا مقالاتی به روزنامه های جمهوری اسلامی، کار و گارگر، کیهان، اطلاعات، سلام، جهان اسلام، رسالت و ابرار می فرستادم که بحمد الله برخی از آنها چاپ شده است.
در تاریخ 3 / 7 / 1372 همراه خانواده ام (همسر و پسر هشت ماهه ام) به شهر مقدس قم مهاجرت کردیم که تا سال جاری، سکونت ما (حقیر، همسر، دو پسر و یک دختر) استمرار داشته است. مهاجرت به قم، غربت، عدم اشتغال، مستأجری و نداشتن شهریه تا سیزده ماه، همگی باعث شد

که به پیشنهاد یکی از دوستان طلبه ام، به جمع پژوهشگران پژوهشکده باقر العلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی ملحق شوم، که این همکاری آزاد و پروژه ای، از آذرماه 1373 تاکنون کم و بیش در قالب های نگارش کتاب و مقاله، تصحیح، ویرایش، ارزیابی و جلسات نقد و بررسی اهل قلم، ادامه دارد.
از خرداد 1378 تاکنون نیز در نشریه فرهنگ کوثر وابسته به آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به عنوان مصحح همکاری داشته ام و معمولا مقالاتی از حقیر هم در نشریه چاپ می شود و گاهی هم به ویرایش و ارزیابی برخی از مقالات کوثر هم می پردازم. البته تصحیح کتاب ستارگان حرم از جلد 6- 8 و 10- 16 به عهده حقیر بود و حدود دو سال (1382 و 1383) هم در آستانه مقدسه به کتابداری نیز اشتغال داشتم.
شایان توجه است علاوه بر همکاری با پژوهشکده باقر العلوم (ع) و نشریه فرهنگ کوثر، برای برخی از نهادها، مثل: سازمان تبلیغات اسلامی قم و نیز عده ای از نویسندگان، کارهای علمی (نگارش بروشور، داوری مسابقات، ویرایش، تصحیح و ارزیابی کتاب و مقاله) انجام داده ام.
در ضمن، حقیر:
الف) از نه سالگی تاکنون در زمنیة برق و الکترونیک، فعالیت و تجارب گوناگونی دارم.
ب) از سال 1362 نیز تا الآن در خصوص مداحی و تعزیه خوانی، فعالیت و ...
ج) از سال 1360 تا کنون، در قالب های مختلف به «سرودن اشعار» پرداخته ام.
د) از سال 1368 تا الان نیز به «طراحی» می پردازم که کاربر آن در امور: تذهیب، قالی، گچبری و غیره است. می توان تعداد این طرح ها، اشکال و نقوش را تا هزار مورد تخمین زد.
ه) در اربیهشت 1372 به مناسبت برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب و اختصاص یافتن غرفه ای به نام «سلمان رشدی» از عموم مردم دعوت شده بود که در صورت تمایل و توانایی هنری، در مسابقه حضوری طراحی کاریکاتور شرکت کنند که بحمد الله شرکت کرده و دو طرح کشیدم که در مردادماه 1372دعوتنامه ای برای حقیر نیز ارسال شد تا هیئت داوران از بین کاریکاتوریست های داخلی و خارجی، که امتیاز مناسب را به دست آورده اند نفرات برتر و ممتاز (ظاهراً 53 نفر) را انتخاب کنند و لکن نام حقیر در لیست برگزیدگان نبود.
و) در سال های 1367- 1373 پنج «نمایشنامه و فیلمنامه» نوشته ام که البته نیاز به اصلاحات علمی، هنری و فنی دارد.

احمدی، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر احمدی
محل تولد :
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1

احمدی، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی احمدی (برادر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اصغر شهید حکومت بعث) فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی شاهرودی است. در سال هزار و سیصد و هفت (1307) هجری شمسی در روستای مغز شاهرود به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در شاهرود در سال 1322 شمسی در سن پانزده سالگی هجرت به قم نموده و در مدرسه فیضه در حجره مرحوم برادر شهیدش مدت چهار سال اقامت و بعد از رفتن ایشان در سال 1324 شمسی به نجف اشرف تا سال 1327 در قم مانده، و بقیه مقدمات و ادبیات را در محضر اساتید متعدد مانند آیت‌اللّه حاج آقا رضا صدر و حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و آیت‌اللّه مجاهدی و حاج شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری و نیز آیت‌اللّه سلطانی فراگرفته و در سال 1326 شمسی به اتفاق برادر شهیدش که به ایران آمده بودند به نجف اشرف عزیمت نموده و جلد اول کفایه الاصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و جلد دوم را در خدمت آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری خوانده و مکاسب را از محضر مرحوم حاج میرزا احمد اهری و حاج سید محمود مرعشی استفاده نموده و بعدا یک دوره کامل اصول را از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند گردیده و مقداری از بحث الفاظ را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر زنجانی و نیز مبحث ظن را از آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی آموخته و نیز از ابحاث فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی (ره) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی یزدی استفاده کرده و بعد از ده سال اقامت به واسطه بروز کسالت به ایران مراجعت و بعد از عمل جراحی در تهران اقامت و حدود بیست سالست که در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال دارند و ضمنا چند سالی هم در تهران از محضر مرحومین آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی مستفیض شدند و در حال حاضر در یکی از مساجد مرکز شهر اقامه جماعت دارند و گروهی از نماز و تبلیغات ایشان استفاده می‌کنند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

احمدی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی احمدی
محل تولد : عشق آباد طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/6/30
زندگینامه علمی
در سال 1372 پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه 6 را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجةالاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجةالاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال 1379 آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:
1- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. 2- سیره اهل بیت (ع). 3- حقوق زنان در اسلام. 4- شهید شناسی در حوزه دین.

احمدیان، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم احمدیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابراهیم احمدیان در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.
دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .
در سال 1370 به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

احمدیان، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول احمدیان
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/7/1

احمدیان، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی احمدیان
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مرتضی احمدیان متولد 1323 شمسی در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد شدم و در سال 1339 گواهینامه پایان تحصیلاتی خود را از دبستان شیخ بهائی گرفتم.
در سال 1341 ش طلبه شدم و در مدرسه الحجة نجف‌آباد مشغول تحصیلات دروس حوزوی شدم. جامع المقدمات را که در نجف آباد خواندم راهی حوزه علمیه قم شدم و به مدرسه حقانی وارد شدم. در آنجا مشغول خواندن کتاب سیوطی شدم. کتاب سیوطی، مغنی، مختصر، معالم، اصول الفقه رسائل، مکاسب و کفایه را در مدرسه حقانی خواندم. به اضافه دروس جنبی مانند: تاریخ اسلام، معارف، دروس عقائد، طبیعی (یک دوره فشرده طب) زبان، مکالمه عربی، المحاورات العربیه، زبان انگلیسی، شامل کتاب‌های دایرکت متد 1 و 2 و 3، اکسفورد و... تفسیر قرآن، تعلیم خط نستعلیق، ریاضیات، ادبیات فارسی و... و حدود سال 51 یا 1352 بود که پس از کفایه از مدرسه حقانی بیرون آمدم و به درس خارج مراجع آن وقت مانند آیت الله حاج آقا مرتضی حائری و آیت الله العظمی فانی اصفهانی و آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی گلپایگانی تلمذ کردم.
البته به درس آیت الله العظمی تبریزی و غیره نیز رفتم و در نجف اشرف که رفتم در سال 1347 و 1348 به قسمتی از درس ولایت فقیه امام خمینی (ره) هم رفتم البته در آن موقع اینجانب مشغول دروس سطح بودم اما پس از اینکه از نجف اشرف آمدم و ازدواج نمودم در مضیقه مالی بسیار شدیدی قرار گرفتم به طوری که نه کرایه منزل را می‌توانستم بپردازم و نه هزینه روزمره زندگی را، لذا مدتی مشغول روزه و نماز استیجاری شدم اما چون بسیار مشکل بود، رفتم به چاپخانه علمیه نبش کوچه آبشار قم و در آنجا خط خود را ارائه دادم و مشغول خطاطی کتب

علمی مانند آیات الاحکام آیت الله سلطانی و فقه الحج، و الشواهد المنتخبه مدرس افغانی و غیره شدم و در برابر هر صفحه سی خطی که به صورت رحلی بود فقط 3 تومان دریافت می‌کردم و تقریباً در آن موقع ماهی هزار تومان خطاطی می‌نمودم و با همین پول ناچیز توانستم منزلی هم در نیروگاه قم بسازیم و یادم هست یکماه کار کردم تا توانستم پرده کرکره اطاق را بخرم و بابت یک کتاب که نیاز داشتم سه روز روزه استیجاری گرفتم تا کتاب معراج السعادة نراقی را بخرم حالا چون اصل بر این بود که زندگینامه علمی به نگارش درآید لذا از زندگینامه سیاسی و غیره و کارهای سیاسی قبل از انقلاب و دستگیر شدن و زندانی شدن و... خودداری می‌شود. اینجانب در سال 1347 در نجف اشرف اولین کتاب خود را به زبان عربی نگاشتم و آن را به نام "دلیل الزائر" نام‌گذاری کردم .
دومین کتاب خود را به نام "زندگی زناشوئی" نوشتم که متأسفانه اولین کتاب در نقل و انتقال به ایران مفقود شد و کتاب دوم را طلبه‌ای که عازم کویت بود از من گرفت که بخواند و برگرداند ولی برد و دیگر آن را برنگرداند، و چون طبع شعر مختصری داشتم از این رو شهید محمد منتظری مجله فردوسی آن زمان را آورد که بخوانم و در شعر و ادبیات فارسی از آن بهره گیرم و علت توفیق یافتن به نوشتن این بود که روزی به اتفاق حجةالاسلام سید محمود دعائی از نجف اشرف راهی کربلا شدیم و در آنجا خدمت آیت الله العظمی سیدمحمد شیرازی رسیدیم ایشان هم ما را تشویق به نوشتن کتاب کرد، که اینجانب خدمت ایشان عرض کردم که ما طلبه‌ای مبتدی هستیم چه بنویسیم؟ ایشان فرمودند: «شما لازم نیست کتاب‌های علمی بنویسید بلکه می‌توانید از کتاب‌های مختصری که معارف اسلامی را به زبان ساده برای عوام بیان نماید شروع کنید و بنده کتاب‌های کوچک چند صفحه‌ای مانند: "اعرف الشیعه، من هم الشیعه" و... نوشته‌ام تا کتاب‌های بزرگ اینجانب هم با تشویق ایشان شروع به نوشتن کتاب کردم.
در نجف اشرف مقالات عربی می‌نوشتم و به مناسبت‌های مختلف در احتفالات می‌خواندم. یادم هست در آن زمان مقاله‌ای نوشتم به نام «مَن هُوَ الامام جعفر بن محمد الصادق (ع)» و داستان حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه و قتل و غارت و دستگیری طلاب را هم در آن مقاله نوشتم و در جشن تولد آن حضرت خواندم، و چون علاقه به اشعار هم داشتم سه دفترچه 200 برگی از اشعار عربی و فارسی و مطالب متفرقه یادداشت کردم که دو جلد کتاب کشکول قسمتی از آنهاست، و از شدت علاقه به نوشتن صبح که شروع به کار می‌نمودم ناگاه می‌دیدم ظهر شده و هیچ احساس خستگی نمی‌کردم.
اکثر کتابِ‌هایی که نوشته‌ام به سفارش ناشرین و غیره بوده است،

مخصوصاً ترجمه‌ها و خطاطی‌ها تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. و شاید این به خاطر توجه و گوشه چشمی است که حضرت به اینجانب نموده باشد

اوائل طلبگی نمی‌دانم حالا خواب دیدم یا حالت شهود بود که در پشت بام منزل دیدم حضرت ولی عصر(عج) نشسته و شمشیر دو دم «ذوالفقار» را بر زانوی خود نهاده و کاغذی پیچیده شده به صورت لوله‌ای در دست دارد و ما چند طلبه بودیم دو زانو حلقه‌وار در جلو ایشان نشسته بودیم و هرگاه با هم صحبتی می‌کردیم ایشان چیزی بر روی آن طومار و کاغذ می‌نوشت و ما طلاب از وحشت دیگر قادر بر سخن گفتن نبودیم، و خانم بنده نقل می‌نماید که قبل از اینکه من شوهر کنم در نجف‌آباد بودم و چون در آن زمان منازل، آب لوله‌کشی نداشت ما می‌رفتیم از قنات آب می‌آوردیم، قناتی در نجف‌آباد است به نام شیر بچه که با سطح زمین تقریباً چهار متر و خورده‌ای فاصله داشت که هم‌اکنون هم هست و از آبش مردم استفاده می‌کنند، خلاصه می‌گوید رفتم آب بیاورم دیدم سیدی نورانی بر روی آب نشسته و جا نماز خود را پهن نموده و بر روی قبله نشسته است تا من نگاه کردم او به من نظر فرمود، من هم چون به حد بلوغ نرسیده بودم از دیدن منظره دلهره و اضطراب مرا گرفت و رفتم به مادر خود و دیگران گفتم، آنها نگاه کردند و چیزی ندیدند، باز من نگاه کردم و حضرت را دیدم و به آنها گفتم، آنها باز نگاه کردند و چیزی ندیدند، من به همسرم گفتم، حضرت به تو توجه نموده است.

اخباری، عنایت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1345 قمری مرحوم میرزا عنایت‌اللَّه اخباری فرزند مرحوم میرزا محمد اخباری مقتول ساکن حوالی بصره که از مراجع مهم عرب بود به قم آمده و پس از مدتی به وطن خود برگشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

اخترشهر، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اخترشهر
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/7/1
زندگینامه علمی
علی اخترشهر متولد 1348 از شهرستان لاهیجان دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال 1367 برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد.
وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت 7 سال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سرگذاشت. در سال 1384 در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.
در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه استادیاری شد و استاد نمونه سال 82 در اراک و سال 85 در دانشگاه سمنان گردید.
در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر 30 مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال 85 دو پژوهش وی با عنوان "اسلام و توسعه" و "جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی" در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب "جامعه پذیری سیاسی" در سال 86 رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌گردد، را اخذ نمود.
از مسئولیت اجرائی معاون پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تا سال 83 و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون اندیشه جوان تا سال 84 و کارشناس امور ارزیابی اساتید

تاکنون در معاونت امور اساتید قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اختیارالدین حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 928 ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی اهل تربت حیدریه بود. در جوانی از ولایت زاوه به هرات رفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از آن به فن انشاء و شعر و معما نیز آگاهی یافت. در ابتدا کاتب محکمه‌ی قضاوت نظام‌الدین امیر علیشیر بود و در زمان سلطان حسین بایقرا به منصب قضاوت رسید و به دلیل دانش و کمالاتش سرآمد قضات زمان خود شد. در عهد ابوالفتح محمد خان شیبانی نیز در کار قضاوت بود، ولی پس از کشته شدن آن پادشاه به تربت رفت و به امر کشاورزی پرداخت. در همان قصبه بدرود زندگانی گفت. از آثار وی: «اساس الاقتباس»؛ «مجالس الملوک»؛ «مختار اختیار الاخبار در میان فضلای روزگار»؛ «مقالات حسینی»؛ «قیاسات»؛ مثنوی «عدل و جود».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (278)، تاریخ هنرهای ملی (917 /2)، تحفه‌ی سامی (49)، تذکره‌ی روز روشن (44 -43)، حبیب السیر (356 -355 /4)، خوشنویسان و هنرمندان (80)، الذریعه (246 -245 /19، 62 /9)، روضة الصفا (293 -292 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 18 /10)، فرهنگ سخنوران (48)، کارنامه‌ی بزرگان (113)،لغت‌نامه (ذیل/ اختیارالدین) مجالس النفائس (271، 95)، هدیة العارفین (317 /1).

اخسیکثی، ابوالوفاء محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 520 ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکثی است. در اخسیکث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکثی» معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (1/ 212)، ریحانه (7/ 367)، کشف الظنون (281)، معجم الادباء (5/ 52- 55)، معجم البلدان (1/ 148)، معجم المؤلفین (11/ 259).

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(528 /526 -466 ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 208)، ایضاح المکنون (1/ 212)، روضات الجنات (1/ 268- 269)، ریحانه (7/ 110)، کشف الظنون (933 -280)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (5/ 52- 55)، معجم المؤلفین (2/ 144).

اخضری، حجت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت الله اخضری
محل تولد : نجف آباد اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1341 در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد و در سال 1360 در رشته حسابداری از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم.
بعد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و از مقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبدالله را به اتمام رساندم و در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه امام محمد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مدرسه به اتمام رساندم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم.
حدود سال 1370 دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال 1371 با حضور در درس خارج فقه آیة الله منتظری و اصول آیة الله مکارم شیرازی خارج فقه و اصول را شروع کردم. در همین ایام بود که ضمن تحصیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اخفش اوسط خوارزمی بلخی، ابوالحسن سعید

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 221 /215 ق)، نحوی، لغوی و عروضی. ملقب به اخفش. در خوارزم متولد شد و در بصره رشد و نمود کرد. وی از موالی بنی‌مجاشع بن دارم از نحویین بصره و از شاگردان سیبویه در نحو بود. صاحب کتاب «البغیة» او را معتزلی می‌داند اخفش از کلبی و نخعی و هشام بن عروة حدیث شنید و ابوحاتم سجستانی از وی روایت می‌کرد. اخفش دچار ضعف بینایی بود، چشمان ریزی نیز داشت و اجلع هم بود یعنی دو لب او بر هم بسته نمی‌شد. در ابتدا به اخفش اصغر معروف بود، اما پس از آنکه علی بن سلیمان نحوی به اخفش معروف شد او را اخفش اوسط و علی بن سلیمان را اخفش اصغر خواندند. چون از لحاظ سنی از سیبویه بزرگتر بود نه تنها از سیبویه بلکه از محضر استادان سیبویه نیز استفاده کرد. وی راوی و شارح «الکتاب» سیبویه نیز آن را برای کسی نخوانده بود، به همین جهت ابوعمر جرمی و ابوعثمان مازنی دو تن از شاگردان سیبویه پس از مرگ وی بیم آن داشتند که اخفش آن را به نام خود کند، از این رو با بذل مال «الکتاب» را نزد اخفش خواندند و آن را به نام سیبویه منتشر کردند. اخفش معتقد بود که سیبویه هر چه را می‌خواست وارد «الکتاب» کند بر وی عرضه می‌کرد و نیز ادعا می‌کرده است که او به مضامین «الکتاب» داناتر از سیبویه بود، گرچه در آغاز سیبویه داناتر از او بوده است. اخفش پس از شکست سیبویه از کسائی، در مناظره مشهور، به بغداد رفت و در مسجد کسائی دو رکعت نماز صبح را به او اقتدا کرد و سپس در حضور شاگردانش سؤالاتی از وی نمود و جوابهای او را رد کرد تا جایی که شاگردان کسائی قصد حمله به او را کردند ولی کسائی مانع شد، و هنگامی که شناختش به او احترام گذاشت و او را معلم فرزندانش کرد. کسائی «الکتاب» سیبویه را نزد او خواند و هفتاد هزار دینار در ازای آن به وی بخشید. وی شعر می‌گفت و استخراج بحر خبب را در علم عروض که به عبارت دیگر همان بحر المتدارک است به او نسبت می‌دهند. وی صاحب آثار بسیاری است که عبارت‌اند از: «کتاب الاوسط»، در نحو؛ «تفسیر معانی القرآن»؛ «کتاب المقاییس»، در نحو؛ «کتاب الاشتقاق»؛ «کتاب الاربعه»؛ «کتاب العروض»؛ «کتاب المسائل الکبیر»؛ «کتاب المسائل الصغیر»؛ «کتاب القوافی»؛ «کتاب الملوک»؛ «کتاب معانی الشعر»؛ «کتاب وقف التمام»؛ «کتاب الاصواب»؛ «کتاب اللامات»، در قرآن؛ «کتاب

الوقف التام»؛ «المعایاة»، که در خزانه الادب تألیف عبدالقادر بغدادی از آن نام برده شده است؛ «کتاب صفات الغنم و الوانها و علاجها و اسبابها»؛ «غریب القرآن».[1]

(بخش 1) سعید بن مسعده مجاشعی بالولاء خوارزمی بلخی، مکنی به ابوالحسن و ملقب به اخفش اوسط (ف. 221 ه.ق./ 836 م. و به قولی 215 ه.ق./ 830 م.). عالم نحو و ایرانی و از موالی بنی مجاشع بن دارم و از بصریان است. او شاگرد سیبویه و یکی از اصحاب اوست. اخفش از حماد بن زبرقان روایت دارد. از مؤلفات اوست: کتاب الاوسط فی النحو، کتاب تفسیر معانی القرآن، کتاب المقاییس فی النحو، کتاب الاشتاق، کتاب العروض. او را در اول اخفش اصغر می‌نامیدند و پس از ظهور علی بن سلیمان اخفش، ابوالحسن سعید را اخفش اوسط گفتند و علی را اخفش صغیر. چون اخفش مطلق گویند مراد همین اخفش است بز اخفش.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (155 -154 /3)، اعیان الشیعه (249 -248 /7)، ایضاح المکنون (265 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (129 ،126 ،71 /1)، تاریخ برگزیدگان (265 /264)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1333 -1332 /10)، روضات الجنات (53 -50 /4)، ریحانه (91 -90 /1)، سرآمدان فرهنگ (155 -154 /1)، سیر النبلاء (208 -206 /10)، کشف الظنون (1792 ،1730 ،1670 ،1463 ،1451 ،1438 ،1392 ،1391 ،1207 ،201)، الکنی و الالقاب (17 -16 /2)،لغت‌نامه (ذیل/ اخفش)، معجم الادباء (230 -224 /11)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (35 -34)، معجم المؤلفین (232 -231 /4)، نام‌آوران فرهنگ (10 -109)، الوافی بالوفیات (260 -258 /15)، وفیات الاعیان (381 -380 /2)، هدیة العارفین (388 /1).

اخگر، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1267 ش در تهران متولد شد. پدرش حاج میرزا ابراهیم معروف به ملاباشی از روحانیون مطلع و متنفذ بود. احمد تحصیلات خود را از مکتب‌خانه آغاز کرد و در مدارس ادب و دارالفنون تهران ادامه تحصیل داد، چندی هم علوم حوزه‌ای آموخت.
بعد از استبداد صغیر با رتبه‌ی ملازم سومی در ژاندارمری استخدام شد. پس از شش ماه از خدمت استعفا نمود و در اداره باغات دولتی استخدام شد. پس از چندی با درجه‌ی وکیلی در وزارت جنگ وارد شد و چندی در آنجا بود تا در ژاندارمری خزانه با درجه‌ی نایب دومی استخدام گردید. سپس وارد مدرسه‌ی صاحب منصبی ژاندارمری شد. پس از فراغت از تحصیل با درجه‌ی سروانی مأمور خدمت در شیراز شد. چندی فرماندار نظامی کازرون بود و بعد به فرماندهی گروهان ژاندارمری بوشهر منصوب گردید. در جریان جنگ بین‌المللی اول با سربازان تحت فرماندهی خود به اقدامات نظامی علیه انگلیس‌ها پرداخت. پس از شکست به کرمانشاه رفته و خود را به دولت موقت معرفی نمود. چندی در موصل و چندی در بصره و استانبول بسر برد و پس از پایان جنگ به ایران بازگشت. در دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دشتستان وکیل شد و در آن مجلس از یاران و همکاران مدرس گردید و اقلیت چند نفری را تشکیل دادند. در استیضاحی که مدرس از سردار سپه به عمل آورد، احمد اخگر هم یکی از امضاکنندگان بود ولی این استیضاح صورت عمل نیافت. اخگر وقتی درخشیدن ستاره بخت سردار سپه را احساس کرد، از مدرس جدا شد و به دار و دسته‌ی داور پیوست و در مجلس پنجم به انقراض قاجاریه رأی داد. پس از اتمام دوره‌ی پنجم، اخگر به ارتش بازگشت و با درجه‌ی سرهنگی در بازرسی ارتش مشغول خدمت شد. در 1322 از طرف قوای نظامی انگلیس بازداشت و قریب یک سال در اراک زندانی بود. در انتخابات دوره‌ی هفدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و تا پایان دوره‌ی مزبور از نزدیکان مصدق بود. بعد از 28 مرداد چندی زندانی شد و سرانجام در 1348 درگذشت.
اخگر هم شاعر بود، هم نویسنده و مترجم. در عمر نسبتاً طولانی خود با غالب مطبوعات همکاری داشت. بعد از شهریور 1320 شخصاً روزنامه‌ی اخگر را انتشار داد که جنبه‌ی ادبی آن بیشتر به چشم می‌خورد. دو سال هم

سالنامه‌ی اخگر را انتشار داد. وی تا آخر عمر در انجمن‌های ادبی فعالیت چشمگیری داشت.
(1348 -1267 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به اخگر. معروف به ملاباشی. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس ادب، دارالفنون و نظامی به پایان رسید و چندی در رشته‌ی علوم دینی در مدرسه‌ی سپهسالار به تحصیل پرداخت. آن گاه وارد خدمت نظام شد و تا درجه‌ی سرهنگی ارتقا یافت. اخگر همزامان با نهضت مشروطه خواهی در صف ملیّون قرار گرفت و به مبارزه با استبداد پرداخت. در سال 1303 ش از طرف مردم دشتستان و اصطهبانات به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس، بار دیگر به خدمت نظام اشتغال ورزید تا بازنشسته گردید. وی در راه ترویج فرهنگ و شعر و ادب کوشید و به نشر مجله‌ی ادبی «اخگر» و طبع سالنامه همت گماشت. از آثار منظوم او: مثنوی «بیچون‌نامه»؛ کتاب «اسرار خلقت»؛ چند اثر دیگر به نام «علم عروض» و «علم قافیه» که در مجله‌ی «اخگر به چاپ رسیده است؛ «امثال منظوم»، «چراغ برق».[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (458)، الذریعه (186 / 3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (102 -99 / 1)، سخنوران نامی معاصر (198 -194 / 1)، شعرای مازندران و گرگان (26 -25)، مؤلفین کتب چاپی (351 -349 / 1).

اخوان طبسی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اخوان طبسی
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمداخوان طبسی در سال 1354 یا 1355 بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.
برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان طبسی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اخوان طبسی
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمداخوان طبسی در سال 1354 یا 1355 بود که برای تحصیل علوم حوزوی به شهر قم آمدم و در مدرسه علمیه ای که در خیابان صفائیه کوچه ممتاز به نام مدرسه رسالت معروف بود مشغول به تحصیل شدم. بعد از انقلاب هم در مدارس دیگری به تحصیل اشتغال داشتم از جمله سه سال در مدرسه علمیه اسلامیه و سه سال هم در اصفهان و بعد هم دوباره به قم برگشتم و تا به حال ساکن قم بوده ام.
برای تدریس به مدارس علمیه چند شهر به نامهای آباده، گرگان، شیراز، گلپایگان، لردگان که از جمله آنهاست رفته ام.

اخوان کاظمی، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود اخوان کاظمی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/9/1
زندگینامه علمی
آقای مسعود اخوان کاظمی در سال 1341هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود.
نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1362 وارد دانشگاه امام صادق (ع) گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر دروس اساتیدی همچون آیت الله باقری کنی، آیت الله مهدوی کنی و دیگر اساتید برجسته دانشگاه بهره ها برد.
استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه عزیمت نمود و در سال 1374 در مقطع دکترای علوم سیاسی از دانشگاه رن فرانسه فارغ التحصیل گردید.
ایشان سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه رازی کرمانشاه و پژوهش در وزارت کشور مشغول می باشد و هم اکنون ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کرمانشاه را بر عهده دارد. وی هیچوقت از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نمانده و برخی از آثار آن را با عنوان "توسعه سیاسی و جامعه مدنی" و "سازمان همکاری شانگهای" می توان نام برد.

اخوت، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران احمد اخوت (زاده ۱۳۳۰ در اصفهان) داستان نویس، داستان شناس، مترجم و منتقد ادبی است. وی دارای مدرک دکترای زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی است.
وی از یاران حلقه ادبی جنگ اصفهان بوده است.
همچنین وی عضو نویسندگان فصلنامه هنری ادبی زنده رود است.
آثار:
تالیفات و نقد ادبی
•دستور زبان داستان - تالیف
•مستعار نویسی و شبه ترجمه - تالیف
•من و برشت - ترجمه و تالیف
•نشانه‌شناسی مطایبه - تالیف
•لطیفه‌ها از کجا می‌آیند؟ - تالیف
•پروست و من - تالیف
ترجمه‌ها:
•کار نویسنده - ترجمه
•سپتامبر بی باران - نوشته ویلیام فاکنر
•اطلس - نوشته خورخه لوئیس بورخس
•واژه‌نگاری چینی، رسانه شعر - نوشته ارنست فنولوزا
•قصیده کافه غم - نوشته کارسون مک کولرز
•آوارگان - نوشته فلانری اوکانر
•اسب های خالدار - ویلیام فاکنر
•کار نویسنده - ترجمه
•سپتامبر بی باران - نوشته ویلیام فاکنر
•اطلس - نوشته خورخه لوئیس بورخس
•واژه‌نگاری چینی، رسانه شعر - نوشته ارنست فنولوزا
•قصیده کافه غم - نوشته کارسون مک کولرز
•آوارگان - نوشته فلانری اوکانر
•اسب های خالدار - ویلیام فاکنر
برادران جمال زاده - مجموعه داستان

اخوت، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1305 ق)، روزنامه‌نگار. از اهالی بوشهر بود. وی ابتدا در مکتب خانه و سپس نزد استادان وقت به تحصیل مشغول بود. ابتدا به شغل خرازی و پس از آن به تجارت پرداخت. در سال 1324 ق به جرگه‌ی اصلاح طلبان پیوست. پس از کودتای سوم اسفند 1299 ش انجمنی به نام انجمن اخوت بوشهر تأسیس کرد که از اقدامات این انجمن تأسیس دبستان اخوت در هشت کیلومتری بوشهر بود. این انجمن در سال 1304 ش منحل شد. اخوت در سال 1308 ش موفق به دریافت امتیاز روزنامه‌ی «خلیج ایران» نایل گردید که آن را در ابتدا هفتگی و بعد به صورت روزانه انتشار می‌داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (2/ 250- 251)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 102).

اخوی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم اخوی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1

اخوی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا اخوی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1

اخویان، محمد علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اخویان
محل تولد : کوهدشت لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علی اخویان در سال 1362 وارد حوزه علمیه شدم و در سال 1374 در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از 8 سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز 4 و 5 تدریس داشته و دارم.

ادب کرمانشاهی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1280 ق)، خطاط، شاعر و ادیب. وی از سلسله‌ی سادات کرمانشاه بود. از بیشتر علوم متداول زمان خود بهره‌ی کافی داشت. مردی ادیب و دانشمند بود. کتابی به سبک «گلستان» سعدی پرداخته و در آن حکایات خوبی همراه با شعر آورده است. وی در خط شکسته مهارت داشت. ادب در کرمانشاه بدرود حیات گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1/ 102- 108)، الذریعه (9/ 172- 173)، فرهنگ سخنوران (150).

ادهم خلخالی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به عزلتی. وی از واعظان معروف زمان خود بود که «باب حادی عشر» علامه حلّی را به نام «لوازم الدین» به شعر فارسی در وزن «لیلی و مجنون» نظامی ترجمه و تفسیر کرده است. دیگر آثار وی: «دیوان عزلتی»؛ «مشرق التوحید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (701)، دانشمندان آذربایجان (274-273)، الذریعه (357 /18 ،717 /9)،لغت‌نامه (ذیل/ ادهم).

ادهم نژاد، بهمن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهمن ادهم نژاد اطاق وری
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/4/30
زندگینامه علمی
اینجانب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ 30/ 44/ 1344شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق ور" شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.
در سال 1362 وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال 1366 شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال 1366 شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیذر به مدت 3 سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال 1369 شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگوارمان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.
از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که 4 جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از 200 مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و

بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

ادیب السلطنه سمیعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1293 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به عطا. در رشت متولد شد و تحصیلات خود را در تهران و کرمانشاه به پایان رسانید. از محضر ابوالفقراء اصفهانی و میرزا سالک کرمانشاهی کسب فیض کرد. به استانبول رفت و پس از پنج سال به تهران بازگشت، آنگاه به مشاغل دولتی پرداخت و به مقاماتی رسید. وی چند سال ریاست انجمن ادبی فرهنگستان را عهده‌دار بود و مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با ادبا و سرودن شعر از سرگرمی‌های او بود. از آثارش: «رساله‌ی جان کلام»؛ «رساله‌ی دستور زبان فارسی»؛ «آرزوی بشر»؛ «آیین نگارش»؛ «جامعة الحیوانات»؛ «خواهران»؛ ترجمه‌ی «تاریخ افغانستان» به قلم سید جمال‌الدین اسدآبادی از عربی به فارسی؛ «دیوان» اشعار؛ «منظومه‌ی سیاست»، به عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (75 -73)، تاریخ برگزیدگان (361)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (86 -83)، سخنوران نامی معاصر (2503 /4)، سرآمدان فرهنگ (484 -483 /1)، معجم المؤلفین (11 /4)، مؤلفین کتب چاپی (756 -755 /2).

ادیب آل علی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ادیب آل علی
محل تولد : شوشتر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
سید محمد ادیب آل علی در سال 1345 در خانواده ای مذهبی در شهرستان شوشتر متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات دیپلم در سال 1364 راهی قم شد.
در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) طی 5 سال دروس مقدمات و سطح را گذراند و در سال 1369 درس خارج را با بهره گیری از محاضرات عملی آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی دامت برکاتهما آغاز نمود که همچنان ادامه دارد.
نیاز به پاسخگویی معقول و متداول به پرسش های نسل جوان و به ویژه دانشجویان او را به تحصیل در رشته های تخصصی کلام کشاند و طی 5 سال از مباحثات علمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام والمسلمین ربانی گلپایگانی و فیاضی و هادوی و دیگر اساتید استفاده نمود. رساله علمی سطح چهار وی تحت عنوان (زبان قرآن) با راهنمایی استاد حجةالاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی فعالی و مشاوره حجةالاسلام و المسلمین محسن غرویان، در آستانه دفاع می باشد.
علاقه وی به مطالعه در ادیان و کتب آسمانی باعث شد که در این زمینه مطالعات و پژوهش هایی داشته باشد که حاصل آن، کتابی است با عنوان (پرسش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت)، انتشار یافته توسط شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال 1385، و مقاله ای با عنوان (مقایسه دکترین منجی گرایی اسلام و مسیحیت)، منتشر شده در کتاب مقالات برگزیده دومین همایش بین المللی دکترین مهدویت می باشد. نامبرده مقالات دیگری در زمینه زبان شناسی قرآن و مسحیت صهیونیستی دارد که هنوز منتشر نشده اند. وی دوره آموزش زبان انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را که گذرانده در حال تکمیل آن است.
در حال حاضر به تدریس (آشنایی با متون مقدس) و (رهبران الهی در

ادیان توحیدی) در مرکز تخصصی مهدویت و ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران و چند پروژه پژوهشی اشتغال دارد.

ادیب بهروز، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ادیب بهروز
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/9

ادیب پیشاوری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1260 ق)، عالم و شاعر. معروف به ادیب. در سرحد بین پیشاور و افغانستان متولد شد. علوم ادبی و عربی را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به افغانستان رفت و طی اقامت دو ساله‌ی خود در کابل، نزد آخوند ملا محمد مشهور به آل‌ناصر دانش آموخت. بعد به غزنین رفت و در باغ فیروزه، آرامگاه حکیم سنایی غزنوی، اقامت گزید و آنجا نزد سعدالدین غزنوی تلمّذ نمود. وی در بیست و دو سالگی به مشهد آمد و در آن شهر ریاضی را نزد میرزا عبدالرحمان و علوم عقلی را در محضر آخوند ملا غلامحسین شیخ‌الاسلام آموخت. سپس به سبزوار رفت و دو سال از محضر حاج ملا هادی سبزواری و آخوند ملا محمد، فرزند وی، و آخوند ملا اسماعیل استفاده کرد. بعد به مشهد بازگشت و در مدرسه‌ی میرزا جعفر ساکن و به ادیب پیشاوری یا ادیب هندی مشهور شد. در مشهد مورد توجه میرزا سعیدخان گرمرودی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، قرار گرفت و بنا به تقاضای وی به تهران آمد و میهمان محمد خان قوام‌الدوله شد. و به تعلیم و نشر ادب پرداخت. وی علاوه بر فنون ادبی و عربی و حفظ اشعار و نحو و لغت و حکمت و ریاضیات در حسن خط نیز استاد بود. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و سرانجام، در منزل یحیی‌خان قراگوزلو، وزیر معارف، درگذشت و در امامزاده عبداللّه تهران دفن شد. آثار وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر چهار هزار و دویست بیت قصیده و غزل فارسی و سیصد و هفتاد بیت قصاید و قطعات عربی به انضمام دو رساله در بدیهیات اولیه و تصحیح «دیوان ناصر خسرو»؛ «قیصر نامه»؛ حواشی و تعلیقات بر «تاریخ بیهقی»؛ ترجمه‌ی فارسی «اشارات» شیخ الرییس که ناتمام ماند؛ حاشه بر «شرح ابن ابی‌الحدید» بر نهج‌البلاغه.[1]
(سید) احمد بن (سید) شهاب‌الدین پیشاوری، ادیب و شاعر (و. 1260 ه.ق./ 1844 م. ف. 1349 ه.ق./ 1930 م.). وی از سلسله سادات معروف به «اجاق» بود که در پیشاور به سر میبردند، و نسبت آنان در سیر و سلوک به سلسله سهرو دیده می‌رسد. پدر ادیب در حوادث سیاسی هندوستان تباه شد، و ادیب مدتی در شهرهای افغانستان و خراسان به تحصیل علوم معقول و منقول اشتغال داشت و در غالب علوم سرآمد عصر خود گردید. در سال 1300 ه.ق./ 1882 م. به تهران هجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر اقامت داشت. ادیب در شعر سبک استادان قدیم را با

موفقیت اقتفا میکرد. کثرت اطلاع او از فرهنگ اسلامی و علوم مختلف قدیم و تبحرش در لغات فارسی و عربی باعث شد که شعرش بیش از حد عادت مشحون از اطلاعات و معلومات مختلف گردیده، و به همان نسبت از لطافت و حال و اشتمال بر عواطف رقیق شاعران دور افتاده است. دیوان وی به طبع رسیده.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (322 -317 /2)، اعیان الشیعه (603 /2)، حماسه سرایی در ایران (375)، دایرةالمعارف فارسی (77 /1)، الذریعه (162 /9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (105 -103 /1)، سخنوران نامی (9 -3 /1)، سخنوران نامی معاصر (214 -208 /1)، سرآمدان فرهنگ (156 /1)، شرح حال رجال (78 -77 /1)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب پیشاوری)، مؤلفین کتب چاپی (352 -351 /1)، معجم المؤلفین (246 /1)، مکارم الآثار (1624 -1623 /5)، یادداشتهای قزوینی (149 /8)، یادگار (س 3، ش 3، ص 34 -33).

ادیب شیبانی کاشانی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. وی پدربزرگ حاج میرزا ابراهیم‌خان صدیق‌الممالک شیبانی کاشانی بود. درباره‌ی ادیب در «تاریخ شیبانی» آمده است که وی از علمای بزرگ و فضلای بی‌نظیر بود و گذشته از علوم عقلی و نقلی و فنون ادبی و عربی، در تاریخ و امثال و حکم و ریاضیات و نجوم و فن نگارش و نظم شعر و برخی علوم غربی حتی زبان عبری نیز مهارت تام داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (1/ 89)، یغما (س 13، ش 7، ص 362 -361).

ادیب شیرازی، محمود مصطفوی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1310 ش)، خطاط و ادیب. در خط نستعلیق شیوه شیرینی داشت و بسیار خوش می‌نوشت. در شیراز وفات یافت. از آثار وی: کتابهای «دبستان الفرصه»، «بحور الالحان» که از مؤلفات میرزا نصیرالدین فرصت شیرازی است و در بمبئی چاپ شده؛ همچنین «کلیات سعدی» تصحیح شوریده به قلم او کتابت شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (1/ 244، 245).

ادیب طالقانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و فاضل. وی از مؤلفین جلد اول «نامه‌ی دانشوران» بود و یکی از چهار نفر فضلای درجه اول که اعتضاد السلطنه، وزیر علوم وقت آنها را مأمور نگارش «نامه‌ی دانشوران» کرد. و چون به فرقه‌ی بابیه گروید، به این جهت او را از دارالتألیف به کلی اخراج کرد. مدفن او در غرب تهران است. تألیف دیگرش «لسان العجم» در صرف و نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (18/ 307)، شرح حال رجال (6/ 80)، نامه‌ی دانشوران (1/ 12).

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1283 ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال 1316 ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[1]
مدرس، ادیب، محقق.
تولد: 1283، مشهد (محله نوغان).
درگذشت: 5 خرداد 1361، تهران.
محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال 1342 ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.
ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در

دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.
از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، 1320)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، 1312)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، 1313)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، 1332)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، 1349)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، 1343)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغة فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز 1320)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، 1319 -1317)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز 1320)، شبح مخوف، درویش گمنام.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (4/ 181)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 106- 107)، سخنوران نامی (2/ 46- 54)، سخنوران نامی معاصر (1/ 230)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 685- 687).

ادیب فراهانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیرالشعراء ادیب‌الممالک محمدصادق بن (حاجی میرزا) حسین فراهانی، شاعر (و. 1277 ه.ق./ 1860 م.- ف. 1336 ه.ق./ 1917 م.) نسب وی به میرزا عیسی قائم‌مقام می‌رسد. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت و هم از خردی به سرودن شعر پرداخت. از سال 1316 ه.ق./ 1898 م. نویسندگی و اداره روزنامه‌های ادب، مجلس، عراق عجم و آفتاب را بر عهده داشت. چندی نیز در سفرهای خارج و داخل ایران گذراند. وی در انواع شعر مخصوصا در قصیده و قطعه استاد بود و سبک استادان قدیم را نیک پیروی می‌کرد. غالب شعر او نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی وی است. او در وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایاتی که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد عهد اخیر است. آشنایی ادیب با ادب اروپایی موجب ورود بعضی افکار و مضامین و قصص و کلمات فرنگی دراشعارش شده است، و نیز اطلاع او از ادب و لغت و تاریخ عرب و اسلام باعث گردیده که بسیار بیشتر از معاصران خود کلمات و ترکیبات غیر ضرور عربی ر در سخنان خود به کار برد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ادیب فرهمند، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1317 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دبیر. مشهور به ادیب‌الممالک. وی در بروجن متولد شد. در سال 1341 ق از طرف احمدشاه ملقب به ادیب الممالک گردید. ادیب دارای ذوق سرشار بود و به ادبیات علاقه‌ی تام داشت. انجمن ادبی اصفهان در منزل او برگزار می‌شد. اشعارش دارای حلاوت مخصوص بود و به سبک قدیم و جدید شعر و تصنیف می‌سرود. وی پس از یک کسالت ممتد در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد مدفون گردید. آثار به جای مانده از او: مجله‌ی «تحفة الادبا»؛ روزنامه‌ی «گیتی نما»؛ رساله‌ی «جشن جغدها».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (2/ 112)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (74 /2)، مؤلفین کتب چاپی (3/ 721- 722).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ح 1330 ق)، موّرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (34)، الذریعه (66 /9)، ستارگان کرمان (15)، فرهنگ سخنوران (53)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین‌خان).

ادیب نیشابوری، عبدالجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1344 -1281 ق)، شاعر، متخلص به ادیب. در نیشابور دیده به جهان گشود و در چهار سالگی بر اثر بیماری آبله بینایی چشم راست و قسمتی از چشم چپ خود را از دست داد. علوم مقدماتی را در همان شهر آموخت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت و در آنجا علوم ادبی و شعر و لغت عربی را آموخت. پس از احاطه بر ادبیات و شعر عرب، به مدت چهل و سه سال در مشهد در مدارس خیرات‌خان، فاضل‌خان و نواب به تدریس پرداخت. از شاگردان برجسته‌ی وی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود. وی علاوه بر فنون ادبی از علوم ریاضی و نجوم و فقه و اصول نیز بهره داشت. در شعر ابتدا پیرو قاآنی بود و سپس شیوه‌ی خراسانی را برگزید. به دو زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت. در مشهد درگذشت و در دارالسیاده دفن شد. «دیوان» اشعارش به نام «لئالی مکنون» به چاپ رسیده است. همچنین رساله‌ای در «جمع بین عروض فارسی و عربی»؛ رساله‌ای در «شرح معلقات سبعه» و چند جزوه در تلخیص «شرح خطیب تبریزی بر حماسه‌ی ابوتمام» نوشته است.[1]
عبدالجواد بن (ملا) عباس (و. نیشابور 1281 ه.ق./ 1242 ه.ش.- ف. 1344 ه.ق./ 1305 ه.ش.) یک چشم وی به چهار سالگی بر اثر آبله کور شد. وی تا 16 سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات مشغول بود، سپس به مشهد رهسپار شد و نخست در مدرسه خیرات خانی و بعد در مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب منزل اختیار کرد و فنون و ادبی را فراگرفت و بیشتر اوقات را در مطالعه کتب ادبی عرب می‌گذرانید. از آثار او چیزی به طبع نرسیده. رساله‌ای در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معلقات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابوتمام نوشته. ادیب تا پایان عمر مجرد زیست و مالی نیندوخت و گروهی از ادبای معاصر تربیت یافته اویند. در شعر نخست پیرو قاآنی بود و بعد شیوه خراسانی را اختیار کرد.
به فارسی و عربی شعر می‌گفت. قریب 6000 بیت از اشعارش را جمع کرده‌اند.
عبدالجواد از معاریف ادبای عصر حاضر بوده شرح حال او را در آغاز دیوانش که مطبوع است و در برخی از کتب و مجلات دیگر چاپ شده است .

وی در سال 1281 ق در نیشابور متولد شده مقدمات عربی را همانجا تکمیل و در سال 1297 ق به مشهد آمده و در مدرسه نواب مشغول به تحصیل و تدریس گردیده و با اینکه یک چشمش در اثر بیماری آبله از دست رفته و از چشم دیگر هم به زحمت استفاده می‌کرده و مطالعات عمیق داشته و دقیقه‌ای بیکار نبوده و جز با معدودی از آشنایان با دیگری مراوده نداشته و با مناعت طبع زندگی می‌کرد و متجاوز از چهل سال به تدریس اشتغال داشت تا در 15 ذیقعده که خود مکرر می‌گفت در ذیقعده وفات خواهم یافت در سال 1344 ق درگذشت و در دارالسیاده مدفون شد شیخ احمد بهار متوفی 1366 در تاریخش به دو مصرع گفت.

دور ادب نپرورد بهر ادیب تالی

جای ادیب خالی جای ادیب خالی

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (15 -14)، از صبا تا نیما (20 -19 /2)، تاریخ برگزیدگان (333)، دایرةالمعارف فارسی (78 /1)، دویست سخنور (16 -15)، زندگینامه‌ی رجال ومشاهیر (107 /1)، سخنوران نامی (15 -10 /1)، سخنوران نامی معاصر (219 /1)، سرآمدان فرهنگ (157 -156 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (98 -97 /7)،لغت‌نامه (ذیل/ ادیب نیشابوری)، یادداشتهای قزوینی (150 /8).

ادیب نیشابوری، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1277 ق)، دانشمند، عالم و ادیب. در روستای خیرآباد بلوک عشق‌آباد نیشابور به دنیا آمد. او تا هیجده سالگی در نزد پدرش درس خواند. سپس پدرش وی را به مشهد فرستاد. پس از اندک زمانی نزد دائی خود حاج شیخ محمد کدکنی به تحصیل پرداخت. در 1294 ش به محضر شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری اول راه یافت. ادیب نزد بسیاری از مدرسان و عالمان آن عصر درس خواند. او در رشته‌های ادبیات عرب، منطق، فلسفه، ریاضیات، اصول، فقه، رجال حدیث و تفسیر متبحر بود و طب قدیم را نیز می‌دانست. او نزدیک به شصت سال صاحب حوزه‌ی تدریس بود و شاگردان بسیاری تربت کرد. از آثار وی: «گوهر دانش»؛ «تاریخ ادبیات عرب»؛ «البدایة و النهایة»؛ «تابش جان و بینش روان»؛ «حدیث جان و جانان»؛ «تاریخ ادبیات ایران».[1]
محمدتقی معروف به (ادیب نیشابوری) از ادباء و اساتید ادبیات و دانشمندان عالیمقام معاصر و در فنون ادبیه تالی و ثانی استادش مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2785 /2)، مؤلفین کتب چاپی (196 -195 /2)، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (زمستان 1357).

ادیب هروی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1302 ق)، ادیب و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. بعد از فراگیری مقدمات عربی و ادبی به حوزه‌ی درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری وارد شد و به مدت چهار الی پنج سال از محضر وی بهره گرفت. همچنین در محضر آخوند ملاعلی تونی علم فقه و اصول را نیز آموخت. ادیب هروی پس از اتمام تحصیلات در سال 1325 ق با سمت معلمی در مدارس مشهد به کار پرداخت. آثار به جای مانده از او: «احسن القصص»؛ «تاریخ انقلاب طوس»؛ «حدیقة الرضویه» «دستور حسن»؛ «صرف متوسط»؛ «نحو مقدماتی»؛ «تاریخ پیدایش مشروطیت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (110 -109 /1)، مؤلفین کتب چاپی (532 -531 /2).

ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 /1335 -1277 ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوایل پروانه تخلص می‌کرد، چون به امیرالشعرا ملقب گردید، تخلص خود را امیری قرار داد. وی در قریه‌ی گازران، از توابع فراهان اراک، متولد شد. در نوجوانی پدرش را از دست داد و به همین علت به تهران آمد. در تهران، پس از طی مدارج معمول آن زمان، فنون ادبیات ایران و عرب را از استادان فن آموخت و سرآمد سخنوران عصر گشت و مورد اکرام و توجه شاهزاده طهماسب میرزای مویدالدوله قرار گرفت. دوره‌ی فعال زندگانی وی مقارن با جنبش مشروطه‌خوواهی در ایران بود. در سال 1309 ق که امیر نظام گروسی به حکومت کرمانشاه منصوب شد، با او بدان جا رفت و تا سال 1313 ق در کرمانشاه بود. در سال 1314 ق از طرف مظفرالدین شاه به ادیب‌الممالک ملقب گردید. در همین سال بود که امیر نظام به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شد و با او به تبریز رفت. «روزنامه ادب» را در سال 1316 ق در تبریز منتشر کرد. در سال 1318 ق از تبریز به قفقاز رفت و در آنجا با کمک احمد بیک آقایف قراباغی «روزنامه‌ی ارشاد» را به زبان ترکی و فارسی منتشر کرد. از آنجا به خوارزم و پس از چندی به مشهد رفت و «روزنامه‌ی ادب» را در آن شهر انتشار داد. سپس به تهران آمد و در سال 1324 ق «روزنامه‌ی عراق عجم» را در تهران تأسیس کرد اما دیری نپایید. سپس سردبیر «روزنامه‌ی ایران» دولتی شد و در سال 1322 ق از طرف وزارت کشور مدیر روزنامه‌ی نیمه رسمی «آفتاب» شد و در این ایام در وزارت دادگستری خدمت کرد. در سال 1335 ق مأمور عدلیه‌ی یزد شد. در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالعظیم شهر ری. به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی مشتمل بر بیست و دو هزار بیت، به همت وحید دستگردی، در سال 1312 ش در تهران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (22 -20)، از صبا تا نیما (146 -137)، تاریخ ادبیات ایران، براون (226 -223، 4/ 196)، تاریخ جراید (98 -80)، چشمه‌ی روشن (356 -348)، الذریعه (66 /9)، سخنوران نامی معاصر (384 -376 /1)، سرآمدان فرهنگ (155 /1)، شخصیت‌های نامی (41 -40)، شرح حال رجال (161 -159 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ادیب فراهانی)،

مکارم الآثار (2132 -2131 /6)، مؤلفین کتب چاپی (479 -477 /3)، یادداشتهای قزوینی (150 -149 /8)، یادگار (س 3، ش 3 ص 34).

ارانی، دکتر تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در یک خانواده‌ی متوسط در تبریز به سال 1282 تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران انجام داد و از مدرسه‌ی دارالفنون دیپلم گرفت. پس از چندی با هزینه‌ی شخصی به اروپا رفت و در برلن وارد دانشگاه شد. پس از زحمات زیاد در علم فیزکوشیمی (علم واسط میان شیمی و فیزیک) درجه‌ی دکترا دریافت کرد. پس از پایان دکترای خود در این رشته، یک دوره‌ی تخصصی نیز در شیمی تسلیحات دید. در ریاضیات عالی، فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی و مکتب‌های سیاسی مطالعاتی کرد و از نظر افکار تحت تأثیر عقاید سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها قرار گرفت. هنگام تحصیل در برلن با چند نفر از رفقای خود روزنامه‌ای به نام پیکار دائر کرد و از رژیم رضاشاه انتقاد می‌نمود. سرانجام دولت آلمان این روزنامه را تعطیل کرد. ارانی پس از مراجعت به ایران در مدرسه‌ی فنی تهران به سمت استادی فیزیک و در وزارت صناعت به عضویت انتخاب شد و ضمناً نشریه‌ای به نام دنیا منتشر ساخت. دنیا مجله‌ای مارکسیستی بود و دو سال انتشار یافت. تدریجاً مصادر امور فهمیدند که ماهیت این نشریه چیست و چرا منتشر می‌شود. به دنبال توقیف آن، ارانی را به اتفاق 52 نفر دیگر که همه از روشنفکران آن روز و از هم مسلکان وی بودند و به 53 نفر مشهور شده‌اند توقیف کردند. همه‌ی متهمین خود را بی‌تقصیر خواندند و استرحام کردند جز ارانی که اساس عقاید خود را به صورت علمی و با شهامت در دادگاه تشریح نمود. دادگاه رأی خود را صادر کرد و او را به ده سال زندان محکوم نمود. دو سال در زندان بود و ظاهراً بر اثر ابتلا به بیماری تیفوس درگذشت. به زبان‌های آلمانی، فرانسه، انگلیسی، و عربی آشنائی داشت. وی در واقع پایه‌گذار حزب توده‌ی ایران و نخستین مروج اندیشه‌ی مارکسیستی در ایران به عنوان اندیشه‌ای علمی است. پسیکولوژی و ماتریالیسم دیالکتیک مهمترین کتاب‌های تألیفی اوست.
(1318 -1281 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس شرف و دارالفنون گذراند و وارد مدرسه عالی پزشکی تهران شد. پس از مدتی برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان رفت و موفق به گذراندن دوره‌ی دکترای فیزیک و شیمی شد و از دانشکده‌ی فلسفه نیز گواهینامه لیسانس گرفت. سپس به عنوان استاد ادبیات شرق، در برلین به تدریس پرداخت. در برلین روزنامه‌ی «پیکار» را تأسیس کرد که در لایپزیک

چاپ و مخفیانه در ایران منتشر می‌شد. در سال 1309 ش به ایران بازگشت، نخست در وزارت معارف استخدام و به تدریس پرداخت و سپس عنوان رییس تعلیمات یافت. در تهران با انتشار مجله‌ی «دنیا» و بعضی کتب دیگر به نشر مرام اشتراکی پرداخت. در بین پاره‌ای از جوانان نفوذ زیادی یافت. وی در سالهای پس از مراجعت خود از اروپا، در دبیرستانهای پایتخت فیزیک و شیمی تدریس می‌کرد. ارانی در زندان درگذشت. او شعر نیز می‌سرود و چندین کتاب تألیف کرد که بری از آنها عبارت‌اند از: «اصول علم روح»؛ «اصول علم شیمی»؛ «اصول علم فیزیک»؛ «بشر از نظر مادی»؛ «پسیکولوژی علم الروح»؛ «تئوریهای علم»؛ «عرفان و اصول مادی»؛ «فرضیه‌ی نسبی»؛ «گلهای سفید».[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (71 -69)، تاریخ جراید (296 -293 / 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (119 -113 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (194 -191 / 2).

ارباب شیرانی، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سعید ارباب شیرانی در سال 1316 در اصفهان به دنیا آمد.وی پس از دریافت کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران ،در سال 1340 برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و موفق شد از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی را دریافت کند.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد. کتاب"تاریخ نقد جدید" ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید ارباب شیرانی پس از طی دوران دبستان و دبیرستان در اصفهان، در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. در سال 1340 برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و ضمن تدریس فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن، از دانشگاه راتگرز (دانشگاه ایالتی نیوجرزی) درجهٔ فوق لیسانس ادبیات انگلیسی و از دانشگاه پرینستن درجهٔ فوق لیسانس و دکترای ادبیات تطبیقی دریافت داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سعید ارباب شیرانی در سال 1340 برای ادامهٔ تحصیل به آمریکا رفت و در کنار تحصیل به تدریس زبان و ادبیات فارسی در بخش شرق شناسی دانشگاه پرینستن پرداخت.ایشان در حال حاضر در دانشگاه علامهٔ طباطبایی به تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب"تاریخ نقد جدید" ترجمه،سعید ارباب شیرانی، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : 1- "Creative use of convention in Herrick's Corinna's going a-Maying" -"Theoretical Backgrounds of French Prose Poetry: Fenelon to Baudelaire accepted for publication in the forthcoming issue of Humanities ویژگی اثر : تالیف2 تاریخ نقد جدید ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «تاریخ نقد جدید»: تاریخ نقد جدید (جلد 1، 2، 3و...)؛ رنه ولک؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ تهران: انتشارات نیلوفر، جلد سوم، 1375. نقد ادبی و اطلاع از آراء و مکاتب آن، اهمیت بنیادی در

شناخت و ارزیابی آثار ادبی- هنری دارد. رنه ولک- مورخ و منتقد برجسته که او را «منتقد والای منتقدان» خوانده اند- دارای آثاری باارزش در این زمینه است. یکی از این آثار، کتاب هشت جلدی تاریخ و نقد است که تألیف آن قریب چهل سال زمان برده است. کتاب حاضر از امّهات کتب نقد ادبی در همه زبانهای مغرب زمین به شمار می رود و تفصیل و دامنه شمول آن چشمگیر است. ترجمه این اثر، همتی والا را می طلبید که مترجم محترم از عهده این کار دشوار به شایستگی برآمده است و تاکنون سه جلد آن- با رعایت امانت در ترجمه- به خوانندگان عرضه شده است. این کتاب راهنمای مناسبی برای همه محققان، دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکترا وعلاقه مندان به نقد ادبی است. تعلیقات پایانی هریک از مجلدات، نه تنها یاری رسان خواننده است؛ بلکه می توان آن را در حکم تحقیق ارزنده ای به شمار آورد 3 تاریخچه نقد در ادبیات قدیم عرب ویژگی اثر : ترجمه،فان گلدر، ؛ تحقیقات اسلامی، سال سوم، شماره1 و 2(1367)4 تخیل فرهیخته ویژگی اثر : ترجمه،نورتروپ فرای؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول 1363، چاپ دوم 1372.5 مضمون سازی در شعر سبک هندی و شعر متافیزیکی انگلیس ویژگی اثر : تالیف،صائب و سبک هندی، به کوشش محمدرسول دریاگشت
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ارباب کیخسرو

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1253 ش)، نویسنده و شاعر. وی در کرمان متولد شد. در طفولیت از داشتن پدر محروم گردید. تحصیلات مقدماتی را تحت توجه مادر خود در دبستان کرمان به پایان برد و در نه سالگی به تهران آمد و به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. سپس به بمبئی رفت و تحت حمایت و سرپرستی دینشاه به تحصیل مشغول شد. پس از پایان تحصیلات، از طرف انجمن اکابر صاحبان پارسی، به آموزگاری در کرمان منصوب شد. در این مدت به اصلاحات فرهنگی اقدام کرد. پس از مدتی از طریق مشهد و عشق‌آباد به روسیه رفت و بیش از یکسال در ادسا ماند، سپس به تهران آمد و جزو مدیران اداره‌ی ارباب جمشید بهمن درآمد. در دوره‌ی دوّم، از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و جمعا یازده دوره نماینده‌ی زردتشتیان در مجلس بود. در سال 1310 ش، تنی چند از رجال دانشمند، به منظور تجلیل از بزرگان علم و ادب ایران و حفظ آثار باستانی و ابنیه‌ی تاریخی، انجمنی به نام «انجمن آثار ملی» تأسیس کردند که وی نیز با آنان همکاری داشت. نخستین اقدام انجمن مذکور، ساختن آرامگاه فردوسی در طوس بود. وی مردی امین و صدیق و میهن دوست بود. به زبان انگلیسی تسلط داشت. در تهران به طرز مشکوک و اسرارآمیزی کشته شد. او طبع شعر داشت و دارای تألیفاتی است از جمله: «آئین پارسیان»، ترجمه از انگلیسی؛ «آئینه‌ی آئین مزدیسنی»؛ «فروغ مزدیسنی».
ارباب کیخسرو شاهرخ 7 تیرماه 1254 در کرمان زاده شد.وی معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از 20 مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال 1285 خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... بود.ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت.نانبرده سرانجام پس از شصت و شش سال زندگی نیک ، آفتاب عمرش در نیمه شب یازدهم تیرماه 1319 غروب کرد و نامش را در تاریخ ایران جاودان ساخت .
گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : نویسنده
تحصیلات رسمی و حرفه ای : . تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراند و سپس به هند رفت. سال 1284 به تهران آمد
هم دوره ای ها و همکاران : اسناد موجود و اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ارباب کیخسرو شاهرخ با همکاری جمعی از نمایندگان پیشگام مجلس مانند دکتر رضا افشار، شیخ ابراهیم‌زنجانی و سید نصرالله تقوی در فراهم آوردن مقدمات تأسیس کتابخانه مجلس از این طرح پیشنهاد و تا استقرار و پا گرفتن آن، کوشش‌های فراوانی کردند.
وقایع میانسالی : این مرد نیک اندیش از همان بدو کودکی با تمامی مشکلاتی که برایش پیش می آمد از کمک به همنوع دریغ نمی نمود و در دوران زندگی اش منشاء خدمات ارزنده ای به جامعه زرتشتی و کشورش ایران شد
زمان و علت فوت : ارباب کیخسرو شاهرخ در یازدهم تیر سال 1319 دار فانی را وداع گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ارباب کیخسرو شاهرخ سال 1288 از طرف همکیشان خود به نمایندگی مجلس برگزیده شد. همان سال نیز به ریاست انجمن زرتشتیان تهران منصوب شد. وی در سال 1289 کتاب «فروغ مزدیسنی» را به رشته تحریر درآورد. او 31 سال نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بود. ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در دوره دوم مجلس شورای ملی، مبتکر طرح کتابخانه مجلس بود. وی دو سال پس از پیروزی مشروطیت، این طرح را به مجلس ارائه کرد و دایره کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مورد توجه قرار گرفت.
خلاصه ای از فعالیت های ایشان به قرار زیر است: معلم ، نویسنده و مدرسه ساز نمونه و ساخت بیش از 20 مدرسه در شهرهای مختلف از جمله مدرسه ملی ایرانشهر کرمان به سال 1285 خورشیدی و مدارس جمشیدی و جمشید جم و فیروز بهرام و ... نگارش و چاپ کتابهای آینه آیین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی 31 سال نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس شورای ملی از سال 1288 تا 1319 خورشیدی تغییر مراسم تدفین از دخمه به خاکسپاری و خرید و احیای آرامگاه قصر فیروزه تهران و پیگیری این مراسم در سایر شهرها پافشاری در تصویب به رسمیت شمردن احوال شخصیه اقلیتهای مذهبی و پیگیری و تدوین مفاد آن دریافت حکم تولیت موقوفات زرتشتی به نام انجمن های زرتشتیان هر شهرستان . مسئول ساخت راه آهن ایران مدیرعامل شرکت سهامی تلفن به سال 1295 خورشیدی مسئول خرید گندم و غلات در زمان قحطی سال 1297 خورشیدی مسئول شناسایی و بازسازی آرامگاه فردوسی و سرپرستی

جشن هزاره آن شاعر نامور به سال 1313 خورشیدی تاسیس کتابخانه مجلس و رئیس اداره مباشرت و سرپرست چاپخانه مجلس مسئولیت و سرپرستی جشن تاج گذاری احمد شاه قاجار نظارت بر جشن تاج گذاری رضا شاه پهلوی
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ارباب کیخسرو در انجام مراحل مقدماتی تاسیس، گردآوری کتاب و تعیین مکانی برای نگهداری کتاب‌ها و ایجاد کتابخانه موقت، سهم به‌سزایی داشته است.که از وی به عوان بنیانگذار کتابخانه مجلس یاد می شود. وی علاوه بر این، بنیانگذار انجمن آثار ملی است. این انجمن بعد از انقلاب به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام داد. همچنین مسؤلیت ساخت بنای فعلی آرامگاه فردوسی در طوس نیز بر عهده ارباب کیخسرو بوده است. ساخت بنای آرامگاه فردوسی در کمیسیونی پیگیری می‌شده که محمدعلی فروغی نخست وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گدار فرانسوی اعضای آن بوده‌اند. ----------
---
آثار :
1 فروغ مزدیسنی
ویژگی اثر : تالیف
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (124 -120 /1)، شرح حال رجال (180 -179 /3)، مؤلفین کتب چاپی (102 -101 /5).

ارابی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی اربابی
محل تولد : بجنورد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
آیت الله محمدتقی اربابی در خانواده ای مذهبی در روستای درغ جاجر از توابع بجنورد متولد شد. ایشان مقدمات علوم دینی را در حوزه علمیه مشهد در سال 1347 شروع کرد و مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت کرد. سطح عالی فقه و اصول را در قم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ کاظم تبریزی و مرحوم شیخ جواد تبریزی فرا گرفت.
ایشان علاوه بر فقه و اصول به فعالیت های علمی در زمینه تفسیر و علوم قرآن، فلسفه، تاریخ و سیره نهج‌البلاغه، ادیان و مذاهب، اقتصاد و حقوق پرداخت تا هر چه بیشتر بر غنای علمی خویش بیفزاید. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهت رسیدگی به مشکلات قضایی مردم به امر قضاوت در دادگاههای استان خراسان پرداخت و هنوز هم جهت خدمت به مردم این مسئولیت سنگین را بر دوش می‌کشد.

ارجمند، جمشید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جمشید ارجمند، مترجم و منتقد سینمایی.
زندگی‌نامه:
جمشید ارجمند در خیابان لاله‌زار، کوچهٔ پیرنیا ۲، روبه‌روی سینما کریستال به دنیا آمد. خیلی زود در ۱۲ سالگی در آغاز دهه سی و دولت دکتر مصدق به عضویت حزب پان ایرانیست درآمد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد با وسایل ابتدایی به چاپ اعلامیه می‌پرداخت اما فعالیت‌های سیاسی او را خیلی زود به فعالیت‌های فرهنگی کشاند و در تابستان ۱۳۳۳ کار در مجله فردوسی زیر نظر ناصر نیرمحمدی آغاز کرد. در همین سال چاپ چند شعر نو در مجله فردوسی و راهنمایی‌های اسماعیل شاهرودی و نصرت رحمانی او را با ادبیات نوین فارسی آشنا کرد. مرگ مادرش در ۱۳۳۷ طی حادثه‌ای در جلوی چشمان‌اش و مرگ پدر در دو سال بعد زندگی مشقت‌باری را به او تحمیل کرد اما وی توانست با سخت‌کوشی بر مشکلات فایق آید و به دانشگاه برود و هم‌زمان در مجلهٔ فردوسی به مدیریت نعمت‌الله جهانبانویی و ستارهٔ سینما به سردبیری پرویز نوری به کار ترجمه و انتشار مقاله بپردازد. در ۱۳۴۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در چارچوب جبهه ملی دو بار دستگیر و در زندان قزل‌قلعه زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ در تظاهرات دانشجویی مورد ضرب و جرخ شدیدی قرار گرفت. سال ۱۳۴۲ سال پرباری برای ارجمند بود در این سال از دانشکدهٔ حقوق فارغ‌التحصیل شد و با روشنک کشاورز، فرزند سید محمدعلی کشاورز سخنگوی جبهه ملی دوم، ازدواج کرد. تحصیل فوق‌لیسانس مدیریت اداری را آغاز کرد که البته ناتمام ماند. در همین سال در موسسهٔ تحقیقات اقتصادی با سمت محقق استخدادم شد که امکان تحقیق و سفر به مناطق مختلف ایران و انتشار پژوهش‌های‌اش در فصلنامه تحقیقات اقتصادی را برای‌اش فراهم آورد. نخستین فرزندش در سال بعد ۵ مرداد ۱۳۴۳ به دنیا آمد که به یاد دکتر محمد مصدق نام او را "محمد" گذاشت. چهار سال بعد در آذر ۱۳۴۶ دخترش لیلا به دنیا آمد. در این سال‌ها هر چند دو سال را در سربازی گذراند اما به فعالیت‌های مطبوعاتی و ترجمه و تالیف و نقد سینمایی نیز پرداخت و در سال ۱۳۴۵ مجمع منتقدان فیلم در بنیانگذاری کرد و در همین سال به عنوان عضو هیئت داوران منتقدان سینمایی در جشنوارهٔ فیلم کودک و نوجوان انتخاب شد. در ۱۳۴۸ به فرانسه رفت تا مطالعات

تخصصی در دورهٔ دکترای سیکل سوم دانشگاه اکس-مارسی، رشته اقتصاد و تبلیغات جهانگردی را پی بگیرد. در همین سال ترجمه نخستین کتاب‌اش را به پایان برد و با بازگشت به کشور در سال بعد، به فعالیت‌های گسترده و مداوم به ترجمه و تالیف پرداخت. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در سال ۱۳۵۸ کار در هیئت تحریریه روزنامه هفتگی طنز "آهنگر" به سردبیری منوچهر محجوبی را آغاز کرد و با تعطیلی این هفته‌نامه در سرویس خارجی روزنامه بامداد شروع به کار کرد که این روزنامه هم تعطیل شد و او در روزنامه میزان مشغول کار شد و این روزنامه هم به سرنوشت آن دو نشریه دچار شد و به کام تعطیلی رفت. جمشید ارجمند هر چند تا کنون دو بار عمل جراحی قلب انجام داده است اما هم‌اکنون ضمن تحقیق و پژوهش و ترجمه، سردبیری و انتشار فصلنامه بیمه و کشاورزی برای صندوق بیمه محصولات کشاورزی را به عهده دارد. :تالیف

- ۱۳۵۱ دربارهٔ چند سینماگر(۲و۱)، نشر و پژوهش کتاب جار.
- ۱۳۵۱ در بارهٔ سینما، نشر و پخش کتاب جار.
- ۱۳۵۲فیلم ساختن، انتشارات مروارید.
- ۱۳۵۳ سینماگر، نشر و پخش کتاب جار.
- ۱۳۷۲ دستور خط و نگارش، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- دست‌نامهٔ شیوهٔ نگارش، سازمان مدیریت صنعتی.
- ۱۳۷۷ گربه روی شیروانی داغ و ۲۱ فیلم-قصهٔ دیگر، انتشارات روزنه‌کار.
- ۱۳۷۹ میان پرده، گل‌آقا.

ترجمه:

- ۱۳۵۱ حقوق نویسنده، آلکساندر سولژنیتسین، انتشارات مروارید
- ۱۳۵۲ جامعه‌شناسی رادیو و تلویزیون، ژان کازنو، انتشارات سروش
- ۱۳۵۴ چهرهٔ عریان آمریکا، روژه کان، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- ۱۳۶۲ جنبش مقاومت ایرلند، روژه خالیگو، انتشارات خوارزمی.
- ۱۳۶۳ نیکلا کوچولو، سامپه(تصویرگر)، گوسینی (نویسنده)، نشر شینلام.
- ۱۳۶۳ دنیای کوچک دن کامیلو، جووانی گوارسکی، نشر تهران فاریاب، چاپ‌های بعد نشر پرواز.
- ۱۳۶۸ تاریخچهٔ رادیو و تلویزیون، پیر آلبر، آندره ژان تودسک، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۳۷۷ سنگ قیصر، جستجوی خط مبارزه در آثار مسعود کیمیایی، پیر بالدوکی، بهرام شیراوژن، فرهنگ کاوش.
- ۱۳۷۷ اصفهان، تصویر بهشت، هانری استیرلن (با مقدمهٔ هانری کربن)، نشر و پژوهش فرزان روز.

- ۱۳۷۸ نقد فیلم , (نمونه‌هایی از نقدهای دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰، انتشارات فانوس خیال
- ۱۳۷۹ مینیاتور ایرانی، رنگ‌های نور: آینه و باغ، یوسف اسحاق‌پور، نشر و پژوهش فرزان روز.
- ۱۳۸۰ شوهر مدرسه‌ای، جووانی گوارسکی، نشر کتاب پرواز.
- ۱۳۸۲ آیین هندو و عرفان اسلامی، داریوش شایگان، نشر و پژوهش فرزان روز.
- ۱۳۸۸ ایرانیان، یونانیان و رومیان، یوزف ویسهوفر، نشر و پژوهش فرزان روز.

ارجی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر ارجی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/12
زندگینامه علمی
علی اکبر ارجی فرزند غلامرضا در 12 فروردین سال 1334 در یک روستای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشوده‌ام. در پنج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشنا شده، بخشی از دوره دبستان را در روستا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.
از سال 1353 ـ 1354 نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقداری از اصول و فقه را در نزد اساتید آن حوزه مانند آقای حجت هاشمی خراسانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسی واعظ طبسی فراگرفته‌ام. سپس در سال 1358 به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی خود ادامه دادم.
دروس سطوح عالی را در نزد اساتیدی همچون آقای اشتهاردی، اعتمادی، مرحوم ستوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسفه و بخشی از عرفان نظری و بخشی از علم هیئت را در نزد اساتید بزرگ همچون آیات عظام انصاری شیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.
از سال 1362 در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم و یک دوره کامل خارج فقه و اصول را نزد مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی فراگرفتم و نزد اساتیدی بزرگ همچون مرحوم آیت الله جواد تبریزی خارج فقه، آیت الله وحید خراسانی خارج فقه و بخشی از اصول فقه، آیت الله یوسف صانعی بخشی از خارج اصول، آیت الله نوری همدانی بخشی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از

خارج فقه را فراگرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.
از همان سال‌های 54 ـ 55 تبلیغ را در مشهد مقدس از تعلیم قرآن شروع کرده و سپس در ماههای محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیان احکام و ابلاغ پیام انقلاب اسلامی به شهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جالب توجه و شیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی‌نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.
تدریس را به طور رسمی از سال 1359 شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می‌کنم.
این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال 70 ـ 71 در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال 1385 ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایرة المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.
در سال 1376 به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (10 ـ 15 دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم.
در سال 1377 از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر .

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال 1382 دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

اردبیلی، اسمعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای آقاسید اسمعیل از فضلاء باتقوای حوزه آیت‌الله حجت دارای مقام قدس و تقوی و معنویت بودند که از اردبیل مهاجرت به قم نموده و در دروس مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر حوزه چون آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت الله شریعتمداری استفاده و تا آخر عمر به صفا و سادگی زندگی و در اطراف تهران ترویجات دینی نموده تا در دو سال قبل که دار فانی را وداع و در مقبره ابوحسین مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اردبیلی، جمال‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 647 ق)، مفسر، فقیه و نحوی. از اهالی اردبیل بود. وی مؤلف کتاب «شرح انموذج» زمخشری است که از قرن هفتم تاکنون از کتب درسی حوزوی بوده و در مجموعه‌ی «جامع المقدمات» برای تعلیم مبتدیان علوم عربی آمده است. از دیگر آثار وی: حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر؛ «الانوار»، در فقه شافعی. صاحب «هدیة العارفین» اردبیلی را با نادری رومی، معروف به غنی‌زاده، شاعر ترک زبان قرن دهم و یازدهم، اشتباه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 80)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 290)، ریحانه (1/ 425)، کشف الظنون (185)، معجم المؤلفین (10/ 178)، هدیة العارفین (2/ 275).

اردبیلی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1346 -1269 ق)، عالم، متکلم و ادیب. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، در سال 1294 ق به عتبات رفت و مدتی نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی، فاضل ایروانی و دیگران شاگردی کرد. سپس به اردبیل بازگشت. در جریان نهضت مشروطیت، وی نخست از طرفداران آن بود، ولی بعدا از در مخالفت درآمد. در 1338 ق که لشکریان روسیه وارد انزلی شدند، علیه آنان فرمان جهاد داد. آقا میرزا علی‌اکبر مشرب کلامی داشت، بدان پایه که تحصیل آن را واجب می‌شمرد. وی عالم و کامل و عارف به حکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول بود. وی در اردبیل وفات یافت. از آثار اوست: «اصول‌الدین مسلمین»؛ «البعث و النشور»، در اثبات معاد جسمانی؛ «جواب السؤال عن وقعة زید و زینب»؛ «رسالة فی تقلید المیت»؛ «عمود النور»، در رد شیخیه و بابیه و صوفیه. وی چند کتاب نیز به زبان ترکی نوشته که به طبع رسیده است، از جمله: «اصول‌الدین عوامی»؛ «رساله‌ی عوام الناس»، در رد بابیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مشروطه (402 -400 ،197)، الذریعه (129 /3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (132 /1)، طبقت اعلام الشیعه (قرن 1606 -1605 /14)، علماء معاصرین (395 -394)، مؤلفین کتب چاپی (540 /4)، مکارم الآثار (1933 /6).

اردستانی، ابوالفتح

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالجبارین عبداللَّه بن بررہ اردستانی اصفهانی، در شهر ربیع الاول سال 378 متولّد، و در محرّم سال 468 در اصفهان وفات یافته، از ثقات محدّثین و بزرگان روات به شمار می‌رود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اردستانی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 ق)، ادیب. ملقب به ابوجعفر. وی به ناحیه‌ی اردستان اصفهان منسوب است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (1/ 104).

اردشی، مهرداد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تاریخ تولد: ۱۰/ ۱۱/ ۱۳۵۷
سال آغاز هنر شطرنج:1374
رنگ مورد علاقه:آبی روشن
آرزوی طلایی: سعادتمندی فرزندم.
مشوق اصلی:من در شرایط سختی شطرنج را آغاز کردم چون پدرم شدیداً مخالف بود و اعتقاد داشت به درسم لطمه می زند (افسوس که اکنون نمی تونه نتیجه تلاشهایم را ببیند ایشون در سال 1377 فوت کردند) ولی با وجود حمایتهای بی دریغ مادر و همسرم (بعد از ازدواج پیشرفت کردم.)
مهره ی مورد علاقه:اسب
مدرک تحصیلی:دانشجوی رشته تربیت بدنی
به جز شطرنج علاقه دارم به : در ورزشها به تنیس روی میز و نقاشی (همسرم یک نقاش حرفه ای است)دارم.
تاثیر شطرنج بر روی زندگی: در دیدن افقهای دوردست زندگی کمک بزرگی است.
مربیان: اساتید هرندی، گولیف و در مقاطعی رائوسیس، ماگراموف و نایجل شورت
شطرنج را چه رنگی میبینید:به رنگ دلم.
فصل مورد علاقه:بهار
مقام های کسب شده: مهمترین هایش کسب عنوان استاد بین المللی و ریتینگ 2421، سابقه عضویت در تیم ملی، حضور در مسابقات المپیاد جهانی (آخرین سالی که کاسپاروف حضور داشت)، قهرمان مسابقات انتخابی غرب آسیا، نفر اول مشترک مسابقات بین المللی دهه فجر، دو سال قهرمان لیگ برتر کشور به همراه تیمهای بهمن و راه آهن، 4 سال قهرمان انفرادی لیگ برتر کشور، 4 بار قهرمانی در مسابقات بزرگسالان استان تهران (احتمالاً یک رکورد محسوب می شود)، قهرمان مسابقات آزاد داخلی متعدد از قبیل جام رمضان (2 بار)، جام خرمشهر، اوپن لاهیجان، اوپن لنگرود و...
حرف آخر: آرزوی سلامتی برای همه.

اردکانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا اردکانی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/3/10
زندگینامه علمی
این جانب در یک خانواده مذهبی و متدیّن در سال 1324 شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریاانات سال های 41 ، حوادث خونین خرداد 42، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال 1353 شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السیّد الخوئی شرکت می کردم. در سال 1353 که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم،

هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردکانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مرتضی بن العلامه میرزا محمد مجتهدبن العالم العابد الحاج علی‌رضا و سبط العلامه الکبری الحاج الشیخ محمدرضا المجتهد الاردکانی از علماء اعلام و آیات عظام معاصر اصفهان میباشند. در روز دوشنبه 17 ربیع الاول 1326 قمری در اردکان متولد شده و در سن 15 سالگی مهاجرت باصفهان نموده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد مدرسین بزرگ دروس تحلیلی خارج فقه و اصول را از آیات عظام مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی و مرحوم آیه‌الله سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی اصفهانی استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفه را از مرحوم شیخ المتألّهین آشیخ محمد خراسانی فرا گرفته و از همان اوان بوظائف دینی و روحی و اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول اشتغال داشته است.
دارای تألیفات ارزنده علمی میباشد که ذیلا مینگارم:
1- غنیه‌الطالب تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره در پنج مجلد که دو جلد آن در قم بطبع رسیده و سه مجلد آماده طبع میباشد. 2- رساله فی‌الکر 3- تقریرات فقه و اصول مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی 4- شرح خلاصه الاصول مرحوم آیه‌الله صدرالدین صدر ره 5- رساله فی الجماعه 6- رساله قول فصل در ردسی فصل میرزا محمد کریم خان کرمانی فارسی. 7- داور داوری یا کسر کسروی در رد کسروی 8- حاشیه بر عروه‌الوثقی علامه یزدی.
معظم‌له دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ چون: 1- آیت‌الله العظمی اصفهانی 2- آیه‌الله الکبری آقا ضیاءالدین عراقی 3- مرحوم آیه‌الله السید محمد نجف‌آبادی 4- آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی میباشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردوبادی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1380 -1312 ق)، محدث، ادیب و شاعر. در تبریز متولد شد. در حدود 14 سالگی به همراه پدر به نجف رفت و ادبیات را از افاضل آن شهر فراگرفت و پس از آن در حوزه‌ی درس استدلالی پدر خود حاضر شد. پس از فوت پدر، در حوزه‌ی درس میرزا علی‌آقا شیرازی، شریعت اصفهانی، حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حاضر شد و بیش از همه از محضر نابغه‌ی عصر، آقا شیخ جواد بلاغی بهره برد. وی از مشایخ بسیاری که شمار آنها به بیش از سی تن می‌رسد روایت کرده است. اردوباری به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و مضمون بیشتر اشعار عربی وی در منقبت اهل بیت و مقاصد و امور دینی بود. از آثار وی: «الانوار الساطعة» فی نسمیة حجةاللّه القاطعة»؛ «سبک النضار فی شرح حال المختار»؛ «منظومه‌ای در وقایع روز عاشورا»؛ منظومه‌ای در استقبال «الفیه‌ی» میرزا محمدتقی نیر تبریزی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 438)، الذریعه (2/ 428)، ریحانه (205 /1)، الکنی و الالقاب (2/ 20- 21).

ارزانی، حبیب الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله ارزانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/9/1
زندگینامه علمی
اینجانب حبیب الله ارزانی به سال 1350 در تهران دیده به جهان گشودم. خانواده ما، خانواده‌ای خداترس و پرهیزگار بودند و از آرزوهای دیرین آنها وجود یک روحانی در میان آنان بود، چرا که جدّ بزرگ ما مرحوم شیخ رضا (ره) از روحانیون پارسا در زمان حضرت آیت الله بروجردی در شهر بروجرد بودند.
با رسیدن به سن تحصیل، تحصیل در مدرسه ابتدایی معرفت در میدان شهدای تهران را آغاز کردم. پس از اتمام دوران ابتدایی، دوره راهنمایی را در مدرسه مرحوم علامه طباطبایی (ره) در خیابان 17 شهریور تهران ادامه داده و سپس برای شروع دوره متوسطه به دبیرستان سپاه مستقر در لانه جاسوسی آمریکا در خیابان طالقانی رفته و سپس به دبیرستان موسوی خیابان 17 شهریور تهران منتقل شده و دوره متوسطه را در آنجا به پایان رساندم.
از سال اول دبیرستان سال 64 همزمان با دروس دبیرستان کتاب‌های عربی آسان و صرف و نحو حوزوی را نیز آغاز کردم. پس از پایان سال 1367 ـ 1368 با اخذ مدرک دیپلم تجربی و با وجود قبولی در دانشگاه، وارد حوزه علمیه مکتب القائم در خیابان زیبای تهران شده و دروس حوزوی را با عشق و علاقه سرشار به صورت تمام وقت آغاز کردم. کلاس‌های ما از آغازین ساعات روز آغاز می‌شد و تا آخرین ساعات شب، مباحثه و مطالعاتم ادامه داشت.
در سال 71 به علت رحلت خانواده به شهر اصفهان و به جهت علاقه شخصی، به اصفهان سفر کردم و در درس آقایان آیات عظام: حاج احمد فقیه امامی، حاج حسن فقیه امامی، و سپس در درس خارج آیت الله مظاهری به طور مستمر شرکت داشتم. پس از اتمام دوران سطح و قبولی در امتحانات تا پایه دهم و پس از چند سال حضور در درس خارج برای اخذ مدرک سطح 3 حوزوی اقدام کرده و پس از نوشتن پایان‌نامه به عنوان "بررسی شیوه‌های تبلیغی، مسلمانان و مسیحیان در جنوب آفریقا"

در سال 1384 موفق به اخذ مدرک سطح 3 از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شدم. پس از ارایه 8 مصاحبه فقه و اصول در درس خارج و ثبت نام برای سطح 4، در پایان سال 85 گزینش شده و طرح تفصیلی و اساتید راهنما و مشاور نیز مورد تایید قرار گرفتند.
در حال حاضر نوشتن پایان‌نامه در موضوع " نقد و بررسی نظریه کفاره در مسیحیت" پایان یافته و منتظر دفاع می باشم. در سال 2003 میلادی با ترجمه مدرک سطح 3 حوزوی در ارایه آن به دانشگاه نامیبیا، در جنوب آفریقا و همجوار کشور آفریقای جنوبی، پس از گذراندن برخی واحدهای پیش نیاز به عنوان دانشجوی دکترا در رشته الهیات تطبیقی پذیرفته شدم. سال گذشته پایان‌نامه را با موضوع «زن در ادیان، مطالعه تطبیقی میان جایگاه زن در نامه‌های پولس رسول و قرآن» به پایان رساندم و پس از بررسی اساتید داخلی آقای پروفسور اسحاق و آقای پروفسور هانتر اصلاحاتی را انجام داده و مورد تایید اساتید داخلی قرار گرفت. در حال حاضر طبق آیین نامه دانشگاه یک استاد خارجی نیز باید پایان‌نامه را مورد بررسی قرار دهد و پس از تصویب و تایید او، دکترای الهیات تطبیقی را از نامیبیا خواهم گرفت انشاء الله.
در میان سفرهای خارجی خویش که از سال 98 میلادی حدود 11 سال قبل آغاز کردم به مطالعات بین ادیانی علاقه پیدا کردم و به دنبال مکانی برای تحقیق و پژوهش در این حوزه بودم که پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم جهت تأسیس گروه ادیان در دفتر اصفهان مبادرت به گزینش هیات علمی نمود و من نیز به عنوان مدیر گروه ادیان و عضو هیات علمی از ابتدای سال 86 مشغول به فعالیت شدم. در حال حاضر نیز در همین حوزه و به طور ویژه در حوزه مسیحیت اشتغال به فعالیت‌های پژوهشی دارم. مقالات و کتبی را نیز در این حوزه و در دیگر حوزه‌های مورد علاقه به رشته تحریر درآورده‌ام که فهرست آنها در قسمت مربوطه ضمیمه گردید.
در کنار فعالیت‌های پژوهشی به جهت علاقه به تدریس و تبلیغ از دیرباز تاکنون همواره در محافل حوزوی و دانشجویی اشتغال به تبلیغ و تدریس داشته و دارم. اگر چه غالباً به زبان فارسی سخنرانی می‌کنم ولی در ایران بر اساس نیاز مراکز علمی و در خارج از کشور غالباً به زبان انگلیسی سخنرانی می‌نمایم.

ارسباران پور حسینی، ناهید

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
تولد: 12 مهر 1326.
درگذشت: 3 فروردین 1374، تهران.
ناهید ارسباران (پور حسینی) فرزند مولانا بود. وی سردبیر یکی از بخشهای خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارسطا، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد ارسطا
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/11/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد جواد ارسطا سال 1344در کرمانشاه به دنیا آمدم تا پایان دیپلم در کرمانشاه بودم. سال 1362دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. معمولا هم در سالهای راهنمایی و دبیرستان نفر اول و یا بعضاً نفر دوم کلاس بودم و الحمدلله معدل دیپلم من هم معدل خوبی بود.
سال 1362 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات را در آنجا خواندم، قسمتی از مطول را هم در آنجا خواندم، دنباله مطول را در قم خواندم تا سال 1368 فقه و اصول و کفایه را تمام کردم و همزمان با اتمام کفایه در درس خارج آیة الله مکارم شیرازی شرکت کردم. در دروس خارج سعی کردم از محضر اساتیدی همچون آیة الله فاضل، آیة الله وحید، آیة الله تبریزی، آیة الله هاشمی شاهرودی و آیة الله حائری (حفظهم الله) استفاده کنم ولی بیشترین استفاده را از درس آیة الله مکارم شیرازی داشتم.
در سال 1365 همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه شدم در رشته حقوق مجتمع آموزش عالی قم در سال 1369 لیسانس گرفتم، بعد بلافاصله در رشته حقوق عمومی دانشگاه تهران برای فوق لیسانس قبول شدم و سال 1373 موفق به اخذ فوق لیسانس شدم. چند سالی بین فوق لیسانس و دکترای ما فاصله افتاد. سال 1377 مقطع دکتری رشته حقوق خصوصی قبول شدم و سال 1383 از پایان نامه خود در همین مقطع دفاع کردم و الحمدلله در طی دروس دانشگاهی هم نفر اول یا دوم بودم.
در کنار فعالیتهای حوزوی و دانشگاهی سعی داشته ام که تدریس هم داشته باشم چه در حوزه و چه در دانشگاه، در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی درسهای فقه و اصول و بعضاً فلسفه را دارم و در دانشگاه هم از سال 1371 درسهای حقوقی و علوم سیاسی را مشغول هستم.

ارسنجانی، علی عسکر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1302 ق)، ادیب، عارف، خطاط، نقاش و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ارسنجان شیراز و مردی درویش مسلک بود که به ملااحمد ارسنجانی دست ارادت داده بود. از علوم رسمی و کمالات بهره داشت و خط نسخ را خوب می‌نوشت و در نقاشی و چهره‌سازی نیز دست داشت. وی در زادگاه خود بدرود حیات گفت. از آثار او: دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهّب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش، با رقم: «علی عسکر الارسنجانی الشیرازی 1292»؛ قرآن جلد روغنی، به خط نسخ و آخر رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «علی عسکر بن محمد شفیع الارسنجانی سنه 1253»؛ یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی، با رقم: «وانا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی 1281».[1]
علی عسکر ارسنجانی مشهور به میرزا آقا در هنر خطاطی و شعر از نوابغ بود. علی عسکر در شعر «الحان» تخلص می‌کرده است. قطعات بسیاری از مرحوم میرزا آقا به جای مانده است که از ذوق و ابتکار وی حکایت می‌کند.
علی عسکر در اوان جوانی چنان در هنر خط و نقاشی درخشید که شهرت جهانی یافت و از طرف دولت هندوستان به آن کشور دعوت شد. سپس از آن کشور بازگشت و در شیراز بدرود حیات گفت و در حرم مطهر امامزاده سید حاج غریب شیراز مدفون گردید.
دعای صباح، جانمازی، دو صفحه‌ی اول مذهب عالی نسخ و آخر رقاع کتابت خوش. ترجمه‌ی نستعلیق کتابت خفی عالی، حواشی شکسته خفی خوش با رقم:
«کتبه فی شهر ربیع‌الاول سنة اثنی و تسعین و مأتین بعد الالف من الهجرة علی عسکر الارسنجانی الشیرازی» «1292» در مجموعه‌ی آقای سلطان القرائی.
- قرآن جلد روغنی رقم «یا امیرالمؤمنین» نسخ و آخر رقاع کتابت خی عالی با رفم: «حسب‌الخواهش... میرزا عابد مستوفی شیرازی له الاعز... میرزا محمدرضا من شهور سنة ثلث و خمسین و مأتین بعد الاف من الهجرة... سمت اختتام پذیرفت. و انا العبد الاثم الخاطی الجانی العاصی الفانی علی عسکر ابن محمد شفیع الارسنجانی سنة 1253».

- یک قطعه نسخ و رقاع کتابت عالی با رقم: «کتبه فی شهر ذی‌القعدةالحرام سنة احدی و ثمان و مأتین بعد الف من الهجرة النبویة المصطفویة و انا العبد الاقل علی عسکر الارسنجانی 1281» در مجموعه‌ی بیانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (249 -248)، احوال و آثار خوشنویسان (1121 -1120 /4)، حدیقة الشعراء (20 /1)، ریحانه (106 /1)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (707 /3)، فارسنامه‌ی ناصری (1251 /2).

ارشاد، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی ارشاد
محل تولد : گرگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال 1344 در گرگان متولد شدم و در سال 1362 تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.
تا سال 1370 در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال 1368 تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.
در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال 70 به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال 1372 ادامه دادم. در مهر سال 1372 دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می‌کنم.
در مهر سال 1372 دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال 1376 به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.
پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال 1382

آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق ارشادی نیا
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال 1342هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1356 که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.
پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1367 به حلقه دروس خارج راه یافت.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال1381 از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نقد و بررسی نظریه تفکیک" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.
لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های "کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک" و "از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک" و... از جمله آثار ایشان است.

ارفع، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم ارفع ، فرزند سید ناصر الدین ارفع ، در سال 1323 در تهران به دنیا آمد . دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود ، روی به آموزش حوزوی آورد . او در حوزه ی علمیه ای در تهران (خیابان ری ، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت . پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود ، در سال 1342 به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد . استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی ، مرحوم آیت الله سلطانی ، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتح .
پس از درگذشت پدر گرانمایه اش ، ناچار شد برای سرپرستی خانواده ، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی ، این بار نزد استادان : آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت . در عین حال ، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد .
مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است . ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

ارقامی، ناصررضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر ناصررضا ارقامی در سال 1328 خورشیدی در نیشاپور بدنیا آمد.وی دارای دکترای رشته آمار از دانشگاه ایالتی فلوریدا (FSU) است.نامبردههم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه استادی می باشد.
گروه : علوم پایه
رشته : آمار
گرایش : استنباط
والدین و انساب : پدر ناصر رضا ارقامی کارمند اداره دارایی نیشابور و مادرشان خانه دار بود.ایشان فرزند چهارم خانواده (دو پسر و سه دختر)است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ناصر رضا ارقامی در یکم خرداد ماه 1328 در خانواده ای متوسط و نسبتا مرفه بدنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی در دبستان کمال الملک نیشابور در سال 1340 تحصیلات متوسطه در دبیرستان خیام نیشابور (رشته ریاضی) در سال 1346 کارشناسی اقتصاد از دانشگاه لندن ،کالج کوئین مری (QMC) درسال 1350(با استفاده از بورس بانک مرکزی ایران) کارشناسی ارشد آمار دانشگاه لندن ،مدرسه عالی اقتصاد و علوم سیاسی(L SE)در سال 1351 (با استفاده از بورس بانک مرکزی ایران) دکتری آمار از دانشگاه ایالتی فلوریدا (FSU) در سال 1360(با استفاده از بورس دانشگاه فردوسی مشهد)
همسر و فرزندان : ناصر رضا ارقامی متاهل است .اونیز دو فرزند پسر و سه فرزند دختر دارد.
وقایع میانسالی : ناصر رضا ارقامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته آمار به عضویت هیئت علمی گروه آماردر دانشکده علوم پایه دردانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل ناصر رضا ارقامی : -عضوهیئت علمی و استاد گروه آمار در دانشکده علوم پایه در دانشگاه فردوسی مشهد - رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1377 تا 1384 - معاون اداری و مالی دانشکده علوم پایه دانشگاه

فردوسی مشهد از سال 1365 تا 1367 - عضو شورای اجرایی انجمن آمار ایران از سال 1371 تا 1377 -معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1384 تا 1385 - عضو شورای اجرایی انجمن سیستمهای فازی ایران از سال 1381 تا کنون - رئیس انجمن آمار ایران از سال 1375 تا 1377 - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن آمار ایران به زبان انگلیسی از 1380 تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن سیستمهای فازی ایران به زبان انگلیسی از 1381 تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله انجمن علوم ریاضی مشهد به زبان انگلیسی از 1378 تا کنون

فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس ناصر رضا ارقامی: در دانشگاه جورجیای آمریکا در سال تحصیلی 69-1368 و تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1351 تا کنون. عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر ارقامی : آمــار -2 استنباط آماری پیشرفته - 2 شبیه سازی مباحثی پیشرفته درآمار بیز نظریه تصمیم جبرخطی - 1 جبرخطی - 1 برای آمار

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : انجمن آمار ایران در سال 1371 انجمن سیستمهای فازی در سال 1381 مرکز مفاخر اسناد دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1382

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناصر رضا ارقامی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق در پیرامون on the fisher information in record values ، جبر خطی و استنباط آماری مشغول است.

شاگردان : ناصر رضا ارقامی تاکنون 5 دانشجوی دکتری آمار را تحت راهنمایی و مشاوره خود داشته است.

جوائز و نشانها : برنده جایزه بهترین مقاله ارائه شده در بیست و دومین کنفرانس بین المللی ریاضی کشور در سال 1369 برنده جایزه بهترین استاد نمونه کشور در سال 1382 و دریافت لوح و جایزه از رئیس جمهور وقت استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1382

چگونگی عرضه آثار : ناصر رضا ارقامی دارای 30 مقاله پژوهشی در آمار نظری دارد. که از این تعداد 10 مورد از مقالاتش در مجلات معتبر خارجی (به عنوان مثال ISI) به چاپ رسیده است.

آثار :

comparing the fisher informatiln in record values and iid 1 observations

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی - 01-01-1970

nonparametric confidence and tolerance intervals from 2 record values data

ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی - 31-12-2002

3 on the fisher information in record values
ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی -31-12-2000
4 some univariate stochastic orders on record values
ویژگی اثر : مقالات علمی چاپ شده در نشریه خارجی -01-01-1970
5 جبر خطی برای آمار
ویژگی اثر : تالیف
6 روشهای آماری چند متغیری پیوسته
ویژگی اثر : ترجمه
7 روشهای نمونه گیری
ویژگی اثر : ترجمه
8 نظریه اطلاع و کد گذاری
ویژگی اثر : ترجمه

ازهری هروی، ابومنصور محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(371 /370 -282 ق)، ادیب، نحوی، لغوی، فقیه و محدث شافعی. در هرات به دنیا آمد. از شاگردان نفطویه و ابن‌السراج و ربیع بن سلیمان بود و با زجاج و ابن‌الانباری نیز ملاقات کرد و از محمد بن ابی‌جعفر مندری و به یک واسطه از ابوالعباس ثعلب روایت می‌کرد و از شاگردان وی بود. ابن‌درید را درک کرده اما از وی روایت ننموده است. وی در فنون علم حدیث نیز مهارت داشت. مدتی در عراق و جزیرةالعرب به جمع لغت مشغول بود. چندی هم به دست قرامطه بادیه‌نشین اسیر شد، و در آنجا بر اثر معاشرت با اعراب هوازن بسیاری از لغات و اصطلاحات حقیقی زبان عرب را فراگرفت. ابوعبید هروی مولف «غریبین» و ابویعقوب قراب و حسین بن محمد باشانی و دیگران از شاگردان ازهری هستند. ابومنصور در هرات درگذشت. از آثار وی: «تهذیب اللغة» در ده مجلد که ابن‌منظور صاحب کتاب « لسان العرب» در مقدمه‌ی کتاب خود آن را از مهتمرین کتاب لغت شمرده است؛ «الادوات»؛ «تفسیر اصلاح المنطق»؛ «تفسیر الفاظ مختصر» مزنی؛ «تفسیر السبع الطوال»؛ «التقریب فی التفسیر»؛ «تفسیر شعر ابی‌تّمام»؛ «شرح غرائب الفاظ مستعمل فقها» یا «الزاهر فی غرائب الالفاظ»؛ «معرفة الصبح»؛ «کتاب علل القراءات»؛ «تفسیر القرآن»؛ «معانی شواهد غریب الحدیث»؛ «ردّ علی اللیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 202)، ایضاح المکنون (1/ 608)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 354)، روضات الجنات (7/ 320- 322)، ریحانه (1/ 112- 113)، سرآمدان فرهنگ (1/ 138)، سیر النبلاء (16/ 315- 317)، کشف الظنون (31، 370، 282، 1636، 1414، 1207، 117، 515، 465، 448، 289، 108)، الکنی و الالقاب (2/ 24- 25)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 370)، معجم الادباء (17/ 164- 167)، معجم المؤلفین (8/ 230- 231)، الوافی بالوفیات (2/ 45- 46)، وفیات الاعیان (4/ 334- 336)، هدیة العارفین (1/ 49).

اژدری زاده، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین اژدری زاده
محل تولد : شوشتر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حدود سال 61 و در حالیکه تازه به سوم راهنمایی رفته بودم وارد حوزه شوشتر شدم. مقدمات را در همان مدرسه آغاز کردم. پس از یکی دو سال به حوزه مسجد سلیمان که تازه تاسیس شده بود و اساتید خود را از قم می آوردند، منتقل شدم. حدود دو سال در آنجا بودم و تا مغنی را در همان جا خواندم.
تابستان سال 63 به توصیه یکی از اساتید قمشه ای به همراه یکی از دوستان به قمشه (شهرضا) رفتم. حدود چهار ماهی در آنجا بودیم و معالم و معانی بیان و ... را در آنجا گذراندیم. همان سال به همراه تعدادی دیگر از طلبه های مسجد سلیمان به قم رفتیم. لمعه و اصول را در قم و با شرکت در درسهای آیت الله استادی (لمعه) و حاج آقای خاتمی (اصول) و نیز اساتیدی مانند وجدانی فخر (ره)، محمدی، محامی، اشتهاردی، کوثری و... خواندیم.
پس از خواندن لمعه و اصول، درس های موسسه در راه حق را نیز در سال 66- 67 آغاز کردیم. در همان سالها بود که رسائل و مکاسب را آغاز کردم. این دو کتاب را نزد اساتید معظمی چون: استادی، پایانی، محمدی، اعتمادی، شهیدی و ... گذراندم.
گذراندن رسائل و مکاسب همزمان بود با گذراندن درس های موسسه در راه حق. این درس ها را حدود سال 1371تمام کردم. در اتمام دوره موسسه امام خمینی (ره) به عنوان شاگرد دوم دوره معرفی شده و جایزه ای به همین مناسبت از دست آیت الله جوادی در مراسمی که در موسسه برگزار شده بود دریافت کردم. در حالیکه در پذیرش دوره تخصصی (روانشناسی) موسسه قبول شده بودم در دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری شرکت جسته و پذیرفته شدم.
(حدود سال 71) دوره تخصصی جامعه شناسی دفتر همکاری را نیز با

موفقیت و با معدل بالای 17 (همچون دوره قبل) در حدود سال 76 به اتمام رساندم. در این دوره نیز شاگرد دوم دوره شناخته شدم. از حدود سال 74 کم کم کارهای پژوهشی را نیز در دفتر همکاری که تبدیل به موسسه و سپس پژوهشکده و همچنین پژوهشگاه شد، آغاز کردم و تا هم اکنون یعنی حدود 10 سال است که همکار پژوهشی این مرکز هستم.
حاصل کارهای پژوهشی ام آثاری است که در صفحات آینده متذکر خواهم شد. از جمله دوره های خاص دیگر که در دفتر همکاری گذراندیم می توان به موارد زیر اشاره کرد: یک دوره فشرده تاریخ فلسفه غرب، کلاس ترجمه و زبان تخصصی توسط استاد ملکیان، کارگاه آموزشی روش تحقیق توسط استاد قراملکی.
از حدود سال 70 نیز در درس های خارج فقه و اصول زیر شرکت جسته ام: آیت الله سبحانی (اصول) یک سال، آیت الله فاضل (فقه) یک سال، آیت الله تبریزی (فقه) چهار سال، آیت الله وحید (اصول) سه سال، آیت الله جوادی (فقه) یک سال، آیت الله سید جعفر کریمی (فقه) یک سال.

استاد زاده، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید حسن بن السید الاعلام... از علماء بزرگوار معاصر بابل است در آن شهرستان متولد شده و پس از تربیت در حجر سیادت و علم و فرا گرفتن مقدمات و سطوح بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و آیه‌الله خونساری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت ببابل و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

استادی مقدم، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی مقدم
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال 1316 در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال 1372 دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.
آیةالله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.
آیةالله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.
آیةالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس

واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیةالله ستوده، آیةالله میرزا حسین نوری، آیةالله خزعلی، آیةالله محمدی شاه‌آبادی، آیةالله جعفر سبحانی، آیةالله منتظری، آیةالله مکارم شیرازی، آیةالله سلطانی بروجردی، آیةالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.
در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیةالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیةالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیةاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیةالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیةالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیةالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیةالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.
آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.
از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود 5 سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.
آیةالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عِالی حوزه

علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیةالله خرازی، در هیأت مدیرة مؤسسة در راه حق می‌باشد. وی از سال 1350 تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.
آیةالله استادی تاکنون حدود 150 مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلاّت به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، 9 رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.
همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیةالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.
آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و هماره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استادی مقدم، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم استادی مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/5

استادی مقدم، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن استادی مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 55 بعد از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی وارد دروس حوزوی (مدرسه رسالت) شدم. از سال 55 تا 75 جسته و گریخته درس خوانده و خارج را به پایان رسانده و در نظام حوزه تمامی پایه‌ها را امتحان داده و قبول شدم.
در ضمن سالیانی که در مناسب مختلف اجتماعی و نظامی اشتغال داشته موفق به ادامه دروس جدید شدم. پس از گرفتن دیپلم، در دانشگاه آزاد قبول و تا لیسانس الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق) تحصیل نمودم. در سال 69 تا 73 در مؤسسه در راه حق مشغول بوده که با تألیف و تحقیق آشنا شدم و کار نشر را شروع نمودم.
در سال 74 تا 78 در دانشگاه امام حسین (ع) مشغول تدریس و تحقیق بودم. در این دوره سردبیر مجله دانش نظامی و موفق به چاپ 4 فصل شدم. در سال 78 از مناسب اجتماعی و نظامی و دانشگاهی فارغ التحصیل شده و شروع به تحقیق نمودم که در این سالها موفق به تدوین و تنظیم و ویراستاری و چاپ و نشر حدود 40 کتاب و جزوه برای وزارت کار شدم.
در این مدت پروژه‌ای از سازمان تبلیغات گرفته که عنوان پروژه آسیب‌شناسی فرهنگ امام حسین (ع) بود. دارای 6 فصل: 1- تاریخ عزاداری 2- عزاداری (مبانی فقهی) 3- فتاوی علماء 4- واژه شناسی 5- روایات 6- عزاداری نمونه، که حدوداً هزار صفحه در 4 عنوان اولیه و حدوداً صد صفحه در عنوان پنجم آماده نمودند که برای کارشناسان سازمان تبلیغات کاربری داشته و چاپ شده است.
در سالهای جدید هم تحقیقاتی داشته ام که هنوز فیش برداری آنها در دست اقدام است و در آینده آماده چاپ خواهد شد.
در ضمن کار نشر هم شاید بالغ بر صد کتاب که آماده چاپ نموده‌ام

ویراستاری و در بسیاری اضافات و تدوین کتابها را انجام داده‌ام ولی به اسم خود مؤلفین چاپ شده است.

استادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال 1316 شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود 12 سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.
آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.
آثار و تألیفات استادی
آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:
1- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.
2- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.
3- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

4- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.
5- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج 11- 12.
6- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.
7- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).
8- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.
9- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.
10- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.
11- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.
12- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.
13- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.
14- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.
15- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.
16- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.
17- شوری در قرآن و حدیث.
18- مدارک نهج‌البلاغه.
19- تحقیق در یک مسئله فقهی.
20- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.
21- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.
22- شفاعت در قرآن و حدیث.
23- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.
24- تحقیق درباره دعاء ندبه.
25- توضیحی در پیرامون آیه خمس.
26- امامت در چند درس.
27- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

استپانیان، سروژ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم سروژ استپانیان در آذرماه 1308 در شهر باکو به دنیا آمد.وی از فرهیختگان معاصر ایران بود . او درزمینه ترجمه آثار روسی تبحر داشت . وی آثار بسیاری ارا ززبان روسی ترجمه کرده است . سروژ فارسی را خوب و روان می نوشت و به زبان فرانسه و انگلیسی هم تسلط داشت . کتاب"مجموعه آثار چخوف"ترجمه ،ایشان ، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
والدین و انساب : سروژ استپانیان در خانواده ای ارمنی و از مادری روس تبار به دنیا آمد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سروژ استپانیان ده ساله بود که با خانواده اش به ایران کوچ کرد و در شهر رشت مقیم شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سروژ استپانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را دررشت سپری کرد .
همسر و فرزندان : از سروژ استپانیان یک پسرو یک دختر به جامانده است که دخترش دبیرریاضی و پسرش دکتر دارو ساز می باشد .
وقایع میانسالی : سروژ استپانیان دراین دوران به ترجمه روی آورد . وی همچنین بانشریه ها نیز همکاری می کرد .
زمان و علت فوت : سروژ استپانیان براثر ابتلاء به بیماری سرطان فوت کرد .
فعالیتهای آموزشی : سروژ استپانیان از سال 1341 فعالیتهای فرهنگی خود را با ترجم? داستانهایی از نویسندگان روس یا روسی نویس در «کتاب هفته» آغاز کرد که اخیراً آنها را در مجموعه ای با عنوان «فیل در پرونده» برای انتشار آماده ساخت. کتابهای «زندگی درگور» اثر ستراتیس می ری ویلیس، «سراب» و رمان سه جلدی «گذر از رنجها» اثر الکسی تولستوی و «ماجراهای حیرت انگیز بارون مونهاورن» اثر بورگ آثار دیگری بودند که وی به ترجم? آنها پرداخت. مرحوم استپانیان سپس به چخوف روی آورد و گزینه ای از داستانهای کوتاه او را در سه جلد و نمایشنامه هایش را در دو

جلد ترجمه کرد. اخیراً جزیر؟ ساخالین و چند داستان کوتاه دیگر از همین نویسنده نیز بر آنها افزوده شده، چنانکه چاپ بعدی آثار چخوف مشتمل بر هفت جلد خواهد بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سروژ استپانیان درنظر داشت که آثار نثر پوشکین ،نویسنده روسی ،را به فارسی ترجمه کند و آن را برای مراسم دویستمین سالگرد تولد پوشکین حاضر کند که اجل مهلت نداد .
جوائز و نشانها : درپانزدهمین دوره معرفی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) درده فجر 1376 درحوزه ادبیات ،یکی از آثاری که به عنوان اثر ممتاز معرفی شد، مجموعه آثار چخوف ،ترجمه سروژاستپانیان بود. ----------
---
آثار :
1 ترجمه بچه های آربات
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ریباکف است
2 ترجمه جزیره ساخاری
3 ترجمه داستانهای چخوف
4 ترجمه زندگی درگور
ویژگی اثر : اثر ستراتیس می ری ویلیس
5 ترجمه سراب
ویژگی اثر : این اثر تالیف تولستوی است
6 ترجمه فیل درپرونده
7 ترجمه کتاب شطرنج
8 ترجمه گذر از رنجها
ویژگی اثر : این کتاب سه جلد بوده و تالیف الکسی تولستوی می باشد که به جریان انقلاب اکتبر و جنگهای داخلی شورروی سابق می پردازد .
9 ترجمه ماجرای حیرت انگیز بارون مونها وزن
ویژگی اثر : این کتاب اثر بورگ می باشد که یک اثر کاملا طنز آمیز است .
10 ترجمه مجموعه آثار چخوف
ویژگی اثر : این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.
آشنایی با کتاب:«مجموعه آثار چخوف»: مجموعه آثار چخوف (جلدهای 4 و 5)؛ آنتوان چخوف؛ ترجم؟ سروژاستپانیان؛ تهران: توس، 1375. دوران فعالیت ادبی چخوف سالهای آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. معاصران او، این دوران را «قرن درام نویسی» و درام نویسی او را «درام نوین» می نامند. درام نوین در حدود سالهای 1870 تا 1880 در اروپا نضج گرفت و به سرعت از فرانسه تا روسیه و از نروژ تا ایتالیا گسترش یافت.

تولد تئاتر چخوف، در شرایط تاریخی زمان او امری اجتناب ناپذیر می نمود. با اینکه خلاقیت هنری او بیشتر با درام نویسی آغاز می شود و با آن خاتمه می یابد، نثر او مشحون از موضوعات بکر نمایشی است. چخوف به تئاتر زمان خود با نگرش انتقادی می نگریست و از عنفوان جوانی، در مقاله های طنزآمیز و در نامه های خود، آن را شدیداً مورد انتقاد قرار می داد. او بارها سعی کرده بود با تئاتر وداع کند اما باز به آغوش آن بازگشته بود و این حقیقتی بود که نوسینده خود آن را تجربه کرده و به زبان آورده است. به طور کلی باید گفت که چخوف به قرن طلایی ادبیات روس تعلق دارد. نمایشنامه های او بیانگر اوضاع اجتماعی قرن نوزدهم و از بسیاری جهات با واقعیتهای جامعه قابل قیاس است. از ویژگیهای کتاب این است که مترجم به زبان روسی تسلط کامل دارد و برای ترجمه، زبان راحت و مناسبی اختیار کرده است

11 ترجمه مجموعه آثار ناس (لانس) لاوکیج

12 کتاب هفته

ویژگی اثر : ترجمه از زبان روسی

استخر، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مشروطه‌خواه، روزنامه‌نگار، قاضی، نماینده‌ی مجلس. در 1266 در یکی از دهات آباده متولد شد. پدرش شیخ اسداللّٰه واعظ از روحانیون منطقه و منبری بود. تا شانزده سالگی در زادگاه خود به تحصیل اشتغال داشت. سپس به شیراز رفت و تحصیلات خود را در ادبیات فارسی و ادبیات عرب و معارف اسلامی ادامه داد و صاحب فضل و دانش نسبی گردید. در مشروطیت فعالیت داشت و وارد حزب دموکرات فارس شد. در این حزب فعالیتی شایسته از خود بروز داد و مورد توجه آزادیخواهان فارس قرار گرفت. برای استفاده از اطلاعات و معلوماتش به شغل معلمی دعوت شد و به مدیریت مدارس جدید ارتقاء یافت. در 1297 امتیاز روزنامه‌ی استخر را گرفت و به انتشار آن در فارس همت گمارد و طرفدارانی پیدا کرد. در 1306 از وزارت معارف به عدلیه انتقال پیدا نمود و شغل قضائی به او ارجاع شد. سال‌ها در سمت بازپرس و دادستان و رئیس دادگاه در شهرهای مختلف خدمت می‌کرد. در سال 1320 از خدمت قضا کناره‌گیری کرد و مجدداً به وزارت معارف رفت. به امور مطبوعاتی و علمی پرداخت و نشریه‌ی استخر را با وضع مناسب‌تری انتشار داد. در سیاست کلی فارس صاحب نظر گردید. در دوره‌ی هیجدهم از شیراز وکیل شد. در دوره‌ی نوزدهم نیز وکیل بود، ولی به علت کبر سن به ادوار بعدی مجلس راه نیافت. مردی ادیب و دانشمند و در مسائل مختلف صاحب نظر بود. روزنامه‌اش قریب چهل سال در شیراز انتشار یافت. غالب مردم فارس به نیکی از او یاد می‌کنند. در 1348 درگذشت. آثار و تحقیقات تاریخی و ادبی از وی به یادگار مانده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط داشت و به آن زبان شعر می‌سرود.
(1387 -1306 ق)، نویسنده، دانشمند و روزنامه‌نگار. در بوانات فارس متولد شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر و در زادگاه خود فراگرفت. به شیراز رفت و در آغاز علوم متداول زمان مانند ادبیات عرب و فارسی را آموخت و به آموزگاری پرداخت. با مطالعه و پشتکار بسیار در امور اجتماعی و تاریخ و فلسفه تبحر یافت و در آغاز مشروطیت وارد امور سیاسی شد و روزنامه‌ی سیاسی و اجتماعی و ادبی «استخر» را از سال 1336 ش به مدت چهل سال منتشر ساخت و در ضمن آن به کارهای دولتی نیز مشغول بود. وی در دوره‌ی هجدهم و نوزدهم از طرف اهالی فارس به نمایندگی

مجلس شورا انتخاب شد. آثار وی: ترجمه‌ی «پیشوایان فکر»، طه حسین؛ «فرهنگ اسلام»؛ «چهل مقاله تاریخ تصوف»؛ ترجمه‌ی «مظاهر محمدی»، توفیق الحکیم؛ «مهمانیها و پذیرائیهای شاهانه»؛ ترجمه‌ی «مجموعه‌ی یادداشتهای رضاشاه»، علی بصری؛ «چند صفحه از تاریخ بزرگترین تحولات علمی»؛ «روابط ایران و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام»، ترجمه‌ی «الصلاة بین العرب و الفرس».[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (157 -155 / 1)، دانشمندان فارس (261 -257 / 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (146 -145 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (698 -697 / 2).

استرآبادی، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جمال‌الدین استرآبادی بن آیت‌اللَّه حاج آقا ضیاءالدین از فضلاء دانشمندان معاصر شمیران تهران است.
وی در حدود 1350 قمری در تهران متولد شده و دروس جدید و مقدمات را در تهران خوانده آنگاه به قم آمده و چند سالی توقف و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و پس از آن مهاجرت به نجف و در مدرسه آیت‌اللَّه بروجردی نجف اقامت و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از دروس و ابحاث آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد بواسطه کسالت مزاج به تهران مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف مشغول و اکنون در تجریش شمیران به انجام وظائف دینی اشتغال دارد.
از آثار ایشانست حسینیه استرآبادی که در اوائل خیابان پهلوی تجریش قرار دارد و در آن برنامه‌های دینی اجراء می‌گردد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1323 ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللّٰه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالة العقائد الامامیة»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوة»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[1]
سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللّٰه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.
مترجم عزیز ما در حدود سال 1323 ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللّٰه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّٰه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال 1365 ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:
1- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. 2- رساله العقائد الامامیه. 3- رساله‌ای در خمس. 4- رساله‌ای در زکوه. 5- رساله‌ای در صلوه اللیل. 6- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. 7- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. 8- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. 9- حواشی بر عروه الوثقی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (374 -373 /4).

استرآبادی، فاضل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن الحسن رضی‌الدین الاسترآبادی عالمی محقق صاحب شرح کافیه و شرح شافیه و شرح قصاید سبع ابن ابی‌الحدید می‌باشد.
علماء عامه و خاصه این بزرگوار ستوده و کتاب شرح کافیه او را تعریف نموده‌اند قاضی شهید شوشتری در مجالس المؤمنین فرموده که شرح کافیه او بهترین کتابست در نحو و متاخرین او همگی خود را عیال آن می‌دانند و آن را دست بدست می‌گردانند و آن را بر وجهی که در خطبه آن ذکر نموده در آستانه مقدسه علوی و مشهد مقدس مرتضوی نوشته و گفته که اگر مقبول طبع اهل روزگار خواهد بود از برکات وقوع آن در این جوار است و الا از قصور طبع این خاکسار وفات آن بزرگوار در سال 686 قمری واقع شده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

استرآبادی، محمدمهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1180 -1100 ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افاغنه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریک مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال 1142 ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی‌الممالک یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال 1148 ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال 1158 ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضره است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «درّه‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1810 -1085 /5)، شرح حال رجال (172 -171 /4)، صبح گلشن (479)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 756 -653 /12)، لغت‌نامه (ذیل/ مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (448 -447 /6).

استعلامی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد استعلامی در سال 1315 ، در اراک متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال 1337 به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال 1345) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. او در سال 1343 در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در سال 1356 بازنشسته گردید. دکتر استعلامی در تابستان 1361 برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی درهند، آمریکا و کانادا پرداخت و هم اکنون به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه «مک گیل» مشغول است. کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال 1364 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد استعلامی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات فارسی به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در سال 1337 به اخذ مدرک لیسانس نائل آمد. اما او به این حد کفایت ننمود و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا (سال 1345) ، در دانشگاه تهران ادامه داد. از آن پس دوره های مطالعاتی گوناگونی را در دانشگاههای هند ، کانادا و آمریکا گذراند.
استادان و مربیان : مرحوم دکتر محمد معین و مرحوم دکتر بدیع الزمان فروزانفر
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد استعلامی به مدت هفت سال عضو هئیت مولفین دهخدا بوده ، و بعد از آن به سمت معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه الزهرا انتخاب شد.
فعالیتهای آموزشی : محمد استعلامی به مدت چندسال در دبیرستان های تهران به کار معلمی پرداخت. او در سال 1343 در گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به عنوان مدرس استخدام شد و در

سال 1356 بازنشسته گردید. وی در تابستان 1361 برای تکمیل مطالعات و تحقیقات خود به سفرهای طولانی در هند ، آمریکا و کانادا پرداخت و تا سال 1374 به تدریس در مرکز مطالعات اسلامی و دانشگاه مک گیل مشغول بوده است.
شاگردان : فارغ التحصیلان رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تهران در بین سالهای 1356 - 1343 شاگردان محمد استعلامی به شمار می روند.
آرا و گرایشهای خاص : محمد استعلامی به دلیل سابقهٔ شاگردی در محضر استاد معین و نیز فعالیت در لغت نامه دهخدا ، به لغت شناسی و تمثیل و کلمات قصار در ادبیات فارسی توجهی خاص دارد که در تصحیحات وی آشکار است.
جوائز و نشانها : کتاب هشت جلدی « تصحیح ، توضیح ، مقدمه و فهرست های مثنوی مولانا جلال الدین در سال 1364 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : آثار محمد استعلامی توسط نشر دانشگاه تهران ، انتشارات لغت نامه دهخدا و مجلات معتبر منتشر شده است. ایشان پس از مدرک دکتری (از آن زمان به بعد)در دوره های مطالعاتی گوناگون در دانشگاههای هند، کانادا و آمریکا و اجرای پروژه های مختلف تحقیقی شرکت نمود که نتیج؟ آنها غالباً به صورت کتب و مقالات متعدد به چاپ رسیده است. ----------
آثار :
1 بررسی شاهکارهای زبان فارسی
2 تصحیح و توضیح و مقدمه و فهرستهای مثنوی مولانا جلال الدین
ویژگی اثر : این کتاب الدین در هشت مجلد که سه جلد از آنها به چاپ رسیده است و باقی مجلدات در آینده به چاپ خواهد رسید.دفتر سوم مثنوی ،در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مثنوی» (دفتر سوم): این کتاب در هشت جلد به چاپ خواهد رسید که چاپ سه جلد از آنها به اتمام رسیده است. تصحیح این اثر بر اساس نسخه معتبری است که از سال 668 (چهار سال پیش از فوت مولانا) باقی مانده و نیز نسخه های معتبری که اندکی پس از درگذشت مولانا تحریر شده و از جمله نسخه بسیار دقیق مورّخ 677 محفوظ در مقبره مولانا و نسخ؟ دقیق بی تاریخ موجود در مقبره مورخ 715 محفوظ در کتابخانه ملی تهران، صورت گرفته و با نسخ؟ چاپی معروف نیکلسن و نسخه علاءالدوله مطابقت داده شده است. احادیث نبوی، مثل ها، مواردی که بیان مولانا

پیچیده است و نیاز به توضیح دارد، رابط؟ مطالب با کتب صوفیان؟ پیش از مولانا و ... با اشاره به شمار؟ ابیات توضیح داده شده است . نسخه های مورد استفاده و همه منابع کار و کیفیت مقابله و تصحیح و معرفی مولانا و اندیشه ها و آثار دیگر او، موضاعاتی است که در مقدمه جامع این اثر مورد گفتگو خواهد بود و این قسمت هنوز به تدوین نهایی نرسیده است. به غیر از متن و تعلیقات 6 دفتر مثنوی و مقدمه جامع آن، هشتمین جلد به فهرست های گوناگون و کشف ابیات اختصاص خواهد داشت که این فهرستها حاوی راهنمای یافتن قصه ها، موضوعات، اصطلاحات، آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال، کلمات مشایخ صوفیه و عبارات و اشعار تضمین شده در مثنوی به ترتیب حروف الفبا خواهد بود. .
3 سه جلد از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی
ویژگی اثر : (برای تدریس در دانشگاهها)
4 گزیده تذکرة الاولیا
5 متن کامل تذکرة الاولیا با تعلیقات و فهرستها
6 مطالب و مقالات تمام حرف «ف» و قسمتهایی از حروف «هـ»، «کاف» در لغت نامه دهخدا.

اسداللهی، الله شکر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الله شکر اسدالهی در سال 1339 در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان در سال 1375مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : الله شکر اسدالهی ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان بزمی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1358از دبیرستان صفوی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان فرانسه را از دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه را در سال 1369 از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال 1375مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فرانسه را از دانشگاه گرونوبل فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: Cellule familiale dans les ceuvres principales de Balzac ب- دکتری: Absence et ses mecanismes langagiers chez N. Sarraute وقایع میانسالی : الله شکر اسدالهی از سال 1376 بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: - معاون دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز - عضو کمیته برنامه ریزی رشته های علوم انسانی دانشگاه تبریز - نماینده دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی در کمیته تخصصی علوم انسانی دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی الله شکر اسدالهی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : 15 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 13 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: 8 مورد

اسدی اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌عبدالرحیم، ادیب لغوی نحوی، در سال 296 در بغداد وفات یافته، و او امام و پیشوای قراء زمان خود، و استاد در قراءت ورش بوده، و مردم عراق قرائت ورش را از او اخذ نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اسدی لاری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305، لار.
درگذشت: 28 فروردین 1368، تهران، هنگام ورود به کلاس درس دانشگاه.
حسن اسدی لاری از مؤسسان انجمن اسلامی معلمان و نیز زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. وی دارای درجه‌ی دکترای ادبیات عرب از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسدی نسب، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اسدی نسب
محل تولد : بروجرد
شهرت : اسدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب تا کلاس اول علوم تجربی (دبیرستان) را به صورت شبانه خواندم. در سال 56 وارد حوزه علمیه بروجرد شدم و در سال 59 وارد حوزه علمیه قم گردیدم، تا سال 67 دروس سطح را به اتمام رساندم و وارد دروس خارج شدم.
از سال 70 تا 73 (به مدت چهار سال) در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر شرکت نمودم و از اساتیدی چون آیة الله معرفت، مکارم، خزعلی، شب زنده دار و دیگران بهره مند شدم و رساله سطح چهار را با موضوع قرآن و سکولاریسم با راهنمایی آیة الله غروی و مشاوره حجة الاسلام غرویان انجام دادم و دفاع کردم.
از آن زمان تاکنون مشغول تدریس و تحقیق می باشم که به آنها اشاره می کنم:
الف: فلسفه، تدریس بدایه و نهایه ب: ادبیات عرب، تدریس سیوطی و جامع المقدمات ج: تفسیر، تدریس المیزان مجمع البیان و علوم قرآن در حوزه و دانشگاه علامه طباطبائی د: اصول، رسائل و کفایه ه: فقه، مکاسب و لمعه.
در زمینه تحقیقاتی:
الف: نوشتن کتبی در زمینه علوم قرآن مثل جامع البیان فی الاحادیث المشترکه حول القرآن حدود 650 صفحه ب: مناهج التفسیر از دیدگاه شیعه و سنی به میزان 550 صفحه ج: قرآن و سکولاریسم برای دانشجویان د: اشتغال به تفسیری روان برای جوان در یک جلد که هم اکنون مشغول آن هستم. ه: نوشتن مقالات مختلف در زمینه علوم قرآن که به برخی از آنها اشاره شد. و: ترجمه برخی از آثار و مقالات از جمله ترجمه جلد اول تفسیر " المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید " به میزان 600صفحه و هم اکنون نیز با سمت عضو هیات علمی گروه قرآن

پژوهی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ' مشغول نوشتن تفسیر کامل فارسی روان و تک جلدی می باشم که امید است در سال 1390 به اتمام برسد. این تفسیر طوری طراحی شده است که بتواند حدود هفتصد هزار کلمه در خود جای دهد.

اسدی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسدی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اسدی در سال 1348در یکی از روستاهای اطراف زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی راهنمایی و دبیرستان را در زنجان گذراندم. سال 1365 وارد حوزه علمیه شده و سطح یک حوزه را در زنجان و تهران به پایان رساندم. در سال 1371 وارد حوزه علمیه قم شدم.
همراه با درسهای حوزه تا مقطع خارج فقه و اصول در مقطع کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) فارغ التحصیل شدم. در سال 1380 از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "مواجهه آیات و روایات با جنبه های منفی فرهنگ پذیری" دفاع کردم. پایان نامه یاد شده در سال 1382 از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور به عنوان پژوهش برتر دینی سال انتخاب و در پنجمین همایش تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه شد و هم اکنون در دست پاره ای اصلاحات است تا از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شود.
از سال 1379 در زمینه تالیف و ارزیابی با دایرة المعارف قرآن کریم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) همکاری دارم، بیش از20 مقاله برای دایرة المعارف مزبور نوشته ام. از سال 1382 تاکنون مدیر گروه ادیان دایرة المعارف هستم، همچنین عضو هیات علمی و عضو شورای علمی گروه دایرة المعارف ها در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی می باشم .

اسدی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسدی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/10/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اسدی نام پدر عزیز متولد سال 1323 از سال 39 و 40 وارد حوزه علمیه قزوین شده و مقدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجةالاسلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال 45 و 46 به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجةالاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیخ صدرا باد کوبه رحمة الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمة الله علیه شرکت نموده و در سال 53 به ایران آمده و درحوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.
در اوائل جنگ تحمیلی از طرف نمایندگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال 67 تاکنون در دفتر تبلیغات اسلامی در واحد احیاء تراث اسلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شیخ محمد باقری اصفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسن اسدی ملامحله
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1362 درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شروع و بعد از اتمام شرح لمعه و اصول مظفر در سال 1368 به قم آمده و از محضر آقایان شب زنده دار، شیخ علی پناه، ستوده، محفوظی، استادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.
از سال 1370در موسسه (در راه حق) اشتغالات فرهنگی را کنار درس داشته ام و روش تحقیق و تفحص را از آقایان آیت الله نورانی، امین زاده، ادیانی، توفیقی، مسعودی، عبداللهی کمک گرفته و مشغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد الله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هستند که بعدا نام می برم.
دروس کلاسیک را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترک تحصیل دروس کلاسیک به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب 20 سال را سپری نموده ام.

اسدی، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم اسدی
محل تولد : بصره
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
نشات احب الشعر و الرسم و الخط و قراءت القرآن الکریم و الکتب الدینیه خاصه التی فیها ذکر مولانا الحجه بن الحسن المهدی (علیه الصلاه و السلام) و حفظت المزید من القصائد الشعریه و الفت العرید من القصائد الشعریه و کذلک فی مجال الرسم، و کان لی شغف بتعلم علوم اهل البیت (ع) منذ الصغر و حاولت منذ البدایه و تمنیت ذلک کثیرا ان اکون طالبا طیله حیاتی و قد رزقنی الله ذلک بعد عناءکبیر. و کنت اعشق المنبر و قراءت العزاء الحسینی و قد رزقنی الله عز وجل ذلک بعد جهد جهید.- درست الابتدائیه و المتوسطه والثانویه فی محافظه البصره بتفوق وکنت اعظی من الامتحانات النهائیه بسبب التفوق. - درست معهد الکترونیک و تخرجت من الاوائل. - تم ایفاوی الی ایطالیا – روما و فلورنسا و اکملت فیها دراسه الالکترونیک و تخرجت بتفوق و بدرجه ممتاز. - درست اللغه الایطالیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده اربعه سنوات دراسه تخصص فی البصره. - درست اللغه الایطالیه لمده سنتین فی البصره. - درست اللغه الانگلیزیه لمده سنتین فی البصره. - بدات بدراسه الحوزه المبارکه فی سنه 1985 م فی عهد السید الخوئی (رض) و لکن بصوره سریه. - ارتبطت بالسید ابوالقاسم الخوئی و کنت احمل الخمس الیه من البصره و الاحکام الشرعیه و غیرها. - درست فی معهد الامامین الحسنین (ع) للخطابه لمده (4 سنوات). - درست فی حوزه دائره العلوم الاسلامیه المقدمات و السطوح. - درست فی جامعه آل البیت العالمیه لاکمال الماجستیر(کارشناسی ارشد) لمده ثلاث سنوات. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی مدرسه الحجتیه. - درست البحث الخارج فقها و اصولا فی منتدی جبل عامل(حوزه لبنانیها). - درست الفلسفه و الاصول و العرفان النظری علی ید آیت الله السیدکمال الحیدری(حفظه الله). - درست الاصول (بحث خارج) علی ید السید علی رضا الحائری. -

درست الفقه و الاصول (بحث خارج) على يد آيت الله الشيخ فاضل المالكى من 1384-1382 . - توجهت للكتابه و التاليف و خاصه فى مجال الاديان و القصائد و لى بحوث و كتب و مقالات فى القرآن الكريم و العهدين (الكتاب المقدس) و السيره و التاريخ و القصائد و عقائد الاديان السماويه. - تم طبع ثلاث كتب لحد الان و لكن طبع محدود على حسابى الخاص. - لى عشره كتب جاهزه للطبع مبتكره. - تم تكليفى شخصيا بكتابه كتب خاصه فى مواضيع خاصه و مهمه و تلائم روح العصر و ذلک من قبل بعض العلماء و الاساتيذه الكبار فى قم المقدسه و لازالت هذه الكتب تحت اليد اسال الله عز و جل التوفيق بانجازها. و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

اسعدالدوله، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و خطاط. رییس ذخیره‌ی توپخانه بود و مدتی در شیراز می‌زیست. وی در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استرار می‌نوشت. هنگام تألیف «آثار عجم»، سال 1313 ق، در قید حیات بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (534 -533)، احوال و آثار خوشنویسان (634 /3).

اسعدی، محمد حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن اسعدی
محل تولد : کاشمر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسن اسعدی در سال 1351 در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبدالله، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروة الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.
در سال 1356 وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.
بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.
کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال 1363 برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال 1365 خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال 1373 در محضر ایشان بودم. در سال 1368 برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.
در سال 1371 خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع

کردم و تا سال 1377 از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال 1374 تا کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، ادیب و شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، و از ممدوحان فرخی سیستانی بود که پدرش از وزیران مشهور محمود بود. وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» او را به فضل و کمال ستوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 538)، سرآمدان فرهنگ (1/ 64)، فرخی سیستانی (118 -117).

اسفراینی، تاج‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 684 ق)، نحوی. آثار وی: «فاتحه الاعراب باعراب الفاتحه»؛ «الضوء علی المصباح» که در شرح کتاب «مصباح» تألیف مطرزی است در نحو که در سال 1850 م در هند به چاپ رسیده است؛ «الجملة الخبریة»؛ «لباب الاعراب»؛ «لباب العلم و الادب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 259)، ایضاح المکنون (2/ 153)، ریحانه (1/ 120)، کشف الظنون (1708، 1545، 1544 -1543)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفرائینی)، معجم المؤلفین (11/ 180)، هدیة العارفین (2/ 134).

اسفراینی، خواجه نصیرالدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : ملک الشعرا خواجه نصیر الدین اسفراینی معروف به احول ازشاعران و استاد معروف قرن 7ه.ق است وی شاعر دربارهای ممالیک دهلی، آل صاعد دراصفهان و اتابکان سلغری فارسی و مداح خواجه شمس الدین محمدجوینی بوده است. و قصیده سرایی مداح و ماهر در وصف طبیعت بوده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
گرایش : شعرسنتی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک الشعرا خواجه فریدالدین اسفراینی ازشاعران معروف قرن 7ه.ق است. وی را به سبب اقامت ممتد در اصفهان فرید اصفهانی و به علت زاده شدن دراسفراین، فرید اسفراینی گفته اند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدالدین احول پس از کسب معلومات از خراسان درطب درگاه پادشاهان مداح بیرون رفت.
خاطرات و وقایع تحصیل : فریدالدین احول از خراسانی سفری به هندوستان رفت و به خدمت ناصر الدین قباجه از سلاطین غوری مملوک رسید که تاسال624ه.ش درناحیه سند فرمانروایی داشت . وی عین الملک حسین بن ابوبکر انسوی وزیرناصرالدین را در قصیده ای مدح گفت
فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدالدین احول در کنار تحصیل علم به مطالعه دورانهای شاعران پیش از خود می پرداخت.
هم دوره ای ها و همکاران : تذکره نویسان فریدالدین احول را از اوان و مصاحبان امامی هروی دانسته اند.
وقایع میانسالی : فریدالدین احول سالها در اصفهان زیسته و درآنجا به ملازمت آل صاعد (صاعدیه) که ریاست حنیفیان اصفهان داشتند درآمد آنان را مدح گفت. بعضی محققان تصور کرده اند که فرید از خراسان نخست به شیراز نزد اتابکان سلغری پس از چندگانی از آنجا به اصفهان رفت و در خدمت آل صاعد درآمد و تا زمان مرگ در آنجاماند
زمان و علت فوت : به نظر نمی رسد که فریدالدین احول دیرگاهی پس از سال663ه.ق زیسته باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدالدین احول از شاعران دربارهای آل

صاعد دراصفهان، اتابکان سلغری فارسی و همچنین ناصر الدین قباجه سلطان ملوک دهلی بوده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدالدین احول درکنار شاعری به مطالعه دیوانهای شاعران بزرگ پیش ازخود و جواب گویی شعر آنان می پرداخته است.
همفکران فرد : فریدالدین احول از معاصران امامی هروی وسعدی شیرازی بوده است.
آرا و گرایشهای خاص : فریدالدین احول به شیوه غالب شاعران پایان قرن ششم و هفتم هجری به سردون قصاید مصنوع علاقه خاصی داشت و سخن او جامع جمیع شرایطی است که در نزد شعرای مشابه وی می بینیم ومخصوصا در وصف طبیعت مهارت خاصی دارد.
چگونگی عرضه آثار : فریدالدین احول قصاید و مدایح خود رابه کسانی چون ناصرالدین قباجه سلطان مملوک خاصی و وزیرش عین الملک حسین بن ابوبکر اشعری، سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی و جانشینانش تا ابش خاتون و همچنین شمس الدین محمدصاحب دیوان جوینی را مدح گفته است .
_____
آثار :
1 دیوان فرید احول(اسفراینی)
ویژگی اثر : دیوان فرید احول موجود و شامل بیش از سه هزار بیت است.
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

اسفراینی، شمس‌الدین محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 900 ق)، ادیب. در جوانی به تحصیل علوم و فنون پرداخت و مدتی در مدرسه‌ی سلطانی هرات به تدریس مشغول بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (4/ 340).

اسفندیار

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(است. مقدس آفریده یا آفریده (خرد) پاک؛ په.) جهان پهلوان ایرانی، در روایات ملی پسرکی گشتاسپ پادشاه کیانی. وی به دست زردشت رویین تن گردید و پیروزیها یافت و عاقبت در جنگ با رستم بر اثر تیر دو شاخه گزین که به چشم او اصابت کرد، درگذشت.
(په.) اسفندیار، پسر گشتاسپ پادشاه داستانی ایران باستان. این نام در فارسی تحریف شده و به صورت اسفندیار درآمده است اسفندیار.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

اسفندیاری، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا اسفندیاری
محل تولد : تهران
شهرت : اسلامی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اخذ دیپلم ریاضی (سال 61-60)
* شروع دروس حوزوی (سال 62-61) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران
* انتقال به مدرسه چیذر تهران (سال 63-62) وتدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای 65-62
* افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال 64)
* انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح 1 (سال 66) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر
* اتمام دروس سطح 2 حوزه در قم (سال 69) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی
* پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال 73-69) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول , لمعه , تحریر الوسیله , منطق و ادبیات عرب
* سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال 69-64) و ایراد سخنرانی و برپایی منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون
* تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال 73 تا کنون , در مراکز مختلف علمی
* ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح "معالم الدین" درسال 72 و شروع به کار تحقیق و تالیف
* دفاع از پایان نامه سطح 3 حوزه , تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره 19 در سال 1380
* ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال 76 تا 78)
* ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق , وابسته به دفتر تبلیغات

اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال 79 تا 82)
* دفاع از پایان نامه سطح 4 حوزه با عنوان "نظریه حق الطاعه" با نمره 17 درسال 83 و پس از 6 مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری
* شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای 80 و 82 به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی
* همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسفندیاری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج ، در سال 1274 شمسی در یوش مازندران به دنیا آمد. وی آموزش های ابتدایی را در یوش آغاز کرد و در سن دوازده سالگی (1288) با خانواده اش به تهران رفت و در آنجا مسکن گزید. او ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال 1296 در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد. نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود، او تا سال 1298 در این کار دوام آورد. از سال 1306 در کنار همسرش عالیه ،در آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. از فروردین ماه سال 1312 نیما و همسرش به تهران آمدند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال 1316 به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت. پس از آن به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ نیما یوشیج تا سال 1326 شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . او تا پایان زندگیش در این شغل اداری باقی ماند. نیما در روز پنج شنبه 16 دی ماه 1338 هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : نیما یوشیج فرزند ابراهیم نوری و طوبی مفتاح بود. در یادداشت کوچک بی تاریخی نسب خود را چنین نوشته است: « علی بن ابراهیم علی (معروف به ناظم الایاله) بن محمدرضا (معروف به باباخان بیک) بن محمد هاشم بن محمدرضا » .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نیما آنگونه که خود می گوید، کودکی اش در میان شبانان و ایلخی بانان سپری شده است، اینان به هوای چراگاه به نقاط دور ییلاق قشلاق می کردند و شب بالای کوهها ساعات طولانی

باهم به دور آتش جمع می شدند ،او می گوید: «از تمام دوره بچگی خود،به زدو خوردهای و حشیانه و چیزهای مربوط به زندگی کوچ نشینی و تفریحات ساده آنها در آرامش یکنواخت و کور و بی خبر ازهمه جا چیزی به خاطر ندارم».
تحصیلات رسمی و حرفه ای : نیما خواندن و نوشتن را در یوش که بود آموخت. در زندگینامه ی خود چنین می نویسد: «در همان دهکده که متولد شدم خواندن و نوشتن را نزد آخوند ده یاد گرفتم. او مرا در کوچه باغهای دنبال می کرد و به باد شکنجه می گرفت. پاهای نازک مرا به درختهای ریشه و گزنه دار می بست. با ترکه های بلند مرا مجبور می کرد به از بر کردن نامه هایی که معمولا" اهل خانواده ای دهاتی به هم می نویسند و خودش آنها را بهم چسبانیده و برای من طومار درست کرده بود». در سن دوازده سالگی (1288) نیما با خانواده اش در تهران مسکن گزید و در این شهر ،ابتدا به دبستان (حیات جاوید) و سپس به مدرسه متوسطه کاتولیک (سن لوئی) رفت. در این مدرسه بود که زبان فرانسه را آموخت. نیما یوشیج به سال 1296 در سن بیست سالگی موفق به دریافت تصدیقنامه از مدرسه ی عالی سن لوئی شد و این پایان تحصیلات رسمی اوست. پس از آن مدتی به اتفاق لاربن در مدرسه ی خان مروی نزد مرحوم آقا شیخ هادی یوشی، زبان عربی آموخت . در سال 1307 نیز در بار فروش (بابل) در محضر علامه ی حائری به درسهای فلسفه و منطق و فقه این عالم بزرگ دل سپرد.
خاطرات و وقایع تحصیل : نیما یوشیج از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند : «سالهای اول زندگی مدرسه من به زد وخورد بچه ها گذشت ،وضع رفتار و سکنات من کناره گیری و حجبی که مخصوص بچه ها ی بربیت شده در بیرون شهر است . موضوعی بود که در مدرسه مسخره برانداز بود. هنر من خوب پریدن و با رفیقم پژمان (حین) فرار از محوطه مدرسه بود. من در مدرسه خوب کار نمی کردم فقط نمرات نقاشی به داد من می رسید. اما بعدها مراقبت و تشویق یک معلم خوش رفتار که نظام وفا شاعر امروز باشد مرا به خط شعر گفتن انداخت. این تاریخ مقارن بود با سالها یا که جنگها ی بین المللی ادامه داشت. من در آن وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می توانستم بخوانم». او در ادامه می گوید : «به منزل خاله ام ، مادر تقی کیانی کاردار، می گریختم. با پای برهنه از بازارها و کوچه های یخ بسته و مرطوب که آثار قدیم در آنجا هنوز بجا بود (می گذشتم). در سر راه من دالان دولتسرای عضدالملک نائب السلطنه بود. با چراغ کم روشن توی دالان و قراول دم در با لباس مخصوص قدیم قراول های زمان پیش از مشروطه . همه چیز قدیم. من درست به یادم می آید حیدر علی کمالی و تقی کاردار کیانی در بالاخانه شعر می خواندند تا صبح.

و احتشام الملک ، پدر همین خانلری ، در زاویه به حساب خود زندگی می کرد. آنها تا صبح نظامی می خواندند. تاثیر نظامی از آن وقت در من پیدا شد که من اصلاً در خصوص شعر فکر نمی کردم. تقی کیاین کاردار (معتصم الملک) در من تاثیر مهمی دارد ، بدون اینکه خودش بداند» .
استادان و مربیان : نیما به تشویق نظام وفا که استاد او بود ،به نظم شعر پرداخت. از استادان وی می توان به مرحوم آقا شیخ هادی یوشیجی و علامه حائری اشاره کرد.
هم دوره ای ها و همکاران : یکی از همدو ره ایها ی دوران تحصیل نیما یوشیج ،حسین پژمان بود.
همسر و فرزندان : در تاریخ 6 اردیبهشت ماه سال 1305 نیما یوشیج ، در سن 29 سالگی ،با خانم عا لیه ی جهانگیر ،فرزند میرزا اسماعیل شیرازی ،خواهر زاده ی انقلابی و نویسنده ی مشهور میرزا جهانگیر صور اسرافیل ازدواج کرد.حاصل این ازدواج فرزندی به نام شراگیم بود.
وقایع میانسالی : نیما در یکی از طوفانی ترین و پر آشوب ترین ایام تاریخ کشور را درک نموده است.وی در این زمان رضا خان با توطئه چینی و حمایت بیگانگان در پی تغییر حکومت قاجار و انتقال سلطنت به خود و خاندان خود بود. در سال 1303 مجلس شورای ملی لایحه ای عزل احمد شاه قاجار و جانشینی سردار سپه را به مقام سلطنت تصویب می کند و در 15 آذر ماه 1304 مجلس موسسان برای تغییر مواردی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است ،در یاد داشتی با عنوان (مجلس مؤسسان)برای تغییر موادی از قانون اساسی تشکیل می شود. نیما یوشیج با روشن بینی و آینده نگری کامل ، که نشانه ی حس قوی و شناخت کامل او از موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران است، در یاد داشتی با عنوان (مجلس موسسان) به تاریخ 21 آبان ماه 1304 چنین می نویسد:(مجلس موسسان به اصطلاح شیطان می خواهد آتیه ی مملکت ،یعنی سرنوشت یک مست بچه های یتیم و مادرهای فقیر را معین کند. جوانها اغلب آنهایی که چند جلد از کتب ادبیات غربی را ترجمه کرده اند و به این جهت مشهور به نویسندگان هستند، در این مجلس شرکت دارند. می خواهند آنها را برای این مجلس انتخاب کنند. به من هم تکلیف کرده اند،ولی من تاکنون نه پا به مجلس آنها گذاشته ام نه بازی قرعه و انتخاب و کلا را شناخته ام . من از این بازی چیزی نمی فهمم . یک نفر را روی کار کشیده اند یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد. جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تو را معدوم نکنند و تو بتوانی روزی که نطفه های پاک پیدا شدند ،به آنها اتحاد را تبلیغ کنی .این نقشه ها برای این است که متفکرین و مخالفین شناخته شوند و

آنها را در موقع جلسه ،نیست کنند؛ ولی بالاخره شیطان مغلوب می شود.)
نیما یوشیج که به هنگام نوشتن یادداشت 28 ساله است، در این عبارت (جوان باهنر گمنام ،بمیر یا ساکت باش تا تورا معدوم نکنند)بی گمان به شهادت دوست ناکام خود میرزاده عشقی نظر دارد و جملات (من از این بازیها چیزی نمی فهمم .یک نفر را روی کار کشیده اند . یک استبداد خطرناک ،مملکت را تغییر خواهد داد .سخت هوشیارانه ،قابل توجه، تاریخی و عبرت آور است. در بهمن ماه 1306 حادثه سیاسی مهمی روی داد : کشف کتیبه ی سری و اعلام سرهنگ احمد پولادین. سرهنگ احمد خان پولادین که افسری حساس و چو ن رئیس گارد رضا شاه و از نزدیک شاهد اعمال او بود با عده ای از افسران و اشخاص می دانست آنها هم با رژیم پهلوی موافق نیستند وارد مذاکره و متحد شده کمیته ای سری تشکیل دادند که او را از میان بردارند و رژیم پهلوی را سرنگون سازند. نزدیک بود که موفق هم بشوند . اما یکی از افراد این کمیته از بیم نافرجام ماندن این اقدام محرمانه مراتب را به اطلاع پهلوی رسانید . همگی اعضاء کمیته دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی شدند محاکمات آنها چند روز به طول انجامید در نتیجه سرهنگ احمدخان پولادین محکوم به اعدام شد. این واقعه نیما یوشیج را که اندیشه انتقام همیشه با او بود سر شوق می آورد و در اسفند ماه 1306 شعر بلند و حماسی (سرباز فولادین) را سرود تا این تاریخ بعد از (افسانه) مهم ترین شعر اوست.
زمان و علت فوت : نیما در روز پنج شنبه 16 دی ماه 1338 هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری ذات الریه در گذشت و در قبرستان امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نخستین کار اداری نیما شغلی در درجه پایین کارمندی در وزارت مالیه بود و ی تا سال 1298 در این کار دوام آورد. از فروردین ماه سال 1312 نیما و همسرش در تهران بودند. نیما نخست در بلا تکلیفی بسر برد و سپس در جست و جوی کاری مناسب بر آمد. در سال 1316 به وزارت پیشه و هنر منتقل گردید. یک سال بعد به تمایل خودش با همان حقوق به اداره موسیقی کشور منتقل شد و به عضویت هیات تحریریه ی مجله موسیقی انتخاب گردید؛ این کار جدی ترین و مناسب ترین شغل اداری نیما یوشیج درتما م طول زندگیش است که تا پایان عمر این مجله ،تا بهمن 1320 ادامه یافت. نیما یوشیج تا سال 1326 شغل ثابتی نداشت و پس از آن به خدمت در اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت . کار او بررسی و اظهار نظر در باره ی نمایشنامه ها و فیلمنامه هایی بود که به این اداره می رسید. تا پایان زندگیش این شغل اداری او بود و حقوقش سیصد و سی تومان در ماه بود.
فعالیتهای آموزشی : از سال 1306 ، نیما در کنار همسرش عالیه ،در

آموزشگاه های کوچک شهرهای شمال ایران : بارفروش (بابل کنونی) ، لاهیجان ، رشت ، آستارا به کار تدریس اشتغال داشت. او در سال 1316 در تهران به تدریس ادبیات در دوره دوم دبیرستان صنعتی پرداخت.
آرا و گرایشهای خاص : نیما یوشیج در سال 1316 موفق به کشف شکل تازه ای در شعر فارسی شد که این شیوه به کلی با شعر قدیم فرق دارد و با نگرشی که در شیوه شکل آن پدید آورد به پدر شعر نو لقب گرفت. نظرنیما در خصوص شعر، یک نگاه جدید است که بعضاً شیوه های قدیم را به چالش کشیده و از منظری جدید غالب شعر را تعریف می نماید. او می گوید: « ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده و به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش کردن قافیه و افزایش و کاهش مصراع ها یا وسایل دیگر ، دست به فرم تازه زده باشیم . عمده کار این است که طرز کار عوض شود و مدل وصفی و روائی ، که در دنیای با شعور آدم هاست ، به شعر بدهیم. »او در ادامه می گوید:« شعر وزن و قافیه نیست ، بلکه وزن و قافیه هم از ابزار کار یک نفر شاعر هستند. همچنین شعر ردیف ساختن مصطلحات و فهرست کلی دادن از مطالب معلوم که در سر زبان ها افتاده است نیست. این جور کار به درد دفتر حساب بندی یک تجارتخانه می خورد. شعر واسطه تشریح و تاثیر دادن و کوچک کردن معنویات و شکافتن و نمودن درونیهای دقیق و نهفته آنهاست. و تمام کوشش و کاوش شاعر برای آن است که « مخصوصاً شعر را از حیث بیان آن به طبیعت نزدیک کرده و به آن اثر دلپذیر نثر را دهد » . زیاد رغبت دارد و دلباخته رغبت خود است که « شعر را از مصراعبازیهای ابتدایی ـ که در طبیعت این طور یکدست و یکنواخت و ساده لوح پسندانه وجود ندارد و لباس متحد الشکل نپوشیده استـ آزاد کرده باشد» .نیما فقط در ابداع شعر نو جسارت به خرج نداد بلکه همین آوردن واژه های روستایی و بومی در شعر فارسی و ملی در نوع خود بدعت و نوآوری محسوب می شود ، تا جاییکه که بعد از او بسیاری خواستند از این شیوه بهره بگیرند که راه به جایی نبردند. ----------
---
آثار :
1 پادشاه فتح
2 خواب زمستانی
3 قصه رنگ پریده ،خون سرد
ویژگی اثر : این قصه مثنوی حزن انگیزی است که برای دلهای خونین سروده شده است و به بیان مصائب شاعر اختصاص یافته که میخواهد قصه ا ی از یاران و ببخت و دوران خویش بازگو کند.

4 کار شب پا
5 منظومه افسانه
ویژگی اثر : افسانه منظومه مفصلی است. در یکی از مفترعات بحر رمل(فاعلاتن فعولن فعولن) که محتوی آشفتگی و خیالهای پریشان شاعر است. نیما نخستین انحراف خود را از اسلوب تفکر وبیان دیرینه شعر فارسی در این منظومه نشان می دهد.
6 وای بر من

منابع زندگینامه :1آریان پورم یحیی- از نیما تا روزگار ما- ج3, تهران: انتشارات زوار, ص 5972پیام نوین- سال 3- شماره 6, اسفند 13393صوفیم لیلا- زندگی نامه شاعران ایران- انتشارات جاجرمی, ص 2164طاهباز, سیروس- زندگی و هنر نیما یوشیج پردرد کوهستان- تهران: انتشارات زریاب, ص 11

اسکافی، ابوجعفر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 240 ق)، متکلم معتزلی، ادیب و شاعر. اصلی وی از سمرقند بود. در بغداد متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. ابتدا پیشه خیاطی داشت اما به تحصیل دانش روی آورد و علم کلام را از جعفر بن حرب فراگرفت و از پیشوایان بنام معتزلیان بغداد شد. طایفه اسکافیه بدو منسوبند. وی مناظراتی با حسین بن علی کرابیسی داشته است. معتصم عباسی او را بر همه مقدم می‌داشت. در مآخذ مختلف او را صاحب تصانیف بسیار دانسته‌اند. از آثارش: کتاب «المقامات فی تفضیل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «فضائل علی- علیه‌السلام»؛ کتاب «ابطال قول من قال بتعذیب الاطفال»؛ کتاب. «البدل»؛ کتاب «الرد علی المشبهة»؛ کتاب «اللطیف»؛ کتاب «النقض».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 92)، تاریخ بغداد (5/ 416)، خاندان نوبختی (81، 85)، ریحانه (1/ 122)، الکنی والالقاب (2/ 27)، لسان المیزان (6/ 227)، لغت‌نامه (ذیل/ اسکافی)، مروج الذهب ترجمه (2/ 512)، معجم المؤلفین (10/ 200)، الوافی بالوفیات (3/ 336- 337)، هدیة الاحباب (98).

اسکندرلو، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد اسکندر لو
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/2
زندگینامه علمی
بنده در سال 1340 در شهرستان همدان در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در سال 1356 به منظور فراگیری معارف و علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. ادبیات عرب، منطق و علوم بلاغی را (60 ـ 1356) در مدرسه مبارکه رضویه خواندم. لمعتین (63 ـ 61) را نزد آیت الله اشتهاردی و استاد شماعی همدانی، رسائل و مکاسب (67 ـ 64) را نزد آیت الله اعتمادی و آیت الله علوی گرگانی، کفایتین (69 ـ 67) را نزد آیت الله اعتمادی، خارج فقه (80 ـ 70) را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله نوری همدانی خارج اصول (78 ـ 70) را نزد آیت الله فاضل و آیت الله مکارم شیرازی.
تحصیلات دانشگاهی:
مقطع کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (74 ـ 71) موسسه در راه حق.
مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآنی (78 ـ 74) موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث (83 ـ 79) تربیت مدرس دانشگاه قم.
ملاحظات: در مهر ماه 1378 از پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "نقد و ترجمه مدخل قرآن از دایرة المعارف دین" دفاع نموده و امتیاز 20 را احراز کردم و در سال 1379 در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کرده و با کسب رتبه اول پذیرفته شدم. در تاریخ 22/ 3/ 82 موضوع پایان نامه دکتری بنده تحت عنوان "نقد و بررسی تحقیقات خاور شناسان در زمینه تاریخ گذاری آیات و سور قرآن" به تصویب رسید و در تاریخ 15/ 10/ 83 مورد دفاع قرار گرفت و با درجه عالی و امتیاز 18/ 5 پذیرفته شد.
فراگیری زبان انگلیسی:

الف) دوره عالی زبان انگلیسی مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال 1365 (طی 700 ساعت آموزش) که در تاریخ 31/ 4 / 66 گواهینامه آن را (ممهور به مهر مرکز زبان های خارجی دانشگاه تهران، مرکز زبان های خارجی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) است، دریافت نمودم.
ب) در سال 1369 جهت تقویت مکالمه زبان انلگیسی، کلاس های آن را در زبانکده انگلیسی (ای. اچ. پ) پشت سر نهاده و موفق به اخذ دیپلم زبان (با امتیاز 20) گردیدم.
ت) اخذ گواهینامه مترجمی زبان از نیروی دریایی پاکستان (1370)
ملاحظه: در سال 1370 از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عازم بندر کراچی پاکستان شدم و در طی مدت شش ماه در جمع برادران سپاهی که جهت گذراندن دوره تخصصی زیر دریایی به نیروی دریایی پاکستان اعزام شده بودند، به عنوان مبلغ و مترجم زبان انگلیسی حضور داشته و در پایان دوره موفق به اخذ گواهینامه مزبور شدم.

اسکندری، سلیمان محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در تهران متولد شد. پدرش شاهزاده محسن میرزا کفیل‌الدوله از مالکین و کارمندان عالیرتبه‌ی دولت بود. وی پس از انجام تحصیلات مقدماتی و معمول زمان و یاد گرفتن زبان فرانسه در دستگاه دولتی استخدام شد. چندی در اداره‌ی شهربانی و مدتی در اداره کل گمرک اشتغال به کار داشت. امتیاز روزنامه هفتگی حقوق را گرفته، به انتشار آن مبادرت نمود. در دوره‌ی دوم مجلس پس از فوت برادرش که نماینده‌ی مجلس بود، به جای او از طرف نمایندگان مجلس به وکالت انتخاب گردید و جزو حزب دموکرات شد. و پس از چندی از لیدران حزب مزبور در مجلس شد. در 1290 مجلس دوم در اثر اولتیماتوم دولت روسیه تزاری منحل گردید و به دستور ناصرالملک نایب‌السلطنه ایران سلیمان محسن دستگیر و به قم تبعید شد و چند ماهی در تبعید به سر برد و آنگاه به تهران آمد و مدیرکل امور مرکزی وزارت کشور گردید.
سلیمان محسن در انتخابات دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از اصفهان به نمایندگی انتخاب شد و لیدر حزب دموکرات در مجلس بود و مدتی نیز نایب رئیس مجلس شد. دموکرات‌ها در مجلس در اقلیت قرار داشتند و با غالب دولت‌ها مخالف بودند. هنگامی که در این دوره سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله به نخست‌وزیری انتخاب شد، سلیمان محسن به لیدری حزب دموکرات، فرمانفرما وزیر کشور کابینه را استیضاح کرد و عزل او را از وزارت خواستار شد ولی عین‌الدوله بر اساس مسئولیت مشترک وزیران از وزیر داخله خود دفاع کرد و از کار کناره‌گیری نمود. مجلس سوم با تلاش سید حسن مدرس او را به رئیس‌الوزرائی انتخاب نمود. عین‌الدوله قبول نخست‌وزیری را موکول به عضویت فرمانفرما در کابینه کرد. سلیمان محسن در رد نظریه عین‌الدوله سخنان تندی در مجلس ایراد کرد و کلمات ناسزا و موهن بر زبان جاری ساخت و عین‌الدوله ناگزیر مجدداً استعفا کرد.
در جنگ بین‌الملل اول و اشغال ایران از طرف قوای نظامی روس و انگلیس و عثمانی، احمد شاه تصمیم به تغییر پایتخت گرفت و این نیت را با نمایندگان در میان نهاد و سلیمان محسن و حزب دموکرات در این کار پیشقدم شدند و فوراً به قم حرکت نمود. کمیته‌ای به نام «کمیته‌ی دفاع ملی» تشکیل دادند و ریاست آن کمیته با سلیمان محسن بود. کمیته در قم

به جمع‌آوری اعانه و خرید اسلحه پرداخت. کمیته‌ی دفاع ملی از قم به اصفهان و اصفهان به کرمانشاه حرکت کرد و تا این تاریخ لیدری و رهبری قیام‌کنندگان به عهده سلیمان محسن بود. در همان هنگام رضاقلی خان نظام‌السلطنه با عده‌ای قوا و وزیرمختار آلمان به کرمانشاه رسیدند و به ریاست حکومت موقتی انتخاب شد و کابینه‌ای تشکیل داد و عده‌ای را به وزارت انتخاب نمود از جمله سلیمان محسن وزیر داخله شد ولی میل و رغبتی به این سمت نشان نداد زیرا خود کاندیدای ریاست حکومت بود.
اساساً اجتماع عده‌ای در کرمانشاه برای دفاع از ایران با حمایت آلمان و عثمانی در نتیجه‌ی اقدامات سلیمان محسن و حزب دموکرات بود و از این رو بین نظام‌السلطنه و سلیمان محسن اختلاف نظر شدید پیدا شد و ضمناً سلیمان محسن متهم به سوء استفاده‌ی مالی گردید. سلیمان محسن چندی در بغداد و سپس در استانبول اقامت گزید و پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی به ایران بازگشت. در انتخابات دوره‌ی چهارم از تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد و به اتفاق سید محمدصادق طباطبائی حزب سوسیالیست ایران را بنیاد نهاد و در نقش اقلیت در مجلس دست به اقدامات تندی زدند. سلیمان محسن در آن مجلس با اعتبارنامه‌ی مهدیقلی مخبرالسلطنه به شدت مخالفت نمود و صریحاً او را قاتل شیخ محمد خیابانی معرفی کرد.
در 1300 به هنگام نخست‌وزیری احمد خان قوام‌السلطنه، دکتر محمد مصدق‌السلطنه وزیر مالیه ماده‌ی واحده‌ای به مجلس داد و اختیاراتی برای اصلاح وضع مالی ایران خواست. سلیمان محسن وزیر مالیه را مورد حملات شدید قرار داده و حمله‌ی سختی به او نمود. مصدق از خود دفاع کرد و سپس غش کرد و بدین ترتیب کابینه‌ی قوام‌السلطنه ساقط شد. در 1301 در دور دوم نخست‌وزیری قوام‌السلطنه، سلیمان محسن او را استیضاح کرد و با جلب عده‌ای از اعضاء اکثریت مجلس و نمایندگان بیطرف، اقلیت خود را تبدیل به اکثریت نمود. در نتیجه برای بار دوم کابینه‌ی قوام‌السلطنه را ساقط کرد. قبل از قوام‌السلطنه نیز مشیرالدوله در اثر حمله‌ی شدید سلیمان محسن از کار کناره‌گیری کرده بود.
سلیمان محسن در 1301 پس از ساقط کردن قوام، مستوفی‌الممالک را به رئیس‌الوزرائی رسانید و خود لیدر اکثریت بود و دفاع از پروگرام دولت را برعهده گرفت. در عوض سید حسن مدرس که در حکومت قبل لیدر اکثریت بود، این بار لیدر اقلیت گردید و با کابینه‌ی مستوفی به مخالفت برخاست و کابینه را استیضاح نمود. در تمام دوران زمامداری مستوفی، جدالی سنگین بین مدرس و سلیمان محسن در مجلس در جریان بود.
در اواخر دوره‌ی چهارم، سلیمان محسن و سید محمدصادق طباطبائی لیدران حزب سوسیالیست که جمعاً در مجلس پانزده نفر بودند روابط

نزدیک و صمیمانه‌ای با سردار سپه وزیر جنگ برقرار نمودند و او را مورد حمایت قرار دادند، و سرانجام پیمان‌نامه‌ای بین سردار سپه، میرزا کریم خان رشتی، سلیمان محسن، سید محمدصادق، و خدایارخان امضاء و مبادله شد. به موجب این پیمان‌نامه، قرار شد حزب سوسیالیست سردار سپه را به نخست‌وزیری برساند و سردار سپه در عوض وزیران خود را از اعضاء حزب سوسیالیست انتخاب نماید. یک ماه پس از این پیمان، سردار سپه با حمایت سوسیالیست‌ها از طرف سلطان احمد شاه به نخست‌وزیری برگزیده شد و در کابینه‌ی خود سلیمان محسن را وزیر فرهنگ نمود. حاج عزالممالک اردلان و میرزا قاسم خان صوراسرافیل دو تن از اعضای سوسیالیست نیز در این کابینه عضویت یافتند.
سلیمان محسن در انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و طبعاً از وزارت اعراض نموده به پارلمان رفت. او در مجلس پنجم یکی از طرفداران جمهوری بود و طرح تبدیل رژیم سلطنتی را به جمهوری امضاء نموده و از آن دفاع نمود. در جریان تعرض و قهر سردار سپه و عزیمت وی به بومهن، سلیمان محسن تلاش بسیار کرد و اکثریت مجلس را به طرفداری سردار سپه بسیج نموده او را به شهر بازگردانید.
در تمام مدت مجلس پنجم، سلیمان محسن لیدر سوسیالیست‌ها بود و غالباً در مقابل مدرس قرار می‌گرفت. در استیضاح مدرس از سردار سپه که منجر به نطق ملک‌الشعرای بهار شد، سلیمان محسن نطق مهمی ایراد کرده اقلیت را سخت مورد نکوهش قرار داد. در جریان انقراض قاجاریه و تفویض سلطنت به سردار سپه کوشش و فعالیت سلیمان محسن چشمگیر بود.
پس از ختم دوره‌ی پنجم، سلیمان محسن که نام خانوادگی «اسکندری» را برای خود انتخاب نموده بود با وجود نزدیکی و همکاری با سردار سپه وکیل مجلس نشد و به هیچ کار دولتی هم دعوت نگردید و به صورت عزلت و انزوا ایام را می‌گذرانید. پس از سال 1320 فعالیت‌های سیاسی او آغاز شد. از جمله او از مؤسسین اولیه‌ی حزب توده ایران بود و لیدری حزب مزبور به او واگذار شد ولی به علت کهولت نه حوصله و نه توانائی کار داشت و امور حزب اغلب توسط برادرزاده‌ی او ایرج اسکندری انجام می‌گرفت.
سلیمان محسن اسکندری در 1322 در سن 77 سالگی درگذشت. تشییع جنازه‌ی او با شکوه کامل از طرف حزب توده ایران در تهران برگزار شد و در تمام شهرهای ایران مجالس ختم مجلل از طرف حزب توده تشکیل شد. اسکندری مردی سخنور، جدی، صادق، جاه‌طلب و پارلمانتر قوی بود. شاید در طول تاریخ مشروطیت، سخنوری به پای او نرسیده باشد.

(1322 -1255 ش)، روزنامه‌نگار. تحصیلات خود را در تهران انجام داد و سپس وارد اداره‌ی نظمیه شد. پس از آن سمت‌های مختلفی را عهده‌دار بود و چند مرتبه نیز وکیل مجلس شد. مدتی هم سمت وزارت فرهنگ را داشت. پس از کودتای رضاخان، مدتی رییس‌الوزرایی وی را عهده‌دار شد. اسکندری از اعضای حزب دموکرات بود. او بعد از سال 1320 ق حزب توده را با مرام سوسیالیستی به همراه 53 نفر بنیاد گذاشت. در سال 1325 ق روزنامه «حقوق» را منتشر ساخت.[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (224 -223/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (179 -172/ 1)، یادداشتهای قزوینی (192/ 8).

اسکندری، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 1371.
دکتر محمدحسین اسکندی استاد رشته‌ی ادبیات بود که چندی در دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اسکندری، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین اسکندری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/1/1
زندگینامه علمی
حقیر محمد حسین اسکندری حسب الامر، جریان تحصیل، تدریس و تحقیق خود را در چند بند بطور خلاصه در این صفحات می نویسم: در آغاز باید از سال 42- 41 سال آغاز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، که برای تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم به عنوان نقطه عطفی در جریان زندگی خودم نام ببرم. البته حقیر قبل از این تاریخ نیز ــ چون پدرم روحانی و از شاگردان مراجع بزرگواری چون آیت الله بروجردی و آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و... بودند ـ در قم بودم و دوران ابتدائی را در مدرسه خدیوی و دوره دبیرستان را در دبیرستان صدوق مشغول تحصیل بودم که به توصیه پدرم آن را نیمه تمام گذاشته و برای ورود به حوزه و اشتغال به تحصیلات دینی و حوزوی، دبیرستان را ترک کردم.
در سال تحصیلی 42- 41 سال شروع انقلاب وارد حوزه علمیه قم و در مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی که برنامه تحصیلی خاص خود را داشت، مشغول تحصیل شدم با این تفاوت که هر سه سال از این برنامه ها را حقیر در دو سال گذراندم و کتابهای سیوطی، مغنی، شرح نظام، مختصر، حاشیه ملا عبدالله، شمسیّه، معالم و قوانین و جلدین شرح لمعه را همراه با برنامه های جنبی در این مدارس خواندم. در این مدارس نوشتن جزوه درسها و ارزیابی آنها توسط اساتید در فواصل مختلف و نیز شرکت در امتحانات فصلی اجباری بود.
رسائل را در درس خصوصی آیت الله شاه آبادی، کفایتین را در درس عمومی آیت الله سلطانی، مکاسب را در درس عمومی آیت الله ستوده، منظومه را در درس خصوصی آیت الله محمد مؤمن و درس عمومی آیت الله انصاری شیرازی و بخشهائی از اسفار را در درس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده (و بعد که وارد موسسه در راه حق شدم)

منطق، شفا، نهایه، فلسفتنا و روش رئالیسم را در درس آیت الله مصباح یزدی و کتاب "ژیلسون" را که آن هم یک کتاب فلسفه غربی بود در درس استاد ارجمند آقای دکتر احمدی و یک دوره فلسفه علم و نیز یک دوره کوتاه تاریخ فلسفه غرب را در درس دو نفر از اساتید محترم دانشگاه که در فن خود قوی بودند شرکت کردم. ضمناً در همین سالها روزهای تعطیلی همراه تعدادی از دوستان که سعی می کردند از همه فرصتها استفاده شود، بخشهائی از عقائد و معارف قرآن و روایات را نزد آیت الله جوادی آملی، آیت الله ابطحی اصفهانی و آیت الله مرحوم ابوترابی قزوینی شرکت کردم.
از اواخر دهه پنجاه به بعد در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیت الله وحید خراسانی و در مقاطعی آیت الله اراکی و آیت الله سید کاظم حائری و... شرکت کردم. در همین حال، یک دوره امر به معروف و نهی از منکر را همراه یکی از دوستان ارجمند در درس آیت الله صدیقیان اصفهانی خصوصی در روزهای تعطیلی و یک دوره فقه اقتصادی را در درس آیت الله مظاهری اصفهانی به پایان رساندم.
در سال 1351 در ضمن درسهای خارج حوزه وارد برنامه آموزشی تحقیقی موسسه در راه حق شدم و در گروه "الف" این موسسه ثبت نام کرده و پذیرفته شدم که در مجموع ترکیبی بود از :
1. فلسفه اسلامی و غیر اسلامی
2. معارف قرآن
3. دو زبان خارجی (عربی جدید و انگلیسی)
4. علم و فلسفه اخلاق
5. اقتصاد اسلامی
6. دوره های عمومی و کوتاهی در زمینه جامعه شناسی عمومی، روانشناسی عمومی، حقوق و علوم سیاسی، روش تحقیق و نویسندگی و علوم ریاضی و ...

زمان این برنامه ها 8 سال بود که در آن، حقیر درسها را بصورت جزوه می نوشتم و شرکت در امتحانات فصلی الزامی بود.
آموزش و تدریس:
از همان سالهای نخست طلبگی از نیمه دهه پنجاه در مدارس آیت الله گلپایگانی و سپس مدارس کرمانیها و رسالت به موازات تحصیل، درسهائی را که خوانده بودم تدریس می کردم. سپس در سالهای بعد چندین سال در موسسه در راه حق به تدریس فلسفه، فلسفه حقوق، عقائد و اخلاق در قرآن و در مدرسه شهیدین فلسفه، در جامعة الزهراء فلسفه و اصول، در مدرسه حقانی عقائد و معارف قرآن و در دانشکده شهید محلاتی فلسفه اخلاق و قبل از جامعة الزهرا در مکاتب خواهران نیز تدریس داشته ام و

خلاصه آنکه از ادبیات گرفته تا مکاسب شیخ را بطور عمومی یا خصوصی در حوزه قم تدریس کردم و علاوه بر درسهای رائج حوزه مواد درسی فوق را در مراکز آموزشی مختلف چه آنها که نام بردم و غیر آنها تدریس نمودم.
پس از پیروزی انقلاب، در سالهای آغازین پیروزی انقلاب، به توصیه علماء و بزرگان حوزه بمنظور انجام کارهای فرهنگی تبلیغی و پاسخ به سؤالات و شبهات و یا برای تدریس در اردوهائی که بمنظور آموزش ضمن خدمت برای اساتید و دبیران و معلمان از سوی تربیت معلم و اداره آموزش ضمن خدمت تشکیل می شد به استانها و شهرهای مختلف آبادان و خرمشهر و رشت و بندر انزلی و حومه (از جمله دانشگاه گیلان و دانشگاه لاکان) و کرمانشاه و یزد و چندین نوبت در تهران (دانشگاه امام صادق (ع)، تربیت معلم، دانشگاه تهران و...) سفر کرده، به تدریس عقائد و معارف و ایدئولوژی و اقتصاد اسلامی پرداختم که در هر یک از آنها از 8- 7 ماه گرفته تا دو ماه و یا حتی بیست روز سفر و برنامه ما طول می کشید و کار ما بصورت تشکیل کلاس یا پاسخ به سؤالات در دانشگاهها و دبیرستانها و یا بصورت مصاحبه و پاسخ و پرسش در مراکز تلویزیونی رشت و کرمانشاه و آبادان و گاهی سخنرانی انجام می گرفت که تا آنجا که بیاد دارم در رشت در کل یک ماه رمضان یک شب در میان و همچنین در کرمانشاه در مدت مشابه این مصاحبه منتشر می شد و موضوع و محور مصاحبه مسائل اقتصادی اسلام بود.
از سال اول بازگشائی دانشگاهها پس از انقلاب ظاهراً سال 62- 61 بنا به دعوت بعضی از مسئولان و معاونین دانشگاه شهید بهشتی و با توجه به وضع بحرانی دانشگاه ها در آن زمان که جولانگاه گروهکها بود، در این دانشگاه به تدریس دروس مختلف پرداختم که بطور عمده عبارت بود از: عقائد و معارف و اخلاق و نیز در مقاطعی نظام سیاسی و دولت در اسلام را در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی و حقوق بین الملل اسلام را نیز در همین دانشکده و بخشهائی از فقه را در دانشکده حقوق و تاکنون نیز که بیش از بیست سال از آن تاریخ می گذرد تدریس و همکاری حقیر با این دانشگاه ادامه دارد. همچنین، بنا به دعوت آیت الله میر محمدی که در آن تاریخ رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بودند و به توصیه آیت الله مصباح یزدی از سال 64 در دانشکده الهیات بطور متناوب به تدریس فلسفه و کلام و فقه و اصول و فقه الحدیث و تفسیر و درایه پرداختم که تا بعد از دهه هفتاد ادامه یافت و سپس هم با یکی دو سال فاصله در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران به تدریس دروس فقه و ادوار فقه و فقه تطبیقی مشغول شدم که تقریباً تا حدود سال 1380 ادامه داشت. علاوه بر این چند سالی هم در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تدریس فلسفه (روش رئالیسم) و فقه (مکاسب) و اصول (مظفر) اشتغال

داشته، در دانشگاه آزاد قم نیز فقه و اصول و... را در چند سال و در دانشگاه آزاد شهر ری از چند سال پیش تاکنون به تدریس فقه، اصول، آیات الاحکام، قواعد فقهیه، حقوق جزای خصوصی و حقوق بین الملل اسلامی اشتغال دارم.
البته اشتغال حقیر به تدریس در دانشگاهها بنا به نیاز جامعه پس از انقلاب بوده که حتی در سالهای اوّلیه و جو بحرانی جامعه بویژه دانشگاهها که محل تاخت و تاز گروهکها بود خطر جانی هم برای ما داشت؛ ولی حقیر با اشتیاق تمام این کار را ادامه دادم و علیرغم آنکه درحدود ده سال قبل وزارت علوم با گرفتن دو امتحان مفصل و نوشتن پایان نامه ای در موضوع قاعده "مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام مدرک دکتری (استاد یاری) در فقه و مبانی حقوق به اینجانب داده است. حقیر تاکنون به همان شکل ساده و بدون رسمیت به کار تدریس خود در دانشگاه ادامه داده ام و بین راه قم و تهران در رفت و آمد بوده ام.
پژوهش و تحقیق:
اوّلین کار تحقیق، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و در دورانی که تبلیغات دو ابر قدرت بویژه، تبلیغات گروهکهای کمونیستی بالا گرفته بود، مطالعاتی بود که همراه یکی دیگر از برادران عزیز (حجةالاسلام والمسلمین شیخ حسین ایرانی) در مورد وضعیت نظامهای سوسیالیستی و کمونیستی بویژه شوروی شروع کردیم و یادداشتهائی برداشتیم که بصورت دو کتابچه با نامهای: 1- "برادری برابری حکومت کارگری"
2- "بهشت سوسیالیسم" در آن تاریخ به چاپ رسید و در مراکز حساس فرهنگی و دانشگاهی در دسترس مردم بویژه قشر فرهنگی و دانشجویان قرار داده شد و در آن روزها نیاز زیادی به آن احساس می شد.
ولی، کار عمده تحقیقی اینجانب با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز بنام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نامیده می شود و پس از پیروزی انقلاب در حول و حوش سال 1360 تأسیس گردید شروع شد. حقیر به عنوان محقق و مسئول گروه حقوق و علوم سیاسی در این موسسه پژوهشی که بمنظور تحقیق در رشته های مهم علوم انسانی اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی و... به وجود آمده بود تا کتابهای مادر و مبنائی مربوط به رشته های نامبرده در دانشگاهها را با توجه به اصول و مبانی اسلامی در این گونه رشته ها تهیه و تدوین کند، مشغول به کار شدم که هر چند از آن تاریخ تاکنون نوسانات و شدت و ضعفهائی داشته است، ولی بیش و کم تاکنون این کار ادامه پیدا کرده است و ثمرات این کار کتابها و مقالاتی است که در سطور بعد بعضی از آنها را نام خواهم برد .
علاوه بر این، اینجانب در کار تحقیق و پژوهش با موسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی (ره) نیز همکاری داشته ام و کار عمده تحقیقی که در رابطه با این موسسه انجام داده ام پژوهش، تحقیق و تدوین کتاب اخلاق در قرآن بوده است که اصل آن سخنرانیها و درسهای آیت الله مصباح یزدی بود و مسئوولیت پژوهش و تحقیق و تدوین آن به عهده اینجانب قرار داده شد و الحمدالله امروز در سه جلد و در بیش از هزار صفحه به چاپ رسیده و بعضی از مجلدات آن قریب ده بار به چاپ رسیده است. علاوه بر این از 8- 7 سال قبل تاکنون با پژوهشگاه علوم انسانی در خیابان کردستان تهران در ارتباط با گروه علوم سیاسی و نقد کتابهای سیاسی و آموزشی دانشگاهها همکاری داشته ام که بصورت مقالات انتقادی نوشته می شود و چند سالی است که مجله (فصلنامه) به نام "نامه علوم انسانی" بمنظور نشر اینگونه آثار و مقالات بطور عمده انتقادی گروه های مختلف، تأسیس شده که حقیر نیز جزء هیئت تحریریه آن هستم .

اسلامبولچی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یحیی (اسلامبولچی) از علماء و دانشمندان مبرز معاصر تهرانست وی در حدود سال 1332 قمری در تهران متولد شده و در بیت تقوا و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن فارسی و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت نموده و مکاسب و کفایه را از مرحوم آقا میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و مدرسین دیگر حوزه به پایان رسانیده و درس خارج را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران برگشته و در خیابان عین‌الدوله به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد (سادات اخوی) واقع در اول (کوی سقاباشی) و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند نگارنده. گوید: آقای اسلامبولچی دانشمندی متین و بزرگوار و دارای محاسن اخلاق و مبادی آداب و با سلسله سادات اصیله و ریشه‌دار تهران که منتهی به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) می‌شوند پیوند مصاهرت دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامپور کریمی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن اسلام پور کریمی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/5
زندگینامه علمی
در سال 1349 شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمائی با معدل20 یا بالای 19 بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می‌کردم.
در سال 64 در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم. در سال 65 بر اساس وظیفه و لبیک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ 14/ 12/ 65 در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال 66 که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.
بعد از آزادی (30/ 8/ 69) و بعد از 9 روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصییل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال 73 به اتمام رسانده و سال 74 وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال 77 به اتمام رسد . همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه 4 شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال 77 در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.
در سال 81 از پایان نامه ام با موضوع "ادراکات فطری" در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.
از سال 81 تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی

ارائه می‌دهم. از سال 81 تاکنون در واحد کتابشناسی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم.
در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال 82 تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین اسلامی اردکانی
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال 1350 به ایران بازگشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال 56 رسما وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجریی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:
1. سوابق آموزشی:
الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در ین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.
ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال 1379 دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال 1384 با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان "شبیه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام" با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.
ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دروه های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و

فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.
2. توانایی های علمی:
الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ا ی از متون ابتدایی آشنایی دارم.
ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.
ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.
د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائرة المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند "همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین"، شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.
ضمنا فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.
ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.
3. حوزه های مورد علاقه:
اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل

اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

4. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود 20 عنوان کتاب و 90 مقاله است.

5. جوایز علمی:

درسال 1380 تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال 82 نیز تحقیق اینجانب با عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال 1383 نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گریش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال 1384 نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئوولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسلامی پناه، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی اسلامی پناه
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی اسلامی پناه در سال 1337 در شهر کربلا و در یک خانواده روحانی بدنیا آمدم . تحصیلات ابتدائی را در مدارس عراقی گذرانده ، از همان زمان با حوزه کربلا و نجف آشنا شدم . در سال 1351 از کربلا اخراج شده و در قم سکونت کردم . در سال 1352 وارد حوزه علمیه قم شده ، در مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس مقدمات را طی نمودم . از دروس سطح ، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان رساندم. در همان زمان در سال 1359 وارد موسسه در راه حق شدم و دوره چهار ساله را طی نمودم . بیشتر درسها را نزد استاد مصباح یزدی و آیت الله معرفت و استاد فیاضی گذراندم . در سال 1373 پایان نامه خود را به راهنمائی استاد اعرافی دفاع کردم . از همان زمان در بخش تاریخ و سیره اهل بیت (ع) ، با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری خوبی داشتم و عضو گروه زن در اندیشه اسلامی موسسه امام خمینی (ره) شدم و این دو کار تا سال 1380 ادامه داشت . از سال 1380 در مدارس وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس علوم قرآن ، تفسیر و فقه پرداخته و هم اکنون نیز ادامه دارد .

اسلامی ندوشن، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال 1304 شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال 1327 اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسلامی ندوشن در خانواده ای با بضاعت متوسط به دنیا آمد ، پدرش خیلی زود وفات یافت و او ناگزیر شد که روی پای خود بایستد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اسلامی ندوشن ، تحصیلات ابتدایی را نخست در مدرسه ی ناصرخسرو ندوشن ، سپس مدرسه ی خان یزد ، پس از آن به دبستان دینیاری رفت و دبیرستان را تا سوم متوسطه در دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند ، آنگاه برای ادامه ی تحصیل در سال 1323 به تهران عزیمت کرد و بقیه ی دوره ی متوسطه را در دبیرستان البرز به پایان رساند. سپس برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. پس از آن به منظور تکمیل تحصیلات به اروپا عزیمت نمود .مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و با گذراندن پایان نامه ی دکترای خود به نام « کشور هند و کامنولث » به دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشکده حقوق دانشگاه پاریس نائل آمد فعالیتهای ضمن تحصیل : اسلامی از ده دوازده سالگی شاعری را آغاز کرد و پس از آمدن به تهران در دوران دبیرستان ، حرفه ای تر شعر می گفت. وی در این زمان بعضی از قطعه شعرها را در مجله ی سخن منتشر می نمود. فعالیت های اسلامی ندوشن در دوران تحصیلات در اروپا ، بیشتر آشنایی با زبان فرانسه و شرکت در سخنرانی های دانشگاه سوربن بود و به جز چند داستان کوتاه و چند قطعه شعر و پایان نامه ی دکترایش چیز دیگری ننوشت همسر و فرزندان : دکتر شیرین بیانی استاد تاریخ دانشگاه تهران و نویسنده ی چندین کتاب تاریخی ، همسر دکتر اسلامی ندوشن می

باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اسلامی ندوشن در سال 1334 پس از بازگشت به ایران ، چند سال در شغل قاضی دادگستری خدمت کرد فعالیتهای آموزشی : دکتر اسلامی ندوشن پس از ترک خدمت در دادگستری ، به تدریس حقوق و ادبیات در برخی دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی ، از جمله : دانشگاه ملی ، مدرسه ی عالی ادبیات ، مدرسه ی عالی بازرگانی و مؤسسه ی علوم بانکی پرداخت. در سال 1348 به دعوت پروفسور فضل الله رضا (رئیس وقت دانشگاه تهران) به همکاری با دانشگاه تهران دعوت گردید و براساس تألیفاتی که در زمینه ی ادبیات انتشار داده بود ، جزء هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قرار گرفت و تدریس نقد ادبی و سخن سنجی ، ادبیات تطبیقی ، فردوسی و شاهنامه ، شاهکارهای ادبیات جهان در دانشکده ادبیات و تدریس تاریخ تمدن و فرهنگ ایران را در دانشکده حقوق برعهده گرفت و تا سال 1359 که به انتخاب خود از دانشگاه تهران بازنشسته شد ، ادامه داشت. وی اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و در مقطع دکترای ادبیات به تدریس مکتب های ادبی جهان می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، در سال 1304 شمسی در ندوشن یزد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در ندوشن یزد فراگرفت ، آنگاه به تهران عزیمت کرد و دوره ی متوسطه را به پایان رسانید و برای ادامه ی تحصیل وارد دانشکده حقوق شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس به منظور تکمیل تحصیلات رهسپار اروپا شد و مدت پنج سال در فرانسه و انگلستان به اندوخته های علمی خود افزود و به اخذ دکترا در همان رشته نائل آمد. دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال 1327 اشعارش در مجله ی سخن و برخی مجلات دیگر انتشار یافته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اسلامی ندوشن ، در شمار شاعران اندیشمند و نویسندگان توانا و برجسته ای است که از سال 1327 اشعارش در مجله ی سخن و برخی از مجلات دیگر انتشار یافت و مورد توجه قرارگرفت. وی در کنار فعالیت های علمی و تحقیقی خود ، از زبان شعر کمتر استفاده کرده است ، اما آنچه از او چاپ و در دسترس قرار گرفته است ، بسیار خوب و نمودار استعداد و ذوق سرشار و قریحت تابناک او در شعر می باشد. استاد بیشتر اوقات خود را صرف در تحقیق آثار علمی و ادبی ایران و ترجمه ی آثار نویسندگان جهان کرده و آثارش در مجلات پیام نو ، سخن ، یغما ، راهنمای کتاب و نگین چاپ شده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر اسلامی ندوشن ، برخی از آثار خود را با امضای مستعار « م. دیده ور » چاپ و منتشر ساخته است. جوائز و نشانها : کتاب « ابر زمانه و ابر زلف » در

سال 1342 به عنوان کتاب برگزیده ی سال از سوی انجمن کتاب انتخاب گردید آثار : مجموعه شعر « چشمه »- مجموعه شعر « گناه »- ترجمه و مؤخره ی پیروزی آینده ی دموکراسی- ترجمه ی جهاد در اروپا- ترجمه ی قطعاتی از رومئو و ژولیت- در کشور شوراها- آزادی مجسمه- ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم- گفت و گوها- افسانه و افسون- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه- ایران را از یاد نبریم- به دنبال سایه ی همای- فرهنگ و شبه فرهنگ- درباره ی آموزش- گفته ها و ناگفته ها- صفیر سیمرغ- داستان داستان ها- نوشت های بی سرنوشت- کارنامه ی سفر چین- جام جهان بین- آواها و ایماها- دیدن دگر آموز ، شنیدن دگر آموز- داستان کوتاه پنجره های بسته- ترجمه ی آنتونیوس و کلئوپاترا- ابرزمانه و ابر زلف- شور زندگی- ترجمه ی ملال پاریس و برگزیده ای از گل های بدی- ترجمه ی بهترین اشعار هِنری لانگ فلو- روزها ، سرگذشت- تحقیق در منظومه ی ویس و رامین گرگانی- آویزه ی سخن ها- ایران لوک پیر- ایران و تنهایی اش- باران نه رگبار- باغ سبز عشق- سخن ها را بشنویم- سرو سایه فکن- ترجمه ی عمر خیام- کشور هند و کامنولث- گفتیم و نگفتیم- ماجرای پایان ناپذیر حافظ- مسئله ی عقب ماندگی- نامه ی نامور-

منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

اسلامی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباسعلی اسلامی در سال 1275هجری شمسی در شهرستان مذهبی سبزوار از خاندان اصیل و رفیع اسلامی، فرزندی بس بابرکت و مسعود دیده به جهان گشود. خاندان ولایی اسلامی نام این کودک را به یاد فرزند رشید امام علی(ع) عباسعلی» نامیدند. وی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خویش(سبزوار) فرا گرفت، پس از طی مقدمات علمی عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف مشرف گردید و در جوار با کرامت امیرالمومنین (ع) از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلا کسب فیض نمود سپس به کربلای معلی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجاورت اختیار کند. از کربلا روانه سامرا می گردد ودرکنار حرم با شکوه و روحانی عسکریین ماوی می گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. - از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : «پدر عباسعلی شیرازی الاصل و از قبیله قشقایی و جد مادریم از بزرگان بختیاری بودند. در حال حاضر (زمان تهیه کتاب «طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق») آن گروه از اقوام که در سبزوار به سر می‌برند، شناسنامه بختیاری دارند، سلسله اجداد شان به حسینقلی خان ابوقدّاره که مزار وی در اصفهان است، می‌رسد.حسینقلی خان و دو برادر وی، علی و حسین از رؤسای بختیار بودند ظاهراً در زمان فتحعلی شاه قاجار طی اختلافی که میان بختیاری‌ها و دستگاه حاکم پیش می‌آید، دولت وقت این سه تن را دستگیر و به سبزوار تبعید می‌نماید. در سبزوار با آنکه از وطن و قبیله و عشیره خود مطرود شده بودند، از موقعیت اجتماعی و منزلت و سیاست محروم نگشتند و مردم سبزوار حرمت ایشان را نگاه می‌داشتند و از ایشان اطاعت می‌کردند جد مادریش هر گاه عملی را بر خلاف عدالت و انسانیت از فرماندار مشاهده می‌کرد، با تنی چند از زنان محله به مقرّ فرمانداری می‌رفت و نسبت به آنچه واقع شده بود، اعتراض می‌نمود.

اعتبار این خاندان هنوز در میان مردم آن دیار پابرجاست و خاطره نیکشان هنوز در اذهان برقرار است...»تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرچه مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی تنها فرزند خانواده و عزیزدردانه آن دودمان به حساب می‌آمد، مع الاسف در اوان کودکی او، اختلاف تلخ خانوادگی منجر به جدایی پدر ایشان از مادر می‌گردد، به گونه‌ای که ناچار از اول طفولیت تحت سرپرستی مادر و جد پدری و دایی خویش قرار می‌گیرد. آقای اسلامی، حقاً از استعداد فوق العاده و از حافظه بسیار قوی و بالایی برخوردار بوده است؛ تا آنجایی که در سن چهار سالگی کتب و نشریات را با علاقه خاصی به تقلید از بزرگان می‌خواند. و از سن پنج سالگی به مکتب رفته و شروع به یادگیری قرآن کریم می‌نماید و در شش سالگی به یادگیری کتاب گلستان سعدی می‌پردازد و در مدرسه بزرگ سبزوار زیر نظر عالمی به نام حاج شیخ محمد سبزواری به تحصیل خود ادامه می‌دهد و کتاب جامع المقدمات را نزد حاج آقا شیخ گل حسن، امام جماعت سبزوار فرا می‌گیرد.آقای اسلامی پس از اینکه تحصیلات ابتدایی خود را که شامل آشنایی با ادبیات، قرآن و سطح ابتدایی و فقه و احکام بود، در زادگاه خویش (سبزوار) فرا گرفت، - پس از طی مقدمات علمی - عازم شهر مقدس مشهد رضوی گردید. و از محضر علمای بزرگ مشهد به ویژه مرحوم آیت اللّه حاج میرزا احمدی اصفهانی و آیت اللّه حاج آقا حسین قمی و آیت اللّه کفایی (پسر مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایة الاصول) بهره‌های علمی فراوانی کسب نمود. و پس از مدتی برای ادامه تحصیل و کسب مدارج علمی از مشهد به نجف اشرف - که در آن روز مهد علم و از بزرگترین حوزه‌های علمی، اسلامی به شمار می‌آمد. - مشرف گردید و در جوار باکرامت امیر المؤمنین علی(ع)از محضر علمای بزرگ آن روز به حد اعلا کسب فیض نمود و تا حد توان بر مدارج علمی خود افزود؛ که متأسفانه در اثر کثرت مطالعات و اشتغال، دچار عارضه ضعف چشم گردید، به طوری که اطبا اکیداً او را از مطالعه و نگاه به کتاب منع نموده و برحذر داشتند که به هیچ وجه به کتاب نگاه نکند!! لذا بنا به پیشنهاد دوستان تصمیم گرفت که تا به دست آمدن بهبودی نسبی چشم خود، به کربلای معلّی مشرف شده و در جوار حضرت ابا عبداللّه الحسین(ع)مجاورت اختیار کند. و ظاهراً مدت یکسال در کنار تربت پاک سید الشهدا(ع)از محضر علمای بزرگ همچون حضرت آیت الّه خویی(ره) و آیت اللّه حاج شیخ جعفر رشتی(ره) به کسب علم و دانش می‌پردازد و به قدر توان بهره‌مند می‌گردد. در این روزها است که بار دیگر در اثر هوای گرم کربلای معلی ضعف چشم و عارضه آن شدت می‌گیرد که ناچار باز هم باید تغییر مکان دهد و از هوای مطلوبتری استفاده کند ؛ لذا با توفیقات الهی از کربلا ِروانه سامرا می‌گردد و در کنار حرم باشکوه و روحانی

عسکریین(ع)مأوی می‌گیرد و از برکات معنوی آن دو بزرگوار هر چه بیشتر به فیض عنایات ربانی نایل می‌گردد و در موقعیت و زمان مناسب - که حدوداً هفت سال تمام در سامراء بوده‌اند. - از محضر علمای بزرگ همچون آقا میرزا محمد تهرانی(ره)، علم کلام و از محضر آیت اللّه حاج آقا بزرگ تهرانی، علم اصول و از محضر حاج شیخ محمد تقی شوشتری، علم فقه تحصیل نموده و به مقام والای معنوی و درجات علمی نایل می‌گردد.خاطرات و وقایع تحصیل : «... هفت سال در سامرا مجاورت کردم، در این هنگام در مقام تحقیق برآمدم که قبور خلفای عباسی را - که ده سال استقرار حکومتشان در سامرا بود. - بیابم، اما هر چه بیشتر تفحص کردم، کمتر به نتیجه رسیدم. سرانجام خانه متروکه و مخروبه‌ای را یافتم که شهرت داشت: گور خلفا در آن مکان است!با آنکه اکثریت ساکنان سامرا را اهل سنت تشکیل می‌دهد و بر اساس بینش اینان، هر کس با هر پیشه و کرداری و منزلت و رفتاری - هر چند منحط و پست - بر اریکه حکومت تکیه زند، به حکم قرآن کریم «اولوالامر» است و باید از او فرمان برد!! ولی به رغم این باور عمومی، نام و یاد این حاکمان جائر تاریخ در مقر حکومتشان نیز فراموش شده است! در برابر، شکوه و عظمت امامان پاک سیرت روز به روز افزوده می‌شود و بارگاه ملکوتی حضرت عسکریین(ع) در قلب سامرا چشم آشنا و بیگانه را می‌نوازد!گنبد رفیع این بارگاه ملکوتی در طول اعصار متمادی نشانه شرافت و آزادگی بوده است و ضریح مزار آن امامان همام - که به همت والای ایرانیان و در عهد مرجعیت مرحوم آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم ساخته شده - بوسه گاه عاشقان مشتاق است. آیینه این تجربه تاریخی، ترجمان همان آیه کریمه است که: «ای دارنده ملک هستی! تو هر کس را که می‌خواهی، عزت و حشمت بخشی و هر که را خواهی، پست و فرومایه گردانی.»هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای عباسعلی اسلامی مرحوم نواب صفوی و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و امام خمینی را می توان نام برد.وقایع میانسالی : مرحوم عباسعلی اسلامی در اواخر عمر خود با کهولت سن می‌کوشید به هر کیفیت خود را به جبهه‌های حق علیه باطل برساند و وظیفه دینی خود را نسبت به اسلام ایفا نماید.او در سنگرهای بسیجیان، دوشادوش جوانان رزمنده و دلاوران ایران اسلامی به پیش می‌رفت. او در جبهه حق با جان و دل از حریم اسلام دفاع می‌نمود. ایشان در بازگشت از جبهه، قطعات کوچک خمپاره‌های دشمن را به عنوان سوغات با خود می‌آورد و بارها می‌گفت: «مدتها در انتظار بودم که قطعه‌ای از اینها نیز نصیب من می‌گشت تا فوز عظیم شهادت در راه خدا را در آغوش گیرم ولی نصیبم نگشت!!»او با روحیه دشمن ستیزی که داشت تا حد امکان از حریم اسلام و قرآن دفاع نمودزمان و علت فوت :

عباسعلی اسلامی در اواخر عمر در میدانهای حق علیه باطل در کنار بسیجیان جان برکف و در صف حزب اللّه و جنداللّه به عنوان مجاهد فی سبیل اللّه حضور یافت و از قرآن و اسلام حمایت نمود.مرحوم اسلامی، در آخرین لحظات روزهای زندگی با قلبی مالامال از نعمت پرفیض ولایت و با دلی از استقرار جمهوری اسلامی، در فروردین ماه 1364شمسی (مطابق با بیست و پنجم رجب شهادت حضرت موسی بن جعفر(ع)) جان به جان آفرین تسلیم و در جوار کریمه اهل بیت، فاطمه معصومه(س)در شهر مقدس قم، (عشق آل محمد(ص)) در آرامگاه ابدی خویش بیارمید. محل دفن: گوشه صحن بزرگ دست چپ اولین حجره. از خداوند منّان علوّ درجات مرحوم اسلامی و همه علمای راستین اسلامی را خواستاریم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباسعلی اسلامی از راه نوشتار و قلم نیز آثار پربرکتی از خود به یادگار گذاشت. ایشان علاوه بر تأسیسات مهم عام المنفعه از قبیل مساجد، کتابخانه، حسینیه، دارالایتام و... با دور اندیشی خاصی موفق شد بیش از 180باب مدرسه دخترانه، پسرانه، دبستان و راهنمائی و دبیرستان در تهران و در اکثر شهرهای بزرگ و کوچک تأسیس نماید و بیش از 50هزار دانش‌آموز، در هر دوره تحصیلی از مدارس ایشان به کسب علم و دانش با تربیت اسلامی مشغول باشند و جامعه تعلیمات اسلامی عنوان همه مدارس ایشان است.او در مواقع حساس و خطرناک با شهامت در مقابل دشمنان اسلام و قرآن ایستاد. ایشان در راه دین با فدائیان اسلام و با مرحوم آیت اللّه کاشانی(ره) همکاری نزدیک داشت و در دوران انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری بزرگ مرد تاریخ اسلام و جهان، نایب الامام حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی:؛ با اطاعت کامل در کنار امام امت ایستاد و از اسلام و قرآن دفاع نمود.فعالیتهای آموزشی : پس از سالها اقامت در کشور عراق و بعد از تحمل زحمات طاقت فرسا همچون همه طلاب و علمای دین، جهت به دست آوردن مدارج علمی و معارف مذهبی، به حکم آیه مبارکه:(فلو لا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدّین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون)و حسب الامر حضرت آیت اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(ره) - که زعامت علمی و مرجعیت دینی آن زمان را بر عهده داشتند. - اسلامی عزیز با کوله باری از اندوخته‌های علمی و معارف مذهبی به ایران مراجعت می‌کند.و بعد از چندی که در کنار تربت پاک امام هشتم(ع)در مشهد مقدس رضوی رحل اقامت می‌افکند، پس از مدتها تدبر و تفکر جهت انجام وظیفه خود، سرانجام تصمیم می‌گیرد که به تهران رفته و پایگاه تبلیغی و خدمات معنوی خویش را در آنجا قرار دهد، که این تصمیم به جا و مناسب به مرحله عمل می‌رسد و رسماً تهران را محل فعالیت برنامه‌های تربیتی و مذهبی خود قرار می‌دهد و برای نجات

نسل جوان از طوفان ویرانگر فرهنگ منحط غرب - که سر تا سر ممالک اسلامی جهان و مخصوصاً کشور ایران را فرا گرفته بود. - جداً وارد میدان عمل می‌گردد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عباسعلی اسلامی برای نجات نسل جوان، خانه دو اتاقی خود را به مدرسه شبانه تبدیل می‌کند که روزها خود در آن زندگی می‌کند و شبها مدرسه است و آرام، آرام برنامه‌های تربیتی و مذهبی خویش را آغاز می‌کند و عده‌ای انگشت شمار از آشنایان و همسایگان به عنوان شاگردان اولیه این مؤسسه کوچک درآمده و مشغول فراگیری احکام الهی و مسائل اخلاقی می‌گردند.و از آنجایی که هدف، لله و قصد، یاری دین خدا بوده، طولی نکشید که این مؤسسه به ظاهر کوچک و ناچیز در سراسر ایران گسترش پیدا کرده تا جایی که به صورت جامعه تعلیمات اسلامی با تعداد بیش از 180مدرسه و دبیرستان دخترانه و پسرانه با بیش از پنجاه هزار دانش‌آموز باایمان جلوه‌گر می‌گردد.از دیگر آثار فرهنگی آقای اسلامی، علاوه بر تأسیس چندین باب دارالایتام و حسینیه، قریب 80مسجد و پایگاه مهم دینی است که با جدیت و کوشش فراوان تأسیس نموده و مورد بهره برداری همنوعان مسلمان او قرار گرفته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در عصر اختناق و روزهای استبداد و در زمانی که دشمن سر سپرده اسلام، رضا شاه خائن صریحاً فرمان کشف حجاب را صادر کرد! و در روزهایی که دختران و زنان مسلمان به حکم پهلوی مزدور حق نداشتند با حجاب اسلامی از خانه‌های خود بیرون بیایند! و به گفته پسر پست‌تر از پدر (محمد رضا پهلوی):«پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد ؛ به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت، و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا می‌شد، پاسبان از وی تقاضا می‌کرد که روبند خود را بردارد و اگر امتناع می‌کرد، جبراً چادر او را بر می‌داشتند! تا زمانی که پدرم سلطنت می‌کرد، در سراسر کشور این منع برقرار بود.»اسلامی شجاع و عالم به زمان، اوضاع و شرایط سیاسی، پس از ایستادن و استقامت در مقابل این فرمان ننگین و خلاف قرآن و بعد از رنجها و شکنجه‌ها و زندانها، از همان راهی که دشمن پیش گرفته و ریشه‌های دینی را یکی پس از دیگری قطع می‌کرد و پیش می‌رفت! از همان راه وارد میدان عمل می‌شود و برای دفاع از حریم دینی و قرآن به پیش می‌رود.جالب آنکه اسلامی بزرگ در مقابل قدرت دژخیمی و قلدری جاهلانه پهلوی و اربابانش، با دلی قوی و روحیه‌ای قویتر و استوار ایستاد.آرا و گرایشهای خاص : پیرو راستین امیرالمؤمنین علی (ع) مرحوم اسلامی در دوران زندگی خویش شعاری داشت که نه تنها در زبان بلکه از اعماق قلب او سرچشمه می‌گرفت و به مرحله عمل می‌رسید. او بارها در برخورد با علمای بزرگ و مراجع دینی می‌گفت:«روحانیت پاسدار اسلام و

نوکران امام زمان(ع)هستند و باید با تمام وجود به دفاع از حریم اسلام و ارزشهای دینی به پا خیزند.»او با صراحت می‌گفت:«وظیفه روحانی بسیار سنگین است و روحانی وظیفه دارد، مساجد و محافل مذهبی را به پایگاه نشر معارف اسلامی مبدل سازد و رسالت روحانی در این خصوص دشوارتر از دیگران است. روحانی به لباس سرباز دینی درآمده است و باید راهدار طریق شرع باشد.»او می‌گفت: «امر به معروف و نهی از منکر بر همگان فرض و واجب است، ولی مسئولیت سنگین آن بر عهده روحانیت است. وظیفه روحانی است در سامان بخشیدن به نابسامانی‌های مسلمانان بکوشد و در اخلاقیات و اقتصادیات، اجتماعات و حتی مسائل شخصی و خانوادگی اعم از کلی و جزئی یار و مددکار آنان باشد. و از روحانی راستین جز این انتظار نمی‌رود. اعاظم روحانیون عالم تشیّع می‌کوشیدند که گام در جای پای ائمه خویش(ع) بنهند و جز این سان عمل ننمودند.»آثار : 1 جهاد 2 راه حسین و دوازیا رفته 3 طلایه دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق ویژگی اثر : خاطرات آن مرحوم می باشد که پس از مرگ نشر یافت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - /www.hawzah.net

اسلامی، عبدالستار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستاراسلامی از مشاهیر علماء و دانشمندان آبادان است که بفضل و تقوا موصوف و بتعصب و غیرت در امور دینی معروف میباشند، بنابر اصرار و مراسلات عدیده اینجانب شمه‌ای از بیوگرافی و ترجمه خویش را مکتوبا ارسال داشته‌اند که عینا می‌نگارم:
بسمه تعالی الذی خلق الانسان و علمه مالم یعلم و رفع مقامه بما شرفه من الکتابه بالقلم و جعل منهم انبیاء لهدایه الامم فکانوا کمصابیح لاناره الطرق من الظلم و مفاتیح لکشف المعضلات وایضاح البهم و صلی‌الله علی سیدهم و خاتمهم محمد اشرف من وطیء الثری بالقدم باعث ایجاد الخلق من العدم و علی آله الطاهرین المیامین ساده العرب والعجم.
و بعد بر خاطر عاطر پوشیده نماناد که بر حسب خواهش و امر سر کار که شرح حال این فقیر درگاه الهی و گوشه‌نشین خانه تنهائی را خواستار شدید برای اجابت و امتثال بیان حال را بمقدار خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول خالی نبودن عریضه تقدیم داشتم و امید است که مورد قبول آن جناب باشد اگر چه خود مرا قابل این معنی نمی‌دانم که شرح حالم با شرح علماء درج و ثبت گردد. چون من نوکری برای علم و اهلش بیش نیستم (وافتخر بان اکون خادما للعلم و اهله و ما- نحن واهلم العلم اتهم جزاهم‌الله خیرا اتعبوا انفسهم و افادوا واسهروا اعینهم و کتبوا و اجادوا فقامت عمادالدین بافاداتهم و تعلم الناس بکتبهم و رسالاتهم و نحن لانلحق شأوهم علی مضمار و لانصل الیهم فی حبار و لامعیار ولکن ما لایدرک کله لایترک کله اوجلّه فکتبت المیسور اذهو لایسقط بالمعسور و علی‌الله المعول فیما کتبت و شرح الصدور.
حقیر در سن 12 سالگی وارد نجف اشرف شدم و مرحوم والد ماجد ممجد سمی خاتم‌الانبیاء محمد قدس‌الله‌سره که از شاگردان بنام مرحوم رئیس‌المله والدین السید محمد کاظم یزدی انارالله برهانه بودند مرا برای کسب معارف الهیه بنجف برد و بمقدار وسع در آن محل امن و امان مستمدا من برکات صاحب البقعه المبارکه العلویه کسب فیض نموده و از اساتید محترم که شمارشان از بیست متجاوز است اخذ و استفاده نمودم بحمدالله و منه که حضرت مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین اعجوبه لنکران آقای شیخ مجتبی طرید عراقیها که الآن در سن پیری در اصفهان

است یکی از اساتید است و اجازات علمیه و امور حسبیه و اجازات حدیث از بسیاری از مراجع اموات و احیاء در دست دارم که صلاح در نشر و پخش آنها نیست یکی از آن اجازات حدیثیه از مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی است و یکی از جرثومه فضل و تقوا آیه‌الله المرعشی النجفی اطال‌الله عمره و نفع المسلمین بوجوده می‌باشد که بسیار مفصل و محتوی مطالب ارزنده که میرسد بمعصوم علیه‌السلام و یکی از مرحوم استاد علم الحدیث نابغه زمان خود آیه‌الله آقا بزرگ تهرانی قدس سره میباشد.
و پس از فوت مرحوم والد طیب‌الله و مسه مرحوم خلد آشیان پدر یتیمان علامه ثانی آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهبهانی مرا فرستادند برای رتق و فتق امور شرعیه در عشایر آبادن هشت فرسنگی که قریب پنجاه هزار یا بیشتر که بیش از چهار فرسنگ طول منازل آن عشایر است عرب و عجم شیعه و سنی اصولی و اخباری هستند و بفضل حق تعالی (قمت فیهم ثلاثین سنه احسن قیام) و ترویج شرع نمودم با حسن الترویج و دفع و رفع خرافات کردم که بحمدالله مشهور شدم بین عشایر علی اطلاقها (بانه لاتأخذه فی‌الله لومه لاثم و صرفت ما حصلته من الحقوق باقامها بین الفقراء والارامل والایتام والله المنه علی فی ذلک حتی خرجت من العشایر بعله ضعف المزاج) و مرضهای پی در پی برای بدی آب و هوای آنمحل و ساکن آبادان شدم در حالیکه مالک چیزی از مال نیستم نه دیناری و نه درهی نه ملکی و نه منزلی سپاس خدائی را که مرا چنین قرار داد و مرا از دینش اینطور تعلیم نمود و اکنون دوازده سال است که در آبادان بامور دینی و اقامه جماعت اشتغال دارم و میان اقران مشهور بزهد و تقوایم زیرا با هیچ اداری و ثروتمندی و شیخ عشیره‌ای معاشرت و آمیزش ننمودم و دندان طمع را از اموال مردم کندم و روی این جهت عزیزتر از دیگران شدم بجهت اینکه هرکس قناعت کند عزیز است و هر کس طمع در اموال مردم نماید موهونست و کسیکه از مردم عزلت گزیند از ایشان بسلامت خواهد بود.
و در هر شب بعد از نماز احکام خدا را بیان کرده و در منبر برای مردم اخلاق می‌گویم.
و جماعت و منابرم از فضل خدا مشهور و درب کتابخانه‌ام برای واردین و میهمانان و نیازمندان و ارباب سئوال باز است.
آثار قلمی از اینقرار است.
1- نظریاتم را بر کتب مطالعه شده از سنی و شیعه نوشته‌ام.
2- دفتری متوسط محتوی مطالب ارزنده و اشعاری مطلوب کامل است.
3- کشکول اسلامی که در آن همه چیز موجود است.
4- کتابی بنام المهدی و صفاته در دو جزء اولی تمام دومی ناتمام بعربی و فارسی.

5- کتابی در تلخیص (بیان و تبیین) بنام الدرالثمین فی المنتخب من البیان و التبین جاحظ عثمانی.
6- کتابی باز در کشکول بطرزی بدیع ناتمام.
7- اربعین حدیث از کافی شریف و کتابها و رساله‌های دیگر در امور مختلفه.
8- ایقاظ الانام عن خرافات العوام.
واما باقیات الصالحات ایشان.
1- مسجد محمدی در نهر اردشیر- قصبه. (بضم قاف نام حومه آبادان)
2- مسجدی محمدی در نهر حد- قصبه.
3- حسینیه در نهر اردشیر- قصبه.
4- حسینیه حاج یونس در سنافی.
5- حسینیه ملا ابراهیم در نهر فجری- قصبه.
6- ترمیم و اصلاح ساختمان مساجد منطقه مذکوره و فرش آنها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اسلامی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ قاسم واعظ تهرانی از وعاظ مجاهد و مبلغین مبارز و فداکار معاصر است تولدش در تهران واقع و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید و مدرسین بزرگ خوانده و به درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی خونساری و بعضی از آیات دیگر حاضر شده و استفاده‌ها نموده آنگاه به تهران مراجعت و به ترویج دین و به تبلیغ اسلام و پیکار با منحرفین و فرقه ضاله از راه منبر پرداخته و حوادث ناگواری را تحمل کرده و تا هم اکنون به این سمت و پست حساس مفتخر و موفق به خدمات دینی و روحی می‌باشد.
مولف گوید: آقای اسلامی مزبور واعظی غیور و عالمی متعصب و از خود گذشته است آثار علمی و قلمی چندی دارد که از آنها کتاب پاسخ به دکتر علی شریعتی در دو جلد به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اسلامی، محمد تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی اسلامی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از پایان تحصیلات در مقطع راهنمایی تحصیل در سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) گذراندم. دروس سطح حوزه را نیز از سال 1366 آغاز کردم و در درس حضرات اساتید علی محمدی خراسانی، آقارسول موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی و شیخ حسین توتونچی تهرانی (ره) شرکت جسته، این دروس را در حدود سال تحصیلی 72 ـ 71 به پایان بردم.
از سال 1370 به صورت موقت و آزمایشی در برخی کلاس‌های درس خارج شرکت می‌کردم. تا این که رسماً از سال 1372 در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات سبحانی، وحید خراسانی و جوادی آملی شرکت جستم. در ضمن دروس و مباحثات حوزوی به پیشنهاد برخی از دوستان هم بحث، در دوره عمومی دروس موسسه در راه حق شرکت نمودم.
سال ورود من به موسسه در راه حق (که بعداً با نام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ساختمان جدید فعالیت خود را ادامه داد) سال 1371 (سال تحصیلی 72 ـ 71) بود. پس از گذراندن دروس عمومی طی چهار سال، در سال تحصیلی 76 ـ75 در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد در رشته تخصصی دین‌شناسی پذیرفته شدم. و پس از طی دوره تحصیلی در سال 1380 با دفاع از پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "نقد و بررسی نظریه جان مارتین فیشر در باب مسئولیت اخلاقی" فارغ التحصیل شدم. البته ضمن تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را با پذیرفتن پروژه‌هایی از مراکز تحقیقاتی مختلف و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی، از سال 1378 آغاز نمودم و تاکنون فعالیت‌ها ادامه دارد.
پس از فارغ التحصیلی ابتدا حدود 8 ماه با معاونت تدوین متون درسی معارف اسلامی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به

عنوان کارشناس گروه اخلاق همکاری علمی پژوهشی داشتم. پس از آن از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تأسیس و تشکیل یک گروه علمی پژوهشی کارآمد در حوزه اخلاق اسلامی دعوت شدم و کار اصلی پژوهش خود را در این رشته ابتدا در قالب هسته‌ای علمی، پژوهشی آغاز نمودم و با رسمیت یافتن گروهی با نام گروه اخلاق و تربیت در این پژوهشگاه به عنوان عضو هیئت علمی به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

اسلامی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا اسلامی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد رضا اسلامی در سال 1334هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.
در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال 1350 وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1359 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، آیت الله جوادی آملی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته معارف اسلامی در مقطع کارشناسی در سال 1361 از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید .
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، در این دانشگاه و دانشگاه آزاد گرگان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "حج" و" نبوت برآمدی بر فلسفه" و غیره را به رشته تحریر در آورده است و به زیور طبع آراسته است.

اسلامی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی اسلامی نجفی فرزند ارشد حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالستار اسلامی بهبهانی که در این منطقه سکونت دارد و مورد احترام تمام‌بخش و رهبر دینی ساکنین بخش مزبور می‌باشد. معظم له در نجف اشرف به سال 1313 شمسی متولد شده و پس از فوت جدش مرحوم حجةالإسلام والمسلمین آقا شیخ محمد بهبهانی که وکیل مطلق مرحوم آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی در بخش قصبه بوده والد ماجدش که از طرف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عشایر بخش قصبه اعزام گردیده وی را به قصبه آورده و در سن هفت سالگی قرآن کریم و خواندن و نوشتن را در مکتب آموخته و در سن 10 سالگی به شهر آبادان رفته و علوم جدیده را فراگرفته و در سن شانزده سالگی جهت تحصیل علوم دینیه و معارف الهیه به نجف اشرف عزیمت نموده و در مدرسه مرحوم شر بیانی و بعد در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند به تحصیل پرداخته و دروس مقدماتی و متوسطه و عالی اعم از علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول و اخلاق و تفسیر و حدیث و منطق و کلام را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید شکراللّه بهبهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد رشتی و حجةالاسلام حاج شیخ محی‌الدین مامقانی و حجةالاسلام آقا میرزا علی آقا فلسفی و حجةالاسلام آقا شیخ محمدعلی سرابی و حجةالاسلام میرزا کاظم تبریزی و حجةالاسلام آقای آقا شیخ صدرا و حجةالاسلام آقا شیخ محمدعلی افغانی فراگرفتند و در همان اوان تدریس علوم ادبی را برای جمع کثیری از طلاب نموده سپس درس خارج اصول را از محضر آیت‌اللّه خوئی و خارج فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی استفاده نموده و در اثر حافظه قوی و جدیت شدید در تحصیل (به حدی که بیمار و مبتلا به عارضه چشم گردیده) و در سن 26 سالگی پس از ده سال علوم مختلفه به سال 1380 قمری فارغ‌التحصیل گردیده و به مقامات عالیه علمی رسیده است چنانچه آیات عظام نجف مراتب فضل او را تصدیق و تأیید نموده‌اند.
جناب آقای اسلامی در سال 1380 قمری بنابر توصیه پزشکان و دستور مرحوم آیت‌اللّه حکیم جهت معالجه به کشورهای لبنان، سوریه، مصر،

اردن، ایران مسافرت نموده و پس از مراجعت به نجف اشرف و مسافرت به کویت و ایران از طریق بحرین به مکه مشرف و پس از سفر حج و تشرف به عتبات عالیات عراق در سال 1381 ق حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و سائر مراجع تقلید نجف اشرف با وکالت مطلقه و توثیق آنان بوطن خود قصبه آبادان برگشته و ساکن شدند و از بدو عودت ایشان به قصبه و انتقال والد ماجدشان به شهر آبادان معظم له به ترویج مبانی مذهبی و تعظیم شعائر دینی و بیان احکام شرعی و رسیدگی به حال مستمندان و اصلاح بین مسلمین و حل و فصل اختلافات محلی و سایر وظائف شرعیه اشتغال دارند و در مسجد جامع محمدی در نهر علیشیر (معروف به مسجد الشیخ که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد می‌باشد و والدشان تجدید بناء نمودند) اقامه نماز جماعت می‌نمایند معظم له مضافاً بر انجام وظائف شرعیه از اول اقامتشان در قصبه منشأ خدمات ارزنده مذهبی از قبیل تأسیس مساجد و حسینیه‌ها و تجدید بناء آنها و همچنین منشأ خدمات ملی و عام‌المنفعه بوده و هستند
آثار وی از مساجدی که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس گردیده بدین قرار است
1- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر علیشیر به تصدی آقای حاج عباس و شیخ ابراهیم بهبهانی
2- مسجد صاحب‌الزمان (ع) در نهر حاج علی (به چاچره) به تصدی آقای حاج صالح بهبهانی
3- مسجد نهر قائمیه به تصدی حاج علی جاسی 4- مسجد نهر مچری معمره به تصدی حاج ملا ابراهیم فاضلی
5- مسجد نهر بوچمپه به تصدی آقای سید قاسم 6- مسجد نهر علیشیر که در شرف ساختمان است بوسیله آقای حاج جواد بهبهانی
اما حسینیه‌ها که تاکنون به تشویق ایشان تأسیس یا تجدید بنا گردیده و از ساختمان گلی به ساختمان آجری و امروزی تبدیل شده زیاد است و از آنجمله است
1- تأسیس حسینیه در نهر ابوالفلوس به تصدی سبهان حاج جابر
2- تأسیس حسینیه زنانه در نهر عوفی به تصدی زایر جمد شلوان
3- تجدید بناء حسینیه محمدی در نهر علیشیر (که از تأسیسات جدشان مرحوم شیخ محمد بوده) که هر ساله طبق طریقه‌ی والد واجدشان دهه اول محرم مجلس سوگواری در آن برگذار می‌شود.
4- تجدید بناء حسینیه حاج زباری در نهر علیشیر
5- تجدید بناء حسینیه حویجی در نهر بلامه
6- تجدید بناء حسینیه شعبان در نهر بلامه
7- تجدید بناء حسینیه علویه در نهر مچری

8- تجدید بناء حسینیه سلطانی در نهر قصر و غیر ذلک از آثار خیر و خدماتی که ذکر آنها موجب اطنابست و معظم له از غالب مراجع تقلید نجف اشرف و قم دارای اجازات و وکالت مطلقه در امور حسبیه و روایتی و شهادات آنان بر توثیق و مقام علمی می‌باشد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اسلامیان، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا اسلامیان
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سال 1372 هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دلباخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می‌گذرانید.
حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رسانید. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضلای حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و... .
حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل توام سازد.
حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع‌المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجةالاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت‌الله

خزعلی و آیت‌الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایة الاصول را نیز نزد آیت‌الله صانعی و تفسیر را نزد آیت‌الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.
با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، آیت‌الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیة‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیة‌الله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.
حجة‌الاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.
وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.
حجة‌الاسلام و المسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توام با مبارزه را طی نموده است. از فعالیتهای سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال 1351 به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن اسماعیل پور نیازی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
در تابستان سال 1366 پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.
پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامان و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.
همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.
در بهار سال 1384 پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال 1383 پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.
در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده

فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، نویسنده، محقق، مترجم، اسطوره‌شناس، مانی‌شناس، استاد تمام دانشگاه شهید بهشتی در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی است. [۱] [۲] او همچنین از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶، رئیس مرکز تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای بوده‌است.
زندگی:
ابوالقاسم اسماعیل پور در سال ۱۳۳۳ در شهرستان بابل به دنیا آمد و دیپلم متوسطه اش را در همین شهر گرفت. در سال ۱۳۵۱ به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۱ از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. او دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دارد.
زندگی حرفه‌ای:
ابوالقاسم اسماعیل پور مدیر گروه زبانشناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۴-۲۰۰۶)، رئیس مرکز تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۴-۲۰۰۶)، رئیس مرکز ایران‌شناسی انستیتو مطالعات خاورمیانه شانگهای (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶)، عضو انجمن انسانشناسان ایران، عضو هیات تحریریه مجله انسان شناسی دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه پژوهشنامهٔ علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیات تحریریه مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، عضو انجمن ایران‌شناسی اروپا (SIE)، عضو انجمن بین المللی مطالعات مانوی (IAMS)، عضو هیات تحریریهٔ پژوهشنامهٔ علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، سردبیر نامهٔ پژوهشگاه، مجلهٔ علمی پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی است
تألیفات:
•اسطوره آفرینش در آیین مانی، انتشارات کاروان
•اسطوره، بیان نمادین، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
•زیر آسمانه‌های نور (جستارهای ایران شناسی و اسطوره شناسی)، انتشارات میراث فرهنگی / نشر افکار، ۱۳۸۳.
•ادبیات مانوی (با دکتر مهرداد بهار)، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۵ (در دست انتشار).
•سرودهای روشنایی (جستاری در شعر ایران باستان و میانه و سرودهای

مانوی)، تهران: نشر اسطوره
ترجمه‌ها:
•ف. ژیران، اساطیر آشور و بابل، انتشارات کاروان
•ف. ژیران، اساطیر مصر، انتشارات کاروان
•ف. ژیران، بهشت و دوزخ در اساطیر بین النهرین، انتشارات کاروان
•ف. ژیرو، اساطیر یونان، انتشارات کاروان
•کارل گوستاو یونگ، رؤیاها، انتشارات کاروان
•کارل گوستاو یونگ، ضمیر پنهان / نفس نامکشوف، انتشارات کاروان
•آیین گنوسی و مانوی، گروه مولفان، ویراسته میرچا الیاده، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳.
•هنر مانوی، هانس یواخیم کلیم کایت، نشر اسطوره، ۱۳۸۴.
•زبور مانوی، س. ر. س. آلبری، تهران: انتشارات فکر روز ۱۳۷۵.
•مجموعۀ ۶ جلدی اساطیر جهان، گروه مولفان، تهران: انتشارات کاروان-نشر مرکز-چشمه، ۱۳۸۵-۱۳۸۲.
•دانشنامه اساطیر جهان، گروه مولفان زیر نظر رکس وارنر، تهران: نشر اسطوره، ۱۳۸۶
•اساطیر جهان، گروه مولفان زیر نظر ویلیام داتی، تهران: نشر اسطوره، در دست انتشار.
•ادبیات گنوسی، گروه مولفان، تهران: نشر اسطوره، در دست انتشار.
مقالات:
•«میتره در باستانشناسی ایران»، مجله باستان شناسی و تاریخ، س ۲، ش ۷۲، بهار/تابستان ۱۳۶۷.
•«زبور مانوی: گفتاری در شعر ایران باستان»، زنده رود: فصل نامه فرهنگ، ادب و تاریخ، ش ۲و۳و زمستان ۱۳۷۱-بهار ۱۳۷۲.
•"میتره در اوستا"، مجله باستان شناسی و تاریخ، س ۹، ش ۱، آبان ۱۳۷۴.
•«ویژگی‌های کلی شعر ایرانی در دوره میانه»، ایران شناخت: نامه انجمن ایران شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز، ش ۷، زمستان ۱۳۷۶.
•«مهرنامگ، سرودنامه‌ای مانوی» یاد بهار: یادنامه دکتر مهرداد بهار، تهران: انتشارات آگاه، زمستان ۱۳۷۶.
•«بررسی تطبیقی ترانه‌های امیر پازواری و اشعار هجایی پهلوی اشکانی و فارسی میانه»، ایران شناخت، ش ۹، تابستان ۱۳۷۷. تجدید چاپ با عنوان «ترانه‌های طبری امیر پازواری و اشعار هجایی ایرانی» در پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۲، زمستان ۱۳۸۰.
•«بازسازی ارژنگ مانی»، مجله باستان شناسی و تاریخ، ش ۱و۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷.

•«بررسی تطبیقی دیباچه مثنوی معنوی و اشعار گنوسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س۳۵، ش۱و۲، ش.م. ۱۳۶-۱۳۷، ۱۳۸۱.
•«بررسی شعر پارتی و فارسی میانه»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، س ۱، ش۲، پاییز ۱۳۸۰.
•«بررسی اوزان اشعار ودایی- سنسکریت و اشعار ایرانی»، تک درخت: جشن نامه محمدعلی اسلامی ندوشن، تهران: انتشارات آثار / یزدان، بهار ۱۳۸۰.
•«بازتاب فرهنگی کیش مانوی»، پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۳، بهار ۱۳۸۱.
•«تیرماه سیزه (جشن تیرگان) و اسطوره تیشتر»، نامه انسان شناسی: فصل نامه انجمن انسان شناسی ایران، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱
•«کیش گنوسی و عرفان مانوی»، نامه مفید: مجله علمی پژوهشی دانشگاه مفید، س ۸، ش ۲، ش. پ. ۳۰، تابستان ۱۳۸۱.
•«سروده‌های گاهانی»، اباختر: فصل نامه علمی پژوهشی، س ۱، ش ۱و۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
•«درونمایه‌های اساطیری نوروز»، مجله مطالعات ایرانی، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۲، ش ۴، پاییز ۱۳۸۲.
•«مانی و مانویت در روایات کهن پارسی تا سده پنجم هجری»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش۳۸، تابستان ۱۳۸۲.
•«افسانه سفر مانی به چین بر پایه فارسنامه ابن بلخی و شرفنامه نظامی»، نامه ایران باستان: مجله بین المللی مطالعات ایرانی، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲(تاریخ انتشار دی ۱۳۸۳)
•«جستاری در شعر ایرانی میانه غربی»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا، س۱۳و ۱۴، ش۴۸و۴۹، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اسماعیل پور
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
شروع به علوم قدیمه از سال 1335 شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال 1339 وارد حوزه علمیه قم شدم.
بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایة الاصول از سال 1357 شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.
در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسماعیلی ایولی
محل تولد : ساری
شهرت : اسماعیلی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1348 در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.
دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال 1366 وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.
همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال 1372 تا 1380 به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایة الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.
هم اکنون با جامعة الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرة المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال 79 تا 84 همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اسماعیلی دهاقانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن اسماعیلی دهاقانی
محل تولد : دهاقان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اسماعیلی مبارکه
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال 1341 در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در روستای پیله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.
در سال 1363 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال 1366پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1375 سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال 1376 وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.
بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال 1380 از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن 6سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.
در سال 1380 رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:
1- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاسداری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم. 2- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث 3- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم. 4- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس

می‌کنم. 5- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاسداری عمومی مشغول هستم. 6 - در کارشناسی ارشد تخصصی تبلیغ، تدریس کلاسداری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم. 7 - در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول آموزش 2000 نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل اسماعیلی
محل تولد : کریز کاشمر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال 1348 وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلما حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.
حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریبا همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.
بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریبا دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال 1352 به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.
در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبدالله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرسی، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای

شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره 75) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.
معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر آیت الله فاضل هرندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.
در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال 1354 جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.
دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حجتیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل 17 خرداد سال 54 در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیتر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای 56 و

57 جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان 19 دی حضور داشتم.
بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.
همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهایه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای 65 در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستم حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اسماعیلی، توکل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پیکره‌ساز.
تولد: 1302، قزوین.
درگذشت: 8 آبان 1373، تهران.
توکل اسماعیلی مشهور به «مش اسماعیل» با مستخدمی در کارگاه مجسمه‌سازی دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران (از سن بیست و پنج سالگی) توانست تجربه‌های مفیدی بیاندوزد. در مدت کوتاهی به درجه‌ای از مهارت رسید که بدون گواهینامه‌ی رسمی دانشگاهی به تعلیم دانشجویان در دانشگاه تهران مشغول شد. تندیس‌های ساخت اسماعیل در پارک‌های بزرگ تهران دیده می‌شوند.
او در رده‌ی نخستین هنرمندانی است که آهن را در مجسمه‌سازی جانشین گل و رس و سنگ نمود. آثار مش اسماعیل در نمایشگاه‌های متعدد گالری‌های داخل کشور، گالری‌های سیحون، لیو، خانه آفتاب، قندریز، مهرشاه، تهران، کلاسیک و... به نمایش درآمده است. از جمله آثار وی مجسمه‌ی رستم و دیو سفید است که در ورزشگاه بزرگ آزادی نصب شده و تندیس فلزی سه ایرانی که پرچم جمهوری اسلامی را به دوش دارند (نصب شده در پارک آل‌احمد). وی بیش از صد و پنجاه اثر از خود به جای گذاشته است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشتری اصفهانی، اسداللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1287 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در اصفهان و در یک خانواده‌ی روحانی متولد شد. پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در اصفهان، به تهران آمد و در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد. او ضمن نوشتن مقالات ادبی و اجتماعی برای جراید و سرودن شعر، به تألیف و ترجمه هم می‌پرداخت و از آن جمله است: «تاریخ عشق»؛ «طوفان روح»؛ «نامه‌هائی اسیران جنگ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (41 -37)، فرهنگ سخنوران (64)، مؤلفین کتب چاپی (538/1).

اشتری، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمّد علی اشتری فرزند حاج شیخ محمّد بن شیخ محمّد حسن صاحب عنوان، واعظ فاضل، و زاهد متقّی، از موثّقین اهل منبر اصفهان، در شب جمعه 18 رجب سال 1375 به سنّ متجاوز از نود سال وفات یافته، در بقعه آباده‌ای مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اشراقی، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا سعید بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد ارباب از گویندگان بنام و وعاظ گرام حوزه علمیه شهرستان قم است.
در سال 1298 خورشیدی در قم متولد و در دامان فضل و تقوی تربیت یافته و مقدمات را نزد مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقا شیخ ابوالحسن فقیهی و آقا شیخ احمد فقیهی خوانده و ادبیات را از مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید میرزا آقا نراقی دامغانی استفاده کرده و سطوح عالی را از حجج اسلامی چون مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی و آیت‌الله زنجانی و آیت‌الله حاج آقا روح‌الله کمالوند استفاده نموده و چندی از درس خارج مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر که در نجف اشرف به سر می‌برند بهره‌مند شده و به تبلیغ دین و ترویج احکام و وظائف روحی و دینی از اقامه جماعت در مسجد سیدون پرداخته و هم از راه منبر و مواعظ حسنه مردم قم و سایر نقاط را بمبانی دینی و قرآن و اخلاقی آشنا می‌سازد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

اشراقی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1313 ق)، عالم، مفسر، خطیب و شاعر. حجت‌الاسلام اشراقی در قم متولد شد. مقدمات و سطوح را نزد پدرش و سایر مدرسین مانند حاج شیخ ابوالقاسم کبیر فراگرفت و عمده‌ی تحصیلات خود را نزد آیت‌اللّه حائری به پایان برد و از برجسته‌ترین شاگردان وی بود. او سرانجام به مقام اجتهاد نایل آمد و در فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان صاحب‌نظر گردید. در حیات آیت‌اللّه حائری به تدریس فقه و اصول و حکمت و کلام پرداخت. اشراقی طبع شاعری نیز داشت. در تهران درگذشت و در قم در مسجد بالا سر دفن شد. از آثار وی: «تفسیر سوره‌ی یوسف» و «تفسیر سوره‌ی اعلی و ن والقلم». آثار دیگری از او بجا مانده که به چاپ نرسیده از جمله: «اربعین»؛ تقریرات فقه «مکاسب» آیت‌اللّه حائری؛ و تعلیقاتی برکتب فقهی و اصولی.[1]
میرزا شهاب‌الدین بن العالم الجلیل و الخطیب الجمیل میرزا محمدتقی اشراقی یکی از افاضل حوزه و حفید مرحوم آیت‌الله ارباب می‌باشد.
در سال 1302 شمسی در شهر مذهبی قم به دنیا آمده و اوان کودکی را در مهد تربیت والد ماجد خود گذرانیده و تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم موفق شده و به زبان فرانسه مسلط گردیده و ضمنا علوم قدیمه ادبیات و منطق را نزد والد خود خوانده و پس از آن در سال 1321 شمسی رسما در سلک روحانیت درآمده و در مدت سه سال سطوح فقه و اصول را نزد اساتید حوزه تمام نموده و درس خارج را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی شروع کرده و در سن بیست و پنج سالگی پدر را از دست داده و یکسال پس از آن با وصلت کردن با مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی... پدر روحانی بزرگی خداوند تعالی نصیبش فرموده که از محضر درس و جلسات خصوصی وی بهره‌های وافری برده و هم به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و مدت دوازده سال تمام از محضر آیت‌الله... (ابوالزوجه) خود خوشه‌چینی کرده و در ضمن در رشته معقول از اساتید فن استفاده نموده و در فن تفسیر از محضر درس پدر و زحمات فراوانی که خود متحمل گشته مهارت تامی پیدا نموده و هم به تدریس فقه و اصول اشتغال دارد از تالیفات ارزنده مطبوع ایشان کتب زیر می‌باشد:
1- پاسداران وحی که در بحث امامت کتاب کم نظیریست که با معیت

آقای محمد فاضل نوشته است.
2- چهره‌های درخشان بحث در آیه تطهیر 3- سخن حق در تفسیر در 20 مجلد که دو مجلد آن به چاپ رسیده است اما کتب چاپ نشده ایشان 1- دانستنیهائی از اسلام 2- شرح بر عروةالوثقی که کتاب طهارت آن تکمیل است و در نظر دارد دماء ثلاثه را که کتاب مستدل نفیسی است علیحده چاپ نماید 3- فی الاحوط والاقوی که فتاوی مراجع را بر حاشیه عروه مورد بحث قرار داده است.
میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمد ارباب یکی از علماء و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم بوده‌اند که در سال 1313 ق در قم متولد شده و در مهد تربیت پدری چون مرحوم علامه ارباب نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از والد خود و سایر اساتید و آیات عظام قم مثل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگران آموخته تا در سلک شاگردان مبرز مرحوم آیت‌الله حایری درآمده و عمده تحصیلات را از آن بزرگوار تحصیل نموده و از برجسته‌ترین شاگردان آن مرحوم به شمار می‌رفته است
مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد و حقا در هر علم و فنی از فقه و اصول و حکمت و فلسفه و منطق و عرفان حایز آن مقام منیع بود و از زمان مرحوم آیت‌الله حایری تدریس فقه و اصول و کلام و حکمت و تفسیر را با بیانی شیرین می‌نمود و مخصوص در فن خطابه و ابتکارات منبری و تحقیق در مطالب در عصر خود کم‌نظیر بود علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود به قدری مهارت و استادی در تطبیق مطالب داشت و حق مطلب را اداء کرده و داد سخن می‌داد که عقول مات و خردها حیران می‌ماند، در 25 ماه رمضان 1368 در تهران سکته قلبی نموده و جنازه‌اش با احترام فوق‌العاده‌ای حمل به قم و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر مرحوم آیت‌الله حایری مدفون گردید.
تالیفات ایشان که مطبوع شده تفسیر سوره یوسف و سوره ن والقلم و غیر مطبوع اربعین در حدوث و تقریرات فقه مکاسب مرحوم آیت‌الله حایری و تعلیقاتی بر کتب فقیه و اصولیه و حکمت و فلسفه می‌باشد مانند مرحوم والدش دارای طبع روان و ذوق فراوان بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (219/26)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (184 -183 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (338 -337 /2)، مؤلفین کتب چاپی (246 -245 /2).

اشرف اصفهانی، محمداشرف

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1133 ق)، ادیب، محدث و شاعر. از علمای عهد صفویه و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و نوه‌ی دختری میرداماد بود. به همین خاطر به وی میرزااشرف میردامادی هم گفته‌اند. در بیشتر علوم عقلی و نقلی مهارت داشت. در قریه‌ی ورنوسفادران از قراء سده‌ی ماربین اصفهان مدفون است. ازآثار وی: «اشرف المناقب»، که آن را در 1102 ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف کرد و بعدها مطالبی بر آن افزود و نام آن را «فضائل السادات» گذاشت و به نام شاه سلطان حسین صفوی کرد. این کتاب حاکی از وسعت اطلاعات سید محمداشرف در انساب و حدیث است؛ حاشیه بر «قبسات»؛ حاشیه بر «شرح مختصر» عضدی؛ شرح «مشیخه تهذیب الحدیث»؛ معروف به «رجال سید محمداشرف»؛ ترجمه‌ی «الفیه» ابن مالک، به نظم؛ «علاقة التجرید»، شرح فارسی بر «تجرید العقاید» خواجه طوسی؛ «المنهاج الصفوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (125/9)، تذکرة القبور (147)، تذکرة المعاصرین (282 -281)، الذریعه (259/16، 310/15، 355/3، 107/2)، ریحانه (381 -380 /3)، فرهنگ سخنوران (65)، فوائد الرضویه (397)، مؤلفین کتب چاپی (621/1)، معجم المؤلفین (64/9).

اشرف الواعظین یزدی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1278 ش)، محدث و واعظ. وی از حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و شیخ مرتضی آشتیانی و حاج شیخ‌عباس محدث قمی روایت می‌کرد. در سالهای آخر عمر به تهران مهاجرت کرد و در تهران درگذشت. از آثار وی: «جواهر الکلام فی سوانح الایام»؛«جواهر العدیدیه» یا «گنج جواهر دانش»؛ «الدرر السنیه فی المواعظ العددیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (236 /18، 127 -126 /8، 277 /5)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (111 /3)، مؤلفین کتب چاپی (629 -628 /2).

اشرف زاده، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رضا اشرف زاده در سال 1321 در شهر بم بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1363 می باشد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد زبان و ادبیات فارسی و قائم مقام و معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر رضا اشرف زاده ماشا الله است که به شغل مسگری اشتغال داشت و دارای سواد اندک خواندن و نوشتن بود و خود را از نسل دختر عمررولیث صفاری بنام اشرف می خواند و مدعی بود که فامیل "اشرف زاده " به همین سبب است. نام مادر محترمشان سیده صغری از نسل پیغمبر خدا(ص) و زنی خانه دار بود.دکتر اشرف زاده کلا 2 برادر و 4 خواهر بودند.
خاطرات کودکی : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید: "یکی از خاطرات تلخ آن دوران این بود که در سال سوم دبستان مدیر دبستان ،عالم اما سختگیری داشتیم-در دبستان فردوسی بم -بنام آقای رشاد- برای تعمیرات مدرسه مبلغ 50 ریال از هر دانش آموز طلب کرده بود و پدرم این مقدار پول را نداشت ،مدیر دبستان نیز مرا تهدید به اخراج می کرد و پدرم نیز از انان نبود که داشته باشد ! بالاخره بر این شد که بنده از رفتن به مدرسه بازدارند. گریه و ضجه من ناراحتی پدرو مادرم و سختگیری جناب رشاد ... بالاخره پدرم را وادار به قرض کردن کرد و غائله خوابید و من - خوشحال- به تحصیل ادامه دادم. شاید یکی از اسرار موفقیت من در طول تحصیل همن موضع باشد."
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا اشرف زاده در خانواده ای با وضع مالی مناسبی بدنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا اشرف زاده ،دوران ابتدایی، سیکل اوّل و چهارم ریاضی را در بم گذراند و در سال 1338 به دانشسرای مقدّماتی کرمان رفته و با درجة ممتاز و شاگرد اوّلی، فارغ‌التحصیل شدند، به علّلی ادامة تحصیل نداد وبه استخدام آموزش و پرورش (فعلی) در آمد. در سال

1349 برای ادامة تحصیل وارد دانشکدة ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد شد و دورة کارشناسی را در سال 1353، کارشناسی ارشدرا در سال 1356، و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال 1363 گذرانید، ایشان در تمام دوران تحصیل شاگرد ممتاز و دانشجوی اوّل بودند. رسالة کارشناسی ارشد ، با راهنمایی استاد فرزانه و فقید زنده‌یاد آقای دکتر یوسفی، با درجة ممتاز و رسالة دورة دکتری را در 7 جلد و با 4200 صفحه و با درجة ممتاز در سال 1363 دفاع کرد.
خاطرات و وقایع تحصیل : رضا اشرف زاده از خاطرات دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد : "از خاطرات خوب دوران تحصیل دانشگاهیم آشنایی با دو استاد خوب و برجسته بود: مرحوم دکتر حمید زرین کوب و مرحوم زنده یاد غلامحسین یوسفی و از خاطرات دوران دبستان وجود معلمی بسیار دلسوز -آقای اصفهانی - معلم سال ششم ابتدایی که با شوری و صف ناپذیر و با تمام وجود درس می گفت و دانش آموزان را شوق یادگرفتن می آموخت."
فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا اشرف زاده در حین تحصیل در هفته ای 24 ساعت به تدریس می پرداخت.
استادان و مربیان : از مربیان و استادان رضا اشرف زاده می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: دوران دبستان : سرکار خانم تهمتنی -معلم کلاس اول ابتدایی- ،آقای اصفهانی _معلم کلاس ششم ابتدایی دوران متوسطه : آقای پرورشی- دبیر ریاضی دوران دانشگاهی : دکتر حمید زرین کوب ،دکتر متینی ،دکتر شهابی ،دکتر عبدالشکور احسن و زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر فاطمی و دکتر حمیدی از همدوره ایها و دکتر علوی مقدم ،دکتر محمد فاضلی ،دکتر تقی وحیدیان کامیار و دکتر محمود مهدوی دامغانی و غیره از همکارن رضا اشرف زاده می باشند.
همسر و فرزندان : رضا اشرف زاده متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم طاهره سیف الدینی (دارای مدرک دیپلم ادبیات فارسی - خانه دار)می باشد ایشان همچنین دارای چهار فرزند بنامهای زیر می باشد: - انیس اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی کتابداری- شاغل - انوش اشرف زاده ،دوره کارشناسی مدیریت دولتی را به اتمام نرساندو خانه دار شدند - آرزو اشرف زاده ،دارای مدرک کارشناسی زیست شناسی -خانه دار - نونا اشرف زاده دانشجوی سال آخر رشته کامپیوتر نرم افزار
وقایع میانسالی : از وقایع تلخ رخ داده برای رضا اشرف زاده فوت پسر 24 ساله اش بنام امید اشرف زاده و فوت دامادش بنام سرهنگ دکتر مجید کردعلی در سال 1385 می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (استاد زبان و ادبیات فارسی) بمدت 20 سال و هم اکنون ادامه دارد قائم مقام ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد بمدت 8 سال که اکنون هم ادامه دارد مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه نیشابور بمدت 8 سال معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد بمدت 17 سال هم اکنون ادامه دارد عضو انجمن آثار و مفاخر خراسان مشاور فرهنگی و ادبی ادارة کلّ فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو شورای نشر کتاب عضو هیأت رئیسة مرکز خراسان‌شناسی، از تأسیس تا انحلال
فعالیتهای آموزشی : رضا اشرف زاده 46 سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف تحصیل از سال اول ابتدایی گرفته تا دکتری را دارد.
جوائز و نشانها : رضا اشرف زاده در باره جوایز و نشان های خود چنین می گوید: "با صدا و سیمای مرکز خراسان نیز گاهگاهی برنامه داشته‌ام (حدود 50 برنامه) در برنامة تلویزیونی چهره‌های ماندگار 50 دقیقه، زندگی و آثارم نمایش داده شد و مصاحبه‌های گوناگون علمی و ادبی داشته‌ام چه در مجلّات و روزنامه‌ها و چه در صدا و سیما. 2بار به عنوان استاد نمونه مشهد، یکبار استاد نمونة کشور در دانشگاه آزاد اسلامی برگزیده شدم. محقق نمونة جشنوارة فردوسی و محقّق نمونة دانشگاه آزاد اسلامی و شهروند نمونة منطقه 9در سال 1382 بودم در روز بزرگداشت عطّار نیشابوری، به عنوان عطّار شناس، از من تجلیل به عمل آمد."
چگونگی عرضه آثار : رضا اشرف زاده تاکنون حدود 45 کتاب و 50 مقالة علمی و ادبی منتشر کرده‌است. ----------
---
آثار :
1 آب آتش‌فروز (گزید؟ حدیقه الحقیقه) (چاپ هفتم)
ویژگی اثر : انتشارات جامی 1385
2 المستخلص فی ترجمان القرآن از محمدبن محمد بخاری
ویژگی اثر : انتشارات رجا 1365
3 برگزید؟ اخلاق ناصری
ویژگی اثر : انتشارات پیام نور 1371
4 بهار زنده‌دلان (گزید؟ اشعار صائب)
ویژگی اثر : انتشارات جامی 1384
5 پیغام اهل راز (دو جلد)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1381
6 تجلی رمز و روایت در شعر عطّار نیشابوری
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1373

7 جلوه‌گریهای سحرگاهی (شرح گزید؟ مخزن‌الاسرار)
ویژگی اثر : انتشارات جامی 1385
8 چهل حکایت (چاپ دوم)
ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه 1374
9 حق‌الیقین فی معرف؟ ربّ العالمین شیخ محمود شبستری
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1380
10 حکایت شیخ صنعان (چاپ دوم) عطّار نیشابوری
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1380
11 خزان و بهار قاضی محمد شریف شیرازی
ویژگی اثر : انتشارات به نشر 1382
12 داستان شیخ صنعان
ویژگی اثر : انتشارات کلهر 1374
13 داستان‌های دیوانگان در آثار عطار
ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه 1375
14 رابعه (زندگی و آثار رابعه بنت کعب)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1383
15 راز خلوتیان (شرح 110 غزل حافظ)
ویژگی اثر : انتشارات کلهر 1379
16 رنجنام؟ زندانی نای و مرنج (گزید؟ مسعود سعد)
ویژگی اثر : انتشارات صالح 1378
17 سرود خورشید (شرح 114 غزل دیوان شمس)
ویژگی اثر : انتشارات روزگار 1379
18 شرح گزید؟ منطق‌الطیر (چاپ سوم)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1379
19 صد کلم؟ امیرالمؤمنین عادل بن علی بن عادل
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد 1380
20 فارسی عمومی (چاپ یازدهم)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1385 چاپ سیزدهم 1386
21 فارسی عمومی (چاپ یازدهم) سیزدهم
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1385
22 فرهنگ بازیافته‌های ادبی از متون پیشین
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی ـ سخن گستر 1386
23 فرهنگ کاربرد آیات و روایات در شعر عطّار
ویژگی اثر : انتشارات انجمن مفاخر خراسان 1373
24 فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات آثار عطّار نیشابوری
ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم 1374

25 کلاه بی‌سران (شرح گزید؟ مصیبت‌نامه)
ویژگی اثر : انتشارات صالح 1376
26 گزید؟ اخلاق ناصری (چاپ ششم)
ویژگی اثر : انتشارات توس 1378
27 گزید؟ اشعار (ناصرخسرو ـ مسعود سعد)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1382
28 گزید؟ اشعار خاقانی
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1385
29 گزید؟ شعر دو شاعر برجسته (فرخی ـ کسایی)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1379
30 گزید؟ متون تفسیری فارسی
ویژگی اثر : انتشارات جامی- زیر چاپ
31 گزید؟ مختارنامه (رباعیات عطار)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر 1377
32 گلشن توحید (شرح منظوم مفردات مثنوی) مغلوی دده
ویژگی اثر : جهان اندیشه 1372
33 مرج‌البحرین (شرح غزلیات حافظ) از ختمی لاهوری (تصحیح و تعلیق)
ویژگی اثر : اساطیر - زیر چاپ
34 مضمار دانش (فرسنامه) میرازا احمد نظام‌الدین گیلانی
ویژگی اثر : انتشارات اندیشه 1373
35 معانی و بیان (چاپ پنجم)
ویژگی اثر : انتشارات سمت 1383
36 نشان تیش؟ فرهاد (شیرین و فرهاد وحشی بافقی) (نقد و تحلیل)
ویژگی اثر : انتشارات صالح 1376
37 نوبت زن کوی ساقی (ساقی‌نامه‌های راجی کرمانی)
ویژگی اثر : انتشارات آیین؟ اندیشه 1378
38 هفت حکایت (چاپ سوم)
ویژگی اثر : انتشارات جهان اندیشه 1373

اشرف سمرقندی، معین‌الدین حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 595 ق)، ادیب و شاعر. معروف به اشرف ثانی. از مردم ماوراءالنهر بوده و در سمرقند می‌زیسته است. متصدی کارهای شرعی بود. وی از علما و فضلای عهد خود و مجمع کمالات و مداح پادشاهان سلسله‌ی ترکستان از جمله الغ قدرخان و علاءالدین پیغوملک بود و با او از خراسان به عراق رفت و مدت زیادی در اصفهان ماند. از آثارش: «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (719 ،87)، تذکره‌ی روز روشن (54 -53)، ریاض العارفین (168)،الذریعه (1076 ،261 ،79 -78 /9)، ریحانه (129 /1)، صبح گلشن (25)، فرنگ سخنوران (66)، لباب الالباب (392 -390 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ اشرفی)، مجمع الفصحا (265 /1)، هفت اقلیم (368 -362 /3).

اشرف طسوجی، علی اشرف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1268 ق)، ادیب و عالم و شاعر. وی نبیره‌ی آخوند ملا عبدالنبی طسوجی و از شعرا و علمای دوران خود و در الهیات و حدیث و کلام سرآمد بود. تصحیلات خود را در اصفهان و عتبات عالیه به انجام رساند در طسوج وفات یافت. جسدش به کربلا منتقل و همان جا دفن شد. «دیوان» مولانا اشرف حاوی غزل، قصیده و مخمس و اثر دیگری به نام «شعله» نیز از او باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (473 -468 /1)، دانشمندان آذربایجان (42)، الذریعه (77 /9)، سخنوران آذربایجان (138 -132)، نگارستان دارا (60 -59).

اشرفی استرآبادی، نظام‌الدین، عبدالحی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 959 ق)، فقیه، متکلم و ادیب. در استرآباد متولد شد ولی، اصل وی از جرجان بود. او از شاگردان محقق کرکی بود و همواره پی‌گیر تحصیل معقول و منقول. از استرآباد به هرات رفت و به خاطر مهارتش در علوم مختلف مورد توجه سلطان حسین بایقرا قرار گرفت و از سوی وی به تدریس در مدرسه‌ی گوهرشادبیگم اشتغال یافت. پس از تسلط شاه اسماعیل صفوی بر خراسان، امیر غیاث‌الدین محمد بن یوسف به قضاوت خراسان منصوب گشت و پس از استعفای او عبدالحی استرآبادی به جای او نشست و تا سال 930 ق در کمال احترام در هرات قضاوت کرد و به نشر علوم دینی و معارف اسلامی مشغول بود. سرانجام وی از ترس دشمنان به قصبه‌ی کوهبنان کرمان پناه برد و در آنجا به تألیف پاره‌ای از کتب خویش به درخواست عده‌ای از شاگردانش پرداخت. از جمله شاگردان وی ابن‌قمر شجاع‌الدین محمود کرکی است. وی در کرمان درگذشت. از جمله آثار وی: شرح کبیر «الفیه» شهید اول و شرح متوسط «الفیه» که در کرمان تألیف کرده است؛ ترجمه‌ی «الفیه‌ی شهید»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه»؛ حاشیه بر حاشیه‌ی سید شریف بر «شرح شمسیه»؛ «الخطب»؛ حاشیه بر «شرح الهدایه الاثیریه» میبدی؛ حاشیه بر «فرائض النصیریه»؛ رساله‌ای در علوم مختلف مانند منطق و کلام و فقه که در 959 ق تألیف نموده است؛ «لسان الالهام»؛ «معراج الخیال»، منظومه‌ی فارسی؛ «المعضلات»، در مشکلات علوم فقهی و حکمی‌که در عهد شاه‌طهماسب صفوی به سال 959 ق تألیف شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (615 -614 /4)، الذریعه (139 ،89 /6 ،81 /4 ،189 /2)، روضات الجنات (189 -187 /4)، ریاض العلماء (90 -87 /3)، ریحانه (202 -201 /6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 120 -119 /10)، معجم المؤلفین (108 /5)، هدیه العارفین (508 /1).

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه، مجتهد.
تولد: 1279، سده اصفهان (خمینی شهر).
شهادت: 23 مهر 1361، کرمانشاه.
آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال 1350 ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حورزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال 1342 نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال 1342 برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.
از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید

بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).
پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال 1334 توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال 1357 رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده 1391 ق. (1385) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر 1361 در کرمانشاه به شهادت رسید.
عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.
معظم له در حدود 1338 قمری در سه‌ده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به

کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اشرفی، امیررضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیررضا اشرفی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 به حول و قوه الهی و با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء وارد حوزه مقدسه علمیه قم شدم. دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین علی عطایی اصفهانی گذراندم. در آن زمان تدریس دروس ادبیات عرب و منطق را در آن مدرسه استاد تهرانی، طالقانی و مظهر علی (پاکستانی) به عهده داشتند، لذا دروس مذکور را در محضر این سه استاد گذراندم. در درس معالم الاصول از محضر آیت الله شیخ یحیی انواری استفاده بردم. دروس اصول فقه و لمعه را نزد حجج اسلام علی حسینی بوشهری و سید احمد خاتمی و علی محمدی خراسانی گذراندم.
بین سالهای 1367تا 1370 در درس رسائل استاد علی محمدی خراسانی و مکاسب محرمه آیت الله عراقچی حاضر شدم. جلد اول و دوم کفایة الاصول را نزد استاد سید محمد رضا یزدی (عضو فعلی فقهای شورای نگهبان) گذراندم. و پس از آن حدود 5 سال در درس خارج اصول ایشان در مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی (روبروی شیخان قم) تلمذ نمودم. ضمناً حدود 4 سال از محضر درس خارج فقه آیت الله العظمی میرزا جواد آقا تبریزی (ره) و خارج فقه آیت الله عبدالله جوادی آملی استفاده بردم.
همزمان با اشتغال به دروس فقه و اصول بین سالهای 1369 تا 1374 دوره پنج ساله الهیات و معارف اسلامی موسسه در راه حق را گذراندم و در سال 1374 از آن موسسه با مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در همان سالها گروه های آموزشی و پژوهشی موسسه مزبور به ریاست آیت الله مصباح یزدی فعالیت خود را در قالب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه دادند، بنده نیز دوره آموزشی کارشناسی ارشد پیوسته علوم قرآنی آن موسسه را بین

سالهای 1374 تا 1378 گذراندم و در سال 1378 از رساله ام با عنوان نقد و بررسی دیدگاههای علوم قرآنی علامه بلاغی (ره) دفاع نموده و با مدرک کارشناسی ارشد علوم قرآنی از آن موسسه فارغ التحصیل شدم.
در سال 1380 در دوره دکتری علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و در خرداد 1385 از رساله ام با عنوان مبانی و قواعد تفسیری علامه طباطبائی (ره) دفاع نمودم و با مدرک دکتری علوم قرآن و حدیث از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.
ضمناً از سال 1379 به عنوان عضو هیئت علمی و عضو شورای علمی گروه علوم قرآنی و از بهمن 1385 به عنوان قائم مقام مدیر گروه علوم قرآنی با موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) همکاری می کنم.
والحمد لله رب العالمین.

اشرفی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین اشرفی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1341 در خانواده ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال 1360 به پایان رساندم. در سال 1362 پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را 8 ساله به پایان رساندم.
در سال 1372 در درس خارج آیة الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیة الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیة الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال 1372 با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً 20 سال است در درس تفسیر آیة الله جوادی آملی شرکت می نمایم و مدت 7 سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره جسته ام.
در سال 1376 وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از 4 سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه های حدیث، رجال، فلسفه و عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده ام. در سالهای 80 الی 83 توفیق تدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز 4 داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.
نام اسا تید اصلی در حوزه:
1. جوادی آملی/ تفسیر/ قرآن/ 20 سال
2. جوادی آملی/ خارج فقه/ مکاسب/ 7 سال
3. فاضل/ خارج فقه/ حج/ 6 سال

4. نوری همدانی/ خارج فقه/ مسائل مستحدثه/ 4 سال
5. سبحانی/ خارج اصول/ خارج کفایه/ 6 سال
6. مکارم/ فقه و اصول/ طهارت/ 2 سال
7. محقق داماد/ مکاسب بیع/ 4 سال
8. اعتمادی/ اصول/ کفایتین/ 2 سال

اشرفی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی بن العلامة الفقیه حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی مزبور از علماء و افاضل معاصر شاهرود می‌باشند.
ایشان در حدود 1354 قمری در شاهرود متولد شده و در دامن والد عالیمقامش آیت‌اللّه اشرفی تربیت یافته و مقدمات و اولیات و سطوح وسطی را در تحت نظر آن بزرگوار خوانده و بعد به ارض اقدس مشرف و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مشهد مخصوصاً مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم قزوینی و آیت‌اللّه دامغانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت. و از محضر آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه حلی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و به تدریس سطوح عالی کفایه و مکاسب پرداخته و بیش از پنجاه نفر طلبه به درسش شرکت و به گفتن دروس نهائی سطح مشار بالبنان گردیده تا قبل از فوت والد مبرورش که مراجعت به ایران کرده و اکنون در شاهرود به جای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اشعری، عبدالحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین اشعری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/1
زندگینامه علمی
در شرائطی که سالهای 1336 تحصیلات ابتدائی و ششم را به اتمام رساندم 2 سال هم تا کلاس 8 دبیرستان را شبانه خواندم ولی مشکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جامع المقدمات آغاز کردم و در حالی که هنوز وارد حوزه نشده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقدماتی حوزه در مسجد امام حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.
در اوایل سال 1350 قدم به حوزه علمیه گذاشتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام و شرکت در تفسیر آقای مشکینی و حاشیه ملاعبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.
در حاشیه مباحث حوزوی از شرکت در همه صحنه های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده های شعر که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سرودهای اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای

مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در 4000 شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: 72 مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.
سرانجام آخرین سروده های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره های سال حداقل چند شعری می سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده های چاپ نشده دارم.
ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن 25 سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود 16 سال بود که هرگز از جا حرکت نمی کرد و خودم او را می خواباندم و برای قضاء حاجت بغل می کردم و... و 25 سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از این فرزند گذاشت ولی سر انجام حدود 10 سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیة المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می فرماید: «و اما بنعمه ربک فحدث» به این مختصر بسنده می کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اصالت، اسدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسدالله اصالت
محل تولد : ساوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/12/10

اصطهباناتی، ابوتراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361/1360 -1305 ق)، شاعر و نحوی. وی دخترزاده‌ی سید جعفر کشفی و از شاگردان میرزا ابوالحسن محقق اصطهباناتی بود که در شعر عربی و فارسی دست داشت. از او اشعاری بر جای مانده است. آثار وی: منظومه‌های «حدائق الاعراب»، به سبک الفیه‌ی ابن مالک در و نحو؛ «دره‌التالیف و دره‌التصریف»، در صرف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (914 -913 /5 122/1،)، فرهنگ سخنوران (70).

اصطهباناتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1291 ق)، عالم، عارف و ادیب. ملقب به شیخ المحققین و معروف به شیخ‌الاسلام. در اصطهبانات به دنیا آمد و سالهای بسیار در شیراز در محضر پدرش و هم در خدمت حاج سید علی حکیم کازرونی تحصیل علم و کمال کرد. وی در علوم غریبه ماندن جفر نیز دست داشت. او با سید عبدالحسین مجتهد لاری که از آزادی‌خواهان مشهور بود، محاصر و دوست بوده و به خواهش او «رساله‌ای در وجوب نماز جمعه» نوشته است. وی در امامزاده عبدالله شهر ری مدفون است. آثار وی عبارت‌اند از: «بیان الحق»، در مهدویت شخصیه و شخصیت مهدویه با تقریظ آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر آن؛ «کشکول الادباء» و «کشکول العرفاء»؛ «تنبیهات عشر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (2/ 302)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (1/ 197- 200)، الذریعه (3/ 179- 180)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 188- 189)، گنجینه‌ی دانشمندان (3/ 119).

اصطهباناتی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین بن محمد یوسف اصطهباناتی عالمی فاضل بوده و بعد از 1292 ق وفات نموده است. وی دارای خط زیبائی بوده و کتاب (الشواهد) عینی را بخط خود نوشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری تبریزی، اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1318، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فرانسه در سال 1347 از دانشگاه سوربن پاریس.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه اصفهان و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان از سال 1363 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فرانسه با تخصص در ادبیات قرن نوزدهم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
مذهبی، تاریخی، اجتماعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 10، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
فلسفه و عرفان در مقیاس جهانی، ادبیات، دانستنیهایی از علوم پزشکی، ادبیات فرانسه در قرن 19.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصغری نژاد، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اصغری نژاد
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد اصغری نژاد فرزند یوسف متولد 1342 از پیش از سال 1360 به طلبگی رو آورده، حدود یک سال در قم به علوم حوزوی مشغول شدم. سپس وقفه ای در آن ایجاد گردید و مجدداً در سال 1361 در تهران و سپس در قم به ادامه تحصیل در این دروس مشغول شدم.
خدمت اساتیدی چون آیت الله ستوده و آیات عظام: محامی، بهجت، انصاری، ممدوحی و... به تحصیل پرداختم. البته آنچنان که باید به کسب علم مشغول نشدم و این به علت گرفتاریهای مالی و غیر آن بود. حدوداً از سال 1369و یا 1370 به کارهای نوشتنی رو آوردم و از آن زمان تاکنون مطالبی را گرد آوری و تالیف نموده ام.

اصغری، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالله اصغری
محل تولد : تربت جام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
زندگینامه علمی
در سالهای 1345- 1346در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.
در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.
با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال 1354به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.
در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است.
بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی ابوالفتح، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 513 ق)، مترجم و ریاضیدان. وی معاصر ابوکالیجار گرشاسف بن فرامرز، پنجمین پادشاه کاکویه اصفهان و همدان بود. و کتاب «المخروطات» ابولونیوس را که هلال بن ابی‌هلال الحمصی و ثابت بن قرّه آن را ترجمه کرده بودند، تکمیل کرد و سه کتاب اخیر آن را به عربی درآورد و تفسیر گرانبهایی بر آن کتاب نوشت که از آن چند ترجمه به زبانهای لاتینی و انگلیسی صورت گرفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 334)، دایرة المعارف فارسی (1/ 26)، زندگینامه ریاضیدان (92).

اصفهانی کمال الدین، ابوالفضل اسماعیل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 635 ق)، ادیب و شاعر. معروف به خلاق المعانی، به دلیل آوردن معانی دقیق شعری. در اصفهان به دنیا آمد و از جوانی به سرودن شعر پرداخت. وی علاوه بر باریک‌اندیشی و دقت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقید به آوردن ردیف‌های مشکل نیز مشهور بود. او آخرین قصیده‌سرای بزرگ ایران در دوره‌ی مغول است. او خاندان آل صاعد، اتابکان فارس و امرای طبرستان و همچنین جلال‌الدین منکبرنی را مدح گفته است. کمال‌الدین در فقه، اصول و ادبیات عرب تبحر داشت و از اغلب علوم عصر خود آگاه و در حکمت، طب، ریاضیات به ویژه هندسه ماهر بود، و در اشعار خود اصطلاحات علمی به کار می‌برد. وی همچون پدرش شاهان معاصر و بزرگان بسیاری را مدح گفت. کمال‌الدین در قصاید عرفانی پیشرو سعدی بود و قصاید عرفانی سعدی مکمل قصاید وی می‌باشد. در پایان عمر به عرفان روی آورد و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی گردید و خانقاهی برای خویش اختیار کرد. وی شاهد حمله‌ی مغولان به اصفهان و کشته شدن انسانهای بسیار بود و خود نیز سرانجام به دست مغولی کشته شد یا به قول «مجمل فصیحی» به دست رندان و اوباش در 626 ق به قتل رسید. از آثارش: «رسله‌ی القوسیة»؛ «دیوان» شعر، شامل قصائد، مقطعات، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی، که نسخه‌ای از آن در هند به چاپ رسید.[1]
اسماعیل بن جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، ملقب به خلاق‌المعانی، شاعر قصیده‌سرای ایرانی (ف. 635 ه.ق). پدر وی جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق (ه.م) شاعر معروف است. سبب شهرت او را به خلاق‌المعانی آن دانسته‌اند که: «در شعر او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت که مطالعه کنند، ظاهر می‌شود.» از جمله‌ی ممدوحان او رکن‌الدین مسعود از آل صاعد اصفهان، جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه، حسام‌الدین اردشیر از آل باوند و اتابک سعد بن زنگی هستند. وی دوره‌ی وحشتناک حمله‌ی مغول را درک کرد و به چشم خویش قتل‌عام مردم اصفهان را به دست مغولان به سال 633 دید و خود نیز دو سال بعد، در 635 به دست مغولی به قتل رسید. کمال‌الدین در آوردن معانی دقیق و باریک‌اندیشی مهارت دارد و در التزامات صعب و تقیید به آوردن مفاهیم مشکل چیره‌دست است و دیوان او بطبع رسیده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1007 -980/ 3)، ارمغان (س 7، ش 1، ص 23 -19 ش 3 -2 ص 117 -104 ش 5، ص 312 -301)، از سعدی تا جامی (468، 346)، بهارستان جامی (115 -114)، تاریخ ادبیات در ایران (877 -871/ 2)، تاریخ گزیده (746)، تاریخ مغول (533 -532)، تاریخ نظم و نثر (740 -739، 158 -157)، تذکرة الشعراء (170 -164)، تذکرة القبور (141 -140)، حبیب السیر (665/ 2)، دایرة المعارف فارسی (2260/ 2)، الذریعه (207/ 17، 259/ 12، 917 -916/ 9)، راحة الصدور و آیة السرور (469)، ریاض العارفین (230 -229)، ریحانه (84 -83/ 5)، سبک شناسی (88/ 3)، شعر العجم (18 -11 / 2)، طرائق الحقائق (649 -648/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (416 -415)، فرهنگ سخنوران (767 -766)، گنج سخن (141 -126/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدین اسماعیل)، مجالس النفائس (348)، مجمع الفصحا (1153 -1144/ 3)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 626)، مرآة الخیال (38 -36)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (472، 367، 349 -348)، مؤلفین کتب چاپی (610 -609/ 1)، نتایج الافکار (593 -590)، هفت اقلیم (383 -373/ 2)، یغما (س 4، ش 5، ص 205).

اصفهانی مازندرانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌رضا بن علی بن محمد حسینی اصفهانی مازندرانی.
عالم فاضل جلیل، در 11 ذی حجه سال 1287 در نجف متولد شده، و در 5 شنبه دوم جمادی الاولی سال 1344 در سامرا وفات یافته، در صحن شریف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی نجفی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، متوفی در 1290 و اندی. وی مؤلف کتابی است در سه مجلد در اعمال روز و شب و هفته و ماه و سال، و خاتمه‌ی آن در آداب و سنن و اخلاق.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 989 ق)، شاعر، ادیب و خطاط. از هنرمندان عصر صفوی بود. پس از قتل پدرش (928 ق)، روزگار او و برادرش، میرزا اسماعیل، دگرگون شد. میرزا ابراهیم به قزوین رفت و چون خوش قریحه و با ذوق بود، منزلش محفل دانشمندان و شعرا گردید. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. خط او را در ردیف حسنعلی مشهدی و سید احمد مشهدی و میرمعز کاشانی دانسته‌اند. به گفته‌ی صاحب «عالم آرای عباسی»، وی فرهنگی تدوین کرده بود که در آن لغات متداول در اشعار قدما و معانی آنها، گاه به تتبع و گاه به تصرف قریحه، جمع‌آوری شده بود. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (16 -15 /1)، تاریخ نظم و نثر (501)، الذریعه (15 /9)، عالم آرای عباسی (172 /1)، مجمع الخواص (70)، هفت اقلیم (401 /2).

اصفهانی، باقر، محمد باقر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1000 ق)، شاعر و منشی. وی از سادات نطنز بود و در اصفهان نشو و نما یافت. جد اعلای او از مریدان صفی اردبیلی بود و پدرش نیز در دربار شاه عباس وزیر سرکار قوچیان بود که این منصب بعد از مرگش به وی ارجاع داده شد. میرزا محمد باقر در سرودن قصیده، غزل و سایر اقسام شعر قدرت تمام داشت. از وی «دیوان» اشعاری به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (926/3)، تذکره‌ی نصرآبادی (70 -69)، الذریعه (122/9)، صبح گلشن (53 -52).

اصفهانی، بهرام بن فیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلّف شارستان فارسی، در بیان مراتب دانش، و عقاید و آداب ایرانیان باستانی. مؤلّف از شیراز به تته رفته، و از شاگردان جمال الدین محمود تبریزی و آذر کیوان است. در 1304 در لاهور فوت شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، جمال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ جمال‌الدین بن حاج شیخ محمدباقر اصفهانی برادر مرحوم حاج آقا نورالله که پس از فوت برادرش به قم آمده و منبرهای داغ و با حرارت و پرسوز و گدازی رفت و سر و صدائی بلند کرد آن عالم جلیل از رؤساء علمای اصفهان بود در سال 1284 متولد شده در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرده آنگاه مهاجرت به نجف و در درس مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ نموده و سپس به اصفهان مراجعت کرده در جنگ بین‌الملل اول در سال 1332 روسها به تهرانش بردند و تا آخر عمر در آنجا ساکن و از مراجع عالیقدر به شمار می‌رفت یکی دو سال قبل از فوتش تبعید به اصفهان شده و در شب یکشنبه 25 جمادی‌الاولی 1354 وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید معظم له از علماء متنفذ و محبوب‌القلوب عندالخواص والعوام بود شبهای جمعه در جوار حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و هم در موقعی که در اصفهان بود در تخت‌فولاد در تکیه میرزا رفیعا احیاء می‌گرفت و جمع کثیری در آن شرکت می‌نمودند در اصفهان در مسجد شیخ لطف‌الله و در تهران در مسجد حاج سید عزیزالله بازار امامت می‌فرمود.
ماده تاریخ وفاتش را دانشمند بزرگوار آقای معلم حبیب‌آبادی ضمن قطعه‌ای گفته است:
بماه و سال و تاریخ وفاتش
بگفت این شعر با حالی مرفه
جمادای یکم در بیست و پنجم
(جمال‌الدین بجنت رفت ناگه)
والده ماجده‌اش از سادات اخوی تهران دختر عموی داماد گرامی نگارنده آقای سید حسین تقوی تهرانی (سادات اخوی) و زوجه اولیه‌اش دختر مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسن عراقی متولد 1325 و متوفی 1347 می‌باشد.
(1354 -1284 ق)، فقیه و امام جمعه. در خدمت پدر خود در اصفهان تحصیل کرد. آن‌گاه به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی تلمذ کرد، سپس به اصفهان بازگشت. در اوایل جنگ جهانی اول به علت مخالفت با روسیه‌ی تزاری از اصفهان به تهران تبعید شد. وی از علمای طراز اول تهران و یاران مدرس و مدتی نیز امام

جمعه‌ی تهران بود. حاج آقا جمال از هنگامی که رضاخان می‌خواست جمهوریت را پی‌ریزی کند با او به مخالفت برخاست و سرانجام به اصفهان تبعید شد. وی در همان جا درگذشت و شایع شد که توسط عوامل رضاخان مسموم شد.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره القبور (237 -236)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (191 -189 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (236 -235 / 1).

اصفهانی، حبیب الله

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا عبداللَّه. عالم و فاضل و ادیب و نویسنده بوده، در سال 1106 وفات یافته. وی مؤلّف کتاب: «توصیف الوزراء» است که آن را رجال میرزا حبیب اللّه نیز گویند، در احوال وزاری دولت صفویّه.
ظاهراً وی سید نور الدین حبیب اللّه نسّابه اصفهانی است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، سمیع

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از فضلای ساکنین نجف اشرف، عالم متقی، و فاضل صالح، در نهایت زهد و تقوا بوده، و در جمع کتب، مولع، و آنها را یا خود وقف نموده، و یا وصیت به وقف کرده.
در 1327 وفات یافته، در وادی السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، شمس الدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمود بن محمّد بن عبدالکافی.
در 616 متولّد، و در رجب سال 680 در مصر وفات یافته، در قرافه مدفون گردید.
در اصفهان و بغداد تحصیل علوم نموده، و در منطق و کلام و اصول از اساتید به شمار می‌رود.
کتب زیر از اوست:
1- قواعد 2- غایة المطب، در منطق 3- الکاشف عن الحصول، در شرح کتاب محصول، معروف‌ترین تألیفات اوست و در بین مؤلّفین به همین جهت او را اصفهانی شارح محصول گویند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(649 -674 ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 52)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 229، 230)، حبیب السیر (3/ 232)، الذریعه (13/ 140)، روضات الجنات (8/ 117)، ریحانه (3/ 248- 249)، کشف الظنون (1991، 1921، 1879، 1855، 1717، 1371، 1148، 1137، 1116، 443، 442، 346، 235)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (12/ 173)، هدیه العارفین (2/ 409).

اصفهانی، طاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به دیباچه نگار. فاضل ادیب و شاعر مترسل از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد که نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی می‌پیوندد می‌باشد.
در 10 ذی حجه 1224 در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، به طهران رفته، و مورد نظر بزرگان واقع شده.
کتاب «گنج شایگان» را در تراجم شعرای مادح میرزا آقا خان نوری جمع‌آوری نموده، و در آن از 48 شاعر نام می‌برد.
تاریخ اتمام آن (آکنده شده به درج گهر گنج شایگان 1273) می‌باشد. وی را دیوان اشعار است به عربی و فارسی، و در آن «شعری» تخلص می‌کند.
وفاتش را در 1270 نوشته‌اند و یقینا اشتباه است، لیکن دانشمند محقق آقای آقامیرزا محمد علی معلم در کتاب «نمونه‌ی مختصر المکارم» آن را در 1275 نوشته‌اند، و این تاریخ به یقین نزدیکتر است.
جد اعلای ایشان شیخ محمد حسن [بن شیخ عبدالله گیلانی] عالم و عارف بوده و او را محمد حسن خان قاجار به اصفهان آورده، و منصب قضاوت بدو داده، که تا این اواخر قضاوت اصفهان در سلسله‌ی ایشان باقی بود.
برادرش: شیخ محمد صالح، عالم و فاضل بوده، در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، و در طهران فوت شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از شاگردان آخوند خراسانی بوده، و [شرح] خطبه‌ی «اول الدین معرفته» را از تقریرات استاد خویش تألیف نموه است، و در حدود سال 1356 در نجف وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالله اصفهانی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/1
زندگینامه علمی
آقای سید عبدالله اصفهانی در سال 1339هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1355 که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی، اخلاقی فراوان برد.
وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1375 به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد.
استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله" تفسیر موضوعی قرآن کریم"، " اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اصفهانی، عبدالمطلب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد حسن کاظمینی، معروف به عباس‌آبادی. عالم فاضل، از شاگردان شیخ احمد احسائی و پیروان او بوده، و در کتب خویش طعن زیاد به مخالفین شیخیه دارد.
کتب زیر از آثار اوست:
1 - الحجة البالغة 2 - رساله در حجیت مظنه (عنوان هفتم کتاب الحجة البالغه است) 3 - رساله رد بداء، در 1277 تألیف شده 4 - نجاة الدارین (عنوان پنجم الحجة البالغه است).
وفاتش پس از 1277 می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید احمد، عالم فاضل جلیل. پدرش از اهل علم و صلاح بوده، و برادرش سید محمد صادق در قریه‌ی دولت‌آباد ساکن، و به ترویج دین مشغول بوده، و در سال 1345 وفات یافته.
پس از آن صاحب عنوان بنا به تقاضای اهل محل بدانجا رفته، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته، در 1374 وفات یافته، در مقبره‌ی امامزاده نرمی مدفون گردید، و تألیفاتی دارد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عماد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعبدالله محمدبن صفی‌الدین ابی الفرج محمدبن حامدبن محمد [بن عبدالله] بن علی بن محمود کاتب اصفهانی.
ادیب کاتب، و فقیه شافعی، معروف به [کاتب اصفهانی، عماد کاتب و] ابن اخی عزیز، در شعبان 519 در اصفهان متولد، و در اصفهان و بغداد تحصیل نموده، سال‌ها در نظامیه‌ی بغداد به کسب علوم پرداخته، در شام به وزارت صلاح‌الدین ایوبی رسیده، سرانجام در دوشنبه غره‌ی رمضان سال 597 وفات یافته، در دمشق مدفون گردیده.
کتب زیر از اوست:
1 - البرق الشامی، در تاریخ، در 7 مجلد 2 - خریدة القصر و جریدة اهل العصر، معروف‌ترین تألیفات او در 10 مجلد 3 - دیوان رباعی 4 - دیوان الرسائل 5 - دیوان شعر، در چهار مجلد 6 - زبدة النصرة، در پاریس و لندن چاپ شده است 7 - السیل علی الذیل، شرح تاریخ بداد 8 - عتبی الزمان 9 - الفتح القسی فی الفتح القدسی، دو جلد 10 - نحلة الرحلة 11 - نصرة العترة، در تاریخ سلجوقی؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، عیسی بن محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از فضلای قرن 13، و مؤلف کتاب «اسرار الانوار» فارسی، در حکایات اخلاقی و مواعظ، در بیست باب. تاریخ تألیف یا کتابت 1215 می‌باشد. از مطالعه‌ی کتاب معلوم می‌شود که مؤلف را از علم و دانش بهره‌ی زیادی نبوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، از علمای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در اصفهان است. مجموعه‌ای از کتب مربوط به نماز جمعه را که تاریخ برخی از آنها 1010 می‌باشد جمع‌آوری نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفهانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمد، از شاگردان وحید بهبهانی است. در سال 1216 به ایران مهاجرت نموده، و چندین سال در کرمانشاه ساکن، و سپس به اصفهان منتقل شده، و در این شهر از جمله اعلام به شمار می‌رفته.
کتب زیر از اوست:
1- انوار البصائر، در انواع علوم، در 12 مجلّد 2- الرسالة المعادیّه، به فارسی 3- زبدة الرجال؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، ناصر الدین خسرو

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب شاعر، مؤلف سعادتنامه‌ی منظوم، متوفی به سال 731. به طوری که در کشف الظنون گفته، و ظاهر عبارت آن است که او غیر از ناصر خسرو علوی قبادیانی متوفی به سال 481 باشد، و این غلط است، و کتاب نامبرده از ناصر خسرو علوی است، و وی اصفهانی نمی‌باشد، و برخی از تذکره‌نویسان مانند آذر و دیگران که وی را اصفهانی نوشته‌اند اشتباه نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی، آیت‌اللّه حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال 1328 هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم ایت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسرو شاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر سید اسماعیل اصفیانی شند آبادی «میرعبداللّه» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت.وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول

عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت:«ایشان هم ملاّ هست تو هم ملاّئی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!»که من خندیدم و گفتم:«تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! امّا ما چی؟!»بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. امّا صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت. «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!»فعالیتهای ضمن تحصیل : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیتهای مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل‌بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدّی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد.همسر و فرزندان : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتنداز:1 - سیدعبداللّه فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران2 - سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی(ره)3 - سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان4 - سیدمحسن اصفیائی پیشه‌وروقایع میانسالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصا آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاریشان مسجد را پر می‌کرد.آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید:«مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای

بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سئوال کردم و پرسیدم، آیا هرکس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «ویناديک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.»زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ 26 آذر 1368، مطابق 18 جمادی‌الاول 1410 هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسؤلیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت.فعالیتهای آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌اللّه بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولّی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهایی مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال 1338 شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم

امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دلهای ما رخنه دهد، آیت‌اللّه شندآبادی بود.آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت.آثار : 1 تحقیق و چاپ «محاسبة‌النفس» سیدبن طاووس 2 کشف‌الریبه ویژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است3 محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - /www.hawzah.net

اصلاح دریسی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1329 ق)، روزنامه‌نگار. وی روزنامه‌ی «اصلاح» را در سال 1327 ق تأسیس کرد و هشت شماره از آن را در بمبئی منتشر کرد. سپس به تهران آمد و به نشر آن ادامه داد. او از آزادیخواهان بود و بیشتر در بوشهر اقامت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (1/ 182- 184)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (1/ 284).

اصلانی، مختار

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مختار اصلانی
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مختار اصلانی در سال 1352 در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.
روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال 1370 وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال 1375 به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.
در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام "تاریخ پیدایش شیعه" بوده است.

اصولی، احسان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احسان اصولی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
در مهرماه 1366 وارد حوزه علمیه کاشان، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر علیه السلام قمصر وابسته به مدرسه علمیه حضرت آیة الله یثربی قدس سره شدم. همزمان با تحصیلات حوزوی در قمصر و کاشان دروس دوره متوسطه را نیز به صورت متفرقه امتحان داده و در سال 1371 دیپلم رشته فرهنگ و ادب را اخذ نمودم.
همزمان با پایان سطح 1 حوزه، در دانشگاه کاشان به صورت شبانه در رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی قبول شده و البته به دلیل آن که دروس حوزوی را نیز مشغول بودم از سال 1374 تا 1381 دوره کارشناسی را به پایان رساندم. از سال دوم حوزه ارتباط با برخی مراکز فرهنگی شهرستان برقرار نموده و در برنامه ریزی و تدریس در آن مراکز فعال بودم. از سال 1374 همکاری با جناب آقای بنی هاشمی در تدوین رساله توضیح المسائل مراجع را آغاز نمودم و پس از آن نیز فعالیتهای علمی و تألیفی مشترک ادامه داشته است.
در سال 1379 برای رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شده و همزمان با حضور در درس خارج فقه واصول، در دوره کارشناسی موسسه نیز شرکت کردم. در سال 1385 نیز دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی موسسه مزبور را شروع کرده و هم اکنون در آستانه نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد می باشم.
از سال 1375 تاکنون تدریس دروس مختلف مدیریت فرهنگی، روش تدریس، نظام سیاسی اسلام، نظام حقوق زن در اسلام و ... را در حوزه علمیه خواهران کاشان بر عهده داشته و بیش از بیست پایان نامه را راهنمایی نموده و یا در موارد بیشتر از این، مشاوره ارائه کرده ام. از سال 1382 تاکنون داوری و ارزیابی پایان نامه های حوزه های خواهران در

استان اصفهان را با حکم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران عهده دار بوده ام.
همچنین از سال 1377 تاکنون توفیق مدیریت برنامه ریزی و اجرایی مرکز فرهنگی تبلیغی قرآن و عترت علیهم السلام وابسته به حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی کاشان را داشته ام. از سال 1384 تاکنون نیز تدریس دروس انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، آشنایی با قانون اساسی ج. ا.ا را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام داده ام.
در قم نیز از سال 1378 تا 1381 در مدرسه علمیه فاطمی به تدریس صرف و نحو و عقائد پایه 1 تا 3 و در مدرسه اهل البیت (ع) عقائد پایه 7 (الهیات آیة الله سبحانی) مشغول بوده ام. خداوند مهربان توفیق روزافزون عطا فرماید.

اطروش، ناصرالحق، ابومحمدحسن

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(304/302 -230/225 ق)، مفسر، متکلم، فقیه، محدث، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ناصر کبیر. جد مادری شریف رضی و شریف مرتضی است. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام هادی (ع) آورده است. حاکم طبرستان بود و از این رو که بر اثر اصابت شمشیری در نبردگاه کر شده بود به اطروش خوانده می‌شد. وی در فقه و دین علامه بود و در شعر توانا. ابن ابی‌الحدید گوید که او صاحب سیف و قلم و از بزرگان فقهای امامیه و شیخ طالبیین و عالم و زاهد و ادیب و شاعر ایشان بود. او اسلام را در میان ساکنان ساحل دریای خزر نشر داد و در حدود دویست هزار دیلمی و گیلانی به دست وی ایمان آوردند، و او را در شهرهای آنان مساجدی بنا کرد. به گفته‌ی طبری و ابن‌اثیر او حاکمی عادل و نیک سیرت بود و مردم همانند او را در عدل و برپایی حق و حسن روش ندیدند. وی سرانجام در آمل طبرستان درگذشت و مزارش در همان شهر زیارتگاه عموم است. تالیفات و آثار وی بیش از سیصد کتاب بوده است. از جمله آثارش: «اصول الدین»؛ «الامالی»؛ «الامامه الصغیر»؛ «الامامه الکبیر»؛ «امهات الاولاد»؛ «البساط»، در علم کلام؛ «تفسیر الاطروش»، در دو مجلد که در آن به 1000 بیت از 1000 قصیده احتجاج کرده؛ «الفقه الناصریه» که شریف مرتضی علم‌الهدی آن را شرح و تصحیح کرد و «المسائل الناصریات» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (216/2)، اعیان الشیعه (184 -179 /5)، الذریعه (299/16، 261/4، 315، 308 /2)، رجال الطوسی (412)، رجال النجاشی (171 -170 /1)، روضات الجنات (253 -251 /2)، ریحانه (98/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 92/4)، الکامل (148/6)، الکنی و الالقاب (232/3)، لغت‌نامه (ذیل/ اطروش)، مروج الذهب، ترجمه (690/2)، معجم المولفین (252/3).

اعتصامی، پروین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
پروین اعتصامی ، دختر یوسف اعتصامی آشتیانی (اعتصام الملک) ، در سال 1285 هجری شمسی در تبریز از مادر زاده شد. او تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رساند و به اخذ گواهینامه ی دوره ی متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ التحصیلی خود خطابه ی « زن و تاریخ » را ایراد کرد. پروین ، ادبیات فارسی و عربی را در نزد پدرش آموخت . پروین در شعر ، سبک اساتید خراسان و عراقی را پسندید و در قصیده ، را ه آنان را دنبال نمود . او سرانجام در شب 16 فروردین ماه سال 1320 در حالی که پروین داشت شوط جوانی را می پیمود ، جهان را ترک گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : پروین دخت اعتصامی دختر مرحوم یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) یکی از گویندگان توانای معاصر در شعر فارسی است.اعتصام الملک از نویسندگان ایران معاصر مدیر مجله معروف« بهار» بود و به شعر و ادب عشق می ورزید.دهخدا درمورد او می نویسد:« یوسف اعتصامی در زبان ترکی اسلامبولی دبیری شیرین سخن و در فرانسه مترجمی توانا و در لسان و ادب عرب بالخصوص یکی از ائمه و ارکان به شمار میرود چنانکه در احاطه به این لغت در ایران بی همال و در مصر و عراق و شام کم نظیر بود.در خطوط اربعه نستعلیق و نسخ و شکسته وسیاق از بسیاری از استادان سلف گوی سبقت ربود. همچنین وی کتابهای بینوایان و خدعه و عشق (شیلر) را ترجمه کرده است.» [پیام نوین- سال دوم, شماره 6, اسفند 1338 .]
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پروین اعتصامی از زمان کودکی با شعر و ادب آشنا شد ، چرا که خانه ی آنها محفل شاعران و فرزانگان آن روزگار بود و پروین با ادبیات و شعر بزرگ شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین اعتصامی در کودکی به همراه خانواده به تهران آمدو مقدمات عربی و برخی متون فارسی را در خانه نزد پدر فرا گرفت. بعد از آموختن ادب فارسی و عربی به مدرسه دخترانه (ایران نبل) که از سوی آمرییکاییان اداره می شد رفت و در سال 1303 شمسی دوره تحصیلی آن مدرسه را به پایان رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین اعتصامی سرودن شعر را از کودکی آغاز کرد. وبا تکامل فکری اشعارش آب و رنگی یافت و آنها را در حضور ادبا و شعرایی که در مجلس پدرش حاضر می شدند می خواندچنانکه مورد تعجب و درعین حال تحسین حاضرین واقع می شد.
همسر و فرزندان : پروین اعتصامی در 19 تیر ماه 1313 با پسرعموی خود به نام فضل الله که رئیس شهربانی بود در کرمانشاه ازدواج کرد.
وقایع میانسالی : پروین اعتصامی چهار ماه پس از عقد با همسر خود به کرمانشاه رفت ، اما از همان آغاز پیدا بود که دیگر با دل و جان به شعر و شاعری نمی پردازد چرا که روح خشن و نظامی شوهرش با روح لطیف پروین هم خوانی نداشت ، پروین نمی توانست برخوردهای او را تحمل کند پس با برادرش راهی تهران شد و سرانجام در 11 مرداد 1314 با چشم پوشی از مهریه از وی جدا شد. این تجربه ی تلخ از زندگانی مشترک ، پروین را در دنیایی از غم و اندوه و انزوا فرو برد و باز هم متوسل به روحیه ی آرام خود شد و از کم وکیف آن با هیچ کس صحبت نکرد فقط چند بیت سرود : ای گل تو زجمعیت گلزار چه دیدی جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی ای لعل دل افروز تا با این همه پرتو جز مشتری سفله به بازار چه دیدی رفتی به چمن ، لیکن قفس شد نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی زندگی نامه شاعران ایران ، تالیف : لیلا صوفی ، ص 224]
زمان و علت فوت : پروین اعتصامی در سوم فروردین 1320 بی هیچ سابقه ای بیمار شد و حصبه گرفت. در لحظات آخر عمر از دایی خود که هر روز بر سر بالین او می آمد خواست تا برای مادر تسکینی باشد و بعد بیهوش شد و در نیمه شب جمعه 15 فروردین 1320 در آغوش مادر جان داد. جنازه پرورین در صحن حضرت معصومه در قم در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد.
فعالیتهای آموزشی : پروین اعتصامی در همان مدرسه ای که دوره ی تحصیلی خود را در آن سپری کرد (ایران نوبل) ، بعد از اتمام تحصیل به تعلیم پرداخت.
آرا و گرایشهای خاص : استاد بهار در مورد اشعار پروین اعتصامی چنین می گوید : «پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید ، حیات , اغتنام وقت ، کسب کمال ، همت ، اقدام نیکبختی و فصیلت سوق می دهد .»او همچنین می گوید :« ... خانم پروین در سروده هایش مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان پرندگان ، از زبان مادران فقیر ، و از زبان بیچارگان بیان می کند.» [چیستا - سال شانزدهم ، شماره ی 151 ، مهر 1377] پروین درزیستن و سرودنش به تک تک عناصر هستی ، دگرگونه می نگرد . در ورای پرده های

پوشاننده ظاهری ، درون و باطن مخلوقات را می نگر د،خود را در هم جوهری روحی با عناصر جهان می بیند وبرای هر یک از اعضا ء وجوارح به ظاهر بی جان آن ، جانی تازه و حالتی ذی شعور متصور می شود . ازنظر گاه او ، جهان و عناصر آن از روح فعال زندگی و خصایص شعور مند برخوردار هستند . دراین نگرش که از نوعی بینش اساطیری و برداشت ازلی انسان باستان از جهان نشات می گیرد ، هر جزیی ازعالم دارای حیاتی پویا ، مستقل ، زنده و زایا است . در شعر او بد نشانه ها و ویژگی ها ی بینش اساطیری می توان اشاره کرد . در جهان شعر پروین همه مخلوقات جهان دارای جان هستند و تک تک عناصر طبیعت را روانی جادویی است . وی در این جهان با عناصر و حوادث طبیعی همانندموجود است از نعمت تفکر و تکلم برخوردار می شوند . در این نوع نگرش و گویش ، شاعر قصه پرداز ، آرمان هاو آوازه های خویش را از زبان عناصر جهان و حتی اشیا ء بی جان و جامدی چون سنگ و چوب می گوید . [احمدی ملکی رحمان . بینش اساطیری درشعر پروین اعتصامی،فصلنامه هنر . دوره جدید ،زمستان 1377 ،پیاپی 38، ص234] ----------
---

آثار :

1 دیوان اشعار

ویژگی اثر : دیوان وی مجموعا 6500 بیت را شامل می شود . حاوی سه قسمت می باشد ؤ قصاید , مثنویات , تمثیلات.درباره سبک اشعار, نظر بهار این است :؛ این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی - آمیخته با سبکی مستقل و آن دو یکی شیوه شعراء خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس بویژه مصلح الدین سعدی :؛ میتوان گفت در قصائد ,طرز گفتارش طوری است و در قطعات طور دیگر. بیشتر قطعات بطرز سئوال و جواب یا :؛ مناظره:؛ بسته شده . در سرودن قطعات , شاعر استقلال طبع نشان داده و ضمن سرودن قطعات که :؛ قدیمی ترین اسلوب حسن اداء مقصود :؛ است این شیوه پسندیده را احیا کرده است. در قطعات پروین و در کلیه اشعارش چیزی که آنها را مشخص می کند هما هنگی فکر و احساس است.در ببعضی از قطعات و بخصوص در قصاید او اندیشه هایی از تصوف و عرفان دیده میشود. او در اشعارش در قالب یک منتقد اجتما عی می رود وتباهی ها را نابود می کند. [پیام نوین- سال دوم , شماره 6, اسفند 1338] ------
---

منابع :

1پیام نوین-سال دوم,شماره 6, اسفند 1338 .2چیستا - سال شانزدهم ، شماره ی 151 ، مهر 13773صوفی, لیلا- زند گینامه شاعران ایران-

انتشارات جاجرمی,1378 .

اعتضادالسلطنه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌قلی میرزا (و. 1234- ف. 1298 ه.ق.). پسر فتحعلی شاه. وی پس از فوت محمد شاه قاجار (1250) در تهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهدعلیا مادر او بود. در 1272 لقب اعتضادالسلطنه گرفت. در 1274 ریاست دارالفنون را داشت. در 1275 اولین خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را به اتمام رسانید و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و مدیریت چاپخانه را به عهده گرفت، و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم است. از تألیفات اوست: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران 1273)، فلک السعاده، در رد اقوال اختر شناسان و کهنه (تهران 1278)، ترجمه کتاب الآثار الباقیه و اکسیر التواریخ، کتابی در تاریخ متنبئین (همه خطی).
(1298 -1234 ق)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. وی سمت پیشکار مهدعلیا را داشت و در دوره‌ی صدارت امیرکبیر سمت خود را حفظ کرد و با مهدعلیا و میرزا آقاخان نوری علیه امیرکبیر همکاری می‌کرد. در این مدت فنون شعر و ادب و حکمت و ریاضی را فراگرفت و به مطالعه‌ی کتاب و معاشرت با اهل فضل و ادب مشغول بود. کتابخانه‌ی مهم و معتبری فراهم آورد که بعدها تمام آن را برای مدرسه‌ی سپهسالار جدید خریداری و وقف آن مدرسه کردند. در سال 1272 ق به اعتضادالسلطنه ملقب شد. سمتهایی چون ریاست مدرسه‌ی دارالفنون و وزارت علوم و صنایع و تجارت و اداره‌ی تلگرافخانه و معادن و روزنامه‌های دولتی و علمی و چاپخانه‌های تهران، ولایات و حکومت ملایر و تویسرکان همه بر عهده‌ی او بود. در سال 1283 ق روزنامه «ملت سنیه ایران» را انتشار داد و پس از انتشار دو شماره، نام آن به روزنامه‌ی «ملتی» تبدیل شد. در زمان وزارت علوم چندین نشریه تحت‌نظر وی دایر گردید: روزنامه‌ی «ملت علیه ایران» در دو شماره، روزنامه‌ی «ملت سنیه ایران» سابق‌الذکر در دو شماره، «روزنامه‌ی ملتی» 34 شماره، روزنامه‌ی «علمیه‌ی دولت علیه ایران» 53 شماره به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه. در شب عاشورا در شصت و چهار سالگی درگذشت و در یکی از حجرات جنب مزار حضرت عبدالعظیم دفن شد. آثار وی علاوه بر انتشار روزنامه‌ها: «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان»؛ «فلک السعاده» در ابطال

ستاره‌شناسی؛ «اکسیر التواریخ»؛ «تاریخ متنبئین»، که قسمتی از آن به نام «فتنه‌ی باب» در تهران چاپ شده است.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (196/ 1)، تاریخ تذکره‌های فارسی (635 -633/ 2)، تاریخ جراید (240 -237، 48 -45/ 4، 307 -305/ 2)، تاریخ در ایران (81)، حدیقه الشعراء (1296 -1291/ 2)، دایره‌المعارف فارسی (167)، سرآمدان فرهنگ (167 -166/ 1)، شرح حال رجال (447 -442/ 2)، فرهنگ سخنوران (692)، المآثر و الآثار (194 -193)، مؤلفین کتب چاپی (571 -569/ 4).

اعتماد السلطنه صنیع الملک، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1259 ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به صنیع‌الدوله و موتمن‌السلطنه. از شاگردان دوره‌ی اول رشته‌ی نظام مدرسه‌ی دارالفنون بود و در سن شانزده سالگی به منصب سرهنگی ارتقاء یافت و به ریاست قشون و نیابت حکومتهای خوزستان و لرستان منصوب و پس از آن معاون وزارت عدلیه شد. اعتمادالسلطنه ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در پاریس بود، به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و بعد از بازگشت به ایران، علاوه بر مترجمی مخصوص شاه، موضوعاتی را از کتب فرانسه، برای «روزنامه‌ی دولتی» ترجمه می‌کرد. وی در 1288 ق ریاست دارالطباعه‌ی دولتی را بر عهده داشت و وزیر انطباعات شد و زیر نظر او روزنامه‌ی «ایران سلطانی» و «مریخ» و روزنامه‌ی «نظامی» و ماهنامه‌ی «علمی» و روزنامه مصور «شرف» منتشر می‌شد. وی با سید جمال‌الدین اسدآبادی مکاتبه و مراوده داشت. در تهران سکته کرد و در نجف اشرف دفن شد. آثار وی: «وقایع یومیه» شانزده سال اواخر عمر او که تمام مجلدات خطی آن در هشت جلد در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛ «منتظم ناصری»، در سه جلد، به صورت تاریخ عمومی از صدر اسلام تا زمان مولف؛ «مطلع الشمس»، در جغرافیا و تاریخ خراسان؛ «مرآت البلدان» در جغرافیای ایران که ناتمام مانده؛ «المآثر و الآثار»؛ «دررالتیجان فی تاریخ بن الاشکان»؛ «التدوین فی جبال شروین»؛ «خیرات حسان»، تاریخ مشاهیر زنان؛ «خلسه» یا «خوابنامه»؛ «تاریخ فرانسه». از معروف‌ترین ترجمه‌های اوست: «خاطرات مادموازل دومونت پانسیه»؛ «شرح احوال کریستف کلمب»؛ «سرگذشت خانم انگلیسی»؛ «طبیب اجباری».[1]
(ع. مورد اعتماد پادشاهی) محمدحسن خان مقلب به صنیع‌الدوله که بعدها معروف و ملقب به اعتمادالسلطنه گردید (ف. 1313 ه.ق.). از مقربان دربار ناصرالدین شاه و وزیر انطباعات، وی دارای تألیفات متعددی است از جمله مرآة البلدان (ه. م.)، مطلع‌الشمس (ه. م.) خیرات‌الحسان (ه. م.) والمآثر و الآثار، و منظم ناصری در تاریخ و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (271 -264 /1)، تاریخ تذکره‌های فارسی (616 -611 /1)، تاریخ جراید (204 -203 /4، 61 -59 /3، 312

-305 /1)، تاریخ در ایران (83 -82)، دایره‌المعارف فارسی (168/1)، الذریعه (120/25، 122/8، 267/7، 272/3)، ریحانه (151/1)، سرآمدان فرهنگ (167/1)، شرح حال رجال (348 -330 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ اعتمادالسلطنه)، معجم المولفین (200/9)، یادداشتهای قزوینی (152 -151 /8)، یادگار (س 3، ش 3، ص 36)، یغما (س 17، ش 8، ص 390 -383).

اعتماد کربلائی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مصطفی اعتماد کربلائی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محسن فرزند آقا سید محمد فرزند علامه شهیر آقا سید حسین بهبهانی حایری فرزند عالم بزرگ آقا سید سعید از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در ماه شعبان 1346 ق در کربلای معلی متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات خدمت اساتید بزرگ مقداری از علم بلاغت و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیاری شاهرودی استفاده نموده آنگاه به درس خارج اساطین علم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه میرزا هادی خراسانی و بیشتر حضرت آیت‌اللّه العظمی حج سید محمدهادی میلانی فقهاً و اصولا بهره‌مند شده و علم کلام و معقول را از مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدرضا اصفهانی فراگرفته و جدیت و کوشش در تحصیل نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد نائل و موفق به اخذ اجازات اجتهاد از علماء اعلام گردیده و در موقع اقامتشان در کربلا در حرم مطهر حسینی اقامه جماعت و در صحن مقدس اشتغال به تدریس داشته و جمعی از طلاب از درس و محضر و فقه و اصولش استفاده می‌نمودند.
معظم له دارای آثار و تألیفات عدیده به اسامی زیر می‌باشند
1- کتاب بلاغةالحسین (ع) که تاکنون هفت مرتبه به طبع رسیده است.
2- کتاب وحی الفطره در اصول دین 3- وحی الاخلاق.
4- سیدالشهداء 5- کتاب روائع در کلمات امام حسن (ع)
6- شرح بر قصائد مثیرالاخوان 7- شرح مزجی بر کفایه.
8- شرح استدلالی بر بعضی از کتابهای تبصره 9- شرح استدلالی بر مناسک آیت‌اللّه خوئی.
10- شرح استدلالی بر عروةالوثقی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتماد کریمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد کریمی اعتماد فرزند حاج میرزا عباس کریمی ذاکر الحسین علیه‌السلام در سال 1304 هجری شمسی در حومه اراک به دنیا آمد و در مهد دانش و ورع پرورش و پس از خواندن دروس ابتدائی اشتغال به تحصیل علوم دینی نمود.
و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء اعلام اراک آموخته و بعد مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از محضر مدرسین بزرگ قم فراگرفته سپس به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و بالاخص آیت‌اللّه مرعشی نجفی و دیگران شرکت و استفاده نموده و برای تبلیغ و ارشاد مردم مسافرت به بنادر دوردست چون بندرعباس و بندرلنگه و به ویژه شهرستان میناب نموده و در آن منطقه خدمات چشمگیر و ارزنده‌ای انجام داده و تا حال تحریر که سال 1411 قمریست اکثر سال را در آن منطقه گرمسیری و حرارت بیش از پنجاه درجه به سر برده و ایفاء وظیفه می‌نماید و چند مرتبه هم مشرف به حج بیت‌اللّه الحرام شده و در سال 1354 شمسی در حج بودند که مرحوم والدشان حاج میرزا عباس پس از سخنرانی و گفتن مسائل حج و احکام اسلامی و بیان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام دنیا را وداع گفته و در شب عید غدیر سال 1394 قمری به رحمت حق پیوسته و به لقاءاللّه رسیدند.
آقای کریمی یاد شده دارای اجازات روائی و امور حسبیه و غیره از آیات عظام زیر می‌باشند:
1- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم
2- آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی
3- آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی
4- آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی
5- آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری
6- آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس سره
7- آیت‌اللّه میلانی طاب‌اللّه ثراه
8- آیت اللّه مدرس تبریزی
دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.
1- الشیعه و ولید الکعبه تحقیقی در پیرامون سنت

2- نخبه المواعظ در خصوص صله رحم و حقوق والدین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اعتماد، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی اعتماد الواعظین شمس گیلانی رشتی از خطباء و دانشمندان مبرز و مشهور شهرستان رشت بوده‌اند.
وی در سال 1323 قمری در رشت متولد و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری فقهاً و اصولا و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی آشتیانی معقولا و دیگران استفاده نموده آنگاه به گیلان و وطن خویش بازگشت.
و از راه منبر به ارشاد و هدایت مردم و نشر احکام و معارف اسلام پرداخته و شهرت بسزائی یافته و هزارها مردم غافل و منحرف را به سوی حق رهبری نموده وصیت و شهرتش به تمام گیلان و مازندران و آذربایجان و غیره رسیده و مورد استقبال مردم قرار گرفته که در ماه مبارک رمضان و محرم و صفر و غیر آن با دعوت قبلی از بیاناتش استفاده می‌نمودند.
و حقا مردی دانشمند و محقق و استاد در فن منبر و دارای معقول و منقول و مورد توجه علماء و مراجع گیلان و ایران و عراق بود
در سال 1382 قمری پیامی از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله برای دو نفر از زعماء و مراجع بزرگ قم آورده بود که نگارنده هم با مصاحبت ایشان در یک روز چندین مرتبه خدمت علمین رفت و آمد نمودیم مرحوم اعتماد بعد از مراجعت به قم در سال 1387 ق در رشت وفات نمود.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش زبدة الخطباء المعاصرین و عمدة الوعاظ والمحدثین آقای حاج شیخ حسن شمس گیلانی واعظ که از گویندگان مشهور معاصر تهرانست.
وی در رشت متولد و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات به نجف مهاجرت و پس از استفاده از محاضر آیات عظام نجف به قم آمده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران بهره‌مند شده و به تهران رحل اقامت افکنده و تاکنون به خدمات دینی از راه منبر اشتغال دارد
وی دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از نظرتان جلوه می‌دهم
1- تاریخ علماء و شعراء گیلان طبع: تهران
2- ترجمه مکالمات حضرت رضا (ع) با ملل و مذاهب مختلفه طبع: تهران
3- باغوحش یا دورنمای دنیای روز طبع: قم

4- کشکول شمس طبع: تهران
5- اوراق سیاه یا گوشه‌ای از جنایات بنی‌امیه طبع: تهران
6- شعله‌های آتش یا پاره‌ای از سخنان حسین و یارانش طبع: تهران
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اعتمادزاده، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی‌اصغر بن مرحوم ثقةالمحدثین حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین تهرانی از افاضل دانشمندان و وعاظ معاصر تهرانست، وی در حدود سال 1330 قمری در تهران چشم به دنیا گشوده و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات و ادبیات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مدرسین دیگر متون فقه و اصول را به پایان رسانیده و پس از آن مراجعت به تهران و از محضر بعضی اعلام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه شاه‌آبادی و غیره استفاده و تا حال حاضر از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبانی اخلاق و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج اعتمادزاده از وعاظ نامی و محدثین گرامی حاضر است و در میان مردم تهران و بالاخص متدینین محبوبیت و موقعیت خاصی دارد، و جدا دانشمندی متین و واعظی با کمال و موصوف به تقوا و متانت است.
مرحوم والدش حاج شیخ علی‌اکبر اعتمادالواعظین از بزرگان اهل منبر تهران بودند که به عللی تهران را ترک و به عتبات عالیات مهاجرت و تا آخر عمر مجاورت کاظمین علیهاالسلام را اختیار و در همانجا بدرود حیات گفته و در جوار آن بزرگواران مدفون شده است.
وی دانشمندی ظریف و خوش‌مجلس و مزاح و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب بودند از باقیات الصالحات مترجم گرامی فرزند ارجمند و فاضل او ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا نجم اعتمادزاده است که از وعاظ جوان و خطباء خوش‌بیان معاصر است.
ایشان در حدود 1354 ق در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و عمل پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه برای تحصیل علوم عربی و دینی به قم مهاجرت و چندین سال اشتغال به تحصیل داشته و متون فقه و اصول را از مدرسین معروف حوزه آموخته و چند سالی به درس خارج آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و بعضی دیگر شرکت نموده و پس از فوت مرحوم بروجردی به تهران برگشته و تا هم‌اکنون به تبلیغ دین و وعظ و خطابه اشتغال دارد. و مانند والد گرام وجد عالیمقامش واعظ شیرین و متین و اخلاقی و واجد مقام

فضل و دانش می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس اعتمادی بن حجةالاسلام عالم فاضل آقا سید محمود بن حجةالاسلام آقا سید رضی بن العالم الجلیل آقا سید مهدی کاشانی از علماء و فضلاء معاصر کاشانست پدرانش همگی از سلسله سادات و علماء کاشان بوده‌اند- وی در 29 ماه ذی‌الحجه 1348 قمری در کاشان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به ارشاد والدش به تحصیل علوم عربی پرداخته و مدت دو سال ابتداءاً در حوزه مرحوم آیت‌اللّه یثربی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود نجفی اشتغال داشته.
و در سال 1326 شمسی به قم مهاجرت نموده و تا سال 1334 شمسی اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد استفاده نموده و نیز از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی عراقی بهره‌مند شده و مدت چهار سال از دروس خارج آیات عظام مذکور کامیاب گردیده آنگاه به مشهد مقدس رضوی مشرف و دروس حکمت و فلسفه را در آنجا از مرحوم کلباسی و استاد فیض استفاده کرده سپس مشرف به نجف و در مدرسه آیت‌اللّه بروجردی اقامت و از اول ورود به حوزه درس آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظلله حاضر و نزدیک دو دوره از اصول آن بزرگوار و نیز در بحث فقه آن استاد بزرگ تا پایان توقف در نجف شرکت نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه سبحانی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرس یزدی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و بالاخص بحث خصوصی مرحوم آیت‌اللّه حاج سید جواد طباطبائی تبریزی (قالب مثالی آیت‌اللّه بروجردی در شباهت) استفاده نموده تا در ماه شعبان 1381 قمری از نجف مراجعت و به امر والده‌اش به کاشان رحل اقامت افکنده و تاکنون به وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد اعظم (کرسی) و ارشاد انام و تبلیغ احکام و خدمات دیگر اشتغال دارند
از آثار ایشانست در این شهرستان ساختمان (دارالعلم اسلامی) که مرکز مطالعه عمومی و دارای کتابخانه معظم و مدرسه علمیه است و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد خدمات معظم له گشته‌ام

دیگر از آثار خالده معظم له- از این قرار است 1- مسجد اعظم کرسی با سقف آئینه که در ایران کم‌نظیر است 2- مسجد النبی (ص) که از مساجد آبرومند کاشانست 3- مسجد خاتم‌الانبیاء که بهترین مسجد مدرن شهر است 4- مسجد جامع حضرت امیرالمؤمنین (ع) که بسیار مجلل است 5- مسجد مهدیه که در خارج شهر بنا نموده‌اند 6- مسجد الحسین (ع) در همان محل 7- مدرسه علمیه و کتابخانه عمومی که در مرکز شهر بنام (دارالعلم) اسلامی کاشان که اشاره نمودم- و اما آثار قلمی 1- دیوان اشعار در دو جلد 2- کتاب کشکول اعتمادی به نام (ویترین) 3- حقیقت مرام در اجتماع یا یک ایده‌لوژی صحیح- معظم له دارای اجازه عدیده از مراجع نجف و قم می‌باشند

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

اعتمادی، محمد هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هادی اعتمادی بلیانی
محل تولد : کازرون
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1350 هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.
رسائل را در محضر آیة الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفابه را در محضر استاد عالی قدر آیت الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت 6سال در درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعرافی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا اعرافی
محل تولد : میبد- محله شهیدیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال 1338 در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.
استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال 1349 به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال 1356 به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.
او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.
استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد

استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.
استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجةالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجةالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجةالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجةالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.
حجةالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیة) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.
او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد.
استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.
او در سال 1371 با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعرج نیشابوری، نظام‌الدین حسن

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته‌اند و بعضی به او نسبت تشیع داده‌اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور و به آورده‌ی برخی از مآخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم بود. وی از شاگردان قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی به شمار می‌آمد. در پاره‌ای از منابع وی جزو علمای سده‌ی نهم قمری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور او را در حدود 850 ق ذکر کرده‌اند، در حالی که برخی از منابع 728 ق را تاریخ صحیح اتمام می‌دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش، قطب‌الدین محمد بن مسعود شیرازی، تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر قطب‌الدین شیرازی به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م 711 ق) نوشته است، «توضیح التذکرة»، شرح «تذکرة النصیریة» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در 711 ق تألیف نموده است؛ شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح‌العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله‌ای در «علم الحساب».[1]
نظام‌الدین حسن بن محمد نیشابوری (ف. 900 ه.ق). از علمای قرن نهم است. آثارش: کتاب «شرح تذکره‌ی طوسی» در هیأت، کتاب «شرح مجسطی»، کتاب «شرح نظام» در صرف، کتاب «تفسیر» معروف به تفسیر نیشابوری و شرحی بر کتب زیج.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (234 ،233/ 2)، اعیان‌الشیعه (249 -248/ 5)، الذریعه (284/ 18 ،32 -31/ 16 ،142/ 13 ،72/ 10 ،492 ،206/ 4 ،121/ 3 ،480/ 2)، روضات‌الجنات (101 -96/ 3)، ریحانه (199 -197/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 47 -46/ 8)، کشف‌الظنون (1763 ،1595 ،1195 ،1062 ،1021 ،392 -391)، الکنی والالقاب (256/ 3)، معجم‌المؤلفین (291 ،282 -281/ 3)، هدیة‌الاحباب (257)، هدیة‌العارفین (283/ 1).

اعرجی، محمد اسماعیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر ابو صالح حسینی سبزواری اصفهانی. امام جماعت و واعظ مسجد شاه، و صاحب تألیف و تصنیف بوده، از آن جمله است: 1- رساله‌ای در اصول دین 2- رساله‌ای در تجوید 3- کتابی در ادعیه.
وفات او در اواخر قرن دوازدهم بوده، و ایشان را سه پسر است:
1- میر محمّد رفیع 2- میر محمّد تقی، شیخ الاسلام ماربین 3- میر محمّد باقر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اعلایی بنابی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اعلایی بنابی
محل تولد : بناب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/10/1
زندگینامه علمی
از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.
در سال 1375 پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، مغنی، اصول فقه مظفر و... . از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.
در سال 1378 به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایة الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم.
در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.
بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایة الحکمه، نهایة الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایة الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

اعلمی حائری، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین اعلمی حائری در سال 1320 ق. در خطّه کویری نائین در روستای مهرجان، که در حوزه جغرافیایی جندّق از توابع شهرستان نائین قرار دارد، دیده به جهان گشود.در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می گذشت، به سال ه.ق روانه حوزه نجف شد و درمدت اقامت خود دراین شهر، شب و روز درس می خواند، پژوهش و مطالعه می کرد و از محضر بزرگان ومجتهدان معروف کسب فیض می نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : محمد حسین در خاندانی به دنیا آمد که فضای آن، به نور دانش دینی و ارزش‌های متعالی مذهبی، روشن بود. او در سایه پر مهر و محبت پدرش، دوران کودکی را پشت سر نهاد و کتاب‌های دینی، بویژه قرائت قرآن مجید، را از پدر دانشمند خود فراگرفت. پدر محمدحسین اعلمی، به شیخ سلیمان مهرجانی، شهرت دارد. با پژوهش و مطالعه در زندگی فرزندش، بر می‌آید که او یکی از عالمان آن دیار و از شأن و منزلت والایی برخوردار بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هنگامی که محمدحسین اعلمی حائری ، به سن ده سالگی می‌رسد، درسال 1330 ق، همراه پدر، روانه مشهد مقدّس و حوزه پربار طوس گردید. از قرائن برمی آید در مدّتی که او در مشهد به تحصیل اشتغال داشته، پدرش نیز با او بوده است.محمدحسین در جوار بارگاه حضرت رضا (ع) به فراگیری دانش‌های رسمی دینی پرداخت و مقدّمات دروس حوزه، همانند صرف و نحو و منطق و مقداری از اصول فقه، را نزد استادان حوزه مشهد، فراگرفت. در این که استادان او در مشهد چه کسانی بودند و چند بهار از عمر خویش را در این شهر سپری کرد و دقیقاً چه درس‌هایی را آموخت، چندان روشن نیست؛ ولی گویا چهار پنج سال در مشهد به ادامه تحصیل پرداخت. در نجف، تحصیل جدّی این طلبه جوان برای آموختن علوم دینی و مبانی اجتهاد آغاز می‌شود. در مدت اقامت خود در این شهر، شب و روز درس می‌خواند، پژوهش و مطالعه می‌کرد و از محضر بزرگان و مجتهدان معروف کسب فیض نموده تا این که پس از هفده سال تلاش به درجه اجتهاد نایل شد.او ضمن این که در درس بزرگان علوم فقه و اصول شرکت می‌جست، خود نیز کتاب‌های سطوح حوزه مانند مکاسب و رسائل و کفایه را تدریس می‌کرد و جمعی از طلاب و فضلا در

حوزه درس او حاضر می‌شدند. این بزرگوار از دو تن از استادان برجسته نجف؛ مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی، اجازه اجتهاد گرفت و نیز اجازه‌های روایتی فراوانی از بزرگان حدیث و رجال، دریافت کرد.محمدحسین اعلمی، وقتی که از مکّه به نجف برگشت، چندان در نجف باقی نماند؛ بلکه بلافاصله از آنجا به سوی کربلا حرکت نمود و در جوار قبر مقدس حضرت امام حسین (ع) اقامت گزید. او در حوزه کربلا نیز از تحصیل دانش باز نایستاد و از محضر فقیهانی چون: آیةاللّه آقاحسین قمی، آیةاللّه سیدمهدی شیرازی و آیةاللّه شیخ هادی، بهره جست. وی در سال 1374 ق. کربلا را ترک گفت و برای سومین بار، جهت زیارت مرقد نورانی حضرت علی بن موسی (ع) رهسپار خراسان شد. او در مشهد علاوه بر زیارت، از تحقیق غافل نبود و برای تکمیل دائرةالمعارف، که یکی از آرزوهای این مرد دانش‌پژوه بود، از کتابخانه پرمایه رضوی بهره‌های فراوانی برده، مطالعات دامنه‌داری را انجام داد و اندوخته‌های علمی خود را در فیش‌هایی یادداشت می‌کرد. مدت اقامت ایشان در مشهد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ ولی گویا بیشتر از سه چهار ماه در آنجا مقیم نبوده است.باری، وی بعد از تکمیل پژوهش، عازم تهران شد و از بیشتر کتابخانه‌های معروف آن زمانِ تهران نیز بهره گرفت؛ از جمله: کتابخانه مجلس شورای ملّی و مَلِک.خاطرات و وقایع تحصیل : محقّق بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری ، در دورانی که در حوزه نجف اشتغال به درس و تدریس داشت، برای اوّلین بار روانه مکه شد. او ابتدا، به شهر مدینه رفت، بعد از زیارت تربت پاک رسول اکرم (ص) و امامان معصوم شیعی و شهدای مدفون در قبرستان اُحد، راهی مکه شد و ضمن انجام مناسک حج، با شخصیت‌های برجسته اسلامی ملاقات و درباره مسائل علمی، با آنان به مباحثه و مناظره پرداخت و از مکتب شیعه و اندیشه‌های تابناک عالمان شیعی، جانانه دفاع کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسین اعلمی حائری در مقطع نوجوانی دل و جانش همچنان تشنه کسب معارف دینی بود و گویا حوزه مشهد، عطش علمی او را فرو ننشانده، از این رو، مترصد فرصتی بود تا به حوزه پرآوازه شیعه، نجف‌اشرف، هجرت کند.در حدود سال 1335 ق. همراه پدرش از مشهد به زادگاهش مهرجان، برگشت و برهه‌ای از عمر خود را در آنجا سپری کرد. در این ایام که محمدحسین به سن بیست سالگی رسیده بود، برابر مقرّرات آن زمان، به خدمت سربازی فراخوانده شد. حدود هشت ماه از خدمت را گذرانده بود که بنابر عللی از ادامه خدمت معاف شد. از این پس، عزم خویش را جزم کرد و راهی کعبه دل‌ها، نجف‌اشرف، شد. در حالی که بیست بهار از عمر محمدحسین اعلمی می‌گذشت، به سال 1340 ق. روانه حوزه نجف شد. او راه طولانی نایین تا بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) را گاه پیاده و گاه سوار بر مرکب،

طی می‌کرد. وی پس از ورود به عراق، ابتدا به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء (ع) و سایر شهدای نینوا شتافت و سپس راهی شهری شد که از سال‌ها پیش، قلب او برای رسیدن به آن، می‌تپید. از آنجا که محمدحسین اعلمی شیفته فهم و حفظ احادیث امامان شیعه بود و زحمات فراوانی در این راه کشید، مفتخر به دریافت اجازه نقل روایت از مشایخ حدیث شد. آن زمان، که عصر مرجعیت آیةاللّه بروجردی بود، حوزه علمیه قم به تازگی به وسیله حضرت آیةاللّه حائری یزدی بنیان‌گذاری شده بود و از رونق خاصی برخوردار بود. مرحوم اعلمی برای غنا بخشیدن به مطالعات و پژوهش‌های خود، آهنگ قم کرد و بعد از ورود به این شهر، خانه‌ای برای سکونت خانواده‌اش خرید؛ ولی او که برای انجام تحقیقات و تکمیل دائرةالمعارف خود، بیشتر اوقات در حجره‌ای در مدرسه فیضیّه قم سکونت داشت تا هم بتواند بیشتر به حرم حضرت معصومه (س) مشرّف شود و هم از کتابخانه مدرسه فیضیّه بهره گیرد. زمان ورود او به حوزه علمیه قم اواخر سال 1374 ق. استت. محمدحسین اعلمی با این که از آیةاللّه نائینی و بعضی دیگر از مراجع نجف، اجازه اجتهاد داشت، ولی باز وجود آیةاللّه بروجردی را غنیمت شمرد و چندی در حوزه تدریس آن بزرگوار در حرم مطهّر و مسجد اعظم قم حاضر می‌شد.به هر حال در مدرسه فیضیه و حوزه علمیه قم، زحمات چندین ساله او نتیجه داد و برخی از مُجلّدات دائرةالمعارف اعلمی را به مرحله چاپ رسانید.استادان و مربیان : از استادان محمد حسین اعلمی حائری می توان به موارد زیر اشاره کرد: میرزا حسین نائینی مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی در روزگاری که محمدحسین اعلمی در نجف درس می‌خواند، این حوزه در بهترین موقعیت علمی خود قرار داشت و استوانه‌های بزرگ علم در این حوزه زندگی می‌کردند. آقای اعلمی، نزد تعدادی از برجسته‌ترین آنان حاضر می‌شد و از دانش آنان، بهره می‌برد. در این جا به نام چند نفر آن‌ها بسنده می‌کنیم:.1 مرجع بزرگ شیعه، آیةاللّه سیدابوالحسن اصفهانی؛.2 مرجع عالی شیعه و بزرگ‌ترین اصولی عصر خود، آیةاللّه محمدحسین نائینی؛.3 فقیه و اصولی نامور، آیةاللّه ضیاءالدین عراقی؛.4 آیةاللّه محمدحسین اصفهانی؛.5 زاهد و عارف مشهور، مرحوم شیخ علی قم؛.6 سید محمد یزدی فرزند آیةاللّه سید محمدکاظم یزدی؛آقای اعلمی بعد از اقامت 17 ساله در نجف، به قصد زیارت مرقد امام رضا (ع) به سوی مشهد مقدس حرکت کرد و بعد از زیارت قبر آن حضرت مجدداً به نجف بازگشت و سه سال دیگر در این شهر اقامت کرد. در همین زمان بود که مرجع بزرگ شیعه، آیةاللّه سیدابوالحسن اصفهانی دستور داد که جمعی از نخبگان دور هم گرد آیند و به تحقیق، تنظیم و ترتیب احادیث کتاب وسائل‌الشیعه بپردازند. از جمله اعضای این گروه، محمدحسین اعلمی و دیگری آیةاللّه

سیدمحمدهادی میلانی بودند. این گروه روی چند نسخه از آن کتاب پژوهش و تحقیق می‌کردند. نوشته‌اند یکی از معتبرترین نسخه‌های وسائل‌الشیعه نزد محمدحسین اعلمی بوده است. از استادان کربلا می توان به موارد زیر اشاره کرد: آیةاللّه آقاحسین قمی آیةاللّه سیدمهدی شیرازی آیةاللّه شیخ هادیهمسر و فرزندان : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری صاحب چند فرزند بود که اکثر آنان، از کسانی بودند که راه پدر بزرگوار خود را ادامه دادند و در نشر و گسترش آموزه‌های دینی و نشر کتاب‌های علمی و دینی، نقش برجسته‌ای داشتند. مناسب است شرح حال کوتاهی از آنان را بیاوریم:.1 محمدحسن اعلمی؛ در نجف به دنیا آمد. او سالیان درازی در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم دینی مشغول بود و به موقعیّت بالای علمی دست یافت. آن گاه از عراق به ایران آمد و در تهران اقامت گزید و برای نشر کتاب‌های دینی «مؤسسه طبع و نشر اعلمی» را بنیان نهاد..2 محمدحسین اعلمی؛ او نیز، که همنام پدرش بود، در نجف دیده به جهان گشود و نزد پدر خود به تحصیل علوم دینی رایج در حوزه نجف پرداخت. وی نیز علاقه و شوق فراوانی به امور فرهنگی نشر آثار دینی داشت.وی بعد از حاکمیّت حزب بعث عراق، تبعید شد و روانه سوریه و لبنان گردید. وی «بیروت» را بهترین شهر برای تحقّق بخشیدن به اهدافِ بلند خود برگزید و از این رو، در آنجا مؤسسه انتشارات اعلمی را بنیان نهاد. این مؤسسه که یکی از پر رونق‌ترین و پرتلاش‌ترین بنگاه‌های انتشاراتی بیروت است، از گذشته تاکنون کتاب‌های زیادی را چاپ و منتشر کرده است.ایشان بخصوص شیفته نشر آثار امامان شیعی و عالمان بزرگ شیعه بود و مسافرت‌های فراوانی انجام داد؛ به مصر، هندوستان و چند کشور دیگر عزیمت کرد و با عالمان معروف این ممالک ملاقات‌ها و مباحثاتی داشت؛ از جمله در قاهره با شیخ شلتوت، عالم برجسته و مفتی اعظم مصر، ملاقات و مذاکراتی انجام داد..3 شیخ محسن اعلمی؛ که گویا در کربلا پا به عرصه وجود نهاد. وی بعد از این که چند سال از عمر خود را در کربلا سپری کرد، به ایران آمد و در قم اقامت گزید و در قم رحلت کرد..4 علی محمداعلمی؛ او هم از عراق به ایران آمد و در مشهد مقدس ساکن شد.مرحوم محمدحسین اعلمی یک فرزند دختر هم داشت که شوهرش مرحوم سیدحسین شهرستانی بود.زمان و علت فوت : علامه بزرگوار محمدحسین اعلمی حائری بعد از عمری زندگی، زهد و تقوا و تحصیل و تحقیق، از این دنیا رخت بربست. او در سال 1393 ق(1351 ش) در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (س) چشم از جهان فرو بست. برای تشییع بدن پاک او، جمعیت زیادی حضور یافتند و از او به خوبی تجلیل شد.(23) سپس پیکر او را در جوار حضرت معصومه (س) در آستانه درب ورودی به صحن بزرگ، به خاک سپردند. نوشته لوح قبر او چنین است:

«محمدحسین اعلمی حائری. عاش سعیداً و مات سعیداً».فعالیتهای آموزشی : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری در حوزه کربلا هم، از تدریس غافل نبود. هر چند به طور مشخص معلوم نیست چه کتاب‌هایی را درس می‌داد، می‌توان حدس زد که او به تدریس کتاب‌هایی چون: مکاسب و کفایه اشتغال داشته است. گفته شده که او در مدرسه هندی، یک ساعت بعد از طلوع آفتاب تا یک ساعت به ظهر، چند کتاب را برای طلّاب کربلا درس می‌گفته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل کتابخانه بزرگ و ارزشمند محمدحسین اعلمی حائری در کربلا بود؛ حتی پاره‌ای از محقّقان، برای استفاده از نسخه‌های نفیس و کمیاب، به این مرکز فرهنگی مراجعه می‌کردند. در همین شهر بود که بنیاد تألیف دائرةالمعارف بزرگ شیعی تأسیس و مطالب اساسی آن گردآوری شد.آرا و گرایشهای خاص : مرحوم محمدحسین اعلمی حائری ، دانشوری فرزانه بود که خود را به صفات ارزشمندی چون زهد، قناعت، پشتکار، عشق به عبادت و راز و نیاز به درگاه معبود زینت داده بود. در حالات او نوشته‌اند که همیشه ساعتی پیش از طلوع فجر، بیدار می‌شد و به عبادت می‌پرداخت. در مدت اقامت در نجف و کربلا و قم، نماز شب خود را در حرم امامان معصوم (ع) و حضرت فاطمه معصومه (س) به جا می‌آورد و سپس نماز صبح و مستحبّات و تعقیبات نماز را انجام می‌داد.ایشان فردی بسیار فروتن بود. به کوچک و بزرگ سلام می‌کرد و کمتر رخ می‌داد که کسی در سلام کردن، بر او پیشی گیرد.نمازهای واجب را غالباً با جماعت می‌خواند و تفاوت نداشت که خود، امامِ جماعت باشد یا در ردیف مأمومین قرار گیرد.او فردی بسیار قانع بود. از مال و منال دنیا به اندک بسنده می‌کرد و هرگز فریفته زرق و برق و ریاست‌های ظاهری دنیا نشد. او علاوه بر دوری از محرّمات، بیشتر مکروهات را نیز انجام نمی‌داد و بیشتر روزها، روزه می‌گرفت. او در زهد و پرواپیشگی به مقامی رسید که در میان عالمان حوزه علمیّه حتی مردم کوچه و بازار، به «ابوذر زمان» شهرت یافت.آثار : 1 اعلام النساء ویژگی اثر : اثر دیگر ایشان کتاب تراجم «اعلام النساء» است که در کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی در قم موجود است.2 مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر ویژگی اثر : کتاب عظیمی به نام مقتبس الاثر فیما دُثر من الخبر تألیف کرد که بعداً به «دائرةالمعارف اعلمی» اشتهار یافت.این اثر ارزشمند و جامع، حدود 30 جلد است که تمامی آن‌ها به زیور طبع آراسته شده است و در دسترس پژوهشگران جهان اسلام، بلکه سایر ملل، قرار دارد. آغاز این کتاب ارزشمند با چند تقریظ از بزرگان حوزه نجف، آورده شده است که از مجموع این تقریظها، قدر و منزلت این کتاب بیشتر رُخ می‌نماید.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - /www.hawzah.net

افتخار الحکما، عیسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا موسی خان ناظم الاطباء، ادیب کامل، و شاعر فاضل، و طبیب حاذق، از خاندان علم و حکمت، در 20 ماه صفر سال 1320 در طهران وفات یافته، در ایوان مقبره‌ی ناصرالدین شاه مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
پوشید سیه چه شارق اندر تاریخ
سوسن ز عزای میرزا عیسی خان
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افجه‌ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1325 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از مبارزان مشروطیت ایران بود. پس از تبعید محمدامین رسول‌زاده سردبیر روزنامه «ایران نو» در سال 1329 ق، این روزنامه از طرف حزب دموکرات منتشر می‌شد تا این که در شعبان همان سال از سوی دولت توقیف شد.او بلافاصله روزنامه‌ی «ایران نوین» را منتشر کرد که آن نیز پس از یک شماره توقیف شد. بعد از آن در تلاشی نافرجام، روزنامه‌ی «رهبر ایران نو» را منتشر ساخت که آن هم پس از دو شماره توقیف گشت. پس از آن سید مهدی وارد دستگاه عدلیه شد و از قضاوت عالی رتبه کشور گردید و تا هنگام فوت مستشار استیناف بود. در کابینه‌ی مشیرالدوله همراه دو تن دیگر مامور مذاکره با سران نهضت جنگل بود. در تهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (1/ 347، 349)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 235- 236).

افراشته رشتی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1287 ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. متولد بازقلعه از توابع کهدم رشت بود. در همان جا به تحصیل پرداخت. برای تامین زندگی ناچار شد خیلی زود دنبال کسب و کار برود. شاگردی عطاری، تحصیل‌دار تجارتخانه، معلم، هنرپیشه، راننده، کارمند شهرداری، مقاطعه‌کار، روزنامه‌نویس، معمار و مجسمه‌ساز شد. با همه طبقات دوست بود و می‌دانست مردم در سر چه می‌پرورانند. آشنایی با احوال مردم به اشعار افراشته لحن خاصی می‌داد، ساده شعر می‌سرود و حرف می‌زد. روزنامه‌ی فکاهی «چلنگر» را در سالهای 1332 -1329 ش منتشر کرد. این روزنامه مشحون از گفتارهای سیاسی و انتقادی منظوم و فولکورهای اقوام مختلف کشور بود. در بین دهقانان و کارگران نفوذ فراوان یافت و به علت انتقادهای تند مکررا توقیف شد. وی در بلغارستان درگذشت و در صوفیه به خاک سپرده شد. آثار وی: «مجموعه‌ی شعر»؛ «چهل داستان طنزنویس»؛ «آی گفتی»؛ «طبابت من درآوردی»؛ «مکتب نو»؛ «تعزیه‌ها، نمایشنامه‌ها و سفرنامه‌ی طنزگونه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (83/1)، سخنوران نامی معاصر (304 -299 /1)، فرهنگ سخنوران (72)، مؤلفین کتب چاپی (130 -129 /4)، نامها و نامدارهای گیلان (531 -517).

افسر اصفهانی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1305 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به افسر. وی پزشکی نیز می‌دانسته اما به این حرفه اشتغال نداشته است. بنا به گفته‌ی جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی «دیوان» طرب: طرب در خط، ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروف است که وفاتش علی‌التحقیق بعد از سنه‌ی 1308 و به بعض احتمالات در سال 1315 قمری است». کتابت خفی نزدیک به غبار را بسیار شیرین و استوار می‌نوشت. از استواری خط میرعماد و ملاحت کتابت میرعلی هروی در خطوط او اثری است. از آثار وی: قسمت اول روزنامه‌ی «فرهنگ» است که در زمان حکومت ظل‌السلطان در اصفهان چاپ سنگی شده و قسمتهای بعدی آن به خط پسر او میرزا فتح‌الله جلالی است که از شاگردان وی نیز بود؛ خط و شعر کتیبه‌ی کاشیکاری سر در تکیه‌ی حاج محمد جعفرآباده‌ای، جنب مسجد رکن‌الملک تخت فولاد اصفهان؛ یک نسخه «جهانگشای» جوینی، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتبه العبد المذنب المستکین ابن مسکین الحقیر الفقیر الاثیم، عبدالرحیم المتخلص به افسر 1283»؛ یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خفی عالی، در سنه‌ی 1279. شش اثر دیگر وی در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر گردیده است.
احوال و آثار خوشنویسان (384 -381 /2)، اطلس خط (576)، تذکره القبور (180)، حدیقه الشعراء (141 -140 /1)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (736).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

افسر کرمانی، مهدی‌قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1300 -1259 ق)، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به افسر. ملقب به افسر الشعراء. وی در کرمان به دنیا آمد و در این شهر تحصیل کرد. در حکمت و منطق سرآمد سخنوران عصر خود گشت بطوری که ناصرالدین شاه وی را به حضور پذیرفت و او را به افسرالشعرا ملقب ساخت. افسر در حسن خط ممتاز بود و نثر را به شیوه‌ی قایم‌مقام نیکو می‌نوشت. ظاهرا نخستین انجمن ادبی را در کرمان وی بنیاد نهاد. او دارای دو «دیوان» شعر از انواع قصاید، غزلیات، مثنویات و رباعیات بوده که به وسیله‌ی یکی از احفادش گردآوری و چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (73 -70)، الذریعه (84/9)، ستارگان کرمان (53 -49)، فرهنگ سخنوران (73).

افشار شیرازی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
درگذشت: 1363.
احمد افشار شیرازی در انجمن ادبی که در دبیرستان فیروز بهرام تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. همچنین در جلسات انجمن ایران شناسی که ابراهیم پوردود تأسیس کرده بود، نیز حاضر می‌شد. وی کتاب‌شناس بود و چندین بار برای گذراندن زندگی مجبور شد که بخش‌هایی از کتابخانه‌ی خود را به کتابخانه‌های مجلس شورای ملی، مجلس سنا و دانشگاه تهران و کتابخانه‌ی دانشگاه شیراز بفروشد. از او دو اثر به یادگار مانده است: یکی از آنها گردآوری و چاپ نوشته‌هایش راجع به مانی و مانویت است که به تشویق و راهنمایی سید حسن تقی‌زاده از میان متون فارسی و عربی جمع کرد. دیگری تجدید طبع از پرویز تا چنگیز (تألیف سید حسن تقی‌زاده، تهران، 1335) است، چاپ این کتاب از سال 1338 تا سال 1349 به طول کشید زیرا افشار شیرازی اصرار داشت که کتاب معرب به چاپ برسد.
دروه‌ی خدمت دولتی افشار شیرازی به مدرس ادبیات و زبان فارسی و عربی در دبیرستان‌ها (شیراز و تهران) و سپس در دانشگاه‌های کشور «تهران و شیراز» گذشت. وی به زبان عربی تسلط داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

افشار یزدی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، محقق، ادیب.
تولد: 1313 (1272 ق.)، یزد.
درگذشت: 28 آذر 1362، تهران.
دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمدصادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تحصیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فراگرفت. و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. اما به قصد ادامه‌ی تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه لوزان درجه دکترای دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد 1919 مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت، همچنین مقالاتی درباره‌ی زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دوره دکترای در سال 1340 ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تدریس تاریخ اشتغال داشت. سپ به ریاست مدرسه‌ی عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسه‌ی مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت با به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.
دکتر محمود افشار یزدی از سال 1300 وارد عرصه‌ی مطبوعات شد. در سال 1304 مجله «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال (24 شماره) و سپس از سال 1322، شانزده شماره‌ی آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفه دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسه لغت‌نامه دهخدا در همان جا مستقر شد. دفتر اشعار دکتر محمود افشار در سال 1362 از طرف موقوفه فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجله «آینده»، چهار دوره؛ روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه (1345)؛

گفتار ادبی (در دو جلد)؛ گنجینه مقالات (مقالات سیاسی یا سیاستنامه‌ی جدید، جلد یک 1368)؛ سیاست اروپا در ایران (1921، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ افغان‌نامه (درسه جلد)؛ تاریخچه‌ی سیاست روسیه در ایران. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستاره‌ی جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های 1306 -1303 منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام نامواره‌ی دکتر محمود افشار شامل مقاله‌های تحقیق منتشر شد.

حقوقدان، قاضی، مدیر، مدبر، میهن‌خواه، مروج علم و فرهنگ، نیکوکار. در 1267 در یزد متولد شد. پدرش حاج محمدصادق افشار یزدی بازرگانی روشنفکر و طالب علم و ادب بود. به همین دلیل در تربیت فرزندان خود که مستعد بودند سعی بلیغ مبذول داشت. محمود افشار تحصیلات مقدماتی و متوسطه و مقدمات زبان و ادبیات عربی و فرانسه را در تهران و هندوستان فراگرفت و در 1290 برای ادامه‌ی تحصیلات و کسب علوم جدید اروپائی عازم سویس شد و دوره‌ی لیسانس و دکترای حقوق را پایان برد. از محصلینی که در آن تاریخ در سویس ادامه تحصیل می‌دادند یکی دکتر محمد مصدق‌السلطنه و دیگری علی‌اکبر داور بودند که بین افشار و آن دو دوستی و نزدیکی زیادی ایجاد شد و در تمام مدت عمر ادامه داشت. پس از مراجعت به ایران به کارهای علمی و تحقیقاتی پرداخت و با کمک دکتر محمد مصدق و چند نفر دیگر مجله‌ی علمی را انتشار دادند. در 1304 مجله‌ی آینده را بنیاد نهاد و چند سالی مرتباً آن را انتشار داد. داور وقتی وزیر فوائد عامه شد او را به همکاری دعوت نمود و ریاست مدرسه‌ی تجارت را به عهده‌ی وی سپرد. افشار بر اساس مدارس اروپائی سر و صورتی شایسته به آنجا داد. در 1306 بنا به دعوت داور وارد تشکیلات نوین قضائی شد و به مستشاری استیناف تهران منصوب گردید. چند سالی این همکاری ادامه داشت. بین وی و داور اختلاف سلیقه بوجود آمد ناگزیر افشار عدلیه را ترک کرد و در زمان وزارت دارائی تقی‌زاده به آن وزارتخانه منتقل گردید. ریاست اداره‌ی اقتصادی و حقوقی را که از اهم ادارات بود بدو سپردند. تا سال 1312 در آنجا خدمت می‌کرد. وقتی داور به وزارت مالیه رفت او به دادگستری بازگشت. ابتدا به مقام دادیاری دیوان عالی کشور رسید، چندی بعد مقام مستشاری یافت. بعد از 1320 به معاونت وزارت فرهنگ منصوب گردید و مجله‌ی آینده را مجدداً انتشار داد.

افشار مردی دانشمند، محقق، ادیب، شاعر و ثروتمند بود. عشق

میهن‌خواهی داشت. برای ترویج علم و فرهنگ چه از لحاظ مادی و چه معنوی دریغی نداشت، کما اینکه قسمتی از مستغلات خود را در باغ فردوس شمیران وقف سازمان لغت‌نامه دهخدا نمود. در 1363 درگذشت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

افشار، ایرج

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه: در سال 1304 در تهران متولد شد فرزند برومند «دکتر محمود افشار» تربیت‌یافته خاندان ادب و سیاست است. تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانید و دورهٔ دکتری را نیز دیده است.
افشار از ذخایر ادبی و علمی کشور شمرده می‌شود و در فن کتاب‌شناسی و کتابداری بی‌مانند است.
زبان انگلیسی را خوب می‌داند و زبان فرانسه را از آن بهتر. ده سال کتابدار دانشکده حقوق بود و سپس رئیس کتابخانه دانش‌سرای عالی شد. یک سال نیز ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشت و چهار سال هم رئیس اداره کل انتشارات دانشگاه بود.
افشار به سال 1331 با همکاری چهار تن از دوستان خود، انتشار نشریه گرانقدر «فرهنگ ایران زمین» را آغاز کرد و از سال 1327 مدیریت مجله راهنمای کتاب را به عهده داشت.
وی به دعوت دانشگاه هاروارد آمریکا یک سال در آن کشور مقیم بوده و به کار مرتب کردن کتابهای السنه شرقی آن دانشگاه معتبر اشتغال داشته است و نیز برای امور مربوط به کتاب و کتابداری سفرهایی به کشورهای مختلف داشته است. آثار: 1ـ فردوس المرشدید 2ـ تاریخ کاشان 3ـ تاریخ یزد 4ـ جامع مفیدی 5ـ مالک و ممالک 6ـ قندیه 7ـ حالت و سخنان ابوسعید 8 ـ آغاز و انجام از نصرالدین طوسی 9ـ رساله عشق از صفی‌الدین نجاری 10ـ عرض سپاه 11ـ بیان الصناعت 12- تاریخ کبیر از جعفری 13-یادداشت قزوینی در 6 ج، 14ـ نثر فارسی معاصر 15ـ میرزا تقی خان امیرکبیر 16ـ فرهنگ ایران زمین در 9 جلد 17ـ راهنمای کتاب در 5 جلد 18ـ مهر جلد هشتم 19 ـ کتابهای ماه در 3 ج.

افشار، خداوردی

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد قاسم. از اجلای شاگردان مولی عبدالله تستر، و معاصر با مجلسی بوده، کتابی در رجال به نام «زبدة الرجال» تألیف نموده، و در آن اسامی مجهولان را اسقاط نموده است.
و در فضل و کمال او کافی است که در خانواده‌ای به مقام سامی علم و کمال رسیده که در بین آنها اهل فضلی وجود نداشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

افشار، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا افشار
محل تولد : کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب متولد 1341 هستم. در شهرستان کرج مدت 20 سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.
در سال 1362 که تا سال 1374 در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال 74 وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت 12 سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.
مدت 2 سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود 90 مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رمضانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام ک این چهار سال را در مدت 3 سال گذراندم.
مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا

آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.
از سال 84 نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.
منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

افصح المتکلمین، ابوالقاسم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار. معروف به ملاباشی. از مردم اَمْلَش گیلان و از روزنامه‌نویسان با شهامت و صریح بود. در آغاز مشروطیت اولین روزنامه‌ی چاپ سربی را در رشت به نام «خیرالکلام» منتشر کرد و با عوامل استبداد به مبارزه پرداخت. چند بار روزنامه‌اش توقیف شد و یک بار حاکم وقت، امیر اعظم، پای او را به فلک بست و چوب زد. وی به مبارزات خود و اقامه‌ی دعوی ادامه داد. سرانجام روزنامه‌اش در سال 1328 ق تعطیل شد. ولی وی با نشر روزنامه‌هایی مانند «ساحل نجات» در انزلی و روزنامه‌های «خیال» و «راه خیال» در رشت به مبارزه ادامه داد. در ادب فارسی، عربی، ریاضی، هیئت، دست داشت. از او یک «تذکره» به جا مانده که چاپ نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (15 -14 /3، 311، 261 -259 /2)، نامها و نامدارهای گیلان (17 -16).

افضلی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی افضلی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد علی افضلی در سال 1336هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.
در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1351 و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.
پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال 1359 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی

مشغول می باشد.
وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "ترجمه تاریخ شیعه در هند" و مجموعه مقالات "تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

افضلی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مهدی افضلی
محل تولد : غزنی
شهرت
تابعیت : افغانستان
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1369 در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال 1372 وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم.
در سال 1373 از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی 76 - 75 در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال 1376 با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.
همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال 1377 از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال 1381 مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال 1382 وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی 86 - 85 از تحصیل فراغت یافتم.

افقی، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول افقی
محل تولد : ---
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1352 هجری شمسی در یکی از روستاهای شهرستان هشترود شروع به تحصیل ابتدایی نمودم و در سال 1364 تحصیلات دبیرستان را به اتمام رساندم. در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسول اکرم (ص) شروع به تحصیل نمودم.
مهمترین استادان اینجانب در سه سال اول حوزه عبارتند از: استاد صفائی بوشهری برای درس مغنی، استاد علیزاده برای سیوطی و... بعد از سال سوم حوزه ازدواج کرده و درسها را بیرون از مدرسه ادامه دادم که از محضر اساتید بزرگوار استفاده کرده ام. شرح لمعه استاد محامی، استاد طالقانی، شب زنده دار، اصول فقه استاد صالحی، سید احمد خاتمی، رسائل استاد استادی و مکاسب استاد علی کریمی جهرمی، کفایة الاصول متفرقه استفاده کرده ام. درس خارج استاد علی کریمی جهرمی، استاد ابوطالب تجلیل تبریزی، درس خارج اصول استاد سبحانی.
در کنار تحصیل تدریس متون ادبیات حوزه را شروع کردم و کتابهای سیوطی، ابن عقیل، صرف ساده و آموزش صرف را تدریس کرده ام. ضمناً پنج سال در مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس داشته ام. اینک در پژوهشکده دارالحدیث فعالیت می کنم و در تألیف نزدیک به ده عنوان کتاب با حضرت آیت الله ری شهری همکاری کرده ام.

اقبال آشتیانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1277 ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال 1328 ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال 1297 ش آغاز شد. در سال 1304 ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال 1308 ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالیه که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال 1313 ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال 1323 تا 1328 ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدراسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشتهای ژنرال تره‌زل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[1]
(بخش 1) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. 1314 ه.ق./ 1275 ه.ش.- ف. رم. 1375 ه.ق./ 1334 ه.ش.). وی در آغاز جوانی

شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و داراالمعلین عالی منصوب شد. در سال 1304 ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن 59 سالگی درگذشت.
جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در 1324 مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عبتة الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشتهای ژنرال تره‌زل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرةالعوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما(89 -85)، تاریخ در ایران(200 -197)، دایرةالمعارف فارسی(183 -182 /1)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر(245 -243 /1)، سرآمدان فرهنگ(172 -171 /1)، شخصیتهای نامی(17 -16)، شرح حال رجال(131 /5)، فرهنگ ادبیات فارسی(64 -63)، کارنامه‌ی بزرگان(418 -416)، گلزار معانی(92 -84)، مؤلفین کتب چاپی(640 -633 /3)، یغما(س 9، ش 1، ص 45 -44).

اقبال مازندرانی، علیقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی چلاو مازندران بود. در نظم و نثر عربی و فارسی دست داشت. مدتی در خدمت محمدقلی میرزا ملک‌آرا، والی مازندارن بود. سپس به خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا درآمد و در زمان وی نزد طهماسب میراز منصب دبیری یافت. در زادگاه خود کشته و به چاهی انداخته شد. قاتل و علت قتل نیز معلوم نشد. اثر وی: «ملک آرا» در ذکر سلسله‌ی قاجاریه و وقایع دوران محمدحسنخان قاجار و جهانسوز شاه است که به دستور محمدقلی میرزا ملک‌آرا والی مازندران نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء(151 -150 /1)، سفینة المحمود(619 /2)، فرهنگ سخنوران(78)، مجمع الفصحا(146 -145 /4).

اقبال یغمایی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم اقبال یغمایی نویسنده و مترجم دانشمند معاصر بود . او دانش آموخته دانشسرای سابق بوده وبه امر معلمی اشتغال داشت . وی همچنین دربنیاد فرهنگ ایران نیز فعالیت داشت . یغمایی آثار بسیاری به یادگار گذاشته است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : اقبال یغمایی فرزند شادروان اسد الله منتخب السادات جندقی (آل داود) و برادر کوچکتر مرحوم حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) بود .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اقبال یغمایی کوچکترین پسر خانواده بود . او درروزگاری زاده شد که پدرو سایر افراد خاندان به تازه گی از رنج دربه دری های ناشی از تهاجم نایب حسین کاشی و دیگر باغبان رسته بودند . ردرروستای خور به طور دائم ماواگزیدند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اقبال یغمایی تحصیلات نخستین را نزد پدر دانشمندش فرا گرفت و درحالی که بیش از هفت سال نداشت ازراه کویر به شاهرود آد و از آنجا روانه تهران شد . درتهران درجوار برادرش ، حبیب یغمایی ،دریکی از حجره های مدرسه دارالشفاء که برروی مسجد شاه بود سکنی گزیده و به کار تحصیل پرداخت . پس از آن دردوره اول دانشسرای مقدماتی پسران به تحصیل پرداخت و درسال 1315 شمسی دوره آن را به انجام رسانید .
همسر و فرزندان : مرحوم اقبال یغمایی چهارفرزند پسر و دختر دارد که دو تن از آنان پزشکان برجسته و نامورند .
وقایع میانسالی : اقبال یغمایی دردوران میانسالی ابتدابا نشریات و مجلات گوناگون همکاری داشت . نشریاتی همچون مهر ، ارمغان ، یغما ، آموزش و پرورش و دانش آموز می باشند .
زمان و علت فوت : اقبال یغمایی در15شهریور 1376 شمسی دربیمارستانی درغرب تهران و در حالی که بیش از هشتاد سال سن داشت درگذشت و روز بعد درقطعه ویژه دانشمندان و اهل قلم دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقبال یغمایی درنیمه دوم سال 1315

شمسی به خدمت وزارت معارف درآمد و با سمت دبیری به شاهرود رفت . وی درسال 1325 به تهران منتقل شدو پس از دو سال تدریس درمدارس تهران به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد . وی درتاریخ 12/10/1374ازوزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد .
فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت های آموزشی اقبال یغمایی ،نویسندگی بود . در آن راستا وی مدتی مجله آموزش و پرورش را منتشر کرد . سپس در دوره 25 مجله (سال تحصیلی 31-1330) رسما مدیریت مجله را برعهده گرفت . سالهایی که تصدی این مجله را یغمایی برعهده داشت از جمله ادوار خوب این مجله بود . از آن پس مجله مستقلی به راه انداخت . این مجله که دانش آموز نام داشت مخصوص کودکان و نوجوانان بوده و یکی از بهترین و نخسیتن نشریاتی بود که درایران برای نوجوانان منتشرگردید .او همچنین مجله رایزن را نیز برای کودکان چاپ می کرد .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقبال یغمایی درزمان بازنشستگی به طور غیر رسمی و بنا به دعوت دکتر پرویز خانلری دربنیاد فرهنگ ایران به کار پرداخت و مدتی از ساعات ظهر به بعد دراداره نگارش وزارت فرهنگ وهنر به انجام خدمت متفرقه فرهنگی اشتغال داشت . تا آنکه دراواخر سال 1357 شمسی به کلی خدمات فرهنگی و اداری را رها کرده و درمنزل کارهای تحقیقی خودرا ادامه داد . وی تاروزها پایانی عمر دست ازمطالعه و تحقیق و ترجمه برنداشت .
آرا و گرایشهای خاص : اقبال یغمایی به مطالعه و تحقیق و پژوهش علاقه خاصی داشت .طوری که تاروزهای واپسین عمر دست ازنوشتن برنداشت . با آنکه دیگانش کم نورشده و دستانش می لرزید باز هرهنگام که رمقی می یافت کتابی بردست می گرفت و یا خطوطی برصفحه کاغذ نقش می کرد . ----------
آثار :
1 افرند
ویژگی اثر : این اثر مجموعه داستانهای آموزش است
2 بزرگمهر
3 تاریخچه اداره کل نگارش وزارت معارف
4 تاریخچه اعزام محصل به اروپا اززمان ناصرالدین شاه تا 1312شمسی
5 ترجمه پتی شنر
ویژگی اثر : این کتاب تالیف آلیفونس دوده بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است .
6 ترجمه پل وویرژینی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف برناردن دوسن پیر است که توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است

7 ترجمه تلماک
ویژگی اثر : این کتاب نوشته فنلون است و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است
8 ترجمه حکایت های آسیایی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنت گوبینو است
9 ترجمه ربنسن کروزئه
ویژگی اثر : این کتاب تالیف دانیل دفو بوده و توسط یغمایی به فارسی ترجمه شده است
10 ترجمه سفر نامه شاردن
ویژگی اثر : این کتاب تالیف شاردن است که در5جلد به فارسی ترجمه گشت
11 تشبیهات شاعرانه
12 تصحیح ابومسلم نامه
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ابو طاهر بن علی بن حسین طرطوسی و توسط یغمایی تصحیح شده است
13 جغرافیای تاریخی دامغان
14 خلیج فارس
15 خمسه نظامی به نثر
16 داستان های عاشقانه ادبیات فارسی
17 داستانهای پهلوانی ادبیات فارسی
18 دانستنی های علمی
19 زگفتار دهقان
ویژگی اثر : این اثر شاهنامه فردوسی به نثر است
20 سیستان و بلوچستان
21 شرح احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی
22 شهید راه آزادی سید جمال اصفهانی
23 طرفه ها
24 عارف نامی یایزید بسطامی
25 عشق و پادشاهی یاداستان تاریخی نورجهان و جهانگیر
26 مختصر راماین (کهن ترین اثر حماسی هندوان)
27 مدرسه دارالفنون
28 هوس نامه خسرو و شیرین
29 وزیران علوم و معارف وفرهنگ ایران

منابع زندگینامه :
1آل داود ، سید علی، 60سال با کتاب /نگاهی به زندگی وآثار اقبال

یغمایی ،کتاب ماه زبان وادبیات ، بهمن و اسفند ماه 1376، شماره چهاردم و پنجم ، ص30

اکبرپور، سیاوش

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شناسنامه :
نام کامل : سیاوش اکبرپور - متولد : ۱ بهمن ۱۳۶۳ - سن : ۲۴ سال - زادگاه : شیراز ، ایران - قد : ۱٫۸۱ متر اطلاعات باشگاهی :
باشگاه کنونی استقلال تهران - شماره پیراهن : ۱۰ - پُست مهاجم باشگاه های حرفه ای :
1379 - 1383 فجر سپاسی شیراز
1383 - 1386 استقلال تهران
1386 - 1387 الفجیره امارات
1387 - تا کنون استقلال تهران تیم ملی :
1381 - 1383 زیر 21 سال
1384 تا کنون بزرگسالان 5 بازی سیاوش اکبرپور (زاده ۱ بهمن ۱۳۶۳ در شیراز) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او فوتبال را به صورت حرفه‌ای از تیم فجر سپاسی شیراز آغاز نمود. وی در سال ۱۳۸۳ از تیم فجر سپاسی به تیم استقلال تهران نقل مکان کرد و بعد از سه سال به تیم الفجیره امارت پیوست. بعد از یک فصل بازی در این تیم اماراتی دوباره به تیم استقلال تهران پیوست.
تیم ملی زیر ۲۳ سال
اکبرپور در سال ۱۳۸۱ و در جریان مسابقات آسیایی به عنوان تکنیکی‌ترین بازیکن تیم ملی فوتبال زیر ۲۳ سال ایران انتخاب گردید.وی همچنین عضو تیم ملی المپیک ایران در بازی‌های مقدماتی المپیک آتن بود.
تیم ملی بزرگسالان ایران
بعد از آنکه سیاوش اکبرپور با تیم استقلال تهران در مسابقات لیگ برتر ایران در فصل ۸۶-۸۵ به مقام قهرمانی رسید، توسط مربی ایران امیر قلعه‌نویی برای بازی‌های جام ملتهای آسیا در تایوان دعوت شد.
افتخارات
قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵-۸۴ به همراه تیم استقلال تهران
قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

اکبرنژاد، محمد تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی اکبر نژاد
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.
در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال 81 به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.
علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول میباشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال 85 قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبرنژاد، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی اکبر نژاد
محل تولد : شیروان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال 1356 وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند 1357 وارد حوزه علمیه قم شدم.
در سال 1368 دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.
در سال 1370 بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال 1374 ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال 1374 پایان یافت.
در سال 1371 در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال 1374 از رساله این دوره با عنوان "جدال در قرآن" دفاع کردم.
در زمستان 1374 بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال 1377 بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال 1380 که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون

رساله دکترا آماده دفاع می باشد.
در سال 1381 با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اکبری کارمزدی
محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/10
زندگینامه علمی
اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ 10/1/1343 در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیة الله ایازی شدم و جامع المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال 1357 شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال 1360 مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیة الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیة الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیة الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت 8سال خارج فقه را در محضر آیة الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیة الله جوادی آملی بودم .حدود سال 1372 به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام 4سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به 9 سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرة

المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرة المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیة الله جوادی آملی مشغول می باشم.

اکبری معلم، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبری معلم
محل تولد : معلم کلد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبری معلم دوره تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در بابل (از شهرستان های مازندران) گذراندم. سیر مطالعات مذهبی و سیاسی را از دوره راهنمایی آغاز و در دوره دبیرستان و بعد از آن ادامه دادم. با تشکیل گروه مطالعاتی در دوره راهنمایی و دبیرستان سعی در تقویت مبانی فکری و اعتقادی کردیم. با استفاده از زمینه مذکور به مناسبت های مختلف، مقالاتی را تهیه و در مدرسه (سر صبحگاهها) و مراسم های مذهبی ارائه می دادم.
در سال 1363 وارد قم شدم و پس از اخذ دیپلم به تحصیلات حوزوی پرداختم. دروس حوزه را به طور منظم و مستمر ادامه دادم و پس از گذراندن سطح حوزه، دروس سطح خارج را تا شش سال به طور مستمر فرا گرفتم. از سال 1368 در کنار دروس حوزه وارد تحصیلات دانشگاهی شدم. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی به پایان رساندم.
از سال 1376 تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه ها شروع کردم و البته از سال 1366 تدریس دروس حوزوی را آغاز کرده بودم. کتاب و مقالاتی را در دوره تحصیل نوشته ام که تعدادی منتشر و تعدادی دیگر منتشر نشده است.
از سال 1374 تاکنون با نشریات علمی متعددی در زمینه علوم اسلامی و سیاسی و با سمینارهای متعدد همکاری علمی داشتم. در سال 1383 به عنوان استاد ممتاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری و در سال 1385 به عنوان استاد ممتاز منطقه استان مرکزی برگزیده شدم.
همکاری با سمینار انقلاب اسلامی و ریشه های آن و سر ویراستار سه کتاب مأخذ شناسی توصیفی (1)، مجموعه مقالات جلد (1) و (2) که توسط معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در سال 1374

منتشر شد.
همکاری علمی در ارزیابی مقالات مجله رواق اندیشه وابسته به مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم، فصلنامه علوم سیاسی و تاریخ اسلام (وابسته به دانشگاه باقر االعلوم علیه السلام قم)، همکاری با مرکز آموزش خواهران و دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در تهیه و تدوین الگوهای ارزیابی آموزشی، طرح نگرش سنجی مراکز آموزشها و ارزیابی و تجزیه و تحلیل برنامه درسی و عملکرد استادان از سال 1376 تا 1385.
با گذراندن هفتصد ساعت دوره زبان انگلیسی دارای گواهی نامه پایان دوره مربوط هستم و از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری مدرک استاد یاری دارم.
هم چنین شرکت در کارگاه های آموزشی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، روش تحقیق، ارزیابی آموزشی و.... از فعالیت ها علمی ام به حساب می آید.

اکبری، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد اکبری
محل تولد : بوانات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/6/10
زندگینامه علمی
در سال 1351 در بوانات از شهرهای استان فارس متولد شدم. تحصیلات خود را تا پایان دوره راهنمایی در همان جا به اتمام رساندم و در سال 1365 وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه ولی عصر شهرستان بوانات تحصیلات خود را شروع نمودم. بعد از مدت 2 سال در سال 1367 راهی قم شدم و باقیمانده مقدمات و دروس سطح خود را تا پایان کفایه در مدرسه شهیدین بهشتی و قدوسی (ره) قم گذراندم. در سال 1375 در دروس خارج فقه و اصول اساتید برجسته قم شرکت جستم. در اصول از محضر آیت الله جعفر سبحانی و در فقه از خرمن دانش اساتبد بزرگی چون آیت الله مکارم شیرازی و استاد سید احمد خاتمی بهره بردم. همزمان با تحصیلات خارج، در رشته تخصصی تبلیغ در حوزه علیمیه قم مشغول تحصیل شدم. از آن پس در کنار دروس حوزوی خود، به فعالیت های رایانه ای و اینترنتی در زمینه علوم اسلامی و پایگاههای اسلامی نیز پرداختم و در این رابطه فعالیتها و طرحهای تحقیقاتی و اجرایی در زمینه طراحی و راه اندازی پایگاههای اسلامی و استفاده از قابلیت های اینترنت در پایگاه های اسلامی و نحوه عرضه اطلاعات در اینترنت نیز برنامه هایی داشته ام. علاوه بر فعالیتهای مذکور، به تحصیل در دانشکده علوم حدیث قم پرداختم و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

اکبری، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود اکبری
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمود اکبری در سال 1351 در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.
بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال 59 برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال 74 شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون 40 اثر چاپ شده و 10 اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

اکبریان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد اکبریان
محل تولد : جویبار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال 1364به شهر قم آمدم سال 1368در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال 1372در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال 1376از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال 1380در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.
در سال 1374در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال 1373 سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال 1373با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال 1382 تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل1376 تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت 8سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

اکرمی ابرقویی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد اکرمی ابرقویی
محل تولد : ابرکوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/7/1
زندگینامه علمی
ورود به حوزه علمیه قم در سال 1364؛ اتمام دوره‌ی سطح در سال 1372؛ آغاز درس خارج از سال 1373 تاکنون. ورود به دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در دوره‌ی کارشناسی (رشته حقوق) سال 1371، اخذ مدرک لیسانس در سال 1375. قبولی در دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در سال 1375 و اخذ مدرک کارشناسی ارشد با دفاع از پایان نامه (با موضوع: مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در فقه شیعه و اهل سنت و حقوق موضوعی با نمره‌ی عالی (19) در سال 1378. همکاری با واحد اصطلاح نامه دفتر تبلیغات (نام کنونی: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی) از سال 78 تاکنون با تدوین اصطلاح نامه بزرگ فقه (اتمام) و اصطلاح نامه حقوق (در حال انجام) همکاری علمی با مرکز تحقیقات قوه قضائیه – همکاری علمی با مرکز تحقیقات زنان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات شورای نگهبان – همکاری علمی با مرکز تحقیقات اداره تعزیرات حکومتی و...
هم چنین همکاری با مراکزی همچون مجمع تقریب مذاهب اسلامی، صدا و سیمای قم، مؤسسه باقرالعلوم(ع)، مجتمع آموزش عالی قم، مرکز احیاء و نشر آثار حضرت امام، دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و... در ویرایش مجلات علمی آنها.

اکرمی، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید کاظم اکرمی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب به لطف و عنایت الهی از دوره دبیرستان به مطالعه در زمینه علوم اسلامی و تربیتی و اجتماعی علاقمند بودم . استاد مشوقم در دوره دبیرستان جناب میر خلیل سید نقوی بودند که خداوند عمرشان را دراز کند و موفق تر شنان بگرداند . در دوره کارشناسی که رشته روانشناسی را برگزیده و در دانشسرای عالی تحصیل می کردم (سال های 39 ـ 42) از دانشمندانی چون مجاهد نستوه آیت الله طالقانی ، استاد علامه محمد تقی جعفری ، استاد شهید مرتضی مطهری در حد استعداد خویش بهره برده ام . پس از شروع به کار معلمی در مدرسه آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی به تحصل ادبیات عرب روی آورده و از استادانی مانند مرحوم حاج شیخ صمد سلیمیان و آقای سید عزت الله مرتضوی استفاده بردم . منطق و فلسفه را با خواندن منظومه مرحوم سبزواری خدمت آقای محقق واعظ معروف همدانی آموختم . در دوره کارشناسی ارشد که تحصیل خود را دررشته مشاوره و راهنمایی به پایان رساندم مدتی از درس منظومه آیت الله سید رضا صدر بهره بردم .
در سال های 47 تا 48 با مرحوم شهید حجت الاسلام سید محمد رضا سعیدی آشنا شدم و آن بزرگ مرد مرا به خواندن علم اصول تشویق کرد و دو سه درس از اصول الفقه مرحوم مظفر را خدمت وی خواندم . بعد از برگشت از همدان ، تمام اصول الفقه را از درس حجت السلام و المسلمین حاج آقا رضا فاضلیان امام جمعه محترم ملایر بهره مند شدم . مقداری هم از کتاب رسائل الجدیده آیت الله مشکینی را خدمت آقای فاضلیان خوانده ام . در فقه ، تبصره علامه حلی را در زندان از آقای محمد علی گرامی فرا گرفتم . بعد از اتمام دوره وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تربیت معلم منتقل شدم و بحمد الله موفق به اخذ درجه دکترا در رشته برنامه درسی که یکی از رشته های علوم تربیتی است گردیدم و

اکنون حدود هفده سال است که در این دانشگاه تدریس می کنم . درسهایی که دراین دانشگاه ارائه کرده و می کنم غیر از برنامه درسی، تعلیم و تربیت در قرآن کریم ، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه ، تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت در روایات است .

اکرمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
وی در آبان ماه سال 1338ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.
سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال 1350 ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.
پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال 1363ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که 16 سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.
همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال 1354

همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال 1342 برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال 1356 به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.
دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال 1357 پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.
پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.
یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال 1354 به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الحلو، مشتاق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مشتاق الحلو
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال 1374 وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد 77 موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال 78 لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.
از دی ماه سال 80 حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال 81 فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال 83 مدرک کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال 73 کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال 75 به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.
همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر 80 بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

العلی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی العلی
محل تولد : کویت
شهرت
تابعیت : کویت
تاریخ تولد : 1349/1/1

الفت اصفهانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1343 -1262 ش)، عالم، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به الفت. در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری فلسفه و حدیث و عرفان، به آموختن ریاضیات قدیم و جدید و سپس زبان فرانسه روی آورد. در فرقه‌شناسی و فلسفه و تاریخ نیز استاد بود. به نجف رفت و در حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و آقا شیخ باقر اصطهباناتی و آقاضیاء عراقی به فراگیری علوم مذهبی پرداخت و اجازه‌ی روایت را از حاج میرزا خلیل و آقا سید حسن صدر اخذ کرد. در انقلاب مشروطه در صف آزادیخواهان قرار گرفت و مجله‌ی «آفتاب» را دایر کرد و به نشر آن پرداخت و در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا نمود. وی در سفر به شهرهای مختلف ایران با آزادیخواهان همکاری کرد. عضو مجلس مؤسسان و نماینده‌ی مجلس شواری ملی بود. الفت در انواع شعر مهارت داشت اما بیشتر غزل می‌سرود. کتابخانه بزرگ او به دانشکده‌ی ادبیات اصفهان اهدا گردید. وی در اصفهان وفات یافت و در مقبره‌ی پدرش جنب امامزاده احمد دفن شد.از آثارش: «ابواب الروضات»، فهرست کتاب «رضوات الجنات»؛ «داستان هفت برادر»؛ «دانش‌نامه»؛ «دیوان» اشعار؛ «کشف الحجب»، در اسامی کتب، که تألیف آن به مناسبت آن که مرحوم ثقة الاسلام تبریزی نیز در همین موضوع تألیفی را شروع کرده بود ناتمام ماند؛ «مجله‌ی آفتاب»؛ «مجمع الاجازات و منبع الافادات»، در دو مجلد؛ «سفرنامه»، در شرح حالات خودش در دو مجلد؛ «نسب‌نامه‌ی الفت»، در شرح وابستگان سببی و نسبی خودش؛ «تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان(58 -55)، تذکرة القبور(162 -160)، الذریعه(15 /20، 27 /18، 383 /16، 90 /9، 124 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر(251 -249 /1)، سخنوران نامی معاصر(330 -326 /1)، فرهنگ سخنوران(82 -81)، لغت‌نامه(ذیل/ الفت اصفهانی)، مکارم الآثار(1664 /5).

الله اکبری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد الله اکبری
محل تولد : بند قراء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1358 وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال 1359به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال 1362 در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیة الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.
در سال 1367درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیة الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیة الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیة الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.
در سال 1368 از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال 1372لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور 1375از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال 1374 همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال 1378 با قسمت دائرة المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال1382.
از سال 1380در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال 1382.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.
از سال 1379 تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال 1381

جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال 1382 تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الله بداشتی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی الله بداشتی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/1
زندگینامه علمی
اخذ دیپلم ریاضی: 1356
اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد 1358
شروع به تدریس ریاضی: مهرماه 1358
شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم 1363
فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد 1368
شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه 1368
فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: 1371
شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: 1371 تاکنون
شروع به تحصیل دوره دکتری 1378.
فراغت از دوره دکتری 1382.
مدیر گروه فلسفه: 1381 تاکنون
شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: 1358
شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: 1364 (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

النور، حلیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حلیم النور
محل تولد : عراق
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید حلیم النور طلبه عراقی در سال 1371 به ایران آمده و در حوزه مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. فعالیت تبلیغی خود را از سال 1373 شروع و ابتدا به مناطق فقیر و مستضعف خوزستان عازم شدم.
در سال 1377 اولین سفر تبلیغی خود را به خارج از کشور شروع نموده و به سوریه عازم شدم و به مدت 3 سال هم به لبنان برای تبلیغ دین در ایام محرم و صفر و رمضان عزیمت نمودم. در سال 1381 به مدت 4 سال به لطف خداوند و نظر بقیه الله الاعظم و ائمه اطهار علیهم السلام به آفریقا (کنگو) رفتم. و در این سالها تجارب خوبی کسب نمودم و مثمر ثمر برای آن کشورها بودم.
ناگفته نماند که به همت و یاری دوستان و محبان اهلبیت علیهم السلام توانستم مدرسه ای برای ترویج و تبلیغ اسلام و اصول اعتقادی و اخلاقی و دینی پایه ریزی نمایم که فعلا در دست اجرا می باشد و هم اکنون مشغول تحقیق در کتب تاریخ اسلام می باشم.

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر الهی خراسانی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی درسال 1321 در نیشابور به دنیا آمد.وی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی ،د رسال 1344 موفق به اخذ گواهینامۀ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال 1352 به دریافت دانشنامۀ کارشناسی در رشتۀ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدۀ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازۀ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود.نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی می باشد. کتاب "منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر الهی خراسانی در سال 1335 برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسۀ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامۀ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازۀ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازۀ تصدی امور حسبیه از ناحیۀ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. د رسال 1344 موفق به اخذ گواهینامۀ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال 1352 به دریافت دانشنامۀ کارشناسی در رشتۀ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدۀ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازۀ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوة، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد.فعالیتهای آموزشی : حجت الاسلام الهی خراسانی از سال 1364 به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلاّب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر الهی خراسانی در سال 1342 نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلاّب را تأسیس کرد. در سال 1363 در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد.جوائز و نشانها : کتاب "منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین وی مصحح کتاب «سفینةالبحار و مدینةالحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد.چگونگی عرضه آثار : الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته وبعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: 1. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، 1363. 2. المسائل العکبریة، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، 1371؛ دارالمفید، بیروت1373. 3. مکانة السنة المطهرة فی التشریع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های 1 تا 6، 1400 و 1401 ق. 4. حجةالحق شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره 9، آذر ماه 1363؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، 1365. 5. شناخت و پرورش تحقیق در ِنهج البلاغه ، کنگرهٔ نهج البلاغه، 1371. آثار : 1 الدروس

الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار.2 الرسالة العزیزة فی الوجیزة، تألیف مرحوم محدّث قمی، (تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : در دست انتشار.3 المسائل العکربة، شیخ المفید ویژگی اثر : (تصحیح و تحقیق)، کنگره هزار? شیخ مفید، 1371؛ دارالمفید، بیروت 13734 تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف شهفورالفرایني، (تصحیح و تحقیق، با همکاری) ویژگی اثر : در دست انتشار5 سفینةالبحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، تصحیح،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «سفینةالبحار و مدینةالحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایرةالمعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب 110 جلدی به فهرست بر کسی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضر است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی، کتاب را برحسب حروف تهجّی مرتب ساخته است. وی در مقدم? کتاب، روش خود را توضیح داده، ذیل هرعنوان به آیات و روایات و گاهی توضیح و تفسیر پرداخته است و هم? آنها را با حروف ابجد به مجلدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام? مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسخ? خطی مؤلّف انجام شده است و چون مرحوم محدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که استفاده از آن مشکل است و این امر با هدف اصلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلّف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلّف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده اند. مقدم? مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصحیح افزوده است. 6 منتهی المطلب، تألیف علامه حلّی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشار یافته، سایر مجلات در دست چاپ است.این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام? حلّی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1412 هـ . ق. 2ج. کتاب « منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» یکی از منابع مهم فقه شیعه در زمین? فقه مقارن (فقه تطبیقی) است. امروزه،

پرداختن به این زمین؟ فقهی در بین مذاهب اسلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم؟ تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فرِق است.

الهی خراسانی، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی الهی خراسانی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
آقای مجتبی الهی خراسانی در سال 1350هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1368 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید.
از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون شیخ مهدی مروارید تلمذ کرد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ و کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که مقالات "بداء" و تصحیح "اسوه تقوی" و... از جمله آثار ایشان است.

الهی دوست، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید الهی دوست
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حمید الهی دوست دروس ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را تا سال 1360 هجری شمسی گذراندم و در همین سال موفق به اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان ادب اصفهان شدم. روز نیمه شعبان همین سال که برای شرکت در مجالس جشن میلاد حضرت بقیةالله اعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خانه خارج شدم به مدرسه میرزا حسین اصفهانی واقع در خیابان مسجد سید برای شرکت در جشن وارد شدم و با برخی از طلاب حوزه علمیه آشنا شدم و همان جا جرقه طلبه شدن و ورود به سلک روحانیت به ذهنم زد و برخی دروس مقدماتی حوزه را به صورت آزاد با یکی از اساتید همان مدرسه شروع نمودم و سپس بعد از ایام ماه مبارک رمضان در سال 1361 هجری شمسی به صورت رسمی در مدرسه علمیه ذوالفقار ثبت نام نموده تا سال 1369 هجری شمسی تا سطح رسائل و مکاسب را از اساتید آن مدرسه استفاده نمودم.
سپس در شهریور ماه 1369 به اتفاق هم مباحث ارجمندم صدیق گرامی و متقی جناب حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حیدر بهرمن (حفظه الله تعالی) به شهر مقدس قم و به جوار کریمه اهل بیت (ع) هجرت نمودم و باقیمانده رسائل و مکاسب و سپس کفایه از سطوح عالی حوزوی را تا حدود سال 1371 هجری شمسی در حضور اساتید برجسته قم به پایان بردم.
شرح منظومه مرحوم حاجی سبزواری را در محضر استاد برجسته فلسفه آیت الله حاج شیخ حسین عشانیان (دامت برکاته) تلمذ نمودم و سپس از درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی (دامت برکاته) و درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی تبریزی قدس سره و خارج فقه آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (دامت برکاته) تا سال 1383 هجری شمسی بهره بردم.

از حدود سال 1375 تا سال 1385 نیز دوره تخصصی فقه و اصول را در مدرسه آموزشی و تحقیقاتی حضرت بقیةالله عجل الله تعالی فرجه الشریف که به ریاست استاد معظم و بزرگوار آیت الله شیخ محمد مهدی شب زنده دار (دامت برکاته العالیه) اداره می شود گذراندم و از اساتید برجسته آن مرکز علمی نیز بهره فراوان بردم.
از همان اوائل طلبگی علاقه به مباحث کلامی و تفسیری داشتم علاقه من به این دو رشته همزمان با تلمذ در محضر آیت الله سید حسن امامی (دام ظله) شروع و سپس در قم مقدسه با شرکت در درس تفسیر حضرت آیت الله شیخ عبدالله جوادی آملی (دامت برکاته العالیه) و سپس مباحثه و مطالعه و تحقیق درباره این دو موضوع ادامه یافت. سپس در سال 1385 به وطن خود اصفهان برگشتم و اکنون در حوزه علمیه اصفهان به تدریس تفسیر، فقه، اصول و رجال اشتغال دارم و خداوند متعال را بر همه نعمتهای ظاهر و باطنه و معنوی و مادی اش شاکر و سپاسگزارم.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسن الهی طباطبایی
ولادت:1325ق.
محل ولادت: تبریز
وفات:1388ق
محل دفن :قم
محل تحصیل: تبریز ، نجف
اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....
شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میزرا موسی تبریزی و ....
تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود: " ما طلا را

می خواهیم چه کنیم"؟ دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!
این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!
سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین محی الدین الهی قمشه ای فرزند چهارم استاد فقید مهدی الهی قمشه ای و خانم طیبه تربتی در دی ماه 1318 (ژانویه 1940) در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در دبستان دانش، دبیرستان مروی و دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تا درجه دکتری (Ph.D. In Islamic Philosophy & Theology) به پایان برد و نیز تحصیلات حوزوی و سنتی را نزد پدر، و استادان دیگر دنبال کرد. پدر ایشان فیلسوف، مجتهد، شاعر و مترجم برجسته ای بودند و اولین و معتبر ترین ترجمه فارسی قرآن از کارهای ایشان میباشد. دکتر قمشه ای پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزش عالی در داخل و بعد ها خارج از کشور پرداخت و در کنار آن به تالیف و ترجمه در زمینه عرفان و ادبیات و زیبائی شناسی مشغول شد. ایشان دارای همسر و دو فرزند، یک پسر و یک دختر بنامهای شاهد و شادی می باشند. وی همه آموزش های او در ایران صورت گرفته و زبان انگلیسی، عربی، فرانسه و غیره را نیز در ایران آموخته است. استاد قمشه ای، با خستگی ناپذیری تحسین بر انگیزش همواره پیک آشنایی ایرانی و غیر ایرانی با فلسفه و ادبیات غنی عرفانی ایران بوده و در این راستا در دانشگاههاو مراکز علمی فرهنگی بیشماری در ایران و خارج از ایران تدریس و سخنرانی داشته که از آن میان میتوان تدریس فلسفه، عرفان، ادبیات، و هنر در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران و همچنین دانشگاههای لندن، آکسفورد، هاروارد، پرینستن، و برکلی کالیفرنیا را نام برد. دکتر قمشه ای همچنین با هنر هایی چون نقاشی و موسیقی و خوشنویسی از نزدیک آشنایی دارد و گاهگاهی در زمینه خوش نویسی آثاری از او به نمایش گذاشته شده است. ایشان به موسیقی ارادت خاص دارد و آنرا بیش از سایر هنر ها در سخنرانیهای خود ستوده و همگان را به آموختن آن تشویق نموده است. به قول یکی از موسیقیدانان هیچیک از سخنرانیهای دکتر قمشه ای نیست که در آن نکته ای در باره موسیقی نباشد. دکتر قمشه ای از حافظه درخشانی برخوردار است و به نظر می رسد که قرآن را تقزیبا از حفظ دارد و با مثنوی و حافظ و نظامی و فردوسی چنان است که گویی دیوان آنها در پیش روی او گشاده است و بخصوص گلشن راز شیخ محمود شبستری تماما در خاطر

اوست. وی همچنین در ادبیات انگلیس و عرب نیز می تواند ساعتها از حفظ ، اشعار و قطعاتی را بازگو کند.

الهی منش، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا الهی منش
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1358 دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصه وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.
اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت آلله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.
در سال 1372 وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در 1358 از پایان‌نامه حوزه با عنوان "نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن" دفاع نمودم.
در سال 1382 برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان "ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
واحد الهی نژاد
محل تولد : خرم آباد (بخش پاپی)
شهرت
تابعیت : ایران زندگینامه علمی
واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد .وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت .درسال 1369 ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد.پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در 1375وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت 2سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات .محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد .همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد .او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت .همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت .وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبیه را دارد

الهی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس الهی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ دیپلم تجربی در سال 1383 وارد حوزه علمیه شهرستان بابل شدم و پس از مدت کمی تحصیل در حوزه علمیه روحیه وارد حوزه علمیه قم گردیده و در مدرسه الهادی (ع) شروع به تحصیل کردم و پس از گذراندن دوران مقدماتی و سپس در خارج از مدرسه موفق به گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه قم شدم.
حدود 6 سال در مدارس علمیه قم مانند الهادی (ع) و رضویه و علوی به تدریس ادبیات عرب، تفسیر و علوم قرآنی پرداختم و امتحانات سطوح عالی را با موفقیت گذرانده و 4 بار مصاحبه خارج فقه و اصول شرکت کردم و پایان نامه ای را تحت عنوان علوم قرآنی در تفسیر المیزان برای اخذ سطح سه یا کارشناسی ارشد نوشته و دو سال و خرده ای پیش دفاع کرده و اصلاحات آن پس از اخذ نمره 17 رو به پایان است.
و برای نوشتن دوره دکتری آماده ام البته پس از تحویل مدرک فوق لیسانس هم اکنون در مدرسه امام (ع) با سابقه سه سال تدریس و در دانشکده علوم قرآنی با سابقه دو سال تدریس و در دانشکده اصول دین و مدرسه عالی بنت الهدی در خدمت طلاب خارجی و دانشجویان ایرانی هستم. و مشغول مطالعه و تحقیق و آماده کردن مقالاتی با عناوین و موضوعات مختلف هستم.

الهی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر الهی
محل تولد :
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال 1369 به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.
در سال 1369 همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتم. تحصیلات در سال تحصیلی 73 ـ 1372 با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتم. در بهمن سال 1375 پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان "بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام" دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت 84 دفاع کردم.
از سال 1376 به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله:
1. اقتصاد کلان 1 و 2 مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد 2. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد 3. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد 4. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی 5. اقتصاد سنجی کارشناسی 6. تفسیر آیات اقتصادی 7. زبان تخصصی را تدریس کرده ام.
سال 1375 مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشی دانشگاه مفید

را بر عهده داشتم و از سال 1376 تا 1381 معاون پژوهشی و از سال 1381 تا 1385 قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهیان، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی الهیان
محل تولد : رامسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام الهیان در سال 1328 در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.
در 15 سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال 1342 همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت 3 ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود .
پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.
همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال 1359 در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است .

امام الحرمین، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1305 -1302 ق)، عالم شیعی، فقیه، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. دارای حافظه‌ای قوی و خط نیکو بود. در کاظمین ادبیات را آموخت و در علوم مختلف کامل شد. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. و از بزرگان علمای اعلام همچون شیخ انصاری و میر سید علی شوشتری دارای اجازه بود. میرزامحمد در کاظمین به قضاوت منصوب و از جانب ناصرالدین شاه ملقب به امام‌الحرمین شد ولی به روایت آقاشیخ آقابزرگ تهرانی این لقب از طرف سلطان روم (ترک) به وی داده شد. وی در کاظمین درگذشت. از آثار وی: «فصوص الیواقیت فی علم المواقیت»، شعر عربی؛ «عصمة الاذهان فی علم المیزان»، منظومه‌ای در منطق؛ «غنیمة السفر»، در شرح حال شیخ جعفر شوشتری؛ «المحاسن»، در انشاآت و مراسلات؛ «المشکاة فی مسائل الخمس والزکاة»؛ «کتاب الاجازات»؛ «المجلة الزاهرة فی امر الخلافة والمشاورة فی جواب دعوت العلماء القاهرة من منشآت العاجله والمؤلفات الباجلة»؛ «الأسنة»؛ «المواعظ البالغه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (395 -394 /9)، بزرگان و سخن سرایان همدان (50 -49 /2)، الذریعه (226 -225 /23، 52 /21، 124 /20، 236 /70، 16 /، 274 -273 /15، 186 /13، 70 /2، 130 -129 /1)، ریحانه (171 /1)، فوائد الرضویه (553)، مؤلفین کتب چاپی (590 -589 /5)، معجم المؤلفین (268 /10).

امام جمعه، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: آبان 1356.
جلال‌الدین امام جمعه محقق لهجه‌های خوزستان بود. از جمله آثار اوست: مثل‌های شوشتری و برخی زبانزدها (بنیاد نیشابور، 1363). این کتاب بخشی از «فرهنگ خوزی» است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امام جمعه، قاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آسید قاسم (امام جمعه) فریدن از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و آقای آشیخ محمدعلی برادر آقا نجفی بوده که پس از طی مراحل تحصیل به امر علماء بزرگ اصفهان به محل خود فریدن مراجعت کرده و تا آخر عمر به ترویج احکام و اقامه نماز جمعه و حل و فسخ امور دینی اشتغال داشته و حکومت شرعی به امر مراجع بزرگ آن وقت در تمام بلوک فریدن به عهده ایشان بوده تا در تاریخ 11 ذی‌قعده 1339 قمری بدورد حیات گفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امام جمعه، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی.
از رؤسای علمای اصفهان، ملجأ و پناه مردم، و امام جمعه اصفهان بوده، در مسجد شاه اقامه جمعه می‌نموده، و می‌نویسند: تا سیزده صف این طرف میل‌های میدان شاه صف نماز از او می‌رسیده.
در دوّم محرّم سال 1248 وفات یافته، قبرش در بقعه سرقبر آقا است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امام جمعه، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا محمد علی بن میرزا جعفر خاتون‌آبادی.
پس از فوت حاج میرزا هاشم، امام جمعه‌ی اصفهان شده، در اصفهان متولد، و هم در این شهر تحصیل نموده، در مسجد جامع امامت می‌نمود.
در 3 رمضان‌المبارک 1348 وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی مدفون گردید.
وی آخرین امام جمعه اصفهان است که بعد از او تا بیست سال عنوان امام جمعگی منسوخ بود، تا در سال 1368 مجددا فرمان امام جمعگی اصفهان به نام آقای آقا میر محمد مهدی [خاتون‌آبادی] صادر شده و به لقب سلطان العلماء معروف گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام جمعه، محمد مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقای حاج سید محمد مهدی امام جمعه شهرستان اصفهان از احفاد و اسباط علامه مجلسی اول رضوان‌الله علیه و دانشمندان بنام و متنفذ آن سامان میباشد و منصب امام جمعه‌ای از صدها سال قبل در خاندان این سلسله بوده که در مسجد جامع اصفهان و مسجد شاه تهران اقامه نماز جمعه نموده و مینمایند.
مرحوم فتحعلی شاه قاجار بعد از بناء مسجد سلطانی تهران از یکی از اعمام معظم‌له دعوت نمود که بتهران آمده در مسجد شاه مزبور اقامه نماز جمعه و جماعت نمایند و منصب مزبور در خاندان وی تاکنون باقی و امام جمعه تهران با امام جمعه اصفهان پسر عمو و از یک سلسله و بیت میباشند.
معظم‌له در بیت علم و سیادت در حدود سال 1310 قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح بدرس مرحومین علمین آیتین آیه‌الله حاج سید ابوالقاسم ده کردی و آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین فشارکی حاضر شده آقا بمدارج عالیه علم رسیده و از آن بزرگوار بدریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایتی مفتخر گردیده است.
و ایشان حدود بیست و پنج سال است که امام جمعه و جماعت مسجد جامع شهرستان اصفهان میباشند.
از آثار ایشان است رساله‌ای در میراث زوجه که مستدلا مرقوم داشته و مورد تحسین و تجلیل استادش مرحوم آیه‌الله دهکری قرار گرفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امام جمعه، هاشم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر سید محمد. آخرین امام جمعه‌ی مقتدر اصفهان، از رؤسا و متنفذین بوده، و در اوایل، زاهد و عابد و مورد وثوق مردم بوده، و مردم از محلات مختلفه جهت درک نماز ایشان به مسجد جمعه می‌رفته‌اند، لکن در اواخر در اثر حرکات ناشایسته برخی از اطرافیان ایشان، آن توجه و اعتماد از بین رفته، و دیگر بعد از ایشان امام جمعگی رونقی نیافت.
مشارالیه در 1250 متولد، و در شب 4 شنبه 16 رمضان المبارک سال 1321 وفات یافته، در مقبره‌ی سر قبر آقا مدفون گردید. قبرش در شاه‌نشین غربی بقعه قرار دارد.
یک نمونه از نفوذ و قدرت مرحوم حاج میرزا هاشم: در سال 1307 به شرحی که در کتب تاریخ مفصلا نگاشته شده است در اصفهان پیش آمدهایی روی داد که منجر به کشته شدن دو نفر از بهائیان گردید. ظل السلطان به دستور ناصرالدین شاه جهت ارعاب و تهدید علما جلسه‌ای تشکیل داده، و ضمن بیاناتی، از سیاست خارجی دول و قدرت شاه و خودش و این که چنین و چنان خواهم کرد صحبت می‌کند، و نسبت به جمع علما و بالاخص آقا نجفی، که شهرت داشت عمل به دستور ایشان و یا لااقل اطلاع ایشان انجام گردیده توهین نموده، و از کشتن و زندان کردن و تبعید سخن می‌گوید. با مقدمه چینی که قبلا نموده بود طوری سخن می‌گوید که حاضرین عموما ساکت و مرعوب شده، رنگ‌ها از صورت می‌پرد. همگی متحیر که چه باید گفت، و چه باید کرد؟ در این موقع ناگهان حاج میرزا هاشم در حالت عصبانی از جای برمی‌خیزد، و رو به ظل السلطان که عوام او را زلزله سلطان می‌گفتند نموده و می‌گوید: به چه قدرت به خودت حق می‌دهی به نایب امام زمان علیه‌السلام جسارت کنی؟ و از مجلس خارج می‌شود. علما نیز به یک مرتبه از جای برمی‌خیزند. ظل السلطان وحشت‌زده به یک یک علما متوسل می‌شود که امام را برگردانید و از او عذرخواهی کنید. بالاخره آقامیرزا محمد هاشم چهارسوقی واسطه شده، امام را برمی‌گرداند، و ظل السلطان از او و دیگران عذرخواهی می‌کند، و مخالفین امام جمعه پی به عظمت روحی و قدرت و نفوذ کلام او می‌برند [!] و وی را برای این عملش ستایش می کنند.
ضمنا باید دانست که اختلاف سلیقه و دو دستگی ما بین آقایان مسجد شاه و امام جمعه زیاد بوده، و از همین اختلاف، ظل السلطان چندین مرتبه حد

اعلای استفاده را برده بود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

امام، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جلال امام
محل تولد : رشکوئیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
در سال تحصیلی 73 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال 75 به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال 78 امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر 79 به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.
پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال 84 در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه 84 در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.
همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین 86 به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه 86 در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامت، عزاللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عزاللّه بن آیت‌اللّه حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از دانشمندان و ائمه‌ی جماعت معاصر کاشانست.
وی در سال 1309 شمسی در کاشان متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح و متون فقه و اصول را از مرحوم والدش آیت‌اللّه امامت و مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمود نجفی فراگرفته و آنگاه به مشهد عزیمت و چندی از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی مدظله استفاده نموده و بعد از آن به کاشان برگشته و به وظائف دینی از قبیل امامت و تبلیغ مسائل احکام و تألیفات تاکنون اشتغال دارند.
تألیفاتی که از معظم له به طبع رسیده است از این قرار است.
1- کشکول امامت دو جلد.
2- زندگانی سلطان علی و هلال بن علی.
3- فضائل السادات.
نگارنده گوید: از همین سلسله جلیله است جناب آیت‌اللّه حاج سید عباس بن مرحوم حجة‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر کاشانی حایری که اکنون در شهرستان دینی و علمی قم اقامت دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامت، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فخرالدین بن العلامة الزاهد السید محمدمهدی امامت حسینی کاشانی از آیات عظام و علماء بزرگ معاصر کاشان (داماد مرحوم آیت‌اللّه ملا حبیب‌اللّه کاشانی) بودند.
وی در حدود 1292 قمری در کاشان متولد شده و در بیت علم و عمل پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از دو عموی گرامش آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین امام (متوفی حدود 1311) و آیت‌اللّه آقا سید محمدحسن امام (متوفی حدود 1330) و مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نطنزی و میرزا محمدحسین نراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی (متوفی 1325 قمری) و حاج میرزا ابوالقاسم نراقی سبط فاضل نراقی و پس از آن مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی (متوفی 1340) صاحب مقامات عالیه و تألیفات کثیره استفاده نموده و در اوائل تأسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری بهره‌مند شته و پس از مدتی به کاشان مراجعت و اشتغال به تدریس و تألیف و ارشاد مردم و اقامه جماعت در مدرسه سلطانیه نموده تا در سال 1392 قمری که در سن صد سالگی بدرود حیات گفته و در جنب میدان و فلکه بزرگ کاشان (کامل‌الملک) در مقبره شخصی مدفون گردید.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللّه امامت از برکات شهرستان کاشان و مفاخر علمی و قدسی این شهرستان و از مشایخ اجازه عصر ما بودند و جماعتی از اعلام و آیات عظام که ذکرشان موجب اطنابست از ایشان اجازه روایتی داشتند و برای این حقیر هم در اواخر عمرشان اجازه مبسوطی صادر فرمودند تألیفات و آثار عدیده دارند که ذیلا می‌نگارم.
تألیفات مرحوم امامت
1- هدایةالعوام فی مهمات الاحکام (رساله عملیه) مطبوع
2- راه نجات او تنبیهات الغافلین منظومات بالفارسیه مطبوع
3- راه خداشناسی فی اصول العقاید بالفارسی مطبوع
4- وسیلة النجاة فی فضائل السادات بالفارسی مطبوع
5- ثواب الزیارات بالفارسی مطبوع
6- رسالة فی احکام الارث فارسی
7- رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین عربی.

8- رسالة فی منجزات المریض عربی
9- رساله در حکم آب قلیل متنجس متمم
10- رسالة فی عقد الفضولی عربی
11- شرح بر منظومه استادش در اصول موسوم (به منیةالاصول).
12- مرآت الحقیقه در حالات صوفیه فارسی
13- کشکول در مواعظ در چند جلد فارسی.
14- حاشیه بر شوایع
15- حاشیه بر مکاسب
16- رساله در مصرف سهم الامام (ع)
17- در متفرقات از حواشی و غیره.
ادباء و بعضی از دانشمندان کاشان اشعاری بسیار در رثاء آن مرحوم سروده‌اند از جمله آیت‌اللّه العلام آقای حاج آقا رضا مدنی دام ظله در ماده تاریخ وفاتش سروده.
سید اهل العلم فخرالدین
نجم الامامه و بدرالدین
یا لهف قد مضی فقل مورخا
(الی الجنان رام فخرالدین)
و در روز وفاتش گفته‌اند.
یا لهف مات سید جلیل
فخرالهدی مجتهد نبیل
للدین فخر کامل لبیب
عدل زکی عالم ادیب
(1392 -1292 ق)، عالم، فقیه و مدرس. در کاشان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، متون فقه و اصول را از دو عموی خود، آیت‌اللّه آقاسید محمدحسین امام و آیت‌اللّه آقاسید محمدحسن امام، فراگرفت. وی همچنین از حوزه‌های درس آیت‌اللّه حاج ملا محمدحسین نظنزی، میرزا محمدحسین نراقی، آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین نراقی، حاج میرزا ابوالقاسم نراقی و آخوند ملا حبیب‌اللّه کاشانی، پدر همسرش، استفاده کرد. در اوایل تأسیس حوزه‌ی علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌مند شد. پس از مدتی به کاشان بازگشت و به تدریس و تألیف و وعظ و اقامه‌ی جماعت در مدرسه‌ی سلطانیه اشتغال ورزید. وی از مشایخ اجازه عصر حاضر بود و بسیاری از علما از ایشان اجازه روایتی داشتند. او در کاشان درگذشت. از آثار وی: «هدایة العوام فی مهمات الاحکام»، رساله‌ی علمیه؛ «راه نجات»؛ «تنبیه الغافلین»، شعر فارسی؛ «راه خداشناسی»، در اصول عقاید، به فارسی؛ «ثواب الزیارات»، به فارسی؛ «رسالة فی حکم الجلود واللحوم مشتبهین»،

به عربی؛ «رسالة فی منجزات المریض»، به عربی؛ «رسالة فی عقد الفضولی»، به عربی؛ «وسیلة النجاة»، در فضائل سادات.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (252 -251 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (264 -262 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (784 / 4).

امامت، فضل‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فضل‌اللَّه بن العلامة المرحوم حاج سید فخرالدین امامت حسینی کاشانی از علماء محترم معاصر کاشانست. وی در سال 1333 قمری در بیت فضل و فضیلت به دنیا آمده و در کودکی ادبیات را خوانده و به تحصیل فقه و اصول پرداخته و از محضر والدش وجدامی خود مرحوم آیت‌اللَّه ملا حبیب‌اللَّه شریف کاشانی و آیت‌اللَّه آقا سید محمد علوی بروجردی استفاده نموده آنگاه به قم مهاجرت و از درس و محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر و غیرهم بهره‌مند شده آنگاه در شهر خود به امامت و انجام وظائف دینی پرداخته و تاکنون اشتغال دارد.
دارای آثاریست که از آنها تحفةالطالبین به طبع رسیده است و تألیفات دیگر ایشان در صرف و نحو و فقه و اصول تاکنون مخطوط مانده است.
(تو 1333 ق)، فقیه اصولی. در نوجوانی ادبیات را آموخت و در محضر پدر و جد مادری‌اش آخوند ملا حبیب‌اللَّه کاشانی و نیز آقاسید محمدعلوی بروجردی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. سپس به قم مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللَّه حائری و آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه سید محمد حجت و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شد. در بازگشت به کاشان به ترویج مذهب و تألیف کتاب پرداخت و آثاری در صرف و نحو و فقه نگاشت. از آثار وی: «تحفة الطالبین».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (264 / 6).

امامی اصفهانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1312، اصفهان.
درگذشت: 4 آذر 1372(11 جمادی‌الثانی 1414 ق.).
آیت‌الله سید احمد امامی اصفهانی، فرزند آیت‌الله حاج آقا عطاءالله امامی نیز از علمای مشهور اصفهان، بود. او پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی در نزد پدرش و حضرات آیات معلم حبیب‌آبادی، فیاض و فقیه قودجانی پرداخت و پس از تکمیل ادبیات و سطح جهت استفاده از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم بدانجا رفت و کفایه را از آیت‌الله مجاهدی و آیت‌الله سلطانی طباطبائی فراگرفت. سپس خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی (ره) و فلسفه را هم نزد علامه‌ی طباطبائی تحصیل نمود. از خدمات وی کتابخانه عظیم‌الزهرا با بیش از شصت هزار جلد کتاب و توسعه و نوسازی مسجد سقا در اصفهان را می‌توان نام برد.
از تألیفات چاپ شده‌اش چرا جمهوری اسلامی و روش رهبران انقلابی ما و از کتابهای چاپ نشده‌اش می‌توان از اینها نام برد: تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ تقریرات درس اصول امام خمینی؛ تقریرات درس فقه (مکاسب) امام خمینی؛ اجتهاد و تقلید؛ جغرافیای کشورهای اسلامی؛ شرح دعای عرفه؛ جنگ در نظام کل اسلام؛ قواعد درایه و رجال؛ مبارزه و راه آن در قرآن؛ آیات معجزه‌آسای قرآن؛ انسان در قرآن؛ ولایت و امامت از دیدگاه قرآن؛ اخلاق در قرآن؛ تمثیلات و تشبیهات قرآن؛ قرآن و تعهدات اسلامی؛ تفسیر جزء سی قرآن؛ تفسیر قرآن (از سوره بقره تا انفال) اسرار حج؛ سنت تغییر؛ راه مستقیم؛ بشر و رسالت او؛ قدرت و نیرو؛ جاسوسی در اسلام؛ انقلاب در پرتو وحی؛ جهاد؛ روحانیت و تبلیغ در اسلام؛ انحرافات و مبارزه با استعمار؛ وظایف مردم در زمان غیبت؛ شیطان در خانه ما؛ چگونه باید زیست؛ راهنمایی‌های حضرت علی (ع) (هفت جلد)؛ قیامت (سه جلد)، اسلام تنها راه مبارزه با استعمار؛ جامعه اسلامی؛ خدمات اهل‌بیت پیامبر؛ فرهنگ واژه‌های علمی؛ فرازهای عالی صحیفه سجادیه؛ اقتصاد؛ شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (عج)؛ شرح نامه علی (ع) به مالک اشتر.
آیت‌الله امامی اصفهانی روز پنجشنبه چهارم آذر 1372 (برابر یازدهم

جمادی‌الثانی 1414 ق.) در شصت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در امامزاده ابوالعباس خوراسگان به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی پور، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد امامی پور
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد امامی پور فرزند محمد علی متولد 1342 مقطع دبستان و راهنمایی را در مشهد گذراندم و پس از پایان دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تا مقطع دیپلم به طور آزاد ادامه تحصیل دادم.
سال های 64 تا 69 در دانشگاه علوم اسلامی رضوی به فراگیری زبان انگلیسی و دروس حوزوی تا سطح عالی مشغول بودم و پس از اعزام 3 ماهه به زامبیا جهت تبلیغ و مراجعت به کشور، راهی قم شدم و تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا مقطع لیسانس از سال 1370 در آنجا ادامه دادم. در سال 74 با احراز رتبه هشتم وارد دانشگاه تهران شدم و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در سال 76 به پایان رساندم و ازنیمه 77 به عضویت هیئت علمی دانشگاه مفید در آمدم. سال 82 وارد مقطع دکتری شدم و اکنون با پایان یافتن واحدهای آموزشی و امتحان جامع در مرحله پایان نامه هستم. چندین طرح پژوهشی مانند بررسی قانون بیمه شخص ثالث و درآمدی به متون اسلامی و... را نیز به سامان رسانده ام.

امامی تربتی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله بن حجه الاسلام حاج شیخ ذبیح الله بن العالم العلام حاج ملا عبدالله (امام جمعه تربت) ابن العلامه حاج حسینعلی (امام جمعه) از علماء مبرز معاصر خراسان و تربت حیدریه می‌باشد.
مرحوم حاج ملا حسینعلی و حاج ملا اسحق تربتی که در عصر خود اعلم علماء خراسان معرفی شده‌اند نسبشان منتهی می‌شود به مرحوم حاج ملا خداداد تربتی که معاصر با اوائل صفویه بوده‌اند.
جناب آقای امامی در محرم 1320 ق در تربت حیدریه متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و قرآن و اولیات را در مکتب خانه مرحوم آقا سید محمود مشلول خوانده و قسمتی از مقدمات را فراگرفته و ضمنا از نماز جماعت و مجالس وعظ مرحوم حجت الاسلام آخوند حاج ملا عباس تربتی (والد جناب آقای راشد) که از نظر زهد و تقوا و فضیلت کم نظیر بود استفاده نموده و در ماه ربیع الاول 1347 ق به حوزه علمیه مشهد مقدس منتقل و ادبیات را از جناب حاج شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و اساتید دیگر استفاده کرده و پس از آن سطوح فقه و اصول را از مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد مدرس یزدی و آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ شاهرودی و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا احمد کفائی و آیت الله عالم ربانی حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاضه نموده و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم یزدی و آیت الله خونساری بهره‌مند گردیده و در سال 1357 ق مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام آن سامان چون آیت الله حاج شیخ موسی خونساری و آیت الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی استفاده نموده و در حدود سال 1364 ق به تربت برگشته و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام نموده و تاکنون اشتغال دارند. از آثار ایشان است:
1- استرداد مدرسه اسحاقیه و تعمیر آن به همت مرحوم حاج ابوالقاسم هراتی (که اکنون به مدرسه هراتی شهرت دارد)
2- رسیدگی به وضع طلاب و محصلین مدرسه مزبور.
3- اعزام مبلغین دینی بقراء اطراف تربت.
4- تهیه زمین برای ساختمان کتابخانه امامیه و تهیه مقداری کتاب برای آن.

5- اقدام به تجدید ساختمان مسجد مرحوم حاج شیخ علی اکبر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی حجتی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر امامی حجتی
محل تولد : نجف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذارندم و درسال 1350 وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهایه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.
از سال 1370 با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار" و سه جلد "المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحار الانوار"، و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب "احداث التاریخ الاسلامی" و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله "تعداد یاران امام حسین علیه السلام" که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب "مجمع الفوائد فی شرح الفرائد" با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.
از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی کاشانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین امام کاشانی فرزند عالم جلیل آقا حسام‌الدین امامی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در بیت دانش پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده پس از آن به قم آمده و در دوره اول امتحان طلاب که شرکت نموده با نمره ممتاز و رتبه اول پذیرفته شده و در درس و مباحثه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که صحبت و اشکال می‌کرد و مورد توجه آیت‌اللّه قرار گرفته و با عنایات مخصوص به ایشان نگریسته و تعبیر به عالم عصر من می‌فرمودند و پس از دیدن یک دوره خارج و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه مرحوم علامه یزدی معروف به مدرسه سید سکنی گزیده و به مباحثات ادامه داده و حاشیه کامل بر عروه‌الوثقی زده سپس مراجعت به کاشان نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت در مسجد بازار کاشان و تدریس فقه و اصول اشتغال دارند و جمع کثیری از محصلین و صلاب کاشان از محضرشان استفاده می‌نمایند دارای تألیفاتی در فقه و اصول می‌باشند. و در چند سال قبل کتابی به نام اصول‌الامامیه تألیف نمودند که با آنکه مختصرترین کتب اصولی است بسیار ساده و آسان و قابل استفاده است و با این ابتکارشان زحمات طلاب را برای فهم کفایه الاصول علامه خراسانی کم نموده است.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ حسین امامی کاشانی سلمه‌اللّه از افاضل مجتهدین معاصر است که اجتهادش از حدود سی و پنج سال قبل مورد تایید و تصدیق آیات عظام نجف اشرف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم قدس‌اللّه سره و دیگران و نیز مراجع بزرگ و زعماء حوزه علمیه قم مانند آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب اللّه ثراه و دیگران بوده.
آثار علمی ایشان مطبوعا و مخطوطا
1- اصل اصول الامامیه یکدوره اصول که به طبع رسیده است.
2- دراسات الاصول آماده طبع است.
3- فقه الامامیه- سه جلد که آماده طبع است.
4- حاشیه کامل بر عروه که در سال 1375 هجری قمری شروع و در سال 1410 هجری قمری پایان یافته.
5- متفردات الامامیه مانند تقیه یا خبرئیت بسیم اللّه از سور قرآنیه.
6- قاعده- لاضرر چاپ شده.

7- قاعده- تقیه چاپ شده.
8- قاعده- اعلمیت چاپ شده.
9- ترجمه عروه که رساله عملیه فارسی است.
و ایشان داماد گرامی حضرت آیت‌اللّٰه حاج آقا رضا مدنی کاشانیست که سبط مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آخوند ملا حبیب‌اللّٰه شریف کاشانی صاحب تألیفات و تصنیفات کثیره مطبوع و غیره می‌باشند.
از آثار خیر معظم‌له تعمیر برخی از مساجد است که از آنهاست تعمیر اساسی مسجد میرعماد کاشان و بنیاد مدرسه امامیه برای طلاب خودشان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

امامی نیا، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا امامی نیا
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1364به حوزه علمیه زنجان وارد شدم و با علاقه فراوان دروس حوزوی را تا پایان سطح در شهر زنجان گذرانده و در سال 1374به حوزه علمیه قم تشرف یافته و تا سا ل 76 در دروس خارج اصول و فقه اساتید محترم همچون حضرات آیات سبحانی، مکارم و وحید خراسانی شرکت کردم.
در سال 76 در دوره تخصصی کلام اسلام در سطح 4 پذیرفته شده و به مدت 4 سال این دوره را با معدل 61/19گذراندم.
از سال 80 به مدت 2 سال در مدارس علمیه الهادی، حقانی، معصومیه، کلام اسلامی را تدریس کردم. از سال 81 تاکنون در دو سطح 2 و 3 فلسفه و کلام اسلامی را در مرکز تخصصی کلام اسلامی تدریس می کنم.
در موسسه مذاهب اسلامی سطح 3 چند دوره فلسفه تدریس کرده ام. در مدرسه بقیة الله (ویژه طلاب محترم پاکستانی) به مدت 3سال فلسفه اسلامی تدریس کرده ام. ازسال 85 تاکنون در مرکز تخصصی تربیت مدرس کلام و فلسفه اسلامی تدریس می کنم.
از سال 82 تاکنون در مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی (موسسه امام خمینی) در کمیته علمی کلام عضویت دارم و چند مقاله برای آن مرکز تالیف کرده ام. از سال 82 در شورای علمی دانشنامه کلام اسلامی (موسسه امام صادق) عضویت داشته و در ارزیابی مقالات، نظارت بر پرونده های علمی و تالیف مقاله فعالیت می کنم. به سفارش داانشنامه جهان اسلام مقاله "ذمیه" را تالیف کرده ام به طور خلاصه فعالیت این جانب در دو بخش تدریس و پژوهش در فلسفه و کلام اسلامی تمرکز دارد. از سال 85 نیز راهنمائی، مشاوره و داوری چند رساله علمی را عهده دار بوده ام.

امامی هروی، رضی‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 686 ق)، ادیب، شاعر. وی ملک‌الشعراء و مداح اتابکان فارس و معاصر سعدی و مجدالدین همگر بود. ابتدا مداح ملوک کرت بود. سپس به کرمان رفت و به مدح پادشاهان آن دیار یعنی سلاطین قراختایی پرداخت. در یزد مصاحب شمس‌الدین محمد تازی‌گوی، کارگزار شمس‌الدین محمد صاحب دیوان شد. به سبب فضل و دانش وافر و تسلط بر زبان و ادب عربی و فارسی و اطلاع از علوم مختلف معقول و منقول شهرت بسیار داشت، تا آنجایی که برخی از معاصران در مقام مقایسه او با سعدی بر آمده و او را بر بسیاری از شاعران ترجیح داده‌اند. مجدالدین همگر او را بر سعدی ترجیح داه است. در قصیده‌سرایی به سبک عراقی شهرت داشت. وی به اصفهان رفت و باقی عمر را در آنجا گذرانید. و در قصبه‌ی لنجان درگذشت. آثار وی «دیوان» اشعار مشتمل بر دو هزار بیت؛ شرحی بر قصیده‌ی «بائیه» ذوالرُمّه شاعر معروف عرب به عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (759 -752 /2)، از سعدی تا جامی (165 -161)، تاریخ ادبیات در ایران (557 -546 /3)، تاریخ گزیده (717 -716)، تاریخ نظم و نثر (162 -161)، تذکرة الشعراء (188 -183)، تذکرة القبور (198)، حبیب السیر (387 ،118 /3)، الذریعه (94/9)، ریحانه (172/1)، سرآمدان فرهنگ (188 -187 /1)، صبح گلشن (36)، گنج سخن (146 -142 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ امامی)، مجمع الفصحا (265 -259 /1).

امامی هروی، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، خطاط و منشی. از زبر دست‌ترین کاتبان قرن خویش بود که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو به کار کتابت مشغول بود و به همین جهت یعقوبی و رستمی رقم می‌کرد. از خطوط نستعلیق او: یک نسخه «انیس العاشقین»، به قلم نستعلیق کتابت عالی، با رقم: «تمت... به انیس العاشقین فی تاریخ سنة سبع و ثمانین و ثمانمائة... شیخ محمد الامامی»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی فی تاریخ سنة تسع و تسعین و ثمانمائة»؛ یک نسخه مثنوی «اشترنامه»، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «تمام شد کتاب اشترنامه‌ی شیخ فریدالدین عطار... شیخ محد بن احمد... سنه‌ی احمد عشرین و ثمانمائة...» و قطعات و مرقعات دیگر که در کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» به آنها اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (644 -642 /3).

امامی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنوان : دکتر ابوالقاسم امامی
آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضلای کم کار اما گزیده کار و دقیق النظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش ها و معارف اسلامی ، هم در حوزه و هم در دانشگاه ، به مدارج والای علمی دست یافته است . او متولد بیست و سوم دی ماه 1313 ش در روستای گز (وابسته به بندر گز ، جزو استان گلستان امروز) است . پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود . تا سال 1328 تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند . سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر ، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر ، گرگان ، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد ، و استادان فرزانه ای داشت از جمله ادیب نیشابوری ، و میرزا جواد آقا تهرانی . مدتی کوتاه نیز به حوزه ی علمیه ی قم رفت و سپس به تهران آمد . در سال 1339 از کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت . یک چند با مجله ی عربی الاخاء همکاری داشت . پس از طی دوره ی لیسانس حقوق سیاسی (1348) در دانشگاه تهران ، دوره ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه ی اول گذراند (1351) و دوره ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله ای به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم ، نیز تالیف رساله ای در زندگینامه و کارنامه ی ابوعلی مسکویه در دانشکده ی ادبیات و از سال 1360 در دانشکده ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت . از سال 1355 تا 1369 (که بازنشسته شد) ، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود . از سال 1371 به عضویت هیئت علمی دانشکده ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد کرج ، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد . همچنین با بعضی نهادهای علمی ـ انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، همچنان ، و به موازت کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد . مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است .
آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است :
1 ـ ترجمه ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می پردازیم (چاپ اول ، نگار ، 1370 ؛ چاپ دوم ، اسوه ، 1378)

2 ـ تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش ، 1366) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد .
3 ـ ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول ، سروش ، 1369)
4 ـ تصحیح ترتیب السعادات ، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)
5 ـ رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)
6 ـ رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)
7 ـ تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)
8 ـ تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه ، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی . چاپ تهران ، انتشارات نقطه با همکاری « میراث مکتوب » ، 1375)
9 ـ تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران ، اسوه ، 1370 ، 1373)
.

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید تقی امامی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1354 وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال 1370 به بعد استفاده نمودم.
همزمان از سال 1368 به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیة الله بروجردی حجره 15) در سال 1368 مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.
از سال 1379 مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از: "سخنی با نیکان 24 شماره"، "سخنی با ایرانیان 13 شماره"، "مشاوره روانشناسی 17 شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا ؟) 15 شماره"، "النکاح فی الاسلام 15 شماره"، همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1283.
درگذشت: مرداد 1358، اروپا.
سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجه‌ی دکتری حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفات عموی خود که امام جمعه‌ی تهران بود، به جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامه‌ی نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعدا به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.
از آثار اوست: حقوق مدنی ایران (در شش مجلد)؛ شرح قانون ثبت اسناد و املاک (1320).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امامی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسین بن العالم الجلیل آقا حسام‌الدین امامی کاشانی از دانشمندان نامی و علماء سامی معاصر کاشانست وی در کاشان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و پس از آن به قم آمده و در امتحانات حوزه شرکت و رتبه اول و نمره عالی را دریافت و مکرر مکالمات علمیه با حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نموده و مورد توجه معظم له واقع شده به طوری که بعضی از اوقات از ایشان تعبیر به عالم هم‌عصر می‌فرمودند و هر یک از طلاب و محصلین کاشانی و غیره را که توصیه و توثیق می‌نمودند آن مرحوم پذیرفته و بر ایشان حقوق و شهریه برقرار می‌کردند
آقای امامی پس از یک دوره تحصیلات و دیدن دروس خارج قم به نجف اشرف عزیمت نموده در حالی که در آن موقع بر عروةالوثقی علامه یزدی حاشیه شروع نموده و در اقامتشان در (باب مدینه علم) تا باب خمس به اتمام رسانیدند
معظم له پس از چندی توقف در نجف و شرکت در دروس آیات عظام آنجا بالاخص مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله و دیگران مراجعت به کاشان نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی باز به قم آمده و به تدریس خارج پرداخته و صدها نفر از طلاب در درسشان شرکت می‌نمودند. ولی متأسفانه روی بعضی از جهات دوباره به کاشان برگشته او تا حال تحریر و تألیف این کتاب (سال 1395 قمری) به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال دارند از آثار گرانقدر آنجناب کتاب (اصول الامامیه) است که زحمات فضلاء را آسان و راهی را که باید سالها در مبانی اصول فقه طی نمایند به چند ماه رسانیده است
نگارنده گوید مترجم محترم ما از مجتهدین جوان عصر حاضر است آثار نبوغ و بزرگی در چهره و سیمایش نمایان است و امید است که بخواست خدا و عنایت صاحب ولایت در آینده از مراجع عالیقدر بوده باشند زیرا از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام همواره چه در قم و چه در کاشان و چه در نجف اشرف با کمال سادگی و دور از تظاهرات مجدانه اشتغال به تحصیل و تدریس و تصنیف داشتند و بحمد اللّٰه آثار علمی ارزنده‌ای مانند (اصول الامامیه) و حواشی بر عروةالوثقی و غیره دارند و ایشان داماد ارجمند حضرت آیت‌اللّٰه والعالم العلام آقای حاج آقا رضای مدنی کاشانی

که از مجتهدین و مراجع عصر حاضرند در کاشان می‌باشند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله امامی اول عالم معاصر شهرستان تربت است که اکنون باقامه جماعت و خدمات دینی و تدریس و سرپرستی محصلین و طلاب مدرسه تربت اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امامی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اصغر امامی
محل تولد : دهاقان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1350 پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال 1358 پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (1385 ـ 1386) ادامه داشته است.

امامی، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی امامی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال 47 در یک خانواده روحانی و اهل علم متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می باشد گذراندم. پایان دوران راهنمائی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی از دوران راهنمائی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.
همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال 64- 65وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانات حوزه شرکت و قبول شدم. از سال اول تا سال سوم را در مدرسه الهادی واقع در خاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه دروس مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.
در سال 73 وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال 75 موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسی در دانشگاه شدم. در سال 77 در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قبول شدم. و همزمان تا سال 82 دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.
از سال80 همزمان با دروس دیگر و تحقیقات مشغول به تدریس در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر امامی
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1322/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمد جعفر امامی در سال 1322 و در شب عید فطر در روستای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرستان داراب استان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.
در 27/7/1337 به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شد وارد شد و تا سال 1341 در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سپس به درس خارج استادان مشهور آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.
حجةالاسلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا آنجا که رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد و تا پیروزی انقلاب این ممنوعیت ادامه داشت از آغاز ورود او به قم که مبارزه مرجعیت و روحانیت با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضد رژیم پهلوی شروع شد همواره در تمام صحنه‌های این مبارزه شرکت داشت.
وی در جریان رفراندوم و لوایح ششگانه در سخنرانی جلسه مهم مدرسین

حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسجد اعظم قم که در آن آیة الله العظمی مکارم و مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری سخنرانی کردند و موضع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مدرسه فیضیه در عصر عاشورا شرکت داشت. و نیز در صحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاک و خون کشیده شدند، حضور داشت.
در شب و روز آزادی امام قدس سره از حبس و حصر و حضور مردم قم در بیت ایشان و ورود هیئت های دیدار کننده از شهرستانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن باز گشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت.
او پس از انقلاب نیز در صحنه های گونا گون همواره پشتیبان انقلاب و امام (ره) بوده است. در آغاز به نمایندگی از امام در آمادگاه منظریه قم و در ستاد انقلاب مدتی در سازمان برنامه و بودجه و مدتی در وزارت بازرگانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهای دفاع مقدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسلامی) و بحث های عقائد و اطلاعات رزمندگان اسلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.
حجة الاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود امامی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال 1360 تا 1365 تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال 1367 به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.
شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت 5 سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایة الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایة الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.
سال 1371 به مدت 4 سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت 2 سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت 6 سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری

زنجانی را بهره مند شدم. همچنین 4 سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتا مدت 12 سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.
در مدت اقامت در قم، مدت 7 سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت 2 سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.
مدت 5 سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت 8 سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (3 سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و 5 سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.
از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (16 سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با 120 منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و مدتی پس از ورود به قم به کارهای تحقیقی پیرامون متون روایی و ترجمه آنها (ترجمه و تحقیق فضائل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.
مدت 7 سال است که با موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت 6 سال است که در کارهای پژوهشی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امامی، منیرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید منیرالدین امامی متولد 1352 قمری که از محصلین حوزه علمیه قم می‌باشد. وی پس از رشد و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه فراگرفته آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه روحانی دامت برکاتهم شرکت نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و تا حال حاضر نیز استفاده می‌نماید و در ایام تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای نشر احکام به منطقه و محل خود و غیره مسافرت نموده و می‌نماید. برادر ارجمند ایشان آقای حاج سید باقر امامی از فضلاء مهذب حوزه می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

امامی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1328، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1350، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال 1352، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1362.
مرتبه علمی:
عضویت در هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز از سال 1355 تاکنون، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات فارسی و عربی، شرکت و سخنرانی در کنگره‌های جهانی حافظ، سعدی، فردوسی، نظامی، خواجوی کرمانی و تدریس در دروس تخصصی ادبیات فارسی و عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی، پرنیان هفت رنگ (بررسی اشعار فرخی سیستانی) در دست چاپ.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
نقد ادبی، اسطوره‌شناسی، شعر شناسی، سبک‌شناسی شعر، زندگینامه‌نویسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

امانت، رشید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1289 ش)، نویسنده و مترجم. در یزد متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به تهران آمد و دو سال در مدرسه‌ی صنعتی آلمان و سه ماه در کالج تحصیل نمود، بعد به خدمت سربازی پرداخت. پس آن به شغل آزاد مشغول شد. زبان انگلیسی را در مدت پنج سال و زبان آلمانی را در مدرسه‌ی صنعتی و فرانسوی را خود آموخت. از آثار وی: ترجمه‌ی «از اسرار جنگ گذشته»؛ «اسرار سیرک»؛ «اسرار عشق»؛ ترجمه‌ی «پسر کاپیتان» یا «شوالیه شاه»؛ ترجمه‌ی «تریپوله» یا «مقلد دربار شاهی»؛ «خودآموز انگلیسی به فارسی»؛ ترجمه‌ی «ژان دولارج»؛ «سرگذشتهای آرسن لوپن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (265 -264 /1)، مؤلفین کتب چاپی (125 -122 /3).

امانی، محمدصالح

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد صالح امانی
محل تولد : جنت رودبار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/3/1

زندگینامه علمی
اینجانب متولد هشتم ربیع الثانی سنه 1391 ه.ق مطابق خرداد ماه 1349 خورشیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرستان رامسر بدنیا آمدم. در خانواده ای که دینداری، نوعدوستی، اصالت، تقوا، پاکدامنی مشهور و زبانزد خاص و عام بودند. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشتم، همواره شوق و اشتیاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.
پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.
یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه

سجادیه را تدریس نمودم.
از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال 1377 خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأئیداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه 2 همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسبیه نائل شدم.

امجد، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شیخ محمود امجد به سال 1318 هـ.ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود 18 سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علاّمه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود 20 سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال 1351 هـ.ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال 1350 با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار

دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امیدی فرد، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الله امیدی فرد
محل تولد : فارمد مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال 1336 در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیة الله حاج آقای مروارید و حضرت آیة الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیة الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه 1350 بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.
در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیة الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیة الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیة الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال 58 رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیة الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیة الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.
باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در

اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال 1371 ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.
از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال 1374 با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیة الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امیر همایون

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، طبیب، ادیب، منجم و شاعر. ظاهراً وی غیر از همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی است. در ماوراءالنهر می‌زیست و در زمان خود بسیار معروف بود. علاوه بر فنون مذکور در ادبیات عرب و عروض نیز دست داشت و غزل و معما بسیار خوب می‌گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (625).

امیرخانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی امیرخانی
محل تولد : گونبان بخش دینور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی امیرخانی فرزند امام قلی در سال 1351در روستای گونبان از توابع بخش دینور استان کرمانشاه به دنیا آمده و تحصیلات مقطع ابتدائی را در همان روستا گذرانده و در سال 1363 تحصیلات دوره راهنمائی را در کرمانشاه آغاز کردم.
در سال 1367به سبب علاقه به معارف و علوم اسلامی و حوزوی وارد حوزه علمیه آیت الله بروجردی (ره) شدم و پس از یک سال به خاطر فقدان امکانات علمی و آموزشی در آزمون سراسری حوزه علمیه قم شرکت و موفق به کسب رتبه قبولی شدم.
دروس مقدمات را در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) خواندم و در سال 1371برای ادامه تحصیل و تکمیل دروس سطح وارد مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) شدم و از محضر اساتید بزرگوار و توانا بهره بردم. درسال 1380موفق شدم که دروس سطح (کفایتین و مکاسب) را به اتمام برسانم و به درس خارج راه پیدا کردم. از سال 1380 تاکنون در درس خارج فقه استاد بزرگوارم حضرت آیت الله جوادی آملی بهره می برم. از سال 1372شروع به نوشتن کردم و در سمیناری که بانی آن دانشگاه تهران بود مقاله ارائه کردم که عنوان رتبه سوم را به خود اختصاص داد. در سال 1373 همکاری خود را با چاپ مقاله به مناسبت وحدت حوزه و دانشگاه در روزنامه اطلاعا ت با روزنامه و مجلات آغاز کردم سپس با مراکز پژوهشی و تحقیقاتی همکاری خود را آغاز کردم.

امیرنظام گروسی، حسنعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 -1237/1236 ق)، ادیب و خطاط. ملقب به سالار عسکر و امیرنظام. یکی از رجال جلیل‌القدر دوره قاجار و از خاندان قدیمی ایل کرد کبودوند ساکن گروس بود. نیاکان وی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه مصدر خدمات مهم دولتی بوده‌اند امیرنظام همواره مشاغل سیاسی و اداری مهمی در داخل و خارج از کشور برعهده داشت. از جمله اقدامات سیاسی وی پایان دادن به ماجرای عبیدالله خان نقشبندی، رییس صوفی مسلک کرد بوده است. امیرنظام گهگاهی از روی تفنن به نظم هم می‌پرداخته است. از آثار وی: «منشآت امیرنظام» و «پندنامه» که به خط خود برای فرزندش یحیی نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1256 -1254 /4)، از صبا تا نیما (172 -165 /1)، اطلس خط (631 -630)، تاریخ برگزیدگان (190 -188)، تذکره خوشنویسان معاصر (56 -53)، سرآمدان فرهنگ (201 -200 /1)، شرح حال رجال (367 -359 /1).

امیری، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمد علی بن آقا جعفر بن حاج سیف‌الله امیری پاشا از علماء معاصر شمال و اکنون در بند پی بابل سکونت دارد. وی در قریه پادشاه امیر بند پی متولد شده و پس از پایان دوره تحصیلات مقدماتی مقداری از سطوح را در آن قریه در محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد فیروز جاهی که از تلامذه مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله عراقی بوده‌اند خوانده و در سال 1325 شمسی بقم مهاجرت و پس از پایان دوره سطح خارجی را در محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و مراجع بزرگ معاصر قم تلمذ فرموده و چون جد نامبرده‌اش که از متمکنین متدین و خیر آن سامان بوده‌اند، مدرسه علیمه‌ایکه دارای چندین حجرات فوقانی و تحتانی در جنب بارگاه حضرت سید نظام‌الدین که مزار اهالی است که واقع در قریه نامبرده میباشد ساخته و پنج هکتار زمین شلتوت کاری از بهترین املاک شخصی خود را وقف معاش طلاب ساکنین مدرسه مزبوره بضمیمه ربع یک مرتع بنام یک برای تعمیر بنای آن مدرسه میباشد و کلیه علماء و مروجین معاصر آن سامان چه آنانی که مقیم آنجا میباشند و چه آنانیکه در حوزه‌های مختلف قم و مشهد و غیره مشغول بتحصیلند برای فرا گرفتن دوره مقدماتی و سطوح اولیه و وسطی در این مدرسه تلمذ نموده‌اند، تا پیش از سال 1346 شمسی پس از فوت جد نامبرده‌اش و فوت آیه‌الله فیروز جاهی مدرسه علمیه بصورت مخروبه درآمده و نزدیک بود بتصرف اجنبی درآید و آثارش بکلی محو شود که معظم‌له با تحمل زحمات فراوان و کمی بودجه از قم ببخش بند پی و قریه نامبرده رفت و آمد نموده تا آنکه مدرسه مزبوره را مجددا احیاء و مرمت و تأسیس و تشکیل حوزه علمیه در بخش بند پی با همکاری و تشریک مساعی مراجع بزرگ تقلید قم نموده بالنتیجه جمعیت زیادی از طلاب محترم آن سامان و سواد کوه باین بخش و این مدرسه اجتماع نموده و در تحت برنامه خاص مطابق برنامه مدرسه حضرت آیه‌الله العظمی گلپایگانی مدظله العالی اجراء می‌شود و با آنکه هر چند سال یکبار چندین نفر از طلاب آنحوزه پس از فرا گرفتن دوره مقدماتی و مقداری از سطوح بحوزه‌های علمیه قم و مشهد منتقل می‌شوند در حال حاضر در حدود چهل نفر از طلاب آن سامان و سواد کوه در آنجا سکونت دارند و جناب مترجم محترم ما بتدریس و تربیت آنان و

اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

امیری، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی نواده‌ی حاج محمدتقی امیرالامراء بود. در کرمانشاه متولد شد. در کودکی به تهران آمد، سپس به تبریز رفت و در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند. در سال 1314 ش به تهران بازگشت و دوره‌ی متوسطه را تمام کرد، سپس از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در سال 1322 ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. در خلال این مدت موفق به اخذ دکتری ادبیات فارسی شد. از سال 1342 تا 1348 ش نماینده‌ی فرهنگ و هنر در آمریکا بود و پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی ارتباطات اجتماعی و مدرسه‌ی عالی ادبیات به تدریس پرداخت. در سال 1350 ش به دعوت دانشگاه یوتا به امریکا رفت و در سال در آنجا به تدریس پرداخت. در بازگشت، به استادی دانشگاه شیراز منصوب شد و سرانجام در سال 1364 ش بازنشسته گردید. برخی از آثار وی: فرهنگ کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی سهراب و رستم»؛ ترجمه‌ی «منظومه‌ی فردوسی در تبعید»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی گالیور»؛ «آشنایی با شکسپیر»؛ ترجمه‌ی «مالک و زارع در ایران»؛ ترجمه‌ی «بازگشت ده هزار یونانی»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی فریزر»؛ ترجمه‌ی «روس و انگلیس در ایران»؛ ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی جکسن» یا «ایران در گذشته و حال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (390 -385 /1)، مؤلفین کتب چاپی (304 -303 /6).

امین الدوله، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1322 -1259 ق)، نویسنده و منشی. وی از رجال دوران قاجاریه و مردی مطلع بود. در جوانی در اداره یا وزارت رسائل به خدمت پذیرفته شد. در سال 1275 ق با سمت منشیگری وارد وزارت خارجه و به واسطه‌ی خط خوشی که داشت ملتزم ناصرالدین شاه شد. در سال 1279 ق به سمت نیابت اول وزارت خارجه منصوب شد و در سال 1283 ق لقب منشی یافت. در اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ همراه او بود اما بر اثر سعایت امین‌السلطان، رقیبش، از مرز آلمان بازگشت. وی سمت‌های مختلفی چون وزارت رسائل، نظامت مجلس شورا، تصدی امور ضرابخانه، وزارت اوقاف را داشت و در نهایت، بعد از امین‌السلطان، صدراعظم ایران شد. در سال 1316 ق از صدارت معزول و به ملک خود در لشت نشاء گیلان رفت. از کارهای امین‌الدوله تأسیس کارخانه‌ی آخرین سیستم قند کهریزک با سرمایه‌ی داخلی و خارجی به وسیله‌ی مهندسین بلژیکی، تأسیس کارخانه‌ی کبریت‌سازی در الهیه‌ی شمیران ملک خود و تأسیس مدرسه‌ی رشدیه در تهران است. امین‌الدوله از مؤسسان اداره‌ی پست به سبک جدید بود. وی زبان فرانسه را به خوبی می‌دانست. در گیان درگذشت. از آثار وی: «سفرنامه‌ی مکه»؛ «خاطرات امین الدوله».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (280 -272 /1)، تاریخ برگزیدگان (194 -191)، دایرةالمعارف فارسی (254/1)، سرآمدان فرهنگ (202 -201 /1)، شرح حال رجال (366 -354 /2)، طرائق الحقائق (639/3)، المآثر والآثار (193)، مکارم الآثار (1596 -1595 /5)، یادگار (س 3، ش 3، ص 38 -37).

امین الواعظین، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج محمّد علی تاجر اصفهانی، عالم و فاضل، و واعظ کامل بوده، در سال 1275 در اصفهان متولّد شده، و در نزد فضلا و علمای این شهر مانند: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج سید مهدی نحوی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای تلمّذ نموده، چندین سال نیز در اعتاب مقدّسه نزد اساتید آنجا تحصیل کرده، واعظی بلیغ بود.
در حدود 1325 به ایران مراجعت نموده، مدّتی در اصفهان، و گاهی در یزد ساکن شده، و سرانجام در قریه سده ماربین که اکنون به نام همایون شهر معروف است در سال 1358 وفات یافته، در قبرستان خوزان مدفون گردید.
وی را تألیفات عدیده است که از آن جمله است:
1- امان الخائفین، در امامت 2- البراهین الباهرة، در مذّمت دنیا و مدح آخرت 3- تحفة المعاد للعباد 4- روح العالمین، در توحید 5- شهاب الثاقب در مدح امام غائب علیه‌السلام 6- طریقة الحق، در نبوّت 7- کهف العارفین، در اخلاق و غیره از نظم و نثر 8- قصیده‌ای در مرثیه استادش میرزای شیرازی گفته، و در آن نام عدّه‌ای از علما را مذکور داشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

امین زارع، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا امین زارع
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1346 در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره های وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.
حدود سال 1361 به واسطه استادم حجة الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.
هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنده به ترتیب: در سالهای 66 و 67 دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال 71 به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.
گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام

دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای 73 و 74 اینجانب بوده است از سال 78 تاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال 79 به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد امین
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
در خانواده ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس های حضرت حجت الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمة الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.
شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.
ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.
در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می رفتم که نوشته های دروس این بزرگواران موجود می باشد و کتاب های اشعار را محضر

حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.
در زمان انقلاب سال 1357 مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم آباد (فاطمیه) و ارگان های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.
از این مدت به تالیف کتاب هایی همچون «البیع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشک بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال 1362 مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارک رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.
در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

امین‌احمد رازی، محمد مؤمن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1002 ق)، تذکره‌نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین‌احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه‌عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (288)، تاریخ ادبیات در ایران (1691-1688 /5)، تاریخ تذکره های فارسی (414 -410 /2)، تاریخ نظم و نثر (382)، الذریعه (230 -229 /25 ،52/4)، طرائق الحقائق (159/3)، کاروان هند (116 -115 /1)، کشف الظنون (2044).

امینی پور، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله امینی پور
محل تولد : شوش دانیال
شهرت : عبدالله (امیر) امینی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/6/3
زندگینامه علمی
زندگی نامه علمی
نگارش و ترجمه:
کودکان و نوجوانان (1371- 1383)
آغاز نگارش و ترجمه از 1373 با مجله سلام بچه ها و در ادامه (1372 - 1383) با پوپک و دوچرخه و حدیث زندگی و در ده ها شماره و در حدود 100صفحه، برای کودکان و نوجوانان نوشته شد.
سردبیری(1374 – 1376)
کار با سردبیری مجله میراث شهاب (نشریه کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی) ادامه یافت . چاپ و انتشار آن در دو سال و نیمی که با کتابخانه همکاری وجود داشت، ادامه یافت، سپس در 1374 و 75 با مجله تبیان همکاری (ترجمه).
همکاری با مجلات و روزنامه ها (1375 تا کنون)
از 1375 همکاری با روزنامه ها آغاز می شود. در ابتدا روزنامه کیهان با درج مقاله « فرهنگبان بزرگ میراث اسلامی» و چاپ دوباره آن در روزنامه رسالت (خرداد 76).
نخستین معرفی و نقد کتاب (کتاب شناسی) در مجله فقه (بهار 76) سپس در مجلات زیر ادامه می یابد: حوزه ، آینه پژوهش، کتاب ماه دین، پژوهش و حوزه ، حکومت اسلامی، میقات حج، روزنامه جمهوری اسلامی (ضمیمه صحیفه) ، کوثر، پیام زن و ...
در کتاب «برگزیده مقالات» چاپ 1384شرحی درباره نهج البلاغه به چاپ رسیده است.
زن پژوهی:
از 1379 به بعد نگارش و ترجمه مقالات زن پژوهی در مجلات : پیام زن ، زنان و پگاه حوزه شروع می شود، که برآیند چاپ و انتشار مقالاتی در این

نشریه است:
پیام زن ، شماره 99 و 115 و 118 و116 و 122 و 124 و 125 و 131 و 135 و 136
و پگاه حوزه ، شماره 70 و 71 و 75 و 93 و زنان ، شماره 116
شرح حال: از 1376 به بعد کتب و مقالاتی در شرح حال نوشته شده ، از جمله در : روزنامه کیهان و رسالت،
مجلات: میراث شهاب، تبیان، کوثر، یاد ایام (شهریور 76) بینات و پیام زن.
کتابها : شکوه فقاهت (1379) فرزانه ناشناخته (1381) مزربان وحی و خرد (1381)
قرآن پژوهی : نخستین کتاب در این باره «مصحف فاطمی» است که 1382 (چاپ اول) و 1387 (چاپ دوم) توسط «دلیل ما» به چاپ رسید .
نیز در کتاب «زندگی شخصی امام علی» مصحف امام علی (ع) (1380) چاپ شد. کتاب دیگر «تحقیق و حاشیه بر تفسیر سوره حمد» مرحوم محمد تقی فلسفی است که آذر 78 مرکز فرهنگ و معارف قرآن با عنوان « تفسیر بیان» بدون ذکر نام محقق چاپ کرده است.
سپس مقالاتی در نشریات:
تبیان، کوثر (ش 33) پیام زن (116 و135 و136 و87 و88) کتاب ماه دین ، روزنامه جام جم (ش 925) بینات(ش 33) و میراث شهاب (ش 14)
مهدی پژوهی:
افزون بر ترجمه کتاب چند جلدی «معجم احادیث الامام المهدی» و «غیبت امام مهدی » (چ موعود عصر، 1378) مقالاتی در مجلات: موعود و انتظار
تدریس:
از سال 1371 تا 1382 در جامعه الزهرا (بخش غیر ایرانی ها و بخش روزانه) تدریس ادبیات عرب و تاریخ اسلام به مدت ده سال .
تبلغ: در جبهه جنگ (1362) و نیز زادگاه محقق .
مدیریت: مدیریت روابط عمومی و اموربین الملل کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، مدیر آموزش کتابخانه، (1373 – 1376)
مدیر اجرایی مجله فقه اهل بیت (1378 – 1383) نیز همکاری با مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور (1370 – 1373)
نوآوری:
تأسیس انجمن علمی مترجمان که شرح آن در مصاحبه با نشریات زیر آمده
روزنامه جام جم/ 20 اردیبهشت 83
روزنامه کیهان/ 19 خرداد 83
نشریه کتاب هفته / 23 شهریور 81 و 6 تیر 83
نشریه پگاه حوزه/ 28 فروردین 81

نشریه نصوص معاصره / کشور بحرین / محرم 1416 (مارس 2005)
نشریه پژوهش و حوزه / بهار 81
کسب نشان و جوایز علمی:
تقدیر از نگارش مقالات در کنگره بین المللی شرف الدین
تقدیر از نگارش مقاله برای همایش سیره حکومتی امام علی ، مشهد (دانشگاه فردوسی)
تقدیر از نگارش مقاله مصحف فاطمی ، همایش بانوی آفتاب ، گرگان
تقدیر از نگارش مقاله مهدی موعود از دیدگاه آیات ، تهران (دانشگاه رودهن)
تقدیر از نگارش مقاله برای دومین کنگره عاشورا پژوهشی ، قم
نیز تقدیر از همکاری با دفتر تبلیغات اسلامی ، همچنین مجله پیام زن

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1320 ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایة الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود 40000 کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنة والادب»، دایرةالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفة الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرة نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ

مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[1]
حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.
در سال 1320 ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیةاللَّه حاج سید محمد مولانا و آیةاللَّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللَّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیةاللَّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی 1346 ق و آیةاللَّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی 1345 ق و مرحوم آیةاللَّه نائینی و آیةاللَّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.
نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.
علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول 1390 ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.
آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.
و آثار علمی او از این قرار است:
1- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

2- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. 3- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (26/16 ،259/1482/2)، الغدیر، ترجمه (163 -154 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (379 -377 /4)، مؤلفین کتب چاپی (723 -722 /3)، مستدرکات اعیان (82/1).

امینی گلستانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد امینی گلستانی
محل تولد : اردبیل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1331 شمسی از زادگاهم قریه گلستان در 30 کیلومتری اردبیل به مدرسه علمیه ملا ابراهیم وارد و پس از گذراندن مقدماتی صرف و نحو در سال 1333 به حوزه علمیه قم وارد شده و نزد اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده و در نیمه دوم سال 1334 به نجف اشرف وارد شده و از اساتید آنجا که بعداً ذکر خواهد شد، استفاده نمودم در تاریخ 1334 از نجف اشرف مراجعت نموده و در شهر توریستی سرعین اردبیل به مدت یازده سال اقامت نمودم. در طول این مدت مشغول کارهای علمی و فرهنگی شده و بناهای مفید و مجلل از خود به یادگار گذاشتم.
1- مسجد مجلل و بزرگ حضرت بقیة الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مساحت 800 متر به اضافه کتابخانه و شبستان زنانه و سایر متعلقات مسجد.
2- احداث چشمه های آب شرب چندین روستای اطراف سرعین.
3- بنا و تأسیس مسجد امیرالمومنین (علیه السلام) در زادگاهم روستای گلستان، بعداً در زلزله ویرانگر سال 1375 شمسی اردبیل که تعداد یک صد و ده روستا را از 25 درصد تا صد در صد ویران و گروه زیادی را به کام مرگ فرستاد که در این باره کتاب شعر آغلار ساوالان(یعنی سبلان می گرید) را سرودم. و یکایک کشته شدگان زادگاهم را در آن کتاب نام بردم.
4- تأسیس صندوق های خیریه بنام حضرت باب الحوائج ابوالفضل (علیه السلام) که اول از 17 صندوق شروع و فعلاً بیشتر مناطق استان اردبیل را فراگرفته است.
5- در سال 1381 مسجد امام زمان (علیه السلام) که در اثر زلزله مقاومت خود را از دست داده بود بازسازی و توسعه دادم.
6- در سال 1382 مسجد مجلل در روستای (جن قشلاقی) از دهستان های

یورقچی احداث و در سال 1384 تقریباً به اتمام رسید.
در سال 1351 شمسی از سرعین به اردبیل مهاجرت نمودم و مقیم گشتم و در خلال مدت 14 سال اقامت در اردبیل به کارهای تبلیغاتی اسلامی و سرپرستی حجاج بیت الله الحرام ادامه دادم.
در سال 1361 شمسی از اردبیل به تهران مهاجرت کرده و مشغول کارهای روحانیت خود شدم و به تدریس و تفسیر قرآن مجید اشتغال داشتم تا اینکه در سال 1375 شمسی به شهر مقدس قم مهاجرت کرده و مقیم گشتم، در این شهر مقدس نیز به کارهای علمی و فرهنگی خود استمرار بخشیده و ثمره مهاجرت اخیر تألیفاتی است که بعداً شرح خواهم داد.

امینی، امیرقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1277 ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. در اصفهان متولد شد. پدرش را در طفولیت از دست داد و تعلیم و تربیت او به مادرش که دختر میرزااحمد صادقی، برادر آیت‌اللّه شریعت نجفی شیرازی بود، منحصر شد. وی تحصیل را از پنج سالگی نزد معلمه‌ای که مادرش به خدمت گرفته بود، آغاز کرد. پس از چندی مدرسه‌ای که به طرز جدید در پشت باغ چهل ستون اصفهان تأسیس شده بود به تحصیل پرداخت و بعد از آن به مدرسه‌ی اسلامیه رفت. از سنین کودکی به بیماری فلج‌اطفال دچار و نیمی از بدنش بی‌حس شد. با این حال، از حرکت و تلاش باز نایستاد. نخستین فعالیتش را از روزنامه‌نگاری آغاز کرد و در سال 1307 ش روزنامه‌ی «اخگر» را از میرزا فتح‌اللّه خان وزیرزاده تحویل گرفت. مدتی نیز مدیریت روزنامه‌ی «باختر» را عهده‌دار شد و روزنامه‌ی «اصفهان» را نیز جایگزین روزنامه «اخگر» کرد. وی به کارهای عام‌المنفعه می‌پرداخت از جمله تأسیس پرورشگاه کودکان بی‌سرپرست اصفهان، احداث قنات و غرس درختان بی‌شمار و آبرسانی به اراضی بایر، و نسبت به تأمین کار و درآمد برای روستاییان اصفهان کمک شایانی کرد. امیرقلی زبانهای عربی، فرانسه و اسپرانتو را به خوبی می‌دانست. از آثارش: ترجمه‌ی «عروس فرغانه»، اثر جرجی زیدان؛ «غلبه بر ترس و گرسنگی»، ترجمه از عربی؛ «داستانهای امثال»؛ «فرهنگ عوام»؛ «عبدالرحمن ناصر»، اثر جرجی زیدان؛ «کودک»، اثر ویکتور پوشه؛ «داستانهای کوچک»، از اسپرانتو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (2 /2 -1، 182 -177، 74 -71 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (295 -294 /1)، مؤلفین کتب چاپی (681 -679 /1).

امینی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین امینی شاهرودی از دانشمندان و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است.
وی در یکی از مضافات شاهرود بدنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در شاهرود و غیره مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده و بنابر تقاضای بعضی از مؤمنین کرمانشاه و امریه بعضی از مراجع بزرگ نجف برای خدمت و ارشاد مردم به کرمانشاه عزیمت و رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخته.
و ضمناً مبتلا به سوانحی گردیده و مدتی در تهران و نقاط دیگر به طور اضطرار و اجبار و اکراه اقامت نموده و مجدداً به کرمانشاه بازگشت و به خدمات روحی و دینی اشتغال دارد از آثار ایشانست تأسیس درمانگاهی که با همکاری جمعی از مؤمنین برای مستمندان نموده‌اند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

انتظاری، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا انتظاری
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علیرضا انتظاری در سال 1340 در نجف آباد اصفهان متولد شده و پس از گذراندن دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان در سال 1359 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های انقلابی در جلسات و تظاهرات شرکت می نمودم و در سال 56-57 در حادثه زلزله طبس به این شهر رفته و همراه با دانشجویان به کمک مردم زلزله زده شتافتم و در همین دوران عشق به تحصیل در حوزه و علوم حوزوی در من شکل گرفت.
لذا پس از گرفتن دیپلم به حوزه علمیه نجف آباد وارد شدم ولی به علت شرایط آن زمان و شروع جنگ تحمیلی قادر به تحصیل کامل نبودم حتی ضرورتاً در صدا و سیمای زاهدان در بخش تولید برای کشورهای همجوار مدتی مشغول بودم. به هر حال در سال 1365 به دانشگاه تهران رشته الهیات وارد شدم. ولی پس از آن تغییر رشته داده و رشته حقوق را دنبال کردم و در سال 66 همکاری با سپاه را شروع کرده که مدت بیش از بیست سال به این نهاد خدمت نمودم ولی در ضمن خدمت تحصیل در حوزه و دانشگاه را کم و بیش دنبال می کردم. البته قبل از آن بصورت نیروی بسیجی خدمت می کردم.
در مدت تحصیل در حوزه از اساتید بزرگواری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر، مکارم شیرازی، و.... دیگران استفاده نمودم و در دانشگاه هم از اساتیدی همچون دکتر گرجی، دکتر شهیدی، محقق داماد و..... بهره بردم در این دوران مقالات مختلفی را نیز به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها منتشر شده است.

انتظام، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد انتظام
محل تولد : چناران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1336 در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال 1352 جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.
از سال 1358 در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال 1372 ادامه یافت. از سال 1360 از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایة الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.
در سال 1372 پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.
در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در

دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

انجوی شیرازی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال 1300 ش. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال 1329 به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود. بعد از شهریور 1320 و سقوط رضا شاه ، استاد انجوی به فعالیت های سیاسی روی آورد و از حدود سال 1322 نیز فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. استاد انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال 1340 با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. استاد انجوی شیرازی در شهریور 1372 ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : سید ابوالقاسم انجوی شیرازی فرزند سیدخلیل صدرالعلماء ، در سال 1300ش ، در شیراز به دنیا آمد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در واقعه گوهرشاد حضور داشت ،او بعد از وقوع حادثه به همراه خانواده مخفیانه به تهران عزیمت نمود و در این شهر اقامت کرد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس علمیه تهران و مشهد آغاز کرد ، سپس به تهران رفت و در دبیرستان دارایی تحصیلات خود را پی گرفت. او تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد ، سپس در سال 1329 به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود.
هم دوره ای ها و همکاران : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در سال 1318 ، با صادق هدایت آشنا شد. او همچنین در تاسیس یک مرکز پژوهشی ، از همکاری کسانی چون نصرالله یگانی ، محمود ظریفیان ، حسن پناهیان ، احمد وکیلیان ، ولی الله درودیان ، علی اکبر جباری و علی اکبر عبدالرشیدی ، برخوردار بود.
وقایع میانسالی : بعد از شهریور 1320 و سقوط رضا شاه ، سیدابوالقاسم

انجوی شیرازی به فعالیت های سیاسی روی آورد ؛ وی در سال 1324 به جرم سخنرانی های ضد دولتی در تهران و گرگان ، تحت تعقیب فرماندار نظامی تهران قرار گرفت. در زمستان سال 1327 ، ترور نافرجام محمدرضا شاه باعث گردید ، به اروپا رفته و فعالیت های روزنامه نگاری خود را در آنجا پی گیرد. انجوی پس از بازگشت به ایران ، با کودتای 28 مرداد سال 1332 مواجه گردید او به همراه 60 نفر دیگر دستگیر و به جزیره خارک تبعید شدند ، که تا 19 اردیبهشت 1334 در آنجا باقی ماند.
زمان و علت فوت : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی در شهریور 1372 ، در تهران درگذشت و در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از چهل سالگی به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگهداری روایات و میراث فرهنگی مردم پرداخت. در سال 1340 با همکاری علی دشتی و محیط طباطبایی به رادیو راه یافت و برنامه ای درباره فرهنگ مردم پی افکند. ابتدا این برنامه به مدت یک ربع ساعت در هفته و تحت نام « احساس و اندیشه پخش می شد. پس از تغییر عنوان های مکرر ، سرانجام این برنامه « سفینه فرهنگ مردم » نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام به آن اختصاص داده شده بود. این برنامه تا بهار 1358 ادامه داشت تا سرانجام انجوی بازنشسته شد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یکی از اقدامات مهم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی ، گشایش مرکزی برای گردآوری و پژوهش فرهنگ مردم بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدابوالقاسم انجوی شیرازی از حدود سال 1322 فعالیت های مطبوعاتی خود را آغاز کرد. در سال 1323 ، سردبیری روزنامه « نبرد امروز » را عهده دار شد که تا سال توقیف این روزنامه (آبان 1325) ، همچنان این مسئولیت بر عهده او بود. در سال 1324 مدتی به انتشار روزنامه « افق » پرداخت. در آبان 1325 پس از توقیف روزنامه « نبرد امروز » به سوییس رفت و از آنجا به قصد دیدار هدایت راهی پاریس شد. انجوی در سال 1326 به تهران بازگشت و این بار سردبیری مجله « آتشبار » را که به مدیریت ایرج زندپور منتشر می شد ، عهده دار شد. او پس از کودتای 28 مرداد و سپری نمودن دوره تبعید ، به کار تالیف روی آورد. ----------
---
آثار :
1 بازی نمایشی
2 تمثیل و مثل
3 جشن ها و آداب و معتقدات زمستان

4 دیوان حافظ
5 سفینه ی غزل
ویژگی اثر : با مقدمه ی دکتر محسن هشترودی.
6 فرهنگ مردم و طرز گردآوری و نوشتن آن
7 قصه های ایرانی
8 گذری و نظری در فرهنگ مردم
9 مردم و شاهنامه
10 مردم و فردوسی
11 مردم و قهرمانان شاهنامه
12 مکتب شمس

منابع :
1مشاهیر ادب معاصر ایران ، گردآوری و پژوهش: علی میر انصاری ، دفتر اول ، تهران: سازمان اسناد مدارک ملی ایران ، ص 488

اندرزگو، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اندرزگو : به علت تقارن ولادتش با ایام شهادت امیر مؤمنان(علی)(ع) این مولود را «علی »نامیدند. فرزندی که در هیجدهم ماه رمضان سال 1316 هجری شمسی، به دنیا آمد نام خانوادهٔ «اندرزگو »را نه تنها در تاریخ ایران، بلکه در تاریخ جهان جاودانه ساخت. پسری که در بازی سرنوشت سال ها از این نام استفاده نکرد و در غربت و تنهائی به سر برد و حتی در داخل خانه نیز در استفاده از نام «سید علی»، محذور و معذور بود. پدرش سید اسدالله، در ابتدا شغل بنائی داشت و سپس به خرده فروشی ابزار در میدان شوش تهران روی آورد و به علت ورشکستگی،از وضع زندگی خوبی برخوردار نبود. او مردی بود محب اهل بیت عصمت و طهارت و خانوادهٔ او نیز بر این طریق استوار بود. سید اسدالله دارای 7 فرزند، چهار پسر و سه دختر بود که سید علی آخرینشان بود. او همانند تمامی همسالان پس از رسیدن به سن هفت سالگی، برای فراگیری علم و دانش، قدم به مدرسه گذاشت و در دبستان فرخی که در نزدیکی محله‌شان بود، ثبت نام کرد. پس از طی دوران ابتدائی، به علت فقر خانوادگی و برای کمک به معیشت خانواده، ترک تحصیل کرد و وارد بازار کار شد. سید علی که خود را برای مبارزه‌ای همه جانبه به وسعت ایران و انجام رسالتی بزرگ آماده می کرد و تحصیلات کلاسیک با شرایط آن روز را برای این منظور کافی نیافته بود، برای فراگیری دروس حوزوی به مسجد محل شتافت و در نزد اساتیدی چون حجج اسلام آقایان بروجردی و میرزا علی اصغر هرندی به یادگیری علوم اسلامی پرداخت . در طی این مدت، جامع المقدمات، تحف العقول، نهج البلاغه، فقه و اصول و ... را فرا گرفت. پس از آن بنابر شرایطی که بعد از اعدام انقلابی حسنعلی منصور برای او فراهم شد، ابتدا مدتی به قم رفت و پس از مدت زمانی، راهی نجف اشرف شد . پس از بازگشت از عراق، مجدداً در حوزه علمیه قم، مشغول به تحصیل گردید. در این مدت از محضر آیات الله مشکینی و مکارم شیرازی از درس تفسیر و اخلاق بهره‌ها برد و از محضر آقای دوزدوزانی، قوانین و لمعه را فرا گرفت. سید علی اندرزگو که با نام شیخ عباس تهران در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکنده بود، به علت فعالیت‌هائی که داشت مورد شناسائی قرار گرفت و از لباس روحانیت خارج شد.ا و به چیذر آمد و در مدرسه ای که توسط حجت الاسلام سید

علی اصغر هاشمی تأسیس شده بود،پناه گرفت و در آنجا به دروس حوزوی، ادامه داد. ولی دست تقدیر، پس از چند صباحی، مجدداً او را آوارهٔ دیار غربت کرد، تا پس از رفت و آمدهای طاقت فرسا به افغانستان و ... در کنار حریم رضوی سکنی گزید. شهید اندرزگو در مشهد نیز در درس مرحوم ادیب نیشابوری حاضر شد و بنابر نقل همسر، در مدت 5 سال از محضر ایشان استفاده ها برد و در حسینیه اصفهانی ها در بازار سرشور نیز در درس آقای موسوی شرکت کرد. همانگونه که گفته شد شهید اندرزگو، پس از به پایان بردن دوران تحصیلات ابتدائی، چون شاهد زحمات طاقت فرسای پدر، برای تأمین معاش بود، برای یاری رساندن به پدر و کمک به اقتصاد خانواده، درس را رها کرد و در نزد برادرش، سید حسن که در بازار تهران،دارای نجاری بود، مشغول به کار شد و در حدود ده سال در این شغل ماند و با وارد شدن به شاخه نظامی هیئت های مؤتلفه، از شغل خود دست کشید و تا پایان عمر، مهمترین اشتغال او مبارزه و فعالیت برای سرنگونی رژیم ستمشاهی بود. به علت اینکه درمیان مردم و با مردم بود به ناچار هر از گاهی، به فراخور محیط و مرتبطین، پوشش شغلی خاصی را انتخاب می کرد که از آن جمله بود: روضه خوانی، تسبیح و انگشتر فروشی، فروش دواجات، طبابت سنتی، ساختمان سازی ،فرش فروشی و ... پوشش های شغلی او به حدی است که گاهی نزدیکان او را نیز به اشتباه می انداخت، تا جائیکه یکی از مرتبطین، در مصاحبهٔ با مجله سروش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی او را از تجّار بازار و چای فروش معرفی کرده است. در اوایل سال 1343، در حالیکه 27 بهار را پشت سر گذارده بود، با معرفی شهید حاج مهدی عراقی، برای خواستگاری به منزل حاج رضا محمد علی رفت و بنیان زندگی او شکل گرفت. عروس برای شروع زندگی مشترک، به خانهٔ پدری داماد آمد، ولی این وصلت، بیشتر از چند ماهی دوام نیافت چرا که طرح اعدام انقلابی حسنعلی منصور، عملی شد و داماد بالاجبار زندگی مخفی را آغاز کرد. عروس و پدر عروس را با بدترین اهانت ها، به بازجوئی کشاندند و داماد را از آنان طلب کردند. تقدیر بر این تعلّق گرفته بود که یا این زندگی نوپا از هم بپاشد و سید علی، در زندگی مخفی، راه همرزمان شهیدش را ادامه دهد و یا با علنی ساختن خود، دستگیر و به جوخهٔ اعدام سپرده شود. بدیهی است که همسر سید علی، هرگز راضی نمی شد سنگر مبارزه خالی بماند چرا که او هم در دامان خانواده ای اهل مبارزه رشد یافته بود، هر چند فراق برای او مشکل بود ولی حال که تقدیر چنین خواسته بود. او هم بر این خواسته سر سپرد و در نهایت، این وصلت به جدائی انجامید. طلاق نامه ای که از طریق پست برایش ارسال داشت با خون دل پذیرا گشت. سید علی اندرزگو که سامانش در بی سامانی رقم خورده بود و در این بی سامانی، خانواده و

منسوبین خویش را نیز دستخوش ناملایمات زندان، مراقبت دائم و ... کرده بود. پس از هفت سال سرگردانی، این بار با وساطت حجت الاسلام موسوی امام جماعت مسجد چیذربانام مستعار شیخ عباس تهرانی، برای ازدواجی مجدد، راهی خانه آقای عزت الله سیل سپور شد تا با خواستگاری از دختر وی، برای ادامه راه مبارزاتی خود، یاری همراه اختیار کند. بنابر نقل همسر شهید اندرزگو، چون در خواستگاری، رسم بر حضور خانوادهٔ داماد است، سید علی، تنی چند از زنان با ایمان محله چیذر را، به جای خانواده خود، برای صحبت های مقدماتی و تهیه امکانات اولیه به خانهٔ دختر فرستاد. سرانجام این ازدواج در کمال سادگی و بی آلایشی، انجام شد. ثمرهٔ این وصلت، چهار پسر است. بنامهای: سید مهدی، سید محمود، سید محسن و سید مرتضی. سید علی، نسبت به فدائیان اسلام و شهید سید مجتبی نواب صفوی، ارادتی خاص داشت و در جریان مبارزات آنان قرار گرفته بود و از طرفی دارای روحیهٔ شدید مذهبی و ظلم ستیزی بود. بر این اساس، پس از شهادت نواب صفوی، بر سر مزار او حاضر شد و با روح او پیمان بست تا از ادامه دهندگان راهش باشد. شهادت مرحوم نواب صفوی، روح او را آزرده و قلبش را جریحه دار کرد و کینهٔ شاه و وابستگان او را در دلش، دو چندان کرد . از آن روز مترصد فرصت بود تا در راه اسلام عزیز، از انتقام گیرندگان و خونخواهان او باشد. با شکل گیری جمعیت های مؤتلفه اسلامی که خاستگاه آن، هیئت های مذهبی و بازار تهران بود و متولیان آن از مبارزین سال های دورِ مبارزه و بعضاً با شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام در مبارزات، سهیم بودند و با اخذ نظر موافق از حضرت امام خمینی «ره» فعالیت را شروع کرده بودند، سید علی نیز، که در بازار تهران، در مغازه برادرش، به صندوق سازی، اشتغال داشت به هیئت شهید حاج صادق امان همدانی که یکی از هیئت های تشکیل دهندهٔ مؤتلفه بود، راه یافت و در پخش اعلامیه های امام خمینی «ره» و روحانیت به فعالیت پرداخت. شخصیت معنوی و مبارزاتی شهید امانی، تأثیری به سزا در ادامهٔراه او داشت و سید علی را به فعالیت‌های پنهانی سوق داد. در این دوران سید علی که در درس میرزا علی اصغر هرندی، با شهید صفار هرندی و شهید بخارائی آشنا شده بود، با آنان ارتباطی تشکیلاتی برقرار کرد و به عنوان رابط شهیدان، بخارائی، صفار هرندی و نیک نژاد با شهید صادق امانی وارد عمل شد و در شاخه نظامی به فعالیت پرداخت. اعدام انقلابی حسنعلی منصور در کمیته مرکزی، پس از اخذ فتوی از آیت الله میلانی تصمیم بر اعدام انقلابی حسنعلی منصور ـ نخست وزیر وقت ـ گرفته شد. چرا که او طراح لایحه ننگین کاپیتولاسیون و عنصر خود فروخته‌ای بود که از حمایت انگلیس و آمریکا، هر دو برخوردار و مجری سیاست غرب بود و می بایست دست

جنایتکارش از صحنهٔ کشور کوتاه گردد تا درس عبرتی باشد برای دیگر کسانی که سند عبودیت و بندگی ایران را امضا می کردند. مسئولیت ها، تقسیم شد. گروهی، مسئولیت شناسائی را به عهده گرفتند و عده ای دست اندرکار تهیه ابزار لازم شدند و تعدادی نیز به عنوان مجری حکم الهی تعیین گردیدند. نقش شهید اندرزگو در این میان، به عنوان ناظر و تمام کننده، تعیین شد تا اگر گلوله های شهید بخارائی به منصور اصابت نکرد، او کار را تمام کند. . در شب قبل از عملیات، مجریان طرح در منزل شهید صفار هرندی جمع شدند و برای آخرین بار، طرح عملیات را مرور کردند و بعد از بررسی وسایل و ابزار و اسلحه ها و انتخاب بهترین شیوه و راه‌های فرار و احتمالات موجود به دعا و نیایش پرداختند، چرا که شب هفدهم ماه رمضان، از لیالی قدر است و برای اینکه رژیم فاسد و یا گروه های ملی گرا، چپی‌ها، التقاطیون و ...نتوانند از این حرکت سوء استفاده کرده، این حرکت را به بیگانگان و یا بخود نسبت دهند، قطعنامه ای تهیه کردند و نوارهائی را به عنوان انگیزه عمل و وصیت نامه پر کردند که متأسفانه، این اسناد پس از دستگیری، به دست مأمورین شهربانی افتاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اثری از آن به دست نیامد. شب گذشت، روز موعود فرا رسید، نخست وزیر در ساعت 10 صبح به میدان بهارستان وارد شد و برای رفتن به مجلس شورای ملی، از ماشین پیاده شد. همرزمان شهدای این واقعه، کیفیت عمل را چنین نقل کرده اند: شهید بخارائی یک گلوله به طرف منصور شلیک می کند که به شکم منصور می خورد و او خم می‌شود و گلوله دوم را به گلوی منصور می زند و حنجره پلیدش را می درد و گلوله سوم را که می‌آید به مغز او بزند اسلحه گیر می کند و شهید بخارائی فرار می کند. مأمورین در تعقیب خود موفق می شوند شهید بخارائی را که هنگام فرار، بر روی زمین یخ زده می لغزد دستگیر کنند. شهید اندرزگو و نیک نژاد و هرندی، پس از مشاهده اوضاع طبق قرار با شهید امانی، به میدان شوش رفته و اسلحه ها را تحویل می دهند و مقرر می شود تا یک هفته هیچ یک از افراد به خانه نروند و زندگی مخفی داشته باشند. با دستگیری محمد بخارائی، تمامی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی اعم از شهربانی و ساواک به صحنه می‌آیند و نصیری که در آن زمان، ریاست شهربانی کل کشور را به عهده داشت شخصاً برای بازجوئی از وی، به کلانتری می آید. اولین برگ خبری که در این مورد منتشر می شود، بخارائی را نوجوانی ظاهراً لال معرفی می کند،چرا که او قصد بازگو کردن اسرار را نداشت و خود را برای وصال معشوق آماده کرده بود. از طریق پدر و مادر شهید بخارائی، دوستان نزدیک او شناسائی و سرانجام شهید نیک‌نژاد و صفار هرندی، نیز دستگیر می شوند و در بازجوئی های فنی و در زیر شکنجه های ددمنشانه، نام حاج صادق امانی و شهید سید

علی اندرزگو نیز مطرح می گردد. دستور دستگیری شهید امانی و شهید اندرزگو را شاه، شخصاً صادر می کند و پیگیری های جدی تر ادامه می یابد. پس از مدتی، همسنگران و همرزمان سید علی، بعد از دستگیری به بیدادگاههای دادرسی ارتش سپرده می شوند که حاج صادق امانی، محمد بخارائی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفار هرندی به اعدام، تعدادی حبس ابد و بعضی دیگر به حبس های طویل المدت و کوتاه مدت و سید علی نیز غیاباً به اعدام محکوم می‌گردند و در روزی به بلندای عاشورا، هم پیمانان سید علی را در کربلای ایران به جوخۀاعدام می‌سپارند تا با خلعت زیبای شهادت به ملاقات معبود بشتابند. دستور مستقیم شاه، نیروهای اطلاعاتی ساواک و شهربانی را بر آن داشت تا با هر آنچه در چنته داشتند به میدان آیند و همة ترفندهای معمول و غیر معمول را به کار گیرند تا شاید به موفقیتی نائل گردند. به طور طبیعی، ابتدا به سراغ خانواده او رفتند. پدر، برادرها، همسر و پدرهمسر او را دستگیر کردند تا شاید از طریق آنان، راهی به دستگیری سید علی، بیابند. عکس سید علی را از طریق ثبت احوال و برادر وی، بدست آوردند. با تکثیر بسیار زیاد، آن را به همة ساواک‌ها و شهربانی‌ها و مرزبانی‌ها ارسال کردند. سپس سید حسین اندرزگو را ـ برای اینکه سید علی موقع خداحافظی گفته بود به مشهد می روم ـ به همراه یک مأمور به مدت یک هفته به مشهد فرستادند تا سید علی را پیدا کند و برادر دیگر او سید محمد را به خاطر سکونت یکی از شوهر خاله های او در اصفهان به همراه یک مأمور دیگر به اصفهان اعزام کردند. شدت پیگیری ها در این مرحله به حدی بود که در یک روز چندین مکاتبه با مراجع مختلف اطلاعاتی و انتظامی صورت می گرفت تا شاید ردی از اندرزگو بیابند و عطش شناسائی و دستگیری خود را فرو نشانند. ولی از مراقبت های مکرر از محل سکونت پدر، برادر، پدر همسر، دائی و ... بازرسی همزمان منازل تعداد بسیاری از اقوام و بستگان و اخذ تعهدهای مکرر از آنان، نیز نتیجه ای نگرفتند؛ که «و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین» در این بین بودند افرادی که شباهتی با عکس ارسالی به شهرستان‌ها داشتند و به همین علت دستگیر و مورد بازجوئی قرار گرفتند که از آن جمله می توان به دستگیری محمد رضا شریف و محمد رضا قربانی اشاره کرد. جالب اینجاست که علت دستگیری محمد رضا شریف نشستن در کنار یک مغازه نجاری در شهرستان گلپایگان ذکر شده است! این پیگیری های مکرر ادامه می یابد و هر از گاهی تعداد کثیری عکس، چاپ و به مبادی ذیربط ارسال می شود ولی پاسخهای ارسالی اعم از شهربانی‌ـ ژاندارمری‌ـ مرزبانی و ساواک‌حکایت از عجز آنان در شناسائی سوژه دارد. غافل از اینکه مرغ عشق از قفس پریده است. سید علی چون حلقه محاصره را تنگ دید و تمامی یاران و همرزمان را در چنگال رژیم

ستمشاهی در سیاهچالها اسیر یافت، پس از مدتی که بطور مخفی زندگی کرد به شوق دیدار جانان، با هوش و ذکاوت بالای خود، طرحی ماهرانه اندیشید و جلای وطن گفت و به عراق رفت. او که کمر همت به مبارزه ای جانانه با عمّال رژیم طاغوت بسته بود، پس از توقفی چند ماهه به ایران باز می گردد. در تیرماه سال 1346 یکی از همکاران افتخاری ساواک ـ که منافقانه در صف مبارزین قرار داشتند و با خیانت‌های خویش، بسیاری از مبارزین را به مسلخ می کشاندند ـ گزارش می دهد که سید علی اندرزگو به تازگی از عراق به ایران آمده و حامل پیش نویس اعلامیه امام «ره» در خصوص وقایع خاورمیانه است. ضمناً در خیابان غیاثی رؤیت شده است. به دنبال این گزارش منازل مسکونی برادر و دائی سید علی که در این آدرس قرار دارد، مورد بازرسی ناگهانی قرار می گیرد و از رفت و آمدهای آنان، مراقبت به عمل می آید، تا جائیکه شماره های دوچرخه و موتور برای پیگیری ساکنین استعلام می گردد. ولی باز هم گزارشهائی از سرعجز و ناامیدی در شناسایی و دستگیری وی تهیه و به سلسله مراتب ارسال می گردد. شهید علی اندرزگو که مقدمات دروس حوزوی را قبل از اعدام انقلابی منصور در نزد حجت الاسلام میرزا علی اصغر هرندی و ... فرا گرفته بود، بهترین راه را تغییر لباس تشخیص می دهد و از این رو عازم شهرستان قم می گردد و در حوزه علمیه مشغول به تحصیل می شود و با نام مستعار شیخ عباس تهرانی به زندگی مخفی خود ادامه می دهد و از آن روی که عکس های تکثیر شده و ارسالی به مرکز ساواک‌و شهربانی، عکس های شناسنامه ای او بوده اند، شناسائی او در لباس روحانی برای مأمورین، به مراتب سخت‌تر می شود. در سال 1347 که فردی به نام بشارتین، با حمایت رژیم برای درهم شکستن روحیه مبارزین مذهبی و وارد ساختن ضربه ای بر پیکرهٔ حوزهٔ علمیه قم، تصمیم به ساختن سینما در شهرستان مذهبی قم می گیرد، شیخ عباس تهرانی وارد عمل شده و با جمع کردن عده‌ای از طلاّب، حرکت اعتراض آمیزی را شروع می نماید و برای اعلام انزجار از ساخت سینما و یاری طلبیدن به صورت جمعی به بیت مراجع تقلید حضرت آیت اله العظمی گلپایگانی و مراجع دیگر می روند که شیخ عباس ضمن سخنرانی های داغ مورد تشویق آنان واقع می گردد. علی رغم اعتراضات و تلاش های انجام شده، این سینما ساخته می شود تا اینکه گروهی که به نام گروه عباس آباد مشهور می شود با کمک سید علی اندرزگو، سینمای قم را منفجر می کنند. با ارسال گزارشهای منابع ساواک از حرکت های اعتراض آمیز به تحریک شیخ عباس پرونده ای بنام وی در قم گشوده و این گزارشها به مرکز ارسال می‌گردد. شهید اندرزگو، از حساسیت ساواک و تحت نظر بودن شیخ عباس تهرانی اطلاع می یابد و به کمک یکی از دوستان به مدرسه علمیه چیذر که تازه افتتاح شده بود، نقل

مکان می کند. البته با لباس معمولی. سید علی اندرزگو، پس از مدتی که در مدرسه علمیه چیذر اقامت کرد، مجدداً طی مراسمی در روز نیمه شعبان ملبس به لباس روحانیت شد و در ظاهر مانند یک طلبه معمولی به فعالیت های تبلیغی پرداخت. در درس‌ها شرکت کرد، به تدریس پرداخت، روضه های خانگی قبول کرد، به منبر رفت و امام جماعت مسجد رستم آباد شد و در مدرسه چیذر با دعوت شخصیت های روحانی حوزة علمیه قم از قبیل حضرت آیت الله مشکینی، به عنوان طلبه ای فعال شهرت یافت. ولی در پوشش فعالیت های ظاهری در نهایت پنهانکاری به فعالیت های تشکیلاتی خود نیز ادامه داد. شهید اندرزگو در این دوران با محمد مفیدی، ارتباط گرفت و با تأمین اسلحه و طرح های اطلاعاتی، در سازماندهی تشکیلات حزب الله شرکت کرد و در راستای ضربه زدن بر پیکرة نظام ستمشاهی، وارد عمل شد. این فعالیت ها، ادامه داشت تا اینکه محمد مفیدی، بعد از اعدام انقلابی تیمسار طاهری، دستگیر شد. دستگیری محمد مفیدی، باعث شد در یک روز، سید علی با ترفندی خاص، تعدادی از اسباب و اثاثیه خانه را جمع کرده و به قم نقل مکان نماید و مدتی در رفت و آمد به چیذر با احتیاط عمل کرد، تا اینکه متوجه شد محمد مفیدی، اعترافاتی علیه وی نداشته است، پس با خیالی راحت به ادامة فعالیت پرداخت. سید علی اندرزگو که نجات ایران را از چنگال استعمارگران و دست نشاندگان آنان، در برقراری حکومت اسلامی می دانست و برای این منظور، وارد مبارزه شده بود، از هیچ کوششی در راستای این هدف والا دریغ نکرد. مجاهدین خلق (منافقین)در این سال‌ها از حمایت مالی و فکری مذهبیون و روحانیت، برخوردار بود و هنوز زمزمه های پذیرش مارکسیسم به صورت آشکار در تشکیلات آنان شنیده نمی شد. سید علی که از ایام گذشته، در جلسات مذهبی مسجد هدایت و مکتب توحید و ... با احمد رضائی آشنائی داشت، با برقراری ارتباط با تشکیلات مجاهدین، با تأمین اسلحه و مهمات و کمک‌های مالی به آنان، در تسریع حرکت مسلحانه کمک های شایانی داشت. در یک تلاش برای واگذاری مقادیری سلاح به مجاهدین خلق، از سید مجید فیاضی که از شاگردان درس عربی او در مدرسه چیذر بود و ارتباطاتی با او برقرار کرده و آموزش‌هائی به او داده بود، استفاده کرد ـ واگذاری سلاح قبل از این مرحله توسط محمد مفیدی انجام شده بود ـ فیاض در برقراری تماس، موفق نشد و با دستگیری اسدالله تأملی که فیاض برای تحویل اسلحه به سراغ او رفته بود، فیاض نیز دستگیر شد و به علت تاب نیاوردن، در زیر شکنجه‌ها، شیخ عباس تهرانی را به ساواک معرفی کرد و محل اختفای اسلحه‌ها را به ساواک گزارش نمود. پس از اعترافات مجید فیاض، ساواک به سراغ خانوادة همسر شهید اندرزگو آمده و با دستگیری عزت اله سیل سپور ـ پدر همسر ـ به همراه او، جهت

دستگیری شیخ عباس تهرانی، عازم قم می گردند. سید علی در این زمان، به سفر تبلیغی رفته است و ساواک برای بازگشت او، در انتظار می ماند ولی شیخ عباس، دو روز زودتر از سفر تبلیغی باز می‌گردد و با شامة قوی متوجه کنترل خانه می شود و با ترفندی وارد منزل شده، دست همسر و فرزند ششماهه‌اش را می گیرد و به تهران می آید و در منزل یکی از دوستان قدیمی‌اش که از سال‌های 1343-4213 با هم ارتباط داشته اند سکنی می گزیند. ساواک با یورش به منزل وی در چیذر و قم تمامی اثاثیه منزل وی را اعم از جهیزیه همسر و ... به یغما می برد تا عمق خشم خود را به نمایش گذارد. همراه بودن خواهر همسرش ـ که برای تنها نبودن خانواده در سفر تبلیغی به قم برده بود ـ در این مرحله بر مشکلات سید علی افزوده بود . در زمان فرار، خواهر همسرش را نیز به همراه خود به منزل اسدالله اوسطی می برد. ساواک با مراقبت از منزل عزت الله سیل سپور و اطلاع از اینکه دختر کوچکتر وی همراه سید علی است، برای دستیابی به اندرزگو به تلاشی مضاعف دست می زند. سید علی پس از سه روز با تغییر لباس و تراشیدن صورت، به قصد خروج از کشور به همراه خانواده از منزل اوسطی خارج و عازم مشهد الرضا «ع» می شود و با دستوری احتیاطی خواهر همسرش را توسط اسدالله اوسطی، به نشانی منزل عمویش در ورامین می فرستد. پس از ورود به مشهد با مساعدت دوستان و همرزمان و با کمک حجت الاسلام و المسلمین واعظ طبسی، برای رفتن به افغانستان به زاهدان رفته و پس از رفت و برگشتی که به داخل افغانستان داشته، آنجا را برای اقامت مناسب تشخیص نمی دهد. بنابراین با توکل به حضرت حق جوار امن ثامن الحجج«ع» را برای سکنی انتخاب می نماید. با دستگیری چند تن از مرتبطین سید علی اندرزگو، توسط کمیته مشترک ضد خرابکاری در تهران، سید علی اندرزگو مجدداً شناسائی و تلفن یکی از مرتبطین، در اختیار ساواک قرار داده شد. با کنترل این تلفن بود که ساواک به آدرس وی در مشهد نیز دست می یابد و متوجه می شود این بار، سید علی با نام مستعار جوادی، به فعالیت پرداخته است. کمیتة اوین در این مرحله با استفاده از تمامی شیوه های اطلاعاتی و با به کارگیری خود فروختگانی ذلیل، تا کنار دست شهید اندرزگو نفوذ کرده و از چگونگی فعالیت های او مطلع گردید.دستور داده می شود: تحقیقات کافی است او را دستگیر کنید و از طریق او بقیه افراد را شناسائی کنید. شهید سید علی اندرزگو شب نوزدهم ماه رمضان را در منزل دوستش رجبعلی طاهر افشار احیاء گرفت و در لیله‌القدر از صمیم دل دعای اللهم اجعل قتلاً فی سبیلک را زمزمه کرد. نزدیکی های افطار روز نوزدهم عازم منزل حاج اکبر می شود، تیم های عملیاتی ساواک در مسیر کمین کرده اند، مگر سید علی را می‌توان دستگیر کرد او به دوستان

و همرزمانش بارها گفته بود که من زنده به دست ساواک نخواهم افتاد با حرکتی موجبات تیراندازی مأمورین را فراهم می کند، صدها تیر به طرف او شلیک می شود تا عمق خشم و غضب مأموران تیره دل را به نمایش بگذارد.تعداد زیادی گلوله در بدن او می نشیند تا با زبان روزه به ملاقات خدای خویش بشتابد و از دست ساقی کوثر علی (ع) جام گوارای وصال بنوشد. سرانجام در آخرین شنود تلفن منزل اکبر صالحی تماس دختر وی با مغازه پدر چنین منعکس است: بابا نزدیکیهای خانه صدای تیراندازی آمد و یک نفر را کشتند و آقای جوادی هم هنوز به منزل نیامده. منابع زندگینامه نرم افزار چند رسانه ای منتشر شده از سوی بنیاد شهید وامور ایثارگران انقلاب اسلامی:

اندرزیان، امرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امرالله اندرزیان
محل تولد : کهگیلویه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

اندرمانی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمود اندرمانی از علماء پرهیزکار ری بود و تحصیلاتش در تهران نزد آیات و دانشمندان بزرگ تکمیل نموده و در زاویه مقدسه ری در مسجد سر تخت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته تا بعد از سال 1300 قمری از دنیا رفته و مرحوم آخوند ملا رضا قلی مذکور بامامت و خدمات دینی بجای آن مرحوم اشتغال یافت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

اندروافر، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد اندر وافر
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1357در مدرسه ولیعصر (عج) تبریز شروع به طلبگی کردم. سال 1360به حوزه مقدسه قم مهاجرت کردم. و ادبیات را از محضر مرحوم آیت الله مدرس افغانی تلمذ نمودم. بقیه دروس سطح را از محضر آیات و حجج الاسلام آقایان: خسروشاهی، وجدانی، اشتهاردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.
از سال 1370درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصی استفاده بردم. (بیش ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

انزابی‌نژاد، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انصاری استرآبادی، نصیرالدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، دانشمند شیعی و مترجم. وی ساکن هرات و معاصر شاه طهماسب اول صفوی بود. کتاب «مکارم الاخلاق» تألیف رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی را که از کتابهای مشهور است، به دستور محمدخان شرف‌الدین اوغلی تکلو، حاکم هرات و امیرالامرای خراسان در عهد شاه طهماسب، به نام او به فارسی ترجمه کرد و «محاسن الآداب» نامید. از دیگر آثار او ترجمه کتاب «عدة الداعی» ابن فهدحلّی است که آن را به درخواست امیر قزان خان فرزند محمدخان به فارسی ترجمه کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1487/5)، تاریخ نظم و نثر (373)، الذریعه (124/20، 116/4).

انصاری گرمرودی، موتمن الملک، سعید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1301 -1231 ق)، خطاط، ادیب و شاعر. وی خود را از اولاد خواجه عبداللّٰه انصاری می‌دانست و در انشاء و حسن خط و احاطه بر اشعار عربی و فارسی در عهد خود کم‌نظیر بوده است. نستعلیق و شکسته را استوار و درست می‌نوشت. سعید خان به خاطر دیداری که با میرزا محمدتقی خان امیرکبیر کرد و میرزا محمدتقی خان حسن خطش را دید، او را از تبریز به تهران آورد و مسؤول نامه‌های محرمانه خود قرار داد. او پس از مدتی ملقب به موتمن‌الملک شد و در سال 1269 ق رسما به وزارت خارجه منصوب گردید و مدتها بر آن سمت بود. در پایان عمر نیز افتخار تولیت آستان قدس رضوی را داشت. او سرانجام در هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در دارالسعاده‌ی مشهد دفن شد. از آثار وی: مرقعی به قلم سه دانگ و کتابت متوسط از اشعار مختلف، با رقم: «لمحرره سعید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (231 -230 /1)، شرح حال رجال (70 -66 /2).

انصاری واعظ، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری ابن العالم التقی شیخ محمدحسین واعظ قمی رحمه‌الله از وعاظ نامی و مبلغین سامی حوزه علمیه قم است که در وعظ و تبلیغات دینی و ترویج و نشر احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام گوی سبقت از اقران ربوده وصیت و صوت منبر و مواعظ حسنه‌اش به سراسر ایران رسیده و در غالب مسافرتهای تبلیغی خود به شهرستان‌های کرمان و رفسنجان و یزد و کاشان و تهران و همدان و گیلان و خوزستان و خراسان و مبارزاتش بر علیه شیخیها و صوفیها و فرق ضاله دیگر اثرهای نیکوئی از خود به جای گذاشته و بسیاری از مردم را به راه دین کشیده و از انحراف نجات داده است.
در شهرستان قم و گرگان و آشتیان خدمات شایانی از تعمیر مساجد و غیره نموده است.
تولد وی در سال 1323 قمری در بلده طیبه قم واقع شده و سطوح را نزد اساتید بزرگ قم چون مرحوم ادیب تهرانی و میرزا محمد همدانی رحمهماالله و آیت‌الله آقای آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و مرحوم آیت‌الله حایری فقها و اصولا استفاده کرده و مدتی حسب‌الامر آن مرحوم برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغات مذهبی به قصبه گرگان که در دو فرسخی آشتیانست سکونت نموده و پس از آن مراجعت به قم و به خدمات دینی همت گماشته تا در آخر ماه جمادی‌الاخره سال 1391 ق که در سن 68 سالگی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان جنب قبر زکریا بن آدم اشعری قمی که یکی از اسلاف و نیاکان بزرگوار اوست مدفون گردیده است.
برادران ارجمندی دارد که اول آنها جناب حاج میرزا محمدعلی انصاری صاحب تالیفات عدیده مطبوعه می‌باشد که ذیلا آن را می‌نگاریم.
1- و 2- محمد پیغمبر شناخته شده رد بر کتاب پیغمبری که از نو باید شناخت.
3- پاسخ به بداندیشان یا حمایت از اسلام.
4- رد بر دکتر علی شریعتی.
5- دفاع از حسین شهید رد بر کتاب شهید جاوید.
6- آئینه دل دو جلد در اخلاق.
7- اختران ادب دو مجلد.

8- غررالحکم. 1- و 2- و 9- دیوان اشعار.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

انصاری، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر انصاری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/18
زندگینامه علمی
بنده خداوند متعال را شاکرم که بنا به توصیه حضرت امام راحل (ره) مبنی بر اهتمام جدی به صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تکمیل آن همواره در صدد غنا بخشی به این نظام الهی به ویژه در بخش علوم انسانی و بالاخص اقتصاد در حد توان خود بوده ام و توفیق داشته ام در ظل عنایات آن امام عظیم الشان (ره) و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) و نیز اساتید معظم و مکرم حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) و حضرت آیةالله خرازی (دام ظله العالی) گام های موثری در این زمینه بردارم که اختصاراً به برخی موارد اشاره می کنم.
1. در سال 1379 با نوشتن مقاله «اساسی ترین اقدام برای رشد پایدار و فزاینده اقتصاد ایران» سعی کردم توجه سیاستگذاران، قانونگذران و مسئولان اجرائی کشور را به اهمیت زاید الوصف بخش کشاورزی و دامداری و اتخاذ تصمیمات مقتضی جلب نمایم و خوشبختانه پس از انتشار این مقاله اقدامات بسیار چشمگیری نسبت به گذشته صورت گرفت امروز فضای حاکم بر کشور در قبل و پس از انتشار مقاله موید ادعای بنده است و بحمدالله ما امروز شاهد خود کفایی بسی در بخش کشاورزی و صادرات قابل ملاحظه در این بخش می باشیم و این افتخار بسیار بزرگی است.
2. ابتکار در تنظیم و تالیف معارف اقتصادی قرآن کریم از دیگر توفیقات مهم اینجانب است. بنده توفیق شرکت در درس های معارف قرآن حضرت استاد مصباح (دام ظله العالی) را داشتم و اما متاسفانه نوبت به معارف اقتصادی که رسید درس ایشان تعطیل شد. از آنجا که علاقه وافری به انجام تحقیق در این زمینه داشتم با توشه ای که از درس های معظم له داشتم و تحت اشراف حضرت آیت الله خرازی (مدظله العالی) در ایام تعطیلات حوزه قدم های اولیه برای تدوین معارف اقتصادی قرآن کریم را

برداشتم هر چند بیش از دو یا سه جلسه در حضور معظم له برگزار نشد ولی شروع کار با برکتی بود. پس از مدتی با همکاری دوستانی که بنا به توجه حضرت آیت الله مصباح (دام ظله العالی) در صدد تنظیم معارف اقتصادی قرآن کریم بود. مجموعه ای تحت عنوان «معجم موضوعی آیات اقتصادی» با پی گیری و مدیریت حجة الاسلام و المسلمین آقای سید کاظم رجائی (دام عزه) تدوین و چاپ شد. نکته شایان ذکر این است که به ویژه مطالب فصل اول این کتاب عمدتاً توسط بنده تدوین و نگارش یافت که از نوآوری خاصی برخوردار بوده و در جهت بخشیدن به دیگران در ورود به این حوزه از تحقیقات تاثیر بیشتری داشت. البته پس از مدتی مطالب فصل اول کتاب به صورت مقاله ای مستقل تحت عنوان «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم» توسط اینجانب نگارش یافت و در مجله معرفت به چاپ رسید.

3. اینجانب سالیان متمادی در زمینه بانکداری سنتی در غرب و ایران و ارائه جایگزین مناسب مبتنی بر آموزه های اسلامی، تحقیق و تامل فراوان داشته ام که حاصل آنها کتابی است تحت عنوان «مبانی نظام مالی با نگرش اسلامی» که در پاییز 1386 چاپ شد. اینجانب از معدود کسانی (و چه بسا اولین کسی) هستم که به نقد جدی نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران پرداختم و ضرورت تحول ساختاری در آن را مطرح نمودم که البته خوشبختانه در دولت نهم این ایده به صورت قابل ملاحظه ای پی گیری شد. هر چند بنده در نوشته های خود تصریح کرده ام که نباید شالوده نظام تامین مالی و سرمایه گذاری در جامعه اسلامی بر واسطه گری در مشارکت در سود (بانکداری بدون ربا) مبتنی باشد بلکه باید تامین مالی مستقیم و عمدتاً بازار بورس و شرکت های سرمایه گذاری تولیدی به صورت گسترده رواج داشته باشند. اینگونه شرکتهای سرمایه گذاری در کشور مصر تجربه بسیار موفقی داشته اند.

4. یکی از بزرگترین عنایات خداوند متعال به اینجانب حساسیت و اهتمام شدید بنده نسبت به حفظ ارزش های اسلامی به ویژه در عرصه علوم انسانی از جمله اقتصاد، در طول بیش از پانزده سال فعالیتهای تحقیقاتی است. متأسفانه در سالهای پس از دوران دفاع مقدس رفته رفته فرهنگ و ارزش های غربی در عرصه های مختلف جامعه ما رسوخ روز افزون کردند و ارزش های اسلامی و انقلابی هر روز کم رنگ تر شدند و ایستادگی در برابر این امواج بسیار شکننده و طاقت فرسا بود تا جائی که کسی حتی در جمع محققان اقتصاد اسلامی حوزه علمیه قم به راحتی نمی توانست از ارزشهای اسلامی به ویژه از عدالت سخن بگوید.

انصاری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ میرزا حسن بن العلامه آیه‌الله حاج میرزا محمد جعفر انصاری از علماء و مدرسین مبرز حوزه علمیه اهواز میباشند و در مسجد نور که یکی از مساجد مرکز شهر اهواز است اقامه جماعت مینمایند در ترویج دین بالاخص نقل تفسیر و اخبار و احادیث کوشش خاصی دارند و مورد احترام عامه مردمند. دارای تألیفاتی میباشند که نامهای آنها را می‌نگارم:
1- خلاصه مناسک حج مطبوع 2- کتاب سراج المؤمنین 3- شرح صرف و نحو 4- کتاب محمدیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، عبدالرحمن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحمن انصاری
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1326 در روستای نوایگان از توابع داراب متولد و پس از تحصیلات ابتدایی جهت تحصیل علوم اسلامی به حوزه علمیه داراب رفتم و از اساتیدی چون آیت الله سید محمد علی نسابه و حجج اسلام حاج شیخ محمد علی عندلیبی و حاج میرزا محمد حسن عندلیبی شاگردی کردم. سپس جهت ادامه تحصیل به مدرسه آقا بابا خان شیراز رفتم و از محضر آیت الله حاج شیخ محمد علی موحد بهره بردم در آنجا ضمن تحصیل، صرف را برای عده ای تدریس می کردم.
در سال 1342 به حوزه علمیه قم آمدم و از درس لمعه و قوانین آیات عظام: صلواتی و شیخ مصطفی اعتمادی، سپس مکاسب و رسائل و کفایه را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و نوری همدانی و شرح منظومه سبزواری و اشارات را از محضر آیت الله انصاری شیرازی و اسفار و فصوص الحکم از محضر آیت الله حسن زاده آملی بهره ها بردم. سپس در خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی، وحیدی خراسانی و حسینعلی منتظری استفاده نمودم.
مدت یک سال در حوزه علمیه کاشان (سال فتح خرمشهر) مشغول تدریس سیوطی، حاشیه، معالم و شرح لمعه و... بودم.
بعد در واحد خواهران دفتر تبلیغات مشغول فعالیت شدم و ضمن برنامه ریزی برای خواهران کتاب های شرح لمعه و مکاسب را تدریس می کردم و با مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات نیز همکاری نموده و در نوشتن معجم بحارالانوار با سایر محققان همکاری داشتم همچنین در تهیه مطالب مربوط به سیره معصومان (چهارده معصوم) حدود پانزده سال مشغول جمع آوری مطالب مناسب بودم. این کار عظیم نیز توسط تحقیقات دفتر انجام می شد.
از سالهای گذشته و هم اکنون نیز با برخی از دوستان مشغول نوشتن کتاب

و مقاله هستم. چند مقاله در مجله پیام زن نوشتم، مقاله ای درباره رهبری از دیدگاه مذاهب اسلامی برای کنفرانس وحدت اسلامی در حدود 10 سال قبل فرستادم که در برخی روزنامه های کثیرالانتشار مانند اطلاعات و ... به چاپ رسید. در حال حاضر کتابی راجع به تاریخ حادثه عاشورا با یکی از دوستان در حال نوشتن هستیم که سعی شده از منابع تاریخی پیش از قرن دهم استفاده شود که کتابی به صورت مذکور تا آن اندازه که بررسی کرده ام درسده های اخیر نوشته نشده است.
علاوه بر نوشتن کتاب در دفتر آیت الله العظمی نوری همدانی، قسمت استفتاء با عده ای از دوستان مشغول پاسخگویی کتبی به سوالات فقهی می باشیم و در دفتر تبلیغات واحد تاریخ و سیره نیز کار تحقیقاتی انجام می دهم.

انصاری، عطاء

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عطاء انصاری بن المرحوم العلامه حاج شیخ عباس انصاری از علماء فضلاء معاصر تهران است.
وی در تهران متولد شده و پس از دوران صبا و خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیةاللّه محقق داماد و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران برگشته و بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.
نگارنده گوید: اقای انصاری از افاضل با تقوی و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب و اکنون در مدرسه عبداللّه خان بازار بتدریس مشغول و در مسجد مرحوم والدش بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انصاری، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم انصاری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال 1359 به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.
در سال 1361 تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.
سال 1375 به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال 1380 ـ 1381 دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت می کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.
سال 1365 شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال 1368 به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال 1375 که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئوول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید انصاری
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
مجید انصاری در سال 1333 در روستای خانوک از توابع زرند کرمان به دنیا آمد. او تصحیلات ابتدایی خود را در دبستان زادگاهش به پایان رساند. مقدمات دینی را در حوزه علمیه حضرت معصومه کرمان فرا گرفت و سپس برای تکمیل تحصیلات دینی عازم قم شد و تحصیلات دینی خود را در این شهر ادامه داد.
فرا گرفتن علوم دینی و حوزه مبارزات سیاسی انصاری از همین هنگام آغاز شد و با نهضت امام اوج گرفت. او که در طی تظاهرات 19 دی شهر قم مجروح شده بود، بعد از بهبودی مبارزات خود را ادامه داد و ابعاد آن را در سال های نزدیک انقلاب به تمام شهرستان های استان کرمان توسعه داد. او در سالهای پس از انقلاب در کنار برخی دیگر از همرزمان خود به تشکیل و سازماندهی کمیته های انقلاب اسلامی پرداخت.
وی در سال 1359 و در اولین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زرند وارد مجلس شورای اسلامی شد. تجربه نمایندگی مجلس انصاری در ادوار بعدی هم ادامه یافت و او در مجلس دوم نیز به نمایندگی از مردم زرند و در مجلس پنجم و ششم به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حاضر بود و به جز دوره اول که عضو کمیسیون اقتصادی و معاون بود در تمام ادوار بعدی به عضویت کمیسیون های آیین نامه داخلی و برنامه و بودجه پیوست و با توجه به توانایی های خود نقش ویژه در تحرکات مجلس ایفا کرد.
او در کنار مسئوولیت های تقنینی معاون پارلمانی وزارت کشور، معاونت برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور را عهده دار بود. انصاری عنوان معاون حقوقی و پارلمانی خاتمی را در دو سال آخر ریاست جمهوی همراهی کرد. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو کمیسیون های زیر بنایی، اقتصاددانان و کمیسیون خاص تدوین چشم انداز

2 ساله این مجمع بوده و ریاست پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی و همچنین معاونت برنامه ریزی را بر عهده دارد. انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز و کمیسیون سیاسی این تشکل سیاسی روحانی بود و از زمان حضرت امام تاکنون افتخار عضویت در مجلس خبرگان رهبری را داراست.
وی، با توجه به توانایی های متنوع خود یکی از برجسته ترین و شاخص ترین سیاستمداران مورد اعتماد جناح های سیاسی مختلف بوده که با توجه به تخصص خود در برنامه ریزی اقتصادی همواره نقشی ویژه در تدوین و سامان دادن به حرکت اقتصادی کشور ایفا کرد و در شرایط فعلی نیز می تواند همین نقش را در تنظیم سیاست های کلان کشور بر اساس متدهای علمی و تخصصی بر عهده گیرد. مجید انصاری سابقه مسئولیت های دولتی خود را از سن 26 سالگی با نمایندگی در دوره اول مجلس شورای اسلامی آغاز کرد.

انصاری، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن العالم الجلیل الشیخ مرتضی معروف بشیخ آقا بزرگ بن العلامه شیخ محمد حسن انصاری سابق الذکر برادر ارجمند آیه‌الله شیخ علی انصاری مذکور. عالمی جلیل‌القدر فاضل پارسا و پرهیزکار میباشد.
وی صاحب ملکات فاضله و اخلاق حمیده و خصال و صفات جمیله و بارزی است که او را از همگنان ممتاز میسازد.
تولدش در سال 1322 قمری پس از فوت مرحوم والدش اتفاق افتاد و در دامن جد والا تبارش نشو و نما نمود و بعد از وفات او نزد برادر برومندش آقا شیخ میرزا محمد جعفر تربیت یافت و تحصیلاتش را بپایان رسانید.
معظم‌له فعلا از مدرسین حوزه علمیه اهواز و از جبینش اثار بزرگی و متانت و تقوی و ورع آشکار و هویداست و بدین جهت از موثقین ائمه جماعت شهرستان اهواز و مردم با او عقیدتی کامل دارند و کتابی در اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام تألیف نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انصاری، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد انصاری
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/3

انصاری، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا انصاری
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رضا انصاری در سال 1327 ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.
پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.
از سال 1350 نویسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب "اسلام بر فراز اجتماع" نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال 1352 توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.
در سال 1367 به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین "الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم" و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله "پیام قرآن" (نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به

ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال 1375 به دعوت سرپرست "مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی" در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.
در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی "ترجمان وحی" که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید" برای درج در تفسیر راهنما و دیگری "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان" بود.

انصاری، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران استاد مسعود انصاری خوشابر ، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه ها و رشته های علوم اسلامی ، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد .
او در سال 1345 در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد . تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند ، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت . پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره ی متوسطه ، برای تکمیل آموخته های دینی به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم زاهدان رفت . پس از طی مراحل لازم ، در تهران به تحصیل در دانشکده ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت ، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی ، فقه ، کلام ، تفسیر ، علوم قرآنی ، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال 1370 ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان ـ در 25 سالگی ـ اجازه ی مکتوب « افتاء » به شیوه ی مرسوم در مذهب شافعی ، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه ی خود ساخت و تاکنون آثار معتنابهی ، هم از نظر ارزشمندی خود اثر ، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش ، پدید آورده که مایه ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است . مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه ی قرآن کریم به شیوه ای شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله ، تماماً به بحث درباره ی آن و معرفی آن اختصاص دارد . بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از :
ـ تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع : دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی ، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته ی دیگر)
ـ ترجمه ی کتاب واقعه ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد
ـ ترجمه ی مجموعه ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه ، و وصایا و کلمات قصار ، و احادیث موضوعی ، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه ی شیعه ، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی . نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و

انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .
ـ هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)
ـ اهمیت نماز جماعت (ترجمه)
ـ پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)
ـ زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)
ـ ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)
ـ ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه » باشد .
ـ قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)
ـ پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)
ـ دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع 3 جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیحی علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به زبان فارسی است ، که متاسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

انصاریان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در 18 آبان‌ماه 1323 شمسی در خونسار متولد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.
والده ماجده‌اش علویه از سادات مصطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسلام و معارف اهل‌بیت و تألیفات عدیده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری رحمه‌اللّه علیه می‌باشد که از خدای متعال خواستند او روحانی و خدمتگذار آستان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام باشند.
ایشان در اوائل عمر با خاندانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مدرسه ابتدائی و دبیرستان مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر برهان انار اللّه برهانه دروس جدید را فراگرفته و به تشویق حکیم الهی میرزا مهدی الهی قمشه‌ای درسال 1341 شمسی به قم آمده و به دروس دیگر پرداخته و از محضر حاج شیخ محمد وحید و مرحوم حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی و آقای ناطق نوری و حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی استفاده و مقدمات و سطوح وسطی را خوانده و پس از آن سطوح عالیه را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و

نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.
دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.
1- اسلام و کار و کوشش
2- اسلام و علم و دانش
3- از اسلام چه می‌خواهید
4- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر
5- حج وادی ایمن
6- لقمان حکیم چاپ چهارم
7- مناجات عارفان طبع ششم
8- عرفان اسلام حدود 14 مجلد
9- به سوی قرآن و اسلام
10- مقدمه بر دیوان وحدت
11- مقدمه حقوق کیفری
12- مقدمه‌ای بر معاد
13- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام
14- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن
15- سیری در اخلاق اسلامی
16- مرز روشنائی
17- شرح دیوان و کلمات باباطاهر
18- فروغی از تربیت اسلامی
19- حسینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انصاریپور، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی انصاری پور
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
خرداد سال 1360 دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.
ورود به حوزه: مهرماه 1360، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.
اتمام دروس سطح: 1369 شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال 1375 و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال 1370 اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در 1378 ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال 1379 در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.
در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انگجی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن بزرگترین فرزند مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن انگجی ره و از علماء اعلام و دانشمندان کرام تبریز است که در مهد علم و مجد تربیت شده و مقدمات و سطوح را از علماء تبریز مخصوصا والد ماجد خود و مرحوم آیه الله حاج میرزا صادق آقا و دیگران خوانده و مسافرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیه الله حایری و آیه الله حجت کوهکمری استفاده کرده آنگاه به تبریز مراجعت و به وظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد مدرسه طالبیه و مباحثات پرداخته است ادام الله توفیقاته.
از تألیفات ایشان است رساله‌ای در کر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انگجی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام آیت‌اللَّه الملک العلام السید المیرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از علماء بنام طهران بودند و در مسجد ملک آباد اقامه جماعت می‌نمودند.
ولادت آن مرحوم در تبریز واقع شده و در مهد تربیت آیت‌اللَّه والد پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه در سال 1340 قمری مهاجرت به قم فرموده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمد همدانی فراگرفته و بدرس خارج علامه بزرگوار آیت‌اللَّه العظمی حجت و مدتی هم بدرس خارج آیةاللَّه حایری موسس حوزه حاضر شده و پس از آن به تبریز مراجعت و به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و پس از آن مهاجرت به تهران نموده و در مسجد مذکور به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ارشاد مردم مشغول شده تا در سال 1383 که وفات نموده و با تشییع عظیمی جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد موزه مدفون گردیده است. دارای تألیفات عدیده می‌باشند: 1- رساله‌ای در تنجیس متنجس و عدمه 2- تقریرات اساتید در فقه و اصول. از باقیات الصالحات ایشانست 1- جناب حجه‌الاسلام آقا سید علی انگجی که سالها در قم اقامت و از محضر آیات عظام بالاخص آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری و آیةاللَّه علامه طباطبائی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و بمدارج فضل و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
از آثار و تألیفات اوست:
1- تفسیر سوره‌ی نور که جامع جهات مختلفه فقهیه و اخلاقیه و غیره می‌باشد.
2- تقریرات دراسات آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی.
3- تقریرات درس آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری.
2- دومین فرزند معظم له است دکتر سید هادی انگجی که سیدی شریف و طبیبی معروف است در تبریز که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده و تخصصی در جراحی دارد و اکنون رئیس بیمارستان (شیر و خورشید) تبریز است.
3- سومین فرزند ایشان آقای مهندس سید رضا انگجی است که متصدی

امور کارخانه برق و آب است در استان آذربایجان، خداوند توفیق آنان را در خدمات دینی و اجتماعی زیاد فرماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

انوار، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیلات حوزوی، علوم قدیمه و ادبیات عرب، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا در رشته ادبیات عرب از دانشکده ادبیات و الهیات و معارف اسلامی تهران با رتبه ممتاز.
مرتبه علمی:
تدریس در دانشگاههای مختلف ایران، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران، دریافت سه مدال درجه اول فرهنگ، سراینده اشعار فارسی و عربی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تفسیر و عرفان، لغت، شرح نظم و نثر عربی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از 50 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 15
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 5
زمینه علمی تألیفات:
تفسیر، عرفان، ادب، لغت، شعر فارسی، شعر عربی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
ادب، عرفان، تفسیر، شعر و هنر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

انواری، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر انواری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب جعفر انواری در سال 1350 وارد حوزه شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را به پایان رساندم و دروس سطح (رسائل، مکاسب و کفایه) را در حوزه، بصورت آزاد خواندم.
در کنار تحصیل فقه و اصول در دیگر دروس حوزه مانند نهج البلاغه، عقائد، تفسیر و... شرکت داشتم. در سال 1356 پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و در دوران شرکت در درس خارج که حدود بیست سال بطول انجامید از محضر حضرات آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره مند شدم.
در سال 1360 وارد موسسه در راه حق شدم و از دروس آن موسسه که افزون بر رشته های مختلف اقتصادی و فلسفی، در قالب اقتصاد و فلسفه شهید صدر، از دروس فلسفه (فلسفه، نهایه، برهان، شفا و اسفار) و معارف قرآن استاد مصباح یزدی کسب فیض نمودم.
در سال 1363 در گروههای تحقیقاتی تفسیر و علوم قرآن، به کاوش و پژوهش پرداختم و در همان سال ها تدریس مباحث معارف قرآن استاد مصباح یزدی را نیز عهده دار شدم. از سال 1361 تدریس دروس معارف اسلامی را در دانشگاه آغاز کردم که 18 سال تدریس این دروس در دانشگاه تهران بطول انجامید.
با تاسیس موسسه علمی پژوهشی امام خمینی (ره)، در رشته علوم قرآنی به پژوهش و همکاری با بخش آموزش ادامه دادم و در سال 1380 بعنوان عضو هیئت علمی آن موسسه پذیرفته شدم که هم اکنون با بخش آموزش در تدریس دروس قرآنی و با پژوهش در تحقیقات قرآنی ادامه همکاری دارم.

انواری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمد انواری یزدی در سال 1322 ق در یزد متولد و پس از گذرانیدن دوران کودکی بتحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و منطق و قسمتی از شرح لمعه و قوانین و رسائل را خدمت مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای شیخ محمد باقر انواری در یزد خوانده و قسمتی از رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت سایر علماء و دانشمندان یزد آموخته و مقداری هم در مشهد مقدس از محضر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ هاشم قزوینی استفاده کرده و آنگاه بقم آمده و از محضر مرحوم آیه‌الله حجت کوه کمری و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده آنگاه به یزد برگشته و بخدمات دینی پرداخته و در خلال آن بنابر دعوت همشهریهای مقیم بمبئی بهندوستان برای تبلیغ مسافرت و در پونه و نقاط دیگر خدمات ترویجی نموده و پس از آن مراجعت بوطن و بنابر دعوت جمعی از مؤمنین بندرعباس عزیمت بآنسامان نموده و تا حال تحریر شش سال است که در بندر مزبور و حومه آن بانجام وظائف دینی اشتغال دارد ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

انواری، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر ادیب فاضل، متخلص به «لمعه» از خدمت گزاران صدیق فرهنگ. در 1321 قمری در دستگرد متولد، و تحصیلات خویش را در مدارس قدیم و جدید این شهر به پایان رسانیده، مدتی به محراب و منبر سرگرم بوده، سپس ترک نموده به خدمت فرهنگ اشتغال جسته، سال‌ها مدیریت دبستان حسین‌آباد را داشت. در انجمن شعرا شرکت می‌کرد، و از آثارش: «نامه‌های دهقان» به چاپ رسیده. صاحب دیوان اشعار است.
در یکشنبه 14 محرم 1385 وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

انوری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن انوری در سال 1312 در شهرستان تکاب به دنیا آمد. در سال 1350 موفق به اخذ درجه دکترا در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه‌های مختلف طی سالیان متمادی با سازمان کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و مؤسسهٔ لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه پیام‌نور و... همکاری داشته است و چندین سفر مطالعاتی به کشورهای آلمان و آمریکا نموده است. دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب"فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن انوری بعد از تحصیلات ابتدایی ، از سال 40ـ 1337در مقطع کارشناسی رشته زبان وادبیات فارسی دانشگاه تبریز ادامه تحصیل داد و همچنین کارشناسی ارشد در همین رشته را از دانشگاه تهران از سال 1344تا1346 ادامه داد. وی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران ازسال1346 تا 1350 ادامه گذراند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت در تالیف بخشی از لغت نامه دهخدا در موسسه لغت نامه دهخدا و نوشتن مقاله در دایرة المعارف بزرگ اسلامی از جمله فعالیتهای حسن انوری به شمار می آید.
فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی که حسن انوری تا کنون بر عهده داشته است عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تکاب ،1337ـ1332 تدریس دردبیرستانهای تبریز 1340-1337 تدریس در دبیرستانهای تهران 1346-1340 تدریس در دانشگاه علم وصنعت 1351-1348 همکاری با سازمان کتابهای درسی 1358-1343 همکاری با سازمان لغت نامه دهخدا و تالیف بخشی از مجلدات لغت نامه دهخدا،1359-1340 تدریس نقد ادبی در رشته روزنامه نگاری دانشکده علوم ارتباطات و علوم اجتماعی 1358-1351 تدریس ادبیات فارسی و سرپرستی گروه زبان وادبیات فارسی دانشکده علوم ورزشی1358-1351 تدریس نقد ادبی ،متون قدیم فارسی (شاهنامه ، حافظ ، سعدی) و دستورزبان فارسی تربیت معلم

1358-1365 همکاری بادانشگاه پیام نور و تالیف 9 جلد کتاب درسی برای آن دانشگاه تاسیس مجموعه ادب فارسی با همکاری دکترجعفر شعار ، تاکنون 25 جلد از این مجموعه به وسیله چند ناشر چاپ شده است(1362) تاسیس مجموعه گنج ادب ، تاکنون 25 مجلد در نشر قطره چاپ شده است(1371) تاسیس سازمان فرهنگ برای تدوین چند روزه فرهنگ(1373)
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسن انوری موسس مجموعه ادب فارسی، مجموعه گنج ادب (در سال 1371) و سازمان فرهنگ (1371)بوده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن انوری بغیر از تدریس در مجامع علمی درسال 1353 به دعوت دانشگاه کن راهی آلمان و برای گذراندن فرصت مطالعاتی دردانشگاه پرنیستون درسال های 8 ـ 1357 به آمریکا سفرکرده است.
جوائز و نشانها : دکتر حسن انوری سرپرست گروه تدوین کتاب"فرهنگ بزرگ سخنگ می باشد. کتاب فوق، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. حسن انوری در هفتمین همایش چهره های ماندگار در ابان ماه 1387 بعنوان چهره برگزیده در رشته ادبیات فارسی انتخاب گردید.
چگونگی عرضه آثار : از دکتر انوری مقالات و تألیفات متعددی به چاپ رسیده است و در زمینة تحقیق و تصحیح نیز دارای آثار مختلفی می‌باشد .

آثار :
1 آتشکده آذر گشسب
2 آغاجی ـ ترخان
ویژگی اثر : این مقاله در مجله آینده سال هشتم شماره 10 دی ماه 1361 به چاپ رسیده است
3 آمیختگی عرفان با ورزش باستانی
ویژگی اثر : نشریه دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی در شماره دوم زمستان 1356 به چاپ رسیده است
4 آی بی کلاه ،آی با کلاه
ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره 4 سال یازدهم تیرماه 1347 به چاپ رسیده است
5 آیین نگارش
ویژگی اثر : برای سال اول ودوم و سوم دبیرستان و همچنین آیین نگارش مقدماتی و پیشرفته و برای تحصیلات مکاتبه ای از انتشارات رسا و پیام

نور و آموزش و پرورش در سال 1353تا 1368 چاپ شده است
6 اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی
ویژگی اثر : تهران ، سال1355
7 ایران درشاهنامه
ویژگی اثر : این مقاله در مجله خاوران شماره 3و4 دربهمن و اسفند 1369 و مقالات کنگره بزرگداشت فردوسی دردانشگاه تهران 1375 به چاپ رسیده است
8 تحقیق در احوال مشایخ نقشبندیه
9 تحقیق در افعال فارسی
10 تحلیل داستان شاه و کنیزک و زرگر
ویژگی اثر : این مقاله در نشریه دانشکده علوم انسانی در دانشگاه تربیت معلم در اسفند ماه 1356به چاپ رسیده است
11 تساهل
ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال پانزدهم دی ماه 1341 به چاپ رسیده است
12 تصحیح انتقادی دیوان حافظ
ویژگی اثر : این مقاله درمجله آینده سال سیزدهم شماره12ـ 8 درسال 1366به چاپ رسیده است
13 تصحیح انتقادی گلستان سعدی
14 تصحیح انتقادی نصاب الصبیان فراهی
15 تعمیم سواد دردهکده ها
ویژگی اثر : این مقاله در مجله یغما سال شانزدهم آبان ماه 1342 به چاپ رسیده است
16 تنظیم مجلدات از لغت نامه دهخدا (حروف الف ، ب ، ر، ک، ی)
17 خاندان نوبختی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله راهنمای کتاب شماره 3و 4 سال دوازدهم تیر ماه 1348 به چاپ رسیده است
18 دستور زبان فارسی
ویژگی اثر : این کتاب بعنوان دستورزبان فارسی برای سالهای اول و دوم و سوم راهنمایی و دانشسرای راهنمایی در تهران و دانشسرای مقدماتی توسط انتشارات فاطمی وبرای تحصیلات مکاتبه ای در دانشگاه پیام نوراز سالهای 1350 تا 1368 به چاپ رسیده است .
19 دستورزبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله یغما درسال 1341 شماره 4 ، تیرماه ،سال پانزدهم به چاپ رسیده است
20 دیوان استیفا در حکومت غزنویان وسلجوقیان

ویژگی اثر : این مقاله در مجله بررسیهای تاریخی درشماره 6 سال هشتم بهمن واسفند ماه 1352 در چاپ رسیده است .
21 راهنمای تدریس فارسی
ویژگی اثر : این کتاب بعنوان راهنمای تدریس آموزگاران برای سالهای چهارم و پنجم و اول و دوم و سوم راهنمایی از سال 1328 تاسال 1352 به چاپ رسیده است .
22 رزمنامه رستم و سهراب
ویژگی اثر : این کتاب با همکاری جعفر شعار در تهران ،درسال 1363به چاپ رسیده است
23 سخن و اندیشه
ویژگی اثر : این کتاب در تهران و در انتشارات توس باهمکاری علی اصغر خبره زاده به چاپ رسیده است
24 صدای سخن عشق
ویژگی اثر : تهران ، انتشارات سخن، 1374
25 غمنامه رستم و سهراب
ویژگی اثر : این کتاب در تهران و انتشارات توس درسال 1363 به چاپ رسیده است
26 فارسی
ویژگی اثر : این کتاب برای دانشسرای مقدماتی درسال 1352 به چاپ رسیده است
27 فرهنگ بزرگ سخن
ویژگی اثر : این کتاب حاوی 8 جلد است که در انتشارات سخن درسال 1381 به چاپ رسید ه است.دکتر انوری سرپرست گروه تدوین این کتاب می باشد. این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ بزرگ سخن به سرپرستی حسن انوری.ـتهران: انتشارات سخن، 8 ج، 1381. این فرهنگ، به گفتهٔ سرویراستار آن، گامی است کوچک در راه تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی. تهیه‌کنندگان این فرهنگ خواسته‌اند به نیاز طبقهٔ متوسط کتابخوان و مراجعان فارسی¬زبان پاسخ گویند، هم نیازهای آنان را که در متون و در گفتارهای روز به واژه‌ای ناآشنا برمی‌خورند و هم نیاز آنان را که متون کهن را در مطالعه می‌گیرند برآورده کنند. برای تهیهٔ این فرهنگ بیش از هشت سال وقت صرف شده و ده‌ها تن از کارشناسان درجهٔ اوّل تحت نظارت و سرپرستی دکتر حسن انوری، استاد زبان و ادب فارسی، به کار پرداخته اند. اگر چه مبنای کار تهیه‌کنندگان بر استخراج معانی از شواهد بوده، فرهنگ‌های مهم فارسی را پیوسته پیش چشم داشته‌اند . از آن میان،

فرهنگ‌های برهان قاطع، جهانگیری، آنندراج، فرهنگ فارسی امروز، و به ویژه لغت‌نامهٔ دهخدا و فرهنگ معین، پیوسته مورد مراجعهٔ آنان بوده است
28 فرهنگ دو جلدی سخن
29 کتاب فارسی و تاریخ ادبیات
ویژگی اثر : این کتاب برای سالهای2 ـ 1351 در وزارت آموزش وپرورش به چاپ رسیده است
30 کتاب قرائت فارسی برای مدارس
ویژگی اثر : این کتاب برای سالهای چهارم و پنجم دبستان و اول و دوم و سوم راهنمایی از آموزش و پرورش درسالهای 1348 تا سال 1351 به چاپ رسیده است
31 کتاب لغت برای کودکان
ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب شماره 1 سال دهم اردیبهشت 1346 به چاپ رسیده است
32 کشتی از دیدگاه اهل تصوف
ویژگی اثر : این مقاله درنشریه تربیت بدنی و علوم ورزشی شماره اول آذر ماه 1356 به چاپ رسیده است
33 گزیده اشعار رودکی
ویژگی اثر : این کتاب در تهران درانتشارات امیرکبیر درسال 1365 با همکاری جعفر شعار به چاپ رسیده است
34 گزیده اشعار صائب
ویژگی اثر : این کتاب در نشر بنیاد در تهران با همکاری دکتر جعفر شعار و زین العابدین موتمن به چاپ رسیده است
35 گزیده بوستان سعدی
ویژگی اثر : 1371 تهران ،انتشارات علمی،
36 گزیده غزلیات سعدی
ویژگی اثر : این کتاب در تهران در انتشارات سعدی و درسال 1369به چاپ رسیده است
37 گزیده گلستان سعدی
ویژگی اثر : تهران ، انتشارات علمی، 1371.
38 هدف تدریس از ادبیات
ویژگی اثر : این مقاله در نشریه انجمن دبیران ادبیات فارسی در تهران 1352 به چاپ رسیده است
39 یادداشتهای قزوینی بر حافظ
ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب درسال 1340 شماره 5و 6 به چاپ رسیده است
40 یک قصه بیش نیست

ویژگی اثر : تهران ، مقاله علمی ، 1368-بررسی محتوایی و ساختاری شعر حافظ ----------
---
منابع :
1http://www.aftab.ir/lifestyle/view.php?id=1002292www.ketabesal.ir

اوجاقی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین اوجاقی قهرمان ارزنده‌ای است که بارها پرچم کشورش را در جای جای جهان به اهتزاز درآورده وی فرزند ارشد خانواده‌ای 6 نفره می‌باشد، پدرش کارمند صنایع دفاع بوده و در خانواده او علاوه بر وی امیر اوجاقی برادرش نیز توانسته چند عنوان جهانی در سن‌شو و مهدی اوجاقی دیگر برادر او نیز در بوکس‌های داخلی مقام‌آور باشد. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس رشته مدیریت تربیت بدنی و مجرد می‌باشد. حسین اوجاقی نیمه شب هشتم شهریور یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار در بیمارستان فیروزگر تهران دیده به جهان گشوده، زندگیش را در جنوب شهر تهران منطقه شهر ری ادامه داده، ورزش را در سن هشت سالگی با ژیمناستیک آن هم بطور هفته‌ای سه جلسه آغاز نموده سپس در دوازده سالگی (1366) به کان‌ذن‌ریو روی آورد و نزد اولین استاد رزمی خود، نیک‌روش ورزشهای رزمی را با هفته‌ای سه جلسه آغاز نمود. دوران نوجوانی او با کلنجارها و سرشاخ‌شدن با هم سن و سالهایش سپری شد. وی به تمرینات مستمر و کلاسیک خود زیر نظر مربیش با نظم، خاصی ادامه داد. پس از چند سال با افتتاح کلاس کیک بوکس در منطقه شهرری توسط همان مربی وی به سوی رشته‌های کیک بوکس روی آورد این روش تا سال 1372 ادامه یافت، پس از آن با مرحوم فریدون مالکی (یکی از نام‌آوران رشته‌های رزمی ایران) آشنا شد و در لباس شاگردی به تمرین پرداخت به زعم وی شخصیت رزمی‌اش نزد ایشان شکل گرفت و احساس تکامل در هنر رزمی به او دست داد وی معتقد است از لحاظ تکنیک و مسائل مربوط به هنر رزمی هر آنچه دارد را مدعون مرحوم مالکی می‌باشد در کنار اینها بوکس را نزد حاج آقا محمدی باز هم در همان محله تهران ادامه داد، پس از چند سال نگاه وی به ورزش حرفه‌ای جلب شد چرا که او بصورت حرفه‌ای تمرین می‌کرد، اما او احساس کرد در مسابقات حرفه‌ای جای خالی پرچم ایران احساس می‌شود هر چند در برخی از رشته‌ها و در قسمت آماتور پرچم کشورش به اهتزاز در می آمد، اما حسی درونی او را به حضور در میادینی بزرگتر فراخواند این حس باعث شد تا برای ارضای نیاز درونی خود به مسابقات حرفه‌ای روی آورد * تکنیک برتر مبارزاتی اوجاقی بیشتر سعی می‌کند از تمام ضربات دست و پا استفاده کند و فنون درگیری را هم داشته باشد اما ضربه پا بالا (های کیک) وی چیزی دیگر

است و او را راضی می‌کند. * به آنچه که خواسته رسیده یا نه پاسخ وی در این خصوص منفی بود چرا که اعتقاد دارد هر گاه به آنچه که می‌خواهی برسی این درست زمانی است که انگیزه اصلی که همان ادامه روند پیشرفت است را از دست خواهید داد. * آخرین برنامه حرفه‌ای که حسین در پیش رو دارد بنا به دعوتی از طرف یکی از باشگای ژاپنی به توکیو (ژاپن) رفتم و نزد کوبوسان رفتم وی با هماهنگی با مسئولین سازمان K-1 ژاپن آقای کانی گاوا و ایشی کای‌چو و توافق انجام شده به عضویت تیم K-1 جهت حضور در رقابتهای 11 ژوئن 2006 (مسابقات آزاد بین سازمان K-1 و سانداچین) تیم سانداچین با قهرمانان نامی ساندا و در تیم K-1 نیز قهرمانان نامی این سازمان از جمله آلن کرایف (روسیه) و... تیم را همراهی می‌کند در وزن 80 کیلو افتخار همراهی این تیم را دارم یکی از حسن‌های K-1 این است که از هر فرد از تیم K-1 با پرچم کشورش وارد مسابقات می‌شود و این یکی از شرط‌های من بوده. * بهترین برد بازیهای آسیایی بوسان و کسب مدال طلای این دوره برای من شیرین بود چرا که توانستیم با این طلا چند پله کشورم در بین کشورهای آسیایی صعود کند. عناوین مدال محل مسابقات سال رشته عنوان مسابقات نقره چین ۲۰۰۷ سن شو جهانی طلا ایتالیا 1997 سن‌شو جهانی طلا هنگ‌کنگ 1999 سن‌شو جهانی نقره ارمنستان 2001 سن‌شو جهانی برنز ماکائو 2003 سن‌شو جهانی طلا ایتالیا 2001 ساندا جام‌جهانی طلا شانگهای (چین) 2002 سن‌شو جام‌جهانی طلا ایتالیا 2005 ساندا جام‌جهانی نقره تایلند 1998 سن‌شو بازیهای آسیایی طلا بوسان (کره‌جنوبی) 2002 سن‌شو بازیهای آسیایی طلا ویتنام 2000 سن‌شو قهرمانی آسیا طلا میانمار 2004 سن‌شو قهرمانی آسیا طلا ترکیه 1998 سن‌شو بین‌المللی طلا ارمنستان 1999 سن‌شو بین‌المللی

اوجاقی، ناصرالدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصرالدین اوجاقی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم در مدرسه علمیه معصومیه تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم و در سال 1374 وارد موسسه امام خمینی (ره) شدم.
در کنار دروس حوزوی دوره عمومی این موسسه را نیز گذراندم و نیز در سال 1380 مدرک کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی را از این موسسه اخذ کردم در همین سال نیز موفق به اتمام پایه 10 حوزه شدم. در ادامه به خاطر علاقه ای که به رشته دین شناسی داشتم با شرکت در آزمون به تحصیل در این رشته در مقطع کارشناسی ارشد در موسسه امام خمینی (ره) اشتغال یافتم. در همین دوره حین تحصیل دوره کارورزی تحقیق را نیز گذراندم و موفق به اخذ مدرک این دوره شدم و در بهار سال 1386 مدرک کارشناسی ارشد دین شناسی را نیز اخذ کردم.
اکنون نیز در قسمت پژوهشی موسسه مذکور اشتغال به امر پژوهش دارم و علاوه بر آن با بخش دایرة المعارف علوم عقلی نیز همکاری دارم.

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 868 ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزوار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سیبک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولتشاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزوار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات است و قصاید غرّا در مدایح ائمه (ع) گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (398 -397 /1)، تاریخ نظم و نثر (304 -303)، تذکره‌ی روز روشن (91)، الذریعه (111/9)، ریحانه (200/1)، الکنی والالقاب (200/2)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحد)، مجالس المؤمنین (668 -667 /2)، مجالس النفائس (200 ،26).

اورعی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی اورعی
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان دوره ابتدائی در سال 51 وارد حوزه علمیه خوانسار و در سال 53 وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را در مدرسه مرحوم آیةالله گلپایگانی خواندم و درس خارج را در محضر مرحوم آیةالله فاضل و حضرت آیةالله مکارم شیرازی شرکت کردم. زبان انگلیسی را در دفتر تبلیغات فرا گرفتم. سفرهای تبلیغی به زبان انگلیسی در کشورهای یاد شده داشتم. 14 سال است که در نگارش دائرة المعارف قرآن کریم و فرهنگ قرآن در مرکز فرهنگ و معارف قرآن مشارکت دارم.

اورنگ شیرازی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1344 -1286 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به اورنگ. مشهور به وقارالسلطنه. وی نواده‌ی وصال شیرازی بود و علوم ادبی و فارسی و عربی را در محضر پدر آموخت. سفری به عراق رفت و چندی در اصفهان و تهران اقامت کرد. در یکی از دوره‌ها از سوی مردم فارس به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و از آن پس در تهران ساکن شد و ریاست دفتر رییس الوزراء ایران را قبول کرد. پس از مرگ پدر به عتبات سفر کرد و بعد از شش ماه در سال 1313 ق به تهران بازگشت و با مؤلف «طرائق الحقائق» معاشر شد و مورد نوازش صدراعظم قرار گرفت. وفات وی در تهران اتفاق افتاد و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. اثر وی: دیوان «اشعار»، و از خطوط او: یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، که چنین تمام می‌شود، «به انجام رسید... در چهارم شهر ربیع‌الاول من شهور سنه 1313 صلاث عشر و ثلاثمائة بعدالالف، علی ید تراب اقدام العارفین محمودالمتخلص به اورنگ ابن الفرهنگ ابن الوصال». اثر دیگر وی، «نصاب الرجال» است که منظومه‌ای فکاهی است و در آن از اوضاع ایران و فساد اخلاق مردمش به اسلوب زیبایی انتقاد کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (364 -363)، احوال و آثار خوشنویسان (867 -866 /3)، حدیقة الشعراء (202 -200 /1)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (376 -371 /1)، الذریعه (112/9)، ریحانه (328/6، 206/1)، شرح حال رجال (259/6)، طرائق الحقائق (381/3)، لغت‌نامه (ذیل/ اورنگ شیرازی)، مؤلفین کتب چاپی (10 -9 /6)، مرآت الفصاحه (76 -75).

اورنگ، مراد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق زبان‌های باستان.
تولد: 1283، تکاب آذربایجان.
درگذشت: آذر 1361.
مراد اورنگ، فرزند علی‌اکبر، بازنشسته‌ی ارتش بود. از وی آثاری درباره‌ی فرهنگ ایران باستان به یادگار مانده است که از آن جمله است: بررسی یسنا (ترجمه و تفسیر اوستا، بخش یکم، تهران. 1339؛ بخش دوم- هات 9- تهران، 1340؛ بخش سوم- هات 10- تهران)؛ جشن‌های ایران باستان (تهران، 1336)؛ سددر (منتخبی از گفتارهای زند و پازند، تهران، 1337)؛ سوشیانت (داستان هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت، تهران، 1342)، فرهنگ اورنگ (تهران، 1337)؛ گزارش گاتاها (سرودهای زرتشت، تهران، 1341)؛ همبستگی در اوستا (ترجمه و گزارش واژه اوستانی: خوات و دته، تهران 1341)؛ یکتاپرستی در ایران باستان (تهران، 1334).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اهورهوش شیرازی، نصراللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1219 ش)، روزنامه‌نگار. وی روزنامه «جوشن» را در شیراز منتشر می‌ساخت و چون توقیف شد، به انتشار روزنامه‌ی «کوروش» پرداخت و صد شماره از آن منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن سرایان فارس (380 -379 /1).

ایازی، علی نقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی نقی ایازی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال 1363 وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال 1366 دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم وتا پایان ادبیّات در حوزه علمیّه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهابیه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال 1369 در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن خود مشهد مقدّس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال 1373 دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایازی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد علی ایازی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
استاد سیّد محمّد علی ایازی متولد 1333 شمسی یکی از قرآن پژوهان معاصر است که تحصیلات حوزوی خود را از سال 1347 از حوزه علمیه مشهد آغاز کرد. پس از گذراندن دوره ادبیات و مقداری از سطح به حوزه علمیه قم وارد شد و از استادان سطح آقایان: محقق داماد، فاضل ، ستوده، صلواتی و سلطانی از درس خارج اصول آیات عظام: وحید خراسانی ، آقا موسی زنجانی و فاضل لنکرانی یک دوره را تمام کرد. همچنین از درس فقه آیات عظام: منتظری و شیخ جواد تبریزی (به مدّت 15 سال) و نیز اندکی از درس حاج شیخ مرتضی حائری و اراکی استفاده برد. درس فلسفه را گرچه در آغاز با درس آیت الله حسن زاده آملی شروع کرد، اما مدت 10 سال در خدمت آیت الله جوادی آملی اسفار و تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را تلمذ کرد و نیز از محضر سید جلال الدین آشتیانی در فلسفه و عرفان بهره برد. در کنار تحصیلات و از همان سال های نخست ورود به حوزه، به درس تحقیق و پژوهشهای تحقیقی در زمینه قرآن توجه بسیار داشت و مدت 3 سال در درس تفسیر آیة الله خزعلی و درس فلسفه جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن شهید مطهری و در کارهای تحقیقاتی با این شهید در سال 55 تا 57 شرکت داشت. او در کنار تحصیل و تحقیق از کارهای فرهنگی و تالیف نیز غافل نبود و به ویژه پس از دوره های متمادی تحصیل فقه و اصول و فلسفه ، بیشتر وقت خود را به تحقیقات قرآنی اختصاص داده است و در این زمینه افزون بر مقالات گوناگون در مجلات و همایش ها، کتاب های بسیاری را تالیف کرده است.

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(708/701- ح 756 ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعیه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالة العضدیة»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (482 -480)، الاعلام (66/4)، ایضاح المکنون (565، 378 /1)، بزرگان شیراز (292)، تاریخ ادبیات در ایران (295/3)، تاریخ گزیده (699)، حبیب السیر (221/3)، دایرةالمعارف فارسی (323/1)، روضات الجنات (51 -47 /5)، ریحانه (144 -142 /4)، فارسنامه‌ی ناصری (1146/2)، کشف الظنون (1891، 1764، 1299، 1144، 898، 104، 41، 37)، الکنی والالقاب (472/2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (119/5)، هدیة العارفین (527/1)، هفت اقلیم (169 -168 /1).

ایدرم، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ایدرم
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح 1 و 2 هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال 67 شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال 69 هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال 75 به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال 78 تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال 76 تا 79 هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایران‌پرست، نورالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1289، اصفهان.
نورالله ایران‌پرست مؤسس و مدیر کتابفروشی دانش و صاحب امتیاز و ناشر «دانش» (سه سال منتشر شد) فرزند مرحوم محمدعلی داعی‌السلام در 1289 در اصفهان متولد شد. سال‌های نوجوانی را در هند گذرانید و تحصیل کرد. سپس به ایران آمد و کتابفروشی دانش را در خیابان سعدی ایجاد کرد. از جمله آثار او تصحیح گلستان سعدی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ایرانپور، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم ایران پور مبارکه
محل تولد : مبارکه اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1336در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر ، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید.امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد واخرالامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایراندوست تبریزی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه مونپلیه فرانسه.
مرتبه علمی:
دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه)، ویراستاری 5 کتاب از دانشگاههای تبریز و سهند.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 4، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
ادبیات تطبیقی (ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه).
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ایرانی، عبدالمحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1250 ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامیه، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال 1332 ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال 1327 ق به اروپا رفت و در سال 1309 ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (493 -492 /2)، تاریخ جراید (199 -190 /2)، تذکرة القبور (247)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (318 -317 /1)، مؤلفین کتب چاپی (9 -7 /4).

ایرانی، مصیب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصیب ایرانی
محل تولد : سنقر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/3/9
زندگینامه علمی
اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی وراهنمائی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده ودر سال1366 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره)شهر کرمانشاه شده،همزمان با دروس حوزه مدر ک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال 1375وارد حوزه علمیه قم شدم ودر دروس آقایان حجت الاسلام احدی واستاددریاباری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم.همزمان در قم وحضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات)وآموزش مبلغین این مرکزوحضور در موسسه تنظیم ونشرآثار امام خمینی (ره)دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی(کارشناسی ارشد) به پایان رساندم .در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده وشرح منظومه استاد دریاباری را تلمذ می نمایم.
وسلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند مارا از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایروانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی ایروانی از علماء برجسته معاصر تهران است.
وی در سال 1324 ق در تبریز متولد گردیده و مقدمات را در تبریز خوانده و سطوح را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و مرحوم آیت‌اللّه حاح شید محمد مولانا و آیت‌اللّه حاج میرزا علی اصغر ملکی تلمذ نموده و در سال 1348 ق به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّه حجت کوهکمری استفاده فقه و اصول نموده و علوم عقلی و حکمت را از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد علی شاه آبادی بهره‌مند و در سال 1355 قمری منتقل به تهران و در خیابان مولوی ابتداء و بعد مختاری (خیابان امیریه) سکونت و تاکنون بالغ بر چهل سال است که در مسجد چهار راه مختاری به اقامه جماعت و ترویج دین و خدمات مذهبی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای ایروانی عالمی با متانت و دانشمندی با کیاست و فضیلت و موصوف بفضل و تقوی و اهل ولاء و محبت و مواظب زیارت حضرت امام زاده عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و همه روزهای پنجشنبه مرتب با توجه مخصوصی موفق می‌باشند ادام اللّه توفیقه و انار اللّه برهانه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایروانی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ یوسف ایروانی از افاضل علماء معاصر تهران، در سال 1329 ق در نجف متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر بزرگان نجف مرحوم آیةاللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیةاللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیةاللّه العظمی خوئی و مقداری از آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی در سال 1366 ق به تهران مهاجرت و در مسجد (قندی) خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
آثار معظم له از این قرار است: 1- مستند الفتوی فی شرح عروةالوثقی 2- تقریرات و دراسات اساتید نجف اشرف مرحوم والدش علامه ایروانی و اساتید دیگر.
دارای اجازات اجتهاد و روایاتی از آیات عظام نجف آیةاللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم علامه کاشف‌الغطاء و علامه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ایزد پناه، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس ایزد پناه
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1

آدرس اینترنتی
زندگینامه علمی
در سال 1354 سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال 1355 وارد حوزه قم شدم. تا سال 1364 دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال 1364 کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال 1367 وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت 2 سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال 1372 وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم.از سال 1372 مقالات علمی من از کنگرة علامة طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال 1373 مقاله ام در دانشگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود 8 سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود 90 مقاله می رسد. در سال 1380 وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال 1383 طی 60 برنامة علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود 10 کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفة علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که

دغدغة اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزد گشسب گلپایگانی، اسداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1262 ش)، عالم، صوفی، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شمس. در گلپایگان متولد شد. تا سن هجده سالگی در زادگاه خویش به تحصیل علوم ادبی، صرف و نحو، منطق و معانی و بیان پرداخت. پس از آن به اصفهان رفت و حکمت و کلام را نزد استادان آن شهر فراگرفت. سپس در 1280 ش به نجف رفت و چند سالی به تحصیل فقه و اصول و حکمت پرداخت. پس از بازگشت به ایران، به تهران و مشهد سفرهایی کرد و به خدمت بعضی از مشایخ صوفیه رسید و دست ارادت به حاج ملا سلطانعلی گنابادی داد و پس از او به فرزندش پیوست و از طرف صالح علیشاه، شیخ طایفه در اصفهان گردید و اجازه‌ی ارشاد و دستگیری به او داده شد و به ناصر علیشاه شهرت یافت. مدتی در فرهنگ اصفهان مدیر دبستان حکمت و چندی دبیر دبیرستانها بود. در سال 1305 ش روزنامه‌ی «عنقا» را منتشر ساخت و مدت یک سال به نشر آن همت گماشت. سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، جنب تکیه‌ی کازرونی دفن شد. آثار وی: «نور الابصار»؛ «اسرار عشق»؛ «تفسیر سوره‌ی یوسف»، به شعر؛ «شمس التواریخ»؛ «جذوات الهیه»، به شعر؛ «نامه‌ی سخنوران»؛ «هدایة الامم»؛ «معرفة الروح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (54 -52 /4)، تذکرة القبور (131 -130)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (321 -320 /1)، سخنوران نامی معاصر (2009 -2005 /3)، مؤلفین کتب چاپی (540 -539 /1).

ایزدپور، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا ایزد پور
محل تولد : قم
شهرت : ایزدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1362 با رها نمودن تحصیلات متوسطه در سطح دوم دبیرستان و در رشته علوم تجربی، به حوزه علمیه قم وارد شده و تا سال 1370 شمسی علوم مقدماتی و سطوح حوزوی را به پایان رسانده و از همان سال به تحصیلات خارج فقه و اصول مبادرت ورزیدم، تحصیلات عالی فقه و اصول را برای مدت 16- 15 سال ادامه داده و اکنون نیز در حلقه اصول استاد معظم حضرت آیت الله وحید مشارکت دارم. همزمان با تحصیلات فوق، سالها در حوزه علمیه به تدریس کتابهایی همانند، الموجز، اصول الفقه، لمعه، رسائل و مکاسب و عقاید و در دانشگاه صنعتی امیرکبیر و تهران به تدریس مبانی نظری اسلامی و اخلاق کاربردی اشتغال داشته ام.

ایزدجو، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تقی ایزدجو
محل تولد : آشتیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
متولد 1346 در آشتیان هستم سال 1358 وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال 1365 راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم(ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های 65 تا 69 پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال 65 سطح 4 و 5 و 6 را امتحان دادم سال 66 تا سال 1369 پایه‌های 7 و 8 و 9 قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال 73 انجام شد.در سال 1370 به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللبیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال 1373 به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی

قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال 73 پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال 75 به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه 2 سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال 1376 با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال 1380 در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال 1382 تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف 1 و 2 اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال 76 برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح 2 را اخذ کردم و برای سطح 3 نیز در سال 1380 موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال 1369 در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال 70 دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (1386) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدهی، سجاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سجاد ایزدهی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
ساکن شهر بابل متولد سال 1349

ایزدی المشیری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ایزدی المشیری
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/10/1
زندگینامه علمی
این حقیر متولد 1353 هستم که در استان مازندران شهرستان قائم شهر روستای المشیر بدنیا آمدم و زمان هفت سالگی به مدرسه ابتدائی الهام المشیر رفتم و دوره راهنمایی را در مدرسه نهضت المشیر به پایان رساندم و در سال تحصیلی 71-70 در حوزه علمیّه امام صادق(ع)،کوننا که یکی از روستاهای قائم شهر است و مسئول آن حاج آقا سلیمانی می باشد مشغول تحصیل علوم دینی شدم. و در سال تحصیلی 72 به قم آمدم و بطور آزاد در مدرسه آیت الله گلپایگانی { مدرسه المهدی(عج) }مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از دو سال چون به عنوان طلبه آزاد بودم از آنجا بیرون آمدم و در مسجد بازار عربها در محضر استاد بزگوار حاج آقا ایزدی که از همشهریان این حقیر بود مشغول تحصیل شدم تا سال 78 و در این مدّت از محضر استاد بزرگوار حاج آقا سیّد مجتبی نور مفیدی و حاج آقا باقر شاهرودی و از اساتید دیگر درس گرفتم تا سال 80 که در محضر استاد بزرگوار حاج آقا دریا باری مشغول خواندن کفایه الاصول شدم و در محضر استاد بزرگوار رحمانی سبزواری مشغول تحصیل فقه شدم تا اینکه الان در محضر این دو استاد بزرگواربه درس خارج مشغول هستم.البته لازم بذکر است که من تحت برنامه های شورای مدیریت نیستم و به شکل طلبه آزاد درس می خوانم و شهریه ای از آیات عظام دریافت نمی کنم و تحت امکانات حوزه هم نیستم و از مزایای حوزه هم استفاده نمی کنم.
انشاالله که خداوند متعال بر توفیقات شما بیفزاید.

ایزدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ایزدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1

ایمانی مقدم، رحمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال 1341 در خمینی شهر(هما یون شهر- سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال 1357 سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان(رشتة فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال 1359 وارد حوزه علمّیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیّه- خ باجک- در مدرسه وثوق«المهدی(عج)» -صفائیه- شروع به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمّیه قم شده و در دروس آزاد حوزه- مدرسه فیضیّه و مدرسه آیة الله گلپایگانی- شرکت کرده و در سال 1370 سطح عالی را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مدّت چهار سال به درس خارج اصول استاد بزرگوار فاضل لنکرانی دام عزه شرکت نموده و پس از آن در درس فقه استاد بزرگوار حضرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده(این درس 15 سال به طول انجامید و چه استفاده های مهمّ فقهی، علمی، رجالی و... که از این استاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب(ع) محشور گرداند که او در دفاع از حریم ذات احدیت و ولایت سخت کوشا بود.) و در اصول وحید خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال 69 شروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و استاد مصباح شرکت نموده و از سال 1376 به اصرار یکی از دوستان در مدرسه علمیه معصومیّه مشغول تدریس شدم(این درس چهار سال ادامه داشت) در سال 1377 با راهنمایی یکی از دوستان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شده(که این مرحله شروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدّت – دو هفته ای – با بخش تشکیل پرونده علمی دائرة المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش(بعد از تعیین مدخلها و موضوعات دائرة المعارف) مهمترین کار علمی دائرة المعارف است که با تحقیق و بررسی کامل موضوع و مدخل خاص از کتب لغات، تفسیر،روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس،

مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیّة گزارش از کار علمی،فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسی می شود و بعد از آن،ارزیابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یا جواب داده پرونده برای نوشتن مقاله تحویل بخش تدوین مقالات می شود. بنده در بخش تشکیل پرونده نزدیک به بیست پرونده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونده را ارزیابی و پس از سه سال فعالیّت در آن بخش وارد بخش مقابله و باز بینی علمی شده و الآن در آن بخش به فعّالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوّم تا ششم دائرة المعارف قرآن کریم هم مشغول بوده(هر جلد بیش از هشتصد منبع دارد) و همزمان کار یکسان سازی منابع و پانوشتها را انجام داده که نام بنده در ردیف همکاران علمی دائرة المعارف قرآن کریم که اکنون پنج جلد آن چاپ و جلد ششم آماده چاپ می باشد آمده است در کنار کار تحقیقاتی قرآن از سال 64 تا حال هر سال ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر به تبلیغ احکام و معارف اشتغال دارم و از سال 70 تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریّه،عمره و حج با سازمان حج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال 14 سفر حج و عمره سه سفر سوریّه مشرف شده ام.
در طول سالهای جنگ تحمیلی(59-67) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیّات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ایمانی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

اینجو، عضدالدوله، جمال‌الدین حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1035 ق)، فرهنگ‌نویس. از علویان شیراز بود که ظاهراً نسب خود را به شیخ ابواحسق اینجو پادشاه معروف فارس در سده‌ی هشتم قمری می‌رساند. پدرش از ارکان دولت دکن بود. علوم متداوله را در خدمت اساتید عصر آموخت و از مقربان درگاه حسین نظام شاه صاحب احمدنگر شد، و نظام‌شاه دختر او خدیجه را به عقد خود درآورد و مقام پدرزن خود را بالا برد. تا حیات نظام‌شاه با احترام زیست. پس از وفات او پسرش مرتضی بن حسین بحری جانشین وی شد و چون مادر شاه بر امور مسلط بود جمال‌الدین را به زندان انداخت. اما بعداً امور به دست مرتضی افتاد، او را از زندان بیرون آورد و کارهای مهم را به او سپرد. پس از مدتی از او رنجید و او را با دخترش خدیجه به رامپور تبعید کرد. وی به آگره نزد جلال‌الدین اکبر بن همایون تیموری رفت و از مقربان درگاه او شد. زمانی که جهانگیر پسر اکبر به تخت سلطنت نشست او را والی بهار کرد و لقب عضدالدوله به او داد. در سال 1030 ق به علت کهولت سن از کار کناره گرفت و در اکبرآباد ساکن شد. اثر وی: «فرهنگ جهانگیری» در لغت فارسی است که آن را در سال 1032 ق تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (5/ 376- 380)، تاریخ نظم و نثر (397)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (2/ 122- 123).

آبادانی، فرهاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
درگذشت: 1 فروردین 1359.
فرهاد آبادانی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های هند به پایان رسانید و پس از آن استاد زبان‌های ایرانی و فرهنگ پیش از اسلام در دانشگاه اصفهان گشت. مقاله‌های او در زمینه‌ی فرهنگ پیش از اسلام و تاریخ ایران باستان در مجله‌های تحقیقی و بیشتر در مجله‌های «هوخت»، «مهر»، «نامه‌ی سخنوران سپاهان»، «باستان‌شناسی» و «فرهنگ و هنر» چاپ شده است. وی در کتاب گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان مقاله‌ای درباره کتیبه‌ی داریوش دارد.
فرهاد آبادانی همچنین برای دومین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی مقاله‌ای را به رشته‌ی تحریر درآورد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آبادیان، خدارحم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1301 ش)، روزنامه‌نگار. وی مدیر و مؤسس روزنامه‌ی «فره‌وهر» است که در سال 1301 ش در تهران منتشر شد. این روزنامه از انتشارات زرتشتیان بود که در عنوان آن، بالای اسم روزنامه تصویر «فره‌وهر» چاپ می‌شد و مندرجات روزنامه بیشتر مطالب مربوط به زرتشتیان بود. و ظاهراً روزنامه بیش از یکسال منتشر نشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (78 -77 /4).

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 432 /422 /421 ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 237)، اعیان الشیعه (2/ 85، 9/ 252)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 25- 26)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 12)، الذریعه (3/ 254، 24/ 51- 52، 108)، ری باستان (2/ 394)، ریاض العلماء (5/ 219)، ریجانه (7/ 135- 136)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 668 5/ 195- 196)، فهرست منتجب الدین (161)، فوائد الرضویه (667- 668)، کشف الظنون (1939، 1927، 295)، الکنی والالقاب (2/ 4)، معجم الادباء (6/ 238)، معجم البلدان (1/ 69)، معجم المؤلفین (12/ 13)، نشر دانش (س 13، ش 6، ص 28)، هدیة الاحباب (96)، هدیة العارفین (2/ 473).

آبی، سید حسین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 729 ق)، مترجم. از احوالات وی اطلاع چندانی در دست نیست، فقط از اشاراتی که خود در کتابش به احوال خویش نموده است معلوم می‌شود که اصلاً از سادات به (بین قزوین و همدان) بوده و در جوانی به کاشان و سپس به اصفهان رفته است و در همان جا مقیم و با حکّام آنجا محشور شده است. اثر وی ترجمه‌ی آزادی است از «محاسن اصفهان) نوشته‌ی مفضل مافروخی، از عربی به فارسی، در 729 ق که آن را به خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه تقدیم کرده است. عباس اقبال آشتیانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ در ایران (54)، تاریخ نگاران ایران (368 /1)، الذریعه (126 /20)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 58 /8)، مولفین کتب چاپی (860 -859 /2).

آبی، مجدالدین، صاعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه و واعظ. وی از فقیهان و واعظان شیعی قرن ششم ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 137 /6)، فهرست منتجب‌الدین (100).

آبی، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، ادیب و محدث. مشهور به ادیب آبی. وی استاد منتجب‌الدین است و منتجب‌الدین در «فهرست» گوید که از محضرش استفاده روایی برده‌ام. از آثارش: «المنتخب»؛ «ندبة‌الوالد علی المولود».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (104 -103 /24، 366 /22)، ریاض العلماء (87 /5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 260 /6)، فهرست منتجب‌الدین (170).

آپاسای منشی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح س سوم م)، منشی دربار ساسانی. در شهر قدیمی شاپور، در بیست و چهار کیلومتری شمال غربی کازرون دو ستون مربوط به یک آتشکده‌ی کوچک ضمن ویرانه‌ها پیدا شد که روی آن 16 سطر به پهلوی ساسانی و اشکانی از بهرام اول (272 تا 275 م) نوشته شده بود بدین مضمون: «در فروردین ماه از سال 48 از تاریخ آتش اردشیر و سال سی از آتش شاپورشاه مؤبدان سال 24. این است پیکر مزداپرست خداوندگار شاه شاهان ایران و غیر ایران... اردشیر.. نوه‌ی پاپک. این آثار توسط «آپاسای» منشی از شهر حران.. برای پادشاه خود... شاپور... ساخته است. وقتی که شاهنشاه این پیکر را دید به آپاسای منشی خلعت بخشید از طلا و نقره و یک باغ و یک معبد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تمدن ساسانی (66 -65 /1).

آتسز خوارزمشاه، علاء الدین، علاء الدوله، ابوالمظفر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 551 ق)، شاعر. خانواده‌ی اتسز در اصل از غلامان ترک بودند و جدش از طرف سلطان ملکشاه سلجوقی به امارت رسید. اتسز گرچه دست نشانده دولت سلجوقی بود امّا چون در امر حکومت استقلال داشت، شاید بتوان او را بنیانگذار سلسله‌ی خوارزمشاهیان به شمار آورد که از آن پس مستقل بودند و در آغاز سده‌ی هفتم قمری توانستند در مدت کوتاهی خود را به صورت بزرگترین قدرت در جهان خاوری اسلام پیش از فتنه‌ی مغول درآوردند. اتسز پادشاهی فاضل و خوش طبع و به وفور علم و دانش سرآمد پادشاه زمان خود بود. جوینی و عوفی فضل و مهارت اتسز را در سرودن شعر فارسی می‌ستایند و ظاهرا دربار وی محفلی برای ادیبان برجسته بود. شعرای سلجوقی مانند ادیب صابر قصیده‌هایی در مدح او سروده‌اند؛ ولی از جمله کسانی که با اتسز ارتباط خاصی داشت رشیدالدین و طواط شاعر و منشی معروف بود که وظیفه‌ی شاعر و مبلغ دربار را انجام می‌داد. زمخشری نیز فرهنگ خود «مقدمة الادب» را به همین شاه اهدا کرد.[1]
(تر.: آت: آد، نام + سز، ادات سلب، بی‌نام) ابن محمد بن انوشتگین، از سلسله خوارزمشاهیان. وی پس از پدر فرمانروائی یافت (551 -521 ه.ق)، و او تا سال 530 تابع سنجر بود، و از آن پس استقلال یافت، و چند بار میان او و سنجر جنگ درگرفت، و در 553 مغوب سنجر گردید، ولی سه سال بعد زمانی که سنجر از ترکان شکست یافت، آتسز فرصت را غنیمت شمرد، و در حدود مرو و خراسان بتاخت و تاز پرداخت. عاقبت در 538 با سنجر از در آشتی درآمد، و فرمانروایی خوارزم یافت.آتسز پادشاهی ادب‌دوست و دانش‌پرور بود. رشید وطواط، زمخشری و زین‌الدین گرگانی طبیب به دربار او اختصاص داشتند. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (140 /1)، حبیب السیر (630 -629 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1169 -1168 /9)، دایرةالمعارف فارسی (49 -48 /1)، سیر النبلاء (323 -322 /20)، لباب الالباب (38 -35 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ اتسز)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 551)، الوافی بالوفیات (195 /6).

آتشی مراغه‌ای

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در عهد فتحعلی شاه شیخ‌الاسلام مراغه و از شعرای معروف آن شهر و متخلص به آتشی بوده است. وی کتب زیادی تألیف کرده است، دیوانی هم دارد که اکثر اشعار آن به زبان ترکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (2)، الذریعه (2 /9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 69 /13)، فرهنگ سخنوران (2)، مستدرکات اعیان (3 /3).

آجودان باشی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1323 ق)، مترجم. ملقب به امیر تومان فرزند میرزا علی اکبرخان آجودانباشی. وی «تیاتر ضحاک» نوشته‌ی سامی‌بیک عثمانی را که یکی از نمایشنامه‌های ضداستعماری است به فارسی ترجمه کرد. اهمیت این نمایشنامه از جهت داشتن محتوای ضداستبدادی و انتشار آن مقارن با شکل‌گیری نخستین حرکتهای مشروطه‌طلبانه است. از این گذشته، انتخاب یک داستان اساطیری- تاریخی برای تنظیم یک نمایش ابعاد نمایشی اساطیر ایرانی را هم برای ایجاد «نمایش ملی» به ایرانیان نشان می‌داد. میرزا ابراهیم‌خان آجودان‌باشی ترجمه‌ی نسبتاً خوبی از این اثر به دست داده است به طوری که ذکاءالملک فروغی از آن بسیار تعریف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (274 -273 /2)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت (342).

آخری، ابوالفضل خُزیمة

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه و متکلم معتزلی، ادیب و لغوی. نامش محمد و به خزیمه معروف بود. اهل آخُر، قصبه‌ای در دهستان، میان گرگان و خوارزم، بود. در ناحیه‌ی دهستان از کسانی چون ابوالفتیان عمر بن عبدالکریم روّاسی و بندار بن عبدالواحد دهستانی و دیگران حدیث شنید. در مرو به روایت حدیث اشتغال داشت و در همان جا نیز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 61)، دانشنامه‌ی ایران اسلام (1/ 38)، معجم البلدان (2/ 559، 1/ 70).

آخوند زاده

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزای فتحلی بن میرزا محمد تقی. پدر وی کدخدای ده خانه از حوالی شبستر بود. فتحعلی در ده سالگی (1236 ه.ق.) از تبریز با مادر خود به ارسباران و از آنجا به قفقاز رفت، و بعد نزد پدر زن خود حاج‌علی اصغر قرجه‌داغی در دفترخانه مترجم زبانهای اسلامی گردید. آخوندزاده مردی دانشمند بود و در غالب مباحث علمی و فلسفی و دینی اظهار نظر و موجبات جهالت شرقیان و بدبختی آنان را گوشزد کرده است. وی بیشتر آثار خود را درباره انتقاد از اوضاع اجتماعی و اصول اداره استبدادی ایران نگاشته، و با آنکه در خدمت دولت تزاری بوده، و از شاگرد مترجمی به مترجمی و از درجه سلطانی (سروانی) تا سرهنگی ارتقا یافته بود، تا پایان عمر محبت صادقانه‌ای به ایران داشت. از جمله آثار وی مرثیه منظوم درباره مرگ پوشکین شاعر روسی، درامها، داستان ستارگان فریب خورده (از سال 1274 -1267) به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی ترجمه شده است. رساله «خواب شگفت» او در انتقاد اوضاع اجتماعی در برلین چاپ شده. نامه‌های کمال‌الدوله نیز بدو منسوب است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آخوندی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن احمد آخوندی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محسن آخوندی در سال 1341 در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم شیخ علی آخوندی بنیانگذار یکی از کهن‌ترین مؤسسه‌های نشر آثار اسلامی یعنی دارالکتب الاسلامیه در نجف اشرف بود و عمر خویش را در کنار تحصیل علوم دینی، به نشر آثار اهلبیت (ع) و میراث غنی فقه اسلام پرداخت. او کتب اربعه و کتاب‌های ارزشمند جواهر الکلام و حدائق الفاخره را همراه با کتاب‌های مرجع دیگر به چاپ رسانید. وی که داماد مرحوم علامه امینی (ره) صاحب کتاب گران‌سنگ «الغدیر» بود، همچون آن بزرگوار تمام تلاش خود را در احیاء شیعه و آثار آنان به کار برد.
به هر حال پس از گذراندن دوران تحصیل کلاسیک و اخذ دیپلم ریاضی و فیزیک در سال 1359 در مدرسه حکیم نظامی آن روز (دبیرستان امام صادق (ع) فعلی) وارد حوزه علمیه شدم و از آن زمان تاکنون به طور مستمر در حوزه به تحصیل اشتغال دارم. دروس مقدماتی حوزه را به سرعت گذراندم و در سال 1365 در پایه ششم حائز رتبه دوم شدم و از سوی مراجع تقلید وقت، جوایزی دریافت کردم. درس شرح لمعه را خدمت آقای وجدانی فخر، اصول فقه مظفر را نزد استاد محقق افغانی خواندم، رسائل را نزد مرحوم شیخ مصطفی اعتمادی، بخش استحصاب آن را نزد استاد راستی کاشانی و مکاسب را از محضر آقایان صلواتی و محقق‌داماد فرا گرفتم. در سال 1367 در پایه هفتم در امتحانات سراسری حوزه علمیه قم مقام اول را کسب کردم. درس کفایه را نزد مرحوم ستوده فراگرفتم.
در سال 1370 در امتحانات ورودی جهت اخذ کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم شرکت کردم و موفق شدم که در سال 1374 کارشناسی ارشد را دریافت کنم. در کنار

دروس فقه و اصول، دروس نهایة الحکمه و اسفار را از محضر آقایان ممدوحی و فیاضی آموختم. از سال 1374 تدریس در دانشگاه را آغاز کردم و از آن سال تاکنون به تدریس معارف اسلامی و متون اسلامی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران اشتغال دارم. چندین سال نیز در دانشگاه آزاد واحد جنوب دروس قواعد فقه و آیات الاحکام و فقه و اصول را نیز تدریس کرده‌ام.

در خلال این اشتغالات، کتاب تاریخ مکه را که به دنبال حادثه جمعه خونین مکه نگارش یافته بود و به قلم دایی اینجانب دکتر محمد هادی امینی به زبان عربی بود به فارسی ترجمه کردم و این کتاب دو بار در سالهای 1372 و 1376 توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ گردید و چندین مقاله از این کتاب اقتباس و در فصل‌نامه میقات حج، نشر گردیده است.

از سال 80 تدریس در جامعة الزهراء را آغاز کردم و تاکنون دروس رسائل و مکاسب شیخ انصاری و حلقات شهید صدر و کتاب فقه استدلالی مرحوم ایروانی و فلسفه را در این مرکز تدریس نمودم. دروس اصول فقه مظفر و رسائل را در مدرسه شهیدین تدریس کرده‌ام.

در زمینه فعالیتهای پژوهشی، اینجانب استاد راهنما و مشاور چندین پایان‌نامه در سطح 3 حوزه علمیه بخش خواهران بوده‌ام. و به عنون استاد راهنما در مدرسه حجتیه در خدمت برخی از طلاب خارجی که درس خارج را می‌گذرانند، جهت استفاده هر چه بهتر و بیشتر از دروس خارج بوده‌ام. در سال 1385 در مقطع دکتری در دانشکده علوم حدیث پذیرفته شدم و هم اکنون این مقطع را در کنار تدریس خود دنبال می‌کنم.

آدم بن اسحق

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بن آدم بن عبداللَّه بن سعدالاشعری که قبرش در قبرستان شیخان قم نزدیک قبر جناب ذکریا بن آدم است از رواة و محدثین بزرگوار قم است که علامه حلی و نجاشی و شیخ‌الطائفه طوسی او را در کتب رجالی خود تعدیل و توثیق نموده‌اند. احمد بن محمد بن خالد برقی صاحب کتاب محاسن و محمد بن عبدالجبار و دیگران از وی روایت نموده و شیخ در فهرست گوید او را کتابیست که خبر دادند ما را جماعتی از اصحاب ما از ابی‌المفضل شیبانی از ابن‌بطه از احمد بن ابی‌عبداللَّه برقی از مؤلف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

آدمی خوارزمی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 562 /561 ق)، مفسر، نحوی، لغوی و محدث. ملقب به زین‌المشایخ. او در ادبیات از پیشگامان و در زبان عرب خحجت به حساب می‌آید. لغت و علم اِعراب را از زمخشری آموخت و پس از او بر جایش نشست. او حدیث را نیز از زمخشری و دیگران شنید. در ترسل و نقد شعر دست داشت. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «شرح الاسماء الحُسنی»؛ «مفتاح التنزیل»؛ «تقویم اللسان»، در نحو؛ «الاعجاب فی علم الاعراب»؛ «الهدایه فی المعانی والبیان»؛ «اعجاز القرآن»؛ «اسرار الادب و افتخار العرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 227)، کشف الظنون (1760، 1829، 2040، 595، 488، 469، 400، 132، 120، 91، 84، 51)، معجم الادباء (5/ 19)، معجم المؤلفین (11/ 137- 138)، الوافی بالوفیات (4/ 340)، هدیة العارفین (2/ 98).

آذر تبریزی مرتضوی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1250 ش)، ادیب و شاعر، متخلص به آذر. مردی میهن‌دوست بود. مدتی به استانبول مسافرت کرد. در آنجا با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقت کرد و از او چیزها در زمینه سیاست آموخت. چنان که در انقلاب مشروطه‌ی ایران از مؤسسین جدّی انجمن آذربایجان در تهران شد و در 1311 ش به عضویت انجمن ادبی آذربایجان درآمد. آذر مردی وارسته و آزادیخواه بود. وی در مقبرةالشعراء مدفون است. «دیوان» اشعارش شامل بیش از یکهزار بیت می‌باشد. «اوراق پریشان» از آثار او است که در 1334 ش در تبریز چاپ شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (70 /26)، سخنوران آذربایجان (188 -187)، فرهنگ سخنوران (3)، مؤلفین کتب چاپی (223 /1).

آذر یزدی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی آذر یزدی ، در روز دوم خمسه مسترقه ی سال 1300 شمسی در خرمشاه از توابع بزد در یک خانواده ی جدید الاسلام دیده به جهان گشود. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادربزرگ فراگرفت. در سن چهارده پانزده سالگی ، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی ، مدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشیخ » که او هم روزها در گیوه فروشی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد.آذر یزدی ، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی ، چندی در رشته ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر مهدی آذریزدی ، حاج علی اکبر رشید ، به شغل زراعت اشتغال داشت و به امور دینی و مذهبی سخت متعصب بود و چون از ذوق و قریحه ی شاعری برخوردار بود ، دیوانی از اشعار در مدایح و مراثی ائمه اطهار از خود به جا گذاشت.
خاطرات کودکی : مهدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از دوران کودکی خود می گوید : « - اولین بار که حسرت را تجربه کردم ، موقعی بود که دیدم پسرخاله ی پدرم که روی پشت بام با هم بازی می کردیم و هردو هشت سال بودیم ، چندتا کتاب دارد که من هم می خواستم و نداشتم. به نظرم ظلمی از این بزرگتر نمی آمد که آن بچه که سواد نداشت ، آن کتاب ها را داشته باشد و من که سواد داشتم ، نداشته باشم. کتاب ها ، گلستان و بوستان سعدی ، سیدالانشاء ، نوظهور و تاریخ معجم چاپ بمبئی بود که پدرش از زرتشتی های مقیم بمبئی هدیه گرفته بود. شب قضیه را به پدرم گفتم. پدرم گفت ، اینها به درد ما نمی خورد ، اینها کتاب های دنیایی اند. ما باید به فکر آخرتمان باشیم. شب رفتم توی زیرزمین و ساعت ها گریه کردم و از همان زمان عقده ی کتاب پیدا کردم ، که هنوز هم دارم. - یک وقتی کار کوچه و صحرا کم شد ، قرار شد من بروم سر کار بنایی و گلکاری کار کنم. این کارها هم اغلب توی شهر بود و به این ترتیب من با شهر یزد آشنا شدم. در یزد با اینکه بچه ها و بزرگ ها ما را دهاتی حساب

می کردند و لهجه و لحن حرف زدن ما را مسخره می کردند ، ناراحت نبودم ، چون راست می گفتند : ما دهاتی بودیم و خیلی چیزها را نمی دانستیم. اما رفت و آمد توی شهر برای من تازگی داشت. نان نازک بازاری و پالوده یزدی و بعضی میوه ها که قبلاً هرگز ندیده بودم و زندگی شسته رفته ی شهری ها مرا به شهر جذب می کرد. به خاطر همین یک روز گفتم : دیگر به صحرا نمی روم. پدرم اوقاتش تلخ شد ، ولی مادرم با کار در شهر موافق بود. از کار بنایی به کار در کارگاه جوراب بافی کشیده شدم. صاحب کارگاه با « گلباری ها » ، صاحبان یگانه کتابفروشی شهر ، خویشی داشت و او هم جداگانه یک کتابفروشی تأسیس کرد و مرا از میان شاگردهای جوراب بافی جدا کرد و به کتابفروشی برد. دیگر گمان می کردم به بهشت رسیده ام ، تولد دوباره و کتاب خواندن من شروع شد. در این کتابفروشی بود که فهمیدم چقدر بی سوادم و بچه هایی که به دبستان و دبیرستان می روند ، چقدر چیزها می دانند که من نمی دانم. برای رسیدن به دانایی بیشتر ، یگانه راهی که جلو پایم بود خواندن کتاب بود. سه چهار سال کار در این کتابفروشی ، هوس نوشتن و شعرگفتن و با بچه های درس خوانده همرنگ شدن را در من به وجود آورد ».

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده ی مهدی آذر یزدی ، جزء خانواده ی جدیدالاسلام ها بودند ؛ یعنی قبلاً زرتشتی بودند و سه چهار نسل پیش مسلمان شدند ، خانواده ای کم جمعیت با مردمی فقیر. پدر او جز کار و رعیتی و باغبانی ، درآمد دیگری نداشت ، کم سواد بود و خیلی خشک و وسواسی و متعصب.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : پدرمهدی آذر یزدی ، کم سواد و خیلی متعصب بود و مدرسه ی دولتی و کار دولتی و لباس کت و شلوار را حرام می دانست ، به همین علت او را به مدرسه نگذاشت. مختصرخواندن و نوشتن را در خانه از پدر و قرآن را از مادربزرگ فراگرفت. در منزل هم قرآن ، مفاتیح الجنان ، حلیه المتقین ، عین الحیات ، معراج السعاده ، نصاب الصبیان و جامع المقدمات را خواند. در سن چهارده پانزده سالگی ، همراه با کار رعیتی و یا شاگرد بنایی ، مدت یک سال و نیم ، صبح های تاریک به مدرسه ی خان می رفت و تا طلوع آفتاب نزد یک « آشیخ » که او هم روزها در گیوه فروشی کار می کرد ، با سه شاگرد دیگر یادگرفتن عربی را با اصرار پدر شروع کرد ، « نصاب » را حفظ نمود و تا « انموزج و الفیه » خواند که بعد آن را رها کرد. آذر یزدی ، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی ، چندی در رشته ی علوم قدیمه به تحصیل پرداخت و با زبان عربی و انگلیسی آشنایی یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی آذر یزدی ، با ذکر خاطراتی از فعالیت های گوناگون خود می گوید : « - در بحبوبه ی جنگ دوم و یکی دو

سال از شهریور 1320 گذشته بود که ناگهان آمدم تهران ، حال ناگزیر می بایست کاری پیدا می کردم تا بتوانم با آن زندگی کنم و این کار حتماً می بایست کاری مطبوعاتی می بود. در تهران با چند کتابفروشی از راه مکاتبه آشنا بودم ، ولی نمی خواستم بروم و بگویم کار می خواهم ناشناسانه تقاضای کار کردن را سهل تر می یافتم. پیشتر با مقالات « هاشمی حائری » انسی پیدا کرده بودم. با خودم گفتم ، یک روزنامه نویس مشهور با همه ارتباط دارد. نامه ای به ایشان نوشتم و گفتم که کار مطبوعاتی می خواهم. آقای هاشمی قدری توپ و تشر زد و ملامت کرد که به تهران می آیید چه کنید ؟ ! ما خودمان از این شهر در عذابیم و از این حرف ها. بعد کم کم آرام شد و گفت ، شما سه شنبه ی آینده بیا یک فکری برایت می کنم. سه شنبه ی بعد ، آقای حسین مکی را در همان اداره (ظاهراً روزنامه ایران) صدا کرد و گفت ، بیا ، این همشهری ات آمده. با آقای مکی در یزد آشنا شده بودم. آقای مکی گفت ، در خیابان ناصرخسرو با چاپخانه ی حاج محمدعلی علمی صحبت کرده ام ، برو آنجا و بگو مکی مرا فرستاده. همان روز رفتم و در چاپخانه ی علمی مشغول به کار شدم و تا امروز همچنان در کتابفروشی های متعددی مشغول کار هستم (حالا در هشتادسالگی ، کارم بیشتر تصحیح نمونه های چاپی کتاب است). - با اینکه در این مدت چهل و هفت سال اقامت در تهران ، از کتاب دور نشده ام ، ولی به کارهای مختلفی دست زده ام و هروقت از هرجا بد می آوردم ، چاپخانه ی علمی دوباره پناهگاه من بود. دو بار کتابفروشی دایر کردم و هر دوبار ورشکست شدم. دوبار با یکی از کسانی که در چاپخانه آشنا شده بودم شریک شدم و به کار عکاسی حرفه ای پرداختم و هر دوبار مغبون و پشیمان شدم. یک بار یک عکاسخانه را خریدم ، ولی بعد از یک سال واگذار کردم ، چون با وضع من جور نمی آمد. در کتابفروشی های خاور ، ابن سینا ، امیرکبیر (دوبار) ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، روزنامه ی های آشفته و اطلاعات و چاپخانه ی علمی (سه چهار نوبت و هر نوبت به مدت شش ماه تا چندسال) کار کردم. هر وقت نمی توانستم با جایی جور بیاییم ، از کار موظف و مستمری گرفتن دست برمی داشتم و فقط کار فردی غلط گیری و فهرست اعلام نویسی و ... را انجام می دادم (کاری که همچنان به آن مشغولم). - اولین بار که به فکر تدارک کتاب برای کودکان افتادم ، سال 1335 یعنی در سن 35 سالگی ام بود. در این سال ، در عکاسی یادگار یا بنگاه ترجمه و نشر کتاب کار می کردم و ضمناً کار غلط گیری نمونه های چاپی را هم از انتشارات امیرکبیر گرفته بودم و شب ها آن را انجام می دادم. قصه ای از « انوار سهیلی » را در چاپخانه می خواندم که خیلی جالب بود ، فکر کردم اگر ساده تر نوشته شود ، برای بچه ها خیلی مناسب است. جلد اول « قصه های خوب برای بچه های خوب » خود به خود از

اینجا پیدا شد. آن را شب ها در حالی می نوشتم که توی یک اتاق 2 × 3 متری زیر شیروانی ، با یک لامپای نمره ده دیوارکوب زندگی می کردم. نگران بودم کتاب خوبی نشود و مرا مسخره کنند. آن را اول بار به کتابخانه ی ابن سینا (سر چهار راه مخبرالدوله) دادم. آن را بعد از مدتی پس دادند و رد کردند. گریه کنان آن را پیش آقای جعفری ، مدیر انتشارات امیرکبیر بردم. ایشان حاضر شد آن را چاپ کند. وقتی یک سال بعد کتاب از چاپ درآمد ، دیگران که اهل مطبوعات و کار کتاب بودند ، گفته بودند که خوب است. به همین خاطر ، آقای جعفری پیوسته جلد دوم آن را مطالبه می کرد. کم کم این کتاب ها به هشت جلد رسید ، البته قرار بود ده جلد شود ، ولی من مجال نوشتن آن را پیدا نکردم ».
جوائز و نشانها : مهدی آذر یزدی ، در سال 1343 از سازمان یونسکو جایزه ای دریافت کرد و در سال 1345 دو اثر وی به عنوان اثر برگزیده ی « کتاب کودک » انتخاب شد ----------
---
آثار :
1 تصحیح مثنوی معنوی مولوی
2 چهل حدیث
3 خاله گوهر
4 خودآموز شطرنج
5 خودآموز شطرنج
6 خودآموز عکاسی
7 خودآموز عکاسی
8 دستور طباخی و خانه داری
9 شعر قند و عسل
10 فرهنگ لغات و اصطلاحات محلی یزد
11 قصه های پیامبران
12 قصه های تازه از کتاب های کهن
ویژگی اثر : دوره ی ده جلدی.
13 قصه های خوب برای بچه های خوب
ویژگی اثر : دوره ی هشت جلدی.
14 قصه های ساده
15 گربه ی تنبل
16 گربه ی ناقلا
17 لبخند
18 لبخنــد
19 مثنوی بچه خوب

20 منظومه ی بابای من
21 منظومه ی نوروزنامه
22 یاد عاشورا

منابع :
1اذر یزدی به روایت آذر یزدی ، روزنامه ی پیمان یزد ، سال هفتم ، شماره ی 6282سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج 1 ، قم : نشر خرم ، ص 44

آذربایجانی، گوهر بیگم

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز پیش از 1307 ق)، ادیب و شاعر. وی در فضل و عفت مشهور بود. از آثارش: «دیوان» شعر است. از اشعار او است:
اگر به باد دهم زلف عنبر آسا را
به دام خویش کشم آهوان صحرا را
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریاحین الشریعه (5/ 42)، ریحانه (1/ 44)، دانشمندان آذربایجان (320)، الذریعه (9/ 3)، فرهنگ سخنوران (782)، مشاهیر زنان (199).

آذربرزین

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام پسر فرامرز پسر رستم است که دلاوریهای او در بهمن‌نامه (ه.م) و آذر برزین‌نامه (ه.م) آمده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

آذرخشی، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1290 ش)، مترجم. از اهالی مشهد. در اواخر قرن سیزدهم افرادی در مشهد به فکر ایجاد سالنها و گروههای نمایشی افتادند. اعتبارالسلطنه غفاری سالنی در سال 1290 ش تأسیس کرد که جایگاه اجرای نمایش شد. در همین سالها رضا آذرخشی که در اداره‌ی نظمیه‌ی مشهد کار می‌کرد، به ترجمه‌ی چند نمایشنامه دست زد و آنها را شخصاً به روی صحنه آورد. برخی از ترجمه‌های او عبارت‌اند از: «الهه»؛ «از دریچه‌ی سفارت»؛ «ایالت چهل و نهم»؛ «تصویر»؛ «در زندان و در آزادی»؛ «سرگشتگی جانگداز»؛ «توفان»؛ «عدالت»؛ «فضول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (2/ 68)، مؤلفین کتب چاپی (128 -127 /3).

آذرمهر، فاطمه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فاطمه آذرمهر در سال 1333 در تهران به دنیا آمد. در سال 1358 در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. از سال 1364 فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی _ فارسی و فارسی _ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند. کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه آذر مهر در سال 1358 در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه آذر مهر از سال 1364 فعالیت علمی و فرهنگی خود را در مؤسسهٔ انتشارات «فرهنگ معاصر»، برای تهیه و تدوین فرهنگ های دو زبانهٔ انگلیسی _ فارسی و فارسی _ انگلیسی آغاز کرده و در حال حاضر نیز در آن مؤسسه مشغول به کار هستند.جوائز و نشانها : کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف فاطمه آذر مهر (یکی از مؤلفین)، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار : فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی ویژگی اثر : تالیف،با همکاری محمد رضا باطنی،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب:«فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی» : فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی؛ محمدرضا باطنی، با دستیاری فاطمه آذرمهر؛ تهران: فرهنگ معاصر، 1371. از جمله اهمیت های «فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی» این است که مدخلهای انگلیسی و معادلهای فارسی آن با تکیه بر پنج فرهنگ معتبر از زبان زنده روز گرفته شده است. توجه این فرهنگ بیشتر بر برشها ظریف معنایی است و برای دستیابی این هدف، سعی شده است که معانی واژه های انگلیسی از متن مثالهای واقعی که در فرهنگهای مذکور ضبط شده، استخراج و طبقه بندی شود. نکته قابل توجه دیگر در ارتباط با «فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی» این است که این فرهنگ بر

اصل برابریابی پایه گذاری شده است و چون در فرهنگهای دوزبانه، بر خلاف فرهنگهای یک زبانه، تعریف واژه به تنهایی مشکل چندانی را برای مراجعه کننده حل نمی کند، لذا نهایت تلاش به عمل آمده تا با بهره گیری از فرهنگهای دیگر، برابرهای دقیق فارسی برای معانی گوناگون واژه های انگلیسی انتخاب و ثبت شود. این موارد، در کنار هماهنگی در ارائه مطالب و شیوایی نگارش موجب شده تا کارایی فرهنگ مورد نظر در ترجمه از انگلیسی به فارسی، افزایش یابد.

آذرنوش، آذرتاش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آذری، قدرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قدرت الله آذری مؤسس و مدیر بنگاه مطبوعاتی آذری درگذشت (20 اردیبهشت 1372). من نزدیک به سی سال با او آشنا و دوست بودم. حدود پانزده سال ازین مدت کتابدار انجمن کتاب بود. نوجوانی بود که با شور و شوق در آنجا به کار آغاز کرد و با دلسوزی و علاقه مندی امور مربوط به مشترکان و پخش مجله راهنمای کتاب را انجام می داد. مرحوم تقی زاده معرف او بود. ابتدا در بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران و سپس در مؤسسه فرانکلین در تبریز کار می کرد و چون به تهران آمد به یاری و همکاری ما شتافت. جوانی دلسوز و صدیق و کاردان بود. تصدی کتابداری در انجمن کتاب موجب علاقه مندی او به گردآوری و مجموعه سازی مجله ها و روزنامه های قدیمی شد. درین رشته تبحر و ممارستی به دست آورد. چون انجمن کتاب و مجله راهنمای کتاب در پایان سال 1357 بی سرانجام ماند و کتابخانه اش را به بنگاه ترجمه و نشر کتاب بردند، آذری هم چند صباحی به آنجا کشانیده شد. ولی دوران خدمت او درآن مؤسسه مدتی دراز نپایید و سرنوشت او "ما را از مدرسه بیرون کردند " شد. زیرا معلوم نشد که آن کتابخانه را از انجمن به کجا فرستادند. او برای اعاشه خانواده خویش مغازه کوچکی در اول خیابان امیرآباد گرفت و به مجله فروشی_ کاری که در آن استادی و مهارت پیدا کرده بود_ پرداخت. البته آغاز این دوره از زندگی او با سختی روبه رو شد. در آن روزها هیچ قدرت و بنیه مالی نداشت و با قرض توانست در آن دکه کار را شروع کند. بی تردید بسیاری از مجموعه هایی که کتابخانه های کشور از نشریات ادواری دارند نتیجه رنجها و کوششهایی است که آذری در راه جور کردن آنها متحمل شده بود. بنابراین همه استفاده کنندگان از نشریه ها باید آمرزش آن مرد فرهنگ دوست را بخواهند. مدیر مجله با تأسف بسیار، به فرزندان و همسرش تسلیت می گوید و اظهار شادمانی می کند که فرزندان برومندش دنباله کار پدر را از دست نمی گذارند و آن مرکز را سرپا نگاه خواهند داشت.1 محمد امین ادیب طوسی (1283 – 1361ش) به تازگی از دوستم مصطفی مقربی شنیدم که محمد امین ادیب طوسی استاد بازنشسته دانشگاه تبریز دو سه سال پیش درگذشته است(5 خرداد 1361). آن مرحوم سال های دراز رشته ادبیات را در دبیرستان ها و پس از آن حدود پانزده سال در دانشگاه تبریز تدریس می کرد. چند سال هم در

بغداد درس گفته بود. از خدمات فرهنگی او همکاری در انتشار مجله ماهتاب است. این مجله تقریباً نشریه انجمن ادبی آذربایجان محسوب می شد. آن انجمن را مرحوم ادیب السلطنه سمیعی به هنگامی که استاندار آذربایجان بود تشکیل داده بود. مجله ماهتاب که به صاحب امتیازی جواد ناطق (پدر مهندس ناصح ناطق) منتشر می شد، بیش از دوازده شماره انتشار نیافت؛ مجله ای بود ادبی و تحقیقی و دارای مقاله های خوب. ادیب طوسی مخصوصاً علاقه ای مخصوص به تحقیق در متون ادبی و لهجه های فارسی داشت و مقاله هایی چند در این زمینه دارد که همه در نشریه دانشکده ادبیات تبریز به چاپ رسیده است. کتابهایی که از آثار ادیب طوسی طبع شده است عبارتند از : 1312 دستور نوین، تهران 1312 ایام کودکی (شعر)، تهران . 1313 پیام فردوسی (شعر). 1317 – 19 انتقام عشق؛ تبریز (سه جلد) 1320 آموزش و پرورش از نظر غزالی ، تبریز 1321 دخمه های سیاه یا کلبه بدبختان، تبریز. 1332 رابطه اوزان شعر فارسی با اوزان ترانه های محلی ایران، تبریز. 1341 دیوان ادیب طوسی ، تبریز. 1342 فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)، تبریز(دوجلد). 1349 فرهنگ لغات ادبی، تبریز دوجلد. بی تاریخ بودا در هند بی تاریخ تخت سلیمان ادیب طوسی شعر می سرود و نمونه اشعارش در تذکره های معاصران نقد شده است.1 1 - آینده ، سال 13، شماره 1 –3 (فروردین – خرداد 1366)، صص 198 – 199

آرام، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد آرام (۱۲۸۱-۱۳۷۸ش)، مترجم و نویسنده .در محله چاله میدان تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات متوسطه از دارالفنون، در سال ۱۳۰۴ احمد آرام به تدریس فیزیک و شیمی پرداخت. او متوجه شد که درس‌های تجربی بصورت نظری و بدون فعالیت آزمایشگاهی تدریس می‌شود. ایشان به ابتکار جدیدی دست زد و کتابی با عنوان هدیه سال نو «مجموعه تجربیات فیزیکی و شیمیایی» منتشر کرد. «هدیه سال نو» نخستین کتاب آموزشی در کارهای آزمایشگاهی شامل آزمایش های فیزیک و شیمی است که استاد احمد آرام آن را در بهمن سال ۱۳۰۴ تألیف کرده است.
احمد آرام سپس به رشته حقوق روی آورد ولی پس از چندی آن را رها کرد وبه پزشکی تمایل یافت، ولی این یک نیز چندان پای بندش نکرد ودر آخرین سال آن را نیز رها کرد و به فعالیتهای فرهنگی و ترجمه روی آورد. وی به همراه دکتر نصیری از بنیانگذاران تالیف کتاب‌های درسی در ایران است و مدتی به عنوان معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه ۲۰ هجری شمسی فعالیت داشته‌است.
استاد آرام یکی از نخستین مؤلفان کتاب‌های درسی و آموزشی بود که هم به تنهایی و هم با کمک دیگران کتاب‌های فیزیک و شیمی دبیرستان را تألیف کرد. علاقه‌ای که به امیرکبیر داشت نام مجموعه‌ای از کتاب‌های خود را به نام «مجموعه امیر» نامگذاری کرد. احمد آرام تا حدود سال ۱۳۳۰ نزدیک به چهل جلد کتاب درسی و آموزشی نوشت.
احمد آرام یکی از پرکارترین مترجمین معاصر است که بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه کرده‌است. وی در ترجمه کتاب ها، دقت می کرد تا معادل های فارسی مناسب برای واژه های خارجی بیابد و از اصطلاحات و واژه های فرنگی استفاده نکند. خود وی در این باره می گوید: من در زمینه طب کتابی ترجمه کرده ام که حدود 1200 صفحه دارد. در این کتاب سعی کرده ام حتی یک کلمه فرنگی نیاورم. البته کار بسیار مشکلی است، ولی من این کار را انجام دادم.
مرحوم احمد آرام روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۷۸ در آمریکا درگذشت و طی مراسمی در روز ۲۲ فروردین و پس از انتقال به تهران تدفین شد. وی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره های ماندگار برگزیده شد. آثار :
وی بیش از یکصد و چهل اثر از زبانهای انگلیسی فرانسه و عربی ترجمه

کرده‌است . برخی از آثار ترجمه ایشان شامل: اثبات وجود خدا ؛ سه حکیم مسلمان (نوشته حسین نصر) ؛ علم و تمدن در اسلام (نوشته حسین نصر) ؛پیدایش و مرگ خورشید ؛ تکامل فیزیک (تألیف آلبرت اینشتین)؛ تاریخ تمدن (نوشته ویل دورانت)، انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی (تالیف دلیسی اولیوی)؛ مشرق زمین گاهواره تمدن هگل و مبانی اندیشه معاصر تاریخ علم (تالیف جرج سارتن)؛ شش بال علم؛ متفکران اسلام (نوشته بارون کاراد)؛ حدس ها و ابطل ها(نوشته کارل پوپر) ؛ هگل و مبانی اندیشه معاصر (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ یونانیان و بـربـرهـا (نوشته امیرمهدی بدیع)؛ هیئت ؛ لغتهای قرآن؛ معلم نمونه؛ اندیشه‌های کلامی شیعه (نوشته مارتین مکدرموت) می باشد.

آرزومندی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم آرزومندی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابوالقاسم آرزومندی تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان خوانده ام. از سال 1367 وارد حوزه علمیه شدم و دروس سطح خود را به جز سه درس به پایان رسانده ام.
از سال 1377 قدم به عرصه مطبوعات گذاشتم و مقالات متعددی را در هفته نامه پرتو به چاپ رساندم، که متاسفانه تاریخ چاپ آنها را در دست ندارم. تعدادی مقاله نیز در شرح حال عالمان بزرگوار تشیع نگاشته ام که در کتاب گلشن ابرار، جلدهای سوم، چهارم، و پنجم به چاپ رسیده است.
علاوه بر اینها، فعالیت عمده حقیر در ویراستاری بوده است و در حال حاضر ویراستار مجلات (آیینه پژوهش) و (فقه) هستم. مدتی هم مجله وابسته به جامعة القرآن را ویرایش کرده ام. افزون بر اینها، کتابهای بسیاری را هم ویراسته ام. مانند: جمع پریشان، اخلاق ایزدی، اعتکاف، شورا در فتوا، ماهیت حکم ظاهری و.....ضمنا بنده تاکنون مدیریت چندین کتابخانه را بر عهده داشته ام و دروس خوشنویسی و قرآن را هم تدریس کرده ام.

آریان پور، امیرحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیرحسین آریان‌پور (زاده تهران ۸ اسفند ۱۳۰۳ - درگذشته تهران ۸ مرداد ۱۳۸۰)، نویسنده، فرهنگ‌نویس، مترجم و استاد دانشگاه ایرانی بود.
زندگینامه:
امیرحسین آریان پور، جامعه شناس، پژوهشگر و نویسنده و مترجم توانمند کشورمان، هشتم اسفند ۱۳۰۳ در خانواده‌ای اهل علم و شجاعت، در تهران به دنیا آمد. او از اخلاف عصیانگران نایبی کاشان بود و از طرفی نسبتی هم با خاندان ملک المورخین سپهر نویسنده ناسخ التواریخ داشته‌است. او از نظریه پردازان بزرگ در زمینه علم جامعه شناسی و علوم اجتماعی نیز به شمار می‌آید و در گسترش آن بیشترین تلاشها و خدمات را در حوزه پژوهش و تحقیق به عمل آورد. همچنین از بزرگان علم و فلسفه و هنر کشورمان به شمار می‌رفت و هنوز هم به عنوان یک چهره دانشگاهی و روشنفکری ایران از محبوبیت بسزایی برخوردار است. او که در کنار ویژگی‌های علمی خود، انسانی آرمانخواه و دارای افکار انساندوستانه و مترقیانه بود، هیچگاه دست از حقیقت پژوهی برنداشت و به دنبال کشف حقیقت تاریخ بشری بود و به همین جهت در سه زمینه، انسان شناسی، جامعه شناسی و حقیقت شناسی گامهای ارزنده‌ای برداشته و خلاقیت علمی را با درونمایه جنبه‌های اخلاقی دانش و پژوهش به عنوان وجه مشخصه تلاشهایی همراه داشت. مناعت طبع و قناعت وارگی و دوری از ثروت اندوزی، مقید بودن به راستگویی و درستکاری همراه با شجاعت و صداقت در گفتار و کردار، وجه غالب شخصیت آریان پور بود. کار عظیم او تدوین فرهنگ تفصیلی علوم اجتماعی [در حوزه فرهنگ فلسفه و جامعه شناسی] به چهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی است که در مدت زمانی بیش از چهل سال به طول انجامیده و بی شک، یکی از مهمترین آثار فرهنگ تفصیلی علوم در زبان پارسی و یکی از گرانبهاترین و بزرگترین آثار امیرحسین آریان پور است که حاوی سیصدهزار فیش بوده و تاکنون انتشار نیافته‌است. امیرحسین آریان پور در روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۰ در تهران درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرای تهران ور در آرامگاه خانوادگی آریانپور به خاک سپرده شد . امیر حسین در جامعه شناسی دیدگاهی ماتریالیستی داشت . وی تمام دارایی اش را در زندگی وقف مستمندان نمود. امیر حسین آریانپور پسر خاله سهراب سپهری شاعر

بزرگ معاصر ونوه نایب حسین کاشی است . کتاب‌ها:
آیین پژوهش
ایبسن آشوب گرای
بزرگ مردان تاریخ
تاریخ تمدن ویل دورانت(جلد سوم، ترجمه)
جامعه شناسی هنر
دو منطق: ایستا و پویا
در آستانه رستاخیز رسالهای در باب دینامیسم تاریخ
روانشناسی از دیدگاه واقع گرایی۷ مقاله در مجله روانشناسی دانشگاه تهران
زمینه جامعه شناسی
سیر فلسفه در ایران(ترجمه)
فرویدیسم: با اشاراتی به ادبیات و عرفان
فرهنگ چهار زبانه (فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی) در دست انتشار
طبیعت، حیات، منشأ و تکامل آن (چاپ امیرکبیر ۱۳۵۰ه.ش.)

آریان، قمر

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قمر آریان ، در سال 1301 شمسی در شهر مشهد قدم به عرصه ی هستی نهاد. لات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال 1337 فارغ التحصیل گردید. خانم دکتر آریان ، پس از اخذ مدرک لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد. علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانیده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : قمر آریان ، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مشهد به پایان رسانید. سپس به تهران رهسپار گردید و به دانشکده ادبیات راه یافت و در رشته ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و پس از طی مراحل مربوطه به دریافت لیسانس توفیق حاصل کرد. پس از آن در خلال خدمات آموزشی ، دوره ی دکترای ادبیات را گذراند و در سال 1337 فارغ التحصیل گردید.
همسر و فرزندان : قمر آریان ، همسر نویسنده ی توانا دکتر عبدالحسین زرین کوب می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قمر آریان ، مدت ها ریاست هنرستان هنرهای زیبای دختران را بر عهده داشته و هم زمان به فعالیت های فرهنگی خود ادامه می دهد.
فعالیتهای آموزشی : قمر آریان ، پس از اخذ مدرک لیسانس ، با عنوان دبیر در دبیرستان ها به تدریس اشتغال ورزید. وی سال ها از عمر خویش را صرف تدریس در دانشگاه ها کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قمر آریان ، علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مقالات ادبی و تحقیقی نیز در مجله های سخن ، راهنمای کتاب ، یغما ، مروارید و مهرگان به چاپ رسانده است. وی دانشمندی محقق و

مترجمی توانا و شاعری خوش قریحه و در شعر و شاعری از استعداد و توانایی کافی برخوردار است و اشعارش بیشتر در قالب دوبیتی به نظم درآمده و در قالب قصیده و غزل کمتر از او شعری مشاهده گردیده است. او به زبان های فرانسه ، انگلیسی و عربی آشنایی دارد.
آرا و گرایشهای خاص : رساله ی دکترای قمرآریان ، درباره ی مسیحیت و آیین مسیح و تأثیر آن در ادبیات و شعر فارسی است. وی درباره ی نقش زن در قصه ها و افسانه های تورات و قرآن نیز به پژوهش پرداخته و آثاری را در این زمینه خلق کرده است. ----------
---
آثار :
1 ترجمه ی جهان اسلام
ویژگی اثر : تألیف : برتولد اشپولر.
2 ترجمه ی شرق نزدیک در تاریخ
ویژگی اثر : تألیف : فیلیپ حتی.
3 چهره ی مسیح در ادبیات فارسی
ویژگی اثر : تحقیق درباره ی تأثیر مسیحیت در ادبیات ایران.
4 کمال الدین بهزاد
ویژگی اثر : تحقیق در احوال و آثار بهزاد و محیط هرات عهد شاهرخ. -----
---
منابع :
1دانشنامه ی زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تألیف : پوران فرخزاد ، ج 1 ، تهران انتشارات زریاب ، ص 672سخنوران نامی معاصر ایران ، تألیف : سیدمحمدباقر برقعی ، ج 1 ، قم : نشر خرم ، ص 89

آرین‌پور، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1364 -1286 ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به دانش. در تبریز متولد شد. نیای پدریش عباس‌میرزا بود و از طرف مادر سلسله نسبش به خواجه نصیرالدین طوسی می‌رسد. آرین‌پور در شرح حال خود در «کتاب امروز» می‌گوید: روز و ماه و حتی سال تولدم را به درستی نمی‌دانم، آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد زیرا مستند به بیاض و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. وی در مدرسه‌ای در تبریز که اسماعیل امیر حیزی مدیریت و تعلیمات آن را بر عهده داشت، تحصیل کرد. از همدرسان وی، دکتر رعدی آذرخشی، دکتر علی‌اصغر حریری، محمد حسین شهریار و دیگران بودند. از معلمان وی ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت و سید احمد کسروی. تقی رفعت نخستین شخصی بود که وی را با ادبیات نو آشنا ساخت. وی هنگامی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد شش شماره از «مجله ادب» را انتشار داد. او سی سال در دارائی خدمت کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «ناصرخسرو و اسماعیلیان» برتلس؛ «از صبا تا نیما»؛ «از نیما تا روزگار ما».[1]
محقق، مترجم، مورخ.
تولد: 1297، تبریز.
درگذشت: 24 آبان 1364، تهران.
یحیی آرین‌پور تحصیلات خود را از مکتبخانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیه همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.
در اواسط سال 1298 که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجله‌ی «ادب» را انتشار داد، شش شماره‌ی دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیر خیزی منتشر شد. در اواسط سال 1299 وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد 1332، یعنی مدت سی و سه سال پیاپی را در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فراگرفت و با زبان‌های انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به عنوان مترجم در راه‌آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و

همزمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال 1346، کتاب ناصر خسرو و اسماعیلیان تألیف ایران‌شناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس بود. اما اثر دیگر او از صبا تا نیما نام دارد (1350) که تاریخ یک قرن و نیم (سده‌ی سیزدهم و نیمه‌ی اول سده‌ی چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] آدینه (ش 1، ص 11)، آینده (س 12، ص 116 -115)، چیستا (س 3، ص 322).

آزاد اصفهانی نوربخش، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1268 /1267 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزاد. وی در اصفهان متولد شد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت. پس از گذراندن تحصیلات متداول زمان خود و آموختن زبان فرانسه، در دبیرستانهای اصفهان و تهران به تدریس پرداخت. در سال 1325 ش مجله‌ی هفتگی «نوربخش» را به مدت یک سال انتشار داد. وی ابتدا عضو انجمن ادبی اصفهان بود و سپس از اعضای انجمن حکیم نظامی در تهران گردید که وحید دستگردی مدیر «مجله‌ی ارمغان» مؤسس آن بود. از آثارش: «جوان سلحشور»؛ «منتخبات آزاد»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (17 -15)، سخنوران نامی معاصر (103 -100 /1)، فرهنگ سخنوران (4)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (15)، مؤلفین کتب چاپی (438 -437 /4).

آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1261 ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی در مراغه متولد شد. پدرش از مجتهدین آذربایجان بود و ابوالقسم نیز پس از اتمام تحصیلات مقدماتی علوم عربی به نجف رفت و در آنجا در حوزه‌های درس آخوند ملا کاظم خراسانی و شیخ حسن ممقانی و فاضل شربیانی حضور پیدا کرد. در پایان تحصیلات حوزوی خود به ایران آمد و برای ادامه‌ی تحصیل راهی اروپا شد و مدت یازده سال در روسیه، ترکیه، یونان، فرانسه، انگلستان، بلژیک، هلند، مصر، حجاز و هندوستان به سر برد و پس از بازگشت به ایران، در اواسط جنگ جهانی اول، در تهران به روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا مجله‌ی «نامه‌ی پارسی» را که به فارسی سره و بدون واژه‌های عربی بود منتشر کرد و سپس روزنامه‌ی «آسایش» را در تهران و روزنامه‌ی «آزاد» را در تبریز و بعد مجله‌ی «نامه‌ی بانوان» را در تهران انتشار داد. در 1324 ش نیز جمعیتی به نام «گروه الفبای آسان» تشکیل داد که خود دبیر آن گروه بود. از آثار وی: «الفبای آسان شاهراه رستگاری ایران است»؛ «فرهنگ آزاد»؛ «رهنمای نوعروسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (48)، تاریخ جراید (152 -151 ،143 -141 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (32 -31 /1)، مؤلفین کتب چاپی (225 -224 /1).

آزاد همدانی، علی‌محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1324 -1263 ش)، شاعر، متخلص به آزاد. در همدان متولد شد. پدرش حسین از اهالی ناحیه‌ی خوانسار اصفهان بود. وی از پانزده سالگی به تحصیل ادبیات فارسی و عربی پرداخت. منطق را بدون معلم و فقه و اصول و فلسفه را از اساتید فن آموخت و با زبان انگلیسی، فرانس و اسپرانتو آشنا شد. وی تحصیلات خود را در همدان و تهران گذراند و به خدمت وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش درآمد و متجاوز از چهل سال به خدمت مشغول بود. وی سالها رییس انجمن ادبی همدان بود. آزاد خط شکسته را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. ابتدا اسیر و سپس آزاد تخلص می‌کرد و از مریدان سید محمد یوسف‌زاده معروف به غمام همدانی بود که بدین سبب به غمامی نیز شهرت داشت. از آثار او: کتاب «عشق و ادب»، در دو جلد در شرح داستان فردوسی که ناتمام مانده است، جلد اول آن در 1313 ش در تهران به چاپ رسید.[1]
شیخ علی‌محمد غمامی آزاد همدانی (و. 1302 ه.ق.) وی به فنون ادب فارسی و طبعی سرشار و بیانی جذاب و شیرین داشت. آزاد یکی از با ذوق‌ترین نویسندگان هم عصر خویش بود و سراسر عمر را در خدمت فرهنگ کشور گذراند و مردی نیک نام و درستکار بود.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (238 -237)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (276 -272 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (159 /3)، سخنوران نامی معاصر (99 -94 /1)، شرح حال رجال (171 /6)، فرهنگ سخنوران (6)، مؤلفین کتب چاپی (577 /4).

آزاد، افراسیاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1333 ق)، وکیل دعاوی، نمایشنامه نویس و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان پرکار اواخر دوره‌ی مشروطیت و یکی از آغازگران مکتب نمایشی اخلاقی در ایران بود. او که به کار وکالت عدلیه مشغول بود تعداد بسیاری نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها به معرض نمایش هم گذاشته شده‌اند. آزاد در دوره‌ی 1295 تا 1320 ش نیز نمایشنامه‌های زیادی نوشته است. او همچنین روزنامه‌ای به نام «نامه‌ی آزاد» منتشر کرد که در این زمینه با موفقیتی روبرو نشد. یکی از نمایشنامه‌های وی «احساسات جوانان ایرانی» است که در تیاتر ملی در سل 1333 ق به معرض تماشا گذارده شد. آزاد در حدود سی الی چهل نمایشنامه نوشته است که بیشتر آنها درباره‌ی ماسئل اخلاقی، از قبیل: مضرات الکل، تریاک، قماربازی و غیره است. از جمله آثار نمایشی وی: «تا به کی خود را نشناسیم»؛ «مالیخولیای قماربازی»؛ «گدای معقول»؛ قضا و قدر»؛ «دسته گل»؛ «گل و بلبل». تنها اثر به چاپ رسیده‌ی او «نامه‌ی آذریان یا سربازی وطن افتخار است» که در سال 1292 ش منتشر شده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (231 -225 /2)، تاریخ جراید (259 /4).

آزاد، شهناز

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز 1299 ش)، روزنامه‌نگار. وی مؤسس، مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «نامه‌ی بانوان» بود که در سال 1299 ش در تهران منتشر شد. او به کمک همسرش ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای به انتشار «نامه‌ی بانوان» پرداخت. در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله «زنان نخستین آموزگار مردانند» به عنوان شعار چاپ شده بود. در «نامه‌ی بانوان» بیشتر مندرجات مخصوص بانوان بود و در صفحه‌ی عنوان آن مقصود از انتشار روزنامه این طور نوشته شده بود: «این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (9)، اندیشه نگاران زن (90)، تاریخ جراید (263 -261 /4 ،143 /1)، زنان روزنامه‌نگار (101 -99).

آزادواری جوینی، ابوموسی هارون

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، ادیب و فقیه. در نیشابور از ابوعبداللَّه محمد بن ابراهیم پوشَنجی و ابراهیم بن عبدالرحمان بن سهل آزادواری حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّه حافظ از او روایت کرده و او را فقیه و ادیب شمرده و گفت است که وی پیش از سال 310 ق در ری و بغداد به جمع‌آوری احادیث اشتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (63 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (85 /1).

آزاده گیلانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1274 ش)، روزنامه‌نگار. فرزند شیخ علی‌اکبر مجتهد از علمای گیلان بود. وی در نجف اشرف متولد شد و تحصیلات مقدماتی خود را در گیلان گذراند و در انقلاب مشروطیت به آزادیخواهان گروید و با همین روحیه در سال 1302 ش امتیاز روزنامه «قرن 14» را گرفت ولی پس از دو سال انتشار، روزنامه‌ی مذکور توقیف شد. پس از مدتی در نیمه‌ی دوم سال 1305 ش موفق به دریافت امتیاز روزنامه‌ی «فکر جوان» شد. پس از چهار سال این روزنامه نیز متوقف و آزاده نیز مدتی در بند و سالیانی تبعید گردید. بعد از شهریور 1320 ش بار دیگر به انتشار روزنامه «فکر جوان» پرداخت تا آن که به موجب قانون مطبوعات احمد قوام، روزنامه مجدداً توقیف شد. آزاده‌ی گیلانی با تلاش زیاد در سال 1322 ش پس از کسب امتیاز مجدد روزنامه‌ی «فکر جوان» به نشر دوباره‌ی آن پرداخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (109 -108، 87 -85 /4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (32 /1).

آزادی، جواد، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1279 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آزادی. فرزند شیخ محمد حسین حیات مدیر روزنامه‌ی «حیات» و از اهالی شیراز بود. پس از به پایان رسانیدن تحصیلات قدیم و جدید خود، مدیریت دبیرستان حیات را که پدرش تأسیس کرده بود برعهده گرفت و به تدریس نیز پرداخت. در سال 1299 ش، اقدام به تأسیس روزنامه‌ی «عصر آزادی» در شیراز نمود و با انتشار آن وارد عرصه‌ی سیاست شد. جواد آزادی چند دوره‌ی متوالی (از دوره‌ی نهم تا چهاردهم) نماینده‌ی مردم لار در مجلس شورای ملی و غالباً عضو هیئت رئیسه‌ی مجلس بود. وی در تهران وفات یافت.[1]
متولد 1275 در شیراز، فرزند شیخ محمدحسین حیات شیرازی روحانی و ناشر روزنامه‌ی حیات شیراز. تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در شیراز مطابق معمول زمان انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. چندی مدیریت مدارس شریعت، حیات و هنرستان فارس را داشت. در 1299 ش امتیاز روزنامه‌ی عصر آزادی را گرفت و به انتشار آن مبادرت نمود. از دوره‌ی دهم از لار به وکالت رسید. مجموعاً 5 دوره وکیل مجلس بود. در 1323 در 48 سالگی بر اثر سکته درگذشت. نویسنده‌ای توانا و خطیبی پرمایه بود. زبانهای عربی و انگلیسی را می‌دانست. در زبان و ادبیات فارسی بصیرت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (25 -21 /4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (25 -24 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (33 -32 /1).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320 -1265 ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنویی به نام «عرفان الحکم» و مثنویی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (354 -353)، حدیقة الشعراء (37 -32 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (30 -25 /1)، الذریعه (246، 143 /19، 247، /15 ،6 /9)، ریحانه (48 /1)، فارسنامه‌ی ناصری (1154، 1135، 980، /2)، فرنگ سخنوران (6)، مؤلفین کتب چاپی (358 -357 /6)، مرآت الفصاحة (26 -25).

آشتیانی اعتصام‌الملک، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1253 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. اصلا آشتیانی بود و در تبریز متولد شد. پس از فوت پدرش، که از مستوفیان آذربایجان بود، به اعتصام‌الملک ملقب گردید. در تبریز ادبیات فارسی و عربی و قدری از فقه و اصول و حکمت قدیم و زبان فرانسه و عربی را آموخت. در ترجمه از عربی و فرانسه توانا بود. در جوانی مطبعه‌ی سربی را در تبریز دایر کرد. وی در دوره‌ی دوم مجلس وکیل بود و مدتی ریاست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی را داشت. از سال 1329 تا 1341 ق مجله‌ی ادبی علمی و اخلاقی و سیاسی «بهار» را انتشار داد. در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در قم دفن شد. بعضی از تالیفاتش که به زبان عربی است ظاهر در مصر چاپ شده است. از عربی و فرانسه نیز چند کتاب به فارسی ترجمه کرده است. از آثار وی: «تربیت نسوان» که ترجمه‌ای است از «تحریر المراه»؛ «تیره‌بختان»، اثر ویکتور هوگو؛ ترجمه «خدعه و عشق»، اثر شیلر شاعر آلمانی برگردان از ترجمه فرانسوی؛ ترجمه‌ی «سفینه غواصه» اثر ژول ورن؛ ترجمه‌ی «حال تولستوی»؛ «سیاحتنامه‌ی فیثاغورث در ایران»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی»؛ «قلائد الادب»، در شرح «اطواق الذهب» زمخشری، به عربی؛ «الثوره الهندیه»، ترجمه به عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (117 -113 /2)، ایضاح المکنون (237/2)، دایره‌المعارف فارسی (167/1)، الذریعه (161/17، 389/16)، ریحانه (850/1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (205 -203 /1)، شرح حال رجال (494 -493 /4)، مؤلفین کتب چاپی (881 -880 /6)، معجم المولفین (277/13)، یادگار (س 3، ش 3، ص 35)، یادداشتهای قزوینی (264/8).

آشتیانی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1270 ق)، خطاط و منشی. در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را نیکو و استوار می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (3/ 620).

آشتیانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا آشتیانی
محل تولد : آشتیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در سال 1319 هجری شمسی در آشتیان به دنیا آمد. خانواده او خانواده ای مذهبی و دوستدار اهل بیت پاک پیامبر(ص) بود و پدرش با پیشه کشاورزی روزگار می‌گذراند. دوران تحصیل حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی، نخست به مکتبخانه رفت و پس از حدود 2 سال که آن را به آموختن قرآن و ادبیات فارسی گذرانده بود، به دبستان رفت و پس از چند سال آن را به پایان رسانید.
موقعیت خانواده او به گونه‌ای بود که باید به کمک پدر می‌رفت و به او خدمت می‌کرد. از این رو همچون پدر پیشه کشاورزی را پیش گرفت و چند سال هم بدین عنوان گذرانید، تا اینکه بر حسب اتفاق یکی از وعاظ مشهور به نام آقای منتظری گلپایگانی به آشتیان آمد و با مشاهده استعداد او، از پدرش درخواست کرد که فرزند خود را به تحصیل علوم دینی بگمارد. این امر مورد موافقت پدر او واقع شد. از این رو حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در حدود 20 سالگی دروس مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان آغاز کرد. او با به پایان رساندن مقدمات، عازم حوزه علمیه قم شد تا از مواهب معنوی و علمی استادان آن دیار عالم‌خیز بهره ببرد. او در مدتی کوتاه دروس دوره سطح را در نزد بهترین استادان آن روزگار به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول عالمان آن دوره راه یافت. البته مهم‌ترین استاد او در این بخش، آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.
او در طی این سالها ضمن تحصیل دروس رسمی، به تحقیق و پژوهش درباره مسائل گوناگون اسلامی نیز می‌پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول دوران تحصیل خود از محضر عالمان بسیاری بهره‌مند شد.
او که مقدمات را در حوزه علمیه آشتیان به پایان برده بود، شرح لعمه را نزد آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای شب زنده دار و نیز قوانین را نزد آیت الله ستوده فرا گرفت و برای آموختن رسائل به درس آیت الله

العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی رفت. کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی طباطبائی(ره) و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی رفت و یک دوره اصول که حدود 6 سال به طول انجامید و حدود 15 سال درس فقه را نزد ایشان فرا گرفت. او در طی این سالها به درس امام خمینی(ره) و نیز درس آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری(ره) می‌رفت. و در ایام تعطیل و روزهای پنج شنبه و جمعه در جلسات تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی حاضر می‌شد.
حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی در طول سالیان تحصیل با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از میان آنها از حجةالاسلام والمسلمین امامی ـ از اعضای جامعه مدرسین ـ می‌توان نام برد.
حجة الاسلام والمسلمین آشتیانی تا به امروز فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری از خود بر جای نهاده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، شرکت در تدوین تفسیر نمونه است. کار تدوین و نگارش تفسیر نمونه از سال 1351 آغاز شد. این کار به پیشنهاد آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود. ایشان بر این باور بودند که خلا وجود یک تفسیر فارسی که همگان بتوانند آن را بخوانند و از آن استفاده کنند، محسوس است. از این رو حجةالاسلام و المسلمین آشتیانی به همراه گروهی از فضلای آن روزگار تحت اشراف آیت الله العظمی مکارم، کار نگارش این اثر عظیم را آغاز کردند که با عنایت پروردگار در سال 1367 به پایان رسید و در 27 جلد در اختیار همگان قرار گرفت. از فعالتیهای مهم دیگر ایشان، شرکت در تدوین تفسیر موضوعی قرآن به نام «پیام قرآن» و نیز شرکت در نگارش تفسیر نهج البلاغه است که هر دو اثر هم اکنون منتشر شده و در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. حجةالاسلام والمسلمین آشتیانی هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در اسفند 1382 به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای اسلامی انتخاب شده است.

آصفی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی آصفی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
محمد مهدی آصفی در سال 1316 ه.ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد، پدر او، مرحوم آیت الله شیخ علی محمد آصفی بروجردی (ره) از علماء و فقهای نجف بود. مادر او دختر فقیه بزرگوار مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی است.
ایشان از دوران نوجوانی با حوزه علمیه ارتباط پیدا کرد و پس از گذراندن مقدمات دروس علوم دینی، وارد مقطع سطح حوزه علمیه شد و از استادان بنامی استفاده برد، همچون آیات عظام شیخ مجتبی لنکرانی (درس فقه) شیخ صدرا بادکوبی (درس اصول)، سرابی (تفسیر)، شیخ محمد رضا مظفر(منطق)، شیخ عبدالمنعم فرتوسی (بلاغت و معانی و بیان).
او همگام با دروس حوزوی، درس‌های دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس دانشگاه بغداد در رشته معارف اسلامی ادامه داد. استادان گرانقدری که او در مرحله عالی حوزه یعنی درس خارج از آنها بهره جست عبارتند از: آیات عظام میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، حکیم، امام خمینی و ابوالقاسم خویی (رحمة الله علیهم.)
وی دارای تألیفات زیادی از جمله «ملکیة الارض فی الاسلام» است که در نجف نوشت و سی سال پیش آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین و آیت الله میرزا هاشم آملی با استناد به این کتاب، به وی اجازه اجتهاد دادند.
وی که در فقه و قرآن صاحب نظر می باشند، فعلا به تدریس خارج فقه (تخریج فقهی مسائل بانکداری) و تکمیل کتابهای فی رحاب القرآن (که در حکم یک تفسیر موضوعی است در 12 جلد) اشتغال دارند.
از خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او عبارتند از: تا چندی پیش حدود سی سال در کادر رهبری حزب الدعوه عراق بود و مدتی است که از این حزب به دلائلی بیرون آمده. مؤسسه خیریه امام باقر (ع) را تأسیس کرد که تقریباً 6700 خانواده پناهنده عراقی و افغانی را در بیش از 33 نقطه

از جمهوری اسلامی ایران، سرویس دهی می کند. ایجاد مجتمع های مسکونی (حدود 110 واحد مسکونی) برای ایتام در قم و 220 واحد مسکونی برای کمک های مادی و معنوی به مؤمنین در داخل عراق و داخل کشور افغانستان.

آغنه دوست، فاطمه خاتون

قرن:10
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(قبل از 962 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به دوستی. وی دختر درویش قیام سبزواری بود. آغادوست در ادبیات و علم عروض وقوف و بصیرت کافی داشت و دارای طبعی سرشار بود. در تذکره‌ها با نامهای آقا یا آغادوست نیز آمده است بیت زیر از او است:
ز آشنایی تو عاقبت جدایی بود
فغان که با تو مرا این چه آشنایی بود
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (11)، الذریعه (9 /9)، ریاحین الشریعه (3/ 322)، زنان سخنور (1/ 197)، فرهنگ سخنوران (10)، مرآت الخیال (337)، مستدرکات اعیان (4 /3)، مشاهیر زنان (5).

آفتابی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد آفتابی
محل تولد : سرپل ذهاب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/3/4
زندگینامه علمی
اینجانب محمد آفتابی فرزند علیجان متولد روستای نقاره کوب از توابع شهرستان سر پل ذهاب استان کرمانشاه در تاریخ4/ 3/ 1356متولد. کلاس اول تا پنجم ابتدائی در روستای فوق الذکر مشغول تحصیل بودم. دوران راهنمائی را در شهرستان سر پل ذهاب (مدرسه ابوذر) به اتمام رساندم. مقطع متوسطه را در دبیرستان معلم سرپل ذهاب طی کردم.
در سال 1372 وارد حوزه علمیه باقرالعلوم (ع) شهرستان سرپل ذهاب که در همان سال هم تاسیس شده بود، مشغول تحصیل علوم حوزوی شدم. در ادامه لمعتین و اصول فقه را در حوزه علمیه امام خمینی (ره) کرمانشاه در مسجد حاج شهبازخان که زیر نظر مرحوم حضرت آیت الله حاج آخوند کرمانشاهی بود سپری نمودم و در سال 1378 وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم که فصل جدیدی در زندگی و تحصیلم آغاز گردید.
بعد از دو سال که در قم بودم، شروع به فعالیتهای علمی و تحقیقی نمودم که چند مقاله به نگارش درآورده ام و در حال حاضر هم مشغول تحقیقات علمی و پژوهشی در ابواب دیگر نیز می باشم و از محضر حضرات آیات مراجع معظم تقلید نیز بهره مند هستم و از وجود این عزیزان استفاده های علمی لازم را می برم که در بخش اساتید به آن اشاره کرده ام. انشاء الله خداوند سبحان به همه ما توفیق عنایت بفرماید که از سربازان واقعی امام عصر (عج) باشیم.

آفُرانی نسفی، ابوموسی، وُثَیر

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(؟)، واعظ. او سخنان بزرگان و پارسایان گذشته را نقل می‌کرد و از حاتم بن عُنوان اَصَم بلخی داستانهایی حکایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (65 -64 /1)، دائرة المعارف البستانی (114 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (110 /1)، معجم البلدان (74 /1).

آفُرانی، ابوالطیب، عبدالملک

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 338 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. ابوالطیب از مردم آفُران، قریه‌ای در نزدیکی نسف، بود. از احمد بن حامد مقری نسفی و ابوالفوارس احمد بن محمد بن جمعه و لیث بن نصر کاجَری نَسفَی حدیث شنید و به مرو رفت و در آنجا فقه آموخت و از ابوالعباس معدانی و ابوالحسن محمودی و ابوزید فقیه مروزی حدیث شنید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109).

آفرانی، ابوتَمام، عبدالسلام

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 400 ق)، ادیب، شاعر و فقیه. برادر ابوالطیب آفُرانی و از مردم آفُران، دهی در نزدیکی نَسَف بود. در فقه پیرو مذهب شافعی بود و از اصحاب شافعی نیز آموخته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (1/ 65)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 109).

آقا پیروز، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقا پیروز
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
سال 1346 در شهرستان سمنان متولد شدم . تحصلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در شهر تهران به اتمام رساندم و در سال 1362 به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی جذب حوزه علمیه ولی عصر علیه السلام تحت سرپرستی استاد گرانقدر و فرزانه حاج آقا بنابی (دام عزه) شده ، دروس مقدماتی (ادبیات عرب، منطق، اصول فقه، و معالم) را در آن حوزه به پایان رساندم . سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم عزیمت کردم و درسال 1370 با اتمام دوره سطح، وارد دروس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتید بزرگوار : حضرات آقایان مکارم شیرازی (4 سال)، میرزا جواد آقا تبریزی (7 سال)، وحید خراسانی (1 سال)، محقق داماد (1 سال)، و جوادی آملی (2 سال تفسیر قرآن و 2 سال خارج فقه و مکاسب) بهره مند گشتم ؛ شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در محضر استاد گرانقدر جناب آقای احمد بهشتی تلمذ کرده ، از محضر حضرت استاد انصاری شیرازی نیز استفاده کردم.در عرفان اسلامی نیز به مدت 5 سال از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله احمد حجتی بهره بردم.تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپری کردم و در سال 1379 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پیش از اتمام این دوره تحقیقات نسبتا گسترده ای را در موضوع مدیریت اسلامی آغاز کرده و در طرح های متعددی به صورت مجری و یا همکار حضور داشته ام . در زمینه تدریس نیز در حدود 7 سال مدرس جامعه الزهراء سلام الله علیها بوده و درس های معارف اسلامی، عقاید، و فقه را ارائه کرده ام در موضوع مدیریت اسلامی نیز در مراکز : دانشگاه آزادنراق، سفیران هدایت ، تربیت راهنما تدریس داشته ام . و چندین کارگاه آموزشی را با موضوع سازمان و مدیریت برای مدیران روحانی دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی

برگزار کرده ام (به طور مشترک با جناب آقای منطقی) در زمینه تفسیر قرآن کریم مدت 3 سال در سازمان بهسازی و زیبا سازی اطراف حرم مطهر، به تفسیر ترتیبی آیات نورانی هر هفته یک جلسه اشتغال داشته ام.

آقا خان کرمانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1270- مقتول 1314 ق)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. وی نوه‌ی دختری مظفر علیشاه کرمانی بود و در کرمان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و معانی و بیان به تکمیل ادبیات، ریاضیات و حکمت الهی کوشید. میرزا عبدالحسین در حدود 1302 ق همراه شیخ احمد روحی به اصفهان مهاجرت کرد و از آنجا به تهران آمد و به تدریس و تفسیر قرآن اشتغال ورزید. وی مدتی با حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی و شیخ مهدی شریف کاشانی مصاحبت داشت. سپس به همراه روحی به رشت رفت و از آنجا رهسپار استانبول شد. او در استانبول با روزنامه‌ی «اختر» با مدیریت آقا محمدطاهر تبریزی، همکاری کرد و مقالاتی در آن روزنامه نوشت. میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی و میرزا حسن خان خبیرالملک نامه‌های بسیاری از قول سید جمال‌الدین اسدآبادی به علمای نجف و سامرا و ایران نوشتند و خواستار همبستگی و مبارزه با استبداد ناصرالدین شاه شدند و همچنین از اعمال میرزا علی‌اصغر خان صد اعظم انتقاد کردند. به همین دلیل صدر اعظم در صدد دستگیری آنان برآمد و با متهم کردن آنان به دست داشتن در شورش ارمنیان، دولت عثمانی آنان را تحت‌الحفظ به طرابوزن تبعد و زندانی کرد. با پیش آمدن واقعه‌ی قتل ناصرالدین شاه در 1313 ق، سوءظن دولت ایران نسبت به این افراد بیشتر شد و عاقبت بر اثر اصرار میرزا محمود خان علاءالملک دیبا، سفیر کبیر ایران در عثمان، به ایران فرستاده شدند و سرانجام به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز به قتل رسیدند. از آثار وی: «آیینه سکندری»، در تاریخ ایران، از ماقبل تاریخ تا رحلت پیغمبر (ص)؛ «جنگ هفتاد و دو ملت»؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر و دستور حکومت»، شرح و ترجمه؛ «نامه‌ی باستان»، منظوم، بر وزن «شاهنامه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختر (ج 1، س 3 -1، مقدمه ص 11)، ادبیات نوین (30)، از صبا تا نیما (394 -390/ 1)، تذکره‌ی شاعران کرمان (497 -493)، ستارگان کرمان (372 -368)، شرح حال رجال (257 -253/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3232/ 2 ،1586 ،1067 ،870 ،92/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (756 -754/ 3)، یادگار (س 3، ش 4، ص 54)، یغما (س 2، ش 6، ص 259 -255).

آقابابایی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل آقابابایی بنی
محل تولد : شهرکرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب متولد سال 1347 در شهر بن از توابع شهرکرد هستم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و سالهای اول و دوم دبیرستان را در بن به انجام رسانده و سال 1364 وارد حوزه علمیه شهرکرد شدم. تدریس را در کنار تحصیل از سال دوم حوزه آغاز کردم و تا درس لمعه ادامه یافت.
سال 1367 به قم منتقل شدم و دوره سطح را به پایان رسانده و در دوره درس خارج همزمان تحصیلات دانشگاهی و حوزوی را ادامه دادم. در درس خارج اصول آیة الله تبریزی به مدت 6 سال شرکت و سعی کردم پس از مباحثه درسهای ایشان را به طور کامل تقریر کنم. در دروس فقه اساتید دیگر همچون آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی و فقیهی نیز شرکت کرده و مجموعاً به مدت 8 سال کامل به تحصیلات خارج اشتغال داشتم.
پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد پژوهش را به عنوان شغل مورد علاقه خود در کنار تدریس در دانشگاه برگزیدم.
همچنین بخشی از فعالیت های من به ویرایش علمی و نگارش نوشته های حقوقی اختصاص یافته که تاکنون بیش از چهل کتاب و صد مقاله و گفتگو را ویرایش کرده ام و این آثار در مراکز متفاوت به چاپ رسیده اند. از نظر تالیف اولین نوشته من پایان نامه دانشگاهی بود که از طرف جهاد دانشگاهی از میان پایان نامه های سال دانشجویی شایسته تقدیر شناخته شد. پس از آن کتابی به عنوان بازداشت موقت به چاپ رسانده و کار بعدی به کتابی در زمینه پیوند اعضا اختصاص داشت که حائز رتبه دوم کشوری در جشنواره دین پژوهان گردید و از طرف وزیر محترم فرهنگ از این اثر تقدیر شد. و همچنین ارائه مقاله و سخنرانی علمی در دانشگاههای مازندران، اصفهان و مفید قم از دیگر فعالیتهای علمی اینجانب است.
نگارش یک مقاله علمی، پژوهشی و دو مقاله در همایش های کشوری و مقالات از آثار دیگر است که تا کنون به چاپ رسیده اند. نقش جنسیت در

میزان دیه و قانون گرائی و نقش اجتهاد در قضا، از طرح های در دست تدوین در دانشگاه مفید است و آخرین نوشته ای که در قالب کتاب امیدوارم به زودی به بازار نشر راه یابد، نوشته ای است تحت عنوان بررسی مسائل فقهی و حقوقی شرکت های هرمی که پژوهشگاه اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات طرف قرارداد طرح است. بطور کلی مسائل جدید در حوزه حقوق کیفری محور تحقیقات علمی اینجانب است و امیدوارم به یاری حق همچنان ادامه یابد.

آقابابایی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین آقابابایی
محل تولد : دلیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1

آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1293 ق)، کتاب شناس، محقق، فقیه و محدث شیعی. آقا بزرگ تحصیلات مقدماتی خود را در تهران در مدارس دانگی و پامنار و فخریه آغاز کرد و ادبیات و فقه و اصول و منطق آموخت و در 1315 ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسین محدث نوری تحصیل علم حدیث کرد. و در حوزه درس آخوند ملا کاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی به تکمیل فقه و اصول پرداخت. در سال 1329 ق به کاظمین رفت تا مقدمات تدوین بزرگ‌ترین دایرةالمعارف کتاب شناسی شیعه، یعنی«الذریعة الی تصانیف الشیعة» را آماده سازد. این دایرةالمعارف در واقع جوابی به جرجی زیدان، ادیب مسیحی عرب بود که مدعی شده وبد که نقش شیعه در فرهنگ اسلامی بسیار اندک است. آقابزرگ برای تهیه‌ی «فهرست الذریعه» در نجف چاپخانه‌ای به نام مطبعةالسعادة دایر کرد. ولی دولت عراق مانع کار وی شد. وی برای تکمیل «الذریعه» سفرهای بسیار کرد و از بیشتر کتابخانه‌های عمومی عراق و ایران و سوریه و فلسطین و مصر و حجاز و بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی بازدید کرد. حاج‌آقا بزرگ از بسیاری از محدثین فرق و مذاهب گوناگون اجازه‌ی نقل حدیث داشت، از جمله: میرزا حسین نوری، سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی، شیخ علی خاقانی، شیخ علی کاشف الغطاء، سید حسن صدر، شیخ محمدعلی ازهری مالکی، شیخ عبدالوهاب شافعی، شیخ ابراهیم الاحمدی، شیخ عبدالقادر طرابلسی، شیخ عبدالرحمن حنفی. بسیاری از بزرگان نیز از او اجازه‌ی نقل حدیث گرفته‌اند، مانند: حاج‌آقا حسین بروجردی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، شیخ عبدالحسین امینی، سید عبدالهادی شیرازی، شیخ محمدرضا آل‌یاسین، سید محمدصادق بحرالعلوم، سید شهاب‌الدین مرعشی. وی پس از یک بیماری طولانی در نجف درگذشت و طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را وقف علما کرده بود به خاک سپرده شد. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: «الذریعة الی تصانیف الشیعة» در 26 جلد؛ «طبقات اعلام الشیعه»، از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ق. در یازده جزء که ادامه کتاب «وفیات الاعلام» سید حسن صدر در سه قرن اول بود؛ «مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال»؛ «هدیة الرازی الی المجدد شیرازی»؛ «النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «توضیح الرشاد فی تاریخ

حصر الاجتهاد»؛ «المشیخة»؛ «ضیاء المفازات فی طریق مشایخ الاجازات»؛ «مستدرک کشف الظنون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 6، ش 4 -3، ص 253 -247 و ش 8 -7، ص 596 -588)، الذریعه (1/ مقدمه و 20/ مقدمه)، ریحانه (54 -52 /1)، سرآمدان فرهنگ (19 -18 /1)، سواد و بیاض (589 -587)، گنجینه‌ی دانشمندان (280 -279 /1)، مؤلفین کتب چاپی (235 -232 /5)، نام‌آوران فرهنگ (353).

آقاتهرانی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی آقا تهرانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال 1336 در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.
ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی(دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی(ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ گیل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است.
حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، 5 سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.
منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

آقاجانی قناد، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقاجانی قناد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/1/1

آقاجانی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر آقاجانی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
بعد از دروس ابتدائی، در سال 1353 وارد حوزه علمیه شهر آستانه اشرفیه استان گیلان شدم. قریب به 2 سال مقدمات علوم حوزوی را نزد حجةالاسلام مرحوم عسگری و مرحوم آیت الله دکتر ضیائی گذراندم.
حدود سال 55 - 54 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح، رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را محضر استاد بنی فضل و استاد پایانی فرا گرفتم و کفایه را نزد استاد ستوده به پایان بردم. دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگ حوزه : حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله وحید خراسانی و حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی (حفظهم الله) خواندم .
از نظر مدارک حوزوی پایه دهم، کتبی و شفاهی را تمام کردم و گواهینامه 8 سال خارج فقه و 3 سال خارج اصول را از آیت الله مکارم شیرازی دارم و نیز مدارج علمی و معادل خارج یک را از دفتر تبلیغات اسلامی قم اخذ نمودم. از نظر مدارک کلاسیک دیپلم اقتصاد را در سال 1361 در قم از دبیرستان صدوق (ره) فرا گرفتم.
در سال 1368 بصورت قراردادی فعالیتهای تحقیقی معجم نگاری بحار الانوار مجلسی را در واحد تحقیقات دفتر تبلیغات شروع نمودم و به کارهای پژوهشی از قبیل فیش برداری، تصحیح و مقابله مربوط به کتب بحار الانوار اشتغال داشتم. مسئولیت تحقیقات کل را مرحوم عبائی خراسانی و مدتی آقای درایتی و بعد دیگران به نوبت بر عهده داشتند. مسئولیت بخش معجم بحار الانوار را هم حجةالاسلام حاج آقای مهدوی امام جمعه فعلی سرخه سمنان بر عهده داشتند. نتیجه این فعالیت تحقیقی، علمی و گروهی 14 جلد بزرگ معجم بحار الانوار و 3 جلد اعلام بحار می باشد، که در کتاب شناسی سال از جناب آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت)، کتاب سال معرفی گردید. حدود فعالیت ما در واحد

تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی 13 سال بطول انجامید. 10سال را در معجم بحار گذراندم و قریب به 3 سال را هم در واحد سیره اهل بیت (ع) به فعالیت مشغول بودم. بخشی از فعالیت تحقیقی را در مکاتب تاریخی بصورت فیش برداری اشتغال داشتم که نظارت آنرا دکتر آئینه وند بعهده داشت و ریاست واحد را آقایان مدرسی و زمانی و آقای سلطانی و دوره پایانی آنرا آقای واسعی بعهده داشتند .

آقاجانی، نصرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله آقاجانی
محل تولد : بابلسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم در سال 1364 در شهرستان بابلسر، برای تحصیل در علوم دینی در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه امام صادق(ع) به اتمام رساندم.
بعد از اتمام لمعتین، همزمان با ادامه درس سطح، در موسسه در راه حق تحت اشراف حضرت استاد آیت الله مصباح یزدی شرکت نموده به مدت پنج سال دروس معارف اسلامی آن را گذراندم. و بعد جهت ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس در رشته جامعه‌شناسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شرکت کردم و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس رشته فوق شدم (در سال 1381) همزمان با تحصیل قریب ده سال به تدریس و تحقیق مشغول هستم. تدریس دروس معارف اسلامی، تدریس درس جامعه‌شناسی در دانشگاه و مراکز آموزشی از جمله آنها است. مقالات مختلف در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به رشته تحریر درآمده است که برخی هم چاپ شده است. با تاسیس رشته اندیشه معاصر مسلمین در معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی، اکنون سطح 4 حوزه علمیه را در این رشته در حال گذراندن هستم.
مدتی در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای مرکز قم، مدیریت علمی گروه مطالعات اجتماعی و فرهنگی آن را به عهده داشتم. اکنون هم مدیر گروه تربیت مبلغ معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

آقاسردار، نجف قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1303 ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (235 /14 ،114 /8)، مؤلفین کتب چاپی (546 -544 /6).

آقاسی خویی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 /1295 ش)، سخنران و شاعر، متخلص به دانش. در شهر خوی متولد شد. وی از نواده‌های حاج میرزا آقاسی نوری وزیر دوره‌ی قاجار است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس مشغول شد وی در شعر توانا و به سرودن غزل و قطعه و رباعی بیشتر راغب است. اثر او: «منتخب اشعار دانش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (1347 -1344 /2)، فرهنگ سخنوران (331)، مؤلفین کتب چاپی (467 -466 /5).

آقاسی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمّدرضا آقاسی هستم. فرزند ششم یک خانواده ی مذهبی.24 فروردین سال 1338 در منزل پدری مان، واقع در تهران، خیابان خیّام، پشت امامزاده سیّد نصرالدین، به دنیا آمدم. مرحوم پدرم، با آنکه سوادی به آن صورت نداشت، امّا قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله« حاج سید احمد طالقانی آل احمد» که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل؛ زنده یاد« جلال آل احمد». از طرفی، مادرم حدود چهل سال است افتخار مدّاحی حضرت قمر بنی هاشم (علیه السلام) را دارد.
دو.
از زمان بچگی کلمات را به هم می بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی. تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد. قبل از انقلاب، دو سالی هنرجوی «هنرستان هنرهای زیبا»ی شهر تهران بودم. منتها، از آنجا که به نحوه ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی بهره از ظرافت های تعلیم و تعلّم هنری اولیاء امور هنرستان اعتراض داشتم، با مدیر، ناظم و بعضی از اساتید آنجا برخورد پیدا کردم. روی همین حساب هم، دو سال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم؛ اخراج ام کردند. بعد از آن ماجرا، مدتی در تسلیحات ارتش کار می کردم. این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان 1357 که با اوج گیری مسائل انقلاب، از تسلیحات هم زدم بیرون.
سه.
از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دو بهمن 57، در کمیته ی انقلاب؛ مستقر در مسجد امامزاده سیّد نصرالدین تفنگ به دوش کشیدم و شدم یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب.
چهار.
شعار محوری آن روزهای انقلابیون این بود؛ «امروز ایران- فردا، فلسطین». بر مبنای همین باور، دوره های مقدّماتی جنگ چریکی را در تهران آموزش دیدم. در آذرماه 58 بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم. آنجا در یکی از پادگان های متعلّق به جناح نظامی «سازمان آزادی بخش فلسطین»- معروف به قوای العاصفه- مستقر شدیم و مربیان زبده ی فلسطینی، یک دوره ی تخصصی از رزم پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره ی آموزشی، روزی که می خواستیم به سمت مرز حرکت

کنیم، نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل؛ معروف به فالانژها، مستقر در مرز مشترک سوریه- لبنان، راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد. به ناچار، من به اتفّاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتیم تا دستکم خودمان را به جبهه های نبرد افغانستان برسانیم؛ که تازه چند ماهی بود توسّط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلم ارتش سرخ اتّحاد شوروی اشغال شده بود.

پنج.

پاییز سال 1365 بود که یکی از رفقای ما، در ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی، سر وقت ام آمد با این پیشنهاد که؛« اگر آمادگی داری، بیا با هم برویم برای دوره ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد». خب، ما هم رفتیم در واحد مهندسی- رزمی ستاد پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم. مدتی در کهریزک، دوره ی کار با ماشین آلات سنگین را دیدیم. بعد هم اعزام شدیم به جبهه ی جنوب. مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم. بعد هم رفتیم سمت جزایر مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه.

شش.

انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، یحتمل مثنوی به این خاطر بود که در این قالب، برای فَوَرانِ شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب های شعری، میدان به مراتب وسیع تری وجود دارد. مثنوی دریاست، مثنوی اقیانوس است. وقتی بخواهی بیایی توی چنین وادی هایی،« شرطِ اول قدم آن است که مجنون باشی». باید ایمان داشته باشی که ذاتاً فقیری و غنی مطلق خداست و باب جود و عطای خدا، آل محمّد (علیهم السلام) هستند. باید کاسه ی گدایی برداری، بروی درِ خانه ی اهل بیت (علیهم السلام) را بزنی. احساس استغنا و بی نیازی هم نباید داشته باشی. در چنین صورتی؛ مطمئن باش اهل بیت (علیهم السلام) تو را دست خالی از در خانه شان بر نمی گردانند. هر چه شکسته تر و زارتر در خانه شان بروی، کاسه ی گدایی تو را پُرتَر می کنند. حالا در رابطه با معروف ترین شعری که خلایق در این ملک مرا به آن می شناسند؛ یعنی شیعه نامه، فقط می توانم بگویم که من شیعه نامه را از کرم اهل بیت (علیهم السلام) دارم، نه از خودم؛ که هیچ ام و هیچ.

هفت.

بیشتر سرمایه ها و ردیف بودجه های مصوّب برای شعر اصیل انقلاب، به سمینارها و سمپوزیوم ها و کنگره ها و کنفرانس ها و- به قولی امروزی ها همایش ها- ی پر از اسراف و تبذیر و بی حاصلِ مثلاً فرهنگی- هنری و چاپ کاتالوگ ها و بولتن های لوکس و چهار رنگ بی خاصیت و یک بار مصرف اختصاص داده شد. بعضی دستگاه ها هم که بعد از انقلاب به وجود

آمدند و خود، به عنوان نهاد های هنری- تبلیغاتی این انقلاب مطرح شدند، زدند به بی راهه ی فرو رفتن در مسائلی، که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت وزارت بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است، تا یک نهاد مدّعی ترویج اندیشه و هنر اسلامی! من از بیان حرف حق پروایی ندارم و خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این حضرات حرف نزنم، نان نداشته ام آجر شود! همین قدر گفته باشم، یکی از همین قماش دستگاه های متولّی اندیشه و هنر اسلامی، یک بار عکس العمل تندی را نسبت به من نشان داد... حقوق ام را قطع کردند و ضمن ارسال یک دستورالعمل اکید، مرا به صحن و سرای دستگاه شان ممنوع الورود فرمودند! یک بیت نثارشان کردم و سپردم شان به قهر مولا علی (علیه السلام). که:
از آن روزی که در خون پر گشودم به دار الکفر ممنوع الورودم آثار استاد محمّدرضا آقاسی در حوزه ی شعر به حدود 6-7 هزار بیت می رسد، که یکی از مشهور ترین آنها مثنوی بلند شیعه نامه است.
محمدرضا آقاسی، شاعر و مثنوی‌سرای اهل بیت عصمت و طهارت،در سن ٤٦ سالگی،بامداد سه شنبه سوم خرداد ماه ٨٤ به علت عارضه قلبی در مرکز تخصصی قلب تهران دار فانی را وداع گفت. پیکر وی 5 خردادماه از مقابل معراج الشهدای تهران تشییع و در قطعه 44 شهیدان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

آقاگلزاده، فردوس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فردوس آقاگلزاده در سال 1335 به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. وی پس از اتمام تحصیلات خود، به عنوان عضو هیات علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او همچنین با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی، مقالات بسیار ارزشمندی را ارائه داده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : زبانشناسی همگانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فردوس آقاگلزاده پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه علامه طباطبایی شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت. او تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تربیت مدرس و تکمیل تحقیقات دکتری را در دانشگاه لیورپول انگلستان سپری کرد. موضوع رساله وی " مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل انتقادی در تولید و درک متن" می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فردوس آقاگلزاده از سال 1378تا 1381سرپرست کتابخانه دانشکده، از سال 1376 جانشین معاونت پژوهشی دانشکده و از سال 1375 تا کنون سرپرستی آزمایشگاههای زبان را به عهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : فردوس آقاگلزاده عضو هیات علمی گروه زبان شناسی و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. از جمله دروسی که وی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید عبارتند از: تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، تطور زبان فارسی، مقدمات زبانشناسی، زبان انگلیسی (مقطع کارشناسی ارشد و دکتری).سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فردوس آقاگلزاده با نشریات و مجلات تخصصی همکاری نزدیک داشته و ضمن آن در همایشها و سمینارهای عملی نیز شرکت کرده است.آرا و گرایشهای خاص : تخصص اصلی فردوس آقاگلزاده تجزیه و تحلیل کلام و کاربردشناسی بوده اما به صورت جنبی بر روی جامعه شناسی زبان، ادبیات و زبانشناسی، گویش شناسی مطالعات و پژوهشهای خود را نیز

متمرکز نموده است.آثار : " نقش جامعه شناسی زبان و راهبردهای آن در تدریس زبان" مجله رشد زبان، شماره 14، تهران 1379 ، تقویت مهارت شنیداری به روش نوین تحلیل متن، نخستین همایش بررسی روش های نوین آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، چاپ شده در مجموعه مقالات، دانشگاه علامه طباطبایی، 1380. دوزبانگی و چند زبانگی از دیدگاه روانشناسی زبان (به زبان انگلیسی) "، دومین کنفرانس بین المللی علوم شناختی، تهران 1381 ، سازگاری صورت و محتوا در آیات قرآن مجید از نگاه زبانشناسی"، همایش قرآن و علوم روز دانشگاه بیرجند، 1379 ، مفاهیم فرهنگ و زبان" کنفرانس تعاملات علمی و فرهنگی ایران و غرب، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، 1379 ، نقش عوامل زبانشناختی و فرازبانی در گفتگو و تفاهم فرهنگی ایران و آفریقا"، کنفرانس ایران و آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی" مجله آموزش زبان، شماره 2، مشهد، 1379 ، ویژگیهای متون ادبی از دیدگاه زبانشناسی"، همایش ترجمه ادبی در ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهمن ماه 1378

آقامیری دزفولی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید اسدالله معروف بامام بن سید نورالله بن سید اسدالله بن سید محمد حسین بن العلامه سید عبدالباقی مشهور بسید آقا میر دزفولی یکی از فضلاء نامدار خوزستان و فقهاء عظام اهواز بوده است.
وی در دزفول متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم مهاجرت بنجف اشرف نموده و از محضر علمین آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده کامل نموده و چند سالی هم در تهران بتحصیل پرداخته و از درس علماء آن سامان بهره‌مند شده آنگاه باهواز منتقل و رحل اقامت افکنده و بوظائف دینی قیام و مورد احترام و تجلیل قرار گرفت و در مسجد جامع آن شهر باقامه جماعت و تدریس پرداخت تا در سال 1357 ق وفات نموده و جنازه‌اش حمل بنجف و در وادی‌السلام مدفون گردید.
فرزند ارشدش حجه‌الاسلام آقای حاج سید هبه‌الله امام از علماء محترم و متصف بفضائل اخلاق و تا هم‌اکنون در مسجد جامع اهواز بجای والدش بامامت اشتغال دارد.
(وف 1357 ق)، فقیه. معروف به امام. وی از نوادگان سید عبدالباقی معروف به سید آقا میر است. در دزفول به دنیا آمد. پس از فراغت از خواندن علوم مقدماتی عازم نجف اشرف شد و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی شرکت کرد و از آنان استفاده کامل برد. چند سالی هم در تهران به تحصیل پرداخت. سپس به اهواز منتقل شد و در آنجا عهده‌دار وظایف دینی گشت. در همان‌جا درگذشت. پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (141 / 3).

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1295 ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[1]
حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال 1295 قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن 20 سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال 1318 قمری در سن 23 سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند

خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال 1338 قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه 26 ربیع‌الثانی 1363 قمری در سن 68 سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.
1- سفر غرب (سیاحت غرب) 2- سیاحت شرق 3- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو 4- کتاب عذر بدتر از گناه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (221 -220 /6)، نشر دانش (س 4، ش 2، ص 27 -18).

آقانظری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن آقانظری
محل تولد : شاهرود
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/1/1

آقایی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا آقایی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1

آگاه جهرمی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به آگاه. وی فرزند محمدرضا کاویان متخلص به عطارد بود. آگاه پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در جهرم و شیراز و اصفهان، به فراگرفتن فن دندانسازی پرداخت و تا سال 1312 ش در جهرم به این شغل و کارهای کشاورزی اشتغال ورزید. پس از آن به عنوان مأمور صلح در اداره‌ی حکومتی به خدمت مشغول شد. مدتی هم در دادسرای شیراز اشتغال به کار داشت و پس از گذراندن امتحانات قضایی چندین سال هم در دادگستریهای کرمان و لار و فسا و بوشهر انجام وظیفه نمود. سپس چندی به کار وکالت دادگستری پرداخت، تا این که برای بار سوم به خدمت قضایی دعوت و به کرمانشاه منتقل گردید. آگاه در 22 شهریور 1331 اولین شماره روزنامه‌ی (چاره‌ی مردم) را در جهرم، برای مدتی، منتشر ساخت. وی پشتیبان حق و با عناصر مفسد در جدال و مبارزه بود. اشعارش بیشتر جنبه‌ی اجتماعی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان جهرم (234 پانوشت. 377 -374)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (40 -38 /1)، فرهنگ سخنوران (12).

آل احمد، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل آل احمد
محل تولد : نظر آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/7/29

آل احمد، جلال الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال الدین سادات آل احمد، معروف به جلال آل احمد، فرزند سید احمد حسینی طالقانی در محله سید نصرالدین از محله های قدیمی شهر تهران به دنیا آمد، او در سال 1302 پس از هفت دختر متولد شد و نهمین فرزند پدر و دومین پسر خانواده بود. پدرش در کسوت روحانیت بود و از این رو جلال دوران کودکی را در محیطی مذهبی گذراند. تمام سعی پدر این بود که از جلال، برای مسجد و منبرش جانشینی بپرورد. جلال پس از اتمام دوره دبستان، تحصیل در دبیرستان را آغاز کرد، اما پدر که تحصیل فرزند را در مدارس دولتی نمی پسندید و پیش بینی می کرد که آن درسها، فرزندش را از راه دین و حقیقت منحرف می کند، با او مخالفت کرد: « دبستان را که تمام کردم، دیگر نگذاشت درس بخوانم که: «برو بازار کار کن» تا بعد ازم جانشینی بسازد. و من رفتم بازار. اما دارالفنون هم کلاسهای شبانه باز کرده بود که پنهان از پدر اسم نوشتم. » پس از ختم تحصیل دبیرستانی، پدر او را به نجف نزد برادر بزرگش سید محمد تقی فرستاد تا در آنجا به تحصیل در علوم دینی بپردازد، البته او خود به قصد تحصیل در بیروت به این سفر رفت، اما در نجف ماندگار شد. این سفر چند ماه بیشتر دوام نیاورد و جلال به ایران بازگشت. در «کارنامه سه ساله» ماجرای رفتن به عراق را این گونه شرح می دهد: «تابستان 1322 بود، در بحبوحه جنگ، با حضور سربازان بیگانه و رفت و آمد وحشت انگیز U.K.C.C و قرقی که در تمام جاده ها کرده بودند تا مهمات جنگی از خرمشهر به استالینگراد برسد. به قصد تحصیل به بیروت می رفتم که آخرین حد نوک دماغ ذهن جوانی ام بود و از راه خرمشهر به بصره و نجف می رفتم که سپس به بغداد والخ .... اما در نجف ماندگار شدم. میهمان سفره برادرم. تا سه ماه بعد به چیزی در حدود گریزی، از راه خانقین و کرمانشاه برگردم. کله خورده و کلافه و از برادر و پدر.» پس از بازگشت از سفر، آثار شک و تردید و بی اعتقادی به مذهب در او مشاهده می شود که بازتابهای منفی خانواده را به دنبال داشت. «شخص من که نویسنده این کلمات است، در خانواده روحانی خود همان وقت لامذهب اعلام شد ه دیگر مهر نماز زیرپیشانی نمی گذاشت. در نظر خود من که چنین می کردم، بر مهر گلی نماز خواندن نوعی بت پرستی بود که اسلام هر نوعش را نهی کرده، ولی در نظر پدرم آغاز لا مذهبی بود. و تصدیق می کنید که وقتی لا

مذهبی به این آسانی به چنگ آمد، به خاطر آزمایش هم شده، آدمیزاد به خود حق می دهد که تا به آخر براندش.» آل احمد در سال 1323 به حزب توده ایران پیوست و عملاً از تفکرات مذهبی دست شست. دوران پر حرارت بلوغ که شک و تردید لازمه آن دوره از زندگی بود، اوج گیری حرکت های چپ گرایانه حزب توده ایران و توجه جوانان پرشور آن زمان به شعارهای تند وانقلابی آن حزب و درگیری جنگ جهانی دوم عواملی بودند که باعث تغییر مسیر فکری آن احد شدند. همه این عوامل دست به دست هم داد تا جوانکی با انگشتری عقیق با دست و سر تراشیده، تبدیل شد به جوانی مرتب و منظم با یک کراوات و یکدست لباس نیمدار آمریکایی شود. در سال 1324 با چاپ داستان «زیارت» در مجله سخن به دنیای نویسندگی قدم گذاشت و در همان سال، این داستان در کنار چند دیگر در مجموعه "دید و بازدید" به چاپ رسید. آل احمد در نوروز سال 1324 برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته به حزب به آبادان سفر کرد: «در آبادان اطراق کردم. پانزده روزی. سال 1324 بود، ایام نوروز و من به مأموریتی برای افتتاح حزب توده و اتحادیه کارگران وابسته اش به آن ولایت می رفتم و اولین میتینگ در اهواز از بالای بالکونی کنار خیابان". آل احمد که از دانشسرای عالی در رشته ادبیات فارسی فارغ التحصیل شده بود، او تحصیل را در دوره دکترای ادبیات فارسی نیز ادامه داد، اما در اواخر تحصیل از ادامه آن دوری جست و به قول خودش «از آن بیماری (دکتر شدن) شفا یافت». به علت فعالیت مداومش در حزب توده، مسؤولیتهای چندی را پذیرفت. خود در این باره می گوید: «در حزب توده در عرض چهار سال از صورت یک عضو ساده به عضویت کمیته حزبی تهران رسیدم و نمایندگی کنگره.... و از اوایل 25 مأمور شدم زیر نظر طبری «ماهنامه مردم» را راه بیندازم که تا هنگام انشعاب 18 شماره اش را درآوردم حتی شش ماهی مدیر چاپخانه حزب بودم.»
در سال 1326 به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در همان سال، به رهبری خلیل ملکی و 10 تن دیگر از حزب توده جدا شد. آنها از رهبری حزب و مشی آن انتقاد می کردند و نمی توانستند بپذیرند که یک حزب ایرانی، آلت دست کشور بیگانه باشد. در این سال با همراهی گروهی از همفکرانش طرح استعفای دسته جمعی خود را نوشتند. آل احمد با نثر عصیانگرش اینگونه می گوید: «روزگاری بود و حزب توده ای بود و حرف و سخنی داشت و انقلابی می نمود و ضد استعمار حرف می زد و مدافع کارگران و دهقانان بود و چه دعویهای دیگر و چه شوری که انگیخته بود و ما جوان بودیم و عضو آن حزب بودیم و نمی دانستیم سر نخ دست کیست و جوانی مان را می فرسودیم و تجربه می آموختیم. برای خود من «اما» روزی شروع شد که مأمور انتظامات یکی از تظاهرات حزبی بودیم (سال

23 یا 24؟) از در حزب خیابان فردوسی تا چهارراه مخبرالدوله با بازوبند انتظامات چه فخرها که به خلق نفروختم، اما اول شاه آباد چشمم افتاد به کامیون های روسی پر از سرباز که ناظر و حامی تظاهرات ما کنار خیابان صف کشیده بودند که یک مرتبه جا خوردم و چنان خجالت کشیدم که تپیدم توی کوچه سید هاشم و ....." در سال 1326 کتاب «از رنجی که می بریم» چاپ شد که مجموعه 10 قصه کوتاه بود و در سال بعد «سه تار» به چاپ رسید. پس از این سالها آل احمد به ترجمه روی آورد. در این دوره، به ترجمه آثار «ژید» و«کامو»، «سارتر» و «داستایوسکی» پرداخت و در همین دوره با دکتر سیمین دانشور ازدواج کرد. «زن زیادی» نیز به این سال تعلق دارد. در طی سالهای 1333 و 1334 «اورازان»، «تات نشینهای بلوک زهرا»، «هفت مقاله» و ترجمه مائده های زمینی را منتشر کرد و در سال 1337 «مدیر مدرسه» «سرگذشت کندوها» را به چاپ سپرد. دو سال بعد «جزیره خارک- در یتیم خلیج» را چاپ کرد. سپس از سال 40 تا 43 «نون و القلم»، «سه مقاله دیگر»، «کارنامه سه ساله»، «غرب زدگی» «سفر روس»، «سنگی بر گوری» را نوشت و در سال 45 «خسی در میقات» را چاپ کرد و هم «کرگدن» نمایشنامه ای از اوژان یونسکورا. «در خدمت و خیانت روشنفکران» و «نفرین زمین» و ترجمه «عبور از خط» از آخرین آثار اوست. آل احمد در صحنه مطبوعات نیز حضور فعالانه مستمری داشت و در این مجلات و روزنامه ها فعالیت می کرد. نکته ای که در زندگی آل احمد جالب توجه است، زندگی مستمر ادبی او است. اگر حیات ادبی این نویسنده با دیگر نویسندگان همعصرش مقایسه شود این موضوع به خوبی مشخص می شود. جلال در سالهای فرجامین زندگی، با روحی خسته و دلزده از تفکرات مادی به تعمق در خویشتن خویش پرداخت تا آنجا که در نهایت، پلی روحانی و معنوی بین او و خدایش ارتباط برقرار کرد. او در کتاب "خسی در میقات" که سفرنامه ی حج اوست به این تحول روحی اشاره می کند و می گوید: "دیدم که کسی نیستم که به میعاد آمده باشد که خسی به میقات آمده است. . ." این نویسنده پر توان که همواره به حقیقت می اندیشید و از مصلحت اندیشی می گریخت، در اواخر عمر پر بارش، به کلبه ای در میان جنگلهای اسالم کوچ کرد. جلال آل احمد، نویسنده توانا و هنرمند دلیر به ناگاه در غروب روز هفدهم شهریور ماه سال 1348 در چهل و شش سالگی زندگی را بدرود گفت. ویژگی های آثار

به طور کلی نثر آل احمد نثری است شتابزده، کوتاه، تاثیر گذار و در نهایت کوتاهی و ایجاز . آل احمد در شکستن برخی از سنت های ادبی و قواعد دستور زبان فارسی شجاعتی کم نظیر داشت و این ویژگی در نامه های او به اوج می رسد. اغلب نوشته هایش به گونه ای است که خواننده می

تواند بپندارد نویسنده هم اکنون در برابرش نشسته و سخنان خود را بیان می کند و خواننده، اگر با نثر او آشنا نباشد و نتواند به کمک آهنگ عبارات ، آغاز و انجام آنها را دریابد، سر در گم خواهد شد.
از این رو ناآشنایان با سبک آل احمد گاهی ناگریز می شوند عباراتی را بیش از چند بار بخوانند.
آثار
آثار جلال آل احمد را به طور کلی می توان در پنج مقوله یا موضوع طبقه بندی کرد: الف- قصه و داستان. ب- مشاهدات و سفرنامه. ج- مقالات. د- ترجمه. هـ- خاطرات و نامه ها. الف- قصه و داستان 1- دید و بازدید 1324:
نخست شامل ده بود، در چاپ هفتم دوازده داستان کوتاه را در بردارد. جلال جوان در این مجموعه با دیدی سطحی و نثری طنز آلود اما خام که آن هم سطحی است، زبان به انتقاد از مسایل اجتماعی و باورهای قومی می گشاید. 2- از رنجی که می بریم 1326:
مجموعه هفت است که در این دو سال زبان و نثر داستانهای جلال به انسجام و پختگی می گراید. در این مجموعه تشبیهات تازه، زبان آل احمد را تصویری کرده است. 3- سه تار 1327:
مجموعه سیزده است. فضای داستانهای سه تار لبریز از شکست و ناکامی قشرهای فرو دست جامعه است. 4- زن زیادی 1331:
حاوی یک مقدمه و نه داستان کوتاه است. قبل از جلال، صادق چوبک و به تصویر شخصیت زنان در داستانهای خود پرداخته اند.
زنان مجموعه زن زیادی را قشرهای مختلف و متضاد مرفه، سنت زده و تباه شده تشکیل می دهند. 5- سرگذشت کندوها 1337:
نخستین داستان نسبتاً بلند جلال است با شروعی به سبک قصه های سنتی ایرانی، "یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود" این داستان به بیان شکست مبارزات سیاسی سالهای 29 تا 31 حزبی پرداخته است. 6- مدیر مدرسه 1337:
این داستان نسبتاً بلند به نوعی میان خاطرات فرهنگی آل احمد است. خود او در این مورد گفته است: "حاصل اندیشه های خصوصی و برداشت های سریع عاطفی از حوزه بسیار کوچک اما بسیار موثر فرهنگ و مدرسه" مدیر مدرسه، گزارش گونه ای است از روابط افراد یک مدرسه با هم و روابط مدرسه با جامعه. " آل احمد در مدیر مدرسه به نثر خود اعتماد کامل دارد. قلم دیگر در دستش نمی لرزد و چنین می نماید که اندیشه هایش نیز، در چارچوبی خاص، شکل نهایی خود را یافته است. به رغم این تکوین اندیشه، جلال شکست را باور کرده است، لذا به دنبال گوشه ای خلوت می گردد. 7- نون والقلم 1340:

یک داستان بلند تاریخی که حوادث آن مربوط به اویل حکومت صفویان است. زبان نون والقلم به اقتضای زمان آن نسبتاً کهنه است. 8- نفرین زمین 1346:
رمانی روستایی است که بازتابی از جریانهای مربوط به "اصلاحات ارضی" در آن بیان شده است. 9- پنج داستان 1350:
دو سال پس از مرگ آل احمد چاپ شده است. 10- چهل طوطی اصل (با سیمین دانشور) 1351:
مجموعه شش قصه کوتاه قدیمی از "طوطی نامه" که با تحریری نو نگاشته شده است. آل احمد در نامه ای خطاب به حبیب یغمایی، مدیر مجله ادبی یغما می نویسد: " و من که جلال باشم وقتی خیال دکتر شدن و ادبیات را در سر داشتم به اینها دسترسی یافتم. قرار بود درباره "هزار و یک شب" و ریشه های هندی و ایرانی قصه هایش چیزی درست کنم به رسم رساله، که نشد. . ." 11- سنگی بر گوری 1360:
رمانی است کوتاه و آخرین اثر داستانی آل احمد محسوب می شود. موضوع آن فرزند نداشتن اوست.
ب- مشاهدات و سفرنامه ها اورازان 1333، تات نشینهای بلوک زهرا 1337، جزیره خارک، درُ یتیم خلیج فارس 1339، خسی در میقات 1345، سفر به ولایت عزرائیل چاپ 1363، سفر روس 1369 ، سفر آمریکا و سفر اروپا که هنوز چاپ نشده اند. ج- مقالات و کتابهای تحقیقی گزارشها 1325، حزب توده سر دو راه 1326، هفت مقاله 1333، سه مقاله دیگر 1341، غرب زدگی به صورت کتاب 1341، کارنامه سه ساله 1341، ارزیابی شتابزده 1342، یک چاه و دو چاله 1356، در خدمت و خیانت روشنفکران 1356، گفتگوها 1346. د- ترجمه عزاداریهای نامشروع 1322 از عربی، محمد آخرالزمان نوشته بل کازانوا نویسنده فرانسوی 1326، قمارباز 1327 از داستایوسکی، بیگانه 1328 اثر آلبرکامو (با علی اصغر خبرزاده)، سوء تفاهم 1329 از آلبرکامو، دستهای آلوده 1331 از ژان پل سارتر، بازگشت از شوروی 1333 از آندره ژید، مائده های زمینی 1334 اثر ژید (با پرویز داریوش)، کرگدن 1345 از اوژن یونسکو، عبور از خط 1346 از یونگر (با دکتر محمود هومن)، تشنگی و گشنگی 1351 نمایشنامه ای از اوژن یونسکو؛ در حدود پنجاه صفحه این کتاب را جلال آل احمد ترجمه کرده بود که مرگ زودرس باعث شد نتواند آن را به پایان ببرد؛ پس از آل احمد دکتر منوچهر هزارخانی بقیه کتاب را ترجمه کرد. هـ- خاطرات و نامه ها نامه های جلال آل احمد (جلد اول 1364) به کوشش علی دهباشی، چاپ شده است که حاوی نامه های او به دوستان دور و نزدیک است.

آل آقا، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوتراب بن العالم الجلیل آقای آقا شمس‌الدین بن العلامه آقا محمدهادی بن آقا محمدصالح آل آقا (حفید آیت‌اللّه العظمی وحید بهبهانی) از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه است
معظم له در حدود سال 1319 قمری در کرمانشاه متولد شده و در بیت اصیل آل آقا پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالیان دراز در باب مدینه علم اقامت و از محاضر آیات عظام نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و اعلام دیگر استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در این اواخر به حکم ضرورت به کرمانشاه وطن خود مراجعت و به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل آقا، عبداللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبداللَّه بن العلامه الجلیل حاج آقا احمد آل آقا از علماء مبرز معاصر تهران است. وی در سال 1317 ق در تهران متولد شده و در تحت تربیت والد ماجدش پرورش یافته و اولیات و سطوح را در تهران خوانده و در سال 1344 ق به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آیةاللَّه میرزا همدانی فراگرفته و دروس خارج فقه و اصول تحلیلی را از محضر مرحوم آیةاللَّه العظمی حایری و پس از رحلت ایشان از آیةاللَّه حجت و نیز از موقع ورود آیةاللَّه العظمی بروجردی تا اواخر سال 1373 ق از محضر آن زعیم اعظم استفاده نموده تا سال مزبور که مرحوم والدش برحمت حق پیوست بالضروره به تهران عزیمت و به اقامه جماعت در مسجد آقا محمود و خدمات دیگر دینی پرداخته است.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان اصیل و ریشه‌دار ایران و تهرانست زیرا آن جناب از احفاد نابغه بزرگ و علامه سترک وحید علی الاطارق آقای آقا محمد باقر بهبهانی قدس سره مجدد مذهب و دین در صده دوازدهم هجری بوده چنانچه حقیر در فوائد البهبهانیه گفتم:
قد قام منها علماء الاهل
کآیه اللَّه وحید الفحل
مجدد دین بعون الاکبری
فی مائه الثانیه و العشری
و شرح احوال این بیت عالیه و سلسله جلیله (آل آقا) در کتب تراجم بخصوص در کتاب زندگانی وحید بهبهانی تألیف دانشمند معظم استاد مکرم حجه‌الاسلام حاج شیخ علی دوانی مفصلا و مبسوطا مسطور است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آل بحرالعلوم، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320 /1319 -1248 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. تفسیر و فقه و اصول و کلام و ادبیات را از پدر آموخت. از او به عنوان شاعر کبیر آل بحرالعلوم یاد شده است. مناعت طبع او مورد ستایش همگان بود. شیخ محمد سماوی نجفی صاحب کتاب «الطلیعة» و شیخ عبدالمحسن کاظمی و شیخ عبدالحسین خیاط نجفی از شاگردان وی در ادبیات و شعر می‌باشند. از آثارش «دیوان» شعری است که با اجازه در فرزندش سید حسن و سید محمد در صیداء به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (29 /1)، اعیان الشیعه (133 -129 /2)، الذریعه (644 /9)، معجم المؤلفین (24 -23 /1)، مکارم الآثار (1333 /4).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1282 ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود 1000 بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (4/ 626)، الذریعه (3/ 289)، معجم المؤلفین (3/ 194- 195).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1221 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (20 -18 /6)، الذریعه (126 /9)، شهیدان راه فضیلت (496)، فوائد الرضویه (156 -155)، معجم المؤلفین (50 /4)، مکارم الآثار (725 -723 /3).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1318 -1247 ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (47 /9)، شهیدان راه فضیلت (496)، علماء معاصرین (70 -69)، فوائد الرضویه (374)، معجم المؤلفین (183 /8).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیة»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (55 /20، 211 /12، 259 /8).

آل بحرالعلوم، میرعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1315 ق)، فقیه و نحوی. در علم و تقوا به درجه کمال رسید. در زمان حیات پدرش از دنیا رفت. پدرش در آخر رساله ولایت در کتاب «بلغة الفقیه» از او تمجید نموده و او را غواص دریای فقه خوانده است. از آثارش: کتاب «کشف الاسرار فی شرح الاظهار»، درنحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (8/ 312- 313)، الذریعه (17 /18)، شهیدان راه فضیلت (497)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1530 -1529 /14).

آل بویه، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا آل بویه
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/3/1
زندگینامه علمی
علیرضا آل بویه در اول خرداد 1339 در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دروس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در این شهر همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک شد و در سال 1358 در حوزه علمیه شروع به تحصیل علوم دینی کرد.
پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح و استفاده از محضر اساتیدی چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی، راستی کاشانی، پایانی و ستوده از سال 1367 با حضور در دروس خارج فقه (کتاب الحج) و اصول (جلد اول کفایه) آیت الله فاضل لنکرانی، از دروس تفسیر قرآن و خارج فقه (کتاب الاجارة) آیت الله جوادی آملی و خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی بهره های علمی فراوان برد. در کنار دروس مرسوم حوزه به دلیل علاقه به مباحث فلسفی، کتاب نهایة الحکمه و منظومه سبزواری را فرا گرفت و این در حالی بود که برخی از دروس از جمله ادبیات عرب، منطق، کلام، فلسفه و اصول فقه را تدریس می کرد.
در سال 1374 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی از مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم شد. همزمان با این دوره، در گروه عقاید (دین شناسی) بنیاد باقرالعلوم علیه السلام (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی«ره») مشغول به تحصیل شده و سالهای متمادی خوشه چین اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام والمسلمین فیاضی، استاد مصطفی ملکیان، حجت الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی، دکتر محمد لگنهاوسن و... بود و در سال 1378 در رشته دین شناسی فارغ التحصیل شد.
از سال 1374در کنار تحصیل در مراکز تحقیقاتی مشغول به کار شد و در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، مدیریت گروه تاریخ و فلسفه فقه و حقوق را به عهده گرفت.

از سال 1377 تا سال 1379 در سمت معاونت پژوهشی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در آن مرکز فعالیت داشت. در سال 1376 مدیریت پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عهده ایشان گذاشته شد که هم اکنون نیز در آنجا مشغول به فعالیت می باشد. در سال 1378تا 1382 همکاری به عنوان عضو هیات علمی با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را آغاز کرد. ایشان از اوائل سال 1382 سردبیری مجله نقد و نظر را برعهده دارد.

آل داوود, علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : سیدعلی آل داوود در سال 1331 در شهر خور بیابانک به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه تا سال پنجم دبیرستان را در زادگاهش سپری کرد و سال آخر را در شهر اصفهان به پایان رسانید، به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران مدرک لیسانس گرفت. سپس تحصیل در مقطع فوق لیسانس رشته جامعه شناسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد ولی آن را نا تمام گذاشت. آل داوود مصحح دیوان شعرای قدیم، نسخه شناسی، مقاله نویس و ویراستار ، شاید کارنامه پر بار وی ، امروزه مایه رشک و غبطه افرادی است که راه کوبیده شده و هموار « تحصیلات رسمی» را تا آخر رفتند. و دست آخر، تبدیل به کارمندان پشت میز نویس شدند. بدون تحقیق و تالیف و بدون جای پای در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران . وی هم اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
گرایش : ادیب، محقق و نسخ شناس و ویراستار
والدین و انساب : پدر سید علی آل داوود زنده نام سید عبدالحسین آل داوود از کارکنان وزارت معارف (سابق) و پدر بزرگش ، اسدالله منتخب السادات یغمایی، شاعر نامدار آن اقلیم (خور) بوده است. منتخب السادات نواده دختری یغمایی جندقی شاعر بزرگ عصر قاجار بود و بدین طریق نسب سیدعلی ال داوود ، هم از طریق پدر و هم از طریق مادر به یغمایی جندقی می رسد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی آل داوود، تحصیلات متوسطه را تا سال پنجم دبیرستان در زادگاهش (خور) و سال آخر را در دبیرستان ادب در شهر اصفهان به پایان رسانید. به تهران آمد و در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. بعد از آن، راغب شد تا در رشته جامعه شناسی تحصیل را ادامه بدهد، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و چند قدم مانده به اخذ درجه فوق لیسانس، به قول خودش: «از آن منصرف شده و تا امروز دیگر پیگیر تحصیلات رسمی نبوده ام».
فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدعلی آل داوود از همان زمان تحصیل در

دبیرستان بنیاد فرهنگ ایران کار می کرد. نخستین مقاله سیدعلی آل داوود جوان در «کتاب طوس» - نشریه وزین و سنگین - چاپ شد و پایه و مایه علمی او را به همگنانش نشان داد. با این حال، محقق جوان ما، صلاح ندید بنای معیشت خود را بر کار سنگین و کم برکت تحقیق (از لحاظ مادی) بگذارد. از این رو، کار در وزارت فرهنگ و هنر (سابق) را نیز رها کرد و بر آن شد که از تحصیلات خود در رشته وکالت دعاوی استفاده کند. هرچند که بخش اعظم عمر او عملاً در کتاب و قلم و دایرة المعارف ها سپری شد نه در دفتر وکالت و دادگاه ها.
استادان و مربیان : سیدعلی آل داوود زیرنظر استادی بزرگ: پرویز ناتل خانلری که استعدادپرور بود و وسعت مشرب داشت. استادانی مثل محمدپروین گنابادی، حسین فریدجم و دکتر مهرداد بهار بنای فکری و علمی او را شکل دادند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدعلی آل داوود از ۱۳۶۵ به سمت مؤلف و ویراستار در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی) به کار مشغول شد و در عرض کمتر از بیست سال، بیش از یکصد مقاله علمی سنگین در موضوعات مختلف برای آن دایرة المعارف نوشت و چند برابر این تعداد مقالات را ویرایش کرد. اوقاتی از هفته را نیز در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کار پرداخت. «دانشنامه زبان وا دب فارسی در شبه قاره هند» را تدوین و ویرایش کرد: نخستین کتاب های او نیز در همین سال ها از چاپ درآمد
فعالیتهای آموزشی : سیدعلی آل داوود اکنون عضو هیات علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از کارهای تحقیقی سیدعلی آل داوود در سه سال گذشته باید به این موارد اشاره کرد: «برگزیده اعجوبه و محجوبه»، از جمله داستان های کهن عامیانه و از زمره داستان های خواندنی و مفید در ادب قدیم فارسی است. آل داوود این «برگزیده» را از متن خطی آن (موجود در کتابخانه مجلس) استخراج و همراه با مقدمه مفصل و شرح لغات و اصطلاحات چاپ کرده است.
آرا و گرایشهای خاص : وی در مورد پژوهش در نسخههای خطی میگوید: «در انتشار نسخه های خطی، طبیعتاً باید نسخه های مختلف آن اثر، با هم مقابله و تصحیح و سپس منتشر شوند. این نقدها را بر آثاری می نویسم که مقابله شده اند و جزو آثار مطرح محسوب می شوند. هر کتاب مطرحی را باید یک منتقد که به آن حوزه مسلط است، نقادی و بررسی کند و ببیند که چاپ تازه این کتاب تا چه حد توانسته به اهداف خودش نزدیک باشد، اگر متن است، منتقد باید ببیند این متن درست تصحیح شده یا نه؟ اگر در حوزه تحقیقاتی است باید دید محقق آخرین حرف ها و تازه

ترین حرف ها را در مورد یک اثر زده یا نه، مهم این است کتابی که در حوزه تاریخ و یا ادب منتشر می شود آخرین مباحث این موضوع را مطرح کرده باشد، اگر تکراری و مثل حرف های گذشتگان باشد، طبعاً آن اثر تحقیقی واجد ارزشی نیست». زندگی در میان متون و اشتغال مداوم به کار تصحیح و بازشناسی، نسخ قدیم، سیدعلی آل داوود را بدل به مسافر خستگی ناپذیر نسخه های کهن ساخته است.
جوائز و نشانها : بزرگداشت حامیان نسخه های خطی در کتابخانه مجلس، از بسیاری مصححان و پژوهشگران نسخه های خطی تقدیر شد که نام سیدعلی آل داوود نیز در آن فهرست بود. خود او با فروتنی در این مورد می گوید: «این تقدیر در واقع بابت نقدنویسی در مجله نشر دانش (وابسته به مرکز نشر دانشگاهی) است. یکی از کارهای اصلی این نشریه، نقد و بررسی نسخه های خطی است که توسط مصححان منتشر می شوند. در این نشریه یکی از کارهای من نوشتن نقد و بررسی روی آثار خطی است که منتشر شده اند. من در این چند سال بیش از شصت نقد در مورد این آثار نوشته ام. آنچه موجب این تقدیر شد در واقع سلسله نقدهای من بود».
چگونگی عرضه آثار : مقالات فراوان سیدعلی آل داوود را می توان در نشریات و کتاب های وزینی چون نشر دانش، نامه فرهنگستان، تحقیقات اسلامی، کتاب طوس (توس)، ارج نامه ایرج (با استخراج و فهرست نویسی درخشان سیدفرید قاسمی از آثار استاد ایرج افشار)، نامه بهارستان ... و مجله کانون وکلای دادگستری سراغ کرد. این آخری، مجله ای ویژه در زمینه تاریخ و مطالعات حقوقی است. سیدعلی آل داوود، رشته و حرفه معیشتی خود را نیز مثل کاردل، بسیار جدی دانسته و در آن مسیر نیز فکر و قلم خود را به کار گرفته است. از جمله: مجموعه آثار یغمای جندقی (جلد اول: دیوان اشعار غیر از فکاهیات؛ در سال ۱۳۵۷، و جلد دوم شامل مکاتیب، در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و آثار یغمای جندقی (در سال ۱۳۶۲)، شرح احوال و اشعار حریف جندقی (در سال ۱۳۶۶)، دو سفرنامه از جنوب ایران (به سال ۱۳۶۷). او این آزمودگی در نسخه های قدیم و کارورزی با ادبیات کهن ایران را در فضای ماهنامه وزین «یغما» (۱۳۲۷-۱۳۵۷) آموخته بود و از ۱۳۵۲ تا چند سال بعد، مدیر داخلی آن مجله و یار و یاور عمومی دانشمندش حبیب یغمایی بود. آل داوود جوان در محیط آن نشریه، با غنایی از ادب و فرهنگ ایران آشنا شد که در نوع خود منحصربه فرد بود
_____
آثار :
1 احوال و اشعار حریف جندقی
ویژگی اثر : تهران، انتشارات فتحی، 1366

2 اسرار الشهود، اثر شمس الدین اسیری لاهیجی
ویژگی اثر : موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1368
3 برگزیده اشعار یغمای جندقی
ویژگی اثر : تهران ، امیر کبیر، 1365، چاپ دوم 1369
4 تاریخ الفی،تاریخ ایران و کشورهای همسایه در بین سالهای 850 تا 984 هـ.ق
ویژگی اثر : تهران، انتشارات فکر روز، 1378
5 دو سفرنامه از جنوب ایران
ویژگی اثر : تهران، امیر کبیر، سال 1368، چاپ اول و چاپ دوم 1378
6 دیوان اشعار صفایی جندقی
ویژگی اثر : تهران، انتشارات افرینش، 1370
7 دیوان حافظ با مقدمه
ویژگی اثر : تهران، انتشارات هیرمند، 1367
8 دیوان هنر جندقی
ویژگی اثر : انتشارات تالار کتاب، 1366، تهران
9 مثنوی شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی
ویژگی اثر : اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1367
10 مجموعه آثار یغمای جندقی جلد اول و دوم
ویژگی اثر : انتشارات توس، چاپ اول، 1357، چاپ دوم 1367 تهران ، جلد دوم این کتاب در تاریخ 1362 منتشر شد.
11 نامه اقبال (45 گفتار در زمینه مطالعات و تحقیقات ایرانی)
ویژگی اثر : تهران ، انتشارات هیرمند،1377
12 نامه های امیر کبیر و انضمام رساله نوادرالامیر
ویژگی اثر : تهران، نشر تاریخ ایران، 1371
13 یوسف و زلیخا و شمس و قمر، اثر خواجه مسعود قمی
ویژگی اثر : تهران، انتشارات آفرین، 1369 منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آل رسول، محمد ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، امام مسجد شمس‌آباد، متوفی در 1356، مدفون در تکیه‌ی ملک، و سپس در 1363 به نجف منتقل گردیده، در جنب پدر و جد خود مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

آل طالقانی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1248 ق)، ادیب، فقیه و عارف. در نجف به دنیا آمد. مقدمات را در خدمت برادر خویش، سید هاشم، فراگرفت و ادبیات را در محضر شیخ احمد قفطان خواند. سپس به مجالس درس شیخ انصاری و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و میرزای شیرازی حاضر شد، تا در فقه و اصول به اجتهاد رسید. در اخلاق نیز مدتی نزد ملا حسینقلی همدانی رفت و از محضرش بهره‌ها گرفت. بیشترین شهرت وی در زمینه ادبیات است بدان پایه که او را سیبویه ملقب کردند. جماعتی از ادباء از شاگردان وی به حساب می‌آیند، از جمله: شیخ جعفر بدیری. در نجف وفات کرد و در صحن علوی دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مکارم الآثار (1340 -1339 /4).

آل طاها، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای سید محمد آل طاها از گویندگان نامی و وعاظ گرامی شهرستان مذهبی و دینی قم می‌باشد.
تولدش در قم واقع شده و در این شهر ایمانی در بیت مجد و عزت پرورش یافته و پس از دوران دروس جدید به تحصیل عربی صرف و نحو و منطق پرداخته و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید و مدرسین حوزه و علماء شهر آموخته و در رشته منبر و وعظ و خطابه زحمت فراوان و مطالعات بسیار نموده تا یکی از مبلغین شهیر گردیده است.
نگارنده گوید: جناب آل طاها منبری مفید و آموزنده و بیانی ملیح و جامع و ولایتی دارد نمونه‌ای از بیانات و سخنرانی ایشان راجع به فلسفه شهادت و قیام حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام جناب آقای تاج واعظ لنگرودی در گفتار وعاظش نقل نموده است...
معظم‌له مورد احترام و وثوق مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه و مردم قم و بسیاری از شهرستانها که برای تبلیغ رفته است می‌باشد.
آثار ارزنده من جمله کتابی در رد کتاب شهید جاوید نجف‌آبادی دارند که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

آل طبیب، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1339 قمری در شوشتر به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات مسافرت به قم نموده و از محضر آیات قم مرحوم ادیب تهرانی و آیت العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت استفاده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و چند سالی از محضر آیتین اصفهانی و حاج شیخ کاظم شیرازی استفاده کرده سپس به واسطه ضعف و کسالت والدش به اهواز آمده و در مسجد آن مرحوم که در خیابان وکیلی واقع است (خیابان کاشانی) تاکنون به امامت و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارد و از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به فضل و دانش می‌باشند و عده‌ای از محصلین اهواز دراسات ایشان استفاده می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل طه، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن آل طه
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1320/1/1
زندگینامه علمی
دو ساله بودم، پدرم که از وعاظ معروف شهر بودند، بواسطه برخورد پلیس رضاخان قبول وکالت می شود و دارفانی را وداع می گوید و سرپرستی اینجانب را مرحومه مادرم و برادر بزرگوار حجةالاسلام سیدمحمد آل طه که خود از وعاظ مشهور است به عهده گرفته و بعد از گماردن در مدرسه فرهنگی و گذراندن دوره تحصیلی تا کلاس ششم، به دروس حوزوی راهنمایی نمودند و ابتدا در مدرسه رضویه و منزل، قسمتی از جامع المقدمات از محضر برادرم بهره مند شدم تا اینکه تحصیل را همانطور که ذکر شد، پیش اساتید دیگر ادامه داده تا در ماه رجب یا شعبان سال 1380 قمری موفق به شرکت در امتحانات شفاهی حوزه که از طرف مرحوم آیة الله بروجردی برگزار می شد، شدم و در شوال همان سال که معظم له فوت نمودند و امتحان کتبی که از طرف مرحوم آیة الله گلپایگانی برگزار شد.
جهت امتحان کفایه و مکاسب شرکت نموده و بحمدالله نمره قبولی را بدست آوردم و تاکنون از محضر علماء و بزرگان حوزه بهره مند بودم و هم اکنون اشتغال به تحقیق و تدریس داشته و امید است خدای بزرگ سرمایه بخشد و یا دانش بزرگ به همه زعماء و اساتید مرحمت فرماید.
از خدای منان می خواهم بنده را شکر گذار آن همه الطاف و نعمتهای خود قرار دهد.

آل طیب شوشتری، عبدالسلام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در شوشتر به دنیا آمد. در خدمت برادرش آقا سید محمد مهدی آل‌طیب و آقا شیخ محمد کاظم ابن‌الشیخ تلمذ نمود تا به درجه اجتهاد رسید و از این دو عالم بزرگ اجازه اجتهاد گرفت. او از دیگر آیات نیز بهره گرفت. چون حاوی کمالات نفسانی بود و در پارسایی و تقوا پیشتاز، مواعظ و نصایح وی بسیار مؤثر بود.او را تألیفات و تصنیفات چندی در فقه است، از جمله: حاشیه استدلالی بر «عروة الوثقی» طباطبائی یزدی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (5/ 415).

آل طیب شوشتری، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1311 ق)، فقیه، محقق، واعظ و زاهد. از خاندان سید نعمت‌اللَّه جزایری است. در شوشتر به دنیا آمد. تحصیلات سطوح نهایی را نزد عم خویش آقا سید بزرگ آل طیب و حاج شیخ محمدکاظم شوشتری به پایان رساند و از محضر حاج شیخ محمد رضای دزفولی نیز بهره برد و از او اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در زهد و پارسایی و موعظه و خطابه یگانه دوران خود بود. او عهده‌دار مرجعیت اهالی شوشتر بود. در شوشتر از دنیا رفت و همان جا دفن شد. آثار بسیاری از او به یادگار ماند که از جمله آنها: شرحی بر «کفایة الاصول»؛ شرحی بر «معالم الاصول»؛ «معالی الاخلاق»؛ «الوسیلة الکبری فیما یعم به البلوی»، فارسی، در اصول دین و فروع از طهارت تا آخر عبادات و نیز معاملات؛ شرحی بر وصیت‌نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (82 /25)، گنجینه‌ی دانشمندان (415 -414 /5).

آل طیب، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی فرزند سید جلیل و عالم زاهد آقا سید علی محمد آل طیب جزایری شوشتری از افاضل سادات و احفاد علامه بزرگوار و محدث عالی‌مقدار سید نعمت‌اللّه جزایری است.
وی در سال 1329 قمری در شوشتر متولد شده و در بیت فضل و دانش پرورش یافته و مقدمات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و قسمتی از سطوح را نزد علامه آقا سید بزرگ آل طیب خوانده و از اساتید دیگر آن زمان استفاده کرده و پس از آن به دزفول عزیمت نموده و از محضر علامه بزرگوار حاج شیخ محمدرضا معزی بهره‌مند شده و از شاگردان خاص آن مرحوم گردیدند و ایشان علاقه مخصوص به ایشان داشتند و اجازه اجتهاد بر ایشان نوشتند که عین آن نزد برادر عزیزش حاج سید کاظم آل طیب موجود است و در ایام تابستان که شیخ به بروجرد می‌رفتند برای گرمی هوای دزفول ایشان را همراه خود می‌بردند و ایشان هم از این فرصت استفاده کرده از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی (ره) که در آن موقع در بروجرد بودند استفاده کرده و کسب فیض می‌نمودند و مدتی هم در قم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حجت بهره‌مند شده و بعد از وفات شیخ به شوشتر آمده و بعد از چندی به اهواز رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی پرداخته تا در روز پنجشنبه دهم ماه رمضان هزار و سیصد و شصت و پنج قمری سال فوت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام در جوار جدش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌الصلوه والسلام مدفون شده است.
خدایش رحمت کند که در استقامت رای و بودن فهم از ابناء ممتاز و در بیت شریف آل طیب مشار بالبنان بوده ولی متاسفانه که عمرش کوتاه و در سن 36 سالگی از دنیا رفته ولی خوشبختانه به مضمون آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها ناتی بخیر منها او مثلها» ما هیچ آیه را منسوخ نکرده یا واپس نکردیم مگر اینکه بهتر از آن یا مانند آن را آوردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل علی شاهرودی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جواد حسینی آل علی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین حسینی آل علی شاهرودی طاب ثراه.
داماد بزرگ آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی در بیست و هفتم جمادی‌الاولی 1348 قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و به تحصیلات اولیات و ادبیات و سطوح عالیه پرداخته و پس از آن دروس خارج فقه و اصول و غیره را از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارک علمی از آیات عظام نجف اشرف و بالاخص فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی قدس‌اللّه سره استفاده تا نائل به درجات و مدارک علمی از آیات عظام گردیده و خود در نجف و چند سالی در مسجد یکی از محلات نجف به نام خوان مخضر (میدان میوه فروشان) اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین می‌نمود و سفرهای متعددی هم به عنوان بعثه دینیه آیت‌اللّه العظمی شاهرودی به حج مشرف و رسیدگی به امور حجاج مقلدین آن مرحوم را می‌نمود.
در سال 1395 شمسی به واسطه فشار و مزاحمت حکومت بعث عراق به ایرانیهای مقیم عراق ناچار به مهاجرت به کویت شده و تا سال 1370 قمری اقامت و به خدمات دینی و روحی و علمی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و بخصوص نشر معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام داشته و خدمات چشمگیری نموده است.
خدمات معظم‌له در کویت
1- تأسیس مدرسه علمی از طرف حضرت آیت‌اللَّه العظمی خوئی مد ظله الوارف.
2- تدریس در آن و سرپرستی و رسیدگی به امور طلاب آن.
تألیفات و آثار علمی ایشان در کویت
در مدت اقامتشان در کویت در مواقع فراغت تألیفات سودمندی نموده که فهرست آنها را از نظر کاوشگران می‌گذرانم.
1- الامام المهدی و ظهوره.
2- الانسان فی مراحل الست که چندین بار به عربی به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده و بار دوم به وسیله حجةالاسلام آقای نفسی در

کراچی ترجمه باردو چاپ شده.
3- کتاب آداب الحرمین که تا این تاریخ هفت نوبت طبع و منتشر شده است و ترجمه آن به فارسی دو مرتبه و هر بار در تیراژ بیست هزار چاپ و نشر گردیده.
4- شخصیه المسلم.
5- الارث فی الجداول- مخطوط و بعضی مخطوطات دیگر.
و نیز از این بزرگوار خدمات دیگری در عراق و نجف اشرف و برخی از شهرستانی ایران (از قبیل کمک به بناء مسجد و حسینیه و خیریه‌های دیگر) شده که شایان تقدیر می‌باشد.
بیمارستان چشم پزشکی پیامبران
اخیرا آنجناب موفق شدند که در تهران فلکه دوم صادقیه خیابان باغ فیض- خیابان پیامبران- خیابان ابوذر، بیمارستانی به خیریه اختصاصی چشم پزشکی پیامبران به مساحت 27 هزار متر مربع که زیربنای آن 20400 متر مربع و دارای پنج بلوک که بعضی در شش طبقه است و در آن عملیات و جراحی‌های چشم در سطح بالا انجام می‌گیرد که در واقع بیمارستان بی‌نظیریست در ایران بلکه در خاورمیانه.
ایشان پس از مدت پانزده سال اقامت در کویت در سال 1370 شمسی برابر 1410 قمری هجرت به قم نموده و به تتمیم طبع مولفات خودشان و رسیدگی بیمارستان مذکور مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

آل غفور، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد تقی آل غفور
محل تولد : شوشتر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/3/1
زندگینامه علمی
سید محمد تقی آل غفور در خرداد ماه 1334هجری شمسی در خانواده ای روحانی در شهرستان شوشتر متولد شد. در سال 1357 در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران دانشکده ادبیات و علوم انسانی و در سال 1373 در رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد و اکنون ضمن اشتغال به تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، در مقطع دکترای جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه امام صادق (ع) اشتغال به تحصیل دارد، وی هم اکنون به تحقیق، تدریس و تالیف مشغول است.
در دوره اول نمایندگی مجلس شورای اسلامی از شهرستان شوشتر به عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی راه یافت. مدتی در مؤسسه آموزشی عالی باقر العلوم علیه السلام عضو هیئت امنای آن مرکز بود. مدتی نیز ریاست آن مرکز را نیز بر عهده داشت. مدیر مسئولی فصلنامه های علوم سیاسی و تاریخ اسلام و مدیریت گروه رشته علوم سیاسی دانشگاه مفید نیز از دیگر فعالیتهای نامبرده است.

آل‌طاهر، جلال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال آل‌طاهر فرزند آقا شیخ حسین (نواده مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد) از ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.
تولد ایشان در سال 1307 شمسی در خمین واقع شده و تحصیلات مقدماتی خود را در نزد جدش تکمیل و چندین سال از محضر اساتید قم استفاده نموده و سپس در کرمانشاه متوطن گردیده و از محضر درس آقای اسلامی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی که مدتی به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی در کرمانشاه اقامت داشتند استفاده نموده فعلا در مسجد اشجاری به امامت و ارشاد خلق مشغول می‌باشد
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

آل‌طیب شوشتری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در شوشتر متولد شد. در محضر عموی خود سید محمدباقر آل‌طیب علوم مقدماتی را خواند، و نزد پدرش و شیخ محمدکاظم ابن الشیخ سطوح عالی فراگرفت. سپس به دزفول مهاجرت کرد و از محضر شیخ محمدرضا دزفولی در زمینه فقه و اصول و حدیث بهره برد. آنگاه به قم رفت و چند سال در محضر آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خوانساری تلمذ کرد و پس از دریافت درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی پرداخت. وی از آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی نیز دارای اجازه بود. او در علم هیئت و علوم عقلی مهارت داشت و در فلسفه از شاگردان مبرز میرزا مهدی آشتیانی بود. از او آثار زیادی در فقه و اصول و حکمت و ادبیات باقی مانده، از جمله آثار وی: منظومه «ریاض المرضیه» که متضمن «الفیه» ابن مالک نحوی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (26/ 306- 307)، گنجینه‌ی دانشمندان (5/ 412-414).

آل‌عصفور، یوسف

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1186 -1107 ق)، فقیه، متکلم، محدث، محقق، نویسنده و رجال شناس. از فرزندان احمد بن ابراهیم از شخصیتهای معروف روحانی و علمی این خاندان بود. وی در شاخوره‌ی بحرین زاده شد و در مکتب خانه و نزد پدر خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را آموخت. هنگام فتنه خوارج در بحرین، و مهاجرت پدرش احمد به قطیف، در شاخوره ماند و پس از چندی به آنان پیوست. در آنجا نزد شیخ حسین ماحوزی و شیح احمد بن عبداللّه بلادی و شیخ‌احمد بن علی به آموختن علوم دینی مشغول شد. فوت پدر و سنگینی معیشت خانواده مانع ادامه‌ی تحصیل وی شد. پس به بحرین و سپس به مکه رفت و یکبار دیگر نزد شیح حسین ماحوزی بازگشت. از آنجا به بحرین، کرمان و شیراز رفت. و چون شیراز دچار خشم و غضب نادرشاه گشت به فسا رفت. در فسا برای تأمین نیازهای زندگی به کشاورزی پرداخت و با فراغت نسبی به کار تدریس و تحقیق مشغول گشت و تألیف مشهورترین اثر فقهی خود «حدائق» را آغاز کرد. اما پس از آشوب خونینی که در فسا رخ داد و میرزا محمدعلی، حاکم وقت فسا، که به وی التفات داشت کشته شد و دارایی و کتابهای خود وی نیز به غارت رفت به اصطهبانات و سپس به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید و در این شهر به آرامش و امنیت و رفاه دست یافت و کتاب «حدائق» و چندین کتاب دیگر را تمام کرد. وی تا پایان عمر در آنجا زندگی کرد و حیات خود را صرف تدریس و تعلیم و تحقیق و تألیف کتابای فقهی، روایی و کلامی و عبادی کرد. او استاد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» و از مشایخ روائی علامه بحرالعلوم است. در کربلا بر اثر طاعون درگذشت. بنابر وصیتش استاد وحید بهبهانی بر وی نماز گزارد و در کنار تربت امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «اعلام القاصدین»؛ «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة»، در فقه استدلالی؛ «سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی‌الحدید»؛ «الدررالنجفیة من الملتقطات الیوسفیة»؛ «انیس المسافر و جلیس الخواطر»؛ «لؤلؤة البحرین فی الاجازة لقرتی العین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 286) ایضاح المکنون (2/ 20، 1/ 103)، تاریخ ادبیات ایران، براون (4/ 229)، الذریعه (18/ 379- 380، 12/ 210- 211

(190 روضات الجنات، 2/ 239، 465- 466، 6/ 289- 290، 8/ 140، 186- 8/)، ریحانه، (472 /8) ،(361- 360 /3) ،(234 /1)، شهیدان راه فضیلت (466)، طرائق الحقائق (186- 180 /1)، فارسنامه‌ی ناصری (1407- 1406 /2)، فوائد الرضویه (716- 713)، گنجینه‌ی دانشمندان (324 /6)، مؤلفین کتب چاپی (879- 876 /6)، مصفی المقال (505)، معجم المؤلفین (269- 268 /13)، هدیة الاحباب (172)، هدیة العارفین (569 /2).

آملی طبری، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 275 ق)، محدث و واعظ. معروف به غلام خلیل. اصل وی از طبرستان است. در بصره متولد شد و در بغداد سکونت داشت و شیخ بغداد بود. از دینار و قُرَّة بن حبیب و سهل بن عثمان و شیبان حدیث شنید، و محمد بن مخلد و عثمان سمّاک و احمد بن کامل و گروهی از او حدیث روایت کرده‌اند. محمد بن محمد کندی از راویان او است. ابن غضائری و نجاشی او را محدثی ضعیف شمرده‌اند. در بغداد درگذشت، در فقدش بازارها بسته شد و زن و مرد و کودک از منازل خارج شدند تا بر وی نماز گزارند. جنازه‌اش به بصره حمل و در آنجا دفن و بنایی بر آن افراشته شد.
از آثارش: کتاب «الوصول الی معرفة الاصول»؛ کتاب «الکشف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3/ 118)، تاریخ بغداد (80 -78 /5)، تنقیح المقال (1/ 77)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 1/ 73)، رجال ابن‌داود (قسم 2/ 423)، رجال النجاشی (1/ 243)، سیر النبلاء (285 -282 /13)، لسان المیزان (414 -412 /1)، معجم رجال الحدیث (2/ 224)، معجم المؤلفین (2/ 113).

آملی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، کاتب. ملقب به صدرالکتاب. یک نسخه‌ی دیوان رودکی به قلم کتابت جلی متوسط به خط وی موجود است که در تهران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (14 /1).

آملی، ابوالحسین احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(421 -333 ق)، فقیه، ادیب، شاعر و محدث. در آمل به دنیا آمد. وی برادر یحیی ملقب به ناطق بالحق و از پیشوایان زیدیه‌ی طبرستان و معاصر صاحب بن عباد بود. و با برادر کوچک‌تر خود به برادران هارونی معروف بودند. پدر وی شیعه‌ی اثنی‌عشری بود و خود او و برادرش نیز نخست دارای این مذهب بودند و بعد از فرقه‌ی زیدیه‌ی پیوستند. آملی در پی کسب دانش به بغداد رفت و نزد دایی خود ابوالعباس احمد بن ابراهیم درس خواند. بعد به همدان رفت و نزد قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی درس خود را به پایان رساند و در فقه و اصول و نحو و لغت عربی و حدیث و درایت تبحر یافت و آراء فقهی او از سوی زیدیان ایران و کوفه و حجاز و یمن پذیرفته شد. وی در فصاحت شهره بود، چنانکه نثر وی را در کتابی که در پاسخ قابوس وشمگیر درباره‌ی فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) نوشت معجزه مانند دانسته‌اند. در دیلمستان با او به خلافت بیعت کردند و مدت حکومتش بیست سال طول کشید. آثار او عبارتند از: «التجرید»، و شرح آن؛ «دیوان» اشعار؛ «سیاسة المریدین»؛ «کتاب الافادة»؛ «کتاب البلغه»؛ «کتاب النصرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 112)، اعیان الشیعه (2/ 570)، تاریخ طبرستان (98، 101)، تاریخ گیلان و دیلمستان (27)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 16 -15 /5)، معجم المؤلفین (1/ 209).

آملی، محمدسلیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، شارح و مترجم. وی «دعای مشلول» را شرح و ترجمه کرده است. این کتاب همراه «ترجمة دعاء السمات» علامه مجلسی که در حدود 1000 سطر است با خط یک نویسنده گردآوری شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (101 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 318 /12).

آموزگار یگانه، ژاله

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و زبانهای باستان، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از مدرسه مطالعات عالی سوربن پاریس در سال 1346.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و اساطیر ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 100 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 6
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، تاریخ و فرهنگ.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
زبان، تاریخ، فرهنگ و اساطیر ایران باستان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آموزگار، جهانگیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1298 ق)، نویسنده و مترجم. پسر حبیب‌اللّٰه آموزگار در اصطهبانات فارس متولد شد. در رشته‌ی اقتصاد و ادبیات به اخذ مدرک کارشناسی نایل شد. برای تکمیل تحصیل به آمریکا رفت و دکترای خود را در هر دو رشته گرفت. پس از بازگشت به ایران مشاور اقتصادی شد. ولی مجدداً به آمریکا رفت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. وی مدتی نماینده‌ی اصطهبانات در مجلس بود و یک چند نیز وزیر بازرگانی شد. از آثار او است: «کلیما یا سایه‌ی خوبان»، ترجمه‌ای از کتاب آندره موروا.[1]
(1359 -1269 ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در اصطهبانات فارس متولد شد. به شیراز رفت و مقدمات فقه و اصول و منطق را فراگرفت. در 1290 ش به تهران آمد و به جرگه‌ی مطبوعات وارد شد و سردبیر روزنامه‌های «آفتاب»، «صدای ایران»، و مدیر مجله «رهنما» و صاحب امتیاز مجله «علم و اخلاق» شد. سپس به ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب منصوب گردید مدتی هم ریاست فرهنگ شیراز را بر عهده داشت. در وزارت دادگستری نیز یک چند مشاغل گوناگونی عهده‌دار شد. در سال 1330 ش وزیر فرهنگ و پس از آن چند دوره سناتور شد. از همکاران مجله‌ی «آینده» و جزء مؤسسان و شریکان دوره‌ی چهارم آن مجله بود از جمله‌ی آثار وی: «آموزش و پرورش»؛ «ابومسلم خراسانی»، ترجمه از عربی؛ «اصلاحات اجتماعی»؛ «تاریخ اسلام»؛ «رهنمای تربیت»، ترجمه از عربی؛ «زن در جامعه»؛ «فرهنگ آموزگار».[2]
روزنامه‌نگار.
تولد: 1270، تهران.
درگذشت: فروردین 1359.
حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، فرزند محمدحسین اصطهباناتی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس تهران پشت سر گذاشت و سپس به دارالفنون وارد شد و پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی مدتی ریاست مدرسه‌ی دولتی ادب و پس از آن ریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات را به عهده داشت. در زمان داور به وزارت عدلیه منتقل شد و به مشاغل مختلفی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی دست یافت. وی همچنین مدتی مستشار دیوان کشور بود. حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، مدتی نیز در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه

تهران تدریس نمود. مدتی در وزارت دادگستری در سمت‌های مختلف مشغول به کار بود. سال‌ها در مجلس سنا به عنوان نماینده‌ی منصوب شده بود و در کابینه‌ی حسین علاء که در 29 اسفند سال 1330 تشکیل شد به عنوان وزیر فرهنگ معرفی گردید. این کابینه بر اثر تظاهرات مردم و اعتصابات ادارات و بازار به منظور ملی شدن صنعت نفت دیری نپایید و در دهم اردیبهشت سال 1331 سقوط کرد. حبیب‌الله آموزگار در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی نیز نماینده بود.
آموزگار در تهران به عرصه مطبوعاتی وارد شد و به سردبیری روزنامه‌ی «آفتاب» و روزنامه‌ی «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما» و «علم و اخلاق» رسید. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز روزنامه «جهان آینده» بود.
علاوه بر تألیف برخی از کتب درسی، از آثار وی که قسمتی به صورت تألیف و قسمتی دیگر به صورت ترجمه است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: آموزش و پرورش (1316)؛ ابومسلم خراسانی (جرجی زیدان، ترجمه با همکاری عبدالحسین میرزا، سه جلد)؛ اصطلاحات اجتماعی (1307)؛ تاریخ اسلام (1334)؛ جهان و روح آفرینش (1333)؛ رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (اثر عمر بیک مصری، ترجمه‌ی کتاب هدایة المدرس، تألیف و ترجه، 1301)؛ زن در جامعه (1311)؛ عالم ارواح (تلخیص و ترجمه از کتاب الارواح طنطاوی، 1307)؛ صرف عربی، عمدة النحو (نحو عربی)، فرهنگ فارسی آموزگار (چاپ اول: 1336)؛ منطق آموزگار (1301)؛ لغت عربی به فارسی آموزگار، فلسفه‌ی روحی (1308)؛ ملکه اسلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 4، ش 5، ص 337)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 443- 444).
[2] آینده (س 4، ش 1، ص 237)، تاریخ جراید (4/ 38- 39)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (1/ 43- 44)، الذریعه (23 /76)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 52)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 482- 484).

آوانسی ماسئیان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310 -1242 ش)، مترجم. آوانسی یا هوانس خان ماسئیان ملقب به عمادالوزاره و بعد ملقب به مساعدالسلطنه از ارامنه‌ی ایران بود که در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات در تهران و پاریس در اداره‌ی انطباعات و دارالترجمه‌ی دولتی به عنوان مترجم زبان انگلیسی و فرانسه مشغول به کار شد. مدتی نائب اول سفارت ایران در برلین بود، ولی با شروع جنگ جهانی اول به ایران آمد. در دوره‌ی ششم نماینده‌ی ارامنه‌ی جنوب در مجلس شد. پس از آن نیز مدتی وزیرمختار ایران در لندن و سفیر ایران در توکیو شد. در سال 1310 ش از توکیو احضار شد، ولی در راه بازگشت در منچوری درگذشت. آوانس‌خان احاطه‌ی کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت. آثار وی عبارت‌اند از: ترجمه‌ی آثار شکسپیر به ارمنی؛ «سفرنامه‌ی آنتوان و روبرت شرلی»، ترجمه‌ی منظوم بخشی از «شاهنامه» به ارمنی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (174 -173 /1)، مؤلفین کتب چاپی (20 /1).

آوی، ابوالفتوح، احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 705 ق)، فقیه، محدث و کاتب. وی از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخرالمحققین بود و از هر دوی آنان اجازه داشت. علامه حلی در اجازه‌نامه‌اش از او تمجید بسیار کرده است. از آثارش استنساخ از نسخه «نهج‌البلاغه» سید ابوالرضا فضل‌اللّه راوندی و نگارش حواشی بر آن است. از دیگر آثارش شرح «قصیدة العینیة السینائیة» است. او مجموعه‌ای از «نهج المسترشدین» و «مبادیء الاصول» حلی را نوشت و نوشته‌ها را بر فخرالمحققین خواند و از او اجازه گرفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 26 /7، قرن 5 /8).

آوی، تاج الدین، ابوالفضل محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت 711 ق)، ادیب، عالم و پیشوای مذهبی. اصل او از آوه و محل تولدش کوفه و محل نشو و نمای او نجف است. در آغاز کار واعظ بود. سلطان محمد اولجاتیو به او عقیده بست و مقام ریاست نقیبان همه بلاد اسلامی را به وی سپرد. رشیدالدین وزیر به دشمنی وی برخاست و با گرد کردن مخالفین و تطمیع سید جلال‌الدین ابراهیم بن مختار، سید تاج‌الدین و دو پسرش شمس‌الدین حسین و شرف‌الدین علی را تسلیم جلال‌الدین کرد و او به فرمان رشید وزیر ناجوانمردانه دو پسرش را پیش از وی کشت و سپس تاج‌الدین را به شهادت رساند. در این واقعه آثار تعصب بسیار به ظهور رسید. آستانه وی در کنار دجله بین عزیزیه و صویره در راه کوت و بغداد است، و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در اطراف بغداد به حساب می‌آید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (608)، روضة‌الصفا (439 -438 /5)، ریاض العلماء (39 /7)، شهیدان راه فضیلت (134 -129)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 187 -186 /8)، مجالس المؤمنین (518 /1)، یادداشتهای قزوینی (3 /2).

آوی، حسین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 729 ق)، مترجم. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست اما از اشاره‌ای که به زندگی خود در کتاب ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» کرده معلوم می‌شود که در اصل از سادات آوه- آبه کنونی بین قزوین و همدان- بوده است. در جوانی به کاشان و از آنجا به اصفهان سفر کرد در آن شهر مقیم شد و با بزرگان و متنفذین آن شهر همچون افراد خاندان صاعدی و خواجه شمس‌الدین محمد بن نظام‌الدین یزدی و امیر مظفرالدین شیخ علی و حکام آن دیار جلیس و همنشین بود. از آثارش: ترجمه‌ی «محاسن اصفهان» ما فروخی که به نام غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه همدانی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1/ 877)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 859- 860).

آهی، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا ابوالقاسم خان در 1265 متولد شد. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به کمک عموی خود که منشی سفارت روسیه در تهران بود، برای ادامه‌ی تحصیلات به پطرزبورگ رفت و در آنجا مجدداً دوره‌ی متوسطه و عالی را در رشته‌ی حقوق به پایان رسانید. پس از مراجعت به ایران چندی در وزارت امور خارجه مصدر خدماتی شد و تا ریاست اداره ترقی کرد و بعد به ریاست شیلات شمال منصوب شد. در 1301 با علی‌اکبر داور محشور و نزدیک شد و از پایه‌گذاران حزب رادیکال و دنباله‌روی خط سیاسی داور بود. در 1301 با کمک و مساعدت حزب رادیکال، به معاونت وزارت معارف منصوب گردید و ضمناً در مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی تدریس می‌نمود.
در 1306 در تشکیلات نوین دادگستری با تربه‌ی 9 قضائی به مستشاری دیوان عالی تمیز منصوب گردید و قریب 6 سال در آن سمت باقی ماند. در 1312 استانداری فارس به عهده‌ی او قرار گرفت و در احیاء آثار باستانی فارس جد و جهدی از خود معمول داشت. در 1314 وقتی علی منصور ظاهراً به اتهام اخذ رشوه از شرکت کامپاکس برکنار و بازداشت شد، آهی به جای او به وزارت طرق منصور گردید و قریب سه سال در آن شغل مستقر بود و اتصال خطوط راه‌آهن شمال و جنوب در دوران تصدی او انجام گرفت. در نیمه‌ی دوم سال 1317 برکنار و زندانی شد. علت برکناریش سوءظنی بود که رضاشاه به او داشت چون تحصیلکرده‌ی روسیه بود و با سفیرکبیر شوروی حشر و نشر زیادی داشت، شاه به او ظنین شده بود. در یکی از ملاقات‌ها به رضاشاه گفته بود مردم از حکومت رضایت ندارند. همین جلسه موجب عصبانیت فوق‌العاده‌ی شاه شد و دستور داد شهربانی او را توقیف کند و پرونده‌ای در دادگستری برایش درست کردند تا سرانجام بر اثر مجاهدت دکتر احمد متین دفتری وزیر دادگستری محاکمه‌ی او سر نگرفت و از وی رفع اتهام گردید و مدتی بیکار ماند تا اینکه در تیر ماه 1319 در کابینه‌ی علی منصور به سمت وزیر دادگستری تعیین و معرفی شد. در شهریور 1320 پس از حمله‌ی شوروی و انگلیس به مرزهای ایران، علی منصور از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد. رضاشاه ریاست دولت را به آهی تکلیف نمود ولی او زیر بار نرفت و به لطائف‌الحیل او را راضی کرد که باید در این موقع خطیر یکی از رجال

باتجربه و پرسابقه در رأس دولت قرار بگیرد و شاه این پیشنهاد را پذیرفت و ریاست دولت را به فروغی واگذار کرد. شغل آهی در کابینه‌ی جدید همچنان وزارت دادگستری بود. دولت فروغی از نخستین روزهای تشکیل با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بود که از همه مهمتر ترک مخاصمه و تعیین تکلیف رضاشاه و بالاخره انعقاد پیمان‌نامه‌ای با دولتین شوروی و انگلیس بود. آهی در حل مشکلات نقش مهمی داشت. در حقیقت قائم‌مقام نخست‌وزیر و کارگردان دولت بود. در مذاکرات با سفراء شوروی و انگلیس آهی نقش‌آفرین شد. پس از استعفا و خروج رضاشاه از ایران، فروغی مجدداً با رأی تمایل نمایندگان مجلس به ریاست دولت رسید و آهی همچنان در کابینه با سمت وزیر دادگستری باقی ماند.
فروغی بعلت کسالت و کهولت غالباً قادر به حضور در مجلس شورای ملی نبود و تمام وظایف او را در مجلس، آهی انجام می‌داد. در سومین ترمیم کابینه باز هم شغل او محفوظ ماند و به هنگام طرح پیمان سه‌جانبه‌ی بین ایران و متفقین، دفاع اصلی از آن به دوش او قرار گرفت. در اوایل اسفند 1320 در چهارمین ترمیم کابینه، فروغی شغل آهی را تغییر داد و او را به وزارت اقتصاد و خواروبار و کشاورزی منصوب نمود. پس از معرفی هیئت دولت جدید، مجلس با اکثریت ضعیفی دولت را تأیید کرد ولیکن رأی مجلس مورد قبول فروغی واقع نشد و طبعاً خود و وزیران استعفا دادند. علی سهیلی جانشین فروغی در هیئت وزیران خود، آهی را به سمت وزیر دادگستری معرفی نمود و ضمناً برای سفارتش در مسکو از دولت شوروی تقاضای آگرمان کرد و در اوایل 1321 به مسکو رفت و قریب چهار سال در آنجا سفارت داشت. در 1325 در اثر بیماری به تهران بازگشت و سرانجام در همان سال در اثر بیماری سرطان درگذشت.
(1325 -1265 ق)، مترجم. پسر میرزاابوالقاسم آهی سفیر ایران در مسکو بود. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق و اقتصاد در مسکو به پایان رسانید. مشاغل گوناگونی را عهده‌دار شد. استاد مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، معاون وزارت معارف، وزیر راه و دادگستری، سفیر ایران در مسکو از 1321 ش تا پایان عمر در اواخر عمر به علت کسالت شدید به تهران بازگشت و در تهران درگذشت.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] یادگار (س 3، ش 3،ص 28).

آهی، مهری

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مدرس، ادیب.
تولد تهران.
درگذشت: اسفند 1366.
مهری آهی، فرزند مجید، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان رسانید و در سال 1310 در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در سال 1311 پدرش به سفارت کبیر ایران در اتحاد حماهیر شوروی منصوب گردید و مهری آهی همراه پدر عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال 1327 برای ادامه تحصیل خود در این رشته به انگلستان و فرانسه رفت و مدت هفت سال به تحصیل پرداخت و به اخذ دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات روسی نایل آمد. پس از مراجعت به ایران به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران و ادبیات تطبیقی مشغول شد و به ریاست مرکز زبان‌های خارجی دانشگاه تهران منصوب گردید. وی همچنین با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ادبیات این زبان‌ها آشنایی داشت.
مهری آهی، علاوه بر تدریس به فعالیت‌های دیگری نیز می‌پرداخت. وی از اعضای مؤسس جمعیت راه نو، شورای کتاب کودک، انجمن کتاب و شورای عالی جمعیت زنان ایران بود و از همین رو در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از ایران حضور داشت. در سال 1336 در کنفرانسی که در مسکو از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شد شرکت جست.
در سال 1338، از طرف کمیته ارتباطات برای شرکت در سمینار زنان و کودکان به نیویورک دعوت شد و سپس بنا به دعوت سازمان ملل در کنفرانس جمعیت‌های غیر دولتی شرکت نمود و نیز چهار دوره به عنوان نماینده‌ی ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد منصوب گردید و همچنین به نمایندگی ایران در دو همایش مربوط به حقوق بشر به مغولستان و مانیل اعزام شد. در سال 1343 جزو هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نمایندگی ایران در کمیسیون سوم (کمیسیون امور اجتماعی و اقتصادی) انتخاب شد و انجام وظیفه نمود. در همین سال بنا بر دعوت دانشگاه هاروارد در سمینار

تابستانی آن شرکت کرد.
از ترجمه‌های وی می‌توان به این آثار اشاره نمود: مجموعه‌ای از قصه‌های آندرسن (مجموعه قصه، 1320)، پدران و پسران (اثر ایوان تورگنیف)، جنایت و مکافات (اثر فئودر داستایوسکی)، قهرمان کوچک (اثر نویسندگان خارجی، 1341). وی همچنین کتاب داستان کودکان هرکس خانه‌ای دارد را به رشته‌ی تحریر درآورد.
(وف 1367 ش)، مترجم. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی ژاندارک تهران به پایان آورد و در سال 1320 ش در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شد. در سال 1321 ش همراه پدر که به سفارت ایران در شوروی (سابق) منصور شده بود عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال 1327 ش برای ادامه تحصیل خود در این رشته با انگلستان و فرانسه مسافرت نمود پس از بازگشت به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکده ادبیات تهران پرداخت. از جمله آثارش: ترجمه‌ی «آندرسن»؛ ترجمه «پدران و پسران» تورگینف؛ ترجمه «قهرمان عصر ما» لرمانتف؛ ترجمه «قهرمان کوچک». [1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (471 -470 / 6).

آیت اللهی، حمیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمیدرضا آیت اللهی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
دکتر حمیدرضا آیت اللهی در سال 1338 در خانواده ای متدین و متعهد متولد شد. پس از سپری کردن تحصیلات مقدماتی در سالهای خفقان و سرکوب رژیم پهلوی به خاطر علاقه شدید به علوم اهل بیت (ع) و حمایت و تشویق خانواده از سوی دیگر به قم هجرت و وارد حوزه علمیه قم گردید.
پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به تحصیل در دانشگاه روی آورد. و تا مقطع دکترا ادامه تحصیل داد. دکتر حمیدرضا آیت اللهی در طی سالهای عمر خود تا به امروز خدمات علمی فراوانی انجام داده است. کتابها و مقالات فراوانی تألیف و شاگردان بسیاری تربیت و تقدیم عالم اسلام کرده است.

آیت قزوینی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به آیت. سلسله نسب وی منسوب به علمای مسجد جامع قزوین بود. از علوم ادبی و عربی و حکمت بهره داشت. مدتی در عراق و خراسان و فارس مسافرت کرد و با محمدخان دشتی مصاحبت داشت و در 1286 ق دیباچه‌ای بر «دیوان» دشتی نوشت. مدتی نیز در خدمت اسدالله میرزا، از نوادگان ظل‌السلطان، بود و بعد از وفات وی جزو شعرا و ادبای دارالخلافه تهران شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (64 -63 /1)، الذریعه (13 /9)، فرهنگ سخنوران (14)، مینو در (358 -357 /2).

آیت، سیدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1317، نجف‌آباد.
درگذشت: 14 مرداد 1360 تهران.
سید حسن آیت، فرزند سید محمدرضا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت. وی همچنین لیسانس حقوق، ادبیات و روزنامه‌نگاری داشت، و درجه‌ی فوق لیسانس علوم اجتماعی نیز را کسب کرده بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دبیرستان‌ها و برخی از مراکز دانشگاهی به تدریس مشغول بود. وی پس از پیروزی انقلاب به نمایندگی مجلس خبرگان رسید. وی سپس به نمایندگی اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی از شهر تهران رسید. مقالاتی از وی در موضوعات تاریخی، سیاسی و اعتقادی در مجله‌ها و روزنامه‌ها به چاپ رسید.
سید حسن آیت در چهاردهم مرداد 1360 به دست منافقین در جلوی درب منزلش شهید شد. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
از آثار وی است: چهره‌ی حقیقی مصدق‌السلطنه (1360). درسهایی از تاریخ سیاسی ایران (1363).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آیت‌اللَّه زاده اصفهانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن السید العلام آیت‌اللَّه آقای حاج سید محمد حسین بن آیت‌اللَّه السید علی بروجنی اصفهانی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است وی در سال 1345 ق در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و شرف و دامن والدم ماجده‌اش صبیه‌ی آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللَّه سره تربیت یافته و از محضر مرحوم والدش و مرحوم آیه‌اللَّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه حاج سید یحیی یزدی استفاده نموده و در سال 1331 شمسی مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و از محضر و ابحاث آیه‌اللَّه العظمی آقای حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و ضمنا بتدریس متون فقه و اصول و تفسیر و اقامه نماز جماعت در مسجد بازار و اول کوچه‌ی غریبان و چند سالی است که در مسجد ارباب محمدتقی واقع در خیابان دلگشا به اقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
و معظم له سبط مرحوم زعیم‌الشیعه فی عصره آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و داماد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ موسی خونساری طاب ثراهما میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

آیت‌اللّه‌زاده، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آیتی بیرجندی، محمدابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم آیتی در سال 1333هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده‌ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدوم خویش شاد کرد این فرزند محمدابراهیم نام گرفت. وی از هفت سالگی برای فراگیری از قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی و از قبیل اینها وارد جلسات استادان آن زمان در شهر خود گردید. در سیزده سالگی به شهر بیرجند رفت و ادامه تحصیل خود را در کنار اساتید بیرجند گذراند. در هیجده سالگی در مدرسه باقریه شهر مشهد به قمستی از فصول و منطق تحت نظر استادان مجرب بودند. وی به درجه دکترا نایل گردید و در تمام طول تحصیل به تحصیلات حوزوی بسنده نشد. وی در سن 51 سالگی در اثر سانحه تصادف در سال 1384 قمری جان خویش را از دست دادند.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : پدر محمد ابراهیم آیتی شیخ محمد قائنی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می‌کرد. او در سلک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود. وی که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید.
خاطرات کودکی : محمد ابراهیم آیتی مقدمات عربی از پدرش شیخ محمد قائنی یاد گرفت تا اینکه به نه سالگی که رسیدند پدر در سوم ماه رمضان 1342 مرحوم شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قائنی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء العیون و حلیة المتقین مرحوم مجلسی نزد « آخوند ملا عبداللّه گازاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال 1342قمری مرحوم شد. پس از آن شرح « قطرالندی» و« القیه» ابن مالک « سیوطی» و « شرح جامی» را نزد همان ملا عبداللّه و « محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای « حاشیه» ملاعبداللّه یزدی و « شرح شمسیه» در منطق، « شرح نظام» «

مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از « مطوّل» در معانی و بیان و بدیع و « معالم» و قسمتی از « قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، « تبصرة» علامه حلّی و « شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح « سبعة معلّقه» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیةاللّه حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم.هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرّف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمنا هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیةاللّه میرزا حسین فقیه سبزواری و آیةاللّه ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با شوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می‌رفتم و در همین اوقات به درس شرح منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می‌رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفای بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود.» آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه‌های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل : حوزه‌های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالبا در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می‌داشت بیشتر در مدرس‌های نسبتا وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان‌های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی‌دید، تشکیل می‌گردید.کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریبا تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضلای حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می‌شد و فقط در هفته‌ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل بود، که آن هم احیانا با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می‌گذشت.زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال

پرنشاط برگزار می‌شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می‌آمد از حدود حجره‌های مدارس تجاوز نمی‌کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی‌رسید و متصدّیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می‌خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصرا از کمکهای پدران و مادرانشان می‌گذشت.اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می‌شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می‌کرد.

فعالیتهای ضمن تحصیل : از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی محمد ابراهیم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه‌ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه‌ورِ دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد.

استادان و مربیان : از استادان محمد ابراهیم آیتی در زمینه های مختلف درسی می توان به موارد زیر اشاره کرد: آخوند ملا عبدالله گازاری ابن مالک محمد ابراهیم بویکی میرزای قمی علامه حلی شهید ثانی باقر آیتی بیرجندی شیخ محمد حسین آیتی غلامرضا فاضل شیخ محمد علی ربانی حاج ملا محمد دهکی ملا هادی سبزواری شیخ انصاری آخوند خراسانی شیخ هاشم قزوینی مجتبی قزوینی حسین فقیه سبزواری ادیب نیشابوری حسن پایین خیابانی میرزا مهدی اصفهانی میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم آخوند ملاصدرا

هم دوره ای ها و همکاران : از دوستان محمد ابراهیم آیتی ، شهید مطهری، آیةاللّه بهشتی و آیةاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند.

زمان و علت فوت : محمد ابراهیم آیتی در سوم جمادی الثانیه 1384 قمری مطابق با هفدهم 1343 شمسی بر اثر سانحه تصادف جان خویش را از دست دادند. پیکر ایشان در قبرستان ابوحسن قم دفن گردید.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه‌های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت.

در سال 1334شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه(دوره لیسانس) و فقه الحدیث(دوره دکتری) را درس می‌داد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دوستان محمد ابراهیم آیتی، شهید مطهری، آیةاللّه بهشتی و آیةاللّه طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت‌های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می‌پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می‌شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت.یکی از تلاش‌های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار» گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود.او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص‌ها و خرافه‌ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد .
آرا و گرایشهای خاص : از خصوصیات محمد ابراهیم آیتی تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. . معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیّه نقلیّه، مروج طریقه جعفریه بود. ----------
آثار :
1 12افکار جاوید محمد
ویژگی اثر : این کتاب ترجمه‌ای از متن انگلیسی
2 آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا
ویژگی اثر : به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می‌کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال‌های 1337و 1338دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده‌اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می‌باشد. این کتاب در سال 1340در 357صفحه چاپ شده است.
3 آیینه اسلام
ویژگی اثر : ترجمه‌ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری

دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.
4 بررسی تاریخ عاشورا
ویژگی اثر : این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاگری در جریان عاشورا دست زده است.خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال‌های 1343 - 1342تشکیل می‌دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود 10نوبت تجدید چاپ شده است.
5 تاریخ پیامبر اسلام
ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص)که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.
6 ترجمه البلدان یعقوبی
ویژگی اثر : این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال 1356در 211صفحه چاپ شده است.
7 ترجمه تاریخ یعقوبی
ویژگی اثر : این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال 1342این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.
8 تصحیح تفسیر شریف لاهیجی
ویژگی اثر : مرحوم استاد آیتی جلد 3و 4این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده‌اند و در سال 1340از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.
9 خطبه‌های رسول اکرم(ص
ویژگی اثر : به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است.
10 راه و رسم تبلیغ
ویژگی اثر : مقاله‌ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص 174 - 149به چاپ رسیده است.
11 سرمایه سخن
ویژگی اثر : این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی

تهیه شده است و مجموعه 80مقاله درباره مناسبت‌های مذهبی است که سی مجلس آن درباره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت‌های دیگر سال می‌باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال 1339به چاپ رسیده است.

12 سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه

ویژگی اثر : این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج 3ص 164 - 1296چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

13 شهدای اسلام

ویژگی اثر : به عربی است و تاکنون چاپ نشده است.

14 فهرست ابواب و فصول اسفار

ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است.

15 کتاب و سنت

ویژگی اثر : در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص 225تا 252به چاپ رسیده است.

16 گفتار عاشورا

ویژگی اثر : با همکاری عده‌ای از اندیشه وران.

17 مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت‌های برجسته عالم اسلام

ویژگی اثر : و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک مجموعه ارزشمند گرد آید.فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

18 مرجعیت و روحانیت

ویژگی اثر : این کتاب را نیز با همکاری عده‌ای از نویسندگان تألیف کرده است.

19 مقولات عشر

ویژگی اثر : این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می‌باشد و در روزنامه 1371 / 6 /5مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

20 همه مسؤول یکدیگریم

ویژگی اثر : مقاله‌ای است در کتاب همه مسؤول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیّع در سال 1356به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج 1ص 76 - 45نیز چاپ شده است.

آیتی سجزه ای، نصرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرت الله آیتی سجزه ای
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1

آیتی قائنی، ضیاءالدین محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1397 -1310 ق)، فقیه، متکلم، ادیب و شاعر، متخلص به آیتی. در روستای مهموئی از توابع قاین متولد شد. مقدمات علوم را در بیرجند آموخت. سپس به مشهد رفت و به تحصیل در حوزه علمیه آنجا پرداخت علوم ادبی را نزد شیخ عبدالجواد نیشابوری و مقداری فقه و اصول را از پدر خود آموخت. در سال 1331 ق به مکه رفت و در این سفر از قفقاز، سوریه، ترکیه و عراق دیدن کرد. در بازگشت به اصفهان رفت و مدت دو سال در حوزه‌ی این شهر درسهای فقه و اصول را آموخت و از محضر اساتیدی چون سید علی نجف‌آبادی و شیخ محمد الهی گنابادی استفاده کرد، سپس به نجف رفت و مدت پنج سال نزد آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی دروس خارج فقه و اصول را آموخت. در سال 1343 ق به بیرجند بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس و تألیف پرداخت. علاوه بر بهره کافی در زمینه دانشهای مختلف طبع شاعرانه‌ای هم داشت و حدود بیست هزار بیت شعر سروده است. آثار وی: شرح «کفایة الاصول» علامه خراسانی؛ «درّالفرید فیماروی عن السبط الشهید»، در خطب و مواعظ و اشعار سیدالشهداء (ع)؛ «مقامات معنوی»؛ «مقامات الابرار»؛ «بهارستان»، شرح حال رجال قاینات و قهستان؛ «تتمیم بهارستان»؛ «دیوان درّ غلطان»؛ «فوائد العقول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (377 -367 /1)، تاریخ تذکره‌های فارسی (488 -486 /2)، الذریعه (13 /22)، صد سال شعر خراسان (55 -54)، گنجینه‌ی دانشمندان (268 -266 /3)، مؤلفین کتب چاپی (688 -687 /2).

آیورسن، آلن

قرن:20
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آلن ازاییل آیورسن (به انگلیسی: Allen Ezail Iverson) (۷ ژوئن ۱۹۷۵، همپتون، ویرجینیا -) بسکتبالیست حرفه‌ای آمریکایی است.
وی اکتون در تیم دیترویت پیستونز در ان‌بی‌ای بازی می‌کند.

آئینه وند، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 45 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 17
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 3
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 15، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بابا افضل کاشانی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 667 ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکراتی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف 606، 707 و 664 ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1187 -1182، 434- 426، 252 -250 /3)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (459 -451) تاریخ کاشان (563 -562، 439)، حبسیه در ادب فارسی (123 -122)، دایرةالمعارف فارسی (357/1)، الذریعه (116/9)، رباعی و رباعی‌سرایان (215، 212، 192)، ریاض العارفین (164)، ریحانه (213 -212 /1)، سبک‌شناسی (165 -162 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 20/7)، فرهنگ ادبیات فارسی (63 -62)، فرهنگ سخنوران (76)، کشف الظنون (1640، 578)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (395 -393 /5) مجمع‌الفصحا (259

-255 /1)، مخزن الغرائب (77/1)، هفت اقليم (452 -449 /2)، يغما (س 4، ش 9، ص 417 -414).

باباپور، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی باباپور
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدمهدی باباپور متولد 1343 در روستای گل‌افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال 65 وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از 8 سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال 68 تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به مدت 15 سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعة الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره 20 پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

بابازاده، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بابازاده
محل تولد : آذرشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در 7 سال به پایان رسانده ودر سال 1351 در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از 20 سال دوره خارج دیده ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی وکالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی(دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. دراین میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم.مدت یک سال و اندی مدیریت مرکز تحقیقات و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم.چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه ها می باشد.تا به حال 28 جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب(سیری در سیره فاطمه زهرا«س»)رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه های بانوان سراسر کشور می باشد از مجموع کتاب هایم تا به حال سه عنوان کتاب های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب

شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته ام. به ویژه از سوی رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزلم آمدند.) در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت های زیادی که دارم ادامه ندادم. در حوزه علمیه در سال های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه 16 ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه ، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابایی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی بابایی
محل تولد : پلدختر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1314/8/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1314 در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم.
در سال 1333 وارد حوزه علمیه خرم آباد شدم و از سال 1333 تا 1342 در آنجا بودم و از محضر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال 1342 به قم مهاجرت نمودم و در محضر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضمن تحصیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از 16 سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضرباتی به فک و کتف اینجانب وارد شد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم.
این حوزه تعداد 50 نفر طلبه برادر و 40 نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بابائی
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
این جانب علی اکبر بابائی متولد 1333 در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال 1353 ه.ش وارد حوزة علمیه قم شدم و تا سال 1359 ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال 1360 به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود 12 سال در درس خارج اصول و حدود 2 سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتة تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال 1373 ادامه یافت از سال 1373 تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج 1 و 2 تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بابکی
محل تولد : دماوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
سال 1353 پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال 1365 ادامه دادم و از سال 1366 به درس های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه های مختلف فقهی اشتغال دارم

باخرزی، ابوالحسن، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 467 ق)، ادیب، شاعر و فقیه شافعی. مشهور به رییس علی حسن‌خان و ملقب به تاج الرؤسا. در باخرز و نیشابور به فراگیری علم پرداخت و سفری دور و دراز به شهرهای ایران و عراق کرد. وی در جوانی کاتب طغرل بیگ و شاگرد شیخ ابومحمد جوینی بود. اما به میل خود از دربار بیرون رفت و در سلک عارفان درآمد. وی در مجلس شادخواری به دست والی باخرز کشته شد. باخرزی به زبان فارسی و عربی «دیوان» شعر داشته که «دیوان» فارسی او از میان رفته است و همچنین در شعر فارسی مجموعه‌ی رباعیاتی به نام «طرب خانه» داشته که ظاهرا آن هم در میان نیست. از شعر فارسی او جز یک قصیده و چند قطعه چیز دیگری در دست نیست. از دیگر آثار او کتاب «دمیة القصر و عمرة اهل العصر» که از کتابهای معروف ادبیات عرب و ذیلی است بر «یتیمة الدهر» ثعالبی. گویند علی بن زید بیهقی بر آن ذیلی تحت عنوان «وشاح الدمیة» نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (81/5)، تاریخ ادبیات در ایران (1038 -1037 /2)، تاریخ نظم و نثر (53 -52)، دایرةالمعارف فارسی (362/1)، الذریعه (118/9)، رباعی و رباعی‌سرایان (107 -106) ریحانه (219 -218 /1)، سیرالنبلاء (364 -363 /18)، فرهنگ ادبیات فارسی (83 -82)، فرهنگ سخنوران (401)، کشف الظنون (2049، 1103، 778، 761)، الکنی و الالقاب (63/2)، لغت‌نامه (ذیل/ باخرزی)، معجم الادباء (48 -33 /13)، معجم البلدان (376/1)، معجم المؤلفین (65/7)، وفیات الاعیان (389 -387 /3)، هدیة العارفین (692/1).

باخرزی، ابونصر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 435 ق)، ادیب. به قول صاحب «دمیة القصر » وی از بزرگان و مفاخر باخرز و دارای شعری دقیق و روان بود. مدتی نیز وزیر امیر بیغو حسن بن موسی در خراسان بود. بالاخره در قریه‌ی بنداشیر به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (112/1).

باخرزی، اسماعیل

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نویسنده و لغوی. وی مؤلف کتاب «خلاصة اللغات و تفسیر المشکلات»، در لغت عربی به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (814).

بارانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بارانی
محل تولد : سیرجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
زندگینامه علمی محمدرضا بارانی
وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.
الف ـ تحصیلات حوزوی:
ایشان در سال 63 پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:
1. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.
2. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.
3. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.
ب- تحصیلات دانشگاهی:
ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.
1. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال 1373شمسی دریافت نمود.
2. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال 1379 با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

3. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال 1381 در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال 1386 از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:
1. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از 1382 تاکنون
2. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از 1380 تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.
3. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال 1387 تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.
4. مدیر گروه تاریخ جامعة الزهرا (س) از سال 1386 تاکنون
5. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از 1381 تا پایان 1386
6. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان
7. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره
8. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از 1382 تاکنون
9. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال 1382 تاکنون
10. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال 1385 تاکنون
11. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از 1383 تاکنون
12. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه
13. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
14. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از 1382 تا مهر 1385
15. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از 1381 تا آذر 84
16. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعة الزهراء از تابستان 1385 تاکنون
17. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال 1384 تا 1385
18. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال 1386.
19. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال 1385
20. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد

اسلامی در سال 1385
21. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال 1381
22. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال 1386 و 1387 د- تدریس
ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.
1) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال 1379 تاکنون.
2) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های 1383 و 1385 و 1386.
3) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه – گروه تخصصی تاریخ در سال های 1382 تاکنون
4) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های 1383 تا 1385.
۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال 1385.
6) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال 1387. هـ پژوهش های منتشر شده:
1. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین 1380 در نشریه تخصصی معرفت شماره 40.
2. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز 1381.
3. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین 1383.
4. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال 1380.
5. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی 1384.
6. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز 1384.

7. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز 1385.
8. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال 1386.
9. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ 4/7/1386 دریافت شده است.
10. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم
هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، 1387.
11. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:
الف) مقالات
1. امام هادی (ع) و علم و دانش
2. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران
3. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری
4. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه
5. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
6. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
7. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
8. تاریخ‌نگاری قرن‌های 4 تا 6 هجری
9. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام
10. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره
11. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه
12. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها
13. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها
14. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها
15. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های
16. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های
17. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه
18. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله
19. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره
20. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله
21. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه
22. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

1. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)
2. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).
3. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.
4. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها
1. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال 1379.
2. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال 1385.
3. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385.
4. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385.
5. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال 1383.
6. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385 برگزار گردید.
7. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعة التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در 2 اسفند 1386 برگزار شد.
8. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال 1383.
9. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال 1385.
10. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، 1387.
ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه
1. راهنمایی بیش از 36 رساله دفاع شده و در حال نگارش
2. مشاوره 15 (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش
3. داوری 5 (پنج) رساله ارشد

باریکلو، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا باریکلو
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/6/4

باستانی پاریزی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1259 ش)، واعظ و شاعر. در پاریز متولد شد. با علوم قدیم و جدید آشنا بود. خوش محضر و خوش حافظه بود. بر تاریخ عمومی احاطه داشت. ریاست دبستانی در کرمان به وی محول شد. دبستان پاریز به نام او موسوم است. وی پدر دکتر محمد ابراهیم باستانی پریزی است. از آثار او: «جغرافیای ایران» به صورت منظوم؛ «ایام نیکبختی از پس بدبختی ایران»؛ «سی و دو داستان». ملاعلی اکبر حتی در نوشتن نامه‌ها صورت منظوم به کار می‌برد و در آنها معایب اجتماعی را بر سبیل هزل بیان می‌کرد. از وی حدود بیست هزار شعر باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرامان (9 -6)، ستارگان کرمان (14 -11).

باشی، بهزاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1311.
درگذشت: مهر 1370.
بهزاد باشی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران بود. در جوانی به زندان افتاد و موسیقی را پیش خود و پدرش (پیش از زندان) و در زندان‌های کودتای 1332 آموخت و با موسیقی کلاسیک به همین ترتیب آشنا شده بود.
فعالیت مطبوعاتی وی از سال 1335 آغاز شد و حدود سی سال به طول انجامید. مدتی مترجمن بخش خارجی روزنامه‌ی «کیهان» و سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. علاوه بر چندین نشریه‌ی دیگر و سازمان رادیو و تلویزیون هم همکاری داشته است. بهزاد باشی ده سال آخر عمر را بر ترجمه‌ی کتاب پنج جلدی تاریخ جامع موسیقی که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است، صرف کرد که در سه جلد در سال 1369 منتشر شد. از ترجمه‌های دیگر وی می‌توان از: یوهان سباستیان باخ (آلبرت شوایتزر)؛ زندگی‌نامه سوکارنو؛ خاطرات مک میلان؛ خاطرات سارا چرچیل؛ از استالین تا خروشچف؛ تاریخچه‌ی سینما؛ تاریخچه‌ی هواپیما؛ تاریخ موسیقی؛ زندگی شومان (نوشته جون شیسل)؛ آمریکای بزرگ و حقوق بشر؛ جامعه‌ی فئودالی؛ خنیانگری و موسیقی ایرانی؛ سلفای موسیقی ایران نام برد که همه آنها را از انگلیسی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

باطنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمدرضا باطنی در سال 1313 در اصفهان به دنیا آمد.ایشان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری رشته زبان و ادبیات انگلیسی را از انگلستان دریافت کرد.او تا سال 1360استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بودو از سال 1364 تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد. کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا باطنی کارشناسی زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) و کارشناسی ارشد و دکتری در زبان انگلیسی را از انگلستان دریافت داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمدرضا باطنی تا سال 1360استاد زبان شناسی در دانشگاه تهران بود و از سال 1364 تاکنون، ریاست واحد پژوهش مؤسسهٔ فرهنگ معاصر را به عهده دارد.جوائز و نشانها : کتاب "فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی" تالیف محمد رضا باطنی(با همکاری همکارانش) ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : تألیفات و ترجمه های فراوانی در زبان شناسی و علوم از محمد رضا باطنی به چاپ رسیده است .آثار : 1 پیرامون زبان و زبان شناسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، 13672 توصیف ساختمان زبان فارسی ویژگی اثر : تهران: انتشارات امیر کبیر، 13483 زبان و تفکر ویژگی اثر : تهران: زمان، 13544 ساخت و کار ذهن ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات فرهنگ معاصر5 فرهنگ معاصر انگلیسی _ فارسی ویژگی اثر : این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است6 نگاهی تازه به دستور زبان ویژگی اثر : تهران: انتشارات آگاه، 1371

باغ نوی شیرازی، شمس‌الدین حبیب الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 995 /994 ق)، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب. معروف به میرزاجان. چون در محله باغنو شیراز می‌زیست به باغنوی معروف بود. او شاگرد جمال‌الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از معاصران علامه جلال‌الدین دوانی بود. شمس‌الدین در علوم زمان بخصوص در حکمت و منطق دست داشته است و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران است که پیرو طریقه‌ی اشعریان و از شافعیان متعصب بود و در کلام و اصول نیز دست داشت. وی چند سالی قبل از وفات به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. از تألیفات او: «انموذج الفنون»؛ «تعلیقات بر شرح «مختصر العضدی»؛ «حاشیه بر شرح جدید قدیم؛ «تجرید الکلام»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی بر حاشیه‌ی شرح مطالع»؛ «حاشیه بر اثبات الواجب دوانی»؛ «حاشیه بر محاکمات قطب‌الدین شیرازی بر شرح اشارات»؛ «حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی» و «حاشیه بر مطول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (172/2)، بزرگان شیراز (336)، تاریخ ادبیات در ایران (305/5)، تاریخ نظم و نثر (389)، الذریعه (10/6)، روضات الجنات (12/3)، ریحانه (63/6)، صبح گلشن (482)، فارسنامه‌ی ناصری (960 /2 -959)، فرهنگ سخنوران (900)، کشف الظنون (1853، 1716، 842، 685، 476، 475، 185، 95)، الکنی و الالقاب (221/3)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب)، معجم المؤلفین (188/3)، هدیة الاحباب (252)، هدیة العارفین (1/ 262- 263).

بافقی علی، شرف‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شرف‌الدین علی بافقی از سخنوران نامی و مشاهیر اهل فضل و استاد وحشی بافقی بوده از یزد بشیراز رفته و بتحصیل علم پرداخته پس بهند رفته و محل توجه اکابر گردیده و بعد از مراجعت در دربار شاه طهماسب صفوی 930 تا 984 قمری تقرب یافته و در واقعه‌ی قتل بایزید پسر سلطان سلیم با چهار پسرش این رباعی را در قزوین گفته و بنظر شاه رسانده و مورد اکرام شاهانه گردید.
دست ستم سپهر بیداد نما
سر پنجه فتنه داشت از میخ بلا
چون دعوی زور پنجه با بخت تو کرد
اقبال تو ساخت دستش از پنجه جدا
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بافقی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1292 ق)، عالم دینی و فقیه. در بافق به دنیا آمد و در خانواده‌ای با تقوا تربیت یافت. برای تحصیل به یزد رفت و در مدرسه مصلی، ادبیات و سطوح را نزد حاج میرزا سید علی مدرس لب خندقی و دیگران فراگرفت. بافقی از ترس حکومت مستبد آن روز یزد گریخت و به نجف رفت و مورد توجه و تشویق آیت الله طباطبایی یزدی قرار گرفت و مدت 19 سال در نجف اقامت کرد و از محضر آیت الله یزدی و آیت الله کفایی خراسانی و حاج سید احمد کربلایی استفاده برد. آن گاه به ایران مراجعت و در قم سکنی گزید. وی در قم اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه کرد و از آیت الله حایری که آن روز در اراک بودند تقاضا کرد که حتما قم را مرکز قرار دهند و برای انجام این کار قدمهای مؤثری برداشت، و با ایشان همه گونه مساعدت، و طلاب و واردین را همه گونه تشویق و ترغیب می‌نمود. وی در 1346 ق به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به تهران تبعید شد و رحل اقامت در ری افکند و تا پایان عمر در شهر ری ماند. مؤلف «گنجینه‌ی دانشمندان» کتابی در شرح حال وی به نام «التقوی و ما ادریک ما التقوی» نگاشته که به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه و نشر یافته است.[1]
مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه مجاهد و عالم متقی حاج شیخ محمدتقی بن حاج محمدباقر تاجر بافقی یزدی از علماء بزرگوار و مجاهدین پرهیزکار زمان معاصر ما و مربی و پدر روحانی نگارنده و از افرادی بودند که حقیقه حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و مردم ایران دارند زیرا اگر اصرار آن مرحوم بمرحوم آیت‌اللَّه حایری موسس حوزه و همکاریهای ایشان نبود حوزه تأسیس نمیشد و آن مرحوم یگانه مشوق و غمخوار طلاب و محصلین علوم دینیه و وحید زمان در امر بمعروف و نهی از منکر و فرید دهر در قدس و ورع و ربیع الایام در حال و حقیقت و اویس الیمان در صفا و معنویت و سلمان عصر در زهد و ولایت و بوذر اوان در شجاعت قلب و رشادت و ترویج و حمایت از امام زمانش بود.
شرح احوال و مقامات معنوی او در این مختصر نگنجد رساله‌ی مستقلی بنام (التقوی و ما ادریک ما التقوی) نوشته و منتشر نموده‌ام. در اینجا هم بطور اجمال می‌نگارم.
وی در سال هزار و سیصد و نود و دو قمری در بافق یزد متولد شده و در

دامن مادر علویه و پدر متدین خود پرورش یافته و از همان اوقات با کمال پاکی و پرهیزکاری زنده‌گانی نموده و از زادگاه خود برای تحصیل به یزد و پس از چند سال بواسطه ابراز حریت و شجاعت و ابلاغ اعلان مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی بر علیه عالم مفتون بدنیا و حب جاه مورد تعقیب دولتیان واقع و بناچار با پای پیاده شبانه مهاجرت به نجف نموده و در آن سرزمین هم کسب روزی حلال و هم تحصیل تا بمقام منیع اجتهاد و معنویت رسیده و چند سالی از اصول مرحوم علامه خراسانی و چندین سال از فقه مرحوم علامه یزدی استفاده کرده و در سال 1337 قمری مهاجرت به قم و نقشه‌ی تأسیس حوزه علمیه را طرح تا ورود مرحوم آیت‌اللّه حایری که موجب شد آن مرحوم تصمیم بماندن در قم و انتقال حوزه اراک را باین سرزمین مقدس نماید و با ایشان همه‌گونه مساعدت و از طلاب و واردین از محصلین تشویق و ترغیب نموده تا سال 1346 قمری که بواسطه امر بمعروف و نهی از منکر تبعید به تهران و رحل اقامت قهری بری افکند و بخدمات دینی پرداخته تا در دوازدهم جمادی‌الاولی سال 1365 قمری که در اثر عمل جراحی در بیمارستان فیروزآبادی با پیش‌بینی قبلی خودش از دنیا رفته و با تشییع مفصلی حمل به قم و در مقبره آیت‌اللّه حایری مدفون گردید.

از کلمات اوست که می‌فرمود علی بن مهزیار اهوازی بیست سال از اهواز بمکه رفت تا حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام را زیارت کند چرا یک مرتبه و یا شب نیمه ماه شعبان بکربلا نیامد تا حضرتش را در کنار قبر جدش حضرت امام حسین علیه‌السلام ملاقات کند، و آن مرحوم از متشرفین زمان بود که کرارا این توفیق نصیبش گردیده بود چنانچه حقیر در آثار الحجه والتقوی و بستان الرازی نگاشته‌ام.

حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی اباذر زمان خود بود که حوزه علمیه قم را به امر و اشاره حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف با دعوت از مرحوم آیت‌اللّه حائری یزدی به اقامت در قم بنیان‌گذاری کرد و خود از سال 1340 تا 1346 قمری هجری معاون مرحوم حائری و پدر مهربانی برای طلاب و محصلین آن زمان و آن دوره بود و آقایان طلاب تمام نیازمندیهای خود را به ایشان مراجعه و رفع نیازشان می‌شد.

مرحوم بافقی گذشته از مقام علمی و فقاهت و زهد و پارسائی مردی مجاهد بر علیه بیدادگران و مبارز با منکرات و متظاهرین گناه بود و از ملامت هیچ ملامت کننده از شاه و روحانی و اقشار دیگر کمترین خوف و هراسی نداشت و با ستمگران و طاغوتان و رژیم پلید دولت رضاخان (زندیق) سرسختانه مبارزه می‌کرد و تنها کسی بود علنا جنایات و مظالم شاه را اعلان و برای وی پیامها و نامه‌های داغ سوزنده‌تر از هر آتشی می‌فرستاد.

امام خمینی که بسیار مورد علاقه مرحوم بافقی مجاهد بود از اصحاب و مریدان خاص آن مرحوم بود و غالبا در مدرسه فیضیه یا نقاط دیگر که آن مرحوم اقامه جماعت می‌کرد به ایشان اقتدا می‌نمود و در شبهای جمعه که آن مرحوم به مسجد جمکران می‌رفت با ایشان همراهی می‌نمود.
مرحوم مجاهد بافقی برای امام بهترین مربی و آموزنده‌ترین مدرسین اخلاقی بود که درس شهامت و شجاعت و صبر و استقامت را در حوادث و رویدادهای مبارزه از زندان و تبعید و شکنجه و آزار می‌آموخت.
این نویسنده در خاطر دارم که امام در عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق یعنی درس انسان‌سازی می‌فرمود و عنوان درسش آیه کریمه (یا ایها الذین آمنو اتقواللّه و لتنظر نفس ما قدمت لغد اتقواللّه ان اللّه خبیر بما تعلمون) بود
ای گرویدگان پرهیز کنید و باید هر انسانی بیاندیشد که برای آتیه‌اش چه پیش فرستاده و پرهیز کنید که خداوند آگاه است که چه می‌کنید.
امام غالبا وقتی می‌خواست یک انسان کا مل و مؤمن حقیقی و مجاهد واقعی را بعنوان الگو و نمونه زمان معرفی کند که شیاطین تسلیم او شده و به او ایمان می‌آورند می‌فرمود سفری به شهر ری زاویه مقدسه (حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) نموده و او را زیارت کنید. و خودشان در هر ماه یک یا دو بار برای زیارت و دیدار مرحوم بافقی مجاهد که در آنوقت در آنجا تبعید بودند راهی ری می‌شدند در خاطر دارم که بعضی از روشندلان و اهل معنی در آن زمان که از دور یا نزدیک به شهر ری می‌رفتند به زبان حال و قال می‌سرودند.
چه خوش بود که براید بیک کرشمه دو کار
زیارت شه عبدالعظیم (ع) و دیدن یار
(یعنی اباذر زمان و مسلمان دوران حجةالاسلام مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی)
امام در مدت شش سالی که مرحوم بافقی در قم با رژیم کثیف شاه و عمال خائن و ستمگران او در شهرستان علمی و مذهبی قم (فرماندار و رئیس شهربانی و..) مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد از نزدیک به ایشان مراوده و از کردار و گفتار او تمامی درس شهامت و مجاهده با ستمگری و مبارزه با گناه بود سرمشق می‌گرفت و خود را آماده برای قیام و نهضت بزرگ می‌نمود.
و مرحوم بافقی هم چون مؤمن پاکدل و یکی از مصادیق حقیقی (المؤمن ینظر بنوراللّه) در سیما و چهره درخشان امام آثار نبوغ با طاغوتیان و مجاهده در راه حق مشاهده می‌کرد و در موقع اقامتش در قم عنایت مخصوص به امام داشت و در پاره‌ای از امور سفارش وی را به مرحوم آیت‌اللّه حائری می‌کرد و بعد از گرفتاری و تبعیدش به شهر ری به محصلین

و دیگران توصیه آن بزرگوار را می‌نمود و حتی خود این نویسنده را که به ارشاد و رهنموئی معظم له برای تحصیل به قم آمدم به آشنائی و مراوده با امام تاکید فرمود. و به همین سبب این حقیر از اوائل ورودم به قم در سال 1357 قمری با آن بزرگوار آشنا و مورد تشویق و محبتشان قرار گرفته و تا این زمان که حدود چهل سال است افتخار ارادت به ساحت قدسشان را دارا و یکی از جان‌نثارانشان می‌باشم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (2/ 280- 281)، گنجینه‌ی دانشمندان (3/ 177- 178، 4/ 619- 621).

بافی خوارزمی، ابومحمد عبدالله

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 398 ق)، ادیب، نحوی، شاعر و فقیه شافعی. نسبتش به باف از توابع خوارزم می‌رسد. خطیب بغدادی گوید که اصل وی از بخارا است، لذا، به وی بافی بخاری نیز می‌گویند. او شاگرد ابوعلی بن ابی‌هریره مروزی و ابواسحاق مروزی است. بافی شاعری ماهر بود و در فنون ادب مهارت داشت و فصیح، بدیهه‌گو و نیکو محضر نیز بود. وی متصدی منصب تدریس در بغداد بود و کتب شافعی را درس می‌گفت و شاگردان از دور و نزدیک برای استفاده به محضرش می‌آمدند. به گفته‌ی خطیب او در زمان خود فقیه‌ترین مردم در مذهب شافعی بود. وی در بغداد درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (265 -264 /4)، تاریخ الاسلام (حوادث 358 -357 /400 -381)، تاریخ بغداد (140 -139 /10)، ریحانه (222/1)، سیر النبلاء (69 -68 /17)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد)، معجم البلدان (388/1).

باقرپور، یوسف علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسفعلی باقر پور
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (1355) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (61-1359) . در سال 61 در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(1364). پس از آن و در سال 1368 در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال 1371 دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال 1376 در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال 1379 فارغ التحصیل شدم. در سال 1384 در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.
از سال 1371 مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال 1371 تا 1379 دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال 1379 به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال 1358 وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت

الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال 1363 شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحمان باقرزاده
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر عبدالرحمن باقرزاده در سال 1349 در روستای آغوزبن از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولد شدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دینی علاقمند بودم. لذا در مدتی کوتاه و در سایه لطف الهی و استعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مدرسه نیز همواره شاگردی ممتاز از نظر پیشرفت درسی بودم لذا همواره مورد تشویق قرار می گرفتم که وارد مدرسه علمیه شدم.علاقه وافر قلبی و تشویق های مزبور دست به دست هم داد تا پس از اتمام اول راهنمایی در سال 1361 راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت یک سال در مدسه مزبور از محضر اساتید معظم آیات و حجج اسلام شیخ هادی روحانی(ره)، سید حسن محقق بهشتی(ره)، شیخ محمد حسن قائمی و سید مرتضی برهانی استفاده کردم. سپس در سال 1362 وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلا بهشهر شده و تحت انفاس قدسی عالم نامدار مازنداران مرحوم آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (قدس) به تلمذ و خوشه چینی پرداختم.
مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلایی عمر تحصیلی حقیر به حساب می آید.علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقیه فرهیخته و نامور، مورد عنایت و محبت زیاد آن بزرگوار بودم به طوری که سال ها بعد از مهاجرت به قم و تا پایان عمر آن عالم فرزانه، از محبت ها و توجهات خاص ایشان بهرمند بودم. ضمن آنکه در مدرسه مزبور مدت مدیدی خوشه چین محضر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ یعنی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد جواد ایازی (مدیر فعلی مدرسه علمیه رستمکلا) نیز بوده ام.
در سال 1367 عازم حوزه علمیه قم شده و سطوح عالی را از محضر آیات عظام شیخ مصطفی اعتمادی، سید علی محقق داماد، وجدانی فخر و شیخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نیز به مدت 10 سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و چند سالی را هم در دروس آیات

عظام وحید خراسانی و علوی گرگانی حضور پیدا کردم. از سال1381 نیز در جایگاه امامت جمعه شهرستان رامسر مشغول انجام وظیفه می باشم. علاوه بر مسئولیت امامت جمعه در حوزه علمیه اعم از برادران و خواهران و نیز دانشگاه به تدریس مشغولم. حقیر دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اینجانب در سال 1367 می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا باقرزاده
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1358 وارد حوزه شد و پس از پنج سال که در ورامین و کاشان مشغول تحصیل بود وارد قم گردید. دروس سطح را از اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه" جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری بیدهندی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر باقری بیدهندی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال 1337 هجری شمسی درروستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» وروحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالیه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام : سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.
همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالیه به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور ، سامان دهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است . و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری همدانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی‌اصغر بن کربلائی شعبان باقری همدانی در تاریخ 1343 هجری قمری در یکی از مضافات دره جزین از توابع همدان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در سال 1358 قمری والی به سلک روحانیت گشته و پس از اکمال سطوح عالی از محضر آیات عظام حوزه چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله داماد و بعضی دیگر استفاده نموده و بالاخص اختصاصی و انقطاع فوق‌العاده‌ای به مرحوم آیت‌الله عراقی مذکور داشت و در تمام جلسات دروس معظم‌له شرکت می‌نمود و مورد توجه و علاقه شدید آن مرحوم بود و از وی به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است.
ایشان اجازات دیگری از مراجع بزرگ نجف اشرف و قم چون مرحوم آیت‌الله حکیم و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله آملی طهرانی و دیگران دارد.
آثار علمی ایشان عبارت است از جزواتی در اصول عقاید و مطالب منبری و نیز قسمتی از دراسات اساتید غیر منظم دارد.
وی از راه منبر خدماتی انجام داده و جلسات تفسیر و موعظه در قم و خارج از قم داشته و دارد و همه ساله مانند صدها نفر دیگر از فضلاء در ماه رمضان و محرم برای تبلیغ احکام دین و ترویج مذهب به اطراف مسافرت نموده و وظائف دینی و روحی خود را انجام می‌دهد ادام‌الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

باقری، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم باقری
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1361 هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم ابتدا در مدرسه علمیه داراب،سپس گویم و پس از آنان آشتیان و در سال 1367 توفیق حضور در حوزه علمیه قم را یافتم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی به پایان رساندم و پس از اتمام کفایه نیز که از محضر حضرت استاد اعتمادی کسب فیض نمودم در سال 71 وارد درس خارج فقه و اصول گشتم ، در یک سال درس خارج اصول در محضر آیت الله مکارم شیرازی و یک سال خارج فقه در محضر آیت الله مشکینی و در سال 72 به حوزه درسی استاد معظم ضمن اینکه چند سال نیز از درس خارج فقه حضرت آیت الله گرامی بهره مند شده ام.در کارهای تحقیقاتی به طور رسمی با کمیته تدوین متون قوه قضائیه همکاری نمودم، با مرکز پژوهشهای حوزه علمیه و مرکز نشرآثار امام خمینی(ره) نیز همکاری داشته ام و کارهای پژوهشی عمدتا در رابطه با حوزه تحقیقاتی فقه و حقوق انجام داده ام هر چند پیش از این نیز به طور پراکنده مقالاتی را برای برخی روزنامه ها نوشته ام ، برخی کارهای تحقیقاتی را خود به انجام رساندم که کار شخصی محسوب می شود.با یک توضیح سخن را به پایان می برم: در حوزه های علمیه در زمینه منطق، ادبیات عرب و اصول فقه تدریسی داشته ام در رابطه با همکاری با مراکز تحقیقاتی نیز یاد آور شوم: در همکاری با کمیته تدوین متون در رابطه با مسائل حقوقی مسائل مباحثی نظر احوال شخصیه، کلیات حقوق، معاملات واقعیات و.. در حقوق ایران و کشورهای اسلام نظیر مصر، سوریه، عراق، لبنان، اردن، امارات، را مورد تحقیق قرار داده و نوشته هایی را در این زمین ارائه نمودم.
در همکاری با مراکز تحقیقاتی فقهی بیشتر در مباحث جزایی و کیفری به پژوهش پرداخته ام، در آیین دادرسی کیفری مسائل مربوط به سوگند و شهادت و در قانون مجازات اسلامی مسائلی چون مباحث دیات اعم از دیه

نفسی، عضو، دیه میت و مباحثی چون تشریح، پیوند اعضاء و ... را به تحقیق نشستم.ونیز در تهیه گنجینه آرا، فقهی قضایی و تبویب و ارزیابی آن در حدود 20000 بیست هزار استفتاء از مراجع عظام تقلید اشاره ای می شود که با تبویب ونمایه زنی آن کاری برای محققان آسان گشته است، با دوستان دیگر همکاری داشته ام البته در بخش مربوط به مباحث حقوقی آن.در مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم نیز در بخش مطبوعات همکاری داشتم بدین معنی برخی از مقالات مربوط به حوزه فقه و حقوق و بعضاً سیاست، ارتباط وثیقی با فقه یا حقوق دارد، را نقد می نمایم و گاهی هم مقالات اینترنتی را درهمین زمینه.

باقری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی باقری
محل تولد : اردبیل
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب علی باقری متولد 1343 در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر(عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدوزانی – آیت الله پایانی- آیت الله راستی- آیت الله صالحی مازندرانی- آیت الله قدیری – آیت الله راستی بهرمند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایة الحکمه، اقتصاد- فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه های جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.
پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه).جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام.دوره کارشناسی اقتصاد را در سال 1372 به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال 1375 پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان

جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم.از نظر تدریس دروس حوزوی عمرماً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک- اقتصاد فرد- اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی- نظام های اقتصاد صدر اسلام- تاریخ عقاید اقتصادی – معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)- دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام.در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجة الاسلام کیاءالحسینی به انجام رسانیدم این پروژه توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال 1380 و پژوهش برگزیده سال 1382 حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در حوزه اقتصادانجام دادم که منتشرنشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال 1377 منشتر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در 1384 بر عهده داشتم.

باقری، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم باقری فوتبالیست و ملی‌پوش تیم ایران است. وی متولد تبریز به سال ۱۹۷۴ می‌باشد. وی در تیم‌های اروپایی از جمله آرمینیا بیله‌فلد آلمان و چارلتون انگلیس عضو بوده‌است و هم‌اکنون عضو باشگاه فوتبال پرسپولیس تهران است و از تیم ملی فوتبال ایران نیز خداحافظی کرده‌است. البته در زمان سرمربیگری علی دایی این بازیکن بار دیگر به تیم ملی دعوت شد که با تامل بسیار بالاخره در بازی دوستانه تیم‌های ایران و قطرکه در تاریخ ۱۹ آبان ۸۷ برگزار شد، کریم باقری بعد از حدود ۸ سال بار دیگر برای تیم ملی ایران بازی کرد و در تاریخ ۲۹ آبان ۸۷ چهل و هشتمین گل ملی خود را در بازی مقابل امارات به ثمر رساند.سایت فیفا در گزارشی مفصل دربارهٔ بازگشت کریم باقری به تیم ملی ایران این بازیکن را با «زین‌الدین زیدان» مقایسه کرد. در مراسم بهترین‌های فوتبال سال ایران، کریم باقری با کسب بالاترین امتیاز از بین بهترین‌های فوتبال سال ۸۷، مرد سال فوتبال ایران شد. کریم باقری در ۱۶ خرداد سال ۱۳۷۲ برابر تیم ملی پاکستان در جام اکو، اولین بازی ملی خود را انجام داد و ۸۴ بازی ملی و ۵۰ گل در کارنامه ملی خود دارد.
باقری در سال ۱۳۸۷ از تیم ملی خداحافظی کرد اما با بازی‌های شگفت‌انگیزی که همان سال در لیگ برتر در تیم پرسپولیس انجام داد، علی دایی؛ مربی وقت تیم ملی را وادار کرد تا از او بخواهد در تیم ملی در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ او را یاری کند.
افتخارات کریم باقری: طلای سیزدهمین دوره بازی‌های آسیایی (۱۹۹۸ بانکوک) قهرمان جام اکو (۱۹۹۲ تهران) حضور در جام جهانی (۹۸ ــ فرانسه) مقام سومی جام ملت‌های آسیا (۱۹۹۶ امارات) قهرمانی با پرسپولیس (لیگ ۱۳۷۵) قهرمان جام باشگاه‌های عرب مقام سومی جام باشگاه‌های آسیا با السد بازیکن ماه آسیا زننده بهترین گل ماه آسیا برترین بازیکن جام باشگاه‌های عرب (۲۰۰۱) عضو تیم ستارگان آسیا در دیدار با ستارگان فیفا۱۹۹۷ بهترین گل زن جهان در سال ۱۹۹۷ پس از روماریو'''

باقری، ولی الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولی الله باقری
محل تولد : سر بند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ولی الله باقری در سال 1344 در خانواده ای مذهبی در بخش سر بنداران متولد شدم و ابتدا در مکتب خانه شروع به تحصیلات قرآنی و سپس در سال 1354 درسهای کلاسیک را در مدارس جدید آغاز نمودم سالهایی که در مقطع ابتدایی تحصیل می کردم در همان روستای آب بخشان از توابع سربند و سپس دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان بروجرد اشتغال داشتم در سال 1363 وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد شدم و در سال 1364 راهی شهر مقدّس قم شدم. ابتدا در مدرسه علمیه مهدی موعود(عج)تحت اشراق و ارشاد(حضرت الله العظمی نوری همدانی ادبیّات عرب را به پایان رساندم سپس وارد درسهای سطح حوزه گردیدم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیه الله وجدانی فخر، آیت الله اعتمادی، آیة الله اشتهاردی و آیة الله نکونام گلپایگانی و نیز آیة الله سید احمد خاتمی بهره مند شدم.
درهمان سالهای اشتغال به تحصیل در دوران سطح سه تبلیغ علوم آل محمّد و معارف اسلامی نیزپرادختم. حدود سال 73-72 وارد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) زیر نظر حضرت آیة الله مصباح یزدی دام ظله العالی شدم و درسهای معارف و روز را با توجه به ضرورتهای زمانه پشت سر گذاشتم و موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی آن مؤسسه مبارک شدم. پس از اتمام تحصیلات در آن مؤسسه و هم زمان با اشتغال به درس خارج فقه و اصول که به ترتیب از محضر اساتید بزرگوار حوزه مبارک علمیه قم حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی و حضرت آیت الله جعفر سبحانی دام ظلّهما استفاده نمودم. پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) وارد مرکز تخصّصی قضاء حوزه علمیه شدم و با مسائل حقوق جدید و نیز مباحث عمیق تر قضاء و حقوق اسلامی آشنا شدم و پس

از چهار سال تحصیل از آن مرکز مبارک فارغ التحصیل گردیدم.
نتیجه تحصیلات علاوه بر انجام وظیفه تبلیغی و مطالعات سریع ، اثر به طبع آراسته اینجانب تحت عنوان«مستضعفان از دیگاه اسلام» که توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران واحد پژوهشگاه اسلامی صدا و سیمای قم به چاپ رسیده است. نیز پایان نامه فوق لیسانس بنده نیز مراحل چاپ نشر خود را در آن مرکز محترم سیر می کند. مجّوز تدریس معارف از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دام ظله العالی و روحی فداه) جهت تدریس در مراکز آموزشی عالی را دریافت نموده ام و هم اکنون در دانشگاه علمی کاربردی شهر مقدّس اشتغال به تدریس معارف اسلامی دارم. همچنین پایان نامه مقطع فوق لیسانس مؤسسه هم اکنون تحت عنوان مبانی کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه نهج البلاغه می باشد که احتمالا در آینده به چاپ برسد. در حال حاضر ضمن مطالعات معارف و اشتغال به تدریس در دادسرای عمومی انقلاب نیزاشتغال به شغل شریف قضاء دارم، و در پس مقدّمات تدوین پایان نامه سطح چهار حوزه هستم.

باقریان ساروی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد باقریان ساروی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
در آغاز پاییز سال 42 وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال 43-44 در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) 48 مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج 1) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج 2) گذرانده و درس خارج را که از سال 50 شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال 69-70 برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پپرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر 8 جلد به چاپ رسیده است.

باقولی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 535 ق)، ادیب، نحوی و مفسر. مشهور به جامع العلوم و معروف به جامع باقولی. در علم نحو و فنون اعراب پیشگام افاضل عصر خود بود. از آثار وی: «شرح الجمل» یا «الجواهر فی شرح جمل عبدالقاهر»، در نحو؛ «المجمل»؛ «الاستدراک» بر ابوعلی فارسی؛ «البیان فی شواهد القرآن»؛ «علل القراآت»؛ کشف المشکلات و ایضاح المعضلات فی علل القرآن»؛ «شرح اللمع»؛ «تفسیر جامع العلوم» یا «تفسیر القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (90/5)، الذریعه (269 -268 /4)، روضات الجنات (241/5)، ریحانه (382/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 186 -185 /6)، الکنی و الالقاب (138/2)، کشف الظنون (1493، 1160، 603، 263)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم الادباء (167 -164 /13)، معجم المؤلفین (75/7)، هدیة العارفین (697/1).

باقی، محمد علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی باقی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/11/22
زندگینامه علمی
بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی 1377 شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارک رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

بالادستیان، محمد امین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد امین بالا دستیان
محل تولد : بیجار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
دروس ابتدائی خود را در سال 1355 آغاز و در روستای دارغیاث از توابع شهرستان بیجار به پایان رساندم. دوران راهنمائی و دبیرستان را در شهر بیجار به پایان رساندم. در سال 1368 پس از اخذ مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان بیجار شدم. پس از یکسال و نیم تحصیل در آنجا به تهران رفته و در حوزه علمیه شهید شاه آبادی به ادامه تحصیل پرداختم و دوره مقدمات را در آنجا به پایان رسانیدم. پس از اتمام لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان با گذرانیدن سطوح حوزوی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم و مقطع کارشناسی ارشد را تمام نمودم و در کنار آن دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات و دوره کوتاه مدت تبلیغی را سپری نمودم. پس از اشتغال به درس خارج و اتمام دروس کلاسیک در رشته مهدویت مرکز تخصصی مهدویت مشغول گردیدم و دوره تربیت مدرس آنجا را به پایان رسانده، و پس از آن در دوره های کوتاه مدت مهدویت که عموماً در مراکز حوزوی استان ها بر پا می شود به تدریس انجام وظیفه کرده و در مراکز دانشگاهی مانند تهران، شهرضا، سنندج، همدان، قزوین، رفسنجان به ترویج مباحث مهدویت در مجامع دانشجوئی پرداخته ام و در کنار دروس حوزوی نیز کم و بیش در حد امکان به تدریس دروس پائین تر حوزه اقدام کرده ام.

بامبری، عبدالواحد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالواحد بامبری
محل تولد : ایرانشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب درسال 65 به دلیل علاقمندی به معارف اسلامی، تحصیلات خویش را در مدرسه علمیه ایرانشهر آغاز نمودم و در سال 69 جهت ادامه تحصیل توفیق حضور در مدرسه علمیه آیت الله یثربی کاشان را داشتم و از سال 72 وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال 79 فعالیت های علمی خویش را با انجام پروژه ای تحت عنوان پاسخ به شبهات مناطق مرزی ازمرکز تحقیقات صدا و سیمای قم آغاز نمودم و از همان سال در نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت قم به عنوان مسؤول پاسخگویی به سوالات و شبهات جذب شدم و در سال 1378 در رشته حقوق موسسه آیت الله مصباح به مدت چهار سال پذیرفته شدم و از سال 81 جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی توفیق کسب معارف قرآنی را داشته ام.
دو مقاله برای همایش های علمی مذاهب اسلامی با عناوین (لیبرالیسم و تعارض آن با آموزه های دینی و حکومت اسلامی از دیدگاه فریقین) ارائه نمودم. قریب به 300 پرسش علمی و مذهبی را در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم را پاسخ داده ام. با همکاری دو نفر از همکاران کتابی تحت عنوان (هفت آسمان جوانی) برای بخش فرهنگی دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (مد ظله العالی) تدوین و فراهم نمودیم و نیز کتابی با عنوان (پاسخ به پرسش های مذهبی از دیدگاه مذاهب اسلامی) با همکاری برخی از محققان برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت قم در سال 83 چاپ گردید. مقالاتی با عناوین (شاخصه های حکومت علوی، نگاهی به سیره درخشان کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه، دریافتی از معارف قرآنی، پروژه تحقیقی برای صدا و سیمای قم با عنوان پاسخ به سوالات برون مرزی، نگاهی به زندگانی صادق آل محمد (ص)، و ... از جمله مقالاتی است که در برخی از

مجلات چاپ شده است.

بامداد خراسانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1263 ش) نویسنده و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات مقدمات و سطوح را نزد حاج میرزا حبیب خراسانی، سید علی حایری یزدی، شیخ محمد علی (فاضل ملاعباسعلی) و میرزا محمد آقازاده در خراسان به اتمام رسانید، سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و دروس خارج را نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی فراگرفت. او با زبانهای فرانسه و عربی آشنایی کامل داشت. بامداد همزمان با مشروطیت به جرگه مشروطه‌خواهان پیوست و علیه استبداد مقاله نوشت و سردبیر روزنامه‌ی «آفتاب» و «شورا» شد. در اوایل جنگ جهانی اول روزنامه‌ای به نام «بامداد روشن» تأسیس کرد که بعد از چندی تعطیل شد. وی با قرارداد وثوق الدوله مخالفت ورزید و به همین جهت به کاشان تبعید شد. بامداد پس از آن چندی به خدمت دولت درآمد و عهده‌دار سمت‌های مختلف شد. در دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی وکیل مردم شیراز بود. در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از تألیفات وی: «حکمت عملی»؛ «حافظ شناسی یا الهامات خواجه» و «ادب چیست و ادیب کیست».[1]
(تو 1284 ش)، نویسنده و مدرس. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید، سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و پس از گذراندن دوره‌ی دارالمعلمین عالی و اخذ لیسانس برای تکمیل تحصیلات جزو محصلین اعزامی، به فرانسه عزیمت کرد. بعد از مراجعت از اروپا وارد خدمت وزارت فرهگ شد و در دانشکده‌ی ادبیات تبریز به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ بشر»؛ «زندگانی سیاسی مارشال فوش»؛ «شناخت زیبایی»؛ «علم الاخلاق یا حکمت عملی».[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (7 -5 /2)، سخنوران نامی معاصر (465 -462 /1)، شرح حال رجال (423 -420 /3)، فرهنگ سخنوران (123)، گلزار معانی (135 -127)، مؤلفین کتب چاپی (140 -139 /4).
[2] مؤلفین کتب چاپی (490 -489 /4).

بامداد، پروین تکین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
پروین تکین بامداد در سال 1304 ، در تهران دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود. پروین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی والدین و انساب : پروین تکین بامداد فرزند حاجی خان تکین مدیر چاپخانه ارتش و دکتر بدرالملوک بامداد می باشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مادر پروین تکین بامدادکتابهایی در مسائل آموزش و پرورش نوشت و سفری برای مطالعات فرهنگی و به دست آوردن اطلاعات تازه علمی به آمریکا رفت و پس از دریافت دانشنامه دکترا از دانشگاه کلمبیا و بازگشت به تهران ، دبستان و دبیرستان نمونه ای تاسیس کرد. او چندی روزنامه «زن امروز» را منتشر کرد. و پس از درگذشت حسین صبا مدیر روزنامه « ستاره ایران » و شوهر اول خود همسر حاجی تکین شد و پس از او با آقای بامداد ازدواج کرد و پروین از این پیوند دوم متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین تکین بامداد در شانزده سالگی تحصیلات متوسطه را در دانشسرای دختران به پایان رسانید. با آنکه به نام شاگرد اول به دانشسرای عالی معرفی شد ولی به عذر اینکه هنوز به هجده سالگی نرسیده او را نپذیرفتند. تا اینکه دبیران دانشسرای شایستگی او را برای تحصیلات عالی گواهی کردند و توانست به تحصیلات خود ادامه دهد. او لیسانس زبان انگلیسی را از دانشسرای عالی را اخذ نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پروین تکین بامداد از کودکی به شعر گرایش پیدا نمود ، مادرش در این باره چنین می گوید: « پروین از یازده سالگی گاه گاهی شعرهایی نزد من می آورد با آنکه سروده هایش بی بهره از اندیشه و ذوق نبود ولی

وی را ازمن پنهان می کرد و برای خود شعر می سرود. »همسر و فرزندان : پروین تکین بامداد با مهندس قدسی ازدواج کرد که ثمره آن پسری به نام سهیل است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین تکین بامداد که در هنر نقاشی نیز آوازه ای داشت از شاعران بانوان پرآوازه ی زمان خود بود و آثار بسیاری در زمینه شعر و ادب از او در مجلات تهران به چاپ رسیده است. او ابتدا اشعارش را با نام مستعار «سیمرغ» انتشار می داد ولی بعدها از نام خود استفاده می کرد. وی علاوه بر شعر و نقاشی با قلم و سوزن نیز مهارت دارد.

منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف مجید شفق ، ج 1 ، تهران: انتشارات سنایی ، ص133 ـ دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج 1 ، تهران: انتشارات زریاب ، ص 379

باهنر، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متفکر.
تولد: 1312، کرمان.
شهادت: 8 شهریور 1360، تهران.
حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر تحصیلات خود را از پنج سالگی در مکتبخانه آغاز کرد. در سال 1322 برای ادامه تحصیل به مدرسه معصومیه رفت و شروع به تحصیل علوم دینی نمود. در سال 1332 به قم عزیمت کرد و سطوح عالی علوم اسلامی را در محضر آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی ادامه داد. یک سال بعد در سال 1333 دیپلم نظام قدیم را به صورت متفرقه امتحان داد. در سال 1336 مجله و سالنامه و فصلنامه «مکتب تشیع» را تأسیس کرد. در تهران به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و موفق به اخذ لیسانس الهیات شد و پس از آن فوق لیسانس امور تربیتی شد. سپس در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در این رشته نیز موفق شد و به اخذ مدرک دکتری نائل آمد.
حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در مدت اقامت خود در کرمان با روزنامه «هدایت افکار» همکاری داشت و در شماره‌ی نوزده سال دوم به تاریخ شنبه ششم شهریور 1332 (برابر با هیجدهم ذیحجه 1372 ق.) روزنامه‌ی مذکور مقاله‌ای با امضای (م.ج.باهنر) زیر عنوان «اجتماع عظیم و پرشکوه ملت مسلمان تشکیلات سالیانه و جهانی اسلام» به چاپ رسیده است.
حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر در سال 1337 به سبب اعتراض به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه در آبادان دستگیر شد.
حجت‌الاسلام باهنر از سال 1342 به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت. ضمنا در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی همکاری نزدیک داشت و برنامه‌های دروس دینی تحت نظر ایشان انجام می‌گرفت. در این زمینه نیز جهت دروس دینی مسئولیت تألیف کتب درسی را به عهده گرفت و حدود سی جلد کتاب و جزوه به رشته تحریر درآورد و تألیف نمود. ایشان در تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی، کانون توحید و مدرسه رفاه نقش مؤثری داشت. در اسفند 1342 پس از ایراد سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت و مسجد الجواد و حسینیه‌ی ارشاد به مناسبت سالگرد حادثه‌ی فیضیه‌ی قم، دستگیر و چهار ماه زندانی شد. در سال 1350 ممنوع‌المنبر شد. از این زمان به بعد تا انقلاب اسلامی، وی چندین بار

دستگیر شد. وی در سال 1357 به فرمان امام خمینی (ره) مأمور تنظیم اعتصابات با همکاری دکتر عزت‌الله سحابی و مهندس علی‌اکبر معین‌فر شد و همراه با آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی را بنیاد نهاد و در همان سال به فرمان امام خمینی (ره) به عضویت شواری انقلاب اسلامی درآمد. سپس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان انتخاب شد. پس از آن نماینده شورای انقلاب در وزارت آموزش و پروش گردید. همچنین عضو شورای تنظیم مدارس بود و مدتی هم مسئولیت نهضت سوادآموزی را به عهده داشت، آنگاه از طرف مردم تهران به اولین مجلس شورای اسلامی راه یافت. اما از آنجا که در کابینه‌ی رجایی مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت، از نمایندگی مجلس شورای اسلامی استعفا داد. پس از فاجعه بمب گزاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال 1360 به دبیر کلی حزب انتخاب شد. در چهاردهم مرداد همان سال به نخست وزیری رسید و بعدازظهر هشتم شهریور 1360 بر اثر انفجار بمب در دفتر نخست وزیری به شهادت رسید.
از آثار ایشان است: یادگار یک سفر (مجموعه سخنرانی)؛ بایدها و نبایدهای انقلاب، نقش قیامتی انقلاب اسلامی؛ چهار گفتار از دو شهید (با گفتارهایی از آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ فروغ اندیشه (مجموعه سخنرانی و مصاحبه‌ها)؛ انقلاب فرهنگی (سخنرانی)؛ اندیشه‌های شهید باهنر (سخنرانی)؛ سخنی درباره خداشناسی؛ مقالات از دوران خفقان؛ تعلیم قرآن مجید (با مشارکت آیت‌الله سید رضا برقعی) ؛ اصول دین و احکام برای خانواده (با مشارکت آیت‌الله برقعی) جهان بینی اسلامی (با مشارکت آیت‌الله برقعی) دین و دانش (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ شناخت اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ معارف اسلامی (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ اسلام مذهب رسمی ما (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ گفتارهای تربیتی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ انسان و خودسازی (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ موضع ما در ولایت و رهبری (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ خداشناسی (با مشارکت آیت‌الله برقعی و علی گلزاده‌ی غفوری).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بایسنغر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند شاهرخ پسر تیمور (837 -802) که خود از خوشنویسان و هنرمندان بود و اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد و در کتابخانه‌ی او پیوسته چهل تن از خوشنویسان و مذهبان و مصوران مشغول کتابت و تذهیب و تصویر بودند. بایسنقر میرزا در خطوط اصول (شش- قلم) شاگرد شمس‌الدین محمد بن حسام هروی معروف به شمس بایسنغر بوده است و خود در خط محقق و ثلث از استادان برجسته. کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث اوست که در بیست سالگی نوشته و از قدرت و قوت قلم سحر و معجزه‌ای به یادگار گذاشته است. کتابت بزرگترین قرآن موجود به خط محقق نیز اثر ارزنده‌ی اوست که هم‌اکنون بعض صفحات آن در موزه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی سلطنتی و کتابخانه‌ی ملی و موزه‌ی ایران باستان و کتابخانه‌ی ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود است و منسوب به او می‌دانند و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده‌ای در قوچان بوده است چه در حدیق‌الحقایق است که:
«... از زلزله جز همان امامزاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی‌الرضا (در قوچان) چیزی باقی نمانده و بعضی اوراق قرآن خط میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ ابن امیر تیمور گورکانی در آنجاست. گویند نادرشاه افشار از سمرقند به آنجا آورده از عجایب آثار است: طول صفحه دو ذرع و نیم، عرض یک ذرع و ده گره، طول سطر یک ذرع، عرض سطر پنج گره، بین‌السطور یک چارک اندازه‌ی قلم صد یک ذرع، و شاه شهید در سفر خراسان دو صفحه از آن را برای اطاق موزه به تهران آورد».
حدایق‌الحقایق ج 3، ص 313.
بایسنغر میرزا در سنین جوانی (سی و پنج سالگی یا سی و هشت سالگی) در هرات بدرود حیات گفت. مولف «حبیب‌السیر» درباره‌ی او می‌نویسد:
«به مجالست ارباب عالم و کمال به غایت مایل و راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده در آستان مکرمت آشیانش مجتمع می‌بودند، و بلغای وافر کیاست و فصحای صاحب فراست از اصار و امصار عراق و فارس و آذربایجان به درگاه عالم پناهش شتافته صبح و شام ملازمت می‌نمودند و آن شاهزاده عالی شأن در تربیت و رعایت تمامی آن طایفه گرامی کوشیده همه را به وفور انعام و

احسان مسرور و شادمان می‌ساخت و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت، به حالش می‌پرداخت».
بایسنغر میرزا دوست‌ترین و بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دورانی به اندازه‌ی زمان او نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است به طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتابهای کتابخانه‌ی بایسنغر نسخه‌ای یافته نشود.
(837 -802 / 801 ق)، خطاط، ادیب و شاعر. در سال 820 ق پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را به او داد و در سال 835 ق تبریز را تصرف کرد و در همان سال حاکم استرآباد شد. در اواخر عمر به علت اینکه اخترشناسان عمر او را چهل سال بیشتر تخمین نزده بودند، به میگساری پرداخت و دست به کارهای ناشایست زد. وی ذوقی ادبی و هنری داشت و اشعار و آثار فارسی را به دقت مطالعه می‌کرد و در سرودن اشعار فارسی و ترکی نیز مهارت داشت. مجلس او مجمع شاعران، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود در خط استاد بود و شاگرد شمس‌الدین محمد هروی خوشنویس. خطوط محقق و ثلث را به مهارت می‌نوشت و اوراق قرآنهایی که به خط خود نوشته، هنوز در دست است و رقم استادانه او بر طاق و اطراف سر در مسجد گوهرشاد که آیاتی از قرآن مجید نوشته، ظاهر است. میر علی، خوشنویس معروف، و بسیاری دیگر از خوشنویسان آن عصر در کتابخانه او کار می‌کردند، بایسنقر در نقاشی و تهذیب نیز دست داشته و بانی زیباترین مکتب کتابسازی در ایران بوده است. نسخه‌ای از شاهنامه به دستور وی فراهم شد و خود مقدمه‌ای بر آن نوشت که به «دیباچه بایسنقری» و یا «شاهنامه‌ی بایسنقری» معروف شد. در تذکره‌ی «صبح گلشن» سال ولادت او 835 ق و سال وفاتش 865 ق ذکر کرده است. از آثار او: کتیبه‌ی پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که در بیست سالگی نوشته است.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار خوشنویسان (1052 -1051/ 4)، از سعدی تا جامی (729 -728، 555، 538 -537)، پیدایش خط و خطاطان (99 -98)، تاریخ ادبی ایران (187/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (131/ 4)، تاریخ نظم و نثر (798 -797)، تاریخ هنرهای ملی (809 -806/ 2)، تذکرة الخطاطین (52 -45/ 1)، تذکرة الشعراء (392 -390)، حبیب السیر (644 ،634 ،46/ 4)، خوشنویسان و هنرمندان (129 ،128 ،127)، دایرةالمعارف فارسی (387/ 1)، الذریعه (125/ 9)، روضة السلاطین (33 -32)، سرآمدان فرهنگ (216 -215/ 1)، صبح گلشن (56)، فرهنگ

سخنوران (124)، کارنامه‌ی بزرگان (369)، گلستان هنر (نوزده، سی و هفت، سی و هشت، 29)، لغت‌نامه (ذیل/ بایسنقر)، مجالس النفائس (125) مناقب هنروران (106 ،59 ،58)، هنر عهد تیموریان (482 -481).

بتولی رشتی، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالوهاب بتولی رشتی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست وی در حدود 1334 قمری در رشت متولد و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را در خدمت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و دیگران به پایان رسانیده و در دروس خارج از محضر آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده و بهره کافی برده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین و تجار و اصناف گیلانی و غیره مقیم تهران در اوائل 1370 قمری عزیمت به تهران نموده و در عاصمه تشیع رحل اقامت افکنده و در مسجد خیابان سیروس نزدیک سرچشمه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای بتولی عالمی عامل و فاضلی کامل و مروجی شایسته است و بیش از سی سالست که وی را می‌شناسم جز پاکی و پرهیزکاری و علم و حلم چیزی از او ندیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

بتیستا، دیوید

قرن:20
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
Dave Batista
کشتی گیر: Batista
اسم واقعی: David Bautista
تاریخ تولد: January 18, 1969
محل تولد: Washington DC
محل سکونت فعلی: Reston, Virginia
وضعیت ازدواج:متاهل
فرزندان:3 دختر
قد: 6'5''
وزن:317lbs مربی: Wild Somoan Afa
تاریخ ورود به کشتی کچ: 1997
لقب های قبلی:
Kahn در لیگ WXW
Leviathan در لیگ OVW
Demon of the Deep در لیگ OVW
Deacon Batista در لیگ WWE
David Batista در لیگ WWE
ضربه ی نهایی: Batista Bomb ضربه های مورد علاقه:
Spinebuster
Spear
Strong Clothesline
Doublehand Choke Lift
Elevated Half Crab
Elbow Face Stretch
Hammerlock and Arm Bar دشمنان:
Rikishi
Randy Orton
Rev DVon
Scott Stiener
Booker T

Goldust
Chris Jericho
Shawn Michaels
The Dudley Boyz
Booker/RVD
Chris Benoit
Randy Orton
Ric Flair
Triple H
John Bradshaw Layfield
Melina Perez
Mark Henry
The Undertaker
افتخارات:
قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ OVW
قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر The Dudley Boyz به تاریخ Armageddon 2003
قهرمانی Tag team جهان در لیگ WWE همراه Ric Flair با غلبه بر Booker T و Rob Van Dam به تاریخ March 22, 2004
قهرمانی رویال رامبل 2004
قهرمانی سنگین وزن جهان در لیگ WWE با غلبه بر Triple H در Wrestlemania 21
قهرمانی Tag team لیگ WWE همراه Rey Mysterio با غلبه بر Joey Mercury و Johnny Nitro به تاریخ December 16, 2005
قهرمانی سنگین وزن جهان لیگ WWE با غلبه بر King Booker همراه Queen Sharmell به
تاریخ November 26, 2006

بجستانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد ابراهیم بجستانی خراسانی از علماء متعصب و مجاهد معاصر تهران است که بعلم و تقوا موصوف می‌باشد. وی در سال 1385 شمسی هجری در مشهد مقدس متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مقدمات، سطوح را نزد آقای آقا شیخ عظیمی خوانده و در درس خارج آیةاللّه العظمی آقای حاج حسین قمی و آیةاللّه آقا زاده کفائی و آقای حاج میرزا احمد کفائی فقها و اصولا شرکت کرده و از محضرشان استفاده کافی و وافی برده و معارف الهی را هم از اسناد الاساتید آیةاللّه عالم ربانی مرحوم حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند شده تا سال هزار و سیصد و چهل و یک شمسی هجری که اجبارا از مشهد منتقل به تهران و بعد از آن ابتلائات فراوان رحل اقامت باین شهرستان انداخته و در خیابان شهباز جنوبی با منطقی پر شور و حرارت به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته و در مسجد رضوان اقامه جماعت و تنویر افکار می‌نماید.
آثار و تألیفات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم. 1- توسعه مسجد رضوان 2- سبائک الذهب 3- کشکول مخلاه 4- انموذج اخلاق الرسول و آل.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بجنوردی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1395 -1316 ق)، فقیه، ادیب و نویسنده. در شهرستان بجنورد به دنیا آمد و همان جا تحصیلات مقدماتی کرد و سپس به مشهد رفت و در آنجا علوم عقلی و نقلی را نزد حاج فاضل خراسانی و آقا بزرگ حکیم و آقازاده‌ی خراسانی و آیت الله قمی، و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری اول فراگرفت. سپس به نجف رفت و در محضر آیت الله اصفهانی و میرزای نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، و در شمار مدرسان نجف درآمد. وی تا آخر عمر به تحقیق و تألیف و تدریس مشغول بود. میرزا حسن با شعر آشنایی کامل داشت و خود نیز شاعر بود. تألیفاتی در فقه و اصول از وی به جای مانده است، از آثارش: «منتهی الاصول»؛ «القواعد الفقهیه»؛ «حاشیة العروة الوثقی»؛ «ذخیرة المعاد»؛ «رسالة فی اجتماع الامر و النهی»؛ «کتاب فی الحکمة» که شرحی است بر «الاسفار الاربعة» صدر المتألهین.[1]
آیه‌الله آقای حاج میرزا حسن بن السید آقا بزرگ ابن السید علی اصغر بن السید فتحعلی بن السید اسماعیل موسوی بجنوردی داماد معظم مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین اصفهانی (داماد آیه‌الله العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی) از علماء طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر میباشد.
معظم‌له عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول میباشد تولدش در سال 1316 قمری در بجنورد و از آنجا بمشهد و مدت 13 سال از محضر مرحوم آقا زاده کفائی و آیه‌الله قمی و حاج فاضل و دیگران استفاده کرده آنگاه مهاجرت بنجف اشرف نموده و در حوزه درس مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله عراقی و مخصوصا آیه‌الله العظمی اصفهانی شرکت کرده تا به اعلی درجه فقاهت و اجتهاد رسیده است.
تألیفاتی در فقه و اصول دارد که بطبع رسیده و مورد استفاده فضلاء حوزه نجف و قم میباشد و آنها از این قرار است:
1- منتهی الاصول 2- القواعد الفقهیه 3- حاشیه بر عروه الوثقی 4- حاشیه بر وسائل 5- رساله اجتماع امر و نهی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (275/7، 184/3).

بحاثی زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 463 ق)، ادیب، قاضی و شاعر. یکی از بزرگان و شاعران صاحب تصنیف است که در هجویه‌سرایی توانا بود. بحائی در مدرسه «سیوری» غزنه ساکن بود و در آنجا به کتابت مشغول بود. در مخزنه درگذشت. از آثار وی: «بحر القلوب»؛ «نحو القلوب»؛ «دیوان» شعر؛ شرح «دیوان بحتری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (692/2 ،165/1)، معجم الادباء (29 -18/18)، معجم المؤلفین (41/9)، الوافی بالوفیات (199 -197 /2).

بحرالعلوم تهرانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی از علماء مبرز و مروجین ممتاز معاصر تهران بودند، وی در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح اولیه از محضر آیات عظام تهران و نجف اشرف استفاده نموده و در مسجد فخریه (خیابان امیریه) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و در هیئت بنی فاطمه مردم را بمواعظ حسنه و بیانات رشیقه و متقنه‌ی خود مستفیض نموده تا در سال 1382 قمری که بدرود حیات گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه بن موسی و حضرت عبدالعظیم حسنی علیهماالسلام مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: بحرالعلوم شهرت و لقب جماعتی از علماء مبرز نجف و تهران و رشت و قزوین و غیره می‌باشد. و اشهر مشاهیر آنان مرحوم آیةاللّه العظمی و العلامه الکبری حاج سید مهدی بحر العلوم بروجردی طاب اللّه ثراه عم گرام مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که از متشرفین مسلم بودند و کرارا بشرف لقاء مولای ما حضرت ولی اللّه اعظم صاحب الزمان عجل اللّه فرجه الشریف مفتخر شده و قضایای آن در دار السلام عراقی و نجم الثاقب و منتهی الامال و کتب دیگر مسطور است.
از دانشمندان دیگری که باین لقب شهرت گرفته‌اند مرحوم علامه سید مهدی بحرالعلوم قزوینی بودند. وی نیز از علماء معاصر گذشته تهران بودند و با مرحوم حاج سید محمد باقر بحرالعلوم مذکور و حجةالاسلام حاج شیخ ابوالفضل خراسانی رحمه‌اللّه و عده دیگری از علماء اتقیاء مراوده داشتند دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادری بودند و با مؤمنین از جن رابطه داشتند. بعد از 1370 قمری در تهران از دنیا رفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون شدند.
و دیگر از معروفین باین لقب مرحوم حاج بحرالعلوم رشتی برادر ثقةالاسلام و حاج شریعتمدار رشتی بودند. و آنها از گیلان و سالها مقیم اعتاب عالیات و در اواخر در تهران اقامت و از دنیا رفتند.
و دیگر از معروفین باین هویت آیت‌اللّه حاج سید حسن بحرالعلوم رشتی معاصر است که ترجمه‌اش در ضمن علماء رشت خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بحرالعلوم کرمانی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمد تقی بحرالعلوم کرمانی عالمی جلیل و دانشمندی بزرگوار است در کرمان متولد شده و پس از نشو و نما و خواندن مقدمات و ادبیات بقم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام حوزه و مدرسین بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه رسیده آنگاه برای تبلیغ به بندرشاه آمده و اهالی محترم بندر ویرا علما و عملا و خلقا پسندیده برای اقامت آنجناب اقداماتی نموده از جمله بحضرت آیه‌الله العظمی بروجردی ره نامه نوشته و از حسن عمل و خدمات معظم‌له تقدیر و تقاضای اقامت او را نمودند آیه‌الله مرحوم بایشان امر فرمودند که دعوت مردم را اجابت کنند پس ایشان پذیرفته و اکنون بالغ بر بیست سالست که در آنجا باقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و چون در آن حدود ترکمان که اغلب سنی حنفی و یا شافعی هستند حسن عمل و خدمات و اخلاق حمیده او را دیدند بسیار بایشان گرویده و از مذهب پدرانه خود دست کشیده‌اند.
نگارنده گوید آقای بحرالعلوم از اصدقاء و دوستان نزدیک حقیر است دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و میهمان دوست و رفیق میباشند. از سالیکه به بندرشاه مهاجرت نموده‌اند تاکنون خدمات بزرگی انجام داده و بین برادران تسنن آن حدود و شیعیان التیام داده و دوستی و رفت و آمد برقرار کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحرالعلومی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب.
تولد: 1296.
درگذشت: 26 آبان 1368.
حسین بحرالعلومی سال‌ها در دبیرستان‌ها و سپس در دانشگاه تدریس می‌کرد. استاد ادبیات دانشگاه تهران و اصفهان بود. رساله دکترای او تصحیح دیوان کمال‌الدین اسماعیلی اصفهانی بود و توفیق یافت آن را به چاپ برساند. کار دیگر او تدوین و تألیف کتاب انجمن آثار ملی است. وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «کارنامه‌ی انجمن آثار ملی»، «تماشا»، «فرهنگ و هنر» و «پشوتن»، می‌نوشت. وی در هفتمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیقی در احوال و آثار پیر هرات» ارائه داد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بحرانی، ابوالحسن سلیمان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1121 -1075 ق)، فقیه، محقق، محدث، خطیب و شاعر امامی. معروف به محقق بحرانی. در ماحوز بحرین به دنیا آمد. در هفت سالگی «قرآن» را حفظ کرد. او در محضر درس علمای بحرین حاضر شد. شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی و شیخ سلیمان بن علی شاخوری و شیخ صالح بن عبدالکریم در تکوین حیات علمی وی نقش بسزایی داشتند. وی از شاگردان علامه مجلسی بود و از او و دیگر علمای معاصرش همچون علامه سید هاشم بحرانی، صاحب «البرهان فی تفسیر القرآن» و شیخ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی و سید محمد بن ماجد بحرانی ماحوزی حدیث نقل کرده است. او در حفظ و دقت و سرعت انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش انتقال در جواب و مناظره مشهور، و حوزه‌ی درسش مرجع استفاده‌ی دانشمندان بود. ابوالحسن در روز جمعه نیز بعد از نماز، صحیفه‌ی سجادیه را تدریس می‌کرد. شیخ عبدالله بن حاج صالح سماهیجی و شیخ احمد بحرانی پدر صاحب «حدائق» از شاگردان وی بودند. در دونج، یکی از روستاهای ماحوز درگذشت و در مقبره‌ی شیخ میثم، جد ابن‌میثم، شارح نهج‌البلاغه، دفن شد. وی متجاوز از شصت تألیف دارد که از آن جمله: «بلغة» یا «بلغة المحدثین»، در رجال؛ «جواهر البحرین»، تاریخ علمای بحرین؛ حاشیه «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی؛ حاشیه «خلاصة الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «مشرق الشمسین» شیخ بهائی؛ «سر المکتوم فی حکمة تعلم علم النجوم»؛ «الشفاء فی الحکمة النظریه»؛ «معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال» یا «المعراج»، در شرح «الفهرست» شیخ طوسی؛ «هدایة القاصدین الی عقائدالدین»؛ شرح «الباب الحادی عشر»؛ «النکت البدیعة فی فرق الشیعة»؛ «اربعون حدیثا فی الامامة من طرق العامة»؛ کشکول «ازهار الریاض»، در ادب، در سه جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (191/3)، اعیان الشیعه (307 -302 /7)، ایضاح المکنون (721، 676، 669، 616، 191، 71، 12، 2/ 159، 110، 104، 66، /1)، تلامذة العلامة المجلسی (29 -28)، الذریعه (33/25، 466/9، 182، -181 /5، 174/4، 148، 147 -146 /3)، روضات الجنات (22 -17

4/)، ريحانه (238 -237 /5 ،231/1)، لغت‌نامه (ذيل/ سليمان)، معجم المؤلفين (267/4)، هدية العارفين (405 -404 /1).

بحرانی، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1102 ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر امامی. به جهت انتساب به دو تألیف گرانسنگ خویش «خمائل» و «ریاض الدلائل» او را گاهی فاضل الخمائل و زمانی فاضل الدلائل نیز گفته‌اند. وی در روستای مقابی بحرین به دنیا آمد. او برای پیمودن مدارج عالی اجتهاد به اصفهان رفت، و در سلک شاگردان مجلسی درآمد. مجلسی در اجازه‌ی خود او را بسیار ستوده است. ملا محمد باقر سبزواری صاحب «ذخیره» برای استفاده از مراتب علمی او هفته‌ای دو روز با وی مصاحبت داشته است. شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی، صاحب «بلغة الرجال»، و ملا ابوالحسن شریف عاملی فتونی از شاگردان او بودند. وی به مرض طاعون درگذشت و در کاظمین به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاستقلالیه»؛ رساله «البداء»؛ «الحسن و القبح العقلیان»؛ «الخمائل»، در فقه؛ «ریاض الدلائل و حیاض المسائل»، در فقه؛ «الرموز الخفیة فی المسائل المنطقیة»؛ «المشکاة المضیئة فی العلوم المنطقیة»؛ «عینیة صلاة الجمعة»، اثری فقهی که در آن ثابت کرده نماز جمعه در عصر غیبت واجب عینی است. از دیگر آثارش «دیوان» شعر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (229/1)، اعیان الشیعه (173 -172 /3)، ایضاح المکنون (488/2، 601، 584 /1)، تلامذة العلامة المجلسی (18 -16)، الذریعه (325 -324، 252 /11)، ریحانه (142 -141 /2، 230 /1)، روضات الجنات (190/8، 97 -95، 39 /1)، ریاض العلماء (69 -68 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (169/2)، هدیة العارفین (166/1).

بحرانی، ماجد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1097 ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. پس از فراگیری مقدمات علوم و ادبیات عربی و فارسی، مدارج عالی‌تر را نزد پدر خود که جامع علوم و شیخ الاسلام شیراز بود فراگرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. بحرانی پس از کناره‌گیری پدرش، مدتی قاضی و شیخ الاسلام شیراز بود. سپس به اصفهان رفت و در آنجا نیز به کار قضاوت پرداخت. وی از معاصران شیخ حر عاملی بود و با او مکاتبه داشت. شیخ حر در رثای وی قطعه‌ای سروده است. از آثار او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» که ناتمام مانده؛ «التحفه السلیمانیه»، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، به فارسی، که به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف و در 1301 ق چاپ شده؛ «فصوص سلیمانیه»، شرح فارسی، «دعای بیت المعمور»، که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (16/ 235- 236، 14/ 144- 145، 3/ 441- 442)، ریحانه (1/ 231- 232).

بحری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بحری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبّی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعة الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.
(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب

درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بحری، محمد حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین بحری بیناباج
محل تولد : قاینات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد حسن بحری بینا باج در سال 1321هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر قائنات دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال های خفقان و در سال 1335 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میلانی و حجت الاسلام والمسلمین نیشابوری بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1352 از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و دانشگاه آزاد تربت جام، مشغول می باشد.

بخاری

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 483 ق)، نحوی و فقیه حنفی. وی در بخارا متولد شد. خواهرزاده قاضی محمد بخاری بود. در بخارا از دنیا رفت. از آثارش: «المبسوط» در فروع؛ «المختصر»؛ «التجنیس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332/6)، ریحانه (192/2)، کشف الظنون (1580 ،1223 ،569)، لغت نامه (ذیل/ خواهرزاده)، معجم المولفین (253/9)، هدیه العارفین (76/2).

بخاری، عنایت‌اللّه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1176 ق)، مفسر، نحوی و عالم حنفی. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر سورة البقره» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح العضدیة» دوانی؛ حاشیه بر «شرح اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی، در نحو؛ حاشیه بر «شرح حکمة العین» مبارکشاه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (1/ 141)، معجم المؤلفین (14 -13 /8)، هدیة العارفین (1/ 804).

بختیاری، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن بختیاری
محل تولد : تاکستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در اواخر سال 1356 وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال 1362 ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.
سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال 1371 تا 1374 دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال 1381 تا 1384 در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال 1369 ـ 1370 در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بختیاری، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمّد حسن بختیاری، مؤلّف شرح نهج البلاغه متوفّی به سال 1272.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بختیاری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پدرش نیز از علما و فضلا معدود بوده، و در سال 1312 در اصفهان وفات یافته است. وی از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده، و کتب زیر از اوست:
1 - تفسیر سوره‌ی آل عمران 2 - تفسیر سوره‌ی انبیاء 3 - تفسیر سوره‌ی یوسف
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بدرالدین، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1239 ق)، حکاک. ملقب به مرصع رقم. وی شاگرد شیخ محمدیار و از هنرمندان عصر خود بوده و در حکاکی مهارت داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (99/1).

بدیع اصفهانی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318 ق)، عالم، فقیه، مدرس، ادیب و شاعر. به مناسبت سکونت در محله درب امام، به درب امامی مشهور بود. پدرانش عموما از دانشمندان اصفهان به حساب می‌آمدند. او نزد حاج ملاحسینعلی تویسرکانی و میرسید محمد شهشهانی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی و حاج شیخ محمد باقر نجفی درس خواند و اجازه اجتهاد گرفت. حاج سید میرزا بدیع در مدرسه نیماورد درس می‌گفت و متجاوز از یکصد دانشمند در محضرش تلمذ می‌کردند و عوام و خواص در وقت نماز بدو اقتدا می‌کردند. او علاوه بر کمالات علمی در هنر خط نیز شهرت داشت و در ادب و شعر توانا بود. از آثار وی: حاشیه بر «ریاض»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ رساله‌ای در «خراج»؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (201 -200)، حدیقة الشعراء (226 -225 1/)، الذریعه (175/6)، معجم المؤلفین (40/3).

بدیع‌الزمان نطنزی، ابو عبدالله حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 499/497 ق)، ادیب و شاعر. وی از اهالی نطنز بود و در اصفهان زندگی می‌کرد. او تمام عمر خویش را به معلمی و درس و بحث گذراند و در دو زبان فارسی و عربی ادیبی معروف شد. به همین دلیل او را ذوالبیانین یا ذواللسانین لقب دادند. در شعر فارسی نیز دست داشت بخصوص سرودن اشعار مصنوع، از شعر او جز چند قطعه چیزی باقی نمانده است. تألیفات او عبارت‌اند از «الخلاص» یا «دستور اللغة» و «المرقاة» که هر دو در لغت عربی به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (318/2)، تاریخ نظم و نثر (56)، الذریعه (311/20، 131/9، 166، 165/ 8، 208/7)، ریحانه (271/2)، فرهنگ سخنوران (53)، کشف الظنون (754)، معجم البلدان (337/5)، معجم المؤلفین (191/3).

بدیع‌الزمان همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(358/353- 398/378)، مقاله‌نویس و شاعر. ملقب به مهذب‌الدین. در همدان تولد یافت. ساکن هرات شد. از شاگردان ابن‌فارسی رازی و صاحب بن عباد بود و یکی از فضلا و فصحا عصر خود. وی در حدیث هم ثقه بود و مذهب اشعری داشت. با ابوبکر خوارزمی، دانشمند مشهور زمان خود در شهر نیشابور مناظراتی داشت و از این طریق بود که شهرت زیادی به دست آورد و بعد از درگذشت ابوبکر در همه کارهای دیوانی جانشین او شد. بدیع‌الزمان مسافرتهایی به سیستان، غزنه و دیگر بلاد خراسان کرد و از امرا و فضلا و مشاهیر زمان تمتعی کامل برگرفت، و ثروتی عظیم اندوخت. در هرات ازدواج کرد و همان جا درگذشت. وی حافظه‌ای قوی داشت و آثاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت و مقامه‌نویسی را رونق و کمالی بسزا بخشید. در واقع او خود نخستین کسی است که مقامه‌نویسی را ایجاد کرده و در این راه پیشوای آیندگانی چون حریری و دیگران شد. آثار وی قریب به چهارصد مقامه می‌شده که برگزیده‌ی آنها پنجاه و نه مقامه است. از دیگر آثار وی: «مجموعه‌ی رسائل»؛ «مناظرات او با ابوبکر خوارزمی»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (581 -570 /2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (158 -153 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (640/1)، تاریخ الاسلام (حوادث 353 -349/400 -381)، دایرةالمعارف فارسی (396/1)، الذریعه (131/9)، روضات الجنات (250 -248 /1)، ریحانه (244 -243 /1)، سرآمدان فرهنگ (221 -220 /1)، سیر النبلاء (68 -67 /17)، فرهنگ ادبیات فارسی (86)، کارنامه‌ی بزرگان (59 -8)، الکنی و الالقاب (76 -75 /2)، کشف الظنون (1785)، لغت‌نامه (ذیل/ بدیع‌الزمان)، معجم الادباء (202 -161 /2)، الوافی بالوفیات (358 -355 /6)، وفیات الاعیان (129 -127 /1)، هدیة العارفین (69/1).

بدیع‌الزمان، احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. نادر روزگار) احمد بن حسین همدانی (ف. 398 ه.ق.) وی علوم ادبی عرب را در همدان نزد ابن فارس رازی فراگرفت و سپس به خدمت صاحب بن عباد رسید و از او نیز استفاده علمی کرد. «رسائل» (ه. م.) و «مقامات» (ه. م.) وی در ادب عرب ممتاز است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بدیعی اندجانی، یوسف

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 897 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به بدیعی. ملقب به بدیعی معمایی. در اواخر دوران تیموری در اندجان متولد شد. در کودکی به سمرقند رفت و نزد صفایی شاگردی کرد و به همین جهت به ملایوسف صفایی نیز مشهور شد، گرچه، از شهرت صفایی راضی نبود. بدیعی در سرخس درگذشت و در خانقاه شیخ لقمان پرنده دفن شد. مولانا یوسف به علم عروض و صنایع و بدایع شعری و فن معما آگاهی داشت و صاحب «رساله‌ای در معما» و «قصیده‌ی مرآة الصفا» است. از وی «دیوان» شعری نیز بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (673)، تاریخ ادبیات در ایران (120/4)، تاریخ نظم و نثر (323)، تذکره‌ی روز روشن (103 -102)، حبیب السیر (337/4)، الذریعه (131/9)، فرهنگ سخنوران (129)، مجالس النفائس (122).

بدیعی تبریزی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 980 ق)، دانشمند، طبیب، ادیب و شاعر. از دوستان مظفر علی نقاش و مردی خوش‌طبع و خوش‌مشرب بود، به ترکی و فارسی شعر می‌گفت. وی در سرودن غزل مهارت داشت و این امر از «دیوان» غزلیات بازمانده از وی تأیید می‌شود. برخی «مثلثات منظوم» در لغت را از او دانسته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (111/1)، تاریخ نظم و نثر (526 -525)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (87 -86 /2)، دانشمندان آذربایجان (66 -65)، الذریعه (80/19، 131/9)، سخنوران آذربایجان (234 -233)، هفت اقلیم (229/3)، فرهنگ سخنوران (130 -129)، مؤلفین کتب چاپی (100/2)، مجمع الخواص (260).

بدیعی، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منوچهر بدیعی در فروردین 1318 در اصفهان به دنیا آمد.وی تحصیلات خود در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه ادامه دادو لیسانسش را گرفت . او درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد.مشاغلش همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند. کتاب "چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی" ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر بدیعی تحصیلات دورهٔ دبستان و دبیرستان را در همان شهر گذراند و سپس در دانشگاه تهران در رشته‌ای نامرتبط با فن ترجمه تحصیل کرد و لیسانس گرفت. درس‌های دورهٔ دکترای همان رشته را نیز تمام کرد، اما چون رسالهٔ پایان دورهٔ تحصیلی را نگذرانده است درجه و عنوان دکترا ندارد
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل منوچهر بدیعی همواره در همان زمینهٔ تحصیلات دانشگاهی‌اش بوده و از این رو به ترجمه به عنوان یک شغل و حرفه نگاه نمی‌کند
جوائز و نشانها : کتاب "چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی" ترجمه منوچهر بدیعی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : ترجمه‌های منتشر شدهٔ منوچهر بدیعی علاوه بر چهرهٔ مرد هنرمند در جوانی عبارت است از: بیست اثر سینکلر لوییس؛ بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری؛ جادهٔ فلاندر اثر کلود سیمون؛ آدم اول اثر آلبر کامو؛ ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار؛ مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار؛ کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس (چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس)؛ دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ،

ارغنون، کلک و سرانجام، آخرین ترجمة منتشر شدة او کتاب قرائتی نقادانه از رمان چهرة مرد هنرمند در جوانی شاهکار جیمز جویس نوشتة دیوید سید است. ترجمه بخشی از اولیس نیز، دیگر اثر ارزشمند اوست. ---------
---

آثار :
1 آدم اول اثر آلبر کامو
2 ارغنون، کلک و سرانجام
3 بازار خود فروشی اثر ویلیام تکری
4 بیست اثر سینکلر لوییس
5 جادة فلاندر اثر کلود سیمون
6 چهرة مرد هنرمند در جوانی
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:چهرة مرد هنرمند در جوانی/ جیمز جویس؛ ترجمة منوچهر. بدیعی. ـ تهران: نیلوفر، 1380.383ص. این شاهکار ادبی که در اوایل قرن بیستم میلادی نوشته شده، از نخستین رمان‌هایی است که سیر رشد و تکامل قهرمان داستان را از دوران کودکی تا سنّ کمال در تمامی ابعاد آموزش و پرورش وی نشان می‌دهد و از این لحاظ با رمان‌های قرن نوزدهم تفاوت دارد. به یک معنا می¬توان گفت که این رمان نخستین سنگ‌بنای رمانِ نو است. این رمان، نه تنها رشد جسمانی شخصیت داستان بلکه رشد معنوی و مذهبی و پرورش معنوی مذهبی و فلسفی او را نیز نشان می‌دهد. وصف تأثیر تربیت دینی قهرمان رمان و واکنش‌های او نسبت به این تربیت، که به صُورِ گوناگون فلسفی و هنری ظاهر می‌شود، یکی از ویژگی‌های برجستة این رمان است. در عین حال، در این رمان به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی رشد قهرمان توجه وافر شده است. فضای تاریخی رمان و در نتیجه فضای آموزش و پرورش قهرمان آن، فضای جامعه‌ای است استعمارزده که می‌خواهد آزادی را به دست آورد و در این راه مبارزه‌ها کرده است. این، شاید تنها سندِ ادبی باشد که تنش عقیدتی و اجتماعی ایرلند را پس از سال‌ها تحمل استعمار انگلیس نشان می‌دهد. از لحاظ تطابق صورت با محتوا، این اثر در حد کمال است. در این رمان به تناسب رشد شخصیت اصلی، زبان رمان از مرتبة کودکانه به مرتبة زبان شاگردان و معلمان مدرسه و از آن‌جا به مرتبة زبان دینی و سرانجام به مرتبة زبان فلسفی، به ویژه زبان فلسفة هنر، تحول می یابد. اغلب جویس¬شناسان معتقدند که چهر؟ مرد هنرمند در جوانی، در واقع زندگینامة خود نوشت جویس است از دو سالگی تا حدود بیست سالگی، یعنی تا زمانی که برای نخستین بار به پاریس رفت.

ترجم؟ چنین رمانی مهارت و چیره‌دستی فراوان می‌خواهد و مترجم با استادی از عهد؟ این کار برآمده و ترجمهٔ هنرمندانه‌ای ارائه کرده است. بافت متن یکدست و زیباست و با توجه به قرابت واژگانی و نحوی ترجمه با متن اصلی و تناسب نثر ترجمه با سبک مؤلف، مترجم محترم توانسته است متنی ادبی بیافریند که با متن اصلی، به لحاظ برخورداری از کیفیت ادبی، چندان فاصله ندارد، یا دست کم فارسی زبان را از لذّت درک ادبی متن اصلی بی‌بهره نمی‌گذارد. نکات فرهنگی، اساطیری، تاریخی و جغرافیایی یا واژگانی و ادبی موجود در کتاب به نحوی شایسته و کامل در بخش «یادداشت‌ها» در پایان کتاب توضیح داده شده که بر فایدهٔ این ترجمه می‌افزاید. خلاصه آن که ترجمهٔ بسیار دشوار این رمان، یکی از موفق‌ترین ترجمه‌های زمان حاضر به شمار می‌آید.
7 دو کتاب کوچک دربارهٔ «رابله» و «ناتالی ساروت» و چند مقالهٔ فلسفی و ادبی در نشریه‌های فرهنگ
8 ژان باروا اثر روژه مارتن دوگار
9 کتاب کوچکی دربارهٔ جیمز جویس
ویژگی اثر : چاپ دوم آن همراه با بخش هفدهم اولیس اثر جیمز جویس
10 مقدمهٔ آلبر کامو بر مجموعهٔ آثار روژه مارتن دوگار

منابع :
1www.ketabesal.ir

بدیعی، نعیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: روزنامه‌نگاری، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: علامه طباطبائی
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

براتی، عبدالعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعلی براتی
محل تولد : مسجد سلیمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ دیپلم در سال 1360 وارده حوزه شدم حدود 12 سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به 15 سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.
مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

براپور، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم براپور
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال 75 در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه 6 به اتمام رساندم و در سال 80 به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های 7 و 8 و در مدرسه علمیه قدیری پایه های 9 و 10 را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ 83 امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

برای گاوزنی، عبدالحق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحق برای گاوزنی
محل تولد : رود بست
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 1356 در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر 25 کربلا پیش رفته بود و در کربلای 10 در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می‌گذراندم.
یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت

الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایة و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود 6 سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده کردیم.روزها ساعت 11 حدود 5 سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.
متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال 72 در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال 76 کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود 3 کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)
در سال 1380 در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر

نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

بربا، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد بربا
محل تولد : تویسرکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/1
زندگینامه علمی
آقای علی محمد بربا در سال 1339هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان تویسرکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر او را راهی قم گردانید.
و در سال 1355 که سال های اوج خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1363 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله محقق داماد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد از سال 1366 تا کنون به امر تدریس در دانشگاه پیام نور تویسرکان و دانشگاه آزاد اسلامی تویسرگان مشغول می باشد که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. علاوه بر این وی به مدت 10 سال بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان تکیه زده بود که در این مدت خدمات ارزنده ای به دانشجویان آن دانشگاه ارائه کرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بربا هیچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نماند و آثاری از قبیل "نقش استاد در سلوک روح الله"،"نقد نظری ترایون " و "

عرفان و اهل بیت (ع)"را به رشته تحریر در آورده است.

برجی، یعقوب علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یعقوب علی برجی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/2
زندگینامه علمی
در سال تحصیلی 53-52 وارد حوزه علمیه "فضل ابن شاذان" نیشابور شدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حوزه فرا گرفتم. در سال 1358 به حوزه علمیه مشهد هجرت نموده و کتابهای«الرسائل» شیخ اعظم انصاری و کتاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال 1361 به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضرت معصومه(س)سکنی گزیدم. پایه های درسی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال 62) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه 9 را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسی، خارج فقه حضرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی را انتخاب نموده و تا سال 1375 به مدت 13 سال از محضر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایة الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضر استاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی 70- 69 در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال 72 موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل 51/18 شده و در تاریخ 20/7/72 پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بدعت و دیدگاهای مختلف درباره آن» را در محضر دکتر محمد باقر حجتی(استاد راهنما)،حضرت آیت الله معرفت(ره)(استاد مشاور)، جناب دکتر بهشتی(ناظر)و جمعی دیگر از اساتید دفاع نموده و با نمره نوزده(19)از

20 و درجه عالی از آن مرکز فارغ التحصیل گردیدم و در سال تحصیلی 73-72 در کنکور دکترای گرایش فقه و اصول دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کرده و قبول شدم و در این دانشگاه از محضر اساتید نام آوری همچون حضرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ 2/4/80 رساله دکتری را با عنوان«سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضر آیت الله باقری کنی(استاد راهنما)، آیت الله مهدوی کنی(استاد مشاور)،مصباحی، مرعشی(اساتید داور)و جمعی دیگر از اساتید و بعضی از مسؤولان دانشگاه و تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره 96 و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر برزگر فاضلی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
این جانب اصغر برزگر فاضلی در سال 1361پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهرستان نور شدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال 1364وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال 1369موفق به اتمام پایه 9و سطح سه حوزه شدم که در این دوران علاوه بر گذراندن دروس اصلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسفه بدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .
از سال 1370دروس خارج فقه واصول حوزه را شروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسفه اسفار، شرح اشارات ، بخشهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال 1374در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال 1377موفق به اخذ پایان نامه آن شدم و در طی سالهای 82تا 84در دانشگاههای کرج و اراک دروس معارف اسلامی را تدریس نمودم .

برزگر، فرامرز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1309.
درگذشت: 1375.
از آثار اوست: اختتاق ایران (تألیف مورگان شوستر؛ ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری؛ تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانه منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل رائین؛ تهران، 1368)؛ اسرار مرگ (موریس مترلینک؛ تهران، 1371) دو هزار دانشمند در جستجوی خدای بزرگ (ریموند روایه؛ تهران، 1361)؛ سرگذشت کشتی اسنارگ: یک سرگذشت زیبا و پرماجرا از خود نویسنده (جک لندن، تهران، 1335)؛ سفرهای من: مشتمل بر زیباترین نوشته‌های هوگو درباره‌ی جهان و طبیعت (ویکتور هوگو؛ تهران، 1363)؛ ماجراجو (جک لندن؛ تهران، 1362).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برزگر، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی برزگر بفروئی
محل تولد : میبد یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسماً مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال 56 در آنجا مشغول بودم در سال 57 موفق به سکنی در قم گردیدم و از اساتیدی مانند آقایان اعتمادی، ستوده، وزیری ، محقق ، آیات عظام سبحانی، تبریزی، وحید خراسانی بهره علمی بردم و در ضمن تحصیل به تحققات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مدت 9 سال سپری کردم و نیز در دانشگاه جنوب تهران مدت کوتاهی مشغول تدریس علوم اخلاق و معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برزویه اصفهانی، ابوجعفر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 354 ق)، نحوی و محدث. مشهور به غلام نفطویه. ساکن بغداد بود. نحو را از فضل بن حباب و محمد بن عباس یزیدی فراگرفت. برزویه از عمر بن ایوب سقطی و ابوالعباس خزاعی و علی بن رستم و محمد بن یحیی بن منده اصفهانی، روایت کرده و ابوالحسن/ ابوعلی بن شاذان از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (206/3)، تاریخ بغداد (226/5)، روضات الجنات (222/1)، ریحانه (246/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 60/4)، الکنی و الالقاب (77/2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (153 -152 5/).

برزویه طبیب

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 532 م)، طبیب و مترجم. از پزشکان معاصر انوشیروان، و زرتشتی مسلک بود. به دستور انوشیروان کتاب «پنجه تنتره» (کلیله و دمنه) را از هند به ایران آورد و از زبان هندی به پهلوی ترجمه کرد. پدرش از لشکریان و مادرش از خانواده‌ی یکی از علمای زرتشتی بود. گویند بازی شطرنج را او از هند به ایران آورد. وی با جبرییل طبیب، بیادق، صاحب کتاب «الماکول المشروب»، و سرجیوس رأس العینی، طبیب و فیلسوف مشهور، معاصر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (108/1)، تاریخ طب (70 -66 /2)، تمدن ساسانی (117 -115 /1)، جستجو در تصوف (27 -17)، دایرةالمعارف فارسی (405/1)، لغت‌نامه (ذیل/ برزویه)، رای و برهمن (مقدمه).

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1294 ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 808/13)، المآثر و الآثار (163)، مستدرکات اعیان (304/2).

برقانی خوارزمی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(336- 425 ق)، فقیه، محدث، قرآن‌پژوه، نحوی. معروف به حافظ کبیر. از اهالی خوارزم بود که در بغداد سکنی گزید. در خوارزم ابوالعباس حیری نیشابوری و در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در بغداد از ابوعلی صواف و محمد بن جعفر بندار و در نیشابور از ابوعمرو بن حمدان و ابواحمد حاکم و در دمشق از ابوبکر بن ابی‌الحدید و در مصر از حافظ عبدالغنی حدیث شنید. ابو عبدالله صوری و ابوبکر بیهقی و ابوبکر خطیب بغدادی و ابواسحاق شیرازی و ابوطاهر احمد کرجی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. خطیب بغدادی او را ثقه، پرهیزکار و دانای فقه و حدیث توصیف کرده است. ابوبکر تا زمان مرگ خویش از تألیف و تصنیف باز نایستاد. او در بغداد درگذشت. از آثار وی «مسند» ی است که جامع تمامی احادیث «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم است. او احادیث سفیان ثوری و شعبه و ایوب و دیگران را نیز جمع‌آوری کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (205/1)، تاریخ بغداد (376 -373 /4)، ریحانه (249 -248 /1)، سیر النبلاء (468 -464 /17)، کشف الظنون (1682)، لکنی و الالقاب (78/2)، معجم المؤلفین (74/2)، الوافی بالوفیات (331/7)، هدیة العارفین (74/1).

برقعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهرت سلسله‌ای از سادات رضویست که منسوب به جناب موسی المبرقع بن الامام ابی‌جعفر محمد التقی علیه‌السلامند که قبرش در بلده طیبه قم در محل چهل اختران زیارتگاه عالی و دانی و از امامزاده‌گان مسلم و بلافصل مدفون در قم می‌باشد شرح احوال آن جناب و آمدنش از مدینه به سامره و از آنجا به قم در کتب تواریخ و انساب مذکور است و چون آن بزرگوار در موقع ورودش به قم برقعی به روی مبارک انداخته بود از آنجا شهرت به مبرقع و اولاد او را برقعی خواندند و اکنون اکثر سادات قم منسوب به وی و به این لقب و یا رضوی و مبرقع و غیره معروف می‌باشند و عده‌ای از آنها هم به تهران و سایر نقاط منتقل و ساکن گردیده‌اند.
یکی از معاریف این سلسله در عصر ما مرحوم مبرور آیت‌الله حاج میرزا سید حسین برقعی بودند که در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند وی سومین فرزند مرحوم آیت‌الله آقاسید عبدالله قمی است که ترجمه‌اش در جلد اول با ترجمه برادر ارجمندش آیت‌الله آقا سید محمد بن عبدالله برقعی گذشت. معظم‌له در سال 1306 در قم متولد شده و مقدمات و سطوح را نزد اساتید قم آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر دیده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید معروف مانند مرحوم آیت‌الله نائینی استفاده و پس از آن مراجعت به وطن خود کرده و سالها از محضر و درس آیت‌الله حایری و بعد از ورود آیت‌الله بروجردی چند سال هم از محضر آن مرحوم استفاده و در صحن مطهر اقامه جماعت داشتند و هم تدریس فقه و اصول می‌نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقعی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.
اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.
1- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.
2- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر
3- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر
4- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل
5- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که 15 سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.
6- آیة‌اللَّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.
7- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)
8- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.
مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال 1337 قمری مرقوم داشته‌اند.
2- مرحوم ثقة‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال 1342

قمری نوشته‌اند.
3- مرحوم آیةاللّٰه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال 1352 قمری نوشته‌اند.
4- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.
آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:
1- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.
2- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.
3- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.
4- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام
5- جلوه حق
6- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.
7- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.
8- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.
9- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.
10- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.
11- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح
12- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.
13- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.
و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:
1- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.
2- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.
3- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.
4- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی
5- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.
(1366 -1278 ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث

قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال 1313 ش یک دبستان و در سال 1315 ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[1]
فقیه، محقق، شاعر.
تولد: 1278(1317 ق.)، قم.
وفات: 13 مرداد 1366.
آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.
در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.
در سال 1313 یک دبستان و سال 1315 یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.
در سال 1329 که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست

ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.
آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.
فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ 1329 -1328)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، 1317)؛ راهنمای دینداران (1324)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ 138)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ 1317)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ 1319)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ 1320)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ 1319)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ 1366 ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، 1327)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (2931 -2924/ 5)، فرهنگ سخنوران (755)، الذریعه (229/ 17 ،64/ 10 ،899/ 9). گنجینه‌ی دانشمندان (393 -389/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (493 -491/ 4).

برقعی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید مرتضی بن السید العلام السید عیسی (صدرالواعظین قمی) از وعاظ نامی و خطباء گرامی حوزه علمیه قم و واعظ مخصوص حسینیه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است.
در سال 1332 قمری در شهر قم متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات ادبیات و سطوح اولیه و نهائی را از مرحوم علامه حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و مرحوم سه‌دهی اصفهانی و آقاشیخ ابوالحسن فقیهی پائین شهری در مدرسه جانی خان و حضرت آیت‌الله العظمی نجفی فراگرفته و از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری استفاده کرده و هم چند سالی در درس آیت‌الله العظمی بروجردی ره شرکت نموده و معقول را هم در خدمت حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله امام خمینی... و آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای خوانده و حدود دو سال هم از دروس طب آقای دکتر علوی که در زمان مرحوم آیت‌الله حایری می‌گفتند استفاده نموده و از علم معرفت الاعضاء (فیزیولوژی) برخوردار شده و در امتحانات شرکت نموده و با تصدیق قبولی مفتخر و از سنین پانزده سالگی به منبر رفته و تاکنون که شصت و یکسال از سن شریف وی می‌گذرد به این پست حساس اشتغال دارد.
مولف گوید: از خصایص ایشانست که نیاکان و اجدادش تا معصوم همه از اشراف و علماء و گویندگان نامی بوده‌اند و مانند سادات دیگر برقعی قم از احفاد امام‌زاده عظیم‌الشأن حضرت موسی مبرقع فرزن امام همام حضرت ابی‌جعفر محمد بن علی التقی علیهماالسلام می‌باشند که قبر شریفش در محله چهل اختران قم مزار معروف می‌باشد.
آثار قلمی ایشان از این قرار است:
1- اسرار الصلوه 2- تفسیر سوره یس 3- تفسیر سوره والنجم 4- تفسیر سوره الضحی و معوذتین 5- گنجینه اسرار 6- معدن الابرار 7- مخزن المصائب 8- صحیفه الابرار و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

برقی قمی، ابوعبدالله محمد

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 183 ق)، ادیب، فقیه و محدث امامی. وی منسوب به برق‌رود از نواحی قم بود. ابن‌ندیم او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است. شیخ طوسی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) برشمرده است. او در علوم عربی مشهور و به چیرگی در اخبار معروف بود. وی پدر شیخ اجل احمد بن محمد برقی، صاحب «المحاسن»، است. پسرش، احمد بن محمد، از راویان او است. از آثارش: «البلدان و المساحة»؛ «التأویل و التعبیر»؛ «التبصرة»؛ «التفسیر»؛ «التنزیل»؛ «الرجال»، شامل نام کسانی که از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده‌اند؛ «فضائل القرآن»؛ «العویص»؛ «النوادر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (273/9)، تاریخ ادبیات در ایران (80/1)، الذریعه (362/15، 315/3)، رجال الطوسی (404، 386)، رجال النجاشی (221 -220 /2)، ریحانه (251/1)، الفهرست لابن الندیم (309)، الفهرست للطوسی (292 -291)، الکنی و الالقاب (78/2)، لغت‌نامه (ذیل/ برقی)، معجم المؤلفین (277/9).

برکت، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد برکت
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/16
زندگینامه علمی
پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال 1362 در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شدم . این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال 1352 شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجة الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملک حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال 1371 بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.
در سال تحصیلی 67-1366 به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمائی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی ، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم.از سال 1374 تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم.از سال 1365 مدیریت کتابخانه مدرسه امام عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی ، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.
از سال 1377 توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال 1379 مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

برکلی حنفی، تقی‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(981 -929/926 ق)، صوفی، واعظ نحوی، فقیه، مفسر و محدث. وی ایرانی الاصل و از دانشمندان نامی عثمانی بود. ظاهرا چون حنفی مذهب بود، از ترس صفویه به آن سرزمین رفت. از جزئیات احوالش اطلاعی در دست نیست. وی مؤلف کتابهای بسیاری به زبان عربی و فارسی است که در فنون مختلف نوشته شده است و معلوم می‌شود که در همه‌ی علوم زمان دست داشته است. از آثار وی: تعلیقه بر «اصلاح الوقایة فی فروع» ابن کمال پاشا؛ «اظهار الاسرار»، در نحو؛ «انقاذ الهالکین»، که در سال 967 ق تألیف کرده است؛ «ایقاظ النائمین»، که در سال 972 به پایان رسانیده؛ «رسالة فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة و عدم جواز وقف النقود»؛ «جلاء القلوب»، که در سال 971 ق به پایان رسانیده است؛ «صحاح عجمیه»، به فارسی؛ «فرائض» و شرح آن؛ «کفایة المبتدی»، در صرف؛ شرح «لب الالباب فی علم الاعراب» یا شرح «مختصر الکافیه» بیضاوی، معروف به «امتحان الاذکیاء»؛ حاشیه بر «شرح الوقایة» صدر الشریعه ثانی. «دامغة المبتدعین و کاشفة بطلان الملحدین»؛ «آداب البرکوی»، «الاربعون»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287 -286 /6)، ایضاح المکنون (442/1) تاریخ نظم و نثر (395)، الذریعه (125/5)، کشف الظنون (2022 -2020 ،1500 ،1246 ،1074 ،592 ،215 -214 ،184 -183 ،117 ،109 ،54)، معجم المؤلفین (124 -123 /9)، هدیة العارفین (252/2).

برنجکار، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا برنجکار
محل تولد : آستارا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
رضا برنجکار در سال 1342 هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال 1360 با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال 1361 به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت.
همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال 1380 موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی کاشانی، محمد تقی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم دینی، محدث ادیب و شاعر. پس از فراگرفتن علوم متداول خود را به اصفهان رسانید و در حوزه‌های درسی آنجا تحصیل خود را تکمیل کرد. وی از محضر علامه مجلسی فائده‌ها برد و از وی اجازه‌ی روایت گرفت و خود به ملا عبدالله کاشانی در 1103/ 1102 ق اجازه روایت داد. او قسمت پایانی عمر را در کاشان گذراند. او را ارادتی تمام به خاندان پیامبر علیهم‌السلام بود، لذا از خود آثاری در مناقب ایشان به جای گذاشت. یکی از این آثار کتاب «عین البکاء»، به فارسی، در تاریخ زندگی و شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) است که در آن اشعاری از خود و دیگران آورده است و آن را در 1099 ق در کاشان تألیف کرده و در 1284 ق در لکهنو به چاپ رسیده است. اثر دیگر او «لب عین البکاء» است که خلاصه‌ای از کتاب «عین البکاء» او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (191/9)، تاریخ بروجرد (111 -110 /2)، الذریعه (367/15، 287/18).

بروجردی، ابوالمجد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای آقا ابوالمجد بروجردی از علماء قم و حوزه علمیه و ائمه جماعت این شهرستانست تولدش در بروجرد واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات هجرت به قم نموده و سطوح را تکمیل و سالهای آخر عمر مرحوم حایری را درک و از محضر پرفیض آن مرحوم استفاده و هم بعد از ایشان به درس آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر و از موقع ورود آیت‌الله بروجردی هم تا آخر عمر آن جناب حاضر درس معظم‌له شده و در پائین شهر قم به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج دین اشتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، داوود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1265- ز 1294 ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در 1290 ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (442 -439 /2).

بروجردی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا مولانا فرزند ملا علی‌اکبر بروجردی از افاضل اهل منبر و محدثین معاصر مقیم قم می‌باشند. ایشان در سال 1306 خورشیدی در شهرستان بروجرد به دنیا آمده و خواندن و نوشتن و مقداری از مقدمات عربی را نزد والدش فراگرفته است، و سپس سطوح ادبیات و فقه و اصول و منطق و فلسفه را از اساتید فنون یاد شده چون مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج سید محسن شریعتمداری و مرحوم حجةالاسلام میرزا لطف‌اللّه و مرحوم حجةالاسلام حاج سیدعبدالحسین خندانی و حجةالاسلام حاج شیخ علی محمد خرم‌آبادی و حجةالاسلام حاج شیخ محمد غروی و حجةالاسلام حاج شیخ علی جواهری و حدود هیجده سال تقریبا از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و چند سالی در فصل تابستان از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی بهبهانی و رامهرمزی بهره‌مند شده و از خرمن آنان خوشه‌ها که بلکه دسته‌ها برداشته است.
اما آثار آقای مولانا
1- تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌البیت از طریق منبر که بسیار جالب و موثر در قلوب شنوندگان است.
2- درسهائی از توحید که دروسی است که در مدرسه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف در بروجرد برای طلاب القاء شده است.
3- تعلیقات بر کتاب صراط المستقیم که مقدمه‌ای است بر تفسیر قرآن تألیف آیت‌اللّه سید حسین بروجردی صاحب کتاب نخبه‌المقال که در مصر چاپ شده و از طرف جامع‌الازهر ممنوع الانتشار شد ولی در تهران به وسیله آقای صدرالسادات دزفولی جلد اول آن به طبع و نشر رسید.
4- تعلیقات بر کتاب یاد شده بر جلد اول و دوم و سوم که در بیروت به طبع رسید.
5- الخاتم لوصی الخاتم تحقیق و تفسیر آیه الولایه که در بیروت به طبع رسیده است.
6- تذییل و تخریج الطالب فی شرح المکاسب تألیف آیت‌اللّه اردکانی که در بیروت چاپ شده است.
7- تاریخ بروجرد از نظر جغرافیا و حکام و حوادث جلد اول در قم چاپ شد.
8- تاریخ بروجرد جلد دوم- دانشمندان از قرن چهارم تا چهاردهم که در قم

چاپ شده است.
9- تحقیق و تخریج کتاب شریف عبقات‌الانوار تألیف میرحامد حسین هندی که ده جلد آن در قم به طبع رسیده است.
آثار مخطوط که در آستانه طبع می‌باشد
1- جلد سوم تاریخ بروجرد دانشمندان و شاعران
2- تعلیقات بر کتاب بحرانی که جلد اول در بیروت در آستانه طبع است.
3- تنظیم و تخریج تقریرات مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در کفایه‌الاصول که در قم آماده طبع است.
4- المنظومه الفارسیه فی تفسیر القرآن الکریم فی بحر الهرج المسدس المحذوف .
5- المنظومه العربیه فی فقه اللمعه الدمشقیه
6- فهرس الاسماء و الالقاب والکنی
7- المواعظ و الخطب بالفارسیه چندین جلد
8- کشکول
9- دائر المعارف باللغه العربیه در مجلدات بسیاری.
10- الاوائل بنهج جدید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

بروجردی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آیت‌الله‌زاده معظم آقای آقا سیدمحمد حسن بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج آقا حسین البروجردی طباطبائی از علماء حوزه فرزند برومند زعیم اعظم است که ترجمه وی را در دو کتاب زندگانی آیت‌الله بروجردی آقای دوانی و آقای علوی ذکر کرده‌اند خلاصه آن این است که وی در سال 1346 ق در شهرستان بروجرد متولد شده و در تحت تربیت و مراقبت آن پدر بزرگوار تربیت یافته و به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و از درس و بحث والد خود بهره‌های کافی برده و پس از فوت پدر به جای ایشان در مسجد اعظم که جای چندین جماعت است منحصرا به امامت اشتغال دارد و نیز تدریس هم می‌نمایند تکمیل مسجد اعظم هم در عهد تولیت و سرپرستی ایشان به کمک مردم و بعضی از مبادی عالیه گردیده و هنوز هم کاشیکاریهای قسمتی از آن باقیست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجردی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم جلیل و فاضل نبیل مروج الاثار و معظم شعایر الله آقای حاج شیخ هادی بروجردی از فضلاء و مبرزین تلامذه مرحوم آیت‌الله حجت و مرحوم آیت‌الله خونساری و بعد از ایشان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی است ولادتش در بروجرد واقع و پس از دیدن قسمتی از مقدمات و سطوح به قم مهاجرت و تکمیل سطوح نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و پس از آن مرحوم از آیات مذکوره استفاده نموده و در مسجد چهارمندان به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و هم تدریس اشتغال دارد. مورد توجه مردم آن ناحیه و کلیه مراجع و زعماء حوزه علمیه است در تعظیم شعایر مذهبی و اقامه عزا در وفیات ائمه علیهم‌السلام و گرفتن جشن در موالیدشان بسیار ساعی و کوشامی‌باشد نصب پرچمهای الوان در اعیاد مذهبی و پرچمهای سیاه در ایام وفیات در خیابانهای ارم و چهارمندان و سایر نقاط شهر قم از آثار ایشانست ادام الله توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

بروجنی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد شفیع. از علما و فضلا، و از شاگردان حاج شیخ محمّد باقر اصفهانی و از معتمدین ایشان بوده، و بر حسب خواهش مردم حبیب آباد برخوار اصفهان و دستور استاد، بدانجا مهاجرت نموده و به امر ارشاد و هدایت و اقامه جماعت و منبر، روزگار می‌گذرانیده.
سرانجام روز 3 شنبه 9 شوّال سال 1321 قمری در بروجن مولد خود وفات یافته، همانجا مدفون شد.
وی را دو فرزند دانشمند است:
یکی: ملاّ ابوالقاسم و دیگری: ملا محمّد شفیع، از شاگردان آقا نجفی و دیگران در اصفهان بوده، هر دو برادر در عنفوان جوانی در ایّام حج در سال 1319 در مکّه معظّمه وفات یافتند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

برهان تبریزی، محمد حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1062 ق)، ادیب، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به برهان. در اصل اهل تبریز بود و لکن در هند اقامت داشت. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» و از معاصران سلطان عبدالله قطب‌الدین شاه، پادشاه شیعی مذهب هند، است. وی کتاب «برهان قاطع» را به سلطان مذکور تقدیم کرد. این کتاب با استفاده از «فرهنگ جهانگیری»؛ «فرهنگ سروری»؛ «سرمه‌ی سلیمانی»؛ و «صحاح الادویه‌ی» حسین انصاری و با حذف شواهد و مکررات و افزایش پاره‌ای واژه‌ها از استعاره‌ها و ترکیبهای لغوی فراهم آمده است، حتی مقدمه‌ی کتاب که در بیان بعضی از قاعده‌های دستور فارسی است از کتاب «فرهنگ جهانگیری» به وجه تلخیص اقتباس شده. برهان در این کتاب واژه‌های فارسی و ترکی یا عربی را که در فارسی وارد شده، آورده است. این فرهنگ شامل نه گفتار و هر گفتار در چند بیان است و مقدمه‌ی آن در نه فایده تنظیم شده است. بعد از شهرت «برهان» کتابهایی در ذکر اشتباه‌ها و تکمیل آن نگاشته شد از جمله: «قاطع برهان»؛ «ساطع برهان»؛ «رافع هذیان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (251/9)، تاریخ ادبیات در ایران (386 -384 /5)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (90 -88 /2)، دانشمندان آذربایجان (69 -68)، الذریعه (133/9، 99 -98 /3)، ریحانه (254 -253 /1)، سخنوران آذربایجان (238 -235)، فرهنگ ادبیات فارسی (89 -88)، فرهنگ سخنوران (132)، فرهنگهای فارسی (149 -140)، کاروان هند (164/1)، لغت‌نامه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (734/2).

برهان جامی، یوسف

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، شاعر، عارف و موسیقیدان. از نوادگان احمد جام ژنده‌پیل بود. در شعر و موسیقی و عرفان دست داشت و در شعر برهان تخلص می‌کرد و برای اشعار خود آهنگ‌های موسیقی می‌ساخت. امیر علیشیرنوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا، در موسیقی از شاگردان وی بود. در جام می‌زیست و همان جا درگذشت و در جوار جدش، احمد جام، به خاک سپرده شد. اثر وی «ترسلی» است که در برگیرنده‌ی منشآت نویسندگان پیش از او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (229/1)، تاریخ نظم و نثر (336)، تاریخ هنرهای ملی (773/2)، الذریعه (133/9)، طرائق الحقائق (107/3)، فرهنگ سخنوران (132)، مجالس النفائس (215 ،42).

برهان دیانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن ثقةالاسلام و فخرالخطباء الاعلام میرزا ابوالحسن واعظ تنکابنی معروف به (برهان دیانی) از علماء و وعاظ گذشته رامسر بوده‌اند وی در سال 1319 قمری در آخوند محله رامسر متولد شده و مقدمات و سطوح را تا رسائل و مکاسب در مدرسه علمیه نارنج بن رامسر نزد مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ حسین غریب (والد دانشمند گرامی آقای عبدالوهاب فرید مقیم تهران) که از فحول علماء و متنفذین علمی منطقه تنکابن بوده و نیز مرحوم آقا شیخ عبدالله مدرس آخوند محله رامسر تلمذ کرده و آنگاه برای تکمیل مبانی علمی به قزوین و تهران مسافرت کرده و در تهران از مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی صاحب (حاشیه کفایه) استفاده نموده و سپس به قم مهاجرت و از مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و دیگران بهره‌مند شده و پس از آن به نجف و از آنجا به شیراز و کرمان و بندرعباس و میناب و بم و رفسنجان برای تبلیغ دین و ترویج احکام مسافرتها نموده و در پایان عمر در سیرجان کرمان اقامت و متصدی دفتر ثبت اسناد گردیده و ضمناً در مواقع خود از راه منبر هم خدمت می‌نموده است.
دارای خط زیبا و نطق شیوا و ذوق سرشار و صوت خوشی بودند.
از آثار ایشانست رساله‌ای به نام اسرار دائمه قرآن که مقدمه آن را برادر ارجمند ایشان جناب آقای حاج شیخ محمدرضا برهان نوشته و بطبع رسانیده‌اند
آن مرحوم در سن 71 سالگی در تاریخ 49/2/17 شمسی برابر ربیع‌الاول سال 1390 قمری به عارضه سکته قلبی در سیرجان فوت نمودند از منسوبین ایشانست آقای دکتر کریمی‌نژاد مقیم تهران که از اطباء معروف خیابان خیام می‌باشند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهان قزوینی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی در سال 1306 ، در قریه « آغبلاق قاقازان » ، دیده به جهان گشود. او برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. و پس از شش سال تحصیل در این شهر ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیل کرد. سید ابوالقاسم پس از رسیدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید. او به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و احاطه کامل دارد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج سید صالح ، پدرسید ابوالقاسم برهان قزوینی ، فرزند سید حسین نورینی ابهری ، و او پسر میر مفید پسر میرزا آقا ، پسر حاج مرتضی خندابی فرزند آقا حیدر خندابی می باشد. سرسلسله این خاندان آقا میر خضر ، مدفون در قریه خنداب ، از توابع ضیاء آباد است که میر خضر نسبش به فرزندان امام چهارم ، حضرت زین العابدین (ع) می رسد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید ابوالقاسم برهان قزوینی فرزند سید صالح ، معروف به حاج سید آقا برهان ، در قریه « آغبلاق قاقازان » از مادری نیک نام و بزرگوار ، دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از فراگیری علوم جدید تا ششم ابتدایی ، به مدت شش سال دوره مقدماتی علوم دینی را نزد اساتید و علمای نامدار و بزرگوار قزوین آموخت. پس از آن برای تکمیل تحصیلات دینی و فراگیری سطوح بالاتر علوم ، به شهر قم مهاجرت نمود. وی پس از شش سال تحصیل در قم ، به زادگاهش قزوین بازگشت و تحصیلات دینی خود را تکمیل کرد.استادان و مربیان : سید ابوالقاسم برهان قزوینی در حوزه علمیه قم محضر درس آیت الله العظمی مرعشی نجفی را درک نمود. وی پس از بازگشت از قم ، در حوزه علمیه قزوین ، از محضر آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی به حد کمال استفاده علمی و عرفانی برد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید ابوالقاسم برهان قزوینی پس از رسیدن به مرتبه کمال علمی ، در منبر و محراب به کار ترویج دین کوشید و علاوه بر اطراف قزوین ، در ابهر ، زنجان و قم به تشریح و تحکیم مواضع قرآنی و فرامین ربانی مشغول شد.آرا و گرایشهای خاص : حاج سید ابوالقاسم برهان قزوینی به اخبار ، حکایات و روایات ، احادیث ، و قصه های قرآنی آشنایی و

احاطه کامل دارد.
منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

برهان‌الدین هروی، حیدر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(780- ح 830 ق)، مفسر، متکلم و ادیب. معروف به صدر هروی. عالم به معانی و بیان بود و از شاگردان ارشد ملاسعد تفتازانی به حساب می‌آمد. در «هدیة العارفین» سال وفات وی 845 ق ذکر شده است. از آثارش: حاشیه بر «شرح کشاف» استادش، در تفسیر؛ شرح بر «ایضاح المعانی» قزوینی، در معانی و بیان؛ حاشیه بر «فرائض سراجیه» یا شرح «فرائض سجاوندی»؛ شرح «المواقف» قاضی ایجی، در علم کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (256/1)، کشف الظنون (1894، 1479، 1247، 211)، معجم المؤلفین (92/4)، هدیة العارفین (342 -341 /1).

برهانی، آرش

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آرش برهانی (زادهٔ ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در کرمان) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است. او پیش از آمدن به استقلال در تیم پاس تهران و همچنین مدت کوتاهی برای تیم النصر امارات بازی کرده بود.آرش برهانی در فصل نقل و انتقالات سال ۱۳۸۶ با توجه به این که زمزمه پیوستن او به پرسپولیس تهران شنیده می‌شد، با استقلال تهران قرارداد بست و به این تیم منتقل شد.او در اولین فصل از حضورش در استقلال توانست ۱۰ گل برای این تیم به ثمر برساند اما انتقاد زیادی به وی از لحاظ خراب کردن موقعیت های مناسب گلزنی در آن فصل شد. اما او در فصل بعد و دومین فصل حضور در استقلال به روزهای اوج خود بازگشت و گل‌های فراوانی را برای این تیم ثمر رساند. آرش برهانی در دوره هشتم لیگ برتر باشگاهای کشور در تاریخ ۶ آبان ۸۷ با زدن ۳ گل پیاپی (هت ریک) به پیکان از لحاظ زمان یک رکورد به خود اختصاص داد او در کمتر از ۹ دقیقه ۳ گل به تیم پیکان زد تا اگر اتوئو سریع‌ترین هت‌تریک ۱۰ سال اخیر بارسلونا را انجام داده، برهانی با نصف زمان مهاجم کامرونی، سریع‌ترین هت‌تریک تاریخ استقلال و لیگ برتر باشد.
افتخارات: * قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۳-۸۲ به همراه تیم پاس تهران
* قهرمانی در جام حذفی ۸۷-۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران
* قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

برهانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمّد برهانی یکی از دامادهای گرامی مرحوم آیه‌الله حاج سید محمّد مهری (رحمه‌الله) از علماء فاضل و محقق معاصر آبادانست.
وی در یک خانواده اصیل متولد و پس از تحصیلات مقدماتی بنجف اشرف مشرف شده و دروس مقدماتی را در مدرسه (بزرگ آخوند) بپایان رسانید و دروس عالی مذهبی را از محضر زعیم اعظم و مرجع اعلی آیه‌الله العظمی آقای خوئی مدظله کسب فیض نموده است. و پس از پایان تحصیلات و بازگشت بایران در مدارس علمیه تهران بتدریس و تعلیم پرداخته و سپس بقم رفته و از طرف آیه‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله به مأموریت مذهبی عازم شهرهای مختلف جنوب شده و در آبادان اقامت نموده و تاکنون بخدمت دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارند.
دارای آثار خیر و تألیفات سودمندی میباشد که بآنها اشاره میشود.
1- مسجد برهانی.
2- کتابخانه عمومی امام صادق علیه‌السلام که دارای چهار هزار جلد کتابهای ارزنده میباشد.
3- کتابخانه شخصی که بیش از دو هزار جلد کتاب نفیس دارند که مورد استفاده فضلا و دانشمندان است.
4- دانش در اسلام 7 مجلد که جلد اول آن منتشر شده است و جلد دوم انشاءالله منتشر خواهد شد.
5- حقوق اجتماعی بشر و معارف سجادیه که علوم مندرج در صحیفه سجادیه‌ی را تشریح و تفسیر نموده است.
6- تفسیر الرسول که از بهترین تألیفات معظم‌له است.
7- التفسیر عند الشیعه که حاوی بیوگرافی مفسرین شیعه است.
8- مسانید الرسول که احکام و اخلاق و علوم مستند از حضرت رسول صلی‌الله علیه وآله را جمع‌آوری نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

برهانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا بن مرحوم ثقةالاسلام والمحدثین حاج میرزا ابوالحسن واعظ شهیر تنکابن از علماء معاصر رامسر می‌باشد.
وی در حدود 1326 قمری در آخوند محله تنکابن به دنیا آمده و پس از خواندن مقدمات در عصر مرحوم آیت‌اللّه حائری به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه مانند مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی و آقا شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه گلپایگانی و حکمت را از مرحوم آیت‌اللّه ترابی دامغانی و آیت‌اللّه شاه‌آبادی و آیت‌اللّه امام خمینی و آیت‌اللّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای آموخته و پس از آن به درس خارج آیات عظام گذشته مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت و خوانساری و صدر و فیض قمی و نیز مراجع حاضر شرکت نموده و از خرمن علوم آنان استفاده‌ها برده است اکنون در رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج رامسر رحل اقامت افکنده و در مسجد نارنج بن ولیاسر به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند.
معظم له دارای فرزند فاضلی به نام مرحوم آقا جلال‌الدین برهانی بودند از فضلاء حوزه علمیه قم محسوب و در سن جوانی به عارضه قلبی در ماه جمادی‌الاولی 1369 قمری فوت و در قبرستان نو دفن شدند وی استعداد عجیبی داشت و در عنفوان شباب و بهار زندگی کتابی در اثبات امامی تألیف نمود ولی اجل محتوم بیش از این مهلتش نداد خداوند وی را با حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام محشور دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

برهانیان، عبدالحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الحسین برهانیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
متولد 1341 دوره ابتدائی رادر سعدی شیراز دوره راهنمای در مدرسه ابوذر غفاری و دوره دبیرستان در دبیرستان ابوذر(شاهپور سابق) تحصیل سال 1362 در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم و در سال 1365 درجه کارشناسی(معارف اسلامی) و در سال 1369 درجه کارشناسی ارشد(فقه و حقوق) را گذراندم.کارهای پژوهشی خود را از نوشتن رسالة کارشناسی ارشد با عنوان«زمان و مکان در اجتهاد» شروع کردم که در آن موقع تنها عنوان مصوب دراین زمینه بود و حدود یکسال و نیم کار تحقیق آن به طول انجامید.مهمترین پژوهش انیجانب کار ابتکاری آموزش ترجمه قرآن است که در واقع یک شیوة جدیدی برای تعلیم ترجمه قرآن به روشی اصولی و با استفاده از آمار کلمات قرآن است که در نوع خود یک گام به جلو محسوب می شود که البته بعد از شروع این کار چند نفر نیز در ضمن انجام آن از کار اینجانب نوعی تقلید نودند آموزشی ترجمه قرآن بارها تجدید چاپ گردید اما چون کار اداری محسوب می گردید متاسفانه در بیرون نمود چندانی پیدا نکرد چند سال بعد با کمک یکی از دوستان بنام کلید های آموزشی ترجمه قرآن(همراه با اضافات و تغییرات عمده بیشتر گردید.و بعد از آن دوره آموزشی غیر حضوری آن نیز تدوین گردید عناوینی که موفق به کار تحقیق و تالیفی گردیده عبارتند از:
کتابها
1- آموزش ترجمه قرآن، 2 جلد، چاپ شده
2- آموزش غیر حضوری ترجمه قرآن، 12 دفتر، چاپ شده
3- کلید های آموزش ترجمة قرآن، 1 جلد، چاپ شده
4- دشمن شناسی در قرآن، 1 جلد، چاپ شده
5- بررسی سیاسی بیمه در اسلام(قسمت مبانی و فرهنگی و..)، چاپ شده

6- احکام اقتصادی خانواده، چاپ شده
7- تاریخ اسلام و ایران، چاپ شده
مقالات:
1- عبرت گیری تاریخی از دیدگاه قرآن،چاپ شده
2- تاثیر قرآن در دوحیه رزمندگان،چاپ شده

بزرگمهر، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، مؤلف، مترجم.
تولد: آذر 1289، تهران.
درگذشت: 27 آبان 1365، آمریکا.
منوچهر بزرگمهر، فرزند میرزا یوسف‌خان ملقب به علیم‌السلطنه از پزشکانی بود که دوره‌ی طب را در فرانسه گذرانده بود. بزرگمهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رسانید و بعد از آن که دو سال در مدرسه‌ی حقوق به تحصیل پرداخت به سال 1311 برای ادامه‌ی تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس حقوق از دانشگاه بیرمنگام به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول به کار شد. پس از خدمت نظام وظیفه، در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. در سال 1318 به استخدام شرکت بیمه درآمد. در سال 1319 به مشهد منتقل شد، مدتی در راه‌آهن مشغول به کار شد. سرانجام در شرکت نفت (ابتدا در آبادان از سال 1321 الی 1333 و سپس در تهران تا سال 1345)؛ اشتغال یافت. وی بین سال‌های 1345 الی 1355 مشاور حقوقی کنسرسیوم بود. وی از سال 1341 الی 1345 نیز در دانشگاه تدریس می‌نمود.
وی از ابتدای جوانی به ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی علاقه‌مند بود. پیش از سفر به اروپا گلستان و کلیله و دمنه را نزد علی‌محمدخان عامری و مرزبان‌نامه را به فارسی و مدارج القرائه و مبادی العربیه را به عربی و جواهر الادب را به انگلیسی نزد شاهزاده فرهی آموخت. در مقدمات علوم اسلامی از قبیل منطق و معانی بیان و مختصری از فقه و اصول نیز از استادانی مانند شیخ محمد سنگلجی و آقا میرزا محمود شهابی و بدیع‌الزمان فروزانفر و شیخ علی بابا فیروزکوهی استفاده کرد.
پس از مراجعت از اروپا، چنانکه خود در بیان احوال خود گفته است: مدتی تلمذ متروک شد. در 1326 مجددا در آبادان نزد استادی به نام سید موسی، قدری فقه خواند و در 1328 در تهران نزد عرفان که خود از شاگردان میرزا احمد آشتیانی بود، شرح الفیه و در 1332 در مدرسه‌ی نوربخش بروجرد نزد شیخ علی جواهری مقدرای مطول خواند. پس از مراجعت از خوزستان در 1335 شرح هدایة میبدی و قدری از شرح منظومه را از عرفان آموخت و در همان سال‌ها در کلاس درس مطول

همایی در دانشگاه شرکت کرد.
بزرگمهر با آنکه در فلسفه غربی تحصیل نکرده بود به مطالعه‌ی کتاب‌های فلسفی غربی و ترجمه‌ی آنها پرداخت. تحصیل در انگلستان و آشنایی به زبان انگلیسی، بزرگمهر را به مطالعه و ترجمه‌ی آثار فیلسوفان تجربی مذهب انگلیسی و فلاسفه‌ی جدید غرب سوق داد و از این رهگذر تعدادی کتاب فلسفی به قلم او به زبان فارسی درآمد. این کتاب‌ها و آثار دیگر که فلسفه محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد عبارتند از: پویر (بریان مگی)؛ تحلیل ذهن (برتراند راسل)؛ رساله در اصول علم انسانی (جرج برکلی)؛ رساله درباره‌ی فهم انسانی (اثر جان لاک، تهران، 1335)؛ زبان، حقیقت، منطق (ا. اچ. آیر)؛ ژان پل سارتر (موریس کریستن)؛ سه گفت و شنود (جرج برکلی)؛ فلسفه چیست؟ (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» و بعضی نشریات دیگر)؛ فلسفه‌ی تحلیلی منطقی (مجموعه‌ی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ی «سخن» که قسمتی از آنها به نقد کتاب کاوش‌های عقل نظری تألیف مهدی حائری یزدی اختصاص دارد)؛ فلسفه‌ی نظری (منتخبات از فلسفه اروپایی، دو جلد)؛ کارناپ (آرن نائیس)؛ کانت (فردریک کاپلستون)؛ گذشته‌های فلسفی فلاسفه‌ی تجربی انگلستان (لاک و برکلی)؛ مسائل فلسفه (برتراند راسل)؛ مسائل و نظریات فلسفه (ک. آژدوکیویچ)؛ منطق سمبلیک، ویتگنشتاین (یوستوس هارت‌ناک).
از بزرگمهر در سال‌های جوانی و قبل از آن که به ترجمه و تألیف کتب فلسفی روی آورد، چند کتاب دیگر نیز به نام‌های زیر به جا مانده است: از بیرون گود (1328)؛ دیگ جوش قلندر (1330)؛ عرفان نو (1322) و مرقعات صاحبدل که مجموعه مقاله‌های منتشره در روزنامه‌ی «پند» است (1324) (نام مستعاد مطبوعاتی وی «صاحبدل» بود).
علاوه بر این ترجمه‌ها و تألیفات، بزرگمهر چندین سال در دوره‌ی فوق لیسانس و دکترای فلسلفه دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس درسهایی مانند فلسفه‌ی تجربی، تفسیر متون فلسیفی به زبان‌های اروپایی، منطق جدید و فلسفه‌ی تحلیل منطقی اشتغال داشت و در بعضی دانشکده‌های دیگر نیز تدریس می‌کرد.
منوچهر بزرگمهر همچنین در جلسات درس هفتگی در فلسفه‌ی تطبیقی که از سال 1352 الی 1357 ادامه داشت، با حضور استاد مرتضی مطهری و حمید عنایت (و به پیشنهاد او) شرکت می‌جست. این جلسات بعدها به مجلس درس منظومه بدل شد و دو جلد شرح مبسوط منظومه از آن حلقه‌ی درس و بحث باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بزنجانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بزنجانی
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

بستان، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین بستان
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 پس از اتمام دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 1369 پس از اتمام دوره های مقدمات و سطح به درس خارج راه یافتم. سهم بیشتری از اشتغالات حوزوی اینجانب به فقه اختصاص یافته است و حضور بیش از چهارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسلام و المسلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجت الاسلام و المسلمین هادوی تهرانی حضور یافتم و در کنار این دروس طی سالهای 1368 تا 1370 به مطالعه و مباحثه فلسفه(بدایه و نهایه الحکمه) اشتغال داشتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال 1372 تا کنون در رشته جامعه شناسی فعالیت دارم. در بهمن سال 1371 به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که وابسته به سازمان سمت بود در آمدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال 1375 شروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسی خانواده، مطالعات زنان، فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال 1379 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه شناسی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی(دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بسطامی، ضیاءالدین، ابوشجاع عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(570 /562 -475 ق)، مفسر، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. محدث و مسند بلخ و امام مسجد راغوم یا راعوام بود. بسطامی نزد پدرش و سپس نزد ابوالقاسم احمد خلیلی و ابراهیم بن محمد اصفهانی درس خواند، و در محضر ابوجعفر محمد بن حسین سمنجانی فقه آموخت. او حتی در کهن‌سالی نیز بر دانش‌اندوزی حریص بود و از هر کسی چیزی می‌آموخت. کلامش شیرین و در وعظ و خطابه‌ی او نکته‌ها نهفته بود. سمعانی و فرزندش، ابومظفر، و ابوالفرج ابن‌جوزی و ابوروح هروی، و بسیاری دیگر، از شاگردان وی به حساب می‌آیند. وی در بلخ درگذشت. از آثار وی: «ادب المریض و العائد»؛ «لقطات العقول»؛ «مزالیق یا مزالق العزلة» یا «من الف العزلة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/5)، سیر النبلاء (454 -452 /20)، کشف الظنون (1659 -1464 ،48)، معجم المؤلفین (313/7)، هدیة العارفین (784/1).

بشار

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(167 -96 ق)، شاعر، خطیب و ادیب. ملقب به مرعث، چون در کودکی گوشواره در گوش می‌کرد. در بصره نابینا متولد شد. اصلا از شاهزادگان طخارستان بود. از ده سالگی به زبان عربی شعر می‌گفت و چون به سن رشد رسید، از نیش زبان او می‌ترسیدند. بشار بن برد مقدم شعرای زمان خود بوده و دولتهای اموی و عباسی را درک کرده و در این دو دولت مدحها و هجاها گفته، و به هجا بیشتر میل داشته است. مهدی، خلیفه عباسی و خالد برمکی از جمله‌ی ممدوحان او بودند. وی در انواع شعر بخصوص قصیده و رجز دست و ابتکار و ابداع داشت و مقلد نبود. اشعارش را حدود دوازده هزار بیت و بنا به قول خودش دوازده هزار قصیده گفته‌اند. این کور روشندل در شعر تشبیهاتی دارد که بینایان مانند آنرا نمی‌توانند بیاورند. در بعضی اشعارش علاقه‌ی وی به ایران کهن و تمایلات شعوبی او مشهود است. سه جلد از «دیوان» مفصل او در قاهره به چاپ رسیده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور بود و در تغییر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بود بشار به کثرت آثار معروف بود به طوری که آثاری نیز به زبان فارسی از او باقی مانده و چند خطابه در نثر دارد. سرانجام در عهد مهدی خلیفه، دشمنانش او را متهم به زندقه کردند، بشار دستگیر و محکوم به تازیانه شد، و سپس او را در باتلاقی در بطائح انداختند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (25 -24 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (452 ،191 24، -23 /1)، تاریخ ادبیات زبان عربی (295 -283)، تاریخ الاسلام (حوادث 92 -87/170 -161)، تاریخ بغداد (118 -112 /7)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (342)، حماسه‌سرایی در ایران (161 -160)، الذریعه (138 -137 /9)، ریحانه (268/1)، سرآمدان فرهنگ (225/1)، سیر النبلاء (25 -24 /7)، فرهنگ ادبیات فارسی (90)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (266)، الکنی و الالقاب (180 -179 /3)، لسان المیزان (28 -27 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ بشار)، معجم المؤلفین (45 -44 /3)، الوافی بالوفیات (141 -135 /10)، وفیات الاعیان (274 -271 /1).

بشارت، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه
تولد: 1324، در دهاقان شهررضا.
شهادت: 14 مرداد 1360، تهران.
حجت‌الاسلام محمدتقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعه مدرسین حوزه‌ی علیمه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیته کهکیلویه و بویراحمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.
علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه را تنظیم نمود و همچنین در ترجمه بخشی از مجموعه ورام نیز سهم داشت.
حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد 1360 به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بطحایی، هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هاشم بطحائی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1320/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 35 شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال 47 به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در 16 / 1 / 48 الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال 50 به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .
در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال 52 فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال 1350 وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال 1365 از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .
در سال 45 پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال 1380 دکترای رشته فقه و

مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران - مجتمع آموزش عالی - در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 429 ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (173/4)، ایضاح المکنون (485، 375، 234 /2)، ریحانه (278 -277 /7)، سیرالنبلاء (573 -572 /17)، کشف الظنون (1970، 1921، 1839، 1820، 1769، 1432، 1418، 1401، 1392، 1274، 1252، 1039، 471، 463- 462، 441، 398، 335، 254)، وفیات الاعیان (203/3)، هدیة العارفین (606/1).

بقای اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1331 -1257 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بقاء ملقب به شرف المعالی و اشرف الکتاب از بزرگان و معارف اصفهان بود و در تهران اقامت داشت. بقا خطوط مختلف را خوش می‌نوشت و در نسخ مهارت داشت. شعر نیز می‌سرود و صاحب طبع بود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «آیات یا مراتب و مناقب خسروی» شعر؛ «رساله‌ی هاشمیه»، شعر. از خطوط وی: جزوه‌ی «زیارت جامعه»، سرلوح مذهب، نسخ و رقاع کتابت خفی عالی، با رقم: «بجهت... 1283 تحریر شد... انا العبد سید محمد الاصفهانی»؛ قرآن وزیری جلد روغنی، نسخ کتابت نسخ کتابت خوش، با رقم: «... سید محمد بقاء اصفهانی... 1299»؛ یک رقعه به خط نسخ کتابت خوش، با رقم: «... کتبه العبد سید محمد المتخلص بالبقا، سنه 1314»؛ «صحیفه سجادیه»، یک سرلوح مذهب، به خط نسخ کتابت خوش و نستعلیق تحریر متوسط و در آخر رقاع خوش، با رقم: «... حرره العبد سید محمد المتخلص بالبقاء الملقب بشرف المعالی سنه 1322». سیزده اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1144 -1143 /4)، تذکرةالقبور (149)، حدیثه الشعراء (249 -248 /1)، المآثر و الآثار (202)، مؤلفین کتب چاپی (783 -782 /5).

بکائی جزی، محمّد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از بزرگان صاحب نام نیمه اوّل قرن سیزدهم هجری در قریه گز، مرحوم حکیم ملّا محمّد بکائی جزی بوده است که در سالهای 1275 تا 1295 هجری قمری در مسجد جامع گز کلاس درس و اقامه جماعت داشته و قرآن خطی کتابت می‌نموده است. اهل منبر و خادم‌الحسین بوده و به روضه دیر راهب بسیار علاقمند بود. از شاگردان وی، مرحوم آخوند ملّاعبدالکریم گزی که در آن زمان به عنوان اقل‌الطلبه کتابت می‌نموده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکائی جزی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پس از پدر اقامه جماعت در مسجد گز داشته و کلاس درس حوزوی پدر را در همین محل اداره می‌نموده است. معلم به علوم جدید و قدیم بوده و مرحوم حیدرعلی خان برومند جزی در دوران طفولیت در سالهای 1335 هجری قمری به بعد مدتی از شاگردان مرحوم ملّا مهدی بکایی بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

بکتاش، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن بکتاش
محل تولد : ساوجبلاغ
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اوائل دهه 60 وارد حوزه علمیه شدم ابتدا دروس مقدماتی را در شهرستان کرج وتهران طی نمودم وبعد از آن به حوزه علمیه قم آمدم ودروس سطح را درحوزه علمیه قم گذراندم والان هم مشغول تحصیل در دروس خارج فقه واصول می باشم .البته همزمان با تحصیل در دروس سطح در حوزه علمیه قم دردانشگاه قم به تحصیل دررشته علوم سیاسی پرداختم ودر سال 80کارشناسی را از آن دانشگاه دریافت کردم وبعد ازآن در همان رشته در دانشگاه علامه طباطبائی به ادامه تحصیل پرداختم واز دانشگاه علامه طباطبائی مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم .بنده طی تحصیل دردانشگاه دردروس خارج فقه واصول هم شرکت کردم ودردرسهای خارج فقه آیات عظام جوادی آملی ،فاضل لنکرانی وخارج اصول آقای شیخ صادق لاریجانی چند سالی شرکت کردم .
در خصوص فعالیتهای پژوهشی وآموزشی باید یادآورشوم که حدوداً بیش از سه سال است یعنی ازسال 82 که بنده در دانشگاههای مختلف مشغول به تدریس هستم، ودرامر پژوهش حدود چهار سال است در گروه حقوق وسیاست مرکز مطالعات وپژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم فعّالیت دارم ومقالات متعدّدی به عنوان نقد ویا پاسخ به شبهات ودیگر مقالاتی که مربوط موضوعات روزمی باشد به نگارش درآورده ام
وهم اکنون هم دراین باره انجام وظیفه می کنم.

بکوس، ابواسحاق ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، طبیب و مترجم. پزشکی ماهر و ترجمی زبردست بوده و زبانهای سریانی و عبری را خوب می‌دانسته است. در دولت عباسیان کتب زیادی از یونانی به عربی نقل کرده و در بیمارستان عضدی طبابت و تدریس می‌کرده است. در اواخر عمر نابینا شد، با این وصف همچنان به طبابت اشتغال داشت. آثار وی عبارت‌اند از: «کناش کبیر در طب»، «کناش صغیر در طب»، «مقاله‌ای در باب آبله»، «رساله‌ای در تشریح و درمان چشم»، «رساله‌ای در بیماری پوست»، «کتابی در رویا»، «رساله‌ای در آبهای معدنی»، «رساله‌ای در درمان سموم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ طب (664 -663، 270 -269 /2)، کشف الظنون (1511)، هدیة العارفین (7/1).

بلادی بهبهانی بوشهری، عبداللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292- ح 1370 ق)، فقیه، مجتهد و ادیب. در بوشهر متولد شد پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف رفت و سالها در نجف تحصیل علوم دینی کرد و به مقام اجتهاد رسید و سپس به بوشهر بازگشت. سید عبداللّٰه علاوه بر مقام اجتهاد، در زبان و ادبیات عرب نیز تبحر داشت. او از آزادیخواهان و وطن دوستان حافظان استقلال ایران بود. از آثار او: «السحاب اللئالی فی المطالب العوالی»، کشکول، به عربی، در دو جلد؛ «توضیح المآرب»؛ «بصر الحدید فی معرفه الهیئه علی الطرز الجدید»، در هیئت؛ «رحله الحرمین»؛ «الردود السته»؛ «ضیاء المستضیئین»، مجموعه‌ای فارسی؛ «محفظه الانوار»، ترجمه کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)؛ «المسائل الاربعه»؛ «المقالات العشر»، در سیاست اسلامی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (600 -598 /3)، الذریعه (392/21، 152/20، 130/15، 150/12، 238، 168/10، 495/4، 126/3)، زندگینامه رجال و مشاهیر (104/2)، مؤلفین کتب چاپی (937/3).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 279 ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (252/1)، دایرة المعارف فارسی (438/1)، ریحانه (276 -275 /1)، سیر النبلاء (163 -162 /13)، الفهرست لابن الندیم (164)، کشف الظنون (1402، 179)، الکنی و الالقاب (93 -92 /2)، لسان المیزان (490 -489 /1)، معجم الادباء (102 -89 /5)، معجم المؤلفین (202 -201 /2)، الوافی بالوفیات (241 -239 /8).

بلاغی نایینی، صدرالدین، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، فقیه، مترجم، نویسنده، خطیب و شاعر. معروف به سید صدرالدین و مشهور به صدر بلاغی. وی در نایین متولد شد. در سیزده سالگی به اصفهان رفت و مدت شش سال در حوزه درس استادان آن دیار مشغول به تحصیل ادب و منطق و فقه و اصول شد. سپس به شیراز رفت و یازده سال در آن جا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در 1318 ش به خراسان رفت و دو سال بعد به تهران آمد و در این شهر مقیم شد. بلاغی در سرودن انواع شعر مهارت داشت و اشعارش از مضامین نو و تازه آکنده بود. از آثار وی: «سخنرانیهای بلاغی در رادیو»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ «قصص قرآن» و «فرهنگ قصص قرآن»؛ «برهان قرآن»، رد مهمترین شبهات پیروان کمونیسم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (441 -432)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (92 -91)، سخنوران نامی معاصر (549 -543 /1)، فرهنگ سخنوران (140)، مؤلفین کتب چاپی (534 -533 /3).

بلخی، سید اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل بلخی سال 1295 ش . در قریه ((سرپل بلخاب)) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب)) که از ((بامیان)) سرچشمه می گیرد قرار گرفته است . این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرنها نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می آیند اینک نیم نگاهی به گذشته این دیار می اندازیم .

فرزانگان بلخاب
بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی)) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال 810 ق . با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات)) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ)) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات)) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری)) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند !
بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف ، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است . و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.
در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤ من و غیرت مند زندگی می کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می آمد.
برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است :

بلعمی، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 330 /329)، ادیب. در زمان سامانیان می‌زیست. وی پدر صاحب «تاریخ بلعمی» وزیر اسماعیل بن احمد سامانی، بود و یکی از ممدوحان و مشوقان رودکی. بلعمی به رودکی اعتقاد بسیار داشت و حتی وی را در عرب و عجم نظیری نمی‌شناخت و به او صله‌ها و جایزه‌های فراوان می‌بخشید. او بود که رودکی را به نظم «کلیله و دمنه» واداشت. به او بلعمی کبیر هم می‌گفتند. و بلعمی منسوب بود به دیهی به نام بلعمان از نواحی مرو. از آثار او: «تلقیح البلاغه»؛ «المقالات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (139/7)، پیشاهنگان شعر فارسی (17)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 376، 619)، تاریخ برگزیدگان (165)، دایرةالمعارف فارسی (27/1)، ریحانه (1/ 280- 281)، سیر النبلاء (192/15)، کشف الظنون (480)، معجم البلدان (1/ 575- 576)، معجم المؤلفین (277/10)، الوافی بالوفیات (5/4)، هدیة العارفین (34/2).

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 383/363 ق)، مورخ، ادیب و متجرم. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.
کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (619/1)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (95)، دایرةالمعارف فارسی (33/1)، ریحانه (280/1)، زین الاخبار (161)، سبک شناسی (9 -8 /2)، لغت نامه (ذیل/ بلعمی)، گنج و گنجینه (15 -8)، فرهنگ ادبیات فارسی (91)، دستور الوزراء، (114 -113)، الذریعه (86/4).

بمی کرمانی، طیان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران بم کرمان است که در نظم و نثر توانا بوده است و اشعاری چند از وی در تذکره‌ها نقل است که قدرت طبع او از آن مشهود است. صاحب «مجمع الفصحا» احوال وی را با طیان ژاژخای مرغزی درهم آمیخه و اشعار طیان مرغزی را به او نسبت داده است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (624 -623 / 2)، تذکره‌ی شاعران کرمان (360 -356)، الذریعه (653 / 9)، صبح گلشن (263)، فرهنگ سخنوران (593)، ستارگان کرمان (269 -263)، مجمع الفصحا (850 -847 / 2)، هفت اقلیم (270 -268 / 1).

بنایی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بنائی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
حجت الاسلام و المسلمین علی بنائی در سال 1338 در یکی از محله‌های قدیمی خیابان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متدین دیده به جهان گشود. وی با سپری کردن دوره ابتدایی در مدرسه شایگان، تحصیلات خود را در دبیرستان امام صادق(ع) (حکیم نظامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام‌مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.
دروس سطح را تا پایان مکاسب و کفایه نزد استادان بزرگوار همچون حضرات آیات: موسوی تهرانی، قدیری، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، اشتهاردی و محقق داماد(دامت تأییداتهم) و آیت‌اللّه ستوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت‌اللّه سید مهدی روحانی، آیت‌اللّه احمدی میانجی و آیت‌اللّه العظمی بهاءالدینی(ره) آشنا و مأنوس شد و از چشمه‌سار زلال عرفان و اخلاق آن ستارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌های تفسیر آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه جوادی آملی(مدّ ظلّهما) استفاده‌های فراوان و شایان برد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره‌مند شد.

بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(643 -586 ق)، مترجم. وی در مولد خود اصفهان تربیت یافت. در سال 620 ق به شام سفری کرد و در دمشق به خدمت پادشاه عیسی بن ملک عادل ابی‌بکر بن ایوب رسید و به امر او «شاهنامه‌ی» فردوسی را به عربی درآورد که به «الشاهنامه» معروف است. وی همچنین کتاب «تاریخ سلاجقه» انوشروان بن خالد، وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه، را که عمادالدین اصفهانی به عربی درآورده بود، خلاصه کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (473/1)، حماسه‌سرایی در ایران (224)، سرآمدان فرهنگ (172/1).

بنداری، فتح

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فتح بن علی بن محمد البلداری (البنداری)، از فضلای شیعه در قرن هفتم بوده، و کتاب «نصرة الفترة» عماد کاتب را در سال 623 مختصر نموده، و آن را: «زبدة النصرة و نخبة العصرة» نامیده، و این مختصر در لیدن با فهرست اعلام و امم و ولایات و شهرها به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بنی مجیدی، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال 1334 در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود. وی پس از اتمام دوره سربازی ، بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید.او از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس می کرد تا ایتکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد. در سال 1365 با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. وی از شاعران کلاسیک بشمار می آمد.نامبرده پس از چند دهه فعالیت در عرصه هنر و شعر در 11 تیرماه سال 1387 ، پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : نام پدر : اروج
خاطرات کودکی : "دوران کودکی و نوجوانی را علی رغم موفقیت در درس و مشق ، با مشقات و دردسرهای فراوان پشت سر نهاده ام . شاید هم پیشامدهای ناگوار زمینه ساز مقوله ی شعر و شاعری در من شده است ؛"
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منصور بنی مجیدی، شاعر نوپرداز در سال 1334 در روستای سیبلی آستارا دیده به جهان گشود.او در یک خانواده ی متوسط و کم سواد پا به عرصه ی وجود نهاده .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصور در خرداد ماه سال 53 با عنوان شاگرد ممتاز دیپلم ادبی گرفت . او در همان سال در رشته فوق دیپلم علوم انسانی مرکز استان گیلان قبول شد . از آنجائیکه آن زمان هنوز کمک هزینه ی تحصیلی به دانشسرای راهنمایی تربیت معلم نمی دادند از ادامه ی تحصیل باز ماند و به ناچار به خدمت وظیفه اعزام شد و پس از دو سال بلافاصله پس از اتمام خدمت در آموزش و پرورش مشکین شهر استخدام و به منطقه ی بیله سوار مغان و سپس پارس آباد اعزام گردید. وی از همان ابتدا در مدارس راهنمایی و دبیرستان با همان مدرک دیپلم تدریس

می کرد تا اینکه یکسال بعد در دانشگاه گیلان قبول شد و مدرک لیسانس ادبیات فارسی را اخذ کرد.
خاطرات و وقایع تحصیل : منصور بنی مجیدی از نحوه شاعر شدنش چنین می گوید: "آنچه به یادم مانده است وقتی با بچه های یک کلاس ، یک تنه مشاعره می کردم سالهای آخر دوره ی ابتدایی بودم اول بعضی شعرها را بخاطر حروف خاص اش عوض می کردم و این دگرگونی به شکلی صورت می گرفت که کسی از بچه ها متوجه نمی شد بعدها در دبیرستان تنها انشاء نویس کلاس بودم که از روی کاغذ سپید انشاء می خواندم چرا که همیشه ، بچه ها انشاءهای مکتوبم را کش می رفتند و آن زمانها هم جوری بود که آدم کسی را لو نمی داد یعنی این کارها به دور از جوانمردی بود "
فعالیتهای ضمن تحصیل : منصور بنی مجیدی از خاطرات و فعالیت های ضمن تحصیل خود چنین می گوید: "در دوره ی دبیرستان علی الخصوص در سیکل دوم به بعد جزء دانش آموزان اهل قلم شهر ، شناخته شده بودم . انس و الفتم بجای تفریح و ورزش – اگر کارهای اجباری و بی گاری می گذاشت – تنها با کتاب و مطالعه بود . از آنجائیکه راهنمای درست و حسابی نداشتم با هیچ نشریه و مجله ای همکاری نمی کردم . آن زمان تنها کسی در کلاس بودم که از درس شفاهی « عروض و قافیه » دوره ی دبیرستان سر در می آوردم . نه معلم درست و حسابی داشتیم و نه کسی این کتاب را به کلاس می آورد ... سالها سپری شد .اولین اثرم سال 1356 با نام « بابا انار دارد » در روزنامه ی فروغ آزادی آذربایجان آن زمان در تبریز چاپ شد و این تلنگری شد برای کارهای بسیارِ آینده ام ، به جرئت می توانم بگویم در طول سه دهه در تمام نشریات و مجلات موجود و معتبر ادبی آثارم چه بصورت شعر و چه بصورت مقاله و نقد همه جا چاپ شده است و دیگر اینکه آنچنان گرم شغل مقدس معلمی بودم که فرصت مجموعه کردن شعرها را در کتاب ها پیدا نمی کردم و شاید هم به موقع به صرافت این کارها نیفتادم . تا اینکه سال 80 گاهنامه ای به نام « ترلان » در هشتاد و چند صفحه منتشر کردم و بلافاصله اولین کتاب شعرم را – شعرهای سال 57 الی 80 در 120 صفحه با نام « بهاری از خاکستر پاییز » در سه هزار تیراژ توسط انتشاراتی « فرهنگ دهسرا » ، منتشر کردم که پس از چند ماه همان سال با همان تیراژ تجدید چاپ شد"
همسر و فرزندان : در سال 53 مقدمات ازدواج منصور بنی مجید فراهم شده و در سال 56 عروسی کرد .از ایشان سه فرزند ، دو دختر و یک پسر به یادگار مانده است.
زمان و علت فوت : منصور بنی مجیدی در 11 تیرماه سال 1387 در ساعت 1:30 نیمه شب پس از جدال طولانی با بیماری سرطان، چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بعد از پایان تحصیلات در مدارس آستارا به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرهای پارس‌آباد مغان و تالش به تدریس پرداخت. در سال 1365 با انتقال به آموزش و پرورش آستارا با همکاری اکبر اکسیر شعر را به طور جدی دنبال کرد و یکی از اعضای ثابت حلقه فرانوشد. او در کنار تدریس ادبیات فارسی در دبیرستانهای آستارا سالها در کانون ادبی شهریار اداره ارشاد این شهر به آموزش فنون شعر و تشویق شاعران جوان پرداخت.
همفکران فرد : استاد منصور بنی مجیدی در جواب سوال : از شاعران قدیم به کدامیک بیش از همه علاقه مندید !؟ چنین جواب می دهد : " راستش را بخواهید بنده ی حقیر همه چیز را با ادبیات کلاسیک شروع کرده ام و همیشه هم توصیه ام به شا گردان همین مقوله بوده است . چرا که ریشه و فرهنگ گذشته ی ما باعث استحکام رو بنا و کیفیت کارهای امروزی ما می شود بنا براین خود شخصاً آثار شاعران و نویسندگان قدیم را هرچند خیلی با دقت هم نباشد خوانده ام ! به مولوی ، حافظ ، سعدی ، سیف فرغانی ، فخرالدین عراقی ، فردوسی ، صائب تبریزی و ... علاقه ی بیشتری دارم و حافظ را معجزه ی شعر ایران می دانم . ضمن اینکه سیف فرغانی را انقلابی ترین شاعر ... " او همچنین در جواب سوال :از شاعران معاصر و یک قرن اخیر به کدامیک علاقه مندید ؟ چنین جواب می دهد : "اگر دقیقاً صد سال اخیر را در نظر بگیرم حتماً می بایست به شاعران عصر مشروطیت توجه ای بیشتر داشته باشم ولی دوست دارم از نیما شروع کنم که پرچمدار شعر نو بود هم به لحاظ ساختار هم به لحاظ دیدگاه شاعری که با مطالعه ی کامل ادبیات فرانسه و ... به آگاهی سطح بالایی رسیده بود و ادبیات کلاسیک ما را نیز خوب درونی کرده بود و بدنبال راه چاره می گشت . خوشبختانه در آن زمان پس از کشمکش های فراوان توانست حرف حق خود را به کرسی بنشاند و در این راه رنج فراوان برد . او تنها کارش کوتاه و بلند کردن مصراعها نبود بلکه توانست فضای شعری حاکم را که هزار و چند سال مدام تکرار می شد تقریباً عوض بکند . هر چند قبل از او چند تن در تبریز از جمله تقی رفعت ، جعفر خامنه ای ، شمس کسمایی و حتا کسانی دیگر در این راه قدم گذاشته بودند ولی هیچکدام قدرت و مقاومت و استحکام او را نداشت . او بقول خود « آب / در خوابگه مورچه گان ریخته بود » و در مرتبه ی دوم به شاملوی عزیز عشق و علاقه فراوان داشتم و بازهم دارم . و شاملو توانست شعر چندین ساله ی ایران را از حالت یک نواختی بدر آورد . او با هوش سرشار اش آموزه های زیادی را از نیمای بزرگ آموخته بود ولی خود هم معلم و هم متعلم بود و هرگز از آموختن و بکار بستن آنها دست برنداشت . شعر سپید محصول سن زده ای نبود که مور و ملخ هم از آن نصیبی نبرند بلکه این

صخره ی به ظاهر دست نایافتنی همه چیزش حساب شده بود . رودی بود بزرگ که حتی می شد در کنار و گوشه ی آن قایق رانی کرد و هر کس بنا به استعداد و توان ذاتی اش از آن ماهی می گرفت . شاملو شعر سیاسی اجتماعی را قرب و منزلت داد و تا پای مرگ ، کسی ناله ی ننه من غریب از او نشنید . آثاراش همه ارزشمند و خود شاهد بزرگی ست برای ادعاهای بزرگ اش ، می توان از آثار باقی مانده ی شاملو و نیما چندین رساله برای تدریس در دانشگاههای معتبر جهان تهیه کرد . دیگرانی نیز از جنس خلف اینها بوده اند از جمله : یدالله رویایی ، م آزاد ، نادر نادرپور ، هوشنگ ابتهاج ، منوچهر آتشی ، علی باباچاهی و خیلی کسان دیگر که از ذکر نامشان فعلاً شرمنده ام . "
آرا و گرایشهای خاص : در شعرهای منصور بنی‌مجیدی توجه به انسان معاصر و دغدغه‌های آن موج می‌زند بنی‌مجیدی در غزل ترکی حرفی برای گفتن داشت و از استقبال عموم برخوردار بود در شعرهای فارسی که اغلب در مطبوعات ادبی به چاپ رسیده شاعری اجتماعی و دردآشنا دیده می‌شد او از روح لطیفی برخوردار بود و به کمال انسان می‌اندیشید شعر او، خطابه‌های مکرر درد بود بازبانی ساده و نگاهی انسانی، او به نوعی از قصه ـ شعر رسیده بود که در عین بلندی گیرا و دلنشین بود. واژگان شعرهایش آمیزه‌ای از کلمات عامیانه و گفتاری بود با طنزی نهان و استفاده سرشار از فولکلور و امثال و حکم شعری سرزنده و شاداب اما دردمند و تفکربرانگیز.
چگونگی عرضه آثار : آثار بنی مجیدی می‌توان به مجموعه شعرهای «بهاری از خاکستر پاییز»(گزیده شعرهای سال‌های 56 تا 80)، «بانوی باد شبنامه پخش می کند»، «دیگر نمی‌توانم شاعر بمانم»، «سهم من، همیشه دلتنگی ست» و «قرائت دوم من، تویی» اشاره کرد. دو کتاب بیژن کلکی با عنوان های "ترانه هایی برای الکاپون" و " نیامدی اسم آب یادم رفت " به کوشش بنی مجیدی به چاپ رسیده اند. شعر زیر با عنوان «افعال غیرمنصرف» از اشعار اوست: اینجا پوسیده باشم پوسیده باشی شاید هم پوسیده باشد اگر به هر سازی تن بدهد! نَه برای قصد قربت / نَه برای رقصیدن تنها دردی همیشگی در کشاله رانم تیر می‌کشد! این ناتمامی زندگی ... برایم هیچ لذتی ندارد! هر روز مثلِ چای لب زنده یا فنجان دَمر شده کنار گذاشته می‌شوم این بغضِ چندین ساله نه تنها من است که در تو و دیگران نو به نوبه می‌ترکد! ----------
---
آثار :
1 بانوی باد شبنامه پخش می کند
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - 1383

2 بر بام خود آشفته می وزم
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - 15 اسفند، 1385
3 بهاری از خاکسر پائیز
ویژگی اثر : مجموعه شعر،چاپ دوم
4 ترانه هایی برای آلکاپون
ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی
5 دیگر نمی توانم شاعر بمانم
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - 1383
6 سهم من، همیشه دلتنگی ست
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - 1383
7 شعر امروز آستارا
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی (شاعر) ناشر: فرهنگ ایلیا - 27 اسفند، 1384
8 قرائت دوم من، تویی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور بنی مجیدی ناشر: فرهنگ ایلیا - 1383
9 نیامدی اسم آب یادم رفت
ویژگی اثر : مرحوم بیژن کلکی و باز به کوشش منصور بنی مجیدی

بنیادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بنیادی
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد بنیادی در سال 1338 در خانواده ای مؤمن و مذهبی در شهر شهید پرور ملایر متولد شد. پس از طی مراحل ابتدائی و راهنمایی در سال های احتناق و خفقان ، سالهایی که رژیم شاهنشاهی روحانیت مبارز و مردم مؤمن و انقلابی را شدیدا در فشار قرار داده بود یعنی در سال 1355 وارد حوزه علمیه ملایر گردید. پس از آن جهت ادامه تحصیل به شهرستان دماوند از توابع تهران عزیمت کرد و در نهایت برای طی تحصیلات عالی به حوزه علمیه تهران رهسپار گردید. پس از ورود به تهران به حلقه درس خارج حضرات آیات فاضلیان و صفاری وارد شد و از خرمن درس آنان خوشه ها چید. نامبرده تا به امروز کتابهای زیادی تألیف کرده است.

بنی‌صدر، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1275 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولد شد. پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه و تحصیلات عالی تخصصی امور اداری و مالی، کارپردازی را در پاریش به پایان رسانید. وی بعد از مراجعت به ایران. مدت سی سال در ارتش خدمت کرد و غالب در کلاسهای افسری دانشگاه جنگ و دانشکده افسری و ژاندارمری و دانشکده پلیس تدریس داشت. روزنامه‌ی «انسان آزاد» به سردبیری وی مدت چهار سال (از سال 1324 تا 1328 ش) در 132 شماره انتشار یافت. از اثر او: «دستور ماشین‌نویسی فارسی و لاتین»؛ «قوانین و آئین‌نامه‌های ارتش»؛ «نامه‌های اداری و ثبت و بایگانی»؛ ترجمه «چرم و کفش»؛ «دوره‌ی تخصصی پوشاک»؛ نظامنامه‌ی امور اداری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (79/2)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 37- 38).

بوذری، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم بوذری به سال 1274 شمسی در قریه کرود از توابع طالقان دیده به جهان گشود، پدرش ملا علی‌اصغر بود، جد وی مرحوم سلطان محمد بود که قرآن‌های بسیاری به خط زیبای وی موجود می‌باشد.
بوذری، ابتدا در مکتبخانه‌ی کرود، شروع به فراگیری دروس فارسی و قرآن کرد و حدود پنج سال داشت به تهران آمد و در منزل مرحوم شیخ محمد آقا بوذری طالقانی که از افاضل زمان و مدرس مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) بود اقامت گزید.
مرحوم شیخ محمدآقا بوذری طالقانی در منزل حوزه‌ی علمیه داشت که فضلا و مدرسین و طلبه‌ها در این منزل آمد و شد داشتند و مرحوم ابراهیم بوذری در این منزل و در چنین محیطی پرورش یافت.
ابتدا، ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد مرحومان شیخ مسیح اوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای و علی شوشتری فراگرفت و از مرحوم شوشتری موفق به دریافت اجازه در امور حسبیه گرفت.
در هنر خطاطی، در رشته نستعلیق ابتدا شاگرد مرحوم حاج زین‌العابدین که نواده‌ی مرحوم میرزا زکی‌خان نوری بوده رفته، سپس نزد مرحوم عماد طاهری (عمادالشریعه) که از شاگردان مرحوم امیرحسین خوشنویس بود به تلمذ پرداخت و بالاخره در محضر عمادالکتاب به کمال رسید. در خط ثلث شاگرد مرحوم امیرالکتاب استاد بی‌نظیر خط که در ادب و شعر و شاعری «شرفی» تخلص می‌کرد رفت و در اندک زمانی گوی سبقت از همگنان خود ربود و خط نسخ و رقاء را در محضر آشیخ علی عبدالرسولی (پدر مرتضی عبدالرسولی از شاگردان مرحوم حبیب سماعی) که از شاگردان سید محمدتقی شرف‌المعالی بود به کمال آموخت.
مرحوم استاد ابراهیم بوذری، خود از بنیان‌گذاران کلاس‌های انجمن خوشنویسان که سلف انجمن خوشنویسان فعلی ایران می‌باشد بود و در این رشته شاگردان فراوانی که همگی هم‌اکنون از استادان خوشنویس می‌باشند تربیت نمود. وی سالها در دبیرستان‌های مختلف تهران از جمله تمدن و اسلام به تعلیم خط پرداخت و از سال 1327 شمسی به استاد خط دانشگاه روحانی معقول و منقول انتخاب و مشغول تعلیم شد. استاد بوذری بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود و خطاط

رسمی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء بود که همکاری وی در این ادارات بیش از 37 سال ادامه داشته و در سال 1341 بازنشسته گردید.
آثار چاپی وی تا آنجا که در دسترس نگارنده است عبارتند از: دیوان خواجه شیراز، منتخبات دیوان مسعود سعد سلمان، کتاب تاریخ دبیرستاها، صرف و نحو برای دبیرستانها، جوامع‌الحکایت مرحوم اوفی ترجیع‌بند مرحوم صفی علیشاه، منتخبات مثنوی، پاورقی نقد مرحوم حکمت اشعار مرحوم حاج ذوالریاستین (مونس علیشاه)، کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز سعدی، کتیبه‌ی آرامگاه شاه خلیل‌اللّه در تفت یزد، کتیبه‌ی دروازه‌ی قرآن شیراز، وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی شیراز، تاریخچه‌ی آب شیراز و...
استاد بوذری، واقعاً هنرمندی بی‌نظیر بود که خداوند استعدادی در نهاد او به ودیعه نهاده بود که در کمتر انسانی می‌شود مشاهده کرد، زیرا با توجه به این همه هنر، در رشته آواز و موسیقی از نوادر روزگار بود از صدایی رسا و خوش برخوردار بود و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده، ابوالحسن صبا فراگرفت که باید یادآور شد که اقبال‌السلطان دو شاگرد بیشتر نداشته که یکی رضاقلی ظلی و دیگری ابراهیم بوذری بوده‌اند.
متأسفانه مشغله‌ی فراوان و گرفتاری‌های استاد به وی اجازه نداد که در رشته‌ی آواز شاگرد بپذیرد و یا آثاری آنچنان از خود به جای نهد تنها چند نواری از وی به جای مانده که در آرشیو وزارت ارشاد اسلامی (فرهنگ و هنر سابق) موجود می‌باشد که امید است روزی پخش و برای هنرجویان مورد استفاده قرار گیرد و چاپ دو کتاب در مورد تعزیه و تعزیه‌خوانی است که از طرف وزارت فرهنگ و هنر (ارشاد اسلامی فعلی) در سال 1354 چاپ کرد و به سرعت نایاب گردید.
مرحوم استاد ابراهیم بوذری در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود و اشعار زیبایی هم سروده که خود جای بحث‌ها و گفتگوهای جداگانه دارد و یکی از دو بیتی‌های استاد را که فی‌البدیه ساخته و آن چنین بوده که روزی دوستی، فندکی به رسم یاد بود توسط دوست مشترکی برای استاد می‌فرستد و مرحوم بوذری به قدری تحت تأثیر این محبت و دوستی قرار می‌گیرد که این دو بیتی را برای وی می‌سراید:

جانا غم هجران تو اندک نبود
در دوستی ما به خدا شک نبود
خود آتش دوریت طی سوختنم
بس باشد و محتاج به فندک نبود

فرزندان مرحوم ابراهیم بوذری پنج پسر و دو دختر می‌باشند به نامهای: علی‌اصغر، یوسف، پروین، منوچهر، علی، شیرین و فریدون که کلیه ایشان

از خطی زیبا و خوش برخوردار می‌باشند.
از خاطرات استاد بوذری این که یکسال مرحوم اقبال‌السلطان از تبریز به تهران می‌آید و در سرچشمه منزل مرحوم شیخ محمد بوذری طالقانی که یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان بوده مهمان می‌شود. هنگام سحر که در آن زمان از گلدسته‌های مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) برای بیدار شدن مردم، جهت ادای فرائض دینی و صرف سحری، توسط تنی چند از خوش‌صداترین مؤذنان گلدسته‌ها، مناجات سر می‌دادند آن شب مردم متوجه‌ی وضع دیگری شدند چرا که شب‌های گذشته و سال‌های قبل هر یک از مناجات کنندگان از گلدسته‌های متعدد این مدرسه می‌خواندند و هر یک جواب یکدیگر را می‌دادند ولی آن شب با خواندن مرحوم اقبال آذر در مدرسه و از پایین گلدسته‌ها آن خوانندگان همه ساکت شدند و تنها صدای رسا و خوش مرحوم اقبال‌السلطان به گوش مردم می‌رسید و فردا تمام اهالی خیابان‌های سرچشمه، سیروس، ایران، پامنار، بهارستان، مخبرالدوله و بسیاری خیابان‌های دوردست دیگر از یکدیگر می‌پرسیدند راستی این چه کسی بود که دیشب این چنین زیبا و عالی مناجاب سر داده بود؟ فقط کسانی که ساکن منزل مرحوم شیخ محمدآقا بوذری بودند می‌دانستند که صاحب صدای مناجات اقبال‌السلطان است.
استاد ابراهیم بوذری هم در سال 1365 درگذشت و جهان فانی را بدرود گفت و با آثاری که از خود به جای نهاد، نامش همیشه زنده و جاوید و خدماتش به فرهنگ و هنر کشور در تاریخ ثبت است. روانش شاد.
(1365 -1274 ش). موسیقیدان، خواننده، خطاط و ادیب. در روستای کرود از توابع طالقان به دنیا آمد. تحصیل خود را از مکتب خانه‌ی زادگاهش شروع کرد، در سن پنج سالگی به تهران آمد و در مدرسه‌ی سپهسالار اقامت گزید. ادبیات فارسی، عربی، اصول و فقه را نزد شیخ مسیح ایوانکی، آیت‌اللّه کاشانی، حاج میرزا خلیل کمره‌یی و علی شوشتری فراگرفت. در هنر خطاطی از محضر حاج زین‌العابدین، عماد طاهری، عمادالکتاب و امیرالکتاب بهره برد. وی از بنیانگذاران انجمن خوشنویسان بود. بوذری سالها در دبیرستانهای مختلف به تعلیم خط پرداخت و بیش از سی سال کارشناس خط در وزارت دادگستری بود؛ همچنین خطاط رسمی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی سابق و اداره‌ی مباشرت و دارالانشاء نیز بود. ابراهیم صدایی رسا و خوش داشت و دستگاهها و گوشه‌های آوازهای ایرانی را نزد اقبال‌السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا آموخت، مدتی نیز از حبیب‌اللّه کاشانی تعلیم گرفت و سرانجام اقبال آذر را به استادی انتخاب کرد. در عرفان هم صاحب مکتب و نظر بود، اشعار زیبایی هم سروده است. از آثار چاپی وی: «دیوان» خواجه شیراز؛ «منتخبات دیوان» مسعود سعد؛ کتاب «تاریخ» دبیرستانها؛ «صرف و نحو»

برای دبیرستان‌ها؛ «جوامع الحکایات» عوفی کتیبه‌های آرامگاه شیخ شیراز و کتیبه‌ی دروازه قرآن شیراز.[1]
خوشنویس، مدرس خوشنویسی.
تولد: 1274، طالقان.
درگذشت: 1 بهمن 1365، تهران.
ابراهیم بوذری، فرزند علی‌اصغر طالقانی پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعه رشته‌ی قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبیه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.
دیری نگذشت که به عرصه‌ی خوشنویسی وارد شد و نکات و دقایق اولیه‌ی خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت ساز فراگرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک‌الکلامی مشهور به امیرالکتاب (متوفی 1328) به تملذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمدحسین عمادالکتاب سیقی قزوینی (متوفی 1315) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمدتقی کمال و آقا شیخ عبدالرسولی آموخت.
وی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال 1330 بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تعزیه‌خوان معروف به اقبال‌السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و ایرانی به یاد مانده است.
بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورده و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی‌اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.
ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میر حسین و بعدا به اسلوب ملک‌الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.
از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود:

ملخص مثنوی؛ منتخب دیوان سعد سلمان؛ جلد اول جوامع الحکایات؛ پارسی نغز؛ تاریخچه‌ی آب شیراز؛ وقف‌نامه‌ی بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه‌ی موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاءالدنی؛ ارمغان پاک؛ دیوان حافظ؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه‌ی آرامگاه سعدی؛ کتیبه‌ی شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز به خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] استادان موسیقی (63)، تاریخ موسیقی (669/ 2)، تذکره خوشنویسان معاصر (135 -133)، سرگذشت موسیقی (380/ 1)، مردان موسیقی (152 -149/ 2).

بورونی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بورونی
محل تولد : اصفهان
شهرت : برونی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بنده در سال 1346 در اصفهان متولد شدم و در سال 1361 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم پس از 7 سال در سال 1367 به حوزه علمیه قم رفتم و در دروس خارج تنی چند از ایات عظام شرکت کردم و همزمان مدرک سطح عالی زبان انگلیسی را از واحد زبان دفتر تبلیغات اسلامی قم دریافت کردم .در سال 1379 به اصفهان مراجعت نموده و نیز مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه تهران مرکزی در رشته ادیان و عرفان دریافت کردم و هم اکنون در تلاش برای قبولی در امتحان دکترا می باشم . عضو هیئت علمی گروه ادیان پزوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی قم و نیز مدرس دروس ادیان و عرفان و مذاهب و مترجم و مدرس دروس انگلیسی در اصفهان هستم

بوستان، مجدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1317 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[1]
محقق، روزنامه‌نگار.
تولد: 17 ذیقعده 1317 ق.
درگذشت: 2 اسفند 1364.
مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال 1333 ق. (مطابق با 1293 و 1294) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال 1303 که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.
بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال 1306 در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور 1347 از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.
وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال 1307 به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد

حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران 1306)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواص «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.
بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.
مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (26 -24 /2)، الذریعه (170/15)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (85 -84 /2)، مؤلفین کتب چاپی (188 -187 /5).

بهاءالدینی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 9 فروردین 1267 (عید غدیر خم 1327 ق.)، قم.
درگذشت: 28 تیر 1376(13 ربیع‌الاول 1418 ق.)، قم.
آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند صفی‌الدین خدمتگزار آستانه حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الایات» بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، شرح لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.
سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمدتقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.
ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره) رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.
آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تشکیل داد.
در اسفند 1375 سمیناری در تحلیل از وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام آیت بصیرت در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز شنبه بیست و هشتم تیر 1376 (سیزدهم ربیع‌الاول 1418 ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالا سر حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهار اصفهانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1318 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به بهار. در اصفهان متولد شد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. وی به مدت بیست سال از شعر و شاعری دست کشید و به ارومیه مهاجرت کرد و روزنامه‌ی «کیوان» را منتشر کرد. وی به علت ناآرامی آذربایجان به اصفهان رفت و بعد از دو سال دوباره به آذربایجان برگشت. وی از اعضاء انجمن ادبی مرحوم شیدا بود. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی 29 آذر 33 سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم»؛ «داروی تربیت»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (153/4)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (95 -94)، مؤلفین کتب چاپی (103 -102 /3).

بهار، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملک‌الشعراء محمدتقی بن ملک‌الشعراء محمدکاظم صبوری شاعر بزرگ عصر ما (و. 1266 ه.ش./ 1866 م.- ف. 1330 ه.ش./ 1951 م.) وی در عین حال شاعر و محقق و نویسنده و استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. بهار در شعر شیوه فصیح قدمتا را به نیکوترین صورتی بیان کرده، در ضمن از زبان متداول لغات و تعبیرات و اصطلاحاتی را در اشعار خود به عاریت گرفته است. وی شعر را وسیله بیان مقاصد گوناگون قرار داده و با اطلاعی که از زبان پهلوی داشت با ایجاد ترکیبات جدید و استعمال مجدد برخی از لغات متروک توفیق یافت. دیوان بهار در دو مجلد به طبع رسیده. از آثار تحقیقی او تصحیح و تحشیه «تاریخ سیستان» و «مجمل التواریخ والقصص» و تألیف «سبک شناسی» (سه مجلد) است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

بهار، مهرداد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملک مهرداد بهار ، فرزند محمدتقی بهار (ملک الشعرا) در سال 1308 شمسی در تهران چشم به جهان گشود. وی از سال 1326 به عرصه ی فعالیت های سیاسی واردشد ، و پس از ورود به دانشگاه فعالیت های خود را گسترش داد ، که همین امر باعث اخراجش از دانشگاه شد و چندی بعد منجر به دستگیریِ او گردید. پس از آزادی از زندان در سال 1338 برای ادامه ی تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. بهار از سال 1344 به کلی از فعالیت های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت و در زمینه ی فرهنگ ایران باستان به پژوهش پرداخت. وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. وی سرانجام در 22 آبان 1373 بر اثر سرطان خون در گذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : ملک مهرداد بهار ، پنجمین فرزند در خانواده ی دانش پرور شاعر پرآوازه استاد محمدتقی بهار (ملک الشعرا) چشم به جهان گشود. مادر وی شاهزاده خانمی قاجاریه از خانواده ی دولتشاه کرمانشاه از نوادگان فتحعلی شاه بود.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ملک مهرداد بهار ، دوران کودکی و نوجوانی را در کنار خانواده و تحت سرپرستیِ مادرش سپری کرد. محیط فرهنگیِ خانه که محل رفت و آمد شعرا و ادبا و محفل انس فضلا و بزرگان ادب و سیاستِ آن روز بود ، در روحیه و ساختار و شخصیت او تأثیر بسزایی گذاشت ، به طوری که از او انسانی کم نظیر با تمامیِ خصایل عظیم انسانی و فضایل والای علمی ساخت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ملک مهرداد بهار ، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ی « جمشید جم » و دوران متوسطه را در دبیرستان « فیروز بهرام » و « البرز » گذراند. وی در سال 1328-1329 در رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پذیرفته شد. در سال دوم دانشکده (1329-1330) به سبب زندانی کردن استاد دانشگاه تهران برای یک سال از دانشگاه اخراج شد. سپس در بهار 1334 پس از چهار سال دوری به

دانشگاه برگشت و در سال 1336 در رشته ی زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. در فروردین 1338 برای ادامه ی تحصیل به انگلستان رفت و در مدرسه ی مطالعات شرقی و آفریقایی در رشته ی زبان ایران باستان - مطالعات کهن و میانه ی ایرانی که شامل تاریخ و فرهنگ و زبان ایران باستان از اوستا و پارسی باستان تا متن های فارسی میانه و پارتی بود - تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از چهارسال فوق لیسانس خود را در انگلستان گرفت. و دو سال هم بر روی پایان نامه ی دکترا کار کرد ، اما به دلایل مالی مجبور شد به ایران باز گردد (1344). در این سال در دانشگاه تهران دکترای رشته ی زبان های ایران باستان به تازگی راه اندازی شده بود ، بنابراین بهار رساله ی دکترایش را با عنوان « آفرینش در اساطیر ایرانی بر پایه ی گزیده های زاد سپرم » با دکتر صادق کیا گذراند.
خاطرات و وقایع تحصیل : ملک مهرداد بهار در سال 1326 درکلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد. وی در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی - سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد. در سال 1961 در کنفرانس حزب توده در شهر دوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : مهرداد بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی - دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های 1339 تا 1340 ، عضو هیئت تحریریه ی مجله ی پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت.
استادان و مربیان : ملک مهرداد بهار پس از آنکه تحصیلا ت متوسطه ی خود را در تهران گذراند ، در رشته ی زبان و ادبیات فارسی ادامه ی تحصیل داد. در این مدت از محضر استادانی چون استاد پورداوود ، استاد بدیع الزمان فروزانفر و بیش از همه پدر ادیب و سخنورش استاد محمد تقی بهار بهره برد. و ی 6 سال هم در دانشکده ی شرق شناسی دانشگاه لندن در رشته ی ایران شناسی به تحقیق و مطالعه ی زبان های پارسی باستان و اوستا و پارسی میانه و پارتی و تاریخ فرهنگ ایران پرداخت. استادانش ، بزرگانی چون پرفسور هنینک ، پرفسور مکنزی ، پرفسور مری بویس و پروفسور هارولد بیلی بودند.
همسر و فرزندان : همسر ملک مهرداد بهار ، خانم دکتر زهره سرمد تهرانی ، استاد دانشگاه تهران است. از او دو پسر و یک دختر به نام های

کاوه ، میلاد و فرغانه به یادگار مانده است.
زمان و علت فوت : ملک مهرداد بهار بر اثر سرطان خون در روز یکشنبه 22 آبان ماه 1373 در سن 65 سالگی در گذشت و در قطعه ی هنرمندان در بهشت زهرا به خا ک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ملک مهرداد بهار پس از آنکه از لندن به ایران بازگشت به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود ، به ناچار در بانک مرکزی با عنوان « دبیر هیئت عامل بانک » استخدام شد ، سپس به صورت کارمند انتقالی از بانک مرکزی در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش پرداخت. از 1344 تا 1343 ، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بانک برگشت و به کار ترجمه ی متون اقتصادی پرداخت. پس از 23 سال کار در بانک به دلیل ناهم خوانی با روحیه ی استاد در سال 1368 خود را بازنشسته کرد. مهرداد بهار در سال 1326 درکلاس دهم دبیرستان فیروز بهرام وارد حزب توده شد و از رهبران سازمان جوانان آن حزب شد و در طول سال های تحصیل فعالیت سیاسی را دنبال نمود و گاه بدین خاطر به زندان نیز افتاد. بهار در مدت تحصیل در انگلستان ، با جنبش دانشجویی ایران و انتشار نشریه های فرهنگی - دانشجویی همکاری داشت ، همچنین یکی از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سال های 1339 تا 1340 ، عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی چاپ لندن و مدتی هم سردبیر آن بود و با نشریاتی چون « نامه پارسی » همکاری داشت. در ادامه ی فعالیت های سیاسی دیگر به صورت مستقل از آرمان های صنفی - سیاسی دانشجویان ایرانی دفاع می کرد ،در سال 1961 در کنفرانس حزب توده در شهردوسلدورف آلمان ، در دفاع از عدم انشعاب در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و مخالفت با حزب توده ، برای همیشه از این حزب اخراج شد.
فعالیتهای آموزشی : ملک مهرداد بهار به سبب فعالیت های سیاسی هرگز نتوانست در دانشگاه به طور رسمی استخدام شود. او هنگامی که در بانک کار می کرد به صورت حق التدریس در دانشگاه تهران تدریس می نمود. از سال 1352 در گروه زبان شناسی و زبان های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان عضو هیئت علمی مدعو به تدریس پرداخت. در واپسین سال های عمر در گروه تاریخ ادیان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته ی ادبیات و عرفان به تدریس پرداخت.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ملک مهرداد بهار در سال 1351-1352 در فرهنگستان زبان ایران موفق شد پژوهشکده ی زبان های ایرانی میانه و باستان گروه زبان و پارسی میانه را تشکیل بدهد که در آنجا طی هفت سال متون پهلوی بسیاری به یاری او منتشر شد. در کنار

فرهنگستان زبان ایران در فرهنگستان ادب و هنر ایران (1351-1352) نیز گروه اساطیر را با هدف تدوین دانشنامه ی اساطیر ایران تشکیل داد.
آرا و گرایشهای خاص : ملک مهرداد بهار نخستین کسی بود که در ایران به پژوهش درباره ی اساطیر ایران پرداخت و در این زمینه شاگردان بسیاری پروراند. در میان پژوهشگران پهنه ی فرهنگ ایران زمین ،گروهی یافت می شوند که تنها توجه خود را منحصر به داده ها و تحلیل های گذشته نمی بینند ، بلکه ترجیح می دهند تا با کندوکاو در دیدگاه های رایج و ارزیابی و سنجش آن ، خود نیز به دیدگاهی مستقل دست یابند. استاد مهرداد بهار از جمله فرهنگ پژوهانی است که می توان وی را در حوزه ی یادشده جای داد. استاد در عین آشنایی با دیدگاه های رایج ایران شناختی و بهره گیری درست و دقیق از هرکدام ، پژوهشگری یکتا و مستقل به شمار می آمد چرا که بر بسیاری از داده ها و نظرگاه های ایران شناسان غربی نقد روا داشته و در برخی از موارد از آنها فاصله می گرفت.کار پراهمیت دکتر بهار متمرکز است بر تاثیر ژرف فرهنگ های بومی ایران و فرهنگ آسیای غربی به ویژه میان رودان بین النهرین بر فرهنگ ایرانی که از چشم بسیاری به دور مانده بود. ----------
---
آثار :
1 بند هش
2 پژوهشی در اساطیر ایران
3 درباره ی قیام ژاندارمری ایران
4 سخنی چند درباره ی شاهنامه
5 واژه نامه ی گزیده های زاداسپرم

منابع :
1روزنامه همشهری ، شنبه 5 آذر 1379 ، شماره 22762کتاب ماه ، سال دوم ، شماره دوازدهم ، 29 مهر 13783مهرداد بهار (یادنامه ی استاد دکتر مهرداد بهار) ، به کوشش امیر کاووس بالازاده ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، 1377 ، ص 134نشریه ی نامه ی فرهنگ ، سال چهارم ، شماره ی 16 ، زمستان 1373

بهاری، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1320 ق)، عالم دینی و فقیه. در روستای بهار در دو فرسنگی همدان به دنیا آمد. در سال 1336 ق به تهران آمد و نزد آخوند ملاعلی همدانی و شیخ باقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. در سال 1341 ق به قم رفت و نزد آیت‌اللّه خوانساری و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی سطوح نهایی فقه و اصول به پایان برد و معقول را در خدمت آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت استفاده کافی برد. در سال 1360 ق به تهران آمد و به ترویج دین و تفسیر قرآن و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم حمل و در جنب مقبره آیت‌اللّه حایری دفن شد. از آثارش: شرح بر «بیع مکاسب» شیخ انصاری؛ شرح بر جلد اول «کفایة»؛ سه رساله در «لباس مشکوک».[1]
حاج اسمعیل بن العالم الجلیل آقا شیخ محمد رضا بهاری از علماء مبرز تهران و تلامذه با فضل و تقوی مرحوم آیةاللّه العظمی حایری و آیةاللّه آقای حجت کوهکمری رحمهماللّه بوده‌اند.
وی در سال 1320 قمری در قریه بهار که در دو فرسخی همدان محل و زادگاه عالم ربانی و سالک سجادی حجةالاسلام و المسلمین آیةاللّه آقا شیخ محمد بهاری صاحب کتاب (تذکره المتقین) که از اوتاد عصر خود بوده بدنیا آمد و در سال 1336 قمری عزیمت به تهران نموده و نزد آخوند ملا علی همدانی و شیخ محمدباقر اصفهانی و آقا سید علی ورامینی بتحصیل پرداخته و در سال 1341 قمری به قم آمده و خدمت علمین مرحومین آیةاللّه خونساری و آیةاللّه میرزا محمد همدانی سطوح نهائی فقه و اصول را بپایان رسانیده و هم معقول را در خدمت مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم یزدی خوانده و از محضر مرحوم آیةاللّه آقای میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیةاللّه حایری و آیةاللّه حجت و مخصوصا مرحوم آیةاللّه العظمی حایری استفاده کافی نموده و در سال 1360 قمری رحل اقامت به تهران افکنده و در مسجد بازار آهنگرها به اقامه جماعت و تفسیر کلام‌اللّه و ترویج دین و نشر احکام مبین و تدریس متون فقه و اصول پرداخته تا در سال 1390 قمری که دعوت حق را لبیک اجابت گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جنب مقبره آیةاللّه حایری بخاک رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجة (244 -243 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (401 -400 /4).

بهاری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد بهاری که از افاضل دانشمندان حوزه علمیه قم می‌باشد. وی در قم متولد شده و در کودکی با مرحوم والدش به تهران آمده و در آنجا نشو و نما و پرورش یافته و پس از تحصیلات جدیده بتحصیل علوم دین پرداخته و اولیات را نزد مرحوم والدش و مدرسین دیگر تهران خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی نزد مدرسین عالی حوزه خوانده و از درس خارج آیةاللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان آیات ثلاثه آقای شریعتمداری و آقای مرعشی نجفی و آیةاللّه گلپایگانی و دیگران استفاده نموده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها و توشه‌ها ذخیره کرده و پس از فوت مرحوم والدش به تهران منتقل و بجای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد و حقا برای مرحوم والدش (ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

بهبهانی پور، عبدالحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بهبهانی پور
محل تولد : عماره
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1348/8/1
زندگینامه علمی
در سال 1369 دیپلم تجربی گرفتم در سال 70 وارد حوزه علمیه شدم در سال 1374 وارد مؤسسه اما خمینی شدم . در سال 1380 پایان نامه ام را در موضوع اندیشه کلامی شهید صدر دفاع کردم. در سال 78 کتاب تنبیه الامه و تنزیه امله اثر محقق نائینی را به عربی ترجمه کردم . با مرکز مطالعات حوزه علمیه مدتی در نوشتن مقاله در زمینه دین پژوهی (کلام) همکاری داشتم و سه مقاله نوشتم. حدود 4 کتاب به عربی ترجمه کردم و ندین مقاله برای مجلات عربی به ویژه مجله التوحید ترجمه کردم.
هم اکنون در رشته مدرسی معارف اسلامی (مبانی نظری اسلام) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستم البته در کنار تحصیل حوزوی در مقطع خارج فقه و اصول .
اساتید بنده در حوزه علمیه :
1. استاد مددی.
2. استاد کعبی.
3. استاد احمد عابدی.

بهبهانی، سیمین

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سیمین بهبهانی شاعر و ادیب متولد ۱۳۰۶ تهران
- لیسانس حقوق قضایی دانشگاه تهران
- برنده ده ها جایزه علمی و آکادمیک به خاطر اشعار و غزلیاتش، از جمله جایزه بیژن جلالی
- از معدود شاعرانی که اشعارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است.
- گزینه شعر «جامی گناه» او به زبان انگلیسی ترجمه شده و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است.
- برخی از آثار او عبارتند از: جای پا، چلچراغ، مرمر، رستاخیز، خطی زسرعت و از آتش،دشت ارژن و ...
- زن برگزیده سال ۱۳۷۷ از سوی بنیاد جهانی پژوهش های زنان
- برنده جایزه لیلیان هیلمن و راشیل هامت از طرف سازمان نظارت بر حقوق بشر ۱۳۷۸
- ترجمه ۱۰۳ شعر او به زبان انگلیسی در مجموعه ای تحت عنوان «فنجانی از آفتاب»
- ترجمه ۱۰۲ شعر او درکتابی با عنوان «آن سوی واژه ها» در آلمان

ز شب خستگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم از ما رسان به صبحی رسیدی اگر
به حجت در این داوری ز دوزخ نشان می دهم
به دعوی، زخوش باوری بهشت آفریدی اگر

مهرانه خالقی:برای نوشتن از بهبهانی باید قبل از هر چیز نگاه دوباره ای داشت به غزلیات او چه این غزلیات گذشته از تمام ویژگی های دیگرشان نشان دهنده حساسیت شاعر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پیرامونش است. شاید او تنها غزلسرای معاصر ماست که اگر جنگ می شود برای جنگ و اگر زلزله رخ می دهد برای زلزله می سراید و در این میان محدودیت و دست و پاگیری قاعده وزن و قافیه نه تنها مجال او را تنگ نمی کند، بلکه گستره ای می شود برای او که خود را متعهد به رخدادهای پیرامون خویش نشان دهد که سیمین بهبهانی شاعر درون نیست و گرفتار انتزاعات و تراوشات ذهن نمی شود. بلکه شاعر برون است و پیرامون. او برخلاف بسیاری از زنان روشنفکر و نویسنده و شاعر معاصر، دغدغه خود

را کمتر دارد و بیشتر درد اجتماع و جامعه و مردم او را به شعر گفتن وامی دارد و شعر برای او عرصه پرداختن به تعهدات و ضرورت های انسانی از جنس مردم است و نه خود. علاوه بر این شعر بهبهانی گرچه از لطافت و زنانگی به حد اعلا بهره می برد اما فیمینیسم وزنانه نیست و اگر جایی هم دغدغه اش زن بوده است، نه از زاویه تنگ نگاه های مرسوم که از نگاه یک طبیبی که درد و محل درد را می شناسد به موضوع و مشکلات زنان می پردازد و قصد رو درروکردن زنان با مردان و بهره بردن از این آب گل آلود - بر خلاف بسیاری از روشنفکران زن معاصر- را ندارد.

... سخن آنگه از آب گو، سرابی ندیدی اگر /
بدین خالی آسمان، میفروز خورشیدمان/
به پندار و وهم و گمان چراغی خریدی اگر/

و باید از آغازش بنویسیم. روزی که به دنیا آمده است. باید بنویسیم سیمین بهبهانی (خلیلی) به سال ۱۳۰۶ در تهران، در خانواده ای صاحب فرهنگ و قلم متولد شد. «و اما گفتم که زاده شدم در خانه بزرگ پدربزرگ؛ چون پیش از زادنم، مادرم همسر خود را به اشتغالاتش واگذاشته و به خانه پدری بازگشته بود. گویا مادر را تا آستانه مرگ کشیده بود نوزادی که من بودم. زیرا نزدیک به دو منی وزن داشتم ! مامای فرنگی خود را باخته بود و پدربزرگ با پای ناتوان بر بام خانه رفته و اذان گفته بود تا دخترش به سلامت فراغت یابد و یافته بود.

به دایه سپرده بودندم، زیرا مادر چنان ناتوان شده بود که شیر نداشت. و این دایه دختر دایی مادرم بود. (گویا راست است که می گویند: «در روزگار پیش، مناصب موروثی بوده اند»)

امیر تومان پیر که دیگر کاری نداشت جز اندیشیدن به روزگار گذشته... سرگرمی تازه ای یافته بود: نوه نوزاد دومنی که مجبور بودند روزهای عمرش را به دروغ بیفزایند تا از چشم زخم بیگانه آسیب نبیند. و البته دایه مهربان آنگاه که زالوی فربه را به شیر بی اشتها می دید، تخم مرغی را با خطوط گرد زغالین سیاه می کرد و زیر فشار انگشت و پول خرد می شکست و گناه بی مبالاتی خود را به گردن «چشم شور» عمه و خاله بی گناه می انداخت و در باور او جز این گریزی نبود !» (۱)

بهبهانی اما در کودکی اولین ماتم را تجربه می کند. مرگ پدربزرگ. چنانچه می نویسد: «پدربزرگ را دیدم در بستر بی هیچ نگاهی در چشم و بی هیچ کلامی بر لب و بی هیچ نقل و کلوچه ای در دست. مادر شیون می کرد و زنان سیاهپوش نیز. و مرگ در باور من معنای گنگی یافته بود، بی آنکه به واژه آن اندیشیده باشم.»

و شاعر از همین جا طعم تلخ و گس مرگ را تجربه می کند. رؤیای کودکی از سر شاعر می پرد. نقل مکان و آغاز زندگی طاقت فرسای در غربت و

ناتوانی. چه «پدر بزرگ میراثی بر جای نگذاشته بود و مادر ناچار بود برای اداره زندگی کار کند. در مدارس تازه پاگرفته آن روزگار به تدریس زبان فرانسه پرداخته بود. یک برادرش به دلایل سیاسی ناچار به گریز از مرگ محتوم و فرار از کشور شده بود و برادر دیگرش در زندان به سر می برد.»
وقت درس و مدرسه آغاز می شود. شاعر را به کودکستان می سپرند. «در گوشه باغی پیوسته به کلیسای انجیلی تهران، در خیابان قوام السلطنه. هنوز هم گاهی از برابر در ورودی آن می گذرم... هر روز صبح در کودکستان، دوشیزه دولیتل را -که کوچک نبود و پیر هم بود - می دیدم که در برابر خدای به چهار میخ کشیده می ایستد و نیایش می کند.»
در همین ایام است که بیماری سختی به جان شاعر می افتد: «در زیر گوش راستم تورمی پدید آمده بود. هر روز کاسه ای تلخابه سیاه برابرم می گذاشتند که: «بنوش!» اما تبم نمی برید.» بعدها این تلخی گله از همروزگارانش می شود و در این بیت می نشیند:
همچو برگ بید و بیخ کاسنی تلخند، لیک
تلخشان بیرون نکرد آسیب تب از پیکرم
«سرانجام، پزشک با نیشتر دمل را شکافت، روزهای پیاپی، تکه ای تنزیب را با محلولی می آغشت و بیرحمانه در جای نیشتر فرو می کرد تا زخم بهبود یافت... پزشک فریاد های کودکانه ام را به «کولی گری» تعبیر می کرد و به مادرم می گفت: «این دختر انتقام تو را از زمانه خواهد گرفت!» (۲)
«کولی گری» شاعر به صورت «کولی واره »ها در آمد و «انتقام» به این بیت بدل شد:
گر بسوزند استخوانم در نیستان همچو نی
گوید: «از ایشان گذشتم» ناله خاکسترم
سالی بعد مادر شاعر به ازدواج دوباره تن می دهد. ازدواج دوم مادر مصیبتی است برای او. چنانکه می نویسد: «در خانه پدر دوم اندوهگین بودم که مبادا مادر نیمی از محبتش را از من باز گرفته باشد. دایه او را بیش از پیش دوست می داشتم و آرامش را در سر نهادن بر سینه اش می جستم که همیشه بوی دود و پیاز می داد...»
با این حال تنها پناه شاعر نیز به دیار عدم می شتابد. «به سفر رفته بودیم، بی دایه، و هنگام بازگشتمان دایه دیگر در خانه نبود. مادرم می گریست و این بیت را زمزمه می کرد:
یک روز صرف بستن دل شد به این و آن
روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت»
بهبهانی در ایام دبستان و سال اول آن صاحب برادر و پسری دوقلو از پدر

جدیدش می شود. می نویسد: مادرم دختری و پسری توأمان به دنیا آورده بود و من کارت پستال دخترکی همسال خود را به مدرسه بردم و گفتم: خواهر من است؛ مادرم دیشب زاییده و آموزگار رندانه گفت: به همین بزرگی؟ و من در نماندم و گفتم: عکس را با برق بزرگ کرده اند!
تراژدی دیگری اما در سنین جوانی برای شاعر اتفاق می افتد: «برادر توأمان بیمار شد. به بیمارستان بردندنش، اما مادر تنها بازگشت. با اندک فاصله پس از او خواهر دوساله هم بیمار شد، همان بیماری. شب را گذراند و صبح به حال خفقان افتاد. از خانه بیرون دویده بودم، بی کفش و با جفتی جوراب که نیمه ای از هر لنگه مچاله و لوله روی برف و گل کشیده می شد و من می دویدم... سرگشته و ناتوان بازگشتم. پزشک از در خانه بیرون می رفت. سرافکنده و کیفی در دست. کسی بدرقه اش نمی کرد. به اتاق آمدم، مادرکنار دیوار نشسته بود. حتی توان گریستن نداشت: مجسمه ای مومیایی و خشک. (۳)
سال بعد اما خداوند برادری دیگر به او می دهد. کودکی رنجور که ناچار به پانسیون می فرستندش و بیماری بچه بیش از پیش می شود و شاعر قبول می کند در ازای شبانه درس خواندن از او مراقبت کند.
اولین شعرهای بهبهانی را مادرش کشف می کند که خود ذوق سرودن داشت. «یک روز که دست نوشته هایم را زیر بالشم یافته وخوانده بود، پرسید: شعر می نویسی؟ سرخ شدم و گریستم این دومین باری بود که در برابر نگاه جست وجوگرش سرخ می شدم و می گریستم.»
مادر شاعر اما اشعار او را برای پروین اعتصامی می خواند و شاعر پرآوازه از ذوق و علاقه، بهبهانی را می بوسد. وقتی رفتند مادر گفت: «او پروین اعتصامی است، بزرگترین شاعر زن. شاید نهانی آرزو می کرد که روزی چون او باشم. در فروردین سال بعد پروین اعتصامی درگذشت، به بیماری حصبه، اما خاطره دیدارش در من نخواهد مرد و شاید گلی بر خاکم برویاند...»
بهبهانی تحصیلات خود را در رشته حقوق قضایی به پایان می برد و از ۱۴ سالگی سرودن را با چهارپاره های نیمایی آغاز می کند و سپس به غزل روی می آورد. و این آغاز تحولی نو در غزل معاصر بود.
شاعر تمام هستی اش شعر است. خودش معترف است که «از آن هنگام که در جامه سپید از خانه پدر بیرون خزیدم در شعر زیستم. اگر صفایی، نوری، طراوتی و رنگ و بویی بوده است در شعر است. درغزل هاست. دیگر جز در شعر با خود راست نگفته ام.»
بهبهانی با نزدیکی شگفت آورش به زبان روزمره مردم و یافتن پاره های موزون در جملات عادی زبان، دموکرات ترین زبان شعر نوکلاسیک فارسی را خلق کرد. شعر او نشانگر درگیری عمیق ذهن شاعر، با رنج ها، شادی ها

و مسائل مردم است.
او که به خاطر همین نوآوری ها در زبان و وزن غزل به «بانوی غزل» شناخته می شد و شعر عاشقانه اش، برتر از انواع دیگر شعرش می نشست؛ به تدریج شعرش را به تجلیگاه رنج ها، محرومیت ها و فریادهای مردم بدل کرد. او از معدود شاعران مطرح ایرانی است که به جنگ ۸ ساله عراق و ایران توجه کرده است، و هم درباره قربانیان جنگ و هم دشواری های اجتماعی ناشی از آن شعر سروده است.
واقعیت آن است که سیمین بهبهانی به خاطر زن بودن مسائل مهم را نادیده نگرفته است. در جای جای شعر سیمین بهبهانی توجه به مسائل تبعیض نژادی وطن و دغدغه های انسان معاصر به چشم می خورد. بهبهانی تفکری فرامرزی دارد و استبداد را در هر جای جهان باشد به محاکمه می کشد. او ستایشگر شرافت انسان است.
اعتبار اشعار بهبهانی از مرزهای ایران گذشته است. شعر او تاکنون به زبان های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده است. گزینه شعر «جامی گناه» شش سال پیش به زبان انگلیسی توسط فرزانه میلانی و کاوه صفا ترجمه و در دانشگاه نیویورک منتشر شده است و این نقد توسط علی بهبهانی به فارسی برگردانده شده است.
قالب مورد اقبال سیمین بهبهانی غزل است. او با لحنی مالیخولیایی که از حسی ژرف و عشقی رمانتیک و پاس داشتن ساختار بنیادی شعر نشان دارد، غزل سروده است. او درونمایه را گسترش می دهد و سبک را گفتارگونه می کند.
صفدر تقی زاده درباره شعر بهبهانی می گوید: «آنچه که از درونمایه ۱۰۳شعر این گزیده سر بیرون می آورد، مسائل ناشی از قشری گری و تلفات ناشی از جنگ ایران و عراق است.بهبهانی در غزل جزئیات عینی را محورقرار می دهد. مثلاً مردی که یک پا ندارد، بلکه دردناک تر از یک پانداشتن، سن کمتر از بیست سال اوست.
سیمین بهبهانی به تنهایی با زبانی پاک، بی حشو و حافظ گونه، در عرصه غزل می تازد. در غزل او حتی خللی و نقصی نمی بینیم. از نظر تنوع اوزان هیچ کس نتوانسته است تا به امروز به مقام مولانا برسد اما سیمین بهبهانی به تنهایی توانسته است ۴۰ وزن به وزن غزل فارسی بیفزاید، ضمن اینکه زبان قوی و قدرتمند احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در شهر او جریان دارد و در کنار این زبان، بهبهانی از زبان مردم چشم پوشی نکرده است.»
درباره غزل بهبهانی «محمد حقوقی» می گوید: «غزل بهبهانی غزل مکالمه است. در غزل او ترکیبات فوق العاده ای به چشم می خورد، شعر او در دوران معاصر تنها شعری است که قابل تفسیر است. حتی شعر سعدی نیز

در تاریخ ادبیات ایران قابل تفسیر نیست.»
او می گوید: «سیمین بهبهانی کلی گویی را در غزل، جزیی سرایی کرده است. او در شعری که برای همسر پوینده و مختاری سروده است هنرمندانه ترین تعابیر را به کار گرفته است. غزل های او در نهایت سادگی، فوق العاده و بی نظیر است.»

بهپور شیرازی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1373.
درگذشت: 1360.
از آثار اوست: یادداشتهای پنکوفسکی: خاطرات یک افسر اطلاعاتی شوروی که به غرب پناده شده بود (به کوشش فردین بهپور؛ تهران، 1372).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهجت دزفولی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1329 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. چون صاحب کتاب‌فروشی بهجت در تهران بود، به بهجت ملقب شد. او همچنین به بهروز خاوری نیز معروف است. بهجت مدتی در نجف اشرف تحصیل کرد و از ملا محمدکاظم خراسانی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. بعد از بازگشت به ایران، مجله ماهیانه مذهبی «دعوةالحق» را در تهران انتشار داد که بعد از وقفه‌ی کوتاهی چاپ آن تا انقلاب مشروطیت ادامه یافت. در دوره‌ی دوم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در سال 1321 ق موفق به تأسیس انجمن علمی در تهران شد و در همین سال نیز ریاست کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی اداره‌ی انتشارات وزارت معارف را عهده‌دار بود. از خدمات دیگر او: تأسیس کتابخانه‌ی معارف؛ انجمن مجموعه‌ی معارف؛ آموزشگاه فنی هنر، انتشار «مجله‌ی معارف» و کتاب «روش پرورش» تألیف اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (4/ 222- 226)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (3/ 215- 216)، مؤلفین کتب چاپی (4/ 143- 144).

بهجت، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال 1334 ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز 16 ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.
درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه:
پدر آیت الله بهجت در سن 16-17 سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:
« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »
تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.
چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.
بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.
کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :
تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال 1348 ه.ق. هنگامی که تقریباً 14 سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.
بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:
« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »
آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه هماره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.
در سال 1352ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی هماره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.
یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:
« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :
آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء

عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.
آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:
« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر.
» سیر و سلوک وعرفان :
آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »
همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن 18 سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.
آیت الله مصباح می گوید:
« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از

کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...
خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.
به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»
یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّة الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:
« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. »
فلسفه :
آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :
با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.
آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:
« بعد از مرجعیت منزل آآیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات

و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »
تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.
در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.
و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:
ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال 1363 ه.ق. موافق با 1324 ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه

قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.
در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. »
تدریس :
آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :
آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:
« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح میِ کردند،

ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناَ مطالبی تکرار بشود.
در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »
آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:
« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »
آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:
« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :
حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:
« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (15سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »
آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.
شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده‌ام. » جایگاه علمی :
گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:
از آن جمله گویند:
روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.
یکی از دانشمندان نجف می گوید:
« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:
« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به

انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »
مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:
« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »
آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:
« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »
آیت الله مشکینی می گوید:
« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »
حجة السلام و المسلمین امجد می گوید:
« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :
آیت الله مصباح می گوید:
« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات

روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود 15 سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند:

هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.
فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:
الف) کتابهای چاپ شده:
1. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)
2. مناسک حجّ
دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.
3. وسیله النجاة
این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.
4. جامع المسائل
این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.
ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:
1. جلد اول از کتاب صلوة
آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث
« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.
2. جلد اول از دوره اصول
این کتاب تقریبا" به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.
3. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری
این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.
ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:
1. بقیه مجلّدات دوره اصول
2. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

3. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوة » به ترتیب مباحث « جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

4. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینة البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینة البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

1. محمد تقی مصباح یزدی.
2. عبدالمجید رشید پور.
3. سید مهدی روحانی.
4. علی پهلوانی تهرانی.
5. مختار امینیان.
6. محمدهادی فقهی.
7. هادی قدس.
8. محمود امجد.
9. محمد ایمانی.
10. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.
11. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.
12- مسعودی خمینی
13- سید رضا خسروشاهی.
14- حسن لاهوتی
15- عزیز علیاری
16- سید محمد مؤمنی
17- حسین مفیدی
18- جواد محمد زاده تهرانی
19- سید صابر مازندرانی
20- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر 27 اردیبهشت 1388 مطابق با 22 جمادی الاولی 1430 قمری دار فانی را وداع گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهجتی اردکانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای آقا شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی از افاضل برجسته و علماء شایسته حوزه‌ی قم است که سالها از محضر آیات عظام مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات استفاده کامل نموده و بمدارج عالیه علم و کمال رسیده است دارای طبع شعر میباشد.
(س چهارم ق)، فقیه، ادیب و شاعر. از علمای شایسته حوزه علمیه قم بود که سالها از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه بروجردی و سایر آیات استفاده کامل کرد و به مدارج عالیه علمی رسید. وی دارای طبع شعر بود و قصیده‌ی مخمسی از وی در «گنجینه‌ی دانشمندان» آورده شده است.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (67/ 3).

بهدار، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بهدار
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رضا بهدار در سال 1350هجری شمسی در شهرستان دزفول متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و متوسطه خود را در همان شهرستان محل سکونت به پایان رساندم. از همان دوران کودکی و نوجوانی اهتمام فراوانی به مسائل علمی و اعتقادی و دینی داشتم. از همین رو در همان دوران در مسجد محل خود برای کسب معارف دینی در جلسات قرائت قرآن شرکت دا ئم داشتم. و از اساتید و معلمین دینی کسب فیض می کردم و این خود سبب رشد علمی و اعتقادی فراوانی شد و خود دریچه ای شد برای ورود به حوزه علمیه و کسب معارف بیشتر . از این رو در سال 1366 به صورت غیر رسمی و متفرقه برخی کتب درسی و مقدماتی را پیش اساتید حوزه فرا گرفتم. در این بین مشغول گرفتن دیپلم بودم، که در سال 1369به صورت رسمی در حوزه آیت الله قاضی واقع در شهرستان دزفول درسهای مقدماتی حوزه را شروع کردم. در سال 1372برای ادامه تحصیل دروس سطح یک سال به قم مهاجرت کردم. اما به دلیل ازدواج و مشکلات خانوادگی برای ادامه تحصیل و تدریس به شهرستان برگشتم. بعد از سه سال یعنی سال 1376دوباره موفق شدم برای ادامه تحصیل به قم برگردم و دروس خارج اصول و فقه را دنبال کنم. درسال 1378در کنار درس خارج با قبولی در امتحان ورودی رشته تخصصی کلام اسلامی وارد موسسه امام صادق (علیه السلام)شدم و در سال 1381فارغ التحصیل سطح چهارم حوزه شدم و بعد از آن مشغول پایان نامه هستم. در بین سالهای 1379تاکنون با برخی از موسسات علمی از جمله پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و مرکز مطالعات حوزه علمیه ارتباط داشته و مقالات و تحقیقاتی ارائه داده ام. از سال 1381تا حال به عنوان مدیر گروه کلام و فلسفه مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه

مشغول همکاری و نظارت تحقیقات محققین هستم.

بهرام پور، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل بهرام پور از قرآن پژوهان کوشای معاصر است که از سالهای پیش از انقلاب در تالیف کتب درسی با شادروانان شهید آیت الله محمد حسین بهشتی و شهید باهنر در زمینه ی مسائل قرآنی و دینی همکاری داشته است . کوشش و هدف اعلای ایشان ناظر به آسان سازی فهم قرآن برای عامه ی مردم است . دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (فوق لیسانس ادبیات و علوم قرآنی از دانشگاه تهران) است . ایشان یک سلسله تفسیرهای تک سوره ای آموزشی کم حجم دارد . از جمله ی سوره ی محمد ، سوره ی فتح ، سوره ی حجرات ، سوره ی « ق » ، سوره ی ابراهیم ، سوره ی ملک ، سوره ی جمعه ، سوره ی منافقون و سوره ی حجر . این آثار به نحوی تدوین شده که علاوه بر قابلیت مطالعه ی فردی ، جنبه ی درسی و خودآموزی هم دارد . در هر بخش ، اول لغتها ، سپس ترجمه ی آیات و بعد از آن تفسیر و برداشتها ، و در آخر بعضی ریزه کاریهای لفظی و نکات زبانی و ادبی به دست داده شده است .
اثر قرآن پژوهی دیگر او روش روخوانی قرآن است . کتاب دیگر ، روش تدریس ترجمه ی تفسیی قرآن است . اثر دیگر تفسیر سوره ی یس است . دیگر تفسیر نسیم حیات که تفسیر جزء سی ام است .
فهرست آثار چاپ شده یا در دست تدوین ایشان در پایان ترجمه آمده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی بهرامی خوشنودی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

بهرامی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1277 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در آلمان موفق به اخذ دکترای کشاورزی از دانشگاه فریدریش ویلهم شد. پس از مراجعت به ایران عهده‌دار مشغلی چند بود از جمله بازرسی فنی وزارت اقتصاد، ریاست مؤسسات فلاحتی اداره‌ی کل فلاحت، اداره جنگلها در مرکز، دانشکده وزارت کشاورزی. دکتر بهرامی در سال 1313 ش مجله «فلاحت» و در سال 1320 ش مجله «آب و خاک» را منتشر کرد. از آثار به جای مانده او عبارت‌اند از: «ارزیابی کشاورزی»؛ «از سویس به ایران»؛ «ایران، آزاد و بزرگ می‌شود»؛ «باغبانی عمومی و خصوصی»؛ «پرورش کودک در خانه»؛ «تاریخ کشاورزی ایران»؛ «جغرافیای کشاورزی ایران»؛ «جوجه‌کشی»؛ «دامپروری»؛ «زراعت خصوصی»؛ «زراعت عمومی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ورجال و مشاهیر (109 -108 /2)، مؤلفین کتب چاپی (207 -205 /2).

بهرامی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا بهرامی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در شهرضا متولد شدم. اسفند ماه 1344 و پس از سیکل در سال 1358 وارد حوزه علمیه شده و دو سال در حوزه علمیه اصفهان ، شهر رضا ، مدرسه علمیه صاحب الزمان مشغول تحصیل بوده و سپس در سال 1360 وارد حوزه علمیه قم شده از مغنی تا پایان شرح لمعه را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی تحصیل نموده و سپس در ادامه تحصیل در حوزه از محضر حضرات آقایان 1. ستوده، 2. کریمی، 3. اعتمادی، رسائل، مکاسب و کفایه را گذرانده و سپس دروس خارج حوزه (فقه و اصول) را از محضر حضرات آیات عظام آقایان فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، حسین مظاهری، سبحانی استفاده کردم.دوره تخصصی تبلیغ را به مدت چهار سال در حوزه خوانده ام.نظر به جایگاه ویژه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در نشر فرهنگ و معارف قرآن و اهل بیت علهیم السلام از سال 1373 تا کنون به عنوان مسئول بانک های اطلاع رسانی مرکز بوده ام.از سال 1380 در دانشگاه تدریس می کنم. که اکنون با عنوان استادیار در دانشگاه آزاد اراک تدریس می کنم.

بهرامی، محمد حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین بهرامی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/3
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین بهرامی در سال 1354 در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهر قم گذراندم و در سال 1368 وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه شهیدین گذراندم. سطح را در حوزه و در محضر اساتیدی از جمله حجج اسلام موسوی تهرانی، اعتمادی(ره)، احمدی میانجی و دیگر اساتید طی کردم. چند سالی نیز در درس خارج اساتیدی از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، مکارم شیرازی و وحیدتبریزی شرکت نمودم.
در کنار تحصیل در مراکز سفیران هدایت، جامعه الزهرا و مدرسه امام خمینی(ره) به تدریس پرداخته ام. هم اکنون نیز در مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه قم در رشته علوم قرآن و حدیث مشغول به تدریس می باشم. سال 1375 و همزمان با سطح، از طریق موسسه امام خمینی (ره) به کارشناسی ارشد پیوسته در رشته الهیات مشغول شده و در سال 1381 با نگارش پایان نامه "اندیشه های حدیثی علامه محمد تقی شوشتری درکتاب النجعه" فارغ التحصیل شدم.
در سال 1382 در دانشگاه تربیت مدرس قم در رشته علوم قرآن و حدیث برای گذراندن مقطع دکتری پذیرفته شدم. و هم اکنون پس از طی دوره آموزشی در آستانه نگارش پایان نامه می باشم. از سال 1377 در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در بخش شبکه اینترنت مشغول به کار شدم. از سال 1379 تا 1382 مدیر پایگاه اطلاع رسانی حوزه بودم و از سال 1382 تا کنون نیز به عنوان معاون شبکه مرکز مشغول به فعالیت می باشم.

بهرامی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر بهرامی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ناصر بهرامی در سال 1364وارد حوزه علمیه شدم و در زادگاهم کرمانشاه در مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به فرا گرفتن متون درسی حوزوی شدم. سطح مقدمات را در همانجا به پایان رسانیدم و مشغول به سطوح بالاتر شدم .و دروس بالاتر را مانند کفایه ،رسائل ،مکاسب را در محضر حضرات آقایان آیت الله زرندی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه ،حاج آقا مجتبی میبدی ،حاج آقا عبدالخالق عبداللهی ، فرا گرفتم .و در همان مدرسه مذکور مشغول به تدریس سیوطی ،مغنی ، مقدمات شدم و در مدرسه امام صادق (ع)کرمانشاه لمعه و سیوطی تدریس نموده ام و در سال1376وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خار ج فقه و اصول را در نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ،فاضل لنکرانی ،نوری همدانی ،جعفر سبحانی ،جوادی آملی و به مدت دو سال هم در تفسیر حجت الاسلام سید احمد خاتمی شرکت نمودم و در حال حاضر در درس فقه آیت الله مکارم مشغول هستم . در این مدّت مشغول پژوهش بوده و هستم و بیشتر کارهایم را در خانه انجام می دهم و کاری را در دست اقدام دارم بنام خطابات قرآنی و امیدوارم خداوند متعال به ما توفیق دهد تا بتوانیم در راه علم و معرفت کوشا باشیم و برای جامعه اسلامی فردی مفید و صالح باشیم .

بهرامیان، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین بهرامیان هنرمند و مجسمه ساز در سال 1350 به دنیا آمد.وی دارای مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس است. او در سال 1384 برای اعتراض به موزه لوور به زندگی خود پایان داد.محمد حسین بهرامیان یا به قول دوستان‌اش بهرام، یکی از 5 مجسمه‌ساز برتر معاصر ایران و البته به خاطر تخصصی و سبک کارهایش علمی‌ترین آنهاست که به دلیل دوری از وطن، تنها میان متخصصان و همکاران اش نام‌آشناست.
گروه : هنر
رشته : هنرهای تجسمی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ لیسانس مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران 1347 کسب مدرک تخصصی مجسمه‌سازی از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله تخصصی: هنر مجسمه‌سازی معاصر در ایران (امید که روزی چاپ شود) گرفتن مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله فوق تخصص: مناسبات در ساختار اجتماعی و جغرافیایی شهر: نصب مجسمه‌های مختلف در شهر تهران یک سال تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
وقایع میانسالی :
زمان و علت فوت : مسئولان موزه لوور پاریس ـ که برچسب آثار ایرانی موزه را مثل نام خلیج فارس به عربی تغییر داده بودند ـ در آتلیه مولاژ موزه لوور، اسم و امضای بهرامیان را از پای آثارش حذف کردند و تمام حقوق مادی و معنوی را زیر پا گذاشتند. او همه وقت و دارایی‌اش را برای پیگیری این پرونده در مراجع قضائی فرانسه صرف کرد. هزینه این کارها برای شهروندان فرانسوی ارزان بود اما برای او ـ که با وجود سال‌ها تحصیل، زندگی و کار در فرانسه حاضر به پذیرفتن شهروندی آنجا و گرفتن اوراق هویت فرانسوی نشده و ایرانی مانده بود ـ کلی آب می‌خورد. تا روزی که چیزی برای ادامه راه در کار نبود. یک روز با دعوت از همه رسانه‌ها و خبرنگاران و بازگو کردن داستان، با پریدن از بام موزه لوور، به قصه پایان داد و شاید با این کار، پیگیری کار را به رسانه‌ها سپرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی متخصص بخش مولاژ در مجموعه

موزه‌های ملی فرانسه بوده است.
فعالیتهای آموزشی : یک سال تدریس در سال 1358 در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را محمد حسین بهرامیان در کارنامه دارد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ترمیم بسیاری از مجسمه‌های باستانی و ساخت مولاژ از آنها، نوآوری در ساخت مجسمه و استفاده از مواد در کار ساخت و اصلاح روش‌های قبل از فعالیتهای وی میباشد.
جوائز و نشانها : کسب عنوان مجسمه‌ساز حرفه‌ای در موزه لوور در 1991 برنده نشان طلا و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای پازل سه بعدی در 1999 کسب نشان نقره و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای طراحی نوعی قالب برای ساخت مجسمه به تعداد زیاد بدون افت کیفیت در 1999 پازل توپ چهل تکه‌ای از کره زمین؛ برنده مدال طلای نمایشگاه اختراعات هنری ژنو
چگونگی عرضه آثار : ابتکار بهرامیان با ساخت پازل از اشیای باستانی ایران، هنر و تاریخ را از موزه‌ها به درون خانه‌ها می‌برد و کودکان را در حس ساخت اشیای باستانی، با هنرمندان چند هزار سال قبل، سهیم می‌کند. آشنایی با هنر باستانی بخشی از بازی کودک می‌شود و هر کس می‌تواند یک کپی مثل اصل را در خانه داشته باشد؛ مانند پازل وزنه قوی هخامنشی. ساخت پازل‌هایی از آثار باستانی ایران و اهرام مصر، 2 جایزه برتر نمایشگاه اختراعات هنری سوئیس را برای او به ارمغان آورد. در حال حاضر، موزه لوور - که یک هرم شیشه‌ای در حیاط مقابلش ساخته اند- درآمد هنگفت این امتیاز را به جیب می‌زند. اثر دیگر بهرامیان "جنگ شاهین و مار" در بانک ملی دوبی؛ باز هم ساکنان آن سوی خلیج فارس. یک مجسمه او در یکی از پارک‌های تهران در غیابش به اسم یکی از همکاران ثبت و مجسمه دیگرش هم در پارک دانشجو ناپدید شد. ----------
---
آثار :
1 اسب آبی جای فرعون خوابیده
ویژگی اثر : پوستر پازل سه بعدی بهرامیان از هرم مصری و اسب آبی فیروزه‌ای مصر باستان که در دل پازل قایم شده.
2 جنگ شاهین و مار
ویژگی اثر : مجسمه، در پارک دبی
3 دو زیبای خفته
ویژگی اثر : این دو تا قوی طلایی زیبای خفته، 2 مدل از وزنه‌های ترازوی زمان هخامنشی است که در شوش کشف شده. ساخت مولاژ یا شبیه‌سازی آثار باستانی، یکی از تخصص‌های بی‌بدیل بهرامیان بود؛

تخصصی که علاوه بر ذوق هنری نیاز به مهارت و دانش زیادی دارد.

4 ماهی‌های در هم

ویژگی اثر : این دو ماهی در هم پیچیده با فواره‌هایشان، در ساحل خلیج‌فارس و خاطره بازدیدکنندگان جا خوش کرده‌اند؛ تا حدی که بسیاری با دیدن عکس، محل آن در دوبی را به جا می‌آورند. بهرامیان با هنر وشناختش نسبت به فضای نصب اثر، یک مجسمه محیطی بسیار عالی خلق کرده بود.

منابع زندگینامه : روزنامه همشهری، 13-11-1386، "مجسمه سازی که شکست"

بهرمن، حیدر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حیدر بهرمن
زندگینامه علمی
با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال 1360با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنایی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهایه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال 1369با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود 13سال است که درس خارج را ادامه می دهم .
از سال 1377تا کنون مدت 9سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه واصول را در موسسه بقیه الله (عج)سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله(عج) به نگارش درآمده است.

بهروز، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بهروز
محل تولد : استهبان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/8/2
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا بهروز در سال 1359 وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال 1365 برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال 1368 دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال 1370-1374 در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بدایه و نهایه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس

،پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را در یافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حالحاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و درگذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوهای اینترنتی حضور فعال داشته ام . در عرصه ژاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهروزکیا، کمال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کمال بهروزکیا در سال 1329 در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی زبان آلمانی از دانشگاه تهران می باشد.آقای بهروزکیا سال ها در مدرس؟ راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال 58 شروع کرده است. کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : کمال بهروز کیا سال دوم دبیرستان به ناچار تحصیل را ترک کرد و به کارگری مشغول شد. پس از چندی معلم کلاس دوم یک مدرس؟ ملی شد. از آن پس، روزها درس داد و شب ها درس خواند تا آنکه سرانجام دیپلم متوسطه را دریافت کرد و به دانشگاه تهران، برای تحصیل در رشت؟ زبان آلمانی، راه یافت و در سال 1359 به اخذ درج؟ لیسانس نائل شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کمال بهروزکیا سال ها در مدرس؟ راهنمائی و دبیرستان مشغول تدریس بوده، و کار ترجمه را از سال 58 شروع کرده است.
جوائز و نشانها : کتاب"تند پا و باد پا " ترجمه کمال بهروز کیا ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 . آتش بعدی (صد سال آزادی بدون تساوی حقوق)
ویژگی اثر : ترجمه،جیمزبالدوین
2 بچه های شلوغ
ویژگی اثر : ترجمه،آسترید لیندگرن
3 بچه های کوچ؟ تیله بازها
ویژگی اثر : ترجمه،گرهارد تاخلت
4 بدرود ای سرزمین مقدس (22 داستان از نویسندگان معاصر لهستان)

ویژگی اثر : ترجمه
5 پسرک بی نظم و آدمکهای روی دیوار
ویژگی اثر : ترجمه،گیزلا بونزلز
6 تند پا و باد پا
ویژگی اثر : ترجمه،اورسولاولفل،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تندپا و بادپا»: تند پا و بادپا؛ اورسولا ولفل؛ ترجم؟ کمال بهروزکیا، تهران: نشر شورا، 1371. تندپا و بادپا کتابی است جذاب و تربیتی با پیامهای آموزشی گوناگون. در این داستان پسرک فقیری از چاقی و کوتاه بودن قدش رنج می برد و برای همین دوست دارد کودک دیگری باشد. پدرش او را با خود به مسافرت می برد و در طول سفر، داستانهای پند آموز و زیبایی برای او تعریف می کند و سرانجام پسرک آگاه می شود که قیاف؟ ظاهری آدمها اهمیتی ندارد. ترجم؟ کتاب با شیوایی و دقت انجام گرفته، و مترجم نیز انتخاب شایسته ای داشته است.
7 دایی من
ویژگی اثر : ترجمه،فرانس اریش کستنر
8 زیباترین تخم مرغ دنیا
ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه
9 فلوت سحر آمیز هانس
ویژگی اثر : ترجمه،کریستیَن اُندرسن
10 قوی ترین کلاغ دنیا
ویژگی اثر : ترجمه،هلمه هاینه
11 کره خری به نام گریزلا
ویژگی اثر : ترجمه،هاینریش ماریادنبورگ
12 ماشین سحرآمیز
ویژگی اثر : ترجمه،کارل تئوگورینگ ----------

منابع :
1www.ketabesal.ir

بهروزی، علی‌نقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، محقق.
تولد: 1281(1323 ق.)، کازرون.
درگذشت: 14 فروردین 1362، شیراز.
علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال 1302 به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معملی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال 1337 بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.
در سال 1305 با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال 1325 امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.
از سال 1350 تا 1358 به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال 1358 به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ×××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.
فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، 1324)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، 1333)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، 1334، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، 1333)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، 1334)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، 1337)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، 1342)؛ آثار محلی فارس (شیراز 1340)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، 1343)؛ تاریخچه‌ی

شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، 1347)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، 1348)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، 1439)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، 1350)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، 1351)، نوادر تاریخی (جلد اول، 1353)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، 1355)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، 1355)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، 1356)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، 1356)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، 1360)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، 1333)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.
علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال 1362 در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.
(1362 -1283 / 1281 ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملا آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال 1325 ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال 1350 ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (332/ 5)، انجمن‌های ادبی شیراز (415 -412)، تارخی جراید (31 -30/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (494 -490/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (120 -119/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (604، 603/ 4).

بهروزی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1289 ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. در ساری متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات وارد خدمت دولتی و عهده‌دار مشاغلی مختلف شد و قرائت‌خانه‌ای در ساری دایر کرد و با نشریات «قانون»، «حلاج»، «نسیم شمال»، «ارمغان» همکاری داشت. او امتیاز نشریه‌ای به نام «کنار دریا» را نیز گرفت. بهروزی در نظم و نثر دست داشت. از آثار منثور او: «اگر خدا بخواهد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (609 -605 /1)، فرهنگ سخنوران (149).

بهزادی اندوهجردی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1314، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال 1341، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1347، دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال 1350.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تهران در سال 1350، دانشیار دانشگاه تهران در سال 1354 و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فرهنگ جامع اصطلاحات زبان و ادبیات فارسی، اصطلاحات دستور زبان فارسی، اصطلاحات عروض و قافیه، اصطلاحات معانی و بیان و بدیع، نقد ادبی، سبک‌شناسی، مکتبها.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 20
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
شعر، تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی، بدیع و بیان، عروض و قافیه، طنز و انتقاد.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تحقیقات ادبی، نقد و نظر، پژوهش در طنز و هزل، حماسه‌های مذهبی، بدیع و بیان، معرفی بهترین شاعران کرمان، ستارگان کرمان، اختران خراسان، شیرین‌کاران شیراز، سخنسرایان آذربایجان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بهشتی قزوینی، شریف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1308 ق)، عالم دینی، مدرس، ادیب و شاعر. در قزوین به دنیا آمد. وی پس از فراگیری مقدمات علوم، مدارج عالی را در حوزه‌ی درس شیخ ملا محمدصالح برغانی و شهید ثالث پیمود. سپس به عراق رفت و در کربلا و نجف از محضر استادانی چون شیخ حسن برغانی بهره گرفت و به درجه اجتهاد نایل شد. در بازگشت به موطن خویش از استادان قزوین نیز اجازه اجتهاد گرفت. آنگاه به تدریس و فتوا و ترویج دین پرداخت. بهشتی از مدرسان مشهور مدرسه صالحیه بود، بویژه در تدریس کتاب «مطول» به حدی مهارت داشت که او را مطول‌گوی می‌گفتند. وی و برادرش شیخ ملا عبدالوهاب بهشتی، که او نیز مدرس سطوح فقهیه بود و در حدود 1300 ق از دنیا رفت، هر دو از علما و ادبا و برجستگان قزوین به حساب می‌آمدند.
از آثار وی: حواشی بر «مطول»؛ حواشی بر «حاشیه‌ی ملا عبداللّه»، در منطق؛ حواشی بر «شرح لمعه‌ی» شهید ثانی؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 805/13)، المآثر والآثار (165).

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا بهشتی مقدم
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
سال 1372 همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردری به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.
نهایتاً سال 76 به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال 79 امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال 79 موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیة فی فقه الاملیة» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند.
فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمایندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه

مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی مهر، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد بهشتی مهر
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1367 وارد حوزه شدم در سال 1374 وارد حوزه قم شدم و درکنار دروس حوزوی مقطع کارشناسی الهیات را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی آغاز کردم . در سال 1379 درس خارج مشغول شدم . در سال 1381 در موسسه رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در سال 1385 با دفاع از پایان نامه و با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم .دروس تحقیقا ت و پژوهشهای خود را هم پیش از این نام بردم. از سال 1377 با نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها همکاری می کنم و در ایام تبلیغ به تبلیغ در دانشگاهها می پردازم . پیش از سال 77 هم در مراکز مردمی به تبلیغ می رفتم مناطق محرومی چون زابل و زاهدان و ایرانشهر را برای تبلیغ انتخاب کرده بودم .

بهشتی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم بهشتی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در حدود سال 1349 به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابولفضل بهشتی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال 1339 شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته‌ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بهشتی، سیدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1354 ق)، عالم، ادیب، لغوی، مفسر، فقیه و محدث. معروف به مفسر. در کربلا متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. وی در تهران ساکن و از اعلام معاصر تهران بود. بهشتی در زهد و تقوی کم‌نظیر بود. او متجاوز از بیست و دو سال پی‌درپی در مسجد جامع تهران تفسیر قرآن می‌گفت. در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثار وی تفسیر «مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر»، به عربی، در دوازده مجلد است که در تهران به طبع رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (179 -178 /4)، مقنیات الدرر (ج 1/ مقدمه مؤلف).

بهشتی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی بهشتی بروجردی. تولد ایشان در بروجرد واقع شده و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر و استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی حسب‌الامر آقای گلپایگانی به شاه‌آباد مهاجرت و تااکنون اشتغال به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد مردم دارند.
و در شاه آباد منشأ خدمات اجتماعی و آثاری گردیده‌اند که از جمله تأسیس کتابخانه‌ای برای جوانان که ضمن آن کتابهای مذهبی به قیمت مناسب در دسترس جوانان قرار می‌گیرد و دیگر با همکاری جمعی از متدینین اقدام به تأسیس درمانگاه مهدیه نموده‌اند که برای فقرا و مستمندان بسیار مفید و مؤثر است.
برادر ارجمندشان جناب حجةالاسلام حاج سید عبدالحسین بهشتی نیز از فضلاء محترم حوزه علمیه قم به شمار می‌روند که سالیان دراز است از زادگاه خود هجرت و در دارالعلم قم رحل اقامت افکنده و از محاضر آیات عظام آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و غیرهم استفاده نموده و تا هم‌اکنون از شرکاء درس آیتین علمین مذکورین می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهشتی، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر عبدالباقی میر محمدرضا حسینی.
عالم و زاهد و فاضل بوده، در محله‌ی لنبان مرجع امور دینی بوده، و در مسجد لنبان امامت می‌نموده.
در سلخ ربیع‌الثانی سال 1308 وفات یافته، در قسمت شمالی مسجد مصلی در تخت فولاد مدفون شده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتی، محمدحسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1307، اصفهان.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
آیت‌الله سید محمدحسین بهشتی در محله‌ی لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدربزرگ وی، آیت‌الله میر محمدصادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس در سال 1325 به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیه سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال 1326 به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.
برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال 1327 با گرفتن دیپلم وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامه تحصیل داد. در فسلفه نیز پنج سال مستمر (1335 -1330) در درس علامه‌ی طباطبائی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های اصول فسلفه و روش رئالیسم، اسفار و شفا را نیز فراگرفت.
در همان سالها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.
در سال‌های 1329 و 1330 وارد عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسه‌ی منتظریه‌ی با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال 1339 آغاز شد. از سال 1341 نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال 1342 او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.
با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامه تغییر کتاب‌های تعلمیات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال 1344 برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی زبان (به ویژه اتریش) را نیز در برگرفت. آیت‌الله در این مدت در تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریه «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانیها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سوره نساء نیز حاصل همین ایام است.
در سال 1349 به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعه روحانیت مبارز نمود. در سال 1355 هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به وجود آمد و در سال 1356 روحانیت مبارز شکل گرفت.
در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال بازگشت به ایران (1349) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سالهای انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به حدی بود که حتی در سال 1353 در برگه یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرائی دیگر. در سالهای 1355 تا 1357 نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی اقتصاد، کتاب کاپیتال (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار گرفت.
با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هسته‌ی شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.
علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: بانکداری و قوانین مالی اسلام؛ عادت (ترجمه از انگلیسی)؛ قانون علیت در جامعه ما؛ نقش ایمان در زندگی انسان؛ کدام مسلک ؟؛ صدای اسلام در اروپا (به پنج زبان)؛ روحانیت در اسلام و در قرآن؛ یک قشر جدید در جامعه ما؛ حکومت در اسلام (حکومت از نظر اسلام) (1367)؛ نماز چیست؟ (1366)؛ اسلام و مکتب‌های معاصر؛ مباحث شناخت در اسلام (1369)؛ شناخت از دیدگاه قرآن؛ امر به معروف و نهی از منکر، آزادی از دیدگاه اسلام؛ مالکیت از نظر اسلام؛ تکامل از نظر اسلام؛ تخریب در اندیشه اسلامی؛ حقیقت و عرفان؛ اسلام دین واقع‌بین؛ قضای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی (فارسی و عربی، 1362)؛ توحید در قرآن؛ حج در قرآن (1365)؛ نقش قیامتی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمدجواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمه کامل تاریخ قرآن نولد؛ ترجمه بخشی از کتاب دانش منطق اثر هگل؛ تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی؛ تفسیر قرآن (نوار).
ضمنا تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان (فلسفه‌ی هگل) که از سال 1355 برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشتهای آن به جا مانده است.
آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی اصفهانی از افاضل دانشمندان و اکابر مدرسین و اساتید معاصر و مستخرجین با کمال حوزه علمیه قم است آقای دکتر بهشتی در حدود 1345 قمری در شهر اصفهان به دنیا آمده و پس از خواندن اولیات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و آنگاه به دروس خارج فقه واصول آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری حاضر و از دراسات آنان استفاده کامل نموده و معقول را هم از محضر علامه آیت‌اللّه طباطبائی آموخته و در رشته‌های مختلف علمی عقلی و نقلی یکی از ستارگان درخشنده حوزه علمیه گردیده و چند سالی از طرف مراجع بزرگ برای ارشاد و وظائف روحی و دینی به آلمان مهاجرت و در آنجا رهبری-مسلمین شیعی را نموده و خدمات چشمگیری انجام داده تا در این چند ساله اخیر که مراجعت به ایران و در تهران به تدریس و خدمات دینی پرداخته و هم برای تدریس و سخنرانی در دارالتبلیغ اسلامی قم به دعوت موسس بزرگوار آن حضرت آیت‌العظمی آقای شریعتمداری به قم آمده و ایفاء وظیفه نموده است.
معظم‌له نیز از مجاهدین به نام و مبارزین عیه امپریالیسم و رژیم منفور طاغوتی است که با تمام سخنرانیهایش مظالم و جرائم دولت را بیان و از اعمال ضد خلقی و مردمی و توحیدی آنان انتقاد نموده است.
استاد بهشتی در انقلاب ایران و پیروزی آن سهم ویژه‌ای دارند و هم اکنون یکی از علماء دولت موقت جمهوری اسلام و از نزدیکان و همکاران جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر می‌باشد سخنرانیها و اعلامیه‌های ایشان جالب و مجموع آن خود کتابی خواهد بود.
آثار و تالیفات عدیده علمی دارند که بعضی از آن مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است از تالیفات مطبوع ایشان کتب زیر است.
1- خدا از دیدگاه قرآن که در 27 شهریور 1352 برابر 25 شعبان 1393 ق به طبع رسیده است.

2- نماز چیست.
3- شناخت اسلام که به اتفاق دو نفر از افاضل آقای علی آقای گلزار غفوری- محمدجواد باهنر نوشته‌اند کتابهای دیگری که متاسفانه نام آنها را یاد ندارم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهشتی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محسن، معروف به ملک المتکلمین. فاضل ادیب خطیب توانا.
از گویندگان معروف، و خطبای مشهور، و از بنیان گزاران مشروطیت ایران است که در اثر نطق‌ها و خطابه‌های او مردم برضد استبداد و دستگاه دولتی برانگیخته شدند، و به طوری که در کتب تاریخ مذکور است و مقام گنجایش ذکر آن را ندارد، وی و دیگر همکارانش توانستند که مملکت را مشروطه نمایند [!]
در اصفهان متولد گردیده، و نزد جمعی کثیر که از آن جمله است: آخوند ملاصالح فریدنی تحصیل نموده، و خدمت سید جمال‌الدین اسدآبادی رسیده، و از او نیز کسب فیوضات نمود، و تحت تأثیر افکار او قرار گرفته، در طهران در زمره‌ی آزادی خواهان وارد شده، و شروع به فعالیت نموده.
سرانجام در اواخر جمادی‌الاولی سال 1326 به سن حدود 47 سال در باغ شاه، به دستور محمد علی شاه کشته شد، و در جنب باغ شاه در قبرستان کوچکی به خاک رفت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

بهشتیان، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد عباس بهشتیان به سال 1305ش در اصفهان دیده به جهان گشود. وی یکی از سه فرزند ذکور خانواده بود. پدرش مرحوم حیدر علی در شهر ریز (زرین شهر) به شغل برنجکاری و ادارة امور عصارخانه ای در آن محل اشتغال داشت. مرحوم بهشتیان دورة تحصیلات را در مدرسة که به مدیریت عالم فاضل ادیب مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی اداره می شد سپری نمود . عشق به تاریخ ادبیا ت فارسی از همان زمان در وی ریشه گرفت و به مرور ایام تبدیل به انگیزه ای مؤثر و مفید گشته، دیگر فعالیتهای اجتماعی اش را تحت الشعاع خویش قرار داد. بنحوی که در نهایت، پاسداری از مواریث فرهنگی و افتخارات ملی این سرزمین هدف غائی و قوة محرکة زندگیش گشت.
پس از فراغت از تحصیل بر خلاف دارا بودن مدرک تحصیلات بالا و توجة زمانه خویش و امکان احراز موقعیتهای گوناگون جهت تصدی مشاغل دولتی، تن به قبول مسؤلیت های اداری نداده، ترجیح داد بطور آزاد به انجام مطالعات و تحقیقاتش در امور تاریخی، ادبی و اجتماعی بپردازد.
همچنین فعالیت در امور زراعی سبب گردید که میزان اطلاعات و تبحر وی در مسائل مربوطه به درخت و درختکاری، متناسب با آب و هوای منطقه اصفهان زیاد گردد. و با فوت پدرش مزرعه های و باتلاقی در حوالی لنجان را خریداری نموده و پس از پنج سال تلاش مداوم ، توانست زمین را بصورت قابل قبول جهت زراعت و سکونت درآورد. در تمام دوران زندگی با درآمد حاصل از راه زراعت، باغداری و تولید سرکه و فروش آن زندگی را سر کرد.
عباس بهشتیان یکی از مردان جالب و جذاب و کم نظیر و یکی از یاران و همراهانش او را بحق (آتشفشان خاموش) لقب داده بود. بزرگمهری که آتش مقدس عشق به زاد و بوم پیوسته در اعماق قلبش زنده و جوشان بود. وی به لحاظ روحیه توکل و قناعتی که وجه مشخصة او بوده از هیچ قدرت و مانعی جهت حفظ آثار و بناهای تاریخی هراس نداشت.
استاد مهریار از معاریف که سالهای دراز یار همراه بهشتیان بوده درباره وی می گوید:
« هیچوقت کنار یک منقل پرآتش که شعله می کشد نشسته اید دیده اید که وقتی بادی می وزد چگونه شعله بالا می کشد، شور و شوق این مردم

به وطن رفته رفته چنین شده بود، در کنار که می نشستی حرارت را حس می کردی و گاه بود که می سوختی، بالاخص اگر بادی هم می ورزید.
وباز از قلم رفیق شفیق دیگر وی مرحوم استاد منوچهر قدسی که از عهد شباب تا آخرین روزهای حیات با وی بوده می¬خوانیم. «..... من نسبت به گذشتهٔ ایران خاصهٔ اصفهان، آگاهتر از عباس بهشتیان عدهٔ ای را ولو به شماره انگشتان یک دست می شناسم اما.....عاشق تر از او در تمام عمر ندیده ایم کسی که به اندازهٔ او در مسائل تاریخی، هنری و مملکتی صاحب سوز و درد باشد و آثار هنری و فرهنگی این سرزمین به ویژه اصفهان را نه تنها دوست بدارد، که به هر کدام تا حد پرستش عاشقانه مهربورزد....»
وی با شور فراوانی که در معرفی و شناساندن آثار تاریخی اصفهان داشت با عشق و مهرورزی تمام دانشجویان و علاقمندان را راهنمایی می¬نمود و نکته به نکته جای جای آثار را که معرفی می نمود.
موضاعات تحقیقی استاد، زمینه های گوناگون را دربر می گرفت که اهم آنها از قرار ذیل است:
1- بحث آثار ملی، که شامل معرفی و بیان تاریخچه بازارها، سراها، مساجد ، مدارس و خانه های قدیمی اصفهان می گردد.
2- تاریخ تخت فولاد که تکایای موجود و از بین رفته را دراین قبرستان بررسی نموده و به ذکر احوال دانشمندان و اساتید مدفون در این مزار شریف می پردازد و این کتاب بر صفحهٔ کتاب بخشی از گنجینهٔ آثار ملی، به چاپ رسید.
3- عصارخانه ها¬، تحقیق جامعی است از عصار خانه های اصفهان
4- کبوتر¬خانه های اصفهان، برج کبوتر را معرفی و در مورد فوائد آن در امور کشاورزی اصفهان و روستاها به بحث می پردازد.
5- تحقیقی در مورد مادی های اصفهان
6- شرح خانقاه تکیه، علی بن سهل وخلاق المعانی کمال الدین اسماعیل و معماران هنرمندان اصفهان و مقالات متعددی دیگر که در نشریات و مجلات آن زمان به چاپ رسیده است.
مرحوم بهشتیان که در سالهای فعالیتش به زندگی بس ساده ای با درآمد حاصل از راه زراعت و باغداری وتولید و فروش سرکه می گذشت، قناعت می کرد در سرار عمر بسیاری ساده بی پیرایه زندگی می کرد. به سبک قدیم لباس میپوشید و هرگز در سلک البسهٔ معمول زمان دیده نشد و به تجملات دنیوی کوچکترین علاقه ای نداشت. مردی بسیار تمیز و نظیف بود، حتی در نظافت وسواس داشت، صورتش گلگون و همیشه خندان بود، شوخی و مزاح را دوست می داشت.
از جمله از اقدامات برجستهٔ استاد بهشتیان با کمک علاقمندان به آثار تاریخی، جلوگیری و ممنوعیت عبور ومرور وسائل نقلیه از روی پلهای

خواجو و سی وسه پل و همچنین احیاء ومرمت مزار صائب تبریزی بود.
ایشان در انجمن آثار ملی وکمیسیون نامگذاری اماکن و معابر اصفهان با توجه وعلاقه بسیار زیاد شرکت می کرد. وی برای حفظ محیط زیست و فضای سبز شهر اصفهان اقدامات شایسته ای بعمل آورد.
سرانجام این استاد گرانمایه در 11 اسفند 1366 فوت کرد و بنابر وصیت نامه خود در تکیه میر فندرسکی بخاک سپرده شد.

بهلول گنابادی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1320 ق)، شاعر. معروف به بهلول. اصل وی بجستان گناباد است. وی در سبزوار متولد شد و همان جا تحصیل علوم قدیمی کرد. سپس بیشتر به وعظ و روضه‌خوانی و مسافرت در ایران و عراق مشغول بود. وی برای مخالفت با قانون اتحاد شکل و تبدیل لباسهای مختلف و معمولی ایرانی به لباس واحد نیم‌تنه و شاپو، در مشهد سخنرانیهایی کرد که منجر به شورشی در آنجا شد که در نهایت وی را به افغانستان بازگشت و در سال 1349 ق به ایران بازگشت. بهلول حافظه‌ای نیرومند داشت. او را منظومه‌ای است در حدود هزار و دویست بیت که خود از آن تعبیر به «مجموعه‌ی دینی» کرده و در آن شرح حال خود و بعضی وقایع زمان خود را به تصویر کشیده است. مجموعه‌ی شعرش به نام «بهلول» به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (149 -148 /9)، سخنوران نامی معاصر (634 -631 /1)، صد سال شعر خراسان (157 -155)، مؤلفین کتب چاپی (262/2).

بهمنش، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به فرانسه رفت و به ایران بازگشت و در سال 1314 ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق»؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید».[1]
درگذشت: 1371.
احمد بهمنش از تحصیل کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسرای مقدماتی)؛ تاریخ جهانی (تألیف شارل دولاندلن، 1347)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال 1376).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 4، ش 1، ص 10 -3)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 366- 367).

بهمنی، اردشیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مدرس، ادیب.
تولد: 1323، بهار همدان.
درگذشت: 8 فروردین 1374، تهران.
اردشیر بهمنی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همدان گذراند و در سال‌های بعد از دانشسرای عالی تهران به درجه لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات پارسی و سپس به اخذ فوق لیسانس ادبیات نائل گردید. مدت 27 سال به تدریس در نقاط مختلف کشور از جمله کرمانشاه، تهران، ارومیه و همدان مشغول بود. دو کتاب به نام‌های دستور زبان فارسی (1364) و رتبت دانش حافظ (1355) از وی به چاپ رسیده است. همچنین از وی مقاله‌هایی درباره‌ی ادبیات فارسی در مجله‌های «ارمغان»، «یغما»، «وحید»، «گلچرخ اطلاعات»، «کیهان فرهنگی» و «نهیب غرب» به چاپ رسیده است.
اردشیر بهمنی به علت خونریزی معده و ناراحتی کلیه بعد از تحمل درد بسیار درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بهمنی، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید بهمنی
محل تولد : باجیگران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال61-60وارد حوزه علمیه قم شدم . ابتدا به مدت سه سال به طور آزاد درس های حوزه را از استادان مختلف آموختم و پس از سه سال در حوزه ثبت نام کرده و قبول شدم. دروس سطح را در سال 69 به پایان رسانده و سپس دروس خارج را آغاز کردم . در سال 71-70 در دوره های تربیت محقق و مدیر و مبلغ مناطق اهل سنت شرکت کرده و به مدت دو سال دوره عمومی آن را گذراندم و پس از یک سال دوره تخصصی فقه و اصول را طی کردم . این دوره ها پس از مدتی به نام رشته های تخصصی فوق و مذاهب اسلامی از سوی حوزه علمیه قم به رسمیت شناخته شد.

بهمنی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بهمنی در فروردین سال ۱۳۲۱ در شهر دزفول به دنیا آمد. شعر بهمنی نیز البته شاید با خود او متولد شده باشد، گرچه بسیاری بر این عقیده اند که او غزلهایش را وامدار سبک و سیاق نیماست. نخستین شعر از او در سال ۱۳۳۰، یعنی زمانی که او تنها ۹ سال داشت، به چاپ رسید.
محمدعلی بهمنی
برای محمدعلی بهمنی شعر چون موجودی جاندار است که شکل و قالب، لباسهای آن را تشکیل و به آن شخصیت میدهند. با این همه، محمدعلی بهمنی شیفته ی غزل است و غزل گفتن و غزل خواندن و غزل سرودن. میگوید: «غزل، نه تنها در شعر امروز، بیتردید در شعر تمام فرداها جایگاه ویژه ای خواهد داشت. غزل هستی ایرانی است و خواهد بود. آنچه که مهم است، این است که این امانت حساس را به نسلهای آینده تحویل دهیم.» گرچه به رغم تمام این علاقه به غزل گفتن، بهمنی غزل را هرگز قالب نمیبندد. «چون قالب یعنی محدودیت و هنر را نمیتوان محدود کرد و به خاطر این حرفم بارها زیر تهمت ها رفته ام.» در دیدگاه محمدعلی بهمنی، غزل یک شکل است که میتواند با روزگار خود و با شرایط جدید تغییر کند.
محمدعلی بهمنی در سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت تندیس خورشید مهر به عنوان برترین غزلسرای ایران گردید. برخی از مجموعه اشعار وی عبارتند از: باغ لال (۱۳۵۰)، در بیوزنی (۱۳۵۱)، عامیانه ها (۱۳۵۵)، گیسو، کلاه، کفتر (۱۳۵٦)، گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (۱۳٦۹)، غزل (۱۳۷۷)، عشق است (۱۳۷۸)، شاعر شنیدنی است (۱۳۷۷)، نیستان (۱۳۷۹)، این خانه واژه های نسوزی دارد (۱۳۸۲)، کاسه آب دیوژن، امانم بده (۱۳۸۰).

بهمنیار کرمانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1268 /1262 ش)، استاد دانشگاه، مصحح، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به دهقان. وی در کرمان متولد شد و در همان شهر نزد پدر خویش ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه و ریاضیات را آموخت، ضمن تحصیل، زبان ترکی استانبولی و انگلیسی را نیز فراگرفت و در این دو زبان دست به تحقیقات و تألیفاتی زد. در آغاز مشروطیت به مبارزات سیاسی روی آورد و در سال 1289 ش روزنامه‌ی «دهقان» را برای اشاعه‌ی اندیشه‌های ملی خویش منتشر کرد که منجر به تبعید و زندانی شدنش به شیراز شد. در سال 1296 ش از شیراز به تهران آمد و از طرف وزارت دارایی مأمور خدمت در خراسان شد. در سال 1303 ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را در مشهد انتشار داد. در این هنگام از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دارالمعلمین تبریز انتخاب گردید اما پس از یک سال به تهران مراجعت کرد. چندی هم با سمت وکیل عمومی مأمور قزوین و همدان شد. در سال 1313 ش که معلم دانشسرای عالی و دانشگاه تهران بود، سمت استادی‌اش تأیید گردید. بهمنیار در سال 1321 ش به عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان ایران درآمد، و در سال 1332 ش به ریاست انجمن تألیف و ترجمه که از مؤسسات وابسته به دانشگاه بود، برگزیده شد. در تهران وفات یافت و در کربلا به خاک سپرده شد. از تألیفات وی: «تحفه‌ی احمدیه»، در شرح «الفیه‌ی ابن‌مالک»؛ «تصحیح و تحشیه‌ی منشآت محمد بن مؤید بغدادی»؛ «تصحیح اسرار التوحید»؛ «رساله‌ی املای فارسی»؛ «تصحیح تاریخ بیهق» «شرح حال صاحب بن عباد»؛ «تصحیح الابنیه عن حقایق الادویه»؛ «مجمع‌الامثال فارسی»؛ «رساله در حکمت و فلسفه»؛ «دیوان» اشعار.[1]
احمد بن آقا محمد علی، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. کرمان 1262- ف. 1334 ه.ش.) وی علوم مقدماتی را در کرمان تحصیل کرد و در نهضت مشروطه در عداد آزادی‌خواهان درآمد و روزنامه «دهقان» را انتشار داد سپس از طرف مأموران انگلیس به شیراز تبعید شد و محبوس گردید. در سال 1335 ه.ق. رهایی یافت و در تهران وارد خدمت وزارت مالیه شد و مأمور خراسان گردید و در مشهد روزنامه «فکر آزاد» را منتشر کرد. در سال 1305 ه.ش. از طرف وزارت معارف مأمور تبریز شد و به تدریس پرداخت. در سال 1306 وارد خدمت عدلیه شد و مأمور قزوین و سپس

همدان گردید و مجددا در 1308 به معلمی مشغول شد. در 1310 برایس تدریس دارالمعلمین انتخاب گردید و در 1313 تدریس ادبیات عربی مدرسه معقول و منقول بدو محول شد و در 1315 عنوان استادی دانشگاه و در 1321 عضویت فرهنگستان یافت. از آثار او «تحفه احمدیه» در شرح الفیه ابن مالک، تصحیح التوسل الی الترسل، تصحیح تاریخ بیهق، تحصیل اسرار التوحید، ترجمه زبدة التواریخ در تاریخ آل سلجوق، صرف و نحو عربی به فارسی (سه دوره)، ترجمه احوال صاحب بن عباد را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (128 -127)، تاریخ جراید (84 -82 /4 ،310 -307 /2)، تذکره‌ی شاعران کرمان (146 -144)، ستارگان کرمان (116 -110)، سخنوران نامی معاصر (1390 -1385 /2)، سرآمدان فرهنگ (131 -127 /1)، شرح حال رجال (32 -31 /6)، فرهنگ سخنوران (344)، مؤلفین کتب چاپی (369 -367 /1)، یغما (س 8، ش 8، ص 383، س 30، ش 11، ص 684 -679).

بهنام، عیسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
باستان‌شناس، مترجم، مدرس.
تولد: 1285، در محله‌ی عودلاجان تهران.
درگذشت: 9 آذر 1363.
عیسی بهنام پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران در سال 1308 در نخستین گروه دانشجویان اعزامی برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی باستان‌شناسی به فرانسه رفت و در طی هشت سال در مدرسه‌ی لوور دانشکده ادبیات مؤسسه‌ی هنر و باستان‌شناسی فرانسه به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. در سال 1319 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را به عهده گرفت و تدریس در دانشگاه تازه تأسیس تهران را از سال 1320 آغاز کرد و رشته‌ی باستان‌شناسی را پایه گذاری کرد. وی مدت بیست و سه سال به تدریس در دانشگاه پرداخت. همچنین نشان‌های علمی از دانشگاه‌های بین‌المللی دریافت کرده است.
عیسی بهنام در برگزاری نمایشگاه‌های آثار ایران در پاریس و نمایشگاه جهانی بروکسل و مسکو در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران نقش بسیاری داشته است. از فعالیت‌های دیگر وی، تأسیس موزه‌ی مردم‌شناسی بود. چندی هم منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را عهده‌دار بود.
از جمله تألیفات وی می‌توان به این آثار اشاره کرد: تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ (1320)؛ راهنمای موزه‌ی ایران باستان (به فرانسه و فارسی)؛ راهنمای آثار باستانی پاسارگاد (به فرانسه و فارسی)؛ تمدن ایران پیش از شروع تاریخ، تمدن ایرانی (اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی، 1346)؛ تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی (1327).
همچنین مقاله‌هایی برای مجله‌های «دانشکده‌ی ادبیات»، «هنر و مردم»، «سخن»، «پیام نوین»، «هنر و زندگی»، «ژورنال دو تهران» (به زبان فرانسوی) و «معماری ایران» به رشته‌ی تحریر درآورده است.
از آثار ترجمه‌ی عیسی بهنام می‌توان به این عناوین اشاره کرد: تمدن ایرانی (مجموعه‌ی مقالات خاور شناسان معاصر فرانسوی، 1337)؛ هنر ایران، ماد و هخامنشی (از رمان گریشمن، 1346)؛ باستان‌شناسی ایران

باستان (از لویی واندنبرگ، 1345)؛ خانواده‌ی رومانوف، کاروانسراهای ایران.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بی باک، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی بی باک در 29 تیر ماه سال 1357 در تهران به دنیا آمد
نام خانوادگیش به طور کامل (بی باک اصل) است. پدرش اصلیت سرابی داشتند و مادرم مهاجر باکو بودند، آشنایی آن دو باعث ازدواجشان شد و ثمره ازدواج هم شش پسر... او هم به عنوان آخرین فرزند خانواده در خیابان معلم تهران به دنیا آمد، هم اکنون به همراه مادرش و برادرش (کیوان) در محله پاسداران زندگی می کنند. چهار برادر دیگرش، همگی متاهل هستند
در سال 1365، زمانی که نه ساله بود، علاقه وافری به تکواندو پیدا کرد. به پدر گفت که مرا در یک باشگاه ثبت‌نام کند. مادرش مخالف بود و می گفت به درست لطمه می خورد، اما پدرش او را قانع کرد که اجازه بدهیم (مهدی) از حالا که کودکی بیش نیست، قدرت تصمیم‌گیری برای آینده‌اش را داشته باشد و مادرش هم به همراه پدر همفکر شدند و این شد که دستش را گرفتند و به باشگاه صحرا) بردند. مربی و استادش (علی‌اکبر سلطانی) به او آموزش تکواندو داد و خیلی زود توانستم کمربندهای رنگ و وارنگ بگیرد و سرانجام به کمربند مشکی رسید و دان‌های مختلف... تا امروز هم همچنان زیر نظر استاد سلطانی تمرین می کند... چرا که زندگی ورزشی‌ام را مدیون وی هست
منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

بی نیاز، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بی نیاز در سال 1307 ، در قزوین متولد گردید. پس ازطی نمودن تحصیلات مقدماتی در قزوین ، برای فراگیری دروس بالاتر ، به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت. حجت الاسلام بی نیاز پس از 6 سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید علی اکبر بی نیاز فرزند سید عبدالنقی (مشهور به اعتماد) می باشد. جد وی ، حاج سید ابراهیم زرآبادی . یکی از شخصیت های برجسته زرآباد و قزوین ، و درجه اجتهاد از مراجع عصر خود دریافت کرده بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی بی نیاز پس از تحصیل دوره ابتدایی و دریافت مدرک ششم ابتدایی ، وارد حوزه علمیه مولاوردیخان شد و نزد اساتید این حوزه صرف و نحو و مقدمات را آموخت. سپس برای فراگیری دروس بالاتر به تهران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه این شهر ، تحصیلات خود را پی گرفت. وی پس از دو سال تحصیل در این حوزه ، در امتحان ورودی مدرسه عالی سپهسالار قبول شده و مدت شش سال در این مدرسه به تحصیل پرداخت.استادان و مربیان : سید علی بی نیاز در حوزه علمیه تهران ، تحت نظر حاج شیخ محمدرضا تنکابنی ، والد آقای فلسفی (واعظ مشهور ایران) قرار گرفت. از اساتید دیگر او عبارتند از: آیت الله طالقانی ، آیت الله مازندرانی ، آقای حسین علی راشد ، سید حسین کاشانی ، بدیع الزمان فروزانفر ، سید حسین جمارانیفعالیتهای آموزشی : سید علی بی نیاز پس از 6 سال دوری از وطن و فراگیری علوم دینی ، به قزوین باز گشت و به بیان احکام و تبلیغ دین مبین اسلام مشغول شد ، و در مساجد مختلف به امام جماعت پرداخت.
منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

بیات، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود بیات
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمود بیات در حدود سال 1350 وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از 3 سال در حوزه مشهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شده و تاکنون مشغول بوده‌ام . در سال 63 ـ 1362 به مدت یک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تدریس ادبیات به شهرستان میناب رفتم . در سال 81 ـ 82 به مدت یک سال در دانشکده علوم قرآنی تدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .
در ضمن به مدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشغول بوده‌ام و در مدارس امام صادق و بقیة الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصیلی تقریباً تدریس تجوید و صرف داشته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می‌گردد . نیز در دانشگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیات، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی بیات
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1

بیاری، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر بیاری
محل تولد : جعفر آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/5/4
زندگینامه علمی
بنده تا سوم راهنمائی را در محل تولد خواندم. بعد وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان بطور غیر حضوری دیپلم را گرفتم. در مدارس علمیه امام صادق(ع)، امام باقر(ع)، رضویه و معصومیه ادامه تحصیل دادم و در دروس خارج فقه آقایان فاضل لنکرانی، هادوی، کعبی شرکت کردم. در تفسیر آیت الله جوادی آملی هم 6 سال شرکت داشتم، دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات را گذرانده ام(شش ماه). در مرکز ادبی حوزه شرکت و دوره ادبیات را گذراندم. در سال 1376 وارد موسسه امام خمینی شدم و دوره کارشناسی و سپس ارشد را گذراندم. الان در حال تدوین پایان نامه هستم. همزمان فعالیت های تبلیغی هم دارم که عمده آن در دبیرستانهای کشور است از طریق اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان و بسیج دانش آموزی.

بیان شاهرودی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1327 ق)، شاعر و واعظ. وی اهل شاهرود بود و در وعظ بسیار توانا و دارای سحر بیان بود. طرز بیان وی طوری بود که فقهای زمانش به بیان او با حسن نظر نگاه نمی‌کردند. بیان در سرودن شعر توانا بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (151)، یغما (س 11، ص 384 -383).

بیانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی بیانی ، در سال 1285 شمسی، در شهر همدان متولد گردید.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مهدی بیانی، پسر محمد، او پسر عباسعلی و وی نیز پسر محمدعلی ، اصلاً فراهانی بودند.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهدی بیانی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن ، همراه مادر و برادران و خاندانش به تهران مهاجرت کرد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی بیانی ، گواهینامه ی ابتدایی را از دبستان اقدسیه و متوسطه را از دارالفنون و لیسانس علوم فلسفی و ادبیات را از دانشسرای عالی و عنوان دکترای ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اخذ کرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی بیانی ، در سال 1313 در ضمن اشتغال به تدریس دانشکده ادبیات ، به مدیریت کتابخانه ی عمومی معارف نیز منصوب گردید. وی در سال 1316 ، ریاست کتابخانه ی ملی را عهده دار شد و در سال 1319 ، به مدت یک سال از طرف وزارت فرهنگ به اصفهان مأموریت یافت و در بازگشت به تهران ، پس از انجام یک سال مأموریت آموزشی در وزارت پیشه و هنر وقت ، دوباره به خدمت کتابخانه ی ملی بازگشت و با سمت مدیرکلی در کتابخانه ی ملی به ادامه ی خدمت پرداخت. آنگاه در سال 1335 ، به ریاست کتابخانه ی سلطنتی انتخاب شد.
فعالیتهای آموزشی : مهدی بیانی ، پس از انجام خدمت وظیفه در سال 1311 ، به تدریس زبان و ادبیات فارسی و کتابداری کتابخانه ی دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اشتغال ورزید و با سمت استادی مشغول تدریس تاریخ تکامل خطوط اسلامی و کتاب شناسی نسخه های خطی شد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی بیانی ، در سال 1316 سازمان نخستین کتابخانه ی ملی وابسته به وزارت فرهنگ را بنیان گذارد و خود ریاست آن را برعهده گرفت. وی انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد و این طبقه ی هنرمند را به جامعه معرفی

کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی بیانی ، ضمن فعالیت ها و خدمات مختلف خود ، مأموریت های فرهنگی نیز به کشورهایی چون: هند ، پاکستان ، افغانستان ، لبنان ، ترکیه ، جماهیر شوروی ، لهستان ، اطریش ، آلمان ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، فرانسه ، سوئیس ، ایتالیا ، انگلستان و ممالک متحده آمریکا داشته است. وی سال ها عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی بود و مجله ی « پیام نوین » زیرنظر او منتشر می شد. ----------
---
آثار :
1 احوال و آثار میرعماد
2 اهتمام در نشر السوانح فی العشق
ویژگی اثر : تألیف: احمد غزالی.
3 اهتمام در نشر بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقه ی کرمان)
ویژگی اثر : تألیف: افضل الدین کرمانی.
4 اهتمام در نشر چهار رساله ی فارسی
ویژگی اثر : تألیف: شیخ شهاب الدین سهروردی.
5 اهتمام در نشر معراجنامه ی منسوب به ابن سینا
6 تاریخ پانصدساله ی جواهرات سلطنتی ایران
7 تاریخ دریای نور
8 راهنمای گنجینه ی قرآن
9 فرهنگ خوشنویسان
ویژگی اثر : در 12 مجلد.
10 فهرست کتاب های خطی فارسی کتابخانه ی سلطنتی ایران
11 فهرست نمایشگاه خطوط خوش کتابخانه ی ملی
12 نمونه ی خطوط خوش کتابخانه ی سلطنتی ایران
13 نمونه ی سخن فارسی

منابع :
1مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال 15 ، شماره ی 5 و 6 ، مرداد 1347

بیدآبادی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن سید ابوالقاسم بن سید محمّد علی. عالم زاهد، امام مسجد سیّد، متوفّی در سال 1356، مدفون در بیرون بقعه تکیه بروجردی در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد باقر ثانی بیدآبادی از علماء کاملین و ادباء و شعراء و فضلاء و علماء اخیار معروف بحاج آقا با پدر خود مرحوم حاج سید اسدالله حجه‌الاسلام از اصفهان بنجف مهاجرت نموده و سالها در نزد اساتید آنجا تحصیل نموده و پس از فوت عم بزرگوار خود (1320) به ایران مراجعت نموده و مورد توجه عموم طبقات و بالاخص اهالی بیدآباد قرار گرفته و منشاء خدماتی شایان در مسجد سید شده است که از آنجمله:
1- تهیه ضریح فولادی جهت قبر مرحوم سید حجه‌الاسلام و نصب آن در تاریخ 1322 و دیگر تهیه ساعت که در قسمت قبلی مسجد نصب گردیده است در نقباء البشر. گوید: در جریانات مشروطیت ایران بنجف مراجعت نموده و در سال 1373 مجددا باصرار مردم باصفهان معاودت کرده و مورد احترام و اکرام قرار گرفته و پس از شش ماه در سوم ماه رمضان همانسال وفات یافته و در مقبره جد خویش مدفون گردیده است. از اشعار اوست که بجد خویش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب کرده و گوید:
یابن عم النبی ای معال
لک فی ارفع المدائح تذکر
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بیدآبادی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمّد علی بن سید محمد باقر حجّة الاسلام.
عالم فاضل محقّق، مؤلّف کتابی است به نام «غرقاب» در رجال که در سال 1303 شروع به تألیف آن نموده و تا سال 1309 تألیف آن به طول انجامید.
نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرحوم اقبال آشتیانی بوده است. تولّد او در 1278 روی داده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیدآبادی، مؤمن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج سید محمّد باقر. عالم فاضل کامل، پس از حاج سید اسداللَّه اعلم و افقه اولاد سیّد بوده. وی بعد از فوت برادر، ریاست و عنوان کلّی یافته و در مسجد سید امامت داشته، و چون مادرش کنیز بوده، قدری سیاه چرده بوده است. در 6 رمضان سال 1294 وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.
مرحوم حاج میرزا بهاء الدین عاملی در مادّه تاریخ وفاتش ضمن قطعه‌ای گوید:
ماه صیام نزد رسول آمد از جهان
آن سیّدی که مؤمن آل رسول بود
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بیرشک، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد بیرشک، فرزند محمد در سال 1285 در تهران زاده شد. تحصیلات اولیه را نزد پدر خویش فراگرفت، سپس در سال 1296 به مشهد عزیمت کرد و در مدرسه احمدیه مشغول تحصیل شد. در سال 1300 به تهران آمد و در مدرسه آلیانس فرانسه به تحصیل ادامه داد و فرانسه را به نیکی فراگرفت و از همان ابتدا به ترجمه کتاب‌های فرانسوی مشغول شد. پس از فراغت از تحصیل مدتی رئیس اداره استخدام شهرستان‌ها در کارگزینی وزارت فرهنگ و مدتی رئیس کارگزینی دانشگاه و بانی و معلم گروه فرهنگی هدف بود. استاد بیرشک تاکنون کارهای تحقیقاتی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است و آثار او در دسترس عموم قرار دارد. از سال 1360 تا 1371 مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است. کتاب "زندگینامه علمی دانشوران" ترجمه احمد بیرشک، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : نویسندگی
والدین و انساب : احمد بیرشک فرزند محمد می‌باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران تحصیل و کودکی احمد بیرشک به دلیل ماموریت‌های پی در پی پدر، دوران پرتلاطمی در زندگی او بوده است. به همین دلیل تحصیلات مقدماتی ایشان پیوسته و منظم نبود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بیرشک در 7 الی 8 سالگی نزد پدر خود به آموختن زبان فارسی از کتاب گلستان فارسی و پس از آن زبان فرانسوی پرداخت. در 1296 به مشهد رفته و در مدرسه احمدیه این شهر مشغول تحصیل شد و پس از گذشت سه ماه بنا به تشخیص مدیر مدرسه (میرزا حسین خانزاده) از کلاس چهارم به کلاس پنجم ارتقاء یافت. مرحله دوم تحصیلات ایشان به سال 1300 آن هم در مدرسه آلیانس فرانسه تهران بود، لیکن مجدداً به علت نبوغ و استعداد وافر پس از گذراندن یک دوره امتحانات، بنا به تشخیص «مسیو مرل» مدیر مدرسه به کلاس ششم و مجدداً دو الی سه ماه پس از آن به کلاس سوم و دوم یعنی کلاس ما قبل

آخر ارتقاء یافت. استاد در سال 1306 به تهران بازگشت. در این سال وی تحصیل در کلاس سوم متوسطه را با موفقیت به پایان برد و بلافاصله در تابستان 1307 شخصاً اقدام به مطالعه کتاب‌های کلاس چهارم و در پایان همان سال توفیق ورود به کلاس پنجم را پیدا نمود. سال پنجم تحصیل استاد در مدرسه شرف بود که مجدداً در تابستان کلاس ششم را خواند. استاد بیرشک پس از پایان دوره متوسطه، در مهر 1308 وارد دارالمعلمین شد و در رشته ریاضیات تحصیلات خود را ادامه داد. در سالهای 1330 و 1340 چند ماه در انگلستان و آمریکا به مطالعه در روشهای آموزش و پرورش گذراند.
خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بیرشک یاد می‌کند از روزی که زبان فرانسه را تازه آموخته بود، او می‌گوید: «در همان سال‌های 1292-1293، آنوقت‌ها چند تا لغت یاد گرفته بودم گوشه طاقچه کتاب فرانسه‌ای بود که تصمیم گرفتم آن را ترجمه کنم. رفتم کتاب را آوردم و شروع کردم به ترجمه چهار، پنج سطر اولش. در سطر دوم از «کور سوپریور» (بالاترین کلاس) صحبت می‌کرد. من می‌دانستم که «کور» با املاء دیگر یعنی حیاط، «سوپریور» هم یعنی عالی، بنابراین ترجمه کردم: حیاط عالی. البته بعد از اینکه سه، چهار سطر جلو رفتم متوقف شدم. نکته جالب اینکه من در چنین سنی تصمیم داشتم کتاب ترجمه کنم.» احمد بیرشک به دلیل هوش و استعداد قابل توجهش، بعضی از کلاس‌ها را جهشی و به سرعت طی نمود. بیرشک از دوره ابتدایی خود چنین تعریف می‌کند: «بعد از اینکه سه ماه در کلاس چهارم بودم به پدرم گفتم: آقاجان این کلاس برای من کم است، من اینهایی را که می‌گویند می‌دانم. شب که آقای مدیر به خانه ما آمد پدرم گفت: آقای مدیر! احمد خان می‌گوید این کلاس برای من کم است. [آقای مدیر] گفت: خوب امتحانش می‌کنیم، اگر بلد بود می‌بریم کلاس پنجم. بنابراین بعد از سه چهار ماه از کلاس چهارم به کلاس پنجم رفتم.» بیرشک دوره تحصیل در مدرسه آلیانس را نیز به همین ترتیب طی نمود. او در این مدرسه از «مسیو مرل» مدیر مدرسه که فرد بداخلاقی بود تقاضا نمود وی را از کلاس هفتم به کلاس ششم منتقل نماید، مسیو مرل از جسارت بیرشک در بیان خواسته خود خوشش آمد و از طریق آزمون، او را به کلاس ششم ارتقاء داد. این روال در دوره‌های بعدی یعنی پنجم، چهارم، سوم و دوم که کلاس‌های ماقبل آخر بودند برای او تکرار شد. سال تحصیلی 1306-1307 برای بیرشک سال بسیار سختی بود، زیرا از ثبت نام در مقطع متوسطه بازمانده بود؛ او تنها امید خود را در ثبت نام در مدرسه شرف می‌دید، به محض مراجعه به آن مدرسه با جواب منفی مدیر مدرسه مواجه شد، اما اصرار او باعث شد که مدیر نام او را بپرسد، بیرشک پس از معرفی نمودن خود توانست مدیر را قانع نماید و بدین ترتیب در آن

مدرسه ادامه تحصیل داد. اینکه چرا مدیر مدرسه با شنیدن نام بیرشک، که به قول او یک «آدم دهاتی» بود از او ثبت نام نمود معمایی بود که بیرشک بعدها به آن پی برد. استاد در این باره می‌گوید: «... در آن ایام در سال سوم، دبیرستان‌های تهران به دنبال این بودند که شاگرد اول تحویل بدهند، مرحوم ذوقی و مرحوم مهران هم برای خاطر دانش‌آموزی به نام عبدالرسول دبیر که می‌خواستند شاگرد اول مدرسه‌شان بشود، دنبال این امتحانات بودند و اسامی شاگرد اول‌ها را شناسایی می‌کردند، من هم که کاری نداشتم به این کارها آمده و امتحان داده بودم، نه کسی بود که حامی من باشد و نه من احتیاج به حمایت داشتم، بعد اینها رفته بودند و دیده بودند که عبدالرسول دبیر با معدل 15/87 شاگرد اول شده، ولی دو تا 15/87 هست: یکی عبدالرسول دبیر و یکی هم کسی به نام احمد بیرشک؛ این را به خاطر سپرده بودند. این بود که گره از کار بنده گشوده شد ...».
در مقطع تحصیلی دانشسرای عالی، معلمی به نام «کابرئیل یارئیر»، به آنها مکانیک درس می‌داد؛ این شخص به دلیل آنکه از نظر علمی در سطح پایینی قرار داشت، شیوه تدریس را رعایت نمی‌نمود و گاه در درس ریاضی، فیزیک تدریس می‌کرد. استاد بیرشک از این کلاس خاطره‌ای به یاد دارد که بسیار شنیدنی است: «یک روز من قطعه کاغذی را روی میز گذاشتم و روی آن محاوره بین دو دانشجو را نگاشتم: - آیا اینکه به ما تعلیم می‌شود ریاضی است؟ - نه، مسلماً فیزیک است. - اما ما که دانشجوی ریاضی هستیم! - بله، اما استاد ما خیلی فیزیکدان است.» معلم کاغذ را از بیرشک گرفت و بلافاصله شروع به تدریس ریاضی نمود، در امتحان سال آخر با مشخص شدن نتایج، بیرشک متوجه شد که نفر دوم کلاس شده است، زیرا نمره ریاضی هشترودی 20 شده بود و نمره او 14.
بیرشک وقتی دلیل امر را از معلم ریاضی خود پرسید، او در جواب گفت: «آیا موضوع کاغذ را فراموش کرده‌اید؟»، و از جیب خود یادداشت بیرشک را بیرون آورد، بعدها «یارئیر» مشوق خوبی برای بیرشک گردید و او را تشویق به ادامه تحصیل در فرانسه نمود، او حتی پیشنهاد داد در صورت موافقت بیرشک، او را به وزیر آموزش و پرورش فرانسه و رئیس دارالمعلمین عالی (اکول تورمال) معرفی خواهد کرد، اما این امر میسر نگردید.
فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بیرشک قبل از آغاز تحصیل در کلاس سوم متوسطه همواره به مطالعه می‌پرداخت، استاد خود در این باره چنین می‌گوید: «سرمایه بنده از نظر کتاب عبارت بود از یک «دیکسیونر پتی لاروس»، یک کتاب حساب «بازنان» که کتاب بسیار خوبی بود، یک گرامر «کلودوژه» جلد سوم و کتاب معلم ایشان. بعد هم رفتم به یک کتابفروشی روبروی محلی که الآن شهر و روستاست. در خیابان فردوسی، کتابفروشی

مادام پازنئود، کتابفروشی فرانسوی. رفتم آنجا دو کتاب داستان خریدم و با این «زرادخانه» مهم! تو سر خودم می‌زدم و تو سر این کتاب‌ها، یعنی طلبه‌وار درس می‌خواندم، مطلب مشکل بود ولی آن قدر می‌خواندم تا بفهمم. »
استادان و مربیان : احمد بیرشک در مورد آموزش‌های دوران کودکی خود چنین می‌گوید: «تحصیلاتم خیلی مرتب نبوده است. اولین و بزرگترین معلم من پدرم بود. او مرد خودساخته‌ای بود و فرزندانش را هم ساخت ... » مدیر مدرسه ابتدایی استاد، یعنی آقای میرزا عبدالحسین خان (بعدها سلطانزاده) نیزدر ارتقاء وی نقش به سزایی داشته است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه استاد بیرشک معمولا به صورت خودآموزی و هر سه ماه یک کلاس بوده است، اما در دوره‌های کوتاه مدت از کلاس معلمانی بهره گرفته است که از میان آنان می‌توان از افراد زیر نام برد: شیخ ابوالقاسم محمودی در دبستان المحمدیه مشهد، بدیع الزمان فروزانفر معلم فارسی کلاس پنجم دبیرستان، شیخ علی اکبر خدابنده (جانشین بدیع الزمان فروزانفر)، میرزا حسن خان مشاور (جانشین شیخ علی اکبر خدابنده، وی پیشکار ولیعهد در سوئیس شد)، سیدمصطفی خان طباطبایی (تحصیل کرده آلمان و پسر سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه)، معلم شیمی مصور الممالک، نقاش معروف، موسیو بونو معلم ادبیات فرانسه، موسیو پاریه معلم فیزیک (او در سفر بیرجند کشته شد. استاد در رثای او مقاله‌ای به زبان فرانسوی نوشت که در ستاره جهانی چاپ شد، 1308)، حبیب الله مظفری معلم فرانسه. بیرشک در مورد استادان خود در دانشسرای عالی چنین می‌گوید: «استادانم در دانشسرای عالی عبارت بودند از شادروانان غلامحسین رهنما، دکتر شفق، فروزانفر، دکتر لویی لونگ، گابرییل یارئیر، استادان ریاضی و ژان اتییه استاد زبان ... دکتر لونگ در سه سال دانشسرای عالی، استاد شاخه‌های مختلف ریاضی بود. در نیمه دوم سال آخر گابرئیل یارئیر برای معلمی مکانیک استخدام شد. ... باری آقای یارئیر بسیار خوش هیکل، شیک، خوش لباس، حراف و زبان‌باز بود، اما در قسمت علمی چندان پرمایه نبود. در درس ریاضی اغلب به فیزیک گریز می‌زد و وقتی ایراد می‌گرفتیم می‌گفت: من خیلی فیزیکدان هستم.»
هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره‌ای‌های تحصیل احمد بیرشک می‌توان غلامحسین صدیقی را نام برد. وی در سال 1301 درکلاس چهارم مدرسه آلیانس فرانسه با وی آشنا گردید. وی همچنین در سه سال دانشسرای عالی با محسن هشترودی نیز همکلاس بود.
همسر و فرزندان : احمد بیرشک در سال 1316 با دختر آقای فرزان ازدواج نمود. اولین فرزند استاد، یعنی خانم دکتر گیتی بیرشک در 27 خرداد ماه 1318 متولد شد. خانم دکتر مهشید بیرشک فرزند دوم ایشان

در 19 فروردین 1322 متولد گردیدند، و آخرین فرزند استاد، دکتر بهروز بیرشک در 19 فروردین 1327 به دنیا آمد.
وقایع میانسالی : با توجه به آنکه تجربه تاسیس مدارس به صورت فردی تجربه خوبی دربرنداشت، احمد بیرشک تصمیم به تاسیس مدارسی نمود که به فرد متکی نباشد، انجام این کار مقارن بود با دوره رضا شاه؛ او را به شهربانی احضار کردند و در آنجا سرهنگ پارسا، رئیس اداره اماکن پس از بازرسی او را از انجام این کار برحذر داشت. این مسئله دو سه بار تکرار شد.
زمان و علت فوت : احمد بیرشک سرانجام در عصر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۱ در سن ۹۵ سالگی چشم از جهان فروبست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بیرشک در 16 بهمن 1312 به خدمت وزارت «معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» درآمد و به همین منظور برای تدریس ریاضی، فیزیک، علوم طبیعی و زبان از کلاس اول تا ششم متوسطه به ساری اعزام گردید. وی در این زمان مسئولیت امتحانات را نیز به عهده داشت . بیرشک با توصیه حسن فرزان رئیس کل کارگزینی وزارت معارف، به سمت ریاست استخدام شهرستان‌ها منصوب گردید و از همین سال (1314) تا سال 1320به عنوان مدیر سوم در مدیریت «جامعه لیسانسیه‌های دارالمعلمین عالی» به فعالیت پرداخت. در سال 1320 نیابت انجمن مدارس ایران به استاد بیرشک واگذار گردید، و در سال بعد با استقلال دانشگاه تهران، با اقدام دکتر سیاسی ـ وزیر معارف و رئیس دانشگاه تهران ـ به دانشگاه تهران منتقل و ریاست و کارگزینی آنجا را به عهده گرفت. در سال 1327 گروه فرهنگی هدف تاسیس و ریاست هیئت مدیره و مدیر عامل این مؤسسه گردید. با تعطیل شدن مدارس ملی در سال 1338 بیرشک «انجمن ملی مدارس هماهنگ» را با عضویت گروه‌های فرهنگی هدف، خوارزمی، ارامنه، زرتشیان تاسیس و خود ریاست آن را تا سال 1358 به عهده گرفت. بیرشک قبل از بازنشستگی در زمان وزارت دکتر خانلری (1341) معاونت وزارت فرهنگ را عهده‌دار بود، اما بعد از مدتی از این مقام استعفاء داد و در اواخر اردیبهشت 1342 بازنشسته شد. وی هجده ماه مسئولیت دانشنامهٔ ایران و اسلام را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب (سابق) برعهده داشت. از سال 1360 تا 1371 مسئولیت زندگینامهٔ علمی دانشوران در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به عهده ایشان بود. سپس به کار ویراستاری کتابهای دانشگاهی و غیردانشگاهی پرداخت، در حال حاضر نیز رئیس بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی است.
فعالیتهای آموزشی : احمد بیرشک خدمات آموزشی را از سال 1306 تا 1307 در مدرسه آلیانس تهران آغاز کرد، متعاقبا در ساری و مشهد

مشغول تدریس شد. ریاست استخدام شهرستان‌ها در اداره آموزش و پرورش و تدریس در دبیرستان‌های سن لویی، معرفت و دارالفنون و تدریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری و تدریس در دانشسرای عالی از دیگر خدمات ایشان است که می‌توان به آن اشاره کرد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از فعالیت‌های فرهنگی احمد بیرشک تاسیس مدارس علمی بوده است. دلیل عمده تشکیل چنین مدارسی توسط استاد این بود که مدارسی مانند اقدسیه، تمدن، تدین، اسلام و ... کوتاه زمانی پس از تشکیل منحل می‌شدند. استاد که از سال 1315 تا 1320 رئیس جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی بود، در سال 1315 فکر خود را با تنی چند از دوستان عضو جامعه یادشده در میان گذاشت و چون آن فکر را تایید کردند به منظور از قوه به فعل درآمدن فکر، نامه‌هایی برای تعداد زیادی از اعضای جامعه تهیه کرد که به چاپ رسید و به صورت بخشنامه برای آنان فرستاده شد، تا نیروهای خود را متمرکز سازند و یک تربیتی نو آغاز کنند. گروه فرهنگی «هدف» ثمره این زحمات بود. مؤسسان گروه مصمم شدند افرادی در گروه پذیرفته شوند که با منظور اساسی یعنی خدمت از راه تعلیم در تربیت و بی‌علاقگی به جنبه مادی، موافق باشند و از طرف اکثریت اعضای موجود شناخته شده باشند؛ لذا در سال 1320 اولین دبیرستان را دایر و در سال 1334 دومین دبیرستان و به همین منوال گروه فرهنگی هدف توسعه پیدا کرد به گونه‌ای که در سال 1353 این گروه دارای 13 مدرسه و 15 هزار دانش‌آموز بود. حدود 12 سال از تشکیل گروه فرهنگی هدف گذشته بود که مدارس ملی دیگری هم یکی پس از دیگری شروع به فعالیت کردند. پیرو این موفقیت‌ها استاد بیرشک همراه با گروهی از همفکران خود اقدام به تاسیس «انجمن ملی مدارس هماهنگ» کردند. هدف از تشکیل چنین انجمنی ارتقاء سطح معلومات دانش‌آموزان و تبادل تجربیات علمی و تعیین یک سلسله معیارها و استانداردهایی بود که می‌بایست هر مدرسه‌ای که بخواهد عضو این انجمن شود تلاش کند به این معیارها برسد و این راهی بود که سرانجام موجبات ارتقاء سطح تعلیم و تربیت را موجب می‌شد.
آرا و گرایشهای خاص : دیدگاه احمد بیرشک در خصوص تالیف و تدوین کتاب دیدگاهی است ساده و روان. او می‌گوید: «من علاقه‌مندم که کتاب‌های خودآموز بنویسم تا جوان‌ها به مطالعه تشویق شوند. باید ساده نوشت، درست نوشت، جذاب نوشت. برای اینکه الگوی کتاب ساده را به مؤلفان نشان دهم خودم تصمیم گرفتم بخش اخترشناسی کتاب خودآموز فیزیک را بنویسم.» لازم به ذکر است که احمد بیرشک از پایه‌گذاران آموزش نوین در ایران می‌باشد.
جوائز و نشانها : کتاب "زندگینامه علمی دانشوران" ترجمه احمد بیرشک،

در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. وی در فروردین ۱۳۸۱ نشان دولتی درجه یک دانش را از دفتر ریاست جمهوری دریافت نمود.
چگونگی عرضه آثار : بیرشک تاکنون بیش از 110 کتاب که برخی از آنها با همکاری دیگران بوده تألیف و ترجمه کرده است.

آثار :
1 38 جلد از مجموعه ریاضیات دبیرستانی هدف و مجموعه خرد
2 آثار اصلی ریاضیدان های بزرگ یونان
3 اصول مناظره مرایا: پرسپکتیو
4 اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی
5 تاریخ مدارس
6 ترجمه رهبر علم نوشته ایزاک عاصم اوف
7 ترجمه سلطنت قباد و ظهور مزدک نوشته آرتور کریستین سن
8 ترجمه شناخت ژاپن نوشته جون لیو ینگستون و دیگران
9 ترجمه علم قدیم و تمدن جدید نوشته جورج ساتن
10 ترجمه علم و زندگی نوشته الس ورت س.اوبورن و دیگران
11 ترجمه فرض و اسطوره در فیزیک نظری نوشته هرمان باندی
ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری رضا منصوری می باشد.
12 ترجمه فرهنگ علم نوشته ئی بی.اوواروف، آیزاکس
ویژگی اثر : این ترجمه با همکاری ابوالقاسم قلمسیاده انجام شده.
13 ترجمه فرهنگ و اندیشه نو، نوشته الیور استالی براس، آلن بلوک
14 ترجمه فلسفه ریاضی نوشته استیفن سی.پارکر
15 ترجمه کتاب سرگذشت علم، نوشته جورج سارتن
16 ترجمه کتاب آموزش در جریان پیشرفت، نوشته پائولوفریره
17 ترجمه کتاب آموزش ستمدیدگان، نوشته پائولوفریره
ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و سیف الله داد ترجمه گردید.
18 ترجمه کتاب آناباسیس، نوشته گزنفون
19 ترجمه کتاب آنیشتاین، نوشته جرمی برنشتاین
20 ترجمه کتاب پرسش و پاسخ از کتاب دانش
ویژگی اثر : این کتاب توسط هادی خراسانی و احمد بیرشک ترجمه گردید.
21 ترجمه کتاب پهلوان شیرافکن یا تاتارن تاراسکنی، نوشته آلفونس دوده
22 ترجمه کتاب تاریخ آفریقا، نوشته جی. کی. زربور
ویژگی اثر : این کتاب توسط احمد بیرشک و مرتضی ثاقب ترجمه گردید.
23 ترجمه کتاب جهان و اینشتاین، نوشته لینکلن بارنت

24 ترجمه کتاب جهان، تالیف جمعی از مؤلفان
25 ترجمه کتاب رهبر علم ، نوشته آیزاک آسیموف
26 ترجمه کتاب ریاضیات نوین ، نوشته سربرژمان ، رنه بزار
27 ترجمه کتاب سرگردان های زیر دریا، نوشته کاپیتان دانری، دکومانمان دیریان
28 ترجمه کتاب مردی که طلا می سازد نوشته کنان دویل
29 ترجمه کتاب هایی که دنیا را تغییر دادند، نوشته روبرت پژدونز
30 ترجمه کمون پاریس نوشته لئوتروتسکی
31 ترجمه میراث ایران نوشته سیزده تن از خاورشناسان
32 ترجمه هندسه لیاچفسکئی نوشته اسموگوژفسکی
ویژگی اثر : ترجمه از روسی به انگلیسی و کیسین،ترجمه از انگلیسی به فارسی می باشد.
33 ترجمه هندسه نااقلیدسی نوشته هارولداولف
34 ترجمه یک ،دو،سه بینهایت نوشته ژرژگاموف
35 جبر برای پنجم طبیعی
36 جبر برای سال پنجم ادبی
37 جبر برای سال چهارم طبیعی
38 جبر برای سال چهارم طبیعی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
39 جبر برای سال دوم دبیرستان
40 جبر برای سال دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
41 جبر برای سال دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
42 جبر برای سال سوم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
43 جبر برای سال سوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
44 جبر سال پنجم دبیرستان ها شعبه ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.

45 جبر سال پنجم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
46 جبر سال چهارم ادبی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
47 جبر سال چهارم دبیرستان های شعبه ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
48 جبر سال چهارم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
49 جبر سال ششم ریاضی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
50 جبر و مثلثات سال ششم دبیرستان های شعبه طبیعی
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
51 جدول های لگاریتم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا . انواری صورت گرفته است.
52 حساب آسان برای سال پنجم دبستان
53 حساب آسان برای سال ششم دبستان
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.
54 حساب برای اول
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
55 حساب برای دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
56 حساب برای سال اول دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
57 حساب برای سال اول و دوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته

است.
58 حساب برای سال دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
59 حساب برای سال دوم و سوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
60 حساب برای سال سوم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
61 حساب برای سال سوم دبیرستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
62 حساب و دفترداری دوبل برای سال پنجم و ششم دبستان ها
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و دیگران صورت گرفته است.
63 حساب و هندسه برای سال های پنجم و ششم
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک ، ا. انواری و ب . نحوی صورت گرفته است.
64 خلاصه ریاضیات متوسطه
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و ا. انواری صورت گرفته است.
65 دانشنامه خودآموز اختر شناسی
66 ریاضیات سال اول دانشگاه
ویژگی اثر : تالیف این کتاب توسط احمد بیرشک و جهانگیر شمس آوری صورت گرفته است.
67 زندگی نامه علمی دانشوران، به ویراستاری چارلز کولسترن گیلسپی
ویژگی اثر : ترجمه این کتاب زیرنظر احمد بیرشک صورت گرفته است.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زندگینام؟ علمی دانشوران»: زندگینام؟ علمی دانشوران؛ بودان دوبوالوران، پینل فیلیپ؛ زیرنظر احمد بیرشک؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری بنیاد دانشنام؟ بزرگ اسلامی، 1375، 3ج.- زندگینام؟ علمی دانشوران مشتمل بر شرح حال، آثار و نظریه های علمی بیش از شش هزار دانشمند از سراسر جهان است که با تلاش علمی و عملی خود به پیشرفت تمدن بشری خدمت کرده اند. این کتاب مرجع که در پاسخ به

نیاز محققان و دانش پژوهان تدوین شده، تاریخ نه چندان مختصر علم نیز به شمار می آید که خواننده را با سیر علم در طول تمدن بشر آشنا می سازد و اطلاعات موثقی را دربار؟ زندگی حرفه ای دانشمندان در دسترس دوستداران علم قرار می دهد. ترجم؟ این کتاب که حاصل تلاش حداقل 54 نفر از مترجمان و ویراستاران برجست؟ ایران است، ترجمه ای است بی کم و کاست و خالی از حشو و زواید که سعی شده در آن سبک و سیاق نویسند؟ اصلی حفظ شود. امتیاز خاص این کتاب، کتابشناسی جامعی است مرکب از دو قسمت، کارهای اصلی و خواندنیهای فرعی است که اطلاعات کافی دربار؟ آثار صاحب مقاله و آثار وابسته به او را در اختیار خواننده قرار می دهد. چاپ دقیق و بدون غلط، علامت گذاری دقیق برای تلفظ نام مکانها و افراد به زبان انگلیسی و عنوانهای فرعی قابل رؤیت در هر مقاله از ویژگیهای دیگر این کتاب است.

68 زندگینامه برتراندارسل
69 قرآن چهار زبانه
70 کارنامه بزرگان ایران
71 کتاب درسی هندسه
72 گاهشماری ایرانی ، شاهکار دقت
73 گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تطبیق تاریخ های ایرانی و هجری قمری و میلادی
74 متمم حساب برای سال چهارم
75 مثلثات برای سال پنجم دبیرستان
76 مثلثات برای سال پنجم شعبه ریاضی
77 مثلثات برای سال چهارم دبیرستان ها
78 مثلثات برای سال ششم ریاضی
79 مثلثات برای سال ششم ریاضی
80 مثلثات سال پنجم دبیرستان ها شعبه طبیعی
81 مثلثات سال پنجم ریاضی
82 مثلثات سال ششم دبیرستان ها شعبه ریاضی
83 مقاله اختر شناسی
84 مقاله تاریخ تمدن
85 مقاله تاریخ علم
86 مقاله خط فارسی
87 مقاله داستان
88 مقاله داستان نویسی
89 مقاله در زمینه آموزش و پرورش
90 مقاله ریاضیات

91 مقاله زندگی دانشوران و هنرمندان
92 مقاله زیست شناسی
93 مقاله سرگرمی های ریاضی
94 مقاله سفربه فضا
95 مقاله فرهنگ نویسی
96 مقاله فیزیک
97 مقاله گاهشماری
98 مقاله نقد دانشگاه
99 مقاله نقد قانون تربیت معلم
100 هندسه آسان برای سال پنجم دبستان
101 هندسه آسان برای سال چهارم دبستان
102 هندسه آسان برای سال سوم دبستان
103 هندسه آسان برای سال ششم دبستان
104 هندسه آموزش نظری سال اول
105 هندسه برای سال اول دبیرستان ها
106 هندسه برای سال اول دبیرستان ها
107 هندسه برای سال پنجم دبیرستان ها
108 هندسه برای سال پنجم ریاضی
109 هندسه برای سال چهارم ادبی
110 هندسه برای سال چهارم ادبی دبیرستان ها
111 هندسه برای سال چهارم دبیرستان ها
112 هندسه برای سال چهارم ریاضی
113 هندسه برای سال دوم دبیرستان
114 هندسه برای سال دوم دبیرستان ها
115 هندسه برای سال سوم دبیرستان ها
116 هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
117 هندسه ترسیمی و رقومی برای سال ششم ریاضی
118 هندسه ترسیمی و هندسه رقومی
119 هندسه چهارم طبیعی
120 هندسه سال اول آموزش متوسطه عمومی علوم تجربی و ریاضی
121 هندسه سال پنجم ادبی و طبیعی
122 هندسه سال چهارم ریاضی
123 هندسه سال دوم دبیرستان
124 هندسه سال سوم
125 هندسه مسطحه برای سالهای 1و2 دبیرستان های دختران
126 هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها

127 هندسه و رسم برای سال اول دبیرستان ها
128 هندسه و رسم برای سال دوم دبیرستان ها
129 هندسه و رسم برای سال سوم دبیرستان ها
130 هندسه و مخروطات برای سال ششم ریاضی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 5، ش 4، ص 10 -1)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370 /1).
/http://iranologyfo.com

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(440 -362 ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیارکیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال 387 ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از 113 کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفة اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئة»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیة»؛ «الجماهر فی معرفة الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنة فی صنعة لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[1]
(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) 362 ه.ق./ 973 م.- ف. غزنین 440 ه.ق./ 1048 م.) وی اوایل

عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (408 ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (206 -205 /6)، اعیان الشیعه (65/9)، تاریخ در ایران (21 -20)، تاریخ ادبیات در ایران (342 -337 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (271 -254)، تاریخ گزیده (690 -689)، تاریخ موسیقی (154/1)، الذریعه (5/22، 27/17، 132/5، 7 -6 /1)، روضات الجنات (336 -334 /7)، ریحانه (119 -114 /7)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (197 -176)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (327 -35 /1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (28 -21)، فلاسفه‌ی شیعه (403 -380)، کشف الظنون (1065، 1126، 1314، 1385، 1434، 1437، 1594، 1622، 1784، 907، 771، 594، 488، 463، 424، 403، 345، 81، 79، 70، 9)، الکنی و الالقاب (80 -78 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (180/17)، معجم المؤلفین (242 -241 /8)، نامه‌ی دانشوران (82 -61 /1)، هدیة العارفین (66 -65 /2).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 696 -680 ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافیه»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (248/4)، بزرگان نامی پارس (281 -274)، تاریخ ادبیات در ایران (1209، 228، 223 -222، 218 /3)، تاریخ گزیده (706)، تاریخ نظم و نثر (140 -139)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (518 -517 /1)، دایرةالمعارف فارسی (490/1)، الذریعه (192/24، 179 -178 /23)، روضات الجنات (130 -127 /5)، ریحانه (306/1)، شیرازنامه (182)، طرائق الحقائق (666 -662 /2)، فارسنامه‌ی ناصری (118/1)، کشف الظنون (1959، 188 -186)، الکنی و الالقاب (113/2)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (400/13، 98 -97 /6)، نامه‌ی دانشوران (151 -137 /8)، هدیة الاحباب (111 -110)، هدیة العارفین (463 -462 /1)، یادداشتهای قزوینی (15 -13 /2).

بیغمی، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نویسنده. مشهور به بیغمی. از زندگانی و احوال او اطلاعی در دست نیست و از روی قراینی که از اثرش به دست می‌آید، می‌توان او را از داستانگزاران زمان خود دانست که داستان کهنه‌یی را درباره‌ی فیروز شاه نامی از پهلوانان که پسر ملک داراب معرفی شده، در حفظ داشت و آن را در حضور گروهی حکایت یا املاء کرد و کاتبی به نام محمود دفتر خوان آن را می‌شنید و یادداشت می‌کرد. مولانا این داستانها را از قصاصان دیگر گرفته بود و به نام همان راویان یا گویندگان نقل می‌کرد. حاصل این داستانها اثری شد به نام «دارابنامه» که ترجمه آن به عربی به نام «سیرة فیروز شاه بن ملک داراب» در مصر طبع شده است.[1]
مولانا شیخ حاجی محمد بن شیخ احمد بن مولانا علی بن حاجی محمد طاهری (طامری) از داستانسرایان قرن هشتم و قرن نهم، مؤلف و مدون داراب‌نامه (2- داراب نامه.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (519 -517 /4)، تاریخ نظم و نثر (758)، دارابنامه (مقدمه)، گنج و گنجینه (500 -486)، مؤلفین کتب چاپی (299/5).

بیگدلی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین بیگدلی در سال 1297، در خمسهٔ زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور 1320 ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال 1377 در سن 88 سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسهٔ زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور 1320 ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.
خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم

توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»
وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.
زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال 1377 در سن 88 سالگی ،
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.
جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. ----------
---
آثار :
1 ادب خزینه
ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.
2 تاریخ بیگدلی ـ شاملو
ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از 1200 صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از 80 شاعر). ط) جلد نهم ، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.
3 تصحیح دیوان آذر بیگدلی
ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

4 تصحیح شهریار نامة عثمان مختاری غزنوی
5 جمشید و خورشید
ویژگی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .
6 چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامة نظامی
ویژگی اثر : این اثر در سال 1369 در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.
7 دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی
8 دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو
ویژگی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.
9 کهله یه سلام (به زبان ترکی)
10 گذر عمر
ویژگی اثر : مجموعه اشعار
11 لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخة غازان)
ویژگی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . ----------

منابع :
1اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره 54 ، ص 6812ماهنامه کلک ، شماره 97 ، شهریور 1377 ، ص121

بیگم

قرن:12
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سوم ربیع‌الاول 1164 ق، از زنان عالم، ادیب و شاعر. وی دختر میرزا محمدصالح حسینی خلیفه سلطانی بود. این بانو در اصفهان درگذشت و در امامزاده اسماعیل این شهر دفن شد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: تذکرةالقبور، 34؛ رجال اصفهان، 179.

بینش، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق، مصحح.
تولد: 1300، مشهد.
درگذشت: اسفند 1374، تهران.
تقی بینش، فرزند علیرضا رکن‌التولیه (از خاندان نقیب)، پس از تحصیلات مقدماتی، تحصیلات عالیه‌ی خویش را در فیزیک، ادبیات و موسیقی عالی و نظری تداوم بخشید. پس از فراغت از تحصیل به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی معارف اسلامی و ادب فارسی پرداخت و از محضر اساتیدی چون دکتر علی‌اکبر فیاض، استاد محمدتقی مدرس رضوی و ادیب هروی استفاده برد.
تقی بینش صاحب مقالات و رسالاتی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. او مدیریت نشریه «فرهنگ خراسان» را نیز بر عهده داشت.
وی همچنین نزد استاد علی‌اکبر شهنازی و سلیمان روح‌افزا به فراگیری موسیقی علمی و نظری پرداخت. از جمله فعالیت‌های تقی بینش، نسخه‌شناسی موسیقی بوده است.
از جمله آثار تقی بینش تصحیح کتب مختلف در زمینه نظم و نثر فارسی و ادب عربی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: کتاب المصادر زوزنی (دو جلد)؛ دیوان ظهیرالدین فاریابی؛ دیوان شمس طبسی؛ دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی؛ شمارنامه‌ی حاسب طبری؛ کتاب نتیجه الدوله؛ کتاب الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی (عربی)؛ تصحیح مقاصد الالحان و جامع الالحان عبدالقادر مراغه‌ای (کتاب جامع الالحان برنده‌ی جایزه‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی شده است)؛ رساله بنایی به اتفاق دکتر داریوش صفوت؛ «شرح ادوار» عبدالقادر مراغه‌ای همراه با متن عربی «الادوار» صفی‌الدین ارموی؛ سه رساله فارسی درباره موسیقی؛ بخش موسیقی دانشنامه‌ی علایی ابن سینا؛ کنز التحف؛ ترجمه‌ی رساله‌ی موسیقی ایران. مقالاتی از وی نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.
تقی بینش در دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و مجتمع آموزش عالی سوره تدریس می‌نمود و با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه ایرانیکا و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی همکاری داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 565 -490 ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[1]
ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. 565 ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفةالکرة و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومیة.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (101/5)، ایضاح المکنون (714، 563، 552، 503، 486، 469، 450، 430، 398، 303، 234، 222، 184، 144، 115، 98، 83، 60، 2/ 599، 566، 548، 466، 462، 406، 373، 363، 326، 300، 250، 232، 192، 180، 154، 130، 125، 123، 107، 97، 92

83، 74، 66، 65، 53، 36، 3 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (996 -993 312، -311 /2)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (17 -16)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمة (مقدمه و 72 -71)، دائرةالمعارف الاسلامیة (431/4)، الذریعه (184 /21، 114 -113 /7، 149 /4)، ریاض العلماء (38/7)، ریحانه (335 -334 /4)، سبک‌شناسی (366 -364 /2)، سرآمدان فرهنگ (62 -61 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 190 -189 /6)، کارنامه‌ی بزرگان (119 -118)، کشف الظنون (2050، 2011، 2007، 1895، 1686، 1514، 1438، 1361، 1200، 1101، 1100، 821، 747، 634، 609، 289)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (258 -257 /4)، معجم الادباء (240 -219 /13)، معجم المؤلفین (97 -96/7)، هدیة العارفین (700 -699).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(470 -385 ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث‌آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال 440 ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال 443 ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال 470 ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون‌تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینة الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است.[1]
ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث‌آباد بیهق 358- ف. 470 ه.ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان عزالدوله عبدالرشید (جلوس 440) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال 44 که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان درگاه را در قلاع محبوس ساخت.از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به

سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینة الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (332 -331 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (892 -890 /2)، تاریخ بیهق (178 -175)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (31 -29)، تاریخ غزنویان (9 -8)، تاریخ نظم و نثر (65 -64)، دایرةالمعارف فارسی (497/1)، سبک‌شناسی (91 -66 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 164 -163 /5)، گنج و گنجینه (92 -84)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (417 -416 /5)، معجم المؤلفین (237/9)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 470)، نام‌آوران فرهنگ (151 -150)، الوافی بالوفیات (20/3)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (675/2)، معجم الادباء (141 -140 /6)، معجم المؤلفین (264/2).

بیهقی، ابوجعفر احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 544 -470 ق)، محدث، فقیه، مفسر و ادیب. معروف به بوجعفرک. وی اهل نیشابور بود. گروهی از نجبا همصحبت وی بودند و جماعتی نزد وی دانش فراگرفتند. او از ابونصر احمد بن محمد بن صاعد قاضی و ابوالحسن علی بن حسن بن عباس صندلی واعظ و دیگران سماع حدیث داشت. تاج‌الدین محمود بن ابی‌المعالی خواری، در مقدمه‌ی کتاب «ضالة الادیب» می‌آورد که احمد بن علی بیهقی در ادب و قرائت امام بود و کتاب «صحاح» جوهری، در لغت را، پس از قرائت بر ابوالفضل احمد بن محمد میدانی، حفظ کرد. از جمله‌ی تألیفات او: «المحیط»، در لغات قرآن؛ «ینابیع اللغة»؛ «تاج المصادر»، در لغت عرب؛ کتاب «المحیط بعلم القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (321 -320 /2)، دایرةالمعارف فارسی (497/1)، روضات الجنات (270/1)، سیر النبلاء (208/20)، کشف الظنون (2052 -1619، 269)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن علی)، معجم الادباء (51 -49 /4)، معجم المؤلفین (4/2)، الوافی بالوفیات (215 -214 /7)، هدیة العارفین (84/1).

بیهودی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شهادت پس از 1300 ق)، ادیب و شاعر. وی منسوب به بیهود از توابع قاین است. در قاین و سپس در مشهد به تحصیل پرداخت، آنگاه راهی نجف شد و تحصیلاتش را نزد استادان عصر، از جمله علامه شربیانی به پایان برد و بر اقران پیشی گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از آن به دیار خویش بازگشت و به نشر حقایق اسلامی و اجرای قوانین کیفری اسلام پرداخت. وی با صوفیان طاووسیه زادگاهش به مقابله برخاست و این تقابل آنان را به خشم آورد تا حدی که شبانه به خانه‌اش درآمدند و او را در حالی که خفته بود با ضربات چاقو مجروح و سپس خفه کردند و همسر حامله‌اش را نیز با او کشتند و اموالش را به غارت بردند. وی در هنگام مرگ شصت ساله بود. از او «دیوان» شعری باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (33/5)، بزرگان قاین (136 -135)، شهیدان راه فضیلت (540 -539)، معجم المؤلفین (246/2).

پا قلعه‌ای، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا زین العابدین خاتون آبادی. عالم فاضل، در ریاضیّات و هیئت و نجوم مهارت اشته و در اصفهان، فارسی هیئت تدریس می‌نموده.
مادرش دختر میرزا احمد نیریزی خطّاط معروف است.
در سال 1360 وفات یافته، در اطاق غربی تکیه ی خاتون آبادی مدفون گردید.
مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و تاریخ وفاتش گوید:
آن که بُد زنده روانش ز تولاّی علی
وان که شد سرخوش و سر مشت ز صبهای علی
حاج سید اسداللّه که در مدّت عمر
همچو عمّار بُد او واله و شیدای علی
بود هم عالم و هم زاهد و همن روشندل
دل او طور و منوّر ز تجلاّی علی
بهر تاریخ وفاتش زِ وفا گفت حسام
شد بهشتی اسد اللّه ز اعطای علی
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: 1288، تویسرکان.
درگذشت: 2 فروردین 1369، تهران.
عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا» فرزند شیخ محمدرحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رساند. سپس به تکمیل معلومات خود نزد استادان فن به تحصیل پرداخت.
پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسه عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود، سپس به شرکت بیمه ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسئولیت مجله‌ی «بیمه» و فعالیت در اداره‌ی انتشارات و مطبوعات بیمه‌ی ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال 1315 تا 1319 منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای 1332 نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهبد اردشیر زاهدی (نخست وزیر) بود.
فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال 1309 آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجله‌ی «معارف» و روزنامه‌ی «کرمانشاه» را به عهده داشت. با نام‌های «گل آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های 28 مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان صعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.
پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآودن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجله‌ی «گوهر» از سال 1352 تا 1357 به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هرچند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و

«گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به وسیله پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.
فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ دیوان شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ دیوان رضی‌الدین آریتمانی؛ تصحیح دیوان عنصری؛ تاریخ تویسرکان؛ فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار تهران؛ تصحیح مقدمه و چاپ قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری؛ رساله در شرح حال خاقانی و رساله در معرفت النفس و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی، مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب رجال قم و بحثی در تاریخ آن. کتابی نیز درباره‌ی تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.
(1369 -1288 ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به مجنون. در تویسرکان متولد شد. پدر وی از شاعران و ادیبان نامور بود. پارسا علوم ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و مازندران و تهران به پایان برد. از آن پس چندی آموزگار و مدتی رییس تحقیق امنیه‌ی غرب بود و سپس به شرکت بیمه‌ی ایران منتقل شد. از سال 1315 تا 1319 ش منشی و نایب رییس انجمن ادبی و عضو دایمی و عضو هیأت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پارسا شاعری اجتماعی و غزلسرا بود. غزل را نیکو می‌سرود و در ساختن قطعه و رباعی توانایی داشت. آثارش در مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ می‌شد. از آثار او: تصحیح و چاپ «دیوان» شاهزاده افسر سبزواری؛ تصحیح و چاپ «دیوان» رضی‌الدین آرتیمانی؛ تصحیح «دیوان» عنصری؛ «تاریخ تویسرکان»؛ «تحریر هزار صفحه فهرست کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار تهران»؛ تصحیح و چاپ «قیصرنامه» ادیب پیشاوری و همچنین مقالات متعددی در مجلات ادبی که به چاپ رسیده است. یکی از کارهای مهم و قابل توجه پارسا به نظم درآوردن حکایتهای آموزنده و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در دوره‌ی شش ساله‌ی مجله‌ی «گوهر» به چاپ رسیده است. «دیوان» اشعار او حدود ده هزار بیت است که تاکنون به چاپ نرسیده است.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (713 -708/ 2)، کیهان فرهنگی (س 7، ش 2، ص 56)، گلزار معانی (244 -242/ 1).

پارسا، داوود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
داوود پارسا
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/4/1
زندگینامه علمی
پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال 1355 و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیک (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال 1357 انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.
در سال 1357 در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال 1358 وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه 14 تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال 1352 به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.
در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال 1361 و سپس هجرت به قم در سال 1362 و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.
ادبیات را نزد اساتید : علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل ، محمدی ، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام : وحید خراسانی، فاضل ، آشیخ جواد تبریزی ، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیةالله جوادی آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از

دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم وتربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.
از سال 1369 به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شیهد بهشتی و خواجه نصیر الدین و شیهد مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی(ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

پارسای، فرخ دین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1307 ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. از مردم تهران بود. پدرش از نوادگان ملا احمد نراقی و از طلاب بود. پارسای تحصیلات ابتدایی را در مدارس افتتاحیه و شرف و ادب تهران به پایان رساند و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به کربلا و نجف رفت و در محضر آیت الله یزدی و آخوند خراسانی به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به تهران به جرگه‌ی مشروطه‌طلبان پیوست و در کمیته‌ی جهانگیر نام‌نویسی کرد. فعالیتهای عمده‌ی وی در زمینه‌ی نشر روزنامه و خبرنگاری بود، چنان که مدتی با سمت خبرنگاری در روزنامه‌های «پلیس تهران»؛ «نوبهار مشهد»؛ «راه نجات اصفهان»؛ «مظفری بوشهر»؛ «کمال همدان» و «رعد» خدمت کرد و همچنین برای اداره‌ی روزنامه‌ی «نوبهار» با ملک الشعرای بهار همکاری داشت. علاوه بر اینها، وی مجله‌ی «جهان زنان» را با مدیریت همسرش، خانم فخر آفاق پارسا، و پس از آن مجله‌ی «عصر جدید» را با کمک نظام‌الدین نوری تأسیس کرد. مدتی در غیاب شیروانی اداره‌ی روزنامه‌ی «میهن» را (بعد از شهریور 1320 ش) به عهده داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (35 -32 /4، 318- 317، 185 -181 /2)، زنان روزنامه‌نگار (116 -114)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (159 -158 /2).

پارسی نژاد، ایرج

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : ایرج پارسی نژاد درسال 1317 در شهر آبادان دیده به جهان گشود. وی بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و فوق لیسانس خود را در رشته زبان شناسی از همان دانشگاه اخذ نمود، وی برای ادامه تحصیل به انگلستان سفر کرد و با اخذمدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس تدریس در دانشگاه مطالعات توکیو را به مدت 17 سال شروع کرد. بعد از بازنشستگی و عزیمت مجدد به آمریکا در دانشگاه ucla به تدریس مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی به زبان انگلیسی را آغاز نمود. از وی آثار متعددی به جامانده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ایرج پارسی نژاد پس از پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ،برای ادامه تحصیل در رشته ادبیات به تهران می آید و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس زبان شناسی دانشگاه تهران می شود.شوق تحصیل اما ماجرای تحصیلات پارسی نژاد را به این مختصر ختم نمی کند و او را ترغیب به عزیمت به انگلستان می کند.او به دانشگاه آکسفورد می رود تا در رشته ادبیات تطبیقی ادامه تحصیل دهد.پارسی نژاد موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه آکسفورد انگلیس می شود
استادان و مربیان : از استادان ایرج پارسی نژاد می توان به استاد زرین کوب اشاره کرد.
فعالیتهای آموزشی : ایرج پارسی نژاد پس از اخذ مدرک دکترای خود وارد توکیو شد و به مدت 17 سال شروع به تدریس در دانشگاه مطالعات خارجی گردید. وی سخنرانی های متعددی در مراکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران داشت. پس از بازنشستگی عزیمت به آمریکا کرد و تدریس « مروری بر ادبیات کلاسیک فارسی» به زبان انگلیسی در دانشگاه ucla را آغاز نمود.
آرا و گرایشهای خاص : ، آرای ایرج پارسی نژاد هم در مورد اهمیت نقد ادبی در تاریخ ایران روشن تر می شود. به نظر او نقد جدید فقط ابزاری برای بهبود ادبیات فارسی نیست، امری که آن را از نقد پیش از قرن نوزدهم جدا می کند که چیزی جز تملق گویی و تعریف و تکذیب شخصی

نبود، بلکه پیشرفت سیاسی و اجتماعی مملکت نیز پیوندی استوار داشت. به گمانم او نقد ادبی حاصل «مبارزه اجتماعی ـ انتقادی روشنفکران ایران با استعداد قرن نوزدهم » بود چون ادبیات در شکل گیری فرهنگ ایرانی سهم به سزایی داشته و دارد و «تفکر ادبی، که محصول نگرش عقلایی است، پیش از هر چیز بر ضد نهادهای سیاسی و اقتصادی حاکم دست به اعتراض می زند». پارسی نژاددر تأیید ارتباط میان نقد و پیشرفت مملکت در مقامی مناسب به قول طالبوف استناد می کند: «اگر در اعمال و اقوال دایره منافع ملی«کریتیکه»، یعنی تشریح معایب و محسنات، نباشد در آن ملت ترقی نمی شود».او معتقد است مبحث «نقد ادبی جدید» با آنچه در سنت ادبی فارسی در این زمینه وجود دارد از بنیاد متفاوت است: «آثاری که به عنوان مباحث انتقاد ادبی از گذشتگان ما به جا مانده، همچنان که استاد زرین کوب یاد کرده، یا از نوع «نقد ذوقی» است که شاعران از سر ذوق به کنایه و تعریض به خرده گیری از یکدیگر پرداخته اند، مانند اشاره انتقادی فردوسی به ناتندرستی شعر دقیقی و نکته گیری های عنصری و غضائری از یکدیگر و یا از مقوله «نقد فنی» است که در کتاب های بلاغت و بدیع و قافیه از مقدمات ظاهری کلام سخن رفته. مانند ترجمان ابلاغی از محمد بن عمر رادویانی و حدائق السحر از رشید وطواط و چهار مقاله نظامی عروضی و لباب الالباب محمد عوفی و المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی. اما در همه این آثار کمتر نشانی از تحلیل موضوع و قضاوت درباره ارزش ذاتی آثار ادبی دیده می شود.»

چگونگی عرضه آثار : ایرج پارسی نژاد نوشتن را به جد و جهد از دوران دبیرستان آغاز کرده و از همان آغاز نیز گرایش نقد ادبی داشته است.زنده یاد سیروس طاهباز که او نیز متولد آبادان بود، از تأسیس انجمن ادبی دبیرستان رازی آبادان یاد می کرد که مهم ترین کار آن تهیه یک روزنامه دیواری بود و ایرج پارسی نژاد با آن همکاری داشت. ایرج پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر تدریس پیوسته،ازنگارش مقالات متعدد در حوزه ادبیات و زبان شناسی در نشریات تخصصی ادبیات نیز غافل نمانده و همچنین ارتباط پیوسته اش با مراکزآکادمیک ، نشریات تخصصی و همکارانش در حوزه ادبیات در ایران را حفظ کرده و هر از چند گاهی برای کارهای تحقیقی و پژوهشی به ایران می آید. پارسی نژاد در این سال ها علاوه بر حفظ پیوند هایش با جریان نقد ادبی در ایران،از تحقیق و مداقه در وضع ادبیات کلاسیک ایران در خارج از ایران نیز غافل نمانده و به نقد آنان نیز پرداخته است.از آن جمله است دیدگاهی که او درباره ترجمه امروزین آثارمولانا در آمریکا دارد: «کلمن بارکس برای آن که شعر مولانا را با ذائقه زمانه تطبیق دهد و آن را باب روز بازار آمریکا بگرداند، مضامین عرفانی آن عارف آزاده را از خاستگاه تاریخی و اجتماعی او جدا می کند و

آن را با فرهنگ دنیای معاصر تطبیق می دهد . بارکس به جای آن که مفهــوم « عشق » در مثنوی را ، همان گونه که هست باز نمایــد، دست به تحریف آن می زند . در سرآغاز فصل ششم زیر عنوان « مهارتمنیات جسمانی » وانمود می کند که در طریق تصوف، برآوردن امیال نفسانی، مرحله ای از وصول به حق و رسیدن به عشق الهی است!

آثار :

1 تاریخ نقد ادبی در ایران

ویژگی اثر : پارسی نژاد ترجمه ای از کتاب روشنگران ایرانی را با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران» از سوی انتشارات آیسبک در واشنگتن منتشر کرده و هم اکنون در تدارک جلد دوم «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» است.در جلد نخست این کتاب تا هدایت مورد بررسی و پژوهش قرارگرفته بود و جلد دوم اختصاص دارد به دوره هدایت تا روز گار ما. »

2 ترجمه به انگلیسی«تاریخ نقد ادبی در ایران ????-????»

ویژگی اثر : انتشار آن از سوی IBEX در مریلند آمریکا

3 روشنگران ایرانی و نقد ادبی در دو جلد

ویژگی اثر : اما یکی از مباحثی که سال هاست به موضوع اصلی نقد ها و نوشته های پارسی نژاد بدل شده، همانا تاریخ نقد ادبی در ایران است.مبحثی که عنوان مهم ترین کتاب او نیز هست. «روشنگران ایرانی و نقد ادبی» اثری تحقیقی از ایرج پارسی نژاد پیرامون شکل گیری جریان نقد ادبی به همت نویسندگان و منتقدانی است که انتشارات سخن مسئولیت چاپ و توزیع آن را به عهده دارد.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پازارگاد، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1317 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در مدرسه‌ی نظامی به تحصیل فنون نظامی پرداخت و سپس به تدریس علوم طبیعی و ریاضی در دوره‌ی متوسطه مشغول شد و مدیریت مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه‌ی فارس نیز به او محول گردید. وی مؤسسه‌ی ورزش و باشگاه فوتبال و پیشاهنگی را تأسیس کرد، و به علت آشنایی با علم موسیقی و نت اروپایی سرودهای وطنی که برخی از آهنگهایش نیز ساخته خود او، و بعضی مطابق نغمه‌های اروپایی بود، برای محصلان ساخت. پازارگاد با گرفتن امتیاز مجله‌ی «پازارگاد» یک سال و نیم به انتشار این مجله در شیراز پرداخت، و روزنامه‌ی «خورشید ایران» را که قبلا در سال 1302 ش منتشر کرده و در سال 1303 ش توقیف شده بود، مجددا در سال 1321 ش انتشار داد. پازارگاد، علاوه بر نشر روزنامه و مجله، کتابهایی را هم منتشر کرد. برخی از آنها عبارت‌اند از: «سرود و ورزش»؛ «پنج قصیده»؛ «میکروسکوپ و میکروسکوپی»؛ «تعلیم و تربیت پیشاهنگی- اصول پیشاهنگی»؛ «آینده‌ی باختر»؛ «تاریخ فلسفه‌ی سیاسی»؛ «مکتبهای سیاسی»؛ «فلسفه‌ی نوین تاریخ»؛ «باده‌ی بی‌خمار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (2/ 255- 256)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (1/ 528- 541)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (3/ 92- 94)، سخنوران نامی (1/ 60- 69)، سخنوران نامی معاصر (2/ 714- 720)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 121- 126).

پازارگادی، علاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1292 ش)، نویسنده و مترجم. از مردم شیراز است. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در شیراز به انگلستان رفت و موفق به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی تاریخ عمومی و فوق لیسانس در رشته‌ی تعلیم و تربیت شد. پس از دریافت درجه‌ی فوق لیسانس رشته‌ی علوم سیاسی و اقتصادی از دانشگاه آکسفورد به آمریکا رفت و در رشته‌ی تعلیم و تربیت دکترا گرفت. دکتر پازارگادی پس از بازگشت به ایران به امر تدریس پرداخت. برخی از آثار او: «انشاء انگلیسی»؛ «پیروزی در دست من»؛ «دستور زبان انگلیسی»؛ «گرامر زبان انگلیسی»؛ «یک بحث جدی درباره‌ی خنده و شوخی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (160/2)، مؤلفین کتب چاپی (84 -82 /4).

پاشایی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی پاشایی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
محمد تقی پاشایی در فروردین سال 1337 هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال 57 موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال 58 جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهرری ادامه تحصیل داد و از سال 64 تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاک نیا، عبدالکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالکریم پاک نیا
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
او در سال 1341 در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال 1354 بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید،وارد حوزه علمیه شد.پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را،از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه،صادقیه،حسن پادشاه و حاج صفر علی،فرا گرفت.با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران،در 29 بهمن 1356 در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل،و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست.بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال 1359 برای تکمیل تحصیلات خود در عرصهٔ علوم اسلامی،به شهر مقدس قم هجرت کرد.کتاب های مطوّل،حاشیه ملا عبد الله،شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ کریم ملاّئی تبریزی خواند.
درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی،شیخ مصطفی اعتمادی،آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت.
درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی،شیخ حسین وحید خراسانی،شیخ حسین نوری،سید موسی زنجانی،شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال 1371 به تدریس ادبیات،معانی و بیان ، منطق ، فلسفه مقدماتی،فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت.همچنین از سال 1366 تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در 15 استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است.بالاخره در کنار این

اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی،تاریخی،تربیتی و اخلاقی- که بیشترین علاقه را داشت- صرف نمود.در این راستا،از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله،توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است.مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از:سیره و سخن پیشوایان معصوم(ع)،مناسبت های مذهبی،شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام،اندیشه های اهل بیت(ع) در مسائل اخلاقی ، عقیدتی ، تربیتی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی،مقالات قرآنی ، یاران اهل بیت(ع) و غیره.

پاکپور، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی پاکپور
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال 1363 دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم.
سال 64 برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال 73 دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم.
در طول سال 85 با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

پاکدل، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن فرزند حاج میرزا عباس پاکدل از فضلاء و ائمه جماعت و مدرسین معاصر شیراز است. وی در سال 1311 شمسی در طبس به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی در سن 17 سالگی به تحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و تفسیر و اخلاق را در مدت هشت سال در حوزه طبس نزد اساتید آنجا مانند حاج شیخ محمد ابراهیم مجتهد نجفی و حاج شیخ محمدعلی امینیان مدرس و حاج شیخ غلامرضا نمائی و دیگران خوانده و بعدا به مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و مدت هفت سال توقف و سطوح عالی را (رسائل و مکاسب و کفایه) و نیز مقداری از تفسیر و فلسفه و معقول و اخلاق را در خدمت حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج میرزا جواد آقای تهرانی و حاج شیخ مجتبی قزوینی و سایرین تحصیل نموده و نیز مقداری از درس خارج آیت‌اللّه میلانی استفاده کرده سپس عزیمت به قم و از محضر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و سایرین بهره‌مند گردیده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و حدود بیست سال در آن بلده طیبه اقامت و پس از مطالعه در دروس آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان فقه و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی را اختیار و پس از شرکت در یکدوره اصول معظم له دیگر فقط به درس فقه معظم‌له حاضر و خود به تدریس سطوح اشتغال و در آن سامان به مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی طوبائی شیرازی، موفق و در سال 1359 شمسی عزیمت به ایران نموده و مدتی در قم اقامت و برای صله ارحام و دیدن بستگان سببی خود به شیراز آمده و با اصرار آنان و دوستان دیگر عزم رحیل مبدل به اقامت و توطن در شیراز شده و پس از استحضار علماء بزرگوار شیراز مخصوص مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و فرزند برومند و فاضلش حاج شیخ مجدالدین محلاتی ابراز خرسندی کرده و محل نمازش مسجد مولا را واگذار و به اقامه جماعت در آنجا در شبها و تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در ظهرها در مسجد ساجدین دروازه کازرون امامت نموده و مسئولیت و اداره تدریس دو حوزه علمیه شیراز را به عهده گرفته و آنها از این قرار است:
1- حوزه علمیه امام رضا علیه‌السلام مدرسه مقیمیه و مسجد مشیرالملک و مکتب مقدس حضرت زهرا علیهاالسلام به تدریس سطوح عالی اشتغال

دارند.
2- حوزه علمیه امام سجاد علیه‌السلام و مدرسه آقا قاسم مشغول می‌باشند.
مرحوم والدش حاج میرزا عباسعلی نیز از روحانیون خدمتگزار طبس و مورد وثوق و اعتماد و اطمینان مردم آن سامان بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پاکدین، کامل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کامل پاکدین
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/1
زندگینامه علمی
بنده از سال 1359 بمدت 12 سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا" چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پایانی اردبیلی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عمده الفضلاء الفخام و العلماء الاعلام آقای حاج شیخ احمد پایانی در سال 1346 قمری در شهرستان اردبیل متولد شده و بعد از اتمام فارسی و طی مقدمات در مدرسه ملا ابراهیم اردبیل در سال 1366 به قم آمده و سطوح عالیه را نزد اساتید معظم قم خوانده و خارج مکاسب را از مرجع عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر شده و یک دوره درس خارج اصول مرحوم آیت‌الله آقا سید محمد محقق یزدی معروف به داماد را فراگرفته و اکنون به تدریس فقه و اصول و مباحثات خصوصی اشتغال دارند.
وی از فضلاء متین و مدرسین خلیق و باتقوای حوزه علمیه است که علم خود را با حلم و ورع قرین ساخته است.
عالم علوم دینی.
تولد: 1296(5 رمضان 1346 ق.)، اردبیل.
درگذشت: 6 اسفند 1375، قم.
آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فراگرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده سالگی به مدرسه علمیه‌ی ملا ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال 1366 ق. به مقصد ادامه‌ی تحصیل به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایة الاصول را هم در درس آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی فراگرفت.
آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامه‌ی تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیه ملا عبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال 1370 ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درسهای فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی عملی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسه دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.
آیت‌الله پایانی به غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم رخت سفر برمی‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمائی مردم و اقامه جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازه‌ی نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.
تألیفات ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ فهرست جامع الشتات میرزای قمی؛ شرح مکاسب به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ حاشیه کفایة الاوصل؛ حاشیه‌ی مکاسب (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالة فی احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری به چاپ رسیده؛ «رسالة فی بیع الفضولی» که در مجموعه مقالات کنگره‌ی محقق اردبیلی به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در کلاس درس مکاسب (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد، نوشته آقای رضا محمودی)؛ در محضر شیخ انصاری (نوشته جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه جلد شرح گشته و همه آنها نیز به چاپ رسیده است.)
آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یک شنبه ششم اسفند ماه 1375 در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد- که در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پاینده غزنوی، حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نویسنده و مترجم. وی قسمتی از کتاب «بابرنامه» را از زبان جغتایی، در 994 ق ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (816).

پاینده، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار، داستانسرا، مترجم.
تولد: 1292، نجف‌آباد.
درگذشت: 18 مرداد 1363.
ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال 1301 تا 1309 به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.
خدمت مطبوعاتی خود را از سال 1308 در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغار کرد. از سال 1311 به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال 1321 مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال 1330 انتشار داد. ضمنا با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.
ابوالقاسم پاینده در سال 1336 به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، 1349)؛ تاریخ طیری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، 1352)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، 1333)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، 1318)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروآ، 1319)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، 1313)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، 1317)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، 1344)؛ تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، 1344)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: 1326)؛ سخنان محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، 1318)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، 1335).
در سال 1326 به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف‌آباد بود.
ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از 1320 اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی

می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان قاتل (اصفهان، 1313)؛ در سینمای زندگی (مجموعه داستان، 1337)؛ دفاع از ملا نصرالدین (1347)؛ جناب آقای دکتر ریش (1348)؛ مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر (1357)؛ داستان‌های برگزیده (1352)؛ و ظلمات عدالت (1354).از آثار دیگر او می‌توان به دستور نوشتن (اصفهان، 1309) و تمدن اسلام (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.
در 1290 در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از 1320 مستقلاً به انتشار مجله‌ی هفتگی صبا که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی صبا در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی صبا چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.
پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هائی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف‌آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب در آغوش خوشبختی یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان نهج‌الفصاحه از دیگر کارهای علمی

و ادبی او می‌باشد.
مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در 16 مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در 73 سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراث به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پاینده، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر پاینده
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال1344 به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال 1346 به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی 1347 به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایة الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروة الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال 52 که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از

مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال 55 و 56 در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال 1360 : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوة نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پاینده، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود پایندة لنگرودی در سال 1310 خورشیدی در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.استاد سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند. کتاب "فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندة لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود پایندة لنگرودی دورة تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1332 راهی تهران شد و همکاری با مطبوعات را آغاز کرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود پایندة لنگرودی سالهاست که به عنوان گرافیست و خوشنویس به خدمات هنری و فرهنگی اشتغال دارد و روزگار را به پژوهش در فرهنگ و تاریخ سرزمین کهنسال گیل و دیلم سپری می‌کند.
جوائز و نشانها : کتاب "فرهنگ گیل و دیلم " محمود پایندة لنگرودی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 آیین‌ها و باورداشتهای گیل و دیلم
ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران 1355
2 خوئینه‌های تاریخ دارالمرز (گیلان و مازندران)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
3 دکتر حشمت جنگلی
ویژگی اثر : انتشارات شعله اندیشه – 1368
4 فرهنگ گیل و دیلم
ویژگی اثر : امیرکبیر 1367-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده

شده است
5 قیام غریب شاه گیلانی
ویژگی اثر : انتشارات سحر 1357
6 گل عصیان
ویژگی اثر : مجموعة شعر 1336
7 گیلان در شعر شاعران و مجموعة شعر (فارسی)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
8 لیله کوه
ویژگی اثر : شعر گیلکی 1358
9 مثلها و اصطلاحات گیل و دیلم
ویژگی اثر : بنیاد فرهنگ ایران 1352
10 مجموعة مقالات گیلان‌شناسی
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
11 یَه شُو بو شَئوم روخُئونَه
ویژگی اثر : شعر گیلکی – 1358 ----------

منابع :
1www.ketabesal.ir

پرتو شیرازی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1314 /1310 ق)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. وی از جمله آزادیخواهان شیراز بود که در سال 1334 ق و زمان جنگ جهانی اول همراه با دیگر آزادیخواهان شیراز دستگیر شد. پرتو در همین سال روزنامه «اتحاد اسلام» را منتشر ساخت که سبب دستگیری او شد. قبل از دستگیری به مدت 10 ماه در بیابانها متواری بود. پس از دستگیری در منزل شخصی عطاالدوله حبس شد، ولی پس از چندی از زندان فرار کرد و به آباده رفت و پس از اعلان عفو عمومی به شیراز بازگشت. در شیراز چند شماره «روزنامه‌ی ملت» را انتشار داد ولی چون با عدم استقبال مردم رو به رو شد، از روزنامه‌نگاری دست کشید و به خوزستان رفت و در آبادان به خدمت نفت جنوب درآمد. وی سپس به تهران منتقل شد و پس از مدتی به وزارت دادگستری روی آورد و در آنجا مشغول کار شد. از تألیفاتش: «تاریخ عمومی»؛ «رساله‌ی مغناطیسیه»؛ «محاوره فرانسه و انگلیس»؛ «منظومه‌ی منتخب افسانه‌های ازوپ و لافونتن فرانسوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (237/4، 48- 47 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (546 -541 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (161/2).

پرتو علوی، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1281 ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به پرتو. وی در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی اقدسیه به پایان رسانید و سپس وارد دارالمعلمین گردید. وی چندی نیز در عراق و مصر و برلن به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، ابتدا در وزارت دادگستری و سپس در راه‌آهن اشتغال یافت و مدتی نیز به تدریس ادبیات و زبان خارجه در هنرسرای عالی مشغول شد. پرتو در سالهای ملی شدن صنعت نفت به صف مبارزان علیه شرکتهای استعماری پیوست، و در این راه زندانی هم شد. او در شعر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت و هنر خود را در خدمت راهنمایی و ارشاد مردم به کار می‌گرفت. از آثار وی: «خودآموز و گرامر آلمانی»؛ «راست و نو»؛ «زندگی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «بانگ جرس»، در شرح مشکلات «دیوان» خواجه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (163/2)، سخنوران نامی معاصر (733 -729 /2)، مؤلفین کتب چاپی (883 -882 /3).

پرتوی آملی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف.
تولد: 1296، آمل.
درگذشت: خرداد 1367.
مهدی پرتوی آملی تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر و دوره متوسطه را در بابل و ساری و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا به پایان رساند و از شهریور 1316 در دبیرستان پهلوی ساری به تدریس مشغول شد و سپس به نظامت و ریاست دبیرستان منصوب گردید. مدت پنج سال در این سمت خدمت کرد و بعد ریاست فرهنگ شهرهای بابل و انزلی و چند بخش فرهنگ تهران را به عهده داشت. او چندی نیز به تدریس پرداخت و مدت ده سال رایزنی فرهنگی در عراق را بر عهده داشت. تألیفات چاپ شده او عبارتنداز: فرهنگ عوام آمل، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم (دو جلد).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پرور، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل پرور
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1362 پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال 1375 توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی- شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پروین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری، ملقب به شمس‌الحاجیه از زنان فاضل، ادیب و شاعر. وی ربیبه‌ی حاج میرزا حبیب خراسانی (1327-1266 ق)، از علما و شعرای معروف خراسان بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب می‌گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت. از اشعار اوست:
وصل یار و فصل فروردین خوش است
طرف جوی و لاله و نسرین خوش است
خوش نباشد هر خطی در هر لبی
گرد آن لب آن خط مشکین خوش است
بر گلستان رخت شب تا سحر
همچو بلبل ناله پروین خوش است[1]
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر. ملقب به شمس الحاجیه. وی نادختری حاج میرزا حبیب خراسانی بود. پروین بسیاری از اشعار میرزا حبیب را جواب گفته است. او در سن بیش از هفتاد سالگی درگذشت.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] منبع: صد سال شعر خراسان، 167.
[2] صد سال شعر خراسان (167)، مشاهیر زنان (44 -43).

پروین گنابادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1282 در خراسان متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس قدیم مشهد گذرانید و از محضر دانشمندان بزرگی مانند ادیب نیشابوری استفاده کرد. در ادبیات فارسی و عربی سرآمد اقران شد. کار اداری خود را از معلمی آغاز نمود و مدت‌ها بدین شغل اشتغال داشت. ریاست چند دبیرستان و دانشسرای مشهد با او بود. در 1322 از طرف مردم سبزوار به نمایندگی مجلس انتخاب گردید و جزء نمایندگان دوره‌ی چهاردهم قرار گرفت. در آن مجلس فراکسیون‌های مختلفی به وجود آمد، از جمله فراکسیون حزب توده که هشت عضو داشت و محمد پروین گنابادی به لحاظ مردم‌دوستی و عواطف شدید اجتماعی و به خیال اینکه آن حزب مدافع زحمتکشان است، به آن فراکسیون پیوست. فراکسیون حزب توده ماجراهای زیادی در مجلس آفرید. مشاجرات تندی بین اعضای آن و بعضی از نمایندگان و اعضای دولت در تمام مدت عمر مجلس چهاردهم وجود داشت، ولی گنابادی در این مشاجرات هیچ‌گاه وارد نمی‌شد و فقط در رأی تابع آن بود.
پس از ختم مجلس، از سیاست به کلی گسست و به وزارت فرهنگ بازگشت و از نو به همان کار تدریس اشتغال ورزید، تا عضویت مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا را قبول کرد و تا آخر عمر در آن مؤسسه‌ی علمی اشتغال داشت. در طول عمر خود دست به تألیف چندین کتاب مفید زد و در تصحیح متون کهن تلاش بسیار نمود. ترجمه‌ی مقدمه ابن‌خلدون در دو جلد از کارهای سترگ اوست. کتاب‌های راهنمای مطالعه، پرورش اراده، دستور زبان فارسی، شیوه‌ی نگارش و فن مناظره از آثار دیگر او به شمار می‌رود. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی وی، در 1355 درجه‌ی دکترای افتخاری به او داد. او همیشه از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی را به سختی می‌گذرانید. چون علو طبع داشت، از کسی چیزی قبول نمی‌کرد و با مختصر حقوق بازنشستگی امرار معاش می‌نمود. مردی صالح، زحمتکش و محققی بی‌مدعا بود. حقی که او در تکمیل و تتمیم لغت‌نامه‌ی عظیم دهخدا دارد، بسیار گران است و زحمات هیچ‌کس دیگر شاید به پای زحمات وی نرسد. پروین گنابادی در 1357 در 75 سالگی درگذشت. شاگردان، هواخواهان و ارادتمندانش مجموعه‌ی مقاله‌ای تهیه کرده‌اند و به نام او به خود او تقدیم داشته‌اند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

پروین، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام: علی
شهرت: پروین
محل تولد: تهران
متولد: 1325
فرزند: احمد
قد: 169 سانتی‌متر
شماره پا: 41
رنگ چشم: سبز
فرزند ششم خانواده (دارای 3 برادر و 4خواهر) علی پروین کاپیتان سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس متولد تیرماه 1325 در تهران است
علی پروین [وب‌سایت شخصی] فوتبال را از مقطع جوانان و با تیم کیان شروع کرد. مربی پروین در این تیم منصور امیر آصفی بود. در سال 46 از سوی رایکوف به تیم ملی جوانان دعوت شد و تا پایان دوران حرفه‌ای خود همیشه یکی از بازیکنان ثابت تیم ملی بود. پروین پس از تیم کیان فوتبال را در تیم پیمان ادامه داد اما با انحلال این تیم دوران بازیگری پروین در تیمی که خانه او به شمار می‌رود شروع شد: پرسپولیس خود او در مورد پیوستن به پرسپولیس می‌گوید: یک روز درخانه نشسته بودیم که همایون بهزادی و دکتربرومند به سراغم آمدند و به خاطر آنها با پرسپولیس قرارداد امضا کردم.
پروین در بازی‌های جام‌جهانی 1978 کاپیتان تیم ملی ایران بود. خود او اما بهترین بازی عمر حرفه‌ای فوتبال خود را بازی‌های مقدماتی جام جهانی 1978 می‌داند: بهترین بازی عمرم با استرالیا در پیکارهای مقدماتی جام جهانی1978 بود که در ورزشگاه آزادی برگزار شد و بازی، با پاس گل من (1 بر صفر) به سود ما تمام شد. آخرین حضور رسمی پروین در میادین فوتبال به بازی پرسپولیس و دارایی به تاریخ 27 تیر ماه 1366 بازمی‌گردد.

پرهیزکار، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا پرهیزکار
محل تولد : استهبان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب غلامرضا پرهیزکار دبیرستان را در رشته ریاضی در زادگاهم استهبان به پایان بردم و پس از آن جهت تحصیل درعلوم دینی و در سال 1370؛ به حوزه علمیه قم آمدم. 6 سال نخست را در مدرسه معصومیه(س) و پس از آن به سبک معمول در حوزه در درس های آزاد شرکت کردم و در سال 1380 و پس ازاتمام دوران سطح به درس خارج اشتغال یافتم و تاکنون (سال 85) مشغول به تحصیل هستم. ضمن تحصیل در حوزه از سال 77 به بعد در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) نیز مشغول تحصیل در رشته جامعه شناسی شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر گرایش به مهدویت در ایران و بررسی موردی زائرین مسجد جمکران» می باشم. و به تازگی نیز در گروه جامعه شناسی مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مشغول به فعالیت شده ام.

پرهیزگار، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا پرهیزگار استاد بخش زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه شیراز است . او به ویژه درمورد ترجمه فعالیت می کند . او دانستن یک زبان خارجی را برای ترجمه کافی نمی داند. وی دانش زبان شناسی با شاخه منظور شناسی راجهت ترجمه لازم و ضروری می داند او همچنین نظریه تاویل یا هرمنوتیک را از لوازم ترجمه شمرده است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : زبان های خارجی فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد رضا پرهیزگار ،ترجمه است . او براین عقیده است که امروزه کسانی که زبان شناسی می خوانند، دو رشته جدید را تحصیل می کنند که بدون اطلاع ازاین دورشته ، یک ترجمه خوب به دست نمی توان داد . مگر به طور تصادفی ، آن دو دانش ،یکی دانش زبان شناسی باشاخه منظور شناسی است که همان پراگماتیک و گفتمان و تحلیل سخن کاوی یا دیسکوآنالیزیسم است و دیگر شناخت نظریه های متاخر وجدی ادبی است مثل نظریه تاویل یا هرمنوتیک می باشد .وقایع میانسالی : مهمترین امر این دوران رو آوردن محمد رضا پرهیزگار به ام ترجمه است . او که سخت به ترجمه علاقمند است براین باور می باشد که ما ضمن اینکه نقد ترجمه داشته باشیم ،ازطریق مطبوعات نیز به طور مرتب ترجمه های خوب را معرفی کنیم تا خوانندگان به سراغ ترجمه های غلط و نادرس نروند .آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا پرهیزگار زمینه آفرینش کارفرهنگی رادرترجمه ، آشفته می داند . او معتقد است که بعد ازانقلاب اسلامی ،بسیاری از مردم به دلیل تجربه هایی که دریک زبان خارجی داشتند و یا دردانشگاهها انگلیسی و فرانسه خوانده بودند ،به ترجمه وری آوردند و این تنها ظاهر قضیه است . اینها گمان می کردند دانستن یک زبان خارجی برای ترجمه کافی است . اما این درست نیست و آشفتگی می آفریند .آثار : ترجمه رنگ ارغوانی ویژگی اثر : این رمان تالیف خانم آلیس و اکران است .

پریمی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی پریمی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای 67-68 سپری نمودم وسال1369وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال 79تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال 1380تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پزشکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد پزشکی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/5/1

پژمان بختیاری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1279 ش)، شاعر و مترجم. از مردم تهران بود، مادرش خانم عالم تاج، متخلص به ژاله از دودمان میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمد شاه بود. وی تحصیلات خود را در مدارس تهران گذراند و در رشته‌های علوم ادبیات و عربی و زبان فرانسه اطلاعات خود را کامل کرد و پس از آن به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد. پژمان در هیجده سالگی به سرودن شعر پرداخت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسید. او از شعرای خوش‌ذوق و تجددخواهی است که آثارش از لطف کلام و انسجام لفظی و معنوی برخوردار است. از آثارش: منظومه‌های «سیه روز»؛ «زن بیچاره»؛ «محاکمه‌ی شاعر»؛ «خاشاک»؛ و همچنین ترجمه‌ی کتابهای: «وفای زن»؛ «آتالاورنه»؛ «پیشه»؛ «دزد اطفال»؛ «قمار»؛ «کرسیل»؛ «گربه‌ی سیاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (36 -35)، از بهار تا شهریار (388 -384)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (167 -164)، چون سبوی تشنه (180 -178)، دویست سخنور (64 -62)، سخنوران نامی (144 -136 /2)، سخنوران نامی معاصر (803 -798 /2)، صدف (144 -114)، گلزار معانی (187 -175)، مؤلفین کتب چاپی (829 -827 /2).

پسندیده، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس پسندیده
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1348 در شهر محلات متولد شدم. در سال 1364 وارد حوزه علمیه القائم محلات شده و از محضر اساتید آن حوزه به خصوص مرحوم آیت الله سید طه مقدسی بهره بردم. در سال 1366 وارد حوزه علمیه ولی عصر خوانسار شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله تقدیری و دیگر اساتید معظم آن حوزه استفاده کردم. در سال 1368 وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از اتمام دروس سطح، در دروس خارج حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی و جوادی آملی شرکت کردم. از سال 1373 همکاری علمی خود را با مرکز تحقیقات دارالحدیث آغاز کردم که همچنان ادامه دارد. همچنین از سال 1382 به تدریس در دانشکده علوم حدیث و از سال 1383 به تدریس در رشته تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم اشتغال دارم.

پناهنده، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد 1271 که تحصیلات اولیه خود را در گز و در مسقطالراس خویش شروع و سپس در مدارس حوزوی عصر خود در اصفهان بادامه تحصیل مشغول و دروس مقدمات و سطح و خارج را در محضر بزرگانی هم چون سیدابوالحسن اصفهانی و میرزای نائینی ادامه داده و به حوزه نجف مراجعه و پس از وقایع شهریور 1320 هجری شمسی مجدداً باصفهان مراجعه و با عنایت به فضایل علمی و اجتماعی در مقام خطابه و منبر و اقامه جماعت و ترویج شریعت پس از یک بیماری طولانی در سن 81 سالگی در سنه 1351 ه. ش وفات و در تخت فولاد اصفهان در تکیه کازرونی بخاک سپرده شدند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

پناهی، علی احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی احمد پناهی
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی احمد پناهی فرزند شمس الله تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در فراهان اراک گذرانده و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی ،در سال 1366 وارد حوزه علمیه قم گردیدم.دروس مقدماتی وسطح را در مدرسه علمیه امام علی (ع)و مدرسه معصومیه به پایان بردم و دروس سطح عالی و خارج را در مدرسه آقای گلپایگانی و مسجد اعظم،ادامه دادم.و الآن حدود 9سال است که در درس خارج شرکت می کنم.هم زمان با تحصیلات حوزوی ،دروس جدید را از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)پی گیریی کردم.و دوره کارشناشی ارشد معارف را در این مؤسسه به پایان بردم و سپس در اداره کارشناسی ارشد روانشناسی شرکت کرده و آن را در سال 82به پایان بردم و الآن به عنوان محقق در مؤسسه امام خمینی مشغول هستم.ضمنا حدود 15 سال است که از مراکز روستایی،سپاه،و بیشتر در مراکز دانشگاهی هم(در ایام رمضان،محرم،و غیره)به تبلیغ می پردازم.

پور طباطبایی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجید پور طباطبائی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/6/1
زندگینامه علمی
در مورخه یکم شهریور ماه 1336 در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان 1345 به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال 1354 از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال 1350 مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورهٔ کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال 1367 از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال 1349 به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.
در سال 1357 (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال 59 با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال 1355 در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه 1360 به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود 24 سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی 1361 به

پایان بردم.تیر ماه 61 با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجة الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین 1385 در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.
در اواخر سال 1361 با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور 62 ادامة دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجة الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال 1369 موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود 12 تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.
در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور 7 الی 8 نفر پی‌می‌گرفتند که اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال 69 تا 78) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال 1364 به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و

فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود 3 سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفة افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.
از سال 1367 همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعة تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال 1371 با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجة الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های 58 – 60 با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال 1375 با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال 1378 از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرة 20 برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبة اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر 5 جلد و 1560 صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود 1000 صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور منصوری، خلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل پور منصوری
محل تولد : رامسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال 66-65در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال 1372 در کلاس های تخصصی قوه قضائیه شرکت نمودم . از سال 1368 به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریة الوصف را نگاشته و در سال بعد به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پوراکبر، عبدالعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعلی پور اکبر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1

پورامینی، محمد باقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر پور امینی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد باقر پور امینی در سال 1347 متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال 1366 مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال 1372 کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال 1376 در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوکبی شرکت کرد و از سال 1379 تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پورحسن امیری، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر پورحسن امیری
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1326 در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسی ادبی از قبیل دیوان حافظ و نصاب و غیره را در مکتبخانه های متداول آن زمان آموختم. با توجه به گرایش های دینی و مذهبی خانواده و روش و منش شخصی خودم همسایه ها و هم محلی ها به پدرم پیشنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم . ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعد از تجدید بنای مفصل به مدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته ، وارد شدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع المقدّمات در حد صرف میر و مقداری از نجوم از محضر اساتید بویژه مرحوم شیخ اسماعیل قشقاوی که تسلط فوق العاده ای به صرف و نحو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سید متدینی بود که جنبه سرپرستی و راهنمایی نسبت به من داشت وارد حوزه علمیّه قم شدیم و برنامه آموزشی ما با توجه به نبودن یک برنامه آموزشی در آن زمان و انتخاب استاد و حجره ، داستان مفصلی دارد . اجمالا بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم . اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صلواتی و مرحوم سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیخ مصطفی اعتمادی و غیره و اساتید دوره عالی سطح عبارت بودند از حضرات آقایان نوری همدانی، جعفر سبحانی و فاضل لنکرانی . حکمت و فلسفه را هم در حد منظومه و اسفار از محضر اساتیدی چون آقایان محمدی و امینی گیلانی و آقای جوادی آملی و بعضی دیگر استفاده نمودم ؛ ضمناً بعد از فوت آقای بروجردی و گذشتن چند سال وضع حوزه از نظر امتحان ، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل می کرد اداره می شد و سه رتبه داشت و من قبل از سال

پنجاه حدود سال 47 و 48 امتحانات حوزه را در دو مرحله دوم و سوم گذراندم . دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم ؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصا درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.
بعد از گذراندن چند سالی از شرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی- تحقیقی از سال 64 با شروع در مؤسسه آل البیت(ع) همراه اشتغال و ادامه تحصیل مشغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم . ابتدا کارهای مقابله و استخراج و بعد از گذشت مدّتی به کارهای نهائی از قبیل تصحیح و انتخاب متن و بررسی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهای زیادی شد. از قبیل تصحیح متن و تنظیم فهرست حاشیه مرحوم آقا ضیای عراقی که به تنهائی انجام دادم ؛ تصحیح و انتخاب متن مختلف الشیعه علّامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها .
تا اینکه مقدّمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصل جدیدی در کار تحقیق برای من باز شد و تقریباً در همه کتاب های شیخ مخصوصا مکاسب و صلاة و طهارت و غیره که مجموعا 28 جلد می شود همکاری داشتم .

پورحسین، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی پورحسین
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
فروردین 1363 از هنرستان فنی راه و ساختمان بابل وارد حوزه علمیه رستمکلاه در شهرستان بهشهر مازندران شدم. تابستان 1364 به حوزه علمیه اصفهان رفته در مدرسه ذوالفقار این شهرستان ادامه تحصیل دادم. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری بخشی از سطوح عالی حوزه، در سال 1370 وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی سه سال با تطبیق دروس فراگرفته شده با سیستم رسمی حوزه قم و شرکت در امتحانات و با اتمام رسمی دروس سطح در سال 73 وارد درس خارج شدم. و از محضر حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، جعفر سبحانی و یوسف صانعی بهره گرفتم. همزمان با فراگیری دروس خارج از محضر اساتید بزرگوار حوزه در سال 1371 وارد مرکز آموزش موسسه در راه حق شده سپس در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه تحصیل داده و در سال 1379 با اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی فارغ التحصیل شدم. در سال 1375 با آشنایی با حضرت حجة الاسلام والمسلمین سروش محلاتی در درس‌های خصوصی فقه سیاسی بسیار پربار ایشان شرکت کرده که همچنان ادامه دارد. همچنین طی چهار سال از دروس خصوصی قواعد فقه و فقه حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید ضیاء مرتضوی بهره بسیار بردم. در سال 1376 با پیوستن به جمع محققان و نویسندگان صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی در این راه قدم گذاشته، همچنان بر این افتخار باقی می‌باشم. در سال 1380 با دعوت استاد بزرگوار مرتضوی همکاری با فصلنامه حکومت اسلامی وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان را آغاز و طی شش سال ضمن اداره بخش علمی این مجله، مقالاتی را نیز به رشته تحریر درآوردم. همچنین در سال 1384 با عقد قرارداد پژوهشی با مرکز تحقیقات حکومت اسلامی، همکاری با این مرکز خوشنام را آغاز کردم که

تاکنون ادامه دارد. تدریس در دانشگاه یکی دیگر از فعالیت‌های علمی بنده می‌باشد که ادامه دارد.

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1299 ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال 1337 ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:
ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[1]
مدرس، مترجم.
تولد: 1299، کرمان.
درگذشت: 27 آذر 1365، شهداد.
سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال 1322 از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود 122 مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال 1337 به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (1362-1342) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.
در سال 1348 از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی

آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.
دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال 1335 به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.
فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.
پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شاعران کرمان (168 -158)، الذریعه (1249/9)، ستارگان کرمان (129 -124)، سخنوران نامی معاصر (3816 -3813 /6).

پورسید آقایی، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود پور سید آقائی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1

پورکاشیان، آتوسا

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
آتوسا پور کاشیان (زاده ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷ در تهران) استاد بین‌المللی بانوان شطرنج ایرانی است
پورکاشیان قهرمان شطرنج زیر ۱۲ سال جهان و برنده مدال برنز شطرنج تیمی (به همراه الشن مرادی و احسان قائم مقامی) در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ است او نماینده ایران در مسابقات جام جهانی روسیه بود آخرین ریتینگ او در اکتبر ۲۰۰۸ ۲۲۴۱ بوده است.

پورمحمد، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن پور محمد
محل تولد : --
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد 1368 ، حسین متولد 1373 ، محمّد مهدی متولد1381 و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی 62 ـ 63 دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده ، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی(ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال 1368 با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال 1373 از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال 1373 در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال 1376 در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت 5 سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.
با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال 1373 ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه

نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجّت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال 1382 باحفظ سمت به عنوان دبیر منطقه 2 کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال 1381 به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پورمحمدی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس پورمحمدی از علماء متقی و خدمتگذار و شجاع معاصر است در رفسنجان وی پس از پرورش به شوق تحصیل علوم دینیه به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالیه را از اساتید فراگرفته آنگاه به رفسنجان مراجعت و تا حال حاضر به خدمات دینی و روحی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام و تدریس در مدرسه و اداره عده‌ای از طلاب رفسنجان اشتغال دارد و در ترویج دین و مبارزه با فساد سعی بلیغ و کوششی فراوان دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

پورنامداریان، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر تقی پور نامداریان در سال 1320 در همدان متولد شد. وی در سال 1358 در حالی که فعالیتهای خودرا در آموزش و پرورش ادامه می داد موفق به دریافت درجه دکتری خود از دانشگاه تهران گردید. دکتر پورنامداریان در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینةنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی" تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : نقد ادبی
والدین و انساب : پدر تقی پور نامداریان قناد بودو شعر هم می گفت . اما آنقدر سرگرم شعر و شاعری بود که قنادی را در حاشیة آن انجام می داد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تقی پورنامداریان تحصیلات خودرا از کلاس سوم ابتدایی شروع نموده و در رشتة ریاضی در زادگاهش دیپلم گرفت و ته معلمی پرداخت . یکی از معلمان دبستان روستای الفوت (در حوالی همدان) وی را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب نمود. پورنامداریان پس از موفقیت در امتحانات دانشگاه در رشتة زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران از روستای الفوت به ازندریان منتقل شد. . وی پس از انتقال به تهران تحصیلات خود را در دورة فوق لیسانس در پژوهشکدة فرهنگ ایران ادامه داد. او اولین دانشجوی پژوهشکده بود که به تشویق دکتر اتوالقاسمی در آزمون ورودی دکتری دانشگاه تهران شرکت نمود و درسال 1358 از پایان نامة دکتری خود دفاع نموده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : تقی پورنامداریان از مشکلات رفت و آمدخود به تهران در زمان تحصیل, به خصوص در روزهای برفی و بارانی زمستان , و اقامت در مسافرخانه های خیابان ناصرخسرو خاطرات مفصلی دارد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : تقی پورنامداریان در زمان معلمی خود در

ازندریان, هر هفته یکی دو روز جهت تحصیل به تهران می آمد . بدین گونه فعالیت معلمی اودر حین تحصیل نیز ادامه داشت . او که تحصیلات دانشگاهی خود را مدیون اصرار دوستان و همکاران خود در روستای ازندریان میداند, پس از یک سال خدمت در ازندریان به روستای قروةدرجزین همدان منتقل گشت. وی از این روستا نیز مدت دو سال به تهران رفت و آمد داشت. تا اینکه به تهران منتقل شده و سال چهارم دانشگاه رادرتهران مقیم گشت. اودر تهران شش سال دیگر به معلمی د ردبستان و دبیرستان پرداخت و در این مدت نیز موفق به اخذ درجة فوق لیسانس از پژوهشکدة فرهنگ ایران شده است . وی بعداز سال اول دانشجویی درپژوهشکدهعلاوه بردرس خواندن , تدریس هم داشت و بطور غیر رسمی به دانشجویان در نوشتن رساله نیز کمک می کرد. هر چند اشتغال بیش از پیش پورنامداریان در دورة فوق لیسانس و اشتغال بسیار وی در دورة دکتری باعث شدکه همسرش ابراز ناراحتی نماید , اما با دفاع از پایان نامة دکتری ااز وضعیت با ثباتی برخوردار گردید.
استادان و مربیان : تقی پور نامداریان دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با درک فیض از محضر اساتیدی چون مرحوم محمد پروین گنابادی – مرحوم دکتر احمدعلی رجایی و دکتر پرویز ناتل خانلری – دکتر سیدجعفر شهیدی – دکتر سیدحسن سادات ناصری و خصوصا ارشادات و راهنمایی استاد دکتر شفیعی کد کنی در سال 1358 طی کرده و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل آمد.
همسر و فرزندان : تقی پورنامداریان سال اول که در پژوهشکدة فرهنگ ایران دورة فوق لیسانس را می گذراند در مدرسةهدف نیز به آموزش خط اشتغال داشت. در این مدرسه با یکی از معلمان آشنا شده و با او ازدواج نمود.
فعالیتهای آموزشی : تقی پورنامداریان که در حال حاضر استاد زبان و ادبیات فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میباشد, در سالهای قبل و پس از گرفتن دیپلم, در روستاهای ملایر(جیجان , مانیزان, کسب, ازندریان, الفوت) به شغل معلمی پرداخته است . در آن دوران وی چند ماه در جیجان و دو سال نیز در الفوت , تنها معلم دهکده بود . او در در دوران تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهایی همچون معلمی , اشتغال در پژوهشکدة فرهنگ ایران , کمک به دانشجویان در درس و رساله و تدریس در دبستان و دبیرستان می پرداخت . تا اینکه از آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر انتقال یافته و بعنوان مامور در بنیاد فرهنگ ایران مشغول گشته است . در سالهای بعداز انقلاب که بنیادها و فرهنگستان در مؤ سسةمطالعات و تحقیقات فرهنگی ادغام شده و بعد هم به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تغییر داد, او و همکارانش تالیف؛فرهنگ

تاریخی زبان فارسی ؛را از سال1363 آ غاز نمودند . در خلال این سالها , که سه سال آن در کرۀجنوبی به تدریس گذشت , در اکثر دانشگاههای تهران از جمله , دانشگاه تهران , تربیت معلم , شهید بهشتی و تربیت مدرس به تدریس پرداخته و به خلق کتب و مقالات متعدد اهتمام ورزیده است .
آرا و گرایشهای خاص : تقی پورنامداریان در زبان و ادبیات فارسی , بویژه در زمینۀنقد ادبی و عرفان مهارت و تخصص دارد. اورا می توان پیرو مکتب کلاسیسیسم دانست, چون بیشتر به بررسی شعر کلاسیک فارسی پرداخته است . از نمونه آثار وی در نقد ادبی به کتاب در سایۀ آفتاب :اشاره کرد . در این کتاب نویسنده به مشعر فارسی و ساخت شکنی در شعر مولوی بپرداخته است.
جوائز و نشانها : کتاب"رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی" تقی پورنامداران ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : دکتر تقی پورنامداران ،بیش از 22 مقاله در زمینه رشته تخصصی خود و بیش از 2 طرح تحقیقاتی را در کارنامه کاری خود دارد. ----------
آثار :
1 احوال و اندیشۀ عطار
ویژگی اثر : مقا له
2 اسباب و صور در غزلهای مولوی
ویژگی اثر : مقا له
3 استاد زرین کوب و مثنوی
ویژگی اثر : مقا له
4 بلاغت و گفت و گو با متن
ویژگی اثر : مقا له
5 پایان بی قراری ماهان
ویژگی اثر : مقا له
6 پونه های الوند
ویژگی اثر : گزیده شعر های رضا ذوقی
7 تاملی در شعر احمد شاملو
ویژگی اثر : کتاب
8 تصحیح و شرح کتاب منطق الطیر عطار
ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمود عابدی بوده و نا تمام است .
9 تصویر آفرینی در مرزبان نامه
ویژگی اثر : مقا له

10 تفسیری دیگر از شیخ
ویژگی اثر : مقا له
11 جلد دوم : داستان پیامبران در کلیات شمس :
ویژگی اثر : نا تمام است
12 چند نکته دربارة شعر شاعران آذری و نظامی
ویژگی اثر : مقا له
13 خانه ام ابری است (نقد و تحلیل شعر نیما)
ویژگی اثر : کتاب
14 داستان پیامبران در کلیات شمس (جلد اول)
ویژگی اثر : جلد 2 این کتاب در دست تحریر است
15 در سایة آفتاب
ویژگی اثر : نویسنده این کتاب را حاصل بخشی از اندوخته های ذهنی خود -که سبب حصول یک شهود- و ظرایف غریب زبان قرآنی می داند. نویسنده معتقد است در قرآن همه سخن می گویند در عین آنکه متکلم حقیقی همان خداست, و در طول سوره ها توالی و تناوب متکلم دستوری و به اقتضای آن مخاطبها بدون ذکرقرینه ، زبان خاصی را به وجود می آورند , که به این ترتیب می توان عادت ستیزیهای گوناگونی راتصور کرد که در زبان قرآن رخ داده است و ساختارآنرا در قیاس با زبان ما درهم شکسته است. دکتر پور نامداریان در فصل اول کتاب به بررسی پاسخ این سوال می پردازد که چه عواملی سبب می شود شاعرانی مثل سنایی: عطار :مولوی و حافظ در غزلهای عارفانة خود رکن رکین معنی داری یا تک معنایی رادر شعر کلاسیک بشکنند و از میان چهار عامل موثر در تولید شعر یعنی اوضاع سیاسی و اجتماعی : شخصیت فردی شاعر : میراث ادبی و مخاطب شعر : تحول کدام عامل سبب شکسته شدن سد سنت می گردد و تجدد در ارکان سه گانه شعر کلاسیک (زبان ادبی :صورت و قالب ازپیش معین و معنی داری)را به دنبال خودمی آورد . همچنین در این فصل به علت متزلزل بودن رکن معنی داری بوسیلةبعضی شاعران می پردازد. نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان : صور و اسباب ابهام در غزل های مولوی :کوشیده است تاشباهتهای ساختاری میان غزلها ی مولوی با ساختار قرآن را که نتیجة اشتراک بافت , یعنی بافت وحی است :نشان دهد. بخش دوم کتاب نیزهمین ساخت شکنیهارا در مثنوی پی می گیرد.ضمن آنکه به مناسبت : به شیوة داستان پرداری مولوی و تاثیر این بافت در زبان مثنوی اشاره و برای اثبات مطلب و تفاوت مثنوی با کتابهای تعلیمی مشابه چون حدیقةسنایی و مثنویهای عطار مقایسةلازم به عمل می آورد.
16 درس فارسی برای فارسی آموزان خارجی
ویژگی اثر : کتاب

17 دیدار با سیمرغ
ویژگی اثر : کتاب
18 رساله های عرفانی ابن سینا و مثنویهای عطار
ویژگی اثر : مقا له
19 رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی
ویژگی اثر : این کتاب در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است-آشنایی با کتاب رمز و داستانهای رمزی این کتاب شامل 16 بخش است که 10 بخش ابتدای آن در حکم مقدّمه ای است که خواننده را با زمینه ها و سوابق رمز و جلوه های متعدد و متنوع آن در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی – اسلامی آشنا می سازد. در این مقدّمه پس از بحث درباره معنی لغوی و اصطلاحی رمز علت رمزی شمردن این داستان ها و سپس رابطه رمز با صور خیال بررسی گردیده است و موارد اشتراک و اختلاف آنها شرح شده و آن گاه نوع برخورد انسان با متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان مورد مداقه قرار گرفته است. در 6 بخش بعدی، کتاب مستقیماً با داستان های رمزی ارتباط می یابد و جدایی داستان رمزی از تمثیل و شباهت آن با رؤیا بیان می گردد. در بخش های 14 و 15 به شرح رمزهایی که در داستان های عرفانی – فلسفی ابن سینا و سهروردی آمده، پرداخته و در بخش 16 به مفهوم کلی «رسالة الطّیر» ها اختصاص یافته است. ضمناً خلاصه ای از داستان های مورد بحث در پایان به کتاب منضم شده است.
20 رهروان بی برگ
ویژگی اثر : مجموعه شعر
21 سفردر مه (نقد شعر احمد شاملو)
ویژگی اثر : کتاب
22 سیری در یک غزل عطار
ویژگی اثر : مقا له
23 شرح گزیده ای از نثرهای شاعرانة عرفانی:
ویژگی اثر : نا تمام است
24 شرح و تحلیل سه رساله از سهروردی
ویژگی اثر : این کتاب در دست تحریر است.
25 شهود زیبایی و عشق الهی
ویژگی اثر : مقا له
26 عالم مثالی شعر حافظ
ویژگی اثر : مقا له
27 عشق و غزل در ادب فارسی
ویژگی اثر : مقا له

28 عطار و ابو سعید ابوالخیر
ویژگی اثر : مقا له
29 غزلهای فارسی فضولی
ویژگی اثر : مقا له
30 فرهنگ تاریخی زبان فارسی
ویژگی اثر : جلد دوم -(با همکاری پژوهشگران مؤسس؟ مطالعات و تحقیقات فرهنگی) در دست تحریر است
31 گزیده ای از آثار شیخ اشراق : همراه با شرح و تحلیل
ویژگی اثر : نا تمام است
32 گزیده ای از غزلهای حافظ همراه با شرح :
ویژگی اثر : ناتمام است
33 گزیده ای از نظم و نثر همراه با شرح :
ویژگی اثر : ناتمام است
34 گمشدة لب دریا
ویژگی اثر : مقا له
35 گمشدة لب دریا : دربار ة شعر حافظ:
ویژگی اثر : نا تمام است
36 مجلدات :فرهنگ تاریخی زبان فارسی : (با تنی چند از همکاران)
ویژگی اثر : نا تمام است
37 مسالة معنی در شعر کلاسیک و شعر نو
ویژگی اثر : مقا له
38 نقد و تحلیل هزارة دوم آهوی کوهی
ویژگی اثر : مقا له
39 هماهنگی صورت و معنی در شعر بهار
ویژگی اثر : مقا له
40 هویت ملی و شاهنامه
ویژگی اثر : مقا له

پوریا منفرد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین پوریامنفرد
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
آقای حسین پوریا مفرد در سال 1331، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دوران متوسطه در سال 1350 وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای 1355 و 1356 از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کردو پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پوشنگی، ابوعبدالله محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(291 -204 ق)، فقیه مالکی، محدث، لغوی و ادیب. از پیشگامان حدیث، در نیشابور، بود. برای کسب علم و دانش سفرها کرد، و ره‌آوردش تصنیف‌ها بود. او در لغت و کلام عرب پیشتاز بود. از یحیی بن عبدالله بن بکیر و روح بن صلاح و احمد بن حنبل و امیه بن بسطام و بسیاری دیگر حدیث شنید. محمد بن اسماعیل بخاری با اینکه از او مسن‌تر بود در «صحیح» خود از وی نقل حدیث کرده است. محمد بن اسحاق صاغانی (چغانی) و ابوحامد بن شرقی و ابن‌خزیمه و یحیی بن محمد عنبری و علی بن حمشاد و خلق بسیاری از او حدیث روایت کرده‌اند. گفته‌اند که در محرم سال 291 ق و یا در آخر ذیحجه 290 ق درگذشت و ابن‌خزیمه بر او نماز گذاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (184/6)، تهذیب التهذیب (10 -8 /9)، الجرح و التعدیل (ج 3، ق 187/2)، سیرالنبلاء (589 -581 /13)، الوافی بالوفیات (342/1).

پوینده‌ی همدانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1293 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در همدان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. از آن پس در بازار به کار پرداخت. پوینده چندی با روزنامه‌های محلی همکاری داشت و مدتی هم روزنامه‌ی «سازمان»، ارگان سازمان بازار همدان، را منتشر ساخت. وی در شعر طبعی لطیف داشت و دارای خطی خوش و زیبا بود. شعر وی در خدمت فرهنگ و بیداری مردم است. اثر وی: روزنامه‌ی «سازمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (840 -838 /2).

پهلوان، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور پهلوان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان موفقیت آمیز دوران متوسطه در سال 1351 هجری شمسی بخاطر عشق و علاقه فراوان وارد حوزه علمیه تهران شد. در کنار تحصیل حوزوی در سال 1372 در مقطع دکترا در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در طی مدت تحصیل سفرهای علمی و تبلیغی فراوانی به کشورهای خارجی داشته است. نامبرده در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای تهران پرداخت و در کنار تدریس به راهنما و مشاوره دانشجویان در مقطع و دکترا پرداخت و تاکنون حدود 250 مورد مشاوره و راهنمایی در این رابطه ارائه کرده است.
ایشان در طول سالهای عمر خویش خدمات علمی و فرهنگی سیاسی انجام داده است که از آن جمله می توان سرپرستی شبکه 1 و 2 سیما، سرپرستی دانشگاه بین المللی اسلامی لندن و مدیر مسئول بررسی مقالات دانشگاه تهران را نام برد.

پهلوانان اشکانی

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مراد از پهلوانان اشکانی دسته‌ای از پهلوانانند که اصلا از شاهان و شاهزادگان اشکانی بوده، ولی به تدریج در داستانهای ملی راه یافته و در شمار پهلوانان بزرگ عهد کیان درآمده‌اند. از میان ایشان مهمتر از همه خانواده‌ی گودرزیان هستند که گودرز گشوادگان و گیو و بیژن و رهام و بهرام از آنان بودند.
و نیز به پهلوانان منفردی مانند شاپور و زنگه و پلاشان و فرهاد در شاهنامه برمی‌خوریم که ممکن است اصلا افرادی تاریخی و از خاندان اشکانیان باشند. از عجایب آنکه پهلوانی به نام فرود که در شاهنامه برادر کی‌خسرو شمرده شده، اصلا از شاهان اشکانی است.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

پهلوانیان، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد پهلوانیان
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد پهلوانیان در سال 1372 بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت 5 سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .
از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد .
تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیراسته خزرجی، ضیاء

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ضیاء پیراسته خزرجی
محل تولد : نجف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/3/1
زندگینامه علمی
بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اینجانب ضیاء بیراسته معروف به خزرجی دریک خانواده مذهبی در نجف اشرف به دنیا آمده ام .تحصیلات حوزوی تا رتبه اول گذرانده ام وتحصیلات کلاسیک تا دیبلم ریاضی به اتمام رسانده ام و در سال 1359به ایران آمده ایم و در شهر مقدس مشهد در حدود ده سال رتبه دو و سه را کذرانده ام و سبس در سال 1372 به شهر مقدس قم مهاجرت کرده ام و دروس خارج را به مدت شش سال به اتمام رسانده ام

پیرنیا، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملقب به معاضدالسلطنه، فرزند میرزا محمدباقرخان نائینی ملاک، متولد 1248. در کودکی و جوانی تحصیلات جدید و قدیم را توأماً فراگرفت و با کمک میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به وزارت خارجه داخل شد. مشاغلی را طی نمود تا سرکنسول ایران در بادکوبه شد و در همان سمت متمول گردید. در ابتدای مشروطه با آزادیخواهان همداستان شد و برای مشروطیت جد و جهد زیادی نمود. در دوره‌ی اول به نمایندگی برگزیده شد و جزء وکلای پر سروصدا و مصلح بود. بعد از به توپ بستن مجلس، به اروپا رفت و ایرانیان مقیم خارج را علیه حکومت محمدعلی میرزا تحریک می‌کرد و کلیه هزینه‌های مخالفین محمدعلی شاه توسط او تأمین می‌شد. بعد از خلع محمدعلی میرزا و استقرار حکومت مشروطه به ایران آمد و از گیلان به وکالت رسید، ولی قبل از اتمام دوره‌ی وکالت به کابینه دعوت شد و صمصام‌السلطنه بختیاری او را وزیر پست و تلگراف کرد. در سه ترمیم کابینه همان شغل را داشت.
پس از سقوط کابینه به حکومت یزد منصوب شد و چند سالی در آن سمت بود تا در 1302 در دو کابینه‌ی سردارسپه، پست وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. در دوره‌ی پنجم مجدداً به وکالت رسید و در دوره‌ی هشتم هم وکیل مجلس بود. در 1303 والی کرمان و بلوچستان شد. یک سال در آن سمت بود که تغییر یافت. مجدداً در 1314 به والیگری کرمان رفت و این دفعه دو سال در کرمان اقامت نمود. از کرمان والی ایالت فارس شد. در 1318 به صورت ناگهانی در شیراز درگذشت. به همین علت عده‌ای شایع کرده بودند که وی را کشته‌اند، ولی آنچه مسلم است، معاضدالسلطنه از بیماری قلبی درگذشته است. خدمات معاضدالسلطنه برای استقرار مشروطیت ایران بسیار ارزنده و قابل ستایش است. وی معلوماتی نداشت، ولی مردی ساده و عفیف و صحیح‌العمل بود. در جوانی با دختر مبشرالسلطنه نبوی ازدواج کرد. دو پسر و چهار دختر از او باقی ماند. حسین نواب و پیرنظر از جمله دامادهای او بودند.
(1318 -1248 ش)، روزنامه‌نگار. ملقب به معاضد السلطنه. وی پس از گذراندن تحصیلات، در سنین جوانی به سمت کنسول ایران در بادکوبه معین شد. در هنگام آغاز نهضت مشروطیت از روسیه به تهران آمد و به مشروطه‌طلبان پیوست و عضو کمیته‌ی انقلاب شد. هنگام تشکیل اولین

دوره‌ی مجلس نماینده شد و پس از مدتی به پاریس رفت. چون برای انتشار افکار آزادی خواهانه‌ی خود در پاریس رفت. چون برای انتشار افکار آزادی خواهانه‌ی خود ر پاریس توفیق نیافت، به سویس رفت و در آنجا چند شماره از روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را منتشر کرد. وی مدتی نیز به همراه علی‌اکبر دهخدا به استانبول رفت و در آنجا به فعالیت پرداخت و به سمت ریاست انجمن سعادت برگزیده شد. بعد از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان، به ایران آمد و از طرف مردم گیلان به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مشاغل وی تا زمان مرگ از این قرار است: وزیر پست و تلگراف در کابینه‌ی صمصمام‌السلطنه، حکومت یزد، وزیر عدلیه در کابینه‌ی سردار سپه، نمایندگی مجلس در دوره‌های پنجم، هشتم و نهم از طرف مردم نایین و والی کرمان و فارس. اثر وی: انتشار چند شماره از روزنامه‌ی «صور اسرافیل».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (145 -144 /3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (210 -208 /2)، شرح حال رجال (39 -38 /1).

پیروزمند، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1325 ش)، روزنامه‌نگار. وی فرزند حاج میرزا محمدحسین مستشارالممالک اقتصادی بود. به همین سبب ابتدا معروف به مستشارزاده بود، ولی بعدها تغییر نام داد. پیروزمند سالها در اداره‌ی قوانی و مطبوعات مجلس، عهده‌دار سمتهای معاوت، کفالیت و ریاست آن اداره بود. وی از سال 1325 ش به سمت بازرس ویژه‌ی شورای ملی منصوب شد و در سال 1300 ش، اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی «پروانه» را کسب کرد، و 35 شماره‌ی آن را منتشر ساخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (54 -53 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (226/2).

پیروزمند، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا پیروزمند
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1344 در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروههای ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی(قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال 1362 با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی ،اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال 1373 در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیزر به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:
روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیسیتی و سرمایه داری، روش سیستمی ،الگوی سیستم سازی، فلسفه(با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و... .

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی - فرهنگی - اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال 76 تا 82 ، در طول این مدت علاوه بر مشاوره ، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال 1382 تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.
در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش مبنایی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد پیروزمند
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
ما تقریبا سال 1360 بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان 14 سال خارج اصول و 14 سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم – زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد 9 اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید

القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایة الحکمة را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالة البرائة و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

پیروزی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1302.
درگذشت: 1360.
از آثار اوست: ترجمه بینوایان (ویکتور هوگو، تهران، 1368).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیرهاشمی، تیمور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1299.
درگذشت: 1366.
از آثار اوست: آذری دیلی نین گرامری- دستور زبان ترکی آذری، فارسی-ترکی آذربایجانی (تبریز، دانشگاه تبریز، 1368).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پیش بین، عبدالمجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالمجید پیش بین
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1364 که وارد بخش فرهنگی زندان قزلحصار زندان های سیاسی شده، ضمن آشنائی با سران گروهک ، مطالعات تاریخی خود را از مشروطیت تا انقلاب اسلامی آغاز کردم، بعد از جنگ با ورود به حوزه به دروس حوزوی مشغول و پس از اتمام سطح پایه 10، در رشته الهیات و معارف اسلامی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم قبول و پس از اخذ کارشناسی ارشد به کارهای تحقیقاتی در تاریخ معاصر ادامه داده که محصول آن چند کتاب می باشد.

پیش نماز، رضا قلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم جلیل، امام مسجد جامع عباسی در اصفهان بوده، و از دانایان به علوم قرآن و تجوید به شمار می‌رفته، و در این مسجد قرائت قرآن می‌فرموده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

پیشوا، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد پیشوا فرزند حاج سید محمدصادق پیشوا از دانشمندان خدوم و علماء اعلام و فضلاء کرام شیراز می‌باشند (که در سال 1318 شمسی به فشار حکومت وقت شهرت خود را از بحرالعلوم تبدیل به پیشوا نمودند).
معظم‌له در سال 1350 قمری در شهر کازرون دیده به دنیا گشوده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و عموی بزرگوارش حاج سید محمدرضا شریعتمدار آموخته و در سال 1335 شمسی مشرف به نجف اشرف شده و از ابحاث و دراسات سطوح و خارج آیات عظام چون میرزا حسن یزدی و استاد حاج شیخ محمدتقی جعفری و علامه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله استفاده نموده و پس از آن برای تبلیغ اسلام و ترویج احکام به زادگاه خود کازرون مراجعت و به اقامه جماعت و وظائف روحی و دینی و اجتماعی پرداخته و خدمات شایانی نموده تا سال 1348 شمسی شش سال پس از انقلاب پانزده خرداد چهل و دو به شیراز مهاجرت نموده و بنابر اصرار و استقبال گرم عده کثیری از مردم شیراز رحل اقامت افکنده و در مسجد نو برابر مشهد و مزار حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیهماالسلام به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال یافته و مورد استقبال پرشور و هیجان مردم شیراز قرار گرفته که محسود برخی از همگنان و ابناء نوع شده تا در سال 1405 قمری برابر 1363 شمسی روی جهاتی از رفتن به مسجد نو خودداری و در منزل شخصی به وظائف روحی خود تداوم داده و تا حال تحریر این کتاب موفق به تدریس فقه و اصول می‌باشند.
آثار و تألیفات ایشان
1- کتاب آئینه سیاه، برداشتی از سوره مبارکه لقمان.
2- علی علیه‌السلام، از دیدگاه دگران- مخطوط.
3- تجدید و نوسازی مسجد جامع کازرون.
4- تأسیس کتابخانه ولی عصر عجل‌اللّه فرجه متصل به مسجد.
5- احداث لوله‌کشی قسمتی از شهر قبل از اقدام شهرداری کازرون به لوله‌کشی تمام شهرستان کازرون.
6- خرید دویست هزار متر مربع زمین در قسمت شرقی کازرون به نام باغ

فردوس جهت دفن مؤمنین.
7- سنگ فرش و تعمیر مسجد نو شیراز.
8- تأسیس بنیاد (مهدی) و صندوق قرض‌الحسنه.
9- تأسیس بیت‌المهدی و مدرسه علمیه امام مهدی (ع).
نگارنده گوید: آقای پیشوا منتسب به علامه بحرالعلوم است که ترجمه‌اش زیب و زینت کتب تراجم مانند اعیان الشیعه و روضات الجنات و معارف الرجال و فوائد الرضویه و ریحانه الادب و ده‌ها کتاب رجالی و تراجم دیگر می‌باشد. و او شاگرد علامه وحید بهبهانی بوده و بارها به شرف و فیض ملاقات و زیارت مولایمان حضرت بقیه‌اللّه اعظم امام زمان عجل‌اللّه فرجه الشریف رسیده که این نویسنده روسیاه همواره گفته و می‌گویم:
به امید دیدن او همه عمر زنده باشم
چه نباشد این سعادت نه من و نه زندگانی
حاج میرزا حسین نوری در جنه‌النعیم و نجم‌الثاقب خود حکایات تشرف آن بزرگوار را ذکر فرموده است. علامه بحرالعلوم قدس اللّه سره که بعد از استادش وحید بهبهانی ریاست عامه و مرجعیت تامه داشت در نجف از دنیا رفته و در نزدیک مقبره شیخ طوسی در مقبره شخصی دفن شده است طاب اللّه ثراه و قبرش از مزارات خاصه نجف است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

پیشوایی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی پیشوائی
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
• عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال 1349 تاکنون
• مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال 1350 تا 1353
• طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال 1349
• اشتغال به تحقیق و تألیف از سال 1351 تاکنون
• همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)
• همکاری با شبکه رادیو معارف (قم) – کارشناس عالی تاریخ و سیره
• همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس
• همکاری با فصلنامه میقات از سال 1373 تا سال 1375
• همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال 1380
• همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال 1373 تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.
• مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
• سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی" تاریخ در آینه پژوهش"
• همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

پیشوائی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقای حاج سید ابو طالب پیشوائی در سال 1332 ق در شهرستان رشت شروع بتحصیلات علوم دینیه نموده و دوره مقدمات و مقداری از سطوح را نزد اساتید وقت مرحوم آقا شیخ عبدالرحیم رشاد و مرحوم حاج شیخ اسماعیل شفتی صرفی باتمام رسانیدند و در سال 1337 هجری برای ادامه تحصیلات عازم عتبات عالیات شدند و در کاظمین محضر مرحوم آیه‌الله آقای حاج سید اسمعیل صدر قدس سره مشرف شده و در باب توقف در حوزه نجف اشرف و سامرا با ایشان مشورت نمودند فرمودند لازم است شما بعد از زیارت عتبات نجف اشرف را انتخاب نمائید، زیرا از زمین نجف علم میجوشد.
بعد از تشرف بنجف سطوح عالیه را نزد اساتید وقت مرحوم آقای آقا شیخ اسمعیل تنکابنی و آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی و آقا میرزا مجید گنجه‌ای و آقا شیخ علی اکبر خونساری و آقا شیخ نعمت‌الله دامغانی و آیه‌الله میرزا احمد آشتیانی و مرحوم آیه‌الله آقا میرزا ابوالحسن مشکینی قدس سره باتمام رسانیده سپس در درس خارج فقه و اصول مراجع و علماء وقت مرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی و آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شده و در سال 1350 ق به بندر پهلوی بازگشت نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت در مسجد جامع پهلوی و گفتن تفسیر قرآن و ترویج دین مبین اسلام و اقامه نماز جمعه و تربیت طلاب علوم دینیه در مدرسه قائمیه بندر پهلوی اشتغال دارند.
آثار معظم‌له در پهلوی و حومه آن از این قرار است: 1- مسجد قریه بشمن 2- مسجد قریه قلم گوده 3- مسجد میان پشته 4- مسجد سجاد 5- مسجد قریه سنگاچین 6- مسجد رضویه 7- مسجد آذربایجانیهای غازیان 8- مدرسه علمیه قائمیه که با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی قدس سره و تحت نظر ایشان بنیان گردید که اکنون عده‌ای از طلاب در این مدرسه اشتغال بتحصیلات علوم دینیه دارند و در ضمن محلی است مناسب برای سکونت آقایان مبلغین که در ایام تبلیغ باین شهر وارد میشوند که از طرف ایشان پذیرائی کامل شده و باطراف اعزام میشوند و اکنون یکی از فرزندان معظم‌له بنام آقای آقا سید محمد جواد پیشوائی که جوان فاضل و نجیب و بسیار متدین و عفیف است در حوزه علمیه قم اشتغال بتحصیل

دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

پیشوائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد بن العالم الربانی آیةاللَّه المرحوم حاج سید علی‌اکبر یزدی از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال 1338 قمری ه. در نجف اشرف متولد شده و در سن کودکی در خدمت مرحوم والدش در سال 1341 قمری به قم مهاجرت نمود و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات، ادبیات را از مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و حجةالاسلام آقا سید رضای سید صفی و بعضی از آیات دیگر آموخته و در درس خارج مرحومین آیتین حجت و خونساری شرکت و پس از آن بالغ بر پانزده سال از محضر و دراسات فقهی و اصولی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کامل و ضمناً تدریس متون فقه و اصول را نموده تا سال 1380 قمری که بنابر دعوت جمعی از مردم متدین خیابان سلسبیل تهران به تهران عزیمت و تاکنون در خیابان (بوستان سعدی) سکونت و در (مسجد الصادق) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مواعظ حسنه و غیره اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

پیشوائی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین بن آیت‌الله حاج سید علی‌اکبر یزدی سابق‌الذکر از فضلاء و علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم و ائمه جماعت مسجد امام است که به جای مرحوم والدش اقامه جماعت دارد دانشمندیست باتقوا و عالمی است با فضیلت در سال 1304 شمسی یعنی چهل و نه سال قبل در این شهرستان به دنیا آمده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و پس از دوران مقدمات با معیت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام حاج سید احمد پیشوائی مقیم تهران که ترجمه‌اش در جلد سوم خواهد آمد سطوح عالی را از اساتید حوزه مانند آیت‌الله العظمی مرعشی و آیت‌الله امام خمینی و دیگران فراگرفته و پس از فراغت از آن به درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و دیگران حاضر شده و در غالب دروس با این نگارنده شرکت داشته و از بدو ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمر آن مرحوم حاضر ابحاث فقه و اصول آن جناب شده و پس از وی از دروس آیات و زعماء دیگر حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که نهایت توجه و عنایت را به ایشان داشته و دارند استفاده‌های کافی و سرشار نموده و در مسجد امام و محله خود کوچه معروف به حاج نوفل به ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و هم تدریس فقه و اصول اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

پیغامی، عادل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عادل پیغامی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/8/1
زندگینامه علمی
آقای عادل پیغامی در سال 1352 ، در تهران از خانواده ای پاک و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (ع) دیده به جهان گشود. پس از طی دوران تحصیلات متوسطه در کنکور دانشگاه امام صادق (ع) پذیرفته شد و در سال 1371 همزمان با دورس دانشگاهی ، دروس حوزوی را نیز ادامه داده. از اساتید برجسته و بنام حوزوی ایشان می توان آیات هاشمی تبریزی، مجتهد زاده، باقری کنی، و مصطفوی را نام برد. نامبرده از اساتید موفقی است که طرحهای متعددی جهت آبادانی و عمران کشور ارائه داده است . از نامبرده تالیفات به قلم طبع آراسته شده است که از آن جمله اند:
1. مبادی منابعه الطبیعی عدل از دیدگاه شهید مطهری.
2. ساختار پیشنهادی درس نامه فقه الاقتصاد.
نامبرده در کنفرانس های متعدد علمی مشارکت و مقالات ارزشمندی ارائه داده است. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) می باشد. Cv زمستان 1386
الف) مشخصات فردی
نام و نام خانوادگی: عادل پیغامی.
نام پدر: قربانعلی.
سال تولد: 1352.
محل تولد: تهران.
شماره شناسنامه: 7764 صادره از تهران. ب) مشخصات دانشگاهی - تحصیلی
مدرک: کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی.
محل تحصیل: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
سال اخذ مدرک : 1379.

عنوان پایان نامه: تحلیل و شبیه سازی سیاستهای تثبیت اقتصادی با تکیه بر جانب عرضه در مورد ایران.
استاد راهنما: دکتر اکبر کیجانی.
آشنایی با زبانهای انگلیسی، عربی و ترکی استامبولی.
دانشجوی دکترای علوم اقتصادی.

پیوندی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا پیوندی
محل تولد : لاسجرد - سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/14
زندگینامه علمی
دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال 1365 برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت 10 سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال1369 دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال 1375 دوره کارشناسی خود را با معدل 48/18 در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال 1378 به عنوان نفر اول دوره و با معدل 68/18 و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم
لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم
الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت 10 سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)
ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت 2 سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)
د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت 2 سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)
ه شدکت در درس خارج اصول به مدت 5 سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)
همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا پیوندی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1360 هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان، در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شده و دروس سطح عالی را تا سال 1369 به اتمام رساندم و در این سالها از محضر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشانی ، فخر وجدانی ، اعتمادی ، پایانی ، گنجی و خسرو شاهی استفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و درکنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهایی در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم.
در سال 1370 به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت 4 سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خارج آیت الله سید عباس خاتم یزدی رفته و مدت 3 سال نیر در درس فقه این استاد فرزانه به فراگیری فقه آل محمد پرداختم.در سال 1376 در امتحان ورودی دانشکده صدا و سیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشغول تحصیل شدم و در سال 1382 با تدوین پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد تهیه کنندگی از این دانشکده فارغ التحصیل شدم.
در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشهای صدا و سیما، و سیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مستند پرداخته و توانستم حدود 10 فیلمانه و سریال را تدوین نمایم که با تولید از سوی سیمای عربی در آن شبکه پخش گردید.سردبیری نشریاتی چون سرگرمی های آموزشی و مربی بسیج عقیدتی سیاسی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتبا در موضوعات مختلف در این نشریات مقاله می نویسم.مقالات دیگری نیز در

زمینه شخصیت شناسی در فصلنامه «مربیان» دارم و باز مقالات دیگری در موضوعات علوم قرآنی ، تاریخی ، داستانی ، اخلاقی ، اجتماعی دارم که بعضی از آنها در فصلنامه های اندیشه بسیج مربی بسیج اخلاق به چاپ رسیده است.کتابهای« آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنانه است سیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگرنیز همکاری داشته ام.

تاج فارسی، تاج‌الدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 633 ق)، شاعر و منشی. وی از مردم زیرراه (دهی از دهستانهای بخش برازجان شهرستان بوشهر) بود که در دهلی مسکن داشت و دبیری سلطان شمس‌الدین دهلوی را عهده‌دار بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (5/2)، فارسنامه‌ی ناصری (1330/2)، فرهنگ سخنوران (177)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الدین)، مجمع الفصحا (465 -464 /1)، مرآت الفصاحه (112 -111).

تاج‌الدوله، طاووس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. در اصفهان متولد شد. وی از گرجی‌زادگان صفویه و زنی هوشمند و دانا بود. تاج‌الدوله علوم اسلامی و فنون ادب و خط را از معتمدالدوله‌ی نشاط اصفهانی فراگرفت. وی همسر فتحعلی‌شاه و بسیار مورد توجه و اعتنای او بود. تخت طاووس که «تخت خورشید» نام داشت، بعد از وفات تاج‌الدوله، تخت طاووس نامیده شد. سلطان محمد میرزای سیف‌الدوله، که شاعری توانا بود، یکی از سه پسر او است. بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، تاج‌الدوله دو مرتبه به حج مشرف شد و سرانجام نجف اشرف را مسکن دایمی خویش قرار داد و در همان شهر درگذشت. طاووس خانم در صحن مطهر حضرت امیرالمومنین (ع)، در آرامگاهی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. از اوست:
باد از سر کوی تو گذشتن نتواند
پیغام من دلشده را پس که رساند؟
گفتم به صبوری دل خود را بفریبم
دیگر دل بیچاره صبوری نتواند[1]
قرن سیزدهم هجری، از زنان ادیب و شاعر. نام اصلی او طاووس خانم و از زنان صیغه‌ای فتحعلی شاه قاجار (1250 -1212 ق) بود که بسیار مورد علاقه و توجه وی قرار داشت و از همین رو به او لقب تاج‌الدوله داد. تخت جواهرنشان سلطنتی معروف به تخت طاووس را که تا پیش از عروسی تاج‌الدوله تخت خورشید می‌گفتند از نخستین شب ازدواج شاه و طاووس خانم، تخت طاووس نامیدند. وی خارج از حرمخانه شاهی قصر مجللی مخصوص به خود داشت. شاه و شاهزادگان قاجاری هر ساله از روز اول نوروز تا پایان روز سیزدهم عید مهمان تاج‌الدوله بودند.
تاج‌الدوله نزد شاعر معروف آن زمان، میرزا عبدالوهاب اصفهانی، متخلص به نشاط فنون ادب و هنر را فراگرفت و در رموز نویسندگی به استادی رسید. نامه‌هایی که به شاه می‌نوشت مضامین و دقایق لطیف داشت. برخی از رسایل و مراسلات او را ماه شرف از زنان فاضل و ادیب انجام می‌داد. تاج‌الدوله پس از مرگ فتحعلی شاه از بیم نزاع میان شاهزادگان به عالم معروف اصفهان، سید محمدباقر شفتی (1260 ق) معروف به حجت‌الاسلام پناه برد. پس از جلوس محمدشاه قاجار (1264 -1250 ق) تاج‌الدوله تمام ثروت و جواهرات خود را به محمدشاه تقدیم کرد که به وی

بازگرداند. وی چند بار به سفر حج رفت و در پایان عمر در نجف اشرف سکونت کرد و در همان شهر درگذشت و در صحن مطهر امیر مؤمنان دفن شد. از جمله فرزندان مشهور او احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی و خورشید کلاه بودند.
تاج‌الدوله طبع شعر داشت. وقتی پسرش بر اثر ابتلا به مرض وبا درگذشت شاه با ارسال بیت زیر به او تسلیت گفت:
از کسی چون بشکند چیزی بلایی بگذرد
خوب شد بر تو بزد آسیبش از مینا گذشت
و او نیز با یک بیت شعر به شاه چنین پاسخ داد:
اگر بشکست اندر بزم مستان ساغر مینا
سر ساقی سلامت دولت پیرمغان برجا
به خواهش او محمود میرزا کتاب پرورده خیال را به رشته تحریر درآورد. از اشعار اوست:
باد از سر کوی تو گذشتن نتواند
پیغام من دلشده را پس که رساند
تا کی به صبوری بفریبم دل خود را
دیگر دل بیچاره صبوری نتواند
به تاج‌الدوله چون دادم لقب شاه
گذشت از آن سرم از طارم ماه
همیشه بخت با او هست و نبود
کسی باذات غیر از سایه همراه[2] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از رابعه تا پروین (166 -164)، تذکره القبور (35)، حدیقه الشعراء (2178 -2172 /3)، الذریعه (639/9)، روضه الصفا (138 ،101 ،95 ،77 /10)، زنان سخنور (140 -139)، فرهنگ سخنوران (176)، کارنامه‌ی زنان (100 -98)، مشاهیر زنان (50 -49)، ناسخ التواریخ (153/2)، یغما (س 2، ش 2 و 3، ص 87 -80).
[2] منابع: از رابعه تا پروین، 166 -164؛ تاریخ عضدی، 20 -17؛ تذکرةالقبور، 35؛ حدیقةالشعرا، 2178 -2172 /3؛ خیرات حسان، 145 -140 /2؛ دایرةالمعارف تشیع، 11 -10 /4؛ الذریعه، 639 /9؛ ریاحین‌الشریعه، 95 /5؛ زنان سخنور، 312 -311 ،140 -139 /1؛ کارنامه زنان مشهور ایران، 98؛ نقل مجلس، گ 23 -21.

تاج‌الکتاب سرخسی، ظهیرالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، شاعر و منشی. مدتها دیوان انشاء سلطان مسعود غزنوی به رسم او بود. منشآتش مقبول فضلا و مکتوباتش پسند علما واقع می‌شد. وی معاصر تاج‌الدین تمران شاه بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (165/9)، فرهنگ سخنوران (177)، لباب الالباب (139 -137 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ تاج‌الکتاب)، مخزن الغرائب (402 -401 /1)، هفت اقلیم (38 -37 /2).

تاراج قمشه‌ای، رضاقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1248 ش)، ادیب، شاعر، متخلص به تاراج. ملقب به پژوهنده. وی تحصیلات مقدماتی را در شهرضا انجام داد و جهت تکمیل آن به اصفهان رهسپار شد. تاراج از کودکی طبع شعر داشت و بیشتر اوقات نزد شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای به گفتن و خواندن اشعار مشغول بود. وی در اغلب فنون شاعری بخصوص ماده تاریخ و هزل استاد بوده است. میرزا رضاقلی در ابتدا منشی اداره‌ی حکومتی بود ولی در اواخر عمر از کلیه مشاغل دست کشید. وی حدود پنج‌هزار بیت شعر سروده که حدود دو هزار بیت آن را فرزندش، حمزه پژوهنده، جمع و مرتب کرد و در صدد تکمیل و چاپ آن برآمد. اشعار وی در زمان حیاتش در مجله‌های «ارمغان»، «آینده» و روزنامه‌ی «ندای شهرضا» به چاپ رسید. وی در شهرضا فوت کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (129 -126).

تازه کام، شعبان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شعبان تازه کام
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/7/1
زندگینامه علمی
آقای شعبان تازه کام در سال 1337هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1352و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1370 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل "چهل حدیث در باب ازدواج" و "کوثر رسول" را به رشته تحریر در آورده است

تالهی تویسرکانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی تألهی از علما اعلام معاصر است در تویسرکان که اکنون در آن سامان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد وی عالمی بزرگوار و جلیل القدر و از شیوخ و کبار دانشمندان حاضر است که تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رسانیده و از محاضر آیات عظام نجف اشرف استفاده نموده و در شهرستان تویسرکان را محل سکونت و خدمات دینی خود قرار داده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تاهباز زاده، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول تاهباززاده (خیام پور) در سال 1277 ، تبریز دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال 1312 لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت. پس ازآن مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. در خرداد 1329 به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا 25 فروردین 1342 معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در 15 تیر 1348 بازنشسته شد. دکترتاهباززاده در هفتم فروردین 1358 وفات یافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : عبدالرسول تاهباز زاده [خیام پور] فرزند حاجی محمود تاهباز در تبریز متولد گردید.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرسول تاهباز زاده پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز ، به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ در آمد. سپس برای ادامه تحصیل به دارالمعلمین رفت و تحصیلات خود را ادامه داد و در سال 1312 لیسانس فلسفه و ادبیات گرفت. پس از آن ضمن خدمات اداری به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول توفیق یافت.
زمان و علت فوت : عبدالرسول تاهباززاده در هفتم فروردین 1358 وفات یافت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالرسول تاهباززاده از سال 1316 تا 1325 سمت مدیریت دبستان ایرانیان را در استانبول به عهده داشت. در خرداد 1329 به ریاست کتابخانه دانشکده نیز منصوب شد و در شهریور همان سال از طرف وزارت فرهنگ به ریاست دانشکده انتخاب شد ولی بنا به دلایلی نپذیرفت و تا 25 فروردین 1342 معاونت دانشکده را به عهده داشت و پس از آن مدتی نیز کفیل دانشکده بود. او در 15 تیر 1348

بازنشسته شد.
فعالیتهای آموزشی : عبدالرسول تاهباززاده پس از آنکه دیپلم ادبی را در دارالفنون دریافت کرد ، به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه تحصیل به تهران بازگشت. با اخذ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی ، در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. و پس از اخذ مدرک دکترا مدتی به تدریس در دانشکده ادبیات تبریز مشغول گردید. وی پس از بازنشستگی با توجه به مقام علمی و خدمات آموزشی و پژوهشی به پیشنهاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه از تاریخ دهم دی ماه 1348 به مقام استادی ممتاز نایل آمد. دکتر تاهباز زاده در شهریور 1349 به تهران نقل مکان کرد و به مدت یک سال در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالرسول تاهباز زاده در دوران بازنشستگی تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب « فرهنگ سخنوران » کرد. علاوه بر اثر فوق وی آثار دیگری نیز تایلف و چاپ نموده است. -------
---
آثار :
1 تذکره روضه السلاطین
2 ترجمه وتصحیح مجمع الخواص
3 تصحیح و تحشیه تذکره اختر
ویژگی اثر : جلد اول
4 تصحیح و تحشیه تذکره حدیقه امان اللهی
5 تصحیح و تحشیه ریاض الوفاق
6 تصحیح و تحشیه سفینه المحمود
7 تصحیح و تحشیه نگارستان دارا
8 دستور زبان فارسی
9 رساله عربی برای فارسی
10 رساله یوسف و زلیخا
11 فرهنگ سخنوران
12 مصطبه خراب

منابع :
1زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ، تالیف: حسن مرسلوند ، ج 2 ، تهران : انتشارات الهام ، ص 247

تبریزی، ابومحمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 512 ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال 309 ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (257/7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد).

تبریزی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام مرحوم میرزا حسین تبریزی از افاضل حوزه علمیه و مبرزین تلامذه و مرحوم آیت‌الله حجت داماد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدباقر قزوینی به کثرت فضل و تقوا موصوف و به علم و کمال قدس و صفا معروف و در نهایت تعفف زندگی می‌کرد و در میان شاگردان مرحوم آیت‌الله حجت به زیادی فهم و بینش مشار بالبنان بود و برای این نگارنده و بعضی دیگر دروس استاد را تقریر می‌نمود و مقداری از مکاسب شیخ و بعض سطوح دیگر را خواندم بسیار متواضع و منیع‌الطبع و کثیرالصمت و قلیل‌الکلام بود فقط در موقع سوال به سخن می‌آمد کمتر کسی را از تلامذه سید استادمان به رتبه فضل و تهذیب و کمالات معنوی وی یافتم جناب حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس طهرانی که از علماء آن سامانست و در مسجد امین‌الدوله تهران امامت می‌نماید در میان حوزه ایشان را انتخاب و به وضع زندگیش رسیدگی می‌کرد و از تحقیقاتش استفاده می‌نمود.
در اوائل ماه شعبان سال 1365 ق وی را به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام به تهران برده ولی متاسفانه در آنجا ناگهانی بدرود حیات گفته در سنین کمتر از چهل سال و دوستان خود را به مرگ خود داغدار نمود جنازه او را با تجلیل به شهر ری برده و در جوار مرقد محمد بن بابویه شیخ صدوق دفن نمودند رحمه‌الله علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تبریزی، زین العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد علی. از فضلای قرن سیزدهم هجری است. از آثارش کتب زینة الصالحین، در دعا و آداب و شرایط آن می‌باشد. تاریخ نسخه 1262 می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تبریزی، عبدالعزیز

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، حکاک و فلزکار. از آثار رقم‌دار وی، جام فلزی پایه‌دار برنزی است که در اسلیمی‌های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط ثلث و کوفی تزیینی، آرایش شده است، با رقم: «عمل عبدالفقیر الی الله الغنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف‌الدین تبریزی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (337 / 1).

تبریزی، محمدابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1149 -1140 ق)، فقیه و ادیب امامی. نسبش حسینی و مسکنش قزوین بود. مقدمات علوم را در خدمت پدرش فراگرفت، سپس به اصفهان رفت و از مجلس درس آقاجمال خوانساری. علامه محمدباقر مجلسی، شیخ جعفر قاضی اصفهانی و میرزا قوام‌الدین محمد سیفی قزوینی بهره‌مند گردید. پس از چندی به قزوین رفت. وی از علامه مجلسی و آقاجمال خوانساری اجازه‌ی حدیث داشت. وی گذشته از علوم دینی در شعر و ادب نیز استاد و به هر دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود و اشعارش بیشتر مدایح و مراثی بود. محمد قطب ذهبی و شیخ عبدالنبی قزوینی، مولف «تتمیم امل‌الآمل» از شاگردان او بودند. وی پدر بزرگوار آقاسید حسین قزوینی و نیای خاندان حاج سید جوادی است. او سرانجام در شهر قزوین درگذشت. برخی منابع جای درگذشت وی را در تبریز و محدث قمی به تصریح قبر وی را در قزوین می‌داند. او را علامه‌ای جامع انواع فنون و عالمی زاهد و با ورع و ادیبی شاعر به هر زبان فارسی و عربی دانسته و نوشته‌اند که کتابخانه‌ای بیش از هزار و پانصد جلد کتاب داشته که اکثر آنها را مقابله کرده یا بر آنها حاشیه نوشته است. هفتاد مجلد کتاب به خط خود نوشته که بعضی از آنها از تالیفات خود ایشان است. از جمله آثار وی: «البداء»؛ «تحصیل الاطمینان»، در شرح «زبده البیان» که حاشیه‌ای بر «آیات الاحکام» مقدس اردبیلی است؛ «سلاح المومنین»، در دعا؛ «العلم الالهی»؛ «مجموعه الفوائد» متفرقه، مثل «کشکول»؛ «تحقیق الصغیره و الکبیره من الذنوب»؛ «مقامات»، همچون «مقامات حریری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (228 -227 /2)، تلامذه‌ی العلامه المجلسی (9 -8)، الذریعه (94/20، 317/15، 209/12، 396، 53 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 17 -15 /12)، فوائد الرضویه (13 -12)، معجم المولفین (114/1).

تبریزی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ هادی تبریزی از علماء ابرار شهر ری بوده است.
وی در سال 1291 قمری در آذربایجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در تبریز خوانده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محاضر آیات بزرگ نجف چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسن علامه مامقانی و آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آقای شریعت اصفهانی و اعلام دیگر استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده.
و در مصاحبت علامه بزرگوار مامقانی به ایران برای زیارت ارض اقدس رضوی علیه الصلوه والسلام در زمان (مظفر الدین شاه قاجار) به ایران آمده و مورد تجلیل دولت و ملت قرار گرفته میفرمود مرحوم مامقانی مشرف بزیارت حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام گردیده و نماز مغرب و عشاء را در صحن مطهر بجماعت خوانده جماعتی که نظیرش را ندیدم زیرا سجاده آن مرحوم را نزدیک کفشن کن مردانه گذارده و تمام صحن و مسجد و بازار مردم ایستاده و به آن مرحوم در جماعت اقتدا نمودند و من چون آن روحانیت و منظره را دیدم از خدا خواستم مجاورت زاویه مقدسه را نصیب من فرماید و بعد از تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الصلوه و السلام مراجعت به نجف نموده و پس از فوت مرحوم علامه مامقانی و مرحوم آخوند خراسانی به تبریز آمده و چون در اسکو و میلان شیخی‌ها نفوذ کرده بودند برای هدایت و ارشاد مردم به آنجا رفته و مدتی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با آن منحرفین نموده تا در سال 1361 قمری و غائله پیشوری و توده‌ئی‌ها که وی را مورد حمله اهانت قرار دادند مجبور به مهاجرت از آذربایجان و مجاورت زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام را اختیار و در صحن مطهر به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی پرداخته و حتی برای این که از وجوه شرعیه اعاشه نکند با یکی از اخیار شریک و مغازه‌ای گرفته تا در ماه مبارک رمضان سال 1371 قمری در سن هشتاد سالگی وفات و در صحن مطهر در محل نمازش مدفون و تاکنون قبرش مزار خواص و مؤمنین می‌باشد.
نگارنده گوید: مرحوم حاج شیخ هادی جدا عالمی ربانی و آیتی سبحانی و عبادی زاهد و مجتهدی متعبد و دانشمندی متواضع و خلیق و در شهر ری محبوبیت تامه داشت.

داماد ارجمندش جناب ثقةالاسلام والمحدثین آقای حاج میرزا ابوطالب حایری خوئی از افاضل اهل منبر ری می‌باشد که در این ناحیه به خدمات دینی و ترویجی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تجلی اردکانی، علیرضا

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1085 ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. وی از شاگردان مشهور محقق خوانساری و از بزرگان اردکان بود که در آغاز جوانی به اصفهان رفت و در آنجا به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی تعلم، در خدمت محقق مذکور سفری به هند کرد و بعد از مدتی به اصفهان بازگشت و به سبب مقام علمی که داشت در آن شهر شهرت بسیار یافت و به مرتبه‌ی مدرسی مدرسه والده رسید و شاه عباس دوم به سال 1072 ق محلی را در اردکان به رسم سیورغال بدو واگذاشت و او در همان حال که حوزه‌ی درسی خود را اداره می‌کرد به تالیف و تصنیف و سرودن شعر نیز سرگرم بود. تجلی پس از چند سال به مکه و از آنجا به شیراز رفت و همان جا ماند تا بدرود حیات گفت. تجلی در موضوعهای علمی و دینی اثرهایی دارد، از آن جمله است: «رساله»ای به فارسی در منع نماز جمعه و در غیبت امام که ملحقاتی بر آن در رد رساله‌ی ملا محمدباقر خراسانی درباره‌ی وجوب عینی آن افزود که خود حکم رساله‌یی مستقل دارد. از آثار وی: «تفسیری بر قرآن» به فارسی؛ رساله‌ای درباره امامت به فارسی به نام «سفینه النجاه»؛ «دیوان» قصیده و غزل؛ مثنویی به نام «معراج الخیال»؛ «حاشیه المولی عبدالله فی المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (240/8)، تاریخ ادبیات در ایران (318 -317 /5)، تذکره‌ی روز روشن (147 -148)، تذکره‌ی سخنوران یزد (65 -63)، تذکره‌ی شعرای کشمیر (165 -164 /1)، تذکره‌ی نصرآبادی (170 -168)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (16 -12 /2)، الذریعه (201/12، 301/19، 167/9، 61/6)، ریحانه (328/1)، سرو آزاد (116 -115)، شام غریبان (60)، فارسنامه‌ی ناصری (1249/2)، کاروان هند (205 -200 /1)، کلمات الشعراء (39 -38)، الکنی والالقاب (118/2)، لغت‌نامه (ذیل/ علیرضا)، مرآت الفصاحه (115 -114)، معجم المولفین (93/7)، نتایج الافکار (128 -126)، نشتر عشق (278 -277 /1)، هدیه العارفین (760/1).

تجلی سبزواری، رجبعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1300 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به تجلی. در سبزوار به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی تحصیلات در رشته ادبیات، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. به فرمان حاکم سبزوار دستگیر شد اما، به همراه چند تن از یارانش شبانه گریخت و به مشهد رفت. تجلی از کارمندان وزارت دارایی بود. به سلسله‌ی نعمت‌اللهی گناباد ارادت داشت. تجلی شعر نیکو می‌گفت، به ویژه در سرودن مثنوی و غزل استاد بود. از آثار وی: «ارمغان تجلی»؛ «تجددنامه»؛ «طالب‌نامه‌ی تجلی»؛ «معراج الخیال»؛ «ذم الاستبداد»؛ «انقلاب خراسان»؛ «نیاز تجلی»؛ «کنگاشنامه»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (167/9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (259 -258 /2)، مولفین کتب چاپی (105 -104 /3).

تجلیل، جلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلیل تجلیل درسال 1313 در خوی به دنیا آمد . وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و برای ادامه تحصیل درمقطع کارشناسی ارشد و دکتری وارد دانشگاه تهران شد . ایشان علاوه برتدریس دردبیرستان و دانشگاهها عضو هئیت ممیزه وزارت فرهنگ و آموزش عالی گردید و تا به حال درآنجا فعالیت دارد .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : جلیل تجلیل درسال 1313 درشهر خوی به دنیاآمد . خانواده او همه تبریزی بودند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلیل تجلیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه و کارشناسی خودرا در تبریز سپری کرد و بارتبه اول درسال 1334 دررشته ادبیات از دانشگاه تبریز دوره لیسانس را به پایان رسانید . درسال 1347 موفق به اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه تهران و درسال 1349 ازهمین دانشگاه مدرک دکتری خودرا اخذ کرد . درهمین حین درحوزه علمیه به تحصیلات علوم اسلامی پرداخت .
استادان و مربیان : از استادان جلیل تجلیل می توان به حاج سلطانی ،جودی ،علی اکبر صبا ، میرزا علی سلطان القرآنی ، دکتر خیامپور ،دکتر مشکور ، ترجامی ران و حسن تاجی طباطبایی اشاره کرد .
همسر و فرزندان : جلیل تجلیل درسال 1340 ازدواج کرد و دارای دو فرزند دخترو پسر می باشد که هر دوآنها لیسانس می باشند .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل جلیل تجلیل می توان به موارد زیر اشاره کرد : 1- عضو هئیت ممیزه مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی حدود 10سال 2ـ عضو هئیت ممیزه دانشگاه تهران حدود5سال 3ـ عضو هئیت درشورای گسترش زبان فارسی خارج از کشور حدود 8سال 4ـ عضویت درشورای گسترش دانشگاههای کشور حدود 6سال 5ـ عضویت در شورای گروه علوم انسانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی 6ـ عضویت درشوارای نام گذاری شهرداری تهران به نمایندگی فرهنگ و آموزش عالی حدود 10 سال
فعالیتهای آموزشی : جلیل تجلیل ازسال 1331 به دبیری ار دبیرستانهای آن شهر پرداخت . از سال 1349 به تهران منتقل شد وبا مرتبه استادیاری

دردانشگاه تهران به تدریس ادبیات مشغول گشت . در سال 1374 به احراز مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور مفتخر گردید .
جوائز و نشانها : جلیل تجلیل دارای مدال شاگرد اولی خرداد 1334 ، از دانشگاه تبریز و نشان و لوح تقدیر استاد نمونه ازدانشگاههای کشور از ریاست جمهور کسب کرده است .
چگونگی عرضه آثار : جلیل تجلیل استاد دانشگاههای تالیفاتی شامل کتب ، مترجم ، مصحح ، مقالات و سخنرانیهای علمی در مجامع و کنگره های مختلف داخلی و خارجی دارد . ----------
---
آثار :
1 آزادی دراسلام
ویژگی اثر : در مجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره 3 به سال 1359
2 آشنایی با تصویر فنی و نمایش هنری درقرآن
ویژگی اثر : این مقاله در مجله مشکوه درشمار ه های 12-13 درسال 1365 به چاپ رسیده است
3 ادبیات انقلاب اسلامی
ویژگی اثر : در کیهان فرهنگی در خرداد 71 در ص127 به چاپ رسیده است
4 از هایر گلشن
ویژگی اثر : مولانا ابراهیم من شهاب الدین گلشنی که درتحقیق دکتر جلیل تجلیل دارالثقلین درقم 1378 به چاپ رسیده است
5 ازهار گلشن
ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال 1362 به شماره 1-4
6 اسلام و محیط زیست
ویژگی اثر : درنشریه اولین کنفرانس بین المللی بررسی علمی اثرات نشت نفت دردانشگاه تهران به سال 1363
7 افسانه تقلید و افسون ابتکار
ویژگی اثر : این در مجموعه سخنرانیهای هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی دانشگاه شهید بهشتی 1355
8 اقتباسات سعد الدین تفتازانی از عبد القاهر جرجانی
ویژگی اثر : درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم شماره1 ، سال56
9 اوصاف الفرس فی الشعر العربی
ویژگی اثر : این مقاله درمجلد الاخاء در 23بهمن سال 1355 به چاپ

رسیده است
10 بلاغت پیغمبر اکرم (ص)
ویژگی اثر : درابعاد زندگانی اسوه بشریت رسول اکرم (ص) در انتشارات دانشگاه رسول اکرم (ص) به سال 1366 به چاپ رسیده است
11 بلاغت رسول اکرم
ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه مقالات سمینار ابعادزندگی رسول اکرم در سال 1366 به چاپ رسیده است
12 بلاغت قرآنی و پرتوآن در ادب فارسی وعربی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی درسال 1373 به شماره 1تا 4 به چاپ رسیده است
13 پژوهشی درمجاز
ویژگی اثر : درمجموعه هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی درکرمان به چاپ رسیده است ود ر کتابفروشی انجمن فلسفه درسی و پنج خطابه در سال 1358 می باشد
14 پیوند دانش و تهذیب در اسلام
ویژگی اثر : این درمجله جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران در شماره 4 به سال 1359
15 تاثیر شاعران ایرانی درشعر فضولی
ویژگی اثر : درپائیز 73به شماره 4-73 می باشد
16 تحلیل ابیاتی از جام جم اوحدی
ویژگی اثر : درنشریه اختصاصی گروه زبان و ادبیات فارسی در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران 1364 شماره 2 صص 111-114
17 تحلیل اشعار اسرار البلاغه
ویژگی اثر : این کتاب درمرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بهار 1377 به چاپ رسیده است
18 تحلیل های بلاغی عبد القاهر جرجانی از آیات قرآنی
ویژگی اثر : این دردانشگاه تربیت مدرس در مجله مدرس به سال 1368 به چاپ رسید ه است
19 ترجمه اسرار البلاغه عبد القاهر جرجانی
ویژگی اثر : این کتاب درسال1361 درانتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است
20 ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد 21
21 ترجمه فارسی الغدیر علامه امینی جلد 22
22 تعهد درشعر اقبال
ویژگی اثر : این مقاله در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال 1369 به چاپ رسیده است

23 توصیف اسب درشعر فارسی
ویژگی اثر : این مقاله درمجلد دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم به شماره 4، سال1357 به چاپ رسیده است
24 توصیف کعبه و مدینه و خراسان
ویژگی اثر : مجله مشکوه آستان قدس رضوی درسال 1363/5
25 جاذبه های شعری خاقانی
ویژگی اثر : درمجله مشکوه در نشریه آستان قدس رضوی 1363/6
26 جاذبه های شعری خاقانی
ویژگی اثر : در مجله مشکوه درنشریه آستان قدس رضوی درسال 1364/8
27 جاذبه های شعری خاقانی و هنر های ادبی او
ویژگی اثر : در مجله مشکوه درآستان قدس رضوی به شماره 7در سال 1364
28 جرعه ها از جام جم
ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دردانشگاه تهران درپائیز 1355به چاپ رسیده است
29 جمال شعر نظامی
ویژگی اثر : در مجله آشنا در شماره هفتم درسال 4 آذرودی 1373 به چاپ رسیده است
30 جمال کمندی درشعر کمال خجندی
ویژگی اثر : درمجموعه مقالات کنگره بزرگداشت کمال خجندی انتشارات سروش در وزارت ارشاد اسلامی درآذر1375
31 جناس درپهنه ادب فارسی موسسه تحقیقات مطالعات فرهنگی 1368
32 جهات مفاخره درشعر حافظ
ویژگی اثر : این مقاله درمجله تحقیقات فارسی انجمن فارسی دهلی در سال 1985 به چاپ رسیده است
33 خاطرات من به شهریار و تحلیل دو مرغ بهشتی او
ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره 1371/2 به چاپ رسیده است
34 خصایص سخن امام
ویژگی اثر : مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری وعملی حضرت امام 1372
35 دومرغ بهشتی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله کلمه به شماره 2 به چاپ رسیده است
36 رساله ای در استعارد
ویژگی اثر : آرام نامه ، تهرا ن1361

37 سیری در بلاغت نهج البلاغه
ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی در سال 1369/1 به چاپ رسیده است
38 شناخت روش در تحقیقات ادب فارسی
39 طبع روان و فسونگری فردوسی
ویژگی اثر : در مجله مدرس دانشگاه تربیت مدرس درسال 1369 به چاپ رسیده است
40 طیف بیانی در منشور غزل حافظ
ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت حافظ در پائیز 1371 ص159 به چاپ رسیده است
41 عروض نشر همراه 1368
42 عروض و قافیه
ویژگی اثر : درسال 1378 درانتشارات سپهر به چاپ رسیده است
43 علاقه های مجاز و رساله ای از عضام الدین
ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره 107-108 در پائیز 1367 سال 25 صص 51-61 به چاپ رسیده است
44 علت سازی و علت سوزی درشعر
ویژگی اثر : این درمجله یغما در شماره 3 درسال 1356 به چاپ رسیده است
45 غوری دردیوان حزین
ویژگی اثر : مجله آشنا -شماره 32 به سال 6 آذر 75 به چاپ رسیده است
46 غوری دردیوان حزین
ویژگی اثر : آشنا به شماره 32 درسال 1375 ششم آذر
47 فردوسی و تاگور دوحکیم جهانی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله کلمه در انجمن تحقیقات فارسی در هند در دهلی نو به چاپ رسیده است
48 فک وفعل دراضافه
ویژگی اثر : این مقاله درمجله گوهر دردوشماره پیاپی 11و12 درسال 1354و شماره 1درسال 1355به چاپ رسیده است
49 فنون و صنایع ادبی (عروض)
ویژگی اثر : وزارت آموزش و پرورش سال چهارم 1362
50 کتاب تعلیمات دینی
ویژگی اثر : این کتاب برای مقطع دبیرستان است که در تبریز در کتابفروشی صفوی بازار شیشه گران درسال 1335به چاپ رسیده است
51 کتابداری نوین در اسلام
ویژگی اثر : دانشگاه بهشهر 1360

52 گزیده متون ادب فارسی
ویژگی اثر : این کتاب را با همکاری چند تن ازاستادان و همکاران درسال1362 به چاپ رسیده است
53 معالم المدرستین
ویژگی اثر : این کتاب پژوهش و بررسی تحلیلی مبانی اندیشه های اسلامی دردیدگاه دو مکتب ، ترجمه کتاب معالم المدرستین علامه عسکری دردو جلد درراینزن 1375به چاپ رسیده است
54 معانی امرو نهی درغزل حافظ
ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درسال1368 در سفینه حافظ به چاپ رسیده است
55 معانی و بیان مرکز نشر دانشگاهی
ویژگی اثر : این کتاب درسال 1362 به چاپ رسیده است
56 معرفت کردگار
ویژگی اثر : این مقاله در جلد 1 دروزارت ارشاد اسلامی درسال 1363 دربیان ذکر جمیل سعدی به چاپ رسیده است
57 مفاخره درشعر حافظ
ویژگی اثر : این در مجله دانشگاه انقلاب در اردیبهشت 1363 به چاپ رسیده است
58 مفاخره درشهر فارس
ویژگی اثر : ضمیمه مجلد انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران 1360
59 مقاله شعر از دیدگاه پیغمبر اسلام (ص)
ویژگی اثر : در جشن نمه مدرس اخوی درسال1364 درانتشارات انجمن استاد به چاپ رسیده است
60 مقایسه لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون ففضولی
ویژگی اثر : درانتشارات کنگره بزرگداشت فضولی -تالاروحدت 1374
61 مقدمه بر کتاب عشق درعرفان اسلامی
ویژگی اثر : تالیفات نصرت الله کامیاب تالشی ، دارالثقلین چاپ اول 1375
62 ملاحظاتی در مضمون پردازی و هماهنگی تصویر و آهنگ در شعر خاقانی
ویژگی اثر : در دانشنامه مجله دوره عالی در تحقیقات دکتری شماره 12و13 به چاپ رسیده است
63 ملاحظاتی درمضمون پردازی خاقانی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایران درسال 1369 به چاپ رسیده است

64 مهدی کیست
ویژگی اثر : ترجمه من هو المهدی درسال 1360 درقم چاپ ارم به چاپ رسیده است
65 موج تعالی وتهذیب درکلام حافظ
ویژگی اثر : بطور سریال دردو شماره مجله کلمه -1360و1361
66 نتاسی تشبیه
ویژگی اثر : درمجلد انتشارات ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران شماره 2و3 سال 1353
67 نظرات ادبیه حول التاریخ الطبری
ویژگی اثر : این مقاله در مجله جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی درسال 1371 به چاپ رسیده است
68 نگارش روز معیار الاشعار خواجه نصیر طوسی 1369
69 نوعی تشبیه در خسرو شیرین نظامی گنجوی
ویژگی اثر : این مجموعه مقالات کنگره بین المللی بزرگداشت نهمین شده تولد حکیم نظامی در مجله تسف صص 286 به چاپ رسیده است
70 هدایت اسلامی در شعر فارسی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله گلچرخ دراطلاعات به چاپ رسیده است
71 هشیار سران در ابله دیدار
ویژگی اثر : این مقاله درمجله ویسمن درسال اول به شماره 1354-1 به چاپ رسیده است
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تحریریان، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1327، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال 1348، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال 1350 و دکترای زبان‌شناسی و آموزش زبان از دانشگاه ایندیانای آمریکا در سال 1357.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس مقدمه زبان‌شناسی، روش تدریس، روش تحقیق، تهیه متون آموزش و تعداد زیادی از دروس دیگر مربوط به زبان‌شناسی و روش تدریس زبان در دانشگاههای شیراز و اصفهان.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
در زمینه آموزش زبان کتابهای Freshman English, ABSIR.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 1، تعداد مقالات بزبان خارجی: 7
زمینه علمی مقالات:
گسترش دامنه لغات و یادگیری زبان دوم، مقالاتی چند در مورد آموزش زبان و سواد به زبان انگلیسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تختی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جهان پهلوان تختی اسوه مردانگی
غلامرضا تختی در روز پنجم شهریور ماه 1309 در خانواده ای متوسط و مذهبی در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد."رجب خان"- پدر تختی- غیر از وی دو پسر و دو دختر دیگر نیز داشت که همه آنها از غلامرضا بزرگتر بودند."حاج قلی"، پدر بزرگ غلامرضا ، فروشنده خواروبار بود. از قول رجب خان، تعریف می کنند که حاج قلی در دکانش بر روی تخت بلندی می نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی آباد به حاج قلی تختی شهرت یافته بود. همین نام بعدها به خانواده های رجب خان منتقل شد و به " نام خانوادگی" تبدیل شد.
رجب خان با پولی که از ماترک پدرش به دست آورده بود، در محل سابق انبار راه آهن زمینی خریده و یک یخچال طبیعی احداث کرده بود و از همین راه مخارج زندگی خانوادگی پرجمعیت خود را تامین می کرد.
نخستین واقعه ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه ای بزرگ و فراموش نشدنی در روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تامین معاش خانواده ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد.
تختی سال ها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می گوید:" یک روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکنینش را به کوچه ریختند، ما مجبور شدیم که دو شب را توی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بردیم به خانه همسایه ها و دو اتاق اجاره کردیم. چندی بعد روزگار عرصه را بیشتر بر پدرم تنگ کرد تا این که مجبور شد یخچال طبیعی اش را نیز بفروشد. این حوادث تاثیر فراوانی در روحیه پدرم گذاشت و باعث اختلال روحی او در سال های آخر عمر شد."
در چنان شرایطی، غلامرضا تنها 9 سال به تحصیل پرداخت. وی خود می گوید:" مدت 9 سال در دبستان و دبیرستان منوچهری که در همان خانی آباد قرار داشت، درس خواندم، ولی تنها خاطره ای که از دوران تحصیل به یاد دارم، این است که هیچ وقت شاگرد اول نشدم، اما زندگی در میان مردم و برای مردم درس هایی به من آموخت که فکر می کنم هرگز نمی توانستم در معتبرترین دانشگاه ها کسب کنم.
زندگی همچنین به من آموخت که مردم را دوست بدارم و تا آن جا که در حد توانایی من است، به آنان کمک کنم، حال این کمک از چه طریقی و از

چه راهی باشد، مهم نیست. هر کس به قدر تواناییش..."
غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، خیال قهرمان شدن، مدتی او را به وسوسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت جان و تن هر دو لازم است.
شادروان تختی در مصاحبه ای با اشاره به فقر و مشقت زمان نوجوانی اش می گوید" با آن که علاقه فراوانی به ورزش داشتم، مجبور بودم که در جستجوی کاری برآیم. زندگی ، نان و آب ، لازم داشت. برای مدتی به خوزستان رفتم و در ازای روزی هفت یا هشت تومان، کار کردم. دنیا در حال جنگ(جنگ جهانی دوم) بود، زندگی به سختی می گذشت."
آشنای حقیقی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه " پولاد" آغاز شد. وی که پیش از این گودها و زورخانه های فراوانی دیده بود و شیفته تواضع و افتادگی پهلوانانی کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار درسال 1329 به باشگاه پولاد(واقع در خیابان شاهپور سابق) رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافری که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم " حسین رضی زاده" مدیر آن باشگاه قرار گرفت.
تختی، خود می گوید:" رضی خان آدم خوبی بود، اگر کسی را نشان می کرد و می دید که استعداد کشتی دارد، دست از سرش بر نمی داشت. در گرمای تابستان لخت می شدیم و هر روز از ساعت دو بعدازظهر تا چندین ساعت کشتی می گرفتیم، از دوش آب گرم و حمام خبری نبود . کشتی گیران برای وزن کم کردن، به خزینه می رفتند تشک های کشتی را با پنبه پر می کردند، اما خاک و خاشاک آن، بیش از پنبه بود."
تختی که پس از بازگشت از خوزستان(مسجد سلیمان) روانه خدمت سربازی شده بود، در سربازخانه با استفاده از فرصت ها و توجهات فراهم شده، به ویژه تشویق و حمایت دبیر وقت فدراسیون کشتی که در دژبان ارتش فعالیت داشت، تمرینات کشتی خود را بار دیگر آغاز کرد. تختی خود در این باره می گوید:" وقتی در سال 1328 در مسابقه بزرگ ورزشی(کاپ فرانسه) شرکت کردم، در همان اولین ضربه فنی شدم. اما تمرین های جدی و سختی که در پیش گرفتم، مرا یاری کرد تا حقیقت مبارزه را درک کنم، اگر چه شور پیروزی در سر داشتم، اما کار و کوشش را سرآغاز پیروزی می دانستم."
به این ترتیب تختی با تمرین و پشتکار مثال زدنی رفته رفته خود را از میان بازنده ها بیرون کشید و سرانجام در سال 1330 در وزن ششم(79 کیلوگرم) به عضویت تیم ملی درآمد.
وی در نخستین دوره مسابقه های کشتی آزاد قهرمانان جهان(هلسینکی،

1951) با وجود آن که هنوز 21 سال داشت، نایب قهرمان جهان شد.
درخشش خیره کننده تختی در رقابت های کشتی هلسینکی که در نخستین حضور او در مسابقه های قهرمانی جهان در فاصله کمتر از دو سال از ورودش به میادین ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هر چیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم نظیر تختی و همچنین استعداد و مهارت فوق العاده او در زمینه کشتی بود.
گفتنی است در اولین دوره مسابقات قهرمانی کشتی آزاد جهان که از لحاظ تاریخی میدان معتبر و تعیین کننده ای برای کشتی ایران و جهان بود، تیم ملی کشتی آزاد ایران با ترکیب کامل و در هر هشت وزن آن زمان حضور پیدا کرد و با کسب دو نشان نقره(محمود ملاقاسمی و غلامرضا تختی) و دو نشان برنز، (عبدالله مجتبوی و مهدی یعقوبی) در نتیجه درخشان و غیرقابل تصور پس از تیم های ملی ترکیه و سوئد عنوان سوم جهان را به دست آورد.
مسابقات سال 1951 هلسینکی(فنلاند) برای تختی آغار راهی بود که طی 15 سال آینده با کسب ده ها پیروزی و فتح سکوهای متعدد قهرمانی در بزرگترین میادین بین المللی کشتی ادامه یافت.
شادروان غلامرضا تختی در سال 1331 (1952) در نخستین حضور خود در رقابت های المپیک با کسب شش پیروزی و قبول یک شکست در برابر " دیوید جیما کوریدزه" از شوروی صاحب نشان نقره شد. وی در این مسابقه ها توانست حیدر ظفر ترک را که سال پیش با غلبه بر تختی قهرمان جهان شده بود را شکست دهد.
تختی در دومین دوره مسابقات جهانی که در خرداد ماه 1333(1954) در توکیو برگزار شد، در وزن هفتم (87 کیلوگرم) به رقابت پرداخت که با وجود پیروزی های درخشان و شایستگی فراوانی که از خود بروز داد با قبول یک شکست غیرمنتظره در برابر " وایکینگ پالم" سوئدی از راهیابی به فینال بازماند و در نهایت عنوان چهارمی این وزن را به دست آورد.
تختی شش ماه بعد در یک دیدار دوستانه در سوئد،" پالم" را با ضربه فنی شکست داد و باخت غافلگیرانه توکیو را به خوبی جبران کرد.
شادروان تختی همچنین در سال 1955 در جشنواره بین المللی ورشو موفق به کسب نشان نقره شد. اما سومین دوره مسابقه قهرمانی جهان(استانبول،1957) تجربه تلخی برای مرحوم تختی بود. وی که در این دوره از رقابت ها، برای اولین و آخرین بار در وزن فوق سنگین آن زمان(87+ کیلوگرم) کشتی می گرفت، به دلیل وزن بسیار کمتر نسبت به رقیبان با دو باخت حذف شد.
پهلوان ایران با وجود حذف شدن در استانبول آبرومندانه کشتی گرفت و نتایجی که به دست آورد با توجه به آن که با وزن 92 کیلوگرم به مصاف

کشتی گیران فوق سنگین رفته بود، در مجموع غیرقابل قبول نبود.
به عنوان نمونه "دیتریش" آلمان و " ایوان ویخریستیوک" روس، حریفان اصلی تختی در این رقابت ها 110 کیلوگرم وزن داشتند و علاوه بر آن در وزن خود نیز از تجربه خوبی برخوردار بودند.
در بازی های المپیک ملبورن(استرالیا) که در آذرماه 1335 (1956) برگزار شد تختی یک بار دیگر در وزن هفتم (87 کیلوگرم) به مصاف رقبایی از شوروی، آمریکا، ژاپن آفریقای جنوبی، کانادا و استرالیا رفت و با شکست تمامی حریفان اولین نشان طلای خود را به گردن آویخت.
این برای نخستین بار بود که دو قهرمان از آمریکا و شوروی در یک سکوی معتبر جهانی پایین تر از حریف ایرانی قرار می گرفتند.
جهان پهلوان تختی در اسفندماه همان سال با غلبه به مرحوم حسین نوری به مقام پهلوانی ایران دست یافت و صاحب بازوبند شد و در سال های 1336 و 1337 نیز این عنوان را تکرار کرد.
جهان پهلوان تختی در سال 1958 در بازی های آسیایی توکیو و مسابقات قهرمانی جهان در صوفیه به ترتیب نشان های طلا و نقره این رقابت ها را به گردن آویخت و در مهرماه سال 1338(1959) در چهارمین دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد.
"بوریس کولایف" از شوروی تنها کشتی گیری بود که با امتیاز به تختی باخت و در 5 کشتی دیگر رقبای مجارستانی، لهستانی، فرانسوی، بلغار و ترک تختی با ضربه فنی مغلوب پهلوان ایران شدند.
تیم ملی کشتی آزاد ایران که در رقابت های تهران با اکتفا به دو مدال طلای غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی با وجود برخوردی از امتیاز میزبانی در حفظ عنوان سومی سال های قبل نیز ناموفق بود در هفدمین دوره بازی های المپیک(ایتالیا،1960) تا مکان پنجم رده بندی سقوط کرد. تختی کاپیتان تیم ملی و پرتجربه ترین کشتی گیر ایران که در این رقابت ها در وزن هفتم به میدان رفته بود، پس از پیروزی در پنج دیدار با در مسابقه نهایی با قبول شکست در برابر "عصمت آتلی" از ترکیه به گردن آویز نقره دست یافت.
مسابقه های قهرمانی جهان در یوکوهامای ژاپن میدانی فراموش نشدنی برای کشتی ایران بود. تیم ملی کشتی آزاد کشورمان پس از حضور در 8 دوره مسابقات المپیک و جام جهانی در رقابت های جهانی 1959 ژاپن، پرافتخارترین حضور خود در تاریخ کشتی را رقم زد و با دریافت پنج نشان طلا، یک نشان نقره، یک نشان برنز و یک عنوان پنجمی به مقام قهرمانی کشتی آزاد جهان دست یافت.
جهان پهلوان تختی که در این مسابقات در وزن 87 کیلوگرم به مصاف

حریفان رفته بود با حضوری مقتدرانه آخرین مدال طلای خود را به گردن آویخت.
کشتی گیران آزاد ایران در ششمین دوره رقابت های قهرمانی جهان در تولید وی آمریکا (1962) نیز حضوری شایسته داشتند.
تیم ملی ایران اگر چه نتوانست مقام قهرمانی خود را در این مسابقات حفظ کند ولی کسب مقام سوم جهان نیز با توجه به کارشکنی ها و ناداوری هایی که در حق تختی و سایر کشتی گیران ایران روا شد نتیجه قابل قبولی تلقی می شود. جهان پهلوان تختی در این مسابقات با حضور مقتدرانه در برابر " وان براند" آمریکایی، " مریود" روسی و " عصمت آتلی" که از قهرمانان صاحب نام وزن هفتم بودند از حیثیت کشتی ایران به خوبی دفاع کرد و در نهایت پس از تساوی با " مروید" جوان تنها به دلیل 200 گرم اضافه وزن نسبت به حریف از دریافت نشان طلا محروم شد و به گردن آویز نقره رضایت داد.
قهرمان ارزشمند ایران در شرایطی در این دیدارها شرکت کرد که از بیماری خطرناکی رنج می برد با این حال عشق به ملت ایران او را به مصاف با بزرگترین قهرمانان جهان کشاند. شدت بیماری تختی به حدی بود که پس از دیدار فینال سریعا به نیویورک منتقل و روز بعد در بیمارستان بزرگ نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفت.
در فاصله سال های 1962 تا 1966، جهان پهلوان تختی با وجود سن بالا همچنان عضو تیم ملی ایران بود. اما تنها در بازی های المپیک 1964 توکیو شرکت کرد که در این دیدار با بداقبالی از کسب چهارمین نشان المپیک خود بازماند و به عنوان چهارمی جهان اکتفا کرد. البته جانشینان تختی در مسابقات جهانی صوفیه(1963) و منچستر(1965) از دریافت حتی یک امتیاز در وزن هفتم ناموفق بودند، این امر در کنار عشق وافری که ملت ایران به جهان پهلوان داشتند، موجی از درخواست های مردمی و مطبوعاتی برای حضور مجدد تختی در رقابت های جهانی را برانگیخته بود.
پهلوان 36 ساله ایران با وجود عدم آمادگی کافی و گذشتن از مرز بازنشستگی شرکت در مسابقه های جهانی 1966 (تیرماه 1345) تولیدو را پذیرفت.
تختی در مسابقات انتخابی مسابقات جهانی 1966 از نظر نتایج فنی و پیروزی با ضربه فنی، بهترین چهره شناخته شده و به عنوان بهترین کشتی گیر وزن هفتم ایران راهی آمریکا شده بود با این حال کارشکنی و برخوردهای سویی که از سوی برخی افراد و مقامات نسبت به او روا می شد روحیه او را تضعیف کرده بود.
جهان پهلوان تختی به هنگام عزیمت به آخرین سفر خود، در میان خیل عظیم مردمی که برای بدرقه او و همراهانش آمده بودند در گفت و گو با

خبرنگار" کیهان ورزشی" گفت: هیچ چیز نمی تواند مرا خوشحال کند، پول، مدال طلا، عشق و حتی عشق.
نسبت به این مردمی که به فرودگاه آمده اند، احساس شرمندگی می کنم. راستی چقدر محبت بدهکارم؟ من چرا باید کشتی بگیرم؟ چرا باید همراه تیم مسافرت کنم، تا سبب این همه مراجعت باشم؟ اگر پاسخ به این پرسش را می دانستم من هم می توانستم ادعا کنم چون دیگران هستم... وقتی کسی نداند چه عاملی سبب خوشحالی اش خواهد شد، یقینا نخواهد توانست بگوید چرا کشتی می گیرد و چرا همراه تیم مسافرت می کند "
تختی که بی امید به مصاف تازه نفسی ها و جوانان جویای نام رفته بود، متاسفانه با بدترین قرعه ممکن نیز مواجه شد به طوری که پس از پیروزی پنج بر صفر در مقابل حریفی از مجارستان به مصاف " الکساندر مدوید" و " احمد آئیک"(نفرات اول و دوم این دوره از رقابت ها) رفت و با قبول شکست در برابر آنها برای همیشه با صحنه کشتی خداحافظی کرد.
افتخارات تختی:
بازیهای المپیک:
52 هلسینکی: مدال نقره (79 کیلو گرم)
56 ملبورن: مدال طلا (87 کیلو گرم)
60 رم: مدال نقره (87 کیلو گرم)
64 توکیو: چهارم (97 کیلو گرم)
قهرمانی جهان:
51 هلسینکی: مدال نقره (79 کیلو گرم)
54 توکیو: نفر پنجم (87 کیلو گرم)
61 یوکوهاما: مدال طلا (87 کیلو گرم)
62 تولیدو: مدال نقره (97 کیلو گرم)
بازیهای آسیایی:
58 توکیو: مدال طلا (87 کیلو گرم)
جمع مدالهای غلامرضا تختی: 8 (4 طلا، 4 نقره)
المپیک 3 - جهانی 4 - بازیهای آسیایی 1 سجایا و خصایص انسانی والای شادروان تختی
جهان پهلوان غلامرضا تختی پرافتخارترین چهره تاریخ ورزش قهرمانی ایران و فاتح سکوهای رفیع کشتی جهان، نه تنها در ایران که در تاریخ ورزش دنیا نیز چهره ای کاملاً شناخته شده است. با وجود گذشت حدود 4 دهه از آخرین حضور تختی در رقابت های المپیک (توکیو،1964) و 35 سال از درگذشت جهان پهلوان، نام وی همچنان در زمره نام آورترین قهرمانان کشتی رقابت های المپیک می درخشد.
با این همه تردیدی نیست که راز محبوبیت و ماندگاری کم نظیر شادروان

غلامرضا تختی را نه در برق نشان های رنگارنگ ورزشی او که در خصایص و سجایای اخلاقی و صفات بارز انسانی این فرزند وفادار مردم باید جستجو کرد.
پس از تختی قهرمانان بسیاری بودند که با کسب چند مدال جهانی و تقلید ازحرکت های مردمی تختی سودای دستیابی به موقعیت بی بدیل او در سرپروراندند و چند صباحی به مدد تبلیغات و جنجال های مطبوعاتی ردای جهان پهلوانی را بر تن کردند اما هیچگاه نتوانستند به خانه های روشن و پاک دل مردم راه پیدا کنند عشق و ارادت خالصانه توده های معتقد و مذهبی به این " سلاله بی فخر و تبار برخاسته از تن درد و رنج و محرومیت" خود آن چنان عمیق و ریشه دار و آگاهانه است که حتی نیش گزنده آن" دروغ بزرگ " هم نتوانسته است، کوچکترین خللی در آن ایجاد کند.
"او با مردم و چونان مردم زیست. در شادی شان گلخنده اش را نثار آنان کرد و در ماتم و اندوهشان، ایثارگرانه و اندوهگین در کنارشان جای گرفت. شادی هر لبخند فتحی را که بر لبانش نقش بست با آنان قسمت کرد و با غرور و پیروزی خویش بارها و بارها، زنگار اندوه شکست های دیرین را از سینه آنان شست.
چه بسیار مردم سیلی خورده یی که زبونی خویش را در قدرت و حمیت و همت او جبران شده می دیدند و غروب آرزوها و آرمان های خویش را در طلوع نام و کام او ازیاد می بردند و تداوم آرمان هایشان را در صلای مردانگی و عزت او- که او هرگز- آن را به پای دونان و دشمنان سوگند خورده مردم نریخت جستجو می کردند و چنین بود که تختی آرام آرام و نه یکباره و ناگهانی قهرمان شکست ناپذیر افسانه های دل مردم شد. او تبلور آرزوهای مرده و به طاق نسیان سپرده مردم شد."
تختی بزرگ، خود نیز به عمق علاقه خالصانه طبقات محروم و رنج دیده نسبت به خویش واقف بود، وی در پاسخ به خبرنگاران داخلی و خارجی که از او پرسیده بودند" با ارزش ترین مدالی که تا کنون گرفته ای کدام است؟" گفته بود:" بزرگترین پاداش و عالی ترین هدیه ای که گرفتم مدال یا نشان طلا و نقره نبود. قلب یک انسان بیش از هزاران مدال طلا ارزش دارد و من می دانم که هزاران هزار نفر از مردم حق شناس میهنم در قلب مهربان خودشان جای کوچکی هم برای من ذخیره کرده اند."
تختی که در خانواده ای مذهبی و معتقد پرورش یافته بود، از همان جوانی انسانی مومن و پرهیزگار بود. ایمانی خالصانه داشت، برای شرعیات اهمیت خاصی قائل بود و نماز و روزه اش هرگز ترک نمی شد." شبهای جمعه همواره برای زیارت به حضرت عبدالعظیم می رفت" و ارادت خاصی به ائمه اطهار خصوصا حضرت ثامن الحج(ع) داشت.

نقافیان از مفسران قدیمی ورزش در مشهد با تجلیل از سجایای اخلاقی جهان پهلوان تختی می گوید:" تختی ارادت وعلاقه زیادی به حضرت امام رضا (ع) داشت و در هر فرصتی که پیش می آمد و یا قبل از هر سفری به خارج به مشهد می آمد و به زیارت و پابوسی آن حضرت مشرف می شد. وقتی وارد حرم حضرت رضا (ع) می شد، دیگر خودش نبود، آستان بوسی او به قدری خاضعانه و بی پیرایه بود که همه همراهان و اطرافیان را تحت تاثیر قرار می داد."
تختی در آخرین مصاحبه اش در مورد رمز موفقیت خود را تاسی از ائمه اطهار دانسته و می گوید: من ازعلی(ع) آموختم که در مقابل ناملایمات باید ایستادگی کرد و برای پیروزی باید تلاش کرد و با اتکال به خدا به میدان رفت و پیروز شد و من چنین کردم و پیروز شدم، ولی نه آن پیروزی که من می خواستم چرا که نگذاشتند و سد راهم شدند.
ساده زیستی، قناعت و مناعت طبع از صفات بارز جهان پهلوان بود. او با وجود مشکلات مالی که به ویژه در اثر فشارهای رژیم گریبانگیر او بود، نه تنها حاضر به پذیرش پیشنهادات وسوسه انگیزی که به او می شد نبود که با بزرگواری، مستمری محدود خود را نیز به کشتی گیران نیازمند حواله می کرد.
شاه حسینی یکی از دوستان نزدیک تختی ضمن بیان خاطره یکی از دیدارهای خود با وی از قول جهان پهلوان نقل می کند:" اومدن به من می گن حالا که بعضی از آقایون ورزشکار فیلم بازی کردن و از نظر مال و تمول، شارژ شدن، تو هم بیا پول کلونی بگیر و تو یکی دو تا فیلم بازی کن. من بهشون گفتم آقا از من این کارها ساخته نیست. ما اگر پول می خواستیم از طریق مشروع ترهم می شد."
وی ادامه داد:" نماینده کمپانی تیغ ناست اومده پیشنهاد کرده که بیا پای آینه با این تیغ های ناست یه خورده صورتت را بتراش ما هم مبلغ زیادی می دیم" و بعد از نقل این پیشنهاد یک مصرع شعر خواند:" عمر عزیز است و صرف غم نتوان کرد". وقتی دست و پا شکسته این مصرع را خواند گفت: بقیه اش یادم رفته.
تختی هر بار که عازم سفر ورزشی بود، به مشهد می رفت و به ثامن الحجج(ع) متوسل می شد، در عین حال که دستگاه تربیت بدنی و سرشناسان شهر به او بسیار احترام می گذاشتند و استقبال می کردند، او به خانه وفادار- پهلوان صاحب بازوبند- وارد می شد و همیشه می گفت:" ما باید بریم خونه وفادار چون آبگوشت خونه وفادار می ارزه به تمام غذاهای دیگه و چلوکباب توکلی."
" بینی و بین الله مردم ما هم الحق پاسخ خوبی به جهان پهلوان خود دادند. پس از سی سال از مرگ او نسلی که نه او و نه کشتی اش را دیده و تنها

اسمی از او شنیده، این چنین شیفته اوست و هر سال یادش را گرامی می دارد. ما از تختی کشتی گیرتر داشتیم، اما مردم برای "سگک نشستن" شیفته اش نشدند. مدال بگیر هم زیاد داشتیم ولی تختی بود که " مدال مردم" را گرفت."
مردمداری و دستگیری نیازمندان یکی دیگر از خصایص بارز جهان پهلوان بود که در این مورد حکایت های بسیار زیادی نقل شده است. بابک فرزند پدر نادیده که تختی را از ورای انبوه سخنان و خاطرات مردم بازشناخته است در این مورد می گوید:" از دستگیری های تختی خاطره خیلی زیاد است. از کمک به یک زن و مرد فلج که تازه ازدواج کرده بودند تا دکه مطبوعاتی خریدن برای یک جوان بیکار و... می گویند هر وقت کادویی از طرف راه آهن- محل کارش- یا بقیه سازمان ها ودستگاه ها می گرفت، بدون اینکه آنها را بازکند به کسانی می داد که ناگفته سرپرستی شان را به عهده داشت بعد از شب هفت، یکی از دوستانش می بیند که پیرزنی در راهروهای فدراسیون کشتی می گردد. از او می پرسد:" مادر چی می خوای؟ دنبال کی می گردی؟" پیرزن می گوید:" والله نمی دونم دنبال کسی می گردم که قد و قواره اش به پهلوونها می خوره او میومد به من کمک می کرد، چند وقتیه که پیدایش نیست، گفتم شاید بتوانم اینجا ازش خبری بگیرم."
... و بالاخره تختی با مردم بود و از مردم، مردمگرایی در ذاتش بود، یک بار که دانشجوها در دانشگاه تهران تحصن کرده بودند و دانشگاه هم محاصره بوده و کسی امکان تردد به دانشگاه نداشته، تختی با ظرف های غذا از دانشگاه وارد می شود، خوب پاسبان ها هم او را می شناختند و کاری با او نداشتند. چون غذا کم بوده، او از درهای متعدد دانشگاه وارد می شود و کار غذا رسانی را تکرار می کند.
بابک با اشاره به علاقه و سمپاتی متقابلی که مردم نسبت به تختی داشتند، برخورد آنها با جهان پهلوان را نظیر اعتمادی می داند که نسبت به پهلوان های قدیم وجود داشت.
وی می گوید:" یک بار پدرم که از آلمان با ماشین شخصی راهی ایران بوده، یکی از دانشجویان ایرانی که خانم آلمانیش را می خواسته به ایران بفرستد می فهمد که تختی راهی ایران است. نمی دانم چرا خانمش را با هواپیما نمی فرستاده، شاید به خاطر اینکه پول نداشته، در فرانکفورت به سراغ تختی می آید و خانمش را می سپرد به دست تختی. ظاهرا ماشین تختی ایرادی داشته. تختی عنوان می کند خیلی خوب ماشین رفیق من هست خانم شما می تواند با او بیاید. ولی آن دانشجو می گوید فقط باید در ماشین خودت سوار شود. بالاخره او با تختی به ایران می آید و این زمینه دوستی های بعدی دانشجوی ایرانی با تختی می شود. به هر حال

تختی در جامعه ما پدیده ای بود. "
" تختی در طول عمر خود تنها یک بار دست نیاز به سوی دیگران دراز کرد و آن هم بخاطر مردم و این دست با صمیمیت شرافتمندانه بدرقه شد."
شهریور ماه 1341 چند روز پس از زلزله ویرانگر" بویین زهرا" پهلوان و چندنفر از دوستانش در حالی که اخبار و تصاویر ساکنان مصیبت زده و ویرانه های مناطق زلزله زده را در روزنامه نگاه می کردند، ضمن صحبت هایشان در مورد علت کم بودن کمک های مردمی و بی توجهی مردم به مراکز جمع آوری اعانه راه اندازی شده در شهر بحث می کردند . بعضی از دوستان تختی معتقد بودند که مردم توجهی به مصیبت هموطنان خود ندارند و حاضر نیستند کوچکترین کمکی به آنها بکنند. پهلوان، این سلاله پاک مردم، که به عمق مهربانی و ایثار هموطنان پاک نهاد خود و میزان بی اعتمادی و انزجار آنها از " خودکامگان حاکم" واقف بود، می گفت: علت بی توجهی مردم به این مراکز کمک رسانی، نداشتن اطمینان به حکومت و کسانی است که معرکه گردان این جریان شده اند. پیش کشیده شدن این بحث و مخالفت یکی از دوستان تختی با نظر او ناگهان فکری را به ذهن پهلوان انداخت. تختی تصمیم گرفته بود که خود وارد این میدان شود البته نه برای اثبات گفته هایش بلکه" برای این که به هر حال یک نفر باید وسط بیفتد و سبب خیر شود."
فردای آن روز تختی بدون هیچ اعلان و تبلیغاتی اول صبح به چهار راه ولیعصر فعلی رفت و تصمیم خود برای جمع آوری اعانه به نفع زلزله زدگان را به کمک دوستانش به اطلاع مردم رساند. پس از آن غوغایی به پا شد که در تاریخ مشارکت های مردمی ایران کم نظیر و شاید بی نظیر بود. محمود رفعت از دوستان و علاقمندان جهان پهلوان و نویسنده کتاب " تختی مرد همیشه جاوید" این واقعه تاریخی را چنین نقل می کند:" مردم که دهن به دهن خبردار شده بودند از دور و نزدیک خودشان را رسانده بودند به پهلوان و بی دریغ هر چه از دستشان برمی آمد کمک کرده بودند. چند دانشجو کتشان را درآورده بودند و انداخته بودند روی تل بزرگ لباس ها، پتوها، ظرف و ظروف ها، طلا و جواهرات و خلاصه هر چیزی که عابران معمولا همراه دارند یا خانه دارها می توانستند از آن صرف نظر کنند.
در این میان پیرزنی چادرش را از سرش برداشته بود و بعد از دادن آن به پهلوان پیشانیش را بوسیده و گفته بود:" پسرم خدا عمرت بدهد که به فکر مصیبت زده ها هستی، خدا عزتت را بیشتر از این ها بکند که غصه خانه خراب ها را می خوری، من خجالت زده ام که چیز دیگری ندارم."
پهلوان در حالی که چشمایش از اشک برق می زد چادر را برداشت و ملتمسانه از پیرزن خواهش کرد که آن را بگیرد. پیرزن چادر را که تختی به او داده بود دوباره روی تل هدایا انداخت و با لحن مادری که از حرف گوش

نکردن فرزندش بی حوصله شده گفت:" مرحمت خشک و خالی که فایده ندارم، پسرم."
پیرزن وقتی با تردید دوباره پهلوان مواجه شد، خشمگینانه گفت:" یعنی ما فقیر بیچاره ها حق نداریم:"
صورت پهلوان یک دفعه رنگ به رنگ شد، گفت:" شما را به خدا این حرف را نزنید . شما از هر ثروتمندی ثروتمندترید، حق دارترید، چون که بلندنظرتر و باگذشت ترید.
پیرزن همین که سرخ شدن صورت پهلوان را دید به گریه افتاد، اما چشم هایش را به تندی با گوشه لچکش پوشاند و عقب عقب خودش را از جمع مردم بیرون کشاند و رفت."
"کیهان ورزشی" که خبر این رویداد را با عنوان" تختی، گوهر گرانبهای ملت ما" در شماره 24 شهریورماه 1341 خود به چاپ رسانده بود، ثمره دو روز پیاده روی تختی را چهارکامیون خواربار و پوشاک و بیست هزار تومان پول نقد(که در آن زمان رقم بسیار بالایی به حساب می آمد) نوشته است.
جوانمردی، فتوت و صفات انسانی تختی که ریشه در اعتقادات و باورهای عمیق او داشت هرگز به عرصه های اجتماعی و برخوردهای مردمی وی محدود نمی شد. جهان پهلوان این سلاله خلف" پوریای ولی" در میادین ورزشی و رقابت های جهانی نیز منش والای خود را به نمایش می گذاشت.
در این مورد خاطره ها و روایت های فروانی نقش شده است، الکساندر مدوید، کشتی گیر صاحب نام شوروی سابق و رقیب مقتدر تختی در این مورد خاطره جالبی دارد:" در تولیدو(1962) تختی و من دیدار نهایی را برگزار کردیم. در جریان این مسابقه ها، پای راست من به شدت ضرب خورده و روحیه ام را خراب کرده بود. فکرم متوجه تختی بود که باید با این پای ناجور با او مبارزه می کردم. به راستی تا آن موقع از خصوصیات اخلاقی، رفتار و کردار انسانی و والای تختی خبرنداشتم. اما در آنجا به عظمت، انسانیت و جوانمردی تختی پی بردم و تحت تاثیر آن قرار گرفتم. او که شنیده بود پای راست من ضرب دیده با این پا به خوبی مدارا کرد و هرگز نخواست با هجوم به این پا مرا زجر دهد. او تا آخرین لحظه، مردانه و تمیز کشتی گرفت و از پای ناراحت من اصلا استفاده نکرد. تختی با این کارش نشان داد که یک قهرمان به معنای واقعی است. بعد از این جریان، ما به صورت دو دست صمیمی درآمدیم.
او همیشه مرا دوست می داشت. او ملت خودش را هم دوست می داشت و فکر می کنم تختی اصلا برای ملتش زندگی می کرد. آشنایی با او برای من افتخار بزرگی به حساب می آید.

تختی بسیار خوب و فنی کشتی می گرفت و من چیزهای زیادی از او آموختم. ما روی تشک دو حریف سخت کوش بودیم و در خارج از تشک دو دوست جدانشدنی، تختی می تواند الگوی خوبی از نظر ورزشی و اخلاقی برای جوانان شما باشد"
زندگی جاوید این پهلوان مردم، فصلی که به شهادت 35 سال حضور مستمر و بالنده او هرگز آخرین فصل حیات او نبوده است. احترام به پیشکسوتان
احترام به پیشکسوت در فرهنگ ورزش و بخصوص در کشتی که ورزشی پهلوانی است یک سنت بسیار مهم و خدشه ناپذیر است که باعث تشویق جوانان و دلگرمی بزرگان می شود.
احمد وفادار از پهلوانان نامی ایران بود که قبل از تختی سابقه بستن بازوبند پهلوانی ایران را داشت. او درمسابقات جهانی کشتی هم سابقه شرکت دارد. او در گفته هایش نمی تواند خوشحالی خود را از رعایت سلسله مراتب کسوت توسط جهان پهلوان تختی پنهان کند:
او یک انسان واقعی بود و احترام به بزرگان و پیشکسوتان را همیشه رعایت می کرد. یادم نمی رود شبی را که همراه وی به یکی از زورخانه های تهران رفتیم به او پیشنهاد دادند که تخته شنا را وسط گود بگذارد و میانداری کند ولی او قبول نکرد و گفت: جایی که وفادار هست من این کار را نخواهم کرد. در پایان مراسم که قرار شد جوایز گروهی از قهرمانان کشتی اهدا شود او باز هم قبول نکرد و این کار را به من واگذار کرد. او احترام خاصی برای سنت های خوب ورزش قهرمانی قائل بود.
وقتی تختی به مشهد می آمد خیلی ها دوست داشتند او را به طرف خود بکشانند. خیلی از دست اندرکاران و مسئولین هم از او دعوت می کردند، اما تختی دعوت هیچکس را قبول نمی کرد و فقط به خانه من می امد و می گفت: آبگوشت خانه پهلوان وفادار را به سفره های رنگین دیگران ترجیح می ده.
وی چهار ماه پس از بازگشت از آخرین سفر خود(تولیدو، ۱۹۶۶) در آبان ماه سال ۱۳۴۵ زندگی مشترک خود را با همسرش آغاز کرد؛ که حاصل آن تولد بابک در سال ۱۳۴۶ بود و سرانجام پس از گذشت چهار ماه از تولد فرزندش خبر درگذشت جهان پهلوان همه را در اندوهی عظیم و بهتی شگفت انگیز فرو برد.
17 دی ماه 46 وقتی روزنامه ها نوشتند : غلامرضا تختی خود را کشت مردم باورشان نشد .آنها مطمئا بودند که تختی را چیز خورش کردند حتی اسم سم را هم میدانستند باربی توریت .آنها می گفتند غلامرضا را کشتند و عکس پهلوان را می گذاشتند روی طاقچه کنار قرآن و شمایل مولا. نکته مشترکی که در نشریات زمان مرگ تختی به چشم می‌خورد، اشاره‌ای

است به دست نوشته‌های او، اگرچه هیچ‌کجا سند یا عکسی در مورد اصل این دست نوشته‌ها یا دفترچه یادداشت دیده نمی‌شود. و هیچ سندی برای اعتبار آنها وجود ندارد. شاید به نظر می رسد این نوشته ها هم برای گمراه کردن افکار عمومی و با اندیشه ای خاص تهیه و چاپ شده است. این موضوع نیز مانند مرگ پهلوان رمز بزرگی است که هنوز جوابی برایش وجود ندارد.

او خودش بود :

جلال آل احمد در وصف او می گوید : «او پوریای ولی نبود. او هیچ کس نبود، او خودش بود، بگذار دیگران را به نام او و با حضور او بسنجیم. او مبنا و معنای آزادگی است ... و هرگز به طبقه ی خود پشت نکرد.»

«اطلاعات» نیز این چنین از تختی قدردانی کرد: «او خورشیدی بود که غروب کرد و مردی بود که به صورت افسانه تا ابد باقی خواهد ماند.» و این حقیقتی انکارناپذیر است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

تدین نجف‌آبادی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1317، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران در سال 1340، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات از دانشگاه تهران در سال 1356.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
عرفان و حکمت، تصوف از نظر دانشمندان عصر صفوی و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
عرفان و حکمت الهی در ادبیات فارسی، فلسفه اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادب عرفانی و جنبه تحقیقی تاریخی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ترابی، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر ترابی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/29
زندگینامه علمی
در سال 1338 در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال 1356 به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم .در سال 1360 همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال 1361 در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت 13 سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت 24 سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال 1380 به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت 17 ماه در دفتر نمایندگی امام (ره) _ پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت _ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم .از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره , در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، رشید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رشید ترابی واعظی توانا و خطیبی اریب و فاضلی حسیب بودند.
وی در آنجا پرورش و تحصیل خود را در مدرسةالواعظین هندوستان تکمیل و در کراچی که یکی از پایگاه‌های مهم شیعه هندوستانست اقامت اختیار و از طریق منبر به تبلیغ ولایت و فضائل اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و در شهرهای بمبئی و حیدرآباد و رنگون و مسقط و لگنهو وحیدآباد سند و لاهور و کویته ط و زنگبار و غیره مسافرت و منبرهای پرشوری رفته است.
مرحوم رشید ترابی بیشتر اساس و برنامه منبرش گفتن مطاعن غاصبین و ظالمین اهل‌بیت و خاندان مظلوم پیغمبر علیهم‌السلام و فضائل آن برگزیدگان عالم بود و مردم پاکستان و هندوستان و غیره توجه و علاقه تامی به منبر و سخنان او داشتند و در هر کجا منبر می‌رفت جای بر مردم تنگ می‌شد و ده‌ها هزار نفر برای استماع بیانات او شرکت و ابراز احساسات و تظاهرات به رسم و عادت خود می‌نمودند.
وی به زبان فارسی و عربی و اردو انگلیسی و غیره وارد و صحبت می‌کرد و همه طبقات را مستفیض می‌نمود.
نگارنده ده شب اول محرم را قبل از منبر وی در حسینیه انجمن ایرانیان در سال 1389 ق منبر رفتم و نسبت به حقیر محبت و علاقه داشت.
فرزندان متعددی داشت که در میان آنان جناب مستطاب حجةالاسلام و فاضل علام آقای حاج میرزا عقیل ترابی از افاضل معاصر است.
وی چندین سال در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشت و در اواخر عمر آن مرحوم مسافرت به نجف و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه حکیم به لندن عزیمت و برای رهبری شیعه هندی انگلستان در آنجا اقامت و به خدمات دینی و تبلیغ دین اسلام و ترویج احکام اشتغال یافته و تا حال تحریر نیز در آنجا به انجام وظائف موفق می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترابی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ترابی
محل تولد : سکردوبلستان
شهرت
تابعیت : پاکستان
تاریخ تولد : 1355/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد 1252184 می باشم بنده در سال 1976م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن 12 سالگی مشغول به خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح 2 مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

ترابیان، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ترابیان
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 72 جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و طی سه سال دوره مقدمات حوزه را طی نمودم و در سال 75 در امتحان ورودی موسسه امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و در کنار دروس موسسه دروس سطح را در محضر اساتید حوزه استادان علیدوست ، محمدی ، حسینی ، عالی ادامه داده در سال 79 دوره سطح سوم را به پایان رسانده در سال 80 در درس خارج آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی شرکت نمودم ولیکن به علت های مختلف در سال 83 به دادگستری رفته به شغل خطیر قضاوت پرداختم و در ضمن در سال 81 با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و اخذ نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم .

تربتی خراسانی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، خطیب و شاعر. اهل تربت حیدریه بود. وی واعظی فاضل و دانشمند بوده که گاهی هم شعر می‌سروده است. این بیت از او است:
شکستم عهد و پیمانی که با زهد و ریا بستم
چو بستم بر در میخانه با پیمانه پیمانی
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (2128/3).

تربتی نژاد، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن تربتی نژاد
محل تولد : گرگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر ر ا نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمه را نزد آیت الله محمدرضا میبدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی 72-71 برای ادامه تحصیل به حوزه علیمه قم مشرف شدم و در این سال کفایه 2 را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجة الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت 2 سال دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت 11 سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت 7 سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.
اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال 73 با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحاناتت اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال 76 کارشناسی را به اتمام رسانده و 2 سال بعد یعنی سال 78 با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه ی سیاسیی مجددا در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل داه ام و در سال 81 با دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال

اقدامی نکردم.

تربتی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ عباسعلی تربتی عالمی ناسک و دانشمندی زاهد و موصوف بتقوا و ورع و ضرب‌المثل مردم خراسان و برای او کرامات و مقاماتی حکایت کنند.
وی عمری را بپاکی و قدس واقعی گذرانیده و تبلیغ قولی و عملی و ایفاء وظیفه کرده و باجل موعود بموالیان طاهرین خود ملحق و در جوار حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوه والسلام در صحن جدید (نادری) مدفون گردیده است.
واعظ نامی و استاد گرامی آقای حاج شیخ حسینعلی راشد فرزند ارجند اوست که شهرتش او را مستغنی از تعریف و ذکر ما نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

تربتی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر بن العالم الجلیل تربتی از وعاظ نامی و گویندگان محترم حوزه علمیه قم است که به فضل و دانش موصوف بوده‌اند. در ذی‌الحجه الحرام 1325 قمری در قریه (با یک) که در سه فرسخی تربت حیدریه واقع است متولد شده و در سن هشت سالگی به خواندن ادبیات فارسی و بعد به تحصیل مقدمات عربی پرداخته و در سال 1344 قمری به مشهد مشرف شده و ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری تکمیل و سطوح وسطی و نهائی را نزد عالم جلیل و فاضل نبیل مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ هاشم قزوینی خوانده و در سال 1348 قمری مهاجرت به قم نموده و رسائل و مکاسب و کفایه را خدمت مرحوم آقا میرزا محمد همددانی تلمذ نموده و قسمتی از معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله که حق عظیمی بر ایشان دارند استفاده نموده و پس از فراغت از سطح و خارج به تبلیغ دین و ترویج اخبار و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق منبر و بیان نموده و در اثر تبلیغات دینی وی چند نفری از فرقه ضاله و مضله بهائیه را هدایت بدین نموده تا در ربیع‌الثانی 1383 قمری به کسالت سرطان از دنیا رفته و در قبرستان ابوحسین مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تربیت، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1256 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد و به کسب علوم و فنون، از جمله هیات و طبیعیات و طب پرداخت. در سال 1276 ش آموزشگاه تربیت را در تبریز بنیان نهاد. وی از همفکران و همگامان سید حسن تقی‌زاده بود. در شش دوره از تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شد. او به مصر و استانبول و برلن سفر کرد. دو سال رئیس فرهنگ گیلان و چهار سال رئیس فرهنگ آذربایجان بود. کتابخانه و قرائتخانه‌ی عمومی آبرومندی در تبریز دایر کرد و با همت فراوان کتابهای نفیس و سودمندی در آنجا گرد آورد. وی در سال 1281 ش مجله‌ی «گنجینه‌ی فنون» و در سال 1301 ش مجله‌ی «گنجینه‌ی معارف» را در تبریز منتشر کرد. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار او: «دانشمندان آذربایجان»؛ «تقویم تربیت»؛ «زاد و بوم در جغرافیای ایران»؛ «تاریخ مطبوعات ایران»؛ «تصحیح رباعیات خیام»؛ «فهرست کتابخانه و قرائت خانه‌ی تربیت»؛ «کلمات قصار امیرالمومنین»؛ «مشاهیر عالم با لوحه‌ی رنگین».[1]
متولد 1256 در تبریز، فرزند میرزا صادق خان، از نواده‌های میرزا مهدی استرآبادی وزیر نادرشاه و صاحب کتاب دره نادری و تاریخ جهانگشای نادری. تحصیلات جدید و قدیم را در تبریز توأماً انجام داد و علومی چون هیئت و طبیعیات و طب را به طور کامل آموخت، سپس ادبیات عرب و منطق و حکمت و فقه را نزد آخوند ملا زین‌العابدین به حد کمال رسانید. مدتی نیز تحصیل علم نجوم کرد. ابتدا به شغل داروفروشی و کتابفروشی اشتغال ورزید، کم‌کم حرفه‌ی داروفروشی را رها کرد و صرفاً به کار کتابفروشی اکتفا نمود؛ ضمناً کتابفروشی او مرکزی برای توزیع نشریات کشورهای اروپائی و عربی بود و خود وی با خواندن آن نشریات، با افکار آزادی‌خواهان آشنا می‌شد. تدریجاً در اثر معاشرت با سید حسن تقی‌زاده و میرزا یوسف اعتصامی و نزدیک بودن افکارشان، به تأسیس و انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون پرداختند. چندی هم به تدریس هیئت و جغرافیا در مدرسه‌ی لقمانیه‌ی تبریز پرداخت.
تربیت در قضایای مشروطیت در صف مقدم آزادی‌خواهان قرار داشت. در دوره‌ی استبداد صغیر که در خارج اقامت داشت، آزادی‌خواهان را نیز در اروپا یاری می‌نمود و در انتشار مجله‌ی کاوه با تقی‌زاده همکاری داشت.

پس از خلع محمدعلی میرزا، در دوره‌ی دوم به وکالت مجلس رسید و پیرو مشی تقی‌زاده بود. در ادوار هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم نیز وکیل مجلس بود. ریاست کمیسیون معارف و فرهنگ همیشه با او بود. غیر از شش دوره نمایندگی مجلس، چند سمت اجرائی نیز داشت که عبارتند از: ریاست معارف گیلان، ریاست معارف آذربایجان و شهرداری تبریز. در 1318 درگذشت. از وی کتابی به نام دانشمندان آذربایجان باقی است. تألیفات دیگری هم دارد مانند زاد و بوم در جغرافیای ایران. همسر دوم وی به نام هاجر تربیت، در دوران اخیر در صحنه‌ی سیاسی ظاهر شد و دو دوره نماینده‌ی مجلس بود. یک دوره هم سناتور شد. تربیت در مأموریت‌های خود در آذربایجان آثار نیکوئی به یادگار گذاشت. چند مدرسه تأسیس کرد و چندین خیابان احداث نمود. در کتاب‌شناسی بسیار مسلط و خوش‌حافظه بود.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (172 -167 /4)، شرح حال رجال (424/3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (266 -265 /2)، مولفین کتب چاپی (154 -152 /4)، یادگار (س 3، ش 4، ص 11 -10).

ترجانی‌زاده، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق.
تولد: 1319 ق.، مهاباد.
درگذشت: اوایل آبان 1359(1401 ق.)، در تبریز.
احمد ترجانی‌زده، فرزند ملا حسین فرزند ملا علی قزلجی ترجانی، خواندن را در کودکی آموخت و تا هشت سالگی توانست قرآن مجید را ختم کند. سپس به خواندن کتب مقدماتی فارسی و مشق خط پرداخت. بعد از آن تحت مراقبت و سرپرستی پدرش به تحصیل مقدمات عربی و ایساغوجی منطق و حاشیه‌ی ملا عبدالله یزدی به تهذیب الکلام شیخ مهاجر و مختصر تفتازانی و قسمتی از مفتاح العلوم سکاکی را در محضر برادر خود ملا محمد قزلجی فراگرفت. سپس به فراگیری کتب مربوط به اصول فقه و هیأت و ادبیات عرب مشغول بود و تا سن بیست و یک سالگی نزد اساتید این علوم به شاگردی پرداخت. بعد از آن، مدتی مشغول فراگیری حساب و هندسه جدید و قسمتی از جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی و فرانسوی بود. از سن بیست و دو سالگی تا سی و چهار سالگی جز تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی مشغول دیگری نداشت.
احمد ترجانی‌زاده به سال 1315 به استخدام وزارت معارف درآمد و مدت شش سال تمام ضمن انجام خدمت، وقت خود را به مطالعه‌ی کتب قدیم و جدید ادبیات فارسی گذراند. ترجانی‌زاده یک سال در اداره‌ی فرهنگ ارومیه و چهار سال در مشهد یک سال در آذربایجان شرقی و سپس تا خرداد ماه سال 1327 در تهران شغل دبیری و دانشیاری داشت. مدتی هم به نام بازرس عالی وزارتی و زمانی به عنوان «خطیب سیار فرهنگ» انجام وظیفه کرد. پس از آن به سمت استادی دانشگاه تبریز منصوب شد و تا سال‌های آخر عمر، استاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه بود. پس از بازنشستگی، از تبریز به تهران آمد. وی به شعر مسلط بود، دیوان شعری از منتشر شده است و مثنوی دختر ترسا در یک صد و سیزده بیت از جمله آثار شعری اوست:
آثار و تألیفات ترجانی‌زاده به این شرح هستند: تاریخ ادبیات عرب از دوره جاهلیت تا عصر حاضر (به فارسی، چاپ تبریز، 1348)؛ شرحی بر سبعه معلقه (به فارسی)؛ الاستاذ الاجل سعدی الشیرازی (به عربی که به سال 1329 در معداللغات الشرقیه دانشگاه فؤاد قاهره برای دانشجویان و

طلاب مصری به صورت خطابه ایراد کرده است، چاپ دانشکده ادبیات تبریز)؛ داستان منظوم مکتبدار بصره (به فارسی، 1342)؛ علوم معانی و بیان (به فارسی)؛ کتابی در مسائل و احکام فقهی؛ رساله‌ای در رد معتقدین اقانیم ثلثه؛ آداب المناظره؛ دیوان اشعار؛ رسالة الحذف؛ تفسیر جزء عم؛ یاد ایران گذشته؛ چکامه‌ی کاخ ادب؛ مقدمه بر دیوان استاد شهریار؛ و درج مقالاتی در نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تبریز.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ترخان، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم ترخان
محل تولد : بن جی کول ، نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
ایشان در سال 1346 ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال 1360 وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که 23 سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش 25 ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

ترشیزی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ اسماعیل ترشیزی (کاشمری) از بزرگان علماء و رؤساء روحانیون عصر از شاگردان آیت‌اللّه العظمی میرزاء مجدد شیرازی در سامرا و از رفقاء و اصدقاء مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (مقیم مشهد) بوده و در مشهد مقدس اقامه جماعت در جامعه گوهرشاد داشته و نیز حوزه تدریس تا در حدود 1320 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ترکاشوند، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ترکاشوند
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1370 پس از اخذ سوم راهنمائی به دلیل سکونت خانواده در کرمانشاه وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) آن شهر شدم و در محضر اساتیدی همچون استاد محسنی، شریفی ، نظری، به تحصیل ادبیات عرب ، منطق ، معانی، تفسیر مشغول شدم و البته مدتی نیز اصول را در محضر حضرت آیت الله نجومی تلمذ نمودم .
در سال 1374 به تهران عزیمت نموده و در حوزه علمیه مروی به ادامه تحصیل پرداختم لمعه را در نزد استاد قاسمی و اصول را در نزد استاد سعیدی تلمذ نمودم و سپس رسائل را در نزد استاد شریف زاده ، مکاسب را در نزد آیت الله مقتدایی و آیت الله هاشمی تبریزی، فلسفه را در نزد استاد طبرستانی تلمذ نمودم و در این مدت در تهران نیز به امور تبلیغی و امامت جماعت اشتغال داشتم.در سال 1380 توفیق سکونت و تحصیل در بلده طیبه قم نصیب گردید و دوره سطح را در نزد اساتیدی همچون آیت الله استادی و مرحوم استاد روستا ارسنجانی و استاد موسوی تهرانی به پایان رساندم. در سال 81 همزمان با ورود به دوره خارج و بهره گیری از محضر آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی در مرکز تخصصی علم کلام به عنوان دانش پژوه مقطع سطح 3 مشغول به تحصیل شدم و از محضر اساتیدی همچون ربانی گلپایگانی مومنی ،خسرو پناه، توفیقی بهره مند شدم و پس از پایان دوره به تدوین پایان نامه با عنوان "بررسی مبانی فکری و اعتقادی معاویه" مشغول شدم.
از سال 1381 همزمان با تحصیل به امور پژوهشی و تحقیقی نیز مشغول شده و با مراکزی همچون مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه ، موسسه تحقیقاتی ولی عصر ، موسسه تحقیقاتی طه و ... همکاری داشته و مقالاتی را تدوین نمودم. در سال 1383 ضمن تدوین و آمده سازی یک متن درسی اعتقادی جهت تدریس در حوزه علمیه علوی به تدریس در آن حوزه شریفه

نیز مشغول شدم که این همکاری هنوز نیز ادامه دارد و همچنین به تدریس در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعة الزهرا نیز مشغول می باشم. همچنین از سال تحصیلی 85 نیز به صلاحدید مسئوولین و بزرگان مرکز تخصصی علوم کلام به عنوان معاونت آموزشی این مرکز مشغول به خدمت گزاری می باشم. از خداوند تبارک و تعالی حسن عاقبت و توفیق شناخت و عمل به تکالیف را خواستارم.

ترکستانی قمی، فخرالدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1065 ق)، متکلم، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از اهالی ترکستان ماوراءالنهر و سنی مذهب بود. سپس به مشهد مقدس هجرت نمود و پس از اخذ مقدمات و فنون ادب نزد علمای مشهد در اوایل جوانی به تشیع گروید. سپس در قم ساکن شد و مدارج عالی علمی را تا اجتهاد گذرانید و از ائمه فتوی در قم شد. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «توحید المفضل»، به فارسی؛ شرح «حدیث البساط» یا شرح «حدیث الغمامه»، شامل معجزات امیرالمومنین علی (ع)؛ شرح «حدیث الاحتجاج و منهاج الکرامه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (192 -191 /13، 91/4)، ریاض العلماء (332 -331 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 433/11).

ترکمان، علی قلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن قرچقای خان، در 1020 متولد گردیده، از شاگردان آقا حسین خوانساری و شمس‌الدین حکیم جیلانی بوده، عالم فاضل، و ساکن مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله بوده است.
کتب زیر از اوست:
1 - احیاء الحکمة [مطبوع] 2 - ایمان الکامل 3 - خزائن جواهر القرآن 4 - زبور العارفین 5 - السعدیه 6 - شرح اثولوجیا 7 - فرقان الرأیین 8 - مزامیر العاشقین فی تعریب زیور العارفین؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ترکه، مظفر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر و ادیب و واعظ، معاصر شاه عباس صفوی. در هجو ساروتقی (بعداً به نام او اشاره خواهد شد) اشعاری دارد که از آن جمله است:
ساروتقی که امروز ایرانیان مدار است
یاران حذر نمائید الماس لکّه دار است
در گنجینه آثار تاریخی اصفهان(:548) نقل از قصص الخاقانی(80:2) گوید:
در دوره شاه اسماعیل اول به منصب قضای دارالسلطنه اصفهان سرافراز بوده، و تولیت مسجد جامع اصفهان و مقبره مشایخ یزد با اجداد او بوده. در سال 1076 جزو منشیان دربار شاه عباس ثانی بوده، مردی ظریف و بذله گو و عیاش بوده است.
نور صادقی در کتاب اصفهان(:548) در ضمن شرح حال میرزا ابو تراب خطّاط اصفهانی گوید: در جنب مسجد لنبان در جوار مزار خواجه صاین الدین ترکه، که از اجلّه علما و فقها بود. دفن گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

تریاکیان، هارتیون

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ش)، پزشک، محقق، دانشمند و مترجم. از پزشکان ارمنی و از محققین پرکار که علاوه بر طبابت در زمینه‌ی ارتباط گویش گیلکی و زبان پهلوی و روسی و فرانسه و همچنین گویش محلی گیلان آشنا بود. او ظاهرا نخستین فردی از ارامنه است که «گلستان» سعدی را به زبان ارمنی ترجمه کرد و این ترجمه در سال 1918 م به چاپ رسید که نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی ایروان موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :نامها و نامدارهای گیلان (94 -93).

تستری، رضی‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌بهاءالدین محمد بن مولی حسن علی بن مولی عبدالله تستری اصفهانی. عالم فاضل محقق، مؤلف «شرح ادعیه السر»، که جهت مریم بیگم یکی از زنان صفویه (عمه‌ی شاه سلطان حسین) تألیف شده است.
مولی عزالدین عبدالله تستری بن حسین صاحب مدرسه‌ی معروفه در بازار اصفهان می‌باشد. شرح حالش در کتب تراجم مذکور، و در تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو (: 36 - 52) به طور مفصل مسطور است.
در 1021 وفات یافته است. جنازه پس از دفن در امامزاده اسماعیل به کربلا منتقل گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تعلیمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1285 ش)، ریاضیدان، منجم، فیزیکدان و ادیب. در تهران متولد شد. بعد از سپری کردن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته ریاضی فارغ‌التحصیل شد. سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه بُردو، و درجه‌ی دکترا از دانشگاه ژنو شد. همچنین در رشته‌های فیزیک ستارگان و جوشناسی موفق به اخذ دانشنامه گردید. تعلیمی مدت دو سال در رصدخانه‌ی ژنو به انجام تحقیقات علمی پرداخت و چون به تعلیم و تربیت علاقه‌ی وافر داشت، وارد انستیتوی ژان ژاک روسو شد و پس از پنج سال تحصیل در رشته‌ی تعلیم و تربیت و روانشناسی، دانشنامه، و در قسمت تعلیم و تربیت تجربی دیپلم عالی اختصاصی دریافت کرد. دکتر تعلیمی پس از هفده سال تحصیل، تحقیق و کسب تجربه در فرانسه و سویس، به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار سمت‌هایی چون مترجمی فنی و ریاست دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. از آثار وی: «مبانی آموزش و پرورش نوین»؛ «مربی و طرز تربیت او»؛ «اصول تعلیم و تربیت تجربی و روانشناسی فنکسیونل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (268/2)، مولفین کتب چاپی (5/ 352- 353).

تفتازانی، سعدالدین مسعود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(792 -722 /712 ق)، عالم و ادیب. معروف به ملاسعد تفتازانی. در تفتازان- قریه‌ی نزدیک نسای خراسان- متولد شد. وی از شاگردان قطب‌الدین رازی و قاضی عضدالدین ایجی بود. سعدالدین مدتی در سرخس سکونت گزید و به فرمان تیمور به سمرقند رفت. همان جا درگذشت و در سرخس دفن شد. تفتازانی در فنون ادبی، منطق کلام، فقه، اصول، متبحر بود و در بسیاری دیگر از علوم زمان خود دست داشت. از آثار مهم او «شرح العقاید النسفیه»؛ «مقاصد الطالبین»، در کلام و شرح «مقاصد الطالبین»؛ «المطول»، در فصاحت و بلاغت؛ «تهذیب المنطق و الکلام»؛ «شرح الشمسیه»، در منطق؛ حاشیه بر «الکشاف» زمخشری، در تفسیر؛ «ارشاد الهادی»، در نحو؛ «شرح التصریف العزی»، در صرف؛ شرح «تلخیص المفتاح»، در معانی و بیان؛ و مختصر آن شرح به نام «المختصر»؛ «شرح الاربعین النوویه».[1]
سعدالدین مسعود بن عمر (و. تفتازان 722- ف. سرخس 797 یا 791 ه.ق.).
وی در 16 سالگی به تصنیف کتب پرداخت. شرح صرف زنجانی و پس از آن مطول را تألیف کرد و در خوارزم متوطن شد و مختصر را به رشته تحریر آورد. ملک پیر محمد با اجازه امیر تیمور تفتازانی را به سرخس فرستاد و او سپس به دعوت تیمور به سمرقند رفت و مورد احترام تیمور گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (114 -113 /8)، ایضاح المکنون (283/1)، تاریخ ادبیات ایران (295 -294 /3)، تاریخ نظم و نثر (897)، دائره‌المعارف الاسلامیه (339/5)، دایره‌المعارف فارسی (650/1)، روضات الجنات (38 -34 /4)، ریحانه (340 -337 /1)، کشف‌الظنون (67، 474، 496، 515، 847، 1139، 1145، 1222، 1769، 1780)، الکنی والالقاب (122 -121 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ تفتازانی)، معجم المولفین (229 -228 /12)، هدیه الاحباب (112)، هدیه العارفین (430 -429 /2).

تفسیری تبریزی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسن فرزند حجت‌الاسلام مرحوم حاج میرزا علی مرندی یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران بودند- والد ماجدش در سال 1290 قمری پس از اتمام تحصیلات در نجف اشرف به تبریز مراجعت و در کوی امیرخیز اقامت و در آن موقع با مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوهکمری که در آن محل بودند وصلت کرده و از طیبه عفیفه و صالحه آن مرحوم اولین فرزند را در سال 1300 همان مترجم ما دارا شدند. آن مرحوم در سن 6 سالگی در مکتب مرحوم حاج ملا حسن که از ادباء و فضلاء عصر خود بودند مشغول تحصیل علم و کمال گشته و مقدمات را همان مکتب فراگرفته و در سن 10 سالگی در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم صرف و نحو اشتغال ورزیده و در حدود 15 سالگی مطول را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینعلی تبریزی که در علوم ادبی عربی شهرت به سزائی داشته و سپس شرایع و شرح لمعه را از عالم ربانی آمیرزا رضا نوری فراگرفته و در حدود 20 سالگی رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن انگجی فراگرفته و شرح اشارات و تجرید خواجه نصیرالدین طوسی را در محضر مرحوم صراف تلمذ نموده و پس از پایان مراحل تحصیلات و کسب اجازه در نقل احادیث از مراجع عالیقدر آن زمان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و حاج عبدالکریم حایری و مرحوم آیت‌اللّه حجت در سال 1335 قمری بنا بر تقاضای اهالی کوی اهراب به آن محل منتقل و در مسجد معروف ملا محسن به اقامه نماز جماعت و ارشاد وعظ پرداخته و در سال 1316 و 1317 شمسی به ترجمه و تفسیر قرآن با تشریک مساعی مرحوم حاج میرزا علی خیابانی موفق و در کتابفروشی اقبال چاپ و منتشر گردیده و در آن موقع از طرف یکی از اساتید شایسته دانشگاه تهران به لقب تفسیری مشهور و معروف شدند.
فقید سعید مدت 30 سال به تهذیب اخلاق و تقویت روحی انسان‌ها پرداخت و عده‌ای از فضلاء و اخیار از بیانات و دروس آموزنده و سازنده او استفاده نموده و به مراتب عالیه رسیده‌اند که از آنهاست استاد محمد تقی جعفری تبریزی دانشمند محترم و نویسنده ارجمند معاصر که درباره ایشان چنین می‌گوید.
(یکی از موفقیت آمیزترین دورانهای زندگی اینجانب دورانی بود که در

تبریز موفق به حضور در جلسات وعظ و ارشاد فقید سعید گذشته توصیف حالات ربانی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین عالم ربانی آقای حاج شیخ حسن تفسیری قدس‌اللّه سره و نورانیتی در هنگام ارشاد چهره او را فرامی‌گرفت که امکان ناپذیر یا خیلی دشوار است آنچه توصیف و تشریح امواج روحانی که از دل سرمی‌کشد و در دل‌ها می‌نشیند امکان‌پذیر نباشد.
او که می‌گفت راه بروید خود در حال توقف وجود نبود بلکه خود راه میرفت و به دیگران می‌گفت راه بروید. می‌گفت راستگو باشید خود واقعا از دروغ متنفر بود او از آن جمله مربیان زندگی اسلامی بود که طعم سازندگی اسلام را حقیقتا چشیده بود هرگز فراموش نمی‌کنم که وقتی آیات قرآنی را تفسیر می‌فرمود همین‌که آیه یا آیاتی را می‌خواند خود الفاظ قرآنی تجسم معنی به خود می‌گرفت و درون شنوندگان را دگرگون می‌کرد. یکی دیگر از با عظمت‌ترین امتیازات آن مرد کمال یافته این بود که هیچ مطلبی را بدون ماخذ صحیح عظمی یا نظمی مطرح نمی‌کرد.
امتیاز دیگری که همه آشنایان آن مرحوم در او دیده‌اند خود سازی شایسته‌ای بود که در کمتر اشخاص دیده می‌شود حالات ربانی آن مرحوم به خوبی اثبات می‌کند که از خودخواهی گذشت به خودیابی رسیده وسپس به آن خود سازی که انسان را به بارگاه خدا رهنمون می‌شود موفق گشته بود.
شادروان تفسیری در سال 1324 شمسی به تهران مهاجرت و به علت استقبال علاقمندی مردم تهران و آذربایجانیهای مقیم مرکز در آن اقامت نموده و در یکی از مساجد بازار به اقامت جماعات اشتغال و به تدریج مجالس وعظ و خطابه مجدد آغاز گردیده در این مجالس عده‌ای از معاریف علماء مبارز از بیانات و منابر شادروان تفسیری استفاده می‌نمودند.
در طول زندگی حدود 30 بار مشرف به عتبات عالیات و مشهد مقدس رضوی و دوازده بار توفیق زیارت بیت‌اللّه الحرام را داشته و در خلال سفر حج همیشه به عنوان مرجع مسائل دینی حجاج بوده‌اند.
فقید سعید دارای فضائل اخلاقی فوق‌العاده بوده و در مراتب زهد و تقوا کم نظیر بوده‌اند به نحوه‌ای که عده‌ای از رفقا و دوستان نزدیکش وی را مقدس اردبیلی عصر خود می‌ستودند از صفات برجسته آن مرحوم امانت در قول و فعل که سخت مراقب و مواظب به معنی واقعی امین بود.
غیب و بدگوئی از دیگران در حضور ایشان غیر ممکن بود به احدی اجازه بدگوئی و غیبت از دیگران را نمیدادند. امر به معروف و نهی از منکر را برای خود فریضه می‌دانست (چنانچه بر هر متمکنی فریضه است) و عمل می‌کرد و از کسی باک نداشت. به نماز و قرآن عشق و علاقه عجیبی داشت و تمام نوافل را به جا می‌آورد.

در بزرگداشت مساجد و احترام معبدی آنها سعی فراوانی داشت. مساجد زیادی در تهران شاهد نماز و نیایش و سجود آن فقید سعید می‌باشد به زیارت عاشورا مداومت داشت و در وصیتنامه خود نوشته و تاکید کرده بود که زیارت‌نامه عاشورا موقع دفن به سینه او گذارند. عشق عجیبی به حضرت سید الشهداء علیه‌السلام داشت و هر وقت یاد آن شهید مظلوم می‌کرد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.
از مستمندان و فقیران دستگیری می‌کرده و برای خود یک امر لازم و واجب می‌دانست و برای علما و سادات احترام بسیاری قائل بود.
مرحوم تفسیری سه ماه قبل از فوتش کلیه کتابهای خود را به کتابخانه دارالتبلیغ اسلامی قم اهداء نمود و باقیات الصالحات بعد از مرگ خود قرار داد. و در بیستم جمادی‌الاولی 1397 قمری برابر نوزدهم اردیبهشت 1356 شمسی پس از یک دوره نقاهت کوتاه دعوت حق را لبیک گفته و در گورستان بهشت زهرا تهران در آرامگاه مخصوص (شماره 328) به خاک سپرده شد در تهران و قم و تبریز مجالس عدیده‌ای از طرف علماء و مراجع عظام برای بزرگداشت او برگزار شد. دارای سه فرزند ذکور به نام آقایان حاج علی- حاج محمد- حسین آقا از تجار محترم تهران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

تفضلی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد ابوالقاسم تفضلی در سال 1300 ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال 1325 در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال 1356 خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارة عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر تفضلی در خانواده ای درویش مسلک و عارف پیشه به دنیا آمد و پرورش یافت. منزل پدر او محفل درویشان و مجلس مثنوی خوانی و تفسیر آن بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تفضلی تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. وی زبان انگلیسی را در دانشگاه کلمبیای نیویورک آموخته است. خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل دکتر تفضلی در ترکیه مصادف با جنگ جهانی دوم و کشتار مردم آنجا بود که استاد تمامی این وقایع را از نزدیک مشاهده کرده بود. استادان و مربیان : عبدالباقی گلپیناری محقق تاریخ و فرهنگ ترک در دانشگاه استانبول و جلال الدین چلبی نوادة مطهر مولوی از جمله استادان وی بودند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر زرین کوب از جمله دوستان نزدیک دکترتفضلی به شمار می آید. وقایع میانسالی : دکتر تفضلی در سال 1334 برای زیارت آرامگاه مولانا و در سالهای 1343 ، 1355و 1356 برای حضور در مجالس سماع درویشان در ترکیه حضور یافت و از آن پس به دیدار با مشایخ با مشایخ طریقت مولویه و تحقیق دربارة مولوی پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر تفضلی تا سال 1356 (به مدت 55 سال) به کار وکالت اشتغال داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید :
استاد ابوالقاسم تفضلی در سال 1300 ، در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات خودرا پس از مقطع ابتدایی و متوسطه ، در رشته حقوق ادامه داد و در دانشگاههای استانبول ، پاریس و تهران تا مقطع دکترا به تحصیل پرداخت. مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از جمله برنامه های استاد

تفضلی می باشد. اغلب مقالات او از سال 1325 در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال 1356 خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان و نگارش کتاب های قابل توجهی دربارهٔ عرفان و نیز کتاب های جنایی بر گرفته از پرونده های موکلان خود مشغول شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه درباره تصوف و دیدار با بزرگان صوفیه از عادات هر روزهٔ استاد تفضلی می باشد.اغلب مقالات او از سال 1325 در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است. وی از سال 1356 خود را بازنشسته کرد و به سیر و سیاحت در نقاط مختلف جهان پرداخت.

تفضلی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316 مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1338، کارشناسی ارشد زبان‌های پیش از اسلام از مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در سال 1340، دکترا در زبان‌های باستانی ایران از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1345.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تهران در سال 1347، دانشیار در سال 1352، استاد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در سال 1357.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان‌شناسی، لهجه‌شناسی، زبان‌های باستانی ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
زبان‌شناسی ایران، زبان‌ها و ادبیات پیش از اسلام ایران، زبان فارسی، ادیان پیش از اسلام ایران، اسطوره‌شناسی ایرانی، لهجه‌شناسی ایرانی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 39، تعداد مقالات بزبان خارجی: 27
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی ایرانی، زبان پهلوی (فارسی میانه)، اسطوره‌شناسی ایران، لغت‌شناسی فارسی.
زبان‌شناس، روزنامه‌نگار.
تولد: 16 آذر 1316، اصفهان.
درگذشت: 24 دی 2375، تهران.
احمد تفضلی، فرزند اسماعیل، فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی سپس در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های

باستانی ایران در دانشگاه لندن در انگلستان به تحصیل پرداخت و موفق شد کارشناسی ارشد و دکترای خود را در همین رشته کسب نماید. وی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.
آثار وی عبارتند از: تألیف واژه‌نامه مینوی خرد؛ ترجمه‌ی مینوی خرد؛ تألیف شناخت اساطیر ایران (با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه، چاپ سوم، 1373)؛ ترجمه نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان (اثر آرتور کریستن سن، دو جلد، ترجمه با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ این کتاب در هشتمین دوره‌ی کتاب سال در سال 1369 در موضوع تاریخ و جغرافیا در بخش ترجمه‌ی برنده‌ی جایزه‌ی کتاب سال شده است)؛ گزیده‌های زاد اسپرم (به فرانسوی؛ با همکاری دکتر فیلیپ ژینیو، پاریس، 1993، این کتاب برنده سومین دوره‌ی جایزه‌ی جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است). از وی مقاله‌هایی در مجلات «سخن»، «دانشکده‌ی ادبیات تهران»، «دانشکده‌ی ادبیات تبریز»، «راهنمای کتاب» و «کلک» به چاپ رسیده است.
دکتر تفضلی در دی 1375 درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه 88 به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

تفضلی، جهانگیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
داستان نویس، شاعر.
تولد: 1293.
درگذشت: 1369.
جهانگیر تفضلی دوره دانشسرای عالی را در رشته‌ی ادبیات گذراندن و پس از شهریور 1320 به نویسندگی سیاسی پرداخت و اغلب با نام‌های مستعار «مازیار»، «آسمان»، «نگین»، «رامین» در روزنامه‌ها و مخصوصا روزنامه «پیکار» (ناشر افکار حزب پیکار) مقاله می‌نوشت. پس از آن در سال 1322 اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی «ایران ما» را همراه با غلامعلی پرویزی گرفت. بعدها همراه قوام‌السلطنه به مسکو رفت و چندی معاون عبدالحسین هژیر (در دوره نخست وزیری) شد. در دوره‌ی مصدق پیرو آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی شده بود. پس از آن به ریاست اداره‌ی تبلیغات و سرپرستی دانشجویان در اروپا و وکالت مجلس شورای ملی و وزارت و سفارت (افغانستان و الجزایر) رسید. کتاب‌هایی که از وی چاپ شده بر روی شن‌های ساحل (داستان) و هایده (داستان) و زهره (شعر) است.
در 1291 در شهر مشهد تولد یافت. پدرش غلامرضاخان مصدق‌السلطان از اهل علم و عرفان و یکی از مریدان و تربیت یافتگان حاج ملا سلطانعلی گنابادی بود و در عرفان و ادب فارسی و عربی مقامی شامخ داشت. جهانگیر پس از انجام تحصیلات مقدماتی و ابتدائی دوره‌ی مدرسه‌ی متوسطه را در مشهد پایان داد و به تهران عزیمت نمود و وارد دارالمعلمین عالی شد و در 1314 لیسانس تاریخ و جغرافیا اخذ نموده به خدمت فرهنگ درآمد و در مدارس آن روز تهران زبان فرانسه و تاریخ و جغرافیا تدریس می‌نمود.
بعد از شهریور 1320 و آغاز بحران دموکراسی، به فکر روزنامه‌نگاری افتاد و سرانجام با خسرو اقبال و تنی چند از یاران، روزنامه‌ی تندرو و منقد نبرد را انتشار دادند. نبرد پس از چند ماهی در محاق توقیف قرار گرفت و سپس نبرد ما جای آن را گرفت و سرانجام در 1322 امتیاز روزنامه‌ی چپ‌رو و مخالف دولت به نام ایران ما صادر شد. اعضاء هیئت تحریریه و سردبیران مجله عبارت بودند از: اسمعیل پوروالی، محمود تفضلی، خسرو اقبال، محمود هرمز و دکتر دهنائی. این روزنامه روزانه بود

و تدریجاً حسن ارسنجانی و سید جلال شادمان هم در زمره‌ی نویسندگان آن قرار گرفتند. روزنامه‌ی ایران ما مرتباً توقیف می‌شد ولی بجای آن امتیازاتی تحصیل نموده بودند که به جای ایران ما منتشر می‌گردید.
در شهریور ماه 1322 دو تن از گردانندگان روزنامه‌ی ایران ما توسط نیروهای متفقین به جرم ژرمانوفیلی دستگیر و به زندان اراک منتقل شدند. جهانگیر تفضلی و خسرو اقبال ابتدا در زندان اراک و سپس زندان رشت مدتی در اسارت قوای بیگانه بودند ولی بازداشت آنها طولانی نشد و زودتر از یک سال از زندان مستخلص شدند.
جهانگیر تفضلی در سال 1324 موضع خود را تغییر داد و خود را به حزب آزادی قوام‌السلطنه متمایل نمود و همین موضوع سبب شد که قوام که در اواخر سال 1324 به نخست‌وزیری رسید و در رأس هیئتی برای مذاکره به مسکو رفت، جهانگیر تفضلی یکی از اعضای میسیون بود و در آن سفر مورد توجه و محبت قوام‌السلطنه قرار گرفت. تفضلی پس از مسافرت به مسکو به ایران بازنگشت و به فرانسه رفت و مدتی در آن کشور بسر برد. در 1325 روزنامه‌ی ایران ما، که توسط محمود تفضلی اداره می‌شد پس از ائتلاف حزب توده و حزب ایران، به حزب توده پیوست و چند ماهی با حزب توده همکاری داشت ولی سرانجام در دی ماه 1326 از وابستگی به حزب توده کنار رفت.
بطور کلی روزنامه‌ی ایران ما از روز انتشار تا پایان حیات خود نشریه‌ای معتبر و مورد توجه تمام طبقات بود و حتی محمدرضا پهلوی و اشرف پهلوی بدان توجه خاص داشتند بطوری که شاه با هیئت تحریریه‌ی روزنامه‌ی ایران ما جلسات ماهیانه داشت و اشرف پهلوی هم با جهانگیر تفضلی حشر و نشر زیادی پیدا کرد و او را جز محارمین خود قرار داد.
احمد قوام سرانجام پس از مقاوله‌نامه‌ی نفت شمال، به سرعت در سراشیبی سقوط قرار گرفت و در آذر ماه 1326 با رأی عدم اعتماد نمایندگانی که حزب دموکرات تعیین کرده بود، ساقط شد و ابراهیم حکیمی برای بار سوم به زمامداری رسید و از همان نخستین روزهای نخست‌وزیری او معلوم بود که محلّلی بیش نیست. در کابینه‌ی حکیم‌الملک، علی سهیلی و عبدالحسین هژیر وزیران مشاور بودند و برای جانشینی او تلاش می‌کردند.
در خرداد ماه 1327 اشرف موفق شد تا عبدالحسین هژیر را به کرسی صدارت برساند. بدون تردید در این کابینه، اشرف پهلوی نقش اول را عهده‌دار بود. از اینرو از نخستین روزهای نخست‌وزیری هژیر، جلسات مداوم شبانه در پل رومی (سفارت آلمان) که مقر نخست‌وزیری بود، با شرکت اشرف پهلوی، عبدالحسین هژیر و جلال شادمان تشکیل می‌شد. تمام وزیران کابینه‌ی هژیر توسط اشرف تعیین شدند و بالاخره به دستور

اشرف، جهانگیر تفضلی به معاونت سیاسی نخست‌وزیر تعیین شد. این انتصاب در آن روز که عده‌ی زیادی از رجال صدر مشروطه هنوز حیات داشتند، با تعجب تلقی شد. یک روزنامه‌نویس جوان در سن 35 سالگی در یک سمت حساس قرار گرفت. کابینه‌ی هژیر با مخالفت شدید آیت‌اللّه کاشانی و فدائیان اسلام دوام زیادی نکرد ولی قبل از سقوط کابینه، جهانگیر تفضلی از کار کناره‌گیری نمود و به سمت بازرس دولت در بانک صنعتی و معدنی قرار گرفت. در حکومت دکتر مصدق هم کار مهمی به او ارجاع نشد، فقط چندی مدیرعامل بیمه کارگران بود تا در انتخابات دوره‌ی هیجدهم که پس از کودتای 28 مرداد انجام گرفت، به نمایندگی مجلس از زابل تعیین شد. در سال 1334 در نخست‌وزیری حسین علاء، مورد توجه علم وزیر کشور قرار گرفت و به عنوان سرپرست محصلین به اروپا رفت و قریب پنج سال در آن سمت باقی بود. تفضلی علاوه بر سرپرستی محصلین، سفیرکبیر ایران در یونسکو نیز بود. در 29 بهمن ماه 1341، علم و وزیران کابینه‌ی او استعفا دادند و علم مجدداً مأمور تشکیل کابینه شد و در روز سی‌ام بهمن کابینه‌ی جدید را معرفی کرد. در این کابینه، جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و سرپرست اداره کل تبلیغات و انتشارات شد.
اصولاً کار سانسور مطبوعات از بدو تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت با آن سازمان بود. به ترتیب سرهنگ هژبر کیانی و سرهنگ ابوالحسن سعادتمند و سرهنگ فرهنگ شاهین، کار سانسور را انجام می‌دادند. در اوایل نخست‌وزیری دکتر علی امینی، سانسور مطبوعات از ساواک منفک و ضمیمه‌ی اداره تبلیغات و انتشارات و بعد وزارت اطلاعات گردید. جهانگیر تفضلی در مقام سرپرستی تبلیغات و انتشارات، رویه‌ی خشن و تندی را اتخاذ نمود. از جمله حداقل تیراژ روزنامه‌ها در تهران بایستی پنج هزار شماره باشد و این امر در آن ایام که روزنامه‌ها با بهای آگهی‌های دولت اداره می‌شدند، امکان‌ناپذیر بود و لذا قریب 50 روزنامه و مجله را در تهران تعطیل و محل انتشار آن را در شهرستان‌ها تعیین کردند که طبعاً مدیران آن دسته به شهرستان‌ها نرفتند.
جهانگیر تفضلی روز 18 خرداد ماه 1342 پس از وقایع خونبار 15 خرداد، از سمت رئیس اداره انتشارات و تبلیغات و وزارت مشاور استعفا داد. پس از آن چندی عضو هیئت نظارت سازمان برنامه بود تا اینکه در فروردین ماه 1350 با سمت سفیرکبیر عازم کابل گردید و تا مرداد ماه 1354 در آن سمت باقی ماند.
صاحب ترجمه مردی جسور، صحنه‌ساز، بی‌بندوبار و خوشگذران بود و به زبان و ادبیات فارسی و فرانسه تسلط داشت. نویسنده‌ای متفکر و در عین حال منقد بود. بیشتر مقالات او با نام مستعار «مازیار» در ایران ما و سایر جراید منتشر می‌شد. در جریان اصلاحات ارضی و اصول ششگانه‌ی

انقلاب سفید، مشاور محمدرضا پهلوی بود و بیشتر نطق‌های شاه را او تهیه می‌کرد. در اواخر عمر خاطرات خود را با مدد گرفتن از حافظه تدوین نمود. این خاطرات سرانجام در سال 1376 از حوزه‌ی هنری دفتر ادبیات انقلاب اسلامی به کوشش یعقوب توکلی با مقدمه‌ی محققانه‌ای و زیرنویس‌های لازم، چاپ و انتشار یافت.
جهانگیر تفضلی در سال 1370 دست به خودکشی زد. این فکر از چندی پیش در مخیله‌ی او وجود داشت و همواره با دوستان نزدیک خود این مطلب را بیان می‌نهاد. آنقدر در این مورد سخن گفته بود که دوستانش او را مسخره می‌کردند. ولی سرانجام فکر خود را جامه عمل پوشانید. پس از چندی، دختر او استاد دانشگاه شهید بهشتی بود نیز خودکشی نمود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

تفضلی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1297، مشهد.
درگذشت: 4 مهر 1363، جاده مشهد.
محمود تفضلی، فرزند مصدق‌السلطان، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود در زادگاهش تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی باستان‌شناسی دنبال کرد. در امتحانات نهایی دوره‌ی لیسانس با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریافت مدال درجه‌ی یک علمی (مدال طلا) گردید و سال‌ها در دبیرستان‌های تهران (دبیرستان البرز و دبیرستان دیگر) با سمت دبیری به تدریس مشغول بود. وی همچنین مدتی در موزه‌ی ایران باستان کار می‌کرد.
محمود تضلی با نام مستعار «گرسنه» نیز مطالب خود را امضا می‌کرده است. خدمت مطبوعاتی را از سال 1321 آغاز کرده و مدت‌ها با روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» همکاری داشته و زمانی نیز صاحب امتیاز روزنامه «تلاش» بود. وی همچنین مدتی به مدیریت «نامه‌ی موسیقی» برگمارده شد و هفت شماره از آن مجله را منتشر ساخت.
تفضلی در کشورهای نپال، ترکیه، یونان و خصوصا هندوستان تجاربی اندوخته بود. وی به انتخاب وزارت فرهنگ و هنر به رایزنی فرهنگی به ترکیه و هندوستان رفت و چندین سال در این کشورها اقامت داشت. به ویژه به علت تعلق خاطری که به فرهنگ هندوستان داشت، در راه شناسایی ادب این کشور تلاش بسیار کرد. از وی ترجمه‌های ارزنده‌ای به جای مانده است که از آن جمله است: اندیشه‌های نهرو (ترجمه از انگلیسی، 1340)؛ نگاهی به تاریخ جهان (سه جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، 1338، نشریه‌ی سفارت هند)؛ ایتر پریسکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول (از ژرژ تکتاندر فن دریابل، 1351)؛ مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس... (از سید علی کاتبی، با همکاری علی گنجدلی، 1355)؛ کودتا، نفت، مصدق (ترجمه و گردآوری، 1359)؛ نامه‌های پدری به دخترش (اثر جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، 1341)؛ کشف هند (دو جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، 1351)؛ همه‌ی مردم برادرند (ترجمه از انگلیسی، تألیف مهاتما گاندی، 1348)؛ حقیقت من (ترجمه از انگلیسی، تألیف ایندیرا

گاندی، 1362)؛ زندگانی بتهوون (اثر رومن رولان، ترجمه از فرانسه، 1328)؛ اتوبیوگرافی فرانکلین (اثر بنجامین فرانکلین، 1342)، زندگانی من (اثر جواهر لعل نهرو، با مقدمه دکتر تاراچند، 1335)؛ زندگی یوهان سباستیان باخ (نشریه‌ی شماره‌ی شش اداره‌ی موسیقی کشور، 1329)؛ سفری به مسکو (چاپ دوم، 1332)؛ شاندور پتوفی شاعر انقلاب مجار (ترجمه با مشارکت انکلا بارانی، 1331)؛ گفت و شنود با آقای نهرو (1338)؛ مجموعه درباره‌ی مهاتما گاندی پدر ملت هند (1337)؛ مجموعه‌ی اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام (1335)؛ نامه‌های تیرباران شده‌ها (1330)؛ شوپن یا شاعر (ازگی دوپورتاس، 1336)؛ دوستی، دوستی (یادداشت‌های یک شرکت کننده در جشنواره‌ی برلین، 1331)؛ هفت شاهی (شامل داستان‌های: «یک فاجعه»، «آخور چوبی»، «یک بار سیر شدن»، «تحصیل مجانی در دبیرستان»، «بیچاره‌ها» اثر زیگوند مورتیس، 1331)؛ هند 1959 م. (1337، نشریه اطلاعات سفارت هند).

تفضلی در آستانه‌ی وفاتش به عنوان مشاور فرهنگی مؤسسه‌ی جدیدالتأسیس چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی برگزیده شده بود.

محمود تضلی بر اثر تصادف در جاده‌ی مشهد چهارم مهر 1363 به دار باقی شتافت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقدس، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 1361.
از آثار اوست: الله الخالق: آفریدگار یکتا (تألیف عبدالحلیم خضره؛ تهران، 1367)؛ تألیف دنیای ناشناخته نیایش: نگرشی بر نیایش امام سجاد سیدالساجدین (ع) (تهران، 1366)؛ ترجمه قدس، رؤیای ما، نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان فلسطین (تهران، 1364).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقدیری بشرویه، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی تقدیری بشرویه
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/6/3
زندگینامه علمی
در سال 1363 به حوزه علمیه ولیعصر (عج) شهرستان خوانسار وارد شدم و علوم مقدماتی را در نزد ابوی مرحوم حضرت آیت الله شیخ هاشم تقدیری سبزواری (ره) تلمذ نمودم. سطح فقه و اصول را در نزد اساتید بزرگوار حضرت حجة السلام والمسلمین نیازی خرم آبادی و حجة السلام و المسلمین رفیعان نیشابوری و دیگراستادان آن حوزه استفاده نمودم. در سال 1369 برای تکمیل دروس حوزه به شهر قم عزیمت نمودم و سطوح عالی رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر حضرات اساتید حجة الاسلام موسوی تهرانی، مرحوم آیة الله پایانی (ره) ، مرحوم آیة الله صالحی مازندرانی (ره) ودروس خارج حوزه را در محضرحضرات اساتید آیة الله وحید خراسانی، آیة الله شیخ جواد تبریزی، آیةالله جوادی آملی و دیگر بزرگواران بسیاری بهره بردم.در حین تحصیل به جهت علاقه وافربه تربیت نسل جوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از محضر استاد هنرمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین راستگو؛ شیوه های مهارتی تربیتی و پرورشی را آموختم که تا کنون ازسرمایه های علمی آن مرکز در راه تبلیغ و تربیت نسل جوان بسیار بهره مند شده ام وهمچنین به عضویت گروه پژوهش کودک و نوجوان صدا وسیمای قم و دوره های نقد ادبی حوزه از محضر استادان حجة الاسلام والمسلمین جواد محدثی و دهنوی درراه خدمت به فرهنگ علمی جامعه از شیوه های نگارش و ویرایش استفاده کردم. وپس از مدتی کوتاه به مؤسسه فرهنگی دار الحدیث توفیق تحقیق و مصدریابی یافتم و چندین سال از علوم حدیث و معارف اهل بیت هم در راه رشد فکری خویش از آن مؤسسه فرهنگی بهره ها بردم.ازتوفیقات بنده در راه خدمت به معارف اهل بیت علهیم السلام، ورود به مؤسسه مذاهب اسلامی جهت شرکت در دوره های آموزشی وتخصصی مذاهب اسلامی بوده است. ودرتبلیغ و اطلاع رسانی به ویژه در مناطق

اهل سنت و مرزی واجرای برنامه ی کلاسی و اردویی ونویسندگی در خدمت بوده ام.

تقدیری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقدیری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در 5 مسیر دارای فعالیت بوده‌ام:
1- تحصیل: تحصیلات دبیرستان تا دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک در دبیرستان امام صادق(ع) قم گذراندم پس از اخذ دیپلم در سال 1360 وارد حوزه علمیه مدرسه رسالت شدم و تا لمعتین در آن مدرسه تحصیل کردم از حضور اساتید معظم نکونام، طالقانی(ادبیات)، فشارکی (سیوطی)، (اصول)، کریمی، صالحی افغانی، نکونام، حائری، لمعه (اشتهاردی، محامی وجدانی فخر) استفاده کردم و رسائل را خدمت استاد اعتماد و موسوی تهرانی و مکاسب را خدمت استاد مرحوم پایانی، اشتهاردی، ستوده استفاده کردم و هم زمان فلسفه و بدایه و نهایه را خدمت استاد فیاضی تلمذ نمودم و سپس وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و آیت الله هاشم شاهرودی شدم و فقه را نزد آیت الله تبریزی و مکارم و مددی و سید کاظم حائری استفاده کردم و خارج بیع را نزد آیت الله هاشمی شاهرودی گذراندم و اکنون مدت 5 سال است در درس خارج مکاسب محرمه نزد رهبر معظم انقلاب در تهران مشغول هستم همزمان با تحصیل حوزه کارشناسی ارشد الهیات رشته کلام در تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم و موضوع افسردگی و حزن و اندون (مقایسه تطبیقی) در قرآن، سنت و متون دینی و روانشناسی پایان‌نامه‌ام بود همچنین دو سال و نیم دوره معارف در دانشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به دفتر تبلیغات گذراندم.
2- تحقیق: به طور رسمی از سال 1372 در مؤسسه دارالحدیث جزو محققین همکار در تدوین میزان الحکمه قرار گرفتم که موضوعات تربیتی و اخلاقی و روانشناسی مانند اخلاق، حزن، خانواده، خیر و برکت، محبت و عناوین دیگر را تحقیق کردم که دو عنوان آن محبت در قرآن و حدیث، خیر و برکت در قرآن و حدیث منتشر شده است.
3- تدریس: همزمان با دو عنوان قبل به تدریس دروس منطق، فقه و

اصول، کلام، اخلاق و تفسیر اشتغال داشته‌ام مباحث روش تحقیق و روش تبلیغ از مباحث تدریسی بوده است.
4- تألیف: علاوه بر کتب چاپ شده در تحقیق مقالاتی برای سمینارها و کنفرانسها ارسال می‌داشتم که بعضاً در همان سمینار قرائت شده و سپس چاپ شده است.
5- تبلیغ: پس از اتمام لمعتین تبلیغ در مدارس، روستاها، سپس دانشگاهها را شروع کردم که مجموعاً 20 سال تبلیغی سابقه دارم و تا سال 1379 که جهت معاونت فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم به تهران آمدم در 6 دانشگاه کشور و خوابگاههای آن فعالیت داشته‌ام بدلیل آموزش و پرورش کار با کودکان و نوجوانان و تحصیلات دانشگاهی توانستم در تبلیغ مدارس و دانشگاهها اثرات مؤثری داشته باشم. هم اکنون نیز در مساجد شهرری و تهران دانشگاه شاهد و مراکز و مجالس به سخنرانی و تبلیغ اشتغال دارم.
در سال 1379 به عنوان معاون فرهنگی آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در خدمت آن امامزاده وارد شدم که علاوه بر کارهای مدیریت ریاست مرکز نجوم آستان مقدسی، مسئول حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم (خواهران و برادران) – تدریس در این دو حوزه و تحصیل درس خارج درس مقام معظم رهبری شرکت دارم. و علاوه بر تبلیغ مجموعه ای از خواهران و برادران را برای تبلیغ در مدارس آموزش داده‌ام که در مناسبت‌ها به تبلیغ اعزام می‌شوند. همچنین به عنوان استاد راهنما راهنمایی بیش از ده پایان‌نامه در موضوعات اخلاقی – تربیتی روانشناسی راهنمایی کرده‌ام.

تقدیری، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هاشم تقدیری نیز یکی از علماء و ائمه جماعت معاصر سبزوارند.
وی نیز تحصیلات خود را در مشهد و سایر حوزه‌های علمی به پایان رسانیده و در سبزوار به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
و غیر از آقایان مذکور نیز چند نفری از فضلاء این سامانند، مانند جنابان حجتی‌الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن علیمحمدی و آقای آقا شیخ حسین شهرستانی که در تهران به خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

تقوی شیرازی، محمدشریف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدشریف بن العالم الجلیل سید محمدحسن بن الفقیه النبیه سید حسین بن السید الجلیل سید علی ابن الشریف الجمیل سید محسن بن سید شاه حسین بن سید زبیر تقوی برقعی رضوی مجتهد ونکی شیرازی نسبش با بیست و چهار واسطه بوسیله جناب موسی مبرقع به حضرت جوادالائمه امام محمدتقی (ع) منتهی می‌شود.
وی در سال 1270 ق در ونک متولد شد و در 5 سالگی به مکتب رفت و در 9 سالگی در محضر پدرش به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد و در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و با مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی (صاحب عروة) که به اصفهان آمده بود دوستی پیدا کرد و متحدا در محضر درس اساتید اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم متداوله عصر مشغول شده تا آنکه سطوح را تمام کرده و سپس به درس خارج حاج شیخ محمدباقر اصفهانی حاضر و در 17 سالگی مهاجرت به نجف نموده و از محضر درس مرحومین علمین حاج شیخ لطف‌اللّه و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی و فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت دوازده سال تکمیل علوم نقلی و عقلی نموده و خود به اصرار طلاب و محصلین حوزه نجف به تدریس پرداخته و جمع کثیری از فضلاء از محضرش استفاده نموده تا اینکه به مرض قلبی مبتلا و ناچار مراجعت به ایران و شیراز نموده و مورد توجه و احترام و تجلیل شایان علماء و اهالی شیراز قرار گرفته و پس از ورود و پذیرائی علماء او را به مسجد برده و عموم مردم از وی درخواست مجلس بحث و فحص و تدریس نموده و حوزه علمی تشکیل داده و قریب چهل سال به رتق و فتق امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال داشت و نیز کتب عدیده‌ای تألیف و تصنیف نمود که اسامی آنها را یادآور خواهیم شد.
مرحوم آیت‌اللّه تقوی مزبور از مخالفین سرسخت مشروطه بود و از اینجهت در شیراز تحت فشار مشروطه‌خواهان قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت و پس از شهادت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ فضل‌اللّه شهید نوری مسافرت به عراق نموده و با مرحوم علامه خراسانی آخوند ملا محمدکاظم مباحثه و گفتگو نموده و بعد از چندی به شیراز برگشت و بار دیگر مجلس درس تشکیل و در سال 1342 ق به قصد زیارت مشهد

مقدس حرکت و در اصفهان مریض و پس از معالجه چندی در مدرسه صدر مجلس درس و بحث قرار داده و پس از دو سال اقامت برای زیارت ارض اقدس به تهران آمده و در آنجا مرضش شدت تا در بیست و هشتم ماه رمضان 1352 ق وفات و جنازه‌اش را با تشییع عظیمی حمل به قم و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری تعطیل عمومی و تجلیل فراوان از جنازه‌اش نموده و آن مرحوم بر وی نماز خوانده و حسب‌الوصیه‌اش در رواق جدش حضرت موسی مبرقع دفنش نمودند.
آثار علمی آن مرحوم از اینقرار است 1- تبصرة الناظرین (در دواعی مسیحی) 2- کشف‌المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن) 3- کشف‌البیان فی تربیة الانسان 4- تذکرة المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر) 5- رساله نفلیه (در نوافل) 6- رساله در رد طائفه وهابیه 7- مرآة‌الاصول (در اصول دین اسلام) 8- رساله عملیه محشی به حاشیه خود آن مرحوم 9- یک دوره فقه فارسی از عبادات تادیات (که در شیراز و اصفهان و تهران چاپ شده) 10- قانون الهی که در شیراز به طبع رسیده است.
آن مرحوم فرزندان عدیده‌ای داشتند که تمامی از ارباب دانش و ادب و زبان و قلم بوده‌اند.
1- مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عنایت‌اللّٰه تقوی.
2- آقا سید عبدالحمید تقوی مدیر روزنامه آرین از نویسندگان معاصر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

تقوی شیرازی، هدایت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید هدایت‌اللَّه تقوی شیرازی بن آیةاللَّه سید محمد شریف مجتهد ونکی بن العالم الجلیل سید محمد حسن بن السید الزکی السید حسین بن العالم العلام السید علی از مشاهیر علماء معاصر تهران و دارای وجاهت تامه و مرجعیت عامه و در امر بمعروف و نهی از منکر جدی (ولا یخافه فی اللَّه لومه لائم) بوده و با مرحوم مبرور آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره رفاقت تام و صداقت مخصوص و در اهداف مقدس دینی و اجتماعی وی هم آهنگی داشتند.
در حدود هزار و سیصد و بیست (1320 ق) در شیراز متولد شده و مقدمات را در محضر پدر بزرگوارش آموخته و از علماء عصر شیراز نیز استفاده کرده و آنگاه به قم مشرف شده و چندی در درس مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حایری یزدی (موسس) حوزه شرکت نموده و مورد توجه و عنایت استاد واقع شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در خدمت مرحومین آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و سایرین علوم دینی خود را تکمیل نموده و بدریافت اجازه اجتهاد و روایتی از اساتید مذکور نائل شده آنگاه بشیراز مراجعت و پس از فوت مرحوم والدش سال (1352 ق) بر حسب دعوت بعضی از علماء مرکز به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا آخر عمر سال 1390 ق به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و چندین نفر از صاحبان ادیان مختلفه کلیمی و مسیحی و بهائی در اثر بیانات سودمند ایشان مشرف به اسلام گردیده‌اند. مسجدش در خیابان ادیب‌الممالک (خیابان ری) معروف بمسجد سنگی، از مساجد معروفه تهران و از مراکز حساس تبلیغی دینی می‌باشد.
وی در سال 1390 ق در تهران در سن هفتاد سالگی رحلت نموده و با تجلیل فراوان حمل به نجف و در دارالسیاده (مقبره علماء) مدفون گردیده است.
دارای سه فرزند برومند بنام حجةالاسلام آقای آقا سید عبدالعلی و آقا سید غلامرضا و آقا سید عبدالحسین می‌باشند و در میان آنان جناب آقا سید عبدالعلی تقوی شیرازی سالها در قم اقامت و اشتغال بتحصیل داشته و از محضر آیات عظام و مدرسین گرام استفاده نموده و پس از فوت والدش به تهران برگشته و اکنون در مسجد والدش بجای آن مرحوم به اقامه

جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

تقوی مقدم، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی تقوی مقدم
محل تولد : کهکیلویه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1359 در سن 18 سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیّات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدّمات را تا سال 62 به پایان رساندم و از سال 63 به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده بردم. در سال 64 در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه 15 برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و ممحض در دروس حوزه شدم.مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.
کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال 71 وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه درس آیةالله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیةالله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. 8 سال درس فقه و 9سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در 10 دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم وبدایة الحکمه را خود مطالعه کرده و نهایة الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطری داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با

تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.
در سال 1361 کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارت جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال 74 همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استادم جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است.
از سال 78 تا 80 مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوّه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای سید جلال‌الدین تقوی فرزند محمدشریف از ادباء و فضلاء معروف شهرضا و سومین فرزند پدر است. وی در سال 1282 شمسی در شهرضا متولد و پس از تحصیلات ابتدائی علوم ادبی و عربی را در آنجا از حکیم فرزانه فراگرفته آنگاه به اصفهان آمده و چند سالی در مدرسه (جده بزرگ) تحصیل نموده و سپس در تهران در مدرسه سپهسالار علوم ادبی و عربی و پاره‌ای از علوم جدید را تکمیل کرده است.
معظم له دارای طبعی روان و قریحه‌ای سرشار می‌باشد و اشعار ایشان مکرراً در جرائد و مجلات بطبع رسیده است
(تو 1282 ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در شهرضای اصفهان به دنیا آمد، و پس از طی دوره‌ی ابتدایی، صرف و نحو و منطق را در خدمت حکیم فرزانه فراگرفت، سپس چند سالی در مدرسه‌ی جده‌ی بزرگ اصفهان و مدرسه‌ی سپهسالار تهران به تکمیل علوم ادبی و عربی و برخی علوم جدید پرداخت. تقوی از طبع شعری سرشار برخوردار بود و اشعارش در مجلات به چاپ می‌رسید. مدت سه سال هم روزنامه‌ی «شهرضا» را منتشر ساخت که بعدها به علل قانونی تعطیل شد.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (33 -32/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (273 -272/ 2).

تقوی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن تقوی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سال 1355 بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و 6 ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت 15 سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت 15 سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را

به عهده داشته ام.

تقوی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین تقوی دهاقانی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب سال 1355 بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و 6 ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت 15 سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت 15 سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.
هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت

آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، محمدکاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاظم تقوی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/5/2

زندگینامه علمی
اینجانب محمدکاظم تقوی در سال تحصیلی 63ـ1362 در حالی‌که در سال اول هنرستان ـ رشته راه و ساختمان ـ مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان ـ مدرسه ذوالفقار ـ شدم و تا سال 1369 در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی 71ـ1370 به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می‌باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.
همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی(ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس

خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجةالاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می‌کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی. علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می‌کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق ـ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه ـ چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت ـ از سال سوم رهایش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی ـ از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ـ یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می‌کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در دانشگاه‌ها دارم. از سال 1371 تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت ـ در همان سال‌های نخست ـ به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کردم. اکنون ـ سال تحصیلی 86ـ1385 در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تقوی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1242 ش)، شاعر، محقق و مصحح. در تهران متولد شد. فقه و اصول و حکمت را در جوانی نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا ابوالحسن جلوه در تهران فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت، و در حوزه درس علمای آنجا حاضر شد و موفق به اخذ تصدیق و اجازه روایت و استنباط احکام شرعی گردید. تقوی در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر شد، شعر هم خوب می‌سرود. وی پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت و در قوانین موضوعه‌ی اروپا تحقیقاتی انجام داد. نصرالله به هنگام جنبش مشروطه‌خواهی به آزادی خواهان پیوست و از سران انقلاب مشروطه شد. در سال 1323 ق به اتفاق ملک المتکلمین و نصرةالسلطان کتابخانه ملی را تاسیس کرد و در دوره‌ی اول و سوم مجلس شورای ملی وکیل تهران شد. او سالهای متمادی نیز عضو و رئیس دیوان عالی کشور بود. وی در تهران درگذشت. از آثار وی: «هنجار گفتار»، در معانی و بیان؛ تصحیح «اوصاف الاشراف» و «تازیانه سلوک»، مکتوب احمد غزالی به عین القضاه و «دره التاج»؛ ترجمه‌ی «اشارات» با همکاری سید حسن مشکان طبسی.[1]
(حاج سید) نصراللَّه اخوی (و. تهران 1282 ه. ق- ف. تهران 1367 ه.ق./ 1326 ه. ش.). از رجال دانشمند دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی، وکیل دوره اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران، مدعی‌العموم و رئیس دیوان عالی تمیز و مدرس دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول و رئیس دانشکده اخیر. از تألیفات وی «هنجار گفتار» در معانی و بیان فارسی است و متن دیوان ناصر خسرو نیز توسط وی تصحیح شده و به طبع رسیده. کتابخانه‌ای نفیس نیز از او به جای مانده است.
معروف به سادات اخوی تهرانی، فرزند سید محمدرضا سادات اخوی، متولد 1242 در تهران. پس از انجام تحصیلات مقدماتی به آموختن معارف اسلامی و فلسفه پرداخت. علوم منقول را نزد میرزا حسن آشتیانی و علوم معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه تحصیل نمود. سپس عازم نجف شد. چند سالی از محضر علمای بزرگ درس خارج گرفت و به مقام اجتهاد رسید. پس از مراجعت به ایران، در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم به تدریس فلسفه پرداخت. در نهضت مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان بود و برای

استقرار حکومت قانون، از هیچ اقدامی فروگزاری نمی‌کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی اول، از طرف طلاب و روحانیون و اهل علم به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. به علت تسلط به سخنوری، در مجلس گل کرد و در ردیف چند نماینده‌ی متنفذ درآمد. به هنگام تاجگذاری محمدعلی شاه، خطابه‌ی بسیار شیوا و غرائی در مجلس ایراد کرد. اقدامات او و عده‌ای دیگر از وکلاء، نتوانست روابط مجلس با محمدعلی شاه را التیام دهد. مجلس به توپ بسته شد، عده‌ای دستگیر شدند، و تعدادی فرار کردند. او هم در دوران استبداد صغیر در اختفا بسر می‌برد. پس خلع محمدعلی میرزا و رفع بحران، فعالیت خود را از سر گرفت. در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران وکیل شد و به نیابت ریاست مجلس منصوب گردید. در دوره‌ی سوم وکیل و نایب‌رئیس بود.
پس از انحلال آن مجلس، به دعوت مشیرالدوله وزیر عدلیه وقت، وارد دادگستری گردید و رئیس شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد و سال‌ها در همان سمت باقی ماند. در 1306 که داور دادگستری جدید را بنیاد نهاد و از قدمای عدلیه چند نفری را به خدمت پذیرفت، او با رتبه‌ی 10 قضائی، رئیس یکی از سه شعبه‌ی دیوان عالی کشور شد. در آن تاریخ، داور به یک نفر رتبه‌ی 11 و به 6 نفر رتبه‌ی 10 قضائی اعطاء کرد. رتبه‌ی 11 قضائی به میرزا رضاخان نائینی که مقام دادستان کل را داشت تعلق گرفت، رتبه‌ی 10 را به نیرالملک کفیل دیوان کشور، محمدرضا وجدانی، حاج سید نصرالله تقوی، صدرالاشراف و شیخ محمد عبده و سید محمد فاطمی داد. در 1312 که صدرالاشراف از دادستانی کل به وزارت دادگستری منصوب شد، جای خود را به تقوی سپرد. در 1315 به ریاست دیوان عالی کشور رسید و مدت ده سال در رأس قوه‌ی قضائیه کشور قرار داشت.
در کنار کارهای قضائی خود مدتی عضو و نایب‌رئیس فرهنگستان بود و سال‌ها در سمت ریاست دانشکده‌ی معقول و منقول، به امر دریس در آن دانشکده و مدرسه‌ی حقوق و مدرسه‌ی سپهسالار اشتغال داشت. در 1325 تقاضای بازنشستگی نمود و در این امر اصرار داشت. سرانجام قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت، در ذیل تقاضای بازنشستگی او شرحی به این مضمون نوشت: «برای اینجانب و دولت و کشور نهایت تأسف حاصل است که از خدمات گرانبهای جناب مستطاب عالی محروم می‌مانیم، لیکن چون زحمات و خستگی ممتد حضرت عالی را مجبور به تقاضای تقاعد نموده، از این جهت که ملاحظه‌ی مزاج و حفظ صحت و سلامت عالی برای ارادتمندان فوق‌العاده مأمول و مطلوب است، ناچار با درخواست حضرت عالی موافقت می‌شود؛ مشروط به اینکه از تجربیات و نظرات اصلاح‌طلبانه در پیشرفت امور دریغ نفرموده، دولت و مملکت را از این جهت قرین مزید قدردانی و تشکر فرمایید.»

تقوی در 1326 در 84 سالگی درگذشت. مردی ادیب، دانشمند و حقوقدان بود. در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد بود. تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت: از جمله کتاب سیاست، هنجار و گفتار در علم معانی و بیان. دیوان ناصرخسرو را نیز تصحیح کرده و مقدمه‌ی فاضلانه و مبسوطی بر آن نوشته است. شعر نیز نیکو می‌سرود. در بحبوحه‌ی دیکتاتوری رضاشاه، قصیده‌ای طولانی در مدح رضاشاه و ذم احمدشاه انشاء نموده است. از لحاظ سیاسی جزو افراد محافظه‌کار و مؤید دولت‌های وقت بود. زمانی که به عضویت دیوان کشور پذیرفته شد، به فراماسونری پیوست و تدریجاً از ارکان و بزرگان آن گردید.
وی از جوانی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری کتب خطی منحصر به فرد و خطوط خوشنویسان معروف داشت و همین علاقه باعث شد کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگی از خطوط خطاطان معروف جمع‌آوری کند. به طوری که مجموعه‌ی او فوق‌العاده جالب و منحصر به فرد بود. بعد از مرگش به فرزندش جمال اخوی رسید و معلوم نشد که آن گنجینه‌ی گرانبها که از مواریث بزرگ فرهنگی ایران بود، به چه سرنوشتی دچار شد. مرحوم تقوی در تمام عمر زندگی مرفهی داشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ انقلاب مشروطیت (1297/6 ،210/1)، الذریعه (1194/9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (269/2)، سخنوران نامی معاصر (907/2)، شرح حال رجال (315/5)، مولفین کتب چاپی (577 -575 /6).

تقی خانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی تقی خانی
محل تولد : دماوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
اینجانب علی تقی خانی در سال 1357 با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه دماوند شدم بعد از اتمام دوره مقدمات از سال هفتم وارد حوزه علمیه قم شدم در سال 83 شروع به درس خارج در محضر اساتید معظم جوادی آملی، ابوالقاسم علیدوست، آیت الله وحید خراسانی، استاد مددی کردم.
در سال 80 با رتبه 21 در تخصصی قضاء شروع به تحصیل در رشته حقوق کردم و در سال 84 با رتبه 13 در کنکور کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق در دانشگاه پردیس قم – تهران پذیرفته شده و در سال 86 پایان نامه خود را با درجه عالی 19 دفاع کردم. از ابتدای مهر 86 در دانشگاه آزاد اراک مشغول تدریس هستم.

تقی زاده، لطف الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
آقای لطف الله تقی زاده در سال 1349هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال 1381 وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال 1387از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز" دفاع کرد .
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل "جنگ جهانی اول و دولت عثمانی" و" ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی‌زاده، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1256- 1347 ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم وننِد، از توابع قصبه‌ی اردوباد، به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد. در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال 1316 ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای 1318 ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالیه‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال 1320 ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از

آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المولف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام». [1]

فرزند سید تقی، متولد 1256 در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل 1320 ه.ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جانش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت. بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز وکیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی

انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در 1334 ه.ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.
در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد 1919 در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در 1300 به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در 1305 او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.
در 1307 ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط 1308 در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مهذب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود.
ولی در شهریور 1312 پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا 1313 در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.
بعد از شهریور 1320 بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در 1321 قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در

دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبیری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی به عنوانی یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.
در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعرای بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم، دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرّا دانست.
در انتخابات دوره‌ی اول سنا که مصادف با انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره‌ی دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره‌ی سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره‌ی چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در 1320 ه.ق وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندرکار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ای مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.
در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از تکلم به آن السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع‌الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.
در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصرخسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصرالله تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.
چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال

داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هرکدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش‌پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال بپردازند. در هر دانشجوئی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و در 1349 در 92 سالگی در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (121 -112)، تاریخ جراید (131 -125 /4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (290 -277 /2)، شرح حال رجال (69 -66 /5)، نقد حال (533 -470)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س 26، ش 4، ص 196 -193، س 30، ش 7، ص 404 -396، ش 8، ص 479 -472).

تقی‌زاده، قباد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1283/1282 ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز متولد شد. وی برادرزاده‌ی سید حسن تقی‌زاده بود. در مدرسه‌ی اقدسیه به تحصیل پرداخت و در سال 1301 ش برای ادامه‌ی تحصیلات به آلمان رفت و تحصیلات مهندسی خود را در آنجا به انجام رسانید همچنین، با زبانهای فرانسه، آلمانی و انگلیسی آشنا شد؛ سپس به تهران بازگشت و با درجه‌ی ستوان یکمی، در کارخانجات ارتش به کار پرداخت و مدتی نیز به ریاست آن کارخانجات منصوب شد. تقی‌زاده در سال 1328 ش به درجه‌ی سرتیپی رسید. سرانجام بازنشسته شد و به کارهای فرهنگی پرداخت. از آثار وی: «نیروی طبیعی زمین، چوب»، در دو جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (150)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (276/2)، الذریعه (908 -907 /4).

تمیمی عرب، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1313.
درگذشت: 1361.
از آثار اوست: ترجمه شریان‌های باز آمریکای لاتین (ادوارد گالئانو، تهران، 1368).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1324 /1323 ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (115/2)، دایره المعارف الاسلامیه (267/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 7/14).

تنکابنی، حکیم مؤمن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمد مؤمن بن محمد زمان حسینی تنکابنی. سید حکیم فاضل ادیب. معاصر شاه سلیمان صفوی بوده، و کتاب خود را در طب به نام «تحفة المؤمنین» و بر حسب آنچه مشهور است «تحفه‌ی حکیم مؤمن» را در زمان این پادشاه تألیف نموده که مکرر به طبع رسیده. اولاد او در اصفهان و نجف آباد ساکن می‌باشند.
در صحن مقبره‌ی خواجه، قبر کوچکی است که بر روی او: میرزا محمد مؤمن (حکیم و ادیب و شاعر) متوفی به سال 923 مرقوم است، و اتحاد نام، برخی را به اشتباه انداخته، وی را حکیم مؤمن تنکابنی سابق الذکر دانسته‌اند، و حال آن که تاریخ قبر، حکایت از اختلاف آن دو می‌نماید، و او دانشمند دیگری است غیر از حکیم تنکابنی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تنکابنی، سلیمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1250 ق)، فقیه، ادیب، متکلم و پزشک ایرانی. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. در جوانی به همراه برادرش، ملا عبدالمطلب، رهسپار عتبات عراق گردید و چندی در شهرهای مقدس آن سرزمین به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس راهی اصفهان شد و بیست و دو سال در خدمت آخوند ملاعلی نوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ملاصدرا را نزد وی فراگرفت. «شرح لمعه» را نزد ملا محمدعلی نوری آموخت. پس از آن خود به تدریس روی آورد و در اصفهان «تجرید الکلام»؛ «شوارق»؛ «شرح لمعه» و «تفسیر قاضی بیضاوی» را درس می‌گفت. میرزا سلیمان به آموختن دانش پزشکی پرداخت و در رشته‌ی پزشکی شاگرد میرزا اسماعیل اعرج اصفهانی بود. میرزا اسماعیل به تنکابنی طب آموخت و خود نیز نزد او شرح «تجرید الکلام» فرا می‌گرفت. میرزا سلیمان در اصفهان به ملامحراب، عارف گیلانی، دست ارادت داد. میرزا سلیمان تنکابنی پدر میرزا محمد تنکابنی، مولف «قصص العلماء»، است. از جمله آثار وی: حاشیه بر «مطول» تفتازانی؛ حاشیه بر «مفاتیح الشرائع» ملامحسن فیض کاشانی؛ حاشیه بر «الفوائد الضیائیه» جامی، حاشیه بر «شرح الاسباب»، در پزشکی؛ حاشیه بر «حکمه العین»؛ حاشیه بر «حیوه القلوب»؛ حاشیه بر «تذکره الائمه»؛ رساله‌ای در وبا و طرز معالجه‌ی آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :قصص العلماء (73 -71)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 609/13).

تنگستانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1301 ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از نویسندگان و آزادیخواهان و خانزادگان تنگستان بود که از آغاز ندای آزادی و مشروطه، به تهران آمد و جزو مشروطه‌طلبان شد. تنگستانی در اوایل جنگ بین‌الملل اول، با گروه آزادیخواهان به کرمانشاه و استانبول سفر کرد و مدتی در رکاب نظام‌السلطنه مافی با دشمنان ایران جنگید. وی سالهای متمادی ساکن تهران بود. در سال 1328 ق روزنامه‌ی «یادگار جنوب» را تاسیس کرد و با مساعدت سید یعقوب انوار اردکانی اداره کرد. این روزنامه ارگان فرقه ترقی‌خواه ایران بود که پس از یکسال توقیف شد. در سال 1339 ق روزنامه‌ی «ندای جنوب» را به صاحب امتیازی میرزا باقرخان معلم و به مسئولیت خود انتشار داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (343، 284 -283 /4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (427 -426 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (296/2).

توحیدی، ابوحیان علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 414/400 -310 ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف‌الادباء و ادیب‌الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن‌مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مرورودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحیان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبداللّه بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمّانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحیان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلای سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحیان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز درگذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقة والصدیق»؛ «الامتاع والموانسة»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدما و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمناظرات».[1]
توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. 400 ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحیان علوم ادبی را

در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤانسة، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رسالة فی الصداقة است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (145 -144 /5)، ایضاح المکنون (440 ،65 /2 ،602/1)، تاریخ ادبیات در ایران (642 ،353 ،300 ،286 ،260/1)، تاریخ اسلام (حوادث 402 -400/400 -381)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (172 -157)، تاریخ نجوم اسلامی (99 -98 ،70)، تذکره‌ی هزار مزار (97 -96)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (126 -124 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1029/8)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، روضات الجنات (85 -56 /8)، ریحانه (84/7)، سخن و سخنوران (20)، شیرازنامه (150 -149)، کشف الظنون (1778 ،522 ،246 ،167 ،140)، الکنی والالقاب (61/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ 12)، لسان المیزان (637 -633 /7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحیان)، معجم الادباء (52 -5 /15)، معجم المؤلفین (205/7)، الوافی بالوفیات (41 -39 /22)، وفیات الاعیان (113 -108 /5)، هدیة الاحباب (14)، هدیة العارفین (685 -648 /1)، یادداشتهای قزوین (180 -174 /4).

توحیدی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1332 ق.، تبریز.
درگذشت: 1366.
آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسه‌ی ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال 1363 ق. برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوة آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامه نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامه نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و به بعد از مدتی به تبریز درآمد و در مسجد توحید به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.
مشایخ اجازه ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعمتداری.
آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام اللئالی المنضودة فی تفسیر الایات المأثوره؛ نفخة القدیر فی شرح خطبة الغدیر؛ القرآن والحجة؛ اربعینات؛ الدراسات الدینیه؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامه حلی، شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.
رضا بن محمد علی بن عبدالحسین بن محمد حسین معروف بتوحیدی از علماء اعلام و دانمشندان بنام معاصر تبریز است.
وی در سال 1332 قمری در بلده تبریز متولد شده و در خاندان عفیف و

پاکدامنی پرورش یافته است.
دروان صباوت را در مدرسه ملی که به نظارت علماء اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانیده و قسمتی از سطوح عالیه (رسائل و مکاسب) را در تبریز طی نموده و در سال 1363 هجری قمری برای تکمیل تحصیلات از هر گونه علائق مادی دست کشیده به آستان بوسی باب مدینه العلم نجف اشرف علی مشرفها و ساکنها آلاف التحیه و الشرف مشرف شده و مدت 25 سال در محضر پر برکت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مشغول تحصیل و تدریس و از محاضر آیات عظام و اساتید کرام آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی خوئی و آیت الله آقا شیخ حسین حلی و آیه الله حکیم و آیت الله سید حسین حمامی و آیت الله حاج سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و سایر بزرگان در چندین دوره اصول آقایان نامبرده را دیده و خارج صلوه حاج آقا رضا همدانی را از اول تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت الله شاهرودی استفاده نموده و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت الله العظمی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بودند) بهره‌مند شده و نیز تقریرات نائینی اعم از مباحث الفاظ و عقلیه را در محضر آقای حلی کامیاب شده و در مدت شانزده سال هم در یکی از مساجد نجف اشرف اقامه نماز جماعت و ضمنا مشغول تبلیغات دینی از مسائل و اصول عقائد و احکام نموده تا چند سال قبل که به وطن مراجعت و در خیابان نادر تبریز در مسجد «توحید» باقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
از آثار قلمی و علمی ایشان کتب زیر است که به آن اشاره می‌شود:
1- تفسیر قرآن بنام «اللئالی المنضوده فی تفسیر الایات المأثوره» از اول فاتحه الکتاب تا آخر سوره بقره و سوره الرحمن و سوره الواقعه و سوره الحدید و مجادله و سوره فجر را تمام نموده‌اند.
2- نفحه القدیر فی شرح الخطبه الغدیر حاوی یک مقدمه و پنج اصل «توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد» و خاتمه در دو مجلد.
3- القرآن و الحجه، کتابی است معادله و موازنه می‌کند حضرت حجت (عج) را با قرآن از حیث آثار و خصایص.
4- اربعینیات کتابی است حاوی چهل حدیث آنهائی که متضمن عدد چهل و مطالبی است.
5- الدراسات الدینیه. کتابیست علمی، اخلاقی، دینی، انتقادی، اجتماعی، فلسفی، در حدود پانصد صفحه.
6- تقریرات دروس فقهیه و اصولیه از آقای شاهرودی و آقای خوئی و آقای حلی.
7- شرح حدیث اهلیلجه بقلم امروز.

مشایخ اجازه مترجم معظم:
1- آیت الله العظمی میلانی. 2- آیت الله العظمی شاهرودی 3- آیت الله العظمی خوئی 4- آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی 5- آیت الله العظمی حکیم طاب ثراه 6- آیه الله العظمی شریعتمداری.
نگارنده گوید آیت الله توحیدی از علماء متین و دانشمندان موصوف به تقوا و دارای صفات جمیله و خصال حمیده و محاسن اخلاق و محامد آداب و اهل سلوک و معنویت است در محرم و صفر سال 1391 قمری که باعتاب عالیات مشرف بودند چند روزی در کاظمین و سامرا درک مصاحبت ایشان را نموده و از حالات و روحیات ایشان استفاده نمودم، در مشاهد مشرفه توجه مخصوص و حال خاصی دارند ادام الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

توفیق، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1258- 1318 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران تولد یافت و از همان ابتدا طبع و ذوق شعری داشت. وی نیمی از عمر خود را صرف ترویج معارف و توسعه‌ی ادبیات کرد. توفیق شاعری نکته‌سنج و روزنامه‌نگاری حساس بود. در روزنامه‌ی فکاهی «گل زرد» و سایر هفته‌نامه‌های آن زمان مقالاتی می‌نوشت و مدتی نیز سردبیر روزنامه‌ی «گل زرد» بود. از سال 1301 ش روزنامه‌ی «توفیق» را، که نشریه‌ای ادبی فکاهی بود، منتشر ساخت. وی در تهییج و تقویت قریحه‌ی نو شاعران تاثیر زیادی داشت. پس از فوت توفیق، فرزندش محمدعلی، روزنامه‌ی توفیق را منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (275)، تاریخ جراید (147 -144 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (297/2)، سخنوران نامی معاصر (937 -935 /2).

توفیق، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
درگذشت: 8 بهمن 1370.
محمدعلی توفیق، فرزند حسن، از سال 1318 عهده‌دار ادامه‌ی انتشار هفته‌نامه‌ی فکاهی «توفیق» شد. وی کارمند بانک ملی نیز بود. این هفته‌نامه حدود چهارده سال به مدیریت وی انتشار یافت، به ویژه زمانی که رضاشاه از ایران رفت و قلم آزاد شد. توفیق به اینکه به هیچ حزب یا جمعیتی بستگی نداشت، از تندروترین جراید به شمار می‌رفت. پس از کودتای 28 مرداد 1332، محمدعلی توفیق بازداشت شد و به قلعه فلک‌الفلاک تبعید گردید. مدتی بیش از یک سال در آنجا بود تا به تهران منتقل گردید و مدت کوتاهی هم درتهران زندانی بود تا آزاد شد. پس از آن دیگر به فعالیت سیاسی روی نیاورد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

توکل، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رحیم توکل
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال 49 ـ 48 در سال 51 شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال 60 ـ 59 وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود 4 سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال 68 موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال 77 به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال 84 ـ 83) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در مباحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکلی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله توکلی
محل تولد : ازنا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال 1367 در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجة الاسلام مرادی، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی- بهرهمند بودم در این دوره حدود 13 بار هم به جبهة مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایة های 3و5و6 در سال 1367 وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیة الله استادی، آیة محفوظی و مرحوم آیة الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیة الله اعتمادی و کفایة در محضر مرحوم آیة الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال 1369 همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیة الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال 1369 در دانشگاه تهران- پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا 1373 مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال 1372 وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم وهمکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

توللی شیرازی، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1298 ش)، شاعر. در شیراز متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته‌ی باستان‌شناسی لیسانس گرفت و به سمت مدیر کل اداره‌ی باستان‌شناسی فارس منصوب شد. او مدتها با جراید و مجلات همکاری داشت. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز انتخاب شد. وی در شعر روش نیمایی داشت ولی به تدریج از آن دور شد. با این همه، مضامین اشعارش نو و شیوه‌اش دلپذیر است. تازگی در مضمونها و استعاره‌ها و تشبیه‌ها، عدم رعایت صنایع بدیعی، گزینش بهترین واژه، از نکاتی است که توللی برای شعر نو می‌پذیرد. او در شاعری و نویسندگی دارای سبکی خاص است. برخی از آثارش در عداد بهترین اشعار معاصر ایران، به زبانهای دیگر ترجمه شده است. وی در شیراز وفات یافت و در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی به خاک سپرده شد. از آثار او: «التفاصیل»، در لباس طنز، به شیوه‌ی «گلستان»؛ مجموعه‌های شعری او: «رها»؛ «نافه»؛ «کاروان»؛ «شگرفت»؛ «پویه»؛ و «بازگشت».[1]
فریدون توللی، فرزند جلال توللی به سال 1296 خورشیدی در شیراز، مهد شعر و شاعری متولد شد، پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی به دانشگاه رفت و در رشته باستانشناسی موفق به اخذ لیسانس گردید. کتاب انتقادی «التاصیل» از وی به‌جای مانده که از آثار خوب او می‌باشد.
فریدون توللی از شاعران نوپرداز و طراز اول بود و مجموعه شعر او به نام رها از وی منتشر گردیده است.
«نغمه عشق»
دل به یاری سپردم کز او
دیده نتوان گرفتن دمی
تازه‌رویی که در باغ دل
رسته چون شاخه مریمی
آتشی که زد بر جانم آن پری
خرمی بود و مستی
بوسه‌ای که بگرفتم از لعل او
زندگی بود و هستی
در نگاه چشم زیبای او

در صدای گرم و گیرای او
در سکوت مست و گویای او
خفته راز دلربایی و افسونگری
خنده‌اش ز دل می‌برد غم و می‌سراید
آتشین نغمه عشق و شادی
می‌دمد به تن جان تازه و میزداید
زنگ ناکامی و نامرادی
می‌پرستم ز جانش که جان
می‌کشد دامنم سوی او
دل ز مهرش نگیرم که دل
آشنا گشته با خوی او
چون که باشد
ز جام یارم
بوستان و بهارم
کی پسندد در آزارم
تا بود غمگسارم
جز بیادش نبندم امید ز آنکه پیوند جان است
بی‌وجودش مرا زندگی اندوه جاودان است
«کارون»
بلم آرام چون قویی سبکبار
بنرمی بر سر کارون همی رفت
به نخلستان ساحل قرص خورشید
ز دامان افق بیرون همی رفت
شبق بازیکنان در جنبش آب
شکوه دیگر و راز دگر داشت
بدشتی پر شقایق باد سرمست
تو پنداری که پاورچین گذر داشت
جوان پارو زنان بر سینه‌ی موج
بلم می‌راند و جانش در بلم بود
صدا سر داده و غمگین در ره باد
گرفتار دل و بیمار غم بود
دو زلفونت بود تار ربابم
چه می‌خواهی از این حال خرابم
تو که با ما سر یاری نداری
چرا هر نیمه شو آیی بخوابم
درون قایق از باد شبانگاه

دو زلفی نرم نازک تاب می‌خورد
زنی خم گشته از قایق بر امواج
سر انگشتی بچین آب می‌خورد
صدا چون بوی گل در جنبش باد
بآرامی بهر سو پخش می‌گشت
جوان می‌خواند و سرشار از غمی گرم
پی دستی نوازش پخش می‌گشت
تو که نوشم نه‌ای نیشم چرایی
نمک پاش دل ریشم چرایی
خموشی بود و زن در پرتو شام
رخی چون رنگ شب نیلوفری داشت.
ز آواز جوان دلشاد و خرسند
سری با او دلی با دیگری داشت
ز دیگر سوی کارون زورقی خرد
سبک بر موج لغزان پیش می‌راند
چراغی کورسو می‌زد به نیزار
صدایی سوزناک از دور می‌خواند
نسیمی این پیام آورد و بگذشت
چه خوش بی‌مهربانی هر دو سربی
جوان نالید زیر لب بافسوس
که یکسر مهربونی دردسر بی
شاعر، روزنامه‌نگار.
تولد: 1298، شیراز.
درگذشت: 9 خرداد 1364، شیراز.
فریدون توللی، فرزند جلال، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رساند. سپس در تهران تحصیلات عالی خود در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران در رشته باستان‌شناسی ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس شد. پس از این که مدتی در اداره‌ی ثبت اشتغال داشت به اداره‌ی باستان‌شناسی منتقل گردید و به سمت ریاست حفریات استان فارس منصوب گردید. پس از آن به عنوان مشاور دانشگاه شیراز برگزیده شد.
توللی فعالیت ادبی خود را از سال 1320 شروع کرد. از آغاز جوانی اشعاری ساخته بود که بعد از یافتن سبک ویژه و شیوه دلخواه خود، آنها را از میان برد و از سال 1321 بود که خود را به عنوان شاعر شناساند. وی هم در سبک کهن و هم در شیوه نو شعر سروده است. عقاید و نظریه‌های خود را نیز در در حکایت‌هایی به سبک مغلق نویسان زمان‌های قدیم به صورت مسجع و مقفی به نظم و نثر نگاشته است. توللی در باب شعر نو

عقیده داشت که شعر نو شعری است که درک نو داشته باشد اما بر اصول و قواعد مسلم شعر متکی باشد و جز در آنجا که قالب شعر تحمل کشیدن درک نو را نداشته باشد شکستن قالب‌ها و قواعد اصیل را جایز نمی‌شمارد.
توللی از لحاظ روزنامه‌نگاری، نویسنده‌ای پر کار بود. مقاله‌های او در روزنامه‌های «فروردین»، «سروش»، «اقیانوس»، «دنا» و «بهار ایران» چاپ شیراز و «کهکشان» و «شرق میانه»، «ایران ما» چاپ تهران منتشر می‌شد. تمام مقاله‌ها و اشعار روزنامه‌ی «صدای شیراز» از سال 1328 تا 28 مرداد 1332 به قلم اوست. اشعار و نوشته‌های او علاوه بر جراید یاد شده در مجلات «یغما»، «سخن»، «راهنمای کتاب»، «وحید»، «خاطرات وحید» و مجلات دیگر تهران درج شده است.
فهرست آثار وی به شرح زیر است: رها (مجموعه شعر، نخستین مجموعه اشعار نو، با دیباچه‌ای در شناخت شعر نو، 1330)؛ التفاضیل (نظم و نثر، شامل قطعات طنزآمیز با شیوه‌ی نثر کهن)؛ کاروان (در شیوه‌ی کهن، مجموعه‌ای دیگر از قطعات طنزآمیز و انتقادات سیاسی و اجتماعی)؛ نافه (اشعاری در شیوه‌ی شعر نو، 1341)؛ پویه (مجموعه شعر به غزل و قصیده، اندیشه نو در قالب کهن)؛ شگرف (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید، اندیشه‌ی نو در قالب کهن)؛ بازگشت (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید)؛ رساله‌ی عنعنیه؛ رساله‌ی پژوهشی به نام «مینیاتور در ایران». برخی از آثار وی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.
پیکر او در محوطه‌ی آرامگاه حافظ در مقبره‌ی خانوادگی‌اش به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین ایران (358، 357، 355، 354، 215، 174، 173، 172، 160، 151، 144، 95، 80)، چشمه‌ی روشن (614-607)، چون سبوی تشنه (108)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (73-55 /2)، سخنوران نامی معاصر (947 -942 /2)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (359 -353)، فرهنگ سخنوران (194).

تویسرکانی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: اردیبهشت 1372، تهران.
دکتر قاسم تویسرکانی فارغ‌التحصیل رشته‌ی دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می‌کرد. نامه‌های رشیدالدین وطواط به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب دیگر او قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول (1371) است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تویسرکانی، محمدصادق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1062 ق)، ادیب و نحوی امامی. پس از تکمیل مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب، به حوزه‌ی درس شیخ بهایی راه یافت و از خواص شاگردان وی در زمینه‌ی معقول و منقول گردید. از جمله آثار وی: «زهر الحدیقه» که شرح مزجی است بر اسلوب «قال اقول» بر «لغز النحو» شیخ بهایی؛ کتاب «النهج الصفی»، در اصول عقاید، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (420/24، 68/12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 276/11).

تویسرکانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید حسن حسینی اصفهانی. عالم فاضل ادیب، از شاگردان و مخصوصین حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده، و در اوایل قرن 14 وفات یافته.
[او] در مقدمه‌ی کتاب بحر المعارف (ترجمه‌ی جلد 15 بحارالانوار) از تألیفات آقا نجفی، فهرست مؤلفات وی را نام برده، کتاب در سال 1297 به طبع رسیده است، و به خط محمد باقر بن محمدحسن خطاط بروجنی اصفهانی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

تهامی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدغلامرضا تهامی، فرزند آیت‌الله تهامی در سال 1310 در شهر بیرجند دیده به جهان گشود.وی در سال 1331 وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد. دکتر سیدغلامرضا تهامی در اوایل دهه 1330 همکاری خود را با «مجله ایران ما» آغاز کرد.دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال 1365، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از 100 عنوان کتاب را ویراستاری کرده که 30 عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود. کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام" تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال 1386به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید غلامرضا تهامی در سال 1331 وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید غلامرضا تهامی تا اوایل دهه 40، ویرایش بیش از 20 عنوان از کتابهای «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» را برعهده داشت. از جمله برخی ترجمه‌های بدیع‌الزمان فروزانفر. «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام» دکتر تهامی در دو مجلد با 28 هزار مدخل و بیش از شش هزار صفحه از سوی شرکت سهامی انتشار، در اسفند 1385 منتشر شده است. دکتر تهامی، پس از بازنشستگی از مشاغل رسمی، در سال 1365، دوباره به ترجمه، تحقیق و ویراستاری -که از علایق اوست- روی آورد. وی بیش از 100 عنوان کتاب را ویراستاری کرده که 30 عنوان آن از کتاب‌های «مرکز نشر میراث مکتوب» را شامل می‌شود.
جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ اعلام تاریخ اسلام" تالیف سید غلامرضا تهامی، در سال 1386به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. ----------
---
آثار :

1 باروی قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز
ویژگی اثر : ترجمه
2 بحران فرهنگ اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
3 چین و هنرهای اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
4 سیاست و دیانت در اسراییل
ویژگی اثر : ترجمه
5 فرهنگ اعلام تاریخ اسلام
ویژگی اثر : تالیف.این کتاب در سال 1386 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.دکتر سید غلامرضا تهامی درباره این کتاب چنین می گوید: اعلام در لغت به معنی علم‌هاست و در زبان عربی به معنی اسلامی خاص است، در فارسی ما اسامی خاص داریم مثل اسم کوه‌ها، شهرها و... در زبان عربی و در اصطلاح نویسندگی آنچه درباره اشخاص و اماکن خاص استرا علم می‌گویند. در پایان بسیاری از کتاب‌های غالبا مذهبی، اعلام اشخاص یا اعلام اماکن آمده است. در این کتاب هم موضوع همین است. البته فرهنگ به معنای شخصیت‌هاست مثل «فرهنگ مصاحب»، کلمه قاموس را هم به جای فرهنگ به کار می‌برند یا کلمه معجم. اما در زبان فارسی به آن «فرهنگ» گفته می‌شود و فرهنگ اعلام یعنی کتابی که اسامی خاص یک دوره یا کشور یا یک گروه که معمولا بر حسب حروف الفبا مرتب شده در آن تنظیم می‌شود.
6 مسایل هنر و زیبایی‌شناسی
ویژگی اثر : ترجمه
7 نگارگری اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه

تهرانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم سید ابوالقاسم تهرانی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان قم بوده است که در اوائل تاسیس حوزه از تهران مهاجرت به قم نموده و سالهای متمادی از فیض محضر و درس مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و پس از ایشان از محضر و درس مرحومین علمین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری طاب ثراهما و بعد از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به درس ایشان حاضر شده و در زمان ریاست آن مرحوم به رحمت حق و اصل و در جوار فاطمه معصومه علیهاالسلام مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج سید حسن تهرانی فرزند سید ابوالقاسم تهرانی از علماء باتقوای حاضر حوزه علمیه و ائمه جماعت قم می‌باشند.
ولادتش در تهران واقع شده و در خدمت مرحوم والد به قم آمده و مقدمات و سطوح را از مدرسین بزرگ فراگرفته و حاضر درس مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شده و پس از فوت آن مرحوم به درس آیات و زعماء سه‌گانه حوزه مخصوص آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی می‌گردد مانند مرحوم والدش بی‌آلایش و متین می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام مرحوم حاج شیخ محمدتقی تهرانی از ائمه جماعت مسجد امام و علماء حوزه علمیه و تلامذه قدیمی مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله العظمی بروجردیست، پس از فوت مرحوم حایری برای ترویج دین و تبلیغ احکام به شهریار تهران و قصبه رباط کریم چند سالی اقامت نموده و آنگاه به قم مراجعت و تا حدود سال 1382 قمری به وظائف دینی و روحی شاغل سپس دعوت حق را لبیک اجابت گفته و به سرای باقی خرامیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تهرانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.
وی در اواخر ذی‌الحجه 1331 ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.
آثار ایشان 1- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

2- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تیمورتاش، ایراندخت

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ایراندخت. وی در کاشمر متولد شد. تحصیلات خود را تا اخذ گواهینامه‌ی دکترا ادامه داد و مدت سه سال «روزنامه‌ی رستاخیز» را در تهران منتشر کرد و به عنوان وابسته فرهنگی و مطبوعاتی ایران در پاریس، به خدمت مشغول شد. ایراندخت از طبعی موزون بهره‌مند بود و به نیکی شعر می‌سرود. از آثار او: «آب علی»؛ «دختر تیره‌بخت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار (192 -185)، زنان سخنور (16 -15 /1)، فرهنگ سخنوران (111)، کارنامه‌ی زنان (271 -270)، مولفین کتب چاپی (705/1)، مجموعه‌ی گلها (183/1).

تیموریان، آندرانیک

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آندرانیک تیموریان (به ارمنی: Անդրանիկ Թէյմուրեան) با نام کامل و درست آندرانیک تیموتیان سامرانی متولد ۱۵ اسفند سال ۱۳۶۱ فوتبالیست ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند و در سال ۲۰۰۶ پس از درخشش در جام جهانی المان به تیم بولتون انگلستان پیوست که توسط سام الاردایس مربی سرشناس انگلستان اداره می شد . وی پس از درخشش در چند بازی با افت شدید مواجه شد که همین امر یکی از اوامل نیمکت نشینی وی بود که در نهایت به یک دیمکت نشین در فصل پیش تبدیل شد . اندرانیک در فصل جدید با اتمام قرارداد به تیم فولام پیوست که تا کنون موفقیتی را کسب نکرده است . اکنون در تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه فولهام انگلستان بازی می‌کند. تیموریان در جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان برای تیم ملی ایران در هر سه بازی این تیم به میدان رفت.
روز ۶ ژانویه سال ۲۰۰۶ آندرانیک در دیدار مقابل دونکستر راورز با به ثمر رساندن دو گل نخستین گلزن ایرانی جام حذفی انگلستان نام گرفت و نقشی تعیین‌کننده در پیروزی ۴ بر ۰ تیمش داشت. او در بازی تیم بولتون با ویگان نیز دو گل از سه گل تیمش (بولتون) را به ثمر رساند و نقش مهمی در پیروزی ۳ بر ۱ تیمش داشت. برادر بزرگ‌تر آندرانیک سرژیک است که او هم در تیم ماینتز سابقه بازی دارد. تیموریان در ۲ فوریه ۲۰۰۹ به صورت قرضی به باشگاه بارنزلی در لیگ دسته یک انگلستان رفت.

ثابت کرمانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1327 ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. مشهور به انتظام‌السادات. وی از آزادیخواهان و سخنوران زبردست کرمان در صدر مشروطیت بود و روزنامه‌ی «طوفان» را در کرمان منتشر ساخت. وی سفرهایی به خراسان، بخارا و سمرقند کرد و سرانجام در تهران درگذشت. او علاوه بر انتشار روزنامه‌ی «طوفان» سالی نیز به وکالت دادگستری پرداخت. در تهران درگذشت. «دیوان» اشعار وی در حدود چهارهزار بیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (182 -181)، الذریعه (182/9)، ستارگان کرمان (142 -141)، فرهنگ سخنوران (198).

ثابتی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ثابتی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
آیت الله علی ثابتی در سال 1308 هجری شمسی برابر با سال 1348 هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال 1324 هجری شمسی برابر با محرم سال 1365 هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال 1320 موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهرهٔ بسیار ببرد. او در سال 1325 برابر با سال 1366 هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیماندهٔ دروس دورهٔ مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دورهٔ خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سال‌ها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معالم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت.

او بخشی از لمعة را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایة را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی ـ رحمة الله علیهم ـ راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منطومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شواری استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دورة مقدمات و سطح اشتغال داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی از کسانی بود که به دیدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آ نها، سفر به ایرانشهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعید به سر می‌بردند، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

ثاراللهی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمد ثاراللهی همدانی- که از دانشمندان موصوف به دیانت و تقوا و مروجین معروف به صفا و دانش است در سال 1321 ق در یکی از قراء همدان تولد یافته و در خاندان زهد و تقوا تربیت شده و مقدمات فارسی و عربی را در مکتب خانه آن قریه خدمت میرزا علی‌اکبر عالم آنجا آموخته و در سال 1339 ق به عراق سلطان‌آباد مسافرت و به ادامه تحصیل پرداخته و پس از انتقال مرحوم آیت‌الله حایری به قم ایشان هم در سال 1340 به قم آمده و سطوح را خدمت آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی خوانده و به درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر و از فقه و احوال آن مرحوم استفاده و پس از فوت ایشان به تبلیغ دین و ترویج احکام و مبارزه با فرقه ضاله نموده و چندی هم مرحوم آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ و ارشاد مردم به کردستان و نقاط دیگر رفته و خدمات عالی انجام داده و مورد توجه آیت‌الله گردیده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثروت، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور ثروت در سال 1327 در شهر اردبیل متولد شد. ایشان دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1368 می باشدو نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی منصور ثروت به قرار زیر است: سوابق تحصیلی دیبلم اد بی در دبیرستان اذرابادگان اردبیل 1345 کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز 1352 کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز 1356 دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران 1368
همسر و فرزندان : منصور ثروت متاهل و دارای یک فرزند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری دکتر منصور ثروت به ترتیب زیر است: از سال 1352 تا 1359کارمند دانشگا ه تبریز از 1359 تا 1370 عضو هیا ت علمی دانسگاه تبریز از سال 1370 تا کنون عضو هیا ت علمی دانشگاه شهید بهشتی مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال 1380 تا 1382 مدیر گروه انتشارات فرهنگستان عضو شورای پژوهشی دانشکده عضویت در برخی از گرد همایییهای ملی و بین المللی
فعالیتهای آموزشی : منصور ثروت از سال 1360 تا کنون در مقاطع کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی مشغول به تدریس در دانشگاه شهید بهشتی ؛ دانشگاه هرمزگان و تبریز می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : از علایق پژوهشی منصور ثروت می توان به : لغت متون ادبی، نقد ادبی و مکتبهای ادبی اشاره کرد.
چگونگی عرضه آثار : ب- مقالات 20 مقاله در مجله های معتبر دانشگاهی و غیر دانشگاهی و ارائه در کنفذانسهای علمی عنوان های طرحهای پژوهشی و زمان اجرای آن: روشهای اثباتی اهل عرفان ----------
---
آثار :
1 اشنایی با مکتبهای ادبی انتشارات سخن

ویژگی اثر : ج اول 1385
2 تحریر نوین تاریخ جهانگشای جوینی انتشارات امیر کبیر
ویژگی اثر : چ اول 1362 دوم 1378
3 خردنامه
ویژگی اثر : تصحیح،چ اول 1366 دوم 1371 سوم 1375
4 درست بنویسیم
ویژگی اثر : دانشگاه تبریز چ اول 1370 دوم 1374
5 روش تحقیق و مرجع شناسی
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه بیام نور ج اول 1381
6 روش تصحیح انتقادی متون
ویژگی اثر : انتشارات بایا ج اول 1378
7 فرهنگ غیاث اللغات
ویژگی اثر : چ اول 1363 دوم 1375
8 فرهنگ کنایات
ویژگی اثر : چ اول دوم 1376 انتشارات سخن
9 فرهنگ لغات و تعبیرات عامیانه و معاصر
ویژگی اثر : چ اول 1365 دوم 1378
10 کشور وسط دنیا (ره اورد سفر چین)
ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر چ اول 1380
11 گزیده دیوان خاقانی
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه بیام نور ج اول 1381
12 گنجینه حکمت در اثار نظامی
ویژگی اثر : چ اول 1369 دوم 1375
13 مجموعه مقالات کنگره بین المللی نظامی
ویژگی اثر : چ اول 1372
14 نظریه ادبی نیما
ویژگی اثر : انتشارات بایا چ اول 1375
15 نگارش فارسی (برای دانشجویان زبان انگلیسی)
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه بیام نور چ اول 1374
16 یادگار گنبد دوار
ویژگی اثر : چ اول 1369 دوم 1375

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(430/429 -350 ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتمال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[1]
ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. 429 ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمة الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضرة و چند کتاب دیگر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (311/4)، تاریخ ادبیات ایران (642 -641 /1)، دایره المعارف فارسی (713/1)، ریحانه (365 -364 /1)، سرآمدان فرهنگ (136/1)، سیرالنبلاء (438 -437 /17)، وفیات الاعیان (180 -178 /3)، هدیه العارفین (635/1).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 437/427/426 ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 -205 /1)، دایره‌المعارف فارسی (713/1)، الذریعه (67 -66 /18، 243 -242 /15)، روضات الجنات (257 -255 /1)، ریحانه (368 -367 /1)، سیرالنبلاء (437 -435 /17)، کشف الظنون (1496، 1131)، الکنی و الالقاب (131/2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (38 -36 /5)، الوافی بالوفیات (308 -307 /7)، وفیات الاعیان (80 -79 /1)، هدیه العارفین (75/1).

ثقة الاسلام، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن سید محسن بن میر محمّد باقر بن میر سید علی مدرس میر محمّد صادقی. عالم جلیل، در 12 ربیع الثانی سال 1285 در اصفهان متولّد گردیده، مقدّمات علوم را در اصفهان نزد علمای این شهر آموخته، در سنّ هیجده سالگی به عتبات عالیات جهت تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده، در آن ارض اقدس مدّتی نزد جمعی از دانشمندان تلمّذ نموده که از آن جمله است: میرزا محمّد علی رشتی، و میرزا محمد حسن شیرازی، و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و آقا سید محمد کاظم یزدی، و قسمت عمده تحصیلات او نزد آخوند خراسانی بوده، و از خواصّ آن مرحوم به شمار می‌آمده، و در 1230 به ایران معاودت نموده، به درس و بحث و اقامه جماعت اشتغال جسته.
سرانجام در قبل از ظهر روز 6 ماه صفر سال 1382 وفات یافته، در تخت فولاد درتکیه میر محمّد صادقیها جنب تکیه ملک مدفون گردید.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- ارشاد المسلمین، در نسب نامه خود. و در این کتاب از او استفاده شده است 2- انیس العارفین، در احوال برزخ و جنّت و نار، مطبوع 3- تقریرات اصولّیه اساتیدش 4- حاشیه بر طهارت شیخ 5- خلاصة الاصول، از محبث الفاظ تا محبث تعادل و تراجیح 6- رساله در اصول دین 7- رساله در لباس مشکوک 8- رساله در تقلید اعلم 9- رساله در عدالت 10- رساله در قاعده من ملک شیئاً 11- رساله در قاعده میسور 12- رساله در وضو، طبق رساله شیخ اسماعیل مقرّی که تمام سطرها اگر خوانده شود مسأله وضو است، و کلمات اوّل سطرهای هر صفحه غرض از تألیف است، و کلمات وسط سطرها اگر جمع شود مسأله لغز است، و کلمات آخر سطرها بیان ذکر دعایی است به جهت علاج جراحات 13- رساله‌ای در طرق روایت خود و اجازه آنها به فرزندش فاضل بزرگوار آقا سید محمّد کاظم 16- کتابی در مجازاتهای معاصی (حدود و دیات و تعزیزات) 15- مبک المؤمنین 16- مشکول، مانند کشکول 17- مقتصر المقال، در علم رجال 18- نور الایمان، ردّ بر بابیّه؛ و رسائل عدیده دیگر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقة الشریعة، علی نقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در غره‌ی صفر 1291 در اصفهان متولد، و به درس: آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا میر محمدتقی مدرس، و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی حاضر شده، سپس در مسجد محله نو به امامت و نشر احکام پرداخته، و هم در این شهر در 1376 وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ثقة الواعظین، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل و ادیب و شاعر، و از محترمین اهل منبر اصفهان به شمار می‌رفت.
کتب و رسائل چندی تألیف نموده و آن‌ها را در پشت جزوه های که در ترجمه و شرح حدیث کساء نوشته و به طبع رسانیده نام برده است:
1- آثار باقریّه 2- بغیة الامجاد فی لغات الاضداد 3- ترجمه و شرح حدیث کساء، مطبوع 4- دررالثمین 5- دیوان السادات 6- سرور العباد فی صدق المعاد 7- سلطان المقاتل 8- کرامة الامّة فی معرفة الائمّة 9- لئالی الصدق و خیر التحف 10- مجمع الاحزان 11- معاجز القرآن 12- المعراجیّة 13- منتخب اللغة؛ و غیره.
در شب شنبه 26 ذی حجّة الحرام سال 1380 وفات یافته، در اطاق پدر مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقةالاسلام، محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی رازی اصفهانی.
عالم زاهد فقیه مجتهد اصولی، از مشاهیر علما و فقها و مدّرسین اصفهان.
مادرش دختر سید صدر الدین عاملی بوده، به دین جهت از طرف پدر و مادر هر دو، نواده شیخ جعفر کبیر است.
در ربیع الاول سال 1271 در اصفهان متولّد شده، و در اصفهان و نجف نزد: پدر بزرگوار خود، و آقا شیخ مهدی نجفی، وحاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و میرزای بزرگ شیرازی، و شیخ راضی نجفی تحصیل نموده تا به مقامات عالیه اجتهاد نایل شده، در اصفهان به درس و بحث و اقامه جماعت و تدریس پرداخته.
سرانجام در روز 3 شنبه چهارم شعبان المعظم سال 1318 وفات یافته، در نجف اشرف در جنب برادر خود آقا شیخ محمّد حسین مدفون گردید.
در تاریخ اصفهان و ری (:335) درباره او گوید: عقل اکمل آقایان مسجد شاه بوده، و به کارهای خوب اقدام نمود، یکی: دادن سالی هزار تومان به دولت، عوض مالیات قهوه خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و حال و وقت و شرافت و آسایش مردم را.
دوّم: جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور اللّه.
تاریخ فوتش «ثقة الاسلام آوی بالجنان» است.
دیگر از آثار او احداث مدرسه‌ای به نام خودش در محّله حسن آباد اصفهان که ظاهراً محلّ مدرسه ساروتقی بوده و در طول زمان خراب شده، ایشان در سال 1317 تجدید بنا کردند.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- حواشی بر کتاب ارشاد الاذهان، که آن را فرزندش حاج شیخ مهدی به دستور او ترجمه کرده و وی حاشیه کرده است 2- رساله در آداب نماز شب و استخاره، مطبوع 3- رساله در اصول دین، مطبوع 4- کتابی در معاصی کبیره، مطبوع 5- کتابی در ولایت به عربی 6- رساله عملیّه که در آن هزار مسأله از مسائل نماز را ذکر فرموده است. 7- مناسک حج؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقةالسلام

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(میرزا) علی آقا تبریزی بن (حاج میرزا) موسی، از علمای آذربایجان (و. تبریز 1277- مقت. 1330 ه.ق.). وی در نظم و نثر فارسی مهارت داشت و از تألیفات او «مرآة الکتب» در اسامی مؤلفات شیعه است. او از مشروطه طلبان و آزادیخواهان بود و در تبریز به دست روسهای تزاری به دار آویخته شد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ثقفی کوفی، ابراهیم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابواسحق ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی اصفهانی، از بزرگان مؤلّفین، و ثقات مصنّفین و موّرخین است، در اوّل، زیدی مذهب بوده و سپس امامی شده است، در حدود پنجاه و سه مجلد کتاب تألیف نموده.
شرح حالش در معالم العلماء، و معجم الادباء، و روضات الجنات(:2) و دیگر کتب مبسوطاً نوشته شده است.
از کتب اوست: 1- اخبار زید بن علی 2- اخبار کشته شدگان از اولاد ابی طالب علیه‌السلام 3- قیام حسن بن علی علیه‌السلام 4- مقتل الحسین علیه‌السلام 5- مقتل أمیرالمؤمنین علیه‌السلام 6- الجمل 7- فدک 8- صفّین 9- حکمین 10- نهروان 11- ما نزل من القرآن فی أمیرالمؤمنین علیه السلام 12- المودّة فی ذی القربی 13- کشته شدگان از آل محمّد؛ [14- العارات] و غیره.
وفات صاحب عنوان در سال 280 هجری در اصفهان روی داده است.
در فضیلت او همین بس که ابونعیم اصفهانی در حقّش گفته است: کان غالیاً فی الرفض.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ثقفی نژاد، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ثقفی نژاد
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد ثقفی متولد 1323، تبریز، دارای شماره 4، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال 1335 وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال 1341 بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت 5 سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت 9 سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت 6 سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات

تکمیلی را آغاز کردم. در سال 1356 که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال 63 که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقفی، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1239 ش)، پزشک، نویسنده و مترجم. ملقب به اعلم‌الدوله. وی به شیوه‌ی پدر، که از اطبای مشهور ناصرالدین شاه بود، ابتدا طب را در دارالفنون فراگرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات به پاریس رفت و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به تهران بازگشت و در دستگاه شاهی، مقامی عالی یافت و از سوی شاه به اعلم‌الدوله ملقب شد. پس از فوت مظفرالدین شاه، طبیب مخصوص ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه شد. اعلم‌الدوله در زمان محمدعلی شاه، به اجبار به فرانسه رفت و در پاریس، به کمک برادرش، دکتر جلیل‌خان ندیم‌السلطان، انجمنی به نام ایران جوان دوم تاسیس کرد و به فعالیت بر ضد محمدعلی شاه پرداخت. پس از فتح تهران، دکتر اعلم‌الدوله به ایران بازگشت و رئیس اولین بلدیه‌ی قانونی تهران شد. سپس با سمت ژنرال کنسول به سویس رفت. در این ماموریت سی تن از جوانان بختیاری را به منظور ادامه‌ی تحصیل به اروپا برد. ثقفی در زمان رضاشاه مدتی مدیر کل و سپس وزارت معارف و اوقاف بود. وی در اواخر عمر از کارهای دولتی کناره گرفت و انجمنی به نام انجمنی معرفه‌الروح تجربتی ایران تاسیس کرد. خلیل‌خان طبیبی حاذق و نویسنده‌ای توانا بود. او به زبان فرانسوی تسلط داشت و مقالات و رسایلی به آن زبان نوشته است. سرانجام در تهران وفات یافت و در امامزاده عبدالله در آرامگاه سعدالدوله دفن شد. تالیفات به جای مانده از وی: «باغ سرور»؛ ترجمه‌ی داستانهایی از ادبیات فارسی به فرانسه؛ «کنت مونت کریستو»، جلد دوم ترجمه از فرانسه به فارسی؛ «فرائد اللغه»؛ «خردنامه جاودان»؛ «هزار و یک حکایت»؛ «کلید زندگی»؛ «کلید شناسایی در علم غیرمرئی هفتاد و یک مقاله‌ی معرفه‌الروح»؛ «مقالات گوناگون»، شامل حوادث و وقایع تاریخی عهد قاجاریه، به ویژه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، که در اغلب آنها خود وی شاهد عینی و حاضر و ناظر بوده است.[1]
معروف به اعلم‌الدوله، فرزند میرزا عبدالباقی حکیم‌باشی، متولد 1236. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در تهران، به پاریس رفت و در رشته‌ی پزشکی درجه‌ی دکترا گرفت. بعد از مراجعت به ایران به استادی رشته‌ی طب دارالفنون برگزیده شد. مدت‌ها در آن سمت به تعلیم پزشکان ایرانی مشغول بود. در دوران سلطنت مظفرالدین شاه، به جای میرزا محمودخان

حکیم‌الملک که ابتدا وزیر دربار و بعد والی گیلان شد، به سمت پزشک مخصوص شاه انتخاب گردید و تدریجاً شاه را عمیقاً زیر نفوذ خود قرار داد و از طرفی چون به حکومت قانون و مشروطه علاقه‌مند بود، در هر فرصت شاه را تشویق به صدور فرمان مشروطیت می‌کرد. مساعی او در تسریع صدور فرمان مشروطیت به گواهی تاریخ بر اهل تحقیق مکتوم نیست. بعد از صدور فرمان مشروطیت، همچنان به کار طبابت و استادی دارالفنون اشتغال داشت. مدتی رئیس انجمن بلدی تهران (انجمن شهر) و زمانی نیز کنسول ایران در سوئیس شد. در 1323 ش در سن 87 سالگی درگذشت. او از مشاهیر و پزشکان دوره‌ی قاجاریه و مشروطیت ایران به شمار می‌رود. مردی بود بسیار فاضل، اهل تحقیق و تتبع، نویسنده‌ای توانا با سبکی روان و شیرین و جذاب. در عمر طولانی خود آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذارد که مهمترین آنها عبارتند از: 1- هزار و یک حکایت؛ 2- صد و پنجاه مقاله یادگار عصر جدید؛ 3- خردنامه‌ی جاویدان؛ 4- مقالات گوناگون؛ 5- فوائدالنصایح؛ 6- تحفه‌ی نوروزی؛ 7- هزار و یک نصیحت و چند اثر دیگر.
اعلم‌الدوله یکی از معتقدان جدی احضار ارواح بود. در تهران، انجمنی به نام انجمن معرفةالروح تشکیل داد. از لحاظ اخلاقی و انسانی از افراد کم‌نظیری بود که سال‌ها می‌گذرد و نظیرشان پیدا نمی‌شود. فرزندش حسین اعزاز ثقفی در حفظ و نگهداری و ازدیاد کتب و آثار عتیقه‌ی او جدیتی به تمام معمول داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دایره المعارف فارسی (713/1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (223 -215 /1)، سرآمدان فرهنگ (249/1)، شرح حال رجال (489 -487 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل ثقفی)، مولفین کتب چاپی (28 -24 /3)، یادگار (س 3، ش 5، ص 48 ،45)، یادداشتهای قزوینی (178 -176 /8).

ثمره، یداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یدالله ثمره در سال 1311 در شهر کرمان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی از دانشگاه لندن-انگلستان در سال 1348 است. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران ، و هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده زبانها و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر یدالله ثمره ،عنایت الله ثمره نام دارد.خاطرات کودکی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی متولد شد و دوره دبستان را تحت نظر پدر و مادرش در دبستان بدر سیرجان تحصیل کرده است.او می گوید:" پدر و مادرم، هردو ، معلم بودند و من تحصیلات اولیه ام را در خانواده پیش پدر ومادر شروع کردم و سپس در مدرسه این دونفر ،تحصیلات ابتدایی را به پایان رساندم. پدرم مدیر مدرسه بود و مادرم هم معلم همان مدرسه. بنابراین، اولین معلمان من پدر و مادرم بودند. قبل از اینکه به مدرسه بروم، پدرم قرآن و مقداری تعلیمات مذهبی به من آموخت. من شش سال ابتدایی را در مدرسه پدرم به پایان رساندم. مدتی از دوره تحصیلات ابتدایی را در کرمان گذراندم و بعد از انتقال پدرم به یکی از مدارس سیرجان ،که به مدیریت آن مدرسه رسید، من هم به انجا نقل مکان کرده و تا ششم ابتدایی را در آن مدرسه بودم." اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : یدالله ثمره در یک خانواده فرهنگی در شهر کرمان به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله ثمره پس اتمام تحصیلات ابتدایی ،تحصیلات متوسطه اش را در دانشسرای مقدماتی کرمان به پایان رساند و در مهرماه ۱۳۲۹ به عنوان آموزگار پایه یک به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درمی آید. یکی دو سال بعد ، دیپلم کامل متوسطه در رشته ادبی را اخذ و چندسالی در وزارت فرهنگ کرمان تدریس کرد. او در سال ۱۳۳۶ به تهران آمد و در کنکور دانشگاه تهران در سه رشته ادبیات فارسی، باستان شناسی و حقوق شرکت کرد و در هر سه رشته قبول شد و از بین آنها ادبیات فارسی را بر گزید. در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول ، از دانشکده ادبیات لیسانس ادبیات فارسی گرفته و بلافاصله وارد دوره دکترای ادبیات فارسی می شود و حدود دو سال ونیم در این دوره تحصیل کرد. استاد در اواسط سال ، ۱۳۴۱ از طرف دولت ایران بورس تحصیلی شاگرد اولی دریافت کرد و برای تکمل معلوماتش به انگلستان عزیمت کرد و در دانشگاه لندن به تحصیل

زبان شناسی پرداخت و در سال ۱۳۴۷ با درجه دکترا از دانشگاه لندن فارغ التحصیل شد. خاطرات و وقایع تحصیل : یدالله ثمره در خصوص انگیزه اش از انتخاب زبان شناسی آن هم در سالهایی که در نظام آموزش عالی چیزی به این عنوان اصلاً وجود نداشت می گوید: «ما در دوره لیسانس دو یا سه درس با محتوای زبان شناختی داشتیم. چند تا از این درسها به زبان شناسی و زبان های باستانی مثل پهلوی ، فارسی باستان و اوستا و نیز ساختمان این زبانها مربوط می شد. یکی دو درس هم به زبان شناسی نوین مربوط می شد، مثل تاریخ زبان و دستور زبان و غیره که اینها جزو دروس ادبیات بود و با عنوان رشته زبان شناسی تدریس نمی شد. استادان این دروس هم بعضی مانند مرحوم پورداود و مرحوم صادق کیا، زبان های باستانی را درس می دادند و بعضی مثل مرحوم خانلری و مرحوم مقدم مطالبی به اسم زبان شناسی جدید تدریس می کردند. البته چیزهایی که آنها درس می دادند با این زبان شناسی که امروز می شناسیم تا حدودی فرق داشت و آمیزه ای بود از زبان شناسی باستانی و جدید... یادم هست وقتی که از استادهایم خداحافظی می کردم که بروم خارج ، بعضی ها به من سفارش می کردند که زبان شناسی بخوانم. از میان این افراد، به خصوص باید از دکتر مقدم ، خانلری و کیا یادکنم که مرا خیلی تشویق می کردند. آنها معتقد بودند چون ما متخصص زبان شناسی نداریم و این رشته در آینده مطمئناً در ایران تأسیس خواهد شد برای تدریس آن به متخصص و مدرس نیاز داریم. این بود که وقتی به انگلیس رفتم، تا حدودی با زبان شناسی آشنایی داشتم.» دکتر ثمره درباره خاطراتش از لندن و تحصیل در آنجا چنین می گوید: «یادم هست که وقتی وارد دانشگاه شدم، تا مدتی، حداقل شش ماه، همه چیز برایم سیر و سیاحت بود و تازگی داشت چون با آن سیستم دانشگاهی کاملاً بیگانه بودم. از رفتار استادها گرفته تا طرز حرف زدن آنها با دانشجو، طرز رفتارشان، معاشرت شان با دانشجوها، تجهیزات کتابخانه ها، آزمایشگاهها و امثال اینها همگی برایم تازگی داشت.» فعالیتهای ضمن تحصیل : یدالله ثمره بین سالهای ۳۸ تا ۳۹ حرف «هـ» لغتنامه دهخدا را نوشته و همکاری هایی هم در تألیف فرهنگ معین داشته است.استادان و مربیان : یدالله ثمره در دوران تحصیلات دانشگاهی در ایران از محضر اساتیدی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمد معین، جلال‌الدین همایی، محمد تقی مدرس رضوی، ابراهیم پورداوود، عبدالحمید فروزانی، دکتر محمد خوانساری، دکتر ذبیح‌الله صفا ،استادخانلری،دکتر مقدم و دکتر صادق کیا کسب فیض کرد و از اساتید دوران تحصیل وی در دانشگاه لندن، می‌توان از: جی.دی.اوگانور، ا.سی.گیمسون، آر. اچ. روبینز و هالیدی نام برد.وقایع میانسالی : یدالله ثمره در سال۱۳۴۷ به عضو یت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمد و در سالهای ، ۱۳۵۰ ۱۳۶۰ و ۱۳۶۹ به

ترتیب به درجه استادیار، دانشیار و استاد نایل گشت. یکی از زمینه های مورد علاقه ثمره آموزش زبان فارسی به خارجیان است و در این زمینه هم خیلی کار کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغلی که ید الله ثمره به عهده داشته اند عبارتند از : کارشناس برنامه ریزی آموزشی دروزارت علوم و آموزش عالی ریاست انجمن زبانشناسی ایران عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۷ استادیار، دانشیار و استاد دانشگاه تهران طی سالهای ۱۳۶۹ - ۱۳۵۰ مدیر گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ مدیر پژوهشگاه گویش شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سالهای ۵۴ - ۱۳۵۱ مدیر گروه علوم انسانی انستیتو علوم بیمارستانی طی سالهای ۵۷ - ۱۳۵۲ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی عضو دائمی انجمن آواشناسی بین المللی IPA همکاری با موسسات و مراکزی تحقیقاتی : فرهنگستان دوم بمدت 4 سال ،مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف بمدت یک سال ، موسسه دانش پژوهش ایران بمدت یک سال،وزارت جهاد کشاورزی مرکز تحقیقات روستاییبمدت سه سال،وزارت آموزش و پرورش دفتر تهیه و تدوین کتب درسی و آموزشی بمدت سه سال ،بنیاد ایرانشناسی بمدت یک سال ،فرهنگستان زبان و ادب فارسی بمدت هشت سالفعالیتهای آموزشی : ید الله ثمره بعنوان دبیر دبیرستانهای ایران ازسال 1329تا 1342 فعالیت داشته است و بعنوان استاد یار، تدریس در دانشگاههای تهران ،تربیت معلم ، امام خمینی قزوین و انستیتو علوم بیمارستانی تهران ازسال 1347 تا 1377 را عهده دار بوده اند. وی همچنین درسال 1377 بعنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه لندن به تدریس زبان شناسی اشتغال داشته است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یدالله ثمره یکی از مؤسسین اصلی آزمایشگاه زبان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله ثمره در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، سومین و چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی ، سمینارزبانشناسی ، سمینار جهانی ISO و همایش ایرانشناسی بنیاد ایرانشناسی شرکت کرده است . همچنین با فرهنگستان علوم بخش گردآوری گویشهای ایران، از سال 1350تا1354 و در مرکز تحقیقات الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف و درموسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و دروزارت جهاد کشاورزی، مرکزتحقیقات روستایی، در وزارت آموزش و پرورش، دفتر تهیه و تدوین کتب درسی وآموزش فارسی به خارجیان،نیز فرهنگستان زبان وادب فارسی فعالیت داشته است .شاگردان : یدالله ثمره در باره دانش آموختگان و دانشجویان تحت تعلیم خود چنین می گوید: «الآن ۹۰درصد افرادی که در دانشگاههای مختلف زبان شناسی درس می دهند، یا پرورش یافتگان داخل هستند یا

لااقل فوق لیسانس خود را در اینجا گرفته اند و برای گرفتن دکترا به خارج رفته اند. مثلاً دکتر سیمین کریمی فوق لیسانس خود را همین جا گرفت. دکترایش را همین جا تا حد رساله گرفت و بعد رفت خارج و رساله اش را در آنجا نوشت و دکترایش را از آنجا گرفت و حالا هم در دانشگاههای آمریکا درس می دهد.» و البته شاگردان دیگری چون دکتر حسن پوراقدم که مشغول تدریس در آمریکاست، یا چند نفر دیگر از دانشجویانش که حالا در دانشگاههای انگلیس تدریس می کنند ثمره سالها تلاش و کوشش یدالله ثمره می باشد.همفکران فرد : یدالله ثمره با دکتر باطنی و دکتر میلانیان همفکری نزدیکی دارد.آرا و گرایشهای خاص : یدالله ثمره درباره زبان شناسی می گوید: «زبان شناسی از ابتدای پیدایش تا امروز در مسیر رشد بوده است. زبان شناسی فارسی در مسیر تکامل بوده است. به طور کلی اولین هدف زبان شناسی در ایران این بودکه به زبان فارسی و زبان شناسی زبان فارسی خدمت کند. در این راهکارهای زیادی صورت گرفته و مقالات و کتابهای نسبتاً قابل توجهی نوشته شده است.» جوائز و نشانها : - دریافت لوح تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه کتاب " زبانهای خاموش" در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - تندیس سخن ،دانشگاه علامه طباطبائی در سال 1383 - مدال زرین دانشگاه تهران-تهران در سال 1385 بمناسبت تجلیل و قدردانی از خدمات علمی.چگونگی عرضه آثار : از یداله ثمره تعداد زیادی مقالهٔ تحقیقی و فرهنگی و زبان‌شناسی در نشریات مختلف مانند: نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات، نشریه کنگره ایران‌شناسی، مجله وحید، مجله رودکی و غیره به چاپ رسیده است. - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی :17 مقاله - شرکت در مجامع علمی : 7 مورد آثار : A Course In Colloquial 1 Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران،19772 The Arrangement Of SegmentalPhinemesIn Farsi ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران، شماره 15773 The verb system In Zeynabadi Dari ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال1357 به چاپ رسیده است4 آرایش واکه ای واژه های ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال 1354 به چاپ رسیده است5 آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : آزفا 1 ،وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال 1366 . این کتاب یک دوره 5 جلدی است که به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده و تاکنون به 16 زبان ترجمه شده است6 آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : آزفا ، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سال 13677 آموزش زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و تحت وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی درسالهای 69ـ 1367به چاپ رسیده است.8 آواشناسی زبان فارسی ،آواها و ساخت آوائی هجا ویژگی اثر :

مرکز نشر دانشگاهی، سال13649 پاره ای ویژگیهای دستوری دری ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درسال 1356 به چاپ رسیده است10 تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت ویژگی اثر : این مقاله درمجله دانشکده ادبیا ت دانشگاه تهرا ن در سال 1367 به چاپ رسیده است11 تحلیل سبکی حافظ و معرفی غزلی تازه منسوب به او ویژگی اثر : این مقاله درچهارمین کنگره تحقیقات ایرانی درسال1354 به چاپ رسیده است12 تحلیلی برررده شناسی زبان ، ویژگیهای رده شناختی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله زبان شناسی درسال 1369 به چاپ رسیده است13 تهیه و تدوین بخشی ازحرف «ه»لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : مجلدات 75تا 10414 دریای خلیج فارس درصوره الارض ابن حوقل ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دردانشگاه تهران درسال1368 به چاپ رسیده است15 دریچه ای به زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی، سال 137316 راهنمای تدریس زبان فارسی ویژگی اثر : این کتاب درآزفا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درسال 1369 به چاپ رسیده است.(این کتاب تاکنون به زبانهای فرانسه، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، هندی و... ترجمه شده است)17 راهنمای زبان فارسی ویژگی اثر : انتشارات المهدی ، سال 1374-این دو کتاب که برای دانشگاههای قزاقستان ،تاجیکستان و ازبکستان نوشته شده توسط مرحوم پروفسور رستم اوف به زبان قزاقی و خط سیریلیک برگزیده شده است.18 زبانهای خاموش ویژگی اثر : ترجمه، باهمکاری دکتر بدر الزمان قریب ، پژوهشگاه علوم انسانی ، سال 1365- این کتاب، برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در 1366 از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد ،19 ساختمان فونولوژیکی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در نخستین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران درسال1350 چاپ شده است20 ساختمان واجی «وند » درفارسی ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1351 به چاپ رسیده است21 شناخت نظام‌آوایی زبان ویژگی اثر : (ترجمه)، فرهنگ معاصر. (زیر چاپ) .22 طرح آوایی واژه هایی دو هجایی درفارسی ویژگی اثر : این مقاله درسومین کنگره تحقیقات ایرانی دربنیاد فرهنگ ایران درسال 1352 به چاپ رسیده است23 طرح حرف نویسی و واج نویسی زبان فارسی ویژگی اثر : این مقاله در سمینار جهانی (Internation Standadization Organization)درلندن در آوریل 1997 به چاپ رسیده است24 نظام آوایی زبان ویژگی اثر : نظریه و تحلیل ، فرهنگ معاصر ، سال 136825 همکاری در تهیه و تدوین فرهنگ فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف محمدمعین است .

ثمری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ثمری
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1352 با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال 1359 با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل 18 و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .
در سال 60 در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال 63 مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال 65 که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم.از سال 65 ضمن تدریس در دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت 15 سال شرکت نمودم.
مدت 5 سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال 76 به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر وعظ و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت 3 سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام

در دانشگاه تدریس دارم.

ثمری، محمد ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد ابراهیم بن خیر الحاج آقای حاج اکبر آقای ثمری گلپایگانی از فضلاء محترم و بنام حوزه علمیه قم است در علیشاه عوض، وی در سال 1311 شمسی در گوگد گلپایگان (زادگاه آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی) متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات را در حوزه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت وحید در گلپایگان خوانده و در سال 1365 قمری به قم مهاجرت نموه و سطوح را در خدمت آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و حجةالاسلام آقای حاج شیخ اسداللّه نوراللهی و حجةالاسلام آقای حاج آقا رضای صدر تکمیل نموده سپس بدرس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه موسوی شرکت نموده و از خرمن علوم آنان بهره‌ها برده آنگاه در سال 1388 ق حسب‌الامر آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به علیشاه عوض عزیمت نموده و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.
از آثار ایشانست: تعمیر اساسی مسجد جامع و چند باب دکان و مؤسسه‌ی برای مصارف و مخارج مسجد و کتابخانه‌ای برای مسجد که در شرف تکمیل می‌باشد و نیز جلسات متعددی برای تنویر افکار جوانان و مبارزه با افراد منحرف و ضد ولایت در علیشاه عوض و مناطق دیگر شهریار دارند ادام اللّه توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جابری انصاری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج میرزا علی مستوفی بن محمود.
فاضل ارجمند گرامی، ادیب موّرخ شاعر، از مشاهیر فضلا و دانشمندان اصفهان، و از خاندان علمی و ادبی، در 18 رجب 1287 در شیراز متولّد شده، و در 5 جمادی الثانیه سال 1376 در اصفهان وفات یافته، در ایوان داخلی بقعه بابا رکن الدین مدفون گردید.
در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: میرزا محمّد حسن نجفی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی تلمّذ فرموده، و در این بین به تألیف و تصنیف اشتغال جسته، کتب زیادی تألیف نموده، و اغلب آنها را به طبع رسانیده است.
اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:
1- آثار الحسان، در بدایع اشعار نسوان 2- اوصاف المستحسنه 3- آگهی شهان از کار جهان، 4 مجلّد 4- آفتاب درخشنده 5- اسرار الانصار 6- اسرار تاریخی قاجاریه 7- بدایع و نوادر 8- تاریخ اصفهان، مختصر 9- تاریخ اصفهان و ری 10- تفسیر حسن، تفسیر قرآن مجید 11- تهذیب الاخلاق 12- ترجمه وفیات الاعیان ابن خلّکان که به دستور ظل السلطان انجام داده 13- ترجمه فقه ابوحنیفه 14- تسهیل وصّاف 15- دیوان اشعار 16- رساله در حقیقت معراج 17- صعود المسعود 18- عشق حقیقی و مجازی، منظومه فارسی 19- گزارش شرح حال سعدی و حافظ 20- گنجینة الاسرار 21- گوهر شب چراغ، جلد اوّل آن مطبوع 22- لئالی السمط فی معالی النبی و السبط 23- منشآت 24- نوش دارو، در اخلاق 25- نور الثقلین، در مناقب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ و رسائل عدیده دیگر از مطبوع و غیر مطبوع، حدود سیزده مجلّد.
مرحوم انصاری در کتب خویش به نام جمعی از مشاهیر خاندان خویش که در اصفهان ساکن بوده‌اند اشاره می‌کند. ذیلاً نام آنها در این کتاب جهت تتمیم مطلب تذکّر داده می‌شود:
1- خواجه کمال ابوالفتح جابری فرزند خواجه جلال الدوله، معاصر شاه اسماعیل و مشرف خزانه سلطنتی.
2- میرزا باقر فرزند میرزا محمّد علی کلانتر اصفهان، و واقف خانه‌ها و املاکی در اصفهان.
3- رئیس برگه، با فضایل متوافر، و از زمره اخیار و صاحبان خیرات بوده.

4- جلال الدین. از وزرای تراکمه و از اسخیای معروف بوده، معاصر سلطان الوند بهادر.
5- میرزا حسین جابری، کلانتر و حکمران اصفهان در عهد نادر شاه، و مقتول به امر او.
6- میرزا داود، در دستگاه سلاطین صفویّه بوده، شاعر و ادیب و بانی تکیه حاج میرزا داود در جویباره است.
7- ربیع الدین، معاصر با نادر شاه و فرزند رفیع الدین.
8- رفیع الدین ابن مهدی مستوفی الممالک ایران.
9- میرزا سلمان اعتماد الدوله بن علی، ادیب و نویسنده و شاعر معصر شاه طهماسب صفوی.
10- میرزا عبداللّه فرزند میرزا سلمان، ادیب و شاعر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جاپلقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد اسمعیل بن المرحوم آقا محمد صادق صادقی جاپلقی از علماء و دانشمندان مبرز و مشهور بفضل و تقوای تهران میباشد. وی در سال 1313 ق در یکی از قراء جاپلق که از مضافات اراک است بدنیا آمده و پس از رشد و طی مقدمات به اراک مسافرت نموده و از ابتداء با حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ محمد علی اراکی رفیق بحث و شریک تحصیل بوده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی خان و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد سلطان العلماء استفاده سطوح نهائی نموده و از اول ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی در اراک حاضر جلسات درس فقه و سطوح آنجناب شده و پس از مهاجرت و انتقال ایشان به قم مهاجرت بحوزه علمیه نموده و تا سال 1354 ق از مرحوم آیت‌اللّه موسس استفاده و هم چند ماهی از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی (در موقع تبعیدشان به قم) بهره‌مند شده و در سال مزبور منتقل به تهران و در خیابان صفاری رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر که هشتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به اقامه جماعت در مسجد (صفاری) و ترویج دین و خدمات مذهبی و تدریس فقه و اصول اشتغال دارد. از آثار ایشان است تقریرات درس فقه و اصول کاملی مرحوم آیت‌اللّه حایری.
فرزند برومند ایشان جناب ثقةالاسلام آقا شیخ خلیل اللّه صادقی جاپلقی تهرانی از فضلاء محصلین حوزه علمیه قم است که مدت ده سال در مشهد مقدس بتحصیل اشتغال داشته از محضر مدرسین بزرگ استفاده نموده آنگاه به قم مشرف و چندین سال است که از محضر آیات عظام و مدرسین والا مقام حوزه کسب فیض و کمال می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 746 ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[1]
(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز 746 ه.ق.) وی پیوسته موظبت بر تحصیل علوم می‌کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.
او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (107/1)، حبیب السیر (232/3)، روضات الجنات (347 -345 /1)، ریحانه (380/1)، کشف الظنون (626، 1021، 1478، 1879، 2036، 222)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (137/2)، معجم المولفین (199 -198 /1)، هدیه العارفین (108/1).

جاکوبس، کین

قرن:20
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام واقعی : Glen Jacobs
قد: 7 فوت
ورن : 320 lbs
زمان تولد :April 26, 1967
محل تولد : Madrid, Spain
اهل : Knoxville, TN
آغاز حرفه : 1994
مربی : Dean Malenko
ضربه نهایی : Chokeslam
کین کار خود را در باشگاه SMW با نام Unabomb آغاز کرد.
در 7 آوریل سال 1995 Unabomb به همراه آل اسنو موفق شدند گروه the Rock 'n' Roll Express را شکست دهند و در Pikeville, KY قهرمان جدید Smoky Mountain Wrestling Tag Team title شوند.
کین به خود ماسکی زد و و نام خود را Doomsday گذاشت و خود را از شانس ها قهرمانی کمربند USWA Southern title معرفی کرد که در نهایت در 13 جولای سال 1997 با شکست Spellbinger این کمربند را به دست آورد.
کین کار خود را در WWF با نام Isaac Yankem شروع کرد که یک دندانپزشک برای Jerry "The King" Lawler بود
بعد از اینکه اسکوت هال (رازور رامون) و کیوین نش (دیزل) WWF ترک کردند و به WCW رفتند .جیم رس مجبور شد با Big Daddy Cool به جای دیزل و با The Bad Guy به جای رازور رامون قرار دادبست که نقش رازور را Rick Bogner بازی میکرد و نقش دیزل را همین Glen Jacobs بازی میکرد.
کین کار خود را دوباره با عنوان برادر کوچک آندرتیکر شروع کرد ولی در 5 اوکتبر سال 1997 در BAD BLOOD در بازی که بین آندرتیکر و شان مایکلز در HELL IN A CELL بود اومد و وارد رینگ شد و یک تامبستون به آندر زد و باعث باختن آندرتیکر شد.
کین در Montreal و در Survivor Series سال 1997 توانست که منکایند را شکست دهد.

- در داستان جدیدی که برای کین در زندگی ورزشیش پیش اومد این بود که در مراسم تشییع جنازه والدین آندرتیکر و احتمالا کین اتاق پذیرایی آتش گرفت . و کین که از بیرون وارد خانه میشد دید که ساختمان در حال رفتن به زیر آتش هست و و دید که بین پدرش پاول بیرر و آندر تیکر دعوا رخ داده به پدرش کمک کردند و از روی عمد آندرتیکر را به داخل آتش انداختند و با هم دیگر فرار کردند.
-بعد از مدتی آندرتیکر دوباره بازگشت و یک مسابقه ی CASKET MATCH با کین برگزار کرد که درون مسابقه کین به کمک پاول بیرر موفق شد آندر را به درون CASKET بندازد و بعد روی تابوت بنزین ریخت و آن را آتش زد .
- در رویال رامبل سال 1998 در WWF وقتی که آندرتیکر در مسابقه CASKET MATCH با صاحب کمربند WWF champion یعنی شان مایکلز حضور داشت در حین مسابقه کین آمد و باعث باخت آندرتیکر شد .
در رستل منیا XIV آندر تیکر با 3 باز زدن تامبستون به کین بازی را برد اما کین اولین کسی بود که با وجود خوردن تامبستون بازی را واگذار نمیکرد.
-در Unforgiven سال 1998 وقتی که تریپل ایچ و کین در یک مسابقه رینگ آتش مبارزه میکردند آندر تیکر آمد و ایکس پک یار کین را خونی در بیرون رینگ انداخت کین هم بازی را ول کرد و از رینگ پرید بیرون وبازی را باخت البته در این بازی دست کین سوخت !
- کین در راو به کمک منکایند توانست آندرتیکر را شکست بدهد و شانس اول برای گرفتن کمربندWWF Champion در "King of the Ring شود.
-وینس مکمهمن قرار داد مسابقه اولین خون (First Blood) را بین کین که ماسک داشت و استن کلد به طور حتم برد استن کلد غیر ممکن بود !!!
- در King of the Ring سال 1998 کین خیلی راحت استن کلد را شکست داد
وآمادگی خود را برای کمربند WWF title اعلام کرد .
- منکایند و کین در 13 ژولای سال 1998 با یکدیگر تیم شدند و میخواستند که کمربند WWF Tag Team را از گروه the New Age Outlaws بگیرند .
-در 10 آگوست سال 1998 آندر تیکر امد و به تنهایی مانع برندن کین و منکایند در مسابقه با New Age Outlaws شد .
- کین و آندر تیکر و استن کلد در یک مسابقه triple threat match سره WWF champion در PPV Breakdown شرکت داشتند که در طی ان مسابقه هر دو برادر استن کلد را پین کردند برای همین برنده اون مسابقه معلوم نشد ؟
- با سفارش مکمهن در Judgment Day همون سال استن کلد داور

افتخاری بود برای مسابقه بین آندر تیکر و کین برای مشخص شدن قهرمان WWF champion. (که ننوشته بود که کدوم یک بازی را بردن ؟)
- در 30 مارچ سال 1999 کین و ایکس پک باز با یکدیگر یار شدند و جف جارت و اون هارت را شکست دادن و قهرمان جدید WWF World Tag Team شدند.
- در سال 1999 در شهر Kansas City, MO کین و ایکس پک موفق شدند که مارک هنری و دیلو برون را شکست دهند و از کمر بند خود دفاع کنند .
- کین در King of the Ring سال 1999 توانست بیگ شو را شکست دهد .
- در آرماگدون سال 1999 کین در مسابقه ی steel cage توانست که ایکس پک را شکست دهد .
- بعد از یک مدت دوری کین دوباره با پدرش پاول بیرر در راو در 7 فوریه سال 2000 برگشت
- کین به همراه ریکیشی در رستل منیا 2000 که در Anahim برگزار شد توانستند که ایکس پک و رود داگ را شکست دهند
- در 18 آوریل سال 2000 در WWF/IWA event کین به همراه راک توانستند که گروه Dudley Boys را شکست دهند.
- در PPV که در شهر لندن انگیلیس به نام Insurrextion برگزلر شد کین توانست Bull Buchanan را شکست دهد .
- در ۱۴ آگوست سال ۲۰۰۰ کین در راو اومد و در رینگ یک چوک اسلم زیبا به آندرتیکر زد !!!
- در Survivor Series سال ۲۰۰۰ کین توانست که کریس جریکو را شکست دهد .
در ژوین سال ۲۰۰۱ کین و آندر تیکر دوباره رو در روی یکدیگر قرار گرفتند !
در رستل منیا XVII کین توانست کمربند WWF Hardcore را با وجود بیگ شو و رپون ببرد .
در ۱۷ آوریل سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر در شهر Nashville, TN توانستند ادج و چیرستین را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند .
- کین در Judgment Day سال ۲۰۰۱ که در شهر Sacramento برگزار شد توانست که تریپل ایچ را شکست دهد و کمربند Intercontinental را ماله خود کند .
- در ۷ آگوست سال ۲۰۰۱ کین به همراه آندرتیکر در WCW توانستند که

Chuck Palumboو Sean O'Haire را شکست دهند و کمربند WCW World Tag Team را ماله خود کنند .
- در Summerslam سال ۲۰۰۱ کین و آندرتیکر توانستند که DDP و KANYON
را شکست دهند و کمربند WWF World Tag Team را ماله خود کنند.
- در Unforgiven سال ۲۰۰۱ که در WCW برگزار شد کین و آندر تیکر از کمربند خود در مقابل تیم Kronic دفاع کردند .
- در ۳ مارچ سال ۲۰۰۲ کین به همراه بیگ شو در سنگاپور توانستند که Dudley Boyz را شکست دهند .
- در آوریل سال ۲۰۰۲ کین برای یک مدتی از کشتی کج کنار رفت.
- کین یک ماه بعد به WWE با یک ماسک جدید اومد
- در Unforgiven سال ۲۰۰۲ کین به همراه بوبا ری دادلی و بوکر تی و گالدست توانستند تیم Un-Americans را که متشکل بود از (تست - لنس استورم - ویلیام ریگل - چیرستین) شکست دهند.
- شب بعد از Unforgiven کین به همراه هاریکین توانست لنس استورم و چیرستین را شکست دهد و قهرمان WWE World Tag Team شوند .
- در ۳۰ سبتامبر سال ۲۰۰۲ کین در Houston توانست کریس جریکو را شکست دهد و قهرمان کمربند Intercontinental شود .
- در ۳۱ مارچ سال ۲۰۰۳ در شهر Seattle, WA سه تا تگ تیم حضور داشتند این کین و روب وان دام بودند که توانستند بر گروه Dudley Boyz و تگ تیم Sean Morley and Lance Storm غلبه کرده و کمربند World Tag Team را ماله خود کنند .
- کین و RVD در ۱۲ می سال ۲۰۰۲ از کمربند خود مقابل Legion of Doom محافظت کردند.
- بعد از اینکه در ۲۳ ژوین سال ۲۰۰۳ بازی خود را مقابل بریپل ایچ باخت و کمربند WORLD HEAVY WEIGHT را از دست داد ـ کین ماسک خود را در آورد
- در Summerslam سال ۲۰۰۳ کین توانست روب وان دام را شکست دهد.
- در Unforgiven سال ۲۰۰۳ کین توانست شین مک مهن را در مسابقه last man standing شکست دهد .
- در Survivor Series سال ۲۰۰۳ کین باز هم شین مک مهن را این بار در مسابقه ambulance" match برد
- در ۱۷ می سال ۲۰۰۴ کین مسابقه man battle royal-18 را برد تا بتواند در مقابل قهرمان World Heavyweight که در ان زمان کریس بنوا بود در Bad Blood همون سال مسابقه دهد که در اون مسابقه نا

موفق بود .
- در Summerslam سال ۲۰۰۴ کین موفق به شکست مت هاردی شد .
- در New Year's Revolution کین موفق به شکست اسنیتسکی شد.
- در Backlash سال ۲۰۰۵ کین ویسکرا را برد.
- در Vengeance سال ۲۰۰۵ کین موفق به شکست ادج شد .
- در Taboo Tuesday سال ۲۰۰۵ کین به همراه بیگ شو توانست که تگ تیم Trevor Murdoch and Lance Cade را شکست دهند و قهرمان World Tag Team شود
- و در Armegeddon سال ۲۰۰۵ هم کین به همراه بیگ شو توانست بر باتیستا و ری مستریو غلبه کند. بیوگرافی کامل KANE : نام : Glen Thomas Jacobs
محل تولد : شهر مادرید در اسپانیا
تاریخ تولد : چهارشنبه ، 6 اردیبهشت سال 1346 شمسی = April 26 1967 میلادی
محل رشد و بزرگ شدن : خیابان لوییس در شهر نشویل در ایالت میسوری آمریکا
تحصیلات : رشته زبان انگلیسی در دانشگاه میسوری در شمال شرق آمریکا
محل اقامت فعلی : شهر ناکس ویل در ایالت تنسی در جنوب شرقی آمریکا
خصوصیات ظاهری : موهای قهوه ای روشن ، رنگ چشم آبی
قد : 2 متر و 6 سانتی متر . البته کفشی مخصوصی می پوشد که یک کفی سه لایه دارد و قد او را به دو متر و 13 سانتی متر می رساند.
وزن : 55/147 کیلوگرم
طالع بینی (ستاره شناسی) او : شماره تولد او 8 است. متولد سال گوسفند .
وضعیت تاهل : متاهل است. نام همسر Maurisa . دو دختر هم دارد.
تعداد برادر و خواهر : 1 خواهر به نام Becky ، 1 برادر به نام Brian
محلهای سرمایه گذاری و درآمد : فروشگاه ورزشی (فعلا تعطیل است) ، رستوران خوراکهای دریایی (هم اکنون مشغول کار است)
لقب ها و نامهای داخل رینگ : The Big Red Monster ، Angus King ، Black Knight ، The Christmas Creature ، Diesel ، Doomsday ، D.D.S ، Isaac Yankem (دندانپزشک) ، Unabomb ، Kane .
مربیان کشتی کج او : Ray Candy ، Jeff Bradley ، Dean Malenko .
نام فن معروف او : Chokeslam .
افتخارات اخیر او : قهرمان مسابقات ، WWE Champion

Intercontinental Champion ، World Tag Team Champion ، WCW Tag Team Champion و Hardcore Champion . تاریخچه مختصری از فعالیت کشتی کج Kane . چگونه او به عنوان برادر Undertaker ، وارد WWE شد. سرآغاز قصه و چگونگی رخ دادن : Kane در اوایل کشتی زیر نظر Dean Malenko تعلیم دید و وارد - United States Wrestling Association) USWA) – انجمن کشتی ایالات متحده - به عنوان Christmas Creature (کسی که متولد شده در روز کریسمس است)، شد. این وضعیت خیلی طول نکشید. Glen Jacobs سپس در سال 1992 در USWA ، خود را به عنوان Doomsday معرفی کرد و همین حقه را به WWC در جزیره پورتوریکو زد. در 1995 ، Glen Jacobs ، به طور اتفاقی با Jim Cornette در ایالت میسوری ملاقات کرد. او به گروه Smoky Mountain Wrestling که متعلق به Cornette بود ، پیوست و در آنجا به مقام Unabomb رسید. Glen Jacobs سپس یار Al Snow (معروف به Simply Sensational) شد و بعد از قهرمانی Tag Team با او از Smoky Mountain Wrestling رفت.
Glen Jacobs در آزمون ورودی WWF خیلی خوش شانسی آورد ، چون Vince McMahon ، خیلی تحت تاثیر سایز و خصوصیات عضلانی و ورزشی او قرار گرفت. او به سرعت تحت عنوان دکتر Isaac Yankem ، دکترای جراحی فک و دندان ، به WWE پیوست (دندانپزشک خبیث Jerry Lawler) . اگر چه این حقه او نگرفت. اما او دیگر هر طوری بود خودش را وارد WWE کرده بود و شانسهای دیگری به او روی آورد.
وقتی که واقعا حقه دکتر Isaac Yankem او نگرفت دوباره به Smoky Mountain Wrestling برگشت و دوباره همان مقام Unabomb رسید .
در 1996 ، به Glen Jacobs ، نقش Diesel که Kevin Nash در هنگامی که این کلک را زده بود و در حال ترک WWE بود ، بر عهده داشت ، پیشنهاد شد. هوادارن Diesel ، حاضر به قبول Diesel قلابی یا Diesel 2 نشدند و این حقه هم راه به جایی نبرد .
در سال بعد ، Glen Jacobs ، یک بار دیگر برای USWA کشتی گرفت .
در این اثنا ، Undertaker ، Paul Bearer و Vince McMahon، پس از جستجوی فراوان چیزی را پیدا کردند که بعدا یکی از بزرگترین افراد ماسکدار کشتی شد ، یعنی KANE . آنها در حالی که ایده هایی در سر داشتند از یک سالن ورزشی به سالن ورزشی دیگر می رفتند. در یک روز که آنها به Smoky Mountain Wrestling رسیدند ، فکر می کنید چه کسی را دیدند ؟ هیچ کس جز Percy . Kane می گوید هم او و هم Undertaker به خوبی می دانستند که Kane ، شخصی است که می تواند کاراکتری که آنها در ذهن داشتند را توصیف کند.

Kane ، تا حالا حدود 6 سال است که دوام آورده است و خیلی بیشتر از بقیه کشتی کج کارا که به آنها امیدوار بودند ، رشد و پیشرفت داشته است. در سال 2003 ، طرفداران Kane ، هنگامی که در نهایت ماسک خود را برداشت ، شوکه شدند. ولی این برداشتن ماسک مقام و اعتبار Kane را بیش از پیش کرد. قابلیتهای او در داخل رینگ کشتی کج و خارج از رینگ واقعا منحصر به فرد بود .
در ضمن توجه کنید که تا به حال هیچ کس جز Glen Jacobs ، کاراکتر Kane را بازی نکرده است. خلاصه سوابق کشتی Kane : اوایل دهه 1990 : کار در ژاپن ، پورتوریکو ، میسوری و فلوریدا .
14 دسامبر 1992 (دوشنبه ، 23 آذر ماه سال 1371 شمسی) ، در USWA به عنوان Christmas Creature (متولد شده در روز کریسمس) معرفی شد. آقای Bill Moody (همان Percy Pringle) می گوید که Kane بعد از حقه ای که در USWA زد ، آنقدر خجالت زده و شرمنده شده بود که دوباره پیش Bill Moody برگشت و از او عذرخواهی کرد. 1992 : اولین لقب او Angus King بود و آن هم زمانی بود که در سالن خیابان لوییس در ایالت میسوری ظاهر شد و پس از آن بود که به جنوب و به سمت USWA رفت. 1994 : در USWA ، به عنوان Doomsday معرفی شد. شرکت در Tag Team با Al Snow و برنده شدن Smoky Mountain Tag Team Championship در 1995 . 1995 : در SMW (Smoky Mountain Wrestling)) به عنوان Unabomb معرفی شد . مقام قهرمانی مسابقات Tag Team با Al Snow در 7 April 1995 (جمعه ، 18 فروردین سال 1374) .
در 1995 Glen Jacobs ، شرکت در رقابتهای SMW (با ریاست Jim Cornette) را با عنوان Unabomb آغاز کرد. Unabomb و Al Snowدر قالب یک Tag Team در SMW رقابت کردند و مسابقات Tag Team را در SMW یعنی Smoky Mountain Tag Team Championship با شکست دادن The Rock و Roll Express در یک Pole Match تحت عنوان Coal Miner's Glove ، بردند .
Unabomb در 4 آگوست 1995 (جمعه ، 13 مرداد 1374) ، به Undertaker در مسابقه Super Bowl of Wrestling در SMW باخت. 8 روز بعد ، Unabomb و Al Snow در یک مسابقه تحت عنوان loser-leaves-town (بازنده شهر را ترک می کند) شرکت کردند و از حریفهای خود یعنی Tracey Smothers و Dirty White Boy باختند. Glen Jacobs سپس از WWE سر درآورد.
تابستان 1995 : به عنوان دکتر دندانپزشک Isaac Yankem (Dr. Isaac Yankem DDS) در WWE معرفی شد.

یک دندانپزشک دیوانه که Jerry Lawler با خود آورد تا به او در رقابت و دشمنی دیرینه اش با Bret Hart (The Hitman) کمک کند. Hart در مسابقات SummerSlam سال 95 بهتر از Dr. Isaac Yankem ظاهر شد و همینطور در مسابقه قفس در ماه اکتبر در RAW نیز پیروز شد.
Isaac Yankem ، به مسابقه دادن در WWE ادامه داد ، اما تعداد خیلی کمی از طرفدارانش او را می دیدند چون او چندین سال ، اکثرا ، در مسابقات تاریک بازی می کرد. ضمنا دیگر بهAhmed Johnson و Bob Holly علاقه ای نداشت. 1996 : در WWE تحت عنوان The New Kevin Nash (Diesel (Diesel 2 ظاهر شد که این عنوان قبلا متعلق به بود.
با رفتن Kevin Nash و Scott Hall از Glen Jacobs ، به WWE تلویزیون WWE برگشت، اما تحت عنوان و ظاهر متفاوت دیگری ظاهر شد. Jim Ross گزارشگر ، ادعا کرد که او Diesel و Razor Ramonرا به زمین خواهد آورد. اما دو مرد ظاهر شده در Nash ، RAW و Hall نبودند.
Rick Bogner یکی از افراد باسابقه و قدیمی در سازمان Frontier Martial Arts ژاپن در نقش Razor Ramon و Glen Jacobs در نقش Diesel ظاهر شدند.
این حقه ، موفقیت کمی در WWE بدست آورد و تا اوایل 1997 ، که این حقه راهی به سوی USWA شد که Razor Ramon قلابی Diesel قلابی را در یک مسابقه loser-leaves-town شکست داد.
1997 : در WWE ، تحت عنوان KANE در P.P.V Bad Blood توسط Paul Bearerو به عنوان برادر Undertaker ، معرفی شد که ماسکی بر سر داشت تا آثار سوختگی صورتش را مخفی کند و توانست برنده مسابقات سنگین وزن USWA Heavyweight Championship در July 1997 بشود. 1999-2000 : در 1999 او باز هم به WWF پیوست. ولی یکی از اعضای WWF به نام Chyna با خیانت به او سعی در خراب کردن وجهه KANE کرد و موفق هم شد . اما بعد از مدتی او با Undertaker متحد شد و یک بار دیگر برگشت. بعد از اینکه از Undertaker جدا شد ، با دیگر با تشکیل یک گروه Tag Team با X-Pac چهره شد و در همان زمان بود که از حالت سکوت خود خارج شد و شروع به حرف زدن با استفاده از صدای ته حنجره خود (البته به ندرت) کرد و اولین چیزی هم گفت این بود " Suck it " و یک دوست دختر کشتی کج کار به نام Terri Poch برای خود انتخاب کرد که عکس آن را در زیر می بینید. (قد : 175 سانتی متر . وزن : 64 کیلوگرم . تاریخ تولد : یکشنبه ، 29 مرداد سال 1346 شمسی = 20 August 1967 میلادی)
این Tag Team ، هنگامی که X-Pac به D-Generation X ملحق شد ،

شکسته شد.
به خاطر دشمنی هایی که KANE و Terri پیدا کردند ، او هم به KANE خیانت کرد و به گروه D-Generation X ملحق شد. دشمنی Kane و X-Pac تا WrestleMania 2000 ادامه داشت و در آن بازی Kane ، پیروز شد و پیروزیش را جشن گرفت.
مدت کمی بعد از KANE ، WrestleMania از صدمه ای که به دست او رسید بسیار رنج برد و باعث شد حدود یک ماه کشتی کج را کنار بگذارد. بعد از اینکه برگشت ، به Undertaker و The Rock بر سر اختلافی که با دم و دستگاه McMahon ها پیدا کرده بودند، کمک کرد. کمک به آنها در این دشمنی و خصومت در King of the Ring 2000 و در مقابل Vince و Shane Mcmahon و سپس قهرمان Triple H ، به اوج خود رسید. درگیری مختصری بین Undertaker و KANE ، در خلال مسابقه پیش آمد که به سرعت برطرف شد و مسئله تمام شد.
KANE بعدا یک بار دیگر تغییر رویه داد و به Undertaker حمله کرد که منجر به مسابقه ای بین آن دو در SummerSlam 2000 شد. مسابقه موقعی به پایان رسید که Undertaker ماسک KANE را از صورتش برداشت و باعث شد او از رینگ فرار کند.
Kane تا پایان سال در رقابتهای WWF باقی ماند و سال 2000 با دشمنی که با Chris Jericho به پایان رساند . قهرمان سابق مسابقات KANE ، Intercontinental Champion با ماسک : --
2001 – 2002 : Kane کمی قبل از Royal Rumble 2001 ، اتحاد خود با Undertaker را مجددا تشکیل داد و نام گروهشان را Brothers of Destruction (برادران نابودی) گذاشتند و تا پایان سال 2001 با هم بودند. او در Royal Rumble 2001 ، 11 نفر از کشتی کج کاران را بیرون انداخت و در نهایت هم نفر دوم مسابقه شد.
در خلال آن سال ، Undertaker و KANE با Edge و Christian، Rikishi ، Steve Austin ، Haku ، و Triple H دشمنی پیدا کردند. در همان زمانی که KANE در WWF Hardcore Championship رقابت می کرد، Raven را در WrestleMania 17 شکست داد.
در خلال رقابتهای Kane ، The Invasion و Undertaker با Diamond و Dallas Page و Chris Kanyon، هنگامی که Page به سمت Sara زن Undertaker حمله کرد، دشمنی پیدا کردند. این دشمنی در SummerSlam 2001 هنگامی که Kane و Page ، Undertaker و Kanyon را در یک رقابت قفس فلزی شکست دادند ، به اوج خود رسید و باعث شد هم مقام قهرمانی WWF World Tag Team Championship و هم WCW World Tag Team Championship خود را حفظ کنند.

Kane و KroniK ، Undertaker را در مسابقات Unforgiven 2001 شکست دادند و هر دو در رقابتهای 10 نفره survivor series در Survivor Series 2001 به عنوان اعضای Team WWF شرکت کردند و برنده هم شدند. اگر چه بعدا هر دو حذف شدند . KANE : 2003 در روز دوشنبه ، دوم تیر سال 1382 شمسی برابر 23 June 2003 میلادی ماسک خود را برداشت و سپس سر خود را کامل تراشید و اندکی مو در قسمت پایین سر خود باقی گذاشت.
در همین زمان ، Triple H ، به KANE پیشنهاد داد که به او در گروه Evolution (گروهی متشکل از Batista ، Randy Orton ، Ric Flair و Triple H که البته الان دیگر وجود ندارد) یک جای ثابت خواهد داد. معاون مدیر کل Stone Cold Steve Austin ، RAW ، به KANE این شانس را داد که اگر پیشنهاد Triple H را رد کند کاری می کند که در مقابل Triple H در رقابتهای World Heavyweight Championship بازی کند. از طرف دیگر معاون مدیر کل Eric Bischoff ، اصرار داشت که KANE باید بدون ماسک در برابر Triple H ببازد. Kane پیشنهاد Stone Cold را پذیرفت و در هفته بعد به مسابقه با Triple H در رقابتهای Madison Square Garden رفت. Triple H مسابقه را برد و در پی مزاحمتهایی که Triple H برایش ایجاد کرد ، ماسک خود را برداشت و معلوم شد صورتش واقعا زخمی نبوده است. او سپس به سرعت برگشت و یک ضربه Chokeslam به یار Tag Team خود یعنی Rob Van Dam زد که البته قصد داشت تا او را در SummerSlam 2003 شکست دهد.
در مصاحبه با گزارشگر Jim Ross ، روشن شد که مسئله سوختگی صورت KANE جنبه روانی داشته است و واقعا سوختگی در کار نبوده و این مسئله باعث شد صحبتهایی که قبلا شده بود مبنی بر اینکه بعضی از کشتی کج کاران با دیدن صورت او یکه خوردند ، منتفی شود. در پایان مصاحبه KANE فهمید که دارد مسخره می شود و برای همین به Jim Ross حمله کرد و او را به زمین کوباند . نتایج بازیهای مهم KANE از ابتدا تا کنون :
مجله تخصصی کشتی کج – (PWI – Pro Wrestling Illustrated) ، از میان 500 کشتی گیر برتر سال 2003 به او مقام 186 را داده است.
سال 1999 میلادی ، جایزه Tag Team مجله PWI که با X-Pac بود را دریافت کرد.
در Smoky Mountain Wrestling :
SMW Tag Team Championship با Al Snow .
Rock 'N Roll Express را در روز 7 April 1995 در شهر پیک ویل در ایالت کنتاکی آمریکا شکست داد.
به Tracy Smothers و Tony Anthonyدر شهر Jellico در ایالت

میسوری آمریکا در روز 6 July 1995 باخت. در United States Wrestling Association :
: USWA Southern Heavyweight Championship
Spellbinder را در روز 13 July 1997 در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا شکست داد.
به Steven Dunn در روز 6 September 1997 در شهر ممفیس در ایالت تیسوری آمریکا ، باخت. در World Championship Wrestling :
WCW World Tag Team Championship با Undertaker .
Chuck Palumbo و Sean O'Haireرا در روز 7 August 2001 در شهر لوس آنجلس در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.
به Booker T و Testدر روز 25 September 2001 در شهر دایتون در ایالت اوهایو آمریکا باخت. در World Wrestling Federation :
WWF Championship .
Stone Cold Steve Austin را در 28 June 1998 در شهر پیتزبورگ در ایالت پنسیلوانیا آمریکا شکست داد.
به Stone Cold Steve Austin در 29 June 1998 در شهر کلیولند در ایالت اوهایو آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .
New Age Outlaws را در روز 13 July 1998 در شهر رادرفورد شرقی در ایالت نیو جرسی آمریکا شکست داد.
به Stone Cold Steve Austin در 26 July 1998 در شهر فرزنو در ایالت کالیفرنیا آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Mankind .
Undertaker و Stone Cold Steve Austinرا در روز 10 August 1998 در شهر اوماها در ایالت نبراسکا آمریکا شکست داد.
به New Age Outlaws در روز 30 August 1998 در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .
Owen Hart و Jeff Jarretرا در روز 5 April 1999 در شهر لانگ آیلند در ایالت نیویورک آمریکا شکست داد.
به The Acolytes در روز 25 May 1999 در شهر مولاین در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با X-Pac .
The Acolytes را در 9 August 1999 در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا شکست داد.
به Undertaker و Big Show در 22 August 1999 در شهر میناپولیس

در ایالت مینه سوتا آمریکا باخت. WWF Hardcore Championship .
Raven را در روز 1 April 2001 در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.
به Rhyno در روز 17 April 2001 در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .
Edge و Christianرا در روز 17 April 2001 در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا شکست داد.
به The Two-Man Power Trip در روز 29 April 2001 در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی باخت. WWF Intercontinental Championship.
Triple H را در روز 20 May 2001 در شهر ساکرامنتو در ایالت کالیفورنیای آمریکا شکست داد.
به Albert ، در روز 26 June 2001 در شهر نیویورک سیتی در ایالت نیویورک باخت. WWF World Tag Team Championship با Undertaker .
Diamond Dallas Page و Chris Kanyonرا در روز 19 August 2001 در شهر سن خوزه در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.
به Dudley Boyz در روز 17 September 2001 در شهر نشویل در ایالت تنسی آمریکا باخت. در World Wrestling Entertainment : World Tag Team Championship با Hurricane .
The Un-Americans را در روز 23 September 2002 در شهر آناهایم در ایالت کالیفرنیای آمریکا شکست داد.
به Chris Jericho و Christianدر روز 14 October 2002 در شهر مونترال در استان کبک در کانادا باخت. WWE Intercontinental Championship .
Chris Jericho را در روز 30 September 2002 در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا شکست داد.
به Triple H در روز 20 October 2002 در شهر لیتل راک در ایالت ارکانزا آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Rob Van Dam .
Sean Morley و Lance Stormرا در روز 31 March 2003 در شهر سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا شکست داد.
به La Résistance در روز 15 June 2003 در شهر هیوستن در ایالت تگزاس آمریکا باخت. World Tag Team Championship با Big Show .
Cade و Murdochرا در روز 1 November 2005 در شهر سانتیاگو در ایالت کالیفرنیا آمریکا شکست داد.

به Spirit Squad در روز 3 April 2006 ، در شهر شیکاگو در ایالت ایلینوی آمریکا باخت. فعالیتهای هنری KANE :
اولین فیلم او به عنوان Jacob Goodnight ، جز اولین فیلمهای WWE بود و بعد از آن هم فیلم See No Evil در روز 19 May 2006 که آدرس سایت رسمی این فیلم در زیر آورده شده است : Jacobs در یک شکل خاص از برنامه بازی WWF در شبکه معروف بازی تلویزیونی به نام The Weakest Link در ماه March سال 2002 ظاهر شد و با شکست دادن Bubba Ray Dudley در راند آخر ، بهترین و قویترین لینک بازی شد.
کاراکتر Kane اولین بار در چاپ چهاردهم کتاب کمدی Undertaker در سال 1999 توسط موسسه Chaos! Comics که در حال حاضر منسوخ شده است ، بوجود آمد. این سری از کتابها کاراکتر کمدی منحصر به فرد خواهر ناتنی جوانتر Kane به نام Jezebelle را نشان می داد که البته گفته می شود که Jezebelle همانند Kane نتیجه ارتباط نامشروع Paul Bearer با یک زن ناشناس است.
تا آنجا که به Jezebelle و Kane مربوط می شود ، آنها فقط در پدر مشترک هستند و احتمال دارد که Jezebelle هیچی نسبتی با Undertaker نداشته باشد

جامی، محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عین علی فروشانی. عالم فاضل، ادیب کامل، و شاعر متبحر، از اعقاب شیخ حر عاملی، در سال 1220 در قریه‌ی فروشان وفات یافته.
وی را منظومه‌ای است نظیر «حمله‌ی حیدری»، مشتمل بر احوالات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بحر تقارب، قریب بیست و پنج هزار بیت. [به نام جام گیتی نما]
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

جامی، معین‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 783 ق)، شاعر و ادیب. نسبش به پنج پشت به شیخ‌الاسلام احمد جامی و از طرف مادر به ملک شمس‌الدین ابوبکر کرت، از پادشاهان آل کرت می‌رسد. خواجه معین‌الدین خود از بزرگان خراسان به شمار می‌رفت. وی در جام درگذشت و در مقبره‌ی نیایش شیخ احمد جام به خاک سپرده شد. وی از ادبا و شعرای نامی زمان خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (219).

جان محمدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین جان محمدی
محل تولد : بیجار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/12/7
زندگینامه علمی
سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش "فلسفه روش" ادامه تحصیل می دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریبا بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم . تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جاودان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جاودان
محل تولد : میناب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال 1348هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال 1367 دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.
بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: 1. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.2. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس

می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (67) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.
اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال 1372 وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف 3 الی 4 سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال 1376 به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در 1379 به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.
از سال 1376 وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال 1384 به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.
سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی

طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جاوید کبیری، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق کتابداری.
تولد: 1323، مشهد.
درگذشت: 3 آبان 1374، مشهد.
غلامحسین جاوید کبیری در سال 1351 موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد گردید و در ادامه‌ی آن به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران نایل آمد. سوابق خدمت حرفه‌ای او با شروع فهرست‌نویسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه صنعتی (آریا مهر سابق)؛ از سال 1351 الی 1354، آغاز شد. سپس به سمت سرپرست کتابخانه‌ی مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی ایران (1361 -1354) منصوب گردید.
در سال 1363 به سمت ریاست کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. با کوشش و فعالیت‌های وی و دیگر همکارانش نظام فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های دانشگاه مشهد به اجرا درآمد. و از آن پس سازماندهی و آماده‌سازی کل مجموعه کتب فارسی، عربی و لاتین کتابخانه‌های دانشگاه مشهد در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز استناد انجام گرفت. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی او تدوین طرح فهرستگان کتاب‌های فهرست شده در دانشگاه مهشد بود که با سرپرستی و نظارت وی و کوشش همکارانش اولین جلد آن در سال 1362 منتشر شد. سپس دو جلد دیگر نیز به زیور طبع آراسته شد.
از سال 1364 فعالیت‌های آموزشی ایشان به عنوان مدرس و سپس مربی گروه کتابداری آغاز شد و تا پایان عمر به انجام خدمات آموزشی اشتغال داشت.
از غلامحسین جاوید کبیری آثاری بر جای مانده است: طرح تشکیلات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد (مشهد، 1362)؛ طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز سفارش و تهیه‌ی مدارک (کتب و مجلات) (با همکاری حسن جاویدی و رحمت‌الله فتاحی، مشهد، 1362)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله 1362 -1352) (با همکاری محمد جوان خندان، محمدعلی خاکساری، محمدرضا شالچیان، ملیحه ناظم، نقیب نقوی، مشهد، 1362)؛ نظارت بر بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد (گروه

تحقیق: حسن جاویدی، رحمت‌الله فتاحی، مهری پریرخ، مشهد، 1363)؛ پیرامون نقش آموزشی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، مشهد، 1363)؛ فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر 1362 (با همکاری محمدعلی خاکساری و رحمت‌الله فتاحی، 1364)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله 1364 -1362) (با همکاری حسن جاویدی، محمدعلی خاکساری، رحمت‌الله فتاحی، عاطفه عطرچی و ملیحه ناظم، 1356)؛ نظارت بر تحقیق کتاب فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول (مشهد، 1367)؛ صورت کتاب‌های فهرست شده در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله 1367 -1364) (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، محمدعلی خاکساری، حسن جاویدی، ملیحه ناظم و محمد بنکدار، مشهد، 1369).

غلامحسین جاوید کبیری به سبب حمله‌ی قلبی در سوم آبان 1347 دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدان، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1322.
درگذشت: 1370.
از آثار اوست: بررسی زبان، مبحثی در زبان‌شناسی همگانی (جورج یول، مترجمان اسماعیل جاویدان و حسین وثوق، تهران، 1370).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جاویدی صباغیان، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جباری، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم مشهدی عیسی جباری از گویندگان نامی و ائمه جماعت سامی معاصر تهرانست. وی در حدود 1338 قمری در شهر ری (حضرت عبدالعظیم حسنی) متولد شده و در یک خانواده عفیف و پاکدامن پرورش یافته و به تحصیل دروس کلاسی پرداخته و با نگارنده این گنجینه در کلاس ششم شرکت داشته و پس از پایان دروس جدید تا حدود متوسطه به دروس عربی مشتغل و مقدمات و سطوح را از علماء و مدرسین تهران فراگرفته و در دروس خارج آیت‌الله العظمی خونساری و آیت‌الله حاج سید ابوالحسن معارف اسلام در هیئت محترم بنی‌الزهراء و هیئات و مجالس دیگر مذهبی اشتغال و در مسجد محمدیه (واقع در خیابان زیبای تهران) به اقامه جماعت و تدریس و تفسیر قرآن مجید مشغول می‌باشند.
بیانی شیرین و ملیح و زبانی فصیح کلامی جامع و صوتی نیکو و منبری پر شور و حرارت دارد.
نگارنده گوید، جناب آقای جباری از علماء اخیار و گویندگان ابرار و پرهیزگار حال حاضر است و از چهل سال قبل که ایشان را شناخته‌ام به پاکی و صداقت و تقوا یافته و نقطه ضعفی از ایشان ندیده‌ام فرزند ارجمند ایشان جناب آقای آقا مهدی جباری از فضلاء اهل منبر و جوانان آراسته و با کمالست که در تهران و حومه به انجام این وظیفه خطیر اشتغال دارد.
آقای جباری دارای آثار علمی و قلمی هستند که هنوز به طبع نرسیده است عده‌ای از جوانان مستعد را تربیت نموده و در سلک روحانیت وارد نموده‌اند و غالب شبها در مسجد خود به گفتن درس تفسیر و مسائل احکام و مواعظه حسنه اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

جباری، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شناسنامه :
نام کامل : مجتبی جباری - متولد : ۱۶ خرداد ۱۳۶۲ - سن : ۲۵ سال - زادگاه : رباط کریم ، ایران - قد : ۱٫۸۲ متر اطلاعات باشگاهی :
باشگاه کنونی استقلال تهران - شماره پیراهن ۸ - پُست : هافبک
باشگاه‌های جوانان :
1376 راه آهن
1377 - 1383 استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :
۱۳۸۴ - 1383 ابومسلم مشهد
۱۳۸۴ - تا کنون استقلال تهران تیم ملی :
1384 5 بازی ملی تیم ملی :
جباری تاکنون ۵ بازی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده است که بهترین بازی ملی وی مربوط می‌شود به مقدماتی جام ملتهای آسیا در بازی با تیم ملی چین تایپه در استادیوم آزادی. در آن بازی مربی تیم ملی فوتبال مکزیک که برای آنالیز تیم ایران (قبل از رقابتهای جام جهانی ۲۰۰۶) به ورزشگاه آمده بود مجتبی جباری را بهترین بازیکن تیم ایران نامید. مسلما مصدومیت نقش بسیار پر رنگی در کم بودن سوابق ملی وی داشته است.
باشگاهی :
جباری فوتبال را از جوانان راه آهن و زیرنظر سرمربی وقت آن شروع کرد. وی با بازیهای قابل قبولی که انجام داد توانست نظر احدی مربی وقت جوانان استقلال را به خود معطوف کند و راهی باشگاه استقلال شود. رشد جباری در فوتبال از همان سال آغاز شد و در پایان فصل و به دلیل مشمول بودن نظام وظیفه، وی برای گذراندن خدمت سربازی راهی تیم بزرگسالان ابومسلم خراسان شد. جباری در تیم ابومسلم تبدیل به یک هافبک خلاق شد و خیلی زود توانست خود را به شهرت برساند و به تیم ملی دعوت شود. در پایان فصل ۸۳ -۸۴ مجتبی جباری با گذراندن یک فصل کاملاً موفق در ابومسلم خراسان به تیم بزرگسلان استقلال تهران بازگشت و در همان فصل به همراه استقلال قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران شد.
بهترین بازیکن و پدیده ایران :

مجتبی جباری با بازیهای زیبا و موثر توانست نقش بسزایی در قهرمانی استقلال تهران در فصل ۸۴ - ۸۵ داشته باشد و از طرف کارشناسان و مسئولان به عنوان بهترین بازیکن لیگ ایران و پدیده فصل انتخاب شد .

زندگی شخصی :

در روز بازی فینال جام حذفی سال ۱۳۸۷ ساعاتی پیش از شروع بازی پدرش درگذشت. اما به او اطلاع ندادند و در همان بازی یک گل زد و یک پاس گل داد و بهترین بازیکن میدان شد و مهمترین نقش را در قهرمانی استقلال ایفا کرد.

مصدومیت :

مصدومیت سخت مجتبی جباری در اردوی آماده سازی تیم ملی برای جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان در سوئیس ضربه سختی بر روند پیشرفت جباری وارد نمود. وی که پیش بینی می‌شد یکی از بازیکنان ثابت و پدیده تیم ملی در جام جهانی باشد با این مصدومیت ۱ سال از فوتبال به دور ماند و به همین دلیل جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۸۶-۸۵ لیگ برتر و جام ملتهای آسیا ۲۰۰۷ را از دست داد. اکثر کارشناسان معتقدند که اگر وی در جام جهانی بازی می‌کرد می‌توانست به لیگهای معتبر جهان بپیوندد.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵-۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷-۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

جباری، یعقوب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یعقوب جباری زنجانی از علماء و ائمه جماعت معاصر زنجانست.
وی در حدود 1338 ق در زنجان متولد شده و مقدمات و سطوح اولیه را در زنجان خوانده آنگاه به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و پس از آن از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ خارج فقه و اصول را استفاده کرده و به نجف اشرف مسافرت و از دروس و ابحاث آیات و مدرسین خارج نجف مانند آیت‌اللّه مرحوم حاج میرزا محمدباقر زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران بهره‌مند شده و به وطن مراجعت و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در شهر زنجان اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جباریان، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا جباران
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در پنجم آذر 1337 هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن 20 سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم.در سال 1356 تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز 1359 از بروجرد به قم آمدم و تا سال 1365 جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال 1365 به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال 1368 در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد 1369 به مهاباد عزیمت کردم و به مدت 15 ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال 1375 به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال 1375 به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال

1360 و نوشتن را از سال 1371 آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جبان اصفهانی، ابومنصور محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 416 ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی در ری به دنیا آمد و در اصفهان ساکن شد و به بغداد سفر کرد. جبان از ندیمان صاحب بن عباد و اصحاب ابوعلی فارسی نحوی بود. از جمله آثار وی: «انتهاز الفرص فی تفسیر المقلوب من کلام العرب»؛ «ابنیه الافعال»؛ «الشامل فی اللغه»؛ «شرح الفصیح»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (285 -284 /5)، کشف الظنون (133)، معجم الادباء (262 -260 /18)، معجم المولفین (31 -30 /11)، الوافی بالوفیات (180/4).

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صفر جبرئیلی
محل تولد : بیجار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال 1362 تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده ام.با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگواری چون آیت آلله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح 2 و 3 تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاقه ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسما" به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم.در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جبلی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالواسع، بدیع‌الزمان بن عبدالجامع بن عمران بن ربیع غرجستانی، شاعر ایرانی(ف. 555 ه.ق.) از خاندانی علوی در غرجستان ولادت یافت، و در علوم زمان مخصوصا علوم ادبی کسب کمال کرد، و در شاعری ممتاز شد. سپس به مدح شاهنشاه عصر از غوریان و سلجوقیان و غزنویان پرداخت. از ممدوحان وی طغرل تکین بن محمد است که در 490 ه.ق. بر خوارزم استیلا یافت. دیگر بهرام شاه بن مسعود غزنوی است که عبدالواسع در آغاز شهرت خود چهار سال در دستگاه او به سر می‌برد، و چون بهرام شاه از سنجر استمداد کرد و سنجر به یاری او در 510 به غزنین لشکر کشید، عبدالواسع به خدمت او پیوست و چندی در درگه او اقامت داشت و مورد علاقه سلطان بود. شعر او به لهجه عمومی زمان- که تا آنگاه با زبان عربی آمیزش بیشتری یافته بود- نزدیک شد. وی به کلام آراسته مصنوع و پیرایه‌های لفظی و زیورهای معنوی توجه بسیار داشته. جبلی در شعر عربی هم دست داشت. دیوان او در تهران به طبع رسید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

جداری عیوضی، رشید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رشید جداری عیوضی در سال 1307 در تبریز متولد شد.ایشان دارای دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران (در سال 1346) می باشد.وی فعالیتهای آموزشی خود را در سال 1340 با رتب? مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال 1356 به سمت استادی منصوب شد.
کتاب"دیوان حافظ" تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : رشید جداری عیوضی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال 1333 از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد. در سالهای 1340 و 1346 موفق به دریافت فوق لیسانس و دکترای خود از دانشگاه تهران گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رشید جداری عیوضی فعالیتهای آموزشی خود را در سال 1340 با رتب? مربی در دانشگاه تبریز آغاز کرد و در سال 1356 به سمت استادی منصوب شد.
جوائز و نشانها : کتاب"دیوان حافظ" تصحیح،رشید جداری عیوضی ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : دکتر عیوضی علاوه بر مقالات متعددی که در نشریات و کنگره های علمی ارائه داده، آثار دیگری به رشته تحریر در آورده است.

آثار :
1 تصحیح دیوان پیام تبریزی
ویژگی اثر : مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، 1351
2 تصحیح دیوان حافظ براساس سه نسخ? کامل کهن
ویژگی اثر : تصحیح،با همکاری دکتر اکبر بهروز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، 1356.این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «دیوان حافظ» دیوان حافظ/ تدوین و تصحیح رشید

عیوضی. – تهران: نشر صدوق، 1376.- 2 ج. این نکته مورد اتفاق است که اشعار حافظ در زمان حیات وی تدوین نشده و علاقه جامعان دیوان به تکمیل باعث شده است که حتی در کهن¬ترین نسخه کامل شناخته شده موجود نیز که فقط بیست و یک سال پس از وفات خواجه تدوین شده است اشعاری راه یابد که انتساب قطعی آنها به خواجه دشوار می نماید. همچنین محققان اتفاق نظر دارند در این که غالب اختلاف ضبط ها ناشی از بررسی مداوم حافظ در اشعار خود و تهذیب و تنقیح آنها بوده است و معلوم نیست ضبط کدام غزل در کدام نسخه کهن مطابق با آخرین نظر حافظ باشد. بنابراین در تدوین و تصحیح دیوان باید روشی اختیار شود که مصحح را به سرمنزل مقصود یعنی تهیه نسخه¬ای کمال مطلوب، نزدیکتر گرداند و حصول این نیت جز با اتکا به «منابع قابل اعتماد» و «اعمال روشی دقیق و احتیاط آمیز در تدوین و تهیه متن» امکان پذیر نخواهد بود. هم اکنون هشت نسخ؟ کامل و دو نسخ؟ ناقص و دو منتخب در دست است که در فاصل؟ زمانی 15 تا 35 سال بعد از وفات خواجه نوشته شده اند و این «گنجینه عظیم» منابع قابل اعتمادی است که نیل به نسخ؟ نهایی دیوان حافظ را نوید می دهد. مصحح محترم از میان نسخ مورد اشاره، هشت نسخ؟ کامل را برای تهیه نسخ؟ حاضر کافی تشخیص داده است. تاریخ استنساخ این هشت نسخه از 813 تا 827 هجری قمری است، یعنی در فاصله زمانی 21 تا 35 سال پس از درگذشت حافظ، و فعلاً این هشت نسخه را می توان کاملترین، کهن ترین و قابل اعتمادترین منابع اشعار حافظ دانست. کتاب دیوان حافظ تصحیح دکتر رشید عیوضی در دو جلد تدوین شده است. در جلد اول مصحح در مقدمه ای شیوه کار خود را تشریح کرده و در ادامه، متن کامل دیوان را – به ترتیب از غزلیات، قصاید، مثنویات، ترکیب¬بند، قطعات و فردیات و رباعیات – آورده است. جلد دوم کتاب، بخشی به ذکر نسخه بدلها اختصاص یافته و بخشی دیگر نیز شامل یادداشتهای مصحح می شود. ----------

---

منابع :
1www.ketabesal.ir

جدیدیان، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید جدیدیان
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در اول فروردین ماه سال 53 در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و دوران کودکی خود را در کنار خانواده و جو موجود آن زمان سپری نموده و در مدارس دولتی تحصیلات خود را شروع کردم که دوره ابتدایی و راهنمایی دورانی شیرین و در عین حال پرخاطره بود و سپری شد اما دوره دبیرستان برایم زندگی دیگری آغاز شد و در مدرسه‌ای درس خواندم که حال و هوایش حوزوی و دانشگاهی بود و به شدت مرا تحت تأثیر جو حاکم در این مدرسه قرار داد به نحوی که شیوه زندگی‌ام در آن دوران تغییرات قابل توجهی نمود و مرا به سمت و سوی حوزه متمایل کرد و هدفم را چند برابر متمرکز در حوزه نمود مدرسه‌ای که درس خواندم مدرسه علوم و معارف اسلامی شهید مطهری بود که تحت حمایت مدرسه عالی شهید مطهری تهران اداره می‌گردید که در این مدرسه با آموزش‌های کلاسیک و چند سالی نیز آموزش‌های حوزوی که کتاب‌های حوزوی همراه کتاب‌های دبیرستانی را فرامی‌گرفتیم. که در این سال‌ها بنده هم درس می‌خواندم و هم تدریس می‌کردم تا اینکه دیپلم گرفته و... ناگفته نماند که در دوران تحصیل دبیرستان با دروس حوزوی مأنوس بودم و به شدت علاقه به این دروس سیر زندگیم را به سوی هدف متعالی تغییر می‌داد.
بعد از دیپلم بدون معطلی در امتحانات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و قبول شدم و رسماً از سال تحصیلی 73 ـ 72 وارد حوزه مقدس قم شده درس خود را آغاز نمودم و تحت نظر اساتید بزرگواری تعلیم دیدم که در این دوران علاوه بر تحصیل در مدرسه شریفه اباصالح عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریس دروس حوزه تا حدی که در توانم بود پرداختم و بعد از گذشت 8 ـ 7 سال تحصیلی وارد مرکز تخصصی حوزه علمیه در رشته حقوق و قضای اسلامی شدم و در آنجا سطح دو را خواندم و فارغ التحصیل شدم و الان در آن مرکز مشغول به تحصیل سطح سه در رشته

جزا می‌باشم که در این مدت نیز از تدریس بی‌بهره نبودم در عین حال تحصیلات خود را به پایان رساندم و چند سالی است که مشغول به درس خارج بوده‌ام که در این مدت چند سال که از آمدنم به قم می‌گذرد همواره به تحصیل و تدریس در دانشگاه و مراکز حوزوی مشغول هستم تا چه خواهد...

جذبی اصفهانی، هبةالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1274.
درگذشت: 1364.
رساله در باب ولایت و راه هدایت (تألیف، 1372)؛ کتاب توضیح شرح فارسی بر کلمات قصار بابا طاهر عریان تألیف ملا سلطانمحمد سلطانعلی‌شاه گنابادی (تهران، 1344).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جراح زاده، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ،در سال 1312 در بندر انزلی بدنیا آمد.وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت و داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.ایشان در روز شنبه 15 شهریور ماه سال 1382 در تهران درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
زمان و علت فوت : منوچهر جراح زاده ، شاعر و نویسنده معاصر ، روز شنبه 15 شهریور ماه سال 1382 در تهران درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر جراح زاده بازنشسته بانک بود و " موج سازان" عنوان کتابی است در عرصه شغلی وی که در آن مروری دارد بر عملیات بانکی .تلاشهای دیگرش در این زمینه،وی را شایسته دریافت عنوان نیروی باشزنسته فعال در عرصه بانکداری در سال 1380 کرد..وی از چهره های فعال عرصه مطبوعات بود،شعر می گفت،داستان می نوشت و به طنز می پرداخت.با تبلیغات هم میانه خوبی داشت. متن تبلیغاتی برای مبلغان تلویزیونی تدارک می دید.
چگونگی عرضه آثار : مرحوم منوچهر حراج زاده هنگامی که نفس در سینه اش حبس شد و از منزل بر دوش یاران،دوستان و خویشان شعر سکوت و سکون را سرود و طنز زندگی را با قصه مرگ در آمیخت،یک دو جین تالیف از خود میراث ماندگار کرده بود. عنوان های همچون قلندرفدریا،هردمبیل،انزل چی و میم وجیم برخی امضاءهای جراح زاده پای اثار طنز وی در مطبوعات بوده اند. ----------
---
آثار :
1 بر بافت های خون
ویژگی اثر : مجمعه شعر انقلاب
2 بوسه بر آتش
ویژگی اثر : مجموعه شعر
3 تلاوت فواره ها
ویژگی اثر : مجموعه شعر

4 توفان در فنجان
ویژگی اثر : مجموعه طنز
5 چلچله های جزیره
ویژگی اثر : داستان بلند
6 خانه های شنی
ویژگی اثر : داستان کودکان
7 خواب های قایقی
ویژگی اثر : داستان پیرامون فصاحت سلمان رشدی
8 زنده های بی مزار
ویژگی اثر : مجموعه شعر طنز
9 گیل آواز
ویژگی اثر : دو بیتی های تمثیلی
10 نیمکت سنگی
ویژگی اثر : داستان جنگ
11 یابو و هیاهو
ویژگی اثر : مجموعه داستان
12 یک اسمان شعر
ویژگی اثر : پیرامون شعر

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(366 /362 -290 ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 114)، تاریخ ادبیات در ایران (644 -355 /1)، تاریخ الاسلام (حوادث 273 -271 /400 -381)، تاریخ نیشابور (171)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (7/ 946)، ریحانه (1/ 402)، سیر النبلاء (21 -19 /17)، الکامل (7/ 88)، کشف الظنون (1471، 782)، الکنی والالقاب (2/ 144)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (7/ 123)، معجم الادباء (35 -14 /14)، هدیة العارفین (1/ 684)، وفیات الاعیان (281 -278 /3).

جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 474/471 ق)، ادیب، نحوی و لغوی شافعی. از پیشوایان نحو و ادبیات عرب و از مشاهیر علمای اعیان و بنیانگذار علم معانی و بیان بود. در جرجان متولد شد و نحو را در جرجان نزد ابوالحسین محمد بن حسن ابن اخت استاد ابوعلی فارسی، فراگرفت. وی اشعار نغز و طرفه هم می‌گفته، عبدالقاهر در جرجان درگذشت. از آثار وی: «اسرار البلاغه»؛ «دلایل الاعجاز»؛ «الجمل»؛ «التتمه»؛ «المغنی فی شرح الایضاح»؛ «المقتصد»؛ «اعجاز القرآن صغیر»؛ «العمده فی تصریف الافعال»؛ «العوامل المئه»؛ «المفتاح فی شرح الصحاح»؛ «اعجاز القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (174/4)، تاریخ ادبیات در ایران (355/1)، دایره المعارف فارسی (734/1)، روضات الجنات (89 -85 /5)، ریحانه (401/1)، سیرالنبلاء (433 -432 /1)، کشف الظنون (1769، 1179، 1169، 759، 602، 454، 453، 212، 120، 83)، الکنی و الالقاب (145 -143 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المولفین (310/5)، هدیه العارفین (606/1).

جرجانی، جمال‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 929 ق)، دانشمند، فقیه، متکلم، ادیب و محدث امامی. وی در استرآباد به دنیا آمد و مقدمات علوم را در این شهر فراگرفت، سپس به هرات رفت و نزد ملاحسن حسابی به تحصیل علوم دینی پرداخت و شرح «اللوامع» و کتابهای دیگری را در محضر درس او فراگرفت. وی چندی به وزارت رسید، گویا با امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی مجادله و درگیری داشت، گویند وی با محقق کرکی مجالست و موانست داشت و از محقق کرکی «شرح قوشچی» را آموخت. از جمله آثار وی، شرح «تهذیب الاصول» علامه می‌باشد که در 929 ق از تالیف آن فراغت یافت. این شرح در میان اصولیان شیعه بسیار معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (166/13)، روضات الجنات (211/2)، فوائد الرضویه (84).

جرجانی، شمس‌الدین، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 838 ق)، ادیب نحوی، متکلم و نویسنده. ملقب به میر سید شمس‌الدین و معروف به ابن شریف. در شیراز متولد شد. وی پس از تحصیل دانش، برخلاف مذهب پدر، تشیع اختیار کرد. شمس‌الدین ادیب و حکیمی زبده بود و آثار بسیاری تالیف و تصنیف کرد، از جمله: شرح «هدایه الحکمه» ابهری؛ شرح «ارشاد الهادی» تفتازانی، در نحو؛ شرح «الفوائد الغیاثیه»، «غره» و «دره» در منطق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (180/7)، الذریعه (175/14 ،81/13 ،77/7)، ریحانه (246/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 120/9)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (221 -220 /2)، هدیه العارفین 189/2).

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 -1279 ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (255/8)، الذریعه (188/6 ،91 -90 /2)، علماء معاصرین (126 -125).

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1173 ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازة الکبیرة»؛ «اجوبة مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیة»؛ «التذکرة فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرة الباقیة»؛ «الحاشیة علی اربعین البهایی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (87/8)، الذریعه (382 -381 /21 ،254/20 ،102/14 ،15/10 ،842 ،694 /9 ،25 ،13/6 ،89/4 ،245 -243 /3 ،424 -423 /2)، روضات الجنات (372 ،253 -249 /4)، ریحانه (115/3)، فرهنگ سخنوران (716 -715)، فوائد الرضویه (257 -256)، الکنی والالقاب (332/2)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (160/6).

جزایری شوشتری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1298 ق)، فقیه، ادیب و شاعر امامی. وی از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. جد بزرگش محمدجعفر از شوشتر به هند مهاجرت کرد و در لکهنو سکنی گزید. سید محمدعلی نیز در آنجا به دنیا آمد و مقدمات علوم را در آن شهر فراگرفت. در سال 1325 ق رهسپار عتبات عراق شد و در نجف نزد استادانی چون آخوند خراسانی، آقا سید محمدکاظم یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی تحصیل کرد. پس از شش سال به زادگاهش بازگشت و در بنیاد علمی شعبه‌ی عربی کالج به تدریس پرداخت و شاگردانی چون سید علینقی نقوی، میرزا یوسف حسین، شیخ محمدبشیر انصاری و سید ثمرحسن را می‌توان نام برد. در سال 1355 ق به عراق رفت با شیخ آقابزرگ تهرانی دیدار کرد. وی در شعر دست توانایی داشت و به سه زبان فارسی و عربی و اردو شعر می‌سرود. از جمله آثار وی: «الافادات المحمدیه»؛ «تخمیس قصیده‌ی علویه» به عربی که سروده‌ی پدرش بود؛ شرح «یوان امرىء القیس»، به اردو؛ شرح «رنات الطرب فی قصائد العرب»، به اردو؛ «مزاعم العرب فی الجاهلیة»؛ «دیوان» شعر به عربی؛ «ضبط الغریب من لغة العرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (114/15، 292، 165 /13، 254/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1462 -1460 /14)، مستدرکات اعیان (298/2، 188/1).

جزایری شوشتری، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم، ادیب و نویسنده‌ی امامی. از جمله آثار وی: «خصایص الزینبیه»، در شرح حال زینب کبری (ع)، به فارسی است و عالمان بزرگی چون آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین شهرستانی و شیخ العراقین در تقریظات خود از آن ستایش کرده‌اند. این کتاب در سال 1341 ق در نجف به چاپ رسیده است. این اثر به اردو نیز ترجمه و چاپ شده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (167/7)، مؤلفین کتب چاپی (648 -647 /6).

جزایری، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید صدرالدین جزایزی شوشتری ابن العلامه الجلیل السید حسین بن العالم النبیل السید محمد علی بن العلامه السید عبداللّٰه بن العالم العلام السید علی اکبر بن العلامه المحدث (صاحب کتاب الاجازه) السید عبداللّٰه بن العالم الجلیل السید نورالدین بن العلامه الکبری و الایه العظمی السید نعمت اللّٰه جزایری موسویست.
معظم له از مشاهیر علماء مبرز معاصر تهران است که بعلم و فقاهت و فضل و وجاهت موصوف و متصف میباشد.
تولدش در هفتم ذی‌الحجه 1313 ق در نجف اشرف واقع شده و در حدود چهار سالگی در مدرسه مروی رفته و ادبیات و سطوح را تقریبا تا 12 سال در تهران خدمت مرحوم والدش و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد رضا نوری و آیت‌اللّٰه آقا میرزا احمد آشتیانی بپایان رسانیده و در ماه شعباه 1325 ق به مشهد مقدس مشرف و قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء آنجا مثل مرحوم حاج فاضل و مرحوم آیت‌اللّٰه آقا محمد آقا زاده کفائی و مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی قمی و دیگران تلمذ نموده و از آنجا بعتبات عالیات مشرف و مدت ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی تلمذ نموده و غالبا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالغفار مازندرانی کسب فیض نموده و از کلمات نفیسه و شریفه ایشان که نوعا استفادات معارف و اخلاقیات از کتاب ایشان بود استفاده نموده و پنجسال هم در کربلا از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه قمی فقها و اصولا بهره‌مند شده آنگاه برای زیارت والد ماجدش به تهران آمده و بالضروره رحل اقامت افکنده به اقامه جماعت در مسجد عباس آباد بازار و تدریس فقه و اصول و سایر وظائف دینی و روحی تا حال حاضر اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم گرامی از مدرسین و اساتید مبرز و ماهر مدرسه مروی می‌باشند و حوزه درس فقه و اصولشان مورد استفاده‌ی فضلاء و محصلین تهران بوده و میباشد ادام اللّٰه توفیقه و ظله.
(1386 -1313 ق)، عالم دینی و فقیه امامی. سید صدرالدین در نجف به دنیا آمد و در چهار سالگی همراه پدر به تهران آمد و از همان سال در مدرسه مروی به تحصیل ادبیات و سطوح، در نزد پدرش و آیت‌اللّٰه سید

محمد تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ محمدرضا نوری پرداخت و «شرح اشارات» را در محضر آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی فراگرفت. 1325 ق به مشهد رفت و از حوزه‌ی درس آقازاده و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی مدت هفت سال بهره گرفت و سپس به عتبات رفت و مدت ده سال در نزد علامه نایینی و حاج شیخ محمدحسین اصفهانی به فراگیری فقه و اصول پرداخت. وی پس از آن مدت پنج سال نیز نزد آیت‌اللّه قمی در کربلا به تحصیل فقه و اصول ادامه داد. آنگاه به تهران آمد و از مدرسان و استادان فقه و اصول مدرسه مروی شد. از آثار وی «یادداشتهایی در عقاید و مساله ولایت اهل بیت (ع)» را می‌توان نام برد.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 1472/ 14)، علماء معاصرین (230 -229)، گنجینه‌ی دانشمندان (422 -421/ 4).

جزایری، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌اصغر بن السید الجلیل و العالم النبیل حاج سید محمد حسین بن العلم العلام حاج سید محمدکاظم بن العلامه آیت‌اللّه آقا سید محمد علی موسوی جزایری از علماء اعلام معاصر تهران و مشاهیر احفاد علامه جزایری است.
وی در 22 جمادی الثانی 1314 ق در نجف اشرف متولد شده و پس از دوران صبا در معیت مرحوم والدش به تهران آمده و از محضر مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی مدرس مدرسه مروی متوفی 1327 ق که ماده تاریخ فوتش کریمه‌ی (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداللّه) و آیت‌اللّه حاج صید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده نموده و در اوائل تاسیس حوزه علمیه به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و بعد مقداری از آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و مسافرتی هم به نجف اشرف نموده و مدت کوتاهی از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی مستفیض گشته و در تهران بوظائف دینی از اقامه جماعت در مسجد (حاج میرزا شفیع) در اول خیابان جنوبی خیام و ترویج دین اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایری، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید فخرالدین بن حجةالاسلام حاج سید علی بن آیت‌اللَّه میر محمد علی جزایری از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال 1308 ق متولد شده و در خاندان فضیلت تربیت شده و پس از خواندن متون فقهی و اصول نزد مدرسین و علماء تهران مانند آقا سید محمد مدرسی یزدی و مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی و آقا شیخ علی نوری و در سال 1343 قمری به قم مهاجرت کرده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری و آیات دیگر استفاده نموده و در اواخر مرحوم آقای حایری به تهران مراجعت و تاکنون به اقامه و ترویجات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جزایی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1124 ق)، طراح و رسام فلزات. وی در ساختن اسطرلاب مهارت داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند که به همکاری برادرش انجام پذیرفته، اسطرلاب نفیسی است که برای شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده و چنین رقم نهاده: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی، نمقه اقل الطلبه اخ الصانع محمدباقر 1124».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (669/ 2).

جزمه‌ای قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد جزمه‌ای از علماء مبرز و معروف شهرستان قزوین بوده‌اند. آن مرحوم در قزوین متولد شده و پس از رشد و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح در زادگاهش به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال در آن سامان از محضر آیتین علمین علامتین آیت‌اللّه آخوند خراسانی صاحب کفایه و آیت‌اللّه آقا سید کاظم یزدی صاحب عروه استفاده نموده تا به درجه رفیعه اجتهاد و دریافت اجازه اجتهادی از معظم لهما شده که نسخه هر دو نزد نگارنده موجود است.
سپس به قزوین مراجعت کرده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و سرسختانه با منکرات و فحشاء و عاملین آن مبارزه کرده و تا پای ریشه‌کن کردن فساد و مفسدین چه یهود و چه غیر آن مقاومت می‌نمود و در موضوع کشف حجاب نیز در برابر رضاخان و عمالش مبارزه منفی نموده و از شهر مهاجرت و تا مدتی به شهر نیامده تا این موضوع نسبتا راکد و متوقف شد.
و آن بزرگوار در اثر تقوا و پرهیزکاری و پارسائی در نزد مردم محبوبیت داشت و او را مستجاب الدعوه می‌دانستند. زیرا سالی در قزوین باران نیامد باغات و کشتها خشکید و مردم و کشاورزان به وحشت و هول و هراس قحطی و کمبود افتادند پس آن مرحوم بنا بر دستور والد ماجدشان مرحوم حاج سید ابوالقاسم جزمه‌ای به نماز استسقاء و باران رفته و دعا نموده و باران مفید و سودمندی بارید و مردم بخصوص کشاورزان از نگرانی درآمدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جزمی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجار.
تولد: 1256(1306 ق.)، بجنورد.
درگذشت: 1367، بجنورد.
حسین جزمی از معماران و حجاران بجنورد بود که حرفه‌ی نقاشی ساختمان و سنگ‌تراشی را در عشق‌آباد (شوروی سابق) آموخت. نقوش «رستم»، «سهراب» و «اسفندیار» در سر در مغازه‌های جنب مسجد جامع بجنورد و پل قدیم باباامان از جمله کارهای اوست.
حسین جزمی در سن صد و دوازده سالگی در بجنورد درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جزی، محمد جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آخوند ملا عبدالکریم جزی از فضلا و ائمّه جماعت اصفهان، در سفر زیارت در 14 ذی قعده 1383 در مشهد وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جزی، محمّد جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آخوند ملّاعبدالکریم جزی، از فضلاء و ائمه جماعت اصفهان، در سفر زیارت مشهد در شب 14 ذیعقده 1383 در مشهد وفات یافت و همانجا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفر آقائی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن از علماء و ائمه جماعت حاضر شاهرودند که در مسجد خیانیها به نماز جماعت و تبلیغ احکام مشغول می‌باشند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی جعفر پیشه فرد
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
متولد شهر اصفهان در سال 1340 می باشم. سال 1358 دررشته ریاضی فیزیک از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم گردیدم. اواخر دوره دبیرستان در کنار دروس دبیرستان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام ستم شاهی و شرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگواری همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قدس سره) شروع به خواندن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال 1358 به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. تا سال 1361 دروس مقدماتی را نزد اساتید گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، معالم الاصول وبخش هایی از مختصر المعانی ، بدایة الحکمه، منظومه ، منطق ، شرح لمعه و غیره را به پایان بردم. درسال تحصیلی 61 توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصیبم گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمان همچون آیات و حجج بزرگوار، ستوده، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، سید علی محقق داماد، مسعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال 1365 در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.
ضمنا در طول دوران تحصیل همزمان با تحصیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شد ه ام. در کنار خوشه چینی از محضر اساتید حوزه و تحصیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء قم نیز به سال 1367 شرکت کردم و در سال

1371 با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیم. در بخش تدریس همزمان با تحصیل در حوزه اصفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضر، با عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه وسطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول همچون بدایه و نهایة الحکمه و اسفار اربعه را ، به فضل پروردگار در مراکز مختلف علمی حوزه، همچون فیضیه، دارالشفاء ، مدرسه حجتیه، مدرسه شهیدین، جامعه الزهرا، یا دانشگاه ها ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهانی توفیق خدمت دارم ؛ ضمن آنکه از سال 1376 همکاری با بخش استفتائات کتبی و شفاهی دفتر مقام معظم رهبری ، نصیبم شده است. در بخش پژوهش و تحقیق، کار رسمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسمی از حدود سال 72 با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چندین جلد کتاب بوده است، ضمن آنکه توفیق تهیه ده ها مقاله برای کنگره ها و نشریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفرپور، عبدالجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1326، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اهواز در سال 1350، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال 1352 و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه جرج تاون آمریکا در سال 1359.
مرتبه علمی:
استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال 1360 تا سال 1366 و دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز از سال 1367.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعه و بررسی تحلیلی و تطبیقی روش و محتوای کتابهای زبان انگلیسی مدارس، بررسی ارزشیابی توان صحبت کردن و درجه اعتبار نمرات آزمون‌گران و تهیه فرهنگ بسامدی و دستور ساختار توصیفی زبان فارسی نوشتاری معاصر با استفاده از کامپیوتر، تدریس دروس زبان انگلیسی، آزمون، روش تدریس مسائل زبان‌شناسی، ارزشیابی، مقدمه زبان‌شناسی، دستور پیشرفته، گفت و شنود، درک مطلب و فنون یادگیری.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 4
زمینه علمی تألیفات:
تهیه مجموعه آموزشی فارسی به دیگر زبانان
A basic Course in Reading English for University students, A Course
in testing English as foreign language readings, pronunciation exercises and writing exercisis.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی: 12
زمینه علمی مقالات:
نقدی بر یکی از آزمونهای انگلیسی امتحانات نهائی وزارت آموزش و

پرورش، دیکته چیست و چه می‌سنجد؟ و مقالاتی چند به زبان انگلیسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفری پور، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن جعفری پور
محل تولد : رفسنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

جعفری فرانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین جعفری فرانی
محل تولد : اردستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال 1358 در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال 1361 پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال 1369 دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.
در سال 1370 همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال 1374 موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال 1376 نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال 1378 با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری همدانی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ غلامحسین جعفری همدانی از علماء ابرار معاصر تهرانست و در یکی از شبستانهای جنوبی مسجد جامع به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.
تولد آنجناب در حدود سال 1325 ق در ده هنجرین در جزین همدان واقع شده و در تحت تربیت مرحوم والدش که مرد متدین و با تقوا و به عدالت موصوف و به تقوا و پرهیزکاری معروف بوده نشو و نما یافته و در محل خود تحصیل مقدمات نموده و به همدان آمده و قسمتی از ادبیات را در آنجا خوانده آنگاه به قم مشرف و مقداری از سطوح را چند سالی در حوزه علمیه قم فراگرفته و بعد مهاجرت به نجف نموده و کفایه را نزد مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی سطحا و خارجا استفاده نموده و بعد در درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی فقها و اصولا شرکت کرده و هم از دروس اصول و فقه فقیه اهل البیت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و مقداری هم در درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شده و از معقول مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین باد کوبه‌ای بهره‌مند گردیده است چندین سال در نجف بتدریس متون فقه و اصول اشتغال داشتند تا در سال 1368 ق که به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکنده و تا هم اکنون بخدمات دینی و روحی و تدریس اشتغال دارند در امور دینی بسیار متعصب و غیور و در امر بمعروف و نهی از منکر حتی المقدور کوتاهی نمی‌کند و در همین زمینه ابتلا آتی داشته و تحمل مشاقی در راه دین نموده است.
از آثار قلمی ایشان است: 1- جزاوتی از دروس و مباحثات آیت‌اللّه مشکینی. 2- جزوات تقریرات دروس آیت‌اللّه اصفهانی. 3- دوره‌ی تقریرات دروس آیت‌اللّه آقا ضیاءِ الدین عراقی 4- تقریرات درس آیت‌اللّه نائینی. 5- تقریرات دروس آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جعفری، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد جعفری
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/10/1
زندگینامه علمی
اینجانب بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال 1367 وارد حوزه علمیّه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان زنجان شدم و همزمان دوره دبیرستان را در مدرسه شبانه خواندم و دیپلم تجربی گرفتم. بعد از اتمام پایه ششم حوزه در زنجان، در سال 1373 وارد حوزه علمیّه قم شدم و طی 3 سال مقطع سطح حوزه را به پایان رساندم و در سال 1376 وارد درس خارج فقه آایت الله العظمی سیّدموسی شبیری زنجانی و درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی شدم و همزمان در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. مدّت شش سال حضور مداوم در درس اصول و تفسیر داشتم و در درس فقه اینک نیز شرکت می کنم.
در سال 1380 وارد مرکز تخصصی مهدویت قم شدم و سال 1383 سطح چهار حوزه (دکترا) را در آنجا تمام کردم. از بدو ورود به قم در درس شرح منظومه استاد مهندسی شرکت کردم و کلّ کتاب را با ایشان خواندم و بعد به درس شرح اشارات استاد غلامرضا فیاضی رفتم که بعد از دو سال آن درس را به استاد حشمت پور سپردند و بنده درس را با ایشان ادامه دادم. کتاب بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نیز با نوارهای استاد فیاضی خودم مطالعه کردم. در سال 1381 حدود شش ماه در کلاسهای حدیث دارالحدیث شرکت کردم. مقاله«جمال یار» در اوصاف ظاهری حضرت که در مجله انتظار فصل نامه تخصصی مهدویت در سال 1381 به چاپ رسیده بود در اولین جشنواره مطبوعات، مقاله برگزیده شناخته شد.
حوزه اصلی پژوهش بنده موضوع امامت و مهدویت است و مقالاتی را غیر از مقاله جمال یارنوشتم که در قسمت مقالات به آنها اشاره خواهم کرد. بنده از سال 1383 شروع به تدریس منبع شناسی در مرکز تخصصی مهدویت در مقطع سطح سه حوزه کردم و در سال 1384 نیز مسئولیت واحد پرسش و پاسخ پژوهشکده مهدویت را بر عهده دارم و کارهای

تحقیقی و پژوهشی برای پاسخ به سوالات و شبهات راجع به امام عصر(عج) را انجام می دهم و در تابستانها نیز از طرف مرکز تخصصی مهدویت برای تدریس دوره های فشرده مهدویت عازم شهرستانها می شویم و در حوزه های علمیّه تدریس می کنم.

جعفری، حمیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمیدرضا جعفری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/10/18
زندگینامه علمی
درسال 1373بعد از اتمام خدمت سربازی به حوزه علمیه تهران وارد شدم و د ر مدرسه امین الدوله خدمت حضرت آیة الله حق شناس دام ظله مشغول فرا گیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم درسال 1376به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم .
در سال 1378 در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیة الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و د رهمان سالها درکلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل(ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال 1383وارد مرکز تخصصی فقه واصول ائمه اطهار و درحال مشغول می باشم . در ضمن به طور غیر حضوری در مؤسسه امام خمینی(ره) در رشته کلام مشغول تحصیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رسول جعفری شیاده
محل تولد : شیاده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال 1331 ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا ، از تحصیل در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شوند! و بی دین بار می آیند لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی 1347 ه ش، که به مدرسه علمیّه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.
زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری مدیر حوزه علمیّه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه 1349 شرکت کردم و قبول شدم.
قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل دروس حوزوی ـ و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! ـ و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنا بر این در خرداد سال 1350 در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شدم. در همین سال ـ یعنی سال 1350 ـ برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج

شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که با اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشد، در مدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان ـ نظام قدیم ـ به اتمام رسید. درسال 1353 به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و درسال 1354 و 1355 قسمتی از مقدمات را تدریس می کردم و در این سال ها تا سال 1360 که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به طور طبیعی با تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.
در سال 1360 توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال 1361 و 1362 در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال 1363 دوره آموزش یا معلمی زبان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیدم و مدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.
در سال های 1365 تا 1368 ضمن تحصیل در درس های خارج فقه و اصول وشرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظله) تتلمذ کردم که در آن سال (1368) به علت منع پزشکان از تدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال 1361 به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چند آفریده شد. در سال 1369 در ماه مبارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.
البته در خلال این سال ها یعنی در سال 1373 و 1374 دو بار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شدم که برای ایرانیان ، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال 1374 نیز به عنوان مبلغ زبان دان

در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشرف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشرف حاصل کردم. در سال1370 باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و درسال 1376 این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، عصمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عصمت الله جعفری
محل تولد : ساوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1313/6/1
زندگینامه علمی
سال ورود به حوزه 1342 در حوزه علمیّه فیضیه/شهر قم
بنده در هفت سالگی مکتب خانه رفتم مشغول درس شدم چون آن زمان مدرسه نبود رسم معلّم را می گفتند ملاّ هرهفته خانه یک نفر مشغول درس بودیم حروف تهجی الابجدوقرآن ومصیبت خواندن شش سال به مکتب رفتم درضمن یک درس ازمقدّمات را پیش مرحوم شیخ نجفی می خواندم 5 سال بعد خودم برای بچّه ها درس میگفتم در آن روستا مقدّمات هم می خواندم سال 42 آمدم قم در منزل امام رضوان الله امتحان کردند در ادبیّات قبول شدم شهریه ای مختصری درست شد بنده درس ها را با ردیف خواندم امتحان دادم قبول شدم شهریه ای رتبه ای یک می گیرم بعد هجرت به ساوه اول انقلاب بود در ستونهای قبلی کمّیت و کیفیت آنها را نوشتم واجبات شکیات نصاب الصبیان در روستا خواندم از برشدم به حساب الابجد آشنا هستم درس قرآن راباهیجاخواندم درضمن تحصیل حساب جمع تفریق ضرب چهار عمل اصلی رایادگرفتم وآشنا هستم تا بحال هر جابودم مشغول درس بودم ومن الله التوفیق از روستایان بخش نوبران ساوه عصمت الله جعفری

جعفری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی جعفری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
متولد 1359قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: 1374 (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال 1377 دیپلم ریاضی گرفتم)
اتمام کتبی و شفاهی پایه10حوزه علمیه درسال 1381
اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)- استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)- استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)- مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)- آیت الله استادی (رسائل)- آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)- استاد علیدوست (مکاسب) از سال 1381 حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی
دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال 1383
اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال 1383
دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال 1385 و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده
شروع به تدریس در دانشگاهها از سال 1385 اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت 1387 اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر 1387
مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد 1387

جعفری، محمد صابر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صابر جعفری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1364 وارد حوزه شدم، مدرک تحصیلی ام سیکل بود . کمی بعد، در کنار دروس حوزه، دیپلم گرفتم، در رشته علوم سیایی دانشگاه باقر العلوم ثبت نام کردم ولی انصراف دادم. درس های حوزه را با شرکت در رشته تخصصی کلام (موسسه امام صادق علیه السلام) ادامه دادم . با پایان تحصیل آنجا جزء گروه اولی بودم که در مرکز تخصصی مهدویت شرکت جسته و کم کم حوزه فعالیتم را بیشتر به این موضوعات اختصاص دادم. چند مقاله در مجله تخصصی کلام اسلامی و چند مقاله هم در فصلنامه تخصصی انتظار ارائه دادم. هم اکنون معاون پژوهشی مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) هستم، ضمنا جزء هیئت تحریریه فصلنامه علمی تخصصی انتظار از بدو تشکیل بوده ام. اکنون جزء هیئت تحریریه فصلنامه شرق موعود (فارسی)، الموعود (عربی) و Bright future (انگلیسی) هستم.

جعفری، یعقوب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یعقوب فرزند مرحوم محمدحسین جعفری نیز از افاضل نویسندگان و مدرسین معاصر حوزه علمیه و مجتمع مجله مکتب اسلام می‌باشند.
وی در سال 1325 شمسی در شهر مراغه به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدایی و اولیه در مدرسه جامع و مدرسه امامزاده مراغه به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و مقداری از سطوح را در مراغه خدمت مرحوم آقا شیخ حسین پیشنماز و مرحوم حاج شیخ رضا ساجدی و حاج شیخ احمد امینی و حاج سید جواد مقدسی و آقای هبةالهی خوانده و در سال 1341 شمسی عزیمت به قم نموده و علیرغم مشکلات مالی و کمبودهای شکننده‌ای با اهتمام تمام به درس و بحث پرداخته و دوره سطح را از محضر اساتیدی مانند آقایان ستوده و اعتمادی و مکارم و سبحانی به پایان رسانیده و همزمان با آن دروس عقلی را از مرحوم آیت‌اللّه مطهری و آقای حسن‌زاده آملی استفاده کرده و خود نیز به تدریس کتب سطح مشغول بوده و در کنار این تدریس و تدرس دوره عالی دارالتبلیغ اسلامی قم را به اتمام رسانیده و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه آملی حدود پانزده سال شرکت و ادامه داده و در ایام تعطیل و موسم تبلیغ محرم و ماه رمضان در مساجد مهم شهر مراغه تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف جعفری نموده و خدمات ارزنده‌ای از ارشاد نسل جوان و روشن کردن افکار آنان نموده و در ضمن اشتغال به دروس متداوله به نویسندگی علاقه شدیدی داشته و در سن 18 سالگی نخستین سلسله مقالات تحت عنوان درس زندگی در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده و از آن پس در روزنامه ندای حق و مجلاتی مانند نسل نو و پیام شادی و مکتب اسلام مرتبا مقالات ایشان منتشر می‌شد و مدتی هم سر دبیری مجله نسل نو و مدیریت داخلی مکتب اسلامی را به عهده داشته‌اند و در حال حاضر نیز عضویت هیئت تحریریه مکتب اسلام را دارا هستند.
آثار طبع شده ایشان به قرار زیر است:
1- انسان در جهان بینی اسلامی
2- ابعاد حکومت اسلامی
3- بینش تاریخی قرآن
4- مسلمانان در بستر تاریخ 5- خوارج در تاریخ

آثار مخطوط آماده طبع
1- قرآن در قرآن
2- بینش تاریخی نهج‌البلاغه
3- شرح دوازده بند محتشم کاشانی تحت عنوان (آن سر که شد به نیزه)
4- تاریخ علم کلام
5- حدوث و قدم قرآن- و غیره جزوه‌های دیگری مانند:
6- نور هدایت در تفسیر قرآن
7- آداب و اخلاق در حدیث
8- النور المبین فی شرح تبصره المتعلمین
9- طبقات متکلمین شیعه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جعفری، یعقوب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یعقوب جعفری
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/1
زندگینامه علمی
حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ یعقوب جعفری (جعفری نیا) فرزند محمد حسین در 11 بهمن ماه 1325 در شهر مراغه در یک خانواده متوسط مذهبی به دنیا آمد و از سن 6 سالگی در یکی از مکتب خانه های قدیمی شهر به خواندن قرآن مشغول شد و پس از آن در حوزه علمیه مراغه به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و متون درسی پرداخت و تا کتاب معالم الاصول را در آنجا خواند. برخی از اساتید ایشان در آن زمان عبارت بودند از: مرحومان شیخ رضا ماجدی و شیخ حسین پیش نماز و شیخ احمد امینی و شیخ حسین هبتی.
وی درسال 1342 به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و ادامه تحصیل داد. برخی از اساتید ایشان در سطح عبارت بودند از: آیت الله آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی، آیت الله آقای حاج سید یوسف مدنی، آیت الله آقای شیخ ید الله دوزدوزانی، آیت الله آقای ستوده، آیت الله آقای مکارم، آیت الله آقای سبحانی و مرحوم آیت الله آقای سید رضا صدر. همچنین اساتید ایشان در دروس خارج که حدود 15 سال ادامه داشت عبارت بودند از: مرحومان آیت الله شیخ هاشم آملی، آیت الله فیروز آبادی، آیت الله شیخ کاظم تبریزی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی. و نیز از دروس آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی هم استفاده کرد و در دروس عقلی از شهید مفتح و آقای انصاری شیرازی و آقای حسن زاده آملی بهره برد. در کنار خوشه چینی از دانش این بزرگان، خود نیز به تدریس بعضی کتاب های درسی پرداخت و همزمان در سال های 50 تا 56 چندین سال در دارالتبلیغ اسلامی که در آن زمان برنامه های منظمی داشت درس خواند و دوره عالی آن را گذراند و در آنجا از محضر اساتیدی مانند شهید مطهری و مرحوم صدر بلاغی و مرحوم سید مرتضی شبستری و مرحوم آیت الله حاج میرزا باقر ملکی میانجی و مرحوم آیت الله شیخ

اسحاق آستارایی و نیز آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی و آیت الله شبیری زنجانی و دیگران استفاده کرد. از حدود سال 1346 با مطالعه آثار نویسندگان بزرگ مذهبی و روشنفکران آن عصر و برخی از ترجمه کتابهای خارجی و آشنایی باشیوه نگارش، دستی به قلم برد و مقالاتی نوشت که اولین مقاله وی در نشریه مسجد اعظم چاپ شد، تا بالاخره وقت بیشتری را برای مطالعه و تحقیق و نوشتن صرف کرد و مقالات بسیاری را در مجلات مختلف نوشت و سردبیر مجله نسل نو شد که در آن زمان از سوی دارالتبلیغ اسلامی در سطح جوانان منتشر می شد و با استقبال فراوانی روبرو بود.
بعدها نیز سردبیری مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلامی را بر عهده داشت. همزمان با این فعالیت های علمی و حوزوی، همواره در موسم های تبلیغی مانند ماه های رمضان و محرم و صفر به تبلیغ می رفت وبیشتر در مساجد و مجالس شهر مراغه انجام وظیفه می کرد. حجة الاسلام جعفری علاوه بر فقه و اصول، در مطالعات و تحقیقات خود در آغاز بیشتر به رشته تاریخ گرایش داشت و در این رشته کتاب هایی را نوشت که بعضی از آنها چاپ شده است مانند: خوارج در تاریخ، مسلمانان در بستر تاریخ، بینش تاریخی قرآن، بینش تاریخی نهج البلاغه، و مقالاتی در تحلیل برخی از وقایع تاریخی. همچنین چندین دوره در مرحله کارشناسی ارشد رشته تخصصی تاریخ در حوزه علمیه تدریس کرده است. پس از آن در مطالعات خود به سوی علم کلام و تاریخ علم کلام و ملل و نحل گرایش یافت و در این رشته نیز کتاب های متعدد و مقالات بسیاری نوشت و در این مرحله بود که مجله کلام اسلامی از سوی موسسه امام صادق علیه السلام وابسته به آیت الله سبحانی، منتشر می شد و نیز در این مرحله به تصحیح برخی از متون کلامی متقدمان پرداخت که از جمله آنها می توان از کتاب شرح جمل العلم از سید مرتضی و کتاب مناهج الیقین از علامه حلی که هر دو با پاورقی های مفصل ایشان به زبان عربی چاپ شده است، نام برد.
سپس سیر فکری ایشان به سوی قرآن و علوم قرآنی و در نهایت تفسیر قرآن تغییر جهت یافت و مطالعات خود را در تفسیر و علوم قرآنی متمرکز کرد و نتیجه آن علاوه بر دهها مقاله در این موضوع که در مجلات مختلف چاپ شده است، چندین کتاب است که از جمله آنها می توان از کتاب سیری در علوم قرآن، پژوهشی درباره صابئین، رسم الخط مصحف، سیمای امام علی در قرآن، تفسیرسوره یوسف، تاریخ اسلام از منظر قرآن و از همه مهمتر مجلدات تفسیر کوثر نام برد که هم اکنون نیز به نوشتن آن مشغول هستند، تفسیر کوثر که یک تفسیر ترتیبی از اول قرآن تا آخر آن است با روش خاص و با توجه به نیازهای روز نگاشته می شود و تاکنون

شش جلد آن منتشر شده و پیش بینی می شود که به خواست خدا در ده جلد تمام شود. به خاطر نگارش این تفسیر و سایر فعالیت های قرآنی، در سال 1380 در نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تهران، طی مراسمی، ایشان از خادمان قرآن معرفی شدند و توسط رئیس جمهور لوح تقدیر و جایزه به ایشان داده شد. حجة الاسلام جعفری نیا درباره انگیزه خود در نگارش این تفسیر، چنین اظهار داشتند: «باید بگویم همواره معتقد بودم که با نزول قرآن سفره ای از آسمان در زمین گسترده شده که بشر را در طول نسلها و قرنها به میهمانی فرا می خواند و مائده های خود را در اختیار همگان می گذارد و انسان در هر عصری می تواند به اندازه گنجایش استعداد و سعه وجودی خود از این خوان پر خیر و برکت تغذیه کند و بهره گیرد و قرآن مانند باران رحمتی است که هر کسی می تواند به مقدار ظرفیتی که دارد آن را در خود جای دهد،" انزل من السماء ماء فسالت اودیه بقدرها." البته در طول تاریخ، اندیشمندان بسیاری در کنار این خوان نعمت نشسته اند و عمر خود را با آن سپری کرده اند و کوشیده اند که یافته های خود را به دیگران منتقل سازند و نتیجه آن، نگارش تفاسیر با ارزشی شده که ازآنها به یادگار مانده است و ما اکنون میراث دار مجموعه ای گران سنگ از تفاسیر گوناگونی هستیم که حاصل تلاش فرزانگانی است که خود را در خدمت قرآن قرار داده اند و سالیان بسیاری از عمر خود را به تفسیر و توضیح و کشف و بین آیات قرآنی گمارده اند و ثروتی عظیم و ماندگار برای ما پیش کش کرده اند.
ولی حقیقت این است که با وجود تمام این تفاسیر پرارزش، هنوز هم گنجینه پایان ناپذیر علوم و معارف قرآنی انباشته از نکات فراوانی است که کشف و استخراج آنها تعمقی دوباره و نگرشی تازه را طلب می کند. و میدان برای پژوهندگان و جویندگان بعدی همواره باز است که همت گمارند و به اندازه درک و فهم خود در این دریای ناپیدا کرانه غور کنند و مطالب تازه ای بدست آورند. کم ترک الاول للآخر.بخصوص اینکه هر عصری زبان خاص و ادبیات خاص و نیازهای خاصی دارد و لازم است که در هر عصری تفسیرهای جدید و جدیدتری برای قرآن نوشته شود که ضمن وفاداری به مفاهیم قرآنی و پرهیز از تفسیر به رای، معارف بلند آن، مطابق با نیازهای عصر و با زبان روز ارائه شود. نگارش تفسیر کوثر برای رسیدن به چنین هدفی بوده است، ولی آیا این توفیق را به دست آورده است؟ پاسخ آن بر عهده صاحب نظران است.»

جعفریان، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول جعفریان
محل تولد : خوراسگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
دوره دبستان را در زادگاهش "خوراسگان" گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.
رسول جعفریان در سال 57 هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال 58 هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال 59 هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال 64 هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلال یزدی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1345 -1283 ق)، حکاک، خطاط و شاعر، متخلص به جلال. از نوادگان میرزا علینقی. در قریه‌ی نبادک سادات یزد متولد شد. در نوجوانی ضمن کار حکاکی به تحصیل پرداخت و در 26 سالگی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران رفت و توسط میرزا علی‌اصغر اتابک به دربار مظفرالدین شاه قاجار وارد شد و به دلیل بلاغت گفتار لقب افصح‌الملک یافت. وی در سرودن غزل، مثنوی و قصیده، بویژه قطعه، مهارت داشت. وی در یزد وفات یافت و در جوار حرم امامزاده جعفر، دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (426 -422)، الذریعه (201/9)، ریحانه (157/1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (15 -13 /3)، فرهنگ سخنوران (217).

جلالی تهرانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد ابن العالم الجلیل الحاج السید علینقی الموسوی الجلالی تهرانی مذکور از فضلاء دانشمندان تهران و سبط آیت‌اللّٰه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری می‌باشد.
معظم له در حدود سال 1355 قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت- در بیت علم و سیادت و تحصیلات ابتدائی و مقدمات به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و بدروس خارج آیات عظام مانند آیت‌اللّٰه مرحوم محقق یزدی و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت تا سال 1382 قمری که در تهران اقامت گزیده و بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
مؤلف گوید: آقای جلالی دانشمندی با استعداد و فاضلی برومند و در میان اقران خود مانند والد ارجمندش بمتانت و ظرافت ممتاز و بشرافت حسب و نسب سرافراز میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

جلالی مقدم، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : مسعود جلالی مقدم در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. گرچه تحصیلات متوسطه را در رشته ریاضی به پایان برده بود، اما مجذوب مباحث دین پژوهی شد ودر رشته فلسفه و ادیان و عرفان از دانشگاه تهران دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند. او دکترای خود را نیز در دو رشته یکی در رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران و معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی گرفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
گرایش : ادیان، اساطیر و عرفان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در رشته ریاضی ـ دریافت مدرک کارشناسی فلسفه محض از دانشگاه تهران ـ دریافت کارشناسی ارشد در رشته ادیان و عرفان ـ دریافت مدرک دکترا در رشته معارف اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی ـ دریافت مدرک دکترای ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه تهران
استادان و مربیان : از استادان مسعود جلالی مقدم میتوان به استاد فرزانه دکتر فتح الله مجتبایی اشاره کرد که وی نیز راه استاد خویش فتح الله مجتبایی را پی گرفته و در حیطه مطالعاتی اش به شناخت جامع از مقوله پژوهش ادیان دست یافته است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ مدیر بخش «ادیان، اساطیر و عرفان» دانشنامه ایران در مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی ـ مدیر گروه ادیان و عرفان (کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری) ـ عضو شورای علمی مرکز گفت وگوی ادیان حوزه های مطالعاتی جهت گیری اصلی ادیان جلالی مقدم در حال حاضر به نگارش مقالاتی برای دانشنامه ایران و دایر ةالمعارف بزرگ اسلامی مشغول است و به عنوان پژوهشگر با بخش ادیان مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری دارد (بخش ادیان و عرفان دانشنامه ایران از تیرماه ۱۳۷۷ کار خود را آغاز کرده و از همان ابتدا مدیریت آن بر عهده جلالی مقدم بوده است. مباحث مربوط به ادیان و اساطیر تمام جهان و عرفان اسلامی در این بخش مطرح می شود. اساس کار برترجمه از منابع معتبر و دایرة المعارف های موثق خارجی است، ولی در مورد عرفان اسلامی قاعده بر تلخیص از مقالات تألیفی

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است.)
آرا و گرایشهای خاص : مسعود جلالی مقدم درباره دو موضوع دانش ادیان و گفت وگوی ادیان می گوید: «دانش ادیان و گفت وگوی ادیان هر دو به حوزه دین مربوط اند و دارای اشتراکاتی هستند، اما شیوه عملی این دو متفاوت است. گفت وگوی ادیان از همان زمان که جوامع بشری تشکیل شد و انسان ها به نوعی با هم ارتباط پیدا کردند، مطرح شد و شاید حرکت جوامع به سمت دهکده جهانی ضرورت گفت وگوی ادیان را واجب تر کرده است. مجاب کردن دیگران، تفهیم و تفهم و نزدیکی و تقرب سه هدف اصلی گفت وگوی ادیان است. در شیوه مجاب کردن دو طرف گفت وگو سعی در پیدا کردن نقاط ضعف طرف مقابل از یک طرف و از طرف دیگر اثبات حقانیت خود دارند که در عالم اسلام این شیوه گفت وگو احتجاج خوانده می شود. در شیوه تفهیم و تفاهم نیز که زمینه عملی برای گفت وگوی ادیان فراهم می آورد، دو طرف گفت وگو هدفشان این است که شناخت روشن تری نسبت به هم به دست آورند و جنبه معرفتی دارد. گفت وگو با هدف نزدیکی و تقرب جستن نیز جنبه اخلاقی دارد. وقتی دو طرف گفت وگو سعی می کنند اشتراکاتشان را پیدا کنند، همین منجر به شناخت و ارتباط نزدیک تر می شود و از اختلاف ها، دشمنی ها و کینه ها کاسته می شود.وحدت انسانیت، وحدت ایمان و وحدت حقیقت به عنوان مقدماتی است که از طریق تحقق آن ها وحدت دینی امکان پذیر است. تا زمانی که اختلاف های ملی و فرهنگی وجود داشته باشد، سودای رسیدن به وحدت فرهنگی و ادیان نتیجه ای نخواهد داشت؛ چرا که رسیدن به تساهل و تسامح مقدمات زیادی لازم دارد. رویکردهای مختلفی در بحث های مربوط به دین وجود دارد و نخستین آن، رویکرد کلامی یا الهیاتی به دین است که تلاشی برای اثبات حقانیت یک دین است. رویکرد بعدی، رویکرد فلسفی است و زمانی که گرایش به تأیید دین دارد، دیندارانه است. رویکرد سوم، یعنی پدیدارشناسی را باید رهیافتی خاص غیر از رهیافت محض علمی در نظر گرفت. رویکرد علمی به دین نیز شامل سه بخش است: رویکرد توصیفی که شخص باید دوره تاریخی خود را توصیف کند؛ چرا که هیچ پدیده اجتماعی ای بدون تاریخ وجود ندارد، بنابراین، در اینجا بحث رویکرد تاریخی مطرح می شود و از آنجا که در این مرحله باید مقایسه و تطبیق را هم انجام دهیم، رویکرد تطبیقی یا مقایسه ای به وجود می آید. جامعه شناسی و مردم شناسی دین رویکردهای کمکی هستند. کتاب world religion dialogue برجسته ترین نمونه جدید شناخت تطبیقی ادیان به شکل گفت وگوی ساختگی است. در این شیوه ساختگی به طرح مسائل و اعتقادات آئین ها و دین های مختلف پرداخته می شود و ۶ نماینده از ۵ دین مسیحیت، اسلام، یهودی، هندو و دو نماینده از دین بودا

به گفت وگو می پردازند. جلالی معتقد است دانش ادیان می تواند به شکل گفت وگوی ادیان مطرح شود و همچین گفت وگوی ادیان می تواند معرفت دانش ادیان در بالاترین شکل باشد.
چگونگی عرضه آثار : پژوهش ها و تألیف ها و ترجمه های مسعود جلالی مقدم همه در زمینه ادیان است. در میان آثار او می توان به کتاب های آئین زروانی، تنها بازماندگان خوارج، درآمدی بر جامعه شناسی دین، آرای جامعه شناسان بزرگ دین، سه گام کیهانی و...، و همچنین ده ها مقاله در نشریه های علمی - پژوهشی معتبر اشاره کرد. جلالی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی مدخل های آسوریان، آفتاب پرستی، اباضیه، ابتریه، ابراهیم بن بن محمد، بن ابی یحیی، ابن ابی العوجاء، ابن حرزهم، ابن حوشب، ابن عاشر، ابوالعباس، ابن کرامه، ابوحاتم رازی، ، احمد، ابوالحسین بصری، ابوزکریاورجلانی، ابو قره، ابومسلمیه، اشرف جهانگیر و... را نگاشته است. یکی دیگر از آثار جلالی «درآمدی بر جامعه شناسی دین» است. امروزه جامعه شناسی دین جایگاه مهمی در مباحث دین شناسی دارد.

آثار :
1 آئین زروانی
ویژگی اثر : چاپ گوته، - (تجدید چاپ) امیرکبیر، - کتاب «آئین زروانی» جلالی نیز به بررسی مکتب فلسفی، عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان می پردازد. این کتاب که از آثار تألیفی جلالی مقدم است در دو بخش تاریخ، اصول فلسفی و عرفانی آئین زروانی تألیف و تدوین شده است. به گفته او در این کتاب توضیحاتی به لحاظ تاریخی و فلسفی از مکتب زروانی به خوانندگان ارائه می شود و مباحثی در باره این که چرا در ایران پیش از اسلام به ثنویت توجه شد و آیا در آن دوران مسأله یگانه گرایی مطرح نبوده است و ایرانیان به سمت مبدأ واحد توجه نداشتند و ... در آن به صورت مبسوط شرح داده می شود.هدف نگارنده از تألیف این کتاب، پاسخ به همه این مجهولات و آشنا کردن خوانندگان با این مباحث بوده است. در دیباچه این کتاب آمده است: «با این فلسفه و تأثیر دیرپایی که مکتب زروانی داشته غفلت ایرانیان از آن شاید قابل توجیه نباشد. اکنون در دانشگاه های ما که فلسفه دوران باستان را تدریس می کنند، به فلسفه سال پیش یونانیان می پردازند؛ جلوتر که بیایند فلسفه هایی را که در روم، پیش و پس از آغاز مسیحیت مطرح شد، می آموزند، ولی در همین کلاس ها هیچ خبری از فلسفه های ایرانی نیست گویا در ایران چشمه های تفکر خشکیده بوده و تنها در مغرب زمین اندیشه و فلسفه امکان حیات داشته است. در این باره باید کاری انجام شود. باید تاریخ قدیم فلسفه و عرفان را دوباره به محک زد. قسمت های ناشناخته و تاریک

این تاریخ را باید دوباره روشن کرد و مذهب زروانی در این میان جایگاهی مهم دارد، زیرا از فلسفه ای پیچیده و جالب توجه و زمینه ای عرفانی برخوردار است.» کتاب آئین زروانی نگاهی دارد به مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان. کتاب حاضر از ? گفتار سامان یافته است و گفتارها در جمع به ?? فصل بخش می شود. موضوع متن بررسی و ریشه یابی آئین کهن ایران (آئین زرتشتی) است به گمان مولف، آئین زرتشت یک آئین بسامان مذهبی بود که از جهان بینی فلسفی دیرپایی بهره داشت ودر جای جای ایران زمین میان عامه و متفکران پیرو داشت. نفوذ این آئین از ماوراء مرزهای شمال شرقی ایران کهن تا بین النهرین باستانی ادامه داشت.

2 اسلام

ویژگی اثر : پژوهشی تاریخی و فرهنگی (تألیف گروهی) سازمان چاپ وزارت ارشاد

3 تاریخچه ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : امیرکبیر،

4 تاریخچه ادیان در جهان

ویژگی اثر : کتاب «تاریخچه ادیان در جهان» (نخستین گام در شناخت تاریخ ادیان) تازه ترین ترجمه این محقق و مترجم به شمار می آید. او با ترجمه این کتاب به طور فشرده اطلاعات جامعی را درباره تاریخچه ادیان در جهان در اختیار خوانندگان و علاقه مندان قرار می دهد. جلالی مقدم درباره این کتاب می گوید: « تا امروز در ایران کتاب های متعددی درباره تاریخ ادیان به زبان فارسی به چاپ رسیده است اما جز یک کتاب، هیچ یک از آنها خلاصه نیستند. تنها کتاب خلاصه ای هم که در این زمینه موجود است از مجموعه کتاب های «چه می دانم» است که انتشارات علمی به چاپ رسانده است که آن هم از ترجمه مناسبی برخوردار نیست و بسیار مخدوش است.» به گفته او، هدف از ترجمه این کتاب، شناساندن اجمالی تاریخ ادیان به خوانندگان وعلاقه مندان در این زمینه بوده است.

5 تنها بازماندگان خوارج

6 جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه

ویژگی اثر : نگاه سبز،

7 درآمدی بر جامعه شناسی دین

ویژگی اثر : این کتاب که در سال ???? توسط نشر مرکز به چاپ رسیده، شامل یک دیباچه و ??فصل است. از منظر جامعه شناختی سؤالاتی چند در مورد دین ایجاد می شود. از جمله این که دین چیست؟ چرا آدمیان دیندارند؟ دین به انسان چه می دهد ؟ دین بر انسان به عنوان یک موجود اجتماعی چه تأثیری دارد؟ و در روابط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

و فرهنگی چه نقشی دارد؟ از جنبه های گوناگونی می توان به بررسی دین پرداخت. اما رویکرد جامعه شناسی درصدد است با دوری از هر گونه پیشداوری و قضاوت به آثار اجتماعی دین در جامعه بپردازد. دین وابستگی شدیدی با یکایک وجوه فرهنگی و نیز سیاسی و اقتصادی دارد و بر آنها تأثیر می گذارد و از آنها متأثر می شود. فصول بعدی این کتاب به رویکرد جامعه شناسی دین اختصاص دارد. همانطور که در دیباچه کتاب آمده هدف نویسنده هموار کردن راه دانش دین شناسی در ایران است. آنچه که در این کتاب درج شده تنها یک گام در این راه است. جدا از محتوای کتاب که به قول نویسنده تنها یک گام به جلو است، از نظر شکلی نیز لغت نامه، فهرست اعلام و منابع برای مطالعه بیشتر در پایان کتاب عرضه شده است.

8 درسهایی از بینش روانی

ویژگی اثر : (ترجمه) نشر یاران شید،

9 رساله در آئین و یشنو پرستی دین هندویی

ویژگی اثر : نشر مرکز،

10 سه گام کیهانی

11 کرانه های هستی انسان در پنج افق مقدس

ویژگی اثر : کتاب دیگر جلالی است که به تحقیق تطبیقی در انسان شناسی پنج دین بزرگ می پردازد و انتشارات امیر کبیر آن را در یک جلد به چاپ رسانده است. این کتاب درباره انسان شناسی است و از نگاه ادیان به ابعاد مختلف انسان می پردازد، به طوری که از پیدایش انسان تا عناصر سازنده او، احوال و سرانجام انسان مورد بررسی قرار می گیرد. به گفته جلالی، از آنجا که بحث انسان شناسی از جمله مباحث مهم فلسفه امروز است، باید بتوان به دور از نگاه فلسفی، با نگاه ادیان نیز به سراغ این موضوع رفت و از این منظر به مسأله انسا ن شناسی نیز پرداخت. او در این کتاب، افتراق ها و اشتراکات دو دیدگاه فسلفی و ادیان را درباره انسان مورد بررسی قرار می دهد، با هدف آن که بتواند به دیدگاه جامع دینی درباره انسان دست یابد.

12 گزارشی از تاریخ ادیان و مذاهب در ایران

ویژگی اثر : جلالی در این کتاب وضعیت مراحل دین در ایران را در سه بخش پیش از اسلام، از اسلام تا حمله مغول و از حمله مغول تا عصر کنونی مورد بررسی قرار داده است

13 مکتب فلسفی ـ عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان

ویژگی اثر : چاپ گوته،

14 نماز در فرهنگ دوم

ویژگی اثر : مرکز تحقیقات، مطالعات... صدا و سیمای جمهوری اسلامی،

15 هاله انسانی و رنگ های کوکبی
ویژگی اثر : (ترجمه) انتشارات گوتنبرگ، منابع زندگینامه
/http://www.iranologyfo.com:

جلالی، بیژن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بیژن جلالی شاعر معاصردر اول آذرماه سال 1306 خورشیدی، در تهران به دنیا آمد. وی از سال 1325 تا 1331 چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند; زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد.از این شاعر چنیدین کتاب و مجوعه شعر به یادگار مانده است.وی در روز آدینه 24 دی‌ماه 1378، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیژن جلالی در آخرین شب آبان‌ماه; یا به‌عبارتی، اول آذرماه سال 1306 خورشیدی، در تهران به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : بیژن جلالی از سال 1325 تا 1331 چندماهی در رشته‌ی فیزیک دانشگاه تهران و چند سال در رشته علوم طبیعی دانشگاه‌های تولز و پاریس درس خواند. البته همه آنها نیمه‌کاره ماند; زیرا علاقه به شعر و ادب، مسائل فکری و ادبی و گشت و گذار آزاد در زمینه‌های فلسفه، هنر و ادبیات، او را از انضباط و نظم درس خواندن دور کرد. در بازگشت، در رشته زبان و ادبیات فرانسوی دانشگاه تهران، نام نوشت. دوره لیسانس را به پایان برد و از سال 1325 تا مدتی، به کارهای گونه‌گونی پرداخت
همسر و فرزندان : بیژن جلالی، ازدواج نکرد; زندگی‌اش در سکوت و با آرامش و تلالویی خاص ادامه داشت
زمان و علت فوت : بیژن جلالی چند روزی پس از نیمه آذرماه، دچار سکته مغزی شد که بیش از یک ماه را در اغما گذراند و در روز آدینه 24 دی‌ماه 1378، در هفتاد و دو سالگی، زندگی را بدرود گفت.
فعالیتهای آموزشی : بیژن جلالی در دبیرستان‌ها انگلیسی درس داد; چندی هم مسؤول آزمایشگاه دبیرستان ایرانشهر بود. زمانی هم در موزه مردم‌شناسی وزارت فرهنگ به کار پرداخت، چون دوره مردم شناسی را در موزه مردم‌شناسی پاریس گذرانده بود; سرانجام به کار در شرکت

فرانسوی آنتروپوز مشغول شد و با استفاده از بورس این شرکت، یک دوره اقتصاد نفت را در پاریس به پایان برد; کار اداری رسمی را در شرکت نفت و شرکت پتروشیمی پی گرفت و در سال 1359 بازنشسته شد. علاقه به شعر و ادبیات، فلسفه، فکر و عرفان، زندگی در محیط فرهنگی خاندان هدایت، گفت و گو با دایی‌اش صادق هدایت و تاثیرپذیری از او و اقامت پنج‌ساله دوره جوانی در فرانسه، پیوندهایی میان جلالی و نوشتن به وجود آورد ـ گاه به فارسی، گاه به فرانسوی. البته ابتدا آنها را جدی نمی‌گرفت; اما پس از اینکه به ایران بازگشت و توانست با فراغ بیشتری بخواند، بیندیشد و بنویسد، تامل‌های شاعرانه‌اش نظم گرفت و توانست از ادای معانی ذهنی خود برآید. او از آغاز دهه 1340 این تامل‌ها را به نشر سپرد. سروده‌هایش، در مجموع با تلقی مثبت و گشاده‌رویانه‌ای از اهل شعر و ادب معاصر رو به رو شد; هرچند شعرهایش همه سپید بود و به نسبت همسالانش، تا حدی دیر به انتشار آنها پرداخت.
آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از منتقدان ، نگرش «جلالی » در شعرهایش را نگرشی «اشراقی » دانسته اند و خود او در مورد مضمون شعرهایش گفته است : «در شعرهای من نوعی گفت وگو دنبال شده ، گاه با خداوند، گاه با جهان ، گاه با طبیعت . از این جهت ، همیشه این نوشته ها یک روی تاریک و یک روی روشن دارند. زمینه مشترک آنها ادامه نوعی اندیشه است . یعنی اندیشه و فکری را بیان می کنند یا زمینه را در ما برای ایجاد اندیشه فراهم می کنند. ولی این گفت وگوها همیشه به صورت نیمه تمام می ماند و حدس می زنم در خواننده ، حالت انتظاری را به وجود می آورد. آنها حالت منطقی ظاهری و فرمولی ندارند و بدین جهت ، دست و پاگیر خواننده نیستند. بعد از پایان هر قطعه راه برای رشد و ادامه اندیشه باز است .
چگونگی عرضه آثار : بیژن جلالی نخستین شعرهایش را در دهه چهل منتشر کرد که نخستین کتاب شعرش روزها (1341) و آخرین شان «دیدارها» بود که دو سال پس از مرگش منتشر شد. «دیدارها» گزیده یی از شعرهایی است که «جلالی » در فاصله سالهای 75 تا 78 (سالی که درگذشت) سروده بود. اکنون شعرهایی از این کتاب را با هم می خوانیم .
چه امید بخش است سفیدی کاغذ آنگاه که اندوه خود را به او نگفته ام
دومینیکو اینجنیتو - مترجم ایتالیایی - هم برگزیده‌ای از شعرهای جلالی را با عنوان «بیدار» ترجمه کرده است، که از سوی نشر سوی مؤسسه‌ی علوم ترجمه در دانشگاه ناپل با نام اریل اکسپرس به چاپ خواهد رسید. عبدالله طاهر برزنکی گزیده‌ای از شعرهای جلالی را به عربی ترجمه و در لبنان منتشر کرده است. همچنین مریوان حلبچه‌ای گزیده‌ای از شعرهای این شاعر را به همراه دو مصاحبه‌ی او به کردی ترجمه کرده است، که از

سوی نشر رخنه چاودیر در کردستان عراق منتشر خواهد شد. ----------
---
آثار :
1 آب و آفتاب
ویژگی اثر : (1362)
2 بازی نور (به انتخاب شاپور بنیاد 1369)
ویژگی اثر : گزینه شعرها
3 درباره شعر (به انتخاب شاعر 1377)
ویژگی اثر : گزینه شعرها
4 دل ما و جهان
ویژگی اثر : (1344)
5 دیدارها (گزینه شعرها از 1375 تا 1378).
ویژگی اثر : گزینه شعرها
6 رنگ آب‌ها
ویژگی اثر : 1350
7 روزانه‌ها
ویژگی اثر : (1373)
8 روزها
ویژگی اثر : 1341

جلالی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین جلالی فرزند ثقةالمحدثین و عمادالذاکرین آقا شیخ محمدعلی واعظ از ائمه جماعت و فضلاء معاصر شاهرودند و در مسجد حضرت ابوالفضل به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد مسلمین موفق می‌باشند.
والد گرامیش از وعاظ و گویندگان معمر شهرستان شاهرود است که بالغ بر شصت سال از راه منبر و نشر احادیث اهل‌بیت (ع) خدمت به مذهب نموده و در حال حاضر هم که دوران تقاعد و کهنسالی را می‌گذراند باز حتی‌المقدور منبر رفته و مردم را از بیانات سودمند خود بهره‌مند می‌سازد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جلالی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن جلالی شاهرودی از علماء و محدثین معاصر شاهرود بودند.
تولد آن مرحوم در شاهرود واقع شده و تحصیلات خود را در وطن و مشهد مقدس انجام و در زادگاه خود به خدمات روحی و ترویج دین از طریق منبر و جلسات انجام داده و به اجل موعود بعد از سال 1380 ه در شاهرود بدرود حیات گفته است از تألیفات ایشان کتابی در حدیث و مواعظ بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

جلی، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1327 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. در دزفول متولد شد. به سال 1342 ق به بین‌النهرین رفت و دو سال در آنجا مسکن گزید و بعد از مدتی به ایران بازگشت و به اراک رفت، مدتی با روزنامه‌ی اراک همکاری کرد و به دلیل نوشتن مقالات و اشعار مهیّج مدتی زندانی شد. پس از مدتی بار دیگر به بین‌النهرین رفت و به سال 1323 ش به ایران بازگشت و در تهران مقیم شد و با مطبوعات همکاری خود را آغاز کرد و شهرتی به دست آورد. وی بیشتر آثار خود را با امضاهای مستعار رنجبر، خفی، خوشه‌چین، جلیل، مزاحم، در جراید منتشر می‌کرد، چندی آثارش در روزنامه فکاهی «چلنگر» انتشار یافت. از آثار وی: منظومه‌ی «عشق و عفت»؛ «کتابت ابراهیم» که از شاهکارهای نظم فارس معاصر به شمار می‌رود و «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (202/9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (18/3)، سخنوران نامی معاصر (1003 -998 /2)، فرهنگ سخنوران (219)، مؤلفین کتب چاپی (120/1).

جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، ادیب.
تولد: 1298، کرمانشاه.
درگذشت: 30 آبان 1358.
محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزه‌ی علمیه‌ی کرمانشاه ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدرقلی‌خان سردار کابل و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فراگرفت. و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال 1318 به تهران آمد و در دانشکده‌ی علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال 1322 ادامه داد. پس از آن به کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استفعا داد. به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.
از آثار اوست: کرمانشاهان باستان (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)، ابکار الافکار، تاریخ ایل و طایفه زنگنه، تاریخچه‌ی اوقاف در کرمانشاه، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ترجمه زبدة النصرة و نخبة العصرة، تألیف بنداری اصفهانی که در سال 1365 به نام تاریخ سلسله‌ی سلجوقی از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. دیوان اشعارش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمه‌ی غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ نرسیده است.
محمدحسین جلیلی کرمانشاهی در سال 1358 به بیماری سرطان مثانه بدرود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.
محمدحسین جلیلی متخلص به بیدار فرزند مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدهادی کرمانشاهی از ادباء و فضلاء معاصر کرمانشاه است.
وی در سال 1298 شمسی در کرمانشاه متولد شده مقدمات و ادبیات و سطوح عالیه را در کرمانشاه از محضر والد معظم خود و آقای آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسن علامی و مرحوم سردار کابلی فراگرفته و در علوم جدید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق می‌باشد. بیدار شاعری فرزانه و ادیبی

کم‌نظیر است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جلیلی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جمادی، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیاوش جمادی، بهمن 1330 در تهران به دنیا آمد.وی پس از طی تحصیلات مقدماتی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی رشته حقوق را در سال 1353 و کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی را در سال 1355 دریافت کرد. سیاوش جمادی، تاکنون 10 عنوان کتاب و مقاله را تالیف و ترجمه کرده است. کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال 1386به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش جمادی دوره ابتدایی و تحصیلات متوسطه خود را در جهرم و شیراز گذراند و در سال 1349 پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته طبیعی، به دانشکده حقوق دانشگاه تهران وارد شد و مدرک کارشناسی خود را در سال 1353 اخذ کرد. جمادی، در سال 1355 مدرک کارشناسی ارشد خود را در ادبیات انگلیسی و فلسفه غرب، از دانشگاه علامه طباطبایی دریافت کرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش جمادی حدود 13 سال به عنوان مشاور حقوقی در شهرداری تهران خدمت نموده است و پس از آن به هیچ کار دولتی اشتغال نداشته و زندگی خود را از راه تدریس و تألیف و ترجمه گذرانده است.
جوائز و نشانها : کتاب"زمینه و زمانه پدیدار شناسی"تالیف سیاوش جمادی ، در سال 1386به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد.همچنین کتاب "سیری در جهان کافکا" تالیف وی در دوره بیست و دوم کتاب سال معرفی و برگزیده شده است.
چگونگی عرضه آثار : از سیاوش جمادی، تاکنون 10 عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه شده است. مقاله‌های وی، عموما در نشریاتی چون همشهری، شرق، اعتماد، فصلنامه خوانش، خردنامه و... به چاپ رسیده‌اند.

آثار :
1 پاورقی و نقد کتاب در مطبوعات از جمله: پاورقی «خشت اول»

(فلسفه به زبان ساده) در همشهری، نقد و تفسیر «کیفر آتش» (الیاس کانتی)، «ترس و لرز» (کی یرککگور)، «یادداشت‌های زیر زمینی» (داستایفسکی) و غیره در فصلنامه خوانش، «طرح، روش و مضامین هستی و زمان» و «گذار پدیدار شناسی: شرح اندیشه‌های امانویل لویناس» در کتاب ماه فلسفه و مقالاتی در خردنامه، همشهری، شرق، اعتماد

ویژگی اثر : در دست ترجمه

2 تئوری زیبایی شناسی، از تئودور آدرنو

ویژگی اثر : در دست ترجمه

3 چه باشد آنچه گویندش تفکر، از مارتین هایدگر

ویژگی اثر : در دست چاپ

4 داستان عامه‌پسند : فیلمنامه کوینتین تاراتینو

ویژگی اثر : (ترجمه از انگلیسی)

5 زبان اصالت در ایدئولوژی آلمانی

ویژگی اثر : اثر نئودور آدرلو (1385)

6 زمینه و زمانه پدیدارشناسی

ویژگی اثر : (تالیف) 1385. برنده بیست و پنجمین دوره کتاب سال در فلسفه .این کتاب در سال 1386 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

7 سیری در جهان کافکا

ویژگی اثر : تالیف: برنده کتاب سال ادبیات در بیست و دومین دوره (1382) آشنایی با کتاب: سیری در جهان کافکا سیری در جهان کافکا / سیاوش جمادی. - تهران: ققنوس، 1382. 335 ص: - مصور کتابنامه؛ 325 - 330؛ همچنین به صورت زیرنویس. کافکا بی‌شک یکی از اثرگذارترین نویسندگان قرن بیستم است که در حوزه‌های مختلف ادبیات، نقد ادبی و فلسفه تأثیر قابل توجهی داشته است. شناخت عمیق و آزادمنشانه و رویارویی جدی با اندیشمندان بزرگ این قرن صرفاً ضرورتی که مبتنی بر انتخاب ما باشد، نیست بلکه فراتر از نیاز و ضرورت است، این اندیشمندان خود را بر تفکر زمانهٔ ما تحمیل کرده‌اند و ما باید شناختی همه‌جانبه و محققانه از آنها داشته باشیم. نویسندهٔ کتاب سیری در جهان کافکا با چنین دیدی به سراغ تحلیل و بررسی اندیشه و هنر کافکا رفته و با مطالعه دقیق آثار او و مهمترین کتابهایی که دربارهٔ او و تفکرش نوشته شده است، تصویری گویا، روشن و جامع از او به دست داده است. زبان عالمانه و در عین حال رسای کتاب و تسلط قابل توجه نویسنده بر ذهن و زبان کافکا، این کتاب را در زمرهٔ یکی از موفق‌ترین آثاری که نویسندگان

ایرانی مستقلاً دربارهٔ متفکران و هنرمندان مغرب زمین نگاشته‌اند در آورده است. کتاب در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست نویسنده دربارهٔ بیماری و هنر کافکا، پیوند جنون با مضمون و سبک هنر او، جنگ نفسانی در جهان کافکا و پیوند هنر و زندگی کافکا سخن گفته است و در بخش دوم که به تفسیر دینی جهان کافکا اختصاص دارد، به این مضامین پرداخته می‌شود که تا چه حد می‌توان در آثار کافکا نمادها یا استعاره‌هایی یافت که نفیاً یا اثباتاً به الوهیت و مابعد الطبیعه اشاره‌ای داشته باشند. کندوکاو در اینکه تا چه حد کافکا و ادبیات او به یهودیت و مسیحیت رسمی التفات دارد از مضامین مهم آن است. در این بخش سعی شده است تا از طریق نوعی همداستانی با جهان کافکا، به مدد نوشته‌های خصوصی و ادبی او، اعتبار آرای مفسرانی که در انتساب مقاصد نهفته در آثار کافکا به مضامین یهودیت و فرقه‌های عرفانی مربوط به آن اصرار می‌ورزند، بررسی شود

8 سینما و زمان، همراه با فیلمنامه داستان عامه پسند از کوینتین تارانتینو (1377)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف

9 متافیزیک چیست؟

ویژگی اثر : اثر مارتین هایدگر (1383) تشویق شده در بیست و سومین دوره کتاب سال در رشته فلسفه غرب (ترجمه همراه با شرح آرای هایدگر)

10 نامه‌هایی به میلنا از فرانتس کافکا (1378)

ویژگی اثر : ترجمه

11 نقد و تفسیر آن، از فرانتس کافکا

ویژگی اثر : در دست چاپ

12 نیچه

ویژگی اثر : درآمدی به فهم فلسفه ورزی او. اثر کارل یاسپرس (1383)

13 هایدگر و سیاست، اثر میگل دبیستگی (1381)

14 هستی و زمان اثر مارتین هایدگر (1386)

ویژگی اثر : ترجمه

15 یادبود ایوب در جهان کافکا (همراه با آثاری از کافکا)

ویژگی اثر : ترجمه و تالیف (1379) ----------

منابع :

1http://www.ibna.ir/vdccxiqs.2bqe08laa2.html2www.ketabesal.ir

جمالی اسدآبادی، صفات‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، مؤلف.
تولد: 1271، اسدآباد همدان.
درگذشت: 1361.
صفات‌الله جمالی اسدآبادی، متخلص به «صفا»، فرزند لطف‌الله محزون و خواهرزاده‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی، پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب، علوم مقدماتی را در زادگاهش و کرمانشاه نزد سید هادی روح‌القدس و محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت.
صفات‌الله جمالی اسدآبادی از آن پس در دستگاه محمدحسن‌خان افشار به خدمت پرداخت و مدت ده سال در قریه‌ی حسام‌آباد واقع در چهارده کیلومتری بخش اسدآباد خدمت کرد. چون طرز رفتار و سلوک مستبدانه‌ی مالکین با طبقه کشاورزان غیر عادلانه و خودسرانه بود نتوانست تحمل کند و ناگزیر ترک خدمت کرد. آنگاه در سال 1304 به استخدام فرهنگ درآمد و مدت سی سال در اسدآباد و همدان با سمت آموزگاری و بازرسی آموزشگاه‌ها به خدمت پرداخت و در مهر ماه سال 1335 بازنشسته شد.
«صفا» از شاعران و نویسندگانی است که به اشعار و مقالاتش در دوره‌های مجله «ارمغان» به چاپ می‌رسید. از آثار اوست: اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی، رساله‌ی راهنمای رستگاری، رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان، شرح حال شعرای اسدآبادی، و کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد. وی در سال 1335 دیوان پدرش محزون را به طبع رسانید.
(1361 -1271 ش)، نویسنده و شاعر، متخلص به صفا. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. وی خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت و علوم مقدماتی را در زادگاهش در محضر حاج سید هادی روح‌القدس و حاج میرزا محسن فقیه اسدآبادی فراگرفت و پس از آن در دستگاه محمدحسین خان افشار به خدمت پرداخت. جمالی پس از چندی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت آموزگاری و بازپرسی آموزشگاهها خدمت کرد. از آثار او: «اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی»؛ «رساله‌ی راهمای رستگاری»؛ «رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان»؛ «شرح حال شعرای اسدآباد»؛ «کتابی درباره‌ی وضع اقتصادی اسدآباد» و «طبع دیوان پدرش محزون».[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (2290 -2286/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (548/ 3).

جمالی اسدآبادی، لطف‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1273 ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به محزون. وی خواهرزاده‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. نیاکان او به طایفه‌ی مستوفیان معروف بودند. وی علوم قدیمه را نزد استادان عصر خود به پایان برد و از محضر سید صفدر، پدر سید جمال‌الدین، و خود سید کسب فیض کرد. همچنین منشی مقالات فارسی سید و مورد اعتماد او بود. محزون شاعری توانا و وطن دوست بود و بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیقات علمی و ادبی می‌گذراند. بعد از فوت جسد وی را به عتبات عالیه منتقل کردند و در وادی‌السلام نجف به خاک سپردند. آثار چاپ شده‌ی وی: «رساله‌ای در شرح حال سید جمال‌الدین»؛ «دیوان» اشعار، مشتمل بر چهار هزار بیت؛ «رساله‌ای در عروض»، که در مقدمه‌ی دیوان اشعارش چاپ شده؛ «کتاب لغت عربی با ترجمه‌ی فارسی»؛ «مثنوی صفائیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن سرایان همدان (183 -181 /2)، الذریعه (975/9)، سخنوران نامی معاصر (3174 -3169 /5)، فرهنگ سخنوران (808)، مؤلفین کتب چاپی (134/5)، یادگار (س 4، ش 2 -1، ص 127).

جمالی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی جمالی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/12/1
زندگینامه علمی
دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .
در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم .
درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .
در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام .
در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده

نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .
در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایة الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .
پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود 7 سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال 82 به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال 71 با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .
البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جناب اصفهانی، فتح‌اللّٰه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1148/1146 ق)، شاعر و ادیب. از بزرگان عهد صفوی بود که زمان نادرشاه را درک کرده است. نسبتش به امیرنجم ثانی می‌رسد. در جوانی به هندوستان رفت و بعد به وطن بازگشت و در خوزان که یکی از بلوکات اصفهان است، ساکن شد و به دستور شاه طهماسب صفوی به منصب کلانتری اصفهان رسید. جناب از طرف نادرشاه مأموریتی به خراسان یافت و پس از مدتی به امر وی در راه تهران و کاشان کشته شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة النبور (241)، الذریعه (206 -205 /9)، ریحانه (430/1)، سفینة المحمود (188 -187)، صبح گلشن (108 -107)، فرهنگ سخنوران (225 -224)، لغت‌نامه (ذیل/ جناب اصفهانی)، مجمع الفصحا (205 -204 /4)، نگارستان دارا (177 -176).

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1287 ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال 1324 ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوبی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (248 -245 /1)، تذکرة القبور (241 -240)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (103/3)، مؤلفین کتب چاپی (173 -171 /4)، یادگار (س 4 ش 4، ص 56).

جناب‌زاده، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1267، اصفهان.
درگذشت: آذر 1370.
محمد جناب‌زاده بخشی از تحصیلات خود را در مدارس قدیمه و نزد پدرش فراگرفت. سپس در مدرسه‌ی کمالیه و مدرسه‌ی ادب داخل شد و در تهران نیز در دارالفنون به تحصیل پرداخت. در آغاز وارد شغل آموزگاری در مدارس ابتدایی و متوسطه اقدسیه شد. در سال 1306 وارد وزارت دادگستری شد ولی شغل قضایی را نپذیرفت. مراحل خدمات اداری را در ثبت اسناد و املاک پیموده و سپس رییس اداره‌ی تبلیغات وزارت دادگستری شد (1336).
در سال 1299 از وزارت معارف پروانه‌ی انتشار مجله‌ی هفتگی «صحیفه‌ی آسمانی» را گرفته و پس از انتشار پنج شماره با سید شکرالله صفوی مدیر روزنامه‌ی «کوشش» در نگارش مقاله‌های اساسی آن تا سال 1310 صرف وقت می‌نمود. در سال 1321 مجددا «صحیفه‌ی آسمانی» را انتشار داد و شماره‌ی 17 آن مصادف با وقایع 17 آذر گردید و در نتیجه‌ی الغاء امتیاز تمام جراید سرمایه‌ی مصرف شده از دست رفت. در سال 1322 امتیاز «ندای آسمان» را تحصیل و به طور هفتگی منتشر شد و تا بیستم آذر بیشتر دوام نیافت و در سال 1328 مدت پنج ماه مجددا به انتشار آن پرداخت. سپس مجله‌ی ادبی و علمی «ندای آسمانی» را منتشر می‌کند. جناب‌زاده در مجله‌ی «تعلیم و تربیت» مقاله‌هایی در مقوله تربیت داشته است.
از آثار اوست: اوراق پراکنده (قطعات ادبی، فلسفی، اجتماعی، دینی، 1312)؛ به سوی خدا، جهان بینی از نظر فلسفه علمی (1332)؛ تعلیم و تربیت در نظر سعدی (1317)؛ توحید تمدن شرق وغرب (1327)؛ دادرسی تاریخ (1337)؛ رهبر زندگی برای جوانان و دختران (1334)؛ راهنمای دانش درس طبیعت و وظایف انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه (1329)؛ بررسی تازه در آموزش و پرورش (1319)؛ زن در نظر تاریخ (1335)؛ سیر تمدن و لزوم سازش علم و ایمان (1338)؛ عشق و پارسایی (1336)؛ مفاسد رباخواری (1333).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جنتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد جنتی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/12/3
زندگینامه علمی
آیة الله احمد جنّتی در سوم اسفند 1305 هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان اصفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمدش منحصر به وجوه شرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزند بیشتر نداشت. مادر آیة الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تدریس و بعضی از جلسات مذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زندگی می‌گذارند. در زادگاه آیة الله جنّتی و کل آن منطقه مدرسه‌ای وجود نداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، اندکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورة ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال 1324 در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کنند و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی داشتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردند؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شده بود و مساجد به خلوتی می‌گرایید و ... آیة الله جنّتی خود، از نزدیک شاهد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل

مقدمات و طی کردن برخی از دروس سطح، به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر عالمان و فرزانگان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورة سطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیة الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیة الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صدوقی آموخت و برای آموختن بخشی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیة الله بهاءالدینی رفت. بخشی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سید محمد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورة سطح به درس خارج بزرگانی چون آیة الله العظمی بروجردی(ره)، آیة الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیة الله العظمی امام خمینی(ره) رفت و سالها در درس فقه و اصول ایشان به طور جدی شرکت کرد. او در طی این سالها در بعضی از درسهای اخلاق نیز شرکت می‌نمود،تا علاوه بر آموختن علم، عمل به آنها را نیز فراگیرد. آیة الله احمد جنتی در دوران تحصیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیة الله مصباح یزدی، آیة الله سبحانی، آیة الله مشکینی و آیة الله امینی رابطة دوستانه و مصاحبت داشت. آیة الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جای نهاده است. او مدت چهارده سال در مدرسة علمیه حقانی به تدریس دروس دورة مقدمات و سطح پرداخته است. مدرسه علمیة حقانی، مدرسه‌ای بود که با هزینة یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شهید قدوسی آغاز به کار کرد. این مدرسه که بسیاری از بزرگان کنونی حوزه، در ادارة آن شرکت داشتند، با ابتکار شهید بهشتی و با طرحی نو و شیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران و متصدیان امور قضایی و اصحاب فرهنگ و پژوهشگران امروز جامعه در آن پرورش یافتند. طلاب این مدرسه در بسیاری از فعالیتهای علمی و سیاسی دورة طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی

و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیة الله احمد جنتی بود. آیة الله جنتی به ترجمة برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداة»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیة» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیة الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندة زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیة الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعة مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیّت مبارز ـ می‌پرداخت. آیة الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرة خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357، آیة الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیة الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیة الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره،

مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمة دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیة الله جنتی در طول عمر 24 ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جندی شاپوری، جبرییل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 213 ق)، طبیب و مترجم. از اطبای مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبرییل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون‌الرشید و امین بود. وی مدت 23 سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبرییل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باء»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»، در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (101 -100 /2)، تاریخ الحکماء قفطی (202 -183)، تاریخ طب (58 -56 /2)، دایره‌المعارف فارسی (393/1)، معجم المولفین (113/3).

جنید شیرازی، عیسی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مترجم. در نیمه‌ی اول قرن نهم می‌زیست. کتاب «شدالازار» پدرش را به نام «ملتمس الاحباء خالصاً من الریا» ترجمه کرد، این کتاب به «تذکره‌ی هزار مزار» مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (1061 -1060، 1152 -1151 /3)، تذکره‌ی هزار مزار (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (646/4).

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطنِ اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالله جوادی دامت برکاته در سال 1341 ق بقم المحمیه مهاجرت نموده و مدت هفت سال از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی حایری حاج شیخ عبدالکریم طاب‌الله ثراه و آیات دیگر استفاده نموده تا بدرجه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات در سال 1348 ق بابهر مراجعت و اقامت دائمی نموده و تا حال حاضر باقامه جماعت و وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
تألیفات و نوشته‌های ایشان از این قرار است:
1- رساله‌ای در لباس مشکوک.
2- رساله در قاعده ید که از محضر درس مرحوم آیه‌الله نائینی استفاده نموده.
3- رساله‌ای در قاعده لاضرر.
4- جزواتی بعنوان حاشیه بر مکاسب و حواشی بر دررالفوائد آیه‌الله حایری.
5- رساله مستقلی در ارث.
6- رساله‌ای در رد مسلک باب و بهاء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

جواری، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین جواری در سال 1346 در اهر بدنیا امد. ایشان در سال 1377مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین جواری ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شمس به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1364 از دبیرستان مدرس اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان وادبیات فرانسه را از دانشگاه تبریز و ازدانشگاه ژول ورن آمین فرانسه و کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه وتطبیقی را در سال 1373 از دانشگاه ژول ورن آمین فرانسه دریافت نموده اند و در سال 1377مدرک دکتری در رشته ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس- فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد : سنت - تقلید - نوآوری در پالکنهای رب گریه (رمان جدید) ب- دکتری: پایان رمان نو - مسائل زیبایی شناسی و مسائل دریافت ادبی از ورای آثار رب گریه. وقایع میانسالی : محمد حسین جواری و از سال 1377 بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان فرانسه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی محمدحسین جواری : قبلی: رئیس آموزش دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی فعلی: مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمدحسین جواری در دانشگاه تبریز به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی وکارشناسی ارشد چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی محمدحسین جواری به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده : 15 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 14 مورد تعداد کتابهای تالیف شده : 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: 9 مورد

جوان هوشیار، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر جوان هوشیار
محل تولد : لیلان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب بعد ازاخذ مدرک دیپلم در رشته ریاضی و فیزیک وارد حوزه علمیه ولی عصر(عج)شهرستان بناب شدم و شش پایه حوزه را درعرض پنج سال تمام کرده وارد حوزۀ علمیۀ قم شدم و همزمان با دروس حوزوی در مؤسسه امام خمینی در رشتۀ روانشناسی پذیرفته شدم و در سال 1384از مؤسسۀ امام خمینی(ع) با مدرک کارشناسی فارغ التحصیل شدم والآن مشغول تحصیل دروس حوزوی خارج فقه و اصول هستم.

جوانرودی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1300 ق)، منشی، خطاط، ادیب و دانشمند. از اهالی جوانرود بود. تحصیلات خود را در مدارس کردستان ایران و عراق شروع کرد و در شهر کرکوک علوم دینی را نزد علامه علی حکمت افندی به کمال رساند و به ایران بازگشت و در آبادی بالک از قرای مریوان به مدت یازده سال تدریس کرد، سپس به دره تفی رفته و تا هنگام مرگ در آنجا ماند و به تدریس و خدمت اجتماعی و دینی ادامه داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (263/2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (29/3).

جوانی گلوجه، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول جوانی گلوجه
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1374وارد حوزه علمیه شدم. دوران مقدمات حوزه را در حوزه علمیه ولی عصر عج شهرستان بناب واقع در آذربایجان شرقی به پایان رساندم.بعد از ورود به قم مشغول دروس سطح حوزه گردیده از دروس اساتید معظم حوزه استفاده کردم. در همان سالهای اولیه ورود به حوزه علمیه به خاطر علاقه ای که داشتم، در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی نیز مشغول به تحصیل گردیده و موفق شدم دروس سطح 2 این رشته را نیز در تاریخ 1383به پایان رساندم.
در ضمن موفق گشتم چندین ترم جزو نفرات ممتاز باشم. و با یک سال تاخیر در تاریخ 85 نیز با قبولی در امتحانات ورودی تحصیل در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مقطع کارشناسی ارشد پی بگیرم هم اکنون نیز سه سال است در دروس خارج فقه و اصول مشغول به تحصیل می باشم که هم اکنون که در سال 86 می باشم سومین سال تحصیل در دروس خارج را می گذرانیم.در طی این دوران در ضمن تحصیل در دروس متداول و تخصصی در واحد تحقیقات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، قسمت قرآن و تربیت و کلام و فلسفه مشغول پاسخ گوئی به سوالات بودم. که بیش از سه سال سابقه دارم.
مقاله ای با عنوان جوان و بحران هویت اینجانب در هفته نامه پرتو سخن به چاپ رسید. و مقاله ای نیز با عنوان جوان و هویت در مجله علمی تخصصی معرفت در حال انتشار می باشد.مقاله دیگری نیز با عنوان (کرامت انسان در سیره نبوی) برای موسسه نشر آثار حضرت امام ره نیز نوشته ام که در حال چاپ و انتشار می باشد.اینجانب در سایت اسلامی حضرت استاد هادوی تهرانی نیز به عنوان محقق پاسخ به سوالات اینترنتی مشغول می باشم.همینطور در پژوهشکده علمی – کاربردی باقرالعلوم مربوط به سازمان تبلیغات اسلامی هم مشغول به تحقیق می باشم.اخیرا

نیز از پژوهشکده صدا و سیمای مرکز قم جهت همکاری در پروژه ای قرآنی دعوت گردیده ام.

جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 400 /398 ق)، ادیب و لغوی، مشهور به جوهری. در فاراب متولد شد. وی نزد دایی خود ابوابراهیم اسحاق فارابی تحصیل کرد و سپس در طلب علم به بغداد و شام و حجاز سفر کرد و در مراجعت چندی در دامغان اقامت گزید و پس از آن به نیشابور رفت و برای همیشه در آنجا رحل اقامت افکند. ابونصر در بغداد نزد ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی تحصیل کرد. گویند در آخر عمر مبتلا به اختلال حواس شد، و به خیال پرواز افتاد، و لنگه در را زیر بغل گرفت، و از محل بلندی خود را پائین انداخت، جوهری در نیشابور درگذشت. وی نخستین کسی است که لغات عرب را به ترتیب حروف هجا مرتب کرد. علاوه بر مقام شامخی که در لغت عرب دارد، علم عروض را تکمیل کرد، و شعر هم می‌گفت. وی خطی بسیار نیکو داشت، به حدی که تمییز خط او از خط ابن مقله ممکن نبود. معروفترین اثر وی: «صحاح اللغه» به عربی؛ «مقدمه در نحو»؛ «عروض الورقه»، که در علم عروض است؛ «بیان الاعراب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (310 -309 /1)، تاریخ ادبیات ایران (354/1)، تاریخ الاسلام (حوادث 283 -281، 400، 381)، دایرةالمعارف فارسی (775/1)، الذریعه (11/15)، روضات الجنات (49 -43 /2)، ریحانه (440 -438 /1)، سیر النبلاء (82 -80 /17)، فرهنگ ادبیات فارسی (166)، کشف الظنون (1073 -1071)، الکنی والالقاب (163 -161 /2)، لسان المیزان (616 -614 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ جوهری، بارانی)، مؤلفین کتب چاپی (583 -582 /1)، معجم الادباء (165 -151 /6)، معجم البلدان (255/4)، معجم المؤلفین (268 -267 /2)، الوافی بالوفیات (114 -111 /9).

جوهری، محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، حکاک و خطاط. معروف به رشید حکاک. اصلاً نیشابوری بود و در حکاکی و کتابت خطوط به روی سنگها مهارت داشت. از آثار ارزنده‌ی وی، حکاکی قطعه سنگ سیاهی است به حالت طبیعی، که برای سلطان جلال‌الدین ابوالمظفر منکبرنی تهیه شده و بر روی آن جملاتی به خط کوفی تزیینی، ثلث، نسخ و رقاع حکاکی کرده، با رقم: «عمل العبد... محمود بن محمد الجوهری یعرف بر شید الحکاک النیشابوری فی المحرم سنه ثمان و عشرین و ستمائه (628 ه ق...».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1137/3).

جوینی، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 438 /437 /434 ق)، نحوی، مفسر، فقیه شافعی. ملقب به رکن الاسلام. وی پدر امام‌الحرمین بود. عبداللّٰه در جوین متولد شد. ادبیات را نزد پدر در زادگاهش آموخت. سه بار به نیشابور رفت و فقه و اصول را نزد سهل بن محمد صُعلوکی فراگرفت، و سپس در مرو از محضر قفّال مروزی استفاده برد. و از ابونهیم اسفراینی نیز بهره گرفت. رکن‌الاسلام در بغداد در محضر ابوحسین بن بشران حاضر شد. وی در سال 407 ق به نیشابور بازگشت و به تدریس و فتوی مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «التبصرة»؛ «التذکرة»؛ «التفسیر الکبیر» یا «تفسیر الجوینی» مشتمل بر انواع علوم؛ «الفرق والجمع» یا «الجمع والفرق»؛ «الفروق والسلسلة»؛ «مختصر المختصر» یا «مختصر الجوینی»؛ «موقف الامام والمأموم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (290 -291 /4)، دایرةالمعارف فارسی (776/1)، روضات الجنات (158 -160 /5)، ریحانه (444/1)، سیرالنبلاء (618 -617 /17)، کشف الظنون (1910، 1626، 1621، 1258، 996، 601، 446، 445- 339، 385)، معجم البلدان (224 -223 /2)، معجم المؤلفین (165/6)، وفیات الاعیان (48 -47 /3)، هدیة العارفین (451/1).

جوینی، عزیزاللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1307، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل مقدمات (سطح)، منطق و فلسفه، فقه و اصول، تفسیر و کلام، ریاضی و هیئت قدیم تا درس خارج از مدرسه میرزا جعفر مشهد.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، علوم قرائی، نقد و تحلیل مباحث دستوری در فرهنگ‌های فارسی، بررسی تفسیر سورآبادی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه دکترا و 2 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تصحیح و شرح نهج‌البلاغه، تصحیح فرهنگ عربی- فارسی، مصادرالغه، فرهنگ مجموعه العربی، شرح خمسه نظامی، تغییر نسفی و تفسیر مفردات قرآن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: خیلی زیاد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی، ترجمه انگلیسی و عربی، علوم قرآنی، نقد و بررسی کتب، شرح متون نظم و نثر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جوینی، معین‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 783 / 781 ق)، ادیب، صوفی و شاعر، متخلص به معین. در برخی از تذکره‌ها تخلص و شهرت وی معینی ذکر شده است. اهل خراسان بود و در انداده، از توابع جوین، به دنیا آمد. او شاعری توانا بود و قصاید وی در نعت باری تعالی همراه با مشرب تحقیق و غزل‌هایش پر از مایه‌های عرفانی است. وی همچنین در فن تصوف، مواعظ و پند، دقایق حدیث و تفسیر استاد بود و نزد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی، مؤلف «شرح فرایض»، کسب علم کرد و در تصوف پیرو خاندان شیخ سعدالدین یوسف حمویی شد. او سفری به عراق و آذربایجان کرد و مورد توجه خواجه غیاث‌الدین محمد فضل‌اللّه وزیر قرار گرفت و ساکن همدان شد. سپس به بغداد و از آنجا به مکه و مدینه رفت و بعد از آن به خراسان بازگشت. سرانجام در جوین درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش کتاب «نگارستان» است که آن را به تقلید «گلستان» سعدی، در عهد سلطان ابوسعید مغول و به نام وزیرش غیاث‌الدین محمد، نگارش کرد. در «ریحانة الادب» آمده است که کتاب به نام سلطان ابوسعید نوشته شده اما صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نویسنده‌ی آن را سعیدالدین یوسف حمویی دانسته است. این کتاب در ماوراءالنهر شهرتی عظیم یافت زیرا زمانی که الغ بیگ گورکان به بحرآباد رفت مشایخ آنجا این کتاب را پیشکش او کردند و سلطان به نویسندگان دستور داد تا کتاب را به خوبترین خط بنگارند. معین‌الدین علاوه بر قطعات و ابیات فراوانی که در «نگارستان» آورده، قصاید و غزلهای مستقلی نیز سروده است. تقی‌الدین کاشی از مجموع اشعارش هزار بیت غزل و قسمتی از قصاید را یافته و بخشی از آنها را در «خلاصة الاشعار» نقل کرده است. «احسن القصص»، شرح سوره‌ی یوسف و قصه‌ی یوسف و زلیخا، اثر دیگر اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1369 -1268، 1045 -1041/ 3)، تاریخ عصر حافظ (29/ 1)، تاریخ مغول (525)، تاریخ نظم و نثر (771)، تذکرة الشعراء (385 -379)، دایرةالمعارف فارسی (2812/ 2)، الذریعه (308 -307/ 24، 1079/ 9)، ریحانه (352/ 5، 444/ 1)، صبح گلشن (435)، فرهنگ سخنوران (864)، کشف الظنون (1976)، لغت نامه (ذیل/ معین‌الدین جوینی)، هفت اقلیم (306 -305/ 2).

جهاد اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید علی بن سید جعفر خراسانی. فاضل و ادیب، از آزادی خواهان و روزنامه نویسان صدر مشروطیّت بوده، در 19 جمادی الاولی سال 1365 وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.
مرحوم جهاد اکبر مدّتها به سمت مدّعی العموم در دادگستری یزد خدمت نموده.
مرحوم آیتی در رثا و مادّه تاریخ وفاتش گوید:
کس در جهان نیامده کز این جهان نرفت
کس خانمان نساخت کز آن خانمان نرفت
سال وفات خواستمش پیر عقل گفت
جز با جهاد اکبر کس بر جنان نرفت
روزنامه جهاد اکبر مدّت دو سال یا کمی بیشتر منتشر می‌شده، و نویسندگی آن به عهده میرزا محمّد علی علم فرزند آخوند ملاّ علی اکبر فشارکی بوده که مردی فاضل و دانشمند بوده، و قبل از سال 1360 در اصفهان وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

جهان قاجار، زبیده

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز 1304 ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به جهان. ملقب به جانباجی و فرشته. وی همسر علینقی خان قراگزلو، ملقب به نصرةالملک بود. او زنی خیر و عارف مسلک و از مریدان حاجی میرزا علینقی همدانی بود و زندگی به دور از تجمل داشت و بذل و بخششهای بسیاری می‌کرد. چندین بار به زیارت عتبات رفت. وی اشعاری نیکو می‌سرود. از او «دیوان» شعری به جای مانده است.[1]
حدود 1305 ق، زبیده خانم، معروف به فرشته از زنان زاهد، عارف و شاعر. وی دختر بیست و هفتم فتحعلی شاه قاجار (1250 -1212 ق) بود و مادرش ماه‌آفرین خانم نام داشت. به نوشته تاریخ عضدی در میان تمام فرزندان پسر و دختر فتحعلی شاه هیچکدام به زهد و تقوی و پاکی و اخلاص وی نبودند و از همین رو همه شاهزادگان به او لقب فرشته دادند. زبیده در جوانی به عقد علی خان نصرت‌الملک قراگوزلو درآمد. مدتی بعد به همراه همسرش به همدان رفت و در آنجا در سلک عرفان حاج میرزا علینقی همدانی، عارف معروف، درآمد و از مریدان خاص او گردید. در طول بیش از شصت سال اقامت در همدان، از ثروت خود به دستگیری مستمندان و عمران و آبادی منطقه پرداخت. کاروانسرایی مدور برای اقامت زوار در قریه تاج‌آباد با شراکت حاج میرزا علینقی همدانی بنا کرد.
پلی بر روی روان رود احداث نمود، دو دانگ قریه‌ی لاله‌چین را برای تعزیه‌داری و روشنایی کربلا وقف نمود، بقعه و صحن امامزاده یحیی واقع در همدان را تعمیر کرد و همه ساله مبلغی برای متولی، قاری و روشنایی بقعه باباطاهر- که مدفن حاج میرزا علینقی همدانی نیز در آنجاست- مقرر نمود. زبیده دایم‌الذکر، شب زنده‌دار و اهل ریاضت و در سفر و حضر به دور از تجمل و تشریفات ظاهری بود. یک بار به زیارت حج، بیست مرتبه به زیارت عتبات و ده مرتبه نیز به زیارت مشهد رضوی مشرف شد.
وی دارای طبعی توانا بود و دیوانی حاوی قصیده، غزل و مراثی داشته که اشعار زیر را مؤلف تاریخ عضدی از آن نقل کرده است:
در ده به من ای ساقی زان می دو سه پیمانه
کز سوز درون گویم شعری دو سه مستانه
خواهم که در این مستی خود نیز رود از یاد
غیر از تو نماند کس نه خویش و نه بیگانه

از عشق رخ جانان، گشته است «جهان» حیران
مستانه سخن گوید این عاشق دیوانه
خواهم از ساقی مهوش تا نماید لطف عام
هر زمان ریزد به کام خشک من جامی دگر
گرچه نتوان لنگ لنگان پا نهم در کوی دوست
لطف او گر شامل آید می‌نهم گامی دگر
در شب هجران گدازم همچو شمع
روز وصلت سرفرازم همچو شمع
در رهت استاده‌ام از روی شوق
تا بیایی جان ببازم همچو شمع
از غمت با آتش هجران همی
گه بسوزم گه بسازم همچو شمع[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (433/7)، حدیقه الشعراء (2143 -2140 /3)، خیرات حسان (14 -11 /2)، الذریعه (401 ،400 ،212 /9)، ریاحین الشریعه (267 -266 /4)، ریحانه (361/2)، طرائق الحقائق (329 -325 /3)، فرهنگ سخنوران (227)، الکنی والالقاب (289/2)، لغت‌نامه (ذیل/ زبیده).
[2] منابع: از رابعه تا پروین، 95 -93؛ اعیان‌الشیعه، 43 /6؛ تاریخ عضدی، 34 -30؛ حدیقةالشعراء، 2143 -2140 /3؛ خیرات حسان، 14 -11 /2؛ الذریعه، 401 -400 ،212 /9؛ ریاحین‌الشریعه، 268 -266 /4؛ زنان سخنور، 164 -162 /1؛ زنان نامی ایران و اسلام، 73 -71؛ طرایق الحقایق، 327 -325 /3؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، 275 /3؛ کارنامه زنان، 87؛ لغت‌نامه‌ی دهخدا، ش 217 /110؛ دیوان.

جهان، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 /1284 ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. پس از پایان دوره مقدماتی وارد دبیرستان دارالفنون شد و بعد از آن به دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران راه یافت و موفق به اخذ دانشنامه تحصیلی در رشته علوم قضایی گردید. دکتر جهان به زبانهای فرانسه، عربی و انگلیسی آشنا بود و سفرهایی به فرانسه، انگلستان، هندوستان، لبنان و عراق کرد که بیشتر جنبه‌ی مطالعه، تحصیل، معالجه و سیاحت داشت و مشاغل مختلفی چون حسابداری در وزارت دادگستری، دادرس دادگاه تهران، بازرس عالی وزارتی، ریاست محاکمات اداری در وزارت کشور و فرمانداری یزد و کرمان عهده‌دار بود. وی روزنامه‌های یومیه‌ی «ایران نو» و «جوانان» را منتشر ساخت. از جمله آثار وی می‌توان از: «رساله‌ای درباره‌ی ربا»؛ «ترجمه‌ی حال گاندی»؛ «حقیقت نژاد نورویک» و «حقوق و اقتصاد سیاست» نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین ایران (277 -267)، چهره‌های آشنا (169)، زندگینامه رجال و مشاهیر (30/3)، مؤلفین کتب چاپی (298/2).

جهانبگلو، امیرحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مدرس، مولف.
تولد: 25 بهمن 1302، تهران.
درگذشت: 20 خرداد 1370، تهران.
امیرحسین جهانبگلو از دبیرستان شرف فارغ‌التحصیل شد. ابتدا در وزارت دارایی مشغول به کار شد و ده سال بعد از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و چهار سال بعد از آن برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت. در سال 1328 از دانشگاه سربن پاریس لیسانس فلسفه و منطق دریافت کرد و سه سال بعد با درجه‌ی دکترای اقتصاد از همین دانشگاه به تهران بازگشت و در همان وزارت دارایی به کار مشغول شد. دکتر امیرحسین جهانبگلو بعد از این تاریخ سمت‌های مختلفی را در ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگون به عهده داشت، از آن جمله وزارت دارایی، شرکت نفت و سازمان اوپک، شرکت گاز و غیره. دکتر امیر جهانبگلو بیشتر عمر خود را از سال 1350 به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. از جمله آثار ترجمه‌ی شده وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: غول‌های غلات (دن مورگان)؛ سیاست از نظر افلاطون (الکساندر کویره)؛ ضربه‌ی آینده (الونی تافلر)؛ تاریخ اجتماعی دوره‌ی مغول (بخش سوم تاریخ غازان‌خان و مقدمه‌ی جامع التواریخ و رساله‌ی او از کتاب اللطائف، 1337)؛ سپیده دم (مانوئل روبلس)؛ فن صحنه‌سازی تئاتر (لئون موسیناک، 1335)؛ مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد (ریچارد وایت، 1335).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانسوز، محمدمهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی جهانسوز پسر مرحوم محمدجواد میرزا (و. کرمانشاه دوازدهم ربیع‌الاول 1292 ه.ق) پس از تحصیل مقدماتی در حوزه‌ی درس ملا اکبر خراسانی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری و آقا میر شهاب شیرازی به آموختن فنون ادبی پرداخت، سپس به خدمت حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی حاکم کرمانشاه درآمد. مرآت سالی چند در نزد بعضی از فرمانروایان ایالات به خدمت انشاء (منشیگری) اشتغال ورزید، به بیشتر بلاد ایران مسافرت کرد. پس از سفری به اروپا به تهران بازگشت و به خدمت دولتی درآمد و حائز مقامات عالی اداری شد. در نظم و نثر خاصه نگارش نامه‌های دوستانه و فنون محاوره و حضور جواب و ایراد امثال توانائی و شهرت بسزا داشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

جهانشاهی قاجار، ایرج

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ویراستار.
تولد: 1305، تهران.
درگذشت: 29 تیر 1370، تهران.
ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکده‌ی ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال 1338 از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دوره‌ی یک ساله را در رشته‌ی آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند درباره‌ی ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت. و از سال 1324 به عنوان معلم در آموزش وپرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.
از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجله‌ی «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال 1357 سرپرستی شورای ویراستاری فرهنگنامه کودکان و نوجوانان را در شورای کتاب کودک به عهده گرفت. در سال 1361 همکای خود را به عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیه‌ی آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم هم یادگار اوست. تألیف او عبارتند از: گل‌های وحشی (1325)، شاخ‌های ملوس (1345)، ازوپ در کلاس درس (1361) قلم موی جادو(1362)، چشم چشم دو ابرو (1363)، بازی‌های ورزشی (1363)، قصه‌های من و بابام (کتاب برگزیده شورای کتاب کودک در (1362).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانگیر، عیسی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عیسی جهانگیر
محل تولد : عجب شیر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال 1370 دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال 1376 همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

جهانگیری، نادر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جیهانی، ابوعبداللَّه احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 385 ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابوعبداللّٰه کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل». [1]
ابوعبداللَّه احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب وسیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال 365 ه.ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در 367 از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جیهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالک والممالک» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات ایران (351/1)، ریحانه (448/1)، سرآمدان فرهنگ (120/1)، الفهرست ابن‌ندیم ترجمه (228)، کشف الظنون (1664)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، المسالک والممالک (304)، معجم المولفین (165/2).

چخوف، آنتوان

قرن:19
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
«آنتوان چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی او می نماید. او با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.«آنتون پاولویچ چخوف» Anton – Tchekhov درام نویس و داستانسرای معروف روسی در ۱۷ ژانویه ی سال ۱۸۶۰ در شهر «تاگان روگ» در شمال قفقاز در آغوش یک خانواده ی بی چیز و معتقد به سنن و آداب قدیمی و ملی به دنیا آمد و در دوم ژوئیه ی سال ۱۹۰۴ در ۴۴ سالگی در «بادن وایلر» محلی واقع در جنگل سیاه درگذشت.جَد چخوف از سرف هایی بود که با صرفه جویی و کار زیاد آزادی و حیات خود و خانواده اش را از ارباب خویش بازخرید کرده بود. پدرش با داد و ستد جزئی ای که داشت نمی توانست هزینه ی زندگی خانواده را تأمین نماید و از این رو «آنتون» کوچک، در آغاز زندگی با قیافه ی شوم فقر آشنا گردید و به اثرات مخرب آن پی برد. با آنکه چخوف در سختی و فشار زندگی می نمود لکن با عزت نفسی که داشت کوچکترین گله و شکایتی ابراز نمی کرد و با کار و کوشش فراوان، تحصیلات مقدماتی خود را در «ژیمنازیوم » مسقط الرأس خاتمه داد و برای تحصیل در دانشکده ی پزشکی عازم مسکو شد و در سال ۱۸۷۹ در نوزده سالگی وارد دانشگاه مسکو گردید و به تحصیل طب پرداخت. وی تنها به تحصیل در دانشکده اکتفا نکرد و با وجود ذوق فطری به نوشتن داستانها و نوول ها و مقالات در مطبوعات فکاهی سرگرم شد و به این جهت وقتی در سال ۱۸۸۴ درجه ی دکترای طب را گرفت شغل طبابت را با حرفه ی نویسندگی توأم ساخت ولی بعدها تمام اوقات خود را وقف نوشتن کرد و از این راه مقام شامخی در دنیا به دست آورد. چخوف جز در دوره ی عمومیت بیماری و یا در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. نخستین داستانهای او با نام مستعار «چخوف» انتشار یافت و در سال ۱۸۸۶ برخی از داستانهایش به صورت کتابی به نام «داستانهای رنگارنگ» منتشر شد، این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال ۱۸۸۷ وی نخستین نمایشنامه ی خود را به نام

«ایوانف» تحریر کرد. «آنتون چخوف» بر اثر فقر و استیصال دوران کودکی و زحمات شبانه روزی دوران جوانی در سی سالگی مبتلا به بیماری خانمانسوز سل گردید که تا پایان حیات کوتاهش مونس این نویسنده ی بزرگ بود و بالاخره هم باعث مرگ وی شد. با آنکه چخوف مریض بود و با آنکه خودش هم طبیب و از مرض خود اطلاع داشت با این وصف دمی از کار و کوشش دست بر نمی داشت و تقریباً تمام ساعات فراغت خود را سرگرم نوشتن بود و برای مطالعه ی روحیات و احوال عموم مردم و طبقات مختلف به مسافرتها و گردشهای پر زحمتی تن می داد، چنانکه در سال ۱۸۹۰ راه سخت و دور و دراز سیبری را در پیش گرفت و در آنجا وضع تبعیدیها را مطالعه کرد و از این سفر ره آوردی به نام «جزیره ی ساخالین» برای ستمدیدگان رژیم تزاری به ارمغان آورد که در سال ۱۸۹۱ منتشر شد . این کتاب تا حدودی رژیم پلیس تزار را که محکومین را به جزیره ی ساخالین می فرستاد تخفیف داد. چخوف در سال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ با پدر و مادرش در ملکی که که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. در سال ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض سل قرار گرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارجه بگذارند. وی در سال ۱۸۹۶ نمایشنامه ی خود را به نام «مرغ نوروزی» در مسکو انتشار داد، اما این اثر در «پطرزبورگ» با عدم موفقیت روبرو شد و دو سال بعد در سال ۱۸۹۸در مسکو نیز از این نمایشنامه تجلیل شایانی شد. «آنتون چخوف» در سال ۱۹۰۰ بر اثر توجه نویسندگان و دانشمندان و قاطبه ی ملت به وی و در نتیجه ی نفوذ و شهرت انکار ناپذیر خود به عضویت افتخاری آکادمی روسیه انتخاب شد و مورد تقدیر فراوان قرار گرفت. «عموانیا» در ۱۸۹۹ و «سه خواهران» در ۱۹۰۱ و «باغ گیلاس» در سال ۱۹۰۴ از جمله نمایشنامه های او بود که در مسکو با موفقیت روبرو شد. وی در سال ۱۹۰۱ با یک هنرپیشه به نام «اولگاکپنیر» ازدواج کرد.موقعی که دولت روسیه عضویت به نام «ماکسیم گورکی» نویسنده ی معروف روسیه را از آکادمی لغو کرد «آنتون چخوف» نیز استعفا داد. در محیط تئاتر از نمایشنامه های وی با اشتیاق زیاد استقبال شد و اغلب از نمایش نامه های وی در صحنه نمایشگاه آکادمی مسکو به معرض تماشا گذارده شد و در سایر پایتخت های اروپا هم مورد نمایش و تحسین تماشاگران قرار گرفت. در جهان هنر و ادب پیروزی روزافزون چخوف افتخارات زیادی برای وی فراهم آورد و آکادمی برای مجموعه ی داستانهایش جایزه ی «پوشکین» را به وی اهداء کرد. چخوف به نویسندگی خود ادامه می داد که بیماری وی شدیدتر شد و به دستور پزشکان ناگزیر به نقاط جنوبی فرانسه رفت و با آنکه کار کردن برایش زیان داشت دست از کارهای ادبی نکشید و پس از مدتی اقامت در آن کشور به مسافرت خود در ایتالیا و آلمان ادامه داد و

بالاخره به وطن خود بازگشت و در سال ۱۹۰۴ با مرض سل از دنیا رفت. از آثار او می توان «علامت زمانه»، «خاطرات یک دختر جوان»، «چاق و لاغر»، «اطلاع»، «مرگ کارمند» ، «متلون» ، «موژکیها»، «سرگذشت غم انگیز»، «انسان در غلاف» ، «بدبختی» ، «پشتیبانی» ، «آزادیخواه» ، «نماینده ی مجلس»، «حقیقت خالص»، «رشته فرهنگی»، «چگونه زن قانونی گرفتم»، «یک مرد جوان»، «طبیعت پر معما»، «جنگ تن به تن»، «داستان کسالت آور»، «رؤیاها»، «در تبعیدگاه» ، «وانکا»، «میل بخوابیدن» ، «اطاق شماره ی ۶» ، «یک واقعه ی جالب»، «مرغابی دریایی»، «مرد ناشناس»، «خاطرات یک استاد»، «عمو وانیا»، «تمشک تیغ دار»، «مشاور مخصوص»، «خواب آلود» ، «اندوه» ، «جنایتکار»، «مشاور مخصوص» ، «خوابآلود» ، «اندوه»، «جنایتکار»، «دشتها»، «خانه ای با اشکوب»، «تیفوس»، «بیست و پنج روبل» را نام برد.«چخوف» نویسنده ای، بشردوست، آزدیخواه و روشنفکر بود و داستان های وی حکایت از افکار مترقی وی می نماید. ای با تمام قوا از آزادی دفاع کرد، برای دسترسی مردم به حقوق خود کوشش نموده و با انتقاد از اصول اجتماعی و وضع موجود مردم را به سوی ترقی فکری و اخلاقی سوق داده است. وی با فساد و دروغ، خودنمایی، سرشکستگی، منفی بافی، کوته نظری، تحمل ظلم، آزادیخواهی دروغی و بالاخره صفات منفی با کمال خشونت مبارزه می کند و جامعه ی عقب مانده را به آینده ی درخشان و زندگانی سعادتمندانه امیدوار می سازد و برای رسیدن به اصول مترقی افکار برجسته ای به خوانندگان آثار خود تلقین می کند.

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل چراغی کوتیانی
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/2/2
زندگینامه علمی
در دومین روز از بهار سال 1354،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال 1368وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال 1377 درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال 1376 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال 1382 در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال 1386 با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چرندابی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا محمدعلی چرندابی تبریزی از علماء فضلاء معاصر تهران است.
وی در حدود 1334 ق در محله چرنداب تبریز متولد شده و پس از طی دوران صباوت و پرورش صحیح مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در تبریز خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت کوه کمری و بعض دیگر استفاده نموده سپس هجرت به نجف اشرف و چندی از دروس و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند شده و بواسطه عدم مساعدت هوا به ایران مراجعت و چندی از آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران مستفیض و بنابر اصرار و تقاضای عده‌ای از مومنین تبریز بوطن برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و غیره پرداخته تا در سال 1376 قمری که بواسطه جهانی منتقل به تهران و تا اکنون به اقامه جماعت و وظائف روحی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای چرندابی دانشمندی ظریف و با تقوا و خوش مجلس و خوش سفر می‌باشد. در سال 1359 ق سفری در مصاحبت ایشان بقصد عراق نموده و حدود دو ماه از محضرشان استفاده خاطره‌های شیرین و عجیبی از آن سفر دارم که از آنها حادثه طوفان آبادان و خرمشهر و بصره و حومه آنها بود که در آن طوفان میلیونها خسارت مالی به ایران و عراق وارد و در اول طوفان ما بر بلم کوچکی سوار و از عراق به ایران برمی‌گشتیم که هوا منقلب و اگر لطف و ترحم پروردگار شامل حال این حقیر و مترجم محترم نشده بود غرق آن طوفان و طعمه کوسه ماهی‌ها و نهنگ‌های خلیج فارس شده بودیم بخاطر دارم که معظم له با حال عجیب و اضطراب غریبی متوسل بذکر غریق شدم و مرتبا میگفت: (نجاه منک یا سید الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم اللّه الرحمن الرحیم) پس خداوند مهربان بفضلش ما را از غرقاب و آن طوفان شدید نجات بخشید و الحمد لله رب العالمین.
و چون بساحل رسیدیم و در منزل میزبان خود وارد شدیم و شب را در آنجا ماندیم ثلثی از شب نگذشته بود که دیدیم آب از زمین اطاق می‌جوشد تا آمدیم حرکت کنیم که تمام اطاقها و منزل و کوچه‌ها و نخلستانها و خلاصه همه آن محیط را آب فراگرفت ناچار چند شبانه روز در کشتی بسر بردیم

تا بعد از پانزده روز که آب فرونشست و ما از آنجا حرکت نمودیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

چنگانی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌حیدر بن حسن بن غلام چنگانی اصفهانی. فاضل مدقق بوده، و در سال 1278 کتاب «منیة اللبیب در شرح تهذیب» را جهت خود استنساخ نموده، و بر آن تعالیقی دارد که دلالت بر وفور علم و دانش او می‌کند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چوبک، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1377 -1295 ش)، نویسنده و مترجم. در بوشهر متولد شد، بعد از تحصیلات مقدماتی با پدر خود به شیراز و تهران مسافرت کرد. وی در تهران دوره‌ی کالج را به پایان رسانید و از کالج آمریکایی البرز فارغ‌التحصیل شد. وی مدتی رییس کتابخانه‌ی شرکت نفت بود. او زبان انگلیسی را خوب آموخت و در ادبیات فارسی و انگلیسی مهارتی یافت. حکایات و داستانهای اجتماعی کوتاه و مفیدی به سبک جدید نوول دارد. مکتب داستان‌نویسی وی ناتورالیسم است که حد فاصل شیوه‌ی ادگار آلن‌پوی آمریکایی و چخوف روسی است. برخی از آثار وی: «خیمه شب بازی»؛ «انتری که لوطیش مرده بود»؛ «سنگ صبور»؛ «تنگسیر»؛ «چراغ آخر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات امروز ایران (115 -111 /1)، چون سبوی تشنه (204 -203)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (166 -163 /2)، شخصیتهای نامی (152 ،151)، صدسال داستان‌نویسی در ایران (1 و 252 -241 /2)، مؤلفین کتب چاپی (482 -483 /3).

چهار سوقی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمّد جعفر بهشتی. عالم فاضل فقیه مجتهد اصولی زاهد، از علمای اصفهان، و ائمّه جماعت، پشت و پناه مردم، و در امور بدو استمداد می‌جستند.
مشارالیه در دوره سوّم مجلس شورای ملّی از طرف اعتدالیّون به نمایندگی انتخاب شده و در مجلس شرکت داشت.
در 23 شوّال سال 1363 وفات یافته، در تخت فولاد جنب مسجد مصلّی مدفون گردید.
مرحوم آقا سید علی بدیع زاده متخلّص به «هور» در تاریخ وفاتیش گوید:
می جست خرد سال وفات اسداللّه
آن حجّت والا گهر نیک دل آگاه
هورش یکی از جمع برون کرد و چنین گفت
پیش اسداللّه علی رفت اسداللّه
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل جامع واعظ، از فضلای اهل منبر اصفهان بوده، در سال 1339 وفات یافته، در یکی از حجرات تکیه صاحب روضات مدفون گردید. او را «فخر الواعظین» می‌خواندند.
فرزندش آقا میرزا علی فخر الواعظین نیز مردی کامل، و واعظی جامع بود، در حدود سال 1359 وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن سید محمد صادق بن امیر زین العابدین خوانساری
پدرش آقا سید محمّد صادق خوانساری از علما و دانشمندان اصفهان است که در شب 29 شعبان 1289 وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده، جنب پدر مدفون گردیده است.
وی را: 1- شرحی است بر زبده شیخ بهائی 2- کتاب الاحباط و التکفیر، 3- شرح بر شرایع در 5 جلد
اولاد او در اصفهان و کاظمین ساکن می‌باشند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 8 رمضان المبارک 1251 متولّد، و در 13 ذی حجّه 1324 وفات یافته، در بقعه پدر مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
ترجمه الفیّه به نام فرایض الیومیّة 2- تعلیقه بر لمعة الدمشقیّة 3- تکمیل شرح الفیّه که پدرش نوشته، به نام مکمّل البقیّة من احسن العطیّة 4- دلیل المصلّین 5- شرح بر تبصره علاّمه 6- شرح بر نفلیّه شهید؛ و غیره.
مادّه تاریخ وفاتش این است:
تاریخ وفاتش طلبیدم ز خرد
فرمود که آه نور مهدیٌّ غاب
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.
این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.
در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.
ایشان در شب دوشنبه 9 جمادی الاول 1313 هـ . ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.
به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.
تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.
او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»،

در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرةالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».
مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

چهارسوقی، مسیح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در شب جمعه 27 شوّال 1255 متولّد، و در شب شنبه 9 ذی حجه سال 1325 وفات یافته، در بقعه پدر خویش مدفون گردیده.
وی مؤلّف چندین کتاب و رساله مختصره و بیاض ادعیه و یک عشریّه و جزوات منبری می‌باشد.
ماده تاریخ وفاتش را مرحوم فتح اللَّه جلالی ضمن قطعه‌ای چنین گوید:
یکی آمد ز غیب ناگه و گفت
بریاض جنان نمود مکان
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چهره نما

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.
در حدود سال 1291 متولّد، و در اوّل شعبان 1354 در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- احقاق الحق 2- امان التواریخ 3- پیدایش خطّ و خطاطان 4- زردشت باستانی و فلسفه او 5- فؤاد التواریخ.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

چیذری، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی (مدرس) نهاوندی از علماء اعلام و مدرسین عظام تهران بودند.
وی از شاگردان مبرز مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه الاصول و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و بعد از آنان از تلامذه و شاگردان و اصحاب خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی و المجاهد میرزا محمدتقی شیرازی بودند که پس از فوت آن بزرگوار به تهران آمده و در مدرسه سپهسالار و مروی بتدریس فقه و اصول اشتغال داشتند تا در قضایای اتحاد شکل و کشف حجاب که از تهران به شمیران منتقل و چندی در تجریش اقامت و در مسجد همت واقع در بازار به اقامه جماعت و تربیت افراد پرداخته و چون آنجا هم از مفاسد عمومی مصون نماند در چیذر که نسبتا از مظاهر فساد بر کنار بود رحل اقامت افکنده و حوزه علمیه تشکیل و افراد صالحی تربیت نمود تا از دنیا رفت و در جنب امامزاده آنجا مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه چیذری عالمی ربانی و آیتی سبحانی خالی از هوا و تظاهرات و دارای نفس قدسی و ملکات فاضله اخلاقی و خصال حمیده و صفات پسندیده و سیمائی ملکوتی بود کرارا از محضرش استفاده نموده و از بیاناتش بهره‌مند شده‌ام.
از جمله مطالبی که از ایشان شنیدم این بود که فرمودند یکی از شاگردان و اصحاب حضرت امام صادق علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد وقتی من بمحل خود می‌روم اهل قریه من می‌گویند برای ما امامت کن شما اجازه می‌فرمائید. حضرت فرمود (ان لم یکن نظرک بالوراک فتامم) اگر نظرت به پشت سرت نیست. یعنی قلت و کثرت و کم و کیف مأمومین در تو تأثیر نمی‌کند امامت کن.
و این عجیب حدیثی است باید تمام ائمه جماعت این حدیث شریف را نصب‌العین قرار داده و درباره آن فکر نمایند.
فرمودند: این حدیث را برای مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی که مجسمه زهد و تقوا بود خواندم رنگ ایشان پرید و مدت هیجده شبانه‌روز از منزل بیرون نیامده و کسی را نزد خود نپذیرفت و مشغول باصلاح خود بود.
از آثار آن بزرگوار که بطبع رسیده است.
کتاب تنبیه‌الغافلین است که در شهریور 1312 شمسی منتشر گردیده

است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حاج حسینی نبوی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن حاج حسینی نبوی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/7/1
زندگینامه علمی
محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال 1335هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (1348ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهائی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه(مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود)به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است ، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی. "استاد نبوی در همان ابتدا ،خود را با مطالعه کتب مختلف مأنوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم. "استاد نبوی دروس حوزوه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او دراین باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود)بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن

امامی، شیخ علی اکبر فقیه ،ابراهیمی ، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده(رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جودی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم."

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا حاج شریفی خوانساری
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال 1341 شمسی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم ؛ پدرم آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری ـ دام ظله ـ پدر بزرگم مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ همگی از علمای عاملین بوده اند .در مدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصیل نمودم . بر اثر جو آکنده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسلام در آن باشد ، مرا بر آن داشت که از سال 1355 شمسی مشغول تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر ـ عج الله تعالی فرجه ـ درآورم .علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه استفاده کردم .سطح را از حضور حضرات آیات : آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و آقای حاج شیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم ، و سطح عالی را خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ محمد تقی ستوده و آقای حاج شیخ احمد پایانی به پایان رساندم .
علوم کلام، تفسیر، رجال و درایه را نیز از خدمت حضرات آیات : آقای حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی بهره بردم .خارج فقه و اصول را هم از محضر آیات عظام : آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی ، آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی ، آقای حاج سید رضا صدر ، آقای حاج سید محمد روحانی ، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت ، آقای حاج سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم . حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا

رضا صدر بهره مند شدم .در کنار درس و بحث معمول حوزه ، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعتهای متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم ، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم ؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه ، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود ، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد ، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در : تفسیر ، علوم قرآنی ، حدیث ، تاریخ ، اخلاق و ... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم .اواخر سال 1362 شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیه آلاف التحیه و الثناء ـ درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحاتی محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را درسال 1365 شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استادم مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف ، تحقیق ، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن : 7727489 پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم ؛ و لله الحمد و له الشکر .

حاجبی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا حاجبی
محل تولد : بندر عباس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/7/1
زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی دررشته ریاضی و فیزیک و رها کردن قبولی دانشگاه ،در سال1379وارد حوزه علمیه شدم .ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص)شرق تهران قبول شدم و به مدت 5سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم .در این دوره 5ساله از اساتیدی همچون آیة الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی وحجج الاسلام آقایان :اسکندری ،جان نثاری ،دکتر قربانعلی و...استفاده بردم . از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم .که شامل تحقیق در اخلاق ،منطق ،فقه واصول و معانی بیان بود . پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی ،بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگوئی 2جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم .و ابتکاری که در این نوع نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگوئی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد .در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر ،نماز جماعت ،معجم الذنوب (گناهان)،آیات النبی ، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم .از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیة الله غرویان ،در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم .معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمک جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم .کتاب اخلاق جوانان ازدیدگاه پیامبر اعظم (ص)در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان درتیراژ 5000نسخه چاپ و در آموزش و

پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند .همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم .بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم .در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.....

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا حاجی ابراهیمی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال 1365 در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال 1366 در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال 1368 به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجی احمدی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود حاجی احمدی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی ـ فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال 1358 اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه ـ شرح مطالع ـ منظومه و نهایه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی ـ تهرانی ـ محقق ـ اعتمادی ـ جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه ـ رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی بهره بردم .
سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد ـ وحید تبریزی بهره بردم. سال 1369 در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر 74 واحد درسی و پایان‌نامه در سال 1374 موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنابر اقتضائات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم .
از سال 76 تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم.در سال 1385 در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن

مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی اسماعیلی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حاجی اسماعیلی
محل تولد : وسفو نجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
بنده دوران ابتدائی و راهنمائی را در روستای وسفونجرد از بخش خلجستان قم سپری نمودم و در ضمن تحصیل مانند دیگر بچه های روستائی به کار کشاورزی مشغول بودم و بعد از اتمام تحصیلات راهنمایی نیز مدتی در روستا مشغول کشاورزی نمودم و در سال شصت و هشت برای تحصیلات طلبگی به قم آمدم، شوق اصلی من برای آمدن به حوزه سید بزرگواری بودند بنام آقای تقوی که در روستا بودند و خودشان مقداری دروس حوزوی خوانده بودند و معلومات خوبی داشتند که بنده در مدتی که در روستا درس می‌خواندم بعد از تمام شدن درس با چند نفر دیگر خدمت ایشان می رسیدیم و آموزش قرآن می دیدیم و در ضمن نکات اخلاقی خوبی نیز ایشان می فرمود به جهت اینکه از شاگردان خصوصی آیت اله سید حسین فاطمی بودند و از این رو نقش موثری در تربیت بنده داشتند به هر حال با مساعدت ایشان به قم آمدم و مشغول درس طلبگی شدم و بعد از اتمام سال تحصیلی در قم در تعطیلات تابستان، با برخی از دوستان به مشهد می رفتیم و تعطیلات را مشغول مباحثه و مطالعات آزاد می شدیم. بعد از اتمام پایه پنج حوزه کم کم به امر تبلیغ نیز پرداختم ابتدا در تابستان برای دانش آموزان تدریس می نمودم و سپس در ایام ماه مبارک رمضان و محرم به تبلیغ می‌رفتیم از آنجا که به کار با کودکان علاقه مند بودم یک دوره آموزش تربیت مربی کودکان و نوجوانان را در سال هفتاد و سه گذراندم و سپس در همان مرکز در بخش تحقیقات مشغول کارهای قرآنی شدم و یک کار گروهی را مشغول شدیم که آیات قرآن از اول تا آخر به صورت سؤال و جواب طرح می کردیم برای نوجوانان که جزء اول آن به صورت کتاب منتشر شد و چند جزئی هم به صورت جزوه ولی کار ناتمام باقی ماند در سال هفتاد و هفت همزمان با درس معمول حوزه در رشته تخصصی علوم قرآنی دفتر تبلیغات دوره

محققی و نویسندگی علوم قرآنی را گذراندم در سال هفتاد و هشت پس از اتمام سطح به درس خارج مشغول شدم و اصول را با استاد احمد عابدی که با خواهش خودمان در منزلشان گذاشته بود شروع کردم و فقه را در درس آیت الله جوادی آملی در فیضیه شرکت می کردم و بعد از درس با دوستان مباحثه می نمودم سال هشتاد و یک در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شدم و مدت دو سال این دوره را گذراندم و سپس پایان نامه خود را به نام وحی و تجربه دینی به راهنمایی استاد ربانی گلپایگانی که چند سالی در درس کلام ایشان در فیضیه شرکت می کردم تدوین نموده و دفاع کردم در کنار فقه و اصول به تفسیر علاقه زیادی داشتم و چند سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی و استاد خاتمی شرکت می کردم و اکنون نیز دوره مهارت های بیان تفسیر را می گذرانم. و مشغول کارهای تحقیقاتی در زمینه قرآنی هستم.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن حاجی رحیمیان
محل تولد : شبستر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهدا با عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحانیون عامل و مهذب و متقی بودند جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقدسه هجرت نمودم. ابتدا در مدرسه حضرت امام خمینی(ره) با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق(ع) و مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود 142/137/2 نفر دختر متولدین 1355 تا 1360 که اکنون 26 تا 31 ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و

معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهزاد حاجی رسولی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1334 شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال 1354 شمسی علی رغم مشکلات و موانع ، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال 1360 شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه ، عرفان ، رجال ، فقه ، اصول ، دوره تخصصی تبلیغ ، و ... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم.در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری ، برای حقیر فراهم شد از جمله : استاد جوادی آملی ، حسن زاده آملی و ...
بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی زاده، یدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یدالله حاجی زاده
محل تولد : زرند کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد 1354 در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال 1369 وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال 1375 موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال 1376 وارد حوزه علمیه قم شدم.
در سال 1379 همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال 1383 در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله حاجی صادقی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.
این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»
اینجانب در سال 1354 وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال 1358 به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال 1369 در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال 1375 به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال 1378 به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال 1381 دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

1. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...
2. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.
3. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حاجیان، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی حاجیان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
آقای مهدی حاجیان در سال 1356 در خانواده ای کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود ، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال 1376 وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال 1385 به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.
وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاههای تربیت معلم تهران ، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حاکمی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل حاکمی ، در سال 1315 در آبادان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال 1334 پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره لیسانس به سال 1337 وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و در سال1343 به اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران نائل آمد.دکتر حاکمی از سال 1343 تا 1347 به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال 1347 به درجه استادیاری و سال 1352 به دانشیاری و سرانجام به سال 1362 به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از 22 سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه 1369 درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل حاکمی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آبادان و شیراز به پایان برد. در سال 1334 پس از اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان سلطانی شیراز به دانشکده ادبیات و علوم انسانی وارد گردید و پس از اتمام دوره ی لیسانس به سال 1337 وارد دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی شد و در سال1343 به اخذ درجه ی دکترا از دانشگاه تهران نائل آمد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل حاکمی در طول 32 سال خدمت علمی و فرهنگی ، متصدی سمت های : ریاست دبیرستان ، مدیریت گروه ، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی ، ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه را عهده دار بود.
فعالیتهای آموزشی : اسماعیل حاکمی از سال 1343 تا 1347 به خدمت در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و سپس به سال 1347 به درجه استادیاری و سال 1352 به دانشیاری و سرانجام به سال 1362 به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل گردید. استاد بعد از 22 سال خدمت مداوم دولتی در مهر ماه 1369 درجه استادی ممتاز دانشگاه تهران را حائز گردید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حضور در کنگره ها و سمینارهای بین اللملی چون کنگره سعدی و حافظ و سمینار استادان فارسی هند ـ سمینار

اقبال در پاکستان و دانشگاه کابل و دانشکده الهیات استانبول از جمله فعالیت دیگر اسماعیل حاکمی می باشد.
جوائز و نشانها : در سال تحصیلی 70-69 اسماعیل حاکمی عنوان استاد ممتاز را به خود اختصاص داده و توانست لوح تقدیر دریافت نماید. ---------
---

منابع :
1مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره پیاپی 113-114 ، سال 28 ، بهار و تابستان 1369 ، ص 313
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حالت، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم حالت، فرزند محمدتقی حالت در خانواده‌ای متمدن و مذهبی متولد شد. وی از کودکی به موسیقی و نقاشی و شعر و نویسندگی علاقه تام داشت و چون امکان پرورش ذوق و استعداد و رشد و ترقی خود را در موسیقی و نقاشی در خانواده مشاهده نکرد به شعر و نویسندگی روی آورد و طولی نکشید که در این هنرها پیشرفت شایانی کرد و از بزرگان آن گردید.
درباره اولین شعری که حالت سرود، خود وی می‌گوید: «روزی در مدرسه با یکی از دوستان همکلاسم قهر کرده بودم و چون خیلی نسبت به هم صمیمی بودیم بالاخره طاقت نیاودم و با یک قطعه سه بیتی از او معذرت خواستم، این قطعه که اولین شعرم بود و متأسفانه الان هیچ به یادم نیست موثر واقع شد و قهر ما را به آشتی تبدیل نمود... اثر این شعر مرا بر آن داشت که شاعری را دنبال کنم، لذا از کلاس ششم ابتدایی گاهگاهی شعر ساختم، مخصوصا تابستان‌ها که مدرسه تعطیل بود و فراغت بیشتری داشتم و می‌توانستم هم شعر بسازم و هم دنبال چاپ آن بروم اما روزنامه‌های ادبی آن ایام که عبارت بودند از «نسیم شمال» و «کانون شعرا» و «توفیق» همه از چاپ اشعارم خودداری می‌کردند، چون بسیار ناپخته بود، ولی این امر به هیچ‌وجه باعث دلسردی من نمی شد... تا دو سه سال بعد که کم‌کم بعضی از اشعارم در روزنامه‌ها چاپ شد.»
پس از چندی که اولین اثر ابوالقاسم حالت در یکی از جراید چاپ گردید، درصدد برآمد که خود را به کانون و انجمن‌های ادبی نزدیک نماید، به همین سبب بعضی شب‌ها به انجمن ادبی ایران که ریاست آن با شاهزاده محمدهاشم افسر بود می‌رفت و در یکی از همین شب‌ها یکی از اشعار خود را در این انجمن ادبی قرائت می‌کند که صدای آفرین و احسنت رسا و پر طنطنه شیخ‌الملک اورنگ که در آن زمان نایب رئیس انجمن بود به قدری وی را تحت تأثیر قرار داد که تا صبح خواب به چشمانش راه نیافت. از این زمان به بعد وی در راه شهرت و ترقی گام‌های بلندی یکی پس از دیگری برداشت.
باری ابوالقاسم حالت، در کلاس‌های چهارم دبیرستان مروی درس می‌خواند و چون اواخر سال تحصیلی بو و محصلین در حالی که کتاب‌های خود را جهت تمرین دروس زیر بغل نهاده و عازم محوطه باغ ملی که درختان

زیادی داشت و محلی مصفا بود می رفتند، حالت هم کتاب خود را برداشت عازم این محل گردید. در خیابان خیام نزدیک باغ ملی با مرحوم حسین توفیق صاحب امتیاز روزنامه توفیق برخورد می‌کند و از طرف دعوت می‌شود که با هیئت تحریریه این روزنامه همکاری نماید وی از نخستین شماره روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده داشت.
حالت بعد از وقایع شهریور 1320 با بسیاری از جراید از جمله روزنامه‌های: «امید»، «قیام ایران» و مجله «تهران مصور» همکاری می‌کند.
در مورد انگیزه ترانه می‌گوید: «یک شب مرحوم دهقان پیشهناد کرد که برای تماشاخانه تهران تصنیف بسازم اولین تصنیف من که توسط حمید قنبری به عنوان پیش سپرده در تماشاخانه تهران خوانده شد و خیلی معروف گردید، تصنیف «چاقوکش‌ها» بود که با این شعر شروع می‌شد:
بچه‌ی چاقوکشم و گردنم کلفته
هر جا من باشم باید خون راه بیفته
بقیه‌اش حرف مفته
بعد از تصنیف «وکالت خانم‌ها» را ساختم که مرحوم مجید محسنی خواند. از آن به بعد این کار را هم دنبال کردم و اغلب تصنیف‌هایی را که می‌ساختم توسط حمید قنبری، جمشید شیبانی و مرحوم مجید محسنی خوانده و اجرا می‌گردید. البته بعضی تصنیف‌های جدی و ادبی هم برای جامعه باربد ساخته‌ام که در آن زمان خانم ملکه حکمت شعار اجرا می‌کرد.»
ابوالقاسم حالت در سال 1325 بنا به دعوت کمپانی «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار دوبلاژ فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا این‌که مرحوم مهدی خالدی، مرحوم جواد بدیع‌زاده، مرحوم نصرالله زرین‌پنجه، مرحوم علی زاهدی، مرحوم یوسف کاموسی، مرحوم علی‌اکبر پروانه و خانم دلکش جهت ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت، و علی زاهدی آن را اجرا کرد. این تصنیف اینطور شروع می‌شود:
شیرین، شیرین، سروقد و سیمین برو گل پیکری تو
در مذاق از شکر شیرین‌تری تو
ابوالقاسم حالت، در بهار سال 1327 به وطن بازگشت و در آن زمان، سرپرستی اداره کل انتشارات و رادیو با ابوالقاسم پاینده بود، از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان

شد و این همکاری قطع گردید. وی از شعرای دانشمند و باذوق می‌باشد که به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرده است.
در اینجا نام چند آثار این شاعر فاضل و ادیب و مترجم را یادآور می‌شوم:
1- ترجمه کلمات قصار حضرت علی (ع) به زبان انگلیسی و فارسی و رباعیات فارسی.
2- کتاب بهار زندگی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
3- پیشروان موشک‌سازی (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
4- جادوگر شهر زمرد (ترجمه از انگلیسی به فارسی).
5- شبح در کوچه میکل‌آنژ (ترجمه از فرانسه به فارسی).
6- پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی).
7- فکاهیات حالت (در دو جلد شامل اشعار فکاهی).
8- رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه).
در اینجا یادآور می‌شوم، گفتگویی را که با منوچهر همایون‌پور که از دوستان صمیمی حالت بود، به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم، همایون‌پور، می‌گفت:
«در تابستان سال 1332 وقتی که زنده‌یاد مهدی خالدی همکاری خود را با خانم دلکش رها کرد و به فکر ابداع برنامه‌های دیگر افتاد، اولین کاری که طرح و شروع به اجراء آن کرد، همکاری با آوازخوان‌های مختلف بود، یکی از افرادی را هم که برای همکاری دعوت کرد من بودم، در آن ایام برنامه‌های موسیقی قبل از ظهر جمعه انحصاراً در اختیار ایشان بود که مورد علاقه اکثریت دوستداران موسیقی بود.
از کارهای بسیار ظریف و دقیق و هنرمندانه ایشان انتخاب آهنگ و شعر متناسب برای سبک و ذوق آوازخوان‌ها با رعایت و شناخت کل هنر آن‌ها بود با توجه به این موضوع که من در امر شعر و کلام و مضمون و آهنگ دقت داشتم و با آگاهی به طرز فکر و در عین حال انس و الفت و آشنایی که میان ما بود در انتخاب کلام و مضمون و آهنگ این تصنیف توجه خاص به من کرد. تصنیفی را با آهنگی متناسب و شعری از شاعری را برای من در نظر گرفت که می‌توان به جرأت و با دلایل متقن اظهار کرد که از آغاز ترانه‌سرایی در دوران مختلف تاکنون از لحاظ پیوستگی مضمون شعری و انتخاب کلام و صنایع بدیعی در نوع خود اگر نه بی‌نظیر که غلو و گزافه‌گویی زیاده از حد معقول نیست، ولی کم‌نظیر است.
عنوان این تصنیف «گلباران» است و به صورت‌های مختلف در تمام جمله‌ها و با عنایت به صنتهع «التزام» که یکی از صنایع بدیعی است، کلمه «گل» با ترکیب‌های مختلف به کار گرفته شده است و «گل» کرده است.
در انتخاب آهنگ این تصنیف که نت آن با خط زنده‌یاد نزد اینجانب موجود

است و شاید در تجدید چاپ کتاب ایشان در جزء کارهای وی افزوده شود نیز حد اعلای تناسب ذوقی و موسیقیائی را با توجه به ذوق و سلیقه من به کار برده بود.
آهنگ این تصنیف در مایه ابوعطا و از آوازهای مورد علاقه من است، تصنیف از دو بخش تشکیل شده است.
بخش اول، با ضرب (ریتم) 4 / 4 و با الهام از یک آهنگ کردی است.
بخش دوم، با ضربی شاد و ریتمیک و در ضرب 6 / 8 است.
این تصنیف در روز جمعه و قبل از ظهر در رادیو اجرا و منتشر شد. گرچه حسرت و افسوس بر گذشته نه کاری عاقلانه است و نه سودی از آن عاید خواهد شد. اما از جهاتی جای دریغ است که در آن ایام اوضاع و احوال صنعت ضبط به صورت ابتدایی بود و در دسترس عموم نبود و این ترانه چون خیلی از کارهای من به فراموشی سپرده شد. افسوس دیگر این‌که در اوقات جمع‌آوری و چاپ آثار ایشان اولا آگاهی نداشتم، در ثانی کسالت ایشان در سال‌های اخیر و بعضی مسائلی که ذکر آن‌ها جایز نیست و ملال‌آور است ارتباط و مراوده چون روزگار گذشته برقرار نبود.
گفتنی است، در بزرگداشتی که برای آقای ابوالقاسم حالت، در زمستان سال 1370 گذاشتند، درباره تصنیف‌سرایی ایشان و توضیح و شناساندن این رشته سخن را به دست کسی سپردند که اصلاً در کار تصنیف‌سرایی و تاریخ و سیر آن آگاهی نداشتند و این کار به صورتی که دیده شد در واقع انجام گردید.
البته این چنین بزرگداشت‌ها در زیر یک سقف و با حضور دویست، سیصد یا هزار نفر برای مردی با پنجاه سال سابقه کارهای ادبی و هنری مختلف همچون افزودن یک ظرف آب به رودخانه‌ای است. البته ترتیب دهندگان آن بزرگداشت نه تنها در مورد تصنیف‌سرایی ایشان که درباره بزرگترین کار بی‌نظیر وی که همانا برگرداندن نهج‌البلاغه به زبان انگلیسی و عربی و سرودن یک رباعی متناسب با همان معنی و مفهوم که کاری بس دشوار و ابداعی نو آیین است و تا این زمان کسی دانش و هنر دست یا زیدن به چنین کاری شگرف را نداشته است، به‌طرز جامع و دلخواه حرفی و سخنی گفته نشده به‌هر تقدیر ظهور چنین مردانی یک امر مألوف و معتاد نیست، گوینده این مطالب را اعتقاد بر آن است که این چهره هم به دلایلی از تصاویری است که در قاب زمان حال نمی‌گنجد و طبق معمول روزگار آیندگان هنرمند و هنرشناس می‌آیند و این تصور بزرگ را در جای خود قرار می‌دهند.
عمر و زندگی افراد عادی با روز و ماه و سال سنجیده می‌شود، اما عمر دانشمند، نویسنده، محقق، شاعر و هنرمند این چنین نیست و حیات این قبیل افراد و نوادر روزگار عبارت است از تعداد و اندازه آثار آنان در طول

مدت زندگانی.
متأسفانه در شب یک شنبه سوم آبان‌ماه 1371 این استاد بزرگ ادبیات دار فانی را وداع گفت، روانش شاد. هنوز خیلی از نوباوگان ذوق و اندیشه او در باغ ادب و هنر ایران- زمین به گل ننشسته‌اند، و اینک تصنیف «گلباران» و شرح صنایع بدیعی و لطایفی که در آن به کار رفته است.

(1) در فصل گل که گردد گلباران گلشن
وه چه گل‌ها کز خون دارم من بر دامن
ز غم گلرخسارم
شده گلکاری کارم
بهر گلی رخ را گلگون مکن از خون
در راه یک لیلی خود را مکن مجنون
تا از درون دل غم را کنی بیرون
در پای سر کن در کش می گلگون

(2) گلعذاری گه گل پیش او چون خار است
گل بهر اغیار و خار از بهر یار است
دل او زارم خواهد
گل من خارم خواهد
بهر گلی تا کی آری به خواری سر
چون بی‌وفا شد گل خاری از او خوشتر
هر سو در این گلشن گلی هست و گل پیکر
این گل نشد سر کن با نوگل دیگر

(3) دلبرا رو که دیگر دلی در بر نیست
شوق گل چیدن دیگرای گلی در سر نیست
دگر این دل افسرده
دگر این گل پژمرده
ای نوگل خندان، من از تو بی‌زارم
رو رو که من یارا مستغنی از یارم
آسوده از یارم فارغ از اغیارم
هم بر کنار از گل هم ایمن از خارم

در جای جای ترانه کلمه‌ی گل به صورت جناس تام آمده است.
گل گلشن جناس مذیل است.
گل و خار طباق و تقابل و مراعات نظیر است.
اغیار و یار هم جناس زاید و هم طباق است.
و ترکیب‌های دیگری چون: نوگل، گلی، گلرخسار، گلعذار، گلگوون به صورت‌هایی که دیده می‌شود در این ترانه گل کرده است و واقعاً سراینده، با این «گل‌ها»، گل کاشته است.

در گلستان که زاغان نغمه‌پردازی کنند
گوش گل را گوشواری بهتر از سیماب نیست
«رضی دانش»
شادروان استاد ابوالقاسم حالت، گذشته از آنکه در سرودن انواع و اقسام شعر پارسی از قصیده و غزل و مخمس و چهارپاره و طنز و رباعی و غیره ماهر و مسلط و از بعضی جهات بی‌بدیل بود، در ترانه‌سرائی نیز دستی قوی و ذوقی لطیف داشت و بر روی آهنگهای بسیاری از هنرمندان رادیو ایران منجمله امین‌اللّه رشیدی آهنگساز و خواننده رادیو ترانه‌هایی زیبایی سروده بود که نمونه از آنها ذیلاً می‌آید.
«برباد رفته»
من آن گلم که دور از چمنم
چنین پریشان که منم
چو یار دور از وطنم
چرا جدا ز گلشنم
باد سحر از چمنم برده بدر
بجا گذرم
چه رَوَد بسرم؟
ز رهی که رَوَم نَبوَد خبرم
همره طوفان میگذرم
رهرو راهی پر خطرم
تیره جهان شد در نظرم
شد جانم آزرده
شد رویم پژمرده
مانده جدا از باغ و چمن
رنگ صفا رفت از رخ من
دیده بسوی من بفکن
تا بینی احوالم
این بخت و اقبالم
تا شده‌ام جلوه‌گر از باغ جهان
رفتم و شد چهر من از دیده نهان
نه کسی، نفسی، گذرد به برم
که شکایت دل بر او ببرم
نه ز بوی خوشم اثری
نه وجود مرا ثمری
نه کسی پی دیدن من
نه دل پی چیدن من

نه گلی شده همدم و همبر من
نه گیاه بسرم شده سایه فکن
همه نرگس و لاله چه شد؟
آه از دوری همنفسان
چو کسی ز میان برود
گویی رفته ز یاد کسان
نه دل و نه هوس
منم و غم و بس
چه بود ثمرم چه بود اثرم
همره طوفان میگذرم
رهرو راهی پر خطرم
تیره جهان شد در نظرم
شد جانم آزرده
شد رویم پژمرده
(1371 -1294 / 1293 ش)، نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان رسانید و از همان کودکی به شعر و ادب علاقه‌ی فراوانی داشت. از سال 1314 ش به طور رسمی به شعر و شاعری پرداخت و از سال 1317 ش با روزنامه‌ی فکاهی «توفیق» همکاری کرد. بحر طویلهای او با امضاهای هدهدمیرزا و اشعارش با امضای خروس لاری، شوخ، فاضل مآب و ابوالعینک، به چاپ می‌رسید. حالت با نشریات بسیاری چون: «امید»، «تهران مصور»، «قیام ایران» و «خبردار»، همکاری داشت و ملک‌الشعرا بهار او را به کنگره‌ی نویسندگان ایران دعوت کرد. او در ترانه‌سازی توانا بود و علاوه بر آن شاعری محقق و مترجمی زبردست بود و به زبانهای انگلیسی و عربی و فرانسه، مسلط. از وی ترجمه‌های متعددی به جای مانده است. از آثار او: «دیوان» اشعار؛ «پروانه و شبنم»؛ «تذکره‌ی شاهان شاعر»؛ «کلمات قصار حضرت علی (ع)»؛ ترجمه‌ی «تاریخ کامل ابن‌اثیر»؛ «تاریخ فتوحات مغول»، اثر ج ج ساندوز؛ «تاریخ تجارت»، اثر اریک. ن. سیمونز؛ «زندگی من»، اثر مارک تواین؛ «بهار زندگی»، اثر کلاویس هاستی کارول.[1]
شاعر، مترجم.
تولد: 1298، تهران.
درگذشت: 3 آبان 1371، تهران.
ابوالقاسم حالت (با نام اصلی ابوالقاسم عبدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزند محمدتقی حالت، تحصیلات خود را در تهران از دبیرستان مروی به پایان رساند. از سال 1314 به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یافت. در سال 1317 در هفته‌نامه‌ی «توفیق»

که تازه فکاهی شده بود با مدیر آن، حسن توفیق، همکاری کرد (از نخستین شماره‌ی روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شماره‌ی «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.
بعد از وقایع شهریور 1320 علاوه بر هفته‌نامه‌ی «توفیق» با هیئت تحریریه برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امید»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجله‌ی «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل مآب» قطعاتی را سرود.
ولی اشعاری که برای درج در هفته‌نامه «آیین اسلام» می‌ساخت همه جدی (غیر فکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین 1323 به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمه‌ی منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) بود. همچنین یک قصیده اخلاقی و عرفانی از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامه‌ی مذکور سروده شده است.
از جمله مشغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سازی بود. در واقع با سرودن ترانه‌های فکاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. این ترانه‌های به عنوان پیش‌پرده در تماشاخانه‌ی تهران به وسیله‌ی مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شیبانی و در تماشاخانه‌ی گهر به وسیله‌ی عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.
در انجام کارهای هنری جامعه‌ی باربد نیز که به مدیریت اسماعیل مهرتاش اداره می شد. شرکت داشت. در بهار سال 1325 آثار فکاهی خود را در دو جلد تحت عنوان فکاهیات حالت منتشر کرد. در همین سال به نخستین «کنگره‌ی نویسندگان ایران» دعوت شده که به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر 1325 ادامه داشت و در این کنگره دو شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنون «ستمگر و ستمکش» و یک مثنوی به نام «توپ فوتبال».
ابوالقاسم حالت در سال 1325 بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر» به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابرگردانی فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا اینکه مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم حالت در بهار سال 1327 به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی اداره‌ی کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از

یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه به مجله‌ی «اخبار هفته» منتشره در آبادان درآمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.
پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب شبح در کوچه میکل آنژ فرانسوی ترجمه و در مجله‌ی «تهران مصور» به چاپ رسانید.
حالت در اواسط سال 1327 به تهران منتقل شد و در اداره‌ی روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و در مدیریت مجله‌ی «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال 1353 بازنشسته گردید. وی همچنین با مجله‌ی «گل آقا» همکاری داشت.
حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان 1370 طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.
ابوالقاسم حالت در رشته‌ی زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: دیوان حالت (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ کلیات سعدی (با ترجمه‌ی اشعار عربی آن به فارسی)؛ تذکره‌ی شاهان شاعر؛ گلزار خنده (مشتمل بر اشعار فکاهی که از نیمه سال 1317 تا آخر سال 1318 سروده شده)؛ فکاهیات حالت (دو جلد)؛ دیوان خروس لاری (شامل اشعار طنزآمیز)؛ دیوان ابوالعینک؛ دیوان شوخ؛ بحر طویل‌های هدهد میرزا؛ عیالوار؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه)؛ مقالات طنزآمیز؛ فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص) (با ترجمه‌ی فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع) (با ترجمه فارسی وانگلیسی و رباعیات فارسی)؛ کلمات قصار حضرت علی (ع) (این کتاب مختصری از شکوفه‌های خرد است، با ترجمه به فارسی و انگلیسی و رباعایت فارسی، 1333)؛ کلمات قصار حسین بن علی (ع) (این کتاب چاپ دوم راه رستگاری است)؛ ترجمه تاریخ کامل ابن اثیر؛ تاریخ فتوحات مغول (نوشته ج. ج. ساندرز)؛ تاریخ تجارت (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ناپلئون در تبعید (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ زندگی من (اثر مارک تواین)؛ زندگی بر روی می‌سی سی پی (اثر مارک تواین)؛ پیشروان موشک‌سازی (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل

اشتاین)؛ بهار زندگی (اثر کلاویس هاستی کارول، 1337)؛ جادوگر شهر زمرد (نوشته‌ی ال. فرانک باوم)؛ مینوتوش مشاور نرون (نوشته‌ی میکا والتاری)؛ پسر ایرانی، سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر (نوشته‌ی ماری رنولت)؛ فرعون (نوشته‌ی الویز جارویز مک گرد)؛ شبح در کوچه میکل آنژ (ترجه از فرانسوی به فارسی)؛ پروانه و شبنم (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، 1336)؛ رقص کوسه (شامل بیست داستان کوتاه، 1333).

ابوالقاسم حالت، بر اثر سکته‌ی قلبی دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (147/ 2)، سخنوران نامی معاصر (1062 -1054/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (238 -237/ 1).

حامد حسین، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1246 ق)، عالم امامی، فقیه، محقق، مفسر، محدث، متکلم و ادیب. وی را با نسبتهای موسوی نیشابوری، کنتوری، هندی و کلهنوی نوشته‌اند. حامد حسین در لکهنو به دنیا آمد. وی از ارکان علمای امامیه بوده است. کلام را در محضر پدرش، مفتی سید محمدقلی، و فقه و اصول را نزد سید حسین بن دلدار علی نقوی، و معقول را در خدمت سید مرتضی بن سید محمد و ادب را در حوزه‌ی مفتی سید محمد عباس فراگرفت. او تصنیفات فراوانی دارد با مراجعه به کتاب «عبقات» وی معلوم می‌شود که کسی به پایه او در فن کلام بخصوص در باب امامت بدان منوال کار نکرده است. کتابخانه‌ی ارزشمند میرحامد حسین یکی از خزاین گرانبهای شرقی در دوران اخیر است. این کتابخانه حاوی هزاران جلد کتاب است که برخی از آنها از دستنویسهای قدیمی است. از آثار وی: «عبقات الانوار فی امامة الائمه الاطهار»؛ «اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار»؛ «استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد المنتهی الکلام»؛ «الشریعة الغراء»، در فقه: «الشعلة الجوالة»؛ «شمع المجالس»، قصاید عربی و فارسی در مراثی؛ مثنوی «شمع و دمع»، به اردو؛ «الظلل الممدود والطلح المنضود»؛ «افحام اهل الیمن فی رد ازالة الغین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/4)، ایضاح مکنون (92/2)، الذریعه (215 -214/ 15، 23/10، 257، 31 /2)، ریحانه (379 -377 /3)، فوائد الرضویه (92 -91)، لغت‌نامه (ذیل/ حامد حسین)، معجم المؤلفین (717/3).

حامدنیا، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین حامد نیا
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال1367 شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظرمرحوم مرجع عالی قدرآیـت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً ازتلامیذ استاد... حجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی ...والحمدالله بهره های علمی ادبی فراوانی درآن مدرسه بودم و پس ازآن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدالله معنویت وقوت درسها و تدریسها واساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله دراین سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر(عج) نصیبمان گشت و پس از 7سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را درخدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی وعلم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفا یه را محضرشیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطرعلاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را درخدمت استاد رمضانی و نهایه الحکمه را درخدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت 2سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی وغرویان وجلد دوم اسفار را درخدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقازاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی)و2سال درس خارج

فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص درخدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و درس قضا بمدت یکسال شرکت در دروس حضرت آیه الله نوری همدانی و درس خارج اصول آیه الله شمس الواعظین فرمومدریی(شیخ شمس)و تعادل و تراجیح درخدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت 2سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحثات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت 2سال دردرس سید احمد خاتمی وغیره ، انشاالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) درآینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب 14سال تمام درایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز 2سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حایری گلپایگانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام و المسلمین آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل آیت‌اللّه حاج میرزا هدایت اللّه حایری گلپایگانی از علماء محترم و مبرز معاصر تهران است. وی در سال 1322 قمری در گلپایگان متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات در محل خود به اراک آمده و پس از انتقال حوزه به شهرستان قم مهاجرت ببلده طیبه قم نموده و حدود چهار سال از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی و دیگران استفاده نموده و از آنجا مهاجرت به نجف اشرف و از محضر آیات بزرگ مانند آیت‌اللّه محقق نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و در سال 1353 قمری به ایران و شهرستان گلپایگان مراجعت کرده و مدت بسیت سال توقف و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تاسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و محصلین و غیره پرداخته تا سال 1373 ق به تهران منتقل و تاکنون بوظائف مقرره شرعی از اقامه نماز جماعت در مسجد (فخر الحاجیه) خیابان راه‌آهن و تدریس و مباحثات کمپانی با اقران خود اشتغال دارد.
دارای دو فرزند فاضل و دانشمندی می‌باشند که اجمالا به آنها اشاره می‌شود:
1- مرحوم مغفور حجت‌الاسلام آقا سید جمال الدین حایری که از فضلاء حوزه علمیه‌ی قم بودند و پس از فراغت از تحصیل در تهران اشتغال بخدمات دینی و روحی داشتند و در ماه شعبان 1386 ق در سن جوانی بدرود حیات گفته و در مقبره شیخان قم مدفون گردیدند.
2- جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید مرتضی حایری که نیز تحصیلات خود را در قم تکمیل و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده و به تهران منتقل و اکنون در مسجد مرحوم برادرش در سلسبیل تهران خیابان هاشمی (مسجد رضوی) بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
مرحوم مترجم معظم ما نیز از آیات عظام و علماء اعلام گلپایگان بوده‌اند

که شرح احوال و آثارش در جلد چهارم گنجینه در باب گلپایگان خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حایری مازندرانی، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295 ش)، مترجم. در تهران متولد شد. وی در دارالفنون، تحصیل کرد، سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد، و نزد پدر، اصول فقه و علوم قدیمی را فراگرفت. مازندرانی چندی به اورپا رفت و در پاریس دکترای حقوق گرفت و به تهران بازگشت و مشغول امر وکالت شد. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب معروف «مانون لسکو» اثر آبه پرود از فرانسه به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مولفین کتب چاپی (193 -192 /5).

حائری پور، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی حائری پور
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از طی تحصیلات راهنمایی و اول دبیرستان در کاشان وارد حوزه علمیه مرحوم آیةالله العظمی یثربی ره کاشان شدم سال 1363 پس از سه سال گذراندن ادبیات عرب در سال 1366 به حوزه علمیه قم آمدم و به درس های فقه و اصول (لمعه و اصول فقه) پرداختم و همزمان دیپلم گرفتم. و تا سال 1372 سطح را به پایان بردم. در دس خارج یک دوره اصول نزد آیةالله سبحانی از شاگردان حضرت امام خمینی ره گذراندم و همزمان حدود 2 سال در بحث های خارج فقه ایشان شرکت کردم.در سال 1376 در کنار درس خارج به رشته تخصصی علوم قرآن و تفسیر روی آوردم و مدت چهار سال در این دوره بودم. از سال 1370 همزمان با پایان دوره سطح به تدریس دروس حوزوی هم می پرداختم که هنوز ادامه دارد.در سال 1380 وارد مرکز تخصصی مهدویت شدم و به عنوان اولین دوره این رشته به تحصیل پرداختم که حدود سه سال طول کشید. و فعلا با موسسه آینده روشن هم در زمینه مهدویت همکاری می کنم.در دهه هفتاد مدت دو سال در مرکز ادبی حوزه (زیر نظر اقای جواد محدثی) دوره نگارش عمومی و تخصصی را مقداری نزد اقای محدثی و بیشتر نزد سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) گذراندم.فعلا مقداری به درس خارج و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول هستم. والحمدالله رب العالمین.

حائری، عبدالهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1312، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
زندگینامه
دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال 1312 هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال 1357 به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.
ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.
تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از 40 مورد می‌رسد.
مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از 36 مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.
دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی 2 ساله در سن 60 سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد 1372 چشم به جهان فروبست.
مدرس، مورخ.
تولد: 1314، قم.
درگذشت: 23 تیر 1372، مشهد.
عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد

مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال 1343 با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.
عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.
دکتر حائری در سال 1357 به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.
تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.
از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.
کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حائری، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی حائری
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1355 در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال 1366 در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال 1373 و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بدایة الحکمه و نهایة الحکمه نزد آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال 1369 کتاب مسالک الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حبیب اصفهانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1315 ق)، ادیب، نویسنده، زبان‌شناس و شاعر، متخلص به دستان. در قریه‌ی بن از توابع چهارمحال اصفهان متولد شد. در اصفهان به تحصیل علوم پرداخت. بعد از تحصیل ادبیات و فقه و اصول در بغداد، به تهران آمد و پس از چندی به استانبول رفت و در آنجا مقیم شد. میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزادمردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند همکاری داشت. وی بیشتر اوقات خود را به تدریس و آموزش زبان فارسی در استانبول می‌گذراند و علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی و فرانسه مسلط بود. گاهی نیز به سرودن شعر می‌پرداخت. در اواخر عمر برای معالجه به آبهای بورسا رفت و همان جا درگذشت و در گورستان چکرگه دفن شد. از آثار وی: «برگ سبز»؛ «خط و خطاطان»؛ «دستور سخن»؛ «دبستان پارسی»؛ «رهنمای فارسی»؛ «غرائب عقائد ملل»؛ «دیوان» اشعار؛ ترجمه‌ی کتاب «حاجی بابا».[1]
اصفهانی (میرزا) متخلص به دستان، دانشمند ایرانی (ف. بورسه 1311 ه.ق.) وی به جرم دهری بودن و اتهام سیاسی از ایران به استانبول تبعید شد و تا سال فوت غالبا در مکتب سلطانی آن شهر به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود. از آثار او دستور سخن، تصحیح و طبع دیوان اطعمه ابواسحاق حلاج شیرازی، تصحیح و طبع دیوان البسه قاری، منتخب کلیات عبید زاکانی با مقدمه فرانسوی فرته، غرائب عوائد ملل، برگ سبز، خط و خطاطان (ترکی)، دبستان فارسی، خلاصه رهنمای فارسی، رهبر فارسی، ترجمه مولیر به فارسی به نام «مردم گریز» و ترجمه «جاحی بابا» است و دیوان شعری هم دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (405 -395 /1)، تاریخ تذکره‌های فارسی (599/2)، تذکره‌ی القبور (247)، شرح حال رجال (314 -313 /1)، مولفین کتب چاپی (470 -469 /2).

حبیب اللهی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود حبیب اللهی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1344 هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال 1362 بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال 1369 علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال 1375 وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال 1376 در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حبیبی احمد آبادی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی حبیبی احمدآبادی
محل تولد : کربلاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه المهدی (عج) که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) بود مشغول به تحصیل شدم . بعد از دو سال به مدرسه علمیه رسالت منتقل شدم و تا اتمام لمعتین در آن مدرسه به درس خود ادامه دادم . با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به دبیران دینی ، دو سال اول انقلاب را در دبیرستان ها و دانشسراهای محلات و بوشهر به تدریس کتاب های دینی و آموزش قرآن پرداختم و بعد از آن برای ادامه تحصیل به قم بازگشتم و سر درس رسائل و مکاسب حاضر شدم . در کنار تحصیل در فرصت های مناسب برای تبلیغ به جبهه ها اعزام می شدم ، ولی با توجه به مطالعات و تحقیقات جنبی که در علوم قرآنی داشتم و تجربیات و موفقیت های کسب شده در امر تدریس و کلاسداری و نیاز شدید به معلمین قرآن (با توجه به نهضت قرآنی که به برکت انقلاب اسلامی راه افتاده بود) تمامی همت و وقت خود را صرف برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم نمودم .
با تاسیس بخش قرآن سازمان تبلیغات اسلامی ، همکاری خود را با آن بخش شروع کردم و ضمن تدریس در دوره های تربیت معلم قرآن کریم ، ویژه معلمین آموزش و پرورش که از سراسر کشور در تابستان ها در تهران جمع می شدند برای برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمین قرآن به شهرها اعزام و به تدریس مهارت های تدریس قرآن کریم می پرداختم .
با گسترش فعالیت های قرآنی بخش قرآن و تبدیل آن به دار القرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی و کانون های قرآن در مراکز استان ها و شهرستان هایی که سازمان تبلیغات اسلامی در آن شهرستان ها نمایندگی داشت ، از طرف دار القرآن به آن مرکز جهت برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم اعزام می شدم تا معلمین مورد نیاز برای آموزش قرآن در تابستان ها و ماه مبارک رمضان ، آموزش لازم را دیده باشند و به

تدریس یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور بپردازند .
برای آموزش یکنواخت قرآن کریم در سراسر کشور ، ابتدا با همکاری دو تن از اساتید دار القرآن کریم ، جزوه آموزش قرآن کریم تهیه نمودیم . سپس آن جزوه در دو سطح : یک برای خردسالان و دو برای بزرگسالان توسط این جانب تکمیل و برای معلمین قرآن نیز کتاب راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم تالیف نمودم که بعدها اصلاح و تکمیل شد و الحمد الله اکنون به عنوان کتاب مشهور برای آموزش قرآن در اختیار علاقمندان می باشد ، به طوری که هر سال بیش از دویست هزار جلد روخوانی قرآن کریم و ده هزار جلد راهنمای تدریس روخوانی قرآن کریم چاپ و منتشر می شود .
همزمان با فعالیت های قرآنی در شهرستان ها ، کانون قرآن سازمان تبلیغات اسلامی قم را تاسیس و دوره های متعدد تربیت معلم قرآن کریم در طول سال برای طلاب ایرانی و غیر ایرانی و عموم علاقمندان قرآن کریم برگزار می نمودیم که الحمد لله با استقبال بسیار طلاب مواجه می گردید .
در کنار فعالیت های قرآنی ، کار تحقیقات در زمینه های مختلف علوم قرآنی را ادامه دادم و ضمن تکمیل کتاب های قبلی ، کتاب های دیگری را تالیف که در ادامه آورده ام .
در سال 1376 واحد قرآن مرکز مدیریت حوزه علیه قم را راه اندازی و اقدام به برگزاری دوره های تربیت معلم قرآن کریم ویژه طلاب علوم دینی (ایرانی و غیر ایرانی) نمودم که دوره های مذکور در سطح عالی و به صورت استدلالی برگزار می شد .
کتاب رسم و ضبط مهارت های تدریس قرآن کریم این جانب رتبه تشویقی کتب برگزیده حوزه را در اولین سال تشکیل این نهاد به خود اختصاص داد و امسال نیز به عنوان خادم قرآن در استان قم انتخاب شدم .
خداوند را شاکرم که در حدود 25 سال فعالیت های قرآنی بیش ازپنجاه هزار نفر علاقمندان تدریس قرآن کریم ، معلمین آموزش و پرورش ، طلاب علوم دینی ایرانی و غیر ایرانی اعم از خواهر و برادر ، دوره های آشنایی با مهارت های تدریس قرآن کریم را نزد این جانب طی کرده اند ، و بیش از صد هزار نفر از کتاب های رسم و ضبط و مهارت های تدریس قرآن کریم استفاده کرده اند ، و بیش از دو میلیون نفر از کتاب های آموزش قرآن این جانب بهره مند شده اند .
اکنون به یاری خداوند در کنار حضور در درس خارج فقه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی به تدریس و تحقیق نیز مشغول می باشم .

حبیبی تبار، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد حبیبی تبار
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/10/1
زندگینامه علمی
از سال 1356 همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیة الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیة الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیة الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیة الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیة الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیة الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال 1364 آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.
از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. 8 جلد در حقوق مدنی ، 4 جلد در متون فقه ، 4 جلد در موضوعات حقوق به

صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : 1. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.2. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. 3. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. 4. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. 5. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.6. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. 7. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. 8. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبیان نقیبی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید حبیبیان نقیبی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجید حبیبیان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی ، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل ، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال 1361 دربافت نمودم . در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال 1363 برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله فاضل استر آبادی ، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.
دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم . از سال 1367 برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال 1369 بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات اعتمادی ، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد تبریزی(ره) ، فاضل لنکرانی(ره) ، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.
در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی ، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم . از سال 1369 به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی ، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم . در سال 1374 برای ادامه تحصیل در مقطع کار شناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال 1377 از این مقطع فارغ التحصیل شدم . از سال 1367 در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب ، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است .
در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید

قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم .

حجاج اسفراینی، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، ادیب، شاعر. از رجال بزرگ عهد غزنویان، پدرش از وزیران مشهور محمود است و از ممدوحان فرخی سیستانی وی به زبان عربی شعر می‌گفت و در تذکره‌ها اشعاری از او باقی مانده. مترجم «تاریخ عتبی» فضل و کمال او را ستوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 538)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (217)، سرآمدان فرهنگ (1/ 64)، فرخی سیستانی (118 -117)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن اسفراینی).

حجار اصفهانی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1309 ق)، خطاط و حجّار. از آثار وی: حجاری ستون سنگی سمت چپ ایوان شمالی مسجد سید اصفهان است که به خط نستعلیق چنین نوشته شده: «حاجی اسمعیل حجار، التماس دعا دارم سنه 1309».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (652)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (769).

حجازی دزفولی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 /1322 -1273 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به حجازی. در تهران متولد شد. پدرش از علمای خوزستان و قطب سلسله‌ی ذهبیه بود. حجازی در نه سالگی باتفاق پدر خود به دزفول رفت و علوم متداول را نزد پدرش فراگرفت. در مجلس موسسان اول نماینده بود، بعدها دو دوره‌ی متوالی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. حجازی طبع شعری نیز داشت و اشعاری می‌سرود. وی همچنین در مجله‌ی «ارمغان» به نشر مقالات ادبی، تحقیقی و انتقادی می‌پرداخت. او حدود بیست جلد کتاب تالیف کرده است. از جمله‌ی آثار او: «شکرستان تاریخ شش هزار ساله‌ی خوزستان»؛ «ظهور محمد (ص)»، ترجمه از انگلیسی؛ «نعم الظهر فی طلب اکسیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (1096 -1094 /2)، مولفین کتب چاپی (537 -536 /3).

حجازی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابوالقاسم موسوی حجازی خراسانی یکی ا زعلماء محترم و ائمه جماعات طهران و موصوف به تقوی و ورع و زهد و پارسائی بوده و عمر خود را به پاکی و صداقت گذرانیده و خدمت به شرع انور نموده است در میان روحانیون و علماء محترم تهران شهرتی بسزا داشته و مورد توجه عموم آنان بوده و مردم بازار علاقه مخصوصی به ایشان داشته تا در 26 اسفند ماه 1341 شمسی در تهران بدرود حیات گفته و بنابر وصیتش با تجلیل فراوان و تشیع با شکوهی حمل به مشهد مقدس گردیده و در باغ رضوان در جوار حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام که چندین سال تولیت مدرسه پریزاد واقع در بازار و بالا سر حضرت را داشتند به خاک سپرده شدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

حجازی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1297، ملایر.
درگذشت: 2 خرداد 1359، تهران.
حسین حجازی تحصیل کرده‌ی بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا مدت سه چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن مجله‌ی نوشته‌های ادبی و اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و نشر می‌کرد. پس از آن از سال 1323 به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت. صاحب امتیاز مجله و گرداننده و پخش کننده‌ی آن خودش بود. «جهان نو» مدت سیزده سال منتشر شد. در قسمتی از سال‌های اول انتشار آن، مرتضی کیوان سردبیر آن بود. سپس امین عالیمرد با وی همکاری می‌کرد.
«جهان نو» عاقبت در سال 1333 از انتشار باز ماند. تا اینکه مجددا در سال 1345، به قطع وزیری و به طور ماهیانه تجدید انتشار یافت.
حسین حجازی در چند سال اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری تهران را تأسیس کرد. از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است عناوین زیر هستند: بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت (م.زمیر)؛ انسان آینده (لئونارد داروین، 1321)؛ عصمت عروس می‌شود (نوشته‌ی گرین ویشرپین، 1341).
(1359 -1279 ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در ملایر متولد شد. تحصیلات خود را در بیروت گذراند. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت و در آنجا حدود چهار سال سردبیری «نامه‌ی راه» را بر عهده داشت و در آن نشوته‌های ادبی و اجتماعی خارجی را ترجمه و نشر می‌کرد. چندی نیز سردبیر مجله‌ی «راه نو» بود. وی پس از آن در سال 1323 ش به چاپ و نشر مجله‌ی «جهان نو» پرداخت، این مجله در سال 1333 ش از انتشار بازماند. تا اینکه از سال 1345 ش به طور ماهنامه مجددا انتشار یافت.
حسین حجازی در اواخر عمر کتابخانه‌ی شهرداری را تاسیس کرد. از آثار وی: ترجمه‌های «بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت»، از م. زمیر؛ «انسان آینده»، از لئونارد داروین؛ «عصمت عروس می‌شود»، نوشته‌ی گرین ویشرپین.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 12 -9 ص 930 -922)، مولفین کتب چاپی (722/ 2).

حجازی، عبدالرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد دکتر سید عبدالرضا حجازی از مشاهیر خطباء و گویندگان و معاریف وعاظ و نویسندگان عصر حاضر می‌باشد. در تهران و تمام نقاط کشور شهرت بسزائی دارند.
معظم‌له دارای بیانی شیرین و منطقی شیوا و علمی می‌باشند این واعظ عالیقدر به زبان عصری داد سخن می‌دهد و تمام طبقات مردم را از عالم و عامی و دیروزی و امروزی بخصوص نسل جوان را بهره‌مند می‌سازد.
در سال 1313 خورشیدی در شهرضای اصفهان متولد گردیده و پس از خواندن دروس جدید و مقدماتی به اصفهان آمده و مدت سه سال از محضر مرحوم حجه‌الاسلام عالم ربانی حاج میرزا علی آقا شیرازی استفاده کرده و در سال 1329 شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیده است.
و پس از تکمیل نمودن سطوح عالیه از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت‌الله العظمی مجاهد امام خمینی استفاده کرده ایشان معقول و تفسیر قرآن را نزد علامه بزرگ آقای طباطبائی تبریزی فراگرفته و در سال 1340 به تهران آمده و در راه انتشار اسلام و تبلیغ احکام به اشتغال ورزیده است.
این واعظ گرامی در اثر نبوغ و استعداد ذاتی و تحقیقات علمی که دارد در شمار وعاظ نامی کشور درآمده است. استاد حجازی گوینده مجاهدیست که در این پست حساس مصائب فراوان و سوانح زیادی را تحمل کرده و مورد غبطه بسیاری قرار گرفته است. وی دوره لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دوره دکترا را در دانشگاه آنکارا طی نموده است و نه تنها از رهگذر خطابه و سخنرانی خدمات شایانی به اسلام کرده است‌بلکه با قلم شیوای خود نیز افکار نسل جوان را روشن و متوجه بمبانی اعتقادی و دینی نموده است.
آثار علمی ارزنده ایشان که به طبع رسیده و مورد استفاده عموم مخصوص نسل جوان و تحصیل کرده می‌باشد از این قرار است 1- کتاب سیستم اقتصادی اسلام پیرامون مبادی اقتصادی و روشهای عالی اسلام و اولین کتابیست که در سال 1338 شمسی به زبان پارسی در این رشته به تحریر آمده است.
2- کتاب رسالت قرآن در عصر فضا و از جمله شاهکارهای علمی و ادبی فارسی است که در طی یکسال سه مرتبه به چاپ رسیده و پر تیراژترین

کتاب اسلامی است که در این چند سال اخیر منتشر شده است و اخیرا آقای سید علی که یکی از فضلاء نجف است آن را به عربی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجازی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. ملقب به مطیع‌الدوله. پدرش مستوفی دربار قاجار بود. محمد تحصیلات مقدماتی را در مدرسه‌ی سن‌لویی به پایان رساند و بعد از آنکه مدتی در اروپا به سر برد، به ایران آمد و عهده‌دار سمتهای مختلفی شد، از جمله مدیر مجله‌ی «ایران امروز» و «پست و تلگراف و تلفن» شد و مقالات خود را در نشریات آن زمان بخصوص «بابا شمل» به چاپ می‌رساند. حجازی صاحب سبک نو و مطلوبی در نویسندگی است که همین امر او را در زمره‌ی نویسندگان درجه‌ی اول قرار می‌دهد. از جمله آثار او: «آیینه»؛ «آهنگ»؛ «اندیشه»؛ «پریچهر»؛ «حجازی و سخنان جاوید او»؛ «حکمت ادیان»؛ «ساغر»؛ «نمایشنامه‌ی حافظ »؛ «کمال‌الملک»؛ «خلاصه‌ی تاریخ ایران تا انقراض قاجاریه»؛ «رشد شخصیت»؛ «روانشناسی یا جبر و اختیار»؛ «زیبا».[1]
معروف به مطیع‌الدوله، متولد 1280 در تهران. پدر و مادرش در اصل از مردم تفرش بودند. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران انجام داد و قسمتی دیگر را در فرانسه تکمیل نمود. در فرانسه در رشته‌های علوم سیاسی و الکتریسیته و بی‌سیم تحصیل نمود و با زبان و ادبیات فرانسه آشنائی یافت. بعد از مراجعت به ایران، به عنوان مترجم وارد وزارت پست و تلگراف شد و مراحل ترقی را در آن وزارتخانه پیمود. مدتی ریاست اداره‌ی کارگزینی با او بود، بعد به وزارت دارائی منتقل و ریاست دفتر علی‌اکبر داور را عهده‌دار شد. چندی هم نمایندگی تبلیغات در فرانسه با او بود. از مشاغل دیگرش: عضویت در فرهنگستان، ریاست انتشارات و تبلیغات، معاونت نخست‌وزیر در 1330 در کابینه‌ی علاء و مدت کمی هم در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق و سناتوری تهران به مدت 18 سال.
شهرت و معروفیت او به لحاظ نویسندگی اوست. از جوانی به نوشتن پرداخت. اولین کتابی که انتشار داد زیبا بود که تا سال‌های سال موضوعش مطرح بود، و داستان نیمه‌واقعی آن که حاکی از اوضاع اجتماعی ایران در اواخر دوره‌ی قاجاریه است، برای خواننده‌ی ایرانی گیرائی داشت. کتاب دیگری به نام اندیشه انتشار داد که داستان‌های کوتاه آن خیلی مورد توجه قرار گرفت؛ مخصوص باباکوهی آن سر و صدای زیادی ایجاد کرد. از آثار دیگر او هما، آهنگ، ساغر، پریچهر، پروانه و سرشک را باید نام برد که هرکدام در نوع خود جالب و خواندنی بود. برخی از این کتابها به زبان‌های

دیگر هم ترجمه و چاپ شده است. حجازی در نمایشنامه‌نویسی هم دست داشت. چند نمایشنامه‌ی او به روی صحنه آمد که مشهورترین آنها «محمد آقا را وکیل کنید» بود. معروفترین، و به نظر عده‌ای بهترین اثری که نوشته است، کتاب آئینه است.
حجازی از نویسندگان فرانسه، به خصوص نویسندگان رمانتیک الهام گرفته است شیوه‌ی داستان‌نویسی‌اش هم ملهم از نویسندگان مکتب رمانتیک بود. زمانی هم به کار نامه‌نگاری پرداخت. در 1317 امتیاز روزنامه‌ی دولتی ایران امروز را به او سپردند. تمام امکانات در اختیارش قرار گرفت. نشریه‌ی هفتگی خوش ظاهری که از لحاظ کاغذ و چاپ ممتاز بود انتشار می‌داد. بیشتر هدف از انتشار این نشریه، ارائه و معرفی پیشرفت‌های دوران پهلوی بود. چند صفحه از این روزنامه به زبان فرانسه تنظیم می‌شد. چون با سرپاس مختاری رئیس شهربانی وقت نزدیک و حشر و نشر داشت، از تمام امکانات در کار روزنامه استفاده می‌کرد. عضویت او در فرهنگستان در اثر انتشار این روزنامه و حمایت مختاری بود. دوستی بین آن دو تا آخر عمر مختاری ادامه داشت.
حجازی بعد از 1332 به طور کامل به سیاست و حمایت از دولت‌های وقت روی آورد. در ارکان دولت از اجله متنفذین شد. گذشته از این که خود بر کرسی سنا جلوس کرده بود، خیلی از افراد به وسیله‌ی او صاحب جاه و جلال شدند. گویا نطق‌های محمدرضا شاه را می‌نوشته و در جلسات متعدد مشورتی دستگاه شرکت می‌کرده است. از آن تاریخ به فکر مال و منال هم افتاد و مقادیری زمین از دولت گرفت. از بین زمین‌های خود خیابانی عبور داد و نام آن خیابان را با اعمال نفوذ حجازی گذاشت. بعدها این زمین‌ها را با قیمت گزافی فروخت. خود او گفته است سود هر متر زمین از فروش 50 جلد تألیفات من بیشتر بوده است. با کمال‌الملک نقاش بزرگ معاصر هم حشر و نشر داشت و شرح حالی از او تهیه کرد و انتشار داد، اما اثری است بی‌رمق که اصلاً درخور شخصیت ممتاز آن استاد نقاش نیست. در 1352 در حالی که به کلی از صحنه‌ی ادبیات بیرون رفته و شهرت خود را به عنوان نویسنده از دست داده بود، درگذشت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (257 -243)، تاریخ جراید (71 -69 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (80 -78 /3)، مولفین کتب چاپی (386 -381 /5).

حجازی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حجازی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/1/1
زندگینامه علمی
نا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال 1303 هجری بود . در کانون کهن علم و فلسفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجازی را با شادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصیل علوم دینی رهسپار اصفهان گردید. سالها در اصفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشته های ختلف فرهنگ اسلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شیخ احمد فیاض .آیت الله حجازی در سال 1370 هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول 17 سال سکونت در نجف اشرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضر مراجعی چون:حضرت امام خمینی ، آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کافی گرفت.دستیابی به درجه اجتهاد یکی از فرازمندترین فله های ارتقای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند عبارتند از :آیت الله العظمی سید یحیی حسینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج

سید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کند:سید مهدی حجازی، دانشمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسته، برگزیده بزرگان، پشتوانه دانشمندان اسلام، رهرو راه استوار صاحب ذوق آراسته به مرتبه اجتهاد رسیده اند.آیت الله العظمی سید ابوالمعالی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، ایشان نیز در مرقومه خویش درباره آیت الله حجازی می نویسد:حجه الاسلام حجازی با آراستگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محسن بن العلامه الکبری والایه العظمی السید محمد بن العلامه السید علی کوه کمری عالمی کامل و فاضلی بارع و در اخلاق و وقار ثانی آن پدر بزرگوار است در حدود سال 1335 ق در نجف متولد و با والد معظم به تبریز آمده و بعد از چند سال توقف به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از اساتید مبرز حوزه فراگرفته و به درس والد خود شرکت نموده و با اجازه و امر آن جناب به نجف مسافرت و چند سالی از دروس فقه و اصول آیات عظام‌خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حاج سید محسن حکیم و دیگران استفاده کامل نموده و در سال 1370 ق سفری به عزم زیارت والد و معالجه کسالت به ایران و قم آمده و مورد استقبال اهل علم و حوزه علمیه قرار گرفته و پس از آمدن در خدمت والد به شهر ری و توقف سه ماه مراجعت به نجف و تا چند سال بعد از فوت پدر توقف آنگاه به قم مراجعت و تاکنون به تدریس فقه و اصول و تالیف و اقامه جماعت در مسجد حجتیه اشتغال دارد.
و اما آثار و تالیفات علمی مطبوع و مخطوط ایشان از این قرار است:
1- الجزءالاول من نهج‌الطالب مطبوعه.
2- الجزءالثانی من نهج‌الطالب مطبوعه.
3- کلمه موجزه مطبوعه.
4- کلمه ثانیه مطبوعه.
5- کلمه التقه مطبوعه.
6- الرساله العلمیه مطبوعه.
و تالیفات مخطوط از این قرار است:
1- تبصره فی کفاید الاصول.
2- تبیان فی فرائد الاصول.
3- ولایه الفقیه.
4- مباحث الالفاظ.
5- لبس اللباس السواد فی ایام شهادت امام الشهید ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام
6- قاعده لاضرر 7- حقیقه التجرشی 8- المعنی الحرفی.
9- الحکم فی اللباس المشکوک 10- الاستصحاب 11- العلم الاجمالی و

فروعه.
12- قاعده الید 13- مکاتبات الائمه علیهم‌السلام.
14- صحابه النبی الاکرم و ائمه‌الدین علیهم‌السلام.
15- سلمان الفارسی 16- ثقاه الرواه.
17- الاربعین فی حیاه سلمان الفارسی.
18- فاطمه بنت الامام الکاظم علیهماالسلام.
19- قصار الکلمات فی الاحکام 20- تعلیقه علی العروه الوثقی.
21- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حجت، ناصرالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌سید هاشم حسینی نجف‌آبادی. عالم زاهد جلیل، مؤلف کتاب «حجة البالغة فی تنبیه القلوب الرائقة» در رد نبیل زاده مبلغ بهائی، کتاب نامبرده از کتب بسیار مفید در این موضوع است، و در مشهد به طبع رسیده.
مؤلف دانشمند آن در 1296 در نجف‌آباد متولد شده، و در مولد خود و اصفهان و نجف و مشهد تلمذ نموده، و عمده‌ی تحصیلاتش نزد آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی بوده، پس از نیل به مقام اجتهاد به موطن خود مراجعت نموده، و به نشر احکام و ترویج دین و دفع شبهات مخالفین، در کمال سعی و جدیت اشتغال جسته، تا سرانجام در شب 16 ربیع‌الثانی سال 1360 وفات یافته، در بقعه‌ای مخصوص در جنب مسجد خود در پهلوی قبر پدر مدفون گردید.
گاهی شعر می‌گفت و در آن «حجت» و «ناصر» تخلص می‌فرمود.
پدرش نیز از علماء معروف است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حجتی کرمانی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجواد حجتی کرمانی که از دانشمندان و افاضل نویسندگان و بنام حوزه علمیه قم می‌باشند.
وی در کرمان متولد شده و در حجر والد چنان پدری پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در مدرسه معصومیه کرمان از مرحوم والدش و آیت‌اللّه صالحی و دیگران فراگرفته آنگاه عزیمت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده و فلسفه را نزد استاد علامه طباطبائی فراگرفته است
نگارنده گوید: آقای حجتی از دوستان نزدیک حقیر است و از سال 1371 قمری که به کرمان تبعید شدم و به امر مرحوم والدش به دیدنم آمده و مأنوس بوده‌ایم ایشان را به تقوا و کمالات و فضائل اخلاقی و انسانی شناخته‌ام دارای آثار ارزنده‌ای که از آنها کتب زیر است می‌باشد 1- اسرار سقیفه 2- جلوه مسیح در پیرامون مسیحیت. ترجمه سه جلد تفسیر (المیزان) و غیره
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حجتی، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الرحیم حجتی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

حجتی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی حجتی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر این شهرستانست تولد ایشان در رشت واقع و پس از پرورش و خواندن دروس فارسی و مقدمات به قم مسافرت کرده و سالیان دراز از محاضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه مخصوصاً آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه امام خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و شریعتمداری استفاده نموده و پس از نیل به مقام علمی و عملی به رشت برگشته و به انجام وظائف دینی از قبیل امامت در مسجد (حجتیه) و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین و غیره مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حداد عادل، غلامعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامعلی حدادعادل درسال 1324 درتهران متولد شد. و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان علوی در 1342، لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران (1345)و فوق لیسان از دانشگاه شیراز (1347ه.ش)گرفت اما توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد. اما از سال 1348 دوباره به تحصیل در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تهران پرداخت. و در سال 1354 درفلسفه دکتری گرفت . وی مدرس فلسفه دانشگاه تهران، مدیر بنیاد دایره المعارف اسلامی و رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رئیس مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم است. ترجمه کتاب "تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهوالدین و انساب : غلامعلی حداد عادل فرزند رضا است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دیپلم ازدبیرستان علوی تهران1342،لیسانس فیزیک ازدانشگاه تهران1345،فوق لیسانس فیزیک ازدانشگاه شیراز1347،توسط ساواک ازدانشگاه اخراج شد ودوباره از1348درمقطع لیسانس علوم اجتماعی وارد دانشگاه تهران شد. وتااخذ مدرک دکترای فلسفه ازدانشگاه تهران در1354تحصیل کرد. عنوا ن تزدکتری وی نظرکانت درباره مابعدالطبیعه بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخراج غلامعلی حداد عادل ازدانشگاه شیرازتوسط ساواک ازوقایع مهم زندگی علمی ومبارزاتی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی حداد عادل درهنگام تحصیل دردوره فوق لیسانس فیزیک دردانشگاه شیراز،به طورهمزمان به تدریس دروس نظری وعملی فیزیک درهمان دانشگاه مشغول بوده است.استادان و مربیان : غلامعلی حداد عادل دررشته فزیک ازمحضر استاددکتر حسابی ودکتر جناب ودرفلسفه ازحضور عالمانی چون دکتر یحیی مهدوی،دکتر احمد فردید،دکتر سید حسین نصر،دکتر بزرگمهر ودکتر محمد خوانساریوشهید مطهری بهره برده است.وقایع میانسالی : غلامعلی حداد عادل پس ازاخذ دکتری فلسفه ازدانشگاه تهران به تدریس درمرکزتعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. پس ازانقلاب نیزمسئولیت های گوناگون اجرایی راعهده داربود که ازآن جمله مدیریت بنیاددایره المعارف اسلامی،ریاست فرهنگستان زبان وادب فارسی،تدریس کلام جدیددرحوزه علمیه قم

ودانشگاهها اشاره نمود.وی اخیرا در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی به ریاست مجلس نیز منسوب شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی: معاون تبلیغات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، عضو شورای سرپرستی صداوسیما ، مشاور وزیر ومعاون وزیر ورئیس سازمان پژوهش وبرنامه ریزی وزارت آموزش وپرورش ، مدیر عامل بنیاد دائره المعارف اسلامی ، رئیس فرهنگستان زبان وادب فارسی ، عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نماینده مردم تهران در دوره ششم (عضو کمیسیون فرهنگی)،دوره هفتم(رئیس مجلس) و دوره هشتم مجلس شورای اسلامی فعالیتهای آموزشی : عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف(قبل از انقلاب اسلامی) عضو هیئت علمی دنشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران(بعد از انقلاب اسلامی) مدرس کلام جدیددرحوزه علمیه قم ودانشگاهها.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی حداد عادل دکنارتدریس ومسئولیت های اجرایی به مطالعه وتحقیق وتالیف آثاری درزمینه فلسفه واسلام می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : غلامعلی حداد عادل درفلسفه بیشتر بر آرای کانت و تحلیل آنها تمرکز دارد.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تمهیدات"غلامعلی حداد عادل ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. غلامعلی حداد عادل در هفتمین همایش چهره های ماندگار در آبان ماه 1387 بعنوان چهره برگزیده در رشته فلسفه انتخاب گردید.

آثار : 1 تمهیدات ویژگی اثر : ترجمه-این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تمهیدات»: کتاب ترجمة «پرولە گومنا» دومین مرجع فلسفة نظری کانت، فیلسوف مشهور آلمانی است. ترجمه براساس شش ترجمة انگلیسی و نظر به ترجمة عربی و فرانسة کتاب، با رعایت دقّتهای لازم و در کمال شیوایی و رسایی صورت گرفته است. ترجمة این کتاب قدم مهمی در راه معرفی متون کلاسیک فلسفه به زبان فارسی و حلّ مشکلات این زبان برای ترجمة اصطلاحات فلسفة کانت است. کتاب علاوه بر ترجمهٔ متن تمهیدات، مشتمل بر شرح حال کانت، نظر کانت در بارهٔ مابعدالطبیعه و غرض وی از تألیف تمهیدات است 2 جدائیها 3 دانشنامه جهان اسلام ویژگی اثر : (جلد 2و3و4 - زیر نظر)4 درسهایی از قرآن ویژگی اثر : 4 جلد5 فارسی دوره راهنمایی ویژگی اثر : (با همکاری دیگران)6 فرهنگ برهنگی وبرهنگی فرهنگی 7 نظریه معرفت در فلسفه کانت

حداد، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین حداد سال 1339 در شهرستان ساوه به دنیا آمد. او فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود.وی نزدیک به 30 اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین حداد فارغ‌التحصیل رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. همچنین از سال 1368- 1359 در روستاهای دورافتاده همدان، ساوه و قزوین خدمت کرد.
آرا و گرایشهای خاص : پژوهشگر و مدیر دفتر پژوهش‌های مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، سیدمهدی شجاعی در مراسم یاد بود حسین حداد خاطرنشان کرد: تلقی من درباره حسین حداد این‌گونه است. او به واقع می‌دانست آن‌چه را که انجام می‌دهد، به عنوان توشه‌ای با خود به آن دنیا می‌برد. آن‌چه او انجام می‌داد، اعتلا بخشیدن به ادبیات متعهد بود. در ادامه جواد محقق با بیان خاطره‌ای از حسین حداد گفت: هر کدام از این نشست‌ها برای ما می‌تواند تلنگری باشد تا در زمان حیات قدر یکدیگر را بدانیم و قضاوت‌های‌مان بر اساس عدل و انصاف باشد. همچنین پس از مرگ هم دچار تملق‌گویی نشویم. او همچنین با تأکید بر این‌که ضروری است این دست بزرگداشت‌ها را در زمان حیات افراد داشته باشیم، خاطرنشان کرد: بزرگداشت کسی به معنای نفی نقد آثار آن فرد نیست. از سویی اگر کسی نقدی بر آثار دیگری داشت، آن را به حساب دشمنی و موارد منفی نگذاریم. امیرحسین فردی هم با یادآوری خاطراتی از حداد گفت: زندگی وارسته حسین حداد برای ما الگویی است و همواره این را به ما یادآوری می‌کند، که بار امانت انقلاب اسلامی را به سلامت به مقصد برسانیم. فردی با بیان این که اتحاد و انسجام یکی از دغدغه‌های حسین حداد بوده است، افزود: او از غربت نسل جنگ در انقلاب اسلامی حرف می‌زد؛ نسلی که تا آخرین لحظه در جبهه‌های جنگ از آرمان‌های خود دست نکشید. در سوگ‌نشست حسین حداد، عباس براتی‌پور چند شعر خواند، و همسر حداد نیز به بیان خاطراتی از زندگی مشترک خود با او پرداخت.
جوائز و نشانها : مراسم یادبود حسین حداد با عنوان «خواب خاطره» در

سالن اجتماعات انجمن قلم ایران در اردیبهشت ماه 1386 برگزار شد.
چگونگی عرضه آثار : درباره تألیفات حداد هم اشاره شد که نزدیک به 30 اثر تألیف و تدوین کرده و هفت جلد کتاب پژوهشی از وی در دست انتشار است. ----------
-
منابع :
1بانک رسانه ها - روزنامه همشهری، 1-2-1386، "شجاعی: کار حداد اعتلا بخشیدن به ادبیات متعهد بود"ا

حدادی، حامد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حامد حدادی (زادهٔ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۴ در اهواز) بازیکن بسکتبالیست ایرانی است. او با قد ۲۱۸ سانتیمتری خود در پست سنتر بازی می‌کند.
او دومین بازیکن بلندقد حرفه‌ای ایران بعد از جابر روزبهانی (با قد ۲۲۲ سانتیمتر) می‌باشد.
او در تیمهای پیکان ایران ،صباباتری ایران ،النصر امارات بازی کرده ودر حال حاضر در ممفیس گریزلیز در ان بی ای بازی می‌کند.[۱] او اولین بسکتبالیست ایرانی است که در مهمترین لیگ بسکتبال دنیا بازی می‌کند.[۲].
افتخارات
قهرمان جوانان آسیا در سال ۲۰۰۵
برنده مدال برنز بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶
قهرمان آسیا در ۲۰۰۷ سال
قهرمان جام باشگاهای آسیا همراه با تیم صباباتری درسال۲۰۰۸
بهترین ریباندر المپیک ۲۰۰۸پکن
بهترین بلاگ شاتر المپیک ۲۰۰۸پکن

حدائق، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: 1322، ق.شیراز.
درگذشت: 30 بهمن 1366.
ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسه‌ی علمیه‌ی منصوریه، به سال 1345 ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکده‌ی معقول و منقول، در مدرسه‌ی علی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازه‌ی اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شده او عبارتند از: رساله‌ای درباره نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (یک جلد)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار (دو جلد)؛ کتاب النظائر و المقتبسات، گمشده‌ها در «مصاریعی که مثل سائر شد».
ضیاءالدین بن حاج شیخ یوسف مذکور مشهور به ابن‌یوسف از نویسندگان و دانشمندان بنام و مؤلفین عظام شیراز است.
وی در 1323 ق متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل سطوح منقول و معقول پرداخت و مدت پانزده سال در تهران از محضر درس فحول علماء استفاده نموده و جامع معقول و منقول شد و مدتی در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی بتدریس و افاده اشتغال داشت و پس از آن مسافرتی به نجف اشرف نموده و با مذاکرات علمی که با مراجع بزرگ تقلید و آیات عظام نمود موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و به شیراز مراجعت و به تدریس و تالیف و ارشاد و هدایت مردم پرداخت تالیفات عدیده ارزنده دارد که آنها را متذکر می‌شوم.
1- رساله نهج‌البلاغه چیست (چاپ شده)
2- فهرست کتب خطی مدرسه عالی سپهسالار در دو جلد (چاپ شده)
3- فهرست کتب خطی ادبی کتابخانه مجلس شورای ملی (چاپ شده)

4- گمشده‌ها
5- النظائر والمقتبسات.
از رباعیات ایشانست این دو رباعی.
دیدار تو ای دوست مرا جان بخشد
گفتار روانبخش تو ایمان بخشد
شایسته ز چون توئی بود آیت حسن
کایمان و روان ز رویت احسان بخشد
من از دل و جان طالب دیدار توام
آشفته و مدهوش ز رفتار توام
با اینهمه بندگی و عجزی که مراست
از چیست که محروم ز دیدار توام
(تو 1323 ق)، مجتهد، نویسنده، شاعر و فهرست‌نگار. در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و سه سالگی در شیراز، مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را در مدارس رحمت، شعاعیه و منصوریه و نزد پدر آموخت. در سال 1345 ق برای تکمیل تحصیلات علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، مشهد و تهران سفر کرد. مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید. وی در رشته‌ی علوم معقول لیسانس گرفت و به مقام مدرسی رسید. پس از سی این مراحل در مدارس سپهسالار و مروی به تدریس پرداخت. پس از آن به عراق رفت و بعد از گذراندن امتحان به کسب اجازه‌ی اجتهاد نایل شد و به شیراز بازگشت و مقیم آن شهر گردید. وی گهگاهی شعر نیز می‌سرود. آثار به جای مانده از او: «رساله‌ی صدرالدین شیرازی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی»؛ «فهرست کتابخانه‌ی مدرسه‌ی سپهسالار»؛ «نهج‌البلاغه چیست؟»؛ «گمشده‌ها»؛ «النظائر و المقتبسات».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (240 -238/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (84/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (442 -441/ 5)، مولفین کتب چاپی (561 -560/ 3).

حدیدی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد حدیدی در پنجم آذر ماه سال 1311 ش. در قم متولد شد. ایشان پس از اتمام تحصیلات حوزوی در شهرستان قم ,در سال1333 در رشته ادبیات فرانسه و دبیری ازدانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به کار مشغول شد. وی در سال 1336 به اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو نائل گشت.همچنین وی به عنوان ریاست اداره آموزش مشهد و ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی و معاونت دانشکده و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیر کل برنامه ریزی زبان فرانسه برای دانشگاههای کشور و عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی و مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در طول سالهای متمادی به خدمت مشغول بوده و هستند و از ایشان کتابهاو مقالات بسیاری به زبانهای فارسی و فرانسه منتشرشده است . تعدادی از کتبهای تالیفی و ترجمه ای ایشان به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده و معرفی شده است که از آن جمله می توان به ترجمه کتاب "حدیث عشق در شرق" و ترجمه کتاب " از سعدی تا آراگون" اشاره کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه خاطرات کودکی : یکی از سرگرمیهای جواد حدیدی در دوره سرخوردگی از مکتب, شکار خرچنگ در قناتهای اطراف شهر بود که در عالم کودکانه او کاری بسیار دلاورانه به شمار می رفت. بچه های همبازی او گفته بودند شاخک خرچنگ بعد از صد سال عتیقه می شود ,جواد تقریبا نمی دانست صد سال چقدر طول می کشد , ولی تقریبا می دانست عتیقه چیز ی است مانند طلا.جواد در آن دوران کودکی شاخکهای بسیار گردآوردکه سالها ماند ولی هیچیک از آنها عتیقه نشد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جواد حدیدی خود در این زمینه می گوید: پدر و مادرم هیچ کدام سواد نداشتند. در نتیجه آموزش و تعلیم و تدبیت و مدرسه مشکلاتی داشت. در آن زمان هم , لا اقل در قم , این طور رواج داده بودند که مدرسه های جدید بچه ها را بی دین بار می آورد. پدر من هم که آدم متدینی بود مرا به مدرسه نگذاشت بلکه ابتدا نزد شاباجی فرستاد و بعد مرا به مکتب.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد حدیدی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سنایی قم به پایان رساند. سپس از

1326 تا 1330 در مدرسه فیضیه به تحصیلات سنایی قم به پایان رساند. سپس از 1326 تا 1330 در مدرسه فیضیه به تحصیلات حوزوی پرداخت.در سال 1330 تحصیل در ر شته ادبیات فرانسه را در دانشگاه تهران آغاز نمود. ودر همین دوران به صورت همزمان تحصیلات خود را در دانشسرای عالی تهران ادامه داد,که در سال 1333 موفق شد دو مدرک لیسانس رشته ادبیات فرانسه و دبیری را اخذ کند.پس از دو سال برای ادامه تحصیل به کشور سویس عازم شد و در سال 1336 با اخذ درجه تحصیلی معادل لیسانس ادبیات فرانسه از دانشگاه ژنو بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : جواد حدیدی ضمن تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ,بعد از امتحانات سال اول پدرش را که به ذات ا لریه مبتلا شده بود از دست دا د و مسئولیت مادر و برادر کوچک و خواهر و فرزندان یتیم خواهری دیگرش به عهده او افتاد.فعالیتهای ضمن تحصیل : جواد حدیدی ضمن تحصیل در حوزه, برای امرار معاش تدریس می کرد, همچنین تدریس زبان فرانسه به یکی از طلبه های حوزه علمیه را به عهده داست به نام صلواتی که استاد حدیدی در حوزه بوداستادان و مربیان : دکتر سپهبدی , دکتر بروخیم, خانم نفیسی, خانم آندریو, خانم پاکروان , دکتر خوانساریوقایع میانسالی : یک کلیه جواد حدیدی بر اثر شیمی درمانی از کار افتاده بود و ضایعه ای هم در کبد ایشان وجود داشت , به همین دلیل حدیدی تن به جراحی داد و یک کلیه و قسمتی از کبد و کیسه صفرای ایشان را در آوردند که این عمل با موفقیت همراه بود. جواد حدیدی پس از انقلاب برای تدوین برنامه‌های آموزشی رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاههای کشور مأمور خدمت در ستاد انقلاب فرهنگی شد. وی از آن دوران چنین یاد می کند:"این مأموریت از بهمن 1360 تا اواخر سال 1362 به درازا کشید. در این مدت سه برنامه مختلف (ادبی، مترجمی، دبیری) تدوین و پیشنهاد کردم که مورد تأیید قرار گرفت و پس از بازگشایی دانشگاهها به اجرا درآمد. در سال 1363 به درخواست خود بازنشسته شدم. ولی، طبق قراردادی، در مرکز نشر دانشگاهی، با سمت مدیر گروه تخصصی زبان و ادبیات فرانسه مشغول به کار شدم." زمان و علت فوت : جواد حدیدی بر اثر بیماری در تاریخ دوشنبه 28 مرداد ماه سال 1381 در تهران در گذشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جواد حدیدی از سال 1340 تا 1343 سمت ریاست اداره آموزش دانشگاه مشهد و در طی سالهای 1343 تا 1344 سمت ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. سال 1344 همچنین مدیر مسوول و صاحب امتیاز مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی را به عهده داشت. وی در طی سالهای 1360 تا 1362 مسوولیت معاونت دانشکده و در طی سالهای 1356 تا 1358 سمت ریاست

دانشکده ادبیات ووعلوم انسانی دانشگاه مشهد را به عهده داشت. حدیدی در سال 1357 عضو پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی شد و هم اکنون مدیریت گروه ادبیات تطبیقی را به عهده دارد.از اردیبهشت 1367 تاکنون با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و از فروردین 1375 تاکنون با مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، همکاری دارد.فعالیتهای آموزشی : جواد حدیدی از سال 1333 به عنوان دبیر در دبیرستانهای مشهد به خدمت مشغول شد. نمود و خدمات آموزشی خود را در دانشگاه مشهد آغاز کرد. ایشان از سال 1344 به مرتبه استادی نایل آمدند.همچنین بعد ا ز بازنشستگی در سال 1363 به فعالیت های آموزشی خود در برخی از دانشگاههای تهران ادامه دادند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جواد حدیدی مجله لقمان، نشریه ایران‌شناسی مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسه را تأسیس کرده است بطوری که انتشار آن همچنان ادامه دارد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عضویت در مجامع بین المللی : 1. عضو انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, 1975 2.عضو انجمن ایران شناسی اروپا , 1987 3. عضو انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, 1988.جوائز و نشانها : حدیدی اولین جایزه علمی خود را در سال 1333 به عنوان مدال درجه یک علمی, برای احراز رتبه اول در دانشسرای عالی وزارت فرهنگ سابق کسب کرد. جایزه ادبی نویسندگان فرانسوی زبان در 1978 , برای کتاب ؤ جایزه بهترین تحقیق در علوم انسانی برای (پژوهش خیام در ادبیات فرانسه) دانشگاه مشهد, 1352. ؤ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه حدیث عشق در شرق 1373 .ؤ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کتاب از سعدی تا آرگون (در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)1374.ؤ عنوان ؛؛ شوالیه در افتخارات فرهنگی ؛؛ وزارت فرهنگ فرانسه 1994.چگونگی عرضه آثار : شرکت در مجامع علمی به شرح زیر: 1.کنگره بین ا لمللی بخشهای زبان فرانسه دانشگاههای جهان , 8 تا 14 مه 1972 , کانادا. 2. بیست و نهمین کنگره بین ا لمللی خاورشناسان, تابستان 1973, پاریس 3. سی امین کنگره بین ا لمللی خاور شناسان, 3-8 اوت 1975, مکزیک 4.اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, 1975,پاریس 5. کنگره بین ا لمللی دویستمین سالگرد مرگ ولتر و روسو, 7تا 9 ژوئن 1978, فرانسه 6. اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان , 8 نوامبر تا 3 دسامبر 1984, پاریس 7.اجلاس سالانه انجمن نویسندگان فرانسوی زبان, 22 تا 28 نوامبر 1986, فرانسه 8 . بزرگداشت ششصدمین سالگرد مرگ حافظ در یونسکو, 29 و 30 نوامبر 1988 , فرانسه 9.کنگره بین ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان ,

3-11 نوامبر 1988 , گویان 10.سی و سومین کنگره بین ا لمللی خاورشناسان, 19-25 اوت 1990 ,کانادا 11.کنگره بین ا لمللی انجمن مطبوعات فرانسوی زبان, ژوئن 1992, لیموژ 12.کنگره بین ا لمللی شعر در کشورهای حوزه مدیترانه, 28-30 مه 1993, دلفی 13.کنگره بین ا لمللی عطارم دانشگاه استراسبورگ, فرانسه,2-4 آوریل 1996 14.کنگره بین المللی جامی و خیام, دانشگاه استراسبورگ, فرانسه 28-30 آوریل 1999 15.تدریس در دوره های دکتری و فوق لیسانس بخش خاور شناسی دانشگاه استراسبورگ, مارس 2000.آثار : 1 de sa'dia aragon 2 les portes de l'eau 3 traduction commentaire et l لقرآن l lerixue de la surate al- bagara 4 voltaire et l'islam 5 لکریم ذلک ا لکتاب لاریب فیه ویژگی اثر : ترجمه معانی ا لفاتحه و ا لبقره فی ا لفرنسیه6 از سعدی تا آرگون ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«از سعدی تا آراگون»: ازسعدی تا آراگون: (تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه)؛ جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1373. این کتاب، داد و ستد فرهنگی ایران و فرانسه را در مدت چهارقرن در بر می گیرد و به دوره¬ای مشخص یا شاعری معین اختصاص نیافته است. مطالب کتاب از هماهنگی و انجام دقیقی برخوردار و نحو? تنظیم کتاب شناسی و فهرستها نیز دقیق است و به دو بخش اصلی تقسیم شده است. در بخش اول، از نویسندگان قرون هفدهم و هجدهم سخن رفته است و بخش دوم کتاب، دوره های پس از انقلاب فرانسه را در بر می گیرد و تا مرگ لویی آراگون، یکی از شیفتگان بزرگ ادبیات فارسی، ادامه می یابد. مؤلف نتیجه تجربیات و مطالعات خود را در طول سی سال به کار گرفته و با استفاده از کتب تاریخ ادبیات غرب و حتی دست نوشته های نویسندگان فرانسوی، آرای خود را استنتاج کرده است 7 اسلام از نظر ولتر 8 ایران در ادبیات فرانسه 9 برخورد اندیشه ها 10 ترجمه قسمتی از قرآن مجید به زبان فرانسه و تالیف 10 مقاله فارسی و فرانسه برای درج در ترجمان وحی و ویرایش کلیه مطالب مجله ترجمان وحی ویژگی اثر : از سال 1373 تاکنون در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی ,مانند ;; ترجمه و تفسیری روایی از قرآن مجید به زبان فرانسه;;11 ترجمه مقالات فرهنگ آثار ویژگی اثر : ترجمه حدود 100 مقاله در انتشارات سروش از سال 1367 تا 137312 حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ویژگی اثر : مولف کتاب ژان- کلود واده است که حدیدی آنرا ترجمه کرده است.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده

است.آشنایی با کتاب :«حدیث عشق در شرق»: حدیث عشق در شرق؛ ژان کلودواده؛ ترجم? جواد حدیدی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1372. در شرق، عشق، از دیرباز مفهوم متعالی و برتری داشته است. این نکته ای است که مؤلف کتاب «حدیث عشق در شرق» می خواهد به اثبات آن بپردازد. او در جست و جوی وجوه اشتراک و مشابهت میان ادبیات عاشقان? شرق اسلامی از یک سو، و ادبیات غرب مسیحی از سوی دیگر است. انتخاب بجا و شایست? مترجم این اثر توانسته است تا حدودی جای خالی چنین آثاری را در ادبیات پژوهی یا عرفان پژوهی پر کند. نثر دقیق و استوار و سبک بیان مترجم، این کتاب را جزو نمونه های ممتاز نثر فارسی در ربع قرن اخیر قرار داده است. کتاب حاضر به زبان فرانسه تألیف شده اما در ترجمه اشعار عربی به فارسی، مترجم بیشتر اشعار را از منابع اصلی استخراج کرده و به شیوایی به فارسی برگردانده است. دقت مترجم در حصول اطمینان از صحت ارجاعات واقوال، در مقایسه با آثار دیگری که در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است، بی نظیر می باشد. نکات فنی چاپ و دیگر خصوصیات صوری نیز زیبا و چشم نواز می نمایند 13 دروازه های آب (هفده گفتار) 14 رهروان حقیقت ویژگی اثر : دردست آماده سازی15 شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی 16 مجله لقمان ویژگی اثر : مجله ای است به زبان فرانسه که توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می گردد, هدف این مجله نشر فرهنگ ایرانی و فارسی است در زمینه های مختلف مذهبی , فلسفی, عرفانی و ادبی . که در حال حاضر به هفده کشور جهان فرستاده می شود و نزدیک به دویست و پنجاه مشترک خارجی دارد.17 میراث سوم ویژگی اثر : مولف کتاب روژه - گارودی است که حدیدی آنرا ترجمه کرده ااست.18 نظارت بر تدوین 24 عنوان کتاب درسی برای رشته های مختلف زبان فرانسه دانشگاهای کشور ، نگارش و ویرایش مقاله ویژگی اثر : ویرایش حدود 800 مقاله در مر کز دائر”ا لمعارف اسلامی از سال 1367 تاکنون, مانند مقاله :؛ بولن ویلی یه:؛20 نگاهی در آینه ویژگی اثر : این کتاب در حوزه زندگینامه نویسی از آثار ارزشمندی است که در دهه 70 چاپ شده ا ست.

منابع زندگینامه :حدیدی, جواد- نگاهی در آینه, انتشارات نیلوفر4کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)- سال 4-شماره 10 و 11, مرداد و شهریور 13805مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی-دانشگاه فردوسی مشهد, ویژه سپاسداشت و ارج شناسی استاد دکتر جواد حدیدی, سال 34, شماره 1و2, بهار و تابستان 1380

حری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس حری در پانزدهم اسفند 1315 در خانوادهای روحانی در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند. پس از گذراندن سه سال اول دبیرستان وارد دانشسرای مقدماتی شد و پس از اتمام دورة دو سالة دانشسرا برای معلمی در یکی از روستاهای شهرستان کاشمر(در جنوب خراسان) مأموریت یافت. در واقع در سال 1335 بود که به جرگة معلمی پیوست. پس از دو سال خدمت در روستای ریوش از بخش کوهسرخ(کاشمر) به شهر کاشمر منتقل شد و هفت سال نیز در آنجا خدمت کرد. در این مدت مدرک ششم دبیرستان را که به «دیپلم کامل» میانجامید(در مقابل اتمام دو سال دانشسرا که «دیپلم ناقص» نامیده میشد). به صورت آزاد گرفت و در همین زمان به فراگیری زبان انگلیسی نیز پرداخت(زبان خارجی مرسوم آن زمان فرانسوی بود و انگلیسی تازه باب شده بود). در سال 1342 ازدواج کرد و در سال 1345 به مشهد انتقال یافت و در همان سال در آزمون ورودی دانشگاه مشهد شرکت جست. در آزمون ورودی رشتة تاریخ رتبة اول و در رشتة زبان و ادبیات انگلیسی رتبة پنجم را کسب کرد. بنا به علاقهای که داشت وارد رشتة زبان و ادبیات انگلیسی شد و در سال 1349 مدرک لیسانس خود را گرفت. پس از فراغت از تحصیل، در همان سال بنا به درخواست خود به تهران انتقال یافت و در آزمون ورودی فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران شرکت کرد و پذیرفته شد. در سال 1352 فوق لیسانس خود را گرفت و در سال 1353 از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران انتقال یافت و به عنوان مربی در گروه کتابداری این دانشگاه به تدریس پرداخت. در همان سال از سوی دانشگاه مأموریتی یکساله برای توسعة اطلاعات خود به ایالات متحده گرفت و در همان زمان در آنجا، در دانشگاه کیس وسترن، برای مقطع دکتری نام نویسی کرد و پذیرفته شد. وی در مدت چهارده ماه دروس دکتری را با موفقیت گذراند و تمام وقت خود, به جز زمان کلاس هایش, را در کتابخانه میگذراند. طبق مقررات میبایست به ایران بازمیگشت و چنین کرد. در سال 1358 برای تکمیل دوره و گذراندن رسالة دکتری بار دیگر عازم همان دانشگاه شد و سرانجام در سال 1360 با مدرک دکترای کتابداری و اطلاع رسانی به کشور بازگشت گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری والدین و انساب : مادر عباس حری از مردم

تهران و پدرش اهل خراسان و مشخصاً اهل مشهد بود. از ناحیه پدر نسب وی به شیخ حُرّ عاملی، صاحب وسایل الشیعه، میرسد. خانواده او از لحاظ اقتصادی متوسط بود. مادربزرگ مادریش از مردم خیابان خراسان(شهر تهران) و محله تیر دوقلو بود که همراه دخترش با این نیّت که بقیه عمر رادر جوار مرقد حضرت رضا(ع) سپری کند به مشهد کوچ کرده و در آنجا ساکن شده و طلبه جوان را برای همسری دخترش برگزیده بود. خانواده پدریاش پشت اندر پشت روحانی بودند. وصلت مادر و پدرش به چهار پسر و چهار دختر انجامید. پدرش مورد اعتماد و احترام اهل محل و راهگشای بسیاری از مسائل خانوادهها و حَکَم اختلافات خانوادگی، اجتماعی، و اقتصادی بود. پدرش در اواخر عمر مبتلا به سرطان کبد شد و در سال 1342 چشم از جهان فروبست و چند سال بعد مادر نیز به او پیوست.خاطرات کودکی : کودکی عباس حری در دامان خانواده گذشت و در شش سالگی وارد مدرسهای نیمه دینی شد. مدرسهای که به سبک امروزی اداره میشد ولی بر دروس و علوم دینی تأکید داشت. مدیر و معاون مدسه و تعدادی از معلمان آن روحانی بودند. مدرسه در نزدیکی محل سکونت وی قرار داشت. به طور مبهم، سربازان روس را به یاد میآورد که در آن سالها مشهد را به سمت شهرهای شمالی خراسان ترک میکردند تا به روسیه بازگردند. کلاس ششم ابتدایی را باید در مدرسهای دیگر میگذراند که کمی از منزل آنان دورتر بود. ساختمان این مدرسه قبلاً کارخانه کبریت سازی بود و یکی از سرگرمیهای دانشآموزان این بود که از منزل کبریت میآوردند و چون دیوارهای ساختمان مدرسه آغشته به گوگرد بود، هر چوب کبریت را که به دیوار میکشیدند شعله ور میشد و این کار برای کودکان آن سنین لذت بخش بود و در عین حال باید پیوسته منتظر تنبیه از سوی مسئولان مدرسه نیز میبودند. از کلاس پنجم ابتدایی با کتابهای پدرش آشنا شد. یکی از کتاب هایی که از آن زمان به یاد دارد کتاب مجمع البحرین است. طرز یافتن لغت در این کتاب را از پدرش فرا گرفت و شاید به دلیل همین متفاوت بودن, بیش از سایر کتابها به یادش مانده باشد. کتاب دیگری که خطی بود در سال ششم ابتدایی مورد استفادة او قرار گرفت. این کتاب ورق اول نداشت, ولی آنچه در آن آمده بود دربارة خوبیهای بهشت و زشتیهای جهنم بود. از آن به عنوان یک کتاب داستان لذت میبرد و گاه اگر کسی به منزل آنان سر میزد برایش تعریف میکرد. زن میانسال مهربانی یک روز در میان برای کمک به مادرش به خانة آنها میآمد و هر وقت فرصت مییافت از وی میخواست تا آن کتاب را با صدای بلند برایش بخواند. هر زمان که به زشتیها و رویدادهای هراس آور جهنم میرسید آن زن با صدای بلند گریه میکرد. این کار هراز چندگاهی تکرار میشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس حری پنجمین فرزند

خانواده بود. در دوران کودکی و اندکی پس از آن آثار جنگ و اشغال در جامعه و طبعاً در شرایط خانوادگی نیز کاملاً مشهود بود. نان جو که غذای پایه محسوب میشد چنان بود که گویی از آرد نبیخته تهیه شده بود؛ همه چیز در آن پیدا میشد. چای خود را با کشمش که آن هم با چیزهای اضافی همراه بود میخوردند. آن زمان همة اینها برایش عادی بود. چنین میاندیشید که زندگی همین است و واقعاً برای بسیاری از مردم نیز چنین بود. وصله کردن لباس و جوراب کار عادی مادر بود. خیاطها عادت داشتند که کت و شلوار افراد را پشت و رو کنند. میوه جزو ضروریات زندگی محسوب نمیشد. وظایف دخترها، سوای مدرسه و درس، تمیز کردن لامپ دود زده چراغها و ساییدن و برق انداختن سماور و سینی و ظروف برنجی بود که با گرد آجر صورت میگرفت. پودر شستشو هم چوبک بود. در زندگی روستایی خاک و گِل کنار جوی نقش چوبک را ایفا میکرد. پول بسیار اندک و مخارج بسیار بالا بود. این برداشتی امروزی است وگرنه در آن ایام و در گرماگرم دوران کودکی زندگی همانی بود که بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس حری سه سالة اول(سیکل اول) دبیرستان را که تمام کرد وارد دانشسرای مقدماتی شد تا برای شغل معلمی آماده شود. در دورة دو ساله دانشسرا در دورة زبان عربی که در مهدیة مشهد برگزار میشد نامنویسی کرد وهمه روزه عصرها در حجرههای درس حضور مییافت و طی این مدت کتاب سیوطی را به پایان برد. پس از اتمام دوره دانشسرا به روستایی دور دست اعزام شد تا کار معلمی را آغاز کند. ششم دبیرستان و زبان انگلیسی را در دورهای که در شهرستان کاشمر معلم بود به پایان برد و پس از انتقال به مشهد در 1345 وارد دانشگاه مشهد شد، لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را در سال 1349 گرفت و بلافاصله تقاضای انتقال به تهران کرد و در رشته فوق لیسانس کتابداری شرکت جست و پذیرفته شد. پس از پایان این دوره و انتقال از وزارت آموزش و پرورش به دانشگاه تهران، مدت چهارده ماه که به ایالات متحده اعزام گردید دروس دوره دکتری را به پایان رساند و به ایران بازگشت و در سال 1358 مجدد برای اتمام دوره مأموریت یافت و سال 1360 پس از اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشت و کار تدریس خود را در دانشگاه تهران ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : در دورة متوسطه, دبیرستان شاهرضا(مشهد) که محل تحصیل عباس حری بود زیرنظر مدیری سخت گیر, و در عین حال مهربان، اداره میشد. سختگیری برای دبیرستانی که دانشآموزان آن, گاه از دبیران درشتتر و قد بلندتر بودند، به جز با سختگیری ممکن نبود. رئیس دبیرستان را هرگز کسی بدون ترکه نمی دید. این ترکه, که چندان هم نازک نبود, پیوسته در حال نوسان بود، حتی وقتی که رئیس دستهایش را در پشت به هم قفل کرده بود. گاه برخی

دانشآموزان را آنقدر به کف دستشان ترکه میزد که خون میافتاد. آنوقت خدمتگذار را صدا میزد که با مرکورکوروم محل آزردگی را التیام ببخشد. علی رغم این رفتار، دانشآموزان بدون استثناء او را دوست داشتند. کسی خندهٔ او را نمیدید. شبی نمایشی کمدی در دبیرستان اجرا میشد که همهٔ دانشآموزان در تالار بزرگ آن حضور داشتند. رئیس دبیرستان نیز در انتهای سالن ایستاده بود. به قسمت بسیار خنده آور نمایش که میرسید، دانشآموزان به جای آنکه به صحنه چشم بدوزند، سر خود را به عقب بر میگرداندند که خنده رئیس را ببینند. در تاریکی تالار، دندانهای سفیدش را میدیدند و قند در دلشان آب میشد. در دورهٔ دانشسرا، گردش علمی خطهٔ شمال خاطرهای ماندنی به جای گذاشت. همه مسافران همسن و سال و دوست و آشنا بودند که همراه رئیس و معاون دانشسرا سفری سیزده روزه را گذراندند و گوشه گوشهٔ آن خاطره بود. دورهٔ لیسانس در دانشگاه مشهد دوران پرالتهاب سیاسی بود و گروه بندیهای دانشجویی، مطالعه در عرصههای مختلف، خواندن آثار کلاسیک غربی به زبان اصلی، مطالعهٔ کامل متن اصلی نهجالبلاغه و صحیفه سجّادیه در این دوره اتفاِ افتاد. استمرار مطالعات در دوره کارشناسی ارشد و در فضایی متفاوت ادامه یافت و عرصههای جدیدی در مطالعهٔ وی گشوده شد. در دوره دکتری در نخستین قسمت که به تنهایی به ایالات متحده اعزام شد، فرصت مغتنمی بود که همهٔ اوقات خود را در کلاس درس یا در کتابخانه بگذراند. باز بودن کتابخانههای دانشگاهی تا نیمه شب این فرصت را فراهم کرده بود که با ولع و اشتیاق آثاری را که میاندیشید دیگر به آنها دست نخواهد یافت مطالعه کند. فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس حری در دورهٔ تحصیل در دانشسرای مقدماتی بود که کار نوشتن را آغاز کرد. روزنامهای دیواری راهاندازی کرد که فاصله انتشار آن هر دو هفته یک بار بود و کتابچه خاطرات سفر علمی به خطهٔ شمال از نخستینهای این فعالیتهاست. در همین دوره بود که به کانون نشر حقایق اسلامی پیوست که ادارهٔ آن را مرحوم محمدتقی شریعتی پدر روانشاد دکتر علی شریعتی بر عهده داشت. در دوره لیسانس در مشهد کار نوشتن جدیتر شد و آثاری از وی در روزنامههای محلی از جمله روزنامه خراسان درج گردید. مجموعه آثار چاپ نشدهای از آن دوران هنوز نزد وی باقی است. دوره لیسانس باکار آموزگاری در مدارس مشهد نیز همراه بود. در دوره فوق لیسانس در تهران، علاوه بر تحصیل، در دبیرستانهای تهران به تدریس اشتغال داشت و در عین حال به صورت پاره وقت با کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و نیز مرکز آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری میکرد. کار نوشتن در این دوره حال و هوای جدیدی یافت. استادان و مربیان : عباس حری از دورهٔ ابتدایی مرحوم مؤمن زاده،

مدیر مدرسه، و روانشاد ریاحی معلم کلاس پنجم را به خاطر دارد، که اولی فردی مهربان و دومی معلمی سخت گیر بود و به دلیل اندام درشتش دانشآموزان از او بسیار میترسیدند. در دورهٔ دبیرستان روانشادان زوّار که رئیس دبیرستان و تقی بینش که دبیر بود از جمله کسانی هستند که بیش از همه به خاطرش مانده است. در دورهٔ لیسانس استادانی چون دکتر احمدعلی رجایی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر متینی و دکتر مختاری را به یاد دارد و در دوره فوق لیسانس شاگر کسانی چون مرحوم محمدتقی دانش پژوه، روانشاد فرشته انوار و خانمها نوش آفرین انصاری، پوری سلطانی، زهرا شادمان، و آقای علی سینایی بوده است. در دورهٔ دکتری استادانی چون روانشاد دکتر جسن شرا، دکتر کنرادراسکی و دکتر ویلیام گافمن, بیش از همه، وی را تحت تأثیر قرار دادهاند.هم دوره ای ها و همکاران : عباس حری از همدورههایهای ابتدایی و متوسطه به کسانی چون حسن امینی، حسین نجومیان، محمدرضا شجریان؛ در دوره دانشسرا علی رئوف و حسین نجومیان، و در دورهٔ لیسانس خانم ناهید بنی اقبال، اسداله آزاد، و ناصر انصاری را بیش از همه به یاد دارد. از دوره فوق لیسانس آقایان بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، نوراله مرادی، علی میرزایی، و عبدالحسین آذرنگ را به خاطر میآورد. در دوره دکتری با آقایان دکتر شاهرخ افشارپناه، دکتر سید صادق، دکتر جعفر مهراد، و خانم دکتر مهرانگیز حریری، بیش از دیگران مراوده داشته است. همکاران امروز بسییار زیادند ونام بردن آنها ممکن است سبب سهوالقلم و در نتیجه شرمساری شود، ولی نمیتواند از کسانی چون خانمها نوش آفرین انصاری و دکتر نرگس نشاط و آقایان دکتر رحمتاله فتاحی، دکتر جعفر مهراد، و محمود حقیقی که همکاری فعالانهتری با آنان دارد به خیر یاد نکند. همسر و فرزندان : عباس حری در سال 1342 با بانویی از شهر کاشمر ازدواج کرد که حاصل آن دو فرزند پسر بوده است. این دو فرزند یکی در رشته پزشکی و دیگری در رشته دندانپزشکی از دانشگاه تهران فارغالتحصیل شدند و هم اکنون دارای همسر و فرزند بوده و به طبابت اشتغال دارند و مادرشان نیز سرگرم کدبانویی است. این خانواده چهار نفره افت و خیزهای بسیار فراوان در طول زندگی داشتهاند و سختترین ایام را نیز بدون گلایه و در نهایت شکیبایی از سرگذراندهاند. بردباری شان شایان قدرشناسی است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : 1335 آغاز کار معلمی، کاشمر 1335 – 1353 معلمی و دبیری در آموزش و پرورش 1342 ازدواج، کاشمر 1349 لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی، مشهد 1351 - 1353 همکاری با بخش آموزش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان 1352 فوق لیسانس کتابداری، تهران 1352 عضو کمیته تحقیق گروه کتابداری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران 1352 -

1356 عضو کمیته آموزش انجمن کتابداران ایران 1353 انتقال از آموزش و پرورش به دانشگاه تهران 1353 - 1355 دبیر انجمن کتابداران ایران 1353 تاکنون عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران 1353 تاکنون عضو شورای کتاب کودک 1354 – 1355 عضو کمیته انتخاب و خرید کتاب دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1354 – 1356 سرپرست امور دانشجویی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران 1360 دکترای کتابداری و اطلاعرسانی، دانشگاه کیس وسترن، کلیولند، اوهایو، ایالات متحده امریکا 1361 تاکنون عضو کمیته اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان 1363 – 1370 همکاری با دانشنامه جهان اسلام 1363 – 1370 ویراستار و مترجم بنیاد دایرهالمعارف اسلامی 1364- 1370 سرپرستی ترجمه دانشنامه مک گروهیل با انتشارات امیرکبیر 1365 – 1370 مدیر بخش اطلاعات بنیاد دایرهالمعارف اسلامی 1365– 1369 مدیر بخش ویراستاری امیرکبیر 1380تاکنون سردبیر و عضو هیات تحریریه مجله روانشناسی و علوم تربیتی 1365 – 1380 مدیر بخش اطلاعات دفتر پژوهشهای فرهنگی 1370 – 1373 عضو کمیته علمی و سیاستگذاری اصطلاحنامه فرهنگی فارسی(اصفا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان مدارک قرهنگی انقلاب اسلامی 1370 - 1373 مشاور فنی کتابخانه ملی 1370 تاکنون عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1372-1375 عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم 1372 – 1379 مشاور اصطلاحنامه علوم قرآنی، قم 1373 – 1379 مشاور اصطلاحنامه فارسی فلسفه اسلامی، قم 1373-1379 عضو کمیته ملی اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو 1373 – 1374 عضو کمیته علمی هشتمین همایش ملی در حوزهاطلاعرسانی 1373 - 1375 عضو مجمع هماهنگی نظامهای اسنادی 1373 – 1377 نایب رییس کنگره بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان 1373 - 1380 معاون پژوهش کتابخانهی ملی 1373 تاکنون عضو کمیته منطقهای آسیا و اقیانوسیه، ایفلا 1374 دبیر همایش بینالمللی کتابداران و اطلاعرسانان مسلمان (کاملیس) در تهران 1374 – 1379 مدیر گروه پژوهشی انتشارات سمت 1374 – 1380 مدیر گروه آموزش کتابداری و اطلاعرسانی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1374 – 1380 طراحی، توسعه، سرپرستی و سرویراستاری دایرهالمعارف فارسی، کتابداری و اطلاعرسانی (ج1) 1374 – 1380 مدیر مسئول و سردبیر مجله فصلنامه کتاب 1374 تاکنون عضو شورای سردبیران مجلههای دانشگاه تهران 1375-1377 عضو شورای برنامه ریزی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران 1375 - 1381 عضو کمیته انتخاب کتاب برگزیده سال 1375 تاکنون عضو شورای آموزشی و

پژوهشی دانشکدهروانشناسی و علوم تربیتی 1376 دبیر نخستین همایش بینالمللی جوانِ مسلمان و رسانه 1376 رییس کمیته تولید علم ، تدوین و ارایه آن ؛ دانشگاه تهران 1376 - 1377 ویراستار مجله علوم تربیتی 1376-1378 عضو هیات تحریریه نشریه سخن سمت 1376 – 1384 مشاور اطلاعرسانی رئیس جمهور 1376 – 1384 عضو شورای عالی اطلاعرسانی کشور 1377 – 1381 مشاور پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران 1377 – 1382 عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران 1377 تاکنون عضو هیات مشاوران عالی کتابخانه ملی 1378 تاکنون عضو هیات تحریریه مجله علوم کتابداری و فن آوری اطلاعاتی ایران(انگلیسی) 1379 – 1380 سرپرست کتابخانه دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1379 تاکنون مدیر مسئول مجله پل فیروزه (دفتر پژوهشهای فرهنگی) 1380 – 1382 معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1380 تاکنون عضو هیات تحریریه مجله انگلیسی علم و فنآوری اطلاعات (شیراز) 1380 تاکنون عضو انجمن برنامهریزی آموزشی 1381 دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی اولین همایش ملی ایرانشناسی 1381-1383 عضو کمیته منتخب جذب هیات علمی دانشکده روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران 1381 – 1383 عضو کمسیون ارزیابی نشریات دانشگاه تهران 1381 تاکنون مدیر مسئول مجله اطلاعشناسی 1382 تاکنون معاون پژوهشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی 1382 تاکنون سردبیر مجله کتابداری (دانشگاه تهران) 1382 تاکنون عضو هیات مؤسس انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران 1383 تاکنون عضو پیوسته انجمن مطالعات جامعه اطلاعاتی ایران 1382 - 1383 مدیر گروه پژوهشی رسانه کتاب، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات 1383 تاکنون عضو شورای علمی بنیاد ملی اطلاعات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری 1383 تاکنون مدیر کمیته واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی 1383 تاکنون دبیر گروه کتابشناسی و نسخهشناسی دومین همایش ملی ایرانشناسی 1383 عضو کمیته علمی – فنی اطلاع رسانی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی؛ وزارت جهاد کشاورزی 1384 عضو انجمن کتابخانههای عمومی استان تهران 1384 تاکنون رئیس انجمن ترویج علم ایران 1384- تاکنون عضو شورای تخصصی گروه کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس 1384 عضو کمیته تخصصی رشته روانشناسی و علوم تربیتی موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران 1384 عضو کمیته تدوین آیین نامه جامع ارتقاء علوم انسانی – اجتماعی و هنر دانشگاه تهران 1384 عضو هیات ممیزه نظارت بر فعالیتهای اعضای هیات علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی 1385 عضو هیات ممیزه مرکزی وزارت علوم و تحقیقات و فنآوری 1385

عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری 1385 عضو کمیته راهبردی نظام اطلاع رسانی دانشگاهی وزارت علوم و فنآوری 1385 عضو کمیته کارآفرینی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد واحد شمال، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز، و دانشگاه مشهد در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس، و دکتری و هدایت بیش از 150 پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتریمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - همکاری در راهاندازی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی در خدمت جناب آقای دکتر مهدی محقق - راه اندازی واحد اطلاعاتدفتر پژوهشهای فرهنگی - راه اندازی واحد اطلاعات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی - راه اندازی مجله اطلاع شناسی - راه اندازی دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع رسانی - راه اندازی بانک مطالعات ایرانشناسی - راه اندازی کمیته واژه گزینی کتابداری و اطلاع رسانی در دورة اخیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : - داوری مقالات مجلات علمی - داوری کتاب سال دانشگاهی - داوری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران - داوری پژوهشهای فرهنگی - داوری طرحهای تحقیقاتی - داوری آثار جشنواره خوارزمی - داوری پایان نامههای ارشد و دکتری - بررسی کارهای علمی دانشجویان - شرکت در جلسات مستمر پژوهشی، آموزشی و هیأتهای ممیزه دانشگاه و وزارت علوم، و جلسات مختلف دیگر دانشگاهی و وزارتی - همکاری با بنیاد ایران شناسی - کارهای قلمی(مقاله و کتاب) شاگردان : شاگردان دورههای دانشگاهی عباس حری بسیار کثیرند که طی بیش از 33 سال کار دانشگاهی در مقاطع مختلف به تحصیل اشتغال داشتهاند. از میان این شاگردان، از قدیم به جدید به نام هایی چون کاظم حافظیان، ابراهیم عمرانی، محمد حسن خوشنویس، فرخ امیرفریار، محمدحسن رجبی، نرگس نشاط، زهیر حیاتی، رحمتاله فتاحی، هاجر ستوده، کیوان کوشا، برمیخوریم که هریک در عرصه و زمینهای فعالیت داشته و از کامیابی هایی برخوردار بوده و رهاوردهای ارزندهای نیز داشتهاند همفکران فرد : از همفکران عباس حری در عرصههای مختلف علمی, از جمله کسانی که با اندیشههایش نزدیکی بیشتری داشته اند نخست سرکار خانم دکتر نرگس نشاط و سپس خانمها نوش آفرین انصاری، نوراله مرادی، کامران فانی، محمدحسن رجبی، دکتر رحمت اله فتاحی و دکتر علی رئوف در این زمره قرار میگیرند. آرا و گرایشهای خاص : عباس حری بسیار علاقهمند به نظریه پردازی در عرصة اطلاعات و اطلاعشناسی است و به همین دلیل از دهه 1360 به بحث درباره نظریههای اطلاعات از جمله نظریه ریاضی، نظریه معنا شناختی، نظریه سیبرنتیکی، و اخیراً نظریه کوانتومی اطلاعات

پرداخته و در این زمینه آثاری نیز عرضه کرده است. به رویکردهای دیگری نیز، با استفاده از استدلال استعاری، در زمینه اکولوژی اطلاعات، اختلاف پتانسیل اطلاعاتی، و نیز روش اطلاع شناختی پرداخته است. وی در گذشته نیز در نقد عالم سوم پوپر، تحلیل نظر ابن خلدون در باب تألیف، و جست و جوی مبانی تحلیل استنادی غرب در علم الحدیث و علوم اسلامی قلم زده است. جوائز و نشانها : ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب بهعنوان استاد پیشکسوت از سوی انجمن کتابداری و اطلاعرسانی ایران و دانشگاه تهران؛ ۷ دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب کتاب «آیین نگارش علمی» به عنوان کتاب برگزیده دانشگاهی از طرف دانشگاه تهران،1380 ۷ دریافت لوح تقدیروجایزه به مناسبت برنده شدن کتاب «مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران,1372 چگونگی عرضه آثار : آثار عباس حری به صورت تالیف، ترجمه، مقاله، یادداشتها و نگارشها، سخنرانی، مصاحبه و طرحهای پژوهشی می باشد . آثار : 1 " تالیف مقاله : تالیف مقاله :روانشناسی خواندن". ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج 1، ص 926 – 927.2 " تالیف مقاله :راههای ارتقای میزان مطالعه". ویژگی اثر : جهان کتاب. 7 و 8، اسفند 1375، ص 5 - 7.3 " تالیف مقاله :رایانه و رسم الخط فارسی". ویژگی اثر : پیام کتابخانه. 1، بهار 1372، ص 6 - 11.4 " تالیف مقاله :روند به کارگیری روشهای پژوهش در پایان نامه های کارشناسیارشد کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاه تهران (1348- 1378)". ویژگی اثر : با همکاری افسانه محسن زاده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. 1. بهار و تابستان 1382، ص 55- 76.5 " تالیف مقاله :زنجیره داوری ربط در فرایند انتقال اطلاعات". ویژگی اثر : اطلاع شناسی. 5، پاییز 1383، ص 177 – 193.6 87. A study of Subject Consistency Between the National Library of Iran & Humanities Libraries , Cataloging & : ویژگی اثر By Narges Neshat & Abass Horri Classification Quarterly . Vol 43, 1,2006 ,pp.67-767 Bibliometric Overview of Library and Information Research Journal of Education for Library : ویژگی اثر Productivity in Iran and Information Science. Vol 45, no 1, winter 20048 A : ویژگی اثر Education in the Islamic Republic of Iran General overview. Tehran: Ministry of Education, 19939 The Correlation of Market Place Priorities and Educational Priorities in the Field of Library and Information Science in Proceedings of International Conference for : ویژگی اثر Iran Library and Information Science Educators in The Asia and

Pacific Region, by Abbas Horri and Narges Neshat. Selangor, Malasiya, 11 – 12 June 2001.10 The Relationship between Scholarly Publishing and the Counts of Academic Inlinks to Iranian University Web Sites: Exploring Academic Links by Keyvan Kousha and Abbas : ویژگی اثر Creation Motivations Horri.Journal of information management and scientometric.1(2), 2004: 13-22.11 تالیف کتاب: آیین گزارش نویسی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، 1371.12 تالیف کتاب: آیین نگارش علمی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، 1378؛ 1381؛ 138513 تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نظامها و فرآیندها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، 1378؛ 138514 تالیف کتاب: اطلاع رسانی: نگرش و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار، 1378؛ 1385.15 تالیف کتاب: توسعة نظام ملی کتابخانه های عمومی ایران. ویژگی اثر : با همکاری دکتر جعفر مهراد. شیراز: دانشگاه شیراز، 1380.16 تالیف کتاب: شیوه بهره گیری از کتابخانه. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، 1356.17 تالیف کتاب: شیوه های استناد در نگارش های علمی : رهنمودهای بین المللی . ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی . تهران : دانشگاه تهران ، 138518 تالیف کتاب: فهرست کوچک سرعنوانهای موضوعی. ویژگی اثر : تهران: انجمن کتابداران ایران، 1352.19 تالیف کتاب: کتابخانه آموزشگاهی در مدرسه کتابخانه مدار. ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط. تهران: شبکه کتاب، 1383.20 تالیف کتاب: کسانی که جامعه را می سازند . ویژگی اثر : 1: دکتر عباس حری . تهران : نشر دیبایه ، نشر آناهید، 138421 تالیف کتاب: مراجع و بهره گیری از آنها. ویژگی اثر : تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، 1356.22 تالیف کتاب: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی. ویژگی اثر : تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، دبیرخانه، 1372.این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مروی بر اطلاعات و اطلاع رسانی»: مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی؛ دکتر عباس حرّی؛ تهران: دبیرخان؟ هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، نشر کتابخانه، 1372. در زمان ما که اطلاعات در حکم ماد؟ خام استراتژیکی برای پیشرفتهای فرهنگی، علمی، آموزشی، فنی و اقتصادی جامعه محسوب می شود، نیازهای علمی و فرهنگی ایجاب می کند که دانشجویان و پژوهشگران با شیوه های علمی و با اصول و مفاهیم اساسی علم اطلاع رسانی و نقش اطلاعات در تحقیق و توسعه آشنا شوند و این امر مستلزم

وجود منابع معتبر در این زمینه است. این اثر، به منظور برآوردن نیازهای مذکور تألیف شده است. در فصول مختلف این کتاب تلاش بر آن بوده است که اطلاعات به عنوان عناصر تشکیل دهند؟ دانش و معرفت مورد بررسی قرار گیرد و کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی نیز نمادهایی تلقی شده اند که دستیابی به این عناصر را تسهیل می کنند. این اثر، اطلاعات (این پدید؟ چندبعدی) را – که در هم؟ زمینه ها حضور دارد – براساس کارکرد آن مورد مطالعه قرار می هد و حیات علمی، صنعتی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی را در گرو بی چون و چرای آن می داند. کتاب، مشحون از رهنمودهای مفید درابعاد مختلف اطلاعات واطلاع رسانی است که با شیوه های علمی مورد بررسی قرار گرفته است. و نیازها و برنامه های اطلاعاتی جهان سوم و کشورهای اسلامی در آن با دیدی ابتکاری ارائه شده است. کتاب در مجموع خالی از حشو و زواید است و به زبانی گویا و دور از تکلف ارائه شده است. مجموع؟ حاضر حاوی 28 مقال؟ کوتاه و بلند است که شش مقال؟ آن ترجمه و بقیه تالیفی است 23 تالیف مقاله :" بررسی وضعیت مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه های دانشگاهی و پژوهشی کشور". ویژگی اثر : نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. 3- 4، پاییز و زمستان 1375، ص 75- 102.24 تالیف مقاله :" تحقیق نوعی سرمایه گذاری است". ویژگی اثر : بینالود. 3، مهر 1372، ص 22 – 25.25 تالیف مقاله :"ارتباطات علمی و اختلاف پتانسیل اطلاعاتی". ویژگی اثر : اطلاعشناسی. زمستان 1383، ص 17 – 32.26 تالیف مقاله :"ارزیابی شیوه نامه های استناد در نشریات معتبر دانشگاه تهران". ویژگی اثر : با همکاری اعظم شاهبداغی. کتابداری. 40، 1382، ص 1 – 23.27 تالیف مقاله :"استناد در آثار علمی: چاله ها و چالشها". ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان 1383، 120 – 133.28 تالیف مقاله :"اطلاع رسانی: اصطلاحی نو با مضمونی کهن". ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور، 1369، ص 16- 18.29 تالیف مقاله :"اطلاع شناسی". ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. 1381؛ ج 1، ص 242 – 244.30 تالیف مقاله :"اطلاعات چیست؟". ویژگی اثر : دانشمند، ویژه نامه اطلاعات. شهریور 1369، ص 5 – 8 و 88 – 89.31 تالیف مقاله :"اطلاعات". ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. 1381 ؛ ج 1، ص 231 – 235.32 تالیف مقاله :"اکولوژی اطلاعات: مروری بر مفاهیم و مصادیق". ویژگی اثر : اطلاع شناسی. 2، زمستان 1382، ص 5 – 30.33 تالیف مقاله :"اکولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی». ویژگی اثر : اطلاع شناسی. 4، تابستان 1383، ص، 7 – 17.34 تالیف مقاله :"اهمیت اطلاعاتی پایان نامه ها". ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. 2، زمستان 1369، ص 6-

11.35 تالیف مقاله :"اهمیت و ضرورت به کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 4، زمستان 1376، ص 7-
12.36 تالیف مقاله :"بررسی پایگاه مطالعات ایران شناسی"، ویژگی اثر : با همکاری دکتر نرگس نشاط، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی :تهران : بنیاد ایرانشناسی ؛ 138337 تالیف مقاله :"بررسی تاثیر پذیری اصطلاحنامه از ورود اصطلاحات جدید با رویکردی بر اصطلاحنامه اریک". ویژگی اثر : با همکاری مهدیه میرزا بیگی . مجله کتابداری . 1و2 (بهار و تابستان 1385)38 تالیف مقاله :"بررسی رابطه میان مجلات منتشر شده حوزه های تخصصی و ارتقا علمی متخصصان کشور". ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. 2، بهار 1374، ص 33- 44.39 تالیف مقاله :"بررسی راهکارهای عملیاتی کردن طرح نظام ملی اطلاع رسانی در دانشگاههای کشور". ویژگی اثر : با همکاری فاطمه زندیان. کتابداری. 38، شماره 41، بهار و تابستان 1383، ص 91 – 124.40 تالیف مقاله :"بررسی فرایند اطلاع جویی پیوسته دانشجویان کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاعرسانی دانشگاهها". ویژگی اثر : با همکاری حمید کشاورز. کتابداری. 38، شماره 41، بهار و تابستان 1383، ص 1 – 24.41 تالیف مقاله :"بررسی فعالیتهای علمی و پژوهشی اعضای هیات علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران تا پایان سال 1378". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 2(تابستان 1379) ص 9- 36.42 تالیف مقاله :"بررسی کارایی علمی پژوهشی سمینارهای تخصصی برگزار شده در ایران". ویژگی اثر : در سمینار تحقیق و توسعه (26 - 28 تیر 1368)، مجموعه مقالات سمینار تحقیق و توسعه. تهران: سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، 1368.43 تالیف مقاله :"بررسی گرایش موضوعی آثار علمی و پژوهشی رشته کتابداری و اطلاع رسانی، از آغاز تا پایان سال 1377"، ویژگی اثر : در فهرست رایانهای: کاربرد و توسعه مجموعه مقالههای همایش .... تهران: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد؛ تهران: مرکز اطلاع رسانی و خدمات علمی وزارت جهاد سازندگی، 1379.44 تالیف مقاله :"بررسی میزان همگونی تدریس مواد با تولید و هدایت آثار توسط اعضای هیئت علمی رشته کتابداری و اطلاع رسانی". ویژگی اثر : با همکاری نجمه سالمی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. 32، پاییز و زمستان 1382، ص 47 – 70.45 تالیف مقاله :"بررسی وضع پیشینه در پایاننامه های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت واطلاع رسانی پزشکی". ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. 1- 4، 1375، ص 33 – 37.46 تالیف مقاله :"بررسی وضعیت مجلات منتشر شده در ایران در طول برنامه پنجساله اول توسعه 68- 72". ویژگی اثر : کتابداری. دفتر بیست و ششم و بیست و هفتم، 1376، ص 21 - 37.47 تالیف مقاله

:"تبلور اطلاعات در تکنولوژی". ویژگی اثر : ریزپردازنده. 8 و 9، فروردین و اردیبهشت 1370، ص 5 – 8.48 تالیف مقاله :"تحلیل استنادی و شباهتهای آن با علمالحدیث". ویژگی اثر : نشر دانش. 2، بهمن واسفند 1362، ص 11- 17.49 تالیف مقاله :"تحلیل استنادی". ویژگی اثر : دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی. ج 1، ص 616 – 620.50 تالیف مقاله :"تحلیل ساختاری توصیف گرهای فارسی پایگاه های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران"، ویژگی اثر : با همکاری شکوفه آخوندی . مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر 45 (بهار و تابستان 1385)51 تالیف مقاله :"تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی". ویژگی اثر : چاپ و انتشار. 1، اردیبهشت 1373، ص 38 - 41.52 تالیف مقاله :"چگونگی حمایت از مالکیت فکری در کشورهای اسلامی"، ویژگی اثر : در سخنرانیها و مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری (تهران: دانشگاه تهران؛ خانه ادبیات، 1383، ص 299 - 313).53 تالیف مقاله :"چهل سال عشق و تفکر و تلاش". ویژگی اثر : زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی ... نوش آفرین انصاری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1383، ص 39 – 47.54 تالیف مقاله :"دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ضرورت دنیای نو". ویژگی اثر : همشهری. 27 مرداد 1375.55 تالیف مقاله :"درباره ادبیات کودکان". ویژگی اثر : پویه، نشریه آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. 2، پاییز 1353، ص 5 – 12.56 تالیف مقاله :"دستیابی به اطلاعات در پژوهشهای کشورهای اسلامی". ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی.شماره 1و2، 1367، ص 1- 5.57 تالیف مقاله :"ده سال تلاش". ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. 4، زمستان 1354، ص 508-514.58 تالیف مقاله :"رفتار استنادی نویسندگان مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران از آغاز تا پایان سال 1379". ویژگی اثر : با همکاری نرگس نشاط. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. پاییز و زمستان 1381، ص 1 – 33.59 تالیف مقاله :"سیاستگذاری اطلاع رسانی". ویژگی اثر : رهیافت. 25، پاییز 1380، ص 6 – 12.60 تالیف مقاله :"شناسایی الگوهای روابط فرارشته ای مقالات تالیفی رشته کتابداری و اطلاع رسانی در ایران ، با همکاری غزاله قناویز چیان و امیر حسین غائبی . ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی . س. 36 ، 1و2(بهار و تابستان 1385):17-3561 تالیف مقاله :"ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاعرسانی". ویژگی اثر : کتابداری: نشریه علمی در تحقیقات کتابشناسی، کتابداری و اطلاعرسانی. 26 و 27(1376): 21 – 37.62 تالیف مقاله :"عنوان نوشته". مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. ویژگی اثر : تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانههای

عمومی کشور، نشر کتابخانه، 1372، ص 177- 180.63 تالیف مقاله :"قیمت کتاب در طول برنامه پنجساله اول توسعه 1368- 1372". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3 و 4، پاییز و زمستان 1374، ص 9- 23.64 تالیف مقاله :"کاربرد چند رسانه ایها در اطلاع رسانی پزشکی". ویژگی اثر : کامپیوتر. 5، 1373، ص 12 – 18.65 تالیف مقاله :"کتاب و عالم سوم پوپر". ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی (ویژه کتابداری). 3 و 4، 1366، ص 1 – 11.66 تالیف مقاله :"کتابداری و مدیریت جدید". ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. 3، پاییز 1354، ص 425 - 434.67 تالیف مقاله :"مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات در کتابداری". ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. آذر 1383، ص 8 – 11.68 تالیف مقاله :"مروری بر دو راهنما". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3 و 4، پاییز و زمستان 1373، ص 118- 121.69 تالیف مقاله :"مروی بر مفاهیم و نظریه ها در قلمرو اطلاع شناسی". ویژگی اثر : اطلاع شناسی. پاییز 1382، ص 9 – 3470 تالیف مقاله :"مسائل و مشکلات ذخیره پیش همارا و بازیابی پس همارا در نظام رایانه ای". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3 و 4، پاییز و زمستان 1373، ص 8 – 15.71 تالیف مقاله :"مصرف و تولید اطلاعات". ویژگی اثر : در سمینار نقش اطلاعات علمی و فنی در خدمات دفاع مقدس (18و 19 خرداد 1366)، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت صنایع خودکفایی، مدیریت تحقیقات و آموزش، مرکز اطلاعات علمی و فنی، [1366].72 تالیف مقاله :"مطالعه تأثیر استفاده از اینترنت بر رفتار پژوهشی اعضای هیات علمی دانشگاه تهران". ویژگی اثر : با همکاری مریم اسدی. کتابداری. 40، 1382، ص 123 – 171.73 تالیف مقاله :"مطالعه رفتار اطلاع یابی اینترنتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید بهشتی". ویژگی اثر : مجله کتابداری (پاییز و زمستان 1383): 1 – 40.74 تالیف مقاله :"مطالعه عملکرد نهادها و برنامه های پژوهشی در حوزه اطلاع رسانی ایران". ویژگی اثر : رهیافت. 25، پاییز 1380، ص 78- 93.75 تالیف مقاله :"مطالعه میزان همبستگی موضوعی پایان نامه ها و مقالات فارسی در رشته کتابداری و اطلاع رسانی ایران". ویژگی اثر : مجله روانشناسی و علوم تربیتی. 32، بهار و تابستان 1381، ص 43 – 74.76 تالیف مقاله :"نظام چند سطحی در ذخیره و بازیابی رایانه ای اطلاعات اسلامی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3(پاییز 1375) ص 8 - 13.77 تالیف مقاله :"نظر ابنخلدون در باب تألیف". ویژگی اثر : نشر دانش. 4(خرداد و تیر 1363) ص 20- 27.78 تالیف مقاله :"نظریه کوانتومی اطلاعات" . ویژگی اثر : اطلاع شناسی. سال سوم ، 3و4 (بهار و تابستان1385).79 تالیف مقاله :"نقش خبرنامه". ویژگی اثر : پژوهشنامه آموزشی. 1(پاییز 1369)

ص 6- 12.80 تالیف مقاله :"نقش کتابخانه ها در تحقق جوامع اطلاعاتی و معرفتی". ویژگی اثر : مجله کتابداری . سال چهلم ، دفتر45 (بهار و تابستان 1385)81 تالیف مقاله :"واقع گرایی در ادبیات کودکان" . ویژگی اثر : گزارش شورای کتاب کودک (نشریه داخلی). شماره 1، 135382 تالیف مقاله :"وجه معرفتشناختی پوزیتیویسم منطقی و جایگاه آن در مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی". ویژگی اثر : اطلاعشناسی. (بهار 1383)، ص 5 – 16.83 تالیف مقاله :"وحدت در کتابشناسی". ویژگی اثر : نامه انجمن کتابداران ایران. 2، تابستان 1355، ص 207 – 219.84 تالیف مقاله :"وضعیت کتابداری و اطلاعرسانی در ایران". ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات. 5، اردیبهشت 1382، ص 4 – 17.85 تالیف مقاله:"آیین بدنویسی". ویژگی اثر : آینه پژوهش. 3، مهر و آبان 1370، ص 2- 5.86 ترجمه کتاب : اصطلاحنامه فرهنگ، ارتباطات، و اطلاعات، ویژگی اثر : از اصطلاحنامه یونسکو، گردآوری جین اچسن؛ ترجمه عباس حری و عبدالحسین آذرنگ با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1375.87 ترجمه کتاب : راهنمای تهیه و گسترش اصطلاحنامه یکزبانه، ویژگی اثر : تألیف درک آوستین و پیتر دیل، ترجمه عباس حری. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، 1365.88 ترجمه کتاب اصطلاحنامه بین المللی توسعه فرهنگی یونسکو. ویژگی اثر : با همکاری پروانه گودرزی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1377.89 ترجمه مقاله : «انعکاس انتشارات اسلامی در چند نمایه». ویژگی اثر : تألیف ا. ستاروس. رحمان. نشریه علوم تربیتی. 1 – 4، سال 1365، ص 73 - 92.90 ترجمه مقاله : «برنامه اطلاعاتی جهان اسلام: اصول نظری». ویژگی اثر : تألیف اولی محمد عبدالحمید. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1369، ص 1 – 20.91 ترجمه مقاله : «پوزیتیویسم و تحقیق در کتابداری و اطلاعرسانی». ویژگی اثر : تألیف مایکل هریس. مروری بر اطلاعات و اطلاعرسانی. تهران: هیئت امنای کتابخانههای عمومی کشور، دبیرخانه، 1372، ص 269 – 289.92 ترجمه مقاله : «جامعیت دستیابی موضوعی در شبکهای بین المللی». ویژگی اثر : تألیف ف. و. لنکستر. در اکملالدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاعرسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1369، ص 59 – 73.93 ترجمه مقاله : «خواندن به قصد لذت». ویژگی اثر : تألیف ال.ای.جی استرانگ. نامه انجمن کتابداران ایران. 4، زمستان 1352، ص 4 – 15.94 ترجمه مقاله : «سیاست اطلاعاتی جهان سوم برای قرن بیست و یکم». ویژگی اثر : تألیف ضیاءالدین سردار. دانشمند، ویژهنامه اطلاعات. شهریور 1369، ص 85 – 87.95 ترجمه مقاله : «فراسوی مرزهای زمان و مکان». ویژگی اثر : تألیف رابرت وج

ورث. گزیده مقالات ایفلا (ترکیه: 20- 26 اوت 1995). زیر نظر عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، 1375، ص 1 – 8.96 ترجمه مقاله : «کتابخانه ها در جمهوری خلق چین از سال 1949 به بعد». ویژگی اثر : تألیف تی ماجان. خبرنامه انجمن کتابداران ایران. 3، پاییز 1350، 6 – 16.97 ترجمه مقاله : «کتابشناسی علوم ابن کفانی». تألیف ج. ج. ویتکام. تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر احمد طاهری عراقی). 1 و 3، 1370، ص 161- 172. 98 ترجمه مقاله : «گاه شماری در کتاب تاریخ الاطباء اسحاق بن حنین». ویژگی اثر : تألیف ف.و.زیمرمان. فصلنامه کتاب. 1، بهار 1375، ص 81 – 89.99 ترجمه مقاله : «مسئولیت اجتماعی دانشمندان». ویژگی اثر : تألیف برتراند راسل. فردوسی. 998، بهمن 1349، ص 10 – 11.100 ترجمه مقاله : «مک لوهان، جوانان و ادبیات». ویژگی اثر : تألیف الینور کامرون. نامه انجمن کتابداران ایران. 10، بهار 1352، ص 4 – 15.101 ترجمه مقاله : «وضع کنونی بشر». ویژگی اثر : نویسنده اریک فرم. فردوسی. 993، آذر 1349، ص 16 – 19 و ترجمه 172 مقاله برای جلدهای مختلف دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، 1364 – 1370. .102 سخنرانی در رابطه با : "رسانه کتاب در ایران و چشم انداز جهانی آن". ویژگی اثر : کتاب هفته. 28 آذر 1383، ص 18.103 سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه : ارتباط با منابع جهانی اطلاعات . ویژگی اثر : دانشگاه تهران با همکاری شرکت اطلاع رسانی نباء .دانشکده فنی دانشگاه تهران:1376104 سخنرانی در رابطه با : افتتاحیه کتاب و کتابخوانی . ویژگی اثر : فرهنگسرای اندیشه: 1375105 سخنرانی در رابطه با : پردازش و انتقال اطلاعات . ویژگی اثر : یازدهمین نمایشگا بین المللی کتاب تهران : نمایشگاه اطلاع رسانی و فن آوری اطلاعات: 1377106 سخنرانی در رابطه با : " جامعه شناسی پزوهش" . ویژگی اثر : همایش پزوهش و فرهنگ و جامعه. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان؛ 1378107 سخنرانی در رابطه با : " جایگاه کتابداری در عصر اطلاعات ". ویژگی اثر : انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران؛ شاخه خوزستان. آبان1383108 سخنرانی در رابطه با : " راههایی برای مشارکت بهینه در دومین مرحله اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی . ویژگی اثر : نخستین نشست تخصصی . تیر 1383109 سخنرانی در رابطه با : "اطلاعات خرد، اطلاعات کلان و نظام ملی اطلاع رسانی"، ویژگی اثر : در سمینار توسعه نظام مدیریت در اطلاعرسانی و کتابداری (4- 5 آبان 1371).110 سخنرانی در رابطه با : "اطلاعات و توسعه"، ویژگی اثر : در سمینار اطلاع رسانی تحقیق و توسعه. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، شهریور 1371.111 سخنرانی در رابطه با : "اطلاعات و گردش آن". ویژگی اثر : مرکز اطلاع

رسانی جهاد سازندگی: شهریور 1373.112 سخنرانی در رابطه با : "ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای بهبود و ارتقاء انشاءنویسی". ویژگی اثر : ارائه شده در سمینار آموزش انشاء. (نیشابور: مرکز تربیت معلم شیخ طوسی، 30 – 31 اردیبهشت 1372).113 سخنرانی در رابطه با : "ایجاد مرکز ملی اطلاعات پزشکی در ایران: طرح پیشنهادی"، ویژگی اثر : در اولین سمینار نیاز کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در ایران (16- 17 اسفند 1367). مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد، [1367].114 سخنرانی در رابطه با : "اینفوتراپی (اطلاع درمانی) و جایگاه آن در اطلاعرسانی پزشکی"، ویژگی اثر : در ششمین همایش ملی اطلاع رسانی پزشکی (اصفهان 10- 11 اردیبهشت 1383).115 سخنرانی در رابطه با : "تبلور اطلاعات در تکنولوژی و برخورد جهان سوم با اینگونه اطلاعات"، ویژگی اثر : در کنفرانس تکنولوژی و اطلاعات(3 تیرماه 1369).تهران:سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران،1371.116 سخنرانی در رابطه با : "تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی، گامی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی". ویژگی اثر : اطلاعات. 30 بهمن 1372.117 سخنرانی در رابطه با : "جایگاه ترویج علم در جامعه اطلاعاتی" ویژگی اثر : دوره آموزش روزنامه نگاری و جامعه اطلاعاتی . اسفند 1384118 سخنرانی در رابطه با : "دایره المعارفها: نگاه از درون" ویژگی اثر : دایرهالمعارف زن ایرانی. جهاد دانشگاهی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. مهر 1383.119 سخنرانی در رابطه با : "روابط متقابل قوانین ملی و بین المللی حق مؤلف"، ویژگی اثر : در همایش حق مؤلف (اسفند 1380).120 سخنرانی در رابطه با : "رویکرد اکولوژیکی به جامعه اطلاعاتی"، ویژگی اثر : در همایش جامعه اطلاعاتی، 1382. سخنرانی افتتاحیه . کارگاه آموزشی پنجمین نمایشگاه کتاب و بانکهای اطلاعاتی : شرکت مهندسی رز سیستم ؛1376121 سخنرانی در رابطه با : "سواد اطلاعاتی و اخلاق اطلاع رسانی . ویژگی اثر : پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات ,گروه رسانه های الکترونیک. اردیبهشت 1383122 سخنرانی در رابطه با : "ضرورت اصلاح برخی رویه های فرهنگی در ایران برای نیل به جامعه اطلاعاتی"، ویژگی اثر : در همایش علمی ایران و جامعه اطلاعاتی در سال 1400 هجری شمسی (25 - 27 آذر 1381).123 سخنرانی در رابطه با : "طرح پیشنهادی برای تشکیل بانک اطلاعات فرهنگی". ویژگی اثر : ارائه شده در اولین سمینار ملی فرهنگ و توسعه. (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 24 – 26 مهر 1372).124 سخنرانی در رابطه با : "علم اطلاع رسانی و اهمیت آن " . ویژگی اثر : گردهمایی مسئولین مراکز اطلاع رسانی مجتمع ها و شرکتهای تابعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی . تهران : 1376125 سخنرانی در رابطه با : "کتابداری و اطلاع

رسانی در رویارویی با دوگانگی اطلاعات با اشاراتی بر: سیاستهای کلان اطلاع رسانی در ایران". ویژگی اثر : مشهد : دانشگاه فردوسی : خرداد 1378126 سخنرانی در رابطه با : "مبانی رشته ما". ویژگی اثر : در دانشگاه امام رضا . مشهد ، 2/9/85127 سخنرانی در رابطه با : "مروری بر بانک مطالعات ایران شناسی". ویژگی اثر : ارائه شده در دومین همایش ملی ایرانشناسی (تهران: بنیاد ایرانشناسی، 30 آذر – 3 دی 1383).128 سخنرانی در رابطه با : "نقش اطلاعات در برنامه ریزی خرد و کلان". ویژگی اثر : ارائه شده در دومین سمینار نقش اطلاعات و ارتباطات در تحول اداری (تهران: وزارت جهاد سازندگی، 6 – 7 مهر 1373).129 سخنرانی در رابطه با : "نقش تخیل در آثار کودکان و نوجوانان" . ویژگی اثر : نشست ماهانه نقد آثار غیر تخیلی . کتاب ماه کودک و نوجوان ؛ 1382130 سخنرانی در رابطه با : "نقش خدمات اطلاعاتی در پیشرفت فرهنگی". ویژگی اثر : در سمینار بررسی تحلیلی موانع و عوامل مؤثر در پیشرفتهای فرهنگی (بیرجند، 11- 15 اردیبهشت 1365)131 سخنرانی در رابطه با : "نقش نظام آموزشی در توسعه کمی و کیفی نشر" ویژگی اثر : ، در دومین گردهمایی نقش اطلاع رسانی در توسعه فرهنگی: کتاب و فن آوری اطلاعات (25- 26 بهمن ماه 1380).132 سخنرانی در رابطه با : "نمایه ها به عنوان ملاکهای ارزشگذاری نوشته های علمی"، ویژگی اثر : در همایش روش شناسی و فنون تحقیق (21- 19 بهمن 1376).محل ندارد133 سخنرانی در رابطه با : "هنر حر بودن" . ویژگی اثر : ارائه شده در دومین کنگره فرهنگ عاشورا (11 – 13 خرداد 1375).134 سخنرانی در رابطه با : ضرورت نظام مند بودن فعالیتهای اطلاع رسانی ویژگی اثر : . وزارت جهاد سازندگی ، مرکز تحقیقات اطلاع رسانی . اتاق فکر ؛16 دی 1385135 طرحهای پژوهشی: بررسی عوامل موثر بر تغییر رشته دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی در سال تحصیلی 82-83(در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت اعتبار ویژه اعضای هیات علمی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و تاثیر آن بر تولیدات علمی آنان ، 1385 (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: بررسی وضعیت شیوه نامه های تدوین پایان نامه ، نشر مقاله در مجلات ، و انتشار کتاب در دانشگاه تهران و ارائه الگو برای این گونه تولیدات ، 1385 (در دست اجرا) طرحهای پژوهشی: طراحی «نظام ملی اطلاعرسانی»، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛1373-1375 طرحهای پژوهشی: طراحی کتابخانه تخصصی و کانون ارجاعی در حوزه ساختمان و مسکن؛1376 طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای بانک اطلاعات پژوهشهای فرهنگی؛1374-1377 طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پایگاه پایان نامه های دانشکده

روانشناسی و علوم تربیتی؛1382-1383 طرحهای پژوهشی: طراحی و اجرای پروژه کامپیوتری کردن فهرستنویسی کتابهای فارسی ؛ دفتر پژوهشهای فرهنگی؛1367-1371 طرحهای پژوهشی: طراحی و راه اندازی پایگاه اطلاعات عکس و عکاسی(دفتر پژوهش های فرهنگی)؛ 1372 طرحهای پژوهشی: طراحی،راه اندازی و توسعه پایگاه مطالعات ایرانشناسی؛1376- طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛1379-1380 طرحهای پژوهشی: مجری طرح بررسی استنادهای مقاله های مجله روانشناسی و علوم تربیتی؛1379- طرحهای پژوهشی: مشارکت در طراحی و توسعه «شورای عالی اطلاع رسانی»؛1375 طرحهای پژوهشی: مشاور امور کتابداری طرح فهرستگان ایران . سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران : 1368 149 طرحهای پژوهشی: ناظر طرح بررسی کتابخانه های هنرستانهای کشور و چگونگی استفاده هنرجویان از آنها. وزارت آموزش و پرورش ؛ معاونت آموزش فنی و حرفه ای ؛ 1372 طرحهای پژوهشی: ناظر طرح توسعه کتابخانهه ای عمومی کشور، هیئت امنای کتابخانه های عمومی؛1383 151 طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرست مطالب شهید و شهادت در مطبوعات فارسی ایران. بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛ 1377 152 طرحهای پژوهشی: ناظر طرح فهرستگان علوم انتظامی . مرکز مطالعات و پژوهشهای ناجا؛ 1376 طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح نمایه سازی وصایای شهدا . بنیاد شهید انقلاب اسلامی ؛1376 154 طرحهای پژوهشی: نظارت بر طرح مسائل کتابخانه های آموزشگاهی ایران (وزارت آموزش و پرورش)؛1370-1371 طرحهای پژوهشی: همکاری در طرح بررسی چگونگی دستیابی اعضای هیات علمی دانشکدههعلوم دانشگاه تهران به مدارک و اطلاعات علمی؛ 1352 مصاحبه « همه چیز برای کتاب نخواندن مهیاست». ویژگی اثر : جام جم . 13 آذر 1384، ص1و16157 مصاحبه «اطلاعشناسی صنعتی». ویژگی اثر : فرهنگ و صنعت. 52، خرداد 1384.158 مصاحبه «این گفتگو پشت پرده ندارد». ویژگی اثر : خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران . س. پنجم ، شماره 1، (بهمن و اسفند 1384).159 مصاحبه «بانک اطلاعات فرهنگی». ویژگی اثر : فرهنگ و سینما. اردیبهشت 1369، ص 14 – 16.160 مصاحبه «جایزه ترویج علم ایران» . ویژگی اثر : مصاحبه. خبرنامه داخلی انجمن ترویج علم ایران. دی ماه 1385161 مصاحبه «چه کسانی کتاب نمیخوانند و چرا؟» ویژگی اثر : . ایران. 23 اردیبهشت 1375.162 مصاحبه «دایره المعارفها جلوهگاه جهان بینی جوامعند». ویژگی اثر : کیهان فرهنگی. 127، خرداد، تیر 1375، ص 107- 109.163 مصاحبه «درباره فصلنامه کتاب »؛ ویژگی اثر : آبان 1375.164 مصاحبه

«سرگذشتنامه و آثار » ویژگی اثر : آرشیو شفاهی . سازمان اسناد و کتابخانه ملی , معاونت اسناد ،1384165 مصاحبه «کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی». ویژگی اثر : پیام کتابخانه. 2 و 3، تابستان و پاییز 1371، ص29– 32.166 مصاحبه «کتابداری یا اطلاع رسانی » . ویژگی اثر : لیبر: فصلنامه انجمن علمی – دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه تهران . دوره دوم ، 4(زمستان 1384).167 مصاحبه «معلم دورترین روزها». ویژگی اثر : ایران. 27 آبان 1383.168 مصاحبه «ناکامی همایشها در بهبود اوضاع» ویژگی اثر : . ایران. 4 مهر 1383.169 یادداشت ها و نگرشها: " اشارهای به فلسفه کتابداری". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 1، بهار170 یادداشت ها و نگرشها: " زمزمه کتابخانه ملی در شصت سالگی" . ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار، 1378، ص. 118-120171 یادداشت ها و نگرشها: " لجاجت علمی" . ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها. تهران : نشرکتابدار، 1378،ص. 164-166172 یادداشت ها و نگرشها: " مدیریت رسانه ها ". ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . تهران : نشر کتابدار،1378، ص.231-235173 یادداشت ها و نگرشها: " هدایت گری در آموزش متوسطه ". ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران : نشرکتابدار، 1387، ص. 202-203174 یادداشت ها و نگرشها: "آموزش کتابداری در ایران". ویژگی اثر : پیام کتابخانه، 4، زمستان 1372، ص 18- 21.175 یادداشت ها و نگرشها: "اطلاع باوری". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 4، تابستان 1375، ص 5176 یادداشت ها و نگرشها: "اطلاع رسانی، رسالت آموزش عالی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3 و 4، پاییز و زمستان 1373،ص 5- 7.177 یادداشت ها و نگرشها: "اطلاع شناسی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3. پاییز 1372، ص 393-395.178 یادداشت ها و نگرشها: "اقتصاد اطلاعات". ویژگی اثر : نشریه علوم تربیتی. 3- 4، سال 1368، ص 1- 4.179 یادداشت ها و نگرشها: "انتقال تجربه ها در دایره المعارف نگاری ایران معاصر. ویژگی اثر : کتاب ماه کلیات.12، آذر 1377، ص 8.180 یادداشت ها و نگرشها: "ایدز تکنولوژیکی. ویژگی اثر : اطلاع رسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، 1378،ص236-238181 یادداشت ها و نگرشها: "اینترنت در کتابخانه" ویژگی اثر : . کتاب ماه کلیات.41 و 42، اردیبهشت و خرداد 1380، ص 40 – 41. . کتاب ماه کلیات.41 و 42، اردیبهشت و خرداد 1380، ص 40 – 41.182 یادداشت ها و نگرشها: "برنامه ریزی آموزشی". ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 204 - 206.183 یادداشت ها و نگرشها: "برنامه مدیریت نظامهای اطلاعاتی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3، پاییز 1380،

ص 5- 6.184 یادداشت ها و نگرشها: "تأمل در مصرف". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 1. بهار 1377، ص 5- 6.185 یادداشت ها و نگرشها: "تداخل در وظایف سازمانی". ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 228- 230186 یادداشت ها و نگرشها: "تکثر یا وحدت". ویژگی اثر : اطلاعرسانی:نگرشها و پژوهشها. تهران:نشر کتابدار، 1378،ص.28- 30.187 یادداشت ها و نگرشها: "جوان مسلمان، رسانه و موج چهارم". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3، پاییز 1376، ص 7- 9.188 یادداشت ها و نگرشها: "در جستوجوی هویت". ویژگی اثر : اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 13- 16.189 یادداشت ها و نگرشها: "دسترس پذیری. اطلاع رسانی: نگرشها و پژوهشها. ویژگی اثر : تهران: نشر کتابدار ،1378،ص222- 227.190 یادداشت ها و نگرشها: "رویارویی با رسانه ها". ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 23- 27.191 یادداشت ها و نگرشها: "سیاست مجموعه سازی". ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نگرشها و پژوهشها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 219- 221.192 یادداشت ها و نگرشها: "ضرورت تبیین بهره وری در فعالیتهای کتابداری و اطلاع رسانی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 3، پاییز 1379، ص 12- 18.193 یادداشت ها و نگرشها: "عمر مجلات". ویژگی اثر : اطلاعرسانی: نظامها و فرآیندها. تهران: نشر کتابدار، 1378، ص 170- 172.194 یادداشت ها و نگرشها: "گزارش سفر مالزی". ویژگی اثر : فصلنامه کتاب. 1، بهار 1375، ص 143- 160.195 یادداشت ها و نگرشها: "مرگ کتاب" . اطلاع رسانی : نگرش ها و پژوهش ها . ویژگی اثر : تهران : نشر کتابدار، 1378، ص. 167-169196 یادداشت ها و نگرشها: "نیروی انسانی کتابخانه ملی ". ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها . تهران: نشرکتابدار، 1378197 یادداشت ها و نگرشها: "هدایت گری در آموزش ". ویژگی اثر : اطلاع رسانی : نظام ها و فرایندها. تهران: نشرکتابدار،1378 ، ص. 199-201

حریرچی، فیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1342، دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال 1354.
مرتبه علمی:
مربی زبان و ادبیات عربی در سال 1348، استادیار در سال 1356، دانشیار در سال 1363 و استاد زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1369.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
عضو فرهنگستان بین‌المللی زبان و ادبیات عربی سوریه، تدریس در دانشگاه تهران، تربیت 200 عضو هیأت علمی برای دانشگاههای کشور، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 50 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 15
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
زبان و ادبیات عربی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی: 10
زمینه علمی مقالات:
زبان و ادبیات عربی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حریرچیان، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1292 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ساعی. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم اقتصادی و روزنامه‌نگاری به تحصیلات ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد، پس از آن همکاری با مطبوعات را آغاز کرد و به نشر آثار منظوم و منثور پرداخت. وی به منور مطالعه به کشورهای اروپایی و آسیایی سفر کرد و پس از درگذشت سید اشرف‌الدین، مدیر روزنامه «نسیم شمال»، اقدام به تاسیس روزنامه‌ای با همین نام کرد. وی به فعالیتهای ادبی علاقه‌مند بود و شعر را نیکو می‌سرود. ساعی در بعضی انجمنهای ادبی از جمله صائب شرکت داشت. از آثار او: «گلزار ساعی»؛ «حمید و حمیده»؛ «ماکسیم گورکی»؛ «آقاخان محلاتی و فرقه‌ی اسماعیلیه»؛ «پنجاه و یک حکایت»؛ «ارفع نامه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (300 -298 /4)، سخنوران نامی معاصر (1693 -1689 /3)، مولفین کتب چاپی (215/5).

حریری، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1284 ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و پزشک. در شهر تبریز به دنیا آمد و علوم ابتدایی و متوسطه را در همان شهر فراگرفت. وی از همدرسان شهریار و غلامحسین رعدی و حسنیعلی پسیان بود. از آنجا به تهران آمد و در رشته‌ی حقوق به تحصیل مشغول شد. پس از اخذ لیسانس به تبریز بازگشت و در آنجا به انتشار روزنامه‌ی مستعجل «اردیبهشت» پرداخت. حریری پس از چندی به تهران آمد و با استاد ملک‌الشعرا بهار وهاشم افسر مصاحبت کرد و با رموز شعر و شاعری آشنا شد. وی به اروپا سفر کرد و در رشته‌ی طب و داروسازی به تحصیل پرداخت و به درجه‌ی دکتری نایل آمد. سپس به تهران آمد و چندی با سمت دانشیاری در دانشکده‌ی پزشکی مشغول کار شد. سپس به اروپا مراجعت کرد و در پاریس اقامت گزید. و برای برخی از مجلات پایتخت از جمله «یغما» و «وحید» مقاله می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (113/1)، سخنوران نامی معاصر (1113-1111 /2)، فرهنگ سخنوران (250).

حریری، قاسم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم بن علی بن محمد عثمان حریری حرامی مکنی به ابومحمد از ادبای مشهور ایرانی، از مردم بصره (و. قریه میشان نزدیک بصره 446- ف. بصره 515 یا 516 ه.ق.). وی از ایمه‌ی عصر خویش بود و در مقامه نگاری مهارت تام داشت و «مقامات حریری» از شاهکارهای ادب عرب از اوست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حزنی مکریانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1367 -1296 ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در مهاباد متولد شد. وی از آغاز جوانی به مسایل کردشناسی و تحقیق درباره‌ی زبان و ادبیات کردی و روزنامه‌نگاری علاقه‌مند بود. برای ادامه‌ی تحصیل به عراق رفت و برای نخستین بار در حلب چاپخانه کردستان را دایر کرد و پس از آن در رواندوز، چاپخانه‌ی زاری کرمانجی را به کار انداخت. وی نخستین روزنامه‌نگار کرد و اولین کسی بود که به چاپ و نشر آثار کردی و تحقیق درباره‌ی کرد و کردستان دست زد. حزنی در بغداد درگذشت و در اردبیل دفن شد. روزنامه‌هایی که حزنی اداره می‌کرد عبارتند از: «گوقاری روناکی»، اربیل 1936 میلادی؛ «خونچه‌ی به هارستان»؛ «خوشی و تورشی»؛ «ئاوریکی پاشه وه»؛ «کوردستانی موکریان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (87 -86 /3).

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1181 -1103 ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افاغنه در سال 1135 ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال 1146 ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال 1181 ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»؛ «تاریخ حزین»؛ «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفیر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکارات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون».[1]
(ع. بخش 1) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان 1103 ه.ق./ 1691 م.- ف. بنارس (هند) 1181 ه.ق./ 1767 م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (189/7)، اعیان الشیعه (6/10)، تاریخ ادبیات ایران، براون (185 -182، 94 -93 /4)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (381 -379 /2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (359 -355 /1)، تذکره المعاصرین (82 -42)، لغت نامه (ذیل/ حزین لاهیجی)،

دایرةالمعارف فارسی (843/1)، الذریعه (1001- 190 /21 ،235/9 356/3،)، ریاض العارفین (68)، ریحانه (42 -41 /2)، سبک شناسی (306 -305 /3)، سرآمدان فرهنگ (301/1)، سفینه المحمود (625 -624 /2)، سیری در شعر فارسی (150 -148)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (87 -86)، شخصیتهای نامی (160 -159)، شرح حال رجال (229/3)، طرائق الحقائق (520/3)، فرهنگ ادبیات فارسی (181 -180)، فرهنگ سخنوران (252)، گنج سخن (137 -134 /3)، مولفین کتب چاپی (104 -102 /4)، مخزن الغرائب (805 -801 /1)، معجم المولفین (19/11)، نامها و نامدارهای گیلان (397 -396).

حسابی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1281 ش)، فیزیکدان و استاد دانشگاه. در تهران متولد شد. در سال 1286 ش به بیروت عزیمت کرد و تحصیلات خود را تا سال 1297 ش در مدارس شبانه‌روزی فرانسویها و سپس آمریکاییها گذراند و به دریافت درجه‌ی کارشناسی نایل شد، سپس در رشته‌ی مهندسی راه فارغ‌التحصیل شد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت، ابتدا در رشته‌ی برق، در مدرسه‌ی عالی الکتریسیته تحصیل کرد، پس از آن از دانشگاه سوربن به اخذ درجه‌ی دکتری فیزیک نایل شد. سپس به ایران آمد و به خدمات مهمی پرداخت، از جلمه: تاسیس درالمعلمین عالی، ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی، نصب و راه‌اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، واژه گزینی علمی، نوشتن قانون دانشگاه و تاسیس دانشگاه تهران، تاسیس دانشکده‌ی علوم و ریاست آن، پایه‌گذاری مدارس عشایری، تاسیس اولین رصد خانه‌ی تعقیب ماهواره در شیراز، شرکت در پایه‌گذار مرکز مخابرات اسدآباد همدان، تصدی وزارت فرهنگ در دولت مصدق، تعیین ساعت ایران، پایه‌گذاری موسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران، تاسیس مرکز اتمی، پایه‌گذاری مرکز تحقیقات و رآکتور اتمی دانشگاه تهران در زمان ریاست دانشکده‌ی علوم. حسابی استاد ممتاز دانشگاه تهران و مرد سال از سوی انستیتوی زیست نگاری بین‌المللی در سال 1369 ش بود. وی علاوه بر تحقیق و انتشار مقاله و کتابهای علمی در دوره‌های اول تا سوم مجلس سنا، نماینده‌ی انتصابی شهر تهران بود. در تهران درگذشت. در تفرش دفن شد. برخی از آثار وی: «دارالفنون آمریکایی بیروت»؛ «نامهای ایرانی»؛ «دیدگانی فیزیکی»؛ کتابی در «الکترودینامیک»؛ «نگره کاهنربایی»؛ کتاب «دیدگان گوانتیک»؛ کتاب «فیزیک حالت جامد»؛ کتاب «وندها و گهواژه‌های فارسی»؛ «فیزیک دوره‌ی اول متوسطه».[1]
متولد 1282، فرزند معزالسلطان است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس فرانسوی و آمریکائی بیروت به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی آمریکائی بیروت در رشته‌ی ریاضیات فارغ‌التحصیل گردید. مدتی در پاریس و شیکاگو ادامه‌ی تحصیل داد و درجه‌ی مهندسی راه و ساختمان و دکترای فیزیک دریافت کرد. در آمریکا مدتی دستیار اینشتین ریاضیدان و فیزیکدان معروف بود و رابطه‌ی خود را تا آخر عمر او حفظ کرد. پس از مراجعت به

ایران، به استادی دانشگاه جدیدالولاده‌ی تهران برگزیده شد و تدریجاً به معاونت و ریاست دانشکده‌ی علوم رسید. مدتی هم ریاست دانشکده‌ی فنی تهران با او بود. در 1330 در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق به وزارت فرهنگ منصوب شد، ولی دوران وزارت او طولانی نبود. مجدداً به دانشگاه بازگشت و به تدریس پرداخت. در انتخابات دوره‌ی اول سنا که در 1328 انجام یافت، سناتور انتصابی تهران شد. او از رجال دانشمند و از فیزیکدانان خوب ایران است. علاوه بر این، در مجامع بین‌المللی نیز شهرت داشته است. او در فارسی‌نویسی سلیقه‌ی خاصی دارد و نظریات خود را در این باره نوشته است. در زمینه‌ی فیزیک تألیفاتی دارد که در دانشگاه تدریس می‌شد. خیابان و چهارراه حسابی در شمیران به نام او نامگذاری شده است. در 1371 درگذشت.

محقق، فیزیکدان.

تولد: 1281، تهران.

درگذشت: 12 شهریور 1371، ژنو.

محمود حسابی، فرزند عباس معزالسلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدربزرگ ایشان واگذار شده بود به همراه خانواده به آن شهر رفت. پس از دو سال اقامت در بغداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسه‌ی فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دوره‌ی متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مدرسه‌ی فرانسویان در بیروت تعطیل شد و از آن پس در منزل از یک معلم خصوصی درس گرفت و از مادر زبان فارسی آموخت و از جمله قرآن، گلستان و بوستان سعدی و غزلیات حافظ و منشأت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامه‌ی تحصیل به مدرسه‌ی آمریکایی بیروت وارد شد. ابتدا به دلیل عدم آشنایی به زبان انگلیسی وی را در کلاس اول ابتدایی ثبت نام کردند ولی در آخر سال تحصیلی زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و در امتحانات عمومی مدرسه شرکت و مربیانش پذیرفتند که به کلاس پنجم ارتقا یابد. پس از آن در کالج آمریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیلات عالی خود را شروع کند. در سال 1299 لیسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سپس در دانشکده‌ی مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال 1301 دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به

تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال 1305 در مدرسه‌ی عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال 1306 دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سربن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، میتوان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشه‌ی راه‌های لبنان، 1921 م.؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در اداره‌ی راه سوریه، 1302؛ مهندسی برق در راه‌آهن برقی دولتی فرانسه، 1304. دکتری حسابی در سال 1306 به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله‌ی فعالیتهای وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسه‌ی مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال 1307؛ نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال 1307؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (1307)؛ ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی (1310)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، 1312؛ تهیه‌ی نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی کشور (1310)؛ شروع واژه‌گزینی علمی (1312)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (1313)؛ تأسیس دانشکده‌ی فنی (1313)؛ و به عهده‌گیری ریاست آن تا سال 1315 و تدریس آن را به عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت)؛ تأسیس نخستین رصدخانه برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسه‌ی ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، 1330؛ اولین رییس هئیت مدیره‌ی خلع ید از شرکت نفت انگلیس در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوسته شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن) پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران، تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسه‌ی استاندار؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برتراند راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت، علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از

جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حساسیت سلول‌های فتوالکتریک؛ رساله‌ی راه ما به زبان فرانسوی، 1935 م.؛ نام‌های ایرانی (1329)؛ فیزیک جدید و فلسفه ایران باستان (1343)؛ توانایی زبان فارسی (1350)؛ کتاب فیزیک دوره‌ی اول متوسطه (1318)؛ دیدگانی فیزیک (مبحث تداخل و پراش نور، گردآورنده نیره حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، 1341، نشریه‌ی 724 دانشگاه)؛ الکترودینامیک، فیزیک، نگره‌ی کاهنربایی؛ فیزیک حالت جامد؛ دیگانی کوانتیک؛ دارالفنون امریکایی بیروت (بیروت، 1294، م.).
در سال 1366 در کنگره‌ی شصت سال فیزک ایران از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیک نوین ایران» قدردانی شد، جوایز دیگر استاد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، 1350، دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائه‌ی فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات، نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسه‌ی زیست نگاری بین‌المللی (آمریکا).
پروفسور محمود حسابی در 12 شهریور سال 1371 هنگام معالجه‌ی بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بدرود حیات گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (90 -88 /3)، کیهان فرهنگی (س 4، ش 7، ص 15 -4)، مولفین کتب چاپی (24 -23 /6)، میراث ماندگار (3 و 98 -83 /4).

حسام الواعظین، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج میرزا محمد علی علاقبند بن ملا اسماعیل بن علی بن جعفر بن حسن اصفهانی. واعظ جلیل، و فاضل محدث خبیر، ادیب شاعر و خطاط، از خطبای طراز اول اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت.
در 1301 متولد، و در شب جمعه 13 ربیع الاول سال 1381 وفات یافته، در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.
در اصفهان خدمت: آقا سید محمود کلیشادی، و ملا محمد حسین کرمانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای تحصیل نمود. سال‌ها در طهران ساکن، و به وسیله‌ی شمس العرفا در سلسله‌ی فقر [!] وارد شده و به تصفیه‌ی نفس پرداخته، سپس به اصفهان مراجعت نموده و به وعظ و ارشاد پرداخته، الحق واعظی شیرین بیان، و محدثی طلیق اللسان بود. شعر خوب می‌سرود، و خط نستعلیق را در نهایت استادی می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسامی، فاضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل حسامی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/8/10
زندگینامه علمی
اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد 1341 آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال 1365 تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال 1369 برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال 1377 در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسن زاده آملی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد 1307 شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.
دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و 5 جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد 15 تا جلد 19 میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که 15 مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد 15 شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد 14 شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:
(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.
العبد ابوالحسن الشعرانی
تألیفات و تصحیحات
آثار عرفانی و اخلاقی
لقاء الله
وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
انه الحق
ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه
الهی نامه متن الهی نامه
انسان در عرف عرفان
کلمه علیا در توقیفیت اسماء
اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نَفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج
انسان و قرآن
آثار کلامی
خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مآاخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج الیلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفة الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیقه بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلّی
رساله ظِلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالة فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاة
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی
دهان روح و تن
انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که

دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود; و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار
بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را درياب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است; و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» ; یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن زاده، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله حسن زاده
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 54 قدم به حوزه علمیه قم گذاشتم. دروس حوزه از ادبیات، معانی بیان، منطق، کلام، فلسفه، اصول، فقه و عرفان را گذراندم. سالیانی هم در درس خارج شرکت کردم. از سال 63 پا به عرصه ادبیات و هنر گذاشتم. در این زمینه درس های ادبیات معاصر، آیین نگارش و ویرایش، ادبیات دراماتیک، داستان نویسی، نمایش نامه نویسی، فیلمبرداری، فیلنامه نویسی، نقد و تحلیل فیلم، کارگردانی سینما، طراحی و نقاشی، عکاسی و ادبیات کودکان و نوجوانان را گذراندم. اکنون به عنوان مدیر مسئول و سردبیر سلام بچه ها و پوپک و سردبیر سنجاقک و حدیث زندگی ، فعالیت می کنم.

حسن لغذه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعلی حسن بن عبداللَّه، معروف به لغذه (به ضم اول و سکون ثانی و فتح ثالث) یا لذکه، از ائمّه نحو و ادب و لغت، و هم طبقه با ابوحنیفه دینوری، و شاگرد زجّاج (متوفّی 310) بوده، و با او در علم مخالفت داشته، در [اواخر عمر خود را] عراق از حیث علم و ادب بی نظیر بوده است.
کتب زیر از اوست:
1- التسمیة 2- خلق الانسان 3- خلق الفرس 4- دیوان اشعار 5- الرّد علی ابن قتیبة فی غریب الحدیث 6- الصفات 7- مختصر النحو 8- النوادر 9- نقض علل النحو 10- الهشاشة و البشاشه؛ و غیره.
سال وفاتش معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسنی اردکانی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول حسنی اردکانی
محل تولد : اردکان فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عبد الرسول حسنی اردکانی در اردکان فارس شهرستان سپیدان متولد شدم. پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی، با رتبه اول در میان 36 نفر دانش آموز، در مدرسه آقا بابا خان شیراز سه سال طلبه بودم . در سال 43 به قم آمدم و با آیت الله مکارم و آیت الله ربانی شیرازی آشنا شدم دو دوره درس خارج اصول آیت الله مکارم شرکت کردم. مقداری از اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله سبحانی استفاده کردم. با تایید ستاد انقلاب فرهنگی و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدت 12 سال در دانشگاه تهران معارف اسلامی تدریس نمودم. مدت 8 سال در دانشگاه آزاد قم و سه سال در دانشگاه قم تفسیر قرآن و نهج البلاغه تدریس نموده ام. شرح لمعه و رسائل را نیز در حوزه تدریس نموده ام . از محضر آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، محمدی گیلانی، انصاری شیرازی و مقداری هم از محضر استاد مطهری استفاده کرده ام.
دارای مدرک لیسانس از دانشگاه قم می باشم سال 1361، بیشتر از همه اصول و فقه و تفسیر و عقاید را از محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی بهره مند شده ام. مدت ده سال از سال 64 تا سال 74 مسئول تبلیغات اسلامی راه آهن استان مرکزی از قم تا نزدیک درود انجام وظیفه تبلیغی داشته ام.قائم مقام معاونت تهذیب و اخلاق حوزه علمیه قم مرکز مدیریت هستم. در ماه محرم 56 به جای حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله مجد الدین محلاتی شیرازی در ایرانشهر دهه عاشورا سخنرانی داشتم روز سوم بود،عصرها جلسه عقائد برای نسل جوان داشتم بعد از جلسه متوجه روحانی بزرگواری شدم که در گوشه حسینیه نشسته بودند نزدیک رفتم سلام و احترام کردم فرمود" سید علی خامنه ای "هستم به ایرانشهر تبعید شده ام. تا روز 13 محرم که در ایرانشهر بودم شبانه روز در خدمتشان بودم شب ها که سخنرانی می کردم حضور داشتند. چند بار با

اساتید دانشگاه شرفیاب محضر ایشان شدم که مورد لطف و عنایت خاص قرار دادند.

حسنی آملی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی حسنی آملی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

آدرس اینترنتی
زندگینامه علمی
فرزندی از پدر و مادری متدین در سال 1354 دیده به جهان گشود او را علی نامیدند او فرزند سوم خانواده بود دوران کودکی و نوجوانی را در فضایی بی آلایش روستا سپری کرد و با اتمام دوره راهنمایی عازم شهری بزرگ و معروف که تاریخ طولانی در تشیع داشت و مرکز حوزه های علمی شیعه به حساب می آمد (قم) گردید و در مدرسه شهیدین (بهشتی و قدوسی ره) مشغول به تحصیل در علوم دینی شد. در حدود ده سالی که در این مدرسه ساکن بود مراحل مقدمات و سطح دروس حوز های علمیه را به پایان برد و هم زمان با شروع به تحصیل کتاب مکاسب و رسائل شیخ اعظم انصاری ره در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی معارف اسلامی گردید.بعد از اتمام دروس سطح حوزه در دوره تخصصی فقه و اصو ل مدرسه شهیدین شرکت کرده واز سوی دیگر همزمان با آن در دوره کارشناسی ارشد دین شناسی مؤسسه امام خمینی قبول شده که ادامه آن منجر به قبولی در رشته ادیان در سطح دکتری همان مرکز شد.لازم به ذکر است او از زمانی که توانایی تبلیغ را پیدا کرده است به مدت ده سال هر زمان که فرصتی حاصل می شد به تبلیغ در جامعه و دانشگاهای کشور نیز می پرداخت

حسنی برقعی، عماد الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عماد الدین حسنی برقعی (مبرقعی) ، به سال 1300 در مشهد چشم به جهان گشود. عماد دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود. عماد تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد.گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی دان خود شعر می گذاشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : نسبت عماد الدین حسنی برقعی به موسی مبرقع پسر امام محمد تقی (ع) ملقب به جواد می رسد. عماد الدین از طرف پدر و مادر هر دو سید است. پدرش سید محمد تقی معین دفتر از صاحب منصبان آستان قدس رضوی و مادرش بی بی حرمت از خانواده ای صاحب ذوق و اهل ادب بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین حسنی برقعی دوازده ساله بود که شعر سرود و بر اثر تشویق پدرش در این فن پیشرفت فراوان نمود.
فعالیتهای ضمن تحصیل : عماد الدین حسنی برقعی از ابتدای نوجوانی سعی داشته است هر چه بتواند هنر بیشتری در خود خلق کند.
استادان و مربیان : عماد الدین حسنی برقعی بر اثر تشویق پدر توانست یکی از شعرای معروف و شوریده حال خطه خراسان شود.
همسر و فرزندان : عماد الدین حسنی برقعی یک بار ازدواج نمود ولی همسرش هشت ماه پس از ازدواج فوت کرد و شاعر دیگر همسری اختیار نکرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین حسنی برقعی تنها شاعر و گوینده نبود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت و با آنکه رغبتی به فراگیری زبان خارجی نداشت اما آثار ادبی مغرب زمین را می خواند و بر برخی از آنها ارج می نهاد. گه گاه که حال و حالتی داشت با صدایی گرم و شور انگیز نغمه می سرود. و همچنین بر آهنگ های موزون دوستان موسیقی

دان خود شعر می گذاشت.
آرا و گرایشهای خاص : دکتر غلامحسین یوسفی درباره شعر عماد الدین حسنی برقعی و سبک او چنین اظهار نظر می کند: « عماد که به شعر ایرج و ساده گوئی و صداقت وی علاقه و توجهی بارز نشان می دهد خود نیز در شعر زبانی روان ، گویا ، گیرا ، زنده ، و پر احساس بکار می برد ؛ که در عین حال فصحیح و شیواست. » مهدی اخوان ثالث نیز دربارهٔ شعر عماد چنین می گوید: « سخن عماد چنانکه دیوانش گواهی می دهد ، اغلب فصیح و بلیغ و بلند است. اما اگر گواهی ترک اولی و فتوری در کلامش دیده شود ، بیشتر از آن جهت است که: او بعد از سرودن و فرود آمدن از حال سرایش و تغنی در موالید طبع خود کمتر تجدید نظر و آرایش یا به قول خودش (رتوش) روا می دارد... و اما نظیر این فتور گاهگاه و اندک در سخن همه کس حتی بزرگانی چون فدروسی و سعدی و حافظ نیز هست. کدام ژرف بین بی غرضی است که منکر این امر باشد؟ اگر اصالت و قدمت نسخه را یکسو نهیم ، بسیاری موارد هست که حتی در دیوان حافظ ، تصرف مردم بعضی شعرها را را حال خوشتر داده... این امر طبیعی است که چشمه ها و جویبار ها نیز جوشش و زلال آبشان همیشه به یک حال نیست... از این رو من معتقدم که این فراز و فرودها در شعر شاعران اصیل امری طبیعی است و کمتر جای چند و چون دارد ، زیرا حال آدمی هم همیشه به یک منوال نیست.» ----------
---
آثار :
1 ورقی چند از دیوان عماد
ویژگی اثر : مهدی اخوان ثالث در مقدمه این کتاب شرح حال و زندگی نسبتا کاملی از عماد را تحریر نموده و منتشر گردیده که بارها تجدید چاپ شده است. ----------
---
منابع :
1از بهار تا شهریار ، تالیف حسنعلی محمدی ، ج 2 ، تهران ، انتشارات ارغنون ، ص 518

حسنی بسطامی، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالرسول بن العالم الجلیل ملا فضل‌الله بسطامی بن العلامه ملا نور محمد (از اعاظم شاگردان مرحوم حجه‌الاسلام شفتی اصفهانی) میباشد. وی در سال 1290 شمسی در بسطام متولد شده و پس از رشد در سال 1348 قمری برای تحصیل بقم آمده و ادبیات را از مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و مرحوم حجه‌الاسلام ادیب تهرانی فرا گرفته و سطوح را از آیه‌الله حاج شیخ علی‌اصغر صالحی کرمانی و آیه‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیه‌الله حاج میرزا شهاب همدانی و مرحوم آقا شیخ حسین گیلانی و مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی بپایان رسانیده و از درس خارج مرحوم آیه‌الله العظمی حجت و آیه‌الله خونساری و دیگران استفاده نموده و پس از دوازده سال توقف در قم در سال 1360 قمری مهاجرت به بسطام نموده و تاکنون بتلبیغ احکام و ترویج دین و اقامه جماعت اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنی گلستانه، محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محمود. وی از سادات حسنی اصفهان بود که به گلستانه مشهورند. مولف کتابی است به نام: «انیس الوحده و جلیس الخلوه»، در اخلاق، در این کتاب سودمند برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده است و پیداست که در شاعری توانا بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (217)، الذریعه (269/2)، کشف الظنون (199).

حسنی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر حسنی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/12/4
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه 1317 در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال 1332 پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .
در سال 1339 با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین 1342 از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسنی
محل تولد : ارومیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1362 پس از اخذ دیپلم علوم تجربی از دبیرستان طالقانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال 1367 در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عرب در این حوزه پرداختم. در سال 1362 پس از اخذ دیپلم علوم تجربی از دبیرستان طالقانی ارومیه، در مرکز تربیت معلّم تهران قبول شدم، امّا به علّت علاقه وافر به تحصیل در حوزه علمیّه جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه حضرت ولیعصر تبریز شدم و تا سال 1367 در این حوزه مبارکه مشغول بودم و شرح لمعه و اصول فقه مرحوم مظفر را با موفّقیّت به پایان بردم. در ضمن این تحصیل به تدریس ادبیات عربی در این حوزه پرداختم. این مدّت در حوزه علمیّه تبریز مقارن با وقوع جنگ تحمیلی بود که دروس عقب افتاده در اثر شرکت در جبهه های نبرد را در اوقات تعطیلی حوزه جبران می کردم. در سال 1367 جهت ادامه تحصیل در حوزه علمیّه قم، در مدرسه مبارکه امام صادق(ع) که زیر نظر حضرت آیت الله سیّد مهدی روحانی اداره می شد، حجره ای را گرفتم و در درس مکاسب حضرت آیت الله پایانی شرکت و کتاب مکاسب شیخ انصاری را از ایشان بهره بردم. البته مبحث خیارات مکاسب را از محضر حضرت آیت الله سیدعلی محقق داماد فرا گرفتم و همزمان کتاب الرسائل شیخ انصاری را از آغاز تا انتها در محضر استاد حضرت آیت الله اعتمادی بودم که تبحر و اسلوب بیان ایشان شاگردان را مجذوب درس می کرد. در سال 1370 جلد اول کفایة الاصول را از محضر حضرت آیت الله مجد و جلد دوم را از محضر حضرت آیت الله موسوی تهرانی بهره بردم. در سال 1372 در آزمون سراسری دانشگاهها در دو

رشته حقوق و اقتصاد نظری در دانشگاه مفید قم پذیرفته شدم که به علّت علاقه به رشته حقوق، در این رشته مشغول به تحصیل شدم. همزمان با دانشگاه در درس فلسفه حضرت استاد مومنی شرکت کردم و کتابهای بدایه و نهایة الحکمه و شرح اشارات را از محضر ایشان بهره بردم و در ایام تعطیلی در طول سال تحصیلی دروس جنبی مثل عروض و قافیه و طب سنتّی را از محضر این استاد فرزانه استفاده می کردم. پس از اتمام دوره کارشناسی حقوق در سال 1376 در رشته حقوق جزا و جرم شناسی در دانشگاه مفید پذیرفته شدم و پس از اتمام دوره تحصیل در سال 1380 از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان« انگیزه و تاثیر آن در تحقق جرم» با درجه عالی دفاع کردم که راهنمایی این پایان نامه را جناب دکتر کوشا و مشاوره آن را جناب دکتر قربان نیا به عهده داشتند و داوری آن به عهده دکتر آشوری بود. در سال 1380 به عنوان پژوهشگر با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه شروع به همکاری کردم. و در آغاز همکاری پروژه ای تحت عنوان تبیین آداب شرعی اجرای قصاص در جهت اصلاح آیین نامه ماده 293 آیین دادرسی کیفری را انجام دادم که حاصل آن اصلاح آیین نامه مذکور در سال 1382 بود. هم زمان با این پروژه در گروه تحقیقات جزائی مرکز تحقیقات به امور پژوهشی مشغول شدم. که حاصل آن مقالات متعددی است که در مجموعه نظریات مشورتی فقهی کیفری و حقوقی منعکس شده و در آنها به مسائل مبتلابه در قوه قضائیه نظرهای مشورتی داده شده است. از سال 1383 که بررسی و آسیب شناسی و اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی در دستور کار مرکز تحقیقات فقهی قرار گرفته به عنوان پژوهشگر با این مرکز همکاری دارم. از سال 1376 در درس خارج اصول وحید خراسانی و درس فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی شرکت می کنم.

حسنی، محمدابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمدابراهیم حسنی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
دوره ابتدائی وراهنمایی تحصیلی را درنور مازندران پشت سرگذاشتم.واز همان آغاز ذائقه دینی ام درمسابقات قرآن و...باکسب امتیازات درسطح استان بروزکرد.برای ادامه تحصیل به تهران آمدم.مقدمات دروس حوزوی ازجمله مبادی العربیه،شرح ابن عقیل،اخلاق وقرآن تخصصی،تاریخ،متون و عقائد اسلامی و..رادرکناردروس رایج تحصیلی و علوم روز درمحضر اساتیدی چون دکترچیت سازیان،دکتر جعفر پور،حاج علی اکبری،دکترسعیدیان، استادمحفوظی،توجهی، علی اکبراشعری، استادمرحوم حدادی و استادادبیات دکترسید عبدالمجیدحیرت سجادی(که توان قلم ورمق حیاتم را مدیون تعلیمات وتشویقات ایشانم)دردبیرستان شهیدمطهری(رشته علوم ومعارف اسلامی)گذراندم.درک محضرعلمی و اخلاقی حضرات آیات امامی کاشانی،امجد،ضیاءآبادی وسیبویه (ره) و...آن سالها بسی غنیمت بود..
بعدازدیپلم،بسال73باانتخاب،وانگیزه مناسبی که داشتم،علیرغم قبولی درکنکور،به ادامه تحصیل دروس حوزوی با گزینش اساتیدبرتر درفضاهای علمی ومعنوی مناسبی چون حوزه علمیه امین الدوله ومروی پرداختم.دروس سطوح حوزه ازجمله سیوطی،مغنی،لمعتین واصولین،معالم،رسائل ومکاسب وکفایتین رااز محضراساتیدبزرگواری چون افضل نژاد،جوادی افغانی،پورذهبی،مهاجری،علم الهدی،تقوایی،شریف زاده، دکترموسوی اصفهانی،مرحوم پاکتچی،دروازه ای وموسوی تبریزی(رحمهم الله)،ونوارهای درسی استادصالحی ووجدانی درکنارارتباط بامرکزمدیریت وبرخی اساتید حوزه علمیه قم فراگرفتم.علاوه براین غروب دوشنبه هایی پرباربهانه تنظیم آثار استادبزرگوارآیه الله سیداحمدعلم الهدی خراسانی ازمحضرایشان بهره های فراوانی بردم. آنسالها حضوردرپای درس اخلاق و مواعظ آیه الله مرحوم حق شناس،مجتهدی(ره)،مهدوی کنی وآیه الله مجتبی تهرانی نیزبسی

ارزشمندوماندگار بود. محوربرخی فعالیتهای تبلیغی وقلمی بنده ازسال73تاکنون چنین است: 1-پیگیری نظام مندمطالعات وفیش برداری ازمنابع ومتون دینی ازجمله نهج البلاغه
2- تدوین،ترجمه،بررسی وتالیف کتب ومقالات وارتباط بامراکزپژوهشی وفرهنگی
3-ارائه مقالات به همایش ها،روزنامه هاومجلات علمی وتحقیقی قم وتهران
4- مدیریت بروزوبلاگهای دینی وهمکاری علمی باسایتها وفضاهای مجازی
5- فعالیتهای تبلیغی درهیئات ومساجدوادارات تهران وشهرستان

حسیبی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1285.
درگذشت: آبان 1369، تهران.
کاظم حسیبی پس از تحصیلات متوسطه، مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران را برای ادامه‌ی تحصیل برگزید و در سال 1307 جزو محصلین اعزامی به فرانسه رفت. رشته‌های مهندسی راه‌آهن و ذوب آهن و مس را گذرانید و چون به ایران آمد در دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. چندی هم در اداره‌ی معاون و بنگاه آبیاری و بانک صنعتی کار می‌کرد. در دوره‌ی هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در تمام دوران فعالیت‌های سیاسی دکتر محمد مصدق از او پیروی می‌کرد. او از اعضای فعال حزب ایران بود و در ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. چند خطابه و رساله هم در همین موضوع از او چاپ شده است. رساله‌ای هم درباره‌ی خط و رسم‌الخط به چاپ رسانید و در آن از تغییر خط طرفداری کرد. رساله‌ی مذکور چگونه خط را باید اصلاح کرد نام دارد (آذر 1345).
فرزند حاج محمدعلی تاجر چای، در 1285 در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی کمالیه و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رسانید و در 1304 ش به اخذ دیپلم با احراز رتبه اولی نائل آمد. آنگاه وارد مدرسه‌ی عالی حقوق گردید و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان بخشید و در آن مدرسه هم شاگرد اول شد.
کاظم حسیبی در 1307 ش در مسابقه اعزام محصل به اروپا شرکت کرد و نفر اول شد و به فرانسه اعزام گردید و پس از طی دو سال دوره‌ی عمومی وارد دانشکده‌ی پلی‌تکنیک پاریس شد و دوره‌ی مذکور را به پایان رسانید و بعد، دو سال هم دوره‌ی مدرسه‌ی معدن را گذرانید و در 1318 به ایران بازگشت و در اداره کل معادن وزارت پیشه و هنر استخدام گردید و در همان سال به خدمت نظام وظیفه رفت (یادنامه‌ی صفحه‌ی 114). چندی هم در بنگاه آبیاری و بانک صنعتی و معدنی ایران اشتغال داشت.
مهندس حسیبی در 1320 وارد دانشگاه تهران شد و با سمت دانشیار در دانشکده فنی مشغول تدریس گردید و بعد به مقام استادی رسید و علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، در دانشگاه جنگ هم تدریس می‌نمود.

مهندس کاظم حسیبی پس از شهریور 1320 کانون مهندسین ایران را با همکاران دیگر مهندس خود تشکیل داد و بدین ترتیب وارد مسائل سیاسی شد. اعضاء کانون مهندسین بعداً حزب ایران را تشکیل دادند. در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورای ملی که لایحه دولت در مورد نفت به مجلس داده شد، حسیبی بیلان کامل 45 ساله شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را تهیه کرد که توسط حسین مکی در چند جلسه مجلس ایراد گردید و در نتیجه‌ی این نطق طولانی، عمر مجلس پانزدهم پایان پذیرفت و لایحه‌ی دولت به تصویب نرسید.
پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، مهندس حسیبی چندی معاون و قائم‌مقام وزارت دارائی بود. در سفر نخست‌وزیر به شورای امنیت و دیوان دادگستری لایحه، مهندس حسیبی جزو هیئت بود و در تمام مدت زمامداری مصدق، وی مشاور امور نفتی نخست‌وزیر بود. در دوره‌ی هفدهم مجلس، حسیبی از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد و غیر از عضویت کمیسیون نفت از طرف مجلس شورای ملی عضویت خلع‌ید را عهده‌دار گردید.
در کلیه مذاکراتی که بین دکتر مصدق و هیئت‌های مختلف پیرامون نفت انجام می‌گرفت، حسیبی دخالت کامل داشت و نظریه‌ی نهائی تصمیم‌گیری از طرف او صادر می‌شد. پس از کودتای 28 مرداد 1332 مهندس حسیبی تحت تعقیب قرار گرفت. مدتی به حالت اختفاء در تهران بسر برد و سرانجام در قم دستگیر و به زندان انتقال یافت. قریب یک ماه در زندان بسر برد تا آزاد شد. پس از آزادی از زندان به کاری دعوت نشد حتی تدریس او را در دانشگاه لغو کردند. وفات وی در 1369 در تهران پس از یک بیماری ممتد اتفاق افتاد. دوستان و یاران وی پس از مرگش یادنامه‌ای برای او انتشار دادند که مبین مقام علمی و انسانی و مذهبی او بود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

حسین آبادی، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا شیخ محمّد جواد از علمای اعلام، و فقهای اسلام، و از شاگردان شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و مجاز از ایشان بوده، تاریخ اجازه: 1265، و مجاز از شیخ مرتضی انصاری می‌باشد.
وی را تألیفات چندی است که از آن جمله است:
1- بحر البکاء، فارسی 2- بساتین الریاحین، در اصول فقه 3- ترجمه ی رساله ی نجاة العباد 4- ترتیب و تلخیص خلاصه (الاقوال) علاّمه حلّی که به طبع رسیده است. 5- الرسالة الاحمدیّة، به نام فرزندش آقا شیخ احمد صاحب عنوان 6- الریاحین، در فقه استدلالی 7- سراج الوهّاج، در شرح نتایج الاصول تألیف سید ابراهیم قزوینی 8- کنوز اللئالی، در اصول فقه 9- النتایج، در اصول فقه [تقریرات سید ابراهیم قزوینی].
در ذی قعده سال 1312 وفات یافته، و در تکیه ی آقا حسین خوانساری، در قبری که حاج شیخ محمد باقراصفهانی جهت خود تهیّه نموده بود مدفون گردید (قبر در زیر دیوار مابین تکیه آقا حسین و مادر شاهزاده در سردابه واقع است).
مشارالیه مدّت چهارده سال در طهران ساکن بوده، و در مسجد سراج الملک امامت و تدریس می‌نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسین زاده، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس حسین زاده
محل تولد : زرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/8/1
زندگینامه علمی
فروردین سال 1355 شمسی در روستای باب عبدان از توابع شهرستان زرند کرمان به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را تا سال چهارم در همان روستا پشت سر گذاشتم و در سال پنجم ابتدایی به دهستان دشتخاک از توابع شهرستان زرند عزیمت نمودم.
با ورود به دوره راهنمایی عازم شهرستان زرند شدم و دوران راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان مذکور به پایان رساندم و در سال 1373 در رشته ریاضی و فیزیک فارغ التحصیل گردیدم در سال 1374 با قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه به قم آمدم و در مدرسه علمیه امام مهدی موعود (عج) واقع در نیروگاه دروس حوزوی را آغاز نمودم.
دروس مقدماتی و ادبیات عرب را به مدت سه سال در مدرسه فوق الذکر به پایان رساندم و سال چهارم وارد مدرسه علمیه معصومیه (س) شدم و ادامه دروس مقدماتی را تا سال ششم در آن مدرسه تکمیل کردم.
در طول سه سال که در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل بودم در کنار دروس اصلی حوزه مکالمه عربی را به صورت تخصصی فرا گرفتم و در طول این مدت مقالات متعددی به زبان عربی به رشته تحریر در آوردم که دو مقاله در مجله تخصصی «النافذه» به چاپ رسید.
بعد از اتمام دروس مقدماتی ، دروس سطح را در مدرسه آیةالله گلپایگانی آغاز نمودم و از محضر اساتیدی چون حجةالاسلام و المسلمین حضرات آقایان فقیهی، تهرانی، حسینی، دیباجی اصفهانی، طاهری مازندرانی، خسروشاهی و دیگران کسب علم نمودم و از علوم وافر و اخلاقیات آن اساتید بهره بردم در کنار دروس سطح و اصلی حوزه هم زمان در رشته تخصصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم و در سال 1384 در رشته کارشناسی تبلیغ فارغ التحصیل گردیدم و پس از آن در کارشناسی ارشد تبلیغ ادامه تحصیل دادم هم اکنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر

حضرات آیات وحید خراسانی و مکارم شیرازی (حفظه الله) بهره می برم.
علاوه بر تحصیل در رشته تخصصی تبلیغ دوره آموزشی روایت سیره شهدا و دوره مدیریت مسجد را فرا گرفتم و به عنوان یکی از محققان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم به سؤالاتی که از آن مرکز دریافت می کنم پاسخ می گویم و در کنار دروس حوزوی به امر تحقیق و پژوهش و تبلیغ می پردازم و به شکر خدا از سال 1379 که ملبس به لباس مقدس روحانیت گردیدم در ایام تبلیغی توفیق تبلیغ دین و نشر احکام الهی را در شهرها و روستاهای مختلف کسب کرده ام و با اقشار مختلف جامعه در ارتباط بوده ام.
ان شاء الله همه ی این فعالیت ها مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد.
والسلام عباس حسین زاده.

حسین زاده، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، روزنامه‌نگار.
تولد: 4 بهمن 1320، بجنورد.
درگذشت: 4 بهمن 1368، تهران.
منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال 1335 برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال 1358 به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال 1362 در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی- هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.
در آبان ماه 1368 به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال 1369 انتشار یافت.
از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها».
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسین مقدم، یحیی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یحیی حسین مقدم
محل تولد : نکاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلأ (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال 1349 شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.
و در سال 1349 هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال 54 و 55 در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.
لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال 1363 هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسینعلی پور، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید حسینعلی پور
محل تولد : جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
سال 1346 هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجة الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال 1349 به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیة الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیة الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال 1358 در درس خارج آیةالله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیة الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیة الله تبریزی بیش از 12 سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیة الله شیرازی انصاری خواندم. نهایة الحکمه را از آیة الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیة الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد 6 و 7 را از آیة الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیة الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیة الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیة الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه

حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:
آیةالله نوری همدانی، آیةالله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مسلم حسینی ادیانی
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

حسینی اشکوری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شب 13 ربیع‌الاول سال 1350 ق در نجف اشرف متولد شده.
مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی‌آقا ضیاء را نوشته است.
جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال 1367 در نجف بدرود حیات گفت.
نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.
در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.
در نجف اشرف از سال 1378 ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.
در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال 1391 ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.
بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.
سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول 1350 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از

برزگان آن سامان به اتمام رسانده.
و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال 1380 ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.
در اواخر 1391 قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و ده‌ها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.
و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:
1- الامام الحکیم در سال 1385 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
2- الامام الثائر در سال 1386 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
3- الامام الشاهرودی در سال 1386 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
4- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.
5- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال 1391 ق به طبع رسیده.
6- زندگانی شریف مرتضی در سال 1385 ق به طبع رسیده.
7- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال 1397 در قم به طبع رسیده.
8- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.
9- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال 1357 به طبع رسیده است.
10- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.
11- تراجم الرجال در قم چاپ شده.
12- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال 1410 ق در قم چاپ شده.
13- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.
از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند
1- القرآن فی الاسلام در سال 1393 ق در بیروت چاپ شده.
2- رابطه العالم الاسلامی.
و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:
1- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

2- المفصل فی تراجم الاعلام.
3- حدیث جوله.
4- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.
5- معجم الاعلام الامامیه.
6- مولفات الزیدیه.
7- قضیه حیاتی.
8- من کل لون (از هر رنگی).
9- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.
10- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّٰه مرعشی.
11- اجازات الحدیث.
12- معجم المولفات القرانیه.
13- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، غیاث‌الدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(یا محمد) بن علی امیران حسینی، از فضلای قرن نهم هجری است. در بدخشان ساکن بوده، و در سال 879 کتاب معروف خود را به نام «دانشنامه‌ی جهان» در حکمت طبیعی در ضمن ده فصل، و خاتمه در تشریح، به نام سلطان محمودبن ابوسعید بهادرخان بن میران شاه بن امیر تیمور گورکانی تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌محمد صادق، خطیب ادیب، و عالم جلیل، مؤلف کتاب «مشرق التوحید» در اصول دین به فارسی، که آن را به اسم فتح علی شاه قاجار در سال 1250 تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی اصفهانی، محمد صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمدباقر، واعظ کامل، مؤلف: 1 - جارح العینین فی مصائب الحسین علیه‌السلام که آن را در سال 1222 به نام فتح علی شاه تألیف نموده 2 - عین الدموع؛ و غیره می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمد اسماعیل حسینی بیرجندی، عالم زاهد، مؤلف رساله در صبح و شفق، و متوفی به سال 1305.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی اصفهانی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی حسینی اصفهانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از گذراندن دوران دبستان و دبیرستان در زمان سیکل دوم (قبل از دیپلم) بود که با وضعیت نامناسب مدارس در دوران شاهنشاهی در سال 1351 – 1352 دروس مدارس را ترک گفته و یک مرتبه عشق دروس حوزوی و تحصیل علم در من زنده شد. با علاقه وافری در کنار دروس کلاسیک درس جامع المقدمات را به طور خصوصی نزد استادی شروع به خواندن کردم و کم کم به حوزه علمیه در اصفهان ، مدرسه ذوالفقار پای گذاردم. اساتید بزرگواری مانند آیت الله حسن امامی، استادبزرگوار حاج آقا فقیه(حاج شیخ علی اکبر)، استاد بزرگوار حاج آقا صحبت ابطحی و دیگر اساتید را تلمذ نموده و کتابهای ادبیات و دوره سطح تا لمعتین را در آن مدرسه به اتمام رسانیدم. آنگاه به حوزه علمیه قم مشرف شدیم که حدود 1357 بود. و بقیه کتب دوره سطح را از رسائل و کاسب و منطق مظفر و معالم الدینی تا به دروس خارج فقه و اصول را به طور پیوسته در کنار اساتید بزرگوار همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی- دوزدوزانی – مظاهری- غیر خواندم و کم کم در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام فاضل لنکرانی- مکارم شیرازی – مرحوم حاج شیخ جواد آقا تبریزی – وحید خراسانی- نوری همدانی- شرکت میکردم و البته دروس جنبی دیگر همانند تفسیر – علم رجال- مباحث کلامی و دروس دیگر را به طور جزوه ها و غیره را اشتغال داشتیم و در امتحانات حوزه شرکت داشتیم. بعد از حضور در دروس خارج در کنار آن به حضور در مجالس تفسیر علاقه وافری داشتم . در جلسه تفسیر آیت الله خزعلی شرکت داشتم و با عشق به آن درس و عمق در آن به حفظ قرآن مشغول شدم و بیشتر قرآن را حفظ کرده و در کنار آن عشق به تفسیر در بنده زنده شد. که نخست بیشتر تفسیر نمونه را به طور کامل مطالعه کردم برای اینکه حفظ آیات در ذهن بنده بیشتر استقرار یابد. آنگاه مجموعه

تفسیر المیزان را مطالعه عمیق نمودم و از آن نسخه برداری کردم. پی بردم برخی از مقالاتی هست که باید از قرآن استخراج شود ، در اینجا زمینه با عشق وافری که داشتم برخی از مقالات را استخراج نمودم از قبیل : توحید نظری، و عملی ، یهودیت و مسیحیت ، ولایت و امامت، هنر و دیگر مقالات که در قرآن زیاد بر آن تکیه شده و در همین دوران بود که کتابهای نوشته شده تا کنون به حدود 45 عدد میرسد و بیشترین و بلکه همه آنها دقیقا در خصوص دردها و امور مبتلابه مردم است و حتی برخی از اساتید با نظارت بر آنها اظهار داشته اند که شما دقیقا روی دردهای محسوس و ملموث جامعه قلم میزنید. امیدوارم خداوند با منتی که بر بنده حقیر نموده منت خودرا از بنده حقیر دریق ندارد تا بتوانم دینم را به اسلام و مسلمین ایفا بنمایم . از همکاری و لطف شما در این زمینه که بنده حقیر را تفقه نمود، به کمال تشکر و قدردانی می نمایم . والسلام

حسینی حایری، عزالدین حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 917 ق)، عالم امایم، ادیب و شاعر. اصل وی از خراسان بوده است. با شیخ ابراهیم کفعمی معاصر بود و به گفته‌ی علامه مجلسی بر کفعمی سمت استادی داشت و با وی مراسلات نظمی و نثری داشت. کفعمی در حاحشیه‌ی «مصباح الائمه» خویش او را به عزالاسلام و المسلمین ابوالفضائل می‌ستاید. از آثار وی: «تحفه الابرار فی مناقب الائمه الاطهار (ع)»، مشتمل بر احادیثی از شصت کتاب ارزشمند عامه؛ «حاشیه‌ی عمدةالطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ اشعاری در منقبت اهل‌بیت (ع) و رثاء امام حسین (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (6/ 171- 173)، بحارالانوار (18/1)، الذریعه (150/6، 406- 405 /3)، ریاض العلماء (2/ 175- 176)، ریحانه (131/4)، لغت نامه (ذیل/ حسین).

حسینی خاتون آبادی، محمد باقر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علما و امام مسجد جامع جدید عبّاسی بوده، وفاتش در سال 1193، قبرش در تخت فولاد تکیه ی آقا رضی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر حسینی زفره ای
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سن پنج سالگی یعنی در سال 1327 بهمراه والدینم از زفره اصفهان به کربلا رفتیم و یکسال در آنجا ماندیم و پس از یکسال به ایران بازگشته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روستاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روستا مشغول تحصیل شدم و تا ششم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال 1344 عازم سربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روستائیان جهت تحصیل علوم دینی عازم مشهد مقدس گشتم و دو سال در مشهد جامع المقدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سپس عازم قم گشته و از سال 1350 در قم مشغول تحصیل و از سال 1360 علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی شاهرودی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین حسینی شاهرودی سومین فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی قدس‌اللّه سره می‌باشند که در حدود سال 1323 شمسی در نجف اشرف دیده به دنیا گشوده و در حجر والد بزرگوار و والده ماجده‌اش صبیه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی فاضل نیشابوری پرورش یافته و مقدمات را از اساتید حوزه نجف مانند آیت‌اللّه حاج سید کاظم حایری خوانده و سطوح عالیه را از مدرسین آن سامان فراگرفته و در درس خارج برادر بزرگوارش حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی شرکت و فقه و اصول را از آیت‌اللّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللّه صدر شهید استفاده نموده، تا در سال 1394 ق که از طرف حکومت یزدی عراق تسخیر به ایران گردیده و مانند برادر بزرگوارش مقیم حوزه علمیه قم شده و به تدریس سطوح عالیه کفایه و مکاسب پرداخته و در ابحاث و دراسات برادرش نیز شرکت نموده و می‌نماید. به فضل و دانش و تقوا موصوف می‌باشند و در غیاب برادر عزیزش در حسینیه نجفیهای قم به جای معظم‌له اقامه جماعت نموده و مورد توجه خاص معاودین محترم و غیره می‌باشند.
نگارنده بارها از ایشان خواستار شدم که ترجمه خود را به نگارنده به جهت پارسائی اجابت ننموده تا بعد از مدتی چند سطری مرقوم داشتند که تلخیص آن را نگاشتم.
از تألیفات ایشان تقریرات بحث برادر بزرگوارشان آیت‌اللّه حاج سید محمد شاهرودی که جزو اول آن به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حسینی شهرستانی، عبدالرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1339 ق.، کربلا.
درگذشت: 11 مرداد 1376، مشهد.
آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پست سر نهادن دوران کودکی به سال 1346 ق. وارد مدرسه‌ی جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فراگرفت. سپس به یادگیری رسائل و مکاسب و کفایة و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمدهادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایاشن در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال 1392 ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.
آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامه‌ی جماعت در صحن حسینی (ع) پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجله‌ی «اجوبة المسائل الدینیه» کرد و در آن- با همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمدباقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین- به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ داد و حوزه‌ی خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنه نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.
ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسة الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در

سال 1371 ق. تأسیس شد و تا سال 1395 ق. ادامه یافت)؛ مدرسة اسلامیه (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه؛ حدیث تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیة الهریة الاسلامیة؛ المکتبة الجعفریة (این کتابخانه با پنج هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسه هندی گشایش یافت)؛ لجنة الثقافة الدینیة (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را بر عهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).
از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ حیاة الامام الحسین بن علی (ع)، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، السجود علی التربة الحسینیة؛ صلاة الجمعة فی عصر الغیبة؛ النوروز فی السلام نوروز در تاریخ و دین؛ اجوبة المسائل الدینیة (چهارده جلد که دو جلد آن به نام امید جوان ترجمه و چاپ شده است)؛ اجوبة المسائل فی التفسیر (دو جلد)؛ اجوبة المسائل فی العقائد؛ تقویم هجری (از سال 1363 تا 1463 ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه؛ الطریق القویم الی جنة النعیم (پیرامون امامت)؛ دفع الشبهات و حل المشکلات؛ غایة التقرب فی شرح منظومة التهذیب؛ حاشبه بر مکاسب؛ حاشیه بر رسائل؛ حاشیهبر معالم؛ حاشیه بر قوانین؛ حاشیه بر شرح لمعه؛ الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین؛ عقاید المؤمنین فی اصول الدین.
در سال 1397 ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد»- که از آن هفت شماره منتشر گردید پرداخت. اما در سال 1400 ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.
آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد 1376(27 ربیع‌الاول 1418 ق.) چشم از جهان فروبست و پیکرش در روز سه شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی عربی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حسینی عربی
محل تولد : ارومیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/17
زندگینامه علمی
اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در 17 مرداد سال 1354 در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال 1357و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال 1361 آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.
دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای 1370-75 گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال1375 وارد حوزه علمیه قم شدم .
دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت

محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.
پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون : مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی فر، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا حسینی فر
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال 1368 در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم .عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .
سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال 1378 به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال 1379 ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال 1383 توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال 1384 ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله - عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی فسائی، کمال‌الدین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کمال‌الدین حسینی فسائی از دانشمندان و شعراء قرن دوازدهم هجریست. وی از افضال شاگردان آخوند فدشکوئی محمد مسیح بن اسماعیل و متخلص به (معنی) بوده.
دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنها (1) حاشیه بر معالم الاصول (2) کتاب شواهد که شرح مطول است (3) رساله‌ای در حل شبهات کاتبی قزوینی.
از شاگردان وی مرحوم شیخ محمدعلی حزین صاحب تذکره و دیوان حزین می‌باشد، در تذکره‌اش می‌نویسد: راقم کتاب مغنی اللبیب را با تفسیر صغیر عروةالاسلام شیخ ابوعلی طبرسی علیه‌الرحمه و بعض مقاصد دیگر را در حضور باهرالنورش قرائت و استفاده نمودم.
وی در سال 1134 ق در هنگام محاصره اصفهان از طرف افغانیان زندگی را بدرود گفت و به سرای جاوید شتافت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اکبر حسینی قلعه بهمن
محل تولد : شهرری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال 1348 در شهرری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال 1362 وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال 1367 به حوزه علمیه شهرری و سپس در سال 1368 به حوزه علمیه قم منتقل گردیدم. از حدود سال 1371 در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال 1371 وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال 1367 در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال 1381 با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(19) فارغ التحصیل گردیدم. در سال 1383 وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی قمی، شرف‌الدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(990 -913 ق)، شاعر، ادیب و خطاط. معروف به میر منشی قمی. وی پدر قاضی احمد و در آغاز منشی سام میرزا در هرات بود. بعدها در مشهد وزیر سلطان ابراهیم میرزا شد و نسبت ابراهیم یافت و بعد از آن به تبریز رفت. سرانجام در آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم درگذشت و همان جا دفن شد. استاد وی در خط ثلث مولانا حیدر قمی و در صرف و نحو صدقی استرآبادی بود و هیات و ریاضی را نزد غیاث‌الدین منصور دشتکی آموخت. حسینی در شعر و انشاء نیز مرتبه‌ای والا داشت. مولانا عبدی جنابدی در تاریخ فوت او گفته:
چو تاریخ جستم ز پیر خود
بگفتا: «بهشت برین جای او».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1282 -1281 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (1678 -1677 /5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (724 -723 /2)، گلستان هنر (پنجاه و شش- پنجاه و هفت).

حسینی کازرونی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداحمدحسینی کازرونی در سال1320در بوشهر بدنیا آمد. وی با احراز رتبه اول درمقاطع تحصیلی متوسطه با دریافت دیپلم وارد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز گردید. دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در شهر تهران ادامه داد. او به تدریس در مدارس، دانشگاه های آزاداسلامی و دولتی با سمت هیئت علمی و استادیاری ادامه فعالیت دارد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : سید جواد حسینی کازرونی پدر سید احمد است که به حرفه بازرگانی اشتغال داشته و از انساب حاج سیدمحمدرضا کازرونی از بازرگانان و واقفان بنام واز مساعدین معروف نهضت جنوب بوده است. سکینه کنگانی نام مادر سید احمدبود که ایشان خانه دار بوده اند.
خاطرات کودکی : سیداحمد حسینی کازرونی جوانی زیرک و بلند پرواز بود و پویا و پرتحرک.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید احمد حسینی کازرونی دارای خانواده ای آرام و روابطشان بسیار حسنه بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبستانی: از مهر ماه 1327 تا 1333 دوره شش ساله دبستان تحصیلات دبیرستانی: مهرماه 1333 تا 1339 دوره شش ساله دبیرستانی (دیپلم ادبی) تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی: مهرماه 1339 تا 1342 دوره سه ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات دانشگاهی مقطع کارشناسی ارشد: مهرماه 1365 تا 1367 دوره دو ساله در رشته ادبیات فارسی تحصیلات در مقطع دکتری: مهرماه 1367 تا 1370 دوره سه ساله در رشته زبان وادبیات فارسی
خاطرات و وقایع تحصیل : سید احمد حسینی کازرونی از دوران تحصیل خود اینطور بیان میکند: نفراول دیپلم ادبی در سال 1339 در استان بوشهر و ورود بدون کنکور درمقطع لیسانس در دانشگاه شیراز و دریافت پاداش ماهانه و معافیت از سربازی و استخدام در وزارت آموزش و پرورش مهرماه 1342 . نفر اول دوره های کارشناسی ارشد و دکتری ونخستین فارغ التحصیل رشته زبان وادبیات فارسی- واحد علوم تحقیقات عالی تهران - دردانشگاه آزاد اسلامی 1370ش بوده ام و در رشته خود نخستین استادیاری هستم که در طول 11سال از استادیاری به درجه استادی

1373-1374 رسیده ام.
فعالیتهای ضمن تحصیل : از دیگر فعالیتهای سید احمد حسینی کازرونی در امور مقاله نویسی وچاپ در نشریات، شرکت در همایش ها و کنگره های تحقیقاتی و تدریس و طرحهای پژوهشی، مطالعه، ورزش ، شرکت در مراسم مذهبی می باشد.
استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل ، دکتراسماعیل حاکمی والا، دکتر عبدالله جاسبی، دکترموسوی بهبهانی. شادروانان: دکتر صورتگر،خلیل رجایی،دکترعلی اصغر حکمت، حسن سادات ناصری، دکترحسن مینوچهر، دکتر علی محمد مژده، دکتر حسین بحرالعلومی، دکترسیدضیاء الدین سجادی، دکترنورانی وصال، دکتر پوران شجیعی، دکتر مرتضوی، بلادی، مذنب، بازیار، ایرج کشمیری، ناصر کشمیری، اسلامی مذهب، محمد غدیری، فروتن، مهیمنیان ، رسول مجد، دکتر یدالله پیمانی، دکتر بیگلربیگی، بیضایی، دوانی، ضیا الدین بلادی .
هم دوره ای ها و همکاران : دکترسید عبدالصاحب امامی، دکتر علی شیخ الاسلامی، دکتر سیدجعفر حمیدی، دکتر محمد موذنی، دکتر علی محمد سجادی، دکتر احمد حاتمی، دکتر احمد ذاکری، دکتر اسماعیل آذر، دکتر حیدری.
همسر و فرزندان : سیداحمدحسینی کازرونی درسال 1344 با خانم صدیقه اله کازرونی از منسوبین خاندانش ازدواج کرد که از وی سه فرزند داشت بعد درسال 1365 با خانم نسرین مهرانی ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک رفرزند میباشد اسم و مشخصات فرزندان وی به شرح زیر می باشد: بهناز حسینی کازرونی ، لیسانس شیمی، کارمند مهناز حسینی کازرونی ، دکترای دندان پزشکی، شهناز حسینی کازرونی ، کارشناس ارشد پرستاری، مقیم آمریکا سیدعلی حسینی کازرونی، دانشجوی مهندسی مکاترونیک دانشگاه صنعتی شریف بین المللی کیش
وقایع میانسالی : یکی از وقایع سید احمد حسینی کازرونی فوت همسر اولشان بود که درسال1363 به علت سرطان مغزی اتفاق افتاد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دبیر دبیرستان های بندر عباس(44-1342) دبیر دبیرستانها و مدرس مراکز تربیت معلم و مدیر گروه ادبیات فارسی در استان بوشهر (64- 44) دبیر دبیرستان ها و مدرس مراکز تربیت معلم وکارشناس ومشاور معاون نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش درتهران (73-64) مدرس وعضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول (به ترتیب تایید آبها در سالهای 1370 و 1372) موسس و مدیر گروه ادبیات فارسی در واحد بوشهر و استخدام رسمی تمام وقت(به ترتیب کارشناسی در 1373 و کارشناسی ارشد 1376 و دکتری زبان وادبیات فارسی 1378. موسس معاونت پژوهشی و معاون پژوهشی در

واحد بوشهر 81- 75 رئیس شورای پژوهشی و رئیس انتشاراتوموسس کتابخانه جدید دانشگاه واحد وسرپرست آن تاسال 1381 عضو شورای پژوهشی واحد از سال 81 عضو شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی 81- 78 نماینده واحد در استانداری بوشهر درزمان معاونت پژوهشی ممیز علمی درمنطقه یک دو دوره 83-79 ممیز و داور علمی در منطقه 6 خوزستان از 1384 نماینده واحد در سازمان مرکزی ازسال 1380

فعالیتهای آموزشی : 1- شرکت فعال در سمینارها و همایش های معتبر استانی، منطقه ای، کشوری و بین المللی منعقده در کشور باارائه مقاله وسخنرانی های متعدد در مراکز دانشگاهی و سازمانی و درون مرزی و برون مرزی 2- سخنرانی در صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران(بین المللی، کشوری، منطقه ای واستانی) و رادیو فرهنگ 3- عضو شورای پژوهشی و انتشارات در واحد بوشهر از سال 1375 تا کنون 4- مدیر و عضو هیات علمی در چندین همایش و سمینار در مناطق یک و شش دانشگاه آزاد اسلامی 5- استاد راهنما، مشاور و داور بییش از سیصد عنوان پایان نامه در دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی 6- عضو شورای پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان بوشهر در زمان حال 1386 7- داور کشوری جهت تایید مقالات ادبی در کنگره ها و مجامع دانشگاهی

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : 1- تاسیس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی درواحد دزفول (به ترتیب درسالهای 1370 و 1372) 2- کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری همین رشته در واحد بوشهر به ترتیب در سالهای 73- 1374 3- پست معاونت پژوهشی ، تجهیز کتاب خانه، آزمایشگاه ها ، انتشارات، لابراتور زبان انگلیسی به ترتیب در سالهای 75- 1377 4- همکاری در تاسیس چندین رشته دانشگاهی و جذب تعدادی اعضای هیات علمی ph.d در رشته های علوم انسانی و فنی و مهندسی در واحد بوشهر از سال 1372

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق، تدریس، نوشتن وپژوهش، تالیف کتاب، مقاله نویسی، معاشرت و در زمان مقتضی در سیر و سفر، انجام طرحهای پژوهشی و کارهای تحقیقاتی، مشاور ناشران در چاپ کتاب همکاری با دانشجویان در امر تحقیق و پژوهش.

شاگردان : دکتر عبدالرسول مهرسای (اورولوژیست_ مقیم تهران)- دکتر باقر هوشنگی (پزشک متخصص _مقیم تهران)- دکتر عبدالکریم مشایخی (دکتر در تاریخ، مدرس دانشگاه و رئیس ایران شناسی _ مقیم بوشهر) - دکتر مریم بختیار (دکتری در عرفان و استادیار واحد اهواز)- دکتر مالملی (دکتر در ادبیات فارسی و استادیار واحددانشگاه آزاد اسلامی اهواز)- دکتر

شمس الحاجیه اردلانی (مدرس ادبیات فارسی واحد دانشگاه بوشهر) - مریم پرهیزگار دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و عضو هیات علمی واحد بوشهر- محمد دادفر (نماینده پیشین بوشهر در مجلس شورای اسلامی) و صدها مدرس، دبیر، پزشک ، مهندس و سایر مصادر دیگر در مشاغل کشوری، سپاهی، لشکری و حرفه های آزاد
جوائز و نشانها : 1- هیات علمی نمونه واحد درسالهای 73-80 منطقه یک سالهای 78- 80 و کشور 1380 دانشگاه آزاد اسلامی همچنین درسالهای پس از 1380 در واحد دزفول و بوشهر 2- کسب عنوان مقاله نویس برتر در فراخوان « بهبود نظام بازنشستگی کشور»در چهارمین جشنواره شهید رجایی تهران در سال 1380 در سطح کشور 3- کسب عنوان مقام اول در محور پژوهشی فرهنگی ادبی برتر در استان بوشهر تحت عنوان درون گرایی در شعر جنوب - استان بوشهر درسال 1379 4- کسب عنوان پیش کسوت نمونه سطح دستگاهی (وزارت آموزش و پرورش) در چهارمین جشنواره شهید رجایی ، تهران درسال 1380 در کشور 5- عضو نمونه کشوری در بخش پژوهش ها و تحقیقات در سومین جشنواره شهید رجایی (شهریور 1379 تهران) 6- پژوهشگر برتر استان بوشهر درآذر ماه سال 1386 (پژوهشگر برتر سال 1386) واحد دانشگاهی بوشهر 7- مقاله نویس در چندین همایش منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی (از جمله واحدهای بوشهر، اهواز، بابل، سبزوار و ... در سال 1386) و کشور (در بخش پژوهش ویژه اساتید کشور در نخستین کنگره نهج البلاغه) و کنگره شناخت فرهنگ عمومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) 8- احراز مقام سوم کشوری کتاب « پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیای تاریخ بیهقی» در سال 1380
چگونگی عرضه آثار : در عرصه مقالات علمی پژوهشی وتخصصی تا سال 1386 بیش از یکصد مقاله درفصل نامه ها، مجلات و نشریات معتبر دانشگاهی و وزارتی و سازمانی چاپ و منتشر گردیده است (تا کنون 15 مقاله تخصصی در خصوص استان بوشهر در کتاب « بوشهر، شهر آفتاب و دریا» و 46مقاله پژوهشی در کتاب « روزگاران ؟؟» چاپ و منتشر شده است. درعرصه کتاب بیش از 33 کتاب در گروه ادبیات وعلوم انسانی (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) توسط دانشگاه یا ناشران کشوری چاپ و منتشر شده است به سال 1386. ----------
---

منابع :
1تکمیل پرسشنامه تکمیلی توسط دکتر سید احمد کازرونی حسینی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی زمستان 1386

حسینی کربلایی اصفهانی، عبدالله بن یحیی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و ادیب و شاعر بوده، در 1126 وفات یافته، در تخت فولاد نزدیک مسجد مصلی مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسحق حسینی کوهساری
محل تولد : نکا- ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/2/15
زندگینامه علمی
حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال 1328 در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.
در سال تحصیلی 47-46 وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت 8 سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت 6 سال از محضر آیت الله جوادی و مدت 4 سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.
تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .
مدت 12 سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.
حقیر از سال 60-59 جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی 1 و 2 اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس

قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.
کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.
حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.
در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر 17 علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حسینی مرعشی، محمد خلیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1220 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. محمد خلیل که به سلطان میرزا نیز مشهور بود، از طرف پدر مرعشی، و از طرف مادر صفوی است. جدش، سید محمد حسین، مدتی در مشهد سلطنت کرد و به شاه سلیمان ثانی معروف شد. میرزا محمد خلیل به عتبات رفت و بعد به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از آثار او: «مجمع التواریخ»؛ «حاشیه‌ی تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «من لا یحضره الفقیه»؛ و «شرح تذکره‌ی هیئت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/20)، ریحانه (292/5)، مولفین کتب چاپی (3/ 28- 29).

حسینی منشی، سلیمان

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، ادیب. وی صاحب کتاب «شجره السینیه لثمره الیقینیه» در خواص حرف سین که به نام امیرعلیشیر نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (261).

حسینی نایینی اصفهانی، بهاءالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1133 -1080 ق)، متکلم، محدث، فقیه امامی و ادیب. در اصفهان ساکن بود و با فاضل هندی معاصر. او از شیخ حر عاملی اجازه روایت داشت. در اصفهان درگذشت. از آثار وی: «ارتشاف الشافی» و «صفوه الصافی من رغوه الشافی»، تلخیص «الشافی» علم الهدی؛ «اناره الطروس فی شرح عباره الدروس»؛ «تعلیقات اشباه و نظایر سیوطی»؛ «رساله فی صیغ العقود»؛ «تفریج القاصد لتوضیح المقاصد»؛ «تعلیقات شرح صحیفه‌ی سید علی خان»؛ «زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر»، نظیر «مقامات» حریری؛ شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی؛ «شرح صمدیه‌ی شیخ بهایی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (615/1)، تذکره القبور (477)، الذریعه (194/24، 362/13، 61/12، 153/4)، روضات الجنات (116 -115 /7)، ریحانه (390/1)، فوائد الرضویه (601)، معجم المولفین (196/11)، هدیه الاحباب (109)، هدیه العارفین (316/2).

حسینی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم حسینی
محل تولد : دماوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال 1362 موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال 1362 با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال 1364 لمعتین را شروع کنیم.البته در سال 1363 ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال 1365 رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.
مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال 1368 تا 1369 دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره 20 از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال 1369 شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت 2 سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی،

شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال 1369 وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.
در سال 1374 در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره 19) با امتیاز عالی قبول شدم. (1379)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال 1381 به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال 1380 و 1381 مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده ام. در طول سالیان 1378 تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید ابوالحسن بن السید الجلیل مرحوم حاج میر باقر بن میر محمد بن سید یوسف حفید برادر آیه‌الله آقا سید عبدالغفار مذکور از علماء معاصر بابل و فضلاء با تقوا حوزه علمیه قم است. وی در سال 1304 شمسی در قریه درزی کلاء بابل متولد شده و تحصیلات ابتدائی را در شهرستان بابل خوانده و در سال 1320 شمسی بمشهد مقدس مشرف شده و مدت 9 ماه در آنجا توقف و بواسطه بروز جنگ بین‌المللی و ورود متفقین بایران با مشکلاتی روبرو شده که ناچار بوطن برگشته و مدت یکسال یا بیشتر توقف و مواجه با گرفتاریهای زیادی شده تا والدش وی را بقم آورده در سال 1363 قمری و شروع بتحصیل نموده و سطوح اولی و متوسط را نزد اساتید حوزه خوانده و سطوح عالی فقه و اصول را از محضر آیه‌الله آقای سلطانی بروجردی و آیه‌الله صدوقی و آیه‌الله فکور یزدی خوانده و خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیه‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران استفاده کرده و ضمنا تدریس ادبیات و سطوح متوسط و عالی را نموده و در زمان آیه‌الله العظمی بروجردی امور طلاب و محصلین مازندرانی از قبیل تقسیم شهریه و غیره بایشان محوّل بوده و مدت هیجده سال در قم اقامت و اشتغال بتحصیل و تدریس داشته تا اواخر سال 1339 شمسی که بموجب دعوت و اصرار اهالی شهرستان بابل و حسب‌الامر آیه‌الله العظمی بروجردی به بابل آمده و تااکنون باقامه جماعت در مسجد بی‌سر تکیه و ارشاد مردم و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام و تدریس سایر امور دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما که این حقیر در قم آشنائی نزدیکی با او داشتم از علماء ابرار و فضلاء اخیار معاصر و در مکارم اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و قدس و تقوا شباهت تامی بعموی معظمش مرحوم آیه‌الله آقا سید عبدالغفار طاب‌الله ثراه دارد و در مدت توقفش در قم مکروهی از او ندیده و مارأیت منه الا جمیلا. آری باید از بیت آن مرحوم که از شاگردان آیه‌الله عالم ربّانی حاج شیخ محمد بهاری و آیه‌الله التقی الورع الزکی حاج سید احمد کربلائی تهرانی بوده مانند آقای حسینی بیرون آید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسینی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم حسینی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد 1341 هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه 1381هجری قمری بیست و هشتم می 1962میلادی. آ غاز طلبگی: تهران/1359، ادامه در قم 1363. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول(یک دوره).استادان اصلی دروس حوزه: پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(1367)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (1371). سوابق علمی: ویرایش حدود 50 کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی 30 اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال 1358 و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال 1360 تا 1367. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال 1358 . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : سید حسن حسینی درسال 1335ه.ش در تهران دیده به جهان گشود. وی اصلا از اورازان است. و دارای مدرک کارشناسی تغذیه و دکترای ادبیات فارسی است. وی در ادبیات تطبیقی و مقایسه ای فارسی و عربی تحقیقات و تالیفاتی داده و خود نیز صاحب طبع شعر، نثر و دارای روحیه ای مذهبی و عرفانی است. گنجشک و جبرئیل از مجموعه های شعر او، نگاهی به خویش از مصاحبه های او با ادیبان معاصر عرب و «سپهری و سبک هندی » از تحقیقات تطبیقی اوست. وی فروردین ماه سال 1382 به طور ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : ادیان خارجی
گرایش : ادبیات مقایسه ای عربی و فارسی
والدین و انساب : پدر و اجداد سید حسن حسینی از قریه مشهور اورازان بوده اند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید حسن حسینی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه خود تهران، در رشته تغذیه در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. اما پس از اخذ مدرک کارشناسی، به ادبیات فارسی روی آورد و تا حد اخذ مدرک دکتری دراین رشته ارتقا یافت. وی آثار تحقیقاتی درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای به نگارش در آورده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : روزگار تحصیل سید حسن حسینی شاهد اواسط و آخرین سالهای نهضت محمد رضا شاه پهلوی و حوادث پیش از انقلاب اسلامی بود.
فعالیتهای ضمن تحصیل : سید حسن حسینی در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی، به مطالعه آثار مذهبی و انقلابی همچون آثار دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری و نیز شرکت در مبارزات سیاسی می پرداخت.
وقایع میانسالی : سید حسن حسینی پس از اخذمدرک کارشناسی در رشته تغذیه، به تحصیل در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری درشته ادبیات در دانشگاه تهران پرداخت. و پس از فراغب از تحصیل به تدریس و پژوهش پرداخت. و تا کنون به این امور اشتغال دارد.
زمان و علت فوت : سید حسن حسینی فروردین ماه سال 1382 به طور

ناگهانی و بر اثر ایست قلبی درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید حسن حسینی صرف نظر از اینکه به عنان یک محقق درزمینه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای میان سبکهای گوناگون ادبیات معاصر و گذشته ایران است. درزمینه مقایسه ادبیات عربی با ادبیات فارسی و بررسی پیوندهای آن به ویژه در زمان معاصر به تحقیق می پردازد. از این گذشته به تدریس ادبیات فارسی و عربی در دانشگاه می پردازد.
فعالیتهای آموزشی : سید حسن حسینی به عنوان یک پژوهشگر ادبیات مقایسه ای و تطبیقی میان ادبیات فارسی و عربی مشهور است و ازاین رو، دروس مربوط به زبان عربی در رشته ادبیات فارسی را در دانشگاهها تدریس می نماید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه آثار ادبیات معاصر فارسی و عربی و نیز سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی از امور مورد علاقه سید حسن حسینی می باشد. محتوای آثار وی بیشتر مذهبی و عرفان است.
آرا و گرایشهای خاص : حسن حسینی پس از آشنایی با اندیشه های دکتر علی شریعتی وآیت الله مطهری، بازتابی از اندیشه های این دو تن را در شعر و نثر خود یافت. به نظر وی این بازتاب در سراسر شعر معاصر متجلی بود. شعر معاصری که در پی این بود که به لحاظ زبان، ساختار و نگاه معاصر باشد. دکتر حسینی بیشتر در زمینه روابط ادبیات عربی با ادبیات فارسی آثاری از خود منتشر کرده است.
چگونگی عرضه آثار : سیدحسن حسینی که به مفهومی علمدار شعر ایدئولوژیک دهه شصت بود و به گفته برخی کارشناسان جریان نوینی را در شعر مذهبی معاصر رقم زد،بنا به وصیت او دکتر قیصر امین‌پور، آثار او را پس از مرگش منتشر خواهد کرد که تاکنون این مهم با انتشار دو مجموعه «در ملکوت سکوت» و «از شرابه‌های روسری مادرم» پیگیری شده است که اولی گزینه‌ای از شعرهای آزاد منتشر نشده و دومی مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)» است.

آثار :
1 از شرابه‌های روسری مادرم
ویژگی اثر : مجموعه‌ای از شعرهای آزاد با تمرکز موضوعی بر «ستایش حضرت زهرا (س)
2 براده ها
ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای ست از نثرهای ادبی ، دکتر سید حسن حسینی که بیشتر حال و هوای مذهبی و انقلابی دارند.
3 ترجمه و شرح فن الشعر

ویژگی اثر : فن الشعر اثری است از استاد احسان عباس ادیب معاصر عرب که درباره شیوه شعر سرایی و آرایه های ادبی است. این اثر توسط دکتر سید حسن حسینی به فارسی ترجمه و شرح داده شده است.

4 حمام روح

ویژگی اثر : این اثر ترجمه و گزیده هایی است از آثار جبران خلیل جبران ادیب، فیلسوف و عارف بزرگ عرب در روزگار معاصر.

5 در ملکوت سکوت

ویژگی اثر : مجموعه اشعار آزاد

6 سپهری و سبک هندی

ویژگی اثر : این اثر درحیطه ادبیات مقایسه ای است که اشعار سهراب سپهری اشعار سهراب سپهری شاعر معاصر را با شاعران سبک هندی که در دوره صفویه می سرودند، مقایسه نموده است.

7 گنجشک و جبرییل

ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از دکتر سید حسن حسینی که حال و هوای مذهبی و عارفانه دارد.

8 نگاهی به خویش

ویژگی اثر : ترجمه مصاحبه های دکتر سید حسن حسینی با شعرا و ادیبان معاصر عرب در کتابی تحت عنوان نگاهی به خویش منتشر شده است. این اثر با همکاری شخصی به نام بیدج به انجام رسیده است.

9 همصدا با حلق اسماعیل

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه ای است از شعرهای دکتر سید حسن حسینی که در فضای انقلاب اسلامی و پیش از آن سروده شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

حسینی، داوود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
داوود حسینی
محل تولد : دستجرد آشتیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/10/1
زندگینامه علمی
درسال1360وارد حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی شدم و دروس صرف و نحو را در تهران گذراندم. از درس اخلاق آیت الله مجتهدی بهره بردم و در درس اخلاق آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی شرکت می کردم.
درس فقه لمعتین را از اساتید بزرگوار آیت الله ضیاء آبادی و رئوفی بهره بردم. در سال1367وارد حوزه علمیه قم شدم و در درس رسائل آیت الله اعتمادی و مکاسب آیت الله پایانی و دوزدوزانی بهره مند شدم. همزمان در دوره های آموزشی موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی برقرارمی شد شرکت می کردم.دو جلد کفائتین را از آیت الله تهرانی وحجة اسلام والمسلمین گنجی استفاده کردم.
با پایان دوره پنج ساله آموزشی موسسه در راه حق و تبدیل این موسسه به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) درکنار دروس خارج آیات عظام آیة الله مکارم شیرازی و جعفر سبحانی وجوادی آملی دوره کارشناسی ارشد روانشناسی را در موسسه امام خمینی(ره) به پایان رساندم ودر سال 82 فارغ التحصیل شدم.

حسینی، صالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صالح حسینی در سال 1325 در سنقر کرمانشاه به دنیا آمد. وی در کودکی با قرآن و دیوان شاعرانی چون سعدی و حافظ آشنا شد. تحصیلات عالی را در دانشگاه شیراز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی دنبال کرد، و پس از آن به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن به تحصیل در زمینه ادبیات آمریکایی پرداخت. دکتر صالح حسینی به غیر از تدریس در دانشگاه شهید چمران اهواز ، آثار متعددی از مشاهیر ادبیات آمریکا از جمله ویلیام فاکنر و نور تروپ فرای را ترجمه کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : مترجمیتحصیلات رسمی و حرفه ای : صالح حسینی تحصیلات مقدماتی در مکتب خانه آغاز کرد و پس از مدتی طلبگی و آشنایی به قرآن وحافظ و سعدی وارد مدارس جدید شد . پس از اتمام دوره های ابتدایی و دبیرستان در زادگاهش از سال 52-1345 در دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز زبان و ادبیات انگلیسی را فرا گرفت .وی به مدت چهار سال در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا به تحصیل ادبیات آمریکایی پرداخت (از سال 58-1354)مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صالح حسینی در سال 1358 که از آمریکا به ایران بازگشت. به امر تدریس در دانشگاه سه سال تعطیلی دانشگاه ها ، که دو سال از آن را در مرکز نشر دانشگاهی فعالیت می کرد، سایر سالها ی عمر خودرا در در دانشگاه اهواز سپری نمود . دروس عمده ای که وی تدریس می کرده است ، عبارت است از: رمان، نقد، مکتبهای ادبی، شعر انگلیسی، بررسی ادبیات معاصر فارسی و ترجمه . آثار : آبشالوم، ابشالوم ! ، تالیف بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب ، تالیف خانه روشنان و گلشیری کاتب ، تالیف فرهنگ برابر های ادبی ، تالیف نظری به ترجمه ، تالیف نیلوفر خاموش ویژگی اثر : نظری به شعر سهراب سپهری7 تالیف واژه نامه ادبی ، ترجمه آخرین وسوسه مسیح اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه برادران کارازوف اثر داستایوسکی ، ترجمه برخیز ای موسی ، ترجمه به سوی نانوس رویایی ، ترجمه تحلیل نقد اثر نور ترواپ فرای ، ترجمه خشم و هیاهو ، ترجمه دل تاریکی ، ترجمه رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات اثر نور تروپ قرای ، ترجمه گزارش به خاک یونان . اثر نیکوس کازانتزاکیس ، ترجمه لرر جیم ، ترجمه مجموعه مقالاتی درباره دو بلینی ها

حسینی، فضل الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فضل الله حسینی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا،شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی حسینی از فضلاء مبارز و فعال این شهرستانست تولد ایشان در این سامان شده و برای تحصیل به مشهد مقدس آمده و متون فقه و اصول را از مدرسین مشهد فراگرفته و از محضر و دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدهادی حسینی میلانی بهره‌مند گردیده و پس از آن به وطن برگشته و به خدمات دینی پرداخته است.
نگارنده گوید: آقای حسینی را که دو سه بار ملاقات نمودم دانشمندی حساس و فعال یافتم چنانچه در زابل در اثر فعالیتهای بسیار تأسیس کتابخانه‌ای بنام (حضرت صاحب الزمان (ع)) نموده و به واردین اهل علم که که جبراً و یا اختیاراً به زابل می‌آیند خدمات زیادی کرده و می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حسینی، هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هاشم حسینی
محل تولد : بوشهر
شهرت : حسینی بوشهری
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در سال 1335 در بخش بردُخون از حوالی بندر دیّر استان بوشهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بود و اگر چه بسیاری از دروس رسمی حوزه را نخوانده بود، در منطقه خود مورد اعتماد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذراند. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شکل‌گیری شخصیت آیت الله حسینی بوشهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسینی بوشهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشی از دروس مقدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسهای باقیمانده از دورة مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره سطح را آموخت و به درس خارج راه یافت. ضمن اینکه در دروس اخلاق استادان خود شرکت می‌نمود. وی همگام با تحصیل به تدریس آنچه آموخته بود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسینی بوشهری در حوزه علمیه بوشهر و قم به محضر عالمان و استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شرح لمعه‌را به صورت خصوصی از محضر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشان بخشهایی از رسائل، کفایه و قوانین را از محضر آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی بهره برد. او بسیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی

از محضر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او هماره مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروةالوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند.او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام(ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینی، هما

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
هما حسینی (زادهٔ ۲ دی ۱۳۶۷) یک قایقران ایرانی است که پرچمدار کاروان ورزشی ایران در المپیک پکن بود. او در این مسابقات در مسابقات تک نفره رشته پاروزنی (روئینگ) شرکت کرد و در جایگاه آخر گروه بانوان ایستاد.
زندگی ورزشی
حسینی پیش از قایقرانی، در کرمانشاه در رشته بسکتبال کار می‌کرد، اما پس از انجام تست آمادگی جسمانی برای رشته قایقرانی با توجه به قد بلندش، برای آموزش و عضویت در تیم ملی برگزیده شد. او از همان آغاز زیر نظر یک مربی خارجی به تمرین پرداخت. او پیش از حضور در المپیک به مدت ۲ سال در اردوی آماده‌سازی به سر برد.
حضور در المپیک
هما حسینی یکی از سه بانوی ورزشکار ایرانی است که موفق به کسب سهمیه در المپیک پکن شدند. او پس از سارا خوش جمال فکری (تکواندو)، دومین سهمیه زنان ایران را در المپیک پکن به دست آورد[۶]. پس از او نجمه آبتین در رشته تیر و کمان موفق به انجام این کار شد.
او در حاشیه شرکت در مراسم افتتاحیه المپیک در گفتگو با خبرنگارن اعلام کرد:
•«تصور می‌کنم آمریکا می‌خواهد جنگی علیه کل جهان راه بیندازد.» وی در رقابت‌های تک نفره گروهی رویینگ بازی‌های المپیک پکن و در بخش ۲۰۰۰ متر زنان، در گروه خود به مقام چهارم دست یافت و در مرحله بعدی در گروه بازنده‌ها در میان ۴ شرکت‌کننده چهارم شد و در مجموع در جایگاه آخر قرار گرفت.
او پس از پایان مسابقات در مورد پوشش غیر متعارف خود گفت:
•در مسابقات با همه فرق می‌کردم و این حس خاصی به من می‌داد. البته اینجا جای این نیست که به این چیزها فکر کنم چون در همه مسابقات ما با همه فرق می کنیم.
و نیز در این مورد گفته می‌شود که او به خاطر رطوبت زیاد و پوشش کاملی که دارد، عرق بدنش درست تبخیر نمی‌شود و مشکل پوستی پیدا کرده است
پرچم‌داری کاروان ورزشی ایران

حسینی در مراسم گشایش المپیک پکن، پرچم‌دار کاروان ورزشی ایران بود. او پس از لیدا فریمان تیرانداز رشته تفنگ بادی در المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا دومین زنی است که پرچم‌داری کاروان ایران در بازی‌های المپیک را بر عهده داشته است

پس از برگزاری مراسم گشایش، سید احمد علم‌الهدی عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه این شهر سپردن بیرق ملی به دست یک زن را جنگ با ارزش های اسلامی، مخالف با تعالیم معصومان و موجب تأخیر در ظهور امام زمان نامید.

حسینیان، روح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روح الله حسینیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
تا سوم دبیرستان را در صفاد ، یکی از روستاهای آباده طی کردم .
سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرندی ، مکاسب نزد آیت الله ستوده ، رسائل نزد آیت الله جنتی ، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)
درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک سال کتاب قضا و شهادات نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حسینیان، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر حسینیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد جعفر حسینیان در سال 1357 موفق به اخذ مدرک دیپلم شده و در همان سال بنا به درخواست رسمی دانشگاهی از آمریکا ارسال ترجمه مدارک برای اخذ مدارک علمی بالاتر قصد آن دیار نمودم که با جریانات انقلاب مصادف شد، و با احساس تکلیفی که در جریان تحقق اسلام ناب در جامعه داشتم بعد از پیروزی انقلاب به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز فارس درآمدم و تا سال 1363 در بخش فرهنگی و تبلیغی سپاه پاسداران مشغول فعالیت بودم. بعد از آن به قم مراجعت نموده و در مرکز تحقیقات علمی فرهنگستان علوم اسلامی و در کنار آن در حوزه علمیه مشغول تحصیل فعالیت علمی شدم و موضوعات مطرح شده علمی در فرهنگستان علوم اسلامی و همچنین هدف این موسسه علمی و تحقیقی که تحت سرپرستی علمی علامه شهیر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید منیر الدین حسینی شیرازی (قد سره) بود به دلیل نوآوری آن بسیار مورد توجه و علاقه من قرار گرفت و اکثر اوقات علمی و تحقیقی خود را در آن موسسه علمی و تحقیقی گذراندم.
هدف عمده تحقیقات فرهنگستان علوم اسلامی بعد از آسیب شناسی جدی در موانع اجرای احکام الهی در جامعه و ریشه یابی آن و بزرگترین مانع را مدل ها و الگوهای علمی اداره کشور دیدن تحقیق پیرامون روش دستیابی به فلسفه شدن اسلامی بود در این راستا تمام عمر تحقیقی خود را در این موسسه و در محضر استاد عزیز علامه حسینی (ره) بودم و بعد از رحلت ایشان که بسیار برای من جانکاه بود به فعالیت های تحقیقی خود ادامه دادم.

حق جو، محمد حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین حق جو
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/12/29
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین حق جو در29 اسفند سال 1333 هجری شمسی در شهر نیشابور در خانواده ای متدین و مذهبی به دنیا آمدم.دوران تحصیلات خود را تا سوم دبیرستان در شهرستان نیشابور و سپس در هنرستان فنی مشهد سه سال ادامه تحصیل دادم و سرانجام در سال 1356 هجری شمسی برای کسب علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم.از آغاز کودکی به همراه پدرم در جلسات و هیئات مذهبی شرکت می کردم و از همان اوایل کودکی به جلسات قرآن و درس اخلاق و احکام علاقه فراوانی داشتم هنوز به سن تکلیف نرسیده بودم که در هیئات مذهبی شهرستان نیشابور فعالیتهایی اجرایی و فنی را بعهده گرفتم.
جلسات هفتگی ، تمرین سخنرانی، حفظ حدیث و تلاوت قرآن برگزار می کردم. در تابستانها تحت نظر مدیریت حوزه در قبل از انقلاب جلسات و کلاسهای قرآن،عقائد، احکام و اخلاق را با حضور اساتیدی از قم اداره می کردم. در سالهایی که برای ادامه تحصیل به مشهد رفته بودم با استفاده از تعطیلات پایان هفته، جلسات هفتگی با حضور نوجوانان و جوانان تشکیل می دادم و برای آنان از درآمد شخصی خود هدایایی تهیه می کردم.در سال 1356 هجری شمسی تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل به قم سفر کنم که در ابتدا دوستان و حتی اولیاء با این امر مخالفت می کردند ولی با پایداری خود و توصیه برخی بزرگان وارد حوزه شدم.در آغاز ورود به حوزه با اساتید قلم، گفتار و عمل ارتباط برقرار کردم. در همان اوان ورود به حوزه به توصیه برخی عزیزان و اساتید، قلم به دست گرفته و اولین اثر خود را به نام خودسازی در مکتب قرآن و عترت (علیهم السلام)در سال 1361 با تقریظ حضرت آیت الله مظاهری و مقدمه استاد مصطفی زمانی (ره) به زیور طبع آراستم.
تاکنون حدود 50 عنوان کتاب تألیف نموده ام و چند عنوان کتاب هم تحت

نظر بنده تألیف گشته است چند سال در دانشگاه آزاد تهران،شهریار، کمیته انقلاب اسلامی،دفتر امام جمعه شهریار، فعالیت داشتم و همچنین چندین سال مسئول پاسخ گوئیی به سوالات جوانان سراسر کشور در مؤسسه پیام اسلام بودم و حدود 8 سال مدیریت بنیاد فرهنگی اسلام را عهده دار بودم که روزانه پاسخگوی صدها نامه و تلفن از سراسر کشور بودم و در کنار کارهای پژوهشی، تألیف، تدریس و تبلیغ به تحصیل پرداختم، دروس سطح را از آقایان باکوئی، اعتمادی، وجدانی،استادی،مظاهری،پایانی، ستوده، ممدوحی، مشکینی، شب زنده دار، جوادی، مصباح، خز علی و... کسب فیض کردم پس از گذراندن دروس سطح حوزه به مباحث عالی حوزه همت گماشتم و از محضر اساتید خارج آیات عظام، مرعشی، گلپایگانی، سبحانی، مکارم، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، نوری همدانی،که به تقریرات دروس این اساتید می پرداختم.همزمان با گذراندن تحصیلات خارج به تدریس نیز مشغول بودم، تا اینکه در سال 1373 به همکاری در معاونت تهذیب حوزه دعوت شدم و به عنوان مسئول مشاوران مدارس برگزیده شدم و به برنامه ریزی نظارت و اجرا می‌پرداختم به لحاظ ضرورت امر، لازم آمد که مرکز تخصصی مشاوره اقدام شود که تاکنون این مسئولیت را عهده دار می باشم و به یاری خدای متعال و کمک 40 مشاور در رشته های مختلف اخلاقی، روحی، معنوی، پزشکی،روانپزشکی، حوزوی، اجرائی، آموزشی و خانواده ، به انجام ظیفه مشغول هستم.

کنون نیز علاوه بر کارهای علمی، پژوهشی و تبلیغی به تألیف موضوعات کاربردی جوانان مشغول هستم ولی متأسفانه بخاطر کمبود وقت و امکانات، توان نشر آن آثار را ندارم.ضمنا دو دوره بعنوان نماینده طلاب و فضلا نیشابوری مقیم حوزه قم برگزیده شدم که به عنوان رئیس کمیسیون اخلاق و تهذیب این مجمع نیز گزیده شدم.

اگر چه چندان موفق به تدریس نیستم، ولی با لطف الهی در مراکز تخصصی حوزه، مدارس علمیه قم و شهرستانها و موسسه امام خمینی (ره) ، مدرسه فیضیه قم و دانشگاهها تدریس مباحث اخلاقی و روانشناسی بصورت مداوم وپاره وقت مشغول میباشم.خدا را باید بر این الطاف فراوان سپاس و تشکر فراوان نمود که هذا من فضل ربی و از باب و اما بنعمه ربک فحدث یاد آور شدم.

حقانی، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن حقانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات کلاسیک را تا سوم دبیرستان در دبیرستان جعفری اسلامی تهران ادامه دادم. اکثر اوقات فراغت خود را در آن دوران بویژه تابستان در کتابخانه مرحوم آیت الله حسن سعید واقع در مسجد جامع بازار تهران می‌گذراندم. همچنین عصرهای پنجشنبه از محفل درس اعتقادات آیت الله سبحانی در همان کتابخانه استفاده می کردم.در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شده و پس از موفقیت در آزمون ورودی در مدرسه منتظریه(حقانی)تحت اشراف شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم و از محضر آیت الله قدوسی، آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی،آیت الله خزعلی، آیت الله مقتدایی، آیت الله حائری شیرازی، آیت الله معرفت و .... استفاده نمودم.همچنین از اساتید خارج از مدرسه تا سطوح عالیه چون استاد ستوده،استاد اعتمادی، استاد خرازی و استاد پایانی استفاده نمودم و یک دوره اصول و بخشی از فقه چون صلاة، حج و ... را در محضر حضرت آیت الله مظاهری فرا گرفتم. در سال 1359 وارد مؤسسه در راه حق شده و از برنامه‌های درسی آنجا تحت اشراف حضرت آیت الله مصباح یزدی استفاده نمودم و علاوه بر گذراندن دروس عمومی دانشگاهی در رشته تخصصی روان شناسی تا حد کارشناسی ارشد تحصیل نمودم و از محضر اساتید حوزوی و دانشگاهی ا ستفاده نمودم که به دلیل آنکه آن زمان مدرکی داده نمی‌شد فقط به گذراندن دوره اکتفا شد.در این دوره از محضر استاد معظم آیت الله مصباح در زمینه‌های فلسفه، علوم قرآنی و اخلاق بهره‌ها بردم.
در سال 1370 از دانشگاه مک گیل واقع در شهر مونترآل از کشور کانادا پذیرش گرفته و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان دریافت نمودم.در سال 1373 از دانشگاه لنکستر انگلستان در مقطع دکتری پذیرش گرفتم که به عللی ترک تحصیل نموده و به ایران اسلامی بازگشتم.در مدرسه

شهیدین، جامعة الزهراء، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)،دانشگاه تهران تدریس دارم.تألیفاتی نیز داشته که برخی از آنها چاپ گردیده است. برخی از آنها نیز با همکاری دیگر برادران نوشته شده است. آخرین اثرصلح در اسلام به دو زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است.

حقانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین حقانی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1313/12/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال 1313 شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال 1362 شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن 86 سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال 1339 شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.
همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال 1327 شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی

همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیة الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.
از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه 1330 شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال 1330 هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.
دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض 5/2 سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیة الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیة الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول

در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیة الله مجاهدی و آیة الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از 22 سال شرکت کردم.
در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیة الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیة الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیة الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایة الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیة الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیة الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایة الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود 23 سال در دروس فقه مرحوم آیة الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیة الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.
در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد

سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیة الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض 54 سال متجاوز از 700 دفترچه 200 برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایة الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاة ، صوم ، زکوة ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیة العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیة الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از 150 دفترچه 200 برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز

از 4 سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال 1420 مطابق 3 آذر سال 78) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از 200 استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقانی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1320، قم.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از اسلام پیشرو نهضت ها؛ و برخی از جزوات مؤسسه در راه حق.
حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حق‌شناس، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس تهرانی از علماء مبرز و فضلاء بنام و مدرسین کرام معاصر تهران است.
وی در سال 1338 ق در تهران متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح متوسط و عالی را در تهران در خدمت آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا تنکابنی و عرفان و معقول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه شاه آبادی خوانده و در سال 1358 که مرحوم ثقةالاسلام حاج شیخ محمد حسین زاهد تهرانی (امام جماعت مسجد امین‌الدوله) تهران وفات نمود مومنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و متدینین و اخیار تهرانند به قم آمده و از آیت‌اللّه بروجردی تقاضا کردند ایشان را بجای آن مرحوم برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرماید.
پس ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم بتدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارد و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و به پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی و تربیت یافتگان مکتب او در بازار و حوزه‌های علمی قم و مشهد بسیار است و از روز آشنائی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.
از آثار ایشانست: 1- رساله‌ای در ارث زوجه. 2- تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حجت. 3- تقریرات اصول آیت‌اللّه خونساری. 4- تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه بروجردی.
شریک بحثی در قم داشتند بنام مرحوم ثقةالاسلام استاد میرزا حسین نظر لوئی تبریزی که از افاضل تلامذه مرحوم آیت‌اللّه حجه و داماد مرحوم ایه اللّه قزوینی بوده بفضل و تقوا موصوف و مشار بالبنان بود و ایشان علاقه تام و ارادات کاملی بوی داشت او را دعوت نمود که به مشهد مقدس ببرد ولی متأسفانه در تهران مرگ ناگهانی او را ربود و در ری در جوار ابن بابویه با همت عالی معظم له دفن گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

حقوقی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ مهدی، از مرثیه سرایان و روضه خوانان خوش اعتقاد بود، ارادتی کامل به سادات و اهل علم داشت. در پنجم ربیع الاول سال 1373 به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در همان اطاق مدفون گردید.
مرحوم حسام الواعظین در مرثیه و ماده تاریخ فوت برادر قطعه‌ای سروده، از آن جمله است:
هر که در کوی دوست منزل کرد
سر و جان داد و خدمت دل کرد
سال فوتش حسام چون می‌خواست
با حساب جمل مقابل کرد
یکی آمد به جمع و آن گه گفت
مهدی اندر بهشت منزل کرد
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حقی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی حقی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
از سال 81 به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال 83 تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده آغاز کرده ایم که احتمالا برای تکمیل آن بین 10 تا 15 سال نیاز به زمان است و می تواند آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.
تنظیم آثار علمی مرحوم والدم که شامل دست نوشته های فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه های اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال 77 تا 84 نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای 2روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین با توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه با معانی قابل درک و ابزارهای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی 4 تا 18 سال را در دست تالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت

آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکاک باشی اصفهانی، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حکاک. معروف به آقا طاهر. در تذهیب و تشعیر و نقوش اسلیمی و خوشنویسی مهارت داشت و در اصفهان و تهران می‌زیست. این هنرمند در نقش و تزیین مهرها استاد و از حکاکان تیزنگار زمان خویش بود. وی در حدود نود سالگی در اصفهان وفات یافت و همان جا نیز دفن شد. از آثار ارزنده‌ی او که برای ناصرالدین‌شاه قاجار به فرجام رسانده، تسبیح صد دانه‌ای از لعل بدخشانی است که کلیه دانه‌های آن گرد و دایره‌ای شکل است و در یک طرف آن نام اللّه و در طرف دیگر نام محمد حکاکی شده و رقم «یا طاهر» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (904 -903/ 2).

حکاک باشی شیرازی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1290 -1210 ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی اصلا شیرازی از منسوبان آقا محمد طاهر حکاک شیرازی بود. میرزا حسین به آذربایجان رفت و مدت چهل سال در تبریز زندگی کرد و همان جا درگذشت. او در خط نستعلیق و حک خواتم و عمل نقاری و کتیبه‌نگاری و سجع مهر و طغراسازی و ترکیب بندی در عصر خود بی‌نظیر بود. از آثار وی مهرهایی است که برای ناصرالدین‌شاه و بسیاری از شاهزادگان و بزرگان رجال به دست او حک شده و آنچه پول در دوره‌ی وی ضرب شده سر سکه‌ی آن را، او کنده است. لقب حکاک باشی به فرمان ناصرالدین به نام او صادر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (151/1)، احوال و آثار نقاشان (159/1، 1291/3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (289/2)، المآثر و الآثار (220).

حکاک تهرانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1275 ق)، حکاک و خطاط. وی نستعلیق را نیکو و محکم می‌نوشت و در فن حکاکی مهارت کامل داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (473/2).

حکاک، امرالله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، حکاک. از اهالی خراسان و در حکاکی و نگین‌تراشی در عصر خود مشهور بود. در کتاب «بدایع الوقایع» آمده است که: «مولانا دوست محمد خراسانی فرمودند که به خواجه امرالله حکاک که در خراسان به فهم و هنرمندی مشهور است، از این فقیر مکتوبی نویسند».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (84/1)، بدایع الوقایع (78/1).

حکاک، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش، حکاک و خطاط. وی برادر حاج میرزا حسین حکاک باشی و از خویشاوندان آقا محمدطاهر حکاک معروف بود. از مردم شیراز و معاصر ناصرالدین‌شاه قاجار بود. او در خط نستعلیق و تقلید آثار و حک مهر و نقاری و کتیبه‌نگاری و تربیت سجع مهر و طغراسازی، مانند برادرش، دست قوی داشت و هنگام تالیف «المآثر و الاثار» (1306 ق)، درگذشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (138 -137 /1)، احوال و آثار نقاشان (152/1).

حکاک، رجبعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و حکاک. از سنگتراشان و حکاکان نامی دوره ناصری بود و در آثاری که از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به یادگار مانده، نام این هنرمند نیز جزو مشغولان سرکاری درباری ثبت شده و مقرری مناسبی نیز جهت این حکاک تعیین گشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (181/1).

حکاک، نصرالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1290 ق)، حکاک. وی نواده‌ی محمد طاهر حکاک معروف بود و خود نیز حکاکی می‌کرد. میرزا نصرالله در خط نستعلیق، شاگرد میرزا محمدرضا کلهر بود و اوست که شیوه‌ی میرزا را در حکاکی وارد کرد. وی بعد از چهار پنج سال که نزد میرزا مشق کرد، درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (938/ 3)، احوال و آثار نقاشان (1387/ 3).

حکمت بوشهری، علی‌محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 ق)، طبیب، شاعر و روزنامه‌نگار. در بوشهر متولد شد و در زادگاه خود و شیراز تحصیل کرد. حکمت در علم طب دست داشت. وی مدیر روزنامه‌ی «آشتی» و صاحب کتابخانه نفیسی بوده است. از اوست:
مطربا بفرست رحمت، عاشقان عود را
وز درود رود آگه کن دل داوود را
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (967 -965 /5 ،291 -289 /2).

حکمت، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، شاعر، مترجم.
تولد: 1271(1310 ق.)، تهران.
درگذشت: 3 شهریور 1359، تهران.
علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.
علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ 1337 ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال 1346 ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال 1309 به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.
مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، 1299؛ رییس اداره‌ی کل معارف، 1307؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، 1312 -1300 (بازگشت به تهران در شهریور 1312)؛ کفیل وزارت معارف، 1312؛ وزیر فرهنگ، 1317 -1313؛ رییس دانشگاه تهران، 1317 -1314؛ وزیر کشور 1318؛ وزیر بهداری، 1320؛ وزیر دادگستری، 1322؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال 1325؛ وزیر مشاور؛ 1326 و 1332 وزیر امور خارجه، 1328 -1327؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (1950) و دهلی نو (1956)؛ سفیر کبیر ایران در هند 1336 -1332؛ وزیر مختار در تایلند، 1335؛ وزیر امور خارجه، 1338 -1337؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، 1333 -1324؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، 1244؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین 1304 منتشر

شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد 1351 کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.
از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، 1299؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، 1325؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، 1318؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ 1328، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، 1329؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.
فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، 1333)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (1331، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدة الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (1327)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، 1326)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، 1323)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، 1957 م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، 1333)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال 1305 تا 1307 (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (1326)؛ ایران در فرهنگ جهان (1326)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، 1339)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، 1346 ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال 1320 هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، 1220-1319)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی (1317)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله

در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، 1957 م.، چاپ دوم، تهران، 1338)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، 1336)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، 1341)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، 1341)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (1340، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (1316)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، 1321)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، 1315)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال 1304 تا 1305. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (1337، نشریه‌ی 515 دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور 1359 برابرچهاردهم شوال 1400 ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در 1272 در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در 1297 وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا 1309 در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال

می‌داشت.
حکمت در شهریور 1312 به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه 1317 از خدمت معاف شد.
دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.
حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند 1317 در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد 1319 بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.
در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور 1320، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.
در 1322 در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال 1326 وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در 1327 وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در 1337 در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید.
علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.
حکمت در سال 1314 که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز 17 دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی

در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.
حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.
او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.
دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1366، تهران.
علیرضا حکمت از خاندان حکمت شیرازی، تحصیلات خود را در شیراز و تهران به پایان رسانید. در پی حوادث دوران پیشه‌وری به شوروی پناهنده شد. در آنجا در دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت و در رشته‌ی ادبیات به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و رساله‌ی پایان‌نامه خود را درباره‌ی «شعر ابن یمین فریومدی» نوشت.
حدود سال 1350، بود که توانست از دولت ایران اجازه بازگشت بگیرد و چون به کشور آمد به خدمت در وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت.
علیرضا حکمت پس از بازگشت کتابی درباره‌ی تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان نوشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکمت، میرزا باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1263 ش)، مدرس، مترجم و شاعر. در تبریز متولد شد. پس از فراگیری نحو و معانی و بیان و منطق، زبان فرانسه را در مدرسه‌ی کمال تبریز آموخت. پس از آن مدتی نیز نزد عبدالحسین فیلسوف و موید‌الحکما کسب علم کرد. سپس به تهران آمد و با گذراندن امتحان ورودی وارد دارالفنون شد، اما به علت فوت پدر، تحصیل را رها کرد و به تبریز بازگشت و مدرسه‌ی حکمت را در تبریز دایر کرد. بعد از آن به تهران آمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد. وی در سرودن شعر توانا بود. از آثار او: «اخلاق حکمتی»؛ «اخلاق نوباوگان»؛ «تاریخ طبیعی، گیاهشناسی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (3/ 112- 113)، مولفین کتب چاپی (62/2- 63).

حکمت‌نیا، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محمد باقر حکمت‌نیا آذرشهری از علماء معاصر آذرشهر است (در قصبه شاه آباد غرب کرمانشاه) در سال 1335 قمری در آذرشهر متولد شده و تا سن سیزده سالگی در محل خود پرورش یافته آنگاه در معیت برادر رضاعی خود آیه‌الله حاج سید اسدالله مدنی (مقیم خرم‌آباد) از آذرشهر بقم آمده و تا سن هیجده سالگی دوره سطح خود را بپایان رسانیده و در صراط تزکیه نفس و تهذیب اخلاق کوشیده و چندی در تهران توقف و چندی هم در شهر ری بتدریس و سرپرستی طلاب مدرسه برهانیه اشتغال داشته تا گاهیکه از طرف مرحوم آیه‌الله مجاهد کاشانی بمنظور مبارزه با منحرفین و جلوگیری از تبلیغات مسمومانه بهائیت اعزام بخلخال گردیده و پس از آن مدتی در تبریز اقامت نموده و بتبلیغ و خدمات مذهبی پرداخته و با تشکیل انجمن تبلیغات اسلامی خدمات شایانی انجام داده است تا در سال 1385 قمری که باز بقم برگشته و چند سالی در حوزه تدریس فقه و اصول و تعلیم اعتقادات نموده و شاگردان چندی تربیت تا سال 1346 شمسی که بنا بر دعوت و اسرار بعضی از اهالی محترم شاه‌آباد غرب برای ارشاد فرق مختلف اسلامی در آن سامان بآنجا منتقل و شروع بتبلیغات نموده و خدماتی انجام داده‌اند که ذیلا مینگارم.
1- ساختمان حجراتی در کنار مسجد شاه‌آباد بعنوان مدرسه علمیه و تربیت طلاب و مبلغین برای دهات اطراف.
2- راهنمائی و اعزام مبلغین دینی بدهات اطراف شاه‌آباد غرب در ایام محرم و ماه مبارک رمضان.
3- تصرف زمینی که گمراهان میخواستند در گوشه‌ای از شهر آنرا تبدیل به محفل کنند بنام مسجد امام علیه‌السلام.
4- بنیانگذاری مسجدی در کنار بقعه شاهزاده محمد که زیارتگاه عمومی است.
5- تعمیرات و تجدید بنای صحن و دیوار اطراف احمد بن اسحاق قمی در سرپل ذهاب با همکاری برخی از علماء و تجار کرمانشاه.
6- تجدید بناء مسجد کرند با همکاری جمعی از متدینین و یکنفر از تجار کرمانشاه.
7- رفع اختلافات مذهبی که میان فرق اهل حق و خانقاهیان و مؤمنین با بیانات جالب و تشکیل جلسات برای آقایان اهل حق و ارشاد آنان بمبانی

شیعه و تبدیل نام (جمخانه) آنان به مسجد حق و تبدیل نام خانقاه به (مسجد مرتضی علی).
8- اقامه نماز جمعه و خدمات ارزنده دیگر در شاه‌آباد و اطراف آن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حکیم الممالک، علینقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1293 ق)، طبیب، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به حکیم الممالک. پدرش از پیشخدمتان فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بود. پس از مرگ پدرش، شغل او به میرزا علینقی رسید و او با حفظ این سمت، پس از افتتاح مدرسه دارالفنون در آنجا علم طب را آموخت. در سال 1272 ق ضمن این که نایب دوم سفارت ایران در فرانسه بود، به تکمیل علم طب پرداخت. پس از مراجعت، از ندیمان و نزدیکان شاه شد و در سال 1284 ق به لقب حکیم الممالکی نایل گردید و همواره با شاه در سفر و حضر همراه بود. حکیم الممالک مدتی به حکومت بروجرد و بختیاری منصوب شد، در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگ، همراه وی بود و بعدها به حکومت اراک و سپس به ریاست کل اداره‌ی معادن منصوب شد. وی شعر را نیکو می‌سرود و در سفر ناصرالدین‌شاه از تهران به خراسان، مسئول نوشتن سفرنامه‌ای شد که به «روزنامه‌ی حکیم الممالک» معروف شد. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی زبده الحکمه» دکتر پولاک.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (329 -327 /2)، شرح حال رجال (509 -505 /2)، فرهنگ سخنوران (276)، مولفین کتب چاپی (603 -602 /4) المآثر و الآثار (194).

حکیم الهی لواسانی، فضل‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1313 ش)، ادیب و فاضل. در خانواده‌ای اهل علم و ادب در تهران متولد شد. پس از تحصیل در رشته‌ی فقه و اصول به شغل وکالت پرداخت. در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (179/6).

حکیم الهی، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1344 -1293 ق)، خطاط، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به موتمن دیوان مشیر الکتاب. در تهران متولد شد. نزد پدر تحصیل علم کرد و نزد میرزا علی محمد صفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگذشت و در صفاییه دفن شد. الهی، نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت. حکیم الهی در سالهای 1315 -1314 ق بنا به دستور وزیر علوم، دو نسخه از ترجمه‌های کتب خارجی را برای کتابخانه‌ی سلطنتی نوشت. وی طبع شعر نیز داشت و بیشتر اشعارش به صورت قصیده و اغلب در مدح ائمه (ع) بود. اثر به جای مانده از وی: «لطیفه العرفان، الهی نامه»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (122/3)، مولفین کتب چاپی (4/ 608- 609).

حکیم طباطبائی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید یوسف فرزند بزرگ آیت‌اللّه حاج سیدمحسن طباطبائی حکیم قدس‌اللّه سرهما از آیات عظام و حجج اسلام نجف اشرف بوده است.
مجله مکتب اسلام (12) سال سی‌ام می‌نویسد روز بیست و هفتم رجب روز بعثت پیامبر گرامی اسلام در حالی که مردم در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه الصلوه والسلام مشغول راز و نیاز و ابراز تهنیت و تبریک بودند ناگهان در سرتاسر شهر منتشر شد که فرزند ارشد مرجع بزرگوار و فقیه عالیقدر حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم، آیت‌اللّه حاج سیدیوسف طباطبائی حکیم دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.
انتشار این خبر غم و شادی را به هم آمیخت هر چند از دوران تسلط بعثیها عراق و بالاخص قسمت سوافل فرات روز خوش و شادی به خود ندیده بودند اما همین شادی که با فرارسیدن بعثت منجی بشریت دست داده بود با غم و تلخی به هم آمیخت و تاثر و تاسف حوزه علمیه نجف و علماء بزرگ و بیوت علمی و دیگر طبقات را به خود گرفت.
حاج سید یوسف حکیم رحمه‌اللّه در سال 1322 هجری قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در دوران جوانی ادبیات و منطق و سطوح عالی را از اساتید متخصص حوزه علمیه نجف فراگرفته آنگاه از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه حاج آقا ضیاءالدین عراقی و والد ماجدش آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و در رشته سلوک و اخلاقیات از محضر عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید علی قاضی رحمه‌اللّه بهره‌مند شده و به مقام معنویت نائل گردیده بود.
مرحوم حاج سید یوسف در دوران مرجعیت گسترده والد بزرگوارش قسمتی از زحمات علمی مرجعیت را به دوش داشت و بررسی استفتاآت و پاسخ به اشکالات بر عهده او بود زیرا بر اثر حضور ممتد در درس مرحوم آیت‌اللّه حکیم در صحن مقدس و مسجد هندی اقامه جماعت می‌کرد و شیفتگان فقه و اصول را با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت.
وقتی والد ماجدش از دنیا رفت او با اصرار مردم بر نشر رساله و قبول مرجعیت روبرو شد ولی زهد و پارسائی او و وجود مرجع بزرگواری چون

حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله العالی (در حوزه علمیه نجف) باعث شد که این مسئولیت را نپذیرفت.
از بعضی از دانشمندان شنیدم که چون آیت‌اللَّه العظمی حکیم رحلت نمود مرحوم حاج سید یوسف به واسطه داشتن محبوبیت و موقعیت خاص بین مردم عراق بالاخص مقلدین والد بزرگوارش، مواکب عزا و دسته‌جات و عشایر عرب از اطراف و اکناف که برای شرکت عزاء و تسلیت مراجع تقلید نجف و حوزه علمیه هزار ساله نجف و به ویژه بیت جلیل حکیم به نجف آمده بودند اطراف بیت و دارالعلم آن مرحوم جمع گردیده و پس از عرض تسلیت و سوگواری خطاب به آن مرحوم کرده و فریاد می‌زدند و حماسه می‌کردند (سید یوسف قلدناک سید یوسف قلدناک) یعنی ای آسید یوسف ما شما را تقلید می‌کنیم و پس از پدر بزرگوارت رجوع به شما نموده و رشته تقلید شما را به گردن خود بسته‌ایم.
پس آن مرحوم برای قداست نفس و تزکیه روح و پاکی طینت و تهذیب اخلاقی که ذاتا داشت و از استادش مرحوم آیت‌اللَّه قاضی آموخته بود. از آنان تشکر نموده و فرمودند اما با بودن مجتهد و مرجع تقلیدی چون آیت‌اللَّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی دامت برکاته مرجعیت به مانند من نمی‌رسد همه باید به ایشان رجوع کنیم.
مصائب وارده بر آن مرحوم
نگارنده گوید: بزرگی روح و عظمت نفس و معنویت آن بزرگوار از صبر و ثبات و استقامت و پایداری آن مرحوم در برابر مصائب وارده و آزار و شکنجه‌های روحی که از ناحیه بعثیها و صدام تکریتی لعنهم اللَّه معلوم می‌شود زیرا اگر یکی از آنها بر کوه وارد می‌شد آن را متلاشی کرده و از پای درمی‌آورد اما بنابر فرمایش حضرت امام محمدباقر صلوات اللَّه علیه «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و تقدیر المعیشه والصبر علی النائبه» چون به کمال و تمام کمال نائل شده بود به گفته بیانیه مکتب اسلام. در دوران زندگی خود فشارهای سختی از جانب حکومت بعث عراق متحمل شد حتی در بیست و هفتم ماه رجب 1403 قمری همه خاندان آیت‌اللَّه حکیم را از پیر و جوان با وضع فجیعی دستگیر کردند و به بغداد فرستادند و پس از مدتها بازداشت گروهی از آنان از جمله مرحوم حاج سید یوسف آزاد شده و در بیمارستان بستری شد و از آن به بعد ماموران امنیتی لحظه‌ای اطراف بیت او را ترک نکردند و حتی نزدیکترین افراد به ایشان نمی‌توانستند با وی تماس بگیرند.
داغهای جانفزاء آن مرحوم
مرحوم حاج سید یوسف قدس‌اللَّه سره پس از بازگشت از بغداد و محصور شدن بعثیها مصائب و داغهای پیاپی دیده و تحمل نموده‌اند که از آنهاست شهادت دو تن از فرزندان جوان و فاضلش بنام 1- حاج سید کمال حکیم 2-

حاج سید وهاب حکیم و شهادت چند تن از برادران گرامیش که در یک روز در بغداد خراب از طرف حکومت ظالمانه بعث به فیض شهادت رسیدند به نامهای یاد شده:
1- آیت‌اللّه حاج سید عبدالصاحب حکیم.
2- حجة‌الاسلام حاج سید علاء حکیم.
3- حجة‌الاسلام حاج سید محمدحسین حکیم قدس‌اللّه اسرارهم و لعن‌اللّه اعدائهم و قاتلیهم.
و پس از چند سال برادر مبارز دیگرش مرحوم آیت‌اللّه زاده حاج سید مهدی حکیم را که همواره مورد تعقیب بعثیها و از وطن و زادگاهش آواره بود در یکی از کشورهای آفریقائی (سودان) ترور و شهید کردند که جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاسلام در مسجد بالاسر مدفون گردید.
و آن مرحوم همواره تحت نظر مامورین بعث بوده و چند بار می‌خواستند که ایشان را به بغداد منتقل کنند که با اعتراض شدید آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله مواجه شده و منصرف از انتقال ایشان شدند.
رحلت آن بزرگوار
سرانجام آن فقیه نبیه و شخصیت بزرگ علمی و دینی در روز بیست و هفتم رجب 1411 قمری در سن هشتاد و چهار سالگی در نجف اشرف در حالیکه شهرهای عراق زیر بمباران نیروهای چند ملیتی به سرکردگی امریکا بودند و هزاران زن و کودک و پیر و جوان بر اثر این بمبارانها جان می‌باختند. با دلی پر از غصه و اندوه از دنیا رفته و به نیاکان پاکش پیوست.
آثار علمی آن مرحوم
1- بحث حول علم الاجمالی
2- خیارات
3- ابحاث فی التفسیر
این آثار را برخی از ارباب فضل از شاگردان ایشان به نام حاج سید محمدصادق حکیم و آقا سیدطاهر احسائی به رشته تحریر آورده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

حکیم، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدتقی بن السید احمد بن سید علی‌اکبر بن سید حسین بن سید علی بن سید محمد ابن السید طیب بن السید نورالدین بن العلامه السید نعمت‌اللّٰه جزایری موسوی از علماء معاصر است در نیاوران شمیران.
تولد ایشان در دوشنبه 24 ربیع‌الثانی 1345 قمری برابر 9 تیر ماه 1305 شمسی در شوشتر واقع شده و در کودکی دروس ابتدائی را خوانده و به تحصیل صرف و نحو پرداخته و از محضر آیتین آقا سید محمدحسن آل‌طیب و آقا سید محمدجعفر مروج سطوح اولیه را فراگرفته و به قم عزیمت نموده و پس از خواندن قسمتی از سطوح وسطی به نجف اشرف مهاجرت و سطوح نهائی را از حجة‌الاسلام آقا شیخ محمدتقی ایروانی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری بپایان رسانیده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حکیم و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی شرکت نموده و بالغ بر یک سال و نیم از محضر آنان استفاده کرده سپس به اهواز مراجعت و چندی بتدریس علوم ادبی فقه و اصول اشتغال داشته و در سال 1340 شمسی منتقل به تهران و در مسجد جامع (حصار بوعلی) نیاوران به اقامه جماعت و ترویجات دینی مشغول می‌باشد.
آن جناب دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت‌اللّٰه تهرانی صاحب الذریعه می‌باشد.
تألیفات ایشان از این قرار است:
1- ترجمه حقوق زن در اسلام مطبوع تهران.
2- ترجمه حقوق و حدود آزادی زن در اسلام.
3- مناسک یا راهنمای اعمال حج چاپ هشتم.
4- راهنمای تجزیه و ترکیب و قواعد صرف و نحو عربی چاپ ششم.
5- سخنان حضرت موسی بن جعفر چاپ اول.
6- پدر و فرزند چاپ سوم.
7- فلسفه و اسرار حج چاپ دوم.
8- الهام از گفتار علی علیه‌السلام چاپ سوم.
9- درسهائی از مکتب امام صادق علیه‌السلام.
10- حواشی متفرقه بر بعضی از کتب درسی مانند هدایه و صمدیه و

سیوطی و شرح لمعه و غیره مخطوط.
11- اربعین حدیث چهل حدیث اخلاقی و دینی و اجتماعی مخطوط.
12- (تعجب) ترجمه کتاب التعجب کراچکی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد حکیمی در چهاردهم فروردین 1354 (1314 ق) (استاد، تاریخ درگذشت خویش را به اصحاب سرش گفته است (و «سر اهل السر مما لا یباح»)؛ اما امید است که با دعای همان اصحاب سر، آن تاریخ به تأخیر افتد و استاد دیرتر بزید. ان ذلک علی الله یسیر.)، در مشهد زاده شد. پدرش، حاج عبدالوهاب حکیمی (م 1369 ش)، که از یزد به آستان امام رضا - ع - پناه برده بود، از محترمین بازار مشهد و متشرع و اهل مراقبه بود و از شبهات می‌گریخت. حکیمی در سال 1320 به مکتب و سپس به مدرسه رفت. پس از فرا گرفتن قرآن و صد کلمه (از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی -ع- با ترجمه‌ی منظوم)، و نیز مقداری از دیوان حافظ، درسهای دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه فرا گرفت. درسال 1326 به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد وارد شد و بیست سال در آنجا به علم اندوزی و خود سازی پرداخت. هشت سال به درسهای مقدمات و سطح و دوازده سال به درس خارج اشتغال داشت و در جنب آن، پانزده سال به تحصیل فلسفه و کلام پرداخت.
ادبیات عرب را نخست در نزد چند تن از طلاب فاضل، و بار دیگر در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، معروف به ادیب ثانی (م 1355 ش)، فرا گرفت و تقریرات همه‌ی دروس او را نوشت. اصول فقه و فقه را در محضر آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی (م 1350 ش)، که خویشاوندش بود، و آیت الله علی نمازی شاهرودی (م 1364 ش)، و دیگر دروس سطح و مقداری از خارج را، از جمله خارج کفایه، در محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی (م 1339 ش)، آموخت. همچنین دوازده سال از افاضات آیت الله شیخ مجتبی قزوینی (م 1346 ش)، بهره برد و جلدین کفایه و خارج فقه و نیز درس معارف اعتقادی و اجتهادی و فلسفه (شرح اشارات و اسفار) و نقد فلسفه را از محضر او فرا گرفت و ضمن تماشای رواق اشراق، همراه مشائیان تمشی کرد. ده سال نیز در درس خارج فقه واصول آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (م 1354 ش)، حاضر شد و تقریرات درس اصول وی را بتفصیل و تقریرات برخی از دروس فقه را باختصار نوشت.
شرح باب حادی عشر را از بعضی از فضلا، و شرح تجرید را در محضر شیخ عبدالنبی کجوری (م 1419 ق)، و شرح منظومه را از شیخ غلامحسین

محامی بادکوبه‌ای (م 1333 ش)، آموخت، در پی آموختن علوم مرسوم حوزه، در سری هم در علوم دیگر کشید که مبادا چیزی را فروهشته باشد: نجوم و تقویم را در نزد حاج شیخ اسماعیل نجومیان (م 1356 ش)، و اوفاق و رمل را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (م 1360 ش)، و حاجی خان مخیری (م ح 1350 ش)، و شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت.
گزافه نیست اگر بگویم از کوچکی آثار بزرگی در مشی حکیمی نمایان بود و: بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره‌ی بلندی. شاهد اینکه در نوزده سالگی، هنگامی که درسهایش در نزد ادیب ثانی پایان یافته بود، قصیده‌ای به عربی، در بیش از چهل بیت، پاس مقام استاد را، سرود و در شب نوروز 1333، به وی پیشکش کرد. آنکه که آن ادیب اریب، آن قصیده‌ی عربی را، از آن طلبه‌ی نوجوان دید، انگشت تعجب به دهان گرفت و او را، علی رؤوس الاشهاد، برکشید و «متنبی جوان» خواند. (شرح این موضوع خواهد آمد.).
نیز گفتنی است که استاد حکیمی دو جلد کفایه را در طی یک سال تحصیلی در نزد شیخ مجتبی قزوینی فرا گرفت. شیخ استاد چندان از ذکاوت وسرعت انتقال وی شگفت زده شده بود که گفت: «تاکنون کسی با این استعداد ندیدم که جلدین کفایه را در یک سال بخواند». (معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 402.).
این را هم بگوییم چندی پس از آنکه حکیمی شرح منظومه را به صورت اجتهادی و انتقادی، در نزد محامی بادکوبه‌ای فرا گرفت، وی دیگر او را نه «حکیمی»، که «حکیم» می‌خواند و می‌گفت: «یا»ی نسبت را از نام حکیمی بردارید؛ او دیگر نه «حکیمی»، که «حکیم» است.
همچنین روزی آیت الله میلانی، در هنگام درس اصول، پس از اینکه بسمله گفت و خطبه خواند، چشم چرخاند و شاگرد جوانش را، که در گوشه‌ای نشسته بود و در دیدگاه استاد نبود، ندید. سکوت کرد و سکوت مجلس را فرا گرفت که مگر چه شده آقا درس را متوقف کرده است! آنگاه فرمود: آقای حکیمی نیستند. افلاطون تا ارسطو حاضر نمی‌شد درس را شروع نمی‌کرد؛ می‌گفت عقل در مجلس درس حاضر نیست.
آری، آن «متنبی جوان»، در نزد ادیب ثانی، و آن «حکیم»، در نظر محامی بادکوبه‌ای، «ارسطوی دوم» و «عقل مجلس درس»، در نزد آیت الله میلانی بود. و دانستنی است که حکیمی جوانترین فرد در درس میلانی بود و همگان از او پیشنه‌ی علمی و حوزوی دیرینه‌تری داشتند. حتی در آن جمع، فاضلانی بودند که حکیمی برخی از متون مقدمات و سطح را نزد آنان خوانده بود.
این را نیز بگوییم که استاد حکیمی قدم در سی سالگی نگذاشته بود که علامه شیخ عبدالحسین امینی (م 1349 ش)، در نامه‌ای که از نجف برایش

نوشت، وی را با عنوان «العلامة الجلیل» مورد خطاب قرار داد. در این نامه، که با عبارت «با هزاران شوق دیدار» آغاز شده، استاد حکیمی به همکاری مطبوعاتی دعوت گردیده و در آن آمده است:
زیاد از حد مایلم که از قلم و قدم شما خدمات شایانی نسبت به مولا بوده باشد و شما شریک این اعمال گردید که تحقیقا موجب توفیق است. لذا این زحمت را به عهده‌ی جناب عالی می‌گذارم؛ والا رفقای زیادی در تهران هست که با جان و دل حاضرند که این خدمات را عهده‌دار شوند. و این تصدیع، رمز محبت حقیر است نسبت به شما. (این نامه‌ی بدون تاریخ در حدود 1341 نوشته شده و تصویری از آن در نزد اینجانب هست.).
در همین سالها بود که شیخ آقا بزرگ تهرانی (م 1348 ش)، در ضمن اجازه‌ی روایی به استاد حکیمی، از وی با القاب «الفاضل الکامل البارع الاریب والاستاد المحقق الماهر الادیب» یاد کرد. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص 67. تاریخ ابن اجازه رجب 1382، برابر با آذر 1342 است.) و این اجازه کتبی، پس از اجازه‌ی شفاهی‌ای بود که شیخ در حرم مطهر امام رضا -ع- در جمادی الاول 1382 به استاد حکیمی داده بود.
هیچگاه استاد حکیمی از زندگی آموزشی خود حکایت نکرده است؛ فقط در یک - دو جا، آن هم جایی که می‌خواسته است خاطر نشان کند که با علم اصول مخالف نیست، بناچار، از تحصیلاتش، آن هم فقط تحصیلات اصولی خویش، سخن گفته است:
در ایام تحصیل، کفایه و مقداری از درس خارج را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی خواندم، و مقداری خارج کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی. و هفت سال در درس خارج اصول آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (1313 ق - 1395 ق)، حاضر می‌شدم و همه‌ی درس را با دقت می‌نوشتم؛ به طوری که هیچیک از شاگردان ایشان در آن دوره به این تفصیل نمی‌نوشتند. سپس مقداری از مطالب را (از باب «اوامر»)، به عربی برگردانم و در صدد تنظیم و تألیف تقریرات اصول ایشان بر آمدم. بخشی از مقدار عربی شده را نزد ایشان بردم، دیدند و پسندیدند و بسیار تشویق و ترغیب کردند که همه، به همان صورت، آماده شود تا به چاپ برسد. و خود اظهار می‌داشتند که اگر این تقریرات تدوین یابد و تعریب گردد و به چاپ برسد، در شمار بهترین و مهمترین کتب علم اصول جای خواهد گرفت...
باری، این امور بود، لیکن اینجانب پس از تأمل در اینکه در علم اصول فقه کتابهای بسیاری نوشته شده است، و اصول آیت الله میلانی نیز مفصل است، و همچنین پس از اینکه استاد دیگر، مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی، به چاپ کتابهایی در اصول و تقریرات اصولی، افزون بر آنچه هست، رضایت خاطری ندارند، از ترجمه‌ی کامل و چاپ و عرضه‌ی آن

تقریرات منصرف گشتیم. (مکتب تفکیک، ص 369-368. همچنین استاد در همین باره مرقوم داشته‌اند: «کتاب اصولی را که از افاضات مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م 1395 ق)، با تحریراتی از خودم، شروع به نوشتن کردم و مقداری را خدمتشان بردم، پس از ملاحظه فرمودند: «اگر این کتاب را تکمیل کنید و چاپ شود کفایه را نسخ می‌کند.» معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص 403.).
استاد حکیمی سالها در لباس روحانیت بود، (حکیمی تا سال 1345، که در حوزه‌ی مشهد بود، کسوت روحانیت داشت، اما لباسش را سنگین نکرده بود. به جای قبا یک پالتوی ساده می‌پوشید و عمامه‌اش به دستار شبیه بود.) اما هرگز روحانیت را حرفه‌ی خود نکرد. زیرا پس از آنکه لباس روحانیت به تن کند، لباس زهد و اعراض به تن کرده بود. سرانجام در سال 1345، با رضایت استادش، شیخ مجتبی قزوینی، از حوزه و لباس روحانیت بیرون آمد، اما همواره نگاهش به حوزه است و مخاطبش، نسلهای جوان.
حکیمی جوان، در حوزه علمیه‌ی خراسان، در محضر استادانی زانو زد که، همه و همه، پروا پیشه بودند و از دنیا رسته و پشت کرده به جاه و مقام. هر یک، جهانی در گوشه‌ای بودند و همنشین خدا (گفته‌اند: «رسد آدمی به جای که بجز خدا نبیند»، اما از این برتر هم در امکان است و می‌توان گفت رسد آدمی به جایی که همنشین خدا شود. این، ادعایی از جانب انسان نیست، بلکه ارتقایی است که خداوند به آدمی ارزانی داشته و فرموده است: انا جلیس من ذکرنی.) و خدازی («خدازی»، از ساخته‌های استاد حکیمی است و آن را معادل کلمه‌ی «متأله» نهاده و در توضیح آن نوشته است: «انسانی که در شناخت خدا و توجه به خدا و عبادت خدا غرق است؛ برای خدا هست و برای خدا زندگی می‌کند...» خورشید مغرب، ص 192. به عبارت دیگر، خدازی کسی است که ترجمه‌ی این آیه باشد: قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین. سوره‌ی انعام (6)، آیه‌ی 162.) و به دور از تعلقات دنیوی و مرید بازی و آقا منشی و اشرافیگری علمی. استاد حکیمی، حکایتهایی از مشی و منش ساده و مردمی آنان نقل می‌کند که امروزه افسانه و مثل شده است و مانند آنها را در کتابهای گذشتگان می‌توان یافت. (شرح حال شماری از این استادان در کتاب مکتب تفکیک آمده است.).
از میان آن استادان، آنکه بیش از همه بر حکیمی تأثیر گذاشت و در معماری شخصیت علمیش نقش داشت، شیخ مجتبی قزوینی بود. وی، به گفته‌ی استاد حکیمی، یکی از سه رکن مکتب تفکیک (مکتب تفکیک به نظریه‌ای گفته می‌شود که قائل به تفکیک دین از فلسفه و عرفان است. شرح آن بیاید.) در قرن چهاردهم هجری بود و صاحب کشف و کرامات و مشرف شده به آستان حضرت ولی عصر - عج - و داری اخلاق باطنی و

اهل عبادات و ریاضات و مسغرق در خلسات. (برای تحقیق بیشتر درباره‌ی وی رجوع شود به: محمد علی رحیمیان، متأله قرآنی شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، مقدمه‌ی محمد رضا حکیمی (چاپ اول: قم، انتشارات دلیل ما، 1382).) حکیمی دوازده سال از محضر او درس آموخت، اما چهل سال است که به مکارم اخلای او رطب اللسان است و هنوز خود را مرید وی می‌داند.
استاد حکیمی در کتاب خورشید مغرب، از چهار تن از متقدمان و چهار تن از معاصران یاد کرده است که به محضر آن حضرت مشرف شدند. چهار فرد اخیر عبارتند از: سید موسی زر آبادی (م 1353 ق)، میرزا مهدی اصفهانی (م 1365 ق)، شیخ علی اکبر الهیان (م 1380 ق) و شیخ مجتبی قزوینی (م 1386 ق). (ر.ک: خورشید مغرب:، ص 205.) از این چهار تن، دو فرد اخیر، استاد حکیمی بودند و دو فرد نخست، استاد استادان او.
به هر رو، حکیمی در محصر استادانی زانوی ادب زد که، به یافت او، به محضر حضرت ولی عصر - عج - حضور یافته بودند. از این روست که وی، شاهکار خویش را (جلد سوم تا ششم الحیاة (کتاب مزبور، تألیف استاد حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، از دانشوران حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان، است. این کتاب همواره به استاد نسبت داده می‌شود و ما نیز در کتاب حاضر، برای رعایت اختصار، گاه چنین کرده‌ایم؛ اما به گفته‌ی استاد، الحیاة «تألیف مشترک» است.)، به این چهار چهره تقدیم و از آنان چنین یاد کرده است: «عالمان بزرگ ربانی»، «متألهان سترگ قرآنی»، «سره سازان معارف وحیانی»، «پیرایندگان بنیادهای تعقل قرآنی»، «متعقلان ژرفکاو» و «مربیان تأثیر آفرین». (ر.ک: ترجمه‌ی الحیاة، ج 3، ص 4-3.
گفتنی است از آنجا که ترجمه‌ی الحیاة را استاد حکیمی، با دقت بسیار، ویراسته و با متن آن تطبیق داده، در سراسر این کتاب بدان ارجاع داده شده است. به هر حال، ترجمه‌ی الحیاة، اعتبار اصل کتاب را دارد و، مضافا اینکه، گاه مطالبی افزون بر اصل، به خامه‌ی استاد حکیمی، در آن آمده است.).
هنگامی که حکیمی مدارج عالی علمی را در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد گذراند، دو راه در پیش داشت: یا مانند دیگر همدرسان خود در حوزه بماند و به تدریس فقه و اصول بپردازد و، النهایه، سر از مرجعیت در آورد، و یا اینکه پلی از حوزه به جامعه و جوانان بزند و خوراک فکری برای آنان فراهم آورد و، النهایه، به آنجا برسد که اینک رسیده است.
گذشت که استاد حکیمی، مانند همدرسان خود، در حوزه نماند و پلی از حوزه به جامعه زد و، به عبارت خویش، «هجرت الی التکلیف» کرد. وی در خرداد 1345، هنگامی که از سی سالگی گذشته بود، از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد به تهران آمد، و در واقع، از همه‌ی القاب و مقامات و مزایا و عناوین

حوزه چشم پوشید.
استاد حکیمی از سال 1345 تا 1357 در چند مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی در تهران، از جمله بنیاد فرهنگ ایران، شرکت سهامی انتشار و مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، اشتغال داشت. (برخی از همکاران حکیمی در انتشارات فرانکلین عبارت بودند از: احمد آرام، احمد سمیعی گیلانی، ابوالحسن نجفی، نجف دریابندری، جهانگیر افکاری، اسماعیل سعادت، عبدالمحمد آیتی، غلامعلی حداد عادل و عبدالحسین آذرنگ. کریم امامی، از مسؤولان این انتشارات، در مصاحبه‌ای گفته است: برخی از کارکنان فرانکلین کسانی بودند که به علت فعالیتهای سیاسی به زندان رفته بودند و در سازمانهای دولتی نمی‌توانستند شاغل شوند. مؤسسه‌ی فرانکلین این افراد را می‌پذیرفت و ساواک هم تقریبا راضی بود که اینها در فرانکلین مشغول به کار شوند. زیرا می‌خواست در جایی کار کنند که آمد و رفت و روابطشان زیر نظر باشد. یکی از کسانی که تحت نظر ساواک بود، آقای محمدرضا حکیمی بود. عبدالحسین آذرنگ و علی دهباشی (به کوشش)، «سلسله گفت و گوها پیرامون نشر ئو فرهنگ»، بخارا (شماره‌ی 22-21، آذر ذ اسفند 1380)، ص 157.) او، بدرستی و از سر اجتهاد، تشخیص داده بود که باید در مؤسسه‌های فرهنگی داخل شد و تا آنجا که می‌توان «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.» همچنین محض احتیاط و برای اطمینان بیشتر، از دو مرجع تقلید (آیت الله خمینی و آیت الله خوئی)، اجازه گرفت. پس از چند سال فعالیت هم که می‌خواست کناره بگیرد، با استاد مطهری مشورت کرد و او نه تنها کناره‌گیری را صلاح ندانست، بلکه «حرام» شمرد. بدین ترتیب با اطمینان بیشتر به کار مشغول شد و در آن مدت با صتحیح محتوایی شماری آثار و تعلیقه نگاری بر چند کتاب مهم، ضمن کار اداری، «تعالی اندیشه‌ی اسلامی را روشن ساخت.»
همکاران حکیمی در آن مؤسسه‌ها، او را یک روحانی بی عمامه می‌دانستند که بر نمی‌تابد کتابی منتشر شود و کلمه‌ای خلاف دین در آن باشد. به گفته‌ی یکی از همکاران او در انتشارات فرانکلین: «محمدرضا حکیمی همه‌ی دانش و تجربه‌ی خود را معطوف به این می‌کرد که هیچ اصلی از اصول اسلام نقض نشود و نکته‌ای خلاف واقع در نوشته نباشد.»
در خود ذکر است که تدریس استاد حکیمی در دانشگاه تهران، در دوره‌ی دکترای ادبیات، از سال 1355 تا 1357، و بنا به دعوات دکتر عبدالحسین زرین کوب بود. در آغاز در حدود سی نفر در این دوره ثبت نام کردند؛ اما دیری نگذشت که بیش از سیصد نفر در کلاسهای استاد حضور می‌یافتند. وی برای نخستین بار به جای متونی چون تاریخ ابن خلکان، که رایج بود، نهج البلاغه را متن درسی قرار داد. استقبال دانشجویان از این کلاس و مرعوبیت ساواک از این ازدحام، منجر بدان شد که با دخالت پلیس و

ساواک، تعطیل شود.
همچنین گفتنی است که استاد حکیمی، در پی هجرت تکلیفی از حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، به جرم فعالیت علیه رژیم شاه، در سال 1345، چند بار در وی و مرند و سلماس و ارومیه بازداشت و زندانی شد. وی آخرین بار در سال 1357 دستگیر و در کمیته‌ی تهران زندانی گردید.
در آثار حکیمی، تا سال 1357 (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، بیشتر از قیام و پیکار سخن رفته و از موضوعات دیگری هم که سخن گفته شده، قیام و پیکار نتیجه گیری و بدان دعوت شده است. (از جمله رجوع شود به: فریاد روزها، سرود جهشها، بیدارگران اقالیم قبله و امام در عینیت جامعه.) آهنگ و جهت کلی کتابهای او، تا آن تاریخ، «قیام» است و گفته‌ها و نوشته‌های دیگر مقدمه و زمینه و برای آن است. اما از سال 1357 بدین سو، آهنگ و جهت کتابهای حکیمی تغییر کرد و به «قسط» تبدیل شد. (از جمله رجوع شود به: کلام جاودانه، قیام جاودانه، جامعه سازی قرآنی و الحیاة (بویژه جلد سوم تا ششم).) وی از آن هنگام همواره از قسط سخن گفته و سخنهای دیگر را همچون مقدمه‌ی آن قرار داده و، در واقع، قسط را ترجیع بند سخنان خود ساخته است. بنابراین چکیده‌ی همه‌ی نوشته‌های حکیمی و آهنگ و پیام آن، در یک عبارت، عبارت است از: «قیام به قسط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

حکیمی فلاطوری، عبدالجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پروفسور عبدالجواد حکیمی فلاطوری در سال 1304 در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود. بعد از طی کردن دوران دبستان همزمان با فراگیری علوم متوسطه در جرگه حوزویان درآمد. عبدالجواد در شرح حال احوال خود چنین می‌گوید: « یادم هست یک زمستان را با کوزه ای شیره و روزی یک یا دو قرص نان به سر می آوردیم ولی غرق در اندیشه و خواندن و اندوختن شده بودیم. همان پیمانی که امیرالمؤمنین (ع) از دانشمندان امّت گرفته بود که لحظه ای در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم رسیده قرار و آرام نداشته باشید، سرلوحه زندگی خود کرده بودیم. فلاطوری در 21 سالگی برای تکمیل اندوخته های علمی خود به تهران رفت و از محضر فرهیختگانی همچون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بهره برد. سپس در پی مباحثی با دانشمند بزرگ حاج شیخ محمد رضا کلباسی پیرامون کتاب جواهر الکلام داشت به اخذ اجازه روایت و گواهی اجتهاد از محضر ایشان نائل آمد. ایشان در سن 30 سالگی به آلمان هجرت نمود و با تحصیل در رشته هایی همچون فلسفه- علوم تربیتی و تطبیق ادیان به درجه دکترا نائل آمد. او به چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم¬ترین منابع فقهی اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. وی تمام کتابها را که حدود 4000 جلد بود شخصاً خریداری کرده بود.
فلاطوری در شناساندن دین مبین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. 60 کتاب و مقاله به زبان آلمانی، 15 مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های دیگر وی می باشد. وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله تأکید داشت که: « هر کس علم(علوم حقیقی و معارف واقعی) را به جز در قرآن بجوید خداوند او را به گمراهی افکند». همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. او می‌گفت: «من اگر در اروپا تبلیغ اسلام می کنم که بحمدالله مقبول افتاده حتی یک ذره ا ز اندیشه عقلی را در تبیین اسلام نمی آورم. خود قرآن بهترین بیان کننده اسلام است. دوری ما از قرآن آسفبار است»

از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری کاری بود که درباره اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنان که کتاب های درسی 17 کشور اروپایی را از پیش داوری های مغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را به خصوص برای شرق اسلامی درک می¬کرد. از این رو به افکار سید¬جمال الدین و تجربه های او ژرف می نگریست. وقتی به او پیشنهاد شده بود که به ایران بیاید و فلسفه و جامعه شناسی تدریس کند در پاسخ بی‌درنگ گفته بود: «من اگر بیایم قرآن تدریس می¬کنم، نهج البلاغه تدریس می کنم.»
استاد فلاطوری نهج البلاغه را شرح قرآن می دانست و درباره آن می گفت: «علی (ع) چون شمع می سوزد تا سوختنش چراغ هدایت دیگران قرار گیرد. آری سخنان مولا شارح کلام الله است و شرح دهنده قرآن و دقایق و اسرار آن».
به حق در مورد وی گفته شده که« فلاطوری غریب زیست و غریب مرد».
ایشان در سال 1417 هـ .ق در شهر کُلن آلمان وفات کردند و پیکرش بنا به وصیت او به اصفهان منتقل شد و در تخت فولاد در کنار مزار فقیه و حکیم بزرگوار آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب به خاک سپرده شد.

حکیمی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل حکیمی شاهرودی از علماء و وعاظ معاصر شاهرود است.
وی در شاهرود در حدود 1224 ه تولد یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در محل خود از آقایان و مدرسین آموخته و برای تکمیل به مشهد مقدس عزیمت و سطوح عالی را از اساتید بزرگ مشهد فراگرفته و هم به درس خارج آیات عظام و مراجع فخام شرکت و بعد به وطن برگشته و از راه منبر ترویج دین و نشر احکام و معارف اسلامی نموده و بنابر دعوت بعضی از مؤمنین چند سالی در گرگان رحل اقامت افکنده و به امامت و تبلیغ دین اشتغال ورزیده ولی یک دو سالی است که به شاهرود معاودت و مانند سابق به افاده و افاضه مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

حکیمی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود حکیمی در سال 1323ه.ش در تهران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی ومتوسطه،برای تحصیل دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از مدتی تدریس در مدارس، برای ادامه تحصیل دررشته تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و پس از دریافت درجه فوق لیسانس و بازگشت به ایران، به تدریس در مراکز تربیت معلم پرداخت. وی اکنون (1383ه.ش) بازنشسته است و به کار مورد علاقه خود که همان تحقیق و تالیف درزمینه ادبیات معاصر انقلابی ایران و تاریخ تمدن است، می پردازد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات دینی و معاصر
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود حکیمی در شهریور ماه سال 1323ه.ش در محله میدان خراسان درتهران در خانوده ای مذهبی متولد شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود حکیمی پس از طی تحصیلات متوسطه موفق به دریافت مدرک کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم شد. وی پس از و مدتی تدریس در مدارس تهران، به انگلستان رفت و پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، به تدریس در مراکز تربیت معلم مشغول شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود حکیمی از روزگار تحصیل به ادبیات فارسی و تاریخ تمدن علاقه داشت و با این گرایش به مطالعه آزاد می پرداخت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود حکیمی سالها در مدارس تهران به عنوان معلم زبان انگلیسی ، و پس از بازگشت از انگلستان به عنوان مدرس تعلیم و تربیت درمراکز تربیت معلم به تدریش اشتغال داشته و اکنون نیز مدتی است بازنشسته شده و به تحقیق و تالیف می پردازد.
فعالیتهای آموزشی : محمود حکیمی سالها تدریس زبان انگلیسی مدارس تهران را به عهده داشته، و پس از بازگشت ازانگلستان نیز استاد تعلیم و تربیت دردانشگاههای تربیت معلم بوده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه، تحقیق و تالیف و سرودن

اشعاری با مضمون ادبیات معاصر و انقلابی ایران و تالیف کتبی پیرامون تاریخ تمدن از کارهای روزمره محمود حکیمی است.
آرا و گرایشهای خاص : محمود حکیمی در آثار ادبی خود مدافع ادبیات انقلاب ایران است و نیز در تاریخ تمدن به اخلاق گرایی و اصنافی چون صوفیان و پهلوانان توجه خاصی دارد.
جوائز و نشانها : فرهنگسرای نوجوانان درمنطقه 18 شهرداری تهران کتابخانه ای رابه نام محمود حکیمی نام گذاری کرده است که در سال 1382 ه.ش توسط شخص محمود حکیمی افتتاح شد. ----------
---
آثار :
1 تاریخ تمدن جهان باستان یا داستان زندگی انسان
ویژگی اثر : مجموعه ای است 21جلدی که اولین جلد آن در سال 1360ه.ش و جلد بیست ویکم آن در 1382ه.ش منتشر شده است.
2 غرب بیمار
ویژگی اثر : غرب بیمار نخستین کتاب محمود حکیمی بود که در سال 1351ه.ش منتشر شد.
3 مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان
ویژگی اثر : این کتاب آخرین و جدیدترین اثر اوست که با همکاری مهدی کاموس آن را به نگارش در آورده است.
4 همراه با عارفان ، عیاران و جوانمردان
ویژگی اثر : کتابی است شامل شرح حالهای بزرگان عرفان، عیاران جوانمردانی چون پوریای ولی و غلامرضا تختی.

حکیمیان، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد حکیمیان
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/2
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال 1357 شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال 1359 در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال 1360 با پذیرش در مدرسه حقانی قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال 1363 را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال 1363 ازدواج کردم و برای مدت 10 سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود 3 سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال 1373 بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .
لازم به ذکر است که در سال 1373 همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل 49/18 در طول مدت 3 سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل 39/18 گذراندم و در سال 1379 از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در

حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح 3 حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح 4 دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعةالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حلبی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان ، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد . علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال 1323 در اردبیل متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت . او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است . سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال 1359 / 1980 از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت . آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است . از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است : آشنایی با علوم قرآنی ، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی ، ترجمه ی تفیر کبیر فخر رازی که 4 تا 5 جلد آن تاکنون (زمستان 1383) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است . در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

حلبی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمودین صدیق المحدثین مرحوم حاج شیخ غلامرضا معروف به حلبی واعظ از دانشمندان مبرز و وعاظ نامی معاصر است در تهران تولد ایشان در روز یکشنبه 13 جمادی‌الاولی 1318 قمری در مشهد مقدس واقع شده و تحصیلات مقدماتی قرآن و کتب فارسی را در مکتبهای بعضی از معلمین نموده و ادبیات نحو و اشتقاق و معانی
بیان را خدمت مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و منطق را خدمت مرحوم حاجی محقق و شرح لمعه را خدمت مرحوم میرزا محمدباقر مدرس رضوی و مقداری از قوانین را خدمت مرحوم حاج میرزا جعفر شهرستانی که از مشاهیر مدرسین مشهد بودند تحصیل نموده آنگاه مدت دو سال دروس عقلی را نزد اساتید بزرگ فلسفه مانند مرحوم شیخ حسن کاشانی و مرحوم شیخ اسدالله یزدی و مرحوم حاج فاضل خراسانی خوانده سپس مدت چهار سال خدمت یگانه استاد فیلسوف عصر مرحوم آقا بزرگ شهیدی قدس سره اشارات و اسفار و بعضی دیگر از کتب فلسفه را تحصیل کرده.
پس از آن سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمد نهاوندی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفائی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره تحصیل نموده و پس از آن مدت چهار سال در محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آقا میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی حاضر شده و از اقیانوس علم و عرفان آن بزرگوار اغترات غرفه‌ای نموده و پس از واقعه جان گداز مسجد گوهرشاد که در سال 1313 شمسی واقع گردید مدت هشت سال مشغول امور فلاحتی شده و پس از انقلاب محور و آزادی محراب و منبر مجددا مراجعت به شهر نموده و از تحصیل و تدریس محروم فقط به امر منبر قناعت نموده تا در سال 1331 شمسی که به تهران هجرت و تاکنون که سال 1352 خورشید پست ساکن تهران و از طریق منبر به خدمات دینی و ترویج معارف اسلامی و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
مولف گوید. علامه حلبی از گویندگان نامی و خدمتگذاران سامی عصر حاضر است و اخلاص شدیدی بساحت مقدس حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه الشریف دارد و مبارزات علمی بسیاری با فرق ضد ولایت و

منحرفین نموده و با مجادلات حسنه جماعت زیادی را برگردانیده و هدایت به پیروی از ائمه اثناعشر علیهم‌السلام نموده‌اند از آثار ایشانست انجمن جوانان که برای جلوگیری کردن از تبلیغات سوء فرقه ضاله و مبارزه کردن با آنها تاسیس و افراد بسیار مبرزی تربیت که بحمدالله تاکنون صدها نفر از منحرفین از طریقه حقه را به راه حق هدایت نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حلیمی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین حلیمی درسال 1319 درشهر همدان به دنیا آمد .وی پس از ورو د به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ مدرک متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت . او در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت . به منظور ادامه تحصیل و کسب اطلاعات جدید عازم فرانسه شد . وی با ورود به دانشکده هنرهای تزیینی پاریس (آرـدکو) و همچنین در دوره فوق لیسانس هنرهای تجسمی دانشگاه سوربن تجربیات تازه ای را شروع کرد . ابتدا از دوره فوق لیسانس رشته گرافیک (کمونیکاسیون ـ ویزوئل) فارع التحصیل شد ، پس از آن فوق لیسانس هنر های تجسمی و بعد دکتر ای سیکل سوم را از دانشگاه سوربن در سال 1360 به اتمام رساند و بلافاصله به ایران مراجعه کرد .نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکد? هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشد . کتاب"اصول و مبانی هنرهای تجسمی"تالیف،محمد حسین حلیمی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : هنر
رشته : هنرهای تجسمی
گرایش : گرافیک
والدین و انساب : محمد حسین حلیمی درسال 1319 درشهر همدان به دنیا آمد . وی در یک خانواده سنتی و مذهبی چشم به جهان گشود و از هفت سالگی نزد پدر بزرگش مرحوم میرزا غلامحسین اسلامبوالچی که در انواع علوم و فنون وارد بود پرورش یافت .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین حلیمی در1319 ه.ش درهمدان متولدشد . دوران کودکی وی مصادف با آخرین سالهای حکومت رضا شاه و روی کار آمدن محمد رضا شاه پهلوی بوده است . درآن روزگار بسیاری از دانشجویان و هنرمندان ایرانی برای تحصیل به اروپا ، به ویژه فرانسه می رفتند . نظام علمی و فرانسه بردانشگاههای کشورنیز اثر گذار بوده است .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسین حلیمی پس از ورو د به مدارس جدید و اتمام دوره دانشسرای مقدماتی همدان و اخذ مدرک

متوسطه در رشته ادبیات فارسی به معلمی پرداخت . پس از وقفه ای چند ساله برای تکمیل معلومات خود به دانشگاه را ه پیدا کرد و در دانشکده هنرهای زیبا در رشته نقاشی به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ التحصیل شد . پس از آن مجددا در چند مرکزهنری به تدریس پرداخت . با وجود در آمد خوبی که کسب می کرد ،از سال 1354 جهت مطالعه و ادام؟ تحصیل مقیم پاریس گردید و درج؟ کارشناسی ارشد در دو رشت؟ هنرهای تجسمی و گرافیک را به ترتیب از دانشگاه سوربن و مدرس؟ عالی هنرهای تزئینی پاریس اخذ نمود و در سال 1360 تز دکترای خود را در زمین؟ زیبایی شناسی و علوم هنر در دانشگاه سوربن گذراند

استادان و مربیان : محمد حسین حلیمی یکی از یگانه معلم خود را ، پدربزرگش مرسوم میرزا غلامحسین اسلامبوچی می داند که به وی خوشنویسی و برخی از فنون را آموخت . وی در مدرسه آر-دکو ، رنگ شناسی را زیر نظر یکی از استادان صاحب نام ›« ژان فیلیپ لانکلو « تحقیق می نمود و ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی را در دانشگاه سوربن تحت نظر «الکساندرپاپادوپولو » تکمیل می کرد .وی همچنین از محضر اساتید و هنرمندان بزرگی همچون مرحوم حسین زرین خط و مرحوم میرخانی و مرحوم یحیی کارگر و شماری دیگر از اساتید هنرمند ایرانی و خارجی استفاده نموده است.

وقایع میانسالی : محمد حسین حلیمی در پاریس در دو زمینه تحقیقاتی فعالیت می کرد . یکی از زمینه های کار ایشان «رنگ شناسی » بود که در مدرسه آر0دکو زیر نظر یکی از استادان صاحب نام با عنوان «شعررنگ درمعماری اسلامی ایران » انجام می شود . تحقیقددیگر در رابطه با ارزشهای زیبایی شناسی خط اسلامی بود که به طور گسترده برروی عملکرد زیبایی شناسیخط در مسجد جامع اصفهان در دانشگاه سوربن انجام می گرفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسین حلیمی به غیر از تدریس به فعالیتهای گرافیکی و عکاسی که خود آموخته بود می پرداخت و نیر با فعالیتهای گرافیکی ،نقاشی و عکاسی زندگی خود را اداره می نمود .نامبرده در حال حاضر دانشیار دانشکد؟ هنرهای زیبای دانشگاه تهران می باشند

فعالیتهای آموزشی : محمد حسین حلیمی پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته ادبیات فارسی پرداخت .همچنین پس از دریافت درجه لیسانس در دانشکده هنرهای تزیینی ، انسیتو تربیت مربیان هنری و مدرسه عالی ساختمان به تدریس پرداخت . دکتر حلیمی پس ازمرجعت از فرانسه به ایران نیز در دانشگاه فارابی ، مجتمع دانشگاهی هنر و بالاخره دانشکده هنرهای زیبا به تدریس ادامه داد .

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه و تحقیق درباره زیبایی شناسی و نظریات مربوط به آن از مشغولیت های اساسی محمد حسین حلیمی بوده است .
شاگردان : بسیاری از فارغ التحصیلان رشته هنرهای تجسمی از دانشگاه تهران ،شاگردان محمد حسین حلیمی می باشند .
آرا و گرایشهای خاص : محمد حسین حلیمی معتقد است ویژگی های ارتباط تصویری در عالم سیاست ، اقتصاد، فرهنگ مذهب و افکار و عقاید مختلف امکان سازندگی و تخریب را بصورت گسترده در اختیار دارد .در واقع این زمینه هنری و فنی به مصداق اسلحه ای است که با آن مبارزه نامرئی انجام می شود . برای مقابله با این اسلحه باید همان اسلحه را بنحو بهتر شناخت وبرای مقابله بکار برد . درنتیجه رشته معلمی ، هنری گرافیک یابا عنوان جدیدش «کمونیکاسیون ویزوئل »اهمیت مشخص (در عرصه تبلیغات) پیدا می کند . وظیفه یک هنرمند گرافیست را جامعه و نظام اجتماعی و فکری و عقیدتی که درآن حاکم است مشخص می کند . برخلاف یک هنر مند نقاش که می تواند برای خود کارکند ، یک گرافیست اگر به این شکل کار کند ممکن است مورد استقبال جامعه قرار بگیرد و یا نگیرد و در هر صورت جامعه تکلیفش را روشن می کند . در هنر گر افیک دو عامل را می توان دید ، اول این است که هنرمند به مراحل بالایی از تواناییهای فنی ،فرهنگ و هنری رسید ه باشد و عامل دوم هم این است که جامعه توانایی استفاده از آن را داشته باشد ،زیرا اگر چنین رشدی نباشد هنرمند به میل خود و با باورهای خود کار می کند و نتیجه کارش بهمان اندازه که تصور می شود مفید و سازنده است برعکس می تواند مضر و مخرب هم باشد . دکتر حلیمی نقاشی را حرفه اول خود می داند و مایل است تا آثاری را که ارتباط مستقیم با فکر و عقیده و دل دارد از طریق نقاشی مطرح نماید .
جوائز و نشانها : کتاب"اصول و مبانی هنرهای تجسمی"تالیف،محمد حسین حلیمی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ---------
---
آثار :
1 اصول و مبانی هنرهای تجسمی
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«اصول و مبانی هنرهای تجسمی»: اصول و مبانی هنرهای تجسمی (جلد اول)؛ دکتر محمدحسین حلیمی؛ تهران: 1372.
امروزه هنرهای تجسمی را یکی از بهترین و مؤثرترین وسیله های ارتباطی

می شناسند و آن را به صورت زبان همگانی و بین المللی در آموزش و پرورش، در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و به طور کلی در تمامی فعل و انفعالات فکری مورد استفاده قرار می دهند. هنرهای تجسمی عالی ترین تجلیات زبان بصری شمرده می شود که با آن می توان فراتر از زمان سیر کرد و آینده و افقهای دور را تجسم و تصویر نمود. در این کتابب با معرفی عناصر اولیه تجسمی و بررسی آنها، برخی مثالهای طبیعی یا آثار هنری برای نمونه برگزیده و ارائه شده است. سپس اصول و قواعد را که حاکم بر آثار هنری می باشد حتی المقدور معرفی و با بیان امکانات شکل پذیری و شکل آفرینی عناصر، خصوصیات بصری و بیان تصویری هر کدام مطرح شده است. شاید بتوان گفت که تاکنون در این زمینه کتابی به این جامعیت منتشر نشده است و اولین کتابب علمی و آموزشی هنر می باشد که با آثار دانشجویان ایرانی منتشر می شود. این امر می تواند برای دانشجویان عامل محرک و بسیار خوبی باشد و از سویی برای نویسندگان سرمشقی مناسب. کتابب حاضر با توجه به نیازهای دانشجویان ایران در دو جلد تدوین شده است و می تواند در رفع نیاز جامعه و مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.
2 سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
3 سمبل کتاب درخت زندگی حضرت رسول «ص»
4 شهر اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
5 شیوه های نقاشی
6 طراحی آرم دانشگاه علوم پزشکی همدان
7 طراحی آرم مرکز هنرهای تجسمی
8 طراحی آرم نمایشگاه بین المللی کتاب تهران
9 طراحی پوستر اولین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران 14-22 آبان 1366
10 طراحی پوستر کنفرانس بازسازی مناطق
11 مرکز فرهنگی امیر المومنین
12 هنر و رنگ
ویژگی اثر : ترجمه
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)
منابع زندگینامه :
1www.ketabesal.ir2مصاحبه با دکتر محمد حسین حلیمی ، هنرهای زیبا ،آبان و آذر 13683مهدی پروین زاد ، شهید چمران هنری مردعرصه ای

دانش و حماسه وعرفان ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، خرداد 1382 ، شماره 200 ، ص14

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(156/155 -95 ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (302 -301 /2)، تاریخ الاسلام (حوادث 382 113/160، -142)، دایرةالمعارف فارسی (864/1)، روضات الجنات (237 -235 /3)، ریحانه (299 -298 /2)، سیرالنبلاء (158 -157 /7)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (155 -154)، الکنی و الالقاب (270 -269 /3)، لسان المیزان (664 -662 /2)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (266 -258 /10)، الوافی بالوفیات (142 -137 /13)، وفیات الاعیان (210 -206 /2).

حمدی، برهان‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، شاعر، محقق.
تولد: 24 ذیقعده سال 1323 ق. (1282)؛ سنندج.
درگذشت: 12 آذر 1366.
شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالمجید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فراگرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملا صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال 1312 به دریافت اجازه‌ی فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند .) وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال 1348 بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسه سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست اداره‌ی اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکده‌ی تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانه‌ی خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانه‌ی شهر سنندج واگذار نماید. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به شرح زیر هستند: ترجمه مشکوةالانوار امام محمد غزالی، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا شامل رسالات «فلسفه نماز» و کتاب مرآت الفلسفه در یک جلد به نام فلاسفه و خداشناسی؛ مرآت الفلسفه طنطاوی؛ ترجمه‌ی رساله‌ی حی بن یقضان ابن سینا؛ شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه‌ی عقاید نسفی؛ ترجمه‌ی متسطاب الاربعین فی اصول الدین امام محمد غزالی. آثار چاپ نشده‌ی وی عبارتند از: ترجمه‌ی قصائد سه گانه: لامیه‌ی العرب شنفری و لامیة العجم طغرایی

و لامیة الکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه‌ی قصیده‌ی «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رساله دیگر.
شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر 1366 به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد.
جنازه‌ی وی در قبرستان تایله سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبداللَّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(360/350 -270 ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[1]
اصفهانی، ابوعبداللَّه بن حسن (و. حدود 270- ف. حوالی 360 -350 ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (309/2)، اعیان الشیعه (240/6)، تاریخ ادبیات در ایران (643/1)، تاریخ در ایران (35 -34)، دایرةالمعارف فارسی (866/1)، الذریعه (265/17، 288 -233 /3)، ریحانه (143/1)، سرآمدان فرهنگ (321/1)، فرهنگ ادبیات فارسی (185، 117 -116)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (230)، کشف الظنون (1464، 301، 282، 168،)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (136 -94 /13)، معجم المولفین (78/4)، هدیه العارفین (336/1)، یادداشتهای قزوینی (163/4).

حمیدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. پسندیده دین) ابوبکر بن عمر بن محمود بلخی قاضی و نویسنده معروف (ف. 599 ه.ق.). وی قاضی بلخ بود و شهرت او مخصوصا به وسیله تألیف «مقامات حمیدی.» (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حمیدی بلخی، حمیدالدین عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 559 ق)، ادیب و شاعر. در شهر بلخ می‌زیست و در آنجا سمت قاضی القضاتی داشت و او بود که به انوری بعد از داستان هجو بلخ و غوغای عوام در آن شهر پناه داد. انوری قطعات و قصایدی در مدح قاضی حمیدالدین گفت. قاضی حمیدالدین شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: «مقامات حمیدی» که حمیدالدین آن را به پیروی از مقامات بدیع‌الزمان همدانی و ابوالقاسم حریری و به تقلید از روش و مضامین آنها در بیست و چهار مقاله و خاتمه نگاشت؛ «وسیله العفاه الی اکفی الکفاه»؛ «حنین المستجیر الی حضره المجید»؛ «روضه الرضا فی مدح ابی‌الرضا»؛ «قدح المغنی فی مدح المعنی»؛ «الاستغاثه الی اخوان الثلثه»؛ «منیه الراجی فی جوهر التاجی»؛ «مثنوی سفرنامه‌ی مرو». مصحح دانشمند «فضائل بلخ» در تعلیقات خود بر آن کتاب بعد از بحث مستوفی در باب نسب و خاندان قاضی حمیدالدین می‌نویسد: پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مولف «مقامات حمیدی» را ابوبکر حمیدالدین ابوبکر محمود بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (260 -957 /2)، تاریخ نظم و نثر (118)، تذکره الشعراء (96)، دایرةالمعارف فارسی (867/1)، الذریعه (9/22)، ریحانه (81 -80 /2)، سبک‌شناسی (329 -328 /2)، سرآمدان فرهنگ (322 -321 /1)، فرهنگ سخنوران (279)، فضائل بلخ (تعلیقات، 403 -394)، کارنامه‌ی بزرگان (153)، الکامل (90/9)، کشف الظنون (1786)، گنج و گنجینه (200 -195)، لباب الالباب (200 -198 /1)، لغت نامه (ذیل/ حمیدالدین محمودی)، مولفین کتب چاپی (648/5)، مجمع الفصحا (595 -573 /1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 559)، مقامات حمیدی (مقدمه)، هفت اقلیم (67 -64 /2)، یادگار (س 1 ش 7، ص 25).

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم حمیدی
محل تولد : خشت فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/3/12
زندگینامه علمی
اینجانب در تاریخ 12/3/1331 در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده ای روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم 10 کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه 1346 وارد حوزه علمیه قم شدم(به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصا جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم- شرح لعمه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده - قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.
رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.
تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم،صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و.... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت 15 سال در سمت امام جمعه، مدت 6 سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون فارس، مدت 6 سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم).

در دوران دفاع مقدس جمعاً 5 سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول تدرّیس و تحصیل هستم.

حمیدی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاههای شیراز، تهران و مشهد.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 11
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات، تاریخ، جغرافیا، شعر.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 48، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
بررسی و تحقیق.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حمیدیان، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حویزی، خلف

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1074 ق)، متکلم، محدث، ادیب و شاعر امامی. معروف به سید خلف. وی از معاصران شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی بود و والی حویزه، حویزی مردی زاهدپیشه و در انجام فرائض و نوافل بر خود سخت‌گیر بود. در نجف دفن شد. از آثار وی: «الاثنی عشریه فی الصلوه»؛ «برهان الشیعه»، در امامت؛ «الحق المبین»، در منطق؛ «البلاغ المبین»، در احادیث قدسی؛ «الحجه البالغه»، در کلام؛ «سفینه النجاه»؛ «الموده فی القربی»؛ «النهج القویم»، در کلمات امیرالمومنین علی (ع)، «حق الیقین»، در کلام؛ دو «دیوان» به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (334 -330 /6)، الذریعه (168/21 ،300/9 ،40/7 ،258/6)، روضات الجنات (704 -699 /3)، ریحانه (89 -78 /2)، فرهنگ سخنوران (280)، معجم المولفین (105/4).

حویزی، عبد علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1053 ق)، ادیب و شاعر. نزد حکام بصره تقرب داشت و تا آخر عمر در کنف حمایت آنها زندگی کرد. وی مدتی نزد شیخ بهایی تلمذ کرد. از آثارش: «دیوان» شعر، به سه زبان ترکی، فارسی و عربی؛ «قطر الغمام»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «المعول فی شرح شواهد المطول»؛ «مناهج الصواب فی علم الاعراب»؛ «رساله فی الرمل»؛ «کتاب فی الحکمه»؛ «کلام الملوک ملوک الکلام»؛ «کتاب فی العروض»؛ «کتاب فی نحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (156/4)، ایضاح المکنون (499/1)، الذریعه (242/23، 238/20، 250/11، 690/9، 189/6)، روضات الجنات (211 -210 /4)، ریحانه (90 -89 /2)، معجم المولفین (266/5)، هدیه العارفین (586/1).

حویزی، عبدالعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1065 ق)، فقیه، محدث، مفسر، ادیب و شاعر امامی. معروف به عبدالعلی عروسی. در حویزه متولد شد و در شیراز ساکن. وی استاد سید نعمت‌اللّه جزایری و معاصر شیخ حر، عاملی و علامه مجلسی است. از آثار وی: شرح «لامیه العجم» طغرایی؛ «نورالثقلین»، تفسیری روایی از قرآن، در چهار مجلد؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (366 -365 /24، 690/9)، روضات الجنات (27 -25 /5)، ریحانه (124/4، 89/2)، فوائد الرضویه (237)، معجم المولفین (265/5).

حویزی، فرج اللّه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1100 -1031 ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (341/5)، اعیان الشیعه (395/8)، ایضاح المکنون (499 ،275 /1)، الذریعه (276/22 ،818/9 ،487/2)، روضات الجنات (341 -399 /6)، ریاض العلماء (337/4)، ریحانه (94/2)، فوائد الرضویه (349)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (59/8)،هدیه العارفین (816/1).

حیدری فر، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید حیدری فر
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 هجری شمسی به حوزه علمیّه ولی عصر(عج)در تبریز وارد شدم و با رسالت سربازی امام زمان(عج)آشنا شدم پس از گذراندن سطح مقدّماتی در سال 1357 به حوزه علمیّه قم هجرت کردم و پس از دو سال هنگام اشتغال به دروس پایه 7 و 8 فعلی،با شروع جنگ تحمیلی به جبهه های نور رفتم و حدود اواخر سال 1364 به حوزه برگشتم و دوباره ادامه تحصیل دادم.
مجموعا حدود شش سال سطح را به پایان رساندم و در درس خارج حضرت آیات منتظری و فاضل لنکرانی و مؤمن قمی و تبریزی و وحید خراسانی درس تفسیر و جوادی آملی درس فلسفه ای و حسن زاده آملی شرکت کردم. در مراکز گوناگون آموزش حوزه و دانشگاه فیض حضور داشتم و نقش معلّمی ایفا می کردم و می کنم.
با مراکز پژوهشی گوناگون قم بحمدالله در ارتباط و همکاری نسبتاً خوبی دارم. افاضل پایان نامه نویس را در آماده سازی پژوهش نامه خوب راهنمایی می کنم و با آنان به مشورت می نشینیم به توفیق اللهی حدود 20 سال است که در خدمت حضرت استاد علّامه آیه جوادی آملی و آثارایشان هستم و رد بسامان سازی آن مدد می رسانم. نوشته هایی نیز دارم که هنوز رخصت چاپ نیافته است و امیدمی رود بسترمناسبی برای چنین نوشته هایی فراهم گردد تا نانوشته هایی نیز رخ نماید!

حیدری نیک، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید حیدری نیک
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال 57 دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال 1360 همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال 63 در آموزش و پرورش منطقه 13 تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز 1363 وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال 63 تا 66 علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .
از سال 66 تا 70 لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال 70 به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال 70 تا 74 از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال 72 تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال 80 تا 82 در مرکز تخصصی

مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال 82 تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و 9 ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .
از سال 72 تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال 76 تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .
در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال 70 تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال 80 با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش داردم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ حسین بن العابد الزاهد شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های درخشان و زبانهای گویای حوزه علمیه قم به شمار می‌رود.
در سال 1322 خورشیدی در کاشان متولد شده و در اوان کودکی در معیت مرحوم والدش به قم مهاجرت نموده و پس از دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی در سن 12 سالگی به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخته و در معیت برادرش در همان اوان برای تبلیغ مسافرت به اطراف نموده و در همه جا با پیروزی و استقبال مردم مواجه می‌شد و در سن 17 سالگی به یزد رفته و مدت دو سال در آنجا توقف و به تحصیل پرداخته و ضمنا در مساجد بزرگ آنجا چون مسجد حظیره و مسجد برخوردار و مسجد میر چخماق و غیره منبر رفته و مردم را از بیانات سودمند خود بهره‌مند کرده، آنگاه مراجعت به قم نموده و سطوح نهائی در خدمت آیت‌الله سلطانی خوانده و پس از آن به دروس خارج آیات عظام شده و می‌شود.
مولف گوید: آقای حیدری واعظ در اغلب شهرستانهای ایران مخصوص تهران به عنوان تبلیغ مسافرت نموده و خاطرات مهمی از این مسافرتها دارد.
خدماتی از این راه به اسلام و قرآن نموده است دارای تالیفات ارزنده مطبوع و غیر مطبوع زیر می‌باشد:
1- چرا به نوروز با بدبینی می‌نگریم، جزوه کوچکی است درباره‌ی نوروز و عید داری آن و اعمال آن و نظریات علماء در این باره.
2- یکدوره اصول و فروع استدلالی بسیار ساده.
اما آثار غیر مطبوع ایشان از این قرار است:
1- گوناگون یا هزار و یک رنگ
2- جهان نوین در حکومت حضرت مهدی ارواحنا له الفداء.
3- دیوان اشعار جمع‌آوری شده از شعراء مشتمل بر توحید مدایح غزلیات پند و اندرز.
4- دیوان اشعاری که خود سروده است.
5- فلسفه وجوب خمس.
6- شرح منظومه حکمت که در این باره قسمتی از اشعار عربی منظومه به اشعار فارسی برگردانیده شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حیدری، خسرو

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شناسنامه
نام کامل : خسرو حیدری - متولد : ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ - سن : ۲۵ سال - زادگاه تهران، ایران - قد : ۱۷۴ سانتی‌متر اطلاعات باشگاهی :
باشگاه کنونی : استقلال تهران - شماره پیراهن : 2 - پُست : هافبک راست
باشگاه های جوانان :
1379 - 1382 استقلال تهران باشگاه های حرفه ای :
1382 - 1385 پاس تهران
1385 - 1386 ابومسلم مشهد
1386 - 1387 پاس همدان
1387 - تا کنون استقلال تهران خسرو حیدری (زاده ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در تهران) یک بازیکن فوتبال ایرانی است. او هم‌اکنون عضو باشگاه استقلال تهران است.
افتخارات :
قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

حیدری، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس حیدری بهنوثیه
محل تولد : شهر بابک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
عباس حیدری بهنوثیه در سال 1344 در یکی از شهر های تابع استان کرمان ، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شد . دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است ، منظومه سبزواری را نزد حجةالاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایة الحکمة را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی ، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال 1374 و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت ، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است.علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیزالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزیزالله حیدری
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی درتهران ، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم . دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه و فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی ، مولوی نیا ، اشتهاردی ، سلطان محمدی ، گیلانی ، دکترضیایی ، مدرس افغانی ، کوه کمره ای ، مرحوم آیت الله ستوده ، گنجی ، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی ، نوری همدانی ، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام .
کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها ، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم ، عمده اشتغالات اینجانب است .
عمده مطالعاتم در تفسیر ، حدیث ، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی درمعارف و سازندگی اخلاقی می باشد .

حیدری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.
وی در سال 1305 شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.
ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال 1351 قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.
معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.
وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حیرت بخارایی، محمد اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1254 ق)، مترجم و شاعر، متخلص به حیرت. وی مترجم معروف «تاریخ ایران»، تالیف سر جان ملکم، از انگیسی به فارسی است. حیرت در بمبئی وفات یافت و در قبرستان ایرانیان آن شهر دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (131/1).

خاتمی اردکانی، روح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا روح‌الله خاتمی اردکانی از علماء عصر اردکان دارای مقام علم و عمل و تقوا میباشد، معظم له در اردکان متولد شده و پس از خواندن ادبیات در یزد و اردکان باصفهان آمده و سطوح عالی و مسائل و مکاسب و غیره را نزد علماء اصفهان خوانده و مهاجرت بقم نموده و چندین سال از محضر مؤسس حوزه آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی طاب‌الله ثراه استفاده نموده آنگاه باردکان مراجعت و باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام سیدالمرسلین علیه و علی آله صلوات المصلین و وظائف دینی و روحی پرداخت. وی والد حجه‌الاسلام والمسلمین خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران است.
مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان.
تولد: 10 رمضان 1324 ق.، اردکان.
درگذشت: 10 آبان 1367.
آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال 12342 ق. به اصفهان رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و ایت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال 1354 ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبه دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به تدریج به حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان تبدیل شد.
(ح 1367 -1285 ق)، عالم دینی. در خانواده‌ای روحانی در اردکان به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت، پس از آن برای تکمیل تحصیلات خود به اصفهان رفت و از محضر اساتیدی چون حاج میرزا علی آقا شیرازی، حاج رحیم ارباب، حاج سید علی نجف آبادی و سید محمد نجف‌آبادی بهره‌ها گرفت و چندین سال در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حایری یزدی در قم کسب فیض کرد. سپس به اردکان بازگشت و به ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت و در این شهر تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. از آثار وی «آیینه‌ی مکارم» است.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (25 -24)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 9، ص 63)، گنجینه‌ی دانشمندان (67 -66/ 3 ،291/ 1).

خاتمی بروجردی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدرضا بن العالم الجلیل و الزاهد النبیل حاج شیخ حسن خاتمی بروجردی از علماء مبرز معاصر شهر ری و اصدقاء این نویسنده است. وی در سال 1341 قمری در بروجرد متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و اولیات و مقدمات را در بروجرد خوانده و به قم آمده و با آشنائی و رفاقت با مرحوم والدش حدود دو سالی در قم با این نویسنده محشور و مأنوس بوده و قسمتی از سطوح وسطی را نزد حقیر و دیگران خوانده و در ماه ذی القعده الحرام 1361 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر اساتید بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ غلامحسین اردبیلی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی (صاحب تقریرات) استفاده نموده و در مدت کوتاهی در اثر استعداد ذاتی و مطالعه و زحمت گوی سبقت از اقران ربوده و بدرجه سامیه اجتهاد رسیده و از آیات عظام نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حجت مفتخر به اجازه اجتهاد گردیده و در سال 1365 قمری مراجعت به ایران و قم نموده و مدت سه سالی در قم بتدریس فقه و اصول پرداخته و در سال 1370 قمری بنابر استدعاء این حقیر برای تدریس مدرسه علمیه برهانیه شهر ری منتقل باین شهر شده و تا هم‌اکنون بتدریس و اقامه جماعت و تبلیغات دینی اشتغال دارد.
مرحوم والدش حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن کمره‌ای خاتمی از علماء محترم بروجرد و دوستان خالص حقیر بود و محبت تامی نسبت به این کمترین داشت ذکرش در علماء بروجرد گذشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خاتمی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد خاتمی
محل تولد : سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/2/18
زندگینامه علمی
سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت 1339 در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال 1364 از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر 1383) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال 1351 تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال 1354 به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.
در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجة السلام و المسلمین

آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال 1364، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون 4 دوره معالم الاصول، 7 دوره اصول الفقه، 3 دوره شرح لمعه، 2 دوره مکاسب، 3 دوره رسائل و اینک (آذر 1383) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایة الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر 1383) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوة دارد.
در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال 1365 به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر 1383) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال 1380 یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال 1367 به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر 8 جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و 7 جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون 1660 جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند.
خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است.
وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند به آن است به گونه‌ای که در ایام تحصیل به هیچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهد.
در سخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسی در حد نیاز هست. وی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالة سطح چهار و سطح سوّم حوزه و نیز به عنوان استاد راهنما در مؤسسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رساله متعددی را در عرصه معارف دینی، فعالیتهای سیاسی، راهنمایی و ساماندهی کرده است. سید احمد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگام با رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و

با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسی خود را "موضع ولایت فقیه" قرار داده است تا زمانی که امام راحل در قید حیات بودند همراهی با آن امام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنار کار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسی داشته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شده است. او در طول8 سال دفاع مقدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سید احمد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو کمیسیون حوزه آن جامعه نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان رهبری، عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان، عضو هیأت مدیره مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، عضو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خاتمی، بیوک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بیوک خاتمی از ائمه جماعت و فضلاء معاصر زنجانست وی در حدود 1348 قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت کرده و سطوح و متون درسی را به پایان و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام حوزه استفاده نموده.
آنگاه مراجعت به وطن و تا اکنون به خدمات دینی از نماز جماعت و ترویج شعائر و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند برومندش زبدةالمحصلین و ثقةالمحدثین آقای آقا شیخ علی خاتمی که از جوانان روشنفکر و گویندگان بلیغ و شایسته حوزه و زنجانست که در محرم و صفر و ماه رمضان و بسیاری از اوقات دیگر از ایام مذهبی در تهران و حومه مجالس وعظ و سخنرانی دارند و دارای استعداد سرشاری در این فن می‌باشند و آینده درخشانی دارند و در حال حاضر دروس سطح نهائی را تحصیل می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خاتون آبادی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برادر ایشان: مرحوم حاج میرزا ابوالفضل خاتون‌آبادی، عالم زاهد مقدس، و فقیه جامع، مدرس مدرسه‌ی ملا عبدالله، و امام جماعت در آن مدرسه و مسجد ساروتقی در بازار، و مورد وثوق و اعتماد قاطبه‌ی اهالی اصفهان بود، و در شب دوشنبه 11 رمضان المبارک 1388 در طهران وفات یافته، جنازه با احترامات لازمه به قم منتقل شده، در آن ارض اقدس مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امام جمعه طهران، فرزند محمّد محسن خاتون آبادی، عالم فاضل محقّق جلیل، در 1215 در اصفهان متولّد شده، و در 1237 به طهران مهاجرت نموده، و از سال 1263 پس از فوت عموی خود مرحوم آقا میر محمّد مهدی امام جمعه (اوّلین امام جمعه طهران از خاندان خاتون آبادی) به منصب امام جمعگی منصوب شده، و در سال 1271 وفات یافته، و در مقبره ی سر قبر آقا طهران مدفون گردید
کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است:
1- البلدان المفتوح عنوة 2- رساله عملّیه ی فارسی، مطبوع 3- منتخب الفقه؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، عبدالباقی

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر محمد حسین (بن میر عبدالباقی بن میر محمد حسین) معروف به میر عبدالباقی صغیر، در برابر میر عبدالباقی سابق الذکر که او را کبیر گویند. از علمای اجلاء بوده، مانند دو برادرش میر علی نقی و حاج میرزا حسن امام جمعه و در اصفهان می‌زیسته، و هم در این شهر وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد صالح

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر عبدالواسع. عالم فاضل جلیل‌القدر و عظیم‌المنزلة.
از سلسله‌ی سادات خاتون‌آبای، و خود داماد ملا محمد باقر مجلسی، و از شاگردان علامه‌ی مجلسی و ملا میرزای شیروانی بوده، و پس از فوت علامه مجلسی، شیخ الاسلام اصفهان، و سپس امام جمعه‌ی اصفهان گردید، و مقام امام جمعگی اصفهان از آن تاریخ تاکنون در اولاد او باقی است.
و موقعی که فتح علی شاه قاجار مسجد شاه طهران را ساخت یکی از اولاد او را به طهران برده، مقام امام جمعگی آنجا را به او مفوض داشت، که تاکنون در اولاد اوست.
کتب زیادی تألیف فرموده، از آن جمله است: 1 - احوال ملائکه 2 - اسرار الصلاة 3 - اصول العقاید 4 - اسماء علمای سنی که شیعه شده‌اند 5 - ایمان و کفر 6 - انوار المشرقة 7 - تفسیر سوره‌ی اخلاص 8 - تفسیر سوره‌ی فاتحه 9 - تحفة الصالحین 10 - تقویم الشرعی 11 - تقویم المؤمنین 12 - التهلیلیة، در حکم تهلیل آخر اقامه 13 - تکمله‌ی مرآة العقول 14 - الجامع فی اصول العقائد - جامع العقاید، شاید همان شماره قبل باشد 15 - حدائق المقربین، در احوال ملائکه و غیره (فهرست مفصل این کتاب در فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان به شماره‌ی 25 مذکور است) 16 - ذریعة النجاح، در اعمال سال 17 - رساله در عصمت ائمه علیهم‌السلام 18 - رساله در ثبوت هلال در اول رمضان و شوال - رساله در حکم اخلاق 21 - شرح بر من لایحضر 22 - شرح استبصار 23 - شرح حدیث «الهلال اذا طلب فی الشرق» از تهذیب شیخ 24 - منهج الشیعة 25 - خلف الوعد از مسائل فرعیه؛ و غیره.
فوت صاحب عنوان را در ماه صفر سال 1116 [یا 1126] نوشته‌اند، و قبرش در نجف در ایوان علما می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتون آبادی، محمد کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
و در جنب قبر اوست قبر میر محمّد کاظم، عالم فاضل زاهد، از سلسله خاتون آبادی‌ها، متوّفی در ذیقعده 1262 مادّه تاریخ وفاتش را ضیاء شاعر اصفهانی گوید:
ضیاء گفت از بهر تاریخ او
مکان آمد او را بخلد برین
برادرش: مرحوم آقا میرزا ابوالحسن خاتون آبادی نیز از علمای کاملین بوده و در حدود سال 1330 وفات یافته، در تکیه خاتون آبادی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خاتون آبادی، محمد مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امام جمعه‌ی طهران، فرزند سید مرتضی بن مهدی بن میرمحمد حسین خاتون آبادی (1185 - 1263) اولین امام جمعه‌ی طهران، مؤلف: 1- تکملة حیاة [القلوب] در امامت 2- شرح نهج‌البلاغه به فارسی، در 5 مجلد؛ و غیره.
اولاد و اعقاب و خاندانش در طهران ساکن، و تاکنون منصب امامت جمعه در اولادش باقی است. مزار سر قبر آقا طهران، منسوب به صاحب عنوان است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خاتونی بجلی، ابوطاهر حسین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 532 ق)، شاعر، کاتب. ملقب به موفق الدین، موفق الدوله، معین الملک و معین الدین. وی از بزرگان دولت سلجوقی بود. سبب شهرت او به خاتونی، ظاهرا از آن رو است که چندی متصدی امور و مستوفی گوهر خاتون، همسر محمد بن ملکشاه سلجوقی بود. از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. بنابراین، می‌توان گفت که ابوطاهر از ابتدای کار خود تا پایان عمر در دربار سلجوقی خدمت کرد و به کار دبیری و خدمت دیوانی مشغول بود. در شهر ساوه کتابخانه‌ای بزرگ به ابوطاهر منسوب بود، وی کتابخانه‌ی ارزشمند خود را وقف جامع ساوه کرد. این کتابخانه‌ی معتبر احتمالا در حمله‌ی مغول از میان رفت. ابوطاهر نزد بزرگانی چون ابومظفر، محمد ابیوردی و ناصح‌الدین ابوبکر احمد ارجانی تحصیل کرد. ادیبان و شاعران آن روزگار که، او را مدح گفته‌اند، از او با عنوان استاد الموفق یاد کرده که از وی «دیوانی» بر جای نمانده است، ولی در تذکره‌ها و برخی از کتابهای ادب، لغت و تاریخ، ابیاتی از او نقل شده و صاحب «الذریعه» به نقل از «آثار البلاد» قزوینی، «دیوانی» را به وی نسبت داده است. برخی از اشعار فارسی ابوطاهر خاتونی را عمادالدین کاتب به عربی ترجمه کرد. دولتشاه سمرقندی در «تذکرة الشعراء» از دو کتاب او نام می‌برد. یکی کتاب «مناقب الشعراء»، که در احوال شاعران پارسی گو است؛ دیگری «تاریخ آل‌سلجوق» که به ذکر احوال سلاطین و امرای این سلسله اختصاص داشته و متضمن مشاهدات شخصی ابوطاهر بوده، و از آثار دیگر وی «شکارنامه‌ی ملکشاه» که مؤلف «راحة الصدور» آن را به خط مؤلف دیده است. آنچه به نام ابوطاهر باقی است رساله کوتاهی است به زبان عربی با عنوان «تنزیر الوزیر الزیر الخنزیر»، در لعن و ذکر مثاب نصیرالملک وزیر سلطان محمد بن ملکشاه. در بعضی از تذکره‌ها و برخی تواریخ اسم او را اصم یا معین‌الدین اصم گفته‌اند، و چنین برمی‌آید که شهرت او به اصم به سبب سنگینی گوشش بود، و ظاهرا در دوره سلطنت سنجر یعنی در اواخر عمر به این نام معروف شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (89 -87)، دایرة المعارف فارسی (32 /1)، الذریعه (277 /9)، سخن و سخنوران (517 -515)، کشف الظنون

(1842)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوطاهر خاتونی)، مجمع الفصحا (142 ،141 /1)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (286 -122)، یادگار (س 4، ش 5، ص 18 -7).

خادم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برترین کشتی گیر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۰ در مشهد مقدس متولد شد. رسول و امیررضا (برادر بزرگترش) از نوجوانی به کشتی علاقمند بودند و زیر نظر پدرشان، محمد خادم (نایب قهرمان جهان در سال ۱۹۶۳) تمرینات خود را آغاز نمودند. خادم خیلی زود مراحل پیشرفت را پیمود و در سال ۱۹۹۰ در نوزده سالگی برنده مدال نقره بازی های آسیایی در وزن ۶۸ کیلوگرم شد. او تنها کشتی گیری است که در پنج وزن مختلف (۶۸، ۸۲، ۹۰، ۱۰۰، ۱۳۰ کیلوگرم) پیراهن تیم ملی را در رقابت های بین المللی بر تن کرده است.
در سال ۱۹۹۱ در رقابت های قهرمانی آسیا در دهلی نو به مدال طلای وزن ۸۲ کیلوگرم رسید و در همین سال در مسابقه های جهانی وارنا حضور یافت که با قبول دو باخت، حذف شد. پس از تجربه وارنا، رسول در المپیک ۱۹۹۲ موفق شد به مرحله نیمه پایانی راه یابد و پس از قبول شکست مقابل کوین جکسون از ایالات متحده، با پیروزی ۶-صفر مقابل گشتونر از آلمان به مدال برنز المپیک دست یابد. در جهانی ۱۹۹۳، در وزن ۱۰۰ کیلوگرم به روی تشک رفت که موفقیتی به دست نیاورد.
از سال ۱۹۹۴ تا المپیک ۱۹۹۶، او بر تمامی حریفان خود غلبه کرد و با پیروزی بر مخاربک خادارتسف از روسیه (برنده هفت مدال طلای جهان و المپیک) در سه فینال پی در پی، صاحب دو مدال طلای جهان (۱۹۹۴، ۱۹۹۵) و یک مدال طلای المپیک ۱۹۹۶ شد. مدال طلای خادم در بازیهای المپیک ۹۶ به ۲۸ سال انتظار ورزش ایران برای کسب مدال طلا در بازی های المپیک پایان داد.
چهره استثنایی کشتی ایران به علت آسیب دیدگی از کشتی قهرمانی دوری کرد ولی با اصرار جامعه کشتی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم مسابقه جهانی ۱۹۹۸ تهران حضور یافت. در این رقابت ها هرچند وزن وی از ۱۰۵ کیلوگرم ***** نمی کرد ولی با هوش سرشار خود تا دیدار پایانی پیش رفت و در این مرحله به الکسیس رودریگوئز از کوبا باخت و با مدال نقره جهان از صحنه قهرمانی خداحافظی نمود.
در سال ۲۰۰۲ که ایران بار دیگر میزبان مسابقه های قهرمانی جهان بود، رسول به عنوان مدیر تیم ملی یکی از ارکان قهرمانی ایران شد ولی پس از کناره گیری امیررضا خادم از ریاست فدارسیون کشتی، رسول هم ار

کشتی کناره گیری کرد و در سال ۱۳۸۱ در انتخابات شورای شهر تهران شرکت نمود و با رای مردم تهران به شورای شهر راه یافت.

● مهمترین افتخارات رسول خادم

■ بازیهای المپیک

- ۱۹۹۲ (بارسلونا) - مدال برنز در ۸۲ کیلوگرم
- ۱۹۹۶ (آتلانتا) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

■ مسابقه های قهرمانی جهان

- ۱۹۹۴ (استانبول) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم
- ۱۹۹۵ (آتلانتا) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم
- ۱۹۹۸ (تهران) - مدال نقره در ۱۳۰ کیلوگرم

■ بازیهای آسیایی

- ۱۹۹۰ (پکن) - مدال نقره در ۶۸ کیلوگرم
- ۱۹۹۴ (هیروشیما) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

■ مسابقه های قهرمانی آسیا

- ۱۹۹۱ (دهلی نو) - مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم
- ۱۹۹۲ (تهران) - مدال طلا در ۸۲ کیلوگرم
- ۱۹۹۳ (اولاباتور) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم
- ۱۹۹۵ (مانیل) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم
- ۱۹۹۶ (شیائوشین) - مدال طلا در ۹۰ کیلوگرم

خادمی شیرازی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد خادمی دارابی شیرازی فرزند مرحوم حاج شیخ عبداللَّه دارابی از افاضل دانشمندان و ائمه جماعت معاصر شیراز و مبلغین اسلام و مروجین معارف تشیع و بالاخص حضرت بقیه‌اللَّه اعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه می‌باشد و در مسجد فلکه اطلس شیراز اقامه جماعت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند. ایشان در سال 1346 قمری برابر 1306 شمسی در داراب به نام قریه الخیر علیا به دنیا آمده.
در نوجوانی وارد مدرسه علمیه داراب که در تحت تصدی و سرپرستی مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر نجفی رضوان‌اللَّه علیه قرار گرفته و بعد از مدتی عزیمت به شیراز نموده و در حوزه علمیه شیراز مقدمات را شروع و بعد از مدتی هجرت به قم نموده و در قم از محضر مرحوم آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس‌اللَّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده و نیز از محضر آیت‌اللَّه مرعشی نجفی قدس اللَّه سره مکاسب و کفایه را استفاده نموده ونیز از محضر آیت‌اللَّه سلطانی کسب فیض کرده سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود سه سال اقامت و از محضر آیات عظام. حوزه علمیه هزار ساله نجف بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به قم نموده و مورد عنایت و لطف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی رضوان‌اللَّه علیه قرار گرفته و بنابر دعوت عده‌ای از مردم شیراز از طرف آن مرحوم اعزام به شیراز شده و بیش از بیست سالست که در آنجا از برکات حضرت ولی اللَّه اعظم عجل‌اللَّه فرجه الشریف به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات خالصه اشتغال دارند. دارای تألیفات سودمندی هستند که ذیلا می‌نگارم.
آثار علمی و تألیفات آقای خادمی
1- نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف
2- خورشیدی که از مکه طلوع می‌کند
3- خورشید ناپیدای فاطمه سلام‌اللَّه علیها (چهل حدیث)
4- حجت منتظر و دعاء
5- غیبت امام عصر (ع) یا پنهانی خورشید عدالت
6- مکتب مهدی و تکامل جهانی
7- خورشید هشتم امامت

8- کتاب رجعت- که در نیمه شعبان 1411 قمری منتشر گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی خادمی کوشا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/6/15
زندگینامه علمی
کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه 1365 بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال 68 در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال 1374 در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.
در سال 73 و 74 به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال 76 تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال 79 به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال 79 نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال 1378 اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی

سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال 1380 چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال 82 از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خادمیان، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس خادمیان
محل تولد : زرین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عباس خادمیان متولد سال 1347 شهرستان زرین شهر اصفهان در سال 1363 وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود 5 سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال 1381 موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از 20 سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال 81-1378 گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خارزنجی نیشابوری، ابوحامد احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 348 ق)، ادیب و لغوی. در خارزنج نیشابور متولد شد و از امامان بی همال ادب خراسان در روزگار خود بود. به بغداد سفر کرد و توانایی او در علم لغت مورد تحسین علمای آن سامان قرار گرفت. از آثارش: «کتاب التفصله»؛ تفسیر ابیات «ادب الکاتب»؛ «تکمله العین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (200/1)، روضات الجنات (230 -229 /1)، ریحانه (107 -106 /2)، کشف الظنون (1443 ،48)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (208 -203 /4)، معجم المولفین (85/2)، هدیه العارفین (63/1).

خازن اصفهانی، ابومحمد عبداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، شاعر و منشی. در نوجوانی کتابدار صاحب بن عباد بود. به عللی چند ترک خدمت صاحب کرد و به سفر در بلاد عراق، شام و حجاز پرداخت تا به اصفهان بازگشت و با وساطت استاد ابوالعباس، بار دیگر به خدمت صاحب رسید. وی با ابوبکر خوارزمی مراسله داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (257/7)، لغت نامه (ذیل/ ابومحمد خازن).

خاقانی، سلمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق.
تولد: 1332 ق، سوق الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).
درگذشت: 24 بهمن 1366، قم.
آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال 1345 ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزه‌ی آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درسهای مقدماتی نظیر صرف و نحو منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فراگرفت. سپس مراحل عالیه‌ی تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدجواد بلاغی، آیت‌الله محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.
آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی- ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر) و انجمن «رابطة الادبیه» و بالاخره «کلیه الفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان» «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبةالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.
هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح طلبانه خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.
آیت‌الله خاقانی در سال 1375 ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمه‌ی جماعت خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازه او از ایران به عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.
آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی

و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل‌بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.
کتاب‌هایی که از ایشان بر جای مانده عبارتند از: طریق المعرفة، در اعتقادات که مکررا در عراق و بیروت به چاپ رسیده است، مع الخطوط العریضة لمحب الدین الخطیب؛ بین‌الحق و الباطل؛ السنة و الشیعه فی المیزان کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ دیوان شعر (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).
خانه‌ی وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانه او پناهگاه آورگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانه‌ی او هدف مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانه‌ی او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانه‌ی نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست نوشته‌ی او از جمله دیوان اشعارش از میان رفت.
آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به ویژه در مدح پیامبر (ص) یا معصومین (ع).
آیت‌الله پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن 1366 (برابر با بیست و پنجم رجب 1408 ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خالصی، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر خالصی
محل تولد : قائن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
زندگینامه علمی
نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه 19 شوال سال 1361 مطابق با آبان سال 1321 در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزحمت میتوانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالیه حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.
پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن 6 سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن راحفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدیده را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امثله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچهای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر

مورد مسخره قرار میگرفت خصوصا که با همان عمامه و قبا با بچهها بازی هم بکند. در هر حال در سن 13 چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سالهای اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمیدادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.
خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال 1340 پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر]آن[درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز پا در درس و یا تدریس و یا نوشتن و یا مطالعه میگذشت و میتوانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونتم در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و یا در عبادت سپری میشد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونتم در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونتم در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شدهاند و از آنجا بکاظمین رفتهاند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.
گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا" اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونتم در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را اختیار کردم و از سال 1350 در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد

که آنهم به برنامههایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد ازآن استفاده کنم و آن دو نفرآیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس میکردند. ولی پس از یکسال درسهای آند ورا ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برههای هم کفایه و برههای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لا ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لاضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدرس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پیآمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خالق پور، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید خالق پور
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجید خالق پور در سال 1356 تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد آغاز نمودم. با راهنمائی یکی از نوادگان مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه ، سال اول دروس حوزوی را شروع نمودم و در ادامه تا لمعتین در یکی از مدارس مشهور و معتبر مشهد معروف به مدرسه موسوی نژاد تحصیلات خود را ادامه دادم . دوره تحصیل ما همزمان بود با انقلاب اسلامی و حقیر نیز همچون سایر طلاب با موج خروشان مردمی چون قطره ای ناچیز همراهی داشتم ؛ با پیروزی انقلاب و اوصافی که از تفسیر مقام معظم رهبری شنیده بودم و امتیازات ویژه ای که در قم برای ادامه تحصیل وجود داشت به قصد قم درسال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد حضرات آیت الله ستوده ، مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و بخشی از کفایه آیت الله اعتمادی، آیت الله علوی گرگانی (مکاسب) آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی جهت درس فلسفه و تفسیر؛ پس از آن وارد دروس خارج حوزه شدم که یک دوره کامل اصول نزد آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و بخشی از فقه نزد آیات عظام تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و علوی گرگانی داشتم.
همزمان با تحصیلات خارج فقه و اصول، بخاطر اشتیاقی که به تفسیر داشتم وارد دوره سوم رشته تخصصی تفسیر شدم که این دوره را با موفقیت طی چهار سال سپری نمودم و فارغ التحصیل گشتم اکنون نیز علاوه بر تحصیل و تحقیق با طلاب غیر ایرانی مرکز جهانی علوم اسلامی مباحثی تحت عنوان تدریس دارم.

خالقی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود خالقی
محل تولد : زرند کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
درس های حوزه را به طور معمول خوانده و به خاطر علاقه مندی به مباحث تفسیری در مهرماه سال 76 تهیه و پخش برنامه ای قرآنی تحت عنوان (مائده آسمانی) را به صدای مرکز کرمان پیشنهاد دادم که بحمدالله تعالی مورد موافقت مسئولین وقت سازمان مذکور قرار گرفت و از آن زمان روزانه تاکنون در حال پخش است که به اواسط سوره انفال رسیده ایم.
حدود نیمی از این برنامه 25 دقیقه ای به بیان مباحث تفسیر ترتیبی قرآن کریم اختصاص دارد و توسط بنده اجرا می شود.پس از گذشت دو سه سال از اجرای این برنامه با تقاضای شنوندگان مباحث پخش شده جزء سوم قرآن کریم به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار گرفت. آیات 93 تا پایان سوره آل عمران نیز جلد بعدی کتاب را به خود اختصاص داد و جلد سوم نیز مشتمل بر آیات اول تا 70 سوره نساء طی سال های 79 تا 81 منتشر شده است.
متاسفانه به خاطر کثرت اشتغالات اینجانب به امور اجرایی معاونت آموزش مرکز ، فرصت تهیه و نگارش مباحث بعدی به دست نیامده است.امیدواریم تا پایان تابستان سال جاری 2 جلد دیگر این مباحث آماده شود و در نهایت به حول و قوه الهی به انتشار یک دوره تفسیر قرآن کریم برگرفته از تفاسیر موجود با تکیه بر مباحث اجتماعی و اخلاقی و به صورت ساده و روان که قابل استفاده برای عموم مردم باشد موفق شویم. انشاءالله

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شعبانعلی خان صنمی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول 13و 14) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله-آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.
آثار علمی :
کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در 2 جلد توسط نشر الهادی در سال 73 به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.
کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال 78 به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح

مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت 3 سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خان محمدی، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم خان محمدی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب کریم خان محمدی در سال 61 پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال 67 پس از اتمام پایه 6 (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال 70 ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال 70 به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال 70 در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال 78 در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .
از سال 78 پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از 20 مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خانلربندپیی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1250 ق)، منشی و خطاط. وی منشی الممالک شاه قاجار بود و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (174/1).

خاوری شیرازی، فضل‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خاوری. در شیراز به دنیا آمد. بعد از کسب کمالات ندیم فرمانروای فارس شد. پس از چندی به تهران آمد و به دربار فتحعلی‌شاه راه یافت و عهده‌دار مشاغلی چند شد. خاوری طبعی روان داشت و انواع شعر بخصوص قصیده و غزل را نیکو می‌سرود. آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «ذوالقرنین یا تاریخ صاحبقرانی»، در تاریخ قاجار؛ منظومه «یوسف و زلیخا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (543 -535 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (420 -414 /2)، الذریعه (45 -44 /10 ،288/9)، روضه الصفا (129 -128 /10)، سفینه المحمود (563 -557 /2)، شرح حال رجال (178/6)، طرائق الحقائق (331 -330 /3)، فارسنامه‌ی ناصری (246 -945 /2)، مجمع الفصحا (289 -285 /4)، مصطبه‌ی خراب (55)، نشریه‌ی دانشکده‌ی تبریز (س 16، ص 260 -257)، نگارستان دارا (80 -78).

خاوری کاشانی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر. معروف به فخرالواعظین. وی در سال 1329 ق روزنامه کاریکاتوری و انتقادی تند را با نام «میزان» در تهران تاسیس کرد. سید احمد پس از انحلال مجلس، خاوری به گوشه‌ی انزوا پناه جست و با وجود شکستگی جسمی و افسردگی روحی در برابر مخالفان مردانه ایستادگی کرد. روزنامه «ثریا» که ابتدا در قاهره چاپ می‌شد، بعدها به سردبیری خاوری در کاشان منتشر گردید. با وجود آنکه خاوری در دوران زندگی اشعار فراوانی سروده، چون شخصا علاقه به نگاهداری و تدوین آنها نداشته لذا، دفتر و دیوان مدونی هم فراهم نکرده است. خاوری در ایام عزلت و گوشه‌گیری آخر عمر شاهکار ادبی خود را به نام مثنوی «زشت و زیبا» در یکهزار و پانصد بیت به رشته نظم درآورد. از دیگر آثار وی: مثنوی «محمود در مذمت تریاک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بیداری ایرانیان (230/2)، جراید (244/4، 156 -155 /2)، الذریعه (812/9)، مولفین کتب چاپی (384/1)، یغما (س 13- ص 149 -147).

خائفی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز خائفی در سال 1315 ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامة تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید . سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادی منصوب شد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنربه خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شیراز ،که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود.وی با شوریده شیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت ، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردید . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی ، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی

از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است .آثار : از لحظه تا یقین (شعر) ، این خاک طربناک (شعر) ، باز آسمان آبی است (شعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خائفی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله خائفی
محل تولد : بندرانزلی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/11/14
زندگینامه علمی
معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در 14 بهمن سال 1309 شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن 15 سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی بروجردی (رحمةالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال 1343 همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیة الله العظمی خوئی (ره) به مدت 27 سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیةالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال 1370 شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر

ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های 43 و 42 چاپ شده و کتاب ارزشمند" بحوث فی ولایة الفقیه" در سال 1378 در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید. "الربا و تحلیله با لحیل اشرعیه" و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل تاکنون ادامه داشته که در طی سپری شدن هر مرحله ای از درس مراحل پائین را تدریس می نمودند که از جمله آنها تدریس کتابهای سیوطی، معالم، شرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خجسته‌ی کاشانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به خجسته. معروف به ندیم‌باشی. وی دبیری نیکو خط و خوش اخلاق بود. نزد عموی خویش، ابوالقاسم‌خان، فروع قواعد و قوانین ادبی و عربی را فراگرفت. خجسته در سرودن شعر مایل به شیوه‌ی منوچهری بود و اغلب قصاید و مسمط او را به نیکویی پاسخ گفته است. از آثار وی: «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (1180، 290 /9)، شرح حال رجال (189 -188 /6)، لغت نامه (ذیل/ خجسته‌ی کاشانی)، المآثر و الآثار (202)، مجمع الفصحا (279 -248 /4).

خجندی، صدرالدین، عبداللطیف

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 523 ق)، شاعر و ادیب. وی از خانواده‌ی خجندیان اصفهان است که در آن شهر صاحب ریاست بوده‌اند. صدرالدین از بزرگان زمان خویش بود که علاوه بر منصب صدارت او را شعری بود مطبوع و در تازی و پارسی و نظم و نثر قدرت او کامل. وی به دست اسماعیلیه کشته شد و اشعاری از او در تذکره «لباب الالباب» نقل شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :لباب الالباب (404، 316 -315 /1)، لغت نامه (ذیل/ خجندی).

خداداد، بهزاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درسال1360درتهران متولدشد.وی فرزند اول خانواده ودارای مدرک کارشناسی تربیت بدنی است.او در رشته های ژیمناستیک وفوتبال نیز فعالیت داشته بطوری که اولین مقام های خودرا دراین دو رشته کسب کرده است.وی ازسال1370 به رشته تکواندو علاقه مندشدودرسال 1371رتبه سوم مسابقات آموزشگاهی تهران راکسب کرد.اوکه قهرمان مسابقات تکواندو می باشد ودرتهران سکونت دارداز‌اواخرسال 1376به عضویت تیم ملی درآمدوزیرنظر استادانی چون پرویز زمانی،غلامحسین ذوالقدر،مرتضی کریمی ومرتضی بهرامی نژاد به فعالیت وتمرین پرداخت.مشوقین اصلی بهزاد والدین وسپس مربیان تیم ملی وباشگاهی اوبودند.
مقام های جهانی نامبرده درسطوح مختلف عبارتند از:
نفردوم جام جهانی بزرگسالان آلمان (1998)
نفردوم جام جهانی مسابقات بزرگسال المپیک سیدنی(1999)
نفرسوم مسابقات ارتشهای جهان (1999)
نفراول تورنمنت بلژیک-بروکسل(2000)
نفراول جام ساکسون آلمان ومسابقات قهرمانی جهان درآلمان (2001)
نفراول جام پارک پوکان آلمان(2002)
نفر اول جام اپن فرانسه(2002)
نفرسوم جام جهانی توکیو(2002)
نفردوم مسابقات قهرمانی جهان درآلمان(2003)
منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

خدامی، اسدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسدالله خدامی
محل تولد : امام زاده قاسم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/8/1
زندگینامه علمی
اینجانب دوره ابتدایی را در روستای خودمان که امام زاده قاسم از توابع رزن میباشد گذراندم .آن هم در یک کلاسی که پنج پایه ابتدایی درآن تدریس می‌شد. البته باید به این مطلب اشاره کنم که وقتی پایه ای بالاتر می رفتیم معلم را در دیکته گفتن ومشق دیدن کمک می‌کردیم .دوره راهنمایی را در روستای همجوارخودمان یعنی نیّر گذراندم که آیت الله نیّری که در دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی می‌باشد اهل روستای نیّر می‌باشد. دوره دبیرستان رادرشهرستان کردۀ درجزین گذراندم و سال 1372 دیپلم گرفتم و با عشق وعلاقه ای که به حوزه داشتم با اینکه درس خوبی دردبیرستان داشتم آمدن به حوزه را بردانشگاه ترجیح دادم واز داشتن این توفیق خدای را شاکرم. تا پایان پایه ششم درحوزه ای بنام نبی اکرم(صلی الله علیه وآله وسلّم) تهران گذراندم در شرایط پذیرش این حوزه فقط داشتن دیپلم بود که در آن زمان این شرایط کمتر در حوزه رعایت می‌شد . سال 1377وارد حوزه علمیه قم شدم و یک سال بعد از ورودم به حوزۀعلمیه قم وارد تخصصی تبلیغ شدم. درطی سه سال و نیم موفق به اخذ سطح 2 تبلیغ شدم و بعد از کارشناسی ارشد مشغول شدم که امسال سال آخر کارشناسی ارشد تبلیغ را می گذرانم که البته سال دیگر هم باید مکالمه یاد بگیریم چون گرایش تبلیغی من در کارشناسی ارشد خارج کشور می‌باشد . البته باید به نکته ای اشاره کنم از همان سال های ابتدائی که نوشتن انشاء شروع شد بهترین انشاء را می نوشتم حتی در راهنمایی و دبیرستان هم در نوشتن انشاء رقیبی نداشتم و تمام معلم های انشاء که داشتم دردوران ابتدائی وراهنمایی ودبیرستان هر جلسه مرا می بردند پای تخته تا ببینند این دفعه چه نوشته ام و در کار شعر هم از همان کودکی با نوشتن شعر علیه مضرات سیگار شروع کردم چون معلم درباره سیگار موضوع داده بود من هم بعد از نوشتن موضوع انشاء آنرا به

شعر درآوردم . درحوزه هم این استعداد خدادای را رها نکردم . بیشترین اوقات من به نوشتن است .حتی تمام دروس را دسته بندی می‌کنم و یا کتابی که خوب باشد خلاصه نویسی می کنم . وظیفه اصلی خود را درحوزه خواندن درس و مشغول بودن به تبلیغ می دانم چون رسالت اول و آخر ما طلبه ها باید تبلیغ دین باشد .

خداوردی، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر خداوردی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1359/1/1
زندگینامه علمی
طبق رویه معمول در سن 7 سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و در سال 1377 از دبیرستان چمران اسلامشهر،تهران،در رشته علوم انسانی فارغ التحصیل شدم سپس به مدرسه علمیه قائم(عج)چیذر رفته و تحصیلات حوزوی را شروع نمودم،طی 3 سال با ادبیات عرب(نحو و صرف) در حد مطلوبی آشنا شدم و بعد از آن ازدواج نمودم طی 2 سال فقه و اصول مقدماتی(لمعه و اصول فقه)را گذراندم و در همین ایام بود که با جنجال یکی از حضرات دانشگاهی به نام آقای آغاجری به پژوهش در زمینه تقلید دست زدم که بعد از قریب به 3 سال با نام،اصلاح اصطلاح، به عنوان کتاب به چاپ رسید در این میان مدتی به دانشگاه رضوی مشهد رفته... رشته حقوق،اما به دلایلی انصراف داده و به قم آمدم و به فقه و اصول مشغول شدم.
نام برخی از اساتید:
1. استاد فخار طوسی/فقه(مکاسب)/1382
2. استاد فاطمی/اصول فقه/رسائل/1382
3. استاد نکونام/فقه/مکاسب/1382
4. آیة ا... یوسف صانعی/فقه/خارج مکاسب/1383

خدایی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا خدائی
محل تولد : پلدختر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا خدائی به سال 1351 در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران .... مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال 1371 راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.
پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.
دلبستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایةالحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایة الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید.در سن 24 سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم . هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام.با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..
اما بیشترین استفاده علم ام را از جشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر

آیت الله جوادی آملی برده ام.
همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از انها به زیور طبع آراسته خواهند شد.هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی 1 و 2 و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خدمتی، ابوطالب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوطالب خدمتی
محل تولد : تکاب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابوطالب خدمتی فرزند یحیی درسال 1350 در یک خانواده مذهبی در حومه شهرستان تکاب به دنیا آمدم . پس از طی دوران ابتدایی و راهنمایی ، با تشویق و راهنمایی پدر بزرگوارم وارد حوزه علمیه شدم . درسال 1364 وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان بناب شدم و در مدت چهار سال دروس مقدمات حوزه را به اتمام رسانده و آماده هجرت به حوزه علمیه مبارکه قم شدم . لیکن به دلیل نیاز حوزه و با صلاحدید استاد بزرگوارم حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالمجید بنابی ، مدت یک سال برای تدریس در حوزه و کمک به ایشان در اداره حوزه ، در شهرستان بناب ماندگار شدم .
سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شده و درس رسائل و مکاسب و کفایه را محضر اساتید گرامی حضرات آیات و حجج اسلام : سید احمد خاتمی ، مرحوم محامی ، اعتمادی و... فرا گرفتم . همزمان در درس تفسیر حضرت استاد آیت الله جوادی آملی (مد ظله) نیز شرکت می کردم . از سال 1371 نیز در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات : مکارم شیرازی ، جعفر سبحانی ، جوادی آملی ، شیخ جواد تبریزی ، وحید خراسانی و... شرکت کرده و از محضر آنان مستفیض شدم . همزمان با تحصیل در دوره خارج فقه و اصول ، دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی گذرانده و در سال 1379 موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی شدم .
همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، فعالیت های پژوهشی و آموزشی خود را نیز آغاز کردم ، (تدریس را از سال 1369 و پژوهش را از سال 1371) که به لطف الهی ادامه دارد . در زمینه تدریس علاوه بر تدریس ادبیات عرب ، منطق و اصول فقه در مقاطع مختلف حوزوی ، در مدیریت به ویژه مدیریت اسلامی ، مدیریت تبلیغ و مدیریت مساجد نیز

فعالیت داشته ام . در زمینه پژوهش نیز ، علاوه بر تحقیق در موضوعات مختلف دینی ، تحقیق در مورد مدیریت اسلامی و مسائل و موضوعات مرتبط با آن ، موضوع اصلی پژوهش هایم بوده است .

خدیوجم، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، محقق.
تولد: 1306، مشهد.
درگذشت: 25 مهر 1365، مشهد.
سید حسین خدیوجم، فرزند سید علی (از مردم اشکذر یزد) یزدی‌الاصل، پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در سال 1330 موفق به اخذ دیپلم ادبی و در سال 1338 لیسانس خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد گرفت و از دانشگاه سن ژوزف بیروت در رشته‌ی ادبیات عرب به اخذ درجه دکتری نایل گردید.
وی مدت‌ها در دبیرستان‌های شهر زادگاهش به تدریس اشتغال داشت. سپس به تهران منتقل گردید و در پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران به تدریس پرداخت. پس از آن به عنوان محقق در کتابخانه‌ی ملی و بنیاد فرهنگ مشغول به کار شد. مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بود.
سید حسین خدیوجم سال‌هایی از عمر خود را به تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مختلف دنیا، به ویژه کشورهای عربی گذراند.
از استاد خدیوجم بیش از سی جلد کتاب در زمینه تحقیق و تصحیح و ترجمه به جا مانده است. وی از محققان آثار غزالی در ایران بود و مهمترین اثرش در اینباره تصحیح و ترجمه‌ی احیاء علوم الدین غزالی است در هشت جلد که برای آن پانزده سال عمر صرف نمود.
از آثار اوست: تصحیح کیمیای سعادت (در دو جلد)؛ جواهر القرآن و وجد و سماع (از امام محمد غزالی)؛ تصحیح حقایق الاخبار ناصری (تألیف محمد جعفر خورموجی)؛ احیاء علوم الدین غزالی (ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، در هشت مجلد، 1359 -1351)؛ ترجمه احصاء العلوم (ابونصر فارابی، 1348)؛ ترجمه آن روزها (ترجمه کتاب الایام اثر طه حسین، 1348)؛ عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره (از عمر فروخ، 1342)؛ هم آهنگی مردم (از احمد بن ابی یعقوب اسحاق یعقوبی، 1343)؛ استخراج آب‌های پنهانی (از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرجی، 1345)؛ روز مادر (با همکاری مهستی بحرینی، 1342)، گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری (از طه حسین، 1344)؛ کوشش در چاپ کتاب روضه خلد (از مجدالدین خوافی و به تصحیح مهدی فرخ، 1345)؛ کتاب از نظر شاعران و نویسندگان (1345)؛ روش صحیح نسخه‌های خطی

(از صلاح‌الدین المنجد، 1356)؛ مفاتیح العلوم (از ابوعبدالله محمد بن یوسف کاتب خوارزمی، 1346)؛ جبر و مقابله (از محمد بن موسی خوارزمی 1348)؛ مسیر طالبی یا سفرنامه‌ی ابوطالب خان اصفهانی (1352)؛ معجم شاهنامه (تألیف محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، 1353)؛ واژه‌نامه‌ی حافظ (1359)؛ وی همچنین در چاپ کتاب هفتاد سالگی فرخ در سال 1344 با مجتبی مینوی همکاری داشت.
خدمت مطبوعات را از سال 1340 آغاز کرد و با نشریه‌های «سخن»، «نگین» و «راهنمای کتاب» همکاری داشت. به عربی، انگلسی و تا حدودی فرانسوی نیز آشنا بود و به بیشتر کشورهای اروپایی و عربی و شمال آفریقا سفر کرد.
حسین خدیوجم در مشهد درگذشت و پیکرش در کنار بقعه‌ای که مشهور به گور غزالی است به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خرازی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن خرازی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
زندگینامه علمی
آیت‌الله سید محسن خرازی در سال 1316 هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران ونیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بازار را رها کرد و به حوزهٔ درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرّز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال 1336 به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیماندهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دورهٔ سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال 1341 به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذّب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی

رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایة الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه‌آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال 1341 به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیسس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال 1343 هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزة همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدة حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و

نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود 20 سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال 1359 به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خراسانی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وی در تهران متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح نزد والد ماجد و دیگران از اعلام تهران به قم مهاجرت کرده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و دیگران کسب فیض نموده آنگاه به تهران مراجعت و در مسجد مرحوم حاج شیخ عبدالحسین (مسجد آذربایجانیها) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و گفتن درس اخلاق پرداخته تا در سال 1391 ق که از دنیا رفته است.
از تألیفات ارزنده و آموزنده آن جناب است کتاب (سفینه النجاه) فی المهلکات و المنجیات در چندین مجلد که در سال 1369 قمری بطبع رسیده است.
از باقیات الصالحات آن مرحوم است: فرزند ارجمندش حجةالاسلام حاج شیخ محسن خراسانی که سال‌ها در قم کسب علم و فضلیت نموده و پس از فوت مرحوم والدش بجای ایشان در مسجد مزبور بامامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج شیخ محسن خراسانی از فضلاء معاصری است که بعلم و تقوا و متانت و اخلاق حمیده موصوف و بهترین یادگار و خلف صدق و صالح آن پدر بزرگوار است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل خراسانی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح 4 رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسی ارشد فلسفه وکلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود 8 سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و8 سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی ، دارای مقاله دردائرة المعارف قرآن کریم وتألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد 15سال .

خراسانی، عبدالجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نوازنده و دانشمند. معروف به مدرس کبیر. از دانشمندان بنام اصفهان بود و شاگردان و مریدان زیادی داشت. بنا به قول گوبینو وزیر مختار فرانسه در ایران در کتاب «سه سال در آسیا»، وی در موسیقی خیلی ورزیده بود و تار را خیلی خوب می‌نواخت. ولی به جهت حرمت موسیقی هنر را مکتوم می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (385/1)، سرگذشت موسیقی (19/1)، شرح حال رجال (238/2) المآثر و الآثار (183).

خراسانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین فرزند عالم ربانی و خطیب سبحانی حاج شیخ محمدعلی خراسانی نجفی از افضال وعاظ و گویندگان حوزه علمیه نجف اشرف می‌باشند. وی در روز سوم جمادی‌الثانی سال 1345 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در حجر تربیت پدر بزرگوارش پرورش یافته قرآن را در مدت شش ماه نزد خواهرش آموخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید آنجا فراگرفته است.
و از همان اوان کودکی ابیاتی را که والده‌اش صبیه مرحوم حاج شیخ مهدی کاشانی مقسم شهریه مرحوم آقا سید محمدکاظم یزدی به او آموخته بود در منابر قرائت کرده و مورد تشویق و تحریص ایشان به منبر رفتن می‌گردید تا در سن 14 سالگی اشتغال به این امر داشت و والد مرحومش ایشان را ترغیب به تحصیل علم می‌نمود.
پس مقدمات و سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر شیرازی و برادر گرامیش حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده و آقای شیخ علی‌اکبر کرمانی و آقا شیخ علی میامه‌ای و حاج شیخ ذبیح‌اللّه قوچانی و حاج سید احمد اشکوری داماد آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و حاج سید علی قوچانی و حاج شیخ محمد حسین دهاقانی و حاج شیخ فاضل استرآبادی و حاج سید محمد حسن شیرازی نوه میرزا بزرگ شیرازی و حاج سید سجاد علوی گرگانی و آقاسید محمدباقر محلاتی خوانده و پس از آن به درس خارج فقه و اصول و تفسیر آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله المعارف شرکت و استفاده نموده و بسیاری از دروس ایشان را در فروع علم اجمالی و بسیاری از کتاب صلوه وصوم و زکوه و حج و غیر آنها را به رشته تحریر درآورده و نیز یکدوره کامل اصول ایشان را نوشته و یک دوره دیگر به صورت حاشیه بر دوره اول مرقوم داشته و همینطور از اساتید دیگری که از آنها استفاده نموده آیات یاد شده زیرند:
1- آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم آملی
2- آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی
3- آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی
4- آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی
5- آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم

6- آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی
7- آیت‌اللّه حاج سید محمد هادی میلانی
8- آیت‌اللّه حاج سید نصراللّه مستنبط
داماد بزرگ آیت‌اللّه الظمی خوئی که غالب تعطیلی‌های ماه رمضان و ایام عاشوراء و غیره از ایشان استفاده نموده است. و ایشان در ضمن تدریس سطوح در ایام عاشوراء و غیره در منازل آیات عظام منبر رفته و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر معارف و مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام نموده و ایفاء وظیفه می‌نمایند.
برادر بزرگوارشان جناب حجة‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظ زاده که حدود بیست سال از ایشان بزرگتر و اکنون حدود هشتاد و هفت سال از سن مبارکشان می‌گذرد در نجف اشرف اقامت و به وظایف دینی و روحی اشتغال دارند و آن جناب از شاگردان مرحوم آیت العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی می‌باشد.
و ایشان نیز مانند والدشان از طریق منبر ایفاء وظیفه نمودند و مردم را متوجه به خاندان رسالت علیهم‌السلام می‌نمایند و ایشان دارای سه فرزند روحانی می‌باشند.
1- میرزا احمد که در قم اشتغال به تحصیل دارند.
2- آقا شیخ قاسم و آقا شیخ علی که این دو در نجف اشرف اشتغال به تحصیل علم و کمال دارند.
مترجم محترم پس از تسفیر به ایران از طرف بعث شوم عراق چندی در قم اقامت و چندین سال است که رسما در مشهد مقدس اقامت نموده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خراسانی، عبدالکافی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، کاتب. وی اهل خراسان بود و چنان که در مطاوی کتاب «اسکندر نامه» برمی‌آید، این کتاب را وی از روی چند نسخه استنساخ کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (729)، سبک شناسی (131 -128 / 2).

خراسانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی خراسانی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال تحصیلی 68-69 پایه دهم حوزه را به پایان رساندم و سپس در دروس خارج شرکت کردم همزمان با اشتغال به دروس پایانی دوره سطح در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت می‌کردم . در همین سالها دوره عالی زبان انگلیسی موسسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات را به پایان رساندم.در سال 70 به دعوت نماینده مقام معظم رهبری در امور اهل سنت بلوچستان به زاهدان رفتم و به مدت 5 سال مدیریت مدارس دینی اهل سنت بلوچستان را عهده دار بودم در این سالها به اقتضای مسوولیت با متون درسی اهل سنت آشنائی اجمالی پیدا کردم .
همچنین چند متن آموزشی از جمله «آشنائی با انقلاب اسلامی» و «آشنائی با اخلاق اسلامی» و «آشنائی با مذاهب اسلامی»را به عنوان درسهای جنبی مدارس اهل سنت تدوین و تنظیم کردم . در این سالها برخی از اشتغالات دیگر علمی همچون حضور در همایش‌های وحدت نیز وجود داشت.در اسفند 76 به قصد ادامه تحصیل و پژوهش به قم مراجعت کردم و از همان تاریخ فعالیت پژوهشی خود را با مسئولیت گزینش مدخل‌های دائره المعارف آغاز کردم و پس از مدتی در سال 77 مسئولیت بخش تدوین مقالات دائره المعارف و جانشین ریاست دائره المعارف را عهده دار شدم .
در این سالها که طرح دائره‌المعارف قرآن کریم در مرکز مطرح شده بود ، آن را سازماندهی کردم و ضمن کار مسئولیت علمی هیأت‌های تحریریه را به مدت 3 سال مستقیما عهده دار بودم از سال 80 مدیریت دائره‌المعارف قرآن کریم را عهده دار شدم قابل ذکر است که دائره‌المعارف قرآن کریم بزرگترین دائره‌المعارف قرآنی و اولین دائره‌المعارف در جهان اسلام است که پیش‌بینی می‌شود در 25 جلد

منتشر شود.در سال 83 مدیریت مرکز فرهنگ و معارف قرآن که بزرگترین مرکز قرآن پژوهی در کشور است را عهده دار شدم و همزمان مسئولیت گروه دائرالمعارف‌ها و نیز گروه تفسیر موضوعی را به عهده دارم. این مسئولیت‌ها همچنان ادامه دارد.

خراسانی، محمد جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم زاهد متقی، از ائمه‌ی جماعت اصفهان، در 25 رجب 1271 متولد، و در 1352 وفات یافته، در تخت فولاد نزد قبر پدر مدفون گردید.
آقای حاج شیخ مهدی نجفی، عالم زاهد جلیل معاصر درباره‌ی او می‌فرماید: لم ار مثله فی الوثاقة و الجلالة و العبادة.
مشار الیه از جمله کسانی است که به شرف زیارت حضرت بقیة الله الاعظم امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - مشرف گردیده است.
وی را تألیفاتی است: 1- رساله ای در شرح حال جد و پدر خود، مختصر 2- رساله ای در تعبیر خواب 3- رساله ای در رویاهای صادقه و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد حسین بن العالم العلام الشیخ محمد علی خراسانی در اوائل جوانی از خراسان مهاجرت به تهران نموده و پس از خواندن اولیات و سطوح عالیه از محضر علامه آشتیانی بزرگ و اعلام دیگر استفاده کرده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و مورد توجه دانشمندان و مردم تهران گردیده و در مدرسه مروی حوزه تدریس سطوح و متون فقه و اصول داشته و کثیری مانند مرحوم علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و دیگران از وی استفاده نمودند و در مسجد حاج سید عزیزاللّه بازار اقامه جماعت و ترویج دین و نشر معارف جعفری در منبر می‌کردند تا در سال 1347 ق که مشرف به مکه برای مناسک حج گردیده و بعد از فراغ از اعمال و مناسک حج در 17 ذی‌الحجه دعوت حق را لبیک گفته و در جوار خانه خدا در مقبره حضرت ابیطالب علیه‌السلام بخاک رفته است هنیئا له و طوبی له.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر خراسانی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1353 در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال 67 وارد حوزه علمیه که 6 سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و از سال 1373 وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی(ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال 79 در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور

بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خراسانی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدجواد بن المرحوم حجةالاسلام و العالم العلام الشیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ (محولاتی) خراسانی از علماء ابرار معاصر تهران است.
وی در سال 25 ماه ربیع‌الاول 1331 ق در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و حجر مادر علویه‌اش صبیه مرحوم سید المحدثین آقا سید محمد محولاتی واعظ مشهد مقدس پرورش یافته و دوران تحصیل را تا سطوح در مشهد مقدس نزد ادباء و فقهاء آنجا خوانده و در سال 1351 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بزرگ آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه آقا میرزا آقا اصطبهاناتی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حسین بروجنی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و مقداری آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی استفاده نموده و در سال 1361 ق به ایران مراجعت و قریب یکسال و نیم در مشهد و محولات توقف و در سال 1363 ق منتقل به تهران و تاکنون که سال 1394 قمریست در خیابان جوادیه (سر آسیاب دولاب) اقامت و در مسجد (حوادیه) آن به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تألیف کتت مفیده اشتغال دارند.
تألیفات و آثار علمی معظم له از این قرار است:
1- تفسیر مبسوطی از قرآن مجید 2- کشف الایات 3- کشف اللغات و تفسیر لغات قرآن ببعض دیگر 4- کشف مطالب الایات 6- کشف مطالب القرآن 6- ظواهر الاثار در اخلاق 7- نخبه القضاء 8- ترجمه حدیث اهلیلجه 9- مقتل الحسین علیه‌السلام 10- تاریخچه احوال حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم 11- اربعینیات 12- خلاصه وقایع و علائم ظهور 13- منظومه در اصول عربی 14- شرح منظومه مذکور 15- تقریرات اصول 16- رساله در بحث از تقلید اعلم 17- رساله‌ای در طلب و اراده و دفع شبهه حبر 18- منظومه عربی در رجال موافق خلاصه علامه مطبوع 19- دیوان عربی در مدایح و مراثی اهلبیت عصمت علیهم‌السلام 20- دیوان فارسی در تظلم بحضرت ولی عصر (عجل) و پندیات 21- البدعه و التحرف یا آئین تصوف مطبوع 22- رضوان اللّه اکبر در نقض خرابات و خانقاه مطبوع 23- حجت قوی در ابطال مثنوی 24- مهدی منتظر مطبوع 25- معارف الشیعه که از بهترین تألیفات معظم له و جامعه تشیع است نظما و

شرحا چاپ افست و ده‌ها رساله دیگر عربی و فارسی.
سنت سنیه آن جناب
از سنن سنیه ایشان تشرف به مشهد مقدس است پیاده که چند سال است با عده‌ای از مؤمنین و علاقمندان اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام از تهران حرکت و حدود چهل شبانه روز در راه و ترویج عملی و لسانی نموده و در تمام منازل اقامه جماعت و تبلیغ احکام فرموده تا به مشهد مقدس و بدون تظاهرات دو سه روزی توقف و مراجعت می‌کنند.
نگارنده گوید: گرچه مادیون و اهل دنیا و یا مردم قشری این روش را نمی‌پسندند و می‌گویند عصر فضا و جت و کیهانست و باید هر کاری را برقی انجام داد ولی غافلند از این که سیر الی اللّه و هجرت بسوی حق هرچه رنج و تعبش بیشتر باشد ثواب و اجرش زیادتر است.
در حالات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصا حضرت امام حسین مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهماالسلام مسطور و ماثور است که بیش از بیست مرتبه به حج مشرف شدند و با داشتن همه گونه وسیله آن روز خود پیاده می‌رفتند، تا جائیکه قدم‌های مبارکشان در اثر پیاده‌روی و تصادف با خار مغیلان و غیره مجروح می‌شد و وقتی اصحاب علت تحمل این مشقت را می‌پرسیدند پاسخ (افضل‌الاعمال احمزها) می‌شنیدند و چه خوب گفت حافظ شیرازی.
در بیان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور
اوتاد و ابدال و رجال الغیب مسافرتهای مشاهد مشرفه را ماشیا حافیا انجام می‌دهند. حقیر در ماه رمضان سال 1368 ق که در دامغان بودم مرد نابیناء حافظ قرآنی را دیدم که پیاده به مشهد مشرف میشد و از آذربایجان پیاده آمده بود وقتی به او گفتم که تو نابینائی این کوهها و دره‌ها و فراز و نشیب‌ها و راه پر خطر را چگونه پیموده و میروی در جوابم گفت: (الذی خلقنی فهو یهدین) انشاءاللّه داستان او را در ذکر دامغان در جلد چهارم خواهم نگاشت.
مرگ زائر مشهد و عنایت حضرت رضا علیه السلام
مناسب دیدم در اینجا حکایتی را که آیت‌اللّه و عالم ربانی آقای حاج میرزا حسن لواسانی سلمه‌اللّه در کتاب کشکول خود ذکر کرده خلاصه آن را نقل نمایم. گوید: مرد موثقی حکایت کرد که سه نفر از جوانان ثروتمند نجف اشرف خدمت یکی از علماء مبرز که در همسایگی وی بودند رفته و گفتند پدر ما حدود چهل سال است که تنها با یک الاغ به مشهد مقدس می‌رود و پنج ماه سفرش طول میکشد و حالا دیگر پیر و ناتوان و نیروی او کاسته شده ولی باز امسال هم عازم حرکت است هر چه ما او را منع می‌کنیم که از این مسافرت با این کیفیت باز داریم قبول نمیکند خواهش داریم شما

بمنزل ما آمده و نصیحت فرمائید که از مسافرت خودداری کند زیرا می‌ترسیم در راه تلف شود پس آن عالم بمنزل آن شخص آمده و اظهار می‌کند فلانی شنیده‌ام عازم مشهد مقدس هستید می‌گوید آری انشاءالله، آقا شروع بسخن کرده مطالبی را ذکر میکند که آن مرد را منصرف نماید پس آن شخص عرض میکند فرمایش شما درست و صحیح است لکن اصرار من بر این سفر جهت دارد من عرض می‌کنم و غرض خود را میگویم و با این هدف اگر منعم می‌فرمائید نمی‌روم. فرمودند بگو پس گفت آقا جان سی سال قبل رفیقی داشتم که با او این مسافرت را انجام میدادم پس در یکی از سفرها آن مرد مریض شد و در راه فوت نمود و من متحیر بودم که او را چکنم نه آب داشتم او را غسل دهم و نه کفنی که او را کفن کنم و نه برایم به تنهائی میسور بود که او را تجهیز نمایم و ترسیدم که اگر او را همانطور بگذارم و بده و آبادی نزدیک روم و مردم را خبر کنم، درنده‌ای او را بخورد پس وی را در زیر سنگ پنهان کرده و به آبادی که سر راه بود رفتم و اهل آنجا را خبر داده و از آنها کمک خواستم گفتند حالا که شب است صبر کن صبح با تو می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم.
پس شب را در آن محل مانده و صبح باتفاق چند نفر از جوانهای آن ده آمدیم تا محل فوت او و هرچه تفحص کردیم اثری از وی نبود خیال کردم درندگان او را از زیر سنگ درآورده و برده‌اند شروع بگردش در آن بیابان کردیم و من متحیر بودم چه شده که ناگاه دیدم شخص بزرگواری در کنارم ایستاده و نفهمیدم آیا از آسمان آمد و یا از زمین و فرمود فلانی (و اسم مرا برد) برای چه ناراحت و سرگردانی. جریان را گفتم فرمود راحت باش که من دیشب او را تجهیز نموده و دفن کردم و اینهم قبر اوست و اشاره کرد به نقطه‌ای و دیدم صورت قبر است و بعد فرمود تو هم به هدف رسیدی گفتم چگونه من بمقصدم رسیدم و حال آن که هدفم مشهد و زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است فرمود اگر صاحب قبر را میخواهی که نائل شدی و اگر قبر را میخواهی برو گفتم آقا جان شما کیستید فرمود من ابوالحسن علی بن موسی الرضا هستم به شیعیان ما خبر بده که هر کدام در مسیر و طریق زیارت ما از دنیا بروند ما می‌آئیم و او را تجهیز می‌کنیم و اگر تو می‌خواهی برگرد بوطنت و اگر میخواهی برو به مشهد پس خودم را بقدم مبارکش انداختم که ببوسم پس کسی را ندیدم شروع کردم بگریه و افسوس از این که چگونه این دولت مستعجل و فیض بزرگ از دستم رفت و حالا از آن تاریخ من هر سال مشرف می‌شوم که شاید در راه اجلم برسد و به فیضی که رفیقم نائل شد منهم نائل شوم.
حالا با این کیفیت اگر شما مرا منع می‌کنید می‌پذیرم. آن عالم جلیل فرمودند خیر منعت نمی‌کنم بلکه من هم رفیق سفر شما هستم و بسیار گریست و با آن شخص مسافرت نمود چند سالی تا هر دو در راه سفر

مشهد از دنیا رفته و بفیض و هدف مقدسشان رسیدند. هنیئا لهم رزقنا اللّه زیارتهم و شفاعتهم آمین یا رب العالمین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خراسانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ثقه‌ی جلیل، و فقیه مجتهد عادل عامل، از اجله‌ی علما و فقها و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده، عمری به زهد و عبادت گذرانیده، در 1357 وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی کازرونی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خراسانی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید یوسف قاینی از علمای کاملین، و ائمه‌ی جماعت در اصفهان بوده، و تاکنون علم و روحانیت از خاندان او منقطع نگردیده.
از معاصرین سید حجة الاسلام رشتی، و معزز و محترم نزد او بوده، و در اصفهان تدریس می‌نموده.
کتب زیر از اوست:
1- حاشیه بر حاشیه‌ی ملا میرزا جان 2- حاشیه بر مدارک 3- الکواکب الضیائیة، در شرح بر زبده‌ی شیخ بهائی در اصول، در دو ملجد بزرگ.
در شب 24 ربیع الاول سال 1246 در اصفهان وفات یافته، جنب فاضل هندوی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خرده فروش کاشانی، مقصود، مولانا مقصود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 987 / 983 ق)، شاعر و ادیب. اهل کاشان بود و به شغل خرده فروشی اشتغال داشت. اما در «تاریخ نظم و نثر» و تذکره‌ی «روز روشن» وی به قریه خرده کاشان نسبت داده شده است. او برادر باقر خرده فروش غزلسرا است. در علم سیاق دست داشت و شاگرد میر حیدر معمایی و میر غیاث‌الدین منصور دشتکی بود. به آورده‌ی صاحب تذکره‌ی «روز روشن» با میر غیاث‌الدین منصور به حج و زیارت مشرف شد. مقصود کاشانی با ملا محتشم کاشانی همعصر بود و این دو قصایدی در هجو یکدیگر سروده‌اند. او سرانجام در خانه‌اش در یزد به دست دزدان به قتل رسید. صاحب «الذریعه» مقصود کاشانی خرده فروش و مقصود کاشانی متبحر در علم سیاق را یکی نمی‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (516)، تحفه سامی (268 -267)، تذکره‌ی روز روشن (759 -758)، الذریعه (1090/ 9)، فرهنگ سخنوران (870 -869)، لغت نامه (ذیل/ مقصود کاشانی)، مجمع الخواص (214 -213)، هفت اقلیم (478 -477/ 2).

خرم دل، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر ، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال 1315 ش ، و از علمای اهل سنت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده ، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است . در سال 1346 از دانشگاه تهران ، در رشته ی زبان و ادبیات عرب ، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته ، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است . در سال 1352 از همان رشته و همان دانشگاه ، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته ، و در سال 1358 به دریافت درجه ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است . سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده ی تربیت دبیر ، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال 1367 ش بازنشسته شده ، و در حال حاضر ، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد . دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی ، به ویژه قرآن ، دارای چند تالیف و ترجمه است . از جمله :
1 ـ تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است ، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزین به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم .
2 ـ نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)
3 ـ ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحرک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن ، اثر سید قطب (1906 ـ 1966 م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود ، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی ، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است . تا کنون (فروردین 1381) ، دو ، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه ، بقره ، آل عمران ، و نساء است

. (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی ، مقاله ی « خرم دل ، دکتر مصطفی » ، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزان ، 1377 ، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه) . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین
- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲
- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- دکترای کتابداری از دانشگاه تهران
- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله
- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰
- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی
- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت
- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»
- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرۀ المعارف تشیع.
تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیارند نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان

است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایرۀ المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایرة المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایرة المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پـایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیـگـر آن عـبـارتـنـد از: 1) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شـیـوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقـیـقـتـر بگوئیم ابتثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لـذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در 1364 ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران), و طبع دوم آن در 1369 ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. 2) قـرآن پـژوهی : در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در 1372 ش طبع گردیده است. 3) تـفـسیر و

تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، 1364 ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضة طبع و نشر گردیده است (1991/1411 ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علایق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیلکرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز برنمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه

قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»
برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرۀ المعارف تشیع.

خزائلی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی خزائلی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در 26 دی ماه 1334 هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال 1349) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال 1355 راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و

حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .
خارج فقه و اصول را مدت قریب 25 سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .
در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت .
طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .
نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران

رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به 30 سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان 9 سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک 16 سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خزعلی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم خزعلی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1304/1/1
آیة الله ابوالقاسم خزعلی، در سال 1304 هجری شمسی در بروجرد، از توابع استان لرستان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم غلامرضا، به شغل ندافی روزگار می‌گذراند و بسیار شیفته خاندان پیامبر (ص) بود؛ به گونه‌ای که شبها فرزند خود را به روضه‌های مخفی و منبرهای استادان با سواد آن روزگار می‌برد تا بذر عشق و محبت به قرآن و اهل بیت : در دل و جان فرزندش شکوفه بزند. اوضاع اقتصادی خانوادة آیة الله خزعلی نابسامان بود تا آنجا که مادرش، مرحوم ربابه، مجبور بود محصولات غذایی خانگی، از قبیل ترشی تهیه کند و آن را بفروشد تا کمکی برای مخارج خانواده باشد. آقای خزعلی ده ساله بود که به همراه خانواده و برخی از بستگان به مشهد مقدس مهاجرت کرد و در آنجا روزگار گذرانید. دوران تحصیل آیة الله خزعلی، در 6 یا 7 سالگی به مکتب خانة محلة «سرسوزنی» در بروجرد رفت. معلّم او فردی بود به نام «سید جعفر شیرازی» که در مسجد محلّه درس می‌گفت. با هجرت به مشهد به دبستان رفت و پس از قبولی در امتحان، در کلاس چهارم ابتدایی مشغول به تحصیل شد و همواره از شاگردان نمونة کلاس بود. پس از پایان رساندن کلاس ششم ابتدایی، به دبیرستان رفت. در آن زمان در مدارس، زبان فرانسوی تدریس می‌شد؛ وی نیز به فراگیری زبان فرانسه مشغول بود که بعدها آن را رها کرد. در سن 17 سالگی ـ هم زمان با سقوط حکومت رضاشاه و اشغال ایران از سوی متفقین ـ به کار نوشتن دخل و خرج مغازه‌ای و توزیع جنسها بین کسبه سرگرم بود تا از این راه، به امرار معاش خانواده کمک کند که ناگهان، بارقه‌های اشتیاق به علوم حوزوی و تحصیل حوزة علمیة مشهد دل و جانش را شعله ور ساخت؛ به گونه‌ای که کار و کسب را وانهاد، به تحصیل علوم دینی روی آورد. مقدمات را در حوزه مشهد فرا گرفت و برای تحصیل سطوح به سراغ استادان ممتاز آن دیار رفت. دو سال قبل از ازدواج راهی قم شد تا از محضر بزرگان آن شهر مقدس نیز بهره گیرد و

برای نخستین بار در درس خارج فقه آیةالله بروجردی (ره) و خارج اصول امام خمینی (ره) حاضر شد که این مسأله تا سالها ادامه داشت. همچنین وی در زمینة فلسفه و تفسیر نیز از استادان بسیاری در حوزه علمیه قم بهره برد. استادان و دوستان آیة الله خزعلی در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان ممتاز و وارستة بسیاری بهره برده است. نخستین استاد وی، مرحوم سید جعفر شیرازی بود که در مکتب خانه به ایشان قرآن و مسائل مذهبی را آموخت. وی از اینکه نخستین استادش یکی از فرزندان پاک حضرت زهرا 3 بوده اظهار خرسندی می‌کند و آن را به فال نیک می‌گیرد. با شروع به تحصیل در حوزة مشهد، صرف و نحو را نزد شیخ علی اکبر دامغانی فرا گرفت و کتاب مغنی اللبیب را نزد محقق قوچانی خواند. معالم و لمعه و قوانین را نزد سید احمد یزدی آموخت. رسائل، مکاسب و کفایه را نزد مرحوم شیخ هاشم قزوینی و بخشی از کفایه را نزد شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت. این دو، از استادان ممتاز حوزه علمیه مشهد در علم و عمل بودند که آثار علمی و معنوی ایشان، هنوز در میان شاگردانشان و در رشد و تعالی حوزه علمیه مشهد باقی است. آیة الله خزعلی در قم، در درس خارج فقه آیة الله بروجردی (ره) و درس خارج فقه حضرت امام خمینی (ره) شرکت کرد. وی همچنین مدتی در درس آیة الله بهجت حاضر شد و از محضر این مرد بزرگ نیز کسب فیض کرد. در بخش فلسفه، اشارات را نزد مرحوم حاج شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی خواند و در درس منظومه و اسفار علامه طباطبایی حاضر شد. آیة الله خزعلی در دوران تحصیل و مبارزه با طلاب و فضلای بسیاری همراه بود که از میان آنان می‌توان به شهید آیة الله مطهری، شهید آیة الله بهشتی و آیة الله ربانی شیرازی اشاره کرد.فعالیتهای علمی و فرهنگی آیة الله خزعلی در سالهای تحصیل و مبارزه خدمات فرهنگی و علمی شایانی به جامعه اسلامی ارزانی داشته است. مهم‌ترین خدمت فرهنگی ایشان در دورة طاغوت، تنویر افکار عمومی و آگاه کردن جوانان مستعدّ و انقلابی از خطرهای موجود، همچون جریانهای التقاطی و تز اسلام منهای روحانیت و مبارزه با جریان روشنفکری غیر متعهّد بود. وی در سخنرانیهای خود همواره بر اسلام ناب و اصیل پای می‌فشرد و جوانان را به اُنس با علما روحانیّت شیعه و پرهیز از فراگیری اسلام از دست دیگران دعوت می‌کرد. در زمینة فعالیتهای علمی، تنها اثری که از وی به چاپ رسیده، تفسیر سورة فاتحة الکتاب است. همچنین او بر شعرهای عینیّه ابن ابی الحدید دربارة امیرمؤمنان 7 شرحی نگاشته است و در زمینه‌های قرآنی نیز تلاشهایی انجام داده است. بیشتر مطالعات و فعالیتهای ایشان دربارة قرآن و نهج البلاغه است. بخش زیادی از زندگی آیة الله خزعلی به مبارزه با رژیم طاغوت مصروف شده است. او در فاجعه مسجد گوهرشاد در مشهد،

نوجوانی ده ساله بود که فردای حادثه، با پدرش در محل حاضر شده بود و خود می‌گوید فجایع رژیم پهلوی چنان بود که بر من تأثیر گذاشت و آن شب، تب کردم! از آغازین حرکتهای ایشان در مبارزه بر ضد رژیم شاه، تبلیغ در رفسنجان و افشای ماهیت شاه بر سر منبر بود که به دست‌گیری ایشان و تبعید به گناباد انجامید. در ماجرای انجمنهای ایالتی و ولایتی، آیة الله خزعلی همواره در کنار امام (ره) بود و از جمله، حامل پیام ایشان برای علمای نجف آباد شد. همچنین وی در هیجدهم فروردین ماه 1343 به دیدار امام رفت. امام (ره) به تازگی آزاد شده بود و روزنامه اطلاعات در آن زمان مطلبی نوشته بود مبنی بر اینکه امام با دستگاه شاه کنار آمده و آزاد شد. این مطلب باعث تأثر امام شده بود در جلسه‌ای که چند روز بعد در فیضیه تشکیل شده بود، آیة الله خزعلی به دستور امام بر سر منبر رفت و ماهیّت کذب مطلب روزنامه اطلاعات را افشا کرد. این سخنرانی، در آن روزگار، به دلیل حماسی و مستحکم بودن، مشهور شد. آیة الله خزعلی در طول دوران رژیم شاه، یک بار در زندان قزل قلعه زندانی شد و سه بار تبعید شد. تبعید نخست ایشان به گناوه و دامغان بود که سه سال به طول انجامید. تبعید دوم به زابل بود و در تبعید سوم پنهان شد و روی نشان نداد. در این زمان بود که حضرت آیت الله خامنه‌ای در مخفیگاه به دیدار ایشان رفته و با هم از نزدیک آشنا شدند. آیة الله خزعلی در گزارشهای ساواک، روحانی افراطی، اخلال گر طرفدار خمینی نامیده شده بود. در تبعید سوم وی پنهان شده بود تا ساواک نتواند او را دستگیر کند. در این هنگام خبر شهادت فرزندش در قم به دست او می‌رسد. آیة الله خزعلی در تشییع جنازة فرزندش شرکت می‌کند. او هرگز در تشییع فرزندش، اشک نریخت و خدا را در آن مصیبت سپاس می‌گفت. امضای آیة الله خزعلی در بسیاری از بیانیه‌ها در مرجعیت امام (ره) و لزوم مبارزه با رژیم شاه به چشم می‌خورد. همچنین وی در دوره طاغوت، همکاری نزدیکی با جامعة مدرسین حوزة علمیه قم و اعضای آن داشته است و در مبارزات آن مرکز با رژیم شاه به طور جدی شرکت می‌کرده است. از دیگر فعالیتهای او در پیش از انقلاب اسلامی، حمل پیامهای امام (ره) به آیة الله سید کاظم شریعتمداری و همچنین دریافت پاسخ آیة الله شریعتمداری به امام(ره) بوده است. حضرت آیة الله خزعلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فعالیتهای گسترده‌ای برای پیشبرد انقلاب انجام داده است. وی در این سالها، همواره یار صدیق امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیة الله خامنه‌ای بوده و همواره مردم را به پیروی از ولایت مطلقة فقیه، و شناخت هوشمندانة توطئه‌های دشمن و نیز مبارزه با خط نفاق تشویق می‌کرده است. آیة الله در طول دوران جنگ

تحمیلی بارها در جبهه‌ها حضور یافت و همواره مایة دلگرمی رزمندگان اسلام بوده است.

خسروان، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد حسین خسروان در سال 1318 در سبزوار بدنیا آمد.از آنجایی که برای ورود به مدرسه سنش به حد نساب نمی رسید پدرش سن او را چند سال بزرگتر یعنی 1313 گرفته بود.او پس از اخذ دیپلم تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه فردوسی مشهد شروع کرد و موفق به اخذ مدارک به ترتیب کارشناسی،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی شد.ایشان تا کنون حدود نیم قرن است که در آموزش و پرورش (تربیت معلم) ودانشگاهها به تدریس مشغول است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر و مادر محمد حسین خسروان دار فانی را وداع گفتند. وی جمعا چهار برادر و سه خواهر به نامهای علی رضا،علی اکبر،محمد حسین و محمد حسن و فاطمه زهرا،فاطمه صغری ،فرخ هستند.
خاطرات کودکی : محمد حسین خسروان کودکی را در سبزوار گذراند او به خواندن قران و مطالعه برخی کتابهای موجود ،مانند گلستان ،عاق والدین و غیره می پرداخت.دکتر خسروان به همراه برادران و خواهران خود در منزل به بازیهای کودکانه مشغول بودند که وی از این دوران خاطرات خوبی را بیاد دارد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد حسین خسروان در خانواده ای مذهبی که به ائمه اطهار دلبسته بودند بدنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسین خسروان از سن چهار سالگی به مکتب رفته و قرآن و آموزه های دینی و همچین چندین کتاب از جمله عاق والدین،گلستان و غیره را خوانده است.او دوران ابتدایی و متوسطه را را در سبزوار طی کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش سبزوار به امر تدریس مشغول شد.دکتر خسروان کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند.
خاطرات و وقایع تحصیل : محمد حسین خسروان از دوران تحصیل چنین خاطره ای را بیاد دارد: دوران متوسطه دوران عجیبی بود.عده ای با چاقو و پنجه بوکس به کلاس می آمدند.می بایست موی سر کوتاه باشد،سال

آخری ها زیر بار نمی رفتند.بیاد دارم که آخرین جلسه امتحان بود که رئیس فرهنگ یک سلمانی آورده بود،که در هنگام نوشتن ورقه ،سر ما را به صورت چهار راه در آوردند.
فعالیتهای ضمن تحصیل : تمام فعالیت های محمد حسین سروان در راستای تحصیل و ورزش بوده است.
همسر و فرزندان : دکتر محمد سین خسروان متاهل است.وی درباره همسرش چنین متذکر میشود:همسر من خردمند و خانه دار است. تام هم و غمش این بوده و هست که مایه آرامش باشد ،به بهداشت و غذا اهمیت زیادی قائل است. ایشان دارای دو پسر و دو دختر دارد که همگی آنها دارا تحصیلات دانشگاهی می باشد.
فعالیتهای آموزشی : محمد حسین خسروان حدود نیم قرن است که در کسوت معلمی و استادی به تدریس می پردازد. او تا کنون بیش از 200 رساله کارشناسی ارشد و دکترای را راهنمایی کرده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد حسین خسروان در کنار تدریس به تحقیق و مطالعه در زمینه های ادبی و غیره می پردازد.
همفکران فرد : دکتر خسروان خود را با همکاران دانشگاهی خود همفکر می داند.
چگونگی عرضه آثار : محمد حسین خسروان بیش از 30 جلد کتاب و مقاله متشر کرده است. ----------

آثار :
1 افسانه خیر و شر
ویژگی اثر : تالیف
2 اوج و انحطاط سبک هندی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدحسین خسروان ناشر: سخن گستر - 1383.این کتاب چکیده رساله دکتری دکتر خسروان است
3 تو نیکی می کنی و در دجله انداز
ویژگی اثر : تالیف
4 خزان و بهار
ویژگی اثر : این اثر مثنوی گرانقدر را نیز با تهیه چند نسخه خطی به بازار عرضه شد.مطالب و حکایت بسیار نغز و ارزنده دارد.نثر شیوا و روان است.
5 داستانهای باستان
ویژگی اثر : تالیف
6 گلشن توحید
ویژگی اثر : نسخه خطی بود که بر اثر تلاش فراون چند نسخه خطی از

کتابخانه های اینجا و آنجا فراهم آورده و به زیور چاپ آراسته شده.منظوم است بیتی از مثنوی مولوی است. و شاهدی "دده" در پنج بیت آن را شرح کرده است.
7 مضمار دانش
ویژگی اثر : تالیف

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین خسروپناه
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال 1345 در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال 1362 تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال 1368 در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال 1368 دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزة علمیه قم حدود 12 سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال 1374 در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال 1364 تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال1361 تا 1367 در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال 1370 در کنار تحصیل به فعالیت

پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال 1372 تا 1376 مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال 1376 تا 1378 مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال 1377 تا 1382 مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرة المعارف علوم عقلی و از سال 1379 مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال 1379 جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال 1362 در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعة الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال 1365 در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال 1371 در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خسروشاهی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد بن العلامه الورع آیه الله حاج سید مرتضی خسروشاهی از علماء اعلام معاصر تبریز است.
وی در بیست و دوم ربیع الثانی 1330 ق در تبریز متولد شده و در مهد علم و شرف تربیت یافته و سطوح را در تبریز نزد والد خود و مرحوم آیه الله انگجی به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی به قم مهاجرت نموده و در درس مرحوم آیه الله حایری یزدی و آیه الله حجت و بالاخص مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خونساری حاضر شده تا به مدارج علم و کمال ارتقا یافته و ضمنا سالها در حوزه علمیه تدریس فقه و اصول و کلام اخلاق نموده تا بعد از فوت مرحوم والدش به تبریز مراجعت و تا هم اکنون به اقامه جماعت در مسجد والدش و به تدریس فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروشاهی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مرتضی بن العالم الجلیل السید احمد بن العلم العلام و الحجه الاسلام محمد بن العلامه السید علی ابن آیه الله السید ابوالحسن خسروشاهی از علماء اعلام و مجتهدین عظام آذربایجان و تبریز بوده‌اند، معظم له در تاریخ 14 شوال 1299 قمری در نجف الاشرف متولد شده و سپس باتفاق والد ماجدش به تبریز آمده و مشغول تحصیل گردیده و مقدمات و قسمتی از فقه و اصول را در تبریز فراگرفته و در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیلات عزیمت به نجف نموده و پس از تکمیل تحصیل و نیل به مقام عالی اجتهاد دوباره به تبریز برگشته و دهها سال مشغول انجام وظائف علمی و معنوی از قبیل تدریس طلاب و وعظ و ارشاد در مسجد خود و امر به معروف و نهی از منکر شدند.
در سال 1313 شمسی آن جناب به اتفاق جمعی دیگر از علماء تبریز به علت مخالفت با بعضی از بدعتها به سمنان تبعید و زندانی شده و بعد از چندی آزاد و به همراهی جمعی از علماء که با وی بودند به مشهد مقدس مشرف و عده‌ای از آنها اقامت و معظم له پس از چندین ماه اقامت بنابر تقاضا و اصرار مردم آذربایجان به تبریز مراجعت نموده و در مسجد بزرگ خود به مبارزه با دشمنان اسلام پرداخته مخصوصا در زمان فتنه پیشه‌وری‌ها بدون ترس و واهمه با خطابه‌های آتشین خود وظیفه خود را در برابر خائنان و دشمنان بدین مقدس انجام دادند و این مبارزات ایشان تا اندازه‌ای توده‌ای‌ها را عصبانی و ناراحت نمود که تصمیم قتل ایشان را گرفتند که در روز (عید خون) که بنا داشتند عده‌ای از علماء و رجال آذربایجان را بکشند ایشان را هم بقتل آورند که شب معهود بلطف پروردگار پیشه‌وری و یارانش فرار و آن فرقه مضمحل گردیده و آقایان مذکور از خطر آزاد شدند.
سید مرتضی متولد 1299 ق بن العالم الجلیل حاج سید احمد آقا از علماء طراز اول و فقهاء طبقه اولای تبریز عالمی تقی نقی و فاضل و فقیهی بارع و جامع و در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفظ قوانین دینیه و نوامیس شرعیه و حرمات الهیه متعصب و خشن بوده‌اند، آن جناب در ششم ماه رجب 1372 ق بدرود حیات گفت و از خود آثار چندی از تألیفات و پسران دانشمندی بجای گذارد.
تألیفات آن جناب

1- فوائد الافهام فی شرح قواعد الاحکام که جلد طهارتش تمام شد.
2- نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب.
3- اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر که به طبع رسیده است و چندین رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خسروی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد خسروی همدانی فرزند مرحوم علی حسین از فضلاء مبلغین و دانشمندان بنام حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و دانش و ولایت و بینش آراسته و موصوفند.
ایشان در سال 1341 قمری در سایان در جزین همدان متولد شده و در محل خود پس از خواندن دروس فارسی اشتغال به علوم عربیت نموده و بعد عزیمت به همدان کرده و در حوزه همدان مدت 18 سال از اساتید و آیات عظام شهرستان استفاده نموده و در چهلمین روز درگذشت آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقفامه به قم آمده و با تشویق و تاکید بعضی از آیات گذشته رضوان‌اللّه تعالی علیه وآیت‌اللّه العظمی گلپایگانی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ راضی نجفی تبریزی استفاده نموده و از راه منبر و تبلیغ احکام اسلام و معارف فقه اهل بیت علیهم‌السلام خدمات بسیاری در قم و یزد و همدان و سایر نقاط نموده و می‌نماید.
نگارنده گوید: جناب حاج آقای خسروی واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و ادیبی اریب و عالمی عامل و اهل ولایت و اخلاص به خاندان رسالت است منبری آموزنده و سازنده دارد که مستمعین و شنوندگان را تحت‌تاثیر حال و قال خود قرار می‌دهد خود می‌گرید و دیگران را می‌گریاند یا در منزل آیات عظام قم و مجالس و محافل مذهبی ایام محرم و صفر و فاطمیه و زینبیه و ماه رمضان که ماه عبادت و دعا و تبلیغ است با سخنان دلنشین خود همه را مجذوب می‌نماید مخصوص در موقع خواندن مصائب اهل‌البیت علیهم‌السلام.
چند سالی در ایام شهادت صدیقه صغراء نایبه الزهراء زینب کبری علیهاالسلام در منزل بنده سخنرانی نموده و عموم مردم خصوص دانشمندان حاضر را مستفیض می‌فرمودند.
تألیفاتی درباره چهارده معصوم علیهم‌السلام دارد که می‌فرمودند به هیچ از نوشته آثارم دلبستگی ندارم چون عمل خالص کساد است مگر اسامی شهداء کربلا روحی لهم الفداء که در مدتی که اشتغال به تشویق مؤمنین برای تکمیل کاشیکاری مسجد اعظم داشتم به خواهش حقیر از آیت‌اللّه زاده بروجردی حشره‌اللّه مع اجداده سلام‌اللّه علیهم اجمعین دستور فرمودند در دیوار مسجد به یادگار ماند که در قم سابقه نداشته که امید دارم قبل از رسیدن اجلم به فریادم برسند.

آقای خسروی دارای فرزندانی می‌باشند که یکی از آنها به نام آقا شیخ علی خسروی از طلاب و محصلین حوزه علمیه‌اند و دو نفر دیگر آنان به نام آقا شیخ مرتضی خسروی شهید جنگ تحمیلی و دیگر به نام آقا شیخ مهدی خسروی شهید و مفقود الجسد از قربانیان حوزه علمیه‌اند جزاه اللّه اجر الصابرین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

خطاط، نسرین دخت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر نسرین دخت خطاط ،مترجم و محقق زبان فرانسه ،در سال 1323 در تهران بدنیا آمد. وی پس از طی دورهای ابتدایی و متوسطه ، در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : نسرین دخت خطاط فرزند عزت الله خطاط است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت خیاط دوران متوسطه اش را در دبیرستان آزرم تهران در رشته طبیعی و در فاصله سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ سپری کرده و سپس در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه ادامه تحصیل داد. او در سال ۱۳۴۷ درجه کارشناسی اش را از همین دانشگاه دریافت کرد و در فاصله سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته زبان و ادبیات فرانسه، در مقطع فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۶۲ تحصیل در مقطع دکترا را در همان دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی آغاز کرد و درسال ۱۳۶۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دکترای زبان و ادبیات فارسی اش را دریافت کرد. موضوع پایان نامه او، بررسی یکی از رمان های گوستاو فلوبر نویسنده مشهور قرن ۱۹ فرانسه است که در ایران او را بیشتر به واسطه کتاب «مادام بوآری» می شناسندهم دوره ای ها و همکاران : نام نسرین دخت خطاط همچنین نام مهوش قدیمی، همکار و یار قدیمی اش را به یاد می اندازد. این دو توانسته اند با همکاری و همیاری یکدیگر آثار بسیارخوب و وزینی را در عرصه ادبیات پژوهش تدوین و ترجمه نمایند که «تاریخ ادبیات فرانسه» (جلد پنجم: قرن بیستم) پیدایش رمان فارسی نوشته کریستف بالایی از آن جمله استمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی نسرین دخت خطاط به قرار زیر

است: استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی نائب رییس انجمن ایرانی زبان و ادبیات فرانسه سردبیر نشریه PLUME (قلم) عضو هیات تحریریه مجله پژوهشی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی سمت فعالیتهای آموزشی : نسرین دخت خطاط» از سال ۱۳۵۴ در دانشگاه شهید بهشتی یا همان دانشگاه ملی به تدریس واحدهای درسی رشته زبان و ادبیات فرانسه و درس های ذیل پرداخت: - تاریخ ادبیات، - نقد ادبی ، - امثال و تعبیرات، - مکالمه متون نظم و نثر، و نویسندگان بزرگ معاصر پرداخته است که این همکاری همچنان ادامه دارد و بسیاری از شاگردان او حالا از مترجمان و محققان به نام هستند. او هم اکنون با سمت استادیار در دانشگاه شهید بهشتی مشغول تدریس است و در نهمین کنگره جهانی استادان زبان فرانسه در کشور ژاپن که در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، با ارائه مقاله ای در باره این زبان شرکت داشت و عضو هیأت برگزارکننده این کنفرانس بود. معروفترین مقالاتی که تاکنون از او به چاپ رسیده اند عبارتند از: - آموزش ادبیات فرانسه، تألیف لقمان، ۱۳۷۱- تألیف روش سمعی و بصری، تألیف لقمان ، ۱۳۷۱- روش آموزشی متون ادبی ، رشد ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی می باشد که در در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد (تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی) به تدریس می پردازد. وی همچنین استاد راهنما در پروژه های مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد(ادبیات فرانسه و تطبیقی در زمینه نقد مضمونی ، تخیل و زبانشناسی) می باشد. آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی زبان و ادبیات فرانسه و تطبیقی: تاریخ ادبیات، نقد ادبی، تحلیلی ادبی، ترجمه ادبی جوائز و نشانها : - مؤلف برجسته و نمونه سال ۱۳۷۱ منتخب از سوی دانشگاه الزهرا - تقدیر از طرف دانشگاه شهید بهشتی بخاطر کتاب نقد ادبی در سال ۱۳۷۴چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات و ژورنالهای علمی : بیش از 21 مقاله نسرین دخت خطاط» تاکنون کتابهای متعددی را نیز در زمینه ادبیات و ادبیات پژوهشی منتشر نموده که معروفترین آنهاعبارتند از: «فرانسه نیمه تخصصی جلد یک و دو (با همکاری) این دو کتاب را مرکز نشر دانشگاهی در سالهای ۱۳۶۳ منتشر کرد که در سال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ شد. از دیگر کتابهای او می توان به کتاب «امثال و تعبیرات» اشاره کرد که با همکاری دیگر نویسندگان توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۵ چاپ شد و درسال ۱۳۷۶ مجدداً چاپ گردید. نقد ادبی ، آموزش سمعی و بصری، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم ، پیدایش رمان معاصر از دیگر کتابهای مشهور اوست. از دیگر کتابهای مهمی که درچندساله اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی منتشر شده است و

نسرین دخت خطاط نقشی کلیدی در پدیدآمدن آن ایفا نموده کتاب و یا به عبارت بهتر فرهنگ توصیفی نقد ادبی است که فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده و روانه بازار کرده استآثار : 1 آموزش زبان فرانسه به روش سمعی و بصری ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی 2 امثال و تعبیرات، ترجمه تاریخ ادبیات قرن بیستم (ترجمه) ، پیدایش رمان فارسی (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم -کتاب «پیدایش رمان» فارسی ازجمله کتاب های اثرگذار در سالهای اخیر در عرصه ادبیات پژوهشی است. کتابی که در سه بخش تدوین شده است و این بخش ها عبارتند از: «پیدایش رمان فارسی»، «رمان در اواخر قرن نوزدهم» و «رمان در قرن بیستم» در این کتاب کریستف بالایی تلاش می کند تا با مطالعه ای تطبیقی ادبیات فارسی را با ادبیات ترک، عرب و ادبیات پنجاب مقایسه نموده وجوه مشترک آنها را بررسی کند. او نحوه پیدایش رمان های تاریخی را ملهم از رمان های اروپایی می داند و بحران های سیاسی، اجتماعی و روشنفکری ادبیات نوین ایرانی را از ابتدای قرن نوزدهم میلادی ارزیابی می کند. او در بخشی از کتاب می نویسد: «خسروی حقیقتاً تحت تأثیر آثار الکساندر دوما _ کنت دو مونت کریستو و سه تفنگدار، که به فارسی ترجمه شده بودند قرار دارد... جالب آن است که بسیاری از مشروطه طلبان این دوره همچون نویسنده [خسروی] فوق از خاندان مستبد قاجاری، شاهزادگان و اشراف زادگان هستند. او به همین دلیل مجبور به اختفا و سپس تبعید می شود.»4 پیدایش رمان معاصر (ترجمه) ، تاریخ ادبیات فرانسه ویژگی اثر : (جلد پنجم: قرن بیستم) نوشته پیربرونل و ایوه بلانژه، وانیل کوتی، فیلیپ سلیه و میشل تروفه، از زبان شناسان و محققان برجسته فرانسه است که نسرین دخت خطاط چنانکه پیش از این آمد آن را به همراه دکتر مهوش قویمی یار دیرینه و همکار آشنای خود ترجمه کرده است. کتاب مذکور که کتابی درسی نیز محسوب می شود توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در پاییز به چاپ رسید. کتاب فوق ترجمه پنجمین و آخرین بخش از یک دوره کامل «تاریخ ادبیات فرانسه» اثر پیر برونل و همکاران او محسوب می شود که بخش های پیشین آن را مترجمان و محققان دیگری ترجمه کرده بودند.6 فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : این کتاب که از فرانسه به فارسی است و نسرین دخت خطاط آن را به همراه ژاله کهنمویی پور گردآوری کرده است و کتاب را مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران در قطع وزیری به چاپ رسانده است.7 نقد ادبی ویژگی اثر : سمت، چاپ پنجم8 نقد ادبی ، فرانسه نیمه تخصصی

خطی بحرانی، ابوالبحر جعفر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1028 ق)، ادیب و شاعر. در قطیف متولد شد، به بحرین رفت و از آنجا به اصفهان سفر کرد و نزد شیخ‌بهایی تحصیل کرد. ابوالبحر در شیراز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (124/2)، اعیان الشیعه (158/4)، الذریعه (299/9)، ریحانه (143 -142 /2)، لغت نامه (ذیل/ جعفر)، معجم المولفین (146/3).

خطیب

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دمشقی. جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن شافعی قزوینی خطیب جامع دمشق و دانشمند (ف. 739 ه.ق.) از آثار او تلخیص المفتاح و ایضاح است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

خطیب اسکافی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 421/420 ق)، فقیه، ادیب و لغوی. در اصفهان متولد شد. وی نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و در این فن سرآمد و همچنین در نحو و لغت و ادب نیز مشتهر. به گفته سمعانی، ابتدا از اصحاب رای بود و پس از آن اصحاب حدیث شد. خطیب از ابوبکر قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید و ابومنصور سمعانی از وی روایت می‌کرد. از آثارش: «مبادی اللغه العربیه»؛ «نقد الشعر»؛ «لطف التدبیر فی سیاسه الملوک»؛ «دره التنزیل و غره التاویل فی الایات المتشابهه»؛ «شواهد سیبویه»؛ «غلط کتاب العین»؛ «العزه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (102/7)، ریحانه (144 -143 /2)، کشف الظنون (1973، 1579، 1555، 1428 -691)، لغت نامه (ذیل/ خطیب)، معجم الادباء (215 -214 /18)، معجم المولفین (211/10)، الوافی بالوفیات (337/3)، هدیه العارفین (64/2).

خطیب تبریزی، ابوزکریا یحیی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(502 -421 ق)، ادیب لغوی و شاعر. معروف به خطیب. در تبریز متولد شد و در بغداد ساکن. ابوالعلاء معری، ابوالقاسم الرقی، ابومنصور جوالیقی و ابوبکر احمد بن علی، صاحب تاریخ بغداد، از استادان او بودند. در جوانی سفری به مصر کرد و پس از چندی به بغداد بازگشت و به تدریس و تولیت کتابخانه و ریاست علوم ادبی نظامیه آن شهر مشغول شد. در بغداد درگذشت. از آثار وی: شرح «حماسه‌ی» ابی‌تمام؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «شرح سقط الزند»؛ «تهذیب غریب الحدیث»؛ «الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «الملخص»؛ «تفسیر القرآن و الاعراب». [1]
تبریزی، ابوزکریا یحیی بن علی بن محمد شیبانی از بزرگان لغت و ادب عرب (و 421- ف. 502 ه.ق.). اصل وی از تبریز است ولی در بغداد نشو و نما یافت و به مصر رفت و سپس به بغداد بازگشت و بدانجا درگذشت. از کتب او شرح دیوان الحماسة لابی تمام در 4 جزو بزرگ، تهذیب اصلاح المنطق لابن السکیت، شرح سقط الزند للمعزی، اعراب القرآن و غیره است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (197/9)، تاریخ ادبیات در ایران (1038/2)، دانشمندان آذربایجان (39 -37)، دایرةالمعارف فارسی (906/1)، ریحانه (146/2)، سیرالنبلاء (271 -296 /19)، الکامل (258/8)، کشف الظنون (770، 812، 992، 1330، 1377، 1563، 1740- 1741، 1808، 1991)، الکنی و الالقاب (108، 446، 692)، وفیات الاعیان (196 -191 /6)، هدیه العارفین (519/2).

خطیب رهبر، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر خلیل خطیب رهبر در سال 1302 هجری خورشیدی در شهر کرمان دیده به جهان گشود.ایشان در سال 1336مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کرد.در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال 1345 به درجه استادی ارتقاء یافت. وی در سال 1359 پس از 37 سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تصحیح کتاب "مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : خلیل خطیب رهبر تحصیلات ابتدائی و دوره دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند و در سال 1324 برای ادامه تحصیل در دانشسرای عالی به تهران آمد. در سال 1328 بارتبه اول به احراز درجه لیسانس در رشته زبان فارسی و گرفتن مدال درجه اول علمی نائل آمد و به دبیری پرداخت. در سال 1336 به اخذ درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی سرافراز گشت
استادان و مربیان : خلیل خطیب رهبر در سالهای تحصیل در دانشکده ادبیات، علاوه بر استفاده از محضر استادان بزرگ دانشگاه تهران از قبیل استاد فقید همایی، از محضر شادروان استاد محمدعلی ناصح رئیس دانشمند انجمن ادبی ایران بهره ها برد و در مدت سی و هشت سال آموزش در محضر استاد ناصح، بسیاری از متون نظم و نثر کهن را آموخت و از ذهن توانا و طبع وقاد استاد در حل مشکلات یاری جست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خلیل خطیب رهبر در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال 1345 به درجه استادی ارتقاء یافت. در سال 1359 پس از 37 سال خدمت آموزش به افتخار بازنشستگی نایل آمد
جوائز و نشانها : خلیل خطیب رهبر در سال 1328 بخاطر احراز رتبه اول در مقطع لیسانس در رشته زبان فارسی مدال درجه اول علمی را از آن خود کرد.همچنین تصحیح "مرزبان نامه " ایشان ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان

کتاب سال برگزیده شد. ----------

آثار :
1 تصحیح دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی
2 تصحیح گلستان سعدی
3 تصحیح مرزبان نامه
ویژگی اثر : این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره سوم انتخا کتاب سال می باشد.-آشنایی با کتاب: «مرزبان نامه» یکی از آثار ارزنده نثر فنی فارسی، باز نگاشته خامه نویسنده و گوینده و ادیب توانا سعدالدین وراوینی است که در نیمه اول قرن هفتم میان سالهای 622 – 617 از گویش طبری باستان به زبان پارسی دری آراسته به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی امثال و اخبار نقل شده پس از دویست و اندسال که از تاریخ تألیف آن توسط مرزبان بن رستم، یکی از شاهزادگان طبرستان می گذشت، در جامه نو به منصه ظهور آمد. مرزبان نامه از لحاظ شیوه نثر نویسی، پیرو سبک نصرالله بن عبدالحمید منشی ترجمان کلیله و دمنه از عربی به فارسی است. مرزبان نامه دارای یک مقدمه و نه باب است. شیوه داستان پردازی در مرزبان نامه، همان شیوه معهود در ایران و هند. یعنی بیان پند و انتقاد از زبان جانوران و گیاهان است تا شنوندگان را نوشداروی تلخ نصیحت ناگوار نیفتد و فرمانروایان خود کامه را خرده گیری آشکار، به آزار و شکنجه اهل قلم بر نینگیزد. برای تصحیح و تعلیق مرزبان نامه، قریب هفت سال صرف وقت شده است و در 795 صفحه، در سلسله انتشارات دانشگاه شهید بهشتی نشر یافته است.
4 دو رساله در باب حروف اضافه و ربط و مقالاتی در باب مباحث دستور فارسی
5 گزیده اشعار رودکی و فرخی
6 گزینه نثر فارسی (سه جلد)
7 مجموعه ای از نثر فارسی قدیم و جدید

خطیب قزوینی، جلال‌الدین، ابوالمعالی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(739 -666 ق)، ادیب و فقیه شافعی. معروف به خطیب دمشقی. اصل او از قزوین است. وی به روم و مصر و شام سفر کرد. مدتها قاضی‌القضاه آناتولی، قاضی بلاد مصر و قاضی خطیب دمشق بود. وی اقوال اوقاف را صرف نیازمندان و درویشان می‌کرد. خطیب قزوینی شیرین‌سخن بود و به ادبیات عربی و ترکی و فارسی کاملا مسلط بود. در دمشق درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «الایضاح»، در شرح «التلخیص»، در معانی و بیان؛ تلخیص «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «السور/ الشذر المرجانی من شعر الارجانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (66/7)، تاریخ ادبیات در ایران (295 -293 /3)، روضات الجنات (81 -80 /8)، ریحانه (148/2)، کشف الظنون (210)، الکنی و الالقاب (216 -215 /2)، معجم المولفین (146 -145 /10)، مینو در (243 ،120 /2)، الوافی بالوفیات (243 -242 /3)، هدیه الاحباب (132).

خطیب کرمانشاهی، زکی، محمد زکی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 1159 ق)، عالم امامی، واعظ و ادیب. پدر و مادرش اهل سنت بودند. وی در هشت سالگی از نزد ایشان رفت و به اسماعیل خان حاکم همدان پناهنده شد و تحت نظر وی تربیت شد. وی پس از طی مراتب علمی شیخ‌الاسلام و امام جمعه کرمانشاه شد و جمع بسیاری در اثر مواعظ او هدایت یافتند. در اواخر عمرش به امر نادرشان، قاضی لشکر بود و پس از مدتی در اثر بدگویی اطرافیان به امر وی کشته شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (66/7)، ریحانه (150/2).

خطیب، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از خطبا و وعاظ و دانشمندان قرن سیزدهم هجری در اصفهان است. در 20 شوال 1296 وفات یافته، و جنب مقبره‌ی بابا قاسم، نزدیک طوقچی مدفون گردیده.
ماده تاریخ وفاتش این است:
سال وفات خطیب رفت چو هفتاد روز
هادی نام و نشان گفت خرد یا غفور
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خطیبی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین خطیبی در سال 1295 در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال 1324 موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد. خطیبی مشاغل مختلفی چون: دبیردبیرستان ، رییس کتابخانه دانشکده حقوق ؤ استاد دانشکده ادبیات تهران ، معاون و ریاست رونامه رسمی کشور ، عضو هیات مدیره جمعیت هلال احمر مرکز و... را به عهده داشته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین خطیبی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه دارالفنون ، شعبه ادبی به پایان رسانید. سپس دوره های مختلف عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال 1324 موفق به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی شد.
استادان و مربیان : ملک الشعرای بهار ، فروزانفر ، پورداوود و علی اصغر حکمت از جمله استادان حسین خطیبی بودند.
هم دوره ای ها و همکاران : حسین خطیبی از جمله نخستین کسانی بود که به همراه دکتر معین ، دکتر خانلری و دکتر ذبیح الله صفا در دوره دکترای ادبیات فارسی پذیرفته شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین خطیبی به مدت تقریباً سه سال (از سال 1320 تا 1323) رئیس کتابخانه دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران را به عهده داشت. پس از آن گذشته از وظایف دانشگاهی معاونت و سپس ریاست اداره روزنامه رسمی کشور در مجلس شورای ملی به او محول شد. استاد دکتر خطیبی از ششم شهریور ماه 1326 به سمت افتخاری مدیر عاملی شیر و خورشید سرخ سابق و هلال احمر فعلی منصوب شد و این سمت را به مدت سی و دو سال ـ تا بهمن 1357 ـ بدون دریافت هیچ گونه حقوق و پاداشی عهده دار بود که نتیجه آن احداث صدها بیمارستان و درمانگاه و زایشگاه و آموزشگاههای پرستاری و بهیاری و پرورشگاه ایتام و دیگر موسسات خیریه و امدادی بود.

فعالیتهای آموزشی : حسین خطیبی پس از اخذ لیسانس به پیشنهاد استاد ملک الشعرای بهار ساعتی چند از درس استاد به واگذار شد. او همچنین پس از دریافت درجه دکترا به دانشیاری کرسی سبک شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال 1330 که استاد ملک الشعرای بهار صاحب کرسی درگذشت ، این سمت رسماً به او واگذار گردید که آن را تا اواخر سال 1357 برعهده داشت و به این ترتیب با احتساب دورة دبیری دانشگاه که از سال 1317 آغاز شد ، جمعاً چهل سال در سمت تدریس انجام وظیفه کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین خطیبی ادیب ، روزنامه نگار و شاعر می باشد ، با آنکه در شاعری توانا و در کار نظم تبحر دارد ، هیچگاه به شعر و شاعری متظاهر نبوده است. وی دارای آثار و تالیفاتی نیز می باشد. ----------
-
آثار :
1 فن نثر در ادبیات فارسی
ویژگی اثر : جلد اول این کتاب چاپ و در دانشگاه های کشور تدریس می شود.
2 منظومه ای در چندهزار بیت در مورد زبان پر ارج فارسی

منابع :
1اثر آفرینان (زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران) ، زیر نظر: دکتر سیدکمال حاج سیدجوادی ، با همکاری: دکتر عبدالحسین نوایی ، ج 2 ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی فرهنگی ایران ، ص 3512سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، ج 2 ، قم: نشرخرم ، ص 12923شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص 326

خطیبی، حسین، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295/1294 ش)، ادیب، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان ثریا و مدرسه‌ی دارالفنون، شعبه‌ی ادبی به پایان رسانید. سپس دوره‌های مختلف عالی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی را با موفقیت گذراند و در سال 1324 ش موفق به اخذ دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. ملک‌الشعراء بهار، فروزانفر، پور داوود و علی‌اصغر حکمت از استادان او بودند. خطیبی پس از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود، از جمله: دبیر دبیرستان شرف، رییس کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، استاد دانشکده‌ی ادبیات تهران، معاون روزنامه‌ی رسمی کشور عضو هیات مدیره‌ی جمعیت هلال‌احمر مرکز. از آثار منظوم وی: «منظومه‌ای در چند هزار بیت در مورد زبان پر ارج فارس»؛ و از تالیفات او: «فن نثر در ادبیات فارسی».[1]
از دانشمندان زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه، در سال 1295 ش در تهران تولد یافت. پدرش آشیخ محمدعلی سال‌ها نایب‌التولیه و مدرس مدرسه‌ی خان مروی بود و امور مدرسه و طلاب و موقوفات را اداره می‌کرد. خطیبی وقتی به سن رشد رسید، تحصیلات خود را آغاز نمود و به کسوت روحانیت درآمد. در سال 1306 آقا شیخ محمدعلی درگذشت. تولیت و مدیریت مدرسه به دیگری واگذار شد و خطیبی به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و دیپلم خود را از آن مدرسه اخذ نمود. در سال 1313 وارد دانشکده‌ی ادبیات تهران شد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی و فلسفه دانشنامه گرفت و در 1316 که دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران تأسیس شد و عده‌ی معین، صفا و خانلری دانشجویان اولین دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی بودند. دروس دوره‌ی دکترا را در سال 1318 پایان برد و به تألیف و تنظیم رساله‌ی دکترای خود پرداخت و ظرف پنج سال تاریخ تطور نثر فارسی را به رشته‌ی تنظیم درآورد و پس از مرحوم ملک‌الشعرای بهار، اولین تحقیق درباره‌ی سبک‌شناسی در نظم و نثر فاسی به وسیله‌ی او پورداوود، علی‌اصغر حکمت، بهمنیار و فروزانفر با قید بسیار خوب پذیرفته شد و سمت وی از دبیری دانشگاه به دانشیاری تبدیل یافت و مستقلاً تدریس سبک‌شناسی را در دانشکده‌ی ادبیات عهده‌دار شد. در سال 1330 پس از درگذشت بهار، کرسی و مقام استادی وی به خطیبی تفویض گردید و از آن

تاریخ تا دوران کناره‌گیری به تدریس تاریخ تطور نظم و نثر و دستور زبان فارسی در دوره‌ی لیسانس و دکترا اشتغال داشت.
دکتر خطیبی در کنار شغل دانشگاهی، مشاغل دیگری را نیز عهده‌دار شد. چندی ریاست کتابخانه دانشکده‌ی حقوق با او بود، بعد مدیریت روزنامه‌ی رسمی کشور را عهده‌دار شد. در دوران حکومت دکتر محمد مصدق مدیرکل دفتر نخست‌وزیری بود و تا سقوط مصدق در سمت رئیس کابینه با مصدق همکاری نزدیک داشت. در سال 1342 در دوره‌ی بیست و یکم مجلس شورای ملی از لار او را به مجلس فرستادند و در همان دوره به نیابت ریاست رسید. در ادوار بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم همچنان وکیل و نایب‌رئیس اول مجلس بود. دکتر حسین خطیبی در سال 1328 مدیرعامل شیر و خورشید سرخ شد. در آن تاریخ شیر و خورشید سازمان کوچک و غیرفعالی بود. خطیبی توانست در مدتی کوتاه جمعیت مزبور را به سرعت توسعه دهد به طوری که ده‌ها بیمارستان و درمانگاه، پرورشگاه، مؤسسات خیریه و امدادی دیگر در سطح کشور تأسیس و دائر شد.
خطیبی یکی از افراد انگشت‌شماری است که با زبان‌های فارس قدیم و پهلوی آشنائی دارد. وی در میانسالی با دختر سید محمد آیت‌اللّه‌زاده کاشانی ازدواج کرد و صاحب دو دختر شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] رجال ماذندران (160/2)، سخنوران نامی معاصر (1297 -1292 /2)، مولفین کتب چاپی (733/2).

خلخالی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابراهیم بن المرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی از علماء محترم معاصر تهران است.
وی با دو برادر ارجمندش جنابان حجةالاسلام آقای حاج سید جواد و حجةالاسلام حاج سید علی کاظمی موسوی، در تهران به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
والد معظم ایشان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج سید محمد کاظم بن سید الجلیل آقا سید زین‌العابدین در حدود سال 1270 قمری هجری در قریه (کیوی) از قراء خلخال متولد گردیده و مرحوم والدش که از اجله سادات و اهل تقوا و شخص متهجد و مورد احترام مردم بوده در خدمت والد خود از تبریز مهاجرت به خلخال نموده و دارای هفت فرزند ذکور که پنج نفر از آنان از علماء مبرز و روحانیین بزرگوار با اسامی زیر بوده‌اند:
1- مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد کاظم موسوی خلخالی مترجم معظم ما.
2- مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد موسوی خلخالی مقیم و متوفی نجف (ترجمه وی در اعلام نجف خواهد آمد)
3- مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید حسن موسوی خلخالی مقیم تبریز.
4- مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید فاضل موسوی خلخالی مقیم رشت (ترجمه ایشان در ضمن ترجمه فرزند برومندش حاج سید محمد مهدی خواهد آمد)
5- مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید حسین موسوی خلخالی مقیم رشت و متوفی تهران 1393 مدفون قم.
و نامبردگان فوق هر یک در دوره حیات خود شخصیت بارز علمی و تقوائی و اجتماعی بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلخالی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321 -1251 ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و مصحح. مشروطه‌خواه و همکار سید رضای شیرازی بود که در تحریر و نشر روزنامه‌ی روزانه‌ی «مساوات» همکاری داشت. امروز خلخالی بیشتر به خاطر چاپ نسخه مورخ 827 ق «دیوان» حافظ مشهور است. وی در تهران درگذشت. آثار او: «حافظ نامه»؛ «به یکدیگر محبت کنید»؛ «حرص باعث هلاکت است» که هر دو از تولستوی است و از ترکی ترجمه شده؛ «شارل و عبدالرحمان»، اثر جرجی زیدان.[1]
عبدالرحیم (سید) نویسنده و دانشمند (ف. 1321 ه.ش./ 1361 ه.ق.). وی از آزادیخواهان و مشروطه طلبان و همکار سید محمدرضا شیرازی در تحریر و نشر روزنامه مساوات (منتسب به حزب دموکرات در تهران) بود. خلخالی دیوان حافظ را از روی نسخه مکتوب به سال 827 ه.ق. تصحیح و منتشر کرده است.
در حدود 1290 ه.ق در خلخال متولد شد. در اوایل عمر برای تحصیل به رشت مسافرت نمود و سالیان دراز در آنجا به تحصیل زبان و ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و فلسفه مشغول بود. بعد برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و تا ابتدای مشروطیت به طور نامنظم به مطالعه و تحصیل اشتغال داشت. در تهران در اثر رفت و آمد در محافل مختلف با گروه‌های سیاسی آشنا شد و برای استقرار مشروطیت به تلاش و تکاپو افتاد. پس از صدور فرمان مشروطیت به همراهی سید محمدرضا مساوات روزنامه‌ی معروف و تندرو و هتاک مساوات را دائر کردند و تحقیقاً لبه‌ی تیز حملات این روزنامه متوجه محمدعلی شاه بود و یک بار نیز کار آنها به عدلیه کشید ولی گذشت محمدعلی شاه باعث شد مدیر و سردبیر روزنامه مجازات نشوند. پس از به توپ بستن مجلس و اعلام حکومت نظامی و دستگیری عده‌ای از مخالفین حکومت، سید عبدالرحیم خلخالی به اتفاق سید محمدرضا مساوات مخفیانه از تهران فرار کردند. مساوات در تبریز به فعالیت خود علیه استبداد ادامه داد ولی خلخالی به قفقاز مسافرت کرد و در آنجا دست به فعالیت زد و مدتی نیز نزد حاج میرزا عبدالرحیم طالبوف بود و از آنجا به عشق‌آباد رفت.
در 1327 ه.ق به رشت آمد و فعالیت خود را مجدداً آغاز نمود و با معزالسلطان و پیرم و سپهدار که از سران فعالیت در گیلان بودند آشنا

شد. پس از سقوط محمدعلی شاه و فتح تهران وارد مرکز شد و به هر کدام از مخالفین محمدعلی شاه کاری داده شد از جمله خلخالی در وزارت دارائی استخدام گردید و ریاست دیوان محاسبات را به او سپردند ولی به علت عدم اطلاع وضع دیوان محاسبات را آشفته‌تر کرد و ناچار او را تغییر دادند و در خزانه‌داری سمتی به او سپردند. بعد به ریاست مالیه غار و فشاپویه منصوب شد.
در جنگ بین‌الملل اول در زمره رجال و معاریف و آزادی‌طلبان به کرمانشاه رفت و مدتی نیز در اسلامبول و کرکوک اقامت گزید تا به تهران بازگشته به شغل خود در وزارت مالیه اشتغال ورزید. در سال 1306 ش داور او را به عدلیه انتقال داد و مدتی مستشار دیوان عالی جزای عمال دولت بود. وقتی داور به وزارت مالیه رفت، او نیز همراه او به وزارتخانه‌ی مزبور بازگشت و ریاست اداره‌ی بازرسی کل را به او سپردند.
خلخالی از ادباء و علاقمندان به ادبیات فارسی بود. به حافظ ارادت خاصی داشت. یکی از نسخه‌های قدیمی دیوان حافظ که گویا سی و پنج سال بعد از وفات حافظ کتابت شده بود، در اختیار آن مرحوم بود. پس از تصحیح آن را انتشار داد. چند ترجمه نیز از نوشته‌های تولستوی فیلسوف روسی از او باقی مانده است. وفات او در سال 1321 ش اتفاق افتاد. روی همرفته مردی ادیب، باسواد، آزادی‌خواه و نیک‌نفس بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (208/4)، شرح حال رجال (262/2)، مولفین کتب چاپی (823 -822 /3)، یادگار (س 3، ش 5، ص 44 -43).

خلخالی، محمد مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد مهدی بن المرحوم آیت‌اللَّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی (متوفی سال 1346 ق در تبریز) از علماء محترم معاصر تهران است وی پس از فوت مرحوم والدش در سن چهار سالگی باتفاق والده ماجده‌اش از رشت مهاجرت به نجف اشرف نموده و در بیت علم و فضیلت مرحوم عم گرامش آیت‌اللَّه آقای آقا سید محمد خلخالی «قده» پرورش یافته و علوم مقدماتی را فراگرفته و سطوح را از محضر مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللَّه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و دروس خارج را چندی از محضر استاد بزرگ آیت‌اللَّه حاج شیخ حسین حلی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شید محسن حکیم فراگرفته و سپس از محضر آیت‌اللَّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نموده و تمحض بدروس ایشان یافته و مورد عنایت مخصوص آیت‌اللَّه خوئی مد ظله العالی از جهت فراگرفتن دقائق علمی و مبانی رشیقه معظم له قرار گرفته و مدت چهارده سال تمام از سال 1370 ق تا سال 1384 ق از بحثهای عمومی و خصوصی آن جناب برخوردار شده و در سال مزبور به تهران مسافرت نموده و بنا به تقاضای جمعی از اهالی تهران در مرکز کشور عاصمه جهان تشیع توقف نموده و اقامت ایشان در تهران موجب تاثر عمیق استاد معظم آیت‌اللَّه خوئی دام ظله گردید و در ضمن نامه تأثرات خود را بمعظم له ابلاغ داشتند زیرا وجود ایشان را در حوزه علمیه نجف اشرف لازم می‌دانستند و اکنون در تهران نیز به بحثهای علمی اشتغال داشته و در مسجد صدریه واقع در خیابان رسام میدان خراسان اشتغال به اقامه نماز جماعت و انجام خدمات دینی دارند.
دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای بشرح زیر می‌باشند.
1- یک دوره حاشیه کفایه در اصول غیر مطبوع.
2- تقریرات درس آیت‌اللَّه العظمی خوئی در مکاسب.
3- تقریرات دوره کامل اصول معظم له.
4- تقریرات درس طهارت شرح بر عروةالوثقی بنام فقه‌الشیعه که دو جلد آن بطبع رسیده و بقیه اجزاء آن آماده طبع است.
5- شرح عروةالوثقی کتاب الحج.
6- رساله‌ای در رضاع و تقیه تقریرات آیت‌اللَّه خوئی.

و اما والد معظم ایشان حضرت آیت‌اللّه آقای آقا سید فاضل موسوی خلخالی از اجله علماء و مشهور بتقوی و از شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی بودند و در سال 1337 ق پس از نیل بدرجه رفیعه اجتهاد از نجف اشرف به شهرستان رشت عزیمت نموده و مورد علاقه و توجه عموم گیلانیها واقع گردیده و در مسجد معروف حاج سمیع بامامت جماعت و تدریس اشتغال داشتند و پس از چند سال اقامت در رشت اخیراً کسالتی عارض شد و برای معالجه به تهران و سپس برای تغییر هوا به تبریز حرکت نموده و در آنجا دار فانی را در سال 1346 ق وداع گفته و مدفن معظم له در شهر تبریز در امامزاده معروف به سید ابراهیم قرار دارد.
و آثاری از فقه و اصول تقریر اساتید بزرگ و یا تألیف خود ایشان غیر مطبوع باقی گذارده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسام الدین خلعتبری لیماکی
محل تولد : تنکابن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از 20 سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی 10 سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح 3 دفاع کردم و حدود 10 سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال 1370 در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت 5 سال این دوره را به اتمام رساندم.
در سال 1373 در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال 1371 تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلیفه سلطانی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل زاهد، در 1334 وفات یافته، در صحن تکیه میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خلیفه نیشابوری، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(750 -690 ق)، مترجم. وی اهل نیشابور بوده و چنانکه دکتر شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی «تاریخ نیشابور» تصریح دارند، به سال 717 ق در تبریز بوده و در خدمت محمود بن عمر نجاتی نیشابوری، از ادیبان برجسته‌ی عصر، به تلمذ اشتغال داشته است. خلیفه تاریخ مفصل و چند جلدی نیشابور ابن البیع الحاکم را ترجمه و تلخیص کرد. این کتاب چند بار چاپ شده است که بهترین چاپ آن به وسیله دکتر شفیعی با مقدمه و تعلیقات مفصل نشر یافته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (783)، تاریخ نیشابور (47 -43).

خلیقی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1326 ق.، قریه‌ی ماسان (از توابع کامیاران).
درگذشت: 17 اردیبهشت 1362، سنندج.
ملا حسن خلیقی، فرزند عبدالخالق کوله ساره‌ای، پس از رسیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسی و عربی را در محضر پدرش آغار کرد و پس از مدتی برای کسب دانش بیشتر به قریه آفریان سفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمذ نمود. چندی بعد مجددا به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصیل، به مطالعه و تحقیق در منثوی مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که استاد مثنوی‌دان بود استفاده و به ویژه اشعاری را از مثنوی حفظ کرد، علاوه بر اشعار مولوی آثار سعدی و حافظ و متونی از کلیله و دمنه و تاریخ معجم و کتب ادبی دیگر را به خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشا ن به قریه‌ی هویه رفت و مدتی در محضر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...) را فراگرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریه‌ی دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب جمع الجوامع را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازه‌ی افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملا حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقبةالامر در مدرسه‌ی مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملا محمد مدرس گرجی اجازه گرفت و ملا عبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازه او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریه نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریتین سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریه کوله ساوه ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته اداره‌ی مدرسه و قضاوت حوزه‌ی علمیه‌ی ماسان

را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.
ملا حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود یه ویژه تحفه شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.
ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه 1362 دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خلیلی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1272 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و مترجم. در نجف متولد شد. وی مقدمات علوم عربی و ادبی را در همان شهر فراگرفت. به دنبال پیدایی نهضت ضد انگلیسی در عراق به مبارزه علیه انگلیسی‌ها پرداخت و از طرف آنها به اعدام محکوم شد ولی، از عراق به ایران گریخت و در روزنامه‌ی «رعد» مشغول به کار شد. پس از فرار سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، از ایران، خلیلی روزنامه «اقدام» را بنیان گذاشت، که چندین بار به خاطر قلم تند و گزنده‌ی آن توقیف شد. او در تهران درگذشت. آثار وی: «ترجمه‌ی قسمتی از شاهنامه»، به عربی؛ «ترجمه‌ی بیت به بیت بیشتر کلیات سعدی»، به عربی؛ «روزگار سیاه»؛ «اسرار شب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (229 -226 /1)، شرح حال رجال (130 -129 /6)، مولفین کتب چاپی (650 -647 /3).

خلیلی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام : محسن نام خانوادگی : خلیلی تاریخ تولد : 25 بهمن سال 1359 محل تولد : تهران (منطقه نازی آباد) باشگاه های قبلی : پاس - جوانان شریعتی - بانک ملی - سایپا شمارهٔ پیراهن : ۹
پُست : حمله او یک خواهر و یک برادر دارد که خودش فرزند وسط خانواده است . محسن در دوران طفولیت نیز عاشق فوتبال بوده وفوتبال خودرا در زمین های خاکی نازی آباد آغاز کرد. سطح تحصیلاتش دیپلم است و مجرد است و به زودی قصد ازدواج نیز دارد . محسن آدم پول دوستی نیست اما معتقد است پول تا جایی که باعث زندگی خوش و بدون دغدغه باشد خوب است . محسن خلیلی در یک خانواده تماما استقلالی متولد شده است و به گفته ی خودش تنها او بوده که از دوران بچگی علاقه زیادی به پرسپولیس داشته و تمامی بازی های این تیم بزرگ را نگاه می کرده و حتی برای بازی های حساس این تیم نیز به استادیوم می رفته . تمام کسانی که محسن را ازنزدیک دیده اند معتقدند خیلی آدم خوش اخلاق و شوخ طبعی است و معمولا خودش را برای کسی نمی گیرد و معتقد است از همین مردم است که به این محبوبیت رسیده است . محسن سقف آرزوهایش بازی در تیم های رئال مادرید و بارسلونا است . از بین مهاجمان زمان خود از فرشاد پیوس الگو برداری می کند و خیلی ها نیز معتقدند محسن فرشاد جدید پرسپولیس است . استیل این بازیکن سبک بازی اش تکنیکش و حتی نوع زدن ضربات آخرش و از همه مهمتر شم گلزنی بالایش باعث شده خیلی ها اورا آقای گل تازه پرسپولیس بماند . حتی اگر بخواهیم خرافاتی نگاه کنیم این دو بازیکن در یک منطقه زندگی می کردند و از همان جا نیز فوتبالیست شدند و به احتمال زیاد باید منتظر پوشیدن پیراهن شماره 17 از سوی این بازیکن به یاد فرشاد آقای گل باشیم . محسن خلیلی سابقه ی آقای گلی را نیز دارد . چند سال پیش او به همراه جواد کاظمیان در یک تیم بازی می کرد و آنجا آقای گل مسابقات شد . شباهت بزرگ دیگر محسن خلیلی با فرشاد پیوس گلزنی به تیم استقلال است . فرشاد پیوس نیز معمولا در دربی ها و با پیراهن پرسپولیس به استقلال گل میزد . همچنین در تیم های دیگر و حتی تیم های عربی نیز سابقه باز کردن دروازه استقلال را دارد .

خلیلیان، محمدجمال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جمال خلیلیان اشکذری
محل تولد : اشکذر یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/6/20
زندگینامه علمی
اینجانب محمد جمال خلیلیان اشکذری تحصیلات حوزوی را در تابستان سال 1356 در یزد شروع نموده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی(از اول سال 1358) به حوزه علمیه قم آمدم و تا سال 1364 دوره سطح را به پایان رسانده و به همراه آن از سال 1359 دوره سطح معارف و فلسفه موسسه در راه حق را نیز گذراندم از سال 1368 در کنار درس خارج فقه و اصول دوره کارشناسی و سپس کارشناسی ارشد رشته اقتصاد را گذرانده و در سال 1375 از پایان نامه خود دفاع نمودم از سال 1376 در کنار دروس حوزوی مقطع دکترای اقتصاد را شروع نموده و در اوائل سال 1383 از رساله خود در زمینه شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام دفاع نموده و در حال حاضر به تدریس و تحقیق در رشته اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول بوده و در درس خارج فقه حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمایم.

خلیلی‌فر، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1299.
درگذشت: 16 فروردین 1359، تهران.
حسین خلیلی‌فر، فرزند شیخ ابراهیم خلیلی از وعاظ گیلان و از همرزمان میرزا کوچک‌خان جنگلی، بود. حسین خلیلی‌فر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رسانید و جهت ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کشاورزی کرج ثبت نام نمود و پس از اتمام دوره‌ی دانشسرا با اخذ مدال علمی حائز رتبه‌ی اول گردید و سپس تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا در داشسرای عالی ادامه داد و در سال 1322 موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا گردید.
از مهر ماه سال 1323 از طرف وزارت فرهنگ وقت به دبیری دبیرستان‌های اهواز منصوب و شروع به کار نمود. در سال 1325 به ریاست فرهنگ خرمشهر منصوب گشت و پس از پنج سال خدمت در آن شهرستان به تهران منتقل شد و مسئولیت اداره‌ی تألیف و ترجمه در اداره‌ی کل نگارش را به عهده گرفت.
در سال 1330 همزمان با اوج‌گیری مبارزات ملی برای با انتشار مجله‌ی «دانستیها» گام‌های مؤثری در تنویر افکار عمومی برداشت.
به موازات فعالیت‌های سیاسی در امور آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی و شرکت در مجامع بین‌المللی مخصوصا در رشته‌ی جغرافیا آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. وی همچین در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران شرکت داشت.
آثار خلیلی‌فر به شرح زیر است: ترجمه‌ی کتاب اکتشاف دریاها (از رنه لنگدره)؛ تألیف کتاب جغرافیا از قدیم تا امروز (1330)؛ انتشار «سالنامه‌ی فرهنگ خرمشهر» از 1324 مدت پنج سال، انتشار مجله‌ی «دانستنیها» از سال 1330 که خود صاحب امتیاز آن بوده است، کتاب جغرافیای کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی؛ کتاب جغرافیای سه ساله راهنمایی تحصیلی؛ مشارکت در تألیف کتاب‌های دروه‌ی دبیرستان؛ تألیف جغرافیا برای دانشسراها و کلاس‌های تربیت معلم.
حسین خلیلی‌فر، صبح روز شانزدهم فرودرین 1359 پس از یک دوره

طولانی بیماری درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

خمامی زاده، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر خمامی زاده یکی از دانشمندان معاصر گیلان است . اوبه مشاغل همچون معلمی ودبیری اشتغال داشته است . وی در حال حاضر کتابدار کتابخانه ملی گیلان است .گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر خمامی زاده درسال 1308 شمسی پادرمدرسه گذاشت . وقتی که او کلاس ششم ابتدایی بود ، امتحانات به صورت استانی برگزار شد .خاطرات و وقایع تحصیل : جعفر خمامی زاده نقل می کند که درامتحان شفاهی جغرافیا ،نقشه ای که روی تابلو بود ،نقشه گنگ (نامفهوم) بود . یعنی قاره ها سیاه و رودخانه ها سفید بوده و چیزی روی آن نوشته نشده بود و خودمان باید درهمان نقشه ، کشورها و یا رودخانه ها و یا شهرها را مشخص می کردیم .استادان و مربیان : یکی از معلمان جعفر خمامی زاده دردوران ابتدایی ، سید آقا بزرگ شوشتری است که با عبا و عمامه سرکلاس می آمدند . یکی دیگراز دبیران او دردوران دبیرستان ، سید محمد تائب بود که تعلیمات دینی و عربی تدریس می نمودند .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر خمامی زاده روزگاری دردبیرستان شهید بهشتی (شاهپور سابق) تدریس می کرد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دبیرستان فرهنگیان یکی از مراکزی است که جعفر خمامی زاده درتاسیس آن شرکت داشته و از بانیان آن به شمار می آید . این دبیرستان به همت فرهنگی ها ی رشت و با هزینه شخصی کسانی همانند جعفر خمامی زاده بنا شده است .آرا و گرایشهای خاص : جعفر خمامی زاده بر این باوراست که درگذشته شاگرد اول های دانشگاه ها غالبا از گیلان بودند . امروزه متاسفانه این طور نیست تا یکی دوسال قبل ما از این نظر درتبه های نزدیک به آخر استان ها بودیم . الان درزمانی که دانش آموزان کشور ما درالمپیاد ها شرکت می کنند و مقام می آورند ، من ندیده ام که کسی از گیلان دراین المپیاد ها شرکت کرده باشد . ا وامیدوارست که گیلان بازهم دررده های بالای علمی مقامش را حفظ کند .آثار : ترجمه برنج گیلان ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینواست2 ترجمه دریای خزر ویژگی اثر : این کتاب پایان نامه آقای دکتر مفتخم پایان است که خمامی زاده به هنگام برگرداندن به فارسی چیزهایی به آن افزوده است3 ترجمه فهرست روزنامه های فارسی ویژگی اثر : این کتاب تالیف رابینو است4 ترجمه کتاب ولایات دارالمرز ایران ـگیلان ویژگی

اثر : وجه تسمیه این کتاب آن است که اعراب پس ازشکست ایرانیان و فتح بقیه سرزمین های ایران تا قزوین آمدند اما نتوانستند وارد گیلان شوند و آنجا را تصرف کنند .5 ترجمه گویش گیلکی ویژگی اثر : این کتاب تالیف آرتور کریستن سن است6 ترجمه وضعیت نوغان درایران ویژگی اثر : این کتاب تالیف را بینواست

خمیجانی فراهانی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار رشته: زبان‌شناسی همگانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خمینی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از تولد تا 15 خرداد
وقتی که در روز بیست و چهارم اسفند هزار و سیصد و بیست و چهار هجری شمسی دیده به جهان گشود و نگاهش به چشمان پرجاذبه و سرشار از معنویت پدر افتاد، گوئی که از همان لحظه، سرنوشت زندگانی این نوزاد با سرنوشت شگفت‌انگیز پدر، برای همیشه و جدائی‌ناپذیر گره خورده است.
نخستین صدائی که در این عالم شنید آوای ملکوتی اذان بود که از زبان «روح‌الله» در گوش او طنین توحید می‌افکند. نامش را احمد برگزیدند، و چه نام بامسمائی: قرة العین امام و محمود همه آنان که دل به خمینی سپرده‌اند؛ و دیدیم آن روز هنگامی که رسانه‌ها از بیماری احمد خبر دادند مردمانی فداکار و بیشمار برای اهداء قلبهای خویش به این چهره‌ی محمود و محبوب انقلاب خمینی صف کشیدند و آن حماسه را آفریدند که قلم از وصفش عاجز و توصیفش جز با زبان عشق و مرکب اشک و بودن در آن فضای وصف‌ناشدنی ممکن نیست.
هنگامی که او به دنیا آمد، وطن مظلوم و اسلامی، چهارمین سال حکومت خیانت پیشه دومین عامل بیگانه از خاندان منفور پهلوی را می‌گذرانید.
چهار سال پیش از این قوای متجاوز متفقین خاک میهن را اشغال، و در یک بازی جدید، محمدرضا پهلوی را بر اریکه سلطنت استبدادی نشاندند.
دو سال قبل از تولد احمد، امام خمینی که با دید تیزبین خویش دورنمای تیره و تاریک فرداهای ملت مظلوم ایران در سی و هفت سال آینده را مشاهده می‌کرد، اثر بزرگ سیاسی خویش را بنام «کشف الاسرار» تألیف و منتشر ساخت و در آن آشکارا از ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی سخن گفت و مبارزه در مسیر تحقق آن را، تنها راه نجات از سیطره‌ی حکومتهائی دانست که نصب و عزلشان جز در مسیر تأمین اهداف بیگانگان نبود.
سال بعد «اردیبهشت 1323«انتشار نخستین بیانیه سیاسی امام خمینی در دعوت مردم ایران و حوزه‌های علمیه به قیام در راه خدا، نشان از آن داشت که او زمان انجام رسالت تاریخی خود و دست زدن به قیام هم جانبه‌اش را ارزیابی می‌کند.
«حاج آقا روح‌الله» اینک در زمان ولادت احمد نامی پرآوازه در حوزه علمیه

قم بود. مجتهد برجسته‌ای که مجلس درس فقه و اصول و فلسفه و عرفان او محفل انس فرهیختگانی چون شهید مطهری و امثال او بود. امام خمینی در کنار استاد عالیمقامش آیت الله العظمی حائری یزدی (ره) در تأسیس حوزه علمیه قم مشارکتی فعال داشت.
بدین ترتیب دوران طفولیت «احمد» در محیطی می‌گذرد که محفل روحانی خانواده خمینی کبیر را بحث از چگونگی انجام تکلیف الهی در آن فضای آشفته گرما می‌بخشد. نیمه‌های شب زمزمه مناجات ملکوتی پدر و آوای قرآن از زبان آن عارف بالله شنیده می‌شود و روزها سخن از علم و جهاد است، سخن از چگونگی نجات مردم مظلوم ایران از یوغ شاهان ستمگر، و سخن از کشف اسرار است.
احمد در دامن مادری پرورش می‌یابد که بحق او را «بانوی بزرگ انقلاب اسلامی» و بانوی صبر و استقامت لقب داده‌اند همان بزرگواری که خداوند لیاقت آن را عطایش کرده تا همسر و همدم و انیس دل شخصیتی چون امام خمینی باشد. زنان نسل انقلاب، اسوه‌ای چون او دارند که این چنین در صحنه‌های سخت گذشته و حال انقلاب، پیشتازان نهضت خمینی‌اند. دامن پرمهر بانوی فاضله و فداکار: «خدیجه ثقفی بود که فرزندانی چون «مصطفی و احمد» پرورانید و آنان را برای یاری دین خدا در آن هنگام که خمینی کبیر قیام الهی خویش را آغاز کند، از هر جهت مهیا ساخت. در محیط خانوادگی که احمد در آن رشد کرده است برخلاف فرهنگ حاکم بر اغلب خانواده‌های مذهبی آن دوران از فرمانفرمائی مقتدرانه‌ی پدر و تحمیلها و اجبارهای والدین در امور شخصی فرزندان اثری نیست. چارچوب برخوردهای تربیتی امام همان شرع انور است که در آن به شخصیت فرزند و آزادی عمل او در محدوده‌ی شرع بهای لازم داده می‌شود. محیط خانوادگی آنان بنا به شواهد و مدارک فراوان و نقلهایی که خوانده و شنیده‌ایم فضایی آکنده از محبت، سادگی و مسئولیت‌پذیری و آزادی عمل بوده است و بطور طبیعی در چنین محیطی رفتارها و راهنماییهای دلسوزانه‌ی والدین، تنها به عنوان معیارهایی در مسیر انتخابهای دائمی و آگاهانه و آزادانه فرزندان عمل می‌کند. و این خود فرزندانند که مسئولیت انتخاب و تعیین مسیر آینده و سرنوشت خویش را - به تناسب موقعیت‌های سنی و رشد عقلانی و عاطفی هر دوره - برعهده می‌گیرند.
او از کودکی بسیار پرتحرک و سرشار از جنب و جوش بود، نه از کودکان منزوی. سری پرشور و دلی غوغائی داشت. گوئی که در پی گمشده‌ایست که ابتداء هر چه می‌گردد کمتر می‌یابدش و با چنین احساس و نیازی ناشناخته بود که بعد از دوره‌ی ابتدائی، ادامه تحصیل در علوم جدیده را برگزید.
سال سوم دبیرستان به ورزش فوتبال روی آورد و همزمان با تحصیل، عضو

تیم فوتبال قم شد و مدتی نیز کاپیتان این تیم بود. او در رشته طبیعی از دبیرستان حکیم نظامی قم دیپلم گرفت.
15 خرداد سرآغاز تحولی بزرگ در زندگی احمد
قیام تاریخی پانزده خرداد سال 42 که در پی دستگیری امام خمینی در سحرگاه پانزده خرداد اتفاق افتاد، نقطه عطف مبارزات مردم ایران و سرفصل انقلاب اسلامی، و سرآغاز هجرت و تحولی بزرگ در زندگانی «احمد» قهرمان فصل‌های آینده نهضت امام خمینی بود.
شاهد فریادهای حق طلبانه امام بودن و سرآسیمگی و ددمنشی رژیم شاه را دیدن و دستگیری پدر بزرگوار را هنگام نماز شب مشاهده کردن، و در پی آن، فریادهای «یا مرگ یا خمینی» زنان و مردان پیشتاز نهضت را شنیدن و با آنان همصدا گشتن.
احمد در سحرگاه سیزد آبان 1343 دوباره شاهد محاصره منزل پدر، از سوی صدها کماندوی اعزامی از مرکز و دستگیری رهبر قیام، در حال مناجات و نماز شب، بود. حضرت امام به اهل بیت خویش سفارش می‌کند که در آن لحظه مداخله نکنند و در برابر آنچه که مقدر الهی است شکیبا باشند، روح خدا خمینی کبیر را سراسیمه به تهران برده و از آنجا یکسره به نخستین تبعیدگاهش ترکیه می‌برند. رنجهای دوران غربت و تبعید در خاندان خمینی آغاز می‌شود. «مصطفی» در غیاب پدر پاسداری از ارزشهای انقلاب را برعهده دارد و دیگر اعضای خاندان نیز هر یک رسالت خویش را در این طریق مقدس به خوبی ایفا می‌کنند.
دیری نمی‌پاید که فرزند برومند امام، آیت الله حاج آقا مصطفی نیز دستگیر و پس از چندی نزد پدر به تبعیدگاه ترکیه و سپس عراق روانه می‌شود. کارگزاران رژیم شاه گمان می‌کنند آخرین سنگر را فتح کرده و پرونده‌ی نهضت را بسته‌اند، غافل از آن که خداوند حکیم و قادر، نگاهبان نهضتی است که آن عارف الهی بنیان نهاده است، و این خداست که راه استمرار آن را هموار خواهد کرد.
این ایام آغاز ارتباطهای گسترده احمد با چهره‌های برجسته روحانیت و عناصر مبارز و قشرهای دیگر جامعه است. او چندی است که گمشده خویش را با آگاهی و تجربه شخصی و شناخت عمیق یافته است. نور اندشیه و راه و رسم خمینی عزیز چون خورشیدی تابناک بر پهنه قلوب حق جویان تابیده است و به ویژه نسل جوان را به بازیابی خویش و موقعیت فرهنگ و دین و کشور خود در آن زمانه پرآشوب فراخوانده است. با داشتن حجتی آشکار چون «خمینی» که هیچ نقطه‌ی ابهامی در سراسر زندگی و اهدافش نیست، گرد جهان گردیدن و از حقیقت پرس و جو کردن آئین خردمندان نیست، و احمد در نسل خویش نخستین کسی است که پیمان بسته تا پایان عمر در این راه مقدس گام نهد و جانفشانی کند.

حضور یادگار امام بعد از تبعید پدر و برادر، در منزلی که کانون قیامش لقب داده‌اند و حضور تنی چند از محدود یاران وفاداری که هنوز ساواک به شناسایی و بازداشت آنان موفق نشده است، سبب گردیده تا مشعل قیام در این جایگاه شریف خاموش نگردد.

نخستین سفر مخفیانه به عراق و واکنش ساواک

وقتی که در بامداد سیزده آبان 43 سپاهیان اعزامی شاه و مأمورین امنیتی، امام خمینی را برای اعزام به تبعیدگاه می‌بردند آنچنان سراسیمه و وحشتزده بودند که اجازه ندادند تا حضرت امام وظایف خطیر «احمد» را در روزها و سالهای آینده بازگو کند. بدین سبب، احمد از همان روزهای اولیه‌ی تبعید امام در پی آن بود تا در اولین فرصت به محضر پدر بشتابد و تکلیف را از او بجوید. نخست، راهی به ذهنش خطور می‌کند که اشاره آنرا از زبان بی‌تکلف و صمیمی خود او بشنویم که می‌گوید: «آمدم تهران و تیم شاهین دعوتم کرد راستش خواستم به وسیله‌ی آن تیم از ایران خارج شوم و بعد برنگردم، ولی انتخاب نشدم و بحق که انتخاب نشدم، چون سایرین بهتر از من بودند. چون در این مسئله [رفتن به خارج] شکست خوردم، آن وقت خودم دست به کار شدم و یواشکی روانه عراق شدم، از راه آبادان...» (روزنامه اطلاعات 61/2/7 مصاحبه با یادگار حضرت امام.).

احمد در ایام نخستین اقامت کوتاه مدتش در نجف اشرف (در سال 44 و 45) تکمیل معارف دینی را در آنجا پی می‌گیرد و از محضر امام و برادر ارجمندش کسب فیض می‌کند، و حدود 5 ماه بعد - و طبعا بنا به توصیه حضرت امام - کانون گرم خانواده را به قصد انجام رسالتش در ایران ترک گفته و مخفیانه راهی وطن می‌شود. در مسیر بازگشت در مرز خسروی بازداشت و به سازمان امنیت آنجا منتقل می‌شود و چنانکه اسناد فوق که تنها چند سند از صدها اسناد مبارزات او در پرونده‌های ساواک می‌باشند، نشان می‌دهند او در بازجوئیهایش زیرکانه مأمورین را فریب می‌دهد هویتش در مرز برای ساواک در این مرتبه شناخته نمی‌شود و پس از آزادی، از طریق کرمانشاه و همدان راهی قم می‌شود.

یادگار امام در زندان قزل قلعه (بازگشت از سفر دوم)

احمد پس از بازگشت از عراق، تلاش خستگی‌ناپذیر خود را در تحصیل علوم دینی و دیدار از خانواده‌های زندانیان و تبعیدیان و انتقال پیام‌ها و سفارش‌های امام به منسوبین و مبارزین و نمایندگان شرعی امام در ایران و تنظیم امور بیت امام در قم، ادامه می‌دهد. در پایان همین سال (45) دوباره عازم عراق می‌شود و این بار مخفیانه از طریق خرمشهر به آن سوی مرز می‌رود و پس از یک هفته مخفی‌کاری و طی طریق، خود را به نجف اشرف که قبله‌گاه مبارزین گردیده بود می‌رساند.

در همین سفر است که او رسما به سلک روحانیت درمی‌آید و «عمامه» را

که نشانی است بر مسئولیت‌پذیری و تقدس راه انتخاب شده، به دست مبارک امام خمینی بر سر می‌نهد. در این سفر نیز او ضمن فراگیری سفارشها و وصایای مبارزاتی حضرت امام، از فرصت استفاده کرده و از محضر درس پدر و برادر بزرگوار و دیگر اساتید حوزه نجف بهره می‌گیرد.
حضرت حجت الاسلام و المسلمین احمد خمینی اینک لیاقت آن را یافته است تا رابط رهبری انقلاب با مبارزین مسلمان در کانون قیام یعنی ایران اسلامی باشد و از اینرو پس از چندی با ره‌توشه‌هایی گرانبها و پیامهای مبارزاتی امام به ایران رهسپار می‌شود. این بار نیز به هنگام عبور از مرز در روز هشتم تیر ماه سال 1346 دستگیر می‌شود.
حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی - رض - پس از تحقیق و مشورت با حضرت امام و دیگر اعضای خانواده در تاریخ 1348/7/11 با دختر فاضله حضرت آیة الله سلطانی طباطبائی که از خاندانهای شریف و محترم روحانیت در قم می‌باشند که اعقابشان نسل در نسل از مجتهدین بنام حوزه‌ها بوده‌اند، ازدواج نمود و ثمره‌ی این وصلت مبارک سه فرزند پسر: جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی و جناب حجة الاسلام حاج سید یاسر خمینی و آقای سید علی خمینی می‌باشند. این عزیزان نور چشمان حضرت امام و مورد مهر و عطوفت آن حضرت بوده‌اند و مطمئنا دعای خیر امام خمینی و پدر نامداری همچون حاج احمد آقا و مادر فداکارشان بدرقه راه پرمسئولیت آنان است.
سفر به مکه، عراق و لبنان
سومین سفر یادگار امام خمینی به نجف اشرف با دستی پر از اخبار مربوط به استمرار مبارزه در ایران و مشتعل بودن مشعل قیام در حوزه‌های علمیه صورت می‌گیرد. «احمد» فرزند برومند امام در سال 1352 ایران را به سوی سه مقصد مهم ترک می‌کند: زیات خانه‌ی خدا و کسب ره‌توشه‌های معنوی برای جهاد در سالهای دشوار آینده؛ زیارت مشاهد مشرفه در عراق و بوسه زدن بر ضریح مطهر مولا علی (ع) مظهر عدالت و صبر و مظلومیت، و عقده گشودن دل در جوار تربت سالار آزادگان و شهیدان (ع) و یاران باوفایش، و زیارت دیگر اماکن متبرکه‌ی آن دیار و دیدار با مرجع و امام و پدر بزرگوار خویش: «حضرت روح‌الله» و دیدار با مادر و برادر، که دست ظلم دودمان پهلوی - و البته - دست جنایتکار آمریکا، آن اولیای خدا را به دیار غربت روانه ساخته است؛ و سومین مقصد: سفر به لبنان و دیدار با فرزندان نهضت خمینی در آن سامان.
«احمد» چنانکه از خدا خواسته بود این سفر پرموفقیت را نیز همچون گذشته به انجام رسانید. او سخنهای فراوانی با پدر، از انتقال مسائل نهضت گرفته تا طرح سؤالات مربوط به دروس علمی و طرح مسائل

حوزه‌ها و غیره داشت که در این سفر بازگو نمود، کسب فیض و تکلیف کرد و از امام خویش وظایف و مأموریتهای مقدس را برای سالهای آینده آموخت و برگرفت، و در لبنان با امام موسی صدر مسائل منطقه و وضعیت شیعیان و مبارزه‌ی افتخارآمیزی که در پیش روی داشتند را به ارزیابی نشست و در تماس با شهید چمران و عناصر مبارزی همچون جلال‌الدین فارسی، پیگیری اهداف نهضت امام در آن سامان را به بحث گذاشت و مدت اندکی نیز در پایگاه نظامی شهید چمران آموزش نظامی دید و در اواخر سال 1352 به ایران بازگشت.

احمد و هجرتی دیگر (چهارمین و آخرین سفر به عراق)

سال 1356 سالی تعیین کننده در نهضت امام خمینی است. در این سال وقایعی به وقوع پیوست که هر یک در اوج بخشیدن به ابعاد انقلاب اسلامی و جهانی کردن نهضت امام و تمهید مقدمات پیروزی 22 بهمن سال بعد تأثیر بسزایی نهادند و از جمله‌ی این وقایع که خود تقدیری است شگفت از مقدرات الهی، هجرت تاریخی یادگار امام از ایران به نجف اشرف و وقایع پس از آن و هجرت او به همراه «امام انقلاب» از نجف به پاریس است.

همراه با امام در هجرت به پاریس

هجرت سرنوشت‌ساز امام خمینی از نجف به پاریس، آغاز فصل فروپاشی ارکان رژیم سلطنتی در ایران و بصدا آورنده‌ی زنگهای شکست آمریکا در حساسترین و امن‌ترین پایگاهش بود. در این هجرت و ماجرای شگفت نیز، «احمد» مشاور و همراه پدر بود. و این نقش تا بدان حد آشکار و مؤثر بوده است که حضرت امام خمینی - سلام الله علیه - حتی در وصیتنامه جاودانه‌ی خویش نیز از آن یاد کرده و تصریح می‌فرماید که تنها مشاور آن حرکت تاریخی و تاریخ‌ساز «احمد» بوده است.

سوگ امام، داغ بی‌التیام احمد

کسی که عشق را، و خمینی را، و مردم ایران را، و قدرشناسی آنان را، و رابطه خمینی و احمد را، و عشق احمد به خمینی را بشناسد، نیک می‌داند که داغ جگرسوز رحلت امام در شبانگاه 13 خرداد 68 با دل رنجدیده‌ی احمد چه کرده است. او 13 سال رنج مبارزه در غیاب پدر تبعیدی خویش را به شوق روزگار وصل تحمل کرده است و وقتی که در سال 56 به نجف اشرف رسید یوسف‌وار خود را در آغوش یعقوب انقلاب و پدر غمخوار اسلام انداخت و رنجهای دوران جدایی را گریه کرد و از آن پس لحظه‌ای از امام جدا نبود. هنوز شیرینی وصال محبوب را کامل نچشیده بود که فرزند ارشد خمینی بزرگ و امید امام و مردم، استاد و مراد عزیزش مصطفای انقلاب را دست ستم از آنان گرفت. تحمل داغ مرگ برادر، آنهم عزیزی چون مصطفی که آیتی از علم و حلم و حکمت و نمونه‌ای از خصائل و فضائل پدر بود و داغ کسی که دوران سخت مبارزه در غربت را با او

تقسیم کرده بود، بسی دشوار و ناممکن می‌نمود. به گفته‌های پدر ایمان کامل داشت وقتی که از زبان پدر شنید که این «لطف خفیه الهی» است تحملش افزون شد، چند روز بیش نگذشت که پیش‌بینی پدر - که گویی آینده را نیک می‌بیند - محقق گشت و شهادت برادر آغازی شد بر قیامی که تا دست آمریکا را از ایران اسلامی قطع نکرد، فرونخفت. و در تمام این ادوار او با پدر بود. وجودش برای امام، و هوش و کیاست و لیاقتش جای خالی مصطفی را پر می‌کرد. امام انقلاب با مشورت او تصمیم به هجرت به پاریس گرفت. همراه پدر به فرانسه رفت، 5 ماه در آن روزهای پر از حادثه و ماجرا لحظه‌ای از امام جدا نشد. 12 بهمن در آن سفر شگفت و خطرخیز به ایران آمد. هنوز شب سیاه حکومت جور به پایان نرسیده بود و 10 روز به طلوع فجر انقلاب باقی بود. آمریکا 10 روز فرصت داشت تا طرح کودتای خونینی که ژنرالهایش قبلا تدارک دیده بودند، عملی سازد. اما سخنان بیاد ماندنی امام در بهشت زهرا، و پس از آن فرمان عزل دولت طاغوت و تعیین دولت انقلاب، و پس از آن حماسه‌ی نبرد دلاورانه‌ی 21 و 22 بهمن ماشین جنگی شاه و آمریکا را از کار انداخت. در تمام ساعات این ده روز که هر لحظه‌اش بیم صدها خطر و حادثه‌ی شوم بود، احمد پروانه‌وار گرد امام می‌چرخید. از آن روز فریاد و تکبیر، و از آن یوم الله کبیر، 22 بهمن، تا اینک که دقایقی از ساعت 10 بعدازظهر 13 خرداد در سال 68 می‌گذرد و جهان اسلام و فرد فرد ملت ایران بعد از شنیدن خبر سختی حال امام روی دل به جماران دارند و فریاد صدها هزار مؤمن در مساجد و معابر به دعا و تضرع بلند است که مبادا آن مصیبت عظمی اتفاق افتد، او از آن روز تا این ساعت بی‌وقفه و مدام شب و روز در کنار امام، و با امام بوده است و اینک این احمد خمینی و این تنها پسر باقیمانده از عزیز عزیزان، و این داغدار مرگ مصطفی است که در راهروی بیمارستان بقیة الله جماران دل دریائی‌اش را به خدا سپرده تا مبادا در این لحظه‌های سخت، تحمل از کف بنهد و مسئولیتی که در قبال مردم و عاشقان خمینی و خواهران و مادر فدارکاش دارد فراموش کند.
در ارتباط با تحصیلات و بعد علمی یادگار امام چنانکه در ابتدای این کتاب نوشتم ایشان پس از اخذ دیپلم در رشته علوم طبیعی به تحصیل علوم دینی روی آورد، البته پیش از آن و توأم با تحصیل علوم جدید، نیز به فراگیری مقدمات علوم حوزوی پرداخته بود مطالعه کتب ادبی و سیاسی و دینی و فقهی و افزایش اطلاعات علمی در رشته‌های مختلف از جمله علاقمندیهای همیشگی ایشان بود و بدین لحاظ باید گفت او تا پایان عمر از هر فرصتی در این جهت استفاده‌ی کافی برده است.
فراست و تیزهوشی از جمله امتیازاتی است که تمام آشنایان آن مرحوم به آن معترفند و به همین سبب نیز دو دوره‌ی مقدماتی و سطح حوزه‌ی

علمیه را با سرعت و در حد بسیار مطلوبی نزد بزرگان حوزه علمیه قم طی کرد و همزمان با تحصیل به تدریس سطوح قبلی نیز اشتغال داشت و پس از آن دروس خارج فقه و اصول را نزد اعاظم حوزه‌ی علمیه فراگرفت. مشوق و پشتوانه‌ی اصلی پشرفتها و موفقیتهای تحصیلی ایشان، نظارت دائمی پدر بزرگوارشان بوده است.
حضرت امام با وجود اقامت در نجف، هیچگاه از توجه به پیشرفت تحصیلی ایشان غافل نبوده و چنانکه در نامه‌های امام خطاب به ایشان (گنجینه‌ی دل، مصاحبه با آیة الله محمدی گیلانی.) ملاحظه می‌کنیم اولین مسأله‌ای که بعد از تذکرات اخلاقی در صدر سایر مسائل مرتبا متذکر شده‌اند همین امر می‌باشد. اشراف حضرت امام برگذران تحصیل دوره سطح و موفقیت در پیگیری دروس خارج فرزندشان و همچون تدریس موفق ایشان را در همین نامه‌ها به وضوح می‌توان دید. مرحوم حاج احمد آقا وقتی که برای پیگیری امر مبارزه و کسب علم از محضر درس خارج فقه امام در سال 1356 به نجف هجرت نمود در سطحی از علوم حوزوی قرار داشت که در آنجا مکاسب و کفایه می‌گفت، مطمئنا اگر فرصتها امکان ادامه‌ی تدریس ایشان را می‌داد و اگر اشتغالات فوق‌العاده ایشان پس از هجرت به پاریس و همراهی با امام در جریان مسائل پیش از پیروزی انقلاب نمی‌بود، همان اشتغالاتی که امکان تدریس و افاضه علوم حوزوی را از امام نیز در این سالها گرفتند؛ با توجه به هوش سرشار و مدارج متقنی که او در مراحل مقدماتی و سطح و خارج فقه و اصول طی کرده بود در این وادی نیز همچون وادی مبارزه و سیاست و انقلاب، چهره‌ی تابناکش روشنی‌بخش حوزه‌های علمیه می‌شد. بعد از رحلت حضرت امام علیرغم محدودیتها و مشغله‌ای که هنوز استمرار داشت، فرصتی اندک پیش آمد تا ساعاتی را به تدریس ادبیات عرب و مکاسب و کفایه بپردازند. این حقیر نیز توفیق یافتم حدود 1/5 سال از محضر درس کفایه ایشان استفاده برم. با آن که کوچکتر از آنم که نسبت به سطح درس ایشان و قیاس آن با دروس سایرین اظهارنظر بکنم اما انصافا و باتوجه به این که قبلا در حوزه‌ی علمیه در محضر درس بزرگانی که هم اینک دروس خارجشان زینت بخش حوزه‌ی علمیه قم می‌باشد و در عداد مراجع تقلیدند چندی حاضر بوده‌ام باید گفت که درس کفایه آن مرحوم سرشار از نکته‌بینیها و دقتهایی عالمانه و مجتهدانه بود که غالبا مورد غفلت دیگران قرار می‌گیرد.
تسلط او بر مبانی فقه و اصول در ضمن درس کاملا مشهود بود و تا نکته‌ای را عمقا تفهیم نمی‌کرد رد نمی‌شد. خصلت امانتداری ایشان در درسشان نیز کاملا محرز بود و به همین سبب مقید بودند قبل از درس اقوال و آراء دیگر اصولیین را در موضوع مورد بحث ببینند و لذا درسشان توأم با نقد و تطبیق بود. خودشان می‌فرمودند و ما نیز شاهد بودیم که گاه

چندین ساعت برای دریافت علت اختلاف رأی مرحوم آخوند (صاحب کفایه) با دیگر اصولیین و یا اختلاف آراء شارحین کفایه دربرداشت از عبارت کفایه، به کتب و اقوال اصولیین مراجعه دقیق می‌کردند.
بعضی از اساتیدی که مرحوم حاج احمد آقا نزد آنان علوم حوزوی را فراگرفته است عبارتند از:
حضرت آیة الله العظمی امام خمینی (خارج فقه)، آیة الله حاج آقا مصطفی خمینی (خارج اصول)، آیة الله فاضل لنکرانی (خارج فقه) آیة الله موسی زنجانی (خارج فقه) آیة الله محمدی گیلانی (شرح منظومه)، آیة الله رضوانی (اسفار)، آیة الله ابطحی کاشانی (سطح و خارج)، آیة الله خلخالی (سطح) و آیة الله طباطبائی.
ایشان علاوه بر فقه و اصول، به مباحث فلسفی و عرفانی علاقه‌ای وافر داشت و سالها از محضر درس بزرگان، شرح منظومه و اسفار آموخته بود و به دیگران نیز تعلیم داده در باب منطق و فلسفه غرب نیز مطالعات گسترده‌ای داشت و مکتبهای فلسفی و سیاسی معاصر غرب را می‌شناخت و نقد می‌کرد.
در شعر و ادب فارسی نیز پر مطالعه بود و بخصوص اشعار عرفانی حافظ و مولانا و سعدی و حضرت امام را بخوبی می‌شناخت و غزلیات فراوانی از حافظ و سعدی را حفظ بود.
در تفسیر معانی اشعار عرفانی بزرگان ادب فارسی، نظریات کارشناسی و متقنی داشت که گاه اهل فن را بشگفتی وامی‌داشت. ذوقی لطیف و شاعرانه داشت و از هنر و رشته‌های هنری استقبال می‌کرد و در برخی از آنها نیز سررشته داشت.
در وادی سیاست با آن که مدرک سیاسی نگرفته بود؛ به اعتراف دوست و دشمن یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان سیاسی جمهوری اسلامی و بلکه جهان اسلام بود. در پیش‌بینی اهداف و عملکردهای آتی دشمنان و شناخت مسائل جهانی چنان بود که کمتر موردی در جلسات مهم تصمیم گیری‌ها می‌توان یافت که وی به استدلال بر نظریه خویش پرداخته باشد و آگاهان حاضر در جلسه و حتی کارشناسان متخصصی که قبلا در آن مسأله نظر مخالف داشته‌اند به رأی ایشان گرایش نیابند. نقش راهگشای نظریات او را در جلسات سرانه سه قوه و شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام قبلا از زبان رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نقل کردم.
شناخت وی از جریانات و افراد و گروه‌های سیاسی پرشمار تاریخ معاصر ایران و آشنایی به مبانی و مواضع و شیوه‌های سیاسی هر یک از آنان و حتی شناخت او از چهره‌ها و اشخصا ذی‌نفوذ در هر یک از این جریانات و نقاط ضعف و قوت آنها و همچنین شناختش از جریانهای داخل روحانیت و

حوزه‌های علمیه و آشنایی او با بسیاری از پدیده‌های سیاسی تاریخ معاصر جهان و احزاب سیاسی عمده در کشورهای بزرگ به حدی بود که به جرأت می‌توان گفت وی از نادر افرادی بود که در این جهت، هم از قدرت درک و تحلیل بسیار بالایی برخودار بود و هم آگاهیهای فراوان و عمیقی از افراد و چهره‌ها و احزاب و ایدئولوژی‌های آنان داشت و باید گفت که حافظه او در مسائل سیاسی روز، دائرةالمعارفی جامع و کم‌نظیر بود.

بیماری و رحلت جانگداز یادگار امام

صبحگاه روز 21 اسفند 1373 خبر بستری شدن یادگار امام، نخست موجی از نگرانی در جماران و دقایقی بعد در شهر تهران و پس از آن در سرتاسر ایران پدید آورد و ساعاتی بعد با پخش خبر، به طور رسمی از صدای جمهوری اسلامی، در ایران غوغایی برپا شد که تنها نمونه آن را در پخش خبر بیماری امام دیده بودیم. گزارشات بعدی حاکی از آن بود که عارضه قلبی و تنفسی ناگهانی در حالت خواب سبب ایست کامل قلب و تنفس برای لحظاتی گردید و همین امر موجب بروز سکته مغزی شده است. خانواده‌ی معزز و رنجکشیده‌ی آن مرحوم، که خود در یکایک رنجهای دوران مبارزه و فداکاری‌های یادگار امام سهمی برابر با او داشته است، به محض اطلاع، درخواست کمک می‌کند و با توجه به مجاورت منزل با بیمارستان تخصصی قلب و عروق (بقیة الله) بلافاصله امدادگران حاضر شده و پس از اقدامات ضروری امدادی، به فوریت او را به بیمارستان منتقل می‌کنند و با استفاده از تجهیزات کامل سی. سی. یو فعالیتهای فوری پزشکی آغاز می‌شود و لحظاتی بعد اطباء متخصص و برجسته، از تخصصهای مختلف به محض شنیدن خبر، سرآسیمه خود را بر بالین آن عزیز می‌رسانند و کار تشخیص و مداوا با سرپرستی جناب آقای دکتر عارفی و نظارت و همکاری آقای دکتر طباطبائی (متخصص قلب، و برادر همسر گرامی حاج احمد آقا) آغاز می‌شود. عزیزی که ناباورانه هم‌اکنون روی تخت بیمارستان در حالت اغما خوابیده است نورچشم ملت ایران و یادگار خمینی کبیر و پشتوانه‌ای مستحکم برای نظام و انقلاب است. رهبر معظم انقلاب اسلامی و ریاست جمهوری اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی و بسیاری از مسئولین و بلندپایگان کشور بی‌درنگ به عیادت فرزند شایسته امام و انقلاب می‌شتابند. اقشار مختلف مردمی که خبر را پیش از دیگران شنیده‌اند بسوی جماران در حرکتند. تیم پزشکی با بسیج امکاناتی که از سوی مسئولین امر دستور آن صادر شده است هر آنچه که در توان دارد به کار می‌گیرد و همزمان، انواع آزمایشهای ممکن و متداول در پزشکی را برای تشخیص منشأ عارضه‌ی قلبی انجام می‌دهد. کلیه گزارشات پزشکی حاکی از آن است که جز ایست ناگهانی قلب و متعاب آن اختلال شدید در دستگاه تنفسی و سپس سکته‌ی مغزی چیز روشن

دیگری به چشم نمی‌خورد.
فضای عمومی کشور با پخش اخبار صادقانه ولی نومید کننده‌ی تیم پزشکی چنان غمگرفته و حزن‌آلود می‌شود که توصیف آن جز با بودن در آن فضا و همنوا شدن با مردم ممکن نیست و قلم از بیانش عاجز است. مردم دسته دسته و فوج فوج برای برپایی مراسم دعا و تضرع به درگاه خداوند عازم مساجد و اماکن مذهبی می‌شوند. کوچه‌های جماران و خیابانهای اطراف آن در تمام ساعات شاهد بسیجیان و خانواده‌های شهدا و دلدادگان کوی خمینی است که خانه و کاشانه را رها کرده و سر بر دیوار نهاده و بغض خویش را آهسته گریه می‌کنند مبادا کسی تصور کند که دیگر تفسیر کلام خمینی را از «احمد» نخواهد شنید. احمد تجسمی است از روح زیبای خمینی.
پنج روز سرتاسر ایران و هر جا که در جهان نام مبارک خمینی به بزرگی برده می‌شود، دستهای میلیونها انسان مؤمن به دعا و فریاد استغاثه بلند، و صدای هق هق گریه از دلهای شکسته در کوچه پس کوچه‌های جماران بتدریج بلندتر، و فضای حزن‌انگیز ایران هر لحظه اندوهبارتر، و دلهره و اضطرابها هر آن افزونتر، و نذر و نیازها فراوان و بیشمار می‌شدند. سیل نامه‌ها به جماران و دفاتر مسئولین نظام و صدا و سیما سرازیر بود، مردمانی که قدر خمینی و قدر خاندان او و نضهت الهی او و یارانش را می‌شناختند ایثارگرانه و با التجاء و التماس خواستار اهداء قلب و اعضای حیاتی بدن به فرزند امامشان بودند.
به خدا سوگند که راست گفت حضرت روح الله آن جا که فرمود: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله، صلی الله علیه و آله، و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی، صلوة الله و سلامه علیهما، می‌باشند» (وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی.).
در میان نامه‌های رسیده مواردی به چشم می‌خورد که یکایک افراد خانواده با ذکر مشخصات کامل خود و گروه خونی و اطلاعات پزشکی مربوط به قلب و کلیه و ریه‌ی خویش و با اعلام اینکه به بیمارستان مراجعه کرده و از سلامت اعضای خود اطمینان یافته‌اند و با دادن شماره تلفنهای متعدد از خود و همسایگان و منسوبین مصرانه خواستار اعلام نیاز تیم پزشکی شده‌اند تا به محض اطلاع در بیمارستان حاضر شده و قلبشان را تقدیم فرزند امام کنند. و تنها مکاتبه نبود، افراد متعددی همه روزه در جلو بیمارستان صف کشیده بودند تا نوبت را از دیگران در اهداء قلب خویش بستانند! براستی جز در مکتب عشق و ایمان به ولایت کدام فرهنگی و ملتی را این چنین بزرگوار و وارسته سراغ دارید؟ با وجود اعلامهای مکرر رادیو مبنی بر عدم نیاز به اهداء قلب، مراجعه این قبیل فداکاران و اصرار

آنها بر تماس با پزشکان تیم و سماجت آنها در اهداء قلب بدانجا کشیده بود که کار را بر مأمورین و مسئولین بیمارستان و نیروی انتظامی دشوار ساخته بود.
با طولانی شدن مدت بیماری و حالت بحرانی یادگار امام و پخش خبرهای موذیانه‌ی رادیوها و خبرگزاری‌های بیگانه، دشمنانی که از هر فرصتی برای ضربه زدن به وحدت و همدلی مردم استفاده می‌بردند شایعات بی‌اساس را دامن می‌زدند و از سوی دیگر شدت علاقه عاطفی مردم به فرزند امام و جوانی ایشان و غیرمترقبه و ناگهانی بودن بیماری وی و عدم امکان عیادت عمومی از ایشان به دلیل رعایت اجتناب ناپذیر مراقبتهای بهداشتی ویژه در بخش قلب زمینه سازی طبیعی پذیرش برخی از این شایعات را نزد ساده‌لوحان فراهم می‌ساخت و البته سود آن را دشمن می‌برد. که باید برای این بیماری مزمن فرهنگی با کار عمیق فرهنگی چاره‌ای اندیشیده شود و راه بر سوء استفاده‌ی دشمن در چنین شرایطی مسدود گردد.
به هر حال پس از پنج روز، تلاش خستگی ناپذیر تیم پزشکی نتیجه‌ای نبخشید و «احمد خمینی» همان کسی که نامش، و یادش و تصویرش و فداکاری‌های بیمانندش تا ابد در کنار نام مبارک «امام خمینی» در قلب و روح و روان عاشقان انقلاب اسلامی پرجلوه و پراثر باقی خواهد ماند، ندای حق را در شامگاه 25 اسفند 1373 لبیک گفت و به آرزویی که در تمام ایام بعد از رحلت امام برای آن لحظه شماری می‌کرد یعنی ملاقات با پدر در پیشگاه حضرت حق، رسید و جهانی از مؤمن‌ترین بندگان خدا را در سوگ خویش عزادار ساخت. «انا لله و انا الیه راجعون».
فریاد شیون و زاری دوباره از جماران برخاست، ایران در رثای سردار نامدار نهضت خمینی کبیر یکپارچه می‌گریست. و چه سوزناک و جانگداز گریه می‌کردند مردمانی که دیگر عطر خمینی را از وجود نازنین احمد در فضای جماران، و صدای دل‌انگیز یادگار عصر حماسه‌ی خمینی را نخواهند شنید، پرچمهای سیاه عزا بر در و دیوار شهرها آویخته شد.
فردای آن روز (صبح 73/12/26) دهها هزار تن از پیروان امام از سراسر کشور به تهران آمده بودند تا در مراسم وداع با پیکر مطهر یادگار امام و تشییع و تدفین آن عزیز با صدها هزار زن و مرد تهرانی در ادامه‌ی راه او و دفاع از ارزشهایی که او مدافع آنها بود و تجلیل از خدمات بی‌حد و حصر فرزند امام به انقلاب و نظام اسلامی همصدا شوند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

خندق آبادی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل الشیخ محمد خندق‌آبادی تهرانی از گوینده نامی و وعاظ گرامی و مبارز معاصر در تهران بوده‌اند.
در حدود سال 1338 قمری در تهران متولد و در بیت علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده و در خدمت برادر ارجمندش حجه‌الاسلام والعالم العلام آقا شیخ جواد خندق‌آبادی به قم آمده و سطوح را نزد معظم‌له و مدرسین دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی شرکت نموده آنگاه به تهران مراجعت و به خدمات دینی و روحی مخصوص تبلیغ دین و ترویج آئین از طریق منبر پرداخته و با بیدادگریها مبارزاتی نموده و بر علیه مخالفین ولایت اهل‌بیت عصمت و طهارت منبرهای آتشین و پرحرارتی رفته و مصایبی کشیده و صدماتی دیده است.
مولف گوید: مرحوم خندق‌آبادی از رفقاء نزدیک این نویسنده بود که در موقع توقفش در قم با برادر ارجمندش مراوده زیادی با حقیر داشتند و در روزهای جمعه در منزلم منبر می‌رفتند و تمرین منبر را در منزل حقیر نمود و وقتی قرض بسیاری پیدا کرد و برایش طاقت‌فرسا بود آمد روز جمعه‌ای در منزل حقیر و گفت دعا کنید که من در اضطرار و مضیقه قرار گرفته‌ام. بنده به رفقا گفتم امروز تنها حاجت ما فرج و اداء قروض آقای خندق‌آبادی باشد و پس از خواندن دعاء ندبه توسل به حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف پیدا نموده و فقط اصلاح حال و اداء قروض وی را در نظر گرفته و دعا نمودیم و رفقاهم حال مخصوصی در تضرع و گریه و دعا داشتند و پس از پایان مجلس که رفقا بیرون رفتند بنده هم برای کاری از منزل بیرون رفتم در اثناء راه یکی از رفقا رسید با خوشحالی گفت بشارت که دعاء امروز اثر کرد و تمام قرضهای آقای خندق‌آبادی من حیث لایحتسب اداء شد.
مرحوم خندق‌آبادی در تهران محبوبیت خاصی میان مردم پیدا کرده بوده و منابر بسیاری در مساجد و محافل تهران داشت در اثر ابتلائی که پیدا کرده بود مبتلا به سکته مغزی شد ولی شفا یافت و اطباء وی را از منبر رفتن و بلند سخن گفتن منع کردند ولی او می‌گفت من نوکر امام حسین علیه‌السلام و سرباز حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام هستم و می‌خواهم تا آخرین لحظه زندگی و آخرین نفسم در سر خدمت و پست سربازی باشم

و در موقع انجام وظیفه از این جهان بروم بالاخره هم به هدفش رسید زیرا در نیمه شب بیست و یکم ماه رمضان سال 1388 قمری در بالای منبر خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران در هنگام قرآن به سر گرفتن و یک یاالله گفتن سکته قلبی نموده و از منبر به زیر افتاده و به مولایش حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام واصل گردید.
فرزندان برومندی دارد که از آنها جناب آقای آقا شیخ محمد خندق‌آبادی از اهل منبر تهران و موصوف به فضل و دانش می‌باشند. جنازه آن مرحوم را با تشییع کم سابقه‌ای حمل به شهر ری و در مقبره ابن‌بابویه در کنار قبر مرحوم والدش به خاک سپردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خندق‌آبادی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ جعفر بن العالم الجلیل حاج شیخ احمد بن العلامه المرحوم آخوند ملا محمد کاشانی ره از علماء بزرگوار و وعاظ عالیمقدار معاصر است در تهران که سمت استادی بر بسیاری از گویندگان حاضر دارد. وی عالمی ناطق و واعظی عامل و محدثی بصیر و مفسری خبیر می‌باشد.
در سال 1210 قمری در تهران متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و پس از فراغت از علوم مقدماتی و ادبیات از اول بلوغ به تحصیل علم فقه و اصول و حکمت نزد اساتید بزرگ پرداخته و شوارق و اسفار و منظومه را نزد مرحوم حاج شیخ علی نوری و میرزا مهدی آشتیانی خوانده و رسائل شیخنا الانصاری را با قسمتی از اسفار از محضر آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و قسمت مهمی از فقه را از مرحوم والد و برادر ارجمندش مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ محمد خندق‌آبادی آموخته و از سن بیست سالگی به تبلیغ دین و وعظ و خطابه پرداخته و تاکنون که هشتاد و سه سال از عمر شریفش می‌گذرد متجاوز از شصت سالست که به این سمت مفتخر می‌باشد و هم مدت سی سالست که در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی تهران به اقامه جماعت اشتغال دارد.
دارای تالیفات ارزنده‌ای می‌باشد که در اخبار و احادیث و تفاسیر اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نوشته و نگارنده آنها را دیده‌ام خداوند توفیق طبع و نشر آن را به ایشان عنایت فرماید. آنجناب حقا از برکات زمین و علماء راسخین و در ولاء اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام بسیار ثابت و شدید می‌باشد. خداوند امثال آنجناب را باقی بدارد و دهان و قلم و دست یاوه‌سرایان وهابی مسلکی که اهانت به خدمتگذاران کهن سال دین و ولایت می‌کنند شکسته و پر از آتش نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خواجویان، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
مدرس.
تولد: 1317، مشهد.
درگذشت: 13 آبان 1372، مشهد.
محمدکاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه تحصیل، به دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال 1341 به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده‌ی فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های 1356 -1354 دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته‌ی مطالعات اسلامی را به پایان برد.
دکتر خواجویان از سال تحصیلی 1357 -1356 به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده‌ی ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجوایی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. همزمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به ویژه سرپرستی شورای برنامه ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.
دکتر محمدکاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده‌ی مشهد تدریس می‌کرد و ضمنا به امور اجرایی- اداری دانشگاه فرودسی نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسالم در مشهد زیر نظر استاد محمدتقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیریه «انصار الحجه» (مؤسسه‌ی خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فالیت داشت)؛ فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد؛ عضویت در هیئت امنای اداره‌ی اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌های اجتماعی

دکتر خواجویان بود.
دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی- پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال 1368 با نام «فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.
دکتر خواجویان درباره‌ی تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسله انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.
دکتر محمدکاظم خواجویان در تاریخ 13 آبان 1372 در مشهد به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خواجوئی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب و واعظ، شاعر متخلص به «بهاء» از اعقاب اوست.
فوتش در 1316 روی داده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خواجه نوری، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 ش)، روزنامه‌نگار و حقوقدان. تحصیلات مقدماتی خویش را در تهران و مدرسه‌ی سن‌لویی فراگرفت. در فرانسه و بلژیک در رشته‌های پست و تلگراف و اقتصاد و حقوق اداری تحصیل کرد و به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. وی مدیر روزنامه‌ی «جوانان» بود که بیش از یک ماه انتشار نیافت. او همچنین مدیریت روزنامه‌ی «ندای عدالت» را نیز بر عهده داشت. خواجه نوری از نخستین کسانی است که برای شناساندن روانشناسی جدید و روانکاوی به فارسی زبانان کوشید. آثار وی: «روانکاوی یا طریقه سهل برای شناختن احساسات مخفی خود و دیگران»، که نخستین اثر در این زمینه است؛ «سیمای شجاعان»؛ «اهمیت و ضرورت رهبر و مدیر برای آینده‌ی ایران»، فارسی و انگلیسی؛ «بازیگران عصر طلایی»؛ «چهره‌های درخشان تاریخ»؛ «محمد علی فروغی مشهودات گفتنی»؛ «عقاید لله آقا یا مکاتیب هفتگی».[1]
نویسنده و روانشناس، روزنامه‌نگار و رجل سیاسی، در 1275 در تهران متولد شد. پدرش حبیب‌اللّٰه لشکرنویس و برادرش میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله بود. پس از انجام تحصیلات ابتدائی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی شد و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را پایان داد و زبان فرانسه را یاد گرفت و به استخدام در وزارت پست و تلگراف درآمد. ضمناً با مطبوعات همکاری نزدیک داشت. در 1301 امتیاز نشریه‌ی نامه‌ی جوانان را گرفت و یک شماره آن را انتشار داد ولی انتشار همان شماره سر و صدای زیادی بلند کرد و مردم از وی به دادگستری شکایت بردند زیرا در آن روزنامه از کشف حجاب و آزادی زنان مطالب و اشعاری مندرج شده بود. دادگستری، خواجه نوری را به شش ماه حبس محکوم نمود و از ادامه‌ی انتشار روزنامه جلوگیری کرد. در 1302 از طرف وزارت پست و تلگراف برای تحصیل به اروپا اعزام شد و چند سالی در رشته‌ی تلگراف تحصیل نمود. پس از بازگشت به ایران، مدیر دایره‌ی کارآموزی و نشریات وزارت پست و تلگراف شد و چندی در آن سمت باقی ماند. مجدداً برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در دانشگاه بروکسل جامعه‌شناسی و حقوق خواند. پس از بازگشت، حرفه‌ی وکالت دادگستری پیشه گرفت و ضمناً به عضویت انجمن شهر تهران برگزیده شد و مرتباً در مطبوعات تهران مقالاتی در زمینه‌های اجتماعی می‌نوشت.

پس از شهریور 1320 امتیاز روزنامه‌ی عدالت را گرفت و چندی آن را انتشار می‌داد تا اینکه با کمک عده‌ای از دوستان، مبادرت به تشکیل حزب عدالت نمودند. علی دشتی، جمال امامی و خواجه نوری از مؤسسین حزب مزبور بودند. خواجه نوری روزنامه‌ی عدالت را تبدیل به ندای عدالت نمود و روزنامه‌ی مزبور ارگان حزب ملی‌گرای عدالت شد و سردبیران آن دکتر جعفر جهان و دکتر احمد هومن بودند.
حزب عدالت در صحنه‌ی سیاسی آن روز به علت عضویت عده‌ی زیادی از نمایندگان مجلس، قدرت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و مرتباً پشت سر هم چند کابینه را سر کار آورد. در تبلیغات منصوب شد، سپس معاونت نخست‌وزیری هم ضمیمه‌ی کار او گردید. در کابینه‌های ساعد، بیات، و صدر نیز همان سمت را داشت. در 1325 مجدداً در کابینه‌ی احمد قوام، به معاونت نخست‌وزیری و ریاست اداره کل تبلیغات منصوب شد. در 1327 برای بار سوم در نخست‌وزیری ساعد، آن سمت را احراز نمود. در انتخابات مجلس سنا که در سال 1328 در ایران برای اولین بار انجام گرفت کاندیدای سناتوری شد. در انتخابات دور اول جزء 75 نفر بود و در دوره‌ی دوم در زمره‌ی 15 سناتور انتخابی تهران قرار گرفت و پس از افتتاح مجلس از سناتورهای پرکار و پرنطق بود و تقریباً جزء چند سناتوری بود که مجلس را می‌گردانیدند.
در دوران نخست‌وزیری مصدق، از مخالفین بود. پس از وقایع 30 تیر نیز به دولت رأی نداد و در مسئله‌ی نفت و راه‌حل آن در مجلس سنا نطق‌های مفصلی ایراد نمود. پس از انحلال مجلس سنا، از طرف مصدق به اروپا رفت و پس از بازگشت با سرلشکر زاهدی فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد تا اینکه در نیمه‌ی دوم 1332 در دوره‌ی دوم مجلس سنا مجدداً به سناتوری رسید. و در مجلس پیرامون تمام لوایح دولت به بحث و انتقاد می‌پرداخت و از ابراز عقیده خودداری نمی‌نمود. در حکومت اقبال، به هنگام طرح لایحه‌ی ساواک، محکم ایستاد و چندین جلسه در مضار این سازمان سخن گفت و دولت را از تشکیل چنین سازمانی برحذر داشت ولی همین نطق باعث شد او را کنار بگذارند و دیگر کاری به او واگذار نشود.
خواجه نوری نویسنده‌ای توانا و محققی پرتوان بود. در کنار مشاغل سیاسی خود، دست از تألیفات و ترجمه برنداشت. بیشتر شهرت و معروفیت او بر اساس انتشار جزوات بازیگران عصر طلائی شد. او مدعی گردیده بود کلیه‌ی کسانی که در دوران رضاشاه مصدر شغلی بوده‌اند، شرح حالشان انتشار خواهد یافت. او توانست چند نفری را که عبارت بودند از آیرم، تیمورتاش، امیر خسروی، طهماسبی، دبیراعظم بهرامی، مدرس، داور، سپهبد امیراحمدی، علی سهیلی، علی دشتی، علی وکیلی را

انتشار دهد و بقیه متوقف شد. ولی مهمتر از همه شرح حال سربازیگر عصر طلائی بود که در آن تاریخ همه تشنه‌ی خواندن آن سرگذشت بودند. آگهی‌های مکرر در این زمینه انتشار می‌یافت ولی هیچ موقع به چاپ نرسید. یکی از نزدیکان خواجه نوری که به قول او اعتماد کامل دارم، برای نگارنده حکایت کرد که روزی محمدرضا شاه، خواجه نوری را احضار می‌کند و می‌گوید چون نوشته‌های شما بسیار جالب است، قبل از انتشار سربازیگر عصر طلائی نوشته‌ی خودتان را بدهید من بخوانم. خواجه نوری هم امتثال امر می‌کند و نوشته را به شاه می‌دهد. پس از مدتی برای او پیغام می‌فرستد فعلاً موقع انتشار این مطالب نیست. این نوشته نزد من امانت خواهد بود تا در موقع لازم برای چاپ در اختیار بگذارم.
غیر از جزوات بازیگران عصر طلائی که هنوز تجدید چاپ می‌شود، آثار دیگری دارد مانند محبوس باغ فردوس، مشهودات گفتنی در دو جلد، اولین برخورد، روانکاوی و کتاب سیمای شجاعان نوشته‌ی کندی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از ترجمه‌های اوست. در کار نمایشنامه‌نویسی هم دستی داشت. نمایشنامه‌ی عظمت ایران و نمایشنامه‌ی یک ایرانی در مقابل زن به زبان فرانسه از کارهای خواجه نوری می‌باشد. هزار سؤال بجا و هزار سؤال بیجا و یادداشت‌های لله‌آقا از دیگر آثار اوست. گاهی بر حسب تفنن شعر هم می‌سرود. وی در روانشناسی و روانکاوی هم دستی داشت. در 1370 درگذشت.
محقق.
تولد: اسفند 1279، شیراز.
درگذشت: فروردین 1370.
ابراهیم خواجه‌نوری چون پدرش را در یک سالگی از دست داد زیر نظر برادر بزرگش ابوتراب نظم‌الدوله تربیت شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران آموخت. در روزگار جوانی روزنامه‌ی «نامه جوان» را منتشر کرد ولی پس از چاپ اولین شماره به زندان افتاد و چهار ماه زندانی بود و اتفاقا همان وقت بود که میرزاده‌ی عشقی هم محبوس بود.
پس از آن به اروپا رفت ومدت هشت سال در بروکسل درس خواند و در حقوق و علوم اداری دیپلم گرفت و پس از بازگشت به ایران ابتدا مدیر مدرسه‌ی عالی پست و تلگراف شد و سپس به وکالت دعاوی مشغول گردید.
پس از شهریور 1320 وارد سیاست شد. یکی از تأسیس کنندگان حزب عدالت بود. روزنامه‌ی این حزب نامش «ندای عدالت» بود و خواجه نوری صاحب امتیاز و یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه به مدت یک سال و نیم منتشر شد. (408 شماره در تهران، پنج بار در هفته، 1324 -1323).
در همین دوران نگارش بازیگران عصر طلایی را شروع کرد. جزوه‌هایی بود

در شرح حال معروف‌ترین رجال سیاسی دوره احمدشاه قاجار و رضاخان. وی چندی معاون نخست وزیر (در چهار دولت) بود و سپس سناتور شد. ظاهرا چون با لایحه‌ی تشکیل سازمان امنیت مخالفت کرده بود، پس از دوره‌ی اول دیگر انتخاب نشد. به رشته‌ی روان شناسی و مباحث اجتماعی مخصوصا روانکاری دل بستگی داشت. وی چندین کمیته و شورا عضویت داشت.
از تألیفات اوست: اولین برخورد (1339)؛ بازیگران طلایی (1322)؛ چرا انگلستان خفته بود (ترجمه از کتاب جان اف. کندی، 1345)؛ رموز روانی مدیریت (1347)، روانکاوی (1336)؛ سیمای شجاعان (ترجمه از جان اف. کندی، 1340)؛ شگفتی‌های جهان درون (1346)؛ عقاید لله‌آقا؛ مردان خود ساخته؛ مکتوب (1334)؛ زندانی باغ فردوس.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین ایران (317)، شخصیتهای نامی (185 -184)، مولفین کتب چاپی (56 -54 /1).

خوارزمی ادیبی، ابوسعید احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 626 ق)، ادیب، شاعر و خطاط. از اهالی خوارزم بود و در فصاحت و بلاغت و نگارش مهارت داشت از خوشنویسان طراز اول به شمار می‌رفت و پیش از زمان یاقوت حموی می‌زیست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (100 /1)، معجم الادباء (135 -131 /2).

خوارزمی، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 383 ق)، شاعر و ادیب. مشهور به طبرخزی. نسبت وی بدان سبب است که پدرش از خوارزم بود و مادرش از طبرستان. وی که خواهرزاده‌ی محمد بن جریر طبری است در خوارزم متولد شد، از زادگاهش به شام رفت و مدتی در حلب ساکن شد. در راه بازگشت در ارجان (بهبهان)، به دیدار صاحب بن عباد رفت و داستان این ملاقات مشهور است و پس از آن به نیشابور آمد و در آن شهر مسکن گزید و همان جا درگذشت. ابوبکر در حفظ اشعار و ایام و اخبار عرب و لغت عرب یگانه روزگار خود بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ مجموعه‌ی «رسایل» خوارزمی که به داشتن محاسن بدیعی ممتاز است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (52/7)، اعیان الشیعه (379 -377 /9)، تاریخ ادبیات در ایران (640 -639 /1)، تاریخ اسلام (حوادث 69 -68 /400 -381)، تاریخ نیشابور (185)، الذریعه (245، 241 /10، 985، 37 /9)، روضات الجنات (193/7)، ریحانه (185 -183 /2)، سرآمدان فرهنگ (98/1)، سیرالنبلاء (526/16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 274/4)، الکامل (161/7)، کشف الظنون (902، 770)، الکنی و الالقاب (22/1)، لغت نامه (ذیل/ ابوبکر)، معجم المولفین (120 -119 /10)، الوافی بالوفیات (196 -191 /3)، وفیات الاعیان (403 -400 /4)، هدیه العارفین (57/2).

خوارزمی، ابوعلی حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 442 ق)، فقیه، ادیب و شاعر شیعی. ملقب به ضریر. پدرش از مردم نیشابور بود که به خوارزم مهاجرت کرد. حسن در این شهر نشو و نما یافت. از جمله آثار وی: «تهذیب دیوان الادب»؛ «تهذیب اصلاح المنطق»؛ «زیادات اخبار خوارزم»؛ «محاسن من اسمه الحسن»؛ «دیوان» شعر، دو مجلد؛ «دیوان رسائل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (313 -312 /5)، الغدیر (30/4)، کشف الظنون (108)، معجم الادباء (191/9)، معجم المولفین (296/3)، الوافی بالوفیات (272 -271 /12)، هدیه العارفین (275/1).

خوانساری صدر، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1325 ق)، روزنامه‌نگار. از چهار سالگی در مدرسه‌ی آلیانس اصفهان به تحصیل پرداخت و با اینکه در هفت سالگی پدرش را از دست داد، دوره‌ی اول متوسط را در اصفهان گذراند و پس از آن به تحصیل علوم دینی پرداخت. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و وارد دارالفنون شد و دوره‌ی دوم متوسطه را در آنجا به پایان برساند. سپس وارد مدرسه‌ی حقوق شد پس از فراغت از تحصیل با سمت مستنطقی عدلیه به خدمت دولت درآمد. در سال 1319 ش از کار دولتی کناره گرفت و به وکالت عدلیه پرداخت. در ضمن آن، روزنامه‌ی «قیام ملی» را منتشر کرد. آثار وی: «حقوق زن در اسلام و اروپا»؛ «مرد نامتناهی، علی بن ابی‌طالب (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (158/3)، مولفین کتب چاپی (2/ 644- 646).

خوانساری، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برهان الدین ابواسحاق ابراهیم بن زین الدین ابی الحسن علی بن جمال الدین ابو یعقوب یوسف بن یوسف بن علی خوانساری اصفهانی.
از اجلّه شاگردان شیخ علی کرکی، و از او اجازه دارد. تاریخ اجازه 924 می‌باشد.
در الذریعة (212:1) نقل از ریاض العلماء گوید که آن را در پشت کتاب کشف الغمة به خطّ کرکی دیده‌ام.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، زین‌الدین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ زین‌الدین علی بن عین علی خوانساری از اکابر علما و فضلا بوده، و در مدتی امامت جمعه‌ی اصفهان را داشته، و در سال 1167 وفات یافته، و در قبرستان آب بخشان مدفون شده، بقعه کوچکی داشت.
وی را تألیفاتی است از آن جمله است: 1 - رساله در رد بر ملا حیدر علی شیروانی در نجاست غیر امامی 2 - رساله‌ای در رد بر ملا محمد شفیع تبریزی در موضوع نماز در لباس ابریشم؛ و غیره.
اولاد مرحوم شیخ زین‌الدین دو دسته‌اند:
اول: اولاد پسری، که آقا محمد صاحب عنوان باشد.
دوم: اولاد دختری که حسین علی شاه و سعادت علی شاه و جمعی دیگر باشند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از منبریان معروف، و روضه‌خوانان مشهور اصفهان بوده، و در شدت مرضی نیز ترک ذکر مصیبت ننموده، در روز 7 محرم سال 1293 وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه آباده‌ای مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را پرتو شاعر گوید:
از پی تاریخ آن پرتو سرود
یا حسینی گفت پس دم درکشید
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

خوانساری، عطاء الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 29 ربیع الاول 1266 متولّد، و در 6 جمادی الاولی 1335 وفات یافته.
وی مؤلّف فهرستی است بر کتاب روضات الجنات.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوانساری، علی اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولی علی اکبر، عالم جلیل، از شاگردان و خواص اصحاب سید حجة الاسلام، و مورد اعتماد و وثوق ایشان بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید، مشارالیه را به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است.
پس از وفات او، جنازه به نجف اشرف منتقل شده، در وادی السلام مدفون گردید.
وی از شاگردان و مجازین از سید صدرالدین عاملی بوده (و در شب جمعه 14 محرم 1263 وفات یافته است).
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خوراسگانی، محمد اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آخوند ملا احمد، از علما و اجلاّ و ائّمه ی جماعت در شهر بوده، و در 24 ذی حجه سال 1284 وفات یافته، در تخت فولاد در سمت جنوبی بقعه ی فیض مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خورشید مریوانی

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
ز دهه چهارم قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب و هنرمند. وی دختر شیخ معروف که لوس و از سادات «ته راته وەن» بود. پدرش به دلیل ناملایمات روزگار از مریوان به سنندج مهاجرت کرد و خاتون خورشید در کودکی در خانه یکی از خوانین محترم اردلان به سر برد و او وسایل تحصیلش را فراهم نمود تا جایی که به ادبیات فارسی احاطه یافت و با منطق و زبان و ادبیات عربی نیز آشنا شد.
وی کتابی درباره آداب خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت فرزند از ابتدای ولادت تا هنگام بلوغ به زبان فارسی تألیف کرد و یک دیوان شعر نیز از او به جا مانده که هیچکدام چاپ و منتشر نشده‌اند. این بانو در زمینه نقش و نگار و نوع رنگ‌آمیزی قالی و تهیه رنگهای متنوع آن شهرت داشته و نقشه‌های او را هم‌اکنون در کردستان «خورشیدی» می‌خوانند. خاتون خورشید مادر شاعر معروف کرد «قانع مریوانی» بود. وی قطعه شعری نیز به زبان کردی سورانی دارد که در نصیحت دخترش سروده است.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، 155 -154 / 2.

خوش جمال فکری، سارا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سارا خوش جمال فکری در سال 1367 در رودبار متولد شد
وی دو برادر و یک خواهر بزرگ تر از خود دارد که همگی آنها ورزشکار بوده اند. پدر و مادرش معلم هستند و کمک آنها باعث شد که سارا در سن16 سالگی وارد دانشگاه شد و در رشته فیزیک ادامه تحصیل دهد. به خاطر حضور در اردوهای مختلف مجبور شد که رشته فیزیک را رها کند و در حال حاضر دانشجوی ترم دوم تربیت بدنی است. حدود9 سال است که تکواندو را تحت نظر خانم آذر مهر پیگیری میکند ودر 5 سال گذشته به صورت دائم در اردوهای تیم ملی حضور یافته است. در حال حاضر دان 3 تکواندو دارد
از عناوینش می توان به مقام دوم پایتخت های کشور های اسلامی ، مقام دوم مسابقات چین، مقتم دوم مسابقات کره، سوم مسابقات لبنان، مقام دوم مسابقات هلند، مقام اول دهه فجر و سر انجام مقام 3 مسابقات آسیایی و کسب سهمیه المپیک اشاره کرد
سارا خوش جمال فکری امروز سی ام مرداد 1387 در آوردگاه المپیک پکن بعد از شکست اولین حریف خود در دیدار دوم مقابل حریفی از چین تایپه بعد از سه راند مبارزه و مساوی شدن نتیجه در راند طلایی نتیجه را واگذار کرد و در عین شایستگی حذف شد منابع زندگینامه http://taekwondo-chagi.blogfa.com:

خوشنویس، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر خوشنویس
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/1
زندگینامه علمی
محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال 1325 در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحلی از علم کلام و تفسیر و فقه ، باب حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند.پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود 5 سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل : العرفان و الحیاه (بین سالهای 1349-1353 هجری شمسی) پرداخت .
سپس به بحرین هجرت کرده و پس از مکث 9 ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله ، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال 54 به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت 15 سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه ، اصول ، رجال ، درایه ، فلسفه ، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر : فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی ، دوزدوزانی ، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت.درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی ، آیت الله العظمی وحید خراسانی ، آیت الله العظمی

مکارم شیرازی ، آیت الله کوکبی ، آیت الله سبحانی استفاده نمود.
از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی ، فن نویسندگی معاصر ، خطابه در کنار فقه ، اصول ، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد.ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت.در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایی مانند لبنان ، سوریه ، بحرین ، دبی ، شارجه ، چین ، مالزی ، سنگاپور ، سریلانکا ، تایلند ، ساحل العاج ، کرواسی ، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت .به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (1349-1354 ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی 1، 2، 3 فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی ، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته ، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است.تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعة الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون : القرآن یهدی ، ذکریات المعصومین ، نداء الاسلام ، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن ، پیام قرآن ، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوة الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البیت العالمیة و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (درخیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

خونساری، فضل‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید فضل‌اللّٰه بن العالم الجلیل آقا سید علی‌اکبر خونساری خواهر زاده و داماد آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد موسوی خونساری مد ظله از علماء بزرگوار معاصر تهران است.
وی در خونسار متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و اولیات را در آنجا خوانده و به اصفهان مسافرت و یکسال در آنجا درس خوانده و در سال 1347 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه به اتمام رسانیده و حدود دو سال در حوزه درس آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی حاضر و استفاده نموده و بعد از فوت آن مرحوم یک دوره اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حجت را دیده و از محضر آیت‌اللّٰه خونساری بهره‌مند شده و حدود نوزده سال فقه و اصول و علوم عقلیه و فلسفه و فلکیات را از آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خونساری مد ظله دائی بزرگوار خود بهره‌مند شده و هم از ابحاث عرفان و فلسفه مرحوم آیت‌اللّٰه شاه آبادی استفاده نموده تا سال 1365 قمری که بر حسب تقاضا و اصرار جمعی از اهل تهران ساکن (خیابان شاه) برای اقامه جماعت در مسجد سجاد آن خیابان و ترویج دین مبین و ادامه بوظائف روحانیت مهاجرت به تهران نموده و تاکنون در آن محیط اشتغال به خدمات دینی و تدریس فقه و اصول دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدباقر بن العلامه التقی آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری از علماء معاصر تهرانست وی در قم متولد و اولیات و سطوح را از مدرسین قم فراگرفته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف و از مراجع آن سامان مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران استفاده و چند سالی است مراجعت به ایران و در خیابان گرگان تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد شمال خیابان مزبور و ترویجات و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خونساری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمد علی بن العلامه الورع آیت‌اللَّه حاج سید محمد تقی موسوی خونساری از علماء فعال و مروج معاصر تهران است. وی نیز مانند برادرش در قم متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و اولیات و سطوح را از مدرسین حوزه آموخته و چندی از محضر مرحوم والد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده آنگاه بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین تهران رحل اقامت به آن سامان انداخته و در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه خیابان فرودگاه نزد کارخانه پپسی کولا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار اشتغال دارد و در فن منبر نیز مهارت و استادی کامل دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خویی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1274 ق)، صوفی، منشی و شاعر. در خوی به دنیا آمد. مدتی برای تحصیل علم ظاهر و باطن به مسافرت و سیاحت پرداخت و در اصفهان از محضر شیخ محمدحسین و شیخ زین‌العابدین حسن علیشاه، و رییس سلسله‌ی نعمت الهی کسب فیض کرد. نزد آخوند ملاعلی نوری، که حکیم عصر بود حکمت آموخت و بعد از چندی سیر و سلوک و تحصیل، به خدمت محمدشاه رسید و منشی خاصه و کاتب اسرار و محرم او شد. در اواخر عمر، از کار دنیا ملول شد و انزوا گزید. سرانجام در تهران درگذشت. میرزا مهدی در نظم و نثر توانا بود و از اشعارش مقداری قصاید و غزلیات و مثنویات بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1759 -1755 /3)، دانشمندان آذربایجان (365 -364)، گنج شایگان (437 -436)، مجمع الفصحا (927 -919/5).

خوئی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن خوئی بن آیه الله حاج سید ابوالقاسم بن آیه الله حاج سید مهدی بن حجه الاسلام سید صادق حسینی خوئی قدس سره دائی معظم آیه الله العظمی فقیه اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام فی عصره و جامع العلوم و الفنون فی دهره العلامه الکبری ابوالمعالی سید شهاب الدین النجفی مرعشی مدظله العالی از علماء بنام تبریز بوده‌اند.
سلسله نسب آن بزرگوار با نسب مرحوم آیه الله حاج سید حسین کوهکمری و آیه الله حجت کوهکمری یکی می‌شوند و منتهی می‌شوند بسید حسن که در زنوز نزدیک شهر مرند قبرش مزار مؤمنین می‌باشد و نسب سید حسن هم منتهی به حضرت علی اصغر فرزند حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام منتهی می‌گردد. و آیه الله سید مهدی جد آقا سید حسن از اعاظم تلامذه شیخنا الانصاری بوده و آیه الله آقا سید ابوالقاسم والدشان از تلامذه فاضل شربیانی و آیه الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی بوده است.
مترجم معظم در سال 1289 در شهر تبریز متولد شده والده ایشان مخدره صالحه بانو حاجیه همای خانم صبیه مرحوم حاج منجم بانی پل معروف به پل منجم در شهر مذکور می‌باشد.
اساتید ایشان والدشان و عموی مکرمشان آیه الله آقای حاج سید رضا خوئی و سایر علماء تبریز بوده و بعد به نجف اشرف مهاجرت و سالهای متمادی در درس مرحوم آیه الله حاج سید کاظم یزدی صاحب عروه و آیه الله شریعت تلمذ نموده و پس از وفات آن دو بزرگوار به تبریز آمده و به تدریس و اقامه جماعت و بیان عقاید و احکام دینیه پرداخته.
اجتهاد و روایتی
دارای اجازات عدیده از آیه الله یزدی و آیه الله شریعت و آیه الله فیروزآبادی و آیه الله آقا شیخ زین العابدین مرندی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی می‌باشد:
آثار قلمی ایشان از این قرار است:
1- مجالس المواعظ کتابی است به نحو مجلس مجلس 2- شرح زیارت عاشورا 3- شرح صحیفه سجادیه 4- شرح دعاء سمات 5- حاشیه بر عروه الوثقی 6- غایه القصوی.
در سال 1379 قمری وفات نموده و پس از مدتی که در مزار سید ابراهیم

امانت سپرده شده بود حمل به نجف اشرف و در وادی السلام در قبرستان خانوادگی مدفون گردید. دارای دو پسر به نام آقا سید باقر که از تجار و ساکن مشهد مقدس است 2- آقا سید عبدالکریم ساکن تبریز و داماد مرحوم آیه الله حاج میرزا مهدی انگجی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

خوئی، عبدالصمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عبدالصمد ابن المرحوم آقا میرزا مجتبی ادیب خوئی طاب ثراه (معروف به اولاد ملا محمدباقر خوئی) در سال 1327 ه. ق در شهر تهران متولد و در پنج سالگی در خدمت والدین خود عازم خوی شده و در آنجا تحصیلات ابتدائی و مقدمات عربی را نزد والد ماجدش خوانده و سطوح وسطی را نزد علمای بزرگ شهر خوی فراگرفته و در سن 21 سالگی در مدرسه نمازی شهر خوی بتدریس طلاب مشغول و بواسطه پیش آمد بعضی از حوادث بقصبه شبستر عزیمت و مدت یکسال و نیم از محضر آیت‌اللّه شبستری استفاده نموده و آنگاه به تبریز آمده و در مدرسه طالبیه مشغول تدریس طلاب علوم دینیه شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی رسائل و مکاسب را فراگرفته و در سال 1350 ه.ق مهاجرت به قم نموده و مدت چهارده سال و نیم در حوزه مقدسه قم از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری و اندکی هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده کرده و مقداری از حکمت و فلسفه را هم نزد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی خوانده و در مدرسه دارالشفا و فیضیه به تدریس متون فقه و اصول پرداخته و عده‌ای بسیار از طلاب و محصلین در حوزه دروسش شرکت و بامور مدرسه دارالشفا هم رسیدگی می‌کردند تا در سال 1363 ق. ه که از طرف حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی مد ظله انتخاب و با تصویب و موافقت آیات عظام قم اعزام به منطقه اسکرومیلان گردیده و سالهای متمادی در آن ناحیه که در تحت تسلط و نفوذ حزب منحله و منفوره توده‌ای‌های آذربایجان بود خدمات شایسته‌ای انجام داده و در مقابل حملات و تهمتها و اهانت‌های آن فرقه ضاله مقاومت و با عنایت حق جلت قدرته و الطاف حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف تحمل شداید نموده و انجام وظائف محوله دینیه را از قبیل: تشکیل مدرسه علمیه دینیه و جمع‌آوری طلاب از اطراف و قراء آن صفحات در قصبه میلان و اعزام منبریهای طلاب را بدهات و قراء برای ترویجات دینی نموده‌اند.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان بسیار جدی و ساعی در امور دینی و از مروجین و خدمتگزاران بلیغ می‌باشد در مدت اقامتشان در میلان آثار بسیاری از قبیل ساختن حمام‌ها و مفروش کردن مساجد دهات و قراء آن سامان و تربیت طلاب و اعزام آنان به قم و غیره انجام داده‌اند تا در

سال 1379 ق که جناب آقای حاج سید حسین مدنی (ابن عم مکرم حضرت آیت‌اللّه المیلانی دام ظله) متولی مسجد حضرت ابوالفضل علیه‌السلام جوادیه تهران از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه کسب اجازه نموده و ایشان را به تهران دعوت و امامت مسجد مزبور را بعهده ایشان گذارده و تا حال حاضر حدود پانزده سال است در منطقه بزرگ و حساس جوادیه راه آهن بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خوئی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدحسین بن العالم الجلیل آقا سید کبیر خوئی از علماء محترم معاصر تهران است.
وی پس از تولد و پرورش در بیت علم و کمال و خواندن مقدمات و سطوح متوسط به قم مهاجرت نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه بپایان رسانیده آنگاه از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد حجت کوهکمری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و بمدارج عالیه رسیده و بعد بنابر درخواست عده‌ای از دوستان و مومنین تهران منتقل به تهران گردیده و در مسجد سلمان واقع در خیابان شهباز تهران به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای خوئی مزبور از بنی اعمام مرحوم علامه متتبع میرزا حبیب‌اللّه هاشمی خودی صاحب شرح نهج‌البلاغه مطبوع می‌باشد، عالمی متین و دانشمندی باتقوا و متانت و دارای تالیفاتی می‌باشد.
مرحوم والدش حجة‌الاسلام آقا سید کبیر خوئی نیز از علماء محترم شهرستان خوی دارای تألیفات بوده که از آنها رساله‌ای بنام مثل و اندرز بسعی آن جناب بطبع رسیده است.
آن مرحوم در سال 1293 ق در شهرستان خوی محله شاهانه متولد و در سوم ذی القعده 1368 قمری در اثر تصادم از اسب همسایه‌اش بدرود حیات گفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

خیابانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1297 ق)، عالم دینی و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. در کودکی به روسیه رفت و پس از بازگشت به تحصیل مقدمات و علوم متداول زمان چون هیات و حکمت و طبیعیات پرداخت و بعد از چندی به سلک روحانیت درآمد و امام جماعت مسجد کریم خان محله خیابانی تبریز شد. پس از اوج‌گیری جنبش مشروطه به این جنبش پیوست و نماینده‌ی انجمن ایالتی آن شهر شد. در دوره دوم مجلس به نمایندگی مردم تبریز انتخاب شد و در مدت نمایندگی خود با اولتیماتوم روسیه علیه ایران و قرار داد 1919 م وثوق‌الدوله مخالفت کرد. خیابانی در تبریز روزنامه‌ی «تجدد» را بنیان گذاشت و با نوشتن مقالاتی موفق به ساقط کردن دولت وثوق‌الدوله شد. وی در آذربایجان قیام و جنبشی راه انداخت که بوسیله مخبرالسلطنه سرکوب شد و خود نیز در این کشمکش کشته شد.[1]
از آزادیخواهان معروف آذربایجان در عهد مشروطیت است. وی در 1297 ه.ق در تبریز متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم معقول و منقول ادامه داد و به کسوت روحانیت درآمد. پدرش پیشه‌ی تجارت داشت و بیشتر تجارت او با روس‌ها بود. قریب سی سال تجارتخانه‌ای در روسیه دائر کرده بود. شیخ محمد چندی نزد پدرش در روسیه باقی ماند. زبان روسی را فراگرفت و به تبریز بازگشت و امام مسجد کریم‌خان تبریز شد. هفته‌ای چند بار در مسجد منبر می‌رفت و سخنان تندی بر زبان می‌راند و از مشروطه و آزادی دفاع می‌نمود. در بین مردم تبریز خیلی زود وجهه خوبی پیدا کرد. در دوره‌ی دوم که جوانی سی‌ساله بود، به وکالت مجلس انتخاب گردید. در تهران به تبعیت از تقی‌زاده، وارد حزب دموکرات شد. وقتی مجلس دوم تعطیل شد، او به تبریز و سپس به روسیه رفت و چند سالی دیگر در روسیه باقی ماند. در آن ایام حکومت تزار در حال احتضار بود و مردم روسیه علیه خانواده‌ی سلطنتی قیام کرده بودند ولی هنوز انقلاب به ثمر نرسیده بود. خیابانی تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی در روسیه قرار گرفت و به تبریز بازگشت و حزب دموکرات را در آنجا تأسیس کرد و روزنامه‌ای به نام تجدد انتشار داد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که در دوران حکومت وثوق‌الدوله آغاز شد، شیخ به نمایندگی برگزیده شد. خیابانی منتظر فرصت بود تا اینکه قرارداد 1919 منتشر شد. وی قرارداد را بهانه قرار داده، علیه حکومت مرکزی قیام کرد و تمام تبریز را به تصرف خود

درآورد و مخبرالسلطنه والی و سران حکومت را در تبریز به اسارت کشید. در همین ایام مشیرالدوله به جای وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء شد و برای جلوگیری از بحران به مخبرالسلطنه اختیارات نظامی داد. بین شیخ و قوای دولتی جنگ مسلحانه شروع شد و سرانجام شیخ در همان موقع به قتل رسید و طومار زندگی‌اش در سن 42 سالگی پیچیده شد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (214 ،211 -208 /2)، تاریخ جراید (106 -105 /2)، شرح حال رجال (198 -196 /6).

خیام‌پور، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب.
تولد: 1316(1277 ق.) تبریز.
درگذشت: 12 فروردین 1358، تهران.
عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال 1306 به اخذ گواهینامه از دوره ادبی مدرسه دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت چون در امتحانات رشته‌ی مزبور درجه‌ی اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجه‌ی اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید. بعدا عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکده‌ی معقول و منقول، مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال 1316 الی 1325 (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکده‌ی ادبیات از شعبه‌ی ترمولوژی استانبول لیسانسیه شد و در تیر 1325 به ایران بازگشت)، معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تبریز از مهر 1326؛ وی همچنین به معاونت دانشکده‌ی ادبیات رسید. وی در خرداد 1329 نیز به ریاست کتابخانه‌ی دانشکده نیز منصوب شد . در پانزدهم تیر 1348 بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی 1348 به مقام استادی ممتاز نایل آمد.
دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور 1349 به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب فرهنگ سخنوران (تبریز، 1340، تهران، 1372 ،1368) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.
فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: مجمع الخواص (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، 1327)؛ رساله‌ی عربی برای فارسی (اقتباس و ترجمه از المنجد 1336)؛ دستور زبان فارسی (1333 این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ یوسف و زلیخا (1339)؛ فرهنگ سخنوران (1340)؛ نگارستان دارا (تألیف عبدالرزاق دنبلی،

1342)؛ ریاض الوفاق (تألیف ذوالفقار علی، 1343)؛ تذکره اختر (تألیف احمد گرجی، 1343)؛ مصطبه خراب (به قلم احمد قاجار، 1344)؛ حدیقه امان‌اللهی (نوشته میرزا عبدالله سنندجی، 1344)؛ تذکره‌ی روضة السلاطین (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، 1345)؛ سفینة المحمود (نوشته‌ی محمود میرزا قاجار، 1346) جزوه‌ای تحت نام شیوه انتقاد در مجله راهنمای کتاب (آذر 1339)؛ حالات اسم در فارسی امروزی (1332)؛ خاقانی شروانی (1327). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریه «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.
(1358 -1277 ش)، محقق، مصصح، استاد دانشگاه و نویسنده. در تبریز متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و با گرفتن دیپلم ادبی از دارالفنون به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از سه سال تدریس در اهواز برای ادامه‌ی تحصیل به تهران بازگشت و موفق به دریافت لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد، سپس در دارالفنون و دیگر دبیرستانها به تدریس پرداخت. از سال 1316 ش به مدت نه سال سمت مدیری دبستان ایرانیان را در استانبول بر عهده داشت و در ضمن خدمت، موفق به اخذ لیسانس و دکتری از دانشگاه استانبول شد. پس از مدتی تدریس در دانشکده‌ی ادبیات تبریز، به سمت ریاست کتابخانه و سپس معاونت دانشکده انتخاب شد. در سال 1348 ش بازنشسته شد و به دلیل خدمات علمی و پژوهشی به مقام استادی ممتاز نایل آمد. از آثار وی: تالیف «فرهنگ سخنوران»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «رساله‌ی یوسف و زلخیا»؛ ترجمه و تصحیح و تحشیه‌ی «نگارستان دارا» و «مصطبه‌ی خراب» و «تذکره‌ی روضه السلاطین» و «سفینه المحمود» و «ریاض الوفاق».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 3، ص 245 -243)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (248 -247/ 2)، فرهنگ سخنوران (مقدمه)، مولفین کتب چاپی (849 -847/ 3).

خیرخواه، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد خیر خواه
محل تولد : روستای طوسکلاء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد خیرخواه دوره تحصیلات ابتدایی را در روستای زادگاهم طوسکلا از توابع شهرستان نکاء گذرانده ام و تحصیل در مقطع راهنمایی را درشهرستان های ساری(مرکز استان مازندران) و گرگان (مرکز استان گلستان) انجام دادم و در سال 1357 همزمان با انقلاب اسلامی به جهت علاقه زیادی که به تحصیل علوم دینی داشتم وارد حوزه علمیه رستمکلاء (حومه بهشهر) شدم که زیر نظر عارف کامل و عالم عامل حضرت آیت الله شیخ ابوالحسن ایازی (رضوان الله تعالی علیه) تاسیس و اداره می شد و دروس آغازین صرف و نحو (ادبیات عرب) را در آن حوزه نورانی فراگرفتم. لازم به ذکر می دانم که فضای تحصیلی در آن حوزه با دو ویژگی تعلیم و تزکیه ممتاز بود و مرحوم آیت الله ایازی با تعلیم و تربیت هزاران تن از طلاب فاضل و روحانیون ارجمند که بسیاری از آنان خود از اساتید شایسته و از محققان و پژوهشگران پرتلاش هستند در توسعه علم و فرهنگ دینی نقش بسیار مفید و ماندگاری را ایفا نمودند.اینجانب در سال 59 وارد حوزه علمیه قم شدم و کتاب مغنی اللبیب (در ادبیات) را نزد مرحوم استاد مدرس افغانی(ره) و کتاب مطول (در معانی وبیان و بدیع) را محضر آیت الله فشارکی و کتاب رسائل (در علم اصول) را نزد آیت الله اعتمادی و کتاب مکاسب (در فقه) را محضر آیت الله بنی فضل و مرحوم آیت الله پایانی و کتاب کفایة الاصول آخوند خراسانی را محضر مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و دروس خارج اصول و فقه را محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی(ره)، صالحی مازندرانی(ره)، ناصر مکارم شیرازی، و جوادی آملی افتخار حضور یافتم. به جهت علاقه خاصی که به مطالعه و پژوهش در علوم قرآن و تفسیر داشتم و نیز به جهت اهمیت ویژه ای که خود این دانش در مقایسه با دیگر علوم دارد، وارد این رشته تخصصی شدم که با شرکت کنندگان در آن با شرایط ویژه ای و با دو

مرحله امتحان گزینش می شوند در این دوره که به مدت چهار سال به طول انجامید از محضر اساتید بزرگوار و حضرت آیت الله معرفت استفاده کردم و موضوع پایان نامه اینجانب (بررسی مترادف در قرآن کریم) است. و همزمان و به موازات حضور در دوره تخصصی تفسیر جهت عینیت بخشیدن به مطالعات و پژوهشهای قرآنی وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در قم شدم و این مرکز که از مهمترین مراکز مطالعات تحقیقی و کاربردی در محور موضوعات قرآنی است متشکل از بخش ها و واحدهای مختلفی از جمله دائرةالمعارف قرآن کریم، پاسخ به پرسش ها و شبهات قرآنی، تفسیر راهنما، قرآن و علم، واحد فرهنگ قرآن و... می باشد و اینجانب به اتفاق جمعی از همکاران گرامی در واحد فرهنگ قرآن قریب به ده سال است که به تحقیق و پژوهش در مفاهیم قرآنی مشغول هستیم که با منطق نظم الفبایی تدوین می شود و برای این منظور بیش از دو هزار مدخل که با بیشتر از صد هزار نمایه توسعه می یابد بر مبنای معارف برگرفته از قرآن کریم و تفاسیر در قالب برداشت های قرآنی و با راهکارهای کاملا تعریف شده و ضابطه مند مورد تحقیق قرار می گیرد. این پژوهش که با نام (فرهنگ قرآن) آغاز شده و ادامه دارد در حقیقت پروژه ای عظیم و در عین حال بی سابقه در حوزه علوم قرآن و تفسیر است که از سوی حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی ارائه شده است و به وسیله تلاش های مستمر و دلسوزانه جمعی از همکاران همدل و همراه این مرکز انجام می گیرد و به سامان می رسد که بنده نیز به عنوان عضوی کوچک از آن مجموعه بزرگوار محسوب می شوم. تحقیق مذکور که به مثابه یک موسوعه بزرگ از مفاهیم قرآنی است در حدود 25 جلد خواهد بود که 10 جلد آن تا کنون از چاپ خارج شده است و در دسترس علاقمندان مطالعات قرآنی قرار گرفته است و بقیه مجلدات آن نیز در شرف نهایی شدن قرار دارد. اینجانب جدای از تحقیق جمعی فوق مقالاتی را در موضوعات علوم قرآنی، کلامی، معارف دینی و اجتماعی برای دایرةالمعارف قرآن کریم و مرکز مطالعات حوزه علمیه قم و برخی از نشریات نوشته ام.

داداش زاده، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی داداش زاده
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
درسال 71 وارد حوزه علمیه شهرستان بابل – استان مازندران – شدم .بعداز مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم ودرهمین میان به تدریس ادبیات عرب ومنطق پرداختم . ودرسالهای 75- 76 به عنوان شاگرد ممتاز،شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم . درسال 78 رتبه سوم درپایه هشتم را کسب نمودم وسرانجام درپایه دهم رتبه اول رابدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم . همزمان باورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته ، وکتاب بداية الحكمة، نهايةالحكمة، رسائل، را تدریس نمودم وبعد ازمدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده وبه ادامه تحصیل درگرایش فقه واصول پرداختم واز آن مرکز نیز رتبه اول رابدست آوردم.درمیان تحصیل دررشته فقه واصول وفلسفه وتفسیر،ازآنجایی که احساس نمودم حملاتی برعقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات بپردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی ازکتب دردفاع ازکیان تشیع زدم که مورد استقبال بالا قرارگرفت وبا تیراژ فراوان چاپ و منتشرگردید که دوعنوان ازاین کتب ،رویکردعقلانی برباورهای وهابیّت ،وسلفی گری درگذرتاریخ بود .ودرادامه تحصیلات هم اکنون دررشته علوم حدیث باگرایش کلام وعقاید دردانشکده علوم حدیث قم درکارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم .

دادبه، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر دادبه درسال 1325 در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (1347) ، فوق لیسانس (1350)و دکتری همان رشته (1359) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی وادبی کشوراست. وی در سال 1381 به عنوان چهره ماندگار درعرصة ادبیات عرفانی و فلسفة اسلامی معرفی شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفه و حکمت اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس 1347، فوق لیسانس 1350و دکتری رشته حکمت و فلسفه را درسال 1359 از دانشگاه تهران دریافت کردو وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران درسال 1359 از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اصغر دادبه درحین تحصیل در دورة دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است.وقایع میانسالی : علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال 1359، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال 1381 دردومین همایش چهره های ماندگار در زمینة ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال 1359 عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز دردانشگاهها و موسسات آموزشی از سال 1353 مشغول به تدریس بوده است.فعالیتهای آموزشی : علی اصغر دادبه از سال 1353 به تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال 1359، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینة ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی دراین زمینه اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمایی است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانه فارسی

دارد.جوائز و نشانها : علی اصغر دادبه در سال 1381، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار درعرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار : 1 تجلی آرای کلامی درشعر نظامی 2 تصحیح دیوان نجیب کاشانی 3 فخررازی 4 فرهنگ اصطلاحات کلامی 5 کلیات فلسفه 6 مفهوم رندی در شعر حافظ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دادجو، یدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یدالله دادجو
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب یدالله دادجو در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم در هنگام ورود به حوزه علمیه تلاش کردم در عین پیشرفت علمی و فقهی با علوم جدید نیز آشنایی داشته باشم لذا در آن زمان توفیق اخذ دیپلم علوم تجربی را پیدا کردم.سپس در راستای ارتقای علوم دینی پس از پایان سطح به درس خارج بزرگان دین شرکت کرده و بیش از 12 سال موفق شرکت در دروس خارج فقه و اصول شدم ضمنا در رشته تخصصی کلام اسلامی به تحصیل پرداخته و سرانجام پایان نامه ام را با عنوان تحلیل و بررسی پدیده وحی به پایان برده و دفاع نمودم و موفق به کسب مدرک سطح چهار دکتری شدم از سال 1382 مشغول به تدریس در دانشگاهها هستم و مقالاتی نیز از حقیر به چاپ رسیده و اکنون در حال تألیف کتابی هستم. البته در برخی از حوزه های علمی حوزه علمیه و به طور آزاد نیز توفیق تدریس داشته ام.از جهت تبلیغی نیز تاکنون به لطف خدا موفق به تبلیغ بوده ام.

دادمرزی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی دادمرزی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1364 در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال 1368 فارع التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال 70 با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال 69 جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .
از سال 1372 وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال 70 - 69 شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رششته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعة الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال 1372 نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در

تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملا به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .
حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم .
موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل دارابکلائی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
سال 1341برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا 1350 مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال 1350 تا 1372 در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال 1352 همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال 1361 همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال 1365 با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال 1378 دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای 75 الی83 برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت" دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ...

اشتغال داشتم. از سال 1378 تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال 1361 همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه- که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت 20 سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال 1375 با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال 1377 عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود 6 ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال 61-60 در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارا، جلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلیل دارا
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/1/1
زندگینامه علمی
آقای جلیل دارا در سال 1357هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در یزد دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1376 وارد دانشگاه امام صادق(ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق علیه السلام با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت واز محضر درس اساتیدی همچون آیت الله مصباحی مقدم، آیت الله زنجانی، آیت الله علیدوست و دیگر اساتید آن دانشگاه بهره ها برد.
وی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق علیه السلام و در مقطع دکترا رشته علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شد، با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد و سالهای متمادی است که در دانشگاه آزاد واحد مرکزی تهران، دانشگاه شهد بهشتی و وزارت کشور به تدریس مشغول می باشد.وی درطول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل "دمکراسی جدید " و" مشارکت سیاسی در اسلام " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

دارابی، محمدصادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1304 ق)، عالم، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به عندلیب. معروف به حاج آخوند. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «زیاره المفجعه»؛ «دیوان» اشعار؛ «بیت‌الاحزان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (103)، الذریعه (772/9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 853/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (106/5)، مرآت الفصاحه (428).

دارینی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد دارینی
محل تولد : دارین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد دارینی در سال 1345هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1357 همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1374 به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1379 از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هدایت و مبانی آن در قرآن" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داریوش، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز داریوش، (۴ اسفند ۱۳۰۱ - ۱۵ اسفند ۱۳۷۹) نویسنده و مترجم ایرانی است. زندگینامه:
پرویز داریوش، در روز ۴ اسفند ۱۳۰۱ خورشیدی مشهد به دنیا آمد. اما تحصیلات‌خود را در تهران به پایان رسانید. بعد از اخذ دیپلم در مدرسه نظام، برای‌تحصیلات عالی راهی آمریکا شد. مدتی در ادبیات انگلیسی، روانشناسی وفلسفه به تحصیل پرداخت، سپس به طور ناقص آن را رها کرد! در سال ۱۳۲۸ به ایران بازگشت و در وزارت امور خارجه و اداره گمرک به عنوان‌مترجم آغاز به کار کرد. فعالیت ادبی خود را از همان سال‌ها آغاز کرد. در مدرسه، هم‌کلاس ایرج افشار، پژوهشگر و از بزرگان کتاب‌داری ایران بود و در سال‌های بعد از صمیمی‌ترین دوستان جلال آل احمد. بعضی از رمان‌های بزرگ ادبیات جهان را او به فارسی برگردانده. با مروری بر ترجمه‌های وی می‌توان به این نکته اشاره نمود که داریوش با ترجمه آثاری همانند خیزاب‌ها و خانم دالووی از ویرجینیا وولف، وی را به خوانندگان فارسی زبان معرفی کرد. پرویز داریوش در روز ۱۵ اسفند ۱۳۷۹ خورشیدی در بیمارستان ایران مهر تهران درگذشت ترجمه:
سیمای مرد هنرآفرین در جوانی اثر جیمز جویس ،
دوبلینی‌ها اثر جیمز جویس ،
سیذارتا اثر هرمان هسه ،
اسپرلوس اثر هرمان هسه ،
ماجراهای تام سایر اثر مارک تواین ،
آوای وحش اثر جک لندن ،
ماه و شش پشیز اثر سامرست موآم ،
داشتن و نداشتن اثر ارنست همینگوی،
به راه خرابات در چوب تاک اثر ارنست همینگوی ،
موش‌ها و آدم‌ها اثر جان اشتاین بک ،
چمن‌زارهای بهشت اثر جان اشتاین بک ،
ماه پنهان است اثر جان اشتاین بک ،
مائده‌های زمینی اثر آندره ژید ،
پرواز شبانه اثر آنتوان دو سنت‌اگزوپری،
وزارت ترس اثر گراهام گرین ،

سایه گریزان اثر گراهام گرین ،
خیزاب‌ها اثر ویرجینیا وولف ،
خانم دالووی اثر ویرجینیا وولف ،
تسخیر ناپذیر اثر ویلیام فاکنر ،
جف سیاهه اثر تئودور درایزر ،
عشق جاودانی است (۴ جلد) اثر لیوینگ استون ،
انجیل یهودا اثر هنریک پاناس ،
سرگذشت اندیشه‌ها اثر وایت هد ،
موبی دیک (وال سفید) اثر هرمان ملویل،

داریوش، هژیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده، مترجم، فیلمساز، منتقد، استاد.
تولد: 1317، بندرانزلی (پهلوی).
درگذشت: اوایل مهر 1374، پاریس.
هژیر داریوش پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی کارگردانی فیلم از مدرسه‌ی سینمایی ایدک فرانسه و ساختن فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» (1340) در فرانسه، به ایران بازگشت و همزمان فعالیت در زمینه‌ی مستندسازی و مطبوعات سینمایی را آغاز کرد. التبه فعالیت مطبوعاتی را در واقع از سال 1332 با همکاری مجلات «شاهکارها» و «امید ایران» آغاز کرده بود. از آن تاریخ به طور مداوم به عنوان منقد فیلم با بسیاری از نشریات از جمله مجلات «علمی»، «ستاره سینما»، «فیلم و هنر»، «پست تهران» همکاری داشته است. او در معرفی فیلم‌هایی چون «شب»، «کسوف»، «زندگی شیرین» و... که در اوایل دهه‌ی 1340 نمایش می‌یافتند و همچنین آشنایی علاقه‌مندان جوان با این نوع فیلم‌ها در مجله‌ی «هنر و سینما» نقشی مؤثر داشت. از مهمترین فیلمهای کوتاه او در این دوره می‌توان به فیلم داستانی «جلد مار» (1342) با بازی فخری خوروش و جمشید مشایخی و «خیابان» (1346) با بازی خسرو شجاع‌زاده اشاره کرد. در حیطه‌ی مستندسازی مهمترین فیلم داریوش «گود مقدس» (1345) است که در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کوتینادامپزو (ایتالیا) جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران را به دست آورد. دیگر فیلم‌های کوتاه او عبارتند از: «چهره‌ی 1344) 75)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها»، «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (1346)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «مجسمه‌سازی در ایران» (1346)؛ «جام آسیا» (1347). داریوش همچنین در فیلم «هاشم‌خان» (محمد زرین‌دست، 1345) نقش کوتاهی بازی کرد. همچنین او در سال 1351 فیلم «بیتا» را کارگردانی کرد. استفاده‌ی مبتکرانه از سکوت در این فیلم به تأثیرپذیری داریوش از سینمای نوین اروپا- به قول خودش «فیلم‌های ساکتی که دیده و پسندیده است» باز می‌گردد.
هژیر داریوش در سال 1351 (مدتی قبل و بعد از آن شاید) مدیر جشنواره‌های رادیو تلویزیون بوده است. از جمله فعالیت‌های دیگر او عبارتند از: تدریس کارگردانی در مدرسه‌ی عالی تلویزیون و سینما (اوایل

دهه‌ی 1350)؛ مسئول برگزاری سمینار یونسکو در زمینه فیلم‌سازی مستند آسیا، دبیر عامل جشنواره‌ی بین‌المللی کودکان و نوجوانان (1345)، دبیر کل نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های جوانان آسیا، دبیر کل جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران، عضو هیئت داوران جشنواره‌های بین‌المللی تائورمینا، قاهره، کودکان و نوجوان تهران، جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران.
هژیر داریوش برای مدتی در سال 1358 به فرانسه مهاجرت کرد و مشاور هنری و طراح برنامه‌ی هنری و سینمایی دانشگاه تولوز بود.
عنوان‌های فیلم‌های او به این شرح هستند: «خیابان» (فیلم کوتاه، 1346)؛ «حماسه‌ی عشقی شب جمعه» (فیلم کوتاه، 1346)؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (فیلم کوتاه، 1346)؛ «جلد مار»، «گود مقدس»، «چهره‌ی 75» (فیلم کوتاه)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها» (فیلم کوتاه)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»، «جام آسیا» (مستند کارگردان، 1348)؛ «هاشم‌خان» (بازیگر، 1345)؛ «بیتا» (کارگردان، 1352).
جوایز وی عبارتند از: فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» برنده‌ی دیپلم افتخار در جشنواره‌ی سن‌سپاستیان شد. «جلد مار» فیلم کوتاه دیگری بود که برنده‌ی جایزه‌ی بهترین فیلم کوتاه از طرف کانون فیلم ایران گردید. «گود مقدس» او برنده‌ی جایزه‌ی ابتکار در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های فولکوریک در سیه‌تا ایتالیا گردید و جایزه‌ی ابتکار و دیپلم افتخار شهر ماریس در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های جهانگردی، «جام آسیا» جایزه‌ی مخصوص هئیت داوران و جام نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کورتینودامپزو ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه دیگر او به نام «چهره 75» برنده‌ی جایزه‌ی دوم، لوح نقره در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی در برلین شد. وی در موقع تهیه‌ی فیلم «گل شیطان» معاون ترنس یانگ بود.
هنرشناسی فیلم از جمله تألیفات اوست.
هژیر داریوش به دلیل حمله‌ی قلبی درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

داعی الاسلام، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1256 ش)، روزنامه‌نگار، زبانشناس، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به داعی. وی از سادات نیاکی بود که در لاریجان متولد شد. در آمل و تهران و اصفهان صرف و نحو عربی و فارسی و سایر علوم را فراگرفت و در همان سالها مجله‌ی «الاسلام» را جهت مناظره با عیسویان در اصفهان دایر کرد. داعی پس از آموختن زبان انگلیسی به بمبئی رفت و ضمن فراگیری زبان اردو مجله‌ی «دعوت الاسلام» را به دو زبان اردو و فارسی منتشر ساخت و در سمت استادی در دانشکده حیدرآباد دکن نیز به تدریس ادبیات فارسی پرداخت. وی با زانهای پهلوی، اوستا، گجراتی و سانسکریت آشنا بود. برای مدتی اندک به ایران آمد و مجددا به هندوستان مراجعت کرد و همان جا وفات یافت. وی طبع شعر نیز داشت و در شاعری پیرو سبک هندی بود. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «نادر شاه»، از انگلیسی به فارسی؛ ترجمه «و ندیداد»، به فارسی؛ «فرهنگ نظام»؛ «دیوان» شعر؛ «شعر و شاعری عصر جدید ایران»؛ «فرهنگ نویسی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (241 -233/1)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (187 -185)، ریحانه (209 -208/2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (174 -172/3)، شرح حال رجال (256 -255/5)، گلزار معانی (239 -231)، فهرستواره ی کتابهای فارسی (910/2)، مؤلفین کتب چاپی (230 -227/4).

داعی دزفولی، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1256 -1158 ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به داعی. اصل وی از شوشتر و از طوایف سادات مرعش بود. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش است. وی از شاگردان سید محمدباقر حجةالاسلام و آقا محمد بیدآبادی بود. قسمتی از اشعارش توسط خودش تدوین یافت و قسمتی از آن شیخ میرزا جعفر انصاری در دو مجلد، شامل غزلیات و توسط قصاید و رباعیات گردآوری شد. از دیگر آثارش: «تخمیس الفرزدیقیه»؛ «مجمع الاخبار و تذکره الابرار»، در تعیین قبور اولاد ائمه (ع) در دزفول؛ «دیوان» شعر. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید که به نظر من رساله‌ی «آب حیات» از تالیفات اوست. از اوست:
جوانی چه آورد و پیری چه برد
بت خردسال و می سالخورد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (314 -313/9، 1/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 771 -770/13)، فرهنگ سخنوران (328)، لغت نامه (ذیل/ داعی دزفولی)، مجمع الفصحا (292/4)، مصطبه‌ی خراب (61 -60).

داعی علوی حسینی، ابوالخیر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، محدث و وعظ. وی مولف کتاب «آثار الابرار و انوار الاخیار»، در حدیث است که شیخ منتجب‌الدین آن را به واسطه‌ی استاد خود سید مرتضی بن مجتبی رازی از خود داعی حسینی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (364/6)، الذریعه (5/1)، ریحانه (208/2)، فهرست منتجب‌الدین (71).

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی داعی نژاد
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال 1342 درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال 1361، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال 1372 تاکنون به مدت 14 سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگه علوم بزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال 1370 تاکنون به مدت 14 سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و

مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داماد، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن سید حسن، از فضلای اهل منبر و اتقیا، در 13 جمادی الثانیه سال 1374 وفات یافته، در بقعه مدفون گردید.
علّت شهرت ایشان به داماد آن است که پدرش داماد مرحوم حاج میرزا محمود کلباسی بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دامغانی، عباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا عباس دامغانی از علماء و مروجین تهران و ساکن (کوچه دردار) خیابان ری و مورد توجه مردم آن حدود بوده است وی در سال 1310 قمری وفات نموده است.
دارای فرزند عالمی بنام آقای شیخ محمود که داماد عالم جلیل آقا شیخ باقر بن ملا محمد رفیع تهرانی بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دامغانی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1300 ق)، عالم، ادیب و شاعر. وی از شاگردان برجسته‌ی آقا سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و هم دوره‌ی حاج ملا علی کنی بوده و با ملا آقای دربندی مکالماتی داشته است. او پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا به ایران بازگشت و در دامغان و مشهد به انجانم وظائف دینی پرداخت. در «المآثر و الآثار» از وی به عنوان مجتهد و عالم ربانی عصر ناصری نام برده شده است. وی از خود اشعاری به جای نهاده و کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» را به خط خویش نگاشته است.[1]
محمدرضا بن حبیب‌اللّٰه دامغانی عالمی ادیب و فاضلی اریب بوده است. وی در کربلا نزد بزرگان علم تلمذ نموده و بعد به ایران برگشته و در دامغان و مشهد در سال 1288 قمری به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشته است. اشعاری دارد که از آنهاست:
ستبقی خطوطی فی القراطیس برهة
و ایدی کتاب الخطوط تراب
و ما الدهر الا عیشة بعد عیشة
و ما العیش الا قیعة و سراب
و لا خیر فی الدنیا فان حلالها
علیه حساب و الحرام عقاب
آن بزرگوار بعد از سال 1290 قمری از دنیا رفته است رحمةاللّٰه‌علیه.
جناب آقای شاه‌چراغی در کتکاب ارمغان دامغان (مخطوط) خود گوید: مرحوم حاج میرزا رضا مشهور به شریعتمدار از علماء بزرگ و مقتدر و باکفایت و معاصر دوره ناصری و از شاگردان مبرز آقا سید ابراهیم صاحب ضوابط و هم‌دوره مرحوم حاج ملا علی کنی معروف بوده است و با مرحوم ملا آقا دربندی مکالماتی داشته‌اند الی آخره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 551 -550 ،542 -541 13/، قرن 728/14)، قصص العلماء (4)، گنجینه‌ی دانشمندان (114/5)، المآثر و الآثار (170).

دانا سرشت، اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1290، تهران.
درگذشت: 25 فروردین 1368.
علی‌اکبر داناسرشت (صیوفی)، فرزند حاج علینقی و نوه‌ی حاج علیقلی صرافباشی زنجانی بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیه‌ی علی‌اکبر داناسرشت مقارن با جنگ با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی- معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجمن همایون- رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهران به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.
علی‌اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: روان شناسی یا علم النفس شفاء (ترجمه جلد ششم شفاء، چاپ دوم، 1330)؛ رسالة الغفران یا بهشت و دوزخ معری (ابوالعلاء معری، 1324)؛ تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه (ابوریحان بیرونی، 1334)؛ بر سنگ سفید (آناتول فرانس، 1326)؛ آثار الباقیه (ابوریحان بیرونی، 1321). از آثار دیگر اوست: تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (1315)؛ افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمة الاشراق و اسفار.
داناسرشت بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت.
(1368 -1290 ش)، ریاضی‌دان و مترجم. وی نوه‌ی حاج علی قلی صرافباشی زنجانی بود که در تهران متولد شد و ایام کودکی خود را در زنجان سپری کرد. از اوان کودکی زبان عربی را فراگرفت و به تحصیل علوم ریاضی نزد استادانی چون سید حسن مشکان طبسی، سید جلال تهرانی و بغایری پرداخت و فقه را نزد محمدرضا تنکابنی فراگرفت. وی معاصر با احمد بیرشک و غلامحسین مصاحب بود و به گفته دکتر نجم‌آبادی وی اولین بیرونی شناس بود. بر اثر سکته مغزی در تهران در گذشت. آثار به جای مانده از وی: ترجمه‌ی «خلاصه حمکه الاشراق و اسفار»؛ «آثار

الباقیه»؛ «روانشناسی یا علم النفس شفاء»؛ «تاریخ فلسفه اسلام».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 6، ش 1، ص 17)، مؤلفین کتب چاپی (645 -644 /1).

دانش اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1362 -1290 ق). نویسنده. مترجم و شاعر، متخلص به دانش. در خانواده بازرگان پیشه در شهر استانبول متولد شد. در آنجا زبان فارسی، ترکی و فرانسه را در مکتب رشدیه، دبستان ایرانیان و مدرسه فرانسویان آموخت و مدتی عضو هیات تحریریه روزنامه ترکی «اقدام» بود و مدت مدیدی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول بود. وی در استانبول یا آنکارا درگذشت و در اسکودار دفن شد. از وی چندین تالیف به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است. از جمله: «ترجمه رباعیات عمر خیام»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «تعلیم لسان»، ترکی و فارسی؛ «خرابه‌ی مداین»؛ «زرتشت نامه»؛ «سوهان»؛ «نوای صریر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (317/9)، ریحانه (211 -210 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (180 -179 /3)، شرح حال رجال (79/5)، لغت نامه (ذیل/ دانش)، مؤلفین کتب چاپی (737 -736 /2)، یادگار (س 3، ش 6 و 7، ص 53 -50).

دانش آشتیانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم بن العالم الجلیل المتقی الشیخ محمدتقی بن العالم الورع آخوند ملا احمد آشتیانی از علماء اخیار و فضلاء ابرار حوزه علمیه قم است که علم خود را مقرون به عمل و توام با حلم و وقار نموده است.
تولد آن جناب در سال 1329 قمری در آشتیان واقع شده و در مهد تربیت پدر متقی خود که از علماء آن سامان بود پرورش یافته و در سن 14 سالگی تحصیلات مقدماتی را فراگرفته و در سال 1344 قمری به قم آمده و به واسطه سوابق دوستی والدش با مرحوم آیت‌الله میرزا محمد فیض در تحت تربیت علمی و اخلاقی ایشان قرار گرفته و چند سالی را در منزل آن بزرگوار به سر برده و با راهنمائی آن مرحوم از روز اول در محضر فضلاء و دانشمندان راه یافته و تکمیل مقدمات را نزد بعضی از فضلاء عصر نموده و ادبیات را از مرحوم ادیب تهرانی و منطق را از آیت‌الله آقا سید مهدی کشفی تهرانی فراگرفته و سطوح را از آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و قسمتی از سطح را از مرحوم آیت‌الله حجت و عمده آن را با تمام سطح مکاسب از مرحوم آیت‌الله خونساری بهره‌مند گردیده و قسمتی از کفایه را از آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری خوانده و چند سالی هم در درس مرحوم آیت‌الله حایری حاضر شده و پس از فوت آن مرحوم از محضر بزرگان حوزه چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله فیض و آیت‌الله خونساری استفاده نموده و در سال 1358 قمری به اصرار مردم آشتیان به آنجا مسافرت و اقامت نموده و به ترویج دین پرداخته و چند ماهی را هم در سال به قم به سر برده تا در ورود آیت‌الله العظمی بروجردی که رسما برای تکمیل مبانی علمی و استفاده از محضر علمی آن نابغه زمان و علامه دوران به قم مهاجرت و به درس آن مرحوم شرکت و مورد توجه مخصوص معظم‌له قرار گرفته و تولیت کتابخانه مسجد اعظم را به ایشان محول و تا هم‌اکنون به این سمت باقی و خدمات شایانی به این کتابخانه نموده و رقم کتب را به حدود شصت هزار رسانید.
آثار مرقومه ایشان علاوه بر جزوات درسی به قرار ذیل است:
1- مقالات علمی و اجتماعی و اخلاقی که در پاره‌ای از مجلات و جرائد منتشر گردیده است.
2- رساله‌ای به نام دو سرمایه نفیس در ترجمه (الثقلان) که شرح حدیث

مشهور به ثقلین است که با حواشی نوشته و طبع شده.
3- رساله‌ای به نام سقیفه در ترجمه کتاب (السقیفه).
4- نشریه کتابخانه مسجد اعظم در دو مجلد به طبع رسیده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دانش آشتیانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدحسین دانش آشتیانی (برادرزاده آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالقاسم دانش) از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1347 قمری در آشتیان متولد شده و در بیت تقوا و دیانت و عنایت عم گرامش پرورش یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی و قسمتی از مقدمات در سال 1363 ق به قم مهاجرت و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده.
آنگاه به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری حاضر شده و سالها از محضر و درس آنان فقهاً و اصولا استفاده نموده و در سال 1378 ق به امر مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به محلات قم مسافرت و حدود ده سالی در آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته تا سال 1390 قمری که به تهران منتقل و در خیابان ژاله سکونت و در مسجد آنجا در نزدیکی میدان ژاله به امامت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای دانش از فضلاء بارع و مهذب حوزه علمیه قم است و بیش از سی سال است که با ایشان رفاقت و دوستی داشته و دارم فاضلی متین و عالمی مبرز و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد. و آثار و خدمات ایشان بناء مسجد بزرگ و باشکوه و غسالخانه‌ای در محلات می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

دانش پژوه، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی دانش پژوه در 30 فروردین سال 1290 ، در شهر آمل متولد گردید. پس از سپری کردن دوران کودکی ، تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آغاز کردودر سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال 1316 بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال 1320 به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد. پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال 1332 به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال 1343 مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال 1326 عضو کمیته علمی آن شد. استادمحمدتقی دانش پژوه از سال 1334 در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی سرانجام در روز 27 آذر سال 1375 ، در تهران درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : محمد تقی دانش پژوه، فرزند میرزا احمد درکایی لاریجانی ، که ار مجتهدان و فقهای به نام آمل و لاریجان بوده است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدتقی دانش پژوه روزگار کودکی و جوانیش را در رفت و آمد میان روستای ناندال و شهر آمل گذراند ، بین خانه پدری و شهری که در آن به مدرسه می رفت. خوشنویسی از دیر باز یک حرفه فامیلی برای محمدتقی محسوب می شد که طی نسلها در خانواده او ادامه یافته بود . نیاکان او به همین شغل در دربار شاهان قاجاریه اشتغال داشته اند ، و لذا از این راه خانواده او از همان زمان آشنا

به علم و معرفت و با نوشتن و کتابت مانوس بوده اند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی دانش پژوه پس از سپری کردن دوران کودکی تحصیل آغاز کرد و مقدمات ادبی را پس از خواندن « عم جزء » ، « قرآن کریم » ، « دیوان حافظ » و « نصاب الصبیان » را فراگرفت و در این راه از محضر پدر و دیگر عالمان آن بهره فراوان برد. در سن هجده سالگی با فوت پدر برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم گردید تا از جلسات درس و بحث علمای حوزه علمیه آن مرکز علمی کسب فیض کند. بعد از دو سال رحل اقامت ، به سبب گرفتاری های زندگی نتوانست در قم بماند و به شهر آمل برگشت ودر نزد علمای این شهر کسب فیض نمود. دانش پژوه در سال 1316 بار سفر بست و راهی تهران شد. چهار سالی در مردسه سپهسالار قدیم به تحصیل پرداخت ، سپس دوره دانشکده معقول و منقول را در مدرسه سپهسالار جدید (مدرسه عالی شهید مطهری) و دانشسرای عالی را طی کرد تا اینکه سر از دانشکده الهیات دانشگاه تهران درآورد و در سال 1320 به اخذ درجه لیسانس از این دانشکده نائل آمد.
خاطرات و وقایع تحصیل : یک روز حاجی میرزا احمد درکایی (پدر محمدتقی دانش پژوه) دست پسرش را گرفت و او را به مدرسه جدیدالتاسیسی در شهر آمل برد تا نامش را در آنجا بنویسد. اما شرط نام نویسی او را آموختن ‹‹ شرح الفیه سیوطی ›› به محمد تقی قرار داد. مدرسه نپذیرفت و میرزا احمد هم فرزند جوانش را مجدداً به خانه آورد و همان دروس حوزه های قدیم را به او توصیه نمود. در همین احوال و در شهر آمل بود که محمدتقی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد.
استادان و مربیان : محمدتقی دانش پژوه تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش حاج میرزا احمد فراگرفت. او در همین دوران از محضر درس بزرگانی چون میرزا عبدالله طبرسی حضور یافت که موضوع درسش آثار فلسفی سبزواری بود. دانش پژوه در حوزه علمیه قم از محضر استادانی همچون میرزا ابوالفضل گلپایگانی در درس « القوانین المحکمه » میرزای قمی و حضرت آخوند ملا علی همدانی و آیت الله مرعشی نجفی در درس « شرح لمعه » استفاده کرد. استاد در باره محضر درس آیت الله مرعشی نجفی زنجانی چنین می گوید: « هنوز لذات نوادر اادبی را که از آیت الله مرعشی می شنیدم در کام ذهنم هست . او بعد از دوسال اقامت در قم ، به آمل برگشت و در نزد ابوالقاسم فرسیوی و آقا محمد عروی دینه ای « مکاسب » و « رسائل » شیخ مرتضی انصاری را فراگرفت. چهار سالی در مدرسه سپهسالار قدیم از محضرمیرزامهدی آشتیانی در درس فلسفه بهره برد .
همسر و فرزندان : محمد تقی دانش پژوه در سال 1307 ازدواج نمود.

زمان و علت فوت : محمدتقی دانش پژوه در 27 آذر سال 1375 ، در تهران درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی دانش پژوه پس از فارغ التحصیل شدن به عنوان کمک کتابدار در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول به کار شد. لیسانس حقوق دانش پژوه به او اجازه داد تا به عنوان رئیس کتابخانه دانشکده ادبیات موقعیت خود را تحکیم بخشد. در سال 1332 به ریاست کتابخانه مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال 1343 مشاور فنی کتابخانه مرکزی و در سال 1326 عضو کمیته علمی آن شد.
فعالیتهای آموزشی : محمدتقی دانش پژوه از سال 1334 در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس منطق و تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق در دوره لیسانس و فوق لیسانس پرداخت و در دوره دکترا نیز تدریس عرفان اسلامی را آغاز کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ورود محمدتقی دانش پژوه به دانشگاه سرآغاز ورود او به عرصه تحقیق و پژوهش بود. او در همین راستا و به منظور کسب اطلاعات کتاب شناسی و نسخه شناسی به دستور دانشگاه تهران به شهرهای بغداد ، نجف ، کربلا و کاظمین در کشور عراق و شهرهای مدینه و مکه در عربستان سعودی در سال 1345 و به شهرهای مسکو ، لینگراد سابق ، تفلیس ، دوشنبه ، تاشکند ، بخارا ، سمرقند و باکو در شوروی سابق و شهرهای پاریس و مونیخ ، لین ، اترخت و استانبول در اروپا و شهرهای کمبریج ، بوستون ، پرنیسول ، آن آربرمیشیگان، شیکاگو و نیویورک در آمریکا سفر کرد. یادداشتهایی که در این سفرها برداشت آنچه مربوط به کشورهای عربی بود در نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است و یادداشت هایش درباره نزدیک به شش هزار کتاب در مجلد هشتم نشریه کتابخانه مرکزی چاپ شده است.
آرا و گرایشهای خاص : در زمینه فهرست نگاری کار محمدتقی دانش پژوه فقط منحصر به این نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه ها بپردازد بلکه سعی کرده با توجه همه جانبه به آنچه در یک صد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در خودمان و از میان اصل نسخه ها بر می آید ، قواعد و فنون فهرست نگاری را تنظیم و حتی اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کند . او با توجه به مبانی فهرست نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده که برخی از آنها بع نظر فهرست نگاران نیامده بود. --------
---
آثار :
1 « النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی » شیخ طوسی

2 « معتقد الامامیه » صدرالدین شیرازی
3 «تاریخ الوزراء» قمی
4 «جامع الحکمه » کاشانی
5 «رساله امامت» خواجه طوسی
6 «کسراصنام الجاهلیه» صدرالدین شیرازی
7 آثار درویش طبسی
8 آثار علوی
9 اخلاق محتشمی
10 اسرار شهریاری
11 الاقطاب القطبیه
12 المنطقیات الفارابی(جلد سوم)
13 النجاه ابن سینا
14 بحرالفوائد
15 تاریخ اسماعیلیه کاشانی
16 تاریخ نگاری فلسفه
17 تبصره مساوی
18 تحفه
19 ترجمه « ادب الوجیز و تولی و تبری »از خواجه نصیر طوسی
20 ترجمه « مختصر نافع » محقق حلی
21 ترجمه «النکت الاعتقادیه» شیخ مفید
22 ترجمه شرایع
23 تصحیح التواریخ رشیدی
24 تصحیح زبده التوارخ کاشانی
25 جام جهان نما
26 جامع التواریخ
27 جاویدان خرد
28 چند نسخه خصوصی دیگر
29 حل مشکلات رساله معینیه
30 دفتر 11 و 12 نشریه دانشگاه تهران
31 ذخیره شهاب الاخبار
32 رساله المعینیه
33 روزبهان نامه
34 سه گفتار خواجه طوسی
35 سوانح الافکار رشیدی
36 شرح شهاب الاخبار
37 شرح فارسی شهاب الاخبار

38 شرح فصوص
39 طب ابن هندو
40 فرمان مالک اشتر
41 فرهنگ ایران زمین
ویژگی اثر : با مشارکت منوچهر ستوده ، مصطفی مقربی ، عباس زریاب خویی ، ایرج افشار
42 فصول خواجه نصیر طوسی
43 فلسفه اشراق (حیات النفوس)
44 فهرست کتاب های خطی کتابخانه مجلس سنا
45 فهرست کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستا قدس رضوی
ویژگی اثر : با همکاری محمد باقر حجتی ؛ احمد منزوی ، تهران 1352-1354 دوجلد ، دو جلد
46 فهرست کتب اهدایی مشکوه به دانشگاه
47 فهرست ملی ملل (جلد نهم)
48 فهرست موسیقی
49 فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم
50 فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه امامزاده عبدالعظیم

منابع :
1آینه میراث ، سال اول ، شماره دوم ، پاییز 1377 ، ص 752روزنامه همشهری ، شماره 2058 ، 2 اسفند 13783گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران 1358-1376 ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص274

دانش تبریزی، نجفعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم، ادیب و روزنامه‌نگار. وی در فقه و اصول و احادیث و اخبار و علوم ادبی اطلاع کامل داشت. دانش معاصر با ناصرالدین شاه قاجار بود و در 1273 ق از آذربایجان به استانبول رفت و با میرزای سنگلاخ همنشین شده و اشعاری را که شعرای آن عهد در مدح سنگلاخ گفته بودند جمع‌آوری و به عنوان «مجمع الاوصاف» چاپ کرد. در آن جا تا 1303 ق کنسول ایران بود. وی در این مدت از 1292 ق اقدام به تاسیس روزنامه‌ی هفتگی «اختر» کرده و مدت بیست و یک سال آن را انتشار داد، تا اینکه پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، روزنامه‌ی مزبور از طرف دولت عثمانی توقیف شد. در 1303 ق منصب سرتیپی گرفت و نایب و مترجم اول گردید و یک سال بعد سمت سر کنسولی ایران در مصر را عهده‌دار شد تا این که در 1308 ق به تهران آمد و جزو صاحب منصبان وزارت خارجه گردید و تا پایان عمر در همین سمت باقی ماند تا درگذشت.
آثار وی: «مجمع الاوصاف»؛ «مشکوه الحیات فی تفسیر الایات»، «تفسیر آیه ذوالقرنین»؛ «میزان الموازین فی امر الدین»، در رد «میزان لحق» هانری مارتن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (144 -143)، الذریعه (328 -327/23، 20/20، 315/9)، شرح حال رجال (330/4)، المآثر الآثار (198 -197)، مؤلفین کتب چاپی (543 -542 /6).

دانش تفرشی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1326 -1250 ش)، خطاط:، منشی و شاعر، متخلص به دانش. ملقب به ضیاء لشکر و مستشار اعظم. معروف به بلور. در تفرش به دنیا آمد. از کودکی نزد ملا عبدالحمد یزدی و میرزا علی محمد به تحصیل زبان عربی و ادبیات فارسی پرداخت و تعلیم خط گرفت. در یازده سالگی قصیده‌ای در هفتاد بیت به رشته‌ی نظم کشید که سبب شهرتش شد. از آن پس به دبیری میرزا یوسف خان مستوفی الممالک منصوب شد، آنگاه سالها در همین سمت در شهرهای مختلف، در دستگاه ظل‌السلطان و ناصرالملک و میرزا علی‌اصغر خان اتابک به خدمت اشتغال ورزید. در سال 1315 ق «تذکره‌ی صدر اعظمی» را در شرح شاعران معاصر اتابک نگاشت و در سال 1319 ق فکاهیات خود را به نام «دیوان حکیم سوری» به چاپ رسانید. در سال 1327 ق به شیراز رفت و چندی ریاست عدلیه و دفتر ایالتی آن شهر را به عهده داشت. تقی خان در نوشتن اقسام خط توانا بود و نمونه‌هایی که از خط او به جا مانده، بیانگر استادی وی است. وی مدعی بود که قانون اساسی ایران را به دستور مظفرالدین شاه یک شب تا صبح نگاشته است. دانش در تهران درگذشت. او در مجموع بیست و دو جلد کتاب نگاشته که همه‌ی آنها به خط اوست و این آثار غیر از «تذکره‌ی نون والقلم»- که در شرح حال خطاطان ایران است- همگی منظوم‌اند و صد هزار بیت شعر را شامل می‌شود. مهمترین آنها عبارت‌اند از: «دیوان» اشعار، مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و پهلویات؛ «نوشین روان»؛ «مثنوی اکسیر اعظم»؛ «فردوس برین» و چند اثر دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (50 -48)، تاریخ تذکره‌های فارسی (801 -800 /2 -309 -306 /1)، الذریعه (315 ،262 /9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (178 -176 /3)، سخنوران نامی معاصر (1338 -1333 /2)، شرح حال رجال (46 -45 /5)، فرهنگ سخنوران (331)، مؤلفین کتب چاپی (217 -216 /2).

دانش، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1318، دزفول.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام سید محمدکاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریه‌ی «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیته انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، نماینده‌ی مردم شوش و اندیمشک بود.
از آثار اوست: سیمای فداکاران (در دو جلد)، قورباغه‌ها و غازهای مهاجر. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.
حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش دربهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دانش‌پژوه، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، محقق.
تولد: 30 فروردین 1290، آمل.
درگذشت: 27 آذر 1375، تهران.
محمدتقی دانش‌پژوه، فرزند میرزا احمد، مدرک لیسانس خود را از دانشکده‌ی معقول و منقول دریافت کرد. در سال 1332 به ریاست کتابخانه‌ی مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال 1343 مشاور فنی کتابخانه‌ی مرکزی و در سال 1326 عضو کمیته‌ی علمی آن شد.
استاد در سال 1348 به مقام دانشیاری نیمه وقت دانشکده‌ی الهیات و در سال 1349 به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.
استاد برای کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به کشورهای عراق، عربستان سعودی، شوروری، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سفر کرد و در کنگره‌های عملی در سطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقت علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال 1355 بازنشسته شد. وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.
دکتر دانش‌پژوه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سال‌ها در مقام استادی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، به تدریس می‌پرداخت. حاصل یک عمر تلاش وی حدود 340 مقاله تألیف تحقیقی است که در مجله‌های مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغما» و «سخن» و «وحید»، «راهنمای کتاب» نشریه «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» و «معارف اسلامی») به چاپ رسیده‌اند.
از آثار اوست: آثار درویش طبسی؛ آثار علوی؛ اخلاق محتشمی؛ ترجمه‌ی ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی؛ اسرار شهریاری؛ الاقطاب القطبیه؛ تصحیح التواریخ رشیدی؛ المنطقیات الفارابی (جلد سوم)؛ تصحیح النهایة و ترجمه‌ی آن؛ بحر الفوائد؛ تاریخ اسماعیلیه کاشانی؛ تاریخ الوزراء قمی؛ تاریخ‌نگاری فلسفه؛ تبصره مساوی؛ تحفه؛ جامع التواریخ؛ جامع الحکمه کاشانی؛ جاویدان خرد؛ چند نسخه خصوصی دیگر؛ حل مشکلات رساله‌ی معینیه (نشریه‌ی 304 دانشگاه)؛ دفتر 11 و 12 نشریه‌ی دانشگاه تهران؛ ذخیره شهاب الاخبار؛ رساله المعینیة (عربی، نشریه‌ی 300

دانشگاه)؛ رساله‌ی امامت خواجه طوسی (عربی، نشریه 302 دانشگاه)؛ روزبهان نامه تصحیح زبدة التواریخ کاشانی؛ سوانح الافکار رشیدی (رشیدالدین فضل‌الله، 1337)؛ سه گفتار خواجه طوسی (نشریه‌ی 296 دانشگاه)؛ ترجمه شرایع (جلد چهارم)؛ شرح شهاب الاخبار؛ طب ابن هندو؛ فرمان مالک اشتر؛ فرهنگ ایران زمین (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ فصول خواجه‌ی طوسی (نشریه‌ی 298 دانشگاه به اهتمام وی)؛ شرح فصوص؛ فلسفه‌ی اشراق (حیات النفوس)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (1356، جلد یکم)؛ فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی (با همکاری محمدباقر حجتی، احمد منزوی، تهران، 1354 -1352، دو جلد)؛ فهرست کتب اهدایی مشکوة به دانشگاه (در نشریه‌های مختلف)؛ فهرست ملی ملل (جلد نهم)؛ فهرست موسیقی؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی قم(1355)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آستانه‌ی امامزاده عبدالعظیم (1346، جلد پنجم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، 1344، به جای شماره‌ی اول سال سیزدهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات) ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، 1341)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی ادبیات (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، 1341، ضمیمه سال دهم مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران محمدباقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، 1348 -1345)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (1340)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبای کشور (با همکاری یحیی ذکاء 1342، جلد سوم)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی سازمان لغت‌نامه دهخدا (1342)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس سنا (1341، مستخرج از دفتر دوم نشریه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مدرسه سپهسالار (تهران، 1346 -1315، پنج جلد)؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی تبریز (1348 و 1350، جلد چهارم)؛ کسر اصنام الجاهلیه صدرای شیرازی، مجموعه فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران (1353 -1351، سه جلد)؛ مرقع سازی و جنگ سازی (مشهد، 1360)، ترجمه مصادقه الاخوان ابن بابویه (1325)؛ معتقد الامامیه، منطق ابن مقنع، میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)؛ نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی رشت (1346، جلد پنجم)؛ نسخه‌های خطی نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (10

1358، -1339 جلد، گاهنامه)؛ ترجمه‌ی نکت اعتقادیه شیخ مفید؛ نکت الاعتقادیه (شیخ مفید، 1324)؛ نوادر التبادر؛ وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال؛ یک پرده از زندگی شاه تهماسب؛ یواقیت العلوم.
وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (قطعه‌ی خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.
(1375 -1290 ش)، نسخه شناس، محقق و مصحح. وی مقدمات ادبی را پس از خواندن نزد میرزا علی بارفروش در مدرسه‌ی حاج علی‌اکبر کوچک در آمل و نزد پدرش فراگرفت. از دیگر استادان وی در آمل شیخ ابوالحسن آملی واعظ، میرزا ابوالحسن پیشنماز آملی و آقا میرزا عزیزالله طبرسی بودند. در هجده سالگی بعد از فوت پدر، به تهران آمد. وی از محضر استادانی چون میرزا ابوالفضل گلپایگانی، میرزای قمی، آخوند ملا علی همدانی و آیت‌الله مرعشی بهره برد. دانش‌پژوه در مدرسه‌ی سپهسالار از مضحر میرزا مهدی آشتیانی «شفاء»، «اسفار» و «مکاسب» را آموخت. در 1320 ش موفق به دریافت لیسانس شد. از 1319 ش در کتابخانه دانشکده حقوق مشغول به کار شد. از 1321 ش به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال ورزید و سپس به دبیری دانشگاه پرداخت. از سمتهای دیگر وی معاونت کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق، ریاست کتابخانه‌ی کتب خطی دانشگاه، ریاست کتابخانه‌ی مرکزی، مشاورت فنی کتابخانه مرکزی، عضویت کمیته‌ی کتابخانه‌ی مرکزی بود. در سال 1348 ش دانشیار نیمه‌وقت دانشکده‌ی الهیات و در تاریخ 1349 ش دانشیار تمام وقت دانشکده‌ی ادبیات شد. در سال 1334 ش شورای دانشگاه تهران وی را برای تدریس درسهای درایه الحدیث و فرهنگ ایرانیان دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شایسته دانست. در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس به تدریس منطق، تاریخ فلسفه اسلامی و تاریخ خاورشناسان و روش تحقیق و در دوره‌ی دکتری به تدریس عرفان اسلامی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثار وی: فهرستهای مختلف کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و مجلس سنا؛ ترجمه‌ها: «النکت الاعتقادیه»؛ ترجمه «مصادقه الاخوان»؛ «رساله المعینیه»؛ تصحیح: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» و تصحیح متون متعدد و مقالات مختلف در مجلات وزین.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] راهنمای کتاب (س 18، ش 9 -8 -7، ص 688 -659)، مؤلفین کتب چاپی (219 -217/ 2).

دانشور، سیمین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، داستان‌نویس، مترجم، محقق، مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار. در شیراز دیده به جهان گشود و تا پایان دوره‌ی متوسطه در مدرسه‌ی مهرآیین شیراز تحصیل کرد. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1328 ش با نگارش رساله‌ی «علم الجمال در ادبیات فارسی» موفق به دریافت درجه‌ی دکتری ادبیات فارسی در این رشته‌ی تحصیلی شد. سپس به آمریکا رفت و از دانشگاه استنفرد کالیفرنیا درجه‌ی فوق دکتری تخصصی در رشته‌ی زیبایی شناسی اخذ کرد. پس از بازگشت به ایران تدریس در رشته‌های باستان شناسی و تاریخ و هنر دانشگاه تهران و زیبایی شناسی در هنرستان عالی موسیقی و هنرهای زیبا پرداخت. وی همچنین عضو هیات نویسندگان مجله‌ی «علم و زندگی» و «کتاب ماه» و مدیر مجله‌ی «نقش و نگار» نیز بود. سیمین با جلال آل‌احمد ازدواج کرد و همپای او به فعالیتهای فکری و فرهنگی پرداخت. از آثار وی: تحقیقات: «شناخت و تحسین هنر»؛ داستانها: «سووشون»؛ «آتش خاموش»؛ «شهری چون بهشت»؛ «به کی سلام کنم»؛ «غروب جلال»؛ «جزیره سرگردانی»؛ ترجمه‌ها: «سرباز شکلاتی»؛ «دشمنان»؛ «بئاتریس»؛ «داغ ننگ»؛ «بنال وطن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چون سبوی تشنه (210 -209)، کیان (س 6، ش 44، ص 67 -66)، کیهان فرهنگی (س 4، ش 6، ص 11 -3)، مؤلفین کتب چاپی (3/ 386- 387).

داودی لیمونی، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید داودی لیمونی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سعید داودی لیمونی در سال 1353 شمسی وارد حوزه علمیه شهر رستم کلا (بهشهر) شدم و تا قسمتی از رسائل را در محضر مرحوم آیت الله ایازی خواندم و در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم و رسائل را از محضر آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر حضرات آیات دوزدوزانی ، مرحوم پایانی و مرحوم ستوده بهره گرفتم. کفایتین را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده خواندم و در درسهای خارج حضرات آیات مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی و لنگرودی شرکت کردم و مدت ده سال (به طورمتناوب) از این آقایان بهره گرفتم. هر چند بیشترین بهره اینجانب از محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (8 سال) بوده است.
بدایة الحکمه را از محضر استاد فیاضی و نهایة الحکمه را از محضر آیت الله مصباح یزدی بهره گرفتم و مدت دو سال در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در درسهای تفسیر آیت الله جوادی آملی به مدت 3 سال شرکت کردم دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی را در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به مدت چهار سال گذارندم و در این دوره از اساتید گرامی ، حضرات آیات : مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، مرحوم طاهر شمس، محقق داماد، شب زنده دار و توفیقی بهره مند شدم.درسال 1381 پایان نامه سطح چهار را در رشته تفسیر با عنوان «جایگاه زن در قرآن کریم» دفاع کردم و مدرک سطح چهار را گرفتم.از سال 1371 در محضر حضرت آیت الله مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین شرح نهج البلاغه پرداختیم که تا کنون (اردیبهشت 1385) هفت جلد ازآن به چاپ رسیده و همچنان ادامه دارد (به نام پیام امام امیرالمومنین علیه اسلام)در این مدت بیش از ده مقاله برای روزنامه ها، مجلات، سمینارها و ... تدوین کردم که به چاپ رسیده است.

علاوه بر تدریس ادبیات و فقه و اصول که چند سال بدان پرداختم، سه سال در دانشگاه آزاد اسلامی اراک در رشته تفسیر و نهج البلاغه تدریس می کردم و اکنون به مدت چهار سال است که در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی به تدریس اشتغال دارم همچنین به مدت چهار سال است که در تدوین موسوعه فقهی مقارن زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی به اتفاق جمعی از محققان به تدوین مقالات می پردازیم که جلد اول آن به پایان رسیده است و چند سالی است که در مرکز مدیریت حوزه علمیه بخش مدارج علمی، راهنمایی و داوری پایان نامه های سطح 3 و 4 را به عهده دارم.علاوه بر آن در تدوین کتب و مقالات دیگر به فعالیت مشغول هستم.

داودی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمود داودی نژاد اراکی در سال 1320 شمسی در داودآباد اراک متولد شده و پس از رشد به اراک آمده و در مدرسه مرحوم آقا ضیاءالدین مقدمات را از مرحوم حاج شیخ قنبر رفیعی خوانده و در سال 1338 شمسی به قم آمده و سطوح را از حجةالاسلام آقای ستوده و آقای صلوتی و آقای مشکینی و آیت‌اللّه سلطانی بپایان رسانیده و دروس خارج را از محضر استاد مشکینی و حجةالاسلام منتظری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده آنگاه در سال 1351 شمسی حسب الامر آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی بکرشته شهریار که در جنب علیشاه عوض واقع است عزیمت نموده و تاکنون در مسجد آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

داور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر، از رجال دوره رضاشاه پهلوی (ف. 1315 ه.ش.). وی به وکالت مجلس شورای ملی، وزارت عدلیه و وزارت مالیه رسید و در بهمن 1315 ه.ش.خودکشی کرد. از آثار او «حقوق جزائی» است که توسط آقای ساسان نماینده سابق مجلس شورای و وکیل دادگستری تدوین شده و به چاپ رسیده است.
نماینده متنفذ مجلس شورای ملی، رهبر حزب سیاسی، روزنامه‌نگار، وزیر فوائد عامه، وزیر دادگستری، وزیر دارائی.
علی‌اکبر داور فرزند کلبعلی خازن‌خلوت در 1264 ش (1885 م) در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی با سعی و کوشش پدرش وارد مدرسه دارالفنون شد و به تحصیل در حرفه‌ی پزشکی پرداخت ولی پس از مدتی از رشته‌ی مزبور انصراف حاصل نموده ادبیات و فلسفه و تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی را تحصیل نموده و در 1288 ش (1909 م) فارغ‌التحصیل شد و فعالیت سیاسی خود را در حزب دموکرات که حزبی تندرو و انقلابی بود آغاز کرد و در همان سال با کمک حزب دموکرات وارد وزارت دادگستری شد و اولین شغلی که به او ارجاع شد عضویت شعبه چهارم دادگاه شهرستان بود. داور در این سمت جدیت زیادی به کار برد و خود را کارمندی لایق و جدی و پرکار معرفی کرد و در نتیجه وزیر دادگستری او را به ریاست اجرا که از دشوارترین و پرمسئولیت‌ترین مقامات آن زمان بود، با ماهیانه 75 تومان حقوق تعیین کرد. داور در این سمت احکام دادگستری را علیه زورمند و توانگر و اشراف و مالکین اجرا کرد و همین مسئله سر و صدای زیادی بلند نمود و وزیر دادگستری ناچار شد تا شغل او را تغییر دهد و سرانجام داور دادستان تهران شد در حالیکه 25 سال بیشتر نداشت. او اکتفا به کار دادستانی نکرد و برای اینکه از پشتوانه‌ای هم برخوردار باشد عضو هیئت تحریریه روزنامه تندروی شرق که مدیر آن سیدضیاءالدین طباطبائی بود گردید.
داور قریب یک سال دادستان تهران بود که از شغل خود استعفا داد و در ازاء سرپرستی فرزندان حاج ابراهیم پناهی بازرگان روشنفکر تبریز عازم سویس شد تا تحصیلات خود را تکمیل نماید. مدت توقف داور در اروپا یازده سال طول کشید و در این مدت علاوه بر دوره‌ی متوسطه، در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی به اخذ درجه‌ی لیسانس نائل

گردید و دوره‌ی دکترای حقوق را نیز پایان داد ولی قبل از تصویب رساله‌ی دکترا به ایران بازگشت. داور در اروپا علاوه بر تحصیل به یک سلسله فعالیتهای سیاسی به نفع کشور خویش دست زد و حزبی به نام حزب ملی ایرانی تاسیس نمود و هنگام انعقاد قرارداد اوت 1919 بین ایران و انگلیس که منظور نظارت دولت انگلستان بر امور مالی و نظایم ایران بود، در مقام مبارزه با قرارداد برآمد و با نشر سلسله مقالات و مصاحبه با روزنامه‌های سویس، مخالفت شدید خود را با قرارداد ابراز می‌کرد.
پس از کودتای 1299 (ژانویه 1921) داور به علت آشنائی و همکاری سابق با سیدضیاءالدین عامل سیاسی کودتا، عازم ایران شد تا سهمی از تغییرات و تحولات نیز نصیب او شود. ولی وقتی وارد ایران شد سیدضیاءالدین برکنار و از ایران تبعید شده بود. ناچار برای پیشرفت کار خود برنامه‌ریزی کرد و به وکالت دادگستری پرداخت. در آبانماه 1300 ش (نوامبر 1921) داور وارد وزارت فرهنگ شد و اولین سمت وی ریاست تعلیمات عمومی بود و بعد رئیس کل معارف شد. در همین هنگام خود را کاندیدای نمایندگی مجلس نمود و سرانجام در تیرماه 1301 ش (ژوئیه 1922) از ورامین تهران به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در همان ایام امتیاز روزنامه‌ای به نام مرد آزاد را از وزارت فرهنگ اخذ نمود و به انتشار آن مبادرت کرد و تنی چند از جوانان تحصیل‌کرده و اروپادیده را به یاری طلبید. روزنامه‌ی «مرد آزاد» در آن روز از بهترین روزنامه‌های تهران بود. علاوه بر سر مقاله‌های تند و آتشین که توسط داور نوشته می‌شد، غیر از اخبار کامل داخلی و خارجی و مذاکرات مجلس، چند رمان شیرین هم پاورقی روزنامه قرار داشت و این روزنامه در مدت کمی اسم و شهرت خوبی پیدا کرد به طوری که تمام متجددین آن زمان، روزنامه را می‌خواندند. تقریبا تمام نویسندگان عبارات ساده و کوتاه و روشن یادداشتهای روزنامه‌ی داور را تقلید می‌کردند.
داور پس از رسیدن به مقام نمایندگی مجلس و دائر نمودن روزنامه معتبر، برای پیشبرد مقاصد خود به اقدام دیگری دست زد و آن را تشکیل یک حزب سیاسی تندرو بود. داور برای تشکیل حزب خود متجاوز از پانصد نفر از جوانان پرشور و تحصیلکرده را به دور خود جمع کرد. مرامنامه و اساسنامه حزب را نوشت و نام رادیکال بر آن نهاد و منظور از این کلمه، اصلاح کلیه امور و شئون کشور از بن و ریشه بود. حزب رادیکال مدیر روزنامه هم بود مورد توجه قرار گرفت. داور در مجلس غیر از همکاری با گروه اصلاح‌طلبان با عده‌ای از دوستان خود هسته‌ی مستقلی برای کمک و مساعدت به رضاخان سردار سپه وزیر جنگ تشکیل داد و در حقیقت باید گفت تخم ترقی سریع را در مغز سردار سپه، داور کاشت.
داور در انتخابات دوره‌ی پنجم مجلس شورای ملی از دو منطقه کاندیدا

شد. یکی ورامین و دیگری شهرستان لار بود. سرانجام وکالت لار را پذیرفت در حالیکه پنج نفر هم از اعضاء حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند. در این مجلس داور با عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) و فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) نزدیک شد و این نزدیکی به قدری زیاد بود که آن سه نفر نام مثلث سیاسی گرفتند.
در نخستین روزهای مجلس پنجم، قبل از آنکه اعتبارنامه‌ها به تصویب برسد، یکمرتبه در سرتاسر ایران طوفانی بلند شد. سیل تلگراف و نامه به سوی مجلس سرازیر گردید و همه‌ی مردم خواستار رژیم جمهوری شدند. چند روزی طرفداران رژیم جمهوری در تهران و شهرها تظاهرات کردند ولی یکمرتبه تظاهرات تغییر جهت داد. سید حسن مدرس و روحانیت در مقام مخالفت با جمهوری برآمدند و در نتیجه سردار سپه از آن فکر عدول نمود. داور در آغاز سال 1303 (مارس 1924) جزو آن عده‌ای بود که با جمهوری موافقت نکردند و در سفر جنگی سردار سپه به خوزستان نیز از مخالفین بود و در مجلس نطقی که پایه‌ی آن مخالفت بود ایراد کرد و از جمله گفت سردار سپه باید کلیه عملیات خود را از صلح و جنگ در خوزستان به تصویب مجلس برساند. نطق داور به اندازه‌ای تند و علیه سردار سپه بود که سرتیپ مرتضی یزدان‌پناه حاکم نظامی تهران طی مخابره تلگراف رمز تقاضا کرد اجازه‌ی اعدام داور و دوستان او داده شود.
وقتی سردار سپه موفقانه از سفر خوزستان بازگشت، داور به تلاش افتاد تا موجبات رضایت خاطر او را فراهم آورد و در نتیجه به فکر افزایش قدرت او افتاد. سرانجام طرح فرماندهی کل قوا را تهیه و زمینه را برای تصویب آن فراهم ساخت و در بهمن‌ماه 1303 ش (فوریه 1925) فرماندهی کل قوا از سلطان احمدشاه منتزع و به سردار سپه رضاخان نخست‌وزیر داده شد. داور یکی از طراحان خلع سلطان احمدشاه و پادشاهی رضاشاه پهلوی بود. او طرحی به عنوان ماده واحده تهیه کرد و به امضاء اکثر نمایندگان مجلس رسانید. طرح مزبور خلع سلطان احمدشاه و واگذاری حکومت موقت به رضاخان پهلوی و تشکیل مجلس موسسان برای تصمیم‌گیری نهائی درباره‌ی سلطنت دائمی بود. طرح مزبور در 9 آبان 1304 ش (اول نوامبر 1925) در جلسه‌ی علنی مجلس مطرح گردید. مدرس لیدر اقلیت در مقام مخالفت برآمد و داور پاسخ او را داد به طوری که مدرس از جلسه خارج شد. مخالفین طرح هر کدام که صحبت کردند یکی از نمایندگان پاسخ می‌داد تا نوبت به دکتر محمدمصدق رسید. وی نطقی مفصل و مستدل ایراد کرد و با پادشاهی رضاخان پهلوی مخالفت نمود. داور به نطق مفصل مصدق پاسخ داد و ایرادات او را پاسخ گفت و سرانجام طرح انقراض قاجاریه به تصویب رسید. پس از تصویب طرح، داور مسئول تشکیل مجلس موسسان شد تا مجلس مزبور چند اصل از

اصول قانون متمم اساسی را تغییر دهد و سلطنت ایران را به رضاشاه و اعقاب او تفویض نماید. مجلس موسسان در آذرماه 1304 (دسامبر 1925) تشکیل شد و داور مخبر کمیسیون رسیدگی به موضوع اصلاح قانون اساسی شد و این وظیفه‌ی دشوار را انجام داد و این مسئله بر نفوذ و شهرت او افزود.
وقتی رضاشاه به سلطنت رسید، محمدعلی فروغی را نخست‌وزیر کرد و علی‌اکبر داور در آن کابینه وزیر فوائد عامه و تجارت شد و در همان روزهای نخست، مقدمات راه‌آهن را در ایران فراهم کرد و مدرسه‌ای به نام مدرسه‌ی تجارت تاسیس نمود.
در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس، داور مجددا از لار به وکالت تعیین شد و همزمان با افتتاح مجلس، محمدعلی فروغی از نخست‌وزیری کنار رفت و حسن مستوفی جای او را گرفت و وزارت داور هم منتفی شد. داور چند ماهی در مجلس باقی ماند تا اینکه در بهمن‌ماه 1305 ش (فوریه 1927) حسن مستوفی نخست‌وزیر، کابینه‌ی خود را ترمیم کرد و در ترمیم، علی‌اکبر داور به سمت وزیر دادگستری تعیین شد.
داور وزیر جدید عدلیه، روز بیستم بهمن‌ماه 1305 ش کلیه تشکیلات قضائی را در تهران منحل کرد و یک هفته بعد نیز تشکیلات قضائی را در شهرها تعطیل نمود. روز 27 بهمن‌ماه 1305 ش (18 فوریه 1927) لایحه امتیازات خود را طی یک ماده واحده و یک تبصره به قید دوفوریت به مجلس شورای ملی تقدیم نمود و پس از یک بحث طولانی در همان جلسه تصویب شد. اختیارات حاصله شامل قانونگزاری، اصول تشکیلات و استخدام بود. روز پنجم اردیبهشت 1306، دادگستری جدید در کاخ برلیان در حضور رضاشاه افتتاح شد. شاه طی نطق کوتاهی اهمیت دادگستری را بیان کرد و فرامین عده‌ای از قضات جدید را توزیع نمود. آنگاه فرمانی خطاب به حسن مستوفی نخست‌وزیر صادر نمود و فرمان مزبور حاکی از الغاء کاپیتولاسیون برای حفظ شئون و اخلاق مملکت بود.
داور وزیر جدید دادگستری برای گردش کارهای قضائی به سه ابزار کار احتیاج داشت. اصول تشکیلات قضائی بود، بعد به قضات مطلع و پاکدامن و تحصیلکرده نیاز داشت، دیگر آنکه بایستی به سرعت قوانینی تهیه و به مرحله‌ی اجرا بگذارد.
داور کمیسیون‌هائی برای تدوین قوانین جدید از افراد مطلع و برجسته که تحصیلات عالی داشتند تشکیل داد و به سرعت قوانین مورد لزوم را تهیه و به موجب اختیارات داور به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس رسانید و مورد عمل قرار می‌دادند. داور مجموعا در دادگستری 120 قانون به تصویب رسانید. اولین اقدام وی قبل از افتتاح دادگستری نوین، تهیه و تصویب قانون استخدام قضات و صاحب‌منصبان پارکه (دادسراها) و

مباشرین ثبت اسناد بود که در اسفند 1306 ش (مارس 1928) در 5 ماده آماده و تصویب شد و به موجب همین قانون به استخدام قضات و دادسراها و ثبت اسناد پرداخت.
داور، قضات را به چند طریق انتخاب نمود: 1- عده‌ای از قضات سابق دادگستری را که صلاحیت برای خدمت داشتند با رتبه‌های جدید به خدمت دعوت نمود. 2- عده‌ی زیادی از کارمندان تحصیلکرده دولت را که تحصیلات عالی داخلی و خارجی داشتند به وزارت دادگستری انتقال داد و در این انتقال سهم وزارت امور خارجه و سپس وزارت دارائی بیش از سایر وزارتخانه‌ها بود. 3- عده‌ای از نمایندگان ادوار مختلف مجلس را به خدمت دعوت کرد. 4- از میان روحانیون و مدرسین حوزه‌ی علمیه، جمعی را به خدمت پذیرفت مشروط بر اینکه از لباس روحانیت خارج شوند و بعد برای تربیت قاضی و مامور ثبت اسناد کلاسهائی تشکیل داد که حقوق مختلف در آن تدریس می‌شد.
داور در نخستین روزهای افتتاح دادگستری، ویژگیهای دادگستری نوین را چنین توجیه کرد:
1- تشکیلات جدید دادگستری روی اصلی بنا شد که حتی‌الامکان تمام کارکنان آن از اشخاص پاکدامن و آشنا به علوم جدید باشند ولی ممکن است بعضی از آنها صددرصد کمال مطلوب نباشد بنابراین ممیزی در آن منتفی نیست.
2- انحصار قوه قضائیه و حکومت به دست دولت و تمرکز آن در تشکیلات مملکت است تا تامین حقوق مختلفه عمومی بلامانع امکان‌پذیر شود. برای اجرای این منظور حق حکومت از محاضر شرع خارج از دادگستری سلب شده و به جای آن محاکم رسمی شرعی مرکب از حکام شرعی که مستخدم دولت و موظف به رعایت نظامات دولتی هستند تشکیل گردیده است.
3- در قوانین جدید وسائل جلوگیری از ایجاد دعاوی و نیز تهیه موجبات تسهیل کار محاکم که بتوانند به موجب اسناد صحیح حق را از باطل تمیز دهند پیش‌بینی شده و به موجب قانون ثبت املاک اجباری است. با این ترتیب از طرفی معاملات غیرمنقول در نتیجه ثبت اسناد، چنان اعتباری خواهد یافت که تاکنون در ایران سابقه نداشته است. همینکه سندی به ثبت رسید هیچ ادعائی از هیچکس نسبت به آن سند پذیرفته نیست. از طرفی به واسطه‌ی ایجاد دفاتر (ثبت اسناد رسمی) استیفای حقوق انواع قراردادها و معاملات ثبت شده در این دفترها بدون مراجعه به دادگاه به عمل می‌آید.
4- برای اعتبار دعاوی مدت و زمان قائل شده و قانون مرور زمان که از اهم قوانین قضائی است مورد اجرا واقع خواهد شد.

5- چون تامین آسایش افراد منوط به مجازات مجرمین است، این منظور مهم نیز به وسیله دادگاههای جزا و دیوانهای جنائی دادگستری عمل می‌شود.
6- عدلیه قوانین جامع و مفیدی تهیه کرده که هر قاضی موظف است بر مبنای آن حکم صادر کند. قضات نمی‌توانند عقاید فقهی را ملاک صدور حکم قرار دهند.
داور هنگامی که به وزارت دادگستری تعیین شد، اختیاراتی از مجلس برای مدت چهارماه گرفت ولی در مدت مزبور نتوانست محاکم دادگستری را در سطح کشور دائر کند، لذا در خرداد ماه 1306 از مجلس تقاضای تمدید اختیارات نمود و برای مدت چهار ماه دیگر اختیارات او تمدید شد.
از قوانین مهمی که داور به تصویب رسانید، جلد اول قانون مدنی بود که در 955 ماده تهیه و پس از تصویب مورد اجرا واقع شد. از دیگر قوانین، قانون اصول تشکیلات، قانون محاکمات نظامی، قانون محاکمه وزراء، قانون تشکیل دیوان کیفر، قانون تشکیل دادگاه انتظامی قضات، قانون تشکیل دفاتر اسناد رسمی، قانون ثبت اسناد و املاک، قانون مجازات عمومی، قانون تجارت و قانون محاکم شرع را باید نام برد. مهمترین اقدام داور در دادگستری، لغو کاپیتولاسیون بود که در روز 20 اردیبهشت 1307(11 مه 1928) ملاک عمل قرار گرفت.
داور مجموعا در کابینه‌های حسن مستوفی و مهدیقلی هدایت نزدیک به هفت سال وزیر دادگستری بود و غیر از تاسیس دادگاه‌ها و دادسراها در سطح کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک را به وجود آورد؛ دفاتر رسمی ازدواج و طلاق و دفاتر اسناد رسمی تشکیل داد؛ مدرسه عالی حقوق و کلاس قضائی تاسیس نمود ؛ وکالت دادگستری را در چهارچوب قانون تعیین نمود و مبادرت به این شغل موکول به اخذ پروانه از وزارت دادگستری گردید ؛ برای قضات لباس متحدالشکل و نشان تعیین کرد ؛ هیئت بازرسی برای رسیدگی به کار وزارتخانه‌ها و شهرداریها تعیین نمود ؛ عده‌ی زیادی از قضات را برای تکمیل تحصیلات به اروپا فرستاد؛ تمام کسانی که جزو محصلین دولتی به اروپا اعزام شده و علم حقوق تحصیل نموده بودند به خدمات قضائی منصوب نمود.
داور در بهمن‌ماه 1311 در راس یک هیئت عازم اروپا شد تا به شکایت دولت انگلستان به جامعه ملل پاسخ دهد. توضیح آنکه دولت ایران قرارداد خود را با شرکت نفت ایران و انگلیس به طور یکطرفه لغو نمود و دولت انگلستان از این اقدام ایران به جامعه ملل شکایت برد. داور در جامعه ملل در مقابل سر جان سیمون وزیر امور خارجه انگلیس قرار گرفت و ضمن نطق مفصلی حقانیت ایران را در لغو قرارداد توجیه کرد و سرانجام جامعه ملل بدون رسیدگی از لحاظ ماهوی قراری صادر نمود که طرفین

قرارداد موضوع را دوستانه و خارج از جامعه ملل حل و فصل نمایند. داور در این ماموریت قدرت بیان و استدلال خود را ثابت کرد و سرانجام پس از مذاکرات مکرر و متوالی بین شرکت نفت ایران و انگلیس و نمایندگان ایران، قرارداد 1933 برای مدت شصت سال جانشین قرارداد دارسی شد. داور در این مذاکرات نقشی برجسته داشت.
کابینه‌ی مهدی‌قلی هدایت در شهریور 1312 ش (12 سپتامبر 1933) سقوط کرد و محمدعلی فروغی به ریاست دولت تعیین گردید. در کابینه‌ی جدید شغل داور تغییر کرد و از وزارت دادگستری به وزارت دارائی تعیین و معرفی گردید. نخستین اقدام داور در وزارت دارائی، انتقال عده‌ای از قضات دادگستری به وزارت دارائی و انتصاب آنها به مشاغل حساس و کلیدی بود و از این طریق شریان وزارت دارائی را به دست گرفت و مشغول مطالعه در سازمان و رویه دارائی کشور شد. داور پس از مطالعه به این نتیجه رسید که برای متعادل کردن بودجه و درآمد بیشتر رویه بازرگانی دولتی را اعمال نماید و انحصارات را توسعه دهد. لذا شروع به ایجاد سازمانهائی به سبک شرکتهای سهامی کرد و یک قسمت از فعالیت اقتصادی کشور را که معمولا بایستی بخش خصوصی انجام دهد توسط همین شرکتها به دست گرفت. وقتی این شرکتها قوام گرفت، به فکر معاملات پایاپای افتاد و برای این منظور دو کشور را انتخاب کرد و آن دو کشور عبارت بودند از شوروی و آلمان. در نتیجه با آن دو کشور قراردادهای تهاتری منعقد نمود و قرار شد شوروی به ایران قند و شکر، قماش، آهن‌آلات، سیمان و ماشینهای کشاورزی بدهد و متقابلا ایران به آن کشور پنبه، پشم، پوست، برنج، کتیرا و خشکبار صادر نماید. در مورد معاملات با آلمان به علت استقرار حکومت هیتلر، مشکلاتی به وجود آمد که بعدها حل شد.
داور برای انجام صحیح معاملات پایاپای، یک شرکت مرکزی تاسیس کرد تا صادرات ایران را استاندارد نموده و واردات را نیز به نحو صحیح توزیع نماید.
داور در سال دوم وزارت دارائی خود، به خدمت مستشاران بلژیکی در گمرک ایران خاتمه داد و امور آن را به دست ایرانیان سپرد.
داور در دوران وزارت دارائی دست به یک سلسله اقدامات اصلاحی زد مانند افزایش سرمایه بانک ملی ایران، ایجاد سیلو در تهران و شهرستانها، توسعه‌ی صادرات تریاک، تشکیل شرکت بیمه و بالاخره امضای امتیاز نفت خاور و شمال خاوری ایران به یک شرکت آمریکائی بود.
در آذرماه سال 1314 ش (دسامبر 1935) حوادثی در مشهد به وقوع پیوست که ناشی از تغییر کلاه بود و در نتیجه اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی مسبب حوادث شناخته شد و به اعدام محکوم گردید و

محمدعلی فروغی نخست‌وزیر هم به علت قرابت و وساطت از اسدی، مغضوب و خانه‌نشین شد. در این هنگام داور تنها بازمانده بازیگران خلع قاجاریه و سلطنت رضاشاه پهلوی که ارشد وزیران کابینه بود، علی‌القاعده با توجه به سوابقی که داشت می‌بایستی از طرف شاه به نخست‌وزیری منصوب شود ولی شاه محمود جم را به داور ترجیح داده و مقام نخست‌وزیری را به او تفویض نمود و داور کماکان در کابینه‌ی جدید متصدی وزارت دارائی شد. این موضوع در روحیه‌ی داور اثر نامطلوبی گذاشت و احساس کرد شاه با او میانه‌ای ندارد و قریبا به سرنوشت دوستان سابق خود مانند تیمورتاش، فیروز فیروز و جعفر قلی اسعد دچار خواهد شد. این فکر از یک طرف و فشار شاه برای برنامه‌های تازه اقتصادی که داور مبتکر آن بود، او را از پای درآورد و سرانجام تصمیم به خودکشی گرفت و فکر خود را در شب 21 بهمن‌ماه 1315(10 فوریه 1937) به مرحله‌ی اجرا درآورد و با خوردن مقداری تریاک به زندگی خود خاتمه داد.
(ح 1315 -1267 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران متولد شد. در مدرسه‌ی دارالفنون به تحصیل پرداخت و پس از گرفتن دیپلم به خدمت عدلیه درآمد و به جهت اینکه در شغل خود به مقاطع بالاتری دست یابد برای ادامه‌ی تحصیل (به همت حاج ابراهیم پناهی) به سویس رفت و در رشته‌ی حقوق، موفق به دریافت دکتری شد. وی حدود ده سال در اروپا تحصیل کرد و در ضمن آن به فعالیتهای سیاسی نیز مشغول بود. وی با رضا شاه پهلوی معاصر بود. داور در اروپا اعلامیه‌هایی را که به نام حزب ملی ایرانی در مخالفت با قرارداد 1919 م منتشر می‌شد با تیتر عین- لام- بر امضاء می‌کرد. او در 1300 ش به ایران بازگشت و به سمت رییس وزارت عدلیه و مالیه منصوب شد و پس از آن حزب رادیکال را پایه‌گذاری کرد و با انتشار روزنامه‌ی «مرد آزاد» به طور جدی وارد معرکه‌ی سیاست شد. او در دوره‌های چهارم تا ششم نماینده‌ی مجلس شد. در مجلس پنجم یکی از تهیه کنندگان ماده‌ی واحده‌ی خلع قاجاریه از سلطنت بود و از جمله کسانی بود که تلاش بسیاری برای به سلطنت رساندن سردار سپه کرد. داور با خوردن مقدار زیادی تریاک خودکشی کرد، در حالی که روزنامه‌ها علت مرگ او را سکته اعلام کردند. وی دو روز قبل از خودکشی مورد عتاب و تهدید رضاشاه واقع شده بود. جنازه‌ی وی را در صفاییه‌ی تهران دفن کردند. آثار وی: «اصول محاکمات اصلاح شده به موحب ماده‌ی واحده»؛ «حقوق جزایی»؛ «قانون جزا».[1]
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (334 -314/ 6)، تاریخ جراید (202 -201/ 4)، دایرةالمعارف فارسی (955/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (196 -182/ 3)، سرآمدان فرهنگ (351 -350/ 1)،

شخصیتهای نامی (194 -192)، شرح حال رجال (429 -427/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (508 -507/ 4).

داور شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1251 ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[1]
(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. 1251- ف. شیراز 1325 ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار العجم (33 -26)، ایضاح المکنون (688، 461، 265، 101، 2/ 90، 1/)، تاریخ تذکره‌های فارسی (263 -247 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (517 -493/ 2)، الذریعه (268 -267 /127، 15 /1088، 1087- 319، 9/)، ریحانه (360 -359 /5)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (271 -270 /6)، هدیه العارفین (469/2).

داوری شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1283/1282 -1238 ق)، خطاط، نقاش، ادیب و شاعر، متخلص به داوری. در شیراز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی و آداب سخنوری و خوشنویسی را در محضر پدر و برادر مهتر خود وقار، آموخت و فنون نقاشی و چهره‌نگاری و نیز زبان و ادبیات ترکی را از شخصی به نام حاجی اسدالله فراگرفت. داوری در سرودن انواع مختلف شعری بویژه قصیده مهارت داشت. خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت و در نستعلیق قوی‌دست بود. صاحب «طرائق الحقائق» مدت دو ماه نزد وی تعلیم خط گرفته است. او همچنین در هنر نقاشی بخصوص آبرنگ، شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می‌دانست. دیوان بیگی، مولف «حدیقه الشعراء»، وی را «شمس القلاده‌ی» خاندان وصال دانسته است. از کارهای هنری این استاد، تذهیب و نقاشی «شاهنامه‌ی» فردوسی است که بعدها توسط لطفعلی خان شیرازی و میرزا آقای نقاش تکمیل شد. داوری در زادگاه خود درگذشت و در کنار میرزای سکوت، در حرم شاهچراغ به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعار وی در حدود پانزده هزار بیت دانسته‌اند. در بعضی منابع «رساله‌ای در عروض» و کتابی در «معانی و بدیع» و «فرهنگ» بزرگی به زبان ترکی به وی نسبت داده‌اند. از آثار چهره‌پردازی وی: چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته‌ی دوره‌ی ناصری که در مرقعی با خطوط متنوع ترتیب یافته است؛ تصویر محمد شفیع وصال که بر روی تشکی نشسته است. از خطوط او: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم:؛... و انا العبد... محمد المتخلص بداوری ابن المرحوم وصال... سنه‌ی 1267»؛ یک نسخه «لوایح» جامی، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «... فی سنه‌ی 1276... و انا العبد داوری بن وصال»؛ یک نسخه «چهار مقاله‌ی» نظامی عروض، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره داوری بن وصال غفر له، سنه‌ی 1279»؛ یک نسخه «سحر حلال»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... داوری بن وصال 1282». چهار اثر دیگر وی در «احوال و آثار خوشنویسان» ذکر شده است.[1]
محمد متلخص به داوری سومین پسر وصال از شاعر از قرن سیزدهم (و. 1238- ف. 1282 ه.ق.). وی در 1279 در تهران بود و در شیراز به بیماری دق درگذشت و در بقعه شاه چراغ شیراز مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (360 -359)، احوال و آثار خوشنویسان (716 -712 /3)، احوال و آثار نقاشان (715 -713 /2)، اطلس خط (566 -565)، بزرگان شیراز (363)، تاریخ ادبیات ایران، براون (207 -205 /4)، تاریخ هنرهای ملی (987/2)، تذکره‌ی روز روشن (257 -256)، حدیقه الشعراء (613 -604 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (517 -506 /2)، الذریعه (320 -319 /9)، ریحانه (327 -326 /6 ،212 /2)، سرآمدان فرهنگ (352 -351 /1)، شرح حال رجال (188 -186 /6)، طرائق الحقائق (379 -376 /3)، فارسنامه‌ی ناصری (1011 -1008 /2)، فرهنگ سخنوران (334)، لغت نامه (ذیل/ داوری شیرازی)، المآثر و الآثار (205)، مؤلفین کتب چاپی (782 -781 /5)، مجمع الفصحا (299 -293 /4)، مرآت الفصاحه (211 -208)، مکارم الآثار (1070 -1069 /4).

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا داوودی کهکی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا داودی، در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال 1372 وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا 1377 به طول انجامید. از سال 1377 کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد 1381 تا 1382 به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره 18 پذیرفته شد در سال 1383 در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال 1384 هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دایی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی دایی متولد ۱ فروردین سال ۱۳۴۸، بازیکن ایرانی و از مشهورترین بازیکنان تاریخ تیم ملی فوتبال ایران است. تا پایان جام جهانی ۲۰۰۶ بازیکن اصلی و کاپیتان تیم ملی ایران بود. دایی ۱۰۹ گل ملی در کارنامه خود دارد و با فاصله زیادی بهترین گلزن بازی‌های ملی در تاریخ فوتبال جهان است.
دایی سابقه بازی در تیم‌های آلمانی همچون بایرن مونیخ را دارد و به همراه این تیم به نایب قهرمانی جام باشگاه‌های اروپا دست یافته‌است.
● باشگاهی
دایی، فوتبال را از باشگاه‌های کوچک شهر اردبیل همچون استقلال اردبیل و شهرداری اردبیل آغاز کرد . اوپس از قبولی در دانشگاه صنعتی شریف و اقامت در تهران به تیم تاکسیرانی تهران پیوست. او سپس به بانک تجارت پیوست و در این تیم بود که او مورد توجه بیشتری قرار گرفت و برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد.
دایی بعدها به پرسپولیس تهران و سپس السد قطر پیوست و از این این تیم راهی اروپا شد و همراه با کریم باقری به آرمینیا بیله‌فلد باشگاه آلمانی و خداداد عزیزی به اف سی کلن پیوست. مقصد بعدی او بایرن مونیخ آلمان بود. فرانس بکن‌بائر رییس باشگاه بایرن مونیخ علی دائی را برای این باشگاه انتخاب کرد و وی را مهاجمی در سطح جهانی قلمداد کرد. حضور دایی در بایرن مونیخ آلمان نقطه اوج فوتبال او بود، زیرا پیش از آن حضور بازیکنی ایرانی در یک باشگاه معتبر نظیر بایرن مونیخ سابقه نداشت. دایی به همراه بایرن مونیخ تا فینال جام باشگاه‌های اروپا رفت و در نهایت مدال نقره آن بازی‌ها را به دست آورد. گرچه دایی در بازی فینال به میدان نیامد.
او سپس به هرتا برلین آلمان پیوست و با پوشیدن پیراهن ۹ از اصلی‌ترین بازیکنان این تیم بود. دایی با هرتا برلین هم در جام باشگاه‌های اروپا بازی کرد و دو بار دروازهٔ چلسی و یکبار دروازهٔ آث میلان را گشود. حضور موفق علی دائی در باشگاه‌های اروپایی راه را برای بسیاری از بازیکنان آسیایی از جمله هیده توشی ناکاتا و مهدی مهدوی کیا گشود.
علی دایی با باشگاه ساپپا به عنوان بازیکن و سرمربی تیم ساپپا فعالیت خود را آغاز کرد. این تیم توانست در خرداد ماه ۸۶ قهرمانی ششمین لیگ

برتر را به دست آورد. او همزمان با قهرمانی سایپا در روز ۲۸ می ۲۰۰۷(۷ خرداد ۱۳۸۶) بازدن گل قهرمانی سایپا که آخرین گل اقای گل جهان بود از بازی کردن فوتبال برای همیشه خداحافظی کرد.
علی دایی در سال‌های اخیر همواره بازیکن اصلی ایران و کاپیتان این تیم بوده‌است. او بیشترین بازی ملی و بیشترین گل زده تاریخ تیم ملی را دارد (گل‌های زده او در میان تمام تیم‌های جهان نیز اول است.)
او در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ امارات به همراه باقری و عزیزی از بهترین ستارگان ایران بود.
او در بازی معروف ایران و استرالیا در بازی پلی اف مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه پاس گل دوم ایران را برای خداداد عزیزی ارسال کرد و این گل باعث راهیابی ایران به جام جهانی شد.
او به همراه ایران در دو جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و ۲۰۰۶ آلمان به میدان آمد و تا به حال در۵ بازی ایران در این بازی‌ها شرکت کرده‌است. این پاس دایی بود که زمینه‌گذار گل مهدوی‌کیا به آمریکا در جام جهانی ۹۸ شد.
از نقاط اوج دوران ورزشی دایی را می‌توان روز ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ دانست. او در این روز و در مسابقات مقدماتی راهیابی به جام جهانی ۴ بار دروازه لائوس را گشود تا نام خود را به عنوان اولین فوتبالیست تاریخ جهان که ۱۰۰ گل در بازی‌های ملی به ثمر رسانده ثبت کند.علی دایی در لیگ برتر ایران در سال ۱۳۸۶ به عنوان سرمربی و بازیکن توانست تیم سایپا را به قهرمانی برساندو توانایی های خود را به رخ منتقدان بکشد و بر افتخارات خود بیافزاید.

● تیم‌های باشگاهی

■ سلمان آباد اردبیل، تاکسی‌رانی، بانک تجارت، پرسپولیس (ایران)
■ آرمینیا بیله‌فلد، بایرن مونیخ، هرتابرلین (آلمان)
■ السد (قطر)
■ پرسپولیس، صبا باتری (ایران)
■ سایپا تهران

● بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی

وی یکی از بهترین گلزنان تاریخ فوتبال و نفر اول در لیست گلزنان بین‌المللی است. او هم‌چنین بهترین گلزن در تاریخ بازی‌های آسیایی است. در دور مقدماتی جام جهانی سال ۱۹۹۸ هم، او با به ثمر رساندن 38 گل در 56 بازی در رتبه‌ی اول قرار داشت.
در سال ۱۹۹۶ با به ثمر رساندن ۲۰ گل، دایی به عنوان بهترین گلزن در بازی‌های بین‌المللی توسط فدراسیون تاریخ و آمار فوتبال (IFFHS) معرفی گردید. در ضمن دایی اولین گلزن آسیایی جام باشگاههای اوروپا است ازجمله گلهای بیادماندنی او دوگل اوبه چلسی وتک گل او به میلان

ACدر لیگ قهرمانان اروپا که باعث صعودتیم هرتابرلین به مرحله بعد لیگ قهرمانان شد

● زندگی شخصی

علی دایی در اردبیل متولد شد. او بعدها به دانشگاه صنعتی شریف راه یافت و لیسانس خود را در رشته متالورژی دریافت کرد. همچنین وی به تازگی ازدواج کرده‌است. علی دائی علاوه بر فوتبال در تجارت نیز مردی موفق بوده‌است. وی گرداننده چندین شرکت بزرگ و رستوران‌های متعدد است. این فوتبالیست ایرانی طی سالهای اوج فوتبال خود بارها در مسابقات فوتبال به میدان رفته‌است، از جمله در دیدار ستارگان فوتبال جهان و تیم منتخب بوسنی با همراهی روبرتو باجو و دیگر ستاره‌های افسانه‌ای فوتبال. او همچنین همراه بامادلین آلبرایت و دیوید بکام باسازمان یونیسف همکاری داشته‌است.

دایی همچنین دارای تابعیت دوگانه ایرانی و آمریکایی است.

● عضویت درفیفا

علی دائی توانست برای اولین بار یک بازیکن ایرانی باشدکه عضوکمیته بین المللی فوتبال فیفا گردد و فوتبال ایران را درعرصه بین‌المللی مطرح کند

او در سال 1387 به عنوان سرمربی تیم ملی ایران انتخاب شد .

دبستانی کرمانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دانشمند، نویسنده و روزنامه‌نگار و سیاست‌پیشه، در حدود 1262 در کرمان تولد یافت. پدرش آقایوسف از اعاظم، دانشمندان و بزرگان کرمان بود.
دبستانی و برادرش مجدالاسلام کرمانی، تحصیلات مقدماتی خود را بیشتر نزد حاج شیخ ابوجعفر کرمانی و ملا عبدالله راینی و ناظم‌الاسلام کرمانی آموختند و روح آزادیخواهی و آزادفکری ناظم‌الاسلام در این دو برادر تاثیر زیادی بخشید. او در جوانی لقب امین‌الاسلام گرفت. زبان و ادبیات عرب را در حد کمال آموخت و زبانهای فرانسه و انگلیسی را نیز فراگرفت.
بعد از مشروطیت به انتشار روزنامه‌ی فرهنگ مبادرت نمود و با کمک عده‌ای از روشنفکران کرمان، حزب دموکرات را در آنجا بنیان نهاد و سالها در سیاست کرمان مدخلیت داشت و یکی از مبارزین جدی با حکام و متنفذین محلی بود.
در 1306 بنا به دعوت علی‌اکبر داور، خدمت قضائی را قبول کرد و چندی در سمت مستشار استیناف همدان انجام وظیفه نمود. در انتخابات دوره‌ی هفتم از کرمان به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و هفت دوره‌ی متوالی کرسی نمایندگی کرمان را برای خود حفظ نمود. بعد از 1320 از کار سیاست کناره‌گیری کرد و به خدمات اجتماعی پرداخت.
وی مردی ارزشمند بود. شعر به زبان عربی نیکو می‌سرود. صریح و تند بود. در سخنرانی ید طولایی داشت. با تاریخ و ادب ایران و عرب و اروپا بسیار آشنا بود. در دوره‌ی سیزدهم که باز میل به وکالت داشت، مخالفین او طوماری تهیه نموده و او را مفسد فی‌الارض و مهدورالدم خواندند و همین طومار اثر خود را بخشید و به مجلس راه نیافت. نام خانوادگی دبستانی ابتدا درگاهی بود ولی سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی او را مجبور ساخت که نام خانوادگی خود را تغییر دهد. وفات او در 1343 در سن 90 سالگی اتفاق افتاد.
(ح 1344 -1255 ش)، روزنامه‌نگار. ملقب به شیخ محمود امین‌الاسلام. در کرمان متولد شد. تحصیلات مقدماتی خو را نزد حاج شیخ ابوجعفر کرمانی، ملا عبداللّه راینی و ناظم‌الاسلام کرمانی آموخت. زبان فرانسه و انگلیسی را می‌دانست و به عربی آشنایی کامل داشت و از حافظه‌ی قوی برخوردار بود و مطالعات تاریخی فراوان داشت. وی از آزادیخواهان و

مشروطه‌طلبان در تهران و کرمان بود و در واقعه‌ی پیدایش حزب دمکرات در کرمان، از اعضای فعال و برجسته‌ی حزب محسوب می‌شد. از دوره‌ی هشتم مجلس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس شورای ملی انتخاب شد و تا دوره دوازدهم نماینده بود ولی به علت مخالفتهای شدید با وی در دوره‌های بعد، از انتخاب شدن محروم ماند. او که به سبب انتسابش به خاندان درگاهقلی بیک، لقب درگاهی یافته بود برای این که از آسیب سر تیپ محمد درگهی)(رئیس شهربانی) مصون بماند. نام خانوادگی خود را به دبستانی تغییر داد. و به کرمان بازگشت و در املاک موقوفه‌ی خاندان خود به کشت و برداشت مشغول شد، تا این که در شهریور 1320 ش به خدمات اجتماعی پرداخت و به سمت ریاست شیر و خورشید برگزیده شد و سرانجام در کرمان درگذشت. او مدتی مدیر مسؤول روزنامه‌ی «نامه‌ی فرهنگ» کرمان بود.[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (273 -272 /4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (201 -198 /3)، یغما (س 18، ص 217 -213).

دبوسی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 482 ق)، ادیب، فقیه و مدرس و عالم شافعی. دبوسیه شهری بین سمرقند و بخارا است. وی از شاگردان محمد بن عبدالعزیز قنطری و ابوسهل ابیوردی و ابومسعود بجلی است. در 479 ق برای تدریس در نظامیه وارد بغداد گشت و مجلس آراست و عهده‌دار تعلیم شد. از او تعبیر به امام و شیخ شافعیه کرده‌اند. گذشته از قرائت و فقه و حدیث و اصول و لغت، در کلام و مناظره نیز پیشگام بود. هبه‌اللّه سقطی و ابوالعز قلانسی و عبدالوهاب انماطی از شاگردان وی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (93 -91 /19)، الکامل (152/8)، لغت نامه (ذیل/ دبوسی)، مدارس نظامیه (141 ،129)، معجم البلدان (499/2).

دبیر الممالک، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1320 ق)، خطاط و مترجم. سمت ژنرال آجودانی و مترجمی صدر اعظم را داشت و چون به زبان فرانسه و آلمانی آشنا بود، چند کتاب را به فارسی ترجمه کرد و در وزارت امور خارجه هم سمتی داشت. اسماعیل خان خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. وی تا تاریخ تالیف «تذکره‌ی خوشنویسان» سپهر هنوز در قید حیات بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (66/1).

دبیران، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1266 ش)، روزنامه‌نگار. معروف به دبیرزاده ملایری. در ملایر متولد شد. پس از طی تحصیلات معمولی به مشاغل دولتی پرداخت. در بیست و دو سالگی علاقه زیادی به راهنمایی و تشویق مردم برای حفظ ملیت و تحریک حس میهن پرستی داشت، به همین جهت اغلب اوقات در انجمنها و معابر و مساجد به ایراد نطق‌های مهیجی در این زمینه می‌پرداخت. در سال 1299 ش روزنامه‌ی «سهیل» را در ملایر تاسیس کرد ولی به علت بالا بودن هزینه‌ی چاپ و همچنین حرکت مهاجران ایرانی به طرف استانبول تنها دو شماره از آن انتشار یافت و روزنامه تعطیل شد و دبیران مهاجران به استانبول رفت. وی پس از بازگشت به ایران موفق به انتشار مجدد روزنامه ادبی و اخلاقی و ملی «سهیل» نشد. دبیران مدتی در وزارت دادگستری اشتغال داشت و مدتی نیز به مسافرت در غرب از طرف وزارت دارایی پرداخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (50 -49 /3)، زندگی نامه‌ی رجال و مشاهیر (202/3).

دبیران، حکیمه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1353 ،1348 و 1364.
مرتبه علمی:
پژوهشگر در بخش لغت فرهنگستان زبان ایران در سال 1350، تدریس در دانشگاههای مختلف کشور، استاد اعزامی به دانشگاه پنجاب لاهور (اورینتل کالج) پاکستان (کرسی زبان و ادبیات فارسی) به مدت دو سال، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
انجام تحقیقات ادبی، عرفانی، تدریس در دوره‌های کارشناسی ارشد، عضویت در هیأت امنای دانشگاههای منطقه 2 تهران و نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در شورای فرهنگی اجتماعی زنان، نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی در کمیته هماهنگی تربیت معلم و عضو شورای عالی برنامه‌ریزی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 4 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
لغت و شعر.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 25، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبی، بررسی متون، مذهبی، شرح غزلیات عرفانی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دبیرمقدم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر محمد دبیرمقدم در سال 1332 شمسی در کاشان متولد شد.ایشان دارای مدرک دکترای زبانشناسی از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا می باشد.دکتر دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است. کتاب "زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی" تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد دبیر مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کاشان و تهران گذراند. تحصیلات دانشگاهی را در رشتهٔ زبانشناسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران سپری کرد. آنگاه عازم امریکا شد و دکترای زبانشناسی را از دانشگاه ایلینوی(اربانا) امریکا اخذ نمود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد دبیر مقدم در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه های مختلف ازجمله زبانشناسی نظری، زبانشناسی فارسی، معنی شناسی و کاربردشناسی زبان فعالیت پژوهشی داشته و مقالات متعددی نیز به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر کرده است.
جوائز و نشانها : کتاب "زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی" تالیف، محمد دبیرمقدم ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
آثار :
1 زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب

سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی» زبانشناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی/ تألیف محمد دبیر مقدم.- تهران: سخن، 1378.- 580ص: نمودار. واژه نامه. کتابنامه:ص[527] – 545. اثر حاضر به توصیف عمده ترین رویکرد زبانی در نیم؟ دوم قرن بیستم میلادی می پردازد. دستور زایشی (Generative Grammar) مکتبی مسلط و غالب در زبانشناسی نظری امروز است که با ارائ؟ مجموعه ای از نظریه های زبانی، انقلابی در زبانشناسی و علوم شناختی به وجود آورده است. کتاب مشتمل بر دوازده فصل است و مؤلف محترم تلاش کرده است به منظور برطرف نمودن خلاء نظری موجود در زبانشناسی امروز ایران، با اتکاء به منابع دست اول و گفتگوی حضوری و تبادل نظر با برخی از زبانشناسان صاحبنظر و تأکید بر جنب؟ آموزشی کتاب، زمین؟ لازم را برای دانشجویان و پژوهشگران به منظور فهم بهتر متون تخصصی فراهم آورد. کتابنام؟ مفصل، معادل سازی برای اصطلاحات تخصصی و واژه نام؟ دو سوی؟ فارسی و انگلیسی از دیگر امتیازات این اثر است. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

دبیری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی دبیری زرندی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانند.
وی در زرند متولد شده و برای تحصیل به قم آمده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح رحل اقامت به تهران افکنده و سطوح را از مدرسین و علماء تهران به پایان رسانیده و نیز از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام استفاده نموده و اکنون در یکی از مساجد غرب تهران (خیابان سی متری) به اقامه جماعت و ترویجات مذهبی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دبیری‌نژاد، بدیع‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1314، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1344، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سوربن در سال 1347.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه اصفهان، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه اصفهان در سال 1357.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات و زبان‌شناسی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخی، ادبی، کارنامه ساسانیان، سبک نثر آثار تاریخی دوره مغول در ایران.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 38، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
ادبی، تاریخی، فرهنگی، دوره مغول، دوره سلجوقی، پیش از اسلام و پس از اسلام.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دختر صاحب بن عباد

قرن:4
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن چهارم هجری، از زنان فاضل و ادیب شیعه. وی از پدر دانشمندش ادب و دانش آموخت. صاحب، علاقه فراوانی به او داشت و نیز به دلیل محبت و احترام به سادات علوی دخترش را به ازدواج یکی از سادات علوی به نام ابوالحسین علی بن الحسین معروف به اخومسمعی درآورد. دختر صاحب پسری به دنیا آورد که نامش را عباد نهادند. وقتی بشارت تولد نوزاد را به صاحب دادند چند قصیده سرود که مطلع یکی از آن‌ها چنین است:
الحمدللَّه حمداً دائماً ابدا
قد صار سبط رسول‌اللّه لی ولدا
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: دایرةالمعارف تشیع، 423 / 3؛ ریاحین‌الشریعه، 229 -228 / 4؛ النساءالمومنات، 266.

درب امامی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید عبدالعلی موسوی. عالم فاضل، و محدث کامل، از موثقین اهل منبر و محدثین اصفهان به شمار می‌رفت.
در عصر روز 3 شنبه 21 ذی حجة الحرام سال 1372 به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در این اطاق مدفون گردید.
از آثارش کتاب «ثمرات الحیات» در دو مجلد، در مواعظ و اخبار به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

درخشان، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1297 ش)، نویسنده و شاعر. وی اصلا همدانی بود. تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی به پایان برد. سپس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و مدتی نیز در دانشگاه آنکارا به تدریس پرداخت. وی تا پایان عمر به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی زبان و ادبیات فارسی و معارف اسلامی پرداخت. برخی از آثار وی: «بزرگان و سخن‌سرایان همدان»؛ «سبک نثر فارسی از قرن چهار تا چهارده»؛ تصحیح «دیوان ناصر بخاری»؛ «ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار»؛ «المستخلص یا جواهر قرآن»؛ «تفسیر جزء سی‌ام قرآن مجید یا عم جزو»؛ «دیوان اشعار کسایی مروزی»؛ «مرآت الحیاه»؛ و تالیف «مقامات رضا (ع)» و «تاثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی».[1]
سال تولد: 1297، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
زندگینامه
دکتر شادروان مهدی درخشان در سال 1297 هجری شمسی دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای 1328 و 1332، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1334 گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال 1349 به مرتبه‌ی استادی دانشگاه تهران ارتقاء یافت.
مرحوم دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاههای تهران و آنکارا با جدیت و تلاش تمام به تحقیق و تدریس پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. از وی 11 جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود 30 مقاله به زبانهای فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است.
سال تولد: 1297، مرتبه علمی: استاد: رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1328، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1332 و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1334.
مرتبه علمی:
تدریس در دبیرستانهای دامغان، تهران، دانشگاههای تهران و آنکارا، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از سال 1349 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات فارسی، تصحیح و شرح دیوان ذوالفقار شروانی، تصحیح انتقادی تحفه‌الملوک، ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار نظامی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 11
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
بزرگان و سخن‌سرایان همدان، سبک نثر فارسی، کسائی مروزی (تحقیق در احوال و اشعار)، درباره زبان فارسی، فن بدیع، تأثیر معارف اسلامی در ادبیات، تصحیح دیوان ناصر بخارائی، تصحیح ینبوع‌الاسرار فی نصائح‌الابرار، المستخلص یا جواهرالقرآن (عربی- فارسی)، تفسیر جزء سی‌ام قرآن کریم، مقام رض (در شرح حال امام رضا (ع))، مرآت حیات در عرفان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 28، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
پیرامون کلمه شیخ و سید، خالص استرآبادی، دیوان منصور حلاج از کیست؟، تسمیه پسر بنام پدر، رساله ذهبیه، دو اثر نویافته از صائب تبریزی، ایران‌شناسی، مقلدان بوستان، تکرار قافیه در شعرهای حافظ، سبک نثر بلعمی و غیره.
مدرس.
تولد: 1297، همدان.
درگذشت: 1372، تهران.
مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سالهای 1328 و 1332، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته‌ی زبان ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1334 گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه

تهران، در سال 1349 به مرتبه استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن سرایان و معارف اسلامی به یاگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریه‌ی «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ درباره‌ی زبان فارسی؛ بزرگان و سخنسرایان همدان (جلد اول، 1341، این کتاب به صورت دو جلد در سال 1374 چاپ شده است).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] بزرگان و سخن‌سرایان همدان (14 -12 /1)، مؤلفین کتب چاپی (397/6).

درزی عزیزی، محمداسحاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمداسحق درزی عزیزی فرزند حجةالاسلام آقا شیخ محمدمهدی بن العالم الجلیل آقا شیخ محمداسماعیل درزی (که از تلامذه سیعد العلماء بوده است) از دانشمندان معاصر و مقیم قریه (بهنمیر) مازندران می‌باشد.
وی در سال 1350 قمری متولد شده و مقدمات را از مرحوم والدش که از شاگردان آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن مازندرانی معروف به شیخ کبیر صاحب حاشیه (فرائدالاصول) آموخته و پس از فوت آن مرحوم در سال 1322 شمسی در مدرسه مولانا و مدرسه صدر بابل تحصیلات مقدماتی خدمت حاج شیخ علی موحد نموده و در سال 1327 شمسی به قم مهاجرت و چندی از آقای اعتماد تبریزی و پسرعموی خود آقا شیخ محمدحسین شریف‌زاده استفاده نموده.
ولی به واسطه کسالت شدید و امریه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی برای معالجه به بیمارستان فیروزآبادی ری رفته و پس از بهبودی به حوزه درس عالم ربانی و آیت سبحانی مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کوهستانی پیوسته و مقداری از فقه و اصول و تفسیر را در آنجا خوانده و مورد لطف مخصوص آنجناب قرار گرفته.
و بعد در سال 1334 شمسی مجدداً به امر آن مرحوم به قم آمده و به درس استاد علی مشکینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و علامه طباطبائی و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالفضل زاهدی و درس هیئت مرحوم حاج شیخ محمد اردبیلی و رجال و فقه مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده نموده و در سال 1338 شمسی بنابر دعوت اهالی بابلسر و زادگاهش قریه (عزیزک) که از مضافات بابلست به آنجا آمده و به امر مرحوم آیت‌اللّه کوهستانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر آیت‌اللَّه‌زاده مازندرانی به قصبه (بهنمیر) اقامت و در مسجد جامع آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند
قصبه (بهنمیر) زادگاه جد مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ ولی‌اللَّه مدرس مازندرانی بوده ولی حدود یکصد و پنجاه سال از روحانی خالی بوده (با اینکه محیط آن حدود چهل هزار نفر جمعیت داشته است) از این جهت فرقه ضاله بهائیه در آنجا رخنه کرده و فعالیت زیادی نموده و در غالب

شئون زندگی مردم خلط و آمیزش پیدا کرده بودند.
ایشان وظیفه خود دانسته که امریه آقایان را اطاعت و در آنجا ایفاء وظیفه نمایند و به حمداللّه موفق شدند در طول 15 سال اقامتشان در آنجا جلوی نفوذ و پیشرفت آن حزب منفوره مردوده را گرفته و تعداد 17 خانوار را که عددشان 67 نفر می‌شود از زن و مرد ارشاد و هدایت نموده و برگردانند.
و خلاصه مبلغین ضال و مضل آنها را مجاب و محکوم نموده و شر رفت و آمدشان را از آن منطقه دور نمایند در سال 1342 شمسی مشرف به مکه معظمه و وراد در بیت‌اللّه الحرام شده و با یکی از وزراء کشور سودان مباحثه در خلافت نموده و او را ملزم ساخته و نیز در سال 1347 شمسی با یکی از دانشمندان مصری گفتگو و او را مجاب ساخته‌اند.
آقای عزیزی دارای آثار خیر چندی می‌باشند که از آنهاست.
1- کتابخانه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف در (بهنمیر).
2- بناء پل آهنی جهت رابطه چند قریه و مسجد و تکایا و غیره.
دارای اجازات عدیده‌ای در امور حسبیه و روایتی از آیات عظام مانند آیت‌اللّه العظمی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا هاشم آملی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی عراقی و آیت‌اللّه العظمی میلانی مشهد مقدس می‌باشند.
از آثار قلمی ایشانست کتاب کشف‌الحقایق رد بر بهائیت و بابیت و ازلیت که مخطوط می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درزی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر علی درزی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبانشناسی همگانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی دکتر علی درزی به قرار زیر است: زبانشناسی. دانشگاه تهران ؛ 1375-تا کنون زبانشناسی مقدماتی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ 1993-1996 زبان فارسی. دانشگاه ایلی نوی، امریکا ؛ 1993-1996
آثار :
1 دانش زبان
ویژگی اثر : (ترجمه). نشر نی 1380
2 درآمدی بر زبانشناسی معاصر
ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام دیلینی اوگریدی، مایکل دابروولسکی، مارک آرنف، علی درزی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 03 دی، 1386
3 زبان و مسائل دانش
ویژگی اثر : (ترجمه). نشر آگه 1378
4 زبانشناسی در میان فرهنگها
ویژگی اثر : (ترجمه). جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم 1367
5 شیوة استدلال نحوی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی درزی ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 19 شهریور، 1385
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

درگاهی، میثم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میثم درگاهی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1363/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر در سال 1377 وارد حوزه علمیه واقع در خ شهید رجایی(جامعه علمیه امیر المومنین) شدم. دروس مقدمات را در همان مدرسه با اساتید مجربی همچون محمد حسین کبیریان، شیخ محمد رضا کرباسی به پایان رساندم.در سال 1380 به علت علاقه وافر و زیادی که به قرآن داشتم مشغول به حفظ قرآن کریم شدم و یک سال درس های حوزه را رها کرده و فقط مشغول حفظ قرآن و مفاهیم و مفردات قرآن شدم و به حول و قوه الهی در سال 1381 قرآن را به پایان رساندم. درسال 1382 به توفیق تلبس لباس مقدس روحانیت شدم و از آن سال تا به حال مشغول به تبلیغ در سازمانهای راه آهن، آتش نشانی، ایران خودرو و در مساجد شدم، در سال 1384 به قم آمدم و ادامه تحصیل را در قم مشغول هستم.

درگزی، صید علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1332 -1272 ق)، ادیب و شاعر. از طایفه‌ی چاپشلو از خوانین و از فضلاء و ادباء و از نسابه‌های معروف خراسان بود. وی مدتها نزد میراز مهدی گیلانی متخلص به خدیو تلمذ کرد و فنون ادب را از وی آموخت. از شاگردان خان مزبور عبدالجواد معروف به ادیب نیشابوری بوده و تا زمانی که صید علی‌خان زنده بود نامبرده فوق‌العاده مورد تکریم و احترام ادیب می‌بود. وی از معاصران ملک‌الشعراء بهار، صدرالاطباء و سلطان العلماء بوده است و تنها کسی است که بوسیله‌ی ادیب نیشابوری سبک فصحای قدیم را احیا نمود و از این حیث از شخصیتهای بزرگ ادب معاصر ایران است. وی حافظه‌ای نیرومند داشت بطوری که پنجاه هزار بیت اشعار فارسی و عربی و ترکی در حفظ داشت و بهتر از هر کس به سبک خراسانی آشنا بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (123 / 6)، صد سال شعر خراسان (368 -365).

دروازه‌ای تبریزی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم تبریزی مشهور به (دروازه‌ای) ابن المرحوم آیت‌اللَّه العلامه السید مهدی قدس سرهما از مشاهیر و بزرگان علماء تبریز بوده که در زهد و جلالت شان و مکارم اخلاق و کرم اعراق نادره دوران و از لحاظ علم و قدرت و حلاوت بیان و تربیت صدها تن افراد فاضل و دانشمند مشار الیه بالبیان و در حسن اخلاق و معاشرت و سلوک و رفتار فایق بر اقران.
معظم له در 1313 ق در یکی از بیوتات سیادت و علم و روحانیت متولد و بعد از فراگرفتن مقدمات علمی در جلسات درس مشاهیر علماء تبریز از جمله مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج سید محمد مولانا شرکت نموده سپس مدتها در حوزه درس بزرگان فقهاء و دانشمندان اسلامی تبریز از جمله مرحوم علامه بزرگوار و فقیه عالیقدر آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی حاضر و به دریافت مدرک کتبی اجتهاد از معظم له نائل بعدا مجتهدا به نجف اشرف عزیمت نموده و در حوزه‌های علمی و درسی بزرگان فقهاء از جمله مرحوم آیت‌اللَّه علامه کمپانی اصفهانی و علامه آقا ضیاءالدین عراقی شرکت نموده ولی به جهت فوت والدش و استدعا اهالی تبریز نتوانسته زیاد در نجف بماند لذا به وطن مراجعت و مشغول خدمات دینی و تدریس در قسمتهای مختلفه علمی مانند ادبیات و تفسیر و کلام و فقه و اصول بوده است.
مرحوم دروازه‌ای علاوه بر مهارت در رشته‌های فقه و اصول در ادبیات عربی نیز ید طولائی داشته و تدریس کتابهای معروف ادبی مانند مغنی و مطول و مقامات حریری را از حفظ می‌خواند و از اشعار و کلمات بزرگان این فن به قدری استادانه استشهاد می‌کرد و تمثل می‌جست که شنونده را به اعجاب و تحیر وامی‌داشت.
وی در حلاوت بیان و قدرت و شیوائی منطق اعجوبه دهر بود در جلسه تفسیر افاضل و اهل علم شرکت می‌کردند و هم افراد عامی و تحصیل نکرده و عجب است که مطالب متنوع تفسیر را طوری القا می‌نمود که همه استفاده می‌کردند و از خرمن علمش خوشه‌چینی می‌نمودند.
از آن مرحوم نوشته‌جات زیادی در رشته‌های مختلف علمی به یادگار مانده که متأسفانه تا حال اقدام به طبع و نشر آن نشده از جمله حواشی بر لمعتین مرحوم شهید و حاشیه مکاسب و حواشی بر مغنی و مطول والتفسیر الوجیز و اللطائف الادبیه و تحفة الاخیار فی علائم آخر الاعصار و

رساله فی الصلوة (که کتابی است عربی علمی و استدلالی) و دیوان شعر عربی.
آن مرحوم در اواخر عمر به جهت کسالت مزاج و ابتلاء به مرض قلب و اعصاب به قصد معالجه به تهران مهاجرت نمود ولکن معالجه‌ها مؤثر واقع نگردید بالاخره نهم ماه رجب 1381 ق با یک سکته قلبی دعوت حق را لبیک گفته و جنازه‌اش را با تشییع و تجلیل کم‌نظیر حمل به قم و در مقبره اتفاق در قبرستان نو به خاک سپردند و مجالس عدیده در قم و تهران و تبریز از طرف مراجع و علماء برای بزرگداشت ایشان برقرار شده و شعراء اشعار نغز و جالبی در سوکش سرودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

درودی، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی درودی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب دوران تحصیلات دبستان ، متوسطه و دبیرستان (در نظام قدیم آموزش و پرورش) را در طول یازده سال در تهران گذراندم و در سال 1356 در رشته ریاضی از دبیرستان جاویدان فارغ التحصیل شدم ، سپس به جهت علاقه به رشته نقشه کشی در دوره شبانه دانشکده هنرهای زیبا به طور آزاد ، دوره مقدّماتی نقشه کشی را پشت سر گذاشته و به خاطر جو فرهنگی نامساعد دانشکده از گذراندن دوره پیشرفته آن منصرف گردیدم و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1358 به حوزه علمیّه مقدّسه قم برای فراگیری علوم دینی آمدم و پس از فرا گرفتن برخی از دروس مقدّماتی مانند جامع المقدّمات و ... پس از چند ماه به حوزه ملا جعفر معروف به مجتهدی تهران بازگشتم و پس از اتمام برخی از دروس از قبیل کتاب سیوطی، مجددا با شکل گیری شورای مدیریت حوزه علمیّه قم در سال 61 ـ 60 به مدرسه رضویه قم برای ادامه تحصیل رفتم و بقیه دروس دوره ادبیّات عرب را که شامل کتاب منطق ، حاشیه و کتاب مختصر با استاد موسوی گرگانی و کتاب مغنی را با استاد طالقانی به پایان رساندم و کتاب معالم را با استاد سیّد احمد خاتمی در آن مدرسه خواندم سپس در حوزه عمومی قم، کتاب قوانین و بخشی از کتاب لمعه را با آیت الله راستی کاشانی و الباقی لمعه را با مرحوم استاد محامی و آیت الله اشتهاردی و نیز کتاب اصول فقه 1 و 2 را با استاد سید احمد خاتمی و کتاب رسائل را با استاد اعتمادی و کتاب های مکاسب محرمه و بیع و خیارات را با اساتید محترم صلواتی و مرحوم پایانی و کتاب کفایتین را با اساتید مرحوم ملا صالح مازندرانی و پایانی خواندم. سپس از سال 70 ـ 69 به درس خارج برخی از آیات مانند مرحوم مصطفی نوراللهی، مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و استاد گنجی رفتم. در همین سال دروس عمومی مؤسسه در راه حق را آغاز کردم و در

سال دوم آن همزمان به عنوان محقق به مرکز تحقیقاتی اسلامی در سپاه راه یافتم. سپس در مدیریت کمک آموزشی آن هم به عنوان دبیر هیات تحریریه سرویس عقیدتی برخی از مجلات سپاه (امید انقلاب ، پیام انقلاب و آشنا) که حدودا" تا سال 72 ـ 71 همکاری کردم. و مقالات گوناگونی در زمینه های فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی نوشتم. در سال 71ـ 70 با آغاز رشته آموزشی گروه مدیریت در بنیاد تخصصی باقر العلوم زیر نظر آیت الله مصباح یزدی حفظه الله پس از آزمون کتبی و مصاحبه مشغول به تحصیل گردیده و در سال 77 با نگارش پایان نامه علمی، دوره کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف و مدیریت دولتی را به اتمام رساندم.

دری مهریزی یزدی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334/1331 -1281 ش)، عالم دینی و خطیب. از شاگردان آیت‌اللّه شاه‌آبادی و آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی بود. دری در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه شهر ری دفن شد. از آثارش «چهار شب جمعه»، در رد بهائیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (70 -69)، الذریعه (313/5).

درياب، باقر

قرن:15
جنسيت:مرد
مليت:ايران
باقر درياب
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعيت : ايران
تاريخ تولد : 1336/1/1
زندگينامه علمی
ابتدای تحصيل اينجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شيخ حسن اصفهانی رحمة الله عليه كه از شاگردان مرحوم آقا ضياء عراقی و مرحوم آقای نائينی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سكونت داشت. از12 سالگی در سلک روحانيت در آمدم يعنی مشرف به پوشيدن لباس مقدس روحانيت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی ديگر از دروس را همانند حاشيه ملا عبد الله و سيوطی و مغنی را نزد اساتيد ديگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمة الله عليه خواندم. بخش مهم لمعتين را نزد مرحوم حجة الاسلام روشنی كه يكی از ممتحنين حوزه علميه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.
لمعه جلد دوم(رحلی) و مكاسب هم مكاسب المحرمه و هم كتاب البيع را نزد آيت الله شيخ مسلم داوری حفظه الله كه فعلا يكی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سيد جعفر علم الهدی كه يكی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آيت الله شيخ حسن قديری اصفهانی كه فعلا يكی از علمای قم هستند در نجف خواندم. كفايتين را نزد آيت الله انواری كه يكی از شاگردان خوب حضرت آيت الله العظمی خوئی(ره) بودند خواندم. شرح تجريد را نزد آقای حسين پاكستانی كه فعلا يكی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن 18 سالگی سطح را تمام كردم. لازم به ذكر است در نجف اشرف و همچنين در قم پس از آن كه طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می يابد، رتبه قبل را تدريس می كند كه ما هم از اين قاعده مستثنا نبوديم و دروس قبلی را تدريس می كرديم. مثلا وقتی رسائل می خوانديم اصول فقه تدريس می كرديم يا دروس قبلی آن را و همچنين هر درس بالاتری را كه می خوانديم درس قبلی را تدريس می كرديم در ضمن دروس اخلاق از قبيل تدريس كتاب شريف منية المريد، معراج السعاده و .... تدريس می شد در آنها هم

شرکت می کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنکرانی(ره) شرکت می کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجة الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجة الاسلام سید کاظم سراجی – بعضاً درآیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقعی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن 18 سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم ،از سن 18 سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدم. حدوداً در سالهای 52-53 می شد.
سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم(ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه حضور بهم رساندم و بهره‌های فروانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود/ - چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخودار بود- در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و... از وجود این انسان می بارید و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودند به درس موضوعی تفسیر که تفسیر موضوعی بود و می گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب 23 بهمن 57 که ما در نجف دردرس ایشان حاضربودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.
تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردند و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و .... امروز برکفر و شرک پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال 57-58 پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم- منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را

نزد آیت الله جوادی آملی- خواندم ونیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب وکفایتین و... داشتم.

دزفولی شوشتری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1347 -1260 ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به حقیر. ملقب به خلیفه. در دزفول به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات مدتی در محضر علمای زادگاهش تلمذ کرد تا به درجه کمال رسید. او را برای خطابه تشویق کردند و وی در این سنگر تا پایان حیاتش باقی ماند. از آثار وی: «تحفه الابرار»، در مدایح و مراثی و خطب؛ «احسن المقال»، در قصص و حکایات؛ «مخزن الدرر»، شعر، که در 1304 ق در بمبئی به چاپ رسید؛ «دفینه الاحباب»، در حوادث و اتفاقات دوران حیاتش؛ «دیوان» شعر به نام «دیوان حقیر دزفولی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (226 -225 /20 ،258/9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 519/14)، فرهنگ سخنوران (273)، مؤلفین کتب چاپی (691 -690 /2).

دزفولی شوشتری، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1321 ق)، ادیب و فاضل. او از دانشمندان و ادیبان بود. از جمله آثار وی ترجمه «اللهوف» سید ابن‌طاووس، ترجمه‌ای است شرح گونه که دلالت بر دانش و اطلاعات گسترده صاحب عنوان دارد. وی در سال 1321 ق این اثر را به انجام رسانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 970 -969 /14).

دزفولی کاظمی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1255 ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. وی در نجف از محضر میرزای شیرازی (قبل از هجرتش به سامراء) و شیخ محمدحسن کاظمی بهره برد و اجازه روایت گرفت. آنگاه به کاظمین بازگشت و در راس امور قضاء و حکم و تدریس قرار گرفت. از آثارش: «منتهی الامل»، در شرح «القواعد» حلی، در لفقه؛ «وسیله النجاه»؛ رساله‌ی عملیه برای مقلدین؛ شرح «الکافیه» ابن حاجب، در نحو، به نام «شقائق المطالب»؛ «اشعار»ی در مواعظ و اخلاق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (195 -194 /9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 250/14)، علماء معاصرین (96 -95)، فوائد الرضویه (431)، معجم المؤلفین (128/9)، هدیه العارفین (390/2).

دزفولی، علی‌محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌محمد واعظ دزفولی از فضلاء محترم این شهرستانست وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله و دیگران فراگرفته و در درس خارج آیات عظام شرکت و پس از نیل به مقام عالی علم و ادب به وطن مراجعت و تاکنون از راه منبر و تبلیغ احکام و اقامه جماعت به خدمات دینی اشتغال دارند و معظم له عالمی ناطق و فاضلی زاهد و متقی و مورد علاقه و توجه مردم دزفول و غیره می‌باشند در ماه رجب 1394 قمری توفیق زیارت و ملاقاتشان را در حرم مطهر حضرت رضا علیه الصلوة والسلام پیدا نمودم
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دزفولی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1352 -1273 ق)، عالم دینی، فقیه، ادیب و شاعر. در محضر عمویش شیخ محمد طاهر، شاگرد شیخ انصاری، و دیگر علمای بزرگ چون آخوند خراسانی شاگردی کرد تا به درجه والائی دست یافت. آیت‌اللّه شهاب‌الدین نجفی مرعشی از وی روایت کرده است. در بروجرد درگذشت و در جوار امامزاده ابوالحسن دفن شد. از آثارش: «جهد المقل»، در پاسخ سوالها، فقه استدلالی ملمع؛ «فیض الباری» شرح «مکاسب» محقق انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه «فصول» در علم اصول؛ «کلمه التقوی»، رساله فتوائیه؛ رساله‌ی عملیه ای فارسی که منتخب «منهج الرشاد» است؛ قسمتی از «اشعار» وی به همراه «مخزن الدرر» در بمبئی چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (280/9)، تاریخ بروجرد (551 -549 /2)، الذریعه (124/18، 406/16، 157 -156 /6، 302/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 744/14).

دزماری قراچه داغی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1266 ق)، عالم و خطیب. زمانی که وی کتاب «مصابیح القلوب» شیخ حسن سبزواری را ملاحظه کرد با خود پنداشت که بهتر آن است که این کتاب بسط یابد و فواید بیشتری بدان الحاق شود، لذا کتابی بزرگ با مطالبی سودمند به نام «مصابیح القلوب»، به فارسی، در چندین فصل، پدید آورد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (90/21)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 418/13).

دستجردی، عبدالکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب الشریعة، عالم فاضل، و ادیب شاعر متخلص به «سودایی» معروف به حاج آخوند فرزند ملا عبدالرزاق بن اسماعیل.
از شعرای معروف و فضلای مشهور اصفهان است. در غره‌ی محرم 1281 در قریه‌ی دستگرد خیار متولد گردیده، و نزد آقا میرزا محمدباقر [چهارسوقی] و جمعی دیگر از علما (آقا نجفی مسجد شاهی، میرزا محمد حسن نجفی) تحصیل نموده، و از استاد نامبرده به کسب اجازه مفتخر گردیده.
کتب و رسائل زیر از اوست:
1 - اجمالی در احوالات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم 2 - ترجمة الدرر، ترجمه‌ی کلمات قصار حضرت علی علیه‌السلام 3 - خمسه‌ی طیبه، مجموعه‌ی اشعار خود در مناقب و مرائی 4 - دیوان قصاید و غزلیات 5 - دیوان غزلیات و رباعیات 6 - شمس و قهقهه، به بحر خسرو و شیرین نظامی 7 - ضیاء الابصار فی احوال الاطهار 8 - گلزار، نام قسمتی از اشعار اوست، و به طبع رسیده 9 - ملتقط اللغة، و در آن 15 هزار لغت عربی به فارسی ترجمه شده است 10 - منظومه‌ی انوار سهیلی، معروف‌ترین اثر اوست، و به همین جهت به ناظم السهیلی معروف بود، و نام فامیلی خود را «انواری» نهاد.
در 1352 وفات یافته، در قریه‌ی دستگرد مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دستغیب شیرازی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم، خطیب.
تولد: 1290 (عاشواری 1322 ق.) شیراز.
شهادت: 20 آذر 1360، شیراز.
آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمدکاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.
آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را مهیا نمود.
سابقه مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضاشاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد 1342، در انسجام مردم و حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز نقش به سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به عنوان نماینده‌ی اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان درآمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزه علمیه‌ی فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.
آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوه بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همه آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: قلب سلیم (متمم گناهان کبیره، 1351)؛ حقایقی از قرآن (در تفسیر سوره شریفه قمر، 1354)؛ معراج؛ ماه خدا؛ صدیقه کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش (1337)؛ گناهان گبیره (دو جلد، 1360)؛ تفسیر سوره شریفه نجم؛ سید الشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوة الخاشعین؛ گناهان کبیره (دو جلد 1360)؛ استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج

اسلامی و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.
آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر 1360 بر اثر توطئه منافقین در شیراز به شهادت رسید.
حاج سید عبدالحسین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی مجتهد بن آیت‌اللَّه العظمی هدایةاللَّه دستغیب شیرازی از دانشمندان و آیات بنام معاصر شیراز است.
وی در حدود سال 1328 قمری متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی حاج سیدمیرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل نموده و با دریافت اجازات عدیده اجتهاد و غیره به شیراز مراجعت و در مسجد جامع (عتیق) به اقامه جماعت و تبلیغ دین و تنویر افکار پرداخته و خدمات شایان ارزنده‌ای نموده است.
نگارنده گوید آیت‌اللَّه دستغیب از علماء با معنویت و خدمتگذار عصر حاضر است زهد و تقوای معظم له زبانزد خاص و عام و مورد علاقه همگانند از آثار و خدمات اجتماعی ایشان ساختمان و تعمیر اساسی مسجد جامع شیراز که از بناهای عمرو لیث صفار و بیش از هزار سال از تاریخ بنیاد آن می‌گذرد و به واسطه مرور و دهور سال رو به ویرانی گذارده و مسکن مار و مور و حشرات گردیده که معظم له اقدام به تعمیر آن نموده و به طور اساسی آن را مرمت نموده که گویا تازه بنا شده است.
1- کتاب قلب سلیم که کتاب قطور و بزرگی است در رشته اخلاق و بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد و در قم بطبع رسیده است.
2- حقایقی از قرآن 3- معراج 4- ماه خدا 5- صدیقه کبرا علیهاالسلام 6- کتاب داستانهای شگفت 7- هشتاد و دو پرسش 8- گناهان کبیره (مطبوع) 9- سوره نجم 10- سیدالشهداء 11- معاد 12- صلوة الخاشعین مطبوع 13- شرح و حاشیه بر کفایةالاصول 14- حاشیه بر رسائل شیخ مخطوط می‌باشد.
نگارنده گوید: آیت‌اللَّه دستغیب از روحانیون فعال و همواره وجودشان موجب ترویج احکام بوده و علاوه بر تدریس فقه و اصول بحث تفسیرش سالهاست که ادامه داشته و گروه کثیری هر شب از فرمایشاتشان بهره‌مند می‌گردند.
(ح 1328 ق- شهادت 1360 ش)، عالم دینی و مجتهد. در شیراز نشو و نما یافت و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف رفت و از محضر آیات عظام حاج شیخ کاظم شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج سید

میرزا آقا اصطهباناتی استفاده کامل برد و به دریافت اجازات اجتهاد نایل شد. سپس به شیراز بازگشت و مسجد جامع عتیق را که از بناهای عمرو لیث صفاری است مرمت کامل کرد و در آنجا به اقامت جماعت و تبلیغ دین و خدمات مذهبی پرداخت. از آثار وی: «قلب سلیم»؛ «حقایقی از قرآن»؛ «هشتاد و دو پرسش»؛ «گناهان کبیره»؛ «معاد».[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (533/ 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (444 -443/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (729/ 3).

دستغیب شیرازی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1262 ش)، مجتهد و واعظ شیعی. در شیراز متولد شد و همان جا نشو و نما یافت. پدرش روحانی بود و او نیز بعد از اتمام تحصیلات به وعظ و منبر پرداخت. وی در دوره‌های چهارم و پنجم از طرف مردم بندرعباس به مجلس راه یافت. و به مبارزه با استبداد و ظلم پرداخت. در اواخر عمر به شیراز بازگشت و در همان شهر درگذشت و در امامزاده سید میرمحمد دفن شد. از وی کتابخانه‌ای مشتمل بر یک هزار جلد کتاب در جوار مزارش به جای مانده است. از آثار قلمی وی «التوسل الحسینی» است که نظیر «اللهوف» است.[1]
حاج سید محمدباقر بن میرزا هدایت‌اللّه مجتهد دستغیب متوفی 1336 شمسی هجری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (531 -529 /2)، الذریعه (488/4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (217/3)، گنجینه‌ی دانشمندان (443/5)، مؤلفین کتب چاپی (84/2).

دستغیب، ابوالمحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابوالمحمد دستغیب شیرازی ادیب و دانشمند و شاعر ماهر این سلسله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستغیب، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدصادق بدرالدین دستغیب بن سید محمود ابن آیت‌اللَّه سید محمدرضا بن العلامة میرزا هدایةاللَّه از وعاظ و گویندگان معاصر شیراز است.
وی در سال 1308 شمسی در شیراز متولد و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از تحصیل دروس جدید به تحصیل علوم قدیمه در محضر مرحوم والدش و آیت‌اللَّه میرزا جمال‌الدین محلاتی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد حاج علی به اقامه جماعت و هم از راه منبر و وعظ و خطابه خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

دستگردی، حسن وحید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند قاسم. فاضل محقّق، و ادیب اریب، و شاعر گران مایه، از محقّقین و متتبّعین در ادبیّات فارسی است. در سال 1298 در قریه دستگرد خیار متولّد، و در شب 21 ذی حجة الحرام سال 1361 در طهران وفات یافته، در مقبره امام زاده عبداللّه مدفون گردید.
در اصفهان خدمت جمعی از علما و ادبا همچون: آخوند ملاّ محمّد کاشی، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و مرحوم جهانگیر خان قشقائی، و میرزا یحیی مدّرس بید آبادی تحصیل نموده، و در اوایل مشروطیت در زمره آزادی خواهان وارد شده، و در این راه کوشش ها نموده، سپس به طهران منتقل شده، و از سال 1338 مجلّه ادبی «ارمغان» را انتشار داده که تا حین الفوت مرتّباً انتشار یافته، و پس از مرگ ایشان به همّت فرزند دانشمندش آقای محمود وحید زاده متخلّص به «نسیم» که از دبیران و صاحب منصبان عالی رتبه وزارت آموزش و پرورش است تاکنون منتشر می‌شود.
در اوایل «لمعه» و سپس «وحید» تخلّص می‌نمود، و در روزنامه‌ها به طور مستعار، «ناظر اصفهانی» می‌نوشته. کتب زیر از اوست:
1- انقلاب ادبی 2- دیوان قصاید و غزلیّات 3- ره آورد وحید، دو مجلد 4- سرگذشت اردشیر 5- سفینه بهترین اشعار 6- مجلّه ارمغان 7- هزار اندرز نظامی، جمع آوری از اشعار نظامی گنجوی 6- یخچالیه، جلد دوم؛ وغیره.
مشارالیه در طیّ بیست و سه سال انتشار مجلّه ارمغان چندین مجلّد کتاب ادبی نیز به طبع رسانید که از آن جمله است:
1- تذکره نصر آبادی 2- تحفه سامی 3- دیوان ادیب الممالک فراهانی 4- تصحیح و تحشیه و طبع خمسه نظامی، و افزودن دو مجلّد بر آن (سبعه نظامی). 5- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دشت بیاضی کوهستانی، عبدالکریم محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، ادیب. از معاصران جلال‌الدین اکبرشاه بود. وی اشعار «نصاب الصبیان» فراهی را با اضافات منظومی که پدرش، فصیح محمد به قصد تکمیل نصاب سروده بود، شرح کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (412/5)، تاریخ نظم و نثر (275).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1015 ق)، حیکم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (103/1)، ریحاه (201 -200 /6).

دشتی فارسی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1299/1298 -1246 ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شره علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جلمه آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (622 -621 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (546 -538 /2)، الذریعه (313/24، 111/18، 326/9)، فارسنامه‌ی ناصری (1336/2)، مؤلفین کتب چاپی (471 -470 /5)، مرآت الفصاحه (215 -214)، مکارم الاثار (1289 -1288 /4).

دشتی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرهیخته، حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد دشتی در سال 1330 ش (1370 ق) در مازندران به دنیا آمد و پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی به آموختن علوم دینی روی آورد. وی پس از تلاش و پشتکار فراوان، در بیست سالگی به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میرزا هاشم آملی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی اردبیلی و عبداللّه جوادی آملی راه یافت و مبانی حکمت و فلسفه را از استادان فن آموخت. حجت‌الاسلام دشتی پس از آن به تالیف و تدریس و تحقیق روی آورد تا اینکه در سال 1367، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین(ع) را بنیان نهاد و با کمک گروهی از محققان، کتاب‌های ذیل را فراهم نمود: فرهنگ سخنان معصومین در 15 جلد، تحلیل تاریخی سیاسی معصومین در 14 جلد و سیره امام علی(ع) در 15 جلد، ترجمه نهج البلاغه، فرهنگ واژه‌ها، موضوعات کلی و معارف نهج‌البلاغه در 4 جلد، اسناد و مدارک نهج‌البلاغه و ده‌ها اثر دیگر. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکسره به تلاش و کوشش در راه احیای شعائر دینی می‌پرداخت و همواره به تبلیغ دین در شهرهای مختلف کشور و تدریس در نهادهای انقلابی و دانشگاه‌ها و سخنرانی همت گماشت تا این که در بازگشت از سفر تبلیغی خویش از کاشان در 5 اردیبهشت 1380 دچار سانحه تصادف شد و پس از گذشت ده روز، در نیمه همان ماه برابر با 11 صفر 1422ق در پنجاه سالگی بدرود حیات گفت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

دشتی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد دشتی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
سال اول راهنمایی را در خرداد ماه 1356 در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی 56 – 57 بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه 1356 در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر

است. مهرماه 1357 در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال 1360 در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال 1360 وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال 1361 با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال 61 معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال 1364 در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال 1380 پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال 1368 به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال 1378 به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دغولی سرخسی، ابوالعباس محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 325 ق)، لغوی، فقیه و محدث. از پیشوایان فقه و لغت و روایت در سرزمین خراسان بود. مدتی در نیشابور اقامت گزید و از محمد بن یحیی ذهلی و عبدالرحمان بن بشر و اقران آنها بهره‌ها برد و در عراق و حجاز از محمد بن اسماعیل احمسی خدیث نوشت و از زعفرانی و سعدان بن نصر و احمد بن سیار و محمد بن عبداللّه قهزاد و محمد بن مشکان و محمد بن مهلب سرخسی و عبداللّه بن‌هاشم طوسی و ابوزرعه رازی حدیث روایت کرد. ابوحاتم بن حبان و ابواحمد بن عدی و یحیی بن عمرو بستی و ابوبکر جوزقی وابوعلی نیشابوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌خزیمه گوید که چون ابوالعباس دغولی دانشمندی ندیده است. از آثار وی: کتاب «الاداب»؛ «فضائل الصحابه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (562 -557 /14)، الوافی بالوفیات (226/3).

دقاق نیشابوری، ابوعلی حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 412/405 ق)، عالم، عارف، مفسر، واعظ و شاعر. در نیشابور به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از اکابر عرفا و جامع اصول شریعت و فنون طریقت به شمار می‌رفت. در بیان احادیث و اخبار دستی توانا داشت و در تفسیر و تاویل آیات بصیر و بینا بود. از کثرت شوق و ذوق و درد و گریه که داشته او را شیخ نوحه‌گر می‌گفتند. کلمات معروفه‌ای نیز از وی به یادگار مانده است. گویند خواجه عبداللّه انصاری مناجات مشهور خود را از کلمات این عارف ربانی اقتباس نموده است. ابوالقاسم عبدالکریم قشیری داماد و شاگرد وی بود. دقاق در نیشابور وفات یافت و او در مدسه‌ی خو در سمت قبله‌ی کهن دز دفن کردند. از آثار وی: «تاویل بعضی از آیات قرآنیه»؛ «خلافت»؛ «زهد»؛ «مواعظ»، که بر سیصد و شصت مجلس مشتمل می‌باشد؛ «کتاب الضحایا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (24)، تاریخ نیشابور (226 ،225)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (مقدمه، 29)، ریحانه (223 -222 /2)، طبقات الصوفیه هروی (631 -630)، کشف الظنون (1434)، الکنی و الالقاب (229/2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 406)، معجم المؤلفین (261/3)، نفحات الانس (299 -297)، وفیات الاعیان (208 ،207 ،206 /3)، هدیه الاحباب (135)، هفت اقلیم (225/2).

دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، شاعر، ادیب. گویند در موعظه و تذکیر حقایق و دقایق بی‌نظیر و مداح خواجه عمید فخرالدین حمید بود و طبع عالی داشته و لوای فصاحت و بلاغت می‌افراشته. از جمله آثارش: «حنین الاوطان»؛ «بختیار نامه» را به او نسبت می‌دهند؛ «سندباد نامه» نیز که دو تهذیب دارد یکی از وی است دیگری از ظهیری سمرقندی.[1]
مروزی، شمس‌الدین محمد بن علی، عالم و واعظ و شاعر اواخر قرن ششم ه. وی تا پایان قرن مذکور زنده بود. و هم اوست که سندباد نامه را به نثری مصنوع و مزین تحریر کرده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1002/2)، الذریعه (327/9)، لباب الالباب (215 -212 /1)، مؤلفین کتب چاپی (472/5)، مجمع الفصحا (647/2)، هفت اقلیم (13/2).

دقیقی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(415 -345 ق)، عالم، ادیب و نحوی. از پیشوایان علمای نحو و از شاگردان ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی و ابوسعید سیرافی بود، و مراجع استفاده‌ی جمعی کثیر. دقیقی در تیه درگذشت. از تالیفات وی: شرح «الایضاح» ابوعلی فارسی؛ «شرح الجرمی»، در نحو؛ «العروض»؛ «المقدمات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (124/5)، ایضاح المکنون (541 ،451 /2)، روضات الجنات (231 -230 /5)، ریحانه (224/2)، کشف الظنون (212)، الکنی و الالقاب (229/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 345 و 415)، معجم الادباء (57 -56 /14)، معجم المؤلفین (144/7)، هدیه ا لاحباب (135)، هدیه العارفین (686/1).

دکتر، رضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1294 ق)، طبیب و مترجم. پس از بازگشت از اروپا به میرزا رضای دکتر معروف شد. وی هنگامی که در دارالفنون در رشته‌ی طب تحصیل می‌کرد، از شاگردان دکتر پولاک اطریشی بود و چهار سال و نیم نزد وی مشغول به آموختن این علم بود. او همچنین مدت چهار سال در اروپا به تحصیل طب پرداخت. پس از بازگشت به ایران طبیب مخصوص و معلم زبان فرانسه سلطان مسعود، پسر بزرگ ناصرالدین شاه شد. سپس همراه علاءالدوله به عثمانی رفت و پس از بازگشت با سمت حکیم باشی‌گری با علاءالدوله، که به عنوان حاکم زنجان انتخاب شده بود، به زنجان رفت و بعد به تهران مراجعت نمود و به جای دکتر شلیمر هلندی معلم طب دارالفنون گردید. از شاگردان وی: میرزا علی‌اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء، ابوالحسن خان و سید احمد نصرالاطباء می‌باشند. از آثار وی: ترجمه‌ی کتاب «پاتولوژی»، تألیف گویزل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (285/ 1)، شرح حال رجال (98 -97/ 5).

دلوی استوایی، ابوحامد احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(434 -358 ق)، ادیب و فقیه شافعی اشعری. اصل وی از استواء، از نواحی نیشابور، است. از ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوالعباس احمد انماطی و ابوسعید عبداللّٰه بن محمد رازی حدیث شنید، سپس وارد بغداد شد و از دارقطنی و همطبقه‌ی او حدیث روایت کرد و در آن شهر مسکن گزید. دلوی از جانب قاضی ابوبکر باقلانی، مدتی در عکبرا قضاوت کرد. در فقه شافعی مذهب، و در اصول اشعری مذهب بود. به گفته‌ی خطیب بغدادی، وی ادب شناس بود و از ادبیبت و رعبیت حظی تمام داشت، اما حدیث اندکی روایت کرده است. یاقوت حموی گوید که بسیاری از کتابهای ادبی موجود، به خط اوست. در بغداد درگذشت و در قبرستان شونیزیه دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (378 -377 /4)، ریحانه (227/2)، سیر النبلاء (582/17)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (39 -38 /5)، الوافی بالوفیات (351/7).

دماوندی، عبدالرحیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد یونس اصفهانی کربلائی، عالم فاضل مصنف، از علما و ائمه‌ی جماعت حائر حسینی، در حدود سال 1160 در کربلا وفات یافته.
کتب زیر از اوست:
1 - شرح حدیث حقیقت 2 - مفتاح اسرار حسینی؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دوانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده ارجمند و خطیب دانشمند حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی دوانی از مشاهیر گویندگان و معاریف نویسندگان و اساتید اهل منبر و وعظ و خطابه و عالمی کامل و فاضلی عامل و ادیبی ادیب و شاعری حسیب و محققی فرزانه است.
وی در سال 1308 شمسی در «دوان» نزدیک کازرون که تا شیراز بیست فرسنگ فاصله دارد و زادگاه فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی می‌باشد به دنیا آمده و در سن 8 سالگی از موطن خود به آبادان نزد ارحامش که در آنجا ساکن بودند رفته و 7 سالی در آنجا اقامت و دروس مقدماتی را در این شهر آموخته و سپس مهاجرت به نجف نموده و در تحت رعایت و توجهات مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی حدود 4 سال و نیم در نجف اشرف اقامت و به فرا گرفتن علوم دینی از ادبیات و سطوح وسطی در خدمت مدرسین بزرگواری چون آقا شیخ کاظم تبریزی و آقا شیخ علی کاشانی و حاج شیخ علی‌آقا فلسفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی و غیرهم پرداخت و ضمنا خود به تدریس دروس خوانده اشتغال داشته تا در سال 1327 شمسی به واسطه کسالت عارضه عازم ایران و پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در محرم آن سال در شهر (نهاوند) برای نخستین بار سرگرم وعظ و تبلیغ گردیده و در همان شهر با صبیه مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهاوندی از احفاد مرحوم استاد کل آقا محمدباقر وحید بهبهانی ازدواج و ناگزیر رحل اقامت در قم افکنده و بقیه سطوح را از دانشمندان حوزه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله لاکانی و آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی به پایان رسانیده و دروس معقولی شرح منظومه را هم خدمت آیت‌الله فکوری یزدی و آیت‌الله آقا رضای صدر و قسمتی از اسفار و تفسیر قرآن را از محضر علامه بزرگوار آقای طباطبائی فراگرفته و پس از دادن امتحان در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی حاضر و بهره‌مند گردیده است.
در سال 1337 شمسی با همکاری جمعی از افاضل حوزه‌ی علمیه قم مجله درس‌هائی از مکتب اسلام را تاسیس و خود یکی از اعضاء موسس و هیئت مدیره و تحریریه اصلی آن مجله بوده و پس از تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان استاد تراجم علماء شیعه مدت 6 سال اشتغال به

تدریس داشته است.
جناب آقای دوانی در مدت 22 سالی که در قم اقامت داشت در محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مانند اکثر فضلاء سخنگوی حوزه علمیه در اغلب شهرهای ایران و بعضی جزایر مانند (خارک) و کویت 7 سال متوالی مسافرت کرده و در همه جا مواجهه به استقبال گرم مردم شده و خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای چون تاسیس مساجد و مدارس و نشر معارف اسلامی شیعه نموده و سفری هم به کشورهای عربی کرده که مشاهدات و مطالعات خود را طی کتابی به نام سفری به ممالک عربی خاورمیانه نوشته که هنور به طبع نرسیده است.
آقای دوانی از نویسندگان مشهور امروز به شمار می‌رود و تاکنون 24 کتاب پر ارزش تالیف و تصنیف و ترجمه و منتشر نموده که می‌نگاریم:
1- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی.
2- شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی.
3- مقدمه و اصلاح کتاب شاه راه هدایت.
4- فروغ هدایت ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی
5- ترجمه سیزدهم بحارالانوار به نام:(مهدی موعود)
6- مقدمه و اصلاح و اضافات تاریخ قم مرحوم ناصرالشریعه.
7- شرح زندگانی آیت‌الله بروجردی.
8- داستانهای اسلامی جلد اول.
9- داستانهای اسلامی جلد دوم.
10- نهضت روحانیون ایران.
11- اجتهاد در مقابل نص ترجمه النص و الاجتهاد مرحوم شرف‌الدین عاملی.
12- صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام ترجمه مواقف صانحه فی تاریخ الاسلام.
13- داستانهای ما جلد سوم داستان‌های اسلامی.
14- هزاره شیخ طوسی 2 جلد.
15- شعاع وحی بر فراز کوه حرا.
16- سیمای جوانان.
17- علی علیه‌السلام چهره درخشان اسلام.
18- تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا- فرانسه- سویس- ایتالیا- جزایر دریای مدیترانه.
19- سیری در زندگانی شیخ طوسی.
20- شیعه در اندونزی.
21- در پیرامون همسران پیامبر.
22- موعودی که جهان در انتظار اوست.

23- جهانگردی و جهان گردان نامی.
24- آثار تمدن اسلام در اسپانیا و پرتقال.
مضافا بر آثار مطبوعه مذکوره ایشان مدت بیست سال است که سرگرم نگارش تراجم علماء شیعه و بیوگرافی دانشمندان اسلام بوده‌اند و از سال اول انتشار مجله مکتب اسلام تا سال پنجم را از کلینی تا شهید ثانی نوشتند و اکنون پس از مطالعات عمیق و جمع آوری منابع و مدارک سنی و شیعی وزیدی و اسماعیلی و داخلی و خارجی در بیش از ده جلد به عنوان (مفاخر اسلام) آماده چاپ دارند و کتاب (شرح زندگانی وحید بهبهانی) ایشان مورد توجه خاص آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شد و از طرف آن مرحوم به دریافت بهترین جایزه و عالیترین تشویق و تقدیر قرار گرفتند.
و تا سال 1390 ق در قم اقامت داشتند ولی مدت 3 سال است که در تهران مقیم هستند و به کار تالیف و تصنیف و تبلیغ مبانی اسلام اشتغال دارند و ایشان گذشته از ذوق و شوق نویسندگی دارای طبع روان می‌باشند و اشعار بسیاری در مدایح و مرائی اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و فقدان مراجع بزرگ و قصاید دیگر سروده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دوریستی رازی، حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، ادیب. پدرش جعفر از علمای امامیه بود وی نیز همانند پدر فردی فاضل و دانشمند بود و گاهی هم شعر می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (39/5)، ریاض العلماء (169 -168 /1)، ریحانه (238/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 37/7)، الکنی و الالقاب (234/2).

دولت آبادی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود دولت آبادی نویسنده معروف معاصر در سال ۱۳۱۹ در دولت آباد بیهق متولد شد و در خانواده ای روستایی که از راه کار بر زمین سخت کویر ؛ روزگار می گذراندند بزرگ شد . کودکی اش در روستا سپری شد . برای تحصیل به دولت آباد رفت و همزمان به کارهای گوناگونی از جمله کفاشی و سلمانی گری تا کارگری در کارخانه پرداخت . در ۲۰ سالگی به تهران مهاجرت کرد و برای جامه عمل پوشاندن به دغدغه های اصلی ذهنش به کار نوشتن و بازی در تئاتر مشغول شد و از راه کارگری در چاپخانه امرار معاش می کرد . دغدغه نوشتن با او قبل از مهاجرت به تهران او را به نوشتن چند داستان از سال ۱۳۳۷ واداشت . نخستین داستان چاپ شده او به نام « ته شب »در سال ۱۳۴۱ در مجله آناهیتا در تهران چاپ شد . از آن پس ؛ کار نوشتن را به صورت جد و با پشتکار ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ داستانهایش در نشریات ادبی و بصورت کتاب به چاپ رسید و برای وی شهرت زیادی را به بار آورد . آثار وی عبارتند از :« ته شب (داستان)؛ هجرت سلیمان و مرد (مجموعه داستان) ؛لایه های بیابانی (مجموعه داستان) ؛ آوسنه بابا سبحان (داستان بلند) ؛ تنگنا (نمایشنامه) ؛ باشبیرو (نمایشنامه) ؛ گاواره بان (داستان) ؛ ناگریزی و گزینش هنرمند (مجموعه مقاله) ؛ عقیل عقیل (داستان) ؛ موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی (مجومعه مقاله) ؛ دیدار بلوچ (سفرنامه) ؛ کلیدر (رمان) ؛ جای خالی سلوچ (رمان) ؛ ققنوس (نمایشنامه) ؛ آهوی بخت من گزل (داستان) ؛ ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو) ؛ کارنامه سپنج (مجموعه داستان و نمایشنامه) ؛ مجموعه مقالات دو جلد و روزگار سپری شده مرد سالخورده (رمان) . »

دولت آبادی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید عبدالکریم بن میر محمد هادی حسینی.
عالم فاضل متنفذ که [به نوشته‌ی همایی:] به مزید کفایت و کاردانی، و حسن محاضره، و قوت نطق و بیان، از امثال و اقران خود مزیت داشته، و چون شخصا متمکن بوده، و علاوه بر آن که به مردم محتاج نبوده، از فقرا و مسکینان نیز دستگیری می‌نموده است، بدین جهت نفوذ فوق‌العاده یافته، و محسود جماعتی از رؤسای محراب و منبر شده [!] و ظل السلطان نیز آتش اختلاف را دامن زده، تا جایی که در 1307 مجبور به مهاجرت طهران شده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده، و در شوال 1326 وفات یافته، در ابن‌بابویه در اطاق مخصوص مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را طرب گوید:
آه افزود و رقم زد از پی تاریخ فوتش
شد سوی اقلیم باقی هادی راه هدایت
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دولت‌آبادی، صدیقه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
6 -1258 مرداد 1340 ش، از زنان متجدد و نخستین زن روزنامه‌نگار. وی دختر حاج میرزا هادی دولت‌آبادی بود و در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از روحانیون روشنفکر و متجدد زمان خود بود. صدیقه خواندن و نوشتن و مقدمات علوم را در محیط خانواده فراگرفت و در سن پانزده سالگی با اعتضادالحکما ازدواج کرد و چند سالی در تهران اقامت کرد. در محیط سیاسی پس از مشروطه و در جریان مخالفت جناحهای ملی و مذهبی با قرارداد 1907 م- که کشور را رسماً تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار داده بود- وی با کمک درةالمعالی و سایر زنان همفکر تهرانی خود به قهوه‌خانه‌هایی که از قند خارجی استفاده می‌کردند می‌رفت و آنان را از مصرف قند خارجی برحذر می‌داشت.
در سال 1296 ش پس از درگذشت پدرش به اصفهان بازگشت و نخستین مدرسه دخترانه را در آن شهر دایر کرد. در سال 1297 ش برای زمینه‌سازی بی‌حجابی در بین زنان، «شرکت خواتین اصفهان» و دو سال بعد «شرکت آزمایش بانوان» را تشکیل داد. در سال 1298 ش به منظور آشنایی بانوان به حقوق خانوادگی و اجتماعی خود و نیز آشنایی ایشان با اصول تعلیم و تربیت جدید، روزنامه «زبان زنان» را با سرمایه شخصی خود تأسیس کرد. در سال 1301 ش از راه کرمانشاه، بغداد، بیروت و حلب به پاریس رفت. در سال 1306 ش در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه سوربن پاریس فارغ‌التحصیل شد. در سال 1926 م در کنگره بین‌المللی زنان در پاریس به نمایندگی زنان ایرانی شرکت کرد و در سال 1307 ش پس از شش سال دوری از وطن به کشور بازگشت. او به دلیل آرمانهای تجدد خواهانه و نیز زمینه‌سازی عملی برای بی‌حجابی، پس از بازگشت از اروپا- که مصادف با تثبیت حکومت رضاشاه بود بدون حجاب در انظار و جامعه ظاهر می‌شد و مخالفت‌های زیادی را علیه خود برانگیخت.
در سال 1315 ش به سرپرستی «کانون بانوان» برگزیده شد. کانون مؤسسه‌ای بود که به منظور پیشرفت نهضت آزادی زنان در اردیبهشت 1314 ش تشکیل شد و ریاست عالیه آن نخست با شمس پهلوی (دختر رضاشاه) بود. وی در جنب کانون، دبستان و دبیرستانی مخصوص زنان بزرگسال ایجاد کرد. در سال 1316 ش کتاب آداب معاشرت را نوشت.
او وصیت کرده بود که در مرگش سوگواری نکنند و سیاه نپوشند. وی پس

از مدتی بیماری در سن هشتاد و دو سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، دایرةالمعارف فارسی، 1091 / 1؛ کارنامه زنان مشهور ایران، 111 -109.

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1241 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال 1251 ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال 1260 ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجددا به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواره‌ی اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال 1276 ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آسنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال 1287 ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرتهایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکته‌ی قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستن «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غصب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر».[1]
سال تولد: 1241
فوت: 1318
آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنته؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت- دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، 4 جلد؛ لاوره پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس
مناصب: کارمند دولت- نماینده مجلس شورای ملی- رئیس نشریات وزارت معارف- سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک- نماینده ایران در

کنگره بین‌المللی نژادی در لندن
میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال 1241 هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال 1318 در تهران وفات یافت.
یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر(ف. 1318 ه.ش.). وی از پیشقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.
برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (2/ 271- 274)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (3/ 232- 242)، سرآمدان فرهنگ (1/ 293- 294)، سخنوران نامی ایران (2/ 524- 532)، سخنوران نامی معاصر (6/ 3962- 3966)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (2/ 904، 954، 1006)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 828- 830).

دولتشاهی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یحیی دولتشاهی در سال 1278 ، در تهران تولد یافت. از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد. او همچنین ضمن تحصیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. استاد پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد. با وقوع کودتای 1299 فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال 1306 که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد ، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید. استاد دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس کرده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی دولتشاهی از سن هفت سالگی در مدرسه ی قاجاریه تحصیلات خود را آغاز کرد و پس از آن در مدرسه ی سن لویی ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت تصدیق نامه ی فراغت از تحصیل شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : یحیی دولتشاهی ضمن تحصیل در مدرسه سن لویی ، روزهای یکشنبه به مدرسه ی صنایع مستظرفه که موسس آن استاد کمال الملک بود رفته و به فراگیری هنر نقاشی پرداخت.
استادان و مربیان : یحیی دولتشاهی هنر نقاشی را نزد استاد کمال الملک فرا گرفت و چنانکه استائ محمد علی ناصح می گوید: « وی شیوه نقاشی مکتب استاد کمال الملک را با ابتکار های دلپذیر که خود در این زمینه دارد ، جاودانه تر ساخته است.» استاد خرمشتهی در شعر و شاعری نیز از محضر استاد محمدعلی ناصح استفاده نمود.

وقایع میانسالی : از مهمترین رویدادهای زندگی یحیی دولتشاهی ، وقوع کودتای 1299 بود که وی در این زمان مدرسه صنایع مستظرفه را در قزوین اداره می نمود و همین امر باعث گردید به تهران بازگردد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی دولتشاهی با وقوع کودتای 1299 فعالیت خود را در مدرسه ی صنایع مستظرفه در قزوین ناتمام نهاده و به تهران بازگشت و به انجام امور اداری در مدرسه کمال الملک پرداخت. استاد در سال 1306 که استادکمال الملک به نیشابور مسافرت کرد ، به حسابداری وزارت فرهنگ منتقل شد ، تا کارهای مدرسه را در آنجا انجام دهد. بعد از حسابداری به اوقاف رفته و آنگاه در آموزش عالی مشغول کار گردید.
فعالیتهای آموزشی : یحیی دولتشاهی در مدرسه کمال الملک علاوه بر انجام امور اداری ، به تعلیم شاگردان نیز اشتغال ورزید. او همچنین در دبیرستان های فیروزکوهی ، پهلوی ، خرد و البرز نیز تدریس نموده است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی دولتشاهی پس از فراغت از تحصیل ماموریت یافت که مدرسه ی مستظرفه را در قزوین تاسیس نموده و شاگردان آن مدرسه را آماده ی استفاده از آن سازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی دولتشاهی در کار شعر و شاعری دستی قوی داشته و در این زمینه آثاری نیز به یادگار نهاده است.
آرا و گرایشهای خاص : استاد محمدعلی ناصح در مورد یحیی دولتشاهی چنین می گوید: « در سرایش سخن منظوم نیز از لطف ذوق بهره مند است و غزل های شیوا می سراید و مضامین بکر که نمودار فکر هنر آفرین اوست در گفتارش دیده می شود...» اشعار استاد بیشتر در غالب غزل سروده شده است. ----------

منابع :
1شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج1 ، تهران: سنایی ، ص 365

دهاقانی، نوراللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 331 ش)، روزنامه‌نگار. معروف به دهقانی. وی از یک خانواده‌ی روحانی بود و در دهاقان اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس قدیمی اصفهان به پایان رساند. او به زبان فرانسه، علوم عربی و جامعه‌شناسی آشنا بود و بیشتر مطالعاتش در تفسیر قرآن بود. وی پس از تأسیس مدرسه‌ی صارمیه به تدریس عربی و فارسی مشغول شد، و در 1344 ق روزنامه‌ی «نور شرق» را در اصفهان تأسیس کرد و پس از انتشار این روزنامه وی به نور شرق مشهور شد. پس از آن تا آخر عمر به تدریس در مدارس مختلف اصفهان مشغول شد. سرانجام بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت و جنازه‌اش به تخت فولاد منتقل و در آن جا دفن شد. از وی تالیفات مستقلی چاپ نشده است و اغلب آثار او به صورت مقالات مختلف در روزنامه‌های اصفهان به خصوص روزنامه‌ی «نقش جهان» چاپ می‌شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (4/ 317- 318)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (243/3).

دهخدا، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1258 ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، محقق، مترجم، مصحح و فرهنگ‌نویس. معروف به دخو. در خانواده‌ی قزوینی‌الاصل در تهران دیده به جهان گشود. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی آموخت و پس از آن وارد مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی تهران شد و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را در آن جا فراگرفت و ضمنا از محضر درس شیخ هادی نجم‌آبادی نیز بهره برد. در 1282 ش به همراه معاون‌الدوله‌ی غفاری، وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، به اروپا رفت و طی دو سال اقامت در وین ضمن تحصیل دانشهای جدید، زبان فرانسه‌ی خود را تکمیل کرد و در همان روزهای آغازین جنبش مشروطه به ایران بازگشت و در انتشار روزنامه «صور اسرافیل» را با میرزا جهانگیر خان شیرازی همکاری کرد و مقالات خودرا تحت عنوان «چرند و پرند» با نامهای مستعار؛ دخو، خرمگس، سگ حسن دله غلام گدا چاپ می‌کرد. دهخدا پس از واقعه به توپ بستن مجلس به استانبول گریخت و از آنجا به اروپا رفت و در سویس با کمک میرزا ابوالحسن خان پیرنیا، معاضدالسلطنه، روزنامه‌ی «صور اسرافیل» را از نو در شهر ایوردون دایر کرد که پس از سه شماره تعطیل شد و وی به ترکیه رفت و در استانبول به انجمن سعادت ایرانیان پیوست و در شمار نویسندگان مجله «سروش» درآمد. دهخدا پس از فتح تهران و اعاده‌ی اصول مشروطه، از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس در دوره‌ی دوم انتخاب شد. وی در دوران جنگ جهانی اول حدود بیست و هشت ماه در یکی از قرای چهارمحال بختیاری منزوی بود و پس از پایان جنگ به تهران آمد و از آن پس از کارهای سیاسی دست شست و مشاغل مختلفی چون ریاست دفتر وزارت فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران، ریاست تفتیش وزارت دادگستری را عهده‌دار شد. دهخدا پس از قضایای شهریور 1320 ش و برکناری رضاشاه، تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تالیف مشغول شد و از کارهای سیاسی کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به شهر ری منتقل شد و در ابن‌بابویه دفن گردید. مهمترین آثار او عبارتند از: مقالات «چرند و پرند»؛ «امثال و حکم»؛ «جریده‌ی سروش»؛ «لغت نامه»؛ «دیوان»، شعر؛ تصحیح «دیوان» سیدحسن غزنوی؛ «شرح حال و آثار ابوریحان بیرونی»؛ «روح القوانین»؛ ترجمه؛ «عظمت و انحطاط رومیان»،

ترجمه.[1]
(بخش 1) علی‌اکبر ابن خانبابا (خان)، دانشمند و لغوی و نویسنده معروف (و. تهران حدود 1297 ه.ق.- ف. 1357 ه.ق./ 1334 ه.ش.) وی نزد شیخ غلامحسین بروجردی به آموختن علوم ادبی پرداخت، وسپس در مدرسه سیاسی مشغول تحصیل شد. چون منزل او در جوار منزل آیةاللّه حاج شیخ هادی نجم‌آبادی بود، دهخدا از این حسن جوار استفاده کامل میبرد و با وجود حداثت سن از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می‌گشت. وی در همین ایام به فراگرفتن زبان فرانسوی اشتغال ورزید. بعدها معاون‌الدوله غفاری او را با خود به اروپا برد، و وی دو سال در اروپا و بیشتر در وینه پایتخت اتریش اقامت داشت. در این مدت زبان فرانسوی و معلومات جدید را تکمیل کرد. مراجعت دهخدا به ایران مقارن با آغاز مشروطیت بود.او با همکاری «جهانگیرخان» و «قاسم خان» روزنامه «صور اسرافیل» را منتشر کرد. جذاب‌ترین قسمت آن روزنامه ستون فکاهی بود که به عنوان «چرند و پرند» به قلم استاد و با امضای «دخو» نوشته می‌شد، و سبک نگارش آن در ادب فارسی بی‌سابقه بود، و مکتبی جدید را در عالم روزنامه‌نگاری ایران و نثر فارسی پدید آورد.
دهخدا مطالب انتقادی و سیاسی را با روش فکاهی در طی آن مقالات منتشر می‌کرد. پس از تعطیل مجلس شورای ملی در دوره محمدعلی شاه، دهخدا را با جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید کردند. دهخدا درپاریس با علامه محمد قزوینی معاشر بود. سپس به سوئیس رفت و در «ایوردون» سوئیس نیز سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، و از آنجا به استانبول رفت و با مساعدت تنی چند از ایرانیان که در ترکیه بودند روزنامه‌ای به نام «سروش» به زبان فارسی انتشار داد که حدود 15 شماره منتشر شد. پس از آنکه مجاهدان تهران را فتح نمودند و محمدعلی شاه خلع گردید، دهخدا از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و با استدعای احرار و سران مشروطیت از عثمانی به ایران باز آمد و به مجلس شورای ملی رفت. در دوران جنگ بین‌المللی اول دهخدا در یکی از قرای «چهار محال» بختیاری منزوی بود و پس از جنگ به تهران بازگشته از کارهای سیاسی کناره گرفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و بالاخره تا پایان حیات بیشتر به مطالعه و تحقیق و تحریر مصنفات خویش اشتغال داشت. وی در تهران درگذشت و مدفن او ابن بابویه است از آثار اوست: ترجمه عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه روح القوانین، فرهنگ فرانسه به فارسی، تصحیح یوسف و زلیخا، تصحیح دیوان حافظ، تصحیح دیوان منوچهری، پندها و کلمات قصار (هیچیک از این کتب منتشر نشده). امثال و حکم (4 جلد، سه بار چاپ شده)، مجموعه اشعار دهخدا، لغت‌نامه دهخدا (دائرةالمعارف فارسی) (لغت‌نامه).

دانشمند و محقق و نویسنده و روزنامه‌نگار، فرزند خانباباخان از ملاکین قزوین است. در 1258 ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را از پنج سالگی شروع کرد و به علوم ادبی و ادبیات عربی و فقه و اصول و ریاضیات قدیم و حکمت تا حدی بصیرت یافت، سپس وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و آن مدرسه را به اتمام رسانید و مدتی نیز نزد آشیخ هادی نجم‌آبادی مجتهد معروف درس خواند. دهخدا قبل از مشروطیت به اتفاق معاون‌الدوله غفاری به اروپا رفت و چند سال در وین اقامت گزید. در این مدت به آموختن زبانهای خارجی و تکمیل معلومات خود پرداخت. در اوایل مشروطیت به ایران آمد و با کمک دو تن از دوستان خود به نام قاسم تبریزی و جهانگیرخان شیرازی، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را انتشار داد و مقالات دهخدا در آن روزنامه تحت عنوان «چرند و پرند» و با امضای «دخو» سر و صدای زیادی ایجاد کرد و سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد. دهخدا مطالب سیاسی و جدی را غالبا با عنوان فکاهی در روزنامه انتشار می‌داد. بعد از تعطیل مجلس اول، دهخدا و جمعی از آزادیخواهان به اروپا تبعید شدند. در اروپا با کمک عده‌ای از آزادیخواهان چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را انتشار داد. بعد به ترکیه رفت و در آنجا روزنامه‌ی سروش را منتشر نمود. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه، به تهران آمد و در دوره‌ی دوم مجلس از طرف مردم تهران و کرمان به وکالت مجلس انتخاب گردید. بعد از خاتمه‌ی مجلس، سیایست را رها کرد. و به ریاست مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی منصوب شد و سالها ریاست آن مدرسه را عهده‌دار بود. در سال 1313 که دانشگاه تهران تشکیل یافت، دهخدا به ریاست دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی برگزیده شد و تا شهریور 1320 در آن سمت مستقر بود. خیلی از رجال و سیاستمداران ایران از شاگردان دهخدا بودند.

دهخدا تالیفات متعددی دارد که برخی انتشار یافته است. از جمله تالیفات انتشار یافته‌ی او امثال و حکم در چهار مجلد است. دیگر از کارهای علمی و ادبی او تصحیح دیوان منوچهری و تصحیح دیوان حافظ و فرهنگ فرانسه به فارسی است. ولی شاهکار خدمات فرهنگی او لغتنامه است که تا ابد نام او را جاویدان خواهد ساخت.

لغتنامه فرهنگ جامعی است از لغات فارسی و عربی و اروپائی مستعمل در فارسی و اعلام که نتیجه‌ی کوشش و تلاش پنجاه ساله‌ی علامه دهخدا است. قریب سه میلیون لغت از روی متون معتبر اساتید نظم و نثر فارسی و عربی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا، طب، هیئت، نجوم، ریاضی، حکمت و کلام و غیره فراهم گردیده است.

مجلس شورای ملی در سال 1324 ماده‌ی واحده‌ای به تصویب رسانید و نام لغتنامه را به نام دهخدا تصویب نمود و چاپ آن را مجلس شورای ملی

عهده‌دار گردید. در این مجلدات، علاوه بر معانی لغات از نظم و نثر متقدمان شواهدی نیز عرضه شده است. در لغتنامه یک دوره مفصل از دستور زبان فارسی آمده است.
علامه دهخدا گاهی شعر می‌سرود و دیوانی از اشعار وی منتشر شده است. وفات او در اسل 1334 ش اتفاق افتاد و برای اتمام کارهای علمی او سازمانی به نام سازمان لغتنامه‌ی دهخدا تاسیس شد. کوشش و تلاش او تاکنون بی‌سابقه بوده است.
علامه دهخدا با وجودی که سالها دور از سیاست به کار عظیم تحقیقی خود اشتغال داشت، مع‌الوصف در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق و جریان ملی شدن نفت او را یاری و معاونت نمود و قدما و قلما نهضت ملی را تقویت می‌کرد. در همان ایام در بین مردم این مسئله قوت گرفته بود که اگر رژیم ایران به جمهوریت تبدیل شود هیچ‌کس بهتر و شایسته‌تر برای ریاست جمهوری از دهخدا نیست. بعد از کودتای 28 مرداد، دهخدا مورد بغض و کینه قرار گرفت. به هنگام مرگ دستور داده شده بود از او تجلیل نشود. خدمات دهخدا چه به مشروطیت و چه به ادبیات فارسی قابل ستایش بسیار است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (137 -129)، با کاروان حله (403 -385)، تاریخ ادبیات ایران، براون (52 -50 /4)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (267 -264 /1)، تاریخ جراید (147 -146 /3)، چشمه‌ی روشن (467 -460)، چون سبوی تشنه (54 -47)، دایرةالمعارف فارسی (2497/2)، دهخدای شاعر، الذریعه (333/9)، ریحانه (242 -240 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (253 -244 /3)، سرآمدان فرهنگ (358 -356 /1)، سخنوران نامی معاصر (1383 -1379 /2)، شرح حال رجال (430 -429 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1591 -1589 /14)، فرهنگ ادبیات فارسی (216 -215)، گلزار معانی (271 -264)، لغت نامه (مقدمه/ 418 -379)، مؤلفین کتب چاپی (515 -508 /4)، مستدرکات اعیان (115 -113 /1).

دهخوارقانی، ضیاء العلوم، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1303 ق)، نویسنده و مترجم. اثر وی: ترجمه‌ی «تاریخ مسافرت مشرق» یا «سرگذشت فریکت»، نوشته ل. بوسنار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (751/1، 4743/4)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (68/1).

دهدار شیرازی، احمد فانی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1016/1010 ق) ادیب، صوفی و شاعر. در شیراز ولادت یافت و نزد شاه فتح‌اللّٰه شیرازی تحصیل کرد. وی پس از چندی به هندوستان رفت و در دکن و در دربار احمد نگر نزد حاکمان آنجا تقرب یافت و در آنجا از مریدان شیخ حسن نجفی شد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید. مدتی نیز در آن سامان حکومت یافت و سرانجام در سورات درگذشت. از آثار وی: «شرح گلشن راز»؛ «شرح فصل الخطاب»؛ حواشی بر «نفات الانس» و «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (656 -655)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (212 -211/1)، الذریعه (359/9).

دهدشتی، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محمد کاظم دهدشتی از علماء معاصر آبادانست. که پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت پانزده سال در جوار مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اقامت و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ فرا گرفته آنگاه بدرس خارج فقه آیه‌الله العظمی حکیم و آیه‌الله آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌الله حاضر و مبانی فقه را از این دو اسطوانه علمی فرا گرفته و مبانی اصول را از محضر زعیم اعظم معاصر حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی فرا گرفته و به مباحثات اشتغال داشته تا سال 1381 قمری که عده‌ی از اهالی آبادان طوماری بمحضر مقدس آیه‌الله العظمی شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی قدس‌الله سره مرقوم داشته که مترجم معظم ما را برای ارشاد و هدایت بآبادان اعزام فرمایند. پس حسب‌الامر آقایان مذکور بآبادان آمده و مسجد بزرگی بنام بهبهانیهای مقیم آبادان تأسیس و باقامه جماعت و تنویر افکار و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام پرداخته است.
از آثار ایشانست کتابخانه‌ای بنام حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه در جنب مسجد مزبور که تاکنون حدود پنجهزار جلد کتاب دارد و هر روزه حدود پنجاه نفر برای مطالعه مراجعه مینمایند و وسائل آسایش از هر جهت آماده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دهستانی مویدی، حسین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، نوینسده و مترجم. از حال او اطلاع کافی در دست نیست ولی از مقدمه‌یی که بر ترجمه‌ی «الفرجح بعد الشده» نوشته روشن می‌شود که او معاصر و مورد حمایت عزالدین طاهر فریومدی وزیر خرسان در عهد ایلخانان بود. خواجه عزالدین طاهر فریومدی، از عهد حکومت امیر ارغوان آقا ببعد متصرف اعمال دیوانی خراسان بود. زندگانی دهستانی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم مسلم است و او کتاب ترجمه‌ی «فرج بعد از شدت» را به نام خواجه عزالدین ترتیب داد. البته این کتاب را اصلا ابوعلی محسن بن علی بن داوود التنوخی به عربی نوشته و عوفی آن را به پارسی درآورده ولی از ترجمه مذکور اثری در دست نیست دهستانی دومین کسی است که کتاب مذکور را به پارسی درآورد وی کتاب خودرا «جامع الحکایات» نامید کتاب او مشتمل بر سیزده باب و هر باب شامل چندین حکایت مفصل و دلپذیر است که ارتباط معنوی با موضوع باب دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1236 ،1234 /3)، الذریعه (50/5)، گنج و گنجینه (384 -377)، مؤلفین کتب چاپی (700 -699 /2).

دهشیری، ضیاء الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدضیاءالدین دهشیری فرزند استاد سید یحیی ، در سال 1302 دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را در یزد به پایان برد و در سال 1334 به دریافت دیپلم ادبی نائل آمد. او برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1337 ، در رشته زبان و ادبیات فرانسه فارغ التحصیل گردید. بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران درآمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت. استاد در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز هم زمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه والدین و انساب : سید یحیی دهشیری پدر سیدضیاء الدین دهشیری ، فردی روحانی و قاضی و از چهره های فرهنگی زمان خود بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : بیشتر افراد خانواده سیدضیاءالدین دهشیری اهل علم و ادب و عرفان و آگاه به علوم دینی بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فوت پدر ، نزد دایی خود محمدعلی عالمی (صمصام) تربیت یافت و از طریق وی که از شیوخ طریقت نعمت اللهی در یزد بودبه علوم ادبی و عرفانی و تصوف علاقه پیدا کرد. وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان علمیه دهشیری یزد به پایان برد. استاد دهشیری در سال 1334 به دریافت دیپلم ادبی نایل آمد، و در همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات فرانسه این دانشگاه ادامه تحصیل داد، تا اینکه در سال 1337 فارغ التحصیل گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدضیاءالدین دهشیری با اشتیاقی بسیار در محافل ادبی که باحضور مرحوم آزاد همدانی و بیضایی کاشانی، شیوای قمی و صمصام یزدی در منزل پدر دانشمندش در کاشان برگزار می شد، حضور می یافت.او همچنین از سال 1320 در جلسات انجمن ادبی یزد که به سرپرستی شیخ محمود فرساد از چهره های سرشناس ادب و عرفان اداره می شد، حضور یافته و اشعار زیبایی در موضوعات مختلف می سرود. دهشیری از سال 1323 فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز و مقالات و یادداشت های علمی و ادبی بسیاری را منتشر کرد.فعالیتهای آموزشی : سیدضیاءالدین دهشیری پس از فارغ التحصیل شدن بلافاصله به عضویت هیات علمی دانشگاه تهران در آمد و به تدریس در همان دانشگاه اشتغال یافت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره :

سیدضیاءالدین دهشیری در طول فعالیت های علمی خود موفق به تالیف و تدوین کتب و مقالات زیادی شد و نیز همزمان آثار ارزشمندی از دانشمندان بزرگ فرانسه را ترجمه کرد. استاد دهشیری علاوه بر نوشتارها و مقالات متعدد و متنوع ، بیشتر از پنجاه مقاله منتشره و مستند علمی، در زمینه های گوناگون ترجمه، عرفان، روانشناسی، تاریخ، زبانشناسی را در نشریاتی همچون : یغما ، مجله دانشکده ادبیات ، سپیده فردا و جراید و مجلات دیگر چاپ و نشر گردید. که برخی از آنها عبارتند از: خویشاوندی زبانها، ترجمه حکمت الهی شیعه در عصر صفویه (اثر هانری کربن)، ترجمه کاخ آپادانای شوش(اثر گیرشمن)، ترجمه سلسله مرعشیه مازندران (اثر رابینو)، ترجمه برگزیده داستانها جمالزاده (اثر رودلف گلپکه)، یادبود ماسینیون.جوائز و نشانها : سیدضیاءالدین دهشیری در سال 1337 به اخذ مدرک لیسانس نایل گردید ، و مدال درجه اول این مقطع تحصیلی را دریافت نمود.آثار : ، ابوسعید و ابن سینا ، ادبیات جدید یونان ، ارض ملکوت (ترجمه) ویژگی اثر : اثرهانری کربن4 اسلام در ایران ، انقلابات ایران ، بحران دنیای متجدد ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ ادبیات فرانسه (قرن نوزدهم) ، تاریخ اقتصادی ، تاریخ ایران باستان منابع : سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج3 ، قم: نشر خرم ، ص18212 نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره 17،فروردین 1380 تفسیر آثار برشت ، توحید در شعر فارسی ، سفر اروپاییان به ایران ، سیاست اروپا در ایران ، شناخت اسلام ، طبیعت در شعر فارسی ، عرفان حلاج ، فرهنگ اصطلاحات فرانسه-فارسی ، فلسفه سن توماداکن ، قرآن در اسلام ویژگی اثر : (ترجمه به فرانسه)21 قرآن مجید (ترجمه) ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)22 کارمندان ، کلمبا ، مصائب حلاج ، معنی و ارج زندگی

منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سید محمد باقر برقعی ، ج3 ، قم: نشر خرم ، ص18212نشریه مدت ، ماهنامه دانشگاه تهران ، شماره 17،فروردین 1380

دهقان چاچکامی، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید دهقان چاچکامی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1352 (پس از طی مقطع ابتدایی) وارد حوزه علمیه شهرستان ساری شدم و در سال 1355 وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون مدرس افغانی، مرحوم اسحاقی، مرحوم عبایی خراسانی تا پایه ششم را تلمّذ کردم. رسائل را در خدمت آیة الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آقای ستوده و کفایتین را در حضور آیة الله صالحی مازندرانی کسب فیض کردم. خارج اصول را در محضر آیة الله فاضل لنکرانی و ادامه آن را پس از تعطیلی درس اصول آیة الله فاضل از محضر آیة الله مکارم و صالحی و مازندرانی بهره گرفتم. در تفسیر قرآن از محضر آیة الله مشکینی، آیة الله جوادی آملی، آیة الله معرفت (علوم قرآنی) و آیة الله خزعلی(علوم قرآنی) بهره مند شدم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی دروس کلاسیک را به صورت آزاد ادامه دادم و در سال 1366پس از اخذ دیپلم در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم. لیسانس و فوق لیسانس را در دانشگاه تهران گرفتم و اکنون در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی در مقطع دکتری در حال تهیه رساله در دانشگاه تربیت مدرس هستم.از سال 1372 در رشته تخصصی حقوق و فقه جزایی و قواعد فقهیه در دانشگاه های مختلف تهران، بین المللی امام خمینی(ره) و آزاد قم تدریس داشته ام. و در دروس معارف هم به تدریس رشته های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام و اخلاق اسلامی پرداخته ام.
از سال 1370 وارد عرصه نویسندگی شدم. ابتدا با مرکز تحقیقات شهید محلاتی همکاری داشتم که حاصل آن چاپ دو جلد کتاب درسی با عنوان دانش اجتماعی که در سپاه تدریس می‌شود. دو جلد کتاب هم با موضوع انقلاب اسلامی تدوین و تالیف نمودم که با استقبال گسترده روبرو شده و در دانشگاه تدریس می شود.

از سال 1376 با پژوهشکده حوزه و دانشگاه در زمینه حقوق کیفری همکاری داشتم که حاصل آن چاپ جلد اول کتاب بررسی تطبیق حقوق جزای عملی اسلام و حقوق معوقه است که به عنوان کتاب سال دانشگاهیان در سال 81 و کتاب سال حوزویان در سال 84 انتخاب شده است.پس از طرح گفتمان عدالت و عدالت خواهی در سال های آخر کتابی تحت عنوان تحلیل مفهوم عدالت و شاخه در عدالت اجتماعی تألیف نمودم که طی کمتر از شش ماه چاپ اول آن تمام شد و برای چاپ بعدی به دلیل مسائل مالی اقدامی صورت نگرفته است.در حال حاضر نیز چندین پروژه و طرح تحقیقاتی دردست تکمیل دارم از قبیل بررسی مبانی فقهی و حقوقی آزادی بیان و مطبوعات و قلمرو آن، عدالت جنسیتی در نظام کشوری اسلام، و در آمدی بر مدیریت فرهنگی رسول خدا(ص) و منشأ خانواده در اسلام و غرب.

دهقان، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر دهقان
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب اکبر دهقان در سال 1343 در مشهد مقدس به دنیا آمدم بعد از کلاس پنجم ابتدایی در سال 1357 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت پنج سال دروس ادبیات معالم معانی بیان منطق و قسمتی از لمعتین را در نزد اساتید محترم آقایان رضوانی، واعظی، صالحی، حجت هاشمی خواندم و در سال 62 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت چهار سال قسمتی از لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایتین را در نزد اساتید بزرگوار آیات عظام آقایان اشتهاردی، اعتمادی، ستوده خواندم. از سال 67 تا 81 در دروس خارج آیات عظام آقایان شیخ جواد تبریزی، شیخ جعفر سبحانی، شیخ عبدالله جوادی آملی شرکت کرده و در کنار درس خارج به مدت هشت سال از درس تفسیر استاد گرانقدر آیت الله جوادی آملی بهره مند شدم و حدود یک سال و نیم توفیق حاصل شد در جبهه های جنگ در کنار رزمندگان دلاور اسلام بودم. در سال 69 ـ 70 در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال دروس دانشگاهی را خوانده و موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس شده و بعد از آن به مدت دو سال در دانشگاه شهید باهنر کرمان تدریس کردم.
از سال 75 تا کنون 84 همکار استاد بزرگوار جناب آقای محسن قرائتی هستم به مدت 5 سال است که مسئول ستاد التفسیر حوزه علمیه قم از طرف معظم له می باشم بحمد الله در پرتو مطالعات تفسیری و قرآنی برکاتی برای اینجانب حاصل شده است. از جمله تدریس تفسیر به مدت سه سال در حوزه علمیه قم که هم اکنون ادامه دارد.بیش از 200 جلسه مباحث قرآنی و تفسیری در رادیو معارف و رادیو قرآن و رادیو جوان داشته ام که بحمد الله پخش شده است. حدود 20 کتاب در مدت 10 سال است که نوشته ام و 16 تای آن چاپ رسیده و مابقی آن در آستانه چاپ

است

دهقان، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین دهقان اشکذری
محل تولد : اشکذر یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/2
زندگینامه علمی
در سال 1356 پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال 1370 در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح 3 و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال 1373 موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح 3 گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح 4 انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال 1374 تا

کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن دهقانی ساری
محل تولد : کاشان
شهرت : دهقانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج 2 حضرت آیة الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیة الله جوادی آملی و آیة الله حسن زاده و آیة الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیة الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیة الله حسن زاده و بخشی را نزد آیة الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس 7 دوره تدریس نهایة الحکمه – شرح اشارات جلد سوم- رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره- المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس 22) اقدام به ترجمه و شرح نهایة الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال 77 تا 82 منتشر شد.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1272 ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[1]
سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.
وی در یکشنبه هفتم شوال 1353 ه در سن 81 سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش 1272 هجری بوده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (417/2)، تذکره القبور (94 -93)، الذریعه (356/22، 25/ 84، 85)، ریحانه (244/2)، علماء معاصرین (169 -168)، مؤلفین کتب چاپی (246 -245 /1)، معجم المؤلفین (115/8)، مکارم الاثار (2011 -2007 /6).

دهکردی، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امام جمعه دهکرد، فرزند سید محمّد باقر حسینی. عالم فاضل جلیل، در اصفهان و نجف تحصیل علوم نموده، و در شهرکرد به ترویج دین و شریعت پرداخته، در سال 1310 وفات یافته.
برادرش آقا سید احمد نوربخش در مادّه تاریخ وفاتش گوید:
به تاریخ گویند با پنج تن
بخلد است آقا محمّد جواد
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیاری بیگدلی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی دیاری بیدگلی
محل تولد : بیدگل کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی دیاری بیدگلی فرزند غلامرضا در سال 1338 هجری شمسی در حومه کاشان (بیدگل) چشم به جهان گشودم، تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی و متوسطه را نخست در زادگاه خود و سپس در کاشان سپری نمودم، در سال 1354 قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، افتخار حضور در حوزه مقدسه علمیه را پیدا نمودم، دروس مقدمات و سطوح عالی حوزه را نزد استادان گرانقدر حوزه علمیه کاشان و قم از جمله حضرات آیات عظام اعتمادی، خراسانی، وجدانی فخر، ستوده و محقق داماد فرا گرفتم، آنگاه از سال 1366 به بعد از محضر استادان معظم و عالیقدر حضرات آیات عظام مکارم شیرازی مظاهری، فاضل لنکرانی، منتظری ، صانعی، جوادی آملی و سبحانی در زمینه های دروس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن کریم کسب فیض نمودم. هم زمان با تحصیلات حوزوی دوره کارشناسی ارشد را در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم و دوره دکترای تخصصی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به پایان رساندم و در سال 1377 از پایان نامه خود تحت عنوان نقد و بررسی اندیشه های وارداتی یهود (اسرائیلیات) در تفاسیر قرآن دفاع کردم.
از سال 1371 تاکنون به عنوان عضو هیأت علمی گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، اشتغال به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی دارم .از همان زمان به مدت 6 سال با گروههای معارف اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران همکاری علمی داشتم و از آن پس نیز برخی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشکده علوم قرآنی قم، دانشکده شهید محلاتی قم و مرکز جهانی علوم اسلامی در مدرسه امام خمینی ره مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره و مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم همکاری آموزشی علمی داشته و دارم. علاوه بر تدریس و انجام

خدمت موظف خود در دانشگاه و نیز اهتمام به فعالیتهای پژوهشی و نگارش و نشر آثار علمی، تا به حال راهنمایی و مشاوره بیش از چهل پایان نامه را در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده داشته ام.

دیانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: استاد، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کتابداری از دانشگاه تهران در سال 1353، دکترا از دانشگاه راتگرز آمریکا در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در سال 1359.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بهره‌وری از اطلاعات، کتاب‌شناسی، کامپیوتری کردن کتابخانه‌ها، تعیین معیارهای ویژه نوشته‌های نوسوادان، استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
روش تحقیق، مصاحبه مرجع در کتابخانه، فهرست مقالات حقوق.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 26، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت کتابخانه، نوشته‌های ویژه نوسوادان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباجی مروزی، ابوالفتح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(609 -517 ق)، ادیب و نحوی. اهل مرو بود. نحو را از پدرش که مردی فاضل بود آموخت. او سرپرست کتابخانه‌ی جامع مرو بود و در همان جا درگذشت. از آثارش: «المحصل» در شرح «المفصل» زمخشری، و شرح «انموذج» زمشخری، هر دو در نحو؛ تهذیب «مقدمه الادب» زمخشری؛ «قانون الصلاحی فی ادویه النواحی»؛ «منافع اعضاء الحیوان»؛ «فلک الادب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/7)، ایضاح المکنون (136/1)، کشف الظنون (1834، 1820، 1775، 1310)، معجم المؤلفین (21/10)، الوافی بالوفیات (90 -89 /3)، هدیه العارفین (108/2).

دیباجی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عرب، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیباجی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید احمد دیباجی حسینی بن السید الجلیل ثقةالاسلام و مروج الاحکام دین المبین حاج سید نصراللّه الدیباجی اصفهانی سدهی (همایونشهری) که منسوب بحضرت سید محمد دیباج فرزند بلافصل حضرت صادق آل‌محمد علیهم‌السلام می‌باشد.
از علماء محترم و ائمه جماعت معاصر است در رستم‌آباد شمیران تهران.
وی در سال 1352 ق- ه متولد شده و پس از دوران کودکی و خواندن دروس جدید و مقدمات در عصر زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی طاب ثراه به قم آمده و سطوح را از اساتید برجسته حوزه فراگرفته و در سال 1378 قمری مهاجرت به نجف اشرف و بتحصیل پرداخته و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محسن طباطبائی حکیم و آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمود شاهرودی و زعیم بزرگوار آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مد ظله استفاده‌های شایانی نموده و علوم مختلفه را نزد اساتید عالیقدر تعلم نموده و در علم حدیث و درایه و فن رجال از خریت این فن مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه) بهره‌های کافی و وافی برده است اجازات چند از آیات عظام و مراجع تقلید روایتی و علمی و غیره دارد.
ایشان در ماه رجب (1385) از نجف اشرف بقصد مشهد مقدس رضوی هجرت نموده و از آنجا به تهران تشریف آوردند و در رستم‌آباد شمیران توقف و بنا بدعوت عده‌ای از موجهین و محترمین در مسجد مهدیه رستم‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی شایانی اشتغال دارد و ضمناً از درس فقه حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری دامت برکاته استفاده می‌نمایند.
بعضی از آثار علمی و تألیفات ایشان کتب زیر است:
1- تقریرات فقه.
2- تقریرات اصول فقه.
3- زبده المعانی درباره علم بدیع و عروض.
4- مختصر المنطق.
5- تفسیر القرآن العظیم.
6- کشکول در علوم مختلفه در دو جلد

7- الاجازات الی طرق الاحادیث و الروایات.
8- تبویب الذریعه در شش مجلد که جلد اول آن چاپ و منتشر شده.
معظم له داماد حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسین زمردی ذاکر تهرانی داماد معظم علامه کبیر تهرانی قده صاحب الذریعه، و برادر ایشان ثقه المحدثین عماد الاعلام صاحب مقالاتی در نامه دانشوران، آقای حاج سید رضا دیباجی واعظ محترم در اهواز. و برادر دیگر ثقةالاسلام آقای سید ابوالقاسم دیباجی داماد آیت‌اللّه آقا حاج سید اسماعیل مرعشی از محصلین بارع و گویندگان ماهر حوزه علمیه قم و آثار چاپ شده ایشان کتاب در «آغوش هماهنگی» و پاورقی به کتاب «سیمای بلال حبشی» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دیدوزمی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، مترجم. وی کتاب «قصص الانبیاء» ابوالحسن کسایی را تحت عنوان «نفایس العرایس» به فارسی گزارش کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (64)، الذریعه (240/24)، کشف الظنون (1328).

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 463 ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می‌گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را 448 ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (309/2)، اعیان الشیعه (172 -170 /7)، ایضاح المکنون (553، 275 /1)، الذریعه (124/22، 352، 298/20، 180 -179 /10، 365، 24/4)، ریاض العلماء (444 -438 /2)، ریحانه (51 -50 /3)، فهرست منتجب‌الدین (84)، الکنی و الالقاب (238/2)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (235، 79 /4)، هدیه العارفین (380/1).

دیلمی، حسن بن الحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولی حسن بن الحسن الدیلمی عالم فاضل، و حکیم بارع و فقیه. به اتفّاق پدر خود از گیلان به اصفهان مهاجرت نموده، و از معاشرین و مصاحبین و همدرسان افندی مؤلف ریاض العلماء می‌باشد. تألیفاتی دارد از آن جمله شرح صحیفه سجّادیّه است. در 26 رمضان المبارک سال 1119 وفات یافته است.
مؤلّف تاریخ علما و شعرای گیلان را در نام صاحب عنوان اشتباهی روی داده، زیرا که مؤلّف شرح صحیفه سجادیه نامش: مولی حسین بن حسن است. گویند: شرح صحیفه او انتحال از شرح سید علی خان مدنی است. علاّمه جلیل القدر مؤلّف الذریعه (350:13) فرماید: من شرح سیّد علی خان را دیدم که به خط خود در حواشی آن، مواضع انتحال را تعیین نموده بود.
مولی حسین گیلانی دایی سید ابوالقاسم بن حسین موسوی خوانساری جدّ صاحب روضات است، و قبرش در بقعه مشارالیه قرار دارد، و آقا میرزا محمّد باقر به مناسبت بودن قبر او در این محل وصیّت به دفن در اینجا نموده است. در اسامی حسین مجدّداً از او نامی برده خواهد شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دیمرتی اصفهانی، قاسم بن محمد

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب نحوی لغوی، مؤلف کتاب 1 - الابانة 2 - تفسیر الحماسة 3 - تقویم الالسنة 4 - تهذیب الطبع، در نوادر لغت 5 - غریب الحدیث؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

دین‌پرور دربندی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جعفر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه السید ابوتراب بن العلامه الورع سید مهدی دربندی تهرانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار تهران بوده و در سال 1263 شمسی در نجف اشرف متولد گردیده و در تحت مراقبت و تربیت والد معظمش پرورش یافته و پس از انقلاب عراق علیه انگلیسها و اخراج آنان باتفاق والدش به ایران آمده و مورد استقبال و اقبال مردم تهران و شمیرانات قرار گرفته و بخدمات دینی و علمی پرداخته والد ماجدشان آیت‌اللَّه دربندی علاوه بر داشتن حوزه درس، در مجالس معمولی و مهمانیها به نشر حقایق اسلام و اخبار ائمه اطهار اهتمامی بلیغ داشت و در مجالسش غیر از اخبار و احادیث اهلبیت علیهم‌السلام سخن دیگری نمی‌فرمود.
مترجم ما پس از مراجعت از عراق تحصیلات خود را در نزد والد خود ادامه داده و علاوه بر استفاده‌های علمی تقوا و فضائل و ملکات نفسانی را از آن بزرگوار فراگرفته و با لباس کرباس وطنی و کمال زهد و قناعت و مناعت طبع بخدمات دینی پرداخته و نشر حقایق و معارف اسلام مینمود. نماز جماعتش در شمیرانات و دربند بسیار باشکوه و مخصوصا ماه رمضان پر جمعیت بود و مردم از اطراف برای درک فیض از نماز و محضرش بدربند می‌شتافتند تا هشتم ماه رجب سال 1343 شمسی وفات نموده و با تجلیل زیاد جنازه‌اش حمل بشهر ری و در ابن بابویه مقبره شخصی خانواده‌گیش مدفون گردید.
نگارنده گوید: آن مرحوم ارادت مخصوصی بمرحوم آیت‌اللَّه العظمی و مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی داشت خودم ناظر بودم که با آن کهولت و کبر سن با پای برهنه از تهران تا بشهر ری در تشییع جنازه آن مرحوم شرکت داشته و اظهار تأثر و تأسف از فقدان آن مرحوم می‌نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینشاه ایرانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 -1260 ش)، مترجم و نویسنده. از پیشوایان مشهور زرتشتیان بمبئی بود که در سال 1260 ش در بمبئی متولد شد. وی به همراه رابینات تاگور (شاعر معروف هندی) به ایران آمد. او «دیوان حافظ» را به انگلیسی ترجمه کرد و از شعرای معاصر ایران «تذکره‌ای» ترتیب داد و با ترجمه‌ی منتخبی از اشعار آنان چاپ کرد. وی سرانجام در بمبئی درگذشت.
از آثار وی: «اخلاق ایران باستان»؛ «پرتوی از فلسفه ایران باستان»؛ «پیک مزدیسنان»؛ «تعلیمات زرتشت»؛ «سخنوران دوران پهلوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دایرةالمعارف فارسی (1029/1)، سرآمدان فرهنگ (358/1)، شرح حال رجال (99/6)، مؤلفین کتب چاپی (75 -73 /3).

دینوری، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 390 ق)، ادیب و کاتب. وی از روسای کاتبان دیوانی خراسان بود که نسب به عباس بن عبدالمطلب می‌رساند. به گفته‌ی ثعالبی تصنیفات او در «محاسن الاداب» به سی جزء می‌رسد. وی همچنین دارای اشعار بسیاری است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (231/4)، معجم المؤلفین (69/6).

دینوری، ابوحنیفه احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 282 ق)، نحوی، لغوی، ادیب و ریاضی‌دان. از مردم دینور بود که در بصره و کوفه علم آموخت و از محضر پدر خود و پس از او از این سکیت بیشترین بهره را برد. وی در علوم بسیاری همچون، نحو، لغت، هندسه، حساب و هیئت دست داشت، و صاحب تالیف بود. او را ذفنون و از نوادر روزگار می‌دانند. روایاتش را صحه گذاشته‌اند و وی را مورد اعتماد خوانده‌اند. او از بزرگان مذهب حنفی بود. از آثارش: «الاخبار الطوال»؛ «النبات»؛ در شش مجلد بزرگ؛ «الجبر و المقابله»؛ «الجمع و التفریق»؛ «البلدان»؛ «البحث فی حساب الهند»؛ «اصلاح المنطق»؛ «نوادر الجبر»؛ «القبله و الزوال»؛ «الکسوف»؛ «تفسر الدینوری»؛ «الانواء»؛ «ما یلحن فیه العامه» یا «لحن العامه»؛ «الشعر و الشعراء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (119/1)، ایضاح المکنون (680، 421، 321، 279، 277، 2/ 368، 43/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (188 -187/ 1)، دایرةالمعارف فارسی (1029/1)، الذریعه (236/3، 172/2، 338/1)، روضات الجنات (103 -102/ 5)، ریحانه (72/7)، سیر النبلاء (422/13)، کظف الظنون (1548، 1446، 1407، 1399، 907، 664، 614، 447، 280، 108)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (132)، لغت نامه (ذیل/ ابوحنیفه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 282)، معجم الادباء (32 -26/ 3)، معجم المؤلفین (219 -218/ 1)، الوافی بالوفیات (379 -377/ 6)، هدیه الاحباب (12)، هدیه العارفین (52/1).

دینوری، ابوسعد، نصر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 411 ق)، ادیب، کاتب، معبر و شاعر. وی از کاتبان بزرگ بود و عهده‌دار مناصب نیشابور. زمانی که سلطان محمود برای پاسخگویی به خلیفه‌القادر باللّه، احتیاج به معتمدی داشت، وی را برگزید. از آثار وی: «روائع التوجیهات من بدائع التشبیهات»؛ «ثمار الانس فی تشبیهات الفرس»؛ «التعبیر القادری» یا «القادری فی التعبیر»، در احکام، که برای خلیفه القادر باللّه در 397 ق تالیف کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (352/8)، کشف الظنون (1305، 914، 523، 417)، معجم المؤلفین (94/13)، هدیه العارفین (490/2).

دینوری، ابوعلی احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 289 ق)، نحوی. وی در دینور به دنیا آمد. از شاگردان برجسته مبرد و مازنی و ثعلب بود و در بغداد و بصره درس خواند و در مصر مقیم شد و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «اصلاح المنطق»؛ «مختصر فی ضمائر القرآن»؛ «المهذب» در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (102/1)، روضات الجنات (206/1)، ریحانه (252 -251 /2)، کشف الظنون (1914 ،1087)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادبا (241 -239 /2)، الوافی بالوفیات (286 -285 /6).

دینوری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد شخصی فقیه و اصولی و دارای علوم غریبه و مردی با ورع و متقی و اغلب اشتغال بتحریر مطالب علمی و عملی داشت و منزوی از مردم و عابد و شب زنده‌دار و اوضاع و عوالم عجیب و غریبی داشت رضوان اللّه علیه. کتابی موسوم به (نظام العالم) دارد بسیار نفیس و عالی ولی بطبع نرسیده و تألیفاتی در علوم غریبه دارد و اشعاری شیوا گفته و در تاریخ 1347 در اثر مبارزه با بدع با برادر کوچکش مرحوم آقای حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد به سمنان تبعید و مدتی در آنجا حبس نظری بودند بعد بارض اقدس رضوی برده و در تحت مراقبت بودند پس از طی مدت یکسال و نیم دوره‌ی نفی به تبریز مراجعت بعد از فوت برادر بزرگش آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا مرحوم در مسجد آن مرحوم اقامه نماز جماعت کرده مقتدای مردم بود در سال 1283 در تبریز متولد شب دوشنبه 23 شهر ذی‌القعده 1359 بدار بقاء رحلت و در وادی‌السلام نجف اشرف در مقبره مخصوص خودشان مدفون است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت‌اللّه میرزا صادق آقا مرجع تقلید اهالی آذربایجان بود و مردم فریفته تقوی و عمل و علمیت این مرد برجسته بودند طوری که با تحریر و تقریر پایان نیابد شاگر آخوند ایروانی و آیت‌اللّه فاضل شربیانی و آیت‌اللّه آقا شیخ هادی تهرانی بود در فقه و اصول متبحر و شخصی دارای دقت نظر و تحقیق و صاحب تألیفات زیاد در فقه و اصول بود منجمله (مقالات غرویه) مربوط به مباحث الفاظ در تبریز بطبع رسیده و کتاب (مشتقات) اینهم در تبریز بچاپ رسیده و (کتاب فوائد) در مطالب مختلف از فقه و اصول و تفسیر مطبوع تهران که دوره تبعید خود در قم نوشته شده و کتابهای مفصله استدلالی در طهارت و صلوه و غیره دارد که بطبع نرسیده این شخص قریب سی سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس بوده نزدیک پنجاه سال ریاست روحانیت آذربایجان را در دست داشت در اثر مبارزه با بدع سال 1347 به قم تبعید و در سال 1351 شانزدهم شهر ذی القعده الحرام شب جمعه برحمت ایزدی رفته و در رواق حضرت معصومه سلام‌اللّه‌علیها در مقبره مخصوص مدفون است اشعار عالی عربی در مدائح و مراثی زیر دارد رضوان اللّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، علاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا علاءالدین دینوری بن آیت‌اللّٰه العظمی حاج میرزا احمد مجتهد از علماء محترم معاصر تهرانست. معظم له شمه‌ای از ترجمه و بیوگرافی بیت جلیل و خاندان اصیل خویش را بشرح زیر مرقوم داشته‌اند:
راقم علاءالدین دینوری پسر مرحوم آقای حاج میرزا احمد آقا مجتهد دینوری از اولاد محمد دینوری که از اصحاب حضرت علی ابن موسی الرضا علیه‌السلام بوده وی را بجهت تبلیغ مذهب حق به آذربایجان اعزام نموده‌اند در قریه (پیر کندی) از قراء حسن‌آباد از محال قراجه داغ وفات نموده و در همان قریه بخاک سپرده میشود او را مزاری است که اهالی بزیارتش میروند و نذوراتی به مرقدش میبرند. والد مرحوم پنج برادر بودند بزرگترین این پنج برادر مرحوم آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب کتاب (تبیین المحجه الی تعیین الحجه) در تبریز بطبع رسیده توان گفت یگانه تألیفی است در اثبات حجه در سال 1267 هجری این شخص در تبریز متولد و در سال 1288 برای تکمیل معارف دینی به نجف اشرف مشرف و بعد به تبریز مراجعت و به حج بیت‌اللّٰه‌الحرام موفق و در سال 1344 مبتلا بدرد چشم بود در اثر شدت مرض چهارم محرم‌الحرام 1352 دار فانی را وداع و جنازه‌اش به نجف اشرف حمل و جنب قبر والد ماجدش در وادی السلام دفن میشود. این شخصیت بزرگ فقیه و اصولی و درستکار و عاقل و مسیس و مورد شور رجال و عقلاء بوده ریاست روحانیت شهر تبریز را داشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

دینوری، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم بن العلامه العلام آیه الله حاج میرزا احمد مجتهد بن العالمه الحجه المیرزا محمد مجتهد قراچه داغی تبریزی برادر زاده مرحوم مبرور آیه الله حاج میرزا صادق آقای تبریزی از علماء مبرز معاصر تبریز و از بیوتات اصیله و علمیه آذربایجان می‌باشند که تا هفت پشت تمامی از مراجع اعلام و آیات عظام آذربایجان بوده‌اند. وی در تبریز متولد شده و در بیت علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و مبادی علوم سطوح فقه و اصول را خدمت مرحوم والد و دیگران فراگرفته آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله ضیاء الدین عراقی و آیه الله نائینی و آیه الله غروی اصفهانی و دیگران استفاده نموده سپس به وطن مراجعت و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین پرداخته و تاکنون باین سمت اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

دیهیم، گیتی

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد: 1313، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، تحصیل در زبان‌شناسی فرانسه در دانشگاه سوربن فرانسه.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان‌شناسی فارسی، آواشناسی فارسی، زبان و زبان‌شناسی فرانسه.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 4
زمینه علمی تألیفات:
آواشناسی عمومی، آواشناسی فرانسوی، زبان فرانسه و زبان‌شناسی فرانسوی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
واج‌شناسی فارسی، واج‌شناسی فرانسوی، زبان‌شناسی فارسی، زبان‌شناسی فرانسوی، آموزش زبان خارجی، آواشناسی فرانسوی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ذاکری، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر ذاکرخمی
محل تولد : بردسکن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
این جانب علی اکبر ذاکری در سال 1338 در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال 1350 وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :1. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات 2. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی 3. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی 4. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی 5. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه 6. آقای فرقانی ؛ معالم 7. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .
آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال 1355 به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند

ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال 1360 در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال 1362 سطح را امتحان دادم . در سال 1368 با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های 1367 تا 1369 با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال 1368 عضو مجله حوزه شدم که تا کنون 35 مقاله در این مجله و 8 مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نقی ذبیح زاده روشن
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی 55 – 54 دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی 56 – 55 وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی 57 – 56 وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های
مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی 58 – 57 درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا

گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای 17 شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی 22 بهمن سال 1357 و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی 59 – 58 پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی 60 – 59 پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی 62 – 61 بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال 74 پس از اتمام این

دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود 12 سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح 4 موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب 4 جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی 74 – 73 در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعة الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام 1، 2، 3، 4 تاریخ اروپایی 1، 2، 3، 4 و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در 4 جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذکاء الملک اصفهانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی کتاب «کامل التاریخ» ابن‌اثیر را ترجمه و به ظل‌السلطان فرزند ناصرالدین شاه پیشکش کرد، که گویا آن نیز کامل نبوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (598/1).

ذوالفقاری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن ذوالفقاری در سال 1345 در دامغان بدنیا آمد.وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1375 و استادیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.ایشان برگزیده رتبه دوم پژوهشهای کاربردی در نوزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی سال 1384 است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : حسن ذوالفقاری از نوادگان ذوالفقارخان حاکم منطقه قومس و از فرماندهان و معتمدان فتحعلی شاه قاجار است.
خاطرات کودکی : دوران کودکی حسن ذوالفقاری مثل تمام کودکان با بازی سپری شد.کتاب و کتابخانی را با راهنمایی های معلم کلاس سوم ابتدایی ،سرکار خانم کلانتری شروع کرد.دوران راهنمایی و متوسطه ایشان با وقوع انقلاب اسلامی مقارن بود از آن جهت به سوی کتابهای مذهبی سوق یافت .دکتر ذوالفقاری از ماندگارترین خاطرات کودکی همان بازی های کودکانه و سرخوشی های آن دوران یاد می کند.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن ذوالفقاری در خانواده ای متوسط و مذهبی متولد شد. پدرش دارای شغل آزاد بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن ذوالفقاری تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش به پایان رساندو در رشته فرهنگ و ادب دیپلم خود را اخد کرد.تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی(دبیری) از دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال 1368 - کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی(پژوهشی و آموزشی) از پژوهشگاه علوم انسانی در سال 1370 - دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1375 عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد وی با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا به شرح زیر است: " بحر طویل فارسی و بحر طویل سرایان" عنوان پایان نامه دکتری دکتر ذوالفقاری با استاد راهنمایی دکتر مظاهر مصفا : " شرح احوال آثار و افکار معروف کرخی"
خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل حسن ذوالفقاری مصادف با وقوع انقلاب اسلامی و همراه با راهپیمایی های شکوهمند مردم بود.وی همچنین

شاهد جنگ تحمیلی حق بر باطل بوده و در این جبهه ها حضور فعال داشته است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن ذوالقاری ضمن تحصیل در انجمن های اسلامی ، علمی و دانشجویی عضویت داشتند.وی همچنین در راه اندازی نمایشگاههای کتاب همکاری می کرد.در دوران تحصیلات تکمیلی با بنیاد دایره المعارف اسلامی همکاری می کرد و کم کم به مطبوعات رو آورد و نگارش مقاله ،سردبیری هفته نامه کویر در استان سمنان را بر عهده گرفت.
استادان و مربیان : دکتر شفیعی کدکنی ،دکتر مظاهر مصفا،دکتر علی شیخ الاسلامی ،دکتر زرین کوب ، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن ، دکتر اسماعیل حاکمی ، دکتر جلیل تجلیل ،دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر غلامحسین یوسفی (از استادان دانشگاه) ،حسین معلم و پرویز ارسطو (دبیر دبیرستان) از دبیران و استان حسن ذوالفقاری می باشد.
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا شندی ، دکتر محمد عزوم، دکتر حسین داودی ، دکتر ابراهیم خدایار ،دکتر ناصر نیکوبخت،دکتر روح الله هادی، دکتر غلامحسین زاده، دکتر حسین پاشیده ،دکتر قبادی و دکتر بیگدلی و غیره از همدوره ایهاو همکاران حسن ذوالفقاری هستند.
همسر و فرزندان : حسن ذوالفقاری در سال 1370 با سرکار خانم فرحناز مفیدی (کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی و همکارش) ازدواج کردو حاصل این ازدواج دوفرزند یکی پسر بنام سینا (17 ساله) و دیگری زهرا (13 ساله) است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی حسن ذوالفقاری : 1. دبیر آموزش و پرورش دامغان (از سال 1368 تا سال 1370) 2. انتقال به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی (از سال 1371 – 1383) 3. عضویت هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس عضویت در مجامع علمی : 1- عضو مدخل نگاران بنیاد دایرة المعارف اسلامی 2- عضو شورای پژوهشی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تا سال 1381 3- عضو کمیتة علمی المپیاد ادبی 4- عضو هیأت علمی مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی (از سال 1375 تاکنون) 5- عضو شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی -6 همکاری با شورای بررسی متون (داوری) 7- عضو کمیته کار شورای زبان فارسی و فن‌آوری اطلاعات (معاونت پژوهشی وزارت ارشاد) 8 – عضو شورای علمی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس 9- عضو انجمن علمی ویراستاران ایران 10- عضو انجمن مطالعات ایران شناسی (کرمان) 11-عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران 12-عضو هیأت رییسه انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی 13- عضو انجمن روزنامه نگاران مسلمان 14-عضو صندوق

هنرمندان،مصنفان،نویسندگان داوری مجلات علمی : 1- فصلنامه رشد آموزش زبان ادب فارسی 2- مجلة فرهنگ مردم به سردبیری سید احمد وکیلیان 3- دو، فصلنامه پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی 4- فصلنامه پژوهشی ادبی انجمن زبان و ادبیات فارسی
فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط حسن ذوالفقاری : 1- دروس تخصصی رشته ادبیات 2- فارسی عمومی 3- آموزش ویراستاری ، گزارش نویسی، مکاتبات اداری 4-ادبیات عامه
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر ذوالفقاری یکی از بانیان بنیاد مطالعات زبان و ادب عامه (در حال تاسیس) و دفتر تدوین ضرب المثل های فارسی (تاسیس از سال 1380) می باشد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتها حسن ذوالفقاری به شرح زیر است: الف) همکاری با مطبوعات کیهان اندیشه ، 1365 تا 1372 کیهان فرهنگی، آینده، ادبستان مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس مجله ادبیات داستانی، کتاب ماه، اهل قلم، فرهنگ قومس آیینه میراث، مجلات رشد، کتاب ماه، ادبیات فلسفه، 1370 تاکنون عضو هیأت تحریریه هفته نامه کویر از سال 1378-1370 مدیر داخلی رشد زبان و ادب فارسی از سال1371 تاکنون ب) تولید مواد کمک آموزشی و فن آوری آموزشی 1- مدیر علمی و نویسندة CD شاهنامة فردوسی (شامل انیمیشن، نقالی، موسیقی، داستان خوانی، ساده سازی، بازنویسی و . . .) مؤسسه تبلیغاتی حور –کانون انفورماتیک 2- نوارهای آموزش زبان فارسی پیش دانشگاهی، نویسنده و مدیر علمی، دفتر تکنولوژی آموزشی وزارت آموزش و پرورش(9 نوار صوتی) 3- گزارش نویسی، نوار ویدئویی 180 دقیقه آموزش اصول گزارش نویسی برای مدیران سراسر کشور، 1376، سازمان مدیریت دولتی 4- نویسندة متن و محقق فیلم (خورشید برنیزه) گزارش عزاداری‌های دامغان، به سفارش شبکه سحر و دوم 5- محقق و مدیرعلمی اطلس مصور دامغان شامل 2000 قطعه عکس با زیرنویس فارسی و انگلیسی 6- مشاور تولید نرم افزار آموزش فارسی اول ابتدایی، شرکت نرم افزار 7- مدیر علمی و تهیه کننده نرم افزارهای آموزشی کتاب های دوره دبیرستان (13 لوح فشرده)
همفکران فرد : از همفکران حسن ذوالفقاری می توان به افراد زیر اشاره کرد: 1- دکتر مظاهر مصفا ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران 2- دکتر شفیعی کدکنی ، استاد گروه ادبیات ، دانشگاه تهران 3- دکتر تقی‌پور نامداریان ، استاد پژوهشگاه علوم انسانی
آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی حسن ذوالفقاری به قرار زیر است : 1- فرهنگ مردم 2- ادبیات داستانی 3- آموزش زبان فارسی

جوائز و نشانها : دکتر حسن ذوالفقاری تا کنون 17 جایزه و لوح تقدیر از جشنواره ها ی داخلی و خارجی دریافت داشته است.از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: 1- برگزیده ی نوزدهمین جشنواره ی بین المللی خوارزمی،1384(فارسی بیاموزیم) 2- برگزیده ی پنجمین جشنواره ی کتاب های رشد ،1384(کتاب کار و راهنمای زبان فارسی دوم دبیرستان) 3- برگزیده ی چهارمین جشنواره ی کتاب های رشد،1383(کتاب کار بخوانیم و بنویسیم اول دبستان) 4-برگزیده ی کتاب تقدیری کتاب سال،1384(فارسی بیاموزیم) 5- برگزیده سومین جشنواره کتابهای کمک آموزشی ،تقدیر از تالیف کتاب کار انشا و نگارش 6- برگزیده پنجمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی سپاس از تالیف کتاب زبان فارسی 1 7- برگزیده چهارمین جشنواره کتابهای کمک آموزشی تقدیر از تالیف کتاب کار بخوانیم و بنویسیم 8- برگزیده مؤلفان استان سمنان در سال 1386 برای تالیف کتاب زبان و ادبیات فارسی
چگونگی عرضه آثار : مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : 111 مقاله مقالات ارائه شده در مجامع علمی : 8 مقاله طرحهای تحقیقاتی اجرا شده و در دست اقدام :8 مقاله کتاب (نگارش یا ترجمه) :26 کتاب تعداد عناوین پایان نامه ها کارشناسی ارشد :9 پایانامه سفرهای خارجی حسن ذوالفقاری : 1- سفر به اتریش، بازدید از فعالیتهای مدارس ایرانی، 1380 2- سفر به نیویورک ، شرکت در پنجمین همایش شورای گسترش زبان فارسی در آمریکای شمالی ، نیوجرسی ، 1380 3- سفر به چین، بازآموزی استادان فارسی کرسی‌های فارسی دانشگاههای چین، 1383 ----------
--
آثار :
1 ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات دکتر محجوب)
ویژگی اثر : نشر چشمه، چاپ سوم، 1384
2 بدیع الزمان نامه(تصحیح)
ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)
3 بهرام و گلندام (تصحیح)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
4 پیغام اهل راز
ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، 1380
5 چاه وصال (تصحیح و تحلیل و پژوهش)
ویژگی اثر : سراینده میرزا احمد سند، تهران ، اهل قلم 1375
6 چهل داستان کوتاه از چهل نویسنده معاصر،
ویژگی اثر : تهران، انتشارات نیما، 1378، چاپ سوم، 1384

7 حافظ به روایت شهریار
ویژگی اثر : تهران ، چشمه ، 1381
8 حافظ قدسی
ویژگی اثر : انتشارات پویش معاصر، 1380
9 حسن و دل (تصحیح)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
10 خورشید آفرین و فلک ناز(تصحیح)
ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ)
11 داستان‌هاب امثال
ویژگی اثر : نشر مازیار، 1384
12 در قلمرو آموزش زبان وادبیات فارسی
ویژگی اثر : تهران، مجمع علمی آموزش زبان و ادبیات فارسی ، سازمان پژوهش وزارت آموزش و پروش ، 1377
13 راهنمای درست نویسی
ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، 1383
14 زبان و ادبیات عمومی (فارسی عمومی مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های کشور)
ویژگی اثر : چاپ اول 1378، چاپ سی و سوم، 1384، نشر چشمه
15 سردلبران
ویژگی اثر : نشر مازیار، 1385
16 فارسی بیاموزیم، (آموزش فارسی به ایرانیان خارج از کشور)
ویژگی اثر : جلد، انتشارات مدرسه به همراه نوار و CD
17 فرهنگ جامع ضرب المثل‌های فارسی (موضوعی – کلید واژه‌ای)
ویژگی اثر : انتشارات مازیار، (در دست چاپ) 4 جلد
18 فرهنگ دانش آموز،
ویژگی اثر : تهران، نشر استادی، 1378
19 قاف غزل
ویژگی اثر : نشر چشمه، 1383
20 کتاب کار انشا و نگارش و ویرایش (2 جلد)
ویژگی اثر : انتشارات اساطیر، 1375،1375 چاپ دوم 1380
21 کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی (دوره دبستان، دبیرستان و پیش دانشگاهی)، 26 جلد، وزارت آموزش و پرورش (با همکاری)
22 کوه عجایب (بازنویسی افسانه‌های مردم دامغان)
ویژگی اثر : انتشارات همراه، 1374 (چاپ سوم)
23 مجموعة کتابهای راهنمای آموزش زبان و ادبیات فارسی
ویژگی اثر : 9 جلد انتشارات فاطمی، 1383

24 معشوق بنارس (تصحیح)
ویژگی اثر : (در دست چاپ)
25 مکاتبات اداری
ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، 1382
26 منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی،
ویژگی اثر : تهران، نیما، 1374، چاپ دوم ، 1383
27 مهارت های نگارشی
ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی و در دست چاپ
28 هشت بهشت
ویژگی اثر : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان،1385
29 وامق و عذرا(تصحیح)
ویژگی اثر : نشر چشمه(دردست چاپ) ----------

منابع :

1http://www.ksabz.net/article.asp?AID=51062پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر حسن ذوالفقاری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - بهار 13863مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ذوالقدر، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ذوالقدر رافتخارترین مربی تکواندو است.
او در این چند سال آن قدر مورد توجه فدراسیون پولادگر بودکه حالا همه پذیرفته اند او بیش از سایر همتاهایش با جو و فضای تکواندوی دنیا آشناست. سرمربی تیم ملی تکواندو یکی از مربیان مطرح کنونی جهان هم محسوب می شود. اعتماد به نفس و دلسوزی او زبانزد است، مهم آنکه شاگردانش او را بسیار قبول دارند و کاملا در طول مبارزات از تدابیرش نهایت بهره را می برند . ذوالقدر پیرامون دوره هفدهم مسابقات قهرمانی جهان می گوید: «امیدوارم حوادث دوره پیش در مادرید تکرار نشود.» او که تاب مقاومت در مقابل بی عدالتی های کره ای ها را از دست داده بود، حتی با محرومیت هم مواجه شد، و لیکن رایزنی های گسترده فدراسیون تکواندو باعث شد تا او دوباره به صحنه بازگردد. وی اعتقاد دارد که تیم پرستاره ایران هیچ چیز برای قهرمانی کم ندارد و حتی می توان گفت که این تیم بهترین تیم تاریخ تکواندوی ایران است منابع زندگینامه http://taekwondo-chagi.blogfa.com:

ذوعلم فشارکی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد باقر. عالم عامل، و فاضل بزرگوار، از شاگردان آخوند محمد حسین فشارکی و داماد ایشان، و امام مسجد یزدآباد. از موثقین علمای اصفهانی، و محبوب القلوب عند الخواص و العوام بود.
تألیفاتی دارد، از ان جمله است: نور الآفاق، در شرح دعای مکارم الاخلاق که بسیار خوب و محققانه نوشته شده، و تاکنون چندین مرتبه به طبع رسیده است، در دو مجلد.
مشارالیه در 7 ماه صفر سال 1373 در مسافرت در رامسر وفات یافته، جنازه به قم منتقل گردیده، در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ذوقی بسطامی، فتح‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1288/1274 ق)، خطاط، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ذوقی. اصلا از طایفه‌ی عرب بنی‌عامر و ساکن بسطام بود. در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار، برای دیدار دایی خود، حبیب‌اللّٰه خان عرب، به فارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت و صاحب دیوان رسائل شد. در ادبیات فارسی و عربی و ریاضیات سرآمد بود. میرزا طاهر، صاحب کتاب «گنج شایگان»، او را آگاه به علم ریاضی، هیئت و حکمت و تاریخ می‌داند. ذوقی تمام خطوط را خوش می‌نوشت. هنگامی که جعفر قلی خان شادلو به ایالت بجنورد و جوین و جاجرم و استرآباد مامور شد، حکیم فتح‌اللّٰه را به عنوان رییس دفتر رسائل خود به همراه برد. با هدایت صاحب «مجمع الفصحا» چه در شیراز، چه در تهران معاشرت داشت. هنگام تالیف «گنج شایگان» میرزا طاهر (1272 ق) در قید حیات بود و هنگام تالیف «مجمع الفصحا» سال 1288 ق، فوت کرده بود. ذوقی تنها یک دختر داشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شاعران عرب را از بر داشت و با ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و سلطانی تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (563 -562 /2)، تذکره‌ی طلعت (82)، حدیقه الشعراء (644 -640 /1)، الذریعه (341/9)، فرهنگ سخنوران (355)، گنج شایگان (188 -182)، لغت نامه (ذیل/ ذوقی بسطامی)، مجمع الفصحا (303 -299 /4)، مصطبه‌ی خراب (66 -65).

ذهبی شیرازی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. از جمله آثار وی: ترجمه‌ی «سفرنامه‌ی هنری لاندر»، دربردارنده‌ی جنگ چین و فرنگیان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (190/12)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (132 1،).

راد، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد راد ملقب بصیر دیوان ، فرزند حاج میرزا مصطفی بود . او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود . به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی نیز پرداخت و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد ، پس از مدتی به خدمات وزارت معارف درآمد . در ضمن ماموریت به رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود . در آنجا به سراغ میرزا کوچک خان جنگلی رفت .میرزا او را مامور دریافت گمرک انزلی کرد . پس از آن مجددا به معلمی پرداخت .و به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان ها ، بازرس عالی وزارتی ، رییس آموزش ابتداییرا به عهده گرفت . از سال 1317 تا 1358 که به علت ناتوانی جسمی از مشاغل رسمی کناره گیری کرد مستوفی مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق)فعالیت نمود . اخمد راد مقاله های بسیاری از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله «یغما » به چاپ رسیده است . از او بیش از سی اثر به یادگار مانده است . وی در 13 مرداد 1363 در تهران دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهوالدین و انساب : احمد راد ملقب به بصیر دیوان ،فرزند حاج میرزا مصطفی بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد راد چهارده ساله بود که پدرش درگذشت وسرپرستی خواهر و برادر و مادررا به عهده او گرفت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد راد تحصیلات خود رادر مدرسه علمیه در باغ نگارستان سپس در مدرسه آلیانس فرانسه طی نمود.وقایع میانسالی : احمد راد در ضمن ماموریت رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود .در آنجا به سراغ میزار کوچک خان جنگلی رفت و میرزا او را مامور دریافت گمرگ انزلی کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد راد مدتی تصدی وزارت معارف را به عهده داشت و در این مدت به وی واگذار شد . پس از مدتی به خدمت وزارت معارف درآمد و ماموریتهایی را به شهرهای رشت ،شیراز و مشهد عهده دار شد. درزمان تصدی گمرک انزلی نیزبدون چشم داشت به درآمد گمرک وظایف خود را انجام داد . او همچنین مدتی به عنوان معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستانها ،بازرس عالی وزارتی ،رییس آموزش ابتدایی خدمت نمود . از سال 1317 تا سال 1358 که علت ناتوانی خود کناره گیری کرد مستوفی

مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) فعالیت نمود .فعالیتهای آموزشی : احمد راد به هنگام تحصیل در مدرسه آلیانس فرانسه وتکمیل تحصیلات به شغل معلمی درمدارس ملی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد .چگونگی عرضه آثار : احمد راد مقاله های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجله (یغما) به چاپ رسیده است .آثار : آگهی دل از آینده ، آیا رمز وراثت کشف شده است ، آیا عمر آدمی به 150 سال خواهد رسید ، از اتم چه می دانیم ، از حیوانات هواشناسی بیاموزبم ، از سنجاب تقلید نکنید ، از هر خرمنی خوشه ای ، انسان برتر از انسانها، پیدایش حیات بر روی زمین ، پیروزی بزرگی در زیست شناسی، پیروزیهای تازه در کشف اسرار مغز ، ترقی معجزه آسای ژاپن ، تعیین ارزش اصول اخلاقی هرنسل ، تولد عیسی ، جهانی که در آن زندگی می کنیم ، چرا با بینی نفس می کشید ، چرا جان کلن به خدا ایمان آورد ، حدود قوه ادراک آدمی ، خطرات فرود آمدن بر روی ماه ، خواب دیدن از نظر علمی ، درسی که آموختیم ، دستورهایی برای صد سال عمر کردن ، زخم چگونه التیام می پذیرد ، زندگی شگفت انگیز موریانه ،ساعت چنداست، صد سال عمرکنیدبا نشاط جوانی ،کشف زبان حیوانات ، گردباد حیرت انگیز جهان ، ممکن است شما جوانتر از آن باشید، نسخه ای برای گوارا کردن زندگی ، نیوتن ، یک ماشین الکترونیک درمغز بشر

منابع زندگینامه : گلزار مشاهیر ، زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران 1358 - 1376 ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص 353

رادمنش، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1306، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1345 و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1350.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تهران از سال 1345 تا سال 1364، دانشیار دانشگاه تهران در سال 1364 و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تجزیه و تحلیل مباحث بلاغی یا ترجمه الصناعتین، تفسیر هنجارهای مربوط به زن در قرآن، تدریس دروس مقدمات تفسیر، متون عرفانی العربی، معارف اسلامی، قواعد عربی، تاریخ فرهنگ عرب به عربی و فارسی و متون عربی، استاد راهنمای 2 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
نمونه‌هائی از متون نثر و نظم قدیم زبان فارسی، گزیده متون نظم و نثر عربی، نحو برای دانشجو، نمونه‌هائی از اشعار شعرای متعهد، نمونه‌هائی از آیات و احادیث، راه و روش تربیت از دیدگاه حضرت علی (ع)، آشنائی با علوم قرآن، ارزشهای اخلاقی در فقه امام صادق (ع) و تفسیر سوره‌های حمد و حجرات.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 4، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
خلاصه نظریه شیخ عبدالقاهر، مثل در ادب فارسی و جهاد شیعه در صد سال اول، ترجمه دو مقدمه از شیخ عبدالقاهر.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رادویانی، محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، ادیب. از وی اطلاعی در دست نیست ولی آنچه مسلم است به شاعران دوره‌ی اول غزنوی قریب‌العهد بود، زیرا آخرین شاعران مذکور در کتاب او که اشعارشان را به استشهاد آورده، گویندگان عهد محمود و مسعودند. تنها اثری که از او مانده کتاب مهمی است در بدیع و محسنات کلام به نام «ترجمان البلاغه» که به خطا آن را از فرخی سیستانی می‌دانستند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (2/ 917- 919)، تاریخ نظم و نثر (70)، مؤلفین کتب چاپی (5/ 646- 647).

رازانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسین رازانی بروجردی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال 1322 ق در بروجرد چشم بجهان گشوده و تحصیلات مقدماتی را در بروجرد بانجام رسانیده و برای تکمیل و خاتمه‌ی تحصیل در ابتداء تاسیس حوزه علمیه قم در زمان مرحوم آیت‌اللّه حایری به آن دیار مهاجرت نموده در سلک شاگردان آن مرحوم قرار گرفتند. پس از فوت آن مرحوم به بروجرد مراجعت نموده اشتغال بتحصیل و مباحثات علمی داشتند.
این مرد علمی مجددا در زمان مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم معاودت کرده و در ضمن اشتغال بتدریس به پاره‌ای از اصلاحات و انتظامات حوزه علمیه حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه بروجردی توفیق یافت.
چند سال قبل مشارالیه مسافرتی به آمریکا کرده و در ضمن تحقیق و بررسی اوضاع مسلمانان و انجام پاره‌ای مراسم دینی و مذهبی حضرات مراجع قم مخصوصا حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای گلپایگانی را بگرفتاری مسلمانان آن منطقه و احتیاج مبرم آنها به رهبران مذهبی متذکر نمود که خوشبختانه از طرف معظم له در این قسمت اقداماتی شده و میشود.
حجة‌الاسلام رازانی پس از مراجعت از آمریکا در طهران ساکن و به اشتغالات علمی و تدریس سطوح عالیه در پاره‌ای از مدارس می‌پردازند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رازی تهرانی، خلیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1280 -1180 ق)، طبیب و ادیب. از آثار وی: «ارجوزه فی نصیحه الاطباء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (124/4).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 447 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1630، 1593، 1378، 1205، 1091، 915، 466، 98)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (128 -127)، معجم المؤلفین (243/4)، الوافی بالوفیات (334/15)، وفیات الاعیان (399 -397 /2)، هدیه العارفین (409/1).

رازی، ابوزکریا یحیی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 258 ق)، واعظ و زاهد. اهل ری بود. در بلخ اقامت داشت و در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «کتاب المریدین» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (218/9)، الفهرست لابن الندیم (260)، معجم المؤلفین (232/13)، هدیه العارفین (516/2).

رازی، ابوعلی حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 385 ق)، نحوی و لغوی. وی از ملازمان صاحب بن عباد بود. از آثار وی: «المبسوط فی اللغه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (270/3)، الوافی بالوفیات (203/12).

رازی، بدرالدین، ابوالمحامد احمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 631 ق)، عالم و ادیب حنفی. از آثار وی: «الطائف القرآن»؛ «فضائل القرآن»؛ «اذکار القرآن»، در ادعیه؛ «بذل الحبا فی فضل آل العبا»؛ «الاستدراک»، در حدیث؛ «المقامات»، شامل دوازده مقامه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (405، 197 /2، 174، 70، 53 /1)، ری باستان (286/2)، کشف الظنون (1785)، معجم المؤلفین (158/2)، هدیه العارفین (92/1).

رازی، زین‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 666 ق)، فقیه، مفسر، لغوی، ادیب و صوفی حنفی. اصل وی از ری است. طی سفری از مصر و شام دیدار کرد و در پایان عمر، در سال 666 ق، در قونیه بود. او در تفسیر قرآن مشهور است. صاحب «ریحانه الادب» و به تبع آن دهخدا در «لغت نامه» رازی را از علمای قرن هشتم و متوفای بعد از سال 768 ق دانسته‌اند. از آثار وی: «انموذج جلیل فی اسئله و اجوبه من غرائب آی التنزیل»؛ «الذهب الابریز فی تفسیر الکتاب العزیز»؛ «روضه الفصاحه»، در علم بیان؛ «کنوز البراعه فی شرح المقامات الحریریه»؛ «مختار الصحاح»، در لغت که تلخیص «صحاح» جوهری است و در 660 ق خاتمه یافته؛ «حدائق الحقائق»، در مواعظ؛ «دقائق الحقایق»، در تصوف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (279/6)، ایضاح المکنون (389/2، 475/1)، تاریخ ادبیات در ایران (287 -286 /3)، ری باستان (346/2)، ریحانه (405 /2، 288)، کشف الظنون (1073 -1072، 633، 92)، لغت نامه (ذیل/ رازی، زین‌الدین)، معجم المؤلفین (112/9)، هدیه العارفین (127/2).

رازی، ضیاءالدین، ابوالقاسم عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 559 ق)، عالم، متکلم، خطیب، ادیب و محدث شافعی اشعری. ساکن و خطیب ری بود. وی پدر فخرالدین رازی (وف 606 ق) است. علم کلام را از ابوالقاسم انصاری، شاگرد امام الحرمین، فراگرفت. نثر نوشته‌هایش آنقدر زیباست که حریری در «مقامات» خود از آنها بسیار نقل می‌کند. از آثارش: «غایه المرام فی علم الکلام»، در دو مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (2/ 336- 337)، ریحانه (2/ 148- 149)، معجم المؤلفین (282/7)، هدیه العارفین (784/1).

رازی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 -1294 ق)، طبیب، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد و در همان جا متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت و در حله درگذشت. از آثارش: «تعالیق علی شرح ابن نفیس»، در طب؛ «ارجوزه فی النبض»؛ «حواش علی القانون»؛ و اشعار زیادی از او باقیست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (89 -88 /5).

رازی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله رازی, نویسنده, روزنامه نگار و شاعر در سال 1273 هجری شمسی در همدان به دنیا آمد.پس از تحصیلات مقدماتی در ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد, سپس به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. او پس از مراجعت به ایران, به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت .رازی در اوشان تهران در سال 1334 هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : نویسنده, روزنامه نگار و شاعر
والدین و انساب : عبدالله رازی, فرزند ابراهیم است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله رازی پس از تحصیلات مقدماتی در ایران, به هندوستان و از آنجا به پاریس رفت و موفق به دریافت لیسانس در رشته حقوق شد,
زمان و علت فوت : عبدالله رازی در اوشان تهران در سال 1334 هجری شمسی درگذشت و در ابن بابویه دفن شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله رازی پس از اخذ لیسانس خود از پاریس ،به مصر عزیمت کرد و به نشر مجله های «رستاخیز», «سودمند» و «عصر پهلوی» پرداخت. وی با روزنامه‌های «حبل‌المتین», «ایرانشهر», و «فرهنگستان» نیز همکاری میکرد. پس از مراجعت به ایران, مجله «سودمند» و روزنامه «آزاد شرق» را برای مدت کوتاهی منتشر کرد. او به استخدام وزارت کشور درآمد و به تدریس تاریخ ایران پرداخت
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آزادیِ شَرْق، نشریهای هفتگی، به مدیریت عبدالله رازی که از سال 1324ش در تهران منتشر میشد. شمارههای سال اول آن (1-30، به استثنای شمارههای 15 و 20) و سال دوم (31-51) و سال سوم (56-78) در آرشیو کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران باقی است. در آخرین شمارهٔ موجود، نام اکبر مسعودی شیرازی به عنوان مدیرمسئول آن یاد شده است. آزادی شرق بیانکنندهٔ نظرات سیاسی و اجتماعی رازی است که در مجموع، نوعی التقاط افکار

سوسیالیستی و سلطنتطلبی بود. این نشریه مدتی توقیف شد و یک چند به نام آزادی خلق منتشر گردید
چگونگی عرضه آثار : عبدالله رازی شعر نیز میسرود; اشعار وی در کتابهای ادبی و مجلات آن روزگار چاپ شده است.عبدالله رازی دارای تألیفاتی در تاریخ و ادبیات (شعر و نمایشنامهنویسی) است. وی قبلاً مجلة سودمند را در قاهره به زبان فارسی منتشر میکرد که بعدها به رستاخیز، و سپس عصر پهلوی تغییر نام داد.

رازی، محمد شریف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال 1300ش (1340ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال 1333ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرةالمعارف حوزه علمیه قم در 2 جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در 9 جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در 5 جلد و تعلیه بر بحارالانوار در 6 جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌله سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین 1379ش برابر با هفتم محرم 1420ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

رازینی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای میرزا حسن بن حاج رجبعلی رازینی همدانی از علماء اعلام و حجج اسلام حوزه علمیه قم می‌باشد در تاریخ 1316 قمری در قریه رازین همدان متولد شده و در خانواده اصیل و پدر سخاوتمندی تربیت یافته و مقدمات را در آن حدود خوانده و با شوقی فراوان برای ادامه تحصیل به همدان آمده و با فشار و سختی فراوان در همدان توقف نموده و مقدمات و ادبیات را خوانده و به اتفاق برادر خود آقاشیخ علی مهدوی به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید حوزه و بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری بهره‌مند شده و در شدت و عسرت طاقت‌فرسائی در آن زمان به تحصیل پرداخته و در سال 1351 ق با مرحوم آیت‌الله حایری به عنوان تبلیغ و تدریس به همدان مراجعت نموده و در اطراف همدان به اقامه جماعت و ارشاد عوام اشتغال یافته تا در سال 1390 هجری که مهاجرت به قم نموده و رحل اقامت افکنده است دارای پنج فرزند ذکور به نامهای ذیل است که همه اهل فضل و کمال و در حوزه به تدریس و درس و بحث اشتغال دارند.
1- میرزا محمد 2- میرزا ابوالقاسم 3- میرزا محمود 4- میرزا اسماعیل 5- میرزا علی رضای رازینی ادام‌الله توفیقاتهم و برکاتهم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

راستگو علی آبادی، نادر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نادر راستگو علی آبادی
محل تولد : جیرفت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/10/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 به علت علاقه به دروس حوزوی وارد حوزه علمیه یزد شدم بعد از دو سال تحصیل آمدنم به قم المقدسه فراهم شده و تحصیلات خویش را در حوزه مقدسه قم ادامه دادم.همراه با دروس حوزوی در سال 68 در رشته اقتصاد بازرگانی دانشگاه مازندران (بابلسر) قبول شدم، دو ترم خواندم که متأسفانه با بحران اقتصادی مواجه شده و ترک تحصیل کردم.تا اینکه بار دیگر در سال 73 در رشته علوم سیاسی شرکت کرده و در دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم قبول شدم. سال 76 لیسانس گرفتم، (که متأسفانه به علت مشکلات اقتصادی توفیق ادامه تحصیلات دانشگاه را تاکنون پیدا نکردم) و در دفتر تحقیقاتی یاسین مشغول به کار شدم تا اینکه در سال 1378 برای تدریس در مدرسه عالی امام خمینی(ره) دعوت شدم و از همان سال تاکنون مشغول به تدریس شدم.همچنین همراه با مدرسه امام(ره) در مراکز حوزوی (تخصصی قضاء و تربیت راهنما و همچنین هوا ـ فضا تهران) مشغول به تدریس هستم.در ضمن در دروس: زبان انگلیسی، اندیشه‌های سیاسی امام(ره) انقلاب اسلامی، دانش سیاسی و اخلاق توفیق تدریس دارم. ناگفته نماند اولین سال ورودم به مدرسه الهادی رفتم و در این مدرسه واقع در خاکفرج به دروس حوزوی خویش ادامه دادم.

راستگو، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن راستگو
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
محمد حسن راستگو در سال 1332 هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد ، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان ونوجوانان به صورت کلاس ، اردو ، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی ، مراکز تربیت معلم ،حوزه های علمیه و صدا وسیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات ، راز دایره ها و عیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید ، تعلیم و تربیت ، روانشناسی ، اخلاق ، احکام ، تاریخ ، قصص قرآن، قصص کودکان ونوجوانان ، مشاوره و راهنمایی ، تفسیر قرآن ، مسائل اجتماعی ، ادبیات عرب ، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.
در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، 2 جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها ، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سردودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان : الیاس پیغمبر خدا ، مهاجرت به حبشه ، با شهامت می پرم و . . .را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان : • همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است :• تدریس 25 دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسداری ، امور اردو داری ، قصه گویی ، روش های برخورد با کودکان ونوجوانان ، مسابقات ، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت ، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و 10 دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و 13 دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد ، که بیش از 4000 نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک ، نویسنده کودک ، برنامه ریز کودک ، طراح برنامه های تلوزیونی ، کارشناس و محقق

تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است .
• کتابهای ره توسه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیرآنها ثمره این مدیریت بوده است.
• ارتباط با 150 سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی دراینترنت • سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی ، 17 سفر حج و عمره و عتبات ، سوریه ، لبنان ، ترکیه ، پاکستان ، قطر ، امارت متحده عربی ، مراکش ، اسپانیا ، عراق و ....
• همکاری بااکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره ... • تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم ، دانشکده اصول دینی ، دانشکده ارشاد در قم:
• قصه گویی و نمایش خلاق • مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان ونوجوانان • بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا • نقش ریتم و سرود در تربیت
• نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی • بررسی سیستم ها • سخنرانیها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره • جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی ، آموزشی ، اجتماعی و غیره را می توان نام برد

راستی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین راستی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1306/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال 1306 در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیة الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیة الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایة ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.
پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورة ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره ببرد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیة الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضرت امام(ره) به

شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیة الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شرکت کرد. آیة الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.
وی در کاشان، دروس دورة ادبیات و بخشی از دروس دورة سطح را نزد استادانی همچون آیة الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیة الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیة الله غروی کاشانی، آیة الله شیخ علی اکبر صمدی و آیة الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیةالله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیة الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیةالله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیة الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورة تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیة الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیة الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.
از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیة الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیة الله شیخ محمد علی سرابی و آیةالله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیة الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر وی بهره‌های بسیار برد. آیة الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیة الله خویی شرکت داشت. آیة الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیةالله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیةالله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیة الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیة الله حاج سید نصر الله مستنبط، آیةالله حاج سید حسن قزوینی، آیة الله حاج سید مرتضی نجومی و آیة الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می‌کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیة الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیة الله شیخ محمد فکوریزدی و مرحوم آیةالله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیة الله راستی کاشانی با

مرحوم آیة الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.
آیة الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همة آنها در این مختصر نمی‌گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعة تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پستهای مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیة الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزة علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیة الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دستنوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیة الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.
وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام(ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی(ره) بود. دیگر اینکه وی در سال 1343، مسأله تقلید از امام خمینی(ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیة الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن 1357، فعالیتهای سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راشد، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، واعظ.
تولد: 1284، تربت حیدریه.
درگذشت: 1359، تهران.
حسینعلی راشد تحصیلات مکتبی و طلبگی را در تربت حیدریه و مشهد انجام داد و بعد به نجف رفت. در بازگشت به امور دینی و منبری پرداخت. مدتی از ایام را در اصفهان به این امور پرداخت. از زمانی که رادیو تأسیس شد، برنامه وعظ آنجا را در عهده گرفت. او حدود چهل وعظ هفتگی از رادیو کرد.
وی سال‌های دراز در دانشگاه تهران (دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، و نیز در مدرسه سپهسالار تدریس کرد. از نوشته‌های او دو فیلسوف شرق و غرب: ملا صدرا و اینشتین چند بار چاپ شده است (چاپ اول 1318). مجموعه سخنرانی‌های او در رادیو، در شش جلد به چاپ رسیده است.
از وعاظ و خطباء و منبری‌های معروف و مشهور ایران، در 1276 در کاریزک تربت حیدریه متولد شد. پدرش شیخ عباس تربتی در کسوت روحانیت و به شغل وعظ و خطابه اشتغال داشت. راشد از 7 سالگی تا 16 سالگی در تربت حیدریه مقدمات زبان و ادب فارسی و عرب، صرف و نحو، منطق و معانی بیان را فراگرفت، سپس وارد حوزه‌ی علمیه مشهد شد و نزد حاج‌آقا حسین قمی و آقازاده خراسانی و آقابزرگ که هر سه از علمای طراز اول بودند، علم اصول و فلسفه قدیم را به تفصیل تحصیل نمود. در 28 سالگی عازم نجف اشرف شد ولی مدت توقف او طولانی نشد و به ایران بازگشت. چندی در شیراز و زمانی در اصفهان به کار وعظ و خطابه مشغول بود. پس از واقعه‌ی مسجد گوهرشاد، او را در اصفهان بازداشت کردند و چندی در زندان به سر برد. بعد به تهران آمد و در شرکت مطبوعات استخدام شد که کار او غلطگیری کتابها بود. در آن شرکت بود که یادداشتهای خود را تنظیم نمود و تحت عنوان دو فیلسوف شرق و غرب انتشار داد. در همان زمان در روزنامه‌های ایران و اطلاعات و مجلات مهر و ایران امروز مقاله می‌نوشت. در سال 1320 او را برای ایراد یک سلسله سخنرانی‌های مذهبی به رادیو تهران دعوت کردند و قریب سی‌سال همه هفته یک سخنرانی از او پخش می‌شد که مجموعه سخنرانی‌های او در مجلات چاپ و نشر یافته است. همزمان با سایر کارها

برای تدریس به مدرسه عالی سپهسالار دعوت شد و چندی بعد استاد دانشکده معقول و منقول که بعد الهیات و معارف اسلامی نام گرفت، گردید و در دوره‌ی لیسانس و دکترای فلسفه‌ی قدیم تدریس می‌کرد.
در انتخابات دوره‌ی هفدهم از طرف بازاریان تهران کاندیدای انتخابات شد و بدون اینکه خود در این زمینه فعالیت کرده باشد، به آراء طبیعی مردم به مجلس شورای ملی رفت ولی چون محیط مجلس را مناسب ندید، چند جلسه‌ای بیش در مجلس نماند و خود را کنار کشید.
راشد مردی به تمام معنی دانشمند و روشنفکر و راستگو و ساده‌دل بود. آنچه بدان معتقد بود بر زبان جاری می‌ساخت، منبر را هرگز وسیله‌ی کسب قدرت مادی و معنوی نکرد. در فلسفه‌ی قدیم ید طولانی داشت. در 1360 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

راشدی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب ایرانی قرن پنجم ه.، ازمخصوصان دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود (492 -450 ه.ق.)، و از معاصران مسعود سعد بود و با او مناظره ادبی داشت. ضح- راشدی را با رشیدی سمرقندی نباید اشتباه کرد.
(س پنجم ق)، شاعر. در غزنین می‌زیست و از شاعران دربار ابراهیم بن مسعود بن محمود و از معاصران مسعود سعد سلمان بود که با او مشاعره داشت و شغل نقابت سلطان را عهده‌دار بود.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (486 -485/ 2)، تاریخ نظم و نثر (43)، دیوان مسعود سعد (مقدمه/ یط)، سرآمدان فرهنگ (370/ 1).

راشدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر راشدی نیا
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال 72 وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال 1375در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بداية الحمة، المظاهر الالهية ، تمهيد القواعد، شرح فصوص الحكم را تدریس نموده ام . حقیر از سال 1378 بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهداية الاثيرية ، رسائل اجوبة المسائل ، المظاهر الالهية ، رسالة اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال1383 بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی راشدی
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/7/1
زندگینامه علمی
با اتمام دوره راهنمایی در سال 1358 دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.
در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدیس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در 28 مجلد و شرح لمعه در 4 مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است.در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد حضرت امام خمینی (ره) در تصحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسیون های بررسی مقالات همکاری داشتم و مدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شهید آیت الله صدر فعالیت نمودم.از سال 1376 وارد موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السلام که به فرمان حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسیس گردیده است شدم و در بخش معاونت تحقیقات دائره المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سرگروه های علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلدهای 15 و 18 دائره المعارف به عهده اینجانب می باشد

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 502 ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را 565 ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درة التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[1]
(بخش 1) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. 502 ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعة الی مکارم الشریعة (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (279/2)، اعیان الشیعه (162 -160 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (266/2)، تاریخ گزیده (693)، دایرةالمعارف فارسی (1061/1)، الذریعه (364/21 -128/20، 28/10، 46 -45 /5)، روضات الجنات (216 -186 /3)، ریاض العلماء (101/7، 172/2)، ریحانه (293 -292 /2)، سرآمدان فرهنگ (371 -370 /1)، سیر النبلاء (121 -120 /18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 82 -81 /6)، فرهنگ سخنوران (363)، کشف الظنون (1773، 1729، 1609، 881، 827، 739، 462

447، ،377 ،131 ،36)، الکنی و الالقاب (269 -268 /2)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (862/2)، معجم المؤلفین (59/4)، هدیه الاحباب (140 -139)، هدیه العارفین (311/1).

رامتین، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1297 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مدرس. درتهران متولد شد. تحصیلات عالی خود را در کالج البرز و دانشسرای عالی به پایان رساند. از هنگام تحصیل در کالج در روزنامه‌ی «جوانان» مقالاتی منتشر می‌نمود از شهریور 1320 ش فعالیت مطبوعاتی خود را در مقام سردبیری و نویسندگی ثابت نمود. همچنین داستانها و مقالات فراوانی در روزنامه‌های «آزادگان»؛ «نجات ایران»؛ «مهر ایران»؛ «اختر»؛ «اقدام»؛ «پست طهران»؛ و چند مجله‌ی دیگر منتشر کرد. رامتین علاوه بر نویسندگی مدتی نیز مشغول تدریس در رشته‌ی ادبیات و تاریخ و جغرافیا در دبیرستانهای تهران بود. در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از آثار وی: «چرا تبه‌کار شدم»؛ «خاطرات مریم»؛ «خانه‌های سیاه یا دادگاه استان»؛ «فرمان آتش بس در کوهستان باختر»؛ «مرده باد عشق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (741 -739 /2).

رامشی نیشابوری، ابونصر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(490/489 -404 ق)، لغوی، نحوی، شاعر، قاری و محدث، ادبیات را از ابوالعلاء معری آموخت و به طلب قرآآت و حدیث سفرها کرد و از اصحاب اصم و دیگران حدیث شنید. او در قرآآت و علوم حدیث مبرز شد و در لغت و فنون عربیت حظی وافر یافت. وی در نیشابور املای حدیث می‌کرد و بسیاری از وی حدیث روایت کرده‌اند. شعر را نیکو می‌سرود، نمونه‌ای از اشعار وی در «معجم الادباء» آمده است. از اوست:
و اذا لقیت صعوبه فی حاجه
فاحمل صعوبتها علی الدینار
و ابعثه فی ما تشتهیه فانه
حجر یلین سائر الاحجار
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (297 -296 /2)، لغت نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (45/19)، الوافی بالوفیات (125 -124 /1).

رامهرمزی، ابومحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 360 ق)، حافظ، محدث، قاضی، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌خلاد رامهرمزی. وی سبک جاحظ را دنبال می‌کرد. از پدرش محمد حضرمی و محمد مازنی و حسن عنبری و جعفر فریانی و عبدان اهوازی و ابوالقاسم بغوی حدیث شنید. و به آورده‌ی «تاریخ فارس» از جماعتی از بزرگان شیراز استفاده کرد و جزوه‌ها نگاشت. ابوالحسین صیداوی و حسن شیرازی و محمد بن موسی بن مردویه و قاضی احمد نهاوندی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او را از پیشگامان علم اصول الحدیث می‌دانند، که در این زمینه در کتاب معروف خود «الحمدث الفاصل بین الراوی و الواعی» ابواب بسیاری را مطرح کرد. شریف ابومحمد حسن محمدی که از مشایخ طوسی و نجاشی است از شاگردان وی به حساب می‌آید. سالیانی در شهرهای خوزستان عهده‌دار منصب قضاوت بود. او تا سال 360 ق در رامهرمز باقی ماند و در همان جا درگذشت. از آثارش: کتاب «الریحانتین الحسن والحسین (ع)»؛ «امام التنزیل فی علم القرآن»؛ «النوادر و الشوادر»؛ «ادب الناطق»؛ «رساله السفر»؛ «الرثاء یا المراثی و التعازی»؛ «الفلک فی مختار الاخبار و الاشعار»؛ «ربیع المتیم فی اخبار العشاق»؛ «کتاب امثال النبی (ص)»؛ «المناهل و الاعطان والحنین الی الاوطان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (133 -129 /5)، ایضاح المکنون (565 ،442 ،347 ،315 ،307 ،297 /2 ،564 ،548 ،125 ،124)، سیر النبلاء (75 -73 /16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88/4)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (255)، کشف الظنون (1612 ،1122)، معجم الادباء (17 -5 /9)، معجم المؤلفین (235/3)، مقدمه ابن‌الصلاح (4)، الوافی بالوفیات (65 -64 /12)، هدیه العارفین (271 -270 /1).

راوندی کاشانی، ضیاءالدین، ابوالرضا فضل‌اللّه

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 570 ق)، عالم، محدث، ادیب و شاعر. دارای علو نسب بود و کمال فضل و حسب را نیز به دست آورد. وی شاگرد ابوالمحاسن رویانی و ابوالبرکات حسینی مشهدی و ابوعلی، فرزند شیخ طوسی و ابوالصمصام ذوالفقار بن محمد حسنی است و به واسطه‌ی این دو نفر اخیر از شیخ طوسی روایت می‌کند. شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و پدر خواجه نصیر، شیخ محمد طوسی، از شاگردان وی بوده‌اند و از او روایت کرده‌اند. سمعانی در «الانساب» گوید: «به کاشان که رسیدم به عزم زیارت سید ابوالرضا ضیاءالدین راوندی به خانه‌اش رفتم، بر سر در خانه‌ی او «آیه‌ی تطهیر» را با گچ نوشته بودند، بعد از ملاقات بیش از آنچه شنیده بودم دیدم و احادیث بسیاری از خودش شنیده و نوشتم و چند قطعه از اشعارش را نگاشتم و چند بیتی خودش برایم نوشت». فرزندان و نوادگان او همگی از اهل علم بودند. از آثار وی: «ضوء الشهاب»، شرحی بر «شهاب» قاضی قضاعی؛ «ادعیه السر»؛ «کتاب النوادر»؛ «مقاربه الطیه الی مقارفه النیه»؛ «قصص الانبیاء»؛ «تفسیر الراوندی» به نام «الکافی»، در تفسیر قرآن مجید؛ «ترجمه العلوی للطب الرضوی»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «الاربعین»، در احادیث؛ «الحماسه»؛ شرح «النهج‌البلاغه»؛ «المورجز الکافی فی علم العروض و القوافی»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (410 -408 /8)، ایضاح المکون (659 ،531 ،346 ،259 ،74 /2 ،305 ،281 ،53 ،52 /1)، الذریعه (337/24 ،378/21 ،247 ،245 /17 ،121 -120 /15 ،143/14 ،352/9 ،423/1)، روضات الجنات (352 -350 /5)، ریاض العلماء (374 -363 /4)، ریحانه (11 -9 /4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 218 -217 /6)، فوائد الرضویه (355 -354)، فهرست منتجب‌الدین (144 -143)، الکنی و الالقاب (436 -435 /2)، لغت نامه (ذیل/ ابوالرضا)، معجم المؤلفین (75/8)، هدیه الاحباب (141 -140)، هدیه العارفین (821/1).

راوندی کاشانی، عزالدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. معاصر با شیخ منتجب‌الدین بود. سید علی خان در «الدرجات الرفیعه» وی را ستوده و گوید: «مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاد که علماء و فضلا و زهاد و حجاج و خلق بسیاری در آن ساکن بودند. از آثار وی: «تفسر القرآن»، که به «تفسیر عزالدین» معروف است و ناتمام؛ «الطراز المذهب فی ابراز المذهب»؛ «مجمع الطائف و منبع الطرائف»؛ کتاب «غمام الغموم»؛ کتاب «مزن الحزن»؛ کتاب «نثر اللآلی لفخر المعالی»؛ کتاب «الحسیب النسیب»؛ «غنیه المتغنی یا المستغنی یا المستفتی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (301/8)، الذریعه (55/24، 328/20، 69، 60، /16، 159/15، 21/7، 282/4)، ریاض العماء (178/4، 313 -312 /3)، ریحانه (11/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 200 -198 /6)، فوائد الرضویه (355 -354)، الکنی و الالقاب (436 -435 /2)، هدیه الاحباب (141 -140).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 195/161/155/151 ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسره و هرمز نیز نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 301- 302)، روضات الجنات (3/ 235- 237)، ریحانه (2/ 298- 299)، الکنی و الالقاب (2/ 269- 270)، لسان المیزان (2/ 662- 664)، لغت نامه (ذیل/ حماد)، معجم الادباء (10/ 258- 266)، الوافی بالوفیات (13/ 137- 142)، وفیات الاعیان (282/5، 212، 210، 206- 36، 2/ 448/1).

راه نجات، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1326 -1268 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در آغاز مشروطیت به همراه دایی خود ملک‌المتکلمین در صف آزادی‌خواهان بود در سال 1294 ش روزنامه‌ی «راه نجات» را در اصفهان انتشار داد. وی در سال 1314 ش به مناسبت نوشتن مقاله‌ای به زندان افتاد و روزنامه‌اش توقیف شد. راه نجات پس از شهریور 1320 ش مجددا به انتشار روزنامه‌اش پرداخت. وی کتابی به نام «راه نجات» در ترویج آئین اسلام و مبادی آزادی تالیف کرد که اجازه‌ی چاپ نیافت. راه نجات در اصفهان فوت کرد و در گورستان تخت فولاد دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (317 -313 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (293/3).

رایقی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1271 ش)، روزنامه‌نگار. وی در رشت متولد شد. مقدمات علوم قدیمی و جدید را در شهر خود گذراند و پس از آن به سمت آموزگاری و مدیریت مدارس رشت رسید. پس از جریان انقلاب گیلان، همراه با جمعی دیگر از مهاجرین به قزوین رفت. وی در سال 1303 ش امتیاز مجله «فرهنگ» را گرفت و آن را به صورت ماهانه انتشار داد. رایقی در سال 1307 ش به تهران احضار شد و به مدیریت دبستان سعادت شماره‌ی چهارده منصوب شد. از سایر مشاغل او می‌توان به نمایندگی فرهنگ و اوقاف ساوه و مدیریت دفتر فرهنگ اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (77 -76 /4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (271/3).

رائین، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده، روزنامه‌نگار.
تولد: 1298، بوشهر.
درگذشت: 9 دی 1358.
اسماعیل رائین پس از گرفتن دیپلم ادبی، به تحصیل در دوره‌ی روزنامه‌نگاری چهار ساله‌ی دانشگاه تهران پرداخت. وی همچنین فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی پست و تلگراف بود و در رشته‌ی رادیو و بی‌سیم نیز از آمریکا دیپلم مکاتبه‌ای گرفت. خدمت مطبوعاتی را از سال 1318 با نوشتن مقالاتی در روزنامه‌ی «خلیج ایران» در بوشهر آغاز کرد و از سال 1320 به طور تمام وقت و دائمی به کار در مطبوعات پرداخت. ضمن فعالیت مطبوعاتی خود در نشریه‌های «کیهان»، «اطلاعات»، «آتش»، «ایران»، «خراسان»، «تهران مصور»، «روشنفکر» و «فردوسی» به عنوان نویسنده و خبرنگار کار کرد. به زبان انگلیسی آشنا بود و به بسیاری از کشورهای اروپایی سفر نمود. تألیفات وی نزدیک به بیست کتاب است. از آثار اوست: تصحیح و مقدمه اختناق ایران (تألیف مورگان شوشتر، ترجمه‌ی ابوالحسن موسوی شیرازی، 1345)؛ اسناد و خاطره‌های حیدرخان عمو اوغلی (1358)؛ انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت (ترجمه و تألیف، 1345)؛ انشعاب در بهائیت (1357)؛ اولین چاپخانه در ایران (1347)؛ ایرانیان ارمنی (1349)؛ پسران صولت قشقایی (1333)؛ حقوق بگیران انگلیس در ایران (1247)؛ حیدرخان عمو اوغلی (1352)؛ در کرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی حاکمیت ایران (1330)؛ دریانوردی ایرانیان دو جلد، 1350)؛ دلالان بین‌المللی نفت، سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی (1347)؛ فراموشخانه و فراماسونری در ایران (سه جلد، 1347)؛ قیام جنگل؛ یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی (1357)؛ میرزا ملکم‌خان؛ زندگی و کوشش‌های او (1349)؛ یپرم‌خان سردار (1350).
وی از اعضای پایه‌گذار اتحادیه‌ی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دوره ریاست هیئت مدیره و عضویت در هیئت‌های اجرایی این اتحادیه را به عهده داشت. اسماعیل رائین گاهی مطالب خود را در روزنامه‌ها و مجله‌ها با نام مستعار «بهمن» امضا می‌کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربابه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حدود 1297 ق، از زنان فاضل، سخنور، محدث و متکلم. وی دختر ملا محمدصالح برغانی (1275 / 1270 ق) و آمنه خانم قزوینی و خواهر فاطمه ملقب به قرةالعین بود. او از خاندان علم و دانش بود که بسیاری از مردان و زنان آن از علما و فضلای مبرز زمان خود به شمار می‌رفتند.
وی مقدمات زبان عربی و ادبیات را نزد مردان خانواده و خواهرش قرةالعین فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش و عمویش ملا محمدتقی برغانی (1264 ق)، معروف به شهید ثالث، آموخت. یک دوره حکمت و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی گذراند و در عرفان نزد عمویش ملا علی برغانی و برادرش میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با میرزا هبةاللّٰه رفیعی قزوینی ازدواج نمود.
او در جایگاه درس و وعظ و ارشاد قرار گرفت و به استنباط احکام شرعی می‌پرداخت و با علما مباحثه و مجادله می‌کرد و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به نظر و احکامش عمل می‌کرد، تا جائی که امید و پناهگاه مستمندان و درماندگان بود. در سخنرانیها و مجالسش فراوان از ناصرالدین شاه قاجار (1313 -1264 ق) و درباریان و نزدیکانش انتقاد و بدگویی می‌کرد و هیچگاه ناصرالدین شاه متعرض او نگردید.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 105 -104 / 4.

ربانی خواه، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی ربانی خواه
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/7/1
زندگینامه علمی
به سال 1342 در خانواده ای روحانی در شهر قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در شهر قم گذراندم. درسال 1364 وارد حوزه علمیه شدم. مقدمات را در مدرسه رضویه گذراندم. در دوره سطح از محضر مرحوم آیت الله طاهر شمس و پایانی، و حجج اسلام موسوی تهرانی، پایانی، نکونام، خسروشاهی، هادوی و کدیور بهره بردم.و از دروس خارج آیات عظام شبیری زنجانی (فقه)، وحید (اصول) کسب فیض نمودم . در کنار دروس حوزه به امور پژوهشی و تالیف نیز اشتغال داشته ام. همچنین با برخی از مراکز پژوهشی همکاری داشته و دارم. در حوزه های کتابداری، کتابشناسی، ویرایش و اطلاع رسانی نیز فعالیت داشته ام. در زمینه های یاد شده تدریس نیز کرده ام. در راه اندازی چندین موسسه پژوهشی و کتابخانه تخصصی نیز همکاری داشته ام. همچنین در حوزه های یاد شده خدمات مشاوره ای بسیاری به موسسات پژوهشی داده ام.

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق ربانی خوراسگانی
محل تولد : اصفهان
شهرت : ربانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
در مهر ماه سال 1370 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال 76 به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود 5 سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیة الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی شیرازی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای آقا میرزا عبدالرحیم شیرازی از علماء و فضلاء به نام حوزه علمیه است. وی در شیراز متولد شده و پس از طی مقدماتی برای تکمیل مبانی علمی و تحصیل کمالات به قم مهاجرت نموده و سطوح و متون فقهی و اصولی را از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد یزدی و دیگران فراگرفته و دروس فقه و اصول استدلالی و تحلیلی را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی. و نیز بعضی دیگر استفاده نموده و به تالیف و مباحثات خصوصی پرداخته است.
از آثار اوست تعلیقات بر وسائل الشیعه از اول طهارت تا آخر دیات که 16 مجلد آن به طبع رسیده و نیز آثار دیگری از تعلیقات بر بحارالانوار و غیره دارد که بعضی مطبوع و برخی هم مخطوط مانده است.
عالم.
تولد: 1303، دارالفضیله شیراز.
درگذشت: 17 اسفند 1360، بین راه دلیجان- محلات.
آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مداس علمیه‌ی شیراز به سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسما به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. همزمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسه‌ی علمیه‌ی آقا باباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشرف شد. در قم، چند سالی در مدرسه‌ی حجتیه سکنی گزید تا آن که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.
شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضاشاه، ایستادگی در مقابل برنامه کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد

آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های 1320 بود.
آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامه تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینه مهاجرت، سرانجام در سال 1327 راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزه‌ی درس آیت‌الله بروجردی حاضر شد.
از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق وسائل الشیعه؛ تصحیح و تعلیق بحارالانوار؛ قضاءالحقوق فی ترجمة الصدوق؛ حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛ رساله در عدم تحریف قرآن مجید؛ کتاب صلاة و ادعیه و قرآن و ملابس که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ مقدمه بر بحارالانوار و وسایل الشیعه؛ مقدمه‌ی مبانی الاخبار (در 94 صفحه، در ترجمه صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.
آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیه‌ی همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصبین بدون آنکه هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ربانی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر ربانی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1358 وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استاتیدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعّالیتهای اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاسداری یکی دیگر از برنامه های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه های زندگیم را سفرهای تبلیغی تشکیل می داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ های گوناگون آشنا می شدم . ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.
در سال 1371 رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال 1375 در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیبم گردیده.
نوشتاری را تقریباً از سال 1374 شروع کردم.مشوق اصلی من در این رشته جناب حجة الاسلام مهدی مهدوی پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اوّلین کتاب خود را نوشتم(کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)
بی انصافی است اگر از تشویقات همسرم در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدّتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ

رسانید(کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم. در سال 1384 پایان نامه سطح 3 را با موضوع عدالت خداوند به رشته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفاع رسید و آقایان داور با اعطای نمره 19 اینجانب را بسیار تشویق نمودند و با توفیقی الاباللّه. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار(دکترا) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.
باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا ورزی طلبگی و سایر شؤن دینی و سیاسی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه 6 باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدّتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.
از دیگر مراحل علمی زندگیم، شرکت در دروس خارج است که به مدّت 13 سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هستند تا با اطلاع رسانی سریع تر برای همه مخاطبان خود مفید و نافع باشند در پایان امیدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

ربعی، علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(420 -328 ق)، نحوی لغوی. اصل وی از شیراز بود ولی در بغداد سکنی داشت. از محضر ابوسعید سیرافی دانش آموخت. سپس به شیراز مهاجرت کرد و از بوعلی فارسی کسب علم کرد و در حدود بیست سال ملازم وی بود، چندی بعد به بغداد بازگشت و در آنجا اقامت گزید تا اینکه دار فانی را وداع گفت در باب وی گفته‌اند: اگر شرق و غرب را بگردید فردی داناتر از وی در علم نحو نمی‌یابید. از آثار وی: «البدیع فی النحو»؛ «التنبیه علی خطا ابن‌جنی فی تفسیر شعر المتنبی»؛ «شرح الایضاح»، در نحو؛ «شرح البلغه»؛ «شرح مختصر الجرمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (134/5)، ایضاح المکنون (172/1)، تاریخ بغداد (18 -17 /12)، الذریعه (56/14، 117/13)، روضات الجنات (231/5)، ریحانه (301/2)، سیر النبلاء (393 -392 /17)، کشف الظنون (212)، الکنی و الالقاب (271/2)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (85 -78 /14)، معجم المؤلفین (164 -163 /7)، وفیات الاعیان (336/3)، هدیه العارفین (686/1).

ربن

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(عبر. ربان) طبری از تربیت یافتگان حوزه علمی مرو، و بردین نصرانی- و به قولی بردین یهودی- بوده است (قر. 2 و اوایل قر 3 ه.) وی در طب و نجوم و ریاضیات ماهر و از مترجمان معروف عهد خود به شمار می‌رود. از جمله منقولات او نسخه‌ای از «المجسطی» بود از یونانی به عربی که کاملتر از نسخ منقول دیگر بود. وی پدر علی ابن ربن طبری (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ربیع انصاری اصفهانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1318 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر انجام داد. سپس به ارومیه رفت و در آن شهر «روزنامه‌ی کیوان» را منشتر ساخت. از آثار او: «افشای حقایق پاسخ به اعلامیه‌ی 29 آذر سید ضیاءالدین»؛ «جنایات بشر یا آدم‌فروشان قرن بیستم»؛ «سیزده عید وضع اجتماعی زن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (368)، مؤلفین کتب چاپی (103 -102 /3).

رجاء، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1298 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی تصحیلات مقدماتی خود را در دبیرستان ایرانشهر و دارالفنون به پایان رسانید. و پس از طی دوره‌ی ادبی از ادامه‌ی تحصیل بازماند؛ ولی در خارج به تحصیل فلسفه و ادبیات اشتغال ورزید و همچنین به علت ذوق موسیقی و نقاشی در هنگام فراغت به فراگیری این دو رشته می‌پرداخت؛ بعد به کار روزنامه‌نگاری اشتغال ورزید و شغلش مدیریت دایره‌ی مطبوعات اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات کشور بود. در کابینه امینی به معاونت نخست‌وزیری درآمد و امور مطبوعات را زیر نظر گرفت. از آثار وی: «دلیران تیسفون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (35 -34 /6).

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم رجایی رامشه
محل تولد : سمیرم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه 1339 در شهر حناء «استان اصفهان » به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال 1355 به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم .موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم .
حدود سالهای 63 وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال 67 وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال 1375 از پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان:« قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی » با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سر انجام در خرداد ماه سال 1384 از پایان نامه خود با عنوان « ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن » به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجة الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم . در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله ، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های « معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن » و « ماهیت بهره و کارایی آن » می باشد.

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1281 ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (209 -207)، تذکره القبور (102 -101)، الذریعه (741 ،355 /9)، فرهنگ سخنوران (369).

رجب نیا، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1298 ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در دبیرستان البرز و دانشسرای عالی به پایان برد. در سال 1322 ش به خدمت فرهنگ درآمد. و مدتی به کار تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌های «ابراهام لینکن»، «داوید کاپرفیلد»، «دین برای دیر باوران»، «سازمان اداری حکومت صفوی» و «طب اسلامی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (176 -174 /6).

رجبی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رجبی
محل تولد : جاسب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال 1330 هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال 1343 به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستة آن روزگار به پایان برد. سپس در سال 1350 به درس خارج فقه و اصول استادان برجستة حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیةالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیةالله امینیان و حجةالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیةالله مقتدایی و

معانی و بیان را نزد آیةالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیةالله طاهری خرم آبادی و آیةالله مؤمن و در درس مکاسب آیةالله ستوده، آیةالله مصلحی اراکی و آیةالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایةالاصول نیز به درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیةالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورة سطح، به درس خارج آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیةالله العظمی وحید خراسانی، آیةالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیةالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیةالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیةالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطة دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رحماندوست، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای مصطفی رحماندوست در سال 1329 در همدان متولد گردید. پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت? زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال 1349 تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود. رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.ترجمه کتاب "نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی رحماندوست پس از پایان تحصیل دوران ابتدائی و متوسطه، تحصیلات عالی خود را در رشت? زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به پایان رساند، و از سال 1349 تحقیق و نوشتن در مورد ادبیات کودکان را شروع نمود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی رحماندوست تابحال مسئولیتهای مختلفی را در برنامه کودک صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نشریه پویه بعهده داشته و هم اکنون نیز مدیر مسئول مشریات رشد (آموزش و پرورش) است.
جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "نگهبان چشمه " مصطفی رحماندوست بعنوان کتاب سال در دوره اول انتخاب شده است. ----------
---
آثار :
1 اسم من علی اصغر است
ویژگی اثر : قصه برای نوجوانان
2 انتظار را د رکوه، درخت و چشمه می بینم گرد آوری سرودهای بچه ها در بار? امام زمان علیه السلام می بینیم
3 بازگشت قصه تاریخی برای کودکان
4 بسوی خانه
5 بلبل خوش آواز

6 جوانه های امید گرد آوری سرودها دربار؟ انقلاب و جنگ
7 چشمه نور مجموعه شعرهای سال 55 تا 61 برای کودکان
8 خاله خودپسند دو قصه برای کودکان
9 درسی برای گنجشک
ویژگی اثر : قصه منظومه برای کودکان
10 سربداران نمایشنامه
11 علی کوتوله بالای کمد
ویژگی اثر : قصه منظومه برای خردسالان
12 نگهبان چشمه
ویژگی اثر : ترجمه یک قصه فلسطینی-برگزیده کتاب سال-این کتاب قصه ای فلسطینی است. داستان کتاب، فداکاری دختری است بنام سماء که پاهایش قدرت حرکت نداشته و برای خدمت به مردم نگهبانی چشمه ای را که آب ده را تأمین می کند بعهده می گیرد و سرانجام برای آگاه ساختن مردم به از حمله دزدان (بوسیله بصدا در آوردن زنگی که نزدیک چشمه آویخته شده)، جان خود را از دست می دهد و مردم نیز پاس این فداکاری پرچمی چهار رنگ (پرچم فلسطینی) به یاد او تهیه می نمایند که بر بالای خانه ها نصب می شود و نشانی از مبارزه با بیگانگان است. ----------
---

منابع :
1www.ketabesal.ir

رحمانی فرد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رحمانی فرد
محل تولد : سبزوار
شهرت : رحمانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال 1353 به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه 6و 7) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال 1354 دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

رحمانی همدانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد فرزند مالک رحمانی همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست که در تاریخ 1314 شمسی برابر 1355 قمری در جوقیات همدان که دو فرسخ شهر فاصله دارد، متولد شده و پس از گذرانیدن دوران کودکی و خواندن دروس فارسی مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدعلی عالمی دامغانی خوانده و سطوح وسطی نهائی را در خدمت مرحوم حاج شیخ اسداله حجت همدانی و مرحوم حاج سیدمصطفی هاشمی و حاج شیخ علی انصاری به پایان رسانیده و کفایه‌الاصول را متنا و خارجا و نیز معارج عروه‌الوثقی علامه یزدی و تفسیر را از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آخوند ملاعلی همدانی بهره‌مند گردیده و استفاده کامل نموده است.
و از معنویات و اخلاقیات آن عالم ربانی حظ وافر برده و در سال 1344 شمسی برابر 1385 قمری به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از راه و طریق منبر رفتن به تبلیغ اسلام و ترویج دین و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته و تا حال تحریر این کتاب سال 1411 قمری مفتخر به این خدمت می‌باشد و جدا منبری ولایتی و آموزنده و سازنده دارد.
دارای تألیفات مفید و ارزنده است که از آنها کتب زیر است:
1- الامام علی بن ابی‌طاب علیه‌السلام که به طبع رسیده و مطبوع همگان بالاخص اهل فضل می‌باشد.
2- فاطمه الزهراء علیهاسلام که جامع و مفیدترین کتاب در فضائل و زندگانی آن حضرت است. و با بهترین کاغذ و جلد منتشر شد.
3- مقاله تکامل در سایه اهل‌بیت که در گفتار وعاظ به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

رحمانی، نصرت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرت الله رحمانی در سال 1308 ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو ، و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در آنجا پی گرفت. پس از اتمام تحصیلات، در آن وزارتخانه مشغول به کار شد. و ضمن آن سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد و این شاعر نوپرداز در سال های آخر عمر، به شهر رشت کوچ کرد و سرانجام در تابستان 1379 ، درهمین شهر درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : نصرت الله رحمانی در تهران و در خیابان عین الدوله بزرگ متولد شد. او در یکی از کتاب هایش می نویسد:«نام پدرم گویا اسدالله است !»
تحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرت رحمانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ناصر خسرو و متوسطه را در دبیرستان ادیب به پایان رسانید و سپس وارد مدرسه پست و تلگراف شد و تحصیلات خود را در این مدرسه پی گرفت.
خاطرات و وقایع تحصیل : نصرت رحمانی از دوران تحصیل خود چنین تعریف می کند: « ... از هنرکده نقاشی به خاطر پاره ای بحران ها بیرونم کردند. من هم به مدرسه پست و تلگراف رفتم. روزهای شلوغی بود. مدیر مدرسه ما «پژمان بختیاری» شاعر، استعداد مرا زود درک کرد و روزنامه ی دیواری مدرسه را دراختیار من گذاشت. آغاز کار روزنامه نویسی از همین جا شروع شد... »
فعالیتهای ضمن تحصیل : نصرت الله رحمانی در طول تحصیلات رسمی، مدتی نیز وارده دانشکده نقاشی شد و زیر نظر « عباس کاتوزیان » به فراگیری نقاشی پرداخت.
استادان و مربیان : نصرت رحمانی هنر نقاشی را نزد عباس کاتوزیان فرا گرفت.
وقایع میانسالی : محمود آزاد تهرانی شاعر معاصر و یکی از دوستان نصرت رحمانی ، از عصیان او پس از سالهای کودتای 28 مرداد یاد می کند و می گوید: « نصرت رحمانی شاعری بود که در یک دوره تاریخی خاص

سربرآورد و نماینده یک جنبش شد.» م. آزاد در مورد این دوره چنین می گوید: « دوره پرشور جنبش ملی شدن نفت تمام ملت را سیاسی کرده بود ، کودتای 28 مرداد ضربه اصلی را به این جنبش زد ولی ضربه وقتی کاری شد که روشنفکران و مبارزان را زندانی کردند ، به تبعید فرستادند و یک دوره خفقان و تاریک به وجود آوردند. در این دوره رژیم سعی می کرد تا تمام ارزش هایی را که مایه افتخار ملت بود نفی کند و رمز موفقیت شعر رحمانی در این بود که این شعر در دوره خفقان ، علیه ارزش های حاکم سربرداشت... پیام رحمانی عصیان بود ؛ عصیان علیه ارزش های بورژوازی که پس از کودتا شکل تقدس به خود می گرفت... نثرت در آن دوره به طور مسقیم از زوال ، فروپاشیدگی و انحطاط گفت و در در مقدمه یکی از کتاب هایش نوشت شعر من از آنجا موفق شد که شعر اعتراض بود علیه اشرافیت ... اگر بخواهید دردمندی و فریادی که در شهر رحمانی هست توجه کنید ، همین معنی عصیان و اعتراض است. رحمانی یک آدم سیاسی بود و قبلاً شعرهایش در روزنامه های حزبی چاپ می شد. » نصرت درمجله ی سپید و سیاه اعلام کرده بود که می خواهد شعر را به میان مردم ببرد، به همین منظور به همراه مینا اسدی شاعر دیگری از نو پردازان به قهوه خانه ای در جنوب شهر تهران « میدان شوش » رفتند و هنگام شعر خوانی با بدخویی و مخالفت و عدم پذیرش قهوه خانه نشینان روبرو شدند.
زمان و علت فوت : نصرت رحمانی در تابستان 1379 ، در شهر رشت درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرت رحمانی، پس از به پایان بردن تحصیلاتش در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد. او در مورد وضعیت اشتغال خود چنین می گوید: « ... آن روزها به وزارت پست وتلگراف می گفتند وزارت شازده ها ، راست هم می گفتند چون اولین وزارتخانه ی ایران بود ، شاهزاده ها هم به اصطلاح با سواد بودند ، تخم و ترکه ی قاجار هم که خودتان می دانید ، هرکس از تخم و ترکه ی آنها بود به کارمندی استخدام می شد یا با معرفی آنها. اتفاقاً یکی از همین شازده ها معرف من به مدرسه شد وگرنه راهم نمی دادند آخر سوابق مشعشانه ای داشتم ! باری از همان جا به رادیو راه یافتم اما پس از چند سال که کار نکردم و حقوق گرفتم ... پس از چند سال درگیری با رییس قسمتم ، مرا به سرپرستی پست و تلگراف کاشان تبعید کردند ، من هم چون به عقرب علاقه نداشتم ، نرفتم. آنها هم یکی دو سال حقوق مرا پرداختند ، وقتی مطمئن شدند که آدم شدنی نیستم آن شندر غاز را هم قطع کردند. »
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرت رحمانی سالها در چند مجله و روزنامه قلم زد.او علاوه بر نوشتن قصه و رپرتاژ، مسوول صفحات ادبی

آن مجلات نیز بود. از مجلاتی که وی با آنها به همکاری می پرداخت مجله فردوسی، امید ایران و سپید و سیاه ، اطلاعات هفتگی و با چند مجله ی دیگر بود.
آرا و گرایشهای خاص : نصرت رحمانی نخست تحت تاثیر سبک و شیوه سرایش فریدون توللی بود، ، اما بعد ها به شیوه زبانی ویژه خود دست یافت. شعرهایش به لحنی تلخ از دردها ، پلیدیها و تباهی های دامنگیر اجتماعی، و از عشقی که در میان به لجن کشیده شده است ، سخن می گوید. از دیدگاه او زندگی سرتاپا سیاه و چرکین است؛ خود وی شعرش را سیاه و چرکین می نامد. اما شاید تعبیر « شعر تلخ » برای آن برازنده تر باشد. شعرش از احساسی نیرومند برخوردار است. زبانش زبانی ساده و گاه حتی تا حد زبان کوی و برزن خودرا همسان می سازد وی نخستین کسی است که واژه ها و اصطلاحات کوچه و بازار را وارد شعر نو کرده است. محمود آزاد تهرانی در باره زبان شعر رحمانی چنین می گوید: « او کلمات عادی را وارد شعر کرد و از به کار گرفتن کلمات مجلل و مطنطن پرهیز داشت و همین ویژگی سبب شد تا نیما بعد از خواندن یکی از شعرهای رحمانی به وجد بیاید و مقدمه ای بر کتابش بنویسد. در آنجا نیما یادآوری می کند که رحمانی با جرات تمام کلماتی را در شعر به کار می برد که دیگران تصورش را هم نمی کنند. » ----------
---
آثار :
1 پیاله دور دگر زد
2 ترمه
3 حریق باد
4 داستان مردی که در غبار گم شد
5 درجنگ باد
6 درو
7 شمشیر معشوقه قلم
8 کوچ
9 کویر
10 گزینه اشعار
11 میعاد در لجن

منابع :
1روزنامه مردم سالاری ، سه شنبه 28 اسفندماه 1380 ، شماره

712شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج1 ، تهران: سنایی ، ص 387

رحمدل، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا رحمدل در سال 1330 در لاهیجان بدنیا آمد. وی دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1371 و عضو هیئت علمی و استاد پایه 28 دانشگاه گیلان است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : نام پدر غلامرضا رحمدل مرتضی رحمدل و نام مادرشان خانم بزرگ موسی پور است که هردو به دار فانی را وداع گفتند.
خاطرات کودکی : غلامرضا رحمدل قبل از دوره دبستان بمدت 2 سال به یادگیری قران در مکتب خانه پرداخته است.دوره دبستان را در روستا گذراند.مدرسه ایشان توسط یک معلم در شش پایه اداره می شد که این معلم از سواد بیشتری برخوردار نبود.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا رحمدل در خانواده ای از نظر اقتصادی ضعیف بدنیا آمد.پدرو مادر وی سواد خواندن و نوشتن نداشتند.وی قبل از دوران سربازی کار می کرد و بعد از سربازی در سال 1353 یکسال به آموزگار پرداخت و شبانه به تحصیل خود در دانشگاه تربیت معلم ادامه دادند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا رحمدل تحصیلات ابتدایی را در روستای محل زادگاهش گذراند .مقطع متوسطه را در دبیرستان مهدویه لنگرود ،کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تربیت معلم (بسال 1357) ،کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران (در سال 1364) و دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1371 گذراند.
خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا رحمدل از این دورا چنین می گوید: دبستان روستای ما با بخاری هیزومی گرم می شد و دانش آموزان موظف بودند در اولین روز هر هفته یک پشته هیزم و یک بطری نفت با خود به مدرسه بیاورند.
فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا رحمدل در حین تحصیل به شغلی معلمی در روستای چوشل لاهیجان و دبیرستان های منطقه 13 تهران می پرداخت
استادان و مربیان : معلمان و استادان غلامرضا رحمدل در مقاطع مختلف

تحصیل به شرح زیر است: مکتب خانه : طالقانی دبستان : دکتر شفیعی کد کنی ،کیانی ، انصاری دبیرستان : حاج محمدی ،حاج تقوای دانشگاه : دکتر زرین کوب ، دکتر شعار ، دکتر ضیا الدین سجادی ، دکتر آموزگار ،دکتر حاکمی ،دکتر رنجبر ،دکتر احمدی بهنام ،دکتر احمدی ، دکتر حریرچی ،دکتر تجلیل ،دکتر سادات ناصری و دکتر بحرالعلومی
هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای غلامرضا رحمدل در دوره کارشناسی ،خانم اعظم طالقانی (دختر مرحئم آیه الله طالقانی) و در مقطع دکتری ،دکتر منوچهر اکبری و دکتر کی منش بوده است.
همسر و فرزندان : غلامرضا رحمدل متاهل و دارای همسر بنام دکتر آذرکوشا (پزشک)و 4 فرزند بنامهای سمانه ،دانشجوی معماری -ساره دانشجوی شیمی - صادق محصل مقطع پیش دانشگاهی و علی محصل کلاس سوم ابتدایی است.
وقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته در این دوران از زندگی غلامرضا رحمدل فوت پدر ، مادر و خواهرش و همچنین به شهادت رسیدن چند نفر از دوستانش می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی: رییس آموزش و پرورش لنگرود 1360-1363 معاون اداری و مالی دانشگاه آزاد واحد رشت 1364-1366 رییس آموزش وپرورش بندر انزلی 1363-1365 معاون جنگ دانشگاه گیلان 1365-1366 رییس دانشکده ادبیات وعلوم انسانی 1370-1376 معاون دانشجوئی و فرهنگی دانشگاه گیلان 1374-1375 مسئول بسیج اساتید استان گیلان از 1380 تا کنون عضو شورای فرهنگی عمومی استان گیلان عضو شورای فرماندهی سپاه لنگرود در سال 1359 عضو مسئول حزب جمهوری اسلامی لنگرود 1361-1363 مربی دانشگاه گیلان 1365-1371 استادیار دانشگاه گیلان 1371-1380 دانشیار دانشگاه گیلان 1380 استاد دانشگاه گیلان از سال 1385 تا کنون
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : غلامرضا رحمدل مرکز پژوهشی گیلان شناسی دانشگاه گیلان را راه اندازی کرده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامرضا رحمدل در کنار تدریس به سرودن شعر و تحقیق می پردازد.ایشان رسیدگی به امورات زندگی و خانواده را در اولویت کاری خود قرار می دهد.
شاگردان : اساتید فعلی گروه ادبیات دانشگاه های گیلان و آزاد رشت از شاگردان غلامرضا رحمدل هستند.
آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه: نقد ادبی - ادبیات معاصر - تاریخ اسلام
جوائز و نشانها : کسب مقامهای علمی 1- برنده مسابقه شعر جنگ و دریافت نامه افتخار از وزیر وقت فرهنگ وارشاد اسلامی مهر ماه 1360

2 - دریافت دیپلم افتخار 8 سال دفاع مقدس از معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا 1368 3 - احراز مقام نخست در دومین جشنواره سراسری دانشگاهیان ایران ویژه عزت وافتخار حسینی بهمن ماه 1381 4 - احراز مقام سوم در مسابقه سراسری عباس(ع) باب الحوائج در بخش مقاله خرداد ماه1383 بر گزار کنندگان: صدا وسیما - نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشکاهها 5- برگزیده کتاب سال دفاع مقدس در سال 1386 کتاب گذاره های چاه و آه 6- برگزیده مسابقه نقد کتاب سال در 1386 با نام نگاهی به نقد ادبی - از سوی سرای اهل قلم
چگونگی عرضه آثار : غلامرضا رحمدل دارای 5 کتاب در زمینه تاریخ اسلام و 5 کتاب در زمینه ادبیات فارسی است.وی دارای 28 مقاله چاپ شده دارد.ایشان دارای سه طرح پژوهشی می باشند. ----------
---
آثار :
1 از زمزمه تا فریاد (مجموعه شعر)
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان
2 از کربلا تا حره (سه سال بعد از عاشورا)
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان
3 بال بال ثانیه ها
ویژگی اثر : مجموعه شعر-انتشارات دهسرا - رشت 1386
4 تذکره شهدای کربلا (شهدای انصار)
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان
5 تذکره شهدای کربلا (شهدای بنی هاشم)
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان
6 تذکره شهدای کربلا1و2
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ دوم -1385)-1386
7 چشیدن دریا 50 مقاله پیرامون تاریخ اسلام
ویژگی اثر : انتشارات حرف نو رشت 1384 چاپ دوم
8 حماسه آب
ویژگی اثر : در دست چاپ- عاشورا شناسی
9 حماسه عطش
ویژگی اثر : عاشورا شناسی-پژوهشاهی موضعی پیرامون عاشورا شناسی-انتشارات دهه رشت سال 1386
10 دیدگاههای حکومتی سعدی
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان
11 رجزهای یورشی در کلام حماسه آفرینان کربلا چاپ اول و دوم
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان

12 رنگ و درنگ اب
ویژگی اثر : پژوهشهای قرانی سال 1385-زیر چاپ
13 سی دی شعر گیلکی بجار کار
ویژگی اثر : تکثیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس رشت
14 شکفتن توفان
ویژگی اثر : (مجموعه شعر) چاپ اول -انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی-تهران 1386
15 صخره در گلوگاه آب
ویژگی اثر : در دست چاپ - مجموعه شعر
16 عروض
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان چاپ سوم 1385
17 گدازه های چاه و آه
ویژگی اثر : ادبیات انقلاب - مجموعه شعر-انتشارات بنیاد شهید گیلان -1385.کتاب سال دفاع مقدس در کشور -یازدهمین همایش معرفی کتاب سال دفاع مقدس 1386
18 گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)
ویژگی اثر : انتشارات نیستان
19 ما ایستاده ایم
ویژگی اثر : مجموعه اشعار دوران دفاع مقدس-انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس -رشت 1386
20 مجموعه مقالات گیلان شناسی
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان ----------

منابع :

1http://staff.guilan.ac.ir/ViewFInfo.asp?vID=310E0C081704012پرسشنامه تکمیل شده فرهیختگان توسط دکتر غلامرضا رحمدل بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان 1385

رحیم پور، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر مسعود رحیم پور در سال 1329 در شهرستان اهر بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئنزلند استرالیا در سال 1376 می باشد.وی از سال 1358 بعنوان عضو هیات علمی در گروه زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شده اند و اکنون هم با رتبه دانشیاری در دانشکده فوق فعالیت می کند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود رحیم پور ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان شیخ شهاب الدین به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1350 از دبیرستان همت اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته زبان انگلیسی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی را در سال 1357از دانشگاه اوکلاهماسیتی - امریکا دریافت نموده اند و در سال 1376مدرک دکتری در رشته زبان شناسی کاربردی را از دانشگاه کوئنزلند استرالیا با موفقیت اخذ کرد. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: A study of the effect of the Linguistic Approach in Teaching English ب- دکتری: Task complexity Task Condition and Variation in L 2 oral Discourse
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی مسعود رحیم پور : قبلی: مدیرگروه زبان انگلیسی- معاون دانشکده - مدیر همکاریهای علمی و بین المللی دانشگاه تبریز مدیر گروه زبان انگلیسی- مشاور استاندار ومدیرهمکاریهای بین المللی استانداری آذربایجان شرقی دبیر متنخب کمیته ارتقاء دانشکده - عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات - ویراستار انگلیسی مجله دانشکده علوم انسانی و اجتماعی - عضوسابق شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه - عضو سابق کمیسیون آموزشی دانشگاه- دبیراولین کنفرانس مشترک بررسی مسایل آموزش زبان تبریز ، باکو - ویراستاری 2 جلد کتاب از انتشارات دانشگاه تبریز
فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی مسعود رحیم پور به قرار زیر است : الف : تدریس 1- دوره کارشناسی : تدریس 25 سال 2- تحصیلات تکمیلی: تدریس ارشد و دکتری 10 سال ب : برگزاری کارگاه ها: 3 فقره

کارگاه آموزشی ویژه اساتید دانشگاهها
چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 26مورد تعداد کتابهای تالیف شده : 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: 20 مورد تعداد پایاننامه های دکتری: 3 مورد منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رحیم زاد?، صفوی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم زاده نویسنده و فاضل ایرانی (ف. 1338 ه.ش./ 1379 ه.ق.). وی در مشهد تولد یافت و تحصیلات ابتدایی خود را در محضر استادان در فنون مختلف در آن شهر شروع کرد. سپس به تهران آمد و وارد جریانات سیاسی شد و ضمنا به تکمیل معلومات خود پرداخت و علاوه بر زبان فرانسوی که در خراسان آموخته بود زبانهای انگلیسی و ترکی را نیز در تهران فراگرفت و تا پایان عمر دست از مطالعه برنداشت و مخصوصا در تاریخ و جغرافیا به تتبع می‌پرداخت. از آثار اوست: کتابی به نام «جغرافیای اقتصادی ایران» و رمانی به نام «شهربانو».
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

رحیم غفاری، فتح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کاشان متولد شد، پس از پایان تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالمعلمین خواند. مدتی مسئولیت اداره‌ی روزنامه‌ی «اتحادیه» را به عهده داشت. اثر او: «دختران بدبخت»، در دو مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (50/8)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (302/3)، مؤلفین کتب چاپی (774 -773 /4).

رحیم، فرزانه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1303 -1273 ق)، مترجم. در سال 1290 ق که ناصرالدین‌شاه برای نخستین بار به اروپا می‌رفت، حکیم‌الممالک که از همراهان او بود، فرزندش رحیم را برای تحصیل علم در لندن گذاشت، وی پس از پنج سال به ایران بازگشت. به مناسبت ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلنطت قاجاریه»، ناصرالدین‌شاه به او لقب فرزانه داد که بعدها این لقب نام‌خانوادگی ایشان شد. وی در جوانی درگذشت. از آثار او: ترجمه‌ی کتاب «تاریخ ایران و سلطنت قاجاریه» تالیف مارخام؛ ترجمه‌ی «سفرنامه دکتر هنری لانسدل» انگلیسی به ترکستان و خیوه و بخارا؛ ترحمه‌ی «نامه‌های متبادله میان ژنرال کوفمان روسی کلمران ترکستان و امیر شیرعلی خان پادشاه افغانستان (55 نامه)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (100 -99 /6).

رحیم‌زاده‌ی ارژنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1279 ش)، مجسمه‌ساز. در کودکی همراه خانواده‌اش از آذربایجان شوروی به مشهد رفت. پس از مدتی برای آموختن مجسمه‌سازی و نقاشی مجددا به آذربایجان آمد، سپس در بیست سالگی به مشهد بازگشت و به شغل دبیری منصوب شد. در سال 1307 ش به تهران آمد و در شهرداری، در بخش زیباسازی شهر مشغول به کار شد. پس از مدتی از سوی رضاشاه به فرانسه اعزام شد و در آنجا به مدت دو سال به آموختن پرداخت و علاوه بر آن بر ساختن چهار مجسمه‌ای که بعدها در میدان سپه، راه‌آهن و بهارستان و در اصفهان نصب شد، نظارت کرد. او اولین مجسمه‌ساز واقع‌گرا در ایران بود و به دلیل فعالیتهای هنری به اخذ دو مدال هنری نایل آمد و سرانجام به علت سکته قلبی درگذشت. از آثار وی: «نمای خارجی کاخ دادگستری»؛ «مجسمه‌ی قدیم فردوسی در میدان فردوسی.»
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (294/3).

رحیم‌زاده‌ی صفوی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1273 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد متولد شد، در همان شهر تحصیل کرد، زبان فرانسوی هیات و نجوم، علوم ادبی و عربی را به خوبی آموخت. سپس به تهران آمد، به بیروت و سویس سفر کرد. در 1301 ش روزنامه‌ی «آسیای وسطی» را در تهران منتشر ساخت، در 1303 ش پس از توقیف «آسیای وسطی» به فرانسه رفت و از راه ترکیه به شوروی مسافرت کرد و به تهران برگشت. در 1307 ش به افغانستان و هندوستان سفر کرد و مدتی سردبیری روزنامه‌ی «حبل المتین» را به عهده داشت. پس از دو سال اقامت در کلکته، به ایران مراجعت کرد و به عنوان مترجم عربی و انگلیسی و ترکی استانبول در اداره‌ی قوانین دادگستری به خدمت مشغول شد. او در سال 1321 ش به درخواست زین‌العابدین رهنما سردبیری روزنامه‌ی «ایران» و در سال 1322 ش بنا به تقاضای ملک‌الشعراء بهار مدت کوتاهی سردبیری روزنامه‌ی «نوبهار» را پذیرفت. سرانجام در تهران وفات یافت. آثاری از او به جای مانده است از جمله: «تاریخ ایران اقتصادی»؛ «داستان نادرشاه»؛ ترجمه‌ی «جنگهای صلیبی»؛ «سرگذشت سه اختر تابناک ایران»؛ «بیژن و منیژه»؛ «داستان شهربانو»؛ «سبک شناسی یا شیوه‌ی خط نوین»؛ «شاه عباس کبیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (236 -235)، تاریخ جراید (176 -174 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (301 -295 /3)، مؤلفین کتب چاپی (119 -118 /3).

رحیمی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا رحیمی
محل تولد : فریدون اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/10
زندگینامه علمی
از سال 1364 فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت 5 سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال 1371 در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال 1374 با معدل 18.46 فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره 19 دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه 14 مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال 1361 توانستم، پایه10 را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات ـ فقه و مبانی اسلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمیان، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رحیمیان
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین رحیمیان در سال 1359 مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری دردانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.
ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است.همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

رزمجو، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین زرمجو درسال 1311 درمشهد متولد شد. وی پس از اخذ لیسانس و فوق لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد، و مدتی تحصیلات حوزوی و تدریس در دبیرستانهای و مراکز تربیت معلم به تحصیل دوره دکتری در دانشگاه تهران پرداخت. وی پس از فراغت از تحصیل عضو دانشگاه فردوسی مشهد شد. وی سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران و برخی از مسئولیتهای اجرایی در دانشگاه فردوسی مشهد را برعهده داشته است.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین رزمجو پس ازاخذ دیپلم طبیعی دردبیرستان فردوسی مشهد،ولیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد1337ومدتی تحصیلات حوزوی واخذ فوق لیسانس ادبیات ازهمان دانشگاه،وارد دانشگاه تهران شد.وی درسال1358ازرساله دکتری خود تحت عنوان انسان آرمانی وکامل درادبیات حماسی وعرفانی فرسی دفاع کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل دردوره دکتری دردانشگاه تهران واخذمدرک دکتری ادبیات فارسی ازآنجا ازمقاطع مهم زندگی علمی حسین رزمجو بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین رزمجو پس ازاخذ مدارک لیسانس وفوق لیسانس ادبیات فارسی به تدریس دردبیرستانهاومراکز تربیت معلم درمشهد پرداخت. وی درعین حال به تحصیل علوم حوزوی نیز می پرداخت. استادان و مربیان : دکترشهیدی،دکترمحقق،دکترزرین کوب،دکترناتل خانلری،استادایرج افشارودکتر اسلامی ندوشن ازاستادان حسین رزمجو دردانشگاه تهران بود ه اند.وقایع میانسالی : حسین رزمجوپس ازاخذ مدرک دکتری زبان وادبیات فارسی درسال1358،عضوهیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد شد. وضمن تصدی برخی مسئولیت های اجرایی درآنجا به تحقیق وتالیف نیز می پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین رزمجو پس ازاخذ مدرک لیسانس ادبیات فارسی ازدانشگاه فردوسی مشهد،به عنوان معلم وسپس استادمراکز تربیت معلم،به استخدام وزارت آموزش وپزورش درآمد.ازسال1360وی پس ازاخذ مدرک دکترای به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد وی علاوه برمسئولیت های اجرایی درآن دانشگاه ازجمله ریاست کتابخانه ونیزدانشکده علوم انسانی،سرپزستی کمیسیون ملی یونسکو درایران رانیز برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی :

حسین رزمجو ازسال1327 به تدریس دردبیرستانهای مشهد ومراکزتربیت معلم وازسال1360به تدریس دردانشگاه فردوسی مشهد مشغول بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین رزمجو علاوه برتدریس ورسیدگی به امور اجرایی به تحقیق،مطالعه وتالیف کتبی درزمینه ادبیات فارسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : حسین رزمجو با توجه به تحصیلات حوزوی خود،ادبیات فارسی را بامعیاراخلاق وتربیت اسلامی می سنجید ونیزتزدکتری خودرادرهمین زمینه نگاشته است.چگونگی عرضه آثار : حسین رزمجو بسیاری ازکتب خود را درانتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانیده است.

آثار : 1 ابوحامد محمد غزالی 2 استاد و فرزند برومند او 3 انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی ویژگی اثر : این اثر رساله دکتری دکتر رزمجو که درسال 1358 در دانشگاه تهران آنرا تدوین نمود.4 انسان صالح در تربیت اسلامی، انواع ادبی و آثار در زبان فارسی 5 برگزیده نثر فارسی 6 ذکر جمیل سعدی 7 روزها و رمزها و رازها و .... 8 روش نویسندگان بزرگ معاصر 9 زین آتش نهفته 10 شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی 11 شیخ اجل سعدی شیرازی

رسا تهرانی، اسداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1280 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران به پایان رساند و فقه و حقوق اسلامی را نزد مرحوم میرزا محمود قمی، مدرس مدرسه‌ی صدر و علامه حکمی آموخت. سپس روزنامه‌ی «قانون» را منتشر کرد که بارها توقیف شد و مدیر آن به زندان افتاد. و پس از 28 مرداد 1332 ش دیگر منتشر نشد. رسا گاهی شعر هم می‌گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (105 -102 /4)، زندگینامه رجال و مشاهیر (308 -305 /3).

رستگار، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر رستگار در سال 1328 ش. در تهران پا به عرصه هستی گذاشت .وی یکی از مترجمان معاصر است او در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت ترجمه را از دوران تحصیل در دانشگاه شروع کرد .وی در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد. کتاب"جنایت و مکافات" ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اصغر رستگار تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند. ایشان در سال 1353 در رشته ریاضی از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل شد.
خاطرات و وقایع تحصیل : اصغر رستگار در آستان؟ فارغ التحصیلی از دانشگاه، در تیر 1350 توسط ساواک بازداشت شد و به 3 سال حبس محکوم گردید. در فاصله سالهای 53-1350 در زندان چند کتاب ترجمه و آماده چاپ نمود که به غیر از یک کتاب (سیستم وروشهای هنر خلاق) بقیه توسط ساواک ضبط شد. همچنین حرفهای داستان بلند «آبادیهای ویران» که در دست چاپ بود اجاز؟ انتشار نیافت و تلاش مترجم برای پس گرفتن آنها و سایر کتب به جایی نرسید.
فعالیتهای ضمن تحصیل : اصغر رستگار در طول تحصیلات دانشگاهی به فعالیتهای هنری و ادبی در زمینه های تئاتر، بازیگری، کارگردانی و نویسندگی می پرداخت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رستگار در حال حاضر مقیم اصفهان و عضو شورای دبیران فصلنامه زنده رود می باشد.
جوائز و نشانها : کتاب"جنایت و مکافات" ترجمه اصغر رستگار، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---

آثار :
1 آتشی که نگرفت، داستان بلند، جک لندن
ویژگی اثر : ترجمه
2 آفرینندگان جهان نو
ویژگی اثر : ترجمه،مجموعه مقالات درباره زندگی و تحلیل آثار 93 اندیشمند معاصر، با همکاری گروهی از مترجمان
3 از عشق و سایه ها، رمان، ایزابل آلنده
ویژگی اثر : ترجمه
4 باد در بیدزاران، رمان نوجوانان، کنت گراهام
ویژگی اثر : ترجمه
5 تئوری بنیادی هنر تئاتر
ویژگی اثر : ترجمه،کنستانتین استانیسلاوسکی و تعداد زیادی نمایشنامه از این مترجم محترم آثار دیگری در دست چاپ می باشد.
6 جنایت و مکافات
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «جنایت و مکافات» جنایت و مکافات/ فیودور میخائیلو ویچ داستایوسکی؛ ترجمه اصغر رستگار.- اصفهان: نشر فردا، 1379. اثر حاضر ترجم؟ یکی از رمانهای بزرگ نویسند؟ بلندآواز؟ روس است. داستایوسکی در شمار آن نویسندگانی است که خواندن آثارش برای هر نسل ضروری است. جنایت و مکافات در آغاز رمان تباهی اخلاقی به نظر می آید، ولی این تباهی در عمق خود روشنایی می یابد که آن را جبران می کند. در هم؟ شخصیتهای این داستان پیشرفت پوسیدگی در نیک نهادی انسان را مشاهده می کنیم، و ، با این همه، در لحظه ای که به نظر می آید همه گونه نور امیدی در وحشت و اشمئزاز به خاموشی می گراید، ناگهان جرقه ای دوباره جستن می کند. انسان که همانند حیوان درنده ای شده است، ناگهان سرشت فرشته ای خود را باز می یابد. ناتورالیسم مخصوصاً دقت این رمان را در تحلیل روانی به ستایش گرفت. البته داستایوسکی در نوشتن این رمان فارغ از تأثیرات ناتورالیستی نبوده است، ولی او در این رمان مسئله ای را پیش کشیده بود که نویسندگان روس از اندک زمانی پیش به مطالعه آن دست برده و آن را از سنت اروپایی اقتباس کرده بودند، و آن مسأل؟ جاودانه ای بود که در نظری؟ اومانیستی انسان را در برابر نظری؟ صرفاً مذهبی انسان قرار می داد. اگر تولستوی این تقابل دو اندیشه را از درون به حوز؟ جهان هستی برون می افکند، و در آنجا تقابل، در عالم نظر، محلی برای فروکش کردن می یابد، داستایوسکی، به عکس، آن را به روح آدمی می برد و در

دام درونی فرد مجزا و محصور می کند؛ و در آنجاست که تقابل با شدت تب آلودی به جوش و خروش در می آید. جنایت و مکافات رمانی است که در آن شخصیتها به گونه ای اند که در اطراف آنها جایی برای هیچ چیز دیگر وجود ندارد. هرازگاهی، گوش؟ کوچه ای، اضطراب درونیی، و توصیف جزئی دهکده ای، در جهانی که هم؟ آن از اندیشه و احساس تشکیل یافته است، طرح وار ترسیم شده است. شاید هیچ گاه باطن پنهان انسان، آن گونه که در این اثر می بینیم، به خلوتی چنین کامل و چنین نومیدانه دست نیافته باشد. ولی اگر در دو کران؟ این خلوت، هم یک آرمان قدرت مطلق و هم یک آرمان عشق مطلق وجود دارد. این دو هدف بیرون از انسان است. مترجم محترم ضمن وفاداری به اصل متن، ترجمه ای رسا و سلیس و زیبا و درخور این اثر بزرگ فراهم آورده است. استفاده از زبان محاور؟ متناسب با فضای داستان و کاربرد اصطلاحات عامیانه، و تفاوت نمایان آن با بقی؟ متن از امتیازات ترجم؟ حاضر است. تلاش مترجم در انتقال مضامین کتاب به زبان فارسی با معانی روشن و دلنشین ستودنی است. --

---

منابع :
1www.ketabesal.ir

رستگارفسایی، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1317، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه شیراز در سال 1349، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شیراز در سال 1366.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس: شاهنامه فردوسی، متون نظم و نثر فارسی، نقد ادبی و سبک‌شناسی و منظومه‌های غنائی و حماسی. طرح معنی‌شناسی شعر حافظ، طرح دگرگونی آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 8 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 16
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
شاهنامه فردوسی، تاریخ و فرهنگ فارس، شعر فارسی، کتاب فارسنامه ناصری به تصحیح و تحشیه استاد که به عنوان کتاب سال 1367 انتخاب شده است، کتاب 21 گفتار درباره شاهنامه و فردوسی که به دریافت لوح تقدیر بهترین کتاب سال 1371 نائل گردیده است.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 38، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
فردوسی و شاهنامه، اساطیر ایران، شعر و شاعران ایران، تاریخ و فرهنگ و ادب فارسی، مسائل دانشگاهی و آموزش پیش از دانشگاهی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رسول‌زاده، محمد امین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333 -1263 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در بادکوبه متولد شد، پس از تحصیلات قدیم و جدید، به فعالیتهای سیاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا روزنامه‌ی «تکامل» را بنیاد نهاد، پس از توقیف «تکامل» مدیر روزنامه‌ی «ارشاد» و بعد از توقیف «ارشاد»، عضو هیات تحریریه‌ی روزنامه «ترقی» شد. و پس از آن سردبیر روزنامه‌ی «ایران نو» بود. در نهضت گیلان با مجاهدین به تهران آمد. وی در دوره‌ی دوم نماینده‌ی مجلس شد. در سال 1947 م به ترکیه رفت و در همان کشور درگذشت. از او تالیفات سیاسی بسیار به جا مانده از جمله: «تنقید فرقه اعتدالیون»؛ «سعادت بشر»؛ «عنصر مزدک سیاوش»؛ «ملیت و بلشویزم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (110 -109 /2)، تاریخ جراید (349 -347 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (315 -309 /3)، مؤلفین کتب چاپی (689 -688 /1).

رسولی محلاتی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین بن السید عباس محلاتی از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند.
وی در محلات که در 18 فرسخی قم است متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی سطوح را فراگرفته و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و آنگاه بنا بر دعوت مردم امامزاده قاسم شمیران و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی عزیمت به آنجا و بوظایف دینی پرداخته تا در 25 جمادی‌الثانی سال 1386 قمری که در سن 59 سالگی بدرود حیات گفته و فرزند صالح و دانشمندی چون مترجم معظم را بجای گذارده که تا هم اکنون در مسجد آن محل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و وظائف دیگر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی محلاتی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید هاشم بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسین رسولی محلاتی از افاضل دانشمندان و نویسنده‌گان معاصر شمیران و مقیم امامزاده قاسم شمیران میباشند.
وی در 28 ماه رمضان سال 1348 قمری در محلات متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات سطوح عالی را از مدرسین قم چون آیت‌اللّه صدوقی و حاج شیخ اسداللّه اصفهانی و حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت‌اللّه سلطانی و دیگران فراگرفته و از دروس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و غیر هم استفاده نموده و چندی هم در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه حکیم و خوئی و شاهرودی بهره‌مند تا بمدارج عالیه علم ارتقاء یافته است.
آثار ارزنده از تألیفات و ترجمه کتب مفیده علمی و حدیثی دارد که از آنها کتب زیر است:
1- تصحیح اثبات الهداه شیخ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) در هفت جلد بطبع رسیده است.
2- ترجمه مقاتل الطالبین که بسعی مکتبه صدوق بطبع رسیده است.
3- ترجمه مفاتیح الجنان محدث قمی که بسعی مطبوعات فراهانی طبع شده.
4- ترجمه قسمت آخر اصول کافی طبع اسلامیه.
5- ترجمه روضه کافی در 2 جلد طبع اسلامیه.
6- تحقیق و بررسی مولفات شیخ طوسی و شروح و تعلیقات آنها.
7- ترجمه ارشاد مفید در 2 مجلد طبع اسلامیه.
8- ترجمه سیره ابن هشام در 2 جلد طبع اسلامیه.
9- ترجمه الانصاف مرحوم بحرانی طبع قم در یک مجلد.
10- ترجمه صحیفه علویه.
11- کیفر گناه بطبع رسیده است.
12- آداب معاشرت در اسلام.
13- راه مبارزه با گناه.
14- تاریخ انبیاء در 2 مجلد که علمیه اسلامیه بطبع رسانیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رسولی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمدعلی رسولی اراکی از فضلاء باتقوا و فعال حوزه علمیه قم است که به زیور علم و حلم و حسن اخلاق آراسته است.
وی در سال 1308 شمسی در کرم‌رود اراک متولد شده و پس از تحصیل ابتدائی با شوق فراوان به مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک وارد و به تحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن ادبیات خدمت آقا شیخ قنبر رفیعی به قم مشرف و سطوح را از مرحوم آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله فکور یزدی فراگرفته و در حوزه خارج آیت‌الله العظمی بروجردی حاضر مدت 18 سال از آن نابغه علم و فقاهت استفاده نموده و در ضمن آن نیز به درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر حاضر و از خرمن علم و فیضشان بهره‌ها برده است.
آقای رسولی در خلال تحصیل و تدریس در اوقات تعطیل ماه رمضان و محرم و صفر برای تبلیغ دین و ترویج مذهب مسافرتهائی به اطراف نموده و آثار و باقیات الصالحاتی از خود گذارده است که به بعضی از آن اشاره می‌شود.
1- مسجد آبرومند و مجللی در سه بند خوزستان نزدیکی بندر ماه‌شهر و بندر شاه‌پور با تمام وسائل آن از خانه‌ای برای امام جماعت آن و غیره.
2- مسجدی در قریه آجین و دوجین
3- مسجدی در اطراف ساوه.
4- مسجد بزرگ کوچه حاج زینل قم که رو به ویرانی نهاده بود ولی اکنون با وضع جالبی تعمیر و بنا و مورد استفاده عموم است.
5- مسجدی در قریه ثامن ملایر
6- حسینیه‌ای در هندیجان.
7- کمک مستقیم و غیرمستقیم در ساختمان چند مسجد در اراک.
8- رساله‌ئی در لزوم وفا به عهد دارند. و اکنون جلساتی در هیآت مذهبی دارند که برای مردم تفسیر و بیان احکام و اخلاق و معارف می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

رشاد، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک 1377 هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال 1335 هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامة امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفة اسلامی را نزد اساتید برجستة حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینة فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجة الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جوائز و نشانها : علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامة امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائة مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم

دین ـ تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه‌پردازی دینی ـ سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، 7 جلد ـ سرپرستی تألیف دانشنامة فرهنگ فاطمی، 6 جلد ـ نظارت بر تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، 3 جلد ----------
آثار :
1 از گفتمان امروز
ویژگی اثر : (در دست ویرایش)
2 تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)
3 دانشنامة امام علی علیه‌السّلام
ویژگی اثر : سرپرست تدوین کتاب فوق،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامة امام علی علیه‌السّلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی.ـتهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی؛12 ج + 1 ج درآمد،1380]توزیع: 1381[.یکی از آثاری که به همّت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (1379 ـ 1380 ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامة امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی دربارة شخصیّت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در 6000 صفحه و 12 مجلّد سامان یافته و شامل 130 مدخل اصلی و حدود 3000 مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزة دین‌پژوهی ایران در سال 1380 شناخته شده است. دانشنامة امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیرة امام علی(ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوّع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیّت و اندیشة امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلّی‌گویی، دوری از تقلید و عدم اتّکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نهراسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبّع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت

قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اوّل در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتمال بر شبکة معنایی جامع و نمایه‌ها و فهارس موضوعی
4 دموکراسی قدسی
5 سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی(س)
ویژگی اثر : 6 جلد
6 سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی
ویژگی اثر : 4جلد
7 سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن
8 شهود و شیدایی
ویژگی اثر : تأملاتی در فلسفه هنر
9 شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)
10 علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین
ویژگی اثر : تصحیح و تحقیق
11 گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی
ویژگی اثر : گزینش، مقدمه و تصحیح
12 نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن
ویژگی اثر : 3 جلد

رشاد، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدباقر رشاد زنجانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهران است. وی که حدود هشتاد سال از عمرش می‌گذرد عالمی متقی و فاضلی منزوی و از مدافعین جدی ولایت و مقیم خیابان عباسی (خیابان شیر و خورشید) تهران میباشد.
معظم له بیش از سی سالست از طون خود مهاجرت و رحل اقامت بمرکز کشور و عاصمه تشیع (تهران) انداخته و از شرکت در اجتماعات و مجالس و محافل عمومی و خصوصی خودداری و در مسجد (صاحب الزمان عجل اللّه فرجه) به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تبلیغات مذهبی و مبارزه با مخالفین ولایت وهابی مسلکیها و سنی مآب‌ها اشتغال دارد.
رساله‌های بسیاری در رد منکرین دعاء ندبه و مخالفین ولایت تکوینی اهلبیت رسالت حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین امام الکل فی الکل علی علیه‌السلام و ائمه علیهم‌السلام بنام حقیقت ولایت و غیره تألیف و بطبع رسانیده و بسهم خود جواب یاوه سرائیهای بوالفضول‌ها را داده است.
نگارنده یک مرتبه موفق بزیارت این عالم ربانی شده و از سیمایش نور خدا و محبت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و بالاخص مولای متقیان علیه صلوات اللّه المنان را مشاهده کرده و درک فیض نموده‌ام.
محمدباقر بن آیت‌اللّه آقا شیخ کاظم بن حاج محمدعلی از علماء زنجانی معاصر تهرانست. وی در در سال 1312 ق در زنجان متولد شده و پس از پرورش در بیت علم و خواندن مقدمات و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و درس مرحوم علامه یزدی حاج سید محمدکاظم (صاحب عروة) و بالاخص علامه کوه‌کمری مرحوم آسید محسن شاگرد مخصوص علامه تهرانی حاج شیخ هادی ره استفاده سرشار نموده و پس از آن مراجعت به زنجان و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و غیره اشتغال داشته تا در سال 1321 شمسی و فتنه (پیشروری) عزیمت به تهران نموده و در خیابان عباسی رحل اقامت افکنده و در مسجد حضرت (صاحب‌الزمان عجل اللّه فرجه الشریف) آنجا به امامت و ترویج مذهب و دفاع از حریم ولایت پرداخته و غالباً در انزوا در منزل خویش به مطالعات کتب علمی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه رشاد عالمی بارع و مهذب و متقی می‌باشد.
آثاری که از آنجناب منتشر شده کتب و رسالات زیر است.

1- وسیله راجع به شعائر مذهبی مربوط به حضرت سیدالشهداء اروحنا له الفداء (سینه‌زنی و غیره)
2- اکمال الوسیله نظما و نثرا در همان موضوع.
3- حقیقت ولایت راجع به ولایت تکوینی.
4- دفع‌الاوهام شرح چند جمله از فرمایش مولای متقیان علی (ع).
5- برهان قاطع جواب شبهات طباطبائی علیه ما علیه همکار بوالفضول برقعی
6- ذخیره راجع به استخاره و مشروعیت مهر نماز
7- نشریه راجع به مأثور بودن و مستحب بودن دعا شریف ندبه
8- حاشیه به رباب نکاح ریاض (شرح کبیر) مخطوط کتب و حواشی و رساله‌های دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رشتی اصفهانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به معین‌السلطنه، مؤلف سفرنامه‌ی شیکاگو، که در سال 1318 شمسی در پاریس به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رشتی گیلانی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و ادیب. در ادبیات فارسی و عرب دست داشت. کتاب «تحفه الناصریه فی فنون الادبیه»- که منتخباتی است از اشعار عرب و در موضوعهای متفرقه از قبیل مدایح و مراثی و اخلاق- تالیف اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (410/2)، ایضاح المکنون (260/1)، الذریعه (3/ 475- 476)، ریحانه (307/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 49/13)، لغت نامه (ذیل/ رشتی)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 250- 251)، معجم المؤلفین (113/8)، نامها و نامدارهای گیلان (16).

رشتی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (277/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 333 -332 /14)، معجم المؤلفین (166/3).

رشتی، کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1259 -1212 ق)، فقیه و ادیب. در رشت متولد شد و در کربلا مسکن گزید. نزد علمای عصر خویش درس خواند و از شاگردان برجسته و از نزدیکان شیخ احمد احسائی بود و تا او به مجلس حاضر نمی‌شد، شیخ درس را شروع نمی‌کرد. وی پس از استادش نایب او و پیشوای فرقه‌ی شیخیه شد و در ترویج مرام احسائی سعی بسیار کرد. سید کلمات شیخ را در مجلس درس بیان و آنها را تایید و کلمات مخالفان را رد می‌کرد. او از شیخ احمد احسائی و سید عبداللّه شبر و ملا علی رشتی و شیخ موسی نجفی اجازه‌ی روایت داشته است. میرزا ابراهیم شیرازی و میرزا حسن بن امان‌اللّه دهلوی عظیم‌آبادی در نزد سید کاظم رشتی درس خوانده‌اند. از آثار وی: «رسائل الرشتی» یا «الرسائل و جوابات المسائل»؛ شرح «قصیده لامیه‌ی» عبدالباقی عمری، در مدح حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ «شرح قصیده البائیه»؛ «اسرار الشهاده»؛ «اسرار الحج»؛ «اسرار العباده»؛ «الحجه البالغه»، در رد ملل باطله؛ «دلیل المتحرین و ارشاد المسترشدین»؛ «المحجه الدامغه»؛ «اللوامع الحسینیه»؛ «مقامات العارفین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (67/6)، ایضاح المکنون (536، 457، 442، 46/ 2، 479، 392، 75/ 1)، دایرةالمعارف فارسی (2143/2)، الذریعه (12/22، 260/10، 360/8، 259/6، 181/5، 192، 52، 46/ 2)، روضات الجنات (101 -100/ 1)، لغت نامه (ذیل/ کاظم)، معجم المؤلفین (157/ 11، 139 -138/ 8)، مکارم الآثار (220 -209/ 1)، هدیه العارفین (837 -836/ 1)، یادگار (س 5، ش 4 و 5، ص 114 -111).

رشدیه تبریزی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1267 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و موسس اولین مدرسه به طرز اروپایی وتعلیم الفبا به شکل نوین در ایران. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و علوم دینی را در این شهر آموخت و به منظور فراگیری اصول تعلیم و تربیت و آشنایی با شیوه‌ی تعلیمات جدید به بیروت و استانبول و ایروان رفت و برای ایرانیان مقیم ایروان مدرسه‌ای تاسیس کرد. ناصرالدین‌شاه در بازگشت از سفر دوم خود از فرنگ به ایران، ضمن بازدید از این مدرسه، اظهار تمایل کرد که رشدیه آن را به تبریز منتقل کند و او در سال 1305 ق نخستین مدرسه‌ی ابتدایی عمومی را در محله‌ی خیابان تبریز دایر کرد که پس از یک سال تعطیل شد. رشدیه به مشهد رفت، سپس به تبریز بازگشت و چندین بار به تاسیس مدرسه اقدام کرد که هربار به عللی به تعطیل می‌انجامید. زمانی که امین‌الدوله به صدارت رسید، از رشدیه خواست که برای تاسیس مدرسه به تهران بیاید. او در سال 1315 ق اولین مدرسه‌اش را در تهران در باغ کربلایی عباسعلی دایر کرد، اما این بار هم مدرسه تعطیل شد و رشدیه جبرا به حج رفت. پس از بازگشت از حج، در قم بست نشست. در نهضت مشروطه به تهران آمد و مجله‌ی مصوری به نام «مکتب» مشروطه به تهران آمد و مجله‌ی مصوری به نام «مکتب» منتشر کرد. وی به علت نوشتن مقاله‌ها و شبنامه‌هایی علیه دولت عین‌الدوله در این مجله به مدت دو سال به کلات تبعید شد. از کلات به تهران آمد و در قم ساکن شد و در کلاس درس آیت‌اللّه شیخ عبدالکریم حایری به فراگیری علوم دینی پرداخت، ضمنا مدرسه‌ی رشدیه را برای اطفال فقیر و یتیم و کلاسی ویژه نابینایان دایر کرد. وی در قم وفات یافت و در قبرستان نو (حاج شیخ عبدالکریم) دفن شد. از او آثار فراوانی به جای مانده است که از آن جمله‌اند: «اصول عقاید یا اتحاد بشر»؛ «کفایه التعلیم»؛ «نهایه التعلیم»؛ «المشتقات»؛ «تبصره الصبیان»؛ «صد درس»؛ «تربیه البنات»؛ «تادیب البنات»؛ «بدایه التعلیم» و «هدایه التعلیم».[1]
(حاجی) میرزا حسن تبریزی از پیشقدمان نهضت فرهنگی ایران در نیمه اول قر. 14 ه. (و. تبریز 1267 ه.ق.- ف. 1363 ه.ق./ 1323 ه.ش./ 1944 م.). وی از نخستین مؤسسان مدارس جدید در تبریز و تهران و مردی دانشمند و اصلاح‌طلب و مبارز و بلندهمت بود و او را پدر فرهنگ

جدید ایران نامیده‌اند. در آغاز جوانی برای فراگرفتن روش تعلیم و تربیت به بیروت سفر کرد و پس از 3 سال به ایران بازگشت و در تبریز به تأسیس دبستان اقدام کرد ولی با مخالفت گروهی روبرو شد و دبستان وی منحل گردید. در زمان مظفرالدین شاه به تهران آمد و در سال 1315 ه.ق. مدرسه رشدیه را تأسیس کرد. تألیفات متعدد دارد از جمله: بدایعةالتعلیم، کفایة التعلیم، نهایة التعلیم و صد درس. روزنامه «طهران» را در پایتخت انتشار داد (شماره اول آن در 7 ربیع‌الاول 1326 ه.ق. منتشر شده) رشدیه از سال 1305 ه.ش. در قم مقیم گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (236/4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (327 -317 /3)، مؤلفین کتب چاپی (556 -555 /2)، یادداشتهای قزوینی (185/8)، یادگار (س 3، ش 10، ص 13 -12).

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1275 ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال 1312 ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال 1322 ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال 1324 ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه 1327 ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه 18 اردیبهشت ماه 1330 ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ

ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (145 -138)، تاریخ مشاهیر کرد (316 -310 /2)، چشمه‌ی روشن (448 -441)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (369 -368)، الذریعه (1307 ،362 /9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (332 -328 /3)، سخنوران نامی معاصر (1534 -1528 /3)، سرآمدان فرهنگ (382 -379 /1)، فرهنگ سخنوران (378)، گنج سخن (326 -309 /3)، مؤلفین کتب چاپی (700 -696 /4)، یغما (س 26، ش 8، ص 490 -487).

رشیدی زاده، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن رشیدی زاده
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال 1340هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در اراک دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1362وارد حوزه علمیه تهران گردید.پس ازمدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبر ده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیخ جوادتبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشوورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است.وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله " حیاط برتر در عالم برزخ"، "حیاط برزخی" و....را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رضاپور، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم رضاپور
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 پس از اخذ دیپلم در اواخر تیرماه وارد حوزه علیمه فیضیه مازندران شهر بابل با مدیریت حاج آقا فاضل استرآبادی شدم. تمام دروس تا لمعه و باب صوم را خدمت ایشان گذراندم و در سال تحصیلی 66-65 وارد حوزه علمیه قم شدم. ادامه دروس سطح را خدمت اساتید برزگواری مثل حجج اسلام وجدانی فخر ، دوستی زنجانی ، حسینی بوشهری ، محلاتی ، پایانی و سیفی گذراندم. در سال 68 همزمان با دروس حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته ادیان و عرفان تحصیل کردم و در دوره عربی تا دوره تکمیلی را در کلاسهای آموزشی و دفتر تبلیغات گذراندم ، پس از 6 سال یعنی در سالهای تحصیلی 69-70 شروع به آموختن دروس خارج کردم و از محضر اساتید بزرگوار حوزه آیات عظام مکارم شیرازی ، دوستی زنجانی، وحید خراسانی ، سید جعفر کریمی و ... بهره بردم و در سال 1386 در آزمون ورودی دانشگاه ادیان و مذاهب شرکت کردم و الان آخرین ترم را گذراندم ان شاء الله بتوانیم با بار علمی بیشتر به مکتب تشیع اثنی عشری و مردم خدمت نمائیم و مورد رضای خداوند قرار گیرید.

رضازاده شفق، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1274/1271 ش)، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تبریز متولد شد و زبان فرانسوی و انگلیسی را در مدرسه‌ی کاتولیک و امریکایی تبریز فراگرفت. مدتی مدیریت مدرسه‌ی حیات تبریز را به عهده داشت و در سال 1328 ق روزنامه‌ی «شفق» را در تبریز منتشر کرد، و در سال 1330 ف بر اثر سخنرانیهایی که بر علیه استیلای دولت روس می‌کرد از طرف آن دولت به اعدام محکوم شد و به استانبول گریخت. و از کالج رابرت آنجا به دریافت لیسانس نائل گردید، در سال 1340 ق به ایران بازگشت و بعد از مدت کوتاهی به برلن رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای فلسفه شد. سپس به ایران آمد و در دارالمعلمین عالی به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی قبل از اسلام پرداخت او زبانهای روسی، فرانسوی، ترکی، آلمانی و انگلیسی را به خوبی می‌دانست و در دانشگاه تهران ادبیات فارسی و فلسفه تدریس می‌کرد. در اولین دوره‌ی مجلس سنا و دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی نماینده بود. وی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از آثار اوست: «تاریخ ادبیات ایران»؛ «ایران از نظر خاورشناسان»؛ «ستارخان»؛ تدوین «دیوان عارف»؛ «فرهنگ شاهنامه و ملاحظاتی درباره‌ی فردوسی» و ترجمه‌های: «اسکندر مقدونی»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «زندگانی داریوش».[1]
محقق، خطیب، نماینده‌ی مجلس، سناتور، مولف و مترجم، فرزند آقارضا بازرگان، در 1273 در تبریز تولد یافت. پس از رسیدن به سن رشد، تحصیلات معمول زمان را آغاز کرد و مقدمات را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و وارد مدرسه‌ی آمریکائی در تبریز شد و چند سالی در آن مدرسه تحصیل کرد و زبان انگلیسی را به طور کامل فراگرفت و در همان مدرسه به معلمی پرداخت. در جوانی سری پرشور داشت و آزادی‌طلب بود. چندی هم روزنامه‌ی شفق را انتشار داد. روزنامه‌ی شفق در آن ایام روزنامه‌ای تندرو و آزادی‌طلب بود. چندی غنی‌زاده سردبیری آن را عهده‌دار بود. سال اول این روزنامه 48 شماره منتشر شد. دارای مطالب گوناگون و انتقادی و اجتماعی بود. سال دوم روزنامه از رجب 1329 ه.ق آغاز شد و مجموعا 43 شماره از آن انتشار یافت و از آن پس با پیشامد عاشورای 1330 ه.ق و قتل عده‌ی زیادی از آزادیخواهان آذربایجان به

دست روسها، شفق تعطیل شد و مدیر آن به عثمانی رفت و در استانبول در مدرسه‌ی ایرانیان معلم فارسی و تاریخ ادبیات شد و سپس وارد یکی از مدارس استانبول گردید و دیپلم دریافت نمود. رضازاده سپس برای انجام تحصیلات عالی به آلمان مسافرت نمود و قریب شش سال در آن کشور به تحصیل فلسفه پرداخت و درجه‌ی علمی گرفت و ضمنا در مجلات ایرانشهر، مهر، آرمان، شرق و غیره مقالاتی انتشار می‌داد و علاوه بر آن، کتب و رسالاتی نیز در زمینه‌های تاریخی، ادبی، فلسفی و اجتماعی تالیف یا ترجمه نموده است.
رضازاده شفق چندی در مدارس جدیدالتاسیس تهران به تدریس پرداخت و در سال 1313 که دانشگاه تهران تاسیس گردید، دعوت به کار شد. در آنجا فلسفه و علوم تربیتی تدریس می‌نمود. در 1314 شورای عالی فرهنگ، تحصیلات او را معادل دکترا شناخت و رسما به استادی دانشگاه در دانشکده‌ی ادبیات پذیرفته شد و در همان سال فرهنگستان ایران به منظور اشاعه‌ی لغات فارسی سره به جای لغات بیگانه تاسیس گردید و دکتر شفق عضو پیوسته‌ی فرهنگستان شد. در سال 1317 سازمانی به نام پرورش افکار تاسیس گردید تا پیشرفتهای ایران در زمان گذشته و حاضر با ایراد سخنرانی اساتید به سمع مردم برسد. دکتر شفق در آن سازمان سهمی بسزا داشت. پس از شهریور 1320 و آغاز دموکراسی، شفق از تهران کاندیدای مجلس شورای ملی شد. انتخابات تهران در آن دوره به معنای واقعی آزاد بود و رای مردم سرنوشت آن را تایید می‌کرد. در آن دوره دکتر محمدمصدق، سید محمدصادق طباطبائی، موتمن‌الملک پیرنیا و آیت‌الله کاشانی در زمره منتخبین تهران بودند. دکتر رضازاده شفق نیز از تهران به پارلمان راه یافت و رویه‌ای معتدل پیش گرفت. نطقهای ضروری و فصیح و به موقع او توجه مردم را جلب کرد. در جریان جدائی آذربایجان از ایران، چند نطق مهم ایراد نمود و سرانجام عضو میسیونی شد که به ریاست قوام‌السلطنه برای مذاکره درباره‌ی تخلیه‌ی ایران و عدم حمایت از فرقه دموکرات به مسکو سفر کردند. وجود شفق در آن هیئت بسیار سودمند بود. پس از پایان جنگ بین‌المللی دوم، یک هیئت از ایران عازم آمریکا شد تا در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت نماید از مجلس آقایان دکتر شفق، دکتر عبده و دکتر اعتبار عضو این هیئت بودند.
پس از پایان مجلس چهاردهم، قریب 16 ماه فترت ایجاد شد تا سرانجام انتخابات ایران آغاز گردید. حزب دولتی دموکرات ایران که خالق آن احمد قوام بود، کاندیدای خود را رسما معرفی نمود. دکتر رضازاده شفق کاندیدار نمایندگی مجلس از تهران گردید و سرانجام به مجلس پانزدهم راه یافت. در سال 1328 مجلس سنا در ایران تشکیل شد و دکتر شفق سناتور انتصابی تهران بود. شفق مجموعا پنج دوره نماینده‌ی مجلس سنا

بود و عنداللزوم از کابینه‌های دولتی حمایت می‌کرد.
محمدرضا پهلوی نسبت به شفق علاقه‌ای خاص داشت و از او خواست لقبی برای او و فرح پهلوی پیشنهاد کند و سرانجام لقب «آریامهر» برای محمدرضاشاه و «شهبانو» برای فرح انتخاب و مورد قبول شاه واقع شد.
دکتر رضازاده شفق در سال 1351 بیمار و در بیمارستان بستری شد. عمل جراحی او لازم تشخیص داده شد. پروفسور انوشیروان پویان عمل او را انجام داد ولی بهبودی حاصل نشد و پس از چند روز درگذشت و در گورستان بهشت زهرا مدفون گردید.
دکتر قاسم غنی در صفحه‌ی 28 جلد چهارم یادداشتهای خود که اخیرا انتشارات زوار آن را چاپ و توزیع نموده، داوری غیرمنصفانه‌ای درباره‌ی شفق نموده است، می‌نویسد:«دکتر شفق آرام بسیار سمج، پررو و دریده‌ئی است. تمام خصوصیات یک نفر آدم احمق در او جمع است. بسیار خودپسند، مغرور و بی‌حیا است و از جامعه نالان است. بسیار مزاح‌گو و دروغگو و حقه‌باز و متملق و بی‌حیا و پررو است. حیوانی است بس. بسیار بسیار هم بی‌سواد است»
دکتر شفق در آخر سالهای آخر عمر خود در طالقان باغچه‌ای بنیاد نهاد و بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند و همسری نیز در آنجا انتخاب کرد و صاحب دختری شد که نامش را گیتی نهاد و اشعار زیادی در وصف این دختر سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (61 -59)، تاریخ جراید (75 -72 /3)، سخنوران نامی (321 -314 /2)، شرح حال رجال (106 -105 /6)، فرهنگ سخنوران (507)، مؤلفین کتب چاپی (489 -485 /3).

رضازاده، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رضازاده متولد اردبیل به سال ۱۳۵۷ است
او که از ۱۵ سالگی شروع به ورزش وزنه برداری کرد بارها با مدال‌هایش برای ایران افتخار به ارمغان آورد و در این سال‌ها بارها رکوردهای جهان و المپیک را بهبود بخشید.
حسین رضازاده قهرمان نامدار وزنه‌برداری ایران و جهان در مرداد ۱۳۸۷ از حضور در بازی‌های المپیک منع شد.
رضازاده دارای یک فرزند پسر به نام ابوالفضل می‌باشد
● افتخارات:
■ مدال برنز بازی‌های آسیایی ۱۹۹۸ تایلند
■ مدال برنز مسابقه‌های قهرمانی جهان ۱۹۹۹ یونان
■ مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی آسیا ۱۹۹۹ چین
■ مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی
■ مدال طلای مسابقات ستاره‌های جهان ۲۰۰۱ استرالیا
■ مدال طلای بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان
■ مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی جهان ۲۰۰۲ لهستان
■ مدال طلای ستاره‌های جهان ۲۰۰۲ روسیه
■ مدال طلای جایزه بزرگ ۲۰۰۲ نروژ
■ مدال طلای مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۰۳ چین
■ مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۳ کانادا
■ مدال طلای بازی‌های المپیک ۲۰۰۴ آتن
■ مدال طلای مسابقه‌های قهرمانی آسیا ۲۰۰۵ امارات
■ مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۵ قطر
■ مدال طلای مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۰۶ دومینیکن
■ مدال طلای بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه

رضایی کاشانی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 995 ق)، شاعر، کاتب، معروف به قاری روزمره. وی از کاشان بود با عرفی و غیرتی شیرازی و عارف لاهیجی و اوحدی بلیانی معاصر بود. وی را چون حروف را از مخرج ادا می‌کرده، قاری می‌خوانده‌اند. وی گویا روزگار به کتابت می‌گذرانیده و مردی نکته‌سنج بوده از وطن خود به خراسان سفر کرد در فتنه ازبکان به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (801، 515 /5)، تاریخ نظم و نثر (536- 537)، الذریعه (370 -369 /9)، ریحانه (313/2)، صبح گلشن (177)، فرهنگ سخنوران (384)، مجمع الخواص (310)، مکتب وقوع (138- 154)، هفت اقلیم (476 -474 /2).

رضایی موسوی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر رضایی موسوی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال 1361 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال 1372 برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی، باسمه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
باسمۀ رضایی در سال 1335 در بغداد به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته کتابداری می باشد. نامبرده هم اکنون در دانشگاههای تهران و آزاد اسلامی به تدریس مشغول است. کتاب " ردۀ PJA ادبیات فارسی" تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : باسمه رضایی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه المستنصریه بغداد شد و در رشتۀ کتابداری و اطلاع رسانی به اخذ درجه فوق دیپلم نایل گردید. از آن پس در ایران و در رشتۀ فوق ادامه تحصیل داد و کارشناسی ارشد خود را با رتبۀ ممتاز از دانشگاه تهران دریافت داشت.فعالیتهای آموزشی : باسمه رضایی از سال 1363 در کتابخانه دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به کار است و از سال 1373 سرپرستی همان کتابخانه را به عهده دارد. همچنین چند سال در دانشگاه آزاد تدریس کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران مشغول به تدریس است.جوائز و نشانها : کتاب " ردۀ PJA ادبیات فارسی" تالیف باسمه رضایی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رده PJA ادبیات فارسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «رده PJA ادبیات فارسی»: رده PJA ادبیات فارسی، تنظیم و تدوین باسمه رضایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، 1374. قرنهاست که در ایران، زبان عربی گذشته از پیوند هزار و چهارصد ساله اش با فارسی، زبان دوم ما محسوب می شود، زیرا زبان قرآن و نماز و دین ماست. بنابراین زبان و ادبیات عربی اختصاص به شبه جزیره عربستان ندارد. دانشمندان ایرانی در جهت پرورش و رشد این زبان بسیار کوشیده اند. وجود مجموعه های غنی ادبیات عربی در ایران و سازماندهی این مجموعه ها، تهیه گسترش ادبیات عربی را ضروری می نمود. هدف از این گسترش، ایجاد طرح نوینی بوده است که با رعایت اصول ضوابط رده بندی کنگره، به نیازهای موجود در کشور و کشورهای عربی پاسخ گوید. کتاب، موضوعی

و الفبایی است و شیوه تنظیم آن بسیار منسجم و هماهنگ است. نمایه الفبایی دقیق و جامعی دارد که با ارجاع به مدخلهای متن، بازیابی اطلاعات تسهیل می شود. از امتیازات خاص این کتاب آن که، این رده پس از کاربرد آن در کتابخانه ملی صورت گرفته و براساس نمونه های علمی، توسعه یافته و تکمیل شده است .

رضایی، عبدالعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعلی رضائی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال 61 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت 10 سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیر الدین حسینی الهاشمی(ره)، آیت الله جوادی آملی.در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره 12 ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال 73 تا81 مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته ام. از سال 76 تا سال 82 به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارئه طرح و مدل اقتصادی از نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران 2020، و درسال 2000 – 2001 با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی درسال 2003 موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری دررشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی

انتظامی مشغول به تدریس بوده ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه "روش" و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رضایی
محل تولد : بیرجند
شهرت : رضایی بیرجندی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/3
زندگینامه علمی
در سوم فروردین سال 1339 شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال 1350به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال 1356وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال 1373 با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی رضایی
محل تولد : رهنان اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/2/1
زندگینامه علمی
محمدعلی رضایی اصفهانی در سال1341شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال1361وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.
در سال 1369وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضوانی راد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رضوانی راد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/4/1
زندگینامه علمی
به فضل الهی سال 1349 شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال 1355 وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره 20 را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره 19 را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاة مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و 14 سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی 5 سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.
البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج 2 را نزد 2 استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال 1351 شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس

کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های 1361 ـ 1362 چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوانی فسائی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ملقب (به فصیح‌الزمان) و متخلص به رضوانی فرزند سید ابوالقاسم فسائی از خطباء و وعاظ و شعراء عصر قاجار و بعد از آن بوده است. وی در سال 1240 شمسی در شهر فسا متولد و در 16 سالگی به اصفهان رفته و دو سال در آن شهر به تحصیل مقدمات پرداخت سپس به قم آمده و ده سال در این شهر مذهبی و علمی تکمیل علوم عقلیه و نقلیه نموده و در بیست و هشت سالگی به تهران مهاجرت و به وعظ و خطابه پرداخت و در دربار ناصرالدین شاه راه یافت و از او لقب (فصیح‌الزمان) گرفت.
برای نگارنده حکایت کرد که وقتی ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) هدف تیر میرزا رضای کرمانی قرار گرفت و مقتول شد من از ملازمین رکاب بودم و صدر اعظم وی مرده او را به سینه چسبانیده و با او صحبت می‌کرد که مردم ندانند شاه کشته شده تا اغتشاش و بلوا کنند.
و پس از قتل شاه در سال 1313 قمری برای تسلیت ولیعهد مظفرالدین میرزا به تبریز رفت و با وی به تهران برگشت و ملقب به (سلطان الواعظین) شد.
مرحوم فصیح‌الزمان سالهای متمادی در تهران منبر می‌رفت و شور و نشوری برپا می‌کرد و همواره خاص و عام برای استماع اشعار نغز و گفتار سراپا مغزش بر یکدیگر سبقت جسته و استفاده می‌کردند. وی در سال 1324 شمسی در تهران وفات نمود و باسلاف پاک خویش پیوست.
(1324 -1255/ 1240 ش)، شاعر. ملقب به فصیح‌الزمان. در فسا به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای تحصیل علم به اصفهان رفت و مدت دو سال در آن شهر به کسب دانش پرداخت و از آنجا به قم رهسپار گردید و قریب ده سال نیز در این شهر به تکمیل علوم عقلی و نقلی اشتغال ورزید. در سی سالگی به تهران آمد و در سلک وعاظ درآمد و چون مردی ادیب بود به دربار ناصرالدین شاه راه یافت و به فصیح‌الزمان ملقب شد. پس از قتل ناصرالدین شاه به تبریز رفت و با مظفرالدین‌شاه آشنایی یافت و از آن جا به اتفاق او به تهران عزیمت کرد و لقب سلطان الواعظین یافت. در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن است. اثر وی «کلیات» اشعار است که منتخبی از آن به نام «گلهای فصیح‌الزمان رضوانی» به کوشش سید هادی حایری در شیراز به چاپ رسیده است.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (371 -370/ 9)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (621 -614/ 2)، سخنوران نامی معاصر (1556 -1551/ 3)، فرهنگ سخنوران (385)، گلزار معانی (295 -286)، مؤلفین کتب چاپی (274/ 5)

رضوانی یزدی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1314 ش)، روزنامه‌نگار و شعر. ملقب به امیر رضوانی. وی از مردم یزد بود و ساکن تهران. او موسس و مدیر روزنامه‌ی «گلشن» بود که در تهران چاپ می‌شد از او است:
ما را به جان چو از بهشت آوردند
نه ویژه به مسجد و کنشت آوردند
دنیا به مثل مزرع و ما دهقانیم
ما را اینجا برای کشت آوردند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (165 -163 /4)، تذکره سخنوران یزد (545)، الذریعه (371/9)، فرهنگ سخنوران (385).

رضوی برقعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین رضوی برقعی بن السید الجلیل آسید جعفر بن سید محمدتقی بن سید رضی‌الدین از علماء و ائمه جماعت معاصر قم می‌باشد
وی در شب عاشورای سال 1346 قمری برابر 1305 شمسی از مادر علویه متولد شده و از هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از خواندن دوره‌ی ابتدائی به خواندن علوم عربیه و دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را در قم نزد فضلاء حوزه علمیه قم تکمیل نموده و در سن 17 سالگی به نجف اشرف مهاجرت نموده و سطوح عالی فرائد و مکاسب و کفایه را از مدرسین بزرگ نجف چون آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه مدنی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بروجردی و مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و آقای حاج شیخ محمدحسین دهاقانی و آقای آشیخ احمد فیاض فراگرفته و قسمتی از منظومه را از مرحوم حکیم ربانی آشیخ صدراء بادکوبه‌ای و هیئت و تشریح الافلاک را خدمت مرحوم آقا شیخ جمیل عرب و مرحوم آقا میرزا محمد اردبیلی آموخته و بعد از فراغت از سطوح به درس خارج سیدالفقهاء والمجتهدین زعیم حوزه علمیه نجف آقای خوئی مدظله و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی حاضر شده و پس از هفت سال استفاده از محاضر و دراسات آیات عظام نجف به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و پس از ایشان شیخ‌الفقهاء والمجتهدین آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد داماد بهره‌مند گردیده و بعد از آن اشتغال به تدریس متون فقه و اصول و ترویج دین و اقامه جماعت در مسجد سنگ‌بند و مسجد گذرسیدان تا حال حاضر دارند.
از آثار قلمی ایشانست تقریرات فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و تقریرات فقه و اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی خوانساری، زین العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد حسن بن محمد بن میر علی اکبر نقوی در حدود سال 1225 متولد، و در 13 ربیع المولود سال 1307 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
در اصفهان خدمت جمعی از اعاظم علما همچون: میر سید حسن مدرس، و ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا سید محمد شهشهانی تلمذ فرموده، و به آقایان مسجد شاه اختصاص یافته، در محله‌ی مسجد حکیم سکونت، و در مسجد علی اکبر امامت می‌نموده.
وی از جمله کسانی است که به شرف ملاقات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نایل گردیده، و از او کرامات و استجابت دعوات منقول است.
تألیفاتی دارد، از آن جمله است: 1- ترجمه‌ی کتاب انوار نعمانی تألیف سید نعمت الله جزائری که به نام آقا نجفی به طبع رسیده است. 2- حسام الشیعة که به نام [بعضی از علمای اعلام و فضلای کرام حاضرین مجلس شریف و محفل منیف سرکار شریعتمدار] آقا نجفی به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

رضوی، اسحاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علماء باتقوا و در مسجد امام حسن به جماعت نماز می‌گذارد در سال 1332 وفات نمود و در شیخان بزرگ مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوی، سیدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین رضوی
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1343 متولد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصیل رشد و نمو داشتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشتم و در حوزه علمیه حضرت ولی عصر(عج) شهرستان خوانسار در سال 1359 درس حوزه را شروع کردم و در مدت خیلی کم دروس ادبیات عرب را تمام کردم و درس فقه و اصول را آغاز کردم به طوری که پس از مدت 8 سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرستان مذکور برقرار شده بود شرکت نمودم و از استاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم.در مدت مذکور در کنار درس به تدریس نیز مشغول شدم. و از آن زمان تا حال این تدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین،رسائل و مکاسب تدریس رسمی و خصوصی داشتم.در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشنبه در دانشگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی،تاریخی،مدیریت اسلامی،انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای 65 تا سال 75 ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.
در مدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم.در سال 1373 وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضر شریف اساتید شدم و بعد از مدت کمی اساتید دلخواه خودم را یعنی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس

درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس در حوزه جامعة الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهای اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، قمی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1283 ق)، عالم، فقیه و ادیب امامی. در 1313 ق در تهران در بحث و درس علامه سید عبدالکریم لاهیجی شرکت کرد. سپس به نجف مهاجرت و در محضر شیخ الشریعه اصفهانی تلمذ نمود و از ملا محمد کاظم خراسانی بهره گرفت. او در حدود 1326 ق به قم رفت و در 1331 ق به حج مشرف شد و در بازگشت ساکن تهران گردید و به انجام وظائف شرعی مشغول گشت. از آثارش: «تقریرات» دروس استادانش در فقه و اصول با تصرفات و تحقیقات؛ کتاب «نهایه المأمول»، در شرح «کفایه الاصول» که شرح مزجی است بر «کفایه» آخوند خراسانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (405 / 24، 34 / 14، 877 / 9)، ریحانه (487 -486 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 413 -412 / 14).

رضوی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علماء متقی فرزند مرحوم حاج سید اسحاق و در مسجد امام اقامه نماز جماعت می‌نمود. شرحی بر خطبه حضرت صدیقه سلام‌اللّه‌علیها به عربی نگاشته که در تهران به طبع رسیده و در سال 1334 ق فوت نمود و در شیخان مدفون شد.
(1344 -1287 ق)، عالم دینی. از علمای متقی بود. در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن شد. از اثر معروف وی «الدره البیضاء فی شرح خطبه فاطمه الزهراء (ع)» که دارای عناوین: متن و شرح و لغت و اعراب و معنی است. هر یک از قطعات خطبه تا پایان تحت این عناوین آورده شده است. این کتاب به همت برادرش آقا حسین بن اسحاق رضوی در 1354 ق به طبع رسید.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (93/ 8)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (333/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (195/ 2).

رضوی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین ملقب (به علم الهدی) بن سید هبةاللَّه بن سید محمد بن سید عبدالحی بن محمد بن عبدالغفار ابن عبدالرزاق بن ابراهیم رضوی کاشانی عالمی جلیل و متقی بوده است.
وی در کاشان متولد و پس از فراگرفتن مقدمات و ادبیات و سطوح از مرحوم آخوند ملا حبیباللّه و دیگران در کاشان به نجف مهاجرت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و غیر آنان از اعاظم علماء و اکابر مدرسین استفاده نموده و در سال 1352 قمری به کاشان مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج پرداخته تا سال 1386 قمری که بدرود حیات گفته است.
دارای تألیفات عدیده مانند بهجةالتنزیل در تفسیر و تأویل و (العندبیل) در تمیز بین صحیح و علیل و (المائدة العرشیه) و غیر ذلک بوده است.
نگارنده در سال 1364 قمری که با جنابان فاضلان باذلان آیتین علامتین آقای حاج سید کاظم و آقای حاج سید مهدی اخوان مرعشی و دانشمند گرامی حاج شیخ مرتضی مطهری به کاشان مسافرت کردم از نزدیک آن مرحوم را ملاقات کرده‌ام. آن مرحوم در کاشان مخصوص محله خود بسیار متنفذ و مورد توجه بود و مردم به او علاقه بسیاری داشتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رضوی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در 26 دی‌ماه سال 1326 شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارة ما» بیان گردیده است.
استاد مرتضی رضوی در اواخر سال 1340 پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.
فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.
استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.
استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.
در سن 19 سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.
استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف

عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال 1342 حضور داشتند و تا سال 1356و خیزش نهضت اسلامی 18 بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال 1356 مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.
استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال 1363 از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.
استاد مرتضی رضوی در سال 1366 در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلة دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلة دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضی استرآبادی، محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 686 ق)، نحوی و عالم امامی. ملقب به نجم‌الائمه و نجم‌الدین و رضی‌الدین. معروف به رضی و فاضل رضی و شارح رضی. از فراریان و نام‌آوران علم نحو که در استرآباد متولد و در نجف ساکن شد. از آثار وی: شرح «شافیه» ابن‌حاجب، در صرف، معروف به «صرف رضی»؛ شرح «قصائد سبعه» ابن ابی‌الحدید؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو، معروف به «شرح الکبیر» یا «شرح الرضی» که سیوطی از آن به عنوان کتاب بی‌نظیر نام برده، و براساس این کتاب او لقب شارح رضی گرفته است؛ حاشیه بر «شرح تجرید العقاید الجدیده و الحاشیه القدیمه».[1]
ع. بخش 1) رضی‌الدین استرآبادی محمد حسن مشهور به نجم الائمه نحوی معروف (ف. 684 یا 686 ه.ق.) ازآثار اوست: شرح الکافیة در نحو معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح الشافیة ایضا معروف به شرح رضی (ه.م.)، شرح قصائد سبع ابن ابی‌الحدید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (317/6)، اعیان الشیعه (153 -151 /9)، تاریخ ادبیات در ایران (289/3)، الذریعه (313 ،13 ،30 /14)، ریحانه (315/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 155/7)، کشف الظنون (1370)، الکنی و الالقاب (315/2)، لغت نامه (ذیل/ رضی)، معجم المؤلفین (183/9)، هدیه الاحباب (142 -141)، هدیه العارفین (134/2).

رعدی آذرخشی، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به رعدی. در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان برد، سپس به تهران آمد و از دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی به اخذ لیسانس نایل گشت. در سال 1312 ش به خدمت دولت درآمد و مشاغلی چون مدیر کتابخانه‌ی فنی وزارت فرهنگ، ریاست اداره‌ی کل نگارش، سرپرستی مجله‌ی آموزش و پرورش و ریاست هیات تحریریه‌ی روزنامه‌ی «ایران» را عهده‌دار بوده است. در تاسیس فرهنگستان ایران همکاری داشته و مدتی دبیرخانه آن را اداره می‌کرده است. در سال 1315 ش به مظور تکمیل معلومات به پاریس رفت و در رشته یا ادبیات درجه‌ی دکترا گرفت. وی به زبانهای فرانسوی، انگلیسی، عربی و ترکی رایج در ترکیه تسلط داشت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد. بعدها به نمایندگی ایران در یونسکو انتخاب شد و به نیابت ریاست آن سازمان رسید. پس از مراجعت به ایران، سناتور انتخابی تهران شد و ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی را عهده‌دار بود. دکتر رعدی در سرودن شعر توانا بود. قصیده‌ی «نگاه» او مشهورترین و شیواترین قصاید زبان فارسی است که آن را در سال 1314 ش و برای برادر لال خود سرود. از آثار او: رساله‌ی «رستاخیز ادبی ایران»؛ رساله‌ی «جهان‌بینی فردوسی»؛ «تاریخچه‌ی تحول دانشگاه‌ها در ایران»، به زبان انگلیسی؛ «تحقیق در آموزش عالی در زمینه‌ی حقوق عمومی تطبیقی»، به زبان فرانسوی؛ «پنج آینه»، شامل مثنویهایی سیاسی. مجموعه‌ی اشعار او تحت عنوان «نگاه» چاپ و منتشر شده است.[1]
شاعر و ادیب و محقق و سیاستمدار، در 1288 در شهر تبریز پا به عرصه‌ی وجود نهاد. نیاکانش تفرشی بودند. تحصیلات خود را در تبریز آغاز کرد و در 1306 ش دیپلم گرفت و برای ادامه‌ی تحصیل عازم تهران شد و در مدرسه‌ی عالی حقوق و علوم سیاسی ثبت نام کرد و سرانجام در 1309 درجه‌ی لیسانس در علم حقوق گرفت و به آذربایجان بازگشت و شغل دبیری را پیشه‌ی خود ساخت. چند سالی در تبریز به تدریس ادبیات و تاریخ و جغرافیا مشغول بود تا اینکه به تهران انتقال یافت و ریاست اداره انطباعات وزارت فرهنگ و مدیریت مجله‌ی تعلیم و تربیت به او محول گردید. در 1314 که فرهنگستان ایران تاسیس یافت، رعدی با حفظ سمت

به ریاست دبیرخانه‌ی فرهنگستان انتخاب شد. در 1315 علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت، او را برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا فرستاد و در کشور سویس دوره‌ی دکترای حقوق را به اتمام رسانید و در 1321 به ایران بازگشت و به عضویت فرهنگستان و مدیر کلی وزارت فرهنگ و استادی دانشگاه دعوت شد.
دکتر رعدی چندی به کارهای فرهنگی و ادبی اشتغال داشت. مجددا برای مطالعات زبان‌شناسی با سمت وابسته‌ی فرهنگی به انگلستان عزیمت نمود و چند سالی نیز در این زمینه به تحقیق و تتبع پرداخت و به ایران بازگشت. مدتی بازرسی فنی و مشاور عالی بود و بعد به ریاست اداره کل تعلیمات عالیه رسید و سرانجام نماینده و سفیر ایران در یونسکو شد و سالها بدون معارض در آن سمت انجام وظیفه می‌کرد تا اینکه جای خود را به دکتر منوچهر اقبال داد و به تهران احضار شد.
در انتخابات سال 1342 به سمت سناتور انتصابی تعیین گردید و مدت چهار سال سناتور بود. رویه‌ی وی در مجلس سنا و ایراد سخنرانی‌های بی‌جا و بجا و حمله به وزارت فرهنگ و انتقاد از برنامه‌های دولت موجب گردید که پس از اختتام دوره‌ی چهارم مجلس سنا، به وی کار فرهنگی داده شود. از این‌رو به ریاست دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه ملی (شهید بهشتی) منصوب گردید و تا پایان 1357 در آن شغل مستقر بود و سپس بازنشسته شد.
رعدی مردی فاضل و شاعری توانا بود و در ادبیات فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه صاحب‌نظر بود. از نوجوانی شعر می‌سرود و چون اشعارش از مضامین بدیع و سادگی و روانی برخوردار بود، مورد توجه بزرگان علم و ادب قرار گرفت و دانشمندانی چون ادیب‌السلطنه سمیعی، دبیراعظم بهرامی و علی‌اصغر حکمت به او ارج می‌نهادندو در انجام خواسته‌هایش مساعدت فراوان کرده‌اند. اشعار او اعم از قصیده و غزل و چکامه، بالغ بر چهل هزاربیت می‌باشد و تاکنون دو جلد از اشعار او به چاپ رسیده است. دکتر غلامعلی رعدی در عین فضیلت، مردی جاه‌طلب، خودخواه و تندخو بود و خود را بالاتر از همه می‌دانست. در اشعارش بسیاری از فضلا و ادبا را مورد انتقاد قرار داده است. با هیچ‌کس روح سازش نداشت.
وفات وی در سال 1378 در تهران اتفاق افتاد و سالیانی چند در بستری بیماری بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (54 -52)، از صبا تا نیما (565 -551 /2)، چشمه‌ی روشن (665 -655)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (378 -373)، الذریعه (375/9)، سخنوران نامی معاصر (1565 -1557

3/)، فرهنگ سخنوران (388)، گوهر (س 1، ش 8، ص 702 -699)، مؤلفین کتب چاپی (722 -721 /4).

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1307 ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (377/9، 216/3، 234، 291 /2)، ریحانه (325 -324 /2)، صبح گلشن (182 -180)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 988 -987 /14)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (653 -652 /3).

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد نقی رفعت نژاد
محل تولد : ارومیه
شهرت : رفیعی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
بنده سال 1360 وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر(عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه ومدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید).در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال 1367 بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی(ره) به مدت 2 سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و 15 سال ازخارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت 17 سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی(قدس سره) استفاده کردم. در سال 1370 در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی(ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده¬های علمی تفسیری داشتم.در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال 1367 در قسمت دایرة المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از 60 پرونده علمی و بیش از 100 شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایرة المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از 1.ابتکار،2.اختلاف،3.اسماعیل صادق الوعد،4.آل لوط،5.آزمایش

6.احترام،7.استثمار،8.استضعاف9.اصطفاء،10.استدراج،11. ... . در سال 1382 با دفاع از پایان نامه سطح 4 با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح 4 در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم.در کنار تحصیل و تملذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال 1374 بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه،دانشکده علوم قرآنی ،دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال 1367 در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن 4 ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی پور، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس رفیعی پور
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/7/1
زندگینامه علمی
آقای عباس رفیعی پور علوی علویجه در سال1335 بدنیا آمد . وی در سال 1350 وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شد و مقدمات را در آن حوزه از محضر آیت الله مرحوم شیخ عباس ایزدی (امام جمعه سابق نجف اباد) فرا گرفت . سپس برای تکمیل تحصیلات در سال 1355 به حوزه علمیه قم هجرت کرد و در دروس آیات عظام فاضل لنکرانی و مشکینی شرکت نمود . در سال 1373 موفق به اخذ مدرک تحصیلی سطح 2 (معادل کارشناسی) از مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شد و در سال 1379 با کسب مجوز از معاونت امور اساتید نهاد رهبری در دانشگاهها ، تدریس برای دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی علویجه اصفهان را بعهده داشته است ؛ سپس بنا به دعوت صدا و سیمای قم (مرکز پژوهش های اسلامی) از سال 1381 تا کنون با این نهاد بعنوان کارشناس همکاری داشته است .

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال 1312 ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس اللّه اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال 1338 ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال 1340 ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان 1344 ق به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال 1349 ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال 1380 قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌اللّه مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
از تألیفات معظم له است: 1- رساله در رجعت بقواعد عقلیه 2- شرح بر دعاء سحر. 3- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی. 4- رساله عملیه 5- حواشی متفرقه.
سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء

متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم 1395 قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند.
نگارنده. گوید آیت‌اللّه رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی محمدی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر رفیعی محمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب ناصررفیعی محمدی در سال 1344 در شهر مقدس قم درخانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدایی راهنمایی و متوسطه را در این شهر گذرانده ودر سال 1362 موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی از دبیرستان صدوق شدم .
در سالهای انقلاب شکوهمند اسلامی در جنبش دانش آموزی وجلسات مذهبی سیاسی با پخش اعلامیه وشرکت در تظاهرات در حد وسع واقتضای سن نوجوانی شرکت داشتم . بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حزب جمهوری اسلامی شاخه دانش آموزی همکاری می نمودم . درسال 1362 با اخذ دیپلم وارد حوزه مقدسه قم شدم. طی 5 سال دوره سطح را تا پایان کفایه به اتمام رسانده کلیه امتحانات ان را با موفقیت گذراندم و در پایه پنجم از امتحانات با کسب رتبه اول در آزمون شورای مدیریت حوزه یک دوره بحارالانوار از حضرت امام خمینی (ره) به عنوان جایزه دریافت نمودم.
دروس سطح را نزد اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر اعتمادی پایانی دوزدوزانی صلواتی راستی کاشانی و ستوده تلمذ نمودم. از سال 1368 تا 1373 در دروس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی مظاهری وصانعی شرکت داشتم.
همچنین ضمن گذراندن دروس اصلی حوزه دروس جنبی را نیز نزد اساتید متعددی خواندم به عنوان مثال فلسفه (نهایه الحکمه) نزد استاد آیت الله صالحی مازندرانی (ره) علوم قرآن نزد آیت الله معرفت شرح تجرید نزد آیت الله استادی تفسیر نزد آیت الله جوادی رجال نزد آیت الله سبحانی تلمذ گردید.
درسالهایی که به دروس حوزه مشغول بودم موفق به اخذ لیسانس الهیات از دانشکده باقر العلوم وفوق لیسانس از دانشگاه قم گردیده ودر سال

1373 با قبولی در آزمون دکتری در رشته علوم قرآن وحدیث در تهران مشغول تحصیل در این دوره شدم .سال 1377 بادفاع از رساله موفق به اخذ دکتری با رتبه عالی گردیدم.

رفیعی، حمیدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید الله رفیعی
محل تولد : زابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
درسهای ابتدائی وراهنمائی را در محل تولد استان زابی افغانستان به پایان رساندم وتحصیلات دبیرستانی را در مدرسه ابن سینای کابل به اتمام رسانده و سپس در سال 1355بعد از امتحان کنکور دردانشکده پزشکی دانشگاه کابل در رشته طب عمومی تحصیلاتم را ادامه دادم که متأسفانه بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و پیدایش هرج و مرج درکشور مجبور به ترک کشور گردیده و د رسال 1359وارد خاک ایران شدم. برای مدّت سه سال با یکی از گروههای جهادی همکاری فرهنگی داشته و بعد از آن در سال 1363درس حوزوی را از ابتدای جامع المقدمات در مدرسه حاج ابراهیم اراک آغاز نمودم .هرچند در ابتدا با این نوع درسها و محیط نامأنوس بودم ولی بعد از تحمل فشارهای روحی و روانی زیاد خودم را با این محیط و درس منطبق داده که الحمد الله تا حدودی نتیجه داد .و در سال 1367وارد حوزه علمیه قم گردیده ،بعد از اتمام سطوح درسال 1372درس خارج را در کلاسهای آیت الله وحید خراسانی ،آیت الله فاضل لنکرانی آغاز نمودم و یک سال هم در درس خارج آیت الله مکارم شرکت کردم .در سال1373درس تخصصی کلام را درمؤسسه امام صادق (ع) در سطح دکترا آغاز نمودم و در سال 1376از این مرکز فارغ التحصیل شدم که متأسفانه هنوز هم بنا به دلائلی موفق به اخذ موضوع پایان نامه نشده ام ودر حال حاضر با مرکز مطالعات حوزه و ستاد پاسخگوئی به شبهات دفتر تبلیغات و معاونت تبلیغ و دانشنامه کلام همکاری دارم.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رمضانعلی رفیعی
محل تولد : قوچان
شهرت : علی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/3
زندگینامه علمی
اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال 1344 شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم. در سال 1347 برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...
سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .
در سال 1356 در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال 1359 برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در

سال 1360 به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال 1363 مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال 1371 موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح 3 حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ 8/2/73 اخذ کنم.
تالیفات: حقیر از سال 1364 که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از 18 سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال 1378 با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (1 و 2) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .
به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رفیعی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1257 ش)، مؤسس و مترجم. ملقب به نظام‌الدوله. وی خواهرزاده‌ی حسینقلی خان نظام‌الدوله دنبلی بود که بعد از فوت دایی خود، لقب وی را گرفت. او در اروپا تحصیل کرد و در دوره‌های دهم تا سیزدهم، از تبریز به نمایندگی شورای ملی انتخاب شد. نظام‌الدوله به امور اجتماعی شهر می‌پرداخت و در تأسیس دارالایتام تبریز و تشکیلات شیر و خورشید اهتمام داشت. وی در غائله پیشه‌وری به حکومت ارومیه منصوب شد و چون از اقدامات افراطی به دور بود پس از رفع غائله نیز از طرف مردم و دولت مورد تعقیب قرار نگرفت و در تبریز اقامت گزید. از آثارش: «جوان فقیر»، ترجمه؛ «رموز دوستی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (338/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1748/ 2 ،1073 -1072/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (221/ 2)، نخبگان سیاسی ایران (485/ 4).

رفیعی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی رفیعی به سال 1333 در شهر یزد بدنیا آمد.وی مترجم، زبانشناس، ادیب، نویسنده و منتقد و شاعر بود. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : محمد علی رفیعی به سال 1333 در شهر یزد بدنیا آمد. پدرش دکتر عبدالعلی رفیعی از پزشکان خوشنام یزد و از خانواده ای اصیل بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد علی رفیعی تحصیلات ابتدایی را در شهر یزد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا پایان اخذ دکترای ادبیات انگلیسی در تهران به انجام رساند. همسر و فرزندان : از محمد علی رفیعی صاحب دو فرزند به یادگارمانده است . وقایع میانسالی : محمد علی رفیعی در فن ترجمه، توانا بود و به دلیل احاطه اش به واژگان و فن و ترجمه، بسیاری از دوستان مترجم و زبان شناس که برخی مطالب و مباحث برایشان گنگ و نارسا بود از او بهره می بردند. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سفر به یزد و آشنایی با دکتر رفیعی و تبحرش در علوم ادبی از جمله زبانشناسی، لب به تحسین وی گشود. زمانی هم دکتر فتح الله مجتبایی پس از مقابله ترجمه جباریت در تاریخ اثر ادوارد براون، با اصل آن قدرت مترجم و دقت کار وی را مورد ستایش قرار داد. زمان و علت فوت : محمد علی رفیعی در روز نهم اردیبهشت 1379 به سرای باقی شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علی رفیعی به غیر از عضویت در کمیته علمی کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشید الدین میبدی در سال 1374، مشارکتی فعال در برپایی آن داشت. همکاری او با مراکز فرهنگ کشور، از جمله فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر پژوهش های فرهنگی از دیگر فعالیتهای بشمار می رود .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد علی رفیعی علاوه بر فعالیت های اجتماعی، در عرصه تعلیم و تدریس نیز در دانشگاه های کشور از جمله دانشگاه آزاد اسلامی میبد، دانشکده معماری دانشگاه یزد، دانشگاه جامع تکنولوژی یزد و چندین مرکز آموزش عالی تهران حضوری موثر داشت. از جمله در مرکز نشر دانشگاهی به تدریس آیین ویراستاری پرداخت. دکتر رفیعی زمینه کار پژوهشی و تحقیقاتی بسیاری داشت که از آن جمله می توان به مقاله های او در نشر یاتی چون مقاله های ارزشمندی در مجله های وزین و علمی کشور، مانند: آدینه، جامعه سالم، جهان کتاب، آینده، نشر دانش، گفتگو، نگاه نو، نامه فلسفه،

دنیای سخن، معیار و کیهان فرهنگی از خود به یادگار نهاد که عمده آنها در زمینه زبان شناسی و نقد عالمانه کتاب ها بوداشاره کرد . دکتر رفیعی به غیر از دانش ترجمه، شاعر نوگرایی بود که گهگاه در جمله دوستان به قرائت اشعاری می پرداخت. وی در سالهای آخر حیات عمر خویش، در چندین دانشگاه و مجمع دانشگاهی به ایراد سخنرانی پرداخت که مهمترین آن «نقد شعر فروغ»در سال 1378 در دانشگاه تهران بود. دکتر رفیعی همچنین موفق شد در سالهای 64-1363 شش شماره پیک کتاب را چاپ و منتشر کند.آثار : انس شپریر ویژگی اثر : مصاحبه و سخنرانی مانس اشپر بر که توسط انتشارات تندیس 1368 منتشر شد.2 تالیف پیک کتاب ویژگی اثر : این اثر توسط انتشارات بهجت در سال 64-1363 در 6 جلد منتشر شد.3 ترجمه برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی ویژگی اثر : اثر ساموئل ها نتینگتون که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال 1378 منتشر شد.4 ترجمه پایان جهان اثر فوکویاما ، ترجمه پژوهش ترکیبی ویژگی اثر : اثر هریس ام کوپر، که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.6 ترجمه پژوهش عملی مشارکتی ویژگی اثر : اثر ویلیام فوت وایت که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال 1378 منتشر شد.7 ترجمه پنج سال در یک شهر ایرانی ویژگی اثر : چاپ نشده8 ترجمه جباریت در تاریخ ویژگی اثر : این ترجمه توسط انتشارات مروارید رد سال 1379 انتشار یافت.9 ترجمه سالار مگس ها ویژگی اثر : اثر ویلیام گلدنیگ که توسط انتشارات بهجت در سال 1363 منتشر شد.10 ترجمه فلسفه های هنر ویژگی اثر : اثر پیتر کیوی که توسط دفتر پژوهشه های فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.11 ترجمه لبخند یوزپلنگ ویژگی اثر : اثر س. ر که چاپ نشده است12 چین 1980 ویژگی اثر : اثر دیوید بوناویا که انتشارات تندیس وسکر در سال 364 منتشر کرد.13 دسته گلی برای الچرفون ویژگی اثر : اثر دنیل کیز که توسط انتشارات تجربه در سال 1378 منتشر شد.14 شناخت اثر هنری ادبی ویژگی اثر : اثر انیگاردن که توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.15 فراسوی آزادی ونزلت ویژگی اثر : اثر ب.اف. اسکینر، که توسط انتشارات سکه و تندیس در سال 1364 منتشر شد.16 فیمنیسم در شعر فروغ ویژگی اثر : چاپ نشده17 قبضه قدرت ویژگی اثر : اثر چسلا و میلوش که توسط انتشارات پانوس در سال 1367 منتشر شد.18 مبانی مدیریت ویژگی اثر : استیفن پی را بینمز که با همکاری محمد اعرابی توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.19 مدیریت بدون کاغذ ویژگی اثر : ویژگی ترجمه این اثر با همکاری محمد اعرابی و قصر الله مستوفی صورت گرفت و توسط دفتر پژوهش های فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.20 هنر پژوهش موردی ویژگی اثر : اثر رابرت ای

استمیک است که توسط دفتر پژوهشهای فرهنگی در سال 1379 منتشر شد.21 هنرشادمانگی ویژگی اثر : دالایی لا ما است که انتشارات تندیس در سال 1378 منتشر نمود.منابع : انتشارات نو اندیش ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،تیر ماه 1379

رکن‌زاده‌ی آدمیت، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1317 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به سالک. در شیراز به دنیا آمد، پس از تحصیلات ابتدایی و آشنایی با زبانهای فرانسوی و انگلیسی، در اهواز به تدریس پرداخت و بعد به بوشهر رفت و ضمن تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی ادبیات فارسی و عربی، در تجارتخانه‌ای به کار دفترداری و انشاء و داد و ستد تجارتی پرداخت. سفری به عراق رفت و بعد از بازگشت در شیراز قرائت‌خانه‌ی آدمیت را تاسیس کرد و به کار خرید و فروش کتاب پرداخت. در سال 1305 ش روزنامه‌ی ادبی و سیاسی «آدمیت» را در شیراز منتشر کرد، پس از دو سال انتشار آن و تعطیلی روزنامه، به هندوستان رفت و سپس به تهران آمد و مدتی مدیر روزنامه‌ی «ایران آزاد» شد و کتابخانه آدمیت را تاسیس کرد، و بعد از انتقال به کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، به نوشتن فهرست کتب خطی آن کتابخانه پرداخت و به عضویت پیوسته‌ی انجمن ادبی فرهنگستان ایران درآمد. آدمیت ضمن سرودن شعر، تالیفاتی نیز از خود به جای گذاشته است که برخی از آنها عبارتند از: «رساله‌ی اغلاط مشهوره»؛ «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، در پنج مجلد؛ «دلیران تنگستانی»؛ «فارس و جنگ بین‌الملل»؛ «رساله‌ی کلمات و اصطلاحات جدیده»؛ «منتخبات ایران شهر یا اصول آدمیت»؛ «منتخب برهان قاطع»؛ «منشآت آدمیت»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (105 -104 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (40 -24 /3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (343 -341 /3)، فرهنگ سخنوران (430)، مؤلفین کتب چاپی (749 -748 /2).

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعبدالصالح رکنی دزفولی
محل تولد : لارستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/1
زندگینامه علمی
مهرماه سال 1341 وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی،معالم را نزد آیت الله جنتی،مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی،رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی وآیت الله محمد محمدی گیلانی،مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی وآیت الله احمدی میانجی وآیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی(ره) و آیت الله فاضل لنکرانی(ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی.تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی خواندم.بدایة الحکمة و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایة الحکمه را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم.ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله‌نویسی نزد حجة الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی‌کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی.زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجة الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم.اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی(ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی

میانجی.از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از 4 سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم.از سال 45 به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کُند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رکنی یزدی، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان، و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1333، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1335، دکترا در سال 1346، عنوان رساله دکترا (تحقیق در تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار در ده جلد).
مرتبه علمی:
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبی، لغوی، پژوهش ادبی در ترجمه آیات قرآنی- التوبه الاولی- از نظر لغوی و برابرهای لغات قرآن، طرح > فهرست کامپیوتری کلمات گلستان شامل: اسم، صفت، فعل و حرف.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 6
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبی، اسلامی با بحثهای اعتقادی و نگرش جدید.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 23، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبیات، عرفان اسلامی در آثار ادبی و مباحث اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رمضان نژاد لری، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا رمضان نژاد لری
محل تولد : سیرجان
شهرت : رضا
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رضا رمضان نژاد در سال 1355 در اطراف شهرستان سیرجان در خانواده ای عشایر متولد شد و با شروع دروس ابتدایی پدر و مادرم برای تحصیلات فرزندانشان وارد شهر شدند و من نیز تحصیلاتم را در شهرستان سیرجان آغاز نمودم . تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اسدالله ستاری گذراندم و بعد تحصیلات راهنمایی ام را در مدرسه راهنمایی امیر کبیر سپری کردم و بعد از آن در هنرستان منتظری همان شهر ثبت نام نمودم و در رشته برق شروع به تحصیل کردم اما متاسفانه به دلیل یک سری مشکلات ترک تحصیل نمودم و در جایی مشغول به کار شدم. در سال 1374 عازم حدمت مقدس سربازی شدم و سپس در سال 1376 کارت پایان خدمت 24 ماهه را دریافت نمودم و بعد از آن به صورت متفرقه شروع به ادامه تحصیل دادم و مشغول کار در کارخانه پلی اتیلن تک سیرجان نیز بودم . در سال 1378 یا 1377 بود که وارد بسیج اداری شدم و هم اکنون نیز جزء نیروهای فعال بسیج حوزه مقاومت شهید نصیری نجف شهر سیرجان نیز می باشم و جزء مربیان آن نیرو نیز هستم.در اواخر سال 1379 طالب تحصیل علوم دینی و اسلامی شدم و از کار در کارخانه استعفا دادم و در سال 1380 شروع به تحصیل علوم دینی و اسلامی در شهر مقدس قم نمودم چونکه من اضافه سن داشتم در آن زمان ما را پذیرش نکردند و هم اکنون هم با هزینه شخصی و به صورت متفرقه خودم ادامه تحصیل می دهم و بحمد لله تا امروز شش جلد کتاب تالیف نموده ام که چهار تای از آنها چاپ شده و یکی از آنها در دست چاپ نیز می باشد و دیگری را قصد چاپ آن را ندارم.

رنجبر، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان ادبیات فارسی و عربی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی و تربیتی، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و عربی و تربیتی در سال 1347، دکترای زبان و ادبیات فارسی و عربی در سال 1350.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال 1351، دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران در سال 1356، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تربیت معلم تهران در سال 1361 و استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فرهنگ و تکنولوژی، تعلیم و تربیت در آثار شعرا و نویسندگان، مسائل دینی و مذهبی، مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی، اخلاق، مسائل ادبی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 25 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 16
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبی، اجتماعی، احوال و آثار و افکار شعرا و نویسندگان و دانشمندان، بیان ارزش آثار ادبی و هنری و اجتماعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 33، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
بررسی آثار ادبی، آثار هنری، ارزشهای اجتماعی در آثار ادبی و هنری، شناسایی علما و دانشمندان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رنجبری سلطان احمدی، ایوب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ایوب رنجبری سلطان احمدی
محل تولد : سلماس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1351 در شهر سلماس متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در مدارس آن شهر خواندم. در سال 67 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دوره مقدمات را با ممتازی به پایان رساندم و در دروس سطح عالی کفایه و رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار خواندم. از سال 76 وارد دروس خارج حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، جوادی آملی، سبحانی، بهجت ، عابدی، فاضل گلپایگانی شدم.
به مدت 2 سال در کشور آذربایجان شوروی به عنوان مدرس اعزام به آن کشور شدم و در تخصصی تبلیغ سطح چهار با رتبه ممتازی به پایان رساندم.در مرکز تربیت محقق و نویسنده علوم قرآنی در حد کارشناسی ارشد حدود 5/2 سال مشغول تحصیل کردم و در مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان با رتبه ممتازی دوره را به اتمام رساندم.
مدت 15 سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر استفاده کردم و چندین سال است که به عنوان روحانی حج تمتع و عمره مفرده در خدمت زائران بیت اللهی و عاشقان اهل بیت هستم.از سال 72 به صورت رسمی در وقفه های رمضان و محرم و صفر و دهه فجر و ... .به عنوان مبلغ نمونه در خدمت قشرهای مختلف نظامی ، انتظامی، اطلاعاتی و دانشگاهی و حوزوی و روستایی و شهری و ..... برده ام.از محضر 12 مجتهد و مرجع تقلید اجازه نامه کتبی در ..... امور حسبیه که بنده به اذن فقیه جامع الشرائط می باشد و موارد دیگر دارم.

رواقی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رواقی در سال 1320 ، در شهر مشهد متولد شد.در سال 1339 تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال 1344 به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال 1353 در دانشگاه تهران گذراند. دکتر رواقی ، از سال 1349 تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال 1354 با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال 1356 در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد. دکتر رواقی ، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی رواقی، در سال 1339 تحصیلات دوره ی کارشناسی خود را در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد آغاز نمود. آنگاه در سال 1344 به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا را تا سال 1353 در دانشگاه تهران گذراند.
استادان و مربیان : علی رواقی تحت تعلیم استادانی چون : دکتر احمدعلی رجایی بخارایی ، دکتر غلامحسین یوسفی ، بدیع الزمان فروزانفر ، همایی ، خانلری ، معین ، مجتبی مینوی ، دکتر علی اکبر فیاض و محمد پروین گنابادی قرار داشت.
فعالیتهای آموزشی : علی رواقی، از سال 1349 تدریس متون زبان فارسی شامل شاهنامه ، تاریخ بیهقی و آثار ناصرخسرو را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس در سال 1354 با استفاده از یک فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت و در زمینه ی فرهنگ نویسی به تحقیق پرداخت و سال 1356 در دانشگاه پل والری مون پلیه ، زبان فارسی را تدریس کرد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی رواقی، مؤسسه ای فرهنگی به نام برادر شهیدش محمد رواقی بنیاد نهاده است که در طبع و نشر آثار مختلف فعالیت دارد. ----------

---
آثار :
1 پژوهش و ویرایش قرآن مترجم قدس
2 تصحیح ترجمه ی مقامات حریری
3 تصحیح تفسیر قرآن پاک
ویژگی اثر : با مقدمه ی استاد مجتبی مینوی.
4 تصحیح جلد اول بصایر یمینی
5 تصحیح فرهنگ تکمله الاصناف
6 تصحیح مقاصد اللغه و تفسیر 6 جلدی بصائر یمینی
7 ذیلی بر فرهنگ های فارسی
8 زبان فارسی در ماوراءالنهر
ویژگی اثر : در 2 مجلد.
9 سبک شناسی یا گونه شناسی ترجمه های قرآن
ویژگی اثر : بر پایه ی بیش از پانزده ترجمه ی قرآن که به حوزه های زبانی گوناگون پیوند دارند.
10 فراهم کردن گزیده ی شاهنامه
11 فرهنگ فارسی تاجیکی
12 فرهنگ مصدر در زبان فارسی
ویژگی اثر : در 2 مجلد.
13 فرهنگواره ی واژگان قرآنی - فارسی
ویژگی اثر : در 4 مجلد.
14 همکاری در چاپ دیوان ناصرخسرو
15 ویرایش ترجمه ی قرآن موزه پارس شیراز
ویژگی اثر : دربردارنده ی ترجمه ای از نیمه ی دوم قرآن از سوره ی مریم تا پایان قرآن. ----------
---
منابع :
1آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی اول ، دی 1376

روحانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمدعلی بن العلامه الحاج میرزا ابوالقاسم بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی از علماء اخیار و ائمه جماعت مسجد امام دارای مقام علم و کمال و قدس و تقوا می‌باشد. عالمی است موفق و سالکی است موید، در غالب زیارات مخصوصه حضرت رضا علیه‌السلام با شوقی وافر به مشهد رضوی مشرف و افاضاتی از حضرتش دریافت نموده و می‌نمایند. نگارنده در بسیاری از اوقات وی را با توجهی مخصوص در آن روضه منوره دیده و التماس دعا گفته‌ام. تحصیلات مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول را از اساتید بزرگ حوزه مرحوم والد خوانده و از آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله العظمی بروجردی و پس از فوت ایشان آیت‌الله العظمی شریعتمداری و دیگران استفاده نموده و ضمنا مباحثات اصولی و فقهی داشته و در ظهر و شب هم در مسجد امام علیه‌السلام به جای والد مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند زادالله فی توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

روحانی قمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1388 -1322 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در قم متولد شد، تا پانزده سالگی در خدمت پدرش به تحصیل مقدمات پرداخت. سطوح معقول را نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی و فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری فراگرفت. در 1344 ق به‌عزم تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار شد و در حوزه‌ی درس و بحث آیت‌اللّه قمی شرکت کرد و بهره‌ها برد. سپس به تهران و قزوین رفت. احتیاج شدید جامعه آن روز به امرتبلیغ وی را بر آن داشت که به وعظ و خطابه روی آورد. او بارها به هندوستان، برای ترویج دین سفر نمود. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثارش: «سر السعاده»، به عربی؛ کتاب «خاطرات»؛ کتاب «تسلیه المریض»؛ کتاب «کفایه النحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، گنجینه‌ی دانشمندان (339/1).

روحانی نژاد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین روحانی نژاد
محل تولد : موسویه بیرجند
شهرت : روحانی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب حسین روحانی نژاد در سال 1352 هجری شمسی وارد حوزه علمیّه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال 1353 – 1354 وارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه رسالت – که شبیه مدرسه حقّانی و تحت برنامه خاصی بود – به تحصیل ادامه مقدّمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم . بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی ، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم . در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه) ، مصباح (نهایه) ، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.
چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته ، حدود 10 سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید ، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.
از سال 1363 با مرکز تحقیقات عقیدتی- سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال 1371 ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام ، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن ، مقالاتی در

مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...
سال 1360 مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سنندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه – به صورت مشترک با یکی از دوستان – تدوین کردم. سال 1361 در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم.در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.
سال 68 در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم – شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال 70 – 71 در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال 71 از آن دفاع کردم.از سال 71 تا 76 به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و 5 سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد – واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.
سال 76 به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام در. سال 77 به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود 4 – 5 سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده ام.

روحانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام حاج آقا احمد بن العلامه السید صادق الحسینی الروحانی عالمی فاضل و واعظی کامل و خوش‌مجلس و نیکو محاوره بود در قم متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح معقول را خدمت آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی خوانده و فقه و اصول را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حایری استفاده نموده آنگاه به نجف مهاجرت و چند سالی را از محضر و درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه عراقی و نائینی و اصفهانی و قمی قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و بعد مراجعت به تهران و قزوین و از راه منبر و موعظه به تبلیغ دین پرداخته و سفری هم به هندوستان برای ترویج اسلام مسافرت نموده و در سال 1374 به اصرار بعضی از علماء و عده‌ای از مؤمنین در مسجد بنی‌هاشمی واقع در خیابان گرگان به امامت جماعت مشغول گردیده و مردم را از نماز و بیانات خویش بهره‌مند می‌نمود تا در سال 1388 قمری که به رحمت حق واصل و از تهران به قم منتقل و در شیخان نزدیک قبر میرزای قمی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

روحانی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد روحانی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1362ه.ش وارد حوزه علمیه قم شدم . پس از طی مراحل مقدمات وسطح به درس خارج پرداختم ود رسال 1371ه.ش دررشته تفسیر تخصصی مشغول به تحصیل شدم ومدّت 4سال زیر نظرآیت الله مکارم شیرازی دردرس های تفسیری مشغول بودم .وحدود پنج سال است که به کارهای پژوهش مشغولم وکتابهائی را هم ترجمه کردم اگر خداوند توفیق عنایت فرماید دوست دارم کارهای تحقیقی وپژوهشی وترجمه های دیگری را هم انجام دهیم .

روحانی، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سعید روحانی
محل تولد : قائمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/6/20
زندگینامه علمی
اینجانب سید سعید روحانی در مورخه 20/6/48 در یکی از روستاهای قائمشهر(اوجابندان) در خانواده مذهبی چشم به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساندم و در یکی از روستاهای مجاور،تحصیلات دوره راهنمایئ را گذرانده وبرای دوره دبیرستان در رشته علوم تجربی رهسپار شهرستان قائمشهر شدم.
در سال 1367 که همزمان با پایان دوره دبیرستان بود به پیشنهاد حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای قرائتی در امتحانات ورودی حوزه علمیّه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون ورودی در مدرسه علمیّه حضرت رسول الکرم(ص) مشغول به تحصیل شدم. دروس مقدّماتی را نزد استاتیدی چون حجج اسلام آقایان غلامعلی صفایی،فلاح زاده،نوبهار،سیّد عبّاس موسوی و آهنگران به پایان رساندم پس از اساتیدی چون حجج اسلام ایّوبی،غرویان،معصومی،نجفی مازندارنی،فقیهی،طاهری مازندارانی،حسینی بوشهری،احدی و موسوی تهرانی بهره مند شدم.
از سال 1377 دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر اساتید چون حجج اسلام و المسلمین حسینی خراسانی،سید احمد خاتمی،آیت الله سبحانی و صانعی و شیخ احمد عابدی شاهرودی و نکونام بهره مند گردیم.
در سال 1377 به پیشنهاد مسئول گروه تاریخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای جناب حجّت الاسلام والمسلمین محمّد خردمند مبنی بر تدوین و گرد آوری تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری بر اساس سر فصل نهاد مشغول به تدوین شدم که نتیجه این تلاش پس از 1500 ساعت صرف وقت دو جلد کتاب بود که در 710 صفحه در پائیز 78 به چاپ رسیده است.
بنابر در خواست برخی از اساتید دانشگاهها و یراست جدید آن در سال 79 در 232 صفحه به چاپ رسید که تاکنون بارها تجدید چاپ شد. در اواخر

سال 1380 به پیشنهاد مسئول جدید گروه تاریخ نهاد جناب آقای محمّد نصیری فصل پنجم کتاب تاریخ اسلام،تألیف جمعی از نویستدگان که زیر نظر دکتر صادق آئینه وند در زمستان 81 به چاپ رسید،به بنده واگذار شده بود.
پس از تدریس دو ترم از این کتاب ویراست دوم آن نیز در زمستان 82 از چاپ خارج شد. از آنجایی که کتاب دو جلدی تاریخ اسلام و آثار شهید مطهری چند ترمی متن درس گروه الهیات دانشگاه های پیام نور قرار گرفته بود(و به سبک متن درسی تدریس نشده بود)به پیشنهاد سرپرست محترم گروه الهیات دانشگاه پیام نور مرکز اقدام به تألیف کتاب تاریخ اسلام نمودم که جلد اول آن در بهمن 82 به چاپ رسیده و جلد دوم آن در دست آماده سازی است.
علاوه بر این از سال 1382 تاکنون در دانشگاه پیام نور قم به تدریس دروس چون«مبادی اصول»،«اصول فقه 2»،«فقه مقارن 1»،«فقه مقدماتی1»،«احادیث فقهی»و«اعراب قرآن»مشغول هستم. حدود 2 سال نیز(البته از زمان تأسیس)عضو انجمن تاریخ پژوهان حوزه علمیّه هستم. از سال 1379 نیز به در خواست سردبیر محترم فرهنگ کوثر جناب حجت الاسلام والمسلمین محمود مهدی پور اقلام به ارائه مقالات در زمینه های مختلف تاریخی نمودم که بیش از 10 مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است. به امید آن روزی که قدمهای کوچک وناقص ما راهگشا باشد.

روحانی، سید شمس الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شمس الدین روحانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی "حفظه الله" که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم .
از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود 25 سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

روحانی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ضیاءالدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدهادی روحانی در رودسر متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش و پس از خواندن دروس جدید تا حدود متوسطه به قم آمده و ادبیات و مقدمات و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه فراگرفته و پس از آن به درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی خمینی و دیگران شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والدش به رودسر مراجعت و تا هم‌اکنون بجای آن مرحوم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

روحانی، فواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، نویسنده و مترجم. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران و تحصیلات عالی را در دانشگاه لندن در رشته‌ی حقوق به پایان رساند. در سال 1306 ش به ایران بازگشت و به عضویت شرکت نفت درآمد. روحانی به مباحث ادبی و فلسفی و خلاقی و هنری علاقه وافری داشت و در زمینه‌ی موسیقی علمی و فلسفه هنرهای زیبا از صاحب نظران کشور بود. وی از موسسان انجن فیلارمونیک تهران و دبیر انجمن بود. روحانی علاوه بر تبحر در زبانهای انگلیسی و فرانسه، به زبانهای عربی و لاتین نیز آشنا بود. از آثار وی: ترجمه‌ای از «الهی‌نامه‌ی عطار» به زبان فرانسه؛ «جمهور» افلاطون، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (749 -748 /4).

روحانی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ هادی روحانی (کله بستی) از ائمه جماعت و علماء معاصر شهرستان بابل است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روحی شیرازی، عنایت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1307 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. ملقب به اعتماد التولیه روحی. وی روزنامه «دارالمعلم» را در سال 1327 ق تاسیس کرد و مدتی نشر داد و بعد مجله ادبی «آرین» را به همراه حسین پرتو منتشر کرد و چندی هم روزنامه «وطن» را می‌نوشت. روحی گاهی شعر نیز می‌سرود. وی زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و علم عروض را از صاحب «آثار عجم» آموخته است. از آثار وی: «ادبیات پهلوی»؛ «اعتدالی و دمکرات»؛ «زنگ تفریح»؛ «سردار نامه، داروین و حکمای مشرق زمین»؛ «فال حافظ»؛ «علم ارواح»؛ «تاریخ سلطنت»؛ «فتوحات مسلمین در فرنگ»؛ «تاریخ تعلیم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (563)، تاریخ جراید (263 -262 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (653 -647 /2)، مؤلفین کتب چاپی (640 -639 /4).

روحی کرمانی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1314 -1272/1263 ق)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به روحی. در کرمان متولد شد، تحصیلات اولیه و علوم عربی و فقه و اصول و حدیث را در همان شهر نزد پدر خود فراگرفت. در سال 1302 ق با میرزا آقا خان کرمانی که از مشاهیر زمان خود بود، به اصفهان و تهران و رشت و استانبول سفر کرد و در این شهر به تدریس زبانهای شرقی و تکمیل زبانهای انگلیسی و فرانسوی و ترکی عثمانی مشغول شد. چندی بعد به سفر حج رفت و در مراجعت مدتی در حلب اقامت گزید و مجددا به استانبول برگشت. روحی در مدت اقامت در استانبول با میرزا رضا کرمانی و سید جمال‌الدین اسدآبادی ارتباط داشت و همین رابطه موجب شد بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی، دولت ایران استرداد شیخ احمد و دوستانش را از دولت عثمانی درخواست کند. بعد از تحویل به مقامات ایرانی، هر سه به دستور محمدعلی میرزا، در خانه و در حضور او سر بریده شدند و اجساد آنان را بعدا در قبرستان ششکلان دفن کردند. روحی دارای تالیفات و ترجمه‌هایی است که از آن جمله ترجمه‌های «هشت بهشت»؛ «حاجی بابا اصفهانی» است.[1]
(شیخ) احمد کرمانی (و. 1263- مقت. 1314 ه.ق.) از تعلیم یافتگان مکتب سید جمال‌الدین اسدآبادی و از پیشوایان نهضت مشروطه است. وی به همراهی میرزا آقاخان کرمانی با ایادی حکومت مطلقه قاجاریه و استبداد شاهزادگان به مبارزه پرداخت و عاقبت در این راه شهید شد. وی نویسنده و شاعر بود و در شعر روحی تخلص می‌کرد. ترجمه ژیل بلاس از فرانسوی به فارسی به قلم او صورت گرفته و کتاب هشت بهشت از تألیفات اوست و نیز ترجمه حاجی بابا را از انگلیسی به فارسی بدو نسبت دهند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (395 -394 /1)، دایرةالمعارف فارسی (64/1)، الذریعه (389/9)، سرآمدان فرهنگ (273/1)، شخصیتهای نامی (217 -216)، شرح حال رجال (84 -80 /1)، فرهنگ سخنوران (400)، لغت نامه (ذیل/ روحی)، مؤلفین کتب چاپی (397 -395 /1)، یادگار (س 3، ش 10، ص 21 -17).

رودباری، ابوعلی احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 322 ق)، صوفی، ادیب و فقیه. در رودبار متولد شد. و در بغداد ساکن گردید. او از وزیرزادگان سلاله‌ی کسری بود و نسبش را به انوشیروان می‌رساند. روزی با مریدان جنید بغدادی صحبت کرد و چون کلماتی از او شنید در دل وی محبت اهل طریقت جای گرفت و ترک مال و منال کرد و در سلک مریدان جنید درآمد. از مسعود رملی حدیث روایت کرد. با ابن‌جلاء و ابوالحسین نوری و ابوحمزه بغدادی صحبت داشت و همنشین بود. فقه را نزد ابوالعباس بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم بن سریج و ادبیات را نزد ثلعب و حدیث را از ابراهیم حربی آموخت. عاقبت به مصر رفت و خود مرجع استفاده علما شد. سرانجام در همان جا درگذشت. بعضی او را جامع سه علم شریعت و طریقت و حقیقت می‌دانند. فرزند خواهرش، احمد بن عطا رودباری، محمد بن عبدالله رازی، احمد بن علی وجیهی و معروف زنجانی از شاگردان وی می‌باشند. وی تصانیفی نیکو در تصوف دارد. اشعاری نیز از وی به جای مانده است. از کلمات او است: «برترین یقین آن است که حق را در چشمان تو عظمت بخشد و هرچه جز اوست کوچک گرداند، و امید و ترس را در دلت تثبیت کند».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (333 -329 /1)، تاریخ گزیده (651)، تاریخ نظم و نثر (753)، تذکره الاولیاء (288 -285 /2)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (73 -72)، حلیه‌الاولیاء (357 -356 /10)، ریاض العارفین (40)، سیر النبلاء (536 -535 /14)، طبقات الصوفیه سلمی (360 -354)، کشف المحجوب (198 -197)، الکنی و الالقاب (125/1)، لغت نامه (ذیل/ ابوعلی)، معجم البلدن (89/3)، نفحات الانس (207 -205).

رودسرابی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن رودسرابی
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
در پانزدهم شهریور سال 1333 شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال 43 ـ 42 با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال 1348 برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.
در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال 1350 برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید

کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال 1357 در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبه، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1300 ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالیه پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در 1330 ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تصحیلات عالیه هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمنیه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملا آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبته و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر

عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س 4، ش 8، ص 53 -52).

روزبهان بقلی فسایی، صدرالدین ابومحمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(606 -552 ق)، صوفی. معروف به شیخ شطاح. در شهر فسا متولد شد، در شیراز تربیت یافت و جامع علوم ظاهری و باطنی بود. وی دکانی داشت که در آن بقل می‌فروخت و به همین سبب به بقلی معروف شد، و نیز به علت داشتن شط حیات زیاد به شیخ شطاح معروف است. وی با شیخ ابوالنجیب سهروردی در شنیدن صحیح بخاری در مرز اسکندریه شریک بوده است. او خرقه از شیخ سراج‌الدین محمود بن خلفه بن عبدالسلام بن احمد گرفته، چندی نزد فقیه ارشدالدین نیریزی شاگردی کرده است. علاوه بر این پنجاه سال در مسجد جامع عتیق مردم را موعظه و ارشاد می‌کرد. از مشایخی که در محضر وی حاضر می‌شدند، علی لالا و بهاءالدین یزدی و ابوالحسن کرد و شیخ ابوالقاسم خاوی و ابوالفتح نیریزی می‌باشد. از وی بیست و هشت تصنیف در تفسیر، فقه، حدیث و اصول و تصوف به جای مانده است. از جمله: «عبهر العاشقین»؛ «حقایق الاخبار»؛ «العقائد»؛ «مشرب الارواح»؛ «لوامع التوحید»؛ «رساله النفس فی روح‌القدس»؛ «لطائف الایمان فی تفسیر القرآن»؛ «شرح شطحیات»؛ «الموشح فی مذاهب الاربعه»؛ «عرائس البیان فی حقایق القرآن»؛ «الانوار فی کشف الاسرار»؛ «سیر ارواح»؛ «صفوه مشارب العشق».[1]
(قس. روزبه) ابومحمد بن ابونصر بقلی(ه.م.) شیرازی دیلمی مشهور به شیخ شطاح (و. فسا 522- ف. 606 ه.ق.) عارف بزرگ قرن ششم. وی نزد ارشدالدین ابوالحسن علی نیریزی، فخرالدین مریم، صدرالدین ابوطار احمد بن محمد سلفی علم آموخت. شیوخ وی در ارشاد جمال‌الدین بن خلیل فسایی،جاگیر کردی، سراج‌الدین محمود بن خلیفه، ابوبکر بن عمر بن محمد معروف به برکر بودند و زندگی او بیشتر در شیراز به مجاهده و وعظ و تذکیر گذشت. او در علوم قرآنی و تفسیر و حدیث و فقه و عرفان براعت یافت و مدت 50 سال در جامع عتیق شیراز موعظه کرد. آرامگاه او در محله «بالاکفت» شیراز است. از آثار اوست در تفسیر، لطائف البیان فی تفسیر القرآن، عرائس البیان (ه.م.)، در احادیث: مکنون حدیث، حقائق الاخبار، در فقه: الموشح فی المذاهب الاربعة، در اصول: العقاید،الارشاد،المناهج، در تصوف: مشرب الارواح، منطق الاسرار به بیان الانوار، شرح شطحیات (ه.م.)، لوامع التوحید، مسالک التوحید، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار، شرح الحجب و الاستار، سیر الارواح، العرفان

فی خلق الانسان، رسالة الانس فی روح‌القدس.
شیخ روزبهان ابومحمد بن ابی‌نصر معروف به شیخ شطاح که مدت 50 سال در شیراز وعظ می‌نمود و در سال 606 ق وفات کرد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] بزرگان شیراز (224 -220)، بزرگان نامی پارس (243 -238 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (257/2)، تاریخ نظم و نثر (109)، تاریخ گزیده (675 -674)، تذکره‌ی هزار مزار (293 -289)، جستجو در تصوف (225 -219)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (174 -171 /1)، الذریعه (242 /15، 190 -189 /14، 390 /9)، ریحانه (324/3)، سرآمدان فرهنگ (227 -226 /1)، شیرازنامه (161 -159)، طرائق الحقائق (641 -640 /2)، فارسنامه‌ی ناصری (1169 -1167 /2)، فرهنگ سخنوران (402)، کشف الظنون (1131، 1079، 1011، 196)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 606)، مؤلفین کتب چاپی (300 -299 /1)، معجم المؤلفین (176 -175 /4)، نفحات الانس (263 -261)، هدیه العارفین (371/1)، هفت اقلیم (183/1).

روشن تن، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل روشن تن
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
در سال 68-69وارد حوزه علمیه تبریز شدم و بعد از دو سال تحصیل در آنجا، سال 70 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی و مدرسه معصومیّه مقدمات را به اتمام رساندم. در سال 77 موفق به اتمام سطح شدم و اتمام سطح هم بخاطر شرکت در آزمون به صورت ارتقایی بود سرانجام در سال 78-79 وارد رشته تخصصی سطح 4 حوزه شدم و سال 81-2 فارغ التحصیل گشته و هم اینک موضوع رساله سطح 4 خود را در ردّ آرای یکی از دین پژوهان مهاجر عرب آقای نصرحامد ابوزید در دست طرح و تدوین دارم و انجام می‌دهم لازم به ذکر است که مقالات متعددی را اینجانب تألیف کرده‌ام که بعضی از آنها به چاپ رسیده و برخی به زیور طبع آراسته نشده است و در خلال کارهای علمی دو رساله تصور و تصدیق از صدر المتألهین و قطب شیرازی را ترجمه کرده‌ام که چاپ نشده‌است و هم چنین رساله بحوث فی التوحید و الشرک حضرت استاد آیت الله سبحانی را به عنوان تحقیق درسی ترجمه نموده ام هم زمان با اشتغال به روش سطح در خارج فقه (بیع) حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقیه مرحوم حضرت آیت الله میرزا جواد آقای تبریزی و اصول حضرت آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی شرکت کردم و حاصل آن حضور، تقریراتی است که نگاشته شده است و هم اینک علاوه بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی ضمن تدریس دروس حوزه به کارهای فقهی و تحقیقات فروع فقهی با تنی چند از دوستان مشغول هستم با این امید که مرضی رضای حق تعالی قرار بگیرد. انشاءالله

روشن، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد روشن به سال 1312 ش. در رشت زاده شد.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید. محمد روشن از سال 1337 تا 1348 به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال 1350 به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست. از اسفندماه 1348 که به تهران منتقل گردید با بنیاد فرهنگ ایران همکاری کرد که تا انقلاب اسلامی همکاری خودرا در بخش ‹‹ فرهنگ تاریخی زبان فارسی›› این موسسه ادامه داد. وی به سال 1350 از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت.و از آن پس دربیشتر فعالیتهای فرهنگی داخلی و خارجی اعم از کنگره ها ، سمینارها ، بزرگداشت ها و....حضور داشته است . کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد روشن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان برد و بر اثر تشویقهای استاد پورداود به تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. وی دوره فوق لیسانس را در پژوهشکده فرهنگ ایران گذرانید.
استادان و مربیان : محمد روشن از محضر استادانی همچون استاد پورداود و دکتر محمد معین استفاده برد.
هم دوره ای ها و همکاران : محمد روشن با سیدمحمد تقی مدرس رضوی از روزگار دانشجویی همکاری داشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکاری محمد روشن پس از انتقال به تهران از اسفند1348 آغاز گردید و این همکاری با بنیاد فرهنگ ایران همکاری آغاز کرد که تا انقلاب اسلامی در آن موسسه، در بخش ‹‹ فرهنگ تاریخی زبان فارسی›› ادامه داشت. وی به سال 1350 از وزارت آموزش و پرورش به فرهنگستان ادب و هنر منتقل گشت. از سال 1350 به پیشنهاد استاد شادروان مجتبی مینوی در شمار 5 تن پژوهشگران نخستین

بنیاد شاهنامه فردوسی: آقایان دکتر زریاب خویی، دکتر شفیعی کدکنی و دکتر علی رواقی برگزیده شد. محمد روشن از نخستین دوره کنگره تحقیقات ایرانی که از سوی دانشگاه تهران به سال 1349 بر پا گردید تا هشتمین دوره آن که هریک از سوی دانشگاههای فردوسی مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و ملی سابق (دکتر بهشتی) و بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر در کرمان عضویت موثر داشت چنان که 5 دفتر از خطابه های کنگره های بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان ادب و هنر با نظارت و ویراستاری وی منتشر گردید. وی همچنین در کنگره جهانی هزارمین سال تدوین شاهنامه فردوسی که از سوی یونسکو در دانشگاه تهران به سال 1369 بر پا گردید عضویت داشت و برای نخستین بار خدشه دار بودن نسخه خطی شاهنامه فلورانس را که تاریخ مجعول 614 دارد و خود توفیق بررسی عین نسخه را در کتابخانه ملی فلورانس یافته بود اعلام داشت. محمد روشن در کنگره جهانی بزرگداشت نهمین سده نظامی در دانشگاه تبریز (تیر ماه 1370) و نیز کنگره خواجوی کرمانی در دانشگاه کرمان (مهرماه 1370) عضویت داشت. وی در کنگره بزرگداشت استاد دکتر معین که از سوی دانشگاه گیلان در اردیبهشت 1370 برگزار گردید ، عضو هیئت اجرائی کنگره را بودو نیز در کنگره گیلان شناسی دانشگاه گیلان، در شهریور 1372 مشارکت داشت.
فعالیتهای آموزشی : محمد روشن از سال 1337 تا 1348 به دبیری در دبیرستانهای رشت اشتغال داشت. و از سال 1350 به هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ ایران پیوست و در دوره های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی و دوره فوق لیسانس رشته تاریخ و زبان شناسی تدریس کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد روشن در گردآوری مقالات استاد پورداود افتخار همکاری با وی را داشت و درهمان اوان فهرستهای دوازده گانه چهار مقاله نظامی عروضی مصحح دکتر محمد معین و ‹‹ ایران از آغاز تا اسلامی›› ترجمه آن روانشاد را فراهم ساخت . در تمهید مقالات ‹‹ فرهنگ معین›› از همکاران نخستین آن بزرگوار بود. پس از‹‹ داستان رستم و سهراب ›› مصحح استاد مینوی، ‹‹ داستان فرود›› مصحح روشن در بنیاد شاهنامه به مناسبت جشنواره طوس در 1354 منتشر گردید.محمد روشن پس از انتقال به تهران با مجلات ادبی و تحقیقی پیوندی نزدیکتر یافت، چنان که سر دبیری سال 13 مجله ‹‹ راهنمای کتاب›› با وی بود و نیز ستون نقد و بررسی کتابها و مجله های دانشگاهی در مجله سخن را نیز بر عهده داشت.
جوائز و نشانها : کتاب"جامع التواریخ"تصحیح ،محمد روشن ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : نخستین اثر آقای محمد روشن با عنوان تصحیح «تفسیر سور؟ یوسف» در سال 1345 منتشر شد. تصحیح «منشآت خاقانی»، «لمعة السراج» ، «محضرة التاج» ، «مرزبان نامه»، «جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف» و «بخشی از تفسیری کهن» را در سالهای بعد به طبع رساند. تصحیح بخش نخستین «تاریخنام؟ طبری» و همچنین «شاهنام؟ فردوسی» با شرح واژگان از آخرین آثار آقای روشن است. ----------
-
آثار :
1 بخشی از تفسیری کهن
ویژگی اثر : تصحیح
2 تاریخنام؟ طبری
ویژگی اثر : تصحیح
3 تفسیر سوره یوسف
ویژگی اثر : این کتاب به تشویق دکتر محمد معین تالیف شدو به سال 1345 از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. این اثر در چاپ سوم بر مبنای متن کتاب ‹‹ قصه یوسف›› نام گرفت که به سال 1367 از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردید.[کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص 705]
4 جامع التواریخ
ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (4 جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، 1373. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو؟ تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و

مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ؟ تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است

5 جنگنامه حضرت سید جلال الدین اشرف
ویژگی اثر : تصحیح
6 حدیقه الحقیقه سنائی
7 دیوان سید حسن غزنوی
8 شاهنام؟ فردوسی
ویژگی اثر : تصحیح
9 شجره طیبه
10 مثنویهای حکیم سنائی
11 محضرة التاج
ویژگی اثر : تصحیح
12 مرزبان نامه
ویژگی اثر : تصحیح
13 معة السراج
ویژگی اثر : تصحیح
14 منشات خاقانی

منابع :

2www.ketabesal.ir1کتاب گیلان ،گروه پژوهشگران ، به سرپرستی سید ابراهیم اصلاح عربانی، ص 704

روشنی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ حسین روشنی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ هدایت‌اللّه وحید گلپایگانی می‌باشد.
وی در حدود سال 1345 ق در (گوگد) که یکی از مضافات گلپایگان است متولد و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت (چندی در مدرسه دارالشفاء هم حجره نگارنده بودند) و در حوزه علمیه سطوح را از مدرسین عالی حوزه خوانده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و بعضی آیات دیگر استفاده نموده و در سال 1374 ق به تهران منتقل و تاکنون در مسجد خیابان ایرانمهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای روشن از دانشمندان متقی و با متانت و موصوف بورع و محامد اخلاق و آداب می‌باشد و هرگز از وی مکروهی ندیده و نشنیده‌ام ادام اللّه توفیقه و کثر اللّه آثاره.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللّه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللّه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال 1347 ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.
نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:
1- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت 12 سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.

2- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (300 صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.
3- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:
1- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال 1377 ق بطبع رسیده.
2- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال 1379 چاپ شده است.
3- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.
4- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.
5- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال 1373 ق چاپ شده است.
6- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال 1385 در اصفهان چاپ شده است.
7- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.
8- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.
9- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.
10- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: 1- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. 2- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم 3- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. 4- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.
11- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی 12 شماره از روزنامه چهل ستون از شماره 142 تا (155) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.
اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:
1- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.
2- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد 14 کتاب الذریعه ص 70) و در حرف میم هم در جلد 21 ص 293 آن را ذکر کرده است.

3- رساله در عدالت.
4- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.
5- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی 64 آنرا معرفی کرده است).
6- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد 21 ص 39 آن را یاد کرده است.
7- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد 20 ص 133 آنرا تعریف نموده.
8- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)
9- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.
10- کتاب مناظرات مذهبی در 3 مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.
11- صوفی بازی در 2 جلد رد بر صوفیه.
12- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.
13- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.
14- فلسفه نماز.
15- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.
16- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.
17- گمراهان باب و بهاء.
18- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد 16 صفحه‌ی 329 یاد کرده است.
19- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.
20- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.
21- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.
22- حواشی بر کتب درسی.
23- حواشی بر کتب رجالی.
علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن

جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا حبیب اللَّه، عالم فاضل، از ائمّه جماعت مورد وثوق و احترام مردم، در 1308 متولّد، و در 1279 وفات یافته، در بقعه تکیه گلزار مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

روضاتی، محمد هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 15 محرّم 1319 متولّد، و در 27 جمادی الاولی سال 1356 در شطّ کوفه غرق شده، و در نزد عمّ بزرگوار خود در وادی السلام مدفون گردید.
عالم و فاضل و محقّق بوده، امید ترقیّات زیاد درباره او می‌رفته، لکن اجل مهلتش نداده
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- حاشیه فرائد الاصول 2- حاشیه بر مکاسب 3- حاشیه بر مغنی 4- حاشیه بر کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، که قسمتی از آن در اصفهان به طبع رسیده 5- اجزای متفرّقه‌ای در اخلاق، تاریخ، تفسیر و مواعظ.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رویانی کجوری بخاری، جلال‌الدین، ابوالفتح نصرالله

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(833 -766 ق)، صوفی و لغوی شافعی. در کجور رویان به دنیا آمد. به قاهره رفت و با امرا و بزرگان همنشینی کرد. کتبهای نفیس فراوانی جمع‌آوری کرد. وی در روزگار خود به نام و شهرتی رسید. در قاهره درگذشت و در خانه‌اش دفن شد. از آثارش: «اعلام الشهود بحقایق الوجود»، در تصوف؛ «غنیه الطالب فیما اشتمل علیه الوهم من المطالب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (353/8)، معجم المؤلفین (96/13)، هدیه العارفین (493/2).

رهبری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن رهبری
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن رهبری فرزند بزرگ خانواده فقیر و بی سواد امّا متدین و متشرع از تبریز بودم. مرحوم پدرم حسین از سواد فقط خواندن قرآن را میدانست و از اعداد تا سه رقمی ها را امّا در عین حال به علّت رفت و آمد با اهل علم و علاقه مندی به حضور در مساجد و محافل مذهبی و پای منابر، به قدری با مسائل فقهی و شرعی آشنائی داشت که محل رجوع اهالی محل بود.
شش ساله بودم که قرآن را با همان سبک و سیاق و حجی کردن قدیمی، در مدّت یک سال تمام به من آموخت و چه نیکو آموخت. به 7 سالگی که رسیدم مسئله ثبت نام من در کلاس اوّل ابتدائی مطرح شد، پدرم از رفتن من به مدارس دولتی سخت پرهیز داشت که مبادا با فرهنگ غربی رژیم شاهنشاهی تربیت شوم و به دنبال محیط آموزشی غیر دولتی و با مدیریت اسلامی برایم بود. مدرسه ای با این خصوصیات پیدا شد امّا عدم توانائی پدرم از پرداخت شهریه 200 ریال آن، قضا را تغییر داد. درس نخواندنم بر درس خواندنم ترجیح داده شد تا مقداری بزرگ شده و در حرفه ای مشغول به کار شوم امّا با اصرار همسایگان، پدرم به شرطی با ورود من به مدرسه دولتی موافقت کرد که یکی از علمای بزرگ تبریز جواز آن را صادر کند. به یاد دارم که مرحوم آیت الله حاج میرزا علی اصغر چایچی اجازه دادند تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل نمایم.
دوره ابتدائی را تمام کردم اما باز در ادامه تحصیل با مشکل شرعی مواجه شدم گریه و زاری ام برای ادامه تحصیل بی فایده بود مگر اینکه به فکرم رسید در خانه تحصن نموده و از رفتن به کارگاه خیاطی که تابستانها می رفتم خودداری کنم. کتک کاری های پدر را تحمل کرده و بست نشینی را چند روز ادامه دادم. مغازه خیاطی پدرم محل اطراق و رفت و آمد روحانیون محل بود او موضوع را با یکی از آنها در میان می گذارد و برای

نصیحت من از او کمک می خواهد، او می گوید: آقا شیخ حسین! من خودم دیپلم مدارس دولتی هستم آیا بی دین شده ام ؟ مگر کارگران همه با دین هستند و درس خوانان همه بی دین؟ و ... این سخنان پدرم را آگاهی بخشیده و نرم کرده بود تا اینکه قرق شکست و من وارد دبیرستان شدم. در دوره دبیرستان با تشویق یکی از مداحان اهل بیت(ع) که شعر هم می سرود ابتدا به شعر گفتن و سپس برای خوب شعر گفتن به مطالعات خارج از کتب درسی کشیده شدم.
مقاتل را می خواندم و به نظم می کشیدم اما چون استعداد شعر را در خود کمتر دیدم آن را رها نموده و مطالعه را سرعت بخشیدم. تدریس قرآنم در یک هیئت عزاداری جوانان، نا گزیر از یاد گیری دروس حوزوی ام کرد. در کنار دروس حوزوی به صورت متفرقه حضور در دوره های تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه را نیز شروع کردم. در سال 1362 در رشته زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شدم. زمینه های قبلی و تحقیقات دانشگاهی، قلم به دستم کرد و زمینه های مذهبی، قلمم و درس و تحقیقم را به سوی مسائل دینی سوق داد. تا جایی که از اساتیدی که در دسترسم بود استفاده کردم و آنجا هم که استاد نیافتم متوسل به تکنولوژی روز شدم. نوار اساتید،(سی دی) دروس فقه و اصول، برنامه های درسی رادیو قرآن، اینترنت و کتابها ، استادی مرا عهده دار شدند. از سال 1379 دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی ادامه دادم. تا به حال دو جلد کتاب و 30 مقاله تحقیقی نوشته ام که 18 مقاله چاپ گردیده و بقیه در نوبت چاپ مجلات تخصصی بوده و یا برای مجموعه مقالاتم آماده می شوند.
اکنون 3 جلد کتاب «مقالات قرآنی»، «مقالات فقهی» و «علم امام » ر ا آماده چاپ دارم که در صورت مساعدت شرایط، اقدام خواهم کرد انشاءالله. در مقالاتم همواره دنبال مسائل جدید و کار نشده بوده ام تا مشکلی از مشکلات فقهی و قرآنی را طرح و راه کاری برای آن ارائه نموده باشم. تلاش کردم که دنبال مسائل تکراری و حل شده نباشم و تا جایی که تحقیق اجازه می دهد تک صدایی در موضوعی را بشکنم و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد معرفی کنم. تعدادی از مقالاتم را به کنگره های ملی و همایشهای بین المللی ارائه کردم که خوشبختانه مورد پذیرش و ارائه واقع شده و در مجموعه مقالات آن کنگره ها به چاپ رسیده است که در فهرست مقالات بدان اشاره کرده ام. فکر می کنم که زندگی علمی من یک پیام خاص خود دارد و آن اینکه کارایی و تولید فکر و اندیشه دینی در خارج از متن رسمی حوزه هم امکان تحقق دارد.

رهنما، تورج

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترا در رشته ادبیات آلمانی، علوم تربیتی و ادبیات مقایسه‌ای از دانشگاه مونیخ آلمان و تدریس در دانشگاه زالتسبورگ اتریش به مدت دو سال بعنوان استادیار.
مرتبه علمی:
استاد رشته زبان و ادبیات آلمانی در دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات آلمانی، عضویت در انجمن بین‌المللی اشتفان تسوایگ در وین، استاد راهنمای 15 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 8
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات آلمانی و فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی: 25
زمینه علمی مقالات:
ادبیات آلمانی و فارسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رهنما، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1272، نجف.
درگذشت: 12 تیر 1368، تهران.
زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال 1299 آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعدا به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور 1320 به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، 1316، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.
(1273 ق- 1368 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در 1302 ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور 1320 ش که رهنما به ایران بازگشت، مجددا اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تالیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[1]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در 1268 ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال 1299 ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.
در سال 1302 به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در 1306 از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در 1314 بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور 1320 در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجددا به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجددا حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور 1320 به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه

درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.
رهنما بدون شک یکی از فضلای درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملا مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در 1368 درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (316 -315/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (351 -347/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (266 -264/ 3)، نشر دانش (س 9، ش 4، ص 99).

رهنما، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321 -1252 ش)، روزنامه‌نگار. معروف به ملا باشی. وی در شیراز متولد شد و تحصیلات خود را در دارالعلم آن شهر به پایان رساند و بر ادبیات فارس و علوم معقول و منقول و فقه اسلامی و علم اصول تسلط یافت. در سال 1325 ق و در صدد مشروطیت روزنامه‌ی «رهنما» را در تهران منتشر کرد که یک سال بعد تعطیل شد و مجددا پس از شهریور 1320 ش به وسیله‌ی فرزندش مهدی رهنما انتشار یافت. رهنما پس از برقراری مشروطیت در وزارت عدلیه (دادگستری) به خدمات مهم قضایی اشتغال داشت. وی در تهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (337 -334 /2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (352/3)، شرح حال رجال (140 -139 /6).

ری شهری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ری شهری
محل تولد : شهر ری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/8/1
زندگینامه علمی
حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال 1325 در شهرری در خانواده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال 1339 وارد حوزه علمیه شهرری (مدرسه برهان) شد و در سال 1340 برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال 1347 در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.
حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان 15 خرداد 1342 با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ 20 تیر ماه 1344 توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال 1345 ضمن تمرد از شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود 18 ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال 1356 به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد،

هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.
حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال 1358 به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال 1363 به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال 1368 به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال 1370 در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ 13 دی ماه 1368 از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال 1369 به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.
حجت الاسلام ری شهری در سال 1370 به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد.
حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال 1374 به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق

و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از 30 کتاب پژوهشی در59 جلد منتشر شده است.

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1380 -1313 ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در 1328 ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 64/14)، مؤلفین کتب چاپی (255/1).

ریاضی هروی، نصرت‌الزمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1319، مشهد.
درگذشت: 2 تیر 1367، مشهد.
نصرت‌الزمان ریاضی هروی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی از سال 1342 در دبیرستان خراسان به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بیست و شش سال به کار معلمی پرداخت.
نصرت‌الزمان ریاضی هرروی در سال 1365 فرهنگ فارسی تحفة الاحباب را با همکاری همسرش فریدون تقی‌زاده طوسی همراه با تعلیقات منتشر ساخت و گزیده‌ای از کتاب تجارب الامم منسوب به حمدالله مستوفی را از یگانه کتابخانه‌ی ایاصوفیه آماده‌ی چاپ ساخته بود. سه مجموعه حاوی خاطرات و نیز چندین مقاله در باب دستور زبان فارسی در نشریه‌های استان خراسان از وی به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریاضی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مترجم.
تولد: 1312، دره‌گز.
درگذشت: 20 مهر 1373، در سانحه هوایی.
محمود ریاضی دوره ابتدایی و چند سالی از دوره‌ی متوسطه را در دره‌گز طی کرد و سپس به مشهد آمد و دوره‌ی متوسطه را در آنجا به پایان رسانید. این امر همزمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی وارد مبارزات سیاسی شد. پس از کودتای 28 مرداد 1332 مدتی به دانشکده‌ی افسری رفت و سپس وارد دانشکده‌ی فنی شد. در سال 1341 فارغ‌التحصیل شد. وی مطالعات خود را ادامه داد و در صنعت برق کارشناس شد.
محمود ریاضی در این اواخر شروع به ترجمه داستان تمدن جهان از آغاز تا سال 1990 نوشته جی. ام. رابرتس کرده بود. ترجمه‌ی متن اصلی کتاب پایان یافته بود. وی مشغول پانویس‌های کتاب بود که اجل امانش نداد.
در سال 1349 او و دکتر کاظم سامی و سایر همفکرانش اقدام به تأسیس انتشارات چاپخش کردند. محمود ریاضی همچنین با مؤسسات نشر دیگر نیز همکاری داشت.
فهرست آثار ترجمه و تألیف شده وی به این شرح هستند: ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ (تألیف پل کندی)؛ روسیه، غرب و چین (ایزاک دویچر)؛ زندگی سیاسی استالین (ایزاک دویچر، با همکاری علی اسلامی)؛ سیری در بلوغ (ایزاک دویچز)؛ (پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم)؛ (عظیم حسین)؛ سلاح اقتصادی استعمار جدید (بانوف، با همکاری نظام الدین قهاری)؛ چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم (سی. جی. ویرافتاری)؛ انقلاب ناتمام روسیه (ایزاک دویچر)؛ نظری به درون شیلی آینده (اوارد بوراشتاین)؛ اروپا و عقب ماندگی آسیا (دوجلد، والتر رادفی)؛ آمریکا و جهان سوم (جان س. گیزلینگ)؛ موسولینی (دنیس مک اسمیت)؛ بحران انرژی (مایکل تانزر)؛ روان شناسی عشق ورزیدن (اینیاس لپ، با همکاری دکتر کاظم سامی)؛ تحلیل کوتاه از امپریالیسم (تألیف)؛ فاصله عقب ماندگی (جی. بی. کرن)؛ اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم (ژراز شالیان)؛ چه کسی جیمی کاتر را اداره می‌کند، ظلمت در نیمرز (آرتور کویستر، با همکاری علی اسلامی)؛ اقتصاد تسلیحاتی و جنگ (آندره گوندر

فرانک).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
درگذشت: زمستان 1367، تهران.
سید علیرضا ریحان یزدی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (1335)؛ اصول الصرف (دو جلد)، اصول النحو (1340)؛ ترجمه تعبیر رؤیا (از ابن سینا، 1316)؛ نظامی شاعر داستان سرا (1337)؛ ماجرای تغییر خط (1338)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید» و «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1290 ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[1]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.
آقای ریحان محرم 1330 قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.
وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.
آثار قلمی ریحان از این قرار است: 1- آئینه دانشوران 2- درس انشاء یا علم بیان 3- بازرگانی محمد (ص) 4- تفسیر ریحان 5- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی 6- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد 7- داماد کربلا.
آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.
نگارنده در دو سفری که در سال 1389 و سال 1390 قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.
وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.
تولد: 1330، ق.، یزد.
درگذشت: 1367.
سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (263 -262 /2)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (822/2)، تذکره سخنوران یزد (545 -541)، الذریعه (19/26)، گنجینه‌ی دانشمندان (457 ،451 /7)، مؤلفین کتب چاپی (566 -565 /4).

ریحان، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1274 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ریحان. در تهران به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر به پایان رساند. سپس به مشهد رفت و نخستین اشعار خود را در روزنامه‌ی «نوبهار» به چاپ رساند. سپس به تهران آمد و با انجمن و مجله‌ی «دانشکده» به همکاری پرداخت. وی در اوایل سال 1297 ق روزنامه‌ی ادبی و فکاهی «گل زرد» را منتشر کرد، سپس در سال 1339 ق روزنامه‌ی سیاسی «نوروز» را انتشار داد که چون مقاله‌ای بر ضد حکومت وقت در آن روزنامه نوشته بود، پس از انتشار دو شماره توقیف شد و ریحان را چند ساعتی در دارالمجانین بازداشت کردند. ریحان شرح این گرفتاری را به عنوان «یک شب در دارالمجانین» در مجله‌ی «نوبهار» و نیز در خاطرات خود آورده است. وی پس از این واقعه به مدت بیست و پنج سال به خارج از ایران سفر کرد. ریحان زبان فرانسوی را خوب می‌دانست و در سرودن انواع شعر مهارت داشت. وی در اواخر زندگانی به ایران بازگشت و در تهران سکونت گزید و در همین شهر وفات یافت. منتخبی از اشعار او به نام «باغچه‌ی ریحان» و «دیوان» اشعارش چاپ و منتشر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (491 -488)، تاریخ جراید (160 -157 /4)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (227 -226)، الذریعه (397/9)، سخنوران نامی (258 -244 /2)، سخنوران نامی معاصر (1649 -1644 /3)، فرهنگ سخنوران (408)، مؤلفین کتب چاپی (833 -832 /6)، یغما (س 12، ش 7، ص 333 -331).

ریحانی، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 219 ق)، لغوی، ادیب و نویسنده. ایرانی‌الاصل و ساکن بغداد و معاصر و مورد احترام مامون عباسی بود، و از دانشمندان و حکمت دانان بنام، که او را در فن بلاغت تالی جاحظ خوانده‌اند. با آن همه فضل و کمال به زندقه متهم شده و در آثار خود تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده است. از آثار وی: «الایقاع»، «التدرج»؛ «الزمام»؛ «العقل و الجمال»؛ «صفه الدنیا»؛ «الموشح»؛ «النمله والبعوضه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (125/5)، ایضاح المکنون (276 ،275 ،272 ،268 264، ،262 /2 ،379 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (187/1)، تاریخ بغداد (19 -18 /12)، روضات الجنات (191 -190 /5)، ریحانه (349/2)، کشف الظنون (1468)، لسان المیزان (57/5)، لغت نامه (ذیل/ علی ریحانی)، معجم الادباء (56 -51 /14)، معجم المؤلفین (145/7)، هدیه العارفین (669 -668 /1).

ریزی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از فضلا و مدرسین و ائمه‌ی جماعت اصفهان، در 1291 وفات یافته، قبرش در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیس الواعظین، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و واعظ کامل، سالها در اصفهان مردم را موعظه و ارشاد نموده، از شاگردان میرزا محمّد حسن نجفی، و حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی، و آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران بوده.
در سال 1331 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید.
فرزندش: مرحوم آقا حسن رئیس زاده فاضل و ادیب و شاعر بوده، و «رئیسی» تخلّص می‌نموده. واعظی صالح بود.
در 26 شوال 1386 وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیسی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی رئیسی بن السید الجلیل حاج سید مصطفی رئیس‌الذاکرین گرگانی از افاضل دانشمندان معاصر گرگانست وی در گرگان متولد شده و در حجره والد ماجدش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در آنجا خوانده و پس از فراگرفتن سطوح فقه و اصول برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دروس خارج و محضر آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و مراجع دیگر استفاده نموده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل امامت و تدریس و اداره عده‌ای از محصلین علوم دینیه گرگان پرداخته و تا حال تحریر اشتغال به انجام وظائف دینی و روحی دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

رئیسی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدتقی بن مرحوم آقا شیخ حسین (معروف به شیخ رئیس) از علماء معاصر قوچان است. وی در سال 1312 قمری در قوچان متولد شده و مقدمات فارسی و عربی را در قوچان تحصیل کرده و فقه را نزد مرحوم آقا شیخ محمد کبیر آموخته آنگاه به نجف اشرف مشرق شده و سطح کفایه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و خارج را خدمت آن مرحوم و آقا ضیاءالدین عراقی خوانده و بعد به قوچان مراجعت و به تدریس فقه و اصول پرداخته و پس از چندی به مشهد مقدس عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون حدود سی سالست که در ارض اقدس به تدریس مکاسب و رسائل و کفایه و امامت در مسجد امین مشهد اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زابلی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید رضا بن مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمد امین‌الرعایا زابلی از علماء معروف معاصر شهرستان کرج است، وی در سال 1322 ق در شهر زابل متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سن 18 سالگی با معیت برادر بزرگشان مرحوم حجةالاسلام آقا سید حسن زابلی جهه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن و به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخته و پس از چند سال برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه قوام اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و ضمناً مباحث اخلاقی و سلوکی جمال السالکین و سید العارفین آیت‌اللّه آقا سید علی آقای قاضی طباطبائی استفاده نموده آنگاه به امر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی منتقل بسامرای و چندی سرپرستی مدرسه علمیه مرحوم میرزاء شیرازی را بعهده گرفته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به قم آمده و مورد لطف و محبت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قرار گرفته و به امر آن بزرگوار برای ارشاد و هدایت مردم کرج به این شهرستان عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا اکنون در مسجد اعظم خیابان کشاورز آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام مشغول میباشند.
دارای فرزندان برومندی هستند که همگی در پستهای حساس روحانیت اشتغال بخدمات دینی دارند و آنها از این قرار می‌باشند:
1- جناب حجةالاسلام آقا سید محمد زابلی که اکنون در مدرسه سپهسالار قدیم به تدریس و مباحثات اشتغال دارند.
2- جناب حجةالاسلام آقای سید علی زابلی مقیم نجف که از تلامذه و مشترکین مباحث آیت‌اللّه العظمی خوئی هستند.
3- جناب حجةالاسلام آقا سید ابوالحسن زابلی که در بروجرد سکونت و به اقامه جماعت و تبلیغات احکام دین اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

زابلی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صدرالدین زابلی از علماء بنام و محترم این شهرستانست و اکنون با کهولت سن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برادر ارجمندشان حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا بزرگ زابلی نیز از علماء این شهرستانست که تا حال تحریر در قید حیات و در آن سامان به خدمات دینی و روحی مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زارع، عزیزالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزیز الله زارع
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد 1340 از شهر آمل در سال تحصیلی 3ـ1352 برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتاب‌های جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلای بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می‌شد بروم و در سال 7ـ 1356 به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درس‌ها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می‌خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد عبارت‌اند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضرت آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.
همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایة الحکمة شروع کردم و بعد از آن نهایة الحکمة را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می‌کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم.
بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهالِ مخالفِ درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.
تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج (بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و تدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفاتر علما و چه در خارج قم و چه در اوقات مخصوص تبلیغ مانند ماه مبارک و محرم الحرام و دهه آخر صفر و چه در غیر آن، وقتم بسیار مشغول است. چند سالی در صدای جمهوری اسلامی استان مازندران تحت عنوان درس‌های از نهج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارک رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.
در سال 1362 رساله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسلام و کمونیسم نوشته‌ام که مدتی جزوه درسی سپاه پاسداران استان کردستان قرار گرفته است و نسخه آن نیز موجود است در سال 1376 نیز مقاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زاغولی مروزی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(559 -472 ق)، حافظ، محدث، مفسر، لغوی و فقیه شافعی. منتسب به زاغول از قرای پنج ده مرو رود بود در انجا به دنیا آمد و در مرو سکنی گزید و اشتهار یافت. نزد ابوبکر محمد سمعانی و موفق بن عبدالکریم هروی فقه آموخت و از ابوالفتح نصر بن ابراهیم حنفی و ابومحمد بغوی و عیسی بن شعیب سجزی حدیث شنید. وی تمام عمر خویش را در طلب و گردآوری حدیث و تالیف و تصنیف به سر آورد. او در لغت صاحب نظر بود. سفری به هرات کرد و در آنجا شاگردانی تربیت کرد. ابوسعد عبدالکریم سمعانی و پسرش ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی از شاگردان وی می‌باشند. زاغولی بیش از چهارصد مجلد مشتمل بر تفسیر و حدیث و فقه و لغت را گردآورد و آن را «قید الاوابد» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (333/6)، سیر النبلاء (493 -492 /20)، کشف الظنون (1367)، معجم المؤلفین (254/9)، الوافی بالوفیات (373/2)، هدیه العارفین (94/2).

زال

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پسر سام بود. از این پهلوان در اوستا نامی نیست. پدرش سام او را بر اثر سپیدی موی در شیرخوارگی از خود دور کرد و بر کوه البرز نهاد، تا در همانجا تباه گردد. اما سیمرغ که در اوستا نامش Merequ Saena مرغوسئن است، او را بدید و برداشت و به آشیان خود برد، و چون فرزندان خویش بپرورد، و سرانجام به پدر بازگردانید. این پهلوان در شاهنامه زال زوردستان نام دارد، و بنا به قول فردوسی زال افزون از هزار سال زندگی کرد! و رستم پسر او بود اما سیمرغ یا مرغوسئن به قول اوستا، مرغی فراخ بال است، چنانکه در پرواز خود پهنای کوه را فراگیرد و لانه‌ی او بر درختی در دریای Vurukasha (و روکشه) یا دریای فراخکرت که ظاهرا دریای خزر است قرار دارد. این درخت درمان بخش است، و تخم همه گیاهان در آن نهاده شده. نام سیمرغ به پهلوی سین مورو آمده است.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

زال‌زاده، امیرابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: اسفند 1325.
درگذشت: اسفند 1375.
امیرابراهیم زال‌زاده فرزند جلیل به روزنامه‌نگاری و نویسندگی می‌پرداخت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زاهد علایی بخاری، ابوعبداللّه، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 546/545 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می‌کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (458 ،454)، معجم المؤلفین (133/10)، الوافی بالوفیات (232/3)، هدیه العارفین (91/2).

زاهد قمی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی بن شیخ ابراهیم بن شیخ محمدعلی قمی نجفی از علماء نامی و زهاد سامی و معروف به (زاهد قمی) معاصر ما بوده است
وی در 27 رمضان در سال 1380 ق در تهران از دختر علامه شیخ مشکور نجفی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در تهران خوانده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و از ابحاث میرزا حبیب‌اللّه رشتی و علامه آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و علامه حاج میرزا حسین خلیلی و علامه آسید محمدکاظم یزدی و آشیخ رضا همدانی صاحب (مصباح الفقیه) استفاده نموده و به مدارج علم و کمال رسیده و بیشتر به علم و عبادت و زهد و قناعت پرداخته و در مسجد هندی اقامه جماعت نموده و خود نگارنده مدتها ناظر و شاهد بودم که وجوه آیات عظام و علماء اعلام و مراجع کرام مانند آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ محمدحسین کمپانی اصفهانی و حاج شیخ موسی خونساری و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج سید محسن حکیم و آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آسید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه العظمی حاج ابوالقاسم خوئی و حاج شیخ کاظم شیرازی و آشیخ عبدالکریم جزایری و صدها نفر امثالهم به وی اقتدا نموده و درک جماعت او را فوز و فیض عظیم می‌شمردند
آن مرحوم در درس اخلاق ناسک و سالک بزرگ الی‌اللّه آخوند ملا حسینقلی همدانی متوفی (1311) شرکت و استفاده سرشار نموده و روش آن عالم ربانی را گرفته و علم حدیث و درایه را از مرحوم حاج میرزا حسین نوری بهره‌مند شده است دارای تألیفات عدیده می‌باشد که صاحب الذریعه آن را کتابش ذکر کرده است و از آنهاست کتب زیر:
1- شرح التبصره در ده جلد بزرگ 2- صلوة المسافر بحث فقهی استدلالی.
3- تقریرات استادش میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی.
4- الرجال- تراجم اسانید کافی 5- الاجاره 6- الکشکول در چندین جزء
دارای فرزندان صالح و برومندیست که ذیلا می‌نگارم.
1- علامه فاضل مرحوم آقا شیخ حسن قمی داماد شیخ مشکور صغیر که در راه کربلا بدست قطاع الطریق در حیاة والدش مقتول گردید.
2- شیخ شریف که به مرض سل در زندگی پدرش در تهران وفات و در مقبره‌ی ابن‌بابویه مدفون شده است.

3- شیخ محمد نیز در زمان پدرش وفات نمود و او اهل فضل و تقوا بود.
4- حجةالاسلام والعالم العلام حاج شیخ موسی که از معاودین و اعلام معاصرین قم می‌باشد.
5- حاج محمدجعفر که از اخیار تجار و اصناف می‌باشد.
6- یک دختر که همسر علامه شیخ محمد مؤمنی قوچانی نجفی بوده است.
آن مرحوم در سال 1366 ق مبتلا به کسالت شده و در بغداد و تهران معالجه نموده ولکن مفید نشده تا در شب چهارشنبه 22 جمادی‌الاولی 1371 ق وفات نموده و در جوار مولی‌الموحدین مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زاهد گیلانی ثانی، ابراهیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1119 ق)، عالم، ادیب، عارف، شاعر و خطاط. وی عموی محمدعلی حزین لاهیجی، صاحب «تذکره المعاصرین» بود. نسبش با چهارده واسطه به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. او مقدمات علوم را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فراگرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت. هفت قلم را نیکو می‌نوشت و خوشنویسان اصفهان از نمونه‌های خط او که به آنجا می‌رسید، بهره می‌بردند. هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یک سال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی را نزد او فراگرفت. وی سپس به خدمت حسینعلی شاه رسید و به هدایت مردم مامور شد. شیخ ابراهیم از پیروان سلسله‌ی نعمت‌اللهیه بود. او در لاهیجان درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «المختلف» علامه، به نام «رافع الخلاف»؛ حاشیه بر «کشاف» به نام «کاشف الغواشی»؛ رساله‌ای در توضیح «کتاب اقلیدس»؛ «القصائد الغراء»، در مدح آل‌عباء (ع)؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (9 -8 /1)، اعیان الشیعه (181/2)، تذکره المعاصرین (246 -245، 116 -113)، الذریعه (239 86/17، ،60/10 ،399/9)، ریاض العارفین (261 -260)، ریحانه (357 -356 /2)، طرائق الحقائق (223/3)، لغت نامه (ذیل/ زاهد)، معجم المؤلفین (53/1)، مکارم الآثار (750/3)، نامها و نامدارهای گیلان (8).

زاهد، حبیب‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب‌اللّٰه داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا فخرالدین قمی سبط مرحوم محقق قمی صاحب (قوانین‌الاصول) از علماء قم مقیم شاهی بودند.
و آن مرحوم به زهد و تقوا و قدس و ورع و فضل و دانش موصوف و معروف بودند تولد ایشان در قم واقع و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و آیت‌اللّٰه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و دیگرن استفاده نموده.
و پس از پایان مراتب علمی و عملی در شاهی اقامت و به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال تا در شب چهارم ماه ربیع‌الثانی 1374 ق وفات و جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان شیخان در نزدیکی قبر میرزاء قمی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

زاهدی، ملامحمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ملا محمود زاهدی از وعاظ برجسته و توانمند قم بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی همسر و فرزندان : محمود زاهدی (ره) پنج پسر داشت. سه نفر از آنها که اهل علم و روحانی بودند، عبارتند از:- 1آقا حسین زاهدی؛ که دانشمندی خوش حافظه و قریب الاجتهاد بود و در جوانی دار دنیا را وداع گفت. مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری که از استادانش بود، در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. سرانجام جنازه وی را در قبرستان شیخان، نزدیک مرقد مطهّر زکریا بن آدم و در ناحیه شرقی آن، به خاک سپردند.- 2آقا مصطفی زاهدی(ره)؛ به زبان فرانسه تسلط کامل داشت.- 3حضرت آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی که شرح زندگی اش را در این مقاله می‌خوانیم. او وصیت کرد که پیکرش را در قبر برادرش آقا حسین دفن کنند و به این وصیت عمل شدوقایع میانسالی : محمود زاهدی در این باره خود می‌گوید: «در کتابخانه‌ام، بی خبر نشسته بودم که خبر آوردند، مردم شما را برای نمایندگی و وکالت مجلس شورا برگزیده‌اند.» او با اجازه مراجع تقلید آن عصر، روانه مجلس شد و در دفاع از حق، عدالت و حریم تشیّع علوی به خوبی از عهده این مسؤولیّت مهم برآمده؛ ولی به خاطر دفاع از حق، استعفا داد و مجلس را ترک کرد.زمان و علت فوت : محمود زاهدی سرانجام در 87سالگی، در سال 1351ه. ق هنگامی که فرزندش آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی حدود 41سال داشت، رخت از جهان بربست. مردم به صورتی کم نظیر، جنازه‌اش را به حرم مطهّر حضرت معصومه(س)آوردند و پس از طواف، در صحن عتیق، مقابل بقعه محمد شاه به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سلوک و مقبولیّت عمومی ملامحمود موجب شد قمی‌ها او را به عنوان نماینده شان در مجلس شورای ملی در دوره دوم مشروطیّت، برگزیدند و جالب اینکه وی از این امر خبر نداشت و مردم به طور خودجوش، متوجّه او شدند و چنین تصمیم گرفتند که محمود زاهدی را که - بیان شیوا و رسا در دفاع از حق و عدالت داشت و درد آشنا و دلسوز مردم بود. - به مجلس بفرستند. وی در یک قسمت از مسجد امام، اقامه نماز جماعت می‌کرد و مرحوم آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی(ره) در قسمت دیگر نماز می‌خواند. یک روز پس از نماز ظهر، دید مردم در نماز جماعت او بیشتر از مأمومین

آیت الله شیخ ابوالقاسم قمی(ره) شرکت کرده‌اند، برخاست و به مردم گفت: «به من اقتدا نکنید، به آیت الله العظمی حاج شیخ ابوالقاسم قمی اقتدا کنید.» آنگاه صحنه را برای توجه بیشتر به مقام مرجعیت و تقوای آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، ترک کرد. به این ترتیب با نفس خود مبارزه کرد و تجلیل از عالم ربّانی زمان آیت الله العظمی شیخ ابوالقاسم قمی را آشکار ساخت.در زمان ناصرالدین شاه بین ظلّ السلطان، حاکم اصفهان و آیت الله آقا نجفی، مرجع تقلید آن عصر که در اصفهان می‌زیست، رابطه خوبی برقرار نبود. آیت الله حاج ملّا محمود، (پدر آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالفضل زاهدی) به اصفهان رفت و با سخنرانی‌ها و ظرافت‌های خاصی، کار را به جایی رساند که در خانه ظلّ السلطان برای آیت الله آقا نجفی(ره) دعا کرد و همین امر برای واعظان دیگر نیز سنّت شد و موجبات افزایش قدرت و شوکت آیت الله آقای نجفی و تضعیف دستگاه ظلّ السلطان را فراهم ساخت.فعالیتهای آموزشی : محمود زاهدی ، مجتهد بود، مجتهدی که منبر می‌رفت با وعظ و خطابه پرمحتوا و شیوا، عام و خاص را بهره‌مند می‌کرد. علمی صحبت می‌کرد. از ویژگی‌های او در منبر، «شجاعت خوانی» بود. او با این شیوه، شجاعت خاندان رسالت، از جمله امام حسین(ع)و حضرت عباس(ع)و امام سجّاد(ع)را بازگو می‌کرد و مردم سییل آسا به پای منبر او می‌آمدند تا شجاعت خاندان رسالت را از زبان او بشنوند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علت منبری شدن محمود زاهدی ، این بود که در آن عصر در مجلسی که علما و مراجع قم حاضر بودند، یک روز منبری نیامده بود؛ از ایشان می‌خواهند که به منبر برود. وقتی تسلّط ایشان را بر مباحث و مطالب دینی با استدلال و تمسّک به آیات و روایات مشاهده کردند، برای جلوگیری از رونق کار افراد ضعیف و کم اطلاع، ایشان را تشویق کردند تا در مکان‌های حساس و پر جمعیت به منبر برود، به این ترتیب او واعظ معروف شهر شد.آرا و گرایشهای خاص : محمود زاهدی ، از وعاظ و شخصیتهای برجسته و توانمند قم بود و همه مردم، خاص و عام، از گفتار متین و پرمحتوایش استفاده می‌کردند. او به ویژه از ذوقی سلیم و طبعی سرشار از استعداد و خلّاقیت برخوردار بود. و قصاید و اشعار پرمحتوا و روانی در مدح و سوگ خاندان رسالت می‌سرود. آیت الله حاج ملّا محمود، مردی غیور، ملّا و صاحب نفوذ بود. سخن درباره حافظه، استعداد، اطلاعات وسیع در علوم مختلف، توانمندی و کفایت در امور اجتماعی و سیاسی ایشان بسیار استچگونگی عرضه آثار : محمود زاهدی چهار جلد کتاب در مواعظ و مطالب سودمند بر جای ماند که با شیوه‌ای زیبا، متنی روان، سلیقه‌ای خوب و نتیجه‌گیری‌های ارزشمند، تدوین شده است. همچنین در اواخر عمر، کتابی در فضیلت صلوات تألیف کرد.آیت الله آقای حاج ملّا

محمود(ره) ادیب زبردست بود و در سرودن شعرهای متین و پرمحتوا تسلّط فراوان داشت. وقتی به مکه رفت، وضع ایرانیان را در جدّه، نامناسب دید، ضعف و ناتوانی سفیر ایران در جده را مشاهده کرد. لذا به انتقاد از او پرداخت. زمانی که به ایران بازگشت، قصیده‌ای غرّا پیرامون سفرش به حج، نامناسب بودن وضع ایرانیان در جده و انتقاد از سفیر ایران، سرود. این قصیده بین مردم گسترش یافت و سرانجام به گوش ناصرالدین شاه رسید. شاه از انتقاد به سفیر خود ناراحت شد و از ایشان خواست تا اشعارش را منتشر نکند

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم./ بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net

زجاجی گرگانی، ابوالقاسم یوسف

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(415 -352 ق)، ادیب، لغوی، نحوی و محدث. اصل وی از همدان و ساکن گرگان و استرآباد بود. به واسطه‌ی پیشه‌ی آبگینه‌سازی و فروش آن به زجاجی معروف شد. از ابواحمد غطریفی و ابواسحاق بصری و دیگران حدیث استماع کرد. از آثار وی: شرح «الفصیح» ثعلب کوفی، در لغت؛ «عمده الکتاب»، در فقه؛ «عمده البیان»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ کتاب «خلق الفرس»، که گروهی آن را تصنیف کرده و زجاجی نیز از آن جمله است؛ کتاب «اشتقاق الاسماء»؛ «الریاحین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (316/9)، روضات الجنات (171/1)، ریحانه (370/2)، کشف الظنون (1391، 1272، 1171، 723، 722)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، معجم الادباء (61/20)، معجم المؤلفین (312/13)، هدیه العارفین (550/2).

زجاجی نهاوندی، عبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 340 -337 ق)، ادیب، نحوی. در نهاوند به دنیا آمد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابراهیم بن محمد زجاج، نفطویه، اخفش صغیر، محمد یزیدی و ابوبکر بن درید کسب دانش کرد و در طبریه درگذشت. از آثار وی: «الجمل الکبیر کبری»؛ «الایضاح الکافی»؛ «الامالی»؛ «شرح الالف و اللام للمازنی»؛ کتاب «اللامات یا اللامیات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (69/4)، روضات الجنات (28 - 27 /5)، ریحانه (369/2)، سیر النبلاء (476 -475 /15)، الکامل (337/6)، کشف الظنون (1535، 1396، 947، 603، 210، 48)، الکنی و الالقاب (296 -295 /2)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (124/5)، وفیات الاعیان (136/3).

زجاجی، عبدالرحمن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحمن نحوی (ف. 337 ه.ق./ 949 م.) وی در نهاوند متولد شد و نزد زجاج در بغداد تعلیم گرفت و بدو منسوب گردید. در دمشق و ایله تدریس کرد. او راست: کتاب «الجمل» در نحو که آن را در مکه تألیف کرد و نسخه آن در برلین است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زرآبادی، جلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جلیل حسینی فرزند عالم جلیل سید موسی فرزند سید علی فرزند سید مهدی فرزند میر بزرگ ابن میر بابا بن میر فاضل که منسوب و منتهی به جناب زید شهدید فرزند امام زین‌العابدین علیه‌السلام می‌شود. در یازدهم ذیقعده الحرام 1331 قمری در شهر قزوین سالروز میلاد مسعود حضرت رضا علیه‌السلام به دنیا آمده و در بیت علم و ورع پروش یافته و در حجر و دامن مادر موسویه با فضیلت دختر عالم متقی حاج سید احمد تنکابنی تربیت شده و مقدمات و ادبیات را در خدمت والد ماجدش خوانده و پس از رحلت آن بزرگوار در تحت سرپرستی و ارشاد مجسمه تقوا و ورع عالم زاهد مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان که از نوادر عصر در محیط قزوین بودند و تربیت روحی و معنوی قرار گرفته و در همان ایام نیز از انفاس قدسیه و رهنمودهائی دائی بزرگش استاد اخلاقش مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی صاحب بیان لقرآن بهره‌مند گردیده و سطوح را در قزوین در خدمت آیات عظام حاج سید ابوالحسن رفیعی و حاج آقا سید هبه‌اللّه کلانتری و حاج سیدمحمد تنکابنی به پایان رسانیده و در سال 1367 قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر و دروس اعلام قم چون مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آقا سید محمد حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرده و از درس و بحث اصول امام خمینی (ره) مدت 8 سال حداکثر استفاده را نموده و همینطور مدت هفت سال از اسفار و تفسیر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان مستفیض شده تا سال 1377 قمری که با مرحوم آیت‌اللّه بروجردی مدت سه سال در آستانه اشرفیه لاهیجان اقامت و سرپرستی حوزه علمیه آن سامان و مراجعات حومه را به عهده داشته و در سال 1380 قمری به قزوین مراجعت و تاکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارند. دارای اجازات عدیده اجتهاد و روایتی از آیات گذشته و حاضرین می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زردی، ابوعمرو احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 338 ق)، ادیب و لغوی. وی اهل زرد یکی از روستاهای اسفراین بود که در فن بلاغت و معرفت اصول و ادب سرآمد اقران روزگار خویش بود. وی از ابوعوانه اسفراینی حدیث شنید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (152)، رواضت الجنات (242 -240 /1)، ریحانه (372/2)، لغت نامه (ذیل/ احمد).

زرگریان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295 ش)، روزنامه‌نگار. وی مدیر روزنامه «ندای اکباتان» بود. مدتی در تهران با انتشار روزنامه‌ای به نام «بوعلی» به فعالیت اجتماعی پرداخت و مدت پانزده سال در همدان به خدمت مطبوعاتی و نشر مقالات خود و طبع کتابهای علمی و ادبی و شرح حال بزرگان و شاعران و نویسندگان و احیای سخنوران همدان اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (268/2).

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد زروندی رحمانی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 1336 در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال 1349 به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .
دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .
سال 1354 به حوزه علمیه قم آمدم . سال 56-55 بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سلطانی ، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول) ، شیخ جواد تبریزی (هفت- هشت سال خارج فقه) ، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی .دروس فلسفه (منظومه ، نهایه الحکمه ، اسفار ، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام . در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می باشد) ، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زریاب خویی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1298 ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در 1341 ش به دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[1]
مترجم، استاد، نویسنده، محقق.
تولد: 22 تیر 1298، خوی.
درگذشت: 14 بهمن 1373.
عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال 1316 به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام

خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.
دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.
دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف مصاحب و بنیاد دائرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، 1335)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولد که)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال 1371 به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال 1369 عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضة‌الصفا.
کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منشتر شود.
پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کلک (ش 58 و 59، ص 292 -285)، مؤلفین کتب چاپی (654/3)، یکی قطره باران (14 -1).

زریاب، ابوالحسن علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 230 ق)، موسیقیدان، نوازنده، ادیب و شاعر. ملقب به زریاب و معروف به بصری. از موسیقیدانان بنام ایرانی بود که محل تولد وی را برخی شهر ری دانسته‌اند. او هنر موسیقی را در بغداد از اسحاق موصلی فراگرفت و در این هنر مهارت یافت. شهرتش تا بدانجا رسید که به دربار خلیفه هارون‌الرشید راه یافت و به واسطه‌ی وسعت اطلاعات علمی و ادبی و مهارت در فن موسیقی مورد توجه قرار گرفت و رقیب اسحاق موصلی شد. از این رو اسحاق او را وادار کرد که از بغداد رخت بربندد، زریاب هم ابتدا به سوریه و مصر و سپس به اندلس رفت و حکم بن هشام، امیر اندلس، از وی استقبال نمود. او مدرسه‌ی بزرگی برای تعلیم و توسعه‌ی فن موسیقی مشرق زمین در اندلس دایر کرد و دامنه‌ی فعالیت خود را گسترش داد. زریاب در نواختن عود و در سبک و شیوه‌ی آواز تصرفاتی کرد که باعث سهولت یادگیری شاگردان شد. وی در قرطبه درگذشت. همانطور که مکتب ابراهیم موصلی و فرزندش، اسحاق، و خاندان موصلی در بغداد مشهور بود، مکتب او نیز در اسپانیا شهرت فراوان یافت و منشا اثر در کشورهای ساحلی آفریقا و نیز در موسیقی اروپا شد. زریاب از ادب نیز بهره‌ی وافی داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (180/5)، تاریخ ادبیات زبان عربی (614 ،572)، تاریخ موسیقی (126 -123 ،116 /1)، تاریخ هنرهای ملی (719/2)، لغت نامه (ذیل/ زریاب).

زرین قلم مشهدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی در مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به اتمام رسانید و بعد به تهران آمد و همکاری‌اش را با جراید آغاز کرد. روزنامه‌ی سیمای «مرزبان» و روزنامه‌ی فکاهی «حاجی مراد» را منتشر کرد. وی عضو رسمی انجمن ادبی فرهنگستان است و انجمن خراسان را در تهران بنیان نهاد. از آثار اوست: «تبهکاران»؛ «سرزمین بحرین از ادوار باستان تا امروز»؛ «فجایع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (256 -255 /4).

زرین کوب، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید زرین کوب ، در اول فروردین ماه سال 1315 ، در بروجرد زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم ، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت(1334) . بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال 1341 در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال 1348 فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. حمید زرین کوب . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود ، در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال 1349 به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال 1356 در این دانشگاه به افاضه پرداخت ؛ از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. استاد حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه 1366 چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید زرین کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد و سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. بعد از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال 1341 در رشته ادبیات فارسی موفق به دریافت مدرک لیسانس شد. پس از آن او تحصیلات خود را دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد. وی تا سال 1348 فوق لیسانس خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت داشت و تحصیلات دوره دکتری را نیز به پایان برد. زرین کوب در سال 1352 از رساله دکتری خود با عنوان « بررسی و نقد فنی و تاریخی در باب صنایع بدیعی ـ با توجه به سیر تکاملی تشبیه در شعر فارسی ـ رودکی تا ازرقی » با موفقیت دفاع کرد.
همسر و فرزندان : حمید زرین کوب در سال 1345 ازدواج کرد.

زمان و علت فوت : حمید زرین کوب در شباهنگام بیست و پنجم مردادماه 1366 چشم از جهان فروبست و به سوی سرای جاوید رخت بر بست.
فعالیتهای آموزشی : حمید زرین کوب پس از دیپلم ، به کار معلمی در شهر بروجرد پرداخت(1334) . او که برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده بود ، پس از دریافت مدرک لیسانس در دبیرستانهای این شهر مشغول به کار شد. استاد در جهت دانش اندوزی هیچگاه از تلاش باز نایستد و تا مرحله دکتری به تحصیلات خود ادامه داد. پس از آن در سال 1349 به استخدام دانشگاه مشهد درآمد و تا سال 1356 در این دانشگاه به افاضه پرداخت و از آن پس به دانشگاه تهران منتقل گردید و تا پایان عمر در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. وی در سال 1346 به دریافت مرتبه « دانشیاری » از دانشگاه تهران نائل گردید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های دیگر حمید زرین کوب سرپرستی و سردبیری مجله ادبیات دانشگاه مشهد بودکه از نمونه های آن ، انتشار « مجموعه سخنرانی های دومین کنگره تحقیقات ایرانی » (جلد اول 1351 ، جلد دوم 1352) و « مجموعه سخنرانی های اولین و دومین هفته فردوسی » (1353) را می توان نام برد. دو سال پس از اخذ مدرک دکتری ، استاد به همراه تعدادی دیگر از استادان دانشگاه مشهد ، از طرف این دانشگاه برای انجام یک دوره علمی و مطالعاتی به آمریکا سفر کرد. حمید زرین کوب در طی سال ها مطالعه ، تحقیقو تدریس ، به تالیف و تصحیح پرداخت و در کتب و مقالاتش ، دیدگاه ها و نظریات خود را به دوستداران ادب فارسی عرضه نمود.
آرا و گرایشهای خاص : حمید زرین کوب بر بیشتر مباحث ادبی تسلط و آگاهی کامل داشت. او همچنانکه در علم بدیع و بلاغت غور می نمود ، در شناخت ادبیات معاصر ایران یک صاحبنظر بود؛ و همانطور که در تاریخ ادبیات و سبک شناسی تبحر داشت ، به مباحث زیبا شناسی ، نقد ادبی و داستان نویسی نیز مشتاقانه مشغول بود. نیز آشنایی کامل او با زبان های عربی و انگلیسی ، این امکان را برای او فراهم می ساخت تا با نظریات و اندیشه های متفکران و نویسندگان بزرگ ، به طور مستقیم آشنا شود و روز به روز بر غنای علمی خود بیفزاید. تسلط او بر ظرایف و رموز زبان فارسی ، به اضافه قریحه ادبی و آشنایی با زبان های بیگانه ، او را آماده می ساخت تا بتواند به عنوان یک مترجم نمونه ، خود را به جامعه علمی و ادبی ایران معرفی کند؛ چیزی که هیچگاه مجال آن نیافت. ----------
---
آثار :
1 تصحیح دیوان مجمر اصفهانی

2 چشم انداز شعر نو فارسی (مقدمه ای بر شعر نو ، مسایل و چهرهای آن)
ویژگی اثر : این کتاب در واقع بحثی است درباره شعر امروز فارسی ، خاصه از جهت محتوایی و بنیان های فکری شاعران ایران از مشروطیت تا عصر حاضر. گذشته از این ، نویسنده از عوامل دیگر شعری مانند وزن و قالب و صورت های خیال انگیز شاعرانه و ارزش و اعتبار آنها در شعر هر یک از شاعران سخن به میان می آورد و خاصه کوشش می کند شعر را از دیدگاه خود شاعران نیز مورد بررسی قرار دهد.
3 فرهنگ اصطلاحات نقد و بلاغت
4 قلندر نامه خطیب فارسی یا سیرت جمال الدین ساوجی
ویژگی اثر : این کتاب با تصحیح و توضیح و تعلیقات دکتر زرین کوب به چاپ رسید ، منظومه ای مربوط به قرن هشتم هجری است که شامل 1770 بیت می شود. این مثنوی در باب زندگی سیدجمال الدین ساوجی مجرد و دیگر پیران معروف قلندر است. این کتاب از جهت روایاتی که در آن راجع به قلندران و قلندریه ـ مخصوصاً در باب سیدجمال الدین ساوجی و برخی یاران او ـ آمده است. با مطالعه این کتاب با آداب و سنت های قلندریه و عقاید و شیوه زندگی آنها آشنا می شویم.
5 نقد ادبی
ویژگی اثر : دکتر زرین کوب این کتاب را برای وزارت آموزش و پرورش تالیف نمود ؛ چندین سال جزو برنامه درسی سال چهارم متوسطه در رشته فرهنگ وادب تدریس می شد ، اما ظاهراً به دلیل دشوار بودن فهم برخی مباحث آن برای دانش آموزان ، پس از چندی از برنامه درسی حذف گردید. این کتاب مدتی است که از طرف دانشگاه پیام نور به عنوان کتاب درسی تعیین و تجدید چاپ شده است. ----------
---

منابع :
1ماهنامه کلک ، شماره 53 ، مرداد 1373 ،ص240

زرین کوب، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال 1301 هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود . دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد .سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود ،اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود ،و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب،به شعر عربی هم علاقمند شد .گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد ،واو آن را در مطالعه نگرفته باشد .به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال 1319 تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد،و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلا نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور ،رتبه دوم را به دست آورد.با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال 1320 ،دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد.با آنکه پس از کسب رتبه اول ،در دانشکده ثبت نام هم کرده بود،اما به الزام پدر ،ناچار به ترک تهران شد . در همان ایام ،علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت ،از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد ،اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او ر ا به دانشگاه کشاند .در سال 1324 ،پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول ،و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود ،وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر ،عبدالحسین زرین کوب در سال 1327 به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد،و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و درسال 1334 از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر ،تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد .
دکتر زرین کوب در سال 1330 درکنار عده ایی از فضلای عصر همچون عباس اقبال آشتیانی ،سعید نفیسی ،محمد معین،پرویزناتل خانلری ،غلامحسین صدیقی و عباس زریاب ،برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E1)طبع هلند،دعوت شد .

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران ،چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه ،آشنایی بیشتر یافت .از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی ،فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی ،با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سرمی بردند،به آموزش این دوزبان پراخت .در سال 1323 نخستین کتاب او به نام (فلسفه ،شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری درایران) در بروجرد منتشر شد ،در حالی که در این هنگام ،حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت .

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت ،به زادگاه خود بازگشت ،و در خرم آباد و بعددر بروجرد به کار معلمی پرداخت ،کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد .در دوران معلمی ،از تاریخ و جغرافیا وادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات ،همه را تدریس کرد .دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا ،از سوی استاد فروزانفر ،برای تدریس دردانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال 1335 یا رتبه دانشیاری ،کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام ،تاریخ ادیان ،تاریخ کلام و مجادلات فرق ،تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت .پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (1339 ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران ،ودوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت.در سالهای 1347 تا سال 1349 در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کا لیفرنیا و پرنیستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد .

دکتر زرین کوب در 24شهریور 1378 به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب

۱-دو قرن سکوت/ ۲-تاریخ مردم ایران پیش از اسلام/ ۳-تاریخ مردم ایران بعد از اسلام/ ۴-بامداد اسلام/ ۵-کارنامه اسلام/ ۶-ارزش میراث صوفیه/ ۷-پله پله تا ملاقات خدا/ ۸-سرنی /۹-با کاروان حله/ ۱۰-پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد .....

زرینچه، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد زرینچه (زاده ۱۳۴۵ تهران) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه استقلال تهران است. جواد زرینچه مدافع ـ هافبک سرعتی و تکنیکی دهۀ هفتاد ایران بود.
او تاکنون در تیم‌های لکوموتیو، بوتان، ژاندرمری، کشاورز، استقلال، صباباتری بازی کرده و در تیم صنعت نفت آبادان و آلومینوم اراک مربی بوده‌است.زرینچه ۱۴ سال برای باشگاه فوتبال استقلال بازی کرد.

زرین‌کوب، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، استاد.
تولد: 1 فروردین 1315، بروجرد.
درگذشت: 25 مرداد 1366.
حمید زرین‌کوب تحصلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم به بروجرد بازگشت و از سال 1334 شغل مهمی را آغاز کرد. پس از چندی برای ادامه‌ی تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال 1341 موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی شد. در بازگشت به تهران، به کار معلمی پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تعلیم و تربیت ادامه داد. تحصیلات فوق لیسانس و دکترای ادبیات فارسی را در تهران (1348) به پایان رسانید و رساله‌ی دکترای خود را در باب «صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی» عرضه کرد (1352). در سال 1351 از جانب دانشگاه مشهد به عنوان سردبیر مجله «دانشکده‌ی ادبیات» انتخاب گردید. در همان سال‌ها زرین‌کوب جهت تحقیق و مطالعه به آمریکا سفر کرد و در دانشگاه جرج تاون یک چند در مسائل مربوط به نقد ادبی به مطالعه پرداخت. وی بیست سال آخر عمر را به تدریس در دانشگاه تهران و در دانشگاه مشهد در تدریس تاریخ ادبیات، سبک شناسی نظم و نثر و تعلیم و تحقیق در باب ادبیات معاصر پرداخت. در سال‌های آخر عمر به علوم بلاغت علاقه‌مند شد و به تحقیق در کتاب‌های تفسیر و معانی و بیان پرداخت. وی در این زمینه مقالاتی هم تهیه کرد که ظاهرا می‌خواست آن را همراه با بحثی در باب تاریخ قرآن و بلاغت منشتر سازد ولی عمر او کفاف نداد. از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: چشم‌انداز شعر نو فارسی (شامل مقدمه‌ای بر شعر نو، تحقیقی درباره‌ی شاعران نوپرداز معاصر، 1362)؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع (در حال نشر)؛ جلد دوم چشم‌انداز شعر معاصر (بحث درباره‌ی شاعران معاصر که به شیوه‌ی سنتی شعر می‌سروده‌اند، این کتاب برای چاپ آماده بود)؛ تحقیقات وی در باب تاریخ ادبیات و سبک شناسی نظم و نثر (آماده‌ی نشر). همچنین به درخواست وزارت آموزش و پرورش کتابی در باب نقد ادبی در سال 1371 (پس از فوت وی) توسط دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است. هنگام وفات نیز به کار تنظیم کتاب خود در باب سبک شناسی نظم و نثر

فارسی قبل از عهد مغول اشتغال داشت. مقالات تحقیقی وی نیز در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسیده است.
دکتر حمید زرین‌کوب به زبان عربی و متون ادبی آن آشنایی کافی داشت. از زبان انگلیسی قسمتی از کتاب ادبیات عرب تألف الکساندر گیپ را ترجه کرده بود که به سبب نشر ترجمه‌ای از آن، از ادامه‌ی کار منصرف شد.
دکتر حمید زرین‌کوب بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زرونی، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 792 ق)، نحوی. از جمله آثار وی: شرح «تلخیص المفتاح» قزوینی، در معانی و بیان؛ شرح «لب الالباب» اسفراینی، در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1545، 474)، معجم المؤلفین (285/10)، هدیه العارفین (174/2).

زعیم‌الدوله تبریزی، محمدمهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333 ق)، عالم، نویسنده و روزنامه‌نگار. مشهور به رییس الحکماء و دکترا میرزا مهدیخان زعیم‌الدوله. اهل تبریز بود. از استانبول به مصر رفت و در قاهره اقامت گزید و در آن جا به انتشار روزنامه فارسی «حکمت» مبادرت کرد. کتابی به زبان فارسی در اصول و فرع ادیان جهان نگاشت و در آن کتاب به تفصیل در رد فرقه بابیه سخن گفته است. وی نیز مفصلی در رد و تاریخ بابیه نوشته و آن را «باب الابواب» نامید. سپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامید. سپس از آن کتاب، کتاب مختصری در تاریخ بابیه انتخاب کرد و آن را «مفتاح باب الابواب» نامید. از دیگر آثار وی: «فرهنگ مهدی»؛ «جهان‌نمای مهدی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (251/1)، تاریخ انقلاب مشروطیت (1583 197، ،87)، تاریخ جراید (230 -228 /2)، دانشمندان آذربایجان (409)، شرح حال رجال (7 -6 /4)، علماء معاصرین (130)، مؤلفین کتب چاپی (401 -399 /6).

زکریای قزوینی، عمادالدین محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زکریای قزوینی. عمادالدین محمود(ف. 862 ه.ق.) وی در ادب و شعر صاحب قریحه بود و به جغرافی آشنایی و علاقه تام داشت. از تألیفات اوست: عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، آثارالبلاد و اخبارالعباد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

زکی زاده زمانی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا زکی زاده زمانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1359/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1359 در خانواده ای مذهبی در شهر رضا،شهر ستان اصفهان چشم به جهان گشودم. در سال 1366 تحصیلات ابتدایی را در شهر رهنان و در سال 1372 تحصیلات راهنمایی را نیز در همانجا به پایان بردم. و در سال 1375 تحصیلات دوره متوسط را نیز در دبیرستان شهید دستغیب رهنان به پایان رساندم . در سال 1376 دروة پیش دانشگاهی را تمام نمودم و یک هفته قبل از کنکور تصمیم بر گرایش علوم حوزوی گرفتم که البته با مخالفت زیاد نیز روبرو شدم به هر حال تصمیم قطعی را گرفته بودم و به محض دادن امتحان کنکور پست کردن رشته ها،دیگر راه حوزه را در پیش گرفتم. در سال 1377 با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا الفدا وارد حوزه علمیّه دار الحکمه در شهر اصفهان شدم که ازلحاظ سطح علمی مقامی والا را داشت.
در آنجا در محضر اساتید بزرگوار همچون حاج آقا کشکولی،حاج آقا یزدیانپور و آیت الله مهدوی و حاج آقا مجید مهدوی و...دروس خود را شروع نمودم و علاوه بر آن در زمینه حفظ قرآن نیز وارد شدم و موفق به حفظ 10 جزء از قرآن شدم که البته به علّت مشکلاتی این حفظ را ادامه ندادم.در همان سالها بود که از اولین دروس حوزوی دست به قلم بردم و کتابهای حوزوی را به شکلی نموداری و تلخیصی و بعدا شرح و تفسیر می نوشتم. و با مشورت اساتید بزرگ آن رشته ها همچون حاج آقا سنایی و دیگران مورد تشویق قرار گرفتم. در دروان حفظ قرآن،روی به نوشتن مباحث قرآنی آوردم و کتابی به عنوان احسان به پدر مادر در آینه قرآن و روایات را تنظیم نمودم که در زیر آن عنوان محقّق را برای خود انتخاب نمودم که با خندة بسیار دوستان واطرافیان مواجه شدم ولی به هر حال شوقی و انگیزه ای وصف ناشدنی برای نوشتن پیدا کردم.
در دومین اثر خود به نام«ظلم از دیگاه قرآن و روایات»به اصطاح دستم

بیشتر روانتر شد و موفّق شدم طی چهار ماه کتاب را به پایان رسانم و مقام اول را در کتاب برتر مرکز تحقیقات امیر المؤمنین به اسلام بدست آوردم. سومین اثر خود را چنین شروع نمودم. در فکر موضوعی کار نشده و نایاب در حوزه،و شبهات آن،فکر میکردم و شب معراج پیامبر صلی الله علیه و اله را در 3 جلد در سال 1381 به پایان رسانیدم که با اسقبال خوب اساتید نیز روبرو شدم و برای انتشار آن،مطلب عربی و مباحث دیگر را حذف نمودم و آن را در یک جلد به نام«معراج پیامبر صلی الله علیه و اله»به چاپ رسانیدم که با استقبال بی نظیری مخاطبان طی چهار ماه،چاپ دوم آن نیز صورت گرفت.
در سال 1383 به لطف و عنایات الهی وارد حوزة علمیّة قم شدم و طی چندماه اول ازذوق و شوق نمی دانستم چه کنم؛دریایی که فقط غوّاص ما هر وزیرک می خواهد؛از همان روزهای نخستین وارد مرکز تحصصی علوم حدیث شدم و گویا آرامش خود را در این رشته؛وضوح حس می نمودم برای همین تلاشی بی حد خود را در این رشته صرف نمودم و به لطف الهی تحقیقات خوبی در این رشته انجام دادم که مورد تعجب و تشویق بسیار اساتید این رشته قرار گرفتم و هم اکنون نیز در این رشته مشغول به تحصیل می باشم.

زکی نیشابوری، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(392 -317 ق)، محدث و ادیب. وی از ابن بلال و محمد بن حسین قطان و ابن قوهیار و عبداللّٰه بن یعقوب کرمانی و ابوطاهر محمدآبادی و دیگران حدیث شنید. ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (53 -52 /17).

زلالی خوانساری، محمدحسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1037 -1024 ق)، شاعر، متخلص به زلالی. وی در خوانسار متولد شد و همعصر شاه عباس اول صفوی و ملک‌الشعرای دربار وی بود. در غزل و قصیده استاد و شاگرد میرزا جلال اسیر بود و میرداماد و شیخ بهایی را مدح می‌کرد. شهرت وی به سبب هفت مثنوی است که از او به جا مانده. از آثارش: «شعله‌ی دیدار»؛ «محمود و ایاز»؛ «حسن گلوسوز»؛ «آذر و سمندر»؛ «سلیمان نامه»؛ «ذره و خورشید»؛ «می و میخانه» مجموعه‌ی این هفت مثنوی به نام «هفت سیاره» یا «هفت آشوب» یا «سبعه‌ی سیاره» هم خوانده می‌شود.[1]
(ع. منسوب به زمخشر) جارالله، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی (و. زمخشر 467- ف. 538 ه.ق.)، استاد تفسیر و حدیث و نحو و لغت و علوم بلاغی. وی امام عصر خود و مورد احترام فضلا و علما بوده. سبب اشتهار او به جارالله آن است که وی مدتی مجاور کعبه بود. زمخشری معتزلی بود، و از آثار اوست: «الکشاف فی تفسیر القرآن» (ه.م.)، مقدمة الادب (ه.م.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1055 -1051 /3)، تاریخ ادبیات ایران، براون (169/4)، تاریخ ادبیات در ایران (976 -965 /5)، تذکره‌ی نصرآبادی (234 -230)، دایرةالمعارف فارسی (1176/1)، الذریعه (159 106، /19، 404 /9، 15 /7)، ریحانه (379 -378 /2)، سرآمدان فرهنگ (416 -415 /1)، گنج سخن (84 -81 /3)، لغت نامه (ذیل/ زلالی)، مؤلفین کتب چاپی (564/2)، هفت اقلیم (485 -484 /2).

زمان، ساعد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1334.
درگذشت: 1373.
ساعد زمان از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه می‌کرد. بیشتر آثارش در انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است. از آثار اوست: بهداشت و زیبایی پوست: درمان طبیعی و گیاه درمانی بیماریهای پوستی (اثر جی. سی. مارشینا، تهران، 1373)؛ بهداشت و زیبایی مو؛ مراقبت‌ها و درمان طبیعی برای مو و پوست سر (اثر ژان داریگل، تهران، 1373)؛ بیست تست برای شناخت خود (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، 1374)؛ تأثیر از فاصله (پل ژاکو، تهران، 1372)؛ چگونه بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم: راهنمای عملی برای بازیابی اعتماد به نفس و آرامش (ژرژ باربارن، تهران، 1374؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال 1373 منتشر شد)؛ چگونه بهتر بخوابیم (پیر فلوشر؛ تهران، 1374، پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال 1371 منتشر شد)؛ یازده تست برای شناخت دیگران (میشل و فرانسواز گوکلن، تهران، 1374)؛ چگونه حافظه برتر داشته باشیم (روبرت توکه، تهران، 1373)؛ چگونه خود را با غذا درمان کنیم- راهنمای عملی رژیم غدایی خانواده‌ها (ایوجی. شارل و ژان لوک داریگل، تهران، 1374، پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال 1371 منتشر شد)؛ در انتظار کودکی هستم (لورانس پرنو، تهران، 1373 ،1370)؛ درمان خجالت در سه هفته (ژان شارتیه، 1373 :،1371)؛ درمان طبیعی بیماریهی تنفسی (آندره پاسبک، تهران 1374 ،1372)؛ درمان طبیعی بیماریهای چشمی (آندره پاسبک، تهران، 1373)؛ درمان طبیعی بیماریهای گردش خون (آندره پاسبک، تهران، 1374 -1368)؛ درمان طبیعی بیماریهای گوارشی (آندره پاسبک، تهران، 1374 ،1372)؛ درمان طبیعی یبوست (ژان لوک داریگل، تهران، 1369)؛ رنگها: برای سلامتی شما؛ روش عملی رنگ درمانی با استفاده از خواص درمانی رنگها (ژرارداد، تهران، 1369)؛ فلزات: برای سلامتی شما؛ استفاده از خواص فیزیکی؛ شیمیایی و مغناطیسی فلزات نظیر دستبندهای مسی و هومئوپاتی... (ژرژ فور؛ تهران، 1730)؛ کاربرد عملی طب فشاری (ژاژرد اد؛ تهران، 1375 1368)؛ گیاهان دارویی (ژان

ولاگ و ژیری استدولار، تهران، 1370)؛ ویتامینها و ویتامین درمانی (کلود بینه، تهران، 1373)؛ یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم (ار. اسیرینگر، تهران 1369).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زمانی، محمد هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هاشم زمانی
محل تولد : مرودشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از انقلاب اسلامی بنابر ضرورت درک اسلام و باورهای صحیح به حوزه علمیه قم آمدم و دروس حوزه را شروع کردم و از همین ابتدا به قرآن و مباحث تفسیری پرداختم و در کنار آن به مباحث علمی و پژوهشی می‌پرداختم و در سال 67 در جبهه به اسارت عراق درآمدم و در آنجا در حد توان به ترویج قرآن و مباحث اعتقادی پرداختم و در سال 69 پس از آزادی از اسارت در مرکز قرآنی مشغول به کار شدم و در ضمن برنامه نویسی کامپیوتر به تحقیق در مباحث قرآنی می‌پرداختم تا اینکه در سال 75 پس از طرح‌های بسیاری که برای رسیدن به اطلاعات منسجم و دقیق ریختم و هیچکدام پایدار نبود به طرحی تحت عنوان «نور فرقان و سیر اندیشه» دست پیدا کردم که جامع و بنیادی بود و توانستم برای رسیدن به آن به طرح پروژه‌هایی بپردازم و اطلاعات زیادی تهیه کنم و در سال 79 به تأسیس مؤسسه‌ای تحت عنوان «نور فرقان» اقدام کردم تا فعالیت و پژوهشها موجه و نتایج آن جهت اطلاع رسانی میسر باشد.مدتی کوتاه در معاونت پژوهشی حوزه خواهران مشغول بودم و مدتی در معاونت پژوهشی جامعة الزهرا و نیز دو ترم برای خواهران حوزوی درس قرآن و تفسیر آن و عدم تحریف قرآن را بحث داشتیم و نیز در نمایشگاههای قرآنی بسیاری شرکت کردم و اکنون هم سه سال است که در نمایشگاههای قرآن شرکت می‌کنم در نمایشگاه بین‌المللی قرآنی در مصلی تهران دو بار غرفه داشتیم و نیز در قم در دانشگاه مفید هفته پژوهش و نیز در نمایشگاه حوزه در عرصه بین‌الملل و نیز در هفته کرامت در نمایشگاه رضوی شرکت داشتیم و اکنون نیز در معاونت پژوهشی حوزه بحث توسعه علوم را دنبال می‌کنیم.

زمانی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن زمانی
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
پس از تحصیلات ابتدائی از سال 1349 هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و 4 سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال 53 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال 61 درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک 15 سال گذراندم.در این دوره تحصیلی 5 جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیره این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره 4 جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش

عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره 20 حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال 77 در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال 80دوره آموزشی را با معدل 78/18 به پایان رساندم.
در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود زمانی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/11/20
زندگینامه علمی
حقیر در سال 1359 پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت 3 سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال 1367 از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال 1367 وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال 67 تا 69) بهره بردم، از سال 68 به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال 63 کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای 65 تا 69 دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال 69 موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال 70 برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته "دین شناسی" از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال 76 با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان "ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن" دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال 76 برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل

به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمخشری، ابوالقاسم محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(538 -467 ق)، مفسر، محدث، نحوی، متکلم، لغوی و شاعر حنفی معتزلی. ملقب به جارالله. نسبت وی به زمخشر، از آبادیهای خوارزم است در زمخشر به دنیا آمد. او در ادب و لغت عرب و فقه و حدیث و تفسیر استاد و متکلم معتزلی بود و شعر را بسیار نیکو می‌سرود. در ضمن مسافرتهای خود مدت مدیدی در مکه اقامت کرد و به همین مناسبت به جارالله (همسایه‌ی خدا) معروف شد. به بغداد نیز سفر کرد و در آنجا از نصر بن بطر و دیگران حدیث شنید. ادب را از ابومضر محمود بن جریر ضبی اصفهانی و ابوالحسن علی بن مظفر نیشابوری فراگرفت و از ابومنصور نصر حارثی و ابوسعد شقانی حدیث روایت کرد است. ابوطاهر سلفی و زینب دختر شعری از زمخشری با اجازه روایت کرده‌اند اسماعیل بن عبدالله خوارزمی و ابوسعد احمد بن محمود و دیگران از وی اشعارش را نقل کرده‌اند. سرانجام در جرجانیه‌ی خوارزم درگذشت. از آثار متعددش: «الکشاف عن حقایق التنزیل»، در تفسیر قرآن؛ «الامالی»، در نحو؛ «الانموذج»، در نحو؛ «مقدمه الادب»، در لغت؛ «اساس البلاغه»، در لغت؛ «اعجب العجب فی شرح لامیه العرب»؛ «اطواق الذهب»، در مواعظ و خطب؛ «الجبال و الامکنه و المیاه»؛ «دیوان» خطب؛ «دیوان» شعر؛ «دیوان» رسائل؛ «دیوان» تمثیل؛ «الرائض فی علم الفرائض»؛ «روس المسائل»، در فقه؛ «ربیع الابرار»، در ادبیات؛ «سوائر الامثال»؛ شرح «ابیات الکتاب» سیبویه؛ شرح مشکلات «المفصل»؛ «ضاله الناشد»؛ «القسطاس»، در عروض؛ «المجاز و الاستعاره»؛ «متشابه اسامی الرواه»؛ «المستقصی»، در امثال عرب؛ «معجم الحدود»؛ «المفرد و الموتلف»، در نحو؛ «المقامات»، در اخلاق؛ «المنهاج»، در اصول؛ «النصائح الکبار یا کبری»؛ «النصائح الصغار»؛ «الکلم النوابغ»، در مواعظ؛ «الاحاجی النحویه»؛ «المفصل»، در نحو؛ «الفائق فی غریب الحدیث».[1] برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (55/8)، ایضاح المکنون (86/2، 67/1)، تاریخ ادبیات در ایران (320/2)، تاریخ نظم و نثر (197، 102، 92)، التفسیر و المفسرون (482 -429 /1)، دایرةالمعارف فارسی (2222 -2221 /2 1180، /1)، روضات الجنات (118/8)، ریحانه (382 -379 /2)، سفرنامه ابن‌بطوطه (571، 436 /1)، سیر النبلاء (156 -151 /20)، الکامل (8/9)،

كشف الظنون (1978، 1955، 1890، 1877، 1837، 1798، 1791، 1774، 1734، 1675، 1674، 1607، 1584، 1539، 1475، 1427، 1407، 1396، 1326، 1217، 1206، 1085، 1082، 1056، 1022، 1009، 915، 895، 832، 831، 791، 781، 616، 185، 164، 117)، الکنی و الالقاب (300 -298 /2)، لسان المیزان (653 -651 /6)، لغت نامه (ذیل/ زمخشری)، مؤلفین کتب چاپی (67 -66 /6)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 538)، معجم الادباء (135 -126 /19)، معجم البلدان (166 -165 /3)، معجم المؤلفین (187 -186 /12)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (229 -228)، وفیات الاعیان (174 -168 /5)، هدیه الاحباب (146 -145)، هدیه العارفین (403 -402 /2).

زمردیان، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1312، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان‌شناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1339، دکترا در رشته زبانشناسی عمومی از فرانسه.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان‌شناسی عمومی، گویش‌شناسی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
گویش‌شناسی، زبان‌شناسی عمومی، فرهنگ واژه‌های اروپائی در فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 22، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی عمومی و گویش‌شناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابوالفضل زنجانی برادر حجةالاسلام حاج شیخ علی شمس زنجانی از دانشمندان فاضل و باتقوای حوزه علمیه قم است. وی در حدود سال 1340 قمری در زنجان متولد شده و پس از خواندن دروس مقدماتی در سال 1358 ق به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و نهائی را خدمت آیت‌اللّه حاج سید احمد زنجانی و مدرسین سطوح قم خوانده و پس از آن از محضر و درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیات دیگر استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به امر زعماء و مراجع عظام حوزه علمیه قم به صحنه مهاجرت و به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و فضائل امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم صلوات المصلین اشتغال دارد.
نگارنده گوید. مترجم محترم ما از فضلاء پرهیزکار می‌باشد در سال 1361 ق باتفاق ایشان و جناب حجةالاسلام حاج سید قوام‌الدین موسوی زنجانی مسافرتی از طریق (صلوات) به عتبات عالیات نموده که خاطرات شیرین آن سفر پس از گذشت سی و سه سال هنوز از خاطرم نرفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 656 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (1073، 981)، معجم المؤلفین (149 -148 /12)، هدیه العارفین (405/2).

زنجانی، برات

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1303، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در سال 1350.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی در دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
آثار ادبی نظامی گنجوی، تدریس متون نظم و نثر ادبیات، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 10
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تصحیح و شرح و تلخیص.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 35، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
علمی و نقد ادبی، تحقیق در لغت.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

زنجانی، عبدالواسع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1291 -1235 ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (198 -197 /10 ،177 ،100 /6 ،272 /1)، ریحانه (387/2)، طبقات اعلام الشیعه قرن (804/13)، المآثر و الآثار (164)، معجم المؤلفین (215/6).

زنجانی، عزالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1338 ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شهر زنجان به دنیا آمد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد استادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصغر فصاحتی، به همراه استاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پدرش تحصیل نمود. بعد از فراغت از کتابهای سطوح، «رسائل» و «مکاسب» و قسمت عمده‌ای از «طهاره» شیخ انصاری را نزد آقا شیخ حسین زنجانی که از مجتهدین زنجان و از شاگردان آخوند خراسانی بود، خواند. «کفایه الاصول» را در خدمت حاج شیخ عبدالکریم خوینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان «تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور 1320 به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیةاللّه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیةاللّه صدر و آیةاللّه خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیةاللّه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیةاللّه بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیةاللّه حکیم و آیةاللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیةاللّه بروجردی؛ شرح قسمت اعظم «وسیله»؛ حواشی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (241 -239 /5).

زنجانی، عزالدین، ابوالفضائل ابراهیم

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 655 ق)، نحوی، صرفی و فقیه شافعی. از آثارش: «الکافیه»، در حساب؛ مختصر شرح رافعی بر کتاب «الوجیز» ابوحامد غزالی که آن را «نقاوه (فتح) العزیز»، در فروع فقه شافعی، نامیده است؛ «العزی»، در تصریف به نام «تصریف زنجانی»؛ «الکافی» در شرح «الهادی»، در نحو تصریف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (2003، 1139 -1138، 412)، معجم المؤلفین (57/1)، هدیه العارفین (12/1).

زنجانی، عزالدین، عبدالوهاب

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 660/655 ق)، عالم، دانشمند، ریاضیدان و ادیب. در تبریز مسکن گزید و مدتی در موصل به سر برد و در بغداد وفات یافت. او در علوم نحو، لغت، صرف، معانی و بیان عروض دانا بود و از علوم نقلی و عقلی بهره‌مند. خواجه نصیرالدین طوسی کتاب «تذکره» در علم هئیت را به خواهش او تصنیف کرد. او به خراسان و ماوراءالنهر سفر کرد و سرانجام به تبریز باز آمد. وی در بغداد درگذشت. آثار وی: «العزی تصریف» در صرف؛ «الهادی» و شرح آن در نحو، «معیار النظار فی علوم الاشعار»؛ «المضنون به علی غیر اهله»؛ تصحیح «المقیاس فی تفسیر القسطاس» در عروض؛ «رساله‌ی الوفق التام»؛ رساله‌ی کوچکی درباره‌ی چگونگی به کار بردن اسطرلاب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (330/4)، اعیان الشیعه (132/8)، ایضاح المکنون (517/2)، دایرةالمعارف فارسی (1731/2)، روضات الجنات (166 -165 /5)، ریحانه (387 -386 /2)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (308 -307)، کشف الظنون (2027، 1869، 1738، 1578، 1326)، لغت نامه (ذیل/ زنجانی، عزالدین زنجانی، عبدالوهاب)، معجم المؤلفین (216/6)، هدیه العارفین (638/1).

زنجانی، عزیزالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1255 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در 1278 ق به عراق رتف و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در 1288 ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (63/9)، الذریعه (321/18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81 -80 /14)، علماء معاصرین (340 -339)، المآثر و الآثار (149)، مکارم الآثار (1503 -1502 /5).

زنجانی، علی نقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر محسن جدّ سادات موسوی زنجان و اصفهان است که نواده او حاج میرزا علی نقی به اصفهان، مهاجرت نموده است و در این شهر پس از وصول به مقامات عالیه علم و اجتهاد به تدریس و اقامه ی جماعت در مسجد خیاطها که آن را مسجد زنجانی ها نیز گویند اشتغال جسته، دارای تألیف و تصنیف بوده.
در ماه صفر سال 1258 وفات یافته، در تخت فولاد، جنب فاضلان مدفون گردید. دارای خطّی نیکو بوده و حواشی بر کتاب ذریعة الضراعه تألیف محقّق فیض کاشانی در سال 1221 نگاشته. نسخه ی آن در کتابخانه آستانه ی رضویّه موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

زندی، فریدون

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریدون زندی یکی از بازیکنان فوتبال ایرانی است. این بازیکن دو رگهٔ ایرانی_آلمانی متولد ۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در شهر امدن آلمان است .وی دارای قد ۱۸۴ سانتیمتر است. او از اواخر سال ۲۰۰۴ و پس از اصرار مقامات فدراسیون و تقاضای انبوه ایرانی‌ها به تیم ملی فوتبال ایران پیوست. او پیش از این برای تیم ملی زیر ۲۱ سال آلمان بازی کرده بود. وی نخستین بار در زمان برانکو ایوانکوویچ به تیم ملی ایران دعوت شد. اولین بازی ملی خود را در مقابل تیم ملی بحرین انجام داد. اولین گل ملی خود را در برابر آذربایجان به ثمر رساند.وی سابقه بازی در باشگاههای المان و قبرس را دارد.قاط قوت زندی عبارت اند از : سرعت در تصمیم گیری ٬ خلاقیت٬ مهارت در بازی تکضرب و سانتر از جناحین. زندی در زمان مربیگری «برانکو ایوانکویچ» به تیم ملی ایران پیوست و با توجه به چپ پا بودن و مهارت های هجومی اش٬ توانست مهره ی قابل اتکایی برای تیم ملی ایران باشد. زندی همچنین قابلیت فوق العاده ای در اجرای ضربات ایستگاهی و شروع مجدد دارد. گل های زیبای ملی زندی در مقابل جمهوری آذربایجان و چین موید این مطلب است. وی همچنین تا به حال دو گل از روی نقطه ی کرنر برای تیم های باشگاهی اش در قبرس٬ به ثمر رسانده است.

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1310 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (141/9)، ریحانه (392/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 408/14)، معجم المؤلفین (196/9).

زواره‌ای، ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مفسر، فقیه، محدث و ادیب امامی. وی از عالمان بزرگ تفسیر، حدیث و فقه و ادب بود در عصر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب صفوی در اصفهان می‌زیست. وی از اکابر شاگردان محقق کرکی، شیخ علی بن عبدالعالی، سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای مفسر و سید امیر عبدالوهاب استرآبادی بود. تفسیر را از سید غیاث‌الدین جمشید زواره‌ای اخذ و از میر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی روایت کرد. زواره‌ای استاد ملا فتح‌اللّه کاشانی مفسر معروف است. از آثار وی: «ترجمه الخواص» یا «تفسیر زواری»، در تفسیر قرآن، تالیف شده در سال 946 ق؛ شرح «نهج‌البلاغه» به فارسی به نام «روضه الابرار»؛ ترجمه‌ی «کشف الغمه» بهاءالدین عیسی اربلی به نام «ترجمه المناقب»؛ ترجمه‌ی «مکارم الاخلاق» رضی‌الدین طبرسی به نام «مکارم الکرائم»؛ ترجمه‌ی «عده الداعی» ابن‌فهد حلی به نام «مفتاح النجاح»؛ ترجمه «الاحتجاج» طبرسی که به نام شاه طهماسب به پایان رسانید؛ ترجمه تفسیر منسوب به امام عسگری (ع) به نام «آثار الاخیار»؛ ترجمه «الطرائف» ابن‌طاووس به نام «طراوه اللطائف»؛ «مرآت الصفا»، در زیارات؛ «مجمع الهدی»، در تاریخ پیامبران، تلخیص «احسن الکبار فی مناقب ائمه الاطهار» ورامینی به نام «لوامع الانوار الی معرفه ائمه الاطهار»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (186/8)، ایضاح المکنون (528، 459، 436، 413، 2/ 281/1)، تاریخ ادبیات در ایران (1626 -1623 /5)، تاریخ نظم و نثر (371)، الذریعه (88/25، 355/21، 362 -361 /18)، روضات الجنات (159/15/285/11، 227/7، 315/5، 140 -139، 75 /4)، ریاض العلماء (396 -394 /3)، ریحانه (393/2)، سبک شناسی (303 -302 /3)،طبقات اعلام الشیعه (قرن 152/10)، الکنی و الالقاب (200/2)، هدیه العارفین (745/1).

زوزنی، ابوالقاسم اسعد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 492 ق)، ادیب، شاعر، منشی، محدث، معروف به بارع. اصل وی از قریه‌ی زوزن ناحیه‌ای بین نیشابور و هرات بود. مدتی در عراق و بعد در نیشابور ساکن بود و از بزرگان خراسان و عراق به شمار می‌رفت. وی در نیشابور درگذشت. در «ریحانه» سال وفات وی 402 ق آورده شده. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (294/1)، ریحانه (394/2)، لغت نامه (ذیل/ اسعد)، معجم الادباء (96 - 90 /6).

زوزنی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 370 ق)، فقیه، مفسر، محدث و ادیب. وی در نواحی خراسان و ماوراءالنهر منصب قضاوت داشت و در بخارا از دنیا رفت. تصانیفی در «تفسیر» و «حدیث» و «فقه» و «ادب» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (193/9).

زوزنی، ابوعبداللَّه حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 486 ق)، نحوی، اصولی، ادیب. معروف به زوزنی. وی از پیشوایان نحو و لغت و علوم عربی بود. که در زوزن متولد شد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقه‌ی طرفه بن عبد»؛ «شرح معلقه‌ی لبید»؛ «المصادر».[1]
(منسوب به زوزن) ابوعبداللَّه حسین بن احمد. در لغت و نحو و عربیت نامبردار بود (ف. 486 ه.ق.) از آثار او کتاب المصادر (ه.م.) (لغت)، شرح سبعه معلقه و ترجمان القرآن است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (249/2)، ایضاح المکنون (332/2)، تاریخ ادبیات در ایران (319/2)، تاریخ برگزیدگان (288)، تاریخ نظم و نثر (65)، دایرةالمعارف فارسی (1194/1)، روضات الجنات (145/3)، ریحانه (394/2)، سرآمدان فرهنگ (22/1)، کشف الظنون (17)، الکنی و الالقاب (300/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللَّه و حسین)، معجم المؤلفین (310 -309 /3)، مؤلفین کتب چاپی (693/2)، یادداشتهای قزوینی (55 -54 /5).

زوشکی، شمس‌الدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 697 ق)، مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری بر جای مانده، که در داخل یک شمسه‌ی تودرتوی شکل گنبدی است و به خط رقاع رقم دارد: «رسم شمس‌الدین بن ضیاءالدین الزوشکی 697».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (248/1).

زیارتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد زیارتی فرزند مرحوم سید محمدصادق زیارتی سمنانی در سال 1280 شمسی در روستای زیارت از توابع مهدی شهر سمنان به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات را نزد والد ماجدش و نیز پدر همسرش خوانده و بعد عزیمت به تهران نموده و چند سالی مقدمات و ادبیات و سطوح را از اساتید و مدرسین آن سامان در مدرسه سید نصرالدین و مدرسه فخریه (مروی) استفاده کرده و بعد به قم عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشغول تکمیل مبانی علمی فقه و اصول شده و از محضر آیات عظام حوزه چون آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس یزدی و دیگران استفاده نموده، تا به مدارج علمی اجتهاد رسیده و به تهران آمده و در مدرسه خان مروی یاد شده به تدریس فقه و اصول و غیره مشغول شده تا در سال 1366 قمری که به سنگسر (مهدی شهر) برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و بالاخص مبارزه با فرقه ضاله (بهائیه) پرداخته و مجاهدات طاقت فرسائی نموده و صدمات و لطمات طاقت‌فرسائی متحمل شده و از آشنا و بیگانه مصائبی را به جان خریده و مدتی هم از طرف دولت طاغوتی به تحریک منافقین و فرقه گمراه تبعید به کاشان شده و پس از چندی آزاد و به تهران آمده سپس به محل خود برگشته و به وظائف خویش مشغول گردیده تا در روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال 1400 قمری برابر سال 1359 شمسی در سن هفتاد و هشت سالگی در تهران از دنیا رفته و با تشییع و تجلیل کم‌سابقه‌ای حمل به سنگسر (مهدی شهر) و در حسینیه المهدی (ع) آنجا مدفون گردیده است.
آثار و باقیات الصالحات ایشان
1- حسینیه المهدی (مهدی شهر)
2- غسالخانه قریه زیارت
3- تجدید بناء مسجد پامنار مهدی شهر
4- تجدید بناء مسجد صاحب الزمان
5- حمام ولی عصر عجل‌اللّه فرجه الشریف
دارای دو فرزند روحانی می‌باشند که به خدمات فرهنگی و علمی و دینی اشتغال دارند.
1- آقای سید حمید روحانی زیارتی مؤلف کتاب نهضت امام خمینی در دو

مجلد بزرگ .
2- حاج سید محمدعلی روحانی زیارتی که در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل مبانی علمی دارند.
بیوگرافی آقای زیارتی به قلم یکی از فرزندان ایشان در سالگرد درگذشت ایشان
از درگذشت مجتهد عالیقدر حضرت آیت‌اللّٰه آقای حاج سیداحمد زیارتی یکسال می‌گذرد.
ابر عالمی که عمر گرانبهای خود را در خدمت به اسلام، نشر احکام، ترویج دین و هدایت انسانها ارشاد مسلمانها گذراند و از مبارزه با کفر و الحاد، انحراف و گمراهی و سیاهی و تباهی هیچگاه باز نایستاد.
آیت‌اللّٰه زیارتی در مورخه 1282 در دهکده‌ی زیارت چشم به جهان گشود. تقریبا در سن 20 سالگی برای تحصیل علوم اسلامی راهی حوزه علمیه‌ی قم گردید و از محضر پر ارج علمای عظیم‌الشان عصر خویش چون حضرات آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و حاج سید محمدتقی خوانساری و حاج فاضلی قمی (اعلی اللّٰه مقامهم) به کسب فضائل علمی پرداخت و دیری نپائید که قوه استنباط و مقام اجتهاد را احراز کرد. در سال 1320 به تهران منتقل و در مدرسه مروی به تشکیل جلسات علمی، اسلامی، برگزاری نماز جماعت و تدریس پرداخت و نیز عهده‌دار تولیت مسجد مروی شد. علیرغم استقبال شایان توجهی که اهالی تهران به ویژه دانش‌پژوهان مدرسه دارالفنون از جلسات ارزنده ایشان به عمل می‌آورند طبق دستور صریح قرآن که اعلام می‌دارد (فلولا نفر من کل فرقهمنهم طائفه...).
در سال 1322 مهدی‌شهر سمنان که به صورت پایگاه مخوف و مرکز مرموزی برای حزب صهیونیستی بهائیت درآمده بود مهاجرت کرده و به یاری شهروندان بی‌پناه خویش که از هر طرف مورد هجوم دشمنان اسلام و دین‌سازان بین‌المللی قرار گرفته بودند شتافت و یک تنه در برابر راهزنان عقیده و ایمان که با به راه انداختن بساط بهائیگری و صوفیگری می‌خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن برکنند ایستاد و به روشنگری پرداخت و چراغ هدایت را فرا راه توده‌های مستضعف مسلمان نهاد و دست آنان را گرفته یکی پس از دیگری به صراط مستقیم رهبری نمود و از کجروی، کج‌اندیشی و غلطیدن در سراشیبی انحراف و انحطاط جلوگیری کرد.
بدخواهان، کج‌اندیشان، زراندوزان، دین‌سازان و دزدان عقیده و ایمان که با مبارزه منفی و قاطع آیت‌اللّٰه زیارتی بایکوت. ایزوله و منفور شده بودند به توطئه‌چینی دست یازیدند و با همکاری مزدوران دولتی به پرونده سازی واهی علیه ایشان پرداخته نقشه تعقیب و محکومیت ایشان را فراهم

ساختند که منجر به مهاجرت ایشان به تهران در سال 1331 گردید. لیکن از آنجا که آیت‌اللّه زیارتی هماره مشمول الطاف خداوندی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف قرار داشتند در این برهه حساس توانستند با پشتکار و پایداری و اتکال بر لایزال این توطئه خائنانه دشمنان اسلام را خنثی سازند و پیروزمندانه و مقضی المرام به مهدی شهر بازگردند و رسالت مقدس خود را در ارشاد توده‌ها و ریشه‌کن ساختن کجرویها و کج‌اندیشی‌ها دنبال کنند و «سنگسر» کفرخیز و فسادانگیز را به «مهدی شهر» اسلام پناه بدل سازند و اهالی محل را هرچه بیشتر از گروه‌های کافر پیشه و منحرف دور داشته به اسلام آشنا و اولیای خدا متوجه کنند و ده‌ها نفر دانشمند در مسائل دینی تربیت نمایند.
آقای زیارتی علاوه بر ارشاد و هدایت توده‌ها به عمران و آبادی شهر نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و با امکانات محدود و با کمک مردم مستضعف و مستمندی که با دسترنج خود ایشان در مسائل عمرانی یاری می‌کردند توانستند سه باب حمام، دو مسجد، یک حسینیه، یک غسالخانه، و یک داروخانه تأسیس نمایند و بدین وسیله تا حد امکان وسائل رفاه و آسایش اهالی را فراهم سازند.
حزب صهیونیستی بهائیت که هیچگاه از توطئه و دسیسه علیه اسلام و ایران بازنمی‌ایستد، در سال 1338 با همدستی بعضی از خوانین محل به منظور ضربه زدن به اسلام در مقام تأسیس کانون فساد و جاسوسی به اسم «مشرق الاذکار» در مرتفع‌ترین مکان شهر برآمدند که با همت مردم مسلمان و غیور شهر درهم کوبیده شد و پس از سالها کشمکش سرانجام در سال 1351 بار دیگر عنایت ویژه حضرت امام مهدی منتظر شامل حالی اهالی گردید و آن مکان حساس در اختیار مسلمانان قرار گرفت که به اراده آیت‌اللّه زیارتی ساختمان حسینیه باشکوهی در آن مکان به نام آن حضرت تأسیس شد که اکنون مرکز نشر و تبلیغ اسلام و محل مراسم هفتگی نماز جمعه می‌باشد.
آقای زیارتی طبق فرامین اسلامی با رژیم ضد اسلامی ایران موضع آشتی‌ناپذیر و استواری داشت و نه تنها هرگونه مراوده و ارتباط با مقامات دولتی را مردود و محکوم می‌شمرد بلکه حتی عقد طلاق در محضرهای دولتی را جایز نمی‌دانست و در طول عمر پر افتخار خویش هرگز با مقامات مزدور رژیم پهلوی ارتباط برقرار نکرد در مراسم رسمی دولتی شرکت ننمود و علیرغم فشار همه جانبه‌ی ساواک از دعاگوئی و مدیحه سرائی برای رژیم به شدت خودداری کرد و دست رد بر سینه‌ی نامحرم زد. این موضع انعطاف‌ناپذیر و سرسختانه آیت‌اللّه زیارتی در برابر رژیم طاغوت و ضربه‌های سنگینی که بر حزب صهیونیستی بهائیت وارد کرده بود موجب گردید که بار دیگر توطئه ننگین و خائنانه‌ای علیه ایشان به مرحله‌ی

اجرا درآمد و در تاریخ اسفند ماه 1354 بدون محاکمه و اثبات بزه به 2 سال تبعید در کاشان محکوم گردید و بر اثر کسالتی که در تبعیدگاه دچار شد برای همیشه زمین‌گیر و سرانجام در تاریخ 27 ذیحجه 1399 به رحمت ایزدی پیوست.
انا لله و انا الیه راجعون
ذیحجه 1400- آبان 59
باقیات الصالحات مرحوم زیارتی
در سنگسر مکان مناسب و مرتفعی به نام (قلعه) از قرنها پیش برای مسلمانان محل دعا و خیرات و عزاداری ماه محرم بوده در سال 1310 ش منکرین امام زمان عجل‌اللّه تعالی فرجه بقصد لطمه به دین مبین اسلام در خفا با نیرنگ و تشبث آنجا را به ثبت رسانیدند و در سال 1338 به عنوان کانون ضد اسلامی مشغول بنائی شدند که از جانب عموم مسلمین سنگسر منهدم گردید و پس از یکسال کشمکش بالاخره شورای عالی ثبت پرونده ثبتی قلعه را باطل اعلام نموده و کار به دادگستری کشید.
چون مبارزه دینی محض بود حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای بروجردی اعلی‌اللّه مقامه و حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید احمد خوانساری ادام‌اللّه عزه و حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زیارتی ادام‌اللّه عزه در امر آن توجهات مخصوصه فرمودند در مدت 14 سال جریان محاکمات که دوران اضطراب و درماندگی مؤمنین سنگسر بود جز دعا و استغاثه به درگاه پروردگار و توسل به حضرت ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه که فریادرسی از شیعیان شیوه آن بزرگوار است راهی نبود پس از سالها تلاش الحمدلله در سال 1351 رای قطعی بر حقانیت مسلمین صادر گردید و قدرت اعجاز حضرت حجه منتظر (فرزند برومند فاتح قلعه خیبر) در تمام مراحل مشهود بوده است پیروان و دوستداران آن حضرت برای بزرگداشت این موهبت عظمی و افتخار بی‌همتا و برای عرض ادب به ساحت مقدس حضرت بقیه‌اللّه لازم دانستند ساختمان حسینیه مجلل و باشکوه که جلوه‌گر معجزه نمائی آن حضرت باشد بنا نمایند تا آن نور دیده اهل ایمان به آستان تابناک جد گرامی خود حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام اهداء نماید امید است این خدمت ناچیز قبول حضرتشان باشد و به یادگار معجزه امام زمان برای قرون و اعصار بماند.
و سنگسر به نام نامی حضرت مهدی منتظر (ارواحنا فداه) مهدی شهر نامیده شود. «ان‌شاءاللّه تعالی».
خاطره نگارنده (از مهدی‌شهر)
نگارنده گوید: در ماه رمضان 1367 قمری برای تبلیغ به شهمیرزاد واقع در یک فرسخی (6 کیلومتری) مهدی‌شهر که در آن وقت معروف به سنگسر

بود رفته بودم و در آن موقع هشتاد درصد (80 درصد) مردم آنجا منحرف و پیروی مرام سخیف و کثیف باب و بهاء بودند و در شهمیرزاد هم چندین خانواده از آنان بودند پس همه روز بر علیه آنان سخنرانی کرده و بدعتها و انحرافات آنان را فاش نموده و تبلیغ می‌نمودم و آنها ناچار مبلغی برای مناظره با من از محفل خود خواستند و وی که مرد سالخورده‌ای بود و می‌گفت کرارا به حیفا وعکا رفته‌ام بحمداللّٰه و فضله در یک مجلس مباحثه و مناظره محکوم شده و عده‌ای ازآنها برگشته و یا در مرامشان متزلزل شدند و پس از ماه رمضان که عازم مراجعت گردیدم و عده‌ای بسیار برای مشایعتم آمدند و چون از شهمیرزاد خارج و به سنگسر (مهدی شهر) رسیدم جماعتی به استقبال آمده و مرا به گرمی از ماشین پیاده نموده و به منزلی بردند و می‌گفتند شما یک ماه در شهمیرزاد افاضه نموده یک شب هم به ما می‌رسد.
پس از ورود به منزل آنان و وضع آنجا و قیافه آنها ناگهان ملهم شدم که شاید اینها بهائی و منحرف از اسلام باشند و نقشه‌ای برای کشتن من داشته باشند وحشت عجیبی به من دست داد تفال به قرآن مجید زدم تا مطلب برایم روشن گردد پس چون قرآن را گشودم این آیه آمد «ان الملاء یأتمرون بک لیقتولک» به تحقیق که این گروه نسبت به تو سوء قصد دارند و نقشه می‌کشند که تو را بکشند. پس فورا از آن محفل بیرون آمده و فرار را برقرار اختیار نموده و خود را به خدا و حضرت ولی‌اللّٰه اعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء سپرده و به راه آهن سمنان آمده و با وسیله قطار به مشهد رسانیدم و از حضرت رضا علیه الصلوه والسلام تشرف مکه را خواستم پس من حیث لا یحتسب موفق و مشرف در مراجعت به ایران پایم که در اثر درد کوتاه و مرحوم دکتر علوی که طبیب معالجم بود و می‌گفت پایت باید عمل جراحی شود چون استخوان پای سیاه و 70 درصد حتما از ساق بریده و یا سی درصد کوتاه خواهد شد در اثر توسل به باب الحوائج الی اللّٰه حضرت موسی ابن جعفر علیهماالسلام شفا یافت.
و داستان سنگسر هم قبل از آمدن مرحوم آیت‌اللّٰه زیارتی بسنگسر (مهدی‌شهر) بوده است و الحمدلله علی العافیه و التوفیق.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

زیبایی نژاد، محمد رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا زیبایی نژاد
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
سال 1360 موفق به اخذ مدرک دیپلم در شیراز شدم در این سال دروس سال اول حوزه علمیه به صورت آزاد فراگیری شد. سال 61 به حوزه علمیه قم وارد شدم . سال 61 - 62 در مدرسه علمیه رسالت و پس از آن در مدرسه رضویه . از سال 64 به مدت 11 سال مشغول به تدریس ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی) و در مدارس رضویه، معصومیه، حقانی و مرعشیه بودم . شرکت در ده ها سمینار و همایش به عنوان سخنران و یا شرکت در میزگرد در موضوعات مختلف از جمله فعالیت های انجام شده از سال 76 تا کنون بوده ، بعلاوه تدریس در دوره های آموزش مباحث زنان برای طلاب سطح 3 حوزه، خواهران، دانشجویان، اساتید حوزه و دانشگاه و اعضای نهادهای تخصصی زنان از جمله این فعالیتها ، از سال 77 تا کنون بوده است. (حداقل 5 دوره آموزشی) همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان عضو شورای علمی دانشنامه زینب فاطمی (س) و مسئول گروه زن در این دانشنامه از سال 81 از جمله فعالیت هاست. در سال های 74، 75 و 80 به دلیل احساس خلأ در آثار دین شناسی و فقدان متنی که مسیحیت را در نگاه مسیحی و در نگاه اسلامی به صورت مقایسه ای تبیین کند مطالعات شخصی در آثار اسلامی (آیات ، روایات و متون) و آثار مسیحی انجام دادم که نتیجه آن 2 جلد کتاب در این موضوع شد. در سال 78 هم پیشنهادات تالیف کتابی را برای حوزه علمیه خواهران در موضوع زن ارائه شد که نتیجه آن تدوین یک جلد کتاب (با همکاری حجه الاسلام محمد تقی سبحانی) بود. در سال 1367 رتبه دوم پایه 7 حوزه در سال 1368 رتبه اول پایه 8 حوزه شدم. همچنین ایشان در سال 77 مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان وابسته به مرکز مدیریت حوزه علمیه فروزان هستند

زیدی، احتشام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداحتشام عباس زیدی
محل تولد : هند
شهرت
تابعیت : هندوستان
تاریخ تولد : 1334/5/5
زندگینامه علمی
عالم دینی و ادیب شاعر تخلص ب"حشم". ولد فی مدینه جونپور الهندیه. حصل علی اللیسانس(1396 ق) و الماجستیر(1399ق) فی اللغه الفارسیه و آدابها من جامعه بنارس. قدم الی مدینه قم لدراسه العلوم الدینیه سنه (1404 ق)، فتلمذ فی مختلف المراحل الحوزویه لعده اساتذه، منهم: الشیخ حسن زاده الآملی، الشیخ علی پناه الاشتهاردی، الشیخ محمد تقی بهجت، الشیخ علی المشکینی. عین عضوا فی الهیئه الاداریه لمجله " التوحید" الاردیه الصادره عن منظمه الاعلام الاسلامی. قصد امیرکا عده مرات لتبلیغ تعالیم الدین الحنیف. یسکن حالیا مدینه قم و یبذل نشاطات ثقافیه مختلفه فی التدریس و الترجمه.

زیغر

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن چهاردهم هجری، از زنان ادیب ترک. وی در زبانهای ترکی عربی و فارسی و فرانسوی و یونانی استاد بود و از او چهار اثر ارزشمند بجا مانده است.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: اعلام‌النساء، 44 / 2.

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موسی زین العابدینی مرندی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت : زین العابدینی
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1312/1/1
زندگینامه علمی
موسی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال 1312 هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمده ام. پدرم متولی امر تربیتی و آموزشی مرا از همان بدو کودکی به عهده گرفت و خواندن و نوشتن قرآن را به من آموخت که من 6 ساله بودم. از نوجوانی صرف و نحو و تمامی سطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شیخ حسن یزدی و کفایه را نزد استاد محقق شیخ فاضل قائنی خواندم. درس خارج اصول را به مدت 10 سال حدود یک دوره و نصف و خارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عالی قدر سید ابوالقاسم خوئی و حدود 5 سال نزد امام خمینی(ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شیخ حسین حلی و بعضی ابواب فقه را نزد سید عبدالهادی شیرازی و بعضی از علوم دیگر را مثل عروض، هیات، طب و غیر اینها را نزد استاد عالی مقام شیخ مرتضی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همان سنین جوانی تألیف و نوشتن کتاب را آغاز کردم. البته تقریرات تمامی دروس خارج را به دقت می‌نگاشتم و نگهداری می‌نمودم. ولی متأسفانه بعد از اینکه ما را از نجف اشرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجازه ندادند حتی مدارک هویتی و سجله‌های خود و خانواده ام را بردارم تمامی زندگی و مایملک اعم از پول و وسائل شخصی خانه و کتابهای چاپی و خطی و تقریرات علمی اینجانب را صد افسوس و صد افسوس و... به یغما بردند ـ البته حدود دو سال به جرم مبارزه سیاسی در زندانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضرت ثامن الحجج(ع) از حبس رهائی یافتم. شرح منطق به صورت تعلیقی و زندگانی و سرگذشت علمی و تاریخی داوود بن الحسن(ع) حدود 500

صفحه بود و نیز در زندگانی کمیل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع) دیوان شعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار(ع) نوشتم و سرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبیه داشتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبیه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت 8 سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت 8 سال تأسیس مسجد ، حسینیه ، مدرسه و تربیت جوانان بسیار زیاد با پشتوانه مراجع آن زمان سیدمحسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شهید سعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال 1359 بعد از انقلاب اسلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف با ماشینهای ارتشی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشیدند.و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال 77 در تهران به کار تدریس و تبلیغ در حوزه قائم ـ مروی ـ دانشگاه امام صادق حسینیه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و از سال 77 به بعد بر اثر بدی هوای تهران به قم منتقل شدم. و به تدریس در حوزه گلپایگانی و فرصتی دست یافت تا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خدای سبحان صلاح دیده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاة علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین العابدینی، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی زین العابدینی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایة الحکمه،نهایة الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایة الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زین‌الدینی، عنایت‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید عنایت‌الله زین‌الدینی بن السید الاعلام آقا سید سیف‌الله مدفون در قریه رشیدی چاپلق در تاریخ 25 شهر ذی‌الحجه الحرام 1315 قمری متولد شده و پس از پایان کودکی در حجر تربیت پدر معظم خود بتحصیل فارسی پرداخته و بعد از فراغت از آن مقداری از مقدمات را نزد وی استفاده کرده آنگاه باراک آمده و مقدمات را نزد مرحوم حاج ملا عبدالحمید انجدانی که یکی از علماء نحو بوده استفاده و مقداری از سطح را خدمت مرحوم آقای حاج شیخ عباس اردیس آبادی مدرس که یکی از علماء جلیل و از صاحبان مقامات عالیه و کرامت باهره بوده خوانده و پس از چند سالی در سال 1341 بقم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیه‌الله حایری و بعضی دیگر استفاده کرده و ثانیا باراک برگشته و از محضر مرحوم سلطان العلماء و مرحوم آیه‌الله میرزا ابوالحسن مجتهد بهره‌مند شده و مدتی هم از محضر مرحوم آیه‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی خارج فقه و اصول را استفاده کرده و اکنون بالغ بر چهل و پنج سال است که در اراک اقامه جماعت دارد و هم بتبلیغ احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام مشغول می‌باشد. فرزند ارجمند ایشان آقای عزالدینی از علماء و فضلاء مبرز حوزه علمیه قم هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ژوزف، ادوارد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، مترجم و نویسنده. در کرمانشاه متولد شد و در مدرسه‌ی آلیانس تحصیلات متوسطه را به پایان رساند. پس از آن به تهران آمد و به تکمیل زبان فرانسه و انگلیسی و مطالعه‌ی فلسفه عمومی و ادبیات فارسی پرداخت. وی متخصص در امور مالی و بانکی است. پس از خدمت در بانک عثمانی و ملی و کشاورزی در سال 1321 ش به سمت مشاور مالی وزارت پیشه و هنر منصوب شد. در سال 1325 ش برای امور تجارتی به اروپا رفت. بعدها ریاست هئیت مدیره عامل شرکت سهامی بیمه ملی را به عهده گرفت. از آثار وی: «بابا گوریو»، ترجمه؛ «زن سی ساله»، ترجمه؛ «نخجیران»، داستان دفتر اول مثنوی.[1]
مولوی‌شناس نامدار، مولف و مترجم، موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس، عتیقه‌شناس، بانکدار؛ پدرش مرحوم ابراهیم‌خان مترجم سلطان، در 1282 ش در شهر کرمانشاه متولد شد. در شش سالگی به مدرسه رفت و آنگاه وارد مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در کرمانشاه شد و در همین مدرسه زبان فرانسه را به حد کامل فراگرفت. در 1304 ش به موسیقی روی آورد و در زمره شاگردان سرهنگ رکن‌الدین مختاری که ریاست شهربانی غرب را برعهده داشت درآمد و در آموختن طریقه‌ی علمی موسیقی بسیار کوشید و در 1308 وقتی به تهران آمد نزد استاد ابوالحسن صبا رفت و مدتها با وی در شیوه‌های علمی ویولن و پیانو کار کرد و علاوه بر آن با موسیقی‌دانان اروپائی که در ایران اقامت داشتند حشر و نشر یافت و بار اطلاعات علمی خود را در موسیقی افزایش داد و در این هنر سرآمد اقران شد.
ادوارد ژوزف کار اداری خود را در بانکداری شروع کرد. ابتدا وارد بانک عثمانی شد و چند سالی در آنجا به سر برد. پس از تاسیس بانک ملی ایران بدانجا رفت و مراحلی از ترقی را پیمود و شهرتی در بانکداری پیدا نمود. در دوران وزارت دارائی هژیر، به وزارت دارائی رفت و چندی نیز ریاست حسابداری بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. سرانجام در سال 1331 که بانکداری در ایران به سرعت رو به ترقی بود ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی بانک صادرات و معادن را عهده‌دار شد و سازمانی شایسته که متضمن رفاه مشتریان بود در آن بانک پیاده نمود. در تاسیس سایر بانکها نیز مشارکت داشت. زمانی نیز به ریاست بیمه ملی ایران

منصوب شد ولی شغل اصلی او بازرگانی و تجارت بود و در امور بازرگانی آنچنان شهرت پیدا کرد که غالب موسسات تجارتی در کارهای خود با او مشورت می‌نمودند.
ادوارد ژوزف از هوش و ابتکار و ذوق و توانایی بسیار برخوردار بود. زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، عربی، عبری و ارمنی را به خوبی تکلم و کتابت می‌کرد.
در جوانی به مثنوی روی آورد. او نیکو می‌دانست مثنوی گنجینه‌ی بزرگ ایران است و دست زدن به آن کار هر کسی نیست ولی با توانائی کامل قدم بدین وادی نهاد و یا سرسلسله عارفان جهان مولوی پیوندی ناگسستنی برقرار ساخت به طوری که یکی از مولوی‌شناسان نامدار ایران شد و آثار بسیار سودمندی از خود به یادگار گذارد.
ژوزف مترجمی زبردست بود. دو کتاب معتبر از بالزاک ترجمه کرد: یکی کتاب باباگوریو بالزاک بود و دیگری کتاب معروفش به نام زن سی‌ساله که هر دو کتاب در دفعات مختلف توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر گردید. ناگفته نماند ژوزف از بنیانگذاران بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران بود. او موسیقی‌شناس و موسیقی‌دان بود و با همت خستگی ناپذیرش انجمن فلامونیک تهران را برای رونق موسیقی کلاسیک غربی در ایران بنیاد نهاد.
از هنرهای دیگر او، خطی خوش داشت و چندی این هنر را نزد استاد فراگرفته و در شناخت خط استادان پیشین، مهارت داشت. در شناخت هنرهای تجسمی نظرش صائب بود. در ارزیابی سکه‌های باستانی، تمبر و مهر اسم استادی کم‌نظیر بود.
و اما کتبی که پیرامون مثنوی نوشته است به این شرح است: 1- نخجیران: شرح داستانی از مثنوی شریف 2- طوطیان: شرح داستانی از مثنوی شریف 3- پوپک 6 شرح داستانی از مثنوی شریف 4- شیدای خام: شرح داستانی از مثنوی شریف 5- آهنگ شریف: شرح داستانی از مثنوی شریف 6- ناشنوایان: شرح داستانی از مثنوی شریف، و بالاخره چوپان، تشنگان، شرح داستانی از مثنوی شریف؛ هفت‌بند نای شرح چهار داستان و راز میداس شاه و نظامی گنجه‌یی و بالاخره پروین اعتصامی و اندیشه‌های او.
از ادوارد ژوزف مقالات مختلفی در طول زمان در زمینه‌ی تخصصی او در مطبوعات ایران انتشار یافته. وی ربع قرن زندگانی پربار خود را در خارج از کشور به سر برد و سرانجام در دی‌ماه 1372 ش در سن 90 سالگی در دیار غربت درگذشت. در بزرگداشت این ادیب و مولوی‌شناس و هنرمند معروف، مراسم بسیار باشکوهی برگزار گردید و در 1373 یک سال پس از مرگش یادنامه‌ای منتشر ساختند که ادوارد ژوزف را آنچنان که بود معرفی کردند.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (517 -516 /1).

سادات فخر، محمد محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال 1334در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال 1349 آغاز در سال 1353 به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های 1365 ـ 1368 با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوره 1383 می‌باشد. نیمه دوم سال 1369 تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید 80 دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال 1372 به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال 1372 در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال 1377 بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانک اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

سادات ناصری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب و محقق.
تولد: 1 اردیبهشت 1304، تهران.
درگذشت: 14 بهمن 1368، کابل (افغانستان).
سید حسن سادات ناصری پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان شرف در تهران، به ترتیب دوره‌ی لیسانس تاریخ و فوق لیسانس ادبیات فارسی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به پایان برد. در سال 1382 به دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی راه یافت و پایان‌نامه‌ی خود را با عنوان «ارتباط فکر حافظ و مولانا» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر اختیار کرد و در سال 1348 از آن دفاع نمود. بین سال‌های 1340 تا 1345 در شهر قم به معلمی اشتغال داشت و همانجا در محضر برخی از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم مستفیض شد. در سال 1345 رسما به عضویت در هیئت علمی در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درآمد. وی همچنین به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ضمنا فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال 1325 از طریق همکاری با نشریاتی از جمله مجلات «وحید»، «یغما»، «ارمغان» و «آموزش و پرورش» آغاز کرد.
آثار دکتر سید حسن سادات ناصری به شرح زیر است: بدیع و قافیه، برای دبیرستان‌ها (در نظام قدیم آموزشی، با همکاری دکتر محمد خزائلی، 1334)؛ شرکت در هیئت مؤلفان یک سلسله کتب درسی دبیرستانی (در نظام قدیم آموزشی) که عبارتند از: قرائت و دستور زبان فارسی و همچنین فارسی و دستور زبان برای سال‌های اول تا سوم دبیرستان، گل‌های ادب (برای پنج سال اول دبیرستان‌ها، با همکاری دکتر خزائلی، بدیع الزمان کردستانی، دکتر هدایت نیرسینا، میرمیرانی)؛ تصحیح، تحشیه و تعلیق تذکره‌ی آتشکده آذر (از لفطعلی بیگ آذر بیگدلی، در هفت مجلد که سه جلد آن منتشر شده است، به ترتیب: بخش نخست در 1336، بخش دوم در 1338 و بخش سوم در 1340)؛ اهتمام در طبع اشعار علی اصغر حکمت به نام سخن حکمت؛ تصحیح و طبع دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، (1359)؛ تألیف دو کتاب درسی برای دبیرستان (در نظام جدید آموزشی) به نام‌های فنون و صنایع ادبی، برای سال دوم رشته‌ی فرهنگ و ادب (1363)؛ و قافیه و صنایع معنوی برای سال سوم رشته فرهنگ و ادب (1362)؛ تصحیح و طبع دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، با همکاری دکتر

غلامحسین بیگدلی؛ تصحیح نهج‌البلاغه؛ اهتمام به چاپ قرآن کریم؛ تصحیح دیوان محتشم کاشانی؛ تصحیح دیوان حافظ؛ تألیف کتاب سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران در دوره‌ی اسلامی (یک مجلد آن از آ تا س در سال 1353 منتشر شد)؛ صناعات ادبی در دو مجلد؛ تصحیح و چاپ دیوان کامل صائب تبریزی در ده مجلد؛ همچنین چند اثر دیگر از وی اعم از زیر چاپ یا آماده‌ی چاپ هست، از جمله تصحیح و طبع قصص الخاقانی، اثر ابن داود قلی ولیقی شاملو، تألیف کتاب هزار سال تفسیر فارسی، تصحیح و تحشیه‌ی بخش‌های چاپ نشده آتشکده‌ی آذر(از بخش چهارم به بعد)؛ ارتباط افکار حافظ و مولوی.

در سفری که سید حسن سادات ناصری به دعوت مقامات فرهنگی کشور افغانستان، برای بازدید مراکز فرهنگی و بررسی چگونگی وضع آموزش و پژوهش زبان و ادب فارسی در آن کشور، در هفتم بهمن 1368 در حدود ساعت 7 / 5 بعدازظهر در اثنای ضیافت شامی که از سوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران به افتخار هیئت مذکور برپا شده بود، ناگهان و بی‌هیچ سابقه‌ی قبلی دچار حمله‌ی قلبی گردید و جان سپرد. پیکر وی در ابن‌بابویه تهران به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سادات، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا میرزا حسن دکمه چین. عالم فاضل، امام جماعت مسجد علی قلی آقا، در بعد از ظهر چهارشنبه 7 جمادی‌الثانیه 1378 وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ساداتی نژاد، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمهدی ساداتی نژاد
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدمهدی ساداتی‌نژاد در سال 1348 در خانواده ای مذهبی در سفیدشهر از شهرهای اطراف کاشان متولد شده و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رسانیدم. در سال 1362 وارد حوزه علمیه کاشان شدم و دروس مقدمات و سطح را در حوزه علمیه امام خمینی(ره) و سپس مدرسه مرحوم آیت الله یثربی به پایان برده و در سال 1367 در کنکور سراسری در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شدم.در سالهای تحصیل در حوزه علمیه به صورت داوطلب دروس دبیرستان را به عنوان مقدمه ورود به دانشگاه ادامه دادم. در سال 67 همزمان با ورود به تهران جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه حضرت عبدالعظیم(ع)شهرری و مدرسه برهان شدم و دروس سطح و خارج را در این دو حوزه ادامه دادم. در سال 1371 در مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم و در سال 1381 در آزمون دکترای علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پذیرفته و مشغول تحصیل شدم. همزمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در گروه معارف اسلامی از سال 1374 مشغول تدریس دروس معارف اسلامی بوده ام و تا کنون افتخار همکاری و تدریس در دانشگاه های مختلف را داشته ام.

ساروی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ساروی از علماء اعلام و فضلاء بنام از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و اقران او بوده و در ساری به خدمات دینی از تدریس و تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر و خدمات دیگر اشتغال داشته تا بعد از 1320 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساروی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر ساروی از علماء ساری مازندران بوده و در عهد ناصرالدین شاه در ساری به خدمات دینی از امامت و غیره اشتغال داشته است و بعد از 1306 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساریخانی، عادل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عادل ساریخانی
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاً حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به 15 سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های

علمی حوزه در سال 1367 وارد دانشگاه شدم و در سال 1371 لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال 1375 به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره 5/19 مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال 1381 توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود 10 مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال 1384 به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

ساعی، مهروز

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مهروز ساعی بیست و دو سال سن دارد
او در رشته ی تربیت بدنی تحصیل و از هفت سالگی تکواندو کار می کند
او دو برادر به نامهای هادی و مهران دارد هادی ساعی که دیگر نیازی به معرفی ندارد و آخرین مدالی که رای ایران کسب کرد مدال طلا بازیهای المپیک پکن بود. به گفته ی مهروز ، مهران نیز برای اردوی تیم ملی تکواندو انتخاب شد اما بخاطر مسائل کاری ورزش را ادامه نداد. مهروز هم مانند هادی در رقابتهای دوحه مدال برنز کسب کرد منابع زندگینامه
http://taekwondo-chagi.blogfa.com:

ساعی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران متولد ۲۱ خرداد ۱۳۵۵ در شهر ری، قهرمان تکواندو جهان و المپیک است. او با به‌دست آوردن دو مدال طلا و یک مدال برنز، پرافتخارترین ورزشکار ایرانی در تاریخ بازیهای المپیک است. خواهرش، مهروز ساعی نیز عضو تیم ملی تکواندو بانوان ایران و یکی از زنان نامدار ورزش زنان ایران است است. هادی ساعی عضو شورای شهر تهران نیز است. بازی‌های المپیک
•طلای پکن ۲۰۰۸
•طلای آتن ۲۰۰۴
•برنز سیدنی ۲۰۰۰
مسابقات جهانی
•طلای ادمونتون ۱۹۹۹
•طلای مادرید ۲۰۰۵
•نقره گارمیش-پارتنکیرچن ۲۰۰۳
•برنز پکن ۲۰۰۷
بازی‌های آسیایی
•طلای بوسان ۲۰۰۲
•برنز دوحه ۲۰۰۶
مسابقات آسیایی
•طلای بانگکوک ۲۰۰۶
•نقره امان ۲۰۰۲
او تمرین تکواندو را از ۷ سالگی آغاز کرد و از رده سنی نوجوانان تاکنون به طور مستمر در تیم ملی تکواندو ایران حضور داشته‌است. ساعی برنده مدال طلای المپیک آتن، مدال برنز المپیک سیدنی در دسته ۶۸ کیلوگرم و مدال طلای المپیک پکن است که اولین مدال و مدال طلای ایران در ورزشی غیر از کشتی و وزنه برداری در المپیک بودند.
قد او ۱۸۲ سانتیمتر و وزنش ۷۹ کیلوگرم است
مقام‌ها
• ارتش‌های جهان ۱۹۹۵
• ارتش‌های جهان کرواسی ۱۹۹۶
• بازی‌های غرب آسیا ۱۹۹۷
• جام جهانی آلمان ۱۹۹۸

- مسابقات جهانی ادمونتون، کانادا ۱۹۹۹
- انتخابی المپیک سیدنی ۱۹۹۹
- جام جهانی فرانسه ۲۰۰۰
- المپیک سیدنی ۲۰۰۰
- جام جهانی ویتنام ۲۰۰۱
- قهرمانی آسیا و اقیانوسیه ۲۰۰۲
- جام جهانی ژاپن ۲۰۰۲
- بازیهای آسیایی بوسان ۲۰۰۲
- مسابقات جهانی گارمیش-پارتنکیرچن، آلمان ۲۰۰۳
- انتخابی المپیک آتن ۲۰۰۴
- المپیک آتن ۲۰۰۴
- مسابقات جهانی مادرید ۲۰۰۵
- قهرمانی آسیا تایلند ۲۰۰۶
- بازی‌های آسیایی دوحه ۲۰۰۶
- مسابقات جهانی پکن ۲۰۰۷
- المپیک پکن ۲۰۰۸

فعالیتهای سیاسی و اجتماعی

هادی ساعی در دی ۱۳۸۲، پس از وقوع زمین‌لرزه بم مدال‌های خود را (یک مدال برنز المپیک و دیگر مدالهای کسب شده‌اش تا آن زمان) را برای کمک به زلزله زدگان اهدا کرد ساعی در سال ۱۳۸۵ در سومین دوره انتخابات شورای شهر تهران شرکت کرد

و به مقام پنجم انتخابات رسید و به شورای شهر تهران راه یافت

سالاری فر، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا سالاری فر
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1342 در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال 1365 در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (1384) در قم زندگی می کنم.در سال 1360 در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال 1363 به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. درسال 1365 با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال 1370 به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال 1370 به دروس روان شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه های روان شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سالاری نژاد، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مسعود سالاری نژاد
محل تولد : مسجد سلیمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد مسعود میر سالاری نژاد در سال 1364 مدرک دیپلم مکانیک خود را از هنرستان فنی شهداء اهواز اخذ نمودم و از همان سال در مدرسه علمیّه امام صادق نیروگاه قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی شدم .همزمان باتحصیل دروس سطح حوزه به رشته اقتصاد دانشگاه مفید همت گماشتم و پس از اندکی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم . در سال 1378 به عنوان مدیر دفتر تحقیقات نور رایانه منصوب و نسبت به پژوهش و تحقیق در مباحث ادبیات فارسی آشنائی پیدا کردم و مشغول به تحقیق شدم . در سال 1379نسبت به تولیدچند رسانه ای مثنوی معنوی و کارهای تحقیقاتی این پروژه تحت عنوان مدیر و متکفل پروژه ،همت گماشتم ودر سال 1381 کارهای تحقیقاتی پروژه شاهنامه فردوسی را مدیریت نموده و در دو لوح فشرده به جامعه فرهنگی عرضه نموده ام . همچنین بعضی از مقالات و نوشته های موجود در این دو پروژه از اینجانب می باشد.
هم اکنون هم نسبت به تولید نرم افزار چند رسانه ای حافظ شیرازی و کارهای تحقیقاتی آن و پیگیریهای متعدد با مراکز علمی ، پژوهشی « مرکز حافظ شناسی و انجمن شاعران تهران » مشغول به کار هستم. همزمان با همکاری با مرکز به دروس خارج استاد سبحانی «اصول » و استاد مکارم «فقه» مشغول می باشم.

سالاری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سالاری
محل تولد : قاینات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در تیر ماه سال 1346 در خانواده ای متوسط، مذهبی شغل پدرم کشاورز و مادرم خانه دار در روستای دهشک از توابع بخش نیم بلوک قاینات، واقع در فاصله 45 کیلومتری شمال شهرستان قاین دیده به جهان گشودم.وقتی به دنیا آمدم برادر دو ساله ام که محمد نام داشت به علت مریضی سرخجه از دنیا رفته بود، پدرم شناسنامه برادر فوت شده ام را به من اختصاص داد و دیگر برای من شناسنامه ای نگرفت بنابراین من با همان شناسنامه برادرم که دو سال از من بزرگتر است درسال تحصیلی 51 ـ52 دو سال زودتر از موعد به مدرسه رفتم .
تحصیلات (دوران کودکی، نوجوانی و جوانی)دوران ابتدایی را در روستای محل ولادتم با موفقیت گذراندم. سال 1357 همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران کلاس اول راهنمایی را در روستای بیهود و دوم راهنمایی را در شهرستان قاین و سوم راهنمایی را درخضری مرکز بخش نیم بلوک با موفقیت گذراندم و سپس با توجه به علاقه ی شدیدی که به روحانیت داشتم تحصیلات جدید را ترک نمودم و در سال تحصیلی 60 ـ 61 وارد حوزه علمیه قاین شدم و دو سال بعد برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه گناباد مهاجرت نمودم و دو سال در این حوزه، بقیه دروس مقدمات را نزد استادان محترم مدرسه علمیه امام رضا علیه السلام گذراندم در سال 1364 برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم و تحصیلات حوزه را در مدت ده سال اقامت در این حوزه تا اتمام سطح گذراندم.از سال ورود به حوزه مشهد همزمان با تحصیل حوزوی به صورت داوطلب آزاد دوره دبیرستان را نیز هر ساله امتحان می دادم که سرانجام درسال 1367 موفق به اخذ دیپلم در رشته فرهنگ و ادب از آموزش و پرورش ناحیه 2 مشهد شدم در سال 1368 در آزمون سراسری دانشگاه پیام نور در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شدم و در مقطع

کارشناسی به تحصیل پرداختم. ضمنا در همان سال ازدواج کردم که حاصل این ازدواج هم اکنون چهار فرزند می باشد، دو پسر و دو دختر می باشد.سر انجام در سال 1374 موفق به اخذ درجه لیسانس (کارشناسی) از دانشگاه پیام نور مرکز مشهد گردیدم.در سال 1374 به قصد ادامه تحصیل از مشهد به قم مهاجرت کردم و تا سال 1381 در حوزه علمیه قم دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی و علوی گرگانی ادامه دادم و بهره های فراوان بردم.
دروس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی و اخلاق آیت الله مشکینی و آیات الاحکام آیت الله محمد یزدی نیز دروس جنبی حوزه قم بود که از محضر این بزرگواران نیز بهره مند شدم .
در سال 1376 در کنکور سراسری کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی پذیرفته شدم و در واحد مرکزی تهران به تحصیل پرداختم و سرانجام در سال 1378 موفق به اخذ درجه فوق لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی شدم واز پایان نامه ای با موضوع «اخلاق و تربیت اسلامی در دیوان عطار نیشابوری» و با نمره ممتاز دفاع کردم.تدریس در آموزش و پرورش را در مقطع (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان) از سال 1376 در مشهد آغاز کردم و در قم ادامه دادم و هم اکنون نیز چندساعتی را در مقطع دبیرستان در شهر خضری ادبیات فارسی تدریس می کنم.تدریس در مقطع دانشگاهی را با دروس معارف اسلامی «1 و 2 » و اخلاق اسلامی، از سال 1372 در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی آغاز نمودم و در سال های 1381 تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرهای قاین و گناباد در دانشکده علوم پزشکی گناباد ادامه دادم و هم اکنون نیز با علوم پزشکی هم در زمینه تدریس و هم به صورت عضو پایگاه تحقیقات جمعیتی دانشکده علوم پزشکی همکاری دارم از 25 فروردین سال 1381 از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) و با حکم شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور به سمت امام جعه بخش نیم بلوک در (شهر خضری دشت بیاض) منصوب گردیدم و تا هم اکنون مدت حدود چهار سال است که در این سمت انجام وظیفه می نمایم.

سالاری، مظفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مظفر سالاری
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
از دوم دبستان عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده و همواره با کتاب و کتابخوانی انس والفت داشته ام . از سال 67 همراه با شرکت در کلاس های ادبی و هنری دفتر تبلیغات ، اداره کتابخانه ادبی آن جا را پذیرفتم . از سال 71 همکاری ام را با مجله سلام بچه ها به عنوان مسئول داستان آغاز کردم و دو سال بعد با همین عنوان با مجله «پوپک» نیز همراه شدم . برای بچه ها داستان ، نمایشنامه ، فیلمنامه ، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی تربیت کرده ام . در آن زمان که به طور مرتب نقد می نوشتم ، در سه سال پیاپی در جشنواره مطبوعات کانون در زمینه نقد برگزیده شدم . کتاب ها و داستان هایم بارها برگزیده جشنواره ها شده و مورد تقدیر قرار گرفته است . رمانم با نام «نیمه شبی در حله» می تواند الگویی باشد برای نگارش داستان با صبغه دینی . "نیمه شبی در حله" نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ، برگزیده کتاب سال ولایت و کتاب سال سلام بچه ها و پوپک در سال 83 بوده است . بارها داور کتاب سال بوده و با عناوین کارشناس ، عضو هیات علمی ، مشاور و مدیر در امور ادبی و هنری دعوت به همکاری شده ام . به دلیل خدمات فرهنگی و تولید و تدریس داستان طی سال ها ، در دهمین کنگره شعر وقصه طلاب ، برگزیده ویژه شناخته شدم . از سال 83 با معرفی شورای فرهنگ عمومی و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان عضو هیات نظارت بر کتاب کودک و نوجوان ، در تدوین آیین نامه نظارت ، همکاری موثر داشته ام . نخستین جلد از مجموعه پنج جلدی داستان نویسی قدم به قدم با نام «گشایش داستان» در سال 83 از من به چاپ رسیده و مورد استقبال قرار گرفت . در کنار مسئولیت هایی چون معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات ، سر دبیری فصلنامه «آفرینه» را نیز به عهده دارم و به ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه ها و نگارش دایرة المعارف موضوعی قرآن برای ایشان نیز می اندیشم .

سالک کاشانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌حاج محمد اسماعیل عالم فاضل زاهد جامع واعظ کامل. در حدود 1328 در کاشان متولد گردید، پس از تحصیل مقدمات به قم مهاجرت نموده، در آنجا در محضر جمعی از اساتید وقت به تکیل معلومات خود پرداخته، و به درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر شده، و اختصاص به آیة الله مرعشی نجفی یافته، سپس به مناسبت عدم سازگاری آب و هوای قم به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر متوطن شده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت و ارشاد و هدایت مردم پرداخته؛ واعظی شیرین بیان، و سالک طریق حق بوده. الحق می‌توان او را انسان واقعی و مسلمان حقیقی دانست.
در شب غره‌ی ربیع‌الاول سال 1389 وفات یافته، در تخت فولاد در بقعه‌ی تکیه‌ی آقا سید محمد لطیف خواجوئی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سالکی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد فرزند رکن‌الاسلام معروف بسالکی بابلی از فضلاء این شهر بوده و در زمان مرحوم آیه‌الله العظمی حایری برای تحصیل و تکمیل مراتب علمی بقم آمده و پس از چند سال با احراز مقامات فضل و دانش از حیث فقه و اصول و حکمت و ادبیات مراجعت ببابل نموده و از راه منبر و وعظ و خطابه و تبلیغات و مبارزات با منحرفین خدماتی انجام داده تا در چند سال قبل از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سالمی، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم سالمی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر در سال 1371وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه شهیدین وسپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام ودر مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.
از سال 1378خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.
همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنّت، تاریخ حدیث، فقه حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیّه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

سام

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام او در اوستا SAMA (سامه) و آن نام خاندانی است، نه نام کسی. اما در روایات پهلوی نام دو تن از دلیران سیستانی است: یکی پدر اثرط که در گرشاسبنامه‌ی اسدی طوسی به صورت شم آمده است، و باید اصل آن سام باشد، و دیگر نواده‌ی گرشاسب و پدر زال می‌باشد. سام در شاهنامه از پهلوانان دربار منوچهر و نوذر بود.
(است. سیاه. نام خانواده‌ای ایرانی) جهان پهلوان ایرانی نواده گرشاسپ جهان پهلوان پدر زال و جد رستم جهان پهلوان.
(شم) پدر اثرط، جد گرشاسپ جهان پهلوان.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

سام میرزای صفوی، ابونصر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(975/974 -923 ق)، تذکره‌نویس، خطاط و شاعر، متخلص به سامی. وی در مراغه متولد شد دومین فرزند شاه اسماعیل و برادر شاه طهماسب بود. در زمان پدر نخست حکمران گیلان و سپس حکمران خراسان شد و در هرات استقرار یافت اما چندی پس از مرگ شاه اسماعیل معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی در قندهار شکست خورد و از آنجا به طبس گیلکی رفت. وی پس از چندی امان نامه دریافت کرد و به دربار بازگشت و چندی به این نحو می‌زیست تا این که از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد، شاه طهماسب تلویت بقعه شیخ صفی‌الدین و حکمرانی اردبیل را به او داد. سام میرزا سالها بعد بار دیگر بر شاه طهماسب شورید و به مدت شش سال در قلعه قهقهه زندانی شد و سام در همان قلعه در زیر آوار زلزله درگذشت. از جمله آثارش: «تحفه‌ی سامی»؛ «دیوان». شعر. سام میرزا همچنین خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و از خطوط وی، یک قطعه به قلم نیم دو دانگ متوسط به زر تحریردار موجود است، با رقم: «...کتبه غلام شاه، سام».[1]
صفوی پسر شاه اسماعیل و برادر شاه طمهاسب صفوی (ف. 940 ه.ق.). وی در فنون شعر و انشا مهارت داشت و کتاب «تحفه سامی» که تذکره‌ایست از شعرا تألیف اوست. در سال 939 ه.ق. از طرف برادرش به حکومت خراسان منصوب شد و در سال 940 بر برادر شورید و در همان اثنا درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (63 -62 /1)، احوال و آثار خوشنویسان (228/1)، از سعدی تا جامی (674)، تاریخ ادبیات در ایران (498/5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (157 -155 /1)، تاریخ نظم و نثر (379 -378)، تحفه سامی (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (178 -176)، دایرةالمعارف فارسی (1246/1)، الذریعه (424 -423 /9)، روضه السلاطین (71)، ریحانه (151/2)، سخنوران آذربایجان (36 -31)، فرهنگ ادبیات فارسی (260)، فرهنگ سخنوران (435 -434)، لغت نامه (ذیل/ سام میرزا)، مؤلفین کتب چاپی (286/3)، مجمع الخواص (24)، مجمع الفصحا (59 -58 /1)، نتایج الافکار (332 -331).

سامت قزوینی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321- ز 1362 ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قزوین متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در قزوین به قم رفت و مدت پنج سال در آن شهر نزد استادانی چون آیت‌اللّه شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّه شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی تلمذ کرد. پس از آن به نجف سفر کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی در اصول و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نمود. در سال 1362 ق به قزوین مراجعت نمود و به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در مسجد ملا باشی و تدریس فقه و اصول پرداخت. وی از آیت‌اللّه اصفهانی دارای اجازه‌ی اجتهاد و روایت بود. از آثارش: «تقریرات» مباحث آیت‌اللّه اصفهانی، در طهارت و بیع و حج؛ «تقریرات» اصول آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی یکدوره‌ی کامل؛ «تقریرات» مباحث فقه میرزا ابوالحسن مشکینی در «صلاه» و مباحث اصول در «حجیت ظن» و «اصل برائت»؛ «تقریرات» مباحث فقه آیت‌اللّه نایینی، در «خیارات»؛ «تقریرات» آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی، در «غصب» و «قضاء» و «زکوه».[1]
میرزا عبدالرحیم بن العالم الجلیل والفاضل الجمیل میرزا حسن از احفاد ملا محمد رفیع‌الدین واعظ قزوینی صاحب (کتاب ابواب الجنان) در مواعظ و اخلاق متوفی 1089 ق می‌باشد.
معظم له از علماء و ائمه جماعت محترم معاصر قزوین و دانشمندان بنام آن سامانست. وی در ماه ربیع‌الثانی 1321 ق در شهرستان قزوین متولد شده و پس از رشد مدت پنج سال در قزوین تحصیل و بعد از آن به قم مسافرت نموده و مدت پنج سال در قم توقف و از محاضر آیات و مدرسین حوزه مانند آیت‌اللّه آقا شیخ یحیی مفیدی و آیت‌اللّه حاج شیخ میرزا ابوالفضل زاهدی و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی فقها و آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین اصولا و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه حاج آقا شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نموده و در سال 1362 قمری مراجعت به قزوین و تا هم‌اکنون به خدمات دینی و اقامه نماز جماعت در

مسجد سلطانی و مسجد ملاباشی و تدریس فقه و اصول و غیر ذلک اشتغال دارد. و دارای اجازات روایتی و اجتهادی و غیره از مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و غیره می‌باشد.
آثار علمی ایشان از این قرار است 1- تقریرات مباحث مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی در طهارت و بیع و حج 2- تقریرات اصول مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی یک دوره کامل 3- تقریرات مباحث فقه مرحوم میرزا ابوالحسن مشکینی در صلوة و نیز اصول ایشان در حجیة ظن و اصل برائت.
4- تقریرات مباحث فقه مرحوم نائینی در خیارات.
5- تقریرات مباحث فقه مرحوم آقا ضیاء عراقی در غصب و قضاء و زکوة و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (162 -161 /6).

سامعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر حسین سامعی در سال 1332 ش. در تهران متولّد شد .ایشان دارای مدرک دکترای زبان شناسی از دانشگاه تهران می باشد.دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است.وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است.در حال حاضر، نامبرده به دعوت دانشگاه هاروارد، برای یک دورهٔ تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است. کتاب"فرهنگ معاصر هزاره" تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین سامعی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و فوق لیسانس و دکترا با درجهٔ ممتاز در رشتهٔ زبان شناسی از دانشگاه تهران شد.
هم دوره ای ها و همکاران : حسین سامعی از سال 1364 با دکتر علی محمد حق شناس و سرکار خانم انتخابی در تهیهٔ فرهنگ هزاره در مؤسسهٔ انتشاراتی فرهنگ معاصر همکاری داشته است.
فعالیتهای آموزشی : دکتر سامعی مسؤول واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است.وی علاوه بر کار تحقیقاتی در دانشگاه نیز تدریس می‌کرده است. از دیگر سوابق ایشان همکاری با مرکز نشر دانشگاهی است. در حال حاضر، دکتر سامعی به دعوت دانشگاه هاروارد، برای یک دورهٔ تحقیقی یک ساله عازم امریکا شده و در ایالت جورجیا در دانشگاه Emory مشغول تدریس زبان فارسی است.
جوائز و نشانها : کتاب"فرهنگ معاصر هزاره" تالیف حسین سامعی (یکی از مؤلفان)، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سامی شیرازی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1289 ش)، نویسنده، محقق و استاد دانشگاه. در شیراز متولد شد پس از تحصیل مقدمات در رشته ادبیات و باستان شناسی و تاریخ بخصوص قسمت قبل از اسلام مشغول تحصیل و تفحص شد و در این رشته تخصص پیدا کرد و از دانشگاه آزاد آسیایی درجه دکتری افتخاری دریافت کرد آنگاه وارد خدمت وزارت فرهنگ شد مدتی ریاست کارپردازی و ساختمانهای فرهنگی فارس و تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی را داشت از سال 1318 ش به ریاست علمی و حفاری تخت جمشید به ادامه کاوش در خرابه‌های استخر و تپه‌های مرودشت و حفاری در پازارگاد اشتغال داشت همچنین در سال 1336 ش به ریاست اداره باستان شناسی فارس منسوب شد از بدو تاسیس دانشکده‌ی ادبیات شیراز سمت استادی تدریس باستان شناسی دانشکده مزبور را داشت و همچنین مدتی سرپرستی آرامگاه خواجه حافظ و تعمیر ابنیه تاریخی فارس و اداره‌ی امور کاوش در آثار قدیمی و حفاری در پازارگاد را بر عهده داشت از آثار وی: «آثار باستانی جلگه‌ی مرودشت»؛ «پارس در عهد باستان»؛ «پازارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران»؛ «تمدن هخامنشی»؛ «مقام دانش در ایران باستان»؛ «شیراز، شهر سعدی و حافظ و شهر گل و بلبل».[1]
باستان‌شناس، ایران‌شناس.
تولد: 1289(238 ق.)؛ شیراز.
درگذشت: 22 مرداد 1368، شیراز.
علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب مقامات معنوی (1329) است. علی سامی پس از تصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌ی شعاعیه، در سال 1308 به استخدام آموزش و پرورش درآمد. بین سال‌های 1308 تا 1313 به سمت آموزگار و سپس به عنوان دبیر تاریخی و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه‌ی و تصدی دانشسرای مقدماتی پسران در 1314 ارتقا یافت، از سال 1315 نیز به تعمیرات ابنیه‌ی تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزه‌ی پاریس و آرامگاه خوجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.
پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال 1321 به سمت ریاست بنگاه علمی تحت

جمشید منصوب شد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشان در سال 1326، علاوه بر ریاست بنگاه علمی تحت جمشید به سمت ریاست اداره‌ی باستان شناسی فارس منصوب شد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد تا سال 1349 ادامه داشت.
علی سامی عضو چند مجمع علمی و فرهنگی و اجتماعی بود که اهم آنها عبارتند از: سردبیر روزنامه‌ی «عدل» (شیراز)؛ رییس شورای نویسندگان و خبرنگاران استان فارس، عضو کنگره‌ی ایران شناسی، عضو کنگره خاور شناسی تاجیکستان، دبیر و عضو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال 1331 به همت خود وی بنیاد نهاده شد)؛ دبیر و عضو انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باستانی، عضو و رییس هیئت امنا در آستانه‌ی حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیته‌ی دائمی دانشکده‌ی ادبیات شیراز، عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال 1343)؛ عضو و دبیر شورای عالی جهانگردی.
علی سامی دارای درجه‌ی دکترای افتخاری از کشور هندوستان (دانشگاه آزاد آسیایی) بود و نشان‌های همایون درجه‌ی 4 و مدال درجه‌ی 1 و سپاس درجه‌ی 2 (به سسب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.
دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: آثار تاریخی جلگه‌ی مرودشت (1331)؛ پارس در عهد باستان (ضمیمه‌ی نشریه‌ی شماره سه «کانون دانش پارس»، 1333)؛ پارسکده (1350)؛ پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران (1330)، این کتاب بعدا در سال 1375 تحت نام پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی ذولقرنین به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس شناسی به چاپ رسید)؛ تاریخ پارس در عهد باستان (1334)؛ تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمه کتیبه‌های میخی و پهلوی (1329)؛ تمدن ساسانی (جلد اول، 1342)؛ تمدن ساسانی (جلد دوم، 1344)؛ تمدن هخامنشی (جلد اول، 1341)؛ تمدن هخامنشی (جلد دوم، 1348)؛ روزها و یادها (جلد اول، 1360)؛ روزها و یادها (جلد دوم، 1362)؛ شرح آثار باستانی تخت جمشید (با همکای سید محمدتقی مصطفوی، 1335)؛ شرح آثار تاریخی شیراز (به زبان انگلیسی، ترجمه نارمن شارپ، 1335)؛ شرح آثار تخت جمشید (به زبان انگلیسی، با ترجمه رالف نارمن شارپ، 1335 که نه بار تجدید چاپ شد)؛ شرح کاوش‌های پاسارگاد (به زبان انگلیسی، ترجمه شارپ، 1335)؛ شیراز، دیار سعدی و حافظ، شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر

فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون (1337)؛ شیراز شهر جاویدان (1363)؛ شیراز شهر گل و بلبل، تاریخچه شیراز و شرح آثار باستانی شیراز (1337)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد دوم، 1331)؛ گزارش‌های باستان شناسی (جلد چهارم، 1338)؛ گزارش‌های کاوش‌های علمی پاسارگاد (ضمیمه‌ی جلد اول گزارش‌های باستان شناسی، 1329)؛ مقام دانش در ایران باستان (1333)؛ نقش ایران در فرهنگ اسلامی (1365).
از وی همچنین مقالاتی در مجله «دانشکده‌ی ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.
آثار دیگری که علی سامی به رشته‌ی تحریر درآورده است ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح هستند: جلد چهارم تمدن هخامنشی، جلد سوم و چهارم تمدن ساسانی، تمدن قدیم فلات ایران و تمدن پیش از هخامنشی، تاریخ تمدن جهان، بهار جاویدان مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان شناسی در ایران.
از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزه‌ی ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزاده هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (52 -49 /3)، مؤلفین کتب چاپی (265 -263 /4).

ساوجی، اسداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسداللّه ساوه‌ای از علماء و دانشمندان ساوه می‌باشند.
وی در ساوه متولد و برای تحصیل به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیات دیگر قم استفاده و در حدود 1367 قمری به ساوه مراجعت و به اقامه جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا مبتلا به سکته ناقص شده و چند سالی در بستر کسالت افتاده تا به اجل محتوم و موعود از دنیا رفته است.
فرزند ارجمندش حاج شیخ محمود ساوجی مدتها در قم از محضر آیات عظام مرحوم خوانساری استفاده کرده و بعد به نجف مشرف و چندی هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

ساوجی، صدرالدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، شاعر و ادیب. از شاعران و ادیبان صاحب هوش و ذکاوت و استاد در علم عروض و قافیه عهد ایلخانان مغول بود. وی به روزگار هلاکو خان در شام مسکن داشت و در همان دوره به اتهام ساحری کشته شد. از آثار وی: قصیده‌ی «حسنا» در علم عروض و قافیه به نظم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ برگزیده (696 -695)، حبیب السیر (108 -107 /3)، لغت نامه (ذیل/ ساوجی).

ساوجی، فضل الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1275 ق)، ادیب، طبیب و خطاط. وی پدر ابوالفضل ساوجی و از خاندان شاملو و از اعقاب حسن‌خان شاملوی معروف، والی هرات است. میرزا فضل‌الله، خود از مشاهیر اطبای ساکن تهران بود و فتحعلی‌شاه او را به سمت معلمی علی‌خان ظل‌السلطان، دهمین فرزند خود، منصوب داشت. از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می‌نوشت. او را به داشتن سجایای اخلاقی و مراتب فضل و کمال یاد کرده‌اند و بعضی شاعران عصر، مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده‌اند.او در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام به خاک سپردند. از آثارش، قطعه‌ی سیاه‌مشقی است که به قلم چهار دانگ خوش نوشته شده و رقم «ذلک فضل‌الله» دارد؛ قطعه‌ای به قلم شش دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «یا هو، در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقیر لله، فضل‌الله 1257».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (573 -572 / 2)، شرح حال رجال (178 / 6)، حدیقه الشعراء (1513 -1512، 1508 / 3)، طرائق الحقائق (584 -583 / 3)، مجمع الفصحا (901 / 5)، گنج شایگان (509).

ساوجی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1301 ق)، ادیب و خطاط. از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره‌ی دانشمندان عصر خود بود و در نظم و نثر فارسی دست داشت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: ترجمه‌ی فارسی یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «ترجمه‌ی این صحیفه‌ی کامله‌ی شریفه‌ی سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین‌العابدین اصفهانی است... بتحریر این حقیر بانجام رسید. و انا العبد الراجی محمد الساوجی سنه 1278»؛ یک قطعه، به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «الحقیر محمد الساوجی غفر له 1282».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (741 -740/ 3).

سبحانی نیا، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی سبحانی نیا
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی سبحانی نیا از سال1366 همزمان با تحصیل در سال چهارم دانشگاه رسماً وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رضویه دروس سطح حوزه را شروع نمودم. دروس سطح را تا سال 1376 به پایان رساندم. از اساتید برجسته اینجانب در دوره سطح، اساتید معزز آقایان حجج اسلام اسحاق نیا، پرنده غیبی، عالی، مومنی، مسعودی، غرویان، دوزدوزانی و عراقچی می باشند. از سال 1376 در درس خارج آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی و استاد مکارم شیرازی و استاد مددی حاضر شده و مدت کوتاهی نیز در درس استاد آیة الله شبیری زنجانی شرکت نموده ام.
از سال 1371 با مرکز تحقیقات دارالحدیث به فعالیت های فرهنگی علمی همکاری را شروع نموده و این همکاری تا به امروز در حوزه های مختلف ادامه داشته است. مدتی در بخش تاسیس کتابخانه تخصصی حدیث تلاش کرده و مسولیت داشتم . سپس چند سال در گروه موسوعه نگاری در بخش تحقیقات با آن مرکز همکاری داشته و تحقیق و عناوین متعددی را بر عهده داشته ام. و هم اکنون نیز در دانشکده علوم حدیث ضمن مسئولیت اجرایی به تحصیل در مقطع دکتری اشتغال دارم. ضمناً در سال 1380 نیز در آزمون کارشناسی ارشد مدرسی الهیات و معارف اسلامی دانشکده تربیت مدرس قم پذیرفته شده و مدرک کارشناسی ارشدخود را در سال 1383 اخذ نمودم.

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا سبحانی نیا
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1369 هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری،همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی،علیدوست،موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی،جاودان و عالی(دامت برکاتهم) بهره بردم.از سال 1378 در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی(ره) و مددی(حفظهم الله تعالی) بهره ها ی فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال 1378 با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری(دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهرری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعة القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است.هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام)

بهتر از هرافتخاری است.

سبزواری، پیرشمس الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پیر شمس الدین سبزواری درحدود 570 هجری قمری درسبزوار متولد شد .پدرش از مبلغین اسماعیلی و گماشته امام قاسم شاه اسماعیل بود .بنابراین پیر شمس از کودکی تحت تعلیمات فلسفی و مذهبی اسماعیلیه قرار گرفت و در سفرهای پدر به بدخشان وتبت همراه وی بود . وی پس از وفات پدر ،از سوی امام اسماعیلی بعنوان «حجت» منصوب شدو برای تبلیغ به سند وهند اعزام گردید. آنجا فعالیت های تبلیغی بسیار وسیعی رادر ایالات وسیع هند و تبت و مناطق دیگر به راه انداخت و بسیاری از مردم را به مذهب اسماعیلی در آورد. اصلی ترین عامل موفقیت پیر شمس الدین گرایش های صوفیانه و اشعار هندی وی بود که مردم را به خود جذب می کرد. او در سال 757 هجری قمری درگذشت و فرزندانش راه وی را ادامه دادند.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه (امام اسماعیلی در هند)بود .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صلاح الدین پیر شمس الدین سبزواری گماشته امام قاسم شاه بود و با سلسله مغولان تاج مبارزه می کرد. یکبار هم پیر معین الدین حسن سبزواری اجمیری در سبزوار و در سال560 هجری قمری دیداری باوی کرده بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : پیر شمس الدین سبزواری از کودکی تعلیمات مذهبی و فلسفی مذهب شیعه اسماعیلی را از پدر خود آموخت و به سرعت در این علوم به مهارت بسیاری دست یافت. خاطرات و وقایع تحصیل : پیر شمس الدین سبزواری در 19 سالگی به همراه پدر به بدخشان رفت .ومدتی را در تبت بود و دوباره به سبزوار بازگشت . همسر و فرزندان : مهمترین باز مانده وی پسر و جانشین پیر شمس الدین سبزواری ،«نصیر الدین » (625-764)بود که در پنجاب و اوچ به تبلیغ پرداخت .از نصیر الدین هفت پسر بنام های پیر صدرالدین ،سید رکن الدین،سید بدرالدین ،سید شمس الدین دوم ،سید نورالدین ،سید غیاث الدین . سید نصیر الدین قلندر شاه باقی ماندند وتعلیمات وی را ادامه دادند. زمان و علت فوت : پیر شمس الدین سبزواری در 757در گذشت و در مولتان به خاک سپرده شد.برخی مورخین مدت عمر وی را 115 سال نوشته اند. یکی از نوادگان پیر شمس ،که نامی از وی در منابع نیامده است ، مقبره ای را برای او بنا نمود . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیر

شمس الدین سبزواری پس از وفات پدرش از سوی امام قاسم شاه بعنوان حجت منصوب شد. و برای تبلیغ از دیلم به سندو هند اعزا م گردید.وی مدتی به سفرهای تبلیغی درباره مذهب اسماعیلی در بدخشان و تبت پرداخت و درغزنه از سوی شاهزاده آنجا به بدخشان به سفارت رفت .وی درسال 715 به کشمیر رفت و قبایل چاک و چانگاد را اسماعیلی مذهب نمود ، در سال 725 به مولتان سفر کردو بسیاری از پیروان فرقه مومن شاهی را به مذ هب اسماعیلی گرایش داد . پس از آن به تبت. گیلگیت و حدود هیمالیا رفت وبه غزنه بازگشت ،در سال 727 به اوچ شریف (مقصد سفارت خود) رسید. امراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پیر شمس الدین سبزواری در سفرهای دورو دراز خود در هند در هر جا بویژه در پنجاب و کشمیر مریدانی یافت و برای آنان خانقاهی برای عبادت بنام »خانه «تاسیس نمود. شاگردان : دو تن از مریدان پیر شمس الدین سبزواری که در سفر وی از اوچ به راجستان همراه وی بودند ،ویمراس (vimras)و سوربهان(surrbhan) نام داشتند . زنی عارفه بنام جی جی دوی(gigi devi) نیزاز مریدان وی بود. آثار : گینان ویژگی اثر : شامل تعالیم مهمی از تصوف و مذهب اسماعیلی و نماد گرایی است . وی توصیف زیبایی از طبیعت را همراه با فلسفه دینی در آثار خود در آمیخته است . و خدمات بسیاری رانیز به رشد زبان اردو نموده است.2 منظومه اشعار هندی تحت عنوان گبریس ویژگی اثر : اشعاری است درباره مذهب اسماعیلی که پیر شمس الدین آن را در گجرات سرود و باخواندن آن با آواز خوش در معبد هندوان بسیاری از آنان را اسماعیلی مذهب کرد.این منظومه به سبک شعر گجراتی سروده شده و بیانگر فرهنگ مردم گجرات در آن زمان نیز می باشد.

سبزواری، حسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1086 ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در 1086 ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوثها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (101 -100 /5)، الذریعه (142 -141 /21 ،187/13 ،184/7 ،74/1)، ریاض العلماء (308/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 142/11)، معجم المؤلفین (227/3).

سبزواری، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بنده به سال 1304 هـ . ش در سبزوار و در خانواده ای فرهنگی متولد شدم . اجدادم اهل شعر و شاعری بودند، به خصوص پسر دایی پدرم ، تجّلی سبزواری که از شاعران توانا بود . پدرم نیز با وجود نابینایی شعر می گفت. من از همان دوران طفولیت ، ذوق شاعری داشتم و چیزهایی می سرودم . به تدریج با تشویق و راهنمایی های پدرم این سروده ها رنگ شعر گرفت . تقریباً از کلاس سوم متوسطه بود که می توانستم به خوبی بسرایم . در زمانی که متفقین به ایران آمدند اشعارمن رنگ و بوی خاصی به خود گرفت . در آن زمان سروده های زیادی داشتم که متأسفانه طی جریاناتی از بین رفت. به هرحال مدتی در استخدام وزارت آموزش و پرورش بودم. پس از آن به کارهای مختلف دیگری پرداختم، زمانی که در بانک مشغول به کار بودم به تهران منتقل و در آنجا با مجامع مختلف ادبی آشنا شدم . نتیجه این رفت و آمدها ، اشعاری در زمینه های سیاسی و اجتماعی بود. طی جریان انقلاب کم کم شعرهای من حال و هوای مذهبی به خود گرفت . در جریان ساخت سرودهای انقلابی هم پیشقدم بودم . مدتی هم در جبهه حضور داشتم و اشعاری نیز در رابطه با جنگ تحمیلی سروده ام ، از همان زمان تاکنون به طور مداوم با صدا و سیما همکاری دارم ، همچنین با دیگر سازمان های اسلامی . به هر حال از زمانی که خودم را شناختم ، هیچ گاه شعر بیهوده نگفتم و هنرم را در راهی صرف نکردم که پشیمان باشم. حمید سبزواری (حین ممتحنی) ، شاعر معاصر ایران است . حمید شاعری است ازنسل دیروز . نسلی که با ما همنفس وهم آوا است ،اما پژواک صدایش تا قرن هادرامتداد زمان جاری خواهد بود ، پس شعراو شعرآینده نیز هست . او شاعری است که آیندگان قدر و منزلت او را بیشتر خواهند شناخت .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : پدرحمید سبزواری ،«عبد الوهاب » پیشه ور و ساده ای بود که قریحه شعری داشت . جدش ،ملا محمد صادق ممتحنی ،شاعری مردمی بود که «مجرم » تخلص می کرد و آثارش درسفری به مشهد و درحمله راهزنان به یغما رفت .

تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمید سبزواری قبل از مدرسه قرآن را در خانه و نزد ماردش آموخته بود . او بعدا به مدرسه شیخ حسن داورزنی رفت .
خاطرات و وقایع تحصیل : حمید سبزواری دردوره نوجوانی درسبزوار زندگی می کرد . درسبزوار کتابفروشی به نام خسروی بود . او شعرهای حمید را چاپ کرده و فروخت . حمید می خواست اینکار را درتهران نیز انجام بدهد لیکن این امر صورت نگرفت و وی از این لحاظ خوشحال است .
فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید سبزواری درنوجوانی شاهد فرهنگ ستیزی ،خشونت و سرکوب احساسات مذهبی مردم توسط رضا شاه پهلوی بود . چهارده ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد . حمیدجوان در آن سالها به هر حزب و گروهی که فکر می کرد حامل حقیقت یا حامی محرومانند سری می زد اما ه سرعت در می یافت که آن سراب ها هیچگاه نمی توانند عطش عدالت خواهی و شوق استقلال جویی او را سیراب کنند و سرخورده کنارمی کشید .
استادان و مربیان : مادر حمید سبزواری ، شاید اولین استاد وی بود . او جامع المقدمات را نزد میرزا حبیب جوینی خوانده است . حاج آقا محمد علی محمدی نیز ازدیگر استادان وی بود .
وقایع میانسالی : دراثر کودتای 28 مرداد 1332 حمید سبزواری متواری و مخفی شد . لیکن بعدا خود را به شهربانی سبزوار معرفی کرد و چهار سال دروضعیت بلا تکلیفی و تعلیق طی کرد تا سرانجام تبرئه شد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمید سبزواری ابتدا به شغل معلمی مشغول بود . او سپس کارمند بانک بازرگانی درتهران شد و سپس به شاعری وری آورد .
فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت حمید سبزواری ،شاعری می باشد . شعر حمید ،شناسنامه زمان مند انقلاب است ، زیرا کمتر حادثه یا رویدادی است که انعکاس از آن درشعر او نباشد . شاعر با حساسیت ویژه خویش ،هر رویداد مهم تاریخ معاصرایران رابا گل واژه های شعرش درحافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان ازیاد نبرند که نسل گذشته درچه شرایط دشواری از آرمان ها و انقلابش دفاع کرده است .
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حمید سبزواری هنگامی که دربانک بازرگانی مشغول بود یک نشریه ای داخلی راه انداخت . نشریه ای داخلی که علاوه بر اخبار بانک و مسایل اقتصادی ،جدول وصفحه شعر ، داستان هم داشت .
همفکران فرد : یکی از همفکران حمید سبزواری ،فخر الدین حجازی می باشد که ازدوران جوانی با هم دوست بودند .

آرا و گرایشهای خاص : حمید سبزواری درمیان شعرای متقدم ،کار مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو را بیشتر می پسندد . در میان شعرای معاصر نیز فرخی و نسیم شمال دراو تاثیر گذار بوده اند. ----------
---
آثار :
1 به رنگ آمده دشمن
2 سرود درد
3 سرود سپیده
4 سرودی دیگر
5 فریاد نامه
6 کاروان سپیده
7 گزیده ادبیات معاصر
8 یاد یاران

منابع :
1مهدی پروین زاد ،روایتگر حماسه های انقلاب /گفتگو با استاد حمید سبزواری ، کیهان فرهنگی ،سال نوزدهم . شهریور1381 ، پیاپی 191، ص13

سبزواری، عبدالصالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالصالح سبزواری از علماء و ائمه جماعت معاصر است در تویسرکان. وی در بیت علم تولد و پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیات عظام مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تویسرکان مراجعت و تاکنون بخدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و غیره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سبزواری، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر فقیه سبزواری از علماء معاصر سبزوار و در اول ماه شعبان 1334 ق در سبزوار متولد و در خدمت والد خود به نجف مشرف و در آنجا قرآن و دروس فارسی را مقداری خوانده و با آن مرحوم مراجعت به سبزوار نموده و مقدمات و ادبیات عربی را از اساتید بزرگ مثل مرحوم محقق نوقانی و ادیب نیشابوری و ادیب بجنوردی فراگرفته و سطح فقه و اصول را از محضر مرحوم حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمد نهاوندی و آقای حاج شیخ محمد قوچانی و آقای حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته و فلسفه و کلام را از مرحوم سیدالحکماء آقای میرزا ابوالقاسم الهی و آقای شیخ سیف‌اللّه ایسی و خارج را از محضر حجةالاسلام والمسلمین مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی فقیه سبزواری والد بزرگوار خود فراگرفته. و در سال (1317 شمسی) به دریافت تدریس علوم معقول و منقول از وزارت معارف نائل گردیده و فعلا در شهرستان سبزوار موطن اصلی خود اشتغال به اقامه جماعت در شبستان جدیدالبناء مرحوم والدشان در مسجد جامع و تدریس فقه و اصول در مدرسه مرحوم حاج ملا هادی و مدرسه محمدیه دارند و رهبری مسلمین و انجام امور شرعی اهالی سبزوار و مؤمنین آن سامان را عهده دارند و مورد توجه و اعتماد عموم طبقات و قاطبه سبزوار می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبزواری، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضای بن سید ابوالحسن سبزواری از علماء و ائمه‌ی جماعت معاصر سمنانست.
وی پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح عالی و نهائی و استفاده از محضر آیات عظام و مراجع فخام و نیل به مقام علم و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه علامه حایری برای اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام به سمنان آمده و در حال حاضر در مسجد شاه (سلطانی) به امامت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبوحی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالله واعظ تهرانی طاب ثراه از وعاظ و گویندگان مشهور تهران که در عصر خود ریاستی بر وعاظ مرکز و اهل منبر داشت واعظی بود دانشمند و خطیبی بود ارجمند و در زمان خود مجاهدی فداکار و از مخالفین سرسخت مشروطه و از شاگردان و خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری بود که تا آخرین لحظه‌اش با کمال صراحت از مشروطیت و مشروطه‌خواهان و مجلسین انتقاد می‌کرد.
منبری داشت جامع و با بیان صریح و بدون هیچ ترس و بیمی امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و قابل استفاده و غالب منابرش مهیج قلوب و محرک افراد و بسیاری از منابرش انقلابی بود و جوش و حرارتی به شنوندگان می‌داد خاطراتی نگارنده از آن مرحوم دارم که اگر بخواهم آنها را بنویسم و خاطرات دیگران را درباره آن مرحوم یک کتابی خواهد شد.
دو خاطره از آن مرحوم در بیداری و خواب دارم که چون جنبه آموزندگی و تنبه دارد می‌نگارم.
1- در شهر ری در ایام فاطمیه سال 1312 شمسی در منزلی ده روز منبر رفت و جمعیت بسیاری از مردم ری و تهران برای استفاده می‌آمدند. نگارنده که در آن تاریخ بیش از دوازده سال نداشتم در روز وفات حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها در آن مجلس رفته و مجذوب بیانات پرشور و مهیج ایشان بودم تا رسید به روضه و فریاد زد که مردم چرا ساکت و آرامید مگر نمی‌دانید این ساعت چه ساعتیست همانا این ساعت موقع احتضار حضرت فاطمه سلام‌الله علیهاست که صدای شیون مردم برخاست و من که از اول منبر ایشان منقلب بودم ناگاه صیحه‌ای زده و مدهوش شدم و در آن حال دیدم انوار خمسه طیبه علیهم‌السلام را که در آن مجلس حاضر شده و مردم را مورد لطف خود قرار داده‌اند مردم از وضع من منقلب شده و مجلس به هم خورد و من بعد از ساعتی به هوش آمدم و دیدم مردانی از اشراف و اعیان ری اطراف مرا گرفته و مرا ماساژ و مالش می‌دهند و من دست و پایم و زبانم به حالت فلج آمده و چند روزی با این وضع بودم و مردم می‌آمدند و از من استفسار کرده و دست بر بدن من می‌مالیدند و می‌گفتند نظر کرده شده است.
2- در شب دوشنبه جمادی‌الاولی 1371 در قم خوابیده بودم در عالم خواب

مجلس بزرگی دیدم که مرحوم حاج میرزا عبدالله واعظ بالای منبر و از همان منبرهای پراحساسات رفته و ناگهان فریاد زد چرا مردم آرام و ساکت نشسته‌اید مگر نمی‌دانید. امشب چه شب است شب وفات و شهادت مسلم بن عقیل نایب خاص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام است برخیزید عزاداری کنیم این جمله را گفت و از منبر به زیر آمده در حالی که او و یا دیگری فریاد می‌زد (مات ولی الحجه مات الحجه) و این جمله را گفت و همه می‌گفتند من با وحشت از خواب پریده و مترصد حادثه‌ای گردیدم تا ظهر آن روز که بلندگوها و رادیو ایران اعلام کرد آیت‌الله حجت از دنیا رفته و تعبیر خواب مزبور را همان روز دیدم که چگونه علماء و محصلین می‌گریستند و می‌گفتند (مات ولی الحجه مات الحجه) آن مرحوم در سال 1383 قمری از دنیا رفته و جنازه‌اش چندی در ری امانت و بعد حمل به نجف اشرف و در وادی‌السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سپانلو، محمد علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی سپانلو در سال 1319 در تهران متولد گردید. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال 1342 فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد. سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند. در سال 1340 به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. او در سال 1340 به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت. در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر محمدعلی سپانلو، حسین سپانلو کارمند بانک ملی ، اهل شعر و ادب و دارای خطی خوش بود و از هنر نقاشی نیز بهره داشت. در عین حال که قرآن و زیارتنامه را با خطی خوش می نوشت ، به موسیقی علاقمند بود و دستگاههای موسیقی را به خوبی می شناخت.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدعلی سپانلو در یکی از محله های قدیم تهران (خیابان ری) قدم به عرصه هستی نهاد ، خود می گوید: « کودکی و نوجوانی من در خیابان ری و بعد محله عباسی گذشت. من به یک تعبیر از بچه های خالص تهرانی هستم. در جزو میراث مادر بزرگ یادگار پرستم ، عکس هایی از پنج پشت پدران من هست که همه اهل تهران بوده اند. این تهرانی بودن من به نظرم معنی خاصی دارد... »
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدعلی سپانلو تحصیلات متوسطه را در دبیرستان رازی و دارالفنون به پایان برد و در رشته ادبی دیپلم گرفت ، آنگاه به دانشکده حقوق راه یافت و در سال 1342 فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس از دانشکده تهران نائل آمد.
هم دوره ای ها و همکاران : از جمله دوستان محمدعلی سپانلو می توان به افرادی چون نادر ابراهیمی ، اسماعیل نوری علا ، مهرداد صمدی ، بهرام

بیضایی ، غفار حسینی ، احمدرضا احمدی و مریم جزایری اشاره کرد.
همسر و فرزندان : محمدعلی سپانلو با خواهر دوست شاعرش اسماعیل نوری علاء ازدواج کرد.
وقایع میانسالی : محمدعلی سپانلو در سال 1353 ممنوع القلم شد و تا سال 1356 این ممنوعیت ادامه داشت تا اینکه سرانجام کتاب «هجوم» که مدتی در چاپخانه مانده بود منتشرشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدعلی سپانلو چندی در بخش خصوصی به عنوان مدیر تبلیغات یا ویراستار کار کرده است.
فعالیتهای آموزشی : محمدعلی سپانلو در سالهای پس از انقلاب ، چندی در بعضی از دانشکده ها به تدریس ادبیات فارسی قدیم و معاصر ، مکتبهای ادبی و تاریخ ایران مشغول شد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدعلی سپانلو در سال 1340 به اتفاق دوستان خود گروه طرفه را بنیان نهاد و با سرمایه گروه به نشر آثار نسل جوان همت گماشت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدعلی سپانلو پس از پایان تحصیلات کار مطبوعاتی را برگزید. او در بیست سالگی به شعر و شاعری پرداخت و توانست آثار متعددی به چاپ رساند.
آرا و گرایشهای خاص : آثار نخستین محمدعلی سپانلو قصیده به سبک خراسانی و غزل به شیوه عراقی بود و در میان شعرای معاصر شعر شهریار را می پسندید ، کم کم به شعر نیمایی از طریق پل ارتباطی شهریار ، حمیدی ، توللی و... گرایش یافت و در زمینه شعر نو و شعر کلاسیک هر دو کار کرد و امروز بیشتر به قالب مثنوی گرایش دارد. --------
---

آثار :
1 آه بیان
ویژگی اثر : مجموعه شعر ـ 1342
2 پیاده روها
3 حکومت شب
4 خیابانها ، بیابانها
5 رگبارها
6 ساعت امید
7 سند باد غایب
8 قایق سواری در تهران
9 محاصره
ویژگی اثر : ترجمه ـ نوشته آلبر کامو
10 مردان

ویژگی اثر : مجموعه 5 قصه
11 منظومه خاک
12 منظومه خانم زمان
13 نبض وطنم را می گیرم
14 هجوم

منابع :
1سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سید محمدباقر برقعی ، ج 3 ، قم: نشر خرم ، ص 17242شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج اول ، تهران: انتشارت سنایی ، ص 464

سپنتا، ساسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ساسان سپنتا، فرزند شادروان عبدالحسین‌خان سپنتا، اولین فیلمساز کارگردان فیلم ناطق ایرانی است که یکی از موسیقی‌دانان و پژوهشگران و محققین بزرگ می‌باشد. وی آموزش موسیقی را ابتدا نزد زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا آغاز و پس از چندی نزد استاد محمود تاجبخش رفت و مدتی را از مکتب وی بهره گرفت و با نواختن ساز ویولن آشنایی پیدا کرد. سپس نزد زنده‌یاد روح‌اللّه خالقی و شادروان استاد علینقی وزیری رفت و مدتی را در کلاس این بزرگان علم موسیقی سپری کرد و علم موسیقی را آموخت.
دکتر ساسان سپنتا، طی ساهای 1336 به بعد مقالات جامع و متعددی درباره هنر موسیقی ایران در مجلات مختلف به خصوص مجله موزیک ایران و ماهنامه موسیقی به چاپ رسانید که بسیار سازنده و راهگشا بود. وی در سال 1351 دکترای خود را تحت عنوان بررسی فونتیکی خصوصیات واج‌های زبان فارسی دریافت داشت و تاکنون متجاوز از شصت مطلب و مقاله تحقیقی از وی راجع به موسیقی و ادبیات و زبانشناسی به چاپ رسیده است و از کارهای بزرگ و تاریخی وی، باید از آثار استادان موسیقی عصر ناصرالدین‌شاه یاد کرد که او این آثار را از استوانه‌های مومی «فتوگراف» که طی بیش از حدود شصت- هفتاد سال متروک مانده و در حال زوال و از بین رفتن بود، با زحمات فراوان و طاقت‌فرسا و تمهیدات و ابتکارات فنی بازیافت صوتی کرد و برای گنجینه موسیقی اصیل و سنتی ایران از خود به یادگار گذاشت.
از آخرین آثار این مرد بزرگ هنردوست تألیف کتاب «تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران» است که حدود چهارصد و هشتاد صفحه می‌گردد که از آثار گرانبها و تحقیقی در تاریخ ضبط موسیقی و تحول آن در ایران می‌باشد.
دکتر ساسان سپنتا در کنگره بین‌المللی «باربد» که در شهر «دوشنبه» تاجیکستان برگزار گردیده بود، به عنوان اولین سخنران در مورد موسیقی ایران در زمان ساسانیان و این موسیقیدان ایرانی صحبت کرد و از طرف هیئت برگزاری این مراسم رئیس جلسه کنگره نیز انتخاب شد که موجب شناخت هرچه بیشتر موسیقی ایران به جهانیان گردید. دکتر سپنتا دو فرزند به نامهای داریوش و دانش دارد که امید است مثل پدربزرگ و پدر خود،

منشاء خدمات بزرگ فرهنگی و هنری به وطن خود ایران گردند.
سال تولد: 1313، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه تهران، گواهی‌نامه تخصصی در رشته بی‌سیم و ارتباطات رادیوئی از آمریکا، تحصیل موسیقی نزد استادان فن و طی دوره هنرستان عالی موسیقی محلی.
مرتبه علمی:
تدریس در دانشگاههای تهران و اصفهان، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه دورهام انگلستان، مؤسسه بین‌المللی لینگافن لندن، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان‌شناسی و مطالعات الکترواکوستیک زبان، تعیین فورماتهای واجها (صامتها و مصوتها) در زبان فارسی و ثبت و سنجش طیف گفتاری زبان فارسی، سنجش الگوهای آهنگ کلام و نواخت در زبان فارسی، بازسازی گفتار زبان فارسی با دستگاههای الکترواکوستیک.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
زبان‌شناسی و هنر بویژه موسیقی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 70، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی، ادبیات و هنر موسیقی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سپنتا، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1286/1282 ش)، نویسنده، فیلمساز، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران متولد شد، سالهای کودکی و نوجوانی را تحت نظارت دایی‌اش محمدحسین شیرازی که از فضلا بود، گذراند. تحصیلات خود را در مدرسه‌های سن‌لویی، مدرسه زرتشتیان تهران، استیورت مموریان کالج اصفهان و کالج امریکایی تهران انجام داد او از شانزده سالگی مقاله‌نویسی را شروع کرد. در سال 1306 ش از راه بوشهر به هند سفر کرد و چند سالی با دین شاه دانشمند پارسی حشر و نشر داشت و به تالیف و ترجمه پرداخت. او در همین سال نخستین روزنامه‌اش را با نام «دورنمای ایران» در بمبئی منتشر کرد که بعد از مدت کوتاهی تعطیل شد. بار دیگر روزنامه‌ای در بمبئی تحت عنوان «جنگل» منتشر کرد که چاپ آن هم بیش از دو شماره نکشید «پیام راستی» آخرین روزنامه‌ای است که در هند منتشر کرد. سپس از هند به عراق رفت و به ایران بازگشت و در اصفهان مقیم شد و در سال 1322 ش هفته‌نامه‌ی «سپنتا» را در آن شهر انتشار داد که نشر آن تا سال 1335 ادامه داشت. سپنتا به هنگام اقامت در هند کتابهایی راجع به تاریخ و ادبیات ایران تالیف کرد که در آنجا چاپ شده است و علاوه بر آن، چندین فیلم با ناطق فارسی تهیه کرد از جمله: «دختر لر»، «چشمهای سیاه»، «شیرین و فرهاد»، «فردوسی»، «لیلی و مجنون». او زبانهای پهلوی قدیم و انگلیسی را به خوبی می‌دانست. سرانجام در اصفهان بدرود حیات گفت و در همان شهر به خاک سپرده شد. از جمله تالیفات او است: «پرتوی از فلسفه‌ی ایران باستان»؛ «زرتشت که بود و چه کرد؟»؛ «پیام راستی»؛ «اخلاق ایرانیان باستان»؛ «منتخباتی از اشعار دهقان سامانی»؛ «نوآموز مزدیسنا»؛ «اشک سپنتا» و «اسرار جنگل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (302 -300 /2)، تاریخ سینمای ایران (83 -63)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (237 -235)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (56 -52 /3)، الذریعه (429/9)، شرح حال رجال (138/6)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (29 -21 /4)، سخنوران نامی معاصر (1735 -1732 /3)، مؤلفین کتب چاپی (735 -734 /3).

سپه وند، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
۲۸ سال پیش آخرین پسر خانواده سپه وند به دنیا آمد. ششمین پسر هم کم کم قد کشید و بزرگ شد. او هم مثل بقیه پسران و دختران ورزش را فراموش نکرد. اول هم از فوتبال شروع کرد و بعد هم دو و میدانی اما هیچکدام از این دو رشته او را مجذوب خود نکرد. حتی کوهنوردی، تیراندازی و جودو هم که به بقیه برادرانش اهل آن بودند. برای او اما بوکس چیز دیگری بود. مثل رحیم. هر وقت که رینگ بوکس را می دید چشمانش برق می زد. به همین خاطر دیگر نتوانست و شروع کرد. 12 ساله بود در بوکس زیر نظر مرحوم ایرج ملک حسین پور استارت زد.
البته با برادرش نیز کار می کرد. تا اینکه به اینجا رسید اما سپه وند قبل از اینکه عضو خانواده ورزش باشد. در یک خانواده نوازنده به دنیا آمده است. خانواده ای که همه فرزندانش در آن ساز می زنند. صدای کمانچه، عود، سنتور، دف، تنبگ، تار و تنبور گوش هر اهل دلی را نوازش می دهد. البته از بین همه برادرانش تنها یک نفر اهل ورزش نیست. با این حال مادر مخالف سرسخت ورزش مورد علاقه اش است. خودش می گوید: تنها کسی که مخالف ورزش حرفه ای ما است مادرم است. به خاطر اینکه همیشه نگران مصدومیت ما است. نگاه ویژه
سپهوند، بوکسوری امیدوار
مرتضی سپه وند بوکسور وزن ۶۴ کیلوی ایران بعد از دو دوره حسرت خوردن، بالاخره خودش المپیکی شد. او که در المپیک های ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن حریف تمرینی المپیکی ها بود در سومین حضورش در اردوی المپیکی ها، یکی از سه ورزشکار ایرانی است که باید در پکن روی رینگ برود. سپه وند که خیلی ها پکن را اولین و آخرین المپیک او می دانند آن هم به خاطر شرایط زندگی و سنی اش، از حالا یکی از سه مدال را برای او کنار گذاشته اند چرا که معتقدند این شرایط انگیزه او را بالا برده تا حدی که مدال المپیک او دور از دسترس نیست. از طرفی رییس فدراسیون معتقد است او با مدالی که می گیرد شرایط زندگی اش هم تغییر می کند. احدی مربی اختصاصی اش اطمینان دارد جسارت، خونسردی و سرعت اش در المپیک به او کمک می کند تا مقابل حریفانش کم نیاورد اگرچه بوکسور ۶۴ کیلویی ایران تا به حال مدال جهانی ندارد اما وقتی جسارت وخونسردی به تکنیک های او اضافه می شود آن وقت با

بوکسورهای مطرح دنیا برابری می کند. اگر لطف خدا شامل حال او شود و چاشنی شانس و قرعه نیز به آن اضافه شود آن وقت شاید بوکس ایران نیز بی نصیب از مدال نماند.
۴ سال پیش وقتی به المپیک نرفت همان موقع با خودش عهد کرد تا در المپیک بعدی باشد. در المپیک ۲۰۰۸ پکن. او می خواست حداقل یک بار مبارزه روی رینگ المپیک را تجربه کند و کرد. به همین خاطر همه تمریناتش را برای گرفتن سهمیه متمرکز کرد. برای مرتضی سپهوند بوکسور وزن ۶۴ کیلوگرم شیکاگو شهر آرزوها بود. او که برای اولین بار همراه تیم ملی پا به مسابقه های جهانی می گذاشت در رقابت با حریفان هموزنش کار را یکسره کرد با سهمیه ای که گرفت. در وزن او ۶۴ بوکسور در این رقابت ها حاضر شده بودند. او نفر پنجم شد. در حالی که ۸ نفر اول المپیکی می شدند. سپهوند در بازی اول با بوکسور مقدونیه روبه رو شد و برد تا در مسابقه دوم مقابل حریف اوکراینی اش قرار بگیرد اما او نیز مقابلش تاب نیاورد و باخت تا در شب سوم مسابقه با بوکسور رومانیایی مبارزه کند. حریف رومانیایی نیز به مرتضی باخت اما چهارمین حریف سپهوند، بوکسور قزاقستانی بود همان قهرمان جهان، مرتضی به او باخت اما سهمیه را هم گرفت. اولین سهمیه بوکس ایران برای المپیک پکن.

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1207 ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال 1273 قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[1]
(بخش 1) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. 1297 ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرای فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (1238 ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از 80 سال متجاوز بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] حدیقه الشعراء (747 -746 /1)، دایرةالمعارف

فارسی (1262/1)، الذریعه (8 -6 /24 ،430 -429 /9 ،166 -165 /5 ،81/3 ،42/2 ،51/1)، ریحانه (132 -129 /5)، سفینه المحمود (360 -341 /1)، شرح حال رجال (321 -319 /3)، فرهنگ سخنوران (439 -438)، لغت نامه (ذیل/ سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (188 -187)، مؤلفین کتب چاپی (253 -249 /2)، مجمع الفصحا (400 -350 /4)، مصطبه‌ی خراب (84 -82)، نگارستان دارا (88 -87)، یادداشتهای قزوینی (190/8)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 96).

سپهر، عباس قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1268 ق)، منشی و مترجم. وی برادر اعیانی لسان‌الملک دوم است. وی در سال 1287 ق منشی وزارت خارجه و در سال 1293 ق رئیس اجرایی دفتر وزارت خارجه شد. از طرف دولت مامور ترجمه‌ی «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان گردید که موفق به اتمام نشد، این ترجمه ناقص به نام «مشکوه الادب ناصری» مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (137/5)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (656/1).

سپهر، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی سپهر
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من – محمد علی سپهر همدانی- است و در شهر همدان در سال 1323 هجری شمسی متولّد شدم و در سال 1329 شمسی به دبستان رفته و تا سال 1340 به تحصیلات ابتدائی و متوسّطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال 1337 ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا تتمیم دروس متوسطه در سال 1341 شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیّه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیّات مختصر المعانی را نزد دکتر سیّد ابراهیم میر باقری و حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه وند خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال 1342 منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال 1343 شرح لمعتین

را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی ،آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سیّد محمّد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمّد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج د ر سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بحشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای 53 و 52 حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علّامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال 1349 رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زاید الوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العضمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاة مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال 1354 و قبل از حادثه نوزده دی 56 درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادات بخشی از درس خارج اصول دورة دوم بخشی از خیارات ، مکاسب و طهارت عروة را اسفتاده بردم و ازدرس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال 1358 تا 1385 از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسة استفتاء ات ایشان به خواستة خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه

بهمراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم(درس خصوصی برای فضلات گردانشان در منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهره الله برحمته و استکنه بجبوحة جنانه. رد سال 1361 به خواستة گارگزان قضا و فریاد استغاثة هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال 1364 اشتغال داشته و سپس به حوزة علمیة بازگشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال 1384 درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال 1372 در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرادختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهرماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود 1372 ؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب العالمین 25/10/85.

ستارزاده، عصمت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
محقق، مترجم.
تولد: 1290، تبریز.
درگذشت: 2 مرداد 1372، تهران.
عصمت ستارزاده دوران تحصیلات ابتدایی را در دارالمعلمات تبریز (که بعدها دانشسرای مقدماتی نامیده شد) طی نمود. کلاس ششم ادبی را به طور متفرقه امتحان داد. سپس در رشته‌ی ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. در سال 1332 موفق به اخذ لیسانس شد.
وی همچنین از سال 1316 به عنوان معلم به وزارت فرهنگ پیوست. در مدت سی و دو سال خدمت در این وزارتخانه، مراتب مختلف را در فرهنگ از قبیل نظامت، مدیریت، کفالت دانشسرای مقدماتی و دبیری را در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران پشت سر گذاشت. در سال 1344 با مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و با رساله «شعرای ترک مقلد نظامی» به راهنمایی دکتر نفیسی فارغ‌التحصیل شد.
دکتر ستارزاده با توجه به آشنایی‌اش با زبان ترکی اسلامبولی، شروع به ترجمه آثار از این زبان پرداخت. برای تحقیق در این زمینه بارها به شهرهای مختلف ترکیه سفر کرد و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم داخلی، به نسخه‌های مهم و مورد علاقه خود دست یافت. نخستین کتاب وی ترجمه شرح سودی بر حافظ است در چهار مجلد (این کتاب در سال 1350 به عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد) و کتاب بعدی ترجمه شرح کبیر انقروی بر مثنوی در شش جلد است. از ایشان چند کتاب منتشر نشده باقی مانده است، از آن جمله است: تفسیر سودی بر گلستان سعدی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ستوده نیا، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا ستوده نیا
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 موفق به اخذ دیپلم گردید. از یک سال قبل از انقلاب در حوزه علمیه صدر بازار و همزمان با دبیرستان شروع به تحصیلات حوزوی نمود. پس از دیپلم به طور جدی به دروس حوزوی پرداخته و تا سال 1371 عمده دروس حوزوی شامل ادبیات عرب، فقه واصول، منطق و فلسفه را به پایان رسانید. در این دوران علاوه بر تحصیل به تدریس دروس حوزوی نیز پرداخت.شایان ذکر است که در سال‌های 1366 و 1367 در دوران دفاع مقدس با وجود امکان استفاده از معافیت تحصیلی حوزه علمیه، به طور داوطلب به خدمت سربازی اعزام گردید. با عنایت به سیاست نزدیکی و وحدت حوزه و دانشگاه، در سال 1371 در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل آکادمیک شد. بدون هیچ وقفه در سال 1375 موفق به ورود در دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شد و پایان‌نامه را با عنوان «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی» با نمره 20 دفاع نمود.این پایان‌نامه در زمره پایان‌نامه‌های برگزیده در سال 1378 به وسیله وزارت ارشاد به چاپ رسید. بلافاصله در همان سال در دوره دکتری پذیرفته و در سال 1381 پایان‌نامه دکتری را با عنوان «تاثیر قرائات بر تفسیر» دفاع نمود.

ستوده، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1313، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی منقول در سال 1338 همراه با اخذ شهادتنامه‌های علوم قضائی و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی در زبانهای باستانی در سال 1347، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی در سال 1349، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1353.
مرتبه علمی:
عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران از سال 1352 تاکنون، استاد دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فارسی، کارشناسی کتب مرجع در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، استاد راهنمای 4 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 6
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تحمیدیه در ادب فارسی، سیمای رستم در شاهنامه، تصحیح انتقادی بوستان سعدی، فرهنگ فارسی به چینی و بالعکس و همکاری در تألیف بخشی از حرف میم لغت‌نامه دهخدا.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 25، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تحقیق در متون نظم و نثر فارسی و روش آموزش زبان فارسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ستوده، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منوچهر ستوده در سال 1292 خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1314 به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استاراباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1314 به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال 1319 دورهٔ تحصیلی دانشکدهٔ افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجهٔ افسری گردید
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال 1320 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال 1335 تا سال 1350 در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال 1350 تا 1357 در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتهٔ باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.
جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استاراباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و

تصنیف و تصحیح است ----------

آثار :
1 آثار و احیاء (متن فارسی دربارة فن کشاورزی)
ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبة تهران با همکاری دانشگاه تهران 1368
2 از آستارا تا استاراباد
ویژگی اثر : تألیف – دورة هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1367 – 1349 -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است
3 استوناوند دژ 3500 ساله
ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
4 تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
5 تاریخ خانی
ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران 1352
6 تاریخ رویان
ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران 1348
7 تاریخ گیلان
ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران 1349
8 تاریخ گیلان و دیلمستان
ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی 1347
9 تاریخ مازندران
ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران 1352
10 راهنمای قطغن و بدخشان
ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
11 روزنامة سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار
ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
12 صیدنه
ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمة ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست 1358

13 فرهنگ نایینی
ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی 1365
14 قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز
ویژگی اثر : 1345 ----------

منابع :
1www.ketabesal.ir

ستی‌النساء

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
27 ذوالحجه 1056 ق، از زنان فاضل، پزشک، ادیب و سخنور. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی (1036 ق)- ملک‌الشعرای دربار جهانگیر (1037 -1014 ق) پادشاه بابری هند- بود. همسرش حکیم نصیرالدین کاشی نام داشت که از وی فرزندی نیاورد. در سال 1034 ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد اما دو سال بعد برادرش درگذشت و او پس از این واقعه سرپرستی دو دختر کوچک او را برعهده گرفت. هنگامی که این دو دختر بزرگ شدند و به سن ازدواج رسیدند خواهر بزرگ را به ازدواج عنایت‌اللّه شیرازی ملقب به عاقل خان و خواهر کوچک را به ازدواج حکیم ضیاءالدین ملقب به رحمت خان درآورد. به نوشته پادشاه نامه ستی‌النساء خانم به دلیل «کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات» منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان (1068 -1037 ق) واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آرابیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت. شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش نمود و او تا پایان عمر این وظیفه را انجام داد.
در روز 13 ذوالحجه 1056 ق، برادرزاده‌ی کوچک ستی خانم در اثنای وضع حمل درگذشت. ستی خانم به دلیل اندوه فراوان به مدت یازده روز در خانه‌ای بیرون از ارگ درالسلطنه لاهور سوگواری نمود. چند روز بعد شاه جهان به همراه دخترش چهان آرابیگم برای عرض تسلیت به خانه وی رفتند و به او تسلی دادند و وی را به ارگ آوردند ولی چند روز بعد به دلیل تالمات وارده درگذشت. شاه جهان از مرگ او بسیار اندوهگین گردید و برای تدارک کفن و دفن او ده هزار روپیه داد و موقتا او را در لاهور دفن کردند. یکسال و اندی بعد جنازه‌اش را به اکبرآباد برده و در ضلع غربی مقبره همسرش (تاج محل) دفن کردند. به دستور شاه جهان مرقدی برایش ساختند که سی هزار روپیه هزینه داشت و برای مخارج مقبره، دهی وقف کرد که سالانه سه هزار روپیه درآمد داشت. مولف شاه جهان نامه از او به «رابعه‌ی دوم» نام برده و برخی تذکره‌ها اسم او را نیز ستی خانم نوشته‌اند.[1]
(وف 1056)، پزشک و ادیب. وی از اهالی آمل و خواهر طالب آملی

ملک‌الشعرای دربار جهانگیر پادشاه بابری هند بود. در سال 1034 ق به قصد دیدار برادر عازم هند شد. وی به دلیل کاردانی و شیوا زبانی و شناسایی آداب بندگی و رسوم خانه‌داری و آشنایی به فن طب و طرق معالجات منظور نظر ارجمند بانو بیگم، همسر شاه جهان واقع شد و به درجه‌ی مهرداری رسید، و چون با تجوید و قرائت قرآن مجید آشنا بود و از ادبیات فارسی نیز بهره داشت او را معلم دخترش جهان آراء بیگم کرد. هنگامی که ارجمند بانو بیگم درگذشت شاه جهان ستی خانم را مسئول اداره‌ی حرمسرایش کرد. ستی خانم بعد از درگذشت برادرزاده‌ی کوچک که در اثنای وضع حمل درگذشت بر اثر اندوه زیاد خود نیز دار فانی را وداع گفت وی به دستور شاه جهان در ضلع غربی مقبره‌ی همسرش دفن شده است و بعدها به دستور شاه جهان مقبره‌ای برایش ساختند.[2]
خواهر طالب آملی (ف. 1036 ه.ق./ 1626 م.). وی پس از مرگ برادر سرپرستی فرزندان او را بر عهده داشت. منظومه «طالبا» (ه.م.) را که به لهجه طبری است بدو نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] منابع: پادشاهنامه، 630 / 628 / 3؛ شاه جهان‌نامه، 77 / 2؛ کاروان هند، 772 -770 / 1؛ میخانه، 509؛ نزهة‌الخواطر، 161 / 5.
[2] تذکره‌ی میخانه (509)، کاروان هند (772 -770/ 1)، مشاهیر زنان (122 -121).

سجادی تبار، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین سجادی تبار
محل تولد : شبستر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید حسین سجادی تبار در سال 1343 شمسی در روستای تیل از توابع شبستر استان آذربایجان شرقی متولد شدم و تحصیلات کلاسیک را تا دیپلم در منطقه شبستر به اتمام رسانده در سال 1362 وارد حوزه علمیه تبریز شدم و تاسال 1366 دروس حوزه را تا اتمام لمعه و اصول فقه درآنجا تحصیل نمودم.در سال 1366 بهمن ماه وارد حوزه علمیه مقدس قم گشتم و دروس حوزوی را با جدیت تمام پی گیری نموده و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام: طاهری خرم آبادی، سید احمد خاتمی، اعتمادی، پایانی، محقق داماد، وجدانی فخر استفاده نموده و باقیمانده دروس سطح را تا سال 1370 تحصیل نمودم، و از آن زمان به بعد در درس خارج اساتیدی چون آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.همزمان با تحصیل دروس حوزه در دوره آموزش عالی دفتر تبلیغات نیز 4 سال مشغول به یادگیری بودم و ضمنا رشته تخصصی کلام را نیز به مدت 4 سال تحصیل نمودم . به خاطر شوق و اشتیاق فراوان به تحقیق از سال 1368 با پژوهشکده باقر العلوم (ع) سازمان تبلیغات اسلامی همکاری را شروع کردم که ابتدا در قسمت فهرست نویسی کتب اسلامی مشغول شده و از سال 1371 با ایجاد گروه حدیث جهت تحقیق و تالیف کتب حدیثی همکاری را به این بخش کشانده و با دیگر دوستان در این زمینه به تلاش و تحقیق پرداختیم .

سجادی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318/1317 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ذره. در مدرسه‌ی اقدسیه تهران تحصیل کرد و از مدرسه‌ی سیاسی تهران دیپلم گرفت. در سنین جوانی با روزنامه‌ی «گل زرد» به مدیریت یحیی ریحان، و رزنامه‌ی «نسیم شمال» به مدیریت اشرف‌الدین حسینی همکاری می‌کرد. به نهضت جنگل پیوست و از یاران صمیمی میرزا کوچک خان شد، اما بعدا از دوستان احسان‌اللّه خان شد و به همراه او ایران را ترک کرد. وی در جنگل روزنامه‌های «ایران سرخ»، «انقلاب سرخ» و «کامونیست» را منتشر کرد. ذره پس از خروج از ایران به شوروی رفت، و تا پایان عمر استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه مسکو بود. در مسکو درگذشت و در گورستان مسلمانان آن شهر دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (300/1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (264 -263 /3).

سجادی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران اینجانب حاج سیّد احمد سجّادی در سوّم اسفندماهِ سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان بدنیا آمدم.
پدرم از معتمدین محل و کارگر کارخانه بافناز بود و مادرم، بانوی عفیفه ای که به امور منزل و تعلیم و تربیت فرزندان اهتمامی والا داشت.
اینجانب دارای سه برادر و یک خواهرهستم که هر یک، محور زندگی و خانواده‌ای دیگر شده اند.
من تحصیلات ابتدایی، را در دبستان مشتاقْ ودوره راهنمایی را در مدرسه جمشید طی کردم و ودر همان ایام، از نزدیک شاهد وقایع انقلاب بودم و با آنکه در سنین نوجوانی به سر می بردم ، دربسیاری از راهپیمایی‌ها شرکت جسته و تمامی شعارهای مردم را در دفتری ثبت ، که تاکنون نیز آن را حفظ نموده ام
در سال 1361 وارد حوزه علمیّه اصفهان گردیدم و همزمان در جبهه‌های نبرد نیز شرکت نموده و حدود 20ماه به طور متناوب در میان رزمندگان اسلام حضور داشته و در عملیات‌های مختلف و متعدّدی ایفای نقش کردم و در عملیات «محرم» و «خیبر» از ناحیه پا و صورت مجروح شدم.
حضور در حوزه علمیّه اصفهان فرصتی بود تا از محضر اساتید بزرگی همچون حجت الاسلام و المسلمین حاج علی‌اکبر فقیه، حجت الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن مهدوی، آیت اللّه حاج سیّد احمد امامی، آیت اللّه حاج سیّد حسن امامی، آیت اللّه حاج حسن صافی، آیت اللّه حاج محمد ناصری، آیت اللّه حاج سید محمد علی صادقی، آیت اللّه حاج عباسعلی ادیب و آیت اللّه العظمی حاج حسین مظاهری کسب فیض کرده و علاوه بر آن، از سال 1363 به تدریس در حوزه‌های علمیه در زمینه‌های ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول مشغول گردیدم.
اینجانب در سال 1368 در جشن نیمه شعبان به دست مبارک مرحوم حضرت آیت اللّه سید محمدعلی صادقی قدس سره مفتخّر به لباس روحانیّت گشته و منسب امام جماعت را در مسجد حضرت جوادالائمّه و پس از آن در مسجد امام حسن مجتبی (واقع در اصفهان، خیابان کاوه، خیابان 15 خرداد) عهده‌دار شده و تا مهر ماه سال 1387 این افتخار قرین زندگیم بود.
از سال 1370 فعّالیّت‌های علمی خود را با ارائه مقاله به روزنامه‌ها و سپس مجلّه‌های مختلف آغاز نمودم و در حال حاضر علاوه بر مقالات

فراوانی که ازمن در زمینه‌های مختلف علمی و مذهبی در دست است، در زمینه تألیف کتاب نیز کتاب‌های متعدّدی از جمله عناوین زیر از اینجانب بچاپ رسیده است که ذیلاً به برخی از کتابهای تألیف شده توسط حقیر اشاره می‌نمایم:

1 – «فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه » (در 3 جلد) : در این کتاب با سبکی جدید به موضوع‌نگاری صحیفه مبارکه سجّادیّه پرداخته ام و اثری زیبا با بیش از 900 موضوع اصلی 000/10 زیر موضوع در سه جلد به همراه متن کامل صحیفه سجّادیه و ترجمه آن ارائه نموده‌ام.

2 - «اسرار دلبران» : این کتاب تأملی بر زیارت جامعه کبیره است که در آن برای هر یک از فرازهای این زیارت، توضیحی مختصر و شرحی کوتاه و مرتبط با آن صورت گرفته است.

3 - «پرچم‌داران سعادت» : این کتاب تدبّری در زیارت جامعه کبیره بوده که در آن با تکیه بر آیات و روایات و استدلال‌های عقلی و نظری به توضیح فرازهای زیارت پرداخته و به بیش از نهصد آیه، روایت و حدیث در 500 صفحه اشاره نموده‌ام.

4 - «نجوای عارفانه» : این کتاب شرح دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام در روز عرفه است که دعای چهل و هفتمِ کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه می‌باشد. مؤلّف، این کتاب را در 180 صفحهَ به تألیف رسانده ام.

5 و6 «میراث حوزه علمیه اصفهان » (دفتر اوّل و دوّم): این کتاب ها احیاء و عرضه میراث مکتوب حوزه علمیه اصفهان است که در هر جلد به یکی از محورهای تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام و دیگر ساحت‌هایی که تلاش علمی قلمزنانِ این خطّه در آن حیطه بوده، اختصاص می‌یابد. دفتر اوّل این اثر به اهتمام اینجانب و جناب آقای رحیم قاسمی و دفتر دوّم نیز به تلاش من و جناب آقای مجید هادیزاده به رشته تحریر درآمده است.

7 - «لغت‌نامه و ترجمه صحیفه سجّادیه» : این کتاب در 384 صفحه، ترجمه روان و سلیس و در عین حال علمی از صحیفه مبارکه سجّادیه است که اینجانب در ذیل متن دعا و ترجمه آن، اقدام به ترجمه لغات صعب و دشوار این کتاب گرانسنگ نموده ام.

8 - « صحیفه سجّادیه به روایت ابن اشکیب»در این کتاب به روایتی نادره از صحیفه پرداخته و با روایت مشهوره مقابله کرده ام که با مقدمه ای مفصل به چاپ رسید و به همراه CD منتشر شده است

هم‌اکنون نیز در زمینه صحیفه سجّادیّه تحقیقات جالب و وافری به انجام رسانیده ام که بزودی به چاپ خواهم رساند و کتاب «قرآن پژوهان اصفهان» را در حال نشر است و مراحل پایانی «کتاب شناسی وقف» را در حال انجام دارم که به زودی در چهار مجلد چاپ خواهد گشت.

علاوه بر کتاب های فوق‌الذکر، از بین مقالاتی که توسط حقیر به رشته

تحریر درآمده، به اختصار به مقالات زیر اشاره می‌نمایم:
1 - «بایسته‌های صحیفه سجادیه» : مقاله‌ایست 16 صفحه‌ای که متضمن پیشنهادات یازده‌گانه‌ای به اندیشمندان و صحیفه پژوهانِ شیعی جهت احیا و ترویج کتاب مقدّس و دعایی صحیفه مبارکه سجّادیه است.
2 - «دعا در نبردهای نامتقارن» : مقاله‌ای 17 صفحه‌ایست که از تعریف دعا و نیاز بشرِ امروز به آن، نیاز مبارزان به دعا و سنت ائمه علیهم السلام در نبردها و جنگ‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام.
3 - «سبک‌شناسی صحیفه مبارکه سجادیه» : این نوشتار در 64 صفحه، پیرامون سبک و سیاقی است که در لابلای دعاهای صحیفه سجادیه به چشم می‌خورد .
شایان ذکر است علاوه بر فعالیّت علمی ، اینجانب در سال 1377 از سوی زعیم حوزه علمیه اصفهان ، حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) به سِمَت مدیر عامل «مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیّه اصفهان» منسوب شدم که تا کنون موفّق به تولیدِ سی و پنج نرم‌افزار گشته ام که در تمامی آنها، علاوه بر مدیریت پروژه ، تحقیقات و پژوهش نرم افزار به عهده ام بوده است. از جمله نرم‌افزارهایی که حقیر امر تولید، تحقیق و پژوهش آن را به عهده داشته‌اند، می‌توان به نرم‌افزارهای زیر اشاره نمود:
1 - «طنین وحی» : متن، ترجمه و صوت قرآن کریم ، یک دوره کامل قرائت قرآن به روش تحقیق ، معجم و امکان جستجو در آیات قرآن به روش های مختلف ، هفت ترجمه فارسی و انگلیسی (ترجمه های فارسی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، دکتر عبدالمحمد آیتی، آقای محمد مهدی فولادوند و ترجمه منظوم آقای امید مجد و ترجمه های انگلیسی پیکتال، یوسف علی و شاکری) ، امکان مقایسه ترجمه ها با یکدیگر ، املای لاتین قرآن
2 - «امثال» : ارائه ترجمه و مفاهیم قرآن کریم با ابزار تصاویر ثابت و متحرک با موضوع مثل‌ها و تشبیه‌های قرآن کریم و نمایش تابلوهای نقاشی رنگ و روغن متناسب با موضوع هر یک از امثال قرآن به همراه تفسیر مربوط به آیه و نیز اشعار مرتبط با آن و بیش از 60 دقیقه انیمیشن متناسب با مفهوم آیات.
3 - «دانش‌نامه جامع نهج‌البلاغه» : حاوی متن کامل نهج البلاغه با تطبیق با یازده نسخه معتبر به همراه 250 جلد شرح و 41 عنوان ترجمه ، نمایش 16000 موضوع متنوع ، لغت نامه و توضیح لغات به فارسی و عربی به صورت فعال در متن ، نمایش مصادر خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت فعال در متن ، معرفی اعلام و شخصیت های نهج البلاغه با زندگی نامه هر یک به صورت فعال در متن ، لیست آیات قرآن به صورت فعال در

متن با امکان تلاوت آیه ، امثال نهج البلاغه به صورت فعال در متن با توضیح مفصل برای هر یک ، نمایش قدیمی ترین نسخه خطی نهج البلاغه به صورت تطبیق یافته با متن ، امکان مقابله ترجمه ها و شرح های نهج البلاغه با یکدیگر
4 - «دانش‌نامه جامع صحیفه سجادیه» : شامل 37 جلد ترجمه و 52 جلد شرح ، متن 25 جلد کتاب پیرامون دعاها و سخنان امام سجّاد (علیه السلام) و نمایش هزاران موضوع متنوع با روش ساختار درختی با قابلیت جستجو ، کتابخانه جامعی پیرامون سخنان امام سجاد علیه السلام شامل 120 جلد کتاب و مقاله ، کتابشناسی صحیفه سجّادیه ، معجم کامل الفاظ صحیفه سجادیه ، آیات و احادیث مرتبط با صحیفه سجادیه.، لیست آیات موجود در صحیفه سجادیه ، لغت نامه صحیفه سجادیه به صورت فعال در متن
5 - «مدینه العلم» : حاوی متن 330 کتاب و مقاله پیرامون حضرت محمّد (صلی الله علیه وآله) در موضوعات تاریخِ زندگانی، تاریخ اسلام، فضائل، سیره و سخنان، امکان مشاهده تمامی فهرستهای کتابها به صورت یکجا ،
6 - «باب العلم» : شامل متن 880 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت علی علیه السلام با موضوعیّت سخنان ، سیره ، فضائل ، تاریخ ، ساختار موضوعی جامع پیرامون تمامی اطلاعات و مطالب ، معرفی 14900 کتاب، مقاله و پایان نامه
7 - «ریحانه» : متن 200 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت زهرا (علیها السلام) و ساختار موضوعی پیرامون آن حضرت، شامل نسب، زندگانی، سیره و... .
8 - «کریمانه» : شامل متن 150 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسن (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ و... .
9- «سفینه‌النجاه» : شامل متن 750 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام حسین (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ، مقاتل، شعر، عاشورا و...
10 - «شمس الشموس» : شامل متن 320 جلد کتاب و مقاله پیرامون امام رضا (علیه السلام) با موضوعات سخنان، سیره، فضائل، تاریخ ، بارگاه ملکوتی و ...
11 - «موعود» : شامل متن 626 جلد کتاب و مقاله پیرامون حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز روایات، احادیث و دعاهای منسوب به حضرت مهدی علیه السلام ، معرفی 4000 عنوان کتاب، مقاله و پایان نامه
12 - «به سوی حقیقت» : متن 600 جلد کتاب و مقاله برای آشنا ساختن مردم با اسلام ناب و مکتب تشیع و نیز پاسخگویی به اشکال‌ها و شبهه‌های مغرضانه وهابیت.

13 - «بصائر »: ارائه ترجمه تصویری برخی از آیات شریفه قرآن کریم با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک (فیلم و انیمیشن) با موضوع آیات و نعمتهای الهی. به همراه ترجمه، ترتیل و احادیث ائمّه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آیه شریفه مورد نظر و شرح نکات علمی و شگفتی‌های خلقت پیرامون آیه شریفه مربوطه.
14 - «مشاهیر» : معرفی بیش از 25000 نفر از شهرگان و نامداران ایرانی در زمینه‌های علمی، هنری، سیاسی، صنعتی و... به صورت طبقه‌بندی شده بر اساس حرف الفبا، جنسیت، قرن و تخصص همراه با زندگی‌نامه مختصر و معرفی آثار آنان.
15 «فیض تمام»: متن کامل قرآن کریم همراه با ترجمه و تفسیر نمونه ، متن کامل نهج البلاغه همراه با ترجمه و شرح کامل ابن میثم ، متن کامل صحیفه سجادیه همراه با ترجمه و شرح دیار عاشقان ، امکان جستجوی دقیق در متون هر سه کتاب مقدس بصورت یکجا و جداگانه ، امکان جستجو در ترجمه ها و شرح ها ، تلاوت کامل متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ، امکان چاپ و انتقال متن به دفترچه یادداشت ، معجم الفاظ به همراه لغتنامه فعال در متون
16 - «دانش‌نامه جامع وقف » شامل متن 1342 جلد کتاب و مقاله پیرامون وقف
علاوه بر نرم‌افزارهای مذکور، نرم‌افزار «امام امام صادق علیه السلام » و نیز «رد بهائیت» در این مرکز با مدیریت و پژوهش اینجانب در دست کار می‌باشد.
حقیرعلاوه برانجام فعّالیّت‌های علمی که باعث گردیده به افتخارات متعددی همچون «خادم قرآن استان اصفهان» در سال 1383 و«خادم قرآن کشور» در سال 1384 (با لوح تقدیر به امضاء ریاست جمهور و به دست ایشان)، «خادم نیایش» درسال 1385 (با لوح تقدیر به امضاء آیت الله زنجانی و آیت الله مظاهری و حجت الاسلام خاتمی و استاد گرجی و به دست حجت الاسلام خاتمی) و«خادم نمونه فرهنگ عمومی استان اصفهان» در سال 1386 (با لوح تقدیر به امضاء امام جمعه اصفهان آیت الله طباطبائی نژاد و به دست ایشان) مفتخر گردم، مدیریت برخی از نهادهای علمی و فرهنگی را نیز عهده دار بوده ام که از آن جمله می توان به مسئول نمایندگی ولی فقیه در مراکز سپاه استان اصفهان از سال 1370 تا1377 ، مسئول موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان اصفهان از سال 1381 تا پایان سال 1386، مشاور امور روحانیون استاندار اصفهان از سال 1384 تا پایان 1386 اشاره کرد.
اینجانب هماکنون علاوه بر مدیر عامل مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان ، مشاور پژوهشی سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

بوده و مدیرموسسه فرهنگی و اطلاع رسانی راسخون می‌باشم که سایتWWW.RASEKHOON.COM یکی از فعالیت های آن موسسه است.
شایان ذکر است حقیر در کنار فعالیتهای علمی، مدیریتی و مسؤولیتهای فوق‌الذکر، به عنوان عضو هیئت علمی در همایش‌های« بزرگداشت فیض الاسلام» سال 1383 و دبیر علمی «بزرگداشت آیت اللّه العظمی سید ابوالحسن مدیسه ای اصفهانی» سال 1388، و عضو هیئت مدیره «موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان» و عضو اصلی هیئت مدیره «شرکت چاپ و انتشارات اسوه» می‌باشم و علاوه بر سخنرانی در محافل مذهبی ، علمی وهمایش های فرهنگی ، در برنامه های مختلف رادیو اصفهان به عنوان کارشناس دینی (از جمله در اکثر اعیاد مذهبی و عزاداری ها و تمامی صبح ها قبل و بعد از اذان) به ایراد سخن می پردازم.

واخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین
سید احمد سجادی

سجادی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب.
تولد: 1298، مشهد.
درگذشت: 3 مرداد 1375، تهران.
ضیاءالدین سجادی، فرزند حاج سید مصطفی سرابی، تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در کلاس‌های دبستان و اول دبیرستان به تدریس پرداخت. در سال 1324 با کسب رتبه‌ی نخست، موفق به گرفتن درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد. در سال 1334 دکترای این رشته را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. در سال 1335 به خدمت آن دانشگاه درآمد. در دوران خدمتش در مراکز مختلف آموزش عالی تدریس کرد و پس از بیست و سه سال خدمت در سال 1358 بازنشسته شد. وی عضو شورای نویسندگان برنامه‌های انتشارات رادیو بود و تهیه و اجرای برناه‌های ادبی و مذهبی در رادیو ایران را به عهده داشت. به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی نیز آشنا بود. از آثارش: تصحیح و تعلیق دیوان خاقانی شروانی (تهران، 1338)، تصحیح و تعلیقات مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی (تهران، 1346)، شرح قصیده‌ی مسیحیت (از شمس‌الدین محمود لاهیجانی، تهران، 1351)، در مکتب استاد (گفتارهایی درباره‌ی زبان و ادب فارسی، تهران، 1345)، کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء (تهران، 1354)، سخنان گزیده درباره‌ی فردوسی و شاهنامه (تهران، 1354)، انسان در قرآن کریم (تهران، 1360)، شرح احوال و آثار ابن عمید (تهران، 1366)، تصحیح و شرح مثنوی ختم‌الغرائب خاقانی (تهران، 1343)، دیباچه‌نگاری در ده قرن (تهران، 1372)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف (تهران، 1372)، گزیده‌ی اشعار خاقانی (همراه با شرح، تهران، 1352)، گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات (تهران، 1348)، مباحث و دستوری فرهنگ لغات قرآن (تهران، 1358)، سیری در اندیشه و شناخت (تهران، 1366). وی با همکاری مؤلفان دیگر، یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را به رشته‌ی تحریر درآورد (تهران، 1335)، مبحث شرح حال شاعران در کتاب‌های کارنامه‌ی بزرگان ایران (1340) و فرهنگ امیر کبیر نیز از دیگر کارهای اوست. وی همچنین مقاله‌هایی در موضوع‌های

ادبی، تاریخی و مذهبی در مجله‌ها و نشریات مختلف و از جمله در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران» به چاپ رسانید. آخرین اثری که از وی منتشر شد، دو جلد فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی است.
دکتر سید ضیاءالدین سجادی بر اثر یک عارضه‌ی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در بیمارستان دی در تهران درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سجادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد سجادی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمدیم. مرحوم والد که دائیشان حضرت آیةالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی،آیت الله شاهچراغی،آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیک ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم.سالهای 1347 تا 1349 به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری،استاد احمدی میانجی،استاد شریعتی،استاد محمدی ری شهری،استاد نعیم آبادی،استاد فهیم کرمانی،سید یحیی موسوی،حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم.پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین،از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل واز محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی رسایل را به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالیه شدم.از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره)خارج اصول،از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول،از محضر آیت الله علی مشکینی(ره)فقه و تفسیر و اخلاق،از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت،واز محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا

گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضر استاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیررا بیش از 20 سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.فعالیت سیاسی – علمی:در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت 4 ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته.ومجدد تا چندین ماه به تهران رفتم.تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محققی محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم،فیضیه،حجتیه،خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره 11 که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیرشده و بعد از 48 ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام(ره) و سایر علماء قم شروع شد.اینجانب نیز شرکت در راهپیمائیها و بعضا سخنرانی های آتشین و بیان اعلامیه هارا وظیفه خود می دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت 3 سال در رامهرمز اهواز بودم.بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی-سیاسی شهربانی به مدت 5 سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از

شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف 1 و 2، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر 14 امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از 24 ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله 14ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت آستانه دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان شدیم.عصاره این امر 25 جلد کتاب با نام مبارک"ستارگان حرم" می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهار شنبه تلویزیون از همین کتاب ها بیوگرافی راویان،محدثان،وکلاء و علماء را شرح می دهد.ضمنا بیش از 14 مقاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی:1-در فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصا نسل جوان. 2-ایجاد حمام بهداشتی برای روستا به صورت نمره.3- ترمیم راههای روستا و ایجاد پل در چند روستا.4-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سجاوندی غزنوی، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 560 ق)، مفسر، قاری، فقیه حنفی، ریاضیدان و شاعر. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ قرن ششم هجری است که با سلطان سنجر سلجوقی معاصر بود و آثار بسیار ارزشمندی در تفسیر و علوم دینی تالیف کرد. وی در سرودن شعر نیز توانا بود، اشعار چندی نیز از وی در تذکره‌ها نقل است. از جمله آثارش: «انسان عین المعانی» در تفسیر و مختصر آن «عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی»؛ «ذخایر الثمار فی اخبار السید المختار»؛ «التفسیر»؛ «الایضاح فی الوقف و الابتداء»، در مجلدی بزرگ که دلیل تبحر سجاوندی در علم قرآن است؛ «علل القراآت»، در چند مجلد؛ «غرائب القران»، در تفسیر لغات مشکل آن؛ «السراجیه» «یا فرائض سجاوندیه»، که شرحهای بسیاری بر آن نوشته شده و مشهورترین آنها «شرح سید شریف جرجانی» است؛ «التجنیس»، در حساب و ریاضیات. در منابع مختلف، کنیه و لقب او چون نام و نام پدرش محل اختلاف است و به صورتهای مختلف ابوعبداللّه، ابوطاهر، مجدالدین و سراج‌الدین ذکر شده است.[1]
ابوالفضل محمد بن ابویزید طیفور عزنوی، از دانشمندان علم قرائت در قرن ششم (ف. 560 ه.ق.). از آثار معروف وی کتاب وقوف است در شرح موادر وقف در قرآن، کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، کتاب الموجز در شرح بعض انوع وقف، کتاب انسان عین المعانی در تفسیر سبع المثانی، نسخ همه کتابهای مذکور در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (48/7)، دایرةالمعارف فارسی (1275 -1274 /1)، الذریعه (31/16)، ریاض العارفین (174)، ریحانه (443 -442 /2)، کشف الظنون (1182، 852، 353)، الکنی و الالقاب (308/2)، لباب الالباب (283 -282 /1)، لغت نامه (ذیل/ سجاوندی و احمد)، معجم المؤلفین (233/11، 112/10)، الوافی بالوفیات (178/3)، هدیه الاحباب (148)، هدیه العارفین (106/2).

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 255 -248)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابوعبیده بن مثنی و اصمعی و ابوعامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن‌درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداوود و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القران»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»، کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیه العامه»؛ «المقصور و الممدود»؛ «المقاطع و المبادی»؛ «القراآت»؛ «الفصاحه»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ «المذکر و المونث»؛ کتاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[1]
(ع. سیستانی) ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقری (ف. 255 ه.ق./ 864 م.). او در بصره میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. الکتاب سیبویه را نزد اخفش آموخت و از اصمعی و ابویزید انصاری و ابوعبیده معمر بن مثنی روایات بسیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن درید و مبرد شاگرد اویند. او راست: کتاب الشمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب مایلحن فیه العامة، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (210/3)، ایضاح المکنون (351 ،350 ،342 ،322 ،307 ،292 ،290 ،289 ،285 ،262 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (124/1)، تهذیب التهذیب (234 -233 /4)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 204/1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1022/8)، روضات الجنات (90 -88 /4)، ریحانه (444 -443 /2)، سرآمدان فرهنگ (103 -102 /1)، سیر النبلاء (270 -268 /12)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (100)، کشف الظنون (1781 ،1577 ،1469 ،1466 ،1462 ،1457 ،1454 ،1452 ،1452

1383، 1387، 1388، 1423، 1429، 1436، 1439، 1446، 1449، 1189، 123، 115، 33)، الکنی و الالقاب (45 -44 /1)، لغت نامه (ذیل/ ابوحاتم)، معجم الادباء (265 -263/11)، معجم المؤلفین (286 -285 /4)، وفیات الاعیان (433 -430 /2).

سحاب، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم سحاب در 20 فروردین سال 1266 شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. وی تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شد. سحاب ، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور شد. پس از مدتی به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز 21 دی 1335 به سرای باقی شتافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء ، نصاب الصبیان ، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین ، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه ، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء ، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده ، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی ، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم ، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و « شرح لمعه » شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت.

از این رو ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرارگرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله ، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال ، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا ، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه ، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام ، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر ، من جمله شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر ، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان ، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود ، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه ، به اتفاق میرزاحسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه ، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیرنظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه ، از محضر استاد حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس ، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون : دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور ، شیمی ، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه ، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن ، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی ، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد ، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت ، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود ، بهره جوید. وی در خدمت استاد ، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری ، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب ، زبان انگلیسی را نیز زیرنظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی ،

رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری ، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله ، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پانزده سالگی ، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی ، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق ، نسخ ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام 19 سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان ، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سحاب ، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به مطالعه و فراگیری سروده های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش ، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت.استادان و مربیان : استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از : ملاحسین شاهمیری ، مشهدی عبدالرحیم ، میرزا عباسقلی ، میرزا موسی خان سناءالدوله ، شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله ، مسیو ویژور ، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی ، دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان ، میرزا غلامحسین خان رهنما ، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی ، مسیو جاسموس ، مسیو ژان دوشن ، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی.همسر و فرزندان : معصومه ، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب ، پدر کارتوگرافی ایران ، عذرا ، صغری و بهجت خانم ، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند.زمان و علت فوت : پس از نزدیک به 60 سال فعالیت علمی و فرهنگی ، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم 21 دی 1335 به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س) ، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان ، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید ، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو ، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ 28 ثور 1338 قمری ، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در 12 اردیبهشت 1306 از سوی وزارت معارف و اوقاف به

سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد ، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن ، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در 8 فروردین 1307 به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه ، این وزارتخانه در تاریخ 29 خرداد 1307 جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می کند. همچنین استاد در اول مهر 1307 از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درمی آید. یک سال بعد ، در 19 فروردین 1309 به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف ، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می شود. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در تاریخ 4 مهر 1310 در وزارت معارف داخل می گردد. وی در سال 1317 ، معاونت کتابخانه ملی و در سال 1323 ، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش ، ملاحسین شاهمیری ، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه ، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب ، از دادن شهریه معاف بود ، اما پرداختن به این مهم ، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می داد و بر این اساس بود که از همان زمان ، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می کرد. به علاوه ، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه ، اصول و کلام ، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه ، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال 1326 قمری ، به واسطه ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر ، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناء الدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند ، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان ، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام 22 سال داشت ، واگذار می نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده ی سحاب از طرف دیگر ، سبب شد تا وی زیرنظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه ، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و

حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان ، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه ، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور ، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان ، بر آن می گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما ، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال 1297 شمسی (1918 م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی ، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می شد ، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس ، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله ، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور ، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد ؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهاوند ، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف ، مدرسه ی ایران ، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین 1306 به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی ، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران ، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی ، تهران ، ستاره جهان ، شفق سرخ ، قانون ، تجدد ایران ، حبل المتین کلکته ، رستاخیز ، عصر گلشن ، تهران ، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال 1305 به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن ، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر : گلشن ، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها ، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می کند. در همین رابطه ، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه ی خبرهای روزنامه ی ترقی ، از مرداد همان سال با روزنامه های اطلاعات ، فرخی و طوفان نیز همکاری می کند. وی مدیریت داخلی مجله ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال ، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع آوری و استنساخ مجموعه ای راجب به کتابخانه های ایران اقدام می ورزد. به علاوه ، در ادامه ی بی مساعدتی های وزارت

معارف ، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می گردد.جوائز و نشانها : ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود ، در 26 آذر 1319 و 14 اردیبهشت 1323 از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه ی یک و دو نائل گردید.آثار : استنساخ « نخبه التواریخ » میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی ، تاریخ خجسته ویژگی اثر : این مجموعه ، حاوی اطلاعات پرباری درباره ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال های اول سده ی 14 هجری شمسی و به ویژه ، دهه های اول سلطنت خانواده ی پهلوی است.3 درباره ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر : در این مجموعه ، شرح حال و اقدامات و آثار 43 نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرارگیرد.4 زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع) ، زندگی حضرت امام علی النقی (ع) ، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) ، فلسفه و اسرار حج ،مشارکت در تدوین و تنظیم « دیوان دبیر تفرشی »

منابع زندگینامه :روزنامه ی اطلاعات ، 14 اسفند 1379 ، صص 4-2

سحرخوان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سحرخوان
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد سحرخوان در سال 1341 در خانواده ای مذهبی در کاشان به دنیا آمدم بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به خاطر جو مذهبی خانواده و شرکت در جلسات مذهبی در سال 1355 وارد حوزه علمیه مرحوم آیت الله بشری شدم. دروس مقدمات ج اول و اصول فقه و لمعه را در کاشان نزد اساتید بزرگوار خواندم و در سال 58 وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 60 با خانواده ای محترم از سادات ازدواج کردم که ثمره ازدواج یک پسر و دو دختر می باشد که مشغول تحصیلات حوزوی می باشند همزمان با شروع جنگ در حد توان در جبهه حضور پیدا کردم و بیشترین برنامه تبلیغی اینجانب همکاری با حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه بوده است و مدت یکسال به عنوان مسئول حوزه نمایندگی گچساران مشغول بوده ام از سال 1370 در دوره سوم تخصصی تفسیر شرکت کرده و در سال 74 به پایان رسید و در سال 76 تاکنون با مرکز فرهنگ و معارف قران در گروه دائرة المعارف ها به عنوان محقق و دبیر گروه همکاری می کنم و در سال 82 با مرکز تحقیقاتی اسراء همکاری علمی دارم. دروس فقه و اصول را از اساتید بزرگوار آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله تبریزی، آیت الله معرفت و آیت الله سبحانی و آیت الله وحید خراسانی بهره مند شده ام. خداوند انشاء الله به ما توفیق بیشتر عنایت فرماید و اساتید بزرگوار را خیر عنایت فرماید و از ما راضی نگه دارد.

سخنور، جلال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1322، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال 1348، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لندن در سال 1351، دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه لیل در سال 1355.
مرتبه علمی:
تدریس دروس تخصصی ادبیات انگلیسی در دانشگاه شهید بهشتی از سال 1354، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات انگلیسی، طرح هنر نمایش.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات نمایشی، فنون و صناعات ادبی و نقد ادبی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
نظریه‌پردازی در ترجمه، نقد ادبی، نمایش و تاریخ ادبیات انگلیسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سدهی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1339 ق)، عالم دینی و واعظ. او واعظی کامل و کثیر التالیف بود. پس از اعمال حج در مکه وفات یافت و در قبرستان ابوطالب مدفون گردید. از آثارش: «بدایع الاخبار»، در اخلاق؛ «بشاره الابرار فی احوال شیعه الکرار فی دار القرار»؛ «برهان الرساله»، در اثبات نبوت خاصه؛ «حسام الشیعه»، در اثبات امامت امیرالمومنین (ع)، در چهار مجلد هر مجلد هزار بیت؛ «خصائص الایام»، در وقایع ایام سال؛ «دلائل الربوبیه»؛ «لمعات الانوار»؛ «نفائس الاخبار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (413/2)، الذریعه (239/24، 344/18، 250/8، 166، 12/7، 114، 95، 61 /3)، ریحانه (453 -452 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 72/14)، علماء معاصرین (369)، گنجینه‌ی دانشمندان (371/2)، معجم المؤلفین (120/8).

سدهی اصفهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1358 ق)، عالم دینی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر، متخلص به ضیائی. معروف به حاج آقا بزرگ. نسبش به محمد دیباج، فرزند امام جعفر صادق (ع) می‌رسد. وی شاگرد سید میرزا محمدهاشم چهار سوقی و آقا نجفی و جمعی دیگر از علما بود. علاوه بر فقه و اصول در حکمت و نجوم و ریاضیات و طب و علوم غریبه تبحر داشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود. او امام جمعه‌ی سده اصفهان بود. در سن نود و چهار سالگی درگذشت و در انتهای شبستان مسجد جامع فروشان سده دفن شد. از او آثاری در علوم گوناگون باقی مانده، و در «اخلاق» و «تقلید» و «فقه» و «معاملات» و «طب» و «ختوم و ادعیه» و «مقتل» رساله‌هائی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (438 -437)، ریحانه (454 -453 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان طبقات اعلام الشیعه (قرن 1541/14).

سدهی میردامادی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، و روحانی متنفذ، از شاگردان آقا میرزا محمدهاشم و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و حاج میرزا بدیع و دیگران بوده، در سده در مسجد ملامحسن امامت می‌نموده، و در رجب 1342 به سن قریب به هفتاد وفات یافته، در مقبره‌ی ملا محسن در محله‌ی شمس‌آباد قریه‌ی خوزان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سراج

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم و هشتم ق)، حجار. از آثار وی: کتیبه‌ی هلال دوم اطراف دیوار مشبک بقعه‌ی پیربکران در اصفهان، به خط ثلث برجسته که در اطراف سنگ «آیةالکرسی» و بر جانب غربی آن «صلوات بر دوازده امام» حجاری شده، با رقم: «... فی لیله الثلثا عاشر شهر ربیع‌الاول، ثلث و سبعمائه عمل سراج» (703 ق). آرامگاه پیربکران- از زهاد قرن هشتم هجری- مشتمل بر رواق و صحن و سردر و مقبره می‌باشد که این بنا در دوره‌ی الجایتو ایلخان مغولی (716 -703 ق) بنا شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (852)، احوال و آثار نقاشان (217/1)، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (20)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (263).

سراج اصفهانی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، شاعر و حکاک. وی در فن حکاکی خاتم بی‌نظیر بود و شعر نیز می‌سرود. او به حسن اخلاق نیز معروف بود. در اصفهان درگذشت. از اوست:
از ضعف به هر جا که نشستم وطن شد
از گریه به هر سو که گذشتم چمن شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (946/3)، احوال و آثار نقاشان (217/1)، تذکره‌ی نصرآبادی (144 -143)، الذریعه (436، 260 /9)، فرهنگ سخنوران (444)، لغت نامه (ذیل/ سراج حکاک).

سراج، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ رضا معروف بسراج تهرانی از علماء و وعاظ مبرز معاصر تهرانست. وی در حدود سال 1332 ق در تهران متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح از اساتید و علماء تهران به قم آمده و سطوح نهائی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی و دیگران استفاده و پس از آن مدتی از درس و محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری مستفیض و پس از فوت آن مرحوم مستقیما و منقطعا از خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری بهره‌مند شده و در سال 1362 قمری مراجعت به تهران و در خیابان شهباز ساکن و بناء مسجد سلمان را نموده و چندی در آنجا به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال داشته و بعد تعمیر مسجد سرچشمه را نموده و به آنجا آمده و تاکنون در آنجا مشغول خدمات دینی می‌باشند.
نگارنده گوید: جناب آقای سراج از مصادیق (عالم ناطق مستعمل لعلمه) زمان ما و بیانی نافذ و منبری جامع و مفید و در ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شدید و در گریانیدن مستمعین بسیار قوی و کم نظیر است. مجالس و محافلی را که اداره می‌کند پر شور و هیجان و انقلابی و کثیر البکاء خواهد بود.
در امر بمعروف و نهی از منکر لسانی صریح و بیانی ملیح دارد. در دوره سال و بالاخص دو ماه محرم و صفر و ایام فاطمیه ایفاء وظیفه نموده و معارف و حقایق دینی را با منطقی مؤثر بیان و تنویر افکار و قلوب می‌نمایند، و بیش از چهل سال است که باین سمت موفق و مفتخر است و صدها کیلوگرم از چشم مردم مسلمان و شیعه اشک در مصائب اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام گرفته است. جزاه اللّه عن اهلبیت نبیه خیرالجزاء.
قال الصادق علیه‌السلام فی دعاء ندبه... فعلی الاطائب من اهل‌بیت محمد و علی صلی اللّه علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع الی آخره.
از آثار ایشان ترجمه و تفسیر قرآن مجید است که در تهران به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

سراج، محمدابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدابراهیم سراج
محل تولد : فیروز کوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدابراهیم سراج در سال 1362 وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال 1366 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال 1372 به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات،مکارم شیرازی،وحید خراسانی،فاضل لنکرانی(ره)و برخی اعاظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافتم که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد.لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند،پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان،شناخت صهیونیزم،انسان شناسی،استقامت در سیره پیامبر اعظم(ع)،که مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردید و از مقالات منتخب محسوب شد.امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سرائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد سرائی ابن المرحوم حاج محمد رضا از مشاهیر علماء و اعاظم دانشمندان معاصر تبریز است. وی در سال 1329 ق در قریه سرای از مضافات تبریز در یکی از خانواده‌های با تقوا و معنویت بدنیا آمده و بنابر اقرار والد ماجده‌اش در سراسر دوران شیرخوارگی او را با طهارت و وضو شیر داده و در پرورش وی سعی بلیغ نموده و در سال 1343 ق برای تحصیل به شهرستان تبریز آمده و مقدمات علوم را در محضر اساتید ارجدار فراگرفته سپس به قم مشرف شده و علوم و فنون مختلفه را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه مانند حضرت آیه الله العظمی آقای نجفی مرعشی و آیه الله لنکرانی و مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی فرزند آیه الله آقا میرزا صادق آقا و دیگران استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محاضر آیات عظام حوزه نجف چون مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی آقا سید محمود شاهرودی و آیت الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه علم و کمال و اجتهاد ارتقاء یافته و از آیات مذکوره نائل باخذ اجازه اجتهاد گردیده پس از آن مراجعت به وطن و بنابر اصرار بسیاری از مردم متدین تبریز اقامت در دار الایمان تبریز نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس علوم پرداخته و بحمد الله تاکنون موفق به خدمات مذکوره می‌باشد. آثار معظم له از این قرار است:
1- تربیت مبلغ و طلاب علوم دینیه و تکفل مخارج ضروری عده‌ای از آنان که تربیت شدگان مکتب ایشان از روحانیون فعال و خدمتگزار در نقاط مختلف آذربایجان و غیره می‌باشند.
2- دو فرزند برومند و فاضل معظم له بنام: 1- آقا میرزا عبدالرحیم 2- آقا شیخ اسحق سرائی داماد آیت الله باقری بنابی که در حوزه علمیه قم بتدریس متون فقه و اصول اشتغال دارند.
3- مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد بالاخص مکه معظمه که چندین بار رهبری مردم تبریز را داشته و خالصا تعلیم مناسک حج را نموده‌اند.
4- بناء منازلی برای علماء و اهل علم که در اثر تبلیغات و فعالیتهای ایشان انجام یافته است.

5- نجات بسیاری از مردم مستمند و بینوا در زمان قحطی که بامر مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی در شهرستان هریس انبار بیت المال تشکیل داده و حقوق واجبه ثروتمندان را از قبیل: زکوه، رد مظالم و غیره در آن جمع و بین بیچارگان و فقراء تقسیم و بدین وسیله آنان را از خطر مرگ و هلاکت بحول و قوه الهی مصونیت دادند.
6- بناء و تأسیس حمام در چندین قریه و آبادی که فاقد حمام بود و مردم نمی‌توانستند وظائف تطهیر خود را انجام دهند و همچنین لوله کشی و اجراء نهر آب در بعضی از آبادیهای اطراف تبریز و سرای.
7- شهریه بطلاب و محصلین آذربایجانی حوزه علمیه قم که چند سالی موفق باین خدمت بودند.
8- مبارزه با وهابیها و منحرفین دیگر و مجادله حسنه با آنها که موجب ارشاد و هدایت عده‌ای از آنها شدند.
نگارنده گوید: آن طوری که از دانشمندان متدین و بی غرض تبریز و غیره شنیدم آیت الله سرائی دانشمندی خدوم و متقی و پارسا و موصوف بفضل و کمال و معنویت می‌باشد و در میان مردم آذربایجان و بالاخص تبریز و محل خود محبوبیت خاصی دارند، از خداوند بزرگ توفیق و عزت این گونه افراد خدمتگزار روحانی حقیقی را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سرباز بروجردی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1289 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به سرباز. اصلش از خرم‌آباد فیلی بود. به مناسبت آن که در بروجرد تولد و تمکن یافت به بروجردی مشهور شد و چون در فوج نظام صاحب منصب بوده، تخلص سرباز را برای خود برگزید. در انواع شعر دست داشت و دیوانی در مراثی به نام «اسرار الشهاده» از او بازمانده که دو مرتبه در تبریز چاپ شده است، «دیوان» اشعارش قریب پنج هزار بیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (754 -753 /1)، الذریعه (46/2)، ریحانه (10/3)، سفینه المحمود (372/1)، المآثر و الآثار (207)، مؤلفین کتب چاپی (595/1)، مصطبه‌ی خراب (77 -76).

سرباز زاده، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد سرباز زاده
محل تولد : اهر
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب احمد سرباززاده (اهری) در سال 1348 طلبگی را شروع نمودم . 1 سال در اهر، 3 سال در تبریز و از سال 52 به شهر مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم . از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع کردم و در قم هم توام با تدریس به دروس اساتید سطح ، آقایان: آیت الله اعتمادی ، اشتهاردی و صلواتی و در منظومه، آقایان: احمد بهشتی و محمدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله کوکبی و شیخ جواد تبریزی و شیخ کاظم تبریزی و آیت الله سید محمد روحانی و ... مشغول شدم .
همیشه مشغول تدریس همه دروس سطح ولو خصوصی بودم. چند سال درجامعة الزهراء تدریس نمودم و چند سال در مدرسه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی .
از سال 60 و 61 توام با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم . حدود 6 سال در موسسه دایرة المعارف شیعه 200 اثر لغوی و فقهی اصطلاحات فقهی را بین 3 صفحه ای الی 12 و15 صفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتاب نفیس دائرة المعارف شیعه درج و چاپ می شود .

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 286 ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبعه متجاوز از 50 کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمینیاس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالو طیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 337)، تاریخ بغداد (5/ 139)، تاریخ الحکماء قفطی (111 -110)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (64 -60)، سیر النبلاء (13/ 448، 449)، فلاسفه شیعه (155 -149)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (473 -472)، کشف الظنون (1947، 1664، 1613، 1642، 1470، 1468، 1467، 1465، 1454، 49)، معجم المؤلفین (2/ 157)، الملل و النحل (366 -365)، الوافی بالوفیات (8 -5/ 7)، مجمع الفصحا (1/ 217)، معجم الادباء (102 - 98/ 3)، لسان المیزان (182 -189/ 1).

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجة‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ 14 ذی‌الحجه 1307 ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجة‌الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشگوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌اللّه زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.
1- حاشیه مبوسطی بر کفایة‌الاصول.
2- حواشی بر شوارق.
3- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.
4- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.
(تو 1307 ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللّه‌زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت.

سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (481 -480/ 4).

سردار اسعد،علیقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج علیقلی‌خان بختیاری «سردار اسعد»، در 1247 ه.ق در چهارمحال بختیاری متولد شد. وی پسر سوم حسینقلی‌خان هفت‌لنگ ایلخانی بختیاری است که در سال 1299 ه.ق به دست مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه حکمران اصفهان، کشته شد.
علیقلی‌خان دوران کودکی و جوانی را طبق یک خانواده گذرانید و مقدماتی از ادبیات را قرار گرفت و در سواری و تیراندازی سرآمد اقران شد. پس از کشته شدن پدرش، مدتی در زندان ظل‌السلطان به سر برد تا با مساعدت میرزا علی‌اصغر خان اتابک از زندان آزاد و به تهران وارد شد و با رتبه و مقام سرتیپی، فرماندهی عده‌ای از سواران پایتخت به او واگذار گردید. در 1313 مدت چهل روز تا ورود مظفرالدین میرزا به تهران، حفاظت کاخ گلستان به عهده‌ی علیقلی‌خان بود و اتابک ماموریتهای دیگری نیز به او واگذار می‌نمود. پس از کنار رفتن ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، سردار اسعد گاهگاهی به بختیاری می‌رفت و امور مربوط به ایل را سرکشی می‌نمود. در 1321 پس از فوت برادرش اسفندیارخان، به او از طرف مظفرالدین شاه لقب سردار اسعدی داده شد. سردار اسعد غالبا از آن تاریخ در اروپا می‌زیست و به مطالعه و مجالست با فضلاء و دانشمندان اشتغال داشت.
در جریان مشروطیت ایران و دوران سلطنت محمدعلی شاه، سردار در اروپا بود ولی در استبداد صغیر به ایران آمد و با دوهزار از سواران بختیاری به اصفهان وارد شد و پس از آنکه اصفهان به تصرف او درآمد، به سمت تهران روانه گردید و پس از چند روزی توقف در قم، به تهران نزدیک شد و با توافقی که قبلا با سپهدار تنکابنی نموده بود، اردوی سپهدار تنکابنی و سردار اسعد در یک روز به هم رسیده و به یکدیگر پیوستند و روز جمعه 27 جمادی‌الاخر 1327 وارد تهران گردیدند. قوای قزاق تاب مقاومت نیاورد و در زدوخورد کوتاهی تسلیم شدند و قوای بختیاری و سپهدار، تهران را فتح نمودند و از این نظر است که به سردار اسعد و سپهدار، در فاتح تهران می‌گویند.
لیاخوف فرمانده قزاق و حاکم نظامی تهران، تسلیم خود را اعلام نمود و محمدعلی شاه در سفارت روس در زرگنده تحصن اختیار کرده، و روز 28 جمادی مجلسی مرکب از علماء و وزراء و اعیان و وکلای سابق و تجار، در

بهارستان منعقد گردید. محمدعلی میرزا از سلطنت خلع و احمدمیرزای دوازده‌ساله را به نام سلطان احمدشاه قاجاریه سلطنت اعلام نمودند. در همان جلسه، علیرضاخان عضدالملک به نیابت سلطنت و محمد ولی‌خان سپهدار تنکابنی به وازرت جنگ و حاجی علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری به وزارت داخله انتخاب شدند.
در کابینه‌ای که سردار اسعد وزیر داخله بود، مستوفی و ناصرالملک و صنیع‌الدوله و سردار منصور عضویت داشتند و کابینه بدون سرپرست بود. در دوران این کابینه حوادث مهمی در ایران به وقوع پیوست. تشکیل محکمه‌ی انقلابی و اعدام عده‌ی زیادی از رجال مانند حاج شیخ فضل‌الله نوری و مفاخرالملک در این دوره صورت گرفت.
سردار اسعد برای اینکه به وضع وزارت داخله سر و صورتی بدهد، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه را به معاونت خود برگزیده و سازمانی برای آن وزارتخانه به وجود آورد. در تاریخ 9 مهر 1288 سپهدار تنکابنی به نخست‌وزیری رسید و سردار اسعد همچنان وزیر داخله کابینه بود. در آذر همان سال کابینه‌ی سپهدار ترمیم شد. سردار باز در راس وزارت داخله باقی بود. در 30 اردیبهشت 1289 در کابینه‌ی سوم و چهارم سپهدار، مرحوم سردار اسعد به وزارت جنگ رسید.
پس از مرگ عضدالملک نایب‌السلطنه، سردار اسعد کاندیدای نیابت سلطنت بود و در مجلس طرفدارانی داشت. لیکن ناصرالملک مورد توجه قرار گرفته و این منصب را احراز نمود. سردار از آن تاریخ مستقیما در کارها وارد نشد ولی در تمام کابینه‌ها نظر سردار ملحوظ می‌گردید و عده‌ی زیادی از سران بختیاری به توصیه‌ی سردار اسعد به مقام وزارت و حکومت رسیدند. در قیام مجدد محمدعلی شاه و سالارالدوله، سردار اسعد و ایل بختیاری نقش مهمی داشتند. سردار اسعد در سال 1337 درگذشت و با تشریفات نظامی او را در اصفهان به خاک سپردند. پس از فوت او فرزندش جعفرقلی‌خان سردار بهادر لقب سردار اسعد گرفت.
سردار اسعد از افرادی بود که اهل علم را تشویق و ترغیب می‌نمود و به هزینه‌ی شخصی خویش، چندین کتاب را ترجمه و چاپ کرد. تحریر تاریخ بختیاری به توصیه‌ی او بوده است.
(حاج) علی‌قلی‌خان از رؤسای معروف بختیاری (و. 1274- ف. تهران 1336 ه.ق.). لقب سردار اسعدی را ابتدا برادر بزرگتر او- یعنی اسفندیار خان- داشت و پس از فوت اسفندیار خان، این لقب بدو داده شد. وی مشروطه خواه و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی شاه قاجار و مظهر اخلاق نیک بود. پس از فوت او لقب سردار اسعد به پسرش جعفرقلی خان- که ابتدا سردار بهادر لقب داشت داده شد.
(1296 -1236 ش)، مترجم. در اصفهان به دنیا آمد، یکی از روسای

معروف بختیاری و یکی از دو فاتح مشهور تهران در عهد محمدعلی‌شاه قاجار بود. مدتی در اصفهان در زندان ظل‌السلطان بود، سپس به کمک میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان از زندان خلاص شد و به تهران آمد، به پاریس رفت و مدتی در آن شهر مقیم بود. سپس به اصفهان رفت و نهایتا به تهران برگشت. در زمان حیات چند بار به نمایندگی مجلس شواری ملی و وزارت رسید. وی در تهران وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان دفن شد. از جمله ترجمه‌های او: «بولینا- غاده الانگلیس»؛ «پل و ورژینی»؛ «تاریخ حمیدی- سلطان عبدالحمید عثمانی»؛ «دختر فرعون»؛ «دیل گابریل»؛ «روکامبول»؛ «شرح حال هانری سوم»؛ «عشاق پاریس»؛ «ماد موازل مارگریت»؛ «هرمس مصری»؛ «سفرنامه‌های برادران شرلی»؛ «ترجمه عهدنامه‌ی حضرت امیر». کتاب «تاریخ بختیاری» از تالیفات اوست.[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (1084 -1077/ 5)، تاریخ برگزیدگان (200 -198)، تذکره القبور (132 -131)، سرآمدان فرهنگ (276 -275/ 1)، شخصیتهای نامی (101 -99)، شرح حال رجال (451 -448/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (574 -571/ 4)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 101 -99).

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباد الله سرشار تهرانی
محل تولد : میانه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/1/1
زندگینامه علمی
این جانب در یک خانواده مذهبی و متدین در سال 1324 شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های 41 ، حوادث خونین خرداد 42، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال 1353 شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السید الخوئی شرکت می کردم. در سال 1353 که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تاکنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تاکنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم،

هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

سرکاراتی، بهمن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : بهمن سرکاراتی (1316 ـ تبریز) و دارای دکتری زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی است.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب واستاد و مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی در دانشگاه تبریز است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
گرایش : زبان‌های باستانی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ - دکترای زبان شناسی و زبان های باستانی از دانشگاه تهران ۱۳۴۹
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیر گروه رشتهٔ زبان‌های باستانی ، دانشگاه تبریز - استاد زبان شناسی و ادبیات فارسی دانشگاه های تهران، مشهد و تبریز - عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات و زبان فارسی دانشگاه تبریز - محقق برجسته زبان و ادیان باستانی ایران زمین - عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی
آثار :
1 اسطور? بازگشت جاودانی
ویژگی اثر : ترجمه-1378
2 اوستا و هنر نو
ویژگی اثر : تالیف
3 دین ایرانی بر پای? متن‌های معتبر یونانی
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1377
4 سایه‌های شکارشده
ویژگی اثر : (شامل 20 مقاله)، 1378
5 کارنام? شاهان در روایات سنّتی ایران
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1350 منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سرکوهی دارابی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن بن شیخ زکریا (نصیرالاسلام) انصاری سرکوهی دارابی از علماء معاصر شیراز است. وی در سرکوه داراب متولد شده و پس از پرورش در خدمت مرحوم والدش که از علماء مجاهد و مبارز گذشته بوده و بدست فرقه ضاله بهائیه شهید گردیده و خواندن مقدمات و ادبیات متون فقه و اصول را از علماء شیراز و غیره به پایان رسانیده تا به مدارج عالیه علم رسیده و به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد وکیل شیراز و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و غیره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سرور شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1315 ق)، طبیب، ادیب و شاعر، متخلص به سرور. در شیراز متولد شد. پزشکی حاذق بود و در فنون عربی و ادبی استاد. «قانون» شیخ‌الرئیس را درس می‌گفت و شعر را نیکو می‌سرود. کتاب «رشحات الفنون» در ادبیات تالیف او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (116)، الذریعه (443 -442 /9)، ریحانه (19 -18 /3).

سرور، مولائی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سروری کاشانی، محمد قاسم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1036 ق)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به سروری. وی در اصفهان می‌زیست و در آن شهر با جهانگرد مشهور ایتالیایی پیترو دلاواله دیداری داشته. در سال 1032 ق به هند مسافرت کرد. دربار شاه جهان را درک کرد. سپس به زیارت کعبه رفت و در راه درگذشت. از آثارش «مجمع الفرس»/ «فرهنگ سروری»/ «لغت فرس سروری» است که ابتدا نوشته‌ای ساده و کوتاه بوده که حاجی خلیفه از آن به عنوان «سهل و مختصر» یاد کرده است ولی بعد از تفحص در آثار شاعران قدیم و یاری جستن از شانزده فرهنگ پارسی به سال 1008 ق کتاب خود را به نام شاه عباس تدوین کرد. سروری تحریر سومی از «مجمع الفرس» فراهم کرد و آن را «خلاصه المجمع» نامید و به نام اعتمادالدوله حاتم بیک وزیر شاه عباس پرداخت. از وی اشعاری نیز در دست است.[1]
محمدقاسم بن (حاج) محمد کاشانی متخلص به سروری نویسنده و شاعر قر. 11 ه. پدرش کفشدوز بود و خود نیز در جوانی در رشه چخشور دوزان اصفهان بود و سپس روی به تحصیل دانش نهاد و به سبب حافظه بسیار قوی و دقت و مهارت در صف اهل فضل درآمد. به قول صاحب عرفات العاشقین حدود سی هزار بیت از اشعار متقدمان و متأخران در حفظ داشت. کتاب لغت فارسی او به نام «مجمع الفرس» معروف است و آن به طبع رسیده (مجمع الفرس.)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (41/10)، تاریخ ادبیات در ایران (384 -380 /5)، تاریخ نظم و نثر (398 -397)، تذکره‌ی نصرآبادی (291)، دایرةالمعارف فارسی (1290/1)، الذریعه (38 -37 /20، 443 /9)، ریحانه (19/3)، سرآمدان فرهنگ (451/1)، صبح گلشن (203)، فرهنگ ادبیات فارسی (266 -265)، فرهنگ سخنوران (450)، فرهنگهای فارسی (132 -124)، کاروان هند (554 -550 /1)، کشف الظنون (1558)، لغت نامه (ذیل/ سروری)، مؤلفین کتب چاپی (904/4).

سعادت، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل سعادت زبان شناس و مترجم آثار فلسفی در سال 1304 در خوانسار متولد شد. در سال 1322 راهی گلپایگان و سپس عازم تهران شد و در سال 1330 موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان فرانسه و انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. سعادت مدرک کارشناسی ارشد زبان شناسی خود را در سال 1347 از دانشگاه تهران گرفت .سعادت عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال 78 و مدیر دانشنامه زبان و ادب فارسی می باشد. درسال 1386 به عنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی نشان درجه یک دانش به ایشان اهدا شد. کتاب " در آسمان" ترجمه اسماعیل سعادت ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
والدین و انساب : پدر اسماعیل سعادت احتمالا هنگامی که او در حدود شش سال سن داشت فوت کرده است .
خاطرات کودکی : اسماعیل سعادت به نقل ازدوران کودکی بیان می دارد : یادم می آید که یک روز صبح که به مکتب می رفتم ،در را ه به چند تا از بچه های هم سن و سال خودم برخوردم که بازی می کردند . من بی اختیار در بازی آنها شرکت می کردم و آن قدر از این کار لذت می بردم که کیفم را در سوراخی دردیوار باغی کنار کوچه پنهان می کردم .ظهرکه شد کیفم رابرداشتم و به خانه رفتم . دو سه روزی کارم این بود تا اینکه یکی از بستگان نزدیکم مرا در راه دید . توجه گریز پایی من شد ، مرا به مکتب برد و آهسته درگوش معلم چیزی گفت و پیدا بود که سفارش کرد که تقصیر مر انادیده بگیرد . به پدرم هم که مرد سختگیری بود چیزی نگفت . ولی همین باعث شد که سال تحصیلی بعد مرا به دبستان دولتی بردند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل سعادت که تحصیلات مکتبی داشت تحصیلات رسمی خودرا از کلاس دوم ابتدایی شروع کرد که دراین زمان هشت ساله بوده است . او در سیزده سالگی دوران ابتدایی را به پایان رسانید و کلاس اول و دوم دبیرستان را درخوانسار مشغول شده و درهر

دو سال شاگرد اول شده است لیکن سال سوم دبیرستان در خوانسار دایر نشده واو بلاتکلیف ماند . وی بعدا به اصفهان رفته و در دبیرستان حکیم نظامی ثبت نام کرد و آن سال تحصیلی را دراصفهان گذرانید و سال بعد درگلپایگان دردانشسرای مقدماتی ثبت نام کرده و آنجا نیز شاگرد اول شد . وی سال بعد رابا راهنمایی دکتر مشایخ فریدنی دردانشسرای تهران ثبت نام کرد و در سال تحصیلی1323-24 از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شده و در سال دوم تدریس خود در تهران توانست به دانشگاه برود و دررشته زبان و ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت و در سال 1331 فارغ التحصیل شد . وی سال بعد که رشته زبانشناسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دایر شد ، ثبت نام کرده و ادامه تحصیل داد لیکن درسال آخر تحصیلی بورس از طرف یونسکو به او داده شد و او به فرانسه رفت و این وقفه درتحصیل ، ترک تحصیل محسوب شده و او نتوانست تحصیلات خود را به پایان برساند .

خاطرات و وقایع تحصیل : اسماعیل سعادت که در مکتب درس خوانده بود تعریف می کند که در مکتب رسم بود که وقتی شاگردی مثلا رخصت می گرفت یعنی از ملا اجازه می گرفت که آن روز بچه ها تعطیل باشند .یکی از شیرین ترین روزهای سعادت و دوستانش همین رخصتهابود که به عده شاگردها و به تناسب ارتقای تحصیلی آنها تکرار می شد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل سعادت درضمن تحصیل دانشگاهی ، تدریس هم می کرد .او می بایست هجده ساعت در هفته تدریس می کرد .

استادان و مربیان : آقا شیخ محمد باقر مهدوی در دوران دبیرستان و دبستان معلم فارسی و عربی اسماعیل سعادت بوده است که تشویق هایش در توفیق های تحصیلی اسماعیل خیلی موثر بوده و سعادت همیشه او را به یاد داشته و از وی به نیکی یاد می کند . دکتر بروخیم ،عیسی سپهبدی ،خانم نفیسی .خانم پاکروان و مادام رهاوی نیز استادان سعادت در دوران دانشگاه بودند . آقا شیخ محمد حسن رفیعی یک معلم روحانی بود که اسماعیل سعادت در تعطیلات تابستان پیش او به تحصیل می پرداخت . اسماعیل پیش وی گلستان سعدی و نصاب صبیان را آموخته است .

هم دوره ای ها و همکاران : بیشتر همکلاسی های ابتدایی اسماعیل سعادت ترک تحصیل کردند و دنبال کسب و کار پدرشان رفتند . اصولا در آن زمان تا آنجا این فکر غالب بود که هر پسری پس از یاد گرفتن خواندن و نوشتن و حساب کردن ،باید همان شغل پدرش را دنبال کند . از این الحاظ بزرگتر های اسماعیل نیز اختیار او را داشتند و از قضا آنهامخالف تحصیلات اسماعیل بودند .سعادت در دوران دانشگاه با کسانی چون

ابوالحسن نجفی ،هوشنگ اعلم و عبد الله توکل همدوره بوده است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل سعادت زمانی که درسال 1324 از دانشسرای مقدماتی تهران فارغ التحصیل شد به شغل آموزگاری در تهران مشغول شد و در سال 1331 که تحصیلات دانشگاهی را به پایان رسانید از آموزگاری به دبیری ارتقاء یافت . سعادت دربنگاه ترجمه و نشر کتاب هم فعالیت داشته و ویرایش کتابها را برعهده داشته است .او درموسسه فرانکلین هم فعالیت داشته است . به طور کلی اسماعیل سعادت حدود هفت سال دربنگاه ترجمه و نشر کتاب کارکرد و بعد از آن هم مدتی در اداره مجله راهنمای کتاب با آقای ایرج افشار ، مدیر مجله همکاری داشت . سپس به انتشارات فرانکلین رفته و بعد از آن نیز در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نو سوادان به سرپرستی ایرج جهانشاهی مشغول به فعالیت شده است . او عهده دار سر دبیری مجله پیک دانش نیز بوده است و درهمان وقت معاون انتشاراتی مرکز تهیه موا د خواندنی برای نو سوادان بود . سعادت ویراستاری و سر دبیر مجله معارف نیز می باشد که از سوی مرکز نشر دانشگاهی چاپ می شود .وی عضو شورای عالی و ویرایش زبان فارسی صدا و سیما بوده است. او به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در سال1377 انتخاب شده و در آن میان ، مدیریت دانشنامه زبان و ادبیات فارسی به او محول شده است .
فعالیتهای آموزشی : اسماعیل سعادت بیشتر درموردویرایش و ترجمه فعالیت کرده است . نقل می کند ویرایش از جهت فعالیت ذهنی جدا از ترجمه نیست ، مترجم خوب می تواند ویراستار خوبی هم باشد و بالعکس . چون از نظر نوع کار ، چندان تفاوتی با هم ندارند مثلا وقتی که متنی راویرایش می کنند ، آن را جمله به جمله با متن اصلی مقابله می کنند . یعنی هر مرحله متن را که می خوانند اول در ذهن خودتان آن را ترجمه می کنند ،بعد ترجمه ذهنی خود را با ترجمه متر جم مقایسه می کنند و اگر تفاوتی باشد درجمله متر جم تصرف می گردد .
آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل سعادت درمورد توجه معتقد است که ترجمه سه رکن اساسی دارد و متر جم باید بر این سه رکن مسلط باشد تا بتواند خوب ترجمه کند ،یکی زبان مبدا است ،دیگری زبان مقصد است و سوم موضوع متنی که باید ترجمه شود . تسلط بر زبان مبدا وموضوع زودتر و آسان تر حاصل می شود تاتسلط برزبان مقصد . در تر جمه متون ادبی و به طور کلی متون مربوط به علوم انسانی ،مترجم باید با روح زبان مادری خود خوب آشنا باشد و شم زبانی کافی داشته باشد و متون ادبی زبان مادری خودرا بسیار خوانده باشد تا بتواند دقایق متن زبان مبدا را که دریافته است به زبان مادری خود منتقل کند . دردانستن زبان مبدا فهم

زبان و آگاهی از دقایق آن لازم است ام در برگرداندن این دقایق به زبان مادری ،علاوه بر آن ،خلاقیت هنری هم لازم است یعنی ذهن باید بیشتر از فعالیتی که برای ادراک چیزی لازم است فعالیت کند وبه جولان در بیاید تا بتواند چیزی را که در عالم خارج نیست هست کند . آن هم به گونه ای که اهل زبان مقصد بتوانند معنی متن رابه همان خوبی که اهل زبان مبدا می فهمند ،بفهمند . اسماعیل سعادت به ترجمه آثار کلاسیک فلسفی مانند آثار ارسطو علاقه خاصی دارد چون او آن آثار ر ابا فلسفه اسلامی مرتبط می داند و مقصد است که فلاسفه اسلامی درتفکر است فلسفی شان به آثار آنها نظر داشته اند .
جوائز و نشانها : - برنده جایزه بهترین ترجمه به خاطر ترجمه کتاب « میکل آنژ» در سال 1334 و در همان سال مجله سخن که بنیانگذارش پرویز خانلری بود، جایزه ممتاز خود را به این کتاب اهدا کرد. - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال 1374به خاطر کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال 1378 به خاطر کتاب در کون و فساد ارسطو - دریافت نشان درجه یک دانش بعنوان برگزیده فرهنگستان زبان و ادب فارسی درسال 1387 - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره نوزدهم کتاب سال به خاطر ترجمه کتاب " در آسمان"
چگونگی عرضه آثار : چاپ و انتشار جلد دوم دانشنامه زبان و ادب فارسی، عضویت پیوسته در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعالیت در پروژه فرهنگ آثار اسلامی از جمله برنامه‌های اسماعیل سعادت است. - ترجمه و تالیف و ویرایش مقالات مجله های پیک در سالهای خدمت در مرکز انتشارات آموزش - ترجمه و تالیف مقالات در مجله سخن ، راهنمای کتاب، اموزش وپرورش، نشر دانش و معارف ----------
---
آثار :
1 ترجم؟ ایزابل
ویژگی اثر : از آندره ژید
2 ترجم؟ زندگی میکل آنژ
ویژگی اثر : ترجمه،تالیف :رومن رولان
3 ترجمه آثار میکل آنژ
ویژگی اثر : این کتاب تالیف رومن رولان است واولین ترجمه اسماعیل سعادت می باشد که در سال 1334 به چاپ رسید . این کتاب برنده جایزه ادبی مجله سخن که بنیانگذار آن پرویز خانلری بود شد ه و بهترین ترجمه سال 1334 شناخته شده است .
4 ترجمه ابوسلیمان سجستانی منطقی او مانیست بزرگ قرن چهارم

هجری
ویژگی اثر : این مقاله توسط عبد الرحمان بدوی تهیه و تدوین یافته است
5 ترجمه اخلاق
ویژگی اثر : این کتاب تالیف جرج ادوارد مور است
6 ترجمه از وجوه و نظائر مقاتل بن سلیمان و حکیم ترمذی تا تفسیر امام صادق (ع)
ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است
7 ترجمه از وولف تا کانت
ویژگی اثر : بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه کاپلستون، سروش 1372
8 ترجمه اسپینوزا
ویژگی اثر : این کتاب تالیف راجر سکروتن است ض
9 ترجمه انرژی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزا ک آسیمون است
10 ترجمه ایزابل
ویژگی اثر : آندره ژید
11 ترجمه بخشی از سیر فلسفه در جها ن اسلام
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ماجد فخری است
12 ترجمه بکر زدایی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است
13 ترجمه پل نویا
ویژگی اثر : این مقاله تالیف دانیل ژیماره است
14 ترجمه تاریخ فلسفه
ویژگی اثر : این کتاب تالیف کاپلستون است و بخش اول از جلد ششم توسط اسماعیل سعادت ترجمه شده است .
15 ترجمه تاریخ و فلسفه
ویژگی اثر : این کتاب تالیف بریه است و شامل هفت جلد می باشد که جلد های اول و دوم و چهارم آن توسط اسماعیل سعادت تر جمه شده است .
16 ترجمه تفسیر قرآنی و پیدایش زبان عرفانی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است
17 ترجمه تفسیر قرآنی وزبان عرفانی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف پل نویا است
18 ترجمه تلخکامیهای سوفی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف کنتس دوسگور می باشد .
19 ترجمه خیمه شب بازی درهند

ویژگی اثر : این مقاله درمجله سخن به چاپ رسیده است
20 ترجمه در کون وفساد
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ارسطواست
21 ترجمه درآسمان
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ارسطو می باشد .این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «در آسمان» در آسمان/ ارسطو؛ ترجمه اسماعیل سعادت.- تهران: هرمس، 1379 . بیست و یک، 306 ص: مصور. واژه¬نامه. کتابنامه: ص [299]-306. ترجمه امّهات متون فلسفی یکی از نیازهای فرهنگی ماست. به دلیل تأثیری که فلسف؟ ارسطو در تکوین فلسف؟ اسلامی داشته، ترجم؟ آثار ارسطو برای اهل فلسف؟ ما بسیار ضروری است. در آسمان، به رغم استطرادهای اجتناب ناپذیر، یکی از منظم ترین، روشن ترین و سامان یافته ترین رساله های مجموع؟ ارسطویی است. این رساله، که درمورد ویژگیهای اجسام جهان تحت قمر و دیگر انواع تغییرات آنها، با اطلاعات دقیقتر در کون و فساد و کائنات جوّ، و در بخش کیهان شناختی خود، با کتاب لامبدای متافیزیک، کامل می شود، تصویر تمام نمایی از جهان جسمانی به دست می دهد. موضوع این رساله بررسی حرکت انتقالی (حرکت مکانی) در اطلاق آن بر موجوداتی است که کلّ جهان هستی را تشکیل می دهد و مشیِ کلّی رساله تمایز اساسی میانِ «جهان فوق قمر» شامل فلک ثوابت و افلاک سیارات مختلف، از یک سو، و «جهان تحت قمر» از سوی دیگر است که از زمین ما تا منطق؟ بلافاصله واقع در زیر قمر امتداد می یابد. مترجم محترم، این رساله را از روی دو ترجم؟ فرانسوی (ژ. تریکو و پل مورو) و یک ترجم؟ انگلیسی (ج. ل. استاکز) و با توجه به ترجم؟ عربی آن (عبدالرحمن بدوی) به فارسی برگردانده است. البته در ترجم؟ فارسی از ترجم؟ فرانسوی تریکو پیروی کرده، ولی در مواردی که ترجم؟ تریکو را روشن نیافته از دو ترجم؟ دیگر فرانسوی و انگلیسی یاری گرفته و ترجمه ای امین و قابل اعتماد فراهم ساخته است. از امتیازات این ترجمه، یادداشتهای آخر کتاب است که مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامهای آن برپای؟ ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این رساله ترتیب داده است. مترجم در عین تقید به شیوایی و رسایی، دقت را فدای سادگی بیان نکرده و اگر گاهی تعقیدی در این ترجمه دیده می شود، به دلیل پیچیدگی متن اصلی و بیان ارسطو است. از دیگر ویژگیهای ترجم؟ حاضر این است که اصطلاحات کتاب همان اصطلاحاتی است که در فلسف؟ اسلامی به کار رفته و مترجم معادلهای انگلیسی و فرانسوی غالب اصطلاحات را هم در پانوشت ذکر کرده است.

در متنی چنین سنگین، رعایت نقطه گذاری درست یک اصل اساسی است، که مترجم این اصل را بسیار خوب رعایت کرده است. دو واژه نام؟ کتاب («فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی به فارسی» و «فارسی به فرانسه، انگلیسی، یونانی و لاتینی») بر فاید؟ ترجمه افزوده است
22 ترجمه درسایه آفتاب
ویژگی اثر : نشر دریانورد ، 1380
23 ترجمه رسالت کتابخانه
ویژگی اثر : این مقاله تالیف آندره موروامی باشد
24 ترجمه رساله اسما الله فخررازی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژ قنواتی است
25 ترجمه رساله دراصلاح فاهمه
ویژگی اثر : این کتاب تالیف اسپینوزا می باشد .
26 ترجمه رساله کتاب الصفات ابوسعید خراز
ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است
27 ترجمه زندگی ارسطو
ویژگی اثر : این مقاله توسط دیوگنس لائریتوس تالیف یافته است
28 ترجمه زندگی ارسطو درآثار تذکره نویسان سریانی و عرب
ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست است
29 ترجمه زندگی افلوطین و ترتیب و توالی رساله هایش
ویژگی اثر : این مقاله تلیف فرفوریوس است
30 ترجمه زندگی و آثار تا گور
ویژگی اثر : این مقاله درمجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است
31 ترجمه ژان غرغرو، ژان خنده رو
ویژگی اثر : کنتس دوسگور، هرمس 1381
32 ترجمه ساختار و واژگان تجربه عرفانی
ویژگی اثر : این مقاله ترجمه پل نویا است
33 ترجمه سرود نیبلو نگن
ویژگی اثر : این کتاب حماسه قوم ژرمن است
34 ترجمه سیری دررساله های ابوسعید خراز
ویژگی اثر : این مقاله تالیف پل نویا است
35 ترجمه شیر و جادوگر
ویژگی اثر : این کتاب تلیف سی . اس لویس می باشد
36 ترجمه ظهور کرامیه درخراسان
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ادموند بوزورث است
37 ترجمه عصر بدگمانی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف ناتالی ساروت است ض

38 ترجمه فلسفه ابو سلیمان سجستانی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف فهمی جدعان است
39 ترجمه فن ترجمه انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلام
ویژگی اثر : این مقاله تالیف عبدالرحمان بدوی است
40 ترجمه کشفیات نوین در روان پزشکی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف کلیفورد آلن می باشد .
41 ترجمه کودکان وحشی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژرژبلون است
42 ترجمه گرولوس ،نخستین کتاب ارسطو
ویژگی اثر : این مقاله تالیف هرمان کروست میباشد
43 ترجمه گفت و گو درباره مرگ
ویژگی اثر : این مقاله تالیف لودویک اسکنازی است
44 ترجمه گوشه ای از داستان سفرهای فیلسوفان یونانی به ایران
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ماریا دزیسکا است
45 ترجمه ماجرای دریفوس
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ژان بلوک میشل بوده وشامل یادداشتهای روژه مارتن دوکارمی باشد
46 ترجمه مرگ الیویه بکی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف امیل زولا می باشد و در مجله سخن چاپ شده است
47 ترجمه مسئله اختیار در تفکر فلسفی و پاسخ معتزله به آن
ویژگی اثر : این کتاب درباره آراء معتزله درباره مساله اختیار است درتقابل با آراء مذاهب کلامی دیگر
48 ترجمه مونتنی
ویژگی اثر : این کتاب تالیف پیتربوک است
49 ترجمه میکروبها
ویژگی اثر : این کتاب تالیف آیزاک آسیموف است
50 ترجمه نظریه مثل ومسئله معرفت در فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : این مقاله تالیف ابراهیم مدکور است
51 ترجمه نهضت ترجمه در جهان اسلام
ویژگی اثر : این مقاله نگارش ابراهیم مدکوراست
52 ترجمه وویرایش فرهنگ آثار
ویژگی اثر : این کتاب درپنج جلد می باشد
53 دانشنامه زبان و ادب فارسی
ویژگی اثر : انتشارات زبان و ادب فارسی، 1384
54 رای بعد از مای نکره

ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است
55 زبان فارسی،ممیز ذیروح ازغیر روح
ویژگی اثر : این مقاله درفصلنامه نشردانش به چاپ رسیده است
56 کدام عذرا؟
ویژگی اثر : این مقاله در فصلنامه نشر دانش به چاپ رسیده است
57 یادی از حجه الاسلام غزالی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است
58 یادی از فخرالدین رازی
ویژگی اثر : این مقاله درمجله معارف به چاپ رسیده است ----------
---

منابع :

1http://www.aftab.ir/articles/art_culture/literature_verse/c5c1183292543_esmaeel_saadat_p1.php2http://www.ketabnews.com/detail-7125-fa-0.html3www.ketabesal.ir4کیمیای سعادت ، گفتگو با اسماعیل سعادت ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،سال چهارم ، شماره هفتم ،اردیبهشت 1380 ، پیاپی 43 ، ص 4

سعادت، فضل‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فضل‌اللّٰه بن مرحوم التقی الزکی آقا اسماعیل بن العالم الجلیل ملا عبدالصانع بن ملا محمدباقر گیلانی رشتی. از علماء و ائمه جماعت معاصر تهرانست.
وی در سال 1294 شمسی در رشت متولد شده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در آنجا از آیت‌اللّٰه حاج سید حسن بحرالعلوم و دیگران خوانده و در سال 1352 قمری مهاجرت به قم نموده و مکاسب و کفایه را در خدمت آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی به پایان رسانیده و هم از مرحوم ادیب تهرانی و آیت‌اللّٰه حاج سید احمد زنجانی استفاده کرده.
سپس در درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حجت و حاج سید محمدتقی خوانساری و بالاخص آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی شرکت نموده و پس از چند سال به امر آن مرحوم به رشت آمده و در صالح‌آباد رشت نزدیک سبزه‌میدان به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخته و مسجد و مدرسه آنجا را تعمیر و آباد نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به جهت پاره‌ای از مصالح رحل اقامت به تهران افکنده و تاکنون در مسجد محله (حمام گلشن) که قبلا مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید احمد لواسانی بودند به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای سعادت که داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم حجتی گیلانی دانشمندی وارسته و مانند اسمش موصوف به فضل و تقوا دارای اثر نفیسی در موضوع حج می‌باشند که هنوز بطبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سعادت، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد علی بن السید الاجل الحاج سید محمد هاشم بن العالم الجلیل عبدالهادی بن العالم العلام السید محمد بن السید هاشم بن السید ابوالحسن بن السید هاشم بن العلامه الفقیه المجتهد السید عبدالله بلاد بحرینی مشهور بسعادت از فضلاء کرام و علماء اعلام شهرستان بهبهان و اصدقاء این نگارنده است و ولادتش در بهبهان واقع شده و در خاندانی اصیل و نجیب و شریف تربیت یافته والدش گرچه تاجر و در کسوه روحانیت و از اخیار بهبهان بشمار میرود.
آقای سعادت بعد از فراغت از دروس جدید بتحصیل علوم قدیمه پرداخته و مدت ده سال در مدرسه عالی سپهسالار و مدارس تهران مقدمات و ادبیات و سطوح را خوانده آنگاه بنجف اشرف مشرف و ده سال هم در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله کسب فیض و استفاده فقه و اصول نموده آنگاه بایران مراجعت و چند سالی است در وطن مألوف و مسقط الرأس خود بهبهان باقامه جماعت و ترویجات دینی و وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.
دو هجرت بزرگ از بهبهان و آثار آن
جناب مترجم ما آقای سعادت برای نگارنده نقل کردند که دو نفر دانشمند بزرگوار برای خدا از بهبهان مهاجرت کردند و بریاست دنیوی و دینی رسیده‌اند.
اول- علامه کبیر آیه‌الله وحید فی‌العالمین آقا محمد باقر وحید بهبهانی و جریان هجرتش از این قرار است که این بزرگوار در مسجد خود نماز میخواندند و عالم دیگری که از جهت معلومات رتبه شاگردی او را هم نداشتند در محله‌ی دیگر نماز میخواندند جماعت او بسیار بودند پس کدخدای محل آقا باقر میرود و مردم آن محل و محله‌های دیگر را بزور و تهدید و غیره میآورد بطوریکه مسجد پر شده و مردم در خارج مسجد میایستند و چون آقای آقا باقر میآید و آن مردم را میبیند تعجب میکند که چطور این مردم اجتماع نموده‌اند، پس کد خدا نزدیک آمده و ابراز میکند که آقا این مردم را من جمع کرده‌ام که نماز شما پر جمعیت‌تر از نماز فلان آقا باشد، آقای آقا باقر ناراحت شده ولی چیزی نمیگوید، نماز مغرب را خوانده و ببهانه تجدید وضو بمنزل آمده و میگوید من رفتم کربلا و نماز عشا را در بقعه بشیر و نذیر که در یکفرسخی بهبهانست میخواند و با

زحمت فراوان خود را بکربلا رسانیده و در اثر این مجاهده با نفس کم کم کارش بجائی میرسد که وحید علی‌الاطلاق گردیده و مرجع کل فی‌الکل میگردد.
دوم- آیه‌الله العظمی حاج سید اسماعیل موسوی بهبهانی که در مسجدی نماز خوانده و در مقابلش آیه‌الله حاج سید محمد صالح طباطبائی در مسجد دیگر و همواره میان مریدان وی و مریدان آقا نزاع و اختلاف بوده تا جائیکه شبی مریدان آن آقا بروی مریدان وی آب گل و خاک پاشیده و آنها را توهین و اذیت میکنند.
مردم خدمت آقا سید اسمعیل رسیده جریان را گفته و اجازه میخواهند که متقابلا آنها را مورد حمله قرار دهند پس آقا سه روز مهلت میخواهد و در این سه روز تمام اموال خود را جمع کرده و مردم را دعوت میکنند آقا قصد حمله بآنها دارد وقتی حاضر میشوند میفرمایند بهبهان یک شهر کوچکی است و برای آن یک عالم مانند آیه‌الله آقا میر محمد صالح کافی است و من در اینجا وجودم بیهوده است، من بنجف خواهم رفت و هرچه مردم اصرار کردند نپذیرفت بنجف رفته و در درس شیخناالانصاری شرکت کرده و مورد توجه آن بزرگوار میشود تا وقتیکه ناصرالدین شاه مشرف شده از جناب شیخ عالم و مجتهدی برای تهران میخواهد شیخ انصاری ایشان را معرفی کرده و شاه ایشان را بتهران آورده و یکی از علماء و مراجع بزرگ تهران شده و بیت بهبهانی را در تهران تشکیل میدهند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعید تهرانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1337 ق.، تهران.
درگذشت: 21 دی 1374، قم.
حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.
سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال 1370 ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال 1385 ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.
آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمرتین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان 1333)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (1326)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (1412 ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (1396 ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (1399 ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، 1367)، خدا و رمضان (1391 ق.)؛ خدا و ولی الامر (1392 ق.)؛ خدا و مهدی (1394 ق.)؛ دایرةالمعارف قرآن (12 مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (1406

ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (1361)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (1361)؛ ما با خدا کار داریم (1406 ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (1402 ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (1412 ق.)؛ مسئولیت (1409 ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (1404 ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (1415 ق.)؛ نگهبان مکتب ما (1410 ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (1403 ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (1399 ق.).
آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (1380 ق.)؛ الرسول یحدثنا (1394 ق.) الرسول یدعوکم (1398 ق.)؛ الرسول الشیعه (1398 ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول 1379 ق. جلد دوم 1382 ق.)؛ شیعتنا (1402 ق.)؛ موسوعة المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریظ).
آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی 1374 (نوزدهم شعبان 1416 ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.
حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج میرزا عبداللَّه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.
تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللَّه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.
(1416 -1338 ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللَّه حیکم و آیت‌اللَّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللَّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در 1380 ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای

کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللّه حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[1]
حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص 483 گذشت معظم‌له در سال 1337 قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ 1399 قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.
1- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.
2- شرح مکاسب سه جلد.
3- اصول دین.
4- افکار پریشان.
5- همه در انتظار اویند چاپ شده.
نویسنده گوید: آیت‌اللّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.
خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام

مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللّه عجل اللّه فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللّه عنهم خیرالجزاء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار حضرت آیت‌اللّه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (483/ 4).

سعید تهرانی، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1305 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در 1330 ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیةاللّه شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در 1333 ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در 1342 ق به قم رفت و از آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه کبیر بهره‌ها گرفت. در 1356 ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[1]
آیت‌اللّه مرحوم حاج میرزا عبداللّه ابن آیت‌اللّه حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال 1305 ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال 1330 ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه شریعت و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلائی و غیر هم استفاده نموده و در سال 1333 ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال 1334 ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال 1342 ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال 1356 ق پس از فوت آیت‌اللّه حایری به تهران مراجعت نموده و تا سال 1391 قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن 86 سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک

سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:
1- حاشیه بر مکاسب 2- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر 3- اصول فلسفه 4- رساله‌ای در مشتق 5- سنن النبی (ص) 6- متفرقات دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (258/2)، آینه‌ی دانشوران (209 -208)، زندگینامه رجال و مشاهیر (53/4)، گنجینه‌ی دانشمندان (483 -482 /4).

سعیدای گیلانی، محمد سعید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، حکاک، خطاط و شاعر. معروف به سعیدا و بی‌بدل خان. او از خاندان بازرگانان و متمکن بود. در فن نقاشی و طراحی، طلا و نقره و جواهرشناسی عدیل نداشت. شعر و بخصوص ماده‌ی تاریخ را بسیار خوب می‌گفت. سعیدا در زمان جهانگیر پادشاه به هند رفت و به داروغگی زرگرخانه‌ی شاهی منصوب شد و در عهد شاه جهان نیز همان خدمت را بر عهده داشت و بی‌بدل خان ممتاز شد. تخت مرصع شاهجهانی معروف به تخت طاووس در مدت هفت سال به سرپرستی وی ساخته شده است. زندگیش تا سال 1047 ق، که ماده‌ی تاریخ بنای مسجدی را در قطعه شعری آورده است، معلوم است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (746 -745 /3)، احوال و آثار نقاشان (825 -824 /2)، تذکره‌ی روز روشن (357)، تذکره‌ی نصرآبادی (377)، الذریعه (452/9)، فرهنگ سخنوران (458 -457)، کاروان هند (560 -558 /1)، نامها و نامدارهای گیلان (255).

سعیدی زاده، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول سعیدی زاده
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1
زندگینامه علمی
شیخ رسول سعیدی زاده فرزند طاهر از محققان و پژوهشگران مقیم مشهد در غروب آخرین روز خرداد سال 1344 هـ.ش مصادف با سالروز تولد خاتم پیغمبران در یکی از محلات قدیمی شهر رشت به نام پلکو (جنب کوچه مهدیه فعلی) متولد گردید.
پدر و مادرش هر دو اهل رشت و اجدادش از حومه آنجا بودند. پدر او یک کارگر ساده و مادرش زنی زحمت کش بود، که در میانسالی به خاطر تحمل کار و سختی زیاد از حد زندگی جان بر کف نهاد و دار فانی را وداع گفت. سعیدی زاده متاهل و دارای دو فرزند دختر و پسر و نیز جانباز انقلاب اسلامی می باشد.
او تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در زادگاهش خواند و سپس درسال 1362 هـ.ش، برای فراگیری دروس حوزوی وارد مدرسه علمیه جامع رشت شد. پس از طی دروس مقدماتی درسال 1366 هـ . ش، به مشهد مهاجرت و در آنجا سطح و بعد خارج فقه و اصول را به مدت شش سال متوالی خواند. هم زمان دروس مقدمات حوزوی را در مدرسه آیت الله خوئی تدریس نمود. در کنار درس های حوزه به تحصیلات دانشگاهی تمایل یافت و توانست درسال 1372 هـ . ش، در رشته کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد و در سال 1384 هـ . ش، در رشته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد فارغ التحصیل شود. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او «خاندان های معروف سادات با تکیه بر خاندان علمی» است.
از جمله اساتیدی که حق بزرگی در تربیت او دارند می توان به آیات عظام شیخ محمد ازدی لاکانی، سید مجتبی رودباری، سید علی اکبر بنی هاشمی، سید حسن مرتضوی شاهرودی، سید جواد فقیه سبزواری و استاد رضا زاده نام برد.وی مسافرت هایی به کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و عربستان

انجام داده که حاصل آن چند سفرنامه مکتوب است.
سعیدی زاده در کنگره های داخلی چندی از جمله مشارکت در شیراز، مسکن در اصفهان، دومین و نیز سومین کنگره دیدگاه های اسلام در پزشکی در مشهد، میراث علمی و معنوی حضرت فاطمه زهرا (س) در مشهد، بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف الدین در قم، بزرگداشت عالمان فرزانه نهاوندی در نهاوند همدان و بزرگداشت حکیم متاله سید جلال الدین آشتیانی در مشهد و غیره شرکت نمود.

سعیدی کازرونی، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالوهاب سعیدی کازرونی متولد 1249 و متوفی 1324 شمسی فرزند سید حسن از شعراء و ادباء این سامانست رساله منظومی بنام (هادی السبیل) دارد که طبع شده.
(1324 -1246 ش)، ادیب و شاعر، متخلص به سعیدی. وی در کازرون متولد شد. علوم ادبی فارسی و عربی را آموخت و در قصیده و غزل مهارت داشت و بیشتر علاقه به سرودن هزل داشت. و مدتی در بوشهر زیست. از آثار وی: «هادی السبیل»؛ «دیوان» شعر.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (167 -163/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (26/ 4).

سعیدی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1367 -1275/1274 ش)، عالم، محقق، مترجم و نویسنده. وی در قریه‌ی نوزاد از توابع بیرجند به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه‌ی نوزاد گذراند سپس با خانواده‌اش به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی شوکتیه‌ی این شهر به فراگیری علوم ریاضی، طبیعی، هیئت و نجوم و همچنین زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی به خدمت در بانک مشغول گردید. ابتدا در مدرسه‌ی شوکتیه به تدریس پرداخت و سپس به تهران آمد و با همکاری دکتر سید جعفر شهیدی مجله‌ی «فروغ علم» را منتشر ساخت. پس از ایجاد دولت پاکستان، بارها به آن مملکت سفر کرد و با آراء و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری آشنا شد و زبان اردو را آموخت وی در تهران وفات یافت. از سعیدی در حدود شصت اثر در زمینه‌های تالیف و ترجمه بر جای مانده که از آن جمله‌اند: «عمار یاسر»؛ «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»؛ «اقبال شناسی»، ترجمه؛ «فرد و اجتماع»؛ «برنامه‌های انقلاب اسلامی»؛ «اول اخلاق مابعد تمدن آنها»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 2، ش 7، ص 12 -3 و س 5، ش 9، ص 50)، مؤلفین کتب چاپی (704 -702 /4)، نشر دانش (س 9، ش 1، ص 103).

سعیدی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد کاظم بن المرحوم حجه‌الاسلام آشیخ غلامحسین بن‌العلام آخوند ملا محمد فرشه‌ای از علماء اعلام معاصر آمل است که در این شهرستان بخدمات دینی و روحی اشتغال دارد. وی در سال 1309 شمسی هجری در قریه فرشه بالا ولایت کاشمر خراسان متولد شده و مقداری از ادبیات را در خدمت مرحوم والدش خوانده و سطوح را در کاشمر فرا گرفته و بمشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین بزرگ مشهد استفاده نموده و در سال 1341 شمسی بنابر دعوت و تقاضای عده‌ای از مؤمنین آمل مهاجرت باین شهر نموده و رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات روحی و دینی اشتغال دارد. آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان از این قرار است:
1- تشکیل کتابخانه مجهز در محیط مسجد جامع. 2- اداره حوزه علمیه آمل. 3- تشکیل انجمن درس قرآن که تاکنون شصت شعبه در شهر و حومه آن دارد و در تمام شعبات هفته دو شب تشکیل جلسه داده و برنامه‌های مذهبی را از درس تفسیر و مسائل احکام و اعتقادات اجراء مینمایند. 4- تأسیس دو دستگاه پایگاه تبلیغات معارف جعفری بنام سالن انجمن درس قرآن شهرستان آمل شماره 1 و شماره 2.
اما تألیفات ایشان: 1- رساله‌ای در عدم تحریف قرآن که ناظر کتاب فضل الخطاب حاجی نوری رحمه‌الله است. 2- رساله‌ای در اعجاز عموما و در اعجاز قرآن خصوصا. 3- کتابی بنام خطریکه اسلام را تهدید میکند که در آن کتاب از نیرنگهای کلیسا و استعمار پرده برداشته شده و خطراتی که از طرف اقلیت‌های مذهبی متوجه اسلام است شرح گردیده است. 4- ترجمه کتاب المحاسن والمساوی ابراهیم بن محمد بیهقی بنام خوبیها و بدیها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سعیدی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مؤلف.
تولد: 1268، تهران.
درگذشت: 12 اردیبهشت 1361.
محمد سعیدی، فرزند محمدعلی، تحصلات مقدماتی را در مدرسه‌ی تربیت و سپس زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمه را نزد استادان فن آموخت. نخستین مقاله‌های او در روزنامه‌ی «شفق سرخ» چاپ شد. در مجله‌های «آینده» و «مهر» و غیره مقاله می‌نوشت. مدت سه سال مجله «راه نو» را انتشار داد و مدتی نیز بر انتشار مجله «ایران آباد» نظارت داشته است. به سمتهای سناتوری، کفالت وزارت راه، معاونت نخست وزیر و سرپرستی انتشارات و رادیو رسید. علاوه بر مقاله‌های وی در مطبوعات، آثاری را ترجمه کرده است. از جمله ترجمه‌های او است: آخرین روز یک محکوم (ویکتور هوگو، 1306)؛ اخلاق روجی (ساموئل اسمایلز، 1308)؛ انسان در تکاپوی تمدن (اوین پالو، 1335، این کتاب به این نام نیز منتشر شده است: تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن)؛ ایفی ژنی (گوته)؛ بادبزن خانم و بندر مرسالومه؛ اهمیت ارنست بودن (اسکار وایلد، 1336)؛ تاریخ عرب (فیلیپ حتی، 1336)؛ جنگ‌های ایران و روم (پروکوپیوس، 1311)؛ چهار نمایشنامه- الکترا؛ زنان تراخیس؛ فیلوکتتس؛ آژاکس- (سوفوکل، 1335)؛ خطابه‌ی ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر (1333)؛ خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی (سرهنگ سرآرنولد ویلسون، 1310)؛ راز آفرینش انسان (ا. گریسی موریس، 1334)؛ زیر درختان زیرفون (آلفونس کار، 1335)؛ سه نمایشنامه- اودیپوس شاه، اودیپوس در کولولوس، آنتی‌گون (سوفوکل، 1334)؛ فروید، شرح حال (استفان تسوایک، ترجمه به نام مستعار)؛ کریستف کلمب (ساموئل الیوت وریس، 1338)؛ لردکرزن (1322)؛ ماکدولین یا در سایه‌ی درختان زیرفون (ترجمه از عربی متن آلفونس کار، 1306)؛ مقالات اجتماعی (آرتور بریزیان، 1322)؛ هلن، هیپولیت، ارنست، ایون (اوریپید، 1338)؛ سالومه و هلن؛ و آثار دیگری از تری‌پید و افلاطون. از جمله تألیفات وی می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: امیر کبیر (1335)؛ خاطرات سفر آمریکا (1336).
وی به دریافت نشان همایون و چندین نشان دیگر نایل آمده است.

(تو 1286 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. در تهران متولد شد. زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمی را در نزد استادان فن آموخت. نویسندگی را با نخستین مقالات در روزنامه‌ی «شفق سرخ» شروع کرد. و با آن که به کار سیاست می‌پرداخت اما از مطالعه و تحقیق غافل نبود. از جمله مشاغل سیاسی وی معاونت وزارت راه و سرپرستی اداره‌ی تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری بود. وی چند سالی نیز مدیریت مجله «راه نو» را داشت. از آثار وی، ترجمه‌ها: «آخرین روز یک محکوم»؛ «اخلاق روحی»؛ «تاریخ عرب»؛ «امیر کبیر»؛ «راز آفرینش انسان»؛ «مقالات اجتماعی».[1]
در 1280 در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مدرسه‌ی ادب وارد کالج آمریکائی‌ها شد و دوره‌ی آنجا را به اتمام رسانید. سپس به مدرسه‌ی سن‌لوئی رفت و دوره‌ی آنجا را نیز پایان داد. خدمات اداری خود را از وزارت فوائد عامه شروع کرد و سرانجام در وزارت راه به مقامات بلند رسید. مدتی معاون وزارت راه و زمانی سرپرست آن وزارتخانه بود. مدتی نیز نه چندان طولانی ریاست اداره کل انتشارات و تبلیغات و معاونت نخست‌وزیری را در نخست‌وزیری سپهبد زاهدی عهده‌دار گردید. در سال 1342 به سناتوری تهران رسید و مجموعا سه دوره‌ی چهارساله در مجلس اعیان عضویت داشت. در 1354 به مجلس سنا راه پیدا نکرد و به معاونت شریف امامی در بنیاد پهلوی منصوب شد. سعیدی نویسنده‌ای محقق و مترجمی دقیق و پرکار و نکته‌سنج بود. آثار زیادی از او چاپ و انتشار یافته است. از جمله کتابهای خلیج‌فارس، جنگهای ایران و روم، تاریخ عرب، سفرنامه‌ی آمریکا و بالاخره شعله‌های نبوغ را می‌توان نام برد که با قلمی شیوا و روان ترجمه شده است. وی مدتی مجله‌ی راه نو را انتشار می‌داد که از مجلات معتبر و خواندنی زمان خود بود. از نوجوانی در زمینه‌های ادبی و تاریخی با مطبوعات همکار داشت. در 1365 در آمریکا درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (504 -500/ 5).

سعیدی، نیره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1371 -1299 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ژاندارک به پایان رساند، سپس از دانشسرای عالی تهران در رشته‌ی ادبیات فرانسه و فارسی موفق به اخذ لیسانس گردید. به منظور ادامه‌ی تحصیلات به پاریس رفت و بعد از چند سال به ایران بازگشت. وی به مدت دو سال مجله‌ی «بانو» را به مدیریت خود در تهران نشر داد که نخستین نشریه‌ی اختصاصی بانوان محسوب می‌شود. او دو دوره به نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی برگزیده شد. و از اعضای موسس شورای عالی جمعیت زنان بوده است. مقالات و اشعار او در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی در تهران وفات یافت. از آثار او است: ترجمه‌ای از آثار لافونتن به نام «قصه‌های لافونتن» (برنده‌ی حایز یونسکو)؛ ترجمه‌ی «شطرنج باز»؛ ترجمه‌ی «کازانوا» و مجموعه‌ی شعر به نام «ترانه‌ی من».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران (150 -146)، زنان سخنور (368 -360 /3)، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران (231 -230)، مجموعه‌ی گلها (416 -415 /2)، مؤلفین کتب چاپی (671 -670 /6).

سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین، ابویعقوب یوسف

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(626 -555/554 ق)، ادیب، نحوی. مشهور به سکاکی و موصوف به علامه. محل تولد وی خوارزم بود. حنفی معتزلی بود و از ادبای بزرگ عهد سلطان محمد خوارزمشاه و معاصر ابن‌حاجب. در نحو، صرف، منطق، کلام، بیان، شعر، عروض و معانی و قوافی توانا بود. می‌گویند در بدایت حال شغل آهنگری داشته و در سی سالگی به فراگیری علم روی آورده و در علوم غریبه نیز دست داشته است. وی در خوارزم درگذشت. قبر او در کنار آب تیکه می‌باشد.از جمله آثار او: «مفتاح العلوم»، که دوازده علم از علوم عرب را در آن آورده است و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است؛ رساله‌ای در «علم مناظره».[1]
سراج‌الدین ابویعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربیت قرن ششم و هفتم (و. 555- ف. 626 ه.ق.) مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» (ه. م.) وی در انواع علوم مخصوصا علوم ادبی و بالاخص علوم بلاغی متبحر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (294/9)، تاریخ ادبیات در ایران (293 -292 /3)، حبیب السیر (81 -80 /3)، روضات الجنات (202 -200 /8)، ریحانه (44 -42 /3)، سرآمدان فرهنگ (468/1)، کشف الظنون (1763 -1762)، الکنی و الالقاب (316/2)، لغت نامه (ذیل/ ابویعقوب)، معجم الادبا (59 -58 /20)، معجم المؤلفین (282/13)، هدیه الاحباب (150)، هدیه العارفین (553/2)، یادداشتهای قزوینی (148/3).

سلاجقه، پروین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پروین سلاجقه در سال 1340 در شهر بافت از توابع کرمان به دنیا آمد .ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (در سال 1380) می باشد.نامبرده هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد.وی از دوران دبستان ادبیات را دوست داشت و در دوران دانشجویی هم تالیفات و ترجمه های داشته است. کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
خاطرات کودکی : پروین سلاجقه تا سن 13 سالگی در بافت از توابع کرمان زندگی کرد. پس از آن به کرمان رفت و تا 18 سالگی در آن شهر ماند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پروین سلاجقه دوره ابتدایی و راهنمایی را در شهر بافت گذراند و دوره دبیرستان را در مدارس بهمن یار و دانشسرای مقدماتی دختران طی کرد. در سال 1365 در مقطع کارشناسی در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد و در سال 1374 تا 1376 دوره کارشناسی ارشد را در همان رشته در دانشگاه آزاد اسلامی گذراند وی در سال 1376، بعد از ورود به دانشگاه علوم تحقیقات در مقطع دکتری. در سال 1380 موفق به اخذ مدرک در رشته ادبیات فارسی شد.
خاطرات و وقایع تحصیل : پروین سلاجقه از دوران تحصیل خود چنین می گوید:هنر و ادبیات را از دوره دبستان دوست داشتم. در دبیرستان در زمینه ادبیات بسیار فعال بودم و سرودن شعرهای اولیه خود را از آن دوره شروع کردم. تالیفاتم از دوره‌ای که دانشجوی دکتری بودم شروع شد.
استادان و مربیان : پروین سلاجقه از آقای توحیدی -یکی از دبیران در کرمان -به عنوان فردی تاثیر گذار در زندگی علمی خود یاد می کند.
همسر و فرزندان : پروین سلاجقه متاهل است.
وقایع میانسالی : پروین سلاجقه همزمان با کار بر روی پایان نامه دکتری

اش، فعالیت‌های جدی‌تری را همچون نوشتن مقالات متعدد در جراید و مجلات و فصل‌نامه‌های تخصصی را شروع کرد.وی در باره چنین می گوید" فعالیت‌هایم در زمینه نقد و نظریه ادبی در نقد شعر و رمان و در زمینه ادبیات کودک ادامه پیدا کرد. سپس مجموعه نقدی به نام «نقد شعر معاصر» را انجام دادم که اولین شماره این مجموعه با عنوان «امیرزاده کاشی‌ها» -که نقد شعر احمد شاملو بود- به چاپ رسید. همزمان با چاپ این کتاب، در نخستین جایزه نقد ادبی ایران و منتقد برتر ایران، از طرف خانه نقد ایران و بنیاد هنرمندان و نویسندگان، در زمینه نقد شعر معاصر و کهن جایزه دریافت کردم. سپس کتابی از من به نام «از این باغ شرقی» به چاپ رسید که حاصل تلاش‌های زیاد من در چند سال گذشته بوده است. "

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پروین سلاجقه هم‌اکنون عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است و به عنوان استادیار با دانشگاه‌های دیگر همکاری دارد و به عنوان راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد فعالیت می‌کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پروین سلاجقه در کنار فعالیت های خود به شعر، رمان، دانش نقد ادبی کلاسیک و مدرن علاقه‌مند است.

جوائز و نشانها : کتاب «از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)» تالیف پروین سلاجقه، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. -

---

آثار :

1 از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)

ویژگی اثر : تالیف پروین سلاجقه- تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. 1385. 608 صفحه .این کتاب در سال 1386 ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است

2 بنفشه کوچولو

ویژگی اثر : تالیف،کتابی فانتزی است.

3 درآمدی بر زیبایی شناسی شعر

ویژگی اثر : تالیف-این کتاب در دانشگاه تدریس می شود.

4 شماره از نقد شعر معاصر (شعر فروغ فرخزاد)

ویژگی اثر : در دست چاپ

5 صدای خط خوردن مشق

ویژگی اثر : تالیف

6 فرهنگ تحلیلی متیف، نشانه و نماد در شعر سبک هندی

ویژگی اثر : آماده چاپ
7 کتاب دیگری با عنوان «دنیای قشنگ پوپو» که فانتزی است و تعداد زیادی مقاله.
ویژگی اثر : در دست چاپ
8 مجموعه مقالات در زمینه نقد شعر
ویژگی اثر : در دست چاپ
9 مجموعه نقد شعر
ویژگی اثر : آماده چاپ
10 مجموعه نقد مقالات رمان
ویژگی اثر : در دست چاپ ----------

منابع :
1http://www.ibna.ir/vdcjo8ev.uqemtzsffu.html

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 300 ق)، مورخ. وی از مردم‌خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان».[1]
ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر.4 ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولاة خراسان».
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] سرآمدان فرهنگ (468/1)، لغت نامه (ذیل/ سلامی).

سلطان المتکلمین، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1353 ق)، عالم دینی، رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه می‌پرداخت. از وعاظ مشروطه طلب بود، و همه‌ی طبقات از منبرش سود می‌جستند. وی دارای تالیفات چندی است. از جمله آثارش: «زبده المآثر»، در شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر تالیفات او؛ منظومه‌ی «تریخ ام‌المصائب سیدتنا زینب بنت امیرالمومنین (ع)»، به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اساس السیاسه فی تاسیس الریاسه»، در ابتدا عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر شرح داده شده و سپس سایر اخلاق و آداب ریاست بیان شده؛ «بشارات الامه»، در موالید ائمه (ع)، که در ابتدای آن اصول عقاید مفصلا بیان شده؛ «ترجمه موسی المبرقع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (32/12، 166/4، 263، 112 /3، 7/2)، شرح حال رجال (198/5)، ریحانه (62 -61 /3)، علماء معاصرین (368 -367)، معجم المؤلفین (58/9).

سلطان الواعظین شیرازی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1314 ق)، عالم دینی، متکلم، نویسنده و واعظ. در تهران به دنیا آمد. مقدمات را در مدرسه پامنار تهران فراگرفت و در 1326 ق همراه پدرش به عراق رفت و مدت دو سال در کربلا توقف کرد و سطوح متوسطه را نزد فاضل مرندی و شهرستانی خواند و در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به تبلیغ شریعت پرداخت. او برای تکمیل علم و دانش و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرتهائی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان نمود و با بسیاری از دانشمندان یهودی و مسیحی و علمای هند و همچنین با قادیانیها و بهائی‌ها مناظرات ینی و مذهبی کرد که مهمترین آنها دو مناظره‌ی بزرگ وی، در 1345 ق، یکی با برهمائیان در حضور قائد بزرگ هند، گاندی، در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب بود. جریان مناظره‌های وی در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. سلطان الواعظین در تهران درگذشت و در قم دفن شد. از آثارش: «شبهای پیشاور»، در یک هزار و پنجاه صفحه، گزارش مجلس مناظره‌اش در پیشاور؛ «صد مقاله سلطانی»، در بر یهود و نصارا؛ «گروه رستگاران یا فرقه‌ی ناجیه»، در دو مجلد.[1]
معروف به سلطان الواعظین شیرازی طاب الله ثراه عالمی کامل و واعظی عامل از جمله ستارگان درخشنده و مشعلهای فروزان حوزه علمیه قم است
وی فرزند ارجمند مرحوم حاج سید علی‌اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبر شاه می‌باشد در ماه ذی‌القعده الحرام سال 1314 قمری در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال 1326 قمری با والد مبرورش مشرف با عتاب عالیات شده و مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرندی و شهرستانی خاتمه داده و در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرتهای بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و

هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائیها و قادیانیها مناظرات دینی و مذهبی نموده که اهم آنها دو مناظره بزرگ در سال 1345 قمری در هندوستان بوده است.
1- در دهلی (پایتخت امروز هندوستان) با دانشمندان و براهمه بت‌پرستان هند در حضور زعیم و قائد هند (گاندی) معروف که به اثبات حقانیت دین مقدس اسلام و خاتمیت پیغمبر عظیم‌الشان مسلمین خاتمه پذیرفت که در تمام جرائد آن زمان درج گردیده است.
2- مجلس مناظره بزرگی با حضور دویست نفر تقریبا از رجال و بزرگان فریقین (شیعه و سنی) در شهر پیشاور پنجاب هند (پاکستان امروز) با دو عالم بزرگ از هشت ساعت انجام داده شد که مخبرین چهار روزنامه و مجله بزرگ گفتگوی طرفین را نوشته و در جرائد و مجلات خود نشر می‌دادند که در پایان شب دهم شش نفر از اکابر بازرگانان و اصناف و ملاکین و اشراف پیشاور فی المجلس مذهب حقه جعفریه را اختیار نمودند و همان مناظرات که در مجلات و روزنامه‌های پاکستان چاپ شده با تجدید نظری به امر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به صورت کتابی بزرگ به نام شبهای پیشاور به طبع رسیده است.
مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می‌شدم وی را عالمی بلندهمت و منیع‌الطبع و کریم‌النفس می‌دیدم حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه‌نشین و قادر بر حرکت نبود ولی باز در همین بازنشستگی از راه تالیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیده‌ی گذاشت که ذیلا می‌نگارم.
1- کتاب شبهای پیشاور در یکهزار و پنجاه صفحه که تاکنون بیش از بیست مرتبه به طبع رسیده و موجب استبصار هزاران نفر سنی ایران و افغان و پاکستان و غیره شده است.
2- صد مقاله سلطانی رد بر یهود و نصاری مکرر به طبع رسیده است.
3- گروه رستگاران جلد اول در بیش از پانصد صفحه.
4- گروه رستگاران جلد دوم در بیش از پانصد صفحه.
مرحوم سلطان‌الواعظین در ماه شعبان سال 1391 ق در تهران وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله از آن جناب شد در مقبره ابوحسین مدفون گردید حشره الله مع اجداده الطاهرین و رزقنا الله شفاعته یوم الدین.
پس از فوتش جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حایری تهرانی مرحوم ثقه‌الاسلام حاج سید جواد سه‌دهی را که از منبریهای برجسته تهران بودند در خواب می‌بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است

می‌گوید آقای سه‌دهی چطوری می‌گوید بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان‌الواعظین آمده است به هر کدام از ما یکدرجه داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (154 -150 /2)، الذریعه (206/18)، گنجینه‌ی دانشمندان (377 -375 /2)، مؤلفین کتب چاپی (507 -506 /5).

سلطان محمدی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل سلطان محمدی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابوالفضل سلطان محمدی پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی درمقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم و با فرا گرفتن دروس مقدماتی ، دروس سطح را در نزد استادان معظم آقایان : وجدانی فخر ، اعتمادی ، قدیری ، بنی فضل ، صالحی مازندرانی و استادی به پایان بردم و در سال 1369 به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم و اکنون بیش از پانزده سال است که در درس خارج فقه حضرت آیت الله میرزا جواد تبریزی و خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نموده و از محضر علمی ایشان استفاده می نمایم هم چنین در سال 1368 در موسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) در دوره کارشناسی علوم سیاسی پذیرفته شدم . پس از گذراندن این دوره در سال 1373 با مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی دفتر تبلیغات ، در حوزه تحقیق و پژوهش ابتدا در واحد اطلاع رسانی (نمایه سازی مجلات کتب و روزنامه ها) و سپس در پژوهشکده اندیشه سیاسی وابسته به این مرکز در گروه فقه سیاسی با گرایش فقه سیاسی ، تاریخ اندیشه عالمان شیعی ، احادیث و روایات اهل بیت (ع) به همکاری و فعالیت های تحقیقی و پژوهشی پرداختم که این همکاری در قالب پروژه های تحقیقی تا کنون ادامه یافته است .
محصول دوازده سال تلاش علمی اینجانب چهار کتاب و تعدادی مقاله بوده که در موضوعات گوناگون به نگارش درآمده و غالب آنها به چاپ رسیده است و برخی در دست تحقیق است .

سلطان‌العلماء بستکی، عبدالرحمن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1293 ق)، ادیب، مفتی و شاعر و. در قصبه‌ی بستک (از بخش‌های شهرستان لار) متولد شد. علوم متداول را از اساتید آن دیار آموخت و به منظور تکمیل معلومات خود به بندر لنگه و از آن جا به بصره رفت و از بصره به حجاز و در آنجا فقه و اصول را آموخت، آنگاه به مصر رفت و سپس به سوریه و مراکش و تونس و ترکیه و هندوستان مسافرت کرد و در علوم ادبی و دینی و فلسفه و اصول و منطق و معانی و بیان و فلسفه‌ی یونانی تبحر یافت. وی در سرون اشعار فارسی و عربی توانا بود. پس از این سفر و سیاحت طولانی به بستک برگشت و مدرسه‌ای تاسیس کرد و به تدریس مشغول شد و از جانب ناصرالدین‌شاه ملقب به سلطان‌العلماء شد. او اجبارا از بستک به بندر لنگه رفت و مدت چهل سال در آنجا به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت و سرانجام در همان شهر وفات یفات.از تالیفات او است: «الفواید الصمدیه»، به عربی و در نحو؛ «بدیعیه»، به عربی در بدیع؛ «رحبیه»؛ «سلطان الرسائل»؛ «شرح قطر» به عربی؛ «ظهور الحقایق»؛ «کشاف الحقایق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (3/ 173- 176)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (2/ 66- 67).

سلطان‌العلمای خراسانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1326 ق)، روزنامه‌نگار. معروف به روح‌القدس. وی مدیر روزنامه‌ی «روح‌القدس» بود که به مناسبت نام روزنامه، به «روح‌القدس» معروف گردید. سلطان‌العلماء از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان بود که در سال 1325 ق روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در تهران و به مدت یکسال منتشر کرد. بیشتر مقالات این روزنامه علیه استبداد و خصوصا شخص محمدعلی‌شاه بود و به همین جهت دفتر روزنامه که در خیابان چراغ برق بود، به وسیله‌ی قشون استبداد اشغال شد. وی بعد از واقعه‌ی به توپ بستن مجلس در 23 جمادی‌الاولی 1326 ق، زندانی شد و پس از شکنجه‌ی بسیار او را خفه کرده، جنازه‌اش را به چاه انداختند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (820 -819، 440)، شرح حال رجال (44/2).

سلطان‌القراء

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. شاه قرآن خوانان) (شیخ) عبدالرحیم بن شیخ ابوالقاسم (و. تبریز 1255- ف.تبریز 1336 ه.ق.)ٍ وی در علم تجوید در عصر خود استاد بود و فاضل ایروانی و شیخ فرج‌اللّٰه بن حاج محمد تبریزی جزو شاگردان او بودند. از تألیفات وی رساله‌ای است در علم تجوید موسوم به «درالمنثور» و رساله‌ای دیگر در تجوید و حاشیه بر مقدمه شمس‌الدین ابوالخیر که هیچیک به طبع نرسیده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

سلطان‌زاده پسیان، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی برادرزاده‌ی کلنل محمدتقی خان بود و شرح حال عمومی خود را نوشت و در مجله‌ی «ایرانشهر» به چاپ رسانید. وی در دارالفنون ادنبورک در رشته‌ی تاریخ تحصیل نمود. از آثار وی: «بسوی باختر»؛ «حسن یا جاده‌ی رزین سمرقند»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (926/2).

سلطانی بسطامی

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
ز 1296 ق، از زنان ادیب، شاعر و خوشنویس. وی تنها فرزند میرزا فتح‌اللّه ذوقی شاعر بود. پدرش در تعلیم و تربیت او همت گماشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. گویند اشعار عربی زیادی از دوره جاهلی از حفظ داشت و دیوانی نیز فراهم آورده بود.
در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است. از اشعار اوست:

اول چنین نوشت قضا سرنوشت ما
کاخر خم شراب شود خاک و خشت ما
عشق آمد و عقل رفت و دیوانه شدیم
وز کعبه روان به سوی بتخانه شدیم
این روزه و این نماز آید به چه کار
ما را که حریف جام و پیمانه شدیم
در سینه توست کینه ما
مهر تو نهان به سینه‌ی ما
دیدی که چه سان گرفت الفت
با سنگ تو آبگینه‌ی ما
مهرت که بها فزونش از جان
یکتا گهر خزینه‌ی ما[1]

(س سیزدهم ق)، ادیب، شاعر و خطاط. وی چون تنها فرزند خانواده بود، پدرش در تعلیم و تربیت او اهتمام تمام داشت. خواندن و نوشتن را در کودکی آموخت و خوشنویسی و شعر و ادب فارسی و عرب را نیز فراگرفت. اشعار عربی زیادی از دوره‌ی جاهلی از حفظ داشت و «دیوانی» نیز فراهم آورده بود. در اوایل جوانی با پسر محمد ناصر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، ازدواج کرد. چنانکه از اشعار این بانو پیداست، از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته است.[2]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] منبع: حدیقةالشعراء، 2168 -2167 / 3.

[2] حدیقه الشعراء (2168 -2167/ 3)، فرهنگ سخنوران (463)، مشاهیر زنان (126 -125).

سلطانیه‌ای، علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، خطاط، ادیب و فقیه. وی از علوم متداول مانند فقه و حدیث و لغت و تجوید و قرائت و ادب بهره‌مند و خطشناسی ماهر بود و همگی خطوط را خوش می‌نوشت. در کتابت و انشاء رتبه‌ی اعلی داشت و بعضی از کتابهای حدیث فقه و ادعیه را به خط خود نشوت و تصحیح و تحشیه کرده است. میرزاعلی بسیاری از فرمانهای دیوانی و قباله‌ها را به خود نوشته و امر قضای سلطانیه به او محول بوده است. به گفته‌ی صاحب «احوال و آثار خوشنویسان» صاحب عنوان در تاریخ تألیف «گلستان هنر» (ح 1052 ق) زنده بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (469 -468 / 2).

سلغر شاه سلغری

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. برادر اتابک ابوبکر پادشاه فارس بود او را فریباش خان می‌خواندند و در حسن صورت و سیرت و کمال و جمال نظیر نداشت. چون می‌دانست که دخالت در امور ملکی مایه تزلزل خاطر برادر می‌شود. در بیرون شهر شیراز سرابستانی بنیاد کرد و آن را صبوح‌آباد نام نهاد و از دخالت در امور برادر خودداری کرد. وی عاقبت توسط برادر خود کشته شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (363)، الذریعه (456/9)، لغت نامه (ذیل/ سلطان سلغرشاه)، مجمع الفصحا (57/1).

سلفی اصفهانی، صدرالدین، ابوطاهر احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(576 -478 ق)، حافظ، محدث، فقیه، نحوی و لغوی شافعی. شهرت وی به سلفی به خاطر نام نیای بزرگش سلفه- معرب سه لبه- می‌باشد. در اصفهان به دنیا آمد. در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و اکثر مشایخ حدیث را ملاقات کرد. لغت را از خطیب تبریزی فراگرفت و چون به بغداد رفت فقه را نز الکیا هراسی آموخت. وی از ابومطیع صحاف و ابوطالب احمد کندلانی و احمد بن محمد بن ابی‌بکر بن مردویه و احمد بن محمد بن بشرویه و احمد بن محمد بن قولویه حدیث روایت کرده است. او همچنین از زنان بسیاری در اصفهان حدیث شنید. از وی حافظ محمد مقدسی و محدث سعدالخیر و ابوالعز محمد ملقابادی و علی بن ابراهیم سرقسطی و طیب مروزی و ابوسعد سمعانی و قاضی عیاض و عمر میانشی و حماد حرانی و محمد بن عبدالغفار همدانی و جعفر بن علی همدانی و محمد بن ابراهیم فارسی و حسان مهدوی و بسیاری دیگر حدیث روایت کردند. ابوالحسن علی بن سلار وزیر ملوک فاطمیه در مصر مدرسه‌ای در اسکندریه برای او تاسیس کرد و وی را عهده‌دار تدریس در آن مدرسه نمود. علماء از دور و نزدیک به محضرش شتافتند و از وی بهره بردند. او در سرحد اسکندریه درگذشت. از آثارش: «الاربعین البلدانیه»، در حدیث؛ «السداسیات»، در حدیث؛ «المشیخه البغدادیه» یا «معجم شیوخ بغداد»؛ «معجم مشیخه اصفهان»؛ «السلفیات من اجزاء الاحادیث» یا «اجزاء السلفیات»، انتخابهایی از «اصول» ابن شرف انماطی و «اصول» ابن الطیوری؛ «السلماسیات» یا «مجالس پنج گانه» از املاهای ابوطاهر سلی؛ «شرط القراءه علی الشیوخ»؛ «معجم السفر»؛ «الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209/1)، ایضاح المکنون (508/2)، تذکره القبور (125 -124)، روضات الجنات (276/1)، ریحانه (65 -64 /3)، سیر النبلاء (39 -5 /21)، الکامل (152/9)، کشف الظنون (1696، 1044، 997، 996، 982، 587، 54)، الکنی و الالقاب (321 -320 /2)، لسان المیزان (451 -450 /1)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (76 -75 /2)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (72 -68 /19)، الوافی بالوفیات (356 -351 /7)، وفیات الاعیان (107 -105 /1)، هدیه العارفین (87/1).

سلماسی، ابوالفتح مسعود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 629 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از سلماس از شهرهای آذربایجان است. از آثارش: شرح «المقامات»؛ شرح «الجمل»، در نحو؛ وی خطبه‌ها و نظمی زیبا داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (110/8).

سلمی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1342، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال 1348 و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران در سال 1356.
مرتبه علمی:
پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
نظارت بر تحقیقی تحت عنوان اعلام شاهنامه (اسامی اشخاص)، تدریس دروس فارسی میانه، زبان اوستا، تاریخ زبان فارسی، شاهنامه، تاریخ بیهقی، اساطیر ایران و روش تحقیق و مرجع‌شناسی، آئین نگارش و فارسی عمومی و مقدمات زبان‌شناسی در دانشگاه شهید چمران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 6، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
بررسی کتاب غم‌نامه رستم و سهراب، پنج خیم آسرونان، نقد و بررسی رزمنامه رستم و اسفندیار، چند نکته در دیوان ناصرخسرو.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیم، عبدالامیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای باستانی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سلیمان اف، معصوم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معصوم سلیمان اف
محل تولد : جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه 10 کلاسی، در سال 1984 میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال 1991 و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح 3 موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ابوالفضل سلیمی نیز یکی از علماء و ائمه جماعت زنجانست که در این شهر به خدمات دینی از امامت و ترویج دین و غیره اشتغال و مانند شهرتش سلیم‌النفس و پرهیزکار می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سمرقندی، ناصرالدین، ابوالقاسم محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 556 ق)، فقیه حنفی، مفسر، محدث و واعظ. اهل سمرقند بود. در 542 ق به مکه رفت و در بازگشت مدتی در بغداد ماند. در سمرقند از دنیا رفت. از آثار وی: «الجامع الکبیر» یا «جامع الفتاوی»؛ «الفقه النافع»؛ «بلوغ الارب من تحقیق استعارات العرب»؛ «ریاضه الاخلاق»؛ «مصابیح السبل»، در دو مجلد، در فروع فقه حنفی؛ «الملتقط فی الفتاوی الحنفیه» به نام «مال الفتاوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (23 -22 /8)، ایضاح المکنون (168/2)، کشف الظنون (1921، 1813، 1697، 1580، 717، 571، 565)، معجم المؤلفین (137/12).

سمسار، محمداحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1274، تبریز.
درگذشت: اوایل فروردین 1360، آمریکا.
محمداحمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.
از تألیفات او فهرست نسخ خطی عربی و فارس وترکی، مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیا است ه در سال 1937 در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخه فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای است بر کتاب طوطی‌نامه‌ی ضیاء نخشی نوشت. البته ترجمه انگلیسی طوطی‌نامه هم از محمداحمد سمسار است.
(تو ح 1360 -1274 ش)، محقق. وی در تبریز متولد شد، تحصیلات ابتدایی را در این شهر و تحصیلات عالی را در استانبول به پایان برد و حدود سال 1310 ش به امریکا رفت و سالها به تدریس زبان و ادبیات ترکی در دانشگاه‌های آن مملکت اشتغال داشت. وی در آمریکا وفات یافت. از تالیفات او «فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی مجموعه‌ی جان فردریک لوئیس» موجود در کتابخانه‌ی آزاد فیلادلفیاست که در سال 1937 م در فیلادلفیا انتشار یافت. در این فهرست یکصد و چهل و نه نسخه‌ی فارسی معرفی شده است. دیگر از آثار وی مقدمه‌ای است بر چاپ «طوطی نامه» ضیاء نخشی و دیگر ترجمه‌ی این کتاب است به زبان انگلیسی.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :
[1] آینده (س 7، ش 4، ص 331).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر عبدالرحیم

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(537- ح 617 ق)، محدث، فقیه و ادیب شافعی. از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت. پدرش او را در پاره‌ای از سفرها همراه کرد و تا آنجا که توانست برای او حدیث خواند و او را به فراگیری فقه و حدیث و ادب واداشت تا اینکه از هر خرمن خوشه‌ای برچید. او «صحیح بخاری» و «سنن ابی‌داود» و «جامع ابی‌عیسی» و «مسند ابی‌عوانه» و «تاریخ فسوی» و «الحلیه» و «مسند الهیثم» و «صحیح مسلم» را سماعی روایت می‌کند. او از رییس اسعد مهروی و ابوالبرکات عبداللّه فراوی و ابوسعد عبدالوهاب کرمانی و وجیه شحامی و ابوالفتوح خرکوشی و جنید قاینی و ابوالوقت سجزی و ابوالاسعد ابن القشیری و محمد بن عبداللّه شیرازی و حسن بن محمد سنگبستی و سعید بن علی شجاعی و عبدالسلام هروی و بسیاری دیگر در بخارا و سمرقند و هرات و نیشابور و مرو شهرهای دیگر حدیث شنید. ابوبکر محمد حازمی و برزالی و ابن الصلاح و ابن النجار و ابن هلاله و شرف مرسی و احمد غرافی و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. او سرانجام شیخ مرو شد و به مقام پیشگامی شافعیان آن شهر رسید. پدرش «عوالی» را در دو مجلد برای او گفت و «معجم» را در هیجده جزء برایش پرداخت. این کتابها به نام «العوالی من مسموعات الفراوی» و «معجم الشیوخ» گردآوری شده است.[1]
فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم بن عبدالکریم فقیه و عالم بزرگ خراسان و از خاندان سمعانی (و. 537- ف. 614 یا 616 ه.ق.)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] سرآمدان فرهنگ (483 -482 /1)، سیر النبلاء (109 -107 /22)، کشف الظنون (1179)، لسان المیزان (339 -338 /4)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (158 -157 /19)، معجم المؤلفین (207 -206 /5)، الوافی بالوفیات (331/18)، هدیه العارفین (560/1).

سمعانی مروزی، ابوالمظفر منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(489 -426 ق)، مفسر، محدث و واعظ. در مرو به دنیا آمد. در ابتدا نزد پدرش، که از پیشگامان مذهب حنفی بود، فقه آموخت تا این که فقیهی برجسته شد و از ارکان مذهب حنفی به شمار آمد. او از شاگردان ابوغانم کراعی و ابوبکر ترابی و عبدالصمد بن مامون و ابوصالح موذن و ابوعلی شافعی و ابوالقاسم زنجانی بود. پس از سی سال در سفر حج به مذهب شافعی گرایش پیدا کرد و ازین رو پس از مراجعت به وطن مورد طعن و آزار مردم مرو قرار گرفت و کار به کارزار کشید. اما وی بر مذهب شافعی پای فشرد و امام شافعیان گشت و موافق آن مذهب تدریس کرد و فتوی داد و تالیفات بسیاری در فقه شافعی از خود بجای گذاشت. فرزندانش و عمر بن محمد سرخسی و ابونصر محمد کاشانی و محمد سنجی و ابونصر غازی و ابوسعد بن بغدادی از شاگردان وی می‌باشند. و از وی روایت کرده‌اند. او در تفسیر، فقیه و اصول و حدیث آثاری دارد که از آن جمله‌اند: «الاصطلام»، که شهرتی عالمگیر داشت؛ «القواطع»، در اصول فقه؛ «الانتصار»، در حدیث، در رد مخالفین؛ «المنهاج اهل/ لاهل السنه»، در رد قدریه؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر السمعانی»؛ «الف حدیث عن مائه شیخ»؛ «الرهان»، حاوی هزار مساله از مسائل خلافیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (244 -243 /8)، ریحانه (76/3)، سیر النبلاء (119 -114 /19)، کشف الظنون (1870، 1357، 449، 202، 173، 151، 107)، لغت نامه (ذیل/ منصور)، معجم المؤلفین (20/13)، هدیه العارفین (473/2)، وفیات الاعیان (211/3).

سمعانی مروزی، تاج الاسلام، ابوبکر محمد بن مصنور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 510 -466 ق)، عالم، فقیه، محدث و واعظ شافعی. در مرو به دنیا آمد. در نیشابور و اصفهان و همدان و کوفه و حجاز و بغداد حدیث شنید. او در مدرسه‌ی نظامیه بغداد وعظ گفت. سرانجام در مرو اقامت گزید. وی بسیار املای حدیث می‌کرد و صد و چهل مجلس املا در جامع مرو داشت و همراه مواعظ احادیثی که از اساتید خود چون پدرش و ابوالخیر صفار و ابوالقاسم زاهری و عبداللّه طاهری و ابوالفتح هاشمی و نصراللّه بن احمد خوشنامی و عبدالواحد قشیری و ثابت بن بندار و محمد بن عبدالسلام انصاری و ابوغالب عدل و ابوبکر، نوه‌ی ابن‌مردویه، و ابوالفتح حداد شنیده بود، بیان می‌کرد. سلفی و ابوالفتوح طائی و ابوطاهر سنجی از شاگردان وی می‌باشند. او رئیس شافعیان در مرو بود. پیش از وفات اشعار خود را تماما شست و محو کرد. سرانجام در مرو درگذشت او دارای آثاری در زمینه‌ی حدیث و وعظ می‌باشد که از آن جمه کتاب «الامالی» «امال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332/7)، ریحانه (76/3)، سیر النبلاء (373 -371 /19)، الکامل (277/8)، الکنی و الالقاب (323/2)، معجم المؤلفین (53 -52 /12)، الوافی بالوفیات (75/5)، وفیات الاعیان (311 -310 /3).

سمنانی، ابوالحسین عبداللّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 303 ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. از اسحاق بن راهویه و عیسی بن زغبه و محمد بن حمید رازی و ابوکریب و عمرو بن علی فلاس و محمد بن هاشم بعلبکی و همطبقه آنان حدیث شنید و او در این راه سفرهای بسیار کرد. علی بن حمشاد و ابواحمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی و محمد بن صالح بن هانی و ابوعمرو بن حمدان و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای تصانیف بسیار نیکویی بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (14/ 194- 195)، طبقات الحفاظ (312).

سمندریان، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید سمندریان (زاده ۱۳۱۰ در تهران) کارگردان تئاتر است. کارگردانی تئاتر صحنه‌ای:
۱- «دوزخ» اثر ژان پل سارتر سال اجرا ۱۳۴۱ بازیگران: جمیله شیخی ـ رکن الدین خسروی ـ پرویز کاردان ـ عزت پریان ۲- «اشباح» اثر هنریک ایبسن سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمد علی کشاورز ـ عباس غفوریان ـ اسماعیل دادفر ـ عزت پریان ۳- «مرده‌های بی‌کفن و دفن» اثر ژان پل سارتر سالهای اجرا ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ بازیگران: محمد علی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز فنی زاده ـ اسماعیل محرابی ـ پری صابری ـ جمشید مشایخی ۴- «طبیب اجباری» اثر مولیر سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ پرویز فنی‌زاده ـ اسماعیل محرابی ـ مسعود فقیه ـ شکوه نجم‌آبادی ـ سعید پورصمیمی ۵- «هرکول و طویله اوجیاس» اثر دورنمات سال اجرا ۱۳۴۴ بازیگران: پرویز صیاد ـ محمد گودرزی ـ محمد حفاظی ـ ثریا قاسمی ـ عباس یوسفیانی ـ سیروس ابراهیم‌زاده ـ فریده صابری ۶- «ملاقات بانوی سالخورده» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران جمیله شیخی ـ آذر فخر ـ اکبر زنجانپور ـ محمود هاشمی ـ علی رامز ـ غلامرضا طباطبائی ۷- «نگاهی از پل» اثر آرتور میلر سال اجرا ۱۳۴۸ بازیگران: اکبر زنجانپور ـ سوسن تسلیمی ـ خسرو فرحزادی ـ اسماعیل دادفر ـ پروین دولتشاهی ۸- «مرغ دریایی» اثر آنتوان چخوف سال اجرا ۱۳۵۶ بازیگران: جمیله شیخی ـ محمدعلی کشاورز ـ قاسم سیف ـ هما روستا ـ جمال اجلالی ـ محمد مطیع ـ منوچهر فرید ـ سرور رجائی- آتیلا پسیانی ـ سروش خلیلی و..... ۹ ـ «کرگدن» اثر اوژن یونسکو سال اجرا ۱۳۵۱ بازیگران: عزت ا... انتظامی ـ پرویز صیاد ـ اسماعیل دادفر ـ محمد حفاظی ـ مهدی فخیم‌زاده ـ پروین دولتشاهی ـ فریده صابری ـ عباس یوسفیانی ـ محمود شیبانی و.... ۱۰- «بازی استریندبرگ» اثر فردریش دورنمات سال اجرا ۱۳۵۱-۱۳۷۸ بازیگران: محمدعلی کشاورز ـ اسماعیل شنگله ـ هما روستا ۱۱- «دایره گچی قفقازی» اثر برتولت برشت سال اجرا ۱۳۷۷ بازیگران: سعید پور صمیمی ـ آزیتا حاجیان ـ سهراب سلیمی ـ حسن پورشیرازی ـ آرمان امید ـ جمال اجلالی و.... ۱۲- «باغ وحش شیشه‌ای» اثر تنسی ویلیامز سال اجرا ۱۳۴۲ بازیگران: پرویز فنی‌زاده ـ شهلا ریاحی ـ پری صابری ـ عباس مغفوریان ۱۳- «آندورا» اثر

ماکس فریش سال اجرا ۱۳۴۶ بازیگران: سعید پورصمیمی ـ ثریا قاسمی ـ محمدعلی کشاورز ـ منوچهر فرید ـ پرویز پورحسینی ـ جمیله شیخی ـ اسماعیل دادفر ـ جمشید مشایخی ـ منوچهر فرید ـ پری امیر حمزه ـ اسفندیار شهیدی و.... ۱۴ـ «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی» اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۸ بازیگران: رضا کیانیان ـ احمد آقالو ـ میکائیل شهرستانی ـ هما روستا ـ نورالدین استوار ـ جمال اجلالی ـ رضا عمرانی ـ قاسم زارع و..... ۱۵- «لئوکادیا» اثر ژان آنوی سال اجرا ۱۳۴۳ بازیگران: پرویز پورحسینی ـ سعید پورصمیمی ـ محمدعلی کشاورز ـ محمد حفاظی ـ شکوه نجم‌آبادی - عصمت صفوی

کارگردانی تئاتر رادیویی:

حمید سمندریان در رادیو صدای ایران تعدادی نمایشنامه را ترجمه کرده که کارگردانی آن را نیز به عهده داشته‌است: ۱- غروب روزهای آخر پاییز نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۲- پنچری نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۳- همزاد نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۴- اقدامات وگا نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۵- فیزیکدانها نوشته فردریش دورنمات سال ۱۳۶۶

تله تئاتر:

آثار اجرا شده در تلویزیون ملی ایران (تله تئاتر) که ترجمه و کارگردانی این آثار به عهده حمید سمندریان بوده‌است: ۱- غروب روزهای پائیز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ۲- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ ۳- خمره اثر لوئیجی پیراندللو سال ۱۳۵۳ ۴- جراحی پلاستیک اثر پی‌یر فراری سال ۱۳۴۰ ۵- پلوفت (شبح کوچک) اثر ماریا کل راماشادو سال ۱۳۴۰ ۶- ساعت شش در خیابان آتن اثر روژه فردیناند ۷- به‌سوی دمشق اثر اگوست استریندبرگ سال ۱۳۸۱ حمید سمندریان به دعوت پرفسور رگن‌برگ استاد دانشگاه مونیخ و کارگردان تئاتر به انستیتو گوته دعوت شد و نمایشنامه‌های بسیاری را با بازیگران آلمانی روی صحنه برد. این همکاری بین سالهای ۵۱ تا ۵۷ ادامه داشت. ۱- شهاب آسمانی اثر فردریش دورنمات ۲- چگونه رنجهای آقای موکین پوت برطرف می‌شود اثر پیتر وایس ۳- پنچری اثر فردریش دورنمات ۴- سانتا کروز اثر ماکس فریش ۵- راهب و راهزن اثر هاینریش بول ۶- خوزه اثر هاینریش بول ۷- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش ۸- بالماسکه دزدان اثر ژان آنوی ۹- دوزخ اثر ژان پل سارتر ۱۰- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات ۱۱- توراندخت اثر هیلدس هایمر ۱۲- مرده‌های بی‌کفن و دفن اثر ژان پل سارتر : ترجمه

حمید سمندریان در باب ترجمه آثار نمایشی در جامعه تئاتری: ۱- غروب روزهای پاییز اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۰ ناشر مروارید ۲- پنچری

اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ ناشر مروارید ۳- ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ نشر پیروز ۴- دایره گچی قفقازی اثر برتولت برشت سال ۱۳۴۱ چاپ مجدد ۱۳۷۸ ۵- اقدامات وگا و همزاد اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۱ ۶- ملاقات بانوی سالخورده اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۷۸ نشر قطره ۷- رومولوس کبیر اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۶۹ مرکز هنرهای نمایشی ۸- باغ وحش شیشه‌ای اثر تنسی ویلیامز سال ۱۳۴۲ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۹- لئوکادیا اثر ژان آنوی سال ۱۳۴۳ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۰- هرکول و طویله اوجیاس اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۴۳ ۱۱- آندورا اثر ماکس فریش سال ۱۳۴۷ انتشارات روز ۱۲- فیزیکدانها اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۳- خشم شدید فلیپ هوتس اثر ماکس فریش سال ۱۳۵۰ چاپ مجدد ۱۳۷۰ نشر مرکز هنرهای نمایشی ۱۴ ـ فرشته‌ای به بابل می‌آید اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۲ ۱۵- چگونه رنجهای آقای موکین پوت بر طرف می‌شود سال ۱۳۵۳ ۱۶- مکبث اثر ویلیام شکسپیر سال ۱۳۵۵ چاپ مجدد ۱۳۸۳ نشر قطره ۱۷- بازی استریندبرگ اثر فردریش دورنمات سال ۱۳۵۱ چاپ مجدد ۱۳۷۴ نسل قلم

سمیعی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد سمیعی (گیلانی) در بهمن 1299 در محله قدیمی سنگلج تهران تولد یافت و پس از چند ماه ، با خانواده خود روانه رشت شد. پس از طی مقطع ابتدایی و متوسطه در گیلان ، در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد، ولی پس از یکی دو ماه ، آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد و در همین رشته موفق به اخذ درجه دکترا شد. وی در زمان تحصیل به دلیل مشکلات مالی ، در راه آهن دولتی ایران اشتغال یافت، و توانست در کنار کار ، تحصیلات خود را نیز به پایان برد. از جمله فعالیت های سمیعی در طول تحصیل و بعد از آن ، ورود به مسائل سیاسی بود که به همین خاطر چندین مرتبه توسط ماموران رژیم پهلوی دستگیر شد. سمیعی علاوه بر فعالیت در راه آهن به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت. پس از انحلال موسسه انتشارات فرانکلین ، در سازمان ویرایش و تولید فنی ، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود ، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هئیت مدیره ، مشغول به کار شد. پس از پیروزی انقلاب وی با چندین موسسه فرهنگی به همکاری پرداخت ؛ او همچنین به مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران) ، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. دکتر سمیعی همچنان به فعالیت های فرهنگی خود با موسسات و پژوهشکده ها ادامه می دهدو آثاری چند نیز تاکنون عرضه نموده است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ویراستاری
تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد سمیعی پس از تولد یافتن در تهران با خانواده به رشت رفته و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت گذراند و در خرداد سال 1318 دوره دبیرستان را با احراز رتبه اول در گیلان به پایان رساند. در شهریور همان سال، برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در امتحانات ورودی دانشکده فنی دانشگاه تهران با احراز رتبه اول پذیرفته شد. ولی پس از یکی دو ماه آن دانشکده را ترک گفت و با موفقیت در

امتحان ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول تحصیل شد. در سال 1321 با احراز رتبه اول و اخذ مدال درجه یک علمی، دوره لیسانس، خود را به پایان رساند. ضمن تحصیل در دانشکده ادبیات دوره درسی انستیتوی روزنامه نگاری را نیز گذراند. از سال 1334، از فعالیتهای سیاسی کناره گرفت و به تحصیل و فعالیتهای فرهنگی پرداخت. پس از حدود چهارده سال دوری از محیط دانشگاهی، بار دیگر در دوره دکتری ادبیات فارسی نام نویسی کرد و طی دو سال، هشت شهادتنامه از ده شهادتنامه این دوره را گذراند. در 1355 ، در کنکور فوق لیسانس زبان شناسی همگانی دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در 1358 (با معدل 3/89 از 4/00 به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل گشت.
استادان و مربیان : احمد سمیعی در حوزه درسی استادانی چون ملک الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، کاظم عصار. فاضل تونی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر محمد باقر هوشیار و دکتر رضازاده شفق، شرکت جست. همچنین با استادانی چون رشید یاسمی، مطیع الدوله حجازی، خانبابا بیانی، عبدالرحمن، فرامرزی گذراند.
وقایع میانسالی : فعالیتهای سیاسی احمد سمیعی از اواخر سال 1323 آغار شد و تا 1334 ادامه یافت. مجموعا" سه سال و چهار ماه در زندان سیاسی به سر برد و حدود پنج سال به فعالیت مخفی و نیمه علنی پرداخت و در همین مدت، یک سال و نیم را در کشورهای اروپایی گذراند. در سال 1342، دستگاه حکومتی که بر اثر وقایع 15 خرداد 1342، فشار به فعالان سیاسی را شدت بخشیده بود، به اتهام فعالیتهای سیاسی سابق، وی را به سه سال زندان محکوم کرد که شش ماه آن را بیشتر گذرانده بود و تا پایان سال 1345 به مدت دو سال و نیم دیگر را در زندان سیاسی به سر برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد سمیعی مدتی در راه آهن دولتی ایران اشتغال داشت. سپس به شغل ویراستاری در موسسه انتشارات فرانکلین اشتغال یافت و کتاب های متعددی را ویرایش کرد. بر اثر انحلال موسسه انتشارات فرانکلین، در سازمان ویرایش و تولید فنی، که در خدمت دانشگاه آزاد ایران بود، به سمت مسئول بخش ویرایش و عضو هیئت مدیره، مشغول به کار شد. پس از انقلاب اسلامی ، سازمان ویرایش و تولید فنی منحل شد و او سالهای پس از انقلاب را در بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دایره المعارف اسلام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی ، انتشارات سروش ، به خدمات ویرایشی پرداخت. وی از 1370 به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شد و مسئولیت سر دبیری نامه فرهنگستان را به عهده گرفت. وی، علاوه بر این، در حال

حاضر، عضو گروه ویرایش و از مترجمان فرهنگ آثار در انتشارات سروش، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی و مشاور علمی پژوهشگاه علوم انسانی (موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی) است.
فعالیتهای آموزشی : احمد سمیعی دوره های کتاب داری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دروس زیبا شناسی، مکاتب ادبی و آیین نگارش تدریس می کرد. در عین حال مدت هفت سال در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس (تهران)، و دانشکده ادبیات و دانشگاه آزاد اسلامی گیلان تدریس کرد. وی در دوره های کوتاه مدت و میان مدت آموزش ویراستاری موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نیروی هوایی، موسسه امام جعفر صادق (ع) قم، موسسه باقر العلوم قم، مرکز نشر دانشگاهی ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت ارشاد اسلامی نیز دروس «ویرایش زبانی» و «آیین نگارش» را بر عهده گرفت. تدریس «مکتب های ادبی » در چند دوره کلاس کتاب داران کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان. تدریس (شاهکارهای ادبی یونان باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (شاهکارهای ادبی رم باستان) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تدریس (متون ادب فارسی) در دانشگاه تربیت معلم. تدریس (آیین نگارش) در دانشگاه تربیت مدرس. سردبیری مجموعه سخن پارسی(11 عنوان). دبیری (داخلی) مجله سپیده فردا (دانش سرای عالی) در سالهای 1336-1337. مشاور ویرایشی موسسه مطالعات علمی و فرهنگی . مسئول بخش ویرایش انتشارات علمی و فرهنگی(پنج سال). ویراستار ارشد مرکز نشر دانشگاهی. تدریس متون ادب فارسی،سبک شناسی،آیین نگارش در دانشگاه گیلان(7 سال). تدریس متون ادب فارسی و سبک شناسی در دانشگاه آزاد گیلان (5 سال). تدریس دروس (ویرایش زبانی)، آیین نگارش در دوره های دو ساله ویرایش مرکز نشر دانشگاهی. عضویت هیئت علمی مجمع علمی آموزش زبان وادب فارسی.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد سمیعی با مجلات سپیده فردا، ارگان دانش سرای عالی، و با سازمان لغت نامه دهخدا همکاری داشت. در سال 1341 به معرفی راه آهن، در دوره پنج هفته ای سمینار آموزشی مدیریت در زیبا کنار (گیلان) و همچنین دوره یک هفته ای بازآموزی تابستان 1342 در همدان شرکت کرد. وی ، همزمان، سردبیری مجموعه سخن پارسی را نیز به عهده داشت و یازده عنوان آن را، که به صورت کتاب درسی دانشگاهی در آمدند، سرپرستی کرد. ضمن خدمات ویرایشی، بامجلات کتاب امروز، پیک جوانان، ماهنامه آموزش و پرورش همکاری مستمر داشت و در مجلات فرهنگ و زندگی ، رودکی ، الفبا، قفقوس پویه،

پیام یونسکو مقالاتی (تالیف و ترجمه) از وی به چاپ رسید. ----------
---
آثار :
1 ترجمه برادرزاده راموو هنرپیشه کیست؟
ویژگی اثر : اثر دیدرو
2 ترجمه چومسکی
ویژگی اثر : اثر جان لاینر
3 ترجمه چیزها
ویژگی اثر : اثر ژرژ پرک
4 ترجمه خیال پروری ها
ویژگی اثر : اثر روسو
5 ترجمه دلدار و دلباخته
ویژگی اثر : اثر ژرژ ساند
6 ترجمه ساخت های نحوی
ویژگی اثر : اثر چومسکی
7 ترجمه سالامیو
ویژگی اثر : اثر فلوبر
8 ترجمه کنفوسیوس
ویژگی اثر : اثر کارل یاسپرس

منابع زندگینامه :منابع :
1نشریه بخارا-شماره 15-آذر و دی 79

سمیعی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، مترجم. از آثار وی: «پرومته‌ی سست زنجیر»، ترجمه؛ «پیر دختر»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (704/4).

سناجیان، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1299.
درگذشت: 1371.
از آثار اوست: ترجمه کتاب آیین دوست یابی در اسلام (اثر محمد الحیدری، ویراستار حسین الهی قمشه‌ای، تهران، 1373).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 257 ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (52 -51 /9)، تهذیب التهذیب (199/4)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 147/1)، ریحانه (91/3)، معجم المؤلفین (276/4).

سند، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سند
محل تولد : بحرین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.
در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاة و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .
در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاة و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاة و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود

و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی 12 سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سنگ تراش، صدرالدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، حجار. از آثار وی: کتیبه‌ی فوقانی سنگ آرامگاه قاضی صفی‌الدین محمد، در اصفهان، که به خط ثلث برجسته حجاری شده و چننی رقم نهاده:«وفات العالم الربانی... محمد ابن عمده لقضاه ... فی منتصف شهر شعبان المعظم سنه خمس و تسعین و تسعمائه... عمل صدرالدین سنگ‌تراش». به خط نستعلیق برجسته بر جانب جنوبی سنگ آرامگاه، سال وفات قاضی صفی‌الدین محمد و بر جانب شمالی سنگ آرامگاه اشعاری حجاری شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (761 -760)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (535 -534).

سوریان، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران حمید سوریان در سال ۱۳۶۴ در شهر ری به دنیا آمد
وی در رشته کشتی فرنگی فعالیت می‌کند و اولین مربی او حاج عبدالله زارع بود .
سوریان در سال ۸۴ و ۸۵ به عنوان برترین کشتی‌گیر فرنگی کار ایران انتخاب و صاحب عنوان قهرمان قهرمانان سال ۸۶ شد .
وی در تیم ملی کشتی فرنگی و در وزن ۵۵ کیلوگرم داری ۴ مدال طلای کشتی فرنگی قهرمانی جهان است .
سوریان در سال ۲۰۰۵ موفق شد هم در مسابقات قهرمانی جوانان جهان و هم در قهرمانی بزرگ‌سالان، قهرمان دنیا شود .
حمید سوریان، در سال 1387 و در مسابقات المپیک در وزن ۵۵ کیلوگرم کشتی فرنگی، به مقام پنجم رسید .
وی در مسابقات جهانی کشتی در مسابقات سال ۲۰۰۵ ، ۲۰۰۶ ، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ موفق شد به قهرمانی جهان و مدال طلا دست‌یابد .

«حمید سوریان» به عنوان قهرمان قهرمانان ورزش ایران در سال 86 برگزیده شد

سه چهاری، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دیگر از معروفین سلسله‌ی شیخ زین الدین است: مرحوم ملا محمد هاشم سه چهاری، از منبریان اصفهان، واعظ صالح کامل، در ماه صفر 1361 وفات یافته، در تکیه‌ی شیخ مرتضی ریزی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم سید الذاکرین وثقه المحدثین حاج سید جواد سه‌دهی از منبریهای معروف تهران بودند و در مرثیه و روضه خواندن نفس بسیار گرم و حال بسیار خوبی داشتند منبری بسیار موثر و مهیج داشت و کمتر مستمعی بود که تحت‌تاثیر و نفوذ منبر او قرار نگیرد و یا در موقع روضه خواندن ایشان نگرید مسجد بزازهای تهران در ایام عاشورا شاهد منبرهای داغ و پرشور و حرارت آن مرحوم می‌باشد. غالبا خودش می‌گریست و دیگران را نیز می‌گریانید جدا با حال و بااخلاص بود و نمی‌شد نگارنده در پای منبر و روضه خواندن وی منقلب نشوم در سال 1387 قمری در تهران وفات نموده و با تشییع مجللی به شهر ری منتقل و در صحن مطهر در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون گردید.
جناب حجه‌الاسلام حاج آقا مهدی حایری تهران می‌فرمود خواب دیدم وارد حسینیه جواهری تهران شدم و دیدم مجلس روضه برقرار است و مرحوم حاج سید جواد سه‌دهی منبرند و بسیار باشور و حرارت روضه می‌خوانند و مردم گریه می‌کنند وقتی از منبر آمده و خواست برود من جلو رفتم و گفتم آقا حال شما چطور است گفت بسیار خوبم و از وقتیکه حاج سلطان الواعظین شیرازی آمده‌اند به هر کدام از ما منبریها یک درجه به احترام ایشان داده‌اند.
مرحوم سه‌دهی فرزندان چندی دارند که در میان آنان دانشمند گرامی و واعظ نامی آقای حاج سید محمود سه دهی از گویندگان و وعاظ جوان تهرانند و منبری آموزنده دارند که در محرم و صفر و ماه رمضان و اوقات دیگر به این شغل خطیر اشتغال و در اوقات دیگر به شغل تجارت فرش مشغول می‌باشند. وی در تهران متولد و پس از خواندن دروس جدید به قم آمده و مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و چندی از محضر آیت‌الله العظمی خ... و دیگران استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به تهران مراجعت و تاکنون به انجام وظائف دینی و تبلیغی و اجتماعی مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه دهی واعظ، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمدعلی سه‌دهی که سالها خدمتگذار آستان ولایت و مانند مرحوم برادر و والد ماجدش از راه منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال داشتند ولی چندین سالست که با لباس مقدس روحانیت و اسلاف و نیاکان خود در سلک تجارت فرش اشتغال و بسیار ظریف و خوش محاوره و مجلس و در رفاقت صدیق و در صداقت شفیق می‌باشند و با جناب مستطاب واعظ نامی معاصر آقای حاج سید محمد موسوی رفیق صمیمی و خالص و با معیت و مصلحت وی مسافرتهای مهمی به خارج کشور اروپا و افریقا و امریکا و هند و پاکستان نموده و خاطرات شیرینی دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سه‌دهی واعظ، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید ابوالقاسم سه‌دهی بن السید الجلیل والعالم النبیل السید محمدعلی حسینی تهرانی عالمی فاضل و واعظی کامل و کثیر التالیف بود در سال 1339 قمری پس از اعمال حج در مکه معظمه وفات یافت و در قبرستان معلی (قبرستان ابوطالب) مدفون گردید.
دارای تالیفات عدیده و مفیده می‌باشد که ذیلا می‌نگارم.
1- بدایع الاخبار در اخلاق 2- بشاره الابرار در احوال شیعه الکرار فی دار القرار در چهل هزار بیت 3- برهان الرساله در اثبات نبوت خاصه 4- حسام الشیعه در اثبات امامت امیرالمومنین علیه‌السلام.
5- خصایص الایام در وقایع الایام.
6- دلائل الربوبیه که به طبع رسیده است 7- لمعات الانوار مطبوع 8- نفایس الاخبار و غیره.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سهراب، هدایت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1274 ش)، مترجم و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید و مدتی با سمت دبیری در دبیرستان دولتی کرمان اشتغال داشت. بعدها وارد خدمت ارتش شد و در سال 1336 ش بعد از چهل و پنج سال خدمت در نقاط مختلف ایران بازنشسته شد. ازآثار وی: «اصول تعلیمات اخلاقی کنفوسیوس»، ترجمه؛ «در جبهه‌ی باختر»، ترجمه؛ «راهنمای شوهر جوان در مرحله‌ی ازدواج»، ترجمه؛ «راهنمای معلمین برای مدارس و مراکز تعلیماتی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (776 -775 /6).

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(549- مقتول 587 ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به الموید بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالبا شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحاد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متاثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن‌سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»؛ «التلویحات»؛ «التنقیحات»؛ «حکمه الاشراق»؛ «رساله فی اعتقاد الحکما»؛ «طوارق الانوار»؛ «قصه الغربه الغربیه»؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیا کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن‌سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صفیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[1]
یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد 549- مقت. 587 ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از

امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباج شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در سن 38 سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التحلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمة الاشراق (ه.م.) رسالة فی اعتقاد الحکماء قصة الغربة الغربیة، آواز پر جبرئیل، رسالة العشق، لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسلالة الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریة، الالواح العمادیة، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیة، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فسلفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار علة العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیما پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور

اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک‌الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در برگرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند.در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمة التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می‌کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که پیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمةالاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمة الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوشتر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می‌کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به‌جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (170 -169 /9)، ایضاح المکنون (607، 503 /2، 330/1)، تاریخ ادبیات در ایران (997 -996، 305 -297 /2)، تاریخ فلاسفه (381 -368)، تاریخ فلسفه در اسلام (560 -529 /1)، تاریخ نظم و نثر (110)، تذکره‌ی روز روشن (444 -443)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (104 -103)، دایرةالمعارف فارسی (1384/1)، الذریعه (153 -152 /13، 277/25، 554/9)، روضات الجنات (197/8)، ریاض العارفین (211)، ریحانه (300 -298 /3)، سیر النبلاء (211 -207 /21)، فرهنگ سخنوران (519 -518)، کشف الظنون (1560، 7197، 684، 482، 361

159،)، الکنی و الالقاب (326/2)، لسان المیزان (511 -510 /3)، لغت نامه (ذیل/ ابوالفتوح)، مؤلفین کتب چاپی (826 -823 /6)، مجمع الفصحا (819/2)، معجم الادبا (320 -314 /19)، معجم المؤلفین (190 -189 13/)، نفحات الانس (586 -584)، الوافی بالوفیات (323 -318 /2)، وفیات الاعیان (274 -268 /6)، هدیه العارفین (521/2)، هفت اقلیم (201/3).

سهیلی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی آموزش زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران در سال 1341، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آمریکائی بیروت در سال 1346، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال 1355 و فوق تخصص فراگیری زبان اول و دوم از دانشگاه واشنگتن در سیاتل در سال 1367.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
انجام تحقیقات زبان‌شناسی و تدریس دروس زبان‌شناسی و دستور زبان انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی در دانشگاههای اصفهان، تهران، تربیت معلم و تربیت مدرس.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 6
زمینه علمی تألیفات:
آواشناسی زبان انگلیسی، شناخت لغت در زبان انگلیسی، دستور زبان انگلیسی، روشهای تدریس زبان انگلیسی، فرهنگ مطبوعاتی، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، طبقه‌بندی زبانها و زبان‌شناسی نو.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 19، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی، زبان‌شناسی فارسی، فراگیری و تدریس زبان انگلیسی و فارسی، آواشناسی از دید بوعلی سینا.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سهیلی خوارزمی، ابوالحسن احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 418 ق)، ادیب و شاعر. وی مدتی وزیر ابوالعباس مامون خوارزمشاه بود، سپس ترک وزارت گفت و به بغداد رفت و در سامراء درگذشت. حسن بن حارث حسونی «کتاب سهیلی» خود را به نام وی تالیف کرد. از آثار او: «الروضه السهیلیه فی الاوصاف و التشبیهات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 304، 644)، تاریخ علوم عقلی (208)، ریحانه (101/3)، شاعران بی‌دیوان (421 -420)، کشف الظنون (926)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (34 -31 /5)، معجم المؤلفین (109/2)، هدیه العارفین (72/1).

سیاح سپانلو، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 ش)، مترجم و نویسنده. در وزارت دارایی به عنوان عضو دفتر وزارت دارایی خدمت کرد و عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی شد. از آثار وی: «حسابدار نوین، تعریف اصول ساده»؛ «در غرب خبری نیست»، ترجمه، «راپرت ماژورهال به دکتر ملیسپو»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (724 -723 /6).

سیاح، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1278 ش)، پزشک، مدرس، نویسنده و مترجم. در تهران متولد شد در سال 1328 ش به سویس رفت و تا مدت نه سال در مدرسه‌ی ابتدایی و متوسطه لوزان مشغول به تصحیل شد. تحصیلات عالی را در دانشکده‌ی پزشکی پاریس و فرانکفورت به پایان رسانید و پایان نامه‌ی خود را در باب کانونهای عفونی دو ریشه‌ای از تصویب گذرانید و در سال 1337 ش به ایران بازگشت، و عهده‌دار مشاغل مختلفی از قبیل استاد کرسی بیمایهای دندان، جراح دندانسازی بیمارستانها، استاد مدرسه‌ی عالی دندانسازی، ریاست دندانسازی بیمارستانهای دولتی گردید. از آثار وی: «امراض دهان و دندان»؛ «بیماریهای دندان»؛ «بیماریهای دهان»؛ «ژوزف فرشه»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (226 -225 /5).

سیار، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1302، مشهد.
درگذشت: 12 دی 1372، تهران.
غلامعلی سیار، فرزند سید عبدالله، پس از خاتمه‌ی تحصیلات متوسطه دارالفنون در سال 1323 به فرانسه رفت. هفت و سال و نیم در آن کشور بود و از دانشگاه پاریس به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی حقوق نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به خدمات اداری در وزارت کار و امور اجتماعی و تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. سپس به وزارت امور خارجه منتقل گردید و مدارج متعددی را در آن وزارتخانه طی کرد. آخرین سمت وی سرکنسولی ایران در برلین غربی بود. در مرکز با مقام رایزنی درجه‌ی یک ریاست اداره‌ی دوم سیاسی (مربوط به کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی) را بر عهده داشت (پیش از سال 1357). دکتر سیار از مترجمین بود. آثاری چون گرسنه اثر کنوت هامسن نروژی، و دکاکولا از شارل لوونس کانادایی، امپراطوری گسسته از هلن کاررداکوس فرانسوی، یک سیاره و چهار پنج دنیا از اکتاویو پاز مکزیکی، جلد پنجم تاریخ عمومی جهان از کارل گریبرگ سوئدی و رمانتیسم در فرانسه از فیلیپ وان تیژم فرانسوی را به فارسی ترجمه کرد. آخرین کتابی که در بستر بیماری ترجمه می‌کرد چهره‌ی آسیا تألیف رنه گروسه خاورشناس فرانسوی بود.
سیار به جز ترجمه به داستان نویسی و مقاله‌پردازی هم می‌پرداخت و در مجلات ادبی تهران یک رشته‌ی داستان‌های کوتاه و نقد ادبی منتشر کرده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیاری اصفهانی، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، محدث و کاتب. در دستگاه آل‌طاهر، در زمان امام حسن عسگری (ع)، کاتب و دبیر بود. محمد بن یحیی و علی بن محمد حنانی از وی حدیث شنیدند. برخی از رجال‌نویسان وی را محدثی ضعیف و غیر قابل اعتماد و کتبش را اکثرا مراسیل می‌دانند. از آثارش: «الغارات»؛ «النوادر»؛ «ثواب القرآن»؛ «الطب»؛ «کتاب القراآت» یا «التنزیل و التحریف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختیار معرفه الرجال (606)، الاعلام (202/1)، اعیان الشیعه (117 -116 /3)، الذریعه (321/24، 52/17، 136/15، 19/5، 454/4)، رجال ابن‌داود (قسم 423 -422 /2)، رجال برقی (61)، رجال الطوسی (427، 411)، رجال النجاشی (211/1)، ریحانه (103/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 48 -47 /4)، الفهرست طوسی (44)، الکنی و الالقاب (327/2)، لسان المیزان (382 -381 /1)، معجم رجال الحدیث (284 -282 /2)، معجم المؤلفین (109/2)، هدیه الاحباب (153).

سیاری، ابوالحسین احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، نحوی، لغوی و ادیب امامی. او دایی ابوعمر زاهد ملقب به مطرز است. ابوعمر، از طریق سیاری، از مبرد و ابن مسروق طوسی و ناشی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (469/2)، تاریخ بغداد (13 -12 /4)، روضات الجنات (216/1)، ریحانه (103/3)، الکنی و الالقاب (328/2)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، هدیه الاحباب (153).

سیاسی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1274/1273 ش)، روانشناس، مولف و استاد دانشگاه. وی در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس خرد و سلطانی، برای ادامه‌ی تحصیلات به فرانسه رفت و از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پاریس به اخذ درجه‌ی دکترا با قید درجه‌ی بسیار عالی نایل گردید و به ایران بازگشت و فعالیتهای فرهنگی خود را از استادی دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشکده‌ی ادبیات آغاز نمود. وی چندین بار رییس دانشگاه تهران شد. از جمله خدمت موثر او می‌توان از تهیه‌ی لایحه‌ی قانون تربیت معلم، تعلیمات عمومی اجباری و مجانی، جدا کردن دانشگاه از وزارت فرهنگ، تاسیس مجدد دانشکده‌ی معقول و منقول، ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه و تاسیس کوی دانشگاه نام برد. او به کشورهای انگلستان و فرانسه و ایتالیا و آمریکا و کانادا سفر کرد. وی در تهران وفات یافت. از دکتر سیاسی تالیفات متعددی به جا مانده است از جمله: «علم النفس یا روانشناسی»؛ «علم النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید»؛ «علم اخلاق»؛ «مبانی فلسفه»؛ «منطق و فلسفه»؛ «هوش و خرد»؛ «روانشناسی شخصیت»؛ «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و برنده‌ی جایزه از آکادمی فرانسه؛ «طریقه تست» و «مقالات» متعددی که در جراید و مجلات به چاپ رسیده است.[1]
محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران.
تولد: 1273(1313 ق.)؛ تهران.
درگذشت: 4 خرداد 1369، بیمارستان جم تهران.
علی‌اکبر سیاسی، فرزند محمدحسن، پس از اتمام تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکده‌ی علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه سربن نایل شد (موضوع پایان‌نامه‌ی وی «ایران در برخورد با غرب» بود.) طی تحصیل در فرانسه، رساله‌ی دکترای وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال 1293 م. به وی اعطاء شد.
علی‌اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی

در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عامله‌ی حزب و از نویسندگان روزنامه‌ی هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسه‌ی دارالفنون، نظام و علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس روان‌شناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجله‌ی «آینده» نیز همکاری داشت.
علی‌اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روان شناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دوره‌ی ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.
دکتر سیاسی ریاست دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن- که بیش از بیست سال طول کشید- بر عهده داشت. تأسیس مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سهام‌الدین)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسه‌ی جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.
علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: اصول روان شناسی (1317)؛ روان‌شناسی پرورشی (1320، این کتاب به کرات بین بیست تا سی بار به چاپ رسیده است)؛ علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید (1333)؛ نمایشنامه‌های عشق و وطن؛ ماهیار یک قربانی دیکر؛ عشق و تجدد؛ ایران در تماس بامغرب زمین (به زبان فرانسوی)؛ دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین (1329)؛ روان‌شناسی جدید (1333)؛ علم اخلاق (نظری و عملی) (1336)؛ منطق و

روش‌شناسی (1336، چند بار چاپ شده است)؛ مبانی فلسفه (1336)؛ علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (1337، چند بار چاپ شده است)؛ منطق و فلسفه (1337، چند بار چاپ شده است)؛ هوش و خرد (1341، چاپ‌های مکرر دارد)؛ روان‌شناسی جنایی (1342)؛ گزارش یک زندگی (جلد اول، لندن 1336).
در 1274 ش در تهران متولد شد و پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه عالی سیاسی مشیرالدوله شد و دانشنامه گرفت. در 1290 دولت ایران قریب بیست نفر از جوانان کشور را تحت سرپرستی ریشارد برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد، از جمله علی‌اکبر سیاسی در زمره‌ی آن بیست نفر بود. در این سفر برای هر کدام از محصلین نام خانوادگی انتخاب شد و چون علی‌اکبر رشته‌ی سیاسی خوانده بود نام خانوادگی سیاسی را برای خویش انتخاب کرد. پس از ورود به پاریس وارد دانشسرای روان شد و به تحصیل در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و مدت تحصیل وی مجموعا پنج سال به طول انجامید و در 1296 به ایران بازگشت و به استادی مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در 1298 علاوه بر تدریس به سمت مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران برگزیده شد و قریب دو سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. سیاسی پس از بازگشت از اروپا در فکر تغییراتی در شئون تغییراتی در شئون مختلف کشور افتاد و با مشارکت عده‌ای از دوستان خود جمعیتی به نام ایران‌جوان تاسیس کرد. هسته‌ی اصلی این جمعیت غیر از سیاسی عبارت بودند از، حسن مشرف نفیسی، اسمعیل مرآت، محمدوحید تنکابنی، محسن رئیس، جواد عامری. اساسنامه‌ای که خیلی مترقی و تند بود تهیه کردند از جمله در مرامنامه آنها آمده بود: تجزیه امور مدنی از مسائل روحانی، الغاء کاپیتولاسیون، الغاء محاکم خصوصی و ارجاع کلیه امور به محاکم عمومی، تجدیدنظر در قراردادهای گمرکی، ایجاد راه‌آهن، ایجاد مدرس عمومی و اجباری برای پسران و دختران و چند مورد دیگر.
جمعیت ایران‌جوان پس از مدتی روزنامه‌ای به نام جمعیت که به طور هفتگی منتشر می‌شد دائر کردند که شماره اول آن دوازده صفحه بود و مطالب متنوعی در آن نوشته شده و چندین کاریکاتور هم در آن شماره به چشم می‌خورد. وقتی سردار سپه قدرت گرفت، اعضاء موسس ایران‌جوان را پذیرفته و مرامنامه آنها را مطالعه و مورد تصویب و اجرا قرار داد.
علی‌اکبر سیاسی در 1308 مجددا برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در رشته‌ی روانشناسی دکترا گرفت و رساله‌ی وی با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب استادان قرار گرفت و جایزه‌ای نیز از طرف دانشگاه به او داده شد. سیاسی در 1931 به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ ریاست تعلیمات عالیه به او واگذار شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس

روانشناسی و فلسفه پرداخت.
در 1313 پس از تاسیس دانشگاه تهران وی به استادی روانشناسی در دانشکده ادبیات منصوب شد و در سال بعد عضو پیوسته فرهنگستان جدیدالتاسیس ایران شد. در 1321 به ریاست دانشکده ادبیات برگزیده شد و در مرداد همان سال در کابینه‌ی احمد قوام وزارت فرهنگ را عهده‌دار شد. سیاسی در این سمت قانون تعلمیات اجباری را از مجلس سیزدهم گذرانید و برای دانشگاه تهران که ضمیمه وزارت فرهنگ بود استقلال گرفت و از طرف روساء دانشکده‌ها به ریاست دانشگاه مستقل تعیین شد.
پس از بلوای 17 آذر 1321 قوام‌السلطنه تمام روزنامه‌ها و مجلات کشور را تعطیل کرد و مدیران آن را به زندان افکند و دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت لایحه‌ی جدیدی به قید دوفوریت به مجلس داد و ضمن لغو تمام امتیازات برای صاحب امتیازی مطبوعات، اصول جدیدی را در نظر گرفت که یکی داشتن دیپلم متوسطه و دیگری بضاعت مالی بود.
پس از سقوط کابینه‌ی احمد قوام، علی سهیلی به نخست‌وزیری منصوب شد و پست وزارت فرهنگ مجددا به دکتر علی‌اکبر سیاسی تفویض گردید. در 1323 در کابینه‌ی مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) به وزارت مشاور برگزیده شد. در 1326 در کابینه‌ی ابراهیم حکیمی برای بار سوم وزیر فرهنگ شد و بالاخره در کابینه‌ی ساعد به وزارت امور خارجه معرفی گردید. و در 1325 عضویت هیئت نمایندگی ایران را در سازمان ملل عهده‌دار گردید.
دکتر علی‌اکبر سیاسی مجموعا مدت 12 سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود. در سال 1333 به موجب طرحی که از طرف یکی از نمایندگان به مجلس داده شد، انتخاب ریاست دانشگاه از روسای دانشکده‌ها سلب و قرار شد وزیر فرهنگ سه نفر از اساتید دانشگاه را که رتبه‌ی آنها از 9 کمتر نباشد به شاه پیشنهاد کند و شاه یکی از آنها را انتخاب کند. لذا جعفری وزیر فرهنگ وقت، سه نفر را پیشنهاد نمود. نفر اول دکتر منوچهر اقبال بود که به ریاست دانشگاه انتخاب گردید. دکتر اقبال برای تقدیر از خدمات دکتر سیاسی به وی مقام ریاست افتخاری دانشگاه تهران را داد.
دکتر علی اکبر سیاسی پس از کنار رفتن از ریاست دانشگاه، تلاشی برای کارهای دولتی به عمل نیاورد و همچنان با استادی و تدریس در دانشکده ادبیات امرار وقت می‌کرد و سرانجام بازنشسته شد و به مقام استادی ممتاز رسید.
دکتر سیاسی دارای تالیفات متعددی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد، از جمله می‌توان کتابهای مبانی فلسفه علی‌النفس یا اصول روانشناسی،

نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی و چندین کتاب درسی و چند ترجمه را نام برد. او اصول روانشناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد، از اینرو به نام بنیانگذار و پدر روانشناسی جدید در ایران معروف می‌باشد. وی در جوانی با دختر صمصام‌الملک بیات ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد که ارشد آنها دکتر هدایت سیاسی هم‌اکنون استاد دانشکده بهداشت است.
سیاسی در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی تحت عنوان گزارش یک زندگی نوشته و انتشار داد که در حقیقت شرح حال و زندگینامه‌ی او بود. در اواخر 1368 به ایران بازگشت و در ششم خرداد 1369 درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] چهره‌های آشنا (311 -310)، کلک (س 1369، ش 3، ص 32 -29)، کیهان فرهنگی (س 7، ش 3، ص 50)، مؤلفین کتب چاپی (521 -518 /4)، نشر دانش (س 10، ش 4، ص 104).

سیاه، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حکاک. حکاک و نگین‌تراش معروف دوره ناصری بود. از سال 1260 تا 1280 ق به حکاکی و نگین‌تراشی اشتغال داشت. بهترین و زیباترین آثار نگین‌تراشی این زمان، اثر دست این هنرمند معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (82 -81 /1).

سیاهپوش، سید جواد، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1247 ق)، عالم، ادیب و شاعر. پدرش سید محمد زینی از معاصران سید مهدی طباطبایی بود. سید جواد از اخباریان متعصب و از شاگردان میرزا محمد اخباری بود. او دارای خطی نیکو بود. چون پدرش درگذشت او را به قصیده‌ای رثاء گفت که در «دیوان» وی ثبت است. از آثار وی: «معراج الاسرار»، در تصوف؛ «دوحه‌الانوار فی الرائق من الاشعار»؛ در ادب، در چند جزء؛ شعری در رثای شیخ محسن اعسم؛ «دیوان» اشعار؛ قصیده‌ای در رثای شیخ خالد نقشبندی که سید محمود آلوسی بزرگ آن را شرح کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (302/6)، اعیان الشیعه (281 -280 /4)، الذریعه (228/21، 208/9، 273/8)، ریحانه (106/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 289- 290)، معجم المؤلفین (168/3)، مکارم الآثار (1320 -1319 /4).

سیبویه اصفهانی، ابونصر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، نحوی. از بزرگان علم و ادب بود. از ابن فارسی روایت کرده و عموی سمعانی نیز از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (3/ 109- 110).

سیبویه ثانی، برهان‌الدین ابراهیم

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 920 -917 ق)، نحوی و ادیب، عارف، شاعر و مفسر. از عارفان و نام‌آوران عرفان و مشاهیر سلسله‌ی نقشبندیه است. که در نحو و ادبیات عرب و متون شعری یگانه‌ی روزگار خود بود. در حین مسافرت به مکه به دست خوارج کشته شد. از آثار وی: «انبیاء نامه»؛ «التائیه»، در نحو معروف است به «نهایه البهجه»، که آن را شرح کرده به نام «معیار الادب فی شرح نهایه البهجه»؛ «تائیه» در نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری به نام «موزون المیزان»؛ «تفسیر قرآن» از اول تا سوره‌ی یوسف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (128 -127 /2)، ایضاح المکنون (515/2)، دانشمندان آذربایجان (16)، الذریعه (506/9، 202 -201 /3)، ریحانه (111 -110 /3)، فرهنگ سخنوران (17)، کشف الظنون (1901، 267)، معجم المؤلفین (38/1)، یغما (س 6، ص 154 -152).

سیبویه کربلائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد فرزند ملا علی‌اکبر سیبویه حایری کربلائی از مخلصین اهل‌بیت و مبلغین احکام و مروجین اسلام و خدام مخلص اهل‌البیت علیهم‌السلام بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌الصلوه والسلام است. ایشان در بیستم ربیع‌الثانی 1337 قمری در کربلا به دنیا آمده و در بیت علم و حدیث تربیت یافته و پس از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات سطوح را نزد والد ماجدش و عموی بزرگوارش مرحوم حاج شیخ محمدعلی سیبویه که از علماء محترم کربلا بودند خوانده و سطوح نهائی و خارج فقه را از مرحوم علامه فقیه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی که از مجتهدین و علماء مبرز کربلا بودند استفاده نموده و در سال 1400 قمری برابر با 1359 شمسی از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر و رانده به ایران شده پس از ورود رحل اقامت به تهران انداخته و تا حال تحریر کتاب 1412 قمری در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ذکر مصائب خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوه والسلام از طریق منبر اشتغال دارند و جدا مخلصانه و خالصانه این وظیفه را ایفاء می‌کنند و لذا اثر عمیقی در مستمعین و شنوندگان خود می‌گذارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه یزدی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین فرزند عالم ربانی حاج شیخ محمدعلی فرزند آخوند ملا عباس یزدی ابرندآبادی از دانشمندان کربلا بوده که دولت بعث عراق او را با ده‌ها هزار نفر دیگر به ایران رانده و ایشان رحل اقامت در مشهد مقدس انداخته و تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام نموده و به خدمات دینی در آنجا از اقامه جماعت و تدریس و اداره عده‌ای از طلاب و محصلین اشتغال دارند.
جد ایشان آخوند ملا عباس در ابرندآباد یزد متولد شده و پس از خواندن مقدمات به اتفاق آقا سید محمدکاظم یزدی که با او رفاقت تامی داشته به اصفهان هجرت نموده و قسمتی از سطوح در آنجا خوانده و مهاجرت به کربلا نموده و چندی که اقامت داشتند کسی از شخصیت ایشان مطلع نبوده تا آنکه کم‌کم مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر حجت کربلائی و آیت‌اللّه حاج سید اسماعیل صدر متوجه و مطلع می‌شوند از آمدن ایشان.
پس از ایشان دیدن کرده و تجلیل می‌کنند پس از آن شروع به تدریس و اقامه نماز جماعت در صحن شریف و بعضی از مساجد کربلا می‌نمایند و بعد از آن برادر بزرگوارش مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه از ایرندآباد یزد عازم کربلا شده و در آنجا اقامت نموده و پس از چندی قبل از برادرش مرحوم ملاعباس از دنیا می‌روند و لقب سیبویه اختصاص به ایشان داشت و پس از فوتشان علماء کربلا لقب مذکور را به ایشان دادند و این نام خانوادگی اولاد و اعقاب ایشان گردید و خلاصه هر دو آن بزرگوار از علماء مبرز و مجتهدین بزرگ کربلا بودند و مرحوم آخوند ملاعلی سیبویه عقیم و بدون اولاد بود و مرحوم آخوند ملاعباس دارای دو فرزند عالم و دانشمند به نام:
1- حاج شیخ علی‌اکبر والد ماجد حاج شیخ احمد سیبویه مقیم تهران.
2- حاج شیخ محمدعلی سیبویه والد ماجد مترجم ما بودند.
و این دو بزرگوار حاج شیخ علی‌اکبر و حاج شیخ محمدعلی از علماء مبرز کربلا بوده‌اند که در حوزه کربلا اشتغال به تدریس و امامت در صحن شریف و مسجد می‌نمودند.
و مرحوم حاج شیخ محمدعلی دارای فرزندانی بودند که بیشتر آنها در حال کودکی از دنیا رفتند و دو فرزند فاضل و دانشمند از ایشان به نام:
1- حاج شیخ محمدحسن سیبویه که دانشمندی فاضل و ارزشمند بودند و

پس از سفر به ایران در اثر ناراحتیها و صدمات وارد در مشهد بیمار شده و از دنیا رفته و در صحن نو مشهد مقدس مدفون شدند.
2- مترجم ما جناب حاج شیخ حسین سیبویه که در کربلاء معلی به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی و مقدماتی و سطوح را از مدرسین کربلا بالاخص مرحوم والدشان و حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و حاج شیخ محمدرضا جرقوئی اصفهانی و حاج شیخ محمدعلی منتظری و حاج شیخ محمد خطیب و دیگران خوانده سپس عزیمت به نجف اشرف نموده و سطوح عالی را از محضر حاج شیخ مجتبی لنکرانی و آقا سید احمد اشکوری و حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای و بعد به درس مرحوم میرزا باقر زنجانی و بعد از آن به درس میرزا حسن بجنوردی سپس درس آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری خوئی مد ظله و آقای خمینی استفاده نموده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و غیره پرداخته و مدرسه‌ای به نام امام حسین علیه‌السلام تأسیس و عده‌ای از محصلین و طلاب مشهد را تربیت و تعلیم می‌دهند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

سیبویه، ابوبشر، ابوالحسن عمرو

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 194 -160)، نحوی. ملقب به امام نحویان. در بیضاء شیراز متولد شد و در بصره نشو و نما یافت و در بصره و بغداد اقامت گزید. ابتدا به طلب فقه و حدیث پرداخت. سپس متون عربیت را نزد خلیل بن احمد و یونس بن حبیب و عیسی بن عمر و اخفش اکبر فراگرفت و قطرب و اخفش اصغر و اخفش اوسط و دیگر بزرگان از شاگردان وی بودند وی با کسایی معاصر بود و مناظره داشت. محل مرگ وی را در بصره، ساوه، بیضاء آورده‌اند. درباره عظمت علمی و فکری سیبویه سخن بسیار گفته شده و کتاب فراوان نگاشته شده او را اولین کسی می‌دانند که علم نحو را گسترش داد. از آثار او: «الکتاب» یا «کتاب سیبویه».[1]
(معر، سیب کوچک یا بوی سیب) ابوبشر عمرو بن عثمان بن قنبر (یا قنبره) فارسی بیضاوی و سپس عراقی مصری ملقب به سیبویه (و. بیضاء (فارس) 148 ه.ق./ 765 م.- ف 180 ه.ق./ 796 م.) وی اعلم مردم در نحو عربی بود و او را پیشوای مذهب بصریان در نحو دانند چنانکه کسائی را پیشوای کوفیان دانند، کتاب مشهور او به نام «الکتاب» در نحو است. قبر وی اکنون در محله سنگ سیاه شیراز می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (252/5)، تاریخ ادبیات در ایران (126/1)، تاریخ بغداد (199 -195 /12)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (212 -211 /3)، دایرةالمعارف فارسی (1397 -1396 /1)، الذریعه (261/17)، روضات الجنات (310 -305 /5)، ریحانه (109 -108 /3)، سیر النبلاء (352 -351 /8)، فارسنامه‌ی ناصری (1271/2)، فرهنگ ادبیات فارسی (284)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (90 -89)، الکنی و الالقاب (330 -329 /2)، کشف الظنون (1427 -1426)، لغت نامه (ذیل/ سیبویه)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 179)، مجموعه مقالات کنگره سیبویه، معجم الادباء (127 -114 /16)، معجم المؤلفین (10/8)، وفیات الاعیان (465 -463 /3)، هدیه الاحباب (154 -153).

سید العراقین (عبدالحسین)

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا عبدالحسین خاتون آبادی فرزند آقا میر محمد مهدی بن حاج میر معصوم بن حاج میرزا محمد علی بن میر ابوالمحسن بن میر محمد اسماعیل [بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل] مدرس کبیر خاتون آبادی. پدرانش عموما از علمای بزرگ اصفهان، و رؤسای این شهر بوده، و به مناسبت سکونت در محله‌ی پاقلعه (از محلات اصفهان) به سادات پاقلعه معروف شده‌اند.
مرحوم سید العراقین در سال 1294 در اصفهان متولد شده، و مقدمات علوم را در این شهر آموخته، سپس جهت تکمیل به عراق عرب رفته، سال‌ها در نجف اشرف از محضر اساتید بزرگ آنجا در فقه و اصول استفاده نموده، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل گردیده، به اصفهان مراجعت نموده، به درس و بحث و اقامه‌ی جماعت، و فصل خصومات، و ترویج دین پرداخته.
سرانجام در شب چهارشنبه 10 شوال 1350 وفات یافته، در تکیه‌ای مخصوص در مجاورت تکیه‌ی خاتون آبادی‌ها مدفون گردید. (پس از آن جمعی کثیر از فضلا و علما در مجاورت او در بقعه و خارج آن مدفون شدند که ذیلا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود.
مرحوم سید العراقین آخرین مدرس معروف مدرسه‌ی چهارباغ به شمار می‌رفت که پس از فوت او، به مناسبت چندی، سال‌ها مدرسه تعطیل، و خالی از طلبه و محصل بوده، و امورات وقفی آن زیر نظر اداره‌ی اوقاف اداره می‌شد، تا پس از وقایع شهریور 1320 مجددا مدرسه به تصرف وقف داده، و حق به من له الحق بازگشت. سپس طلاب در آن ساکن شده و به تحصیل مشغول شدند، و به حمدالله تاکنون دایر، و صبح و عصر جلسات تدریس فقه و اصول حکمت و ادب در آنجا دایر است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

سید امامی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1281 ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. در برلن تحصیل طب نمود و عملیات طبی را در بیمارستان دولتی شارتیه انجام داد. در سال 1310 ش به تهران مراجعت کرد. سه دوره به نمایندگی مجلس از تبریز انتخاب شد. مدت ده سال مجله‌ی پزشکی و بهداشتی «تندرست» را منتشر می‌کرد. از آثار وی: «سالک»؛ «مالاریا».[1]
فرزند سید کاظم امام جمعه و متولد 1280 در تبریز است. تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی پزشکی در فرانسه به اتمام رسانید و وارد دانشگاه تهران شد و مقام استادی دانشکده‌ی پزشکی گرفت و مدتی نیز در وزارت بهداری معاونت کل آن وزارتخانه را بر عهده داشت.
در دوره‌ی شانزدهم از طرف مردم تبریز به مجلس رفت و در ادوار هیجدهم و نوزدهم دارای همان سمت بود. دو دوره هم از تبریز برای سناتوری انتخاب شد. وی مدتی به انتشار مجله‌ی پزشکی تندرست مبادرت کرد. در سن 68 سالگی فوت نمود. وی داماد امیراسعد ذوالفقاری بود. در اواخر عمر به حرفه‌ی طبابت اعتنائی نداشت و غالبا وقت او صرف اداره‌ی مستغلات و املاکش می‌شد. مردی بود که برای خود زندگی می‌کرد و از ثروت خود حداکثر بهره‌برداری مالی را می‌نمود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (1/ 407- 408).

سید انزابی‌نژاد، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید هاشمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمد سیدهاشمی
محل تولد : کاظمین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال 1362 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (66 ـ 1365) در سال 1370 در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال 1375 فارغ‌التحصیل شدم. در سال 1376 بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال 1378 و نیز سال 1380 در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال 1380 به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال 1383 به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال 1384 با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح 3 حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای 1382 به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت

داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم 86 ـ 85) در جامعة الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدحسینی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا سیدحسینی درسال 1305 در اردبیل زاده شد. وی علوم ارتباطات دور را در مدرسه پست و تلگراف و تهران آموخت وی در مدرسه عالی ارتباطات دور فرانسه و نیز در دانشگاه U.S.C آمریکا مدتی تحصیل کرد و به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دایرة المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند. کتاب"ضد خاطرات" ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فارسیگرایش : ترجمه ادبیوالدین و انساب : رضا سیدحسینی ازسادات شهرستان اردبیل می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا سیدحسینی دورۀ دبیرستان را در زادگاهش و تحصیلات تخصصی در رشته مخابرات را در آموزشگاه عالی پست و تلگراف تهران فراگرفت. سپس به فرانسه رفت و در مدرسه عالی ارتباطات دور و سپس دردانشگاه U.S.C آمریکا به تحصیل فیلم سازی مشغول شد. وی پس از بازگشت به میهن زبانهای فرانسه و فارسی را به طور عمیق تر نزد عبدالله توکل، پژمان بختیاری و ناتل خانلری فرا گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرها و اقامت رضا سیدحسینی در فرانسه و آمریکا از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا سیدحسینی در کنار مطالعه رشته فیلم سازی، به طور جدی به مطالعه آثار ادبی ملل گوناگون می پرداخت و ترجمه های فراوان و ارزشمندی از آنها به عمل آورد که وی را در این زمینه مشهور کرد. وی کار ترجمه را از شانزده سالگی آغاز کرده است. از زبانهای فرانسه و ترکی استامبولی و انگلیسی ترجمه می کند. در سال 1334 کتاب «مکتبهای ادبی» را تألیف کرده است که اغلب در رشته های ادبی دانشگاهها تدریس می شود. عبالله توکل را (که به اتفاق او چند کتاب از آثار اشتفان تسوایک و بالزاک و آندره ژید را ترجمه کرده) و نیز مرحوم پژمان بختیاری را اولین معلم های خودش در کار ترجمه می داند، اما رشد ادبی خود را مدیون دکتر پرویز خانلری است که سالیان دراز در مجلۀ سخن (به عنوان دستیار و سر دبیر) در واقع شاگرد مکتب او بوده است.استادان و مربیان : رضا سیدحسینی زبان فرانسه و فارسی را نزد استادانی همچون عبدالله توکل،

پژمان بختیاری و دکتر پرویز ناتل خانلری به طور عمیق تری فرا گرفته بود.وقایع میانسالی : رضا سیدحسینی پس از بازگشت از آمریکا و فرانسه به میهن مدتی به تدریس در آموزشکده تئاتر پرداخت. وی سالهای متمادی سردبیر مجله سخن و فعال در اداره مخابرات و رادیو و تلویزیون بو. و در کنار آن به طور جدی به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون به زبان فارسی مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : برخی از مشاغل رضا سیدحسینی عبارتند از : - عضو هیأت علمی دایره‌المعارف اسلامی -مدرس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات در آموزشکده تئاتر -سردبیر مجله سخن -فعالیت درادراره مخابرات و رادیو و تلویزیون -مترجم ادبیات ملل به زبان فارسی فعالیتهای آموزشی : رضا سیدحسینی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا مدتی در آموزشکده تئاتر به تدریس مبانی نقد فلسفه هنر و ادبیات می پرداخت.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دایرة المعارف اسلامی است و نیز در مرکز آموزش تئاتر وزارت ارشاد اسلامی نقد ادبی تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مطالعه وترجمه آثار ادبی مشهور ملل گوناگون به ویژه ملتهای فرانسوی زبان از امور مورد علاقه رضا سیدحسینی بوده و هست.همفکران فرد : رضا سیدحسینی در زمینه ترجمه آثار ادبی ملل در کنار بزرگانی چون نجف دریا بندری و احمد آرام قرار می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : رضا سیدحسینی از جمله مترجمینی است که عمدتا به ترجمه آثار ادبی ملل گوناگون علاقمند است.جوائز و نشانها : رضا سیدحسینی درسال 1380در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ترجمه برگزیده و معرفی شد.همچنین کتاب"ضد خاطرات" ترجمه وی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان سر ویراستار کتا "فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)" بوده اند که کتاب فوق در دوره بیست و یکم کتاب سال انتخاب شده است.

آثار : آن سوی کوهستان و ، گرما را بکشند ویژگی اثر : ترجمه، از یاشار کمال (به اتفاق جلا ل خسروشاهی)2 آنسوی کوهستان 3 امید 4 امید ویژگی اثر : ترجمه،از آندره مالرو5 بهانه ها و بهانه های تازه 6 تاریخ رمان مدرن 7 تونیوکروگر ویژگی اثر : ترجمه، اثر توماس مان8 جادۀ تنباکو و غوغای ژوئیه ویژگی اثر : ترجمه، از ارسکین کالدول9 چشم انداز ادبیات جهان 10 دایره المعارف فرهنگ آثار ویژگی اثر : استاد رضا سید حسینی سرپرستی دایره المعارف فرهنگ آثار را برعهده دارد.11 در تنگ ویژگی اثر : ترجمه، اثر آندره ژید (به اتفاق عبدالله توکل)12 در تنگ 13 در دفاع از روشنفکران 14 ضد خاطرات ویژگی اثر : ترجمه، خاطرات از

آندره مالرو (به اتفاق ابو الحسن نجفی)،این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب ضد خاطرات: در تاریخ ادبیات جهان هیچ نویسندهٔ دیگری را نمی توان نشان داد که مانند آندره مالرو که زندگیش با این همه حوادث بزرگ و این همه آثار بزرگ آمیخته باشد...زمانی آندره ژید در بارهٔ او گفته بود: «هر بارکه مالرو دهان باز می کند نبوغ سخن می گوید». مالرو ضد خاطرات را در سالهای آخر عمرش نوشته است و این کتاب درواقع حاصل عمر پر بار او است و بر پایهٔ خاطراتی که از مراحل مختلف زندگی خود دارد، از قبیل اسارت در زندانهای آلمانی، و ملاقات با بازرگانی از قبیل نهرو، مائو و دیگران نوشته است. اما کتاب فقط خاطرات نیست و خود او دربارهٔ آن چنین می گوید: «من از کتابم شرح حال را به عمد کنار گذاشته ام . این کتاب متکی بر کارهای روزانه یا یادداشتهای متفرق دیگر نیست، بلکه بر اساس عناصر مشخصی از تجربه ام کوشیده ام تا شخص را، یا پاره هایی از تاریخ را ، باز یابم. رویداد و شخص را به گونه ای وصف کرده ام که گویی به خودم مربوط نیست.» 15 طاعون ویژگی اثر : ترجمه، از آلبر کامو16 فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز) ویژگی اثر : سرویراستار ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: فرهنگ آثار (معرُفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز)/]ترجمه و تألیف[تحت نظر هیأت علمی: اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گیلانی)، رضا سیّدحسینی، ابوالحسن نجفی، به سرپرستی رضا سیّدحسینی.ـ تهران: انتشارات سروش، 6 ج] 4 ج تاکنون[، ج 4، 1381. این اثر شش جلدی ثمرهٔ همکاری پژوهشگران ایتالیایی و فرانسوی است. بانی آن والنتینو بومپیانی بوده و انتشار چاپ نخست آن از 1953 آغاز شده است. مقالات این فرهنگ عرصه‌ای وسیع را در بر می‌گیرند: رمان، شعر، نمایشنامه، خاطرات، مجموعهٔ نامه‌ها، دانشنامه، انواع علوم و فنون، ادب و فلسفه، حقوق، علوم تجربی، علوم انسانی، تاریخ و هنر و آثار مذهبی، از متون باستانی مصر و چین گرفته تا شاهکارهای روزگار ما. اعضای هیأت علمی همهٔ مدخل‌های این فرهنگ را مطالعه و آن‌ها را به سه درجه تقسیم کردند که از آن میان مقالات کم‌ارزش و بی‌اهمیت (مقالات درجهٔ سه) حذف شد و نیز مقالات مربوط به آثار موسیقی کنار گذاشته شد و به جای آن‌ها مقالات مهم دیگری از فرهنگ ادبی آلمانی معروف کیندلرز دربارهٔ آثار شاعران و نویسندگان ملل جهان سوم انتخاب و ترجمه شد. مهمترین آثار ایرانی و اسلامی نیز در مقالاتی تألیفی معرفی و به صورت الفبایی در

داخل فرهنگ قرار گرفت. و بدین ترتیب معرّفی و تحلیل و نقد قریب بیست هزار جلد کتاب‌های متعدد فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف صورت پذیرفت. این فرهنگ عصاره و زبدة همة کتاب‌ها و همة آثار ذوقی و علمی بشر را در بر دارد و ضرورتش برای انسان امروز نه تنها به حکم گسترش دامنة آن در زمان است بلکه به سبب شمول قلمرو آن در مکان نیز هست. هدف این کار بزرگ مطلقاً آن نبوده است که خواننده را از خواندن اصل آثار معاف کند، بلکه برعکس، هدف اساسی این بوده است که ابزاری برای کشف نگرش اجمالی و انتخاب این آثار به دست خواننده دهد و بدین¬گونه او را به مراجعة مستقیم به خود آثار برانگیزد 17 مکتب های ادبی

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر ابراهیم سیدعلوی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
زندگینامه علمی
این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال 1318 ه.ش برابر با یکم شوال 1358 ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های 1333 ش الی 1340ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال 1350 ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته

معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی ساروی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین سیدی ساروی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/2/1
زندگینامه علمی
در یکی از روزهای سبز ادیبهشت 1343 در ساری شهری که همسایه دریا و کشتزاران است وعطر شالیزار درآن می وزد چشم به جهان گشودم. اولین کاری که در عمرم کردم این بود که با آمدنم پدر و مادرم را به گریه انداختم و بعد فامیلهای دیگر را (باغی که نکوست از بهارش پیداست) تا یازده سالگی در کوچه های آکنده از عطر درختان نارنج به دنبال سنجاقک و پروانه می دویدم. رگهای برگها را می شمردم و لطافت پرهای سار و سبز قبا را با نگاهم لمس می کردم. با اینکه آن روزها هم شهر نشین بودم اما گوشم با شیهه اسب و زنگوله گوسفندان آشتی داشت.در سال 1353 برای فرو نشاندن تشنگی روح به حوزه علمیه قم وارد شدم . تا سال 1359 برگهای دفتر عمرم خالی از رنگ شعر و ادب و هنر است. از همان سال حرفهایی از چشمه روحم جوشیدند و در جویبار شعر جاری شدند . در یک برخورد از نوع معمولی با استاد " صادق موسوی گرمارودی " آشنا شدم و ایشان به پاکسازی و پالایش این چشمه پرداخت . در مدت یکی - دو سال هر بار که خار جفا در پای دل می رفت و یا پرنده شادی بر شاخسار احساس می خواند چشمه می جوشید و چند نفری هم از شنوندگان رادیو " ساری " و خوانندگان مجلات آن روزها از ان نوشیدند .از سال 1362 باز به تشویق همان استاد به ترجمه روی آوردم که تا امروز 40 تایشان در قفسه های کتابفروشی ها و کتابخانه ها نشسته اند. این شعله هر چند وقت یکبار از زیر خاکستر پراکنده کاریها سر بر می کشد و تا فاصله ای را روشن و درون عده ای - وبیشتر بچه ها - را گرم می کند . سال 1363 بود که پس از مدتی کلنجار رفتن با روحم او را به دوربین فروشی بردم و از پشت " ویزور " دوربین دنیا را نشانش دادم . آن قدر خوشش آمد که از آنروز تا الآن همیشه از آنجا به عالم و آدم نگاه می کند . تا حالا هم بیش از 12 جایزه عکاسی به من هدیه کرده است. معطل

کارهای دیگری هم شده ام که هرگز این پراکنده کاریها را به کسی توصیه نمی کنم .

سیدیونسی، ودود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نسخه شناس، محقق.
درگذشت: 18 دی 1359.
میرودود سیدیونسی رییس کتابخانه‌ی ملی تبریز بود. از جمله فعالیت‌های او تصحیح کتاب روضة‌الکتاب و حدیقة الکتاب تألیف ابوبکر بن الزکی المتطبب القونیوی الملق بالصدر است که به اهتمام وی در سال 1349 در تبریز نشر شده است. مقاله‌هایی به قلم وی در نشریه‌های «کتابخانه‌ی ملی تبریز» و «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز» به چاپ رسیده است. از آثار اوست: فهرست کتابخانه‌ی ملی تبریز: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی (سه جلد، تبریز، 1362 ،1353 1348،). انتشار دو دیوان صائب (یکی در سال 1356 و یکی در سال 1357) و گنجینه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی (1347) از جمله فعالیت‌های دیگر سید یونسی بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیرافی، ابوسعید حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 368 ق)، ادیب، نحوی حنفی. معروف به قاضی سیرافی. اصل وی از سیراف فارس بود. پدرش مجوسی بود و بعد اسلام آورد. ابوسعید در عمان فقه آموخت. و در بغداد علوم قرآنی و نحو را تدریس می‌کرد قرآن را نزد ابوبکر مجاهد و لغت را نزد ابن‌درید و نحو را پیش ابن‌سراج فراگرفت. سید رضی نحو را نزد او آموخت. مدتی قاضی بغداد بود و از راه کسب امرار معاش می‌کرد. در بغداد درگذشت و در مقبره خیزران دفن شد در برخی منابع آثار وی را به فرزندش نسبت داده‌اند. از آثار وی: «الاقناع»، در نحو؛ «اخباره النحویین البصیریین»؛ «صنعه الشعر»؛ «البلاغه»؛ «شرح کتاب سیبویه»؛ «شرح مقصوره ابن‌درید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (211 -210 /2)، تاریخ الاسلام (حوادث 395 -394 /380 -351)، تاریخ بغداد (342 -341 /7)، دانشنامه ایران و اسلام (837 -836 /6)، روضات الجنات (70 -66 /3)، ریحانه (143/3)، سیر النبلاء (248 -247 /16)، الفهرست لابن ندیم (93)، کشف الظنون (1980 ،1808 ،1470 ،1427 ،1107 ،150 ،140)، الکنی و الالقاب (340 -339 /2)، لسان المیزان (408 -407 /2)، لغت نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادبا (232 -145 /8)، معجم البلدان (335/3)، معجم المؤلفین (242/3)، الوافی بالوفیات (74/12)، وفایت الاعیان (79 -78 /2)، هدیه العارفین (271/1).

سیرافی، ابومحمد یوسف

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(385 -330 ق)، نحوی، لغوی ادیب و اخباری. اصل وی از سیراف بود و در بغداد متولد شد و نزد پدرش کسب علم کرد و خود نیز درس می‌داد و به تکمیل کتابهای پدر پرداخت. از آثارش: «شرح ابیات سیبویه»؛ تکمله کتاب «الاقناع»؛ شرح ابیات «الغریب المصنف» ابی‌عبید؛ شرح ابیات «المجاز»، ابی‌عبید؛ شرح ابیات «اصلاح المنطق»، ابن‌السکیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (298/9)، روضات الجنات (70/3)، ریحانه (579/7)، سیر النبلاء (248 -247 /16)، کشف الظنون (1209 ،108)، الکنی و الالقاب (340/2)، لغت نامه (ذیل/ یوسف)، معجم الادبا (60/20)، معجم المؤلفین (291/13)، وفیات الاعیان (74 -72 /7)، هدیه العارفین (549/2).

سیستانی، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید زین‌العابدین حسینی سیستانی از علماء محترم و ائمه جماعت جامعه گوهرشاد مشهد و مورد احترام و وثوق مردم مشهد بودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیستانی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر عالمی جلیل و فاضلی باکمال از دانشمندان سیستان بوده و در آنجا قیام به وظائف شرعی از اقامه نماز جمعه و نشر احکام و هدایت و ارشاد انام نموده و در حدود 1320 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سیف اللهی، حجت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر حجت الله سیف اللهی ننه کران در روستای ننه کران یکی از توابع اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته آمار از دانشگاه پاریس 6(پی یر و ماری کوری) است که پس از اخذ مدرک دکتری رشته مذکور از سال 1353 در دانشگاه ابوریحان و شهید بهشتی به تدریس پرداخت و در سال 1381 به افتخار بازنشتگی نائل آمد.نامبرده از سال 1377 تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به تدریس مشغول می باشد.
گروه : علوم پایه
رشته : آمار
گرایش : آمار (تحلیل داده ها)
والدین و انساب : پدر و مادر حجت الله سیف اللهی ننه کران فوت شده اند. ایشان دارای سه برادر است که بترتیب در اردبیل ،رامسر و اراک زندگی می کنند.
خاطرات کودکی : حجت الله سیف اللهی ننه کران از دوران کودکی خود چنین می گوید: "پنجم ابتدایی را در روستای ننه کران اردبیل طی کرده ام . در زیر چراغ نفتی در خانه و در مغازه پدرم درس می خواندم و روزها نیز کنار رودخانه کار می کردم و کلاس ششم ابتدایی را در بخش نمین به پایان رسانیدم.در دوران تحصیل خود همیشه شاگرد اول بودم."
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حجت الله سیف اللهی ننه کران در روستای ننه کران مغازه داشت و به کار کشاورزی نمی پرداخت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حجت الله سیف اللهی ننه کران 5 سال دوره ابتدایی را در روستای ننه کران و ششم ابتدایی را در نمین و سه سال اول متوسطه را آستارا و دو سال دانشسرا را در تبریز ،4 سال در رشته ریاضی در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخته است. ایشان دوره کارشناسی ارشد را در موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک و دوره تحصیلات تکمیلی و دکتری رشته آمار را در دانشگاه پاریس 6(پی یر و ماری کوری) گذرانده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : حجت الله سیف اللهی ننه کران از دوران تحصیل خود چنین به یاد دارد: "در کلاس دوم ابتدایی کتاب ها بزبان ترکی بود و از آذر 1325 به بعد به فارسی تبدیل شد. من برای ششم ابتدایی هر

زور صبح از روستای خود به نمین می رفتیم و طوری که در مدرسه بسته می شد و عصر نیز بر می گشتیم.سه سال متوسطه را در آستارا بودم در آن موقع در آن شهر کتاب پیدا نمی شد و بایستی از اردبیل خریداری می شد."
فعالیتهای ضمن تحصیل : حجت الله سیف اللهی ننه کران پس از طی دو سال دانشسرای مقدماتی در مهر 1335 در ننه کران به عنوان آموزگار استخدام شدند.او دو دیپلم طبیعی و ریاضی را بطور متفرقه در اردبیل و تبریز اخذ کردند و در سال 1343وارد دانشگاه تهران در رشته ریاضی گردیدند.
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر طاهری ،دکتر تارمست،دکتر هاشمی پرست از همدوره ایهای حجت الله سیف اللهی ننه کران می باشند.
همسر و فرزندان : حجت الله سیف اللهی ننه کران در سال 1343 با همسر خود (دبیر بازنشسته) ازدوراج کرد که ماحصل این ازدواج سه فرزند ،2 دختر و یک پسر می باشد.
فعالیتهای آموزشی : حجت الله سیف اللهی ننه کران از مهر سال 1335 به مدت 19 سال در دبیرستانها ننه کران و تهران به تدریس مشغول بودند در سال 1354 با مدرک کارشناسی ارشد رشته آمار در دانشگاه ابوریحان و پس از اخذ مدرک دکتری رشته آمار در دانشگاه شهید بهشتی تا سال 1381 به تدریس پرداخت.نامبرده در مهر همان سال (1381) بازنشسته گردیدند. ایشان در ضمن از 15 شهریور سال 1377 تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی اشغال دارند.
جوائز و نشانها : حجت الله سیف اللهی ننه کران بدلیل ترجمه کتاب ،تالیف مقاله و طرحهای پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی لوحهای تقدیر و جوایز نقدی متعددی دریافت کرده است.
چگونگی عرضه آثار : حجت الله سیف اللهی ننه کران دارای سه طرح پژوهشی در دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

آثار :
1 آمار ریاضی
ویژگی اثر : ترجمه
2 تحلیل داده ها
ویژگی اثر : ترجمه
3 خلاصه درس و فرمولهای آمار و احتمال ریاضی
ویژگی اثر : ترجمه منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

سیف آزاد، عبدالرحمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1343 ق)، روزنامه‌نگار. وی در سال 1901 م مجله‌ی «صنایع المان و شرق» را در برلین به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، ترکی، هندی و آلمانی منتشر کرد. این مجله مصور و رنگی بود. سپس روزنامه‌ی «آزادی شرق» را ابتدا در برلین تا سال 1343 ق و پس از آن در تهران انتشار داد. وی روزنامه‌ی «ایران باستان» را به سال 1311 ش در تهران، به قطع بزرگ و تصاویر رنگی منتشر کرد که تا سال 1314 ش ادامه داشت پس از آن سیف آزاد مجددا به اروپا رفت و بعد از وقایع شهریور 1320 به ایران بازگشت و «ایران باستان» را مجددا منتشر کرد. او هم چنین مجله «راهنمای بانوان» را در برلین به زبانهای فارسی و انگلیسی و فرانسوی بطور ماهیانه انتشار می‌داد. «ایران باستان» روزنامه‌ای سیاسی و اقتصادی بود که هدف آن شناساندن ایران به خارجیان و ایرانیانی که در خارج از ایران زندگی می‌کردند خصوصا پارسیان مقیم هندوستان بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (3/ 127- 129، 2/ 337- 338، 330- 334، 1/ 148- 149).

سیفائی، عبدالغفار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1296.
درگذشت: 1366.
از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های محلی اوز فارس (1368).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیفی فمی تفرشی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: اسفند 1309، فم در تفرش.
درگذشت: 9 تیر 1372، تهران.
مرتضی سیفی فم تفرشی تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند و در مهر 1330 وارد دانشکده‌ی افسری شهربانی شد. در سال 1345 در رشته‌ی زبان انگلیسی و در سال 1351 در رشته‌ی علوم تربیتی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای دریافت درجه‌ی فوق لیسانس، موضوع «جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت» را برگزید.
مرتضی سیفی فمی تفرشی به بررسی مسایل جغرافیای تاریخی علاقه‌مند بود. وی پس از انقلاب با درجه‌ی سرهنگی بازنشسته شد و فرصتی یافت تا به خواندن و پژوهیدن بیشتر روی بیاورد.
از آثار اوست: سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان؛ نظم و نظمیه در دوره‌ی قاجاریه؛ پلیس خفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی 1320 -1229، نگاهی به ایران (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)؛ ترجمه‌ی تاریخ ایران (نوشته‌ی سرجان مالکم با همکاری ابراهیم زندپور)؛ تهران در آیینه‌ی زمان- بخش اول؛ مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه. از جمله کتاب‌هایی که وی برای چاپ آماده ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نگاهی به جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ مدنیت اروپا، مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچه‌ی شهربانی از 1342 تا انقلاب اسلامی ایران.
مرتضی سیفی فمی تفرشی بر اثر سکته‌ی قبلی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سیفی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر سیفی
محل تولد : بابلسر
شهرت : سیفی مازندرانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال 1355 تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.
پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئوول تبلیغات لشکر 25 کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال 1360 افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان،

بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال 1372 در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1135 ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت‌گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (729/3)، مکارم الآثار (581/2).

سینی اصفهانی، امیراحمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
گواه و امضا کننده دیگر سند و سایر برادران و بزرگان امضا کننده سند مورخه 917 هجری قمری تنها سردار غیر قزلباش دلیر و توانای شاه اسماعیل و سیاستمدار برجسته که از مردان بزرگ و ایراندوست و معاند با اقوام ترک و تاتار و مغول و فرمانده جنگ با ازبکان در منطقه سمرقند و بخارا در ناحیه قلعه قریشی و غجدوان سنه 918 و مورد علاقه و احترام شاه اسماعیل بوده که او را ملقب به نجم بیک و در تواریخ به غلط به نجم ثانی معروف شده که صحیح آن به نظر نویسنده نجم سینی بوده و در جنگ با عبیداللّه بیک ازبک در قلعه قرشی و غجدوان در 918 هجری قمری در اطراف بخارا که فرمانده بوده است به علت عقب‌نشینی امرای قزلباش به خراسان و تَرک میدان نبرد توسط ظهیرالدین محمّد بابر متحد شاه صفوی که به همکاری با رئیس امیر احمد مأمور شده بود و همین حرکت سبب کشته شدن بایرام‌خان بیک قرامانی از فرماندهان مورد علاقه امیر احمد (نجم سینی) و شکست وی در میدان نبرد و کشته شدن امیر احمد (امیر نجم سینی) به دست عبیداللّه ازبک در سال 918 هجری قمری گردید و به همین دلیل و عناد دیگران، احسن‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی با بیان و استناد به سختگیریهای بیش از حد امیر نجم، این سردار رشید را از روی دشمنی و کینه و به ناحق ضمن تأیید روستایی بودن، وی را «حق ناشناس» لقب دادند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

سینی، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمدعلی حسینی. واعظ صالح، متوفی در رجب 1377، مدفون در جنب برادر [سید مهدی بدری].
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شاپور، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز شاپور متولد پنجم اسفند ماه 1303 شهر قم که شناسنامه اش را در تهران گرفتند ، دوران ابتدائی را در مدرسه ” دقیقی ” گذراند . وی دیپلم خود را از دبیرستان ” دارائی ” گرفت . و در دانشگاه تهران به اخذ لیسانس اقتصاد نائل آمد .او در مدرسه صنعتی آن سالها شاگرد علی اسفندیاری (نیما یوشیج) بود . بعدها با فروغ فرخ زاد که در آن زمان شانزده ساله بود ازدواج کرد (1329) . بعدها فروغ از این حادثه با عبارت ” عشق و ازدواج مضحک ” یاد کرد .
رابطه زناشوئی این دو به خاطر دخالتهای نزدیکان در سال 1343 به جدائی ختم شد و حاصل این ، پسری به نام کامیار بود ، که فروغ در اشعار خود به او اشاره کرده ، و شاپور نیز از کامی به عنوان نام مستعار استفاده می کرده .
شاپور در طی سالهای 1330 تا 1344 معاونت دارائی اهواز را به عهده داشت . او کارش را ابتدا با مجله تووفیق در صفحات ” دارالمجانین ” و ” سبدیات ” شروع کرد .یک بار هم در همان سالها داستان هفته نامه توفیق ، مال شاپور بود . در این داستان ، یک ماهی گربه ای را تحت تعقیب قرار داده بود .
شاپور زمانی که ساکن خوزستان بود ، نوشته هایش در روزنامه های محلی آنجا چاپ می شد ، حدود سالهای 31و 32 .
در توفیق هم از سال 37 نوشته هایش با نامهای مستعار کامی ، کامیار و مهدخت به چاپ رسید .
تولد کاریکلماتور در 21 خرداد 1346 در نشریه خوشه به سردبیری احمد شاملو بود . و این واژه را ” کاریکلماتور ” نیز شاملو نامگذاری کرده بود .
اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات نمونه چاپ کرد ، در سال 50 که در برگیرنده طرحها و نوشته های شاپور از سال 37 تا 50 بود .
این کتاب را انتشارات مروارید در سال 55 تجدید چاپ کرد . کتابهای دیگر شاپور از این قرار است :
ـ کاریکلماتور 2 انتشارات بامداد سال 1354
ـ کاریکلماتور 3تحت عنوان ” با گردباد می رقصم ” انتشارات مروارید سال 1354
ـ کاریکلماتور 4 انتشارات مروارید سال 1356

ـ کاریکلماتور 5 انتشارات پرستش سال 1366
ـ موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید 1352
ـ فانتزی سنجاق قفلی انتشارات پویش 1355
ـ تفریحنامه (طرحهای مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) انتشارات مروارید 1355
ـ شاپور در دو نمایشگاه نیز شرکت داشته است ،یکی به طور مستقل در گالری زروان در سال 1354 ، و یکی هم به طور جمعی در نگارخانه تخت جمشید در سال 1356 با بیژن اسدی پور و عمران صلاحی .
شاپور هرگز دوباره ازدواج نکرد و تا آخر عمر همراه با کامیار و دکتر خسرو شاپور برادرش در یک خانه قدیمی زندگی می کرد و سرانجام پیر انرژیک طنز ایران در چهاردهم مرداد سال 1378 در بیمارستان طوس تهران درگذشت .
اصلا" بهتر است از نوشته های خود او درباره زندگی خصوصیش بدانید ، پس متن زیر را بخوانید :
عباس شهریاری 7:43 AM زندگی نامه شاپور به زبان خودش : ما خانواده گربه دوستی هستیم . از قدیم ، همیشه گربه توی خانه مان داشتیم . یادم می آید که زمستانها این گربه ها می آمدند و با ژستهای مختلف روی کرسی می نشستند . گاهی خوابیده بودن ، یک وقت نشسته بودند و یک وقت هم با هم بازی می کردند . این است که من با خطوط تن گربه خیلی آشنا هستم و میتوانم بکشمش ، در صورتی که فیل را نمیتوانم بکشم .
گربه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد : موش و ماهی . میتوانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.
توی نوشته هایم هم همینطور است . مثلا به" رنگین کمان" میپردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم . بعد رهایش میکنم . یک وقت یادم میآید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت . تصویر چیزها در آب . مثلا گفته بودم : وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد . ماهیها صلوات فرستادند یا فرض بفرمایید در زمستان وقتی تصویر درخت در آب افتاد آنقدر ماهی گلرنگ روی شاخه هایش نشست که مثل درخت بهاری غرق شکوفه شد .
به طور کلی حس میکنم که توانسته ام خودم را بشناسم . از بچگی . خیام را از بربودم . از رباعیات خیام . که از نظر حجم خیلی هم کم است . مفاهیم زیادی گرفته بودم . خیلی بیشتر از آنچه که شاید آدم از خواندن یک دیوان پر از قصیده های بلند میگیرد . هروقت چیزی میدیدم که جلب نظرم را میکرد و میآمدم درباره اش با پدر و مادرم صحبت میکردم . حرفم را

نمی فهمیدند . حتی چند بار سر این موضوع کتک خوردم . حرفم را میخوردم و جویده جویده صحبت میکردم . خلاصه از همان اول عامل کوتاه نویسی و کوتاه گویی با من بود .
شاد هم سعی کرده ام که" شاعرانه "ها در نوشته هایم بیشتر باشند. برای اینکه حس کرده ام که هم گفتنشان برایم آسان تر است و هم مردم بیشتر دوستشان دارند . اما من خودم بیشتر آنهایی را دوست دارم که جنبه طنزشان قوی تر است .
من همیشه نگران آن هستم که از من بپرسند طنز یعنی چه ؟ چه بسا شبها از ناراحتی و نگرانی این سئوال خوابم نبرده است .
در لحظه ای که کار می کنم ـ چه نوشتنی چه کشیدنی ـ احساس آرامش عجیبی دارم و لحظات جهنمی برایم به لحظات بهشتی تبدیل می شوند . مثلا" وقتی با سنجاق قفلی بازی می کنم ، دیگر یاد بدهکاریهایم نمی افتم و کیف می کنم از اینکه توانسته ام مثلا" 150 کار مختلف با یک سنجاق قفلی کوچولو بکنم .
وقتی آدم کار می کند هم لحظات را خوش گذرانده و هم وقتی شب احیانا" در آینه نگاه می کند ، می تواند به خودش بگوید : " آفرین ، شاپور "!!
ــ یک روز این مدادهای « ماژیک » رنگی را دیدم و خیلی خوشم آمد . یک دسته خریدم و آوردم خانه . بعد ، یک روز مادرم و اهل خانه تصمیم گرفتند بروند مسافرت ، به زیارت . چون قبلاً یک بار دزد به خانه مان زده بود ، قرار شد من بمانم و مواظب خانه باشم . تا آن وقت ، طرح هایم را بیشتر توی کافه ها و تریاها می کشیدم . وقتی اجباراً توی خانه ماندم ، چون میز بزرگتری وجود داشت و من هم جای بیشتری داشتم که ماژیکهایم را پخش کنم ، توانستم طرح های رنگی بکشم .این طور بود که رنگ به طرح های منراه یافت .
ــ من طرح کشیدن را با سنجاق قفلی شروع کردم ،هم از جهت این که واقعاً قیافه اش را خیلی دوست دارم ، همیشه در ذهنم هست ، و هم این که در واقع ،طراحی از آن کار نسبتاً آسانی بود . سنجاق قفلی صورت ساده ای دارد و می شود باهاش بازی کرد .
ــ چیزهای هستند که در ذهن من می مانند ، مثلاً از جبری که اجباراً در مدرسه خواندم ،چیزی که بخاطرم مانده ، دسته رادیکال است .
ــ یک مقدار اشیاء دیگر هم توی ایستاده اند و نوبت آنها هم می رسد . به طور کلی ،من ساختمانم طوری است که نمی توانم درباره یک شیء حق مطلب را ادا نکنم . حالابه سنجاق قفلی پرداخته ام و تا آنجا که امکان دارد ، حقش را تضییع نمی کنم !

شادمان، زهرا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
زهرا شادمان یکی از استادان به نام رشته کتابداری است . او پس از اخذ مدرک دکتری از دانشگاه سوربن پاریس به ایران بازگشته و درمشاغل مختلفی به فعالیت پرداخته است . مشاغل مهم وی دراین دوران عبارتند از : عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی ، مرکز خدمات کتابداری (درمرتبه رهبری پژوهش و سرپرستی مرکز) ، مدرس مدعو کتابداری دانشگاه تهران ، ، عضو هیات علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته کشورهای در حال رشد ایفلا ، عضو کمیته برنامه ریزی و کمیته فنی طرح کتابخانه ملی پهلوی سابق ، مشاورکتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور ورئیس کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی .گروه : علوم انسانی رشته : کتابداریگرایش : فهرست نویسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شادمان تحصیلات ابتدایی ، متوسطه و دانشگاهی خودرا تامقطع لیسانس در رشته ادبیات فرانسه درتهران گذراند . سپس جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه گشت . او درسال 1347 موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس کتابداری از مدرسه عالی پاریس شده و در سال 1348 دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سوربن پاریس اخذ نمود .هم دوره ای ها و همکاران : زهرا شادمان زمانی در کتابخانه سنای سابق مشغول به فعالیت شد که کیکاوس جهانداری رئیس آن کتابخانه بود . شادمان به عنوان مشاور کتابخانه هفته ای یک روز درآن جا حضور داشت . او دراین دوران بخش فهرست نویسی را درآنجا راه اندازی کرد . خانم جمیله دبیری ، مهوش شاهق ، مهرانگیز صمدی ، شهلا رجالی ،مرحوم آقای طاهری عراقی و کامران فانی از همکاران شادمان درکتابخانه سنای سابق بودند. شادمان ، کیکاوس جهانداری را کتاب شناس بسیار خوبی می داند که توانسته است مجموعه بسیار خوبی را انتخاب و تهیه کرده بود . احسان یار شاطر ، عباس زریاب خویی و قریشی (اهل پاکستان) از جمله کسانی بودند که از مجموعه کتاب های کتابخانه سنای سابق به نحو مفیدی استفاده می کردند . خانم حکمی وراستین و کتابخانه های پژوهشگاه علوم انسانی ، آقای مظاهر و تفضلی و خانم سلطانی هم در مر کز خدمات کتابداری از جمله همکاران شادمان بودند . همچنین آقای نیکنام نیز از جمله همکاران شادمان درکتابخانه ملی بود..وقایع میانسالی : زهرا

شادمان معتقد است که معمولا درساعات کارادارى با کسى حرف نمى زند ،مگر این که ارجع به کا رباشد . بنابراین خاطرات او ، خاطره کاربود ، آن هم کار با آدم هایى که اعتقاد به کارشان داشتند . وى کاربا این آدم ها را همیشه لذت بخش مى داند . اولین خاطره شادمان راجع ه نقل و انتقال کتابخانه ها ، مربوط به جابه جایى مرکز خدمات کتابدارى است. که از خیابان خردمند به ساختمانى نبش خیابان کاخ (فلسطین جنوبى) و خیابان شاهرضا (انقلاب فعلى) منتقل گردید . در آن زمان تمام کارکنان مرکز خدمات کتابدارى که 27الى 28 نفر بودند ، با ماشین هاى شخصى کلیه کشوهاى برگه دان ها را پس ا بسته بندى حمل کردند . تجربه بعدى او در کتابخانه ملى بود که قرار شد مجموعه ایران شناسى آن را از ساختمان نبش خیابان فلسطین به ساختمان نیاوران انتقال دهند . شادمان و خانم راستین قبل از انجام جابجایى ، جاى جدید را بررسى کردند ، طورى که تمام فضاها را اندازه گیرى کرده و تمام اتاق هاى کارمندان را تعیین نمودند . همچنین مخازن را تعیین نموده و چگونگى نصب آنها را بررسى کردند . آنها حتى بسته بندى کتابها را نیز خود نشان برعهده داشتند . شادمان نقل مى کند که وقتى لیسانس گرفته بود اصلا کار بلد نبود ، طورى که کار را صددر صد تجربى آموخته است . او مى گوید : وقتى کار به من دادند و گفتند که انجام بده از شرمندگى این که بلد نبودم ،تمام ابزار کار فهرست نویسى رابه منزل مى بردم و مطالعه مى کردم و درنتیجه با پشتکار و مطالعه خودم و با راهنمایى هاى خانم سلطانى کارياد گرفتم .مشاغل و سمتهاى مورد تصدى : زهر اشادمان که به زبان هاى فرانسه و انگلیسى مسلط مى باشد ، عضو هیئت علمى موسسه تحقیقات و برنامه ریزى علمى و آموزشى ، مرکز خدمات کتابدارى (در مرتبه رهبرى پژوهش و سرپرست مرکز درار سالهاى 1358و 1359) ، مدرس مدعوو کتابدارى دانشگاه تهران ، عضو هیئت علمى کتابخانه ملى جمهورى اسلامى ایران ، عضو کمیته کشورهاى در حال رشد ایفال ، عضو کمیته برنامه ریزى و کمیته فنى طرح کتابخانه ملى پهلوى سابق ، مشاور کتابخانه ملى جمهورى اسلامى دربرنامه احداث و تجهیز ساختمان کتابخانه ، عضو کمیته مارک ایران ومشاور رئیس کتابخانه هاى پژوهشگاه علوم انسانى است . شادمان درباره روحیه کارى خود نقل کرده است ؛تنها هنرى که داشت این بود که براى صفات خوب و پسندیده افراد ارزش قائل مى شد و آنها وقتى متوجه صفت ارزشمند خود مى شدند جهت حفظ و تقویت آن کوشش مى کردند .آرا و گرایشهاى خاص : زهرا شادمان درمورد کار و زندگى ، براین عقیده است که هر کس با ارزش کارخود ، شناسایى و موفقیت پیدا مى کند ، نه با روابط سببى و نسبى . ازاین روى او به همگام تصدى امورات کتابخانه سناى سابق از استخدام اشخاص به صورت

سفارشی و فامیلی دوری کرده و تنها به شایستگی او توجه داشته است تا میزان بهره وری بالارود . شادمان فهرست نویسی رایک کارمشاوره ای می داند . بدان علت تمام کارمندان کتابخانه مجلس سنای سابق دوریک میز کار می کردند ، تا سنخیت رفتاری باهم داشته باشند وهمه اصل کار باشند . شادمان درباره کتابخانه عقیده دارد که آن چه آدم را کتابدار می کند علاقه به کار ، پشتکار و داشتن یک راهنمای خوب است .
منابع زندگینامه :هما افراسیابی ، مصاحبه باخانم دکتر زهرا شادمان ، پیام بهارستان ، شماره 19و 20 ، سال دوم ،دی و بهمن 1381 ، ص24

شادمان، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدضیاءالدین شادمان ورزشکار و سیاست‌مدار ایران دوران محمد رضا شاه پهلوی بود.
شادمان در پانزدهم آذر هزار و سیصد و دو شمسی در محله پامنار بدنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه رودکی تهران و تحصیلات متوسطه دبیرستان را در دارالفنون تهران گذراند. پس از پایان تحصیلات در دانشکده حقوق دانشگاه تهران راهی اروپا شد و دوره دکترا دانشکده حقوق دانشگاه سوربن پاریس را به پایان رسانید. پایان‌نامه دکترا او در زمینه اتحادیه کارگری در ایران بود.
شادمان قهرمان کشور در رشته‌های والیبال و بسکتبال و عضو تیم ملی بسکتبال ایران و با تیم ایران در بازیهای بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۴۸ لندن شرکت نمود. او بعدها رییس فدراسیونهای والیبال و بسکتبال کشور، عضو کمیته ملی المپیک ایران و معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران بود. دکتر محمد بنایی بنیان گذار پیش آهنگی در ایران و مدرس دانشگاه ورزش در معرفی شادمان چنین گفته‌است: «ضیاء شادمان ورزشکاری قوی، مردی درستکار، وطن پرست به حد اعلی، خوش محضر و دوست داشتنی است. ورزش ایران به این مرد مدیون است.»
سید ضیاءالدین شادمان در تیم ملی بسکتبال ایران در المپیک لندن
شادمان استاد انستیتوی علوم بانکی، دوره فوق‌لیسانس رشته بیمه، و اولین مترجم مقررات بین‌المللی والیبال و بسکتبال و نویسنده آیین‌نامه‌های این ورزش‌ها بود. او ترجمه‌هایی در مورد مطالب تاریخی برای نشریات مختلف داشته است. مترجم کتاب به پا خواستگان بود.
او سالها در رادیوی ایران مشغول به کار بوده است. او مسیول تهیه و اجرای برنامه روزانه اخبار ورزشی رادیو ایران و اولین مفسر و گزارشگر مسابقات ورزشی بطور زنده بوده است. از کارهای او تهیه برنامه هفتگی «رضا شاه در پیشگاه تاریخ»، تهیه برنامه هفتگی «شهری در دل شهر ما»، تهیه برنامه روزانه «چرا کارفرما نشویم» و عضو هیت ۵ نفری انتخاب بهترین برنامه‌های سال رادیو ایران بود.
شادمان در زمان عهده داری شهرداری تهران
او بعنوان کارمند وزارت دارایی شروع بکار نمود و سپس معاون سازمان جیره‌بندی گردید. از سمتهای اجرایی او می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

* عضو هیت مدیره و معاون مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران
* مدیر کل وزارت دارایی
* مدیر عامل فروشگاه فردوسی
* نماینده حوزه جیرفت در مجلس شورای ملی
* نماینده مجلس و عضو هیت رییسه مجلس شورای ملی کارپرداز اول
* شهردار تهران: دوران ریاست او بر شهرداری تهران را می‌توان یکی از پرماجراترین شهردارهای تهران نامید. شادمان بسیاری از مدیران و کارکنان شهرداری را اخراج نمود. حاشیه‌های این اقدام در نهایت دامن او را گرفت و او مجبور به استعفا از این سمت شد.
* استاندار استان مرکزی
* معاون نخست‌وزیر در امور اجتماعی
* وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر در امور پارلمانی
* موسس و دبیر انجمن تحصیلکرده‌های اروپا
* قائم مقام تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم

شادمان پس از انقلاب ۱۳۵۷در تبعید می زیست. اما در این سالها دست از فعالیت برنداشت. او در در طی سال‌های دور از وطن به اشاعه و معرفی فرهنگ و ادب فارسی می‌پرداخت. راه اندازی انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران، انجمن حافظ خوانی، و برقراری گردهم آئی های متعدد و تورهای دسته جمعی برای مهاجرین ایرانی ساکن در خارج از کشور گوشه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی او در دوران تبعید او بود. شادمان در ۲۲ اسفند ۱۳۸۷ در مونترال، کانادا در گذشت.

خیابان شادمان تهران به افتخار این فرد نامگذاری شده‌بود.

شاکر اردکانی، سید اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل شاکر اردکانی
محل تولد : اردکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/12/18
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد اسماعیل شاکر اردکانی فرزند سیّد حسن متولد 18/12/1356 در اردکان یزد هستم .پدر بنّا و سخت در کار و کسبش کوشا و پر کار است و مادرم خانه دار.از میان 6 فرزند پدرم،فرزندوّم هستم.از ابتدای نوجوانی علاقه زیادی به علوم دینی و مجالس امام حسین(علیه السلام)داشتم.پس از گرفتن سیکل تصمیم بر رفتن به حوزه گرفتم امّا عده ای به من گفتند دیپلم بگیر و بعد برو در دبیرستان به رشته علوم تجربی مشغول شدم و با وجود آنکه قبول شدم ،سال اوّل را ادامه نداده، به حوزه رفتم و در اردکان طلبه شدم و از محضر اساتیدی چون مرحوم حاج شیخ علی بهجتی و حاج شیخ محمّد شاکری و حاج سیّد مهدی حسینی نژاد و همچنین از استادانی دیگر مثل حاج شیخ علی محیطی،حاج شیخ رضا جعفری،حسین ثقفی،مجید جعفری،شیخ رضا مختاری،شیخ علی جدیدی و.... استفاده نمودم.
پس از اتمام سطح (پایه ششم) به قم آمدم و دروس حوزه را ادامه دادم و همراه آن به رشته تخصصی تبلیغ ادامه تحصیل دادم واکنون نیز به کارشناسی ارشد آن مشغولم.

شاکری، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1317 ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار مدیر روزنامه‌ی «خسروی» و عضو اداره‌ی پست و تلگراف کرمانشاهان بود. وی در سال 1337 ش بازنشسته شد. از آثار او: «تذکره‌ی مختصر شعرای کرمانشاه»؛ «تاریخچه‌ی مطبوعات کرمانشاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (1/ 339- 340) مؤلفین کتب چاپی (2/ 56- 57).

شاکری، روح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روح الله شاکری زواردهی
محل تولد : قم
شهرت : شاکری
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد 1345 محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگواری که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیةالله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیةالله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیةالله العظمی شیرازی –مدظله – به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیةالله العظمی سبحانی –مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .
به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی

کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصی مشغول و در دانشگاه هم درعلوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت 15 سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته ،شهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سنتی ،غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمیدرضا شاکرین
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال 1360 به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال 1362 آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1332/1330 ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (603/2)، الذریعه (294/18، 164/6)، ریحانه (166/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 85/14)، معجم المؤلفین (242/1).

شاه آبادی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت الاسلام «مهدی شاه آبادی» در سال 1309 هـ. ش در دوران اوج اختناق رضاخانی در خانواده‌ای روحانی، در شهر مقدس «قم» دیده به جهان گشود. پدرش حضرت آیت الله العظمی «میرزا محمدعلی شاه آبادی» از فقها و عرفای نامدار دوران خود بود. وی استاد عرفان امام خمینی (ره) و نیز تعداد دیگری از علمای بزرگ معاصر بود. مهدی در سن چهارده سالگی در معیت پدر بزرگوار خود عازم تهران شد و به مدت دو سال مشغول فراگیری مقدمات قرآن در مکتب خانه امامزاده یحیی گردید. وی در سن شش سالگی به همراه دو تن از برادرانش به دبستان «توقیق» رفت و در مدت شش سال دوره دبستان را پشت سر نهاد. مهدی همزمان با تحصیل در دبستان، در درس پدر بزرگوار خود در منزل حاضر شده و به فراگیری صرف و سایر مقدمات ادبیات عرب پرداخت. در سال 1323 هـ. ش در حالیکه او چهارده ساله بود، برای فراگیری علوم قدیمه به مدرسه مروی رفت و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه در سن هیجده سالگی ملبس به لباس روحانیت گردید. شیخ مهدی در سال 1328 هـ. ش از نعمت پدر، معلم و مراد خود محروم گردید. دو سال پس از وفات پدر برای ادامه و تکمیل دروس اسلامی عازم حوزه علمیه قم گردید و از محضر اساتید معظم قم کسب فیض نمود.
در سال 1334 هـ. ش وی پس از اتمام دوره سطح، در درس خارج فقه و اصول حضرت امام (ره) و سایر علمای عظام در«قم» حاضر گردید. دو سال بعد او به منظور تشکیل خانواده، با خانم «آیت الله زاده شیرازی» از نوادگان میرزای بزرگ شیرازی (صاحب فتوای تنباکو) وصلت نمود که حاصل این ازدواج شش فرزند می‌باشد.
با آغاز مبارزات سیاسی – مذهبی امام خمینی(ره) در سالهای اوایل دهه چهل، شهید شاه آبادی نیز به منظور یاری زعیم و مقتدای خود وارد عرصه مبارزه علیه رژیم پهلوی شد. تبلیغ رهبری و مرجعیت امام (ره) اولین وظیفه‌ای بود که وی بر عهده گرفت و به رغم خطرات و مشقات این راه، در جهت تحقق آن رنجهای بسیاری را متحمل شد. وی به همراه خانواده خود برای تبلیغ دین و شناساندن مقام والای امام (ره) در ایامی که حوزه‌های علمیه تعطیل بودند، به مناطق دور افتاده مسافرت می‌کرد. او با صبر و استقامت و رفتار پاک و بی‌آلایش خود، قلوب بسیاری از مردم

مناطق مختلف را از عشق و محبت نسبت به اسلام و افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) مملو می‌کرد. در کنار این فعالیتها، او ضمن تهیه و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره) در بین انقلابیون سراسر کشور، به همراه برخی دیگر از روحانیون، نقش مواصلاتی بسیار قوی با امام (ره) داشت و برای ایجاد هماهنگی‌های لازم بین مراجع عظام و حضرت امام (ره) نقش فعالی را بر عهده گرفت.
در سال 1350 به «تهران» عزیمت نمود و با دعوت اهالی «رستم آباد»در« شمیران»، امامت مسجد این منطقه را بر عهده گرفت. با حضور وی دراین منطقه، فعالیتهای فرهنگی و مبارزات سیاسی انقلابیون منطقه، وارد مرحله جدیدی گردید و او به عنوان رهبر مسلمانان انقلابی شرق «شمیران» شناخته شد. فعالیتهای انقلابی او موجب جذب جوانان مسلمان و پرشور منطقه به فعالیتهای سیاسی - مذهبی شد و از پایگاه مسجد رستم آباد، انقلابیون جهت فراگیری آموزش‌های نظامی و یا دیدار با حضرت امام (ره) به خارج از کشور هدایت می‌شدند.
مبارزات و فعالیتهای او باعث گردید ، به عنوان یک روحانی مبارز و فعال از سوی دستگاه امنیتی رژیم پهلوی مورد شناسایی قرار گیرد و با حساسیت ساواک نسبت به وی در طول سالهای 1352 تا 1357 هـ .ش به پنج بار زندانی و یک بار تبعید محکوم شد. در طول دوره‌های بازداشت و بازجویی، شهید «شاه آبادی» از جمله انقلابیونی بود که به رغم تحمل شکنجه‌های سخت و طاقت فرسا از سوی دژخیمان رژیم، از ارائه هر گونه اطلاعات و اخباری که موجب شناسایی و دستگیری دوستان و همرزمانش می‌شد، خودداری می‌ورزید. دوران تبعید وی نیز در شهر بانه استان کردستان که از مناطق سنی نشین کشور بود، سپری گردید. روحیه بالا، اخلاق اسلامی و رفتارهای انسان دوستانه وی با اهالی منطقه و نیز ارتباط و مصاحبت با برادران اهل تسنن و به خصوص شرکت در نمازهای جماعت مساجد آنان، باعث ایجاد رابطه عمیق بین آنان گردید. انس وی با مردم و بویژه علمای اهل سنت منطقه، در راستای تحقق اهداف مبارزات علیه رژیم و روشنگری مردم، تاثیر بسزایی داشت. بر اثر فعالیتهای انقلابی گسترده و شبانه روزی حجت الاسلام« شاه آبادی »در منطقه، رژیم به منظور جلوگیری از تشدید فعالیتهای انقلابیون، از ادامه تبعید وی منصرف شده و او پس از شش ماه تبعید آزاد گردید.
آخرین دوران زندان شهید «شاه آبادی» در سوم بهمن 1357 هـ. ش و در آستانه ورود حضرت امام (ره) به میهن خاتمه یافت. وی به همراه سایر انقلابیون نقش فعالی در بازگشایی فرودگاههای کشور داشت. نقش او در کمیته استقبال از امام خمینی(ره) و نیز اداره بیت ایشان در تهران در کنار سایر انقلابیون برجسته، قابل توجه بود. وی در روزهای نزدیک به پیروزی

انقلاب با صدور فرمان تاریخی امام (ره) در خصوص لغو حکومت نظامی روز 21 بهمن 1357، ماموریت خطیر ابلاغ این پیام به مراکز و اماکن انقلابیون را بر عهده داشت.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیتهای حجه الاسلام شاه آبادی وارد مرحله جدیدی گردید. با صدور فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی(سابق) و به دعوت آیت الله «مهدوی کنی»، وی به عضویت شورای مرکزی این نهاد درآمد و علاوه بر مسئولیت یکی از ستادهای کمیته «شمیرانات»، در تشکل و سازماندهی این نهاد انقلابی نقش برجسته‌ای داشت. در اسفندماه 1358 هـ ش و در آستانه برگزاری انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، حجه الاسلام شاه آبادی به نمایندگی از سوی جامعه روحانیت مبارز، تلاشهای گسترده‌ای را برای ائتلاف گروههای انقلابی و حزب اللهی انجام داد که ثمره آن انعقاد ائتلاف بزرگ بین جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. پس از این ائتلاف نامزدهای گروههای انقلابی از جمله شهید «شاه آبادی» به مجلس راه یافته و اکثریت مجلس اول شورای اسلامی را در دست گرفتند.
در سال 1359 هـ.ش حضرت امام (ره) فرمانی در خصوص ضرورت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان صادر نمودند. هیائی جهت این بررسی تشکیل شد که حجت الاسلام «شاه آبادی» از اعضای موثر و فعال هیئت بررسی کننده، بودند. نتیجه این بررسی پس از تهیه و تدوین به محضر امام (ره) عرضه شد. با پایان یافتن دوره نمایندگی مجلس اول شورای اسلامی که شهید شاه آبادی به خصوص در کمیسیون قضایی آن نقش مهمی داشت و در آستانه برگزاری انتخابات مجلس دوم، وی به اصرار جامعه روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی، نامزد نمایندگی مجلس شد و با کسب اکثریت آراء به عنوان نماینده مردم تهران برگزیده شد. در فاصله بین پایان کار مجلس اول و آغاز به کار دوره دوم مجلس شورای اسلامی، شهید شاه آبادی طبق روال هیشگی خود که از زمان آغاز جنگ تحمیلی انجام می‌شد، برای بازدید از مناطق جنگی عازم منطقه جنوب گردید. وی در روز پنجشنبه 6/2/1362 هـ .ش در منطقه جزیره مجنون، در خطوط مقدم جبهه نبرد، بر اثر انفجار گلوله‌های توپ دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد.
منابع زندگینامه : لوح فشرده چند رسانه ای تولید شده توسط بنیاد شهید وامور ایثارگران در مورد شهید

شاه رکنی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 3 تیر 1323.
درگذشت: 8 اسفند 1375.
سید احمدشاه رکنی فرزند سید عبدالحسین است. از آثار اوست: تئوری حمایت (دبلیو ام. کوردن، 1371). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاه عبدالعظیمی اصفهانی، محمد طاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد طاهر بن العالم الجلیل الشیخ محمد کاظم اصفهانی دانشمندی جلیل و عالمی متبحر بوده. وی از اصفهان مهاجرت به نجف اشرف نموده بعد از آن که مقدمات علوم را در وطن خود خوانده و در نجف بدرس مرحوم آیت‌اللّه فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و غیر آنها حاضر شد و از آنان نائل به دریافت اجازه اجتهاد گردید به ایران بازگشت نموده و در شهر ری جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام رحل اقامت افکند و بانجام وظائف دینی از تدریس و اقامه جماعت و نشر احکام اشتغال یافت و در ترویج دین و تعظیم شعائر شرع مبین اهتمام بسیار نمود و مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفت و مرجعی بزرگوار گردید تا در سال (1310) قمری هزار و سیصد و ده وفات نمود.
مرحوم والدش شیخ محمد کاظم نیز از علماء مبرز اصفهان و صاحب تألیفات و تصنیفات بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه عبدالعظیمی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1304 ق)، عالم دینی و ادیب. از نوادگان میرزا جان، ملقب به میرزا هدایت حسینی شاه عبدالعظیمی بود. در نجف به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت و نزد پدر تحصیلات خود را شروع کرد. گذشته از پدر، در محضر علمای زمان خود مراتب علمی خویش را در علم و ادب کامل ساخت. او نه تنها در فقه و اصول که در ادبیات نیز تبحر داشت. وی نه ماه پس از پدر درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثار وی: «الوللو المرتب فی اخبار البرامکه و آل المهلب»؛ «لولوه لولوه»؛ «ملهی الحبیب»؛ «مصباح الداعی»، در ادعیه ماثوره و اذکار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (384/18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 763 -762 /14).

شاه عبدالعظیمی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1258 ق)، عالم دینی، فقیه و زاهد. در شهر ری متولد شد، و در همان جا پرورش یافت. قسمتی از علوم مقدماتی را خواند و در سال 1272 ق به نجف سفر کرد و مقدمات و سطوح را کامل نمود. از محضر شیخ انصاری استفاده برد و سپس به درس فقه و اصول و حدیث و رجال آیت‌اللّه شیخ ملا علی خلیلی رفت و مدتی نیز در محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی در نجف حاضر شد. وی از آیت‌اللّه خلیلی، که پدرزنش بود، استفاده‌ها نمود تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. پس از فوت استادش، آیت‌اللّه خلیلی، به سامراء رفت و باز به محضر آیت‌اللّه میرزای شیرازی رسید. آنگاه به نجف بازگشت و مورد توجه و اقتدای عموم مردم گشت. وی در حالی که از زیارت حرم سیدالشهداء (ع) باز می‌گشت، در طویرج درگذشت و در نجف در ایوان طلای علوی، جنب مقبره‌ی علامه حلی به خاک سپرده شد. از جمله آثار وی: «الایقاد»؛ «الایقاظ»؛ «الاربعون حدیثا»؛ «موعظه السالکین»؛ «الجوهره»، منتخبات سه‌گانه از «الکافی» موسوم به «مستند الفقهاء» و از «التهذیب» موسوم به «اتمام المستند»؛ «حلیه الزائرین»؛ «حلیه المعاشرین»؛ «منتخب الخلاصه»، در رجال؛ «لب التفسیر»؛ «وجیزه» در فضائل ضیافت؛ «غرفه المعجزات»؛ «منتخب کتب الرجال الاربعه»، «رجال الطوسی» و «الفهرست للطوسی» و «رجال النجاشی» و «رجال الکشی». از او آثار خطی بسیاری نیز باقی مانده که می‌توان در «طبقات اعلام الشیعه» از آنها نشانی گرفت.[1]
السید محمدعلی بن السید الجلیل السید میرزا محمد بن میرزا جان معروف به میرزا هدایةاللّه حسینی شاه عبدالعظیمی نجفی قدس اللّه سره فقیهی پرهیزکار و عالمی بزرگوار بود در 17 جمادی الاولی هزار و دویست و پنجاه و هشت در زاویه مقدسه شهر ری متولد شده و در آنجا پرورش یافته و اولیات و قسمتی از علوم مقدماتی را خوانده و در سال 1272 قمری در سن 14 سالگی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را به پایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم شیخنا الانصاری استفاده کرده آنگاه بدرس فقه و اصول آیت‌اللّه آقا شیخ علی خلیلی و آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی حاضر شده و از این دو بزرگوار و بالاخص آیت‌اللّه خلیلی که ابوالزوجه و جد امی فرزندانش بود استفاده کامل نموده تا بدرجه سامیه علم و اجتهاد و اخلاق رسیده و پس از فوت استادش

مهاجرت بسامری نموده و از محضر آیت‌اللّه مجدد شیرازی باز بهره‌مند شده آنگاه مراجعت به نجف نموده و شهرت بزرگی در علم و کمال و تقوی و مقامات معنوی و موثق در نزد عوام و خواص مردم گردیده و در صحن شریف علوی اقامه جماعت داشته و عموم مردم حتی محتاطین بوی اقتداء نموده و روش او را برنامه عملی خویش قرار می‌دهند و آن جناب در ظاهر و باطن از علماء ربانی و مروجین شریعه اسلامی و در زهد و اعراض از دنیا مافوق توصیف و تعریف و با این حال به تألیف و تصنیف اشتغال داشت تا در ماه رمضان 1334 قمری در حالی که از زیارت مخصوص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام برمی‌گشت در طویرج در منزل فرزندش مرحوم آیت‌اللّه سید محمدحسین که مرجع مردم طویرج بود از دنیا رفته و حمل به نجف و در ایوان طلای علوی علیه صلوات المصلین مدفون گردید.
استاد بزرگوارم حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله می‌فرمود که آن بزرگوار دارای کمالات نفسانی و مقامات معنوی بود و ملائکه نقاله که مرده‌ها را از مکانی بمکان دیگر می‌بردند با چشم خود دیده و قصه‌ی آن چنین بوده که ایشان حجره‌ای در صحن مطهر داشته که غالب شبها در آن بیتوته می‌نموده تا یکی از شبها مشغول عبادت بوده می‌بیند اشخاصی آمدند قبری در صحن نبش کرده و جنازه‌ای را بیرون آورده و بردند بعد فردای آنشب تحقیق میکند معلوم میشود یکنفر فاسق و ستمکاری بوده است.
تألیفات بسیار ارزنده‌ای مطبوعا و مخطوطا دارد که در جزء چهارم اعلام‌الشیعه ص 1523 مذکور است.
دارای هفت فرزند عالم و دانشمند بزرگوار بنامهای زیر بوده است.
1- آیت‌اللّه سید محمدحسین شاه عبدالعظیمی
2- آیت‌اللّه سید محمد رضا شاه عبدالعظیمی.
3- آیت‌اللّه سید محمدتقی شاه عبدالعظیمی
4- آیت‌اللّه سید محمد کاظم شاه عبدالعظیمی
5- آیت‌اللّه زین‌العابدین شاه عبدالعظیمی
6- آیت‌اللّه سید محمدباقر شاه عبدالعظیمی
7- آقای آقا سید احمد که اهل تقوا بوده است
8- صبیه تقیه که همسر آیت‌اللّه آقا سید مرتضی کشمیری بوده است و آن مرحوم دارای سه خواهر کریمه بوده که هر کدام همسر آیتی از آیات عظام روحانی بوده‌اند.
1- همسر آیت‌اللّه حاج سید عزیزاللّه تهرانی
2- همسر آیت‌اللّه آقا شیخ محمدباقر قمی
3- همسر آیت‌اللّه آقا سید محمدحسین همدانی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (51/25، 270/23، 44/16، 81/7، 292/5، 503/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1534 -1531 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (627 -625 /4).

شاه منصوری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید عباس شاه منصوری مقیم حیدرآباد دکن (امام جماعت دربار حسینی آنجاست) وی بعد از غائله مسجد گوهرشاد 1353 ق به هندوستان رفته و در حیدرآباد مورد توجه مرحوم نظام حیدرآباد قرار گرفته و متعهد رهبری شیعیان ایرانی آن سامان گردیده است.
دارای چند زبان انگلیسی وارد و فارسی و غیره می‌باشد. نوشته‌هائی از ایشان به زبان اردو و فارسی در مجلات و روزنامه‌های حیدرآباد به طبع رسیده است در جلوی دربار حسینی که مسجد و عزاخانه شیعیان حیدرآباد است در شب آخر ماه محرم آتش بسیاری نمودند که طول آن پنج متر و عرضش سه متر بود دیدم با چشم خود که دسته سینه زن از دربار بیرون آمد و چند مرتبه در حال سینه زدن و نوحه خواندن اطراف آن آتش گردیده آنگاه عده‌ای از آنها وارد آتش شده و از این طرف به آن طرف دویده و به سلامت بیرون آمدند در حالی که ما از حرارت آتش ناراحت بودیم با اینکه بین ما و آتش بیش از ده متر فاصله بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاه منصوری، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا شاه منصوری خراسانی از علماء و ائمه جماعت محترم تهران است. وی در حدود سال 1327 ق در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات، ادبیات را از مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه مشهد استفاده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه شاهرودی و دیگران کسب فیض نموده و بعد به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در مسجد (حجت) واقع در سر آسیاب دولاب باقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و نشر معارف و حقایق اسلام مشغول می‌باشد.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از علماء باتقوا و فضیلت و دانشمندان موصوف بورع و دارای مقام معنوی و با حرارت و متعصب و غیور در دین می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شاهچراغی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1331، دامغان.
درگذشت: 1 اسفند 1364، حادثه انفجار هواپیما.
سید حسن شاهچراغی، فرزند سید مسیح، تا خارج فقه و اصول به تحصیل پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ریاست دفتر دادستانی کل انقلاب و نمایندگی دادستان کل انقلاب در هیئت بررسی عملکرد بنیاد مستضفعان بود. همچنین در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نماینده مردم دامغان بود. وی مدتی نیز سرپرست مؤسسه‌ی «کیهان» بود. از جمله فعالیت‌های تحقیقی وی، تقریرات و تحقیقاتی فقهی و فلسفی در زمینه‌ی نهج‌البلاغه بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شاه‌چراغی، مسیح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مسیح شاه‌چراغی که در صداقت و وثاقت بی‌نیاز از توصیف است و اکنون در مدرسه مرحوم حاج فتحعلی بیک در زمره مدرسین و مورد وثوق اساتید فن مخصوصاً حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدکاظم مهدوی دامغانی نزیل مشهد مقدس می‌باشند ایشان در حال حاضر در یکی از مساجد دامغان به اقامه جماعت و ترویج احکام بیان واجبات و محرمات اشتغال دارند. وی والد شهید سید حسن شاه‌چراغی نماینده‌ی شهید حسام دامغان می‌باشد همچنین فرزند دیگر ایشان جناب عمدةالطلاب آقای حج آقا سعید شاه‌چراغی می‌باشند که هم‌اکنون در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به تحصیل و تهذیب مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شاهرودی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جعفر شاهرودی از علماء اعلام تهران بوده‌اند.
وی در شاهرود متولد شده و پس از خواندن مقدمات به مشهد مقدس رفته و مقداری سطوح را در آنجا خوانده و از آنجا در سال 1341 ق به قم مهاجرت نموده و سالها از محضر عالم ربانی مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و اساتید دیگر حوزه قم استفاده نموده آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرده و چندین سال از درس و بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و اجتهاد رسیده و صاحب رای و فتوا گردیده و در سال 1364 ق مراجعت و چند ماهی در شهر ری توقف آنگاه به تهران منتقل و بنابر اصرار و تقاضای مردم سلسبیل تهران رحل اقامت بدانجا انداخته و بخدمات دینی و روحانی و اقامه جماعت در مسجد خیابان شیر و خورشید و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی مشغول گردیده تا در ماه ربیع‌الاول 1393 ق که دعوت حق را اجابت گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل به قم و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: آن مرحوم از دانشمندان و مراجعی بود که بزیور علم و حلم آراسته و دارای معنویت و صفاء قلب و تزکیه نفس و بر کنار از تظاهرات و هواهای نفسانی بوده است.
خواب و مکاشفه آن مرحوم
برای این نویسنده فرمودند در اوقاتی که در شاهرود تحصیل می‌کردم شبی حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را در خواب دیدم که در صحرائی تشریف دارند و شیخ بزرگواری در کنار آن حضرت ایستاده است که مورد لطف و توجه مخصوص آن بزرگوار است قیافه او را در خاطر سپردم و چون از خواب بیدار شدم برای این که او را پیدا کنم به مشهد مقدس رفته و چند سالی توقف و جستجوی آن شخص را نمودم او را در مشهد نیافتم پس به قم آمده و در تکاپوی او گردیدم تا روزی در مدرسه فیضیه آمده و لب ایوان یکی از حجرات نشستم و دیدم بعضی از آقایان طلاب به آن حجره می‌روند متوجه شدم که در اینجا جلسه درس است نگاه کردم ببینم مدرس کیست دیدم آقائی که درس میگوید و درسش مفاتیح فیض است قیافه‌اش بنظرم آشناست چون دقت کردم فهمیدم این همان

شخصی است که در خواب در کنار حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دیده بودم پرسیدم این آقا کیست گفتند عالم ربانی آقای حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزیست پس خدمتش رسیدم و تا مرا دیدند گویا مدتها آشنائی داشته‌اند مرا با خود بمنزل برده و از وجود ذیجود و بیاناتش استفاده کامل نمودم تا شبی در عالم رویا و مکاشفه دیدم درهای آسمان برایم باز تا در ظل عرش و آقای حاج میرزا جواد آقا در آنجا بمناجات و قنوت می‌باشند و من از قرب او در تعجب بودم که ناگاه از صدای درب منزل متنبه شده و برخاستم و آمدم در را گشودم دیدم یکی از دوستانست در حال گریه گفت بیا که آقا از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاهرودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی حسینی شاهرودی دومین فرزند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی طاب اللّه ثراه یکی از دانشمندان فعال و خدوم معاصر شهرستان شاهرود می‌باشند.
ایشان در حدود سال 1345 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت فقاهت و مرجعیت پرورش یافته و اولیات و ادبیات و سطح متوسط و عالی را از اساتید و مدرسین نجف بالاخص برادر بزرگوارش آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد شاهرودی استفاده نموده و از دراسات خارج فقه و اصول والد ماجدش بهره‌مند شده و متصدی بسیار از امور مرجوعه و مربوطه به پدر بزرگوارش از قبیل پرداخت حقوق و شهریه طلاب و محصلین حوزه علمیه نجف و رسیدگی به امور آنان را متعهد بوده تا بعد از رحلت معظم‌له در سال 1394 قمری که از طرف دولت ظالمانه بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و چندی در قم اقامت تا بنا بر دعوت بسیاری از مردم محترم شاهرود منتقل به وطن مالوف خود و در مسجد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی (ره) به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام گردیده و منشاء خدمات بسیاری شده‌اند که از آنهاست تأسیس بیمارستانی به نام حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شاهرودی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ مهدی شاهرودی مقیم بهشهر از علماء آنسامان بوده و دارای موقعیت و عظمت مخصوصی بودند و تا پایان عمر باقامه جماعت و ترویج احکام اشتغال داشته است.
فرزند ایشان جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد شاهرودی اول عالم معاصر بهشهر است. وی پس از پایان تحصیلات و استفاده از محضر بزرگان علمی نجف اشرف و غیره به بهشهر مراجعت و بجای مرحوم والدش در مسجد جامع باقامه جماعت و ترویج دین و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شاهین، داریوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجدد و امروزین و راسخ در عقیده و علم و ایمان بود . در سال 1376 این بنده در گرماگرم تدوین دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی ، در سال 1377 از سوی نشر دوستان در 2 جلد ، مشتمل بر 3600 مقاله از جمله بالغ بر نزدیک به 800 زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسر و خوشنویس و غیره منتشر شد . با بنده 16 ـ 17 مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد ، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود . یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت . به یادم هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشنامه بنویسند ، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشکار بود . زیرا در سالها شاید دهه ها پیش که من بچه بودم ، روزی در پشت ویترین کتابفروشی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیدم که ترجمه ای گسترده و آزاد بود که انگلیسی ها به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا ، بدون قابلیت مطابقه ی واو به واو با متن اصلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسندی است ، گویند؛ و ایشان رو ی جلد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشته بودند : « ترجمه و نگارش داریوش شاهین » ، بنده و شاید بسیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد ؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند .
همین است که به درخواست من پاسخ مثبتی ندادند و حاصل این شد که تهیه ی یک صفحه شرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است .
خوشبختانه ، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش درگذشت (چهارم آبان ماه 1380) یک زندگینامه ی کوتاه و پر اطلاع نیز همراه با آگهی نامه ی مربوط به اعلام وفات او منتشر شد ، که در آن چنین اطلاعاتی آمده است : از داریوش شاهین بیش از 300 جلد تالیف ، ترجمه ، مجموعه های مختلف و داستان در عرصه ی ادبیات ، شعر

و مذهب به یادگار مانده است . در بخش مذهب شادروان شاهین به ترجمه ی نهج البلاغه به زبان انگلیسی توفیق یافت . کتابی به نام یکصد گوهر شامل کلمات قصار حضرت علی (ع) ، به انتخاب و کوشش او تدوین و به پنج زبان ترجمه شده است . او چندین دهه هم برای رادیو نویسندگی و تهیه ی مطلب می کرد . دیگر از آثار او تاریخ ایران در یکصد قرن است که نه صرفاً تاریخ سیاسی ، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است . در عین حال و این همه پرکاری قلمی ، آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از 30 سال بازنشسته شد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شایگان، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1281 ش)، استاد دانشگاه، حقوقدان و مترجم. در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس شریعت و شعاعیه زادگاهش به تهران آمد، وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و بعد از اتمام دوره‌ی آن مدرسه، برای تکمیل تحصیلات در رشته‌ی حقوق به فرانسه رفت و دکترا گرفت. پس از بازگشت به کشور در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و سالیان دراز معاون دانشکده بود و پس از آن به معاونت وزارت فرهنگ و نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. پس از 28 مرداد 1322 ش مدتی زندانی شد و پس از آزادی به امریکا رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت. دکتر شایگان شعر هم می‌گفت ولی به ندرت. از آثار وی: «مقدمه‌ی حقوق مدنی ایران»؛ «امیدهای نو» برتراندراسل، ترجمه.[1]
فرزند سیدهاشم مولی رهی شیراز، متولد 1280 است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در موطن خود انجام داد و به شغل فرهنگی پرداخت. ضمن اشتغال به کار معلمی ، یک دوره‌ی کامل فقه و اصول و حکمت را نزد اساتید روز تلمذ نمود. حوالی سال 1303 به تهران آمد و دوره‌ی مدرسه‌ی عالی حقوق را گذراند. در سال 1307 جزء اولین دسته محصلین دولتی اعزامی به خارج شرکت کرد و به اروپا رفت و درجه‌ی دکترای حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود. چندی هم در انگلستان به تحصیل حقوق و فلسفه پرداخت. در 1313 به ایران آمد و دانشکده‌ی حقوق که تازه بنیاد گرفته بود، او را به سمت دانشیاری برای تدریس حقوق مدنی استخدام کرد. پس از چندی از طرف علامه علی‌اکبر دهخدا رئیس دانشکده، به معاونت مشارالیه انتخاب گردید. در سال 1317 ولیعهد وقت از دانشکده‌ی حقوق بازدید کرد و شایگان معاون دانشکده نطقی ایراد نمود که سراپا تملق و مداهنه بود. در همان سال به عضویت سازمان پرورش افکار برگزیده شد. شایگان در کنار شغل استادی، به کار وکالت دادگستری هم پرداخت و در چند وزارتخانه از جمله وزارت دارائی مشاوری حقوق داشت. در 1324 که قوام‌السلطنه روی کار آمد و ملک‌الشعرای بهار را به وزارت فرهنگ معرفی کرد، شایگان معاون وزیر فرهنگ شد و در ترمیم کابینه که دکتر فریدون کشاورز وزارت گرفت، او کماکان معاون بود. در ترمیم سوم کابینه‌ی قوام، به وزارت فرهنگ منصوب گردید و کمتر از یک سال در آن

سمت استوار شد ولی کار عمده‌ای نتوانست انجام دهد. چون سایر وزیران از تمام امکانات استفاده کرد. بعد از کنار رفتن از کابینه با دکتر مصدق پیوند دوستی زد و عضو جبهه ملی شد و در جبهه هم مقام دبیری یافت. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم به اتفاق مصدق و چند نفر دیگر از اعضاء جبهه ملی، از تهران وارد مجلس شد. در تمام مدت نقش اقلیت داشت. نطقها و ایرادات وی در مجلس منطقی و مستند و محتوای بیشتری از سایر نمایندگان اقلیت داشت. در دوره‌ی هفدهم هم از تهران به مجلس رفت. داعیه‌ی ریاست مجلس و مقامات دیگر او را پرجوش و خروش کرد. بعد از کنار گذاردن آیت‌الله کاشانی از ریاست مجلس، بین او دکتر عبدالله معظمی کشمکش شروع شد. رای مخفی گرفتند. معظمی 39 رای و شایگان 35 رای آورد، درنتیجه با چندین رای اضافی، معظمی بر کرسی ریاست تکیه زد.
شایگان در روز 25 مرداد 1332 از رادیو تهران نطق جالبی ایراد نمود یعنی همان روزی که شاه از رامسر به بغداد و رم رفته بود و گفت آن متاعی که بایستی به تهران بیاید، به بغداد رفت و خیلی مطالب تند دیگر و زمینه را کاملا برای ریاست جمهوری خود فراهم می‌نمود که کودتای 28 مرداد به تمام تخیلات و آرزوهای او خاتمه داد. یک روز در اختفاء به سر برد. روز دوم در معیت دکتر مصدق و دکتر صدیقی به باشگاه افسران رفتند یا بردند و خود را در اختیار دولت گذاشت. چندی در باشگاه افسران بازداشت بود، بعدا به لشکر 2 زرهی منتقل شد و محاکمه‌ای برای او ترتیب دادند و همزمان با دکتر مصدق، او را هم به دادگاه کشیدند. در محکمه‌ی فوق‌العاده به رهبر جبهه ملی احترام گذاشت و طوری عمل کرد که همه او را تحسین می‌کردند و سرانجام حکم محکومیت او برای مدت ده سال صادر شد. دو سال در زندان به سر برد که مورد عفو واقع شد. پس از آزادی، چندی در تهران می‌زیست تا اجازه‌ی خروج از کشور گرفت و آمریکا را برای ادامه‌ی زندگی انتخاب کرد. در آنجا ساکت نماند و فعالیت خود را علیه رژیم پهلوی ادامه داد و وجود او پایگاهی برای دانشجویان مقیم آمریکا بود. وفات او در سن 80 سالگی در آمریکا اتفاق افتاد.
شایگان مردی دانشمند، حقوقدان، ادیب و در عین حال خودخواه، لجوج، عوام فریب و پرتوقع بود. غالبا در اعلامیه‌های انتخاباتی، خود را «سقراط ایران» معرفی می‌کرد. هنگام تدریس فوق‌العاده قدرت استادی را نشان می‌داد و کلاسش محل اجتماع شیفتگان علم و دانش بود. مطالب حقوقی را با امثله سیاسی و اجتماعی شیرین‌تر می‌کرد. وی طبع شعر هم داشت و شعر نیکو و محکم می‌سرود. معروفترین شعرش «وطن چیست» می‌باشد که حتی در کتب درسی هم ثبت شده است. وی در جوانی با خانواده‌ی

شیبانی وصلت کرده بود. دختر ذکاءالسلطنه شیبانی همسر او بود. شایگان در بین دوستان و دانشگاهیان، به «شراب شور» شهرت گرفته بود.
شاعر، حقوقدان، محقق.
تولد: 1281، شیراز.
درگذشت: 23 اردیبهشت 1360، آمریکا.
سید علی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق را گرفت. سپس در سال 1306 با دانشجویان دوره‌ی اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشته‌ی حقوق در آنجا به پایان رسانید و در سال 1312 موفق به دریافت دکترای حقوق شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. سال‌ها معاون دانشکده‌ی حقوق بود. بعدها وی کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید و مدتی در کابینه‌ی قوام‌السلطنه به عنوان وزیر فرهنگ بود، همچنین در دوره‌ی هفدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی تهران شد. وی از بنیان‌گذاران جبهه‌ی ملی به شمار می‌آمد. پس از 28 مرداد 1332 به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و همان جا ساکن شد در ضمن در دانشگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال 1358 برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.
در جوانی مدتی به معلمی پرداخت و زمانی که در شیراز بود در انجمن سالار شرکت می جست. گاهی شعر می‌گفت. اشعارش حاوی مضامین وطن دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.
فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. حقوق مدنی ایران (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمه‌ی کتاب امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است (تألیف رتراند راسل، از انگلیسی به فارسی، تهران، 1336.) کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.
سید علی شایگان سرانجام به سال 1360 در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 11 و 12، ص 938)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (237 -234 /3)، مؤلفین کتب چاپی (275 -274 /4).

شباب کرمانشاهی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1312 -1232 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شباب. محمدجواد در کرمانشاه متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل علم پرداخت. در سال 1304 ش روزنامه‌ی «فصاحت» را در کرمانشاه تاسیس و تا سال 1309 ش منتشر کرد. وی شاعری توانا بود و در سرودن قصیده و غزل مهارت داشت. جنازه‌اش را به نجف انتقال دادند و در آنجا دفن کردند. از آثار وی: «شکر ستان»، شعر؛ «مخزن اللئالی»، شعر؛ «کلیات» اشعار شباب متجاوز از پنجاه هزار بیت، شامل منظومه‌های: «نشاط شباب»، «چشمه‌ی نوش»، «دبستان معرفت»، «تیر شهاب»، «پریشان»، «لسان العاشقین» و «کیمیای سعادت»؛ «مرثیه چراغ برق»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (82 -81 /4)، الذریعه (506 -505 /9)، سخنوران نامی معاصر (1916 -1912 /3)، فرهنگ سخنوران (494)، مؤلفین کتب چاپی (417 -416 /2).

شبستری، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد شبستری عالمی جلیل و متقی از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه کوه‌کمری و مقرر درس مرحوم آیت‌اللّه سید حسین کوه‌کمری مذکور بوده و تألیفاتی در فقه و اصول و حاشیه بر مکاسب شیخ دارد در صحن شریف علوی امامت می‌نمود و در حدود 1305 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شبیری، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی شبیری زنجانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان 1326 قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.
این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:
سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد
از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور
مبارک رمضان که با 1354 مطابق است بعد از کم کردن هشت با 1346 قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند.
باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدیده در سال 1359 قمری به مقدمات علومی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال 1363 قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم در محرم 1364 در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال 1374 قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال 1375 بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود 6 ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.
اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.
1- مرحوم آیت‌اللّه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.
2- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.
3- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.
4- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.
تألیفات معظم‌له
ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شجاعی پور، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی شجاعی پور
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/5/10
زندگینامه علمی
اینجانب علی شجاعی پور در تاریخ 10/5/1323 هجری شمسی در شهر اراک پای به عرصه وجود گذاشتم پس از سپری نمودن دوران کودکی در دبستان امیرکبیر به تحصیل علوم ابتدایی پرداختم و دوران تحصیل متوسطه را در دبیرستان صمصام الملک بیات تا سال چهارم دبیرستان گذراندم و به علت فوت پدر و وضع اقتصادی نامطلوب خانواده مجبور به ترک تحصیل شدم که جهت تامین مخارج خانواده به کارگری بپردازم پس از مدتی به صورت معلم روز مزد در اداره فرهنگ اراک به خدمت روستا در آمدم و چون در بعضی از روستاها تنها معلم روستا بودم کلاسهای شش پایه یعنی از کلاس اول تا ششم که در یک اتاق بودند را اداره مینمودم و مدت ده سال در روستاها به خدمت شریف معلمی اشتغال داشتم و چون شغل معلمی نیازمند مطالعه و کسب معلومات لازم بود به ادامه تحصیل مشغول شدم و دیپلم دانشسرای مقدماتی را در کوتاهترین مدت اخذ نمودم و چون با این پایان نامه نمی توانستم به دانشگاه راه یابم لذا در اواخر رژیم ستمشاهی و اوائل رژیم مقدس و انقلاب اسلامی موفق به اخذ دیپلم کامل گردیدم در این ایام هنگام با همکاران فرهنگی انجمن اسلامی معلمان را تشکیل ویکی از اعضای فعال انجمن بودم که با همکاری دو تن از همکاران دیگر از سهمیه یک روز نفت استانها و از سهم آموزش و پرورش مشغول ساختن مدارس در روستاهای محروم شدیم و تعداد 25 مدرسه با فضاهای مختلف و مناسب روستا در سختترین شرائط و شروع اشغال عراق و نبود مصالح ساختمانی ساخته شد و چون افراد فامیل این جانب اکثرا در قم ساکن بودند و تمایل اینجانب به زندگی در قم و شروع تحصیلات حوزوی به قم منتقل گردیدم و از مهرماه 1360 تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم ضمن تحصیل در حوزه در آزمون سراسری دانشگاهی شرکت و در رشته روانشناسی و مشاوره در دانشگاه شهید

بهشتی رحمت الله علیه پذیرفته شدم و با زحمات فراوان ایاب و ذهاب و مشکلات خانواده و وضع مشکل اقتصادی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته مذبور گردیدم و ناگفته نماند که در ایام جنگ تحمیلی بنا به ضرورت تابستانی در جبهه های دفاع مقدس شرکت مینمودم که مجموعا یک سال را در جبهه ها حضور داشتم و به وظایف رزمی تبلیغی مشغول بودم وپس از پایان دوره کارشناسی در دبیرستان امام صادق علیه السلام به وظیفه مشاوره و تدریس مشغول گردیدم از سال 1375 به دعوت معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی در صدای مشاور به خدمت شهروندان محترم قم در آمدم و به دلیل نیاز خانواده ها و جوانان به آموزش و اطلاع رسانی مسائل خانوادگی و مسائل جنسی پرداختم و چون با مشکلات تربیتی کودکان توسط خانواده ها آشنا گردیدم مبادرت به تالیف جزوات لازم به منظور آشنایی و آگاهی دادن به خانواده ها نمودم و در همایش های مربوط به مشاوره از دیدگاه اسلام در استان یزد و قم و همایش انجمن مشاوران ایران در تهران که یکی از اعضای این انجمن میباشم شرکت نمودم و بنا بر ضرورت و احساس وظیفه و مسئولیت دوره های زیادی در رای گیری ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس به عنوان ریاست حوزه های انتخابیه فعالیت داشتم و در دوره پنجم نمایندگان مجلس کاندید نمایندگی در شهرستان شدم که به علت مشکل اقتصادی موفق به تبلیغ و معرفی خود نگردیدم و در طول مدت خدمت در مسئولیت مشاوره به خدمت شهروندان محترم به کمک نوجوانان و جوانان و خانواده ها مشغول گردیدم و تحصیلات حوزوی را هم تا دو سال شرکت در دروس خارج ادامه دادم که ان شاالله و با توفیق پروردگار تصمیم دارم که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را تا پایان درس خارج و دکترای رشته تخصصی ادامه دهم

شجاعی سمنانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد شجاعی سمنانی والد ماجد حجةالاسلام و مروج‌الاحکام حاج سید حسین شجاعی معاصر از علماء و ائمه جماعت و اهل منبر سمنان بوده.
و در حدود 1370 قمری به تهران منتقل و مدتی در حیات مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ علی‌اکبر برهان و بعد از وفات او در مسجد آن مرحوم بنام مسجد لرزاده اقامه جماعت نموده و در حدود 1380 قمری بدرود حیات گفته است.
و اکنون فرزند ارجمند و فاضلش آقای حاج سید حسین شجاعی مذکور در تهران در مسجد امیرالمؤمنین خیابان عباس‌آباد اقامه جماعت و به تبلیغ و ارشاد از راه منبر اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شجاعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید حسین بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج سید محمد سمنانی واعظی بزرگوار و گوینده‌ای عالیقدر است در سمنان متولد شده و پس از تحصیلات جدید مهاجرت به قم نموده و ادبیات و سطوح را خدمت حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مدرسین دیگر تکمیل و به دروس خارج آیات عظام بروجردی و آیت‌الله مجاهد... و دیگران حاضر شده و از هر گلستان گلی و از هر خرمن خوشه‌ها به دست آورده و به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و از راه منبر و اقامه جماعت در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام خیابان شمالی عباس آباد تاکنون اشتغال دارد و در هیئت الغدیر و سایر هیئات و جلسات انجام وظیفه و دفاع از حریم ولایت می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجاعی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید قاسم شجاعی تهرانی از وعاظ نامی و گویندگان مشهور معاصر است که در تهران متولد شده و در بیت علم و سیادت تربیت یافته و تحصیلات جدیده را تا متوسطه تکمیل نموده و سطوح را از نزد حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی و علماء دیگر خوانده و بیشتر در تحت تعلیمات و راهنمائی استادی چون خندق‌آبادی مزبور به وضع منبر و تبلیغ و خطابه آشنا شده و در اثر داشتن استعداد ذاتی و نبوغ فکری در اندک مدتی به درجه و مرتبه وعظ و خطابه ارتقاء یافته تا هم اکنون که یکی از خطباء مشهور و وعاظ معروف تهران می‌باشد منبری آموزنده دارد و مورد توجه عموم طبقات می‌باشد.
مولف گوید: مترجم محترم گذشته از مقام سخنوری اصولا ریشه‌دار و اصیل و از خاندان مجد و شرافت و دارای عفت و نجابت و مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و محلی به ملکات فاضله و دوستی و صداقت است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شجاعی، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود شجاعی سلیمانی (زادهٔ ۹ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱۹ خرداد ۱۳۶۳ شمسی، در شیراز) فوتبالیست ایرانی است. که هم‌اکنون عضو باشگاه اوساسونا است و سابقه عضویت در تیم ملی فوتبال ایران را نیز دارد.[۱] مسعود شجاعی معمولاً در نقش بازیکن میانی و هافبک راست بازی می‌کند. فوتبال حرفه‌ای را در تیم صنعت نفت آبادان شروع کرد، و پس از آن به تیم سایپا انتقال یافت. اولین بازی ملی او مقابل تیم لائوس در مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۰۶ بود. او در جام جهانی ۲۰۰۶ او در بازی مقابل آنگولا به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان شد.
شجاعی دو سال پس از این که در الشارجه بازی کرد با چند پیشنهاد اروپایی از ایتالیا و بوندس‌لیگا مواجه شد اما در نهایت در تاریخ 4 تیرماه 1387 قراردادی سه ساله با تیم اوساسونای اسپانیا بست.[در همین رابطه] پیش از شجاعی نکونام به عنوان اولین بازیکن ایرانی شاغل در لالیگا به این تیم پیوسته بود. دوران ملی
شجاعی با درخشش در تیم سایپا برای اولین به تیم ملی امید ایران دعوت شد. پس از آن برانکو ایوانکوویچ او را به تیم ملی دعوت کرد و شجاعی اولین بار ماه نوامبر سال 2004 اولین بازی ملی‌اش را در بربر لائوس انجام داد. پس از آن شجاعی از تیم ملی دور بود تا این که در جریان اردوی تدارکاتی تیم ملی ایران در سوئیس که خود را برای جام جهانی آمادی می‌کرد، شجاعی دوباره به تیم ملی دعوت شد. با این حال شجاعی در جام‌جهانی تنها در بازی سوم ایران و در شرایطی که محمد نصرتی به دیلی مصدومیت نمی‌توانست به عنوان بازیکن جایگزین وارد زمین شد.
مسعود شجاعی در زمان مربیگری علی دایی در تیم ملی ایران در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی 2010 آفریقای جنوبی به تیم ملی دعوت شد و چند بازی انجام داد.

شجره اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1278/1271 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به ناهید و شجره. پدر وی متخلص به بزمی از وعاظ اصفهان بود. شجره در قریه‌ی سامان چهارمحال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت. پس از فراغت از تحصیل در قهفرخ و زادگاهش به تدریس پرداخت. پس از مدتی ابتدا به اصفهان و سپس به تهران منتقل شد. و در کالج آمریکایی البرز به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از اتمام دوره‌ی متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق شد. و همین زمان به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «کیهان» و «ایران» پرداخت. شجره پس از اخذ لیسانس وارد دادگستری شد. وی شعر کم می‌سرود، اما در سرودن انواع شعر توان بود. در تهران درگذشت. برخی از آثار وی: «تحقیق در رباعیات خیام»؛ «تعبیر رویا و روانشناسی امروز»، ترجمه؛ «شخصیت مولوی»؛ «علم معاش»؛ «قوای روحی و آئین فرمانروایی»؛ «گلزار ایران»، مجموعه‌ی مقالاتی در باره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران» آن روز طبع می‌شد؛ «مقدمه بر جغرافیای اقتصادی».[1]
شاعر.
تولد: 1317(1279 ق.)، قریه سامان چهارمحال.
درگذشت: 27 فروردین 1361.
سید حسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فراگرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دوره‌ی دانشکده‌ی حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پروش کودکان و نونهالان اشتغال داشت، بعدا به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب تذکره شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تلخیص می‌کرد (چنانکه در کتاب نامه‌ی سخنوران، از او به همین تخلص یاد شده است.). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.

از آثار اوست: تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد (کریستین سن، 1320)، رساله‌ای در تعبیر رؤیا و روان‌شناسی امروز، شخصیت مولوی (1316)، روان‌شناسی، علم معانی، دوست‌یابی، ترجمه‌ی رساله‌ی وجودیه خیام، ترجمه رساله‌ی کون خیام، علم معاش (1322)، مقدمه بر جغرافیای اقتصادی (1328)، قوای روحی و آیین فرمانروایی (چاپ دوم، 1334). علاوه بر اینها، کتابی درباره‌ی ادبیات ایران در ازمنه‌ی قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامه‌ی «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامه‌ی «کیهان» طبع گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 8، ش 5، ص 283 -281)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (296 -295)، سخنوران نامی معاصر (1920 -1917 /3)، فرهنگ سخنوران (532 -531 ،496)، مؤلفین کتب چاپی (761 -760 /2).

شجونی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام حاج شیخ جعفر شجونی گیلانی از فضلاء برجسته و وعاظ شایسته و گویندگان نامی معاصر تهران است وی در گیلان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح را نزد مدرسین قم به پایان رسانیده و چندی از محضر آیات عظام بروجردی و آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به ترویج دین و تبلیغ احکام و مبارزه با بیدادگری‌ها و پیکار با منحرفین اشتغال دارد.
منبری مهیج و بیانی تحریک‌آمیز دارد در تهران و حومه آن شهرت بسزائی پیدا نموده و مورد علاقه بسیاری از مردم پایتخت گردیده است.
نوشته‌هائی در موضوعات مختلفه دارد که تاکنون موفق به طبع و نشر آن نشده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شرافت، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار. وی مدیر و موسس روزنامه‌ی ماهانه‌ی «شرافت» در تهران بود. مندرجات «شرافت» از آن جهت قابل اهمیت است که به زبان عامیانه بود و مقالاتی در آن تحت عنوان «مشهدی» نوشته می‌شد که در عوام خیلی موثر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (59 -58 /3).

شربیانی، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید شربیانی از بیت آیه الله العظمی مرحوم فاضل شربیانی نجفی و از علماء فضلاء معاصر تبریز است سالها در قم اشتغال به تحصیل و تکمیل علوم داشته و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حجت و آیه الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به تبریز مراجعت و باقامه جماعت و تدریس و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد. موصوف به فضل و کمال و محامد آداب و محاسن اخلاق می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شرعی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین دارابی شیرازی معروف به شرعی از علماء محترم و ائمه جماعت شهرستان دینی قم بوده‌اند. وی در داراب متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات به شیراز آمده سطوح را از علماء فارس فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه به پایان رسانیده سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی حائری یزدی و آیت‌اللّه حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد فیض قمی شرکت نموده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از ورودش به قم حاضر و استفاده نموده و در پائین شهر قم در مسجد رضویه اقامه جماعت و تبلیغ احکام نموده تا در سال 1391 ق وفات و در قبرستان شیخان مدفون گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شرعی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی شرعی
محل تولد : داراب فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1314/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه 1314 خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.
از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است.
حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.
با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق

را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمةالله فشارکی آموخت. علاقة به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر منظوم متعهد گردید و در این رویکرد که تا هم اکنون باقی است باید تأثیر قریحة ادبی و علاقه و توجه پدر وی ـ مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیةالله ستوده و آیةالله شب زنده‌دار و بخشی از آن را نزد پدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شیوه متکلمان در معیت آیةالله طاهری خرم آبادی و حجةالاسلام شهید حق دان و حجةالاسلام مرعشی از محضر آیةالله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیةالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیةالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.
سپس قسمتی از رسائل و مکاسب را از محضر آیةالله مشکینی و بخشی از کفایه را نزد آیةالله منتظری و بیشتر آن را از آیةالله سلطانی و آیةالله حرم پناهی آموخت. با اتمام این دوره در درس خارج حضرت امام خمینی (قدس سره) حضور یافت و مسائل مستحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصیلی خود با بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی مراوده و دوستی داشتند که از آن جمله می‌توان به حضرات آیات احمدی میانجی، سیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصفهانی، عندلیب شیرازی، شیخ حسین امراللهی و مرحوم آیةالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیةالله محی الدین و نیز آیةالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.
دامنة ارتباطات مردمی آیةالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیدتی داشت که غالباً به صمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردید. در این راه و روش به عنوان عالمی روحانی و مبارزی پرتلاش علیه نظام منحوس پهلوی با عده کثیری از علمای بزرگ شهرستانها ارتباط و آشنایی پیدا نمود همچنان که رشته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و

مراودة وی با آیةالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیةالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.
حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی از معدود دانشوران حوزوی است که عمر با برکت وی در نشر و گسترش معارف خاندان عصمت و طهارت : و ارائه خدمات گوناگون فرهنگی، علمی، سیاسی و اجتماعی و تربیتی سپری شده است که در این قسمت به برخی از تلاشهای علمی و فرهنگی این روحانی خستگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسی استنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوة علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، با اخلاق ازانجام هیچ تلاشی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سرمایة ارتقا و اعتلای آن است بنابراین تمام تلاش خویش را برای فراهم نمودن شرایط مساعد تربیت بکار گرفت و پس از بازسازی مدرسة رضویه با پیشنهاد شهید آیةالله قدوسی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیستم منظم آموزشی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیةالله شرعی پس از آشنایی با مرحوم شهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.
سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شد پاورقی‌های جلد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشکیل می‌دهد.
آیةالله شرعی با توجه به لزوم ایجاد تشکیلات منسجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.
این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیةالله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با بر پایی جلسات مناظره از فضلایی همچون آیةالله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی

استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیةالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیةالله شرعی باید مجموعة آنها را در دو دورة قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمة حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.
زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجةالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیةالله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیةالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال 1342 که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.
پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیةالله بهاءالدین محلاتی، آیةالله خادمی اصفهانی، آیةالله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیةالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیةالله مکارم شیرازی و... بود.
آشنایی آیةالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود

روزنامة «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسی بود که آیةالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال 42 می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیةالله شرعی با همکاری حجةالاسلام سیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیةالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.
وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانة آیةالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ ازغندی که قصد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیةالله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجةالاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیةالله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.
هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیةالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیةالله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیةالله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعة نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی

ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.
وی در هماهنگ سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیةالله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیةالله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصه ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.
آیةالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیةالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیةالله شرعی در این ستاد نمایندگانی را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از 13 هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیةالله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیةالله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیةالله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجةالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل آمدند.

حضرت آیةالله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د:
حضرت آیةالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامة ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورة دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل 90 پیوست و 23 هزار پروندة راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.
تغییر اساسنامة کمیسیون اصل 90 و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیةالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیةالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزة علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرة اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیةالله شرعی با پشتوانة تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعةالزهرا(س) انجامید.
همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیةالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژة بانوان به عنوان ایجاد

نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزة هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیةالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجةالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.
این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیةالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی 4 سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشهای مؤثر وی بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیةالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیةالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجةالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعة قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامة نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.
لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیةالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید.

ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیةالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.
این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیةالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیةالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیةالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجةالاسلام محمدتقی شرعی در زمرة جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیةالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد.
در سال 1370 حضرت آیةالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.
این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژة تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزة علوم انسانی است در کارنامة خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزة جغرافیای انسانی

و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیةالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیةالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینة پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف جهان قزوینی، شرف‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(968 -912 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. در جوانی مقدمات دانش و ادب را در زادگاه خود فراگرفت، سپس به شیراز رفت و نزد امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و خواجه جلال‌الدین محمود شیرازی، به کسب دانشهای معقول همت گماشت. علمای معاصر او به فضلش گواهی داده‌اند. شرف جهان در خط و انشا و شعر و حتی در موسیقی و آواز سرآمد زمان بود و خط را به روش خواجه عبدالحی منشی می‌نوشت. وفات وی در قزوین اتفاق افتاد و در مزار شاهزاده حسین به خاک سپرده شد. وی به غیر از «دیوان» شعر، صاحب «ساقی نامه»ای است که به مدح شاه طهماسب ختم شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (1187 -1174 /3)، حسن التواریخ (699 -698، 533)، ایضاح المکنون (510/1)، تاریخ ادبیات در ایران (691 -679 /5)، تاریخ نظم و نثر (826 -825، 440 -439)، تذکره‌ی میخانه (168 -151)، الذریعه (516 -515 /9)، ریحانه (188/3)، عالم آرای عباسی (178/1)، قزوین در گذرگاه هنر (221 -220)، گلستان هنر (49)، مجمع الخواص (40 -39)، مجمع الفصحا (44/4)، مینودر (473 -472 /2)، نتایج الافکار (369 -368).

شرف شفروه اصفهانی، شرف‌الدین عبدالمومن، محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه، واعظ و شاعر. مشهور به شفروه و شرف اصفهانی. وی از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه به مناسبت نام جدشان به شفروه معروف بوده‌اند. وی در زبان فارسی و عربی مهارت داشت. وی از قران جمال‌الدین عبدالرزاق و رفیع‌الدین لنبانی بود. در خدمت اتابک شیرگیر لقب ملک‌الشعراء داشت و می‌گویند که او جمال‌الدین و مجیرالدین بیلقانی را اهاجی رکیک گفته است. از ممدوحان وی اتابک مشیرگیر برادر اتابک ارسلان از سران دولت سلاجقه‌ی عراق بوده است. از جحمله مولفاتش: «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب». که به زبان منشیانه فصیح و به زبان عربی نگاشته شده است؛ «دیوان» اشعارش مشتمل بر هشت هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (950 -948 /3)، تاریخ ادبیات در ایران (743 -740 /2)، تاریخ گزیده (737 -736)، تاریخ نظم و نثر (102)، تذکره الشعراء (172 -170)، دایرةالمعارف فارسی (1464/2)، الذریعه (513/9، 216/2)، ریاض العارفین (213 -212)، ریحانه (193 -192 /3)، فرهنگ سخنوران (499 -498)، کشف الظنون (116)، لباب الالباب (273 -268 /1)، لغت نامه (ذیل/ شفروه) هفت اقلیم (366 -361 /2)، یادداشتهای قزوینی (214 -213 /5).

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 536 ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (2/ 529، 568)، سیر النبلاء (104 -103 /20)، معجم المؤلفین (224/6).

شروانی، عبداللطیف

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نویسنده، ادیب. معروف به افلاطون. وی مولف رساله‌ای به نام «حل ما لا ینحل» در شرح قصیده ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم (ع) که مولف به خطا آن را از امام فخرالدین رازی دانسته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (403).

شریعت اصفهانی، فتح‌اللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 -1266 ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در 1313 ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (334 -333 /5)، اعیان الشیعه (392 -391 /8)، الذریعه (6/25، 104- 103، 44/15، 188/10، 195/7، 59/1)، ریحانه (207 -206 /3)، شرح حال رجال (175/6)، علماء معاصرین (124 -122)، فوائد الرضویه (345)، معجم المؤلفین (53 -52 /8)، مکارم الآثار (1819 -1816 /5).

شریعت، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فرزند آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی عالم معاصر کراچی می‌باشند.
وی در حدود سال 1325 قمری در نجف اشرف متولد شده و در حجر والد ماجدش که از مراجع بزرگ تقلید و مدرسین و زعماء روحانیت نجف اشرف بودند پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از علماء و اساتید نجف آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی شرکت و استفاده نموده تا حدود سال 1370 قمری که بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی پویا به کراچی مهاجرت و رحل اقامت افکنده و تاکنون شاغل وظائف دینی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شریعت، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: علوم و صنایع دفاع
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1337، دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1347.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه علوم و صنایع دفاع.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فرهنگ بسامدی گلشن راز، فرهنگ بسامدی گلستان، فرهنگ اصطلاحات دستور زبان فارسی، فرهنگ بسامدی دیوان پروین اعتصامی، تدریس دروس ادبیات فارسی، متون نظم و نثر، دستور زبان فارسی در دانشگاههای اصفهان، علوم و صنایع دفاعی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 24
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
املای صحیح، دستور زبان فارسی و انگلیسی تطبیقی، کاملترین صرف و نحو عربی، تجزیه و ترکیب اشعار گلستان زمینه بحث درباره آئین نگارش، ترجمه نهج‌البلاغه، جمله و جمله‌سازی، سخنان پیر هرات، پروین، ستاره آسمان ادب ایران و چندین عنوان دیگر.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 47، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
دستور زبان فارسی، انتقاد درباره دیوان عطار، صفت مرکب، لفظ "افتادن" در لغت‌نامه، دگرگونیهای لفظ در مثنوی مولوی، اظهار نظر درباره حافظ، فرهنگ‌نویسی، لغات و ترکیبات نو، کهن‌ترین کتاب دستور زبان فارسی، انتقادی بر مرصادالعباد، نقد کتابهای دبیرستانی، قدرت ترکیبی زبان فارسی، انتقادی بر ترجمه تفسیر کمبریج، ویژگیهای دستوری سیاست‌نامه، تأثیر زبانهای خارجی در زبان فارسی معاصر، نثر معاصر

فارسی، ضمیر و کاربرد آن در دیوان حافظ و مقالاتی چند درباره دستور زبان فارسی.
تولد: 1315.
درگذشت: 1375.
از آثار اوست: کتاب املا (اصفهان، 2 ،1349 -1347 جلد)؛ پاسخ تمرین‌های مبادی العربیه یا کاملترین صرف و نحو عربی (رشید شرتونی، 1372)؛ پروین ستاره‌ی آسمان ادب ایران (اصفهان، 1366)؛ ترجمه و راهنمای مبادی العربیه (رشید شرتونی، اصفهان)؛ جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی مولوی (کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، اصفهان)؛ دستور زبان فارسی (ویرایش سه، 1364)؛ زمینه بحث درباره‌ی آیین نگارش (چاپ‌های متعدد، 1364)؛ سخنان پیر هرات (عبدالله انصاری، به کوشش شریعت، 1365)؛ گزیده تفسیر کشف الاسرار (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام)؛ متن و ترجمه کتاب تعرف (ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، 1371)؛ نهج‌البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین (ع) (تألیف شریف رضی، 1374).
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1249 ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (141/9)، الذریعه (289/25، 177/24، 234، 162- 161/ 21، 15- 14/ 20، 235/12، 47/11، 472/3، 4/2، 98/1)، ریحانه (211- 210/ 3)، شرح حال رجال (224/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 392- 391/ 14)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (213/9)، مکارم الآثار (1350- 1349/ 4).

شریعتمداری، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شریعتمداری معروف به برادر حسین، روزنامه‌نگار ایرانی اصولگرا و مدیر مسئول روزنامه کیهان و همچنین انتشارات کیهان است. وی توسط سید علی خامنه‌ای - رهبر جمهوری اسلامی ایران - به این سمت انتخاب شده است در ماه مه سال ۲۰۰۶، روزنامهٔ فایننشال تایمز در فهرستی از تأثیرگذارترین تفسیرگران در کشورهای متفاوت، او را به‌عنوان «تأثیرگذارترین تفسیرگر» ایرانی معرفی کرد.
روزنامه کیهان در دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری از محمود احمدی‌نژاد حمایت نمود.
معاونت بخش اجتماعی وزارت اطلاعات
حسین شریعتمداری در مقاله‌ای در تاریخ ۵ دی ۱۳۷۸ روزنامه کیهان که خود مدیر مسئول آن بود نوشت:
دعوت از اینجانب برای بحث و گفت و گو با زندانیان گروهکی از جانب حجت الاسلام مجید انصاری صورت گرفته بود...آن هنگام را اینجانب جزو پربرکت ترین ایام عمر خود می‌دانم که بر اثر آن تعداد قابل توجهی از عناصر گروهکی بریده از انقلاب و مردم به آغوش انقلاب و ملت بازگشتند.
وی در دوران وزارت حجت الاسلام علی فلاحیان در وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، مسئول بخش معاونت اجتماعی وزارت اطلاعات بود.
دکتر فرهاد بهبهانی در کتاب در مهمانی حاج‌آقا وی را به عنوان یکی از بازجوها نام می برد که در زندان برادر حسین نامیده می شده است. و شریعتمداری نیر در پاسخ می گوید:
بنده هیچگاه بازجو نبوده‌ام ولی بارها ابراز تاسف کرده و می‌کنم که چرا ثواب بازجو بودن در نظام جمهوری اسلامی ایران در نامه اعمال من ثبت نشده است.
جوایز روزنامه‌نگاری
- حسین شریعتمداری موفق شد تا به همراه محمدکاظم انبارلویی سردبیر روزنامه رسالت، جایزه بهترین و منصف‌ترین منتقد دولت محمود احمدی‌نژاد را در مراسم اختتامیه نمایشگاه مطبوعات، از آن خود کند.

شریعتمداری، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد صادق بن السید الجلیل السید حسن بن العالم النبیل السید محمد شریعتمداری (برادر آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری) از علماء اعلام معاصر تهرانست.
وی در سال 1325 قمری در تبریز متولد شده و در کودکی وی مرحوم والدش حجةالاسلام آقا سید حسن در سال 1332 قمری وفات نموده و ایشان در حجره والده فاضله عفیفه‌اش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در تبریز خوانده آنگاه به قم مهاجرت و مقداری از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و پس از وی از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمد تقی خونساری استفاده نموده و مشرف به نجف اشرف شده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بواسطه عدم مساعدت هوای نجف مجبور بمراجعت و در قم بتدریس فقه و اصول نهائی پرداخته تا ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی که چند سالی هم در جلسات فقه و اصول آن جناب شرکت نموده تا سال 1372 قمری که به تهران منتقل و به خدمات دینی پرداخته و چندی هم در مشهد مقدس تدریس خارج فقه و اصول نموده و باز بواسطه عدم سازگاری آب مشهد به تهران بازگشت و تاکنون در خیابان مولوی قریب چهار راه گمرگ شاهپور به اقامه نماز جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
معظم له دارای اجازات اجتهادات مطلق و صریح که اساتیدشان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید که تصریح باجتهاد ایشان نموده‌اند و بصحه برادر بزرگوارشان آیت‌اللّه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و سزاوار بود که حوزه‌های علمی بالخصوص حوزه مقدسه قم از افاضات ایشان مستفیض باشند ولکن مع الاسف در اثر ضعف مزاج و عدم مساعدت آب و هوای قم فعلا در تهران و حوزه علمیه از فیض آن جناب محروم است و لعل اللّه یحدث بعد ذلک امرا. آثار قلمی و علمی ایشان عبارت است از حواشی بر جواهر و قسمتی از کفایه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریعتمداری، نور الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدنورالدین شریعتمداری
محل تولد : شوشتر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1340 شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت 7 سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال 1347 وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی الدرایه شرکت نمودم و در سال 1350 وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره ها بردم . از سال 1372 شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال 1374 به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم .
در سال 1350 شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال 1376 تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال 1384) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم . تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم ؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می کردم و می نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می رفتم درس های خارج را به زبان عربی می نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاشتم که اکنون موجود است .
بیش از 60 مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره ها و همایش ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارئه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه ها به چاپ رسیده است.
تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت 5 سال ، فقه

سیاسی در کارشناسی ارشد ، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجتیه ، سطح عالی مکاسب و کفایة الاصول و تفسیر موضوعی به مدت 6 سال ، ارزیابی بیش از صدها مقاله در ارتباط با کنگره ها و همایش ها و مجلات و موسسات پژوهشی ، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسوعه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که 5 جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است . نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلای حوزه علمیه قم ، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت 10 سال ، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله هایی در آن مجله ، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده اند ، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی ؛ تفسیر ، هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان نامه های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال 1340 ، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه محرم وصفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق ، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است .

شریف تبریزی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1374 -1286 ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به تائب. معروف به مساله‌گو. او در مشهد رضوی ساکن بود. علم و ادب را فراگرفت و یکی از فضلای بنام زمان خود شد. شیخ اسماعیل به تالیف و تصنیف در فنون مختلف پرداخت و آثار بسیاری به نظم و نثر از خود به جای گذاشت. در مشهد درگذشت و در باغ رضوان دفن شد. از آثار وی: «عقاید الاسلام»، در اصول خمسه، که گویا ترجمه‌ی «عقاید الاسلام» ترکی منسوب به مقدس اردبیلی است؛ «مرآه المتقین»؛ «مجلات المحققین»؛ «البلاغ المبین»؛ «معیار الفهم و منشار الوهم»؛ «تذکره المتقین»؛ مثنویهای «انصاف نامه»؛ «بلبل نامه»؛ «تحفه نامه»؛ «تزویج نامه»؛ «توحید نامه»؛ «ثمره‌ی فوادیه»؛ «حیرت نامه»؛ «سعادت نامه»؛ «محبت نامه»؛ «نماز نامه» و مثنویهای مختلف دیگر؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (281/21، 284، 228- 227، 11/20، 85- 83/19، 281/15، 181/12، 265/11، 163/9، 46/4، 140/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 156/14)، فرهنگ سخنوران (179)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 579- 580).

شریف تهرانی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1280 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در طی دوران تحصیل در مدرسه‌ی سن‌لویی و مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در انجمن ادبی دانشکده عضویت داشته است. در سال 1304 ش در مجله‌ی «ندای قدس» و چندی بعد به سردبیری روزنامه‌ی «جنت» که به مدیریت حسن کسرائی اداره می‌گردید اشتغال داشت. بعدها وارد خدمات دولتی گردید و عهده‌دار مشاغل مختلف شد. از آثار وی: «تئاتر مکتب عشق»؛ «خونبهای ایران یا عشق و کشیبائی»؛ «مکتب عشق»؛ «ممانعت از حق مظاهر تصرف عدوانی و رفع مزاحمت»؛ «نازبخت»؛ «نوای نی»؛ «نوشکفته‌ها»؛ «همای و همایون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (466 -464 /4).

شریف زاده نجفی، محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در خصوص ولادت مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی نتوانستیم به نقطه‌نظر مطمئنی دست یابیم، اما بر اساس قرائن و شواهد، هنگام رحلت، بیش از هشتاد سال از عمر آن مرحوم می‌گذشت؛ لذا تاریخ تولد ایشان حدود سال 1278 هجری شمسی و در نجف اشرف می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر - علی محمدشریف زاده نجفی - از روضه‌خوان‌های نجف اشرف بوده و سال‌ها قبل از یزد به نجف مهاجرت کرده است. بر این اساس، اگرچه حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی هیچ دوره از عمر خود را در یزد سپری نکرده، اما به نوعی ریشه در دل این دیار داشته و شاید این نکته در انتخاب شهر «ابرقو» از میان شهرهایی که از حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ درخواست روحانی داشته‌اند، بی‌تأثیر نبوده است.مادر ایشان - بانو سلطان بیگم - علویه باکرامتی بوده که با حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی؛ نسبت داشته و آن مرجع بزرگ به کرامت و بزرگواری‌اش اذعان داشته و آن بانو مشمول عنایات ایشان بوده است.خاطرات کودکی : مادر محمد جوادشریف زاده نجفی در ایامی که حاج شیخ محمد جواد، نوزاد و یا طفلی نوپا بوده است، خوابی می‌بیند. خواب را برای حضرت آیت‌اللّه محمد کاظم یزدی بازگو و ایشان هم رؤیای این بانو را چنین تعبیر می‌کند که فرزندش مجتهد می‌شود. سپس سجّاده‌ای به ایشان می‌دهد تا فرزندش بر آن نماز بگزارد. حاج شیخ محمد جواد سال‌ها این سجّاده را با خود داشت و حتّی پس از آمدن به ابرقو هم بر آن نماز می‌خواند. متأسفانه این سجّاده در یکی از مساجد مفقود گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سنین عمر محمد جواد شریف زاده نجفی ، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: روزگار تفقّه و عصر تبلیغ.اول: سال‌های حضور در نجف اشرف و کربلای معلّا، یعنی از تولد تا حدود سال‌های 1325 یا 1326 هجری شمسی، صرف‌نظر از ایام کودکی، آنچه طی این سال‌ها وجهه همت ایشان را تشکیل داده، تلاش برای نیل به کمالات اخلاقی و علمی، و استفاده هر چه بیشتر از معادن معنوی و علمی این دو شهر مقدس می‌باشد. بدون شک تنفس در فضایی که معطّر به قبور ائمه طاهرین (ع) باشد، مستلزم توفیق بالایی است. آری، در چنین فضایی مس وجود، کیمیا گردد و پربها.علاوه بر این بهره معنوی، حضور در پای درس بزرگانی همچون آیات عظام: سید

محمد کاظم یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی و پس از ورود به کربلا استفاده از محضر حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی، همچنین اجازه اجتهاد و اخذ وجوهات از همین بزرگواران و بزرگانی دیگر همچون آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید حسین بروجردی، دستاورد این دوره از عمر مرحوم حاج شیخ محمد جواد است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، پس از رحلت حضرت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی خواستند که ایشان به سامرا برود و در مدرسه‌ای که متعلق به مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی بوده است، تدریس نماید. حاج شیخ محمد جواد این درخواست را پذیرفت و به سامرا رفت ولی پس از چهار الی پنج ماه مجدداً به نجف برگشت و بعد از اقامتی کوتاه، به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان رحلت حضرت آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، در این شهر ماند. پس از رحلت این مرجع بزرگ - که زمزمه مرجعیت حضرت آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی به گوش رسید. - ایشان به نجف برگشت ولی اقامتش چند ماهی بیشتر طول نکشید که آن مرحوم قصد مسافرت به مشهد نمود و در قم سرنوشت دیگری برای ایشان رقم خورد که بدان خواهیم پرداخت.وقایع میانسالی : چگونگی آمدن حاج شیخ محمد جواد شریف زاده نجفی از نجف به ابرقو، شرح مفصلی دارد که اجمال آن، بدین قرار است:مرحوم حاج شیخ محمد جواد در سال 1325 یا 1326 جهت رفتن به زیارت ثامن الائمه - امام رضا (ع) - وارد شهر قم شد و مسافرخانه «قبله» را به عنوان اسکان موقت انتخاب کرد. بزرگواری ایشان توجه صاحب مسافرخانه را به خود جلب کرده، به طوری که از ایشان درخواست کرد اتاقی در منزل خود - که به افرادی معدود اختصاص می‌داده - در اختیار آن مرحوم و همراهان قرار بدهد.در یکی از این روزها، برخی طلبه‌ها که یا از شاگردان آن مرحوم بوده و یا از مراتب علمی و کمالات اخلاقی ایشان در نجف و کربلا، اطلاع داشته‌اند، از آمدن ایشان به قم باخبر شده، مراتب را به اطلاع حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ می‌رسانند و ترتیب دیداری میان این دو بزرگوار در بیت حضرت آیت‌اللّه بروجردی داده می‌شود.در این ملاقات، از جمله سؤالات حضرت آیت‌اللّه بروجردی از مرحوم حاج شیخ محمد جواد، این بوده است که آیا شما توان تدریس مکاسب و کفایه را دارید؟ مرحوم حاج شیخ محمد جواد جواب می‌دهد: «بحول اللّه؛ (توان تدریس این دروس را دارم.)»سپس سؤالاتی تخصصی از ایشان پرسیده می‌شود و چون آن مرجع بزرگوار به توانمندی مرحوم حاج شیخ محمد جواد در این زمینه، اطمینان پیدا می‌کند، درخواست مردم ابرقو را - مبنی بر یک روحانی مجتهد و پرهیزکار که توان تدریس مکاسب و کفایه را داشته باشد. - خدمت ایشان ارائه می‌دهند و مصرانه از آن

مرحوم اجابت این درخواست را می‌طلبند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد به رغم میل باطن و در جهت امتثال امر حضرت آیت‌اللّه بروجردی اعلام آمادگی کرده و ایشان نیز ظاهراً ذیل همان برگه، مرحوم حاج شیخ محمد جواد را به اهالی ابرقو معرفی می‌کنند.در پایان این دیدار قرار می‌شود که روز بعد، حضرت آیت‌اللّه بروجردی به دیدار ایشان بروند. مرحوم حاج شیخ محمد جواد صاحب منزل را در جریان می‌گذارد و صاحب منزل که این تشریف‌فرمایی را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته، درصدد تدارک پذیرایی برمی‌آید و کوچه و منزل را آب و جارو می‌کند.روز بعد، آن مرجع بزرگوار با درشکه به محل سکونت ایشان رفته و در واقع دید و بازدید این دو مرد الهی تکمیل می‌گردد. مرحوم حاج شیخ محمد جواد سپس به مشهد رفته و پس از زیارت ثامن الحجج (ع) مجدداً به قم بر می‌گردد و بلافاصله عازم ابرقو می‌شود و در ابتدای راهی قرار می‌گیرد که مرحله دوم عمر ایشان را رقم می‌زند.زمان و علت فوت : نوروز سال 1358 هجری شمسی، آخرین بهار را فراروی دیدگان محمد جواد شریف زاده نجفی قرار داد.علاقه به ثامن الائمه - امام علی بن موسی الرضا (ع) - آن مرحوم را به ارض اقدس طوس کشاند، تا برای آخرین بار ترجیع بند ارادت خود را ارزانی آن آستان کند.همراه ایشان در این سفر می‌گوید:با این که هنوز بنا بود در مشهد بمانیم، اما برخلاف انتظار، ایشان گفتند: باید برگردیم تهران ! حاج شیخ محمد جواد در تهران به منزل فرزندش رفت و ما هم در شهر ری به خانه بستگانمان رفتیم.پس از یک روز، بیماری مختصری بر آن مرحوم عارض شد، پیغام داد: بلیطی که برای رفتن از تهران به ابرقو گرفته‌اید، خودتان استفاده کنید، مورد نیاز من قرار نمی‌گیرد. (نقل به مضمون) و فرمودکه این‌ها مورد استفاده‌ام قرار نمی‌گیرند. سپس ادامه داد: فردا اذان صبح به این جا بیاید.ما به شهر ری برگشتیم اما با کلی نگرانی. اصرار بر این که هر چه زودتر به تهران برویم، بیماری ایشان، عدم ضرورت استفاده از بلیط، این که فردا وقت اذان صبح ما را ببینند و... این افکار تا ساعت 12 شب ما را به خود مشغول کرده بود. در این ساعت فرزند ایشان تلفن کرد که پدرمان به رحمت خدا رفتند. این‌ها نشانه‌ای بر آگاهی آن مرحوم از نزدیک شدن زمان رحلت خود بود.فرزند ایشان می‌گوید:حدوداً نیمه شب ملاحظه کردم که پدرم آهسته چیزی می‌خوانند. گوش خود را نزدیک دهان ایشان بردم، دیدم مشغول خواندن زیارت عاشورا هستند. پس از چند دقیقه، شهادتین را بر زبان آوردند و دیگر چیزی نگفتند. ما ابتدا فکر کردیم که ایشان خواب رفته‌اند، اما پس از چند دقیقه که سراغشان رفتیم، ملاحظه کردیم در حالی که رو به قبله خوابیده‌اند، از دنیا رحلت کرده‌اند. وقتی با ابرقو تماس تلفنی گرفتیم تا این خبر را به اطلاع مردم برسانیم، ملاحظه کردیم که برخی از دوستان و مأمومین از

رحلت مرحوم پدرم اطلاع دارند!قضیه از این قرار است که سیدی از ارادتمندان ایشان در عالم رؤیا می‌بیند آجری از زیر گلدسته مسجد امامزاده فرو افتاد. آن سید خواب خود را به رحلت مرحوم پدرم تعبیر می‌کند و با عده‌ای نیز این مطلب را در میان می‌گذارد، لذا وقتی که با آنان تماس گرفتیم، این خبر برایشان غیر منتظره نبود. پدرم برای دفن خود ما را بین سه مکان مخیّر کرده بود که به ترتیب عبارت بودند از: حضرت عبدالعظیم (ع) ، قبرستان بقیع قم و بهشت زهرای تهران، که با توجه به جوانب قضیه، ایشان را در قبرستان بقیع قم در مسیر جمکران به خاک سپردیم. گویی عارف گمنام بر آستان مقدس صاحب الزمان (ع) چشم دوخته و انتظار دیدار با آخرین یادگار پیامبران را دارد.مردان الهی از دنیا نمی‌روند، بلکه از سرای فرش به عالم عرش نقل‌مکان می‌کنند. کوته نگری است اگر تربت کیمیا اثر آنان را در دل زمین بجوییم، باید به اندرون سینه مردان راه نقبی زد تا اشک دیده از مزار آنان متبرک سازیم.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرحله دوم از عمر مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، 32 الی 33 سال پایانی عمر ایشان را رقم می‌زند، یعنی از سال‌های 1325 یا 1326 لغایت 1358 هجری شمسی و زمانی که از طرف حضرت آیت‌اللّه بروجردی به ابرقو عزیمت نمود و در این خطه به تبلیغ دین، اقامه جماعت و تشکیل مجالس روضه پرداخت؛ این دوره از عمر آن مرحوم، فرصت انجام رسالتی است که خداوند متعال بر دوش عالمان ربّانی نهاده و در روایات «زکات علم» قلمداد شده است.این دو مرحله، مکمل یکدیگرند و مجموعه‌ای واحد را تشکیل می‌دهند، نه اندوختن کمالات علمی و معنوی بدون تبلیغ و انذار، ایفای تام و تمام رسالت عالمان دینی است، و نه تبلیغ دین بدون کسب علم و تهذیب نفس، دل و جانی را نشاط معنوی می‌بخشد. دو مرحله‌ای که عنوان گردید، در زندگی مرحوم حاج شیخ محمد جواد کاملاً قابل تبیین است.فعالیتهای آموزشی : اهالی ابرقو، به محض اطلاع از تصمیم مرحوم محمد جواد شریف زاده نجفی ، برنامه استقبال از ایشان را تدارک دیدند، بدین منظور عده‌ای از ابرقو به شهرستان آباده - در 72 کیلومتری ابرقو - عزیمت کرده و آن مرحوم را با سلام و صلوات به ابرقو آوردند.ایشان پس از ورود به ابرقو، در منزل یکی از اهالی در محله «دروازه میدان» موقتاً اسکان نمود و تا 4 - 5 روز رفت و آمدها ادامه داشت. پس از این چند روز، آن مرحوم با توجه به مفاد درخواست، سراغ جلسه درسی و بحث را گرفت و پس از آن که مشخص شد جلسه در یکی از مساجد شهر است، شخصاً با دو کتاب «مکاسب» و «کفایه» در محل درس حاضر گردید تا در اولین جلسه، سطح کلاس را ارزیابی و تدریس را آغاز کند. آنچه در همان اوایل به عنوان نتیجه‌ای نه چندان مطلوب و خوشایند عاید آن مرحوم شد، پایین بودِن سطح علمی

کلاس درس بود، به طوری که موجب گله ایشان گردید. متأسفانه در ادامه، از همان رونق اندک اولیه هم کاسته شد و چندی بعد این کلاس کلاً تعطیل گردید. از آن پس، اقدامات ایشان از تشکیل درس و بحث بیرون آمد و به شکلی ادامه یافت که بدان خواهیم پرداخت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : تشکیل حوزه درسی در مدرسه «هندی» - در کربلای معلا - و تربیت شاگردان دیگر دستاورد ارزشمند مرحله اول یعنی روزگار تفقه عمر آن مرحوم می‌باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از آن که جلسه درس محمد جواد شریف زاده نجفی منحل گردید، آنچه بیشتر ذهن آن مرحوم را به خود مشغول کرد، این بود که فعالیت‌های خود را بر محور تبلیغ، روضه، اقامه جماعت، محاسبه وجوهات و مواردی این گونه قرار بدهد. ایشان در ابتدا برنامه نماز جماعت خود را در مسجد جامع ابرقو قرار داد، با بروز برخی موانع، این برنامه را به مسجد امامزاده و داخل امامزاده و برخی مساجد دیگر منتقل نمود. علت این تغییر مکان‌ها را باید در بروز بعضی موانع دانست، و این علاوه بر مشکلات جنبی بود که پیش می‌آمد، تا جایی که ایشان چشم انداز خوبی از موفقیت پیش روی خود ندید !مجموعه این عوامل، آن مرحوم را وادار نمود با مراجعه به حضرت آیت‌اللّه بروجردی؛ از معظم له بخواهد که ایشان را از ماندن و اقامت در ابرقو معذور بدارد !اما مرحوم آیت‌اللّه بروجردی کسی نبود که این‌ها را دلیلی موجه برای خالی کردن میدان بداند، وانگهی چه کسی بهتر از مرحوم حاج شیخ محمد جواد می‌توانست نیازهای متنوع دینی یک شهر را پاسخگو باشد؟بر همین اساس، درخواست آن مرحوم مقبول واقع نشد و چون بنا را براستخاره گذاشتند، مراجعت ایشان به ابرقو و ماندن در این شهر، بسیار خوب آمد.مرحوم حاج شیخ محمد جواد، دوباره به ابرقو برگشت، با این نیت که این بار به صورت جدی‌تر به مجالس وعظ و روضه، اقامه جماعت، حساب و کتاب وجوهات شرعیه و مواردی از این نمونه بپردازد. پس از بازگشت، حدود دو سال را در برخی از روستاهای ابرقو از جمله «مهر آباد» و «نصرت آباد» سپری نمود که دلیل آن را باید بروز همان مسائل و موانعی دانست که به کلیت آن، اشاره شد.مدتی بعد تنی چند از ارادتمندان، از آن مرحوم خواستند تا در مسجد امامزاده اقامه جماعت نماید و آنها تضمین کردند که مسأله‌ای خاص بروز نکند. خوشبختانه این قضیه مشکل را حل کرد و از آن پس، این مسجد به صورت ثابت محلّ اقامه جماعت ایشان گردید. قابل ذکر است که مرحوم حاج شیخ محمد جواد، در مدت سی و چند سال اقامت در ابرقو، سه، چهار بار به عراق جهت زیارت عزیمت نمود و هر بار در کربلا در مسجدی به نام مسجد «بازار داماد» اقامه جماعت داشت.آرا و گرایشهای خاص : چیزی که باور مردم را نسبت به محمد جواد شریف زاده نجفی روز به روز بیش‌تر و

ارادت آنان را به آن مرحوم افزون‌تر می‌ساخت، ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.آنچه مردم در وجود این عالم پارسا می‌دیدند، پرهیزکاری بود و دوری از زر و زیور دنیا؛ عشق و محبت به ثقلین یعنی قرآن و عترت (ع) بود و بخشش و سخاوت؛ برخوردهای بزرگوارانه بود و آزادگی و وارستگی. همین ویژگی‌های ملکوتی، ارادتمندان آن مرحوم را واداشته که با گذشت بیش از بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم برای شادی روحش صلوات بفرستند. - ایشان به رعایت آداب سفره مقید بود. در ابتدای هر لقمه غذا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» و در پایان هر لقمه «الحمدللّه ربّ العالمین» می‌گفت.- غذا را با دست راست می‌خورد.- مقید بود که رو به قبله بخوابد.- هرگز با صدای بلند نمی‌خندید، خنده ایشان عموماً تبسّم بود.- به نماز اول وقت و رعایت پرهیزکاری توصیه فراوان می‌کرد.- هنگام منبر چنان غرق در آیات و روایات می‌شد که مکرر آستین‌های پیراهن را بالا می‌زد و وقت منبر از دستش خارج می‌گردید؛ به طوری که گاهی وقت‌ها مستمعین به ایشان تذکر می‌دادند که منبر طولانی شد. البته از آنجا که ایشان اصولاً آخرین کسی بود که در مجالس منبر می‌رفت، وقت دیگر روضه‌خوان‌ها به خاطر طولانی بودن منبر ایشان گرفته نمی‌شد.- ایشان برای شرکت در برخی مراسم از جمله عزاداری عاشورا و رفتن به اقامه نماز عید فطر، با پای برهنه اقدام می‌نمود.- نسبت به قرائت صحیح خطبه عقد ازدواج، فوق العاده حساس بود.- از آن جا که ممکن بود کسانی از تأیید با دستخط ایشان سوء استفاده کنند، آن مرحوم نسبت به این کار وسواس عجیبی داشت. یکی از ارادتمندان از ایشان پرسیده بود: «مگر شما قلم ندارید که کسی را تأیید و توصیه‌ای فرمایید؟» البته ایشان یک بار مطلبی را تأیید و امضا کرده بود و آن مربوط به «اصلاح ذات البین» بوده است.- ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان را هر سه وعده با معنای فارسی برای مستمعین می‌خواند.- نسبت به کتاب «اقبال» مرحوم «سید بن طاووس» توجه خاصی داشت و می‌گفت:«هرکس اقبال سید را ندارد، اقبال ندارد!- یک لحظه دیده نشد که ایشان بدون ذکر باشد. منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzeh.net

شریف عسکری، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا ابوالحسن بن العلامه المتتبع آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد عسکری تهرانی از علماء محترم معاصر شمیرانست.
وی در حدود سال 1324 قمری در سامرای متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و از محضر مرحوم والدش و علماء دیگر سامرای چون مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود شیرازی و غیره استفاده نموده و پس از فوت والد ماجد و فرزند برومندش مهاجرت به ایران و چند سالی در قم رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری بهره‌مند گردیده و در حدود 1378 ق به تهران منتقل و در شمیران سکونت و در مسجد ایستگاه رضائی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای شریف عسکری از دانشمندان غیور و متقی و موصوف بورع و پارسائی و نسبت بمرحوم آیت‌اللَّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی قدس اللَّه سره ارادت خاصی داشت و جنازه آن مرحوم را از تهران با پای برهنه تشییع نموده و بحقیر می‌فرمود آقای کاشانی مجهول القدر در تهران بود زیرا من شاهد و ناظر بودم که با آن مقام علمی چه فداکاریها و مبارزاتی بر علیه انگلیسها نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شریف نژاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای شریف نژاد از علماء محترم و خدمتگزار بابل میباشد که باقامه جماعت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شریف‌زاده گلپایگانی، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف، مترجم.
تولد: 1317، مشهد.
درگذشت: 1367.
هوشنگ شریف‌زاده گلپایگانی بعد از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از پایان دوره‌ی لیسانس برای ادامه‌ی تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و از دانشگاه چلسی به دریافت فوق لیسانس آموزش علوم نایل آمد.
مشاغل فرهنگی وی عبارت بودند از: دبیر فیزیک، کارشناس مسئول بخش فیزیک سازمان کتاب‌های درسی، علاوه بر مسئولیت‌های مذکور در فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، مجله‌ی «دانشمند» و مجله‌ی «گنجینه» به ویراستاری و مشاورت اشتغال داشت.
علاوه بر مقاله‌های شریف‌زاده در نشریه‌های علمی، آثارش عبارتند از: تألیف کتاب‌های درسی علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف کتاب‌های راهنمای تدریس علوم دوره‌ی راهنمایی (سه جلد با همکای دیگران)؛ تألیف فیزیک دانشسرای مقدماتی با همکاری دیگران؛ تألیف سه جلد فیزیک دوره‌ی دبیرستان (نظام قدیم)؛ ترجمه‌ی کتاب در قلمرو مکانیک (استاتیک و دینامیک) (دو جلد)؛ ترجمه کتاب در جهان علم؛ ترجمه‌ی کتاب‌های طرح فیزیک هاروارد (شش جلد با همکاری دیگران؛ برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ترجمه و ویرایش نگاهی به تاریخ علم (برای نوجوانان، با همکاری دیگران).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شریفی اقدم، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود شریفی اقدم
محل تولد : شریف آباد قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
محمود شریفی اقدم در شریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند وسپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال 1346 عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را درمدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود و سیوطی را همانجا خواند ، در همان سال وارد مدرسه منتظریه(حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول رادر محضر اساتیدی چون حضرات آیات : مرحوم احمدی میانجی ،محمدی گیلانی ، شهید آیت الله قدوسی ، شهید مفتح ، جنتی ، صانعی ، آذری قمی ، مؤمن ، مصباح و راستی ادامه داد.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی(ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشغول خدمت شد. سپس به عنوان دادستان انقلاب اسلامی گنبد منصوب شد ، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمده و مسؤلیت گزینش دادستانی محل را پذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشغول کار شد و سپس در سال 1369 به قم منتقل شد و پس ازتاسیس پژوهشکده باقرالعلوم(ع) توسط ایشان وتعدادی از فضلاء مسئوولیت آن مرکز را پذیرفت، ایشان هم اکنون مشغول پژوهش در حدیث وامور فرهنگی هستند.

شریفی کرمانی، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1016 -980 ق)، عالم، ادیب و شاعر، متخلص به شریفی. وی ناظم سه فقره قصیده ثائیه می‌باشد. از آثار وی: نظم «کافیه‌ی نجومیه» ابن‌حاجب؛ نظم «شافیه‌ی صرفیه‌ی» ابن حاجب؛ «موزون المیزان» که نظم «ایساغوجی» اثیرالدین ابهری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (525/9، 202/3)، ریحانه (220/3)، معجم المؤلفین (19/1)، هدیه العارفین (29/1).

شریفی، عنایت

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنایت شریفی
محل تولد : سیاهکل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1353 تحصیلات ابتدایی را آغاز و در سال 1362 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم و به مدّت هشت سال دوره مقدّمات و سطح را در دروس: ادبیّات عرب، منطق، فلسفه اسلامی، اصوف فقه و فقه و ... گذراندم. در سال 1370 دروس خارج فقه و اصول فقه را آغاز و بعد به مدت هشت سال از محضر حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، جوادی آملی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی بهرهمند شدم.
در سال 1373 همزمان با تحصیل خارج فقه و اصول فقه و همکاری تحقیقاتی با مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، در مرکز تخصصی تبلیغ حوزه علمیّه قم پذیرفته شدم و پس از هشت سال تحصیل و تدوین رساله علمی سطح چهار با عنوان «روابط فقه و اخلاق» و دفاع از آن با کسب امتیاز خوب و نمره 43/16 فارغ التحصیل شدم. و به مدت پنج سال است که با دانشگاههای علامه طباطبایی تهران، تربیت معلّم تهران و علوم پزشکی ایران در تدریس معارف اسلامی(1و2) ، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام و متون اسلامی همکاری دارم و هم اکنون به عنوان هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی مشغول تدریس در آن آموزشگاه می باشم. ضمنا به مدّت پانزده سال است که با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام دفتر تبلیغات اسلامی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی دارم

شریفیان، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین شریفیان درسال 1305در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . عبد الحسین شریفیان دوران ابتدایی و متوسطه رادر بوشهر سپری کرد .وی موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی شد .در فروردین ماه 1329 به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما اونتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در همان سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد . از وی آثار متعددی که ترجمه و منتشر شده وجود دارد از جمله نخستین اثراو «رمان شوم» که به طور مستقل کار ترجمه آن را انجام داده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیگرایش : ترجمهوالدین و انساب : عبدالحسین شریفیان درسال 1305در بندر تاریخی بوشهربه دنیا آمد . نام مادرش شهر بانو و نا پدرش غلام است . پدر وپدر بزرگش ناخدا و اهل سیر و سفر دریایی و کشتیرانی بودند . پدر بزرگش ناخدای یکی از کشتی ها حاج معین التجار (از رجال اقتصادی وسیاسی مشهور بوشهر و ایران در فاصله سالهای قبل از انقلاب مشروطه تا سقوط رضا شاه پهلوی) بود و در خط دریایی خرمشهر (محمره) و اهواز (ناصری) دردوران قاجار مشغول به کار بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبد الحسین شریفیان درسال 1312 پا به مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را درتابستان فردوسی و متوسطه را در دبیرستان سعادت بوشهر سپری کرد .درسال1328 موفق به اخذ دیپلم دررشته ادبی از این مدرسه شد .در فروردین ماه 1329 به خدمت سربازی رفت و دوره نظام را دردانشکده افسری سپری کرد.ایشان پس از دوسال خدمت سربازی را در سال 1331 به پایان رساند و همان سال وارد دانشگاه تهران شد و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد . اما ایشان نتوانست تحصیلاتش راتا پایان ادامه دهد و در سال 1332 سال دوم تحصیل برای همیشه ترک تحصیل کرد .خاطرات و وقایع تحصیل : دوران جوانی و نوجوانی عبد الحسین شریفیان مصادف بود با شهریور 1320 و سقوط و فرار شاه پهلوی از ایران و اشغال ایران و بندر بوشهر ،توسط قوای متجاوز متفقین .بوشهر در آن سالها به تصرف نیروهای متجاوز انگلیسی درآمد و تعداد زیادی نظامی هندی و انگلیسی

دربوشهر مستقر شدند. در سال 1332به دلیل سفرهای متعدد کاری برای شرکت ژاپنی ،استاد شریفیان نتوانست تحصیلاتش را تا پایان اخذ لیسانس ادامه دهد و نااار شد درسال دوم تحصیل ،دانشگاه را برای همیشه ترک کند و وارد دانشگاه اصلی یعنی زندگی شود.استادان و مربیان : عبد الحسین شریفیان درهنگام تحصیل درمدرسه سعادت شاگرد شاعر مشهور سید محمد طاهر دشتی ملقب به (شفیق شهریاری) بود.از دیگر اساتید می توان از میرزا محمد رحیم خان بوشهری(استاد زبان انگلیسی) ، سید مهدی سعادت (از فعالان و مروجان هنر تئاتر در مدارس بوشهر) نام برد . از اساتید استاد شریفیان دردوران تحصیل می توان به مرحومان دکتر لطف علی صورتگر (مترجم و ادیب معروف دردهه 30و 40) و دکتر علاء الدین پاسارگارد (مولف و مترجم صاحب نام) و دکتر پرویز ناتل خانلری (محقق معروف زبان و ادبیات فارسی و سر دبیر مجله ادبی سخن) نام برد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد الحسین شریفیان به عنوان مترجم در دانشکده توپخانه منصوب شد و در کنار وظیفه مترجمی ، اطلاعات و خصوصا دایره لغات انگلیسی خود را گسترده دادو کاملا بر تکلم این زبان مسلط شد. درهمین سالها یعنی سال 1331 بود که به تشویق روزنامه نگار برجسته بوشهری مرحوم عبد الرحیم جعفری شروع به تر جمه برخی از داستان های کوتاه انگلیسی کرد . استاد شریفیان کارترجمه کتابهای ادبی ،هنری ،رمان ،اسطوره و تاریخ رابه طور جدی و حرفه ای از اواخر دهه چهل خورشیدی و درخدمت شرکت انتشاراتی فرانکلین آغاز کرد .چگونگی عرضه آثار : عبد الحسین شریفیان از جمله مترجمانی است که حجم زیادی از آثار رمان نویس ژرف اندیش هرمان هسه را به فارسی ترجمه کرده و از این نظر سهم به سزایی در شناسایی و معروفی این نویسنده المانی به مردم ایران و خصوصا نسل جوان ،بر عهده دارد وایشان علاوه بر هرمان هسه ،آثاری از سامراست موام ، روزنبرگ ،ویلیام شایرر،ویلیام فاکنر ،جک لندن ،ریچارد رایت ،گوستاوفلوبر ،تئودور داستایوسکی ،جان تولند ،هاواردفاست ،آندره ژید،برونو آپستز ،همونداینس ،چالزدیکنز و.....رابه فارسی ترجمه و منتشر کرده است.آثار : آخرین تابستان لینگزور ویژگی اثر : از هرمان هسه در 13782 آدولف هیتلر ویژگی اثر : از جان تولند در دو جلد از تهران 13733 اساطیر جهان ویژگی اثر : دردوجلد است ،دوناروزنبرگ در تهران 13794 اسب قربانی ویژگی اثر : ویلیام فاکنر5 اسطوره بین النهرین ویژگی اثر : از رابرت گریوز6 اسطوره یونان ویژگی اثر : کتاب مرجع اسطوره ها دردو جلد است از رابرت گریوز7 اعجوبه ویژگی اثر : از هرمان هسه در 13778 الاغ طلایی ویژگی اثر : از آپولیوس درسال 13799 ایزابلا ویژگی اثر : از آندره ژید10 بازی مهره ی شیشه ای ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران

131811 برهنه میان گرگها ویژگی اثر : از برونواپتز درتهران 136912 پایبندی های انسانی ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران 1364در دو جلد13 پیتر کامنتسید ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران 137414 تر جمه سقوط جمهوری سوم ویژگی اثر : شرح شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم به قلم ویلیام شایرر،تهرا ن 135215 ترجمه پسرک سیاه پوست ویژگی اثر : این اثر نوشته ریچارد رایت را به فارسی ترجمه کرد و درهفته نامه محلی دریا کنار (به سردبیری عبد الرحیم جعفری) به چاپ رساند .16 ترجمه میراث شوم ویژگی اثر : نخستین اثری که به طورمستقل به فارسی برگرداند و منتشرکرد .این رمان نوشته سالتیکوف شچدرین رمان نویس رئالیست روسی بود . این کتاب در قطع جیبی توسط سازمان کتابهای جیبی در 344صفحه و باشمارگان پنج هزار نسخه درسال 1346درتهران چاپ و منتشر کرد .17 تعطیلات وحشت زا ویژگی اثر : از ریارد رایت درسال 134818 جوان خام ویژگی اثر : از داستایوسکی در تهران 136819 خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ ،آن شریدان ویژگی اثر : تهران 135220 خورشید تابان ویژگی اثر : از جک لندن21 دائره المعارف آکسفورد ویژگی اثر : در دو جلد درباره رویدادهاو شخصیتهای تاریخی از پیش از تاریخ تا اواسط قرن بیستم22 داستانهای پنج دهه (سفرهای رویایی) ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران 137723 درتنگ است ویژگی اثر : آندره ژید138224 دره ماه ویژگی اثر : جک لندن25 دمیان ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهرا ن سال137426 دوست مشترک ما ویژگی اثر : از چارلزدیکنز ، تهران 136927 دیروز و امروز ویژگی اثر : سامراست موام ،تهران 138228 روشنایی ماه اوت ویژگی اثر : ویلیام فاکنر29 زیردریایی در قطب ویژگی اثر : از همونداینس30 سرزمین مردم ایسلند 31 سرزمین مردم پاکستان 32 سرزمینی که خداوند به قابیل داد ویژگی اثر : از همونداینس33 سفریبه سوی شرق ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران 137834 سلطان انگشتری ویژگی اثر : از تول کین35 سمفونی کلیسایی ویژگی اثر : از آندره ژید138236 سیری در اساطیر یونان و روم ویژگی اثر : ادیت همیلتون ،تهران 137637 ظهور زرتشت ،اگر جنگ ادامه یابد ویژگی اثر : از هرمان هسه 137938 کنولپ ویژگی اثر : از هرمان هسه در تهران 137839 لویی چهاردهم ویژگی اثر : از سری کتابهای تاریخ تمدن ویل دورانت ویراست دوم تهران ،136840 مادام آرنو ویژگی اثر : از گوستاوفلوبر41 مجموعه داستانهای کوتاه ویژگی اثر : از سامراست موام در چهار جلد است .42 مسخ اووید 43 نار سیسوس و گولدموند (نرگس و زرین دهان) ویژگی اثر : از هرمان هسه44 همشهری تام پین ویژگی اثر : از همونداینس45

واتیکان و اروپای عصر جاهلیت ویژگی اثر : از ویلیام منچستر در سال 1382

شعار، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر شعار، پژوهش‌گر ادبی، مصحح، مترجم ایرانی.
زندگی:
جعفر شعار در ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانش‌گاهی خود تا مقطع کارشناسی ادبیات فارسی و لیسانس زبان فرانسه را در همان شهر و در دانش‌گاه تبریز به پایان رساند. در تهران به تحصیل خود در ادبیات فارسی ادامه داد و در ۱۳۴۲ درجهٔ دکتری در زبان ادبیات فارسی گرفت. مدارج و مشاغل:
۶ سال عضویت در سازمان لغت‌نامه دهخدا.
استادی دانشگاه تربیت معلم پس از سال‌ها تدریس در دانش‌گاه تهران و دانش‌سرای عالی.
همکاری با مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. آثار: تصحیح و شرح
تاریخ یمینی.
سیاست‌نامه.
گزیدهٔ اشعار ناصرخسرو.
سفرنامه ناصرخسرو.
جوامع الحکایات و لوامع الروایات : ترجمه
سفرنامه ابن حوقل. سایر:
پژوهشی در دستور فارسی.

شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289/1276 ق- 1324/1323 ش)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شعاع. ملقب به شعاع‌الملک. در شیراز متولد شد. پس از پایان تحصیلات متداوله‌ی زمان به سرودن شعر پرداخت. در قصیده‌سرایی و ماده تاریخ و مطایبه و هجا توانا بود وی با فرصت‌الدوله و شوریده‌ی شیرازی جواد کمپانی و میرزا حسین مشیری همعصر بود و در مدت زندگانی به گردآوری کتب خطی دلبستگی شایانی داشت و از خود کتابخانه‌ی بسیار نادری بر جای گذارد. در شیراز وفات یافت. علامه قزوینی سال تولد وی را به اشتباه 1276 ق آورده است. از آثارش: «تذکره‌ی شعاعیه»، «تذکره شکرستان فارس»؛ «اشعه‌ی شعاعیه»؛ «دیوان» اشعار نزدیک به سی هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (559)، تاریخ تذکره‌های فارسی (264 -255 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (285 -268 /3)، الذریعه (526/9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (118/4)، سخنوران نامی (313 -298 /2)، سخنوران نامی معاصر (1947 -1942 /3)، شرح حال رجال (233 -232 /6)، فرهنگ سخنوران (504)، مؤلفین کتب چاپی (762 -761 /2)، مرآت الفصاحه (305 -300)، یادداشتهای قزوینی (195 -194 /8)، یادگار (س 5، ش 6 و 7، ص 55، س 5، ش 3، ص 53 -52).

شعری اصفهانی، طاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1275/1270 -1224 ق)، ادیب، مولف و شاعر، متخلص به شرعی. ملقب به دیباچه نگار. از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود. در اصفهان به دنیا آمد. پدرانش در اصفهان جزو مشایخ و قضات آن شهر بوده‌اند. در جوانی به همراه شیخ صالح برادرش به تهران رفت و در مدرسه‌ی دارالشفا به تصحیل ادب مشغول شد و در زمره‌ی ادبا و شعرا درآمد. او کتابی به نام «گنج شایان» به اشاره‌ی اعتضادالسلطنه به نام میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تالیف کرد و ملقب به دیباچه نگار گردید. جلد اول این کتاب به سال 1273 ق به اتمام رسید. برخی منابع وفات وی را 1270 ق آورده‌اند که با سال تالیف کتابش مغایرت دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (77 -73 /2)، حدیقه الشعراء (847 -842 /2)، الذریعه (238/18، 527/9)، ریحانه (225/3)، شرح حال رجال (128/5، 186/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 679/13)، فرهنگ سخنوران (505)، گنج شایگان (578 -566)، المآثر و الآثار (204)، مؤلفین کتب چاپی (585 -584 /3)، مجمع الفصحا (533 -532 /5)، مکارم الآثار (780 -779 /3)، یادگار (س 2، ش 1، ص 59، س 5، ش 1 و 2، ص 147).

شعوانه

قرن:2
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن دوم هجری، از زنان زاهد، عابد و عارف. به نوشته عبدالرحمان جامی (898 -817 ق) وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گریاننده از خوف الهی بود. به گفته جامی شعوانه غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. وی را گفتند «می‌ترسیم که از بس گریه چشم تو نابینا شود، گفت در دنیا کور شدن از گریه، بسیار مرا دوست‌تر است از کور شدن از عذاب النار». از اوست که «چشمی که از لقاء محبوب خود بازماند و به دیدار وی مشتاق باشد بی‌گریه نیک نمی‌ماند.»
عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهد وی گواهی داده‌اند.[1]
(س دوم ق)، واعظ و عارف. وی از ایرانیان ساکن ابله بود و با آواز خوش خود مردم را وعظ می‌کرد و زاهدان، عابدان و صاحبدلان در مجلس وی حاضر می‌شدند. او از زمره‌ی زنان مجتهد، خداترس، گریان و گرایاننده از خوف الهی بود. وی غالبا می‌گریست و زنان با وی می‌گریستند. عارفان بزرگی مانند ابوعلی فضیل بن عیاض بر علو مقام و زهدی وی گواهی داده‌اند.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] منابع: اعلام‌النساء، 300 -299 / 2؛ تاریخ مشاهیر کرد 66 / 1؛ نفحات‌الانس، 618 -617.
[2] مشاهیر زنان (136)، نفحات الانس (616 -615).

شفا، شجاع‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1297 ش)، نویسنده و مترجم. بعد از تحصیلات متوسطه در مدرسه علمیه به خواسته پدرش وارد دانشکده‌ی طب شد؛ ولی پس از مدتی چون این رشته با روح وی سازگار نبود از ادامه‌ی آن منصرف شد. در 1318 ش به فرانسه رفت و در رشته ادبیات مشغول به تحصیل شد؛ ولی پس از شروع جنگ مجبور به رفتن به بیروت شد پس از اتمام تحصیلات عالیه در بیروت در 1320 ش به تهران بازگشت و در اداره‌ی تبلیغات به خدمت اشتغال یافت. از آثار وی: «ایران در ادبیات جهان»، که این کتاب جایزه‌ی اول سخن را دریافت کرد و بهترین ترجمه‌ی سال شناخته شد. «آهنگهای شاعرانه»، ترجمه؛ «افسانه خدایان»؛ «بازگشت»؛ «اوراق زرین، ادبیات جهان» ترجمه؛ «شاخه یاس»، شانزده داستان از شانزده نویسنده؛ «سایه ایام»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (410 -402 /3).

شفتی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمد رضا بن العالم العلام والحجه الاسلام الحاج السید محمد باقر الثانی بن العلامه الکبری والایه العظمی الحاج السید اسدالله بن سید الفقهاء والمجتهدین و حجه‌الاسلام والمسلمین آیه‌الله فی العالمین الحاج السید محمد باقر الشفتی الاصفهانی المشهور بحجه‌الاسلام المطلق (صاحب مسجد السید در خیابان بیدآباد) از علماء عاملین معاصر اصفهانست.
تولدش در اصفهان واقع و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و پس از طی دوران صبا و دروس فارسی، مقدمات و ادبیات را در نزد مرحوم والد گرامش و دیگران خوانده و سطوح وسطی و عالی را از علماء اعلام و مدرسین کرام اصفهان فرا گرفته و خارج فقه و اصول را نیز از آیات عظام آن سامان استفاده نموده و پس از فوت مرحوم والدش که در سال 1333 ق واقع شده، بجای ایشان در مسجد جدشان باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته و تاکنون در آنجا اشتغال بوظائف مقرره دینی و روحی دارند.
نگارنده گوید: گرچه تاکنون توفیق زیارت معظم‌له را از نزدیک نیافته‌ام ولکن بطوریکه از ثقات و دانشمندان قم و اصفهان شنیده‌ام آنجناب از علماء ربانی و آیات سبحانی و متصف بصفات روحانی و دارای مقامات معنوی میباشند و در خاطر دارم که در تابستان 1393 ق که برای امری باصفهان رفته بودم صبح برای اداء فریضه بمسجد سید رفته و در کناری انتظار وقت را میکشیدم که دیدم ایشان با چند نفر از دوستانش وارد بصحن مسجد شده و با حال مخصوصی شروع بزیارت استغاثه حضرت بقیه‌الله عجل‌الله فرجه‌الشریف... سلام‌الله الکامل التام... نموده و دعاء بر فرج آن بزرگوار نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

شفتی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمدباقر مشهور (به حجةالاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزة بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.
تولد آن بزرگوار در سال 1175 قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.
و پس از ده سال در سن 17 سالگی و سال 1192 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.
و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال 1200 ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.
و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال 1206 ه به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن ده‌ها حد الهی را جاری کرده است.
اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجةالاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّه اعلم حیث یجعل

رسالته).
از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.
از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.
آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی 1260 هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.
آثار خالده سید
1- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.
2- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده
3- جوابات المسائل در دو مجلد.
4- تحفة‌الابرار رساله عملیه فارسی
5- قضاء و شهادات.
6- زهرة‌الباهره در اصول فقه و ده‌ها رساله و تعلیقات دیگر.
دارای 6 فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.
1- حجة‌الإسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسداللّه.
2- آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم شفتی
3- آیت‌اللّه آسید محمدعلی
4- آیت‌اللّه میرزا زین‌العابدین
5- آیت‌اللّه آسید جعفر
6- آیت‌اللّه آسید مؤمن.
در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.
(1260 -1175 ق)، علام امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجة‌الاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش‌پژوهان گردش جمع شدند و ریاست

و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌اللّه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[1]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان 1260 ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی، رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوة الیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلة من التحفة، اصحاب الاجماع، اصحاب العدة للکینی، تحفة الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (188/ 9)، الذریعه (149/ 11 ،12/ 2 81،/ 1)، روضات الجنات (102 -96/ 2)، ریحانه (26/ 2)، شرح حال رجال (305 -304/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 196 -192/ 13)، الکنی و الالقاب (174 -173/ 2)، لغت نامه (ذیل/ حجةالاسلام)، معجم المؤلفین (96/ 9)، مکارم الآثار (1614/ 5).

شفیعی دارابی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد شفیعی دارابی
محل تولد : ساری
شهرت : شفیعی مازندرانی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
حجت الاسلام سید محمد شفیعی دارابی (معروف به شفیعی مازندرانی) متولد 1328 در دارابکلی ساری است و پدرش ازکشاورزان مازندران است و پدر بزرگش از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود پس از گذراندن تحصیلات ابتدیی وارد حوزه علمیه داراب کلا شد و دوره مقدمات و بخشی از دوره سطح را در انجا گذراند و از محضر آیت الله شیخ محمد باقر داراب کلیی بهره برد سپس در حدود سال 1348-1349 به حوزه علمیه قم پا نهاد و دوره هی سطح و خارج را در انجا تا اجتهاد ادامه داد او از استادانی مانند آ یات عظام، محمدی گیلانی ، سبحانی ، مکارم شیرازی ، مصباح یزدی ، صالحی مازندرانی ، فاضل لنکرانی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، آیت الله العظمی گلپیگانی ، میرزا هاشم آملی ، وحید خراسانی و اراکی علوم منطق، اصول فقه، فلسفه، تفسیر، رجال و غیره آموخت همچنین اجازه نقل حدیث و اجازه اجتهاد از چند مرجع تقلید دارد و همچنین دارای درجه علمی که جهت تبدیل به استاد یاری که پرونده از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به تهران انتقال یافته است دکتری علوم حوزوی از حوزه علمیه قم و فوق لیسانس فلسفه و کلام از وزارت علوم دارد در حوزه و دانشگاه به تدریس و تحقیق میپردازد عضو هیئت علمی و مدیر گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بوده و ساکن قم است کتاب مینویسد و شعر میسرید انتشارات (فرهنگ آفتاب) را دارد و به عنوان عضو علمی با دیره المعارف فقه شیعه همکار است که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تدوین میشود فهرست اثار او به رقمی نزدیک به هشتاد میرسد .

شفیعی دزفولی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1327 ق)، عالم دینی، خطیب و واعظ. در دزفول به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما کرد. ادبیات را از فضلای آن شهر فراگرفت. در 1344 ق به اهواز مهاجرت کرد و در آن شهر ساکن شد و در محضر سید ابراهیم شوشتری و سید اسدالله دزفولی و شیخ میرزا جعفر انصاری و دیگران به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. او دارای اجازه از جماعتی بود که از آن جمله شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی را می‌توان نام برد. وی از خطبای بنام آن شهر و وعاظ معروف آنجا بود. از آثارش: «شاه راه هدایت»، در اثبات امامت شاه ولایت، در ترجمه‌ی «مصباح الهدایه» حاج سید علی موسوی بهبهانی؛ «تنزیه سید الانبیاء فی کتب الانبیاء»؛ «تنزیه العلماء»؛ «فضائح الصوفیه»؛ «اتمام الحجه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (16/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 764 -763 14/)، مؤلفین کتب چاپی (168/3).

شفیعی کدکنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
شفیعی کدکنی
زندگینامه
دکتر محمد رضا کدکنی در سال 1318 ه. ش در کدکن از روستاهای قدیمی بین نیشابور و تربت حیدریه به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در مشهد گذراند و از آن پس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد شد و به تحصیل پرداخت و لیسانس خود را در این رشته دریافت کرد. دکتر شفیعی، همزمان با تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و ادبیات عرب را نزد اساتید معظم این حوزه فراگرفت. او در زمانی که در مشهد به تحصیل اشتغال داشت از اعضای موثر و فعال انجمنهای ادبی به شمار می رفت و از همان آغاز نوجوانی آثارش در مطبوعات خراسان با نام مستعار ش م سرشک به چاپ می رسید. در سالهای بعد از 1332 ه. ش با همکاری تنی چند از جوانان شاعر و اهل ادب انجمن ادبی تشکیل دادند که بیشتر طرفداران شعر نو و ادبیات داستانی و ترجمه ادبیات فرنگی بودند که دکتر علی شریعتی نیز از جمله اعضای آن انجمن بودند. استاد شفیعی پس از عزیمت به تهران در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس خود را گذراند و سپس دوره دکترای زبان و ادبیات عرب را نیز پشت سر گذاشت. او مدتی در بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه مجلس سنا به کار اشتغال ورزید و سپس به عنوان استاد دانشکده ادبیات تهران در رشته سبک شناسی و نقد ادبی به کار مشغول شد. دکتر شفیعی همچنین مدتی را بنا به دعوت دانشگاههای آکسفورد انگلستان و پرینستون آمریکا به عنوان استاد به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از دکتر شفیعی تا کنون دهها نوشته و مقاله و تالیفات بسیاری به چاپ رسیده است.
ویژگی سخن
دکتر شفیعی از استادان بارز و متبحر ادبیات معاصر ایران و از محققین بزرگ به شمار می رود که در نقد شعر و ادب فارسی صاحب نظر است و در شعر و شاعری نیز مقام والایی دارد و صاحب سبک و شیوه خاصی است که او را به عنوان شاعری پیش رو می شناسند و یکی از ویژگیهای

شخصیتی دکتر شفیعی این است که وی در محافل ادبی به ندرت ظاهر می شود و بیشتر در انزوای اهل ادب به سر می برد. معرفی آثار آنچه که از آثار و تألیفات دکتر شفیعی به چاپ رسیده است عبارتند از: زمزمه ها، شب خوانی، از زبان برگ، در کوچه باغهای نیشابور، از بودن و سرودن، مثل درخت در شب باران، بوی جوی مولیان، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر، ادوار شعر فارسی، شعر معاصر عرب، گزیده غزلیات شمس، حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزلهای او، شاعر آینه ها، بیدل و سبک هندی، اسرار التوحید از محمد بن منور، حالات و سخنان ابو سعید، ابو روح میهنی، مختار نامه، مجموعه رباعیات عطار، مرموزات اسدی در مرموزات داودی نجم الدین رازی، ترجمه تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا از نیکلسون و بسیاری دیگر که نامی از آنها نبردیم.

گزیده ای از اشعار
حتی به روزگاران این مهربانتر از برگ در بوسه های باران بیداری ستاره، در چشم جویباران
آیینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاهگاهت، صبح ستاره باران بازآ که در هوایت خاموشی جنونم فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ای جویبار جاری ! زین سایه برگ مگریز کاین گونه فرصت از دست دادند بی شماران گفتی: به روزگاری مهری نشسته گفتم بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران بیگانگی ز حد رفت، ای آشنا مپرهیز زین عاشق پشیمان سر خیل شرمساران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند دیوار زندگی را زین گونه یادگاران وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران * * * خونریزی خزان چه گونه دوست ندارم من این دیاران را که هر شقایقش آیینه ای است یاران را
تمام هستی من در شط سحر جاری است چو یاد آورم آن روشنی تباران را سپیده آینه گردان روحشان بادا که روشنایی دگر داد روزگاران را بهار زخمی این باغ، دلکش است هنوز اگر چه نغمه به لب خشک شد هزاران را قبای میر غضب سبز و خنجرش سرخ است مخور فریب دروغ این سیاهکاران را به هوش باش که خونریزی خزان کو شد که روح باغ فراموش کند بهاران را * * * هزاره دوم آهوی کوهی تا کجای می برد این نقش به دیوار مرا؟
تا بدانجا که فرو می ماند چشم از دیدن و لب نیز ز گفتار مرا * * * لاجورد افق صبح نیشابور و هری است که در این کاشی کوچک متراکم شده است می برد جانب فرغانه و فرخار مرا * * * این چه حزنی است که در همهمه کاشیهاست جامه سوگ سیاووش به تن پوشیده است این طنینی که سرایند خموشیها، در عمق فراموشیها و به گوش آید از این گونه به تکرار

مرا * * * گرد خاکستری حلاج و دعای مانی شعله آتش کرکوی و سرود زرتشت پوریای ولی آن شاعر رزم و خوارزمی می نمایند در این آینه رخسار مرا * * * تا کجا می برد این نقش به دیوار مرا؟ تا درودی به سمرقند چو قند و به رود سخن رودکی آن دم که سرود کس فرستاد به سر اندر عیار مرا * * * شاخ نیلوفر مرواست گه زادن مهر کز دل شط روان شنها می کند جلوه از این گونه به دیدار مرا * * * سبزی سرو قد افراشته کاشمر است کز نهان سوی قرون می شود در نظر این لحظه پدیدار مرا * * * چشم آن آهوی سر گشته کوهی است هنوز که نگاه می کند از آن سوی اعصار مرا * * * بوته گندم روییده بر آن بام سفال باد آورده آن خرمن آتش زده است که به یاد آورد از فتنه تاتار مرا * * * کیمیا کاری و دستان کدامین دستان گسترانیده شکوهی به موازات ابد روی آن پنجره با زیور عریانیهاش که گذر می دهد از روزن اسرار مرا * * * نقش اسلیمی آن طاق نماهای بلند و آجر صیقلی سر در ایوان بزرگ می شود بر سر، چو صاعقه، آوار مرا و آن کتیبه که بر آن نام کس از سلسله ای نیست پیدا و خبر می دهد از سلسله کار مرا * * * عجبا کز گذر کاشی این مزدک پیر هوس کوی مغان است دگر بار مرا گر چه بس ناژوی واژونه در آن حاشیه هاش می نماید به نظر پیکر مزدک و آن باغ نگونسار مرا

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفیعی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شفیعی
محل تولد : فریدن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
سال 1337 در بوئین میاندشت از توابع شهرستان فریدن اصفهان بدنیا آمدم. پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی در زادگاهم ، در سال 1350 به موجب انسی که با قرآن داشتم با حوزه آشنا شدم و در سال 1352 به حوزه علمیه قم راه یافتم.بخش اعظم دروس سطح را در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی(قدس سره) فرا گرفتم و از اساتیدی چون آیات عظام طالقانی ، استادی ، صلواتی ، مقتدائی و تهرانی بهره بردم . بخش دیگر دروس سطح را در خدمت اساتید بزرگوار: اعتمادی و مرحوم آیت الله ستوده بوده در محضر آیت الله امینی و جناب دکتر بهشتی با علوم عقلی آشنا شدم .در سال 1365 در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت جستم . سال 1370 نقطه عطفی در زندگی علمی من بود ، زیرا به توفیق الهی ، مفتخر شدم در جلسات خصوصی درس تفسیر حضرت استاد که برای پاسخگویی به شبهات تفسیری تشکیل می شد حضور یابم و مباحث عمیق تفسیری را از معظم له فرا بگیرم . به موازات تدرس به تدریس نیز ابتدا به صورت خصوصی و سپس در برخی مدارس می پرداختم . در تدریس به توصیه حضرت استاد بیشتر تفسیر و علوم قرآنی را مورد توجه قرار دادم . همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز روی آوردم . تصحیح برخی متون نسخه های خطی جزو کارهای اولیه اینجانب بود . به توصیه یکی از دوستان فاضل و محقق رسما" نخستین مقاله خود را به رشته تحریر در آوردم که در یکی از مجلات قرآنی به چاپ رسید . در سال 1373 به موسسه" اسرا " راه یافتم و به تدوین ، نگارش و تنظیم کتب حضرت آیت الله جوادی آملی پرداختم . طی این مدت ، از تالیف مقاله، مشاوره دادن و فعالیتهای تبلیغی نیز غافل نبودم و در فرصتهای پیش آمده رسالت ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را با قلم و بیان به دوش می کشیدم. در همین ارتباط از سال 1363 مسئولیت امامت موقت جمعه

زادگاهم را نیز پذیرفتم و گهگاه در برنامه "بر کرانه نور" رادیو معارف پاسخگوی سوالات دروس تفسیر حضرت استاد جوادی آملی هستم. هم اکنون علاوه بر تدریس در دو موسسه قرآنی نیز مشغول انجام وظیفه هستم .

شفیعی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 31 تیر 1293، فرخشهر (قهفرخ).
درگذشت: آذر 1372، تهران.
محمود شفیعی، متخلص به «کیوان»، دروس ابتدایی و متوسطه را در فرخشهر و اصفهان فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر هم در تهران زندگی کرد. وی به اخذ درجه‌ی لیسانس در حقوق و درجه‌ی دکتری در ادبیات فارسی نایل آمد. چند سالی در بانک ملی ایران به خدمت مشغول بود. سپس در دانشگاه‌های ملی، اراک و اصفهان و مدرسه عالی پارس به تدریس ادبیات مشغول شد.
از آثار اوست: شاهنامه و دستور (برنده جایزه بهترین کتاب سال 1346)؛ دانش و خرد؛ شیوه‌ی خط و دستور زبان فارسی. وی اهل شعر و شاعری هم بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکرخواه، یونس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یونس شکرخواه از متخصصان ایرانی در زمینه دانش ارتباطات و از مترجمان در این رشته به زبان فارسی است.
یونس شکرخواه (زادهٔ ۲ تیر ۱۳۳۶ هجری خورشیدی در مشهد)، مدارک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، کارشناسی ارشد ارتباطات و دکترای علوم ارتباطات را در کارنامهٔ دانشگاهی خود دارد. او عضو هیات موسس و عضو هیات مدیره انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، عضو گروه چندرسانه‌ای فرهنگستان هنر و عضو کمیسیون اطلاعات در کمیسیون ملی یونسکو در ایران است و در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی ایران و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران تدریس می‌کند.
او از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۷ به عنوان دبیر بخش بین‌الملل و عضو شورای تیتر در روزنامه کیهان کار کرده‌است. شکرخواه، هم‌اکنون رئیس موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و سردبیر نشریه اینترنتی همشهری آنلاین است.
کتاب‌شناسی:
تألیف:
•واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
•تکنولوژیهای ارتباطی و جامعه اطلاعاتی، تهران: انوشه، ۱۳۷۹.
•مبانی خبرنویسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
•مجموعه مقالات خبرنویسی مدرن، تهران:روابط عمومی و امور بین‌الملل توانیر، ۱۳۸۰.
•واژه‌نامه ارتباطات، تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
•خبر، تهران: مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
•خبرنویسی مدرن، تهران: خجسته، ویراست دوم، ۱۳۸۱. چاپ دوم، ۱۳۸۴
•روزنامه نگاری سایبر: جامعه‌اطلاعاتی و آزادی بیان، تهران: ثانیه، ۱۳۸۴.
•سبک‌های خبرنویسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی واجتماعی وزارت‌علوم، ۱۳۸۵.
•انفجار بزرگ خاموش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
ترجمه:

•وینکلر، جیمز، عصر اقیانوس آرام، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: کیهان، ۱۳۶۵.
•جی. بارکلی، گلن، ناسیونالیسم قرن بیستم، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.
•جی. ویلسون، لاری و مولانا، حمید، گذر از نوگرایی، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
•مولانا، حمید، جریان بین‌المللی اطلاعات، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
•جاشواس، گلداستین،خیابان سه طرفه: کنش و واکنش استراتژیک در سیاست جهانی، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
•جیکس، جان، شمال وجنوب، مترجمان یونس شکرخواه و احمد صدارتی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۷۲.
•لوپیکوپی، خوان پنه، سپید در اندلس، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: برگ، ۱۳۷۳.
•شیلر، هربرت،اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: آفتاب، ۱۳۷۵.
•بلاکمن، مالوری، اسم رمز، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: آتش، ۱۳۷۷.
•آنگلیس، سارا، ارتباطات، ترجمۀ یونس شکرخواه، تهران: آتش، ۱۳۷۸.
•دان، سوزان، شیوه‌های مصاحبه در مطبوعات، مترجمان یونس شکرخواه،علی کسمایی، تهران:روزنامۀ ایران، ۱۳۸۱.
•هربرت، جان، هربرت،روزنامه نگاری جهانی، مترجمان یونس شکرخواه،علی کسمایی،(تهران:روزنامۀ ایران، ۱۳۸۳.

ویرایش:

آسیموف، آیزاک، مکانی دیگر، ترجمۀ اسکندر جهانبانی، ویرایش یونس شکرخواه، تهران:آتش، ۱۳۷۸.

گفتگو:

•سیدآبادی، علی‌اصغر، دنیای مجازی در گفتگو با یونس شکرخواه، تهران: نشر اگر، ۱۳۸۴.

مقدمه‌نویسی:

•معماریان، امید، مهارت‌های ارتباطی، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:مرکز امور مشارکت زنان،۱۳۸۳.
•پویا، علیرضا، خبر و خبررسانی در قران کریم، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:انتشارات دانشکده صدا و سیما،۱۳۸۴.
•دی-اتول بروس و دیگران، نرم‌خبر و سخت‌خبر، ترجمۀ محمدرضا نوروزپور ، مقدمه یونس شکرخواه، تهران:انتشارات ثانیه،۱۳۸۴.

شکری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی شکری
محل تولد : ورامین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1362/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد علی شکری2سال در مدرسه امام عصر (عج) وسه سال در مدرسه الهادی(ع) ویک سال در مدرسه رضائی ویک سال در مدرسه معصومیه (س) مشغول تحصیل بودم وهم اکنون پایه 9و10را به صورت آزاد مشغول تحصیل هستم . چند سال را به صورت ارتقائی خواندم با طلاب زیادی هم بحث بودم من جمله :علی حاتمی,سید پور آذر,اکبر نجفیان ,مجید غلامی ,مرتضی عالی پور ,سیدهادی زمانی ,داود میرزائی ,محمد حسن زاده و...وهمچنین ازاساتید فراوانی بهره برده ام من جمله استاد فروزانفر,استاد کوشا,استاد شکوری ,استاد سنائی ,ستاد پور رضا,استاد علی محمد خراسانی ,استاد گنجی ,استاد جوادی آملی ,استاد حیاتی ,استاد رضوی ,استاد متقی و...که خدا حفظشان کند ود رزمینه تفسیر وکلام ونحو وصرف وفقه واصول وحدیث ونهج البلاغه زیاد کار کردم .

شکری، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: مهر 1323، رودسر (بازکول).
درگذشت: 9 آذر 1366، تهران.
یدالله شکری پس از طی تحیلات ابتدایی و متوسطه در رودسر و تهران، مدارج تحصیلات عالیه را در دانشگاه تهران در رشته‌ی ادبیات فارسی و دانشسرای تربیت معلم گذراند و از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی و احمدعلی رجایی بهره‌مند گردید. در سال 1353 نیز پایان‌نامه تحصیلی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران دریافت کرد. در سال 1361 موفق به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.
فعالیت علمی و تحقیقاتی او از همکاری با بنیاد فرهنگ ایران آغاز گردید. در سال 1352 در تدوین کتب درسی گروه ادبیات فارسی دانشکده مکاتبه‌ای- که خود از بنیان‌گذاران آن گروه بود- با استاد همایی و محمد پروین گنابادی همکاری کرد. در سال 1360 به عضویت هیئت مؤلفان لغت‌نامه فارسی درآمد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بود و همزمان در دانشگاههای تربیت معلم، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشکده‌ی صدا و سیما اشتغال به تدریس داشت. در مرکز نشر دانشگاهی نیز مسئول گروه ادبیات فارسی بود.
یدالله شکری در تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی سهم ویژه‌ای داشت. آثار چاپ شده‌ی او عبارتند از: تصحیح عالم‌آرای صفوی؛ منتخب تاریخ جهانگشا؛ منتخب دیوان سراج‌الدین قمری؛ گزیده‌ی تاریخ بیهقی؛ گزیده‌ی دیوان سنایی. دیوان کامل سراج‌الدین قمری (که رساله‌ی دکترای او بود) و کتاب فارسی و آیین نگارش (2) از جمله عناوینی است که وی در دست چاپ داشت. همچنین گردآوری فرهنگ و اصطلاحات عرفانی را نیز با همکاری جمعی از دانشجویان پژوهشگر خود آغاز کرده بود. مقالاتی از او در مجله‌ی «دانشگاه تربیت معلم» و مجموعه مقالات کنگره‌ی تحقیقات ایرانی چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شکسته، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298 ق- 1323 ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به شکسته. در روستای ازغند از توابع تربت حیدریه متولد شد. علوم ادبی و عربی را در مشهد و در محضر ادیب نیشابوری فراگرفت. مرتضی میرزا از مشاهیر خراسان و مردی مورد احترام مردم بود. در سمتهای شهرداری، فرمانداری و کفالت ایالتی و رییس کمیسیون تقسیم آبهای سرحدی ایران و روس خدمات صادقانه‌ای انجام داد و در سال 1305 ش در مشهد اداره‌ی ثبت احوال را دایر کرد. وی مردی آزادی‌خواه و وطن‌پرست بود و روزنامه‌ای به نام «خورشید» در مشهد دایر کرد. از دیگر کارهای وی ایجاد مدرسه‌ی دخترانه فروغ در مشهد در زمان تصدی کفالت استان خراسان بود. وی شاعری توانا بود و در نقد شعر مهارت داشت. در تهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (255 -254 /2)، سخنوران نامی معاصر (1994 -1987 /3)، صد سال شعر خراسان (333 -323).

شکورزاده بلوری، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن فرانسه، اخذ دو نشان علمی درجه 1 و 2 و دو جایزه هنری در نقاشی و طراحی.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه خراسان، علوم اجتماعی و مردم‌شناسی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 9
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
زبان و ادبیات فرانسه، فرهنگ عامه (فولکلور)، زبان و ادبیات فارسی، عقاید و رسوم مردم خراسان مهمترین اثر ایشان فرهنگ اصطلاحات و معارف اسلامی به زبان فرانسه می‌باشد.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 16، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
زبان و ادبیات فرانسه، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ عامه (فولکلور) و علوم معارف اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شکیباپور، عنایت‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف، مترجم.
تولد: 1286.
درگذشت: 1363.
عنایت‌الله شکیباپور در اداره‌ی حسابداری وزارت دارایی مشغول به کار بود. از آثار اوست: احتراق بمب (اثر موریس لبلان، دو جلد)؛ از جهان تا ابدیت (موریس مترلینک، 1340)؛ اعترافات (موریس مترلینک، 1339)؛ بیگانه (آلبر کامو، 1348)؛ پرنده‌ی آبی (موریس مترلینک، 1339)؛ تبعید و حکومت وجدان (آلبر کامو)؛ توده‌ی طلا (اثر موریس لبلان، 1338)؛ جادوگر قرون وسطی (اثر ژول میشل، 1337)؛ اسکلت سبز (اثر ادوارد بروکر، 1335)؛ اصول نامه‌نگاری و انشاء (1339)؛ برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه (1339)؛ پرنس تالیران (ولاگور گایت، 1336)؛ ترانه‌های غم‌انگیز (اثر کنستانس)؛ جدال بی‌هدف (جان اشتاین بک)؛ جنایتکار مخوف (اثر پرنسون دوترای، 1339)؛ چگونه از خود دفاع کنیم (و. ه.کولینگریسچ، 1338)؛ حرمسرای خسرو پرویز (1335)؛ خانه‌ی مرگ (موریس لبلان، 1339)؛ در اوج قدرت (بالزاک، 1340)؛ در برابر خدا (موریس مترلینک، 1344)؛ دلباخته؛ دندان ببر (موریس مترلینک، 1339)؛ دنیای دیگر (موریس مترلینک)؛ راز بزرگ (موریس مترلینک، 1339)؛ راه‌های اختیار (ژان پل سارتر، 1344)؛ زندگی زنبور عسل (موریس مترلینک، 1339)؛ زندانی بیگناه؛ زنگ‌های ساعت (موریس لبلان، 1306)؛ ژاندارک (موریس مترلینک، 1333)؛ سایه‌ی انسان‌ها (ژان پل سارتر)؛ سر تنگ بلور (موریس لبلان، 1338)؛ سنگ معجزه (موریس لبلان، 1306)؛ شادی‌ها و ناکامی (آلبر کامو، 1356)؛ طاعون (آلبر کامو، 1351)؛ عروس زندان (ژرژ ماری)؛ قصر مرموز (موریس لبلان، 1338)؛ قهرمان ونیز (میشل زاکو، سه جلد، 1333)؛ کف شناسی (1312)؛ گرازیلا یا سوز و گداز عشق (آلفونس دولامارتین، 1340)؛ گلوله‌ی خون (جیمز هادلی چیز، 1341)؛ گنجینه‌ی ناچیز (موریس مترلینک، 1345)؛ مجادله‌ی آرسن لوپن و شرلوک هلمز (موریس لبلان، 1339)؛ مجموعه‌ی سری (1335)؛ مرد خاکستری (پونسون دوترای، 1339)؛ مرگ و زندگی (موریس مترلینک، 1339)؛ مرگ و زندگی به ضمیمه‌ی «اعجاز مریم مقدس» اثر کلودل (موریس مترلینک، 1399)؛ مکافات (موریس مترلینک)؛ هستی و نیستی؛ پدیده‌شناسی عالم

هستی (ژان پل سارتر)؛ 813 عملیات خارق‌العاده‌ی آرسن لوپن (موریس لبلان، دو جلد، 1334)؛ زهرا (ولتر، 1337)؛ مورچگان (موریس مترلینک، 1339)؛ نوسترا داماوس از آینده جهان خبر می‌دهد (ادوارد م. پ، 1335)؛ ورتر (گوته، 1335).
(تو 1286 ش)، نویسنده. در اداره‌ی حسابداری وزارت دارائی مشغول به خدمت بود. از آثار وی: «احتراق بمب»، ترجمه؛ «از جهان تا ابدیت»، ترجمه؛ «پرنه‌ی آبی»، ترجمه؛ «ژاندارک»، ترجمه؛ «کشف شناسی»؛ «مرگ و زندگی»، ترجمه؛ «مورچگان»، ترجمه؛ «اصول نامه‌نگاری و انشاء»؛ «برگزیده‌ی لغات کلیله و دمنه».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (644 -640/ 4).

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333/1331 ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در 1317 ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (130/8)، الذریعه (8/23، 382/18، 108/8، 499/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1258 -1255 /14)، معجم المؤلفین (203 -202 /6).

شمس اصفهانی، شمس‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 664 ق)، ادیب. وزیر غیاث‌الدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود. سرانجام به دستور رکن‌الدین قلج ارسلان چهارم کشته شد. او به زبان عربی و فارسی شعر نیکو می‌سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (751).

شمس الادبا، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1309 -1242 ش)، شاعر، ادیب و عارف. ملقب به شمس‌الادبا. پس از تحصیل صرف، نحو، منطق و معانی و بیان به تحصیل علم کلام و فلسفه و حکمت پرداخت. شمس‌الادبا چندی در راه عرفان و تصوف گام نهاد و خدمت بزرگان طریقت رسید تا دست ارادت به پیر و مرشد خود حاج ملا سلطان علیشاه گنابادی داد. وی شاعری توانا و ادیبی دانشمند بود و به فن شعر و ادب آگاهی کامل داشت. پس از فوت در حضرت عبدالعظیم و در جوار مزار سعادت علیشاه اصفهانی به خاک سپرده شد. «دیوان» اشعاری از او متجاوز از سی هزار بیت بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (2028 -2027 /3).

شمس المشرق خوارزمی، ابوالقاسم محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 521 ق)، ادیب. مشهور به شمس المشرق. در علم لغت و ادب از سرآمدان روزگار خود بود. در علم فقه و خلاف نیز دست داشت و به جهت کثرت حفظ و فصاحت لفظ به او جاحظ ثانی می‌گفتند. وی مدتی در خوارزم و از معاصران خوارزمشاه بود و نزد او محترم و معزز. در پایان عمر به فلسفه روی آورد و به همین جهت منفور عامه شد، به مرو رفت و در همان جا خود را ذبح کرد و مکتوبی به خط خودش یافتند: «هذا ما عملته ایدینا فلا یواخذ بغیرنا». از ابونصر قشیری و دیگران حدیث شنید و گویند املای حدیث نیز می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (251/3)، لغت نامه (ذیل/ محمود)، معجم الادباء (126/19).

شمس المعالی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1327 ق)، ادیب و طبیب. او اغلب در دستگاه دوستعلی خان معیرالممالک که بعدها ملقب به نظام‌الدوله شد، به سر می‌برد. وی مردی فاضل و طبیبی حاذق بود. در تهران درگذشت. میرزا صادق خان ادیب الممالک قطعه‌ای در رثا و تاریخ وفات وی ساخته است که در «دیوانش» درج است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (157/6).

شمس زنجانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی شمس (حایری) زنجانی (برادر معظم ایشان) از دانشمندان فعال و مبرز معاصر است در مشهد مقدس. وی در زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در زنجان و قم در عصر ریاست و زعامت آیت‌اللّه العظمی اصفهانی مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح فقه و اصول را از مدرسین آنجا خوانده آنگاه بدرس خارج آیت‌اللّه اصفهانی و آیات دیگر مانند آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده تا به مدارج علم و کمال رسیده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی به ایران مراجعت و چند سالی در تهران به خدمات دینی اشتغال داشتند ولی چند سالیست که منتقل به مشهد مقدس و مجاورت حضرت ثامن ائمه (ع) را اختیار و بوظائف دینی و روحی مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شمس منشی نخجوانی، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، ادیب و فرهنگ نویس. معروف به شمس منشی. وی فرزند هندوشاه نخجوانی است از عهد جوانی در خدمت سلاطین زمان راه جست و از آن جمله مدتی در خدمت سلطان ابوسعید بهادر و وزیرش غیاث‌الدین محمد کار می‌کرد و سپس در دستگاه سلطان ویس جلایر وارد شد و کتاب خود «دستور الکاتب فی تعیین المراتب» را به نام او تمام کرد. موضوع این کتاب بحث درباره‌ی ترسل و انشاء و قواعد دبیری است. کتاب دیگری به نام «صحاح المعجم یا صحاح الفرس» است و به اسم خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی، تالیف شد. «صحاح الفرس» بعد از «لغت فرس» اسدی قدیمی‌ترین کتاب لغت فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1303 -1300 /3)، تجارب السلف (مقدمه)، الذریعه (12 -11 /15 ،165/8)، فرهنگ‌های فارسی (41 -36)، کشف الظنون (1074 ،754)، گنج و گنجینه (466)، مؤلفین کتب چاپی (882/5).

شمس، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید شمس
محل تولد : مسجد سلیمان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال 1345 در یکی از بزرگترین محله‌های شهرستان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشر کم در آمد و پایین‌تر از متوسط بود پدرم خیاط بود. دوران ابتدایی را در دبستان نوروز در همان محله گذراندم و دوران راهنمایی را در مدرسه ابو ریحان بودم که سال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شد با همان سن پایین در حد خودم در تظاهراتها شرکت می‌کردم. در سال 1359 همزمان با آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرستان فنی شریف واقفی شهرستان شده و در دوران دو سال تحصیل، عضو فعال انجمن اسلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شده و مسئولیت کتابخانه را عهده دار شدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود که برخلاف کودکان هم سن و سال خودم همواره از پدرم درخواست می‌کردم برایم کتاب بخرد. در سال 1361 هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهدی در مسجد سلیمان شدم. ابتدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شمس‌العلماء، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. آفتاب دانشمندان) (حاج میرزا) محمد حسین قریب ملقب به شمس‌العلماء و متخلص به ربانی (و. گرکان (از توابع آشتیان) 1222 ه.ش.- ف. 1305 ه.ش./ 1345 ه.ق.). وی مقدمات علوم را در زادگاه خود گرگان آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات به قم شتافت و در آنجا به تحصیل فقه و اصول و حدیث و تفسیر و ضمنا به تتبع در ادبیات فارسی و عربی پرداخت. از آنجا سفری به عتبات کرد و سه سال علمای عصر به تحصیل و تکمیل علوم دینی اشتغال داشت، و بعد از مراجعت به ایران مدتی نیز نزد میرزا علی‌محمد صفا که از خطاطان معروف آن زمان بود به تعلیم خط اشتغال داشت و خط نستعلیق را به شیوه استاد خود می‌نوشت. درسال 1266 ه.ش. برای تعلیم زبان و ادبیات فارسی به آقاخان (سوم) از ایران یک تن استاد خواستند. شمس‌العلماء بدین خدمت نامزد گردید و به هندوستان (بمبئی) رفت. از سال مزبور تا سال 1275 ه.ش. در آنجا به تعلمی و تربیت آقاخان و ترویج دیانت اسلام مشغول بود. در سال اخیر به سبب ناسازگاری آب و هوا و علاقه به موطن خود به ایران بازگشت و بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت در مدرسه علمیه و مدرسه نظام سابق و سپس در مدرسه علوم سیاسی به تدریس زبان و ادب فارسی پرداخت. در سال 1284 ه ش. با کسب اجازه از وزارت معارف به ترکستان و استانبول و قفقاز مسافرت کرد و به زیارت بیت‌اللّه الحرام مشرف گردید، و پس از مراجعت به ریاست مدرسه علمیه منصوب شد. ضمنا چند ساعت در مدرسه علوم سیاسی و دارالفنون به تدریس فارسی و عربی اشتغال داشت و تا پایان عمر از تدریس دست نکشید. از سال 1283 تا 1288 به تألیف کتاب «ابدع البدایع» در فن بدیع مشغول بود و آن به طبع رسیده. در سال 1293 به عضویت دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) منصوب شد و در 83 سالگی وفات کرد. وی به فارسی و عربی شعر می‌سرود و کتابهایی در معانی و بیان و منظومه‌ای در فقه و اصول پرداخته که تاکنون به طبع نرسیده. جنازه وی را در ابن‌بابویه دفن کرده‌اند (از یادداشت سرلشکر قریب، قزوینی. یادگار 3 :5 ص 56)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شمیسا، سیروس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیروس شمیسا" در 29 فروردین 1327 در شهر رشت متولد شد، از پدر و مادری فرهنگی و رئیس دبیرستان. پس از اخذ دیپلم به دانشگاه شیراز رفت و چند سالی پزشکی خواند. سپس تغییر رشته داد و در همان شیراز لیسانس ادبیات فارسی گرفت. در آنجا با مرحوم مسعود فرزاد محشور بود و در درس اساتید آمریکایی– که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی تدریس می‌کردند– حاضر می‌شد. همچنین در مدرسه ی خان نزد حجت‌الاسلام آقای حسینی، جامع‌المقدمات و مقداری از سیوطی را خواند. ویراستار مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران شد و در دانشگاه آزاد ایران استخدام شد. پس از اخذ فوق لیسانس، به خدمت سربازی رفت و در ضمن خدمت، دوره‌ی دکتری ادبیات فارسی را هم خواند و در سال 1357 رساله‌ی خود را نزد دکتر خانلری دفاع کرد. پس از اتمام دروس دانشگاهی، به تحصیلات حوزوی ادامه داد و برخی از کتب را مانند شرح منظومه، رسائل، قوانین، مغنی، مطول، جوهر النضید و غیره را نزد دکتر سید جعفر سجادی خواند. سپس عضو گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی شد که هنوز در این سمت باقی ست.
دکتر"سیروس شمیسا" پژوهش گر و نویسنده ای فعال و تواناست که تاکنون بیش از 40 عنوان کتاب در کارنامه ی خود دارد.
"شاهد بازی در ادبیات فارسی" در سال 1381 منتشر، و در همان سال توقیف و جمع آوری شد. کتابی جسور و جدید، که در شکستن تابوهای ایرانی همتا ندارد. خود "شمیسا" در مقدمه ی کتاب می گوید: (عجیب است که با این گستردگی مطلب در ادبیات و تاریخ ما تاکنون نوشته ی مستقلی در این باب فراهم نیامده است. شاید علت قبحی است که در این موضوع است. این کتاب هم ممکن است به مذاق عده یی خوشایند نباشد اما چه می توان کرد؟) و کتاب به مذاق عده یی خوشایند نیامد و توقیفش کردند.
همان گونه که از نام کتاب و نقاشی ی روی جلد آن پیداست،همجنس گرایی – مردانه – در ادبیات فارسی موضوع پژوهش این کتاب است. خود می گوید: (اساساً ادبیات غنایی فارسی به یک اعتبار ادبیات همجنس گرایی است. در این که معشوق شعر سبک خراسانی و مکتب وقوع در دوره تیموری، مرد است شکی نیست. اما ممکن است خواننده غیر حرفه

یی در مورد ادبیات سبک عراقی مثلاً غزلیات امثال سعدی و حافظ دچار شک و تردید باشد. اما حدود نصف اشعار این بزرگان هم صراحت دارد که در باب معشوق مذکر است زیرا در آن ها آشکارا از واژه های پسر و آمرد و خط عذرا و سبزۀ ریش و این گونه مسائل سخن رفته است. اما بخش اعظم آن نصف باقی مانده هم در مورد معشوق مذکر است منتها خاصیت زبان فارسی طوری است که مثلاً به علت عدم وجود افعال و ضمایر مذکر و مؤنث ایجاد شبهه می کند. باید دانست که مسائلی چون رقص و زلف و خال و خدّ و قد و دامن و تیرنگاه و ساقیگری و امثال این ها که امروزه به نظر می رسد در مورد زنان است در قدیم مربوط به مردان هم می شده است. بدین ترتیب فقط بخش کمی از اشعار قدماست که می توان در آن ها به ضرس قاطع معشوق را مؤنث قلمداد کرد.)
"شمیسا" اولین محققی ست که در این باره به چاپ پژوهش هایش می پردازد. چاپ این کتاب نه تنها برای حکومت که برای بسیاری از پژوهشگران متعصب و عرفا و دراویش ایرانی هم گران آمد.
صوفیان پسرهای نوبالغ را کنار خود می نشاندندو از دیدن روی آن ها حظ می بردند. این کار خود را شاهد بازی نام گذاشتند که یعنی در روی زیبایی که خدا آفریده جلوه ای از او می بینیم. که این کار هنوز هم در برخی نقاط در جریان است. نام کتاب برگرفته از این سخن است.
کتاب "شاهدبازی در ادبیات فارسی" در هشت فصل و هر فصل در چندین بخش نوشته شده:
فصل اول: سابقه نظربازی – افلاطون، عشق افلاطونی، رساله عشق ابن سینا، شاهدبازی در ادبیات عرب، شاهدبازی در هند، و ... .
فصل دوم: دوره غزنویان – زلف ایاز، معشوق لشکری یا لعبت سپاهی، معشوق بنده یا لعبت سرایی، ریش معشوق یا سبزه عذار، قابوسنامه و عشق به غلامان، فرخی سیستانی، و ... .
فصل سوم: دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان – سلاطین و وزرا، سلطان سنجر و امردان، نزهة المجالس، مناظرۀ بین لواط کار و زناکار، سبک آذربایجانی، اسماعیلیه، و ... .
فصل چهارم: صوفیان و شاهد بازی – صوفیان امردباز، احمد غزالی، عین القضاة، اوحدالدین کرمانی، عراقی، شیخ روزبهان بقلی، محمد غزالی، سهروردی، احمد جام، شمس تبریزی، مولانا، و ... .
فصل پنجم: شاعران معروف سبک عراقی – سعدی، حکایاتی از بوستان و گلستان، حافظ، عبید زاکانی، و ... .
فصل ششم: دورۀ تیموریان و اوایل صفویه – جامی، محتشم کاشانی، رسالۀ جلالیه، وحشی بافقی، مهر و مشتری، ترسا بچگان، و ... .
فصل هفتم: دورۀ صفویه و افشاریه و زندیه – دورۀ صفویه، رستم التواریخ،

پلشت شدن زبان، و ... .
فصل هشتم: دورۀ قاجار – ملیجک و ناصرالدین شاه، ایرج میرزا، دورۀ پهلوی، معشوق دوجنسی،امکانات زبانی،
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شورش فسایی، مختار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333/1332 -1300 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شورش. از دودمان کریم خان زند بود. شورش در شهر فسا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز و تهران با عسرت به پایان رسانید و چون از نظر مادی نتوانست مخارج تحصیل خود را فراهم سازد بناچار وارد مدرسه‌ی نظام شد. در سال 1327 ش وارد دانشکده‌ی حقوق شد و در رشته‌ی قضایی به تحصیل پرداخت، اما به علت سخنرانی درباره‌ی قتل محمد مسعود، مدیر روزنامه‌ی «مرد امروز» یکسال از تحصیل محروم گردید و پس از آن دوباره به ادامه‌ی تحصیل پرداخت تا سرانجام موفق به اخذ لیسانس شد. در سال 1329 ش امتیاز روزنامه‌ی «شورش» را گرفت و به نشر آن پرداخت. در سال 1332 ش به زندان افتاد و در همان سال در جراید خبر فرار و خود سودی او را منتشر ساختند. وی با صاحب «سخنوان نامی معاصر ایران» دوستی داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (323 -320 /3)، سخنوران نامی معاصر (2038 -2034 /3).

شوشتری، عبدالقائم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال 1365 هـ .ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود 13 ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال 1339 شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه 1 که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعض از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی 2 را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان

حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوَّر و منوِّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشرف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص 3 بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل ، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا ملک توضیحات: 1- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. 2- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. 3- «من اخلص لله اربعین یوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شوشتری، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا شوشتری از علماء و ائمه جماعت سامره بودند و در حرم مطهر عسکریین اقامه جماعت می‌نمودند تا در سال 1392 قمری وفات کردند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شوقی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مؤلف.
تولد: همدان.
درگذشت: اسفند 1367، لندن.
سید عباس شوقی از دبیرانی بود که سال‌های بسیار به تدریس مشغول بود. وی عهده‌دار ریاست فرهنگ در برخی از شهرها بود و چندی هم در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ خدمت می‌کرد و از هم قلمان مجله‌های «آموزش وپرورش»، «جهان نو» و «یغما» بود و برای آنها مقالاتی می‌نوشت. از تألیفات او دشت گرگان، ترجمه‌ی تاریخ فلفسه در اسلام (تألیف دبور)؛ ترجمه‌ی آراء و عقاید (از گوستاو لوبون)؛ ترجمه‌ی بنیاد انواع (چارلز داروین)؛ ترجمه‌ی در تربیت (از برتراند راسل، 1328) چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1322 -1254 ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (885 -883 /2)، الذریعه (551/9)، شرح حال رجال (334/1)، فارسنامه ناصری (1171/2)، المآثر و الآثار (217)، مؤلفین کتب چاپی (575/2)، مجمع الفصحا (535/5)، مرآت الفصاحه (225)، مکارم الآثار (303/2)، یغما (س 7، ش 4، ص 162).

شه ناصر، نصرالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌عبدالله خان لله باشی بن مهدی قهپایه‌ای. ادیب و شاعر متخلص به «شاه ناصری» قسمتی از دیوان اشعار او به نام «تحفة الجاوید» به طبع رسیده. در 1297 در قریه‌ی حریصه متولد، و در 1384 وفات یافته است.
این خاندان، خود را از اولاد شاه ناصر مدفون در مزرعه‌ی شنانه‌ی جبل قهپایه می‌دانند.
شاعر توانا آقای برنا در ماه تاریخ وفات او گوید:
پی سال تاریخ برنا سرود
شده در جنان شاه ناصر مکین
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهاب منشی، شهاب‌الدین محمد، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، ادیب. وی کتابی به نام «همایون نامه» در انشای فارسی، به نام خواجه غیاث‌الدین پیر احمد وزیر نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (260)، کشف الظنون (2046).

شهابی شیرازی، اعظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به شهابی. تحصیلات خود را در شیراز به پایان رساند. وی از کارمندان وزارت کشور بود و مدتی نیز شهردار فیروزآباد فارس و بخشدار قیر و کارزین و جویم بود. وی در سال 1330 ش امتیاز روزنامه «شهاب اعظم» را گرفت و شش سال نشر داد و روزنامه‌ی وی که محتوای سیاسی- اجتماعی و ادبی داشت یکی از جراید مفید شیراز محسوب می‌شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «شراره‌های بی‌اثر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (369 -365 /3).

شهابی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مؤلف.
تولد: 1287.
درگذشت: پاییز 1367.
علی‌اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست اداره‌ی اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: احوال و آثار محمد بن جریر طبری (1335)؛ اصول الصرف (دو جلد)؛ اصول النحو (1340)؛ ترجه‌ی تعبیر رؤیا (از ابن سینا، 1316)؛ نظامی شاعر داستانسرا (1337)؛ ماجرای تغییر خط (1338)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچه‌ی اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.
(1367 -1287 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و محقق. در تربت حیدریه متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و نزد پدر و برادر، علامه محمود شهابی، به انجام رساند. سپس برای ادامه تحصیلات به شهرهای مشهد، اصفهان و تهران سفر کرد تا اینکه از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران با احراز رتبه‌ی اول موفق به دریات مدرک لیسانس در رشته‌ی منقول شد و از همان زمان خدمات فرهنگی خویش را آغاز نمود و به تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران و دانشکده‌ی الهیات مشهد پرداخت. در خلال این مدت به کسب مدرک دکتری نایل آمد. وی مدتی نیز عهده‌دار سمتهای وابسته‌ی فرهنگی ایران در افغانستان و مدیر کل اوقاف کشور در سالهای پیش از کودتای 28 مرداد بود. دکتر شهابی در شمار پژوهندگان و محققان معارف اسلامی بود. از آثار وی: «اصول النحو»، عربی؛ «اصول الصرف»، عربی؛ «اصول روانشناسی تربیتی»؛ تصحیح «رساله‌ی صناعیه‌ی» میرفندرسکی؛ «نظامی شاعر داستانسرا»؛ «روابط ادبی ایران و هند و تاثیر روابط ایران و هند در ادبیات صفویه»؛ «تاریخ وقف در اسلام»؛ «همبستگی تشیع و تصوف»؛ «شیعه شناسی»؛ ترجمه «تعبیر رویا»، بوعلی‌سینا.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 5- ش 9- ص 50)، مؤلفین کتب چاپی (524 -522/ 4)، نشر دانش (س 1 ،(1367) 9، ص 103).

شهباز، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، روزنامه‌نگار، مترجم و نویسنده. وی در مازندران بدنیا آمد و فارغ‌التحصیل از کالج آمریکایی اصفهان و دانشکده‌ی ادبیات در رشته‌ی زبان خارجه بود به آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی مسافرت کرد و معاونت رادیوی صدای آمریکا در ایران را بر عهده گرفت و متجاوز از پانزده سال سابقه‌ی مطبوعاتی داشت. از آثار وی: «افسانه‌های اپرا»؛ «بر باد برفته»، ترجمه؛ «خاطره‌ی یکدوست»؛ «راه بی‌پایان»، ترجمه؛ «سرگذشت من»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (546 -543 /2).

شهرزاد، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1277 ش)، مترجم و نمایشنامه‌نویس. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات اولیه را از مدرسه‌ی سن‌لوئی آغاز کرد و زبان فرانسه را در آنجا آموخت. وی کم کم به ترجمه قطعاتی از ادبیات فرانسه پرداخت و پس از آن به نمایشنامه‌نویسی روی آورد. از فرط علاقه به داستانهای هزار و یک شب نام شهرزاد داستان‌گوی معروف هزار و یک شب را بر خود نهاد. شهرزاد، هنرپیشگانی را که نقش نمایشنامه‌های او را بر عهده داشتند تشویق می‌کرد و می‌کوشید قهرمانهای ساخته‌ی خود را هرچه بهتر و با شکوهتر نشان دهد خود وی بارها به صحنه آمد و در سال 1308 ش که نمایشنامه «مجسمه‌ی مرمر» را نوشت خود با موفقیت در نقش اول آن ظاهر شد. در اواخر عمر وارد خدمات دولتی شد و سرانجام در صبح روز بیستم شهریور ماه 1316 ش خودکشی کرد. از آثار وی: ترجمه‌ی «سالمه‌ی» اثر ساکاروایلد؛ «افسانه‌ی عشق»؛ «اصلی و کرم»؛ «کمربند سحرآمیز»؛ «نمونه آثار پوشکین به یادگار صدمین سال وفات شاعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (437 -436)، مؤلفین کتب چاپی (170/3).

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1315 -1256 ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در 1305 ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (338/6)، اعیان الشیعه (232/9)، الذریعه (290 /274/18، 376، 441، 258/6، 275/7، 264/8، 138/12، 236/14، 183، 168، 481/3، 161/5، 11/16، 22، 293/23، 191/25، 171/4، 19/2، 46/1)، ریحانه (273 -272 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 631 -627 /14)، الکنی و الالقاب (376/2)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /2)، معجم المؤلفین (257/9)، مکارم الآثار (1538 -1536 /5)، هدیه العارفین (397 -396 /2).

شهرستانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1324 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمد، و در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی‌اصغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللّه شیخ ابوالحسین مشکینی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید. وی از همه اساتیدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و در مسجد سنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس استادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[1]
حاج سید احمد شهرستانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست. وی در 19 ذیقعده‌الحرام 1324 قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و از نامبردگان در سال 1350 مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:
1- شرح وقت و قبله لمعه که در سال 1346 قمری فارغ شده 2- توضیح الکفایه شرح بر کفایه الاصول 3- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال 1352 قمری فراغت یافته 4- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال 1354 اتمام یافته است.
نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند

و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌اللّه علامه بحرالعلوم نماز خوانده و در سال 1216 وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجةالاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌اللّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌اللّه حاج سید محسن امین و اعلام‌الشیعه آیت‌اللّه آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.
فرزند آن بزرگوار جناب حجةالاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (32/15، 170/14، 494/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1572/14)، گنجینه‌ی دانشمندان (498 -496 /4).

شهرستانی، عبدالرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالرضا شهرستانی از دانشمندان متقی و علماء بزرگوار و ائمه جماعت حرم مطهر سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام بوده که به تفسیر دولت شوم عفلقی بعث عراق در سال 1397 قمری به ایران آمد و حل اقامت در مشهد مقدس جوار سرسیر ارتضا علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام افکنده و به خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
این بزرگوار از بیت جلیل شهرستانی است که در میان آنان آیات عظامی چون آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی شهرستانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید هبه‌الدین شهرستانی و عالم ربانی آیت‌اللّه سید احمد شهرستانی و ده‌ها نفر دیگر برخاسته‌اند.
در سال 1229 قمری هجری در کربلا معلی به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و ادبیات و مقدمات را در خدمت اساتید آن سامان به پایان رسانیده و سطوح عالی فقه و اصول را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا جرقویه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّه اسرارهم اتقان نموده و سپس تأسیس سه یا چند دیگر از افاضل کربلا تأسیس مجله اجویه المسائل الدینیه (پاسخ سوالات دینی) نموده و در مدت بیست سال 14 جلد از آن جوابها را تدوین و منتشر ساخته است.
معظم‌له دارای تألیفات بسیار دیگری می‌باشند که مهمترین آنها 4 جلد مقادیر الهدی در شرح عروه‌الوثقی است که چند جزو آن صادر شده است.
2- المعارف الجلیه فی تبویب المسائل الدینیه.
3- النیروز فی الاسلام.
4- السجود علی التربیه الحسینیه.
5- الصلوه معراج المومن.
6- الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.
7- نوروز در تاریخ و دین
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شهرستانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از فضلای معاصر این سلسله، در محله‌ی تلواسکان ساکن، و در یکی از مساجد آنجا امامت می‌نمود، و گاهی منبر تشریف برده و مردم را موعظه می‌نمود. در شب 3 شنبه 10 ربیع‌الثانی سال 1387 وفات یافت. [و در حوالی تکیه‌ی ملک مدفون گردید.]
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهریاری، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید شهریاری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/10/1
زندگینامه علمی
حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال 1360 با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره- جوائزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیة الله سید کاظم حائری و مرحوم آیة الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.
در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال 1375 مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال 1378 رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان

دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال 1381 به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال 85 شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت) ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریکندی، کریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علم دینی.
تولد: 1305، روستای قاجر (اطراف مهاباد).
شهادت: 2 فروردین 1361، مهاباد.
ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامه‌ی تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید، چندی بعد نیز درسش را در قریه قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملا سید حسن مدرس روستای باغچه له‌ر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملا علی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال 1318 به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملا صدیق صدقی استفاده علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامه‌ی خود را از او دریافت نمود. در سال 1321 به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.
در سال 1331 به مهاباد رفت و مقیم شد، بلافاصله به عنوان مدرس مدرسه علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسه علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصا دانشگاه الزهراء در قاهره ارتباط داشت. و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصا در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب نظر بود.
وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبه دوم فروردین 1361

هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهشهانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به سیّد الاسلام، فرزند [سید ابوالحسن بن]سید ابراهیم بن سید عبدالصمد حسینی. عالم فاضل، از علمای متنفّذ اصفهان، و امام مسجد صفا در محلّه شهشهان بود.
در 25 محرّم سال 1357 وفات یافته، در داخل بقعه ی میر سید محمّد شهشهانی، عمّ امجد خود مدفون گردید.
مادّه تاریخ وفاتش را چنین گفته‌اند:
خواست چو تاریخ فوت بانوی محزونه گفت
شد سوی جنّت روان سیّد اسلامیان
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شهید ثالث، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید حاج ملا محمدتقی برغانی که از علماء بزرگ عالم تشیع بوده و در امر فقاهت و بحث ید طولائی داشته.
و بالنتیجه در اثر بحث با مخالفین در سال 1263 قمری در محراب مسجدی که خود آن مرحوم در قزوین بنا کرده بود (به نام مسجد جامع صغیر) و از مساجد معظم شهرستان قزوین بوده و خودش در آن مسجد اقامه جماعت می‌نموده است در موقع اذان صبح به تحریک فرقه ضاله بابیه و پیروان شیخ احمد احسائی به شهادت رسید در سال 1264 قمری.
و قبر آن مرحوم در جنب مزار حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشد و روی ارادتی که مردم قزوین به آن عالم جلیل‌القدر داشتند مقبره مجللی بنا کردند و فعلا هم مزار او مورد توجه عموم اهالی شهرستان قزوین و علاقمندان به فضل و علم و روحانیت می‌باشد.
آن بزرگوار دارای ده پسر بوده‌اند که تمامی از علماء مبرز و دانشمندان بافضیلت قزوین به اسامی زیر بوده‌اند.
1- حجةالاسلام والمسلمین آقا محمد امام جمعه 2- حجةالاسلام والمسلمین آقا عبداللّه امام جمعه 3- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ صادق معروف به حاج مجتهد 4- حجةالاسلام آقا میرزا ابوالقاسم 5- حجةالاسلام مرحوم آقا شیخ کاظم 6- ثقةالاسلام آقا میرزا محمود 7- ثقةالاسلام آقا شیخ جعفر 8- ثقةالاسلام مرحوم آقا شیخ باقر 9- ثقةالاسلام آقا تقی 10- حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ عیسی. اعقاب آن مرحوم در قزوین و تهران و برغان و کربلا و حله بسیارند آثار خیر ایشان در قزوین مسجد آن مرحوم است که به نام مسجد شهیدی معروف است و مرحوم آقا شیخ مرتضی امام جمعه و مرحوم آقای حاج شیخ عبدالحسین امام جمعه در آن اقامه نماز جمعه و جماعت می‌نمودند و فعلا حفید آنجناب حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ عبداللّه امام جمعه در آن اقامه جمعه و جماعت می‌نمایند آثار علمی شهید ثالث از این قرار است.
1- عیون‌الاصول 2 جلد 2- منهج‌الاجتهاد فقه استدلالی دوره کامل 24 جلد 3- شرح بر شرح لمعتین 1 جلد 4- رساله‌ای در نماز جمعه 5- رساله‌ای در دیات 6- مجالس المتقین.
مرحوم شهید اجازات عدیده‌ای از فقهاء مراجع بزرگ خود داشتند که برخی

از آن را می‌نگارم 1- اجازه به خط العلامه خریت الفقاهه شیخ جعفر النجفی صاحب کتاب کشف‌الغطاء 2- اجازه به خط العلامة الفقیه السید محمد بن العلامة صاحب الریاض و هوالمعروف بالسید المجاهد.
3- اجازه به خط محقق الشهیر به علامة بن مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم صاحب قوانین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

شهید خراسانی، محمد مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌هداية الله، از علما و کاملین بوده، در سال 1152 متولد، و در رمضان 1218 در مشهد شهید گردیده. مؤلف حاشیه‌ای بر شرح دروس شهید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهیدی خراسانی، حبیب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حبیب بن آیت‌اللَّه حاج میرزا هاشم شهیدی و نواده مرحوم علامه میرزا مهدی شهید از علماء بزرگ و ادباء عالیقدر مشهد مقد است وی در سال 1266 ق متولد شده و مقدمات را در مشهد تکمیل و با عتاب عالیات مهاجرت و از محضر میرزا بزرگ شیرازی و میرزاء رشتی و فاضل دربندی و دیگران استفاده نموده تا سرآمد اقران گردیده و در حدود 1300 ق با دریافت اجازه اجتهاد به وطن خویش و مراجعت و به ترویج دین و احکام شرع مبین از طریق منبر و موعظه و درس و بحث پرداخته تا در 27 شعبان 1327 قمری به رحمت حق پیوست و در حرم مطهر پشت سر مبارک مقبره خانوادگی مدفون گردید. از آثار او دیوان بزرگی است که قسمتی از آن به نام گنج گهر به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

شهیدی صالحی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمود شهیدی صالحی در سال 1264 ، در قزوین بچشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی و حوزوی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد. شهیدی از سال 1316 فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : میرزا محمود شهیدی صالحی (فخرالاسلام) ، (1348 ـ 1264) یکی از چهر فرزند میرزا علی اصغر (فخر الاسلام) است ، که خود از نوادگان پسرس مجتهد بزرگ حاج ملا محمد صالح برغانی ، برادر کوچک تر شهید ثالث ، بانی مدارس صالحیه قزوین و کربلا معلی بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمود شهیدی صالحی در مدرسه مکتب خانه خانوادگی صالحیه مقدمات لازم را برای دست یابی به مراحل بالا فراگرفت. او در مدرسه التفاتیه و سردار جدید محضر علمای بزرگی را درک نمود. او پس از فوت والدین و برادر مدت 10 سال به سیر آفاق و انفس پرداخت و در حوزه ی های علمیه ی بسیاری همچون اصفهان ، کرمان ، یزد ، شیراز ، مشهد ، گناباد ، بیرجند و دیگر شهرهای خراسان و حتی سیستان ، مازندران ، همدان ، تبریز و کردستان به تحصیل پرداخته و با شخصیت های فرهنگی مهمی آشنا گردید و با شنیدن نکته ها و گفته ها از افواه رجال به زادگاه خود بازگشت. وی سرانجام مدرکی معادل عنوان لیسانس وعظ و خطابه ، از دانشکده معقول و منقول دریافت کرد.استادان و مربیان : میرزا محمودشهیدی صالحی محضر استادانی چون عیسی بن الشهید ، ملا علی اکبر سادهنی ، ملا محمد طاهری ، حاج شیخ عیسی لهاردی و ملا ملک محمد را درک نمود.همسر و فرزندان : میرزا محمودشهیدی صالحی در سال 1316 با دختر عموی خود ، که او هم نتیجه ی شهید ثالث بود ، ازدواج نمود و در فرزند به یادگار گذاشت.وقایع میانسالی : میرزا محمودشهیدی صالحی با آنکه وارث بلافصل موقافات کلان اجدادی بود ، به این کار دست نزد و در حاشیه به احقاق حق طلاب و احیای آثار و اصلاح و اجرای منویات ، واقف بود. او سال های بسیرای را در مبارزه با مسوولین اوقاف و معارف و عدلیه ، و دیگر ادارات مربوطه

گذرانید، ولی آنچه که می خواست امکان داشت.زمان و علت فوت : میرزا محمد شهیدی صالحی در روز دهم بهمن 1347 ، در سن 82 سالگی درا فانی را وداع گفت و در صحن جدید امامزاده حسین دفن گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمود شهیدی صالحی از سال 1316 فقط به وعظ و خطابه قناعت کرد. او در این مدت به مطالعه کتاب های تاریخی و ادبی به خصوص شعرای بزرگی چون عارف ، فرخی یزدی ، عشقی ، نسیم شمال و نوشته های دهخدا و بیست مقاله علامه قزوینی پرداخت.

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص195

شهیدی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج عبدالله بن العلامه العلام الحاج شیخ عبدالحسین امام جمعه بن العلامه شیخ مرتضی شهیدی بن میرزا محمدتقی امام جمعه بن آقا عبدالله بن العلامه الکبری حاج ملاتقی شهید داماد معظم مرحوم مبرور سیدنا الحجه العلامه المحقق الایه العظمی آقا سید محمد حجت رحمت‌الله از علماء اعلام و فضلاء کرام حوزه و خواص اصحاب حضرت آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله موصوف به فضل و متانت و تقوا و مناعت است، در محرم‌الحرام 1340 قمری در قزوین متولد شده و در مهد علم و کمال تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین نزد مرحوم والد و دیگران خوانده و آنگاه در سال 1361 قمری مهاجرت به قم نموده است، و مخفی نیست که ایشان ایدالله از بیوتات اصیله و ریشه‌دار قزوین و حفید مرحوم مبرور علامه قمقام و المجاهد الفهام الایه الحجه الحاج ملا محمدتقی شهید ثالث صاحب تالیفات عدیده مفیده می‌باشد.
وی پس از مهاجرت به قم سطوح عالی را نزد مدرسین و اساتید حوزه تکمیل نموده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت شرکت کرده و پس از ورود آیت‌الله العظمی بروجردی بالغ بر 18 سال نیز به درک و بحث آن مرحوم حاضره شده و پس از فوت آن مرحوم به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی ایده‌الله پیوسته و تا هم اکنون که متجاوز از ده سال است از رفقاء صادق و اصحاب خاص آن جناب و مورد توجه و عنایت مخصوص آیه‌اللهی می‌باشند.
وی در سال 1372 ق به افتخار مصاهرت و دامادی سیدنا الاستاد آیت‌الله حجت نائل گردیده و مورد عنایت و توجه مخصوص آن بزرگوار گردیدند.
آثار قلمی ایشان: 1- تفسیر سوره یوسف 2- کتابی درباره معراج می‌باشد معظم‌له بعد از فوت مرحوم والد در آستانه مبارکه حضرت سلطان محمد که از اولاد حضرت صادق علیه‌السلام اقامه جماعت می‌نمودند و بنا بر پیشنهاد و تقاضای اهالی قزوین ظهرها را در مسجد جدشان (مسجد شهیدی) اقامه جماعت می‌نمایند و چون آستانه مبارکه امامزاده سلطان محمد رو به انهدام و ویرانی گذارده بود به سعی و کوشش معظم‌له اصولا تجدید ساختمان شده و در جنب مزار آن امامزاده حسینیه‌ای هم در دست ساختمان دارند قسمتی از ترجمه مرحوم والد و نیاکانشان را در ضمن

علماء شهرستان قزوین در جلد سوم خواهم نگاشت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شهیدی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن العالم الجلیل المرحوم الحاج سید هاشم گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی عالمی فعال و در ترویج دین جدی و صاحب تألیفات عدیده می‌باشد. ترجمه مفصل آنجناب در اول کتاب (درد و درمان) یا امراض جامعه و علاج آن ترجمه کتاب (الامراض الاجتماعیه و علاجها که در سال 1377 قمری در تهران چاپ شده و نیز در اول کتاب (راهنمای سعادت) ترجمه کشف المحجه سید بن طاوس که در سال 1382 نیز در تهران منتشر شده است مسطور و اجمال آن اینست.
وی در سال 1318 قمری در گلپایگان متولد شده و مقدمات را در نزد اساتید محل خوانده و در سال 1338 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را نزد علماء اعلام آن آستان عرش بنیان مانند مرحوم آیت‌اللّه مشکینی فراگرفته و بسامری مشرف و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده و در سال 1342 قمری که مرحوم والدش فوت نموده به ایران مراجعت و پس از یکسال توقف در گلپایگان به اصفهان مسافرت و از محضر علماء اعلام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق بهره‌مند شده و در سال 1345 قمری مجددا به نجف اشرف مشرف و از محضر مقدس مرجع وقت آیت‌اللّه عراقی آقا ضیاءالدین و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خونساری متوفی 1346 قمری استفاده کامل نموده و در ماه رجب 1349 بشهر رنگون عاصمه (برما) (هند و چین) مسافرت نموده تا اول سال 1361 قمری در آنجا بانجام وظائف دینی و تبلیغ احکام اسلامی اشتغال داشته و در اثناء جنگ جهانی دوم و حمله دولت ژاپن به آن دیار پس از متواری بودن دو ماه در جنگلها بفضل خداوند متعال از آن بلیه رهائی یافته و به ایران مراجعت و در شهر اراک بانجام وظائف دینی پرداخته تا در سال 1365 قمری پس از زیارت عتبات عالیات به تهران آمده و تا حال حاضر بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
معظم له در سال 1376 قمری بمنظور شرکت در جشن چهاردهمین قرن ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که در پاکستان منعقد شده بود بدعوت انجمن یادگار مرتضوی کراچی باتفاق عده‌ای از

علماء اعلام و وعاظ محترم که از آنها بود علامه فن وعظ و سخنوری جناب استاد فلسفی واعظ مسافرت به پاکستان نموده و در آن جشن بزرگ و باشکوه که یک هفته در کراچی برقرار بود و هر شب حدود سی هزار نفر افتخار حضور داشتند و از تمام بلاد اسلامی هم عده‌ای از علماء و وعاظ و خطباء و محترمین شرکت کرده بودند حاضر بوده و پس از شرکت در جشن شهر (لاهور) و (حیدرآباد) سند که بهمین منظور منعقد بود از طریق عراق و توفیق زیارت عتبات عالیات به ایران مراجعت و تا اکنون در غرب تهران میدان قزوین و خیابان غفاری و مسجد آن به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و نشر آثار اهل‌بیت علیهم‌السلام اشتغال دارد.
تألیفات و آثار قلمی ایشان از این قرار است.
1- کتاب درد و درمان ترجمه کتاب الامراض الاجتماعیه و علاجها.
2- (راهنمای سعادت) ترجمه کتاب کشف المحجه 3- کتاب (نسیم الصباح) ترجمه و شرح دعاء صباح 4- کتاب (ادعیه و تهلیلات) من الایات البینات و این کتب بتمامه بطبع رسیده است.
(تو 1318 ق)، الم دینی، مدرس و فقیه امامی وی در گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات را در نزد اساتید آن شهر فراگرفت. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و سطوح را نزد علمای بزرگ آن شهر همچون آیت‌اللّه مشکینی آموخت. سپس به سامراء رفت و از محضر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در 1342 ق، که پدرش درگذشت، به مولدش بازگشت سپس به اصفهان رفت و نزد بزرگانی چون یت‌اللّه سید محمدصادق تلمذ کرد. در 1345 دوباره به نجف بازگشت و از محضر آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه آقا سید ابوتراب خوانساری استفاده‌ها نمود. وی سفری به هند و چین (برمه) نمود و در آنجا به تبلیغ احکام اسلامی پرداخت، سپس به ایران بازگشت. مدتی در اراک به انجام وظائف دینی مشغول بود. پس از سفری به عتبات به تهران آمد و به وظائف دینی پرداخت. وی به همراه عده‌ای از علما و خطبا در 1376 ق در کنگره‌ی چهاردهمین قرن ولادت امیرالمومنین (ع) در کراچی پاکستان شرکت کرد. از آثار وی: کتاب «درد و درمان» که ترجمه‌ی کتاب «الامراض الاجتماعیه و علاجها»؛ «راهنمای سعادت»، ترجمه‌ی کتاب «کشف المحجه»؛ کتاب «نسیم الصباح» ترجمه و شرح «دعاء صباح»؛ کتاب «ادعیه و تهلیلات من الایات البینات».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (496 -494/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (83/ 2).

شهیدی،جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1297، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 15 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 20
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 3
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 100، تعداد مقالات بزبان خارجی: 10
زمینه علمی مقالات:
تاریخ اسلام.
(تو 1297 ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال 1340 ش موفق به گرفتن درجه‌ی

دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال 1373 ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرةالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛ «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 1363، ش 1، ص 12 -3، ش 2، ص 20 -19)، مؤلفین کتب چاپی (323 -322/ 2)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی کاشانی، ابوالنصر فتح‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1308 -1242/1241 ق)، شاعر، ادیب، نویسنده و صوفی. متخلص به شیبانی. خاندانش در کارهای لشکری و دیوانی عهد قاجار تصرف و دخالت داشتند. شیبانی در کاشان متولد شد. در جوانی در خدمت محمد شاه و منادمت پسرش ناصرالدین‌شاه درآمد و برخی از اشعارش در مدح آنان و دیگر شاهزادگان قاجاریه است. مدتی نیز منشی حسام‌السلطنه در هرات بود. در فارس به خدمت رحمتعلی‌شاه رسید و از او کسب فیض کرد. مدتی در بلخ، هرات، خراسان و تهران سفر کرد و سرانجام به کاشان رفت و در عشق‌آباد مدرسه و صحن و عمارتی ایجاد کرد و همان جا گوشه‌ی عزلت گزید. پس از مدتی مردم بر او شوریدند. شیبانی به دادخواهی به تهران آمد. نزدیک دروازه‌ی قزوین خانه و خانقاهی بنا کرد. وی در نظم و نثر دست داشت. و از شعرای بنام دوره‌ی بازگشت بود که به سبک خراسانی اشعاری انتقادی می‌سرود. در تهران درگذشت و در همان خانقاه خویش به خاک سپرده شد. از آثار و تالیفات وی، «بیانات شیبانی»؛ «تنگ شکر»؛ «جواهر مخزون»؛ «درج درر»، یا «درج گهر»؛ «دیوان» اشعار؛ «زبده الاسرار»؛ «الالی مکنون»؛ «فتح و ظفر»؛ «گنج گهر»؛ «کامرانیه».[1]
ابوالنصر فتح‌اللّٰه بن محمد کاظم بن محمد حسین شیبانی کاشانی شاعر (و. 1241 ه.ق./ 1825 م.- ف. 1308 ه.ق./ 1890 م.). خاندانش عهده‌دار امور لشکری و دیوانی عهد قاجاری بودند، و او خود در جوانی در خدمت محمد شاه درآمد و به مدح وی و پسرش ناصرالدین شاه و فرزندان شاه اخیر پرداخت. شیبانی سالها در سلک اهل تصوف بود و در نظم و نثر هر دو دست داشت و از آثار خود مجموعه‌هایی به نام «درج درر» «گنج گهر»، «زبدة الآثار»، «فتح و ظفر»، «مسعودنامه»، «تنگ شکر»، «شرف‌الملوک»، «کامرانیه»، «یوسفیه»، «خطاب فرخ»، «مقالات سه‌گانه»، «فواکه السحر»، «جواهر مخزون»، «الآلی مکنون»، «نصایح منظومه» ترتیب داد. وی از شاعران بزرگ دوره بازگشت ادبی است و مهارت او بیشتر در نظم قصاید به روش شاعران قدیم خاصه گویندگان قرن پنجم است. منتخبی از آثار منظومش در استانبول به طبع رسیده، و درج درر او نیز جداگانه چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (144 -133 /1)، حدیقه الشعراء (936 -928 /2)، الذریعه (563 -562 /9)، سبک شناسی (291/3)، شرح حال رجال (55/3)، طرائق الحقایق (426/3)، فرهنگ سخنوران (528)، گنج سخن (248 -240 /3)، لغت نامه (ذیل/ فتح‌اللّٰه)، المآثر و الآثار (204)، مؤلفین کتب چاپی (776 -775 /4)، مجمع الفصحا (530 -489 /5)، مکارم الاثار (1181 -1180 /4)، یادداشتهای قزوینی (197/8)، یادگار (س 5، ش 3، ص 68 -66).

شیبانی، علی اشرف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1281 ش)، نویسنده و مترجم. در کاشان متولد شد تحصیلات خود را در مدرسه‌ی آمریکایی به پایان رساند و در وزارت مالیه و وزارت راه مشغول خدمت شد وی همچنین در موسسات خصوصی اشتغال یافت. از آثار وی: «بار سیب»، ترجمه؛ «دخترک سیاه در جستجوی خدا»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (451/4).

شیخ الاسلام، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا رحیم شیخ الاسلام، از علمای اصفهان، و صاحب ریاست و مقام، و دارای منبر و محراب بوده، و در سلخ ذی حجه سال 1275 وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

شیخ بهایی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال 953 ه.ق 1546 میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جبع" یا "جباع" می زیسته و از نژاد "حارث بن عبدالله اعور همدانی" متوفی به سال 65 هجری از معاریف اسلام بوده است.
ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.
بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال 991 هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از 4 سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.
وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود 88 کتاب و رساله است. وی در سال 1031 ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:
ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف 1022ـ 1024)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام
برده است.
بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین

شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص 94 ـ 99) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.
اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. ازمثنوّیات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.
«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.
«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (161 بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص 179 ـ 188؛ 141 بیت در کشکول، ج 1، ص 247 ـ 254) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص 100) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.
بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصمدیّه » معروف به صمدیّه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیّه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان

توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در 63 بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج1،ص 189 ـ 194) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج1، ص225 ـ 227) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضة مقدّسه معصومین علیه السلام است.
شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی 1110) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغَز و معمّاست.
از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشرّیه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:
« لغزالزبده » (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.
بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف 1015)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله ِهای

علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف 1007) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.
«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف 995) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف 1015) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورة حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.
«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفة سجادیه که هر یک از ادعیة آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفة سجادیه) در دست است.
«حدیقة هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سیّد علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قـول کلیة کسـانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(1) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده ». (نفیسی : 1368 ، ص 17) بهاءالدین محمّد عاملی در عصر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .
وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد . خدمات شیخ بهائی:
در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به

اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.
در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.
دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن 9 فرسنگ است و به 11 جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.
دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.
یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند.
همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:
آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند: "تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا

علی مذهب ملا افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت."
مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی : برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:
1- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.
2- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.
3- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .
4- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.
5- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصة الحساب و زبدة فی الاصول.
6- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضة المتقین(م 1070) .
7- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی.
سخنی در تاریخ وفات شیخ
در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال1030 ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب 11 شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند.
صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر

جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که 200 باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که 800 و «لام» که 30 باشد می‌ماند و روی هم رفته،1030می‌شود.
صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.
اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:
رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست
ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد 1030 به دست می‌آید.
صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال 1030 هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.
صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال 1030 هجری قمری درگذشت.
ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال 1031 هجری قمری ذکر کرده است.
صاحب سلافة العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال 1031 هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال 1030 هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال1030 یا 1031 هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال 1030 را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.
در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال 1030 ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.
وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به

مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه
ای تیره غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر "خیالی" به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
نصایح شیخ بهایی به فرزندش
اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.
اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.
اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.
اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.
اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.
اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.
اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.
و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.
پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
کشکول شیخ بهایی
فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص 211

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310 -1240 ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در 1282 ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (55/8)، اعیان الشیعه (107/10)، دانشمندان آذربایجان (268)، الذریعه (230/23، 41/21، 6/16، 220/5، 64/1)، ریحانه (298 -296 /3)، علماء معاصرین (44 -40)، معجم المؤلفین (181/12)، مکارم الآثار (1125 -1123 /4).

شیخ‌الاسلامی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الرئیس دامغانی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بن ملا علی‌اصغر معروف به شیخ‌الرئیس دامغانی از علماء و وعاظ و گویندگان نامی دامغان و بلکه ایران بوده‌اند تولد ایشان در روز دوشنبه نیمه شعبان 1289 قمری بوده آقای شاه‌چراغی در (ارمغان دامغان) گوید. من کراراً منبر ایشان را در دامغان دیده‌ام از وعاظ و خطباء ناطق و نامی بودند در عصر خودش یگانه و بی‌نظیر و بهره کاملی از صوت داشتند نه تنها در دامغان مشهور بودند بلکه اشتهار ایشان در شهرستانهای دیگر مخصوص استان مازندران و بالاخص در عصر مرحوم برهانی حاج سید حبیب‌اللّه رستم کلائی و پدرش حاج سید کریم به آن حدود زیاد دعوت می‌شدند و مردم شهرستان سمنان هم به ایشان علاقه زیادی داشتند.
مرحوم شیخ‌الرئیس عالمی باوقار و وزین و مقتدر و بسیار بلند طبع و بی‌اعتنا بودند از معقول هم بی‌بهره نبودند و تدریس ادبیات هم می‌کردند.
در حاشیه جلد یازدهم بحار کیفیت تحصیل و اساتید خود را بیان کرده است.
خارج فقه را خدمت حاج آقا سید علی ساروی خوانده شرح منظومه حاجی و شوارق و بعضی از کتب منطقیه را خدمت جناب استاد حاج شیخ علی نوری تهرانی و آقا شیخ باقر تهرانی و آقا سید علی شیرازی تلمذ نموده و شرایع و تفسیر صافی را خدمت آقا شیخ اسماعیل سرخه‌ای سمنانی خوانده است (درباره خویش گفته است).
شیخ‌الرئیس شیخ محمدعلی ولی
در شهر خویش بود بمانند بوعلی
در علم و عقل و نقل بدی خواجه زمان
عرفان او شبیه بشیخ شبستری
الحق برای وعظ و نصیحت برای خلق
کمتر به روزگار نشان داشت منبری
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیخ‌الرئیس قاجار، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/1336 -1264 ق)، خطیب، عالم و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به شیخ‌الرئیس. در تبریز متولد شد. مقدمات علوم را در تهران و مشهد تحصیل کرد و حکمت قدیم را در تهران در محضر آقا علی مدرس فراگرفت سپس به عتبات سفر کرد و در مجلس درس میرزای شیرازی در سامرا حضور یافت به تهران بازگشت و پس از چندی ناصرالدین‌شاه لقب شیخ‌الرییس را به او داد و مامور خدمت در آستان قدس رضوی گردید. در خراسان با آصف‌الدوله حاکم آن ولایت درافتاد و از راه عشق‌آباد به استانبول رفت و در آنجا به عضویت انجمن اتحاد اسلام درآمد و مورد توجه سلطان عبدالحمید قرار گرفت و کتاب «اتحاد اسلام» را برای او نوشت. بعد از چندی به ایران بازگشت و در نهضت مشروطه با مشروطه‌خواهان همراهی کرد و در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس به نمایندگی مردم مازندران انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «اتحاد اسلام»؛ «کتاب الابرار»؛ «منتخب النفیس»؛ «رساله نقد فرقه‌ها»؛ «فصل الخطاب»؛ «سفرنامه‌ی استانبول».[1]
قاجار، ابوالحسن میرزا متخلص به حیرت ابن شاهزاده محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه و نواده فتحعلی شاه (و. تبریز 1264 ه.ق.- ف. 1336 ه.ق.). وی سالها به کسب علوم متداول مشغول بود و در شمار دانشمندان عهد درآمد. او بر نظم و نثر پارسی تسلط داشت و دیوانش در بمبئی به چاپ رسیده. وی از آزادیخوانان مشهور بود و بعد از بمباران مجلس (زمان محمد علی شاه) در باغشاه محبوس گردید.
سال تولد: 1264 ق.
فوت: 1336 ق.
آثار: کتاب منتخب‌النفیس؛ اتحادالاسلام؛ الابرار؛ دیوان حیرت؛ سفرنامه استانبول؛ رساله نقد فرقه‌ها؛ نافع و سراج لامع؛ فصل الخطاب؛ نافع‌الافهام و رافع‌الاوهام
مناصب: رئیس کتابخانه آستان قدس در زمان ناصرالدین شاه، نماینده مجلس در دوره دوم
ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت پسر محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه از ادبا و خطبای قاجار در سال 1264 ق

در تبریز متولد و در سال 1336 ق. در تهران درگذشت و در محوطه آرامگاه ناصرالدین شاه مدفون گردید. شیخ‌الرئیس در زمان ناصرالدین شاه چندی در خراسان متوطن بود ولی به واسطه اختلافاتی که با آصف‌الدوله شیرازی والی خراسان پیدا کرد رهسپار بلاد عثمانی گشت. در ربیع‌الاول 1304 ق. به فرمان ناصرالدین شاه به ایران بازگشت. پس از استقرار مشروطیت و مرگ مظفرالدین شاه با آنکه وی از تبار قاجار بود در منابر و مساجد علناً از شاه بدگویی می‌کرد. بعد از انهدام مجلس و مشروطیت وی نیز از جمله کسانی بود که دستگیر و در باغشاه محبوس گردید. بعد از فتح تهران به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.
مناصب: ریاست اصطبل سلطنتی (1339)؛ ریاست اداره کل شکاربانی و گاراژ سلطنتی (1344)؛ ریاست کل سازمان فنی و خدمات عمومی دربار (1347)؛ آجودان کشوری محمدرضا شاه (1353)؛ ریاست فدراسیون فوتبال؛ مدیرکلی وزارت دربار؛ مدیرعامل انجمن سلطنتی اسب؛ سرپرستی امور انتظامی و اجرایی دربار؛ مسئول رادیو نجات ایران (قاهره) (بعد از انقلاب)؛ ریاست دفتر فرح پهلوی (در حال حاضر)
آثار:
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (530 -529)، دانشمندان آذربایجان (127)، دایرةالمعارف فارسی (1522 -1521 /2)، الذریعه (275 -274 /9)، ریحانه (323 -321 /3)، شرح حال رجال (43 -42 /1)، فرهنگ سخنوران (286)، مؤلفین کتب چاپی (158 -156 /1).

شیخانی، علی باقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی باقر شیخانی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1341 در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال 1361 در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.
در سال 1361 برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال 66 در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم
در سال 1366 برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.
در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.
از سال 71 به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ،

محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.
همچنین در سال 72 در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال 81 به پایان رسانده ام.

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1031/1030 -953 ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی-مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در

«ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[1]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک 953 ه.ق./ 1546 م.- ف. اصفهان 1031 ه.ق./ 1622 م.) پدرش عزالدین حسین در سال 966 به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به 88 کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصةالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (927 -926 /3)، الاعلام (334/6)، اعیان الشیعه (234/9)، تاریخ ادبیات ایران، براون (279 -277 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (1047 -1039 /5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (515 -502)، تذکره‌ی روز روشن (122 -121)، تذکره‌ی نصرآبادی (151 -150)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (506 -495)، دایرةالمعارف فارسی (1522/2)، دنباله جستجو در تصوف (259)، الذریعه (77/18، 983، 143، 88، 103، 168، 173، 195، 203، 211، 224- 225، 6/ 240- 241، /9، 39، 425، 4/ 185- 186، 200، 498، 509، 5/ 62- 63، 301- 302، 6/ 36، -35 /3، 42/2، 117- 118، 115، 85، 1/)، روضات الجنات (80 -54 7/)، ریاض العارفین (49 -45)، ریاض العلماء (97 -88 /5)، ریحانه (320 -301 /3)، زندگینامه ریاضیدانان (172 -170)، سرآمدان فرهنگ

(232/1)، سیری در شعر فارسی (384 -383)، شخصیتهای نامی (273 -270)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88 -85 /11)، عالم آرای عباسی (157 -155 /1)، فرهنگ ادبیات فارسی (311 -310)، فرهنگ سخنوران (147)، فقهای نامدار شیعه (228 -209)، فوائد الرضویه (521 -502)، فلاسفه‌ی شیعه (429 -415)، کارنامه بزرگان (325 -324)، الکنی و الالقاب (100/2)، مؤلفین کتب چاپی (432 -421 /5)، مجمع الخواص (41 -40)، مجمع الفصحا (15 -12 /4)، مطلع الشمس (388 -386 /2)، معجم المؤلفین (242/9)، منظومه‌های فارسی (356 -353)، نتایج الافکار (105 -103)، یغما (س 13، ص 146 -143).

شیدا، عباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند اسحاق. ادیب و شاعر و نویسنده‌ی محقق، در علم و فضل ممتاز بود. در 14 ذی حجه‌ی سال 1299 در شهرکرد متولد، و در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و ادب، در فقه و اصول و منطق و کلام و حدیث و تفسیر تحصیل نموده که از آن جمله است: آخوند کاشی، و آقا شیخ مرتضی ریزی، و میرزا حسین همدانی، و در خط از شاگردان میرزا فتح الله جلالی بود.
سال‌ها در اصفهان انجمن ادبی تأسیس نموده، و شعرا را دور هم جمع نموده، و به ترویج شعر و ادب، و تصحیح اشعار گویندگان پرداخت، و مدت 14 سال بدین مهم اقدام نموده، و در ضمن آن به نشر مجله‌ی ادبی «دانشکده» اقدام نموده، لکن متأسفانه در دو دوره‌ای که مجله را منتشر ساخت جمعا بیشتر از 12 شماره منتشر نشد.
مرحوم شیدا پس از یک عمر کار و کوشش و رنج و مشقت، سرانجام در شب 3 شنبه 14 جمادی الاولی سال 1369 وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شیدای بلخی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، ادبی، شاعر و منجم. وی از نزدیکان و مولانا قوام‌الدین بلخی بود. در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می‌کرده و شاگردان بسیاری داشته از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بخارایی در هئیت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته. وی در نظم و نثر فارسی نیز دست داشته و کتابی در تقلید «گلستان» سعدی نوشته و پیروی از سعدی می‌کرده است. وی در هجو نیز استاد بوده. گویا در جوانی وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (626)، فرهنگ سخنوران (530).

شیدای یزدی، ابوالحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1229 ق)، لغوی و شاعر. اصل وی از یزد بود و از بزرگان سادات و فضلای عالی مقام بود و از حافظه‌ای قوی برخوردار، بسیار مبادی آداب و نظیف و صاحب اخلاق و صادق و پاک اعتقاد بود. زمانی آشفتگی دماغ او را به شیدایی کشاند، اما بهبود یافت. در علم لغت ممتاز و باهنر بود. از اشعار او، جز آنچه در «تذکره‌ی وامق» آمده، چیزی در دست نیست و بیشتر آنها در منقبت حضرت امیرالمومنین است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره سخنوران یزد (179 -178)، حدیقه الشعراء (944 -942 / 2)، سفنیه المحمود (484 -483 / 2)، فرهنگ سخنوران (531 -530)، مجمع الفصحا (540 -539 / 5).

شیدوش

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پسر گودرز پهوان ایرانی (داستان):
«چو شیدوش و رهام و گستهم و گیو چو خراد و فرهاد و برزین نیو...»
(شا. بخ 890 :4)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شیرازی، جهانگیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1294- 1326 /1292 /1291 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. مشهور به صوراسرافیل. در شیراز و در خانواده‌ای تهیدست متولد شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم جدید پرداخت. جهانگیرخان در همین دوران به مجلس آقا شیخ هادی نجم‌آبادی راه یافت و تحت تأثیر منش آزادیخواهانه‌ی او قرار گرفت و همراه با برآمدن جنبش مشروطیت، وی نیز به عضویت انجمن‌های سری آزادیخواهان درآمد و از اعضای فعال حزب سوسیال دموکرات ایران و از پیشروان و بنیانگذاران انقلاب مشروطیت شد. او در سال 1325 ق به یاری میرزا قاسم‌خان تبریزی روزنامه «صوراسرافیل» را منتشر ساخت، و علامه دهخدا با امضای دخو، ستون چرند و پرند آن را می‌نوشت. این روزنامه علاوه بر ساده‌نویسی و شیوه جدید ادبی تأثیر بسزایی در بیداری مردم داشت و به همین دلیل جهانگیرخان مورد کینه‌ی دشمنان ملت بود و یک روز بعد از به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه دستگیر و در باغ شاه به دستور وی اعدام شد و جنب باغ شاه دفن گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (94، 78- 77، 22 /2)، تاریخ جراید (147 -129 /3)، تاریخ بیداری ایرانیان (411/3، 39/1)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (963- 962 /5، 160- 153 /2)، شخصیتهای نامی (289 -287)، شرح حال رجال (429/2، 283/1).

شیرازی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال 1345 قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .
پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت
او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.
در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .
ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعة العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.
چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود
ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه 12 اردیبهشت سال 59 انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس

از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، زنددخت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1331 -1288 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. وی در شیراز به دنیا آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت پس از پایان تحصیلات، مجمع انقلاب نسوان را بنیان نهاد و مجله‌ی «دختران ایران» را انتشار داد. سپس از شیراز به تهران آمد و به ادامه‌ی انتشار مجله‌اش پرداخت، مدتی بعد به شیراز بازگشت و تا پایان عمر در آن شهر ماند. در شیراز وفات یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (281 -280 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (666 -665 /2)، زنان سخنور (219/1)، مجموعه‌ی گلها (362/1).

شیرازی، صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1255 ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در سال 1230 ق، وی به اتفاق چهار نفر دیگر، به فرمان عباس میرزای نایب‌السلطنه و وزیرش قائم مقام به سرپرستی میجردارسی، برای تحصیل به لندن فرستاده شدند. میرزا صالح پس از یادگیری زبانهای انگلیسی و فرانسه و لاتین و تاریخ و طبیعیات و آموختن فن چاپ و حکاکی و تهیه‌ی حروف مقطعه و شیشه‌گری و ساختن مرکب، به ایران بازگشت. عباس میرزای نایب‌السلطنه او را به سمت مترجم و مستشار خود پذیرفت و دستگاه چاپی را که با خود به ایران آورده بود در تبریز به کار انداخت. میرزا صالح، پس از اینکه وزیر تهران شد، میرزا اسداللّه نامی را برای یاد گرفتن صنعت چاپ به پطرزبورگ فرستاد. میرزا صالح نخستین ایرانی است که به جمعیت فراماسونری داخل شده و تا درجه‌ی استادی ارتقا یافته است. وی پس از بازگشت به ایران، اولین تشکیلات فراماسونری را در ایران بنیان نهاد و هموست که اولین روزنامه را در ایران به نام «کاغذ اخبار» یا «طلیعه» در تهران با چاپ سنگی و به خط نستعلیق منتشر کرد. وی با هیاتی که ریاست آنرا خسرو میرزا، پسر هفتم عباس میراز نایب‌السلطنه، داشت، به دربار سمت مترجمی و رابط بین دربار و وزرای مختار خارجه را داشته و به ماموریتهای متعدد سیاسی فرستاده شده است. از تالیفات او «سفرنامه»ای است که در آن کلیه‌ی وقایع سفر خود به انگلستان و ایام اقامت و دوران تحصیلش را در آنجا نوشته است. نسخه‌ی اصل این سفرنامه در کتابخانه‌ی موزه بریتانیا موجود است. وی اهل فضل و کمال و بسیار تیزبین و نکته‌سنج بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (236 ،235 ،231 -230/ 1)، تاریخ جراید (3 -2 / 1)، شرح حال رجال (179 -175/ 2)، یادگار (س 1، ش 3، ص 54 -49، ش 7، ص 7)، یغما (س 6، ش 87، ص 318 -313).

شیرازی، مجد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجد فرزند مرحوم میرزا احمد اصطهباناتی از خطباء نامی و وعاظ گرامی معاصر شیراز مقیم تهرانست.
وی در حدود 1325 ق در اصطهبانات متولد شده و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به شیراز آمده و دروس معقول و منقول را از مدرسین آن سامان آموخته و برای خدمت به دین و ارشاد مسلمین رشته منبر را اختیار و از این طریق تبلیغ اسلام و نشر معارف مذهب جعفری نموده و مردم را متوجه به مقام ولایت کلیه حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌نماید و چند سالیست که به منظور خدمت بیشتری مهاجرت به تهران نموده و در مرکز عاصمه تشیع به خدمات تبلیغی اشتغال دارد و حقا منبری شیرین و جامع و ارزنده و آموزنده دارند.
نگارنده در ماه رجب 1394 ق که برای عتبه بوسی سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیهم‌السلام به مشهد مشرف شدم چند روزی در مدرسه حضرت آیت‌اللّه العظمی میلانی از بیانات سودمند و جامع ایشان در پیرامون ولایت استفاده نمودم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در 15 جمادی الاولی سال 1230 ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از 20 سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطَّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال 1312 ق در 82 سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرازی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید نورالدین بن میرزا ابوطالب بن محمدهاشم حسینی شیرازی از مشاهیر دانشمند معاصر شیراز بوده‌اند.
وی در شیراز متولد و در بیت علم و عزت پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده نموده و چون در سال 1342 ق مرحوم والدش به رحمت ایزدی پیوست به شیراز مراجعت و در مسجد وکیل بجای مرحوم والدش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ و ارشاد مسلمین پرداخته و جمعیتی بنام برادران و حزب نور تشکیل داده و خود بنام نایب‌الإمام شهرت یافته بود.
آیت‌اللّه شیرازی مذکور مضافاً بر مقام رفیع اجتهاد به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنا بود و خط زیبائی داشت و شعر هم نیکو می‌گفت و در امور اجتماعی ید طولائی داشت.
وی در سال 1367 قمری مسافرتی به قم و تهران و ارض اقدس با صدها نفر از حزب برادران نموده که بسیار پرصدا و باهمیت بود.
و آن مرحوم با اینکه شب و روزش مستغرق خدمات بود تالیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که به آنها اشاره می‌شود.
1- اسلام و جهان امروز
2- اصل الاصول در دو جلد
3- تفسیر قرآن مجید
4- حاشیه بر عروةالوثقی
5- حکمت الهی
6- سیاست اسلام
7- علم خطابه و منبر
8- علم رجال و درایه
9- علم کلام
10- مثنوی و تالیفات دیگر.
در سال 1367 قمری سال فوت مرحوم حاج شیخ کاظم فوق‌الذکر شخصیت برجسته‌ای که حقاً مجسمه فضائل و کمالات بود از شیراز حرکت و با صدها نفر از حزب برادران شیراز وارد شهر دینی و علمی قم گردید.

آیت‌اللّه حاج سید نورالدین که در فارس و خصوص شیراز مشهور بود (نایب‌الامام) می‌بودند از رجال علم و بیان و قلم و سیاست و کیاست عصر ما و از علماء طراز اول شیراز و بلکه کلیه ایران است.
در سال مزبور به قصد زیارت حضرت رضا علیه‌السلام و بعضی اقدامات دینی با حدود پانصد نفر از جمعیت حزب برادران که در تحت ریاست و رهبری آنجناب بود از فارس حرکت و با عظمت بسیاری به اصفهان و از آنجا به قم وارد و به منزل مرحوم آیت‌اللّه صدر نزول فرموده و مورد تجلیل مراجع عظام حوزه علمیه واقع شده و پس از چند روز به تهران و شهر ری عزیمت و از آنجا به مشهد و پس از مدتی مراجعت به شیراز نمودند و در تمام ایاب و ذهابش مجللانه وارد و حرکت فرمودند در موقع ورود به تهران یکسره به مسجد شاه آمده و باده‌ها هزار نفر نماز جماعت و پس از آن به منبر رفته و بیانات حاد و پرحرارتی ایراد نموده و بعضی از پیشنهادهای دینی به دولت وقت نمودند. خود نگارنده، در موقع ورودشان به ری و تهران حاضر و ناظر احساسات مردم شیراز و تهران بودم.
معظم له از اساطین علم و سیاست زمان ما بودند از تلامذه مبرز مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه میرزا علی آقای شیرازی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و صاحب تألیفات و تصنیفات و جمعیت متجاوز از ده هزار نفر حزب برادران بودند که در شیراز خدماتی نموده‌اند در شیراز از دنیا رفته و در مقبره مخصوص خود در مقابل بیت‌العباس که از آثار اوست مدفون شده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1323 ق.، شیراز.
درگذشت: 1366.
ابن یوسف شیرازی تحصیلات سنتی قدیمی را در شیراز و سپس در اصفهان و قم و مشهد دیده بود و درجه‌ی دانشکده‌ی معقول و منقول را هم دریافت کرد و در مدرسه‌های سپهسالار (جلد دوم، 1315 و 1318)؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (جلد سوم، 1321 ق.)؛ نهج‌البلاغه چیست (ترجمه و نوشته هبةالدین شهرستانی، 1316)؛ مقاله «صدرالدین شیرازی» ترجمه‌ی نوشته‌ی ابوعبدالله زنجانی- که در روزنامه‌ی «ایران» منتشر شد. ابن یوسف شرازی از پیشروان فن فهرست‌نویسی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شیرجعفری، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم شیر جعفری
محل تولد : شهر ری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال1365هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و پس ازآن چندین سال در دروس خارج فقه واصول اساتیدی چون :آیت الله جعفر سبحانی ،آیت الله مکارم شیرازی ،آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم .

شیروانلو، فیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مؤلف.
تولد: 1317، تهران.
درگذشت: 30 بهمن 1367.
فیروز شیروانلو تحصیلات متوسطه‌ی خود را در مدرسه‌ی البرز به پایان رساند و به انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز در رشته‌ی جامعه‌شناسی هنر به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، نخستین کارش طراحی و ویرایش کتاب در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین بود. در همان زمان بود که پس از یک دوره فعالیت سیاسی به زندان افتاد و پس از آزادی، «دفتر نشر و تبلیغات نگاره» را تأسیس کرد و تا سال 1357 مشاغلی را عهده‌دار بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسرای نیاوران در نتیجه فعالیت‌های وی مقدور شد. همچنین در تشکیل موزه‌های فرش، هنرهای معاصر، آبگینه و برگزاری نمایشگاه‌های متعددی از هنر گذشته و معاصر ایران، سهم داشت.
در کنار این فعالیت‌ها همچنان به کار ترجمه و تألیف آثاری در زمینه‌ی هنر و اجتماع و دو کتاب از ارنست فیشر مشغول بود. مجموعه‌ای از آثار وی به شرح زیر است: ابعاد هنر نگارگری در ایران؛ اوستا (1357)؛ بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان (1350)؛ چهارمحال و بختیاری (1356)؛ خاستگاه اجتماعی هنرها (مجموعه مقالات، 1357)؛ خاستگاه زبان دری (سهیل افنان)؛ شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، 1350)؛ ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی (تألیف ارنست فیشر، 1348)؛ کارآسایی در جوامع صنعتی و سنتی، گسترده و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (مجموعه مقالات، 1355)؛ مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی، مشارکت، تعهد و جوانان، نگاهی به نگارگری در ایران (بازیل گری، 1354)؛ نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی. وی مقاله‌هایی برای مجموعه‌ی «دفتر زمانه» در سال‌های 1346 الی 1349 و نیز برای مجله‌ی «تماشا» از سال 1352 به بعد می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد.
از نخستین کارهای او به هنگام بازگشت به ایران، شناساندن و ترویج طراحی کتاب بود. وی در زمینه‌ی ویرایش کتاب از متقدمان بود و توانست تحولی در زمینه‌ی تولید کتاب فیلم و نقاشی متحرک ویژه‌ی کودکان و

نوجوانان پدید آورد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صابر اصفهانی، صابر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(و ف 1070 / 1064 ق)، شاعر و واقعه‌نویس. میرصابر از سادات اصفهان بود که در روزگار سلطنت جهانگیر پادشاه گورکانی (1037-1014 ق) به هندوستان رفت، گرچه در تذکره‌ی «روز روشن» ورود او به هندوستان در عهد شاه جهان (1069 -137 ق) ذکر شده است. در آنجا مدتی به امر وقایع‌نگاری منطقه‌ی گجرات و دکن اشتغال داشت و در برهان‌پور درگذشت. یکی از آثار خیری که از او سر زده، فرستادن استخوانهای عرفی پس از سی سال قمری، در 1027 ق، از لاهور به نجف اشرف است. بیشتر اشعاری که از وی به جای مانده، در قالب رباعی است. صاحب «الذریعه»، صابر اصفهانی را با صابر زواره‌ای یکی می داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (454)، تذکره‌ی میخانه (227، 226، 225)، الذریعه (573، 572 / 9)، کاروان هند (668 -667 / 1).

صابر قاجار، محمد هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1296 ق)، شاعر و ادیب. در کرمانشاه به دنیا آمد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و در ادبیات فارسی و عربی تبحر پیدا کرد. محمد هادی در نگارش خط شکسته و همچنین مراسلات آمیخته به امثال و اشعار و اخبار و آیات مهارت داشت و گاهی هم از سر تفنن غزل می سرود. به گفته‌ی صاحب «حدیقه الشعراء» وی در 1296 ق زنده بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (955 -954 / 2).

صابری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و قدوه الاعلام آقای حاج شیخ احمد بن غیاث‌الدین صابری همدانی از افاضل دانشمندان و اکابر نویسندگان حوزه علمیه قم است در سال 1304 شمسی در یکی از مضافات همدان متولد شده و پس از طی دروس ابتدائی در محل خود در سال 1320 به همدان رفته و در مدرسه آیت‌الله آخوند ملاعلی مقدمات و ادبیات را خوانده و در سال 1324 شمسی عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله حاج سید احمد خونساری سطوح عالی را به اتمام رسانیده و در اواخر عمر مرحوم آیت‌الله حجت رحمه‌الله شرکت در درس وی نموده و تقریرات آن مرحوم را تنظیم و مهذب کرده و سپس در درس زعیم فقید آیت‌الله العظمی بروجردی فقها و اصولا شرکت نموده و آنها را به رشته تحریر آورده و به نظر شریفشان رسانیده و مورد تشویق و تمجیدشان قرار گرفته و در همان اوقات هم به درس آیت‌الله گلپایگانی حاضر شده و آنها را هم ایضا به عنوان تقریرات نوشته و به طبع رسانیده است.
در سال 1343 شمسی برحسب دعوت شیعیان ترکیه از طرف حوزه علمیه قم به عنوان نماینده مذهبی به کشور ترکیه اعزام گردیده و مدت 7 سال در استانبول اقامت و منشاء آثار بزرگ و تحول و خدمات شایان مذهبی گردیده است.
مباحثات و مناظراتی با علماء اهل سنت ترکیه و بالاخص علماء حنفی استانبول مانند عمر نصوح انجام داده تا جائی که طرف را به زانوی تسلیم درآورده که بگوید
مگر کسی از علی به خلافت اعلی بوده ولی چه باید کرد اختلافی واقع شده و قابل رفع نیست آنگاه تقاضا نمود که کتابی درباره شخصیت امام صادق علیه‌السلام و مذهب جعفری تالیف نموده و به نظر وی یعنی عمر نصوح مفتی قدیم استانبول برساند و این کتاب هم برحسب خواهش این مفتی و وزارت امور داخله ترکیه نگارش یافته است.
جهت ارشاد گروه علویین کشور ترکیه که بالغ بر 14 میلیون نفرند تصمیماتی اتخاذ کرده و چندین کتابی در این زمینه پرداخته و برای معرفی اهل بیت مذهب جعفری سعی بلیغ نموده نشریه به نام اهل‌بیت به همت عده‌ای از نویسندگان علاقمند به خاندان رسالت هر 15 روزی منتشر

می‌ساخت.
علامه صابری مترجم محترم در کشور ترکیه قدمهای بزرگی برای پیشرفت اهداف مقدس اسلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت برداشت که اگر ایادی مرموز استعمارگران و دشمنان اسلام و اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام گذارده بود نتایج مهمی گرفته شده بود و بعید نبود که میلیونها نفر از علویین که از شیعیان پر حرارت و محبت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و اولاد معصوم اویند و بسیاری از افراد دیگر به حقیقت واقف شده و پیرو حضرت صادق و ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام شوند.
ولی در سال 1350 شمسی بر اثر مشکلات و فعالیتهای دستگاههای ضد دین ناچار شد ترکیه را ترک گفته و به ایران برگردد، و فعلا در شهر قم ساکن و به اشتغالات علمی و دینی و تالیفات پرداخته است.
ایشان را تالیفات و آثار ارزنده‌ایست که ذیلا نگاشته و به نظر اهل علم و ادب می‌رسانم:
1- کتاب محمد و زمامداران پیرامون نامه‌های سیاسی پیغمبر اسلام ابتکاری دینی انتقادی سیاسی که مکرر چاپ شده است.
2- الهدایه الی من له الولایه در موقعیت اجتماعی فقهاء به عربی چاپ شده و آن تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی است.
3- حول قصیده البرده که در اول قصیده برده که شیخ عبدالحسین وکیلی قمی تخمیس نموده چاپ شده است.
4- تاریخ همدان در سه جلد در تراجم علماء و شعراء و ادباء و تاریخ بنای همدان.
5- الطریق المسلوک فی حکم اللباس المشکوک تقریر درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی که به نظر آن مرحوم رسیده و تمجید نموده‌اند.
6- نخبه الاشارات فی احکام الخیارات تقریر بحث آیت‌الله العظمی گلپایگانی.
7- نصایح الاباء للابناء نصایح پدران را به فرزندان از انبیاء و حکماء و امامان و پادشاهان جمع‌آوری در این کتاب نموده است.
8- حماسه الشهید اشعار و تمثیلات حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام به ضمیمه دیوان منسوب به آن حضرت که از کتاب خانه‌های اسلامبول به دست آورده.
9- رساله لاضرر تقریر بحث مرحوم آیت‌الله محقق داماد.
10- صلوه مسافر تقریر بحث آیت‌الله بروجردی.
11- خداشناسی مجموعه بحثهائی که در انجمن جوانان استانبول ایراد شده است.
12- راه روشن در اسلام راه اهل‌بیت که به ترکی لاتین در استانبول چاپ شده.

13- روزه در اسلام در فوائد طبی و روحی روزه و مسائل لازم اتفاقی بین فقهاء به ترکی لاتین چاپ شده.
14- شخصیت امام صادق علیه‌السلام این کتاب مجموعه بحثهائی است درباره مذهب جعفری نوشته شده و پاسخ اشکالات به مذهب جعفری و تحقیق در اختلافات اصولی و فروعی است اصل کتاب فارسی و به ترکی لاتین ترجمه شده.
15- رساله‌ای در عشق و حقوق درباره حقوق زن از نظر اسلام.
16- طوبی الاخبار در اخباری که مصدر به لفظ طوبی است کتابی است بسیار ظریف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صابری، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد صابری
محل تولد : همدان
شهرت : صابری همدانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1302/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله احمد صابری همدانی در سال 1302 روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیةالله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دورة دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال 1319 به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسة آخوند سکونت داشت. او دروس دورة مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامة استاد خود حاج میرزامحمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال 1325 به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود.آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات و

سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره)، آیةالله العظمی بروجردی(ره)، آیةالله العظمی امام خمینی(ره)، آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و آیةالله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینة علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاءالدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیةالله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیةالله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد.آیةالله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دورة مقدمات و سطح را تدریس کرده است.او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است.او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیةالله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیة آن مبارزان را در خود بپروراند و حماسة دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب «از فیضیة 42 تا فیضیه 57» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها

تجدید چاپ شده است. آیةالله صابری دراین کتاب وقایع پانزده خرداد 1342 و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شعف بسیار می‌کند. آیةالله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی(ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابری، کیومرث

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کیومرث صابری فومنی در سال 1321 در یکی از روستاهای صومعه‌سرا در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش کارمند جزء اداره دارایی و مادرش از سادات ترک‌نسب و از معدود زنان باسواد روستا بود که بعد از فوت پدر به مکتب‌داری پرداخت. کیومرث در کنار شاگردی دکان خیاطی، تحصیل را ادامه داد و در 18 سالگی در روستای کسما معلم شد.
وی در سال 1340 در کنکور رشته سیاسی دانشکده حقوق تهران قبول شد و در سال 1345 شعرهایش در مجله توفیق با امضای "گردن‌شکسته‌ی فومنی" چاپ می‌شد. البته اولین نوشته‌هایش در سال‌های 1336 تا 1339 در مجله امید ایران به چاپ رسیده بود.
گشایش ستون "دوکلمه حرف حساب" در روزنامه اطلاعات و طنز جسورانه او نام « گل‌آقا » را بر سر زبان‌ها انداخت. سفر او به حج در سال 1363 و نوشتن ستونی طنز با عنوان داستان‌های جعفرآقا در خبرنامه این سفر، او را پس از بازگشت از حج، به کار کردن روی طرح این ستون واداشت که درنهایت 23 دی‌ماه سال 63 عنوان "دو کلمه حرف حساب"و نام مستعار "گل‌آقا" را برای خود برگزید و طنزهایش را در روزنامه اطلاعات به چاپ رساند.
طنز سیاسی که تقریبا از سال 59 به این سو تعطیل شده بود، با شکل‌گیری این ستون طنز دوباره احیا شد. ابوالفضل زرویی نصرآباد - طنز نویس - درباره طنز گل‌آقا معتقد است: در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب به‌خاطر شروع جنگ و مسائلی از این دست طنزپردازان بیشتر سعی می‌کردند به مسائل غیر سیاسی بپردازند و مردم به دلیل دغدغه‌های معیشتی حوصله طنز خواندن نداشتند و کسی هم جرأت نزدیک شدن به طنز سیاسی را نداشت. در این دوره بروز و ظهور قلمی به اسم گل‌آقا بین مردم شادمانی زیادی را ایجاد کرد؛ زیرا آنها شاهد نوعی نگارش طنز بودند که تا حالا تجربه نکرده بودند؛ آن هم طنزهای بسیار محکم سیاسی با رویکردی عامه‌فهم و پر گوشه و کنایه که با روحیه هر ایرانی موافق بود.
خود وی در جایی عنوان کرده بود که ما با کسی جنگ و دعوا نداریم؛ هر کسی، مقامی، رییسی، مدیر کلی، معاونی، وزیری که مایل نیست درباره‌اش مطالبی بنویسیم، البته کتبا به ما بنویسد و ما نوشته‌شان را روی چشم می‌گذاریم؛ منتهای مراتب کار خودمان را می‌کنیم و شرط کار هم

همین است که هر کس کار خودش را بکند و حالا حالاها میل به کشک ساییدن هم نداریم؛ زیرا که آمده‌ایم بمانیم.
طنز فومنی اغلب به انتقاد از مسؤولان، مشکلات معیشتی مردم و واگویی مشکلات اقتصادی بود. گیتی صفرزاده - سردبیر ماهنامه گل‌آقا - طنز فومنی را عاری از کینه، نفرت و تهمت و همراه با مهربانی دانست که قصد ترمیم داشت. فومنی صابری در سال 58 به اولین مسؤولیت دولتی خود یعنی مدیر کلی دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌یی وزارت آموزش و پرورش رسید که با سرآمدن دوره دولت موقت، دوره مدیر کلی او هم به سر رسید؛ اما هنگامی که دوست صمیمی او یعنی شهید رجایی به نخست وزیری و ریاست جمهوری رسید، صابری به مشاورت فرهنگی نخست وزیر و رییس جمهور منصوب شد؛ ولی شوق نوشتن و قلم، بر قدرت سیاسی پیروز شد و در سال 62 از مشاغل سیاسی کناره گرفت.
او می‌گفت: به هیچ جناحی وابسته نیستم و سعی می‌کنم با مردم و انقلاب به صداقت رفتار کنم؛ اینها و بسیاری از مسائل دیگر موجب می‌شود تا با همان لحن محکمی انتقاد کنم که یک موافق حمایت و جانبداری می‌کند. با این همه من هم از تیر اتهام جان سالم به در نبرده‌ام؛ بارها به مقابله با من برخاسته‌اند، اما من کار خود را کرده‌ام.
زرویی نصرآباد نیز به این جنبه شخصیت صابری فومنی تأکید دارد و پایبندی وی به اخلاقیات را در کلام و نوشتار از خصوصیات بارز گل‌آقا می‌داند.
مؤسسه فرهنگی گل‌آقا علاوه بر انتشار هفته‌نامه گل‌آقا، نشریات بچه‌ها گل‌آقا و ماهنامه گل‌آقا را نیز منتشر می‌کرد که صابری فومنی شعرهای طنز و کاریکاتورهای مجموعه‌های منشتر شده را به‌صورت کتابهایی منتشر کرده بود.
وی همچنین چهار جلد از دو کلمه حرف حساب را به‌صورت کتابی درآورده بود.
اولین شماره هفته‌نامه گل‌آقا در 23 دی 69 منتشر و آخرین شماره آن در سیزدهمین سال انتشار در سال 81، پس از آن دیگر منتشر نشد و صابری فومنی بنا به علتی اعلام نکرده، انتشار این نشریه را متوقف کرد. او قول داده بود عاقبت روزی دلیل تعطیل کردن هفته‌نامه را به شرطی که عمری باقی بود، بگوید که اجل به او مهلت این کار را نداد.
شعرهای طنز صابری برای بچه‌ها که با شعرهای او بزرگ شدند و بزرگسالان که با شعرهایش زیستند، همیشه باقی بوده و خواهد ماند.
وی هر چند مدت، مجموعه‌ای از مطالب یا کاریکاتورهای منتشرشده در گل‌آقا را در قالب کتاب یا سالنما منتشر می‌کرد. روحش شاد

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(373- 449 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورک در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (688)، الاعلام (198 / 7)، الاعلام بوفیات الاعلام (299 / 1)، انساب سمعانی (506 / 3)، ریحانه (198 / 7)، سیر النبلاء (44 -40 / 18)، شذرات الذهب (283 -282 / 3)، العبر (294 / 2)، الکامل (81 / 8)، کشف الظنون (53)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (19 -16 / 7)، معجم المؤلفین (276 -275 / 2)، النجوم الزاهره (63 / 5)، الوافی بالوفیات (144 -143 / 9)، هدیه العارفین (210 / 1).

صادق نوبری تبریزی، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1292 ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در تبریز، در 1312 ش، به پایان رساند. سپس وارد دانشکده‌ی کشاورزی کرج شد و موفق به اخذ مدرک مهندسی کشاورزی گردید و پس از آن قسمت قضایی دانشکده‌ی حقوق را به پایان رساند. وی عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله نویسندگی مجله‌ی «کشاورزی» وزارتخانه بود. از آثار وی: «گلهای کرج»، شعر؛ «گوشه‌ای از دانشگاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2784 ،2768 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (964 -963 / 2).

صادقی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کتابدار. نام وی صادق بیک و از ایل افشار بود، ادیب و دانشمند (و. تبریز 940 ه.ق.) وی بیست ساله بود که پدرش به قتل رسید و صادقی مدتی با امرای افشار به سر برد و در عهد شاه اسماعیل دوم وارد کتابخانه دولتی شد، و از طرف شاه عباس بزرگ به منصب کتابداری سرافراز گردید. وی در نظم و نثر فارسی و ترکی دست داشت و به نقاشی و طراحی علاقمند بود. نقاشی را به نزد مظفر علی نقاش (خواهرزاده بهزاد) فراگرفت. وی تذکره‌ای به نام «مجمع الخواص» در احوال معاصران خویش به ترکی نوشته که به فارسی ترجمه شده و به طبع رسیده. از آثار دیگر اوست: «زبدة الکلام» (شامل قصایدی در منقبت و مدح)، مثنوی «فتح‌نامه عباس نامدار» «شرح حال» (مثنوی شامل مقالات و حکایات به وزن مخزن‌الاسرار نظامی و بوستان سعدی)، مثنوی سعد و سعید (به وزن خسرو و شیرین)، غزلیات پارسی و ترکی (به ترتیب حروف تهجی)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صادقی اردستانی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد صادقی اردستانی
محل تولد : اردستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/7/1

صادقی پناه، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن صادقی پناه
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/6/21
زندگینامه علمی
سال 75-80 همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال 80 در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال 82 به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزة علمیه قم در سال 82 رساله سطح 3 بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای 78-81 نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.
تدریس در حوزه و دانشگاه از سال 78 تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال 1368 با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال 1374 در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح 4 حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.
البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی، علی اشرف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صادقی، علی اشرف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی‌اشرف صادقی (1320 ـ قم) دارای دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی هم اکنون مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی‌و عضو هیئت‌علمی و استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران می باشد. کتاب "زبانهای ایرانی" ترجمه وی ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی والدین و انساب : پدر علی اشرف صادقی فرهنگی بود و خانواده پدری اش عمدتا همه از روحانیون بودند.پدربزرگش -اشرف الواعظین- واعظ معروف قم و جدش حاج ملا محمد صادق مجتهد بود.خاطرات کودکی : علی اشرف صادقی از دوران کودکی چنین اذعان دارد: "در خانواده ای بزرگ شدم که از همان دوره ابتدایی شوق کتاب خواندن را در من برانگیخت.معلم کلاس اول ابتدایی ام ،پدرم بود.چون ایشان فرهنگی و مدیر مدرسه و معلم بود این است که کلاس اول را پیش او خواندن و از همان ابتدا خیلی برای من مایه گذاشت ودر خانه هم به من کمک می کرد.من خواندن و نوشتن را سریع یاد گرفتم."تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: دیپلم ادبی از دبیرستان حکیم نظامی قم دارای لیسانس ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در 1341 (بعنوان شاگرد اول فارغ التحصیل شد و با بورس دولتی در سال 1342 به کشور فرانسه اعزام گردید) دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه سربن (پاریس) در 1967 (1346).خاطرات و وقایع تحصیل : علی اشرف صادقی در دوران تحصیل در دبیرستان کتاب برهان قاطع نوشته مرحوم دکتر معین را مطالعه می کرد.او در توضیحات دکتر معین و متن برهان قاطع مقدار زیادی اشتباه دید و به ایشان این اشتباهات را رساند. دکتر معین هم در توضیحات آخر جلد پنجم این توضیحات را به اسم دکتر صادقی اضافه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اشرف صادقی در کنار تحصیل در فرانسه در رشته زبان شناسی عمومی به کلاسهای زبانهای قدیم ایران مانند زبان پهلوی و زبان اوستا می رفت و استفاده می کرد.ایشان از همان دوران مقطع متوسطه به زبان فارسی علاقه مند بود او در کنار دروس دبیرستان کتابهایی همچون

برهان قاطع (مرحوم دکتر معین چهار جلد) را مطالعه میکرد.استادان و مربیان : علی اصغر فقیهی دبیر دبیرستان و دارای کتابهای متعدد در تاریخ آل بویه و تاریخ قم و امثال اینها است.از دیگر اساتید علی اشرف صادقی می توان به چند تن اشاره کرد: مرحوم بدیع الزمان فروزانفر ،مرحوم استاد جلال همایی ،مرحوم استاد پورداود،دکتر خانلری،دکتر صفا،دکتر معین،دکتر حسین خطیبی،دکتر حسن منوچهر،دکتر صادقی گوهرین فاستاد ،استاد محمد تقی مدرس رضوی ،مرحوم میر جلال الدین محدث ارموی،مرحوم مجتبی مینوی و دکتر صادق کیاهم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا ارژنگ از همکلاسیهای علی اشرف صادقی بودند.دکتر کیا،دکتر ماهیار نوابی ،دکتر میلانیان ،دکتر باطنی و دکتر تفضلی از همکاران ایشان بشمار می آیند.همسر و فرزندان : علی اشرف صادقی در سال 1350 در سن 31 سالگی با یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات(رشته زبان انگلیسی) ازدواج نمود.وقایع میانسالی : علی اشرف صادقی در سال 1348 پس از اخذ دکتری رشته زبان شناسی به استخدام در گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای مورد تصدی علی اشرف صادقی به قرار زیر است: 1. عضو شورای ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما 2. عضو شورای علمی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی 3. مدیر و مؤسس مجله زبان‌شناسی از 1363 تاکنون 4. استاد پایه 20 گروه زبان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از سال 1348 5.مدیر گروه فرهنگ‌نویسی و مدیر گروه دستور زبان فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی 6. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال 1370 مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اشرف صادقی در سال 1363 مجله زبان شناسی را راه اندازی کرد.جوائز و نشانها : از علی اشرف صادقی در سال 1380 در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار عرصه زبان و ادبیات فارسی تجلیل به عمل آمد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب "زبانهای ایرانی" ترجمه وی ، در دوره هیجدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران(از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،به عنوان کتاب سال می باشد.چگونگی عرضه آثار : از دکتر صادقی 5 کتاب و 130 مقالهٔ علمی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است.آثار : 1 تدوین بخشی از حرف "گ" لغت نامه دهخدا ویژگی اثر : تدوین2 ترجمه دو فصل از کتاب زبان‌شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی ویژگی اثر : از ن. ایمیث و د. ویلسون، تهران، آگاه، 1367.3 ترجمه کتاب زبانهای ایرانی ویژگی اثر : از ی. اورانسکی، تهران، سخن 1378.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و

برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «زبانهای ایرانی» زبانهای ایرانی / یوسف میخائیلوویچ اُرانسکی؛ ترجم? علی اشرف صادقی. – تهران: سخن، 1378.- 208ص. جدول. کتابنامه: ص[183] – 200؛ همچنین به صورت زیرنویس. این اثر از جمله کوششهای ارجمندی است که برای طبقه بندی زبانها وگویشهای ایرانی صورت پذیرفته است. کتاب حاضر در پنج فصل سامان یافته است. در ابتدا اطلاعاتی درباره خانواده زبانهای ایرانی ارائه می دهد و سپس به زبانهای ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو می پردازد و در خاتمه، کلیاتی راجع به طبقه بندی تاریخی و گویش شناختی این زبانها بیان می کند. مترجم محترم، این کتاب را از روی ترجم? فرانسوی اصل کتاب به فارسی برگردانده و به منظور رفع برخی نارساییها و سهوها، متن کتاب و به ویژه آوانویسیهای آن را با اصل روسی کتاب مقابله کرده است که مبیّن دقت و رعایت امانت در ترجمه است. اضافه کردن سالهای قمری در کنار سالهای میلادی، برخی توضیحات و ذکر بعضی منابع مهم و اساسی (علاو بر متن گسترش یافت? کتابنام? پایان کتاب توسط مترجم فرانسوی) از دیگر اقدامات ایشان است. 4 تصیح ترجمه الابانه، شرح السامی فی الاسامی ویژگی اثر : ضمیمه شماره 10 نامه فرهنگستان، 1379. 5 تصیح خلاصهلغت فرس اسدی ویژگی اثر : تهران، ضمیمه شماره 9، نامه فرهنگستان، 1379. 6 تصیح فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، منسوب به قطران ویژگی اثر : تهران، سخن، 1380. 7 تصیح لغت فرس اسدی ویژگی اثر : با همکاری دکتر فتح‌اللـه مجتبائی، تهران، خوارزمی، 13658 تکوین زبان فارسی، تهران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد ایران، 13579 دستور زبان فارسی برای رشته فرهنگ و ادب آموزش و پرورش ویژگی اثر : با همکاری غلامرضا ارژنگ، 3 جلد 7-1355.10 فارسی قمی ویژگی اثر : قم، باورداران، 1380. 11 گردآوری یادنامه دکتر احمد تفضلی ویژگی اثر : تهران، سخن، 137912 مسائل تاریخی زبان فارسی ویژگی اثر : تهران، سخن، 1380.13 نگاهی به گویشنامه‌های ایرانی ویژگی اثر : تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مرکز نشر دانشگاهی، 1379.

منابع زندگینامه :جشن نامه دکتر علی اشرف صادقی ،پژوهشهای زبان شناسی در ایران (1) به اهتمام امیر طبیب زاده ،انتشارات هرس،تهران 13825چهره های ماندگار ،بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی مشاهیر ایران ،به اهتمام محمد اسعدی ،انتشارات زمان و جهان فرهنگ تهران 1382

صادقیان، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
متون قدیم زبان فارسی و علوم بلاغی، نقد و بررسی شعر و ادبیات، تدریس متون فارسی و صرف و نحو عربی و معانی در دانشگاههای شیراز، تربیت معلم و یزد از سال 1351، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تصحیح روزمه خسروان، طراز سخن در معانی و بیان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 16، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبی و تاریخی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صاعدی فراوی نیشابوری، ابوعبدالله محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(530 -441 ق)، مسند، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در نیشابور به دنیا آمد. «صحیح» مسلم را از ابوحسین عبدالغفار بن محمد فارسی و «جزء» ابن نجید را از عمر بن مسرور زاهد استماع کرد و از ابوعثمان صابونی و از ابوسعد کنجرودی و حافظ ابوبکر بیهقی و محمد بن علی خبازی و ابویعلی اسحاق صابونی و احمد بن منصور مغربی و عبدالله بن محمد طوسی و ابوالقاسم قشیری و ابوسیعد محمد خشاب و محمد به عبدالله عدوی هروی و نصر بن علی طوسی حاکم و علی بن یوسف جوینی و اسماعیل بن مسعده بن اسماعیلی و ابوالولید حسن بن محمد بلخی و قاضی محمد بن عبدالرحمان نسوی و امیر مظفر بن محمد میکالی و دیگران حدیث شنید. مدتی ملازم امام الحرمین بود و از وی فقه آموخت. خود نیز مدتی در حرمین شریفین اقامت گزید و به فقیه حرم مشهور گردید. ابوسعد سمعانی و یوسف بن آدم و ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوالخیر قزوینی و منصور بن عبدالمنعم فراوی و ابوالفتوح محمد فاطمی و موید بن محمد طوسی و بسیاری دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور از دنیا رفت. از آثارش: «المجالس فی الوعظ و التذکیر»، که به آورده‌ی ذهبی بیش از هزار مجلس املاء است؛ «اربعون حدیثا»، کتابی در «فروع الفقه» شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (429 / 2)، سیر النبلاء (619 -615 / 19)، شذرات الذهب (96 / 4)، العبر (439 -438 / 2)، الکامل (356 / 8)، معجم البلدان (245 / 4)، معجم المؤلفین (127 / 11)، الوافی بالوفیات (323/ 4)، وفیات الاعیان (291 -290 / 4)،هدیه العارفین (87 / 2).

صاعدی نیشابوری، ابوالعلاء صاعد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 506 ق)، خطیب، فقیه، قاضی و محدث. خطیب نیشابور و قاضی خوارزم بود. از برجستگان خاندان صاعدی است. وی از پدر و جد و سایر نزدیکانش حدیث شنید. او گرچه بسیار حدیث شنیده، اما احادیث کمی را روایت کرده است. او و اعظی شیرین‌بیان بود. نام وی در «هدیه العارفین» تحت عنوان نیشابوری کرمانی آمده است. گفته‌اند که کتابی در مناقب ابوحنیفه و احادیث وی نوشته است. از دیگر آثارش «الاجناس»، در فروع است که دستجردی، در بغداد، پاره‌ای از آن را روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (11)، النجوم الزاهره (201 / 5). هدیه العارفین (421 / 1).

صافی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم صافی در سال 1327 در شهر گلپایگان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی در گرایش علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره است و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : علوم کتابداری و ادبیات شبه قاره
والدین و انساب : پدر قاسم صافی، مصطفی صافی دارای تحصیلات قدیمی، شاعری خوش قریحه (متخلص به مصفا) و عضو وزارت آموزش و پرورش بود . او از استعداد نقاشی و خوشنویسی بهره داشت و در سن 83 سالگی در سال 1365 دار فانی را وداع گفت. پدرش مشهدی احمد از دانایان ، خوش نویسان و نویسندگان و رئیس انجمن شهر گلپایگان بود و در سال 1308 درگذشت. پدربزرگ پدری قاسم صافی ملاعباس از علما و دانشمندان بنام بود و نام مادر قاسم صافی فاطمه تدین، دارای تحصیلات قدیمی بود که در سال 1382 در سن 90 سالگی درگذشت. نام پدربزرگ مادری قاسم صافی، میرزا محمدصادق از علمای بنام عصر خود بود. سلسله نسب مادری او به حضرت شیخ بهائی رحمة الله علیه می رسد.
خاطرات کودکی : قاسم صافی در دوران کودکی به حضور و همکاری در مجالس اعیاد بخصوص ولادت حضرت ولی عصر بها می داد و چون آوایی رسا و صدایی خوش داشت در مسجد محل اذان می گفت. ایشان از نوجوانی تا به امروز که 60 سال از عمر او می گذرد هزینه تحصیل و معاش را خود برعهده داشته است. دکتر صافی از دوران تحصیل چنین می گوید: " ناظمین دوره ابتدایی و متوسطه ، افرادی وحشت آور بودند. پیوسته با شلاق و ترکه و لگد به جان محصلان می افتادند... در اواخر دوره متوسطه، دبیری باغیرت و نترس در برابر ناظمین که روزگاری شاگرد آنان بود به پاخاست و با هدایت محصلان و راهپیمایی دانش آموزان ، مراسم آتش سوزی شلاق به پا کرد و ناظمان را خلع سلاح نمود." از دیگر خاطرات کودکی ایشان می توان به صعود دکتر صافی با دوستانش به کوه بلند و سنگلاخ الوند واقع در گلپایگان اشاره کرد که در ابتدای پایین آمدن از کوه ناگهان سقوط می کند و بعد از معلق زدن مسافتی، کنار تخت

سنگی، سالم متوقف می شود به طوری که ناظرین از سلامتی وی بهت زده می شوند. او چندبار در حوادث دیگر، مرگ را در یک قدمی خود تجربه کرده است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : قاسم صافی در خانواده ای متولد شد که از لحاظ فرهنگی، مذهبی در سطح بالا و از نظر مالی متوسط بودند. ایشان دارای دو خواهر و پنج برادر است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : قاسم صافی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در گلپایگان، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی و علوم کتابداری به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه داد.ایشان همچنین دوره آموزش روابط بین المللی و رایزنی و دیپلماسی در وزارت امورخارجه را گذرانده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : قاسم صافی از دوران تحصیل در دانشگاه تهران خاطرات زیادی به یاد دارد که می توان به یک مورد از آنها اشاره کرد: "در سال 1347، کنفرانسی درباره امام محمدغزالی به وی موکول می شود. قسمت عمده ای از کتاب غزالی نامه اثر استاد جلال الدین همایی و نیز قسمتهایی از کیمیای سعادت و احیاء العلوم و اشعار مانده از این فیلسوف و عارف نامی را به شیوه خطابه ایراد می کند که جلال آل احمد را بسیار تحت تأثیر قرار می دهد به نحوی که با تشویق های مکرر به جای او پاسخگوی پرسشهای احتمالی حاضران می شود خطاب به دانشجویان می گوید: این جوان کتابی را با ظرایف سخنوری از حفظ بیان کرد به وی توصیه می کنم با این حافظه ای که دارد قرآن را حفظ کند."
فعالیتهای ضمن تحصیل : قاسم صافی ضمن تحصیل، به ورزش باستانی، شنا و کوهنوردی می پرداخت و در نشستها و سخنرانیهای علمی و مذهبی شرکت می کرد. وی همچنین کتابدار کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و کتابدار کتابخانه وزارت کار و امور اجتماعی بود.
استادان و مربیان : جلال آل احمد، دکترامیرحسین آریانپور، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکترمحمدجعفرمحجوب، دکترلطفعلی صورتگر، دکتر عباس اکرامی، دکترسیدمحمداکرم شاه ، دکترغلامحسین شکوهی، استادمحمد تقی جعفری، استاد حسینعلی راشد، دکترعلی شریعتی، دکترسید علی افقه، دکتر هدایت الله نیرسینا، دکتر ماهیار نوابی از استادان و مربیان قاسم صافی بوده اند
هم دوره ای ها و همکاران : استاد محمدتقی دانشپژوه، استاد احمد منزوی، محمدعلی سپانلو ، دکتر مظفر بختیار، دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر سیدمحمدمهدی جعفری، دکترمحمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر علیمحمد کاردان، دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی،

دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر ناهید بنی اقبال، دکتر منوچهر محسنی، دکتر حسین لسان، دکتر رجبعلی مظلومی، ، دکتر جهانشاه صالح، پروفسور فضل الله رضا، دکتر هوشنگ شریفی، دکتر پزشکپور مستشفی، دکتر شاهرخ امیر ارجمند، دکتر عبدالحسین مشکوة الدینی، دکتر محمدمهدی ناصح، دکتر سبط حسن رضوی، دکترناظرزاده کرمانی، دکتر مظاهر مصفا، سیدمحمد خاتمی و دکتر زریاب خویی از هم دو ره ای ها و همکاران قاسم صافی می با شند.
همسر و فرزندان : قاسم صافی متأهل و دارای دو فرزند دختر و پسر می باشد. – عالیه، دارای تحصیلات مهندسی صنایع غذایی- علیا، دانشجوی داروسازی در دانشگاه شهید بهشتی- شهاب الدین دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران در رشته مهندسی طراحی محیط زیست.
وقایع میانسالی : از قاسم صافی در سال 1354که کارشناس امور فرهنگی و مدیر مجله دانشکده در دانشگاه تهران بود، خواسته شد در جلسات مربوط به چگونگی و نشر کتاب " ایران عناصر سرنوشت " که تبلیغاتی برای رژیم پهلوی توسط پروفسور رولف بنی انجام می گرفت شرکت کند. هرچند منافع شغلی و مادی زیادی دربرداشت لیکن چون با روحیات ایشان سازگاری نداشت امتناع کرد و به استناد سرپیچی از اوامر اعلیحضرت و ...؟ حکم اخراج ایشان از مقام مافوق خواسته شد. معاون دانشجویی و آموزشی دانشگاه و برخی از استادان از دکتر صافی حمایت کردند و مقدر شد ایشان به تدریس و پژوهش روی آورد. دکتر از ایام انقلاب و از سرپرستی رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فارسی ایران در راولپندی و اسلام آباد پاکستان و مسائل روابط بین الملل و از زندگی خود، داستانهای زیادی به خاطر دارد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - کارشناس تحقیقات و انتشارات دانشگاه تهران و مدیر مجله دانشکده نشریه مرکزی دانشگاه- رئیس اداره خدمات کتابداری و مشاور کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران- سردبیر مجله کتابداری- دیپلمات فرهنگی ایران در پاکستان – مشاور معاونت روابط بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئول دبیرخانه اجرایی گسترش زبان فارسی و ایران شناسی - عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران و شورای مجلات علمی این دانشگاه، عضو کمیته تحقیقات علمی و کمیته علمی کتابخانه ها.
فعالیتهای آموزشی : قاسم صافی در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی و مراکز تربیت معلم در دوره های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در رشته های علوم انسانی و کتابداری حدود 15 هزار ساعت تدریس کرده است. وی مدتی نیز استاد افتخاری دانشگاه های جی سی و پنجاب لاهور پاکستان در دوره تحصیلات تکمیلی و مدرس دوره بازآموزی زبان فارسی در دهلی

بوده است. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط قاسم صافی: تاریخ ادبیات ایران و جهان ، زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با متون فارسی نمایشی، آیین نگارش و گزارش نویسی، مرجع شناسی و شیوه تحقیق، روش تحقیق و تدوین پایان نامه، روش ها و تکنیک برنامه ریزی آموزشی ، کلیات روش تدریس، کلیات کتابداری.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : قاسم صافی دبیرخانه شورای اجرایی گسترش زبان فارسی در معاونت روابط بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بنا نهاد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : قاسم صافی در کنار تدریس به تألیف کتاب و مقاله و مطالعه پیرامون رشته تخصصی خود می پردازد. ایشان همچنین در نگارش و اجرای برنامه های فرهنگی در سیما و ویرایش انتشارات دانشگاهی همکاری کرده است. نویسندگی و اجرای برنامه های آیینه اندیشه، هنر و اندیشه و هفت گنبد در سیما از فعالیت های اوست.
آرا و گرایشهای خاص : - اعتقادات و گرایشات قاسم صافی به شرح زیر است: تأکید بر تسامح و تساهل و مذاکره و تبادل نظر در نظام کاری و اجرایی و ارتباطات جهانی- ارزش نهادن به مبانی عرفان و شخصیت های عرفانی و ناقدان مصلح اجتماعی و ترویج اصول اخلاقی- اعتقاد به حاکمیت قانون در نظام سیاسی و اداری با معیار قرار دادن حق در امور نه صرفاً توجه به نظر مقامات یا شخصیت اشخاص- بکارگیری متخصص ترین، مجرب ترین و با تقوی ترین نیروی انسانی هر ارگان در رأس ادارات مربوط به آن-احترام به شهروندان و صیانت از آنها در مسیر صداقت پیشگی، مردم نیازاری و عدالت گستری؟ نظارت و هدایت در عملکرد کارکنان و مسئولین و شناسایی ریشه های انحراف و برطرف کردن بسترهای وقوع جرم به جای برخورد تهدیدآمیز و ناگهانی.
چگونگی عرضه آثار : قاسم صافی دارای 25 کتاب تألیفی و بیش از 50 مقاله و گزارش علمی است ----------
---
آثار :
1 آیین نگارش و ویرایش
ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،1384.
2 از چاپخانه تا کتابخانه(مراحل کتاب نویسی- چاپ سپاری- کتابداری و کتابخوانی).
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، 1378 ، چاپ نهم، ویراست دوم ، 1384.
3 بهار ادب(تاریخ زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، 1382.

4 تحقیقی در زمینه کاربرد فراغت دانشجویان
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، 1364
5 رساله معارف(دربیان کیفیت توجه اتم با احوال و آثار صدر الدین قونوی)
ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد، 1378
6 روش تالیف و نقد و اصلاح
ویژگی اثر : تألیف، نشر مؤلف ، 1364
7 سرزمین و مردم پاکستان
ویژگی اثر : تألیف، حسینیه ارشاد؟ 1378
8 سفرنامه پاکستان
ویژگی اثر : تالیف,کلمه ,1366
9 سفرنامه سند (از کراچی تا شهر خاموشان)
ویژگی اثر : تالیف,انتشارات دانشگاه تهران ,1385
10 عکسهای قدیمی از رجال – مناظر- بناها و محیط اجتماعی ایران
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، 1374، چاپ پنجم 1384
11 فهرست نسخه های خطی کتابخانه سندالوجی
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه جی سی ، 1386
12 قلمرو اندیشه جلال آل احمد
ویژگی اثر : تالیف,دانشگاه تهران ,1364
13 کارت پستالهای تاریخی ایران
ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368
14 گفتگو با ایرانشناسان و استادان ادب فارسی
ویژگی اثر : تألیف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1370
15 گلزار ادب (تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان)
ویژگی اثر : تألیف، زیرچاپ
16 گنجینه خطی وهنری تالپوران
ویژگی اثر : تألیف، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1383
17 مجموعه گفتارهایی درباره چند تن از رجال ادب و تاریخ ایران
ویژگی اثر : تألیف، دانشگاه تهران، 1357
18 مرجع شناسی عمومی فارسی وعربی
ویژگی اثر : ، انتشارات سپهر سخن و چاپار ، 1385، ویراست دوم،1386
19 مقدمات روشهای مطالعه و پژوهش
ویژگی اثر : تألیف، نشر ویرایش،1379.چاپ یازدهم، ویراست دوم، 1387
20 نامه ها ونوشته های محمد جلال الدین طباطبایی زواره ای اردستانی باشرح احوال وآثار و محیط اجتماعی او
ویژگی اثر : تالیف,دانشگاه تهران ,1374

منابع زندگینامه :
1http://dbfm.ut.ac.ir:7777/tunapp/tunserv/tun.ProfCV?
تکمیلfunc=shortcv&ProfId=15563&pLang=1183012
پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر قاسم صافی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی -تابستان 1386

صافی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صافی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1356 در شهرستان قم در خانواده ای مذهبی و روحانی متولد شدم. بعد از تحصیلات متوسطه در سال 73 وارد حوزه شدم از سال 71 شروع به حفظ قرآن کردم در سال 78 بیش از 28 جزء را حفظ کردم و بهمین دلیل بیشتر فعّالیّتها در زمینه حفظ قرآن و تربیت حافظ بوده در مراکزی مثل مهد قرآن و مجتمع های فرهنگی و سازمان تبلیغات. در سال 81 با آشنایی با جامعه القرآن الکریم قم بعنوان مسئول شعبه ازنا چهارده ماه در این شهرستان مشغول به تربیت حافظ بوده و زمینه یک مقالات رمزگردانی آیات مشابه فراهم شد و بعد از بازگشت به قم با انتشار آن مقالات در نشریه که هنوز ادامه دارد در دوره های تربیت مربی جامعه القرآن بعنوان مدرس رمزگردانی مشغول بوده و با اصرار جامعه القرآن الکریم انشاء الله تبدیل به کتاب خواهد شد.

صافی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجواد ملقب به صافی ابن ملا عباس گلپایگانی عالمی فقیه و مصنفی ادیب و فاضلی جلیل از حسنات معاصر ما بوده‌اند. ایشان در 1288 در گلپایگان متولد شده و پس از پرورش در سال 1305 قمری به اصفهان مهاجرت و از محضر حکیم قشقائی میرزا جهانگیر خان و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمدعلی توسرگانی و سید محمدباقر درچهی و آقانجفی اصفهانی و غیرهم حدود ده سال استفاده نموده و در سال 1316 ق به گلپایگان مراجعت و به تدریس و تصنیف و سایر امور پرداخته تا به رحمت حق پیوسته است
از آثار اوست (گنجینه گهر) و (گنج عرفان) و (مصباح‌الفلاح) و (نفایس‌الوفان) و غیره و از باقیات الصالحات است دو فرزند دانشمند و بزرگوارش بنام آیت‌اللّه حاج آقا علی صافی که از مدرسین بزرگ حوزه علمیه و 2 حجةالاسلام والمسلمین حاج آقا لطف‌اللّه صافی صاحب (منتخب‌الاثر) و تالیفات دیگر که در ج 2 ص 188 و 189 گنجینه ایشان را یاد نمودیم
حجةالاسلام آشیخ محمدحسن بن ملا محمدحسین گلپایگانی عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان آقا نجفی اصفهانی و غیره بوده و در حدود 1315 وفات نمود
(تو 1368 -1288 ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. در گلپایگان به دنیا آمد و در همان شهر نشوونما یافت. در حدود 1305 ق به اصفهان رفت و در محضر درس حکیم معروف، میرزا جهانگیرخان قشقایی، و میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد علی تویسرکانی و سید محمد باقر درچه‌ای و آقا نجفی اصفهانی و برادرانش، آقا نورالله و ثقه‌الاسلام، حاضر شد و حدود ده سال در آن شهر به کسب علم پرداخت. او همچنین در تهران نزد شیخ فضل‌الله نوری تلمذ کرد. در 1316 ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس و تصنیف و سایر امور دینی پرداخت. وی در قم مدفون است. از آثار منظوم و منثور وی: «گنجینه‌ی گهر» یا سخنان پیغمبر (ص)، شعر؛ «گنج عرفان» یا سخنان امیر مومنان (ع)؛ «مصباح الفلاح و مفتاح النجاح»؛ «نفایس العرفان»؛ «دیوان» شعر، حدود پانزده هزار بیت؛ «صافی نامه» یا «فیض ایزدی»، در پاسخ احمدی؛ «بشارت میلادیه»؛ «اشعار شیوا»، در رد باب و بها؛ «گنج دانش»، پندنامه، شعر.[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (241 / 24 ،116 / 21 ،239 / 18 ،5 / 15 585، / 9)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 332 -331 / 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (422 -421 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (421 / 2).

صالح، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن صالح
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1353در شهر قم به دنیا آمدم سال 1357به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.
همزمان با ورود به حوزه در سال 72 وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال 73 به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال 1374اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.
حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحپور، قدرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قدرت الله صالحپور
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
زندگی نامه اینجانب مدت 50 سال به عنوان واعظ شهیر شهر در مجالس و مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان عزاداری کرده ام و افتخارم این است که توانسته ام عمرم را در این راه سپری می کنم از طرف دانشگاه های اصفهان و تهران و مراکز حوزه ی علمیه های قم و اصفهان و دانشگاه های آزاد شهرضا، مجلسی، دهاقان، پیشنهادهایی برای تدریس ارائه شد که اینجانب منبر را بر تدریس ترجیح دادم بنابراین زندگینامه اینجانب وقف حسین بن علی علیه السلام آقا و سرورمان شده است و در اکثر شهرستان های ایران منبر رفته ام.

صالح‌رشتی، صالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب.
تولد: 1311ق.، رشت.
درگذشت: 11 فروردین 1359.
سید صالح صالح، فرزند سید عبدالوهاب صالح ضیاء بری، در سال 1322 ق.، از عتبات به رشت مراجعت نمود. در آن وقت رشت از مرکز حوزه‌ی علمیه بود و آقا سید عبدالوهاب نیز به جمع مدرسین حوزه‌ی علمیه رشت پیوست. سید صالح به همراه پدرش پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس انجمن‌های ملی و ایالتی جدید در رشت، در اکثر این انجمن‌ها سمت ریاست و نیابت ریاست را داشتند و فعالانه شرکت می‌کردند. در جریان استبداد صغیر به همراه پدرش، بیش از یک ماه در مشهد تبعید بود و پس از مراجعت به گیلان، ناگزیر به اقامت در ضیاءبر شد.
پس از التیماتوم روس در سال 1290، و پیاده شدن قوای روسی در انزلی، نکراسف کنسول روس دستور بر هم ریختن چاپخانه‌های جراید ملی را داد. مأموران وی در یورش و حمله به خانه‌ی مجاهدین و علماء به خانه سید صالح ریختند و تمامی اوراق و اسناد و مکاتبات را به آتش کشیدند. در این واقعه تألیفات اجداد سید صالح از میان رفت و خود او را به همراه عده‌ای دستگیر و از راه پیله بازار به انزلی و از آنجا به کشتی به بادکوبه فرستادند و در زندان قزامات محبوس کردند.
در اوایل ماه صفر 1330 ق. برابر با بهمن 1290، زندانیان را به رشت آوردند و در کنسولگری روس زندانی کردند. سپس آنها در دادگاهی که از قزاقان ساخلوی رشت تشکیل شده بود، محاکمه کردند. در این محاکمه چند نفر به اعدام محکوم شدند که سید صالح نیز جزو آنها بود، ولی همان شب محکومیت، هیئتی برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به موضوع به رشت آمد. حکم را نقض و هر یک را به نحوی محکوم به تبعید یا زندان کردند.
در 19 صفر همان سال (1290)؛ سید صالح به همراه پدرش از راه بادکوبه، راستوف، اودسا و دریای سیاه به استانبول فرستاده شدند و به مدت پنج سال به حال تبعید در خارج از ایران بودند. پس از دو ماه توقف در استانبول، به بیروت و دمشق رفتند.
در دوره‌ی نهضت جنگل که اتحاد اسلام نامیده می‌شد و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت، سید صالح در تشکیلات قضایی آن بود. پس از انحلال

سازمان اتحاد اسلام، و جنگل، دولت ایران تشکیلات قضایی جنگل را محترم شمرد و از جمله سید صالح را به خدمت قضایی پذیرفت.
سید صالح در سال 1297 رسما وارد وزارت عدلیه شد و در اواخر حیات به ریاست شعبه‌ی دیوان عالی کشور رسید. در زمان سرپرستی اداره‌ی حقوق وزارت دادگستری، مجموعه قوانین موضوع کشور را تدوین و به چاپ رساند.
ترجمه‌ها و مقاله‌های او در مطبوعات گیلان و تهران از قبیل مجله‌ی «فرهنگ»، مجله‌ی «فروغ»، و روزنامه‌های «بدر منیر» و «صورت» چاپ رشت و مجله‌ی «ماه نو» چاپ تهران، انتشار یافته است. سید صالح طبع شعر هم داشت و گاهی به فارسی و گیلی اشعاری می‌سرود.
سید صالح در یازدهم فروردین 1359 وفات یافت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صالحی، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد صالحی
محل تولد : خمین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
جواد صالحی هستم در ششم شهریور سال 1350 در روستای قلعه بردی از توابع الیگودرز متولد شدم.پیشه مردم آن منطقه، در آن زمان، دامداری و کشاورزی بود، گرچه اکنون معدنکاری هم به آن اضافه شده است.تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم، با معلمانی که از آب زلال تر بودند و آقایان گودرزی، جوادی و عسکری. و تا سوم راهنمایی را هم در مدرسه شهید مفتح الیگودرز طی کردم. پس از آن، متأثر از شهید رحمان حیدری سر به تحصیل در حوزه سپردم، چند سالی درشهرستان الیگودرز و سپس راهی دیار قم. از سال 1377 تا 1380 را در این شهر سکنی گزیدم.همه این ایام را با مطالعه شعر و ا دبیات فارسی و کلام جدید طی کردم و در کنار آن، سطح حوزه را تمام کردم و چند سالی هم مدیر واحد فرهنگی و ادبی دفتر تبلیغات بودم. از سال 1380 هم به تهران کوچیدم و همراه با دوستان، از جمله دکتر دیباجی و صادق رحمانی، با رادیو فرهنگ همکاری کردم. این همکاری همچنان ادامه دارد...در سال 77 اولین نوشته من، که نقدی بود بر مجموعه اشعار خانم فاطمه راکعی، با اسم مستعار در روزنامه کیهان منتشر شد. پس از آن هم چند بار دیگر، به همان شیوه، برای آن رونامه مطلب نوشتم و این آغازی بود بر همکاری با روزنامه ها(جمهوری اسلامی، اطلاعات، و یکی دو مورد).چند باری هم برای مجلات(آینه پژوهش، اربستان و...) مطلب نوشتم. شعرهایی هم اینجا و آنجا، در همین ایام، می خواندم یا نشر می دارم. در این مدت، چندین نقد و مطلب هم برای مجله شعر تحریر کردم.از تو می گویم ای بشارت مشکل، عنوان بلند کتاب مختصری است که گزیده ای از شعرهای مرا دربر می گیرد و توسط نشر همسایه در سال 1381 منتشر شد.گزیده نقد و نوشته های گذشته را هم تدوین شده که اگر شد به علاقمندان به این گونه مباحث تقدیم شود. آنچه را که پس از سال 81

سروده ام نیز در دفتری گرد آورده ام که شاید همین روزها در معرض داوری شعر دوستان قرار دهم.

صالحی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن صالحی حاجی آبادی
محل تولد : حاجی آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محسن صالحی حاجی آبادی در سال 1348در روستای نمونه کشور،حاجی آباد از توابع نجف آباد اصفهان متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در همان روستا گذراندم وبعد از گرفتن سیکل وارد حوزه علمیه نجف آباد شده وهمزمان با آن به جبهه های جنگ اعزام شدم. در سهای مقدماتی صرف ونحو تا معالم را در آن حوزه سپری کردم وسپس وارد حوزه علمیه قم شدم ودروس لمعه واصول به بالا را نزد اساتیدی چون آقایان : حسینی خراسانی ،صفائی ،طاهری مازندرانی ،و...گذراندم . سپس به درس آیت الله علوی بروجردی شرکت کرده ولی به علت بیماری وجانبازی چند سالی از دروس حوزه محروم شده وتوفیق شرفیابی نزد اساتید را نداشته ود راین سالها بیشتر به ادبیات فارسی ،قصه ،داستان وشعر کودک ونوجوان ودفاع مقدس پرداختم وهم اکنون در این زمینه ها بیشتر فعالیت می نمایم .

صالحی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای آقا سید محمد صالحی امام جماعت مسجد جامعه بابلسر سالهای متمادی است که در این منطقه که تابستان تاریکی از جهت مسافرین دریائی دارد بوظائف دینی و روحی خود اشتغال دارد.
معظم‌له از سادات اصیل و نجیب و ریشه‌دار بابلسر است که در خاندانی توانگر و متمکن بدنیا آمده و والدش که در سلک تجار و مالکین محترم آن سامانست ویرا برای تحصیل علوم قدیمه پس از فراغت از علوم روز و جدید تشویق نموده و ایشان مدتی در بابل آنگاه مراجعت بمشهد مقدس نموده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مدرسین حوزه مشهد خوانده و بعد از آن بقم آمده و چند سالی از محضر آیات عظام و مراجع کرام حوزه آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله العظمی گلپایگانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و سایرین فقها و اصولا استفاده نموده و بعد بوطن مراجعت و تاکنون بانجام وظائف و خدمات دینی مشغول میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

صالحی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1290، اردبیل.
درگذشت: 1372.
محمود صالحی در کودکی پدر خویش را از دست داد و حاج صالح، نیای او، تربیت و حمایت از وی را به عهده گرفت. وی تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان اردبیل انجام داد و برای ادامه‌ی تحصیل خود به تهران آمد و علوم شرعیه را در سطح، در مدرسه‌ی مروی تهران به پایان رساند. آیت‌الله ابوالحسن شعرانی از استادان او بود.
محمود صالحی فعالیت مطبوعاتی خود را قبل از سال‌های سی آغاز کرد. امتیاز روزنامه‌ی «بهار آذربایجان» در 1330 صادر شد. بعد از کودتای 28 مرداد 1332 «بهار آذربایجان» تعطیل شد. این نشریه پس از بیست و پنج سال تعطیلی، سرانجام پس از انقلاب اسلامی، مجددا منتشر شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صائغ رامهزری، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(و ف 312 ق)، نحوی، لغوی و شاعر. در نحو، لغت، ادب و شعر استاد بود و شعر را نیک می‌سرود. ابوهاشم بن ابوعلی جبائی نزد او تلمذ کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (343 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (67 -65 / 14).

صبا، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1371 -1285 ش)، فهرست‌نویس، روزنامه‌نگار، مترجم، نویسنده و استاد دانشگاه. از نوادگان فتحعلی‌خان صبا بود. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های فرانکوپرسان، دارالفنون و سپس علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه دانشجویان اعزامی به اروپا، به فرانسه رفت و در پاریس از دانشکده‌ی حقوق درجه‌ی دکتری دریافت کرد. همچنین دوره‌ی مدرسه‌ی عالی شارت را که مخصوص تعلیمات مربوط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است، در آن دیار گذراند و دیپلم آنجا را کسب کرد. صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است. وی در روزنامه‌هایی چون: «شفق سرخ»، «نوبهار»، «عصر اقتصاد» و «کیهان» مقالات متعددی نوشته و مدت ده سال سردبیر مجله‌ی «بانک ملی ایران» بود. او مؤسس انجمن دوستداران کتاب بود و شماری از آثار پیشینیان را به سبکی زیبا و دلپسند انتشار داد. صبا استاد کرسی آمار دانشکده حقوق و استاد بایگانی و روش تحقیق در دانشکده‌ی ادبیات بود. او کتابسشناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد و کتابهای فرانسه راجع به ایران را فهرست کرد و مطالبی راجع به ایران در ادبیات فرانسه گردآوری کرد. از دیگر آثار او: «آزلزین»، ترجمه؛ «اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی»؛ «اصول بایگانی»؛ «اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی‌و خصوصی»؛ «گلهای حافظ»، ترجمه؛ «یکی بود یکی نبود»، ترجمه. از جمله‌ی خدمات دکتر صبا پایه‌گذاری کتابخانه‌ی بانک ملی ایران بود.[1]
کتاب شناس.
تولد: 1285، تهران.
درگذشت: 23 فروردین 1371، سن‌دیه‌گو (آمریکا).
محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکده‌ی حقوق پاریس را بگذراند و درجه‌ی دکتری دریافت کند. همچنین مدرسه‌ی عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسه‌ی شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابدای است و صبا نخستین ایرانی است که درجه‌ی علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجه‌ی علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی درباره‌ی ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت کتاب‌شناسی ایران در زبان فرانسه را به وجود آورد که در سال 1936 در پاریس به چاپ رسید. صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانه‌ی بانک ملی در سال 1316 است. دکتر صبا توانست فهرست کتابخانه‌ی ملی را در سال 1324 به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست اداره‌ی آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجله‌ی «بانک ملی» زیر نظر او منتشر می‌شد که به مقاله‌های تخصصی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاصی داشت. کم‌کم همزمان با ادامه‌ی کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا این که پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.
وی کتابی درباره‌ی فن کتابداری در سال 1333 منتشر نمود. وی کتابی هم درباره‌ی بایگانی و کتاب دیگری درباره‌ی آمار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوستداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسه‌ی سفری به اروپا رفت (سال 1332) و تحولات جدید کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (کتاب شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا از ایرج افشار، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران از محمدتقی دانش‌پژوه و فهرست مقالات فارسی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیته بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال 1338 کار دیگری بود که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie francaise de lran paris 1935
Tehran 1951 Tehran 1966 (english)
Biblioraohy of Tehran 1965

فرهنگ بیان اندیشه‌ها (تهران، 1366)؛ صدای انسانی (از ژان کوکتو، تهران، 1338)؛ یکی بود یکی نبود (از فرانسیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، 1338)؛ گل‌های حافظ (از هانری گی، با نقاشی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های

چاپی تألیف خانبابا مشار به نامهای آرلزین، آنترموز، تیستین، ستارگان، گردش آمده است، مسافرت به ایران (از الکسیس سولتی کف دیمیتریویچ، تهران، 1336)؛ زیبایی‌های ایران (آندره دولیه دولند، تهران، 1355)؛ اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران (1333)؛ اصول بایگانی (1333)؛ اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی (1334).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 19، ش 3 -1، ص 234 -223)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (184 -183 / 4)،کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (225)، مؤلفین کتب چاپی (231 -229 / 5).

صباحی هروی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر و منشی. وی از شاعران و منشیان هرات بود که در روزگار اکبر شاه گورکانی (1014 -963 ق) به هندوستان رفت و در آن سامان ملازم بیت‌الانشاء شد. پس از مدتی اقامت در هندوستان، به زادگاهش بازگشت. صباحی علاوه بر مهارت در فن انشاء، در سرودن شعر، بویژه غزل نیز توانا بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (684)، تذکره روز روشن (469).

صباربیارانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1295، بیساران (از قراء دهستان ژاورود، سنندج).
درگذشت: اردیبهشت 1358.
علی بن احمد بن محمد مشهور به «صبار» پس از دوران کودکی به درس خواندن علاقه‌مند شد، لذا نزد ملای زادگاهش قرآن را فراگرفت و کتب اخلاقی و دینی را آموخت. برای تکمیل معلومات به روستاهای مجاور (هویه و اویهنگ) که مرکز نشر دین و دارای مدرس و مدرسه بودند رفت. مدتی در محضر سید عنایت مدرس هویه و استادان دیگر مدارس ژاورود و اورمان استفاده نمود و مقدمات فقه و علوم صرف و نحو و منطق را آموخت. سرانجام به قصد تکمیل و تحصیل علوم به عراق رفت و به سلیمانیه وارد شد، و در مدرسه‌ی مولانا خالد و مدارس دیگر این شهر مشغول درس گردید. بعد به کرکوک رفت و در مدرسه‌ی خانقاه طالبانی مشغول تحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل و دریافت شهادتنامه یا اجازه افتاء و تدریس مدت‌ها در سلیمانیه و بغداد به خدمت دولتی مشغول گردید و به موازات کار و اشتغال زبان انگلیسی را یاد گرفت. در حدود 1325 به ایران بازگشت و در سنندج اقامت گزید. با گذراندن امتحان به دریافت دیپلم معقول و منقول نایل شد. در وزارت آموزش و پرورش استخدام گردید و در دبیرستان‌ها به تدریس زبان انگلیسی و فقه پرداخت. پس از بیست و پنج سال خدمت تدریس و تعلیم بالاخره در سال 1350 به بازنشستگی نایل شد. از آن به بعد به مطالعه و تحقیق و ترجمه و تألیف پرداخت، کتاب‌های التقریب (فتح القریب)؛ ده روز زندگانی حضرت محمد (ص)؛ سفینةالنجاة، قصةالایمان؛ فقه السنه؛ فلسفه‌ی علم قرآن و اسرائیلیات را ترجمه کرد که دو کتاب اول در زمان حیات مترجم چاپ گردید.
ملا علی صباربیارانی در اردیبهشت 1358 در حالی که از بیماری آسم و تنگی نفس رنج می‌برد، جان سپرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صبحی مهتدی، فضل‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1341 ش)، نویسنده. در شهر کاشان به دنیا آمد. نیای او، حاجی ملا علی اکبر، از دانشمندان مسلمان بود. در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی می‌خواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد می‌گرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهاییان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهایی تحت تأثیر آنان قرار گرفت.
پس از مدتی، پدرش او را به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبغلین بهایی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و از آنجا به تفلیس و باکو و عشق‌آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت و از فرقه‌ی بهایی تبری جست و مورد کینه و دشمنی آنان قرار گرفت. تا این که در 1311 ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه، از اقطاب سلسله‌ی نعمت‌اللهی، در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه‌ی درویشان درآمد. وی سالها آموزگاری مدرسه‌ی سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در 1319 ش گفتارهای خود را در رادیو آغاز نمود. و از آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرایی و قصه‌خوانی می‌کرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت، اما بی‌نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در مقبره‌ی ظهیرالدوله به خاک سپرده شده.از تألیفات وی: «افسانه‌ها»؛ «افسانه‌های باستانی ایران و مجار»؛ «افسانه‌های بوعلی»؛ «افسانه‌های کهن»؛ «پیام پدر»؛ «داستانهای ملل»؛ «داستانهای دیوان بلخ»؛ «کتاب صبحی»؛ «خاطرات صبحی درباره‌ی بهاییگری».[1]
فضل‌اللّه بن محمد حسین مهتدی (ف. تهران 1341 ه.ش. / 1962 م.) وی نواده حاج ملا علی کاشانی است. پدرش در تهران بازرگان بود. در شش سالگی از مادر جدا شد. چون به سن رشد رسید به آموزشگاه تربیت رفت و در آنجا نزد میرزا عزیزاللّه خان مصباح مقدمات علوم را فراگرفت. بیست ساله بود که از راه آذربایجان به قفقاز و گرجستان و از آنجا به ترکیه و بیروت و فلسطین سفر کرد و چند سال در آن نواحی اقامت داشت. سپس به ایران بازگشت و نزد شریعت سنگلجی به تحصیل پرداخت و در مدرسه آمریکایی به تدریس زبان فارسی مشغول شد. در سال 1319 ه.ش. به رادیو ایران معرفی گردید و مدت 20 سال برنامه

جالب توجه «قصه کودکان» را شخصا اداره کرد. وی رسایلی راجع به داستانهای ملی و خارجی منتشر کرده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (149 -148)، از نیما تا روزگار ما (464 -461)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2613 / 2 ،1339 ،1236 ،634 ،295 ،293 ،292 / 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (225)، مؤلفین کتب چاپی (858 -857 / 4).

صبحی، فضل الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فضل‌الله صبحی مهتدی ،در شهر کاشان به دنیا آمد.وی سالها آموزگاری مدرسه سادات و آموزگاری مدارس آمریکایی و غیره را به عهده داشت. او در 1319ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد وی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال 1341ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : نویسنده و داستانگوی کودکان
والدین و انساب : فضل‌الله مهتدی شناخته شده به صبحی، نوة حاج ملا علی‌اکبر از روحانیان کاشان بود. پدرش محمد حسین در تهران پیشه بازرگانی داشت
خاطرات کودکی : صبحی شش ساله بود که پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند. این رخداد، برای او بسیار ناگوار بود. فضل‌الله و خواهرش با پدر و نامادری زندگی می‌کردند. صبحی در خاطرات کودکی‌اش می‌نویسد: هفته‌ای یک بار، شب‌های آدینه به دیدن مادر می‌رفتیم. شب در آغوش مادر می‌خفتیم و مادر برای ما افسانه‌های شیرین می‌گفت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل‌الله صبحی مهتدی در شش سالگی نزد پدر کتب مذهبی میخواند و روزها نزد زنی خواندن و نوشتن فارسی یاد میگرفت. سپس در آموزشگاه تربیت بهائیان به تحصیل پرداخت و در بیرون از آموزشگاه نزد مبلغین بهائی تحت تأثیر آنان قرار گرفت. پس از مدتی, پدرش اورا به قزوین فرستاد و در آنجا با یکی از مبلغین بهائی به زنجان و از زنجان به آذربایجان و ا آنجا به تفلیس و باکو وعشق آباد و بخارا و سمرقند و تاشکند و مرو سفر کرد و بعد به ایران بازگشت .
استادان و مربیان : پدر صبحی او را برای آموزش نزد زنی بنام آقا بیگم می‌فرستاد.
وقایع میانسالی : صبحی در سال 1305، پس از اقامت دوازده ساله نزد عبدالبهاء و تحریر و انشای مکاتبات وی، به ایران اعزام گردید. در ایران تغییراتی در فکر و اندیشه او پدید آمد و با توجه به عملکرد رهبری

بهایی‌گری که خود شاهد عینی آن بوده، از آن فرقه جدا شد و اسلام آورد و به نشر اندیشه انسان دوستانه و اخلاق اسلامی و به بیان حقایق بهایی‌گری پرداخت. این تغییرات فکری --- روحی یکی از برجسته‌ترین مبلغان بهایی‌گری سبب آن شد که وی از طرف بهاییان تکفیر و تفسیق شود. چنان‌که خود نگاشته پس از این رویه‌ای خصومت‌آمیز با وی در پیش گرفتند، تصمیمات بسیاری در مورد وی اتخاذ گردید و حتی دایره فشار را بر خانواده‌اش هم گستراندند و از سوی پدر - که بهایی بود - هم طرد گردید. صبحی علی‌رغم آنکه بسیار به سختی افتاده بود، چندی سکوت اختیار کرد تا بلکه موجب فراموشی موضوع گردد و زندگی گوشه‌گیرانه‌ای در پیش گیرد، ولی بهاییان دست از وی برنداشتند و در اذیت و آزارش کوشیدند تا اینکه وی برای دفاع از خود و بیان حقایق و علل برگشت خود از بهایی‌گری، مجبور شد شرح دگرگونی و خاطرات دوران بهایی‌گری و فعالیتهایش را بنگارد و ناگفته‌های درون این فرقه را فاش نماید. هرچند وی از بهاییت به آغوش اسلام بازگشت و پرده از کار سران آن برداشت - همچنان که خود نوشته - اما بغض و عداوتی با اهل بهاییه نداشت و تلاش نموده است از منظر فردی آشنا به حقایق، موضوع را طرح و مورد بحث قرار دهد و در این راستا باید نگرش و دوری وی از حبّ و بغض شخصی را ستود و از این‌رو در صداقت و امانت وی نمی‌توان تردید روا داشت. برهمین اساس کتاب او روایتی جالب، جذاب و خالی از یکسونگری عنادآمیز است که نه از طرف مقابل ایشان، بلکه از جانب یکی از مبلغان برجسته و محرم اسرار و منشی مخصوص عبدالبهاء، کاتب وحی! و واسطه فیض حق و خلق! به نگارش درآمده است، آن هم نه از سر عناد و خصومت، بلکه از سر کشف حقیقت. علی‌رغم رویگردانی کامل صبحی از بهاییت، چون مورد اعتماد و محرم‌اسرار عبدالبهاء (عباس افندی) بود، همه اسرار را افشا نمی‌سازد و خود در این باره چنین استدلال می‌کند که: (تمام این اسرار را که عبدالبهاء به صرف اعتماد و راستی و درستی من مکتوم نمی‌داشت، افشا نمی‌نمایم تا گذشته از اینکه نفس عمل محمود و ممدوح است، ظن او نیز بر امانت من نزد اهل خرد فاسد نگردد و هم در نزد آزادمردان از مردی و اهلیت دور نباشیم.)

زمان و علت فوت : فضل‌الله صبحی مهتدی بعدها به بیماری سرطان مبتلا شد و یکبار برای معالجه به لندن رفت, اما بی نتیجه بازگشت. سرانجام در تهران در سال 1341ش وفات یافت و در مقبره ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی صبحی بسیار پرماجرا و مملو از فراز و نشیب‌های عجیبی است. او شرح زندگی خود را در (کتاب صبحی) و (پیام پدر) به تفصیل نوشته است و چنانکه خود شرح می‌دهد، سالیان

درازی را در قفقاز، عشق‌آباد، بخارا، سمرقند، تاشکند و مرو گذرانده و سپس به ایران آمده و در ایران هم تقریباً به اغلب نقاط سفر کرده و در همه جا به عنوان مبلغ با هوش بهائیان به شمار رفته است.صبحی پس از خاتمه جنگ جهانی اول، برای دیدن عبدالبهاء از راه بادکوبه و استانبول و بیروت به حیفا رفت و در آنجا مقرب درگاه شد و سالها کاتب عبدالبهاء گردید. وی پس از سالها، بنابه عللی که در کتابش شرح داده، از این دار و دسته سیاسی وابسته به استعمار بین‌المللی، کناره گرفت و در عسرت مادی فراوانی به سر برد تا آنکه سرانجام به عنوان آموزگار استخدام شد و بعدها در اداره انتشارات و رادیو، برنامه کودکان را تنظیم می‌کرد و برای بچه‌ها قصه‌های شیرینی می‌گفت که مورد توجه همگان بود.صبحی در جمع‌آوری قصه‌ها و آداب و رسوم ایرانی، زحمات زیادی کشید و به همین جهت به عضویت (انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی) انتخاب شد. صبحی اهل قلم و ادب و هنر بود و خط بسیار خوش و زیبایی داشت وی در 1311 ش در آذربایجان با مشهدی محمد حسن آقا محبوب علیشاه, از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی, در مراغه ملاقات کرد و دست ارادت به او داد و در جرگه درویشان درآمد. او در 1319ش گفتارهای خود را در اردیو آغاز نمود. واز آن پس هر روز جمعه و بعضی شبها برای بچه‌ها داستانسرائی و قصه خوانی میکرد

چگونگی عرضه آثار : بعضی از تالیفات او چندین بار تجدید چاپ شده و بعضی هم به زبان‌های خارجی از جمله: لمانی، چکی و روسی ترجمه شده است ----------

آثار :

1 افسانه‌ها

ویژگی اثر : (در دو جلد 1324 و 1325)

2 افسانه‌های باستانی ایران و مجار

ویژگی اثر : (1332)

3 افسانه‌های بوعلی

ویژگی اثر : (1333)

4 افسانه‌های کهن

ویژگی اثر : (در دو جلد 1328 و 1331)

5 پیام پدر

ویژگی اثر : (1335)

6 حاج ملا زلفعلی

ویژگی اثر : (1326)

7 خاطرات صبحی در باره بهائیگری

8 داستانهای دیوان بلخ

ویژگی اثر : (1331)
9 داستانهای ملل
ویژگی اثر : (1327)
10 دژ هوش‌ربا
ویژگی اثر : (1330)
11 عمو نوروز
ویژگی اثر : (1339).
12 کتاب صبحی
ویژگی اثر : (1312 - 1342)

صبری حلوایی، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید صبری حلوایی
محل تولد : آذرشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/7/8
زندگینامه علمی
سال 1335 هفتم مهر در آذرشهر متولد شدم. هفت سالگی وارد دبستان بیژن آذر شهر شدم. سال1347 وارد دبیرستان آذرشهر شدم.سال 1351 وارد دبیرستان توحید شیراز شدم. 1356 در رشته طبیعی دیپلم گرفتم. سال 1383 در جشنواره مبتکران ـ مخترعان ـ نو آوران و ممتازین دانشجوی بسیجی به عنوان ممتاز علمی شناخته شدم در همان سال و همان جشنوار با کسب مقام اول پروژه کارشناسی ارشد ممتاز پروژه نیز معرفی شدم سال 1384 برگزیده مؤلف نمونه در همایش اهل قلم سازمان صدا و سیما تجلیل شدم. در پاییز سال 1384 به عنوان برگزیده کنگره بین‌المللی روابط عمومی و در بهار همان سال برگزیده کنگره بین‌المللی جنبش نرم‌افزاری که در سالن اجلاس سران سال 84 برگزار شد معرفی شدم.
در جشنواره‌های گوناگون تحقیقاتی سازمان صدا و سیما رتبه‌های پژوهش برتر را اخذ نمودم از جمله:
الف: جشنواره هفتم شیراز اردیبهشت 76 با پژوهش بیوگرافی شهید آیت الله قاضی.
ب: در جشنواره 12 یزد با پژوهش نهضت خدمات رسانی.
ت: در جنشواره 13 تبریز با پژوهش نهضت پاسخگویی به مطالبات مردم.
ج: در جشنواره 14 که در اصفهان برگزار شد 3 عنوان پژوهش تا مرحله عالی داوری راه یافت با عناوین.
1. معراج. 2. مشارکت عمومی. 3. کندوان بهشت گمشده
ث: در جشنواره 15 با پتروشیمی تحت عنوان و ماه بشکافت شق القمر معجزه پیامبر اعظم(ص)
فعلاً مدیر مسئول و صاحب امتیاز هفته نامه تبریز می‌باشم.

صبری، خلیل‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1287 ش)، شاعر، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار. در سنندج به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به انجام رسانید و همزمان با آن به تصحیل علوم قدیمه نیز می‌پرداخت. پس از اتمام دروه‌ی متوسطه، موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته‌ی معقول و منقول گردید سپس به مشاغل زیر پرداخت: ریاست دادگاه، ریاست هیأت بازرسی، سرپرستی برنامه‌ی عشایر کرد و عضویت در شورای عالی عشایر. وی همچنین مؤسس روزنامه «صاعقه» بود.از آثارش: «روش دادرسی»؛ «طبقات الایات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (2246 -2244 / 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2250، 1780 / 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (225)، مؤلفین کتب چاپی (31 -30 / 3).

صبوری، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ علی‌اکبر بن المرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمد صبوری قمی از علماء معاصر تهرانست. وی در حدود 1344 قمری در قم متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و متون فقه و اصول را از علماء آن سامان تکمیل و چند سالی از محضر و درس خارج آیات عظام نجف مانند آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده و به قم مراجعت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از چند سالی به تهران منتقل و در حوزه علمیه تهران (مدرسه مروی) بتدریس پرداخته و ضمنا شروع بتعمیر اساسی مسجد خیابان ناصر خسرو واقع در (در اندرون) که رو به ویرانی گذارده بود نموده و با مقاومت و استقامت عجیبی در مقابل سوداگران مسجد را با همت و مساعدت مردم خیر تهران و اصناف خیابان مزبور بصورت آبرومندی بنا و اکنون در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای صبوری از علماء فعال تهران و مورد توجه آیات عظام قم و نجف اشرف و تهران می‌باشد. آثار علمی چندی دارند که از آنها رساله‌ای در حکم و حرمت تراشیدن ریش است که در نجف بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

صحافیان، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی صحافیان
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
آقای مهدی صحافیان در سال 1349هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1364 وارد حوزه علمیه مشهد . از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1374 به حلقه دروس خارج راه یافت استاد در ایام تحصیل از محضر ستارگانی بزرگ همچون آیت الله مرتضوی،آیت الله مروی، آیت الله اشرفی و... کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1379از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تقابل عقل و عشق در متون منصوب فارسی" دفاع کرد.ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است. نامبرده ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر پژوهش در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مشغول می باشد.

صحبت، محمد باقر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) لاری (ملا) محمد باقر متخلص به صحبت، شاعر ایرانی (و. حدود 1162 ه. ق- ف. 1251 ه.ق.) وی از مردم بیرم لار (از توابع فارس) است. در آغاز در مدرسه قریه رونیز به تحصیل پرداخت. سپس به شیراز رفت و به فراگرفتن علوم مشغول شد. آنگاه به لار بازگشت و به امامت جماعت و تألیف رسایل پرداخت. وی در تاریخ و لغت فارسی و عربی و فنون ادب مهارت داشت. دیوان او حاوی بیش از 30000 بیت است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد صحفی، متولد سال 1313 شمسی در قم.
تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم دینی در نزد اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم آیت‌اللّه صدوقی یزدی، آقای آقا میرزا علی مشکینی، سید موسی صدر، آقای سلطانی، آیت‌اللّه گلپایگانی و محضر درسی مرحوم آیت‌اللّه بروجردی انجام داد.
از سال 1341 شمسی بنا به دعوت شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان به درود منتقل و دفتر مذهبی آن شرکت و کتابخانه‌ی کارخانه سیمان را تأسیس نمود.
دفتر مذهبی سیمان درود یک سلسله نشریات علمی- مذهبی دارد که دو ماه یکبار منتشر می‌شود و به طور رایگان برای درخواست کنندگان سراسر کشور و خارج آن ارسال می‌دارد و کتابخانه‌ی سیمان، از کتابخانه‌های ممتازی است که در حدود پنج هزار جلد کتاب در رشته‌های مختلف دارد و به طور متوسط ماهیانه سه هزار نفر برای استفاده به آنجا مراجعه می‌کنند.
تالار ولی عصر (عج) و مسجد کارخانه سیمان هم جزء مجتمع مذهبی این شرکت است که به تمام وسائل، از تهویه‌ی مطبوع و سالن مجلل و مبلمان تمیز برای برگزاری کنفرانسها و مجالس علمی- مذهبی آماده است.
او علاوه بر سخنرانیهای مذهبی به تألیف و نشر حقایق اسلامی اشتغال داشته و تاکنون کتب زیر را نگاشته و منتشر نموده است:
1- تعالیم آسمانی اسلام، در سه جلد.
2- قصص قرآن، در دو جلد.
3- سفر آسمانی، یک جلد.
4- داستانهای تاریخی اسلامی، یک جلد.
5- تحفة الادبا یا بهار شعر و ادب، یک جلد.
و چندین کتاب را ترجمه نموده از آن جمله
1- زندگانی رهبران اسلام (ترجمه‌ی انوار البهیه مرحوم محدث قمی ره).
2- زندگانی اباعبداللّه الحسین (ترجمه‌ی اللهوف علی القتل الطفوف سید بن طاووس ره).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

صحفی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد صحفی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1313/1/1
زندگینامه علمی
دوره مقدماتی (ادبیات عرب ، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم . قسمتی ازفقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم . دردروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته ام . از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم .

صحیحی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از تحصیل دوره‌های ابتدایی و متوسطه به فرانسه رفت و در دانشسرای آنجا به تحصیل پرداخت. پس از اخذ مدرک به ایران بازگشت. وی علاوه بر اشتغال به تألیف و ترجمه، به تدریس مباحث تعلیم و تربیت و روانشناسی در دبیرستان فلاحت (کشاورزی) مشغول شد. از آثار وی: «دستور آموزش برای دانشسرای مقدماتی»؛ «دستور تعلیم حساب مقدماتی»؛ «سفر هشتاد روزه بدور دنیا»، ترجمه؛ «کتاب فرانسه»، به مشاکرت وارسته.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2615 -2614 ،2001 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (486 -485 / 2).

صخری خوارزمی، ابوالفضل احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 406 ق)، ادیب و شاعر. وی از مفاخر خوارزم است که در ادب و فنون شاعری بسیار توانا و زبردست بود. در جوانی به خدمت صاحب بن عباد رسید و پس از کسب فضایل به دربار خوارزم بازگشت. او را در فن نثر از اقران بدیع الزمان همدانی دانسته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر، و چندین رساله می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (417 -416 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (31 -19 / 5)، معجم المؤلفین (112 / 2).

صدر اصفهانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1315 ش)، واعظ و خواننده. وی در خانواده‌ای روحانی، در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از خطبای با قریحه‌ی زمان خود و در اصل اهل خوانسار بود. عبدالحسین تحصیلات قدیم و جدید را در اصفهان فرا گرفت. سپس به تهران رفت و با صدای خوشی که داشت از وعاظ و خوانندگان معتبر شد. صدر آواز دو دانگ را در حد اعلی می‌خواند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (679 -6782، 401 / 1).

صدر الافاضل خوارزمی، ابومحمد، قاسم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(617 -555 ق)، ادیب، نحوی، فقیه حنفی و شاعر. مقلب به مجدالدین. وی در خوارزم به دنیا آمد. از ادبای نامی عصر خود که در نحو و خطب و فنون شعری و علوم ادبی و عربی وحید دهر بود. وی در فتنه‌ی تاتار کشته شد. از تألیفات وی: «بدایع الملح»؛ «التوضیح»، در شرح «مقامات» حریری؛ «الزوایا فی الخبایا»، در نحو؛ «شرح الابنیه»؛ شرح «الاحاجی» زمخشری؛ شرح «مفصل» زمخشری که سه گونه است: شرح وسیط و صغیر و کبیر به نامهای «سبیکه»، «مجمره» و «تجمیر»؛ ««شرح النموذج»؛ «عجائب النحو»؛ «لهجه الشرع»، در شرح الفاظ فقهی؛ «المحصل»، در بیان؛ «ضرام السقط»، در شرح «سقط الزند»، شرح مشکلات «دیوان» ابوالعلاء معری.[1]
(ع. پیشوای دانشمندان بخش 2) قاسم بن حسین بن احمد خوارزمی نحوی حنفی مکنی به ابومحمد و ملقب به مجدالدین، ادیب ایرانی (مقت. 617 ه.ق.). وی در نحو و خطب و فنون شعر و علوم ادبی عرب کم نظیر بود. اوراست: بدایع الملح، التجمیر (شرح کبیر کتاب مفصل زمخشری)، التوضیح (در شرح مقامات)، السبیکة (شرح وسیط کتاب مفصل)، (الزوایا فی الخبایا) (نحو)، شرح الابنیة، شرح الاحاجی (تألیف زمخشری)، ضرام السقط (شرح سقط الزند ابوالعلاء معری) و غیره. وی در فتنه مغول به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (8 / 6)، ریحانه (424 -423 / 3)، کشف الظنون (1790، 1789، 1775، 161، 993- 992، 956، 230)، الکنی و الالقاب (410 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر الافاضل)، معجم الادباء (253 -238 / 16)، معجم المؤلفین (98 / 8)، هدیه الاحباب (185)، هدیه العارفین (828 / 1).

صدر الواعظین آزادانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
واعظ صالح زاهد، در رمضان 1360 به سن متجاوز از هفتاد سالگی وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدر حاج سید جوادی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. از مسئولین روزنامه‌ی اطلاعات بود. از آثارش: «داستانهای شگفت انگیز»، ترجمه؛ «گنجینه‌ی نثر فارسی»؛ «مقایسه سعدی و حافظ» از نظر غزلسرایی و سبک.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3088 -3087 ،2782 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (580 -579 / 2).

صدر، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال صدر
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب جلال صدر در سال 1349 در شهرستان محلات متوّلد شدم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساندم و در سال 1366 وارد حوزه علمّیه شدم و از محضر اساتیدی چون سیدطه مقدّسی، معصومی، عظیمی و دیگران بهره بردم. پس از اتمام دوره مقدّمات به شهرستان قم آمدم و در حوزه علمیّه قم ادامه تحصیل دادم و در سال 1379 در مرکز تخصّصی تبلیغ مشغول به تحصیل شدم. درسال 1382 به عنوان روحانی مستقر از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به شهرستان بومهن عزیمت نمودم و علاوه بر تبلیغ به تدریس و تحقیق مشغول شدم. در همان سال از طرف امام جمعه بومهن به سمت امام جمعه موقت آن شهرستان برگزیده شدم وهم اکنون در همانجا مشغول تدریس و تحقیق و تبلیغ می باشم.

صدر، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1291 ش)، مترجم و نویسنده. وی پس از تحصیل دروه‌های مقدماتی به اخذ دکترای حقوق موفق شد. پس از آن به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و مشاغل متعددی را عهده‌دار شد که از آن جمله: وزارت کشور در کابینه‌ی منصور و هویدا و وزارت دادگستری در کابینه‌ی هویدا. دکتر صدر در امر ترجمه دست داشت و با همکاری کاظم صدر، برادرش، کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر آثار وی: «تأسیسات و سازمانهای بین‌اللملل»؛ «چنبر مار»، ترجمه.[1]
فرزند سید محسن صدرالاشراف، متولد 1291 ش است. بعد از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده‌ی حقوق تهران شد و دوره‌ی دانشکده را پایان داد. در 1314 از طرف دولت برای تکمیل تحصیلات تخصصی به اروپا رفت و از دانشگاه پاریس درجه‌ی دکترا گرفت و در 1318 به ایران بازگشت و به استخدام در وزارت کشور درآمد. پس از دو سال به وزارت امور خارجه انتقال یافت. چندی در تهران و چندی در خارج به سر برد. از مشاغل ابتدائی او رایزنی سفارت بلگراد و رایزنی سفارت اسپانیا بود. در 1327 زمانی که هژیر به نخست‌وزیری رسید، او را به ریاست دفتر خود برگزید. در کابینه‌های ساعد و منصورالملک هم دارای همان سمت بود. در 1329 به وزارت خارجه بازگشت. مدیر کل اداره عهود و حقوقی شد. در 1332 مدیرکل سیاسی وزارت کشور گردید و در 1336 به معاونت پارلمانی و سیاسی آن وزارتخانه معرفی شد. یک سال بعد از معاونت وزارت کشور به معاونت وزارت امور خارجه انتقال یافت. تا سال 1339 در آن مقام بود تا به سمت سفیرکبیر ایران در ژاپن تعیین و به آن کشور عزیمت نمود. قریب سه سال در ماموریت ژاپن بود تا به تهران احضار و به عضویت شورای عالی وزارت خارجه منصوب شد.
در 1342 در کابینه‌ی حسنعلی منصور، به سمت وزیر کشور معرفی گردید. در 1343 در کابینه‌ی امیرعباس هویدا دارای همان سمت بود. یک سال بعد در ترمیم کابینه ، شغل او تغیر کرد و به سمت وزارت دادگستری تعیین شد. قریب چهار سال وزیر دادگستری بود. بعد از وزارت دادگستری جذب بخش خصوصی شد و در بانک بازرگانی و چند شرکت وابسته به آن بانک، ریاست هیئت مدیره و مشاوری حقوقی را عهده‌دار بود. ضمنا با سمت استادی در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه ملی تدریس می‌نمود. وی کتبی چند

در علم حقوق انتشار داد که هم‌اکنون در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در شهریور 1379 در تهران اتفاق افتاد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] چهره‌های آنشا (359)، روزشمار تاریخ (197 ،183 169، / 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1115 ،714 / 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (226)، مؤلفین کتب چاپی (420 -419 / 2).

صدر، حیدر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1309 در سامرّاء متولّد شده، و در 27 جمادی الاولی سال 1356 در کاظمین وفات یافته.
وی را تألیفاتی است که از آن جمله است:
1- الاوضاع اللفظیّة 2- حاشیه ی کفایه 3- رساله فی المعانی الحرفیّه 4- رساله در تبعیض احکام به علّت تبعیض اسباب 5- شبهة الحیدریّه؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صدر، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی مشهور در همه آفاق به (امام موسی صدر) فرزند برومند آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید صدرالدین ابن العالم الجلیل آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و سبط آیت‌اللّه العظمی ازهد الفقهاء والمجتهدین حاج آقا حسین طباطبائی قمی یکی از ستارگان فروزان و چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم است که سالها در مغرب خاوری طلوع نموده و در آسمان لبنان و سوریه و فلسطین نورافشانی می‌کند آن جناب در حدود سال 1343 قمری در مشهد مقدس به دنیا آمده و در سال 1349 در معیت والد خویش به قم مهاجرت و به تحصیل دروس ابتدائی اشتغال یافته و در بیت علم و شرف پرورش یافته و پس از پایان دروس جدید به تحصیل علوم عربیه منقول و معقول پرداخته و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته سپس از محضر مرحوم والد ماجد و دیگر آیات چون آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده علوم عقلی و نقلی نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد و اتقان رسیده سپس عزیمت به نجف اشرف و چندی هم از محاضر آیات عظام آنجا بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه العظمی حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین زعیم و مرجع شیعیان لبنان بنابر دعوت رسمی بیت شرف‌الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان مهاجرت به لبنان نموده و با آگاهی و کیاست و فراست موهبتی از عهده مسئولیت سنگین زعامت به خوبی درآمده و محبوب‌القلوب مردم عالی و دانی آن سامان گردید و به اکثریت نزدیک به اتفاق به ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان انتخاب و رهبر بزرگ و قائد اعظم مردم مستضعف در آن منطقه گردیده و خدمات ارزنده چشمگیری نموده وصیت و صوتش به شرق اقصی و اوسط و بلاد باختری رسیده و در ردیف یکی از سیاستمداران به نام معاصر درآمده و محسود حکومت طاغوتی و محمدرضا پهلوی گردیده که چرا و برای چه یکی از روحانیون و آیت‌اللّه زادگان قم به این پایه عظمت و سیاست برسد که کلیه روساء جماهیر اسلامی غربی مصر و لیبی و مراکش و تونس و سودان و گینه و سعودی و سوریا و عراق از او دعوتهای رسمی نموده و مراسم استقبال و تجلیل را انجام دهند و این موقعیت چنان دولت طاغوتی ایران را به وحشت انداخت که برای اسقاط او از انظار مردم دست به افتراء به وسیله عوامل ساواک

در جرائد و روزنامه‌ها اکاذیبی جعل که از موقعیت معظم‌له بکاهد غافل از آن که به گفته شاعر:
چراغی را که ایزد برفروزد
هر آنکس پف کند ریشه‌اش بسوزد
این نویسنده که قسمتی از فعالیتهای و خدمات ایشان را در جلد سوم گنجینه نوشتم اداره نگارش و عمال روسیاه سازمان امنیت (باصطلاح خودشان) کتاب را توقیف که با شرح حال و ترجمه و عکس آقای صدر قابل نشر نیست و چند ماهی مرا اسیر و بالاخره با حذف شرح زندگینامه و آثار معظم‌له کتاب را ناقص و اجازه نشر داد. خدا روی همه آنها مخصوصا روحانی‌نما را سیاه و در دادگاه انقلاب به کیفر اعمالشان گرفتار و مجازات نماید.
باری امام موسی صدر از مفاخر عالم تشیع معاصر و افتخارات کشور ایران بلکه مسلمین جهان است که با لباس روحانیت (عمامه و عبا و قبا) در عداد بزرگترین شخصیتهای سیاسی جهان و با چندین زبان زنده از عربی و فارسی و فرانسوی و انگلیسی و غیره آشنائی کامل و سخن می‌گوید. و دارای مدارک علمی از اجتهاد و دکترا و غیره می‌باشد.
آثار و خدمات و باقیات الصالحات این رادمرد علم و سیاست به اندازه‌ای است که ذکر آن در این مختصر نگنجد بلکه کتاب مستقلی لازم دارد و قسمتی از آن رد مجلدهای لبنانی و غیره یاد شده است. ولی متاسفانه که دست استعمار امپریالیسم صهیونیستی اسرائیل و آمریکا و جبهه‌های طاغوتی شرقی و غربی - راست گرایان و چپ گرایان خاوری و غیره این نادره دوران را به توسط دولت لیبی (سرهنگ قزافی) به عنوان دعوت رسمی از لبنان به لیبی برده و از ماه رمضان 1398 قمری برابر 1978 میلادی تاکنون که ماه رجب 1399 برابر مه 1979 مسیحی است اثری از ایشان نیست و هرچند تاکنون از لبنان و سوریا و کشورهای اسلامی و بالاخص ایران به لیبی و غیره مراجعه شده ردپائی پیدا نشده و دولت لیبی مدعی است که ایشان به رم رفته‌اند و حال آن که کشور ایتالیا و رم از ورودشان به آن کشور تکذیب می‌کند. خلاصه جهان تشیع در فقدان و هجران این عزیز گمشده خود که برای ریاست جمهوری اسلامی ایران برازندگی و شایستگی دارد در سوک و غم فرورفته و همه روز چشم انتظار دوخته تا از لیبی و یا کجا ظاهر و پیدا شود.
نگارنده که بیش از چهل سال سال است افتخار دوستی و ارادت به بیت جلیل صدر و بالاخص ایشان را دارم و آخر عهدم با ایشان را فراموش نمی‌کنم در شب جمعه هفدهم ذی‌حجه 1397 قمری بود در مسجدالحرام نزدیکی حجراسمعیل که مرا در آغوش مهر گرفته و ساعتی با هم سخن

گفتیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

صدرا، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1326 ق)، عالم دینی، فقیه و واعظ. در اراک به دنیا آمد و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده‌ی سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفت. در اوایل تأسیس حوزه،شانزده ساله بود که به قم رفت و سطوح را در قم تکمیل کرد و از اول دوره‌ی دوم درس اصول آیت‌الله حایری و درس فقه ایشان که «خیارات مکاسب» بود استفاده نمود. همچنین از درس آیت‌الله یثربی بهره برد و سطح و «کفایه» را در خدمت آیت‌الله میراز محمد ثابتی همدانی خواند و مقداری از «فرائد» را خدمت آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی همراه «منظومه‌ی حکمت» خوانده و همچنین «مکاسب» را خدمت این دو استاد استفاده کرد و نیز از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از «منظومه‌ی حکمت» و «رسائل» شیخ را بهره گرفت. وی دارای طبعی موزون و ذوقی کامل بود. از آثارش. تأسیس کتابخانه در مسجد اراکیهای مقیم تهران و جمع‌آوری کتب برای آن بود. از آثار علمی او: «الغرائب» یا «مظهر العجائب فی غرائب الامام علی بن ابی‌طالب (ع)»، در چند مجلد؛ «ابوطالب و فرزندانش»، در اثبات ایمان ابی‌طالب از طرق اهل سنت، دو مجلد؛ «الکعبه و ولیدها»؛ «توشه‌دان گدا»؛ «جهاز عروس و داماد»؛ «ادب گفتار»؛ «ادب کردار»؛ «تناثر النجوم فی ارض الطفوف»؛ «دیوان» شعر؛ «افاضه الحرمین»؛ «سراح الحاج»، منظومه‌ای در عمل حج؛ «منهاج الحاج»، مختصری در حج استدلالی، رساله‌ای در «رد عشره‌ی مبشره»؛ «انقلاب اسلامی قرن 14»؛ «صراط مستقیم کی و کجاست؟».[1]
حاج شیخ محمدتقی صدراء اراکی از علماء اعلام و مبلغین گرام و وعاظ به نام معاصر است در تهران در حدود سال 1319 ق در اراک متولد شده و در آنجا مقدمات و ادبیات را آموخته و سطوح را در نزد مرحوم سلطان‌العلماء اراکی و آیت‌الله آقانور و علماء دیگر حوزه علمیه حوزه اراک خوانده و پس از انتقال حوزه علمیه از اراک به قم مهاجرت به قم نموده و چندین سال از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه به وطن مراجعت و بالغ بر بیست سال اقامت جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی کرده و به واسطه بعضی از جهات و دعوت عده‌ای از مردم اراک مقیم تهران و دیگران مهاجرت کلی به تهران نموده و در خیابان گرگان در مسجد آبرومندی به اقامه جماعت و

در هیئت محترم بنی‌فاطمه که از هیئات باعظمت و مجد تهران و مجالس و مسجد دیگر تهران و شهر ری و حومه تهران و روی به منبر رفته و داد سخن داده انجام وظیفه دینی می‌نمایند.
مولف گوید: معظم‌له از وعاظ با فضل و منبری بسیار آموزنده و مفید دارد و عموم طبقات از منابر وی استفاده کرده و بهره‌مند می‌شوند. دارای طبع شعر و ذوق سرشاریست و اشعاری در مراثی و مدایح و مواعظ و نصایح دارد و نیز دارای تالیفاتی می‌باشد که هنوز به طبع نرسیده است.
شیخ محمدتقی بن العالم المجاهد المحامی حاج شیخ محمدباقر از علماء مبرز و خطباء نامی و مبلغین سامی اراکی مطهر تهران است.
ایشان در سال 1326 ق در اراک به دنیا آمده و در زادگاه خود مقدمات و قسمت عمده سطوح را نزد اساتید بزرگ فراگرفته و در سال تاسیس حوزه علمیه قم که آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی مؤسس و بنیان‌گذار حوزه به اصرار قمین و تهرانین از اراک به قم هجرت کردند و چهل شب تمام ائمه جماعت قم نماز جماعات خود را تعطیل و به ایشان اقتدا نمودند و مواجه با اصرار و ابرام قمیین و تهرانیین شدند که باید در قم توطن فرموده و حوزه علمیه اراک را به قم منتقل فرمائید. و ایشان مردد بودند و استخاره کردند که آیا حوزه علمیه را به قم انتقال دهند یا نه پس تفال به قرآن زدند پس باز قرآن مانند همیشه معجزه کرد از آن معجزه‌هائیکه فراموش شدنی نیست زیرا این آیه آمد (و اتونی باهلکم اجمعین) که یوسف به پدر و برادرت پیام داد که من عزیز مصر شدم و همه با خانواده‌هایتان نزد من بیائید و کسی را باقی نگذارید.
مرحوم آقای حایری هم به مفاد همین آیه برای حوزه علمیه اراک نوشتند که همه‌تان با زن و بچه حرکت کنید.
مترجم ما در آن موقع شانزده ساله بود و والدش راضی به مسافرت نمی‌شد و از مرحوم آیت‌اللّه حایری سئوال شده بود ایشان ادامه تحصیل را برای مشتغل واجب عینی می‌دانستند بنابراین تصمیم می‌گیرند که بدون اجازه والدشان به قم بیایند ولی خوشبختانه راضی شده و گریه شوق و رضا نموده پس به قم عزیمت و پس از ورود در سلک مهاجرین الی‌اللّه در آمده و سطوح را در قم تکمیل و از اول دوره دوم درس اصول آیت‌اللّه حایری و درس فقه‌شان که (خیارات مکاسب) بود حاضر و استفاده نموده و پیش از آن صبح‌ها در درس مرحوم آیت‌اللّه یثربی که از مبرزین شاگردان مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بوده بهره‌مند شده و سطح کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی همدانی خوانده مقداری از فرائد را هم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی با منظومه حکمت خوانده و همچنین مکاسب را خدمت این دو بزرگوار استفاده نموده و نیز از محضر

مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مقداری از منظومه حکمت و رسائل شیخ را استفاده نموده و در سال 1343 ق که آیات عظام نجف (مرحوم اصفهانی و نائینی و غیره که تبعید به ایران و قم شده و شروع به تدریس نمودند نسبت به مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی ارادتی شدید داشته‌اند...
سلطنت غاصبانه طاغوتی رضاخان (زندیق) پیش آمد و با آنکه همه طلاب امتحان داده و دارای جواز بودند مامورین جهنم اهل بهشت را تا (در بهشت) علی بن جعفر و حتی خود بهشت (که فرمودند یک در بهشت در قم باز می‌شود) تعقیب می‌کردند و چون مامورین که داخل مدرسه فیضیه می‌شدند طلاب از طبقه دوم اطاق‌ها خود را در رودخانه پرتاب می‌کردند.
عوامل جنایتکار رضاخان به دستور وی با بودن آیت‌اللّه العظمی حایری و قمی و اصفهانی و سایر آیات کشف حجاب (یا کشف عورت) نموده و حرم حضرت ثامن‌الائمه علیه و علیهم‌السلام را به توپ و تفنگ بسته و هرکس از اهل علم که مأمنی سراغ داشت به آنجا گریخته و مابقی هم در قم در هر دقیقه و ساعتی مواجه با گرگان آدم‌نمای از عمال جنایت‌کار دولت می‌شدند آقای صدرا در آن موقع از روی اضطراب به اراک رفته و به جهت اداره یتیمانی که عهده‌دار مخارج آنها بود به منبر و وعظ پرداخته و از این راه هم خدمت به عائله والدش نموده و هم بهترین خدمات را در ارشاد مردم به شرع بنماید.
سال 1357 شمسی پیش آمد و فرمان اتحاد شکل و پوشیدن کت و شلوار و کلاه پهلوی به سر گذاردن صادر شده و با گذرانیدن از مجلس شوم قانونی کردند و با هزاران دسایس و وسائل عده‌ای از پوشیدن لباس متحدالشکلی به نام محدث مجتهد - مدرس طلبه‌ای واجد یکی از سه رتبه باشد و متصدی امور حسبیه و امام جماعت و هاخام یهود و کشیش نصاری و مرید زردشتی که تمام آنها هم باید جواز مخصوص از وزارت معرف و علوم آن روز داشته باشند.
خلاصه شرح زندگینامه معظم‌له بسیار و در خور کتاب جداگانه‌ای است و تا جائیکه برای نگارنده امکان داشت فشرده آن را انتخاب و اقتباس نموده و در اختیار عموم قرار دادم مترجم گرامی در شهرستان اراک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف اسلامی و بالاخص مکتب ولایت پرداخته و خدمات چشمگیری در شهر و حومه آن نموده و آثار خالده‌ای از خود به جا گذارده و پس از آن سفری به تهران نموده و در آنجا روی اصرار و ابرام اراکی‌های مقیم پایتخت اقامت در آن سواد اعظم را اختیار و در مسجد همشهریهای خود به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و باقیات الصالحاتی از خود مانند تاسیس کتابخانه و جمع آوری کتابهای مختلف سودمند و مفید دینی تا حدود نه مغازه کوچک و بزرگ برای تامین

مخارج آب و برق و خادم مسجد و مازاد آن برای امام مسجد ساخته و تا کنون از آن بهره‌برداری می‌شود.
آقای صدرا دارای بیانی جامع و قاطع و آموزنده هستند و بسیاری از گم‌گشتگان دینی از مواعظ و اندرزها و خطابه‌های ایشان به راه آمده و متنبه شده و پابند دین و نماز و مبانی دینی گشته‌اند.
دارای طبعی موزن و ذوقی کامل و جالب و ادیبانه و خردمندانه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (201 -194 / 8 ،380 -379 / 2).

صدرالاسلام، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
والدین و انساب : نسب حاجی میرزا سید محمد ملقب به صدر الاسلام متخلص به خاک به امام جعفر صادق (ع) و از جانب مادر به فتحعلیشاه قاجار می رسد . سلسله شجره نامه «صدرالاسلام» یک نسخه درکتابخانه امام رضا(ع) و نسخه ای دیگر درقم در کتابخانه حضرت معصومه (ع) موجود می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدرسید محمد صدرالاسلام ، حاجی میرزا عبدالحسین نایب صدرقزوین و پدربزرگش میرزا سید عبدالله صدر دیوان خانه تهران بود که درزمان سلطنت ناصر الدین شاه درسال 1278 ه.ق دروزارت عدلیه ضیاءالملک متصدی شغل صدارت دیوانخانه عدلیه تهران بود . صدر دیوانخانه ازمشاغل مهم دوره قاجاریه بود . کسی که در منصب این شغل قرار می گرفت درحقیقت رییس محکمه یا دادگاه وزارت عدلیه محسوب می شود و رسیدگی به امور ملکی و شرعیات را انجام می داد و اجداد صدر الاسلام پشت اندر پشت لقب صدارت وسمت خطابت و حضور درمجالس بزم و سرور دربار قاجار را داشته اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد صدرالاسلام پس از آنکه دربار قاجار راترک گفت در قزوین و مدرسه حاجیه آقاسی درخیابان دولت خانه صفویه مشغول تحصیل علوم رسمی مقدماتی شد . بعد از این مقطع به تحصیل فقه و اصول پرداخت و سپس درصدد تحصیل علوم غریبه برآمد .او دراین سالها به تهران ، کرمانشاه ، همدان ، کربلا ، نجف، مکه سفر نموده و برتجربیات خود افزود . او همچنین مدتی نیز به تحصیل الهیات پرداخت .استادان و مربیان : سید محمد صدرالاسلام درالهیات حاجی میرزا ابوالقاسم تفرشی بود .همسر و فرزندان : سید محمد صدرالاسلام بانورسته خانم دختر میرزا مسعود شیخ الاسلام ازدواج نمود او 7 پسر داشت 5 تن از پسران او هرگز دارای اولاد نشدند ویکی از آنها که احد نام داشت ازدواج نکرد و بعدها مفقود اثر شد . فقط یکی از پسران اوبه نام آمیر مهدی دارای 4 فرزند شد که پس از فوت او فرزندانش تحت نکاست و سرپرستی صدرالاسلام درآمدند.وقایع میانسالی : درجریان انقلاب مشروطه سید محمد صدرالاسلام از مخالفین سرسخت مشروطه به شمار می رفت درهنگام مشروطه عده ای از رجال و اعیان قزوین طی تلگرافی به محمد علی شاه خواستار برچیده شدن بساط مشروطیت شدند که امضای صدر الاسلام نیز درزیر این تلگراف به چشم

می خورد . در جنگ جهانی دوم که رس ها قزوین را به اشغال خود درآورده بودند ، روزی به باغ صدرالاسلام ریختند و کلیه جواهرات و عتیقه جات قدیمی او را به تاراج بردند . این حادثه تاثیر ناگواری برروحیه او به جای گذاشت و به همین نظر 7 سال پایانی عمر خودرا درپریشانی خیال گذراند.زمان و علت فوت : سید محمد صدرالاسلام درسال 1327 ه.ش درسن 86 سالگی درگذشت و درخانقاه خودبه خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد صدرالاسلام درابتدای جوانی به تبعیت از شغل اجدادی ، مدتی خطیب حضورمخصوص ناصر الدین شاه جهت خواندن خطبه خاص ساعت تحویل سال نو بود . او این سمت را بعدها ترک گفت و به تحصیل کمالات معنوی همت گماشت . او اگر چه یکباره دیگر درزمان غیبت برادر بزرگش حاجی میرزا علی نایب صدر به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . لیکن پس از قتل این شاه قاجار به ناچار ترک خدمت نموده و به کشاورزی پرداخت .فعالیتهای آموزشی : سید محمد صدر الاسلام درخانقاه الهیه به تدریس فقه .اصول ،منطق و طب پرداخت .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید محمد صدر الاسلام خانقاهی به نام الهیه را جهت فعالیت های آموزشی و دستگیری از فقیران دایرکرد و او همچنین خانقاهی دیگردر خارج از شهرقزوین ایجادکرد و این خانقاه اگرچه امروز درداخل شهرقرار دارد ولی آثاری از آن به جای نمانده است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید محمد صدرالاسلام مدتی عضو انجمن بلدیه بود . این انجمن دردوره مشروطه ازمیان اصناف و سرشناسان شهرانتخاب می شد و وظیفه امور شرعی رسیدگی به خوابار را عهده دار بود . اما فعالیت این انجمن به دلیل فقدان بودجه کار موثری را به انجام نرساند .صدرالاسلام به پرورش کل نیز علاقه بسیار دشاات و در وسط باغ باصفا و پرگل و درخت خو د، استخری قرار داده بود و دوستانش برای او از خارج تخم گل می آوردند . آثار : دیوان صدرالاسلام ، شرح الصدور فی حقایق الامور ،قانون الریاضه فی سبیل الهدایه ، منظومه زور عشق

منابع زندگینامه :مشاهیر قزوین ، پژوهش و تالیف : مهدی نورمحمدی ،قزوین : سایه گستر .سال 1381، ص 187ـ191

صدرالاطباء حسینی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولف کتاب «فصول العلاج» در 1335 وفات یافته، قبرش نزدیک فاضلان.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالذاکرین، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1251 ق)، عالم، خطیب، ادیب و شاعر، متخلص به واله. در شهر و دیارش به صدرالذاکرین معروف بود. وی یکی از مشاهیر وعاظ و خطیبان بزرگ و از اهل فضل و ادب و کمال بود. از صدرالذاکرین آثار مفید و سودمندی باقی است که همگی دلالت بر گستردگی دانش و مهارتش دارد. در شعر نیز صاحب ذوق و ماهر بود.از آثارش: «توان روان» یا «چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (ع)»، به نظم، فارسی؛ «الدیباجه الموضونه فی تضمین الآیات المؤذونه»؛ «دیوان» شعر یا «دیوان» واله افشار، به فارسی و مرتب بر اساس حروف الفبا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (1255 / 9 ،475 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1466 / 14)، علماء معاصرین (82)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (962 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (308-307 / 4).

صدرالذاکرین، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد طباطبائی، از روضه خوان‌های معروف اصفهان، متوفی به سال 1310، و مدفون در مقبره‌ی سر قبر آقا.
ماده‌ی تاریخ وفاتش را که طرب گفته این است:
چو رخت بست ز دار فنا به عالم قدس
ز مرگ او ز طرب خاست شور و ناله و شیون
نوشت خامه‌ی مسکین برای سال وفاتش
به صدر محفل جنت نمود منزل و مسکن
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 747 ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (354 / 4)، ریحانه (434 -433 / 3)، کشف الظنون (2021، 1270،2011، 1047، 496، 419)، الکنی و الالقاب (415 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (246 / 6)، هدیه العارفین (650 -649 / 1).

صدراللهی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن صدرالهی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
ایجانب حسن صدراللهی در سن 8سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .
آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک 8اطاق 73با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.
زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی وگاه بی پولی ،تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در

قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را بیان داشتم که امنیت ندارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شد که وضعیت تغییر کرده .دیدگاههای انحرافی به وجود آمده وروزبه روز رشد می کند .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم درسالهای اول انقلاب ،موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردند که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی ،تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق وغیره شدم .وهمین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم .
مدّت 13سال در دانشگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تدریس کردم تا این که در سال 78همسرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (محمد جواد فاضل)از بنده دعوت کرد که بخشی درمرکز فقهی راه اندازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .
این کار ابتکاری را شروع کردم شبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهان قرار میگیرد .پس از بررسی خلاصه جواب به نام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدرالمحدثین، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم میرزا عبدالحسین صدرالمحدثین، از وعاظ معروف اصفهان بلکه ایران به شمار می‌رفت. در حدود سال 1310 در اصفهان متولد گردیده، و در نزد جمعی از فضلای این شهر تحصیل نموده، به طهران رفته، آنجا نیز چندین سال به تحصیلات جدید و قدیم پرداخته، و به ترویج دین پرداخته، در نهضت تجددخواهی و دگرگونی وضع قدیم به صورت تمدن جدید، و تشکیل شرکت‌ها و تأسیس کارخانجات، در اصفهان و سایر شهرهای ایران، مردم را با بیانات شافیه و سحر کلام خویش مشغول می‌داشت.
در اواخر عمر، سودا بر مزاج ایشان غلبه یافته، در حدود سال 1367 در شیراز خود را در چاه انداخته، وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالمحدثین، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم میرزا محمود صدرالمحدثین از منبریان معروف اصفهان بوده که در نقل مطالب و ذکر مصائب سلیقه‌ای مخصوص داشت، و به حسن صوت و لحن زیبا شهرت داشته، و به همین علل در عداد روضه خوانان طراز اول به شمار می‌رفته، در 23 رجب 1332 وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
احمد افزای و گو به تاریخش
مرد صدر المحدثین محمود
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

صدرالمعالی شیرازی حائری، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1296 ش)، نویسنده و مترجم. در تربت حیدریه وفات یافت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «یوسه‌ی عذرا»، ترجمه؛ «کشف الاسرار»، ترجمه؛ «مبدا ترقی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2634 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (769 / 2).

صدرایی اشکوری، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1330 ق)، فقیه، خطیب و واعظ. سبط سید محمد صدرایی حسینی است. در نجف به دنیا آمد. در 1345 ق به اتفاق پدرش از نجف به ایران آمد و در شهر لنگرود ساکن شد. بعد از آن به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد رضا اعمی و شیخ ابوالقاسم نحوی خواند و سطوح را از آقا شیخ عباس تهرانی و آقا نور خمینی و ادیب تهرانی و آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی آموخت. معقول را خدمت امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد تقی خواساری و آیت‌الله سید احمد خوانساری و میرزا محمد همدانی و «اسفار» و «خلاصه الحساب» را خامت شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد اشراقی بزرگ و حاج سید تقی اصفهانی و رجال و حدیث را نزد شیخ عبدالرحیم فصول خواند. سپس به تدریس ادبیات و سطوح پرداخت. دروس خارج را از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری فرا گرفت و مدت یک سال در حوزه‌ی درس فقه و اصول آیت‌الله بروجردی شرکت نمود تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسید. صدرایی از مراجع بزرگی همچون آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر اجازه‌ی اجتهاد گرفت، آن‌گاه به موطن خود گیلان بازگشت و به خدمات دینی و تبلیغات مذهبی پرداخت. از آثارش: «حقایق اسلام»، مجموعه سخنرانیهای صدرایی در رادیو تهران؛ «وظائف ایرانیان در موقع انتخابات»؛ کتاب «معارف اسلام»؛ «پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ رساله‌ای در «رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین ومکتب دیالکتیک مارتیالیست»؛ تفسیر «سوره‌ی یس»؛ «روح اسلام»؛ «رساله نبویه»، در رد اعتراضات مسیحیان به دین اسلام؛ «سفر نامه‌ی مکه»؛ «بوستان اسلامی»؛ «دیوان» شعر به نام «گلزار احمدی»؛ «هفته نامه‌ی طلوع اسلام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (382 -380 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (295 -294 / 4).

صدرایی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، نویسنده.
تولد: 1281، تبریز.
درگذشت: 1362، تبریز.
ابوالقاسم صدرایی در مدرسه‌های اتحادیه نوبر، فیوضات تمدن و محمدیه تحصیل نمود. در سال 1300 وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در کلاس‌های متوسطه تبریز به اشتغال داشت. تا سال 1316 در دارالمعلمین تبریز و دبیرستان فردوسی و دارالمعلمات تبریز و سپس به دبیری دانشسرای ایران دخت و شاهدخت انجام وظیفه نمود. در سال 1325، به ریاست دانشسرای دختران تبریز منتقل و سه سال بعد به ریاست دایره‌ی تبلیغات و انطباعات اداره‌ی فرهنگ تبریز انتقال یافت و ضمنا در دانشسرای پسران و دبیرستان فردوسی نیز معلم بود. وی مدت پانزده سال سردبیری و مدیریت و کفالت روزنامه‌ی «تبریز» را به عهده داشت و همچنین در این بین سردبیری روزنامه‌ی «آریا» و سردبیری و مدیریت روزنامه‌ی صدای آذربایجان را دارا بود. طبع شعری هم داشت و اشعاری هم می‌سرود. از آثار وی است املاء فارسی نو (تبریز، 1315)؛ انگشتر الماس (دو جلد)؛ تاریخ ایران (تبریز، 1347 ق.)؛ تاریخ فرهنگ آذربایجان (دو جلد تبریز، 1334 -1332)؛ ترش و شیرین (تبریز، 1319)؛ تفریحات علمی (دو جلد)؛ جغرافیا (دوره‌ی اول، 1343)؛ دختران سپهر (چهار جلد تبریز)؛ دستور نگارش؛ املاء (تبریز، 1319)؛ دستور نویسندگی (تبریز، برای کلاس پنجم و ششم، 1333)؛ شهر کامرانی (تبریز)؛ نوای دل (مجموعه‌ی شعر، تبریز، 1323)؛ نوشتن (مجموعه بیست داستان ادبی، با مشارکت مهدی روشن ضمیر، عبدالعی کارنگ، تبریز 1336).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدرائی اشکوری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید محمدعلی بن العالم البارع الکامل حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله السید موسی الموسوی اشکوری و سبط العالم الجلیل السید محمد صدرائی حسینی بنی کلائی لاهیجانی از گویندگان نامی و مشاهیر خطباء و وعاظ معاصر گیلان می‌باشد.
در سال 1330 ق در نجف اشرف که روز جمعه 17 شوال‌المکرم بود متولد شده و در سال 1345 به اتفاق والدش از نجف اشرف به ایران آمده و در شهر لنگرود سکونت نموده و مترجم ما پس از شش ماه توقف به قم مهاجرت نموده و ادبیات را در نزد مرحوم شیخ محمدرضا اعمی و حاج شیخ ابوالقاسم نحوی خوانده و سطوح را از آقای آقا شیخ عباس تهرانی و آقای آقا نورخمینی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس علی شاهرودی و معقول را خدمت آیت العظمی امام خمینی و سطوح عالی را در خدمت آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آیت‌الله العظمی مرحوم خونساری و آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری و مرحوم میرزا محمد همدانی و اسفار و خلاصه‌الحساب را خدمت آقا شیخ ابراهیم نجف‌آبادی و تفسیر را نزد مرحوم استاد اشراقی بزرگ و مرحوم حاج سید تقی اصفهانی و رجال و علم حدیث را نزد مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم فصولی خوانده و به تدریس ادبیات و سطوح پرداخته و دروس خارج را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و مدت یک سال هم در درس فقه و اصول زعیم اعظم شیعه آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم و اجتهاد رسیده و از مراجع بزرگ چون آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حجت و خونساری و صدر و آیات دیگر رضوان‌الله علیهم نائل به اجازه اجتهاد شده و برای خدمات دینی و تبلیغات مذهبی به وطن خود گیلان معاودت و در رشت مرکز استان گیلان رحل اقامت افکنده و از راه منبر و قلم به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
دارای تالیفات ارزنده و مفیده‌ای می‌باشد که بعضی از آن مکرر به طبع رسیده و برخی مخطوط می‌باشد و آنها از این قرار است:
1- جلد اول از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.

2- جلد دوم از کتاب حقایق اسلام سخنرانیهای (صدرائی اشکوری در رادیو تهران) طبع شده.
3- کتاب وظائف ایرانیان در موقع انتخابات.
4- کتاب معارف اسلام که نیز به طبع رسیده.
5- کتاب پرتو حق در زندگانی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام که بیش از چهار مرتبه به طبع رسیده.
6- رساله در رد مذهب و مرام کمونیسم و عقاید کارل مارکس و لنین و مکتب دیالیک تیک ماتریالیست.
7- تفسیر سوره یسین و تحقیقات علمی در اطراف آن.
8- کتاب با من به خوزستان بیایید جنایات انگلیسها و خیانت عمال آنها.
9- کتاب روح اسلام که سوال و جوابیست که ایشان داده‌اند.
01- رساله نبویه در رد اعتراضات مسیحیین به دین اسلام و به پیغمبر اسلام صلوات‌الله و سلامه علیه با کتاب عهدین عتیق و جدید و دلائل عقلی و نقلی و اثبات تحریف تورات و انجیل مخطوط.
11- سفرنامه مکه مشتمل بر مباحثه با علماء مذهب اربعه شافعی مالکی حنفی حنبلی و مشاهدات در ممالک اسلامی مخطوط.
12- کتاب بوستان اسلامی مشتمل بر مقالات متنوعه خود که در جرائد دینی و سیاسی تهران و ولایات طبع شده.
13- دیوان اشعار بر قصائد- مرائی- غزلیات به نام گلزار احمدی در 376 صفحه وزیری به طبع رسیده است.
14- هفته‌نامه طلوع اسلام که در هر هفته منتشر می‌شود و در آن همه‌گونه مطالب دینی، اخلاقی، سیاسی، انتقادی، فرهنگی، اجتماعی مرقوم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صدردانش، حسامی، ثریا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.
درگذشت: 12 اردیبهشت 1372، تهران.
ثریا صدردانش رشته‌ی اقتصاد را در فرانسه و بلژیک خوانده بود. از سال 1346، هنگامی که 21 ساله بود، کار حرفه‌ای را در روزنامه‌ی «کیهان» آغاز کرد و تا هنگامی که درگذشت، در این روزنامه به فعالیت مشغول بود. طی 26 سال فعالیت، در اغلب زمینه‌های مطبوعاتی کار کرد و سال‌ها علاوه بر نوشتن نقد فیلم، مترجم و نویسنده‌ی مطالب سینمایی بود که طی سال‌های آخر عمرش، این زمینه از فعالیت را در نشریات هفتگی «امید» و «بشیر» ادامه داد. ثریا صدردانش، در «کیهان» دبیر صفحه «دانش و پژوهش» بود که طی سال‌ها مرتب مقاله می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدرهاشمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1344 -1284 ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در 1316 ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ « عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (1/ سه- هفت)، تذکره القبور (491)، الذریعه (107 - 106 / 17)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (198 -197 / 4)، فهرست کتابهای چاپی (2151 / 2 ،740 ،690 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (536 -535 / 5)، یادگار (س 3، ش 4، ص 38 -34).

صدقیانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، مترجم.
تولد: 1302، سبزوار.
درگذشت: 1362.
محمد تقی (امیر) صدقیانی پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1325 موفق به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. وی از سال 1325 با سمت خراسان استخدام شد. سپس از سال 1331 در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه مشهد و از سال 1347 در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.
از جمله آثار وی است: ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی (با همکاری غلامحسین یوسفی، این کتاب برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال شد)، جزوه‌های گرامر انگلیسی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدقیانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی صدقیانی در سال 1302 در شهر سبزوار دیده به جهان گشود .پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1325 موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.ایشان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و بعد در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.وی در سال 1362 دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت. ترجمه کتاب" شیوه‌های نقد ادبی " مرحوم محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی صدقیانی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال 1325 موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید.زمان و علت فوت : محمدتقی صدقیانی در سال 1362 دعوت حق را اجابت کرد و به سرای جاوید شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی صدقیانی از سال 1325 با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال 1331 در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و از سال 1347 در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب" شیوه‌های نقد ادبی " محمد تقی صدقیانی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرحوم صدقیانی به تاریخ و ادبیات و گرامر زبان انگلیسی تسلّط کامل داشت. جزوات گرامر انگلیسی که بوسیلهٔ ایشان تهیه و تدوین شده بود گویای این مدّعاست. کارهای ترجمه آن مرحوم بیشتر به صورت پراکنده موجود است و به ندرت چاپ و منتشر شده است. مهمترین اثر ترجمه‌ای نامبرده ترجمه کتاب شیوه‌های نقد ادبی است که با همکاری و مساعدت دوست دانشمند خود دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید. آثار : شیوه‌های نقد ادبی ویژگی اثر : ترجمه-با همکاری و مساعدت دکتر غلامحسین یوسفی آن را به اتمام رسانید-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

صدوقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم اسلامی.
تولد: 1287(1327 ق.)، یزد.
شهادت: 11 تیر 1361، یزد.
آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب من لا یحضره الفقیه، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسر عموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نز اساتید آن شهر فراگرفت و در سال 1348 ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی 1348 ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجددا در ذی‌الحجه سال 1349 ق. برای پایان تحصیل با خانواده‌ی خود به قم حرکت نمود. اساتید سطوح عالیه وی عبارت بودند از آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجه اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب‌صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال 1371 ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان جا ساکن شد.
از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم خان، مدرسه صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.
مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت در سال 1362 به چاپ رسدیده است.
آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر 1361 (برابر با دهم رمضان 1402 ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید

شد.
آقای حاج شیخ محمد صدوقی بن العالم الجلیل میرزا ابوطالب بن العلامه میرزا محمدرضا مجتهد کرمانشاهی اول عالم و دانشمند معاصر یزد می‌باشد.
پدران این عالم بزرگوار که از احفاد صدوق‌الطائفه جناب ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق صاحب من لایحضره الفقیه و صدها کتاب دیگر همگی از دانشمندان مبرز و علماء زبردست شیعه بوده‌اند.
جد دوم ایشان مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا محمدمهدی فرزند آخوند ملا محمد کرمانشاهی در زمان فتحعلیشاه قاجار از کرمانشاه مهاجرت به یزد نموده و خاندان صدوقی یزد را تشکیل داده است.
تاریخ ورود ایشان به یزد در دست نیست ولی سال فوت به موجب لوح قبری که در مزار بزرگ یزد معروف به (جوی هرهر) است از این قرار است.
هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الایقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلاء السابقین و اعلم العلماء اللاحقین فی بیضه الاسلام والدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق عمده المحققین و زبده المدققین الواصل الی جوار رحمه‌اللّه الملک الغنی مولانا ملا محمدمهدی الکرمانشاهی اعلی‌اللّه مقامه فی شهر جمادی‌الثانیه من شهور 1236:
و در سفرنامه مرحوم آیت‌اللّه آقا محمدعلی بن آیت‌اللّه علی الاطلاق آقا محمدباقر وحید بهبهانی این جمله قید شده است که در یزد وارد بر آقای آخوند ملا محمدمهدی کرمانشاهی شده و شرح مفصلی در خصوص یزد و اخلاق اهالی آن نگاشته است.
خلاصه مترجم معظم ما در هشتم صفر سال 1326 قمری در یزد متولد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در نزد اساتید آن شهرستان تلمذ نموده و در سال 1348 به اصفهان عزیمت و چندی در آنجا در خدمت استادان آن سامان درس خوانده و سرمای تاریخی زمستان و طاقت فرسای سال 48 که در اسفهان و سایر شهرستانهای ایران حکمفرما شده ایشان را مجبور کرد که از اصفهان به یزد مراجعت و مجددا در ذی‌الحجة 1349 ق برای پایان تحصیل با عائله خود به قم حرکت نموده و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم استفاده نموده و هم سطوح عالیه را تدریس تا در سال 1371 ق برای دیدن ارحام

به یزد عزیمت نموده و با استقبال کم‌نظیری وارد یزد و پس از چند روزی تصادفا پدر همسر ایشان مرحوم حجةالاسلام آقا میرزا محمد کرمانشاهی که از علماء و ائمه جماعت یزد بودند وفات و به درخواست و اصرار مردم یزد عزم رحیلش بدل به اقامت گردیده و تا حال تحریر مرجع بزرگ و مطلق امور دینی مردم یزد و حومه آن می‌باشند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه صدوقی از دانشمندان کم‌نظیر معاصر ما در فضل و اخلاق و علم و عمل و تقوی و دیانت و پاکدامنی و اصالت خانوادگی و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و صفات حمیده و فضائل نفسانی می‌باشند و اکنون سرپرستی حوزه علمیه یزد را به عهده دارند و به عموم محصلین مدارس یزد ماهیانه و شهریه می‌پردازند.
آثار و باقیات الصالحات بسیاری در یزد و نقاط دیگر دارند که به آنها اشاره می‌شود.
1- مسجد حظیره که با طرز جالب و زیبائی تعمیر نموده و اکنون در آن در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند.
2- کتابخانه سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان
3- تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه مزبور که در شرف ویرانی بود.
4- مدرسه صدوقی در مشهد مقدس رضوی
5- موسسات خیری در شهرستان قم و اماکن دیگر.
دارای فرزند برومند فاضلی به نام ثقةالاسلام و زبده الفضلاء الکرام آقای آقا شیخ محمدرضا صدوقی می‌باشد که از جمله محصلین مهذب حوزه علمیه قم و در روحیات و فضائل اجتماعی نسخه ثانی آن پدر بزرگوارند.
و نیز دامادهای دانشمند چندی دارند که در میان آنان حضرت مستطاب حجةالاسلام و عمادالاعلام آقای حاج شیخ محمود جعفری تبریزی مشهور همگان و در میان اصحاب و خواص یاران آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری در فضل و تقوا و پاکدامنی مشارالیه بالبنان می‌باشند.
نگارنده گوید: جناب آقای جعفری که بیش از سی سالست ایشان را می‌شناسم و در زمان حیات و ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت ره از خواص اصحاب و ملازمین آن مرحوم بودند و به درس فقه و اصول ایشان شرکت داشتند از همان تاریخ موصوف به تقوا و متانت بودند و هیچ مکروهی از ایشان ندیده و نشنیده‌ام و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حجت بنابر خواسته آیت‌اللّه شریعتمداری متصدی بعضی از کارهای معظم‌له گردیده و تاکنون موفق و مورد توجه و علاقه عموم محصلین و زعماء و مراجع حوزه علمیه و بالاخص زعیم روشن و مرجع بزرگواری چون آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری مدظله العالی می‌باشند.
(1361 -1287 ش)، عالم دینی و فقیه. گویند اجدادش از فرزندزادگان شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی بوده‌اند. در یزد به

دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را در مدرسه عبدالرحیم‌خان نزد اساتید زمان تلمذ نمود. در 1348 ق به اصفهان رفت و چندی در خدمت استادان آن شهر درس خواند. زمستان همان سال از اصفهان به یزد مراجعت کرد و در 1349 ق برای تکمیل تحصیلات با خانواده‌ی خود به قم رفت و اساتید سطوح عالیه را درک و از محضر درس آیت‌الله حائری و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر و آیت‌الله حجت استفاده نمود و همچنین سطوح عالی را تدریس کرد. ساله مقسم شهریه آیت‌الله صدر و آیت‌الله بروجردی بود. از 1371 ق در یزد اقامت گزید و مرجع امور دینی مردم گشت. وی پس از ایراد خطبه‌های نماز جمعه یزد بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. از آثار وی: تعمیر مسجد حظیره، احداث کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عبدالرحیم‌خان؛ تجدید بناء و تعمیر و توسعه مدرسه‌ی عبدالرحیم خان، احداث مدرسه‌ی صدوقی در مشهد مقدس رضوی؛ ایجاد موسسات خیریه در شهرستان قم و اماکن دیگر. از آثار علمی‌اش: «حدیث کساء»؛ «قصد السبیل»، در امر بین الامرین.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (2 / 391- 393)، گنجینه‌ی دانشمندان (7 / 442- 445)، مؤلفین کتب چاپی (5 / 536- 537).

صدیق اعلم، عیسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1273 ش)، مؤسس دانشگاه تهران، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و در 1290 ش عازم فراسنه شد و در 1297 ش دوره‌ی دانشسرای و رسای را به اتمام رساند و از دانشگاه پاریس، دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ریاضی گرفت. چندی نیز در دانشگاه کمبریج به مطالعه و تدریس پرداخت. در 1297 ش به ایران مراجعت کرد و تا 1309 ش مشاغل مختلفی را به عهده داشت، از جمله: بازرس مدراس متوسطه و عالی، ریاست فرهنگ گیلان، ریاست تعلمیات عالیه، معلمی دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی و مدرسه‌ی حقوق، و مدتی نیز مدیر داخلی روزنامه‌ی «مرد آزاد» بود. در 1309 ش به دعوت دانشگاه کلمبیا برای مطالعه‌ی فرهنگ آمریکا به نیویورک رفت و از آن دانشگاه موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در فلسفه گردید و پس از بازگشت به ایران مأمور تأسیس دانشگاه تهران شد و تا 1319 ش ریاست و استادی دانشسرای عالی، دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی علوم به عهده‌ی وی بود. او چندین بار به وزارت فرهنگ انتخاب شد. وی سرانجام در تهران درگذشت. از آثارش: «اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری»؛ «اصول تعلیم و تربیت»، ترجمه، «تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا عصر حاضر»؛ «حقوق بین‌الملل»؛ «شرح حال و شخصیت و آثار فردوسی»؛ «صنایع ایران در گذشته و در آینده»، ترجمه؛ «یکسال در آمریکا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (90 / 15، 179 / 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (205 -200 / 4)، فهرست کتابهای چاپی (3451 / 2 251، 249 / 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (227)، مؤلفین کتب چاپی (654 -650 / 4).

صدیق الحکماء، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. از آثار وی: «اصول طب جدید»؛ «حفظ الصحه»؛ «هدایه التلقیح»؛ «معرفه السل»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (1178 ،259 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (174 -173 / 3).

صدیق، فضل‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، پزشک، استاد دانشگاه و نویسنده. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون گذارند و در 1309 ش به فرانسه رفت. تحصیلات پزشکی را تا آخر سال دوم در بوردو و بقیه را در پاریس به پایان رساند. او پس از نگارش پایان‌نامه خود درباره‌ی «نگاهداری و اصلاح نژاد انسانی» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل شد. سپس در رشته‌ی بهداشت و بیماری کودکان مدت یکسال و نیم تحصیل کرد و گواهینامه تخصصی از آموزشگاه پرورش کودکان پاریس دریافت نمود. پس از آن از طرف دولت انلگستان برای تحقیق، به الجزیره رفت و پس از شش ماه توقف در آن کشور، در 1317 ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری بهداشت کودکان در دانشسرای عالی منصوب شد. وی بعدها به دانشیاری کرسی بهداشت و پس از آن به سمت استادی بی‌کرسی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب گردید.
از آثار وی: «بهداشت غذایی،بهداشت نسل»؛ «فن بچه‌داری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (2467 / 2 ،540 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (860 -859 / 4).

صدیقی یار، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود صدیقی یار
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/9/4
زندگینامه علمی
پس ازگرفتن مدرک سیکل به دروس علوم دینیه مشغول وتادرسیوطی درمدرسه امام صادق (ع)ورامین مشغول به تحصیل شدم تا در زمان جنگ جهت نگهداری ازپدرم هشت ماهی در دروسم فاصله افتاد ولطما تی را دیدم و به پیشنهاد یکی ازدوستانم به مدرسه عبدالعظیم واقع درشهرری رفتم واز عوا مل فی النحومجدداً دروس خودرااغازکردم وبعد ازاتمام ادبیات عرب وشروع به تحصیل اصول وفقه به تدریس دردروس پایه مانند صرف ،تصریف ،صرف ساده وعوامل فی النحومشغول شدم تا اینکه با مشکلات جدیدی مواجه شدم و یکسالی ازدروس حوزه دورافتادم واین وضع به خاطر جبران عقب ماندگی ها وتکمیل دروس و.... وبدون هیچ شهریه ای به قم امدم وبا داشتن یک فرزند وهمسر وبا سختی امتحانات خودرابه صورت متفرقه دادم وشهریه خودرا وصل نمودم و در کنار آن در مؤسسه ای که قبل از وصل شهریه درآن کارمی کردم مشغول کار تحقیقات رجالی وحدیثی بودم که بعداز مدتی از آنجا بیرون آمدم ودرجای دیگری که هم کار علمی درآن به چشم میخورد وهم از لحاظ مادی با تعداد چهار فرزند تأمین می شدم درکناردروس خود مشغول شدم وحتی دردروس تخصصی تبلیغ دو سال مشغول بودم وبه خاطر لطمه خوردن دروس اصلی حوزه ام که ناقص مانده بود انصراف دادم والان مشغول به کار درمجله مبلغان هستم وهم مشغول به تحصیل، و سطح 2 حوزه را دارا هستم .

صدیقی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
طراح، نقاش، پیکرتراش.
تولد: 1276، تهران (محله‌ی عودلاجان).
درگذشت: 20 آذر 1374، تهران بیمارستان آبان.
ابوالحسن صدیقی، فرزند میرزا باقر صدیق‌الدوله نوری، در هفت سالگی در مدرسه‌ی اقدسیه و پس از آن در مدرسه‌ی آلیانس تهران درس خواند. در آخرین سال تحصیلی به خاطر علاقه به نقاشی، مدرسه‌ی آلیانس را رها کرد و در مدرسه‌ی کمال‌الملک به فراگیری نقاشی پرداخت. وی از شاگردان کمال الملک در نقاشی بود که پس از پایان دوره‌ی نقاشی به مجسمه‌سازی روی آورد و خود به پیکرتراشی مشغول شد.
صدیقی در سال 1307 به اروپا رفت و بیش از چهار سال در مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس در رشته‌ی پیکرتراشی به تحصیل مشغول شد. وی در سال 1311 پس از بازگشت به ایران، با حکم کمال‌الملک ریاست مدرسه‌ی صنایع مستظرفه را (که بعدها مدرسه‌ی هنرهای زیبا نام گرفت) بر عهده گرفت. بعد در ایجاد اولین مدرسه‌ی معماری در سال 1318 با کمک مدرسان خارجی در محل کنونی سازمان برنامه (میدان بهارستان) کوشش کرد و بعد با همکاری استاد علی‌محمد حیدریان و مهندس محسن فروغی و آندره گدار در نیمه‌ی دوم سال 1319 در ایجاد «هنرکده» در مدرسه‌ی مروی، واقع در نزدیکی میدان شمس‌العماره شرکت کرد. اما پیش از آن که هنرکده به محوطه‌ی دانشگاه تهران منتقل شود، از همکاری کناره‌گیری کرد و از آن پس تنها به کار پیکرتراشی پرداخت و علاوه بر مجسمه‌ی معاریف ایران، آثاری از صورت بستگان و نزدیکان خود (بین سالهای 1303 تا 1337) و همچنین نقش برجسته نمای وزارت دادگستری (1321)؛ صحنه‌هایی از شاهنامه‌ی فردوسی در زروخانه‌ی بانک ملی ایران (1325)؛ مجسمه‌ی عدالت در وزارت دادگستری (1333) و باز صحنه‌هایی دیگر را به وجود آورد. در بین طرح‌ها و نقاشی‌هایی که در کتاب آثارش چاپ شده، چهره‌ای از حافظ نیز مشاهد می‌شود که به دلایلی به تندیس تبدیل نشده است.
از آثار دیگر اوست: مجسمه‌ی ایستاده‌ی سعدی در شیراز (1330)؛ مجسمه‌ی ایستاده از ابن سینا از سنگ مرمرین در همدان (1333)؛ مجسمه‌ی ایستاده‌ی فردوسی از سنگ مرمر در تهران (1312)؛ مجسمه‌ی

نشسته‌ی فردوسی از سنگ مرمر در شهر توس (1347)؛ تندیس میرزا تقی‌خان امیرکبیر (1322 و 1355)؛ رستم (1325)؛ مجسمه‌ی نادر در باغ نادری در توس مشهد (1335)؛ کمال‌الملک (1347)؛ مجسمه‌ی نیم‌تنه از عمر خیام در پارک لاله تهران (1349 و 1354)؛ یعقوب لیث (1365) و سیاه نی‌زن یا حاج مقبل، دو نیم‌تنه چپ و راست از یک سیاه مراکشی؛ نیم‌تنه از یک دوره‌گرد پیر؛ نیم‌تنه ابوالقاسم مستخدم استاد کمال‌الملک، نیم‌تنه استاد کمال‌الملک، و تمام تنها از برادرزاده‌ی خود ایشان و نیم‌تنه‌ی ننه حسین خدمتکار. وی همچنین تندیس‌هایی را به سفارش برخی از نهادها از جمله بانک سپه، بانک ملی ایران، بانک مرکزی، دانشگاه تهران، سازمان تربیت بدنی، وزارت نفت، شهرداری تهران، جمعیت هلال احمر خلق نمود.
از جمله جوایز و نشان‌هایی که به وی اهداء شد، می‌توان از نشان درجه‌ی یک و لوح تقدیر انجمن شرق شناسان فرانسه (پاریس)؛ مدال طلای درجه یک هنر از دولت بلژیک (1957)؛ دیپلم افتخار و نشان هنر از سوی دولت فرانسه توسط رییس آکادمی فرانسه (1959)؛ نشان درجه‌ی یک هنر از رییس جمهوری ایتالیا (1792) نام برد. کیسیون ملی یونسکو نیز همت محمد پارسی و هادی سیف کتابی در سال 1373 در آخرین سال حیات او به پاس خدماتش چاپ و منتشر کرد و استاد در 98 سالگی توانست پیش از فوت، آثارش را یک جا و در مجلدی مشاهده کند.
استاد صدیقی در 20 آذر 1374 در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در قطعه‌ی هنرمندان (قطعه‌ی شماره‌ی 88) بهشت زهرا به خاک سپره شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صدیقی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، جامعه شناسی، محقق.
تولد: آذر 1284، تهران.
درگذشت: 9 اردیبهشت 1370.
غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال 1309 برای ادامه‌ی تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دوره‌ی دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترای ادبیات در رشته‌ی فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رساله‌ی دکترای او با عنوان جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری در سال 1938(1317) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال 1372 در تهران به چاپ رسیده است). در سال 1316 به ایران بازگشت و با درجه‌ی دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه‌ی قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت، مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیر کل دانشگاه و چند دوره نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگره هزاره ابن سینا بود، و از 1326 الی 1329 در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» لغت نامه دهخدا فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحده مربوط به چاپ لغت نامه در چاپخانه مجلس شورای ملی در اواخر 1324 به همکای با دهخدا انتخاب شد.
وی در سال 1330 در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال 1332 وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای 28 مرداد 1332 دستگیر گردید و مدت پانزده ماه در زندان به سر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.
از جمله فعالیت‌های وی در زمینه‌ی فرهنگی تأسیس مؤسسه‌ی مطالعات و

تحقیقات اجتماعی در سال 1337 است. این مؤسسه در سال 1351 به دانشکده‌ی علوم اجتماعی تبدیل شد.
دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نماینده ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: از طائیس تا سقراط، گزارش سفر هند (1326)؛ چاپ متن عربی رساله‌ی سرگذشت ابن سینا و چند رساله‌ی دیگر منسوب به ابن‌سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب اصول حکومت آتن (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیه‌ی باستانی پاریزی) نوشته است.
دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت 1370 درگذشت.
از فلاسفه و دانشمندان و استادان مسلم دانشگاه است. در 1284 ش تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و ادبیات در تهران به اخذ دیپلم نائل آمد و از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیلی به فرانسه اعزام شد و در رشته‌ی فلسفه لیسانس و دکترا اخذ کرد. پس از مراجعت به ایران به دانشیاری و سپس استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد و سالیان دراز در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در 1330 در کابینه‌ی دکتر محمد مصدق،ابتدا وزیر پست و تلگراف و بعد وزیر کشور بود و تا 28 مرداد 1332 در آن سمت باقی ماند. پس از سقوط مصدق، دو روزی به حال اختفاء می‌زیست تا اینکه به اتفاق مصدق و شایگان، خود را به حکومت جدید معرفی کرد، چند روزی در باشگاه افسران، سپس در زندان لشکر 2 زرهی زندانی بود. همزمان با محاکمه‌ی مصدق در دادگاه نظامی او هم محاکمه شد و چندی در زندان بود و او را از کار دانشگاهی اخراج کردند ولی مجددا به کار خود بازگشت و شغل استادی را تا سنین بازنشستگی ادامه داد. ریاست گروه فلسفه و روانشناسی با او بود.
دکتر غلامحسین صدیقی مردی به تمام معنی صدیق و متقی و دانشمند و در عین حال سختگیر و بدون گذشت بود. در وطن‌خواهی و علاقه‌ی او به کشور هیچ‌کس تردید ندارد. او عضویت جبهه ملی را پذیرفت و تا پایان عمر بدان عقیده باقی ماند. در اواخر دوران حکومت شاه هر موقع سخن از نخست‌وزیر ملی می‌شد، نام صدیقی مترادف آن بود. شاه در روزهای سقوط به او متوسل شد تا سکان شکسته‌ی کشتی حکومت را به دست او بسپارد ولی روی شرایط پیشنهادی توافق نشد. شاه در خاطرات خود اشاره می‌کند که شرایط او مورد قبول واقع نشد لیکن واقعیت مطلب این است که صدیقی از زیر بار مسئولیت فرار کرد. زیرا اوضاع و احوال روز خواستار عدم قبولی او بود. وی صاحب تالیفاتی در رشته‌ی تخصصی خود می‌باشد. در سال 1371 در تهران درگذشت و از طرف مردم تشییع جنازه‌ی باشکوهی به عمل آمد.

(1370 -1284 ش)، نویسنده و استاد دانشگاه، رییس انجمن آثار ملی. در تهران به دنیا آمد. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه‌های آلیانس و دارالفنون در 1308 ش به فرانسه اعزام شد. او پس از اخذ دیپلم ادبیات از دانشسرای عالی سن کلود، تحصیلات دوره‌ی دکترا را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن آغاز کرد و با تقدیم رساله‌ی خویش تخت عنوان «جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری» دوره‌ی دکترای خویش را به پایان برد. به ایران بازگشت و به خدمت دانشگاه درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی شد: معلم جامعه‌شناسی و تاریخ فلسفه، نماینده‌ی دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در شروای دانشگاه، عضو هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس بین‌المللی تلعیم و تربیت در ژنو و بعد با همین سمت در لندن، عضو هیأت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در هندوستان، ریاست نمانیدگی در سومین کنفرانس سازمان تربیتی و علمی یونسکو به جهت شایستگی علمی و فرهنگی مدتها عضو هیئت تحقیقی انجمن آثار ملی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «از طالس تا سقراط»؛ «گزارش سفر هند». دکتر صدیقی برای مدتی هم با علی ابکر دهخدا همکاری علمی و فرهنگی نمود و تألیف و تنقیح دو جزء «لغت‌نامه» را بر عهده گرفت به پایان رساند. او همچنین در تصحیح تألیفات فارسی منسوب به ابن‌سینا شرکتی فعال داشت.[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 17، ش 4 -1، ص 173 -164)، مؤلفین کتب چاپی (680 -679 / 4).

صدیقی، فیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبانهای خارجی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صرامی، سیف الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیف الله صرامی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1360 هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال 60 توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.
تا اواخر سال 66 دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال 68 شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایة الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج 1 و 6 در سال های 67 تا 69 خواندم.سال 69 دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال 73 به پایان رسانیدم.از سال 69 با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال 67 غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.
از سال 75 همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای

علمی آن و از سال 76 تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .
از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صرفی پور، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی صرفی پور
محل تولد : قم
شهرت : صرفی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 60 وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) شد. اگر چه قبل از ورود رسمی به حوزه نزد پدرش تا لمعه تحصیل نمود . بعد از دوران مقدمات رسمی وارد دروس فقه و اصول شده و نزد آقایان آیةالله اشتهاردی، اعتمادی، ستوده سطح را تمام نمود. دروس خارج را از دروس آیات عظام مکارم، تبریزی و فاضل بهره برد. تاکنون در حوزه های علمیه شهرستانهای اندیمشک، اسدآباد، مینودشت و صحنه وپلدختردروس حوزه را تا لمعه و اصول ورسائل ومکاسب تدریس نموده است.
همچنین مسائل اخلاقی و اعتقادی و تاریخی و سیره ائمه را در این شهر ها برای گروه های مختلف مردم تبیین نموده است. ودر دانشگاه آزاد نیز تدریس داشته اند.تاکنون 27 جلد کتاب تالیف نموده و بیش از 50 جلد کتاب اماده نشر می باشد. وتقریبا بیست مقاله آماده عرضه دارند همچنین بیش از سیصد جلسه رادیویی در رادیو لرستان ازایشان به عنوان کارشناس دینی برنامه های معارف اسلامی ضبط و پخش و یا برای پخش منظور شده است.

صعلوکی نیشابوری، ابوسهل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(369 -296 ق)، فقه شافعی، مفسر، ادیب، نحوی، صوفی و شاعر. شیخ خراسان در زمان خود بود. در اصفهان به دنیا آمد. وی به بصره رفت و چندین سال در آن شهر تدریس نمود و چند سال نیز در اصفهان اقامت داشت. سرانجام در 337 ق به نیشابور آمد و سپس خانواده‌ی خود را به آنجا منتقل کرد. او بیش از سی سال کرسی درس و فتوی نیشابور را در اختیار داشت. صعلوکی از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و احمد ماسرجسی و احمد محمدآبادی و ابن ابی‌حاتم و ابن‌انباری و محاملی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، ابوطیب، و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوسهل مصاحب ابواسحقاق مروزی بود و گفته‌اند که از وی فقه آموخت. گویند که او شبیلی را نیز درک کرده بود. نسوی وی را پیشگام علم تصوف می‌داند. ابوبکر صیرفی گوید که اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید و صاحب بن عباد گفت که ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است. به هر حال او در شریعت و طریقت یگانه‌ی روزگار خود بود. وی در نیشابور درگذشت. ثعالبی اشعار بسیاری را به او نسبت داده است. «الفوائد» روایتهایی از اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (658)، الاعلام (207)، الاعلام بوفیات اعلام (253 / 1)، انساب سمعانی (540 -539 / 3)، ریحانه (446 -445 / 3)، سیر النبلاء (239 - 235 / 16)، شذرات الذهب (70 -69 / 3) طبقات الصوفیه هروی (585)، العبر (132 / 2)، الکنی و الالقاب (417 -416 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ صلعوکی)، النجوم الزاهره (141 -140 / 4)، نفحات الانس (318 -317)، الوافی بالوفیات (125 -124 / 3)، وفیات الاعیان (205 -204 / 4).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 337 ق)، حافظ، محدث، فقیه و لغوی. پدرانش حنفی و خود شافعی و مذهب بود و از بزرگان آنها. از یحیی بن محمد ذهلی و علی بن حسن دارابجردی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن ایوب رازی و عبدالله بن احمد بن حنبل و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. او در نیشابور به تدریس فقه و حدیث مشغول بود. برادرزاده‌اش،ابوسهل صعلوکی، و ابوعبدالله اخرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. حاکم نیشابوری گوید که از وی حدیثی شنیدم. او رد فقه و لغت از پیشگامان بود و در حدیث صاحب تصنیف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات اعلام (231 / 1)، انساب سمعانی (541 -540/ 3)، سیر النبلاء (391 / 15)، معجم المؤلفین (108 / 2)، الوافی بالوفیات (396 / 7).

صعلوکی نیشابوری، ابوطیب سهل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 404 / 387 ق)، محدث، فقیه، متکلم و ادیب شافعی. مفتی نیشابور بود و پدرش نیز قبل از او این سمت را داشت. علم و فضل و دیانت او را ستوده‌اند و گفته‌اند که مرجع فقهای نیشابور بود. فقه را از پدرش، ابوسهل محمد بن سلیمان،و حدیث را از ابوالعباس اصم و ابوعلی رفاء آموخت. سپس مجلس درس آراست. در مجلس او افزون بر پانصد دوات برای نگارش بیانات او فراهم می‌کردند. حاکم نیشابوری و ابوبکر بیهقی و ابونصر محمد شادیاخی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الفوائد» که گردآوری مسموعات اوست؛ «المذهب فی ذکر شیوخ المذهب»، که همان طبقات شافعیه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3 / 210)، الاعلام بوفیات الاعلام (1 / 273)، انساب سمعانی (3 / 540)،روضات الجنات (4 / 94)، ریحانه (3 / 445)، سیر النبلاء (17 / 207- 209، شذرات الذهب (3 / 172- 173)، طبقات الصوفیه هروی (585)، العبر (2 / 208)، کشف الظنون (1645)، الکنی و الالقاب (2 / 416- 417)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم المؤلفین (4 / 284)، نفخات الانس (318)، الوافی بالوفیات (12- 13 / 16)، وفیات الاعیان (2 / 435- 436)، هدیه العارفین (1 / 412).

صغانی، رضی‌الدین، ابوالفضائل حسن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(650 -577 ق)، فقیه حنفی، محدث، نحوی و لغوی. اصل وی از صغان یا چغان مرو از ولایات ماوراءالنهر است که در لاهور به دنیا آمد و در غزنه نشوونما یافت.به بغداد رفت و سفری به یمن نمود و سرانجام تا پایان عمر در بغداد ماندگار شد. او در مکه از ابوالفتوح نصر بن صحری و در یمن از قاضی خلف حسن‌آبادی و در بغداد از سعید بن محمد بن رزاز حدیث شنید. او در زبان عربی سرآمد همعصران خود بود، و از مشاهیر فقها و محدثین به شمار می‌رفت. در اکثر علوم ریاست علمی داشت. حوزه‌ی درس او مرجع استفاده‌ی افاضل زمان بود. صغانی از مشایخ اجازه‌ی روایتی سید احمد بن طاووس و فرزندش سید عبدالکریم بن طاووس و علامه‌ی حلی است. از آثار وی: «مجمع البحرین»، در لغت، در چندین مجلد؛ «العباب»، معجمی در لغت که برای ابن‌علقمی، وزیر مستعصم نگارش کرده است؛ «الشوارد»، درلغت؛ «الاضداد»؛ «مشارق الانوار»، در حدیث، که برای مستنصر عباسی تألیف کرده است، شرح «صحیح» بخاری بطور مختصر؛ «التکمله علی الصحاح» یا تکمله الصحاح»؛ «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «بیان الاحادیث الموضوعه» یا «الدررالملتقطه فی بیان الاحادیث الموضوعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (232 / 2)، ایضاح المکنون (433 / 2)، روضات الجنات (91 -89 / 3)، ریحانه (409 -407 / 3)، سیر النبلاء (284 -282 / 23)، شذرات الذهب (250 / 5)، العبر (265 / 3)، کشف الظنون (1980 1832، 1808، 1776، 1705، 1688، 1599، 1461، 1438، 1424، 1394، 1392، 1250، 1121، 1087،1072 1067، 1065، 731، 553، 395، 251، 116، 87)، الکنی و الالقاب (318 -417 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (191 -189 / 9)، معجم المؤلفین (279 / 3)، النجوم الزاهره (27 -26 / 7)، الوافی بالوفیات (243 -240 / 12).

صفا، ذبیح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1290 ش در شهمیرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در 1312 دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در 1315 لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرائی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.
دکتر صفا از سال 1320 به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در 1322 به ریاست اداره تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیرکلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریتهای زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در 1312 معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در 1315 سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در 1320 امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.
دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرائی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال 1378 در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفار بخاری، ابونصر اسحاق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 405 ق)، فقیه، ادیب و شاعر. اهل بخارا بود. او در ادبیات عرب، در شناخت نکات و دقائق آن، و همچنین در فقه و حدیث یگانه‌ی زمان خود بود. ابوسعد سمعانی در «تاریخ مرو» و حاکم نیشابوری در «تاریخ نیشابور» و خطیب بغدادی در «تاریخ بغداد» به شرح حال او پرداخته‌اند. او احادیث بسیاری در انواع علوم فراگرفت و در 405 ق، در سفر حج، در بغداد، از نصر بن احمد بن اسماعیل کنانی، صاحب جبرئیل سمرقندی، حدیث روایت کرد. ابوعلی حسن بن علی بن مذهب بغدادی از شاگردان و راویان صفار است و استادش را بسیار ستوده است. صفار در اواخر عمر به حجاز رفت و ساکن طایف شد و قبر وی در آنجاست. صفار شعر را نیکو می‌سرود. او در لغت و ادبیات تصانیفی دارد که از آن جمله است: «المدخل الی سیبویه»، در نحو؛ «المدخل الصغیر»، در نحو؛ «الرد علی حمزه فی حدوث التصحیف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (548 -547 / 3)، تاریخ بغداد (403 / 6)، ریحانه (452 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم الادباء (69 -66 / 6)، معجم المؤلفین (230 / 2).

صفارزاده، طاهره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان
■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران
■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا
■ کسب درجه MFA
■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹
■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات
■ دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان
■ برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،
■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی
■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰
سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی
■ قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱
■ شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱
Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴
● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه
■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴
■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹
■ ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵
■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.
■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱
■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳
■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴
دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است.
صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.
از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.
نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.
در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن

دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب

اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.
دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد اوگنجانده شد.
طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.
کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.
اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.
شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از

لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفاری، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 ش)، شاعر و مترجم. در رشت به دنیا آمد و در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد. او طبع شعر نیز داشت و در حدود هزار و پانصد بیت شعر سروده است. اثر وی: «بدبختی روشنفکران»، ترجمه.[1]
تولد: 1296، رشت.
درگذشت: آبان 1369، تهران.
رحیم صفاری مدرسه‌ی کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشه‌های چاپ شده‌ی او ترجمه‌ی بدبختی روشنفکران اثر اشتفان زوایک است (تهران، 1328). چند نوشته رساله‌ی سیاسی هم منتشر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی (1 / 470)، مؤلفین کتب چاپی (3 / 113- 114).

صفاری، سعدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعدی صفاری
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/9/1
زندگینامه علمی
اینجانب سعدی صفاری در سال 1347 هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (1363) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا

هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفاهانی، حبیب الله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلّف کتاب «شرح اسماء اللَّه الحسنی»، معاصر با شاه عباس ثانی صفوی، کتاب خود را در سال 1061 به نام این پادشاه نوشته است. بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صفای تبریزی، فضلعلی مولوی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1339 / 1337 -1278 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به صفا. پدرش ملاباشی آذربایجان بود. وی در تبریز به دنیا آمد. به تحصیل مقدمات و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض و قافیه و تجوید و قرائت و حساب و نجوم نزد آقا میر علی زنوزی پرداخت. سپس فقه و اصول را فرا گرفت. استادان وی در فقه و اصول میرزا محمد حسن زنوزی و حاج میرزا محمد علی ملاباشی آذربایجان، برادرش، بودند. او تفسیر و کلام را نزد پدرش آموخت. سپس برای تکمیل تحصیلات عالیه به عتبات سفر کرد و در محضر علمای بزرگ حاضر شد و سرانجام به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و ادرکانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی نائل گردید. در 1307 ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر پرداخت. در 1324 ق از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی در 1336 ق برای معالجه به اروپا رفت اما اقامت طولانی وی مفید واقع نشد و در برلین درگذشت و در گورستان مسلمین آنجا دفن شد. فرزندزادگان وی به نام مولوی مشهورند. از آثارش: «احکام الاراضی الخراجیه»؛ «استصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «حدایق العارفین»، در جمع آیات و اخبار کتب اربعه؛ شرح «قصیده‌ی عینیه» سید حمیری؛ «مصباح الهدی فی حقیقه التقیه و البداء»؛ «کلید دانش»، در صرف فارسی؛ «ریاض الازهار»؛ «سفرنامه»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی؛ قصیده‌ی «لامیه السفر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (299 -298)، الذریعه (10 / 14 271، / 12 ،608 / 9 ،289 / 6)، ریحانه (451 -448 / 3)، علماء معاصرین (121 -120)، فرهنگ سخنوران (557)، مکارم الآثار (2196 -2192 / 6)، یادگار (س 3، ش 6 و 7، ص 116 -110).

صفای شهمیرزادی، ذبیح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1378 -1290 ش)، محقق، مترجم، مصحح، نویسنده، ادیب، شاعر و استاد دانشگاه. وی در شهمیرزاد سمنان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان جا و بابل گذراند، سپس به تهران آمد و تحصیلات خود را در تا درجه‌ی دکترا ادامه داد و به استادی دانشگاه ادبیات رسید و با نوشتن مقالات ادبی و تاریخی در مجلات «مهر»، «ایران امروز» و «تعلیم و تربیت» و غیره استعداد خود را نشان داد. وی مدیریت سال اول مجله‌ی «سخن» و مدیریت سال پنجم و هفتم مجله‌ی «مهر» را نیز بر عهده داشته و تأسیس روزنامه‌ی «شباهنگ» نیز از اقدامات اوست. او مدتی دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران و زمانی رییس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود. دکتر صفا در سالهای آخر عمر در شهر لوبک (آلمان) می‌زیست.از آثارش: «تاریخ ادبیات در ایران»، در پنج جلد؛ «حماسه‌سرایی در ایران»؛ «تاریخ علوم عقلی»، در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری؛ «مزداپرستی در ایران قدیم»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان عبدالواسع جبلی»؛ «جشن‌نامه‌ی ابن‌سینا»؛ «آیین سخن در معانی بیان»؛ «تربیت معلمین روستایی»، ترجمه؛ «شاهکارهای ادبیات فارسی»، در چند مجلد؛ «فلسفه لایب نیتس»؛ «گنج سخن»؛ «مرگ سقراط»، ترجمه؛ «نگهبانان ایران»؛ «یادنامه‌ی خواجه نصیر»؛ «مادر دیوانه»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (368 -367)، سخنوران نامی معاصر (2300 -2295 / 4)، فهرست کتابهای چاپی (3443، 2848، 2700 / 2 1221، / 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (228)، مؤلفین کتب چاپی (84 -80 / 3).

صفائی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین نخبه العلماء العاملین آقای حاج شیخ عباس بن العلامه الکبری و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی حایری قمی (صاحب حاشیه بر کفایه) از علماء اعلام و دانشمندان عظام شهرستان قم معروف به فضل و کمال موصوف به علم و تقوا در سال 1322 ق در شهر سامرا متولد شده و تحصیلات خود را بیشتر نزد والد بزرگوار خود خوانده و هم از محضر آیت‌الله العظمی حایری استفاده نموده و بعد از فوت مرحوم والدش در سال 1358 ق به جای آن مرحوم در (مسجد نو) واقع در خیابان شیخان به اقامه جماعت و ترویجات دینی قیام نموده و تاکنون که نزدیک هفتاد سال از سن شریفش می‌گذرد به تدریس و تالیف و سایر خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صفرعلی پور، حشمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حشمت الله صفرعلی پور
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی(ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال 1360 ه . ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایة الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایة الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج‌البلاغه از آیت الله مکارم شیرازی و در دروس اخلاق از محضر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الدینی(ره) و آیت الله مظاهری بهره می‌گرفتم. شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنده‌دار، محامی، استادی و سید احمد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و استادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حدیث و سیره رانزد آیت الله سید احمد خاتمی بهره گرفتم. در سال 66 به دست آیت الله بهجت حفظ الله ملبس شدم و در این میان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نبرد غرب و جنوب حضور پیدا

می‌نمودم. دروس خارج فقه و اصول را بیشتر از محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و وحید خراسانی تلمذ نمودم برقی از کتابهای مباحث خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی(ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم.از سال 70 با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولایت پرداختم و آثاری را تألیف و به چاپ رسانیدم و در زمینه کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین(ع) به صورت گزارشی، تخصصی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتابشناسی اختصاصی امام حسین(ع) را تدوین و در اختیار علاقمندان و محققان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هدیه به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال 73 و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال 81 به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضمن چند سال در ایام تبلیغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صفری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد و به شغل قضاوت اشتغال داشت. از آثار وی: «زندگانی بیسمارک»، ترجمه؛ «عروس مرو، کیانوش دختر یزدگرد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2298 ،1485 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (299 / 4).

صفوت، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1376 -1298 ق)، نویسنده، محقق، ادیب و شاعر. ملقب به صفوت. وی در تبریز به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی، فقه، اوصل، منطق و حکمت را از محضر علما و دانشمندانی چون سید علی یزدی، میرزا علی لنکرانی، میرزا نصیر قره‌باغی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و سید کاظم عصار فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسید. سالهای جوانی در سلک روحانیت بود و در ضمن به وعظ می‌پرداخت. بعد از مدتی از لباس روحانیت خارج شد و به استخدام فرهنگ درآمد و در مشاغل مختلفی مثل ریاست اوقاف، کفیل اداره‌ی کل فرهنگ آذربایجان و سرپرست دانشسرای تبریزی انجام وظیفه کرد. صفوت پس از چهل سال فعالیتهای فرهنگی، مجاورت شهر قم را برگزید و اوقاتش در این شهر، مصروف تألیف آثار ادبی و تاریخی و اخلاقی می‌شد. او سرانجام در همان شهر در گذشت. از آثار وی: «منابع الحکم»، در اخلاق؛ «دانش و پرورش نیازمند هوش و سنجش است»؛ «دسته گل»، منتخب از دیوان عبرت؛ «تاریخ فرهنگ آذربایجان»؛ «مرآت الاعتبار فی احوال رجال الاعصار»؛ «داستان و دوستان» یا «تذکره‌ی ادباء و شعرای آذربایجان»؛ «نعم الرفیق» یا «خل شفیق لارائه الطریق»؛ «چهارده معصوم- تربیت در اسلام»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (234 / 24 ،1613 / 9 ،171 / 8) زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (209 / 4)، سخنوران نامی معاصر (2337 -2334 / 4)، شرح حال رجال (244 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (302 -299 / 4).

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(955 / 953 -900 ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.
او را به مناسبت جد مادریش، صفی‌الدین ایجی، صفوی گویند. موطن او هند بود. ابتدا نحو و صرف و سپس فقه و پس از آن «رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی درآمد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در 939 ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب الحدیث؛ « شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافیه» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافیه» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفا» قاضی عیاض.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (294 / 5)، ایضاح المکنون (10 / 1)، شذرات الذهب (298 -297 / 8)، کشف الظنون (1989، 1374، 1371، 1299، 1198، ،1054، 853، 595)، هدیه العارفین (810 / 1).

صفی الدین ارموی، ابوالمفاخر عبدالمومن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(693 -613 ق)، موسیقی‌دان، خطاط و ادیب. اصلش از بلخ بود، اما خاندانش در ارومیه به سر می‌بردند و او رد همان جا به دنیا آمد. در کودکی به بغداد رفت و در آنجا نشوونما یافت. وی در مدرسه‌ی مستنصریه به تصحیل عربی و علوم دینی و ادب و ریاضی پرداخت و در نظم اشعار و علم انشا و تاریخ و حسن خط شهرت یافت و در علم و عمل موسیقی بی‌مانند شد. در آخرین سال خلافت مستعصم (م 656 ق) ندیم و عودنواز و کتابدار و کاتب او بود و بعدها به خدمت هلاکو درآمد. به قول بعضی از محققین، در خط همپایه‌ی یاقوت مستعصمی و ابن‌مقله بود، اما در موسیقی، پس از اسحاق موصلی، کسی به پایه‌ی او نرسیده است. صفی‌الدین یکی از سه موسیقی‌دان بزرگ ایران و عالم اسلام است، که نخستین ایشان، ابونصر فارابی و دیگری، خواجه عبدالقادر غیبی مراغه‌ای است. صفی‌الدین پیشقدم نظریه‌ی معروف (فرضیه‌ی منتظم) است که در آن گامها به هفده فاصله تقسیم می‌شود. وی سازی به نام مغنی اختراع کرد که ترکیبی‌از قانون و رباب و نزهه بود، حتی برخی اختراع ساز نزهه را هم به او نسبت داده‌اند. صفی‌الدین شاگردان بنامی تربیت کرده است که از آن جمله‌اند: شیخ شمس‌الدین سهروردی، علی ستایی و حسین زامر. وی در سالهای پایان عمر به زندان افتاد و همان جا درگذشت. از آثار وی: «رساله الایقاع»، به فارسی، در پنج فصل؛ «الادوار فی حل الاوتار»، که جمعی از دانشمندان و علمای فن به ترجمه یا شرح آن به زبان فارسی پرداخته‌اند؛ «رساله فی علوم العروض و القوافی و البدیع»؛ «رساله الشرفیه فی النسب تألیفیه»، که به عربی و به نام شرف‌الدین‌هارون، فرزند خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی، نوشته شده است و اختصارا «کتاب الموسیقی» خوانده می‌شود.[1]
ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر دانشمند و موسیقی‌دان ایرانی (و. ارومیه حدود 613 ه.ق. - ف. 963 ه.ق.) در کودکی وی را به بغداد بردند و او در آن شهر به تحصیل پرداخت و پس از آموختن فقه شافعی به روزگار مستنصر به مستنصریه پرداخت و به سبب خوشنویسی در کتابخانه خلیفه به خطاطی مشغول شد. سپس به نواختن عود پرداخت و به سبب مهارتی که در این راه یافت ملازم و ندیم مستعصم آخرین خلیفه عباسی گردید و مالی فراوان به دست آورد و بیشتر آن را صرف عشرت خویش و

احسان بر یاران کرد. هنگامی که هولاکو بغداد را فتح نمود صفی‌الدین نزد او رفت و به سبب هنر موسیقی در دستگاه‌خان مغول احترامی یافت. سپس به ریاست دارالانشاء علاءالدین عطاملک جوینی رسید. آنگاه به تبریز شد و به دستور شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان پسرش شرف‌الدین هارون را تعلیم موسیقی داد و رساله «شرفیه» را به نام وی تألیف کرد. زندگانی او در پایان عمر آشفته گردید و به سختی روزگار می‌گذرانید و به سبب وام بسیار به حکم قاضی به زندان افتاد و در سن 80 سالگی درگذشت. وی در عربیت و نظم شعر و انشاء و تاریخ و خلاف و موسیقی مهارت داشت و خط منسوب را کسی مانند او نمی‌نوشت. از آثار او رساله «شرفیه» و «کتاب ادوار» (هر دو به عربی) مشهور است. رساله‌های او در روزگار خود وی به فارسی ترجمه شده و در سال 1937 م. «بارون اولانژه» آنها را به فرانسوی ترجمه و طبع کرده است. موسیقی‌دانان ادوار بعد از رسایل وی استفاده بسیار بردند. او را مخترع سازی به نام «مغنی» دانسته‌اند و گویند آن ترکیبی از «قانون» و «رباب» و «نزهه» بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] استادان موسیقی (35 -34)، تاریخ ادبیات در ایران (272 -271 / 3)، تاریخ برگزیدگان (553 -552)، تاریخ موسیقی (188 -182 / 1)، تاریخ نظم و نثر (732، 147 -146)، تاریخ هنرهای ملی (751 -749 / 2)، حبیب السیر (107 / 3)، دانشمندان آذربایجان (237 -236)، دایره‌المعارف فارسی (1574 -1573 / 2)، دستور الوزراء (270)، کارنامه‌ی بزرگان (64 -62)، معجم المولفین (198 / 6)، هدیه العارفین (630 / 1).

صفیر، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمدعلی صفیر ، دانشمند و شاعر شهیر در سال 1294 شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن ، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه 22 مهر 1377 در سن 86 سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر سیدمحمدعلی صفیر ، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدربزرگ او نیز ، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.
استادان و مربیان : سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.
زمان و علت فوت : سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه 22 مهر 1377 در سن 86 سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی 88 بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان)

به خاک سپرده شد.
فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات گذراند.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی ، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور 1320 ، اقدام به تأسیس « انجمن تعلیمات اسلامی ایران » نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون ، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینیه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.
آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت. -
---
آثار :
1 تاریخ مختصر ایران
2 ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)

3 تصحیح انجیل برنابا
4 تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری
5 خردنامه
ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.
6 درس دین
7 دیوان اشعار
ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.
8 ماتمکده ی شهید شیرخوار
ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع). ----------
---

منابع :
1مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی 54 ، بهمن و اسفند 1377 ، ص 114

صلاحی، عمران

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عمران صلاحی در دهم اسفندماه 1325 در امیریه تهران بدنیا آمد.مادرش متولد سمنان و پدرش از اردبیل بود. تحصیل را در 7 سالگی در دبستان صنیع الدوله(قم) آغاز کرد و پس از آن در سال 1335 در دبستان قلمستان(تهران) وسپس در سال 37 در دبستان شهریار و دبیرستان امیر خیزی(تبریز) ادامه داد. نخستین شعر خود را در مجله ی اطلاعات کودکان در سال 1340چاپ کرد. پدر خود را در همین سال از دست داد.

اما بهتر است این دوران را از زبان خودش با عنوان (چه روزگار خوشی داشتیم) بشنویم:

"نامم عمران است و فامیلم صلاحی. نام کوچکم را عمویم مراد انتخاب کرده است؛ از قرآن و سوره آل عمران. ترک ها به من می گویند عیمران و فارس ها گاهی با کسره و اکثرا با ضمه صدایم می کنند. ناشران و مترجمان گاهی گیج می مانند که هرکس هرطوری دوست دارد بنویسد و بخواند.نامم را به لاتین با اِ بنویسند یا با اُ.
... دهم اسفند 1325 در تهران متولد شده ام؛ چهارراه گمرک امیریه. البته نه وسط چهارراه اگر چه گفته اند خیرالامور اوسطها.و اما زندگی ادبی و هنری من. قدیم ترین شعر و نوشته ای که از خودم پیدا کرده ام، تاریخ پنج شنبه 30/11/1337 را دارد. برخلاف تصور خواننده، خیلی غم انگیز است. بخشی از آن را بخوانیم؛ «از تهران حرکت کردیم و پس از یک روز به تبریز رسیدیم... در خیابان چهارم اردیبهشت، دربند کیوان، یک اتاق کوچک کرایه کردیم به 26 تومان. هفت نفر بودیم. بعد از چهار روز، خواهر کوچکم پروین به یک مرض سخت دچار شد... در روز چهارشنبه 29/11/1337 پروین در بستر مرگ بود. صبح روز پنج شنبه به سختی نفس می کشید. بعدازظهر همان روز بعد از آنکه ناهار را خوردیم، من در بیرون توپ بازی می کردم. ناگهان پسر همسایه مان به من خبر داد که مادرت چنان گریه می کند که نمی تواند روی پاهای خودش بایستد. با عجله دویدم تا به خانه رسیدم. دیگر کار از کار گذشته بود. نفس پروین بند آمده بود و چشم هاش باز بود...» دیگر بقیه اش را نمی آورم. به قول ایرج میرزا؛ ببند ایرج ازین گفتار غم دم / که غمگین می کنی خواننده را هم. بعد از این نوشته

سوزناک چند بیت هم شعر گفته بودم که بیت اولش این بود؛ کجا رفتی ای پروین / می خندیدی چه شیرین.اولین شعرم پاییز سال 1340 در مجله اطلاعات کودکان چاپ شد، به نام «باد پاییزی» که یک مثنوی بود و اینطور شروع می شد؛ باد پاییزی بریزد برگ گل / بلبلان آزرده اند از مرگ گل. هنوز آن مجله را دارم. در صفحه جدول و سرگرمی همان مجله مسابقه ای گذاشته بودند و سوالاتی طرح کرده بودند که هرکس به آنها پاسخ درست می داد جایزه می گرفت. یکی از سوالات این بود؛ «فرستنده باد پاییزی کیست؟» که منظور فرستنده شعر باد پاییزی بود. من این باد را از تبریز فرستاده بودم ! در آخر شعر آورده بودم؛ ای خدا راضی مشو این باد بد / برگ گل های مرا پرپر کند، که همین طور هم شد یا نشد ! آخر پاییز، پدرم به سفری همیشگی رفت. من آن وقت 15 ساله بودم."
تحصیل در دبیرستان وحید(تهران) در سال 1341 و پس از آن در سال 45 به همکاری با روزنامة توفیق پرداخت و همانجا با پرویز شاپور آشنا شد. در سال 1347 چاپ اولین شعر نیمایی در مجلة خوشه به سردبیری احمد شاملو را به همراه داشت. در سال 49 کتاب ”طنز آوران امروز ایران” با همکاری بیژن اسدی پور _ فوق دیپلم مترجمی از دانشگاه تهران_ را منتشر کرد.در سال 1350 به خدمت نظام وظیفه در تهران ، تبریز ، کرمانشاه ، مراغه رفت.
در زندگی خود نوشت صلاحی در مورد این سالها آمده است:
"بعد از مرگ پدر، به تهران آمدیم و ساکن جوادیه شدیم. با دوچرخه قراضه ای از جوادیه به دبیرستان وحید در خیابان شوش می رفتم. روزی دوچرخه ام پنجر شد. سر راهم در جوادیه دوچرخه سازی بود. برای پنچرگیری به آنجا رفتم. دیدم در و دیوار پر از شعر است. از دوچرخه ساز پرسیدم شعرها مال کیست؟ گفت مال خودم. دوچرخه ساز، شاعر بود و اسمش رحمان ندایی. با هم دوست شدیم و رفت و آمد پیدا کردیم. به خانه هم می رفتیم و شعر می خواندیم؛ هم از خودمان و هم از دیگران. او به انجمن ادبی صائب می رفت. از طریق او، خلیل سامانی (موج) دعوتنامه ای برای من فرستاد. او دبیر انجمن بود و استاد عباس فرات رئیس انجمن. جلسات انجمن هفته ای یک بار تشکیل می شد؛ در ایستگاه اناری نواب کوچه ماه. اولین بار که به انجمن رفتم در بسته بود و هنوز هیچ کس نیامده بود. دیدم از سر کوچه پیرمردی با کلاه لبه دار و بارانی و کیفی چرمی دارد می آید. پیرمرد آمد و دم در ایستاد و از من پرسید «با کی کار داشتی؟» گفتم؛ «با آقای موج.» خودش را معرفی کرد و گفت؛ «من فرات هستم. فرات بی موج نمی شود. الان موجش هم می رسد.» دو دقیقه بعد «موج» هم آمد. سامانی برای اینکه نشانی را فراموش نکنیم، آن را در دو بحر می خواند؛ «کوچه ماه، پلاک سی وسه» و «کوچه ماه، کاشی سی

وسه». که هنوز به یاد من مانده است. این هم از تاثیرات وزن است. از همان انجمن صائب پایمان به انجمن های دیگر باز شد. یک شب که از انجمن آذرآبادگان واقع در امیرآباد می آمدم با حسین منزوی آشنا شدم. جوانی لاغر که دانشجوی دانشگاه تهران بود و در خانه عمویش در جوادیه زندگی می کرد و چه عموهای نازنینی، مثل پدر منزوی. از آن به بعد همه در انجمن های ادبی من و منزوی را با هم می دیدند. یک شب که پول نداشتیم از کلبه سعد تا جوادیه پیاده آمدیم و من این بیت را سرودم؛ با منزوی پیاده روی می کنیم ما / خود را بدین وسیله قوی می کنیم ما ! کاظم سادات اشکوری می فرماید؛ دستت چو نمی رسد به عمران / دریاب حسین منزوی را ! روزی یکی از بچه های شیطان جوادیه با سنگ، زد یکی از پره های دوچرخه ام را شکست و پا به فرار گذاشت. من شعری نوشتم از زبان بچه جوادیه و با همان امضا فرستادم برای روزنامه فکاهی توفیق. روزنامه را نمی خریدم. از روزنامه ای که توی جوی آب پیدا کرده بودم، نشانی اش را نوشته بودم. یک روز که از مدرسه به خانه آمدم، نامه ای به دستم دادند. حسین توفیق نوشته بود شعر و کاریکاتورت در فلان شماره چاپ شده است هرچه زودتر خودت را به ما برسان. یک روز عصر با همان دوچرخه قراضه از مدرسه رفتم به اداره توفیق در خیابان استانبول. از سال 1345 عضو هیات تحریریه روزنامه توفیق شدم و در آن مکتب پرورش یافتم. اسامی مستعارم در توفیق، بچه جوادیه، ابوطیاره، ابوقراضه، مداد، زرشک، زنبور و چند امضای دیگر بود. من خود را خیلی مدیون برادران توفیق می دانم. چه روزگار خوشی داشتیم.در توفیق با پرویز شاپور آشنا شدم. از طریق شاپور با اردشیر محصص آشنا شدم. دوستی من با شاپور تا آخر عمر او ادامه داشت. سال 45 در زندگی هنری من نقطه عطفی بود؛ سرودن شعر نو به فارسی و ترکی، همکاری با توفیق، آشنایی با شاپور."

در سال 52 به همکاری با گروه ادب امروز رادیو به دعوت نادر نادرپور پرداخت و به استخدام رادیو تهران در آمد.در سال 53 انتشار کتاب "گریه در آب"را داشت و در همان سال با هایده وهاب‌زاده ازدواج کرد.در سال 1355 کتاب "قطاری در مه" را منتشر کرد.سال 56 انتشار کتاب "ایستگاه بین راه" را داشت. نمایشگاه مشترک کاریکاتور با پرویز شاپور و بیژن اسدی‌پور در نگارخانه تخت جمشید و شعر خوانی در 10 شب کانون نویسندگان ایران نیز از کارهایی است که عمران صلاحی در همان سال به همراه داشت.

اولین فرزند او به نام یاشار در سال 57 به دنیا آمد. انتشار کتاب "هفدهم" و سفر به ترکیه ، یونان ، بلغارستان از وقایعی است که در سال 58 با آن مواجه بود.دومین فرزندش به نام بهاره در سال 61 بدنیا آمد و در همان

سال کتاب ”پنجره دن داش گلیر” را به ترکی منتشر کرد. در سال 67 گشایش صفحة ”حالا حکایت ماست” در مجله دنیای سخن و مسئولیت نگارش در آن قسمت را به عهده گرفت. در سالهای 70 ،73 و 74 به ترتیب انتشار کتاب ” رویاهای مرد نیلوفری”، انتشار ویژه نامة مجلة ”عاشقانه” در آمریکا و انتشار کتاب ”شاید باور نکنید” در سوئد را در کنار سایر دست آوردهایش همراه داشت.سال 75 پس از بازنشستگی از صدا و سیما به همکاری با گل‌آقا و همکاری با شورای عالی ویرایش پرداخت.
از خود صلاحی کوتاه درباره ی دوران بعد از سربازیش بشنویم:

"بعد از اینکه از سربازی آمدم، به دعوت نادر نادرپور، به همکاری با گروه ادب رادیو تلویزیون پرداختم. در رادیو با محمد قاضی، رضا سیدحسینی، حسینعلی هروی و دیگران آشنا شدم. در گروه ادب امروز، بخش های طنز را می نوشتم. برنامه مستقلی هم داشتم به نام «زیر دندان طنز». از نادرپور هم خیلی آموخته ام. یادش گرامی باد. برنامه های ماهانه گروه ادب هم با حضور مشاهیر ادبیات جلوه و جذابیت خاصی داشت.شب های شعر کانون نویسندگان که در باغ گوته برگزار می شد برای من فراموش نشدنی است. من در شب دوم شعر خواندم و خیلی تشویق شدم.از سال 1364 با چند نفر از دوستان شاعر و نویسنده جلساتی داشتیم که سه شنبه ها به ترتیب الفبا در منازل تشکیل می شد. جلسات سه شنبه تقریبا 11 سال به طول انجامید. از سال 65 با شاعران ترک زبان بیشتر آشنا شدم. دوشنبه ها در قهوه خانه ها جمع می شدیم و شعر می خواندیم البته به ترکی. دیگر از چه بگویم و از که بگویم. از منوچهر آتشی بگویم که حقی بزرگ به گردن من دارد، از حمید مصدق بگویم که همیشه «از ما به مهربانی» یاد می کرد، از سیمین بهبهانی بگویم که مثل مادرم دوستش دارم و به او افتخار می کنم. واقعا نمی دانم از که بگویم. خوبان همه جمع اند بروم و کمی اسفند دود کنم."

او در سال 77 کتاب های ” یک لب و هزار خنده” و ”حالا حکایت ماست”و در سال 78 گزینة اشعار را به چاپ رساند. همچنین در این سال در 6 شهر کشور سوئد سخنرانی هایی را ایراد کرد. وی در سال 79 کتابهای ” آی نسیم سحری”،”ناگاه یک نگاه”،”ملا نصرالدین”، از گلستان من ببر ورقی” و ” باران پنهان” و در سال 80 ،کتاب‌های ”هزار و یک آینه” و ”آینا کیمی” به ترکی را منتشر کرد. وی همچنین قرار بود "تفریحات سالم"، "طنز سعدی در گلستان و بوستان" و "زبان‌بسته‌ها" (منتخبی از قصه‌های حیوانات به نظم) را منتشر کند.
و بالاخره عمران صلاحی در شب 11 مهر 1385 دار فانی را وداع گفت.

در مراسم تشییع پیکر او جواد مجابی درباره ی او می گوید: " عمران هیچ از مرگ نمی گفت. همواره از زندگی می گفت و می سرود... ورای شیرینی کلامش زهری جریان داشت که از واقعیت ناگزیر می تراود و او چرب دستانههر دو منظر را یکجا به ما نشان می دهد... او همچون ذات زندگی، دیگران را در خود ایمن و شاد می خواست. نمی میرند کسانی که چونعمران عین شادی اند. عمران تمام عمرش را با مردم کوچه زیست."
همچنین در این مراسم محمود دولت آبادی گفت :" او خود زندگی بود. درخشان و دل زنده ... چه بی مهر شده است اینزندگانی غمبار ما و این آژنگ های نشسته بر پیشانی آدمیان که انگار به عادت سخت وسمج در آمده است که انگار حس شوخی و شاد زیستن - آنگونه که عمران - رفتاری نابهنجارمی نماید. در این هنجار، آری عمران انسانی متفاوت بود... "

صلح جو، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی صلح جو ، متولد سال 1323 در قزوین ، از ویراستاران و مترجمان باتجربه و خبره و از معلمان ویراستاری در دوره های آموزش ویرایش است .گروه : علوم انسانی رشته : زبان شناسی عمومی گرایش : ویراستاری تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی صلح جو به قرار زیر است: - کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی،مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی،1354 -کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی،دانشگاه تهران،1359همسر و فرزندان : علی صلح جو متاهل و دارای چهار فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای علی صلح جو به قرار زیر است: - نمونه خوان،موسسه انتشارات فرانکلین از سال 1341 تا 1344 - ویرستارفموسسه انتشارات فرانکلین از سال 1344 تا 1348 - ویراستار موسسه دایره المعارف فارسی مصاحب از سال 1348 تا 1354 - ویراستار دانشگاه آزاد اسلامی از سال 1354 تا 1358 - ویراستار مرکز نشر دانشگاهی از سال 1359 تا 1382 - ویراستار مجله پیام یونسکو از سال 1365 تا 1370 - دبیر اجرایی مجله زبان شناسی از سال 1366 تا1380 - ویراستار دانشگاه پیام نور از سال 1373 تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله مترجمفعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی صلح جو به ترتیب زیر است: تدریس دروس ، زبان شناسی،ترجمه ،ویرایش از سال 1362 تا کنون در دانشگاههای شیهید بهشتی،آزاد اسلامی،پیام نور،جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران،مرکز نشر دانشگاهی دانشکده حدیث و انتشارات سروش .چگونگی عرضه آثار : علی صلح جو از ویراستارانو مترجمین و مولفین در پیرامون زبان،فرهنگ و تارخ و غیره است که از ایان تا کنون 12 مقاله منتشر شده است.آثار : 1 آموزش بدمینتون 2 (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: آذر آقایاری، علی صلح جو (ویراستار)، ژاله معماری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 27 اسفند، 1386 2 آموزش بسکتبال (1) (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن محمدزاده جهتلو، علی صلح جو (ویراستار)، خلیل نسودی رضایی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 31 اردیبهشت، 1384 3 اصول آموزش تنیس روی میز 1 (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمدرضا رمضانپور، علی صلح جو (ویراستار)، بهمن تاوردی

زاده (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 15 اسفند، 1386 4 اصول آموزش فوتبال (1): رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ویژگی اثر : پدیدآورنده: قدرت الله باقری راغب، علی صلح جو (ویراستار)، ابوالفضل فراهانی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 14 آبان، 1386 5 پژوهش و نگارش ویژگی اثر : پدید آورنده :علی صلح جو،نشر آگاه 13686 تاریخ زبان فارسی (رشته زبان و ادبیات فارسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهری باقری، علی صلح جو (ویرایشگر)، حسن انوری (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 27 اسفند، 1386 7 ترجمه متون ادبی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود علی محمدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 14 آبان، 1386 8 چگونه تحقیق کنیم؟ (رشته های کارشناسی ارشد علوم انسانی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: لورن بلکستر، کریستینا هیوز، ملکم تایت، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، عیسی ابراهیم زاده (مترجم)، محمدرضا سرمدی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 12 شهریور، 1385 9 خواهر وسطی ویژگی اثر : پدیدآورنده:میریام میس،مترجم(علی صلح جو)،ابن سینا 134610 درآمدی به اصول و روش ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: کاظم لطفی پورساعدی، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 12 تیر، 1385 11 راهنمای آمادگی جسمانی برای زندگی سالم 1 (رشته تربیت بدنی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: مت رابرتس، بهروز ژاله دوست ثانی (مترجم)، ابوالفضل فراهانی (مترجم)، محمدرضا اسد (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 11 مهر، 1385 12 رشد و تکامل حرکتی (رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسن خلجی، علی صلح جو (ویراستار)، مریم سیف نراقی (ویراستار) ناشر: دانشگاه پیام نور - 22 مهر، 1386 13 روشها و فنون در آموزش علوم، برای کارشناسان و معلمان علوم تجربی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهتاش اسفندیاری، علی صلح جو (مترجم) ناشر: مدرسه - 1382 14 زبان شناسی نوین:نتایج انقلاب چامکسی ویژگی اثر : پدیدآورنده :دیردری ویلسن،مترجم(علی صلح جو-ترجمه مشترک)136715 زبان و ذهن ویژگی اثر : پدیدآورنده: نوآم چامسکی، کوروش صفوی (مترجم)، علی صلح جو (ویراستار) ناشر: هرمس - 17 خرداد، 1384 16 زبان و زبان شاسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: الکساندر کنداتف،مترجم(علی صلح جو)،ایران یاد 136317 فرستادگان نور ویژگی اثر : پدیدآورنده: امیده صدارت، جیمز توئیمن، علی صلح جو (مترجم)، مریم بیات (مترجم)، مرجان انصاری (مترجم) ناشر: سخن - 1382 18 فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی و چگونگی کاربرد آنها ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو، حسین وثوقی ناشر: رهنما - 1382 19 فرهنگ

اندیشه نو(مقالات زباننشاسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده :مازیار،مترجم(علی صلح جو) فن مطالعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: لیندافریل انیس، علی صلح جو (مترجم)، احمد سمیعی(گیلانی) (ویراستار) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 06 آذر، 1386 21 گفتمان و ترجمه ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز - 05 اسفند، نظریه های ترجمه در عصر حاضر ویژگی اثر : پدید آورنده :هرمس ،مترجم(علی صلح جو) 138023 نکته ای ویرایش ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو ناشر: نشر مرکز - 27 اسفند، 1386 24 نمادها و نشانه ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: آلفرد هوهنه گر، علی صلح جو (مترجم) ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - 08 آبان، 1386 25 نمونه های نثر ساده انگلیسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: علی صلح جو (ویراستار)، محمود علی محمدی (ویراستار)، بهروز عزبدفتری (گردآورنده) ناشر: دانشگاه پیام نور - 19 اسفند، 1386

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر صمدی شاه آباد
محل تولد : تفت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/4/17
زندگینامه علمی
در سال 1352 وارد حوزه علیمه یزد شدم پس از گذراندن مقدمات و مقداری از سطح در سال 1358 به حوزه علمیه قم مشرف شدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشتم به این امر مقدس روی آموردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از یکسال قبل وعده می دهم . در قم نیز در بیوت رهبری ، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می روم 0 سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام0 سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام . در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنو 5 جلد کتاب و ده ها مقاله نوشته ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صمصامی مهاجر، رضا قلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1335 -1267 ش)، مترجم. ملقب به رفیع الملک. تصحیلات وی رشته ادبیات، دوره‌ی علوم جدید متوسه، و سمت رسمی او مدیریت عتیقات و موزه‌ی ملی بود. از آثار وی:«عود ارواح»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2354 / 2)، مولفین کتب چاپی (211 -210 / 3).

صمصامی، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1278 ش)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه‌ی علوم سیاسی وارد خدمت وزارت خارجه شد و عهده‌دار مشاغل مختلفی چون دبیری و کارداری سفارتهای روسیه و افغانستان شد. از آثار وی: «آخرین خانواده‌ی امپراطور روس»،ترجمه؛ «سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی بین‌المللی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1897 -1896 / 2 ،17 / 1)، مولفین کتب چاپی (726-725 / 4).

صناری خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 539 ق)، فقیه، مفسر، نحوی و لغوی. ادبیات را نزد شیخ ابوعلی ضریر نیشابوری آموخت و فقه را در خوارزم نزد ابوعبدالله وبری فراگرفت. آن‌گاه به بخارا رفت و فقه خویش را در محضر فقهای آن دیار تکمیل نمود. سپس به جرحانیه (خوارزم) بازگشت و سرانجام در قریه‌ی مذانه از قرای خوارزم سکنی گزید و عهده‌دار امور مذهبی‌آنجا گشت و در مسجد جامع آنجا هر صبح جمعه وعظ می‌گفت. او لغات غریب و اشعار مشکل بسیاری را در حفظ داشت. وی در مذانه درگذشت. از آثارش کتاب «شماریخ الدرر»، در تفسیر قرآن مجید می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5 / 128)، ریحانه (3 / 469- 470)، کشف الظنون (1019، 447)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (14 / 63- 64)، معجم المولفین (7 / 149).

صناعی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، مترجم، محقق، مؤلف.
تولد: 1297، اراک.
درگذشت: شهریور 1364، لندن.
محمود صناعی که اشعار خود را با عنوان «هونر» (فرود) و «هونر» (م) منتشر می کرد، پس از پایان تحیلات متوسطه در کالج آمریکایی تهران از دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات پارسی و حقوق لیسانس گرفت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران در سال 1324 برای تکمیل تحصیلات خود عازم انگلستان گردید و در دانشگاه لندن به تحصیل در رشته‌ی حقوق و فلسفه و روان‌شناسی مشغول شد و به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی روان‌شناسی نایل شد. در سال 1333 به عضویت انجمن بین‌المللی پسیکوآنالیز انتخاب گردید. مدتی به سمت رایزن فرهنگی ایران در انگلستان خدمت کرد. وی همچنین عضو هیئت نظارت تألیف تاریخ ایران در کمبریج بود پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و به مقام‌های ریاست دانشسرای عالی تهران و معاونت وزارت فرهنگ نیز رسید.
دکتر محمود صناعی همچنین موفق به تأسیس و پایه‌گذاری مؤسسه‌ی روان‌شناسی در دانشگاه تهران شد. وی در این مؤسسه کتابخانه‌ای حاوی کتابهای مربوطه و نشریات ادورای گرد آورد. او بیش از ده سال پیش از فوتش به انگلستان عزیمت کرد و در لندن ساکن شد.
علاوه بر مقاله‌هایی که در مجله‌های «ایران امروز»، «سخن»، «یغما»، «راهنمای کتاب» و «مهر» منتشر می‌کرد و مقاله‌هایی به زبان انگلیسی در مجله‌های جهانی منتشر می‌ساخت، فهرست آثار انتشار یافته وی به شرح زیر است: یادی از استاد (هرلدلسکی، 1332)؛ ترجمه‌ی چهار رساله افلاطون (1336)؛ آزادی فرد و قدرت دولت؛ آزادی و تربیت (1339)؛ اصول روان‌شناسی (نرمال ل. مان چاپ دوم، 1342)؛ پنج رساله از افلاطون (1334)؛ در آزادی (جان استوارت میل).
دکتر محمود صناعی در شهریور 1364 در لندن درگذشت.
در سال 1297 تولد یافت. پس از انجام تحصیلات متوسطه وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و لیسانسیه در رشته‌ی فلسفه و علوم‌تربیتی شد.

بعد به اروپا رفت و در دانشگاه لندن فلسفه و علوم‌تربیتی و روانشناسی تحصیل کرد و درجه‌ی دکترا گرفت . چندی در دانشکده‌های انگلستان تدریس می‌نمود، سپس به دعوت دولت ایران به تهران آمد و استاد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات تهران شد. مدتی ریاست دانشسرای عالی با او بود. بعد به معاونت وزارت فرهنگ و تعلیمات عالیه منصوب گردید. چندی هم وابسته‌ی فرهنگی ایران در لندن بود. صناعی در سال 1345 مجددا به روانشناسی به زبانهای انگلیسی و فرانسه می‌باشد. مردی بود به تمام معنی دانشمند و با فضل در روانشناسی و روانکاوی صاحب بصیرت. وقتی که در تهران اقامت داشت، مطبی دائر نمود و بیماران روانی را معالجه می‌کرد. در سال 1365 درگذشت.
(تو 1297 ش)، مترجم و نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تصحیلات خود را در کالج آمریکایی تهران و دانشکده‌ی ادبیات و دانشکده‌ی حقوق به پایان رسانید و در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات فارسی و زبان خارجه و حقوق به اخذ لیسانس توفیق یافت. پس از چند سال تدیس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران، جهت تکمیل تحصیلات به انگلستان رفت و پس از اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه لندن به تحصیل پسیکو آنالیز (روانکاوی) پرداخت و در 1333 ش به عضویت انجمن بین‌المللی آن رشته انتخاب گردید. مقالات متعددی که وی در مسایل مختلف روانشناسی اجتماعی انتشار داد، او را در زمره‌ی متخصصین بین‌المللی این فن درآورد. صناعی مدتی رایزن فرهنگی سفارت ایران در انگلستان بود. از آثار وی: «آزادی و تربیت»؛ «اصول روانشناسی»، ترجمه؛ «پنج رساله از افلاطون»، ترجمه؛ «چهار رساله‌ی افلاطون»، ترجمه؛ «در آزادی»، ترجمه؛ «یادی از استاد»، ترجمه.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کتابنامه‌ی نخسین دهه‌ی انقلاب (230)، مؤلفین کتب چاپی (48 -47 / 6).

صندلی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 489 / 484 ق)، متکلم، واعظ و فقیه حنفی معتزلی. از اهالی نیشابور بود. با سلطان طغرل بیگ به بغداد رفت، سپس به نیشابور بازگشت و به زهد و سلوک روی آورد و از دیدار سلاطین روی برتابید. روزی ملک شاه سلجوقی در مسجد جامع نیشابور او را دید و از او به علت عدم رفت‌وآمد به دربار گله کرد. صندلی در جواب گفت: عرض ما آن است که شما با زیارت علماء از اخیار ملوک باشید نه این که ما با زیارت ملوک از اشرار علماء. از آثارش «تفسیر القرآن» را می‌توان نام برد. در «هدیه العارفین» صندلی به صورت صیدلی و در «معجم المولفین» به صورت صندیلی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (707)، الاعلام (82 -81 / 5)، ریحانه (470 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المولفین (67 / 7)، هدیه العارفین (693 / 1).

صنعانی اصفهانی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم و فاضل، و واعظ کامل، در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بوده، در اصفهان مردم را موعظه می‌فرموده، در 1150 در شهر صنعاء یمن ساکن شده، و هم در این شهر وفات یافته است.
قبرش در جنوبی شهر صنعاء زیارتگاه است
مادّه تاریخ وفاتش را ادیب احمد بن حسین الرکیحی گفته است:
هذا صریح الواعظ المتقی
علاّمة العصر فصیح اللسان
ناداه رضوان بتاریخه
یا خلد ابراهیم اسنی الجنان
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

صنعتی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد علی اکبر صنعتی در سال ۱۲۹۵ ش در کرمان به دنیا می آید وازآغاز کودکی تا اواخر زمان درگذشت خود یعنی بهار ۸۵ منشاءخدمات و آفرینش های بزرگ و ماندگار در فرهنگ و هنر ایران بود . علی اکبر از همان کودکی ذوق نقاشی را در خود احساس می کند. سرانجام پس از تحصیلات ابتدایی حاج اکبر او را نزد پسرش به تهران می فرستد. طی ۱۲ سال درمدرسه کمال الملک نزد استادان نام آوری چون ابوالحسن خان صدیقی ، علی محمد حیدریان ، حسین خانشیخی و علی رخسار آمورش می بیند.
در سال ۱۳۱۹ به درجه لیسانس در نقاشی نائل می شود در همان سال به کرمان می آید و برحسب وظیفه وادای دین نسبت به پرورشگاهی که در آن پرورش یافته بود تعداد ۴۰ تن از کودکان یتیم پرورشگاه راانتخاب نموده و به آنها تعلیم نقاشی می دهد که تعدادی از آنها در این زمینه به موفقیت دست یافتند. درسال ۱۳۲۴ به تهران می رود و با کوشش عبدالحسین صنعتی زاده موزه ای در میدان توپخانه ساخت هو به شیر خورشید واگذار می کند . این موزه به عنوان اولین موزه مردمی در سال ۱۳۲۵با برگزاری نمایشگاهی افتتاح و با استقبال بسیار زیادی روبرو گردید. مجموعه هایی از مجسمه های انسان و حیوان و اشیاء , در پرداختی واقع گرایانه و در اندازه هایی تا چندین برابر اندازه طبیعی , با شرح و تفسیر ونام ها روایات,اسطوره ها و قصه های بسیار مشهوری که الهام بخش آنها بوده اند از جمله آثار این موزه هستند . دیگری نیز در سال ۱۳۳۰ در خیابان کالج توسط وی دایر شد که تماماً اختصاص به نمایش آثار خود استاد داشت. که برخی از آن آثار در مهرماه ۱۳۵۶ جهت افتتاح موزه کرمان به این شهر منتقل شدند.
در سال ۱۳۵۲ ش عبدالحسین صنعتی زاده پسر حاج اکبر از دنیا می رود و چهار سال بعد از مرگ وی با کوشش نوه حاج اکبر (همایون صنعتی زاده) و جمعی از دوستداران هنر موزه هنرهای معاصر (موزه صنعتی) افتتاح میگردد. در این موزه تعدادی از تابلوها ومجسمه های استاد نمونه های ارزنده دیگری از آثار هنرمندانی مانندکمال الملک و شاگردان او و همچنین سایر هنرمندان معاصر ایرانی و خارجی به صورت دائم به نمایش گذارده گردید. آنچه مسلم است به خاطر نیت پاک و خیرخواهانه و خدمات ارزنده و انسانی حاج اکبرصنعتی زاده و بزرگداشت و احترام نیم قرن هنرآفرینی

و خلاقیت هنری استاد سیدعلی اکبر صنعتی این محل دائر می شود که هنوز هم با توجه وسیع شیفتگان استاد و هنر او مواجه است .

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر فرزند آخوند میرزا جانی قزوینی معروف به صنوبری از علماء مبارز و مجاهد شهرستان قزوین بوده است تولدش در دیال آباد از مضافات قزوین در سال 1290 قمری اتفاق افتاده و در بیت ورع و تقوای پدر روحانیتش مرحوم آخوند میرزا جانی پرورش یافته و مقدمات را در قزوین خوانده و نیز سطح فقه و اصول را در این شهرستان از مدرسین و علماء بزرگ به پایان رسانیده و پس از آن در سال 1318 قمری عزیمت به نجف اشرف کرده و حدود ده سال تا 1328 هجری قمری اقامت فرموده و از محضر آیات عظام آن سامان چون حضرت آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدهادی تهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ ملا فتح‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به وطن خود قزوین مراجعت و به خدمات دینی از قبیل اقامه نماز جماعت و نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و مبارزه با ستمگران و منحرفین از ولایت خاصه مرام کثیف بهائیت و بابیت پرداخته و غالب خود لباس رزم پوشیده و در خط مقدم با آنان جنگیده و مبارزه می‌نمود.
آن مرحوم حدود دویست آبادی را در منطقه ساوج بلاغ تا تاکستان قزوین و نیز بخشی از قزوین را در زیر پوشش تبلیغی خود داشت و امور شرعی مردم این سامان را به عهده داشت و به خاطر مبارزه با طاغیان زمان و خشونت با دشمنان و شدت در امر به معروف و نهی از منکر مشهور و زبانزد همه بود و جدا مجاهدی نستوه بود در زمان خود و دائما برای دفاع از حریم اهل‌بیت علیهم‌السلام و عوامل حکومت مستبد آن زمان مبارزه می‌نمود و با این اوصاف مردی متعبد و عالمی متهجد و اهل حال و اهل مستحبات و ساعی در قضاء حوائج بندگان خدا بود.
اجازات چندی از آیات عظام نجف اشرف دارند کمه نزد این نگارنده موجود و عبارات و عنایات آنان را نسبت به آن مرحوم می‌نگارم و از نقل تمام آن پوزش و معذرت می‌خواهم.
1- آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایه درباره ایشان چنین فرموده چون جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام آقای آقا شیخ محمدباقر قزوینی سلمه‌اللّه تعالی که سالها در نجف اشرف مقیم و مشغول تحصیل علم و کمالات نفسانیه بوده و به کمال صلاح و سداد آراسته و به مدارج علم و کمال نائل می‌باشند و سزاوارند که ترویج دین و

شریعت سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله نمایند...
2- آیت‌اللّه حاج شیخ محمد هادی طهرانی نجفی درباره ایشان گوید:
مخفی بر عموم اخوان ایمانی و اخوان روحانی وفقهم اللّه تعالی نیست که جناب مستطاب علم الاعلام رکن الفقهاء عین العلماء قدوه المحققین و عمده المدققین العالم العامل و المحقق الکامل سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی نجل مرحوم مبرور آخوند ملا میرزاجان طاب ثراه...
3- آیت‌اللّه مرحوم شریعت اصفهانی قدس‌اللّه سره بعد از حمد و ثناء الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی درباره معظم‌له فرماید:
و بعد فان العالم العامل و الفاضل الفاصل الباذل اباالفضائل والفواضل صاحب القریحه القویمه و السلیقه المستقیمه الورع المهذب الصفی والتقی النقی الزکی المولی محمدباقر القزوینی.
4- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی الحسینی القزوینی شهیر به سید آقا قزوینی رحمه‌اللّه در شان ایشان فرماید:
چون جناب مستطاب شریعتمدار عمده العلماء العظام العالم العلام المحجه المسدد زین الفقهاء الکرام آقای آقا شیخ محمدباقر سلمه‌اللّه تعالی بکمال سداد آراسته...
از باقیات الصالحات او فرزند ارجمند و پرهیزکاری وی حاج میرزا ابوالفضل صنوبری برادر خوانده این نگارنده است که جدا به زیور ورع و تقوا آراسته و به محامد آداب و محاسن اخلاق متصف می‌باشد زیرا که وی سالها از محضر و بیانات حکیمانه عابد صالح مرحوم آقا شیخ رجبعلی خیاط استفاده کرده و خاطرات سازنده و آموزنده از آن مرحوم دارد که برای نمونه یکی از آنها را می‌نگارم.
وی برای نگارنده نقل نمود که مسجد خیابان اکباتان سابق (ملت) امام جماعتی داشت سید و عالم که به زیور تقوا و ورع آراسته و بسیار بزرگوار بود که من گاهی موفق به شرکت نماز او شده و به وی اقتدا می‌کردم. او مریض شد و از دنیا رفت و من در مجلس فاتحه و یادبود او شرکت کردم و چون چند روزی از درگذشت او گذشت روزی در یکی از خیابانهای آن منطقه (سعدی) دیدم که او در حاشیه آن خیابان می‌آید تعجب کردم با خودم گفتم این آقا که از دنیا رفته بود آیا رجعت کرده و زنده شده پس به سوی او رفتم که از او سوال کنم از من گذشت دیگر او را ندیدم.
پس به منزل آمده و پس از خوردن غذا خوابیدم در عالم خواب به منزل جناب شیخ رجبعلی رحمه‌اللّه رفتم و پس از تعارفات به او گفتم فلان سید را می‌شناسید فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم در پیاده‌رو فلان خیابان می‌آید رفتم به سوی او که بپرسم شما رجعت کرده‌ای

به او نرسیدم.
فرمود: ابوالفضل باید یک سور (یعنی ولیمه و غذا) بدهی گفتم چرا گفت آقا امام زمان روحی فداه بوده.
پس از خواب برخاستم و به سوی منزل جناب شیخ رفتم و چون به منزل او رسیدم دیدم آماده است که به جائی برود. گفتم داداش فلان سید پیش نماز مسجد اکباتان را می‌شناسید. فرمود خدا رحمتش کند سید خوبی بود از دنیا رفت گفتم می‌دانم ولی امروز چیز عجیبی دیدم فرمود چه دیدی گفتم او را دیدم زنده شده و در فلان خیابان راه می‌رفت. گفت ابوالفضل باید یک سور بدهی گفتم چرا گفت او آقا امام زمان روحی فداه بود باید به صورت آن آقا دیدی.
پس خواب خود را با بیداری و گفتار او را در خواب بیداری مطابق یافتم.
حفید آن مرحوم آقا حاج اسمعیل صنوبری در حال حاضر قائم مقام آقای ری شهری تولیت آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم حسنی است که در حال حاضر افتخار خدمتگذاری به آستانه را دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

صور اسرافیل، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزاتقی‌خان تبریزی، ابتدا در دربار مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز اشتغال ورزید و بعدها به منشیگری ولیعهد منصوب شد. در کودکی تحصیلات خود را خیلی خوب انجام داد، خط و ربط خوبی به هم زد مخصوصا در کارهای مالی سررشته‌ی زیادی پیدا کرد. در ابتدای مشروطیت در زمره‌ی آزادیخواهان قرار گرفت و به اتفاق میرزا جهانگیرخان و علی‌اکبر دهخدا، روزنامه‌ی معروف صوراسرافیل را دائر کردند و در مقام مبارزه با محمدعلی میرزا برآمدند. در استبداد صغیر لیاخوف مامور دستگیر آنها شد. میرزا قاسم و دهخدا به استانبول فرار کردند ولی میرزا جهانگیر دستگیر و به دار آویخته شد. میرزا قاسم بعد به برلن رفت و به آزادیخواهان پیوست و چند شماره روزنامه‌ی صوراسرافیل را در آنجا انتشار داد. بعد از فتح تهران و سقوط محمدعلی میرزا، به ایران آمد و از طرف مجلس به نمایندگی برگزیده شد و به حزب اجتماعیون پیوست. در دوره‌ی سوم از ساوجبلاغ شهریار نماینده بود و در مهاجرت در دولت موقتی رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه وزیر داخله شد، بعد به آلمان رفت و مدتی در آن کشور زیست. در دوره‌ی چهارم از نخست‌وزیری منصوب گردید. در 1304 به معاونت و کفالت وزارت داخله تعیین شد تا سرانجام در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه‌ی هدایت ابتدا کفیل و بعد وزیر پست و تلگراف و تلفن بود. در 1309 از کابینه اخراج شد. پس از مدتی حکمران اصفهان گردید. حکومت او در اصفهان از نظر شهری منشاء خدماتی بود و شهر اصفهان به سرعت رو به آبادی نهاد و حکومت گیلان شغل بعدی او بود تا اینکه در 1317 شهردار پایتخت شد و یک سال در این سمت بود تا در اثر ابتلاء به بیماری فلج، از کار کنار رفت و تا آخر عمر در منزل بستری بود. وفاتش در 1327 ش اتفاق افتاد و حین‌الفوت هفتاد سال داشت. دو همسر انتخاب نمود و فرزندان متعددی دارد که هیچکدام ترقیات پدر را نکردند.
میرزا قاسم صوراسرافیل مردی آزاده، پاکباز و هنرمند بود. در اوایل جوانی در کارها قاطعیت به خرج می‌داد ولی بعدها خیلی ملایمت پیدا کرد و تغییر او از وزارت پست و تلگراف هم به مناسبت ملایمت او بود. تا زمانی که حیات داشت، مردم آذربایجان به او اعتماد و علاقه‌ی خاصی داشتند و غالبا منزل او مرکز تجمع آذربایجانی‌ها بود.

(میرزا) قاسم‌خان از رجال دوره مشروطیت و پهلوی (و. 1299 ه.ق- ف. 1368 ه.ق. 1327 ه.ش/ 1949 م.) وی با همکاری جهانگیرخان صوراسرافیل و علی‌اکبر دهخدا، روزنامه صوراسرافیل (2- صوراسرافیل) را تأسیس کرد و با انتشار مقالات مستند ضد مخالفان مشروطه کوشید و در جوانی از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس رسید و دو دوره وکیل بود. پس از بمباران مجلس به اروپا رفت و سه سال در آنجا توقف کرد تا آزادی‌خواهان بر محمدعلی شاه غلبه کردند و او به تهران بازگشت. وی در 1342 ه.ق./ 1303 ه.ش. در اولین کابینه رضا شاه پهلوی به کفالت وزارت داخله منصوب شد و در اول ذی‌الحجه 1345 در کابینه مخبرالسلطنه ابتدا کفیل و سپس وزیر پست و تلگراف گردید. در 1352 ه.ق/ 1312 ه.ش. والی اصفهان و مدتی هم حمکران گیلان شد و در 1358 ه.ق. شهردار تهران گردید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صوراسرافیل، جهانگیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
1- جهانگیر (خان) شیرازی ابن (آقا) رجبعلی مؤسس و مدیر روزنامه «صوراسرافیل» (و. شیراز 1292 ه.ق./ مقت. 1326 ه.ق. - 1287 ه.ش./ 1908 م.) وی از خانواده‌ای تهی‌دست برخاسته بود و در اوان کودکی پدرش درگذشت و عمه‌اش سرپرستی او را در تهران به عهده گرفت. در سن 5 سالگی به شیراز بازگشت و در آنجا به تحصیل پرداخت. مقدمات ادبیات و منطق و ریاضی را نزد استادان زمان فراگرفت و به سال 1311 ه.ق. مجددا با عمه‌اش به تهران آمد و در دارالفنون و مدارس دیگر به تحصیل علوم و فنون جدید پرداخت. در این هنگام نهضت آزادی‌خواهی آغاز شده بود، جهانگیر به انجمنهای سری و مجامع مخفی راه یافت و با بزرگان سیاست ایران آشنا شد و خود از ارکان عمده آزادی‌طلبان به شمار آمد. در سال 1324 ه. ق. آزادی‌خواهان به برقراری مشروطیت در ایران نائل آمدند. محمد علی شاه پس از جلوس به مخالفت با مشروطه قیام کرد. جهانگیرخان با همراهی چند تن از دانشمندان (از جمله علی‌اکبر دهخدا) به مقاومت برخاست و روزنامه صوراسرافیل را ایجاد کرد. پس از اشغال مجلس، جهانگیرخان به وسیله قزاقان دستگیر شد و او را به باغ شاه بردند و خفه کردند. 2- روزنامه صوراسرافیل در سال 1325 ه. ق. در تهران تأسیس کرد و شماره اول آن در روز پنجشنبه 17 ربیع‌الآخر 1325 ه. ق./ 11 خرداد 1286 ه.ش. منتشر شد. اولین شماره نامه هفتگی صوراسرافیل 14 ماه پس از آنکه: «دولت علیه ایران رسما در عداد دول مشروطه قرار گرفت...» از طبع خارج گردید و به دست مردم رسید و گویا آن اولین روزنامه‌ای بود که رسما در کوچه و بازار به دست روزنامه فروشها و غالبا به وسیله اطفال به فروش می‌رفت. این روزنامه با پول و سرمایه میرزا قاسم‌خان تبریزی که بعدها وزیر پست و تلگراف و غیره شد، و با پیشنهاد و کوشش و رنج و مسئولیت میرزا جهانگیرخان شیرازی و با همراهی میرزا علی اکبرخان دهخدا اداره و منتشر می‌شد. جهانگیرخان این روزنامه را چنانکه در سرمقاله اولین شماره‌اش آمده: «در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین...» انتشار می‌داد. در آغاز صوراسرافیل هفته‌ای یک بار منتشر می‌شد. در چهارمین شماره آن حملات تندی نسبت به روحانیون و متعصبان شده بود و از این رو مدت یک

ماه و نیم از انتشار آن جلوگیری کردند. پس از گفتگوهای بسیار قرار شد که آزاد شدن روزنامه منوط به نوشتن توبه نامه‌ای باشد. جهانگیرخان بدین کار تن در نمی‌داد تا آقای تقی‌زاده مقاله‌ای تحت عنوان «دفاع» که دو شماره روزنامه را گرفت و نوشت و دوباره روزنامه منتشر شد و این کار ادامه داشت تا جهانگیرخان به شهادت رسید و روزنامه تعطیل گردید. پس از آن هم در تاریخ 1337 مجددا سه شماره به وسیله مرحوم دهخدا در «ایوردون سوئیس» انتشار یافت و سپس شعله آن خاموش گردید. تا آن زمان ادبیات فارسی عموما و روزنامه‌ها خصوصا سبک نگارش قدیم را مراعات می‌کردند و عبارات مسجع و مقفی و با اطمطراق می‌نوشتند. روزنامه صوراسرافیل به زبان مردم عهد نوشته می‌شد و حتی از آوردن اصطلاحات و لغات عامیانه ابا نداشت و از این رو در سبک نثر فارسی معاصر تأثیری بسزا کرد. مهمترین مقالات علی‌اکبر دهخدا بود که تحت عنوان «چرند پرند» منتشر میشد.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صورتگر، لطفعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1279 ش)، شاعر، نویسنده، مترجم، استاد دانشگاه. جد وی، آقا لطفعلی از نقاشان هنرمند و چیره‌دست قرن سیزدهم هجری بود که کارهای او در موزه‌های پاریس و لنینگراد موجود است و بهای گزافی دارد. صورتگر در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رسانید، سپس به هند رفت و تحصیلات متوسطه را در آنجا به پایان رسانید سپس به ایران بازگشت و به خدمت ادارات دارایی و فرهنک درآمد و مجله «سپسده‌دم» را در شیراز تاسیس کرد. در 1306 ش باری ادامه تحصیل به لندن رفت و در رشته‌ی زبان و ادبیان انگلیسی دکترا گرفت. صورتگر پایان‌نامه‌ی دکتری خود را درباره‌ی «نفوذ ادبیات ایران در ادبیات انگلستان در قرن پازدهم و شازدهم میلادی» نوشت. بعد از بازگشت به تدریس ادبیات فارسی و انگلیسی پرداخت و چندی نیز ریاست دانشگاه شیراز را عهده‌دار بوده وی چندی نیز مدیر مجله‌ی «آموزش و پرورش» بود و عضو فرهنگستان. صورتگر سفرهایی به کشورهای روسیه، آمریکا، پاکستان کرده و به مدت یک سال در دانشگاه کلمبیا سمت استادی داشته است. تا این که وفات یافت و در شیراز به خاک سپرده شد. از آثارش: «عشاق ناپل»، ترجمه؛ «سخن سنجی»؛ «تاریخ ادبیات انگلیسی»؛ «علم اقتصاد»؛ «دیوان» شعر؛ «ادبیات توصیفی ایران»؛ «ادبیات غنایی ایران»؛ «برگهای پراکنده»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (68 -67)، تاریخ جراید (30 -28 / 3 ،274 / 1)، چشمه‌ی روشن (533 -520)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (483 -468 / 3)، الذریعه (620 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (218 -217 / 4)، سخنوران نامی (348 -341 / 2)، سخنوران نامی معاصر (2369 -2364 / 4)، سواد و بیاض (586 -583)، شخصیت‌های نامی (291 -290)، صدف (510 -497)، فرهنگ سخنوران (566)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (231)، گلزار معانی (432 -425)، مؤلفین کتب چاپی (132 -130 / 5)،یغما (س 22، ش 7، ص 412 -411).

صهبا، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم صهبا, در سال 1290 در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.این استاد دانشگاه, روزنامه نگار وشاعر ،پس از اتمام تحصیلات متوسطه ،برای ادامه تحصبل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد.وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در 1324ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد.ایشان در سال 1377ش دارفانی را وداع گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : روزنامه نگار وشاعر
والدین و انساب : ابراهیم صهبا, فرزند مهدی است.وی در یکی از روستاهای تربت حیدریه به دنیا آمد.پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایمات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد
تحصیلات رسمی و حرفه ای : صهبا تحصیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یکسال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه تحصبل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید, وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری, سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی میسرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد
زمان و علت فوت : صهبا در سال 1377ش دارفانی را وداع گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی به تدریس در دانشکده افسری پرداخت در 1324ش وارد وزارت دارایی شد. وی اولین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی«باباشمل» آغاز کرد و اشعارش با نام مستعار شیخ سُرنا و ابرام سرپا منتشر میکرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره مند بود و تار می نواخت.

همفکران فرد : با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها رد وبدل شد. ----------
---
آثار :
1 انسان و شعر وماه
2 دفتر صهبا
3 ساغر صهبا

صهبا، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1377 -1291 / 1290 ش)، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به صهبا. در یکی از روستاهای تربت‌حیدریه به دنیا آمد. پدرش از خوانین و مالکین بود که بر اثر ناملایامات و رنجهای فراوان زادگاهش را ترک گفت و به بیرجند کوچ کرد. هصبها تصحیلات ابتدایی و قسمتی از متوسطه را در مدرسه‌ی شوکتیه بیرجند فراگرفت و مدت یک سال هم در آنجا تدریس کرد. برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دارالفنون مشغول تحصیل گردید، وارد دانشکده افسری شد و ضمن فراگرفتن فنون نظامیگری، سرودهای نظامی و تصانیف فکاهی می‌سرود پس از اتمام تحصیلات به تبریز منتقل گردید و از آنجا به شیراز رفت و پس از سه سال توقف در آن دیار رهسپار تهران شد و به تدریس در دانشکده‌ی افسری پرداخت در 1324 ش وارد وزارت دارایی شد. ول الوین فعالیت مطبوعاتی خود را با روزنامه فکاهی «بابا شمل» آغاز کرد و اشعارش را با نام مستعار شیخ سرنا و ابرام سرپا منتشر می‌کرد. در همین روزنامه بود که با شاعرانی چون رهی معیری و گلچین معانی آشنا گردید و مناظراتی بین آنها ردوبدل شد. صهبا از موسیقی نیز بهره‌مند بود و تار می‌نواخت. از آثارش: «دفتر صهبا»؛ «ساغر صهبا»؛ «انسان و شعر و ماه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (2375 -2370 / 4)، شخصیت‌های نامی (292)، صد سال شعر خراسان (365 -361)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (231).

صهری، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جمال‌الدین صهری بن السید الجلیل السید جعفر میردامادی سه‌دهی واعظ کامل و عالم فاضل و ادیب شاعر بودند در اصفهان که چندی در خوزستان و مدتی هم در تهران اقامت داشتند در سال 1321 ق در قریه ورنوسفادران از قراء ثلثه سده (خمینی‌شهر) حاضر متولد گردیده و در اصفهان خدمت اساتید تحصیل نموده سپس به جهت ارشاد و هدایت مردم به منبر رفته والحق واعظی بلیغ و شیرین‌بیان بود و چون به آنچه می‌گفت خود معتقد بود بیانش بیشتر موثر واقع می‌شد محبوبیتی غریب داشت و مورد احترام و اکرام عموم طبقات بالاخص علماء و خطباء بود سرانجام در بعد از ظهر پنجشنبه هفتم ربیع‌الثانی 1388 قمری وفات یافته جنازه روز جمعه با تجلیل کامل مشایعت عموم طبقات بر سر دست به سده (9 کیلومتری اصفهان) منتقل شده در مقبره خانوادگی جنب پدرش مدفون گردید دیوان و غزلیاتش به نام الفین صهری غیرمطبوع می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

صیدلانی نیشابوری، ابوصادق محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 ق)، فقیه، مسند و ادیب. از نوادگان شاذان نیشابوری است. از ابوالعباس اصم و ابوعبدالله بن اخرم و ابوبکر صبغی حدیث شنید. بیهقی و رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی و علی بن احمد موذن از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (401 / 17).

صیدلانی، ابوسعد محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 463 ق)، شاعر، ادیب و دانشمند. وی از شاعران ذولسانین عهد خود بود که برخی از اشعار عربی وی در «دمیه القصر» باخرزی مضبوط است. از شعر فارسی وی نیز نشانی در «لغت فرس» اسدی طوسی می‌توان جست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (64 / 7)، شاعران بی‌دیوان (545)، لغت‌نامه (ذیل/ صیدلانی).

صیمری، ابوعنبس محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 275 ق)، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. از آثار وی «اصل الاصول»، در هیأت و نجوم است که متضمن بسیاری از اقوال ایرانیان در مسایل نجومی می‌باشد. او شاعری توانا بود. به بغداد رفت و ندیم متوکل شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (577 / 3)، تاریخ علوم و فلسفه‌ی ایرانی (492)، النجوم الزاهره (86 / 3).

ضبی اصفهانی، ابومضر محمود

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 508 / 507 ق)، ادیب، لغوی، نحوی و طبیب. ملقب به فریدالعصر. وی نخستین کسی بود که مذهب کلامی معتزل را در خوارزم رواج داد. چون ضبی در صرف و نحو و لغت عرب استاد زمان خود و در انواع علوم ضرب‌المثل بود. افراد بسیاری بر گردش جمع شدند و مذهب او را پذیرا گشتند. او مدتی در خوارزم اقامت نمود و مردان بزرگی چون زمخشری و جمعی دیگر از بزرگان را در محضر خود تربیت کرد و آنها از علوم و معارف و مکارم اخلاق وی استفاده کامل کردند. ضبی در مرو درگذشت. زمخشری در سوگ او مرثیه گفت. از آثارش: «زاد الراکب»، مجموعه‌ای در شعر، ادب و اخبار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (42 / 8)، ریحانه (335 / 4)، کشف الظنون (945)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)،معجم الادباء (124 -123 / 19)، معجم المؤلفین (157 -156 / 12).

ضیا بادی قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق). عالم دینی و واعظ. در ضیاباد قزوین به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نمود. در مدرسه‌ی فیضیه سکونت اختیار کرد و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خواند و چندین سال در درس خارج آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و امام خمینی و دیگران شرکت نمود. آن‌گاه به تهران آمد و به انجام خدمات دینی و اقامه نماز پرداخت. آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها «قساوت» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (383 / 2).

ضیاء العلماء، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1303 ق)، روزنامه‌نگار. از اهالی تبریز بود. وی از خاندانی توانگر و خود جوان دانشمندی بود که گذشته از دروس قدیمه به زبانهای اروپایی نیز تسلط داشت. طرفدار مشروطه‌خواهان آذربایجان بود. در 1324 ق پس از کسب امتیاز هفته‌نامه‌ی «اسلامیه» به نشر آن به صورت چاپ سنگی اقدام نمود. مدتی هم ریاست دادگستری تبریز را به عهده داشت. روسها او را به همراه هفت نفر دیگر، در روز عاشورا، در تبریز به دار آویختند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (1 / 170)، شرح حال رجال (14 / 5 ،59 -1 / 58)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (4 / 4743 ،751 / 1)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (1 / 68).

ضیاء الواعظین، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1322 -1267 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. اصلش از یزد بود و در شیراز به دنیا آمد و تا بیست و پنج سالگی در همان جا به تحصیل اشتغال داشت. پس از آن به هندوستان رفت و مدتی با مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین» در کلکته همکاری کرد.پس از بازگشت به وطن در 1295 ش در شیاز به زندان انگلیسی‌ها افتاد. پس از آزادی به تهران آمد و در 1300 ش روزنامه‌ی «ایران آزاد» را تأسیس کرد و در نتیجه نشر مقالات انتقادی شدید، به هندوستان تبعید شد. اما چون به شیراز رسید به کمک مردم به نمانیدگی مجلس شورای ملی انتخاب و در 1302 ش رهسپار تهران شد و در همان سال مدرسه‌ی صنعتی شیراز را تأسیس و روزنامه‌ی «ایران آزاد» را مجددا منتشر کرد. وی در دوره‌ی پنجم دوباره به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شد. در 1311 ش از سیاست کناره گرفت. اثر وی: «اولین راپرت مدرسه‌ی صنعتی فارس» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (324 -318 / 1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (490 -489 / 3)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (239 -237 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (72 -71 / 1).

ضیاء، سوسن

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سوسن ضیاء در سال 1318 ش. در تهران متولد شد.وی یکی از مترجمان معاصر در حوزه ادبیات کودکان است.ایشان هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس؟ پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد. کتاب"شهربانو" ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوسن ضیاء تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک به پایان رساند و در این مدرسه زبان فرانسوی را آموخت و موفق به دریافت دیپلم زبان فرانسوی گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوسن ضیاء هم اکنون با مجله رشد کودک و مؤسس؟ پژوهشی کودکان (دنیا) همکاری دارد، و عضو و هنرجوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می باشد.
جوائز و نشانها : کتاب"شهربانو" ترجمه سوسن ضیاء، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 بازیهای ورزشی در مهدکودک نشر کارگاه کودک
ویژگی اثر : ترجمه
2 ریاضیات و بازی برای کودکان پیش دبستانی نشر کارگاه کودک
ویژگی اثر : ترجمه
3 شهربانو نشر چشمه
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:«شهربانو» شهربانو/ سوزان فیشر استیپلز؛ ترجم؟ سوسن ضیاء.- تهران: نشر چشمه، کتاب وَنوشِه، 1379. 247 ص. خانم سوزان فیشر استیپلز روزنامه نگاری است که

سالها در پاکستان زندگی کرده و کویر چولستان را درجنوب این کشور دیده است. کویر چولستان بخشی از کویر بزرگ تَهَر هند در خاک پاکستان است و نویسنده توانسته با مردمان قبیله نشین آن کویر دیدار کند. شهربانو، اولین کتاب داستانی این خانم نویسنده است که آن را به مردم چولستان تقدیم می کند. او در این داستان زیبا که تصویری ملموس و هنرمندانه از شرایط اجتماعی ارائه می دهد، موفق شده است چهر؟ دختری نوجوان را ترسیم کند که چگونه در میان آرزوی ساختن زندگی اش به دست خویش و پیروی از قوانین مذهبی و آیین دیرپای قبیله ای سرگردان است. مترجم محترم این اثر که مخاطب آن گروههای سنی دوره های راهنمایی و سالهای دبیرستان است، به خوبی از عهد؟ ترجمه برآمده و ضمن وفاداری به سبک اثر، متنی سلیس و خوشخوان ارائه کرده است.

4 گربه ای که ناخواسته سخن می گفت نشر فارابی

ویژگی اثر : ترجمه

5 یک مشت ستاره نشر چشمه

ویژگی اثر : ترجمه ----------

منابع :

1www.ketabesal.ir

ضیاءالدین یوسف

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(919 -882 ق)، دانشمند. وی اهل جام و از شاگردان علامه تفتازانی بود و در علوم معقول و منقول زمان خود استادی و مهارت داشت. در تبریز درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. ضیاءالدین در خوشنویسی نیز دست داشت و خط نستعلیق را به شیوه‌ی میرعلی هروی خوش می‌نوشت. پدرش، جامی، کتاب «بهارستان» و رضی‌الدین لاری شرح خود بر کتاب «نفحات الانس» را برای خواجه ضیاءالدین یوسف نوشته‌اند.[1]
یوسف بن عبدالرحمن جامی (شاعر معروف) (و. 873 ه.ق.). جامی شرحی را که بر کافیه ابن صاحب در نحو نوشته و معمولا به «شرح جامی» معروف است به اسم همین فرزند خود ضیاءالدین به «الفوائد الضیائیة» نامزد کرده و نیز تحفةالاحرار خود را خطاب به همین فرزند- که در آن هنگام چهار سال داشت- به نظم درآورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار خوشنویسان (972 / 3)، از سعدی تا جامی (774، 763) بهارستان جامی (مقدمه/ 13)، تاریخ ادبیات در ایران (515، 470 / 4)، حبیب السیر (386 / 3)، رشحات عین الحیات (285-283 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ضیاءالدین)، نفحات الانس (مقدمه/ شانزده چهل و دو).

ضیاءنور، فضل‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، عالم ربانی.
تولد: 1299، اصفهان.
درگذشت: 1364(7 ربیع‌الاول 1406 ق.).
فضل‌الله ضیاءنور، فرزند حجت‌الاسلام حاج رضا ضیاءنور از واعظان اصفهان، از کودکی به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت. پس از مدتی علوم و معارف اسلامی از قبیل ادبیات، منطق، فقه و اصول و مخصوصا فلسفه و عرفان را پشت سر گذاشت. از جمله استادان وی می‌توان به این اسامی اشاره نمود: حاج میرزا علی واعظ شیرازی، آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا کلباسی، حاج صدرالدین هاطلی کوپایی، حاج شیخ محمدحسین عالم نجف‌آبادی، آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب، آیت‌الله سید محمدرضا خراسانی، ملا محمدعلی حبیب‌آبادی، حاج حسین خادمی، آیت‌الله حاج شیخ احمد فیاض، حاج شیخ محمود مفید.
استاد ضیاءنور ابتدا در کسوت روحانیت بود و علاوه بر تعلیم و تعلم، به منبر هم می‌رفت. در سال 1336 برای مطالعات جدید و علوم دانشگاهی و تدریس در دانشگاه و وزارت فرهنگ اصفهان نیز اقدام نمود. علاوه بر تدریس، به تحقیق درباره‌ی عرفان و تصوف اسلامی و شاعران ادب فارس به ویژه مولانا و حافظ پرداخت و کتابی به نام وحدت وجود تهیه کرد که آماده چاپ است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ضیابادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام حاج سید محمد ضیابادی قزوینی از فضلاء وعاظ و گویندگان معاصر تهران است به فضل و تقوا و نطق و بیان موصوف و به متانت و متاعت متصف می‌باشد در ضیاآباد قزوین تولد یافته و مقدمات و ادبیات را در قزوین خوانده و به قم مهاجرت نموده و در مدرسه فیضیه سکونت اختیار و سطوح وسطی و عالی را نزد مدرسین بزرگ حوزه خوانده و چندین سال در درس خارج آیات عظام بروجردی و گلپایگانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و دیگران شرکت کرده و از خرمن پرفیض هر کدام خوشه‌ها و بهره‌ها چیده و برده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و در خیابان شهباز اقامت و از طریق منبر به خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
مولف گوید: این نگارنده بیش از بیست سال است که با آن جناب سابقه آشنائی و دوستی دارم مکروهی از وی ندیده‌ام.
جدا واعظی متعظ و خطیبی بلیغ و عالمی ناطق و مستعمل لعلمه است.
آثار آموزنده‌ای دارد که یکی از آنها به نام قساوت به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ضیایی دزفولی، محمد رشید

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1247- ح 1332 ق). فقیه. ادیب و شاعر. متخلص به ضیایی. تحصیلاتش را در دزفول گذراند. سپسی به نجف رفت و تحصیلات خود را در آنجا در محضر شیخ انصاری و میرازی شیرای چندین سال ادامه داد. پس از گرفتن اجازه‌ی اجتهاد به دزفول مراجعت نمود و به تدریس مشغول شد. چندی هم در خرم‌آباد و بروجرد اقامت کرد. سپس به عراق رفت و بعد از 1300 ق مجددا به دزفول بازگشت و به تدریس و ترویج علوم اسلامی و انجام وظایف شرعی پرداخت. او بسیار زاهد و پرهیزگار بود به حدی که هیچ‌گاه از وجوه خیراتی استفاده نکرد و از دست‌رنج و کسب و کار خود روزگار می‌گذراند. میراز هادی دزفولی از شاگردان اوست. وی در مقبره‌ی استاد خود سید حسین بن عبدالکریم گوشه در دزفول دفن شد. از آثار وی: «دیوان» شعر که به نام «اشعار ضیایی دزفولی». در 1304 ق در بمبئی به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (280 / 9). الذریعه (632 / 9). طبقات اعلام الشیعه (قرن 725-724 / 14). مؤلفین کتب چاپی (126 / 3).

ضیایی دهخوار قانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. اثر وی ترجمه‌ی «شوالیه دو مزون روژ» از الکساندر دوما (پدر) است که در دو جلد، در 1306 ش. در تهران منتشر شد و چاپ دوم آن در 1336 ش صورت گرفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2174 / 2). مؤلفین کتب چاپی (771 / 2).

ضیایی فر، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید ضیائی فر
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1359 دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال 1360 وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال 1346 به اتمام رسانید و به مدّت 12 سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال 1370 آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال 1377 تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

ضیایی مرندی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1275 ق)، مترجم، مفسر، شاعر، متخلص به ضیایی. ملقب به ناظم الملک. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از استادان زمان خود. وارد خدمات دولتی گردید و در وزارت خارجه به خدمت اشتغال ورزید و با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت. ضیایی در اواخر عمر به قم مهاجرت کرد و در آنجا مقیم شد و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را در روضه‌ی حضرت معصومه (س) دفن کردند. از آثار وی: «حقیقت‌نامه»، شعر، ترجمه‌ی وصیت‌نامه‌ی امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع)؛ «دیوان»؛ «سیاست نامه»، شعر، که ترجمه‌ی عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر است؛ «قصیده‌ی مولودیه»؛ «وصیت‌نامه‌ی حضرت رسول (ص) به امیرالمومنین (ع)»، شعر؛ تفسیر «سوره العصر»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (242). الذریعه (633 / 9 .338 / 4). ریحانه (124 -123 / 6). زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (240 / 4). سخنوران نامی معاصر (2379 -2376 / 4). شرح حال رجال (285 / 1). فهرست کتابهای چاپی فارسی (3365 .2550 .2053 / 2 .1546 -1545 .1196 / 1). مؤلفین کتب چاپی (448 -447 / 2).

ضیایی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین ضیایی نجف آبادی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
بنده در استان خوزستان، شهرستان آبادان در یک خانواده کارگری متولد شدم، در سال 1335 (پدر 5 کلاس سواد ـ مادر 2 کلاس قرآنی) دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان (در رشته ریاضی) را با تلاش و کوشش بسیار و با موفقیت پشت سر گذاردم در سال 1356 به خدمت نظام رفتم و یک سال بعد به فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی پادگان را ترک کردیم و پس از پیروزی انقلاب شکوه‌مند اسلامی به فرمان امام دوباره به پادگانها برگشتیم و به پاس این لبیک‌گویی به فرمان امام(ره) یک سال تشویقی گرفته و از خدمت نظام بیرون آمدم. و چندی بعد به فرمان امام(ره) وارد «جهاد سازندگی» شدم 27/3/58 و با عشق و علاقه خدمت به روستائیان در این نهاد انقلابی به خدمت مشغول شدم در سال 1361 پس از شکسته شدن حصر آبادان به اصفهان هجرت نمودم و در کنار کار به تحصیل در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان (دروس حوزوی) مشغول به تحصیل شدم و پس از تمام کردن جامع المقدمات به مدرسه علمیه صدر بازار رفته و «سیوطی» را فراگرفتم و در سال سوم به مدرسه علمیه امام صادق(ع) رفته و «مُغنی» (باب اول و باب رابع) را فراگرفتم. در سال 1364 تصمیم گرفتم وارد دانشگاه شوم در رشته علوم انسانی ثبت نام نموده و با تلاش و کوشش بسیار موفق شدم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران قبول شوم و از مهرماه سال 1365 مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی شدم. در سال 1369 (بهمن ماه) مقطع کارشناسی را با معدل 75/16 به پایان رساندم و تصمیم گرفتم به حول و قوه الهی در مقطع کارشناسی ارشد نیز شرکت کنم، سرانجام پس از دوبار شرکت در کنکور سراسری موفق به قبولی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی در رشته برنامه‌ریزی آموزشی شدم. از مهرماه سال 1372 مشغول به تحصیل شدم و در تاریخ

75.3.25 این مقطع تحصیلی را نیز با معدل 17.77 به لطف خدا پشت سر گذاشتم. (شایان ذکر است در زمان تحصیل، همکاری فعال با انجمن اسلامی دانشگاه، بسیج دانشجویی و جهاد دانشگاهی داشتم). با توکل بر خدا تصمیم گرفتم آخرین قدم را نیز بردارم و در مقطع دکترا وارد شوم که متأسفانه رشته تحصیلی مرا در داخل نداشتند و باید در خارج از کشور ادامه می‌دادم که به دلیل شرایط زندگی (با داشتن سه فرزند) عملاً نتوانستم وارد این مقطع شوم. تصمیم گرفتم با تقویت زبان انگلیسی، در آزمون وزارت علوم جهت عضویت در هیأت علمی دانشگاهها شرکت کنم که با لطف و عنایت خدا و تلاش شبانه‌روزی موفق شدم در سال 1377 در امتحان مربوط به عضویت در هیأت علمی دانشگاهها، موفق شدم و از آن سال به عضویت هیأت علمی موسسه آموزشی عالی علمی ـ کاربردی وزارت جهاد کشاورزی درآمدم. در این سالیان علاوه بر تدریس دروس عمومی و تخصصی به انجام طرح‌های تحقیقاتی، مقاله‌نویسی و تألیف کتاب نیز پرداخته‌ام و در کنار آن مسئولیتهای اجرایی نیز داشته‌ام که به حول و قوه الهی توانسته‌ام به تکالیف و وظایف محوله به خوبی عمل کنم. همواره عشق به یادگیری مطالب بیشتر در زمینه تخصصم و علوم دیگر در وجودم زبانه می‌کشد و از خداوند سبحان می‌خواهم این عشق و علاقه را همواره در وجودم مستدام بدارد و بتوانم در وهله اول برای خود ، خانواده و فرزندانم و در وهله بعد جامعه‌ام (محیط کاری و دانشجویان دختر و پسری که با آنها سر و کار دارم) مفید و مثمر ثمر باشم.

ضیائی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای دکتر ضیائی از فضلاء معاصر است در آستانه.
وی سالهای متمادی در قم اقامت داشته و از آیات عظام گذشته چون مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از پایان تحصیلات به گیلان مراجعت و در آستانه رحل اقامت افکنده و تاکنون بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
وی از اعضاء موثق انجمن ضد بهائیت است و در این رشته مطالعات بسیاری دارد و افراد زیادی از مبتدیها و حتی افراد متعصبی را ارشاد و از انحراف نجات و براه هدایت رهبری و از خرافات و موهومات بهائی گری خلاص و رهائی بخشیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ضیغمیان، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسین ضیغمیان
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در فروردین ماه سال1344به دنیا آمدم .مرحوم والد از روحانیون کرمانشاه بودند.پس از طی دوران ابتدائی و راهنمائی که مصادف با انقلاب شکوهمند اسلامی بود و بعد دفاع مقدس که دراین زمان بود به علّت حضور در جبهه حق علیه باطل وقفه ای چند ساله در راه تحصیل اینجانب گردید. که خداوند را شاکرم توفیق حضور هر چند کم ارزش در کنار رزمندگان اسلام را داشتم.پس از ایام دفاع مقدس و بعد از قبول قطعنامه از آنجائی که علاقه ای وافر به حوزه داشتم وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) (حوزه حضرت آیت الله بروجردی)کرمانشاه گردیدم.
همزمان دروس دبیرستان را هم تا مقطع دیپلم علوم انسانی گذراندم . و پس از اتمام لمعتین به قم هجرت نمودم .در قم نیز از اساتیدی همچون حجج الاسلام آقایان علوی.ابراهیمی .نکونام .موسوی تهرانی .ربانی .حسینی قزوینی .الهی زاده .عزیزالهی .بهره مند گردیدم .و در دروس خارج آیات عظام مکارم .سبحانی و دکترعابدی بهره مند شدم. وهم اکنون در درس آیت الله مکارم حضور دارم. اینجانب وقتی در دوره راهنمائی تحصیل می نمودم سه جزوه پیرامون مسئله دروغ .چگونه بید بود وغیره با امکانات تکثیر مدرسه نوشتم و در بین دانش آموزان توزیع کردم.
در سالهای اخیر چند زندگینامه علماءومقالاتی برای ستارگان حرم نوشتم . و یک جلد کتاب پیرامون موانع استجابت دعا وکتاب لاله های زاگرس پیرامون زندگی چهار تن از شهدای اطلاعات عملیاتی نبی اکرم(ص)و کتابی هم در رابطه با علماء و کرامات آنها در دست تألیف دارم که هنوز در مراحل اولیه چاپ قرار دارد. وهمچنین مقاله ای هم تحت عنوان عید قربان دردست چاپ می باشد.

طارمی زنجانی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1263 ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (279 / 4). الذریعه (285 / 8 .418 / 4 259. .180 -179 / 2 .443 / 1). ریحانه (386 -385 / 2). طبقات اعلام الشیعه (قرن 339 / 14). علماء معاصرین (89). معجم المؤلفین (168 -167 / 3). مکارم الآثار (1717 / 5).

طارمی، نجم‌الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مترجم. وی از بزرگان دربار میران‌شاه بن تیمور (م 810 ق). بود. طارمی در فن انشاء تلسط داشت و به فرمان آن پادشاه کتاب «کامل التواریخ» ابن‌اثیر را به فارسی ترجمه کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (256). حبیب السیر (550 / 3).

طاعتی رشتی، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1297 ش)، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار. وی در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آن شهر به پایان رسانید و سپس به تهران آمد و در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی وارد دانشسرای عالی گردید و به دریافت لیسانس نائل شد و از آن پس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر ادبیات به رشت عزیمت کرد و پس از پنج سال به تهران بازگشت و ضمن تدریس در دبیرستان‌ها، دوره‌ی دکتری ادبیات را به پایان رسانید. وی مدتی اشعارش را در روزنامه‌ها و جراید به چاپ رسانید و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌ی «سازمان» را به عهده داشت و از همکاران دهخدا در تألیف «لغت‌نامه» بود. از آثارش: رساله‌ی «دینداری، دکانداری نیست»؛ «حدیث سعدی»؛ «دفاع اتسالینگراد/ لنینگراد»؛ تصحیح لغت‌نامه‌ی «صحاح الفرس»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (936 / 9 .38 / 8). سخنوران نامی‌معاصر (2391 -2387 / 4). کتاب گیلان (580 / 2). مؤلفین کتب چاپی (887 -886 / 3). نامها و نامدارهای گیلان (311 -310).

طالب شیرازی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1308 ق)، شاعر، ادیب و خطاط. در علوم ادبی مهارت و در علوم عربی دست داشته است. خط شکسته را پاکیزه و شیرین می‌نوشت. در چند سال آخر عمر به صدارت دیوان خانه‌ی عدلیه‌ی فارس منصوب شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1089 -1088 / 2).

طالبلو، وحید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شناسنامه :
نام کامل : وحید طالب لو - متولد : ۵ خرداد ۱۳۶۵ - سن:۲۷ سال - زادگاه تهران، ایران - قد ۱۸۵ سانتی متر وضعیت کنونی :
باشگاه کنونی : استقلال تهران - شمارهٔ پیراهن: ۱ - پُست : دروازه بان(فوتبال) باشگاه‌های جوانان :
۱۳۸۲-۱۳۷۶ - استقلال تهران باشگاه‌های حرفه‌ای :
۱۳۸۲ تا کنون - استقلال تهران تیم ملی :
۱۳۸۵ - تا کنون 10 بازی ملی آغاز محبوبیت :
او در بازی اول تیم فوتبال استقلال تهران در فصل ۸۴-۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار ضربه پنالتی علی دائی که ان زمان در صباباطری بازی می‌کرد ، از محبوبیت خاصی نزد هواداران استقلال برخوردار شد. زیرا هواداران استقلال معتقدند که علی دائی هیچ وقت در طول دوران فوتبالش نتوانسته‌است به این تیم گل بزند و پنالتی‌ای که وحید طالب لو از وی گرفت، مهم ترین شانس علی دائی برای رسیدن به این مهم بوده‌است، هر چند علی دائی بعدها با ذکر این که در یکی از تیم‌های سابقش در لیگ‌های قبل از لیگ آزادگان به استقلال تهران گل زده‌است، ادعای هواداران استقلال را رد کرده‌است.البته این ادعای دایی توسط عده زیادی از اهالی فوتبال من جمله گزارشگران این رشته پرطرفدار رد شد. آن بازی نهایتا با نتیجه ۴ بر یک به سود استقلال تهران به پایان رسید.
بهترین پنالتی‌گیر :
او در فصل ۸۴-۸۵ لیگ برتر فوتبال ایران با مهار سه ضربه پنالتی در طول فصل به عنوان بهترین پنالتی گیر ایران معرفی شد. او در فصل ۸۵-۸۶ نیز با مهار ضربه پنالتی مهرزاد معدنچی در دیدار با پرسپولیس تهران بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود.
او در فصل ۸۶-۸۷ و در مسابقات جام حذفی کشور در مسابقه استقلال-ذوب آهن از مرحله یک شانزدهم نهائی جام حذفی که به ضربات پنالتی کشیده شده بود ، با مهار ۳ ضربه از ۴ ضربه پنالتی بازیکنان ذوب آهن، باعث صعود تیمش به مرحله بعدی شد. او در مرحله بعدی این مسابقات و در مصاف استقلال با راه آهن نیز که با نتیجه مساوی ۲ بر ۲ به ضربات پنالتی کشیده شد، با مهار ۳ ضربه پنالتی باعث صعود استقلال به مرحله

نیمه نهائی جام حذفی شد. در مرحله نیمه نهائی نیز بازی تیم‌های استقلال تهران و فولاد خوزستان پس از تساوی ۱-۱ در وقت قانونی و اضافی به ضربات پنالتی کشیده شد و باز هم وحید طالب لو با مهار ۲ پنالتی از بازیکنان فولاد خوزستان توانست باعث پیروزی تیم استقلال و رساندن این تیم به فینال این مسابقات شود.

محبوبیت در نزد پرسپولیسی‌ها

او از معدود بازیکنان استقلال است که تا حدی در نزد هواداران پرسپولیس محبوبیت دارد.

عابدزاده دوم

بسیاری از کارشناسان فوتبال پس از موفقیت دو ساله وحید طالب‌لو از سال ۸۴ تا سال ۸۶ در مسابقات داخلی و ملی فوتبال او را با احمدرضا عابدزاده اسطوره دروازه بانی فوتبال ایران مقایسه می‌کردند و او را عابدزاده دوم می‌نامیدند.

قهرمانی با استقلال تهران

او در فصل ۸۴-۸۵ با درخشش خود در دروازه تیم استقلال تهران یکی از عوامل قهرمانی این تیم در آن سال شمرده می‌شود. او در بازی سی‌ام استقلال تهران با برق شیراز که در حضور ۱۰۰ هزار هوادار استقلال تهران برگزار شد و به برد ۴ بر ۱ استقلال تهران و هم چنین قهرمانی این تیم برای اولین بار در لیگ برتر فوتبال ایران منجر شد، با مهار ضربه پنالتی محسن پاک نیت در دقیقه ۸۳ بر محبوبیت خود نزد هواداران استقلال افزود و همچنین اسم خود را به عنوان یکی از بازیکنان تأثیر گذار بر این قهرمانی به ثبت رسانید.

لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶-۸۷

او که به عنوان یکی از برترین دروازه‌بانان ایران شناخته می‌شود در لیگ برتر فوتبال ایران فصل ۸۶-۸۷ دچار افت شدیدی شد که بسیاری از کارشناسان فوتبال علت این افت را عدم حضور رقیبی در حد وحید طالب‌لو در کنار او و همچنین عدم آرامش او می‌دانند. لازم به ذکر است که اشکان نامداری دروازه بان سابق تیم صنایع اراک ذخیره وحید طالب لو در استقلال تهران است. بسیاری از کارشناسان اشکان نامداری را نه تنها رقیب جدی برای وحید طالب لو نمی‌دانند بلکه او را در حد تیم استقلال تهران نیز نمی‌دانند.

تنبیه طالب‌لو توسط سرمربی

وحید طالب‌لو پس از بازی با تیم صنعت نفت آبادان که با باخت ۳ بر ۲ تیمش در تهران پایان گرفت، با انتقاد فیروز کریمی سرمربی این تیم مواجه گردید و فیروز کریمی او را به همراه تنی چند ار بازیکنان به نشانه تنبیه بعد از پایان بازی در زمین دواند.دروازه‌بان تیم فوتبال استقلال تهران،

پس از انتقاداتی که از سوی فیروز کریمی نسبت به وی صورت گرفت و تنبیه انجام شده، اعلام کرد دیگر به این تیم باز نخواهد گشت. فیروز کریمی کار خود را از پسندیده ترین کارهای ممکن نام برد. او پس از صحبت با فتح‌الله‌زاده مدیر عامل باشگاه استقلال از تصمیم خود منصرف شد و پس از یک روز عدم حضور در تمرینات تیم استقلال، به این تیم بازگشت.

افتخارات :

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵-۸۴ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در جام حذفی ۸۷-۱۳۸۶ به همراه تیم استقلال تهران

قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

طالبوف تبریزی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1329 / 1328 ق)، نویسنده، مترجم. وی در تبریز به دنیا آمد. شانزده یا هفده ساله بود که تبریز را ترک کرد و به تفلیس رفت و به کسب و کار و تحصیل پرداخت. در اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه، طالبوف نیز که از مجرای زبان روسی اطلاعاتی به دست آورده بود. از راه نوشتن به بیداری مردم و انتقاد از استبداد پرداخت. چنان که بعد از صدور فرمان مشروطیت از طرف مردم آذربایجان به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما به دلیل نامعلومی از قبول وکالت سر باز زد. او مسلمان باعقیده‌ای بود و مراسم حج را بجا آورد ولی با این همه هرگز پایبند اوهام نشد. مردی وطن‌پرست و میهن‌دوست بود. در اواخر عمر برای درمان چشمش به برلین رفت و پس از بازگشت درگذشت. از آثارش: «سفینه‌ی طالبی» یا «کتاب احمد»؛ «مسالک المحسنین»؛ «مسائل الحیات»؛ «پندنامه مارکوس قیصر روم». ترجمه؛ «رساله‌ی فیزیک»؛ «نخبه‌ی سپهری»، که خلاصه‌ای از «ناسخ التواریخ» است در احوال رسول اکرم (ص)؛ «ایضاحات در خصوص آزادی»؛ «سیاست طالبی»؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «هیئت جدید».[1]
(حاج ملا) عبدالرحیم بن (استاد) ابوطالب نجار تبریزی سرخابی، نویسنده و دانشمند (و. 1250- ف. تمرخان شوره 1328 ه.ق.) وی در حدود 16 سال به تفلیس رفت و به تحصیل زبان روسی و ادبیات آن پرداخت و متدرجا نزد رجال و دانشمندان روسیه به درستکاری و راست گفتاری شناخته شد و سپس در تمرخان شوره - دارالحکومه داغستان- اقامت کرد و مورد احترام جمیع مسلمانان و جزایشان گردید و خانه‌اش مقصد امرا و علما و اعیان و ملجاء نیازمندان و مستمندان شد. وی یکی از نسختین نویسندگان فارسی است که ایرانیان را به تألیف رمانهای علمی و تآتر و ترجمه علوم و فنون و هنرهای زیبا و مکارم اخلاق به زبان ساده آگاه کرد، و این امر روز به روز بر اعتبار و منزلت او نزد همه می افزود. از آثار اوست: «کتاب احمد»یا،«سفینه طالبی»در سه جلد،«پندنامه قیصر»،«مسالک المحسنین»،«مسائل الحیاة»،«فیزیک» و «تاریخ مختصر اسلام» (قزوینی. وفیات معاصرین یادگار 5 شماره 5 -4)، «نخبه سپهری» در احوال حضرت رسول، ترجمه پندنامه مارکوس، هیئت جدیده ترجمه از فلاماریون، ایضاحات در خصوص آزادی، سیاست طلبی و غیره (لغ.)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین ایران (127 -126 ،102)، از صبا تا نیما (304 -287 / 1)، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت ادبی (129 -125)، تاریخ انقلاب مشروطیت (191 -190 / 1)، چون سبوی تشنه (342 ،190 ،189 ،15)، دایره‌المعارف فارسی (1610 / 2)، الذریعه (256 / 95 / 24 ،345 / 20 ،263 / 17 ،199 / 3)، ریحانه (17 / 4)، سبک‌شناسی (366 / 3)، شخصیت‌های نامی (302 -301)، شرح حال رجال (263 -262 / 2)، صد سال داستان‌نویسی (25 -24 / 2 -1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1101 / 14)، لغت‌نامه (ذیل/ طالبوف)، مکارم الآثار (2024 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (826 -824 / 3)، یادگار (س 5، ش 5 -4، ص 86)، یغما (س 4، ش 5، ص 221 -214).

طالبی نیا، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید طالبی نیا
محل تولد : خوی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/24
زندگینامه علمی
اینجانب هنگامی که در کلاس چهارم در رشته ریاضی فیزیک نظام قدیم درس می خواندم شیفته حوزه علمیه شدم و در سال 1372 قدم در آن نهادم مقدمات را در حوزه علمیه بناب در محضر اساتیدی همچون
استاد صدر کریمی (صرف و نحو) استاد آتش زر (منطق) استاد طباطبایی (فقه) استاد سیدی (اصول) و استاد معظم بنابی (اخلاق و شرح لمعه) به پایان رساندم. آنگاه در مهر ماه سال 1378 عازم حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر بزرگانی همچون آیت الله احمدی میانجی، آیت الله استادی، استاد حسینی بوشهری، استاد سید احمد خاتمی، استاد لطفی کاشانی، استاد علیدوست، استاد سجادی امین، استاد در گاهی تبریزی و ... به پایان رساندم و از دروس خارج حضرات آیات بهجت، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی ،نوری همدانی و فروغی اردبیلی بهره بردم. در کنار دروس رایج حوزه، در مقطع کارشناسی ارشد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز تحصیل کرده ام. هم اکنون یکی از مدیران رادیو معارف هستم.

طالقانی، ابوالخیر، احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(590 -512 ق)، قاری، محدث، واعظ و فقیه شافعی. در قزوین متولد شد. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. از ملکداد عمرکی و محمد بن یحیی نیشابوری و ابوعبداللّه فراوی و عبدالغافر فارسی و عبدالجبار خواری و زاهر شحامی و ابن‌قشیری و ابن‌بطی در قزوین و نیشابور و بغداد فقه و حدیث آموخت. مدتی ساکن بغداد بود و در نظامیه و جامع قصر تدریس می‌کرد. موفق‌الدین عبداللطیف و ابن‌القرشی و رافعی از شاگردان وی بودند. با ابن‌جوزی واعظ مشهور، به نوبت، هر کدام یک روز، مجلس وعظ منعقد می‌نمودند. خلیفه وقت در مجلس موعظه حاضر و پس پرده می‌نشست و جمع زیادی از مردم در مجلسش ازدحام می‌کردند. روز عاشورایی بر منبر بود، مردم از وی خواستند که بر یزید لعن کند و او امتناع ورزید، لذا مطرود آنان گشت و به قزوین بازگشت و در همان جا درگذشت. وی تصنیفات مختصر و مفصل بسیاری در تفسیر و حدیث و فقه دارد. از آثار وی: «التبیان فی مسائل القران»، ردی بر حلولیه و جهمیه؛ «خصائص السواک»، که در «معجم المؤلفین» «خصائص السوال» آمده است؛ «حظائر القدس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (93/1)، ریحانه (93/7)، سیر النبلاء (193 -190 /21)، کشف الظنون (705 ،341)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (48 -46 /19)، معجم المؤلفین (168 -167 /1)، نامه‌ی دانشوران (303 -287 /8)، هدیه العارفین (88/1).

طالقانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید احمد بن العلامه السید محمدتقی بن السید الجلیل السید احمد بن السید العلام السید محمد بن السید احمد حسینی اوزانی طالقانی تهرانی یکی از مشاهیر علماء معاصر و مراجع امور دینی مردم تهران بودند در گذر قلی خیابان (خیام).
وی در سال 1302 ق در تهران متولد شده و در بیت مجد و شرف پرورش یافته و مقدمات را از فضلاء عصر خود فراگرفته آنگاه از محضر جماعتی از علماء اعلام تهران مانند علامه آقا سید هادی طالقانی و دیگران از مدرسین مدرسه مروی استفاده نموده و در سال 1325 ق که والدش آیت‌اللّٰه آقا سید محمدتقی وفات نمود در مسجد پاچنار بجای ایشان به اقامه جماعت و مرجعیت امور پرداخته تا سال 1382 قمری که بدرود زندگی گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللَّه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال 1287 ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن 16 سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللَّه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی) و آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجةالاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال 1371 ق که دعوت حق را در سن 84 سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.
نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللَّه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.
از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.
(1371 -1287 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران

آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (507 -506 / 4).

طالقانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدرضا آل محمد طالقانی از علماء اعلام قم و قدماء حوزه علمیه است که به فضل و کمال موصوف و سالهاست در قم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد نسب این بزرگوار به امامزاده سید نصرالدین مدفون در تهران در خیابان خیام دارای قبه و بارگاه می‌باشد می‌رسد و آن جناب با مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالحسن طالقانی و مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی و کلیه اعلام طالقان که در تهران و نقاط دیگرند بنی‌اعمام و از یک سلسله می‌باشند.
ولادت ایشان حدود 1330 قمری در طالقان واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات به تهران و از آنجا به قم مهاجرت نموده و پس از تکمیل سطوح از آیات عظام و مدرسین والامقام حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی به درس مرحومین آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بعد بالغ بر هیجده سال از ابحاث علامه الکبری و زعیم الاعلی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمهم‌الله استفاده نموده و ضمنا در محل خود به ترویج دین و اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
نسب شریف ایشان و کلیه سادات طالقانی تهران و قم منتهی به امامزاده سید نصرالدین تهران و از او به امامزاده واجب‌التعظیم و لازم‌التکریم جناب ابوالحسن سلطان علی بن امام الهمام ابی‌جعفر محمدالباقر علیه‌السلام مدفون در مشهد قالی کاشان شهید در روز هفدهم مهرماه (هفدهم پائیز) می‌شود و همه ساله در روز مذکور ده‌ها هزار نفر از اطراف بلاد در آن محل حاضر شده و مراسم خاصی را از برداشتن قالی و غیره انجام می‌دهند و نگارنده چندین مرتبه در آن مراسم شرکت داشته و ناظر بوده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طالقانی، محی‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محی‌الدین طالقانی بن السید الجلیل سید کاظم از علماء با فضل و تقوای معاصر تهران بودند که در یکی از قراء طالقان بدنیا آمده و از بدو عمر اشتغال بتحصیل علوم دینیه داشته و پس از طی مقدمات در محل در سن شانزده سالگی به تهران آمده و ادبیات و سطوح را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن طالقانی مذکور خوانده و در سال 1342 قمری مهاجرت به قم نموده و مدت 9 سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی حایری بهره‌مند گردیده علم اصول و اخلاق را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفته و در شوال 1351 ق بنابر تقدیر الهی که مرحوم آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن طالقانی وفات نمود برای انجام وصیت ایشان به تهران آمده و پس از انفاذ وصیت مجددا معاودت به قم نموده و در آن موقع جماعتی از محترمین محله قنات آباد تهران به قم آمده و از مرحوم آیت‌اللّه حایری تقاضای ایشان را نموده و آن مرحوم هم وی را ملزم برفتن تهران نمودند و ایشان پس از ورود به آنسامان تا آخر عمر به انجام وظائف دینی و روحی پرداخته و در مسجد مقدس اقامه جماعت نموده و نشر معارف اسلام و مذهب جعفری نموده است.
از آثار ایشان است: 1- شرح زیارات وارث 2- شرح دعاء ندبه 3- رساله مفتاح السعاده 4- رساله در اثبات افضلیت مومنین عجم بر عرب.
(س چهاردهم ق)، عالم دینی. در یکی از روستاهای طالقان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از طی مقدمات در طالقان، در شانزده سالگی به تهران آمد و ادبیات و سطوح را از میرزا طاهر تنکابنی و آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی، پدر همسر خود، فراگرفت. در 1342 ق به قم مهاجرت کرد و مدت نه سال از محضر آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله حایری بهره‌مند گردید. علم اصول و اخلاق را از آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی فراگرفت. برای مدت کوتاهی به تهران آمد ولی دوباره به قم بازگشت.اما به درخواست مردم قنات‌آباد تهران و الزام آیت‌الله حایری، مجددا به تهران آمد و در محله قنات‌آباد به انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: شرح «زیارت وارث»؛ شرح «دعاء ندبه»؛ رساله‌ی «مفتاح السعاده»؛ رساله در «اثبات افضلیت مؤمنین عجم بر عرب».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (519)، گنجینه‌ی دانشمندان (512 -511 / 4).

طالقانی، نظر علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1240 ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[1]
ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدفق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.
وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال 1306 ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.
از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است 1- اجتماع الامر والنهی 2- اشتراط الحس فی قبول الشهاده 3- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری 4- حجیة الخبر الواحد 5- رساله‌ای در فنا 6- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است 7- مناط الاحکام.
مرحوم آیةاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به

وی نمی‌رسد.
پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیةاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.
نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.
بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.
نامه‌ی طالقانی به خدا
بسم اللّه الرحمن الرحیم
پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.
1- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.
2- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.
3- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.
4- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.
5- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.
6- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.
7- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم
آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.
حجره دوم نظرعلی طالقانی
پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.
و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار

از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد.
پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.
وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.
پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.
پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.
تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.
پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.
- نظر علی.
- اهل کجائی.
- طالقان.
آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.
پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس

باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.
پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.
1- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.
2- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.
3- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.
4- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.
5- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.
6- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.
7- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال 1306 ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (278 / 22، 234 / 17، 159 / 15، 62 / 16 269، / 1)، علماء معاصرین (28 -27)، گنجینه‌ی دانشمندان (17 -13 / 6)، المآثر و الآثار (174)، مکارم الآثار (1129 / 4).

طالقانی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید نورالدین بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محی‌الدین طالقانی از علماء دانشمندان معاصر تهران است. تولدش در تهران واقع شده و پس از پرورش در بیت علم و سیادت و خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و چندین سال از محضر بزرگان و مراجع و مدرسین حوزه کسب علم و فضیلت نموده آنگاه به تهران مراجعت و بخدمات دینی و روحی پرداخته و در جای مرحوم والدش نیز اقامه جماعت و رهبری مردم آن محیط را بعهده دارند، دارای تألیفات عدیده و آثار بسیاریست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طالقانی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج آقا یحیی عبادی طالقانی بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه مرحوم حاج شیخ محمدحسن طالقانی از علماء بنام و افاضل کرام معاصر تهرانست در سال 1295 شمسی در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید تا پایه سیکل اول متوسطه شروع بتحصیل علوم عربی و دینی نموده و مقدمات را در تهران خوانده و برای ادامه تحصیل در سال 1353 قمری بامر مرحوم والدش مهاجرت به قم نموده و ادبیات را خدمت مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح را محضر مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی دامغانی و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی و آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی تکمیل نموده آنگاه بدرس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللَّه صدر حاضر شده و چند سالی هم از فقه و اصول مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده کرده تا بدرجات سامیه علم رسیده و در سال 1371 قمری به تهران مراجعت و پس از فوت مرحوم والد در مسجد آن مرحوم که در خیابان ظهیرالاسلام شاه‌آباد واقع است به اقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب حجةالاسلام آقای عبادی از دانشمندان باتقوا و متانت و مانند والدش بملکات فاضله اخلاقی و کمالات نفسانی و معنوی متصف و موصوف می‌باشند.
آثار علمی ایشان از اینقرار است 1- رساله‌ای در جبر و تفویض 2- اثبات امر بین‌الامرین 3- تقریرات و دراسات مرحوم آیت‌اللَّه حجت مباحث الفاظ در اصول و لباس مشکوک در فقه.
آثار خیر آن جناب بسیار من جمله 1- تعمیر اساسی مسجد طالقان 2- تعمیر مسجد کوچک سراج‌الملک واقع در خیابان ملت 3- تکمیل مسجد حسین‌آباد لویزان 4- مساعدت به تأسیس دبستان اسلامی کنی در حسین‌آباد مزبور.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاووسی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد و دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی ایران از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه شیراز در سال 1365 و ارتقاء به درجه استادی در سال 1372.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
گویش‌شناسی، فرهنگ و زبانهای پیش از اسلام، بررسی نارسائیهای دستور و دستورنویسی در دوره‌های دبیرستان، تدریس زبانهای خارجی و زبانشناسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 20 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 11
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
زبان فارسی و ادبیات فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
زبانها و فرهنگ ایران پیش از اسلام، فرهنگ و ادبیات فارسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاهر، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا طاهر در سال 1307 شمسی در قمشه (شهرضای کنونی)متولد شد. وی در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد. وی ضمن تدریس در مدارس شهرضا، به مطالعه و تحقیق و ترجمه متون از عربی به فارسی پرداخته. آثاری نیزبه طبع ونشر رساند در اندک مدتی به عنوان محققی دقیق در جامعه دانشگاهی مطرح شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تصحیح تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا طاهر پس از تحصیلات مقدماتی . متوسطه . رشته معقول و منقول را به عنوان تحصیلات دانشگاهی برگزید و درسال 1337 موفق به اخذ مدرک لیسانس از دانشگا ه تهران شد .هم دوره ای ها و همکاران : غلامرضا طاهر توسط دکتر خانلری به کار در بنیاد فرهنگ ایران دعوت شد واوبه فعالیت دراین بنیاد مشغول گردید . استاد ایرج افشار یزدی نیز در تهیه اکثر نسخ خطی و تسهیل مراحل چاپ مصححات استاد طاهر ،کمک شایانی به وی نمود. وقایع میانسالی : غلامرضا طاهر در تاریخ 29 شهریور 1377 دچار عارضه سکته مغزی شد و این مساله باعث شد که زبانش از تکلم افتاده و دست راست و پای چپش نیز تحرک خودرا از دست دهد . در این ایام و در بستر بیماری استاد طاهر جز مطالعه قرآن کریم ،حوصله مطالعه کتاب و نشریات دیگر نداشت . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامرضا طاهر علاوه بر از تدریس در دبیرستان های شهر رضا ، از سال 1353 به دانشگاه اصفهان دعوت شد و تا سال 1357 با آن دانشگاه همکاری کرد. پس از تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی ایشان در دانشگاه های واحد دهاقان ،نجف آباد ،شهرضا و دانشگاه پیام نور شهرضا فعالیت علمی و آموزشی خود را ادامه داد. فعالیتهای آموزشی : غلامرضا طاهر پس از اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران به مدت 30سال دبیر دبیرستانهای شهرضا بود . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نقدهای دقیق و مقالات علمی غلامرضا طاهر همواره درمجلاتی چون یغما و راهنمای کتاب و یاد نامه های بزرگان و پس از انقلاب اسلامی در مجلات آینده و پژوهشنامه آستان مقدس رضوی به چاپ می رسید . شهرت او باعث گشت تا دکتر خانلری شرایط انتقال وی را از آموزش و پرورش به بنیاد فرهنگ ایران فراهم آورد ولی او تنها دو روز در آن بنیاد به سر برد و چون روحیه خود را با حال و هوای تهران مساعد ندید آن جا را ترک کرد و

به زادگاه خود برگشت . آثار : تالیف فرهنگ لغات طبی یونانی در کتاب های فارسی ویژگی اثر : این اثر در سال 1374 توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید .2 ترجمه پنج داستان کوتاه ویژگی اثر : این اثر از زبان عربی ترجمه شده و در نشریه یغما از سال 22تا سال 31 آن منتشر شده است .3 ترجمه رمان اللقاد ویژگی اثر : اثر میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .4 ترجمه رمان الیوم الاخیر ویژگی اثر : اثری از میخاییل نعیمه که به فارسی ترجمه شده است .5 تصحیح قانون ادب لغت عربی به فارسی ویژگی اثر : این اثر تالیف حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم است و تصحیح انجام شده در سه جلد توسط بنیاد فرهنگ ایران در سالهای 1350و 1351 شمسی منتشر شد.6 تصحیح لطایف الحقایق ویژگی اثر : تالیف خواجه رشید الدین فضل الله همدانی است که در سال 1355 توسط کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در دو جلد منتشر شد.7 حدود چهل مقاله و نقد ویژگی اثر : این آثار عمدتا در نشریه های مختلف ادبی و یادنامه ها به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :نگاهی به المختارا ت من المرسائل ،مسعود تاکی ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه مهر ماه 1379 شماره 36

طاهری اهوازی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. ملقب به شوکت الوزاره. در 1313 ش موفق به اخذ گواهینامه از کالج آمریکایی تهران گردید و بعد وارد خدمت فرهنگ شد. وی علاوه بر دبیری زبان انگلیسی، نظامت دانشسرای پسران را نیز دارا بود. از آثار وی: «حاجی بابا در لندن»، ترجمه؛ «سه یار دبستانی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2045 / 2 ،1140 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (552 -551 / 1).

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر طاهری آزاد
محل تولد : بردسیر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال 1335 در بردسیر کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال 1352 وارد حوزه علمیه شدم و در سال 1360 شروع به درس خارج نمودم که از محضر اساتید حضرات آیات وحیدخراسانی ، فاضل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستم .

طاهری شاهرودی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدباقر فرزند عالم جلیل مرحوم حاج شیخ محمدحسن طاهری شاهرودی (امام جمعه) شهرستان شاهرود از افاضل دانشمندان آن سامان و مدرسین حاضر حوزه علمیه قم می‌باشند.
ایشان در تاریخ 1311 شمسی برابر 1350 قمری به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در شاهرود به قم عزیمت نموده و سطوح وسطی و نهائی را از اساتید حوزه علمیه به پایان رسانیده و برای تکمیل مبانی علمی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام آن سامان بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی آقای حکیم و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی فقها و اصولا و نیز آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده.
و بعد از رحلت والد ماجدش در سال 1337 قمری به شاهرود آمده و پس از مدت کوتاهی توقف باز به نجف و ادامه به تحصیل داده و جمعا حدود بیست و دو سال در شاهرود و قم و نجف اشرف جدیت و کوشش در راه علم و دانش نموده تا به مدارج عالیه رسیده و پس از آن به وطن مالوف برگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و تدریس فقه و اصول پرداخته و پس از پیروزی انقلاب و تبدیل حکومت شاهنشاهی به جمهوری اسلامی به سمت امام جمعه‌ای شاهرود منصوب گردیده و تا حال تحریر و تألیف این کتاب به خدمات یاد شده اشتغال دارند و ضمنا از سال 1408 قمری برابر 1366 شمسی برای تدرس به حوزه‌ی علمیه قم آمده و جز روزهای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل که باید در شاهرود ایفاء وظیفه کند در قم در مدرسه علمیه آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی به تدریس سطح عالی و خارج مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طاهری عراقی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق.
تولد: 1 اسفند 1322، اراک.
درگذشت: 14 اردیبهشت 1370، تهران.
احمد طاهری عراقی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال 1344 موفق به اخذ دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. در سال 1345 شروع به کار در بنیاد فرهنگ ایران نمود. پس از طی دوره‌ی نظام وظیفه، در مرکز خدمات کتابداری مشغول به کار شد و در سال 1351 برای تحقیق در رده‌بندی کتب اسلامی ابتدا عازم مشهد و سپس مصر شد. وی تا سال 1348 با این مرکز همکاری داشت.
در سال 1356 به دانشگاه ادینبورو انگلستان وارد شد و تحصیلات عالیه خود را همانجا ادامه داد. ضمنا در این دانشگاه به تدریس مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و دیوان حافظ نیز مشغول بود. در سال 1361، موفق به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی ادبیات عرب شد و دو سال بعد در مهر 1363 به ایران بازگشت و با بنیاد دایرةالمعارف اسلامی شروع به همکای نمود. در این مدت وی در انتشار هشت شماره از نشریه‌ی «تحقیقات اسلامی» (در پنج دفتر) همکاری داشت. از سال 1364، نیز شروع به تدریس متون نمود. ضمنا ایشان در سرپرستی انتشار نخستین جزوه‌ی دانشنامه‌ی جهان اسلام (حرف ب، جزوه اول) به عهده داشت و مقدمات چندین جزوه‌ی دیگر را نیز فراهم آورد.
از جمله آثار وی، علاوه بر مقاله‌های وی که در «نامه‌ی انجمن کتابداران ایران»، و «نشر دانش» و «معارف» و «مقالات و بررسیها» و مقاله‌های وی که در دانشنامه‌ی جهان اسلام («ب در زبان عربی» و «ب در عرفان اسلامی») به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: رده بندی دهدهی دیوئی: اسلام (1363، 1353)؛ رده BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانه‌ی کنگره) (1358)؛ مقدمه و حواشی و تصحیح رساله‌ی قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند (از خواجه احمد پارسا، 1354)؛ رده‌بندی دهدهی دیوئی: زبان‌های ایرانی (1366) (1350) رده‌بندی دهدهی دیوئی: ادبیات ایرانی (1363، 1351)؛ همکاری در تصحیح نصیحة الملوک غزالی (به تصحیح جلال‌الدین همایی، 1354).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهری قمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ میرزا احمدعلی طاهری سبط علامه آخوند ملا محمدطاهر قمی از فضلاء معاصر است در بردسیر کرمان ایشان در حدود 1342 قمری در بلده طیبه قم به دنیا آمده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی بتحصیل علوم و عربی پرداخته و مقدمات و ادبیات را از اساتید قم مانند مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی و حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران فراگرفته و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی خمینی و غیرهم فراگرفته و پس از پایان به درس خارج آیات نظام مخصوص آیةاللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ی کامل نموده و به امر معظم له عزیمت به (بردسیر کرمان) و تا حال تحریر که نزدیک بیست سالست که در آن سامان به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ارشاد انام اشتغال دارند.
آنجناب همسر سبط مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی (مؤسس) حوزه علمیه قم و داماد آیت‌اللّه حاج شیخ محمد تویسرکانی (و شوهر خواهر حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد غروی سبط حایری می‌باشد) و به تقوا و فضل و متانت موصوف و در بردسیر و میناب و منطقه استان کرمان خدمات تبلیغی بسیار نموده و منشأ آثار بزرگی شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری قمی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدتقی طاهری قمی نیز از افاضل مبلغین و فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند که اکنون از طرف آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی در (قروه کردستان) اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال دارند تولد ایشان نیز در قم واقع و سالیان دراز از محضر آیات عظام بروجردی و مرعشی نجفی و گلپایگانی و غیرهم استفاده و برای تبلیغ مسافرتها به کویت و بحرین و پاکستان و هندوستان و غیره نموده است در مرم سال 1388 قمری ایشان را در کراچی ملاقات و در انجمن ایرانیان آنجا از طریق منبر و موعظه مردم را ارشاد و تبلیغ می‌نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا جلال طاهری اصفهانی از علماء مجاهد و مبرز معاصر اصفهان است تولد ایشان در حدود سال 1347 قمری در حسین‌آباد اصفهان که اکنون جزو شهر شده است واقع شده و دروس فارسی و مقدمات و ادبیات را در اصفهان خوانده و در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم مهاجرت نموده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ حوزه فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی شرکت و از محاضر و دراسات نامبردگاه و بعضی دیگر استفاده کامل نموده و چون در میان اقران خود به ذکاوت و خوش‌فهمی معروف بوده از بعضی همگنان گوی سبقت ربوده و در حوزه علمیه جلسات بحث و تدریس گذارده تا بعد از تبعید نایب‌الامام که به اصفهان مراجعت و به اقامه جماعت و تدریس و مبارزه با بیدادگران و رژیم طاغوتی پرداخته و چندین بار گرفتار عمال جنایتکار شاه مخلوع و به زندان افتاده و آزاد گردیده تا در سال گذشته (1398 ق) که منزلش مورد حمله مامورین و سربازان مغولی و چنگیزی (محمدرضا پهلوی) سواللّه وجهه- گردیده و گرفتار آن جلادان شده که این بار مردم اصفهان قیام و دولت را محکوم و پشتیبانی خود را به روحانیت و امام ملت اعلام و آزادی ایشان را خواسته و حتی قربانیها داده و خونهای جوانان عزیز و رزمندگان خود را اهداء و او را آزاد نمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

طاهری، حبیباللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حبیباللَّه طاهری گرگانی از علماء و ائمه جماعت معاصر گرگانست.
وی در گرگان متولد شده و مقدمات و ادبیات را در آنجا آموخته آنگاه به قم عزیمت و به تحصیل سطوح پرداخته و متون فقه و اصول را از اساتید و مدرسین حوزه به پایان رسانیده و پس از آن از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند و به نجف مهاجرت و از محضر دروس آیت‌اللَّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیات دیگر استفاده نموده پس از آن به وطن مراجعت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام و غیره اشتغال و منشأ آثار و خدمات بزرگی در گرگان گردیده‌اند و ایشان افتخار مصاهرت با آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی را نیز دارا می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طاهری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن طاهری
محل تولد : خرم‌آباد
شهرت : طاهری خرم آبادی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/1/1
زندگینامه علمی
حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه 1317 هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجستهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیةالله سید حسن طاهری خرم آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن 9 سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زودهنگام در پرورش و استواری آیندهٔ او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می‌کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمهٔ هدی، به محضر علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفهٔ اشعریون قم بود، در حدود سال 1360 شمسی دار فانی را وداع گفت. آیةالله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می‌کرد. وی در همان دورهٔ دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می‌گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال

جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه(س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام(ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام(ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام(ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیةالله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامة آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیةالله داماد و آیةالله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیةالله طاهری خرم آبادی در دورة تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطرة مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلای خرم‌آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمه با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیةالله خزعلی فرا گرفت. کفایةالاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیةالله بروجردی و مرحوم امام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام(ره) می‌فرماید: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشان قابل طرح و استفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشکال می‌گرفتند و خود

ایشان هم مشوّق بود؛ اما نظرات ایشان در همة ابعاد به قدری عمیق و دقیق است که همیشه قابل طرح و بحث خواهد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضرت امام در ابعاد مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و عرفانی در عصر خویش فقیه و اندیشمندی استثنایی بود. حضرت امام از یک نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. بدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین(ع) حضرت امام یک انسان استثنایی بود». آیة‌الله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری و داماد شرکت نمود و از محضر مرحوم حاج آقا حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسفه نیز، ایشان منظومه ملاهادی سبزواری را نزد مرحوم آیة‌الله حاج آقا مصطفی خمینی و آیة‌الله امینی آموخت. اشارات و الهیات شفا را نزد آیة‌الله جوادی آملی و مقداری از اسفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشی از اسفار را نیز در محضر آیة‌الله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی محقق، عمید زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دورة تحصیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسینی کاشانی، ربانی املشی و حاج حسن تهرانی نام می‌برد. آیة‌الله طاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به این حوزة سترگ تقدیم داشته است. در بخش تدریس، ایشان بسیاری از کتب دوره سطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول است و طلاب و فضلای بسیاری را به جامعة علمی و فقهی کشور ارزانی داشته است. در کنار تدریس، از سالهای پیش از انقلاب تاکنون، در نشریات گوناگونی، مقاله‌های جامع علمی و سیاسی خود را به چاپ رسانده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است.برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیة و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبایح اهل کتاب و کتاب ولایة الفقیة اشاره کرد. زندگی عالمان مجاهد در عصر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیة‌الله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضرت امام خمینی(ره) حکومت ننگین پهلوی و سکوت در مقابل ستمهای آن را برنمی‌تابید و روز و شب را به مبارزه با آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد که ذکر نمونه‌ها و شرح آن، در این مختصر نمی‌گنجد. در سال 1341، شاه و عوامل آن، لوایح ششگانه‌ای را با ظاهر اصلاحات و ایجاد رفاه برای مردم تدوین کردند و می‌خواستند آن را به رفراندوم بگذارند.

امام(ره) که به خوبی از حیله‌ها و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لوایح اعلام نمود و به آیةالله طاهری خرم آبادی نیز دستور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شده را با علما و مردم آن دیار در میان بگذارد. تلاش آیةالله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیام امام(ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصمیم‌گیری برای مسائل پیش آمده، نقطة عطفی در مبارزات ایشان می‌باشد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام(ره) رساند. وی در اوایل سال 1342 به منظور تبلیغ و در آستانه ماه محرم، تصمیم به عزیمت به کاشان گرفت و آن را با امام(ره) در میان گذاشت. امام(ره) موافقت فرمودند و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمده و ضرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضمن رساندن این سخنرانیهای مهم و افشاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و ساواک و عوامل رژیم پهلوی را هراسناک ساخت. همچنین سخنرانی وی پس از حادثه پانزدهم خرداد در حرم مطهر حضرت معصومه(ع) در حمایت از امام(ره) و محکوم کردن جنایات رژیم، در کارنامه مبارزاتی او می‌درخشد. در طول سالهای مبارزه، آیةالله طاهری خرم آبادی، بارها و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و بارها تبعید یا زندانی شد. اما بینش صحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام(ره) و علاقة وافر به ایشان، تبعید و زندان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هدف امام خمینی(ره) از نهضت را اینگونه بیان می‌کند: «از پای درآوردن حکومت سلطنتی در حد ساقط کردن آن و یا ضعیف کردن آن، به عنوان هدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مباحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هدف مشخص و روشن را برای نهضت ترسیم کرد و آن، حکومت اسلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیةالله طاهری خرم آبادی، در حدود سال 56 به عضویت رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسی آیةالله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محدود نیست. ایشان پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختند و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید فخر الدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمد جعفر بن العالم الجلیل السید محمد طاهر طاهری شیرازی از علماء و ائمه جماعت معاصر شمیرانست و در مسجد دزایشیب به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
ایشان در شیراز تولد و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سالها از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت عده‌ای از مؤمنین شمیران و تصویب آیت‌اللّه بروجردی بشمیران منتقل و در مسجد مزبور ایفاء وظیفه مینماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محسن بن العالم الجلیل الشیخ طاهر طاهری قمی از علماء محترم معاصرند در شهر ورامین، وی در سال 1289 شمسی در شهر مذهبی قم متولد شده و پس از رشد و فراغت از دوره تحصیلات فارسی در سال 1304 شمسی درسن 15 سالگی مشغول بتحصیل علوم دینیه گردیده و حدود 13 سال سطوح وسطی و نهائی و غیره را در خدمت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و مرحوم آقای ادیب تهرانی و آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری و غیره به پایان رسانیده و مدت سه سال از دروس خارج آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه عالم ربانی آقا سید محمد حجت و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه فیض و دیگران استفاده نموده و در سال 1320 شمسی بنابر دعوت و اصرار جمعی از مردم متدین و اصناف شهر ورامین مهاجرت به این شهر نموده و تاکنون که مدت سی و سه سالست در مسجد بزرگ ورامین (مسجد خاتم‌الانبیاء) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.
آثار آن جناب از این قرار است:
1- تأسیس مسجد بزرگ که در آن اقامه جماعت می‌نمایند.
2- تشکیل حوزه علمیه
3- جامع التفاسیر
4- راهنمای مبلغین و غیره
ایشان از غالب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازه روایتی و امور حسبیه می‌باشد
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر طاهری از ائمه جماعت حاضر شاهرودند و در مسجد مصلی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

طاهری، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید نورالدین بن آیت‌اللَّه حاج سید محمد جعفر طاهری (مجتهد) شیرازی برادر دانشمند طاهری مذکور است، وی نیز در شیراز متولد و پس از خواندن اولیات و سطوح وسطی به قم عزیمت نموده و غالبا شریک تحصیل برادر خویش بوده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللَّه مرعشی و دیگران بپایان رسانیده و چند سالی از محضر مرحوم زعیم اعظم حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده دروس خارج نموده و بنا بر تقدیر و تقاضای جماعتی از مردم متدین تجریش و امریه حضرت آیت‌اللّه بروجردی مهاجرت به آن سامان نموده و تا هم‌اکنون در مسجد تکیه (پائین) به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طاهری، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، مترجم، منتقد.
تولد: 1313، اهواز.
درگذشت: 21 اسفند 1369، تهران.
هوشنگ طاهری دارای مدارج دکترای تاریخ هنر از اتریش، مهندسی اقتصاد کشاورزی از آلمان و تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین بود. در سال 1346 به ایران آمد و در زمینه‌ی هنر و ادب، به نقد، پژوهش و آموزش پرداخت. با مطبوعات همکاری داشت. ابتدا دبیر هنری مجله «سخن» بود. سپس سردبیر آن شد. طاهری در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک، دانشکده‌ی صدا و سیما و مجتمع دانشگاهی هنر در رشته‌ی سینما تدریس می‌کرد.
او از پیشگامان ترجمه‌ی فیلمنامه‌های آثار مدرن سینما بود. از آثار اوست: رئالیسم در ادبیات هنر (از ژان پل سارتر)، هنر اسلامی (از ارنست کونل)، خاکستر و الماس (از یرژی آندره یوسکی)، داستان‌های نوین آلمانی، تاریخ سینمای هنری (نوشته اولریش گرگور و انو پاتالاس، برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب سال در رشته هنر، 1370)، توت فرهنگی‌های وحشی (اینگمار برگمن)، زندگی (اکیرا کوروساوا)، صحرای سرخ (میکل آنجلو آنتونیونی)، ام M- قاتل (فرتیس لانگ)، مهر هفتم (اینگمار برگمن)، ویریدیانا (لوئیس بونوئل)، هنر اسلامی (ارنست کوئل)، همچون در یک آینه (اینگمار برگمن)، هیروشیما، عشق من (آلن رنه مارگریت دوراس).
طاهری سال‌ها ویولن می‌نواخت و نقاشی را می‌ستود، مجموعه‌ای نفیس از تابلوها و کتاب‌های نقاشی را گرد آورده بود. اهل شعر و داستان بود. شهرهایی سروده بود و آنها را برای دوستان می‌خواند. همچنین نقدهایی بر فیلم‌های سینمایی نوشته بود. درباره‌ی سینما مطالبی برای مجلات یا روزنامه‌ها ترجمه می‌کرد یا تألیف می‌نمود. ضمنا در تلویزیون برنامه «سینما» را تهیه و اجرا می‌کرد. وی از جشنواره‌ی سوم سینمای آزاد به بعد یکی از داوران سینمای آزاد بود.
هوشنگ طاهری در تهران در بزرگراه آیت‌الله صدر بر اثر تصادف درگذشت. پیکر وی در آرامگاه خانوادگی‌اش در امامزاده‌ی عبدالله به خاک سپرد شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طائی همدانی، ابوالفتوح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(555 -475 ق)، حافظ، محدث و واعظ. در همدان به دنیا آمد. در خراسان و عراق و جبال از فید بن عبدالرحمان شعرانی و عبدالرحمان بن حمد دونی و ظریف بن محمد نیشابوری و ادیب محمد بن ابی‌العباس ابیوردی و اسماعیل بن حسن سنجبستی فرائضی و عبدالغافرین بن محمد شیروی و علامه ابوالمحاسن رویانی و ابوالقاسم بن بیان رزاز و شیرویه دیلمی و ابن‌طاهر مقدسی و ابومحمد حسین بن مسعود بغوی و تاج‌الاسلام ابوبکر سمعانی حدیث شنید و نزد محیی السنه بغوی و تاج‌الاسلام سمعانی فقه آموخت. محمد بن عبدالله بن بناء صوفی و ابوعبدالله حسین بن زبیدی و برادرش، حسن، و گروهی در بغداد از وی حدیث شنیدند. وی در همدان درگذشت. اثر وی کتاب معروف «الاربعون حدیثا» یا «الاربعین فی ارشاد السائرین الی منازل الیقین» یا «الاربعین الطائیه». که چهل حدیث از چهل شیخ و استاد و هر یک از احادیث از یکی از صحابه پیامبر (ص) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (374 / 2). سیر النبلاء (362 -360 / 20). شذرات الذهب (175 / 4). العبر (25 / 3). کشف الظنون (56). معجم المؤلفین (251 .18 / 11). النجوم الزاهره (318 / 5). الوافی بالوفیات (144 / 1). هدیه العارفین (93 / 2).

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق.
تولد: 1281(1315 ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).
درگذشت: 13 مهر 1372، تهران.
سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال 1343 است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال 1347 موفق به اخذ دکتری شد.
وی از سال 1353 عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.
از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.
دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
زندگینامه
دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال 1315 دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال 1343 موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال 1347 در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال 1353 به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.
آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان 5 جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود 7 مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال 1343، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال 1347.
مرتبه علمی:
عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال 1353، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای 4 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 7، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی فر، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس طباطبایی فر
محل تولد : نطنز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال 1341درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال 1359 از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداراران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،دردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی –واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها بزگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها

نوشته وچاپ میشود .صمناَ ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاَ محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعةالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبایی قمی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1298 ش)، نویسنده و مترجم. در قم به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در قم و متوسطه را در دبیرستانهای تهران و انزلی و کرمانشاه و قزوین به پایان رساند و در 1318 ش موفق به اخذ دیپلم شد. سپس دوره‌ی دانشکده‌ی کشاورزی کرج را گذراند و مهندس کشاورزی شد. بعد به دانشکده حقوق رفت. پس از آن به اروپا عزیمت نمود و پس از گرفتن دکترای حقوق در دانشگاه ژنو یک سال نیز به صورت مستمع آزد در دانشگاه لندن جهت بررسی فلسفه‌ی حقوق به سر برد و در راه مراجعت به ایران مدت شش ماه در دانشگاه فؤاد اول در قاهره برای مطالعه در منطق ارسطو مشغول تحصیل شد. در تهران به وکالت دادگستری و مشاورت قضایی و وکالت بعضی از بانکها اشتغال داشت. از آثار وی: «مبانی اقتصادی مسائل اجتماعی»؛ «مختصری از فلسفه ابن‌سینا و نفوذ آن در غرب»؛ «مقدمه‌ی تئوری کلی و فلسفه‌ی حقوق»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3091، 2959، 2869 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (588-586 / 4).

طباطبایی نایینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از صاحب منصبان اداره‌ی کل گمرکات بود. بعد به کتابخانه‌ی مجلس انتقال یافت. از آثارش: «جیر جیرک»، ترجمه؛ «گامی لرزان رو به جهان شناخته نشده‌ی قرآن»؛ «لومن»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2830، 2706 / 2، 1091 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (8 / 3).

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1256/ 1247 ق)، عالم دینی، فقیه، اصلوی، لغوی، شاعر و مرجع بزرگ. در کسنویه از قراء یزد به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی و میرزا محمد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. سپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سرودن شعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش، احداث ابنیه خیریه و مدارس و مساجد است. مدرسه سید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشتمل بر سه هزار و دویست و شصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشی نوشته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیح»، حاشیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکام ظن»؛ رساله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السؤال و الجواب»، در فقه؛ «الاستصحاب»؛ «الصحیفه الکاظمیه»؛ «بستان نیاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (234 / 7)، الذریعه (252 / 15 ،108 / 3 ،25 / 2)، ریحانه (393 -391 / 6)، شرح حال رجال (251 -250 / 6)، علماء معاصرین (114 -113)، فوائد الرضویه (597 -596)، لغت‌نامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (156 / 11)، مکارم الآثار (1324 -1321/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (30 -26 / 5).

طباطبایی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1270 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر به تبریز رفت و چندی در آنجا ماند و به تحصیلات ابتدایی پرداخت. سپس به همراه پدر به تهران آمد و پس از چندی به زادگاه خود بازگشت. در این زمان که مصادف بود با زمزمه‌های نهضت مشروطیت ضیاءالدین نیز به نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های محلی پرداخت و پس از مدتی روزنامه‌ای به نام «ندای اسلام» در شیراز منتشر ساخت. پس از انتشار روزنامه‌ی مذکور به تهران آمد و وارد محفل مشروطه‌خواهان شد و پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان روزنامه‌ی «شرق» را به اتفاق چند تن از دوستانش انتشار داد. سید ضیاءالدین در این روزنامه مقالات تندی می‌نوشت در نتیجه چند تن از وکلای مجلس علیه او اقامه‌ی دعوا کردند و روزنامه بسته شد. وی پس از این قضیه به اروپا رفت و بعد از مدتی بازگشت و به ترتیب روزنامه‌های «برق» و «رعد» را منتشر کرد، البته در روزنامه‌های فوق مطالبی را می‌نوشت که مورد نظر و حمایت دولت انگلستان باشد. سید ضیاءالدین در 1299 ش به نخست وزیری رسید و پس از صد روز از این مقام کنار گذاشته شد و به اروپا رفت و سرانجام در 1322 ش به ایران بازگشت. سید ضیاءالدین در 1325 چند ماهی بازداشت بود. بعد از کودتای 28 مرداد 1332 از معتمدین محمد رضا پهلوی شد و سرانجام در تهران درگذشت. از آثار قلمی او: «شعائر ملی»؛ «تلیمات مدنی»؛ «قرآن شریف»؛ «تفسیر روشن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 6، ش 12 -9، ص 745 -736)، تاریخ برگزیدگان (249 -247)، تاریخ جراید و مجلات (66 -61 / 3، 321 -320 14، -11 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1613/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (258 -247 / 4)، شرح حال رجال (128 -122 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (572 -571 / 3).

طباطبایی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1341 -1246 ق)، مصحح، ادیب و نویسنده. ملقب به وکیل‌الرعایا و اعتضادالممالک و معروف به حاجی وکیل. در تبریز به دنیا آمد.
از خانواده‌های مشهور آن شهر بوده که سالیان دراز و کالت رعیت و مالیات آذربایجان را به عهده داشته. وی به خواسته‌ی امیر نظام گروسی والی آذربایجان «کلیله و دمنه» را تصحیح کرد. نادر میرزای قاجار «تاریخ و جغرافیای تبریز» را به اصرار وی تألیف کرد. میرزا کاظم کتابخانه‌ی مفصل و نسخه‌های خطی زیادی داشت. وی کتابی در انساب آل ابی‌طالب نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه رجال و مشاهیر (269 / 4)، شرح حال رجال (181 -180 / 6 ،149 / 3).

طباطبائی نجف‌آبادی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر طباطبائی متخلص به هاشمی از علماء و ائمه جماعت و روحانیون خدوم معاصر شهرستان نجف‌آباد می‌باشند. ایشان در سال 1329 قمری هجری در یکی از روستاهای کرون نجف‌آباد به نام احمدرضا چشمه به دنیا آمده و از سن چهار سالگی در مکتب خانه‌ای مشغول به تحصیل شده و تا سن چهارده سالگی دروس فارسی و قرآن را آموخته آنگاه با تشویق جدشان مرحوم آقا سید اسداللّه رحمه‌اللّه برای تحصیل علوم عربی به اصفهان آمده و در مدرسه جده بزرگ سکونت و خدمت مدارس آن مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد حسن عالم نجف‌آبادی سطوح متوسط فقه و اصول را خوانده آنگاه به عللی به زادگاه خود مراجعت و پس از چند سال مجددا برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرستان نجف‌آباد مهاجرت نموده و در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ ابراهیم ریاضی نجف‌آبادی مشغول به تکمیل مبانی علمی گردیده و رسائل و ریاض و کفایه‌الاصول را خوانده و از محضر آن بزرگوار استفاده اخلاقی و تربیتی نموده است.
در حال حاضر ایشان در مسجد صفای نجف‌آباد به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم و خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند. و مورد توجه خاص و بسیاری از مردم این منطقه می‌باشند که در اجراء عقود شرعیه به ایشان مراجعه می‌نمایند دارای تألیفات مطبوع و مخطوط می‌باشند.
1- ارکان دین درباره اصول عقاید (توحید، نبوت، عدل، امامت، معاد) که در سال 1363 به طبع رسیده است.
2- باغستان که کشکولی است از احادیث و روایات مختلفه که مخطوط مانده است.
3- دیوان شعر بنام دیوان هاشمی.
4- دیوان انقلابی هاشمی که هر دو به طبع رسیده است.
5- کلیات دیوان هاشمی
جناب آقای حاج سیدجعفر طباطبائی خاطرات آموزنده‌ای دارند که اگر به رشته تحریر آوردند به صورت کتاب مفید و سازنده‌ای خواهد بود.
دارای هفت فرزند می‌باشند که سه تن آنان در حوزه علمیه اشتغال به دروس خارج فقه و اصول دارند و یکی از فرزندانشان به نام سید محمدعلی در عملیات محرم به فیض شهادت رسیده‌اند و آقازادگان مقیم

حوزه علمیه قم نامبردگان زیرند:
1- جناب آقا سید محمدرضا
2- جناب آقا سید محمدباقر
3- جناب آقا سید محمدصادق حفظهم اللّٰه تعالی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی یزدی، صدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صدرالدین فرزند عالم جلیل و سید نبیل حاج سید احمد مهریزی یزدی یکی از چهره‌های درخشان استان یزد و حوزه علمیه قم می‌باشند که در دوره دوم مجلس جمهوری اسلامی نماینده محترم مردم استان یزدند، تولد ایشان در روز جمعه نهم دی‌ماه 1322 شمسی در مهریز یزد واقع شده و پس از رشد و تربیت در سال 1335 شمسی در مدرسه مصلی مشغول به تحصیل گردیده و پس از یکسال در سال 1336 شمسی مهاجرت به قم نموده و ضمن فراگرفتن درسهای حوزه تحصیلات جدید را تا دریافت دیپلم ادامه داده و با آغاز انقلاب به رهبری آیت‌اللّه خمینی در سال 1341 هجری شمسی فعالیتهای سیاسی خود را شروع کرده و بارها مورد تعقیب رژیم گذشته قرار گرفته و در رابطه با انقلاب اسلامی در سال 1345 شمسی مخفیانه به عراق مسافرت و به نجف اشرف مشرف گردیده و پس از بازگشت به قم در همان سال به حوزه درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد شرکت و ضمنا فعالیتهای سیاسی خود را از طریق سخنرانی و سرود اشعار و تنظیم و تکثیر اعلامیه دنبال کرده و در آذر سال 1357 شمسی سفری به پاریس نموده و به محضر امام راحل راه یافته و نامه‌ها و اعلامیه‌هائی که همراه داشت تقدیم ایشان نموده و بعد از چند روز به منظور رسانیدن پیام انقلاب از پاریس به شهرهای لندن و هامبورگ و قاهره و دمشق و عمان مسافرت و از اردن با لباس مبدل و ناشناس به فلسطین اشغالی رفته و از شهرهای بیت‌المقدس و قدس خلیل و بیت‌اللحم دیدن نموده و طی تماس با جوانان فلسطینی به تشریح مواضع انقلاب اسلامی پرداخته و پس از آن مسافرت به عربستان و عمره مفرده بجا آورده و در 19 بهمن 1357 شمسی از طریق ترکیه به ایران برگشته و مدت چندین ماه در دفتر امام راحل در قم مشغول رسیدگی به برخی از مراجعات بوده و در طول اقامت خود در قم گذشته از اشتغال به تدریس به تألیف و ترجمه آثاری توفیق یافته که برخی از آنها به چاپ رسیده و آنها را می‌نگارم.
1- حماسه جاوید
2- فرهنگنامه حج و عمره دو جلد
3- پرچم پیروزی حق
آقای طباطبائی به زبان عربی تسلط و به زبان انگلیسی آشنائی دارد و نیز

چندین مسجد و حسینیه و کتابخانه و غیر آنها از آثار خیر را بنا و باقیات الصالحاتی از خود به یادگار گذارده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

طباطبائی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از پنج پسر مرحوم حاج سید محمود است وی نیز از علماء متقی قم بود و در صحن نو اقامه جماعت می‌نمود در سال 1334 در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.
یکی از برادران ایشان مرحوم سیدالعباد آقای حاج سید ابراهیم طباطبائی بود که نگارنده او را زیارت کرده بودم سیدی پارسا و متورع و از صلحاء و اخیار قم بود کراراً به مکه و عتبات عالیات مشرف گردیده بود در حدود سال 1360 وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

طباطبائی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس طباطبائی ابن العلامه الاستاذ آیت‌اللّه السید محمد طباطبائی فشارکی الاصفهانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر و داماد آیت‌اللّه حاج میرزا احمد آشتیانی می‌باشد.
تولد این بزرگوار و مرحوم برادرش حجةالاسلام و المسلمین حاج سید علی‌اکبر طباطبائی داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی در سامره بوده و در سنین کودکی پدر بزرگواری چون علامه فشارکی معروف بسید استاد را از دست داده و در مهد علم پرورش یافته و پس از خواندن اولیات و سطوح از محضر مراجع بزرگ استفاده نموده تا بدرجه سامیه علم و کمال ارتقاء یافته و مهاجرت به تهران نموده و بتدریس در مدرسه مروی و انجام وظائف دینی و روحی تا هم اکنون اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه طباطبائی دانشمندی متین و عالمی با معنویت است و در بی هوائی و سادگی و احتراز از سر و صدا و تأسی بمرحوم والدش سید استاد نموده که هر چه شاگردان مبرز وی چون مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و دیگران به وی اصرار می‌کردند که رساله عملیه بنویس و فتوا بده زیرا پس از آیت‌اللّه مجدد شیرازی متعین است که شما از دیگران اعلم هستید در جواب میفرمود: آری من خود را مجتهد و از اقرانم افضل می‌دانم ولی رساله نمی‌دهم و هرگز خود را در معرض مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند می‌فرماید: تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی 1348 برابر با چهارم آبانماه 1318 شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّٰه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّٰه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (25) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.
پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.
در اسفند ماه 1349 شمسی و ذی‌حجه 1389 قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال 1356 برابر 1396 قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

1- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.
2- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
3- معجم اعلام‌الشیعه
4- علی ضفاف الغدیر
5- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه
6- مستدرک الذریعه
7- تعلیقات بر الذریعه
8- تهذیب الذریعه
9- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.
10- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه
11- اهل البیت فی المکتبه العربیه
12- الحسین والسنه
13- نتایج الاسفار
14- قید الاوابد

تصحیح متون

1- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی
2- فهرست شیخ طوسی
3- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل
4- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال 92.
5- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

6- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال 86.
7- رساله ذهبی در حدیث الغدیر
شرکت در کنگره‌های علمی
1- هزاره شیخ طوسی در مشهد
2- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران
3- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد
4- کنگره حسین (ع) در لندن
5- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن
اجازات ایشان
معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.
فقیه.
تولد: 1308(23 جمادی‌الآخر 1348 ق.)، نجف.
درگذشت: 8 بهمن 1374(7 رمضان 1416 ق.)، قم.
آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی

یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در 1396 ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.
مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.
کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعة؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، 1314 ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربة فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنة النبویة، انباء السماء برزیة کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبة العربیة (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة (اولین نوشتار استاد در 1377 ق.)؛ حیاة الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة امیرالمؤمنین (ع) العامة فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغة (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغة العربیة؛ مستدرک الذریعة، معجم اعلام الشیعة؛ مکتبة العلامة الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمة الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنة (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمة امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست

شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).
آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان 1374 به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبائی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا مصطفی ابن العالم الجلیل السید جواد طباطبائی قمی از دانشمندان نامی و وعاظ گرامی دارای مقام فضل و دانش و جامع معقول و منقول و فروع و اصول و صاحب مرتبه حسب و نسب و سیادت و وجاهت بین مردم می‌باشد.
در سال 1327 قمری در قم به دنیا آمده و پس از رشد و خواندن مقدمات و مشرف به مشهد مقدس شده و پانزده سال توقف سطوح عالی و خارج را از مرحوم ادیب نیشابوری و ادیب ثانی و حاج محقق نوغانی و والد خود و حاج شیخ محمد رضای زنجانی و آیت‌الله العظمی قمی و آقازاده کفائی استفاده نموده و معقول را خدمت مرحوم آقابزرگ حکیم و فرزند وی آقا مهدی حکیم خوانده و در سال 1356 مشرف به کربلاء شده و مدت شش سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی قمی و آیات دیگر آنجا استفاده نموده و در سال 1363 قمری مراجعت به قم و پس از 6 سال توقف و تدریس علوم عقلی و نقلی مهاجرت به تهران و تاکنون در مسجد امیرالمومنین علیه‌السلام مهرآباد اقامه جماعت و هم به وظائف روحی و دینی و تبلیغات مذهبی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم محدث بزرگوار و عالم متقی حاج شیخ عباس محدث قمی می‌باشند.
دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله و خصال حمیده می‌باشند. برادر ارجمندش آقای حاج اصغر آقای طباطبائی داماد مرحوم آیت‌الله حاج میرزا سید حسن برقعی قمی از فضلاء اهل منبر است که سالها در نجف سرپرست فرهنگی ایرانیان مقیم نجف را داشته و هم‌اکنون در تهران از راه فرهنگ و هم منبر خدماتی انجام می‌دهند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبرستانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمد علی طبرستانی یکی از علماء ممتاز و محترم معاصر بابل است.
وی نیز سالها از محضر آیات و مراجع بزرگ استفاده نموده آنگاه بوطن خود بازگشت و بانجام وظائف از قبیل اقامه جماعت و تدریس و گفتن تفسیر و غیره تاکنون اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، ابوذر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ اباذر بن‌المرحوم العالم الربانی آشیخ محمد طبرسی از علماء اخیار و فضلاء ابرار این شهرستان است و در سال 1300 شمسی تقریبا متولد شده و پس از آموختن تحصیلات ابتدائی و مقدماتی در خدمت والد مرحوم و عم کرام و دائی فاضلش آقای آقا محمد تقی دانش پژوه در سال 1324 مسافرت بتهران نموده و پس از طی دوره شش ساله مدرسه سپهسالار و دانشکده الهیات با دریافت لیسانس مهاجرت بقم نموده و از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله فکور یزدی و آیه‌الله سلطانی و آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و در سال 1340 شمسی بعد از مراجعت از سفر بیت‌الله الحرام بوطن خود آمل برگشته و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات مذهبی و ترویج احکام پرداخته و تاکنون باین سمت افتخار دارد.
مؤلف گوید مترجم معظم از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و از خاندان زهد و تقوا و علم و فضیلت است و دارای مقام حسب و نسب میباشد.
والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام و ملجاءالانام آقای آقای شیخ محمد طبرسی از علماء مبرز آنسامان بوده و در سن 66 سالگی در سال 1316 شمسی از دنیا رفته است و عموی بزرگوار ایشان مرحوم آیه‌الله آقا شیخ عزیزالله طبرسی از علماء موجه و محترم آنسامان بوده و در 13 محرم الحرام 1387 قمری در سن 83 سالگی رحلت نموده است.
دائی فاضل و دانشمندش آقای میرزا محمد تقی دانش پژوه نیز از افاضل شمال است و بعد از فوت والدش چند سالی در قم استفاده نموده تا سال 1310 شمسی که بتهران آمده و فلسفه را از مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی آشتیانی فرا گرفته و دوره دانشکده الهیات را هم طی نموده و کرسی استادی را اشغال نموده و هم متخصص در کتاب شناسی در ایران میباشند.
و از این خاندانست مرحوم مبرور دانشمند پارسا و مجتهد فقیه حاج میرزا احمد درکائی بن العلامه میرزا مهدی فقیه که از شاگردان آیه‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی و سالها در آمل مشغول تدریس و ترویج دین بوده و در سن 83 سالگی در ماه رمضاه 1347 قمری بدرود زندگی نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در 523 ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج المواليد»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[1]
(ع. معر. تفرشی) 1- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین 480 -468 ه.ق.- ف. 548 ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد

مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال 523 ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج المواليد در تاریخ و انساب، العمدة در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی 4 و غیره. 2- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. 6 ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).
الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.
اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند 1- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن 2- الوسیط (تفسیر متوسط) 3- الوجیز (تفسیر مختصر) 4- جوامع الجامع 5- الاداب الدینیه للخزانة المعنیه 6- غنیة العابد 7- منیة الزاهد 8- تاج المواليد 9- کنوز النجاح 10- عدة السفر 11- عمدة الحضر 12- النور المبین 13- الفائق 14- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.
بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوة‌الانوار در ادعیه است.
بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال 523 قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال 548 قمری از دنیا رفت.
جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.
و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند
صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه

طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.
نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.
پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه
پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد
فوائد الرضویه ص 352
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (353 -352 / 5)، ایضاح المکنون (433 / 2)، اعیان الشیعه (401 -398 / 8)، تأسیس الشیعه (340)، تاریخ ادبیات در ایران (259 / 2)، الذریعه (24 / 20، 249 -248 / 5، 242، 240/ 2، 18 / 1)، روضات الجنات (349 -342 / 5)، ریحانه (36 / 4)، شهیدان راه فضیلت (91 -89)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -216 / 6)، فوائد الرضویه (352 -350)، کشف الظنون (1602، 126)، الکنی و الالقاب (444 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (67 -66 / 8)، هدیه الاحباب (194-193)، هدیه العارفین (820 / 1)، یادداشتهای قزوینی (280 -277 / 5).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(450 -348 ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (321 / 3)، انساب سمعانی (47 / 4)، تاریخ بعداد (360 -358 / 9)، دایره‌المعارف فارسی (1615 / 2)، روضات الجنات (146 -145 / 4)، ریحانه (46 -45 / 4)، سیر النبلاء (671 -668 / 17)، العبر (296 / 2)، الکامل (87 / 8)، کشف الظنون (1638، 1635، 1257، 1100، 424) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (37 / 5)، النجوم الزاهره (65 / 5)، الوافی بالوفیات (404 -401 / 16)،وفیات الاعیان (515 -512 / 2)، هدیه العارفین (429 / 1).

طبری، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، شاعر، مؤلف.
تولد: 1295، ساری.
درگذشت: 9 اردیبهشت 1368، تهران.
احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.
در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال 1316 همراه با 52 تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان رهایی یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (11 بهمن 13-1322 آذر 1325)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال 1325 در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال 1327 و اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، در سال 1328 به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایبزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال 1357 همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال 1362 بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد 1366) را در این زمینه نوشت.
احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال 1368 به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.
احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (1326)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (1327)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهرا از اوست، 1331)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، 1977 1356)؛ خانواه برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).
از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال 1360 مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.
علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلم، 1977 1356)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، 1360)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1970 1348)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1971 1350)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1977 1356)؛ جامعه و جامعه شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیل اخلاقی و انسان‌شناسی، 1360)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه

های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره‌ی تبلیغات (1361)؛ دو هفته در اتحاد جماهر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رؤیای چینی (1327)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1975 1354)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (1368)؛ شمه‌ای درباره‌ی شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مأیوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.
(1368 -1295 ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادیگری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در 1316 ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاههای آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بع داز انقلاب بهمن 1357 به ایران بازگشت. در 1362 دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری »؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشنفکر مأیوس»؛«زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی ستم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگها و الماسها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»؛ «در دوزخ»؛ «رویای چینی».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (155 -148 / 1)، کیهان

فرهنگی (س 6، ش 2، ص 56)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (148 -147 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (314 -313 / 1).

طبری، محیی‌الدین عبدالقادر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1033 -976 ق)، عالم و ادیب شافعی. در مکه به دنیا آمد. در دوازده سالگی قرآن کریم و «الفیه» ابن‌مالک و «اربعین» نووی را حفظ کرد و در پانزده سالگی شروع به تحصیلات علمی نمود. ادبیات، فقه، تفسیر، حدیث، طب، منطق، هیئت و حکمت را از بزرگان زمان خویش فراگرفت. طبری نظم و نثر نیکویی داشت و خطیب و مفتی مکه بود. وی در مکه درگذشت.
از آثارش: «عیون المسائل من اعیان الرسائل »؛ «الاساطین فی حج السلاطین»؛ شرح «المقصوره الدریدیه» به نام «الآیات المقصوره/ الرایات المنصوره علی الابیات المقصوره»؛ «کشف النقاب عن انساب الاربعه الاقطاب»؛ «افحام المجاری فی افهام البخاری»؛ «حسن السریره فی حسن السیره»، در سیره پیامبر (ص)؛ «سل السیف علی حل کیف»؛ «کشف الخافی من کتاب الکافی»، در علم عروض و قافیه؛ «عرائس الابکار و غرائس الافکار»، در تفسیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (168 / 4)، ایضاح المکنون (646 ،379 ،368 ،359،135 ،119 ،97 ،22 / 2 ،404 ،108 ،68 ،7 / 1)، ریحانه (46 / 4)، الکنی و الالقاب (205 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقادر)، معجم المؤلفین (303 / 5)، هدیه العارفین (600 / 1).

طبسی واعظ، محمد صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1312 ق)، عالم دینی، فقیه و خطیب. معروف به مسأله‌گو. از مشاهیر اهل منبر در تهران و مورد توجه خاص و عام، به ویژه نیکان و اهل تقوی، بود. از آثارش: ترجمه‌ی «الطرائف فی مذهب الطوائف» سید ابن طاووس؛ ترجمه‌ی «کشف المحجه لثمره المهجه»، سید ابن طاووس؛ «منهج السداد»، در ترجمه «نجاه العباد» شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، با حواشی شیخ مرتضی انصاری و میرازی شیرازی و میرزا محمد حسین شهرستانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (191 / 23، 130 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 855 / 14)، مؤلفین کتب چاپی (496 -495 / 3).

طبسی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم طبسی از علماء معاصر شهرستان طبس می‌باشد وی در نجف از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای آسید ابوالحسن اصفهانی ره و آیات دیگر استفاده و در زمان حیات استادش به طبس آمده و تا اکنون به اقامه جماعت و خدمات دیگر روحی و دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبسی، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 926 ق)، عالم و مترجم. وی از علمای اوایل قرن دهم هجری است که کتاب «الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم» را به فارسی، به خواست برخی از سروران خود، در 926 ق ترجمه کرده است و در آن یادآور شده که طبق مذهب اهل حق بسم‌الله جزئی از سوره به حساب می‌آید، مگر در سوره‌ی برائت، و در پایان متذکر شده که ملا عبدالعلی بیرجندی این کتاب را در 901 ق شرح کرده است.[1]
ملا احمد بن حاج محمد طبسی سکاکی مترجم کتاب الدر النظیم در خواص قرآن عظیم که در سال 936 هجری بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (85 / 8 ،101 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13 / 10)، گنجینه‌ی دانشمندان (30 / 6).

طبسی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ غلامرضا طبسی واعظ از مفاخر خطباء و معاریف وعاظ و گویندگان حوزه علمیه قم بوده و در عصر خودش آوازه شهرتش به تمام کشور ایران و ممالک مجاور عراق و افغان رسیده بود، تولدش در سال 1313 ق در طبس که از بلاد استان خراسانست واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در سال 1341 ق به قم آمده و سطوح را در نزد مرحوم میرزا همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خوانده و در سال 1345 ق مسافرت به یزد و سایر بلاد نموده و منابر مهیج و پرشور و حرارتی رفته که در همه جا سخن از منبر سحرآمیز او در میان بوده است، و این چنانچه در جلد دوم کتاب آثار الحجه ص 136 نگاشتیم در اثر کرامت و توجه مخصوص حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام بوده که به این موهبت الهی رسیده بود تفصیل آن را در کتاب مزبور بخوانید.
خلاصه: مرحوم طبسی با آن شهرت عجیب دولت معجل بود زیرا از اول شهرت و طلوعش تا هنگام غروب و افول عمرش بیش از هشت سال نشد در سال 1352 ق در سبزوار بدرود حیات گفته در اثر کسالت سل ریوی و جنازه‌اش حمل به مشهد و در مقبره پیر پاره دوز که از اوتاد خراسان بوده مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

طبسی، محمدتقی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج محمدتقی طبسی از شاگردان محقق آقا جمال‌الدین خونساری صاحب کتاب (ادعیة الاسابیع) و ترجمة مهج‌الدعوات و ترجمه ادعیة الاسابیع بوده که به امر شاه سلطان حسین صفوی نموده است و حاشیه بر مدارک نوشته و در سال 1125 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبیب تهرانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، پزشک و مترجم. پدرش در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه طبابت می‌کرد. میرزا محمد کتاب «وبائیه در طب» را که مربوط به یکی از اطبای اروپایی بود ترجمه و تهذیب کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (7 /3349 / 2) مؤلفین کتب چاپی (462 -461 / 5).

طرازی بغدادی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 422 ق)، مسند، محدث، فقیه و ادیب حنبلی. مسند خراسان و از بزرگان نیشابور بود. از ابوالعباس اصم و ابوحامد احمد بن علی بن حسنویه و ابوبکر محمد بن مؤمل و ابوعمر و بن مطر و دیگران حدیث شنید. ابوبکر خطیب بغدادی و صاعد بن سیار و ابوسعد علی بن عبدالله بن ابی‌صادق و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابونعیم حافظ از او اجازه روایت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (284 / 1)، سیر النبلاء (410 -409 / 17)، شذرات الذهب (225 / 3)، العبر (248 / 2).

طرفه، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی طرفه
محل تولد : دشت آزادگان
شهرت : طرفی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/7/10
حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُـرفه مشهور به شیخ علی طُرفی 1- نسب 2- معرفی نیای پدری 3- زندگینامه 1- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طَرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. 2- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به20 سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال 41 با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی

طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. 3- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلیمن حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال 1328 دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت ا لله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال 61 بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال 41 به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان 13ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی

طَرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال 1350 جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های 56 و 57 به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: · شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی 19 دی قم. · تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. · تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان · تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. · سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. · سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. · تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: · تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. · حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. · مبارزه با قاچاق. · مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. · مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. · تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. · تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. · تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. · راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش

رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: · حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی · بیش از 12 سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). · تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. · حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. · رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. · نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. · نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. · رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. · رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. · سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طُرفی: · بیش از 30 سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. · بنای بیش از 40 باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلای دشت آزادگان. · مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. · مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. · سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. · رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طسوجی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1232 / 1229- شهادت 1258 ق)، عالم دینی، مفسر، محدث، ادیب و شاعر. نسبتش به طسوج آذربایجان می‌رسد. در کربلا به دنیا آمد. مادرش دختر علی مرادخان زن بود. نیای بزرگش ملا عبدالنبی طسوجی از نوابغ علما در دولت زندیه بود. در کربلا نشوونما یافت و مقدمات علوم را فراگرفت. در 1254 ق برای تحصیل، سفری به اصفهان کرد و در 1257 ق به نجف بازگشت و در محضر بحث و درس شیخ انصاری حاضر شد. وی از دانشمندان بزرگ از شاگردان بنام شیخ مرتضی انصاری بود. او در قضیه‌ی نجیب شاپا در کربلا شهید شد. در شهادتش مرثیه سروده شد و ماده تاریخش «شد شهید اشقیا افسوس وی» بود.از آثار وی: کتاب «کشکول»؛ حواشی متفرقه بر «ریاض»؛ «تفسیر»، ناتمام؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «الرحله الی الحجاز» یا «سفرنامه‌ی حجاز»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (39 / 3)، ریحانه (56 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 97 / 13)، مکارم الآثار (859 / 3).

طسوجی، عبدالنبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1203 -1117 ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبدالنبی در خوی متولد شد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجان نزد سید محمد لاهیجانی فراگرفت. به مشهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضی و معقول را تکمیل نمود. سپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفة السالکین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (126 /8)، دانشمندان آذربایجان (267)، الذریعه (134 ،72 /14 ،233 /10 ،281 /4)، ریحانه (57 -56 /4)، گنجینه‌ی دانشمندان (34 /6)، معجم المؤلفین (201 /6)، مکارم الآثار (151 -150 /1).

طسوجی، ملک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ملک موسوی که جامع معقول و منقول و دارای علوم غریبه بوده و در حدود سال 1352 قمری در طسوج وفات نموده و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.
سید ملک ملکی (طسوجی) از علماء و ائمه جماعت معاصر شیراز است.
وی در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشوده و پس از پرورش و خواندن اولیات و مقدمات و قسمتی از سطوح به قم مهاجرت و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و به درس خارج آیات عظام حوزه بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه. العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی خمینی شرکت و از خرمن علوم آنان استفاده و بهره‌های کافی برده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصراً از درس و بحث آقای شریعتمداری بهره‌مند شده تا در سال 1394 قمری که حسب‌الامر معظم له به شیراز عزیمت و در مسجد امام حسین (ع) (خیابان شاه شیراز) به اقامه جماعت و گفتن درس تفسیر و سایر خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای ملکی که داماد عموی گرامش حجةالاسلام والمسلمین حاج سید عباس ملکی طسوجی است. از افاضل وارسته این بیت است مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ملک موسوی طسوجی از علماء بزرگ و بنام طسوج بودند و در حدود سال 1352 قمری وفات و اکنون قبرش مزار مردم آن سامانست.
و برایش مقبره‌ای بنا و فرزند برومند و بزرگش آیت‌اللّه آقای حاج سید محمد جمال که از علماء اعلام نجف و شاگردان مبرز مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و غیرهما می‌باشند مرتجلا در مدفن والد ماجد خود دوبیتی انشاد نموده و به کاشی بالای درب مقبره‌اش کتیبه شده است که در اینجا می‌نگارم.
زر جمال‌الدین فی هذا المقام
فهو للاسلام قد کان امام
فاراد اللّه ان یرفعه
فزهی کالنجم فی وادی‌السلام
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طغرایی اصفهانی، ابواسماعیل حسین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(453- شهادت 518 / 515 / 513 ق)، شاعر، ادیب و نویسنده. ملقب به مؤیدالدین، عمید فخر الکتاب. معروف به طغرایی. وی از استادان بزرگ شعر و ادبیات عرب است که در خانواده‌ای که نسب خود را به ابوالاسود دؤلی می‌رسانید، در اصفهان تولد یافت. نسبت طغرایی به جهت اشتغال او به منصب طغرانویسی یا نگارش فرمان‌های رسمی حکومتی بود. ابتدای امر در نزد خواجه نظام‌الملک به سر برد و در قصاید خود او را مدح گفت. در 505 ق دیوان طغرا و انشاء سلطان مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی به وی واگذار شد و در هیمن سال به سبب گرفتاری که در بغداد برای او پیش آمد، قصیده‌ی معروف «لامیه العجم» را سرود و همین قصیده از اسباب عمده اشتهار او در ادب عربی است. طغرایی در جنگی که میان سلطان مسعود با برادرش سلطان محمود، در نزدیکی همدان درگرفت، اسیر و به دست وزیر سلطان محمود به ناحق کشته شد. از دیگر آثار وی: «ارشاد الاولاد»؛ «ترکیب الانوار»؛ «جامع الامرار»؛ «حقایق الاستشهادات»؛ «ذات الفوائد»؛ «الرد علی ابن سینا»؛ «مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه»؛ «دیوان» طغرائی.[1]
(ع.) ابواسماعیل مؤیدالدین حسین بن علی اصفهانی از جمله فاضلان و ادبیان دوره سلجوقی (و. 453- مقت. بین 513 و 516 ه.ق). وی وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه را داشت و مشیر و صاحب تدبیر او بود. او را دیوان شعری به عربی بوده است که قصیده معروف «لامیة العجم» از جمله قصاید آن دیوان است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (268 -267 / 2)، اعیان الشیعه (130 -127 / 6)، تاریخ ادبیات در ایران (1039 -1038 / 2)، تاریخ ادبیات زبان عربی (524)، دایره‌المعارف فارسی (1626 / 2)، الذریعه (303 -302 / 21 ،272 -271 / 18 ،119 -118 / 17 ،275 -274 / 13 ،649 -648 / 9)، روضات الجنات (183 -181 / 3)، ریحانه (59 -57 / 4)، سیر النبلاء (455 -454 / 19)، شذرات الذهب (43 -41 / 4)، شهیدان راه فضیلت (87 -81)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 80 / 6)، فرهنگ ادبیات فارسی (327)، کشف الظنون (1755، 1537، 838، 821، 798، 672، 534، 394، 68)، الکنی و الالقاب (450 -449 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین طغرائی،

طغرائی، فخر الکتاب)، معجم الادباء (79 -56 / 10)، معجم‌المؤلفین (36 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (820 / 2)، النجوم الزاهره (220 / 5)، الوافی بالوفیات (439 -431 / 14)، وفیات الاعیان (190 -185 / 2)، هدیه العارفین (312 -311 / 1).

طلائی، محمد حسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمّد خراسانی. عالم فاضل، و فقیه کامل، در کیمیا رنجها کشیده و کتابها تألیف نموده که از آن جمله است: 1- شرح رساله جابر بن حیان 2- شرح شذور الذهب 3- شرح مفتاح جلدکی؛ و غیره.
در سال 1129 وفات یافته، در مقبره آب بخشان مدفون گردید.
پدرش ملاّ احمد خراسانی هندی نیز از فضلا معدود بوده، و در سال 1110 وفات یافته، و در آب بخشان مدفون بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

طوبی نایینی، محمدثانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1284 ق)، شاعر و ادیب. در مدتی که پدرش کار وزارت یا انشاء می‌کرد، او نیز نیابت نایین و سرحد داری بلوچ و راهداری را در دست داشت. طوبی مردی ادیب و صاحب قلم بود. اشعار عربی و فارسی وی در زمان حیاتش بالغ بر سی هزار بیت بود که به دلیل عدم جمع‌آوری خود در زمان حیات، بعد از مرگش فقط توانستند در حدود دو هزار بیت از اشعار وی را جمع‌آوری کنند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1132 -1129 / 2).

طوبی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1174 ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (43)، الذریعه (651 / 9)، ریحانه (62 / 4).

طوسی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن حسن ملقب به شیخ‌الطائفه، از بزرگترین علمای دینی شیعه (و. طوس 385- ف. نجف 460 ه.ق.). وی در 408 ه.ق. از طوس به بغداد رفت و چهل سال بعد به نجف شد. تحقیقات او در حدیث و تفسیر و فقه و رجال و کلام و ادب مرجع علمای شیعه میباشد. او صاحب تألیفات مهم در مسایل مذهبی شیعه است که از جمله آنهاست: کتاب تبیان (ه.م.)، استبصار (ه.م.)، تهذیب الاحکام، العدة فی اصول الفقه، کتاب الرجال، کتاب الغیبة، فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین، النهایة، کتاب الخلاف، کتاب الجمل والعقود، کتاب یوم دلیلة، تلخیص شافی، المفصح در امامت، مناسک الحج، مقتل الحسین، اخبار مختار و غیره.
(460 -385 ق)، فقیه، عالم، مولف دو کتاب از کتب اربعه شیعه و بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف. معروف به شیخ‌الطائفه و امام الفرقه بعد الائمه (ع). در 408 ق در بیست و سه سالگی از خراسان وارد عراق شد. پس از چهل سال از بغداد به علت ترس از فتنه‌ای که در آن زمان (448 ق) در بغداد درگرفته بود و کتابهای شیخ و خانه‌ی او را طعمه‌ی آتش خویش کرده بود، به نجف اشرف مهاجرت کرد. او بر کرسی کلام می‌نشست و جوابگوی خاص و عام در تمامی مسائل حتی در امامت بود. آن کرسی از جانب خلفاء به او عرضه شده بود و مخصوص یگانه‌ی دوران بود. شیخ طوسی بنیان‌گذار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف است که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد. وی شاگرد شیخ مفید و ابن‌غضائری و ابن‌عبدون و ابن ابی‌جید قمی و سید مرتضی و علی بن شبل بن راشد و حسین بن قاسم علوی و احمد بن ابراهیم قزوینی و هلال بن محمد حفار و احمد بن محمد اهوازی و جعفر بن حسین قمی و ابوعلی بن شاذان و بسیای دیگر از اساطین علم و دین است. شاگردان دانشمند و مجتهد وی متجاوز بر سیصد تن از شعیه و بی‌شماری از عامه بودند. فرزندش شیخ ابوعلی حسن بن شیخ، صاحب کتاب «المجالس»، از شاگردان و راویان او است. در میان شاگردان او آدم بن یونس نسفی، ابوصلاح حلبی، شیخ‌الاسلام حسن بن بابویه قمی، محی‌الدین حسن همدانی، ابومحمد حسن جبهانی، حسین بن فتح واعظ جرجانی، ابوصمصام حسینی، سلمان بن حسن صهرشتی، ابوالصلت محمد بن عبدالقادر، سعدالدین ابن‌براج، شیخ علی سبزواری، شیخ عبیداللّه بن بابویه قمی، غازی بن احمد سامانی، کردی بن

عکبری فارسی، ابوالحسن دیباجی، محمد وراق، شیخ ابوجعفر حلبی، ابوسعد منصور آبی، جمال‌الدین محمد طبری، ناصرالدین رضی حسینی، محمد بن حسن فتال و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در هفتاد و پنج سالگی در نجف درگذشت و در منزل خویش که اکنون مزار معروفی است به خاک سپرده شد. خانه‌اش و مسجدش که یکی از معروفترین مساجد نجف است و همچنین آثار باقی مانده از او، تاکنون برجاست. از آثار علمی وی: در تفسیر: «التبیان»؛ «الجامع لعلوم القرآن»؛ در حدیث: «تهذیب الاحکام» یا «التهذیب»؛ «الاستبصار»؛ در فقه: «المبسوط»؛ «الخلاف»؛ «الایجاز»، در فرائض؛ «الجمل و العقود»، در عبادات؛ «الاقتصاد»، در عقاید و عبادات؛ «النهایه»؛ در علم اصول و رجال: «العده» که ملا خلیل آن را شرح کرده است؛ «الفهرست» که در آن «اصول» و نگارشهای اصحاب و تصانیف آنها آورده شده «و شیخ سلیمان ماحوزی آن را مرتب و شرح کرده و «معراج الکمال الی معرفه الرجال» نامیده است؛ «الابواب» که به نام «رجال شیخ» یا «رجال الطوسی» معروف است؛ «اختیار رجال الکشی» یا «اختیار معرفه الرجال». از دیگر آثار او: «التلخیص للشافی» و «المفصح»، هر دو در کلام و امامت؛ «هدایه المسترشد و بصیره المتعبد»؛ «کتاب الغیبه»؛ «مناسک حج»؛ «المجالس»، در اخبار که «امالی» اوست؛ مقتل الحسین (ع)»؛ «اخبار مختار»؛ «مصباح المتهجد»، در اعمال سال. [1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (315/ 6)، اعیان الشیعه (167 -159/ 9)، ایضاح المکنون (722، 573، 454، 424، 335، 286، 276، 266، 212، 95،/ 2، 604، 314، 318، 223/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (258/ 2)، تاریخ برگزیدگان (26 -25)، تاسیس شیعه (313)، تاریخ علم کلام در ایران و جمان اسلام (259 -256)، خدمات متقابل اسلام و ایران (485 -483)، دایرةالمعارف الاسلامیه (378 -376/ 15)، دایرةالمعارف فارسی (1634/ 2)، الذریعه (235/ 7، 145/ 5، 331 -328/ 3، 486، 269، 14/ 2، 365/ 1)، رجال ابن‌داود (قسم 306/ 1)، رجال النجاشی (333 -332/ 2)، روضات الجنات (231 -201/ 6)، ریحانه (328 -325/ 3)، سیر النبلاء (335 -334/ 18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 162 -161/ 5)، طبقات خلفاء و اصحاب ائمه و علماء و شعرا (394)، فرهنگ ادبیات فارسی (329)، فقهای نامدار شیعه (79 -67)، فوائد الرضویه (473 -470)، الفهرست للطوسی (161 -159)، قرآن پژوهی (175 -173)، قصص العلماء (416 -414)، الکامل (106/ 8)، کارنامه‌ی بزرگان (122 -121)، کشف الظنون (1973، 1581، 452)، الکنی و الالقاب (397 -394/ 2)، لسان المیزان (52/ 6)، لغت نامه (ذیل/ ابوجعفر طوسی)، مؤلفین کتب

چاپی (406 -402/ 5)، مجالس المومنین (482 -480/ 1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 460)، معجم المؤلفین (202/ 9)، معجم رجال الحدیث (247 -243/ 15)، منتخب التواریخ (190 -189)، الوافی بالوفیات (394/ 2)، وقایع السنین و الاعوام (268)، هدیه الاحباب (9)، هدیه العارفین (72/ 2).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(564- 655 ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابوعبدالله بن زرقون، استماع کرد و قراآت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (301 -300 / 23)، الوافی بالوفیات (398 / 8).

طوسی، ابومحمد احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 339 ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به بلاذری صغیر. او از محمد بن ایوب بن ضریس و تمیم بن محمد حافظ و عبدالله بن محمد بن شیرویه و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعبدالله حاکم گوید که او یگانه‌ی دوران خویش در حفظ و وعظ بود و مشایخ بزرگ همچون حافظ ابوعلی در محضرش حاضر می‌شدند و از حدیث‌خوانی او فرحناک می‌شدند و هیچ‌گاه درباره‌ی اسناد یا اسمی و یا حدیثی بر او خرده نگرفتند. او در طابران طوس از دنیا رفت. از آثارش تخریج «صحیحی» به سبک «صحیح» مسلم است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (36 / 16)، شذرات الذهب (349 / 2)، طبقات الحفاظ (366 -365)، العبر (56 / 2).

طوسی، اسدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسدالله طوسی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال 1362 موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی 1363 به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .
سال 1367 یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح 4 حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال 1371 دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال 1376 از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی 5/18 دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت . همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم . همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

طوسی، بهرام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1314، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد در سال 1341، برنده بورس فولبرایت از طریق آزمون سراسری دبیران زبان انگلیسی و تحصیل در دانشگاه جورج تاون آمریکا در سال 1348، کارشناسی ارشد در زبانشناسی و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز در سال 1352 و درجه دکترا در آموزش زبان از انگلستان در سال 1360.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد در گروه زبان و ادبیات انگلیسی.
ابداع:
15 اختراع در زمینه‌های مانع‌یاب زیردریائی برای شناورها و کمک مکانیک پارک اتومبیل.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مهارتهای مطالعه، خودآموزی تندخوانی، اصول عملی نوشتن مقاله و رساله.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 15، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
آموزش زبان انگلیسی، روشهای تدریس، ارزشیابی مسائل و مشکلات دانشگاهها، اصول و روش تحقیق و تربیت نیروی متخصص برای بازسازی کشور.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طوطی اهری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، ادیب و نویسنده. از ادیبان و سخنوران آذربایجان بود. از آثارش: منظومه‌های «سبیکه المعانی فی المصادر و المعانی» و «توقیعات التقویم»می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (247 -246)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1933 / 2 ،971 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (585 -584 / 2).

طهماسبی، سامان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سامان طهماسبی چهاردهم مردادماه ۱۳۶۴ در سنندج به دنیا آمد. از ۱۵ سالگی کشتی را زیر نظر جمشید خیرآبادی شروع کرد. تنها پسر خانواده در حالی وارد دنیای ورزش شد که هیچ کدام از افراد خانواده او ورزشکار نبودند.
سامان در ابتدای حضورش در کشتی با حضور در مسابقه های مختلف توانست به مقام های قابل قبولی دست پیدا کند و پس از آن به دعوت حسن یوسفی افشار به تیم ملی نوجوانان دعوت شد.
حضور او در تیم جوانان و پس از آن کشتی های قابل قبول سامان باعث شد که او به یکی از مهره های خوب وزن ۸۴ کیلوگرم تبدیل شود. او اکنون با المپیکی شدن خود را در ابتدای راه می داند و قصد دارد با حضور در میدان های بزرگ افتخارهای زیادی را برای ایران به دست بیاورد.
فهرست افتخارات
- ۲۰۰۶ قهرمانی جهان، گوانگ ژو، برنز
- ۲۰۰۶ عضو تیم ملی در بازی های آسیایی دوحه
- ۲۰۰۷ قهرمانی آسیا، قرقیزستان، طلا
- ۲۰۰۷ قهرمانی جهان، باکو، برنز
- ۲۰۰۸ کاپ آزوماش، اوکراین، برنز
- ۲۰۰۸ المپیک پکن ( )
به دنبال مدال المپیک
سامان طهماسبی با دعوت محمد بنا به اردوی جوانان آمد. او خیلی زود توانست پله های ترقی را طی کند و در تیم بزرگسالان جای ثابتی پیدا کند. اکنون با ۲۳ سال سن یکی از مهره های اصلی تیم کشتی فرنگی برای کسب مدال در بازی های المپیک محسوب می شود.
البته با درخششی که این فرنگی کار در سالیان گذشته داشت باید امیدوار بود که این کشتی گیران به یکی از سکوهای المپیک دست پیدا می کند.
کسب سهمیه در اولین مرحله
در مسابقات جهانی باکو که مرحله نخست گزینشی ها بود، سامان طهماسبی با غلبه بر ماتسوموتو(ژاپن)، نناد زوگاج(کرواسی)، فالکون آسترادا(کوبا)، جان فیشر(آلمان)، کیم جانگ ساب(کره جنوبی) و یک شکست مقابل برادلی ورینگ(امریکا) روی سکوی سوم ایستاد تا سهمیه

المپیک را بگیرد.
برنامه مسابقات
۲۳ مرداد:
بعد از ظهر، سامان طهماسبی در ۸۴ کیلوگرم کشتی فرنگی، وزن کشی خواهد کرد تا حریفانش را در جدول بشناسد.
۲۴ مرداد:
در آخرین روز از مسابقات کشتی فرنگی المپیک ۲۰۰۸، سامان طهماسبی در استادیوم دانشکده کشاورزی پکن، روی تشک زرد خواهد رفت.
حریفان اصلی
نظمی آولوجا کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی ترکیه، آلکسی میشین کاپیتان تیم ملی کشتی فرنگی روسیه، برادلی ورینگ(امریکا)، بدری خاسایا(گرجستان)، دنیس فوروف(ارمنستان)، آرا آبراهامیان(سوئد)، ملونین نومونوی(فرانسه)، شینگو ماتسو موتو(ژاپن) و ...
تذکر: این مطلب ازگزارش روزنامه ایران ورزشی دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۷ تلخیص شده است

- رئیس هئیت کشتی کردستان می گوید برکناری او غیر قانونی است
- تمجید رئیس هیات کشتی کردستان از نامه احمدی نژاد
- انتقاد مربی کردستانی از نتایج کشتی فرنگی ایران در المپیک
- حذف کشتی‌گیر کردستانی از بازیهای المپیک پکن در دومین دیدار
- طهماسبی تنها المپیکی کردستان در کاروان ورزشی ایران

طهمانی مروزی، ابوالعباس عیسی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 293 / 292 ق)، محدث، ادیب، کاتب و لغوی. پیشگام اهل لغت و از بزرگان مرو بود.از اسحاق بن راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و راهویه و علی بن حجر و گروهی دیگر حدیث شنید. به بغداد رفت و از عمر بن محمد بخاری و احمد بن بکر تغلبی و یعقوب بن جراح حدیث روایت کرد. محمدبن مخلد و عبدالباقی بن قانع و احمد بن خضر و یحیی بن محمد عنبری و عمر بن علک از وی حدیث شنیدند.
ابوسعید ابن الاعرابی گوید که در بازار یحیی از طهمانی حدیث شنیده است. خطیب بغدادی او را فردی مورد اعتماد توصیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (88 / 4)، تاریخ بغداد (171 -170 / 11)، سیر النبلاء (572 -571 / 13)، شذرات الذهب (211 -210 / 2)، العبر (424 / 1)، النجوم الزاهره (177 / 3).

طهوری، عبدالغفار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خادم نشر.
درگذشت: 19 آذر 1374، تهران.
عبدالغفار طهوری کار خود را در کتابفروشی دانش آغاز کرد و سپس خود را از سال 1331 دست به کار نشر کتاب زد. نخستین کتابی که منتشر کرد، فرهنگ فارسی تألیف محمد کیوان پورمکری (دکتر محمد مکری) بود. فردوس المرشد فی اسرار الصمدیه به تصحیح ایرج افشار که در سال 1333 توسط انتشارات غفوری منتشر شد. وی کتابفروشی خود را نخست در مغازه‌ای در خیابان شاه‌آباد سابق باز کرد و پس از چندی به رو به روی دانشگاه تهران نقل مکان کرد.
از جمله فعالیت‌های وی چاپ و صد و پنجاه جلد کتاب به نام مجموعه زبان و فرهنگ ایران بود. از آثار دیگر او مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا (1333) است. مجموعه کتابفروشی او نیز بیشتر شامل کتاب‌های عرفان و ادبیات فارسی است.
عبدالغفار طهوری در پی سکته‌ی مغزی در سال 1374 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طیب اصفهانی، جلال‌الدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف کتاب «دستورالجلالی» در طب به زبان عربی، از فضلای قرن 12 و 13. نسخه‌ی کتاب مورخ به سال 1275 به خط محمد حسن بن محمدرضا نائینی به شماره‌ی جزو کتب کتابخانه‌ی پزشکی طهران موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

طیب اصفهانی، محمد سعید

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌محمد صادق، مترجم کتاب «رجوع الشیخ الی صباه فی القوة علی الباه» تألیف مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن‌کمال پاشا متوفی به سال 940 قمری می‌باشد. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی علیه‌السلام موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ظاهری اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(297 -255 ق)، فقیه، محدث، ادیب و شاعر. مذهب ظاهری بدو و به پدرش منسوب است. پدرش پیشوای دینی بود. اصلش از اصفهان است اما در بغداد به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت. چون نحیف و رنگ‌پریده بود به او گنجک لندوک می‌گفتند. ابن‌حزم گوید که در هفت سالگی قرآن را از بر کرد و در ده سالی قادر به مذاکره‌ی شعر و ادب بود. با ابوالعباس بن سریج در محضر علی بن عیسی وزیر مناظره و مشاعره داشت. بعد از پدر متصدی کرسی فتوا شد گر چه عده‌ای او را برای این مقام جوان می‌دانستند اما او شایستگی خو را اثبات کرد. در مجلس درس او چهارصد قلمدان مشاهده می‌شد. او از پدرش و عباس دوری و ابوقلابه رقاشی و احمد بن ابی‌خیثمه و محمد بن عیسی مدائنی حدیث روایت می‌کرد. نفطویه و قاضی ابوعمر محمد بن یوسف از شاگردان وی می‌باشند. از آثار وی: «الزهره»، در ادبیات و غرائب و نوادر، که آن را زیر نظر پدرش نگاشت؛ «الانذار»؛ «الاعذار»؛ «التقصی»، در فقه؛ «الوصول الی معرفه الاصول»؛ «الایجاز»؛ «اختلاف مصاحف الصحابه» یا «اختلاف مسائل الصحابه»؛ «الفرائض»؛ «المناسک»؛ «الانتصار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (355 / 6)، انساب سمعانی (100 / 4)، ایضاح المکنون (620 / 1)، تاریخ بغداد (263 -256 / 5)، تذکره القبور (317)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (559 -557 / 3)، ریحانه (71 / 4)، سیر النبلاء (116 -109 / 13)، شذرات الذهب (226 / 2)، العبر (433 / 1)، الفهرست لابن الندیم (305، الکامل (137 / 6)، کشف الظنون (2014، 1423، 1399، 1394، 962، 173)، الکنی و الالقاب (454 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌داوود)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 297)، مروج الذهب (689 / 2)، معجم المؤلفین (297 -296 / 9)، النجوم الزاهره (190 / 3)، الوافی بالوفیات (61 -58 / 3)، وفیات الاعیان (261 -259 / 4).

ظاهری، خلیل

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 893 -872 ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در 840 ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (367 / 2)، ایضاح المکنون (596 / 2 ،460 / 1)، ریحانه (44 / 8)، کشف الظنون (1523 ،1496 ،953 ،305 ،97)، معجم المؤلفین (120 / 4).

ظفر ایلخان بختیاری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1273 ش)، مترجم. در چهار محال بختیاری به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در یران و تحصیلات تکمیلی در امور سیاسی و اجتماعی را در لوزان سویس، و انگلستان انجام داد. از 1296 تا 1299 ش به حکومت یزد منصوب و همچنین چند دوره (از دوره‌ی چهارم تا هشتم) به وکالت مجلس انتخاب شد.وی در کابینه‌ی سپهبد زاهدی به سمت وزیر مشاور عضویت داشت. از آثارش: «سفری به سرزمین دلاوران»، ترجمه؛ «زندگی و افکار و عقاید سقراط»، ترجمه؛ «شاهزاده خانم بعلبک»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :روزشمار تاریخ ایران (35 ،19 ،18 / 2 ،409 ،275 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (706 -705 / 2)، نخبگان سیاسی ایران (471 / 4).

ظفری، ولی‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1345، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1352 و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1358.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
نگارش و تدوین یک دوره تاریخ ادبیات ایران، استاد راهنمای 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
پژوهشی درباره شاعران، زندان‌ها و انواع شکنجه‌ها تا قبل از انقلاب اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
پژوهشی درباره مقلدان سعدی، اشعار و امثال کلیله، نکته‌هایی درباره مسعود سعد سلمان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ظهیر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) حسن بن ظئر مکنی به ابوعلی فارسی، فقیه و لغوی و نحوی (ف. قاهره 598 ه.ق). مولد اودهی به نام نعمانیه بود و از آنجا به شیراز رفت و به فارسی شهرت یافت. وی در فنون علوم و قرااات عشره و تفسیر قرآن عالم و در فقه و حدیث و کلام و منطق و حساب و هیئت و طب مبرز و در لغت و نحو و عروض و قوافی و روایت اشعار عرب چیره‌دست بود و در هر فنی از این فنون کتابی را از برداشت. اوراست: کتابی در شرح الصحیحین، اختلاف الصحابة و التابعین و فقهاء الانصار که به پایان نرسیده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ظهیر کازرونی، علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(611- ح 697 ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (155 / 5)، ایضاح المکنون (715 714 / 2 ،328 / 1)، ریحانه (76 / 4)، کشف الظنون (1923 ،1013 ،923 ،494)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (232/ 7)، هدیه العارفین (715 / 1).

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1026 ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است : رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلعیقات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (29 / 1)، اعیان الشیعه (129 -128 / 2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (213 -209 / 1)، تاریخ نظم و نثر (504)، الذریعه (113، 110، 11 / 6، 409 / 2)، روضات الجنات (43 -42 / 1)، ریاض العلماء (13 -9 / 1)، ریحانه (74 -73 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14 -12 / 11)، فوائد الرضویه (5)، الکنی و الالقاب (51 -50 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم)، معجم المؤلفین (23 / 1)، هدیه العارفین (29 / 1).

ظهیر ی سمرقندی، بهاء الدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم و هفتم ق)، ادیب. از مترسلان و کاتبان بزرگ ایران و از وزیران خاندان خانیه یا آل‌افراسیاب بود. مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلج طمغاج‌خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بود. عوفی او را با لقب الصدرالاجل یاد کرده و اسم او را در باب «وزراء و صدور» آورده است. لقبش را در تذکره‌ها ظهیرالدین آورده‌اند اما او خود، به تصریح، بهاءالدین ذکر کرده است. از آثار او: «اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه»، در آداب سلطنت، که پس از 552 ق نوشته است؛ «سمع الظهیر فی جمع الظهیر». از دیگر آثار او نگارش «سندبادنامه»به نثر مزین به فارسی ادبی است که آن را به نام قلج طمغاج‌خان نوشته است. این کتاب از داستانهای عروفی است که ظاهرا از هند به ایران آمده و در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده و رودکی آن را به نظم آورده است. تهذیب دیگری از این کتاب به زبان پارسی، به وسیله شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مروزی در اواخر قرن ششم ق انجام گرفته است.[1]
بهاءالدین محمد بن علی بن محمد بن عمر کاتب سمرقندی دبیر طمغاج‌خان ابراهیم (اواخر قرن پنجم ه.) و مترجم سندباد نامه (ه.م.) به فارسی است. وی آن ترجمه را در حدود 600 به پایان برده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1003 -999 / 2)، تاریخ نظم و نثر (128)، دایره‌المعارف فارسی (1648 / 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (333)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2024 / 2)، کشف الظنون (1003 ،1002 ،130)، گنج و گنجینه (246 -240)، لباب الالباب (92 -91 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، مع موسوعات رجال الشیعه (162 -161 / 1).

ظهیری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا حسن ظهیری امام جماعت مسجد سیمان ری از علماء و دانشمندان این شهر است ولی تولدش در تهران و بعد از خواندن مقدمات و اولیات به عراق مهاجرت نموده و مدتها در نجف و کربلا اقامت و از محضر آیات عظام آن سامان فقها و اصولا استفاده کرده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در سال 1366 قمری مراجعت به تهران و در مدرسه مروی بتدریس و مباحثات پرداخته تا در حدود سال 1376 قمری که برای امامت مسجد مزبور انتخاب و تاکنون در آنجا از طریق محراب و منبر به تزویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ظهیری، مختار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مختار ظهیری از علماء و ائمه جماعت امروز شهرستان رشت می‌باشد. وی در گیلان متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح اولیه به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را تکمیل آنگاه به درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر شرکت نموده و به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و به رشت مراجعت و در مسجد بیستون رشت به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عابدزاده، احمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمدرضا عابدزاده (زاده ۴ خرداد ۱۳۴۵ در آبادان) دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال ایران و باشگاه پرسپولیس تهران و باشگاه استقلال تهران است. احمدرضا عابدزاده هم اکنون به عنوان مربی دروازه بانان باشگاه پرسپولیس تهران مشغول به فعالیت است. سالهای اولیه دهه ۶۰ در تیم هلال احمر اصفهان بازی می‌کرد.و پس از آن سال ها در تیم تام اصفهان زیر نظر حسین چرخابی بازی کرد.. پنج بار اسمش از منتخب جوانان خط خورد ولی سماجت وی باعث شد تا سال ۱۳۶۴ جوانان اصفهان همراه با عابدزاده بازی کنند. ۱۸ سال بیشتر نداشت که به اردوی تیم ملی جوانان دعوت شد و در اواخر همین سال عضو ثابت تیم ملی گردید. در ۱۳۶۸ به تهران آمد و پیراهن استقلال تهران را به تن کرد وی در همین سال ازدواج کرد. وی سپس به تیم سپاهان اصفهان رفت و بعد به تیم پرسپولیس تهران منتقل شد و از دوم دی ماه ۱۳۷۳ رسما به حفاظت از دروازه پرسپولیس تهران پرداخت. وی دارای ۷۸ بازی ملی و۵۲ گل خورده می‌باشد که از این جهت یک رکورد جالب توجه‌است. وی در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه یکی از ارکان موفقیت تیم ملی فوتبال ایران در راه صعود به جام جهانی بود. اوج شهرت احمد رضا در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن اتفاق افتاد که با وجود آسیب دیدگی از ناحیه ی انگشتان دست، با مهار ۳ پنالتی در فینال مسابقات در برابر کره شمالی ایران را به قهرمانی آسیا رساند. چاپ کتاب زندگی‌نامه: زندگی‌نامه احمدرضا عابدزاده در قالب یک کتاب با نام زندگی‌نامه حرفه‌ای عقاب آسیا در دست انتشار است. این کتاب زندگی‌نامه ورزشی و شخصی احمدرضا عابدزاده، دروازه‌بان افسانه‌ای فوتبال ایران است. که به عقاب آسیا معروف بود. این کتاب نوشته محمد ناصری است.

عابدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد عابدی
محل تولد : کندوان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
بسمه تعالی
تولد و تحصیلات
در سال 1352 ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال 69 به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال 73 به حوزه علمیه قم آمدم. در مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال 81 وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و 2 سال به درس خارج ادامه دادم. 2.5 سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک

هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود عابدی در سال 1323 ش در چادگان - یکی از روستاهای آن روز شهرستان فریدن - به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی می باشد.ایشان اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است.کتاب"کشف‌المحجوب" تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود عابدی تحصیلات ابتدایی و بخشی از متوسطه را در زادگاه خود- فریدن- به انجام رساند و پس از طی دورة دانشسرای مقدماتی در سال 1342 به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ضمن خدمت در آموزش و پرورش، دورة کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را در سال 1354 در دانشگاه اصفهان به پایان برد و مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را در سالهای 1354 - 1363 در دانشگاه تهران پشت سر گذاشت.پایان‌نامة دکترای وی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال 1371 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد.
استادان و مربیان : محمود عابدی از محضر استادان بزرگی چون: دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر زرین‌کوب، دکتر پرویز خانلری، دکتر خلیل خطیب رهبر، دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر مظاهر مصفا و ... بهره‌ها برد و در کارهای پژوهشی‌اش هماره به تأثیر نفس و عظمت تحقیقات استادان یاد شده می‌اندیشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود عابدی هم اکنون استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تهران است
جوائز و نشانها : پایان‌نامة دکترای محمود عابدی تصحیح انتقادی نفحات‌الانس جامی بود که در سال 1371 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی شناخته شد. همچنین کتاب"کشف‌المحجوب" تصحیح وی ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : محمود عادبذی افزون بر سخنرانیها و مقالات متعدد در زمینه‌های تصوف و عرفان، بخصوص حافظ و شعر او، دارای آثار

گرانسنگی است. ----------
آثار :
1 ترجمة کهن عهدنامة مالک اشتر
ویژگی اثر : تصحیح
2 تکلمة نفحات‌الانس
ویژگی اثر : تصحیح
3 جستجویی در نهج‌البلاغه
ویژگی اثر : ترجمه
4 خردنمای جان‌افروز
ویژگی اثر : تصحیح
5 درویش گنج بخش
ویژگی اثر : تالیف
6 علم و علم‌آموزی در اسلام
ویژگی اثر : تالیف
7 کشف‌المحجوب
ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب کشف‌المحجوب کشف‌المحجوب / تألیف علی بن عثمان هجویری؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. - تهران: سروش، 1383. هفتاد و چهار، 1156 ص. کشف‌المحجوب اثر کم نظیر ابوالحسن علی بن عثمان هجویری یکی از ارزشمندترین متون صوفیانه فارسی است که در سدة پنجم هجری به رشتة تحریر درآمده است. این اثر علاوه بر شرح بسیاری از اصول تصوف و آداب صوفیان، در گزارش فرق صوفیه و کشف حقایق بعضی از احکام و آداب دینی و آیینی صوفیان فصولی دارد که در نوع خود بی سابقه و در میان منابع اصلی تصوف بی مانند است. افزون بر اینکه وسعت دایرة واژگان در این اثر به اندازه‌ای است که برای محققان گونه‌های زبان فارسی حوزة حیات مؤلف و عصر او، بررسی و مطالعة آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از کشف‌المحجوب دست نوشته‌های متعددی در کتابخانه‌های تاشکند، لاهور، هند و برخی از کشورهای دیگر جهان موجود است و این امر از فراوانی خوانندگان و علاقه‌مندان این کتاب حکایت دارد. این اثر نخستین بار به سال 1383 ه' . ق در شهر لاهور چاپ و پس از آن نیز بارها به طبع رسیده است که از میان آنها طبع لنینگراد با تصحیح والنتین ژوکوفسکی، مدرس زبان فارسی دارالفنون سن پترزبورگ قابل ذکر می‌باشد و همین چاپ نیز بارها در ایران به صورت افست منتشر شده

است. تصحیح جدید این اثر به همت جناب آقای دکتر محمود عابدی بر اساس نسخه‌های معتبر و قابل توجه، همراه با مقدمه و تعلیقات ارزشمند و رفع کاستیهای چاپهای پیشین این کتاب، صورت گرفته است و تلاش مصحح محترم برای ارائه تصحیحی دقیق و سودمند از این اثر قابل ستایش می‌باشد

8 کلمات علیة غرا

ویژگی اثر : تصحیح

9 مطلوب کل طالب

ویژگی اثر : تصحیح

10 نفحات‌الانس

ویژگی اثر : تصحیح

11 نهج‌البلاغه از کیست

ویژگی اثر : ترجمه

عابدینی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد عابدینی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد 1338 در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به مرحوم آیةالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال 1356 دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیةالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیةالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه

کردیم و ایشان نپذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.
از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایة الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم. برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.
از جمله اساتیدمان مرحوم شیخ محمّدعلی صفر نورالله بود که هدایه، عوامل ملامحسن، مقداری سیوطی و مغنی و مقداری تحریرالوسیله را نزد او خواندم. در عرض این دروس، بدایةالحکمه، منطق مظفر، مقداری اصول فلسفه و روش رئالیسم با مقداری نهایةالحکمه را نزد مرحوم آیةالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتند و آن را گوش می دادم هرگاه خبردار می شدیم که عملیات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.
در سال 1361 دوباره به قم وارد شدم و در ایام تحصیل با عشق و علاقه به درس خواندن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیةالله ستوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیةالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد 9 آیةالله جوادی شرکت کنم.
زمانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیةالله ایزدی شرکت می کردم ولی این شرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضرت آیةالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شرکت می کردم. بالاخره در خرداد 1365 دروس

سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شرکت کردم در واقع شروع رسمی طلبگی بنده اواخر شهریور 1359 بود که تا خرداد 1365 که حدود 6 سال میباشد طول کشید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی 10 سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.
از خاطرات به یاد ماندنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوستان گفتم هرجا مطلب مشکل است و خود صاحب کفایه نمی فهمد می گوید خالی از دقت نیست، دقت کن و ... در اثر همین توهین به ایشان یک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفایه را نمی فهمیدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوستان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضرت معصومه (س)نیز توبه و انابه کردم تا مقداری از آن فهم و حافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسته شده هیچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.
از خاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمام درسها تلاش می کردیم قبل از درسها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میدادیم و نیازی نمی دیدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شدیم، روزی مرحوم آیةالله پایانی در ضمن توضیح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به درد سر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان 1356 قبلاً بیان شد. تابستان 1357 را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایام تعطیل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشگاه کتاب می زدیم. تابستان 1358 را در جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری شهرستان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال 1359 در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.
تابستان سال 1360 به سر پل ذهاب رفتیم ، خوب به یاد دارم که صبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت 72 تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر

پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.
در تابستان 1364 کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیةالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان 1365 و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.
همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیةالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت 10 روز برگذار شد.
هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.
در آنجا صبح ها خدمت آیةالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به 11 عدد می رسید که 2 تا 3 تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.
بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود 30 تا 40 دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را

خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.
در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.
اوایل تابستان 66 لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در 20 جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال 77 به مدت 12 سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای 6و 7و 8 اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و ... .
در سال 70 با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم _البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های

متعدد نوشته شد که از سال 74 یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.
در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال 77 با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.
در تابستان 81 و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر 81 در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد.
برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.
شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را - اگر واقعاً موجود باشد- ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ...

.
از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه 83 شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عادل خلعتبری، فخر عظمی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 -1277- وف 1345 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فخری. در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و سالها به تدریس اشتغال داشت. وی به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بود.او روزنامه «نامه بانوان ایران» را منتشر کرد و علاوه بر آن در شاعری و در نقاشی و موسیقی نیز مهارت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین (257)، اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (160 -158)، زنان سخنور (37 -33 / 2)،سخنوران نامی معاصر (2595 -2593 / 4)، فرهنگ سخنوران (692)، کارنامه‌ی زنان مشهور (120 -118).

عارفچه، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا اسماعیل طبسی خراسانی. پدرش در طبس متولد شده، پس از تحصیل مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان آمده، و خدمت حجةالاسلام و دیگران تلمذ کرده، و هم در این شهر وفات یافته است، در هارون ولایت مدفون شده. مردی فاضل و متقی بوده و روزگار به کتابت می‌گذرانیده است.
صاحب عنوان در اصفهان متولد شده، و تحصیلات خود را نزد علمای این سامان همچون ملا حسین علی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی به پایان رسانیده، در عداد خطبا و واعظین بوده.
کتب چندی در مواظع منبری تألیف نموده که از آن جمله است: 1 - انیس الواعظین 2 - زاد العارفین 3 - زاد المواقف 4 - زاد الواعظین و غیره.
وی در سال 1322 وفات یافته و در تکیه‌ی آقارضی در تخت فولاد مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عارفچه، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمد علی عارفچه، واعظ فاضل صالح، و ادیب شاعر، از فضلای اهل منبر، و از مرثیه خوانان و مداحین خاندان نبوت بود. عمری به زهد و قناعت گذرانید.
در شب جمعه 19 ذی قعدة الحرام سال 1380 به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
کتب زیر از اوست که همه‌ی آنها مطبوع می‌باشد:
1 - تحفة المعصومین 2 - دیوان اشعار 3 - زبدة القصاید 4 - صد قصیده و زیارات 5 - منتخب کبیر، در ادعیه و زیارات 6 - هدیة المعصومین؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاصی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : مصطفی عاصی در سال 1324 در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته زبان شناسی گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان - 1368میباشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی(با درجه علمی دانشیار) می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
گرایش : کامپیوتر و فرهنگ نگاری
والدین و انساب : مصطفی عاصی فرزند سید محمد عاصی است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مصطفی عاصی به قرار زیر است: دیپلم ریاضی از دبیرستان دارالفنون تهران - 1342 لیسانس (کارشناسی) زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکد ه ادبیات دانشگاه تهران - 1347 فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) زبانشناسی همگانی ازدانشکد ه ادبیات دانشگاه تهران - 1350 دکتری زبانشناسی با گرایش کامپیوتر و فرهنگ نگاری از دانشگاه اکستر انگلستان - 1368 دوره های تخصصی : دوره روش تدریس زبان انگلیسی - 1350 دوره های آشنایی با مبانی کامپیوترو سیستم های عامل , برنامه نویسی ,COBOL, RPG ,FORTRAN SNOBOL , ASSEMBLER و تحلیل سیستم ها از سال 1352 تا سال 1359در ایران و انگلستان دوره های آشنایی با سیستم شبکه کامپیوتری MULTICS و کاربردمجموعه Office و نرم افزارهای آماری ازجمله SPSS در محیط Windows ازسال 1358 تا سال 1377 (دانشگاه اکستر) دوره های ایجاد و مدیریت پایگاه داده ها و ارایه اطلاعات در شبکه جهانی اینترنت - 1377(دانشگاه اکستر) دوره آشنایی و کار با نرم افزارهای مدیریت اصطلاحات Trados و Multiterm در دانشگاه وین - 1381
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیشینه استخدامی و اداری دکتر عاصی به ترتیب زیر است : عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان ایران و پژوهشگاه علوم انسانی از 1350 تا کنون وضعیت کنونی استخدامی : دانشیار پژوهشی پایه 26 و مدیر گروه های آموزشی و پژوهشی زبان شناسی همگانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی عضویت در

مجامع علمی : عضو انجمن رایانش ادبی و زبانی (ALLC) از 1358 عضو انجمن فرهنگ نگاری اروپا (EURALEX) از بدو تأ سیس - 1362 عضو انجمن فرهنگ نگاری آمریکای شمالی (DSNA) از 1369 عضو انجمن فرهنگ نگاری آسیا (ASIALEX) ازبدو تأ سیس - 1376 عضو انجمن زبان شناسی ایران و مدیر گروه های تخصصی زبان شناسی رایانه ای و فرهنگ نگاری از بدو تأسیس – 1381 عضو گروه های واژه گزینی رایانه وفناوری اطلاعات و زبان شناسی فرهنگستان زبان و ادب قارسی
فعالیتهای آموزشی : پیشینه تدریس : آموزش زبان انگلیسی از 1350 تا 1354 (د ر مرکز آموزش زبان نیروی هوایی ، مرکز آموزش مخابرات و مدرسه زبان‌های خارجی کارآ) تدریس دانشگاهی (در دانشگاههای تهران ، علامه طباطبایی ، الزهرا ، مشهد ، اصفهان ، پزشکی ایران ، آزاد اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی) : زبان انگلیسی و درسهای تخصصی زبان شناسی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری زبانشناسی همگانی ، زبان انگلیسی و فرهنگ و زبانهای باستانی از 1356 تا کنون : زبانشناسی رایانه ای (کامپیوتری) ، فرهنگ نگاری ، مبانی کامپیوتر و کاربرد آن ، اصول دستور زبان ، ساختواژه، ساخت زبان فارسی ، مقدمات زبانشناسی ، روش تحقیق ،گویش شناسی راهنمایی و مشاوره بیش از شصت پایان نامه دوره کارشناسی ارشد و دکتری زبانشناسی در پژوهشگاه و دانشگاه های دیگر
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - ایجاد پایگاه داده های واژگانی دوزبانه برای فرهنگ های فارسی به انگلیسی از 1378 تا 1381 - راه‌اندازی پایگاه داده های زبان فارسی در اینترنت - 1384
چگونگی عرضه آثار : پیشینه کارهای پژوهشی : شرکت در طرح تهیه فرهنگ مترادفهای فارسی از 1350 تا 1357 شرکت در طرح بررسی واژه های مرکب در آثار نظامی گنجوی - 1355 شرکت در طرح تهیه واژه نامه های بسامدی با کامپیوتر از 1354 تا 1356 شرکت در طرح تهیه واژه نامه های چند زبانه و ریشه شناسی - 1355 شرکت در گروه های واژه گزینی کامپیوتر ، زبان شناسی ، متالورژی ، حسابداری و ادب و هنرفرهنگستان زبان ایران از 1354 تا 1357 و فرهنگستان زبان و ادب فارسی از سال 1378 تاکنون شرکت در گردآوری و تدوین کامپیوتری واژه های پیشنهادی فرهنگستان زبان ایران از 1356 تا1360 طراحی ، پژوهش و اجرای طرح " سیستم فارسی " (Farsi System)برای پردازش و چاپ متن دوزبانه فارسی و انگلیسی با کامپیوتر- 1359 سرپرستی و شرکت در طرح فرهنگنامه جوانان و نوجوانان از 1360 تا 1362 شرکت در طرح فرهنگ برابرهای فارسی برای واژه های علمی و فنی از 1363 تا 1368 اجرای طرح واژه نامه نویسی تخصصی با کمک کامپیوتر (رساله دکتری)

از 1358 تا 1368 سرپرستی و اجرای طرح بررسی کاربرد کامپیوتر در پژوهشهای زبانی از 1369 تا 1371 شرکت در تدوین استاندارد ملی کد تبادل اطلاعات 8 بیتی فارسی ا ز 1370 تا 1372 شرکت در تدوین استاندارد ملی برای صفحه کلید فارسی کامپیوتر -1373 شرکت و مشاوره در طرح تهیه فرهنگ جامع مدیریت از 1371 تا 1373 سرپرستی و اجرای طرح ایجاد پایگاه داده های زبان فارسی از 1372تا 1383 شرکت در تدوین استاندارد بین المللی نویسه گردانی فارسی - 1378 شرکت در تدوین استاندارد بین المللی آوانویسی فارسی - 1379 طراحی و اجرای طرح پژوهشی تعیین مؤلفه های زبانی برای بهره گیری در سیستم های بازیابی اطلاعات و متن کاو فارسی – 1382 مأموریتهای علمی و کنفرانس ها : سمینار بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر - انگلستان) 1357 مدرسه تابستانی بین المللی فرهنگ نگاری (اکستر - انگلستان) 1359 سمینار واژه گزینی برای اصطلاحات صنعت بیرینگ (تهران) - 1366 نخستین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - 1369 چهارمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (مالاگا - اسپانیا) با ارائه مقاله - 1369 سمینار زبانشناسی کامپیوتری (مشهد) دو سخنرانی - 1370 دومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - 1371 سمینار بررسی نقش اطلاع رسانی در تحقیق و توسعه (تهران) با ارائه مقاله - 1372 ششمین کنفرانس بین المللی فرهنگ نگاری (آمستردام - هلند) با گزارش و پوستر - 1373 سومین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - 1374 فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) 1375 چهارمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله - 1376 فرصت مطالعاتی در مرکز تحقیقات فرهنگ نگاری (دانشگاه اکستر - انگلستان) 1377 نخستین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله 1380 پنجمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – 1380 نخستین همایش ملی ایران شناسی (تهران) 1381 دومین کنفرانس علوم شناختی (تهران) 1381 آکادمی تابستانی اصطلاح شناسی (دانشگاه وین – اتریش) با سخنرانی - 1381 دومین هم اندیشی واژه گزینی و اصطلاح شناسی (تهران) با ارائه مقاله 1382 نخستین هم اندیشی ترجمه شناسی (تهران) با ارائه مقاله 1382 کارگاه آموزشی ویرایش (تهران) با ارائه مقاله 1382 پنجمین کنفرانس سراسری سیستم های هوشمند (مشهد) با ارائه مقاله 1382 دومین کارگاه بین‌المللی فناوری اطلاعات و رشته‌های وابسته (WITID 2004) (کیش) باارائه مقاله 1382 نخستین هم‌اندیشی دستور زبان فارسی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی- تهران) با ارائه مقاله 1382 اولین کارگاه پژوهشی زبان فارسی و رایانه (دانشگاه تهران) با ارائه طرح

و شرکت در میزگرد 1383 دومین همایش آموزش الکترونیکی (مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته دانشگاه صنعتی شریف تهران) با ارائة مقاله - 1383 ششمین کنفرانس زبانشناسی (تهران) با ارائه مقاله – 1383 همایش هفتة پژوهش (پژوهشگاه علوم انسانی – تهران) با ارائة مقاله و کارگاه پژوهشی -1383 اولین همایش بین‌المللی بومی‌سازی مبتنی بر فناوری اطلاعات در حوزة خط و زبان فارسی (مرکز تحقیقات مخابرات – تهران) با ارائة مقاله – 1384 دومین کنفرانس بین‌المللی فناوری اطلاعات و دانش (دانشگاه صنعتی امیر کبیر- تهران) با ارائة مقاله – 1384 نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران (تهران) دبیر همایش -1384 تعداد مقالات ارائه شده در همایشها و منتشر شده در مجلات معتبر علمی :34 مورد تعداد مقالات بزبان انگلیسی:13 مورد آثار :

1 Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin Characters- Part4: Phonetic Transcription of Persian
ویژگی اثر : International Standard: ISO/DIS 233-4. -2000

2 Information and Documentation – Transliteration of Arabic Characters into Latin characters - Part 3 : Persian Language
ویژگی اثر : Simplified Transliteration. International Standard: ISO 233-3. -1999

3 استاندارد صفحه کلید فارسی کامپیوتر
ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، شماره استاندارد ملی ایران : 2901 ، تهران ، موسسه استاندارد وتحقیقات صنعتی ایران . -1373

4 استاندارد کد تبادل اطلاعات 8 بیتی فارسی
ویژگی اثر : (تالیف گروهی(، شماره استاندارد ملی ایران: 3342 ، تهران ، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران . -1372

5 استاندارد نحوة ارائة کد زبانها
ویژگی اثر : (تألیف گروهی) ، تهران ، مؤسسة استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. -1382

6 پیشنهاد شما چیست ؟ برخی از واژه‌های رایانه‌ای
ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران -1355

7 سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های بسامدی
ویژگی اثر : (تالیف گروهی) ، تهران ، فرهنگستان زبان ایران -1355

8 سیستم رایانه‌ای و برنامه‌های واژه‌نامه‌های چندزبانی و ریشه‌شناسی
ویژگی اثر : (تالیف گروهی)، تهران ، فرهنگستان زبان ایران . -1355

9 فر هنگ زبانشناسی
ویژگی اثر : (نرم افزار کامپیوتری) (باهمکاری محمد عبدعلی) ، تهران .

-1375
10 فرهنگ جامع مدیریت
ویژگی اثر : (مشاور) ، تهران ، دانشگاه علامه طباطبائی -1377
11 فرهنگ چهارجلدی فارسی – انگلیسی
ویژگی اثر : (4172 صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه-1382
12 فرهنگ یک جلدی فارسی – انگلیسی
ویژگی اثر : (1600 صفحه) (با همکاری دکتر منوچهر آریانپور)، تهران، جهان رایانه-1384
13 مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان شناسی ایران
ویژگی اثر : (380 صفحه) , تهران , انجمن زبان شناسی ایران
14 واژگان گزیده زبانشناسی
ویژگی اثر : (با همکاری محمد عبدعلی) ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی -1375
15 واژه های رایانه(2)
ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران-1383
16 واژه های تخصصی رایانه(1)
ویژگی اثر : (تألیف گروهی) مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ، تهران-1380 منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عالم نجف آبادی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم زاهد فقیه مجتهد عادل، از مدّرسین و ائّمه جماعت اصفهان، و مورد وثوق و احترام کلّیّه طبقات، از تلامذه حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند ملا محمّد حسین کرمانی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی و جمعی دیگر بوده، سالها در مدرسه جدّه تدریس می‌فرمود و جمعی کثیر از مستعدّین از محضرش مستفید می‌شدند.
کتب و رسائلی در فقه و اصول از تقریرات اساتید خود نوشته، و ضمناً کتابی به نام «فضیلة السیادة» درباره سادات و اهمّیّت مقام آنان، و احادیث وارده در این موضوع تألیف فرموده و به چاپ رسیده است.
در شب 3 شنبه 18 ربیع الاول سال 1384 به سنّ متجاوز از نود و هفت سالگی وفات یافته، در بقعه تکیه کازرونی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عالمی، خلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل عالمی
محل تولد : اهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1372 وارد حوزه علمیه قم شده ام و دو سال در مدرسه امام مهدی موعود(عج) واقع در میدان توحید، سه سال در مدرسه امام محمد باقر(ع) و سه سال در مدرسه حسینه گذراندم. دروس سطح را در سال 1380 در مدت 8 سال به پایان رساندم همزمان در سال 1377 (ع) وارد مؤسسه امام خمینی(ره) شدم و در رشته حقوق کارشناسی گرفتم و در ادامه در سال 1383 وارد تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق عمومی ادامه تحصیل می دهم. الان در حال گذراندن ترم آخر کارشناسی ارشد این رشته هستم از سال 1380 در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی و اصول فقه حاج شیخ صادق لاریجانی شرکت نمودم. و از همان سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نموده ام که همه اینها جز درس آیت الله تبریزی ادامه دارد.
تقریباً از سال 1379 در واحد حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهش فرهنگی حوزه همکاری مستمر داشته ام و در پاسخ به سئوالات محاله به این واحد شرکت کرده دستورات دیگری را پاسخ داده ام. و این همکاری هنوز هم ادامه دارد.که تاکنون سه مقاله از اینجانب به چاپ رسیده است.

عالمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی عالمی از ائمه جماعت و علماء معاصر همدان است.
وی در سال 1308 شمسی در همدان متولد شده و در بیت علم و کرامت نشو و نما یافته و در سیزده سالگی پدر را از دست داده ولی در همان اوقات با شوقی فراوان در همدان به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را در نزد اساتید عالی رتبه به پایان رسانیده و در سال 1329 شمسی به قم مشرف و اقامت نموده.
و در حدود ده سال از دروس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه امام خمینی و غیرهم استفاده نموده و تقریرات درس آنان را تدوین و تنظیم نموده.
و ضمنا از درس تفسیر علامه گرانمایه و استاد عالیقدر آقای حاج سید محمدحسین طباطبایی بهره‌های وافری برده و نیز قسمتی از معقول منظومه حاجی سبزواری و بحثهایی از علم اخلاق را خدمت بعضی دیگر از اساتید حوزه بهره‌مند شده تا اینکه در اثر عارضه مزاجی حوزه قم را ترک و به درخواست عده‌ای از اهالی همدان از مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و امریه معظم‌له به همدان برگشته.
و در مسجد معروف به خانه دراز به اقامه جماعت و نشر احکام و تدریس سطوح عالیه و تربیت بعضی از محصلین و طلاب پرداخته و تا حال تحریر و تألیف این کتاب اشتغال و چند سالی است که بنا بر خواهش اهالی بازار قرار دارد به اقامه جماعت و تبلیغات وسیعتری مشغول و در ماه رمضان در مسجد مزبور پس از اداء فریضه به وعظ و ارشاد مردم موفق می‌باشند.
دارای تألیفات و آثار و خدمات ارزنده و ارجداری از پرداخت شهریه به طلاب همدان و رسیدگی به امور سادات و بینوایان آبرومند از تهیه خانه برای آنها و سرمایه به بعضی از آنها دادن و تشریک مساعی در (مهدیه) همدان که دارای درمانگاه و بانک قرض‌الحسنه، کمک به ایتام و... می‌باشند. ادام‌اللّه توفیقانه و آثاره. اما تألیفات ایشان از این قرار است:
1- نقد و اصلاح در امامت (مطبوع) 2- بحثی درباره ارتباط حوادث با اعمال انسانها (ناتمام) 3- شرح زندگانی خود 4- عقاید الشیعه 5- رساله در نجاسات اهل کتاب 6- رساله‌ای در جواز جمع بین صلوتین رد بر اهل

سنت 7- قرآن و اعتقاد به خدا 8- مجموعه‌ای نفیس.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عامری شهرابی، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی عامری شهرابی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی عامری شهرابی درسال 1346 درتهران متولد شدم. پس ازاتمام تحصیلات کلاسیک درسال 1363 وارد حوزه علمیه شدم وازاساتید بزرگوار حوزه کسب فیض نمود م، همراه با دروس رسمی حوزه دررشته تخصصی کلام نیز مشغول شدم و درسال 1380 فارغ التحصیل شدم وپایان نامه خود را با موضوع اثبات خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام ارائه دادم. همزمان باتحصیل به تالیف نیز پرداختم که فهرست آثار درصفحات بعد آمده است.

عامری نایینی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی تهران به پایان رساند و در 1297 ش موفق به گذراندن دوره‌ی دبیرستان شد. پس از آن مدت هشت سال سمت دبیری انگلیسی و فارسی و معاونت مدرسه‌ی شبانه‌روزی آمریکایی را عهده‌دار بود. در 1305 ش در وزارت دارایی به سمت مترجمی استخدام شد. سپس به عنوان معلم زبان فارسی و تحصیل علوم اجتماعی و تربیتی در دانشگاه آمریکایی بیروت در آنجا رفت و رد 1310 ش موفق به اخذ لیسانس در رشته فوق گردید و در وزارت معارف به خدمت مشغول شد. از آثار وی: تصحیح «عقد العلی للموقف الاعلی» افضل‌الدین ابوحامد کرمانی؛ «آن سوی منظومه‌ی شمسی»، ترجمه؛ «آهن‌ربا»، ترجمه؛ «اجتماعات حشره‌ها»، ترجمه؛ «از هواشناس بپرس»، ترجمه؛ «برق»، ترجمه؛ «جانداران»، ترجمه؛ «حرارت»، ترجمه، برای کودکان؛ «حیوانات گذشته»، ترجمه؛ «صوت»، ترجمه؛ «گل، میوه، تخم»، ترجمه؛ «مرغان»، ترجمه؛ «نزدیکترین همسایه زمین»، ترجمه؛ «نور»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3318، 2324، 2231 / 2 ،1230، 1162، 1006، 485، 176، 113، 70 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (591 -588 / 4).

عامری، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حدود 1270 ش در نائین متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی در موطن خود در تهران مدرسه‌ی آمریکائی را به اتمام رسانیده و به استخدام در وزارت معارف درآمد. بعد به وزارت دارائی منتقل گردید.
عامری در آموزش زبان فرانسه و انگلیسی جدیت کامل به خرج داد و هر دو زبان را به خوبی فراگرفت و تدریجا با مطبوعات آن روز شروع به همکاری کرد. گاهی ترجمه‌های وی و زمانی مقالات او در مطبوعات منتشر می‌شد تا اینکه به عضویت دائمی هیئت تحریریه روزنامه‌ی رعد که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبائی بود، درآمد و همه‌روزه مقاله یا ترجمه‌ای از او به چاپ می‌رسید. همزمان با فعالیت در روزنامه‌ی رعد در وزارت مالیه مراحلی از ترقی را پیمود و به معاونت چند اداره رسید.
در حوت 1299 ش که سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد در تهران کودتا کرد و به ریاست دولت انتخاب گردید، عامری را به ریاست دفتر اختصاصی خود برگزید. در اواخر حکومت صد روزه‌ی سید ضیاءالدین، عامری معاون وزارت دارائی گردید و در نتیجه عیسی فیض وزیر مالیه از کار خود کناره‌گیری نمود و محمود جم به جای او وزیر مالیه شد.
در انتخابات دوره‌ی چهارم، عامری از نائین به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مجلس چهارم در حکومت احمد قوام که بلافاصله پس از سید ضیاءالدین زمامدار شده بود، افتتاح و شروع به کار کرد. به هنگام طرح اعتبارنامه‌ی عامری سید حسن مدرس و سردار معظم خراسانی به مخالفت برخاستند و او را به علت همکاری با سید ضیاءالدین، صالح برای نمایندگی مجلس نداشتند. عامری دفاع مفصلی نمود. سرانجام اعتبارنامه‌ی وی رد شد و نتوانست وارد مجلس شود. پس از استخدام دکتر میلیسپو و ورود وی به ایران در 1301، از همکاران نزدیک او شد. در انتخابات مجلس موسسان برای خلع قاجاریه و تفویض سلطنت به رضاخان پهلوی، از نائین به وکالت مجلس موسسان انتخاب شد و به خلع قاجاریه رای داد.
در انتخابات دوره‌ی ششم مجلس شورای ملی از نائین به وکالت مجلس انتخاب گردید.
در 1305 به معاونت وزارت مالیه منصوب شد. در 1312 علی منصور وزیر طرق، او را به معاونت کل وزارت راه معرفی کرد. بعد معاون

راه‌آهن و رئیس حسابداری راه آهن در شمال شد. در سال 1315 علی منصور وزیر طرق، تحت تعقیب عدلیه قرار گرفت. در
رابطه با این پرونده، سلطان محمد عامر و عباس آریا معاونین سابق وزارت طرق نیز محاکمه شدند. عامری در این محاکمه تبرئه شد و مدتی کوتاه استاندار آذربایجان غربی بود. سایر مشاغل او عبارت است از: وابسته اقتصادی ایران در آمریکا، عضو هیئت مدیره شرکت فرش، عضو هیئت نظارت سازمان برنامه. وفات او در 1352 اتفاق افتاد. مردی باسواد، حراف، منقد و زرنگ بود. یکی از فرزندان وی به نام هوشنگ عامری که در آمریکا کشاورزی تحصیل نموده بود، مدتی استانداری کرمان را عهده‌دار بود ولی هوش و درایت پدر را نداشت.
(تو 1264 ق)، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. در کالج آمریکایی تهران تحصیل کرد و بعد به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: نمایندگی مردم نایین در مجلس در دوره‌های چهارم و ششم، معاونت وزارت راه و استانداری آذربایجان غربی. او مدتی به کار روزنامه‌نگاری مشغول بود و چندین شماره روزنامه‌ی «صور» را در تهران منتشر کرد. لازم به ذکر است که عامری مقالاتی را در روزنامه‌ی «رعد» که مدیریت آن با سید ضیاءالدین طباطبایی بود ترجمه می‌کرد و با او دوستی تمام داشت. از آثار وی: «اسرار زندگی»، ترجمه؛ «تاریخ کشورهای متحده‌ی آمریکا»؛ «شرح حال توماس جفرسن سومین رئیس جمهور آمریکا»، ترجمه؛ «قانون تجارت، تقریر».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (306 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (352 -351 / 3).

عامل تهرانی، شرف‌الدین جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1246 ق)، عالم امامی، فقیه، شاعر و ادیب. در نجف به دنیا آمد. در همان جا نشوونما یافت. مبادی و مقدمات را فراگرفت، و در فقه و اصول از محضر شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء استفاده نمود تا از علمای بزرگ گردید، و داماد شیخ اسدالله کاظمی شد. آن‌گاه به تهران آمد و مدتی ماند. سپس به کرمانشاه رفت و در آنجا ساکن شد و در همان جا درگذشت. از آثار وی: حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (196 / 9، 176 -175 / 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 243 / 13)، معجم المؤلفین (137 -136 / 3).

عاملی، عبدالحسیب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالحسیب محمّد، عالم فاضل محقّق کثیر التألیف، نواده میر داماد.
حزین در تذکره خود، [فرزند] وی را در عداد علمای شعرای معاصر خود نام می‌برد.
در سال 1121 وفات یافته، قبرش در تخت فولاد، جنب پدر بزرگوار خودمی باشد، و آثار قبر ظاهر نیست.
کتب زیر از اوست:
1- تقدیس الانبیاء 2- الجواهر المنثوره 3- سدرة المنتهی. (عرفانی فارسی در معارف و اصول دین، در 1062 از تألیف آن فراغت حاصل نموده، و آن را جهت حکیم محمّد داود تألیف نموده است).
4- شرح دعای سیفی 5- شرح بر دعای صباح 5- صراط الزاهدین، در اعمال ماهها 7- عرش سماء التوفیق، در تفسیر فارسی 8- الفطرة الملکوتیّة، در شرح اثنی عشریّه [شیخ بهائی] 9- مسلک النجاة 10- مناهج الشارعین، در اصول دین؛ و غیره از اشعار اوست:
آن ماه دو هفته دلبر جانی من
آن یار عزیز یوسف ثانی من
یک روز نکرد فکر شبهای غمم
یک بار نگفت پیر کنعانی من
وی را سه فرزند برومند است:
1- میر محمّد اشرف (بعداً بنام و شرح حالش اشاره خواهد شد).
2- صدر الدین زین العابدین که او نیز عالم و فاضل بوده است.
3- میرزا صدر الدین محمّد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عاملی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی عاملی دزفولی از فضلاء بزرگوار معاصر اهواز می‌باشند وی در دزفول متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت و سطوح را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و دیگران خوانده و از ابحاث خارج آیات عظام بهره‌مند گردیده آنگاه به وطن مراجعت و پس از چندی منتقل به اهواز مرکز استان خوزستان شده و از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی بهبهانی مدظله استفاده نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام از راه منبر و غیره پرداخته است. و ایشان مانند رفیق صدیقش حاج شیخ علی محمد سابق‌الذکر عالمی متین و فاضلی کامل و خدوم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

عامی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1266 ش)، فرهنگ‌نویس و شاعر، متخلص به عامی. وی رییس دادگاه عالی انتظامی قضاوت وزرات دادگستری بود. از آثار وی: «خرده فرهنگ یا لغت منظوم»، فارسی و فرانسه؛ «سرآغاز»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1950 / 2 ،1258 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (618 / 1).

عباد، ابوالحسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پدرش ابی الحسن عبّاد، وزیر و کاتب رکن الدوله بوده، از ابو حنیفه فضل بن حباب و معاصرینش از محدّثین بغداد، روایت احادیث می‌نماید، و ابوبکر ابن مردویه و جمعی از فضلای اصفهان از او اخذ حدیث کرده‌اند.
در هدیّة العباد (: 14) در احوال او گوید: در علم و دانش و پرهیزکاری دارای مقامی بلند، و مرتبه‌ای ارجمند بود، و در السنه مشهور به شیخ امین می‌باشد، و در ابتدای حال به معلّمی اشتغال داشته، و پس از آن کاتب امیر رکن الدوله دیلمی شده، و بعداً او را منصب وزارت داده.
وی را تألیفاتی است: 1- رساله در آیات الاحکام 2- رساله احکام القرآن و غیره.
وفات عبّاد را در سال 5-334 می‌نویسند.
درباره ی شرح حال و زندگانی صاحب بن عبّاد کتب و رسائلی مستقلّاً نوشته شده، و در بیشتر از کتب، نام او مذکور است، و اخیراً عالم محقّق جلیل اقای حاج شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب آبادی از علمای معاصر اصفهان، کتابی مفصّل به نام «هدیّة العباد، در شرح حال صاحب بن عبّاد» تألیف فرموده است.
صاحب، در 4 ذی قعده سال 324 متولّد، و در صفر 385 در ری وفات یافته، جنازه ی او بر حسب وصیّتش به اصفهان نقل شده، در دهلیز خانه‌اش مدفون گردید که تاکنون در محلّه ی طوقچی، زیارتگاهی معروف است.
کتب زیر از تألیفات است:
1- الابانة عن مذهب اهل العدل 2- التعلیل 3- تفضیل علی بن ابیطاب علیه السلام 4- التذکرة 5- جوهرة الجمهرة 6- الرسائل الصاحبیّه، که در مصر به طبع رسیده 7- زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام 8- الزیدین 9- الزیدیّة 10- شرح اسماء الحسنی 11- شواهد 12- العروض، در نحو 13- مختصر نهج السبیل 14- المحیط، در لغت، در 7 مجلّد 15- نهج السبیل؛ و غیره.
مولد صاحب را برخی طالقان قزوین، و عدّه‌ای طالقان اصفهان (طالخونچه) نوشته‌اند.
شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را به نام او تألیف کرده، و در اوّل آن دو قصیده از اشعار صاحب که در مدح حضرت رضا علیه السلام

گفته است را عیناً نقل می‌کند. همچنین تاریخ قم نیز به نام او تألیف شده.
از قول صاحب نقل می‌کنند که گفته است: در مدح من هزار قصیده ی عربی و فارسی گفته شد و هیچ کدام مرا شاد نکرد همچنان که اشعار ابو سعید رستمی شادم نمود به گفته‌اش:

ورث الوزارة کابراً عن کابر
موصولة الاسناد بالاسناد
یروی عن العباس عبّاداً وزا
رته و اسماعیل عن عبّاد

صاحب عنوان، اوّل وزیری است که به نام صاحب معروف شده، و علّت شهرت او بدین لقب، مصاحبت اوست. بامؤیّد الدوله فرزند رکن الدوله ی دیلمی، و با مصاحبت با ابن العمید است.
برای اطلاّع بیشتر از حالات او به کتاب نامبرده بالا، و اعیان الشیعه، و الارشاد، و کتب دیگر مراجعه شود.
از اشعار اوست:

أبا حسن لوکان حبّک مدخلی
جهنّم إنّ الفوز عند جحیمها
فکیف یخاف النار من هو مؤمن
بأنّ أمیرالمؤمنین قسیمها

در آثار الوزراء (:202) گوید: ابو علی خطیر الاصفهانی و ابوالعباس الضبی، بعد از وفات صاحب عبّاد، فخر الدوله وزارت را به ده هزار دینار بدیشان فروخت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1100 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود 1100 ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (32 / 8)، ایضاح المکنون (183 ،103 ،68 ،26 / 2 ،580 ،441 / 1)، الذریعه (438 / 24 ،14 / 21 ،138 / 16 ،283 ،51 / 15 ،227 / 12 ،321 ،243 / 11 ،692 / 9 ،138 / 7 ،43 / 6)، روضات الجنات (216 -215 / 4)، ریحانه (93 -92 / 4)، فوائد الرضویه (238)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (310 -309 / 5)، هدیه العارفین (607 / 1).

عبادی مروزی، قطب‌الدین، ابومنصور مظفر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(547 -491 ق)، واعظ، فقیه و محدث. ملقب به امیر و معروف به امیر قطب‌الدین یا قطب عبادی. در روستای سنج عباد، از قراء مرو، به دنیا آمد و بدین جهت به عبادی مشهور شد. وی از نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. او از طرف سلطان سنجر به بغداد رفت و مدت سه سال در جامع قصر و در دارالسلطنه به وعظ پرداخت و مردم بر گردش ازدحام می‌نمودند. او در جامع قصر املای حدیث می‌کرد. ابن‌اخضر و حمزه بن قبیطی و محمد بن مکرم از وی حدیث روایت کرده‌اند. نیکویی و حسن وعظ وی ضرب‌المثل بود. ابن‌جوزی گوید که او زیبا کلام بود و از مواعظ او مجلداتی گردآوری کرده‌اند. ابوسعد سمعانی گوید که از او رساله‌ای در «شرب الخمر» دیده است. عبادی در عسکر خوزستان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (124 -123 / 4)، ریحانه (93 / 4)، سیر النبلاء (232 -231 / 20)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومنصور)، معجم المؤلفین (298 -297 / 12)، النجوم الزاهراه (291 / 5)، هدیه العارفین (463 / 2).

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
اینجانب غلامعلی عباسی فردویی درسال 1334شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال1351به حوزه علمیه وارد شده و د ر مدرسه حضرت آ یت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون :میر احمدی معروف به طالقانی ،حججی ،نکونام ،حاج آقاحسن تهرانی ، صلواتی ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ،امینیان ، مقتدائی ،رضا استادی ،اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و فلسفه حضرات آیات :انصاری شیرازی،مصباح یزدی ،صالحی مازندرانی ،و امینی فرا گرفتم .و نیز از سال 64در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات :فاضل لنکرانی ،مکارم شیرازی ،و جعفر سبحانی شرکت نمودم. د رسال 1360موفق به اخذ مدرک کارشناسی شده و در سال 1371با ارائه پایان نامه خود باعنوان(سیر علم کلام تا قرن سوم) مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگا ه تربیت مدرس دریافت نمودم.
از فروردین 1373تا آغاز مهر 85 به عنوان مدیر مسئول فرهنگی آستانه مقدسه به خدمت مشغول و از آغاز مهر سال 85 به عنوان مدیریت پژوهشی این آستان مشغول به خدمت در این عرصه نورانی هستم. دو سال تبلیغ سیار در مناطق عشایری استان فارس از سال 58-59 از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است . و نیز د وسال ازسال 61تا 62در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.
تا کنون موفق به تالیف :فروغ آفتاب ،تاریخ علم کلام تا قرن چهارم ،قم در عصر حضور ائمه ،تذکره مشایخ قم ،فلسفه بست و بست نشینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشروطیت و عبرتها شده ام . امید است با توجها ت حضرت ولی عصر (عج)بتوانم دراین عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی عباسی
محل تولد : سربند اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی عباسی در سال 1361 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم . دوره سطح را در سال 1370 به پایان رساندم . از سال 1370 تا 1381 به مدت 11 سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی , تبریزی , فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم . در سال 1367 همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال 1371 مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال 1374 تا 1377 نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال 1375 تا 1383 دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال 1374 تا 1380 به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره , جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از 50 کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه" به تنهایی بیش از 5 مجلد خواهد شد . از سال

1379 تا 1382 نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از 40 مورد است. از سال 1381 در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عباسی، فرج الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرج الله عباسی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب فرج الله عباسی فرزند اسلام در سال 1350 در روستایی به نام داش بلاغ از توابع شهرستان هشترود استان آذربایجان شرقی به دنیا آمده ام پدرم در خانه افتخار معلمی قرآن کریم را بر بچه های تحصیل نکرده و نیز ابتدائی تمام کرده ها داشت و خود نیز تا به امروز از افرادی است که همیشه قرآن می خواند هرچند به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و اهمیت دادن به قرآن کریم، دیگر دانش آموزان نیاز چندانی به گذراندن روخوانی قرآن را ندارند. بنابراین تولدم در یک خانواده مذهبی و خانه ی قرآنی بود که روحانیتم را مدیون دعاهای مادری و صوت دلربای قرآنی پدری می دانم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و راهنمایی را در روستای همجوار به نام آق زیارت به پایان رساندم و با صلاحدید پدر قرآنیم در سال 1366 وارد حوزه علمیه امامزاده شهرستان مراغه شده و ادبیات را نزد اساتید بزرگوار حج اسلام آقایان قدسی و نجفی گذراندم و در سال 1369 به حوزه علمیه قم وارد شده و منزلی در مدرسه مومنیه مرحوم آیةالله العظمی نجفی مرعشی تهیه کرده و در نزد اساتید حوزه علمیه مرحوم آیه الله وجدانی فخر و نیز آیه الله اشتهاردی به تحصیل شرح لمعه و معالم الاصول را نزد حجه الاسلام مومنی و اصول فقه را در محضر حجةالاسلام شفیعی به پایان رساندم و در سال 72 با به پایان رساندن سطح یک حوزه و در سن 22 سالگی تشکیل خانواده دادم و به ادامه درس مشغول شدم.سطح دو را نزد اساتیدی چون حج السلام صالحی مازندرانی و طاهری خرم آبادی و علیدوست به تحصیل پرداخته و کفایه را از محضر استاد نکونام استفاده نمودم. و در سال 78 درس های سطح 3 را تمام کرده ولی امتحان پایه دهم به 79 ماند و با توجه به اینکه در آن سال در فلسفه قبول نشدم در نتیجه قبولی امتحانات کتبی و شفاهی پایه دهم در سال 81 به پایان رسید.با توجه به تمام شدن تحصیل سطح سه در سال

77-78 برای شرکت در درس خارج فقه در درس نکاح حضرت استاد آیه الله مکارم شیرازی تابه امروز و نیز سه سال در فقه حضرت استاد آیه الله نوری همدانی که پس از درس حضرت مکارم شروع می شد و در مسائل روز، قضا و ... از سال 80 تا 82 شرکت نمودم.برای خارج اصول اول در محضر حضرت استاد آیه الله سبحانی بهره بردم ولی از سال بعد یعنی 79 با صلاحدید برخی از اساتید به درس خارج حضرت استاد آیه الله وحید خراسانی رفته و تا سال 83 استفاده نمودم.در کنار دروس حوزوی و در سال 71 به روش تدریس و تجوید قرآن دوره تربیت معلم که سازمان تبلیغات اسلامی قم برگزار می کرد شرکت نمودم و کارنامه دوره مقدماتی را در سال 72 اخذ کردم. ازسال 78 در مقطع کارشناسی ارشد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآنی دفتر تبلیغات به مدت دو سال و نیم به تحصیل پرداخته ولی متاسفانه موفق به نوشتن پایان نامه نشدم. و با توجه به رشته قرآنی به مطالعه درباره موضوعات قرآنی علاقه مند گشته و موضوعاتی به عنوان تحقیق در کلاس و بعد از پایان دوره نیز جمع آوری کردم از جمله: 1. بررسی ترجمه سوره مد در ترجمه های موجود و نگاهی به روش های ترجمه؛2. سیمای دانشمندان در قرآن و بررسی آیات اولوالالباب و موضوعات مطرح شده در ذیل این آیات؛ 3. آیات مربوط به صراط مستقیم و جمع آوری آیاتی که به مشخصات صراط مستقیم مرتبط بودند؛ 4 . رمز عشق و زنگ نفرت: آیاتی که می رساند خداوند به افرادی محبت ورزیده و از عده ای به خاطر کارهای ناشایست نفرت دارد. در سال 85 ازسوی معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم در یک دوره کوتاه مدت آشنائی با تصوف شرکت کردم و از سال 84 در رشته کلام و دین شناسی در سطح کارشناسی ارشد در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به تحصیل شده و در اسفند 86 به پایان رسید که مقاله تحت عنوان اجمالی از تاریخ تحول علم کلام برای تحقیق در کلاس و نیز مقاله ای 26 صفحه با عنوان کرامت در نظام حقوقی اسلام در ارتباط با غیر مسلمانان برای همایش کرامت نوشته ام که در روزنامه قدس چاپ می شود.در کنار اینها به تحقیقات دیگری نیز پرداخته و در سال 83 به دفتر تبلیغات قسمت نشر رسانه دو مقاله 10 صفحه ای نوشتم تحت عنوان: 1. اقتدار جامعه اسلامی و راه کارهای قرآنی ؛ 2. راه کارهای فقرزدایی که در سال 84 در روز نامه کیهان به چاپ رسید.همچنین از سال 83 تاکنون در مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه مشغول پاسخ گویی کتبی به پرسشها در دو گروه ادیان و مذاهب، قرآن و حدیث می باشم که بیش از 280 مقاله سه و چهار صفحه ای به این مرکز ارائه داده و حدود 11 نمونه نیز در سایت اندیشه قم وابسته به این مرکز آمده است که در موضوعات مختلفی همچون بهائیت، اهل حق، ماتریدیه، قادیانیه،

اسماعیلیه، و ... می باشند. علاوه بر مقاله های مزبور کتابی نیز با یکی از محققین برجسته در نقد مبانی و اندیشه های یکی از فرقه ها را آماده کرده ایم که در آینده نزدیک چاپ خواهد شد.از دی ماه 85 نیز به عنوان همکار گروه قرآن و حدیث در همین مرکز فعالیت کرده و به مقالات محققان که در پاسخ پرسش ها آماده می کنند؛ نظارت دارم. برای سطح 3 حوزه علمیه نیز پایان نامه ی آسیب شناسی جامعه منتظر در آئینه روایات نوشته ام که در حال نظارت استاد راهنما برای تایید به دفاع می باشد که در همین جا لازم می دانم از اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را بنمایم. در کنار تحصیل و تحقیق برای بیان معارف و احکام در ایام دهه محرم و ماه رمضان به مناطق دیگر هجرت نموده و از سال 1372 به تبلیغ و انجام وظیفه در مناطق مختلف مشغول انجام وظیفه بوده ام و دو سال نیز در طرح هجرت تابستانی به شهرستان مراغه رفته و در قم نیز با پایگاه مسجد و بسیجیان فعالیت های دینی و تبلیغی دارم. و به خاطر اشتغال در تحقیقات و درس کلام و دین شناسی در سال 85 و 86 در درس خارج نکردم ولی از سال 87 در درس اصول آیه الله العظمی سبحانی و فقه آیه الله العظمی مکارم موفق به اشتغال شده ام . باشد که خداوند خدمت در سنگر پاسخ گویی به شبهات را مورد قبول و لطف خویش قرار دهد و از زحمات پدر و مادرم خود تشکر نماید که ما عاجز از انجام وظیفه کامل در این مسیریم و کوتاهی ما را به کرم خویش ببخشد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

عباسی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295 ش)، محقق، مصحح، مترجم، مؤلف و فرهنگ‌نویس. در مدارس قدیم داخلی و ممالک مختلف خارجی به تصحیل زبانها و ادبیات شرق و غرب پرداخت و سالیان دراز مشغول تحقیقات و تتبع در علوم فسفه و اقتصاد و سیاست بود. او با صرف نیم قرن از عمر خویش به بررسی آثار و ادبیات زبانهای شرقی و غربی به ویژه آلمانی، فرانسه، انگلیسی، روسی، عربی، ترکی، آذری و تألیف و ترجمه‌ی آثار علمی و ادبی گرانبهای متعددی در زبانهای زنده‌ی خاوری و باختری پرداخت. نگارش چند مجلد «فرهنگ آلمانی به فارسی» و «فرهنگ فارسی به آلمانی»، ترجمه‌ی «سیاست‌نامه‌ی شاردن»، انتشار آثار فلسفی مشاهیر فلاسفه‌ی معاصر، تحقیق و تتبع در متون گرانبهای نظم و نثر پارسی و تازی و احیای نسخه‌های خطی قدیم ایران از آثار این دانشمند پرکار است. در 1341 ش یکی از ترجمه‌های او به نام «جهانگردی مارکوپولو» برنده‌ی جایزه‌ی ادبی کتاب سال ایران شد. از دیگر آثار وی: «انشاء و نامه‌نگاری آلمانی»؛ مقدمه و حواشی «برهان قاطع»؛ «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت»، ترجمه؛ تصحیح «دیوان» خاقانی شروانی؛ تصحیح «لباب الالباب»؛ «خودآموز مصور آلمانی»؛ «فلسفه اجتماع و تاریخ»، ترجمه؛ «کاپیتال»، ترجمه؛ «مردان بی‌زن»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (224)، مؤلفین کتب چاپی (559 -555 / 5).

عبدالقاهر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. بنده چیره شونده (خدای)) جرجانی (گرگانی)، ابوبکر بن عبدالرحمن، ادیب و دانشمند قر. 5 ه. (ف. 471 یا 474 ه.ق.). از آثار اوست: «اسرار البلاغه» و «دلائل الاعجاز» (نخستین کتابهای مرتب مدون در معانی و بیان)، «کتاب الجمل» معروف به «جرجانیه » «کتاب المغنی»، در شرح ایضاح ابوعلی فارسی، مختصر المغنی به نام «المقتصد»، «کتاب العدة » درصرف، و «شرح الجمل» در توضیح کتاب الجمل مذکور.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عبداللهی، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر عبداللهی
محل تولد : اردستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
بنده محمدباقر عبداللهی فرزند رمضانعلی به سال 1335 در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمدم. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود.در سال 1353 پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم(عج) در ..... تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم.در این زمان، قرآن‌واسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف

استکباری خود جامه عمل بپوشاند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شهامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبید. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیدی بزرگواری همچون وجدانی فر، فاضل هرندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصفور، رضازاده و... تلمذ کردم. دروس خارج اصول و فقه را در پای کرسی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضای اردبیلی و... زانو زدم.و از درسهای تفسیر استاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسفار و مصباح الانس استاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمان، مطالعات جانبی و پی گیر و فشرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و غیره داشته ام و ضمناً علاوه بر اتمام دروس کلاسیک دوره عالی زبان خارجی (انگلیسی) را گذرانده ام. در کنار دروس حوزه، دروس تخصصی تبلیغی را در گرایش ادیان شناسی به پایان بردم، و در سال 1384 از رساله علمی سطح چهار خود با امتیاز خوب دفاع کردم.کار تحقیقی و پژوهشی خود را از سال 1376 با چندین سوال شروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود که: چرا ملتی که اعتقاد به خدا یگانه با چنین اسمای حسنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزندانش دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سطح ملتهای کفر و شرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب 530 صفحه ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلد کتاب پالتویی با چشم انداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردید که ویژه ائمه جماعات می باشد که ترتیب و تنسیق آنها بر حسب معیارهای حساب شده و دقیق چینش یافته اند که به شرح ذیل می باشند.

1. صبای وصال (نماز)
2. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)
3. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)
4. عیار (به معیار و میزان ایمان می پردازد)
5. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می پردازد)
6. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله

عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می پردازد).
7. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی قراری است).
8. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آروزی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).
9. جان عبادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خدای عزوجل می باشد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)
10. سنتهای الهی (به بیش از چهل سنت و قوانین ثابت و فراگیر و تبدیل و تحویل ناپذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می پردازد).
سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد.
ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می باشند که انشاء الله امید است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود عبداللهی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال 1326 در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورة دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیةالله شهید بهشتی و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورة مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورة سطح در درس استادان مشهور دورة خود حاضر شد.
با اتمام دورة سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیةالله شیخ حسن تهرانی و حجةالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیةالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیةالله شاه‌آبادی، آیةالله اعتمادی و آیةالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیةالله ستوده آموخت و در درس کفایة الاصول آیةالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیةالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیةالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورة سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیةالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیةالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیةالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.
همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «25 داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عبدالهادی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، دانشمند. در دربار ایلخانان مغول بود و در 690 ق غازان‌خان وی را به ترجمه‌ی کتاب «منافع الحیوان» ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طبیب گماشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (737)، الذریعه (310 / 22).

عبدمنافی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد عبدمنافی از ائمه جماعت و مروجین دین و خدمتگذاران مذهب و ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام میباشد.
تولد ایشان در تهران واقع و در آنجا از محاضر دانشمندان و علماء اعلام کسب فیض و کمال نموده و بنا بر درخواست و اراده حق تعالی رحل اقامت بزرگنده افکنده و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد، دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده و مورد توجه مردم زرگنده و قلهک میباشند، فرزند برومند ایشان ثقةالاسلام آقا سید محسن عبدمنافی از محصلین بارع و مودب حوزه علمیه‌اند که بتحصیل علم و کمال اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

عبدی فسوی، ابوطالب احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 406 ق)، نحوی و لغوی. از جمله استادانش ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی و ابوالحسن رمانی بوده‌اند. از آثار وی: شرح «الایضاح»، به فارسی؛ «شرح»«الجرمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (100 / 1)، ایضاح المکنون (451 / 2)، ریحانه (98 / 4)، الکامل (280 / 7)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (238 -236 / 2)، معجم المؤلفین (174 / 1)، هدیه العارفین (71 / 1).

عبدی قزوینی تبریزی، محیی‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 966 ق)، دانشمند. نخست در قزوین سکونت داشت و سپس به تبریز رفت. وی در حیات پدر به عثمانی رفته به راهنمایی ابن‌المؤید از دانشمندان عثمانی که او نیز از آذربایجان مهاجرت کره بود به دربار سلطان بایزید راه یافت. قزوینی در طول اقامت خود در عثمانی دارای مناصب و مشاغل متعدد بود، از آن جمله: منصب قضای دمشق و حلب، تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر و مدرسه مغنیسا. وی در ادبیات عرب و علوم دینی و مخصوصا در انشای عربی و فارسی و ترکی دست داشت ولی بیتشر اهتمام او در آوردن محسنات لفظی بود و همه‌ی خطوط را بسیار خوب می‌نوشت. از آثارش: «راسله فی قطع الید»؛ حاشیه بر «فرایض» سجاوندی؛ حواشی بر «امور عامه مواقف» عضدالدین ایجی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (391).

عبدی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس عبدی (زاده ۱ تیر ۱۳۳۵ تهران) فارغ التحصیل رشته مهندسی پلیمر از دانشگاه امیرکبیر تهران، پژوهشگر اجتماعی، روزنامه نگار و فعال سیاسی اصلاح طلب است. وی از رهبران دانشجویان حمله کننده به سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ و عضو شورای سردبیری روزنامه‌های سلام و صبح امروز و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی بوده‌است. عضویت در هیأت هفت نفره فارس، بخش اطلاعات خارجی دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، مسئول دفتر پژوهش‌های اجتماعی در معاونت سیاسی دادستان کل کشور، معاون فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری و عضویت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران از دیگر سوابق وی است.

عبشمی‌اصفهانی، ابواحمد معمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(564 -494 ق)، حافظ، محدث و واعظ. معروف به ابن فاخر. اهل اصفهان بود و مورد احترام مردم. وی از ابوالفتح احمد حداد و ابوالمحاسن رویانی و ابوعلی احمد بن محمد بن فضل بن شهریار و ابوزکریا بن منده و عبدالواحد دشتج و بسیاری دیگر در اصفهان، و هبه‌الله بن حصین و ابوغالب بن بناء و احمد بن رضوان و عده‌ای دیگر در بغداد حدیث شنید. هفت بار به بغداد مسافرت کرد. او از ابوالحسین بن علاف و اسماعیل بن حسن سنجبستی اجازه‌ی روایت داشت. بزرگانی چون ابوسعد سمعانی و ابن‌عساکر و ابن جوزی و ابوحفص سهروردی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی وی را از چهره‌های درخشان اصفهان با اخلاقی نیکو و دستی گشاده و قلبی تپنده برای یاری همنوعان معرفی می‌کند و ابن‌جوزی حدیث‌شناسی وی را می‌ستاید. به آورده‌ی ذهبی وی کتب بسیاری در حدیث و تاریخ و فرهنگ لغت تصنیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (191 -190 / 8)، الاعلام بوفیات الاعلام (381 / 2)، سیر النبلاء (487 -485 / 20)، شذرات الذهب (214 / 4)، العبر (45 / 3)، الکامل (105 / 9)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (232 -231 / 19)، النجوم الزاهراه (362 / 5).

عبشمی‌اصفهانی، مخلص‌الدین، ابوعبدالله محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(603 -520 ق)، فقیه، محدث، نحوی و ادیب. معروف به ابن‌فاخر. پدرش او را به مضحر فامطه جوزدانیه برد تا از او حدیث استماع کند. او همچنان از جعفر بن عبدالواحد ثقفی و اسماعیل اخشید و ابن ابی‌ذر صالحانی و اسماعیل مؤذن و زاهر شحامی حدیث شنید. او به مذهب شافعی کاملا آگاه بود و در نحو و حدیث دستی قوی داشت و محتشم و مورد احترام مردم بود. به بغداد رفت و در آنجا املای حدیث کرد. ابن‌خلیل و ضیاء و ابوموسی ابن‌حافظ و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌درجی و ابن‌بخاری از وی دارای اجازه بودند. در شیراز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (406 / 2)، سیر النبلاء (429 -428 / 21)، شذرات الذهب (11 / 5)، العبر (135 / 3)، النجوم الزاهره (171 / 6).

عتیقی تبریزی، جلال‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 741 / 718 ق)، واعظ و شاعر. وی از خطیبان و واعظان برجسته‌ی ایرانی در دوره‌ی ایلخانان مغول است که با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مصاحبت داشت.عتیقی در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در مدرسه‌ی غیاثیه تبریز وعظ می‌کرد. جلال‌الدین به مانند پدرش در سرودن شعر توانا بود و گویا هر دو، عتیقی تخلص می‌کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.[1]
(بخش 1) جلال‌الدین عتیقی تبریزی بن قطب‌الدین عتیقی، دانشمند و خطیب و واعظ (ف. 718 یا 741 ه.ق.). وی مصاحب خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه بود. در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالبا در غیاثیه تبریز (که از ابنیه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین بود) وعظ میکرد. فرزندان وی نیز معزز و محترم بوده‌اند. عتیق به انوع فضایل و کمالات آراسته بود. دیوان بزرگی از او که در سال 744 ه.ق. استکتاب شده در کتابخانه استانبول موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ گزیده (745)، تذکره‌ی روز روشن (535-534)، دانشمندان آذربایجان (271 -269)، الذریعه (707 / 9)، سخنوران آذربایجان (524 -519)، فرهنگ سخنوران (625)، مجالس النفائس (329)، هفت اقلیم (227 -226 / 3).

عجلی اصفهانی، منتخب‌الدین، ابوالفتوح اسعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(600 -515 ق)، زاهد، واعظ و فقیه شافعی. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و تا پایان عمر در آنجا باقی ماند. از فاطمه جوزدانیه «معجم صغیر» و «معجم کبیر» را استماع کرد و نیز از اسماعیل بن محمد حافظ و غانم بن احمد و ابن‌بطی و گروهی دیگر حدیث شنید. ابونزار ربیعه یمنی و حافظ ضیاء و ابن‌خلیل از وی روایت کرده‌اند.ابن ابی‌خیر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او املای حدیث می‌کرد و وعظ می‌گفت و شیخ شافعیه در اصفهان و صاحب فتوا بود. وی زاهدی بود که از دست رنج خویش روزگار می‌گذرانید بدین ترتیب که به استنساخ کتب می‌پرداخت و حاصل کار خویش را به فروش می‌رسانید. زمانی ترک وعظ گفت و به تألیف کتاب پرداخت. از جمله آثارش: «آفات الوعاظ»؛ شرح مشکلات «الوسطی» و «الوجیز» غزالی؛ «تتمه التتمه»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (294 / 1)، تذکره القبور (84)، روضات الجنات (9 -7 / 2)، سیر النبلاء (403 -402 / 21)، کشف الظنون (2008، 2002، 1913، 131)، معجم المؤلفین (248 / 2)، النجوم الزاهره (166 / 6)، هدیه العارفین (204 / 1).

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(454 -370 ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌بندار و مشهور به شیخ‌الاسلام.در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابوعبدالله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل یدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قراآت، می‌دانند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (65 / 4)، ری باستان (318 / 2)، سیرالنبلاء (138 -135 / 18)، العبر (302/ 2)، کشف الظنون (1277)، معجم المؤلفین (116 / 5).

عدالت، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1272 / 1271 ش)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. از ده سالگی تا اوایل مشروطیت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی‌خان شیراز مشغول تحصیل بود. در 1299 ش امتیاز هفت‌نامه‌ی «عدالت» را در شیراز گرفت و تا 1308 ش به انتشار آن ادامه داد و از آن به بعد به امر زراعت و اداره‌ی املاک موروثی خود پرداخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (7 -6 / 4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (605 / 3)، الذریعه (26 / 15)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (312 -311 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (804 ،803 / 2).

عدل، عظمی

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات فارسی و فرانسه‌ی خود را از مدرسه‌ی ژاندارک تهران آغاز کرد. پس از اتمام آن به مطالعه‌ی ادبیات ایران و آثار نویسندگان فرانسه پرداخت. وی از مترجمان صاحب ذوق به شمار می‌آمد. بانو عظمی از کشورهای فرانسه و انگلستان و سویس و آمریکا دیدن کرد و گذشته از زبان فرانسه به زبان انگلیسی نیز آشنایی داشت. از آثارش: «ترس از زندگی»، ترجمه؛ «داستانهای دوشنبه»، ترجمه؛ «سرخ و سیاه»، ترجمه؛ «جامه‌ی پشمین»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1958 / 2 ،1336 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (78 -77 / 4).

عدنانی سادات، عبدالمالک

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعبدالمالک عدنانی ساداتی
محل تولد : سادات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
حقیر به سنه 1344 در روستایی محروم به نام سادات از توابع استان چهار محال و بختیاری و در خانواده ای بسیار ساده و مذهبی که مذهبیت خود را چون سیادت خویش نسل به نسل از اجداد گرامی از شجره مبارکه محمد و آل محمد(ص) به ارث برده اند به دنیا آمده و پس از شش سال دوران کودکی تحصیلات خود را (جهت محرومیت منطقه و نبودن امکانات مدرسه دولتی) در مکتب خانه سنتی آغاز نموده و پس از مدت دو سال و آمدن سپاه دانش وارد دوره ابتدایی شدم و پس از کلاس دوم ابتدایی به سبب زلزله ای بسیار شدید در سال 1354 که باعث تخریب روستا و پراکندگی مردم و نیامدن معلم و محرومیت محسوس، منجر به چهار سال ترک تحصیل شد ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 به برکت بیداری مردم و بینش دینی مجددا در شهرستان بروجن ادامه تحصیل داده و پس از پایان دوران ابتدایی در سال 1359 وارد مدرسه صاحب الزمان شهرستان شهرضا شدم و مقدمات دروس علمیه را شروع نموده و پس از چهار سال جهت ادامه تحصیل در سال 1363 وارد حوزه علیمه قم گردیده که ابتدا در مدرسه المهدی واقع در خیابان صفاییه که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی اداره می شد از محضر اساتیدی گرامی چون آیت الله سید محمد حسین دیباجی و ربانی گلپایگانی و ... بهره مند شده و پس از سپری کردن دروس مدرسه وارد نظام حوزوی شدم که در این مقطع دروس سطح را از محضر اساتیدی بزرگواری چون حضرت آیت الله رضا استادی و آیت الله وجدانی فر و صالحی افغانی و محسن دوزدوزانی و آیت الله اعتمادی استفاده نمودم و پس از اتمام سطوح مدونه، دروس خارج حوزوی را از محضر آیات عظام آیت الله سبحانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله فاضل لنکرانی، و آیت الله جوادی آملی بهره وافر برده و هم اکنون که سال 1386 را سپری می کنم از افتخار شاگردی مکتب

نورانی این عزیزان برخوردار بوده و هستم و امیدوارم خداوند سایه بلند ایشان را طولانی قرار دهد تا بتوان از خرمن پرفیض ایشان بهره کامل گرفت.
و لازم به تذکر است که از سال 1361 همزمان با تحصیلات حوزوی به امر تبلیغ که همان رسالت انبیا عظام است پرداخته که به لطف الهی در زمینه منبر و سخنوری رتبه یکم را به خود اختصاص داده به شماره پرونده 8747 در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم مثبوت است و در این جهت نوار کاست و سی دی هایی هم وجود دارد که امید است مورد استفاده دوست داران اهل بیت(ع) قرار گیرد.
و با توجه به مطالبی که ذکر شد و به واسطه فیض و عنایات خاصه دائمی امام زمان(عج) بیش از 25 سال سابقه تبلیغی در شهرهای مختلف کشور که حتی همین شهرستان مقدس قم از جمله آنها به امر تبلیغ و انجام وظیفه می پردازم و با توجه به اهمیت موضوع تدوین کتبی چند که نتیجه تجربه چندین ساله است پرداخته که این توفیقات را منحصرا از ناحیه پروردگار علیم و رحیم می دانم امیدوارم آنچه که انجام شد و می شود مورد توجه خاص ولی الله الاعظم روحی له الفداء گردد. و همه سعی و کوشش ما مورد تایید امضای سبز و نورانی حضرت واقع شود و خداوند تمام اعمال و کردار و گفتار و رفتار و حرکات و سکنات ما را مورد رضای خویش قرار دهد.

عراقی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا ابراهیم. عالمی جلیل و غیور بوده، و در نهی از منکر و رفع ظلم، و اشتغال به تدریس و امور شرعیّه، و طریقه زهد و تقوی ممتاز، و مسجد سلام بوده که جهت او بنا کرده‌اند.
وفاتش در 1323 روی داده، قبرش در تکیه شهشهانی در تخت فولاد.
در نجف از شاگردان حاج میرزا حبیب اللّٰه رشتی بوده و تقریرات استاد را نوشته، و در اصفهان نیز خدمت آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی و دیگران تلمّذ نموده، و مجاز از چهار سوقی است.
در مدرسه صدر تدیس می‌نموده و جماعتی کثیر از محضرش مستفیض می‌شدند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عراقی، صابر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه رازی در اعلام الشیعه قسم دوم از جزء اول ص 850 گوید: وی شیخ آغا صابر بن مولی محمد حسین کوهرودی سلطان آبادی عالمی بارع و فاضل و جلیل، از معاصرین است فقه و اصول و غیر آنرا در نزد عده‌ای از علماء و رجال فضل و اعلام دین خوانده و بعد بوظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج و نشر احکام و غیر آنها پرداخته است، و او از علماء موجه و موثق شهرستان اراک بوده است.
نگارنده گوید: مسجد وی در اراک بنام مسجد حاج آقا صابر از مساجد معموره اراک است که اکنون سلیل و فرید ایشان آقای صابری در آن اقامت جماعت و ترویج دین مینمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عراقی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا مجتبی بن العلامه الزاهد الحاج آقا محمد العراقی الملقب بزین‌الدین متوفی 28 صفر 1358 ق ابن العلامه الزاهد الورع (صاحب تصنیفات العدیده) الاخوند ملا محمدباقر العراقی الکرهرودی الشهیر بالکبیر متوفی 25 ربیع‌الثانی 1315 هجری قمری که از طرف مادر به سادات صحیح النسب و جلیل القدر حسینی و از طرف جده امی به مرحوم آخوند ملا محمود میثمی عراقی طاب ثراه (صاحب کتاب دارالسلام و کتب جوامع و قوامع و لوامع در فقه و اصول مفصل) منصوب می‌باشند.
در سال 1323 ق در قریه کرهرود عراق متولد و در سن 14 سالگی به متابعت مرحوم والد (طبق تقاضای اهالی و امریه علماء عصر) به قصبه کنگاور که در دوازده فرسخی کرمانشاه و هیجده فرسخی همدان است جهت اقامت مهاجرت نموده و تحصیلات ابتدائی و مقداری از سطح را خدمت پدر تلمذ و در سال 1349 قمری به منظور تکمیل به وطن اصلی بازگشته و مدت چهار سال در محضر اساتید فن و حجج اسلام مانند مرحوم آسید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمدسلطان العلماء تلمذ نموده و در سال 1353 مهاجرت به قم و از آیات عظام حوزه بالاخص مرحوم آیت‌الله حایری و پس از وی از آیت‌الله مرحومین خوانساری و حجت استفاده نموده و تقریرات و دراسات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در 28 صفر 1358 ق به واسطه فوت مرحوم والد به کنگاور مراجعت و تا هشت سال به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخته و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا نموده و ضمنا به تالیف کتابهائی که ذیلا ذکر می‌شود پرداخته تا در 16 محرم‌الحرام 1370 قمری که ثانیا به شهر قم مهاجرت نموده و بنابر مصلحت و امریه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی رحل اقامت انداخته و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر و حسب‌الامرشان در جلسه استفتاء وی شرکت نموده و در ماه رجب 1377 دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتاب خانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی‌خان سابق و مدرسه آیت‌الله بروجردی امروز به معظم‌له واگذار و حقا خدمات شایانی بالخصوص نسبت به کتابخانه نموده است.
کتابخانه فیضیه قبل از سرپرستی ایشان در مدت 40 سال از تاسیس آن فقط دارای چهار هزار کتابهای فقهی مندرس و مکرر در قفسه‌های چوبی

نیمه تمام به انضمام چند قطعه ذیلوهای رنگ و رو رفته بود، ولی بعد از مدیریت ایشان در مدت کوتاهی رقم کتب به بیست هزار جلد کتاب در فنون مختلف رسید که در قفسه‌های فلزی و وترین مخصوص برای کتب خطی و تا سر حد امکان وسیله آسایش فکری آقایان مراجعه‌کنندگان آماده گردید.
معظم‌له مسافرتهای تاریخی و مذهبی مهمی نموده است از جمله در سال 1377 قمری به رهبری صدها نفر از مردم متدین تهران به سوریه برای حمل ضریح مطهر رقیه بنت‌الحسین علیه‌السلام نموده که شایان اهمیت بوده است، و نیز مسافر فی در معیت و مصاحبت سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خونساری به همدان نموده که تصادف با فوت آن مغفور له شده و جنازه را با آن عظمت فوق‌العاه و تجلیل عظیم به قم آوردند
و اما آثار آن جناب به قرار زیر است:
1- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر کتابی است مشتمل بر رجال نامی بنی‌ثقیف و قضایای تاریخی شیرین و در فن خود بی‌نظیر است.
2- وقایع الایام با سبک نوین.
3- لیله‌القدر در ذکر دلیل و براهین در اینکه شب قدر شب بیست و سوم ماه رمضان است.
4- شرح زندگانی آیت‌الله مرحوم حاج سید محمدتقی خونساری در سی‌صفحه که در مجله حکمت طبع شده است.
5- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو مجلد که در سالهای 78 و 1379 به طبع رسیده است.
از اغلب مراجع گذشته و حاضر دارای اجازات روایتی و اجتهاد و غیره می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عرفان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمدبن عبدالصمد بن عبدالله، نویسنده‌ی ادیب فاضل.
پدرش از مراغه به اصفهان آمده، و عرفان در 5 شنبه 15 شعبان 1311 در این شهر متولد گردیده، در مدارس اصفهان تحصیل نموده، و خصوصا ادبیات و زبان انگلیسی را خوب آموخته، و از سال 1341 به نوشتن مجله‌ی «عرفان» و سپس روزنامه‌ی «عرفان» همت گماشته، و تا آخرین روزهای حیات آن را انتشار داده، و به مناسبت نام روزنامه، نام فامیلی خود را نیز عرفان گذارده، و بدین نام شهرت یافت.
مرحوم عرفان علاوه بر روزنامه‌نگاری سال‌ها در دبیرستان‌های اصفهان ادبیات فارسی تدریس می‌نمود، و از دبیران دانشمند فرهنگ اصفهان به شمار می‌رفت.
سرانجام در شب 5 شنبه 22 ماه صفر 1371 به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در تکیه‌ی جهانگیر خان مدفون گردید.
مرحوم آقا سید علی بدیع زاده‌ی هور در تاریخ وفات گوید:
هزار رحمت حق بر روان احمد عرفان
ز ما درود و تحیت به جان احمد عرفان
نوشت خامه‌ی هور از برای سال وفاتش
به سوی قرب کند رو روان احمد عرفان
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عرفان شیرازی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1279 ش)، روزنامه‌نگار و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. خدمات اداری خود را در زادگاهش شروع کرد و تا 1338 ق در شیراز به سر برد و در همان سال چهار شماره از مجله‌ی «خاور» را منتشر کرد. پس از آن به تهران آمد و در وزارت دادگستری به خدمت مشغول شد و چند سالی نیز در دادگستری اصفهان کار می‌کرد. سپس به تهران بازگشت و در 1341 ق روزنامه‌ی «آسمان» را منتشر کرد. وی از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت دادگستری بود. از آثارش: «اطلس تاریخی اسلامی»، ترجمه؛ «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه؛ «حواء امروز»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (1 / 170- 172، 2 / 240- 241)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (4 / 321)، مؤلفین کتب چاپی (6 / 57- 59).

عرفان، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1336 در خانواده ای مذهبی در شهرضا چشم به دنیا گشودم پدرم یک خیاط مذهبی و مادرم سیده ای از تبار سادات طبائیان(طباطبائی)بود.
شش کلاس ابتدایی را در مدرسه خیام به پایان بردم و سپس به حسینیه سادات رفتم تا دروس دینی را بیاموزم در محضر حجج اسلام حاج سید محمد علی طبائیان (طباطبائی)زارعان، محمدحسین رهایی، حاج شیخ علی تاکی و ... زانو زدم.
سپس به اصفهان رفتم و از استادانی چون حاج آقا حسن امامی و آقای ابراهیمی و آقای فقیهی بهره گرفتم، آنگاه به قم آمدم از فروغ علم گسترانی چونان حضرات اعلام: طالقانی، تهرانی، مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، ابطحی، زاهدی، اعتمادی، خسرو شاهی، پیشوایی تهرانی و آیت الله اسماعیلپور و آیت الله شیخ جواد تبریزی پرتوهایی نه در خور آنان که همساز با فانوس کورسوز خویش برگرفتم.
سالیانی چند ادبیات فارسی، حاشیه، مغنی، معالم، مختصر، مطول، لمعه، مکاسب، و کاربرد علوم بلاغی در قرآن را با سروران مدارس رسالت، کرمانی ها، رضویه، حقانی و موسسه امام خمینی رحمة الله علیه باز گفته ام.
چندین پایان نامه را به مشورت و یا به اصطلاح راهنمایی نشسته ام .
تاکنون به عربستان،عراق،سوریه، سوئد، امارات سفر زیارتی و تحقیقی و تبلیغی داشته ام و تحقیقاتی در دست سامان بخشی دارم
از همسر سیده ام پنج فرزند دارم دو پسر و سه دختر، علیرضا در مدرسه کرمانی ها درس می خواندو امیر محسن در مدرسه شهیدین.
کتب:
کرانه ها / سه مجلد
شرح جواهر البلاغه / دو مجلد
شرح و ترجمه تهذیب البلاغه
فرهنگ غلط های رایج
پژوهشی در اعجاز قرآن
خاطر و خاطره
آفت ها و لطافت های جنسی
زبان آگاهی

پدر و مادر در فرهنگ اسلامی
درمان نازائی. مقالات:
ازلابلای متون / حدیث زندگی 3
رمز و راز شادابی و نشاط در جوانی/ گفت و گو /دیدار آشنا 23
موفقیت و شانس / حدیث زندگی 3
زبان آگاهی پیامبر (ص) و امامان(ع)//علوم حدیث 12
عفت در اندیشه، گفتار و رفتار /حدیث زندگی 6
اعتماد به نفس / حدیث زندگی 3
زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)//علوم حدیث 6
زبان آگاهی پیامبر(ص) و امامان(ع)//علوم حدیث 5

عرفانی راد، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن عرفانی راد
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1

زندگینامه علمی
آقای سید محسن عرفانی راد در سال 1337هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان هشترود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال 1356، سالهای حکومت خفقان و ظلم رژیم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1368 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله موسوی اردبیلی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر معاونت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ، به تدریس دروس معارف اسلامی در این دانشگاه مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل "وحی تعامل خدا و بشر" و" مبدأ و معاد " را به رشته تحریر در آورده و به زیور طبع آراسته است.

عزب دفتری، بهروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1317، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته زبان انگلیسی و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دوره فشرده آموزش زبان از دانشگاه جرج تون شهر واشینگتن آمریکا در سال 1345، کارشناسی ارشد زبان انگلیسی از دانشگاه بیروت در سال 1349، دکترای زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز آمریکا.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تبریز در سال 1349، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تهیه کتاب درسی به زبان انگلیسی، خواندن انگلیسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای، زبان‌آموزی کودک. استاد راهنمای 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:2
زمینه علمی تألیفات:
آموزش زبان انگلیسی، ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 10، تعداد مقالات بزبان خارجی: 10
زمینه علمی مقالات:
آموزش زبان، ادبیات، روانشناسی و علوم تربیتی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عزت پور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از 1305 ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگارن در اخلاق»؛ «افکار صد مرد نامی»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»؛ «پیغمبر اسلام»؛ «تاریخ نو»؛ «فالهای حافظ»؛ «گلهای خوشبو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (260 -259 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (48 -47 / 4).

عزیزکیا، غلامعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامعلی عزیزکیا
محل تولد : بندر آباد یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/4/23
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در 30 کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان 17 شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر 1357 به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجة الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال 1361 هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیة الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیة الله مظاهری نیز شرکت می کردم.
در سال 1367 در درس خارج فقه آیة الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی 6 سال یک دوره خارج اصول جناب آیة الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام(از 1367- 1373) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل 33/18 از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.
پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال 1379 این کتاب منتشر شد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که

با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال 1378 در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال 1382 منشر شد. در سال 1379 در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیة الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعة الزهرا، مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عزیزی تبریزی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ثقه‌الاسلام والمحدثین مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر عزیزی واعظ تبریزی مقیم تهران از اساتید منبر و خطباء مبرز آذربایجان بوده که در زمان خود شهرت بسزائی داشت و منبر بسیار شیرین و آموزنده‌ئی می‌رفت. و هزارها نفر را بمبانی اسلامی معتقد و به معارف حقه آشنا و صدها نفر را از انحراف برگردانیده بود در امر به معروف و نهی از منکر از هیچکس نمی‌هراسید و در مبارزه با بیدادگریها و ستمگران مسامحه نمی‌کرد در تبریز تولد یافته و سالها در آنجا تحصیل و ضمنا تبلیغ نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تا پایان زندگی در آنجا به ترویجات دینی مشغول و خدمات شایسته‌ای انجام داده تا در ماه رمضان در سنین بیش از هفتاد سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در این زمین مقدس مدفون گردیده است.
خاطرات عجیبی دارد که از آنها این قصه جالب را می‌نگارم.
که ارباب منبر متوجه به مریدان خود شده و مغرور نگردند فرمود همه ساله وقت اول را در ماه رمضان در مسجد تهران منبر می‌رفتم و وقت دوم را در مسجد مروی و سوم را در مسجد ملک بازار در مسجد مجد جوانی همه روزه جلوی منبر هم نشسته و توجه کامل به سخنان من داشت و می‌دیدم گاه‌گاهی آهی کشیده و دست بر دست زده و تظاهر به حالاتی می‌کرد تا در روزهای آخر که خود را به من رسانیده و گفت آقا من جوانی منحرف و گمراه بودم ولی بحمدالله در اثر بیانات شما متنبه شده و توبه نموده و روزه‌هایم را گرفته و نمازهایم را که تاکنون نمی‌خواندم خوانده و مصمم هستم که بعد از ماه رمضان به کربلا رفته و توبه حقیقی نموده و تدارک و جبران گذشته را کنم.
من بسیار مسرور شده و گفتم اگر در این ماه رمضان هیچ عملی نکرده باشم مگر هدایت و ارشاد این جوان مرا کافیست. پس او را دعا گفته و تشویق کردم.
روز آخر مجلس که از منبر پائین آمدم و بانی مجلس تا درب مسجد مرا بدرقه نموده و پاکت حق‌القدم منبر مرا داده و در جیب بغلم گذاشتم و آمدم تا کسی بنشینم و به مسجد مروی بیایم دیدم جوان مذکور جلو آمده و تذکره‌ای به من نشان داد و گفت آقا گذرنامه‌ام را گرفته و فردا به کربلا می‌روم لطفا شما دعائی در گوش من بخوانید البته شما را فراموش

نخواهم کرد من او را در بغل گرفته و به گوش راست و چپش دعاء سفر خوانده و التماس دعا گفتم او دست مرا بوسید و گفت آقا لطفا مرا حلال کنید مزاحمت کردم جدا مرا ببخشید وقت شما را گرفتم گفتم حلالت کردم و تو را بخشیدم پس به تاکسی نشسته و به مدرسه مروی آمدم و دست در جیب کرده که پول به راننده تاکسی بدهم دیدم آن جوان تائب جیب مرا زده و پاکت پول و ساعت مرا درآورده است. آن وقت متوجه شدم که یکماه این جوان سارق نقشه لخت کردن مرا کشید و در روز آخر ماه نقشه خود را عملی و با اصرار هم از من حلیت خواسته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

عزیزی، خداداد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خداداد عزیزی (زاده ۱۳۵۰ در محله طلاب مشهد) بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران و مدیر فنی کنونی تیم پیام خراسان است. او ۴۷ بازی ملی برای تیم ملی فوتبال ایران انجام داده و ۱۱ گل نیز به ثمر رسانده‌است.[۱] او در سال ۱۹۹۶ به عنوان بازیکن برتر کنفدراسیون فوتبال آسیا و در همان سال به عنوان ارزشمندترین بازیکن جام ملت‌های آسیا انتخاب شد و نقش مهمی در صعود ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ داشت.عزیزی فوتبال را با تیم ابومسلم آغاز کرد، با درخشش در لیگ دسته اول کشور در سال ۱۳۷۱ در فوتبال ایران مطرح شد و سال بعد به پاس تهران رفت. از سال ۱۳۷۴ به بهمن پیوست و پس از درخشش در ترکیب تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ و انتخاب به عنوان ارزشمندترین بازیکن این مسابقات و چندی بعد کسب عنوان بهترین بازیکن سال کنفدراسیون فوتبال آسیا به تیم فوتبال کلن در دسته اول بوندس لیگا آلمان پیوست. خداداد تا سال ۲۰۰۰ در این تیم بازی کرد و پس از آن یک فصل در سن‌خوزه ارثکوئیکز در ام‌اس‌ال لیگ حرفه‌ای فوتبال آمریکای شمالی و یک فصل در النصر در لیگ امارات بازی کرد و در سال ۱۳۸۰ به تیم سابق خود پاس بازگشت. اختلاف او با میروسلاو بلاژویچ سرمربی تیم ملی باعث شد تا از ترکیب تیم ملی برای مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ کنار گذاشته شود. او پس از آن در سال ۱۳۸۴ برای تیم دسته اولی عقاب و در نیم‌فصل دوم لیگ ۱۳۸۵ برای تیم راه‌آهن توپ زد و پس از آن از بازیکنی فوتبال خداحافظی کرد.عزیزی پس از خداحافظی از فوتبال توسط تیم ابومسلم به عنوان رئیس سازمان فوتبال انتخاب شد و بعد به مربیگری و در نهایت سرمربیگری تیم رسید، اما اختلافات او با مدیران باشگاه، صراحت لهجه و نتایج ضعیف تیم موجب شد تا در ابتدای لیگ ۸۶ از سرمربیگری تیم اخراج شود. یکی از عجیب‌ترین اقدامات او در دوران هدایت ابومسلم بیرون آوردن یکی از بازیکنان از ترکیب و ده‌نفره کردن تیم بود. عزیزی در همان سال در اولین دوره المپیاد ایرانیان دوباره به زمین چمن بازگشت و به عنوان کاپیتان تیم استان خراسان رضوی برای این تیم به میدان رفت. او پس از آن مدیر فنی تیم دسته اولی پیام خراسان شد و توانست این تیم را به لیگ برتر کشور بیاورد، او در هفته‌های آغازین فصل ۸۷-۸۸ مربیگری این تیم را برعهده داشت که به دلیل مشکلات مالی تیم از فعالیت خود کناره

گرفت.
غزال تیز پای آسیا: در بازی با تیم ملی استرالیا، پس از یک ماراتن طولانی برای رسیدن به جام جهانی ۹۸ فرانسه، خداداد عزیزی برای تیم ملی ایران گلزنی کرد و از آن تاریخ به بعد لقب غزال تیز پای آسیا را گرفت.هرچند که نتیجه بازی ۸ آذر ۱۳۷۶ خورشیدی با تساوی ۲-۲ خاتمه یافت، ولی به علت صعود تیم ایران به جام جهانی برای خیلی از ایرانیها از برد شیرین تر بود و باعث شادی و پایکوبی در سطح شهرهای ایران شد.

عسکری، ابواحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(382 -293 ق)، فقیه، لغوی، نحوی و ادیب. در عسکر مکرم از نواحی اهواز به دنیا آمد. در آنجا نشوونما یافت و سپس به بغداد منتقل شد. او سفرهایی به بصره و اصفهان و دیگر شهرها داشت. از عبدان اهوازی و احمد تستری و ابوالقاسم بغوی و محمد بن جریر طبری و ابوبکر بن درید و ابراهیم نفطویه و عباس بن ولید اصفهانی و همبطقه‌ی آنان روایت کرده است. بزرگان حدیث به سویش می‌آمدند تا از او کسب روایت کنند. ریاست عالیه‌ی تحدیث و املاء و تدریس در شهرهای خوزستان در عصر وی بدو منتهی می‌شد. وی در عسکر و تستر و شهرهای اطراف آن نواحی املای حدیث می‌کرد. ابوسعد مالینی و ابوبکر یزدی اصفهانی و ابوالحسن نعیمی و ابوالحسین محمد اهوازی و ابوعلی حسن اهوازی و ابونعیم اصفهانی حافظ و عبدالواحد باطرقانی و احمد بن محمد بن زنجویه و محمد بن منصور تستری و علی بن عمر ایذجی و ابوسعید حسن بن علی تستری سقطی از وی حدیث روایت کرده‌اند. برخی ابوهلال عسکری را خواهرزاده و شاگرد ابواحمد عسکری می‌داند. در «ریاض العلماء» آمده است که عسکری از مشایخ شیخ صدوق است و صاحب «اعیان الشیعه» این را دلیل بر تشیع عسکری دانسته، و بعلاوه شوق صاحب بن عباد را برای دیار وی و رثاء گفتن صاحب را در مرگ او تاکیدی بر تشیع وی آورده است. عسکری در علوم مختلف و فنون گوناگون متبحر بود. همگان زیبایی تألیف و تصنیف وی را ستوه‌اند. از آثارش: «تصحیفات المحدیثن»؛ «الحکم و الامثال»؛ «راحه الارواح»؛ «الزواجر و المواعظ»؛ «المختلف و المؤتلف»؛ «التفصیل بین بلاغتی العرب و العجم»؛ «تصحیح الوجوه و النظائر»؛ «المصون»، در ادب؛ «صناعه الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2 / 211)، الاعلام بوفیات الاعلام (1 / 260)، اعیان الشیعه (5 / 145- 148)، انساب سمعانی (4 / 193)، ایضاح المکنون (2 / 332)، الذریعه (12 / 60)، روضات الجنات (3 / 57- 60)، ریاض العلماء (1 / 200- 201)، سیر النبلاء (16 / 413- 415)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4 / 88)، العبر (2 / 161)، کشف الظنون (1637، 1464، 1404، 956، 801، 675، 411، 233)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم الادباء (8 / 233- 258)، معجم البلدان (4 / 139- 140)، معجم

المؤلفين (240-239 / 3)، النجوم الزاهره (166 / 4)، الوافى بالوفيات (77 -76 / 12)، وفيات الاعيان (85 -83 / 2)، هديه العارفين (273 -272 / 1).

عسکری، ابوهلال حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 395 ق)، ادیب، لغوی، نحوی و شاعر. وی از مردم عسکر خوزستان بود. نزد دایی خویش، حسن بن عبدالله بن سعید عسکری، کسب علم کرد. از آثار وی: «الصناعتین فی النظم و النثر»؛ «التفضیل بین بلاغه العرب و العجم»؛ «جمهره الامثال»؛ «معانی الادب»؛ «تفسیر العسکری»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2 / 211- 212)، اعیان الشیعه (5 / 148)، تاریخ ادبیات در ایران (1 / 643)، روضات الجنات (3 / 57- 60)، ریحانه (7 / 304- 305)، کشف الظنون (1980، 1823، 1548، 1468، 1464، 1460، 1082، 691، 606، 479، 453، 293، 233، 200- 199)، الکنی و الالقاب (1 / 182- 184)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن، عسکری)، معجم الادباء (8 / 258- 267)، معجم البلدان (4 / 140)، معجم المؤلفین (3 / 240)، هدیه العارفین (1 / 273).

عشاقی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین عشاقی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/5/8 زندگینامه علمی
از حدود سال 1347 همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال 64 به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال 64 برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود 9 سال در درس خارج فقه وا صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص
یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نمود ه ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرة المعارف علوم عقلی و غیره

عصار آشفته، عمادالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1335 -1276 ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا سفر کرد. اما پس از مدتی از این کار منصرف شده و تنها به یادگیری علم مانیتیسم پرداخت. بعد از بازگشت به ایران به شوق آموزش هیپنوتیسم به هندوستان سفر کرد. در زمانی که پدرش، سید محمد، به خراسان تبعید شد او نیز مدت پنج سال در مشهد نزد پدر زندگی کرد و در 1308 ش امتیاز هفته‌نامه «آشفته» را گرفت. عصار در کارهای فکاهی راصع امضا می‌کرد که عکس عصار است. از او تالیفاتی نیز باقی مانده که عبارتند از: «اسرار حقه‌بازی»؛ «اشتباهات خنده‌آور»؛ «اندیشه یک مغز پوک»؛ «باشرفها»؛ «راهنمای بایگان»؛ «عدالت بشر، درام»؛ «محاکمه‌ی ارواح متفقین در آن دنیا»؛ «محاکمه‌ی تبهکاران جنگ آلمان»؛ «محاکمه‌ی عشق و جنون و شهوت»؛ «والده‌ی آقا مصطفی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (177 / 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (327 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (619 -618 / 4).

عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 792 / 783 ق)، دانشمند، شاعر و نحوی، متخلص به محمد. وی در تبریز به دنیا آمد، در علوم ریاضی، فلکیات، رمل و اسطرلاب دانا و باتصوف آشنا بود. سلطان اویس جلایر را مدح می‌گفت. بیشتر در انزوا و خلوت می‌زیست و به شاعری می‌پرداخت و در شعر به صنعت اغراق توجه خاص داشت. آثار وی: مثنوی «مهر و مشتری»، که در بعضی از تذکره‌ها به اشتباه نام آن را «مهر و ماه» بیان کرده‌اند، و در «ریحانه» از هر دو نام برده شده است؛ رساله‌ی «الوافی فی تعداد القوافی»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (132 -131 / 1)، بهارستان (117 -116)، تاریخ نظم و نثر (203)، دانشمندان آذربایجان (276 -275)، الذریعه (16 / 25 ،315 ،314 / 19 ،1000 ،724 / 9)، روضات الجنان (366 -363 / 1)، ریحانه (140 -139 / 4)، سخنوران آذربایجان (544 -533)، صبح گلشن (287 -286)، فرهنگ سخنوران (637)، لغت‌نامه (ذیل/ عصار)، مجالس النفائس (354)، هفت اقلیم (229 -227 / 3).

عصاری طابرانی طوسی، ابومحمد عباس

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 549 ق)، عالم دینی، واعظ و محدث. وی «کشف البیان» ثعلبی را از طریق محمد بن سعید فرخرادی، از مؤلفش، روایت کرده است. از ابوالحسن بن اخرم حدیث شنید. مؤید طوسی و عبدالرحیم سمعانی و ابوسعد صفار از وی حدیث شنیدند. وی در فتنه غز در نیشابور کشته شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (289 -288 / 20).

عصمت تیمور، عایشه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1320 -1256 ق، از زنان ادیب و متجدد. وی دختر اسماعیل رشدی پاشا پسر محمد تیمور کاشف و از اکراد بود که در مصر به دنیا آمد. عایشه از خردسالی به شعر و ادب تمایل زیادی داشت. پدرش به تعلیم و تربیت او همت گماشت و برای او معلم خانگی گرفت که زبان‌های عربی، ترکی و فارسی را بیاموزد. بعدها عایشه خود در مجامع ادبی حضور یافت و محضر استادان شعر و ادب را درک کرد و در این رشته به پایه‌ای رسید که کمتر زنی تا آن زمان رسیده بود. در نظم و نثر نیز مهارت فراوان یافت.
در سال 1271 ق به همسری محمد توفیق بیگ اسلامبولی درآمد و با او به اسلامبول رفت و به خانه‌داری و بچه‌داری مشغول شد. این امر او را از مطالعه و شاعری بازداشت تا اینکه دخترش، توحیده بزرگ شد و توانست که در خانه‌داری به او کمک کند. در سال 1289 ق پدر و سه سال بعد نیز همسرش وفات یافت (1292 ق) و او ناچار به قاهره بازگشت. از آن پس وقت خود را وقف مطالعه و تکمیل معلومات و گسترش دایره‌ی اطلاعات ادبی خود کرد و در نتیجه کثرت مطالعه و تحقیق و تتبع به حد کمال رسید. دو سال پس از فوت همسرش، دختر او نیز که هیجده سال داشت، ناگهانی و در عین جوانی درگذشت. عایشه در مرگ او هفت سال عزاداری کرد و در اثر تالمات روحی اشعار و مراثی شیوا و سوزناکی به زبان عربی سرود که از لحاظ ادبی شاهکار است. او به زبانهای عربی، فارسی و ترکی شعر می‌گفته و قصاید بسیاری درباره تعلیم و تربیت جامعه زنان سروده است. عایشه را سرآمد نهضت علمی و ادبی زنان مصر می‌دانند. ترجمه مرثیه‌ی او که در مرگ توحیده سروده چنین است:
«در بامدادی از ماه روزه تا جامهای مرگ به گردش درآمد، قدح‌های اشک حسرت نیز به گردش افتاد. آنکه دوستش داشتم رفت و شرنگ غم و غصه را به من چشانید و از فراق او در دلم آتشی برپا شد. آه از این آتشی که در بین دنده‌هایم افروخته شد و سرچشمه زندگانیم را خشکاند. من با غم و رنج چنان خو کرده‌ام که اگر از من دور شود از تاخیرش ناراحت می‌شوم. من حاضر نبودم که زمان کوتاهی دوری عزیزی را تحمل کنم. اکنون که زمان جدایی بسیار نامحدود است چگونه شکیبا باشم؟ فرزندم! تا روزی که در بهشت و آن باغهای سرسبز همیشگی- که حورها آنجا را آذین بسته‌اند- به همدیگر برسیم از جدایی و دوری ناله سر می‌دهم و گریه

می‌کنم. همان بهشتی که دوستان در آنجا به همدیگر می‌رسند و در واقع زندگی خوب و آسوده همان است. به خدا قسم از تلاوت قرآن و دعای خیر تا روزی که پرندگان بر شاخه‌های درختان نواخوانی کنند کوتاهی نخواهم کرد.»
ترجمه قطعه‌ای از اشعار تفاخر و و حماسه‌آمیز او چنین است.
«با دست عفت، از عزت و حرمت حجابم نگهداری می‌کنم و با حفظ عصمت و آبرو بر همگان برتری می‌جویم. ادب و تربیت من در سایه اندیشه و روشن و قریحه خرده‌بین به مرز کمال رسیده است. تحصیل و کسب ادب و دانش برای من- که زنی هستم- ضرری نداشته بلکه موجب شده است که در بین جامعه زنان چون گلی جلوه‌گر باشم. شرم و آزرم و نیز داشتن چادر و نقاب، مرا از ترقی در رسیدن به کمال مطلوب و برتری در میدان مبارزه برای دست یافتن به هدف باز نداشته است. آیینه من صفحات دفتر و کتاب و آرایش و گلگونه‌ام از نقش مداد و جوهر نوشتنی است.
قدرت من در دستهایم است- نه زیبایی و رنگ صورت- و فراست و هوش من برای رسیدن به آینده بهتری است.»
آثار چاپ شده عایشه عبارتند از: دیوان اشعار فارسی و ترکی که یکبار در استانبول و بار دیگر در قاهره به چاپ رسیده است، حلیةالطراز، دیوان شعر به عربی، نتایج‌الاحوال فی الاقوال و الافعال، شامل حکایات و داستان‌هایی درباره دستورهای اخلاقی به زبان عربی، مرآت‌التامل فی الامور، به زبان عربی در ادب و اخلاق. وی در قاهره درگذشت.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: الاعلام، 5 / 4؛ تاریخ مشاهیر کرد، 84 -81 / 2؛ معجم‌المؤلفین.

عصیری، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی عصیری
محل تولد : آران و بیدگل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سیدمجتبی عصیری فرزند سید محمد متولد اول مرداد ماه سال 1349 ه . ش در خانواده‌ای مذهبی و از نظر اقتصادی متوسط، در منطقه بیدگل کاشان می‌باشم که در سن 5 سالگی به همراه خانواده پدری جهت سکونت به شهرستان کاشان عزیمت نموده و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی خود را در این شهر آغاز نمودم. از همان اوان طفولیت که همزمان با تحصیل در مدرسه ابتدائی بود به علت جوّ خانواده و حرمت و قداستی که در آن نسبت به مقام شامخ روحانیت و این کسوت وجود داشته و همچنین علاقه و ارادت وافری که والدین این جانب، بالاخص پدر که خود به شغل معماری ساختمان مشغول بود توجهم به این سوی جلب گردید. در دومین سال تحصیلی در مقطع راهنمایی بود که فکر روی آوردن به دروس حوزوی به طور جدی به فکرم خطور نمود اما با توصیه بعضی از دوستان جهت تکمیل مقطع راهنمایی مجدداً به ادامه تحصیلات روز مشغول گردیدم و در پایان مقطع راهنمایی چون جهت شرکت در جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطل اعزام گردیده بودم تا حدودی از فکر حوزه دور گردیدم و همزمان با حضور در جبهه‌ها تحصیلات دبیرستان را آغاز نمودم. تا اینکه در سال دوم دبیرستان و دومین حضور در جبهه به طور جدی عزم خود را جزم نموده و تصمیم خود را گرفته و در سال 1366 ـ 1367 رسماً وارد حوزه علمیه مقدسه قم گردیدم و در کنار تحصیلات حوزوی دیپلم علوم انسانی و سپس تحصیلات دانشگاهی در مقطع کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد را در رشته زبان و ادبیات عرب اخذ نمودم. سپس برای مدت سه سال در دانشگاه به تدریس مشغول گردیدم. اما پس از آن خود را متمرکز و ممحَّض در دروس حوزه نموده و پس از پایان دروس سطح حوزه در سال

1377 وارد دروس خارج فقه و اصول گردیده و تا این زمان نیز به این مهم اشتغال دارم و در کنار آن به بعضی از کارهای قلمی و تألیفی نیز اشتغال دارم که از خداوند متعال مزید توفیقاتش را مسئلت دارم.

عضدی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رساند و به روزنامه‌نگاری پرداخت و برای بیشتر روزنامه‌های اصفهان مقاله تهیه می‌کرد. در 1328 ش به شیراز رفت و امتیاز روزنامه‌ی «عضد» را گرفت.این روزنامه به طور هفتگی انتشار می‌یافت. از آثار وی: «جنایات جنس لطیف»؛ «حق گرفتنی است».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1183، 1052 -1051 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (470 / 4).

عطاء

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1) ابن یعقوب مکنی به ابوالعلاء و معروف به ناکوک، فاضل و شاعر و نویسنده ذواللسانین (ف. 491 ه.ق.). وی در دو زبان عربی و فارسی دیوان مشهور داشت، و معاصر سلطان ابراهیم بود.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عطاء خراسانی، ابوایوب، عطاء

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(135 -50 ق)، مفسر، محدث و واعظ. اصل وی از خراسان بود، اما در دمشق و بیت‌المقدس زندگی می‌کرد. از صحابیانی چون ابن‌عباس و ابوهریره و ابودرداء و انس و معاذ بن جبل به طریق ارسال روایت کرده است. او از ابن‌بریده و بسیاری از تابعین چون سعید بن مسیب و سعید بن جبیر و عروه و عطاء بن ابی‌رباح و نافع و عکرمه حدیث شنید. معمر و شعبه و سفیان و مالک و حماد بن سلمه و حتی شیخش، عطاء بن ابی‌رباح، نیز از وی روایت کرده‌اند. گفته‌اند که وی در حدیث مردی مورد اعتماد بود و معروف به فتوا و جهاد. اما بخاری و عقیلی و ابن‌حبان او را از جمله ضعفاء محدثین ذکر کرده‌اند. در اریحا درگذشت و در بیت‌المقدس دفن شد. از آثار وی: «الناسخ و المنسوخ» که بخشی از آن باقی مانده است؛ «التفسیر»، که تنها چند برگ از آن بر جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :التاریخ الکبیر (475 -474 / 6)، تهذیب التهذیب (186 -184 / 7)، الجرح و التعدیل (ج 3 ق 335 -334 / 1)، سیر النبلاء (143 -140 / 6)، شذرات الذهب (193 -192 / 1)، طبقات ابن‌سعد (261 / 7)، العبر (140 / 1)، کشف الظنون (453)، معجم المؤلفین (283 / 6).

عطار همدانی، حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(569 -488 ق)، حافظ، محدث و ادیب شیعی. وی به مقام برجسته‌ای از علم و فضیلت دست یافت و شهره‌ی آفاق بود. از محضر علما و راویان بسیاری چون حافظ ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و محمد بن الفضل عزاوی و دیگران بهره گرفت و عده‌ی زیادی از او سود جستند و حدیث شنیدند، چون: شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه و ابن شهر آشوب و موفق به احمد خطیب خوارزم و ابوسعد سمعانی. از آثار وی: «الهادی فی معرفه المقاطع و المبادی و الوقف و الابتداء و الانتصار فی معرفه قراء المدن و الامصار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست منتجب‌الدین (65)، معجم رجال الحدیث (291/4).

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(573 / 571 -486 ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مرورود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (548 ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصری و قاضی بهاءالدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجویه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (256 / 6)، سیر النبلاء (540 -539 / 20)، شذرات الذهب (240 / 4)، العبر (61 / 3)، معجم المؤلفین (50 / 9)، النجوم الزاهره (71 / 6)، الوافی بالوفیات (203 -202 / 2)، وفیات الاعیان (239 -238 / 4).

عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 681 -623 ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در 654 ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عطاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند.
از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر.[1]
جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. 623- ف. 681 ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عطاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقروم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال 654 به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عطاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عطاملک نزد خان مغول سعایت می‌کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می‌ساخت و در نتیجه عطاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در 680 از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون

تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی‌السابق به عطاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عطاملک این تاریخ را در سال 655 ه.ق.- یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده‌اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می‌کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردوکشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال 655 که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالبا به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم‌نظیر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (288 -286 / 1)، از سعدی تا جامی (92 -90، 35 -27)، تاریخ ادبیات در ایران (1213 -1209 / 3)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (1/ یا- فه)، تاریخ مغول (486 -485)، تاریخ نظم و نثر (136، 94)، حبیب السیر (3/ صفحات متعدد)،دایره‌المعارف فارسی (1743 / 2)، دستور الوزراء (295 -267)، الذریعه (728 / 9، 300 / 5 248، -247 / 3)، ریحانه (444 / 1)، سبک‌شناسی (100، 53 -51 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 98 -97 / 7)، گنج و گنجینه (354 -346)، لغت‌نامه (ذیل/ عطاملک جوینی)، مجمع الفصحا (877 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (77 -75 / 4). هدیه العارفین (665 / 1).

عطایی کوزانی، عنایت

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنایت عطایی کوزانی
محل تولد : فومن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عنایت عطائی فرزند محمّد دوران متوسطه را در رشته ریاضی فیزیک، در سال 1371 به پایان رساندم، و در سال 1372 وارد حوزه علمیة قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عظیمی، شمس الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شمس الدین عظیمی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1 زندگینامه علمی
از روحانیون قبل از انقلاب و طلاب مدرسه حقانی (به مدیریت شهید قدوسی) و بعد از آن مؤسسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشتاری و مقاله‌نویسی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش رئالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می‌نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می‌نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله میبدی شرکت می‌کردم یک دوره شرح تجدید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الأن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و ردّ آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین(ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الأمام امیرالمؤمنین علی(ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد

ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقده، یکسال سقزّ بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.
پس از 20 سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح 2 و سطح 3 را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه 2) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی 12 ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان 14 درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از 5 سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس‌دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مه‌رویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف 14 ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود 5 الی 6 ماه است که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

عفیفی، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق.
تولد: 1302(22 رمضان 1345 ق.)، شیراز.
درگذشت: 1375.
رحیم عفیفی در دو سالگی پدرش را از دست داد و دایی او عبدالله عفیفی (از آزادیخواهان خطه فارس) سرپرستی او را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در شیراز و دوره‌ی دوم را در دبیرستان کشاورزی کرج گذرانید و در خرداد 1320 دیپلم پنج ساله‌ی کشاورزی را به دست آورد و در اداره‌ی کشاورزی شیراز مشغول به کار شد. در همین اوقات دایی او دو روزنامه یکی به نام «فروردین» در نیمه‌ی دوم 1320 و دیگری به نام «سروش» در نیمه‌ی دوم سال 1321 در شیراز انتشار داد که اداره امور داخلی آنها به عهده وی بود. پس از مرگ دایی در سال 1327 تحصیلات خود را دنبال نمود و با گرفتن دیپلم ادبی در شیراز به تهران منتقل شد و در رشته‌ی ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در نتیجه در سال 1331 به درجه‌ی لیسانس و در سال 1335 فوق لیسانس و در سال 1338 به درجه‌ی دکترای ادبیات نایل آمد و در سال 1339 پس از گذراندن مقررات مربوط، به سمت دانشیار زبان پهلوی در دانشگاه مشهد انتخاب شد.
وی در سال 1338 در سازمان نو بنیاد جنگلبانی ایران مسئول اداره‌ی آموزش و انتشارات و تبلیغات بود و مدیریت ماهنامه‌ای به نام نشریه‌ی «جنگل‌ها» را که مجله‌ای فنی بود به عهده داشت و با همه کمبودهای آن زمان به طور مرتب مدت پنج سال آن را انتشار داد و سرپرستی دو دوره کلاس کمک مهندسی و جنگلبانی را عهده‌دار بود و در سال 1336 نیز مدتی سرپرستی اداره‌ی انتشارات وزارت کشاورزی به وی محول شد.
در سال تحصیلی 1340 -1339 وی در دانشگاه مشهد به تدریس زبان‌های پیش از اسلام (پهلوی، فارسی باستان، اوستایی) و زبان‌شناسی و فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال 1341 به عضویت شورای انتشارات دانشگاه برگزیده شد و از طرف شورای مذکور به سمت مدیر عامل سازمان چاپ دانشگاه انتخاب گردید تا برای تأسیس مؤسسه چاپ اقدام نماید وی همچنین چند دور مدیر گروه آموزشی زبان‌شناسی و زبان‌های پیش از اسلام را عهده‌دار بود و برای تأسیس دوره‌های فوق لیسانس و

دکترای زبان‌شناسی در دانشگاه مشهد آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نمود و به تصویب رساند. در سال 1342 به منظور بازدید از مؤسسه‌های فرهنگی و دانشگاهی کشورهای همسایه مسافرتی به اتفاق دانشجویان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان نمود و در سال 1346 با استفاده از بورس تحقیقاتی دانشگاه مدت یک سال در کشورهای فرانسه و انگلستان سرگرم مطالعات علمی و تحقیقاتی بود. در کنار تدریس، به تحقیق می‌پرداخت و به تدریج سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه و با شرح و تفسیر در مدت چهارده سال در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» به چاپ رسانید. کتاب ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی را با شرح و تفسیر و واژه‌نامه در سال 1342 به چاپ رسانید و در سال 1343 ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو گوینده قرن هفتم هجری را انتشار داد. اثر دیگر عفیفی هوشیدران (متن پهلوی و ترجمه فارسی، 1345) است. وی همچنین کتاب فرهنگ جهانگیری با شرح و حواشی و شواهد گوناگون در سه جلد و 3400 صفحه در سال 1354-1351 انتشار داد. این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا گردید. وی در برخی از کنگره‌ها حضور می‌یافت و سخنرانی‌هایی درباره‌ی فردوسی و دقیقی ایراد می‌کرد که متن آنها جداگانه به چاپ رسیده است. برخی از مقاله‌های ایشان در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» منتشر شده است.
پس از تشکیل شورای دانشگاه مشهد از طرف شورای دانشکده‌ی ادبیات به عضویت شورای دانشگاه و نیز شورای آموزشی دانشگاه و شورای تحقیقات دانشگاه برگزیده شد و نمایندگی دانشکده ادبیات در هیئت ممیزه دانشگاه نیز به وی محول گردید.
در مهر 1358 تقاضای بازنشستگی کرد. در اردیبهشت سال 1359 از مشهد به تهران آمد. در این دوره کار تحقیق و مطالعه در آثار ادب فارسی را دنبال نمود. از آثار این دوره فعالیت اوست: تصحیح کتاب بهمن‌نامه (از آثار اواخر قرن پنجم هجری)، مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری (1371)، فرهنگنامه‌ی شعری (شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات و آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری در سه جلد)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، واژه‌نامه پهلوی به فارسی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم عقیقی بخشایشی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1322/1/1
زندگینامه علمی
عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال 1361 ه.ق (مطابق با 1320 ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در 65 کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال 1378 ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.
هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال 1391 ه.ق (1349 ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال 1340 ه .

ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال 1340 و 1341 نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال 1350 ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت. محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به 110 جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود 12 سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد:

1. احداث دو باب دبیرستان 12 کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال 1366 ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. 2. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (10 دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال 1370 ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. 3. احداث و مرمت جاده شوسه 14 کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال 1367 که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد. 4. فراهم آوردن

مقدمات جاده کشی 12 کیلومتری راه کردکندی، اشتلق علیا و سفلی و تازه کند، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسزایی دارد. 5. خرید زمین، به مساحت 4000 متر و پی ریزی دبیرستان 8 کلاسه به نام «دبیرستان صدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. 6. ایجاد و احداث یک باب مسجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. 7. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود 250 عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نوید اسلام) گردیده است. 8. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. 9. توجه دادن جمعی از مردم شریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از 15 عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

عقیلی، مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌نعیم بن محمد مؤمن عقیلی استرآبادی اصفهانی، متوفی در حدود سال 1160، مؤلف: ترجمه‌ی کتب اربعه‌ی سماویه.
وی از پدر خود و عمویش میرزا رحیم بن محمد مؤمن که هر دو از علمای نامدار می‌باشند روایت احادیث می‌نموده است.
مرحوم میرزا رحیم عقیلی در زمره علمایی است که خط آنان در خطبه‌ی اول کتاب «جامع الرواة» موجود است، و جدش محمد مؤمن داماد لطف‌الله عاملی میسی صاحب مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عکاسباشی، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1294 -1253 ش)، عکاس، فیلمبردار و مترجم. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش عکاس‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه بود. او از نوجوانی تحصیلات خود را در هنر عکاسی و گراورسازی در پاریس آغاز کرد. پس از مدتی همراه پدر به تهران آمد و ملتزم مظفرالدین‌شاه شد و در 1277 ش، لقب عکاس‌باشی گرفت. میراز ابراهیم‌خان نخستین فیلم را در استاند بلژیک در مراسم جشن گلها فیملبرداری کرد و سپس همراه شاه به تهران بازگشت. عکاس‌باشی ضمن نمایش فیلم در دربار، گاهی نیز به فیلمبرداری می‌پرداخت. در «تاریخ سینمای ایران» محل وفات وی چابکسر قزوین ذکر شده که به نظر اشتباه می‌رسد و باید چابکسر لاهیجان باشد. از دیگر آثار او، ترجمه‌ی «رساله‌ی لکه‌گیری» از فرانسه به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ سینمای ایران (22 -21)، مؤلفین کتب چاپی (74 / 1).

عکاشه، جلال‌الدین فریدون

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، شاعر و ادیب، متخلص به عکاشه. وی به دستگاه جلال‌الدین مسعود اینجو (م 743 ق) و برادرش شاه شیخ ابواسحاق اینجو اختصاص داشت. او در شعر فارسی و عربی و نظم قصاید مصنوع و موشح دست داشت. از آثارش: قصاید «ربیعیه» و «رحیقیه»؛ مجموعه‌ی «منشآت»، که به چاپ رسیده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1091 / 3)، تاریخ نظم و نثر (765 ،214).

علاقه‌بند، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا محمدعلی، از محترمین اهل منبر اصفهان بوده، و سال‌ها در این شهر به وعظ و ارشاد و هدایت مردمان پرداخته، در سال 1325 به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته، قبرش در همین اطاق می‌باشد.
پدرانش همگی اهل علم و منبر اصفهان بوده و در این شهر می‌زیسته‌اند.
دیگر از مدفونین در این اطاق: مرحوم حاج سید مصطفی مؤید الاطباء فرزند میرزا محمد تقی حسینی درب امامی، از پزشکان معروف اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی و دیگران است. در 1373 به سن متجاوز از نود سال وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علامه حایری، محمدصالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدصالح بن العلم العلام الحاج الشیخ میرزا فضل‌اللَّه مجتهد حایری مازندرانی متوفی (1346 ق) از مشاهیر علماء و معاریف مجتهدین معاصر ما بوده‌اند که در شهر ساکت و آرام سمنان چون یوسف (ع) و چاه کنعان بسر می‌بردند.
وی در سال هزار و دویست و نود و هفت قمری در کربلا متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و مرحوم والدش در ماده تاریخ ولادت این فرزند برومند گفته (بالخلف الصالح قولوا مرحبا).
علامه حایری ره در دامن پرمهر مادر عفیفه و صالحه‌ای که دختر مرحوم آیت‌اللَّه حاج ملا محمدیوسف استرآبادی صاحب کتاب (صیغ‌العقود) و کتب دیگر تربیت شده و مقدمات را از محضر آخوند ملا عباس اخفش و آخوند ملا علی سیبویه استفاده کرده و در همان اوقات الفیه‌ی ابن مالک را تخمیس نموده و پس از مقدمات به خواندن سطح فقه و اصول پرداخته و به نجف اشرف عزیمت نموده و از سال 1312 تا سال 1324 قمری در باب مدینه علم از محضر مرحوم علامه خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی فقه و اصول را استفاده نموده و معقول را از حاج ملا اسماعیل بروجردی حائری فراگرفته و در اوائل بلوغ بسر حد اجتهاد رسیده و پس از تکمیل مبانی فقه و اصول و علوم عقلی در مدت دوازده سال به واسطه کسالت ضعف چشم به ایران آمده و مدتی در تهران به معالجه پرداخته و پس از آن به بارفروش (بابل) فعلی رحل اقامت افکنده و مرجع تقلید جماعتی گردیده و از آنجا اجباراً به سمنان منتقل و تا سال 1391 قمری به اقامه جماعت و تدریس و تألیف اشتغال داشتند و در سال مزبور در سن نود و شش سالگی وفات نموده و جنازه‌اش با تجلیل حمل به مشهد مقدس و در جوار سلطان سریر ارتضا علیه آلاف التحیة والثناء مدفون گردیده است.
مرحوم علامه سمنانی در قدرت ادبی به عربی و فارسی وحید عصر و فرید دهر خود بود و تمام بزرگان و ادباء عراق و ایران او را به استادی تعظیم و تکریم نموده و به نبوغ می‌ستودند بیش از سیصد مجلد تألیف از کتاب و رساله دارد که همه در کتابخانه شخصی ایشان آماده برای چاپ می‌باشد.
فهرست تألیفات و تصنیفات این فقیه اصولی و متکلم رجالی و ادیب اریب

و شاعر ماهر و حکیم ربانی در فنون مختلف در کتب تراجم مانند ریحانةالادب والذریعه و علماء معاصر و غیره مذکور است.
علامه حایری در فن سرودن قصائد عربی متبنی عصر خود و در سرودن قصائد غزلیات فارسی سعدی زمان بود در انشاد مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع) ید طولائی داشت بلکه از جهاتی بی‌نظیر بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

علامه شهریاری

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وی در حدود سال 1325 ق متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات در زادگاه خود و تهران در اوائل تاسیس حوزه علمیه قم مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را در خدمت مدرسین حوزه تکمیل و معقول (شرح منظومه) و غیره را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین شهری استفاده و در درس خارج آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه حجت و غیرهم حاضر و کسب فیض نموده آنگاه برای خدمات دینی و اجتماعی و تبلیغ احکام مراجعت و در علیشاه عوض مرکز شهریار اقامت و تاکنون بانجام وظائف دینی و غیره اشتغال دارند.
دارای اجازات روایتی و غیره از مرحوم ثقةالمحدثین حاج شیخ عباس قمی و دیگران می‌باشند.
نگارنده گوید: آقای علامه شهریاری عالمی بصیر و فاضلی روشن ضمیر و دارای طبع روان و ذوق فراوان و خوش مجلس و محاوره می‌باشند. دیوان اشعاری در مدایح و مراثی و نصایح و مواعظ دارند که بنظر آیت‌اللّه العظمی و العلامه الکبری آقای مرعشی نجفی مد ظله رسیده و تقریظ جامع و کاملی که مقام علمی و ادبی مترجم معظم را معرفی می‌کنند بر آن مرقوم فرموده‌اند ولی متاسفانه تاکنون بطبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی هشترودی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد علامی بن العلم العلام آقا شیخ محسن علامی از فضلاء آذربایجان مقیم قم می‌باشد.
وی در سال 1302 شمسی در سراسکند که از محال هشترود می‌باشد و در سن پانزده سالگی به تبریز آمده و بتحصیل علوم دینی پرداخته و در سن بیست سالگی مکاسب را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی صاحب کتاب (هدایه الطالب الی اسرار المکاسب) و کتاب فرائد را محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمود دوز دوزانی خوانده و ضمنا بتدریس مطول و لمعه اشتغال داشته و در سن 25 سالگی در سال 1327 شمسی به قم آمده و کفایه را از محضر مبارک آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله آموخته و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه العظمی برجرودی شرکت نموده و استفاده کامل کرده و بتدریس رسائل و مکاسب پرداخته و چند سالی است که در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت در مسجد امام حسین (کوچه شیخ مهدی) ترویج دین اشتغال دارد. معظم له حکمت و فلسفه را هم از محضر آیت‌اللّه حاج سید ابوالحسن رفیعی و علامه بزرگوار آقای طباطبائی آموخته است.
دارای آثار علمی میباشد که از آنها است:
1- ایضاح المطالب فی شرح المکاسب که بطبع رسیده است.
2- جلد دوم غایه الایضاح که دارای پنجاه ماده است.
3- رساله‌ای در اصول‌الدین که تحقیقی و اجتهادی و استدلالی نوشته‌اند.
4- کتاب جامع الروایات والمطالب.
5- تقریرات درس طهاره مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی.
6- تقریرات بحث بیع مکاسب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علامی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علامی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از محضر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکاسب را از محضر حضرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی (ره) صاحب کتاب «هدایه الطالب الی اسرار المکاسب» که مجتهد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضر حضرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتید معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضر می شدند چون عبارات را صحیح و با دقت می خواندم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسین فضلای حوزه است و فضلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.
کفایتین را از محضر حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شرح نوشته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شروع کنید بی میلی نیستم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علامی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجواد علامی تبریزی از فضلاء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه است وی در تبریز متولد و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در مدرسه طالبیه تبریز به قم مهاجرت و سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری حاضر و حدود ده سال استفاده نموده و مورد توجه مخصوص آنجناب گردیده تا سال 1394 قمری که پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدحسن علامی مذکور به تقاضای اهالی مسجد آن مرحوم و حسب‌الامر آیت‌اللّٰه شریعتمداری به کرمانشاه مهاجرت و تااکنون به اقامه جماعت در مسجد ترکها و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارند
نگارنده گوید: آقای علامی فاضلی ظریف و خوش‌مجلس و محاوره و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و صفا و صداقت می‌باشند
و در مسجد مزبور کتابخانه‌ای برای جوانان تأسیس و شبها جلسه پاسخ به پرسشها بعد از نماز مغرب و عشا دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علایی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1287.
درگذشت: 12 آبان 1372.
علی علایی در ادبیات عرب و فارسی و فرهنگ ایران زمین مطالعاتی داشت. وی مدیر هفته‌نامه‌ی «پیک نوروز» در اردبیل بود. این هفته‌نامه بعد از چند سال انتشار، بعد از کودتای 28 مرداد 1332 توقیف شد. مبارزات قلمی علایی و نقش روشنگرانه‌ی «پیک نوروز» در مشاهیر آذربایجان در فصل «تاریخچه مطبوعات اردبیل» آمده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علایی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از نویسندگان و مترجمان پرکار معاصر بود. از آثار وی: «از منگلفیه تا شاه»، تاریخ هواپیمایی؛ «چهار سرباز پیاده‌ی ارتش آلمان»، ترجمه؛ «در پناه بودن از خطر حملات هوایی»؛ «فتح آسمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1125 ،175 -174 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (650 -649 / 6).

علائی، محمدابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدابراهیم علائی از فضلاء اهل منبر و دانشمندان خطباء معاصر می‌باشد.
وی در حدود سال 1342 ق در اراک متولد شده و پس از پرورش صحیح و خواندن دروس جدید تا درجه دیپلمی به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخته و مقدمات و ادبیات را از مدرسین اراک آموخته و متون و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقای گلپایگانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید و دانشمندان دیگر آن سامان فراگرفته و هم به بعضی از زبانهای زنده روز کاملا آشنا شده و بواسطه مطالعه در علوم و فنون مختلفه اطلاعات وسیعی در علوم روز کسب نموده و با اینکه فرهنگ اراک و غیره می‌خواست با دادن حقوق زیادی از مقام استادی وی برای تدریس دبیرستانها استفاده کند معظم له نپذیرفته و رشته منبر و سخنرانی را انتخاب و از این راه در اراک و غیره خدمات بارزی به دین نموده و بسیاری از نسل جوان و روشنفکر آن را ارشاد و از انحراف و مسیر غلط گردانیده است.
جناب آقای علائی از سال 1390 ق منتقل به تهران شده و تا حال حاضر از طریق منبر و وعظ در هیئت محترم (فاطمیون) تهران و مساجد و مجالس دیگر به انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
مؤلف گوید: قریب سی سالست که معظم له را از نزدیک می‌شناسم دانشمندی وارسته و واعظی شایسته و ادیبی فرزانه و خطیبی پرمایه و فاضلی خلیق و دوستی صدیق می‌باشد. بیانی ملیح و منطقی صریح دارد.
منبرش اخلاقی و آموزنده و در بحث ولایت و فضائل خاندان رسالت بسیار ارزنده می‌باشد. از خداوند بزرگ موقعیت و پیروزی امثال ایشان را خواسته و برادران دینی را به قدردانی از این گونه خدمتگذاران که زبان گویای شیعه و خلفاء رسول ص هستند توصیه می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علم الهدی شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج سید علی اکبر واعظ طباطبائی یزدی است که در 13 رجب 1297 متولد گردید، و در شب 5 شنبه 17 جمادی الثانیه‌ی این سال وفات یافته، جنازه به شیراز منتقل گردیده، در شاه چراغ مدفون گردید.
عالم جلیل، و فقیه محدث، و ادیب جامع، و شاعر کامل بود، و سال‌ها در اصفهان ساکن، و محضرش مجمع افاضل و اماثل بوده، در اخلاق و ملکات نفسانی و قدرت حفظ، عدیم النظیر بود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

علم، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. از مترجمان پرکار قرن حاضر است از آثار وی: «پیامبر»،ترجمه؛ «راهنمایی نوین اسکی»، ترجمه؛ «شخص نامرئی»، ترجمه؛ «عقیده و عمل»، ترجمه؛ «میراث اسلام» (در سیزده فصل و هر فصل به قلم یکی از مستشرقین)، ترجمه از انگلیسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (232 / 6)، یادگار (س 4، ش 1 و 2، ص 124 -121، ش 5، ص 51 -48)، یغما (س 1، ش 3، ص 132 -125).

علماء، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید رضای قمی معروف به علماء از افاضل دانشمندان و قدماء حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان مذهبی قم است.
تولدش در قم واقع شده و سطوح را از مدرسین حوزه بالاخص حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله فراگرفته و بالغ بر 18 سال از ابحاث زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی استفاده کرده و بعد منحصرا به درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی حاضر شده و می‌شود.
عالمی ظریف و دانشمندی لطیف و خوش اخلاق و محاوره است همواره چهره‌اش گشاده و لبانش متبسم و در اکثر بحثها و دروس سیدنا الاستاد فقیه اهل البیت علیهم‌السلام آقای مرعشی نجفی سلمه‌الله با ما شرکت داشته و دارند.
برادر ایشانست ثقه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج‌آقا حسین علماء که نیز از شرکاء درس آیت‌اللهی مرعشی نجفی هستند و از طرف معظم‌له در هفته یکشنبه یا دوشنبه در مسجد جمکران اقامه جماعت نموده مردم را در پیرامون ولایت مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و نیز در شهر قم از طریق منبر ارشاد مردم نموده و بیان احکام و معارف اسلام می‌نمایند و همه روزه ظهر و شب در نماز جماعت آیت‌الله مرعشی شرکت نموده و استفاده می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علم‌الهدی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد بن العالم الجلیل الحاج السید علی بن الحسین معروف بعلم الهدی خراسانی از علماء اعلام و وعاظ کرام معاصر تهران است.
وی در سال 1348 ق تقریبا در مشهد مقدس متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات (در خدمت آقای ادیب نیشابوری و محقق نوغانی) قسمتی از سطوح را از مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی فراگرفته آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل متون فقه و اصول از محضر و دروس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه موسوی و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان برای تبلیغ احکام و تنویر افکار بنا بر دعوت به شهرستانها و بالاخص بمرکز و عاصمه تشیع (تهران) مسافرت و از راه منبر و بیان خدماتی انجام داده و مورد توجه بسیاری از مردم متدین و دانا و روشن فکر قرار گرفته که از ایشان برای اداره مسجد (صاحب الزمان) انتهای خیابان شاهپور دعوت و از سال 1390 ق تاکنون در مسجد مزبور به اقامه جماعت
و گفتن تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند و در مجالس بسیار دیگری از هیئات مذهبی انجام وظیفه می‌نمایند.
نگارنده گوید: آن جناب دارای منطقی گویا و بیانی شیوا و محامد آداب و محاسن اخلاق و موصوف بفضل و تقوا و با برادر ارجمندش که ترجمه‌اش ذیلا خواهم نوشت ستاره درخشان از آسمان علم قم و خراسان می‌باشند که در محیط تهران به نورافشانی و روشن کردن دلها و افکار روشنگران فروزندگی دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علمی عراقی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمود علمی از علماء محترم و دانشمندان معظم و قدماء مکرم حوزه علمیه قم‌اند که به محامد آداب و محاسن اخلاق و متانت موصوف و و به فضل و تقوا معروف می‌باشند. در ربیع‌المولود 1323 قمری در اراک متولد شده و پس از طی مقدمات در سال 1340 قمری به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مرحوم میرزا محمد ثابتی همدانی و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم آیت‌الله صدر استفاده کرده و به درس و بحث مرحوم آیت‌الله حایری شرکت نموده و پس از فوت آن مرحوم از محضر آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالغ بر هیجده سال از مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و چندین سال تصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف آن مرحوم با ایشان بوده است و پس از آن مرحوم به آیت‌الله العظمی شریعتمداری پیوسته و تا هم اکنون به مباحثه معظم‌له شرکت می‌نمایند.
حکایت کردند برای نگارنده که در ماه شوال 1392 ق شبی در خواب دیدم که حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف ظهور کرده‌اند پس شرفیاب شدم حضورشان دیدم عده‌ای از آقایان هستند محضرشان که در میان آنها جناب آقای قاضی طباطبائی حاج سید حسین و آقای حاج سید مرتضی برقعی واعظ معروف بود و می‌خواستند قبل از قیامشان منبر بروند پس آقای قاضی گفتند منبر آقا را مقابل قبله بگذارند آقای برقعی گفتند منبر آقا را رو به کشور ترکیه بگذارید که آقا با مردم ترکیه صحبت کنند پس منبر را به سمت ترکیه گذاردند و آقا به منبر رفتند و من از خواب بیدار شدم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

علوی بروجردی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی فرزند حجةالاسلام و المسلمین مرحوم حاج سید ابوالقاسم علوی دومین داماد آیت‌اللّه العظمی بروجردی و از بنی اعمام ایشان از خاندان طباطبائی بروجرد هستند. جد ایشان مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدحسین از علماء بزرگ بروجرد و حوزه علمی ایشان در عصر خودش از حوزه‌های بزرگ بروجرد بوده است.
و نیز جد بزرگ او مرحوم حاج سید ابوتراب از بزرگان سلسله طباطبائی در جود سخا و حسن خلق زبانزد خاص و عام بوده است. مقبره‌اش در نجف اشرف در بقعه مرحوم بحرالعلوم علیه‌الرحمه است.
مترجم گرامی ما در سال 1304 شمسی در بروجرد متولد شده و در دبستان و دبیرستان آن شهر تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده و بعد از تشرف مرحوم آیت‌اللّه فقید به قم بفاصله شش ماه به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینی نموده و بعد از فراغت از سطوح در نزد اساتید معظم حوزه هفت سال در محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی حاضر و از خرمن فضیلت آن مرد بزرگ خوشه‌ها چیده و در سال 1328 شمسی بمصاهرت آن بزرگوار مفتخر و پس از فوت آن مرحوم مهاجرت به تهران نموده و در مسجد فخریه تهران بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر بحرالعلوم تهرانی به اقامه جماعت و ترویج دین و نشر احکام شرع مبین و تنویر افکار جوانان و روشنفکران پرداخته و تا هم‌اکنون به این خدمات اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آقای علوی علاوه بر تحصیلات جدید و قدیم بزبان انگلیسی نیز تسلط دارند و دانشمندی ادیب و آشنای به ادبیات عربی و فارسی می‌باشند و در نویسندگی نیز توانا هستند.
از آثار مطبوع ایشان کتاب خاطرات زندگانی حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی است که در بیست و پنج هزار نسخه منتشر گردیده.
و دیگر از آثار وی تأسیس حسینیه علوی در خیابان فرهنگ نزدیک به خیابان امیریه می‌باشد که پایگاه و مرکز حساسی برای نشر معارف اسلامی است و در روزهای جمعه از اول آفتاب تا قریب بظهر خطباء و گویندگان بزرگ برای صدها نفر مردم مرکز موعظه نموده و سخنرانی می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج سید محمدباقر بن سید الاعلام السید علی بن السید حسین علوی مسجد حوضی تهران از علماء معروف تهران بودند و در مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک محله سرپولک اقامه جماعت می‌نمودند و در میان علماء و اهالی تهران بسیار محترم و مکرم و مورد وثوق قاطبه مردم بودند و با مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی صداقت تام و رفاقت تمامی داشتند.
وی در سال 1305 قمری هجری در تهران متولد و در کودکی قرآن و تجوید را از آخوند ملا علی فراگرفته و در مدرسه ادب تحصیلات جدید را آموخته و فقه و اصول را نزد آقا میرزا کوچک ساوجی که از علماء مشهور عصر و مدرس مدرسه صدر بودند خوانده و معقول را نزد حکیم دوران و فرید زمان آیت‌اللّه حاج عبدالنبی نوری طاب ثراه آموخته و پس از فراغ از تحصیل مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت یکسال از محضر مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و دیگران استفاده کرده و نائل به درجه اجتهاد شده آنگاه مراجعت به تهران و در مدرسه عبداللّه خان واقع در بازار بزرگ مشغول تدریس گشته و احکام تجارت و مکاسب را برای تجار بیان نموده و عده‌ای از بازرگانان از محضرش کسب فقه و معارف اسلامی نموده تا در ماه شعبان‌المعظم سال 1386 ق در تهران وفات و جنازه‌اش حمل به نجف اشرف و در جوار جد گرام خویش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی تهرانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد رضا بن الایه حاج سید محمدباقر علوی آنف‌الذکر از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال 1343 ق در تهران تولد یافته و در مهد علم و سیادت پرورش نموده و پس از خواندن دروس عالیه جدید، ادبیات و سطوح وسطی را در تهران آموخته و در سال 1364 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ قم فراگرفته و از دروس خارج مرحومین آیتین علمین آقای حجت و آقای خونساری استفاده نموده و پس از رحلت ایشان از محضر آیت‌اللّه العظمی زعیم اعظم آقای بروجردی و آیت‌اللّه شریعتمداری و آیت‌اللّه گلپایگانی و علامه معاصر آقای طباطبائی بهره‌مند شده و در سال 1386 ق پس از فوت مرحوم والدش به تهران مراجت و در مدرسه سپهسالار قدیم و مسجد حضرت امیر علیه‌السلام به اقامه جماعت و در مدرسه‌ی مزبور بتدریس و ترویج دین پرداخته و هم از محضر مرحوم وحید عصر آیت‌اللّه شعرائی حاج میرزا ابوالحسن قدس اللّه سره هیئت و نجوم و ریاضیات را آموخته و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

علوی شهیدی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا محمّد باقر علوی شهیدی عالم فاضل زاهد، از ائمّه جماعت اصفهان که به جای پدر در مسجد مقابل مدرسه نیم آورد اقامه جماعت می‌فرمود.
از شاگردان پدر خود، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی درچه‌ای، و میرزا حسین همدانی، و آخوند کاشی بود.
در شب 25 محرم سال 1385 بسنّ متجاوز از هفتاد و پنج وفات یافته، در تخت فولاد جنب فاضلان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

علوی فرد، یحیی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یحیی علوی فرد
محل تولد : بجنورد
شهرت : عموعلوی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/9/21
زندگینامه علمی
یحیی علوی فرد
یحیی علوی فرد در سال 1352 در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد به دنیا آمد . سال های ابتدائی مدرسه را در روستای محل زندگی گذراند و در سال 1366 وارد حوزه علمیه بجنورد شد . او بعد ها به مشهد رفت و در سال 1374 وارد حوزه علمیه قم شد . علوی فرد از همین زمان به صورت جدی وارد عرصه شعر کودک و نوجوان شد . او در جلسات هفتگی شعر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان با مدیریت آقای تقی متقی شرکت کرد . علوی در سال 1377شروع به درس خواندن در رشته روان شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) کرد . همچنین در همین سال همکاری خود را با مطبوعات کودک و نوجوان آغاز کرد . نتیجه کار او تا کنون چاپ صد ها قطعه شعر ، نقد ادبی و نثر در مجلات کودک و نوجوان است . علوی برخلاف بیشتر شاعران کودک و نوجوان سعی می کند به قالب چهارپاره بسنده نکند و در قالب های غزل و شعر نیمایی نیز فعالیت دارد . او همچنین به صورت پراکنده شعر بزرگسال نیز می گوید که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است . عناوین و افتخارات علوی در سال 1380 در پنجمین جشنواره دو سالانه مطبوعات کودک و نوجوان در رشته شعر رتبه اول را به دست آورد . همچنین در سال 1381 در جشنواره شعر دانشجویان شاهد رتبه دوم شعر بزرگسال را کسب کرد . او در سال 1382 لیسانس روان شناسی گرفت . همچنین در این سال یکی از شش نامزد دریافت جایزه در ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بود . در سال 1383 از سوی سازمان صدا و سیما، نویسنده برگزیده گروه کودک و نوجوان معرفی شد . در سال 1387 در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم قبول شد و در این سال در جشنواره هنر آسمانی (طلاب سراسر کشور)

در بخش کودک و نوجوان مقام اول را به دست آورد. از شاعران برگزیده شعر فجر در استان قم بود . همچنین کتاب نوآوری این است برگزیده ششمین جشنواره کتاب فصل در سال 1387شد. فعالیت ها علوی در کنار سرودن شعر ، نقد ادبی را جدی ترین فعالیت خود می شمارد . او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه سلام بچه ها همکاری جدی تری دارد که بعضی از این نقد ها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می رسد . او مقالات آموزشی در زمینه شعر و نثر ادبی را در مجلات انتظار نوجوان و ماهنامه ملیکا با اسم مستعار (عموعلوی) ارائه می کند . کتاب های چاپ شده از او عبارتند از : فصل ها زیبایند1385

بهار ماندنی 1387 (تقدیر شده اولین جشنواره آخرین منجی)

نوآوری این است 1387(برگزیده ششمین دوره کتاب فصل)

محمد دوباره می آید (زیر چاپ)

و...

یکی از جدی ترین فعالیت های علوی در کنار سرودن شعر و نقد ادبی ، تدریس زیبا نویسی ، مخاطب شناسی در ادبیات کودک و نوجوان، سرود دانش آموزی، و اداره جلسات نقد کارگاهی ادبیات کودک و نوجوان در قم می باشد . سابقه تدریس او در مراکز زیر صورت گرفته است : تدریس و نقد شعر در انجمن ادبی شاهد استان قم از سال 1378 تا 1382

تدریس و نقد شعر در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره در سال 1382

تدریس سرود دانش آموزی در دانشگاه قم در سال تحصیلی 1382-1383

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان از سال 1382 تا 1386

تدریس و نقد شعر کودک و نوجوان در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قم در سال 1385

و...

او هم اکنون در مقطع فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مشغول به تحصیل است . عضو تحریریه ماهنامه سلام بچه هاست از سال 1384 دبیر بخش ماهنامه انتظار نوجوان است و به مدت 5 سال سردبیر ماهنامه قاصدک بود . (ماهنامه قاصدک در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما برای برنامه سازان کودک و نوجوان به چاپ می رسد .)

علوی قزوینی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جواد فرزند عالم جلیل حاج آقا بزرگ علوی قزوینی از علماء و ائمه جماعت معاصر دارالمؤمنین قزوین است. در سال 1307 شمسی در بلده طیبه قم متولد شده و تحصیلات مقدماتی و سطوح را در شهرستان قزوین نزد والد بزرگوارش و سایر اساتید گرانقدر آن سامان عموی آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن رفیعی و آقا سید محمد تنکابنی به اتمام رسانیده و در سال 1335 شمسی برابر 1375 قمری عزیمت به قم نموده و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگوار آن دیار بهره‌مند گردیده و بالاخص افتخار شرکت در درس و محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و نیز حکیم متاله و فیلسوف الهی و مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی صاحب تفسیر و زین المیزان و عالم ربانی حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ مرتضی حایری و حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و آیت‌اللّه اراکی و حاج شیخ محمد فکوری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل مراتب علمی مراجعت به قزوین و به تدریس علوم مختلفه دینی و اقامه جماعت در مسجد سلطانی (مسجدالنبی- ص) و مسجد محله مسکونی خود (مسجد شیشه‌گرها) پرداخته و تاکنون اشتغال دارند. از آثار علمی ایشان تقریرات اساتید حوزه علمیه قم می‌باشد.
و از باقیات الصالحات معظم‌له:
1- بناء حسینیه سیدالشهداء در قزوین است و واقف آن مرحوم آقا میر عبدالباقی است که تولیت آن را با علماء و دانشمندان از خاندان علوی می‌باشد و این حسینیه مدتها به صورت مخروبه درآمده و تعطیل بود که به همت والای ایشان تعمیر و به صورت عالی و باشکوهی درآمده و اکنون مورد استفاده عموم علاقمندان می‌باشد و در آن نشر معارف اسلامی و تبلیغ دین و ترویج احکام و تفسیر قرآن و ذکر احادیث و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

علوی قزوینی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی علوی از دانشمندان و مستخرجین حوزه علمیه قم می‌باشند وی سالها از محاظر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم والدش و دیگران فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به قزوین آمده و پس از چندی اقامت مهاجرت به تهران و تا حال تحریر در قسمت غرب تهران به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی‌اصغر ابوترابی علوی سومین فرزند آن مرحوم و دارای مقام فضل و تقوا و مانند مرحوم والدش متعبد و متقی می‌باشند. تولد ایشان در قم واقع شده و در حجر تربیت چنان پدر بزرگواری پرورش و دوران کودکی را گذرانیده و پس از خواندن دروس فارسی و مقدمات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و از محضر مدرسین سطوح استفاده نموده و پس از تکمیل آن از دروس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و دیگران بهره‌مند شده و در سال 1382 قمری به قزوین وطن اصلی خود منتقل و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی قزوینی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن ابی‌تراب بن مرتضی الحسینی القزوینی عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا فقیهی عابد و ناسکی زاهد از علماء محترم حوزه علمیه قم بوده است
وی در سال 1291 ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال 1319 مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیتین علمین کاظمین علامه یزدی صاحب (عروة) و آخوند خراسانی صاحب (کفایه) استفاده نموده و در سال 1332 مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته تا سال 1342 ق که به قم منتقل و به امر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حائری (مؤسس) حوزه علمیه در نشییید حوزه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده و در مسجد بالاسر حضرت معصومه و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته و هم تدریس بعضی از متون فقهی نموده تا در 28 صفر 1364 قمری بعد از کسالت ممتد بدرود حیات گفته و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّٰه حائری مدفون شده است.
نگارنده گوید: مرحوم آقای قزوینی از عباد و زهاد علمائی بودند که توفیق زیارتشان را یافتم نسبت بحقیر محبتی داشته و همواره تشویقم بتحصیل علم و تهذیب اخلاق می‌فرمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی گنابادی، سلمان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سلمان علوی گنابادی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/10/1

زندگینامه علمی
متولد 1358
ورود به حوزه علمیّه 1373
پس از آشنایی با انجمن شعر و قصّه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم.
در سال 84-85 خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.
گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.
پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعّالیّت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال 81 (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام.
گاهی نیز تحقیقاتی – نه در این دو حوزه – داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی مقدم، سیدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جواد علوی مقدم
تاریخ تولد:66/5/3
سال آغاز هنر شطرنج:1372
رنگ مورد علاقه:آبی
آرزوی طلایی:دکترای عمران بگیرم.
مشوق اصلی:خانواده
مهره ی مورد علاقه:وزیر
مدرک تحصیلی:دانشجوی عمران دانشگاه علم و صنعت.
به جز شطرنج علاقه دارم به :کتاب های شعر،موسیقی سنتی،شنا و فوتبال
تاثیر شطرنج بر روی زندگی:باعث شادی روح آدم می شه!!
مربیان:استاد مرتضوی و استاد هرندی.
شطرنج را چه رنگی می بینید:سیاه سفید
فصل مورد علاقه:بهار
مقام های کسب شده:قهرمان زیر 10 ساله های جهان سال76 ،3 بار نایب قهرمان آسیا در سال های 77،80،82 . مقام سوم دانش آموزان جهان،قهرمان رده سنی کشور در سال های 74،76و80.مقام سوم زیر 18 سال کشور در سال 77.مقام دوم کشور در رده ی سنی زیر 16 سال.عضو تیم ملی در سال 79.دو بار قهرمان مسابقات ابوظبی،یک بار قهرمان مسابقات بین المللی نوجوانان در گرجستان،مقام اول باشگاههای کشور در تیم فرهنگسرای بهمن!
حرف آخر:مسئولان به ورزش شطرنج بیشتر توجه کنند واز مربیان خارجی برای تعداد بیشتری از بچه ها استفاده کنند.

علوی مقدم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1311، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای ادبیات فارسی در سال 1349، تدریس ادبیات فارسی در دانشگاههای عین شمس قاهره (مصر) و اسلام‌آباد پاکستان هر کدام به مدت یکسال در سالهای 1354 و 1367.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادب و فرهنگ اسلامی و ایرانی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 15 پایان‌نامه دکترا و 30 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 10
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
علوم بلاغی، تحقیقات ادبی، تفسیر آیات قرآنی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 97، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
ادبی، تفسیری، نکته‌های بلاغی قرآنی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

علوی مهر، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین علوی مهر
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
آقای حسین علوی مهر در تیرماه سال 1342 در شهرستان اهواز در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد و در سنین کودکی به بوشهر مهاجرت می کند تحصیلات خود را تا دیپلم در همان شهر گذرانده، سپس با وجود این که در سالهای 61 و 62 در کنکور امتحان داده و پذیرفته می شود اما ترجیح می دهد دروس حوزه را بخواند. وی جهت ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه اصفهان شده و ادبیات عرب را در مدت یک سال و نیم در آن حوزه تمام می کند. سپس برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت میکند. از سال 1363 به ادامه دروس پرداخته و سطوح عالیه را نزد اساتید بارز آن زمان، از جمله آیات وجدانی فخر، اعتمادی، موسوی تهرانی، احمد پایانی، جعفر سبحانی و جوادی آملی به اتمام می رساند. از سال 1368 در درس خارج آیات عظام مکارم شیرازی، وحید خراسانی، و میرزای تبریزی شرکت نموده و در سال 1371 در آزمون ورودی رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم شرکت نموده و پذیرفته می شوند و در سال 76-75رتبه ممتاز را کسب می نماید. و با یک سال مرخصی در سال 1377 سطح چهار را به پایان می رساند. ایشان دروس تفسیر را نزد آیات مکارم شیرازی، جوادی آملی، معرفت،شب زنده دار، خزعلی و محقق داماد و اساتید دیگر گذرانده است. پس از اتمام دوره در سال 1384 پایان نامه سطح چهار خود را با نام بررسی تفسیری و کلام آیات وحی با نمره عالی دفاع نموده و موفق به اخذ مدرک سطح 4 = دکترا شده است. تاکنون دو کتاب از ایشان با نام روش ها و گرایش های تفسیری و تاریخ تفسیر و مفسران چاپ شده که دو کتاب نیز با نام قرآن و دفاع(مبارزه) و بررسی حقیقت و ارکان وحی آماده چاپ دارند افزون بر آن بیش از بیست مقاله از ایشان در مجلات کشور منتشر شده است.

علوی، سجاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سجاد بن آقا سید قاسم علوی گرگانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر گرگانست.
معظم له در سال 1332 قمری در قریه (النگ) از قراء کرد کوه گرگان متولد شده و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و قرائت قرآن نموده و در سن پانزده سالگی والدین خود را در مدت یک هفته از دست داده و در تحت نظر حجةالاسلام مرحوم ملا محمدهاشم کردکوهی ادامه به تحصیل داده تا سال 1345 قمری که به مشهد مقدس رضوی عزیمت و حدود سه سال در آن سامان از مرحوم فاضل بسطامی و ادیب بزرگ نیشابوری (میرزا عبدالجواد) و آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم و سید بحرالعلوم و مقداری مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده و تکمیل ادبیات سطوح عالی را نموده.
و در سال 1347 ق مهاجرت به قم و مکاسب و رسائل و کفایه را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد همدانی به پایان رسانیده و طهارت شیخ را هم از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمد فیض قمی فراگرفته و حکمت و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی استفاده و از درس خارج صلوة مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و درس اصول آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی استفاده نموده و در سال 1353 قمری با توصیه و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حایری (مؤسس حوزه) مهاجرت به نجف و محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا برحسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه محقق آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و هم تدریس سطوح وسطی و عالی نموده تا بر حسب تقاضای اهالی استرآباد و بالخصوص اهل وطن خود و امریه مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی مراجعت به ایران و چندی در گرگان و زاده‌گاه خود اقامت و در سال 1366 ق بقصد توطن به قم عزیمت و در حوزه علمیه به تدریس مکاسب و کفایه پرداخته و بعد از چند ماه با اصرار اهالی گرگان و امریه مرحوم آیت العظمی بروجردی به گرگان برگشته و تا حال تحریر در مسجد جامعه به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه علوی گرگانی به واسطه داشتن ملکات فاضله

اخلاقی و مقام علم و دانش و قدس و تقوا و بیان شیوا و جامع در مواعظ و نصایح و ملاحت سخن در تفسیر قرآن مورد توجه قاطبه اهالی گرگان و اطراف آن و محبوبیت بخصوص دارد.
دارای فرزندان برومند و دانشمندی می‌باشد که از باقیات الصالحات و مصداق حدیث شریف (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشند و آنها از این قرار است.
1- جناب حجةالاسلام حاج سید محمدعلی علوی که از مدرسین و افاضل حوزه علمیه قم می‌باشند و در ج 2 ص 206 ترجمه اجمالی وی گذشت.
2- ثقةالاسلام آقای آقا سید حسن علوی که از محصلین جدی و بارع حوزه علمیه و آینده درخشانی دارند.
3- ثقةالاسلام آقای آقا سید حسین علوی که از محصلین جدی و یا برادر مذکورش در حوزه اشتغال بتحصیل و از دانشمندان بزرگ آتیه خواهند بود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علوی، سلیمان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سلیمان علوی
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/4/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگ‌سالی پس از معاف شدن از سربازی در سال 1349 به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال 22/6/1352 وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد.و در سال 1365 در امتحان پایه 9 قدیم حوزه موفق شدم.
کاری علمی:
مدتی با دایرة المعارف قرآن و دائرة المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم.مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم.همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم.از سال 1375 وارد دانشگاه آزاد اراک شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال 1380 به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال 1385 دوباره به تدریس متون مشغول شدم.و از سال 1378 تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.
تالیف:
تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال 1385 به چاپ رسیده است.

علوی، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف، محقق.
تولد: 1281، تهران.
درگذشت: 2 اردیبهشت 1359، تهران.
عبدالعلی علوی که در شعر «پرتو» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه اقدسیه به پایان برد، از آن پس به دارالمعلمین (دانشسرای عالی) وارد گردید و به تحصیل پرداخت و به اخذ لیسانس توفیق یافت و علوم عقلیه را نزد اساتید فن آموخت.
پرتو علوی در سال 1300 به عراق و از آنجا به مصر سفر کرد و مدت دو سال در دانشگاه الازهر مصر به تحصیل علوم نقلی پرداخت و از آنجا رهسپار اروپا شد و در برلین وارد مدرسه عالی کشاورزی گردید، اما نتوانست به تحصیل ادامه دهد. ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در وزارت دادگستری مشغول به کار شد و چندی نیز در راه‌آهن به کار پرداخت.
پرتو از سال 1318 به هنرسرای عالی انتقال یافت و به تدریس ادبیات و زبان خارجه مشغول شد و پس از سالی چند بازنشسته گردید و چون با زبان‌های عربی و آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت، به عنوان مترجم رسمی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌کرد و در ضمن تألیفاتی نیز از وی به یادگار مانده که از آن جمله است: زندگی علی بن ابی طالب (ع) (ترجمه از عربی)، راست و نو، دستور زبان آلمانی (به فارسی)، بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ) و چند اثر دیگر.
در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به مبارزه علیه شرکت‌های استعماری پیوست و در این راه به زندان افکنده شد. در شعر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علوی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی مشهور به (حاج آقا بزرگ) علوی موسوی بن العلم العلام میر سید محمدباقر بن العلامة السید علی قزوینی صاحب (حاشیه بر قوانین) که ذکرش گذشت از علماء اخیار معاصر قزوین بودند. نسب آن مرحوم منتهی می‌شود به امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام.
نسب کمثل الشمس اشرف نوره
فاضائت الاقطار بالنور الجلی
من حیث جدهم النبی محمد (ص)
و ابوهم الکرار حیدرة علی
وی در سال 1281 شمسی در قزوین متولد شده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته آنگاه به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی استفاده نموده و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی و روحی از اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه و ترویج دین پرداخته است.
از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی‌کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می‌نمود مانند بناء مساجد و اعانت به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت و غیر آنان از آنچه را که رضای امام (ع) را در آنست و برای خود و خاندان خود چیزی ازاین وجوه نمی‌گذاشت حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته نکرده و نداشت با اینکه مرجع اموال مردم بود.
و کان رحمه‌اللّٰه حافظاً لدینه فی حوادث دهره و داعیا الی اللّٰه بقوله و فعله و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظاً لدینه و تقویة لعقائد الناس و کان موته ثلمة فی الاسلام.
وی روز اربعین 1394 قمری از دنیا رفته و در تشییع جنازه‌اش بسیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل به قم نموده و در قبرستان نو. مرحوم حایری دفن نمودند.
دارای آثاری در مواعظ و اخلاق بوده‌اند که تاکنون بطبع نرسیده است. از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمندش جناب حجةالاسلام آقای آسید جواد موسوی علوی که در رشته‌ی اسلاف و نیاکان خود و بجای والد

مبرورش به خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

علی اکبری، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین علی اکبری
محل تولد : بیرجند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
به سال 1332 در روستایی به نام تقی آباد، از توابع شهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده ای مذهبی به جهان دیده برگشودم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتماعی قدم به دبستان نهادم. به لحاظ اینکه در آن زمان بسیاری از روستاهای کشور ما از جمله روستای ما فاقد دبستان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شده مقدّمات ورود به حوزه علمیّه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه ها و موانع با عنایت الهی حدود سال 1345 هجری شمسی به حوزه علمیّه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدّسه از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله شیخ جواد عارفی (ره) فرا گرفتم. سرانجام بعد از قریب پنج سال تلمذ با استیذان و مشورت از استاد به منظور ادامه تحصیل عازم شهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدّسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمانی یک ماهه در مدرسه فیضیه و موفّقیّت در آزمون خوابگاه، حجره ای در مدرسه مؤمنیه حضرت آیت الله نجفی مرعشی(ره) به بنده و یکی از دوستانم تحویل و مشکل حجره برطرف گردید، چنانکه موضوع شهریه نیز، پس از یک سال کوشش و تلاش و شرکت در آزمون و موفقیت درآن مرتفع شد گر چه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصیل فراهم گردید. حدود پنج سال در مدرسه یاد شده سکونت داشته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را می پیمودیم و به وقت آمدن به حجره با

خستگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غذا بپردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مدارس بود نه از ماشین لباسشویی و غیره. البتّه جد و جهد و تهجد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشرف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.
چنانکه امروزه هم برای بسیاری از طلاب حوزه علمیّه بحمد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری همانند استاد عرفانی و سلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاضل هرندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سیّد علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.
در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزانگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.
شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیّه شیعی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.
از همین رو است که از سال 1370 فعّالیّت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال 1374 به فیش برداری از منابع اوّلیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس ازآن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، ـ هر چند با بضاعت اندکی علمی ـ در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر درآورم.

علی عسگری، سعیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید رضا علی عسگری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1

زندگینامه علمی
پس از دیپلم در سال 1363 و پس از ترمیم برخی مجروحیتها دوران دفاع مقدس و مسائل جبهه و جنگ در آبانماه سال 1366 وارد حوزه علمیه شدم و دروس مقدماتی را آغاز کردم در سال 1370 به دلیل احساس نیاز و تعهد به مسائل فرهنگی وارد جامعه مدرسین حوزه علمیه و فعالیت در بخش سیاسی فرهنگی را آغاز کردم و در نشریه گزیده ها به مدت دوسال ونیم فعالیت داشتم در سال 1373 جهت کار پژوهشی حدیثی وارد دارالحدیث شدم که تا سال 1383 ادامه داشت در سال 1374 جهت تحصیل و ارتقای سطح دانش ادبیات عرب وارد دانشگاه مجتمع آموزش عالی (پردیس) و در سال 1378 فارغ التحصیل شدم در سال 1382 در رشته کارشناسی ارشد ادبیات عرب وارد دانشگاه آزاد اسلامی شدم و سال 1384 فارغ التحصیل شدم پایان نامه اینجانب راجع به؛ بازخوانی و جنبش جدید کتاب مقاییس اللغه در سال 1385 و با رتبه عالی نمره 5/19 مورد قبول واقع شده است

علیاری تبریزی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1236- 1327 ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در 1333 ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛
شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (282 / 8)، الذریعه (17 / 25، 410 / 24، 64 / 21، 250 / 13، 760 / 9، 160- 159 / 3، 496 / 2)، ریحانه (193- 192 / 4)، سخنوران آذربایجان (122- 120)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1479- 1476 / 14)، علماء معاصرین (97- 96)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (140 / 7).

علیزاده، اکبراسد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر اسد علیزاده
محل تولد : مشکین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال 1361 به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.
پس از اتمام دوره سطوح در سال 1372در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می کردم. و در سال 1374 رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال 1378 فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.
به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال 1371 شروع و در حال حاضر بیش از 60 اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال 1382 به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال 1382 به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. آثار وی: «ترکستان»، ترجمه؛ «مدنیت اسلام»؛«مراسلات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2982 ،2970 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (186 / 3).

عماد الواعظین، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج میرزا احمد عماد الواعظین نیز از افاضل اهل منبر و اخیار بود، عمری به زهد و قناعت گذرانید، در خدمت آقا سید محمود مغنی و آخوند ملا محمد حسین کرمانی و جمعی دیگر تحصیل نموده، در صبح روز جمعه سوم جمادی الثانیه سال 1384 وفات یافته، در جنب پدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عماد خراسانی، نسرین دخت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
نسرین دخت عماد خراسانی در سال 1327در تهران متولد شد .ایشان تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرد .او تحصیلات خود را در رشتۀ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراند.وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت کشاورزی می باشد. کتاب"فهرستگان کشاورزی ایران"تالیف سیمین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری گرایش : سیستم های اطلاع رسانی تحصیلات رسمی و حرفه ای : نسرین دخت عماد خراسانی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشتۀ علوم سیاسی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجۀ کارشناسی، تحصیلات خود را در رشتۀ علوم کتابداری در مقطع کارشناسی ارشد در همان دانشگاه ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات برخی دوره های تخصصی سیستم های اطلاع رسانی را نیز در کشورهای ایتالیا و ژاپن گذراندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : نسرین دخت عماد خراسانی 27 سال است که در وزارت کشاورزی به خدمت اشتغال دارد و علاوه بر آن در مراکز مختلف علمی نیز در دوره های کوتاه مدت، به تدریس کتابداری پرداخته است. وی در حال حاضر رئیس بخش اطلاعات وانتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی در وزارت یاد شده می باشد.جوائز و نشانها : کتاب"فهرستگان کشاورزی ایران"تالیف نسرین دخت عماد خراسانی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آموزشهای مذهبی در ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی اثر : (ویژه نامه نمایشگاه بین المللی کتاب)2 خدمت اطلاع رسانی کشاورزی در ایران: یک تجربه ویژگی اثر : مقاله،(نشر کتابداری دانشگاه تهران)3 فهرستگان کشاورزی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده

است.آشنایی با کتاب:«فهرستگان کشاورزی ایران»: فهرستگان کشاورزی ایران (5 جلد)؛ زیرنظر نسرین دخت عماد خراسانی؛ تهران: وزارت کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، 1372. برای هرگونه پژوهش علمی در زمینه های گوناگون کشاورزی، شناخت و ارزیابی پژوهش های انجام شده در گذشته ضروری است. فهرستگان کشاورزی ایران – شامل کلیه منابع فارسی و غیرفارسی، اعم از کتاب، مقاله، پایان نامه و گزارش مربوط به کشاورزی ایران از دوران قدیم تا سال 1369 – با چنین منظوری تدوین شده و برای نخستین بار است که بدین صورت جامع منتشر می شود. این کتاب در پنج مجلد به شرح زیر تنظیم شده است: جلد اول، مقدمه، کتابها، اسناد و مدارک. جلد دوم، کتابها، اسناد و مدارک. جلد سوم؛ مقاله ها و پایان نامه. جلد چهارم؛ آثار کشاورزی به زبانهای غیرفارسی. جلد پنجم؛ نمایه ها. دسته بندی فوق به گونه ای است که هماهنگی و انسجام مطالب را تضمین کرده است. «فهرستگان کشاورزی ایران» در حکم ابزاری مطمئن است که از طریق آن پژوهشگران می توانند به منابع موجود دسترسی یابند.

عمادالاسلام، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج شیخ جمال‌الدین نجفی.
عالم فاضل زاهد دائم‌الذکر، در اصفهان تحصیل نموده، در مسجد منشی الممالک اقامه‌ی جماعت می‌فرمود، و مورد احترام و وثوق عموم طبقات مردم اصفهان می‌بود.
در ظهر دوشنبه 26 جمادی‌الثانیه 1386 به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در تخت فولاد در جنب تکیه‌ی بابارکن‌الدین در تکیه‌ای مخصوص مدفون گردید، و جهت او بقعه‌ی عالی بنا گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(597 -519 ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به این اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجددا به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»،در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفیح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[1]
(بخش 1) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابوعبداللّٰه، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان 519 ه.ق./ 1125 م.- ف. دمشق 597 ه.ق/ 1201 م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیرة رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به

صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدة القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرة الفترة و عصرة الفطرة در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبدة النصرة و نخبة العصرة نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (254 -253 / 7)، ایضاح المکنون (629 -92 / 2)، تذکره القبور (451)، دایره‌المعارف فارسی (1767 / 2)، ریحانه (201 -200 / 4)، سیر النبلاء (350 -345 / 21)، شذرات الذهب (333 -332 / 4)، العبر (120 / 3)، کشفاالظنون (2049، 1956، 1316، 1103، 954، 803، 702 -701، 288، 239)، الکنی و الالقاب (484 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین کاتب)، معجم الادباد (28 -11 / 19)، معجم المؤلفین (205 -204 / 11)، النجوم الزاهره (160 -159 / 6).

عمائی، صدیق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. از آثار وی: «بیعاران پاریس»، ترجمه؛ «اسکندر مقدونی»، ترجمه؛ «پادشاه شکم‌پرست»، ترجمه؛ «فرشته و زاهد»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2987، 2406 / 2، 579، 561، 213، / 1)، مؤلفین کتب چاپی (546 -545 / 3).

عمرانی خوارزمی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 560 ق)، مفسر، عالم، ادیب، لغوی و شاعر معتزلی. ملقب به حجه‌الافاضل و فخرالمشایخ و، به آورده‌ی «هدیه العارفین»، معروف به ابن‌عراق و از خاندان بزرگی در سرخس بود. ادب را نزد محمود بن عمر زمخشری فراگرفت و از نزدیکترین شاگردان و اصحاب وی شد. عمرانی از عمر ترجمانی و حسن بن سلیمان خجندی و قاضی عبدالواحد باقرحی حدیث آموخت. او اشتیاق کامل به کسب علم داشت. در اواخر عمر آنچنان سرآمد شد که علمای بزرگ به محضرش می‌آمدند و دانش خود را بر او قرائت می‌کردند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواستند. از وی اشعار زیبایی به جای مانده است. از آثارش: «تفسیر القرآن» یا «شماریخ الدرر فی التفسیر الآی و السور»؛ «الاشقاق اسماء»؛ «المواضع و البلدان»، که به نوشته‌ی «کشف الظنون» این دو کتاب یکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5 / 150)، روضات الجنات (243 -242 / 5)، ریحانه (206 -205 / 4)، کشف الظنون (446، 102)، لغت‌نامه (ذیل/ علی و ابوالحسن)، معجم الادباء (65 -61 / 15)، معجم المؤلفین (215 / 7)، الوافی بالوفیات (95 -94 / 22)، هدیه العارفین (698 / 1).

عمومی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد عمومی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
تولد:1343 دیپلم:1361 ورود به دانشگاه:1362 و 2 سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال 1361 اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال 1364 اشتغال به خارج فقه و اصول از سال 1371 در اصفهان هجرت به قم در سال 1374 تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال 1376 تا 1382 بیش از 18 سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال 1380همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از 13 سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال 1385 همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمید زنجانی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا عباسعلی عمید زنجانی سبط فیلسوف بزرگ و فقیه جامع آیت‌اللّه میرزا مجید زنجانی از علماء و نویسندگان معاصر تهران است و در مسجد لرزاده به اقامه جماعت و تدریس و ترویجات دینی اشتغال دارد.
وی در سال 1316 شمسی در شهرستان زنجان متولد شده و تحصیلات جدید کلاسیک را با مقدمات علوم دینی در آنجا خوانده و در سال 1370 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح متوسط و عالی را بطرز خصوصی از محضر اساتید با فضل و کمال حوزه فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و ضمنا علوم هیئت و کلام و فلسفه را از اساتید معروف آموخته و در سال 1340 شمسی مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آن سامان از محضر دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله و آیت‌اللّه آقا میرزا باقر زنجانی سلمه‌اللّه بهره‌ها برده و دراسات آن دو استاد بزرگ را برشته تحریر و تقریر درآورده و در مراجعت از نجف اشرف در سال 1347 شمسی افتخار مصاهرت با حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مد ظله را پیدا و بار دیگر در قم برای ادامه تحقیق و تدریس توقف و شرکت در درس فقه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نموده تا سال 1391 ق که بدرخواست جمعی از مومنین تهران برای امامت مسجد لرزاده که یکی از مساجد حساس و بنام مرکز و از آثار مرحوم مبرور آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ علی‌اکبر برهان است منتقل به تهران شده و تا حال حاضر بانجام وظائف دینی و ارشاد و امامت و تدریس و خدمات اجتماعی اشتغال دارند.
دارای تألیفات ارزنده و آثار آموزنده‌ای می‌باشند که بقسمتی از آنها اشاره میشود:
1- تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
2- اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
3- اسلام و حقوق ملل مطبوع از دارالکتب الاسلامیه
4- حقوق اقلیتها مطبوع از انتشارات صدر
5- بنیادهای اصیل مطبوع از کتابخانه بزرگ اسلامی.
6- اسلام و سیستم بیطرفی.
7- مبانی تفسیر.
8- رساله‌ای در نکاح کتابیه.

9- رساله‌ای در ترتب.
10- المنهاج فی شرح وسیله النجاه.
13 -12 -11- سع جلد در قم برشته تحریر آورده که با همکاری چند تن از فضلاء تألیف و نشر گردیده است.
14- مقالاتی در نشریات ماهیانه حوزه انتشار داده است.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات حوزوی.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
کامپیوتری کردن علوم اسلامی، کامپیوتری کردن قوانین و مقررات، تکنولوژی جدید انفورماتیک، فقه و علوم حدیث، تفسیر و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان اخلاق، ادیان و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و سیره، حقوق و قوانین، استاد راهنمای 35 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 20
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
حقوق اسلامی، تفسیر و مبانی آن، فقه، فقه سیاسی، اقتصاد اسلامی، تاریخ تصوف و عرفان، حقوق اقلیتها و مبانی انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 50، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
مباحث مختلف حقوقی، مباحث فقه سیاسی، مسئولیت بین‌المللی ناشی از جریان سلمان رشدی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عمید، حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، فرهنگ‌نویس، نویسنده و روزنامه‌نگار. در مشهد به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل پرداخت. وی در جوانی به عضویت انجمن ادبی درآمد و به کار نویسندگی و فرهنگ‌نویسی پرداخت و مدتها در خراسان به پیشه‌ی روزنامه‌نگاری مشغول بود. عمید مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود. از آثارش: «اسرار مانیتیسم»؛ «بر خرابه‌های تخت جمشید»؛ «غلطهای فاحش فرهنگهای فارسی»؛ «فرهنگ عمید»؛ «نیکوکاران».[1]
فرهنگ نویس.
درگذشت: شهریور 1358.
حسن عمید عضو انجمن ادبی و از نویسندگان نشریه‌ی «خراسان» و مدیر «سالنامه‌ی خراسان» و روزنامه‌ی «طوس» بود.
از آثار اوست: اسرار مانیتیسم؛ بر خرابه‌های تخت جمشید (1310)؛ سالنامه‌ی خراسان (سال چهارم، 1316، سال پنجم، 1317)؛ غلطهای فاحش فرهنگ‌های فارسی؛ فرهنگ عمید (دو جلد1342)؛ نیکوکاران (بخش اول، مشهد، 1315)؛ فرهنگ نو (1333 ،1308)؛ فرهنگ کوچک عمید؛ فرهنگ مفصل عمید؛ فرهنگ برگزیده‌ی عمید؛ فرهنگ جیبی عمید (1335)؛ فرهنگ دبیرستانی عمید؛ فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید (1347)؛ طب جدید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (168 -167 / 3)، فرهنگهای فارسی (212 -209)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (252)، مؤلفین کتب چاپی (616 -615 / 2).

عمید، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود عمید
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
به سال 1349 در بروجرد در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم در سال 1367 در رشته علوم تجربی در مقطع متوسطه فارغ التحصیل شدم. در دوران دبیرستان در فعالیت های اجتماعی سیاسی حضور داشتم و به عنوان معاون آموزش در انجمن اسلامی دبیرستان و عضو فعال بسیج دانش آموزی انجام وظیفه می کردم به سال 1367 پس از اخذ دیپلم با شوقی فراوان به جرگه تشنگان ولایت و اهل بیت در حوزه علمیه قم پیوستم. در دوره سطح عالی از اساتید گرامی آقایان پایانی، محمدی خراسانی و علوی بهره بردم. از سال 1377 با شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله مهدی هادوی تهرانی از محضر ایشان کسب فیض نموده ام. همچنین مدتی توفیق درک محضر آیت الله شبیری زنجانی را داشتم. به موازات اشتغال به درس خارج در سال 77 مدتی با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما همکاری داشتم. از سال 83 بنابرعلاقه به موضوعات تقریبی با مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی – قم – همکاری پژوهشی داشته و در کنفرانس سالانه وحدت اسلامی به عنوان عضوی از پیکره تقریب شرکت داشته ام. از سال 1384 تا کنون در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس تاریخ اسلام اشتغال دارم. همچنین در خلال این سالها در فن ترجمه متون سنگین ادب و لغت عرب چون قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز پاره ای موضوعات فقهی فعالیت داشته ام که برخی به چاپ رسیده است. نیز به ارائه نکات انتقادی با نگرش جوان پسند پرداخته ام که حاصل آن دست نوشته هایی است که هنوز توفیق تنظیم و چاپ آنها را نیافته ام.
در پایان بر این باورم که می بایست از متون اساسی و جاودانه ای چون

قرآن و نهج البلاغه هر ده سال یکبار ترجمه ای روز آمد و متناسب با تحولات و ساختار زبانی به جامعه فرهنگ دوست عرضه شود.

عمیدی نوری، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی سپهر و دوره‌ی متوسطه را در شته‌ی ادبی در دارالفنون تمام کرد. در 1307 ش از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. وی مقالاتی در روزنامه‌های «ستاره‌ی ایران» و «طوفان»، می‌نوشت. مدتی دادیار دادستان تهران و وکیل دادگستری بود. وی صاحب امتیاز روزنامه‌ی «داد» و مدیر روزنامه‌های «پرورش» و «نوروز ایران» بود و تا 1332 ش نیز به سمت وکالت دادگستری اشتغال داشت. از آثار وی: «آذربایجان دمکرات»؛ «تخت جمشید»؛ «جرم و مجازات». لازم به ذکر است که عمیدی نوری یکی از افراد مؤسس اتحادیه مطبوعات ایران بود. [1]
فرزند محمدرضاخان عمیدالشعراء، متولد 1282 ش است. تحصیلات خود را در ایران انجام داد و از مدرسه‌ی حقوق درجه‌ی لیسانس گرفت و به وکالت دادگستری پرداخت. بعد از شهریور 1320 روزنامه‌ی یومیه‌ی داد را انتشار داد. این روزنامه در محافل سیاسی تهران برای خود جائی باز کرد، مخصوصا مقالات عمیدی نوری تحت عنوان «پشت پرده سیاست و زیر پرده سیاست» هواخواهان زیادی پیدا کرد. در 1324 که قوام‌السلطنه برای حل مسئله‌ی آذربایجان به مسکو رفت و با استالین و سایر مقامات شوروی مذاکره کرد، عمیدی نیز جزء هیئت قوام‌السلطنه بود و بعد از مراجعت سلسله مقالاتی درباره‌ی این مسافرت و مذاکرات آنجا نوشت که به صورت کتابی انتشار یافت.
در 1330 که مصدق‌السلطنه به ریاست دولت رسید، روزنامه‌ی داد جزء موافقین بود ولی خیلی زود یکی از مخالفین سرسخت مصدق شد. عمیدی نوری با مقالات انتقادی دولت وقت را مورد حمله قرارمی‌داد. چندین بار روزنامه‌ی او توقیف و خود به زندان افتاد. بعد از مرداد 1328 که دولت زاهدی بر سر کار آمد، عمیدی نوری سمت معاونت سیاسی نخست‌وزیر و ریاست اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات را پیدا کرد ولی این سمت او زیاد طول نکشید. در دوره‌ی هیجدهم از طرف مردم بابل به پارلمان راه یافت و در دوره‌ی نوزدهم نیز همچنان وکیل مردم بابل در مجلس شورای ملی بود. عمیدی نوری ضمنا یکی از ثروتمندان درجه اول ایران هم محسوب می‌شود.

کارهای وکالتی چندین بانک و شرکت دولتی با او بود. بعد از 1320 عمیدی نوری وکالت رعایا و زارعینی را قبول کرد که زمینهای آنها توسط اداره‌ی املاک پهلوی ضبط شده بود. به علت جو زمان، دادگاه‌ها احکام خود را به نفع زارعین صادر کردند و زارعین زمینهای خود را تصرف نمودند و در نتیجه عمیدی نوری هم بابت حق‌الوکاله صاحب زمینهای زیادی در مازندران گردید.
عمیدی نوری در سال 1359 از طرف دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم به اعدام گردید و در همان سال حکم به مرحله‌ی اجرا رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین ایران (282 -281)، تاریخ جراید (20 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (160 -159 / 1).

عناصری، جابر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جابر عناصری در سال 1324 در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری(پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال 1339 راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال 1342 تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال 1352 برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال 1345 انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران

و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک(از سال 1356 ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(1381 ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(1356 ه.ش) . وی در سال 1377 درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو(نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا(نویسنده امثال و حکم) صادق

هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(1352 ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال 1356 با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد]2 ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358 . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،1366. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،1370. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1372] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (1381) 12 تعداد 1200 مقاله و 34 کتاب نگاشته اند، که 20 عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(1372) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان(1370) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،1370، صص فهرست]7 مراسم آیینی و تئاتر(1358) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(1366) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث

های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، 1366، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، 1380، صص جلد و فهرست]9 نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده 150 مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد2دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]3صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص 20و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،1372، صفحات جلد کتاب]4کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه1، شماره 40-39(آذر و دی 1380)، ص 2. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه 2)، شماره 44-43 (فروردین و اردیبهشت 1381)،ص 2

عنایتی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدعلی عنایتی بن مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ جعفر عنایتی از علماء معاصر است در گنبد کاووس.
ایشان در سال 1311 شمسی در قریه «رودبار قانچی» از قراء گرگان متولد شده و پس از پرورش و خواندن قسمتی از مقدمات خدمت مرحوم والدش در سال 1365 قمری برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف گشته و ادبیات و سطوح را در محضر اساتید وقت دانشمند گرانمایه آقای ادیب نیشابوری و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا احمد مدرس یزدی و غیرهما به پایان رسانیده و در سال 1370 قمی به نجف اشرف مهاجرت و در حوزه درس فقه و اصول مرجع عالیقدر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی حاضر و استفاده نموده و یک دوره تقریر درس اصول و قسمتی از درس مکاسب آیت‌اللّه خوئی مدظله العالی را به رشته تحریر آورده و نیز از محضر مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حکیم بهره‌مند شده و در سال 1380 قمری به ایران مراجعت و در تهران اقامت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین پرداخته و در سال 1384 قمری با اصرار جمعی از مؤمنین گنبد کاووس به جهت امامت و تبلیغ دین و ارشاد مسلمین بدانجا آمده و تاکنون به خدمات دینی و انجام وظیفه روحی اشتغال دارد.
از آثار ایشانست بناء مسجد رضوی گنبد که به سعی و اهتمام معظم له و همت مردم خیر گنبد توسعه و تجدید گردیده است.
اکثر اجداد ایشان از علماء زمان بوده است یکی از اجداد ایشان مرحوم حجةالاسلام شیخ زین‌العابدین بن شیخ محمدباقر است که تعلیقات سودمندی بر شرایع محقق حلی نوشته و اکنون در حواشی نسخه نفیسی از شرایع که استنساخ آن هم بخط آن بزرگوار است و در تاریخ هفتم ذی‌الحجه 1217 قمری پایان یافته است در کتابخانه شخصی ایشان موجود است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

عنبری نیشابوری، ابوزکریا یحیی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 344 ق)، محدث، مفسر، فقیه، لغوی و ادیب. اهل نیشابور بود از ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بوشنجی و محمد بن عمرو قشمرد و حسین بن محمد قبانی و ابراهیم بن ابی‌طالب و ابن‌خزیمه و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن عبدش/ عبدوس مفسر و ابوعلی حسین بن علی حافظ و ابوحسین حجاجی و حاکم و ابن‌منده و دیگران از وی حدیث شنیدند. ابوعلی حافظ قدرت حافظه وی و وسعت آن را ستوده و حاکم گوید که ابوزکریا متجاوز از ده سال گوشه‌گیری کرد، او می‌گفت: عالم برگزیننده باید که به بهترین حالت خویش بازگشت نماید، پاکیزه و حلال بخورد. علم را وسیله‌ای برای مال‌اندوزی قرار ندهد و علم برایش زیبایی آورد. مال خود را فضل‌الهی محسوب کند و سپاسگزار خداوندگار خویش باشد. در «معجم الادباء» سال وفات وی 444 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (534 -533 / 15)، شذرات الذهب (369 / 2)، العبر (69 / 2)، معجم الادباء (34 / 20)، النجوم الزاهره (358 / 3).

عنبریان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(خاندان خانواده عنبریان) خاندانی معتبر در نیشابور که غالب افراد آن اهل فضل و علم و دبیر بوده‌اند، از آن جمله است: خواجه امیرک (ف. 448 ه.ق.) دبیر ابوالحسن احمد بن محمد بیقهی و برادرش ابونصر و برادر دیگرش ابوالقاسم کاتب نایب ابونصر مشکان (قزوینی. یادداشتها 61 :6)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عنقای شیرازی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1308 -1260 ق)، ادیب، خوشنویس و شاعر، متخلص به عنقا. ملقب به ملک الشعراء.در اصفهان به دنیا آمد. مردی درویش‌مسلک بود. وی عموی استاد جلال‌الدین همایی است و بنا به نوشته‌ی او مرگ عنقا بر اثر مسمومیت از قهوه قجری به دنبال مشاجره‌اش با ظل‌السلطان و کتک خوردن از او در 1308 ق روی داده، اما به گفته صاحب «حدیقه الشعراء» عنقا در 1310 ق در اصفهان زنده بوده است. عنقا در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده که به همت استاد جلال‌الدین همایی منتشر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (98)، حدیقه الشعراء (1238 -1236 / 2)، الذریعه (774 -773 / 9)، شرح حال رجال (229 / 6).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 630 ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در 630 ق به پایان رسیده است.[1]
(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. 6 و اوایل قر. 7 (بین 572 ه.ق./ 1176 م.- 635 ه.ق/ 3 -1232 م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. 6 در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب

(ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال 625 ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1030 -1026 / 2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (80 -77 / 2)،تاریخ نظم و نثر (98 -97)، دایره‌المعارف فارسی (1785 / 2)، الذریعه (1001 ،775 / 9 ،50 / 5 45، / 4)، ریحانه (219 / 4)، سبک‌شناسی (38 -36 / 3)، فرهنگ سخنوران (660)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س 3، ص 93 -89)، مجمع الفصحا (1168 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (777 -776 / 5).

عیاشی سمرقندی، ابوالنضر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 320 ق)، مفسر، محدث، ادیب و فقیه امامی. وی اهل سمرقند از فقهای بزرگ فرقه‌ی اثنی‌عشری در زمان کلینی می‌باشد که در ابتدا مذهب عامه داشت و احادیث آنا را استماع می‌کرد ولی بعد به مذهب شیعه گروید. او از شاگردان شیخ کلینی بود. او از علی بن حسن بن علی بن فضال و عبدالله بن محمد خالد طیالسی و جماعتی از شیوخ کوفه و بغداد حدیث شنید. شیخ کشی صاحب «رجال» از شاگردان عیاشی است. از دیگر شاگردان عیاشی پسرش جعفر بن محمد است که خود از مشایخ ابومفضل شیبانی است. شاگرد دیگر او حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که راوی جمیع مصنفات عیاشی است. گفته‌اند که وی محدثی مورد اعتماد و یگانه‌ی زمان خویش بود و از نظر علمی و ادبی و اندیشه و ذکاوت در مشرق نظیر نداشت. او مجلسی برای خواص و مجلسی برای عامه مردم برپا می‌کرد. خانه‌اش همانند مسجد،مملو از افرادی چون قاری و کاتب و نیز محدثین و علما بود که در آن عده‌ای به تألیف و مقابله و گروهی به استنساخ و گروهی نیز به تعلیقه و حاشیه‌نویسی مشغول بودند. در طب و نجوم و رویا تبحر داشت و در زمینه‌ی ابواب فقهی و متجاوز از دویست کتاب تألیف کرد که در نواحی خراسان به اشتهار کامل رسید. در فهرست ابن‌الندیم صد و پنجاه و هفت جلد از آثار او ذکر شده است. از آثار وی: «تفسیر علی بن ابراهیم» است؛ «التوحید الصفه»؛ «الصلاه»؛ «الزکوه»؛ «الصوم»؛ «المناسک»؛ «العالم و المتعلم»؛ «الطب»؛ «التجاره و الکسب»؛ «الضقاء و آداب الحکم»؛ «الملاهی»؛ «الجزیه و الخراج»؛ «الطاعه»؛ «حقوق الاخوان»؛ «محاسن الاخلاق»؛ «دلائل الائمه»؛ «الملاحم»؛ «القول بین القولین»؛ «فضائل القرآن»؛ «الانبیاء الائمه»؛ «النجوم»؛ «الرؤیا»؛ «معاریض الشعر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (316 / 7)، اعیان الشیعه (56 / 10)، الذریعه (77 / 60، 133، 139، 207، 17 / 140، 209، 20 / 125، 21 / 195، 24 / 3 / 348، 4 / 5،295 / 105، 7 / 42، 8 / 239، 11 / 307، 12 / 44، 15 356، / 2)، رجال الطوسی (497)، رجال النجاشی (250 -247 / 2)، روضات الجنات (123 -121 / 6)، ریحانه (221 -220 / 4)، سفینه البحار (301 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 306 -305 / 4)، فوائد الرضویه

(642)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (263 -361)، الفهرست للطوسی (371 ،320 -317 ،309 ،120)، الکنی و الالقاب (491 -490 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالنضر)، معجم المؤلفین (20 / 12)، هدیه الاحباب (205 -204)، هدیه العارفین (33 -32 / 2).

عیسی بیک

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پدرش از علما و فضلا و محقّقین بوده.
کتب زیر از اوست:
1- تفسیر قرآن 2- رساله در وجوب عینی نماز جمعه 3- رساله در طرز قسم دادن اهل کتاب 4- رساله در حکم رؤیت هلال قبل از زوال 6- شرح دروس، ناتمام.
حدود سال 1074 وفات یافته است.
صاحب عنوان در 1066 متولّد، و در 1130 وفات یافته، و از شاگردان علاّمه محمّد باقر مجلسی است، و چون مدّتی در مملکت عثمانی ساکن بود بدین لقب شهرت یافته است.
کتب زیر از اوست:
1- الاجازات، یا مجموعة الاجازات 2- الامان من النیران فی تفسیر القرآن 3- بساتین الخطباء، در سه مجلد 4- ترجمه ی جاماسب نامه 5- ثمار المجالس و نثار العرایس، مانند کشکول 6- الدرر المنظومه المأثور، در ادعیه. نام صحیفه ثالثه سجّادیّه است و به طبع رسیده است 7- رساله در موضوع خواجه گردانیدن 8- رساله در وجوب عینی نماز جمعه 9- رساله ی خراجیّه 10- رسم خطوط الساعات و نصف النهار 11- روضة الشهداء، به سه زبان ترکی، عربی، فارسی 12- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، که معروف‌ترین تألیفات اوست، و بین مؤلّفین و نویسندگان کتب تراجم و رجال شهرت دارد، و متأسفّانه تاکنون به طبع نرسیده است، در ده مجلد، 13- شرح اصطلاحات شکل العروس از کتاب اقلیدس 14- شرح الفّیه ی ابن مالک، مفصّل 15- شرح الفّیه ی ابن مالک، مختصر 16- شرح صحیفه ی سجّادیّه و حاشیه بر آن؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

عین الملک هویدا، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. عین الملک از کارگزاران دولتی بود که آثار چندی به زبان فارسی نگاشته و یا ترجمه کرده است. وی در 1338 ش به سمت نمایندگی فوق‌العاده به حجاز رفت با برای تجدید روابط ایران و حجاز وارد مذاکره شود. از آثارش: «اسرار سلطانی دربار شاهی»؛ «پسر پاردایان»، ترجمه؛ «داستان آدم جدید»، ترجمه؛ «روکامبول»؛ «مهر فرزندی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1793 / 2، 1324، 609، 202، / 1)، مؤلفین کتب چاپی (498 -497 / 2).

غانمی هروی، ابوالمحاسن مسعود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(553 -464 / 424 ق)، فقیه، ادیب، محدث، عابد و شاعر. در طوس به دنیا آمد و در نیشابور نشوونما یافت. و نیز گفته شده که در نیشابور به دنیا آمد و در طوس نشوونما یافت. وی از جانب دو صاحب نام: ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن صاحب اجازه بود. از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی و گروهی دیگر حدیث شنید و «مسند» هیثم شاشی را از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی استماع کرد. ابن‌عساکر و سمعانی و تاج مسعودی و عبدالرحیم بن سمعانی از او حدیث شنیدند. ابن‌سمعانی همچنین «مسند» شاشی و «رساله‌ی» قشری را از او استماع کرد. ابوسعد سمعانی گوی که او بسایر عابد و زاهد و پرهیزکار بود. بطوری که از سفره‌ی پدرش چون با حاکمان اختلاط داشت پرهیز می‌کرد. غانمی شاعری چیره‌دست بود و اشعار بدیعی می‌سرود. از آثار وی نظم ابیاتی است به نام «السحریه»، یعنی آنچه که مربوط به وقت سحر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (279 -278 / 4)، سیر النبلاء (360 -359 / 20).

غبرایی، فرهاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 16 بهمن 1328، لنگرود.
درگذشت: 13 اردیبهشت 1373، لنگرود.
فرهاد غبرایی دارای دیپلم طبیعی (تابستان 1348) از یکی از دبیرستانهای کرمانشاه بود. سپس در شیراز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و در سال 1352 از این رشته فارغ‌التحصیل شد. پس از گذراندن خدمت سربازی در بهار 1355 به فرانسه سفر کرد و در پاریس در زمینه کارگردانی سینما به مطالعاتی پرداخت. تا سال 1358 در فرانسه بود و با گروه‌های نمایشی همکاری داشت. سپس به ایران بازگشت و نخستین ترجمه‌ی خود را در سال 1359 منتشر نمود. وی همچنین در زمینه داستان‌نویسی نیز فعالیت داشت و اولین داستان وی به نام آب و خاک در سال 1359 منتشر شد.
فرهاد غبرایی در آذر 1369 به نوشهر نقل مکان نمود. در سال 1372 با دریافت بورسی از وزارت فرهنگ فرانسه در نشست بین‌المللی مترجمان ادبی در آرل فرانسه شرکت جست.
از جمله آثار ترجمه وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شهر شیطان زرد (ماکسیم گورکی، 1359)، شکست (امیل زولا، 1360)، آخرین نفر (الکساندر فادایف، 1361)، آسوموار (امیل زولا، 1361)، معجزه در باد و باران (شوراتزبار، 1361)، جزیره (روبر مرل 1362)، کولابرونیون (رومن رولان، 1363)، چهار مجموعه (پابلو نرودا، 1363)، سفر به انتهای شب (لویی فردینان سلین، 1364)، پایان جهان (پابلو نرودا، 1363)، نقد و بررسی آندره وایدا (1366)، حریم (ویلیام فاکنر، 1367)، زندگی بتهوون (رومن رولان، 1367)، جشن بیکران (ارنست همینگوی، 1368)، کودک سیاه (کامارالی، 1369)، خانواده‌ی پاسکوال دوآرته (کاملیو خوسه سلا، 1369)، فلینی از نگاه فلینی (1371)، یادداشت‌های مالته و ریدز بریگه (راینر ماریا ریلکه، 1371، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است)، پیامبران نور (نهال تجدد، 1372، ظاهرا این اثر ناتمام مانده است).
فرهاد غبرایی چندین داستان و چند نمایشنامه و فیلمانه نیز نوشته است، از آن جمله می‌توان به رمان ایختیاندر اشاره نمود. از جمله آثار تألیفی ایشان نیز می‌توان از این کتاب نام برد: گرایش‌های نوین در هنرهای

بصری (1369).
فرهاد غبرایی در تاریخ یازدهم اردیبهشت 1373 به سبب تصادف اتومبیل در جاده‌ی بین تنکابن و چالوس درگذشت و پیکر وی در لنگرود به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1296 ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (287 -286)، الذریعه (400 / 24، 1083 - 1081، 247 / 9، 187، 148 / 6، 483، 271 / 1)، ریحانه (93 -90 / 5)، سخنوران نامی معاصر ایران (2977 -2972 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 562 -560 / 14)، علماء معاصرین (191 -190)، فرهنگ سخنوران (865)، گنجینه‌ی دانشمندان (267 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (727-726 / 2).

غروی تبریزی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328- ز 1363 ق)، فقیه و عالم دینی. در نجف اشرف ب دنیا آمد و تا 1350 ق در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرد، و در همان سال به تبریز و سه سال بعد به قم رفت، و مدت دو سال از محضر آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت در فقه و اصول استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حجت بود. در 1363 ق به تبریز بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. از آثار وی: «تقریرات» درس آیت‌الله حجت، در اصول فقه؛ کتاب «اسلام و شیعه»، به فارسی؛ کتابی در «امامت حضرت ولی‌عصر (عج)»؛ کتابی در «اخلاق».[1]
عبدالحسین غروی تبریزی از افاضل دانشمندان و علماء تبریز است.
وی فرزند رکن العلماء الاعلام آیه الله آقا شیخ مرتضی چهره قانی است که در سال 1328 قمری در نجف اشرف تولد یافته و تا سال 1350 در آنجا به تحصیل علوم پرداخته و از محضر اساتید آیه الله آقا میرزا باقر زنجانی استفاده کرده و در سال مزبور به تبریز آمده و تا سه سال در آن سامان اقامت و در سال 1353 قمری مهاجرت به قم نموده و مدت دو سال درک فیض از محضر آیه الله حایری و آیه الله حجت فقها و اصولا نموده و تا سال 1363 قمری که مراجعت به تبریز و اقامت گزیده و به وظائف دینی و روحانی از قبیل تدریس و اقامه جماعت در مسجد جامع و غیره می‌باشند.
آثار قلمی آن جناب از این قرار است: 1- کتاب اسلام و شیعه فارسی مطبوع در تبریز.
2 و 3- تقریر دروس مرحوم آیه الله حجت اصول و فقه 4- کتابی در موضوع امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه.
5- کتابی در اخلاق. دارای اجازات اجتهاد از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی و آیه الله محقق آقا ضیاءالدین عراقی و سیدنا الاستاد آیه الله حجت قدس الله اسرارهم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (320 -319 / 3).

غروی علیاری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 12 رمضان 1319 ق.
درگذشت: 1 اردیبهشت 1367، تبریز.
آیت‌الله العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فراگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمدحسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شد و در مدرسه بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابوتراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال 1350 ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال 1350 ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامه‌ی جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.
از آیت‌الله العظمی غرویی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد تقریرات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد تقریرات درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ توضیح المسائل؛ شرتح

عروة الوثقی (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر؛ محاذاةالرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ شرح وسیلة النجاة (سه جلد)؛ کتاب الطهارة؛ کتاب الصوم؛ کتاب الحج؛ مناسک حج (دو جلد)؛ شرح تبصرد المتعلمین؛ شرح مبسوط مکاسب؛ علل الشرایع و الاحکام؛ شرح فوائد الاصول؛ شرح کفایة الاصول؛ رساله در ترتب رساله در وضع؛ رساله در ملازمه حکم عقل و شرع؛ قاعده من ملک (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب تقریرات درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دوره کامل و قاعده لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقیله و تعادل و تراجیح)؛ شیخ اسدالله زنجانی میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ اصول عقاید؛ رسالة فی الرجعة؛ تفسیر قرآن (دوازده جلد)؛ مفردات قرآن؛ شرح دعای صباح؛ شرح دعای کمیل؛ شرح دعای سمات؛ شرح دعای افتتاح؛ شرح دعای ابوحمزه ثمالی؛ شرح دعای زیارت جامعه کبیره؛ حل مشکلات الاخبار؛ شرح اربعین حدیث؛ شرح احادیث پیامبر اکرم (ص)؛ شرح احادیث امیرالمومنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجة فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.

آیت‌الله العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت 1367(13 ذیحجة 1417 ق.) در نود و هشت سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) (بقعه آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

علی بن العلامه الحجه المیرزا محسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبری الحاج میرزا محمد حسن بن العلامه الکبیر آیه الله العظمی الحاج ملا علی علیاری صاحب کتاب مستطاب (بهجه المقال فی تنقیح الرجال) الغروی العلی یاری از علماء اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است. وی در صبح جمعه 12 ماه مبارک رمضان سال 1319 قمری هجری در تبریز متولد شده و پس از فراغت از مبادی علوم در خدمت جد امجدش مرحوم آیه الله میرزا محمد حسن سطوح را خوانده و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام چون زعیم الشیعه آیه الله العظمی اصفهانی و مرحوم آیه الله نائینی و آیه الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا شیخ اسدالله رشتی و آیه الله آقا سید ابوتراب خونساری و آیه الله میرزا

ابوالحسن مشگینی و آیه الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیه الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
دارای تألیفات ارزنده عدیده‌ای می‌باشند که بشرح آنها می‌پردازم:
1- دوره اصول و نصف تقریر بحث آیه الله محقق عراقی
2- دوره اصول آیه الله میرزا حسین نائینی
3- اغلب ابواب فقه از تقریرات آیه الله عراقی
4- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی اصفهانی
5- تقریرات ابحاث آیه الله العظمی حجت کوه کمری
6- تقریرات ابحاث آیه الله ایروانی (قده)
7- تقریرات ابحاث آیه الله مشگینی (قده)
8- شرح دعاء سمات 9- شرح دعاء صباح 10- شرح اربعین حدیث 11- اصول دین مبسوط فارسی 12- رسائل متفرقه در اصول و فقه 13- رساله در ملازمت 14- رساله در جریان استصحاب در اعدام ازلیه 15- رساله در غیبه 16- رساله در خلل، تقریر بحث آیه الله محقق زنجانی 17- رساله در بعض فروع عروه الوثقی 18- رساله در مواکب الحسینیه 19- رساله در رضاع 20- رساله در منجزات مریض 21- رساله در قاعده من ملک و در قواعد دیگر 22- رساله در قاعده لا ضرر 23- رساله در نجاسه متنجس 24- رساله‌ای در لباس مشکوک و چندین رسائل دیگر.
از باقیات الصالحات دیگر معظم له فرزند ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام آقا شیخ محمد جواد غروی علی یاری است که اکنون از علماء و دانشمندان مقیم تهران است. وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محاضر آیات عظام خوئی و حکیم و دیگران به مشهد رضوی مسافرت و چندین سال اقامت و از محضر آیه الله العظمی میلانی مدظله استفاده نموده آنگاه به قم منتقل و چند سالی از ابحاث و محاضر آیات عظام نجفی مرعشی و شریعتمداری و گلپایگانی استفاده نموده و دو سالی بنابر دعوت عده‌ای از مؤمنین به تهران عزیمت و رحل اقامت افکنده و در مسجد امام زاده زید بازار و مسجد دیگر به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند. آن جناب ترجمه مفصلی از اسره و خاندان علیاری مرقوم داشته‌اند ولی چون در کتب رجالی دیگر مانند علماء معاصر و غیره مذکور بود از ذکر آن خودداری نمودم.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غروی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل غروی
محل تولد : باغملک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
در سن 7 سالگی احکام دینی و خواندن و نوشتن را در محضر پدر خود فرا گرفتم سپس به مکتب جهت خواندن قرآن و سایر کتاب های دینی مدت 4 سال مشغول شدم 2 سال دیگر از محضر پدر استفاده کردم.
در سن 14 سالگی راهی حوزه علمیه اهواز شدم .
مدتی از استادانی مانند سید شمس الدین ، سید عبد الکریم موسوی نجفی ، شیخ مروج (استاد جامع المقدمات امام) سپس از مرحوم سید محمد کاظم آل طیب و از سید اسماعیل مرعشی و مرحوم امامی ، مرحوم علم الهدی و شیخ ابوالحسن انصاری ، مرحوم آیت الله بهبهانی ، آقای شیخ مرتضی انصاری وسایر اساتید محترم مانند مرحوم آیت الله کرمی و... استفاده کردم .
مدتی در حوزه علمیه شوشتر از اساتید بزرگواری از علماء شوشتر مرحوم صاحب قاموس رجال و دیگران بهره وافری بردم .
پس از آن به نیشابوررفتم و مدت چهار سال در نیشابور از اساتیدی مانند مرحوم آقای مروی و ضیائی ، حاج آقا رضا نجفی و آیت الله موسوی نیشابوری استفاده کردم .
بعد از آن به مشهد مقدس رفتم از ادیب خراسانی مرحوم کفایی مرحوم شیرازی میلانی مصباح واعظی مرحوم افتخاری و دیگر اساتید محترمی که در مشهد مقدس بحث داشته اند بهره بردم .
سپس به قم آمدم و از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی ، گلپایگانی و مرحوم آیت الله سلطانی هم درس و هم مشی زندگی بهره بردم .
از اساتید فوق الذکر صرف ، نحو ، منطق ، احکام ، اصول ، فقه تا سطح خارج استفاده کردم در قسمت طب از مرحوم والد و از دکتر جزایری و دکتر خراسانی دکتر موسوی و از دکترهای روان شناس استفاده نمودم و

در قسمت جامعه شناسی از اساتید بزرگواری استفاده نمودم .

غروی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدباقر غروی که سالها در نجف اشرف اقامت و در خدمت مراجع بزرگ و مدرسین عالیمقام و آیات عظام آنجا تلمذ نموده و بعد به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محسن حکیم قدس اللّه سره به قصر آمده و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی در قصر شیرین اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

غروی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین بن العلامة الورع آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی رفسنجانی از علماء معاصر رفسنجان برادر بزرگوار مرحوم آیت‌اللّه نجفی سابق‌الذکر است وی در حدود سال 1308 قمری در رفسنجان متولد شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را از والدش فراگرفته و مدتی به اصفهان و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام فیروزآبادی و آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و دیگران بهره‌مند گشته آنگاه مراجعت به وطن نموده و به وظائف دینی و روحی پرداخته و تا هم‌اکنون به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد و در علم و تقوی نمونه بارز برادر بزرگوارش می‌باشد.
محمدحسین غروی برادر مرحوم مبرور آیت‌اللّه نجفی از علماء اعلام معاصر رفسنجانست
وی در سال 1308 قمری در رفسنجان متولد شده و تا سن 17 سالگی ادبیات و فقه و اصول را از محضر والد ماجدشان که از نوابغ زمان خود بودند و در اکثر علوم تبحری کامل داشتند فراگرفته و سپس عزیمت به اصفهان نموده و در آنجا از محضر اساتید و فحول علمی چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند گزی و آیت‌اللّه ارباب به تکمیل فقه و اصول و حکمت و هیئت پرداخته و در معیت و مصاحبت مرحوم برادرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج سید محمد فیروزآبادی و دیگران استفاده نموده تا به مدارج عالیه اجتهاد رسیده و با دریافت اجازات اجتهاد در سال 1346 قمری به ایران مراجعت و پس از فوت مرحوم والدشان آیت‌اللّه آخوند ملا محمدعلی طاب ثراه در رفسنجان توقف نموده و تا حد قدرت و استطاعت مشغول ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی و پرورش و تربیت طلاب علوم دینی و تأسیس مدرسه علمی به همراهی مرحوم اخوی خود آیت‌اللّه نجفی گردیده و در ماه رمضان به موعظه و ارشاد مردم پرداخته و تاکنون بحمداللّه به اقامه جماعت و انجام وظیفه اشتغال دارند.
آثار علمی ایشان از اینقرار است
1- تقریرات درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی

2- حکومت عقل در پیرامون خلافت بلافصلی امیرالمؤمنین (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

غروی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 1364، احتمالا ترکیه.
محمود غروی تحصیل کرده‌ی ترکیه و محقق و مؤلف کتاب فهرست اسناد تاریخی ایران در آرشیو صدارت عثمانی در استانبول (این تاب در سلسله انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شماره‌ی 15 به سال 1357 منتشر شد) بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غرویان، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن غرویان
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
محسن غرویان در سال 1338 در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال 1357 راهی حوزه علمیه قم شد و در سال 1358 رسما شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.
محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از 40 اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر 500 مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب 20 عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کناراشتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان

نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال 1361 برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .
در سال 1369 برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است.
محسن غرویان یکی از داوران و صاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی – اعتقادی می کند و با شماره تلفن 2936054 به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزالی طوسی، مجدالدین، ابوالفتوح احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 520 / 517 ق)، عارف، واعظ و شاعر. وی که برادر کهتر امام محمد غزالی طوسی است، در طوس دیده به جهان گشود و در اوان کودکی پدر خویش را از دست داد و در نهایت فقر درویشی زندگی را سپری کرد. احمد اگر چه فقه را فراگرفت اما به زهد و تصوف گرایش داشت. در طریقت، شیخ او ابوبکر نساج بود و از برجسته‌ترین شاگردان غزالی، باید از عین القضات همدانی، سنائی غزنوی و ابوالنجیب سهروردی نام برد. وی پس از کناره‌گیری برادرش امام محمد غزالی از تدریس در نظامیه، یک چند به جای او تدریس کرد. غزالی علاو بر این در تصوف نام‌آور بود و صاحب آثار. در وعظ و خطابه نیز استاد بود، مواعظ او در هشتاد و سه مجلس توسط صاعد بن فارس لبانی جمع‌آوری شده است. احمد غزالی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است. در قزوین درگذشت. از آثار وی: «سوانح العشاق»؛ «احیاء الاحیاء» یا «لباب الاحیاء»، در تلخیص «احیاء العلوم» برادرش؛ «الذخیره فی علیم البصیره»؛ «بحر المحبه فی اسرار المودە»؛ تفسیر سوره‌ی یوسف؛«تازیانه‌ی سلوک» یا «رساله‌ی عینیه».[1]
(ع.) احمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی، فقیه و عارف ایرانی (ف. قزوین 520 ه.ق) وی مانند برادر بزرگش محمد غزالی (2- غزالی) پس از فوت تحت تعهد و نگاهداشت احمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات تحصیل علوم دینی را در نزد او آموخت. احمد از جمله‌ی فقهای شافعی بود و به وعظ علاقه داشت و مدت 10 سال (از 488 تا 498 ه.ق) بجای برادر به تدریس در نظامیه‌ی بغداد اشتغال داشت. در طریقت پیرو ابوبکر نساج بود. ذهبیه او را از کبار سلسله‌ی خود می‌دانند. او راست: لباب‌الاحیاء که اختصار احیاء علوم‌الدین است، الذخیرة فی علم البصیرة- بحرالحقیقة، رساله‌ی عشقیه، سوانح العشاق، مکاتیب، کتاب مجالس شیخ احمد، کتاب الحق والحقیقة.
ضح.- بعضی او و برادرش را غزالی منسوب به غزال یا غزاله قریه‌ای از قرای طوس دانند (2- غزالی).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (208 / 1)، ایضاح المکنون (455 ،9 / 2 ،566 ،440 ،197 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (935 -932 / 2)، تاریخ عرفان و

عارفان ایرانی (425 -423)، تاریخ گزیده (665 -664)، تاریخ نظم و نثر (69)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (193، 190، 189، 184 -183)، دایره‌المعارف فارسی (1806 / 2)، روضات الجنات (288 -285 / 1)، شذرات الذهب (64، 60 / 4)، العبر (413 -412 / 2)، فرهنگ سخنوران (1590، 1413، 1009، 985، 901، 825)، الکنی و الالقاب (495 / 2)، لسان المیزان (442، 440 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مبانی عرفان و احوال عارفان (418 -415)، مجالس النفائس (318)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (81 -80 / 19)، معجم المؤلفین (147 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (430 -429 / 1)، النجوم الزاهره (224 / 5)، نفحات الانس (380 -379)، وفیات الاعیان (98 -97 / 1).

غضبان اصفهانی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1277 ش)، نویسنده و مترجم. او از نوادگان میرداماد و از طرف مادر نواده‌ی مرحوم سید عباس مراغه‌ای بود. تحصیلات مقدماتی جدید و قدیم و سطوح را نزد استادانی چون میرزا محمدرضا ایروانی و شیخ موسی خوانساری و سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت. سپس به تهران آمد و وارد خدمات دولتی گردید. از آثار وی: «احمد بن طولون»، ترجمه؛ «ارمانوسه‌ی مصریه»، ترجمه؛ «اقتصاد در اسلام»؛ «امام جعفر صادق»، ترجمه؛ «بنی‌هاشم و بنی‌امیه»، ترجمه؛ «زینب عقیله‌ی بنی‌هاشم، دختر علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ ترجمه؛ «یک معجزه‌ی دائم»، ترجمه؛«اعجاز قرآن»، ترجمه. که دو کتاب اخیر در یک مجلد به چاپ رسیده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (104 / 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3455، 1880 / 2، 161 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (331 -329 / 2).

غضنفری امرایی، اسفندیار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1297، کوهدشت لرستان.
درگذشت: اواخر فروردین 1372، خرم‌آباد.
اسفندیار غضنفری امرایی، شاعر، محقق، ادیب لرستانی پس از تحصیل، در خرم‌آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مبارزات سیاسی از سال 1322 الی 1357 غالبا در تبعید به سر برد. از اسفندیار غضنفری تحقیقات گوناگونی درباره‌ی شعر و ادب فارسی و لری بر جا مانده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

غفاری ساروی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین غفاری ساروی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین ساروی فرزند حسین در سال 1333 در ساری متولد شدم. درسال 1348به دلیل علاقه فراوانی که دروس حوزوی داشتم وارد حوزه علمیه شدم و در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداختم ولی کار تحقیقات را به طور جد از سال 1366 آغاز و تاکنون ادامه دارد. هم اکنون ننیز در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مشغول می باشم و در رشته تفسیر قرآن همچنان مشغول فعالیت هستم.

غفاری فر، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن غفاری فر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن غفاری فر در سال 1361 دیپلم را اخذ و در سال 61-62 وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال 67-68 برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی 67-68 تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال 78 به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی 71-72 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال 75-76 به اتمام رساندم ، سپس از سال 76-77 وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن 80 واحد پیش نیاز و بیش از 30 واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل 80-81 به اتمام رساندم .
قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای 75 -80 همکاری پژوهشی داشتم و قریب به 6 ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .
به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به 6 ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از 10 عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری قزوینی، احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 975 ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[1]
(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. 975 ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1150 / 3)، الذریعه (309 -308 / 24 59، / 9 ،246 / 3)، عالم‌آرای عباسی (99 ،82 / 1)، فرهنگ سخنوران (670)، هفت اقلیم (178 / 3).

غفرانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد غفرانی
محل تولد : خرم آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/6/30

زندگینامه علمی
اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال 63 عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیة الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیة الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیة الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّنظر نمی گذراندند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجة الاسلام ابوالقاسم علی دوست ، استاد عالی قدر حجة الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجةالاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجة الاسلام فتوحی همدانی، آیة الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجة الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیة الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیة الله سبحانی و کتب مکاسب ، و حج مختصراً نزد آیة الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیةالله سبحانی و گرامی فراگرفتم.در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.
از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال 74 تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این

مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی ، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال 81 تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاة هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتها است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح 2 به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است.از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال 81 تا 85 به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال 85 به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غفور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1355 ق)، حکاک. مشهور به سید غفور نظام‌الدینی حکاک‌باشی. وی اهل تبریز و یکی از سنگ‌تراشان نامی آن دیار بود. از آثار او: سنگ‌نوشته‌ی یکی از خیابانهای تبریز، با رقم: «... سید غفور حکاک 1306 ش». تاریخ مرگ وی در «مواد التواریخ»، در قطعه‌ای که رضایی، شاعر آذری، برای او سروده چنین است:
... مرسال وفات را رضائی
خود جست هم از (غفور حکاک) 1355
به نظر می‌رسد که شاعر حرف مشدد را بر خلاف معمول، حساب کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (409 / 1)، مواد التواریخ (330).

غلام ثلعب باوردی، ابوعمر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(345 -261 ق)، ادیب و لغوی. چون شغلش گلدوزی روی لباس بود، به مطرز مشهور و چون از بیورد خراسان بود، به باورد منسوب و چون مدتی در خدمت ثعلب نحوی بود،به غلام ثعلب معروف بود. به او ابوعمر زاهد نیز می‌گفتند. از احمد نرسی و موسی بن سهل و شاء و ابوالعباس کدیمی و بشر اسدی و احمد بن زیاد بن مهران سمسار حدیث شنید. ابوالحسن بن رزقویه، ابن‌منده، ابوعبدالله حاکم نیشابوری و قاضی محاملی و عده‌ای دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند. خطیب بغدادی گوید: غلام ثعلب نسبت به معاویه تعصب داشت. او جزوه‌ای به نام فضایل معاویه نوشته بود و تمام شاگردان خود را که برای کسب علوم نزدش می‌آمدند وادار می‌کرد که پیش از گذراندن هر درسی که برای آن آمده بودند ابتدا این جزوه را بخوانند. بسیاری از بزرگان ادب بر او خرده گرفتند و او را حتی در علم لغت از درجه اعتماد ساقط دانستند. ابن‌حجر گوید: «ابن جزوه را من دیدم، بسیاری از مطالب آن جعلی است». عجب از صاحب «ریاض العلماء» و به تبع او صاحب «اعیان الشیعه» است که او را ظاهرا امامی می‌دانند. وی در بغداد درگذشت و روبروی ایوان معروف کرخی دفن شد. او در لغت، از حفظ، در حدود سی هزار برگ املاء کرد. از آثارش: «الیواقیت»، در لغت؛ «رساله‌ای در «غریب القرآن»؛ «غرائب الحدیث»، تصنیفی بر اساس «مسند» احمد حنبل؛ «جزء فی الحدیث و الادب»؛ «تفسیر اسماء الشعراء»؛ «المدخل»، در لغت؛ «القبائل»؛ «یوم و لیله»؛ «اخبار العرب»؛ «العشرات»؛ مستدرکی ب رکتاب «الفصیح» ثعلب به نام «فائت الفصیح»، و شرح آن به نام «شرح الفصیح»؛ «فائت العین»؛ «فائت الجمهره»؛ «المستحسن»؛ «فائت المستحسن»؛ «المرجان»، در لغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (133 -132 / 7)، اعیان الشیعه (393 / 9)، ایضاح المکنون (314، 152 / 2)، تاریخ بغداد (359 -356 / 2)، روضات الجنات (317 -314 / 7)، ریاض العلماء (480 -479/ 5)، سیر النبلاء (513 -508 / 15)، کشف الظنون (2054، 2053، 1980، 1903، 1680، 1472، 1462، 1458، 1448، 1443، 1431، 1423، 1273، 1205، 1102، 426، 88)، الکنی و الالقاب (187 -186 / 3)، لسان المیزان (316 -314 / 6)، معجم الادباء (234 -226 / 18)، معجم المؤلفین (267 -266 / 10)،

النجوم الزاهره (360 / 3)، الوافى بالوفيات (73 -72 / 4)، وفيات الاعيان (333 -329 / 4)، هديه العارفين (42 / 2).

غلامرضایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: یزد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران در سال 1353، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده فرهنگ ایران در سال 1355، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1359.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه یزد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فارسی، شرح متن، سابقه 15 سال تدریس در دانشگاه، استاد مشاور 2 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
کتاب‌شناسی و ادبیات فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 10، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبیات فارسی و نقد کتاب.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

غلامعلی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی غلامعلی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1371 از دبیرستان علوم و معارف اسلامی شهید مطهری تهران فارغ التحصیل شدم در کنار دروس دبیرستان ، دروس حوزوی را نیز از اساتید معزز مدرسه عالی شهید مطهری فرا گرفتم . پس از اخذ دیپلم توفیق حضور در حوزه علمیه مروی (تهران) را یافتم و با امتحان سه پایه نخست به من اجازه دادند در درس های پایه چهارم شرکت کنم . بخشی از ادبیات عرب ، معانی و بیان ، شرح لمعه ، اصول مظفر ، منطق ، فلسفه و بخشی از رسائل و مکاسب را از اساتید بزرگوار آن مدرسه آموختم . بعضی از اساتید گرانقدر اینجانب در آن دوران عبارتند از حجج اسلام و آیات اعلام : مرحوم سید ابوالفضل موسوی تبریزی ، مرحوم پاکتچی ، اصطهباناتی ، رجایی ، کثیری ، تقوایی ، شریتعمداری ، جورابچی (قفقازی) و شریف زاده .
در سال 1374 برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مشرف شدم و تا کنون نیز در حوزه علمیه قم مشغول فراگیری علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام می باشم ؛ کتب شریف رسائل ، مکاسب و کفایه را در محضر حضرات آیات و حجج اسلام آقایان مرحوم احمدی میانجی ، نکونام ، اعتمادی ، سید احمد خاتمی ، حسینی خراسانی ، محمدی (فیضیه) و احدی آموخته ام . مدت شش سال است که در دروس خارج فقه آیات عظام آقایان حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج محمد فاضل لنکرانی(ره) ، حاج سید احمد مددی و حاج مهدی گنجی (گنجعلی) شرکت می کنم . بدایة الحکمه و نهایة الحکمه را نیز از جنابان حجج اسلام محمدی همدانی، و حاج مرتضی جوادی آملی فرا گرفتم . همچنین از سال 1375 تا کنون در موسسه تحقیقاتی دار الحدیث به مطالعه و پژوهش پیرامون مباحث حدیث مشغول هستم . در این مدت از کلاس ها و کارگاه های علمی حجج اسلام آقایان استاد عبدالهادی مسعودی ، استاد سید کاظم طباطبایی ، استاد محمد

کاظم رحمان ستایش و استاد محمد احسانی فر استفاده کرده ام .
در طول مدت حضور در موسسه تحقیقاتی دارالحدیث با گروه های دانشنامه نگاری ، تفسیر روایی ، تاریخ و سیره و مصدریابی همکاری علمی داشته ام و مدخل های متعددی را تنظیم نموده ام.

غمام همدانی، محمد یوسف‌زاده

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1321 -1253 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به غمام. در نجف به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را تا سیزده سالگی در آن شهر گذرانید. سپس به ایران آمد و در همدان ادبیات فارسی و عربی و فقه را از اساتید آن دیار فراگرفت. بعد از ان مدتی به تجارت و خدمت در ادارات دولتی مشغول شد. در آغاز نهضت مشروطه به شمار آزادی‌خواهان پیوست و به تأسیس انجمن اتحاد و انتشار روزنامه‌ی «اتحاد» و «الفت» همت گماشت. در سرودن غزل مهارت خاصی داشت. وی در تهران از دنیا رفت و در مقبره‌ی خانوادگی جنب شاهزاده حسین در همدان دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر که با مقدمه‌ای از موسی نثری به چاپ رسید. لازم به ذکر است که صاحب «سخنوران نامی معاصر ایران» محل تولد وی را کربلا ذکر کرده است.[1]
(بخش 1) همدانی، (سید) محمد بن (سید) یوسف، شاعر و عارف ایرانی (و. نجف 1292 ه.ق- ف. مهرماه 1321 ه.ش). وی سمت ارشاد گروهی از متصوفه را داشت. دیوان غزلیات او در سه جلد چاپ شده. غزلهای غمام عارفانه و به سبک حافظ نزدیک است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (77 -76)، تاریخ جراید و مجلات (268 -266، 46 / 1)، الذریعه (792 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (24 -23 / 5)، سخنوران نامی معاصر (2558 -2553 / 4)، فرهنگ سخنوران (672)، گلزار معانی (498 -495).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 428 ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در 412 ق تصنیف و در 428 ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرحه الادیب»، در رد یوسف بن ابی‌سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله الادیب»، در رد ابن‌اعرابی، در «نوادر»ی که ثعلب روایت کرده است؛ «نزهه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید الاوابد»، در رد ابن‌سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقه»؛ کتابی در «اسماء الاماکن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (194 / 2)، ایضاح المکنون (186 / 2)، کشف الظنون (87، 1939)، لسان المیزان (367 -366 / 2)، معجم الادباء (265 -261 / 7)، معجم البلدان (244 / 4)،معجم المؤلفین (197 / 3)، هدیه العارفین (275 / 1).

غنی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا سید عبدالغنی‌خان کشاورز و مالک، در سال 1272 ش در سبزوار متولد شد. تحصیلات ابتدائی و مقدماتی را طبق روش آن زمان در مکتب‌خانه آموخت. در سن دوازده‌سالگی پدرش به بیماری وبا درگذشت و از آن تاریخ حضانت وی را دائیش بر عهده گرفت و او را به مدرسه دارالفنون تهران فرستاد. مدت تحصیل غنی در دارالفنون پنج سال به طول انجامید و پس از اخذ دیپلم، زبان فرانسه را به خوبی فراگرفت و برای ادامه تحصیل رهسپار لبنان شد و در مدرسه سن‌ژوزف بیروت به فراگرفتن فن طب پرداخت. در همان ایام زبان انگلیسی و عربی را فراگرفت و وارد کالج آمریکائی شد و دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی را به پایان رسانید و در 1299 در سن 27 سالگی به ایران بازگشت و در سبزوار مطبی دایر نموده و به مداوای بیماران پرداخت و بیمارستانی نیز در آن شهر بنام حشمتیه با سرمایه سالار حشمت دایر نمود.
غنی در سال 1302 برای تکمیل تحصیلات به فرانسه عزیمت نمود و قریب پنج سال به تکمیل تحصیلات پرداخت و در 1307 به ایران بازگشت. وی در آن مدت علاوه بر تکمیل فن پزشکی، دوره مخصوص شناخت نقاشی را نیز گذرانید و علاوه بر آن به مقام والای آناتول فرانس نویسنده و متفکر فرانسوی وقوف یافت و به ترجمه‌ی یکی از آثار او به نام تائیس پرداخت و در 1308 آن را در تهران انتشار داد. در سال 1309 محیط سبزوار را برای فعالیتهای خود کوچک دید و لاجرم به مشهد نقل مکان نمود. مطبی در آنجا دائر نمود و در اندک مدتی بنام پزشک مسیحادم معرف گردید و طبعا با بزرگان و مقامات عالی‌رتبه مشهد دوستی پیدا کرد و سرانجام کاندیدای نمایندگی مجلس شد و در دوره‌ی دهم به نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای ملی انتخاب گردید. در همین ایام به استادی دانشکده‌ی پزشکی انتخاب شد و تاریخ فن پزشکی را تدریس می‌نمود و ضمنا در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی پرداخت و کتابی در این زمینه به نام معرفه‌النفس نوشته و انتشار داد.
دکتر غنی در 1314 پس از تاسیس فرهنگستان به عضویت آنجا برگزیده شد و از عوامل موثر و متنفذ آن موسسه فرهنگی گردید و شما در ادوار یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی عضویت یافت و مجموعا به مدت 8 سال نماینده‌ی مجلس بود.

در سال 1317 هیئتی تحت ریاست محمود جم نخست‌وزیر وقت برای خواستگاری فوزیه دختر ملک فواد پادشاه متوفای مصر به قاهره رفت. دکتر غنی نماینده مجلس و استاد دانشگاه از اعضای برجسته‌ی این هیئت بود و با تکلم به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی در بین رجال مصری موقعیت پیدا کرد.
در اسفندماه 1318 محمدرضا پهلوی ولیعهد ایران برای ازدواج با فوزیه مصری عازم قاهره شد. همراهان وی عبارت بودند از: حسن اسفندیاری رئیس مجلس، احمد متین دفتری وزیر دادگستری، مظفر اعلم وزیر امور خارجه، محمدعلی مقدم مدیرکل وزارت امور خارجه، دکتر قاسم غنی و عباس مسعودی نمایندگان مجلس نیز همراه ولیعهد به مصر عزیمت نمودند.
دکتر غنی در آذرماه 1322 در ترمیم کابینه‌ی علی سهیلی به جای امان‌الله اردلان به وزارت بهداری تعیین گردید. در فروردین ماه 1323 که محمد ساعد به نخست‌وزیری منصوب شد، دکتر غنی را کماکان در وزارت بهداری تثبیت نمود ولی این کابینه مورد موافقت مجلس قرار نگرفت و ساعد ناگزیر تغییراتی در آن به عمل آورد از جمله دکتر قاسم غنی به وزارت فرهنگ معرفی گردید و تا شهریورماه 1323 وزیر فرهنگ بود.
در مهرماه 1326 دکتر قاسم غنی با سمت سفیرکبیر در مصر عازم قاهره شد. وی در این سفر ماموریت داشت به اختلاف محمدرضا و فوزیه خاتمه دهد. مدت مسافرت غنی در سفارت مصر یکسال بیشتر طول نکشید و در بهمن‌ماه 1327 با سمت سفیرکبیری عازم ترکیه گردید. این ماموریت نیز کمتر از یکسال بود. دکتر غنی در همان ایام دچار بیماری شد و برای درمان عازم آمریکا گردید. تلاش پزشکان برای بهبودی او به جائی نرسید و سرانجام در فروردین‌ماه 1331 به بیماری سرطان درگذشت.
مقام علمی و ادبی دکتر غنی درخور توجه و امعان‌نظر می‌باشد. از جمله از ترجمه‌های وی باید عصیان فرشتگان تائیس و بریان‌پزی ملک‌سیا اثر آناتول فرانس را نام برد. تنقیح و تصحیح و چاپ دیوان حافظ یکی از کارهای دکتر غنی است که با همکاری علامه محمد قزوینی آن را انجام داد. دیوان حافظ غنی یکی از منابع معتبر و مستند اشعار این غزلسرای نامدار به شمار می‌رود.
یکی از کارهای برجسته و ماندگار صاحب ترجمه، یادداشتهای وی می‌باشد که تاکنون دوازده مجلد انتشار یافته است و حاوی نکاتی جالب و باارزش می‌باشد. در این مجموعه غیر از خاطرات دکتر غنی، از بعضی از رجال هم نوشته‌هائی وجود دارد.
آخرین اثر وی کتاب بحثی در تصوف است که در حقیقت دنباله‌ی حافظنامه اوست.

(بخش 1) قاسم (دکتر) ابن (سید) عبدالغنی پزشک و دانشمند و ادیب ایرانی (و. سبزوار 1316 ه.ق- ف. کالیفرنیا (آمریکا) 1370 ه.ق/ 1331 ه.ش). پس از طی تحصیلات مقدماتی در سبزوار به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالفنون (قدیم) وارد شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی پزشکی به بیروت رفت و در آنجا دانشکده‌ی طب را به پایان رسانید. و به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد و در زبان و ادبیات عرب احاطه یافت. دکتر غنی در اواخر سال 1299 ه.ش به ایران بازگشت و به سبزوار رفت و سه سال در آنجا به طبابت اشتغال داشت. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به پاریس رفت و با مرحوم محمد قزوینی آشنایی یافت. در سال 1307 ه.ش. به ایران بازگشت و مدت یک سال در سبزوار و چند سال در مشهد به طبابت پرداخت. در دوره‌ای 13 ،12 ،11 ،10 به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در اسفند 1314 به عنوان استاد دانشکده‌ی پزشکی به تدریس دروس بیماریهای عصبی و تاریخ طب و علم اخلاق پزشکی مشغول گردید، و مدت دو سال در دانشکده‌ی معقول و منقول به تدریس روانشناسی اشتغال ورزید. در این اثنا به عضویت کمیسیون پزشکی فرهنگستان برگزیده شد. پس از شهریور 1320 در دولت سهیلی به سمت وزیر بهداری و در فروردین 1323 در کابینه‌ی ساعد مجدداً وزیر بهداری و بعد وزیر فرهنگ شد، ولی در اردیبهشت همان سال به سبب کسالت مزاج استعفا داد. در سال 1945 م. به نمایندگی از طرف دولت ایران در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کرد و پس از آن نیز چند بار در کنفرانسهای مختلف جهان به نمایندگی ایران شرکت جست، و سه سال در ایالات متحده‌ی آمریکا به مسافرت و مطالعه و تحقیق مشغول بود و بر اثر حادثه‌ی اتومبیل در سر حد کشور مکزیک استخوان پایش شکست و چهار ماه و نیم بستری بود. پس از رفع بیماری از طرف دولت ایران به سفارت کبرای مصر منصوب شد. در شهریور 1326 ه.ش. به ایران بازگشت و در آبان 1327 به سمت سفیر کبیر ایران در ترکیه منصوب گردید. مدتی پس از آن برای معالجه به آمریکا رفت ولی مداوا مؤثر نگشت و درگذشت. وی از خدمتگزاران ادب فارسی است. به زبانهای فرانسوی و انگلیسی و عربی احاطه داشت و به افکار بزرگان باختر آشنا بود، به آثار آناتول فرانس علاقه داشت و سه کتاب او را به فارسی روان ترجمه کرد: داستان طائیس، عصیان فرشتگان، بریان‌پزی ملکه‌ی سبا. دکتر غنی علاقه‌ی شدیدی به حافظ داشت و درباره‌ی او تحقیق بسیار به عمل آورد و طرح یک دوره بنام «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» را ریخت که جلد اول آن راجع به تاریخ عصر حافظ یا تاریخ مفصل فارس و مضافات و ایالات مجاور آن در قرن هشتم و جلد دوم آن که راجع به تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلف آن از صدر

اسلام تا عصر حافظ است به چاپ رسیده. از آثار دیگر اوست: رساله در شرح احوال و آثار ابن سینا، معرفةالنفس، شرکت در تصحیح رباعیات عمر خیام با مرحوم فروغی، شرکت در تصحیح تاریخ بیهقی با دکتر فیاض، شرکت در تصحیح دیوان حافظ با محمد قزوینی (مجله‌ی دانش 1331 شماره‌ی 10 و 11، لغ.).
(ح 1331 -1272 ش)، پزشک، نویسنده و مترجمم. در سبزوار به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر گذراند. پس از فوت پدر همراه دایی‌اش به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون به پایان رساند. وی برای ادامه‌ی تحصیلات در رشته‌ی طب به بیروت اعزام و در 1297 ش دوره‌ی دانشکده‌ی پزشکی آنجا را به پایان رسانید. بعد به ایران آمد و پس از سه سال اقامت در سبزوار به فرانسه سفر کرد. پس از یک سال و اندی به وطن مراجعت نمود و پس از چندی دوباره به فرانسه رفت و در 1307 ش مجددا به ایران بازگشت و در سبزوار و مشهد به طبابت پرداخت. پس از مدتی طبابت را کنار گذاشت و به کارهای سیاسی روی آورد. وی در دروه‌های دهم تا سیزدهم از جانب مردم مشهد به نمایندگی مجلس منصوب گردید و در ضمن در دانشکده‌ی طب و علوم معقول و منقول و روانشناسی تدریس می‌کرد. مدتی نیز سفیر ایران در کشورهای ترکیه و مصر بود. سرانجام در ایالات متحده از دنیا رفت. دکتر غنی در طول حیات خود کتبی چند تألیف و ترجمه کرده است. از آثار وی: «ابن‌سینا»؛ «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ»، شامل دو قسمت، قسمت اول «تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارسی و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم» و قسمت دوم «تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه‌ی آن از صدر اسلام تا عصر حافظ»؛ «بحثی در تصوف»؛ «بحث در سیاست»؛ «معرفه النفس»؛ «عصیان فرشتگان»، ترجمه؛ «تائیس»، ترجمه؛ «بریان‌پزی ملکه‌ی سبا»، ترجمه.[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 7، ص 503 -502، س 8، ش 1، ص 62 -59)، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (29 -25 / 5)، شرح حال رجال (179 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (899 -897 / 4)، یغما (س 24، ش 10، ص 606 -599).

غنی‌زاده سلماسی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 / 1312 -1257 ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، مصحح، نویسنده و شاعر. در سلماس به دنیا آمد و در زادگاهش به کسب دانش و ادب پرداخت. وی در اوایل جوانی دورادور با سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی «حبل المتین»، مکاتبه داشت و گاهی اوقات مقالاتی برای این روزنامه می‌فرستاد. غنی‌زاده سفری به قفقاز داشت که در این سفر با طالبوف آشنا شد. وی پس از بازگشت از این سفر در 1325 ق روزنامه‌ی «فریاد» را در شهر ارومیه منتشر کرد و در 1326 ق به تبریز مهاجرت نمود و در روزنامه‌ی «شورای ایران» به چاپ مقالات مختلف هست گماست. مدتی منشی مخصوص ستارخان بود و از طرف او به نمایندگی انجمن ایالتی تعیین شد و با تصویب این انجمن روزنامه‌ای به نام «انجمن» تأسیس شد که اداره‌ی آن را غنی‌زاده و علی‌اکبر وکیلی به عهده داشتند. غنی‌زاده همزمان روزنامه‌ی «محاکمات» را تأسیس و با هفته‌نامه‌ی «شفق» نیز همکاری می‌کرد. وی در 1327 ق روزنامه‌ی «بوقلمون» را منتشر کرد. چون در 1329 ق مأمور تشکیل عدلیه سلماس شد از همکاری با این روزنامه‌ها دست کشید. در 1330 ق که سپاهیان روس وارد تبریز شدند با جمعی از آزادیخواهان آذربایجان به استانبول مهاجرت کرد و در آن شهر علاوه بر نوشتن مقالات و اشعار در روزنامه‌ی «اختر»، که ایرانیان مقیم استانبول انتشار می‌دادند، با زبان و ادبیات ترکی استانبولی آشنا شد. در بحبوبه‌ی جنگ جهانی با تقی‌زاده در تحریر مجله‌ی «کاوه» همکاری داشت. در 1305 ش به ایران بازگشت و در همان سال روزنامه‌ی «سهند» را در تبریز منتشر کرد وی سرانجام در تبریز وفات یافت. از آثارش: مقدمه‌ی «سفرنامه ناصرخسرو»؛ تصحیح «زاد المسافرین»؛ تصحیح «وجه دین»؛ «پالتو»، ترجمه؛ «آدم نامرئی»، ترجمه؛ «دوای خواب»، ترجمه؛ «هیپنوزه یا واهمه»، ترجمه. از آثار منظوم غنی‌زاده جز چند غزل و مثنوی «هذیان» چیزی در دست نیست.[1]
محمود سلماسی، ادیب و شاعر ایرانی (و. سلماس 1296 ه.ق.- ف. 1353 ه.ق)، وی به استانبول و سپس به برلین رفت و در مجله‌ی کاوه مقالاتی منتشر کرد و بعد به ایران بازگشت و روزنامه‌ی سهند را انتشار داد، او راست: تاریخ آذربایجان، ایرانیان مستعرب. دیوانی از او بنام «آثار منظوم محمود غنی‌زاده» به چاپ رسیده (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 17، ش 8 -5، ص 504 -499)، از صبا تا نیما (332 -325 / 2)، تاریخ جراید (194 ،80 -78 / 4 ،74 -72 ،49 -48 / 3 ،26 / 2 ،288 -286 / 1)، الذریعه (792 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (32 -30 / 5)، سخنوران نامی معاصر (2567 -2564/ 4) شرح حال رجال (257 -256 / 6)، لغت‌نامه (ذیل/ غنی‌زاده)، مؤلفین کتب چاپی (69 -68 / 6)، یادداشتهای قزوینی (219 -218 / 8).

غیاثی طرزی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا غیاثی طرزی
محل تولد : راور کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
جناب استاد غیاثی ضمن معرفی کامل خودتان ،آثار برتر ومنتخب خودتان را که طی 30سال گذشته تالیف کرده اید،معرفی نمایید . بسم ا...الرحمن الرحیم ،اینجانب سید محمد رضا غیاثی کرمانی متولد سال 1338در روستای زیبای «طرز»از توابع شهرستان راور کرمان از سال 1354وارد حوزه ی علمیه شده وتا کنون یعنی سال 1387مدت 33سال است که به تحلیل وتالیف وتدریس اشتغال دارم .تا کنون 70عنوان کتاب تالیف کرده ام که 7مورد از آنها به عنوان کتاب سال وآثار مکتوب برتر وقابل تقدیر ،شناخته شده اند که عبارتنداز : 1ـ اختران هدایت (سال 72)،2ـفضیلت های اخلاقی (سال 78)،3ـ ابومسلم اصفهانی (سال 79)،4ـ آیات الاحکام (سال 80)،5ـ صحیفه کاظمیه (ع)(سال 81)،6ـ پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی (سال 86)،7ـ در محضر علامه شعرانی /پرسش ها وپاسخها ی قرآنی (سال 87) لازم به ذکر است ،کتاب پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی دو مرتبه به عنوان کتاب سال برگزیده شده است .یکی در کرمان از سوی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ودیگری از سوی کمیته ی انتخاب کتاب سال دانشجویی تهران . ـ استادغیاثی،اگر ممکن است نام کتابهای خود را بفرمایید . چون نام بردن از 70 عنوان اولاً در خاطرم نیست ودر ثانی از حوصله یک مصاحبه روزنامه ای خارج وبرای خوانندگان عزیز هم خسته کننده است ولذا از ذکر آنها خوداری می کنم ،ولی لازم است که از روزنامه وزین کرمان امروز که همواره ابراز محبت نموده وبه ویژه سردبیر محترم ومسوول وصاحب امتیاز آن،جناب آقای «فتح نجات»که خود فرهیخته ای خدیم علم وندیم قلم هستند ،تشکر کنم که همواره در مسیر نشر فرهنگ دینی کوشا هستند در فرصتی بیشتر در این باره گفتگو خواهیم کرد ،ان شاءا.....

غیاثی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فارابی، ابونصر اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابونصر اسماعیل بن حماد نیشابوری مسکن و مدفن و فارابی الاصل خواهرزاده (اسحق بن ابراهیم) است.
وی در فاراب متولد و به جوهری شهرت یافته و در علم و فطانت و ذکاوت نادره دوران و اعجوبه زمان و بالخصوص در لغت و فنون ادب امام اهل لغت و مرجع علماء عربیه بوده و به جهت تحصیل لغت عرب و اطلاعات بر نکات و حقائق مشکلات و دقائق معضلات آن به بلا در بیعه و مضر و نجد و حجاز و مصر و شام مسافرتها کرده و از سیرافی فارسی و دائی خود اسحق ابن ابراهیم فارابی صاحب (دیوان الادب) و اکابر دیگر عصر خود علوم عربیه و ادبیه را فراگرفته و لغت عرب را از زبان اعرابی که اصلا مراوده با اجانب نداشته و مخلوط به کلمات بیگانه نموده اخذ نموده و با اینکه زبان مادری او ترکی بوده از پیشوایان لغت عرب محسوب می‌شود.
وی پس از مسافرتهای کثیره عاقبت به نیشابور برگشته و به تدریس و تألیف پرداخته تا در 333 یا 400 و یا مابین آن دو رقم از بام افتاده و مرده است.
از آثار اوست 1- بیان الاعراب 2- صحاح اللغه 3- عروض الورقه 4- مقدمه نحو و کتاب صحاح او مشهورترین تألیفات اوست که مورد توجه عموم ادباء و دانشمندان است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارابی، اسحق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسحق بن ابراهیم مکنی به ابوابراهیم از اکابر ادباء قرن چهارم هجری و دائی اسماعیل بن حماد جوهری است.
از تألیفات اوست 1- بیان الاعراب 2- دیوان‌الادب 3- شرح ادب الکاتب وفات او در سال 350 یا 370 هجری واقع شده.
(وف 370 / 350 ق)، ادیب و لغوی. از ادیبان دانشور ایرانی است که اصل وی از فاراب ماوراءالنهر بود. فارابی دایی استاد لغوی بزرگ اسماعیل جوهری صاحب «صحاح اللغه» است. از موطن خود به یمن مهاجرت کرد و در زبید اقامت گزید و «دیوان الادب» را در آنجا تصنیف کرد. از آثار وی: «دیوان الادب»، در لغت که آن را به درخواست اتسز خوارزمشاه، در پنج بخش: اسم، فعل، حرف، صرف اسم و صرف فعل نگاشت؛ شرحی بر «ادب الکاتب» ابن‌قتیبه؛ «بیان الاعراب».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (285 -284 / 1)، انساب سمعانی (331 / 4)، ایضاح المکنون (204 / 1)، روضات الجنات (44 / 2)، ریحانه (261 / 4)، کشف الظنون (775 -774، 48)، معجم الادباء (65 -61 / 6)، معجم البلدان (255 / 4)، معجم المؤلفین (227 / 2)، هدیه العارفین (199 / 1).

فارسانی، کمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1291 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به فارسانی. مشهور به مرتضویان. وی از سادات حسینی باقلعه‌ی اصفهان است که در فارسان از توابع چهار محال اصفهان به دنیا آمد. در 1317 ش در شرکت نفت مسجد سلیمان مشغول به کار شد. وی مدتی روزنامه‌ی «کارگران خوزستان» را منتشر می‌کرد. او در سرودن شعر دارای قریحه‌ی سرشار بود و به زبان انگلیسی و علوم ادبی نیز آشنایی کامل داشت. از آثارش: «اعجب العجائب و اغرب الغرائب»؛ «امثال و واژه‌های محلی»؛ «انتقادات فارسانی»، شعر؛ «اندرزهای فارسانی»، شعر؛ «تأثیر نگاه»؛ «ترانه‌های فارسانی»، شعر؛ «داستانهای امثال»؛ «دوبیتی‌های فارسانی»، شعر؛ «رباعیات فارسانی»؛ «زن‌شناسی»؛ «کمال الصغیر»؛ «مکر زنان»؛ «نفت ملی گشت»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (346 -344)، الذریعه (799 / 9)، مؤلفین کتب چاپی (93 -91 / 5).

فارسی ابوالخیر، تقی‌الدین محمد، محمدتقی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 940 ق)، ریاضیدان، منّجم، ادیب، پزشک و شاعر شیعی، متخلص به فهمی. در شیراز می‌زیست و نزد میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و فرزد وی میر غیاث‌الدین منصور دشتکی به فراگیری دانش پرداخت. از آثار چاپی او: «آداب السلطنة»، به فارسی؛ «حل التقویم»، به فارسی در نجوم و هیئت. آثار خطی او: «الاحکام الاحکام»، در نجوم به فارسی؛ «اسامی العلوم و اصطلاحاتها» به فارسی در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و صفات؛ «آغاز و انجام»؛ «طلیعة العلوم»؛ به عربی؛ «بستان الادب»؛ «خلاصه‌ی طلیعة العلوم»، به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق و ریاضیات؛ «انتخاب حل التقویم»؛ «انیس الاطباء»؛ «رساله در هیئت»، به فارسی؛ «رسالة فی حساب القمر»؛ «زبدة الصرف»؛ «شرح رساله‌ی هیئت»؛ «طالع‌نامه»؛ «معرفة سمت القبلة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (406/9)، تاریخ نظم و نثر (386)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (96/1)، الذریعه (180، 135 /15، 67/7، 359- 358، 10- 9 /2، 292- 291، 36- 35 /1)، ریحانه (94/7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81/10)، کشف الظنون (115)، معجم المؤلفین (258/11).

فارسی فسوی، ابوالقاسم زید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 467 ق)، نحوی و لغوی. از بسیاری علوم متداول زمان خود آگاهی داشت. مدتی در حلب و دمشق بود و زبان عربی را در آنجا فراگرفت. علم نحو را از ابوالحسن خواهرزاده‌ی ابوعلی فارسی و علم حدیث را از ابوذر هروی آموخت. وی در طرابلس شام درگذشت. از آثارش: شرح «ایضاح ابوعلی»، در نحو؛ شرح «حماسه‌ی ابوتمام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (99 / 3)، روضات الجنات (374 / 3)، ریحانه (269 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 84 -83 / 5)، کشف الظنون (691 212،)، لغت‌نامه (ذیل/ زید)، معجم الادباء (177 -176 / 11)، معجم المؤلفین (191 -190 / 4).

فارسی مهر، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی فارسی مهر
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1357 دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم . در سال 1361 در تهران طلبه شدم و در سال 1363 به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال 1362 کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت . و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالایی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم . کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(529 -451 ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 4)، روضات الجنات (22 / 8)، ریحانه (273 -272 / 4)، سیر النبلاء (18 -16 / 20)، شذرات الذهب (93 / 4)، العبر (436 -435 / 2)، کشف الظنون (1602، 1011، 558، 308)، الکنی و الالقاب (67 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (267 / 5)، وفیات الاعیان (225 / 3)، هدیه العارفین (587 / 1).

فارسی، ابوعلی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعلی فارسی نحوی صاحب تصانیف کثیره معاصر امیر عضدالدوله دیلمی بود و در سال 377 ق در بغداد وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فارسی، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای جلال الدین فارسی از اسلام پژوهان و مبارزان عصر جدید در راه تحقق و استقرار انقلاب / حکومت / جمهوری اسلامی بوده اند ، و بیش از یک اهل قلم عادی در این راه تلاش کرده اند . او متولد 1312 ش در مشهد مقدس است . در حدود سالهای 1332 ـ 1333 ش نخستین اثر خود را که ترجمه بود منتشر ساخت و با شرکت در حوزه های مخفی نهضت مقاومت ملی ، به بحث درباره ی مسئله ی « کلیسا » و رابطه ی دین و دولت / سیاست / حکومت و پس از آن به تدریس دو اثر انقلابی خود به نامهای نهضت های پیامبران ، و تکامل مبارزه ی ملی پرداخت . سالهای 1340 ـ 1341 را در زندان قزل قلعه سپری نمود و در قیام 15 خرداد سال 1342 نیز نقشی فعال داشت . کتاب حقوق بین المللی اسلامی را در سال 1345 ، و ترجمه ی کتاب مشهور تکامل انقلابی اسلام را در سال 1349 منتشر کرد . در خلال همین سالها به لبنان هجرت کرد و با همکاری با جنبشهای انقلابی و آزادی بخش منطقه در حرکت مبارزه ی مسلحانه ی داخل کشور نقش مهمی ایفا نمود . دوره ی درسهایی درباره ی مارکسیسم به دو زبان فارسی و عربی و واحدهای بشری و ترجمه ی 5 جلد (از 11 جلد منتشر شده) الغدیر و شهدای راه فضیلت هر دو اثر شادروان علامه عبدالحسین امینی ، از آثار فرهنگی ارزشمند دوران هجرت اوست .
در تابستان 1357 از طرف امام خمینی (ره) ، به تنظیم رابطه ی سازمان آزادی بخش فلسطین با انقلاب اسلامی ایران همت گماشت و سال بعد به نمایندگی در مجلس خبرگان انتخاب گردید . مسئولیت دیگر وی عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی بود . وی سپس به عنوان نماینده ی مردم تهران در دوره ی دوم مجلس شورای اسلامی مشغول انجام وظیفه گردید . آثار دیگر او که در سالهای اخیرتر منتشر شده عبارتند از : ترجمه ی قرآن کریم که به آن بیشتر می پردازیم ؛ فلسفه ی انقلاب اسلامی ؛ استراتژی بین المللی ؛ پیامبری و جهاد و حکومت ، پیامبری و انقلاب که این سه کتاب ، یک دوره سیره ی نبوی است به استناد ترتیب نزول قرآن و محتوای آیات تاریخی . یکی از آثار مفید دیگر ایشان واژه های انقلاب اسلامی ایران است که چند سال پیش منتشر شده است ، و به کار ایران شناسان و اسلام شناسان و محققان انقلاب اسلامی و تاریخ عصر جدید

ایران می آید .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فارمدی طوسی خراسانی، ابوعلی فضل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(477 -407 / 405 ق)، محدث، زاهد، صوفی و واعظ. در فارمد طوس به دنیا آمد. از مشایخ بزرگ صوفیه خراسان، و به گفته‌ی سمعانی زبان گویای خراسان و شیخ آنجا بود. او از شاگردان امام محمد غزالی و استاد حجه‌الاسلام ابوحامد غزالی است. از ابوعثمان صابونی و دیگران فقه آموخت و از ابوعبدالله بن باکویه و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی و ابوحسان مزکی حدیث شنید. عبدالغافر بن اسماعیل و عبدالله بن علی خرکوشی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. فارمدی به نیشابور رفت و مدتی از نزدیکان و مریدان خاص امام ابوالقاسم قشیری شد. سپس در پی تحولات روحی به طوس بازگشت و در آنجا با ابوالقاسم کرگانی آشنا شد و مرید او گردید و سپس داماد او شد. از دیگر استادان وی در تصوف ابوالحسن خرقانی را نیز می‌توان نام برد. فارمدی معاصر شیخ ابوسعید ابوالخیر بود و در مجلس درس وی نیز حاضر می‌شد. مجالس ذکر و موعظه‌ی فارمدی شهرت فراگیر داشت، به این دلیل او را لسان‌الوقت می‌خوانده‌اند. عبدالغافر از او تعبیر به شیخ الشیوخ کرده، گوید که طریقه او در وعظ ممتاز بود و آنچنان نیکو ادا می‌شد که در دلها می‌نشست. او بیشتر دارایی خویش را بر صوفیه انفاق کرد. وی در طوس درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اسرار التوحید (669 -668 / 2)، انساب سمعانی (335 / 4)، سیر النبلاء (566-565 / 18)، شذرات الذهب (356 -355 / 3)، العبر (337 / 2)، کشف المحجوب (211)، کیمیای سعادت (156، 35 -34 / 2)، معجم البلدان (259 / 4)، نفحات الانس (375 -373).

فاضل اژه‌ای، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، واعظ کامل، فوت صبح چارشنبه 17 صفر 1329.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فاضل استرآبادی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن علی بن ابراهیم معروف به فاضل استرآبادی استاد علماء کربلا صاحب منهج‌المقال (رجال کبیر) و رجال صغیر که وحید بهبهانی تعلیقاتی بر آن نوشته و معروف است که در رجال کتابی بهتر از آن نوشته نشده و هم از تصنیفات اوست شرح آیات الاحکام و حاشیه تهذیب و رسائل مفیده دیگر وفات آن بزرگوار در سیزدهم ذی‌قعده 1028 ق در مکه معظمه واقع و در قبرستان معلی نزدیک قبر حضرت خدیجه کبری مدفون گردید و در نخبه ماده تاریخش را چنین گفته.
والاسترآبادی فاضل سنی
له الرجال فوئه رضی
و این بزرگوار از افرادی است که به فیض تشرف و زیارت حضرت ولی عصر روحی له الفداء رسیده چنانکه مجلسی ره در سیزدهم بحار نقل نموده از جماعتی از آن بزرگوار که فرمود شبی در مسجدالحرام طواف می‌کردم بر دور خانه کعبه که جوان خوشروئی را دیدم که مشغول به طواف بوده چون به من رسید دسته گل سرخی به من عطا کرد و این در غیر فصل گل بود پس من از او گرفتم و بوئیدم و پرسیدم که ای سید من این گل از کجاست. فرمود از خرابات این بفرمود و پنهان شد و دیگر او را ندیدم سمعانی در انساب گفته خرابات جزیره‌ای در مغرب است در دریای محیط که از آنست جزیره خضراء.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فاضل بسطامی، نوروز علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1309 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ. در بسطام به دنیا آمد. در کودکی به مشهد مهاجرت کرد و در خدمت علمای بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نمود تا به درجات بالائی از فضل و کمال رسید. از آثارش: «التحفه الحسینیه»، در بیان حالات حضرت سیدالشهداء (ع) و اهل‌بیت او، در دو مجلد؛ «التحفه الرضویه»، در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع)؛ «سرور العارفین»، در احوال مختار؛ «نجاه لخافقین فی ثواب زیاره الحسین (ع)»؛ کتاب «ذخیره المعاد»، در اخلاق و موعظه و ارشاد؛ کتاب «سراج المتهجدین»، منتخبی از «تحفه الابرار» شیخ حسین اصفهانی؛ کتاب «لولوه البحرین فی ذکر مناقب الحسین (ع)». [1]
نوروزعلی معروف به (فاضل بسطامی) متوفی 1309 ق عالمی با عمل و فاضلی بی‌بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه‌اطهار علیهم سلام‌اللّه الملک الغفار بوده وی در بسطام متولد و از کودکی مهاجرت به مشهد نموده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان تحصیل فقه و اصول نموده تا به درجات سامیه فضل و کمال رسیده و چندین کتب تألیف کرده که از آن جمله (تحفه الحسینیه) در دو مجلد در بیان حالات و مراثی حضرت سیدالشهداء و اهل‌بیت طیبات آن جناب و دیگر کتاب تحفه الرضویه در ذکر حالات و معجزات حضرت ثامن‌الائمه (ع) و کتاب سرورالعارفین در احوال مختار و نجات الخافقین در فضیلت زیارت حضرت سید الشهداء و کتاب ذخیره المعاد و کتاب (سراج‌المتهجدین) و کتاب (لؤلؤة البحرین) و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (58 -57 / 24، 378 / 18، 175، 161 -160 / 12، 21 / 10، 436، 430 / 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (152 -151 / 7).

فاضل جم، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1319 ق)، عالم، ادیب، خطیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف و ملقب به فاضل جم. وی به روستای جم وزیر در چهار فرسخی سیراف فارس منسوب است. او از شاگردان علامه شیخ مهدی کجوری است که مدتی در شیراز در محضر شیخ حاضر شد و از او کسب اجازه نمود. سپس به عراق مهاجرت کرد و در محضر ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا و سید حسین کوه‌کمری در نجف شاگردی نمود تا از سید حسین کوه‌کمری نیز کسب اجازه نمود. او در بسیاری از علوم ماهر و دارای خط بسیار خوبی بود. وی اخلاق نیکویی داشت و شعر را روان می‌گفت. از آثار وی: «جام‌جم فی آثار العجم»، کشکول مانندی است مشتمل بر فواید علمی و تاریخی، از آن جمله ذکر ادوار تاریخی سیراف که امروزه به بندر طاهری معروف است و همچنین ذکر آثار برجسته و قدیمی، مانند مسجدی که در نزدیکی کوه آنجا بنا شده و غیره؛ «ریاض المصائب»، مقتل، در مواعظ و تواریخ و سیر و مصائب؛ «المنشآت اللطیفه» نظم و نثری به فارسی و عربی است که آن را با سفرنامه حجش آغاز و در ضمن آن پاره‌ای از اسرار حج را ذکر کرده و در پایان، منظومه‌ی «لیلی و مجنون» را آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (145 / 6)، الذریعه (27 / 23، 337 / 11، 23، / 5)، ریحانه (279 / 4)،طبقات اعلام الشیعه (قرن 622 -641 / 14)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل جم).

فاضل کاشانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود معروف به فاضل کاشانی فرزند ملا محمد حسین فاضل فرزند ملا علی‌اکبر فاضل از افاضل وعاظ و مشاهیر خطباء و اهل منبر معاصر تهرانست.
وی در سال 1311 شمسی برابر 1352 قمری در دارالمؤمنین کاشان به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی یثربی خوانده و به دست مبارک آن مرحوم معمم و ملبس به کسوت مقدس روحانیت گردیده و پس از فوت آن بزرگوار در سال 1380 قمری مهاجرت به تهران نموده و سطوح را از مرحوم حاج سید مرتضی لنگرودی امام مدرسه و مسجد حاج ابوالفتوح تهران و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد جناب آقای فلسفی واعظ استفاده نموده و حدود بیست سال از دروس نهائی و خارج آیت‌اللّه حاج شیخ محمد غروی کاشانی فقها و اصولا و تفسیرا و حدیثا بهره‌مند گردیده و حظ وافری از مقامات علمی و معنوی معظم‌له رحمه‌اللّه برده و بعد به ترویج دین و تبلیغ احکام و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام گرویده و مورد توجه خاص دانشمندان و اهل ایمان خاصه پیروان قرآن و خاندان رسالت صلوات اللّه علیهم اجمعین گردیده و تا حال تحریر اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فاضل لاریجانی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1293 ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. تحصیلات ابتدایی را در آمل به پایان رساند و سپس به تحصیلات دینی پرداخت. در 1317 ش با سمت دبیر ادبیات و روان‌شناسی در دانشسرای مقدماتی بابل مشغول خدمت شد. بعد از یک سال برای ادامه‌ی تحصیلات به تهران آمد و در 1324 ش از دانشکده‌ی الهیات در رشته‌ی فلسفه‌ی فارغ‌التحصیل شد. سپس به سمت مترجمی در وزارت کشاورزی وارد خدمت شد. وی دارای ذوق شعری بود. از آثار وی: «اسرار انهدام اروپا»، ترجمه؛ «افسونکار»؛ «بمب اتمی»؛ «خطبه‌های محمد (ص)»، ترجمه؛ «سخنان علی (ع)»؛ ترجمه؛«دختران محمد (ص) سخن می‌گویند»، ترجمه؛ «طب و بهداشت در اسلام»، ترجمه‌ی طب النبی»، «طب الصادق»؛ «طب الرضا» و «طب الائمه»؛ «نویسنده»؛ «وفا»؛ «هفت دریا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3406، 3368، 3329، 2254، -2253 /1942، 2، 1359، 516، 297، 195 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (403 -397 / 2).

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد فاضل لنکرانی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال 1341 در قم و در میان خانواده‌ای از سلک روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیةالله العظمی فاضل لنکرانی (ره)است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می‌کند که به بدن او متصل است که آن را به روحانی شدن فرزند خود تعبیر کرده بود. مادر او نیز از سادات مکرّم قمی است که نقش بسیاری در تربیت و پیشرفت وی داشته است. حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنحم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به پایان بردن سال اول دبیرستان، با مشورت با بزرگان و به دلیل شوق بسیار برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پا نهاد و همزمان دروس دبیرستان را نیز پی گرفت تا موفق به کسب دیپلم شد. سالهای نخستین تحصیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی ملت ایران برای سرنگونی رژیم شاه مصادف شده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و هماره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دورة سطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم، از جمله پدر گرامی خود راه یافت. حجةالاسلام والمسلمین فاضل لنکرانی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او دروس دورة ادبیات را نزد استاد بیگدلی که هم اکنون نیز از استادان برجسته دورة سطح است، گذراند و در رسائل، به درس آیةالله سید رسول تهرانی و آیةالله مصطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیةالله پایانی (ره) رفت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج فقه و اصول پدر گرامی خود ـ حضرت آیةالله العظمی فاضل لنکرانی ـ راه یافت و حدود 15 سال از محضر ایشان بهره

برد. همچنین در حدود هفت سال در درس خارج فقه و اصول آیةالله العظمی وحید خراسانی و در حدود دو سال در درس آیةالله سید کاظم حائری شرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیةالله حسن زادة آملی و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالها با فضلای بسیاری رابطة دوستی داشت و دروس فرا گرفته را با آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شیخ عبدالله اسلامی و شیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود هماره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که 5 بار کتاب معالم، 4 بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شرح لمعه، 3 بار کتاب مکاسب و بیش از 5 بار کتاب کفایه را تدریس کرد و هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشیه‌هایی نگاشته که هنوز به چاپ نرسیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصه، ادارة مرکز فقهی ائمه اطهار است که در آن طلاب و فضلای بسیاری به تحصیل و پژوهش می‌پردازند و تاکنون کتب بسیاری در آنجا به چاپ رسیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مباحث فقهی و اصولی داشته است. حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، هماره با آنان همگام بوده است. او در سنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسین (ع) و اهداف آن خواند که در همان زمان رئیس ساواک را که خود در جلسه حاضر بود، به خشم واداشت. او که در سالهای تبعید با پدر خود همراه بود، همواره از مسائل مهم نهضت آگاه بود و ظلم رژیم شاه را به چشم خود می‌دید. حجةالاسلام‌والمسلمین فاضل، پس از پیروزی انقلاب نیز هماره مدافع نظام وانقلاب بود و در سالهای جنگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دستاوردهای نظام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضل مراغی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1310 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (51 / 3)، الذریعه (108 / 15، 115 / 14، 202، 174، 153، 34 / 6، 470- 469 / 3)، ریحانه (282 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 114 / 14)، علماء معاصرین (45)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (319 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (430 / 1).

فاضل‌زاده بدیع شیرازی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1284 ش)، نویسنده، مترجم و خطاط. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه‌ی شعاعیه تحصیل کرد. پاره‌ای از مقدمات علوم ادبی و عربی و زبان انگلیسی را در خدمت عم خود، میرزا عبدالصمد بدیع، آموخت. او در هیجده سالگی به عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بدیع خط نسخ و شکسته بخصوص نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت و چند جلد کتاب از قبیل: «مثنوی» مولوی و «منتهی الآمال» و غیره را برای چاپ نوشت. او همچنین در دبیرستانهای شیراز معلم زبان انگلیسی بود در ضمن آموزشگاهی برای تعلیم زبان انگلیسی دایره کرده بود. از آثار وی: «اراده‌ی آهنین»، ترجمه؛ «بزرگان ما»، شرح حال و منتخب اشعار فردوسی؛ «دستور زبان انگلیسی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (445 -444 / 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (42 / 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (499 ،148 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (666 -556 / 3).

فاضلی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ ابوطالب فاضلی بن حجةالاسلام آقا شیخ خلیل بن العلم العلام حاج شیخ عبداللّه بن آیت‌اللّه آخوند ملا ابوطالب از علماء فضلاء معاصر تهران است.
وی در سال 1345 قمری در خوی متولد شده و مرحوم والدش از نظر دوراندیشی که به آینده ایشان داشت مشارالیه را بنام جد بزرگوار خود مرحوم آیت‌اللّه آخوند ملا ابوطالب- ره- موسوم کرده ایشان بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی فارسی و عربی و قسمتی از سطح در شهرستان خوی و تبریز جهت تکمیل مراتب عالیه بحوزه علمیه قم وارد و بعد از دادن امتحان از کتابین رسائل و مکاسب (مرحوم شیخ انصاری- ره-) و قبولی از طرف اساتید حوزه مدت ده سال از آیات عظام وقت بالاخص از مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه استفاده نموده بطوری که مباحثی از تقریرات آن مرحوم را در دو قسمت اصول و کتاب صلوه نوشته‌اند بعد در سال 1374 ق بنابر دعوت حضرت بندگان سید الطائفه آیت‌اللّه العظمی خوئی دامت برکاته عازم نجف اشرف و قریب نه سال در آستان ملک پاسبان علوی از مباحثات آیت‌اللّه خوئی بهره‌های شایانی برده و غیر از عنوان استفاده‌های درسی از ملازمین خاص و مورد علاقه شدید آن بزرگوار بوده بطوریکه خاطرات فراوانی از آن شخصیت بزرگ دارند و اکنون چند سالیست که در یکی از مساجد و محله‌های معروف تهران موسوم به گذر مستوفی (مسجد مستوفی) مشغول انجام وظیفه هستند.
و اما آثار علمی ایشان در دو قسمت خلاصه می‌شود:
(تألیفی)
1- القضاء فی الاسلام (ناتمام).
2- الآیات المستشهد بها فی الکتب الادبیه (ناتمام).
3- خاطرات من از استاد حاضر.
(تقریراتی)
1- اصول یکدوره تمام تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی
2- مباحثی از بیع و خیارات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی
3- از اول طهاره الی احکام الاموات تقریرات آیت‌اللّه العظمی خوئی
اجمالی از احوال اسره فاضلی در ذکر اعلام شهرستان خوی در جلد چهارم

خواهد آمد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فاضلی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد فاضلی
محل تولد : بیارجمند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/3
زندگینامه علمی
پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال 1351 در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال 1354 به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال 1363 به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.
در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی
بیش از 15 سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از 14 ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، جابر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صاحب ترجمه 1- یعنی حضرت حجةالاسلام آقای حاج شیخ جابر فاضلی در سنه 1330 قمری در نجف اشرف موقع اشتغال به تحصیل مرحوم والدش از صبیه مرحوم حاج شیخ عبدالنبی ایروانی که عالم مشهور نجفی بود متولد شده و در سال 1334 به خوی آمده تحصیلات ابتدائی فارسی و عربی را در آنجا انجام داده و در سال 1355 جهت تکمیل علوم به حوزه‌ی علمیه قم وارد سطوح را از مرحوم ادیب تهرانی و مرحوم آقا شیخ مهدی مازندرانی و حضرت آیت‌اللّه نجفی مدظله تحصیل نموده و به دروس خارج آیات اللّه آقای حجة آقای صدر آقای خوانساری رضوان‌اللّه‌علیهم حاضر و استفاده کرده و در سال 1365 به خوی مراجعت و در مسجد خانوادگی‌شان که از آثار اجدادش می‌باشد معروف (حاج بابا) به اقامه‌ی جماعت و تبلیغات دینی مشغول و ضمناً تدریس طلاب علوم دینیه هم می‌نماید.
و در شرح حال علمای ماضین خوی که تألیفات دارند تذکرة نوشته که هنوز بطبع نرسیده و ضمناً بعضی آثار متفرقه قلمی هم دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فاضلی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فاضلی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا فاضلی
محل تولد : نجف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال 69 – 70 وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قاروبی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال 1384 در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال 1380 تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود 10 رساله قرآنی و شرح صحیفه سجادیه شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاطمی جهرمی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی پس از اتمام دوره تحصیلات متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات انگلیسی دردانشگاه تهران آغاز و بپایان رسانید.او برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم آمریکا شده و در رشته آموزش زبان انگلیسی مدرک دکترای خود را اخذ نموده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : آموزش زبان انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به ترتیب زیر است. لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران فوق‌لیسانس آموزش زبان انگلیسی آمریکا دکتری آموزش زبان انگلیسی آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی به قرار زیر است: عضو هیات علمی (دانشیار)دانشگاه شهید بهشتی از سال 1352 تاکنون مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی به مدت 16 سال معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت 8 سال معاون آموزشی دانشگاه به مدت 4 سال فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : زبان‌شناسی، آواشناسی، متون پیشرفتة نثر ادبی، جامعه‌شناسی زبان، روش تدریس، روان‌شناسی زبان، تجزیه و تحلیل کلام، مقاله‌نویسی چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی سید ابوالقاسم فاطمی جهرمی : تعداد مقالات علمی منتشر شده:11 مورد تعداد سخنرانی های علمی : بیش از 3 مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی خاتمه یافته : 2 مورد آثار : درک متون انگلیسی Reflections on Reading ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی 1375 2 رهیافتی بر آموزش واجهای انگلیسی به فارسی زبانان A Comprehens Sive Pedagogical Approach to Teaching English Phonemes to Persian Students ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی 13853 مروری بر آواشناسی انگلیسیA Survey of English Phonetics ویژگی اثر : چاپ دانشگاه شهید بهشتی 1370

فاطمی، عمیدالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عمیدالدین فاطمی از فضلاء و علماء حوزه علمیه قم است. وی در تویسرکان متولد شده و پس از خواندن مقدمات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین حوزه خوانده آنگاه به درس خارج مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید محمد حجت کوهکمری و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خونساری و حضرت آیت الله العظیم بروجردی بالغ بر 18 سال شرکت نموده و پس از آنان از محضر آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی بهره‌مند و تا هم اکنون در حوزه علمیه قم اشتغال دارند و نگارنده بالغ بر سی سال است که آن جناب را می‌شناسم (و ما رایت منه الا جمیلا) او را عالمی متین و فاضلی محمود دیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فاکر، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا فاکر
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام محمدرضا فاکر در سال 1324 در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دورة ابتدایی، با بخشی از دروس دورة مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دورة مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال 1343 پس از طی نمودن بخشی از دروس دورة سطح به قم آمد. در قم، باقیماندة شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایة استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجةالاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیماندة شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیةالله خزعلی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیةالله العظمی نوری همدانی می‌خواند. حجةالاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیةالله سلطانی طباطبایی و آیةالله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیةالله العظمی گلپایگانی (ره) و آیةالله العظمی وحید خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینة تفسیر، به درس آیةالله مشکینی می‌رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی

داشت. حجةالاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می‌توان نام برد.
حجةالاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می‌کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه‌های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجةالاسلام فاکر از مبارزان خستگی‌ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. او مبارزات خود را در دوره‌ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه‌های امام (ره) را در حجرة خود تکثیر و یا از روی آن می‌نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می‌کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می‌رساند. او نخستین بار در سال 1341 دستگیر و روانة زندان شد و دومین بار در 15 خرداد 1342 بازداشت شد و در زندان با حضرت آیةالله خامنه‌ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال 1352 دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال 1355 در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهاوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.
رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیتهای مهم حجةالاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به همراه بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیةالله العظمی حکیم(ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در بارة نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیتهای وی به پیش از انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نمایندة امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروههای به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجةالاسلام

فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می خورد

فالی خوزستانی، ابوالحسن، ابوالحسین مؤدب علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 448 ق)، محدث، نحوی، ادیب و شاعر. او به فاله از توابع ایذج (ایذه) خوزستان منسوب است. وی در بصره مدتی زیست و در آنجا از ابوعمر هاشمی و ابن‌خربان نهاوندی و ابوالحسین بن نجار/ نجاد و دیگر شیوخ آن زمان حدیث شنید.سپس به بغداد آمد و در آنجا ساکن شد. خطیب در «تاریخ بغداد» و ابوالحسین ابن طیوری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. او نظم نیکویی داشت. فالی در مقبره‌ی جامع المنصور مدفون است. از آثارش: «کتاب الاستقامه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (342 / 4)، ایضاح المکنون (266 / 2)، تاریخ بغداد (334 / 11)، ریحانه (290 -289 / 4)، سیر النبلاء (55 -54 / 18)، شذرات الذهب (278 / 3)، الکامل (79 / 8)، کشف الظنون (1389)، الکنی و الالقاب (12 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی فالی)، معجم الادباء (230 -226 / 12)، معجم البلدان (264 / 4)، معجم المؤلفین (21 -20 / 7)، النجوم الزاهره (61 / 5)، هدیه العارفین (688 / 1).

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونضر، ابونصر عبدالرحمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(546 -472 ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن‌عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (343 / 4)، سیر النبلاء (299 -297 / 20)، شذرات الذهب (140 / 4)، طبقات الحفاظ (471)، معجم المؤلفین (143 / 5)، النجوم الزاهره (290 / 5)، هدیه العارفین (518 / 1).

فانی خوارزمی، کمال‌الدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 953 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. وی ظاهرا از مردم قصبه‌ی قسا در خوارزم یا از قاشان ماوراءالنهر بود که نام آن را قاسان هم نوشته‌اند. در خوارزم منصب قضاوت داشت و مردی دانشمند به شمار می‌رفت وی غزل را نیکو می‌سرود. از آثارش: شرح «شواهد مغنی البیب»؛ شرح «شواهد مطول»؛ حاشیه بر «شرح تجرید»؛ شرح «مطالع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (689 -688)، تذکره‌ی روز روشن (683 -682)، فرهنگ سخنوران (768).

فانی یزدی،حسن، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1281 ق)، عالم، خطیب، مصنف، ادیب و شاعر، متخلص به فانی. معروف به سید آقایی. وی ساکن اصفهان بود. از جوانی در تحصیل علم و ادب کوشید، سپس روی به خطابه آورد تا در این فن سرآمد شد. او ادیبی شاعر و نویسنده‌ای پر تلاش بود. فانی در اصفهان درگذشت و در تکیه‌ی ملک از تخت پولاد دفن شد. از آثار وی: «اکسیر الاخبار»، در چهار مجلد: جلد اول در توحید و صفات‌الله، جلد دوم در فضائل ائمه اطهار (ع) و نصوص امامت و بعضی از خطب و مواعظ امیرالمومنین (ع)، و دو جلد دیگر در اخلاق و مواعظ؛ «التوفیقات الالهیه»، در مواعظ ماه رمضاه در سی مجلس؛ «حرز المؤمنین»، در احراز و ادعیه و برخی از نمازهای متفرقه؛ «فلاح الایمان»، به فارسی در مواعظ و مصائب؛ «غوث الامه فی اثبات الغیبه»؛ «عقیده الحق»، در شرح «باب الحادی عشر»؛ «هدایه السالکین»؛ «حبیب العاشقین»؛ «درر اللئالی فی اسرار الموالی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (260)، الذریعه (301 -300، 72 / 16، 306 / 15،804 / 9، 133 / 8، 394 / 6، 500 / 4، 278 -277 / 1)، ریحانه (290 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 394 -393 / 14)، معجم المؤلفین (217 / 3).

فانی، کامران

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کامران فانی در سال 1323 ، در قزوین به دنیا آمد. با تحصیل در رشته ادبیات ، به رشته کتابداری نیز علاقمند شد و تحصیلات خود را در این زمینه ادامه داد. او پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد و در سال 1361 که استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمود به عنوان دستیار در خدمت استادش بود و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : کتابداریتحصیلات رسمی و حرفه ای : کامران فانی تحصیلات مقدماتی را در قزوین گذراند و با اخذ دیپلم طبیعی در سال 1341 ، وارد دانشکده پزشکی شد. اما پس از گذشت سه سال ، به ادبیات فارسی علاقمند گردید و با ترک تحصیل از رشته پزشکی و موفقیت مجدد در کنکور دانشگاه ، تحصیلات خود را در رشته ادبیات پی گرفت و در سال 1347 موفق به اخذ لیسانس گردید. عشق و علاقه به کتاب سرانجام او را به سوی کتابداری کشاند و توانست وارد دانشکده کتابداری گردد. درسال 52-1350 درمقطع کارشناسی ارشد دررشته کتابداری و در سال 77-1976 درمقطع دکتری دررشته علوم اطلاع رسانی از دانشگاه لاف بارو درانگلستان موفق به کسب این مدارج علمی گردید .خاطرات و وقایع تحصیل : عشق و علاقه به مطالعه درکامران فانی از همان دوران ابتدایی تحصیل وجود داشته ، به شکلی که از همان دوران اول و دوم دبستان ، کتابهای بزرگسالان را مطالعه می کرده او در این باره می گوید: » در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتابهایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند ، به شبی « یک قران » که ظاهراً پول کلانی می آمد و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموخت. »فعالیتهای ضمن تحصیل : آشنایی کامران فانی با قرآن به سالهای آخر دبیرستان باز می گردد. او در

این زمان می توانست به کمک ترجمه های تحت الفظی و زیرنویس قرآن که در آن زمان منحصر به دو ترجمه مرحوم معزی و مرحوم الهی قمشه ای بود ، به فهم ظاهری معانی قرآن برسد.استادان و مربیان : کامران فانی در دوران تحصیل از محضر درس استادانی چون دکتر جعفر شهیدی ، دکتر مهدی محقق ، استاد عبدالحمید بدیع الزمان کردستانی ، امیر حسین یزدگردی و ذبیح الله صفا بهره مند گردید.هم دوره ای ها و همکاران : کامران فانی در دوران تحصیلات دانشگاهی با بهاء الدین خرمشاهی همکلاس بود و این رابطه به دلیل قزوینی بودن هر دو ادامه یافت و همچنان با یکدیگر همکاری نمودند ، چنانکه خرمشاهی در این باره چنین می گوید: « درست نوزده سال پیش بود که در چنین شب یا روزی با جان جانان جناب فانی نشسته بودیم و از هردر سخن می گفتیم ، بحثمان در اطراف داستان « کریستین وکید » نوشته هوشنگ گلشیری بود که به تازگی منتشر شده بود ، به فانی گفتم نقدی بر این کتاب بنویس و... که گفت خود تو چرا نمی نویسی و خلاصه چند ماه بعد به پایمردی فانی این نقد در مجله سخن چاپ گردید.» مهندس حسین معصومی همدانی دکتر سعید حمیدیان ،حسن انوشه ، ملایری ، ثلاثی و اسدپور بیرانفر از جمله دوستان دیگر فانی بودند.وقایع میانسالی : کامران فانی حتی در دوران سربازی از کتاب و ترویج فرهنگ کتاب خوانی دور نماند ، او این موضوع را این گونه تعریف می کند: « در کنار اروند رود و دهانه فاو و در زیر نخلهای بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کشی می کردند و روز را به شب می رساندند. به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم ، نخست از خواندن ابا داشتند ، آن را امری شاق می پنداشتند. ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است ، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کامران فانی پس از قبولی در رشته کتابداری ، در مرکز خدمات کتابداری که مراکز جدید التاسیس آن دوره وزارت علوم بود ، استخدام شد. او به عنوان دستیار در خدمت استادش دکتر محقق دایره المعارف تشیع را تاسیس نمودبود ، همچنانکه خرمشاهی نیز به این کار پرداخت. اما همکاری با دکتر محقق یک سال بیشتر طول نکشید که دکتر محقق « بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی » را تاسیس نمود اما توصیه و سفارش اکید به فانی و خرمشاهی نمود که این راه را ادامه دهند و تاکنون نیز همواره بدین کار پرداخته و با سرپرستی سیداحمد صدر حاج سیدجوادی و جمعی از

نویسندگان توانسته اند سه جلد از دایره المعارف تشیع را به چاپ برسانند. وی عضوهیئت علمی کتابخانه ملی و سرپرست بخش ایرانشناسی کتابخانه ملی می باشد .فعالیتهای آموزشی : کامران فانی پس از اخذ لیسانس به تدریس زبان فارسی پرداخت. او همچنین در سال 1358 به تدریس ترجمه و تفسیر قرآن در مرکز خدمات کتابداری ایران پرداخت ، که مدت دو سال به طول انجامید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : کامران فانی در سال 1350 سربازی را به اتمام رساند و به انگلستان سفر نمود. شاید آن گونه که خود او بیان می دارد ، برای آموختن زبان انگلیسی این سفر را تجربه نمود. به هرحال پس از آن وی در کنار مشاغل اداری و کار موسسات پژوهشی به کار ترجمه و تالیف کتاب پرداخت.جوائز و نشانها : کتاب"دایره المعارف تشیع"کامران فانی (ویراستار و مؤلف)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : نزدیک به 150 مقاله نیز اعم از تألیف و ترجمه کامران فاانی تاکنون در نشریات و مجلات مختلف از جمله سخن، نگین، رودکی، نگاه نو، کلک، بخارا، نشر دانش، کیان، کیهان فرهنگی، جهان کتاب و غیره چاپ شده است. آثار : ترجمه آدمهای ماشینی: روباتها ویژگی اثر : نوشته کارل چابک می باشد2 ترجمه بخشی از کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی» ویژگی اثر : م. م. شریف، بخشی از کتاب «زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی». 3 ترجمه خطابه پوشکین ویژگی اثر : نوشته داستایوسکی می باشد4 ترجمه کتاب سلوک روحی بتهوون ، ترجمه مرغ دریایی ویژگی اثر : نوشته آنتون چخوف می باشد6 ترجمه موش وگربه ویژگی اثر : نوشته گونترگراس، نویسنده آلمانی و برنده جایزه نوبل 1999. 7 تریستانا ویژگی اثر : ترجمه،نوشته لوئیس بونوئل، فیلمساز اسپانیایی 8 جنگ جهانی اول ودوم ، دانشنامه کودکان و نوجوانان ، دایره المعارف تشیع ویژگی اثر : این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است11 رده بندی تاریخ ایران ، رده بندی فلسفه اسلامی ، زردشت : سیاستمدار یا جادوگر ویژگی اثر : این کتاب نوشته هنینگ و ترجمه فانی می باشد14 سرعنوانهای موضوعی فارسی ویژگی اثر : سه جلد می باشد15 سه خواهر ویژگی اثر : ترجمه،نوشته آنتون چخوف 16 علم درتاریخ ویژگی اثر : نوشته جان برنال می باشد که فانی آنرا ترجمه کرده است17 فرهنگ موضوعی قرآن مجید ویژگی اثر : تالیف،با همکاری آقای بهاءالدین خرمشاهی18 گسترش رده بندی تاریخ ایران ویژگی اثر : تالیف19 لنتس و دیتسک، ویژگی اثر : نوشته بوفنر، نویسنده آلمانی20 مقاله اسطوره شناسی ، مقاله بیت الحکمه و دارالترجمه ، مقاله پایان

فلسفه ، مقاله زبان موسیقی ، مقاله زندگی سیدنعمه الله جزایری ، مقاله سیاحت شرق ، مقاله شیوه نقد کتابهای علمی ، مقاله طبقه بندی علوم دراسلام ، مقاله عناوین موضوعی درزبان فارسی ، مقاله فلسفه میرداماد ، مقاله کتب درسی فلسفه درحوزه های علمیه ، مقاله کتب فارسی ابن سینا ، مقاله گفتگوهای تمدنها ، مقاله نقد ادبی

فائزی پور، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی‌اکبر بن مرحوم حاج محمد مهدی تهرانی از افاضل دانشمندی معاصر مقیم قصبه کن تهران می‌باشند.
وی در سال 1302 شمسی در تهران متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و بتحصیل دروس ابتدائی پرداخته و با شوق مفرطی قدم در سلک روحانیت گذارده و از اوائل بلوغ در خدمت مرحوم حجةالاسلام آقا شیخ محمدحسین زاهد امام جماعت مسجد امین‌الدوله که از علماء عاملین تهران بود بخواندن مقدمات و ادبیات پرداخته و در سال 1320 شمسی مهاجرت به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و سطوح فقه و اصول را از مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر حاضر شده و استفاده کامل نموده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و در میان فضلاء و محصلین تهرانی قم مشار بالبنان گردیده و بتدریس کفایه الاصول و مکاسب اشتغال یافته تا در ماه شعبان سال 1377 قمری که عده‌ای از اهالی کن از حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی تقاضای یکنفر روحانی دانشمند و با تقوا نموده و معظم له ایشان را برای امورات دینی و سرپرستی مؤمنین قصبه کن و حومه آن انتخاب و اعزام نموده و با تجلیل شایسته بمحل مذکور عزیمت و اقامت نموده و تاکنون در آنجا مشغول به انجام وظائف دینی و روحی می‌باشند.
دارای آثار و تألیفات مفیده و ارزنده میباشند که اشاره به آنها می‌نمایم.
1- جزوه‌ای در توحید 2- نبوت عامه 3- نبوت خاصه 4- امامت عامه 5- امامت خاصه 6- معاد 7- خاتمیت 8- جبر و تفویض 9- جزوه‌ای درباره امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف.
نگارنده گوید: مترجم محترم ما از افراد برجسته و دانشمندان متقی و پارسائی است که جمع علم و عمل و محامد آداب و محاسن اخلاق نموده و از اول ورودش در قصبه کن (که پنج محل بزرگ بنام 1- در قاضی 2- سر آسیاب 3- میان ده 4- اسماعیلون 5- بالون می‌باشد و همواره در میان آنان اختلاف و نزاع بوده که گاهی بقتل و جرح منجر می‌شده) ایجاد اتفاق و اتحاد و برادری انداخته و به آن چند دسته‌گی خاتمه داده و آنجا را یک محل آرام و دینی نموده است مردم قصبه کن و حومه آن علاقه شدید بایشان دارند و چون هر هفته به مسجد یکی از آن پنج محل برای اقامه جماعت می‌روند مردم محل‌های دیگر هم شرکت نموده و از وجود این عالم ربانی

استفاده می‌کنند برادر ارجمند ایشان جناب حجةالاسلام و عماد الاعلام آقای حاج اصغر آقای تهرانی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائزی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فائزی
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/9/1

زندگینامه علمی
آقای محمد فائزی در سال 1341هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در شهرستان رودسر دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. علاقه وافرخویش به فراگیری علوم دینی، تشویق خانواده و اطرافیان او را برای تحصیل به مشهد مقدس کشاند و در سال 1363 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. وی ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله علمی اردبیلی، آیت الله شاهرودی و آیت الله رضا زاده بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته زبان در مقطع کارشناسی در سال 137 از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید.
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در مشهد مقدس، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر مدیریت آموزش و پرورش، در دانشگاه علوم گیلان، دانشگاه آزاد رشت و دانشگاه آزاد لاهیجان مشغول تحصیل می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل (تهاجم فرهنگی، نماز و چرا به فلسفه نیازمندیم) را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

فائق، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ کاظم فائق از علماء اعلام و موصوف به تقوا و ورع تهران بودند و عمری را به قدس و پرهیزکاری و زهد و پارسائی و فضل و دانش و پاکی قلب و صفا و سادگی و متانت و انزوا به آخر رسانیده و بسهم خود ایفاء وظیفه روحی و دینی نموده و در سال 1393 ق بدرود حیات گفته و در قم در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فائق، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مصطفی بن المرحوم العالم الجلیل و الفقیه النبیل حاج شیخ کاظم فائق از علماء بارع و ائمه جماعت معاصر تهرانست.
وی در حدود 1338 ق در تهران متولد شده و در حجر علم و فضیلت تربیت و پس از خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین حوزه تکمیل و از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و مسافرتهای عدیده بعتبات عالیات کرده و از محضر و دروس مراجع بزرگ نجف مانند آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و اعلام دیگر بهره‌مند شده و به تهران بازگشت و در مسجد مرحوم والدش بنام (مسجد فائق) واقع در کوچه روحی خیابان عین‌الدوله به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فتحی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی فتحی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/12/2
زندگینامه علمی
سال (1365-1359) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت 2 یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.
سال (68-1365) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با 4 نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود 20 کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم.
با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجة الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.
همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد

ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیةالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.
کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایة و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...
کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل 86/18، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیة الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...
(ج) دکتری 87 – 86: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فخر داعی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه 1343 ه.ش/ شعبان 1384 ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.
(وف 1343 ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید

احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2608، 2032 / 2 -933، 932- 768، 727- 726، 724، 673 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (233 -231 / 2)، نامها و نامدارهای گیلان (371).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 606 -544 ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در 574 ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی،

در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[1]

رازی، ابوعبداللَّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری 543 یا 544- ف. هرات 606 ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایةالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیة، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیة فی المطالب المعادیة، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدة، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایةالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمة، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (203 / 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1017 -1016 / 2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (413 -382)، دایره‌المعارف فارسی (1848 -1847 / 2)، روضات الجنات (44 -36 / 8)، ریحانه (301 -297 / 4)، ری باستان (377 -374 / 2)، سیر النبلاء (501 -500 / 21)، شخصیت‌های نامی (364 -363)، شذرات الذهب (22 -21 / 5)، فرهنگ ادبیات فارسی (368 -367)، الکامل (302 / 9)، کشف الظنون (2002 1756، 1774، 1819، 1840، 1864، 1905، 1973، 1986، ،1988 1577- 1578، 1614، 1615، 1616، 1697، 1714، 1726، ،1727 989، 993، 1035، 1113، 1141، 1186، 1312، 1445، 1467، ،1561

359، 449، 454، 515، 565، 605، 633، 725، 730، 739، 760، ،954
354، 333، 262، 224، 204، 120، 94، 83، 67، 61)، الکنی و الالقاب (16 -13 / 3)، لسان المیزان (435 -430 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 606)، معجم المؤلفین (80 -79 / 11)، منتخب التواریخ (409)، مؤلفین کتب چاپی (644 -642 / 5)، النجوم الزاهره (176 -175 / 6)، الوافی بالوفیات (252 -248/ 4)، وفیات الاعیان (252 -248 / 4)، وقایع السنین و الاعوام (335)، یادداشتهای قزوینی (95 / 6).

فخرالمحققین شیرازی، محمد هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1328 ق)، عالم امامی، واعظ، عارف و نویسنده. در اصطهبانات به دنیا آمد و برای فراگیری علوم اسلامی به شیراز مهاجرت کرد. پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تألیف پرداخت. وی به اکثر شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرد. از آثارش: «بستان معرفت» یا «کشکول شیخ‌الاسلامی»، در چند مجلد؛ «دانش‌نامه‌ی شیخ‌الاسلامی»، در اصول معارف، در پنج جلد؛ «فلسفه شهادت» یا «رمز محبت»، به عربی و ترجمه‌ی آن به فارسی.[1]
شیخ محمدهادی شیخ‌الاسلامی ملقب به فخرالمحققین بن میرزا احمد ملقب به شیخ المحققین اصطهباناتی از فضلاء و عرفا و وعاظ مشهور و نویسندگان معروف معاصر شیراز است.
وی در 25 ذیقعده 1328 ق در اصطهبانات به دنیا آمده و برای تحصیل علم و معرفت به شیراز مهاجرت کرده و پس از تحصیل معقول و منقول به وعظ و خطابه و تالیف پرداخته و با کثر بلاد و شهرستانهای ایران برای تبلیغ و نشر مبانی و معارف اسلامی مسافرت کرده و از راه منبر خدمات ارزنده‌ای نموده است.
تألیفات و آثار عدیده دارد که بعضی مطبوع و برخی مخطوط مانده است و آنها از اینقرار است.
1- بستان معرفت یا کشکول شیخ‌الاسلامی چند مجلد است که جلد اول آن بطبع رسیده است.
2- دانش‌نامه شیخ‌الاسلامی (در اصول معارف پنج جلداست و تاکنون دو جلد آن در توحید و نبوت عامه و نبوت خاصه و امامت و معاد است).
3- فلسفه شهادت یا رمز محبت (به عربی).
4- ترجمه فارسی فلسفه شهادت.
معظم له برادر ارجمند جناب حاج آقای مجد واعظ شیرازیست
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (308 / 16)، گنجینه‌ی دانشمندان (455 / 5).

فخرایی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1317 ق.، در محله‌ی آفخرا، رشت.
درگذشت: 16 بهمن 1366.
ابراهیم فخرایی، فرزند رضا بازرگان که نام خانوادگی قبلی‌اش رضازاده بود، در پنج سالگی به مکتبخانه شیخ محمد مجدالکتاب به نام «مجلس تعلیم مشق عمومی» در رشت رفت. پس از اتمام این مکتب، در مدرسه‌ی اتفاق مشغول به تحصیل حساب و سیاق و مشق خط و قرآن و عربی و روسی و انگلیسی شد.
در شانزده سالگی از رشت به همراهی یکی از بستگانش از طریق بادکوبه و استانبول عازم بیروت شد. با شروع جنگ جهانی اول، پیش از آن که به بیروت برسد، عازم شام گردید. در مدت هفده ماهی که در شام بود، در مدرسه‌ای که متعلق به کاتولیک‌های یونانی بود، به تحصیل مشغول شد. زبان عربی را در دمشق فراگرفت. از راه حلب و بغداد و پس از زیارت عتبات عالیات به ایران بازگشت.
در تهران در مدرسه سیروس مدت یک سال درس خواند. پس از سفری به رشت، در دارالفنون به تحصیل ادامه داد. مقداری از دروس طی را نزد دکتر مؤدب‌الدوله نفیسی فراگرفت.
در بازگشت به رشت، با کمک برادرش، به خدمت میرزا کوچک‌خان جنگلی رفت. در آنجا مسئولیت تحریرات شخصی میرزا شد. مدتی نیز به عنوان امین مالیه به ضیاء فرستاده شد. سپس به کسما اعزام شد. و در آنجا مسئول اداره‌ی فرهنگ نهضت جنگل بود. در دوران مسئولیتش، چندین مدرسه در صومعه‌سرا، فومن، ماسوله و شفت ساخت. شرح دورانی که وی با میرزا کوچک‌خان بوده است در کتابی درباره‌ی زندگینامه‌ی سردار جنگل به قلم خود وی آمده است. پس از نهضت جنگل مدتی در اسارت بود. با اعلان عفو عمومی، به انزلی رفت و در آنجا مدیر مدرسه شش کلاسه‌ای شد. اما با توجه به این که میزان حقوق خود و معلمینش پایین بود، دست به اعتصاب زدند، ملاقات با حسن ناصر، پیشکار دارایی گیلان فایده‌ای نداشت، و سرانجام باعث اخراج آنها شد. با این اتفاق، به رشت بازگشت، و در آنجا در سال 1302 امتیاز روزنامه‌ای به نام «پیام» را گرفت که پیش از انتشار روزنامه، با انتشار بیانیه‌ای به نام «طلیعه»

روزنامه توقیف شد و درنیامد.
سپس به همکاری با فردی به نامه محمود طلوع پرداخت و روزنامه‌ی «طلوع» را منتشر می‌کرد. مدتی به این ترتیب گذشت، تا به سبب نوشتن مقاله‌ای علیه سرتیپ محمدحسین‌خان آیرم که نماینده‌ی تیپ مستقل در شمال بود، به زندان افتاد.
با عوض شدن رییس معارف گیلان، و بر سر کار آمدن تقی طایر، دوباره به فرهنگ بازگشت و شروع به تدریس در دبیرستان و کلاس ششم دبیرستان نمود. در این دوران برای روزنامه و مجله‌های «فکر جوان»، «صورت»، «فرهنگ» و «پرورش» مقاله می‌نوشت. ضمنا در هفتم دی 1304 امیتاز روزنامه‌ی «رشت» را از شورای عالی معارف رشت گرفت ولی هرگز موفق به انتشار آن نشد. در سال 1306 مجله‌ای به نام «فروغ» دایر کرد که به مدت یک سال و دوازده شماره منتشر شد. در سال 1307، تعدادی جزوه‌ی درسی برای دانش‌آموزان مدارس رشت به نام‌های گنجینه‌ی ادب، اخلاق، تاریخ و تعلیمات مدنی نوشت و انتشار داد. در همین سال به سبب شرکت در یک اعتصاب، از فرهنگ خارج شد و پس از مدتی نیز از شهر رشت نیز نفی بلد شد. به تهران آمد و پس از مدتی، مدیریت مدرسه‌ی منوچهری را به عهده گرفت.
با شرکت در یک دوره‌ی قضایی، وکیل گردید و به رشت بازگشت. اما پس از مدتی حکم امانت محدود صلح قزوین را به وی دادند و مجددا از شهر رشت تبعید شد. از این زمان یعنی سال 1313 تا سال 1333 که بازنشسته شد، یا به عنوان رییس دادگستری یا به عنوان بازرس و سمتهای دیگر در شهرهای مختلف خدمت کرد.
در سال 1334، روزنامه‌ی «فروغ» را به جای مجله‌ی «فروغ» منتشر کرد که فقط برای مدت یک سال دوام آورد. مدتی نیز به همراه دیگران حزب جنگل را در رشت تأسیس کرد که مدتی دبیر این حزب بود.
در دوران بازنشستگی به مطالعه و جمع‌آوری یادداشت‌هایش پرداخت و آثاری را منتشر کرد. از آن جمله است: گیلان در جنبش مشروطه (1352)؛ گیلان در قلمرو شعر و ادب (1356)؛ گیلان در گذرگاه زمان (1354)؛ از هر چمن گلی؛ مشاهیر گیلان؛ سردار جنگل (1344)؛ نمادی از یک زیست. وی همچنین یک دوره تاریخ ایران برای سال سوم مدارس ابتدایی (کتاب درسی) در سال 1307 منتشر کرد. ضمنا کتاب ضرب‌المثل‌های گیلکی چاپ نشده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فخری هروی، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مترجم و شاعر، متخلص به فخری. در هرات به دنیا آمد و در اوایل عهد شاه‌طهماسب (984 -930 ق) ب قصد زیارت خانه خدا به سند رفت و در سلک ملازمان میرزا شاه‌حسین ارغون (962 -928 ق) درآمد و تذکره‌ی «روضه السلاطین» و کتاب «صنایع الحسن» را، در صنایع و بدایع شعری، به نام وی تألیف کرد و پس از درگذشت او به دربار جلال‌الدین محمد اکبرشاه رفت و تذکره‌ی «جواهر العجایب»را که قبلا به نام حاجیه ماه‌بیگم، همسر میرزا شاه‌حسین، تألیف کرده بود با اندک تغییری به ما هم اتکه، دایه جلال‌الدین اکبرشاه تقدیم کرد. از دیگر آثار وی: دو «دیوان» غزلیات به نامهای: «بوستان خیال» و «تحفه الحبیب»؛ «لطایف‌نامه»، ترجمه فارسی «مجالس النفائس»؛ «جواهر العجایب»، در شرح حال بیست و پنج تن از زنان سخنگو؛ «هفت کشور»، در تاریخ و اخلاق و افسانه؛ «روضه السلاطین»، در ذکر هشتاد نفر از سلاطین و امرا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (130 -129 / 4)، تاریخ تذکره فاسی (120 -118 / 2، 649 -644، 429 -417 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1848 / 2)، الذریعه (814 / 9)، روضه السلاطین (مقدمه/ ی-یح)، فرهنگ سخنوران (693)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (2461 -2460/ 3)، کاروان هند (998 -996 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ فخری)، مجالس النفایس (مقدمه/ کح- ل)، مؤلفین کتب چاپی (796 -795 / 4).

فدایی یزدی، یحیی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1282 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به فدایی. وی پس از تحصیل علوم دینی به اقتفای پدر قدم در میدان شاعری گذاشت. وی به مرض وبا وفات یافت. اثرش «دیوان» شعر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1305 -1304 / 2)، الذریعه (816 / 9)، ریحانه (304 -303 / 6)، فرهنگ سخنوران (694).

فدشکوئی فسائی، کمال

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا کمال‌الدین محمد بن معین‌الدین محمد فدشکوئی فسائی معروف به (میرزا کمالا) از فقهاء و فضلاء قرن یازدهم هجری داماد علامه ملا محمدتقی مجلسی اول بوده و در حدود 1110 قمری وفات نموده است از تألیفات اوست (القیودا الوافیه) فی شرح الشافیه در صرف و نیز شرحی منظوم بر قصیده تائیه دعبل خزاعی که در سال 1103 سروده است و در سال 1307 شمسی در تهران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فرازی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس فرازی
محل تولد : بیرجند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/1

زندگینامه علمی
در سال 1363 وارد حوزه علمیه مرحوم آیه الله آیتی در شهرستان بیرجند شدم در سال 1364 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس مدرسه علمیه سلمانیه شدم و طی 7 سال حضور در حوزه مشهد ضمن شرکت در درسهای مدرسه و استفاده از برنامه های خوب مدرسه از محضر استاد حجت هاشمی در ادبیات و اساتید چون استاد سائلی، استاد سید عباس صالحی، استاد آیه الله فقیه سبزواری، آیه الله صالحی و استاد شیخ جواد مروی آیه الله رضازاده و آیه الله فلسفی بهره بردم و در سال 71 به حوزه علمیه قم مشرف شدم. ابتداء از دروس اخلاق آیه الله اشتهاردی، احمدی میانجی و استاد خاتمی بهره بردم و در درس فقه واصول حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و سید احمد خاتمی شرکت کردم. و در کنار تحصیل دروس رسمی حوزه از دروس تفسیر آیه الله جوادی آملی و استاد خاتمی بهره بردم و به مدت 4 سال در رشته تخصصی تبلیغ شرکت کردم که واقعاً دوره طلائی بود زیرا در موضوعات مختلف از اساتید زبده و جوان مانند استاد کرمی، استاد عابدی، استاد ربانی گلپایگانی، استاد نبوی و استاد دشتی استفاده کردم. پس از هجرت به تهران توفیق حضور در درس فقه مقام معظم رهبری و اصول آیه الله هاشمی شاهرودی را پیدا کردم و پس از هجرت به چالوس به عنوان امام جمعه در حوزه علمیه برادران و خواهران و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس حوزه و معارف و اخلاق پرداختم. ضمناً در کنار تحصیل و تدریس و تبلیغ همواره در محضر اساتید و دوستان از خود بهتر به امر تحقیق نیز پرداخته ام که امید وارم خدای مهربان در این میدان بر

توفيقات من بيفزايد انشاء الله ...

فراشبندی، علیمراد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در 1318 ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در 1324 ش به اداره‌ی فرهنگ شیراز منتقل شد. در 1331 ش امتیاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیایی برازجان»؛ «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانهای من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (709 -707 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (601 -600 / 4).

فرامرزی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1268 ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجددا مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در 1301 ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در 1324 ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در 1306 ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور 1320 ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»،ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[1]
فرزند شیخ عبدالواحد لاری در 1265 در قریه گجویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.
احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارائی بود.
در 1308 ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از 1320 نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و

محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافی داشت. در اسفندماه 1340 در 73 سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (134 -132 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (74 -70 / 4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (57 -56 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (431 -430 / 1).

فرامرزی، عبدالرحمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1275 ش)، شاعر، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نویس. وی در قریه کچویه فرامرزان لار به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم مقدماتی در زادگاهش به اتفاق خانواده به بحرین رهسپار گردید و برای تکمیل تحصیلات به چند کشور عربی مسافرت کرد و پس از چندی به بحرین بازگشت و به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در تهران به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستانهای تهران پرداخت. اما چندی طول نکشید که از این کار دست کشید و به روزنامه‌نگاری روی آورد و بیست سال سردبیری روزنامه «کیهان» را عهده‌دار بود. وی چندین دوره از طرف مردم لار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از آثار اوست: «راه زندگی»؛ «داستان دوستان»؛ «مجموعه داستان»؛ «مجموعه‌ی مقالات فرامرزی»؛ «دستور زندگانی»، ترجمه؛ «سرگذشت یک بدبخت»، ترجمه.[1]
نویسنده‌ی برجسته و روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، متولد 1280 ش و فرزند عبدالواحد است. وی تحصیلات خود را در لار و بحرین به اتمام رسانید و در ادبیات فارسی و فقه و اصول و منطق و حکمت صاحب‌نظر شد. از 20 سالگی به خدمات فرهنگی اشتغال ورزید و در مدارس مختلف فارس و تهران به تدریس ادبیات فارسی و عربی مشغول شد. در زمانی که مختار رئیس شهربانی بود، اداره‌ای به نام اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری در شهربانی تاسیس کرد، دشتی ریاست آن اداره را عهده‌دار بود و فرامرزی به ریاست آن اداره منصوب شد و تا شهریور 1320 در انجا خدمت می‌کرد. آن اداره در حقیقت کار سانسور مطبوعات را انجام می‌داد.
بعد از شهریور 1320 فرامرزی به کار مطبوعاتی پرداخت و روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را انتشار داد. بعد از چندی، امتیاز روزنامه‌ی کیهان را گرفت و با سردبیری دکتر مصباح‌زاده آن را انتشار داد. در آذرماه 1321 که قوام‌السلطنه امتیاز تمام روزنامه‌ها را باطل کرد، روزنامه‌ی کیهان هم منحل گردید. بعد از مدتی مجددا کیهان به صاحب‌امتیازی دکتر مصباح‌زاده و مدیریت عبدالرحمن فرامرزی انتشار یافت. این روزنامه در اثر تلاش و قلم فرامرزی و چند تن دیگر از دوستان به زودی در محافل مختلف ایران معروف شد و در ردیف بزرگترین روزنامه‌های روز شد. سرمقالاتی که

فرامرزی در آنجا می‌نوشت طرفداران زیادی پیدا کرد و مخصوصا انتقادات و حملات فرامرزی به دولتها موجبات گرایش مردم به سوی این روزنامه را فراهم نمود. فرامرزی در حزب دموکرات ایران قوام‌السلطنه وارد شد و روزنامه‌ی بهرام را که طرفدار قوام‌السلطنه بود، اداره می‌کرد.
در انتخابات دوره‌ی پانزدهم، فرامرزی از طرف حزب دموکرات ایران کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از لار به پارلمان رفت. فرامرزی در مجلس پانزدهم با ایراد چند سخنرانی جای خود را باز کرد و در زمره‌ی وکلای متنفذ قرار گرفت. در دوره‌ی شانزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ نمود. در دوره‌ی هفدهم از ایوانکی و ورامین نماینده شد و در دوره‌ی هیجدهم هم وکیل ورامین بود. در انتخابات زمستانی دوره‌ی بیستم که منجر به انحلال مجلسین شد، فرامرزی به عنوان نماینده‌ی مردم بندر لنگه در مجلس عضویت داشت. از آن تاریخ به بعد، دیگر کاری به او ارجاع نشد تا اینکه در 1351 در 73 سالگی در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 8، ش 6، ص 342 -340)، سخنوران نامی معاصر (2603 -2600 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (816 -814 / 3).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی درسال 1326هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال 1349به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال 1354سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت 2سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به 4 سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن 3جلد چاپ شده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول 1425ق 1383ش نشر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنیه 30 فروردین 1359به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است
اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی
22/2/86

فرخ خراسانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: 1267(23 جمادی‌الثانی 1314 ق.)، مشهد.
درگذشت: 2 اردیبهشت 1360، مشهد.
سید محمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ» فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا»، مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت، الفبای قرآن را فراگرفت و کتاب‌های موش و گربه و حسنین و عاق والدین و حسین کرد و نصاب الصبیان و گلستان سعدی را خواند، امثله و صرف میر را در یکی از حجره‌های صحن نو از آخوند مکتبداری به نام ادیب‌السلطنه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایة و مغنی و مطول) از محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود (کتاب گوهر مراد را پیش پدرش خواند) فراگرفت، در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت، بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است.
سال‌ها تصدی امور آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و چندی نیز کفیل استانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مدیره کارخانه‌ی نخ‌ریسی و برق خسروی را نیز داشت. ضمنا دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینده‌ی قوچان بود. در سال‌های آخر عمر در مشهد انزوا گزید و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقدام کرد. در سال 1353 دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.
فهرست آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ تاریخ مجمل فصیحی خوافی (سه جلد، 1339)؛ مناظرات و اخوانیات، سفینه‌ی فرخ (دو جلد، 1332)؛ دیوان اشعار (شامل چهار هزار بیت که به چاپ نرسیده است)؛ روضه‌ی خلد (1345)؛ مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی باشی نصرت (1331)؛ خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق‌العشاق یا ده نامه‌ی احدی (1335). از فرخ چند مقاله تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده» «یغما» «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.
ادیب و شاعر توانای معاصر، فرزند میرزا احمدخان جواهری خراسانی، در 1274 ش در مشهد تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شد و نزد علمای مشهور آن زمان از جمله ادیب

نیشابوری، ادبیات فارسی و عربی را به حد کمال رسانید و به خدمت آستان قدس رضوی درآمد. وی از جوانی در تشکیل انجمنهای ادبی در مشهد و همکاری با مطبوعات پیشقدم بود و اشعار او در بیشتر جراید انتشار می‌یافت. فرخ در ادوار دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی که انتخابات هر دو دوره در اوج دیکتاتوری انجام گرفته بود، وکیل شد ولی از آن پس همچنان در آستانه مشغول کار بود. مدتی نیز کفیل آستان قدس رضوی بود و بیشتر وقت او صرف کارهای ادبی می‌شد. وی را باید یکی از شعرای بزرگ معاصر دانست، مخصوصا در قصیده در زمره‌ی چند استاد معاصر می‌باشد. در سن 84 سالگی در مشهد وفات یافت. تالیفات زیادی از او باقی مانده است.
(1360 -1275 ش)، مصحح و شاعر، متخلص به فرخ. در شهر مشهد به دنیا آمد. پدرش از ادیبان خراسان بود. علوم مقدماتی را در مدارس قدیمه‌ی آن شهر و فنون ادب را در محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت و در هشت سالگی به نظم شعر پردات. وی دارای مشاغل مختلفی، از جمله: ریاست دفتر آستان قدس رضوی، نمایندگی مردم قوچان در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی بود. فرخ در 1323 ش به ازبکستان سفر کرد. از آثارش: «سفینه‌ی فرخ»؛ تصحیح «مجمل فیحصی»؛ تصحیح کتاب «روضه‌ی خلد»، مجد خوافی؛ «خلاصه‌ی احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 4، ص 330 -321)، ادبیات معاصر (79 -87)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (67 -64 / 5)، سخنوران نامی (299 -290 / 1)، سخنوران نامی معاصر (2623 -2618 / 4)، صدف (542 -533)، صد سال شعر خراسان (431 -418)، فرهنگ سخنوران (697)، مؤلفین کتب چاپی (72 -71 / 6).

فرخی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 1: فرخ) یزدی، محمد بن ابراهیم، آزادیخواه و شاعر (و. یزد 1306 ه.ق- ف. تهران 1318 ه.ش). وی مردی مبارز و منتقد و بی‌باک بود. در سال 1340 ه.ق روزنامه‌ی طوفان را منتشر کرد. در دوره‌ی هفتم از طرف اهالی یزد به نمایندگی مجلس شورا انتخاب شد. بر اثر افکار سوسیالیستی محکوم به حبس گردید و در زندان قصر (تهران) درگذشت. غزلیات تأثرآور و رقت‌انگیزی در زندان ساخته است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فردوسی پور، عادل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عادل فردوسی‌پور (مهر ۱۳۵۳ در تهران) روزنامه‌نگار، مترجم، مدرس دانشگاه، تهیه‌کننده، مجری تلویزیونی و گزارشگر فوتبال اهل ایران است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف است و هم‌اکنون به ارایهٔ واحد درسی زبان انگلیسی تخصصی مهندسی صنایع در این دانشگاه می‌پردازد. او پایه‌گذار، تهیه‌کننده و مجری برنامهٔ ۹۰ که از شبکه ۳ سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود نیز هست. در سال ۲۰۰۹، هفته‌نامه نیوزویک او را در فهرست پرقدرت‌ترین افراد در ایران در رده نوزدهم جای داد.مجله ورلدساکر به او لقب «جان ماتسن ایران» داده‌است. زندگی
عادل در مهر ماه ۱۳۵۳ در محله شهر آرا تهران زاده شد تحصیل:
عادل دوران دبستان را در مدرسهٔ ذوقی گذراند و با وجوده علاقهٔ بسیارش به فوتبال از درسش دور نشد و دیپلم خود را از دبیرستان البرز با معدل ممتاز گرفت. سرانجام در رشتهٔ مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد و تحصیلات خود را در همین رشته و دانشگاه تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داد.
کار رسانه‌ای:
روزنامه‌نگاری
او کار رسانه‌ای خود را در سال ۱۳۷۲، با روزنامه‌نگاری در روزنامه ابرار ورزشی به سردبیری اردشیر لارودی آغاز کرد. وی در آن زمان، دانشجوی سال سوم کارشناسی بود و در بخش ترجمه صفحه فوتبال خارجی کار می‌کرد. او پس از قبولی در آزمون گزارشگری صدا و سیما، کمی از روزنامه‌نگاری فاصله گرفت، اما پس از مدتی با مجله سروش جوان، مجله همشهری جوان و روزنامه جام‌جم به همکاری پرداخت.او برای مجله ورلدساکر نیز مطلب می‌نویسد. گزارشگری:
او در پایان سال ۱۳۷۳ پس از چندین بار آزمون به صدا و سیما راه یافت و در ابتدا به گزارش برنامه منتخب ورزشی (برنامه‌ای آرشیوی از شبکه سوم سیما که در نیمه شب پخش می‌شود) می‌پرداخت. فردوسی پور کم کم پیشرفت کرد و توانست بازی‌های بهتری را گزارش کند. او پس از گزارش‌های خوبش در جام جهانی ۹۸، توانست خود را به همه بشناساند و از آن پس بود که به عنوان گزارشگر بازی‌های زنده و مهم انتخاب شد. در

آن زمان که تلفظ نادرست نام‌های خارجی در گزارش‌های فوتبال صدا و سیما زیاد اتفاق می‌افتاد، او از معدود گزارشگران مسلط به زبان‌های خارجی بود. او در مراسم اهدای توپ طلای فوتبال ایران نیز جایزهٔ بهترین گزارشگر را از افشین قطبی دریافت کرد.

:تئاتر

فردوسی‌پور در سال ۱۳۸۴ با گروه اجرایی نمایش «فنز» به نویسندگی و کارگردانی محمد رحمانیان همکاری داشت. او در این نمایش صداپیشه یک گزارشگر فوتبال بود. نمایش فنز درباره یک خانواده انگلیسی بود که همگی از طرفداران متعصب تیم منچستر یونایتد بودند. پرویز پرستویی، ترانه علیدوستی، حبیب رضایی، مهتاب نصیرپور و احمد مهران‌فر نیز در این نمایش حاضر بودند ترجمه:

فردوسی‌پور سال‌ها پس از تجربه ترجمه در روزنامه ابرار ورزشی، در سال ۱۳۸۸ قراردادی را برای ترجمه کتاب فوتبال در برابر دشمن که درونمایه‌ای فوتبالی-سیاسی دارد با نشر چشمه امضاء کرد

صداگذاری بازی رایانه‌ای:

فردوسی‌پور تعدادی از سری‌های بازی‌های فوتبال تکامل حرفه‌ای و فیفا را به زبان فارسی گزارش کرده‌است.

فردوسی فراهانی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، مترجم و شاعر. در قریه ابراهیم‌آباد از توابع اراک به دنیا آمد.وی مدت بیست و شش سال به تحصیل پرداخت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند، از آن پس برای ادامه‌ی تحصیل به شهر قم عزیمت کرد و در حوزه‌ی علمیه به تحصیل اشتغال ورزید. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و فقه و اصول را از محضر اساتید فن فراگرفت. پس از آن در اداره ثبت اسناد و املاک به خدمت مشغول شد. در 1328 ش به تهران انتقال یافت و در این شهر ساکن شد. از آثار وی: «اسلام و هیئت»، ترجمه؛ «کمال آتاتورک»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (81 -75 / 5)، سخنوران نامی معاصر (2608 -2604 / 4)،فهرست کتابهای چاپی فارسی (2677 / 2، 221 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (606 -605 / 1).

فرزاد، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1285 ش)، شاعر، نویسنده، محقق، مترجم، استاد دانشگاه و مصحح. در سنندج به دنیا آمد. در کئدکی به اتفاق خانواده از کردستان به تهران مهاجرت کرد و در این شهر سکونت اختیار نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به انجام رسانید و با زبان انگلیسی آشنایی کامل یافت. فرزاد از آن پس به استخدام وزارت دارایی درآمد و به عنوان مترجم مشغول کار شد و در 1308 ش همراه سایر محصلین اعزامی به اروپا به لندن رفت و در رشته‌ی اقتصاد به تحصیل پرداخت. سپس به ایران مراجعت کرد و در وزارت خارجه به عنوان مترجم به خدمت مشغول شد و در ضمن در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. فرزاد یکبار دیگر به لندن سفر کرد و در آغار جنگ بین‌الملل دوم از طرف بنگاه رادیو لندن برای بخش فارسی و ادبی آن موسسه برگزیده شد و چندین سال در آن جا سخنگو بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد دانشگاه شیراز به تدریس مشغول گردید و سرانجام در 1360 ش که جهت معالجه به لندن رفته بود در آنجا درگذشت. فرزاد با صادق هدایت دوستی تمام داشته و با وی در کتاب «وغ وغ ساهاب» همکاری کرده است. از آثارش: «کوه تنهایی»؛ «بزم درد»؛ «گل غم»؛ «دیوان» شعر؛ «رویای ستاره»، ترجمه؛ «مرتد»؛ «داروی محبت»، ترجمه.[1]
شاعر، نویسنده، مترجم.
تولد: 1285، سنندج.
درگذشت: 4 مهر 1360، لندن.
مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد» فرزند حبیب‌الله فرزاد (انتخاب الملک یا انتخاب‌الدوله) اصفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردستان بود. با انتقال پدرش از کردستان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید. بعد از گرفتن دیپلم از مدرسه آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم استخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصلین به اروپا، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد وادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکده‌ی افسری و دارالفنون پرداخت و در

اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سخن پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضد ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها در ایران مدت هشت سال در رادیو کار می‌کرد. سپس در سال 1346 به شیراز رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شد که تحقیقات خود را درباره‌ی حافظ در ده جلد تحت نام تصحیح انتقادی دیوان حافظ به چاپ برساند و به دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکترای افتخاری به وی اعطاء شد.
از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: وقتی که شاعر بودم (تهران، 1321)؛ کوه تنهایی (تهران، 1326)؛ گل غم (لندن، 1946)؛ بزم درد (تهران، 1332)؛ لبخند بدرود (شیراز، 1355)؛ چامه؛ دیوان اشعار. در شیراز از سال 1346 در برخی جلسات کانون دانش پارس و انجمن هدایت شرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسی باید به این عنوان‌ها اشاره نمود: وزن رباعی، ترجمه غزل‌های حافظ، مردی که فکر می‌کند، ترجمه انگلیسی موش و گربه، تفسیری درباره دو لغت از متن شکسپیر، شعر انگلیسی، الفباء و املاء جهانی:، نقد ادبیات فارسی. وی از دوستان صادق هدایت بود و کتاب وغ وغ ساهاب را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمه رؤیا در نیمه شب تابستان (1335)، و هملت (از آثار ویلیام شکسپیر 1333)، ترجمه کوهولین رستم ایرلندی (از ویلیام باتلر ییتز)، آمون تیلاد(ادکار آلن پو)، اسب سواری (ویلیام کاپر)، بریان خوک (چارلز لام)، پز عالی (هنری)، داروی محبت (هنری)، مرغ حق (داستان)، رؤیای ستاره (چارلز دیکنز)، ریکی تیکی تاوی (ردیار کیپلینگ)، سرو چه می‌گفت (هانز اندرسن)، قلب رازگو (ادگار آلن پو) محبوس شیطان (لرد بایرون، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسلامی، 1333)، مرتد (1333)، ماهالابه (ترجمه)، معلم کم‌آزار؛ مهربانی شوم، نی‌زن پاره پوش (رابرت برونیگ)؛ یعنی که مصاحبه؛ آماده ساختن پنجاه داستان مثنوی مولوی به صورت نمایشنامه که از رادیو پخش شد؛ تحقیقات در عروض فارسی؛ سیل بجنورد؛ حافظ- گزارش از نیمه راه (این کتاب پس از فوت فرزاد به چاپ رسید)؛ نوشتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش»، «اطلاعات» و «کیهان».
فرزاد در سال 1355 دچار سکته‌ی ناقص شد و برای معالجه به لندن

رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر 1360 برابر با ششم سپتامبر 1981 در لندن درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 8، ص 601 -588)، انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم تا به امروز (459 -455)، الذریعه (1038 -823 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (83 -82 / 5)، سخنوران نامی معاصر (2644 -2638 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (185 -182 / 6).

فرزام، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حمید فرزام در 1302 درکرمان متولد شد . و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی ،به تهران آمد و تحصیلات خودراتا درجه دکتری ادبیات دردانشگاه تهران ادامه داد . سپس بعنوان استاد در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و پس از بازنشستگی درسال1359 به تهران آمد و به تدریس دردانشگاه تهران ، دانشکده اقتصاد و دانشگاه امیر کبیر پرداخت و در همان سال به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد . وی در کنارتدریس به تحصیل در ادبیات عرفانی ایرانی بویژه دراحوال و آثار شاه نعمت الله ولی مشهور است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات فارسی
والدین و انساب : حمید فرزام ،پدرش را درشش سالگی ومادرش را درسیزده سالگی ازدست دادو از طرف مادر بزرگ عموو بستگان حمایت شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی فرزام درکرمان سپری شد . وی دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است . پایان نامه تحصیلی وی درمقطع دکترا ،به راهنمایی استاد فروزانفر و درباره احوال و آثار شاه نعمت الله ولی بوده است .
خاطرات و وقایع تحصیل : حمید فرزام دردوران نوجوانی ،حساس ،زود رنج و بسیار پرتوقع بود ،اما حافظه خوبی داشت .
فعالیتهای ضمن تحصیل : فرزام زمانی که دانشجو دوره دکترا بود ، در دبیرستانی درباغ فردوس ، ادبیات فارسی و عربی درس می داد . علاوه برآن ،ضمن درس از نهج البلاغه و آیات و قرآن کریم هم استفاده می کرد و همزمان ،ابیاتی از مولانا و حافظ می خواند و حالی عجیب و عرفانی پیدا می کرد و اشک درچشمانش حلقه می زد و این حال او ، دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می داد که این امر درزمان تحصیل او فعالیت ویژه ای بود .
استادان و مربیان : استادان معروف حمید فرزام عبارتند از : ملک الشعرا ء ، استاد بهمنیار ، استاد جلال همایی ، استاد عبد العظیم قریب ،استاد اقبال آشتیانی ، استاد سید محمد کاظم عصار و استاد فروزانفر ، استاد

معین ، استاد محمد باقر هوشیار . او با استاد بهمنیار نسبت و رابطه خویشاوندی دوری داشت . استاد راهنماییش نیز دردوره دکترا مرحوم فروزانفر بود . ولی بهترین استادی که از جنبه معنوی داشته است شیخ رجبعلی نکوگویان بود که از محضر پرفیض ایشان کسب فیض فراوان کرده است .
همسر و فرزندان : دکتر حمید فرزام دراین باره نقل می کند که : « دراوایل ازدواجم یک روز سرسنگین وبدون خداحافظی با همسر م تقریبا به حالت قهر از خانه بیرون رفتم .آن زمان رییس دبیرستان صبا ء در تجریش بودم . هنگام غروب با چند نفر از دوستان وضو گرفتیم و برای نماز مغرب و عشاء آماده شدیم وبه اتاق جناب شیخ نکوگویان رفتیم هنوز یک ربع ساعتی به اذان مغرب مانده بود . جناب شیخ هم وضو گرفتندو آمدند وهمین که نگاهشان به من افتاد با حالت تعجب گفتند :قهر می کنی ؟ باید تحمل داشت زود از میدان در می روی و بلافاصله شعر مناسبی از حافظ خواندند .
وقایع میانسالی : فرزام درسن 30 یا 31 سالگی از ضربان قلب و درد آن ناراحت بود . بدان علت از طریق آقای گویا به استادش شیخ رجبعلی نکوگویا خیاط پیغام فرستاد که من قلبم ناراحت است و مثل اینکه باید مرخص شوم . «وقتی که این حرف به گوش شیخ رسید . گفت که از جانب من به فرزام بگویند ناراحت نباش ، موهای سرو صورتت هم سفید می شود یعنی به سن هفتاد و هشتاد هم می رسی و من می بینم .» این سخن شیخ به واقتیت پیوسته و فرزام هشتاد ساله است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرزام استاددانشگاه اصفهان و سپس استاد دانشگاه تهران بود. او دردانشکده اقتصاد دانشگاه امیر کبیر نیز تدریس می کرد ه است . وی عضو فرهنگستان زبان وادب فارسی نیز می باشد.
فعالیتهای آموزشی : تدریس دردبیرستان باغ فردوس درتهران ، دانشگاه اصفهان ، دانشگاه تهران ،ونیز در دانشکده اقتصاد دردانشگاه امیر کبیر از فعالیتهای آموزشی دکتر فرزام بوده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فرزام در کنار تدریس در دانشگاه به تحقیق و تالیف و تصحیح متون ادبیات و عرفان ایرانی و فارسی پرداخته است .
شاگردان : دکتر فرزام شاگردان بسیاری داشت . بعضی از شاگردان او 75 ساله هستند او با بعضی از آنها نیز ارتباط می داشت . یکی از آن دانشجویان سید محمد خاتمی می باشد که به منصب ریاست جمهوری ایران رسیده است .
همفکران فرد : یکی از همفکران فرزام ،دکتر گویا بود که دروران تدریس

درباغ فردوس با هم آشنا شدند . این دوبه حافظ و مولوی عشق می ورزیدند وبه شیخ رجبعلی خیاط ارادت خاصی داشتند .
آرا و گرایشهای خاص : استاد فرزام ادبیات فارسی را دربعد عرفان اسلامی و ایران مورد بررسی قرارداده و نظری تخصصی برعرفان نعمت الهیه وشیخ نعمت الله ولی دارد .
چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار استاد فرزام از سوی فرهنگستان زبان وادب فارسی و نیز دانشگاه اصفهان منتشرشده است . ----------
---
آثار :
1 احوال وآثار شاه نعمت الله ولی
ویژگی اثر : احوال وآثار شاه نعمت الله ولی کرمانی عنوان پایان نامه دکتری استاد فرزام است که تحت نظر استاد فروزانفر دفاع شده است .
2 شعر افسانه زندگی
3 شعری درباره فلسطین
4 شعری درجواب سلمان رشدی
5 کتاب تحقیق دراحوال ونقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی
6 کتاب تعلیم و تربیت دراسلام، اصول اخلاقی اسلامی
ویژگی اثر : این کتاب اثری مشترک است از دکتر علی شریعتمداری (بخش اول کتاب) و دکتر حمید فرزام که توسط انتشارات کانون علمی و تربیتی جهان اسلام منتشر شده است .
7 کتاب روابط معنوی شاه نعمت الله ولی با سلاطین ایران وهند
ویژگی اثر : این کتاب ضمیمه دوره سلسله ازآثار شاه نعمت الله ولی توسط انجمن کتابخانه ای عمومی اصفهان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر منتشر شده است .
8 کتاب شاه ولی ودعوی مهدویت
ویژگی اثر : این کتاب که ضمیمه ای بنام رساله مهدیه اثر شاه نعمت الله ولی دارد که درسال 1381 منتشر شده است .
9 کتاب نکته ها و نقد ها
ویژگی اثر : عنوان مجموعه مقالاتی است که شامل (55مقاله ادبی وعرفانی ، تاریخی و مذهبی ،تربیت و اجتماعی و انتقادی است بامقدمه دکترمهدی محقق که در 1380 توسط مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مک گیل کانادا چاپ شده است .
10 مسافرت های شاه نعمت الله ولی و ارزش آن از جهات تربیت اجتماعی وسیاسی
ویژگی اثر : این کتاب توسط شخص استاد فرزام (ناشر ـمولف) دراصفهان به چاپ رسیده است . ----------

---

منابع :

1[شهلا پروین زاده،نگاهی به آثار استاد حمید فرزام ، کیهان فرهنگی ، ص29]2مقام عشق وعرفان ،یادنامه جناب شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان ، درگفت و گو با دکتر حمید فرزام ، ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور 1382 ، پیاپی 203 ، ص17

فرزان بیرجندی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1273 ش)، عالم و ادیب. در بیرجند به دنیا آمد. زبان و ادبیات عرب را از «نصاب الصبیان» فراهی آغاز و تا مراحل پایانی ادامه داد. در خلال فرا گرفتن کتب صرفی و نحوی که در مدارس طلاب تدریس می‌شد، از مطالعه‌ی کتبی که درین باره در کشورهای عربی مانند لبنان و مصر تألیف می‌گردید غفلت نداشت و به موازات آن ادبیات عرب را در دوره‌ی جاهلیت به خوبی فراگرفت. وی عضو وزارت فرهنگ بود و دوران خدمات فرهنگی را در سیستان و بلوچستان و خراسان و بوشهر گذرانید و سالها مربی، معلم و رئیس فرهنگ بود. شناساننده‌ی او به جامعه‌ی ادبی ایران سید حسن تقی‌زاده بود و به وسیله او از خراسان به تهران آمد و چندی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و ادبیات پرداخت و با بنگاه ترجمه و نشر کتاب همکاری علمی داشت. وی علاوه بر اطلاعات وسیع در ادبیات عرب، زبان فرانسه را نیز خوب می دانست. در پایان عمر در بابلسر عزلت گزیده بود. در تهران درگذشت و در بقعه‌ی ابوالفتوح رازی در مرقد عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از وی آثار عمده‌ای باقی نمانده و آنچه نوشته غالبا درباره‌ی کتابهایی است که جامعه ادب به آنها علاقه دارند، مثل «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»؛ «دیوان» حافظ، «مثنوی» مولوی، و در صدر همه‌ی اینها قرآن‌کریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 8، ش 2، ص 119)، از نیما تا روزگار ما (170 -167)، راهنمای کتاب (س 13، ش 1 و 2، ص 129 -122)، سواد و بیاض (611 -610 / 2)، یغما (س 19، ش 8، ص 396 -394، س 23، ش 1، ص 61 -60).

فرزانه، بهمن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهمن فرزانه (۱۳۱۷) مترجم بیش از ۵۰ کتاب به فارسی بوده و یک رمان نیز نوشته‌است. ترجمه‌های او بسیاری از نویسندگان مطرح جهان را به ایرانیان معرفی کرده‌است.
فرزانه بر زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی مسلط بودهو اکنون ساکن شهر رم در ایتالیا است.
زندگی:
بهمن فرزانه در سال ۱۳۱۷ زاده شد و به مدرسه عالی مترجمی سازمان ملل رفت. در سن ۲۶ سالگی نخستین کتاب را از تنسی ویلیامز ترجمه کرد و پس از آن مدتی به همکاری با شرکت‌های فیلم‌سازی ایتالیا پرداخت و فیلم‌نامه‌ای نیز نوشت که به تولید فیلم رسید. فرزانه در انتخاب کتاب برای ترجمه دقت زیادی به کار می‌برد و هنگامی که تصمیم به ترجمه کتابی می‌گیرد کار ترجمه را به طور منظم و در ساعت‌های مشخص انجام می‌دهد. به گفته خودش «من هنوز قدیمی مانده‌ام و هنوز با دست می‌نویسم» و از کامپیوتر استفاده نمی‌کند . او آثار تنسی ویلیامز، گراتزیا کوزیما دلدا ، آلبا دسس پدس، لوئیچی پیراندللو، گابریل گارسیا مارکز، آنا کریستی، اینیاتسیو سیلونه، رولددال، گابریل دانونزیو، واسکو پراتولینی، ایروینگ استون، جین استون و ... را به فارسی برگردانده‌است.
کتاب‌شناسی:
تالیف:
فیلمنامه در نیمه بسته ،
چرک نویس ،
مجموعه داستان سوزن‌های گمشده ،
۲۰۰۸ - رمان سرباز دل ،
ترجمه:
صد سال تنهایی، اثر گابریل گارسیا مارکز ،
بر لبه پرتگاه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
کبوترها و بازها، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
عروسک فرنگی ،
حریق در باغ زیتون، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
به نوبت ،

عذاب وجدان ،
خاکستر، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
خانواده‌ای محترم ،
راز مرد گوشه‌گیر، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
چشم‌های سیمونه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
وسوسه، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
تازه عروس ،
یک دسته گل بنفشه ،
درخت تلخ ،
محبت ،
راه خطا، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
رقص گردنبند، از گراتزیا کوزیما دلدا ،
عشق در زمان وبا ،
هیچ یک از آن‌ها باز نمی‌گردد ،
عشق و جنایت در سیسیل ،
دوازده داستان سرگردان ،
عشق و جنایت در سیسیل، از لوییچی کاپوان ،
عشق‌های بدون عشق، از پیر آندلو ،
اژدهاخانم و دیگر افسانه‌ها، مجموعه داستان از لوئیجی کاپوآنا ،
دوازده داستان سرگردان، از گابریل گارسیا مارکز ،

فرزانه، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده، روزنامه‌نگار.
تولد: 17 مهر 1294، تهران.
درگذشت: دی 1374.
محسن فرزانه، فرزند اسماعیل فرزانه ملقب به «مکرم‌السلطنه» بود. فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق سیاسی و رساله‌ی پایان‌نامه‌اش درباره‌ی «ژورنالیزم» (روزنامه‌نگاری) بود. خدمت مطبوعاتی را از سال 1318 با روزنامه‌ی «اطلاعات» آغاز کرد و در سال 1319 به عنوان اولین خبرنگار در رادیو تهران به فعالیت پرداخت. علاوه بر این با روزنامه‌های «آینده ایران»، «میهن پرستان»، «ایران»، «تجدد ایران»، «آزادگان»، «افکار ایران»، «صدای ایران»، «کیهان»، «نبرد»، «ایران ما»، «مرد امروز» و چند نشریه‌ی دیگر همکاری داشت. از سال 1324 به وکالت در وزارت دادگستری پرداخت. وی به زبان فرانسوی آشنایی داشت.
از تألیفات وی می‌توان از رستاخیز (ترجمه، اثر رنه گروسه)، آسیا بعد از جنگ و زندگی کلاسیک؛ جغرافیا و تاریخ بازیافته‌ی ایران؛ نام راستین آذربایجان؛ مازندران اصیل (1373)؛ قلت جمعیت اقتصاد ایران را تهدید می‌کند؛ لهستان امروزه؛ کمک ایران در راه پیروزی متفقین؛ مردی از نیشابور (در شرح احوال عمر خیام) نام برد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرساد یزدی، محمود مجد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1309 ق)، عالم امامی، ادیب و شاعر. پدرش، مجدالعلماء، صاحب کتاب «هدیه المهدویه» یا «هدایه المهدویه»، از علمای بزرگ اردکان و استاد علوم مقدماتی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بود. شیخ محمود فرساد در صحرای عدن در راه مکه به دنیا آمد. او قسمتی از علوم مقدماتی را در یزد آموخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت، و از محضر شیخ علی مدرس یزدی اصفهانی استفاده نمود. فقه و اصول را در محضر شیخ عبدالکریم درگزی و حاج سید محمدصادق اصفهانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و تحصیلات خود را کامل کرد و به درجه‌ی اجتهاد نایل و صاحب اجازه گردید. وی پس از مراجعت به ایران در یزد ساکن شد. پس از دو سال در 1340 ق به قم رفت. و از محضر حاج شیخ عبدالکریم حایری نیز بهره‌مند گردید و در ضمن به تدریس پرداخت، و از مدرسین طراز اول گردید. بسیاری از فضلا از محضرش بهره بردند. امام خمینی نیز «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد او فراگرفت. وی پس از دو سال توقف در قم به یزد بازگشت و تا پایان عمر آنجا ماند. آقای سید علیرضا ریحان یزدی، صاحب «آینه‌ی دانشوران»، از شاگردان اوست که در یزد منطق را از او آموخته است. آیت‌الله شیخ محمود فرساد در خط و انشاء و شاعری توانا بود، و سالها انجمن ادبی یزد تحت ریاستش در منزلش تشکیل می‌شد، و شعرا و ادبای یزد و سایر شهرها از محضرش بهره‌مند می‌شدند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (224 -223)، تذکره‌ی سخوران یزد (630 -629)، الذریعه (824 / 9)، سخنوران نامی معاصر (2659 -2655 / 4)، فرهنگ سخنوران (702).

فرشاد، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، استاد دانشگاه، مترجم و نویسنده. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشسرای عالی وارد شد و در 1310 ش به دریافت درجه‌ی لیسانس در علوم طبیعی نایل گردید.برای ادامه تصحیل به فرانسه عزیمت نمود و از دانشگاه پاریس به دریافت دکتری در علوم طبیعی موفق شد. در 1316 ش به ایران بازگشت و به سمت دانشیاری علوم طبیعی، دانشسرای عالی برگزیده شد و عهده‌دار تدریس دیرین‌شناسی گردید. از آثار وی: «چینه‌شناسی»؛ «دیرین‌شناسی»؛ «فسیل‌شناسی مهره‌داران»؛ «نبرد من»، فلسفه ناسیونال سوسیالیسم، ترجمه.[1]
فرزند میرزا عبدالوهاب مستشار دفتر آشتیانی، متولد 1286 ش است. تحصیلات خود را در دارالمعلمین مرکزی و دانشسرای عالی به پایان برد و درجه‌ی لیسانس علوم ریاضی دریافت کرد. سپس عازم اروپا شد و در دانشکده‌های علوم رن و پواتیه پاریس به تحصیل پرداخت. ابتدا درجه‌ی لیسانس تعلیم و تربیت گرفت و بعد درجه‌ی دکترا در علوم طبیعی و زمین‌شناسی دریافت نمود. در 1316 به ایران مراجعت نمود و به استادی در دانشکده‌ی علوم و دانشکده‌ی فنی مشغول گردید.
در 1330 در حالی که معاونت دانشکده‌ی علوم را برعهده داشت، به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد و در 1339 ریاست دانشکده‌ی علوم را عهده‌دار گردید و در 1343 به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد. چند بار نیز کاندیدای ریاست دانشگاه تهران بود ولی توفیقی نیافت.
دکتر فرشاد در رشته‌ی تخصصی خود دارای تالیفات متعددی است که در دانشگاه تدریس می‌شود. وفات او در سال 1356 اتفاق افتاد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (3247 -3246 2445، / 2)، مؤلفین کتب چاپی (833 -832 / 4).

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 960 ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (1035 -987 ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در 1015 ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (1037 -1014 ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1711 -1709 / 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (733 -732 / 1)، تذکره‌ی روز روشن (617)، الذریعه (369 / 24، 223 / 18، 824 / 9، 150 / 8، 273 -272 / 3)، ریحانه (329 -328 / 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2758 -2757 / 2).

فرشته خوسفی قائنی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده، محقق و شاعر، متخلص به فرشته. وی معاصر فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. فرشته کتابی در مصائب اهل‌بیت (ع)، به نظم فارسی، به نام «ماتمکده» دارد، که مرتب بر چهارده ماتمکده به عدد معصومین (ع) و یک خاتمه است و در آن غیر از سروده‌های خو سروده‌های کسانی چون وصال، جوهری، بیدل، ناجی، هادی و دیگران را نیز آورده است. وی در این کتاب از روایات صحیح و معتبر استفاده کرده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزگان قاین (355 -354 / 1)، الذریعه (17 -16 / 19)، مؤلفین کتب چاپی (639 / 5).

فرشیدورد، خسرو

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فروزانفر خراسانی، بدیع الزمان محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 -1278- وف 1349 ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، محقق، مصحح، مترجم و شاعر. در روستای بشریه از توابع طبس خراسان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد. نسب وی به ملا احمد تونی، از علمای عصر شاه‌عباس، می‌رسید. وی مقدمات علوم قدیمه را در زادگاه خود آموخت و در 1338 ق به مشهد رفت و محضر ادیب نیشابوری را درک کرد و ادب و منطق را نزد او خواند و مدتی نزد میرزا حسین سبزواری تلمذ کرد و اصول و بعضی از مباحث فقه را از حاج شیخ مرتضی آشتیانی فراگرفت. در 1342 ق به تهران آمد، و یک دوره شرح «اشارات» و «شفا» و «کلیات قانون» را نزد میرزا طاهر تنکابنی خواند و نزد آقا حسین نجم‌آبادی تحصیل فقه و اصول کرد. وی قسمت الهیات کتاب «اسفار» را نزد آقا میرزا مهدی آشتیانی، و «شرح چغمینی» را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. فروزانفر، از آغاز ورود به تهران، با ادیب پیشاوری و شمس‌العلمای گرکانی و میرزا لطفعلی صدرالافاضل و میزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و ذکاءالملک فروغی و علامه محمد قزوینی مأنوس و محشور بود. در 1305 ش به جای شمس‌العلمای گرکانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در 1306 ش معلم منطق در مدرسه‌ی حقوق شد و سال بعد معلم زبان عربی و منطق و از 1308 ش معلم زبان و ادبیات فارسی در دارالمعلمین شد. پس از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول به سمت معاونت آنجا انتخاب و ریاست مؤسسه‌ی وعظ و خطابه را به عهده داشت. از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی شد. وی سمت‌های متعددی در دانشکده‌های مختلف داشت. فروزانفر سفرهای متعدد به خارج کشور کرد. از جمله، به دعوت دانشگاه بیروت برای تأسیس کرسی زبان فارسی، به لنبان و برای مشارکت در کنگره اسلامی پاکستان، به لاهور و برای بازدید از مؤسسات فرهنگی و خاورشناسی و زیارت مزار مولانا جلال‌الدین رومی و دیدار از کتابخانه‌های علمی،به ترکیه نیز سفر کرد. وی دانشمندی نکته‌سنج، استادی محقق و مدرسی بی‌نظیر بود. سر انجام بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. از آثارش: «منتخبات شاهنامه»؛ «سخن و سخنوران»؛ «منتخبات ادبیات فارسی»؛ «رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «فرهنگ تازی به

فارسی»؛ «خلاصه‌ی مثنوی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شرح مثنوی شریف»؛ تصحیح «فیه مافیه»؛ «زنده‌ی بیدار (حی بن یقظان)»، ترجمه؛ «قدیمترین اطلاع از زندگی خیام»؛ «احادیث مثنوی»؛ تصحیح «کلیات شمس» یا «دیوان کبیر». لازم به ذکر است که در مجله‌ی «راهنمای کتاب» نام فروزانفر، جلیل ذکر شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (29 -27)، از نیما تا روزگار ما (126 -122)، راهنمای کتاب (س 13، ش 3 و 4، ص 167 مکرر- 170 مکرر، ص 267 -262)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (93 -92 / 5)، سخنوران نامی معاصر (519 -512 / 1)، سواد و بیاض (617-611)، شرح حال رجال (37 -36 / 5)، فرهنگ سخنوران (128)، کلک (س 7، ش 3 -1، ص 306 -186)، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (به یاد استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)، مستدرکات اعیان (227 -226 / 3)، مقدمه‌ی مجموعه‌ی مقالات و اشعار فروزانفر (مقدمه/ سیزده- بیست و پنج)، یغما (س 23، ش 2، ص 125 -123).

فروزش، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1276 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در دهکده کوه‌پر از توابع کلاردشت دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی پس از طی تحصیلات ابتدایی جهت ادامه‌ی تحصیل در تهران به محضر استادانی چون حاج شیخ علی نوری حکمی و آقا میرزا طاهر تنکابنی حاضر گشت. فروزش به علوم فقه، منطق، فلسفه و اصول، ادبیات عرب و فارسی و ریاضیات آشنا بود و به اخذ نمره اول در میان داوطلبان دارالفنون در رشته ریاضیات و جغرافیا و تاریخ نائل آمد. در جریان فعالیت‌های سیاسی خویش روزنامه‌ی «نجات ایران» را منتشر نمود که پس از نشر چهار شماره توقیف گردید و به تبع آن فروزش مدتی زیر نظر پلیس در تبعید به سر برد. پس از آن در 1315 ش وارد خدمت اداره کل آمار و ثبت احوال گردید. از شهریور 1320 دوره جدید روزنامه‌ی «نجات ایران» نیز انتشار یافت. از جمله آثارش: «ما و سید ضیاءالدین»، رساله سیاسی؛ «ارمغان جمهوری ازبکستان» یا «یادگار سفر تاشکند».[1]
درگذشت: اسفند 1371.
زین‌العابدین فروزش مدیر روزنامه‌ی «نجات ایران» بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید و مجلاتی (279 -276 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (270 / 3).

فروغ، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، موسیقیدان، مترجم و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاه خود و شیراز گذراند و در همان وقت از اساتید بزرگ آواز، سید رحیم و سید حسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیفها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا شد. سپس به تهران آمد و در دانشسرای عالی به تحصیل رشته زبان انگلیسی پرداخت و در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل و به آکادمی پادشاهی موزیک وارد شد. پس از بازگشت به ایران، به مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد و سپس به آمریکا رفت و در رشته ادبیات دراماتیک از دانشگاه کلمبیا دکترا گرفت. سپس به ایران بازگشت و بار دیگر در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و در همان وقت ریاست اداره هنرهای دراماتیک (از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا) نیز بر عهده‌ی او بود. از آثار وی: «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا»؛ «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و ترجمه‌های: «علم موسیقی»؛ «نمایشنامه‌ی پدر»؛ «باغ‌وحش شیشه‌ای»؛ «خانه عروسک و اشباح»؛ «فن نمایشنامه‌نویسی» و دهها مقاله در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت.[1]
مهدی فروغ که یکی از موسقیدانان و صاحبنظران بنام کشور است، به سال 1290 در شهر اصفهان، شهر هنرمندپرور، در یک خانواده‌ی روحانی متولد گشت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان گذراند و در همین زادگاه خود بود که از اساتید بزرگ آواز ایران مرحوم سیدرحیم و سیدحسین ساعت‌ساز تعلیم آواز گرفت و با ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران آشنا گردید.
مهدی فروغ پس از مدتی با خانواده رهسپار شیراز شد و تحصیلات دوره‌ی دوم متوسطه را در این شهر به پایان رسانید و پس از آن به تهران آمد و در رشته زبان خارجه از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد و ضمن تحصیل در دانشکده‌ی زبان، سرپرستی انجمن موسیقی نیز به وی محول گردید.
وی با توجه به فعالیت هنری چشمگیری که داشت مورد توجه مقالات دولتی قرار گرفت و برای آشنایی با فرهنگ ملل و موسیقی کشورهای پیشرفته جهت تحصیل عازم انگلستان شد و تحصیلات خود را در رشته هنرهای دراماتیک، در آکادمی پادشاهی هنرهای دراماتیک لندن به پایان

رسانید و وارد آکادمی پادشاهی موزیک آن کشور شد.
دکتر مهدی فروغ در اواخر جنگ دوم جهانی به ایران بازگشت و مدت پنج سال در هنرستان عالی موسیقی تدریس کرد، سپس برای مدت چهار سال جهت تحصیل در رشته ادبیات دراماتیک عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا موفق به دریافت دکترا شد. وی پس از تحصیل در آمریکا مجدداً به ایران بازگشت و در هنرستان موسیقی تدریس استتیک و تلفیق شعر و موسیقی را عهده‌دار و ریاست اداره هنرهای دراماتیک که از ادارات تابعه اداره‌ی کل هنرهای زیبا بود به عهده گرفت.
دکتر مهدی فروغ یکی از بزرگان هنر و ادبیات ایران بخصوص در رشته‌های مختلف هنری می‌باشند که آثار ایشان عبارت است از: ترجمه‌ی «موسیقی» اثر آرون کوپلند، مترجم دکتر مهدی فروغ، تألیف «تاریخ احوال مصنفین موسیقی اروپا» ترجمه‌ی نمایشنامه‌ی «پدر» و «باغ‌وحش شیشه‌ای» و کتاب «نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران» و یک سری مطالب و مقالات سودمند و راهگشا در زمینه‌ی موسیقی در مجلات موسیقی وزارت فرهنگ و هنر وقت و مجله موزیک ایران. دکتر مهدی فروغ فرزند هنرمندی دارد بنام علی فروغ که تحصیلات خود را در رشته موسیقی در بروکسل به پایان رسانیده و ویولنیست شایسته‌ای در ارکستر سمفونیک می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ موسیقی (126 / 1)، شخصیتهای نامی(372)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3310 ،2340 / 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (266)، مردان موسیقی (206 -205 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (420 -419 / 6).

فروغی اصفهانی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1263- 1338 ش)، نویسنده، استاد دانشگاه، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پدر ش از رجال دانشمند دوره‌ی ناصری بود. وی علوم مقدماتی را نز پدر آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی دارالفنون و آلیانس به پایان برد و زبان فرانسه را به خوبی آموخت، آن‌گاه به فرانسه عزیمت نود. بعد از بازگشت به ایران معلم دارالفنون و مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و علاوه بر مترجمی، تدریس جغرافیا و تاریخ و علوم طبیعی را نیز عهده‌دار شد. وی در تربیت دانش‌آموزان سلیقه‌ی خاصی داشت و بدین منظور یک مدرسه عالی به نام «دارالمعلمین» در 1298 ش تأسیس کرد که خود، ریاست آن را به عهده داشت. وی همچنین نظارت و سرپرستی مجله‌ی «اصول تعلیمات» را، که از طرف وزارت معارف منشتر می‌شد، به عهده داشت. فروغی پس از نشر شش شماره از آن مجله نام آن را به «اصول تعلیم» تغییر داد. چندی بعد ماهنامه‌ی «فروغ تربیت» را دایر کرد. وی جمعا چهار سفر به اروپا داشت که سفر آخر او به عنوان وزیر محتار ایران در سویس بود. ابوالحسن فروغی عضو فرهنگستان زبان فارسی و استاد دانشگاه تهران بود. در ادبیات و انشای زبان فرانسه بسیار پرمایه و زبردست و در ادبیات فارسی و عربی هم صاحب مطالعات زیاد بود. نثر را خوب می‌نوشت و شعر نیز می‌گفت. سرانجام در تهران درگذشت. آثار وی: مجموعه‌ی «اشعار»؛ اوراق مشوش»یا «مقالات مختلفه»؛ رساله‌ی «تجدد و ملیت»؛ منظومه‌ی «شیدوش و ناهید»؛ «تاریخ شعرا»، با همکاری محمدعلی فروغی؛ «سرمایه سعادت» یا «علم و آزادی».[1]
فرزند محمدحسین ذکاءالملک، در 1263 ش (1884 م) در تهران متولد شد. در سن 6 سالگی تحصیلات مقدماتی را تحت نظارت پدر و محمدعلی فروغی برادر مهترش آغاز کرد و سپس تحصیلات خود را در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه ادامه داد و فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به زبان و ادبیات فارسی و عربی پرداخت و چون شوق و علاقه‌ای به فلسفه و عرفان داشت، بیشتر وقت خود را صرف فلسفه قدیم و جدید نمود و با مکتبهای فلسفی آشنا شد و در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم آن را تکمیل نمود. فروغی در سن 18 سالگی به روزنامه‌ی تربیت که پدرش انتشار می‌داد پیوست و مدیریت داخلی و توزیع روزنامه‌ی مزبور را بر عهده

گرفت. پس از تعطیلی روزنامه‌ی تربیت که مقارن طلوع مشروطیت بود، به کار معلمی و تدریس پرداخت و در مدارس علمیه و دارالفنون ساعاتی از وقت خود را تدریس می‌نمود.
فروغی در 1298 ش با کمک برادرش که ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت، به تاسیس مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی پرداخت و برنامه‌ی آن مدرسه عینا از مدارس متوسطه فرانسه اقتباش شده بود و دوره‌ی آن شش سال کامل بود و مدرک تحصیلی آن دیپلم کامل متوسطه بود. همزمان با تاسیس دارالمعلمین مرکزی، نصیرالدوله (احمد بدر) وزیر معارف وقت، مدیریت مجله‌ی اصول تعلیم را که از طرف اداره‌ی بازرسی وزارت معارف منتشر می‌شد به ابوالحسن فروغی طبق حکمی واگذار کرد که با کمک مدرسین و معلمین مدرسه‌ی مزبور، مجله را منتشر سازند. این مجله که هزینه‌ی آن را وزارت معارف تامین می‌نمود، یک مجله‌ی فلسفی و تربیتی و علمی و تاریخی و ادبی بود. فروغی اعضاء هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی مزبور را به این شرح انتخاب نمود: غلامحسین رهنما، ابوالقاسم بهرامی، عبدالعظیم قریب و اقبال آشتیانی. علاوه بر هیئت تحریریه، فروغی در هر شماره دو مقاله‌ی فلسفی داشت. با تمام کوششی که برای ادامه‌ی کار این مجله به عمل آمد، مع‌الوصف شش شماره بیشتر منتشر نشد و در محاق تعطیل قرار گرفت.
پس از تعطیلی مجله‌ی اصول تعلیم، فروغی در سال 1300 مجله‌ی فروغ تربیت را انتشار داد که آن هم دوام زیادی نکرد و از چند شماره تجاوز ننمود. در 1307 ش دارالمعلمین عالی از طرف وزارت فرهنگ تاسیس شد و ابوالحسن فروغی به استادی آنجا منصوب شد.
ابوالحسن فروغی در سال 1312 ش به سمت وزیرمختار ایران در سویس انتخاب شد و یک سال در این ماموریت بود و بعد نمایندگی ایران را در جامعه‌ی ملل برعهده گرفت و سرانجام در 1314 به ایران بازگشت و به استادی دانشگاه تهران و عضویت پیوسته‌ی فرهنگستان منسوب شد و تا پایان عمر در مشاغل فرهنگی بود.
وفات وی در 6 بهمن‌ماه 1338 ش اتفاق افتاد. ابوالحسن فروغی تالیفاتی به زبان فرانسه و فارسی دارد که عبارتند از: دو جلد در اصول حکمت و فلسفه به زبان فرانسه، سرمایه سعادت، اوراق مشوش و دوره‌های مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعار او به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (80 -79)، از نیما تا روزگار ما (159 -157)، تاریخ برگزیدگان (372 -371)، تاریخ جراید (69 / 4 ،190 -185 / 1)، الذریعه (828 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (95 -94 / 5)،

سخنوران نامی معاصر (2700 -2697 / 4)، سرآمدان فرهنگ (61 / 1)، فرهنگ سخنوران (705)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (162 -161 / 1)، یغما (س 19، ش 3، ص 172، س 21، ش 10، ص 574-576).

فروغی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن فروغی در سال 1323 در شهرستان طبس متولّد شد.وی مدرک دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی را از دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1357 دریافت داشته است.ایشان از سال 1358 با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال 1377 به مرتبه دانشیاری و در سال 1385 به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه 35 استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : ادبیات فرانسه و تطبیقی والدین و انساب : پدر حسن ،محمد فروغی متولد 1297،از اولین فارغ التحصیلان ششم ابتدایی و از اولین آموزگاران شهرستان طبس و معلم اغلب فارغ التحصیلان دوره های گذشته این شهرستان می باشد.ایشان بادانش و حافظه تاریخی فوق العاده در قید حیات می باشند.مادرش خاندار است. او نیز شش برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی : " در منطقه ای محروم ولی در خانواده ای فرهنگی پرورش یافتم. آگاهی فرهنگی پدرم و اقتدار مادرم از ما فرزندانی آگاه ،با پشتکار و موفق آفرید"اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن فروغی در خانواده ای فرهنگی و با شرایط اقتصادی متوسط در طبس بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن فروغی در سال 1336 تحصیلات ابتدایی را در دبستان میرطبس و در سال 1342 تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شیبانی همان شهرستان به پایان رساند و در سال1342 موفّق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته تجربی گردید. ایشان در سال 1352 مقطع کارشناسی رشته زبان فرانسه را در مدرسة عالی ترجمه تهران به پایان رسانید و در سال 1353 (همزمان با گذراندن چندواحد از دروس ادبی برای تبدیل لیسانس مترجمی به لیسانس ادبیات) به دریافت کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس و درسال 1357 به دریافت درجه دکتری ادبیات فرانسه و تطبیقی از دانشگاه سوربن پاریس توفیق یافت. دکتر فروغی همچنین در سال‌های 1349 تا 1352 دورة کارشناسی علوم اجتماعی را در دورة شبانة دانشسرای‌عالی تهران به صورت ناتمام گذرانده و در طول اقامت خود در فرانسه، در سال 1353 موفّق به اخذ دیپلم مهارت آموزش زبان فرانسه به روش‌های سمعی وبصری و در سال 1356 موفّق به اخذ فوق

لیسانس(DEA= دانشوری) جامعه شناسی از مدرسة مطالعات عالی پاریس نیز گردیده است. خاطرات و وقایع تحصیل : " پس از دو سال توقف در پشت کنکور بخاطر اصرار خودم در پذیرفته شدن در رشته های پزشکی یا مهندسی و پس از انجام خدمت سربازی ،استخدام در آموزش و پرورش و علاقه فراوان به شغل معلمی تصمیم گرفتم در رشته های زبان و یا جامعه شناسی تحصیل کنم که تا در سطح تخصص در دانشگاه هم شد...."فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن فروغی در حین تحصیل به کار تدریس در آموزش و پرورش اشتغال داشت.استادان و مربیان : در ایران ،خانم ها و آقایان : دکتر بروخیم ،دکتر بارویان،دکتر شاهین ،مهندس پایور،دکتر فولادوند در رشته زبان و ادبیات فرانسه،دکتر غلامعباس توسلی ،دکتر خسروی ،دکتر خوئی ف و غیره در رشته علوم اجتماعی در فرانسه : دکتر ژاک شوئیه،رئیس وقت دانشگاه پاریس سه (سوربن پاریس جدید)و استاد راهمای دکتر حسن فروغی ،دکتر ژاک ورنان ،ریمون آرون در رشته جامعه شناسی هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای و همکاران حسن فروغی در مقاطع مختلف تحصیل و اشتغال به قرار زیر است: دانشسرای عالی تهران : آقای محمد نبی حبیبی دانشگاه شهید چمران اهواز : دکتر عبدالله محتشمی ،دکتر سید علاء الدین گوشه گیر،خانم دکتر المیرا داور ،دکتر محمودرضا گشمرری(؟)،دکتر مسعود نذری دوست ،دکتر سید جمال موسوی شیرازی و چند استاد فرانسوی در اوایل انقلاب.همسر و فرزندان : دکتر حسن فروغی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم زهرا صدقی است. ایشان آموزگار بازنشسته آموزش و پرورش می باشد.ماحصل ازدواج آنها سه فرزند بنامهای مریم (پزشک)،فرامرز(پزشک) و مرجان مهندس کامپیوتر است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در زمینة فعالیت‌های اجرایی، حسن فروغی در دو دوره، از فروردین 1358 تا آذر 1359 و از دیماه 1380 تا 1382 مدیرگروه فرانسه، در سال تحصیلی 1358تا 1359، دبیرشورای مدیریت دانشکده زبان‌های خارجی و عضو شورای دانشگاه جندی شاپور، و از سال 1377 تا 1386، نماینده منتخب اعضای هیأت علمی دانشکده ادبیات در کمیته ارتقاء بوده است. در زمینة فعالیت‌های علمی- پژوهشی دکتر فروغی از سال 1375 تا بهمن ماه 1379، عضو شورای پژوهشی گروه فرانسة سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها بوده و در حال حاضر عضو هیأت تحریریة مجله های دانشکدة ادبیات دانشگاه شهید چمران، مجلة پژوهش دانشگاه تهران، مجلة لقمان در مرکز نشر دانشگاهی و مجله هنرهای نمایشی دانشگاه تهران می باشد. خلاصه ای از فعالیت های اداری و مدیریتی دکتر حسن فروغی به قرار زیر است: عضو شورای پژوهشی گروه فرانسه سازمان سمت از تاریخ 1/1/1375 تا کنون ادامه دارد عضو کمیته علمی هفته

پژوهش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ 1/1/1382 دبیر شورای مدیریت دانشکده زبانهای خارجی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 1/1/1358تا تاریخ 1/1/1359 عضو شورای دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 2/2/1358 تا تاریخ 2/2/1359 مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 3/3/1358تا تاریخ 3/3/1359 نماینده منتخب دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز در کمیته ارتقاء از تاریخ 1/1/1377 تا کنون ادامه دارد عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 1/1/1379تا کنون ادامه دارد مدیر گروه فرانسه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 1/1/1380 تا کنون ادامه دارد عضو هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی از تاریخ 1/1/1382 تا کنون ادامه دارد عضو کمیته تالیف و ترجمه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز از تاریخ 1/1/1384 تا کنون ادامه دارد عضو جامعة ادبی قرن 18 فرانسه،(پاریس). عضو بنیان گذار « جامعه ادبی دیدرو»، (پاریس). عضو جامعه ادبی منتسکیو، (پاریس). عضو خزانه دار انجمن علمی مطالعات فرانسوی زبان، (ایران). فعالیتهای آموزشی : فعالیت‌های آموزشی دکتر فروغی از سال 1358 با درجه استادیاری در دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و نامبرده درسال 1377 به مرتبه دانشیاری و در سال 1385 به مرتبه استادی نایل گردیده است. دکتر فروغی در حال حاضر با پایه 35 استادی در این دانشگاه مشغول بکار می باشند. ایشان بسیاری از دروس مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فرانسه از جمله ادبیات فرانسه ،نقد ادبی،تفسیر متون ادبی ،روش تحقیقی و ادبیات تطبیقی تدریس می کند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسن فروغی در کنار فعالیت های پژوهشی و آموزشی به ورزش و پیگیری اخبار داخلی و خارجی و غیره می پردازد.شاگردان : دکتر عادل خنیاب نژاد(؟)، و دکتر ابراهیم سلیمی (عضو هیئت علمی گروه فرانسه اصفهان) از دانش آموختگان حسن فروغی می باشند.آرا و گرایشهای خاص : گرایش های ایشان عبارت است از : ادبیات فرانسه، ادبیات تطبیقی، نقد ادبی، روش تحقیق، تفسیر متون ادبی فرانسهجوائز و نشانها : دکتر فروغی در سال 1381 به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه و در سال های 1384 و 1386 به عنوان پژوهشگر برتر انتخاب شده است.ایشان در سال 1381 به عنوان مولف و مترجم برگزیده دانشگاه شهید چمران اهواز مورد تقدیر قرار گرفته است.چگونگی عرضه آثار : بیش از صد پایان نامة کارشناسی و چندین پایان نامه کارشناسی

ارشد توسط دکتر فروغی در سال اخیر راهنمایی شده است.آثار : ترجمة کتاب اسلام وتمدن اسلامی ویژگی اثر : (دوجلد) از آندره میکل، هانری لوران، انتشارات‌سمت ، 1381. این کتاب به عنوان یک کتاب مبنایی برای تدریس در بیشتر رشته های دانشکده الهیات به چاپ رسیده است.2 تفسیر متون ادبی ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، 1381.این کتاب ،کتاب درسی مربوط به سه درس تفسیر متون در دوره کارشناسی ادبیات فرانسه که در این دوره تدریس می شود.3 فرانسه برای دانشجویان رشته علوم ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چ اوّل، 1373، (با همکاری دکترعبدالله محتشمی و دکترسید علاء الدین گوشه گیر). 4 یادداشت برداری و روش تحقیق ویژگی اثر : (به زبان فرانسه)، انتشارات سمت، چاپ اوّل 1380 ، چاپ دوم 1382 ، چاپ سوم 1385-این کتاب از کتابهای درسی دانشگاهی است که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فرانسه در گروه های آموزشی تدریس می شود.

فروغی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1255 ق)، ادیب، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. ابتدا فدایی، سپس ادیب و سرانجام فروغی تخلص نمود. در جوانی تجارت می‌کرد و چون سرمایه‌ی خویش را در راه تجارت هند به خلیج‌فارس از دست داد. مدتی در بندر لنگه، جهرم،فسا و یزد گذرانید و سپس به کرمان رفت و به خدمت حاکم کرمان، محمد اسماعیل‌خان نوری، وکیل‌الملک، درآمد. مدتی نیز در کرمانشاه اقامت گزید و وارد جمع درویشان شد. در آنجا نیز به مدیحه‌سرایی شاهزاده عمادالدله پرداخت و ادیب تلخص می‌کرد. سرانجام به تهران آمد و در دستگاه وزارت انطباعات و دارالترجمه‌ی میرزا محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه به منشی‌گری پرداخت. در 1291 ق از طرف ناصرالدین‌شاه ملقب و متخلص به فروغی شد. مدتی نیز مدیریت دارالترجمه و دارالطباعه دولتی و مترجمی زبان عربی و فرانسه را عهده‌دار بود و روزنامه‌های دولتی «ایران»؛ «اطلاع»؛ «رسمی»؛ «شرف» معمولا با انشای وی نوشته می‌شد. در 1311 ملقب به ذکاءالملک ش وی روزنامه‌ی «تربیت» را در 1314 ق منتشر کرد. با تأسیس مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی در 1317 ق به استادی مدرسه و در 1323 ق به ریاست آن منصوب گشت. فروغی در ابن‌بابویه شهر ری مدفون شد. آثار وی عبارتند از: «تاریخ سلاطین ساسانی» یا «تاریخ ساسانیان»، ترجمه، با همکاری فرزندش محمدعلی فروغی؛ تصحیح «بوسه‌ی عذرا»؛ «تاریخ ادبیات ایران»؛ «چرا و به این جهت»، ترجمه؛ «سفر هشتاد روزه‌ی دور دنیا»، ترجمه؛ «عشق و عفت»،به نظم، ترجمه؛ تصحیح «عجز بشر»؛ «علم بدیع»؛ «غرائب زمین و عجایب آسمان»، ترجمه؛ «کلبه هندی»، ترجمه. ضمنا از وی «دیوان» شعر به جای مانده است.[1]
ملقب به ذکاءالملک (اول)، ادیب و نویسنده (و. اصفهان 1255 ه.ش- ف. 1289 ه.ش/ 1325 ه.ق) ابن آقا محمدمهدی ارباب. وی در جوانی به عنوان تجارت عازم هند گردید، اما کشتی دچار طوفان شد، و مال‌التجاره‌ی او در آب غرق گردید. وی در بندر لنگه پیاده شد و به جهرم و فسا و از آنجا به یزد رفت، و در آن شهر زندانی گردید. سپس به کرمان رفت و تحت حمایت وکیل‌الملک حاکم کرمان قرار گرفت و قصایدی سرود. آنگاه به عزم زیارت عتبات به مغرب شتافت. در کرمانشاه با چند تن از مشایخ و

عرفا ملاقات کرد و در زمره‌ی اهل سلوک درآمد، سپس به کربلا و نجف رفت. پس از ورود به تهران مورد نوازش صنیع‌الدوله وزیر انطباعات قرار گرفت و به توسط او به دربار ناصرالدین شاه قاجار معرفی گردید، و به فرمان همایونی تخلص «فروغی» را انتخاب کرد و به مدیریت و مترجمی دارالطباعه منصوب گردید. روزنامه‌های «ایران» و «شرف» و «رسمی» و «اطلاع» که دولتی بودند، غالباً به انشای او نوشته می‌شدند. در 1308 ه.ق به موجب فرمان پادشاه به درجه‌ی اول استیفا و ریاست دارالطباعه رسید. در 1311 ه.ق به موجب دستخط همایونی به لقب «ذکاءالملک» مفتخر شد. روزنامه‌ی «تربیت» از سال 1314 تا 1325 ه.ق به مدیریت او منتشر گردید. در سال 1317 که مدرسه‌ی علوم سیاسی تأسیس شد وی به معلمی ادبیات آن مدرسه انتخاب گردید و چند کتاب ادبی کلاسیک تألیف و منتشر کرد (بدیع و معانی و عروض و قافیه و تاریخ شعرا). در 1323 به مدیریت مدرسه‌ی مذکور منصوب شد. وی به سن 70 سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (124 -116 / 2 ،306 ،198 / 1)، حدیقه الشعراء (1343 -1338 / 2)، سرآمدان فرهنگ (362 -360)، شرح حال رجال (388 -384 / 3)، فهرست کتابهای چاپی (2334 ،2311 / 2 ،712 661، / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مکارم الآثار (1492 -1491 / 5).

فروغی، محمد علی ذکاءالملک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1294 ق)، نویسنده، ادیب، مترجم و دانشمند. فروغی تحصیلات خود را از پنج سالگی نزد پدر آغاز کرد و ظرف مدت هفت سال کلیات زبانهای فارسی، عربی و فرانسه را آموخت و از علوم جدید نیز بهره گرفت. بعد از آن وارد مدرسه‌ی دارالفنون شد و به تحصیل در رشته‌ی طب پرداخت. اما پس از چندی به علت علاقه به فلسفه و ادبیات در این دو زمینه مشغول فعالیت شد. چندی نیز در مدرسه‌ی صدر به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از این که پدرش هفته‌نامه‌ی «تربیت» را انتشار داد محمدعلی به عنوان سردبیر، نویسنده و مترجم هفته‌نامه مقالاتی در آن نوشت. پس از تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی در ابتدا به عنوان مترجم و سپس به عنوان استاد و معاون مدرسه به خدمت پرداخت. بعد از درگذشت محمدحسین فروغی، محمدعلی ملقب به ذکاءالملک شد و ریاست مدرسه‌ی علوم سیاسی را به عهده گرفت. فروغی در طی زندگانی سیاسی خود چند بار به وکالت مجلس و سفارت رسید و چندین بار وزیر و نخست‌وزیر شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: «آئین سخنوری در فن خطابه»؛ «حکمت سقراط»؛ «تاریخ ملل شرق»، ترجمه؛ «اصول علم ثروت»؛ «سیر حکمت در اروپا»؛ «تاریخ ساسانیان» یا «تاریخ سلاطین ساسانی»، ترجمه، با همکاری پدرش ؛ «فهرست رجال بزرگ ممالک».[1]
معروف به ذکاءالملک، فرزند مرحوم محمدحسین‌خان ذکاءالملک اول، متولد 1294 ه.ق در تهران است. پدرش از دانشمندان و محققان و شعراء بلندپایه‌ی عصر ناصری و مظفری است که در وزارت انطباعات اعتمادالسلطنه ریاست قسمت ترجمه و تالیف با او بود. علاوه بر آن بر مترجمان همایونی ریاست داشت و شاعری توانا، ادیبی دانشمند و مترجمی کم‌نظیر بود. غالب کتبی که اعتمادالسلطنه به نام خود چاپ کرده است، قسمت اعظم آن نتیجه‌ی تحقیق و نگارش فروغی است.
محمدعلی فروغی تحصیلات خود را نزد پدرش آغاز کرد. پس از آموزش زبان پارسی به آموختن مقدمات عربی و قرآن و شرعیات پرداخت. پس از آن ادبیات زبانهای فارسی و عربی را فراگرفت و در آموزش فلسفه و عرفان و حسن خط همت گماشت و ابتدا زبان فرانسه و بعد زبان انگلیسی را به خوبی فراگرفت و وارد دارالفنون ناصری شد. مدتی به علم

طب روی آورد، سالی چند در این علم غوطه‌ور بود تا اینکه طبابت را مطابق ذوق خود نیافت و بر فلسفه و عرفان متمایل شد و تحصیلات خود را در این رشته در مدارس معروف آن روز تهران نزد اساتید بزرگی چون میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا طاهر تنکابنی به حد کمال رسانید و چون مسلط به زبانهای خارج بود، از نوشته‌ی فلاسفه‌ی مغرب زمین هم بهره‌مند گردید.
پدرش در سال 1314 ه.ق به انتشار مجله‌ی تربیت همت گماشت. محدعلی در کار این نشریه دخالتی تام داشت. گذشته از سردبیری آن ترجمه‌هائی از او منتشر می‌شد. در این روزنامه از قانون و مدرسه و تجدد سخن بسیار آمده است و قریب ده سال منظما انتشار پیدا می‌کرد.
در 1317 ه.ق که میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله به تشویق دو فرزند خود موتمن‌الملک و مشیرالملک (بعدها مشیرالدوله) مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی را بنیاد نهاد، محمدحسین فروغی به استادی آنجا برگزیده شد و فرزندش نیز به ترجمه‌ی تاریخ برای دانشجویان پرداخت و پس از چندی معلم تاریخ در مدرسه‌ی سیاسی گردید. پس از مدتی محمدحسین ذکاءالملک به ریاست مدرسه گمارده شد و فرزندش را به معاونت انتخاب کرد. این وضع تا اوایل مشروطیت ادامه داشت. در این سال ذکاءالملک درگذشت و لقب و شغلش را به فرزند ارشد او واگذار کردند. محمدعلی فروغی با لقب ذکاءالملک به ریاست مدرسه عالی علوم سیاسی منصوب گردید. پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس اول که در حقیقت مجلس موسسان بود، فروغی برای ریاست دبیرخانه دعوت شد و کار اداری مجلس را انجام می‌داد. سازمان اداری و تاسیس کتابخانه از کارهای اولیه‌ی اوست. در انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر انجام گرفت، محمدعلی ذکاءالملک به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و پس از چندی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردید. چند ماهی بیشتر در این سمت نبود که جای خود را به موتمن‌الملک سپرد و خود به نیابت ریاست رسید.
ذکاءالملک در سال 1290 ش در کابینه‌ی صمصام‌السلطنه بختیاری ابتدا وزیر مالیه و بعد وزیر عدلیه شد. در کابینه‌ی بعدی که به ریاست مشیرالدوله تشکیل یافت، همچنان وزیر عدلیه بود. در دوره‌ی سوم وکیل مجلس شد ولی در مجلس باقی نماند تا به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و سالیان دراز در آن سمت اشتغال داشت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول، به اتفاق مشاورالممالک انصاری به کنفرانس صلح رفتند ولی موفق به حضور در کنفرانس نشدند و آنها را مودبانه جواب کردند. در 1301 ش ذکاءالملک در کابینه‌ی مستوفی‌الممالک وزیر امور خارجه شد و در جدال مستوفی و مدرس نقشی اساسی داشت و غالبا پاسخ مجلسیان

را او می‌داد. در کابینه‌ی بعدی به ریاست مشیرالدوله وزیر مالیه شد. از 1302 تا 9 آبان 1304 در چهار کابینه‌ی رضاخان سردارسپه، دو بار وزیر خارجه و دو بار وزیر مالیه بود تا سرانجام در 9 آبان 1304 مجلس پنجم طرح انقراض قاجاریه را به تصویب رسانید و حکومت موقت را به رضاخان پهلوی سپرد تا مجلس موسسان به اصلاح اصول قانون‌اساسی بپردازد. ذکاءالملک در این تاریخ به کفالت نخست‌وزیری و سرپرستی دولت تعیین شد.
مجلس موسسان در آذرماه 1304 امور سلطنت را به رضاخان پهلوی واگذار کرد و محمدعلی فروغی به عنوان اولین نخست‌وزیر سلطنت رضا پهلوی معرفی شد. او قریب شش ماه رئیس دولت بود. تاجگذاری رضاشاه، انتخابات دوره‌ی ششم قانون نظام اجباری و الغاء القاب و قانون ثبت در دوران نخست‌وزیری او انجام یا به تصویب رسید. فروغی در اثر دخالتهای تیمورتاش وزیر دربار تاب مقاومت نیاورد و از شاه اجازه‌ی استعفا گرفت. شاه استعفای او را پذیرفت مشروط بر اینکه کاری در کابینه قبول کند. پس از مذاکرات لازم، قرار شد فروغی در کابینه‌ی بعدی وزیر جنگ باشد ولی کارهای وزارت جنگ را رضاشاه انجام بدهد. جانشین فروغی که پس از لغو القاب حسن مستوفی نام گرفته بود، فروغی را به عنوان وزیر جنگ معرفی کرد و پس از چندی فروغی به اتفاق دو فرزند خود (جواد و محسن) از راه روسیه عازم اروپا شد تا ترتیب تحصیل فرزندان خود را تحت‌نظر علامه محمد قزوینی در پاریس بدهد. برخی از مورخین درباره‌ی این مسافرت مطالب خلاف واقعی عنوان نموده و متذکر شده‌اند که انگیزه‌ی فروغی در این مسافرت صرفا برای ملاقات با سلطان احمدشاه و اخذ استعفانامه از وی و پرداخت مبلغی حدود هفت میلیون تومان بوده است در حالی که مرحوم فروغی در تمام عمر نسبت به این مطلب معترض بود، و قویا آن را تکذیب می‌نمود و اصولا در پاریس بین او و احمدشاه ملاقاتی دست نداده بود. فروغی چند ماهی در پاریس اقامت گزید تا به سمت سفارت کبرای ایران در آنقره تعیین شد و مراتب تلگرافی به او ابلاغ گردید. مدت ماموریتش در ترکیه دو سال به طول انجامید و در ایجاد حسن روابط بین دو کشور زحماتی متحمل شد. ذکاءالملک در سفر ترکیه دوستی و نزدیکی زیادی با رجال ترک پیدا کرد مخصوصا با کمال آتاتورک دوستی او زبانزد بود و همه روزه با رهبر مقتدر و اصلاح‌طلب ترکیه ملاقات و مذاکره داشت.
در 1308 ش با سمت ریاست هیئت نمایندگی ایران در جامعه‌ی ملل به ژنو رفت و به ریاست جامعه‌ی ملل انتخاب شد. جامعه‌ی ملل در دوران ریاست فروغی، قدمهائی برای رفاه مردم دنیا و صلح کشورها برداشت که یقینا فروغی نیز سهم بسزائی در این امر مهم دارد. در 1309 به تهران

بازگشت و در کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه هدایت به وزارت جدیدالتاسیس اقتصاد منصوب شد. پس از دو ماه وزارت امور خارجه هم ضمیمه‌ی کار او شد و هر دو وزارتخانه را توامان اداره می‌کرد ولی چند ماه بعد وزارت اقتصاد منحل گردید. فروغی تا شهریور 1312 در پست وزارت امور خارجه مستقر بود.
در شهریور 1312 مهدی‌قلی هدایت پس از شش سال‌ونیم صدارت، از کار کناره گرفت و محمدعلی فروغی به جای او به نخست‌وزیری منصوب شد. در دوران نخست‌وزیری او، کار تاسیس دانشگاه تهران به اتمام رسید. جشن هزاره‌ی فردوسی با شرکت مستشرقان و دانشمندان دنیا در طوس برگزار شد. فرهنگستان ایران هم برای احیاء زبان فارسی بنیان گرفت. در دوران نخست‌وزیری او، رضاشاه برای اولین بار از کشور خارج شد و چند روزی مهمان کمال آتاتورک شد و از نزدیک با ترقیات کشور دوست و همجوار آشنا گردید. فروغی متجاوز از دو سال در راس دولت بود تا واقعه‌ی گوهرشاد پیش آمد. پاکروان استاندار و نوائی رئیس شهربانی، کاسه و کوزه را بر سر محمدولی اسدی نایب‌التولیه شکستند و او را عامل اصلی قیام معرفی کردند. در آن تاریخ یکی از دختران فروغی، عروس اسدی بود لذا فروغی در مقام شفاعت برآمد ولی آتش غضب رضاشاه تندتر شد، نه تنها شفاعت او را نپذیرفت بلکه فروغی را هم از کار کنار گذاشت، تمام مشاغل او را گرفت و تحت‌نظر نظمیه در منزل خود نیز زندانی شد. تیمورتاش و سردار اسعد در این دوره از نخست‌وزیری او در زندان به قتل رسیدند.
فروغی تا 1320 در انزوا به سر می‌برد تا اینکه پس از حمله‌ی روس و انگلیس به ایران، رضاشاه به سراغ او رفت. در آن ایام پرتلاطم، سکان کشتی نجات ایران را به دست او داد.
فروغی پس از اینکه زمام امور را به دست گرفت، در مقام مذاکره با شوروی و انگلیس برآمد. نتیجه‌ی مذاکرات بر این قرار گرفت که رضاشاه از سلطنت کناره‌گیری کند. ابتدا قرار بود رژیم تغییر نماید و جمهوری به جای سلطنت انتخاب شود ولی پافشاری فروغی موجب شد که رژیم باقی بماند و فرزند شاه طبق قانون اساسی سلطنت کند. از اقدامات فروغی در این دوره تثبیت انتخابات دوره‌ی سیزدهم بود که در زمان رضاشاه و جو دیکتاتوری صورت گرفته بود. قرارداد سه‌جانبه با متفقین که پس از پایان جنگ ایران را تخلیه کنند، از دیگر اقدامات فروغی است. وی در این دوره از نخست‌وزیری خود با مشکلات بزرگی مواجه شد. مورد هتاکی و حمله رادیوهای خارجی و مطبوعات داخلی قرار گرفت. در مجلس به سوی او سنگ پرتاب کردند. رادیوی آلمان او را کلیمی‌زاده خطاب کرد و ایران تیمورتاش در روزنامه‌ی رستاخیز به او نسبت دزدی داد ولی با تمام این

مشکلات، فروغی شش ماه دوام کرد و چهار بار کابینه را ترمیم نمود ولی سرانجام در مقابل آن همه مصائب توان خود را از دست داد با وجودی که در مجلس اکثریت داشت، از کار کناره گرفت و خود را مخفی ساخت و زیر بار مسئولیت مجدد نرفت. وکلاء چون از فروغی مایوس شدند، سهیلی را بدان سمت برگزیدند.
فروغی بعد از نخست‌وزیری به وزارت دربار منصوب شد و پس از چندی قرار شد با سمت سفیرکبیر به آمریکا عزیمت کند. برایش پذیرش خواستند، موافقت شد و قبل از حرکت فروغی چون بیمار بود، تقاضا نمود در این ماموریت محمود فروغی فرزند کوچکش که عضویت وزارت امور خارجه را داشت با او همراهی کند. این امر احتیاج به تصویب‌نامه هیئت وزیران داشت. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر موضوع را در هیئت دولت مطرح کرد و با مخالفت باقر کاظمی مهذب‌الدوله مواجه شد کاظمی در زمره افرادی بود که تمام ترقیات او مدیون فروغی بود. فروغی او را از کارمندی ساده وزارت امور خارجه به سفارت و وزارت رسانید و همیشه برای حمایت از او مورد ایراد و حتی طعن بعضی دوستان قرار می‌گرفت و انتظار نداشت در آن ایام کاظمی با تقاضای کوچک او مخالفت کند. موضوع چندی در هیئت دولت باقی ماند و اخذ تصمیم به عمل نیامد. فروغی به شدت متاثر شد و بیماری او شدت یافت تا اینکه در آذرماه 1321 در سن 67 سالگی به بیماری سکته درگذشت. فروغی دارای دو چهره‌ی متضاد است، یکی فروغی سیاستمدار، دیگری فروغی دانشمند و ادیب و فیلسوف. در چهره‌ی اول تمام مراحل ترقی و مشاغل مهم مملکت را پشت سر گذاشت. او در طول زندگانی سیاسی خود سه بار نخست‌وزیری، یک بار کفیل نخست‌وزیری، یک بار رئیس مجلس شورای ملی، پانزده بار وزیر امور خارجه، دارائی، جنگ، عدلیه، اقتصاد ملی، یک بار سفیر، وزیر دربار، رئیس جامعه‌ی ملل، رئیس مدرسه‌ی عالی حقوق و بالاخره رئیس دیوان عالی کشور بوده است. ممکن است از لحاظ سیاسی دانسته یا ندانسته اشتباهاتی مرتکب شده باشد. همانطوری که دوستان سیاسی همیشه او را تایید می‌نمودند، دشمنان او را تقبیح کرده نسبتهائی به او بدهند ولی آنچه مسلم است فروغی از پایه‌گذاران سلسله‌ی پهلوی بود و هنگام جلوس پدر و پسر به سلطنت، نخست‌وزیری را در اختیار داشته است.
محمدعلی فروغی دانشمند و فیلسوف و ادیب در قرن اخیر از بزرگان و محققین درجه اول محسوب می‌شود. در جوانی به امر ترجمه اشتغال داشت، چندین جلد تاریخ دنیا را ترجمه و تلخیص می‌کرد که در مدارس آن روز کشور تدریس می‌شد. بعد به تصحیح دواوین شعرا پرداخت. دیوان عمر خیام نیشابوری، دیوان حافظ و دیوان سعدی و از همه مهمتر شاهنامه

فردوسی به همت او تصحیح و چاپ شده‌اند که هنوز نوشته‌های او مورد استفاده‌ی دانشمندان است. در تاسیس فرهنگستان و احیاء زبان فارسی جد و جهدی وافر داشت. خود مدتی ریاست فرهنگستان را عهده‌دار بود. مقاله‌ی مستند «پیام به فرهنگستان» نمونه‌ای از طرز فکر او درباره‌ی زبان فارسی است.
پربارترین دوران حیات علمی فروغی از 1314 تا 1320 است که موفق شد آثار مهمی از خود به یادگار گذارد. سه جلد کتاب سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا از اهم کارهای او در این دوره است. او فلسفه‌ی شرق و غرب را به خوبی می‌دانست، مع‌الوصف از مشورت و مذاکره با دانشمندان و فلاسفه‌ی شرق خودداری نمی‌کرد. در ایامی که سرگرم تهیه‌ی سیر حکمت در اروپا و شرح اشارات بوعلی سینا بود، غالبا با میرزا طاهر تنکابنی، سید محمد مشکوه و استاد فاضل تونی در مذاکره و تبادل‌نظر بود. فروغی در نویسندگی از پیشقدمان ساده‌نویسی است. مقدماتی که بر بعضی از دواوین نوشته است این رویه را به اثبات می‌رساند. او حتی‌المقدور سعی کرده است از لغات بیگانه پرهیز کند و مطالب خود را در عین استحکام و فصاحت طوری بیان کند که همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در کتاب آیین سخنوری، این شیوه در حد اعلی جلوه‌گر است. او در اواخر عمر تصمیم به تقریر خاطرات خود گرفت. بیش از 50 صفحه تقریر نکرده بود که اجل مهلتش نداد. این یادداشتها بیشتر درباره‌ی پدرش محمدحسین‌خان ذکاءالملک و رویه‌ی او در تعلیم و تربیت فرزندان و طریقه‌ی تالیفات اوست. انتخاب نام خانوادگی فروغی نیز مربوط به پدر اوست. وقتی پدرش در دربار ناصرالدین‌شاه قطعه شعری سرود و شاه را خوش آمد، لقب فروغی را به او داد که از آن تاریخ در اشعارش تخلص فروغی دیده می‌شود. مرحوم ذکاءالملک اول درباره‌ی لقب فروغی چنین گفته است:

فروغ یافت چو از مدح شاه گفته‌ی من
مرا خدیو معظم لقب فروغی داد

مرحوم محمدعلی فروغی نقاش چیره‌دستی بود. او در جوانی با کمال‌الملک در زمینه‌ی نقاشی کار کرده بود. خود می‌نویسد: من به کمال‌الملک فرانسه درس می‌دادم و او به من تعلیم نقاشی می‌داد. آثاری از او نزد فرزندانش به یادگار باقی است.
ذکاءالملک گذشته از مراحل سیاسی و علمی که در حد اعلا قرار داشت، در دوستی و وداد هم سرآمد اقران بود. به خانواده‌ی خویش دلبستگی خاصی داشت. پس از فوت پدرش سرپرستی سه خواهر و یک برادر را عهده‌دار شد. یک خواهر و برادرش ابوالحسن فروغی تا روز مرگ با ذکاءالملک زندگی می‌کردند و گذشته از اینکه جمع‌المال بودند، هرگز آنها

را از خود دور نساخت. یکی از خواهران او همسر سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری بود. خواهر دیگرش به عقد و ازدواج وقارالسلطنه وصال یکی از فرزندان وصال شیرازی درآمد ولی وقارالسلنه در 1305 در میانسالی درگذشت و فروغی مادام که حیات داشت، خواهرزاده‌های خود را چون فرزندان خویش مراقبت می‌کرد.
ذکاءالملک در جوانی با خواهرزاده‌ی نظام‌السلطنه (رضاقلی) ازدواج کرد و ثمره‌ی این وصلت چهارپس و دو دختر بود. همسر او در سنین سی‌سالگی مبتلا به سل شد. تلاش اطباء به جائی نرسید. او را از فرزندانش جدا کردند و در قلهک خانه‌ای اجاره و او را تنها در آن منزل قرار دادند تا تنها پزشک متخصص در سل که پزشک سفارت انگلیس بود، از او عیادت کند. او هفته‌ای یک بار فرزندان خود را از پشت شیشه می‌دید. معالجات پزشکان موثر واقع نشد و آن زن درگذشت. فروغی پس از فوت همسرش، قریب بیست سال زیست و هرگز ازدواج نکرد. در واپسین روزهای عمر به یکی از فرزندان خود گفته بود من پس از مرگ مادر شما هرگز افطار نکردم (منظور این است که زنی ندیدم). فروغی از مال دنیا بهره‌ای نداشت. پدرش در خیابان امیریه نزدیک باغ انتظام‌السلطنه خانه‌ای مشتمل بر بیرونی و اندرونی خریده بود که پس از مرگش فرزندان در آن خانه زندگی می‌کردند. در حوالی 1300 آن خانه را فروغی فروخت و با پس‌اندازی که از حقوق دیوان کشور اندوخته بود در خیابان سپه خانه‌ی بزرگی که چهار هزار مترمربع بود، به مبلغ دوازده هزار تومان خریداری کرد. پس از مرگش این خانه را به وزارت بهداری اجاره دادند و بیمارستانی به نام نجات در آنجا مستقر شد. در 1330 وزارت بهداری این خانه را به مبلغ یک میلیون تومان خریداری کرد ولی ابوالحسن فروغی از قبول سهم خویش خودداری کرد و تمام آن را به فرزندان برادرش داد.
روابط ذکاءالملک با برادر کوچکش ابوالحسن فروغی که از فلاسفه و دانشمندان بزرگ معاصر بود، رفتار پدر و فرزند و معلم و شاگرد بود. فروغی هرگز عادت نداشت مطالب و جریانات سیاسی روز را برای فرزندان خود تعریف کند. اگراز او سئوالی می‌شد مختصر پاسخی می‌داد. از مذاکرات چند ساعته‌ی او و رضاشاه که در همان منزل خیابان سپه اتفاق افتاد، هیچکس اطلاع ندارد. ذکاءالملک سه تن از فرزندان خود را به اروپا فرستاد. جواد فرزند ارشد او علم سیاست آموخت و داخل وزارت امور خارجه شد و همسر سوئیسی اختیار کرد. در 1335 در حالی که وزیرمختار در سوئیس بود درگذشت. محسن فرزند دومش ابتدا ریاضیات و سپس فن معماری آموخت و الحق در این رشته همتا نداشت. مقامات سیاسی و اداری را تا وزارت طی کرد. مسعود فرزند سوم او علوم سیاسی تحصیل نمود و مشاغلی در طول حیات قبول کرد. محمود اساسا

خارج نرفت و تحصیل او در دانشکده‌ی حقوق تهران انجام گرفت و در حقیقت تنها فرزندی که توانست از محضر پدر خود برخوردار شود او بود. به همین دلیل در بین فرزندان ذکاءالملک، محمود تا حدی از علوم فلسفی و ادبی بهره‌مند شده است. دو دختر او هر دو عروس مصباح‌السلطنه اسدی شدند.
دانشگاه تهران چند بار برای بزرگداشت فروغی جشنهائی ترتیب داد. درباره‌ی مقام علمی و سیاسی او سخن بسیار رفت. حبیب یغمائی مدیر مجله‌ی یغما، مجموعه‌ای از مقالات او را تحت عنوان «مقالات فروغی» انتشار داده است. فروغی در جوانی وارد لژ فراماسونی شد و به استاد اعظمی رسید. در سال 1321 درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 19، ش 9 -7، ص 683 -677)، تذکره القبور (448 -447)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (108 -96 / 5)، سرآمدان فرهنگ (364 -363 / 1)، شخصیت‌های نامی (376 -375)، شرح حال رجال (451 -450 / 3)، گلزار معانی (536 -533)، لغت‌نامه (ذیل/ فروغی)، مؤلفین کتب چاپی (338 -334 / 4).

فروغی، نعمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نعمت الله فروغی
محل تولد : مبارکه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب تحصیلات کلاسیک را در شهرستان مبارکه یکی از شهرستانهای استان اصفهان آغاز نمودم و مقارن با انقلاب اسلامی در آن شهرستان موفق به دریافت گواهی نامه دیپلم شدم با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه اصفهان شدم یکی دو سالی در آنجا مقدمات را گذراندم و بعد از آن به شهر مقدس قم هجرت نمودم و در این شهر ادبیات عرب، منطق، فلسفه، فقه و اصول و به تعبیرات حوزوی سطح را در طی چند سال گذراندم و البته همزمان در دانشگاه اصفهان هم تحصیل نمودم و موفق به لیسانس در رشته ادبیات فارسی شدم. حدود 10 سالی است که در دروس خارج آیات عظام شرکت دارم و سال 81 موفق به نوشتن پایان نامه سطح سه در موضوع و نقش تربیتی مساجد در جوامع اسلامی شدم و همچنین یک دوره علمیه قرآن را گذراندم ده سالی است علاوه بر تحصیل، مقالات و آگاهی هم نوشته ام و در بخش آثار آنها را ذکر کرده ام همچنین در مدارس حوزه قم درس آیین نگارش هم تدریس می نمایم.

فره وشی، بهرام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مترجم.
تولد: 1306، ارومیه.
درگذشت: 1 خرداد 1371، آمریکا (سانفرانسیسکو).
بهرام فره‌وشی فرزند علی‌محمد فره‌وشی (مترجم همایون) که رییس اداره فرهنگ ارومیه بود، در سال 1332 از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستان‌های تهران ابتدا در رشته‌ی زبان‌های خارجی و سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سال‌ها هفته‌ای چند روز در محضر سید محمد فرزان حاضر می‌شد و به همراه امیرحسن یزدگردی، محمداسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت. چندی بعد به پاریس رفت و به اخذ درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان‌ها و فرهنگ باستان ایران از مدرسه‌ی تتبعات عالیه‌ی دانشگاه پاریس نایل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پروفسور دو مناش و پرفسور بنونیست بهره‌مند بود. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و تحقیق در رشته‌ی تخصصی و تألیف کتاب‌های خود پرداخت. در وهله‌ی اول اوقات خود را صرف نشر آثار ابراهیم پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوان‌تری بود، کرد و بخش دوم گاتها (شامل یادداشت‌های ابراهیم پورداود) را در سال 1336، سینا را در 1340، ویسپر را در 1343 منتشر ساخت. آنگاه فرهنگ پهلوی به فارسی که حاصل بیست سال بررسی متون پهلوی بود در 1346، و فرهنگ به پهلوی را در سال 1352 به چاپ رسانید. آخرین اثر او ایرانوچ شامل 29 مقاله درباره‌ی ایران باستان در اسفند 1356 منتشر گردید. از آثار دیگر اوست: ترانه‌های شرقی (فرانتس توسن، 1336)، روبنسن کروزئه (دانیل دفو، 1334). وی همچنین مدتی برنامه‌ی «فرهنگ ایران زمین» را در سازمان رادیو و تلویزون اداره می‌کرد. از کارهای دیگر او اهتمامی است که در چاپ کتاب ایران، کلده و شوش اثر مادام دیولافوا به ترجمه‌ی پدرش انجام داد که در سال 1365 منتشر شد. از وی مقالاتی در مجلات مختلف از جلمه «بررسی‌های تاریخی» و «یمغا» به چاپ رسیده است. دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان

بود. در اوایل آذر 1370 برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکته شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز پزشکان شیمی درمانی را آغار کردند. با ابتلاء به ذات‌الریه سرانجام روز اول خرداد 1371 زندگی را بدرود گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فره وشی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1347 -1254 ش)، نویسنده و مترجم. مشهور به مترجم همایون. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در زادگاهش، برای تحصیل عربی و مبانی طب به تهران آمد. وی سفری به استانبول کرد و پس از بازگشت در مدرسه‌ی دارالفنون به فراگیری زبان فرانسه و ریاضیات پرداخت و بعد وارد وزارت فرهنگ شد و کار خود را با سرپرستی دبستان دانش و آموزگاری زبان و ریاضی در مدرسه‌ی کمالیه شروع کرد. او مدارس بسیاری را تأسیس نمود. عمده مشاغل وی عبارتند از: ریاست معارف زنجان، بازرسی عالی فرهنگ، ریاست مدرسه‌ی معقول و منقول چهارباغ اصفهان، سرپرستی مدرسه‌ی ارامنه در جلفا و سرپرستی آموزشگاههای زرتشتیان تهران. او سرانجام در تهران درگذشت. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «حساب مقدماتی»؛ «حساب سال اول»؛ «حساب مظفری»؛ «حساب نوین»؛ «حل المسائل جبر»؛ «هندسه»؛ «علم الاشیاء»؛ «جغرافیای رهنما»؛ «دستور دانش»؛ «باستان‌نامه»؛ «ایرانی که من شناخته‌ام»، ترجمه؛ «ربنسن سویس»، ترجمه؛ «سفرنامه از خراسان تا کشور بختیاری»، ترجمه؛ «سفرنامه مادام دیو لافوآ»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (189 / 12، 153 / 8 -7 / 7، 179 / 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (114 -113 / 5)، شرح حال رجال (165 / 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1996، 1992- 1991، 1677 / 2، 1418، 1207، 1171، 1036، 441، 419، 252 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (593 -591 / 4).

فرهاد، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1284 ش)، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از آنجایی که بیشتر ترجمه‌های او به نام فرهاد به چاپ رسیده است. معروف به فرهاد بود. پس از تکمیل تحصیلات متوسطه در مدرسه‌ی دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی ورودی وزارت فواید عامه، به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی ساختمان و راهسازی به بلژیک عزیمت نمود و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه آن کشور را باموفقیت به پایان رساند و به ایران بازگشت. در 1310 ش به خدمت وزارت راه درآمد و سه سال در دانشکده‌ی فنی که تازه تأسیس شده بود تدریس کرد. از 1326 ش که ساخت خطوط راه‌آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره‌ی ساختمان منصوب شد و مدتی معاونت وزارت راه را عهده‌دار بود. از آثار وی: «حیات مردان نامی»، ترجمه؛ «اعترافات»، ترجمه؛ «امیدواری در یک شب»، ترجمه؛ «تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا تاریخ تا دوره‌ی معاصر»، ترجمه؛ «فروید»، ترحمه؛ «کلئوپاترا»، ترجمه؛ «کوروش‌نامه»، ترجمه؛ «ماری استوارت»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی (1412 / 2 ،280 -279 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (202 -200 / 3).

فرهادیان، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا فرهادیان
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/6/1
زندگینامه علمی
به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال 1327 در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ الریئس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال 1352 با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال 1353 به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال 1357 با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال 1358 به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال 1360 به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش

بوده است در سال 1367 طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکارم شیرازی، وحید خراسانی بهره برده است و دوره تخصصی فلسفه اسلامی از منطق منظومه تا فلسفه و عرفان اسلامی را گذرانده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خدمت در آموزش و پرورش در سال 1369 با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحید در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تلاش نموده و حاصل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشی و تربیتی، تالیف بیست جلد کتاب و مقالات مختلف در مجله پیوند و تربیت و سایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضر کماکان مدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشی دخترانه و پسرانه توحید می باشند و با طرح ارزشیابی توصیفی، حرکتی نو در جامعه آموزشی ایران ایجاد نموده و اخیرا با وزارت آموزش و پرورش در جهت تالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر 1385)

فرهنگ شیرازی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1309 -1242 ق)، خطاط، ادیب، نویسنده و شاعر، متخلص به فرهنگ. وی چهارمین فرزند وصال شیرازی است. در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی به تحصیل علوم ادبی و فنون ریاضی پرداخت. علم جفر و رمل را نیز فراگرفت و زبان فرانسه را به تشویق حکیم قاآنی آموخت. فرهنگ شاعری توانا و در آداب سخنوری استاد بود. وی هفت اقلیم را خوش می‌نوشت و در خط ثلث مهارت خاصی داشت. او در شیراز درگذشت و در حرم سید میرمحمد، برادر شاهچراغ، به خاک سپرده شد.از آثار خطی وی: یک نسخه «حدائق السحر» رشید وطواط، به خط نسخ و شکسته کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل... ابوالقاسم بن... وصال الشاعر...سنه 1278 ثمان و سبعین و مأتین بعد الالف». دیگر آثار وی: شرح «حدائق السحر» رشید وطواط، به طرز چهار مقاله‌ی نظامی عروضی، متجاوز از پانزده هزار بیت: کتاب لغتی به نام «فرهنگ فرهنگ»، شال لغات مصطلحه فارسی، عربی و ترکی؛ رساله‌ی «طب البله» یا «سکنجبینیه»، در مطایبات؛ شرح و ترجمه‌ی کتاب «بارع»، در علم نجوم بالغ بر ده هزار بیت؛ «دیوان» شعر، نزدیک به دوازده هزار بیت، به فارسی و عربی.[1]
(بخش 1) ابوالقاسم بن (میرزا) محمدشفیع وصال، شاعر و نویسنده‌ی دوره‌ی قاجاریه (و. 1242 ه.ق- ف. 1309 ه.ق). وی برادر وقار، داوری و یزدانی بود. فرهنگ در کودکی نزد پدر به تحصیل علم و خط پرداخت و پس از پدر نزد وقار برادر بزرگ خویش به تکمیل علوم و ادبیات مشغول گردید و گذشته از شعر و فنون ادبی در تحصیل رمل و جفر و اسطرلاب رنج بسیار کشید و در این فنون استاد شد در سال 1274 با وقار سفری به تهران کرد و دو سال بعد با وی به همراهی حسام‌السلطنه به شیراز بازگشت. سفر دیگری پس از مرگ وقار به شیراز نمود (حدود 1300). وی ناصرالدین شاه و حاج معتمدالدوله فرهاد میرزا، حسام‌السلطنه سلطان‌مراد میرزا، حاج معدل شیرازی را مدح نمود و مانند وقار و دیگر برادران نزد ممدوحان خویش اعزاز و احترام بسزا داشته است. فرهنگ در اشعار خویش مانند داوری و وقار یکی از پیروان سبک خراسانیست. مضامین بکر در اشعار او بسیار است و نوعی تجدد از آنها استنباط می‌شود. برخی از قصاید وی مشحون از لغات فرانسه می‌باشد. و شماره‌ی اشعار او را بالغ بر 20000 می‌دانند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (356 -354)، احوال و آثار خوشنویسان (1020 / 4 ،34 -32 / 1)، اطلس خط (566)، تاریخ ادبیات ایران، براون (210 -208 / 4)، تاریخ هنرهای ملی (988 / 2)، حدیقه الشعراء (1370 -1360 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (135 -131 / 4)، الذریعه (213 / 16 ،185 / 13 ،207 / 12 ،829 / 9)، ریحانه (334 -332 / 4)،شرح حال رجال (10 -9 / 6)، طرائق الحقائق (381 -379 / 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1014 -1011/ 2)، فرهنگ سخنوران (704)، گلستان هنر (بیست)، المآثر و الآثار (206)، مجمع الفصحا (817 -807 / 5)، مرآت الفصاحه (473 -471)، مکارم الآثار (1174 -1173 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (273 -272 / 1).

فرهنگیان آستیم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ویراستار، مترجم.
تولد: 1321، کرمانشاه.
درگذشت: 1356.
محمد فرهنگیان فعالیت‌های فرهنگی خود را با همکاری با مجله‌ی «خواندنیها» که در آن با نام مستعار «م.- مار» مقاله‌های انتقادی می‌نوشت. آغاز کرد. از سال 1345 به عنوان ویراستار با مؤسسه‌ی فرانکلین شروع به کار کرد و همزمان برای نشریاتی چون «آیندگان»، «فردوسی» و ماهنامه‌ی «فرهنگ و زندگی» مقاله می‌نوشت. سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و به عنوان ویراستار به کار پرداخت. از آنجا به مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها رفت و با سمت سازمانی ویراستار ارشد تا سال 1361 در آن مرکز فعالیت کرد.
محمد فرهنگیان در زمینه‌ی ویرایش، ترجمه، نقد ادبی و هنری فعالیت داشت و از جمله کارهای او می‌توان از عنوان‌های زیر یاد کرد: کتابی در نقد آسیا (در مقابل غرب نوشته داریوش شایگان که منتشر نشد)؛ گزارشی درباره‌ی ابیانه و پژوهش و تحقیقی درباره‌ی سرگذشت و آثار تاریخی شهر امام از منطقه‌ی دیلمستان در بلوک رامکوه و تحقیق و پژوهشی درباره‌ی لافت در جزیره قشم. وی این سه رساله را برای مرکز مطالعه‌ی فرهنگ‌ها نوشت. همچنین گفتار تلویزیونی درباره‌ی پیرچک‌چکو ساخته‌ی منوچهر عسگری را هم او تهیه نمود.
در زمینه‌ی ترجمه می‌توان از کارهایی چون نمایشنامه‌ی آسانسور مطبخ از هارولد پینتر که چندین بار چاپ شده و کتاب ویلیام تل برای کودکان و نوجوانان و همچنین از ترجمه‌های چاپ نشده‌ی وی از چیستی علم از چمرز و آنک آن مرد از نیچه را نام برد.
فرهنگیان ویرایش کتاب‌های زیادی را عهده‌دار بوده است، از آن جمله است: فلسفه‌ی هگل (ترجمه حمید عنایت)؛ فلسفه ریاضی؛ حقیقت و ضرورت در ریاضیات؛ انواریه سهروردی؛ کوه‌های سفید و... که همگی به طبع رسیده‌اند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فرهودی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1285 ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در 1314 ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در 1322 ش به نمایندگی ملجس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان».[1]
در 1285 تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در 1322 از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در 1326 هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجددا از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری‌اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از 28 مرداد از شغل خود به طور موهن و زننده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب

ایران‌نوین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق‌آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.
فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از 28 مرداد 1332، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد.
از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام‌برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (1468 -1467 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (839 -838 / 2).

فرهی، عزت‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. وی در رشته‌ی زبان در دانشسرای عالی تحصیل کرده و کتابهایی به زبان فارسی ترجمه کرده است. از آثارش: «آبهای بهاری»، ترجمه؛ «اسرار موفقیت»، ترجمه؛ «اشعه‌ی آفتاب و فواید آن»، ترجمه؛ «عشق نخستین»، ترجمه؛ «قوه‌ی عصبی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (209 ،5 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (51 -50 / 4).

فریار، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1289 ش)، مترجم و نویسنده. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی آموزش و پرورش پرداخت و از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد به کار مشغول گشت. وی سپس به دانشگاه تهران منتقل شد و به استادی رسید و مدتی نیز ریاست دانشگاه مشهد را عهده‌دار بود. از آثار وی: «تاریخ صنایع ایران، باستانشناسی،ترجمه؛ «جرج واشنگتن کارو»، ترجمه؛ «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه؛ «طوفان»،ترجمه؛ «فسلفه‌ی تاریخ»، ترجمه؛ «روش آموزش و پرورش در چند کشور: انگلستان، سویس و مصر»؛ «کتاب انگلیسی»، برای دوره‌ی دبیرستان، به مشارکت علی پاشا صالح.[1]
مترجم.
تولد: 1298.
درگذشت: مرداد 1363.
عبدالله فریار، میرزا آقاخان عصر انقلاب (وکیل مجلس از اردبیل در دوره‌های پنجم و ششم از خلخال)، بود که روزنامه‌ای به همین نام یعنی «عصر انقلاب»، منتشر می‌کرد. تحصیلات وی در ایران و آمریکا صورت گرفته است. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشته‌ی فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد کار می‌کرد. در موقعی که سازمان مزبور خواست اداره‌ی اطلاعات را تأسیس کند، او را به ریاست آن انتخاب کرد.
از آثار اوست: تاریخ صنایع ایران (کریستی ویلسن، 1317)؛ دکتر جرج واشنگتن کارو (شرلی گراهام و جرج لیپکم، 1332)؛ راهنمای صنایع ایران (م. س. دیماند، 1336)؛ روش آموزش و پروش در چند کشور؛ انگلستان و سوییس و مصر (ترجمه، 1320)؛ طرز اداره آموزشگاه (1317)؛ طوفان (جرج ر. استوارت)؛ فلسفه تاریخ (امری نف، 1340)؛ کتاب انگلیسی (با مشارکت علی پاشا صالح برای سال ششم دبیرستان‌ها، 1323)؛ تخت جمشید (رایش اشمیت، ترجمه با همکاری دیگران، 1342)؛ مردم‌شناسی ایران (هنری فیلد، 1343)؛ معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان

(دونالد ویلبر، 1346).
فرزند میرزا آقاخان عصر انقلاب، در 1288 متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و برای ادامه تحصیلات به انگلستان رفت. ابتدا لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی و اقتصاد از دانشگاه لندن گرفت، سپس عازم آمریکا گردید و از دانشگاه کلمبیا فوق‌لیسانس در علوم‌تربیتی دریافت کرد. آنگاه تحصیلات خود را در همان دانشگاه ادامه داد و درجه‌ی دکترای علوم تربیتی گرفت و به ایران بازگشت. چندی در دانشسرای عالی به استادی اشتغال داشت، مدتی هم بازرس فنی وزارت فرهنگ بود. در سال 1334 در حکومت علاء مدیرکل اداره تبلیغات و معاون نخست‌وزیر شد. پس از سقوط کابینه‌ی علاء به دعوت سازمان ملل به آمریکا رفت و ریاست اداره‌ی آموزش را در سازمان ملل عهده‌دار شد. از مشاغل دیگر وی نمایندگی سازمان ملل با سمت دبیرکلی در پاکستان بود. در آفریقای شرقی و نیجریه نیز دارای همان سمت بود. پس از این ماموریت به ایران بازگشت و به معاونت وزارت علوم و آموزش عالی منصوب گردید. مدتی هم ریاست دانشگاه فردوسی را عهده‌دار بود. آخرین سمت وی در ایران قائم مقامی دبیرکل کمیته‌ی ملی پیکار جهانی با بیسوادی بود. آثار زیادی از اعلم از تالیف و ترجمه از او باقی مانده است که بخشی از آنها عبارتند از: تاریخ صنایع ایران، تخت جمشید، راهنمای صنایع اسلامی، مردم‌شناسی ایران و روش آموزش در چند کشور. دکتر عبدالله فریار در سال 1356 درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (1652 / 2 ،719 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (980 -979 / 3).

فرید پاک، فرهاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی نایب رییس اداره‌ی بهره‌برداری شیلات در بندر انزلی بود. از آثار وی: «آب و هوای کرانه‌های شمالی ایران»؛ «ماری استوارت»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2853 / 2 ،5 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (818 / 4).

فرید گلپایگانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1280.
درگذشت: 1366.
از آثار اوست: اثبات صانع و مراتب توحید (تهران، 1363)؛ تفسیر سور، اسرا، مؤمنون و ملک (1366)؛ تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت (تهران، 1364)؛ تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون (تهران، 1364)؛ رساله فی صلاة الجمعه و ساله فی التقیه (1364)؛ متمم قانون اساسی اسلام (تهران، 1364)؛ مناسک عمره مفرده (تهران، 1364).
حاج شیخ حسن بن العالم الجلیل و التقی الزکی حاج ملا محمد مهدی گلپایگانی از علماء معاصر تهرانست که در جنوب غربی تهران در مسجد علوی واقع در خیابان رباط کریم به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.
وی در ماه صفر 1319 ق متولد شده و دوره مقدمات را در گلپایگان خوانده و در سال 1336 ق به شهرستان اراک رفته و دوره سطح را در حوزه علمیه آن شهرستان به پایان رسانیده و در سال 1340 ق که آن حوزه ببلده طیبه قم انتقال یافت جزو مهاجرین آن حوزه به قم مهاجرت نموده و معقول را در نزد مرحوم میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خوانده و تا پایان سال 1345 ق از محضر مبارک و درس فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی طاب ثراه بهره‌مند شده آنگاه برای اطلاع بر مبانی اساتید بزرگ نجف اشرف به آن مرکز علمی مهاجرت نموده و سه سال از محضر آیات عظام و مراجع بزرگ چون آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه استاد محقق آقا ضیاءالدین عراقی و فقیه اهل البیت آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی قدس اللّه اسرارهم استفاده کرده سپس به حوزه علمیه بازگشت نموده تا سال 1365 ق که برای نشر معارف و احکام اسلام باین مرکز تبلیغی تهران انتقال یافته و تا این تاریخ بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
دارای آثار و تألیفات ارزنده و آموزنده‌ای می‌باشد که از نظر اهل ادب و دانش می‌گذرانم:
1- ترجمه مفتاح الابواب یا تاریخ باب و بهاء که در سال 1334 بطبع رسیده و تاکنون مکرر چاپ شده است.

2- راه بزرگواری که در سال 1336 بچاپ رسیده و برای دومین بار هم بنام روش بزرگواری منتشر شده است.
3- قانون اساسی اسلام که چاپ اول آن در تاریخ 1349/5/27 منتشر شد و در تاریخ 1350/5/10 تجدید طبع شده و مورد توجه دانشمندان و محصلین واقع شده است.
4- ارمغان فرید که در سال 1350 ق منتشر گردیده است.
5- دشمنی خویشاوندان یا عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید علیه‌السلام.
6- رساله استدلالی در خمس که هنوز بطبع نرسیده است.
7- ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید.
(تو 1319 ق)، عالم دینی و فقیه. دوره‌ی مقدمات را در گلپایگان خواند و در 1336 ق به شهرستان اراک رفت و دوره سطح را در حوزه‌ی علمیه آنجا به پایان رسانید. در 1340 ق به قم رفت و معقول را نزد میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی خواند و تا پایان 1345 ق از محضر درس فقه و اصول آیت‌الله حایری یزدی بهره‌مند شد. آن‌گاه به نجف رفت و سه سال از محضر آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. سپس به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت. وی در 1365 ق برای نشر معارف و احکام اسلامی به تهران آمد. از آثارش: ترجمه «مفتاح الابواب» یا «تاریخ باب و بهاء»؛ «راه بزرگواری» یا «روش بزرگواری»؛ «قانون اساسی اسلام»؛ «ارمغان فرید»؛ «دشمنی خویشاوندان» یا «عداوت خاندان یزید با خاندان حسین شهید (ع)»؛ رساله‌ی استدلالی در «خمس»؛ «ملاحظات الفرید علی فوائد الوحید».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (426 / 6 ،522 -521 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (654 -653 / 2).

فزاری مروزی، ابوالموجه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 290 / 282 ق)، لغوی، حافظ و محدث. وی محدث مرو بود. از عبدان بن عثمان و علی بن جعد و سعدویه واسطی و سعید بن منصور و صدقه بن فضل و سعید بن هبیره و دیگران حدیث شنید. حسن بن محمد بن حلیم و عبدالرحمان بن ابی‌حاتم و علی بن محمد حبیبی مروزی و ابوبکر بن ابی‌نصر مروزی و عده‌ای دیگر از وی حدیث شنیده‌اند. گفته‌اند که او محدثی بزرگ و ادیبی کثیرالحدیث بود. ابوالموجه در مرو درگذشت. وی «السنن» و «الاحکام»، را تصنیف کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الجرح و التعدیل (ج 4 ق 35 / 1)، سیر النبلاء (348 -347 / 13)، طبقات الحفاظ (274)، الوافی بالوفیات (290 / 4).

فسایی، حسن حسینی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1237 ق)، مقحق، مفسر، ادیب، صوفی، شاعر و طبیب. از سادات دشتکی شیراز بود. در فسا به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خویش را از دست داد و تحت سرپرستی مادربزرگ و برادر به کسب علم و ادب پرداخت. در خدمت میرزا ابوالحسن مجتهد فسایی ابتدا علوم را و بعدها «شرح هدایه»، «شرح تجرید» و «معالم الاصول» و «مطول» را فرا گرفت. سپس نزد میرزا محمد علی واحدالعین «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی را، در فقه، خواند. بعد از آن سفری به اصفهان داشت. پس از بازگشت به شیراز مدتی نزد شیخ مهدی کجوری مازندرانی شاگردی کرد و کتب ریاضی را فراگرفت. میرزا حسن علم طب را نیز در خدمت میرزا سید علی نیاز و حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی آموخت. وی در 1279 ق سفری به تهران و یزد کرد و پس از بازگشت به شیراز به معالجه‌ی بیماران پرداخت و شهرتی کسب کرد. چنان که پزشک مخصوص سلطان اویس میرزا احتشام‌الدوله پسر فرهاد میرزا معتمدالدوله شد. از آثار وی: «فارسنامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»، دراندرز و نصایح، به نظم؛ «نقشه مملکت فارس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (257 -251 / 2)، سبک‌شناسی (365 / 3)، سرآمدان فرهنک و تاریخ (289 / 1)، شرح حال رجال (342 / 1)، فارسنامه ناصری (42 -13 / 1)، فرهنگ سخنوران (258)، المآثر و الآثار (204)، مؤلفین کتب چاپی (541 -540 / 2)، یادگار (س 3، ش 4، ص 71 -68).

فسایی، کمال الدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن معین الدین محمد فسائی شیرازی معروف به میرزا کمالا.
در روضات الجنات(:519) و فارسنامه ناصری و ریحانة الادب(63:6) و دیگری کتب نام او به احترام و تجلیل یاد شده است.
مشارالیه داماد مجلسی اوّل (ملاّ محمّد تقی) است، و خود عالمی فقیه، و مفّسر ادیب، و فاضل کامل بوده.
و کتب زیر از تألیفات اوست:
1- بیاض کمالی. در الذریعه (صفحه 170 جلد سوم) گوید: مجموعه نفیسی است که آن را به عنوان وصیّت به یکی از اولاد و یا شاگردان و یا یکی از دوستان خود نوشته است. در زمان حیات علاّمه ملاّ محمّد باقر مجلسی تألیف شده. کتاب زیاده بر هزار سطر است، و در ریحانة الادب گوید بیشتر آن تاریخی و رجالی است.
2- شرح شواهد مطّول 3- شرح قصیده تائّیه دعبل خزاعی 4- القیود الوافیه در شرح شافیه در علم صرف. تاریخ اتمام تالیف رمضان 1108.
قبرش را در بقعه مجلسی در جنب مسجد جامع اصفهان می‌نویسند.
در ریحانة الادب گوید: سال وفات میرزا کمالا به دست نیامد.
در جلد چهارم دانشمندان و سخن سرایان فارس(:246) گوید: کمالا فدشکویی متوفّی در حدود 1110، و سپس شرح حال مختصری نقل می‌کند.
در کتاب فهرست کتب خطّی کتابخانه‌های اصفهان نسخه‌ای از شرح شافیه ابن حاجب تألیف میرزا کمالا معرّفی می‌شود و در آنجا گوید: تاریخ تألیف 1108 و تاریخ کتاب جمعه 18 ربیع المولود سال 1128، و در کنار نسخه حواشی از مؤلف نقل شده، بدین صورت «منه» یا «منه مدّظله العالی» و یا «منه زیدت برکاته» و امثالها که همگی حکایت از حیات مؤلف در سال مرقوم دارد.
در مصفیّ المقال(:377) شیخ محمّد بن محمّد زمان کاشی و میرزا ابراهیم قاضی را از شاگردان او معرفی می‌کند.
در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد سنگ قبری است از دانشمندی به نام آخوند کمالا که این دو سطر شعر بر آن منقور است:
آخوند کمالا که به فضل و به کمال
مشهور بد و نداشت مانند و مثال

با عالم قدس رفت و تاریخ آمد
بادا فردوس جای آخوند کمال
جمادی الاولی سال 1110.
اکنون گوییم: صاحب قبر، دانشمندی است غیر از آن دو نفر، که او نیز در اصفهان ساکن بوده و فعلاً بیشتر از این از حالاتش معلوم نیست. (کمال مخفف کمال الدین، و الف آخر آن جهت تعظیم و تکریم است)
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فسوی شیرازی، کمال الدین حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حزین در تاریخ خود و تذکره خویش نامی از او برده و گوید: من در خدمت او تحصیل نمودم و او در هنگام محاصره اصفهان به سال 1134 در سن کهولت وفات یافت، و کتب زیرا را از تألیفاتش نام می‌برد
1- حاشیه بر معالم اصول 2- رساله در حل شبهات کاتبی قزوینی 3- شواهد مطوّل؛ و غیره.
و از اشعار او نیز چند بیتی نقل می‌کند که از آنهاست:
بکش بسوز که عاشق شدن جزاش این است
کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است
حزین گوید: از افاضل شاگردان علامی مسیح الانام فسائی بود کاشف معضلات اوایل و حلال غوامض مسائل بود در علوم منقوله تتبع کامل و در معقولات قسطی وافر حاصل نمود (محل دفن او معلوم نیست)
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

فشارکی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1343، کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1347 و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
استادیار رسمی دانشگاه اصفهان از سال 1349، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال 1368 تاکنون، تدریس در دانشگاه دورهام انگلستان به مدت یکسال.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فارسی و بلاغت، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
زبان و ادبیات فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 22، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
عروض، بلاغت اسلامی، تصحیح متون ادبیات فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فشارکی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آخوند ملا محمدباقر فشارکی بن ملا محمدجعفر از علماء بزرگ و فقهاء و مجتهدین معروف و از مدرسین عالیمقام بوده است.
وی در اصفهان متولد شده و نزد حاج شیخ محمدباقر صاحب حاشیه معالم و در نجف خدمت علماء بزرگ تحصیل نموده و پس از مراجعت در مسجد محله نو و مسجد قطبیه اقامه جماعت و تدریس نموده و عده‌ای کثیر از فضلاء بدرس او حاضر شده و از دراساتش استفاده نموده‌اند.
مرحوم فشارکی اول دانشمندی است که در اصفهان احیای شب جمعه را در تخت فولاد رسم نمود. که با جمع زیادی از فضلاء و اصناف در مسجد مصلای آنجا رفته و شب را بقرائت قرآن و نماز و دعاء کمیل و توبه و انابه می‌گذارنید که پس از وی مرحوم شیخ مرتضی ریزی و پس از ایشان دیگران این سنت سنیه را تا هم‌اکنون اجراء می‌نمایند.
و آنمرحوم پس از نماز در مسجد خود منبر رفته و مردم را با بیانات کافیه و مواعظ شافیه ارشاد می‌فرمودند.
تألیفات عدیده‌ای از خود بیادگار گذارده که ذیلاً می‌نگارم:
1- آداب الشریعه 2- آداب نماز شب 3- اعمال سه ماه (رجب- شعبان- رمضان) 4- اسباب الفقر والغناء والمغفرة 5- اصول دین 6- اربعین 7- تنزیه المؤمنین 8- حواشی بر شرح لمعه 9- حواشی بر فرائد 10- حواشی بر قوانین 11- حواشی بر متاجر 12- ذخیرة العباد 13- رساله‌ای در تداخل اسباب 14- رساله در خیار غبن 15- رساله در حیض 16- رساله در رضاع 17- رساله‌ای در شرط 18- رساله در شهرت 19- رساله در صحت عبادت جاهل 20- رساله در طهارت 21- رساله در عدم جواز حق الرجوع 22- رساله در عدم لزوم تقلید اعلم 23- رساله در غناء 24- رساله در قرعه 25- رساله در منجزات مریض 26- رساله در معرفت اسامی چهارده معصوم 27- رساله در اموری که سبب طول عمرو حفظ از امراض می‌شود 28- رساله عملیه 29- عشریة 30- عنوان الکلام که مطبوع می‌باشد.
آنمرحوم در شب یکشنبه 26 رجب سال 1314 ق وفات و در بقعه تکیه محقق خونساری آقا حسین در تخت فولاد مدفون گردید در مآثر و آثارش 184 ذکر او گردیده است.
فرزندش مرحوم حجةالاسلام میرزا محمدمهدی مشهور به آقا میرزا عالم

فاضل و زاهد و خلیق و مهربان و بسیار ساده و با صفا بوده و در دوم جمادی‌الاول سال 1340 ق وفات و در جنب والد مغفورش به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فصیح، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل فصیح در تاریخ دوم اسفند ماه سال 1313 در تهران به دنیا آمد. در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ وی از پاییز سال 1326 دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال 1332 موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. در آغاز تابستان سال 1335 از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و لیسانس شیمی را دریافت کرد. وی پس از یک سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا ، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان 1342 به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد. اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید. پس از بازگشت به ایران کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (A.I.T AbadanInstitute f Technology( )آغاز کرد. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زندگی اسماعیل فصیح با جنگ ها و انقلاب های متعدد کشور عجین بوده که در زندگی و کارهای او نیز بی شک آثار عمده نهاده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح از مهرماه 1320 ، در سن شش سالگی به مدرسه ابتدایی عنصری رفت ؛ از پاییز سال 1326 دوران تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان رهنما آغاز کرد و در سال 1332 با اخذ دیپلم طبیعی ، تحصیلات این مقطع وی به پایان رسید. در آغاز تابستان سال 1335 از راه استانبول و پاریس به آمریکا رفته و در شهر بوزمن به تحصیل ادامه داد و موفق به دریافت لیسانس شیمی گردید. وی پس از یک

سال زندگی در سانفرانسیسکو به ایالت مانتانا بازگشت و طی یک سال از (University of Montana) در شهر میسولا ، به اخذ لیسانس ادبیات انگلیسی نائل شد . اسماعیل فصیح در یک سفر ماموریتی پژوهشی شرکت ملی نفت ایران به آمریکا ،توانست در دانشگاه میشیگان فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی را اخذ نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : شروع تحصیل اسماعیل فصیح با جنگ جهانی دوم به ایران (1320) مصادف بود . او همچنین در اوج انقلاب ملی دکتر مصدق و آشوب های سال 1331 و حکومت چند روزة احمد قوام السلطنه دوره متوسطه تحصیلی را به پایان رساند.هم دوره ای ها و همکاران : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا با عده ای از بزرگان اهل قلم آن سال ها از جمله : صادق چوبک ، نجف دریابندری ، مهشید امیر شاهی و دکتر غلامحسین ساعدی آشنا شد.همسر و فرزندان : اسماعیل فصیح در سانفرانسیسکو با دختری اروپایی ازدواج کرد، اما متاسفانه این ازدواج پس از گذشت یک سال با مرگ همسرناکام ماند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اسماعیل فصیح پس از بازگشت از آمریکا ، به کار ترجمه برای « موسسه انتشارات فرانکلین » پرداخت. بعد از آن با معرفی نامه ای از طرف صادق چوبک که خود سال ها در شرکت ملی نفت ایران در تهران مشغول بود ، در تابستان 1342 به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدو به اهواز یکی از مراکز مهم نفت خیز کنسرسیوم (شرکت بین المللی ساخته و پرداخته محمدرضاشاه پس از مصدق) بود، رفت و در هنرستان صنعتی شرکت نفت مشغول به کار شد.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل فصیح با اخذ درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان ، به ایران بازگشت و به کار تدریس در دانشکده نفت آبادان (AbadanInstitute f A.I.T(Technology)پرداخت. با شروع جنگ ایران و عراق و بسته شدن این دانشکده ، وی در سن چهل و هفت سالگی با سمت استادیار زبان انگلیسی تخصصی مجبور به بازنشستگی شد.آرا و گرایشهای خاص : از اسماعیل فصیح ترجمه های متعددی انتشار یافته که روشنگر دو زمینه از اشتغال ذهنی او به ادبیات جهانی و همچنین به علم جدید تحلیل رفتار متقابل روانشناختی و حالت های شخصیتی فرد منعکس می سازد ، علمی که امروزه تحت نام(Transactional Analysis) یا (TA)در رشته های بسیار گوناگون روانشناسی ، روان درمانی ، آموزش ، مدیریت و بازسازی شخصیت در جهان کاربردهای متعدد و موثر دارد.آثار : 1 باده کهن 2 بازی ها ویژگی اثر : نوشته دکتر اریک برن3 ترجمه استادان داستان ویژگی اثر : این کتاب شامل سی داستان کوتاه از نویسندگان شهیر جهان ترجمه و انتخاب و بصورت ناشر مترجم انتشار یافت.4 ترجمه هملت ویژگی اثر : اثر ویلیام شکسپیر5 ترجمه وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته تامس آ.

هریس6 تولد/عشق/ عقد/مرگ ، ثریا در اغما 8 خاک آشنا ، خودشناسی به روش یونگ ویژگی اثر : نوشته دکتر مایکل دانیلز10 داستان جاوید ویژگی اثر : این کتاب در مایه کیانی آیین زرتشتی پس از شش سال پژوهش و ویراستاری موبد رستم شهزادی (چاپ اول 1353) توسط انتشارات امیر کبیر بیرون آمد.11 درد سیاوش ، دل کور ، دیدار در هند ، رستم نامه ویژگی اثر : این کتاب نوشته پرفسور ام. ویلمونت باکستون می باشد. که شامل داستان های جاودانی شاهنامه فردوسی به صورت داستان های کوتاه و پیوسته بی نظیری می باشد که اکنون جزو کتب کلاسیک جهان در غرب است .15 زمستان 62 ، شراب خام ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات فرانکلین و زیر نظر نجف دریابندری و ویراستاری بهمن فرسی انتشار یافت.17 شکسپیر ویژگی اثر : این کتاب شامل زندگی نامه ، مقدمه ای بر کل آثار شکسپیر و همچنین چکیده کلیه سی و هفت نمایشنامه های کمدی ، تاریخی و تراژدی او می باشد.18 شهباز و جغدان ، فرار فروهر ، لاله برافروخت ویژگی اثر : پیش نویس این رمان به زبان انگلیسی تحت عنوان Child Martyrs «بچه های شهید) در مرکز کتب ایرانی دانشگاه آکسفورد زیر نظر دکتر جان گرنی موجود است.21 ماندن در وضعیت آخر ویژگی اثر : نوشته خانم دکتر ام بی. هریس و دکتر تامس آ. هریس22 نمادهای دشت مشوش

فصیحی، ابوالحسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن زید استرآبادی مشهور به فصیحی فاضلی ادیب و نحوی شاگرد شیخ عبدالقار جرجانی و استاد ملک‌النجاة بود (این چنین استاد و شاگردی که دید) بعد از خطیب تبریزی در مدرسه نظامیه بغداد مدرس بود و چون او را به تشیع متهم نمودند و حقیقت مال از او پرسیدند گفت انکار مذهب خود نمی‌توانم و از فرق تا به قدم خود را شیعه می‌دانم بنابراین او را از تدریس آنجا معزول ساختند و ابومنصور جوالیقی را بجای او تعیین نمودند و بعد از آن شیوه عزلت ورزید و از آمیزش مردم دوری گزید تا در 13 ذی‌الحجه 516 در بغداد وفات نمود.
(وف 516 ق)، عالم امامی، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به ابن ابی‌زید. به دلیل مطالعه‌ی بسیار کتاب «الفصیح» ثعلب نحوی و همچنین تدریس آن ملقب به فصیحی. اصل وی از استرآباد و از شاگردان شیخ عبدالقاهر جرجانی در نحو استاد ملک النحاه، حسن بن صافی، و حیص بیص شاعر بود. وی به بغداد رفت و در آنجا مقیم شد و پس از یحیی بن علی خطیب تبریزی مدتی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد نحو تدریس کرد. چون او را به تشیع متهم ساختند و حقیقت را از وی پرسیدند گفت: انکار نمی‌کنم و از فرق تا به قدم خود را شیعی می‌دانم. بنابراین او را از مقام مدرسی معزول و ابومنصور جوالیقی را جاشنین وی ساختند. پس از آن از مردم کناره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد، حتی شاگردانش را از خود دور می‌کرد که مبادا آنان نیز از مدرسه محروم شوند. اما شاگردانش در خانه به حضورش می‌رسیدند. حافظ ابوطاهر سلفی اصفهانی از شاگردان، راویان و مجالسان اوست. وی اشعاری در رد ابن‌سکره‌ی نحوی ناصبی، در حرمت متعه دارد، که شیخ ابوالفتوح در تفسیرش «روض الجنان»، آن را ذکر کرده است.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] روضات الجنات (240 -239 / 5)، ریحانه (343 / 4)، الکنی و الالقاب (32 -31 / 3)،مجالس المؤمنین (568 -564 / 1)، معجم الادباء (75 -66 / 5)، هدیه الاحباب (213)، وفیات الاعیان (337 / 3).

فصیحی، ارسلان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ارسلان فصیحی (۱۳۴۰) مترجم و ویراستار ایرانی. ترجمهٔ آثار اورهان پاموک (برندهٔ جایزه نوبل) به فارسی از شاخص‌ترین کارهای او محسوب می‌شود.
:زندگی
فصیحی کار ترجمه را از جوانی شروع کرد و اولین کتاب‌اش که از ترکی به فارسی ترجمه شده بود سفرنامه‌ای بود به شوروی که هرگز منتشر نشد. کتاب‌های دیگری نیز در اوایل دهه ۶۰ ترجمه کرد که هیچ‌کدام چاپ نشد. از جمله کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، اواخر قرن نوزدهم-اوایل قرن بیستم.[۱] در سال ۶۱ برای تحصیل زبان و ادبیات به ترکیه رفت و اواخر دههٔ شصت به‌کشور بازگشت و ترجمه را ادامه داد. حدود ۲۰ کتاب از فارسی به ترکی ترجمه کرد که اکثرا جنبهٔ تبلیغی و ترویجی داشتند. داستان‌های کوتاهی هم از یاشار کمال ترجمه کرد. او به ترجمهٔ آثار پاموک قبل از آن که پاموک جایزه نوبل را دریافت کند پرداخت. فصیحی هم‌اکنون سرویراستار انتشارات ققنوس است. تالیف:
۱۳۸۶- خودآموز ترکی استانبولی (مکالمه - دستور).
ترجمه:
۱۳۷۷- سلول ۷۲ - اورهان کمال.
1382 - زندگی نو - اورهان پاموک.
۱۳۸۳- قصه‌های حسن کچل - نورهان آیدینکال.
- 1377قلعه سفید - اورهان پاموک.
- برف - اورهان پاموک.
-1387 "بیرون از صحنه" - احمد حمدی تانپینار
-1387 "نام من قرمز" - اورهان پاموک

فقاهتی، کمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کمال‌الدین فقاهتی فرزند آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالرحیم مجتهد زنجانی.
وی در زنجان متولد شده و در بیت علم و فقاهت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در نزد والد ماجد و علماء دیگر زنجان خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مدرس زنجانی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و دیگران استفاده نموده.
و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام و غیره تا حال تحریر اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته و کثر اللّه امثاله.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فقیری، محمدصاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نسخه‌شناس.
تولد: 1319، شیراز.
درگذشت: 4 فروردین 1370، شیراز.
محمدصادق فقیری از دبیران دبیرستان های شیراز بود. از کارهای پژوهشی او همکاری در تألیف فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی ملی پاریس در دو جلد (1351) و همچنین دو جلد فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ» با علی‌نقی بهروزی بود. کتاب‌شناسی فریدون توللی در مجله‌ی «آینده» نیز محصول فعالیت تحقیقی او بود. غلطگیری متن حروف چینی شده و تهیه فهرست‌های کتاب انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز در حدود ششصد صفحه به دست او انجام گرفته است.
فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی در چاپخانه‌های قدیمی شیراز در دست تألیف داشت که به بیماری مزمنی دچار شد و در بامداد چهارشنبه چهارم فروردین 1370 درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فقیه امامی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید احمد فقیه امامی (معروف به امامی) فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید عطاءاللّه فقیه امامی العریضی در سال 1312 شمسی در اصفهان متولد شده و نسب شریفش به جناب علی بن جعفر عریضی فرزند کوچک امام جعفر صادق علیه‌السلام منتهی می‌شود وی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان گذرانیده و سطح را در اصفهان نزد اساتید ادبیات و والد ماجدش به پایان رسانده است.
در سال 1332 شمسی از اصفهان به قم آمده و بقیه سطوح عالی را در حوزه علمیه قم خدمت آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر سلطانی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان رسانیده و در 14 صفر 1333 شمسی به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان‌اللّه علیه شرکت نموده و در همین ایام هم مدتی در جلسه درس مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و مرحوم علامه طباطبائی حاضر و استفاده نموده و در روز چهارشنبه دهم ربیع‌الاول 1376 در جلسه درس خارج مکاسب آیت‌اللّه العظمی خمینی (که همان روز شروع شده بود) شرکت نموده و نیز از ابحاث خارج اصول معظم‌له استفاده کرده و تقریرات درسهای ایشان را تا روز سه‌شنبه 18 جمادی‌الاولی سال 1384 قمری نوشته است.
در ماه شعبان همین سال به اصفهان مراجعت نموده و اشتغال به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت و تأسیس کتابخانه و تألیف کتب و رتق و فتق امور مردم فرموده و تا حال تحریر این کتاب و این ارقام چهارشنبه چهاردهم صفرالمظفر 1412 قمری موفق می‌باشند. ادام اللّه توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیه دزفولی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدرضا فقیه دزفولی از علماء محترم و ائمه جماعت مکرم معاصر تهرانست. وی در دزفول متولد شده (و از بیت واسره سادات گوشه‌ی دزفول است) و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن قدس اللّه اسرارهم و آیات دیگر استفاده کامل نموده و پس از فوت آن مرحوم به تهران آمده و تاکنون در مسجد خیابان جهان پناه به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای فقیه دزفولی عالمی متین و دانشمندی متقی موصوف بفضل و تقوا و محامد اخلاق و مبادی آداب میباشد. معظم له با حضرت آیت‌اللّه فیض دزفولی قرابت و خویشاوندی دارند.
سید محمدرضا بن آیت‌اللّه مرحوم حاج سید اسداللّه دزفولی اجمالی آنجناب در سال 1337 قمری در نجف اشرف متولد شده و در بیت علم و تقوی پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات سطوح وسطی و نهائی را نزد اساتید بزرگ مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نوری و خارج را چندی از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه حاج سید میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و با دریافت اجازات اجتهاد و روایتی از اساتید نامبرده و غیره به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد مهدوی خیابان جهان پناه به خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فقیه زانیانی، مصطفی

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم زاهد ورع، از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان. در مسجد تکیه‌ی ظلمات امامت می‌فرمود، و مورد وثوق و اعتماد عموم بود، از شاگردان حاج میر محمد صادق مدرس و حاج سید علی نجف‌آباد و دیگران بوده.
در 26 ربیع الاول این سال وفات یافته، در نزدیک تکیه‌ی ملک، در روی سکویی مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
الحق بجمع خمسة ارخ و قل
فی الخلد عند المصطفی قد اسکنا
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فقیه قمی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1321 ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت. [1]
حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.
آن جناب در سال 1321 ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر 18 سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده

نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.
از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (123 -122 / 2)، آینه‌ی دانشوران (282 -281)، گنیجینه‌ی دانشمندان (220 -219 / 2).

فقیه، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فقیه، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن فقیه جد مادری حجةالاسلام سید مجدالدین مترجم عزیز ماست، که از مجتهدین بزرگ شیراز و از شاگردان آیات عظام میرزا نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی بوده و از آنان اجازه اجتهاد داشته، مجلس درس این فقیه گرامی مورد توجه فضلاء بوده است.
مجله‌الاسلام که در ایران و کشورهای اسلامی از اول رژیم پهلوی منتشر می‌شد نشانه رشد فکری این فقید بود.
مرحوم حجةالاسلام شیخ جمال‌الدین اسلامی و شیخ کمال‌الدین فقیهی فرزندان ذکور این مرحوم می‌باشند و خاندان اسلامی و فقیهی در شیراز از ارحام این مجتهد بزرگند.
مدفن ایشان در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه است. فرزندان این دانشمند بزرگ هم اکنون به خدمات ذی‌قیمت دینی و اجتماعی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فقیهی آملی، شکرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای آقا شیخ شکرالله بن کربلائی جعفر بن ملا فرج‌الله ملقب به فقیه‌نیا و معروف به فقیهی از علماء آمل میباشند. در 1314 خورشیدی در یکی از مضافات آمل بدنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی بشهر آمل آمده و مدت سه سال در مسجد جامع آمل تحصیل سطوح وسطی نموده و آنگاه بمشهد مسافرت نموده و چند ماهی توقف کرده و در سال 1334 شمسی بنجف اشرف مهاجرت نموده و مدت ده سال اقامت و از محضر آیات عظام آنجا بالاخص آیه‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال 1344 شمسی مراجعت بایران و در شهرستان آمل اقامت نموده و در مسجد جامع باقامه جماعت و خدمات روحی و دینی پرداخته است.
دارای تألیفات ارزنده‌ای میباشد که فهرست آنها را مینگارم:
1- تفسیر قرآن شریف 2- شرح استدلالی بر لمعه شهید اول 3- رساله‌ای در قاعده لاضرر 4- شرح استدلالی تبصره علامه حلی اعلی‌الله مقامه 4- کشکول فقیه 5- شرح دعاء سمات
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

فقیهی بروجردی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا بن مرحوم حاج آقا رضا فقیهی بروجردی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است. وی در سال 1293 شمسی در بروجرد متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید مقدمات را در آنجا خدمت مرحوم حجةالاسلام آقا میرزا لطف‌اللّٰه فقیهی خوانده و در سال 1351 قمری به قم مهاجرت و سطوح را از حضرت آیت‌اللّٰه العظمی آقا نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی به پایان رسانیده و در دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی آقای حجت و از موقع ورود مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی تا آخر عمر معظم له شرکت نموده و بافتخار مصاهرت و دامادی مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد تقی خونساری نائل شده و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی به تهران منتقل و تا اکنون در مسجد (خلیلی) به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.
از نوشته‌های ایشانست مقداری از تقریرات اصول مرحوم آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه سره دارای اجازات عدیده از مراجع بزرگ قم و نجف در امور حسبیه و روایتی و غیره می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فقیهی قزوینی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام حاج شیخ علی‌اصغر فقیهی قزوینی از علماء اعلام حوزه علمیه بودند عالمی با فضل و تقوا بود که در سال 1321 قمری در قزوین متولد شده و از کودکی در دامان روحانیت تربیت یافته تا در سال 1344 به قم مهاجرت نموده و در مدرسه حاجی سکونت و مشغول به تحصیل گشته و در ایام تحصیل به اصفهان مسافرت و در مدرسه جده نیز اشتغال داشته و مدت قلیلی هم در نجف در مدرسه صدر توقف و از محضر آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض حاضر شده و مدت هیجده سال هم از محضر زعیم اعظم شیعه آیت‌الله بروجردی بهره‌مند گردیده و پس از ایشان چند سالی از طرف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی برای خدمات دینی و ترویج احکام و اقامه جماعت رحل اقامت به تهران افکنده تا سال 1385 که ترک دنیا گفته و به سرای جاودان شتافته است رحمه‌الله علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فقیهی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از اثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل‌بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 10 -3)، مؤلفین کتب چاپی (473 -471 / 4)، یادگار (س 1، ش 7، ص 80).

فکری ارشاد، جهانگیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات آلمانی از دانشگاه تهران در سال 1345، با استفاده از بورس ویژه دولت آلمان و گذراندن دوره آموزش زبان و ادبیات آلمان در دانشگاه مونیخ، کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال 1352، درجه دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی از دانشگاه تهران در سال 1355 و تدریس در دانشگاه اصفهان در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبانهای ایرانی و ادبیات تطبیقی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات آلمانی، وضع اجتماعی ایران در زمان ساسانیان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 22، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
ادبیات فارسی، فرهنگ و زبانهای باستانی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا فلاح تفتی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال 76 دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم 98/18 بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال 81 وارد دروس سطح شدم. سال 84 هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین فلاح زاده
محل تولد : ابرکوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1354 ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال 1359 دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذارندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال 1358 تحقیق، بازنگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از 20 نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا فلاح شیروانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونة دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس 1364) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال 68 در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضیعف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال 71 پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده 10 حوزه را گذراندم (سال 74 تخصصی های پایه ده و درسال 75 عمومیها را امتحان دادم. از سال 74 به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفة» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (72) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (72) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل

پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح 2 سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال 76 در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال 77 دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمة الاشراق و جلسات فلسفة بود. دروس فقه و اصول پس از پایة 10 با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجة الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجة الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال 82 که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال 84 دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی 86 ـ 87 معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (86) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاحتی، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول فلاحتی
محل تولد : صومعه سرا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب رسول فلاحتی فرزند معصوم متولد سال 1342 شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال 1357 با معدل 17 و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی 1358 وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده بردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال 1365 به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فلاحتی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین فلاحتی
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1

زندگینامه علمی
آقای محمد حسین فلاحتی در سال 1329هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1341 که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید. پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله مکارم، آیت الله سید جواد سبزواری و آیت الله واعظ طبسی بهره ها برد. و در سال 1367 به حلقه درس خارج ستارگان مشهد پیوست. ایشان ضمن تبلیغ سالهای متمادی است که به امر تدریس در دانشگاه آزاد سبزوار، آموزش و پرورش سبزوار و ... مشغول می باشد.

فلاطوری، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فیلسوف.
تولد: 1304 ق.، اصفهان.
درگذشت: 9 دی 1375.
عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت .
در سال‌های 1328 و 1329 کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.
فلاطوری در سال 1333 برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.
از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال 1356 بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند.
دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس

جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.
دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادییان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.
از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، 1349).
دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی 1375 هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قبلی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فلسفی شیرازی، هدایت‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل ادیب، و نویسنده‌ی توانا، از قضات دادگستری بوده، در شیراز متولد شده، و هم در آن شهر تحصیل علوم دینی و ادبی، از فقه و اصول و ادبیات عربی و فارسی نموده، در سال 1304 خورشیدی روزنامه‌ی «شوش» را در محمره (خرم شهر فعلی) منتشر نموده، سپس به خدمت وزارت عدلیه وارد گردیده، سالها در دادگستری به شغل قضاوت اشتغال داشته، و از قضات پاکدامن و درستکار به شمار می‌رفته.
سرانجام در سال 1338 خورشیدی در ضمن مأموریت اصفهان وفات یافته، در این شهر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

فلسفی شیرازی، هدایت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1338 ش)، روزنامه‌نگار و قاضی. در شیراز به دنیا آمد و در همان جا علوم دینی، ادبی و عربی را فراگرفت. وی در 1304 ش به خوزستان رفت و روزنامه «شوش» را در خرمشهر تأسیس و منتشر کرد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت دادگستری مشغول شد. وی در ضمن مأموریت به اصفهان وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (86/ 3)، تذکرةالقبور (539 -538)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (154 -153/ 4).

فلسفی شیرازی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یحیی فلسفی مرحوم درویش علی دارابی شیرازی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شیرازند که در مرکز استان فارس به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارند.
ایشان در سال 1318 شمسی در شهرستان داراب به دنیا آمده و در خانواده‌ای مومن و مسلمان پرورش یافته و پس از تحصیلات ابتدائی به تشویق مرحوم والدش به حوزه علمیه داراب وارد و پس از فراگرفتن مقدمات به همراهی پدر و مادر به شیراز آمده و در مدرسه علمیه خان به ادامه تحصیل پرداخته است.
و مورد توجه و تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) شیرازی واقع و در خدمت والدین خود عزیمت به کربلا نموده و حدود پنج سال اقامت کرده و ادبیات و سطوح را در خدمت اساتید و مدرسین کربلا چون حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ یوسف بیارجمندی (شاهرودی) فراگرفته و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و سطوح عالیه را در خدمت آیات و مدرسین نجف چون مرحوم آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه (شهید) مدنی (امام جمعه شهر تبریز) و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی سرابی و آیت‌اللّه حاج سید ابوالقاسم کوکبی و دیگران به پایان رسانیده و همدوش اساتید سطح به درسهای خارج فقه و اصول حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله الوارف و آیت‌اللّه حاج آقا محمد روحانی و آیت‌اللّه خمینی شرکت و استفاده نموده تا در سال 1350 شمسی که از طرف دولت بعث عراق برابر 1390 قمری به تنهائی از بغداد اخراج و به شیراز وطن اصلی خود آمده و رحل اقامت افکنده و چون با استقبال گرم مردم شیراز بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی مواجه شدند که محل نماز جماعت خود را به ایشان واگذار فرمودند ایشان با همفکری معظم‌له به ارشاد مردم توصیه و جلسات جامعه روحانیت و کارهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ارشادی بپردازند.
خدمات آقای فلسفی در عراق و ایران
1- ایشان در ماه ذیقعده 1383 قمری در نجف اشرف به همراهی جمعی از فضلاء نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه دومین مجله ماهنامه فارسی به نام پرتوهائی از اسلام منتشر کردند که متاسفانه بیش از 12 مجله از آن منتشر نشد.

2- در سال 1385 قمری به نمایندگی حضرت آیت‌اللّه العظمی حکیم رحمه‌اللّه به بغداد جدید آمده و به ارشاد اهالی آن منطقه پرداخته و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات و تدریس علوم اسلامی برای طلاب علوم دینی پرداخته تا اینکه موفق شدند مدرسه سلومیه را در بغداد پایتخت کشور عراق تأسیس نمایند که جمعی از طلاب شیعه در آن به تحصیل مقدماتی پرداخته و بعد برای تکمیل به نجف اشرف عزیمت می‌نمودند.
3- از آثار پر ارج ایشان تألیف دائره‌المعارف القرآنیه است که طبق لغت آیه شروع نموده و سپس به تفسیر آیه مربوط و ارجاع به کلیه تفاسیر می‌گردد که مع‌الاسف این کتاب با کتابخانه ایشان در بغداد مانده است و تاکنون توفیق چاپ آن را نیافته‌اند و آن حدود پنجاه جلد است که جلد اول و دوم آن فقط در حرف الف است.
آثار علمی مطبوع ایشان
1- قصه الموجود که داستان وجود و فلسفه آن را با سبک رومانی نوشته و در سلسله منابع الثقافه الاسلام به طبع رسیده است. چاپ بغداد.
2- جزوه‌های در فلسفه نماز- چاپ بغداد.
3- فلسفه روزه.
4- الامام الحسین و الحرکه الفکریه که در بغداد به طبع رسیده است.
اما خدمات اجتماعی و فرهنگی ایشان در شیراز
1- تأسیس صندوق قرض‌الحسنه در داراب شیراز.
2- ماهنامه دینی و ادبی پیام مهدی.
3- صندوق قرض‌الحسنه مهدی موعود.
4- خیریه مهدی موعود برای اداره جمعی از فقراء و مستمندان.
5- کانون ازدواج که دفتر خاصی دارد و زیر نظر عده‌ای از خواهران مومن اداره می‌شود.
6- خدمات مطبوعاتی مهدی موعود.
از آثار علمی ایشان پنج جلد از مستند الرسول الاعظم صلی اللّه علیه و آله به طبع رسیده است و این موسوعه حدود سی مجلد است که معظم‌له مشغول به تألیف آن هستند.
دیگر از آثار ایشان مدرسه علمی است که جمعی از طلاب و محصلین در آنجا اشتغال به درس و بحث دارند و خود ایشان مشغول به تدریس فقه و اصول در آن می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

فلسفی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1419 -1327 ق)، عالم دینی، خطیب، واعظ، متکلم، مفسر و محدث. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتیدی همچون پدرش، آیت‌الله تنکابنی، و آقا شیخ یونس قزوینی و آقا شیخ علی رشتی، و معقول و فلسفه را از میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی فراگرفت. وی حدود دو سال در زمان آیت‌الله حایری یزدی در قم اقامت داشت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه بهره‌مند شد.سپس به تهران آمد و به ادامه تحصیل و مطالعه‌ی کتب مختلف و متنوع پرداخت. وی در منبر و خطبه روش نوینی را پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی در فن سخنوری بوجود آورد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. خدمات دینی و اجتماعی او بسیار و مسافرتهای تبلیغی او به کشورهای عربستان، عراق، پاکستان و همچنین به شهرهای مختلف ایران قابل توجه است. در تهران، در پایان جلسه درس، درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسین در کنار عمو و پدر همسرش، آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی، دفن شد. آثار علمی و قلمی او منشوری آموزنده با نثری جذاب است. عمده آثار وی که تحت عنوان کلی «گفتار فلسفی» انتشار یافته عبارتند از: «کودک»، از نظر وراثت و تربیت، دو مجلد؛ «جوان»، از نظرعقل و احساسات، دو مجلد؛ «بزرگسال و جوان» از نظر افکار و تمایلات، دو مجلد؛ «آیه‌الکرسی»، پیام آسمانی توحید؛ «اخلاق»،از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی، دو مجلد؛ «معاد»، از نظر روح و جسم، سه مجلد؛ «سخن و سخنوری»، از نظر بیان و فن خطابه؛ «شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق»، از صحیفه‌ی سجادیه، سه مجلد.[1]
حاج شیخ محمدتقی فلسفی بن العلامه العلام و الفقیه القمقام حجه‌المسلمین والاسلام المرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی تهران اعرف خطباء عصر و اشهر وعاظ زمان مایند که خود چندی افتخار توقف حوزه علمیه را داشته و حوزه علمیه هم فخر بر این ثمره مفید و اثر ارزنده خود می‌کند.
این رادمرد بزرگ و این نابغ سترک که صیت و صوتش عالم‌گیر شده و شهرت و ملاحت سخن‌وری و سخنرانیش مستغنی از تعریف ما و جهانی گردیده بخصوص در تحقیقات علمی و دخول و خروجش به مطالب و از مطالب و اداء سخن و حق مطلب دادنش در این زمان بی‌قرین و در قرون

گذشته کم‌نظیر بوده و مبالغه نیست اگر بگویم.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلیران
بسیار دیده‌ام نه بدین حسن و دلبری
عالمی است محقق و ناطقیست مدقق مفسریست خبیر و محدثیست بصیر متکلمی است فاضل و واعظی است کامل جامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول بسیار خوش محاوره و خوش مجلس منزلش مهبط اهل فضل و محفلش مجمع اهل کمال سینه‌اش باز و دستانش گشاده در قضاء حوائج مومنین و بالاخص روحانیین ساعی و در امور خیر مساعی جمیله دارد و از خدمات دینی و اجتماعی فرونمی‌گذارد.
در سال 1327 قمری هجری در تهران متولد شده و در خاندان علم و فضیلت و مجد و شرافت تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد اساتید بزرگ چون والد معظم خود و آشیخ یونس قزوینی و آشیخ علی رشتی و معقول و فلسفه را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی و آقا میرزا محمود قمی و میرزا مهدی آشتیانی استفاده نموده و حدود دو سال هم در زمان مرحوم آیت‌الله حایری یزدی در قم توقف و از محضر اساتید حوزه علمیه بهره‌مند شده و بعد به تهران مراجعت و به ادامه تحصیل و مطالعه کتب مختلفه و متنوعه عصری و قدماء گردیده و از هر خرمنی خوشه‌ها چیده و از هر گلستانی گلها به دست آورده و با آن فکر سرشار و ذوق فراوان و استعدادی که تنها موهبت خداوندیست (و ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء) خریت ادب و تحریر سخنوری گردیده و خاص و عام و جاهل متقدم و متجدد را مجذوب بیان سحرآمیز خود به مضمون (و ان من البیان السحر) نموده است.
من نمی‌گویم که آن شمع جهان
هست پیغمبر ولی دارد بیان
حدود 6 سال در ماه رمضان و ده شب اول محرم از مسجد سلطانی با دنیای امروز از اسلام و غیره صحبت کرده و حقایق اسلام را با بیانی بس رسا و ملیح خود به زبان عصری به وسیله دستگاه فرستنده به مردم جهان رسانیده و این به خدا فخر اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان اثنی‌عشر روی زمین است.
چندین سال متمادی ظهرهای ماه رمضان در مسجد حاج سید عزیزالله تهران صحبت می‌کردند ده‌ها هزار نفر از طبقات مختلف، روحانیین و اساتید دانشگاه و دبیران و آموزگاران و محصلین جدید و قدیم و تجار و اصناف برای استماع سخنرانیهای معظم‌له حاضر می‌شدند و چون صحن مسجد و شبستانها و ایوانها و راهروهای مسجد گنجایش آن همه جمعیت را نداشت.
قسمت مهمی از مستمعین در بازار و سراهای اطراف مسجد اجتماع

می‌کردند و متجاوز از سی بلندگو که در نقاط مختلف نصب می‌شد صدا را به همه آنها می‌رسانید.
خاطرات آن مجلس باشکوه فراموش نشدنی است بسیاری از مشکلات دینی در آن مجلس مورد بحث قرار می‌گرفت و حل می‌شد و بسیاری از افراد منحرف با استماع آن سخنان نافذ به راه می‌آمدند و از سقوط و تباهی رهائی می‌افتند.
علامه فلسفی روش نوینی را در منبر پایه‌گذاری کرد و تحول عمیقی را در فن سخنرانی به وجود آورد روایات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیه‌السلام را که گوهرهای گرانقدر اسلامی است با منطق علمی روز تشریح و توضیح نموده و در نسل تحصیل کرده اثر بسیار عمیق گذارده و کتابهای ایشان نمونه‌ای از این روش نوین است.
در زمان حیات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره سالهای متمادی به دعوت آن مرجع بزرگ و عالیقدر در دهه آخر صفر به قم می‌رفتند صبح‌ها در منزل معظم‌له و شبها در صحن بزرگ قم به دعوت تولیت آستانه برای جمعیت زیادی که در صحن بزرگ و صحن کوچک و صحن موزه و خیابان مجاور صحن و شیخان گرد آمده بودند سخنرانی می‌کردند سخنان ایشان علاوه بر آثار مفیدی که در افکار تمام مردم می‌گذارد برای فضلاء طلاب حوزه علمیه که به منبر علاقه داشتند آموزنده و سرمشق بود و از روش ایشان استفاده بسیار می‌کردند، کلیه مراجع بزرگ تقلید نجف اشرف و قم و مشهد مقدس از گذشته و معاصر عنایت مخصوص و توجه خاصی به معظم‌له داشته و دارند.
خلاصه استاد و علامه فلسفی از نوابغ زمان و از افرادی است که می‌توان درباره شخصیت علمی و اخلاقی او و مسافرتهایش به کشورهای اسلامی حجاز و اعتاب عالیات و پاکستان و شهرهای مهم ایران که برای تبلیغ رفته و منبرهای مهیج و منابر معجزه‌آسا و خدمات دینی و اجتماعی و مبارزاتش با منحرفین و گروه‌های ضد اسلامی کتاب مستقلی نوشت.
از آثار علمی و قلمی این استاد که به طبع رسیده و جهانی را به خود متوجه نموده کتب زیر است که برای تربیت کودکان و راهنمائی نسل جوان بهترین کتاب و آموزنده‌ترین منشوریست که منتشر شده است.
1- گفتار فلسفی راجع به کودک از نظر وراثت و تربیت در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.
2- گفتار فلسفی راجع به جوان از نظر عقل و احساسات در دو جلد که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است.
3- گفتار فلسفی آیه‌الکرسی یا پیام آسمانی توحید در چهارصد صفحه.
یکی از شعراء معاصر درباره معظم‌له سروده است
او ستاد اوستادان بلاغت (فلسفی)

آنکه نامش زی فلک از عرشه منبر گذشت
ابن‌جوزی گرچه در یک آیه سالی حرف زد
بودی از امروز گفتی وی زمن برتر گذشت
(فلسفی) تنها نه در نطق و بیان باشد فرید
کلک وی از تیغ مردان دلاور در گذشت
در کتاب کودکش بنگر که خودپیرانه گفت
از یونسکو خود کتاب وی مهین دفتر گذشت
ویژه از بهر جوانان این کتاب تازه‌اش
انقلابی کرده خوش برپا که از اختر گذشت
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (65 -64)، بزرگان رامسر (178)، گنجینه‌ی دانشمندان (390 -387 / 2).

فلسفی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله فلسفی در سال 1280 ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال 1307 چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال 1335 تا 1340 به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال 1343 به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال 1307 در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال 1360 ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.
زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال 1360 ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به

استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال 1307 چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال 1335 تا 1340 به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال 1343 به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.
فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال 1307 در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (1304) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، 1304) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال 1301 تای 1311) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، 1313 - 1314) ، مهر (از 1312 به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (1322 ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های 1330 - 1334) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال 1351 در تهران چاپ و منتشر شده است.
جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال 1354 ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. ----------

آثار :
1 اصول آموزش و پرورش
2 تاریخ اروپا در قرن 19 و 20
ویژگی اثر : انتشار در سال 1309.
3 تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال 1317.
4 تاریخ ایران پیش از اسلام
ویژگی اثر : انتشار در سال 1317.
5 تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی
ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال 1316.
6 تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی
ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد
7 تاریخ عمومی در قرن معاصـــر
8 تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت
ویژگی اثر : انتشار در سال 1314.
9 تاریخ و جغرافیا
ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.
10 ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه
ویژگی اثر : انتشار در سال 1341.
11 ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.
12 ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1319.
13 ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1309.
14 ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک
ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال 1306.
15 ترجمه ی تهران قدیـم
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1309.
16 ترجمه ی داستان توده ی طلا
ویژگی اثر : انتشار در سال 1304.
17 ترجمه ی داستان دندان ببر
ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال 1302.
18 ترجمه ی داستان سر تنگ بلور
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.
19 ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ
ویژگی اثر : انتشار در سال 1333.
20 ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.

21 ترجمه ی راز فلورانس
22 ترجمه ی سرگذشت ورتر
ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال 1305.
23 ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر
ویژگی اثر : انتشار در سال 1337.
24 ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو
ویژگی اثر : انتشار در سال 1335.
25 ترجمه ی منظومه ی بیچارگان
ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال 1305.
26 جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا
ویژگی اثر : انتشار در سال 1316.
27 جنگ چالدران
ویژگی اثر : انتشار در سال 1332.
28 دوره ی کامل تاریخ ایران
ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.
29 زندگی شاه عباس کبیر
ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های 1342 ، 1353 و 1364 .
30 شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)
31 مجموعه ی هشت مقاله تاریخی
ویژگی اثر : انتشار در سال 1330. ----------

منابع :

1شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج 2 ، تهران : انتشارات سنایی ، ص 8442گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (1358 - 1376) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص 319

فلسفیان، عبدالمجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالمجید فلسفیان
محل تولد : دهدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید عبدالمجید فلسفیان با شروع به تحصیل در سالهای اخیر مطالعات خود را به قرآن و نهج البلاغه اختصاص داده ام که در زمینه نهج البلاغه دو کتاب «علی و پایان تاریخ» و «علی و جاری حکمت» را توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران و انتشارات لیله القدر ناشر آثار استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) عرضه شده است که کتاب اول عنوان فرعی آن امام زمان (عج) در نهج البلاغه است و کتاب دوم شرح چهل حکمت از حکمتهای نهج البلاغه می باشد. در زمینه قرآن نوشته هایی همچون پیش زمینه های برداشت از قرآن تفسیر سوره روم، لقمان، قمر و یوسف به رشته تحریر در آمده که هیچکدام به چاپ نرسیده است. و فعالیت دیگری که چند سال اخیر به آن مشغول بوده ام همکاری با دوستان و شاگردان زنده یاد استاد علی صفائی حائری (ع ـ صاد) برای نوشتاری کردن سخنرانیهای ایشان در زمینه های مختلف معارف دینی بالاخص مباحثی در حوزه نهج البلاغه از جمله روش برداشت از نهج البلاغه شرح شقشقیه با عنوان مشکلات حکومت دینی شرح حکمت 147 با عنوان خط انتقال معارف و شرح خطبه 32 با عنوان روزگار ستمگر و...

فنجکردی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(513 / 512 / 503 -433 ق)، ادیب، نحوی و شاعر. ملقب به شیخ‌الافاضل. نسبت وی به فنجکرد از توابع نیشابور می‌رسد. وی معاصر با زمخشری و نزدیک به عصر سید رضی بود و میدانی کتاب «السامی فی الاسامی» را، در لغت، به فارسی، به نام وی تألیف کرده و در سرآغاز کتاب او را در فضل و علم و ادب ستوده است. او را مدون «دیوان» امیر المومنین (ع) می‌دانند. در نیشابور درگذشت. از جمله آثارش:«تاج الاشعار» یا «سلوه الشیعه»، در اشعار حضرت امیرالمومنین (ع)؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (156 / 8)، الذریعه (849 / 9 ،223 / 12 205، / 3)، ریاض العلماء (354 -352 / 3)، ریحانه (357 -356 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 181 / 6)، فوائد الرضویه (269 -268)، الکنی و الالقاب (35 -34 / 3) ، لغت‌نامه (ذیل/ علی فنجگردی)، معجم الادباء (272 -270 / 12)، معجم المؤلفین (28 -27 / 7).

فندرسکی، ابوطالب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(منسوب به فندرسک) میرزا ابوطالب فرزند ابوالقاسم فندرسکی. شاعر و منشی قر. 12 ه. وی از شاگردان علامه مجلسی است و با میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض‌العلماء و نظایر وی معاصر و در یک حلقه‌ی تدریس با آنان به کسب علم مشغول بود. تألیفات او عبارتند از: ترجمه‌ی فارسی شرح لمعه‌ی شهید، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی سامی که منظومه است، غزوات حیدری که نیز منظومه است، المنتهی در نجوم، نگارخانه‌ی چین که حاوی تمامی مکتوبات و منشات عربی و فارسی اوست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فوزی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فوزی نماینده‌ی (حضرت آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری) از فضلاء خدمتگذار معاصر و دانشمند مجاهد و فعال شهرستان رضائیه است. وی سالها در حوزه علمیه قم کسب علم و کمال نموده و پس از وصول به مراتب عالیه حسب‌الامر آیت‌اللهی برای خدمات دینی در رضائیه اقامت و خدمات ارزنده دینی و اجتماعی بسیاری از قبیل بناء مساجد و حمام و غیره در شهر و حومه آن نموده و اکنون به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تنویر افکار و نشر معارف حقه‌ی اثنی عشریه در آن منطقه حساس مرزی که از طرفی مرز اسلام و کفر و از سمتی هم مرز ولایت و تسنن است اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فولادوند، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه 1299 در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور 1329 برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه 1343 (1964 م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :
ـ ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، 1960 ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .
ـ هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)
ـ دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی ـ بخش یکم)
ـ ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)
ـ نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .
ـ پاسکال ـ ونسی ـ بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .
ـ زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ،

نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فولر، رودی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رودی فولر مهاجم سال‌های پیشین تیم ملی فوتبال آلمان یکی از نامدارترین بازیکنان تاریخ فوتبال این کشور است. رودی فولر که نام اصلی او رودولف فولر است تا اواسط دهه 90 میلادی یکی از مهاجمان موفق و درخشان فوتبال آلمان بود. وی از سال 2000 به مدت 4 سال مربیگری تیم ملی فوتبال آلمان را برعهده داشت. فولر در تاریخ سیزدهم آوریل 1960 در شهر هاناو واقع در ایالت هسن آلمان، در خانواده ای فوتبالدوست چشم به جهان گشود. پدرش که مربیگری تیم جوانان این شهر را برعهده داشت، او را از هشت سالگی همراه خود به تمرین های فوتبال می‌برد. فولر از همان آغاز می‌خواست در خط حمله بازی کند و در این پست از خود استعداد زیادی نشان داد. فولر پانزده ساله بود که توجه مربی تیم دسته دومی کیکرز اوفن‌باخ را جلب کرد. اما مادر فولر می‌خواست که او در کنار فوتبال حتما دوره‌ی کارآموزی خود را در رشته‌ی بازرگانی اداری به پایان برساند. چنین نیز شد و فولر در همان تیم باشگاهی، دوره‌ی کارآموزی خود را همراه با ورزش فوتبال دنبال کرد.
شانزده ساله بود که برای نخستین بار با بازیکنان حرفه‌ای کیکرز اوفن‌باخ شروع به تمرین کرد. وی به عنوان بازیکن حرفه‌ای روی‌هم 67 بازی برای این تیم انجام داد و 17 گل به ثمر رساند. در سال 1980 به تیم دسته‌ی اولی مونیخ 1860 پیوست. باشگاه مونیخی برای این انتقال هفتصد هزار مارک به باشگاه اوفن‌باخ پرداخت و این رقم نشان می‌داد که فولر در همان زمان بازیکن باارزشی به شمار می‌رفته است.
تیم مونیخ 1860 در نخستین سال پیوستن رودی فولر به این تیم چهره‌ی موفقی نداشت و به دسته‌ی دوم سقوط کرد. با اینکه رودی فولر در نخستین فصل بازی‌ها در دسته‌ی دوم 37 گل برای این تیم به ثمر رساند و آقای گل مسابقه های بوندسلیگای دو شد، اما تیم مونیخ نتوانست به لیگ یک راه پیدا کند. از همین رو فولر در سال 1982 به تیم موفق وردربرمن در بوندس‌لیگا پیوست.
فولر در همان سال به تیم ملی فوتبال آلمان دعوت شد و نخستین بازی ملی خود را در نوامبر سال 1980 در مقابل ایرلند شمالی انجام داد. آلمان در میان شگفتی، آن بازی را با نتیجه‌ی یک بر صفر واگذار کرد. اما این شکست، آغاز راهی پرافتخار بود. فولر در سال 1986 با تیم ملی فوتبال

آلمان به مقام نایب‌قهرمانی جهان و چهار سال پس از آن در ایتالیا به مقام قهرمانی جهان رسید. وی با همین تیم در سال 1992 نایب قهرمان اروپا شد. رودی فولر در سطح باشگاهی نیز دوره‌های موفقی داشت. وی در نخستین فصل حضورش در وردر برمن، آقای گل مسابقات بوندس‌لیگا شد و در همان سال به عنوان بهترین بازیکن آلمان برگزیده شد. وی روی‌هم 137 بازی برای وردربرمن انجام داد و 97 گل برای این تیم به ثمر رساند.
فولر در سال 1987 به تیم رم پیوست و به مدت پنج سال برای این تیم صاحب‌نام ایتالیایی توپ زد. وی با این تیم یک بار قهرمان جام حذفی فوتبال ایتالیا شد. او 142 بازی برای رم انجام داد و 44 گل به نام او ثبت شد.
فولر در سال 1992 به تیم المپیک مارسی فرانسه پیوست و یک سال پس از آن با همین تیم قهرمان باشگاههای اروپا شد.کارنامه فولر در این باشگاه فرانسوی نیز درخشان بود. او در 58 بازی 24 گل وارد دروازه ی حریفان کرد.
فولر در سال 1994 به میهنش بازگشت و این بار در خدمت تیم بایر لورکوزن قرار گرفت. دو سال پایانی فعالیت ورزشی او در این تیم سپری شد و فولر در 62 بازی برای این تیم، 26 بار دروازه‌ی حریفان را فروریخت.
به موازات آن، رودی فولر 90 بار برای تیم ملی فوتبال آلمان انجام داد و 47 گل برای این تیم به ثمر رساند. وی در سال 1994 کفش‌هایش را آویخت، اما این به معنای گسستن پیوندهای او با فوتبال نبود. تیم ملی آلمان در سال 2000 در حالی در چارچوب رقابت‌های جام ملت‌های اروپا شرکت کرد که مقام قهرمانی اروپا را همراه خود یدک می‌کشید. اما این تیم با مربیگری اریش ریبک در همان دور مقدماتی در گروه خود آخر شد و از صعود به دور بعدی بازماند. این برای فوتبال آلمان یک فاجعه و آغاز بحرانی جدی بود.
سرانجام پس از کشمکش‌های فراوان میان مسئولان فوتبال در آلمان، برای تعیین مربی جدید تیم ملی، قرار شد این پست به مدت یک سال در اختیار رودی فولر قرار بگیرد. تیم ملی فوتبال آلمان با مربیگری فولر، توانست بر بحران غلبه کند و در جام جهانی سال 2002 در ژاپن و کره‌ی جنوبی به دیدار نهایی راه یابد. آلمان آن دیدار را در مقابل تیم ملی برزیل با نتیجه‌ی دو بر صفر واگذار و به مقام دومی جهان بسنده کرد. این بزرگ‌ترین افتخار ورزشی رودی فولر در مقام مربیگری بود.
پس از اینکه تیم ملی فوتبال آلمان در مسابقه های جام ملت‌های اروپا در سال 2004 در رقابت‌های گروهی ناموفق ماند و حذف شد، رودی فولر از مقام مربیگری این تیم کناره‌گیری کرد. فولر پس از آن برای مدت بسیار

کوتاهی مربی تیم باشگاه رم و بایر لورکوزن بود. او هم‌اکنون مدیر ورزشی باشگاه بایر لورکوزن است.

فومنی اریب، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم اریب فومنی از علماء محترم شهرستان فومن می‌باشد. وی در این شهر متولد شده و در بیت سیادت و شرافت پرورش یافته است. اسلاف و نیاکان آنجناب همه از اشراف و اجلاء گیلان و منطقه فومن بوده‌اند. ایشان مقدمات را در فومن و سطوح را در شهرستان رشت خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقای حج شیخ محمدرضا تنکابنی (والد ماجد خطیب توانا و واعظ شهیر جناب آقای فلسفی) و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد تنکابنی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به زادگاه خود مراجعت و بیش از چهل سالست که در فومن به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده. در حدود سی سال قبل که برای دیدن یکی از دوستان به فومن مسافرت کردم آنجناب را ملاقات او را دانشمندی ادیب و مانند شهرتش اریب یافتم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی حایری، محمدجعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدجعفر فومنی حایری از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و ائمه جماعت بزرگوار کربلای معلی بوده است. وی در فومن متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در فومن و رشت مهاجرت به عراق نموده و در نجف و پس از آن در کربلا اقامت و از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید اسماعیل صدر و آیت‌اللّه العظمی آمیرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به اقامه جماعت و خدمات دینی و توسل به ذیل عنایت سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه الصلوة والسلام پرداخته تا در 1357 قمری که به مولایش ملحق و در جوار حضرتش مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فومنی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ جواد بن العالم الجلیل حاج شیخ محمدجعفر فومنی مذکور از علماء فعال تهران بودند. وی در سال 1330 ق در کربلای معلی متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات سطوح را در آنجا از مرحوم والدش و دیگران فراگرفته و پس از آن به نجف مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران استفاده علمی نموده و در سن 27 سالگی در سال 1357 قمری که والد مبرورش فوت نمود به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان اقامت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن در مسجدش و جلسات مذهبی پرداخته و در اثر مبارزات با فحشاء و منکرات مبتلاء به حوادث و طوفانها گردیده و سوانح و خاطرات عجیبی دیده تا در شب بیست و سوم ماه رمضان 1384 قمری در اثر کسالتهای روحی و جسمی بدرود حیات گفته و با تشییع جنازه کم‌نظیری با دوش مردم عالم‌دوست تهران حمل به شهر ری و در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در مقبره واقع در قسمت شرقی صحن معروف به مقبره (علائی) مدفون گردید.
آثار و باقیات الصالحات آن مرحوم
مرحوم فومنی با فداکاریها و پیگیریها و مجاهدات طاقت‌فرسائی که داشت آثار گرانمایه‌ای از مساجد و دبستانهای اسلامی و مجامع مذهبی از خود به یادگار گذاشت که ذیلا اشاره می‌شود.
1- مسجد نو واقع در خیابان خراسان (شماره 1)
2- کودکستان فومنی در خیابان خراسان
3- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (پسرانه)
4- دبستان ملی فومنی در خیابان خراسان (دخترانه)
5- مسجد نو شماره (2) واقع در کوچه نظام
6- شرکت تعاونی روزی (دهشاهی).
7- از آثار باقیه وجود فرزندان برومند مخصوص ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ حسین فومنی فرزند ارشد ایشان می‌باشد که اکنون به جای ایشان در مسجد نو خیابان خراسان امامت و به خدمات دینی اشتغال دارند.
ایشان در تهران متولد شده و تحصیلات جدی و مقدماتی را در آنجا خوانده

آنگاه به قم آمده و چند سالی به تحصیل سطوح وسطی و نهائی مشغول و پس از فوت مرحوم والدش دیگر نتوانست در قم مانده و ادامه به تحصیل دهد ناچار به تهران برگشته و به خدمات دینی و اداره‌ی مؤسسات مذهبی والدش اشتغال دارد و واقعاً مصداق حدیث نبوی (او ولد صالح یستغفر له) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فهری زنجانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید احمد فهری زنجانی ابن السید الجلیل و العالم النبیل الحاج سید سجاد فهری زنجانی از دانشمندان معاصر تهران می‌باشند. وی در سال 1301 شمسی در زنجان متولد گردید. والد معظم ایشان در مقام منبر (به اعتراف همه شناسایان) شخصیت بارز و منحصر بفرد زنجان بوده و هستند و اکنون اواخر دهه‌ی هشتم یا اوائل دهه نهم عمر را می‌گذرانند.
حجة‌الاسلام سید احمد فهری تقریبا یکسال پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه حائری یزدی به قم مشرف شده و پس از یکسال و اندی توقف در آن دیار و استفاده از درس سطح حضرت آیت‌اللَّه العظمی آقای نجفی مرعشی در سال 1320 شمسی تشرف به نجف اشرف حاصل کرده و از محضر آیات عظام آقای آقا میرزا باقر زنجانی سطحا و خارجا و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیت‌اللَّه سید جمال گلپایگانی استفاده خارج نمود.
و پس از استماع یک دوره و نیم درس خارج اصول حضرت آیت‌اللَّه خوئی در سال 1330 به ایران مراجعت و مدت 14 سال در کرمانشاه اقامت داشته و در مسجد جمعه کرمانشاه اقامه جماعت می‌نمود و ضمنا در زمینه‌ی تبلیغات مذهبی در کرمانشاه که مرکز فرقه‌ی علی‌اللهی‌ها می‌باشد زحمتی فراوان متحمل شدند.
و سپس در سال 1345 به تهران مهاجرت نموده و اکنون نیز در آنجا به انجام وظایف مذهبی اشتغال دارند و در مدت اقامت در تهران آثاری علمی از ایشان به طبع رسیده که ذیلاً می‌خوانید.
1- کتاب سالار شهیدان در تحلیل انگیزه واقعی امام شهید علیه‌السلام در خروج از مدینه و حرکت بکربلا.
2- ترجمه‌ی خصال صدوق.
3- ترجمه‌ی عبداللَّه سبا در دو جلد تألیف آقای حاج سید مرتضی عسکری
4- اسس المنطقیه.
5- آهی سوزان بر مزار شهیدان ترجمه‌ی «اللهوف علی قتل الطفوف»
6- معراج روحانی. معظم له در سال 1385 ه.ش وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

فهری، سجاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سجاد فهری زنجانی والد ماجد حجةالاسلام والمسلمین حاج سید احمد فهری زنجانی از وعاظ و گویندگان مشهور زنجان بوده است وی در شهر زنجان متولد شده و قسمتی از مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده و از راه منبر به تبلیغ دین پرداخته تا در سال 1394 قمری که در تهران وفات و در قم به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

فهیمی، عزیزالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزیزالله فهیمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
اینجانب عزیز الله فهیمی در سال 1340 در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح 2 و 3 و 4 را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال 1370 مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح 4 خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال 1385 دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح 3 حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال 1371 لیسانس گرفتم و در سال 1377 از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال 1377 بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال 1381 برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح 4 اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و

فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1072 ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملا محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (1087 -1052 ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در 1051 ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (1078 -1052 ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهدیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیبه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[1]
(بخش 1) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. 1052 ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام

دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل 5000 بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (849 -846 / 2)، اعیان الشیعه (471 -470 / 7)، ایضاح المکنون (59 / 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (261 / 4)، تاریخ علم کلام (324 -322)، تذکره‌ی پیمانه (412 -397)، تذکره‌ی نصرآبادی (156)، دایره‌المعارف فارسی (1668 / 2)، دنباله جستجو درتصوف (254 -251)، الذریعه (238 / 14 ،161 / 13 ،853 -852 / 9 190، / 4)، روضات الجنات (194 -192 / 4)، ریاض العارفین (227)، ریحانه (363 -361 / 4)، سیر در شعر فارسی (384)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (406 -405)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 319 / 11)، فرهنگ ادبیات فارسی (430 -429)، فوائد الرضویه (229)، فلاسفه شیعه (377 -375)، الکنی و الالقاب (37 -36 / 3)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (218 / 5)، منتخب التواریخ (746)، مؤلفین کتب چاپی (842 -841 / 3)، هدیه الاحباب (214 -213).

فیاض، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فیاض در سال 1261، در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد.او پس از بازگشت نجف،در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. پس از آن در اواسط شهریور ماه 1308 ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال 1313، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال 1318) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال 1321) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی باقی ماند. استاد محمد فیاض در خرداد ماه 1354 ه.ش دار فانی را بدرود گفته و به رحمت ایزدی پیوست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فیاض تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود همدان پشت سر نهاد و در شهر قم علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و سه سال در آن شهر به تحصیل پرداخت. پس از خاتمه تحصیلات در اصفهان، به نجف اشرف عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن دیار به فراگیری علوم مختلف مشغول شد. فیاض پس از اشتغال در دانشگاه تهران ، طبق قانون تاسیس دانشگاه سه رساله عربی در معانی و بیان و بدیع و یک رساله در شرح قسمتی از نهج البلاغه به زبان فارسی نگاشت و در نوزدهمین جلسه شورای دانشگاه ، به عنوان دکترای ادبیات شناخته شد.
استادان و مربیان : فیاض پس از اقامت دراصفهان در محضر میرزا

جهانگیر خان قشقایی (عالم معروف و جامع علوم معقول و منقول) و آخوند ملاعبدالکریم گزی (سرپرست امور قضایی شهر اصفهان) ، آقا سید محمد باقر درچه ای (از مراجع بزرگ تقلید) به تحصیل مشغول گردید و ضمن آن در درس آخوند کاشی (آخوند ملا محمد کاشانی، حکیم و فقیه و ریاضیدان معروف) و عده دیگری از علمای آن عصر حاضر می شد. پس از سه سال اقامت در اصفهان و نوشتن دو رساله در فقه و اصول در سال 1282 ه.ش (1321 ه.ق) اصفهان را ترک کرد و به موطن خود، همدان، بازگشت. علمایی که فیاض در مجلس درس آنان حاضر می شده عبارت بودند از: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(صاحب کتاب معروف کفایت الاصول)، آقا سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب مشهور عروه الوثقی)، میرزا فتح الله نمازی شیرازی معروف به شیخ الشریعه یا شریعت اصفهانی، از مشاهیر علمای آن عصر نجف، شیخ عبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ دوره مشروطه، آخوند ملامحمد علی نخجوانی، مرجع تقلید شیعیان قفقاز. آخوند ملاعلی امامی خوانساری از مدرسین معروف نجف.
وقایع میانسالی : فیاض در سالهای آخر تدریس دچار ضعف بینایی شد و با اینکه دانشکده ادبیات در آن ایام در باغ نگارستان (شمال میدان بهارستان) قرار داشت و از محل سکونت ایشان چندان دور نبود، اغلب با کمک فرزندان و دوستان به دانشکده می رفت .
زمان و علت فوت : محمد فیاض در خرداد ماه 1354 ه.ش دار فانی را بدرود گفته، به رحمت ایزدی پیوست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد فیاض چندی سرپرست حوزه علمی به نام (مدرسه کوچک) گردید. همچنین به مدت پانزده سال در همدان به عنوان امامت جماعت مسجد برگزیده شد.
فعالیتهای آموزشی : محمد فیاض در یکی از حوزه های علمی همدان به نام مدرسه کوچک به تدریس علوم معقول و منقول پرداخت. در سالهای اقامت خود در همدان بنا به تقاضای اداره معارف و اوقاف همدان در مدرسه نصرت که از مدارس بزرگ آن شهر محسوب می شد، به تدریس ادبیات و عربی پرداخت. حاج آقا محمد فیاض اواسط شهریور ماه 1308 ه.ش. به دعوت وزارت معارف و اوقاف به تهران عزیمت کرد و ابتدا به سمت معلمی و مدیریت مدرسه برگزیده شد و پس از تاسیس دانشگاه تهران در سال 1313، به استادی دانشکده معقول و منقول انتخاب گردید. پس از آنکه قسمتی از دانشکده معقول و منقول (در سال 1318) به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی منتقل گردید برای تدریس به آن دانشکده دعوت شد و مدتی در هر دو دانشکده تدریس می کرد،و پس از آنکه دانشکده منقول و معقول (در سال 1321) از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی مستقل گردید، وی در سمت استادی دانشکده ادبیات و

دانشسرای عالی باقی ماند. فیاض در دانشکده های یاد شده، نهج البلاغه،بیان و زبان عربی تدریس می کرد و در سال 1330 با تصویب شورای دانشگاه کرسی زبان عربی دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به ایشان تفویض گردید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد فیاض هنگام اقامت در همدان، علاوه بر مسجد و مدرسه ، بنا به دعوت مشتاقان در منازل آنان حضور یافته، ضمن اقامه نماز در اول وقت، حاضرین را با معارف دین و شرایط بندگی و تکالیف شرعی آشنا و با نصایح خود راهنمایی و هدایت می کرد، این دوره ها تا پایان اقامت ایشان در همدان برگزار شد و از آن پس بنا به تقاضا و دعوت مشتقان تهرانی، در تهران برگزار گردید. نام وی در دفاتر انجمن ادبی همدان ذکر شده است و دکتر مهدی درخشان استاد فقید دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در کتاب ‹‹ بزرگان و سخن سرایان همدان›› در این خصوص نوشته است: ‹‹ حاج آقا محمد فیاض علاوه بر مقام فقاهت و اجتهاد دارای ذوقی سلیم وطبعی لطیف است، اشعاری نغز و دلنشین سروده است که بسیاری از آنها از میان رفته. وی در سال 1307 ه.ش. از اعضای برجسته انجمن ادبی همدان بود....›› ----------
---

منابع :
1فرهنگ همدان،سال دوم، شماره 8،زمستان 1375

فیاضی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در 1323 ش در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از جمله: دبیری دبیرستانهای شیراز، کفالت فرهنگ بنادر جنوب، ریاست دانشسرای مقدماتی گلپایگان، ریاست تبلیغات و امور اجتماعی و ریاست آموزش فنی و حرفه‌ای. فیاضی روزنامه‌ی «آیینه جنوب» را مرتب در اهواز منتشر می‌کرد. از آثار وی: «انشاء مخصوصی دبیرستانها و دانشسراها»؛ «روانشناسی آموزش و پرورش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1756 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (164 -163 / 1).

فیروزآبادی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(منسوب به فیروزآباد) مجدالدین محمد بن یعقوب شیرازی فیروزآبادی مکنی به ابوطاهر، ادیب و لغت‌شناس زبان عربی (و فیروزآباد (فارس) 729 ه.ق/ 1329 م.- ف. زبید (یمن) 817 ه.ق/ 1415 م.). وی نخست در شیراز و سپس در واسط و بعد در بغداد به تحصیل پرداخت و نیز مدتی در دمشق در محضر درس تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی حاضر می‌شد، و با وی سفری نیز به اورشلیم کرد و در آنجا مدت ده سال به تدریس پرداخت، و سپس به آسیای صغیر، قاهره و مکه مسافرت کرد و مدت پانزده سال در مکه ساکن شد. آنگاه به دهلی و پس از پنج سال بار دیگر به مکه بازگشت و دو سال دیگر آنجا اقامت کرد. پس به دربار احمد بن اویس جلایری (بغداد) رفت و سپس سفری به شیراز کرد و در آنجا با امیرتیمور ملاقات نمود و بعد از راه هرمز و خلیج‌فارس به یمن رفت و قاضی‌القضاة یمن شد و دختر سلطان الملک‌الاشرف را به زنی گرفت و سپس بار سوم به مکه رفت و در آنجا مدرسه‌ای برای تدریس فقه مالکی تأسیس کرد و مجدداً به یمن بازگشت و در شهر زبید درگذشت. شهرت وی به سبب تألیف ارجمند اوست در لغت عرب موسوم به القاموس المحیط معروف به قاموس (ه.م).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فیروزآبادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1344 -1251 ش)، عالم امامی و نیکوکار. در فیروزآباد از روستاهای ری در خانواده‌ای فلاحت پیشه به دنیا آمد. مقدمات علوم را در تهران فراگرفت و در فقه و اصول از محضر سید علی‌اکبر تفریشی و سید ریحان‌الله کشفی بروجردی و دیگران استفاده برد. سپس به عراق مهاجرت نمود. در نجف از محضر آیت‌الله میرزاحسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی و در کربلا از آیت‌الله سید اسماعیل صدر بهره‌ها برد. آن‌گاه به ایران بازگشت و در زادگاهش به انجام وظائف دینی مشغول شد. از دوران کودکی در اندیشه خدمت به خلق خدا بود و حتی‌المقدور از آنان دستگیری می‌کرد. در اوایل مشروطیت چهار دوره نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. حضورش در مجلس تنها برای دفاع از حقوق ملت بود چنان که یک ریال از حقوق ماهیانه آنجا را تصرف نکرد و حقوق جمع شده‌ی چندین ساله را با اجازه‌ی مراجع تقلید به بنای بیمارستانی در شهر ری اختصاص داد. وی تا اواخر عمر از رسیدگی به وضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و حتی تا نیمه‌های شب به قسمتهای مختلف بیمارستان سرکشی و از بیماران دردمند بیدار عیادت می‌کرد. وی در مقبره‌ای که در کنار بیمارستان برای خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد. از آثار خیرش: بیمارستان هزار تخت‌خوابی، زایشگاه و درمانگاه فیروزآبادی؛ پرورشگاه و دارالایتام؛ مسجد جامع فیروزآبادی؛ مقبره‌ی فیروزآبادی؛ مدرسه‌ی رضائیه؛ مسجدی در فیروزآباد.[1]
از علمای روحانی معاصر (ف. تهران امرداد 1344 ه.ش). وی از مردان خیر عصر بود و بیمارستان فیروزآبادی در شهر ری به همت وی تأسیس شده.
مرحوم حاج سید رضا بن السید الجلیل السید هاشم بن السید عبدالکریم الحسینی فیروزآبادی عالمی جلیل و دانشمندی خدوم از مشاهیر علماء متقی و خدمتگزار معاصر ما بود که شب و روز خود را مصروف خدمات اجتماعی بالخصوص طبقات بیچاره‌گان و بینوایان قرار داده و شهرت اخلاق کریمانه‌اش بشرق و غرب عالم رفته.
ولادتش در سال 1288 قمری و یا بنابر نقل صاحب (الذریعه) (در قسم دوم از جزء اول) نقباء البشر (779) در سال 1290 قمری در قریه فیروزآباد شهر ری واقع شده و در سال 1385 قمری در سن نود و هشت

سالگی در شهر ری از دنیا رفته و در مقبر مخصوص خود جنب مسجد جامع فیروزآبادی و بیمارستانش که از آثار اوست مدفون و اکنون از مزارات عموم مردم ری و تهران میباشد.
وی در خانواده متوسط الحال و نجیب و اصیل فلاحت پیشه‌ای پرورش یافته و از دوران کودکی بفکر خدمت بخلق خدا و بیچاره‌گان بود و حتی المقدور از آنها دستگیری می‌کرد. مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را در تهران و ری در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر تفریشی مدفون در ری و آیت‌اللّه آقا سید ریحان‌اللّه کشفی بروجردی و غیره خوانده آنگاه مهاجرت به عراق نموده و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند خراسانی در نجف و آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر در کربلا استفاده نموده سپس مراجعت به ایران و در زادگاه خود (فیروزآباد) به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تعلیم احکام نموده و در اوائل مشروطیت چهار دوره از مردم ری و تهران انتخاب برای مجلس شوراء ملی گردیده و ایشان جهت دفاع از حقوق ملت و خدمت به مردم به مجلس مزبور رفته ولی یک ریال از حقوق آنجا را تصرف ننموده تا چندین سال که حقوقش در صندوق جمع شد باجازه از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی و بعضی دیگر از مراجع اقدام ببناء بیمارستان در شهر ری نمود و خود تا اواخر عمرش از رسیدگی کردن بوضع بیماران کوتاهی نمی‌کرد و نیمه شب به قسمتهای مختلف بیمارستان رفته و از بیماران عیادت نموده و از آنها تفقد می‌فرمود. آثار بسیاری از این عالم بزرگوار مانده که قسمتی از آنها را می‌نگارم:
1- بیمارستان فیروزآبادی که اکنون بیش از هزار تخت و سه ساختمان سه طبقه بزرگ دارد.
2- زایشگاه که نیز مجهز به همه گونه وسائل برای آسایش و زایش بانوانست.
3- درمانگاه فیروزآبادی.
4- پرورشگاه و دار الایتام برای اطفال بی پدر و بینوا.
5- مسجد جامع فیروزآبادی که اکنون فرزند ارجمندش حجةالاسلام حاج سید محمد فیروزآبادی در آن اقامه جماعت می‌کنند.
6- مقبره فیروزآبادی جنب مسجد و بیمارستانش.
7- مسجدی در قریه فیروزآبادی.
8- مدرسه رضائیه در خیابان سیروس جنب حسینیه و مسجد تکیه رضاقلی خان.
فرزند سیدهاشم فیروزآبادی است. در 1250 در قریه فیروزآباد متولد شد. از سن ده سالگی به تحصیلات قدیمه نزد علمای عصر در تهران پرداخت و مدتی نیز در نجف اشرف علوم معقول و منقول را فراگرفت و پس از

مراجعت به ایران، به تکالیف شرعی پرداخت و حوزه‌ی درس دائر نمود. در دوره‌ی سوم که انتخابات مجلس مصادف با جنگ بین‌المللی اول بود، از طرف مردم شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در ادوار ششم و هفتم نیز وکیل مردم شهر ری در مجلس شورای ملی بود. آخرین بار در دوره‌ی چهاردهم وکیل شد. در مجلس به خاطر سن او که از هفتاد تجاوز نموده بود، سر و صدا شد ولی سرانجام اعتبارنامه‌ی او به تصویب رسید. وی در مجلس از وکلای پر سروصدا شد و با تمام لوایح دولت مخالفت می‌نمود. فیروزآبادی مردی خیر و نیکنام بود و در تمام مدت نمایندگی دیناری از مجلس حقوق نگرفت و آن را اختصاص به تاسیس بیمارستانی در شهر ری داد. ابتدا باغ حرمت‌الدوله را در شهر ری با کمک مردم خیر خریداری کرد و یک بیمارستان صدتختخوابی در آنجا احداث نمود، مجددا یک بیمارستان سیصد تختخوابی در جنب آن بنا کرد و سرانجام بیمارستان را به هزار تختخوابی تبدیل نمود. همچنین یک دانشگاه بزرگ و مدرن و مسجد معظمی جنب بیمارستان ساخت و یک پرورشگاه و دارالایتام نیز پی‌ریزی کرد. وفات او در سال 1344 در سن 94 سالگی اتفاق افتاد. روزی که دار فانی را وداع گفت، از مال دنیا چیزی جز دوازده فرزندش باقی نگذاشت. این مرد خیر غالبا هزینه‌ی شخصی خود را صرف بیمارستان می‌کرد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] شرح حال رجال (98 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14 / 779- 780)، گنجینه‌ی دانشمندان (632 -631 / 4)، یاد نامه‌ی آیت‌الله سید رضا فیروزآبادی.

فیروزآبادی، مجدالدین، ابوطاهر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(817 / 816 -729 ق)، عالم لغوی، ادیب، مفسر، قاضی و فقیه شافعی. نسبش به شیخ ابواسحاق شیرازی و به روایتی به ابوبکر صدیق می‌رسید و لذا او خود را صدیقی معرفی می‌کرد. اصل وی از فیروزآباد شیراز است، که در کازرون به دنیا آمد و در آن جا در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد. در هشت سالگی به شیراز رفت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود، سپس به بغداد، مصر، شام، روم، حجاز، یمن و اغلب سرزمینهای شرقی مانند هند مسافرت کرد. فقه و تفسیر و حدیث و علوم مختلف را از اساتید مکانهای مختلف فراگرفت. در دمشق در محضر درس ابن‌قیم و تقی‌الدین سبکی و فرضی و شیخ خلیل مالکی حضور یافت. وی مورد عنایت شاه شجاع مظفری، حکمران آذربایجان، و امیر تیمور گورکانی و سلطان بایزیدخان عثمانی بود، بیشتر از همه در دربار ملک اشرف اسماعیل حکمران یمن تقرب یافت و داماد وی شد. مدت بیست سال قاضی شهر زبید یمن بود، تا به مقام قاضی‌القضاتی یمن و درجه‌ی شیخ‌الاسلامی رسید. و وی در زبید یمن درگذشت و در تربت شیخ اسماعیل جبروتی دفن شد. شیخ رمضان عطیفی کتابی در شرح حال فیروزآبادی نگاشته است. از فیروزآبادی حدود چهل تصنیف ذکر کرده‌اند. از آثارش: «قاموس المحیط و القابوس الوسیط الجامع لماذهب من کلاما لعرب شماطیط»، که به «قاموس اللغه» نیز معروف است، در چهار جزء، که مهمترین اثر وی می‌باشد؛ «اللامع المعلم العجاب الجامع بین المحکم و العباب»، در شصت مجلد که پس از آن آنها را در دو مجلد خلاصه کرد؛ «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز»، در دو مجلد؛ «الجلیس الانیس فی اسماء الخندریس»؛ «المرقاه الوفیه فی طبقات الحنفیه»؛ «البلغه فی تراجم ائمه النحو و اللغه» یا «البلغه فی تاریخ ائمه اللغه»؛ «سفر السعاده»، در حدیث و سیره نبوی؛ «نغبه الرشاف من خطبه الکشاف»؛«نزهه الاذهان فی تاریخ اصفهان»؛ «تحبیر الموشین فی مایقال بالسین و الشین»؛«الاسعاد بالاصعاد الی درجه الاجتهاد»؛ «الدرر الغالی/ الدرر الغوالی فی الاحادیث العوالی»؛ «الدرر النظیم المرشد الی مقاصد القرآن العظیم»، در تفسیر؛ «النفحه العنبریه فی مولد خیر البریه (ص)»؛ «زاد المعاد فی وزن بانت سعاد»؛ شرح «صحیح» بخاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (19 / 8)، ایضاح المکنون (106 ،85 ،80 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1961 / 2)، روضات الجنات (97 -92 / 8)، ریحانه (368 -365 / 4)، کشف الظنون (2048 ،1939 ،1657 ،1480 ،253 -252 ،149 ،90 ،87 ،85)، الکنی و الالقاب (39 -37 / 3)، قاموس المحیط (مقدمه/ 48 -47)، لغت‌نامه (ذیل/ فیروزآبادی)، معجم المؤلفین (119 -118 / 12)، هدیه الاحباب (213)، هدیه العارفین (181 -180 / 2).

فیروزآبادی، یعقوب

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
1- محمد بن یعقوب فیروزآبادی متوفی 817 و مدفون در یمن صاحب کتاب (قاموس الاعلام) در لغت که چندین شرح و حاشیه بر آن خورده و تمامی مطبوع می‌باشد منسوب به این شهر است.
وی عالمی فاضل و تحریری کامل بوده در ممالک روم و حجاز و غیرها سفرها نموده و با قبایل عرب مجالستها کرده و هشتاد سال عمر نموده است.
شروحی که به کتاب او خورده به اسامی زیر است.
1- تاج‌العروس فی شرح القاموس 2- الجاموس 3- الفانوس 4- رجل الطاوس و...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزکوهی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر بن مرحوم ثقةالاسلام آشیخ محمدباقر فیرزوکوهی متوفی 1328 شمسی و 1369 قمری از فضلاء معاصر است در حومه آمل- وی در سال 1340 قمری در قریه آسور فیروزکوه متولد شده و پس از رشد اصول عقاید و قرآن و کتب فارسی و غیره را نزد والدش و مکتب‌دار محل فراگرفته و در سال 1311 شمسی داخل دبستان دانش آمل شده و با استعداد زیادی که داشتند دروس فارسی جدید را در مدت کوتاهی به پایان رسانیده و در سال 1314 شمسی مشغول به تحصیل مقدمات گردیده و در سال 1315 شمسی به قم مهاجرت نموده و در ایام تحصیلی در آنجا و ایام تعطیل هم در قصبه آسور به خواندن پرداخته و در قم ادبیات مانند مطول و غیره را از مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی فراگرفته و شرح لمعه را خدمت آیت‌اللّٰه العظمی آقای مرعشی نجفی خوانده و چندی هم در آمل توقف و بقیه شرح لمعه را نزد آیت‌اللّٰه آقای آقا محمد غروی تکمیل نموده و باز به قم آمده و رسائل را از محضر آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و مرحو آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم اصفهانی و مکاسب را خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی استفاده نموده و بعد مشرف به عراق و در کربلای معلی از درس مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین قمی بهره‌مند گردیده ولی بواسطه موانعی از ادامه و اقامت در آنجا محروم و بوطن برگشته و باز به قم آمده و کفایه را از مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمد داماد و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید احمد خوانساری و مقداری مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا روح‌اللّٰه کمالوند خرم‌آبادی استفاده نموده و بعد به درس خارج حضرت آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ مهدی مازندرانی و خارج اصول مرحوم آیت‌اللّٰه آقای داماد و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی حاضر شده و از محاضر و خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و هم درس تفسیر قرآن را از مرحوم شیخ مهدی ذکور و آیت‌اللّٰه علامه طباطبائی آموخته و نیز درس معقول منظومه را از استاد منتظری و اسفار را از علامه طباطبائی مستفیض شده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی بنابر اصرار عده‌ای از مردم آمل و اهالی محترم محمودآباد که سابقه ممتدی در آنجا داشتند منتقل به محمود آباد شده و از سال 1349 تا حال تحریر در مسجد جامع آنجا به اقامه

جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاته
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیروزمهر، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی فیروز مهر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
سال 62 وارد حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) در رستمکلای بهشهر شدم تا سال 64 مقدمات دروس حوزوی را به اتمام رساندم و سال تحصیلی 65 روانه مشهد شدم و تا سال 69 در حوزه مشهد اشتغال به تحصیل داشتم؛ زمستان 69 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح حوزوی را ادامه دادم. سال 72 سطح را به اتمام رساندم و به دنبال آن در درس خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی و خارج اصول آیت الله صالحی مازندرانی حضور پیدا کردم و همزمان با آن در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شرکت کردم که سال 77 دوره چهار ساله این رشته علمی را به پایان رساندم و همزمان با تحصیل در این رشته، سال 76 دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه قم را آغاز کردم که در سال 79 از پایان نامه این دوره دفاع کرده و مدرک این رشته را اخذ کردم. همزمان با تحصیل در تخصصی تفسیر و علوم قرآن و تحصیل در دانشگاه با مرکز فرهنگ و معارف قرآن به عنوان محقق علوم قرآنی همکاری می کردم که تا الآن کم و بیش ادامه دارد.

فیض دزفولی، فخرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فخرالدین بن محمدعلی بن عبداللَّه بن عبدالکریم بن شاه میر بن محمد مهدی بن سید محمد شفیع بن مرتضی بن سید حبیباللّه بن سید ولی الدین (گوشه) ابن محمد بن احمد بن سید عبداللّه بن سید شمس‌الدین محمد بن سید تاج‌الدین بن سید شرف‌الدین بن سید حسین بن سید عالی بن سید صدرالدین بن سید نظام‌الدین بن سید محمود بن سید جمال‌الدین بن سید محمود بن سید محمود بن سید صدرالدین مظفرالدین بن سید احمد بن سید عبداللّه بن امام موسی بن جعفر علیهماالسلام از علماء ابرار معاصر تهرانست.
وی که با بیست و هفت واسطه بامام هفتم منتهی می‌شود در حدود سال 1314 قمری در دزفول متولد شده و پس از پرورش و خواندن مقدمات و سطوح، از محضر علماء اعلام دزفول بالاخص آیت‌اللّه معزی و دیگران استفاده نموده و در سال 1361 قمری به تهران مهاجرت نموده و تاکنون در این عاصمه تشیع به اقامه نماز جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
از باقیات الصالحات معظم له فرزند برومند ایشان جناب حجةالاسلام آقا سید علی فیض از ائمه جماعت معاصر تهرانست. وی در سال 1349 قمری در شهر و بلده دزفول از مرحومه بی‌بی زهرا بیکم صبیه مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالقاسم موسوی دزفولی متولد و در معیت والدش به تهران آمده و پس از تحصیلات ابتدائی و خواندن مقدمات عربی به قم مشرف گردیده و از محضر مدرسین حوزه بهره‌مند گردیده و جهت کسالت مزاج پدر گرامیش به تهران برگشته و تاکنون در تهران و حومه آن (و صفنارد) بانجام وظائف دینی اشتغال دارد.
دارای آثار عدیده‌ای می‌باشد که ذیلاً توضیح میدهم.
1- کتاب کربلا یا کانون انقلاب 2- مقاله‌ای در بعثت نبی اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم 3- مقاله‌ای در ارتحال و بزرگداشت مرحوم آیت‌اللّه حجت 4- مقاله‌ای تحت عنوان سعادت واقعی کدام است 5- شرح مرحوم ضیائی دزفولی (مولی محمد رشید) و چندین مقاله دیگر.
سید فخرالدین بن العالم الجلیل والفقیه النبیل حاج سید محمدعلی فیض دزفولی ایشان در سال 1311 قمری از مرحومه علویه بی‌بی ساره بیگم صبیه مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آسید محمدصادق دزفولی فرزند

آسید محمدعلی که برادر عالم عامل عارف آسید صدرالدین کاشف دزفولی صاحب تالیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت‌اللّه آشیخ محمدمهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت‌اللّه آقا سید عبدالمهدی داعی دزفولی استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و آیت‌اللّه آسید ابوالقاسم موسوی دزفولی پسرعموی خود بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید محمدعلی بن امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته و هم فصل دعاوی و خصومات می‌نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.
آنجناب سفری به عتبات عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام به نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج سید اسداللّه فقیه دزفولی (پدر عیال فرزند گرامیش) که مقیم نجف اشرف بودند نموده و در درس مرحوم آیت‌اللّه فیروزآبادی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی قدس اللّه اسرارهم شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.
معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند مانند مرحوم آیت‌اللّه آشیخ حسین آستانه‌ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان) و مرحوم حجةالاسلام عارف و عالم ربانی دائی پدر خود حاج سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجةالاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی روابط معنوی داشتند.
آن مرحوم مضافاً از مقامات فقهی اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه‌شناسی داشت که آن را از دائی خود مرحوم سید محمدعلی سیدالحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه‌شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود. و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد تام و اهتمام تمام داشت.
در سال 1361 قمری برای امر خیر برادرش مرحوم حجةالاسلام آسید محمدمهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنابر توقف و توطن گذارده و قریب ده سال در مسجد حاج ابوالفتح سه راه نایب علی وقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت تا در شب جمعه 12 ذیحجةالحرام 1394 قمری داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنابر وصیتش حمل به قم و در وادی‌السلام در آرامگاه مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدمهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید

و مجالس عدیده‌ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و مرحوم و آیت‌اللّه صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند. عاش سعیداً و مات سعیداً حشره اللّه مع السعداء والشهداء والصالحین و حسن اولئک رفیقا.
از باقیات الصالحات اوست فرزند ارجمندش حجةالاسلام و مروج الاحکام آقای حاج سید علی فیض دزفولی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فیض کاشانی، محسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1091 -1007 ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن ! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.

[1]
(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از 120 می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال 1091 ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایضاح المکنون (701 ،679 ،674 ،613 ،589 ،521 ،508 ،456 ،442 ،400 ،398 ،379 ،378 ،225،226 ،212 ،148 ،132 ،119 ،75 ،63 ،60 ،39 ،19 / 2 ،606 ،559 ،543 ،433 ،408،410 ،363 ،335 ،290 ،287 ،183 ،143 ،93 ،91 ،90 ،54 ،32 / 1)، بحارالانوار (124 / 107)، تاریخ ادبیات ایران، براون (260 / 4)، تاریخ ادبیات در ایران (336 -328 / 5)، تاریخ برگزیدگان(38 -37)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (201 -198)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (555 -551)، تاریخ کاشان (278 -277)، تذکره‌ی روز روشن (641)، تذکره‌ی نصرآبادی (155)، خاته مستدرک الوسایل (236 -235 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1971 / 2)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (258 -254)، دویست سخنور (313 -311)، الذریعه (205 ،99 -98 ،74 ،14 -13 / 25 ،348 ،344 ،406 ،418 ،431 ،23 / 316- 317 ،24 / 97- 98 ،103 ،273 ،376 ،68 ،130 / 187 ،210 ،279- 280 ،303 ،22 / 232231 ،322 ،282 ،286 ،19 / 143 ،210 ،20 / 145- 146 ،259- 260 ،21 / 67- 66 ،65- 45 ،359 ،14 / 247 ،252 ،15 / 5 ،127 ،326 ،374 ،16 / 385 ،393 ،17 / 75 ،18 / 116 ،119 ،119- 120 ،218 ،257 ،281- 44 ،10 -9 / 13 ،203- 202 ،124 ،3 -2 / 12 ،245 / 11 ،854 -853 ،699 ،9 / 282 ،8 / 211 ،38 ،28 / 7 ،146 ،90 / 6 ،193 ،172 ،234 ،400- 403 ،459 ،471 ،481 ،5 / 16- 17 ،82 ،85 ،126،125 ،201 ،189- 188 ،182 ،117 ،115 ،114 ،110- 109 ،106 ،96 / 4 ،116 ،115- 3 / 485 ،484- 425 ،403 ،398 ،349 ،312 ،293 ،261 ،244 ،223 ،212- 211 ،198 ،179- 178 ،124 ،33 / 2 ،424 ،406

284، ،77 ،53 ،24 ،2 / 1)، روضات الجنات (97 -73 / 6)، ریاض العارفین (226 -225)، ریاض العلماء (182 -180 / 5)، ریحانه (379 -369 / 4)، شخصیت‌های نامی (383 -382)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (404 -400)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 492 -491 / 11)، فرهنگ ادبیات فارسی (386 -385)، فرهنگ سخنوران (724)، فلاسفه‌ی شیعه (560 -556)، فوائد الرضویه (642 -633)، الکنی و الالقاب (42 -39 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصحا (49 -48 / 4)، مراقد المعارف (405 -404 / 1)، مستدرک اعیان (309 -308 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (808 -799 / 5)، نتایج الافکار (541)، وقایع السنین و الاعوام (536 -535)، هدیه الاحباب (233).

فیض مرندی، مقصود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1315.
درگذشت: 18 آذر 1369.
مقصود فیض مرندی فارغ‌التحصیل رشته‌ی نمایشنامه‌نویسی از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک است. وی از سال 1341 شروع به همکاری با مطبوعات نمود و به نوشتن داستان‌های فکاهی و ترجمه‌ی آثار ناظم حکمت و عزیز نسین از زبان ترکی پرداخت. در روزنامه‌ی «توفیق» هم با امضای «دیلاق» مطالبی را به چاپ می‌رساند. او همچنین با مجله‌های «سپید و سیاه»، «خواندنیها»، «کاریکاتور»، «اطلاعات هفتگی»، «تهران مصور»، «امید ایران» و برخی نشریه‌های دیگر همکاری می‌کرد.
مرندی دبیر زبان آموزش و پرورش و کارشناس تئاتر کرمانشاه بود و سال‌ها به عنوان معاون هنرستان موسیقی، مجتمع دانشگاهی هنر خدمت کرد. وی در سال 1363 بازنشسته شد.
از ترجمه‌های او می‌توان از خانه‌ی آن مرحوم و آدم عوضی (دو نمایشنامه از ناظم حکمت) و کتاب‌های عزیز نسین نظیر میهمانان خارجی، مرگ مشکوک، پس‌انداز کارمند، یک خارجی در استانبول، جاسنجاقی، مهمان آمریکایی و پرونده‌ی اداری نام برد. او ترجمه‌های مشترکی هم با همسرش پروین صمیمی داشت: وظیفه‌ی ملی؛ اجاره‌نشین؛ زنده باد وطن؛ شهرداد نمونه؛ دم بریده.
مقصود فیض مرندی روز هیجدهم آذر سال 1369 به علت سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فیض، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی فیض
محل تولد : لاهیجان
شهرت : فیض گیلانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله محمدعلی فیض گیلانی در سال 1303 هجری شمسی در یکی از روستاهای لاهیجان و در میان خانواده‌ای متدیّن به دنیا آمد. پدرش دروس حوزوی را تا لمعتین به پایان رسانیده بود و به دلیل عارضه لکنت زبان، به کار کشاورزی می‌پرداخت و از همان راه روزگار می‌گذراند. او که به اخلاص و پرهیزگاری مشهور بود مورد اعتماد مردم روستا و مرجع حل مشکلات و اختلافات آنان بود. استاد فیض گیلانی تحصیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبستان به دلیل هوش سرشار و توانایی بسیار، مورد استقبال معلمان قرار گرفت و با تصمیم آنان تحصیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال 1322 آغاز کرده بود، در مدت کوتاهی دروس مقدمات را به پایان رسانید و در محضر استادان بزرگواری دروس دوره سطح را پی گرفت و پس از اتمام سطوح عالی به درس خارج استادان مشهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصیل خود، همواره در دروس اخلاق شرکت جدی داشت و می‌کوشید علم خود را با عمل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقة بسیار داشت. استاد فیض در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری راه یافت. او مطوّل را در محضر شهید آیة الله مطهری (ره) و سیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیة الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیة الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت. با پایان یافتن دروس سطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیة الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شرکت داشت. استاد اصلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با

تبعید آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شد در دروس دیگر شرکت کند که از جمله آنان درس آیة الله العظمی محقق(ره) بود. استاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاق امام خمینی (ره) شرکت جدّی داشت و با بسیاری از فضلای آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجة الاسلام و المسلمین امینیان ـ امام جمعه آستانه اشرفیه است. استاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حجّ در بعثه امام (ره) خدمات بسیاری را برای حجّاج فراهم آورده و در ساماندهی امر حجّ و آشنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالها در دانشگاهها به تدریس علوم و معارف اسلامی می‌پرداخته، و مدتی نیز نماینده امام (ره) در دانشگاه الزهرا(س) بوده است. استاد فیض چند کتاب تألیف نموده که هنوز به چاپ نرسیده است؛ از جمله آنان تاریخ و زندگی عالمان لاهیجان است. استاد فیض گیلانی در سالهای حکومت خاندان پهلوی، فعالیتهای مبارزاتی بسیاری را به انجام رسانیده است. او که خود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسیاری شرکت کرده است. او در زمان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خدمت امام (ره) قرار داد. این قضیه، مدتی پس از تبعید امام(ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلاب نیز در عرصه‌های گوناگونی به خدمت پرداخت. او در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

فیضی طالب، عزیز

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزیز فیضی طالب
محل تولد : الشتر لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عزیز فیضی طالب در خانواده ای روستایی با آداب و سنن مذهبی سنتی در اسفند ماه 1344 شمسی چشم به جهان گشودم. دوران ابتدایی را همزمان با اعزام سپاه دانش به مناطق روستایی و عشایری کشور در سال 1351 شمسی آغاز نموده و در سال 1355 شمسی تحصیلات ابتدایی را با موفقیت سپری کردم. دوره راهنمایی را با تشویق برادرم آغاز کرده و برای صعود از نردبان ترقی علمی از روستای زادگاه خود مهاجرت نموده و به شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) هجرت نمودم و تا پایان دوران متوسطه در آن دیار به تحصیل مشغول بودم که به علت اوج جنگ تحمیلی به مدت دو سال و چهار ماه در مناطق جنوب مشغول سپری کردن دوران خدمت وظیفه بودم، همین ایام در امتحان ورودی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت نموده و در آن آزمون رتبه قبولی کسب نمودم و عملا در آبان ماه 1367 تحصیل دورس حوزوی را با شیوه جدید در دانشگاه علوم اسلامی رضوی (مشهد مقدس) آغاز کردم و علاوه بر دروس پایه به مکالمه زبان انگلیسی و عربی تسلط نسبی پیدا نمودم. در سال 1372 همزمان با مهاجرت از شهر مشهد مقدس به قم در کنکور سراسری شرکت و در رشته حقوق دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال 1376 موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی گردیدم. پس از یک سال وقفه در سال 1378 در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی پذیرفته شده و در سال 1382 از پایان نامه کارشناسی ارشد که بررسی فقهی ـ حقوقی مبانی ریاست شوهر نام داشت، دفاع کردم. در فاصله 1367 تا 1382 پایه و اساس تحصیلات، دروس حوزوی بود و فعالیتهای دانشگاهی در وضعیت جانبی قرار داشت. در سال 1379 در آزمون ورودی کانون وکلای مرکز شرکت کردم که پس از موفقیت در آزمون ورودی دوره کارآموزی را سپری کرده و در اختبار کتبی و شفاهی نیز رتبه قبولی

دریافت کردم و در 20/9/1382 پروانه پایه وکالت دادگستری را اخذ نمودم که اکنون با محور قرار دادن دروس حوزوی از پروانه وکالت به عنوان ابزاری برای ارتباط با عالم نظر و عمل بهره می گیرم.

فیوضات، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1305 ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در تبریز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیمه، در مدارس تبریز به معلمی پرداخت. در 1326 ق مدرسه‌ی فیوضات را تأسیس کرد و مدتی نیز مدیر مدرسه بود. فیوضات در انتشار روزنامه‌ی «تجدد» با شیخ محمد خیابانی همکاری داشت و به نویسندگی در آن می‌پرداخت. در دوره‌ی چهارم به نمایندگی مجلس انتخاب شد، سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید. از آثار وی: «الفبای ذهنی»؛ «فیزیک جدید»؛ «مضرات نوشابه‌ی الکلی و دخانیات»؛ «منهاج النجاه فی تفسیر الصلاه».[1]
فرهنگی پرتلاش، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی انقلابی، نماینده‌ی مجلس و مرد خیر، در 1267 ش در تبریز چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی خود را در مکتبهای علوم دینی آغاز کرد و بعد وارد مدرسه‌ی رشد و قدس شد و پس از فراغت تحصیل در همان مدارس به شغل معلمی پرداخت و در 1287 در سن بیست سالگی دبیرستان فیوضات را دائر کرد. در 1289 با مدرسه‌ی حیات که توسط انجمن معارف تبریز دائر شده بود در یکدیگر ادغام شدند. در این واحد فرهنگی قریب 40 نفر از دانش‌آموزان یتیم را جمع‌آوری و از آنها نگهداری می‌کردن. پس از یک سال مدرسه‌ی حیات از مدرسه‌ی فیوضات منفک گردید و مدرسه‌ی فیوضات با همان وضع سابق به حیات فرهنگی خود ادامه داد.
در آن ایام دولت فرانسه سالیانه هزار فرانک به کنسولگری خود در تبریز پرداخت می‌کرد که به مدرسه‌ی کاتولیکها او مدارس ملی ایران که زبان فرانسه را به محصلین خود تدریس می‌کردند کمک می‌کرد. در 1290 ش کنسول فرانسه در تبریز از مدرسه‌ی فیوضات بازدید کرد و چون نظم و ترتیب مدرسه مورد توجه او واقع شد ، تمام کمک دولت فرانسه را در اختیار فیوضات قرار داد که به هر نحوی که مقتضی است بین مدارس تقسیم کند. در جنگ بین‌الملل اول، فیوضات برای حفظ مدرسه و جان و مال شاگردان مستقیما تحت نظارت کنسولگری فرانسه قرارگرفته و نام مدرسه به فرانکوپرسان تبدیل شد. مدرسه‌ی فیوضات در سال 1291 دولتی شد و دولت ماهیانه دویست تومان مقرری برای آن در نظر گرفت.
ابوالقاسم فیوضات ضمن خدمات فرهنگی چشمگیر خود از همفکران و همرزمان شیخ محمد خیابانی بود و در جنبش خیابانی در صف اول

آزادیخواهان قرار داشت و روزنامه‌ی تجدد را منتشر می‌کرد.
فیوضات در دوره‌ی چهارم مجلس شورای ملی که انتخابات آن در دوران صدارت وثوق‌الدوله انجام گرفت، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مجلس چهارم پس از یک دوره طولانی فترت در سرطان 1300 افتتاح گردید و فیوضات نیز به تهران رفت و در مجلس یکی از مدافعان فرهنگ و توسعه‌ی آن در کشور شد.
پس از پایان دوره‌ی چهارم با سمت ریاست فرهنگ آذربایجان به تبریز بازگشت و نخستین اقدام وی تاسیس کودکستان در تبریز بود که به دست جبار باغچه‌بان انجام گرفت.
فیوضات پس از مدتی از ریاست فرهنگ آذربایجان به ریاست فرهنگ فارس گمارده شد و مدت شش سال خدمت فرهنگی چشمگیری در آن استان انجام داد. چندی هم مدیر کل فرهنگ خراسان بود و بار دیگر به ریاست فرهنگ فارس برگزیده شد و مدتی طولانی ریاست اداره کل اوقاف کشور به او سپرده شد و سرانجام به معاونت وزارت فرهنگ منصوب شد. بالاخره پس از 83 سال عمر که تماما در خدمات فرهنگی سپری شد در 1349 در تهران درگذشت. مرحوم فیوضات تالیفاتی نیز در زمینه‌های علمی و ادبی به فرهنگ ایران ارائه داده است. از همچنین به زبانهای فرانسه و عربی تسلط داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (3031 ،2496 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (274 -273 / 1).

قادرپور، شایسته

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران تاریخ تولد:63/1/21
سال آغاز هنر شطرنج:1373
رنگ مورد علاقه:سفید
آرزوی طلایی:عنوان استاد بزرگی مردان
مشوق اصلی:مادرم،پدرم و همسرم
مهره ی مورد علاقه:همه ی مهره ها را به یک اندازه دوست دارم.
مدرک تحصیلی:کامپیوتر گرایش به نرم افزار دانشگاه آزاد
به جز شطرنج علاقه دارم به :موسیقی پاپ
تاثیر شطرنج بر روی زندگی:به من صبر می دهد.
مربیان:مرحوم بنکدار،آقای مومنی،آقای خاکپور،استاد هرندی،آقای قائم مقامی
شطرنج را چه رنگی میبینید:سفید
فصل مورد علاقه:بهار
مقام های کسب شده:نایب قهرمان زون غرب آسیا،کسب استادی بین المللی در سال 80،قهرمان مسابقات ابوظبی ، دو بار قهرمان کشور در سال های 76 و 81،نایب قهرمان کشور در سال 85،مقام تیمی دوم دانشجویان جهان در نیجریه،مقام سوم تیمی دانشجویان در ترکیه
حرف آخر:آرزوی موفقیت برای همه ی شطرنجبازان!!

قادری سهی، بهزاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهزاد قادری سهی درسال 1331 در شهر زاهدان دیده به جهان گشود. بعد از کلاس اول ابتدایی در زادگاهش به شهر کرمان رفتند و سه سال در آنجا بودند بعد به شهر بجنورد رفتند و سال پنجم تحصیل خود را در آن شهر سپری کردند.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی گرایش : ادبیات نمایشی والدین و انساب : پدر بهزاد قادری سهی اصفهانی و مادرش اهل سیستان بودند.پدرش همردیف بود؛ یعنی در پست مهندسی ارتش و با لباس شخصی مسئولیت فنی موتورهای برق و آب مناطق را بر عهده داشت. مادرش خانه دار است و از طایفه توکلی های سیستان و بلوچستان است.خاطرات کودکی : خاطرات کودکی بهزاد قادری سهی به زبان خودش: شش سال اول زندگی را در زاهدان زندگی کردم. از همان کودکی با پدرم به سفر می رفتم.. شب های کویری و خرگوش هایی که نور چراغ اتومبیل آن ها را چراغی می کرد، وهم شب های کویر و جیغ و زوزه حیوانات و آدم ها. آنچه سخت در ذهنم جا خوش کرده روز اول دبستان بود، در نمی دانم کجای زاهدان.. سرگشته، از کلاسی به کلاسی دیگر می رفتم. در یک کلاس نقشه پلاس جهان بود: می خواستم بدانم من کجای این جهان هستم ! دلهره ای همراه ناامیدی اما شیرین. بعد ها، خودم که به کلاس پنجم رسیدم برای درس جغرافی زمین را نقش زدم که معلمم، آقای عبدالرمضانی، خیلی تشویقم کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد قادری سهی بعد از گذران تحصیلات اولیه خود در شهرهای زاهدان ، کرمان و بجنورد، مقاطع تحصیلات لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، 1354گذراند و فوق لیسانس ادبیات آمریکا، دانشگاه شیراز، شیراز، 1357طی کرد، و دکترای ادبیات نمایشی قرن نوزده و سه دههٔ 1960-1990دربریتانیا به اتمام رسانید.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع تحصیل بهزاد قادری سهی به زبان خود او: آن روز ها رشته پزشکی خیلی طرفدار و اعتبار داشت. من در کنکور که شرکت کردم، انتخاب اولم زبان وادبیات انگلیسی دانشگاه مشهد بود. وقتی هم که از امتحان برگشتم، به مادرم گفتم، "کاسه بشقاب من را آماده کن، دارم میرم مشهد" ! ولی وقتی قبول شدم، فوج دوستان پیش پدرم رفتند که نگذارد من در رشته ادبیات انگلیسی درس بخوانم. ولی او گفته بود، "هرچه خودش می خواهد." خاطره خوشی که از این

دوران دارم، به ویژه دوره کارشناسی، بیرون آمدن از کتابخانه دانشکده همراه با رفتگر و در دیر وقت شب هاست. فعالیتهای ضمن تحصیل : بهزاد قادری سهی تنها مطالعه می کرد و در عین حال تدریس هم می کرد. در دوره کارشناسی ارشد، در شیراز، دانشکده اش کنار حافظیه بود .استادان و مربیان : از استادان بهزاد قادری سهی در دوره تحصیلات تکمیلی به شرح زیر است: دوره کارشناسی: دکتر قنادان، دکتر فرخ، خانم شایگی، استاد حدیدی، استاد صدر، استاد برادران رفیعی دوره کارشناسی ارشد: دکتر بالیتاس، دکتر ویلیام هاروی، استاد یارمحمدی، استاد ابجدیان دوره دکتری: راجر هاوارد، پیتر هیوم، الین جوردن، آنجلا لیوینگستن هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر بهزاد قادری سهی می توان به دکتر علیرضا امامی، دکتر علیرضا انوشیروانی، دکتر هادی کامیابی، دکتر فارسیان، دکتر جهانبخش لنگرودی اشاره نمود.همسر و فرزندان : بهزاد قادری سهی ازدواج کرده و حاصل این ازدواج چهار فرزند است که: دو پسر (سیاوش و سعید) و دو دختر (مریم و مهردیس). سیاوش در شهریور 86 تخصصش را در رشته پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران تمام می کند؛ سعید کارشناسی ارشد عمران را تمام خواهد کرد؛ مریم در رشته کارشناسی ارشد گیاهپزشکی درس می خواند و مهردیس دارد خودش را برای ورود به مراحل دیگر زندگی آماده می کند.وقایع میانسالی : شهادت برادر بهزاد قادری سهی به نام حیدرعلی قادری سهی، در سوسنگرد در سال 1360. در گذشت پدرم در سال 1382 در شهرستان بجنورد. انتقال از دانشگاه شهید باهنر کرمان به دانشگاه تهران در سال 1384.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : 1-سرپرستی کتابخانه ملی کرمان در بدو تاسیس 2-سرپرستی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان 3-معاونت آموزشی دانشکده هنر، دانشگاه کرمان 4-عضو هیات تحریریه نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی 5-عضو شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات انگلیسی 6- عضو هیات امنای تئاتر کرمان به مدت دو سال 7- عضو هیات ممیزه دانشگاه های جنوب شرق ایران 9-عضو هیات تحریریه نشریه پژوهش زبان های خارجی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران 10- عضو مرکز ایبسن شناسی دانشگاه اسلو-نروژ فعالیتهای آموزشی : 1- تدریس دروس نقد ادبی، نمایشنامه، مکتبهای ادبی، اصول و روش ترجمه، شعر، رمان، داستان کوتاه و نثر انگلیسی در دانشگاه کرمان از مهر ماه 57 تا 84. 2-تدریس همین دروس در دانشگاه آزاد کرمان. 3- تدریس همین دروس در دانشگاه ولی عصر(عج) رفسنجان (به مدت چهار ترم) 4- تدریس دروس فوق و نیز دروس کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران 5- تدریس دروس عصر روشنگری، عصر رمانتیسیسم، و نمایشنامه قرن نوزدهم در مقاطع

کارشناسی و کار شناسی ارشد در دانشگاه Essex انگلستان از سال 1372 تا پایان تحقیقاتِ دورهُ دکتری (1376). 6- شرکت در تدوین برنامه دوره دکتری زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : 1-پژوهش در زمینه ادبیات نمایشی 2-ترجمه و تالیف مقاله و کتاب 3-راهنمایی پایان نامه و تشویق دانشجویان به استخراج مقاله از آن ها شاگردان : 1-دکتر پیرنجمالدین، دانشگاه اصفهان 2-دکتر امید طبیبزاده، دانشگاه همدان 3-دکتر طاهره احمدیپور، دانشگاه ولی عصر (رفسنجان) 4-دکتر محمد حسن حفیظی، دانشکاه فلوریدا، آمریکا 5-دکتر محمد شهابی، دانشگاه آزاد کرمان 6-دکتر آزاد منش، دانشگاه آزاد کرمان 7-خانم ناهید فخرشفایی، دانشگاه شهید باهنر کرمان 8-خانم زهرا میهنخواه، دانشگاه شهید باهنر کرمان (مرحوم) 9-دکتر رضا پاشا مقیمی، دانشگاه آزاد کرمان همفکران فرد : 1-آقای اکبر رادی، نمایشنامه نویس 2-آقای جلال ستاری، نویسنده و منتقد 3-خانم لاله تقیان، نویسنده و منتقد 4-آقای یدا... آقاعباسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان 5-دکتر حسین پیرنجم الدین، دانشگاه اصفهان 6-دکتر محمد مرندی، دانشگاه تهران 7-دکتر آزبیورن اورشیث، دانشگاه برگن-نروژ 8-دکتر کنوت برینتسول، دانشگاه اسلو- نروژ 9-دکتر فروده الان، دانشگاه اسلو-نروژ 10-دکتر ویگدیس استا، دانشگاه اسلو-نروژ 11-دکتر پیتر هیوم، دانشگاه اسکس-انگلیس 12-دکتر توماس برتونیو، دانشگاه دولتی نیویورک 13-دکتر جون تمپلتن، دانشگاه نیویورک 14-دکتر کاری مایزر، دانشگاه پنسیلوانیا آرا و گرایشهای خاص : گرایش به مکتب رمانتیسیسم، شیوه جدلی هگلی و تکیه بر ایبسن به عنوان یکی از جدلی اندیشان دوران مدرنجوائز و نشانها : 1-استاد نمونه دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال 1376 2-لوح تقدیر برای ترجمه متون نمایشی در استان کرمان در سال 1378 3-نمایشنامه مرد یخین می آید به عنوان ترجمه برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: 26 شهریور ماه 84. 4-ترجمهٔ مرگ تراژدی به عنوان پژوهش و ترجمهٔ برتر در نخستین جشن ادبیات نمایشی کانون نمایشنامهنویسان خانه تئاتر، تهران: 26 شهریور ماه 84. 5-لوح سپاس از سوی سفارت نروژ در تهران و مرکز هنرهای نمایشی در سال 1385 برای پژوهش در باره آثار ایبسن. 6-با چراغ در آینه های قناس، نوشته بهزاد قادری، نشر قطره، 1384، به عنوان کتاب برتر سال در میان کتب دانشگاهی در سال 1384. چگونگی عرضه آثار : بهزاد قادری سهی بیش از 19 طرح نمایشنامه را ترجمه کرده است و عهده دار 10ترجمه مقاله را داشته، وی 39 مقاله در عنوانهای مختلف ارائه داده است.آثار : 1 Theatres of the Mind ویژگی اثر : B. Ghaderi Sohi,: Revolutions and British Drama, New Delhi, Bahri

Publications, 2002.2 ایبسن ویژگی اثر : بهزاد قادری: آرمانشهر و آشوب، زیر چاپ3 با چراغ در آینه های قناس ویژگی اثر : بهزاد قادری، ادبیات نمایشی رمانتیسیسم و تئاتر پسا-مدرن، تهران: نشر قطره، 1384.4 گذر از تئاتر ارسطویی به درام پسا-مدرن، کرمان ویژگی اثر : بهزاد قادری، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان، 13825 مرگ تراژدی ویژگی اثر : جورج اشتاینر، زیر چاپ. تهران: مرکز هنر های نمایشی. این کتاب بررسی نسبتا جامعی است در باره زوال تراژدی از یونان باستان تا دهه 60 قرن بیستم و یکی از کتب بسیار ارزشمند و مرجع برای دانشجویان و علاقمندان به هنر تئاتر و نمایشنامه نویسی است.6 هر کسی را اصطلاحی داده اند ویژگی اثر : بهزاد قادری، شش گفتار پیرامون ترجمه متون نمایشی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، 1382

قاسمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1280 ش)، نویسنده و مترجم. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطن خود گذراند و سپس برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. بعد از فراغت از تحصیل در وزارت فرهنگ عهده‌دار مشاغلی چند از جمله: دبیر دبیرستانهای اصفهان، ریاست دبیرستان کرمان، ریاست چند دبیرستان در تهران، ریاست دفاتر دانشسرای عالی دانشکده علوم و ادبیات، ریاست فرهنگ شهرهای یزد و همدان و کرمانشاه شد. از آثار وی: «این جنگ عجیب آن طور که من دیدم»، ترجمه؛ «بیماری کودکی کمونیسم»، ترجمه؛ «منشأ خانواده و دولت»؛ «حزب توده‌ی ایران چه می‌گوید و چه می‌خواهد»؛ «چند موضوع از اقتصاد»؛ «جامعه را بشناسید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3163 / 2، 1156، 1118، 1002، 563، 426 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (434 -433 / 1).

قاصر زهانی قاینی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، عالم، ادیب، نویسنده و شاعر. مشهور به قاصر. اصل وی از زهان قاین است. تحصیلات خود را در زهان قاین و مشهد به پایان رساند. وی در ایام اقامت خویش در مشهد در مدرسه‌ی خیراتخان با شاعر مرثیه‌سرا عبدالجواد جودی (م 1302 ق) آشنا شد. از آثارش: «تذکره الباکین»؛ «دیوان» شعر؛ کتابت و ترمیم نسخه‌ای از «مثنوی» مولوی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (422 -420).

قاضی اصفهانی، ابوطالب محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 585 ق)، مدرس، خطیب، محدث و فقیه شافعی. نزد محیی‌الدین محمد بن یحیی شهید فقه آموخت، و در خلاف نامی شد، و در این طریقه «تعلیقه»ای نگاشت که گویای فضل و برتری وی بر بسیاری از همگنان اوست. او بین فقه و تحقیق جمع کرد. در تدریس یکی از اعجوبه‌ها به شمار می‌آمد. او مدتی در اصفهان تدریس کرد.در وعظ و خطابه نیز چیره‌دست بود. از آثارش «تعلیقه» و «طریقه»، در خلاف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (299 / 1)، سیر النبلاء (227 / 21)، شذرات الذهب (284 / 4)، معجم المؤلفین (182 / 12)، وفایت الاعیان (174 / 5)، هدیه العارفین (404 / 2).

قاضی رئیس نسوی، ابوعمرو، ابوعمر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(478 -378 ق)، قاضی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، مفتی، ادیب و شاعر. در نسای خراسان به دنیا آمد و در آنجا نشوونما یافت، و از قاضی حسن دامانی نسوی فقه آموخت. سپس به عراق و مصر و شام و مکه مسافرت کرد و تحصیل علم نمود و از ابو بکر حیری و ابواسحاق اسفراینی در نیشابور و ابوذر هروی در مکه و ابن‌نظیف در مصر و ابوالحسن علی بن موسی سمسار در دمشق و ابومعمر اسماعیلی در گرکان حدیث شنید.او مجالس املای حدیث برپا کرد و درباره‌ی احادیث سخن گفت.ابوعبدالله فراوی و عبدالمنعم قشیری و دیگران از وی روایت کردند. وی مورد اعتماد سلجوقیان بود و در رسالت‌های مهم از وی استفاده می‌کردند. امیر طغرل بیگ او را به دارالخلافه‌ی بغداد فرستاد و وی از جانب ملک‌شاه سلجوقی مأموریت یافت تا دختر خلیفه را خواستگاری کند. القائم بامرالله او را عهده‌دار امر قضاوت خوارزم کرد و به وی لقب أقضی القضات بخشید. اهل خوارزم از وی حدیث روایت کرده‌اند. او دارای آثاری در زمینه‌ی «فقه» و «تفسیر» بود. وی در ادبیات نیز مهارت داشت و شعر می‌گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (64 / 7)، سیر النبلاء (478 -477 / 18)، طبقات المفسرین الداوودی (181 -178 / 2).

قاضی زاده، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم قاضی زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال 1356 (16 سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شد. همراه با انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال 1366 به درس خارج اساتید حوزه حاضر شد. وی تا سال 1380 (به مدت 15 سال) از دروس خارج حوزه بهره برد. اهم اساتید وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمد فاضل لنکرانی و آیت الله وحید خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخذ مدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال 1377 که در سطح تایید تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شد. وی درسال 1371 همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال 1360 تدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امام زین العابدین و مدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تدریس بوده و هست. هم اکنون پنج سال است که به تدریس خارج فقه اشتغال دارد. از سال 1380 نیز تدریس در دانشگاه را آغاز کرد و هم اکنون در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز

اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم قاضی زاهدی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال 1333 شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینیه در سال 1349 شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه واصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی قدس سره و نجفی مرعشی تا پایان عمر شریفشان از ابحاث فقهی مستضعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحید خراسانی مدظله العالی استفاده و تقریرات ایشان را به رشته تحریر در آورده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و اکنون به عنوان یک واعظ نامی کشور در اکثر شهرهای ایران منبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجالس سنگین ادای وظیفه اسلامی نمایم و از طریق منبر و خطابه خدمات ارزنده و چشمگیری نموده چند سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی سعید، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1103 -1049 ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی و ملا رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در 1099 ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (344 / 9)، تاریخ ادبیات در ایران (340 / 5 -336)، الذریعه (132 / 18، 341 -340 / 16، 154 -153 / 13، 49 / 1 -417، 418 -436، 437 / 2، 51 / 4، 479 / 6، 12، 111، 391 / 7)، روضات الجنات (12 -10 / 4)، ریاض العلماء (285 -284 / 2)، ریحانه (413 -412 / 4، 59 / 2)، الکنی و الالقاب (52 / 3)، معجم المؤلفین (38 / 10).

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1290 ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از 1334 ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[1]
ادیب، مدرس.
تولد: 1295.
درگذشت: 18 اسفند 1364، تهران.
سید حسن قاضی طباطبایی از سال 1334 متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (1351) و تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، 1349 و 1350).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] نشر دانش (س 6، ش 3، ص 88).

قاضی طباطبایی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی.
تولد: 1289(1331 ق.)، تبریز.
شهادت: 10 آبان 1358، تبریز.
آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسه‌ی طالبیه تبریز و نیز پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.
ایشان در سال 1347 ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضاشاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید، مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال 1359 ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم استفاده برد از جمله فلسفه و خارج علل اصول را از امام خمینی (ره) فراگرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای فراگرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.
آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال 1327 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.
در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به ویژه در فاصله 1331 تا 1341 در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال 1342 ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل قلعه‌ی تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزای وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران

ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می روند تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.
وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آنجا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازه رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه‌روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر 1343 پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.
مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزه خود را علیه نظام پهلوی به ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال 1347، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید. پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجددا در تیر 1348 به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیز به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان بازگرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعه‌ی وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان 1348 به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر 1348 به تبریز مراجعت کرد.
در تبریز در کنار تدریس و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائما تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال 1356 در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.
با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعه تبریز

منصوب و به عنوان نماینده حضرت امام (ره) در تبریز انتخاب شد.
عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: الاجتهاد و التقلید (عربی و خطی)؛ الفوائد (فقهی و تاریخی)؛ خاندان عبدالوهاب (فارسی، خطی)؛ کتاب فی علم الکلام (عربی، خطی)؛ فصل الخطاب فی تحقیق اهل الکتاب (عربی خطی) ؛ السعاده فی الاهتمام علی الزیارة (عربی، خطی)؛ اجوبة الشبهات الواهیه (فارسی، خطی)، رسالة فی اثبات وجود الامام (ع) فی کل زمان (عربی، خطی)؛ سفرنامه بافت (فارسی، خطی)المباحث الاصولیه (عربی، خطی)؛ حاشیه بر رسائل و مکاسب شیخ مرتضی انصاری و کفایة الاصول محمدکاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ تاریخ قضاء در اسلام؛ صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهر علیهماالسلام؛ حدیقة الصالحین؛ رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، رساله در اوقات نماز؛ رساله در نماز جمعه، رساله در مباهله، رسالة فی مسألة التربت؛ تعلیقات بر کتاب فردوس اعلی تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب انوار نعمانیة تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمه مفصل، تعلیقات و مؤخره بر تفسیر جوامع الجامع (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب اسلام صراط المستقیم (فارسی و مطبوع)؛ آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره (فارسی ومطبوع) تعلیقات بر کتاب کنزالعرفان (عربی و خطی)، مقدمه بر کتاب صحائف الابرار کاشف الغطاء (ره)، مقدمه بر تنقیح الاصول مرحوم متوفی، مقدمه بر کتاب مرآت الصلوة، پیشگفتار بر علم امام علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب معجزه و شرایط آن تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب جنة الماوی اثر کاشف الغطاء؛ اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیة اثر علامه حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر انیس الموحدین اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام (ع) به زبان عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر العقائد الوثنیه فی الدیانة النصرانیه اثر محمد طاهر التنیر، چاپ بیروت (این کتاب در سال 1391 ق. در تهران افست گردید)؛ ترجمه مسائل قندهاریة (اثر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات متعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).
اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌اند: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمدباقر طباطبایی؛ بانو علویه هاشمیه؛ آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ آیت‌الله سید صدرالدین صدر موسوی؛ علامه محمدحسین کاشف الغطاء آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام

خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بجنوردی آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسینی شاهرودی؛ آیت‌الله عبدالنبی عراقی؛ علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.
آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهم آبان 1358 توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.
سید محمد علی قاضی طباطبائی ابن العلامه العلام حاج میرزا باقر آقای قاضی بن السید الجلیل و الفقیه النبیل آیه الله حاج میرزا محمد علی بن العلامه الکبری آقا سید میرزا محسن آقای قاضی طباطبائی که ابا عن جد از علماء و اساتید بزرگ تا بحضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام بوده و شرح سلسله نسب ایشان در کتاب خاندان (عبدالوهاب) مشروحا بیان شده است.
وی در سال 1333 قمری در تبریز متولد و در مهد علم و شرف نمو یافته و پس از رشد و تربیت در حجر مرحوم والد ماجد خود و استفاده خصوصی از ایشان و عم گرامش مرحوم آیه الله حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبائی متوفی 1348 قمری وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی را با سطوح عالی نزد مرحوم والد مکرم خوانده و در سال 1357 در موقع انقلاب و شورش اهالی تبریز به اتفاق والدش تبعید به تهران و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مراجعت به تبریز نموده تا سال 1359 که برای تکمیل مبانی علمی به حوزه قم مشرف شده و از محضر اساتید بزرگ حوزه چون آیه الله گلپایگانی بقیه متون فقه و اصول را خوانده و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفته و پس از آن از محضر مرحوم آیه الله حجت فقها و اصولا و هم درایه و رجال و غیر این‌ها را استفاده نموده و هم از محضر آیه الله صدر و پس از ورود آیه الله بروجردی پنج سالی هم از دروس آن جناب بهره‌مند شده تا سال 1369 قمری که مشرف به نجف گردیده و در آنجا از محضر آیه الله حکیم و آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء استفاده‌های متنوع از فقه و اصول و حکمت و غیره نموده تا اواخر سال 1372 که روی بعضی از دسایس دشمنان دین مراجعت به تبریز و به انجام وظائف و خدمات و مجاهدات و مبارزات با بیدادگران و اقامه جماعت و غیر آن پرداخته است.
آن جناب از غالب مراجع عظام و مشایخ کرام عصر حاضر از اساتید و غیر هم دارای اجازات جامع روایتی و غیره می‌باشد که برای اختصار از درج آن خودداری می‌نمایم.
تألیفات و آثار قلمی ایشان از مطبوع و غیره بقرار ذیل است:
1- رساله فارسی در ترجمه آخوند ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد 2- تقریرات اصول آیت الله حجت. 3- تقریرات فقه آن مرحوم. 4-

تاریخ قضاء در اسلام بفارسی 5- کتاب صدقات امیرالمؤمنین و صدیقه طاهره علیهماالسلام بفارسی 6- حدیقه الصالحین که در ج 6 کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه ص 378 ذکر شد 7- تقریرات دروس اساتید نجف 8- المقالات مجلدیست مشتمل بر مقالات عربی که تدریجا در مجله (الفرمان) مطبعه صید المنان منتشر شده. 9- خاندان عبدالوهاب تراجم انساب خود آن جناب. 10- رساله در شرح و تحقیق درباره حدیث شریف (من صام یوما فی سبیل الله تعالی کان کعمل سنه یصومها) 11- الاجازات که مشتمل بر اجازه علماء و فوائد بسیاریست 12- ترجمه مسائل قندهاریه از تصانیف آیه الله کاشف الغطام مد ظله رحمه الله.
13- کتابی درباره تحقیق از هر کتاب که عبادت از کدام طوائف‌اند و راجع بنجاست اهل کتاب و راجع بانبیاء از نظر اسلام.
14- تعلیقات بر انوار نعمانیه طبع تبریز در 4 جلد.
15- تعلیقات و اضافات بر کتاب انیس الموحدین علامه نراقی که بطبع رسیده است
16- کتابی درباره تعیین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام
17- رساله بسیار لطیفی عربی در اثبات وجود امام علیه‌السلام در هر زمان.
18 سفرنامه بافت.
19- الفوائد در مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی و غیره در جلد بزرگی.
(1333- شهادت 1399 ق)، فقیه، عالم امامی و شاعر. نسب وی به حضرت امام حسن (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. از محضر پدرش، میرزا باقر، و عمویش، حاج میرزا اسدالله قاضی طباطبایی، استفاده نمود. در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز مقدمات و ادبیات و سطوح اولیه و وسطی یا سطوح عالی را نزد پدرش خواند. در 1357 ق به هنگام انقلاب و شورش اهالی تبریز به همراه پدرش به تهران تبعید شد و پس از چند ماه توقف در تهران و ری مجددا به تبریز بازگشت. در 1359 ق برای تکمیل مبانی. علمی به حوزه‌ی قم رفت و در محضر استاتیدی چون آیت‌الله گلپایگانی فقه و اصول را خواند و معقول را از محضر آیات دیگر فراگرفت. پس از آن از محضر آیت‌الله حجت در فقه و اصول و درایه و رجال و از محضر آیت‌الله صدر و همچنین به مدت پنج سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. در 1369 ق به نجف رفت و از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در فقه و اصول و حکمت و غیره استفاده نمود، و از اساتیدش صاحب اجازه بود. در 1372 ق به تبریز بازگشت، و به وظایف دینی و اقامه جماعت مشغول

شد. از آثار وی: «تقریرات اصول» آیت‌الله حجت؛ «تقریرات فقه» آیت‌الله حجت؛ «تاریخ قضاء در اسلام»، به فارسی؛ «حدیقه الصالحین»؛ «المقالات»، مجلدی مشتمل بر مقالات عربی؛ ترجمه‌ی «مسائل قندهاریه» آیت‌الله کاشف الغطاء؛ «الفوائد»، مشتمل بر «مطالب علمی و فوائد فقهی و تفسیری و رجالی؛ تعلیقات و اضافات بر کتاب «انیس الموحدین» علامه نراقی؛ «تحقیق درباره‌ی روز اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)»، که در تألیف آن از بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب استفاده شده است.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] الذریعه (388 -387 / 6)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 8، ص 43)، گنجینه‌ی دانشمندان (325 -322 / 3).

قاضی عسکر، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی قاضی عسکر
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/3/5
زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با 23 رمضان المبارک 1373 هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمائی را نیز در مدرسه احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن 15 سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم. دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگواری از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسلمین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در دروس خارج آیت الله فاضل لنکرانی، آیت

الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در دروس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در دروس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم درحادثه 15 خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاضی، نعمت‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1303.
درگذشت: 1375.
از نعمت‌الله قاضی که نام مستعار در برخی از آثار «شکیب» بود، آثار زیر به جای مانده است: اسلام از دیدگاه تاریخ (تهران، 1367)؛ ایل قاجار در پهنه‌ی تاریخ ایران (1370)؛ برگزیده‌ای از دیوان پروین اعتصامی (تبریز، 1367)؛ به سوی سیمرغ: منظومه منطق الطیر (اثر شیخ عطار نیشابوری به نثر پارسی، با مقدمه، پاورقی، فهرست و چند بحث انتقادی، تهران، 1362، 1369)؛ عشق و مرگ پوشکین (مجموعه چند داستان؛ تهران، 1370).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قاضی‌زاده‌ی اردبیلی، ظهیرالدین کبیر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 930 ق)، عالم، ادیب، فقیه و شاعر. پس از جنگ چالدران سلطان سلیم در بازگشت از تبریز وی را به همراه اسیران با خود به روم برد. وی در نزد او مقام و رتبتی یافت و «وفیات الاعیان» ابن‌خلکان را برای وی به فارسی ترجمه کرد. قاضی‌زاده در انشاء، شعر و خط توانا بود. چون به عقاید شیعه‌ی امامیه گرایشی پیدا کرد او را گرفتند و کشتند و سرش را بر دروازه‌ی زویله قاهره آویختند. از آثارش: ترجمه «وفیات الاعیان»، که در «معجم المؤلفین»، «مختصر وفیات الاعیان» ذکر شده؛ «تاریخ سلطان سلیم»؛ «دیوان» شعر. در «کشف الظنون» اظهرالدین اردبیلی و کبیر بن اویس لطیفی، مشهور به قاضی‌زاده، با احتمال این که یکی باشند جدا از هم ذکر شده‌اند. در «شذرات الذهب» و «معجم المؤلفین» ظهیرالدین قاضی‌زاده اردبیلی بدون ذکر نام و نام پدر آمده است.[1]
اردبیلی، ظهیرالدین، دانشمند اوایل قر. 10 ه. (مقت. 930 ه.ق). وی تا هنگام تصرف تبریز توسط سلطان سلیم عثمانی در آن شهر به تدریس مشغول بود و همراه سلطان مذکور به استانبول رفت و در آنجا برای وی مقرری تعیین شد. سپس به مصر رفت و در سرکشی احمد پاشا به هواداران او پیوست و همراه وی کشته شد. در شعر و انشاء و خوش‌نویسی دست داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان آذربایجان (250 -249)، الذریعه (870 -869 / 9)، شذرات الذهب (173 / 8)، فرهنگ سخنوران (735)، کشف الظنون (2019)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده اردبیلی)، مجالس النفائس (397 -396)، معجم المؤلفین (48 / 5).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(988 -918 ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در 963 ق به قضاوت حلب، در 971 ق به قضاوت استانبول و در 974 ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در 983 ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در 985 ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (721، 620 / 2)، روضات الجنات (378 -375 / 1)، ریحانه (409 -408 / 4)، شذرات الذهب (415 -414 / 8)، کشف الظنون (2034، 2030، 2022، 1766، 498، 348)، الکنی و الالقاب (49 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (171 / 2)، هدیه الاحباب (215).

قایقران، سیروس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیروس قایقران : محل تحصیلات : بندر انزلی - شغل پدر : کارمند تربیت بدنی - شغل مادر : خانه دار - دارای 4 برادر به اسامی آقایان عبدا... ، ناصر ، نادر و حسین و دارای 2 خواهر - فرزند وی راستین قایقران متولد 6/1/1369 ، در حادثه رانندگی فوت نمود. همسر وی خانم افسانه اسدان می باشند. عضو باشگاههای : ملوان و استقلال انزلی ، الاتحاد قطر و کشاورز تهران مربیان وی در گیلان : بهمن صالح نیا ، احمد صومی ، غفور جهانی ، مجید جهانپور ، نصرت ایراندوست مربیان وی در تیم ملی : مرحوم پرویز دهداری ، مهدی مناجاتی ، علی پروین ، ناصر ابراهیمی ، بهمن صالح نیا ، رضا وطنخواه سابقه ملی : وی در 100 مسابقه شرکت داشت که 43 بازی ، رسمی بوده است. در 21 بازی کاپیتان تیم ملی بوده و 14 گل برای تیم ملی به ثمر رسانده است که بهترین آنها به تیم کره جنوبی در نیمه نهایی بازیهای آسیایی 1990 پکن بود. اولین بازی ملی را در 30 دی ماه 1363 برابر یوگسلاوی و آخرین بازی ملی را در 26 فروردین 1372 برابر بوسنی انجام داد. اولین کاپیتانی تیم ملی را در 11 آذر 1367 برابر قطر به عهده گرفت. سابقه مربیگری : کشاورز تهران (با این تیم به مقام سوم لیگ کشور رسید) - مسعود هرمزگان افتخارات : قهرمان جام حذفی کشور و گروه مقدماتی آسیا با ملوان - نایب قهرمانی لیگ استانی قدس با منتخب گیلان - مقام سومی در جام ملتهای آسیا 1998 - قهرمان بازیهای آسیایی پکن 1999 زندگینامه : زنده یاد سیروس قایقران در اول بهمن ماه 1340 در محله کلویر بندر انزلی پا به عرصه هستی نهاد. سیروس از همان ابتدای کودکی به فوتبال در زمینهای خاکی کلویر روی آورد و با استعداد درخشانش به عضویت تیم فوتبال منتخب آموزشگاهها در آمد. وی در سن 16 سالگی در سال 1356 موفق شد به عنوان یکی از مهرهای اصلی در تیمهای نوجوانان و جوانان ملوان استعدادهای خود را به نمایش بگذارد و با مهارتهای منحصر به فردش ملوان را به رتبه قهرمانی باشگاههای گیلان رساند. وی در سالهای 57 تا 63 افتخارات زیادی را برای ملوان و گیلان به ارمغان آورد مانند دو گلی که وارد دروازه پرسپولیس کرد و یا گل زیبایی که وارد دروازه تیم منتخب مازندران نمود. در این دوران وی به عنوان یک بازیکن استثنایی با ویژگیهای اخلاقی عالی و منش پهلوانی در میان عموم مردم محبوب گردید. وی آنقدر متواضع و افتاده بود که همه افراد به او

علاقمند بودند . لبخندهای صمیمی اش هیچگاه از لبان او دور نمی شد و قلبش مانند دریا پاک و بی آلایش بود. سیروس در سال 1363 به تیم ملی دعوت شد و در سال 66 تنها فوتبالیست شهرستانی بود که شادروان دهداری بازوبند پرافتخار کاپیتانی تیم ملی ایران را به بازوان او بست. در سال 67 در جام ملتهای آسیا در قطر ، تیم ملی ایران با رهبری سیروس به مقام سومی دست یافت و در سال 69 تیم ایران را با گلهای زیبایش پس از 20 سال به قهرمانی در بازیهای آسیایی پکن رساند. سیروس در آن دوران نه تنها در ایران بلکه در آسیا و اروپا هم به عنوان یک بازیکن استثنایی مطرح گردید و با وجود داشتن پیشنهاد از تیمهای آلمانی به الاتحاد قطر پیوست. سیروس در اوج شهرت هرگز مغرور نشد و اصالت خود را فراموش نکرد و بعد از مدتی بازی در قطر ، مجددا به تیم اول خود ملوان پیوست و این تیم را قهرمان جام حذفی و راهی مسابقات آسیایی کرد. سیروس در سال 72 به عنوان بازیکن و سپس مربی به تیم کشاورز تهران پیوست و نتایج قابل توجهی بدست آورد. وی سپس به تیم دسته دومی مسعود هرمزگان پیوست و مدتی در آنجا مشغول به مربیگری شد . در سالهای 76 و 77 سیروس بارها تمایل خود را برای بازگشت به ملوان به عنوان بازیکن یا مربی اعلام کرد. اما در اوایل سال 77 که وی برای تعطیلات نوروز همراه خانواده اش به انزلی آمده بود در بازگشت و در حالیکه همراه فرزند، همسر و برادر همسرش در اتومبیل رنوی خود عازم تهران بود در حوالی امامزاده هاشم با کامیون خاور تصادف نمود که منجر به فوت وی و فرزندش گردید. روحشان شاد و قرین رحمت باد. قایقران چرا محبوب شد : وی الگوی جوانمردی و کمک به نیازمندان بود. تنها کاپیتانی که در شرایط آن زمان که همگان شهرستانیها را مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار می دادند با خلاقیتها و مهارتهای خود به کاپیتانی تیم ملی رسید. مردی که در عین بزرگی همچنان افتاده و متین بود و درد مردم بینوا را می فهمید. مردی که بسیار پنهانی صدقه می داد و در کارهای خیر شرکت می کرد. وی شبها در تاریکی محض سراغ بینوایان را می گرفت و نانی در سفره شان می گذاشت تا در شبهای بندر هیچ کس گرسنه نخوابد. مردی که چهره سیه چرده اش همیشه با گلخنده ای همراه بود. مردی که به اروپا نرفت تا ثابت کند به عشق صیادانی که هر غروب با پاهای ورم کرده از دریا برمی گشتند انزلی را با دنیا عوض نمی کند. سیروس هیچگاه غرور جلوی چشمانش را نگرفت و خاکی ماند. سیروس عشق خاصی به انزلی و ملوان داشت. خودش می گفت : بهترین مطلبی که درباره من در مطبوعات نوشته شده این است " عجب قایقرانی دارد این ملوان " . سیروس سالها به عشق قوی سپید با یک پیراهن خیس در باتلاق انزلی دوید و اصلا به این فکر نکرد که جز سفید رنگهای دیگری هم در این دنیا

هست. او در سالهای 1357 تا 1363 یک چمدان افتخار برای ملوان کسب کرد و مهره مار انزلی چیها در میدانهای دوزخی لقب گرفت.سیروس در 23 سالگی به تیم ملی دعوت شد و سه سال بعد بازوبند کاپیتانی تیم ملی را به بازوی خود بست تا به مرد مورد اعتماد دهداری در مستطیل سبز بدل شود. او در مسابقات جام ملتهای آسیا با تیم ملی روی سکوی سوم آسیا ایستاد و 2 سال بعد هم در پکن با گل زیبایش پرنده خوشبختی را روی شانه های تیم ملی نشاند تا ایران قهرمان آسیا شود. سیروس با غرور بیگانه بود و پس از بازگشت از چین پیشنهادات چرب و نرم ژرمنها را جدی نگرفت و به آن سوب آبها رفت تا مدتی دشداشه پوشهای قطری را با آرپیجی های خود به هوا کند. قایقران فوتبال ایران پس از بازگشت از قطر دوباره پیراهن سفید عزیز را به تن کرد تا با دیگر ملوانان ، قهرمان جام حذفی ایران شود و اینگونه خزر را عاشقتر کند. و حالا چندین سال است که او زیر خاک نمناک بندر خفته است اما هنوز عکسش روی دیوار تمام مغازه های شهر و یادش در قلب تمام آدمهای نجیب شمال ماندگار شده است. خاطرات آنان که با سیروس بودند : پرویز قایقران (پدر) : آیا ورزشکار تا زمانی که زنده است عزیز است ؟ هیچکس از تهران و مرکز استان نیامده که حالی از ما بپرسد یا کمکی به ما بکند. او اولین فرزندم بود. غروب موقع اذان به دنیا آمد. اولین سالی که به تیم ملی دعوت شد با محمود فکری به تهران رفت و دو روز بعد با گرمکن و بی پول برگشت. چیزی به ما نگفت اما چند روز بعد فهمیدیم که لباسهای آنها را در اردو زدند تا آنها دیگر در تمرینات حاضر نشوند. اخلاقش عالی بود. او از نظر مالی کمکی به من نکرد ولی بعدها متوجه شدم که پولها را به مردم نیازمند می داد. دوستان دورو نگذاشتند که در دوران بازیگری و مربیگری ، آب خوش از گلویش پایین برود. خدا او را بیامرزد. محمد احمدزاده : اغلب دوران ورزشی ام را در کنار سیروس بودم. از نوجوانان ملوان گرفته تا اردوی تیم ملی. ضمن آنکه با هم از ملوان جدا شدیم و به تهران رفتیم.سیروس بچه خونگرمی بود و هیچوقت لبخند از لبانش دور نمی شد. سیروس برای بزرگتر همه چیز داشت اما خودش یک مقدار سهل انگاری می کرد. متاسفانه نسبت به همه چیز بی تفاوت بود. او بچه خاکی و با صداقتی بود و فکر می کرد همه مثل خودش صاف و ساده اند. آخرین بار 20 روز قبل از فوتش او را دیدم. برایم خیلی عجیب بود که متحول شده ، حسرت جوانی اش را می خورد و تازه متوجه دوستیهای خود با این و آن و اطرافش شده بود. می خواست متحول شود و به فوتبال بازگردد. خدا بیامرز پاسهای دقیق و شوتهای سنگینی داشت. او با کاپیتان شدنش حق من و همه شهرستانیها را گرفت. ظاهر و باطنش یکی بود. انزلی را با هیچ شهری عوض نمی کرد. یکسال به تیم ملی دعوت شدم و در اردو خیلی

عذاب کشیدم. رقابت سنگین بود و شهرستانیها پشتیبانی نداشتند، تازه فهمیدم که غفور و سیروس چه کشیده اند. اگر آقای گل لیگ نمی شدم مرا دعوت نمیکردند. آنها ما را به زحمت تحمل می کردند. سیروس همیشه با خونسردی و جوانمردی با همه رفتار می کرد. یادش بخیر و روحش شاد. بهمن صالح نیا : من همیشه به نام ملوان افتخار می کنم چرا که نام ملوان عامل شناسایی بندر انزلی در سطح کشور شده است و این امر با زحمات و تلاش بازیکنان بزرگی چون سیروس محقق شده است. از افتخارات دیگر انزلی راهیابی چند بازیکن از این خطه به تیم ملی بوده است که با توجه به اوضاع آن زمان برای شهرستانی ها بسیار ارزشمند بود. من همیشه قایقران را مثل فرزندم دوست داشتم. او با آن چهره خندان و سیه چرده خود به ما پیوست بچه بسیار محجوب و خجالتی بود.او افتخار زیادی برای ما آفرید اما متاسفانه هرگز از تمام توان خود استفاده نکرد. به او گفتم تهران نرو. آنجا آدم ها همدیگر را نمی شناسند و رقابت ناجوانمردانه زیاد است. پیشنهاد کردم به لیگ ترکیه برود.من نمی بخشم آنهایی را که با راه انداختن تیمهای کذایی و بی هویتی چوان کشاورز و بانک تجارت و... باعث از هم پاشیدگی تیمهای اصیل شدند. آرزو دارم جوانان امروز از سوابق و افتخارات سیروس الگو بگیرند . او وقتی تمرین شوت انجام می دادیم توپهایمان را با شوتهایش پاره می کرد. مرحوم دهداری (معلم اخلاق) همیشه می گفت اگر سیروس کمی منظم تر باشد می تواند یکی از بهترینهای فوتبال ما باشد. دهداری توجه خاصی به نظم و اخلاق داشت. بحث من و دهداری با بقیه همیشه این بود که ورزشکار باید از هرجهت الگو باشد راه رفتن، صحبت کردن و... . حتی یکبار مرحوم دهداری قصد نداشت مرحوم قایقران را به اردو ببرد که من مانع شدم. او می گفت این جوان خیلی بی تفاوت است. من سیروس را به اتاقم بردم و ساعتها با او صحبت کردم. سیروس هم در نظم و انضباط همانی شد که می خواستیم و بازوبند کاپیتانی را بدست آورد. سیروس در زمان پروین به دلایل غیر فنی از تیم ملی خط خورد. او را جلوی مغازه مرحوم طلاکار دیدم. گفتم سیروس تو به ما کمک کن ، نه من به تو. تازه از قطر آمده بود گفتم بیا ملوان برای تو برنامه تنظیم می کنم. دوست دارم دوباره تو را در تیم ملی ببینم. سیروس به من قول داد . هرروز صبح خودم به او در کنار دریا تمرین میدادم و شبها به خانه اش سر می زدم. او خیلی در این ایام به ملوان کمک کرد. بهترین خاطره ام 2 گل زیبایی است که در این دوران به پرسپولیس در انزلی زد . او دوباره به تیم ملی دعوت شد و آن گل زیبا را به کره زد. بعدها در بندر عباس او را دیدم. مدتی بعد پیغام داد که میخواهم به ملوان بیایم و با شما کار کنم که موافقت کردم اما من سال بعد به چوکا پیوستم و .... خدا رحمتش کند و به خانواده اش صبر بدهد. گزیده ای از

بیانیه جمعی از هواداران ملوان : سیروس جان ، ظهر روز خاکسپاریت در استادیوم انزلی همه داد زدند " سیروس بیا اینجا " ؛ ولی اینبار تو درون جعبه چوبی و روی دست مردم به پیش آنها رفتی. وقتی احمدرضا عابدزاده خودش را به تو رساند و بغلت کرد و اشک ریخت همه داد زدند " قایقران،قایقران " . سیروس جان ، هنوز هم هواداران با شعار " قایقران ، روحت شاد " پشت تمام حریفان را می لرزانند. سیروس جان، آسوده بخواب. ملوان تو هنوز سرپاست. تمامی مطالب بر گرفته شده از کتاب طلوع و غروب یک قهرمان می باشد...

قاینی، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1328 ق)، فقیه، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به انوار. وی در نجف در محضر آقا سید حسین کوه‌کمری تلمذ نمود. پس از تکمیل دروس و رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به قائن بازگشت و در آن جا مرجع امور دینی و سیاسی شد. در اواخر عمر به مشهد رضوی رفت و در آنجا درگذشت و در جوار تربت پاک اما هشتم (ع) در دارالسیاده دفن شد. وی در سرودن شعر مهارت داشته و اشعار زیادی از او بجای مانده است. از آثارش: «اسرار التوحید»، به فارسی، در تفسیر سروه توحید است، که در 1318 ق، به همراه کتاب «لؤلؤه الغالیه» پدرش، به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (309 / 2)، بزرگان قائن (57 -56)، بهارستان آیتی (322 -319)، الذریعه (218 / 26 ،43 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 458 / 14)، مؤلفین کتب چاپی (119 / 1).

قاینی، جلال‌الدین جلال

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 838 ق)، عالم دینی، فقیه، واعظ، محدث و مدرس. وی از احفاد نجم‌الدین عمر نسفی است. به گفته‌ی مؤلف «بزرگان قائن» نامش را به اشتباه جلال‌الدین محمد بن ابن عبدالله قاینی، محمد بن محمد قاینی، جلال‌الدین ابومحمد بن نجم‌الدین محمد قاینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالله قاینی و غیره ذکر نموده‌اند. در قاین به دنیا آمد. به بخارا رفت و در آنجا مدتی به تحصیل پرداخت. وی شاگرد شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد جزری و محمد بن جلال عبدی و خواجه عبدالله سمرقندی بود و از آنها اجازه‌ی روایت داشت. پس از گذراندن دوران تحصیل به هرات رفت و در دانشگاه و در مقصوره‌ی جامع آنجا به تدریس پرداخت. فصیح‌الدین محمد بن محمد قاینی و محمد بن شیخ محمد جامی، صاحب «ریاض الناصحین»، و جلال‌الدین یوسف اهل، مورخ و محدث سده‌ی نهم هجری، و حسین ابن جمال قهستانی، صاحب «شرح قصیده‌ی ابن‌سینا»، از شاگردان او بودند. وی علاوه بر وعظ و تدریس مدتی نیز منصب احتساب شهر هرات را عهده‌دار بود. در هرات به بیماری طاعون درگذشت و در مدرسه‌ی جغرتان به خاک سپرده شد. از آثار وی: مدرسه‌ی علمیه‌ی جغرتان، که امروزه به صورت مسجد درآمده، و به جامع جغرتان معروف است؛ کتابخانه‌ی بزرگ. از آثار علمی وی: «تبیان الکبائر»؛ «اربعین»، مشتمل بر چهل حدیث؛ «مفتاح الفرائض»؛ «شعب الایمان»، در ادیان و جامعه‌شناسی دینی؛ شرح «نصاب»؛ «اجازات»؛ «نصایح شاهرخ شاهی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (120 -113)، بهارستان آیتی (194)، تاریخ نظم و نثر (785)، حبیب السیر (13 / 4)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 838)، مزارات هرات (90 -89).

قاینی، خلیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد اشرف. از اهالی قاین، در اصفهان تحصیل نموده، و در قزوین ساکن گردیده، و در سال 1136 وفات یافته.
کتب زیر از اوست:
1- رساله در رد بر نصاری 2- شرح رساله‌ی جبر و تفویض منسوب به حضرت هادی علیه‌السلام موسوم به الرسالة الالهیة 3- شرح حدیث عمران صابی؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قائم مقامی، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تاریخ تولد:21/6/61
سال آغاز هنر شطرنج:1370
رنگ مورد علاقه:سفید
آرزوی طلایی:قهرمان بزرگسالان جهان بشوم.
مشوق اصلی:قبلا پدر و مادرم و هم اکنون همسرم.
مهره ی مورد علاقه:رخ
مدرک تحصیلی:کارشناس حقوق قضایی و برای ارشد می خوانم.
به جز شطرنج علاقه دارم به :هر نوع سبک موسیقی ،و ورزشهایی مثل فوتبال،شنا،پینگ پنگ،والیبال،بسکتبال،دوچرخه سواری،کوهنوردی.
تاثیر شطرنج بر روی زندگی:راهنمای بسیار خوبی برایم بوده.درسهایی که انسان از شطرنج در زندگی می گیرد درسهایی است که اگر می خواست آن ها را با تجربه به دست آورد خیلی طول می کشید.شطرنج به عنوان یک سرگرمی به ما یاد می ده که چگونه صبور باشیم و چگونه به دیگران احترام بگذاریم.استقامت را بیاموزیم و برای رسیدن به هدفمان تلاش کنیم.
مربیان:مرحوم بنکدار،آقایان مومنی،حق شناس،رضایی،هرندی،گلیوف،ماگراموف،رائوسیس،زایتسف.
شطرنج را چه رنگی میبینید:سفید و سیاه.
فصل مورد علاقه:زمستان
مقام های کسب شده:9 بار قهرمان نوجوانان و جوانان کشور و یک بار نایب قهرمان.5 بار قهرمان بزرگسالان کشور،یک بار نایب قهرمان و یک بار مقام سوم.5 بار قهرمان مسابقات بلیتس کشور با 5 بار حضور.دو بار قهرمان نیمه سریع کشور با دو بار حضور.اولین استاد بزرگ تاریخ شطرنج ایران.4 بار راهیابی به مرحله ی نهایی قهرمانی جهان.فاتح تعداد زیادی تورنمت های بین المللی در سراسر جهان.دو بار کسب مقام سوم دانشجویان جهان یک بار انفرادی و یک بار تیمی.کسب 6 مدال آسیایی در مقطع سنی بزرگسالان که مهم ترین آن در سال 2003 در دوحه ی قطر بود.در سال 2004 هم بیشترین پیشرفت را در بین 100 شطرنجباز برتر دنیا داشتم.

حرف آخر:آرزوی موفقیت برای همه ی ورزشکاران ایران و با آرزوی صلح در سراسر جهان.

قائم مقامی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1297 ش)، مترجم، نویسنده. در اراک به دنیا آمد. تحصلات خود را تا سوم متوسطه در زادگاهش گذرانید و در ضمن به فراگیری علوم قدیم پرداخت و صرف و نحو عربی و منطق را در محضر ملا عبدالحیمد مدرس انجدانی فراگرفت. تحصیلات متوسطه خود را در رشته ادبیات در دارالفنون به اتمام رسانید و از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شد. آثار وی: «زندگانی سیاسی و مذهبی عمر بن خطاب»، ترجمه؛ «سنگتراش سن پوان»، ترجمه؛ «شبگردان مخوف»، ترجمه؛ «قائم‌مقام در جهان ادب و سیاست».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2507، 2091، 2025، 1851، / 2)، مؤلفین کتب چاپی (87 -86/ 2).

قائم مقامی، جهانگیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1297 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و مترجم. تحصیلاتش را در رشته‌ی فنون نظامی به پایان رسانید و موفق به گذراندن دوره‌ی دکتریای تاریخ در فرانسه شد.وی مجله‌ی «بررسی‌های تاریخی» را در 1345 ش تأسیس نمود که این مجله تا 1357 ش منتشر می‌شد. قائم‌مقامی نویسندگی و تحقیق را با انتشار مقالاتی در مجله‌ی «یادگار» آغاز نمود و مقالاتی در مجله‌های «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» نیز منتشر می‌کرد. وی حدود یک سال در پرتقال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. او همچنین «منشآت و مکتوبات» قائم‌مقام فراهانی را جمع‌آوری کرد و یکی از افراد متخصص در رشته‌ی تاریخ دوره‌ی قاجاریه بود. از آثار وی: «تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران»؛ «سفرنامه‌ی دمرگان»، ترجمه؛ «تاریخ ژاندارمری ایران»؛ «ایران امروز»؛«بحرین و مسائل خلیج‌فارس»؛ «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی».[1]
محقق.
تولد: 1297.
درگذشت: 20 تیر 1360.
جهانگیر قائم‌مقاهی تحصیلات خود را در رشته‌ی فنون نظامی تمام کرد. اما سراسر دوران خدمت ارتشی را در امور فرهنگی و تحقیقاتی گذراند و توانست دوره‌ی دکترای تاریخ را در فرانسه بگذراند. وی مجله‌ی «بررسی های تاریخی» را در سال 1345 تأسیس نمود که خود مدت نه سال مدیر آن بود. این مجله تا سال 1357 منتشر شد.
قائم‌مقامی نویسنده و تحقیق را در مجله‌ی «یادگار» و به راهنمایی عباس اقبال آغاز کرد. مقالاتی که در «یادگار» انتشار داد همه در مسائل تاریخی و طوایف ایران است. مقاله‌های دیگر او در مجله‌های «بررسی های تاریخی»، «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» انتشار یافته است.
قائم‌مقامی نزدیک یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گردآورد. وی قسمتی از آن مطالب را چاپ کرده است. یک قسمت از تحقیق قائم‌مقامی در جمع‌آوری منشأت و مکتوبات قائم‌مقامی فراهانی است. وی سه مجلد از نامه‌های قائم‌مقامی فراهانی را چاپ کرده است. قائم‌مقامی از محققان تاریخ

قاجاریه بود.
از آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال 1301 شمسی (1326)؛ سفرنامه‌ی دمرگان (1335)؛ ناسخ التواریخ (قسمت قاجاریه، 1337)؛ منشئات قائم‌مقامی (1337)؛ بحرین و مسائل خلیج فارس (1341)؛ یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی (1348)؛ اسناد تاریخی وقایع مشروطه‌ی ایران (نامه‌های ظهیرالدوله)؛ نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران (1349)؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (1350)؛ اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشیو پرتغال درباره‌ی هرمز و خلیج فارس (دو جلد، 1358-1354)؛ ایران امروز (1354)؛ تاریخ ژاندارمری ایران (1355)؛ نامه‌های پراکنده‌ی قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم (نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، 1357)؛ نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی (درباره‌ی معاهده‌ی صلح ترکمان چاپ و غرامات آن (1358).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 7، ش 5، ص 408 -407)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3163، 1994 / 2، 684، 463 / 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (277)، مؤلفین کتب چاپی (447-446 / 2).

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابوالقاسم خان فراهانی قائم‌مقام و صدارت مرحوم فتحعلی شاه قاجار که در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون می‌باشد.
مرحوم خیابانی در ج سوم ص 254 ریحانةالادب گوید: قائم‌مقام- میرزا ابوالقاسم بن میرزا عیسی بن محمد حسن بن عیسی بن ابی‌الفتح بن ابی‌الخیر حسینی فراهانی تهرانی از افاضل ادباء نامی عهد فتحعلی شاه قاجار که ادیب فاضل منغی کامل شاعر ماهر مترسل دانشمند جامع کمالات صوری و معنوی و در نظم و نثر عربی و فارسی سرآمد امثال و اقران خود بوده و به (ثنائی) تخلص می‌نموده است.
از آثار قلمی اوست انشاء که حاوی مکتوبات و منشآت اوست که مرحوم حاج فرهادمیرزا آن را تدوین و به منشآت قائم‌مقام معروف و به امر اویس میرزا پسر فرهادمیرزا به طبع رسیده.
2- جلایرنامه که مثنوی فکاهی است و بنام جلایر غلام خود به نظم درآورده 3- الجهادیه 4- دیباچه جهادیه صغرای پدرش میرزا عیسی 5- دیباچه جهادیه کبرای مرحوم پدرش 6- دیوان شعر.
از اشعار اوست این چند بیت.
گر در دو جهان کام دل و راحت جهانست
من وصل تو جویم که به از هر دو جهانست
در کیش من ایمانی اگر هست به عالم
در کفر سر زلف چو زنجیر بتانست
گر واعظ مسجد بجز این گوید مشنو
این احمق بی‌چاره چه داند حیوانست
گر مذهب اسلام همین است که او راست
حق بر طرف مغبچه درپر مغانست
او خون دل خم خورد این خون دل خلق
باور نتوان کرد که این بهتر از آنست
آن مرحوم در سال 1251 قمری بدورد حیات گفته و در شهر ری در مقبره ابوالفتوح به خاک رفته است.
(1193- مقتول 1251 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به ثنایی. پدر وی از رجال سیاسی و از مفاخر علمی و ادبی ایران بود که مدتی مقام وزارت و

قائم‌مقامی را به عهده داشت. میرزا ابوالقاسم پس از فوت پدر به منصب قائم‌مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب‌السلطنه مصدر کارهای بزرگی شد. او پس از وفات فتحعلی‌شاه، محمدشاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقت خود سلطنت او را مستقر کرد و خود اقدام به سرکوب شورشها و آرام کردن اوضاع نمود. قائم‌مقام در زمینه‌های ادبی نیز صاحب استعداد بود وی به سرودن شعر می‌پرداخت.اما بیشترین شهرت او در زمینه‌ی ادبی، در نثر است تا نظم. در نوشته‌هایش از مکتب گلستان سعدی پیروی می‌نمود. نثر قائم‌مقام دارای ویژگی‌هایی از جمله: کوتاهی جمله‌ها، صراحت لهجه و ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات می‌باشد. وی سرانجام بدستور محمدشاه در باغ نگارستان به توسط اسماعیل‌خان قراچه‌داغی به قتل رسید. در شهر ری، در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی، دفن شد. از آثارش: «منشآت» قائم‌مقام؛ «دیوان» شعر؛ «جلایرنامه»؛ «الجهادیه»؛ دیباچه‌ای بر «جهادیه‌ی صغری» و «جهادیه کبری» پدرش؛ «عروضیه»؛ «شمایل خاقان»، در تاریخ.[1]

(میرزا) ابوالقاسم بن (میرزا) عیسی قائم‌مقام فراهانی وزیر عباس میرزا و محمدشاه قاجار (و. 1193 ه.ق- مقت. 1251 ه.ق/ 1835 م.). وی ادیب، منشی، شاعر و در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنائی تخلص می‌کرد. در سال 1237 پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد و قائم‌مقام لقب یافت. اما به سعایت گروهی از دشمنان معزول شد ولی پس از سه سال مجدداً در سال 1241 به وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه منصوب گردید. وی، پس از مرگ فتحعلی شاه (1250) وسایل حرکت محمدمیرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم کرد و خود صدراعظم ایران گردید. کوششهای بسیار وی در اصلاح امور ایران موجب حسادت عده‌ای از جمله حاجی میرزا آقاسی، میرزا مسلم خویی، میرزا نصرالله اردبیلی گردید و آنان دسایس مختلف برانگیختند تا شاه در 30 ماه صفر 1251 ه.ق او را به باغ نگارستان (تهران) احضار کرد و در آنجا وی را خفه کردند. جسد قائم‌مقام را در حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. وی در نثر فارسی سبکی خاص ایجاد کرده که مختصات آن از این قرار است: شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن ادا، کوتاهی جمله‌ها، دقت در حسن تلفیق هر مزدوج از سجعهای زیبا که شیوه‌ی سعدی است، حذف زواید القاب و خودداری از تعریفات خسته‌کننده، ترک استشهادات مکرر شعری از تازی و پارسی مگر به ندرت که آن هم به قدری زیبا و خوش‌ادا که گویی شاعر آن شعر را فقط برای همین مورد گفته و همینطور در استدلالات قرآنی و حدیث و تمثیل، صراحت لهجه، ترک استعاره و کنایه و تشبیبات دور و دراز خسته‌کننده، اختصار و ایجاز، ظرافت و لطیفه‌پردازی که از مختصات کِلام

سعدی است و قائم‌مقام نیز در این باره دستی قوی داشته. مخصوصاً در آوردن لغات و مصطلحات تازه که استعمالش برای نویسندگان محافظه‌کار دشوار بلکه محال می‌نمود، دست داشت. همچنین عباراتش دارای آهنگ است و به گوش خوشایند می‌نماید. قائم‌مقام موجب تغییر سبک منشات درباری و همچنین نثر معمولی گردید. از آثار اوست: «منشات قائم‌مقام» حاوی نوشته‌ها و انشاءهای او پس از وفاتش فرهاد میرزا معتمدالدوله مجموع آنها را گردآوری کرد و آن به سال 1294 ه.ق به دستور اویس میرزا ابن فرهاد میرزا چاپ و منتشر گردید و بعدها مکرر به طبع رسید، جلایرنامه که مثنویی است فکاهی و انتقادی (انتقاد اوضاع درباریان و نقایص لشکری و کشوری) که آن را به نام جلایر (غلام خود) نظم کرده، و آن ضمن دیوانش چاپ شده، مقدمه‌ی جهادیه‌ی صغرای پدرش میرزا عیسی، مقدمه‌ی جهادیه‌ی کبرای پدرش، دیوان شعر وی (شامل قصاید و قطعات و رباعیات) که با جلایرنامه بطبع رسیده. او از پیشوایان نثر ساده‌ی دوره‌ی قاجاری است و نوشته‌های وی در نثر دوره‌ی مشروطیت و زبان تخاطب مؤثر افتاده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (75 -62 / 1)، تاریخ ادبیات ایران، براون (202 -200 / 4)، حدیقه الشعراء (1417 / 2 ،364 -361 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1982 -1981 / 2)، الذریعه (36 -35 / 23 ،219 / 14 ،1053 ،858 ،186 -185 / 9)، ریحانه (392-391 / 4)، سبک‌شناسی (363 -348 / 3)، سفینه المحمود (75 / 1)، طرائق الحقائق (279 -278 / 3)، فرهنگ سخنوران (201)، کارنامه‌ی بزرگان (351 -348)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (204 -194 / 4)، مصطبه‌ی خراب (144 -142)، مکارم الآثار (1382 -1381 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (276 -274 / 1)، نگارستان دارا (55 -46).

قائم‌مقام فراهانی، عیسی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1238 / 1237 ق)، دانشمند، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا بزرگ قائم‌مقام اول. در ابتدا منشی حاج ابراهیم‌خان اعتمادالدوله‌ی شرازی صدراعظم بود. سپس در 1213 ق به اعتمادالدوله‌ی شیرازی صدراعظم بود. سپس در 1213 ق به سمت وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه و پیشکاری آذربایجان تعیین شد و به تبریز رفت.از جمله کارهای او و عباس‌میرزا فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود. وی در تبریز به بیماری وبا درگذشت. از آثارش: «رساله‌ی جهادیه» به نامهای «احکام الجهاد و اسباب الرشاد» و «الجهادیه» که به ترتیب «الجهادیه الکبری» و «الجهادیه الصغری» است، و او آنها را از روی رساله‌های جهادیه‌ی متعددی که علمای زمان می‌نوشتند تحریر و تنظیم کرده و فرزندش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بر آنها دیباچه‌ای نگاشته است؛«دیوان» شعر؛ «اثبات النبوه الخاصه»، به زبان فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1421 -1417 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1981 / 2)، الذریعه (858 / 9، 297 / 5، 101 / 1)، ریحانه (393 -392 / 4)، شرح حال رجال (513 -512 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ قائم‌مقام)، مجمع الفصحا (892 -891 / 5)، مکارم الآثار (1041 -1040 / 4)، نگارستان دارا (118 -113).

قائم‌مقامی، رضا قلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1337 ش)، نویسنده و مترجم. در ارتش خدمت می‌کرد. از آثار وی: «وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی»؛ «جنایات عشق»، ترجمه؛ «دستور اتومبیل‌رانی فرد»؛ «سه روز از زندگی ماری آنتوانت ملکه‌ی فرانسه»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3370، 2041- 2040 / 2 1414، ،1052 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (211 / 3).

قائم‌مقامی، عالمتاج

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
اسفند 1262- پنجم مهر 1325 ش. ملقب به ژاله از زنان ادیب، سخنور و هنرمند. وی در فراهان به دنیا آمد. پدرش میرزا فتح‌الله، از نوادگان پسری میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی صدر اعظم مقتول محمد شاه قاجار (1264 -1250 ق) و مادرش مریم ملقب به گهر ملک بود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد یکی از فضلای فراهان معروف به جناب، که معلم سرخانه او بود، فراگرفت و بدلیل استعداد زیاد در طول چند سال صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، نقد شعر، مقدمات حکمت و نجوم را با شوق و علاقه وافر تحصیل کرد. تا سن پانزده سالگی به همراه خانواده‌اش در فراهان زندگی کرد و سپس به همراه پدرش به تهران مهاجرت نمود.
در سال 1277 یا 1278 ش، در سن شانزده سالگی علیرغم بی‌علاقگی، به اصرار پدرش به ازدواج یکی از خوانین بختیاری بنام علی مرادخان درآمد. تفاوت سن زیاد زن و مرد، روحیه ایلاتی مرد و بیگانه بودن او با عالم ادب و هنر موجب ناسازگاری در زندگی زناشویی آن دو از نخستین ماههای زندگی گردید. در همان سال پدر و مادر ژاله- که حامیان زندگی او بودند- فوت کردند و او مجبور بود که زندگی را با تخلی سپری کند. پس از گذشت ده سال از شروع زندگی مشترک که با گلایه و تلخکامی ژاله همراه بود همسرش نیز فوت نمود و او تا پایان عمر با تنها فرزندش (حسین پژمان بختیاری) زندگی کرد.
ژاله حافظه‌ای قوی داشت. تقریبا سراسر خمسه‌ی نظامی، دیوان امیر خسرو دهلوی، کلیات سعدی و دیوان حافظ را از حفظ داشت. وی از آغز جوانی به سرودن شعر پرداخت. از جمیع صنوف شعری به غزل علاقه داشت.
عشق را نیز جوهر غزل می‌دانست و چون به زعم وی زندگیش از عشق تهی بود لذا هیچگاه غزلی نسرود بلکه قصایدی به سبک خراسانی و به تقلید از ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان گفت. وی شاعر رنجها و ناکامیهای خود و همگنان خود بود. در جریان کشف حجاب در دوره رضاشاه، ژاله همصدا با تبلیغات رسمی، به دفاع از حقوق زنان در برابر مردان برخاست. مضمون اغلب اشعارش نیز ستیز با مردسالاری و تشویق زنان به رفع عقب‌ماندگی و کسب علم و دانش است. وی از بیان مکنونات قلبی خود ابایی نداشت و در این باره شباهت زیادی به مهستی گنجوی و مهری

هروی دارد.
نخستین بار در سال 1312 ش تعدادی از رباعیات ژاله در مجلات ادبی آن زمان و سپس در مجله ادبی یغما، چاپ و منتشر شد. وی در تهران درگذشت.
قصاید، قطعات، چامه‌ها و چکامه‌های ژاله بالغ بر نهصد و هفده بیت می‌شود که پس از مرگ وی، توسط فرزندش منتشر شد. از اشعار اوست:

گم شد جوانیم همه در جستجوی عشق
اما رهم نداد طبیعت به کوی عشق
از کبر و از غرور دل خرده‌بین من
شد بهره‌ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق
من باغبان عشقم از آنرو که سالها
در گلشن امید نشستم به بوی عشق
معشوق ناشناس مرا ای صبا بگوی
دل می‌کشد به سوی تو یعنی به سوی عشق
آیینه گفت در رخ دوشیزه رنگ من
کاین روی دلپذیر شود آبروی عشق
شویی بزرگمرد و گرانمایه داشتم
غافل ز عشق و بی‌خبر از گفتگوی عشق
روی نکو و خوی نکو داشتم چه سود
بیگانه بود همسر خوبم ز خوی عشق
خاطرنشین به دیده او بود ای دریغ
روی نکوی ژاله نه روی نکوی عشق
شادم که بسته شد در هستی به روی من
شاید در دگر بگشایم به روی عشق

پس از مرگ همسرش نیز مرثیه‌ای چنین سرود:

به دل گفتم از دست این بختیاری
گر آسوده گردم شود بخت یارم
جمالم خریدار بسیار دارد
چرا بر به دل رنج بسیار دارم
یکی شوی فاضل گزینم که با او
دو روزی جهان را به شادی گذارم
کنون او به خاک سیه خفت و خیزد
شرار غم از روح امیدوارم
گرانمایه مردی جوانمرد شویی
به سر سایه‌ای بود از کردگارم

ندانستمش قدر و اکنون چه حاصل
گر از دیدگان اشک خونین ببارم
به گرد اندرم بهر تاراج و یغما
سبک حلقه بستند خویش و تبارم
بسی عقده بستند بر کارم اما
کسی عقده نگشود یک ره ز کارم
یکی خواند در خورد اورنگ شاهم
یکی گفت شایان سالار بارم
مرا کبر یا کیش کردند از آندر
که کوچک شود جمله دار و دیارم
نه کارم نکوتر شد آوخ نه روزم
سیه چهره‌تر شد سیه روزگارم
پدر نیست مادر نه شوهر نه اینک
به دوشی ضعیف است سنگینه بارم
پسر رفت و شومرد و هستی تبه شد
توان گفتن اکنون به کف هیچ دارم
که را گویم آخر که آن روی چون گل
چنین کرده در چشم ایام خوارم
که را گویم آخر که با جرم پاکی
فلک زیر پی سوده ناپاکوارم

برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: از رابعه تا پروین، 151 -143؛ زنان سخنور، 249 -241 / 1؛ دیوان ژاله قائم‌مقامی.

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا قائمی مقدم
محل تولد : اسفراین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رضا قائمی مقدم فرزند محمد در بهمن ماه 1344 در روستای روئین از توابع شهرستان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شدم. تحصیلات ابتدائی و نیز آشنایی با قرآن و عربی را در روستا گذراندم و تحصیلات راهنمایی را در شهر اسفراین به پایان رساندم و در سال 1360 برای تحصیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال 1370 کلیه دروس سطح و نیز چند سالی از درس خارج را زیر نظر مدرسه شهیدین گذراندم و سپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شرکت می کردم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهة الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمان در طول تحصیل گرفتم در سال 1370 همزمان با دروس حوزه برای گذراندن تحصیلات دانشگاهی وارد برنامه های پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق) شدم که همزمان با تحصیل به کار تحقیق نیز مشغول شدم و در نهایت در سال 1379 از مقطع کارشناسی ارشد با گرایش تاریخ و فلسفه آموزشی و پژوهشی فارغ التحصیل شدم و هم اکنون نیز به تحقیق و بررسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در خصوص روشهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعة الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشنایی با دوره های کامپیوتر lcdL را نیز گذرانده ام. بیشترین تدریس بنده در جامعة الزهرا (س) بوده است که شامل دروس ادبیات عرب، اخلاق اسلامی، درایه رجال، روانشاسی عمومی، اصول (طبقة اولی) الموجزئی علم الاصول و...

می شود. راهنمایی چندین پایان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهده داشته و دارم.

قائمی نیا، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا قائمی نیا
محل تولد : ارومیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال 1343 در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شروع انقلاب اسلامی در سال 57 – 56 به فعالیتهای سیاسی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تحصیلات دولتی در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال 61 – 60 برای ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و تا تحصیلات درس خارج پیش رفتم و در دروس خارج برخی از مراجع شرکت نمودم. همراه با تحصیل سطح، به صورت تخصصی در رشته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و در سال 79 موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی ودانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قائمی، عبدالرسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی فرزند ثقه‌الاسلام مرحوم شیخ فرج‌الله دیزچه‌ای غفرالله له از مشاهیر علماء معاصر آبادان است.
وی در سوم ماه رمضان هزار و سیصد و بیست یک (1321 ق) متولد شده و در خدمت والدش که یکی از متوسطین اهل علم بوده پرورش یافته و پیش از بلوغ در قریه دیزچه درس مقدمات را خدمت مرحوم آقا شیخ فرج‌الله شریعت که یکی از اعلام محل بوده آموخته و در سن نوزده سالگی باصفهان آمده و سطوح فقه را در محضر حجه‌الاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد درب امامی و آقای آقا شیخ علی یزدی استفاده کرده و در درس خارج آیه‌الله حاج سید محمدرضا خراسانی و آیه‌الله العظمی حاج سید علی نجف‌آبادی و آیه‌الله آقا سید محمد نجف‌آبادی (مقرر درس مرحوم آخوند خراسانی) استفاده نموده و در سال 1364 ق مشرف بمکه معظمه شد و در مراجعت از طریق کویت به آبادان وارد شده و چون عده‌ای از همراهان حجش اهل آبادان بودند چند روزی ایشانرا نگاهداشته و پذیرائی شایانی نموده و در این میان مطلع میشوند که حدود پنجهزار نفر از پیروان کسروی در آنجا هستند و بر خلاف ضروریات دین فعالیت میکنند و نسبت بمقدسات مذهبی جسارت میکنند ایشان تصمیم گرفتند چند شبی در مسجد مرحوم سید علینقی منبر رفته و مسلک کثیف و مرام باطل و مضلّه آن ملعون منحرف را بدون بردن اسم و عنوان بیان کرده تا جائیکه در مدت هشت شب پنجاه نفر از پیروان احمد کسروی توبه نمودند.
پس عده‌ای از متدینین آبادان بمرحوم آیه‌الله العظمی اصفهانی قدس‌الله سره نوشتند که آنکس که بتواند با این گروه گمراه مبارزه کند آقای قائمی است.
و چون ایشان متوجه نامه اهالی آبادان شدند فورا حرکت باصفهان نمودند از طرف مرحوم آیه‌الله اصفهانی جواب آمد که باید آقای قائمی در آبادان بمانند. اهالی جواب نوشتند که ایشان باصفهان رفته‌اند و آدرس او را نوشتند مرحوم آیه‌الله مستقیما به آدرس اصفهان نامه نوشتند که لازم است شما به آبادان بروید و اقامت کنید و سد گمراهان گمراه‌کننده باشید ایشان معذرت خواستند که من مشغول تحصیل و هوای آنجا هم ناسازگار است با مزاج من. نامه‌ی دوم آیه‌الله- ره- آمد که تا شما بخواهید اسلحه تهیه کنید جنگ بر علیه اسلام تمام شده لازم است به آبادان بروید. ایشان

عین نامه را به آیه‌الله خراسانی ارائه دادند فرمودند حکم نموده و حکم آیه‌الله اصفهانی لازم‌الاجراء است و باید بروید، پس بر حسب امر مرجع علی‌الاطلاق شیعه آیه‌الله العظمی اصفهانی به آبادان آمده و به مبارزات دامنه داری پرداختند، از چند طریق:
1- از طریق منبر خرافات و گفتار او را با بیان رسائی که همه عوام نیز استفاده می‌کردند تشریح می‌کرد که خرافات و مبانی او مخالف صریح قرآن مجید و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است.
2- مضرات سیاسی برنامه احمد کسروی را بمتصدیان و مأمورین دولت تذکر میدادند و آنها را بعواقب وخیم برنامه‌های وی متوجه مینمودند.
3- چند نفر از متدینین را دستور دادند در تیپ آنان وارد شده و از برنامه‌های آنها و کیفیت فعالیت آنها اطلاع تا بسهولت بتوان از آنها جلوگیری نمایند.
در یکی از شبها شخص مراقب آمد و در مسجد نو آبادان محل اقامت جماعت آقای قائمی خبر داد که امشب بناست چهل نفر در فلان منزل اجتماع نموده و برنامه کشتن شما را ترتیب دهند ایشان اعتنا نکرده ولی بعد از مغرب غیر از چند نفر پیر مرد و پیر زن همه‌ی مردم بخانه‌ی مزبور حمله کرده و آنها را تنبیه و مجازات و کیفری بسزا دادند تا بعضی از آنان فرار و بخانه‌ی عربها پناه بردند و زنهای عرب با چوب بجان آنها افتاده و آنها را کوبیده و بیرون کردند.
کسروی ملعون پس از اطلاع در تهران شکایت و فعالیت کرد تا عده‌ای از مسلمانان غیور و بعضی از گمراهان پیروان کسروی را بزندان بردند و در زندان نیز تحریکاتی شده تا آن بدبختها را کتک زدند تا مأمورین اتباع کسروی را در یک اطاق گرم زندانی کردند که کشته نشوند و مسلمانان با قید کفالت آزاد شدند و طولی نکشید که بحمدالله انحراف آنان روشن و شکست عجیبی بر آنها وارد و جز معدودی همه توبه کردند و فتنه آنان خوابیده و دیگر اثری از آنان در شهرستان آبادان نیست.
سپس جریان نهضت کمونیستها پیش آمد و آقای قائمی در مقابل آنها قیام نموده و دو مرتبه مسجد ایشانرا سنگباران کردند و ایشانهم بعد از مبارزات منبری و سیاسی در مقابل آنها قیام کرد و در یکشب که 14 نفر آنها قصد خرابکاری در مسجد داشتند مورد حمله مردم متدین شده و مجروحانه فرار کردند و بخواست خداوند و قیام مردانه ملت مسلمان کوبیده شدند.
در تمام قهوه خانه‌های شهرستان آبادان قمارخانه دائر بود و بهمت ایشان فعلا بحمدالله وجود ندارد و البته این پیشرفتها از توجهات حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف بود همانطور که در توقیع شریف آن حضرت است در اکمال الدین صدوق که میفرماید: (بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی).

در موقع ورود ایشان در آبادان غیر از چهار مسجد خرابه کوچک متروکه بیشتر نبود ولی فعلا از اقدامات علماء فعال و مردم متدین این شهرستان دارای 33 مسجد مدرن با بهترین ساختمان و نظافت و پرجمعیت میباشد.
علماء آبادان دارای اتحاد و هم‌آهنگی عجیبی هستند و لذا مردم آن در اخوت و یگانگی و حسن معاشرت در ایران کم‌نظیر است و اکنون دوازده سالست که جلسات روزهای جمعه در مساجد این شهرستان دائر و تمام روحانیون شرکت میکنند و هر جمعه بطور سیار در یکی از مساجد است و همچنین دعاء ندبه صبح جمعه با کیفیت جالبی برگزار و ببرکت حضرت ولی‌عصر دائر و منتج نتیجه بوده و میباشد.
یکی از آثار آقای قائمی تأسیس پرورشگاه ایتام است که در سنه‌ی 1327 شمسی تأسیس نموده و فعلا قریب یکصد و شش نفر یتیم را تربیت نموده و چند نفری از همین ایتام از طلاب مبرز شده و در حال حاضر در بعضی از شهرستانها مشغول ترویج و اقامه جماعت هستند و برخی هم کاسب متدین شده و بعضی هم در رشته دکتری وارد و یا سخنگوی رادیو شد و چند نفری از آنها هم با زن و فرزند بمکه مشرف و 3 نفر از آنها در دبیرستان انصاری که بدست علماء این شهرستان تأسیس شده و بهترین دبیرستانهاست فعلا مشغول تحصیل میباشند.
دیگر از آثار ایشان مدرسه‌ی علمیه است که برای طلاب و وعاظ وارد بنا نموده و تمام وسائل تابستانی و زمستانی را دارد و در محرم و صفر قریب هفتاد نفر از واردین در آنجا اقامت و استفاده میکنند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمد حسن قائمی از ائمه جماعت و علماء اعلام معاصر بابل است که باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

قائمیان، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1295 ش)، نویسنده و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در فرانسه در رشته اقتصاد گذراند. وی از دوستان نزدیک صادق هدایت بود و در ترجمه «مسخ» نوشته‌ی کافکا باوی همکاری داشت و نوشته‌های پراکنده هدایت را گردآوری کرد. در 1354 ش که خانه‌اش آتش گرفت بسیاری از کتابها و دست‌نوشته‌هایش سوخت و این حادثه آن چنان وی را رنجور ساخت که در بیمارستان بستری شد. از آثار وی: «آری بوف‌کور را باید سوزانید»، ترجمه؛ «داستان ویکتور هوگوی وطنی و شاهکار وی»؛ «راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی»؛ «زبان انگلیسی پیش خود»؛ «صادق هدایت، نوشته‌ها و اندیشه‌های او»، ترجمه؛ «عبرت بودا»، ترجمه؛ «کارخانه مطلق‌سازی»، ترجمه؛ «گروه محکومین»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خودکشی صادق هدایت (63)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1821، 1641 / 2، 1333 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (623 -620 / 2).

قائنی، حمزه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا حمزه قائینی از علماء شهرستان طبس بوده وی بنابر دعوت امیر محمدحسن خان حاکم از قائن مهاجرت به طبس نموده و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تبلیغات پرداخته تا هم‌اکنون که بیت او در آنجا موجود می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی مدد بن سید حسین بن سید علی مدد بن سید حسین بن میر سید حسن موسوی قائنی از علماء بزرگ و مراجع معاصر بوده است.
تولد آنجناب در (21 محرم 1301 ه) در قریه (سیددان) قائنات واقع شده و مرحوم والدش بعد از سه سال در سنه 1304 ق وفات نموده و برادرش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید علی (متوفی 1342 قمری) وی را متکفل گردیده پس مقدمات و اولیات را از او فراگرفته و در سال 1316 به قائن آمده و در مدرسه جعفریه اقامت و حدود یکسال توقف نموده و در سال 1317 مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از ابحاث شیخ حسن برسی و شیخ حسن کاشی و فاضل سود خروی و فاضل بسطامی و شیخ محمدباقر نوقانی و سید میرزا محمدباقر رضوی و میرزا ابی‌القاسم معین‌الغرباء و آیت‌اللّه آقا سید علی سیستانی و شیخ اسماعیل کوه سرخهی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسینعلی تهرانی و آقا سید اسداللّه قزوینی و آیت‌اللّه آقا میرزا محمد آیت‌اللّه‌زاده خراسانی استفاده نموده و در سال 1325 قمری مراجعت به قائن و با دختر عموی خود ازدواج و به زیارت حضرت رضا (ع) مشرف و به زادگاه خود قریه (سیددان) برگشته و تا سال 1332 به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخته و در سال مزبور به تنهائی مهاجرت به عراق نموده و در نجف اشرف به درس علامه یزدی آقا سید محمدکاظم صاحب (عروه) و شیخ‌الشریعه اصفهانی و آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و بالاخص آیت‌اللّه آقا میرزا محمدحسین نائینی حاضر و استفاده‌های سرشاری نموده و تقریرات وی را به رشته تحریر درآورده و متصدی تدریس سطوح عالی شده تا در سال 1375 قمری که به مشهد مقدس معاودت و در مسجد بالای سر به اقامه جماعت و تدریس خارج فقه و اصول مشغول شده تا در سال 1384 که به عزم زیارت به عتبات عالیات مشرف و در شب جمعه 18 رمضان سال مزبور وفات و در حجره دوم صحن شریف مرتضوی قسمت شرقی مدفون شده است.
نگارنده گوید: حقیر در آنسال مشرف و در تشییع جنازه آن بزرگوار شرکت نموده و از مسجد بهبهانی جنب وادی‌السلام با حضور مراجع بزرگ مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی و هزاران نفر دیگر از عموم طبقات و بالاخص فضلاء و طلاب حوزه نجف تا صحن شریف تشییع

مجللی نموده و در جوار جد گرامش به خاک سپرده شدند.
آن مرحوم از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و نائینی اجازه اجتهاد و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و علامه سید حسن صدر و سید ابی‌تراب خونساری و میرزا محمد تهرانی عسکری و محدث قمی و سید محسن امین و علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین و علامه تهرانی صاحب (الذریعه) اجازه روایتی داشته‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قائنی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن قائنی عالمی فقیه و ورع و بزرگوار از اهل خوسف از دهات قائن و بیرجند بوده است وی پس از تلمذ در نجف و مشهدالرضا به خوسف آمده و به وظائف دینی پرداخته تا حدود (1325) قمری که وفات نموده است کتابی در رد بابیه و کتابی در غیبت امام (زمان) (ع) نوشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدردان قراملکی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن قدردان قراملکی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
محمد حسن قدردان قراملکی در سال 1344 هجری شمسی در محله قراملک تبریز دیده به جهان گشود. در سال 1362 وارد حوزه علمیه تبریز شد ودوره مقدمات و سطح را توانست در پنج سال با موفقیت به پایان رساند. ایشان به مدت دوازده سال از دروس خارج آیات عظام شیخ جواد تبریزی در فقه و جعفر سبحانی در اصول و در فلسفه از محضر استاد جوادی آملی و آیت الله گرامی خوشه چینی کردند. وی در اولین دوره تخصصی علمی کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه قم شرکت کرده و از پایان نامه دکترای خود با امتیاز عالی 20/19دفاع نمود، از ایشان بیش از ده جلد کتاب و سی مقاله چاپ و منتشر شده است. کتاب «خدا و مساله شر» به عنوان کتاب سال حوزه سال 1378 و «قرآن و پلورالیزم» دیگر کتاب سال حوزه 1381 و مقاله «اسلام، قرائتها و امام خمینی (ره) » به عنوان مقاله برگزیده جشنواره مطبوعات کشور در سال 1378 ومقاله «پاسخهای متفاوت به ارتداد» به عنوان مقاله برگزیده اولین جشنواره مطبوعات اسلامی در رشته فقه 1383 برگزیده و انتخاب شد. وی استادیار هیئت علمی گروه کلام ودین پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی است.

قدسی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل و ادیب و خطاط، از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان، در 27 ذی قعده‌ی 1367 وفات یافته.
ماده تاریخ وفاتش را مرحوم هور گوید:
شاهد قدس، روان حسن قدسی شد
شد روانه حسن قدسی در عالم قدس
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قدسی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حسین زاهد قدسی از علماء و ائمه جماعت معاصر قزوین می‌باشند که در این ظهر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قدسی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا محمد علی خوشنویس بن محمد کریم.
ادیب فاضل و شاعر، جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی، از فرهنگیان اصفهان بود که با تأسیس مدرسه‌ی قدسیه فرهنگ جدید را در این شهر پی‌ریزی نمود.
در شب 4 رمضان 1287 متولد، و در شب یکشنبه 5 صفر سال 1366 وفات یافته، در تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.
از آثارش کتاب «تحفة الفاطمیة» و کتاب «شرعیات» جهت مدارس جدید به طبع رسیده.
مرحوم نیر در ماده تاریخ وفاتش گوید:
لما فقدت ادیبا قل لرحلته
عبدالحسین اتی فی جنة القدس
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قراب سرخسی هروی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 414 -330 ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (381 -379 / 17)، کشف الظنون (1839 ،1379 ،1023 ،745 ،599)، معجم المؤلفین (256 / 2)، هدیه العارفین (209 / 1).

قراجه داغی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مترجم. وی منشی سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی شاه قاجار، بود و مترجم نمایشنامه‌های هفت‌گانه‌ی میرزا فتحعلی آخوندزاده از ترکی به پارسی، تحت عنوان: «تمثیلات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (241/1).

قراچه‌داغی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310 -1250 ق)، مترجم. وی با ترجمه‌ی «تمثیلات» آخوندزاده معرفی شده و از منشی‌های سلطان جلال‌الدین میرزا، پسر فتحعلی‌شاه، بود. بعد از مرگ شاهزاده در وزارت انطباعات در سمت مترجم ترکی مشغول به کار شد. وی یکی از روشنفکران دوره‌ی قاجاریه بود و با بسیاری از اهل فکر و قلم آن روزگار مراوده و مکاتبه داشت. ترجمه‌ای انگلیسی و فرانسه «تمثیلات» از روی ترجمه فارسی میرزا جعفر به چاپ رسیده است. آثار وی: «تمثیلات»، ترجمه؛ «عروس و داماد»، ترجمه؛ «تاریخ کرید»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نمایش در ایران (367 -360 / 1)، از صبا تا نیما (345)، دانشمندان آذربایجان (4)، شرح حال رجال (241 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (332 -331 / 2).

قربان زاده، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی قربان زاده
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب مهدی قربان زاده متولد 1353 ازشهرستان بابل می باشم. دیپلم خود را دررشته ریاضی فیزیک درسال 1374دریافت نمودم ودرسال 1375 وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات حوزوی را درشهرستان بابل واز مدرسه علمیه فیضیه مازندران شروع کردم. درسال 1380 وارد حوزه علمیه قم شدم ودر همین سال مدرک اتمام سطح یک را دریافت نمودم و چند سال بعد درسال 1385 مدرک سطح دوم را دریافت کردم . درسال 1385سطح سه را نیزبه پایان بردم. ازسال 1382 تا سال 1384 به مؤسسه فرهنگستان علوم اسلامی وارد شده، دوره آموزشی آن مؤسسه را به پا یان رسانیدم. لازم به ذکراست که فعالیت آموزشی وپژوهشی این مؤسسه درزمینه فلسفه اسلامی وبا گرایش فلسفه شدن اسلامی است. ازسال 1378 وارد عرصه مطبوعات شدم و تا به حا ل چهل مقاله ازاین جانب درمطبوعات اعم از هفته نامه و فصل نامه به چاپ رسیده است. درسال 1384 نخستین کتاب خود را با نام راز آبرومندی به چاپ رسانیدم وسپس درهمین سال به کمک دوتن ازدوستان کتاب نهضت نرم افزاری ازنگاه مقام معظم رهبری را به نگا رش درآوردیم واین کتاب درسال 86 به چاپ رسید درحال حاضردردروس خارج آیات عظام مشغول میباشم.

قربانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ش)، ریاضیدان، نویسنده و مترجم. آثار وی: «جبر برای سال سوم دبیرستانها»؛ «جبر و مثلث سال ششم طبیعی»؛ «حل المسائل مکانیک»؛ «حل المسائل هندسه»؛ «رسم فنی»؛ «متمم هندسه»؛ «هندسه ترسیمی و رقومی»، ترجمه؛ «هندسه‌ی فضایی»؛ «هندسه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1215، 1013، 1011 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (280 -278 / 1).

قربانی، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ زین‌العابدین قربانی از فضلاء مبلغین و افاضل نویسندگان معاصر گیلان و لاهیجانست.
وی در حدود سال 1348 ق در لاهیجان متولد شده و دروس فارسی و مقدمات را در آنجا خوانده و پس از آن به قم مهاجرت و سطوح فقه و اصول از اساتید بزرگ حوزه تکمیل و درس فلسفه و تفسیر را از علامه طباطبائی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه شریعتمداری و بالاخص زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و استفاده‌ها نموده و به تألیف و تدریس و تبلیغ دین و نوشتن مقالات دینی در مجله مکتب اسلام پرداخته از آثار ارزنده و تالیفات ارج‌دار معظم‌له کتب زیر است.
1- اسلام و صلح جهانی 2- به سوی جهان ابدی 3- بلاهای اجتماعی قرن ما 4- زن و انتخابات (این دو کتاب اخیر به همکاری آقایان علی حجتی کرمانی و محمد شبستری و آقای عباسعلی عمید زنجانی و حسین حقانی نگارش یافته و کتاب اسلام و صلح جهانی به همکاری آقای حاج سید هادی خسروشاهی ترجمه شده 5- اسلام و حقوق بشر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قربانی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر قربانی ده برزوئی
محل تولد : ده برزو
شهرت : قربانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در تاریخ اوّل فروردین سال هزار و سیصد و پنجاه و چهار هجری شمسی با سواد قرآنی و خواندن و نوشتن وارد حوزه علمیّه شدم؛ مدرسه فولاد در تربت حیدریه، صرف میر و شرح المثله را در محضر استاد شیخ حسن کلّه (قده) فرا گرفتم. کتابهای: ملامحسن، هدایه، قطرالندی و نحو را از محضر مرحوم آقای بحر آموختم. خط را از هنر شیخ محمود هروی بهره بردم. سیوطی، مغنی، مختصر، منطق (حاشیه ملاعبدالله) و اندکی از اصول فقه مظهر و لمعه را از محضر استاد فرزانه مرحوم صدر الدین ربانی فرا گرفتم. در ضمن، کلاس پنجم ابتدایی را به صورت شبانه آزاد همزمان خواندم. در سال 57 حدود پنج ماهی زندان وکیل اندر مشهد زندانی شده و در آنجا از محضر برخی اساتید، مانند جناب آقای جواد منصوری مقداری از مسایل سیاسی و اقتصادی را آموختم. در سال پنجاه وهشت که به قم آمدم ادامه اصول مظفر را از محضر استاد مصطفی محقق داماد (جلد اول را)و استاد مرحوم عمّانی (جلد دوم) را فرا گرفته و ادامه درس لمعه را هم از محضر سرورانی، چون شمّاعی همدانی، نظری و وجدانی فخر و مقدار اندکی از آن را هم در محضر آیت الله اشتهاردی فرا گرفتم. بخشی از کتابهای اصول فقه و لمعه و تفسیر را هم از محضر مرحوم استاد محامی و عرفانی کسب فیض کردم. هم زمان با درسهای فقه و اصول برای تکمیل مباحث ادبیات و منطق چند صباحی پای دروس منطق استاد انصاری شیرازی و مطون استاد مرحوم مدرس افغانی حاضر شدم. استاد محمد رضا حکیمی که از دیر باز مورد علاقه من بود، درسی از کتاب الحیات را در حوزه آغاز فرمودند که بنده متأسفانه در آن شرکت می کردم و مطالب ارزنده ای تصمییم می شد. درسهای اخلاق استاد و بزرگوار آیت الله مشکینی هم حال و هوای خاص خود داشت. که بنده از پای بندان به شرکت در آن بودم. بخشی از درسهای تقسیر ایشان را هم شرکت کردم.

درس اخلاق حضرت آیت الله بهاءالدینی روزهای پنجشنبه در مدرس زیر کتابخانه فیضیه زمزمه محبتی بود که تا پنجشنبه دیگر جانم را سرشار از طراوت می کرد. از حدود سال 60 رسایل را در محضر اعتمادی تبریزی در شبستان آیت الله گلپایگانی مسجد اعظم قم هر روز ساعت هفت صبح شرکت کردم؛ اما این درس مصادف با جنگ تحمیلی و ماجرای جانبازی بنده شد به همین دلیل مقداری طولانی شد و تا سال حدودا 64 طول کشید همزمان با این درس، درس مکاسب را در محضر استاد گرانقدر سید حسن طاهری خرم آبادی حاضر می شدم تا بیع و خیارات را به پایان بردم، امّا مکاسب درس کفایتین را در محضر استاد صالحی مازندارانی رحمة الله آموختم. پس از اتمام دروس سطح عالی خارج اصول را با شرکت در درس حضرت آیت الله فاضل آغاز کردم. بخشی از خارج اصول را هم پای درس استاد فرزانه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نشستم، در مدرسه امام امیر المؤمنین، عصرها یک ساعت به غروب، درس خارج فقه؛ کتاب الظهاره و بخشی از کتاب الصلاة و کتاب القضا را(البته کتاب القضاء روزهای چهارشنبه هر هفته) در مسجد اعظم در شبستان آیت الله بروجردی(ره)از محضر حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی (ره) به مدت هشت سال کسب فیض کردم. درس خارج فقه حضرت آیت الله نوری همدانی مدظله را هم حدود دو سال شرکت می کردم و بهره فراوانی بردم، به ویژه که موظف بودیم آن را با جمعی از دوستان به عربی بنویسیم و نوشته ها مان ارزیابی و نقد و بررسی می شد؛ علاوه بر آن رجال سند هم به دقت تمام بررسی و جرح و تعدیل می شد. این درس در مدرسه آیت العظمی گلپایگانی خیابان ارم (در مدرس بزرگ یا مسجد مدرسه) برگزار می شد و موضوع بحث کتاب الصلاة بود. و سرانجام؛ درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی که از اواخر جلد اول کفایه، مباحث قطع و علم رجال و مباحث اصول عملیه و تاکنون که بحث تعادل و تراجیح است و هنوز مشغول به آن هستم.

قرشی، جمال‌الدین، ابوالفضل محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، دانشمند و لغوی. وی از علمای مقیم کاشغر بود. از آثارش کتاب «صراح اللغه» یا «الصراح من الصحاح» است که تلخیص و ترجمه‌ی فارسی «صحاح اللغه» جوهری است. وی این کتاب را در 681 ق به پایان رساند، سپس ذیلی به عربی بر آن نوشت به اسم «ملحقات الصراح»، که مشتمل بر مطالب تاریخی مهمی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (285 / 3)، تاریخ نظم و نثر (146)، ریحانه (440 / 1)، کشف الظنون (1077)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، هدیه العارفین (134 / 2).

قرنی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ علی بن العالم الجلیل مرحوم آقا شیخ محمد ابراهیم قرنی منسوب بتابعی جلیل‌القدر شهید راه ولایت جناب اویس قرن رضی اللّٰه عنه و رزقنا شفاعته می‌باشد. وی در سال 1333 ق در قریه گوگد متولد شده و پس از رشد و خواند فارسی و مقدمات در گلپایگان در سال 1357 ق مهاجرت به قم نموده و سطوح را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی نجفی مرعشی تکمیل نموده و پس از آن مسافرت به نجف اشرف نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّٰه العظمی خوئی استفاده نموده و سپس مراجعت به قم و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مراجع دیگر استفاده نموده و بمراتب علم و کمال رسیده و حسب الامر مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی قدس اللّٰه سره برای ارشاد و هدایت و نشر معارف اسلام و تبلیغ احکام به علیشاه عوض شهریار عزیمت نموده و تاکنون به اقامه جماعت در مسجد حاج حسن و خدمات دیگر اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در فنون مختلفه می‌باشد که آنها را ذیلا می‌نگارم:
1- سوقات سفر دو جلد مطبوع
2- اسرار معراج دو جلد مطبوع
3- منهاج الدموع دو جلد مطبوع
4- منهاج‌السرور 3 جلد دو جلد مطبوع و یک جلد آماده طبع
5- منتهی المقال دو جلد مطبوع
6- در المنظوم دو جلد مطبوع
7- آینه عمر دو جلد مطبوع
8- پیوند دو گل دو جلد مطبوع
9- منهاج‌الجنان در دعاء دو جلد مطبوع
(تو 1333 ق)، عالم امامی و فقیه. نسب وی به اویس قرنی می‌رسد. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد و پس از فراگیری ادبیات فارسی و مقدمات در گلپایگان در 1357 ق به قم مهاجرت نمود و سطوح را در نزد آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی مرعشی تکمیل نمود. پس از آن به نجف رفت و مدت سه سال از محضر آیت‌الله شیخ محمد علی کاظمینی و آیت‌الله خویی استفاده نمود. سپس به قم مراجعت کرد و از محضر

آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله بروجردی و مراجع دیگر استفاده نمود. قرنی به دستور آیت‌الله بروجردی برای نشر معارف اسلامی به علیشاه عوض شهریار رفت. از آثارش: «سوقات سفر»، در دو جلد؛ «اسرار معراج»؛ «منهاج الدموع»؛ «منهاج السرور»، در چهار جلد؛ «منتهی المقال»؛ «در المنظوم»؛ «آینه عمر»؛ «پیوند دو گل»؛ «منهاج الجنان»، در دعا.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (676 -675 / 4).

قرنی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد قرنی گلپایگانی از علماء و فضلاء محترم حوزه علمیه قم است در شهر ورامین، وی در گوگد که در یک فرسخی گلپایگان است در حدود 1334 قمری متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح در حوزه مرحوم آیت‌اللّه وحید به قم عزیمت نموده و متون فقه و اصول را از آیت‌اللّه گلپایگانی و غیره تکمیل و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران حاضر شده و از خرمن علوم آنان کامیاب گردیده تا حسب الامر حضرت آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی بشهر ورامین اعزام و اکنون چند سالیست که در آن رحل اقامت افکنده و بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و مواعظ حسنه اشتغال دارند.
و ناگفته نماند که ایشان با حجةالاسلام حاج شیخ علی قرنی صاحب تألیفات عدیده مطبوعه مقیم علیشاه عوض پسر عمو و منسوب بتابعی جلیل القدر زاهد حقیقی و شهید راه علوی جناب اویس قرن رضی اللّه عنه که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله اشتیاق ملاقات او را می‌نمود می‌باشند.
در حال حاضر بیش از بیست نفر از شهر ورامین و حومه آن در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل دارند که از مشاهیر آنهاست جناب حجةالاسلام آقای حاج شیخ احمد علی باغ خواصی ورامینی که بیش از سی سالست در قم سکونت دارد و بفضل و تقوا و حسن اعمال و اخلاق موصوف و معروف می‌باشند. وی در یکی از مساجد قم اقامه جماعت و تبلیغ دین نموده و از محضر آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی منحصراً استفاده نموده و می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قریب گرکانی، عبدالعظیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1344 -1258 ش)، ادیب، مدرس، نویسنده و شاعر. وی در قریه‌ی گرکان تفرش از توابع اراک به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود در خانه‌ی پدر آموخت. در 1311 ق به تهران آمد و زبان و ادبیات عرب و ریاضی را نزد برادر بزرگش، میرزا غلامرضا، تکمیل کرد. بعد «مطول» را در محضر شیخ باقر تهرانی، قوانین و شرح «مطالع» و هئیت و نجوم را نزد سید محمد جواد قاهانی، علم اصول را در مدرسه‌ی حاج ابوالحسن از سید محمد جمارانی، منطق و حکمت را در مدرسه سپهسالار جدید در محضر میراز طاهر تنکابنی و زبان فرانسه را در مدرسه‌ی دارالفنون آموخت و بعد وارد خدمت وزارت معارف شد و در مدرسه‌ی علمیه که تنها آموزشگاه به طرز جدید بود و در مدرسه‌ی نظام به تدریس پرداخت. از جمله شاگردانش محمد تقی‌خان پسیان شهید و برادر و پسر عمویش، سلطان غلامرضاخان، علیقلی‌خان بودند. وی چندی در مدرسه‌ی دارالفنون و سپس در دانشسرای عالی به تدریس اشتغال داشت. قریب در مقام استادی، در دانشکده‌ی ادبیات تهران، تدریس زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود. از جمله آثارش: «بدایه الادب»؛ «بدیع»؛ تصحیح «کلیله و دمه»؛ تصحیح «گلستان»؛ تصحیح «تاریخ برامکه»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «قواعد فارسی در صرف و نحو»؛ «فوائد الادب»؛ «قرائت فارسی»؛ «سخنان شیوا»؛ «کتاب املاء»؛ «دیوان» شعر.[1]
(بخش 1) عبدالعظیم، ادیب و استاد دانشگاه تهران (و. گرگان 1257- ف. تهران 3 فروردین 1344 ه.ش) وی قریب 67 سال به تدریس زبان و ادب فارسی مشغول بود. از آثار اوست: قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی، 3 جلد)، دستور زبان فارسی (4 جلد)، دستور زبان فارسی به همراهی چهار استاد دیگر (2 جلد)، بدایةالادب، فوایدالادب (6 جلد)، کتاب املاء (3 جلد)، قرائت فارسی (با همکاری چند تن از فاضلان) 2 جلد، کتاب فارسی (از انتشارات مؤسسه‌ی وعظ و خطابه)، تصحیح کلیله و دمنه‌ی نصرالله بن عبدالحمید (که مکرر بطبع رسیده)، تصحیح گلستان سعدی با مقدمه‌ی مشروح، تصحیح بوستان سعدی، تصحیح تاریخ برامکه به ضمیمه‌ی رساله‌ای در احوال برمکیان. وی به سبب زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و به سبب کهولت و ناراحتی ناشی از شکستگی پا و عمل جراحی به تدریج قوایش به تحلیل رفت و در نتیجه

به رحمت ایزدی پیوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (156 -154)، الذریعه (881 / 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (170 -168 / 5)، سخنوران نامی معاصر (2811 -2808 / 4)، فرهنگ سخنوران (743)، گلزار معانی (542 -537)، مؤلفین کتب چاپی (876 -872 / 3)، یغما (س 18، ش 1، ص 51 -49).

قریب، ایرج

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 5 مهر 1366.
ایرج قریب به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی تلسط داشت و وقوف او نسبت به ادبیات جهان از او مردی آگاه ساخته بود. در رادیو نیز به کار اشتغال داشت. پیش از این در امور مطبوعاتی نیز فعالیت داشت. در سالهای پیش از درگذشت، به ترجمه کتاب اشتغال داشت. از آثار اوست: اسکندر کبیر (جان گونتر، 1339).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قریب، بدرالزمان

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
استاد بدرالزمان قریب در سال 1308 ، در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ مدرک لیسانس زبان وادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیایی برکلی وارد شدو به تکمیل معلوماتش افزود او بالاخره مدرک دکتری زبان های باستان را در سال 1343 از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. او پس از بازگشت به ایران به عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به فعالیت آموزشی مشغول شد.در سال 1350 به دانشگاه تهران منتقل گردید و در آن دانشگاه به مقام استادی نائل آمد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : زبان های باستانی
والدین و انساب : نام پدر بدرالزمان قریب ضیاءالدین و مادرش ضیاءالملوک نواده شمس العلما قریب از عالمان و شاعران به نام بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : بدرالزمان قریب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه ژاندارک طی کرد. پس از آن وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال 1336 موفق به دریافت مدرک لیسانس زبان وادبیات فارسی گردید. او در سال 1338 برای ادامه تحصیل در رشته زبان شناسی به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا راه یافت و در سال 1342 ، در گروه زبان شناسی و مطالعات شرقی ، به دریافت درجه ی فوق لیسانس نایل آمد. خانم قریب پس از مدتی با استفاده از بورس شاگردان اول به دانشگاه کالیفرنیایی برکلی وارد شد و با راهنمایی «پرفسور «هنینگ»و پرفسور «مارک درسدن» به تحقیق پرداخت و در سال 1343 موفق به اخذ درجه دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا شد.
استادان و مربیان : بدرالزمان قریب در دوران تحصیلات عالیه از محضر استادانی چون بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر محمد معین ، استاد جلال الدین همایی ، مدرس رضوی ، ابراهیم پورداود ، دکتر پرویز ناتل خانلری ، دکتر احسان یارشاطر و دکتر صادق کیاء بهره وافر برد. همچنین وی در برکلی

نزد پرفسور هنینگ به تحقیق پرداخت و پایان نامه دکتری خود را تحت عنوان « تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی » با راهنمایی پرفسور مارک درسدن تکمیل کرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از جمله مشاغل بدرالزمان قریب ،همکاری با بنیاد فرهنگ ایران و دانشگاه میشیگان به عنوان پژوهشگر بوده است. دکتر قریب هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.
فعالیتهای آموزشی : بدرالزمان قریب پس از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه پنسیلوانیا ، در سال 1344 به ایران بازگشت و با عنوان استادیار در دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت. در سال 1350 به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتقل گردید، و در گروه زبان شناسی و فرهنگ و زبان های باستانی این دانشکده با عنوان دانشیار و بعد استاد مشغول فعالیت های آموزشی گردید. او همچنین به عنوان استاد مدعو ، با دانشگاه هاروارد و یوتای آمریکا نیز همکاری نموده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از بدرالزمان قریب تاکنون دوازده مقاله به زبان فارسی ، چهار مقاله به زبان انگلیسی و یک مقاله به زبان فرانسه به چاپ رسیده است که از این تعداد ، ده مقاله درباره زبان سغدی است. همچنین ایراد سخنرانی درباره زبان سغدی ، در کنگره های بین المللی در سال های 76-1375 از جمله فعالیت های علمی وی می باشد. بدرالزمان قریب از هنر شاعری نیز بهره مند است و برخی از اشاعر او در گزینه ها و جنگ های شعر به ثبت رسیده اما هنوز در مجموعه ی منتشر نشده است.
آرا و گرایشهای خاص : بدرالزمان قریب در شعر سبک اساتید کهن را برگزید و به راه آنان رفت و در انواع شعر از قصیده ، غزل ، مثنوی ، دوبیتی و رباعی طبع آزمایی کرده است.
جوائز و نشانها : دو کتاب از آثار بدرالزمان قریب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده اند. از جمله کتاب فرهنگ زبان سغدی در سال 1374 و کتاب زبان های خاموش که در سال 1365 منتشر شده است. ----------
---
آثار :
1 تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی
ویژگی اثر : این کتاب به زبان انگلیسی در سال 1965 منتشر شد- مؤسس؟ میکرو فیلم دانشگاهی آن اوبر ـ میشیگان
2 ریشه های ایرانی باستان در سغدی
ویژگی اثر : مقاله-اکتاایرانیکا 4، یادنامة ینبرگ، 1975.

3 زبان های خاموش
ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر یدالله ثمره ترجمه گردید و در سال 1365 منتشر شد.-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «زبان‌های خاموش» کتاب «زبان‌های خاموش»، سرگذشت کوششها و تلاشهای پیگیر و توان‌فرسای دانشمندان را در حل معمای خطوط باستانی بازگو می‌کند و ما را با دقت‌نظر و روشهای علمی و نظام‌یافتة آنان در رمزگشایی این خطوط و نیز تحلیل علمی زبانهای باستانی آشنا می‌سازد. این کتاب در چهار فصل تنظیم گردیده است. در بخش اول، از رمزگشایی خطوط کهن خاور نزدیک از جمله: خط تصویرنگار هیروگلیف مصری، خطوط بین‌النهرین، انواع خطوط میخی بویژه خط میخی فارسی باستان که به گونه‌ای الفبایی بوده و نشانگر تحول شایان توجهی در تاریخ خط میخی است، به تفصیل سخن رفته است. در بخش دوم؛ رمزگشایی دیگر خطوط و زبانهای باستانی از جمله: آسیای صغیر، شمال آفریقا، سوریه، لبنان، فلسطین و نیز زبانهای ناشناختة ایتالیا مورد بحث قرار گرفته است و در بخش سوم؛ اصول و روشهای علمی رمزگشایی خطوط ناخوانده و زبانهای ناشناخته معرفی می‌شود و سرانجام در بخش چهارم؛ چند نمونه از خطوطی که هنوز رمزگشایی نشده‌اند و نیز تلاشهای دانشمندان برای رمزگشایی آنها ارائه می‌شود. پاره‌ای از اطلاعات سودمند دربارة اقوام، اشخاص، مکانها و نیز بعضی مآخذ جدیدتر و آگاهیهای دقیقتر توسط مترجمان به صورت پانوشت با ذکر منبع در پایان کتاب اضافه شده است
4 طلسم باران به زبان سغدی
ویژگی اثر : مقاله-نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان 1348.
5 فرهنگ زبان سغدی
ویژگی اثر : این فرهنگ سغدی-فارسی- انگلیسی در سال 1374 منتشر شد.این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ سغدی»: فرهنگ سغدی (سغدی- فارسی- انگلیسی)، بدرالزمان قریب، تهران: فرهنگان، 1374. زبان سغدی از شاخ؟ زبانهای ایرانی میان؟ شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستر؟ جغرافیایی عظیمی، از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می کردند. این شاخه گروه های مختلفی را در برمی گیرد و از نظر تنوع و حجم ادبیات مهمترین زبان ایرانی میان؟ شرقی است. مؤلف این کتاب از بیست سال پیش به گردآوری واژه های سغدی همت گمارده است و حاصل این تلاش، فرهنگی غنی و جامع است که

دانشمندان و پژوهشگران می توانند از آن بهره مند شوند. این فرهنگ از دو مقول? فارسی و انگلیسی و سه بخش تشکیل شده که این سه بخش عبارتند از: بخش اصلی، واژه یاب فارسی، واژه یاب انگلیسی
6 قانون هم وزنی مصوت ها در زبان سغدی
ویژگی اثر : مقاله-مجله دانشکده ادبیات، 1355.
7 کتیبه تازه یافته خشایارشاه
ویژگی اثر : مقاله- نشری? فرهنگ ایران باستان، 1346فمجلة دانشکده ادبیات، 1347،مجلة ایرانیکا آنتیکو، 1967 (انگلیسی)
8 کشف کتیبه پهلوی در چین
ویژگی اثر : مقاله -مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران 1364
9 مآخذ و مدارک پیرامون سرزمین سغد
ویژگی اثر : مقاله-مجل? بنیاد فرهنگ، 1349، (انگلیسی)
10 مرز زبانی فارسی باستان و سغدی
ویژگی اثر : مقاله-یادنامة ژان دومنانس، 1969، (انگلیسی)
11 وسنتره جاتکه
ویژگی اثر : داستان تولد بودا به روایت سغدی است که در سال 1371 منتشر شد.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)
منابع زندگینامه :1www.ketabesal.ir2برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور (از اولین سال برگزاری مراسم تا انتهای برنامه پنجساله) ، ناشر : دفتر شورای جذب نخبگان نهاد ریاست جمهوری ، ص 1653زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف: پوران فرخزاد ، ج 2 ، تهران: انتشارات زریاب ،ص 1316 و 13174سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف: سیدمحمدباقر برقعی ، قم: انتشارات خرم ، ص 492

قریب، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مترجم. تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی علوم سیاسی به پایان برد و از دانشکده‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: رایزنی سفارت ایران در پاریس، معاون اداره‌ی حقوقی در وزارت دارایی، رایزنی سفارت ایران در قاهره، ریاست اداره‌ی اول و پنجم سیاسی در مرکز بود. آثار وی: «بنده‌ی فراری»، ترجمه‌ی؛ «تاریخ سرگذشت بزرگترین سلاطین هخامنشی ایران سیروس یا کورش کبیر»، ترجمه.[1]
فرزند محمدحسین شمس‌العلماء گرگانی، در 1270 در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در 1293 ش به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و طی خدمت طولانی خود در آن وزارتخانه که قریب نیم قرن طول کشید، مشاغل مختلفی را احراز کرد. چندی در قاهره نایب اول و مستشار و بعد کاردار شد. در سفارت ایران در فرانسه با سمت وزیرمختار، کاردار بود. مدتی مدیریت کل وزارت امور خارجه را بر عهده داشت، سرانجام به سفارت ایران در عربستان سعودی منصوب شد. وفات او در 1365 در تهران در سن 95 سالگی اتفاق افتاد. چند ترجمه از او باقی ماند مانند بنده‌ی فراری اثر جرجی زیدان. قریب یک پسر و سه دختر از خود باقی گذاشت. شمس‌الدین قریب در وزارت امور خارجه به مقام کارداری و مستشاری رسید ولی در میانسالی درگذشت. از بین دختران وی، بدرالزمان قریب در رشته‌ی زبانشناسی و زبانهای باستانی، از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا درجه‌ی دکترا گرفت. چندی در دانشگاه شیراز و سپس در دانشگاه تهران به تدریس زبانهای ایران باستان مشغول شد. دو دختر دیگر وی به نام فخری و مهری، تحصیلات عالیه خود را به اتمام رسانیده در مشاغل فرهنگی خدماتی عرضه داشتند.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (712 ،518 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (574 -573 / 3).

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای
محل تولد : کوه کمره
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1310/1/1

زندگینامه علمی
حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ 14 صفر الخیر سال 1350 برابر با 1310 ش در روستای « کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سیّد تاج الدین حسن معروف به « سید حسن بابا » صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس درمعیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون : حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همّت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمّد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزانگان حوزه علمیّه قم مانند : آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به « حاج آقا حسین بروجردی »، آیت الله سید محمد رضا گلپایگاتی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا

گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

قریشی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، روزنامه‌نگار.
تولد: 1312.
درگذشت: 26 مرداد 1365.
مهدی قریشی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته‌ی تمدن و فرهنگ دوره‌ی اسلامی از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران بود.
او در خدمت مطبوعاتی را از سال 1324 شروع کرد و به طور آزاد برای مطبوعات مطلب می‌نوشت. طی فعالیت مطبوعاتی خود با روزنامه‌های «اطلاعات»، «پست تهران»، مجله‌ی «سینما»، «سایه‌ها»، «ستاره سینما»، «سپید و سیاه» و ماهنامه «مردم» به عنوان نویسنده و بیشتر در زمینه‌ی مسائل هنری همکاری داشت و چندی نیز سردبیر «پست تهران سینمایی» بود.
وی پس از رها کردن فعالیت مطبوعاتی به ترتیب به عنوان کارشناس اداره‌ی هنرهای زیبا و معاون رییس اداره‌ی هنرهای دراماتیک مشغول به کار بود. آخرین سمت او بعد از وقوع انقلاب اسلامی، مدیریت کل اداره‌ی رایزنی‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر بود. مهدی قریشی در سال 1359 بازنشسته شد.
از تألیفات او می‌توان از ترجمه‌ی پشت پرده‌ی یمن رنجدیده نام برد.
مهدی قریشی بر اثر بیماری سرطان در بیست و ششم سال 1356 درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قزوینی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مولی آغا قزوینی از افاضل خطباء کربلاء بوده و در خطابه ید طولائی داشته و قبل از 1300 ق وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی اصفهانی، اسدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمّد باقر موسوی، از احفاد سید عبداللَّه مدفون در حوالی قزوین. در حدود سال 1245 متولّد، و در خدمت میرزای بزرگ شیرازی، و آقا سید محمّد فشارکی، و حاج سید اسماعیل صدر تحصیل نموده، و به امر ایشان جهت ترویج دین و نشر احکام به حیدر آباد هند مسافرت نموده و در آنجا شب جمعه دهم ذی قعدة الحرام سال 1327 وفات یافته، و هم آنجا مدفون گردید.
کتب خویش را به دستور استاد اخلاقی خود حاج ملاّ فتحعلی عراقی به آب انداخته و از بین برده است، آنچه باقی مانده تقریرات فقهیّه اوست.
فرزندش سید حسن نیز از علمای ازکیا بوده، در ذی قعده سال 1365 در حیدر آباد وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298 / 1297 -1253 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری‌اش شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقدمات شاگرد پدرش، سید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایی‌هایش شیخ مهدی و شیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند و سید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح-تلویح».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (188 / 4)، الذریعه (430 / 4)، ریحانه (448 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 271 -269 / 13)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (151 / 3)،مکارم الآثار (1427 -1425 / 4).

قزوینی رازی، نصیرالدین، ابوالرشید

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم امامی و واعظ. اصل وی از قزوین و ساکن شهر ری بود. او از دانشمندان بزرگ شیعه و در زمان خود در بین اقران ممتاز بود. در عصر او یکی از غلاه اهل تسنن و نواصب نواحی ری مجموعه‌ای در در مذهب شیعه نگاشت. علمای شیعه در آن وقت همگی اذعان داشتند که جوابگویی به آن شایسته عبدالجلیل قزوینی است. از آثار وی: کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض»یا «کتاب النقض» یا «نقض الفضائح»، به فارسی، که آن را به دستور سید مرتضی کبیر شریف‌الدین محمد بن علی دیباجی در 556 ق نوشته و آن را به نام صاحب الزمان (ع) آغاز کرده است؛ «البراهین»، در امامت امیرالمؤمنین (ع)؛ «السؤالات و الجوابات»، در هفت مجلد؛ «مفتاح التذکیر» یا «مفتاح الراحات فی فنون الحکایات»؛ «تنزیه عایشه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (125)، الذریعه (284 -283 / 24، 330، 322، / 21، 251 / 12، 457 / 4، 130، 78 / 3)، ریاض العلماء (73 / -71 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 155 -154/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (129).

قزوینی شیرازی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1240 ق)، عالم امامی، واعظ و فقیه اصولی. وی به سبب مهارت در اصول به اصولی مشهور بود. اصل وی از قزوین است که در پی تحصیل علم به عتبات رفت و در کربلا سکنی گزید و حائری نیز نامیده شد. از محضر آقا محمد باقر وحید بهبهانی استفاده نمود و از او و از سید بحرالعلوم به دریافت اجازه نایل شد. وی علاوه بر تحصیل به تجارت نیز می‌پرداخت، در پی تجارت به بصره و از آنجا به شیراز رفت و در آنجا ساکن شد و در مسجد نو به امامت جماعت پرداخت و تدریس و همچنین وعظ نیز می‌کرد و در طی آن به امر تجارت نیز مشغول بود. فرزندش، حاج محمد حسین، و حاج علی‌اکبر نواب بسمل و آقا لطفعلی فگار شیرازی از شاگردان او هستند. در شیراز درگذشت و جنازه‌اش را به عتبات بردند و در کربلا در رواق، پایین پای شهدا، در جوار استادش، آقا محمد باقر بهبهانی، دفن کردند. از آثار وی: «مصابیح الهدایه»، در شرح «بدایه الهدایه» شیخ حر عاملی، در فقه؛ «کشف الغطاء عن وجوه مراسم الاهتداء»، در اخلاق که مورد قبول اخلاقی بزرگ ملا حسینقلی همدانی بوده و به تمام شاگردانش رجوع به این کتاب را سفارش می‌کرده؛ «ریاض الشهاده و کنوز السعاده فی مناقب السادہ و و مصائب الغرر المیامین القاده»، مقتل فارسی، و مختصر آن به نام «نورالعیون»؛ «ملخص الفوائد السنیه و منتخب الفرائد الحسنیه»، در تلخیص کتاب «الفوائد الحائریه» استادش آقا محمد باقر بهبهانی، و این ملخص را شرح کرده و آن را « تنقیح المقاصد الاصولیه» نامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (323 / 6)، اعیان الشیعه (178 / 9)، ایضاح المکنون (601، 318 / 1)، الذریعه (374 / 24، 210- 209 / 22، 93- 92 / 21، 46- 45 / 18، 328 / 11، 465 / 4)،روضات الجنات (296- 295 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 355- 354 / 13)، طرائق الحقائق (343- 340 / 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1164، 1119، 1115، 942 / 2)، معجم المؤلفین (223 / 9)، مکارم الآثار (1102- 1099 / 4)، هدیه العارفین (357 / 2).

قزوینی قمی، زکریا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سامره خدمت حجةالاسلام حاج میرزا محمدحسن شیرازی قدس سره تحصیل و تلمذ نموده بود و به طوری که شنیده‌ام از معظم له اجازه اجتهاد داشته پس از آن به قم اقامت و مشغول ترویج شرع و امامت جماعت و منبر شد. تا در قم مرحوم و مدفون گردید. آن مرحوم ابوالزوجه مرحوم آیةاللّه آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قزوینی قوام الدین، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1150 / 1149 / 1140 ق)، عالم امامی، فقیه، قاضی، ادیب و شاعر. مشهور به میرزا قوام‌الدین. وی از شاگردان و خواص شیخ جعفر کمره‌ای اصفهانی قاضی و در 1107 ق از علامه مجلسی به دریافت اجازه نایل شد. او مهارت بسیاری در سرودن شعر داشت و کتابهای چندی را به نظم کشید و قصائد و مقطعات در درود بر پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و اشعار زیادی در مراثی از خود به یادگار گذاشت. او به هنگام بازگشت از مکه درگذشت. از آثار وی: نظم «اللمعه الدمشقیه»، به نام «التحفه القومیه فی فقه الامامیه»؛ «ارجوزه فی الحساب» به نام «نظم الحساب»، نظم «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الاسطرلاب»، نظم «صحیفه الاسطرلاب» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی اصول الفقه»، نظم «زبده‌ی» شیخ بهایی؛ «ارجوزه فی الطب»، به نام «مفرح القوام»؛ «منظومه البیان»، ارجوزه‌ای در علم بیان؛ «ارجوزه فی التجوید»، که نظم «الشاطبیه» است؛ «ارجوزه فی النحو»، به نام «الصافیه»، که نظم «الکافیه» ابن‌حاجب است؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (74 / 10، 412 / 9)، تاریخ ادبیات در ایران (351 / 5)، تذکره‌ی روز روشن (666)، تذکره المعاصرین (121 -119 46،)، الذریعه (210 -209 / 24، 487 / 9، 225 / 7، 462 / 3، 504 490، 485- 484، 482، 472- 471، 464، 461، 455، 452 / 1)، ریحانه (493 -492 / 4)، فرهنگ سخنوران (750)، فوائد الرضویه (622-621)، الکنی و الالقاب (90 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قوام‌الدین)، معجم المؤلفین (304 / 11)، هدیه الاحباب (221).

قزوینی گیلانی، شمس‌الدین محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1288 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ساعی. معروف به نسیم‌شمال. او در قزوین متولد شد. خواندن و نوشتن را نزد شیخ عبدالرحیم قزوینی فراگرفت. مقدمات صرف و نحو و منطق و بیان تا سطوح را از محضر ملا علی طارمی و ملا محمدعلی برغانی صالحی در مدرسه‌ی صالحیه‌ی قزوین آموخت و در حدود سال 1305 ق به عتبات رفت. در کربلا از حوزه‌ی علمی میرزا علامه‌ی برغانی صالحی و میرزا علینقی برغانی صالحی سالها بهره گرفت. در حدود سال 1310 ق به قزوین بازگشت و در زنجان ساکن شد. عرفان و حکمت و ریاضیات را نزد میرزا ابراهیم مسگر زنجانی آموخت بعد به تبریز رفت و در حدود سال 1313 ق به قزوین مراجعت کرد و در مدرسه‌ی صالحیه مشغول تعلم و تعلم شد. در این مدرسه با افکار آزادیخواهان آشنا شد. در سال 1316 ق برای بار دوم عازم کربلا شد و به حوزه‌ی درس استاد خود میرزاعلی برغانی ملحق گردید. با سابقه‌ی ذهنی که داشت مبارزات سیاسی خود را در کربلا فعالانه آغاز کرد. سپس به ایران بازگشت و در رشت به شغل کتابت پرداخت و روزنامه‌ی «نسیم شمال» را از سال 1325 ق تا انحلال مشروطه‌ی اول به طور غیرمرتب انتشار داد. وی در گیرودار کشاکش میان مشروطه‌خواهان به محمدعلی شاه و اطرافیانش در اشعاری که می‌سرود و در روزنامه‌اش چاپ می‌کرد، از زشتکاریهای شاه و طرفداران سلطنت مطلقه به شدت انتقاد می‌کرد و آنان را به باد مسخره می‌گرفت. با فتح تهران و غلبه‌ی آزادیخواهان به تهران آمد و با کمک مادی و معنوی محمد ولی‌خان سپهسالار در سال 1327 ق انتشار «نسیم شمال» را ادامه داد. از آنجا که روزنامه جنبه‌ی فکاهی و طنزآمیز داشت، بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت و او شهرت زیادی کسب کرد. در شعر زبان محاوره را برگزید و ضمن فکاهی بودن، جنبه‌ی طنزآمیز و انتقادی داشت. در حقیقت سید اشرف‌الدین در نظم فارسی راهی گشود که تا قبل از او کمتر به آن توجه داشتند. گویا در اواخر عمر به جنون مبتلا شد و دستاویزی شد تا او را به تیمارستان انداختند. نسیم شمال در فقر و تنگدستی درگذشت. اشعار وی بیش از بیست هزار بیت است که خود او شماری از آنها را در دفتری که «باغ بهشت» نام دارد، جداگانه منتشر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» اشعار؛ کتاب مختصری در حکمت که در رشت چاپ شده است؛

«عزیز و غزال»؛ «ارفع نامه»؛ «نهضت بانوان»؛«تاریخ سلاطین ایران»، به نظم که در تهران چاپ شده است؛ «بشارت ظهور».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (77 -61 /2)، تاریخ جراید (301 -1295 4/)، چون سبوی تشنه (62 -58)، دایره‌المعارف فارسی (155 /1)، دویست سخنور (23 -22)، الذریعه (1186 /9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (187 -184 /1)، سخنوران نامی (166 -145 /1)، سخنوران نامی معاصر (3644 -3639 /6)، فرهنگ سخنوران (930)، لغت‌نامه (ذیل/ نیسم شمال)، مؤلفین کتب چاپی (623 -622 /1)، مینو در (712 -697 /2)، یادگار (س 3، ش 3، ص 35 -34) یغما (س 13 ش 3 ص 129 -121، س 21 ش 12، ص 709 -706).

قزوینی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید باقر بن سید هادی بن سید میرزا صالح بن سید مهدی بن سید حسن بن سید احمد حسینی الحلی القزوینی از افاضل ادباء بیت خود بوده و در سال 1304 متولد و در سال 1332 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، بهاءالدین، ابومحمد طاهر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 575 ق)، محدث، نحوی. او به واسطه جماعتی از ثقات از ادیب فاضل مجمع بن محمد بن احمد مسکنی حدیث نقل کرده و کتابهای وی، «شرح الفصیح» و «شرح الالفاظ» و «دیوان النظم» و «دیوان النثر»، را روایت نموده است. رافعی در کتاب «التقریب» وی را ستوده و او را صاحب تصانیف ذکر کرده است. شیخ منتجب‌الدین از شاگردان و راویان شیخ بهاءالدین است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (104 / 13 ،1171 / 9)، روضات الجنات (139 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 147 / 5)، فهرست منتجب‌الدین (170)، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر).

قزوینی، بهشتی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید بهشتی از اعلام علماء قزوین و ائمه جماعت در مسجد جامع آن بوده و بعد از 1300 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، تاج‌الدین، ابوالحسن علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 745 ق)، قاضی، محدث، فقیه شافعی، مدرس، ادیب و لغوی. اصل وی از قزوین و در بغداد ساکن بود و در مدرسه‌ی نظامیه بغداد تا پایان عمر تدریس می‌نمود. از آثارش: شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المحیط بفتاوی اقطار البسیط»؛ «الرغاب»، در تصریف؛ «العجاب»، در نحو، و شرح آن؛ «اللطائف»؛ شرح «المقامات الحریری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 5)، معجم المؤلفین (181 / 7)، هدیه العارفین (719 / 1).

قزوینی، خلیل

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1089 -1001 ق)، عالم امامی، محدث، فقیه، متکلم و نحوی. اصل وی از قزوین بود. در قزوین به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ بهایی و میرداماد است. او شریک درس خلیفه سلطان وزیر در درس حاج محمود رنانی و ملا حسین یزدی بود. وی از معاصران شیخ حر عاملی و ملا محسن فیض کاشانی است. ملا خلیل قزوینی استاد علامه مجلسی و آقا رضی‌الدین قزوینی بود. پیش از سی سالگی عهده‌دار تولیت حضرت عبدالعظیم و تدریس در آنجا بود. پس از چندی به مکه رفت و مجاورت آنجا را برگزید. سپس به قزوین بازگشت و شروع به تصنیف و تألیف نمود. در قزوین درگذشت و در مدرسه‌اش دفن شد. از آثار وی: حاشیه بر «مجمع البیان» طبرسی؛ «رموز التفاسیر الواقعه فی الکافی و الروضه»؛ «الصافی فی شرح الکافی»، به فارسی؛ «الشافی فی شرح الکافی»، به عربی؛ «المجمل»، در نحو؛ «الرساله النجفیه»؛ «الرساله القمیه»؛ شرخ «عده الاصول» شیخ طوسی یا حاشیه بر «العده»، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (369 -368 / 2)، اعیان الشیعه (356 -355 / 6)، الذریعه (48 -47 / 20 ،5 -4 / 15 ،368 ،6 -5 / 13 ،251 / 11 ،191 ،148 / 6 ،142 / 5 ،82 / 2)، روضات الجنات (262 -257 / 3)، ریاض العلماء (266 -261 / 2)، ریحانه (452 -450 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 204 -203 / 11)، لغت‌نامه (ذیل/ خلیل)، معجم المؤلفین (125 / 4)، مینو در (173 / 2)، هدیه العارفین (354 / 1).

قزوینی، رضی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا رضی از علمای محقّقین، و واعظ صالح، و عالم کامل معاصر اواخر صفویّه بود.
در ریحانة الادب (1: 55) گوید: از شاگردان ملاّ خلیل قزوینی، و مؤلّف کتب عدیده است، از آن جمله: 1- ابطال الرمل تاریخ علمای قزوین [=ضیافة الاخوان] 3- رساله ی شیر و شکر 4- رساله ی نوروز 5- ضیافة الاخوان 6- قبله الآفاق 7- کحل الابصار 8- لسان الخواص 9- هدیة الخلاّن، و غیره.
وفاتش در 1096 رویداده است.
مولی ادهم به مناسبت نام او صاحب عنوان و بستگانش نام فامیلی ادهم انتخاب کردند عالم فاضل محقق بوده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قزوینی، شرف‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(740 -660 ق)، منشی، ادیب و شاعر، متخلص به شرف. وی در قزوین تولد یافت، پس از تحصیل، به توسط خواجه غیاث‌الدین محمد به خدمت اولجایتو راه یافت و با خواجه به تبریز آمد. چند گاهی نیز در درگاه اتابک نصرة‌الدین احمد لر از امرای فضلویه یا لر بزرگ بود و او را مدح می‌گفت. از جمله آثارش: «المعجم فی آثار ملوک العجم»، که مختصری در ذکر معالی و مآثر پادشاهان قدیم ایران است و به نام اتابک نصرة‌الدین احمد تالیف کرده؛ «الترسل النصرتیه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1258 -1256 /3)، تاریخ در ایران (108)، تاریخ نظم و نثر (144)، دایرةالمعارف فارسی (1465 -1464 /2)، الذریعه (218/21، 516/9، 288 -287 /3)، سبک شناسی (105/3)، فرهنگ سخنوران (499)، مجمع الفصحا (808 -807 /2)، مینودر (923 -922 /2).

قزوینی، صدرالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ صدرالدین قزوینی بن ملا حسن شعبان کردی قزوینی عالمی خطیب و نویسنده‌ای ادیب در تهران بوده و حدود 1330 وفات کرده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 682 -605 / 600 ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در 650 ق قاضی حله و در 652 ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (80 / 3)، تاریخ ادبیات در ایران (281 -279 / 3)، تاریخ نظم و نثر (146)، الذریعه (219 / 15 ،7 / 1)، روضات الجنات (373 / 3)، ریحانه (453 / 4)، کشف الظنون (1128 -1127 ،1126 ،9)، الکنی و الالقاب (62 -61 / 3)، معجم المؤلفین (183 / 4)، مینودر (837 5، -3 / 2)، هدیه الاحباب (216)، هدیه العارفین (373 / 1).

قزوینی، فتح الله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ فتح الله قزوینی (متوفی سال 1050هـ.ق) از علمای بزرگ قزوین بود. وی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقة درسی او پیوستند. او در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. شیخ فتح الله آثاری به تالیف رسانده که عموماً حوزه علوم دینی را در می گیرد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : تبار و ذریه شیخ فتح الله به دو شاخه تقسیم می شوند: خاندان شفائی و خاندان سامت. بقیه خاندان سامت را امروزه در قزوین با شیخ العلما میرزا عبدالرحیم سامت می شناسند. اصل این طابفه از قریه صفی آباد در نواحی قزوین بوده و نخستین شخصی که در عصر صفوی قزوین را مسکن خویش قرار داده و به تحصیل علوم دینی پرداخته است. علمای دیگری نیز از این خاندان برخواسته اند از جمله شیخ عبدالکریم صاحب کتاب نظم الغرر و شیخ محمد یحیی صاحب ترجمان اللغه و... تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ فتح الله قزوینی پس از تکمیل مقدمات متداوله ، به فراگیری فنون ادب و علوم عقلی و نقلی مشغول شد.استادان و مربیان : شیخ فتح الله محضر درس شیخ بهایی و فخرالدین سماکی قزوینی را در ک نموده است.همسر و فرزندان : شیخ فتح الله قزوینی سرسلسله خاندان واعظ قزوینی و پدر شیخ ملا رفیع الدین محمد قزوینی متخلص به واعظ و متوفی سال 1089 هـق صاحب کتاب ابواب الجنان است. شیخ حر عاملی (1033-1104هـ.ق) نیز در امل الآمل شیخ فتح الله را پدر ملا رفیع الدین محمد دانسته است.زمان و علت فوت : شیخ فتح الله قزوینی متوفی سال 1050هـ.ق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ فتح الله قزوینی پس از آنکه در علوم عقلی و نقلی به نبوغ علمی دست یافت ، کرسی تدریس و رهبری را در حوزه قزوین به دست گرفت و طلاب علوم دینی از اطراف و اکناف به حلقة درسی او پیوستند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ فتح الله در خطابه و وعظ مهارت بسیار داشت و به همین خاطر به واعظ قزوینی مشهور گردید. او همچنین آثاری به تالیف رسانده که حوزه علوم دینی را در می گیرد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ فتح الله از متکلمان شیعه و شیوخ مجتهدین عصر خویش در قزوین بود.

همچنین او را ردیف عالمان علوم عقلی و نقلی قرار داده اند.آثار : رساله در امامت ،رساله در عرفان

منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان 1375 ، ص 160

قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد قزوینی در سال 1254 خورشیدی در قزوین متولد گردید. تا سال 1306 ق. که پدرش در حال حیات بود ، مقدمات صرف و نحو را نزد پدر آموخت. پس از فوت پدر تحت سرپرستی شمس العلما شیخ محمدمهدی عبدالرب آبادی قزوینی ، نزد علمای وقت به تکمیل تحصیلات پرداخت. قزوینی پس از مدتی به جهت مطالعات بیشتر به اروپا رفت و مدتها در فرانسه ، انگلستان و آلمان اقامت داشت. علامه محمد قزوینی در سن 26 سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی 1324 به پاریس رفت ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول به آلمان رفت . بعد از خاتمه جنگ در روز 13 دی ماه 1298 (4 ژانویه 1920) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد. قزوینی در سال 1318 ، به علت جنگ جهانی دوم فرانسه را ترک کرد و برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود. علامه محمد قزوینی در روز جمعه ششم خرداد ماه 1328 ش. در تهران درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : تصحیح متون
والدین و انساب : نام پدر محمد قزوینی، عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی است. عبدالوهاب یکی از مولفین اربعه «نامه دانشوران» می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر علامه قزوینی از علمای زمان خود بود که در مدرسه دوستعلی خان معیر الممالک ، در تهران به کار تدریس اشتغال داشت. او از جمله کسانی است که با سه تن از دانشمندان دیگر ،

در نوشتن « نامه دانشوران » شرکت داشته و بیشتر ترجمه احوال علمای لغت و صرف و نحو و ادب و فقه در کتاب مزبور به قلم اوست.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد تحصیلات علوم متداوله اسلامی را در تهران سپری کرد. قزوینی با وجود آنکه از خانواده علمای دین بود، از همان عهد جوانی در خط تحصیل زبان های اروپایی و آشنا گشتن با طریقه تتبع و تحقیق فرنگیان افتاد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : علامه قزوینی در ایام تحصیل با درس دادن به بعضی از دوستان و آشنایان خود امرار معاش می نمود. از جمله فعالیت های دیگر او در این زمان ترجمه مقالات و کتب از زبان عربی بود که توسط روزنامه تربیت ایشان انتشار می یافت.
استادان و مربیان : محمد قزوینی، صرف و نحو را درخدمت پدرش عبد الوهاب بن عبد العلی قزوینی و در خدمت حاجی سید مصطفی قنات آبادی در مدرسه معیر الممالک و فقه را در خدمت، همسو و شیخ محمد صادق تهرانی و اندکیکمتر در محضر شیخ فضل اللهنوری، کلام و حکمت قدیم را از شیخ علی نوری درمدرسه خان مروی و اصول فقه را نزد ملا محمد آملی در مدرسه خازن الملک، اصول فقه خارج را در محضر افضل المتاخرین میرزا حسن آشتیانی آموخته است. او همچنین از محضر شیخ هادی نجم آبادی نیز بهره برده است، اما بدون تدریس و تدرس کتب رسمی وی از سید احمد ادیب پیشاوری نیز کسب فیض کرده است. شمس العلما شیخ محمد مهدی قزوینی عبدالرب آبادی، میرزا محمد حسین خان اصفهانی (متخلص به فروغی و ملقب به ذکا الملک) نیز از اساتید قزوینی بوده اند.
همسر و فرزندان : محمد قزوینی در سفر دوم خود به پاریس با یک خانم ایتالیایی ازدواج نمود ، که حاصل آن یک دختر بود که برای او به یادگار ماند.
وقایع میانسالی : در اوایل سال 1322 محمد قزوینی بنا به دعوت برادرش (میرزا احمد خان) به لندن سفر کرد، و از کتابخانه بزرگ لندن دیدن کرد. او در این سفر با مستشرقین انگلیسی بسیاری آشنا شد از جمله پرفسور توان (A.A.Bevan)، الس (A.G.Elis)، آمد روز (H.F.Amedroz) و ادوارد براون (E.G.Browne). علامه قزویی با میرزا عباس خان اقبال آشتیانی نیز مراوده و مکاتبه داشت، همچنین با میر محمد حسین خان عمیدالملک حسابی. [محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه 1378، ص 30-29] قزوینی با کازانوا (P.Casanova) و گابریل فران (FerandG.)، مستشرقین فرانسوی نیز آشنا بود. علامه قزوینی، با احمد زکی ولیدی طوغان ، رهانری ماسه، ماسینیون،برتلز، مارکوارت و ادوارد براوان آشنایی داشته است. محمد قزوینی با علی اکبر دهخدا، نویسنده

لغت نامه دهخدا، همدوره و دوست بود. همچنین با حاجی سید نصر الله اخوی، حسینقلی خان نواب، سید حسن تقی زاده،میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی، سید محمد علی خان جمال زاده، میرزا محمود خان غنی زاده، میرزا حسین خان کاظم زاده (ایرانشهر) میرزا محمد علی خان تربیت، سید محمد رضا مساوات و میرزا ابراهیم پور داود. از دوستان آلمانی محمد قزوینی می توان به مستشرقینی همچون مارکوارت (j.Marquart)، زاخائو(E.Sachau)، موریتز (B.Moritz) هارتمن (M.Hartmann)، مان(o.Mann)، میتووخ (E.Mitwoch)، فرانک (Frank)، بک (S.Beck)، نولدکه(T.Noldeke) اشاره کرد. قزوینی به پاریس نیز مسافرتی داشت که بر اثر آن لبا جمعی از مستشرقین فرانسه آشنا شده است همانند هرتویک درنبورک (Hartwig Dernbourg)، باربیه دومنار (Barbier de Meynard)، میه (A.Meillet) و هوارت (C.Huart) قزوینی در اواخر زندگانی خود می گفت: «... اکنون که تامیل ایام گذشته می کنم و بر عمر تلف کرده تاسف میخورم باز یکی از بهترین تفریحات من مطالعه شرح رضی و مغنی البیب است که برای من احلی من وصل الحبیب است !العاده کالطبیعه الثانیه.»

زمان و علت فوت : محمد قزوینی، روز جمعه ششم خرداد 1328 شمسی مطابق با 28 رجب 1368 قمری، حدود ساعت ده و نیم در کوچه دانش منشعب از خیابان فروردین تهران، چهره در نقاب خاک کشید.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد قزوینی در سن 26 سالگی به اروپا رفت. در لندن پس از آشنا شدن به طرز کار خاورشناسان ، به دعوت پرفسور ادوارد براون و امنای اوقاف گیب دست به کار تصحیح و انتشار تاریخ جهانگشای جوینی زد ؛ چون بهترین نسخ آن کتاب در کتابخانه ملی پاریس بود، پس از دو سال اقامت در لندن ، در ماه ربیع الثانی 1324 به پاریس رفت ؛ و از آن تاریخ تا سال 1333 ق. همیشه در پایتخت فرانسه مقیم بود ؛ او در این مدت به نشر جلد اول تاریخ جهانگشای جوینی و آماده کردن جلد دوم آن برای چاپ توفیق یافت و ضمناً چند مقاله و رساله درباره ادبیات و تاریخ ایران نوشت ، و دو سه متن از متون قدیمه فارسی را تصحیح کرد. قزوینی یک سال پس از جنگ جهانی اول ، به دعوت سیدحسن تقی زاده ، که در برلین سرپرستی کمیته ایرانی آلمان را داشت و در آنجا روزنامه کاوه را منتشر می ساخت ، به همراهی حسینقلی خان نواب که به سمت سفیر ایران در آلمان انتخاب شده بود ، به آلمان رفت و در 18 ذی الحجه 1333 (27 اکتبر 1915) به برلین رسید و تا چندی پس از پایان جنگ در آن شهر ماند. بعد از خاتمه جنگ در روز 13 دی ماه 1298 (4 ژانویه 1920) به دعوت میرزا محمدعلی خان فروغی به پاریس برگشت و تصحیح کتبی را که نیمه کاره مانده بود از سر گرفت. در این

زمان از سوی وزارت فرهنگ مبلغی در اختیار او گذاشته شد که از بعضی نسخ خطی نفیس عکسبرداری نموده و به ایران ارسال دارد ؛ او جمعاً 16 کتاب عکس گرفت و با مقدمه های به ایران فرستاد. قزوینی در سال 1318 ، به علت جنگ جهانی دوم و مشکلاتی که خارجیان مقیم در اروپا گریبانگیر آن شدند ، فرانسه را ترک کرد و ، بعد از سی وشش سال غربت ، در مهر ماه آن سال ، برای اقامت دایم به ایران بازگشت. در ایران نیز اوقات قزوینی پیوسته مصروف مطالعه و تحقیق و تصحیح متون قدیمه بود.
همفکران فرد : روش محمد قزوینی در کار متن شناسی آن چنان از دقت نظر برخوردار بود که بزرگانی چون فروزانفر ، بهار ، دهخدا ، اقبال آشتیانبی ، مینوی و ... را متأثر ساخت.
آرا و گرایشهای خاص : محمد قزوینی در کار متن شناسی ، استادی زبردست بود. اجتهاد متن شناسی وی نه تنها در متونی که خود تصحیح کرد ، بلکه در مقالات و رسائلش نیز به خوبی قابل درک است. دکتر قاسم غنی همکار علمی قزوینی در تصحیح دیوان حافظ در مورد وی چنین می گوید: « مرحوم قزوینی روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هرکس را مستعد می دید به تربیت و ارشاد او می پرداخت... » ----------
---
آثار :
1 .
ویژگی اثر : علامه محمد قزوینی برای کتابخانه شخصی خود که اکنون در دانشکده ادبیات تهران محفوظ است برای خود فهرستی تهیه کرده و برای همه کتابهای چاپی و خطی به شیوه ای دقیق کتابداری، اطالعات لازم را نوشته است که شامل چهار جلد فهرست را شامل می گردد.
2 بیست مقاله
ویژگی اثر : این کتاب شامل دو جلد است.[ص45]
3 تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم
ویژگی اثر : این اثر تالیف شمس قیس رازی است. [ص42]
4 تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی
ویژگی اثر : این اثر تالیف علا الدین عطا ملک جوینی است.[صص 4-43]
5 تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی
ویژگی اثر : این اثر تالیف نظامی عروضی سمرقندی است[ص43]
6 تصحیح دیوان حافظ
ویژگی اثر : این اثر تالیف حافظ شیرازی است.[ص44]
7 تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار

ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین شیرازی است.[ص 44]
8 تصحیح مرزبان نامه
ویژگی اثر : این اثر تالیف مرزبان بن رستم است.[ص42]
9 تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه
ویژگی اثر : این اثر تالیف فردوسی لوسی است. [ص 47]
10 رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان
ویژگی اثر : [ص45]
11 رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی
ویژگی اثر : این اثر به نام خاتمه الطبع راجع به شرح احوال مولف کتاب و وصف اجمالی تفسیر حاضر چاپ شده است. [صص 8-47]
12 رساله ممدوحین سعدی
ویژگی اثر : [ص47]
13 مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثه المصدور
ویژگی اثر : این اثر تالیف نور الدین محمد نسوی است.[ص47]
14 مقدمه تذکره الاولیا
ویژگی اثر : این اثر تالیف عطار نیشابوری است.[ص45]
15 مقدمه تذکره الشعرا عوض
ویژگی اثر : این اثر موسوم به لباب الالباب است.[ص45]
منابع زندگینامه :سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، نوشته: پرویز ورجاوند ، ج 2 ، تهران : نشر نی ، ص 1254]2[محقق. مهدی، زندگینامه و آثار مرحوم علامه محمد قزوینی، دی ماه 1378، ص 1]3از نیما تا روزگار ما ، تالیف: یحیی آرین پور ، ج3 ، تهران: انتشارات زوار ، ص108

قزوینی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمد ابراهیم موسوی حایری قزوینی از مشاهیر خطباء و محدثین و مبلغین و مروجین و نویسندگان نامی معاصر و مقیم شهرستان علمی و دینی قم می‌باشند.
در سال 1348 هجری قمری در کربلاء معلی علی من شرفها الصلوه والسلام به دنیا آمده و در مهد فضل و سیادت پرورش یافته و پس از دوران کودکی و خواندن اولیات و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی و حاج شیخ محمد خطیب و سید محمد صالح قزوینی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن قزوینی معروف به حاج‌آقا و دروس نهائی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی شیرازی و آیت‌اللّه میلانی و آیت‌اللّه حاج شیخ یوسف شاهرودی و آیت‌اللَّه حاج سید محمد حسن قزوینی صاحب (الامامه الاکبری) استفاده نموده است.
در سال 1393 هجری قمری مهاجرت به کویت و مدت هفت سال اقامت و به خدمات تبلیغی و تالیفی اشتغال داشته و در سال 1400 قمری به قم هجرت و اقامت نموده و چهار مرتبه برای ارشاد و تبلیغ دین به استرالیا سفر نموده و از راه منبر و خطابه چه در خارج و چه در داخل ایران قم و تهران و غیره نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام نموده و خدمات ارزنده و چشمگیری نموده و می‌نمایند.
معظم‌له داماد گرامی آیت‌اللَّه العظمی میرزا مهدی شیرازی می‌باشند دارای پنج فرزند فاضل و برومندند به اسامی زیر که اسباط مرحوم میرزا مهدی شیرازی هستند و همگی در حوزه علمیه اشتغال به درس و تدریس سطوح عالیه دارند.
1- حاج سید محمد ابراهیم موسوی قزوینی
2- حاج سید محمدعلی موسوی قزوینی
3- حاج سید مصطفی موسوی قزوینی
4- حاج سید محسن موسوی قزوینی
5- حاج سید جعفر موسوی قزوینی
تألیفات ارزنده دارند که به طبع رسیده و آنها از این قرار است:
1- شرح نهج‌البلاغه- سه مجلد
2- علی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
3- فاطمه الزهراء (علیهاالسلام) من المهد الی اللحد

4- الامام المهدی (علیه‌السلام) من المهد الی الظهور
5- الامام الجواد (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
6- الامام الهادی (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
7- الامام العسکری (علیه‌السلام) من المهد الی اللحد
8- سیره الرسول الاعظم (صلی اللّه علیه و آله و سلم)
9- فاجعه الطف
10- الاسلام والتعالیم
و در حال حاضر مشغول به تألیف موسوعه‌ای درباره زندگانی و شخصیت حضرت صادق علیه‌السلام می‌باشند که به ده‌ها جلد خواهد رسید.
تولد: 1308.
درگذشت: 1373.
آیت‌الله محمدکاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه ذکرالله احمدی، قم، 1370)؛ الامام المهدی علیه‌السلام من المهد الی الظهور (بیروت، 1370)؛ الامام الهادی علیه‌السلام من المهد الی اللحد (قم، 1371)؛ عاشورا غمبارترین روز تاریخ (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، 1374)؛ فاطمه‌ی زهرا (ع) از ولادت تا شهادت (ترجمه حسین فریدونی، 1371 ،1365)؛ موسوعه الامام الصادق علیه‌السلام (قم، 1372). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی قدس سره (1374).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

قزوینی، میرزا محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به وحید ، از شاعران سده یازدهم و اوایل یازدهم است که در قزوین متولد گردید. وحید به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید. پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (1038-1052 هـ .ق) و شاه عباس دوم (1052-1077 هـ .ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد. پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله - سید علاء الدین خلیفه سلطان - صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال 1055 هـ .ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (1077 - 1105 هـ .ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (1105-1135 هـ.ق) بر این مسند باقی ماند. وحید قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : میرزا محمد طاهر قزوینی ، متخلص به « وحید » ، از ادبا و فضلا و رجال دوره صفوی و از شاعران سده یازدهم و اوایل دوازدهم هجری است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا محمد طاهر قزوینی به سبب استعداد ذاتی ، به تحصیل مقدمات علوم زمانی خود مشغول گردیدو در فن سیاغ و امور دفتری و استیفا مهارت و در انشاء و حسن خط به حسب مقدور کوشید.
هم دوره ای ها و همکاران : میرزا محمد طاهر قزوینی با شاعر بزرگ زمان خود ، صائب تبریزی دوستی نزدیک داشت.

وقایع میانسالی : بنا برروایت هدایت در روضه الصفا، میرزا محمد طاهر قزوینی در دوره وزارت شیخ علی خان زنگنه مخذول و منکوب گردید و این وضعیت تا پایان وزارت شیخ علی خان در سال 1101 ادامه داشت .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا محمد طاهر قزوینی پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دیوانی شد ، وی نخست به عنوان دستیار میرزا صالح پسر میرزا باقر توجیه نویس به تحریر جلدی از دفاتر توجیه مشغول گردید و چون میرزا صالح فوت نمود، میرزا طاهر (وحید) با لیاقتی که از خود ظاهر ساخته بود، به عنوان دستیار و مشیر ومشار اعتمادالدوله میرزا تقی مشهور به سارو تقی و زیر شاه صفی (1038-1052 هـ .ق) و شاه عباس دوم (1052-1077 هـ .ق) ، کفالت آن خدمت را عهده دار شد.
پس از قتل ساروتقی ، اعتمادالدوله - سید علاء الدین خلیفه سلطان - صدرالعظم دستگاه شاه عباس دوم منصب مجلس نویسی یا وقایع نگاری را به عهده وحید قزوینی نهاد ، و به سال 1055 هـ .ق مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم و مامور نوشتن تاریخ سلطنت این پادشاه شد. او همچنین بعد از وزارت شیخ علیخان زنگنه یک چند با لقب عمادالدله وزیر اعظم شاه سلیمان (1077 - 1105 هـ .ق) گشت و تا جلوس شاه سلطان حسین (1105-1135 هـ.ق) بر این مسند باقی ماند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا محمد طاهر قزوینی علاوه بر مشاغل دیوانی ، وقایع نگار و شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به یادگار نهاده است. قصاید وحید را در حدود 5767 بیت ، و غزلیاتش را در حدود 30000 بیت ، و رباعیاتش در حدود 100 بیت ذکر کرده اند.
آرا و گرایشهای خاص : میرزا محمد طاهر قزوینی که شاعری توانا بود ، در سرودن شعر تلاش می کرد از مزامین تازه استفاده نماید. ابن یوسف شیرازی در مورد اشعار وحید چنین می گوید: « از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهای بسیار ندارد ، ولی مثنویات او بی لطافت نیست و جنبه تاریخی دارد. در آخر «عاشق و معشوق» به تعریف تمام اصناف و کسبه اصفهان پرداخته و « مثنوی آلات جنگ» او بسیار جالب نظر و توجه می باشد ، مثنوی « خلوت راز » و « ناز و نیاز » او لطیف و اخلاقی است ... »
نصر آبادی نیز در باره وی چنین می نویسد: « با اینکه در تحصیل علوم از احدی استفاده ننموده و هیچ گاه فرصت آن نداشته ، باز به قوت ادراک از جمیع علوم بهرة وافی برده ؛ در ترتیب نظم ، قوة بدیهه اش به حدی است که تا کسی نام بیت برد معمار خاطرش به دستیاری خامه به عمارت آن پرداخته ... » .

آثار :
1 تاریخ طاهر وحید یا عباسنامه ، یا تاریخ شاه عباس دوم

ویژگی اثر : این کتاب مربوط به وقایع دوران پادشاهی شاه عباس دوم از آغاز تا سال بیسیت و دوم سلطنت او بدست می دهد.
2 عاشق و معشوق
ویژگی اثر : درحدود هزار و سیصد بیت می باشد.
3 کلیات شعر وحید
ویژگی اثر : هدایت در تتمه روضه الصفا جلد هشتم می نویسد ، دیوان وحید که مرکب از اشعار ترکی ، عربی و فارسی است در حدود نود هزار بیت می باشد. نصر آبادی دیوان وی را از غزل و قصیده و مثنوی ، قریب به سی هزار بیت ذکر می کند؛ و حزین که دیوان وحید را دیده است ، اشعار او را بیش از ششصد هزار بیت یاد می کند.
4 مثنوی
ویژگی اثر : در حدود هزار و سیصد و هشتاد بیت که فقط در نسخه کلیات به شماره 1161 در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد.
5 مثنوی آلات جنگ
ویژگی اثر : در حدود هشتصد بیت است.
6 مثنوی خلوت راز
ویژگی اثر : درحدود دوهزار و دویست بیت می باشد.
7 مثنوی در وصف تنبور
ویژگی اثر : بالغ بر شصت و شش بیت می باشد.
8 مثنوی در وصف عمارت شاهی
ویژگی اثر : بالغ بر شصت و یک بیت می باشد.
9 مثنوی در وصف نرد
ویژگی اثر : بالغ بر پنجاه و نه بیت می باشد.
10 مثنوی در وصف همایون تپه
11 مثنوی ساغر سرشار
ویژگی اثر : این مثنوی در کلیات وحید قزوینی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره1162 ، فقط هفت بیت آن باقی است.
12 مثنوی فتح قندهار
ویژگی اثر : در حدود چهارصد و هشتاد بیت است.
13 مثنوی گلزار عباس
ویژگی اثر : در حدود ششصد و هشتاد بیت است.
14 مثنوی ناز و نیاز
ویژگی اثر : در حدود سه هزار و دویست بیت است.
15 مجموعه منشآت وحید
ویژگی اثر : در حدود دویست و پنجاه نامه است ، که به مناسبت شغل و مقامی که داشته به امرا و سلاطین و... نگاشته است.

منابع زندگینامه : سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین ، پرویز ورجاوند ، ج 2 ، تهران : نشر نی ، 56- 1355]2فرهنگ سخنوران و سرایندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین) ، تالیف: سیدمحمود خیری ، به کوشش: نقی افشاری ، قزوین: انتشرات طه ، ص 274

قزوینی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هاشم قزوینی از بزرگان علماء و مدرسین معاصر حوزه مشهد بودند ولادت ایشان در قزوین اتفاق افتاده و مقدمات و قسمتی از سطوح را در قزوین و تهران خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال در آنجا از محضر مرحوم آیت‌اللّه نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده نموده و پس از آن به ایران مراجعت و مجاورت آستان قدس رضوی را اختیار و سالها از محضر مرحوم آیت‌اللّه کفائی معروف به آقازاده و اعلام دیگر و بالاخص مرحوم مبرور زین العلماء العاملین و قدوه الفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه فی العالمین آقای آقامیرزا مهدی غروی اصفهانی تا آخر عمرش استفاده نموده و خود به تدریس سطوح نهائی و خارج پرداخته و صدها نفر از علماء و دانشمندان معاصر مشهد و نقاط دیگر از محضر و دراساتش بهره‌مند شده‌اند.
نگارنده گوید مرحوم قزوینی مذکور از علماء عظام بل آیات کرام عصر ما و از اساتید حقیر بوده‌اند زیرا جلد اول کفایه را در خدمت ایشان خوانده و در خدمتشان به مباحثه مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی رحمه‌اللّه علیه می‌رفتم و ایشان نسبت به مرحوم میرزا اصفهانی اعتقاد و خلوص عجیبی داشت و همواره بر فقاء توصیه می‌کرد که در بحث میرزا صحبت نکنید بلکه سراپا گوش استماع و استفاده نمائید.
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید هاشم میردامادی نجفی می‌فرمودند حاج شیخ هاشم از میرزا اگر اعلم (ملاتر) نباشد قطعا کمتر نیست ولی چطور است که آنقدر نسبت به میرزا تواضع و ابراز اخلاص و علاقه می‌کند.
خلاصه بسیار متواضع و فروتن مجتنب از تظاهرات و (مبرء من کل شین) بود.
وی در 1380 قمری فوات و در جوار حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

قشقائی، جهانگیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا محمّد خان درّه شوری. از اعاظم حکما و متألّهین، و اجلّه فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمّد رضا حکیم قمیشه‌ای و میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکیّه بر عموم علما تفوّق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرّد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.
در 1223 متولّد، و در شب یکشنبه 13 رمضان المبارک سال 1328 در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمّد ترک، اوّل تخت فولاد مدفون گردید. وی مؤلّف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.
مادّه تاریخ وفاتش را جابری چنین می‌گوید:
«جهانگیر نزد خدای جهان شد»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قشیری، ابونصر عبدالرحیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 514 ق)، عالم و واعظ. به علت نسبت به بنی‌قشیر، به قشیری، شهرت یافت. در زیارت حج به بغداد رفت و در آنجا وعظ گفت. به خاطر او بین حنابله و شافعیان اختلاف افتاد، نظام‌الملک برای فرو خوابیدن فتنه او را به اصفهان دعوت کرد و وی به اصفهان رفت و در آنجا مورد اکرام واقع شد. سپس به نیشابور بازگشت و در آنجا به وعظ و تدریس مشغول شد. قشیری در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «المقامات و الآداب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4 / 120)، انساب سمعانی (4 / 503)، العبر (2 / 403).

قصری، ابوغانم عبدالرحیم

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، ادیب و شاعر. در گرگان کاتب و وزیر منوچهر بن قابوس بن وشمگیر، ملقب به فلک المعالی بود. که به سمت سفارت نزد سلطان محمود غزنوی رفت. وی اشعار نیکویی به عربی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (287 -286 /2)، ریحانه (220 /7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوغانم).

قطاعی شیرازی، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1146 ق)، قاطع، مذهب، طراح و رسام. از آثار وی قطاعی کتیبه‌ای در مشهد مقدس است. در این اثر استادانه، ابیاتی به نستعلیق زیبا بر روی فولاد سخت قطاعی شده و زمینه‌ی آن، با تزیینات دایره‌ای و اسلیمی مدور، به زیبایی تمام به کناره‌ها وصل گشته است و کاتب آن چنین رقم نهاده: «... قطاعی آن بید اهتمام محمدطاهر ولد استاد مسیح شیرازی به اتمام رسید 1146».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (905 -904/ 2).

قطان قزوینی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(345 -254 ق)، حافظ، محدث، فقیه و ادیب. محدث و شیخ قزوین بود. به طلب حدیث مسافرتهایی به عراق و یمن نمود و به نقل شاگردش، ابن‌فارس قزوینی، از وی حاصل این سفرها حفظ یکصد هزار حدیث بوده است. او «سنن» ابن‌ماجه قزوینی را از خود وی استماع کرد و همچنین از محمد بن فرج ازرق و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن دیزیل و حارث بن ابی‌اسامه و قاسم بن محمد دلال و یحیی بن عبدک قزوینی و اسحاق بن ابراهیم دبری و حسن بن عبدالاعلی بوسی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. وی بر حسن بن علی ازرق- به حرف کسائی- قرائت نمود و احمد بن نصر شذائی قاری بر قطان قرائت کرد. زبیر بن عبدالواحد حافظ و ابوالحسن نحوی و ابوالحسین احمد بن فارس لغوی و احمد بن علی بن لال و ابوسعید عبدالرحمان بن محمد قزوینی و قاسم بن ابی‌منذر خطیب از وی حدیث شنیده‌اند. ابویعلی خلیلی گوید که وی شیخی عالم به جمیع علوم و تفسیر و فقه و نحو و لغت بود. جماعتی از شیوخ قزوین گفتند که قطان مانند خود در زهد و فضل ندیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (857 -856 / 3)، سیر النبلاء (465 -463 / 15)، شذرات الذهب (370 / 2)، طبقات الحفاظ (355 -354)، العبر (70 / 2)، معجم الادباء (221 -218 / 12)، النجوم الزاهره (360 -359 / 3).

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(548 -465 ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب.[1]
مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال 465 در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (ه.م) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در 548 در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (ه.م) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (220 -219 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (967 -965، 313 -312، 294 / 2)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (587)، تاریخ نظم و نثر (127)، تتمه‌ی صوان الحکمه (91)، الذریعه (255 -254 / 18 272، -271 / 8)، کارنامه‌ی بزرگان (265)، معجم المؤلفین (260 / 3).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 / 766 -694 ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[1]
رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. 776 ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال 713 ه.ق در قصبه‌ی

ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیة در شرح شمسیة، تحفةالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (268 / 7)، اعیان الشیعه (413 / 9)، ایضاح المکنون (403، 56 / 2، 233 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1089، 256، 254، -253 246، -244 237، 147، 47 / 3)، تأسیس الشیعه (401-400)، حبیب السیر (221 / 3)، دایره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، الذریعه (107 / 20، 359 / 18، 156 / 17، 69 / 14، 337 / 13، 199، 198- / 4، 388 / 3)، روضات ا لجنات (47 -37 / 6)، ریاض العلماء (172، 168- / 156، 5)، ریحانه (467 -465 / 4)، ری باستان (381 -380 / 2)، شذرات الذهب (207 / 6)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن 202 -200 / 8)، فرهنگ ادبیات فارسی (399 -398)، فوائد الرضویه (618 -616)، کارنامه بزرگان (245)، کشف الظنون (1716-1715، 886، 626، 95)، الکنی و الالقاب (71 -70 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (213 -12 / 2)، معجم المؤلفین (216 -215 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (719 -716 / 5)، النجوم الزاهره (70 / 11)، هدیه الاحباب (218-217)، هدیه العارفین (163 / 2).

قطب‌الدین طریثیثی نیشابوری، ابوالمعالی مسعود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(578 -505 ق)، محدث، مدرس، مفسر، ادیب، واعظ و فقیه شافعی. اصل وی از طریثیث نیشابور است. وی یگانه پیشوای شافعیان زمان خود بود. نزد پدرش و محمد بن یحیی، شاگرد غزالی، و عمر بن علی، معروف به سلطان، و در مرو نزد ابواسحاق ابراهیم بن محمد فقه آموخت و از هبه‌الله بن سهل سیدی و عبدالجبار خواری حدیث شیند. قطب‌الدین از پدرش ادبیات را نیز فراگرفت و برآمد و در روزگار اساتیدش وعظ گفت و فتوا داد. وی مدتی نیز در نظامیه‌ی نیشابور به نیابت از جوینی تدریس کرد. در 538 ق به بغداد رفت و وعظ گفت و مورد توجه قرار گرفت. وی برای سلطان صلاح‌الدین ایوبی کتاب «عقیده» را تألیف کرد و در آن جمیع مسائل دینی مورد نیاز را گردآوری نمود. سپس در دمشق ساکن شد و با ابونصر قشیری ملاقات کرد. در روزگار فقیه ابوالفتح مصیصی در دشمق مورد توجه قرار گرفت و در مجاهدیه درس گفت و پس از مرگ ابوالفتح تدریس در غزالیه را عهده‌دار شد، سپس راهی حلب شد و در آن جا در دو مدرسه‌ای که نورالدین و اسدالدین بنا نهاده بودند درس گفت. سپس به همدان رفت. مدتی در آنجا تدریس کرد. سرانجام به دمشق بازگشت و درس در غزالیه را از سر گرفت و به شاگردانش فقه آموخت. او هچنین در جاروخیه‌ی دمشق درس گفت، سپس به نمایندگی به بغداد رفت و داماد ابوالفتوح اسفرانیی شد. حافظ ضیاء از وی اجازه حدیث داشت. ابوالمواهب ابن صصری و برادرش حسین و تاج ابن حمویه و دیگران از وی روایت کردند. در دمشق درگذشت. در مقبره‌ای در نزدیکی مقبره‌ی صوفیه‌ی غربی دفن شد. از دیگر آثار وی کتاب «الهادی» در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (115 / 8)، سیر النبلاء (109 -106 / 21)، شذرات الذهب (263 / 4)، النجوم الزاهره (86 / 6)، وفیات الاعیان (197 -196 / 5).

قطب‌الدین کیدری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 576 ق)، عالم، فقیه، ادیب و شاعر. اصل وی از کیدر از روستاهای بیهق خراسان است. وی شاگرد فضل بن حسن طبرسی و ابن‌حمزه عمادالدین طوسی و معاصر با قطب راوندی بود. نقطه نظرات او در فقه مشهور و در کتابهای «مختلف» و «غایه المراد» و «مسالک» و «کشف اللثام» منقول است. از وی اشعار لطیفی باقی مانده است. از آثار وی: «الحدیقه الانیقه»، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع)دایر بر آداب و حکم و عبرت و مواعظ؛ «انوار العقول من اشعار وصی الرسول»، که تمامی اشعار منسوب به امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده است؛ «حدائق الحقائق فی تفسیر دقائق أحسن الخلائق»، در شرح «نهج‌البلاعه»، که آن را در 576 ق تألیف کرده است؛ کتاب «الاصباح» در فقه؛ «کفایه البرایا فی معرفه الانبیاء و الاولیاء»؛ «مباهج المهج فی مناهج الحجج»؛ «الدرر فی دقائق علم النحو»؛ «البراهین الجلیه فی ابطال الذوات الازلیه»؛ «لب الالباب»، در مسائل کلام.[1]
کیدری، محمد بن حسین بن حسن بیهقی مکنی به ابوالحسن، دانشمند معروف (ف. 776 ه.ق) او راست: الاصباح فی فقه‌الامامیة، انوار العقول من اشعار وصی الرسول ص، البراهین الجلیة فی ابطال الذوات الازلیة، حدائق‌الحقائق که شرحی است بر نهج‌البلاغه، الدرر فی دقائق علم النحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (250 / 9)، الذریعه (101 / 9 ،382 -381 ،285 / 6 ،80 / 3 ،434 -431 ،118 / 2)، روضات الجنات (278 -274 / 6)، ریحانه (473 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 260 -259 / 6)، فوائد الرضویه (494 -493)، الکنی و الالقاب (74 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (238 -237 / 9).

قطبی، افشین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
افشین قطبی در پنجم بهمن ماه سال 1343 در شهر شیراز به دنیا آمد ، در سال 1356 به همراه پدر و زن پدرش در حالیکه 13 سال داشت به آمریکا رفت و در یک شهر کوچک در حوالی لس آنجلس ساکن شد.
فوتبال خودش را از سه سالگی در شیراز آغاز کرد و در آمریکا هم پس از یادگیری زبان انگلیسی به بازی فوتبال می پرداخت ، وی در مدرسه "جونیور هایس هود" که در آن درس میخواند به عضویت تیم فوتبال آن مدرسه در آمد و توسط شخصی که پدرش ایرانی و مادرش مصری بود و صاحب یک مدرسه فوتبال هم بود ، به عضویت مدرسه فوتبال در آمد و پس از مدتی به جای بازی در این تیم ، مربی این تیم شد و توانست تیم تحت هدایتش را به مقام اول در کالیفرنیا برساند.
وی هنگامی که به آمریکا رفت به همراه درس خواندن و آموزش فوتبال به کار روزنامه فروشی و باغبانی پرداخت تا بتواند خرج خود را در بیاورد.
وی در 17 سالگی به داشنگاه معروف " یو سی ال " رفت و در این دانشگاه مهم نیز به عضویت تیم فوتبال این دانشگاه در آمد و تنها ایرانی تیم فوتبال این دانشگاه بود . وی تحت نظر مربی آلمانی این دانشگاه " زیک ایشلید " الفبای حرفه ای فوتبال را فرا گرفت .
وی همزمان با دوران دانشجویی در یک مدرسه ورزش استخدام شد و مربی تیم فوتبال شاگردان 7 تا 14 ساله را بر عهده داشت.
وی در سال 1986 موفق شد در رشته مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه معتبر "یو سی ال" فارغ التحصیل شود. وی برای مدت سه سال سرمربی تیم زنان این دانشگاه را نیز بر عهده داشت.
وی در سن 24 سالگی یعنی در سال 1988 تصمیم میگیرد که مدسه فوتبالی را برای خودش تأسیس کند ، وی در این دو سالی که از فارغ التحصیلی اش در دانشگاه می گذشت موفق شده بود مدرک مربیگری A را از فدراسیون فوتبال آمریکا دریافت کند.
کم کم کار افشین قطبی رونق گرفت به طوری که در روز حداقل 120 شاگرد از سن 6 تا 19 ساله داشت و مجبور شد چند مربی فوتبال را برای مدرسه فوتبالش به خدمت بگیرد و به جز مربیگری در مدیریت مدرسه فوتبالش هم موفق ظاهر شد بطوری که در سال حدود 1000 نفر شاگرد داشت و محبوبیتش در لس آنجلس بیشتر می شد و همین امر باعث شد

که قطبی مربیان بزرگی را برای مدرسه فوتبالش بیاورد از جمله " کودیانز " از باشگاه آژاکس امستردام هلند و همچنین "بورا میلوتینوویچ" مربی معروف و شناخته شده یوگسلاوی که سابقه پنج حضور در جام جهانی (با تیم های مکزیک در سال 1986 ، کاستاریکا در سال 1990 ، آمریکا سال 1994 ، نیجریه سال 1998 و چین سال 2002) را داشت.
مهمترین شاگر مدرسه افشین قطبی "جان اوبرایان " بود که از 14 سالگی تا 16 سالگی در مدرسه قطبی به یادگیری فوتبال می پرداخت و در سن 16 سالگی به آژاکس رفت و در دو جام جهانی هم برای تیم ملی آمریکا بازی کرد.
افشین قطبی مدرسه فوتبالش را در سال 2002 تعطیل کرد ، چرا که دیگر در آمریکا نبود و نمی توانست باشگاهش را اداره کند
افشین قطبی در سال 1997 به عنوان مربی تیم ملی آمریکا در آمد وی با دعوت سرمربی تیم ملی آمریکا "استیو سمپسون" که مربی وی در دانشگاه بود به این تیم پیوست و در جام جهانی 1998 پس از شکست آمریکا از ایران ، به همراه سرمربی تیم آمریکا از این تیم استعفاء داد.
رفت و آمدهای افشین قطبی به اروپا به خصوص هلند ، باعث آشنایی او با مربیان طراز اول هلندی شد بطوریکه در سال 2001 هنگامی که گاس هیدینک سرمربی تیم ملی کره جنوبی شد این مربی معروف از قطبی دعوت نمود تا آنالیزور وی در تیم ملی کره شود که قطبی نیز از این پیشنهاد استقبال کرد . قطبی به همره گاس هیدینک موفق شدند بهترین نتیجه یک تیم ملی آسیایی را در تاریخ فوتبال جام جهانی به ثبت برسانند چرا که موفق شدند تیم کره جنوبی را در جام جهانی 2002 به مقام چهارمی جهان برسانند.
وی پس از جام جهانی 2002 تا سال 2004 به عنوان دستیار مربی تیم سامسونگ بلووینگز انتخاب شد .
وی در سال بعد مجدد دستیار "استیو سمپسون" در تیم فوتبال گالکسی لس آنجلس شد .
در سال 2006-2005 قطبی به عنوان دستیار "دیک ادوکات" و همچنین "پیم وربیک " در تیم ملی کره جنوبی انتخاب شد و در سال 2007 موفق شدند پس از شکست تیم ملی ایران در جام ملت های آسیا به مقام سومی برسند.
قطبی از سال 1356 که از ایران خارج شد تا سال 1386 (30 سال) به ایران نیامد .
قطبی در سه جام جهانی حضور داشته و از این لحاظ هیچ مربی ایرانی نتوانسته به چنین جایگاهی دست یابد.
وی در سال 2007 به ایران آمد و سرمربیگری تیم فوتبال پرسپولیس

تهران را بر عهده گرفت ، و در این مدت تیم پرسپولیس توانست صدرنشین مسابقات شود .عنوانی ه البته تا به امروز دچار نوسانات زیادی شده و باید تا پایان فصل منتظر ماند و دید که آیا قطبی در اولین تجربه سرمربیگری موفق خواهد شد یا خیر؟
از افشین قطبی همچنین به عنوان سرمربی احتمالی تیم ملی ایران یاد می کردند اما در حالیکه فدراسیون با افشین قطبی مذاکرات خوبی را داشت ، به جهت فشار سازمان تربیت بدنی برای انتصاب اجباری امیر قلعه نویی و دلایلی همچون اینکه وی با آلودگی های فوتبال ایران خیلی آشنا نیست و همچنین نتوانسته از پس حواشی تیمی چون پرسپولیس و باند استیلی بربیاید چگونه می تواند از پس بازیکن سالاری موجود در تیم ملی و دلالان گرد تیم بر بیاید به پست سرمربیگری تیم ملی نرسید تا علی دایی که تا روز اخر اصلا بین گزینه ها نبود سپربلای فدراسیون شود و به عنوان سرمربیگری تیم ملی انتخاب شود.
منابع زندگینامه :http://www.iranactor.com/

قلعه نویی، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اردشیر قلعه نویی، معروف به امیر قلعه‌نویی در سال 1342 به دنیا آمد. اردشیر 7 ساله بود که خبر دادند پدرش فوت کرده‌است. وی از سیزده سالگی شروع به کار کردن کرد و در کنار کار، فوتبال نیز بازی می‌کرد. در سال 1360 امیر به تیم ملی جوانان دعوت شد که نمایش قابل قبولی هم از خود ارائه کرد و در اسفند 1360 از تیم راه آهن به شاهین رفت. شاهین در آن زمان ملی پوشان زیادی داشت. او اواسط لیگ سال 66 پس از پیروزی 2 بر صفر برابر پرسپولیس، شاهین را ترک کرد و به السد قطر رفت. امیر زمستان 1367 به تهران بازگشت و این بار سراغ باشگاه استقلال تهران رفت، پای میز قرارداد نشست و پیراهن آبی را بر تن کرد. اولین بازی وی به عنوان بازیکن استقلال در 19 اسفند سال 1367 مقابل پرسپولیس رقم خورد. این بازی که در مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی برگزار می‌شد به پنالتی کشیده شد و اردشیر پنالتی‌اش را از دست داد.
این بازیکن خلاق تا پایان دوره بازیگری‌اش تنها 19 بازی ملی انجام داد که اتفاقاً 18 بازی آن در سن 30 سالگی به بعد رخ داد. امیر اولین‌بار توسط ناصر ابراهیمی در سال 1364 به تیم ملی ب دعوت شد. او در اردیبهشت سال 1365 همراه تیم ملی به چین سفر کرد و اولین‌بار پیراهن تیم ملی الف را بر تن کرد اما تا سال 1372 هیچگاه مجدداً به تیم ملی فراخوانده نشد. در کارنامه ملی قلعه نویی تنها یک گل زده آن هم به کویت دیده می‌شود. او در سال 1368 دچار مصدومیت شدیدی شد و بار دوم در سال 1373 مصدومیت جدی را تجربه کرد. وی سابقه مربیگری در تیم‌های برق تهران، کشاورز، استقلال اهواز و استقلال تهران را دارد. پس از قهرمانی استقلال تهران با قلعه نویی در سال 1385 و نتایج ضعیف تیم ملی ایران در مسابقات جام جهانی 2006 و از طرفی خاتمه همکاری ایران با برانکو ایوانکویچ، شرایط تازه‌ای برای قلعه نویی مهیا شد. او به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد و همزمان در ادواری پست‌های مدیرفنی و رئیس سازمان فوتبال استقلال تهران را نیز بر عهده داشت. تیم ملی ایران با حضور او روی نیمکت در مسابقات جام ملت‌های آسیا (2007) با ضربات پنالتی مغلوب تیم ملی کره‌جنوبی شد و از این رقابت‌ها دست خالی بازگشت. در سال 2007 وی کاندید کسب بهترین مربی سال آسیا شد

قلی‌زاده، احمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مولف، مترجم.
تولد: 1286.
درگذشت: 28 خرداد 1368، لس‌آنجلس.
احمدرضا قلی‌زاده تحصیلات خود را در مدرسه‌های ثریا و ادب و دانش به پایان رسانید و پس از آن به دارالمعلمین وارد شده و از دانشسرای عالی در رشته‌ی فیزیک و شیمی در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در دانشگاه نیز درس می‌داد.
از آثار اوست: آزمایش‌های علمی (ژوزف لیمپتین، 1334)؛ شیمی (برای دوره‌ی متوسطه، 1317 -1316)؛ شیمی آلی (بامشارکت دکتر وارطانی، 1330، جلد سوم، 1316)؛ شیمی فنی خانه‌داری، فیزیک (برای سال سوم دبیرستان‌ها، 1317، با مشارکت علی‌اصغر نوروزیان و هادی رهنما، جلد پنجم، چاپ یازدهم، 1333، جلد ششم، 1319)؛ ماشین‌های خانگی (ژوزف لیمپتین). وی همچنین در ترجمه‌ی کتاب زندگینامه‌ی علمی دانشوران همکاری داشت.
احمدرضا قلی‌زاده در خرداد 1368 در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قمشه ای شمس آبادی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن ملاّ قاسم از احفاد میرزا حیدر علی مجلسی، واعظ کامل جامع، در جمعه 18 ذیحجة الحرام سال 1370 وفات یافته، داخل بقعه مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمی طباطبائی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا باقر بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی از علماء اعلام معاصر تهرانست.
وی در ماه ذی الحجه 1335 قمری در مشهد مقدس متولد شده و در بیت علم و ورع پرورش یافته و دروس مقدماتی و سطوح را نزد اساتید و علماء مشهد فراگرفته و سپس در سال 1353 قمری در خدمت والد ماجدش بعتبات عالیات مهاجرت نموده و در کربلاء معلی اقامت و از دروس خارج مرحوم والد و آیت‌اللّه العظمی میلانی (مقیم مشهد) استفاده نموده و بعد از آن مدتی در نجف اشرف از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی بهره‌مند و نیز چندی از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مستفیض گردیده آنگاه در سال 1366 قمری بعد از فوت مرحوم والدش آیت‌اللّه العظمی قمی به تهران منتقل و تاکنون بخدمات دینی و روحی و اقامه جماعت در مسجد (نوریان) خیابان شمیران (باغ صبا) و مباحثات علمی و غیره اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قمی مشهدی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث، ادیب و عالم. وی با علامه محقق سبزواری و علامه مجلسی صاحب «بحارالانوار» و فیض کاشانی معاصر بود او از شاگردان علامه مجلسی و از ایشان، در 1107 ق، به دریافت اجازه نایل آمد. شیخ حر عاملی در «امل الامل» او را از فضلای معاصر خود می‌شمارد. از آثار وی: «کنز الدقائق و بحر الغرائب» یا «کنز الحقائق و بحر الدقائق»، در تفسیر قرآن که در حدود یکصد و بیست هزار بیت است و استادش علامه مجلسی در پشت این تفسیر تقریظی، در 1102 ق، نگاشته و در آن او را ستوده است؛ «شرح المنظومه» موسوم به «نجاح المطالب» یا «ارجوزه»، منظومه‌ای در صد بیت، در معانی و بیان، و شرح آن موسوم به «انجاح المطالب فی الفوز بالمارب»؛ رساله در «احکام صید و ذباحه»، به عربی؛ «التحفه الحسینیه»، در ادعیه؛ «سلم درجات الجنه»؛ «شرح الزیاره الرجبیه»؛ «شرح الصحیفه السجادیه»؛ «شرح الترصیف فی علم التصریف»، به نظم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تلامذه العلامه المجلسی (72 -71)، الذریعه (64/ 24 / 13 ،145 ،306- 307 ،356 ،14 / 92 ،18 / 151- 152 ،153- 154 ،220 ،12 / 430- 429 ،3 / 364- 363 ،2 / 496 ،1)، روضات الجنات (106- 105 / 7)، فوائد الرضویه (618 ،534)، گنجینه‌ی دانشمندان (117 / 1).

قمی وزوائی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مآثر و آثار گوید: شیخ محمدحسن قمی وزوائی مقیم دارالخلافه عالمی عادل است و فقیهی فاضل او را با خاندان مرحوم حاج ملا محمد کرمانشاهی که عالمی ربانی بود و با خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار معاصرت داشت ارتباطی من‌القدیم است «و اختصاص عن الصمیم» در سال 1310 وفات نموده و در شیخان بزرگ قم مدفون شد (وزواء) از بلوک قم است که تا شهر ده فرسخ مسافت دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، اسحاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسحق قمی عالمی جلیل و متقی از شاگردان شیخ انصاری بوده و در سال 1324 قمری وفات نموده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قمی، سعید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه خونساری در باب سین ص 301 روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.
دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.
در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.
بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.
تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:
1- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، 2- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.
قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن قمی
محل تولد : مامازند ورامین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1339 هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در 7سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال 1350 ودر سن 11 سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن 14 سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال 1360 در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس 5 نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قمی، محمد بن رضا

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل گوید: آنجناب از فضلاء معاصرین بوده و گوید او راست شرح منظومه در معانی و بیان که یکصد بیت است و آن را «انجاح المطالب» نامیده و صاحب روضات گوید المولی میرزا محمد بن المولی محمد بن رضا بن المولی اسماعیل ابن جمال‌الدین المشهدی القمی مردی فاضل و عالمی عامل و جامع و ادیب و محدث و فقیه و منسر و نبیه و موثق و وجیه و از علماء زمان علامه سبزواری (جناب مولی محمدباقر ابن‌محمد مؤمن سبزواری اصفهانی) و علامه مجلسی (صاحب بحار) و مرحوم فیض کاشانی است او راست کتاب تفسیر کبیر موسوم به «کنزالدقایق و بحرالغرائب» که تقریباً یکصد و بیست هزار بیت است و سبقت نگرفته است او را به این طرز تفسیر احدی از علماء قدیماً و جدیداً و از برای اوست ایضاً کتاب کبیری در اعمال سال به فارسی که خوش طرز و پرفایده است و رساله‌ای به عربی در احکام صید و ذباحه با نهایت استدلال و غیر اینها از کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از علماء و وعاظ درجه اول قم بود که در ترتیب مطالب منبری و حسن ابتکار آن ربطی عظیم داشت و منبرش برای عموم خصوصاً طبقه عوام زیاد نافع بود. در سال 1266 در قم متولد شده و در اوائل جوانی تحصیل فقه و اصول نموده و چندی هم در قم امامت جماعت داشت دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود و در مراثی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و خاندان مظلوم پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم اشعاری داشت که اکنون نزد فرزند ارجمندش حجةالاسلام آقای حاج میرزا ابوالفضل زاهدی موجود می‌باشد.
در دوره اول مشروطی از طرف اهالی قم به وکالت مجلس شورا و پارلمان انتخاب گردید و می‌فرمود من در کتابخانه خود بدون اطلاع و خبری نشسته بودم که خبر دادند اهالی شما را به وکالت مجلس انتخاب نموده‌اند. پس در همان دوره اول به تهران عزیمت نمود و در مجلس شرکت کرد.
از آثار آن مرحوم است چهار جلد کتاب که در مواعظ و مجالس منبری ترتیب و تألیف نموده که خیلی با سلیقه و مفید و خوب نوشته‌اند. دیگر در اواخر عمر کتابی هم در فضیلت صلوات مرقوم نموده‌اند در سن 87 سالگی در سال 1351 هجری وفات نموده و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمیشه‌ای، ابوالفتوح

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم و فاضل حکیم بوده، و در قرن دوازدهم می‌زیسته است، و حواشی بر شرح اصول کافی نگاشته که آن را فرزندش محمّد مهدی قمیشه‌ای در نسخه‌ای از کتاب مرقوم، که در تاریخ 26 شعبان سال 1133 از کتابت آن فراغت یافته است، نقل نموده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قمیشه‌ای، مفیدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل ادیب، ساکن اصفهان بوده، و در 1293 وفات یافته، نزدیک خواجوئی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قوام الدین کرمانی، ابومحمد، ابوالفتح مسعود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(664- 748 ق)، ادیب و فقیه حنفی. در دیارش علوم مقدماتی را فراگرفت و آن‌گاه در ادبیات عرب و فقه و اصول مهارت پیدا کرد و نظم و نثر نیکویی یافت. پس به دمشق رفت و ساکن آنجا شد. سپس مدتی را در قاهره گذرانید و سرانجام به دمشق بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند.
از آثارش: شرح «کنز الدقائق» به نام «شرح الکنز»، در فروع فقه حنفی؛ حاشیه بر «الکاشف الذهنی» در شرح «المغنی» خبازی خجندی، در اصول فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8 / 115)، شذرات الذهب (158 -157 / 6)، کشف الظنون (1749، 1516)، هدیه العارفین (2 / 429).

قوام السنه اصفهانی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(535 -457 ق)، مفسر، حافظ، محدث و لغوی شافعی. معروف به جوزی و قوام‌السنه جوزی. از ابوعمرو عبدالوهاب بن منده و عائشه بنت حسن و ابراهیم بن طیان و قاضی ابومنصور شکرویه و محمد بن احمد سمسار و احمد ذکوانی و رئیس ابوعبدالله ثقفی و عاصم بن حسن و محمد زینبی و ابوبکر بن خلف شیرازی و ابونصر سراج و عبدالرحمان واحدی در اصفهان و بغداد و نیشابور حدیث شنید. او همچنین سالی را در مجاورت مکه گذرانید و املاء و تصنیف نمود. ابوسعد سمعانی و ابوالعلاء همدانی و ابوطاهر سلفی و ابوالقاسم بن عساکر و ابوموسی مدینی و ابوسعد صائغ و عبدالله بن محمد خباز و ابوالمجد زاهر بن احمد ثقفی و محمود عبدکوی از شاگردان وی در حدیث می‌باشند. ابوموسی مدینی او را پیشگام و استاد علمای زمانش می‌داند. یحیی بن منده گوید که در عصر او مثل او نبود. او در تفسیر، معانی، اعراب و فقه سرآمد اقران بود. فتاوای او در شهر و روستا شهرت داشت. وی کتاب بسیاری به عربی و فارسی نگاشت. از آثارش: «الجامع»، در تفسیر،سی مجلد؛ «المعتمد»، تفسیری در ده مجلد؛ «الایضاح»، در تفسیر، در چهار مجلد ؛ «الموضح»، تفسیری به فارسی در چندین مجلد؛ «دلائل النبوه»؛ «التذکره»، حدود سی جزء؛ «سیر السلف»، در شرح حال صحابه و تابعین؛ «الترغیب و الترهیب»؛«شرح الصحیحین»؛ «المغازی»؛ «اعراب القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (323 -322 / 1)، الاعلام بوفیات الاعلام (356 / 1)، سیر النبلاء (88 -80 / 20)، شذرات الذهب (106 -105 / 4)، طبقات الحفاظ (464 -463)، العبر (447 -446 / 2)، الکامل (369 / 8)، کشف الظنون (1904، 1732، 1404، 760، 631، 575، 571، 558، 554، 442، 400، 211، 123)، النجوم الزاهره (261 / 5)، الوافی بالوفیات (211 / 9)، هدیه العارفین (211 / 1).

قوام، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به «قوام‌السلطنه»، در 1252 ش در تهران متولد شد. پدرش میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه از رجال دوره‌ی ناصری و جدش قوام‌الدوله وزیر دفتر استیفا بود. مادرش طاووس‌خانم دختر میرزا محمدخان مجدالملک سینکی صاحب رساله مجدیه و پدر میرزا علی‌خان امین‌الدوله است. قوام تحصیلات مقدماتی را به اتفاق برادرش حسن وثوق نزد معلمین خصوصی فراگرفت، سپس در زمینه‌ی ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی، عروض و قافیه و معانی بیان و ریاضیات قدیم ادامه‌ی تحصیل داد و مدتی نیز در مدرسه‌ی مروی به آموزش فلسفه و حکمت اشتغال ورزید. تلاش او در حسن‌خط موجب شد که در عداد خطاطان درجه‌ی اول روز قرار بگیرد.
قوام وقتی به سن رشد رسید، معتمدالسلطنه شمه‌ای از تحصیلات او و نمونه‌ای از خط او را نزد ناصرالدین شاه برد و برای فرزند خود تقاضای شغل و لقب نمود. شاه وقتی از حسن خط و شیوه‌ی نگارش این جوان واقف شد، او را جزء پیشخدمتان مخصوص قرار داد و ملقب به عنوان دبیر حضور کرد.
در سال 1314 ه.ق میرزا علی‌خان امین‌الدوله دائی او با پیشکاری ولیعهد به آذربایجان رفت و میرزا احمد دبیرحضور را نیز به عنوان منشی و رئیس دفتر مخصوص با خود به این ماموریت برد. چند ماهی پس از این ماموریت، امین‌الدوله به تهران احضار شد و به جای میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان به صدارت رسید و قوام را منشی و رئیس دفتر خود نمود.
عبدالله مستوفی در تاریخ قاجار درباره‌ی این سمت دبیرحضور چنین می‌نویسد: «منشی‌گری صدراعظم در این ایام هم مثل سابق زیبائی خط و انشاء و امانت و صحت و پشتکار و هوش و فراستی لازم داشت که در همه یافت نمی‌شد زیرا هنوز هم نوشتن نامه به طور مرتجل و بدون پیش‌نویس و قلم‌خوردگی از لوازم کار به شمار می‌آمد. عهده کردن این کار زیردست نویسنده دقیق و صاحب خطی مانند امین‌الدوله کار هر بافنده و حلاج نبوده و آقای دبیرحضور تمام مزایای شغل را از زیبائی خط و انشاء مرتجل و امانت و پشتکار حائز بود».
میرزا احمدخان دبیر حضور مادام که امین‌الدوله صدراعظم بود، در آن سمت حساس قرار داشت. پس از کناره‌گیری امین‌الدوله، راه اروپا را

پیش گرفت و متناوبا قریب 3 سال در اروپا به تکمیل تحصیلات و آموزش زبانهای خارجی اشتغال ورزید. در 1322 ه.ق عین‌الدوله صدراعظم شد، دبیرحضور را به تهران فراخواند و به او مقام و عنوان وزیر رسائل داد. این سمت در آن ایام در حقیقت معاونت اجرائی و اداری نخست‌وزیر بود. در سفر سوم مظفرالدین شاه به اروپا در زمره‌ی همراهان قرار گرفت. پس از بازگشت به تهران، با دریافت لقب وزیرحضور، رئیس دفتر مخصوص مظفرالدین شاه شد. او در این سمت توانست اعتماد شاه را نسبت به خود جلب کند. قوام در اثر توقف طولانی در اروپا و مطالعه در نوع حکومتها به حکومت قانون و مشروطیت بستگی داشت و از این رو از سنگر دفتر مخصوص، شاه را تشویق به اعطای مشروطیت می‌نمود. اقدامات قوام و اعلم‌الدوله ثقفی پزشک مخصوص در این باره قابل تقدیس است. قوام فرمان مشروطیت را به خط زیبای خود نوشت و آن را برای امضاء نزد مظفرالدین شاه برد و در اثر اصرار سرانجام فرمان را به توشیح رسانید.
قوام در 1324 پس از فوت نریمان‌خان قوام‌السلطنه وزیرمختار ایران در اتریش با اهداء 25 هزار اشرفی برای خود از شاه لقب قوام‌السلطنه گرفت.
قوام از تاریخ صدور فرمان مشروطیت تا فتح تهران، کار دولتی نداشت و گاهی به عنوان میانجی بین مشروطه‌خواهان و مستبدین می‌شد و یا بعضی تندروی‌ها را تعدیل می‌کرد.
پس از خلع محمدعلی میرزا و اداره‌ی کشور وسیله‌ی سپهسالار و سردار اسعد از طرف سردار اسعد به معاونت وزارت داخله منصوب شد. ظاهرا مقام وزارت با سردار بود ولی او عملا هیچگونه مداخله‌ای در کارها نداشت. قوام سازمانی بر اساس کشورهای اروپائی برای وزارت داخله پی‌ریزی کرد و مسئولیتها را مشخص نمود و برای احراز مشاغل ضوابطی تعیین نمود. در مرداد 1289 در کابینه‌ی اول مستوفی‌الممالک، وزارت جنگ را احراز کرد. قوام‌السلطنه در این سمت توانست لایحه‌ی خلع سلاح مجاهدین را از تصویب مجلس بگذراند. همچنین از خودسری‌های بختیاری‌ها و تروریست‌ها جلوگیری کند. ستارخان و فدائیان او که مسلح و غالبا موجب بروز حوادث ناگواری در شهر می‌شدند، خلع سلاح شدند. در زدوخوردی که بین قوای دولتی و فدائیان ستارخان در پارک اتابک به وقوع پیوست، ستارخان گلوله خورد. قوام در همین سمت قیمتی برای سلاح مردم تعیین کرد و با قیمتی مناسب آنها را خرید و تحویل انبار مهمات وزارت جنگ داد.
در 1290 ش در کابینه‌ی دوم محمدولی‌خان سپهدار تنکابنی به وزارت عدلیه منصوب شد و در مرداد همان سال در هیئت دولت صمصام‌السلطنه بختیاری به وزارت داخله رسید و در هر سه ترمیم کابینه در وزارت داخله

باقی ماند. در 1291 در کابینه‌ی محمدعلی‌خان علاءالسلطنه وزارت مالیه را عهده‌دار گردید. در 1296 در نخست‌وزیری دوم علاءالسلطنه وزیر داخله شد. در کابینه‌ی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله همچنان مقام وزارت داخله را حفظ کرد.
در 1296 قوام‌السلطنه به جای کامران میرزا قاجار به ایالت خراسان منصوب شد. پس از ورود به مشهد، خود را فرمانروای کل ایالت خراسان و سیستان خواند. در این ماموریت، قوام‌السلطنه اقدامات چشمگیری برای ایجاد امنیت از طریق تقویت ژاندارمری و شهربانی به عمل آورد و اعتباراتی از مرکز برای تهیه‌ی تفنگ و مهمات دیگر تحصیل نمود. یاغیان و طاغیان را سر جای خود نشاند و به این استان پهناور امنیت نسبی بخشید. در همین ایام موجبات انتقال کلنل محمدتقی‌خان پسیان را برای ریاست ژاندارمری خراسان فراهم نمود و ساز و برگی مناسب و در خور یک واحد نظامی قومی برای او تدارک دید و از هر جهت کلنل را مورد تایید و تشویق قرار داد.
قوام‌السلطنه تا پایان 1299 در استان خراسان مستقر بود. بعد از کودتای 1299و نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبائی و صدور ابلاغ اعلامیه‌های تازه نخست‌وزیر از مرکز توضیح بیشتری خواست ولی سید ضیاء که از او بیم داشت، دستور توقیف او را به کلنل محمدتقی‌خان پسیان داد روز سیزده نوروز 1300 هنگامی که قوام با کالسکه‌ی مخصوص خود از باغ ملک‌آباد عازم شهر بود، در مقابل ژاندارمری توسط ماژور اسمعیل‌خان بهادر معاون کلنل دستگیر و زندانی شد و کلنل عهدشکنی خود را نسبت به ولی نعمت خود که سوگند وفاداری به او خورده بود شکست. کلنل پس از دستگیری قوام، اموالش را مصادره کرد و او را تحت‌الحفظ با گاری پستی به تهران فرستاد و تحویل زندان قصر داد.
در خردادماه 1300 سید ضیاءالدین از ریاست دولت معزول و به اروپا تبعید شد و شهاب‌الدوله شمس ملک‌آراء رئیس تشریفات سلطان احمدشاه فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه را در زندان قصر به او ابلاغ کرد.
قوام در چهاردهم خرداد رئیس‌الوزراء شد. در همین کابینه برای جلوگیری از تندروهای سردارسپه، مصدق‌السلطنه را به وزارت مالیه معرفی کرد و از مجلس برای او اختیارات گرفت و در تمام مدت نخست‌وزیری، وزارت داخله را خود متصدی گردید. قوام پس از نه ماه زمامداری و یک سلسله اقدامات بنیادی، در بهمن‌ماه همان سال جای خود را به مشیرالدوله داد ولی مشیرالدوله بیش از چهار ماه نتوانست دولت را اداره کند و کنار رفت و مجلس بار دیگر قوام‌السلطنه را به ریاست‌الوزرائی برگزید. قوام در این دوره از نخست‌وزیری مورد تایید مدرس و اصلاح‌طلبان بود. در این دوره،

قوام لایحه‌ی تشکیل بانک ملی و استخدام مستشاران آمریکائی را برای امور مالی تقدیم مجلس کرد. نخست‌وزیری دوم قوام‌السلطنه، حدود هشت ماه طول کشید و مستوفی جانشین او شد.
قوام در 1302 ظاهرا به جرم توطئه‌ای علیه وزیر جنگ تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی توقیف بود تا در اثر وساطت عده‌ای از زندان آزاد و رهسپار اروپا گردید و سالها به صورت انزوا و تبعید در اروپا به سر می‌برد تا اینکه در اثر وساطت وثوق‌الدوله و ذکاءالملک فروغی به تهران آمد و دور از کارهای سیاسی در لاهیجان به کشاورزی مشغول شد. بعد از شهریور 1320 بار دیگر قوام وارد صحنه‌ی سیاست شد و خود را کاندیدای نخست‌وزیری کرد. فروغی برای رهائی از تحریکات قوام، او را به عضویت کابینه دعوت نمود ولی قوام نپذیرفت و همچنان در کمین نخست‌وزیری نشست. قوام، محمدرضا پهلوی را جز یک بار در دوران خردسالی ندیده بود. در 1301 که قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و سردارسپه وزیر جنگ بود، رضاخان از رئیس‌الوزراء و وزیران برای صرف ناهار در منزل ییلاقی خود که بعدها سعدآباد نامیده شد، دعوتی به عمل می‌آورد. در آن روز سردارسپه فرزند سه‌ساله‌ی خود را نزد قوام‌السلطنه می‌برد و قوام نیز بر حسب رویه رجال و متعینین، کودک را در آغوش گرفته مشتی اشرفی طلا در جیب او می‌ریزد. دیگر از آن تاریخ به بعد، شاه جدید را ندیده بود. توسط شکوه‌الملک پسرعموی خود تقاضای ملاقات می‌کند. شاه او را می‌پذیرد و قوام وقتی وارد اتاق شاه می‌شود، بدون رعایت تشریفات می‌گوید آه چقدر بزرگ شده‌ای. شاه از این جمله که جنبه‌ی تحقیر در آن نهفته بود، از قوام نفرت پیدا می‌کند و همیشه انزجار خود را ابراز می‌کرد. در این ملاقات، شاه از قوام خواهش می‌کند کابینه را تقویت کند. قوام با صدور اعلامیه‌ای شایعه‌ی نخست‌وزیری خود را تکذیب می‌نماید.
در مرداد 1321 مجلس سیزدهم به نخست‌وزیری قوام رای اعتماد می‌دهد و شاه ناچار فرمان نخست‌وزیری او را صادر می‌کند. اشغال ایران از طرف متفقین قحطی و کمبود مواد غذائی، تورم شدید اقتصادی و بیکاری، دولت قوام را با مشکلات بزرگی روبرو ساخت. با وجودی که از تنی چند از رجال صدر مشروطیت در کابینه‌ی خود دعوت کرد، مع‌الوصف نتوانست به اوضاع کشور سر و صورتی بدهد. در 17 آذر همان سال مردم شورش کردند، به داخل مجلس ریختند، عده‌ای از نمایندگان را مجروح ساختند، دکاکین به غارت رفت، ساختمانها به آتش کشیده شد و حتی خانه‌ی قوام‌السلطنه را آتش زدند و حکومت نظامی تمام مطبوعات را منحل کرد و مدیران آنها را به زندان انداخت، فقط نشریه‌ای به نام اخبار روز از طرف دولت منتشر می‌شد که حاوی اخبار جاری روز بود. قوام در محیط اختناق و خفقانی که به وجود آورده بود، نتوانست ادامه حکومت دهد، ناچار

از کار کنار گرفت و مجددا صندلی صدارت را به سهیلی داد. مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود به فکر تعیین نخست‌وزیر مقتدری افتاد که بتواند بر مشکلات فائق آید. ماجرای آذربایجان و خراسان و فارس و اصفهان هر کدام در نوع خود مشکل بزرگی بودند. اوضاع درهم‌ریخته‌ی کردستان و تهدید قاضی محمد به استقلال، خود داستانی مفصل بود. در آن ایام موتمن‌الملک ذخیره‌ی سیاسی کشور و قوام‌السلطنه رجل استخواندار، کاندیدای نخست‌وزیری بودند. پس از اخذ رای، آراء آنها برابری می‌کرد و هر کدام پنجاه رای موافق داشتند. سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس، در رای شرکت کرد و به نفع قوام رای خود را در گلدان انداخت و بدین ترتیب با یک رای اضافی، قوام بر رقیب خود موتمن‌الملک فائق آمد و زمام امور را در دست گرفت. قوام، دو تن از نخست‌وزیران سابق یعنی سهام‌السلطان بیات و دکتر احمد متین‌دفتری را به کابینه برد ولی مجلس مخصوصا فراکسیون حزب توده، با عضویت متین دفتری به شدت مخالفت کردند و قوام ناچار از او صرفنظر کرد و دولت و کشور را به دست سهام‌السلطان بیات سپرد و خود با هیئتی از کارشناسان سیاسی و اقتصادی و مطبوعاتی عازم مسکو شد تا قضیه‌ی آذربایجان را حل کند. قریب ده روز در مسکو به سر برد. در نخستین روزهای اقامت خود به هیچ وجه توفیقی در کار به دست نیاورد، حتی مقامات رسمی شوروی از مذاکره با او خودداری کردند. قوام در مسکو تصمیم به استعفا گرفت که از همانجا به اروپا برود ولی همکاران او را به مقاومت بیشتری ترغیب کردند و مراتب را تلگرافی از موتمن‌الملک مشورت نمودند. موتمن‌الملک پاسخ داد قدری تامل کنید. قوام چند روز توقف خود را در مسکو ادامه داد تا اینکه استالین آمادگی خود را برای مذاکره با قوام اعلام نمود و قرار شد قوام به دیدار استالین برود. قوام این ملاقات را نپذیرفت و پیغام فرستاد که او در راس هیئتی به مسکو آمده و اگر ملاقاتی می‌شود بایستی کلیه اعضاء هیئت او حضور داشته باشند. استالین ناگزیر پیشنهاد قوام را پذیرفت و روز بعد قوام‌السلطنه و هیئت او وارد اتاق کار استالین شدند. قوام در صندلی مقابل میز استالین قرار گرفت و بقیه‌ی اعضاء در روی مبلهای سالن نشستند. در این موقع استالین سیگاری از روی میز برداشته و پس از روشن کردن سیگار، مشغول کشیدن سیگار می‌شود بدون اینکه به قوام سیگار تعارف کند. قوام بلافاصله از جعبه سیگار خود سیگاری بر لب می‌نهد و ظاهرا به دنبال فندک در جیبهای خود می‌گردد. استالین فندک خود را روشن کرده سیگار قوام را آتش می‌زند. مذاکرات قوام و استالین رضایت‌بخش بود و قوام با وعده‌ی واگذاری نفت شمال به روسها در صورت تصویب مجلس شورای ملی، موضوع تخلیه‌ی ایران و خودمختاری آذربایجان را با رهبر شوروی توافق می‌کند. او پس از مراجعه از شوروی

چندی بعد کابینه‌ی خود را ترمیم کرده و سه تن از اعضاء حزب توده را داخل کابینه نمود و حزبی به نام دموکرات ایران تاسیس کرد. شاه را موظف کرد در حدود قانون اساسی سلطنت کند و در امر حکومت مداخله ننماید. حتی قسمتی از اختیارات قانونی شاه را محدود نمود مثلا در فرامینی که شاه صادر می‌کرد، همیشه نوشته می‌شد پیشنهاد نخست‌وزیر، قوام دستور داد تمام فرامین دربار را تعویض نمایند و به جای پیشنهاد «تصویب و موافقت قوام‌السلطنه» را افزود. به هیچ‌وجه به توصیه‌های شاه و خاندان پهلوی ترتیب اثر نمی‌داد، در مجالس رسمی و بازدیدها گاهی دیرتر از شاه حضور می‌یافت و زمانی جلوتر از او حرکت می‌کرد. پس از حل مسئله‌ی آذربایجان و فارس و کردستان، شاه خدمات او را صادقانه ستود و به او عنوان و لقب جناب اشرف که قبلا از طرف سلطان احمدشاه هم داده شده بود، اعطاء کرد. قوام قریب بیست‌ماه بلامنازع حکومت کرد تا سرانجام در اثر فشار افکار عمومی انتخابات دوره‌ی پانزدهم را با دخالت کامل حزب دموکرات ایران انجام داد و ظاهرا تمام سرسپردگان خود را به مجلس فرستاد و در آن مجلس فراکسیونی به نام دموکرات ایران با اکثریت قاطع تشکیل شد. لیدر فراکسیون ملک‌الشعرای بهار بود.
شاه پس از حل قضیه‌ی آذربایجان از محبوبیتی که برای او در بین عامه فراهم شده بود، رشک می‌برد و می‌خواست اعاده‌ی امنیت در کشور و سایر اصلاحات توسط او انجام گیرد، لذا در مقام مبارزه‌ی پنهانی با قوام برآمد. ابتدا وزرای نظامی را تحریک کرد که با قوام سرشاخ شوند. قوام هر دو آنها را که سپهبد احمدی و سرلشکر آق‌اولی بودند، از کابینه خارج ساخت. بعد عده‌ای از وزراء را پنهانی تحریک کرد و آنها به حالت اجتماع استعفا دادند و قوام ضرورتی برای رای اعتماد نمی‌دید، مع‌الوصف به اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی که مستعفی نشده بود، به مجلس رفت و نطق مفصلی ایراد کرد و تقاضای رای اعتماد نمود. سردار فاخر که چشم به مقام قوام دوخته بود و با شاه سر و سری داشت، موجبات سقوط قوام را فراهم نمود و مآلا اکثریت به او رای عدم اعتماد دادند و نخست‌وزیری او در آذر 1326 ساقط شد. پس از چند روز راه اروپا را پیش گرفت. از آن همه افراد حزب و دوستان و آشنایان، تنها یک نفر در فرودگاه او را بدرقه کرد، آن هم سید جلال‌الدین تهرانی بود.
شاه پس از سقوط قوام ساکت ننشست و به وسیله‌ی ایادی خود مشغول پرونده‌سازی شد تا خدمات قوام را از ذهن مردم خارج کند و خود را قهرمانی ملی قلمداد نماید. اعلام جرمهای متعدد در مجلس و دادگستری به جریان افتاد ولی چون هیچ کدام محتوا نداشت، به جائی نرسید. قوام مدتها در اروپا باقی ماند تا اینکه شاه تصمیم گرفت به قانون اساسی شبیخون بزند و چند اصل آن را به نفع خود تغییر داده، اختیار انحلال

مجلسین را برای خود بگیرد، لذا دستور مجلس موسسان صادر شد. قوام‌السلطنه از اروپا عریضه‌ی سرگشاده‌ای برای شاه نوشت و مدلل ساخت که تغییر قانون اساسی نه به مصلحت شاه و نه ملت است، این خونبهای پدران را نباید ملعبه نمود و راهی برای تغییر آن باز کرد. شاه از نامه‌ی قوام برآشفت، جوابیه‌ای تهیه و به امضای حکیم‌الملک وزیر دربار برای قوام فرستاد و تمام مفاسد کشور را متوجه زمامداری قوام‌السلطنه ساخت. قوام پس از چندی، پاسخی به نامه‌ی شاه داد. این نامه را فقط روزنامه‌ی داریا به مدیریت حسن ارسنجانی انتشار داد. از نظر ضبط در تاریخ، نامه‌ی قوام عینا در زیر به نظر می‌رسد. ضمنا شاه عنوان و لقب جناب اشرف را نیز از او سلب نمود.

در جواب عریضه‌ی سرگشاده که چندی قبل به حضور همایونی عرض کرده بودم نامه‌ای به امضای جناب آقای حکیم‌الملک به اینجانب رسید که تاریخ آن 19 فروردین بود و در روزهای آخرین فروردین که به دستور طبیب در جنوب فرانسه بودم به اینجانب ابلاغ گردید. در آن موقع به شهادت جمعی از آقایان قریب بیست روز بیمار و بستری بودم و بعد هم برحسب وقتی که از جراح متخصص اذن گرفته بودم بایستی روز 27 ماه مه (16 اردیبهشت) برای عمل جراحی به لندن می‌رفتم این بود که پس از رفع کسالت برای ویزای گذرنامه به پاریس آمد و روز 16 اردیبهشت وارد لندن شدم. بدیهی است در جریان عمل جراحی امکان خواندن و نوشتن و فرصت ایراد جواب غیرمقدور بود. اکنون که از بیمارستان بیرون آمده با حال ضعف و نقاهت تحت‌نظر طبیب و جراح در لندن اقامت دارم و فرصت محدودی برای مطالعه جراید تهران حاصل است با کمال تعجب ضمن شایعات جراید در روزنامه‌ی اطلاعات ملاحظه شد که اینجانب نامه‌ای به علیاحضرت ملکه مادر به طهران فرستاده و تقاضا کرده‌ام اجازه داده شود به طهران مراجعت نمایم و نیز نوع انتشارات سبب شد که با حال کسالت اولا شایعات مزبور را تکذیب کنم، زیرا در خود گناه و خطائی نمی‌بینم که مورد عفو و اغماض ملوکانه واقع شوم و بنابراین هر وقت طبیب اجازه دهد به وطن عزیز خود مراجعت خواهم کرد و ثانیا چنانچه آقای ابراهیم حکیمی را بی‌جواب می‌گذاشتم مثل این بود که مندرجات آن را تصدیق کرده باشم و از مدلول جواب واضح بود که آنچه را شرح داده‌اند بر حسب ابتکار شخص ایشان نبوده، چه عمری است با ایشان رفاقت و خصوصیت داشته‌ام و در تمام این مدت کلمه‌ای برخلاف نزاکت و احترام از ایشان نسبت به خود نشنیده‌ام. پس مسلم است که آنچه را ایشان امضاء نموده‌اند ابلاغ فرمایشات همایونی بوده. بنابراین روی سخن و در عرض جواب به پیشگاه ملوکانه است نه به جناب ابراهیم حکیمی و چون در خاتمه‌ی نامه ابلاغ نموده‌اند که حسب‌الامر در آتیه از عرض عرایض به

حضور همایونی خودداری شود ناچار جواب تقریرات را به وسیله‌ی رجال خیرخواه و جراید به عرض برسانم تا برخلاف اراده مبارک عمل و اقدامی نکرده باشم.
آنچه را در عریضه سرگشاده به عرض رسانده‌ام تنها عقیده فدوی نبوده بلکه نظر علمای اعلام و متفکرین عالیمقام و وطن‌پرستان ایران بوده است که جز خیر و سعادت مملکت و صلاح شخص شخیص سلطنت نظری نداشته‌اند و جای بسی تاسف است که عرایض خیرخواهانه به جای حسن قبول تولید ملال و کدورت نموده تا حدی که قسمت اعظم مشکلات موجود را نتیجه‌ی دوران زمامداری فدوی دانسته‌اند.
اعلیحضرت همایونی اگر اندکی صرف وقت فرموده به تاریخ قرن اخیر ایران مراجعه فرمایند توجه خواهند فرمود که دوران زمامداری فدوی از جهانی مشکل‌ترین و هولناکترین ازمنه تاریخ ایران بوده و اگر فدوی به وظیفه‌ی وطن‌پرستی جرات نموده قبول مسئولیت کرده‌ام و مصدر خدمت بوده یا مرتکب خیانت گردیده‌ام تاریخ ایران و بلکه تاریخ دنیا قضاوت آن را کرده و یا خواهد کرد و جای تعجب و تاسف است که اعلیحضرت که حامی و نگهبان مقام و احترام خدمتگزاران کشور هستند به جای تشویق و تقدیر می‌فرمایند زندگانی پلید خود را باید در گوشه زندان سپری نمایم در صورتی که اگر جسارتی کرده‌ام از این نظر بوده است که چون مملکت را مشروطه و اعلیحضرت را متجدد و شاهنشاه دموکرات می‌دانستم لازم دیدم نظریات عموم را در کمال سادگی و صراحت برای خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت به عرض برسانم لکن از جوابی که امر به صدور فرموده‌اند جا دارد تصور شود که اوضاع امروز با هفتصد سال قبل فرقی نکرده است چنانکه شیخ سعدی گوید «از تلون طبع پادشاهان برحذر باید بود که وقتی به سلامی برنجد و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» می‌فرمایند اگر فدوی فراموش کرده یا تظاهر به فراموشی می‌نمایم عواقب سوءسیاست و خیانت‌ورزی فدوی به این کیفیت تجلی می‌نمود که اگر تفضل خداوند و غیرت ملی افراد آذربایجانی همراهی نمی‌کرد و فداکاریهای ارتش دلیر این کشور تحت فرماندهی مستقیم اعلی‌حضرت نبود حال نام آذربایجان از تاریخ کشور زدوده شده بود.

اگرچه عرض ادب پیش یار بی‌ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است
پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن
بسوخت عقل زحیرت که این چه بلعجبیست
هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
کنون که مست و خرابم صلاح بی‌ادبیست

افسوس و هزار افسوس که نتیجه‌ی جانبازیها و فداکاریهای فدوی را با

کمال بی‌رحمی و بی‌انضباطی تلقی فرموده‌اند پس ناچارم برخلاف مسلک و رویه خود که هیچ‌وقت دعوی حسن خدمت نکرده‌ام هر خدمتی را وظیفه‌ی ملی و وطن‌پرستی خود دانسته‌ام در این مورد با کمال جسارت و با رقت قلب و سوز دل به عرض برسانم که به خدای لایزال قسم روزی که تقدیرنامه اعلی‌حضرت به خط مبارک به افتخار فدوی رسید که ضمن تحسین و ستایش فرموده بودند سهم مهم اصلاح امور آذربایجان به وسیله‌ی فدوی انجام یافته است متحیر بودم که چگونه افتخار ضبط و قبول آن را حائز شوم زیرا غیر از خود برای احدی در انجام امور آذربایجان سهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه‌ی تدبیر و سیاست این فدوی بود که به حمدالله مشکل آذربایجان حل شد و اهالی رشید و غیرتمند آذربایجان با سیاست فدوی یاری و همکاری نمودند و بعد که بحمدالله اعلیحضرت با جاه و جلال تشریف‌فرمای آذربایجان شدند- و برخلاف انتظار اعلیحضرت در بعضی نقاط استفاده‌جوئی و غارتگری شروع شد- با تلگراف رمز عرض کردم اگر نتیجه‌ی زحمات و اقدامات این است، از این تاریخ فدوی مسئول امور آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان نیستم و ای کاش به جای این تهمتها و بی‌انصافی‌ها که بر خود اهالی آذربایجان معلوم است در آبادی و عمران و رفع خرابی‌ها و خسارتها توجه بیشتری مبذول شده بود که اهالی رنجیده و فلک‌زده‌ی آنجا به اطراف و اکناف پراکنده نمی‌شدند، مال و حشم خود را برای معاش یومیه به ثمن بخس نمی‌فروختند و امروز بعد از چهار سال آذربایجان به صورت بهتر و آبرومندتری عرض‌اندام می‌نمود.
جناب آقای ابراهیم حکیمی با اطاعت امر ملوکانه انواع تهمت و افترا را نسبت به این فدایی ملت و مملکت ابلاغ نموده‌اند پس چرا تکمیل و تصریح ننموده‌اند که تعهدات شوم اینجانب در مسکو چه بود یا اینکه گزارش مسافرت خود را به تفصیل
در مجلس شورای ملی قرائت کردم نقشه‌ی تجزیه‌ی آذربایجان چگونه طرح شده و کی و چه وقت در مجلس شورای ملی لزوم تغییر قانون اساسی را پیشنهاد کرده‌ام و اگر هم وقتی اشاراتی کرده باشم راجع به تفسیر بعضی از مواد قانون اساسی بوده است نه تغییر آن. آن هم به این نظر بوده است که حدود مسئولیت وزراء دستخوش پاره‌ای مداخلات غیرقانونی نشود و امور حکومت من جمیع‌الجهات به وسیله‌ی وزراء و تحت نظارت دقیق مجلس اداره شود و اینکه می‌فرمایند دو نفر از وزرای کابینه را برای تغییر قانون اساسی مامور نموده‌ام برحسب و امر و فرمایش همایونی بوده است که خواستم به عرض برسانند راهی برای تغییر قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. آیا تمام این مقدمات دلیل نمی‌شود که به ترتیبی که به همه معلوم است جمعی را به نام مجلس موسسان دعوت

نموده قانون اساسی را تغییر دهند یعنی همان قانون اساسی که اعلیحضرت موقع قبول سلطنت حفظ و صیانت آن را تعهد نموده و سوگند یاد فرموده و کلام‌الله مجید را شاهد و ناظر قرار داده‌اند و مرحوم فروغی رئیس دولت وقت تصریح نموده که اعلیحضرت همایونی طبق قانون اساسی موجود سلطنت خواهند فرمود و اما اینکه می‌فرمایند در کابینه‌ی اول خود از مقام سلطنت انحلال مجلس را درخواست نموده‌ام اولا در آن موقع اکثریت مجلس طرفدار فدوی بوده است ثانیا البته در نظر مبارک هست که یک روز فرمودند فلان نماینده‌ی خارجی عرض کرده است فدوی دعوی انحلال مجلس را کرده‌ام و فرمودند اگر اینطور باشد پس من چه کاره هستم فدوی عرض آن شخص را تکذیب کردم و به عرض رساندم نه اعلی‌حضرت همایونی و نه رئیس دولت هیچکدام حق انحلال مجلس را ندارند و با اصرار تمام استدعا نمودم آن شخص را بخواهند و با حضور فدوی مواجهه نمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود و با اینکه دو مرتبه عرض خود را تجدید کردم اقدامی نفرمودند و استدعای فدوی به دفع‌الوقت گذشت. در نامه‌ی مزبور نوشته شده است اصلاح و تکمیل قانون اساسی با توجه به سنت طبیعی یعنی اصل تکامل و ارتقاء صورت گرفته فدوی با هوش و ذکاوت فوق‌العاده اعلیحضرت چگونه قبول کنم که اعلیحضرت همایونی چنین فرمایشی را فرموده باشند زیرا قانون تکامل و ارتقاء را نمی‌توان بدین طریق تاویل نمود که حقوقی را که بیش از چهل سال قبل ملت ایران دارا بوده اکنون که افکار عموم ملل روشن‌تر و مبانی آزادی در همه جا محکم‌تر و کاملتر شده و برای مردم دنیا در تمام ممالک حقوق بیشتری شناخته شده است حقوق مردم ایران را به عنوان اصل تکامل و ارتقاء یعنی به طور معکوس لغو کرده و قانون اساسی کشور را به نفع قوه مجریه تغییر داد و ملت ایران را از حق مشروع و مسلم خود محروم نمود.

امر فرموده‌اند در عریضه سرگشاده حقوق و حدود مقام سلطنت را بی‌پایه و مایه و بی‌ادبانه و جسورانه تلقی نموده و اگر این حقوق تشریفاتی می‌بود اکنون بنیان نظام کشور از بیخ و بن برکنده شده بود. فدوی آنچه را به عرض رسانده‌ام معمول ممالک مشروطه دنیا و مدلول قانون اساسی ایران بوده است و چنانچه عده‌ای از قضات محترم و عالی‌مقام کشور و متخصصین خارجی را مامور می‌فرمودند که عرایض فدوی را با قانون اساسی موجود تطبیق نمایند صحت و سقم عرایض فدوی معلوم می‌شد و نظری جز این نداشته‌ام که اعلیحضرت سالهای فراوان با کمال محبوبیت بر اریکه‌ی سلطنت برقرار باشند و مقام شامخ سلطنت را آلوده امور حکومت نفرمایند و به معمول سلاطین مشروطه و قانون اساسی ایران از مسئولیت و طرفیت با مردم مصون و محفوظ مانند. می‌فرمایند ضرورت

پاره‌ای اصلاحات از قبیل تمدید مدت مجلس برای جلوگیری از تشنج انتخاباتی که هر دو سال گریبانگیر کشور می‌شود و با افزایش عده نمایندگان مجلس برای تقویت بنیان حکومت ملی به حدی روشن است که محتاج به توضیح نیست. خاطر مبارک مستحضر است که در قانون اساسی موجود عده‌ی نمایندگان تا دویست نفر پیش‌بینی شده است و برای تمدید مدت مجلس نیز هر وقت از طرف ملت تقاضاهای تمدید شد و آزادیخواهان و صلحای قوم تقاضای مجلس موسسان نمودند و مجلس موسسان در کمال آزادی و بی‌مداخله مامورین دولت تشکیل یافت راجع به تمدید مجلس نیز تصمیم ملت معلوم خواهد شد.
می‌فرمایند که در دوره‌ی زمامداری فدوی حبس و زجر عناصر آزادیخواه به حدی بود که عده‌ای از آنان در توفیقگاه درگذشتند و پاره‌ای دیگر نزدیک به این خطر گردیده بودند. خوب بود یکی از آنان را که در توقیفگاه درگذشته بودند معلوم فرموده بودند به علاوه ایام زمامداری فدوی به حدی با پیشامدهای هولناک مصادف بود که ناچار از بعضی از دوستان عزیز و حتی منسوبین خود با کمال احترام در عمارت شهربانی پذیرائی نمودم لیکن بر خاطر مبارک پوشیده نیست که بعد از فدوی هر امری که واقع شد اشخاص محترم و آزادی‌خواه را به حبس و زجر محکوم و در محبس شهربانی زندانی نمودند و روحانی بزرگواری را مانند آیت‌الله کاشانی که چندی در قزوین با کمال احترام و آزادی مهمان فدوی بودند و با اینکه خودشان میل به توقف فرمودند، تا زنده‌ام از وجود محترمشان خجل و شرمنده‌ام شبانه به آن طرز فجیع گرفتار و از هیچ نوع بی‌احترامی و اسائه ادب به شخص ایشان و مقام روحانیت فروگذار نکردند و ایشان را بدون هیچ دلیل و مدرک گرفتار و تبعید و در قلعه‌ی فلک‌الافلاک زندانی نمودند و بطرزی شرم‌آور از وطن مالوف اخراج و تبعید کردند و چنین فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ای را به جامعه و روحانیت وارد ساختند. فدوی عرض نمی‌کنم این جنایت به امر و دستور اعلیحضرت همایونی واقع شده بلکه یقین دارم خاطر مبارک از وقوع آن مکدر و متاثر است لکن عرض می‌کنم بعد از اطلاع چرا مجرم و مسبب را تنبیه و تعزیر نفرموده از خدمت اخراج ننموده‌اند.
می‌فرمایند مردم به خوبی واقف هستند چه کسانی در مدت حکومت خود میلیون‌ها اندوخته ذخیره کرده و چه اشخاصی نیز میلیونها در راه رفاه عموم صرف نموده‌اند و در جای دیگر اشاره به جوازفروشی و رشوه‌خواری فرموده‌اند. اولا اگر اعلیحضرت در تمام اوقات حکومت فدوی چه قبل از سلطنت اعلیحضرت و چه بعد معلوم فرمودند که فدوی اهل رشوه و استفاده بوده‌ام یا اندوخته و ذخیره‌ای در بانکهای داخله یا خارجه دارم تمام دارائی خود را به دولت تقدیم می‌کنم. ثانیا راجع به موضوع جواز

چنانکه مکرر به عرض رسانده‌ام در محافل عمومی اظهار داشته و در مجلس شورای ملی به دفعات تصریح کرده‌ام فدوی چیزی از کسی نخواسته‌ام مقداری برنج و غیره اضافه بر احتیاجات کشور بود که اگر خارج نمی‌شد می‌پوسید و ضرر آن به رعیت و ملاک می‌رسید و از طرفی برای آسایش مردم و رفع نگرانی‌ها حزب دموکرات ایران تشکیل شده بود و لازم بود با عجله و شتاب پیشرفت کند این بود که خود مردم برای سرعت جریان و پیشرفت حزب دموکرات ایران و هم برای صرفه دولت و صرفه رعیت و ملاک و پیشرفت امور آذربایجان برای مقداری برنج و جو با تصویب هیئت وزراء اجازه‌ی صدور گرفته و ارز آن را به دولت پرداختند و هدایائی نیز به حزب دموکرات ایران دادند و اینکه می‌فرمایند چه اشخاصی میلیون‌ها در راه رفاه عمومی صرف نموده‌اند این قسمت را هم مردم خوب می‌دانند که این میلیونها را خود دارا بوده‌اند یا از اموال و املاک مردم فقیر و غنی این مملکت اندوخته و بعد که خط آن اموال غیرمقدور شد مقداری از آن را به چه مصارفی رسانده‌اند.
در خاتمه عرض می‌کنم که اعلی‌حضرت همایونی البته عرایض مکرر فدوی را فراموش نفرموده‌اند که فدوی با وضع حاضر داوطلب هیچ نوع منصب و مقامی نبوده‌ام و آنچه را با کمال وضوح و خلوص به عرض رسانده‌ام در راه خیر مملکت و صلاح شخص اعلیحضرت بوده و باز هم عرض می‌کنم که دوام و بقای سلطنت، و موفقیت، در حفظ و حراست حقوق ملت و احترام به افکار عامه است و در این موقع انتظار عموم از پیشگاه مبارک این است که حقوق ملت طبق قانون اساسی موجود محفوظ بماند و امور کشور به مبعوثین ملت و وزرای مسئول واگذار شود و دولتها مانند همیشه با رای تمایل مجلس انتخاب شوند و اعلیحضرت همایونی طبق روح قانون اساسی سلطنت فرمایند و آنچه برخلاف این منظور در بیست سال سلطنت شاهنشاه فقید معمول بوده از جزئی و کلی منسوح و متروک گردد و از آنچه را هم خلف وعده و نقض عهد است اجتناب شود. بدیهی است با پیروی مراتب فوق عموم افراد ملت را به وفاداری و فداکاری تشویق و ترغیب فرموده و قلوب مردم را به مهر و محبت وجود مبارک تسخیر خواهند فرمود برعکس چنانچه حقوق مردم گرفته شود و دلها شکسته و مجروح گردد جز یاس و ناامیدی عمومی که موجب بغض و عناد و مقدمه مقاومت و طغیان است نتیجه‌ای نمی‌توان انتظار داشت.

ما نصیحت به جای خود کردیم
چند وقتی در این بسر بردیم
گر نیاید به گوش رغبت کس
بر رسولان پیام باشد و بس

25 خرداد از لندن احمد قوام

قوام مدتی در اروپا به معالجه پرداخت و در اوایل 1329 به تهران بازگشت و غالبا ملتزم بستر بیماری بود. در همین سال وثوق‌الدوله برادر او درگذشت. قوام از این حادثه سخت مکدر شد و غالبا وقت خود را در مصاحبت دوستان می‌گذرانید. در 1331 بین مصدق‌السلطنه و شاه اختلافاتی بروز کرد. مصدق خواهان وزارت جنگ بود ولی شاه از واگذاری آن خودداری کرد و مصدق از نخست‌وزیر استعفا داد. شاه برای اینکه حریف گردن‌کلفتی در مقابل مصدق بتراشد، سراغ قوام‌السلطنه رفت. در این کار تلاش اشرف پهلوی برای جلب رضایت قوام چشمگیر بود. قوام‌السلطنه جاه‌طلب که در آن هنگام هشتاد و یک سال از سنش می‌گذشت، داوطلب نخست‌وزیری شد و مجلس با اکثریت ضعیفی به او رای اعتماد داد و فرمان با عنوان جناب اشرف برای او صادر شد. به دنبال استعفای مصدق و روی کار آمدن قوام، مردم به حرکت درآمدند. جبهه ملی از یک طرف، آیت‌الله کاشانی و بازار تهران از طرف دیگر مردم را برای یک قیام خونین آماده کردند. مخصوصا اعلامیه‌ی شدیداللحن قوام که چند بار از رادیو قرائت شد، بیشتر مردم را به حرکت درآورد به طوری که در روز سی تیر 1331 تهران و غالب شهرستانها صحنه‌ی زدوخورد پلیس و مامورین نظامی با مردم بود. در آن روز عده‌ی کثیری در تهران و شهرستانها کشته و زخمی شدند و ناچار در اثر عقب‌نشینی شاه، قوام از سمت خود استعفا داد و مجددا مصدق با اختیارات نظامی زمام امور کشور را در دست گرفت. شاه در کتاب ماموریت برای وطنم در مورد انتصاب قوام به نخست‌وزیر برای دفاع از خود و رد اعمال خلاف خویش چنین می‌نویسد:

«... من برخلاف نظر باطنی خود احمد قوام را که در گذشته شاغل مقام نخست‌وزیری بود به جای وی به نخست‌وزیر برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها سخت مقاومت نماید. با روی کار آمدن قوام‌السلطنه حزب توده بلافاصله به طرفداران مصدق پیوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند. نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلالگر و افراطی ناتوان ماند. ضمنا نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسئله‌ی ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت. قوام به علت کبر سن بسیار ناتوان و بیمار شده و غالبا در مذاکرات مهم سیاسی به خواب می‌رفت هرچند حقیقتا در حل مسائل به اعمال قدرت معتقد بود ولی من وجدانا نمی‌توانستم اجازه‌ی اتخاذ چنین رویه‌ای را به شخص ناتوانی مانند او بدهم، ناچار پس از چهار روز نخست‌وزیری به صلاحدید من از نخست‌وزیری استعفا داد».

قوام پس از استعفا، مدتی به حالت اختفا می‌زیست و جانش در خطر بود.

مجلس هفدهم لایحه‌ی مصادره‌ی اموال او را تصویب کرد و مامورین دولتی به خانه‌ی او رفته و از اموالش صورت‌برداری نمودند. قوام بعد از این جریان کاملا تاب و توان خود را از دست داد و غالبا بیمار بود تا اینکه در تیرماه 1334 در سن 82 سالگی درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در قم مدفون شد.
قوام‌السلطنه در سن بیست سالگی با دختر حاجب‌الدوله دولو قاجار ازدواج کرد و تا آخر عمر صاحب فرزندی از او نشد. در 1326 در لاهیجان با دختر یکی از کشاورزان خود عقد ازدواج بست. حاصل این مزاوجت یک پسر به نام حسین بود که قوام و همسر اصلی‌اش به این کودک علاقه‌ی خاصی داشتند. حسین پس از مرگ پدر، چندی تحت‌نظر دکتر امینی در اروپا تحصیل نمود و با دختر جواد مسعودی ازدواج کرد ولی این ازدواج طولانی نشد و قسمتی از ثروت حسین از بین رفت. او تدریجا به مواد مخدر پناه برد و در استعمال این مواد راه افراط را پیمود تا اینکه در 34 سالگی در اروپا در اثر استعمال مواد مخدر درگذشت.
درباره‌ی قوام‌السلطنه سیاستمدار کهنسالی که قریب 60 سال در صحنه‌ی سیاسی ایران بازیگر ماهری بود، همه‌گونه سخن رفته است. دشمنان او بیشتر از دوستانش توانسته‌اند درباره‌ی او چیز بنویسند یا حرف بزنند.
او مجموعا پنج بار نخست‌وزیر و متجاوز از بیست مرتبه وزیر، یک بار فرمانروای کل خراسان و یک دوره هم وکیل مجلس بوده است. قوام ذاتا مردی مستبد و قانون‌شکن و جاه‌طلب بود، از جنجال و سروصدا لذت می‌برد، همیشه دوران صدارت او با هیاهو و سروصدا توام بوده است ولی در عین حال به وطن عشق می‌ورزید و هرگز خیانتی به زعم خود مرتکب نشد. از تملق لذت می‌برد، به همین دلیل اطرافیان او را همیشه افرا متملق و چاپلوس تشکیل می‌دادند. از ریخت‌وپاش دولتی ابائی نداشت. او مردی به تمام معنا دانشمند بود، از ادبیات و فلسفه و عرفان بهره‌ی کافی برده بود، گاهی برحسب تفنن شعر می‌سرود. اشعار او پرمغز و مشحون از مضامین لطیف ادبی است. البته در سرودن شعر هرگز به پایه و مایه برادرش وثوق‌الدوله نبود. در تحریر واقعا معجزه می‌کرد. نامه‌های او همیشه محکم و مستند و مستدل با کلمات زیبای فارسی و عربی توام بود. معتقدات مذهبی داشت. به اهل علم و روحانیون احترام می‌گذاشت. درب منزل او به روی همه باز بود. زندگانی او از محل عایدات باغهای چای در لاهیجان تامین می‌گردد.
درباره‌ی قوام اظهارنظرهای متعدد و متضادی شده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. در یادداشتهای خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس که ظاهرا تالیف حاج میرزا ابوالحسن علوی است و تاریخ تحریر آن 1336 ه.ق می‌باشد، درباره‌ی قوام‌السلطنه چنین آمده است:

«قوام‌السلطنه (میرزا احمدخان) پسر میرزا ابراهیم‌خان معتمدالسلطنه در ایام جوانی جزء پیشخدمتهای ناصرالدین شاه و بعد منشی امین‌الدوله میرزا علی‌خان در موقعی که حکومت آذربایجان را داشته بود بعد در موقع صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله در حدود 1315 به منشی حضوری صدراعظم معرفی شد و مدتی گذشت. به مناسبت حسن‌خط و نیکوئی انشاء به منشی حضوری مظفرالدین شاه و از لقب دبیرحضوری که داشت به وزیرحضوری مفتخر گردید. در دوره مشروطیت پس از فتح تهران (1327) معاون وزیر داخله شد و به واسطه بروز لیاقت زیادی که در ترتیبات و تاسیسات جدیده به خرج داده به وزارت داخله و وزارت جنگ و وزارت مالیه مدتی مشغول بود و حالیه (1336) در طهران بی‌شغل است. سن او بیش از چهل سال نیست. یکی از رجال قابل ایران است».
در کتاب برگزیدگان تالیف امیرمسعود سپهرم درباره‌ی او چنین آمده است:
«در نظم و نثر صاحب ذوق و چیره‌دست و جامع کمالات و سیاستمداری بزرگ بود و خدمات بسیار ارزنده و فراموش نشدنی به ملت ایران و حتی نسلهای آینده این مملکت انجام داد».
(بخش 1) احمد، ملقب به قوام‌السلطنه (و. 1249 ه.ش- ف. تهران 1334 ه.ش) وی در دربار مظفرالدین شاه سمت دبیری مخصوص و ریاست دفتر را داشت و فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده. قوام در دوره‌ی احمد شاه مدتی والی خراسان بود و پس از تشکیل کابینه‌ی سید ضیاء محبوس شد و سپس در زمان شاه مذکور نخست‌وزیر گردید (1301 -1300 ه.ش)، و چون سردارسپه به نخست‌وزیری رسید، قوام از کار برکنار شد و سپس مجبور به ترک ایران گردید. پس از شهریور 1320 فعالیت‌های سیاسی را مجدداً آغاز کرد و مکرر نخست‌وزیر شد (1331 -1326 -1325 -1324 -1321). آخرین بار فقط 4 روز نخست‌وزیر بود و بر اثر حوادث 30 تیر 1331 از کار برکنار شد. وی به بیماری قلبی درگذشت.
(1334 -1252 ش)، خطاط، ادیب و شاعر. ملقب به دبیر حضور، وزیر حضور و قوام السلطنه. وی از رجال نامی عهد مظفری و عصر مشروطیت است. نخست جزو عمله خلوت و پیشخدمتهای ناصرالدین شاه بود. در صدارت عین‌الدوله (سلطان عبدالمجید میرزا) منشی بود. پس از آن به تدریج در مقامات دولتی ترقی کرد، چنان که بارها به وزارت رسید و چندین بار نخست وزیر شد. ژاندارمری در زمان تصدی او در پست وزارت داخله تشکیل یافت. خروج نیروهای شوروی از ایران، بعد از جنگ جهانی دوم، و نیز عدم پشتیبانی شوروی از دموکراتهای آذربایجان، از نتایج اقدامات او دانسته شده است. وی در نظم و نثر صاحب ذوق بود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت. فرمان مشروطیت به خط اوست. در تهران درگذشت و در

مقبره‌ی خانوادگی خود در قم به خاک سپرده شد. قوام‌السلطنه خط شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و در نستعلیق نیز ماهر بود. از آثار وی: یک مرقع، شامل ده رقعه مناجات حضرت علی (ع) که به شیوه‌ی میرعماد سیفی قزوینی و به قلم دو دانگ و کتابت عالی نوشته شده، با رقم : «... احمد بن معتمدالسلطنه، فی شهر رجب المرجب سنه‌ی 1311»؛ یک مرقع مشتمل بر قصیده‌ای در مدح مظفرالدین شاه، به قلم چهار دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد»؛ دو قطعه نستعلیق سه دانگ خوش، با رقم: «المذنب احمد».[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار خوشنویسان (43 -42 / 1)، تاریخ هنرهای ملی (1033 / 2)، تذکره خوشنویسان معاصر (94 -88)، شخصیتهای نامی (400 -398)، شرح حال رجال (99 -94 / 1)، گلستان هنر (بیست و یک)، نخبگان سیاسی ایران (141 ،136 ،133 ،110 ،92 ،89 ،84 ،83 ،75 / 3).

قوامی، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تقی قوامی
محل تولد : شهرری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1308/1/1
زندگینامه علمی
در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاة به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوچانی صغیر، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدعلی بن شیخ محمدرضا بن شیخ محمدعلی بن محمدصادق بن محمد بن اسماعیل بحرانی قوچانی عالمی فاضل و اصلا از بحرین بوده است. جد چارمش محمد بن اسماعیل از بحرین مهاجرت به خراسان نموده و ایشان در سال 1316 ق در قوچان به دنیا آمده است. وی در اوائل عمر به نجف مهاجرت نموده و پس از خواندن مقدمات و سطوح از محضر ملا محمدحسین قمشهی بزرگ و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی و دیگران استفاده نموده و بعد از فوت استادش به قوچان آمده و به وظائف دینی از اقامت جماعت و غیره پرداخته تا در یازدهم ماه رمضان 1345 قمری وفات و در مزار سلطان ابراهیم قوچان قدیم مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوچانی، ذبیح‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ذبیح‌اللَّه قوچانی نجفی از علماء اعلام و فضلاء کرام معاصر این شهرستان است در مشهد مقدس. معظم له در سال 1329 قمری در خیرآباد قوچان متولد شده و در سن 13 سالگی برای تحصیل به قوچان آمده و در مدت سه سال مقدمات و ادبیات را تحصیل کرده و در سال 1345 قمری به مشهد مقدس عزیمت نموده و در حوزه علمیه ارض اقدس به تکمیل سطوح پرداخته و بعد از شش سال توقف در مشهد در سال 1351 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در آنجا از محاضر مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللَّه اصفهانی و دیگران استفاده نموده و بعد از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال 1371 قمری به قوچان مراجعت و به امور شرعی از اقامه جماعت و تردس طلاب علوم دینی پرداخته تا در سال 1381 قمری به مشهد مقدس انتقال و تاکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللَّه ذبیحی قوچانی از دانشمندان وارسته و دارای کمالات نفسانی و معنوی و مهذب و بارع می‌باشند دارای آثاری از جمله تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروچ و غیره می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قوکاسیان، هراند

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1306، جلفای اصفهان.
درگذشت: 19 خرداد 1375.
هراند قوکاسیان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی با تخصص بیهوشی در اصفهان شروع به کار کرد و در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال ورزید. در سال 1345 در کنار تدریس در دانشکده‌ی پزشکی در دانشگاه ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی نوبنیاد زبان و ادبیات ارمنی نیز به تدریس ادبیات ارمنی مشغول گشت.
وی با مجلات «سخن»، «ارمغان»، «صائب»، «نگین» و «هور» همکاری می‌کرد. او با «جنگ اصفهان» نیز همکاری داشت و با همکای محمد حقوقی در ترجمه اشعار شاعران نوپرداز ارمنی در مطبوعات ارمنی زبان کوشش نمود. وی اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو (بامداد) و فروغ فرخزاد را به زبان ارمنی ترجمه کرد.
هراند قوکاسیان کتاب آنوش را که برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی زبان است در سال 1348 و به مناسبت صدمین سالگرد تولد هرانس تومانیان شاعر ملی ارامنه ترجمه و منتشر نمود. در کتاب آنوش او به معرفی شاعرانی که در واقعه 1915 به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و شاعران برگزیده‌ی ارمنستان غربی پرداخت.
دکتر قوکاسیان در سال 1349 دومین کتاب خود را به نام گرونک که حاوی ترجمه‌ی اشعار شاعران ارمنی زبان که خارج از ارمنستان بودند و به خصوص شاعران ارمنی زبان ایرانی مانند گالوست خاننس، آشوت اصلان دو، آرماند و ارشاویر مگرونچ و ... پرداخت.
آخرین کتاب چاپ شده دکتر هراند قوکاسیان به نام گل‌های آفتاب گردان در سال 1355 چاپ گردید که ترجمه‌ی کارهای منثور آرام مورادیان است.
هراند قوکاسیان به اشعار زوریک میرزایانس علاقه داشت و در نظر داشت که مجموعه‌ای از اشعار میرزایانس را در کتاب جداگانه‌ای چاپ کند.
هراند قوکاسیان به علت ناراحتی قلبی در سال 1365 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

قومسانی همدانی، ابوالفضل محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(471 -399 ق)، محدث، فقیه و ادیب. معروف به ابن‌زیرک. نسب وی به قومسان همدان می‌رسد. شیخ همدان در روزگار خود در فنون علمی یگانه دورانش بود. او از پدرش، ابوالقاسم عثمان، و عمویش، ابومنصور محمد، و دائیش، ابوسعد عبدالغفار و ابن‌خلنجان و علی بن احمد بن عبدان و یوسف بن کج الفقیه و حسین بن فنجویه و دیگران و همچنین با اجازه از ابوالحسن بن رزقویه و ابوعبدالرحمان سلمی حدیث روایت کرده است. اکثر مشایخ بغداد با اجازه از وی روایت کرده‌اند همچون ابوبکر شادان و ابوالحسن رزقویه و دیگران. شیرویه گوید که وی محدثی صدوق و ثقه و دارای شأن و حشمت بود و در تفسیر ید طولانی داشت. او فقیه و ادیبی متعبد بود و دارای حسن خط و عبارت. عمده مشایخ بغداد از وی روایت کرداند. پس از مرگ در رأس کهر دفن شد و قبرش مزار گردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (3 / 1177)، سیر النبلاء (435 -433 / 18)، شذرات الذهب (3 / 341)،العبر (2 / 330)، معجم البلدان (470 / 4)، الوافی بالوفیات (4 / 84).

قویمی، مهوش

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد: 1326، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای ادبیات نوین فرانسه، کارشناسی زبان‌شناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای شهری.
مرتبه علمی:
استادیار تمام وقت دانشگاه شهید بهشتی در سال 1356، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال 1366 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فرانسه، شعر، تئاتر، رمان، نگارش یک روش نیمه سمعی و بصری برای آموزش زبان فرانسه.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 6
زمینه علمی تألیفات:
آئین نگارش به زبان فرانسه، املاء فرانسه، انشاء فرانسه، آواشناسی و انواع شعر زبان فرانسه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات، زبان‌آموزی و تدریس ادبیات، مقایسه ترجمه‌های مختلف، معرفی نقد نو و منتقدان معاصر، مسائل مربوط به زبان‌آموزی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهپائی، محمد قاسم

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر سراج‌الدین قاسم بن محمد قهپائی طباطبائی، از مشایخ علامه‌ی مجلسی، و از شاگردان شیخ بهائی و [مشایخ] مولی ابوالقاسم بن محمد گلپایگانی بوده، وی را تألیفاتی است، از آن جمله است: 1- تعلیقاتی بر کتب رجال 2 - رساله در مسأله‌ی بداء 3 - رساله در فلاحت؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

قهرمان، آنالیزه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1308، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد بیولوژی و زبان آلمانی از دانشگاههای ابرهارد آلمان و تهران در سال 1333 و دکترای تخصصی علوم طبیعی از دانشگاه ابرهارد آلمان در سال 1354، متخصص در ادبیات آلمان.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال 1346.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ترجمه بعضی از آثار ادبی نوین ایران، تحقیق در زمینه صرف و نحو زبان آلمان.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
دستور زبان آلمان و تجزیه و تحلیل دستوری متن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
Die Horen، نقد ادبی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قهرمانی، شرف‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1279 ش)، نویسنده، فرهنگ‌نویس و مترجم. تحصیلات عالیه خود را در روسیه به پایان رساند سپس وارد خدمات ارتشی شد. سرانجام در یک سانحه‌ی هوایی درگذشت. از وی بیش از سی و هفت اثر به جای مانده است. از آثار وی: «آموزش هوایی تاکتیک هوایی»؛ «استتار توپ»؛ «پیش‌آهنگ خلبان»؛ «خدای می‌رساند»؛ «شاهسون و دیوانه»؛ «هواپیمایی»؛ «ختم غائله سیمیتقو»؛ «بی‌بی گلابی»، ترجمه؛ «جاسوسی و جلوگیری از آن»، ترجمه؛ «حکحومت تزار و محمدعلی میرزا»، ترجمه؛ «قوای سری در جنگ بین‌المللی»، ترجمه؛ «فرهنگ جامع»، روسی به فارسی؛ «فرهنگ جامع»، فارسی به روسی.[1]
فرزند کیومرث میرزا عمیدالدوله، در 1279 در تهران متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی سن‌لوئی و دارالفنون گردید و سپس مدرسه‌ی نظام را گذرانید و افسر شد و محل اولیه‌ی خدمت او آتریاد همدان بود. وی در زمره افسرانی بود که در معیت میرپنج رضاخان کودتای 1299 را انجام دادند. در 1303 با درجه‌ی ستوان یکمی برای آموزش فن خلبانی به شوروی اعزام شد. پس از پایان تحصیلات با یک فروند هواپیمانی خریداری شده وارد ایران شد و خدمت خود را در نیروی هوائی ادامه داد و درجات نظامی را تا سرهنگی اخذ نمود. در 1319 به معاونت اداری نیروی هوائی منصوب گردید و در 1321 فرمانده نیروی هوائی ایران گردید. دو ماه پس از انتصاب به فرماندهی نیروی هوائی به دعوت دولت انگلیس برای بازدید فرودگاه حبانیه عراق و وضعیت جبهه مصر و آفریقای شمالی با یک فروند هواپیما در معیت عده‌ای از افسران ایرانی و انگلیسی فرودگاه قلعه‌مرغی را ترک نمودند. یک ساعت بعد از پرواز به علت بدی هوا و علل فنی هواپیما سقوط کرد و کلیه سرنشینان آن از جمله سرهنگ شرف‌الدین قهرمانی کشته شدند. از طرف ارتش مراسم نظامی برای تشییع جنازه به عمل آمد و در ظهیرالدوله اجساد مدفون گردید.
قهرمانی مردی فاضل و دانشمند و مترجم بود. در طول حیات آثار زیادی ترجمه و تالیف نمود که متجاوز از سی جلد می‌باشد. اکثر کتب منتشر شده پیرامون موضوعات نظامی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (60، 188- 189، 642 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (415-419 / 3).

قهستانی، شمس‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 967 ق)، فقیه حنفی، زاهد، عالم، مدرس، ادیب و شاعر. ملقب به ابوحنیفه‌ی ثانی، به جهت تسلطی که بر فقه حنفی داشت. وی مفتی بخارا بود. مدتی از سوی والیان ازبک به قضاوت بخارا منصوب شد و در آن جا به تدریس و تقریر فقه پرداخت. با ملا عصام‌الدین، از بزرگان سده‌ی نهم هجری، مصاحب بود. تاریخ درگذشتش در مراجع و مآخذ به اختلاف ذکر شده است. او در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند دفن شد. از آثارش: «جامع الرموز»، در شرح «النقایه مختصر الوقایه» صدر الشریعه ثانی عبیدالله بن مسعود حنفی، در فقه؛ حاشیه بر حاشیه سید شریف جرجانی بر «شرح الشمسیه»؛ «مقدمه الصلوه» به نظم؛ «رساله در دلالت»به عربی، در منطق؛ حاشیه بر «شرح آداب البحث»؛ شرح «رساله صلوه»، که آن را برای فرزندش کمال‌الدین محمد در 967 ق املا نمود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (233 / 7)، بزرگان قائن (606 -601)، تاریخ نظم و نثر (619)، حبیب السیر (360 -359 / 4)، شذرات الذهب (300 / 8)، کشف الظنون (1971).

کاتبی، حسینقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1291 ش)، فرهنگ‌نویس، نویسنده، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به جوشغون. در مراغه به دنیا آمد. مادرش شاهزاده اختر، دختر رضا قلی میرزا بن ملک قاسم میرزا بن فتحعلی شاه بود. کاتبی پس از طی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه در تبریز، از دانشکده‌ی حقوق تهران موفق به اخذ لیسانس در دو رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی شد. کاتبی از 1320 تا 1321 ش سردبیر مجله‌ی «ماهتاب»، وابسته به انجمن ادبی آذربایجان بود و از 1321 تا 1331 ش اداره‌ی روزنامه‌ی «فریاد آذربایجان» را مستقلا عهده‌دار بود. وی مشاغل مختلفی از جمله: وکالت دادگستری در تبریز و تهران، عضویت کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق و اقتصاد و بازرگانی فرهنگستان زبان و همکاری در تأسیس انجمن کانون مشاوره‌ی حقوقی را بر عهده داشت. از آثار وی: «آذربایجان و وحدت ملی»؛ «اعلان حقوق بشر»؛ «بردگی»؛ «شکوفه‌های ادب»، قصه‌های کوتاه؛ «سی فصل در فن انشاء»؛ «فرهنگ حقوق»، فرانسه به فارسی؛ «نویسندگان بزرگ معاصر دنیا»؛ «حقوق تجارت».[1]
محقق، روزنامه‌نگار.
تولد: 1291، مراغه.
درگذشت: 21 دی 1369، تهران.
دکتر حسینقلی کاتبی، فرزند بهجت‌الممالک (رییس اداره‌ی پست و تلگراف مراغه)، در سال 1316 در رشته‌ی حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه لیسانس گرفت و در سال 1318 خدمت دولتی خود را با سمت مستنطق مستقل- که چندی بعد از بازپرس- نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.
نخستین مقاله‌ی وی زیر عنوان «لباس وطنی» در حالی که بیش از هیجده سال نداشت، در سال 1309 در روزنامه‌ی «تبریز» انتشار یافت. کتاب شکوفه‌های ادب مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شهریور 1321 یعنی درست یک سال بعد از اشغال کشور در تبریز به چاپ رسید، موجب گردید که ایشان به مدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های 1320 و 1321 سمت سردبیری مجله‌ی «ماهتاب» نشریه‌ی وابسته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السلطنه سمیعی را بر

عهده داشت. و از سال 1322 تا 1331 روزنامه‌ی «فریاد» (دو شماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرستان‌ها هم طراز با روزنامه‌ی «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلا اداره می‌کرد.
کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد.ابتدا در تبریز و بعد تا سال 1362 در تهران به وکالت دادگستری پرداخت. حتی با همکاری دو تن از حقوقدان به نام‌های دکتر محمدعلی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاوره حقوقی همت گماشت. او در زمینه‌ی حقوق و تجارت کتاب‌های سودمندی تألیف کرد و از دو انتشار مجله‌ی «کانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسندگان مقالات ادبی آن مجله بود. ضمنا در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال 1357 عضویت و فعالیت داشت.
دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شده‌ی وی به شرح زیر است: سی فصل در فن انشاء (تبریز، 1317)؛ آذربایجان و وحدت ملی ایران (تبریز، 1321)؛ سبک‌شناسی فارسی (تبریز، 1321)؛ اعلان حقوق بشر (تبریز، 1322)؛ حق و منشاء آن (تبریز، 1323)؛ شکوفه‌های ادب (تبریز، جلد اول، 1326، جلد دوم، 1332)؛ تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی (تبریز، 1327)؛ نویسندگان بزرگ معاصر (تبریز،جلد اول، 1328، تهران جلد سوم، 1352)؛ ادب و ادبیات (تهران، 1356)؛ وکالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و... (تهران، 1357)؛ حقوق تجارت برای تدریس در دانشگاه تهران جلد اول، 1348، جلد پانزدهم، 1367)؛ عقود و تعهدات (تهران، 1349)؛ حقوق و صنعت (به زبان فارسی و فرانسوی، تهران، 1359)؛ از لیبرالیسم تا سوسیالیسم (تهران، 1358)؛ فرهنگ حقوق (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، 1337)؛ جلد دوم، 1363)؛ زبان باستانی آذربایجانی (تهران، 1363)؛ سلام به شهریار عزیز (تهران، 1343)؛ آذربایجان تابلوسی (تهران، 1358)؛ زبان‌های باستانی آذربایجان (این تحقیق در نامواره‌ی دکتر محمود افشار به صورت کتابی مستقل در 1359 به چاپ رسید).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 17، ش 4 -1، ص 195 -193)، ادبیات نوین (302، 148)، الذریعه (290/ 12)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3329، 3076، 2424، 2160- 2159، 2066، 1933/ 2، 749، 478، 286، 235، 28/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (283)، مؤلفین کتب چاپی (941 -940/ 2).

کاتوزیان، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1254 ش)، فرهنگ‌نویس و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. از دوران نوجوانی به تحصیل ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی و منطق و ریاضی و هیئت پرداخت. وی پس از تکمیل آن علوم، نزد استادانی چون میرزای آشتیانی و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آقا میرزا هاشم رشتی به تحصیل اصول، فقه، فلسفه، کلام و عرفان مشغول شد و ضمنا در زمینه‌ی تاریخ و جغرافیا و فیزیک نیز تحقیق کرد و در هر یک از علوم مزبور خصوصا منطق و فلسفه و عرفان شرح و حواشی نوشت . در 1322 ق با کوشش فراوان انجمن علمی را تأسیس کرد که از مهم‌ترین آثار آن انجمن کتاب «لغت انجمن علمی»، از عربی به فارسی، است. وی همچنین در تأسیس کتابخانه‌ی ملی نقش مهمی داشت. او از طرف مردم تهران، در دوره‌ی اول و از طرف مردم تبریز، در دوره‌ی پنجم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. از مهم‌ترین تألیفاتش «فرهنگ کاتوزیان» است، مشتمل بر سی و پنج هزار لغت فارسی قدیم و جدید و عربی و ترکی و اروپایی معمول در زبان فارسی. از دیگر آثار وی: «انوار المشعشعین فی بیان شرافة القم و القمیین»، تاریخ قم؛ «تاریخ انبیاء اولواالعزم»؛ «فقه در عبادات و سیاسات»؛ «تاریخ مختصر انبیاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (332/ 18، 292، 214- 213/ 16، 441/ 2)، زندگینامه رجال و مشاهیر (318/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3193، 2812، 2452، 2435، 2142، 2141/ 2، 746، 670، 391، 138، 135، 134/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (351 -348/ 4)، نخبگان سیاسی ایران (492، 484/ 4)، یغما (س 5 ش 10، ص 465 -464).

کاردن سلمانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا کاردان سلمانی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب رضا کاردان سلمانی در سال 1319 در مشهد مقدس به دنیا آمدم. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال 1340 به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان «سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و درس خارج فقه «آیة الله گلپایگانی» و «حضرت امام» (قدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیة الله وحید خراسانی» و خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کارن

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کارن در تاریخ نام یکی از خاندان‌های اشکانی است که در امور لشکری و کشوری اشکانیان دخالت بسیار داشته است. ممکن است داستان‌سرایان ادوار بعد کارهای این خانواده را به اعصار پیشتر برده و آن را منسوب به دوره‌های داستانی کرده باشند. بنا به روایت فردوسی کاوه را پسر دیگری به نام قباد بود.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

کارنگ، عبدالعی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
.1358
عبدالعی کارنگ سال‌های خدمت دولتی را در وزارت معارف گذرانید. وی عضو شورای هیئت مدیره‌ی کتابخانه ملی شهر تبریز بود. آخرین کار او تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان وقف‌نامه‌ی ربع شیدی است که به چاپ رسید. وی مقاله‌هایی برای مجله‌های ادبی و تاریخی تهران و تبریز و از جمله «یغما» نوشته است. از آثار اوست: تاتی و هرزنی (1333)، خلخالی یک لهجه از آذری (1334)، ادبیات پارسی (مدرسه‌ای) (با همکاری علی‌اکبر صبا و علی لک دیزجی، 1334)، تاریخ تبریز (تألیف ولادیمیر فدورووِیچ مینورسکی، 1337)، دستور زبان فارسی (با همکاری علی اکبرصبا و عزیز دولت‌آبادی و چند تن دیگر، 1337)، دستور زبان کنونی آذربایجان (1340)، راز (مجموعه شعر، 1343)، سفرنامه کاری (اثر جملی کاری، ترجمه با همکاری عباس نخجوانی، 1348)، آثار باستانی آذربایجان (دو جلد، 1351)، وقف‌نامه‌ی ربع شیدی (تصحیح قسمت تبریز، 1357).
از وی مقالاتی در مجلات و نشریات «آرش»، «معلم امروز»، «کتابخانه‌ی ملی تبریز»، «سرو»، «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز»، «جهان اخلاق»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «بررسی‌های تاریخی» منتشر شده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاسمی ساروی تهرانی، نصرت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(توح 1287 ش)، استاد دانشگاه، پزشک، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به نصرت. اصلش از مازندران بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. وی بنابر ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشت، همزمان با تحصیل علوم ادبی، به تاریخ و فلسفه پرداخت و از محضر استادانی چون شیخ خندق آبادی و شیخ یدالله پاک‌نظر و شیخ مهدی نوری بهره‌مند شد و در همان زمان به عضویت انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی فرهنگستان درآمد. کاسمی در 1314 ش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در زمینه‌ی «قطع عصب سیاتیک حوصلی زنان» نوشت. پس از فراغت از تحصیل عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: تدریس بیماری‌های عمومی در دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، نمایندگی دوره‌ی سوم مجلس مؤسسان، نمایندگی مردم ساری در دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی، وزیر مشاور در دولت دکتر اقبال، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی، سرپرست مجله «گوهر» و انجمن ادبی گوهر و صاحب امتیاز و مدیر ماهنامه‌ی «دانشکده‌ی پزشکی» بود. دکتر کاسمی در سرودن شعر توانایی خاصی داشت و قصایدش را به سبک خراسانی می‌سرود. از دیگر آثار وی: «غدد مترشحه داخلی و بیماریهای آن»؛ «راه خوشبختی»، در اخلاق و بهداشت، ترجمه؛ «آنچه باید یک پسر جوان بداند»، ترجمه؛ «آنچه باید یک دختر جوان بداند»، ترجمه؛ «مهر مادر»، شعر؛ «امواج»، شعر؛ «سه نامه»، حاوی سه نامه ادبی و فلسفی؛ «چهار صد سال بعد از فردوسی»، در نظم بعضی از وقایع عصر امیر تیمور گورکانی؛ «داستان یوسف»، مثنوی به سبک «حدیقه» سنایی؛ «دائرة المعارف پزشکی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین (147)، الذریعه (265/ 12، 63 -62/ 10 ،313/ 5)، روزشمار تاریخ (111، 84/ 2، 311/ 1)، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی (83 -31/ 1)، سخنوران نامی معاصر (2919 -2914/ 5)، شرح حال رجال معاصر مازندران (134 -130/ 2)، صدف (552 -543)، فرهنگ سخنوران (754)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (468 -466)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3194، 2044، 1627/ 2، 1126 -1125

338، ،65/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (286)، مؤلفین کتب چاپی (570 -568/ 6)، نخبگان سیاسی ایران (513/ 4).

کاسنی نسفی، ابونصر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 343 ق)، فقیه شافعی، عالم، ادیب و شاعر. در ابتدا تنها در ادبیات مهارت داشت. سپس فقه را فراگرفت به طوری که از برجستگان مذهب شافعی گشت. او از ابوحسین محمد بن طالب نسفی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی حدیث شنید. وی در روزگار جوانی در قریه‌ی کاسن درگذشت. از آثارش تصنیف کتاب «تواتر الحجج» یا «تواتی الحجج»، در فقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (17 -16/ 5)، ایضاح المکنون (335/ 1)، معجم المؤلفین (250/ 1).

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337/ 1336 -1268/ 1266 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مفسر، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذراندن مقدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پدرش فراگرفت. سپس به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در 1292 ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در 1296 ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در 1313 ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در 1333 ق به همراه علمای مجاهد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالة فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[1]
(حاج سید) مصطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. 1337 ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پدر خود تکمیل کرد و بعد از وفات او به اصفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندید. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع استفاده‌ی افاضل بود. وی قریحه‌ی شعر نیز داشت و دیوانی هم در مناقب و مراثی معصومین دارد. او در استصحاب و تجزی و تفسیر مختصر قرآن و حاشیه‌ی ارشاد علامه و حاشیه‌ی شرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانة‌الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (133 -132/ 8)، اعیان الشیعه (128 -127/ 10)، الذریعه (19/ 23، 1055/ 9، 102/ 6، 25/ 2، 350/ 3، 275 -274/

1)، ریحانه (21/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (413/ 13)، علماء معاصرین (112 -111)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (160)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1031 -1030/ 3)، معجم المؤلفین (248/ 12).

کاشانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ملا) حبیباللَّه بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن 14 ه. (و. 1340 ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در 14 سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا هادی سبزواری آموخت و در 16 سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در 18 سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح‌الریاض (حاشیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرةالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانةالادب، لغ.)
حبیباللَّه الشریف بن ملا علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود 1262 متولد شده و در سال 1340 ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیباللَّه یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب‌الالقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در 12 جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیةالاصول) و (درةالجمان) و تذکرةالشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.
آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. 1- مرحوم حجةالاسلام آقا حسین شریف 2- ثقةالاسلام آقا احمد شریف 3- ثقةالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.
دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند 1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین امامت 2- مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللَّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.
در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.
(ح 1340 -1262 ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف
و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبة التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (559/ 4)، الذریعه (4/ 23 ،277 /215، 18 /282، 15 /214، 14 ،324- 323 /67، 11 /231، 9 /98، 8 /271، 7 ،492- 491 /182، 4)، ریحانه (20 -18/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 361 -360/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (252 -250/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه)، معجم المؤلفین (187/ 3).

کاشانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایةاللَّه خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد 1290 و متوفی 1352 قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (1313 -1264 ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1180 -1179/ 2)، شرح حال رجال (150/ 6)، گنج شایگان (348 -345).

کاشانی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1303 ق)، عالم دینی، خطیب و مرجع تقلید. در نجف به دنیا آمد. مادرش دختر عالم بزرگ شیخ اسداللّه شوشتری است. مقدمات و سطوح را فراگرفت. او در کنار پدرش که از علمای برجسته بود و در بمبئی به وظائف شرعی و تبلیغی می‌پرداخت، نشو و نما یافت و پس از پدر عهده‌دار وظائف وی گشت و مرجع تقلید مردم بمبئی شد. وی سرانجام در همان جا درگذشت. سال تولد او در «طبقات اعلام الشیعه»، 1333 و در جای جای «الذریعه» 1303 ق قید شده است. همچنین در چند جای «الذریعه» و به تبع آن در «مؤلفین کتب چاپی» تحت نام محمد حسین و صاحب کتاب‌های «اسرار الغیبیة» و «برق الخاطف» و «التحقیق الجدید» و «چهار مقاله» ذکر شده است. او را تصانیف بسیاری است که اکثر آنها به زبان گجراتی است. وی «فهرست کتب خزانة الشیخ محمد حسن» را که مشتمل بر فهرست دو هزار کتاب و تألیف موجود در کتابخانه‌اش بود تنظیم نموده و در آن به اثرهای خود که متجاوز از چهل تصنیف می‌باشد، اشاره کرده است. از جمله: «احکام الجمعة»؛ «احکام العیدین»؛ «احکام النیروز»؛ «دین الاسلام»؛ «عقاید النجفی»؛ «فلسفه نماز»؛ «قید شرق و آزادی غرب»؛ «محرم و عاشورا»؛ «معرفة الامام»؛ «مقدمه‌ی منطق»؛ «مناسک النجفی»؛ «نجاة الصائمین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (59/ 24، 277، 102/ 22، 247/ 21، 150/ 20، 224/ 17، 390، 310/ 16، 286/ 15، 291/ 8، 314/ 5، 481، 86/ 3، 53/ 2، 303، 300، 296/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 380/ 14)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1127، 485، 206/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (691/ 2).

کاشانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسن بن شیخ ابی‌القاسم بن شیخ عبدالحکیم کاشانی مشهور به (نجفی) عالمی مؤلف و مرجعی بزرگوار و امام مسجد (خوجه‌ها) بوده است وی در سال 1333 متولد و در سال 1387 در تهران وفات و در قم مدفون شده است.
نگارنده گوید: این عالم جلیل و مرحوم والدش در بمبئی خدمات بسیار نموده و منشاء آثار زیادی شده و ده‌ها هزار از شیعه‌های اسماعیلی را مستبصر و ارشاد نموده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا بن سید اسماعیل بن سید عبدالرزاق- (برادر سید محمدتقی) ابن سید عبدالحی حسینی پشت مشهدی کاشانی عالمی فقیه از شاگردان میرزاء بزرگ شیرازی و علامه سید محمد فشارکی و میرزا محمدتقی شیرازی بوده و در سال 1316 به کاشان مراجعت و در پشت مشهد اقامت و در مسجد حبیب بن موسی امامت و به خدمات دینی پرداخته تا سال 1350 که وفات نموده است.
فرزند این بزرگوار مرحوم سید استاد ما آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی شریک بحث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشف شیرازی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1309 ق)، روزنامه نگار. در شیراز سکونت داشت. وی با صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» معاصر بود. کاشف در 1304 ش امتیاز روزنامه‌ی «ظریف» را گرفت و تا 1309 ش انتشار آن را ادامه داد. بنای این روزنامه‌ی فکاهی بر مبارزه‌ی با خرافات و بدعت‌های مذهبی قرار داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (189 -188/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (231/ 4).

کاشفی سبزواری هروی، معین‌الدین، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 910 ق)، فقیه، محدث، حافظ، مفسر، واعظ، صوفی، ادیب و شاعر. مشهور به ملا حسین کاشفی یا ملاحسین واعظ. در سبزوار به دنیا آمد. دوره‌ی جوانی را در آن شهر گذراند و در آنجا و نیشابور و هرات نشو و نما یافت. در زمان سلطان حسین میرزای بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و با صوتی خوش آیات قرآن و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب بیان می‌کرد. وی از ملازمان امیر علی شیرنوایی بود. پس از ملاقات مولانا جامی و معاشرت با وی طریقت نقشبندیه را پذیرفت. درباره‌ی مذهب وی اختلاف است، وی را به جهت گرایش به تصوف ملازمت با امیر علیشیر نوایی و نسبت خانوادگی نزدیک به ملا عبدالرحمان جامی سنی مذهب و به جهت نگارش کتاب «روضة الشهداء» و محل رشد و تربیتش سبزوار که از شهرهای اهل تشیع بوده، شیعه مذهب دانسته‌اند. به هر حال وی در هرات به شیعه بودن و در سبزوار به تسنن اشتهار داشت. کاشفی در هرات درگذشت. از آثار وی: «جواهر التفسیر لتحفة الامیر»، به نام امیر علیشیر نوایی؛ «مختصر الجواهر»، تفسیری دیگر در حدود بیست هزار سطر؛ «جامع الستین»، در تفسیر «سوره‌ی یوسف»؛ «المواهب العلیة»، معروف به «تفسیر حسینی»، به نام سلطان حسین بایقرا؛ «روضة الشهداء»، در مقاتل و ذکر مصیبت اهل‌بیت (ع) و واقعه‌ی کربلا، که چون اهل منبر از روی این کتاب می‌خواندند به روضه‌خوان مشهور شدند؛ «الاربعین»، در احادیث موعظه؛ «المرصد الاسنی»، در شرح اسماء اللّه الحسنی؛ «اخلاق محسنی»؛ «مخزن الانشاء»، در فن ترسل که برای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی، در 907 ق، تألیف نموده؛ «انوار سهیلی»، در تدابیر حکم و آداب از زبان حیوانات، بازنویسی از «کلیله و دمنه» نصراللّه منشی، که آن را برای امیر شیخ احمد سهیلی از امرای عهد سلطان حسین بایقرا نوشت؛ «اسرار قاسمی»، در سحر و طلسمات و کیمیا؛ «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، در ذکر صناعات ادبی؛ شرح «مثنوی» مولوی؛ «لب المثنوی»؛ «لب اللب مثنوی»؛ «اختیارات النجوم»، به نام «الواح القمر»؛ «السبعة الکاشفیة»، شامل هفت وسیله در علم نجوم.[1]
(بخش 1: کاشف) حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ ملقب به کمال‌الدین، دانشمند و واعظ معروف (ف. 906 یا 910 ه.ق) وی در علوم

دینی و معارف الهی و فنون غریبه و ریاضیات و نجوم دست داشت. او در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد مشغول بود و با صوتی خوش و آهنگی دلکش آیات قرآنی و احادیث نبوی را با عبارات و اشارات مناسب ایراد می‌کرد. او راست: آیینه‌ی اسکندری به فارسی (در استخراج مطلوب و حاوی 8 جدول و 20 دایره) و آن را جام جم نیز گویند، الاختیارات یا اختیارات النجوم (حاوی یک مقدمه و یک خاتمه و دو مقاله)، اخلاق محسنی (ذیل فرهنگ حاضر)، الاربعون حدیثاً در مواعظ بنام الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (این کتاب به فارسی و حاول 40 حدیث است)، اسرار قاسمی (ذیل فرهنگ حاضر)، انوار سهیلی (ذیل فرهنگ حاضر)، بدائع‌الافکار فی صناعة‌الاشعار، تحفة‌الصلوات (به پارسی)، جامع الستین (تفسیر فارسی عرفانی و ادبی و اخلاقی و تاریخی سوره‌ی یوسف)، روضة‌الشهداء (ه.م) سبعه‌ی کاشفیه (7 رساله در علم نجوم)، شرح مثنوی، جواهرالتفسیر لتحفة‌الامیر یا عروس (عروس)، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مختصر الجواهر (مختصر جواهر التفسیر یا عروس مذکور)، مخزن‌الانشاء به پارسی، المرصد الاسنی فی شرح اسماءاللّه الحسنی، مطلع‌الانوار، المواهب العلیة (مواهب العیله) (لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (644، 645، 646، 647، 681)، اعیان الشیعه (124 -121/ 6)، ایضاح المکنون (674، 416/ 2 ،76/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (526 -523/ 4)، تاریخ نظم و نثر (248 -245)، حبیب السیر (346 -345/ 4)، الذریعه (194 -193/ 20 ،291 -190/ 18 ،1252 ،899/ 9 ،58 -57/ 5 ،455/ 3 ،430/ 2 ،50/ 1)، روضات الجنات (223 -217/ 3)، ریاض العارفین (231 -230)، ریحانه (32 -29/ 5)، طرائق الحقائق (114/ 3)، کشف الظنون (1916، 1896، 1648، 1574، 1305، 398)، الکنی و الالقاب (105/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشفی)، مجالس المؤمنین (548 -547/ 1)، مجالس النفائس (93)، معجم المؤلفین (35 -34/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (816 -810/ 2).

کاشمری، حبیباللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ حبیباللَّه کاشمری از علماء و خطباء و محدثین کاشمر بوده و با نگارنده هم عنایت و محبتی داشته است وی تحصیلات خود را در کاشمر و مشهد و نجف اشرف به پایان رسانیده و بیشتر از راه منبر تبلیغ دین و ترویج احکام مبین نموده تا حدود 1370 قمری که وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشمری، واله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
واله کاشمری از فضلاء اخیار و مبلغین ابرار معاصر مشهد مقدس است.
وی در کاشمر متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و قسمتی از سطوح به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سطوح را تکمیل و پس از آن از دروس خارج آیات عظام مشهد بالاخص آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقای تهرانی و دیگران استفاده نموده آنگاه به ترویج دین و تبلیغ احکام و گفتن تفسیر قرآن و اقامه نماز جماعت در یکی از مساجد مشهد پرداخته و تا حال حاضر به انجام وظائف مذکوره اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم محرتم از دانشمندان و وعاظ با تقوای خراسان و به فضل و ورع موصوف و مورد وثوق و اعتماد مردم مشهد و بالاخص علماء و فضلاء مشهد می‌باشد که بعضی از آیات در نمازشان شرکت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشی، بهاء الدین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از شاگردان علاّمه ملاّ محمد باقر مجلسی و راوی از ایشان است. در 1137 به دست افاغنه شهید گردیده.
وی را تألیفاتی است: 1- شرح بر صحیفه کامله سجادیه 2- شرح بر نهج البلاغه؛ و غیره.
قبرش در چملان (سنبلستان) واقع بود و بعداً که آنجا را تسطیح کردند از بین رفت. نگارنده به زیارت او موفّق شده بود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل کامل، و واعظ جامع، از مشاهیر گویندگان و خطبای اصفهان بوده، در قدرت بیان کم نظیر بوده. در کاشان متولّد بوده و در اصفهان خدمت اساتید و بزرگان تحصیل نموده، و سالها مردم را به مواعظ شافیه ارشاد و هدایت می‌نموده.
در سال 1295 به دستور ظلّ السلطان حاکم جابر اصفهان کتابی در تفسیر آیه «اولی الامر» نوشته، و در آن اولی الامر را حکّام و سلاطین تفسیر نموده، و آن را به خرج ظلّ السلطان به چاپ رسانیده و منتشر ساخت.
انتشار کتاب در بین علما و مجتهدین سر و صدایی راه انداخته و موجب شد که چند نفر از مجتهدین بزرگ مانند میرزا محمّد حسن نجفی اصفهانی، و حاج سید علی اکبر فال اسیری شیرازی، و آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی حکم کفر او را صادر کردند. در نتیجه، حاج سید حسن مدّتی از اصفهان نفی بلده شده و به طهران رفت؛ سپس مجدّداً به اصفهان مراجعت نموده و در غرّه ربیع الثانی سال 1320 وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی در اطاقی مخصوص مدفون گردید.
وی علاوه بر کتاب سابق الذکر، کتابی به نام «منهج الواعظین» دارد که فرزندش مرحوم آقا اسد اللّه الواعظین به نام آن اشاره کرده است.
در شرح حال آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی می‌نویسند که در امر انشاءات و خطب و نوشتجات، مسجّع و مقفّی می‌نوشته، به حدّی که جواب استفتاء و حکم را نیز چنین می‌نوشته است.
حکم تکفیر حاج سید حسن بدین عبارت بوده است: این سیّد کاشی، مشغول به دین تراشی، یا در متن کفر است یا در حواشی.
آن مرحوم را فرزندانی فاضل و اهل علم و منبر می‌بود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاشی، عمادالدین یحیی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 745 ق)، محدث، ریاضیدان و ادیب. یکی از شاگردان محقق کرکی او را در رساله «مشایخ الشیعة» و شیخ یحیی مفتی بحرانی وی را در «تذکرة المجتهدین» ذکر کرده‌اند. او گذشته از ادبیات و حدیث در علم حساب نیز دانشمندای برجسته بود. در 745 ق در یزد می‌زیست و سرانجام در اصفهان درگذشت. شیخ آقا بزرگ تهرانی شرح حال یحیی کاشی را در ذیل علمای قرن دهم آورده است. از آثارش: شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «لباب الحساب» یا «اللباب فی علم الحساب»؛ حاشیه بر شرح رساله‌ی «آداب البحث» فاضل سمرقندی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (162/ 9)، الذریعه (82 -81/ 14 ،109/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 275/ 10)، کشف الظنون (1542 ،39)، معجم المؤلفین (184/ 13).

کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر تبریزی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1262 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش، در مکتب ملا نصیر و حاج ملا علی واعظ، فراگرفت و سپس به مدرسه‌ی کمال رفت. در آنجا دو زبان عربی و فرانسه را به خوبی آموخت و در ضمن تحصیل، مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی را نیز مطالعه می‌کرد. او مدتی به قفقاز رفت و سپس برای ادامه تحصیل راهی استانبول شد و در این شهر به آزادیخواهان ایرانی مقیم استانبول پیوست و با آنان اقدام به تأسیس انجمن برادران ایرانی نمود. ایرانشهر در زمان اقامت در استانبول به دانشکده‌ی حقوق رفت و مدتی بعد از طرف کنسول‌گری ایران در آنجا به مکه رفت. پس از بازگشت رهسپار اروپا شد و موفق به اخذ لیسانس در رشته علوم اجتماعی و سیاسی، از دانشگاه شهر لوون بلژیک گشت. پس از آن مدتی در پاریس به تحصیل پرداخت و ضمنا در مدرسه‌ی عالی اجتماعی فن روزنامه‌نگاری را فراگرفت. او توانست در این شهر سفرنامه‌ی مکه خود را بنویسد و به چاپ برساند. همچنین در پاریس به همراهی علامه محمد قزوینی و استاد پور داوود انجمنی به نام انجمن مصاحبات ادبی و علمی ایرانیان پاریس تأسیس کرد. در 1292 ش به دعوت ادوارد براون به دانشگاه کمبریج انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. کاظم‌زاده در جنگ جهانی اول بنا به دعوت سید حسن تقی زاده، برای شرکت در کمیته‌ی ملی ایران، به برلین رفت و از آنجا به ایران بازگشت و به صف آزادیخواهان پیوست. وی پس از مدتی دوباره به استانبول و از آنجا به برلین رفت و با تقی‌زاده در انتشار روزنامه «کاوه» همکاری کرد. در 1301 ش مجله‌ی «ایرانشهر» را در آن شهر تأسیس و به مدت چهار سال منتشر کرد. او همچنین در آنجا از، طرف وزارت فرهنگ، مدتی سرپرست دانشجویان ایرانی بود. کاظم‌زاده پس از نوزده سال اقامت در آلمان به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا یک مکتب عرفان باطنی تأیسی نمود که پیروان زیادی داشت. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی و عربی تسلط داشت. او همچنین اشعار زیادی نیز سروده است. وی سرانجام در سوئیس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «رهبرنژاد نو» یا «در جستجوی خوشبختی»؛ «راه نو»، در تعلیم و تربیت؛ «تداوی روحی برای افراد و جامعه»؛ «معارف در

عثمانی»؛ «تجلیات روح ایرانی»، در ادوار تاریخی؛ «آثار عتیقه‌ی ایران باستان»؛ «تفسیر معنوی بر دیباچه‌ی مثنوی»؛ «اصول اساسی روان‌شناسی انسان و ماهیت تکامل او»؛ «راز و نیاز»؛ «رستم و سهراب»؛ «محمد (ص) و تعلیمات عالیه‌ی اسلامی»؛ «راه راست برای صلح بین ملتها»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی مکه»، به فرانسه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار و احوال کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر، ادبیات نوین (53)، از صبا تا نیما (234 -233/ 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (322)، تاریخ جراید (341 -337/ 1)، الذریعه (192/ 21، 311، 231/ 11، 65/ 10، 359/ 3)، زدگینامه‌ی رجال و مشاهیر (248 -236/ 5)، شخصیت‌های نامی (85 -84)، شرح حال رجال (80/ 5)، فرهنگ سخنوران (111)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3099، 3042، 2948، 2571، 2114، 2016، 1804، 1730- 1729، 1662، 1628- 1627/ 2، 1379، 1309، 934، 821، 787، 702، 455، 428، 266، 249، 247/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (287)، مؤلفین کتب چاپی (845 -842/ 2).

کاظمی خلخالی، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1299.
درگذشت: 1365.
از آثار اوست: الحیاة النبیین و المعروفین و حیاة المعصومین (زندگینامه پیامبران معروف و زندگینامه معصومین؛ مؤلف و مترجم؛ تهران، 1363)؛ ترجمه انسان روح است نه جسد (تألیف رئوف عبید؛ تهران، به صورت دو جلدی و تک جلدی و در سالهای متعدد به چاپ رسیده است)؛ ترجمه تا کرانه‌های عالم اثیری عالی حافه العالم الاثیری (جمیز آرتور فیندلی؛ تهران، 1372 1370)؛ حدیث اهلیجه (از امام جعفر صادق؛ تهران، 1362)؛ دو هزار حدیث- برگزیده فارسی- عربی غررالحکم و دررالکلم (تهران، 1370)؛ زناشویی راز خوشبختی (تهران، 1366)؛ سفر به کره‌ی مریخ (تهران، 1370)؛ صحیفه‌ی سجادیه (با مقدمه محمدباقر صدر، تهران، 1362)؛ ترجمه طب الرضا (ع)؛ طب و درمان در اسلام (تحقیق از مرتضی عسگری، قم، چاپهای متعدد)؛ کلیات حدیث قدسی (ترجمه کتاب جواهر السنیه تألیف محمدحسین حرعاملی، تهران، 1366)؛ گفتگو با مردگان: حقیقت و شناخت روح اسرار جهان هستی (تألیف شودزموند؛ تهران، 1373 ،1372)؛ گنجینه‌های دانش (تهران، 1364؛ چاپهای دیگری از این کتاب با همکاری به صورت دو جلدی منتشر شده است)؛ مدرسه اسلامی (نوشته محمدباقر صدر، تهران، 1362)، هزار حدیث (از حضرت علی (ع)، تهران، 1362 و چاپهای دیگر در سالهای بعد).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاظمی موموندی هرسینی، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم دینی. مقدمات را در نجف اشرف فراگرفت. چند سالی هم در حوزه‌ی علمیه‌ی قم در محضر اساتید سطح، به خواندن سطح فقه و اصول پرداخت. وی سپس بر اساس احساس وظیفه به تدریس در فرهنگ و آموزش عالی مشغول شد. او از خطبا و مبلغین اسلامی در محیط دانشگاه بود. از آثارش: «نقش اسلام در تمدن بشریت»؛ «مشاعره مذهبی».[1]
محمدکاظم کاظمی موموندی که سالهای اول تحصیل در نجف اشرف بوده و مقدمات را خوانده و چند سالی هم در حوزه علمیه قم در محضر اساتید سطح اشتغال به خواندن سطح و علوم عربیت و فقه و اصول داشته تا در این اواخر به عنوان احساس وظیفه و خدمت به جوانان در فرهنگ مشغول به تدریس گردیدند. نامبرده دارای روحی بلند و زبانی گویا و در محیط دانشگاه و فرهنگ از مبلغین اسلامی بشمار می‌روند و با ایراد سخنرانیهای مذهبی و تشکیل جلسات برای جوانان به خدمات مذهبی خود ادامه می‌دهند.
آثار قلمی ایشان که هنوز چاپ نشده عبارت از 1- مشاعره مذهبی و 2- نقش اسلام در تمدن بشریت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (373 -372/ 6).

کاظمی، اقدس

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
اقدس کاظمی در پاییز سال 1318 در روستا ی وشنوه قم متولد شد. وی پس از گذراندن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. بعد از ازدواج ، به تشویق همسر با رتبه ی شاگرد اول در سال 1341 دیپلم خود را دریافت کرد. یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه تهران شرکت کرد. ولی پس از کشته شدن همسرش با دوفرزند کوچک ، ادامه زندگی بر او تنگ گردید و به آموزگاری ادامه داد و سر انجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم ، لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد. پس از آن کاظمی در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کننده نیز انجام وظیفه کرد. از خدمات مهم اقدس کاظمی تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت « بنت الهدی صدر » در قم گردید . سپس از قم به شمیران انتقال یافت و ریاست مدرسه ایران و آلمان را به عهده گرفت و تا سال 1356 به کار تدریس ادامه داد . وی پس از بازنشستگی کوشید کوشید در کانون وکلا بهکار بپردازد ، اما به سبب تعطیل شدن کانون و مشکلات دیگر این میسر نگردید .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : والدین اقدس کاظمی او را در پنج سالگی به مکتب خانه فرستادند و چون به دانش اندوزی علاقه ی زیادی نشان می دادسرانجام از وشنوه به قم آورده شد و پس از موفقیت در امتحانات لازمه درکلاس سوم دبستان پذیرفته شد و پس از اتمام کردن سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد ، یک سال بعد ازدواج کرد و به تشویق همسر با رتبه ی شاگرد اول در 1341 دیپلم را دریافت کرد .یک سال بعد در رشته فیزیک دانشگاه ،تهران شرکت کرد.و سرانجام از مدرسه عالی امور اداری و قضایی قم لیسانس حقوق قضایی خود را دریافت کرد .
وقایع میانسالی : از اتفاقات مهم دوران زندگی اقدس کاظمی کشته شدن همسرش می باشد . پس از آن با داشتن دو فرزند کوچک ،ادامه ی زندگی بر او تنگ گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقدس کاظمی پس از آنکه لیانس حقوق قضایی را اخذ نمود ، در پست بازرسی انجمن حمایت زندانیان و ریاست بازرسی کمیته حمایت از مصرف کننده انجام وظیفه کرد. پس از انتقال از

قم به شمیران نیزمدتی در پست ریاست مدرسه ایران و آلمان قرار گرفت.
فعالیتهای آموزشی : اقدس کاظمی پس از اتمام سیکل اول متوسطه به آموزگاری سرگرم شد. کاظمی پس از مرگ همسرمجددا به شغل آموزگاری روی آورد ،و تا سال 1356 به کار تدریس ادامه داد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدمات اقدس کاظمی پس از فارغ التحصیل شدن و قرار گرفتن در مسیر مسولیت پذیری جامعه تاسیس دبیرستان دخترانه آزرمی دخت (بمت الهدی صدر)در قم بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اقدس کاظمی فعالیتهای اجتماعی را پس از اخذ مدرک لیسانس آغاز کرد و نه تنها مسئولیت امور زنان قم را پذیرفت که رسیدگی به خانواده های بی سرپرست نیز در شمار وظایفش قرار داشت .او همچنین پس از مرگ همسرش به شعر روی آورد. ---------
---
آثار :
1 آذرین مهر
ویژگی اثر : مجموعه شعری است که از سوی انتشارات (ما)در بهار 1374 به بازار کتاب آمده است .[گلزار مشاهیر،زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران 1358-1376 ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی]
منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج 2 ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول 1378 ، ص 1363

کاظمی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شناسنامه
نام کامل : حسین کاظمی - متولد : ۱۱ مهر ۱۳۵۸ - سن : ۲۹ سال - زادگاه : تهران ، ایران - قد : ۱٫۸۰ متر اطلاعات باشگاهی :
باشگاه کنونی : استقلال تهران - شماره پیراهن : 4 - پُست : هافبک دفاعی
باشگاه های حرفه ای :
1379 - 1386 ساپپا
1383 - 1386 استقلال تهران
1386 - 1387 سپاهان
1387 تا کنون استقلال تهران تیم ملی :
1384 تا کنون بزرگسالان 8 بازی ملی حسین کاظمی بازیکن فوتبال ایرانی است. او در پست هافبک دفاعی بازی می‌کند. او بعد از ۴ فصل بازی در ساپپا در سال ۸۲ همراه با مهدی امیرآبادی از ساپپا به استقلال آمد. او ۳ فصل در باشگاه استقلال بازی کرد و بعد به باشگاه سپاهان اصفهان منتقل شد و دوباره بعد از دو فصل بازی در سپاهان به استقلال تهران بازگشت.همچنین ایشان در تیم ملی ۸ بازی انجام داد
شرکت در تبلیغات تجاری
کاظمی در یک تبلیغ تجاری نیز شرکت کرده است. از تصویر او برای نقش بر روی بیلبوردهای تبلیغاتی مبلمان چوب شمال استفاده شده بود.
افتخارات :
قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۵-۸۴ به همراه تیم استقلال تهران
قهرمانی در لیگ برتر فوتبال ایران ۸۸-۸۷ به همراه تیم استقلال تهران

کاظمی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی کاظمی موموندی که در سال 1323 شمسی در شهرستان هرسین متولد شده و پس از تحصیل در مکتب و خواندن چند کلاس در مدارس اسلامی کرمانشاه و قم و گذرانیدن دوره ادبیات و مقدمات در کرمانشاه زیر نظر مرحوم والدشان مدت یکسال در حوزه خرم‌آباد تحصیل نموده و در سال 1381 قمری به قم مهاجرت و در مدرسه فیضیه سکونت و به ادامه تحصیل پرداخته و بعد از طی دوره سطح اکنون نزدیک هفت سالست که در درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی شرکت و ضمناً از فرصت ایام تعطیل تابستانی و غیره استفاده نموده و به تألیف و ترجمه بعضی از کتب دینی اشتغال و از این راه خدمات شایانی انجام داده‌اند که ذیلا قسمتی از آثار قلمی ایشان را اشاره می‌نمایم و آن مطبوع و مخطوط می‌باشد.
اما آثار خطوط: 1- عون‌الادیب فی شرح مغنی اللبیب 2- شرح فارسی بر معالم 3- شرحی بر کبری در منطق 4- شرح بر عوامل ملامحسن 5- حقایق و اباطیل 6- اخلاق اسلامی برای همه 7- ترجمه الدرة الباهرة مرحوم شهید 8- رساله طهارت اهل الکتاب 9- رساله ملاک الانفعال فی عدم الانفعال ماءالقلیل.
اما آثار چاپ شده از جزوات و کتابها و رساله‌های کوچک از این قرار است.
1- آنچه هر مسلمان باید بداند 2- یکتا خدای جهان‌آفرین 3- مناظره مسلمان و داروین 4- گسترش اسلام در جهان 5- نبوت و عقل 6- در پرتو اسلام 7- ارکان اسلام 8- مفاسد شراب 9- فلسفه نماز 10- آداب و دستور نماز 11- داستانهای قرآن در 11 جزء 12- راهی به سوی بانک اسلامی 13- نظری به چهره‌ی اگزیستانسیالیسم 14- نقش مدیریت در پیشرفت ملتها 15- چرا و چگونه مسلمان شدند 16- عقاید اسلامی برای همه 17- ترجمه بلاغةالحسین (ع) 18- کربلائی که من دیدم 19- راه سوم در موضوع قیام مقدس حسین بن علی علیهماالسلام 20- اسلام در عصر قضا 21- ترجمه زیارت عاشوراء 22- چهل حدیث.
مضافاً بر آثار مذکوره. ایشان با همکاری جمعی اقدام به تأسیس کتابخانه سیار و نشر یک سلسله جزوه‌های مجانی نموده برای نشر معارف اسلامی در بین جوانان و تاکنون بیش از شش هزار جلد کتاب و بیست هزار جزوه به طور رایگان در اختیار محصلین شهرستانها گذارده‌اند.

از والده محترمه ایشان که زنی پاکدامن و متقی است نقل شده که در ایام شیرخوارگی ایشان هرگز بدون طهارت و بدون وضو پستان در دهانش نگذارده و از این رو امید موفقیت بیشتری به آینده ایشان دارد.
پدر همسر ایشان جناب حجةالاسلام آقای حاج میرزا محمدباقر حکمت‌نیا که از افاضل دانشمندان با معنویت است می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، فرج‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرج‌اللّه کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده‌اند آن مرحوم در سال 1304 ق در نورآباد لرستان به دنیا آمده و تا پانزده سالگی در آن سامان به سر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج‌السعادة) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده و بخصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران و ناراحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله و مدت سه سال با آنها مبارزه و در تحمیلات و فشارهای آنها آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی صبر نموده تا سال 1322 از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان‌زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذه مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی رضوان‌اللّه‌علیه درآمده و از محضرش استفاده نموده تا موقع جنگ بین‌المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال 1338 ق به نجف اشرف عزیمت و از اساتید و مدرسین آن زمان چون مرحوم آشیخ احمد کاشف‌الغطاء و مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده نموده تا سال 1351 ق که به ایران مراجعت و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده‌ای طلبه تربیت و اعزام نموده و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضاله علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره‌ها نموده و حدود صد هزار نفر را ارشاد و از ضلالت نجات تا سال 1371 ق که برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بنابر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخته تا سال 1382 قمری که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند مذکور و نه فرزند اناث می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاظمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاظمی
محل تولد : کرکوک
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیة التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال 1991م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.
در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال 1972 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.
در سال 1378 بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال 1381 این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی 1/19 گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال 1983 به عنوان کتاب چاپ کرده است.
در سال 1384 بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر

واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاظمی، محمدایوب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدایوب کاظمی
محل تولد : بیرجند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب تا دوم دبیرستان در بیرجند، درس خواندم و دو کلاس آخر دبیرستان را در تهران، همزمان با سال چهارم به عنوان «مربی تربیتی» در منطقه 15 تهران مشغول شدم. در سال 62 که دیپلم گرفتم؛ در دانشگاه قبول شدم اما حوزه را برای ادامه درس انتخاب کردم و همزمان با حوزه در امور تربیتی هم فعالیت می کردم و تا سال 1373 این دو فعالیت، همزمان ادامه داشت و در این سال در رشته تخصصی «تبلیغ» در حوزه قم مشغول شدم. همزمان با تحصیل در رشته مذکور، در پژوهشکده باقرالعلوم به نوشتن مشغول شدم و حاصلش 3 کتاب بود که دوتای آن چاپ شده است.
تحقیقات زیادی در حدود 15 جلد کتاب جمع آوری کردم که در فرصت مناسب به چاپ برسانم. از سال دوم دبیرستان، شعر می گویم و تاکنون بیش از ده هزار بیت شعر گفته ام و نیز از سال سوم راهنمایی خاطرات روزانه ام را می نویسم. بعد از اتمام دروس تخصصی در دانشگاههای آزاد و دولتی تدریس می کنم و بهترین کارم در زمان فعلی، تحقیق و کار بر روی طرح «اصلاح نظام آموزشی حوزه» است که با گرفتن نظرات بزرگان حوزه، تصمیم در این طرح را به سر منزل مقصود و به نتایج قابل قبولی برسانم. تصمیم دارم تحقیقات و مطالعاتی با کمک نرم افزارهای موجود و کتابهای مرجع درباره بسیاری از موضوعات انجام داده و به جامعه ارائه نمایم.

کاظمیان، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد کاظمیان متولد ۲ شهریور ۱۳۶۱ در کاشان، مهاجم ایرانی فوتبال است که برای باشگاه عجمان در لیگ امارات وبرای تیم ملی ایران بازی می کند.او فوتبال حرفه ای خود را با تیم جوانان سایپا شروع کرد و توانست به تیم بزرگسالان این تیم راه یابد .در آنجا او تعدادی از شاهکارهای خود را به نمایش گذاشت و مربی وقت میراسلاو بلازویچ او را برای تیم ملی فوتبال ایران انتخاب کرد. سپس او در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به الاهلی امارات پیوست اما او بعد از چند ماه به ایران بازگشت و برای سایپا و بعد از آن سه فصل برای باشگاه پرسپولیس بازی کرد. بعد ازجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان او قراردادی قرضی با باشگاه اماراتی الشباب و بعد از یک سال به طور اختیاری قراردادی دائمی را امضا کرد.سپس او یک فصل کامل با باشگاه الشباب تا پایان لیگ در فصل ۲۰۰۷ -۲۰۰۸ قرارداد بست.او در اولین بازی خو در برابر تیم ملی فوتبال چین در دی ماه سال ۱۳۸۰ برای تیم بزرگسالان ایران درخشید و همچنین جواد کاظمیان در ترکیب اصلی تیم ملی فوتبال جوانان ایران در جام جهانی جوانان ۲۰۰۱ در آرژانتین حضور داشت .گل او در مقابل تیم ملی فوتبال ژاپن در رقابت های بازی های آسیایی ۲۰۰۲ در بوسان کره جنوبی به عنوان برترین گل شناخته شد.و او مدال طلای مسابقات به همراه تیم زیر بیست سه سال را به دست آورد.جواد به همراه تیم ملی فوتبال ایران برای شرکت در جام جهانی ۲۰۰۶ به آلمان سفر کردولی شانسی برای بازی بدست نیاورد . او در سال ۲۰۰۷ میلادی دوباره به تیم ملی فوتبال ایران پیوست و توانست در مقابل تیم ملی فوتبال ازبکستان در جام ملت های آسیا ۲۰۰۷ گل به ثمر برساند.او همچنین برای رقابت های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ انتخاب شد ولی نتواست به فهرست ۱۱ نفره تیم راه پیدا کند. گل های بین المللی جواد بعد از به ثمر رساندن گل برای باشگاهش در بعضی مواقع لباس ورزشی خود را بالا برده وتصویری که بر روی زیر پیراهنی خود چاپ شده است را نمایش می دهداین تصویر برادرش ا ست که در سال ۱۳۸۳ او را از دست داده است.کاظمیان می گوید هرگز نخواهد توانست خاطره مرگ او را از ذهنش دور کند.

کاظمینی بروجردی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدعلی بن السید الجلیل و العالم النبیل آقای حاج سید طاهر کاظمینی بروجردی از علماء ابرار معاصر تهرانست.
وی تولدش در بروجرد واقع شده و در سن هیجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد و به تحصیلات علوم دینی پرداخته و پس از چهار سال به نجف مهاجرت و در مدرسه بادکوبه‌ای‌ها مشغول بتحصیل شده و لکن بواسطه عدم سازگاری هوای نجف با مزاج ایشان مبتلا بکسالت شدید گردیده و با این که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی عنایت مخصوص بایشان داشتند و در معالجات ایشان کوتاهی ننمودند نتوانستند در آنجا توقف و ادامه بتحصیل دهند پس بامر زعیم عالیقدر اسلام آیت‌اللّه اصفهانی بهمراهی حجة‌الاسلام حاج شیخ صادق ایروانی مراجعت به ایران و بروجرد نموده و با کوشش‌ها و دعاهای والد ماجدش پس از چند ماهی بهبودی یافته از بروجرد حرکت به قم نموده و حدود چهارده سال در قم اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم استفاده و در سال 1375 ق به تهران مهاجرت و در خیابان خراسان بمرحوم حجة‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر برهان وارد و در اثر تشریک مساعی آن مرحوم به اقامه جماعت در آن خیابان اشتغال و در مسجد بعد از نمازها بگفتن تفسیر و مسائل احکام و معارف اسلام ترویج دین و تنویر افکار نموده و بعد از چند سال بنابر دعوت بانی مسجد فروتن (مسجد نور) و عده‌ای از محترمین آن حدود بامامت مسجد مزبور منصوب و تا اکنون در آن مسجد که از مسجدهای زیبا و پر جمعیت شرق تهرانست بوظائف دینی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای کاظمینی که با حقیر عقد اخوت و برادری دارند دانشمندی است متین و بزرگوار و دارای مناعت طبع و سلامت نفس و خدمتگزار بخصوص در تعظیم شعائر دینی (ایحاء اعیاد مذهبی و موالید حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیار ساعی و جدی و همواره به ترویجات قولی و فعلی اشتغال دارد و تاکنون کتب آموزنده‌ای تألیف و منتشر نموده‌اند که ذیلا می‌نگارم:
1- نهایه المقام لابناء الامام بطبع رسیده در سال 1381 ق.
2- جلد دوم نهایه الکلام فی حق رسول الاسلام در سال 1382 ق بطبع

رسیده.
3- در سال 1384 ق جلد سوم (اسلام از نظر دیگران).
4- جلد چهارم (منتخب اللئالی در سئوال و جواب و داستانهای اسلامی بطبع رسیده.
5- جلد پنجم بنام (گنجینه معارف) در سال 1388 منتشر کرده‌اند.
6- جلد ششم بنام (منشورات) بطبع رسیده در سال 1390 ق.
7- جلد هفتم بنام جواهر الولایه در امام شناسی در سال 1392 منتشر کرده‌اند.
8- جلد هشتم منشورات مقدس نور راجع بشیعه شناسی در نظر فریقین ادام اللّه برکاته و توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کاظمینی بروجردی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1339 ق)، عالم دینی و فقیه. در بروجرد به دنیا آمد. در هجده سالگی به مدرسه علمی بروجرد وارد شد و به تحصیلات علوم دینی پرداخت. پس از چهار سال به نجف مهاجرت کرد و در مدرسه‌ی بادکوبه‌ای‌ها مشغول به تحصیل شد. ولی به علت کسالت، با اینکه آیت‌اللّه اصفهانی به امر درمان ایشان توجهی خاص داشت، به موطن خود بازگشت. آن‌گاه به قم رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید و از محضر آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری و آیت‌اللّه شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در 1375 ق به تهران آمد و در مسجدی در خیابان خراسان به انجام وظایف مذهبی و گفتن تفسیر و احکام و معارف اسلام و ترویج دین پرداخت. از آثارش «نهایة المقام لابناء الامام»؛ «نهایة الکلام فی حق رسول الاسلام»؛ «اسلام از نظر دیگران»؛ «منتخب اللآلی»، در سؤال و جواب و داستانهای اسلامی؛ «گنجینه‌ی معارف»؛ «منشورات»؛ «جواهر الولایة»، در امام شناسی؛ «منشورات مقدس نور»، راجع به شیعه‌شناسی در نظر فریقین.[1]
سید حبیب‌الله برهانی بن حاج سید کریم رستمکلائی تاجر معروف مازندران از علماء معاصر شمال بودند. وی مقدمات تحصیلی خود را در حوزه‌های مازندران تکمیل و مدتی در جوار حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام اشتغال داشتند و در عصر مرحوم آیه‌الله حایری بقم آمده و از محضر آن بزرگوار استفاده نموده آنگاه بنجف اشرف مهاجرت و از محضر علمین آیتین آیه‌الله نائینی و آیه‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده کرده و سپس بوطن مراجعت و بانجام وظائف دینی و روحی از جماعت و تبلیغ دین و احکام پرداخته و در امور سیاسی اشتهار پیدا نموده که در تمام مازندران معروف بود. در سال 1376 ق از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل بمشهد مقدس و در یکی از حجرات غربی باغ رضوان مدفون گردیده است.
مرحوم برهانی دارای صفات حمیده و برجسته از قبیل مهمان نوازی و مساعدت بمستمندان و بیچارگان بوده و در سخاوت در حدود خود بسیار کم نظیر بوده است.
فرزندان بسیاری از خود گذارد که بعضی در سلک روحانیت میباشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (531 -530/ 4).

کاغدی اصفهانی، ابوالفضائل عبدالرحیم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(501- 594 ق)، محدث، قاضی و خطیب. از ابوعلی حداد و محمد بن عبدالواحد دقاق و اسماعیل اخشید و فاطمه جوزدانیه حدیث شنید. یوسف بن خلیل از وی حدیث روایت کرد و احمد بن سلامة از وی اجازه حدیث داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعلام بوفیات الاعلام (400/ 2)، سیر النبلاء (246/ 21)، شذرات الذهب (317/ 4)، العبر (109/ 3).

کافی خراسانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ثقه‌الاسلام والمبلغین و عماد المله و الدین آقای حاج شیخ احمد فرید العالم الجلیل و العابد النبیل حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ احمد کافی یزدی از وعاظ و گویندگان نامی و خطباء سامی معاصر تهرانیست که شهرت و آوازه‌اش از تهران به اکثر شهرستانها رسیده و مورد توجه غالب مردم ایران گردیده است.
تولدش در مشهد مقدس در سال 1350 قمری واقع شده و در حجر تربیت خاندان تقوا و فضیلت نشو و نما یافته و مقدمات و ادبیات را خوانده و از همان اوان شوق و علاقه شدید به منبر و تبلیغ دین داشته زیرا به خاطر دارم در سال 1364 قمری که در مشهد مشرف بودم و روزهای جمعه در منزل جد ماجدش منبر می‌رفتم و ایشان هم آنجا بودند توجه مخصوصی به فراگرفتن مطالب و قضایا داشت. شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت رضا علیه‌السلام برای صدها نفر مردم زائر و غیره دعاء کمیل می‌خواند در حالیکه از عمرش بیش از 15 سال نگذشته بود شور و انقلاب عجیبی در مردم ایجاد می‌کرد در سال 1366 قمری برای تکمیل مبانی علمی در معیت مرحوم جدش آیت‌الله کافی مهاجرت به نجف اشرف نموده و چند شبی را در منزل شهر ری حقیر توقف آنگاه به عراق عزیمت کرده و چند سالی در کنار مشهد امیرالمومنین علی علیه‌السلام به تحصیل پرداخته و از درس و بحث و محضر آیات نجف چون آیت‌الله مدنی و آیت‌الله خوئی و دیگران استفاده نموده و برای تبلیغ مسافرتها به شرق و غرب و شمال و جنوب کشور کرده و در همه‌جا مورد استقبال و توجه مخصوصی مردم قرار گرفته تا بالاخره تهران را که عاصمه تشیع و از هر جهت محل فعالیت است اختیار و رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی و روحی و انجام وظائف مذهبی پرداخته است.
مولف گوید حاج آقای کافی واعظی دین و خطیبی غیور و در امور دینی متعصب و بسیار مبارز و مجاهد در مقابل انحرافات و منکرات و در جلوگیری از تبلیغات مسموم بیگانگان و وهابی‌های وطنی چون دکتر شریعتی‌ها و برقعی‌ها و... مجامله و مسامحه نکرده و از میدان آمدن و مبارزه کردن با آنان هراس و تقیه را رواندارد. بسیار موفق و موید و تاکنون هجده سفر به حج مشرف شده و در مدینه طیبه منبرهای مهمی رفته و از حریم ولایت آل محمد علیهم‌السلام و بالاخص حضرت علی

علیه‌السلام در مقابل اهل سنت و وهابی‌ها دفاع نموده است. آثار و باقیات الصالحاتی در بسیاری از اماکن و بلاد گذارده است که از آنهاست پایگاه شیعیان منتظر به نام مهدیه.

مهدیه تهران

این موسسه در اول خیابان ولی عصر تهران از طرف میدان راه‌آهن واقع است مساحتش از هزار متر متجاوز و مجمع هزارها نفر از مردم متدین و منتظرین حضرت مهدی عجل‌الله فرجه الشریف در شبها و صبحهای جمعه که برای دعاء کمیل شب و دعاء ندبه صبح می‌آیند می‌باشند و از جهت کم و کیف اولین مجلس دینی ایرانست و در این مجلس از تمام طبقات روحانی و بازاری و لشکری و کشوری و محصل و آموزگار و دبیر و غیره شرکت نموده و رغما لانف منکرین دعاء ندبه این دعاء را جناب حاجی آقای کافی واعظ با لحنی مهیج و آتشین خوانده و صدای ناله و فریاد (یابن الحسین) حاضرین به اوج آسمان می‌رسد و مردم غالبا توجه مخصوصی به این سنگر دارند و در این محفل هزارها نفر به حوائج خود از شفاء بیماران و رفع پریشانها و گرفتاریها و اداء دیون خود رسیده‌اند.

این موسسه که میلیونها تومان خرج زمین و بناء آن شده تمام مردم متدین تهران داده‌اند.

مهدیه مرکز تعلیم و تعلم قرآن و عقاید و اخلاقیات و اخبار و احکام اسلامیست بسیاری از کارهای خیر و امور اجتماعی و دینی از قبیل تعمیر مساجد و عیادت بیماران سرطانی و مجذومین و مسلولین و مصروعین و بیماران بیمارستانها و رسیدگی به ایتام از همین محل انجام می‌گیرد.

در اغلب اوقات برنامه آن اجراء و بالاخص در ماه رمضان و شبهای قدر و در نیمه ماه شعبان که جشن باشکوه و کم‌نظیری در آن گرفته می‌شود.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کافی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام ومبلغ الاحکام آقای حاج شیخ حسن کافی از وعاظ و گویندگان معروف تهران و خراسانست. تولدش در مشهد واقع و پس از خواندن مقدمات و ادبیات به تحصیل متون فقه و اصول پرداخته و در رشته منبر مطالعات فراوان نموده تا در این فن تخصصی تحصیل کرده و در ردیف گویندگان نامی درآمده است.
وی در بسیاری از نقاط و شهرستانهای ایران برای امر ارشاد و تبلیغ مسافرت نموده و خدماتی انجام داده آنگاه تهران را که پایتخت کشور است مرکز و محل اقامت خویش ساخته و در دو ماه محرم و صفر و ماه رمضان و اغلب اوقات دیگر سال در مجالس بزرگ و حساسی داد سخن داده و تنویر افکار و نشر آثار و معارف دینی نموده و می‌نمایند.
جناب تاج واعظ لنگرودی نمونه‌ای از منبر و سخنرانی ایشان را در کتاب گفتار وعاظ خود نقل نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

کامشاد، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن کامشاد مترجم و پژوهشگر ادبیات فارسی است. حسن کامشاد لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران دارد و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه کیمبریج گرفت. زندگی:
حسن کامشاد متولد اصفهان است، او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان و دبیرستان ادب طی کرد پس از دبیرستان با دیپلم ادبی برای ادامه تحصیل به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت. پس از فارغ التحصیلی به جنوب رفت و مشغول کار در شرکت نفت شد. او در این دوران به فعالیت‌های دست چپی پرداخت و در پی وقایع ۲۸ مرداد مجبور شد به تهران بیاید. او بعدها به دعوت دانشگاه کیمبریج برای تدریس زبان فارسی به انگلستان رفته و در کنار تدریس به تحصیل زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه پرداخت. رساله دکترای او درباره نثر معاصر فارسی بود که بعدها در انگلستان به عنوان Modern persian prose literature به چاپ رسید[۱]. این کتاب سالها بعد توسط او به عنوان پایه‌گذاران نثر جدید فارسی توسط نشر نی منتشر شد. او پس از تحصیل به عنوان استاد زبان فارسی دانشگاه کیمبریج به تدریس پرداخت و همچنین استاد دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه تهران هم بوده است. وی پس از پنج سال تحصیل به ایران بازگشت و سالها در ایران بود تا اینکه از طرف شرکت نفت به لندن رفته و پس از بازنشستگی به تالیف و ترجمه مشغول شد.
کتاب‌های حسن کامشاد : ترجمه
درخدمت تخت طاووس
خاورمیانه
استالین مخوف، خنده و بیست میلیون
عیسی
دنیای فرضی
قبله عالم
سرگذشت فلسفه
دنیای سوفی
تاریخ چیست
ویتگنشتاین - پوپر و ماجرای سیخ بخاری: ده دقیقه جدل میان دو فیلسوف

بزرگ
سوگ مادر
دریای ایمان
ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها
سیر نابخردی، از ترویا تا ویتنام
شبح خانم ویل
امپراتور
آخرین امپراتور
روح داروثی دینگلی
الوهیت و هایدگر
تاماس پین
حدیث نفس(زندگینامه) : تالیف
پایه گذاران نثر جدید فارسی (تألیف به دو زبان فارسی

کامکار پارسی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب.
تولد: 1274، فسا.
درگذشت: 2 شهریور 1362، تهران.
محمد کامکار پارسی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس فسا و شیراز وارد دانشسرای عالی شد و به اخذ درجه‌ی لیسانس نایل آمد. سپس از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی گردید. دکتر کامکار سال‌ها با عنوان دبیری و ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهرستان‌های مختلف، ریاست خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو و بمبئی و استاد ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور مشغول به فعالیت بود. از وی اشعار و مقاله‌هایی در روزنامه‌ها و مجلات ادبی به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کاوه

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دیگر از خاندان‌های معروف پهلوانی ایران، خاندان کاوه است که افراد آن در شاهنامه، عبارت است از: کاوه و پسرش قارن و قباد است. داستان کاوه‌ی آهنگر و علم او را در قصه‌ی فریدون دیدیم. وی چون از ستم ضحاک به ستوه آمد، چرمی را که بر شیوه‌ی آهنگران هنگام کاربر پیش می‌بست بر سر نیزه کرد و مردم را به یاری خویش خواند و فریدون را به شاهی نشانید، و بیداد ضحاک را پایان بخشید.
کاوه یکی از پهلوانان داستانی است که داستان او ظاهرا در دوره‌ی اشکانی یا ساسانی ابداع شده است. و علت این ابداع وجود درفش معروف کاویانی بوده است. از داستان کاوه در اوستا اثری نیست؛ و در اوستا از درفشی بنام گائوش درفشه Drafsha Gaush ذکر شده، که می‌توان آن را درفش گاو یا گاو درفش معنا کرد. در میان آسوریها بیرقی با صورت گاو وجود داشت و ظاهراً سپاه ایران در روزگار هخامنشی نیز درفشی به همین شکل داشته است، و ممکن است، ذکر این اصطلاح در اوستا موجب پدید آمدن داستان کاوه شده باشد.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

کاوه، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1273 ش)، خطاط و ادیب. در شیراز به دنیا آمد. از کودکی به مشق خط پرداخت و از قطعات و آثار استادان پیشین، چون میرعماد، درویش عبدالمجید، کلهر و میر سید حسین خوشنویس باشی تمرین می‌کرد سپس نزد استاد عماد الکتاب رفت و از او بهره‌مند شد و سرآمد شاگردان گردید. وی در 1298 ش وارد وزارت مالیه (دارایی) شد و در سمت منشی مخصوص وزیر، مشغول خدمت گردید. در 1310 ش به وزارت فرهنگ منتقل شد و سالهای متمادی در دبیرستان‌های مختلف تهران به تعلیم شاگردان پرداخت. کاوه در نوشتن خط نستعلیق از خفی و جلی استادی تمام عیار بود و در سیاه مشق و شکسته نستعلیق مهارت داشت. ملک‌الشعرای بهار او را میرعماد عصر می‌دانست. از شاگردان معروف او علی منظوری، عبداللّه فرادی، جهانگیر نظام العلماء و محمد سلحشور در خور ذکرند. از آثار وی کتابت: «گلچین اشعار صائب»؛ «آیات منتخبه‌ی قرآن»؛ «تعلیمات دینی»؛ «صرف و نحو»؛ «تاریخ ششم دبستانها و دبیرستانها».[1]
خوشنویس.
تولد: 1312 ق.، شیراز.
درگذشت: 6 شهریور 1369، تهران.
علی‌اکبر کاوه، فرزند علی‌محمدخان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیقی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به ویژه خط نستعلیق پرداخت.
استاد از سال 1298 به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی قزاگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سالهای متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج، شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجددا بنابر تقاضای اداره‌ی کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و

تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز به انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.
از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اطلس خط (597 -596)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (234 -230)، تاریخ برگزیدگان (476 -475)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (130 -126)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 1، ص 5 -1).

کاویانپور، طلعت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
طلعت کاویان پور در سال 1323 به دنیا آمد. وی دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد. با تدریس در دبیرستان خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد ،و پس از سالها در حالی که تدریس در دانشگاه را در پیش گرفته بود در هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران پذیرفته شد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت و اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است . او همچنین ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد.
طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی -هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تا کنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : طلعت کاویان پور دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : طلعت کاویان پور ریاست انجمن حمایت از عقب ماندگان ذهنی و بدنی را به عهده دارد.
فعالیتهای آموزشی : طلعت کاویان پور با تدریس در دبیرستان، را آغاز کرد، وی ضمن تدریس در دانشگاه،به عضویت هیئت علمی - پژوهشی فرهنگستان زبان ایران درآمد و به همکاری با فرهنگستان پرداخت. او اینک در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس ادبیات فارسی سرگرم است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : طلعت کاویان پور ،افزون بر فعالیتهای دانشگاهی ، در سمینارهای ادبی -هنری متعددی شرکت داشته است. از وی تاکنون چندین مقاله ادبی ـ اجتماعی در نشریات معتبر ایران به چاپ رسیده است . ----------
---
آثار :
1 ستم نامه ی شاهان و درددل بی گناهان
ویژگی اثر : مقاله- ادبستان -1371
2 شاه نامه فردوسی
ویژگی اثر : مقاله

3 فردوسی شاعر همه قرنها
ویژگی اثر : مقاله -دانش و فن ،1371
4 نمونه هایی از نظم و نثر در ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن سیزدهم هجری
ویژگی اثر : مقاله -1375-76
5 واژه های بسامدی و کاربرد آنها در زبان فارسی
ویژگی اثر : مقاله-ادبستان -1372
منابع زندگینامه :
دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، تالیف : پوران فرخزاد ، ج 2 ، تهران : زریاب ، ص 1381

کاویانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1347 ش)، نویسنده و مترجم. وی رسالات و مقالات زیادی در زمینه اجتماعی نوشت. او از کسانی است که آثار فلاسفه و متفکران یونانی به ویژه افلاطون را ترجمه کرده که در ترجمه‌ی تعدادی از آنها دکتر محمد حسن لطفی نیز مشارکت داشته است که از آن جمله «دانایی شارمیدس»، «دیانت اتیفرون»، «سقراط در زندان کریتون»، «فن سخنوری گرگیاس» و «نامه‌ی شماره‌ی هفت» را می‌توان نام برد. از دیگر آثار وی: «درس عبرت»، ترجمه؛ «جنگ بزرگ»؛ «راه نجات»؛ «سرنوشت غرب»، ترجمه؛ «مملکت بی‌نقشه و هدف» در دو جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (316/ 16، 205/ 12)، سواد و بیاض (572-571)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2006، 1979/ 2، 1488، 1345-1344/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (193 -191/ 3).

کاویانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا هواشناسی و اقلیم، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه یوستوس لیبیگ آلمان در سال 1344، و دکترای تخصصی هواشناسی و اقلیم‌شناسی از دانشگاه فنی هانور در سال 1352.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه اصفهان از سال 1354 تا سال 1367 و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال 1367.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی کانونهای آلودگی برای شهر اصفهان، جغرافیای طبیعی کرمان با تکیه بر ویژگیهای اقلیمی، بررسی اقلیمی سواحل جنوبی دریای مازندران، تدریس دروس اقلیم‌شناسی عملی، اقلیم‌شناسی، میکروکلیماتولوژی و اقلیم کاربردی از دانشگاههای فنی هانور و اصفهان، استاد راهنمای 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
اقلیم‌شناسی، اقلیم ایران و میکروکلیماتولوژی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
تغییرات اقلیمی قرن حاضر، بررسی اقلیمی پدیده شرجی در سواحل جنوبی کشور، بررسی کسری اقلیمی آب در مناطق خشک و نیمه خشک ایران، تحلیلی آماری از رژیم بارندگی ایران، تأثیر آبهای تحت‌الارضی بر روی تبخیر سطح زمین و بررسی بیلان آب در زمینهای واجد و فاقد موش گیاهی.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کبیر، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند مرحوم شیخ محمدتقی از اجله علماء و مجتهدین و فقهاء و مدققین عصر خود بود در علوم ادبیه و حسن خط نیز مقامی عالی داشت در قم خدمت مرحومین شیخ محمدحسن نادی و ملا محمدجواد تحصیل نمود و در نجف نزد علامتین خراسانی مرحوم آخوند و مرحوم سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود.
نگارنده در آثارالحجة ج 1 ص 39 ترجمه وی را به عنوان ششمین حادثه حوزه‌ی علمیه بعد از تأسیس آن چنین نگاشته‌ام ششمین حادثه‌ای که قم و حوزه علمیه و عالم تشیع دیده رحلت عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی تقی زاهد معروف به فضل وسعه اطلاع و دقت نظر آیةاللّٰه العظمی آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی بود که او را بعضی بر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه ترجیح می‌دادند. فضلاء اصحاب ایشان از مراجع امروز به شمار می‌روند.
نگارنده گوید: گرچه این حقیر آن بزرگوار را درک نکردم و به فیض ملاقات و زیارتش نرسیدم ولی از علماء و مراجع بزرگ امروز حوزه که آنجناب را دیده‌اند شنیدم که آن مرحوم دارای نفس قدسی و ملکوتی بود و مرحوم آیةاللّٰه حاج آقا حسین قمی می‌فرمود من منکر بودم که در این زمان آدم خوب پیدا شود با شرایط فعلی و فساد عمومی تا آنجناب را دیدم در قم و آیت‌اللّٰه آقا سید مرتضی کشمیری را در نجف اشرف که یقین کردم در این عصر هم انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می‌شود.
در سال 1353 ه.ق دو سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حائری در سن هفتاد سالگی وفات نمود و در مسجد بالاسر نزدیکی قبر حاج شیخ عبدالکریم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کبیر، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام مرحوم آقا حسین بن علامه آیت‌اللَّه میرزا محمد کبیر از علماء قم و ائمه مسجد امام علیه‌السلام بودند که در شهرستان قم متولد یافته و در مهد علم و تقوا تربیت و از اساتید و مدرسین حوزه چون مرحوم ادیب تهران و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه فیض و مرحوم والدش و هم چندین سال از آیت‌اللَّه العظمی بروجردی استفاده نموده تا بعد 1384 قمری بدرود حیات گفته و در جوار پدر بزرگوارش در قبرستان شیخان مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

کتابی، بدرالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1366 -1291 ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به امید. در اصفهان به دنیا آمد. جد پدری او آیت‌اللّه میرزا محمد صادق کتابی اصفهانی، صاحب شرحی بر «شرایع» است و جد مادری وی حاج شیخ محمد علی نجمی می‌باشد. پس از تحصیل در مدارس قدیم اصفهان، در مشهد به تحصیل ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه‌ی اسلامی پرداخت. وی «منظومه‌ی» حاج ملا هادی سبزواری را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. پس از اخذ دیپلم علمی، در 1316 ش، موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربتی از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات شد. وی به دو زبان عربی و فرانسه تسلط کامل داشت. پس از فراغت از تحصیل ابتدا در اصفهان به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد و سپس ریاست دبیرستان ادب و چندی معاونت اداره‌ی کل فرهنگ استان اصفهان را عهده‌دار بود. وی در بنیان‌گذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان در 1337 ش و نیز تأسیس کتابخانه‌ی آن نقش مؤثری داشت و سالها نیز در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسه پرداخت. بیشتر با حاج آقا رحیم ارباب و حاج شیخ محمد باقر الفت مصاحبت داشت. از آثارش: «هیپنوتیسم در دسترس همه»؛ «فروغ خاور»، شرح حال و آیین رهبانیت بودا، ترجمه؛ «پیرامون سیره‌ی نبوی»، ترجمه؛ «اخلاق»، ترجمه؛ «آداب المتعلمین»، ترجمه؛ سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان»، ترجمه؛ «مکتبهای اصلی فلسفه»، ترجمه؛ «مبانی جامعه شناسی»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[1]
مترجمه، مؤلف.
تولد: 1330(1291 ق.)، اصفهان.
درگذشت: 1366.
بدالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فراگرفت. در سال 1313 موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال 1316 موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی برای ادامه تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت اداره‌ی کل فرهنگ استان را به عهده داشت. وی همچنین در بنیانگذاری دانشکده‌ی ادبیات اصفهان به سال 1337 و نیز تأسیس کتابخانه آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.
از آثار و تألیفات اوست: هیپنوتیسم در دسترس همه (این کتاب که احتمالا اولین اثر او است نخست در روزنامه‌ی «اصفهان» و سپس جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامه‌ی به سوی اصفهان (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمه فروغ خاور (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، 1332 -1330)؛ پیرامون سیره‌ی نبوی (عنوان عربی آن علی هامش السیره، اثار دکتر طه حسین، سه جلد، 1335)؛ ترجمه‌ی اخلاق (اثر دکتر پیرژانه ترجمه از فرانسوی، اصفهان 1331)؛ ترجمه‌ی رساله «آداب المتعلمین» با مقدمه‌ی کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (1336، ضمیمه‌ی «سالنامه‌ی دبیرستات ادب»، اصفهان)؛ مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامه‌ی دبیرستان ادب اصفهان»؛ «آئینه‌ی پزشکی» و نشریه‌ی «اداره‌ی فرهنگ استان دهم، اصفهان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (158/ 16)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2411/ 2 ،638 ،505 ،133/ 1)، کیهان فرهنگی (س 4، ش 6، ص 37 -34)، مؤلفین کتب چاپی (97 -96/ 2).

کربکندی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا یوسف بن علی. واعظ صالح، و فاضل ادیب محدث، از فضلای اهل منبر بوده، و به عماد الواعظین شهرت داشته.
در خدمت فضلای اصفهان تحصیل نموده، در 9 صفر سال 1323 وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون گردید.
از آثارش چندین مجلد کتاب و بیاض در مواعظ منبری و اخبار به صورت مجلس است که در نزد اولادش موجود است.
پدرش: مرحوم ملا یوسف نیز واعظ و صالح بوده، و در 1298 وفات یافته، در بقعه‌ی حاج آباده‌ای مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرد هکاری، امةاللّٰه

قرن:9
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن نهم هجری. از زنان دانشمند و ادیب. وی دختر ابوالعلا شهاب‌الدین کردی بود. او به زنان و دختران دروس ادبی و دینی می‌داد. مردانی چون مؤلف الضوءاللامع شاگرد او بوده‌اند. امةاللّٰه حدود شصت سال زندگی کرد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، 127 / 1.

کردبچه، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1299.
درگذشت: 27 تیر 1367.
مهندس حسین کردبچه رشته‌ی شیمی را در دانشگاه تهران به پایان رسانید. وی چون علاقه به نویسندگی و ترجمه داشت، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به ترجمه و نویسندگی پرداخت و بیشتر مقاله‌ها و کتاب‌های تاریخی را از آلمانی و انگلیسی به فارسی برمی‌گرداند که در انتشارات اطلاعات چاپ می‌شد.
وی در مدتی بیش از چهل سال در روزنامه‌ی «اطلاعات» قلم می‌زد.
مهندس کردبچه مدت ده سال سردبیر روزنامه‌ی «اطلاعات» و بیشتر از آن سردبیر «اطلاعات هفتگی» بود. دو جلد سفرنامه‌ی سه سال در دربار صاحبقران (اثر هنریش کارل بورکشن، نام دیگر سفری به دربار سلطان صاحبقران، 1367) و ایران و ایرانیان که قبلا در روزنامه‌ی «اطلاعات» چاپ شده بودند، به صورت کتاب نیز منتشر شد. از آثار چاپ شده دیگرش اصفهان خونین‌شاه صفی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کرمانشاهی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مترجم. از آثار وی «اظهار سیاحت ایران» است که ترجمه‌ی کتاب «سیاحت نامه‌ی» مانکجی، ملقب به درویش فانی، می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (278/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (67/ 2).

کرمانشاهی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1280 ق)، عالم دینی و واعظ. نیای بزرگش ملا محسن فیض کاشانی است. عالمی جلیل بود. قبل از برادرش آقا محمد مهدی کرمانشاهی (م ح 1280 ق) در کرمانشاه درگذشت. از آثار وی: ترجمه‌ی «مواعظ اصول کافی»، که در 1250 ق آن را نگاشت؛ «بهجة الناظرین»، در اخلاق، که در 1260 ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 418/ 13)، معجم المؤلفین (258/ 9).

کرمانی حایری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، فقیه، مدرس و واعظ. وی داماد آیت‌اللَّه کرمانی از علمای بزرگ قم بود. حدود چهل سال در حوزه‌ی علمیه قم از محضر آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و به ویژه هجده سال از محضر آیت‌اللَّه بروجردی استفاده نمود و پس از ایشان از شرکت‌کنندگان درس آیت‌اللَّه شریعتمداری شد. وی در راه نشر و گسترش دین و احکام اسلام تلاش‌های بسیار نمود و مورد توجه آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه مرعشی نجفی بود. از وی آثار علمی فراوانی باقی است، از جمله: «تقریرات» بحث‌های آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه بروجردی؛ تعلیقاتی بر «ایضاح الفوائد» فخر المحققین، که به اتفاق دو نفر از علماء نگاشته است، در چهار مجلد؛ «مجمع الانوار».[1]
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین کرمانی داماد معظم مرحوم آیت‌الله کرمانی از علماء اعلام و فضلام بنام حوزه علمیه قم است که حدود چهل سال در این حوزه از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و بالاخص 18 سال از آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن مرحوم هم از شرکاء درس آیت‌الله العظمی شریعتمداری است و منبری شیرین و مفید دارد و در محرم و صفر و ماه رمضان در تهران همه ساله برای منبر و ترویج دین و تبلیغ احکام می‌روند و از راه منبر خدماتی نموده و می‌نمایند آثار علمی فراوان دارند از قبیل دراسات و تقریرات ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و آیت‌الله بروجردی تعلیقاتی بر ایضاح الفوائد فخرالمحققین که به اتفاق دو نفر از فضلاء نوشته‌اند که در چهار مجلد به طبع رسیده است 2- مجمع‌الانوار مطبوع.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (243 -242/ 2).

کرمانی، حجة العرافین، حمیدالدین، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(352- بعد از 412 ق)، منشی. وی از داعیان و کاتبان فرقه‌ی اسماعیلیه و داعی الدعاة خلیفه فاطمی در مصر بود و در روزگار آن خلیفه مسئول دعوت در مشرق بود. او با غلات اسماعیلی که دروزی گشتند به مخالفت پرداخت. از آثار وی: «مجموعة رسائل»، در سیزده رساله که مهم‌ترین آنها نهمین رساله است به نام « مباسم البشارات بالامام الحاکم بامر اللّٰه امیرالمؤمنین» و دهمین رساله به نام «الواعظة»، در رد بر فرغانی اجدع و یازدهمین رساله به نام «الکافیة فی الرد علی الهارونی الحسنی»؛ «راحة العقل»، که از کتاب‌های مهم اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (149/ 1)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (283).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(786 -717 ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (28 -27/ 8)، کشف الظنون (1891، 1662، 1299، 546، 189، 37)، معجم المؤلفین (130 -129/ 12)، هدیة العارفین (172/ 2).

کرمانی، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل، مرحوم حاج شیخ محمد علی کرمانی از علمای اخیار بوده، در اصفهان خدمت جمعی کثیر همچون: حاج ملا جواد آدینه‌ای، و میرزا محمد علی رنانی اصفهانی، و آقا سید محمود مغنی، و شیخ محمد حسن حکیم شیرازی، و آخوند کاشی، و جهانگیرخان، و میرزا محمد علی حکیم کاشانی اصفهانی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و عبدالکریم جزی، و میرزا حسین همدانی (عالم فاضل ادیب، در مدرسه‌ی نیم آورد تدریس می‌نموده، و در سال 1325 وفات یافته، در صحن درب امام مدفون شده) و آیةالله بروجردی (قبل از مهاجرت به نجف) تحصیل نموده؛ سپس در سال 1319 به نجف مهاجرت کرده، در آنجا خدمت: آقا سید محمد کاظم یزدی، و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آخوند خراسانی تحصیل نموده، و نسبت به اخیر، خصوصیت داشته، و از جمعی از اساتید خود به اخذ اجازه‌ی روایت و اجتهاد نایل گردیده، در 1330 به اصفهان مراجعت فرموده، و مدتی به درس و بحث اشتغال یافته، سپس ترک مباحثه و تدریس نموده، و تقریبا مدت ده سال آخر عمر به طور تجرد و انزوا می‌زیست.
در ذی حجه 1295 متولد، و در شب جمعه 6 جمادی الاولی سال 1380 وفات یافته، در تخت فولاد مقابل تکیه‌ی میرزا ابوالمعالی مدفون گردید.
رسائل عدیده‌ای در مباحث فقه و اصول نوشته، از آن جمله: تقریرات اصولی آخوند خراسانی 1 - رساله در مبحث الفاظ 2 - رساله در استصحاب 3 - رساله در تعادل و تراجیح 4 - رساله در عدالت 5 - رساله در بیع 6 - رساله در مرجحات 7 - رساله در وضو 8 - رساله در مسح رجلین 9 - رساله در دماء ثلاثه 10 - رساله در تعرض استصحاب و ید 11 - رساله در بیع معاطاة 12 - شرح خطبه‌ی نهج‌البلاغه (اول الدین معرفة الله) و حدود بیست رساله و کتاب دیگر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کرمانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318 ش)، نقاش و مجسمه‌ساز. طراح هنرمند اهل کرمان و سازنده‌ی سردر زیبا و استادانه‌ی باغ ملی تهران بود. این در از برنز ساخته شده و پس از ریخته‌گری ابتدایی، بر روی آن طلای مخصوصی که به آن طلای ملقمه می‌گفتند، کشیده شده است. وی در هشتاد سالگی در تهران وفات یافته و در همین شهر دفن شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (928/ 2).

کرمانی، مروارید، شهاب‌الدین عبداللّٰه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(922 -865 ق)، منشی، خطاط، موسیقیدان و شاعر، متخلص به بیانی. از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. وی در جوانی به خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا رسید و نزد آن امیر بسیار معزز می‌زیست، تا اینکه سمت صدارت یافت و به جای امیرعلیشیر نوایی مهر بر فرمانها و منشورها می‌زد. پس از مرگ امیرعلیشیر، گوشه‌نشینی گزید و به عبادت و کتابت قرآن مشغول شد. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی بر خراسان دست یافت، او را فراخواند و شغل وزارت را به وی داد ولی، خواجه از پذیرفتن آن سر باز زد و بنابراین مامور نظم «تاریخ شاهی» شد. خواجه عبداللّٰه به اکثر علوم و فنون متداول آشنا بود و در نظم و نثر مهارت داشت و جمله‌ی خطوط را خوش می‌نوشت. او در موسیقی و ادوار نیز صاحب نظر بود و در ساختن ساز قانون تصرف کرد. در خطوط اصول، اشگرد عبداللّٰه طباخ هروی و در خط تعلیق، از شاگردان خواجه تاج سلمانی بود. از تالیفات وی، منظومه‌های: «تاریخ شاهی»؛ «تاریخ منظوم»؛ «خسرو و شیرین» و «مونس الاحباب» است. از خطوط او قطعه‌ای است به خط محقق و نسخ و رقاع که تاریخ کتابت آن سال 912 ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (619 -617 /2)، احوال و آثار خوشنویسان (352 -350 /2)، اطلس خط (408، 328 -327)، پیدایش خط و خطاطان (140 -138)، تاریخ ادبیات در ایران (172/4)، تاریخ موسیقی (231 -230 /1)، تاریخ نظم و نثر (777، 259)، تاریخ هنرهای ملی (803 -802 /2)، تحفه سامی (107 -102)، تذکره‌ی روز روشن (126 -125)، تذکره‌ی شاعران کرمان (150 -147)، حبیب السیر (326 -325 /4)، خوشنویسان و هنرمندان (27)، دستور الوزراء (397 -394)، الذریعه (281/23، 151 -150 /9، 161/7)، ریحانه (294 -293 /5)، ستارگان کرمان (121 -117)، فرهنگ سخنوران (152)، کارنامه‌ی بزرگان (55)، مجالس النفائس (281)، مناقب هنروران (97)، مولفین کتب چاپی (948 -947 /3)، نتایج الافکار (100 -99)، هفت اقلیم (279 -278 /1).

کرمانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید زین‌العابدین موسوی. عالم فاضل، جهت تکمیل تحصیلات به اصفهان مهاجرت نموده، و در این شهر خدمت حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و با آقایان مسجد شاه ارتباط یافته، در مسجد شیخ لطف‌الله اقامه جماعت می‌نموده.
در سال 1318 فوت شد، جنازه به نجف منتقل گردید.
وی را دو پسر بوده:
1- آقا سید جعفر، متوفی در 1356، مدفون در تکیه‌ی زنجانی جنب تکیه‌ی کازرونی در تخت فولاد.
2- آقا میرسید علی، متوفی در 6 جمادی‌الاولی 1378، مدفون در تکیه‌ی حاج آقا محمد مقدس در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کرمانی، نظر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1348 ق)، عالم دینی و واعظ. در کربلا درگذشت. از آثارش: «انیس النفس»، در مواعظ و اخلاق؛ «لجة اللآلی»، در مواعظ؛ «جامع الشتات»، به سبک «کشکول»؛ «جلیس النفس»، در حکایات و «جلیس الواعظین و انیس الذاکرین»، در قصص انبیاء و مرسلین (ع)، به فارسی؛ «جمال الامة»، در فضیلت صلوات و درود بر پیامبر (ص) و ائمه (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (360/ 8)، اعیان الشیعه (223/ 10)، الذریعه (296/ 18، 129، 60/ 5، 467/ 2)، معجم المؤلفین (102/ 13).

کرمانی، نورالدین، ابوالقاسم محمود

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 500 ق)، مقری، مفسر، فقیه شافعی و نحوی. معروف به تاج القراء. او عالم در قراآت بود. از آثارش: «لباب التأویل و عجائب التاویل»، در دو مجلد؛ «البرهان فی توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجة و البیان»؛ «عجائب القرآن» یا «الغرائب و العجائب فی تفسیر القرآن الکریم» یا «العجائب و الغرائب» که تحت عنوان «لباب التفاسیر» می‌باشند؛ «الافادة»، در نحو؛ «الایجاز»، مختصر «الایضاح» ابوعلی فارسی نحوی، در نحو؛ شرح «اللمع» ابن جنی ابوالفتح عثمان موصلی، در نحو؛ «العنوان»، در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (44/ 8)، کشف الظنون (1562، 1541، 1197، 1177، 1126، 241، 213، 131)، معجم الادباء (125/ 19)، معجم المؤلفین (161/ 12)، هدیة العارفین (402/ 2).

کرمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین کرمی اسفه
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/4/12
تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی
مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال 1365)، در سال 1385 در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره 6 ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیة الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.
پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال 1367 همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال 1376 موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کرمی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسف کرمی درسال 1362 در میانه متولد شد.اوهفتمین فرزند خانواده ودارای مدرک تحصیلی دیپلم می باشد . وی از بچگی به تکواندو علاقه مند بوده وفوتبال را نیز بصورت نفریحی بازی کرده است .او از سال 71 در رشته تکواندوفعالیت خودرا آغاز کردبطوری که قهرمان تکواندو در رده نوجوانان استان آذربایجان شرقی شد.وی از سال 78 به عضویت تیم ملی در آمد . مشوقین اصلی او والدین وسپس مربیانش چون آقایان حسین اکرمی ، حسن ذوالقدر ، کریمی ، افلاکی و دکتر بهرامی بودند که در کسب موفقیت نامبرده نقش بسزایی بعهده داشتند
برخی از مقامهای او در سطوح بین المللی عبارتند از :
•کسب مدال طلا در مسابقه بین المللی قبرس (1999)
•کسب مدال طلا وستاره در مسابقات بین المللی ترکیه (2000)
•کسب مدال طلا در مسابقات جهانی نوجوانان ایرلند جنوبی(2000)
•کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی آلمان – جام پاکال (2000)
•کسب مدال طلا در مسابقات بزرگسالان آسیا – اقیانوسیه (2001)
•کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی آلمان (2001)
•کسب مدال طلا در مسابقات بین المللی لبنان (2002)
•کسب مدال طلا در مسابقات جام جهانی ژاپن (2002)
•کسب مدال طلا در مسابقات المپیک پلیس های جهان – اسپانیا (2002)
•کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی ارتش های جهان – کرواسی (2003)
•کسب مدال طلا و ستاره مسابقات جایزه بزرگ – هلند (2003)
•کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی بین المللی بلژیک (2003)
•کسب مدال طلا در مسابقات قهرمانی جهان – آلمان (2003)
•کسب مدال طلا در مسابقات ستارگان جهان – کره (2003)
•کسب مدال نقره در مسابقات انتخابی المپیک – فرانسه (2003)
منابع زندگینامه :http://taekwondo-chagi.blogfa.com

کرنبائی، ابوعلی هشام

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 216 ق)، لغوی. اصل وی از کرنباء اهواز است. وی با اصمعی و امثال او همنشین بود و از این رهگذر بهره‌ها برد. او در لغت و تاریخ و اشعار عرب عالمی توانا به حساب می‌آمد. فضل بن حباب از وی روایت کرده است. از آثارش: «الحشرات»؛ «الوحوش» یا «الوحش»؛ «النبات»؛ «خلق الخیل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (348 ،342 ،290/ 2)، روضات الجنات (178 -177/ 8)، الفهرست لابن الندیم (105)، معجم الادباء (285/ 19)، معجم المؤمنین (147/ 13).

کریمان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1292 ش)، نویسنده، استاد دانشگاه و ادیب. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در 1322 ش موفق به اخذ لیسانس ادبیات فارسی از دانشسرای عالی گردید. در 1324 ش برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم رفت. در سن 1335 ش موفق به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. خدمات تدریسی و تعلیمی خود را از دبستان آغاز نمود و تا تدریس در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی (ملی سابق) پیش رفت و در این زمان تحقیقاتی نیز انجام داد. وی فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی جغرافیای تاریخی و رسم نقشه‌ها داشت. دکتر کریمان از مؤلفان «دایرة المعارف تشیع» بود. از آثار وی: «جغرافیای شهرستان قم»؛ «طبرسی و مجمع البیان»، در دو مجلد؛ «ری باستان»، در دو مجلد؛ «قصران»، در دو مجلد؛ «آثار بازمانده از ری»؛ «تهران در گذشته و حال»؛ «سیره و قیام زید بن علی». علاوه بر اینها بیش از هشتاد مقاله و رساله در موضوعات دینی و علمی و ادبی و تاریخی نوشته است.[1]
محقق، استاد.
تولد: 17 آبان 1292، حومه‌ی تهران (رودبار قصران).
درگذشت: 30 آذر 1372.
حسین کریمان دارای کارشناسی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی در سال 1332 بود. در سال 1324 برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم مهاجرت نمود. در سال 1335 در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکتری گردید.
از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال 1342 به کسب درجه‌ی دانشیاری و در سال 1346 به مقام استادی رسید.
اهم تألیفات وی به شرح زیر است: فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده است (1322 -1321)؛ قم را بشناسید (1328)؛ طبرسی و مجمع البیان؛ ری باستان؛ برخی از آثار بازمانده از ری قدیم (1350)؛ تهران در گذشته و حال (1355)؛ قصران (1356)؛ سیره و قیام زید بن علی (1364، این کتاب در چهارمین دوره‌ی کتاب سال به عنوان

کتاب برگزیده در رشته‌ی تاریخ اسلام انتخاب شد)؛ تصحیح و تعلیق دیوان شمس به اتفاق دکتر یزگردی و با اشرف فروزانفر.
حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2249 ،1812/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (293)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 8، ص 11 -3، س 10، ش 9، ص 65).

کریم‌پور، کریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، محقق.
تولد: 1315، چهارمحال بختیاری.
درگذشت: 1363، فرانسه.
کریم کریم‌پور پس از طی دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در شهرکرد و اصفهان، لیسانس ادبیات فارسی را از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران گرفت و سپس برای ادامه‌ی تحصیلات خود به خارج از کشور رفت و با اقامت پنج سال در انگستان و سه سال در فرانسه دکترای تاریخ سیاسی را از دانشگاه سربن پاریس دریافت کرد و به ایران مراجعت نمود و نزدیک به دوازده سال در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به تدریس اشتغال داشت. آخرین سمت اداری او مدیر کل مطبوعات کشور بوده است.
وی علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی فرانسوی، عربی، آلمانی و اردو تسلط کامل داشت و مقالاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تحت عنوان «برداشتی تازه از سلسله‌ی صفویه و علل زوال آن سلسله» به رشته‌ی تحریر درآورده است که در مراجع مختلف دانشگاهی مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند.
کریم کریم‌پور در سال 1363 برای ادامه‌ی تحقیقات علمی و دیدار خانواده‌اش به فرانسه رفت که در آن کشور دچار حادثه شد و زندگی را بدرود گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کریمی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. وی در 1329 ش مدیر باشگاه دوچرخه‌سواران اراک بود. از آثار وی: «زن پاکدامن»، ترجمه؛ «عصر اعتقاد»؛، ترجمه؛ «عشق و پول»، ترجمه؛ «بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن»، ترجمه؛ «واژه‌های کلیله و دمنه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3345، 2315، 2309، 1840، -1839/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (294)، مؤلفین کتب چاپی (437 -436/ 1).

کریمی، بانو

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد: 1310، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1350.
مرتبه علمی:
استادیار و دانشیار دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات و فرهنگ ایران، تدریس دروس متون نظم و نثر فارسی از قبیل فردوسی، نظامی، سنایی، صائب و کلیله و دمنه در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
شرح و تفسیر دویست و یک غزل صائب و جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات سیدالدین محمد عوفی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: متعدد، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
موضوعات ادبی همانند مقالاتی در یغما و سخن، نقدی بر فرهنگ صائب.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کریمی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی کریمی 17 آبان سال 1357 در کرج به دنیا آمد.
کریمی در باشگاه‌های نفت تهران، فتح تهران، سایپا تهران، پرسپولیس، الاهلی امارات، القطر قطر، السیلیه قطر و بایرن مونیخ سابقه بازی دارد. او اولین‌بار در سال 1998 در بازی مقابل کویت در بازی‌های آسیایی بانکوک با پیراهن تیم ملی به زمین آمد. کریمی در بازی‌های دور سوم انتخابی جام جهانی 2008 نیز کاپیتان تیم ملی ایران بود که بعد از تیم ملی کنار ماند. وی همیشه پیراهن شماره 8 را به تن می‌کند. علی کریمی در سال 2005 به باشگاه بایرن مونیخ آلمان پیوست. او پس از علی دایی و وحید هاشمیان سومین بازیکنی بود که در این باشگاه معتبر مشهور به هالیوود بازی می‌کرد.
علی کریمی خیلی زود توانست در جمع نامداران این باشگاه نظیر میشاییل بالاک، سباستین دایسلر، مارتین دمیکلیس، مهمت شول و زی روبرتو برای خود جایگاهی ثابت دست و پا کند. در بازی با هامبورگ وی مصدوم شد و نتوانست در بازی‌های جام جهانی 2006 آلمان در اندازه‌های واقعی خود ظاهر شود. کریمی همچنین از جمله بازیکنان ایرانی محسوب می‌شود که در لیگ قهرمانان اروپا بازی کرده‌است و در مقابل سالزبورگ اتریش یک گل به ثمر رساند. علی کریمی متاهل است و دو فرزند پسر دارد. پست تخصصی کریمی خط میانی و بازی سازی است. افتخارات علی کریمی:
مرد سال فوتبال آسیا در سال 2004
دو بار قهرمانی جام حذفی امارات با تیم الاهلی دبی
قهرمانی لیگ و جام حذفی ایران با پرسپولیس
قهرمانی بازی‌های آسیایی بانکوک با تیم ملی ایران
قهرمانی غرب آسیا با تیم ملی
قهرمانی جام بین قاره‌ای آسیا – اقیانوسیه با تیم ملی ایران

کریمی، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: اصفهان
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کزازی، میرجلال الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد میرجلال الدین کزازی در دیماه 1327 در کرمانشاه در خانواده ای فرهیخته و فرهنگی که بنیادگذار آموزش نوین در این سامان است، چشم به جهان گشود. خوگیری به مطالعه و دلبستگی پرشور به ایران و فرهنگ گرانسنگ و جهانی آن را از پدر که مردی آزادمنش و فراخ اندیش و مردم دوست بود به یادگار ستاند. دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال 1370 به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد.او اینک عضو هیأت علمی و استاد در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است.ایشان برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در هیجدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب بنام " نامه باستان " - بهمن 1383 است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر میرجلال الدین کزازی سید محمود کزازی (فرزند سید احمد کزازی) است. سید احمد کزازی برادر سید حسین کزازی (آزادیخواه که در دوره های دوم وسوم نماینده مجلس بود و در سال 1340 قمری رئیس معارف و فواید عامه کرمانشاه گردید و یک سال بعد بعلت تاسیس مدرسه دخترانه در این شهر به شهادت رسید)است. نیا کان دکتر کزازی از کزاز استان مرکزی بودند از این روی نام کزازی بر خاندان ایشان مانده است.
خاطرات کودکی : میرجلال الدین کزازی از پدر خود بعنوان اولین آموزگارش یاد میکند و از وی که نمونه برجسته ای از فرهیخته ایرانی است به نیکی یاد میکند.او روزهای تعطیل را در دهستانهای زنگیشاه ، هولان و شلان سپری می کند.روزهای کودکی دکتر آمیخته است با گشت و گذار در چشمه ساران ،کوهها ،هامونهای سبز و غیره.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : میرجلال الدین کزازی در خانواده ای

فرهنگی و فرهیخته و از نظر اقتصادی در وضعیت متوسطی بدنیاآمد. از آنجایی که از خانواده ای سرشناس بودند در میهمانی های باشکوه با بزرگان و فرهیختگان روزگار خود آشنا می شد و از وجود آنان بهره می برد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرجلال الدین کزازی دوره دبستان را در مدرسه آلیانس کرمانشاه گذرانید و از سالیان دانش آموزی با زبان و ادب فرانسوی آشنایی گرفت. سپس دوره دبیرستان را در مدرسه رازی به فرجام آورد و آنگاه برای ادامه تحصیل در رشته زبان و ادب پارسی که در چشم او رشته و دانشی است گرامی و سپند، به تهران رفت و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره های گوناگون آموزشی را سپری کرد و به سال 1370 به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آمد
فعالیتهای ضمن تحصیل : میرجلال الدین کزازی در کنار تحصیل از سالیان نوجوانی نوشتن و سرودن را آغاز کرده است و در آن سالیان با هفته نامه های کرمانشاه همکاری داشته و آثار خود را در آنها به چاپ می رسانیده است. در جلسات انجمن ها و جشنهایی که در مدرسه به بهانه های مختلف برگزار می شد بعنوان سخنران سخنرانی میکرد یا شعر می خواند.وی همچنین با همکاری دو تن از از دانش آموزان که یکی از آنها خوشنویس بود و دیگری نگارگر ، روزنامه دیواری بنام " نائره ها " پدید آوردند.
استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر عبدالحسین زرین کوب ،دکتر مظاهر مصفا ،دکتر شفیعی کدکنی و دکتر اسماعیل حاکمی والااز استادان میرجلال الدین کزازی بودند.
همسر و فرزندان : میرجلال الدین کزازی در سال 1354 با همسر خود سرکار خانم پیوند پیوکانی ازدواج کردایشان دارای چهار فرزند می باشد: - دکتر امیر صدر الدین ،پزشک - مهندس امیر رهام ،کارشناس برق و الکترونیک - ستی آناهیت ،کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی - ستی ماندان ،کارشناس باستان شناسی
وقایع میانسالی : میرجلال الدین کزازی اینک عضو هیأت علمی در دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. او افزون بر زبان فرانسوی که از سالیان خردی با آن آشنایی یافته است، با زبانهای اسپانیایی و آلمانی و انگلیسی نیز آشناست.چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است. او گهگاه شعر نیز می سراید و نام هنری اش در شاعری "زروان" است. ترجمه او از "انه اید ویرژیل" برنده جایزه بهترین کتاب سال شده است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی و

استاد دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبائی است.
فعالیتهای آموزشی : میرجلال الدین کزازی عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد . چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایرانشناسی و زبان فارسی اشتغال داشته است.
سوابق تدریس دکتر کزازی به ترتیب زیر است: تدریس تمام وقت : - دانشگاه رازی کرمانشاه از سال 1355 - 1358 - دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده های ادبیات فارسی و زبان های خارجی از سال 1358 - 1386 - دانشگاه بارسلون اسپانیا تدریس زبان پارسی ، ایران شناسی و شیعه شناسی ازسال 1376 - 1379 تدریس پاره وقت : - دانشگاه تربیت معلم تهران - دانشگاه سراسری گیلان - دانشگاه سراسری یزد - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ساوه - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمانشاه
آرا و گرایشهای خاص : میرجلال الدین کزازی در نوشتار و گفتارش پارسیگرایی را دنبال می کند.
جوائز و نشانها : - برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دوره نهم)برای ترجمه کتاب "انه اید "در سال 1369 - برنده جایزه نخستین در پژوهشهای بنیادین در جشنواره بین المللی خوارزمی ،برای نوشتن زنجیره ای از کتاب " نامه باستان " - بهمن 1383 - چهره برگزیده در نخستین همایش تجلیل از برگزیدگان استان - نشان زرین و سپاسنامه از بزرگترین انجمن ادبی و فرهنگی یونان ، پارناسوس ، به عنوان برجسته ترین ایرانی در گسترش و شناسانیدن فرهنگ و ادب یونان زمستان 1384 - پژوهشگر برگزیده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی در سال 1385 - چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران در پنجمین همایش آن به سال 1384
چگونگی عرضه آثار : آثار میرجلال الدین کزازی به ترتیب زیر است: - تعداد تالیفات : 25 تالیف - تعداد کتب ترجمه شده : 13 ترجمه - تعداد کتب ویرایش و تصحیح شده : 6 کتاب - تعدا مقالات منتشر شده ک بیش از 100 مقاله ----------
آثار :
1 آب و آیینه (مجموعه مقاله)
2 آتا لا ورنه
ویژگی اثر : ترجمه اثر شاتو بریان-چاپ اول : نشر مرکز - سال 1366 چاپ دوم : نشر مرکز - سال 1367 چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1369

چاپ چهارم : نشر مرکز - سال 1380 "آتالا و رُنه" در بر گیرنده دو داستان جداگانه از نویسنده چیره دست و مشهور فرانسوی "شاتوبریان" است. دکتر کزازی در دیباچه مفصل این کتاب ، زندگینامه شاتوبریان را بر پایه نوشته های وی ، بویژه کتاب گرانسنگ "یادمانهای آن سوی گور" بررسی کرده و سرچشمه های دو داستان آتالا و رُنه را به دست داده است.

3 آنه اید

ویژگی اثر : ترجمه اثر ویژیل،چاپ اول : نشر مرکز - سال 1369 ،ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «انه‌اید»: آشنایی با آثار ادبیات کلاسیک جهان به ویژه حماسه‌های برجستهٔ ملتها مورد علاقه هر دانش پژوهی است، انه‌اید یکی از بارزترین آثار ادبی جهان است که به زبان لاتین نوشته شده است و مترجم آن را به شیوه زیبا و رسایی به زبان فارسی ترجمه کرده است چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1381 "انه اید" اثر ویرژیل ، حماسه سرای بزرگ لاتین است که برای اولین بار توسط دکتر کزازی به فارسی ترجمه شده است. انه اید ، یکی از سه اثر بزرگ پهلوانی در فرهنگ و ادب اروپایی است. دو حماسه دیگر ، "ایلیاد" و "اُدیسه" است. انه اید را می توان همچون اُدیسه ، دنباله ای بر ایلیاد شمرد. "انه" بزرگزاده ای تروایی بوده است که از آتش و خون جان به در برده و در جستجوی سرزمینی نوید داده شده در دریاها و خشکی ها سرگردان شده است.

4 ادیسه

ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1379 چاپ چهارم : نشر مرکز - سال 1383 "اُدیسه" اثر دیگر هومر ، یکی دیگر از سه گانه های ادب پهلوانی اروپایی است که توسط دکتر کزازی به پارسی ترجمه شده است.

5 از دهلی نو تا آتن کهن

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال 1387 چاپ کرده است. کتاب چهار سفرنامه را در دارد که سه از آنها پیشتر در روزنامه ها و ماهنامه های فرهنگی به چاپ رسیده است. این سفر نامه به شیوه کتابهای روزهای کاتالونیاو دیدار با اژدها نوشته شده است.

6 از گونه ای دیگر

ویژگی اثر : مجموعه مقالات-چاپ اول : نشر مرکز - سال 1368 چاپ دوم : نشر مرکز - سال 1380 "از گونه ای دیگر" مجموعه ای فراهم آمده از چهار جستار یا مقاله است که خمگی در زمینه فرهنگ و ادب نوشته شده اند. گفتارهای این دفتر که برخی از آنها برای اولین بار در این اثر به چاپ رسیده اند و بعضی پیش تر در گاهنامه ها نشر شده اند ، در چند زمینه پیوسته با هم و جملگی بر زمینه فرهنگ ایرانی و میراث معنوی آن

است.
7 ایلیاد
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1377 چاپ چهارم : نشر مرکز - سال 1383 "ایلیاد" شاهکار "هومر" اثری است که بارها به زبانهای اروپایی ترجمه شده است. پس از ترجمه "انه اید" و استقبال اهل فرهنگ و ادب از این اثر ، دکتر کزازی به درخواست دانشوران ، دو نامه دیگر پهلوانی در ادب اروپایی ، ایلیاد و اودیسه را نیز به همان شیوه به پارسی ترجمه کردند.
8 بدایع الافکار فی صنایع الاشعار
ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش-نشر مرکز - سال 1369 "بدایع الافکار فی صنایع الاشعار" کتابی است از ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری ، نویسنده و دانشور پرکار ایرانی در سده نهم هجری. این کتاب که در آرایه های سخن نوشته شده است ، پرمایه ترین کتاب در دانش "بدیع" است. در دیباچه مفصل کتاب ، تاریخچه بدیع نویسی و بدیع سرایی در پهنه ادب پارسی ، از نخستین کتاب بدیعی "ترجمان البلاغه" تا واپسین که "مدارج البلاغه" است ، توسط دکتر کزازی نوشته و بررسی شده است. در بخش گزارش های کتاب نیز ، این کتاب با دیگر کتاب های بدیعی سنجیده شده است.
9 بهار خسرو
ویژگی اثر : نشر مرکز - سال 1374 "پیترو چیتاتی" ، از ایران شناسان دلبسته و علاقمند به تاریخ و فرهنگ ایران است. وی در این اثر بدیع ، شاعرانه و دل انگیز ، به شیوه ای داستانگونه ، نماها و چشم اندازهایی از تاریخ و فرهنگ ایران را بررسی و به زیبایی ارایه کرده است.
10 پارسا و ترسا
ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - سال 1376 "پارسا و ترسا" گزارشی است از داستان شیخ صنعان ، عطار. این چامه که از دشوارترین و پیچیده ترین چامه های خاقانی است ، توسط دکتر کزازی از سه دیدگاه ویژه واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی شده است.
11 پرنیان پندار
ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات سمت - سال 1376 چاپ سوم : انتشارات سمت - سال 1385 "سراچه آوا و رنگ" کتابی است که دکتر کزازی آن را در "خاقانی شناسی" نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ،

زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.
12 پند و پیوند
ویژگی اثر : "پند و پیوند" در حقیقت ، جلد دوم کتاب دیرمغان است که در آن ، دکتر کزازی به شیوه ای نو به گزارش غزل های حافظ پرداخته است و غزلهای خواجه را بر پایه زیبا شناسی و باورشناسی بررسی و گزارش کرده است.
13 تَرجُمانی و تَرزَبانی (هنر ترجمه)
ویژگی اثر : نشر جامی - سال 1374 "تَرجُمانی و تَرزَبانی" حاصل کند و کاوها ، درنگ ها و دیدگاه های دکتر کزازی درباره هنر ترجمه است که در چند جستار فراهم آمده است و در آن شیوه های گونه گون ترجمه مورد بررسی قرار گرفته است.
14 تلماک
ویژگی اثر : ترجمه اثر فنلون-نشر مرکز - سال 1368 جایگاه تلماک ، اثر گرانسنگ "فنلون" را در ادب و فرهنگ فرانسه ، تنها می توان با "گلستان" سعدی و "قابوسنامه" سنجید و برابر نهاد. سات های بسیار ، تلماک را در آموزشگاه های فرانسه همچون گلستان به قصد آموختن ادب و اخلاق و آیین به نوآموزان می آموخته اند و فنلون چون آموزگاری فرزانه ، در چهره نمادین "مانتور" ، فرزند جوان اولیس ، تلماک را اندرز می داده است.
15 تندبادی از کنج (شاهنامه شناسی)
16 توانهای نهانی در آدمی
ویژگی اثر : نشر نی - سال 1372 این کتاب ، سومین اثری است که دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی به زبان فارسی ترجمه کرده است. "کالین و ویلسن" نویسندگان این کتاب ، با دیدی سنجیده ، روانشناسانه و دانشورانه ، پدیده های فراروانشناسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.
17 جهان اشباح
ویژگی اثر : ترجمه اثر مرورودین-انتشارات عطایی - سال 1370 "جهان اشباح" کتابی در زمینه فرا روانشناسی است که دو نویسنده "دانیل هامر" و "آلکس رودَن" آن را نوشته اند. در این اثر ، پدیده های "فرا روانشناسی" به گونه ای گسترده و فراگیر بررسی شده است. جهان اشباح ، دومین ترجمه دکتر کزازی در زمینه فرا روانشناسی است.
18 جهان پس از مرگ
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر دنیای کتاب - سال 1361 چاپ دوم : نشر دنیای کتاب - سال 1371 "جهان پس از مرگ" اثر نویسنده نامدار انگلیسی "سر آرتور کُنان دویل" خالق کارآگاه معروف "شرلوک هلمز"

است. کنان دویل در سال های واپسین زندگی ، به پدیده روحگرایی دلبستگی یافت و این اثر ، رهاورد همان سال هاست. کتاب از دو بخش پژوهش ها و داستان ها پدید آمده است و هر یک از داستان ها بر پایه یکی از آزمون ها و پدیده های روحگرایی نوشته شده است.

19 خاقانی شروانی

ویژگی اثر : این کتاب را دفتر پژوهشهای فرهنگی در مجموعه "از ایران چه می دانم؟" به سال 1387 چاپ کرده است و هشتادو پنجمین کتاب از این مجموعه است. در این کتاب ،نویسنده به شیوه ای نوآیین و در پیکره داستانی دلکش،زندگانی و شعر خاقانی را بسر رسیده است تا خواننده که بیشتر از جوانانند با شور و شراری افزونتر کتاب را بخوانند و با این چامه سرای بزرگ آشنا بشوند.

20 در دریای دری

ویژگی اثر : در بزرگداشت شاعران ایران-"دُرّ دریای دَری" کتابی کم نظیر در ادب پارسی است. این کتاب گزارش درازآهنگی است از قصیده ای بلند که دکتر کزازی آن را در 278 بیت سروده است و چنین آغاز می شود : هر که او را شور معنی گستری است زیب شعرش دُرّ دریای دَری است در این چامه بلند ، سرگذشت شعر پارسی از آغاز تا روزگار ما نموده شده است. علاوه بر آن ، زندگینامه ، نکات ویژه زندگی و نیز شیوه سخنوری هر شاعر بیان گردیده است. نویسنده در مقدمه گسترده خویش بر این اثر ، مطالب جالب و مفیدی در زمینه "چیستی هنر" و نیز "چگونگی آفرینش هنری" آورده است که در جای خود ، روزنی به جهان پر رمز و راز هنر است. در دریای دری در سال 1368 به همت نشر مرکز بچاپ رسیده است.

21 دستان مستان

ویژگی اثر : این کتاب را نشر نویسنده در سال 1387 چاپ کرده است. دستان مستان گزیده ای از سروده های میر جلال الدین کزازی است .که در دهه 1370 تا 1380 سروده شده اند.

22 دیدار با اژدها

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش - انتشارات نشر قطره 1380-دیدار با اژدها ،روزنگار سفر کوتاه دکتر کزازی به چین سرزمین افسانه ای آسیا است. این اثر که از دید شیوه و قالب یکسره با روزهای کاتالونیا همسان و دمساز است ،پیوندهای فرهنگی تاریخی ایران و چین مورد بررسی قرار داده است.

23 دیر مغان

ویژگی اثر : دیر مغان (حافظ شناسی) نشر قطره - سال 1375 "دیر مغان" گزارش بیست غزل حافظ است ، از آغاز دیوان وی و بر پایه زیباشناسی و باورشناسی. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است از نگاهی

متفاوت ، غزل های خواجه شیراز را بنگرد و آنها را بر پایه زیباشناسی و باورشناسی که دیگر حافظ پژوهان کمتر بدان پرداخته اند ، بکاود و بررسد. نویسنده وعده کرده است که در آینده ، بقیه اشعار حافظ را به همین شیوه مورد کند و کاو قرار دهد.

24 دیوان خاقانی

ویژگی اثر : نشر مرکز - سال 1375 "دیوان خاقانی" ویرایشی نو از دیوان سخن سالار بزرگ شروان است. این ویرایش بر پایه نسخه های چاپی و برخی برنوشته ها ، به انجام رسیده است. دکتر کزازی در این ویرایش جدید ، تاریکی ها ، دشواری ها و بی اندامی های متن را که از ریخت و ضبط نادرست بیت ها مایه گرفته است برطرف کرده و هرجا که نسخه بدل ها "پچینها" ناکارآمد بوده است ، به یاری دانش های ادب ، چون : واژه شناسی ، سبک شناسی ، زیبا شناسی و جز آن کوشیده است که ریخت و صورت درست به دست داده شود. ویراستار دیوان خاقانی ، همه جا در پانوشت ، دگرگونیهای رخ داده در متن را با برهان باز نموده است.

25 دیوان میرزا محمد باقر حسینی سپاهانی

ویژگی اثر : نشر مرکز - سال 1376 "دیوان میرزا محمدباقر حسینی سپاهانی" سخنور توانا و کم شناخته سده یازدهم و دوازدهم هجری ، بر پایه نسخه ای منحصر به فرد ویراسته شده است. در دیباچه کتاب نیز سبک هندی در شعر فارسی و همچنین سروده های سخنور و پیوند او با دیگر سرایندگان این سبک بررسی و باز نموده شده است.

26 رباعیات خیام

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش-چاپ اول : نشر مرکز - سال 1371 چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1384 "رباعیات خیام" ، همچون غزلهای سعدی ویرایشی تازه از چارانه های این شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی است که با شیوه ای نو نقادی شده است

27 رخسار صبح

ویژگی اثر : گزارش چامه از خاقانی با دیباچه ای بلند در شناخت او-چاپ اول : نشر مرکز - سال 1368 چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1374 "رخسار صبح" کتابی است حجیم و هفتصد صفحه ای در گزارش قصیده ای بلند و دلپسند از خاقانی. به تقریب ، نیمی از این کتاب ، شامل دیباچه مفصلی است در شرح زندگانی و شیوه شاعری این قصیده سرای بزرگ ایران. دکتر کزازی در این اثر کوشیده است بر پایه سروده ها و نوشته های خاقانی ، زندگی وی را بررسی کرده و روشنایی هایی بر بخش های تاریک و ناشناخته زندگی وی بیندازد. دکتر کزازی در این کتاب ، همانند کتاب های "سوزن عیسی" و "پارسا و ترسا" کوشیده است تا این چامه بلند خاقانی را بر بنیاد واژه شناسی ، زیباشناسی و ژرفاشناسی بررسی

کند.
28 روزهای کاتالونیا
29 رویا ، حماسه ، اسطوره (شاهنامه شناسی)
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1372 چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1385 "رؤیا ، حماسه ، اسطوره" آنچنانکه از عنوان آن برمی آید ، سه قلمرو پر رمز و راز و جاودانه رویا ، حماسه و اسطوره را در بر می"یرد. این اثر ، در حقیقت پایان نامه و تز دکتری نویسنده است که به قول قدما "به زیور طبع آراسته شده است".
30 رویدادهای شهر سنگی
ویژگی اثر : ترجمه اثر اسماعیل کاداره-نشر مرکز - سال 1370 "اسماعیل کاداره" در این اثر داستانی ، به شیوه ای دلنشین و شاعرانه ، خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خویش را به رشته تحریر درآورده است. وی از نویسندگان نامدار آلبانیایی است که اکنون به شهرتی جهانی دست یافته است. یکی از داستانهای او با عنوان "سردار سپاه مرده" به بیش از پانزده زبان دنیا ترجمه شده است. دکتر کزازی با ترجمه این اثر ، اسماعیل کاداره را به جامعه فرهنگی ایران شناسانده است.
31 زیبا شناسی
ویژگی اثر : در دو جلد
32 زیبا شناسی سخن(2) معانی
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1370 چاپ ششم : نشر مرکز - سال 1385 "معانی" جلد دوم از مجموعه سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی" است که زبان شکرین و شیوای پارسی را بر پایه این دانش بررسی و کاویده است.
33 زیبا شناسی سخن(3)بدیع
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1373 چاپ پنجم : نشر مرکز - سال 1385 "بدیع" سومین جلد از مجموعه "زیباشناسی سخن پارسی" است. جلدهای اول و دوم این مجموعه عهده دار بررسی دو دانش دیگر زیباشناسی ادب پارسی ، یعنی "بیان" و "معانی" هستند.
34 زیباشناسی سخن پارسی -1- بیان
ویژگی اثر : جلد اول - بیان (زیباشناسی سخن پارسی) چاپ اول : نشر مرکز - سال 1368 چاپ هفتم : نشر مرکز - سال 1385 این کتاب نخستین جلد از دوره سه جلدی "زیباشناسی سخن پارسی" است که در موضوع دانش بیان نوشته شده است. دکتر کزازی این اثر را به شیوه کتاب های آموذشی برای دانشجویان دانشگاه ارایه کرده است.
35 سراچه آوا و رنگ
ویژگی اثر : سراچه آوا و رنگ (خاقانی شناسی) چاپ اول : انتشارات

سمت - سال 1376 چاپ سوم : انتشارات سمت - سال 1385 "سراچه آوا و رنگ" کتابی است که دکتر کزازی آن را در "خاقانی شناسی" نوشته است. در این اثر ، دوازده قصیده ، یک ترکیب بند ، شانزده غزل ، نُه قطعه و هشت رباعی یا چارانه بررسی و کاویده شده است. در گزارش بیت ها ، زمینه ها و دانش های گونه گون چون: واژه شناسی ، ریشه شناسی ، زبانشناسی سنجی ، باورشناسی ، نمادشناسی و زیباشناسی به کار گرفته شده اند.

36 سه داستان

ویژگی اثر : ترجمه اثر گوستاوفلوبر-نشر مرکز - سال 1367 "گوستاو فلوبر" نویسنده بلند آوازه و آفریننده آثار برجسته ای چون: "مادام بواری" و "سالامبو" است. فلوبر ، این اثر را در سال های پایانی زندگانی خود نوشت. سال هایی که نویسنده را در تلخکامی و اندوهی ژرف فرو برده بود. کتاب شامل سه داستان "ساده دل" ، "افسانه ژولین ، تیمارگر پاک" و "هرودیا" است.

37 سوزن عیسی

ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی - سال 1376 "سوزن عیسی" گزارشی است از چامه ترسایی خاقانی که از پیچیده ترین و دیریاب ترین چامه های اوست. در این کتاب دکتر کزازی ، قصیده بلند ترسایی را چونان "رخسار صبح" در سه بخش واژه شناسی ، زیبا شناسی و ژرفا شناسی بررسیده است و هرگاه نیازی نبوده که بیت ها را از آن سه دیدگاه بررسد ، تنها از دو دید نخستین کاویده است.

38 سیلوی

ویژگی اثر : ترجمه آثار ژراردو نروال-نشر مرکز - سال 1370 "سیلوی" داستانی نه چندان بلند از "ژرار دونروال" است. وی از نویسندگان سخنور و نامدار فرانسوی در سده نوزدهم بوده است. ژرار دونروال چونان شوریده سرانی که زندگی را به سودای یافتن آنچه یافت نمی شود ، سیر کرده اند ، سراسر زندگانی را در پی نازنینی گشت که هرگز در عالم خاکی به دست نمی آید. از اینرو ، به دنبال آنچه در عالم واقع به دست نمی آمد و در دسترس نبود ، به خواب و رویا پناه برد و سر در پی این سودا نهاد و در رویا گم شد.

39 غزل های سعدی

ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش -چاپ اول : نشر مرکز - سال 1371 چاپ سوم : نشر مرکز - سال 1384 "غزلهای سعدی" ویرایشی تازه از غزلهای شاعر و سخنور توانا و نامی ایران است که برپایه نسخه های چاپی ، به شیوه ای سخن سنجانه و دانشورانه ، توسط دکتر کزازی انجام گرفته است.

40 گزارش دشواریهای دیوان خاقانی
41 گزیده ای از سروده های شیخ الرئیس قاجار
ویژگی اثر : تصحیح و ویرایش-نشر مرکز - سال 1369 "شیخ الرئیس قاجار" از نوادگان فتحعلیشاه قاجار ، شاهزاده ای دانش دوست و سخنور بود که به کسوت روحانیت و درویشی درآمد. دکتر کزازی کتاب حاضر را بر پایه چاپ سنگی "منتخب نفیس از آثار شیخ الرئیس" ، طبع شده در سال 1312 هجری ویراسته است و در مقدمه کتاب ، زندگی و آثار وی را بررسی و شرح کرده است.
42 مازهای راز
ویژگی اثر : چاپ اول : نشر مرکز - سال 1370 چاپ دوم : نشر مرکز - سال 1380 "مازهای راز" جستارهایی است در شاهنامه فردوسی و در برگیرنده شش مقاله درباره شاهنامه است. نخستین جستار ، "نمادشناسی اسطوره در داستان ضحاک" است که به همایش جهانی بزرگداشت فردوسی که در دی ماه 1369 در تهران برگزار شد ، پیشکش شده است.
43 نامه باستان
ویژگی اثر : انتشارات سمت در سال 1379-نامه باستان ویرایش و گزارشی است که از شاهنامه فردوسی که نخستین جلد آن در سال 1379 منتشر شده . این جلد از اثر ،آغاز شاهنامه تا پایان زال و پادشاهی منوچهر را در بر میگیرد.نامه باستان بر پایه بر نوشته فلورانس و چاپ مسکروژول مول و خالقی و مطلق انجام گرفته است.
44 نامه باستان در هشت جلد
ویژگی اثر : این کتاب را سازمان سمت در سال 1387 چاپ کرده است و هشتمین جلد از زنجیره ای است از کتاب در ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی با نام نامه باستان.
منابع زندگینامه
ttp://adabiateallameh.persianblog.ir/2http://parsisaray.blogf:a.com/3http://www.kazzazi.com4www.ketabesal.ir5تکمیل
پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر میر جلال الدین کزازی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- بهار 13866سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج 3 ، ص 1650

کسایی، ابوالحسن علی بن حمزة بن عبداللّه بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 189 ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعه است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعه بود و موافق حمزه قرائت می‌کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابوعمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبة بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی‌سریج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابوحمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابوعبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسایی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه درگذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای 193، 185، 183، 182، 180 و 197 ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»؛ «القراآت»؛ «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛ «الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول‌اللّه (ص)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (94-93/ 5)، اعلام بوفیات الاعلام (122/ 1)، اعیان الشیعه (234-233/ 8)، ایضاح المکنون (350، 345، 336، 332، 322، 313، 289/ 2، 48/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (126، 68/ 1)، تاریخ بغداد (415 -403/ 11)، تهذیب التهذیب (267/ 7)، دایرة المعارف فارسی (2219/ 2)، الذریعه (139/ 24، 15/ 19)، روضات الجنات (189 -186/ 5)، ری باستان (419/ 2، 439 -438/ 1)، ریحانه (56 -52/ 5)،

سیر النبلاء (134 -131/ 9)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (112-111 ،64 60، ،53 -52)، کشف الظنون (1730)، الکنی و الالقاب (113 -112/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 189)، معجم الادباء (203 -167/ 13)، معجم المؤلفین (84/ 7)، وقایع السنین و الاعوام (153)، هدیة العارفین (668/ 1)، هفت اقلیم (114/ 1).

کسائی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید غلامرضا کسائی داماد مرحوم آیه‌الله مجاهد امینی صاحب‌الغدیر که سالها مقیم کربلا بودند و در سال 1391 قمری مانند هزارها نفر دیگر از دانشمندان و طبقات دیگر از طرف دولت بعثی عراق اخراج و راهی بایران شده و در قم رحل اقامت افکنده و بدرس آیه‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی شرکت نموده و در ماه ذی‌القعده الحرام 1393 قمری رحلت و در قم مدفون گردیدند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

کسروی اصفهانی، ابوحسین علی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، حافظ، فقیه شافعی، ادیب، نحوی و شاعر. اصل وی از اصفهان و ساکن بغداد بود. معلم هارون، فرزند ابوالحسن علی بن یحیی بن ندیم، بود. او سپس به ابی النجم بدر معتضدی والی اصفهان، در زمان معتضد عباسی، پیوست. وی راوی شعر و تاریخ و سیر، و بر کتاب «العین» خلیل بن احمد مسلط بود. بین کسروی و ابن المعتز عبداللّٰه نامه‌نگاری و مراجعات بسیار بوده است و اشعار زیادی را سروده به هم ارسال می‌کردند. کسروی در عهد خلافت معتضد (289 -279 ق) از دنیا رفت. سال مرگ وی در «کشف الظنون» و «هدیة العارفین»، 330 ق ذکر شده است. از آثارش: «الخصال»، مجموعه‌ای از اشعار و حکم و امثال؛ «الاعیاد و النوادر»؛ «تأویل الاحادیث المشکلات الواردة فی الصفات»؛ «مراسلات الاخوان و محاورات الخلان»، که در «هدیة العارفین»، «مجاوبات الخلان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (463/ 2 ،220/ 1)، ریحانه (58/ 5)، الفهرست لابن الندیم (214)، کشف الظنون (1394 ،705)، لغت نامه (ذیل/ علی کسروی)، معجم الادباء (96-88/ 15)، معجم المؤلفین (247/ 7)، هدیة العارفین (678/ 1).

کسروی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1269- مقتول 1324 ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از 1312 تا 1320 ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه

سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[1]
(بخش 1) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز 1269- مقت. تهران 1324 ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه 1324 ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از 70 جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی‌گری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (274، 272)، از نیما تا روزگار ما (102 -90)، تاریخ انقلاب مشروطیت (8 -7 / 1)، تاریخ برگزیدگان (349 -341)، تاریخ جراید (97 -93/ 2)، چون سبوی تشنه (231)، دایرة المعارف فارسی (2220/ 2)، الذریعه (19 ،3/ 24، 266- 265، 261/ 14، 33/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (273 -265/ 5)، شرح حال رجال (22-21/ 5)، شخصیت های نامی (406 -405)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2591، 2733، 2735، 3018، 3216، 3240، 3354، 3454، 3455، 2587، 1979، 1856، 1822، 1821، 1628/ 2، 1485، 1385، 1376، 1375، 1374، 1359، 1345، 1319، 1296، 1250- 1249، 1181، 1173، 1145، 1134، 1116، 1050، 971، 769- 768، 751، 697، 696، 681،

378، 466، 470، 529، 545، 582، 583، 594، 614، 622، 633، ،636
335، ،297 ،172 ،85 ،77 ،29/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (294)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (446 -437/ 1)، یادداشتهای قزوینی (226/ 8).

کسمایی یزدی، شمس جهان

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1340 -1262 ش)، شاعر و روزنامه نگار. در یزد به دنیا آمد. وی به همراه همسرش، که تاجر بود، به عشق آباد روسیه رفت. در 1297 ش به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید. از همان آغاز به گروه نویسندگان نشریه‌ی «تجدد» به مدیریت تقی رفعت پیوست و در تحرکات اجتماعی و انقلابی آن روزگار آذربایجان مشارکت فعال داشت. وی به زبان‌های رویس و ترکی و فارسی آشنا بود. بانو شمس جهان در مجله «آزادیستان» قطعه شعری با پاره‌هایی فارغ از قید تساوی و قافیه بدی معمول پیشینیان منتشر کرد که تقلیدگونه‌ای از اشعار اروپایی بود و جزو نخستین نمونه‌های تجدد در شعر فارسی به شمار می‌آید. از او پانصد بیت شعر و آثار پراکنده‌ای از نثر به جای مانده است. با روی کار آمدن رضا شاه وی گوشه‌نشین شد و سالهای پایانی عمر خود را در تهران گذراند و سرانجام در همین شهر درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (457/ 2)، تذکره‌ی سخنوران یزد (695 -693)، چون سبوی تشنه (85-83)، زنان سخنور (104 -103/ 2)، فرهنگ سخنوران (763).

کسمایی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1299 ش)، مترجم، نویسنده و روزنامه نگار. وی در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول ادامه داد. پس از کسب لیسانس، برای ادامه تحصیل در رشته‌ی روزنامه نگاری، به مصر رفت و در این فرصت توانست در زبان عربی تبحر یابد. نویسندگی را با کار در روزنامه‌ی «امید» آغاز کرد. وی در شمار قدیمی‌ترین روزنامه‌نگاران و مدتی سردبیر مجلات «صبا» و «وحید» بود و سرانجام به همکاری با روزنامه‌ی «اطلاعات» پرداخت و فعالیتی نزدیک به پنجاه سال با این روزنامه داشت. کسمایی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی مسلط بود و علاوه بر تألیفاتش تعدادی کتاب نیز ترجمه کرده است. وی سرانجام در هفتاد و سه سالگی درگذشت. از آثارش: «عشق بزرگان»، ترجمه و تألیف؛ «بالتازار»، ترجمه؛ «خدایان عشق اشک می‌ریزند»، ترجمه؛ «دنبال زن»، ترجمه از عربی؛ «روانشناسی در خدمت بشر»، ترجمه؛ «گلهای وحشی»، ترجمه؛ «مرد خون آشام»، ترجمه؛ «احوال و آثار فرانکلین»؛ «از چند نویسنده‌ی بزرگ دنیا»؛ «پریچهرگان تاریخ»؛ «جهنم دره»؛ «علل شکست آلمان، جاسوس انگلیسی»؛ «قرن دیوانه»، بحران تمدن فرهنگ و نادانی‌های دوران دانش.[1]
مترجمه، نویسنده، روزنامه‌نگار.
تولد: 1299، تهران.
درگذشت: 16 بهمن 1372.
علی‌اکبر کسمایی پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی و کسب مدارک لیسانس در رشته‌ی ادبیات، تحصیلات خود را در رشته‌ی معقول و منقول پی گرفت.
خدمت مطبوعاتی را از سال 1316 با مؤسسه‌ی «اطلاعات» آغار کرد. مدتی نیز نمایندگی و نویسندگی روزنامه‌ی «اطلاعات» را در مصر بر عهده گرفت. کسمایی از پایه‌گذاران مجله‌ی «اطلاعات هفتگی» بود و طی خدمت مطبوعاتی خود با روزنامه‌ها و مجلات (و از جمله «جوانان») به عنوان نویسنده و منتقد همکاری داشت. مدتی سردبیری روزنامه‌ی «امید» و زمانی نیز سردبیری مجلات «صبا» و «وحید» را به عهده داشت. مدت‌ها نیز برنامه‌های مختلف رادیو ایران، از جمله «برنامه جوانان» را اداره می‌کرد. در ترجمه هم دستی داشت. علاوه بر آن چندی رییس اداره‌ی

انتشارات هواپیمایی ملی و پس از آن رایزن مطبوعاتی ایران در قاهره بود. در سال 1322 به سبب تألیف کتاب آئین کامیابی به عنوان بهترین کتاب سال به دریافت جایزه‌ی سلطنتی نایل آمده است. از دیگر تألیفات کسمایی می‌توان از جهنم دره؛ قرن دیوانه؛ عشق بزرگان؛ گل‌های وحشی؛ روان‌شناسی در خدمت بشر؛ و نیشخندهای آناتول فرانس (ترجمه) نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (150 ،142 -141)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375 ،3340 ،3316 ،2988 ،2768 ،2693 ،2530 ،2331 ،2305 ،2193 -2192 ،1760/ 2 ،1456 ،1253 ،1090 ،603 ،447 ،169 ،125 ،85/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (294)، کلک (س 5، ش 51 و 52، ص 261)، کیهان فرهنگی (س 10، ش 11، ص 61)، مؤلفین کتب چاپی (537 -535/ 4).

کشاورز صدر، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1281 ش)، حقوقدان، ادیب و نویسنده. در محلات به دنیا آمد پس از اتمام تحصلات وارد دادگستری و شغل قضاوت شد. وی در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم نماینده‌ی خرم‌آباد در مجلس شورای ملی بود و از اواخر 1329 ش به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از زمره‌ی یازده نماینده‌ای بود که طرح ماده‌ی واحده‌ی ملی کردن نفت را به مجلس پیشنهاد کردند. او همچنین مدتی استانداری تهران و گیلان و اصفهان را به عهده داشت. سرانجام در تهران بر اثر حمله‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «از رابعه تا پروین»؛ «مکتب سعدی»؛ «عقاب کمازان یا کریم خان زند»، از مرگ نادر... تا شکست علیمردان خان؛ «آیین و رویه دادرسی مدنی»؛ «آیین و رویه دادرسی کیفری»؛ «وزیران محبوس و مقتول».[1]
در 1281 ش متولد شد. پدرش آقا سید محمد کوچک در دستگاه امیر مفخم بختیاری، سمت پیشکاری داشت. سید محمد علی تحصیلات خود را در حد مدرسی انجام داد و از مدرسه عالی حقوق لیسانس گرفت و به خدمت قضاوت مشغول شد. تمام مراحل قضائی را طی کرد. مدتت‌ها دادستان و رئیس دادگستری در شهرستان‌ها بود. در 1325 مدیر کل بازرسی وزارت دادگستری شد. در دوره‌ی پانزدهم از خرم‌آباد به وکالت مجلس رسید و در دوره‌ی شانزدهم این سمت را حفظ کرد. در دوره‌ی اخیر ابتدا از حکومت رزم‌آرا طرفداری می‌نمود، بعد به دکتر مصدق نزدیک شد و عضویت جبهه ملی را پذیرفت ولی با تمام این احوال، در دوره‌ی هفدهم به مجلس راه پیدا نکرد و در عوض، دکتر مصدق او را به کار اجرائی گمارد. ابتدا استانداری گیلان را به او دادند، سپس استانداری اصفهان به او واگذار شد. در 28 مرداد 1332 در اصفهان بود، مورد تعرض عده‌ای قرار گرفت. چون جانش در خطر بود در منزل دکتر حکمی چند روز به حالت اختفا می‌زیست، سرانجام دستگیر شد. مدتی در زندان بود تا آزادش کردند. تدریجا به شغل وکالت دادگستری اشتغال ورزید و در جبهه ملی هم فعالیت می‌کرد. در کار وکالت با هدایت‌الله متین دفتری نوه‌ی دختری مصدق همکاری داشت و چون هم فکر سیاسی هم بودند، دست به اقداماتی زدند که مورد تعقیب قرار گرفته و مدتی در بازداشت بسر برد. وفات او در 1355 اتفاق افتاد. کتابی از وی به نام از رابعه تا پروین که شرح حال زنان شاعره است، و کتاب عقاب کامازون و چند تألیف دیگر

باقی مانده است. چند ماهی نیز در فترت مجلس پانزدهم و شانزدهم از طرف ساعد نخست‌وزیر وقت، رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2321/ 2 ،534 ،171 88،/ 1)، کیان (س 6، ش 3، ص 56 -55)، مؤلفین کتب چاپی (77/ 5).

کشاورز، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، پزشک، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و نویسنده. در انزلی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در رشت و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. سپس برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه عزیمت نمود و از دانشکده‌ی پزشکی پاریس موفق به اخذ درجه‌ی دکترا، در طب کودکان شد و پس از چندی معاونت بیمارستان اطفال را در پاریس بر عهده گرفت. سپس به ایران آمد و به سمت دانشیاری دانشکده‌ی پزشکی تهران منصوب شد و بعد از پنج سال به استادی دانشکده‌ی پزشکی رسید. وی در دوره‌ی چهاردهم مجلس، از طرف مردم بندر انزلی، نماینده مجلس و عضو فراکسیون حزب توده بود. در 1324 ش برای شرکت در جشن بیست ساله‌ی تأسیس دانشگاه آسیای میانه به تاشکند مسافرت کرد. وی مدیر روزنامه‌ی «رزم» بود و همچنین در 1325 ش به وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثارش: «آداب پرورش کودکان»؛ «دانستنیهای کودکان»، راهنمای پدران و مادران برای تربیت اخلاقی کودکان.[1]
در 1286 ش در گیلان تولد یافت. پدرش وکیل‌التجار گیلانی حرفه‌ی تجارت داشت و دو دوره هم به وکالت مجلس رسیده بود. کشاورز پس از اخذ دیپلم به اروپا رفت و در رشته‌ی پزشکی در پاریس ادامه تحصیل داد و تخصص خود را در زمینه‌ی کودکان دریافت نمود. پس از مراجعت به ایران به دانشکده پزشکی دعوت شد و مقام دانشیاری گرفت و در چند بیمارستان نیز ریاست بخش اطفال با او بود. وی به علت علاقه‌ی شدید به فن خود و مطالعات زیاد، در تهران فوق‌العاده مورد توجه واقع شد و همه روزه مطب وی پر از بیمار بود. واقعا در علم پزشکی اعجاز می‌کرد و پزشک دربار هم بود. در نیمه دوم 1320 که حزب توده بنیاد گرفت، دکتر فریدون کشاورز به آن حزب پیوست و یکی از فعالین درجه اول حزب مزبور گردید. امتیاز روزنامه‌ای به نام رزم گرفت که گاهی یومیه و زمانی به صورت هفتگی انتشار می‌یافت که افکار و عقاید و فعالیت‌های حزب توده در آن منعکس می‌شد. در دوره‌ی چهاردهم از طرف حزب توده کاندیدای نمایندگی مجلس شد و از بندر انزلی به وکالت مجلس رسید. در سال 1325 در کابینه‌ی ائتلافی قوام‌السلطنه به وزارت فرهنگ معرفی گردید و چند ماهی که در رأس آن وزارتخانه قرار داشت، تمام مشاغل

وزارتخانه را به افراد حزب توده واگذار نمود. پس از 1327 که حزب توده غیرقانونی اعلام گردید، وی توقیف و به زندان رفت و محکومیت یافت و سرانجام در 1329 از زندان فرار کرد. کشاورز چند سال پس از فرار خود از حزب توده کناره گرفت و حتی در مقام منازعه با آنها درآمد و افشاگری کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]ادبیات نوین (287 -286)، الذریعه (44/ 8)، روز شمار تاریخ (193/ 2 ،302 ،280 ،279 ،271/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1347 ،23/ 1)، کتاب گیلان (597/ 3 ،674/ 1)، من متهم می‌کنم (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (837 -836/ 4)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (402 -401).

کشاورز، کریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1279 ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش در مدرسه‌ی کشاورزی و سپس در مدرسه‌ی آلیانس فرانسه در تهران به پایان برد. وی در نوجوانی برای روزنامه‌ها و مجلات رشت مقاله می‌نوشت. کشاورز مدتی با کنسول‌گری روس در رشت همکاری داشت و زبان روسی را همان جا آموخت. او علاوه بر زبان‌های ترکی، روسی و فرانسه با زبان‌های انگلیسی و عربی نیز آشنا بود. وی مدتی معلم زبان فارسی در مدرسه‌ی مبلغین آمریکایی رشت بود. از اقدامات فرهنگی او تأسیس انجمن فرهنگی در رشت بود. وی پس از چندی به تهران آمد و در کنگره‌ی نویسندگان سمت منشی داشت و در همان جا با دهخدا و بهار و نیما یوشیج آشنا شد. او بیش از هفتاد سال از عمرش را به تألیف و ترجمه گذراند و کتابهای زیادی از زبان‌های روسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرد. عاقبت در تهران از دنیا رفت. از آثار وی: «تاریخ ماد»، ترجمه؛ «امضای مرموز»، ترجمه؛ «بلا»، ترجمه؛ «دشمنان»، ترجمه؛ «اشکانیان»، ترجمه؛ «ترکستان نامه»، ترجمه؛ «عشق بی پیرایه»، ترجمه؛ «نهضت سربداران در خراسان»، ترجمه؛ «اسلام در ایران»، ترجمه؛ «حسن صباح»؛ «گیلان»؛ «هزار سال نثر پارسی»، در پنج مجلد؛ «چهارده ماه در خارک».[1]
نویسنده، محقق، مترجم.
تولد: 1279، رشت.
درگذشت: 1365 18، تهران.
کریم کشاورز در مدرسه‌ی کشاورزی رشت و بعدها در آلیانس فرانسه در تهران تحصیل کرد. وی فعالیت فرهنگی خود را با مقاله‌نویسی در روزنامه‌های رشت آغاز کرد و توانست در آن شهر انجمن فرهنگ رشت را دایر کند. احاطه‌ی اصلی کشاورز به زبان روسی و فرانسوی بود. علاوه بر این به زبان گیلکی، ترکی، انگلیسی و عربی آشنایی داشت. کشاورز بیش از هفتاد سال از عمر خود را به ترجمه و تألیف گذرانید و اصولا گذران زندگی او از این راه بود.
کریم کشاورز از اعضای هئیت رئیسه «نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران» بود. داستان‌های مجموعه فی مدة المعلوم (1355) حاصل دوران تبعید او در یزد (در سال‌های آخر حکومت رضاشاه) است. از آثار ترجمه اوست:

آبیاری در ترکستان (بارتولد، 1350)؛ آشغالدونی (کارولینا ماریاژروس، 1351)؛ اشکانیان (دیاکونوف، 1344)؛ افسانه‌های کردی (رودنکو، 1352)؛ امضای مرموز (ژرژ سیمنون، 1341)؛ باران سیاه (ماسودزی ایبوسه، 1356)؛ بازی مرگ (استانلی گاردنر، 1342)؛ بلا (میخائیل لرمانتوف، 1325)؛ تاریخ ماد (ایگور میخائیلوویچ لرمانتوف، 1345)؛ تاریکی گرتلی (1345)؛ حسن صباح (برای نوجوانان، 1345)؛ چهارده ماه در خارک (1363)؛ خاطرات جنگ (شارل دوگل، 1342)؛ دشمنان (ماکسیم گورکی، 1326)؛ دوبروسکی (پوشکین، 1324)؛ دوران کودکی (ماکسیم گورکی، 1330)؛ رساله‌ی سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی (1356)؛ روستایئان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس (چخوف، 1323)؛ زارع شیکاگو (مارک تواین، از متن ترجمه شده‌ی فرانسه، 1329)؛ شبی در چهارراه (ژرژ سیمنون، 1341)؛ شهریار کوهسار (ادمون آبو، 1343)؛ عشق بی‌پیرایه (وانداوسیلوسکایا، 1346)؛ قربانعلی بک و نه داستان دیگر (محمد قلی‌زاده، 1355)؛ قهرمان دوران (میخائیل لرمانتوف، 1331)؛ کار دو طناب (ژرژ سیمنون، 1342)؛ کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول (ایلیا پاولوویچ پطروشفسکی، 1341)؛ کودکی، نوباوگی جوانی (تولستوی، 1345)؛ گزیده‌ی مقالات تحقیقی (بارتولد، 1358)؛ گیلان (برای جوانان، 1347)؛ لبخند بخت (گی دوموپاسان، 1341)؛ لنین (ماکسیم گروکی، 1323)؛ مقدمه‌ی فقه اللغه ایرانی (ارانسکی، 1358)؛ موژیک‌ها (آنتوان پاولویچ چخوف، 1323)؛ موضوع روسیه (کنستانتین سیمونوف، 1326)؛ نهضت سربداران در خراسان (پطروشفسکی، 1341)؛ وجدان گمشده (ترجمه داستان‌هایی از روسی، 1355)؛ هزار سال نثر فارسی پنج جلد، (1345)؛ یادداشت‌های حسنک یزدی در سفر گیلان (1350).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 8، ش 6، ص 338 -334)، الذریعه (270/ 15 ،171/ 8)، روزشمار تاریخ (279/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3334، 3188، 3185، 2824، 2800، 2689- 2688، 2629، 2582، 2573، 2305، 2094، 1820/ 2، 1486، 1464، 1461- 1460، 1434، 1239، 1173، 744، 513، 440، 238/ 1)، کتاب گیلان (741/ 3، 714، 713- 28/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (295)، کلک (س 2، ش 20، ص 206 -203)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 8، ص 40)، مؤلفین کتب چاپی (73 -71/ 5).

کشاورزی، آرش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بیوگرافی آرش کشاورزی :
متولد : ۲۷/۱۱/۶۵
قد : ۱۹۸
وزن : ۹۱ (اضافه وزن داره) !!
محل تولد : اسلامشهر
ساکن : تهران
اصالت : سراب
تحصیلات : دیپلم ریاضی

کشفی بروجردی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر بن العالم الجلیل السید محمد بن العلامه الورع السید ریحان‌اللّه بن العالم العلام و الحجه القمقام الایه العظمی السید جعفر کشفی بروجردی (صاحب کتاب تحفه الملوک و اجابت المضطرین و کتب دیگر از علماء اعلام و دانشمندان کرام معاصر تهرانست.
وی در ماه رجب 1321 قمری در تهران متولد شده و پس از تربیت و رشد در مهد علم و سیادت و شرف و اصالت و خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح در تهران به قم مشرف شده و چندی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده کرده آنگاه به نجف مهاجرت نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا ضیاءالدین عراقی استفاده و کسب فیض نموده و به تهران مراجعت و در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان امیرکبیر به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تا حال حاضر که قریب سی و پنج سال است بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد. از آثار ایشانست تفسیر سوره یوسف علیه‌السلام و تقریرات اساتید قم و نجف.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی بروجردی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی کشفی بن العلامه التقی السید ریحان‌اللَّه بن العالم الجلیل آیت‌اللّه السید جعفر کشفی بروجردی از علماء گذشته تهران و عموی مترجم سابق‌الذکر است که در سال 1316 قمری در تهران متولد شده و پس از تحصیل علوم جدیده نزد ادیب تهرانی و آقا شیخ علی رشتی به تعلیم علوم ادبی و عربی پرداخته و در سال 1341 قمری به قم آمده و خدمت حاج شیخ فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و مرحوم میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی تلمذ نموده و پس از آن از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری استفاده کرده تا پس از فوت آن مرحوم که به تهران مراجعت و به ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی و تفسیر که در حوزه علمیه هم اشتغال داشت پرداخته و اثرات و خاطرات نیکوئی از خود در دل مردم تهران باقی گذارد تا سال 1367 قمری داعی حق را اجابت و با تجلیل فراوان جنازه‌اش حمل به قم و در قبرستان آیت‌اللّه حایری مدفون گردیده است.
نگارنده گوید: مرحوم حاج سید مهدی کشفی مانند اسلاف پاکش از علماء مروج و پرهیزکار زمان خود بوده و شاگردان متدین و با تقوائی تربیت نموده و اجدادش دارای مقامات کشف و معنویت بودند مخصوصا مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید جعفر کشفی که صاحب تألیفات عدیده مفیده و واجد مراتب کمال و کرامت بودند و در بسیاری از کتب تراجم شرح احوالش مسطور می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کشفی جزی، روح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد 1276 هجری شمسی و متوفی به سال 1341 هجری شمسی به علت ابتلا به بیماری سرطان در سن 63 سالگی دار فانی را وداع گفت و در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان مدفون می‌باشد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه دیانت اصفهان زیر نظر مرحوم میرزا عباس نحوی و صرف و نحو و فقه و اصول را در محضر علمای طراز اوّل اصفهان مانند مرحوم میرزا شیخ علی یزدی و سیّد عبدالباقی و میرزا احمد اصفهانی و آقا عبدالجواد آدینه شروع و به پایان رسانیده و قسمتی از درس خارج را نیز نزد مرحوم آخوند ملّا عبدالکریم گزی فرا گرفته است. از سال 1303 به خدمت آموزش و پرورش که در آن موقع به وزارت معارف و اوقاف موسوم بوده، درآمد. بعداً به سمت نماینده فرهنگ شهرستان لار و داراب فارس و کازرون و اصطهبانات منصوب شد. او مجدداً به اصفهان منتقل شد و از سال 1328 به سمت رئیس اداره اوقاف نجف‌آباد منصوب و تا پایان سال 1337 یعنی پایان خدمت اداری و بازنشستگی در این شهرستان خدمت نموده است.
آن مرحوم علاوه بر مطالب علوم جدید و حوزوی در فن شعر و شاعری و شعرشناسی و تحقیق و تتبع در ادبیات فارسی و عرب شأن و مقامی‌والا داشته و در هنر خطشناسی و خوشنویسی که از میراث اجداد والامقام و دانشمند خویش بوده بهره کافی داشته و قسمتی از اشعار و حتی از قصاید و غزلیات آن مرحوم توسط فرزندان دانشمند و برومند ایشان آقایان: آقا سیّد مهدی و سیّد محمّدعلی و آقا ریحان و دکتر سیّد محمود کشفی جزی، تحت عنوان «تحفه کشفی»، به زیور طبع آراسته شده و از آثار دیگر ایشان تحت عنوان «تلخیص الأغانی» با حاشیه و برداشتهای شخصی ایشان و برگزیده‌های دیگر اعم از مطالب نظم و نثر فارسی و عربی و عرفان و یادداشت‌های دیگری موجود است که امید است با همت فرزندان ایشان، آنها نیز به زیور طبع آراسته گردند و افتخارات دیگری بر افتخارات گذشته پدر مغفور خود بیافزایند و نسبت به غنای هر چه بیشتر ادبیات فارسی و عربی و اصلاح مطالب تدوین شده در رساله‌های خویش و استنساخ شده نظیر رساله «کسر اصنام جاهلیه» از رساله «سه اصل» و «تفسیر منشئات ملّاصدرا» که توسط آن مرحوم با خط شیوا و ذوق خاص بازنویسی و حاشیه زده شده است و چند نمونه خطی دیگر که ضمیمه

همین یادداشتها شده، راه را برای مطالعه علاقمندان و دانش‌پژوهان دیگر در این راستا هموار نماید.
باید توجه داشت که آن مرحوم از سادات کشفی دارابی و از سادات صحیح‌النسب منطقه داراب و اصطهبانات فارس می‌باشد. پدرش مرحوم سیّد محمود کشفی ابن سیّد مصفی بن سیّد الجلیل ابی‌الحسن جعفر معروف به علاّمه کشفی و مادرش مرحوم طوبی‌بیگم کشفی مدفون در تکیه میر در تخت فولاد اصفهان، دختر مرحوم آقا سیّد سینا کشفی ابن سیّد جعفر کشفی بوده که بنابر آنچه در شجره‌نامه ذکر شده، با 37 واسطه به امام همام حضرت موسی بن جعفر می‌رسد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1267 -1189 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در 1208 ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبة المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملا عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابة المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفة الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیة»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایة الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبة العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[1]
مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن 13 سیزدهم (1191-1267 هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال 1357 می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می‌گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادرِ فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن 13 هجری محسوب می‌گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است.
در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال 1267 در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن 11 هجری که در صفحه 71 کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (103)، اعیان الشیعه (85/ 4)، ایضاح المکنون (631 ،58 ،48/ 2 ،259/ 1)، تاریخ بروجرد (306 -303 ،296 -280 ،273 -272/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (90 -88/ 2)، الذریعه (97/ 24 ،327- 326 ،49/ 23 ،225/ 21 ،89- 88/ 18 ،105/ 15 ،259/ 14 ،232/ 12 ،177- 176/ 10 ،911/ 9 ،471 ،87/ 3 ،121 -120/ 1)، ریحانه (61 -60/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 242 -241/ 13)، طرائق الحقائق (455/ 3)، فارسنامه (1260/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (156)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1079 -1078/ 3)، مکارم الآثار (1858 -1855/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (333 -332/ 2)، هدیة العارفین (256/ 1).

کشمیری زاده شیرازی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1339 ش)، روزنامه نگار. اهل فارس بود. در هفده سالگی وارد مدرسه‌ی ژاندارمری شیراز شد. وی با رکن زاده آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، دوستی داشت. چندی در شهربانی کل کشور و وزارت دارائی خدمت کرد و در 1312 ش به تهران آمد و در 1314 ش از خدمات دولتی کناره‌گیری کرد. وی در 1326 ش سردبیر روزنامه‌ی «ندای ایران» شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (240/ 4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (275/ 5).

کشمیری، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شید محمد رضی رضوی کشمیری که اکنون از ائمه جماعت تهران می‌باشند.
تولد ایشان در نجف اشرف واقع شده و در حجر چنان پدر متقی و عالمی پرورش یافته و علوم معموله را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه نجف آموخته و به تألیف پرداخته تا در این تحولات و انقلابات اخیر عراق که ناچار به مهاجرت به ایران گشته و در تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ترویج دین از طریق بیان و قلم اشتغال دارد و از آثاری که از ایشان به طبع رسیده کتب زیر است.
1- التحفة الرضویه فی مجربات الامامیه دو بار به طبع رسیده.
2- الاولیات من الحادثات والمستحدثات ج 1 به طبع رسیده.
3- لماذا اخترناالدین الاسلامی ج 1 به طبع رسیده.
و کتب دیگری که در شرف طبع می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کشمیری‌زاده شیرازی، نصرة الملوک، نصرت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز 1326 ش)، معلم، مترجم و روزنامه نگار. اجدادش همه دارای فضل و دانش و عرفان بودند. وی همسر محمد رضا کشمیری زاده می‌باشد. در 1320 ش از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات خارجی فارغ‌التحصیل و در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس شیراز به تدریس پرداخت. وی از معتقدان نهضت ملی نفت ایران بود. او در 1326 ش امتیاز روزنامه‌ی «ندای ایران» را گرفت. از دیگر آثارش: «چگونه می‌توان خوشبخت بود»، ترجمه؛ «سرگذشت خانواده‌ی ویک فیلد»، ترجمه؛ «گلهای خندان»، قانون تعلیم و تربیت نوزادان از قنداقه تا حد بلوغ، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (242 -241/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2767 -2766، 1967/ 2، 1112/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (560/ 6).

کشمیهنی مروزی، ابوالهیثم محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 389 ق)، فقیه، محدث، ادیب و زاهد. اصل وی از کشمیهن مرو است به عراق و حجاز سفر کرد و درک محضر شیوخ بسیاری نمود. وی «صحیح» بخاری را در فربر به کرات از ابوعبداللّه فربری شنید و آخرین کسی است که آن را به عالی‌ترین اسناد روایت کرد، لذا در شرق و غرب شهرت یافت. او در مرو از عمر بن احمد جوهری و در سرخس از ابوالعباس محمد بن عبدالرحمان دغولی و در نیشابور از ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و در ری از ابوحاتم و سقندی و در بغداد از ابومحمد جعفر بن محمد خلدی و در کوفه از ابوالحسن علی بن محمد شیبانی و در مکه از ابوسعید احمد بن محمد اعرابی و جماعتی دیگر چون (عبداللّه بن) محمد بن ابراهیم مروزی داعونی و محمد بن احمد بن عاصم و اسماعیل بن محمد صفار حدیث شنید. ابوذر هروی و ابوعثمان سعید بن محمد بحیری و ابوالخیر محمد بن ابی‌عمران صفار و ابوسهل محمد بن احمد حفصی و کریمه مروزیه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (76/ 5)، تاریخ الاسلام (حوادث 189/ 381-400)، سیر النبلاء (492 -491/ 16)، شذرات الذهب (132/ 3)، العبر (178 -177/ 2).

کعبی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس کعبی
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام و المسلمین کعبی در سال 1341 هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجةالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیةالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.
وی در سال 1355 به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می‌گیرد. با اوج‌گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال 1360 مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می‌کند.
در سال 1364 به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج حضرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.
حجةالاسلام و المسلمین کعبی با اهتمام ویژه‌ای که به مباحث تفسیری و معارف اسلامی داشت از محضر حضرات آیات: «مشکینی»، «جوادی آملی»، «مصباح یزدی» و «مظاهری» کسب فیض نمود. وی در طول

سالهای تحصیل خود در درسهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسی خود) اهمیت بسیار می‌داد. حجةالاسلام و المسلمین کعبی همزمان به تحصیل در دانشگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.
حجةالاسلام و المسلمین کعبی فعالیتهای بسیاری را در زمینه تدریس و تألیف به انجام رسانده است. او تدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شهید صدر و نیز شش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حدیث، درایه، نهج البلاغه، تاریخ اسلام، ولایت فقیه، فلسفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. استاد کعبی در دانشگاه نیز دروسی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.
او در زمینه مباحث فقهی و حقوقی دارای تألیفات بسیاری است که از آن جمله می‌توان به کتاب: «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبة»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسلام مقارناً بالنظم الوضعیة المعاصرة»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسیاری از جزوات و دست نوشته‌های ایشان به عنوان کتب درسی در مراکز حوزوی و دانشگاهی در حال تدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحدیث و الدرایة»، «مصادر الحدیث»، «مجموعه درسهایی از نهج البلاغه»، «ضمانت اجرائی قانون اساسی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسی». ارائه مقالات علمی در همایشها، ضمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضلات و پرسشهای فقهی و حقوقی از ویژگیهای بارز استاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیةالله نائینی و آیةالله شیخ فضل الله نوری»، «کنکاشی در اختیارات رهبری»، «شیوه مجازات اسلامی و اجرای علنی حدود» و «دبیر علمی همایش مردم سالاری دینی» که مجموعه مقالات آن در دو مجلد منتشر گردید، اشاره کرد.
او در کارنامه خود، سفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجام مصاحبه و مناظره با آقای تیموتی ویلیام واترز استاد دانشگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشر» از آن جمله‌اند. فعالیتهای علمی و فرهنگی، استاد کعبی را از فعالیتهای گوناگون در عرصه سیاست باز نداشته است. او که همواره

پایبندی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.
با شروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سال 1360 به لبنان رفت و همراه با شهید سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب الله لبنان و سیدحسن نصرا... به سازماندهی تشکیلات حزب الله پرداخت. او مدت 46 ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذرانده و دو بار نیز در مناطق عملیاتی مجروح شده است. از جمله فعالیتهای حجةالاسلام و المسلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسیون سیاسی ـ اجتماعی، نائب رئیسی کمیسیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کفرانی رویدشتی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی بن محمدبن قدیر. در اصفهان متولد، و در نجف در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده، و اخیرا به درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شده، و سال‌ها در محضر او تلمذ فرموده، و به ایشان اختصاص یافته، و مقرر درس ایشان بوده، و پس از فوت استاد حوزه‌ی درس داشته، و در مسجد هندی تدریس می‌نموده، و جمعی از افاضل به درس او حاضر می‌شده‌اند.
در سال 1317 وفات یافته، در نجف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کفری کرمانشاهی تهرانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1326 -1245 ق)، پزشک، مترجم و نویسنده. مشهور به کفری. در کرمانشاه به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در موطن خود و علوم دینی در نجف اشرف، برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد و طب قدیم را نزد حاج میرزا عبدالباقی اعتضاد الاطباء و طب جدید را نزد دکتر تولوزان فرانسوی آموخت. بعدها، به تشویق دکتر تولوزان، برای تکمیل رشته طب در 1287 ق به پاریس عزیمت نمود و مدت زیادی در بیمارستانها و مدارس آن شهر مشغول کار و آموختن علم بود. در 1296 ق پس از گذراندن پایان‌نامه‌ی خود موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در طب از دانشکده‌ی پزشکی آنجا شد. بعد از مراجعت به ایران، به توسط علیقلی خان مخبر الدوله، به دربار ناصرالدین شاه معرفی گشت و مدتی طبیب تلگرافخانه، معلم طب فرنگی دارالفنون، پزشک دربار قاجار و رئیس بیمارستان دولتی ابن‌سینای کنونی شد. ولی بعدها کم کم از تمام این مشاغل عزل گردید و در 1305 ق به عنوان طبیب مخصوص حسنعلی خان گروسی، امیر نظام پیشکار آذربایجان، به تبریز رفت و مدتی با او بود. پس از بازگشت خانه‌نشین شد و در خانه به طبابت و تدریس پرداخت و علاوه بر آن به ترجمه‌ی کتب علمی به خصوص طب، جراحی و هیتولوژی نیز می‌پرداخت. علت شهرت وی به کفری مخالفت تند و صریح او با خرافات و موهومات بود. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش: «امراض الاطفال»، ترجمه؛ «ضیاء الناظرین»، تشریح چشم، ترجمه؛ «کوفت»، رساله‌ای در امراض مقاربتی؛ «ژیل بلاس»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (291/ 4)، دایرة المعارف فارسی (2236/ 2)، الذریعه (184/ 18 ،131/ 15 ،348/ 2)، شرح حال رجال (278 -275/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2698 ،2243 ،1889 -1888/ 2 ،333/ 1)، المآثر و الآثار (223)، مؤلفین کتب چاپی (698 -695/ 5).

کلابزی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 340/ 316/ 312 ق)، ادیب، لغوی و نحوی. نسبتش به کلابزی به مناسبت حفظ، نگهداری و تربیت سگهای شکاری است. محضر مازنی را درک کرد و فنون ادب را از مبرد فراگرفت. او از ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی روایت کرده و ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی از وی روایت می‌کند. وی در نحو و لغت متقدم و عهده‌دار منصب قضای شام بود. او در بصره درگذشت. از آثار وی: «شرف الفقر علی الغنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (116/ 5)، ریحانه (70/ 5)، کشف الظنون (1045)، معجم الادباء (3/ 2)، معجم المؤلفین (105/ 1).

کلباد

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پسر ویسه، پهلوانی تورانی که در جنگ دوازده رخ به دست فریبرز پسر کاوس کشته شد. گویند این جنگ در کوه گنابه واقع شده:
«ز گردان گزین کرد (پیران) کلباد را
چو نستیهن گرد پولاد را»
(شا. بخ. 724 :3)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کلباسی، ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در نجف به درس آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی حاضر شده، و در سال 1337 در نجف اشرف وفات یافته، و هم در آن زمین مقدّس مدفون گردید.
در ماضی النجف و حاضرها تولّدش را 1279 در اصفهان، و وفات را در 1335 در نجف می‌نویسد، و از تألیفاتش 1- حواشی بر کفایه 2- رسائلی در فقه 3- السعة و الرزق، مجموعه احادیث مربوط به آن را نام می‌برد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، ایران

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر ایران کلباسی در سال 1318 در شهر اصفهان متولد گردید. ایشان دارای دکتری رشته زبان شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال 1351است .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دریافت گواهی نامه ششم ابتدایی : دبستان دانش ،اصفهان 1331 - دریافت دیپلم متوسطه : دبیرستان شاهدخت سابق ،اصفهان رشته علوم طبیعی ،1337 - دریافت گواهی نامه کارشناسی:در رشته زبان و ادبیات فارسی، از دانشگاه شیراز، در سال 1342 - دریافت گواهی‌نامه ارشد:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال 1346 - دریافت گواهی نامه دکتری:در رشته زبانشناسی همگانی، از دانشگاه تهران، در سال 1351
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی ایران کلباسی به قرار زیر است: - استخدام در وزارت آموزش و پرورش، در اصفهان،1337 - رئیس انستیتو تربیت معلم، وابسته به وزارت آموزش و پرورش در تهران، از سال 1351-1353 - انتقال از آموزش و پرورش به فرهنگستان سابق زبان ایران، در تهران، در سال 1353 - انتقال به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در تهران بعد از انقلاب اسلامی - استفاده از فرصت مطالعاتی، در دانشگاه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی (SOAS) در سالهای 1365-1371 - استاد، پژوهشگر و مدیر فعلی گروه گویش شناسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - مدیر فعلی گروه گویش شناسی در انجمن زبانشناسی ایران
فعالیتهای آموزشی : ایران کلباسی در دانشگاههای تهران ،شهید بهشتی ،الزهرا،علوم پزشکی ایران ، پیام نور ،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس می پردازد.
آرا و گرایشهای خاص : ایران کلباسی در زمینه گویش های ایرانی تخصص دارد و بیشتر مقالات خود را در این زمینه نوشته است.
چگونگی عرضه آثار : - تعداد راهنمایی پایان نامه های دکتری و کارشناسی

ارشد در رشته زبانشناسی همگانی : بیش از 100 رساله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها به همراه ایراد سخنرانی : بیش از 40 مورد - تعداد تالیف کتاب : 10 کتاب - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی : 56 مقاله ----------
آثار :
1 بررسی ساخت واژه در زبان رومانو(1373)
2 زبان فارسی و زبانهای محلی
ویژگی اثر : دانشکده مکاتبه ای، 1355
3 ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز
ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1371
4 ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان
ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1373
5 ساخت واژه در گویش لاری
6 ساختمان آوایی در فارسی
7 فارسی اصفهانی
ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی 1370
8 فارسی ایران و تاجیکستان
ویژگی اثر : دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، 1374
9 گویش کلاردشت (رودبارک) ببپژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ویژگی اثر : 1376
10 گویشهای ایرانی و لهجه های فارسی (1371)
11 گویشهای کردی مهاباد
ویژگی اثر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،1362
منابع زندگینامه : 1http://www.ihcs.ac.ir/User/People.aspx?ID=3322پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج 2 ، ص 14243تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر ایران کلباسی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- پاییز 1386

کلباسی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی.
عالم فاضل زاهد محقق جامع، امام مسجد حکیم، و مدرس در آنجا. عمر عزیز خود را به تألیف کتب و رسائل، و درس و بحث، و اقامه‌ی جماعت، و رفع خصومات و مرافعات می‌گذرانیده، و مواظب آداب شرعیه بوده، به طوری که کمتر مستحبی از او فوت می‌شده.
در خدمت پدر بزرگوار و جمعی دیگر تلمذ نموده، و از پدر و حاج سید محمد باقر [شفتی] و شیخ حسن نجفی [صاحب جواهر] اجازه داشته.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1 - انوار النزول 2 - رساله در آداب نفس 3 - رساله در میراث 4 - رساله در صوم 5 - رساله در جنایز 6 - رسائلی در رجال 7 - شرح تهذیب علامه 8 - شرح خلاصة الحساب 9 - شرح «نتایج» سید ابراهیم قزوینی 10 - کتابی در حدود و دیات 11 - کتابی در طهارت و صلات، با استدلال 12 - منبع الحیات، در اصول، که به فرموده‌ی حاجی، جمع عبارت علمای اصول نموده، از متقدمین و متأخرین، در 15 مجلد 13 - نور حدقة الناظرین، در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ 14 - هدیة الشیعة، که رساله‌ی عملیه‌ی ایشان است؛ و غیره.
در روز جمعه 22 ربیع‌الاول سال 1292 وفات یافته، داخل بقعه‌ی پدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلیشادی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر محمد حسین بن حاج میر محمد صادق معروف به «سید مغنی‌گو». عالم فاضل ادیب شاعر نحوی، مدرس مدرسه‌ی شاهزاده‌ها.
به مناسبت تخصص ایشان در تدریس کتاب «مغنی اللبیب» به سید محمود مغنی معروف بوده، جمعی کثیر از فضلای اصفهان در خدمت او تحصیل نموده‌اند.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- اربعیه، در نحو 2- جنگ، در متفرقات، در چهار مجلد، در کتابخانه‌ی مرحوم آقا میرزا محمد رضا الهی موجود بود، و حاوی مطالب مفیده از صرف و نحو و حدیث و اخبار و اشعار می‌بود. 3- درر منتظمه، الفیه، نسخه‌ی آن نزد نگارنده موجود است. 4- کتابی در مواعظ 5- مختصر کتاب «غرر و درر» سید مرتضی 6- مختصر اکسیر العبادات 7- محمودیة، در نحو 8- ناصریه، در نحو، و ظاهرا با محمودیه یک کتاب باشد.
صاحب عنوان در شب 5 شنبه 8 ربیع‌الثانی سال 1324 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون گردید. قبرش در قسمت‌های جنوبی خانه‌های تخت فولاد، در تکیه‌ای کوچک قرار دارد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کلینزمن، یورگن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یورگن کلینزمن در ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۶۴ در گوپینگن آلمان متولد شد. وی به عنوان بازیکن تیم ملی آلمان توانست در مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۰ به مقام قهرمانی جهان دست یابد و در سال ۱۹۹۶ نیز قهرمان اروپا شود.
کلینزمن از ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۴ و زمانی که ۴۰ سال داشت از سوی فدراسیون فوتبال آلمان به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال این کشور منصوب شد و به همراه الیور بیرهوف و یوآخیم لو تصمیم گرفت تا تیم ملی آلمان را در کشور خودش قهرمان جهان کند. او پس از اینکه با تیم جوان آلمان توانست در مقابل برزیل بازی را با نتیجه مساوی یک بر یک به پایان برساند
توانست تیم ملی آلمان را در مقابل تیم ملی اتریش پیروز از زمین بیرون آورد.
سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان چند ماه مانده به برگزاری مسابقات جام جهانی 2006 مورد انتقادات شدید از سوی رسانه‌ها، سیاستمداران و ورزش دوستان قرار گرفت. بخصوص پس از شکست ۴ بر ۱ تیمش در مقابل تیم ملی ایتالیا در اول مارس ۲۰۰۶ در معرض انتقادات بیشتری قرار گرفت.
افتخارات کلینزمن: قهرمانی جهان ۱۹۹۰
قهرمانی اروپا (کاپیتان) ۱۹۹۶
قهرمانی جام یوفا ۱۹۹۱- ۱۹۹۶
قهرمان لیگ آلمان ۱۹۹۷
قهرمان باشگاه‌های آلمان ۱۹۹۷
قهرمان سوپرجام ایتالیا ۱۹۸۹
آقای گل بوندس لیگا ۱۹۸۸
آقای گل جام یوفا ۱۹۹۶
بهترین بازیکن آلمان ۱۹۸۸ و ۱۹۹۴
بهترین بازیکن لیگ برتر انگلیس 1995

کماری، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی موسوی ابن العالم الجلیل الحاج سید محمد کماری که به بیست و شش واسطه بامام هفتم علیه‌السلام می‌رسد از علماء مبرز و دانشمندان ممتاز معاصر تهرانست.
وی در بیست و ششم ذی‌الحجه 1323 قمری در تبریز متولد شده و در مهد علم و کمال پرورش یافته و پس از خواندن اولیات سطوح را در خدمت مرحوم حاج مولینا و آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خوانده و در سال 1346 قمری به قم آمده و در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت قدس اللّه اسرارهم تلمذ نموده و در سال 1350 مهاجرت به نجف و حدود ده سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی رضوان اللّه علیهم استفاده کافی و وافی نموده و در سال 1360 قمری با دریافت اجازات اجتهاد از آیات عظام نجف مراجعت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و تا اکنون بتدریس و امامت و انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در مسجد امامزاده زید واقع در بازار تهران اقامه جماعت می‌نمایند.
از آثار علمی ایشانست کتابهائی که نگارنده مطالعه کرده ولی متأسفانه بطبع نرسیده و بعضی از آن هم تکمیل نشده است و آنها از این قرار است 1- مباحث الفاظ دو جلد 2- مباحث عقلیه 2 جلد 3- رساله‌ای در اجاره 4- رساله‌ای در قاعده لاضرر 5- کتابی در حج و مناسک آن علمی و استدلالی 6- شرحی بر وسیله.
(1323- ز 1360 ق)، عالم دینی و فقیه. نسب وی به بیست و شش واسطه به امام هفتم (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پدرش، آیت‌اللّه سید محمد کماری از علمای معروف تبریز بود. او میان خانواده‌ای اهل کمال پرورش یافت. پس از فراگیری مقدمات، سطوح را در خدمت حاج مولانا و میرزا ابوالحسن انگجی و حاج سید موسی خسروشاهی و حاج میرزا علی اصغر ملکی خواند. در 1346 ق به قم رفت و در خدمت میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه شیخ محمد علی حایری قمی و آیت‌اللّه حایری

یزدی و آیت‌اللّه حجت تلمذ نمود. در 1350 ق به نجف مهاجرت کرد و حدود ده سال از محضر آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کافی برد و در 1360 ق با دریافت اجازات اجتهاد از استادانش در نجف، به تهران آمد و به تدریس و امامت و انجام وظائف دینی پرداخت. از آثارش: «مباحث الفاظ»، در دو مجلد؛ «مباحث عقلیه»، در دو مجلد؛ رساله‌ای در «اجاره»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ کتابی علمی و استدلالی در «حج و مناسک»؛ شرحی بر «وسیله».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (535 -533/ 4).

کمال اصفهانی، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 / 1325 / 1324 -1250 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به کمالی. در ابرقو به دنیا آمد. در کودکی به اتفاق پدر و خانواده‌اش به اصفهان مهاجرت کرد و در همان شهر به پیشه‌ی آهنگری مشغول شد. او از بیست و سه سالگی شروع به تحصیل کرد و خواندن و نوشتن آموخت. سپس به تهران آمد و با همکاری سید ابراهیم خان کرمانی و سید محمد رضا مساوات و شیخ احمد قزوینی به مجامع آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان راه یافت و با سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی مهیج به یاری آنان برخاست. کمالی در 1289 ش روزنامه‌ی «پیکار» را تأسیس و منتشر کرد که بعد از چند شماره توقیف شد. وی در دو دوره نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای ملی بود، ولی چون طبعش مایل به سیاست نبود مجالست با ادبا و نویسندگان را بر نمایندگی مجلس ترجیح داد و تا روزگار پیری با شعرا و نویسندگان جوان معاشرت داشت. وی سرانجام در تهران درگذشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» وفات او را 1355 ق (حدود 1315 ش) ذکر کرده است. از آثارش: افسانه‌ی تاریخی «لازیکا»، رمان؛ «مظالم ترکان خاتون»، رمان؛ منتخب «اشعار» صائب؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات معاصر (83 -82)، ادبیات نوین (66 -65)، از نیما تا روزگار ما (229 -228)، تاریخ جراید (87 -86/ 2)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (390 -388)، تذکرة القبور (376)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (807 -805)، الذریعه (373/ 22، 161/ 21، 268/ 18، 921/ 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (293 -288/ 5)، سخنوران نامی (357 -348/ 1)، سخنوران نامی معاصر (2963 -2958/ 5)، فرهنگ سخنوران (770)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1573، 290، 230/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ کمالی)، مؤلفین کتب چاپی (980 -979/ 2)، نخبگان سیاسی ایران (554/ 4).

کمال اصفهانی، زین‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، شاعر و روزنامه‌نگار. پدرش از علمای بزرگ و خطبای نامور بود. کمال در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان رساند. آنگاه در رشته‌ی علوم اداری و مدیریت به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. در 1325 ش به استخدام دولت درآمد و در مشاغل مختلف مدیریت انجام وظیفه کرد. وی از 1322 ش به روزنامه‌نگاری پرداخت و در آغاز با عباس خلیلی، مدیر روزنامه‌ی «اقدام»، همکاری نزدیک داشت. وی در 1339 ش اقدام به تأسیس انجمن ادبی کمال کرد. کمال از شعرای توانا و خوش قریحه بود و شعر مادر او به نام «جان هستی» برنده‌ی جایزه اول شعر تهران گردید که بیت اول آن این است:
ز ما بر تو ای جان هستی درود
که بگرفته هستی ز تو تار و پود
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (2957 -2951/ 5)، فرهنگ سخنوران (767).

کمال پور، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد کمال پور ، متخلص به « کمال » در سال 1297 ، در مشهد دیده به جهان گشود. از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال 1310 که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد. استادکمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید. او سرانجام در روز چهارشنبه 23 شهریور 1379 ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد کمال پور از پنج سالگی در مکتبخانه شیخ موسی و در محله های سرشور به آموختن قرآن ، دیوان حافظ و گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در مدرسه نظمیه که بعدها دبیرستان ابن یمین نام گرفت ، تحصیلات دوره ابتدایی را سپری کرد. تا سال 1310 که پدرش در قید حیات بود ، روزها را به تحصیل و شب ها را به خواندن شاهنامه حکیم توس در نزد پدر می گذراند. با درگذشت پدر مجبور به ترک تحصیل شد و در منزل دایی اش که سرپرستی اش را به عهده گرفته بود ، به مطالعه و تتبع در شاهنامه ادامه داد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد کمال پور که در سیزده سالگی پدر خود را از دست داد ، ناچار برای تحصیل و معیشت ، شاهنامه خوانی را وسیله کسب درآمد قرار داد ؛ او روزها به مدرسه می رفت و شب ها به شاهنامه خوانی می پرداخت.
استادان و مربیان : احمد کمال پور شاهنامه خوانی را نزد پدر فراگرفت.

محمود فرخ در ارشاد و راهنمایی شعر او از عوامل موثر بود و سپس از استادان دکتر فیاض ، دکتر رجایی ، و نوید بهره ها گرفت.
هم دوره ای ها و همکاران : احمد کمال پور در انجمن های ادبی با افرادی چون باقرزاده (بقا) ، صاحبکار ، (سهی) ، قهرمان و غلامرضا قدسی معاشرت داشت.
زمان و علت فوت : احمد کمال پور در روز چهارشنبه 23 شهریور 1379 ، در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد ، بر اثر عارضه قلبی دار فانی را وداع گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد کمال پور اشتغال به کار را با کفاشی در بازار آغاز نمود. او در بازار توفیقی نیافت ، لذا حرفه کفاشی را رها کرد و به انجمن های ادبی پیوست. پس از فوت استاد فرخ ، استاد کمال تا آخرین روزهای زندگی ، مسئولیت انجمن ادبی آستان قدس رضوی را در صحن جمهوری حرم مطهر امام رضا (ع) عهده دار گردید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد کمال پور در آن هنگامی که شاعری را تجربه می کرد به انجمن ادبی سرگرد نگارنده راه
آرا و گرایشهای خاص : احمد کمال پور که در شعر تخلص «کمال» را برگزید ، استاد قصیده سرایی به سبک خراسانی در عصر حاضر بود و به آن افتخار داشت: من خراسانی ام این است کمال من که سخن گویم ، با سبک خراسانی از سوی دیگر عشق به فردوسی و شاهنامه در روح و جان او ریشه داشت. او از خردسالی با این شاهکار ادب پارسی خو گرفته بود و شعر او در شاهراه حماسه و اسطوره به هدایت سخن سرای بزرگ توس جلوه گری داشت: کمال خراسانم و چامه ام را کند شاعر سیستان رهنمایی
جوائز و نشانها : در مهر ماه 1372 به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان ، کنگره بزرگداشت احمد کمال پور در محل دانشکده ادبیات مشهد برگزار شد. ----------
آثار :
1 آیینه کمال
ویژگی اثر : در سال 1356 این مجموعه ، به کوشش محمدحسین ساکت ، در زمان بزرگداشت کمال چاپ گردید.
منابع زندگینامه :روزنامه جام جم ، 30 مهرماه 13792سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف : سید محمدباقر برقعی ، ج5 ، قم : انتشارات خرم ، ص 2944

کمالا فد شکویی فارسی شیرازی، کمال‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1110 ق)، عالم دینی، مفسر و ادیب. معروف به میرزا کمالا و میرزا کمال‌الدین. نسبت وی به فدشکوی فسا می‌رسد. او داماد ملا محمد تقی مجلسی اول بود. از آثار وی: «بیاض الکمالی»، در مباحث متفرقه که بیشتر آن فواید رجالی و تاریخی است؛ شرح «شواهد مطول»؛ شرح منظوم «قصیده‌ی تائیه» دعبل خزاعی، که در 1103 ق تألیف یافت؛ «القیود الوافیة»، در «شرح الشافیة» ابن‌حاجب، در علم صرف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (202)، الذریعه (227/ 17 ،12/ 14 /170، 3)، روضات الجنات (365 -364/ 5)، ریحانه (64 -63/ 6)، فارسنامه‌ی ناصری (1394/ 2)، فوائد الرضویه (366)، الکنی و الالقاب (227/ 3)، گنجینه‌ی دانشمدان (103 -102/ 6).

کمال‌الدوله میرپنج، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1315 ق)، مترجم. معاصر مظفرالدین شاه قاجار بود. در زمان صدارت میرزا یوسف خان مستوفی الممالک سمت منشی باشی داشت و در 1314 ق ملقب به کمال‌الدوله گردید و در 1315 ق به منصب استیفای درجه‌ی اول منصوب شد. از آثار وی: «ابواب الحکم»، ترجمه‌ی چهارصد و سی کلمه از «کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)» ؛ «الف النهار»، ترجمه، در مقابل «هزار و یک شب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (24/ 26، 294/ 2)، فرهنگ رجال قاجار (146)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (320، 102/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ کمال‌الدوله)، مؤلفین کتب چاپی (626 -625/ 2).

کمال‌الدین محمود

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1108 ق)، حکاک. از طراحان پرمهارت فلزات سخت بود که در نقش تصویر و حکاکی بر روی فلزات، دستی با حلاوت داشت و خط نستعلیق را نیز نیکو می‌نوشت. از آثار وی قطعه فولادی است که طلاکوبی گشته و حواشی آن به نقوش اسلیمی آراسته شده و با برشهای استادانه‌ای عمل آمده، با رقم: «عمل کمال‌الدین محمود 1108».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (550/ 2).

کمال‌الملک، سمیرمی، علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سمیرمی، علی بن احمد بن حرب از مشاهیر نویسندگان فارسی (ف. 516 ه.ق). وی وزیر محمود بن محمد بن ملکشاه شد. نام او را در جزو کارداران دولت سنجر نیز نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی دزفولی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1292 ش)، شاعر و خطیب. وی نواده‌ی سید حسین ظهیر الاسلام بود. در دزفول به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و اهواز به پایان رساند. سپس به تهران آمد و در دانشکده‌ی معقول و منقول به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس نایل شد. او به فعالیت‌های دینی و تبلغیی و اجتماعی می‌پرداخت و در سرودن شعر مهارت داشت. وی چندی نیز مدیر عامل جمعیت شیر و خورشید سرخ و رئیس انجمن معتمدین محل بود. از کارهای فرهنگی او «هزار سخن» محمد حجازی است. از دیگر آثار وی: «عزیز و نگار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (2967 -2964/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3397/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (296)، مؤلفین کتب چاپی (353 -352/ 4).

کمالی، اصفهانی، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حیدرعلی اصفهانی، شاعر و نویسنده‌ی ایرانی (و. ابرقو 1288 ه.ق- ف. 1325 ه.ش) وی به امر پدر پیشه‌ی آهنگری آموخت و معلومات مقدماتی را در اصفهان فراگرفت و سپس به تهران سفر کرد و به کار بلورفروشی مشغول شد. در آغاز مشروطه به یاری آزادی‌خواهان برخاست. مقالات و اشعار در اغلب جراید تهران و در روزنامه‌ی پیکار (به قلم او) منتشر می‌شد. دیوانش بطبع رسیده، کتاب: «مظالم ترکان خاتون» و افسانه‌ی «لازیکا» و «منتخب اشعار صائب» از آثار او چاپ شده. کمالی در دوره‌های هفتم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کمالی، حیدر علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج محمد مهدی، در شوال 1288 متولد، و در ذی حجه‌ی 1365 در طهران وفات یافت.
شاعر و ادیب و نویسنده‌ی ماهر بوده، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است: 1- دیوان اشعار 2- لازیکا 3- مظالم ترکان خاتون 4- منتخبات اشعار صائب؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کمره ای، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1320 ق)، عالم دینی، فقیه، مترجم و نویسنده. در کمره خمین به دنیا آمد و پس از خواندن مقدمات نزد پدر به سلطان آباد (اراک) رفت و پس از انتقال حوزه علمیه به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حائری و مدرسین بزرگ استفاده نمود. او در 1347 ق از آیت‌اللّه حایری اجازه‌ی اجتهاد یافت. وی فلسفه و ریاضیات را نزد اساتید قم فراگرفت و نزدیک دو سال نیز در اصفهان درس خواند، آن گاه به نجف مهاجرت نمود و چند سالی از درس و بحث آیت‌اللّه میرزا محمد حسین نایینی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین کمپانی و دیگران بهره‌مند شد و به مدارج عالیه علم نایل آمد و از اساتید خود اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. سپس به تدریس متون فقه همچون «مکاسب» و «کفایه» و رسایل و غیره پرداخت و در حدود 1360 ق به ایران بازگشت و بعد از چند سال به شهر ری رفت و به تألیف و تدریس و ترجمه مشغول شد و کتاب‌های بسیاری شامل ترجمه و تألیف و شرح از خود باقی گذاشت. از آثارش: ترجمه و تنظیم برخی از مجلدات «شرح نهج‌البلاغه» خویی، و تألیف به سبک آن؛ ترجمه‌ی «اصول کافی»؛ ترجمه‌ی «امالی» شیخ صدوق؛ ترجمه «خصال» شیخ صدوق؛ ترجمه «اکمال الدین» شیخ صدوق؛ «رموز الشهادة»، ترجمه‌ی «نفس المهموم» محدث قمی؛ ترجمه «مفاتیح الجنان» محدث قمی؛ ترجمه جلد چهاردهم «بحارالانوار»، در ده جلد، به نام «آسمان و جهان»؛ «الدین فی طور الاجتماع»؛ «روحانیت و اسلام»؛ «انتخابات اساسی حکومت ملی، اصلاح مجلس شورای ملی»؛ «فصل الخصومة فی الورود و الحکومة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (518 -517)، گنجینه‌ی دانشمندان (44 -43/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (11/ 2).

کنی سلطان العلماء، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ مهدی سلطان العلماء فرزند شیخ جواد شاه عبدالعظیمی کنی سالها در قم تحصیل کرده آنگاه به نجف مهاجرت و چندین سال در آن سامان از آیات بزرگ چون مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّه اصطهباناتی و دیگران استفاده نموده و در سال 1373 ق بوطن مراجعت و در مسجد بالاسر به اقامه جماعت اشتغال تا در ماه رمضان 1389 ق که از دنیا رفته و در مسجد بالا سر محل نمازش مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی شاه عبدالعظیمی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ جواد بن شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی شاه عبدالعظیمی عالمی فاضل بوده مشرف به نجف شده و خدمت میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی تلمذ نموده آنگاه مراجعت به ری و قیام بوظائف دینی از امامت و غیره نموده است تألیفاتی بنامهای زیر دارد:
1- نور الافاق 2- خصایص العظیمیه که طبع شده 3- تذکره ری 4- تحفه العظیمیه 5- اخبار العظیمیه 6- زبده الانساب و غیرها در سوم جمادی‌الثانی 1355 وفات نموده و در ایوان آئینیه حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ عبدالرحیم بن العالم الجلیل حاج آغا بزرگ بن العلم العلام حاج شیخ مهدی بن ملا رجبعلی لاریجانی یکی از اسباط علامه کنی و علماء معاصر و بنام شهر ری میباشند.
وی در سال 1323 ق در زاویه مقدسه شهر ری و جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد شده و در بیت اصیل و ریشه‌دار و محیط علم و روحانیت پرورش و دروس جدیده را طبق معمول خوانده تا آنگاه بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و ادبیات را نزد والد ماجد خود شروع نموده و پس از اتمام آن مهاجرت به قم کرده و سطوح را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی استفاده و سطوح عالی را از مرحومین آیتین آقا میرزا محمد فیض و آقا میرزا محمد کبیر بهره‌مند شده سپس از حوزه درس مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری مؤسس حوزه استفاضه نموده و در طول سالها با رشته‌های علوم اسلامی آشنا و باخذ دانشنامه مدرسی در رشته معقول و منقول و نیز موفق و مسافرتی باعتاب عالیات نموده و از محضر آیات عظام نجف مانند مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند و بدریافت اجازه نائل آنگاه بوطن برگشته و در مسجد صحن مطهر به اقامه جماعت و ترویجات دینی و انجام وظائف مذهبی و روحی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان متین و با صفاست و در کمال سادگی و بی‌آلایشی زندگانی نموده و می‌نماید ادام اللّه عزه و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد رضای کنی داماد معظم آیت‌اللَّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای امام مسجد جلیلی واقع در خیابان ایرانشهر، وی در کن در خاندان ایمان و تقوائی بدنیا آمده و پس از خواندن دروس جدید. به قم مهاجرت و مقدمات و سطوح متوسط و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته و بدرس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعض آیات دیگر شرکت نموده و پس از آن در تهران رحل اقامت و تاکنون در مسجد مذکور به امامت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

کنی، ملا علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الحاج ملا علی کنی عطراللَّه مرقده، تولدش در سال 1220 ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللّه العظمی شیخنا الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال 1224 ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل حرکت باین طرف و آن طرف نموده تا خداوند منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللّه کنی مرا از سلطنت خلع کند چه می‌توانم بکنم، در سال چندین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.
مآثر و آثار ص 138 گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.
اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره‌ها تصنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبار این بزرگوار در دین و دولت و ملک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش

از آسیا بقسمتهای کره ارض نیز رفته و همه جا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشاه (ناصرالدین شاه) باین عالم عامل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.
احسن الودیعه (ج 1- ص 101) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صاحب اختراعات و استنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعاظم و حکام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لا تاخذه فی اللّٰه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللّٰه العظمی بلا کلام و النائب المرضی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام 1306 در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانده و روز یکشنبه غره صفر سال مذکور حمل بشهر ری و جوار حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام با ازدحام عام و احترام تمام گردیده و در مسجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصرالدین شاه معروف است دفن گردید و در رثاء او شعراء عرب و عجم قصائدی سروده و ماده تاریخ مناسبی سرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش
علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا
علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:
1- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب 2- کتاب طهاره 3- کتاب صلوه 4- کتاب بیع 5- کتاب قضاء و شهادت که در 1404 ق در تهران چاپ سنگی شده 6- توضیح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده 7- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.
نگارنده گوید: شرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار این اندازه قناعت.
فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.
نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-
1- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام

در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:
حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:
مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.
پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.
و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.
نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.
2- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.
3- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.
44- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.
حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجةالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که

مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.
نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّه.
(1306 -1220 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملا علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت، فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلة القرآنیة»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایة و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارة»؛ «الصلوة»؛ رساله «ارشاد الامة»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (138/ 5)، اعیان الشیعه (302/ 8)، الذریعه (57/ 11 ،499 -498 ،427/ 4 ،483 -482/ 3 ،499/ 2)، ریحانه (98 -97/ 5)، شرح حال رجال (352 -349/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1507 -1504/ 14)، علماء معاصرین (27 -25)، فوائد الرضویه (299 -298)، قصص العلماء (122)، المآثر و الآثار (138)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1098/ 3)، معجم المؤلفین (171/ 7)، مکارم الآثار (699 -697/ 3)، یادداشتهای قزوینی (213/ 8).

کواری، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1304 ق)، خطاط و منشی. از سادات حمزوی کوار شیراز بود. وی در شیراز به تحصیل مقدمات علمی پرداخت و در جوانی مورد توجه محمد رضا خان قوام الملک قرار گرفت و در دستگاه وی ملازم و منشی شد. کواری خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. او به هنگام تألیف «فارسنامه‌ی ناصری»، 1304 ق، هنوز می‌زیسته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (167/ 1)، فارسنامه‌ی ناصری (1465/ 2).

کوثری، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله کوثری در سال 1325 شمسی در شهر همدان متولد شد.کوثری از جمله مترجمانی است که ادبیات امریکای لاتین را ترجمه کرده و در شناساندن این ادبیات به اهل فرهنگ ایران، تلاش فراوانی است. از عبدالله کوثری، بیش از 50 عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است. کتابهای "جنگ آخر زمان" و "خاطرات پس از مرگ" ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالله کوثری تحصیلات ابتدایی متوسطه را در تهران سپری کرد و در سال 1344 شمسی از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته اقتصاد دانشگاه ملی (شهید بهشتی) گذراند و در سال 1348 شمسی موفق به اخذ لیسانس گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالله کوثری از همان سالها در نشریات ادبی اشعار آقای کوثری چاپ می شد. وی ترجمه را از سال 1352 شروع کرد و در کنار ترجمه، در امر ویرایش کتابهای ترجمه شده در زمین؟ علوم انسانی نیز فعالیت می کرد.
جوائز و نشانها : کتابهای "جنگ آخر زمان" و "خاطرات پس از مرگ" ترجمه عبدالله کوثری، به ترتیب در دورهای هیجدهم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.
چگونگی عرضه آثار : از عبدالله کوثری، بیش از 50 عنوان کتاب در حوزه ادبیات و اقتصاد ترجمه شده است؛ از جمله «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «آئورا» از کارلوس فوئنتس، «خوان رامون خیمس» از هاواردتی یانگ، «الکساندر پوشکین» از جی ناماس شا و... «گزیده شعرها» نام کتابی است که در سال 1377 به چاپ رسیده و در آن 43 قطعه شعر سروده شده عبدالله کوثری طی سال‌های 1346 تا 1373 ارایه شده است. ----------

-
آثار :
1 آئورا
ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? کارلوس فوئنتس نشر تندر
2 آدام اسمیت
ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? د.د. رافائل نشر طرح نو
3 آنتوان بلوایه
ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? پل نیزان نشر توس
4 پوشکین
ویژگی اثر : ترجمه، نوشت? تامس شا نشر نسل قلم
5 تراژدی اورستیا
ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? آیسخلوس نشر تجربه
6 جنگ آخر زمان
ویژگی اثر : تالیف:ماریو بارگاس یوسا؛ترجمه: عبدالله کوثری.- تهران: آگه، 1377 [توزیع 1378].- 919ص.این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «جنگ آخر زمان» جنگ آخر زمان/ ماریو بارگاس یوسا؛ عبدالله کوثری.- تهران: آگه، 1377 [توزیع 1378].- 919ص. رمان جنگ آخر زمان شاهکار ادبی یوسا، نویسند? برجست? اهل پرو است که به سبکی رئالیستی (و به دور از هرگونه «نوپردازی») نوشته شده است. از ویژگیهای این رمان، ترسیم فضای بومی و حال و هوایی است که مختص کشورهای لاتین است و رویدادهای آن به قرن نوزدهم مربوط می شود. شیو? روایت این رمان وابسته به فضای اسطوره ای- حماسی آن است که به شیوه ای ساده و صریح و سنتی صورت می گیرد و در آن از بازیهای شکلی خبری نیست. در هر بخش رمان به تناوب، شخصیتهای رمان معرفی می شوند و گذشته شان درکمال ایجاز و اختصار شرح داده می شود و در کنار این معرفی شخصیتها، ماجرایا حادث? داستان نیز دنبال می شود. مترجم محترم در ترجم? حاضر ضمن رعایت دقت و امانت در انتقال مطالب و مضامین، به حفظ سبک نویسند? کتاب نیز وفادار مانده و کوشیده است ترجمه ای استوار، روان و خوشخوان به دست دهد. تلاش مترجم در رساندن پیام کتاب یوسا به زبان فارسی با بیانی روشن و دلنشین ستودنی است.
7 خاطرات پس از مرگ
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.آگه آشنایی با کتاب: خاطرات پس از

مرگ خاطرات پس از مرگ براس کوباس / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمة عبدالله کوثری. - تهران: مروارید، 1382 داستانهای برزیلی - قرن 19 ژواکیم ماریا ماشادو دِ آسیس (1839 - 1908) نویسندة برزیلی، از نامدارترین نویسندگان قرن نوزدهم آمریکای لاتین و از بهترین آنها در همة زمانهاست. در خانواده‌ای فقیر زاده و در کودکی یتیم شد. زندگی را نخست با کار کردن در چاپخانه و آنگاه با روزنامه‌نگاری و سپس با نویسندگی می‌گذراند. در برزیل به شهرت و منزلت دست یافت و اولین رئیس آکادمی ادبیات این کشور شد و تا پایان عمر در این سمت برجا بود. ماشادو در خلق طرح‌های پیچیدة روانی و آنچه مایة آزار انسان است، استادی بی‌بدیل بود. خاطرات پس از مرگ براس کوباس شاهکار ماشادو به شمار می‌رود و نویسنده در آن با آمیزش هنر کامل نقل و طنزنویسی، محیطی خاص به وجود آورده است. داستان خاطرات ثروتمندی را شرح می‌دهد که در عشق با ناکامی و تیره‌روزی همراه است. قهرمان کتاب در واقع نویسنده است که اندیشه‌ها، آرزوها، خاطرات، رؤیاها و احساس‌های خویش را در ضمن توصیفی از آداب و رسوم بیان کرده است. ماشادو در آثار خود توانسته است نثر برزیل را از حالت منطقه‌ای و تصویر منظره‌ها و آداب و رسوم خاص آن خارج کند و به مطالعة بشر از نظر کلی و جهانی نزدیک شود. او به وسیلة تحلیل دقیق روانی و تحقیقی استادانه موفق گشته است احساس تلخ ناکامی‌های خود را در ورای لحن مطایبه‌آمیز و طنز آرام و لطیف بپوشاند و ناپیداترین گوشه‌های زندگی را چون مسائلی عالی آشکارا پیش چشم گذارد. آثار داستانی ماشادو یک سلسله پردة نقاشی منعکس‌کنندة واقعیت‌هاست و بیان موجز او که از زبان و فرهنگ عامه رنگ دارد، وی را یکی از بزرگترین نویسندگان زبان پرتغالی ساخته است.

8 خودم با دیگران

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? کارلوس فوئنتس نشر قطره

9 روانکاو و داستان‌های دیگر

ویژگی اثر : ترجمه، آشنایی با کتاب: روانکاو و داستان‌های دیگر روانکاو و داستان‌های دیگر / نوشته ماشادو دِ آسیس، ترجمة عبدالله کوثری - تهران: لوح فکر، 1382. مجموعة روانکاو و داستان‌های دیگر، شامل یک داستان بلند و یازده داستان کوتاه از نویسندة مشهور برزیلی ژواکیم مآریا ماشادو دِ آسیس است که توسط مترجم نامدار عبداله کوثری به زبان فارسی ترجمه گردیده و انتشارات لوح فکر آن را منتشر کرده است. نثر شیوا و روانی که مترجم برای برگرداندن متن به زبان فارسی به کار برده، واجد چنان ویژگی‌های ممتازی است که خواندن ترجمة این مجموعه داستان نه فقط افادة لذت می‌کند، بلکه همچنین مشابه همان تأثیری را در خوانندة

فارسی زبان باقی می‌گذارد که متن اصلی در خوانندهٔ اسپانیایی زبان می‌گذارد. مترجم با دقتی لغت‌شناسانه و با وسواسی محققانه کوشیده است تا سطح کلام را در گفتار هریک از راویان یا شخصیت‌های داستان‌ها متناسب با متن اصلی حفظ کند. به این منظور، وی علاوه بر گزینش دقیق برابرهای مناسب برای واژگان، به نحو یا ترکیب واژه‌ها در جمله نیز توجه نشان داده است. مترجم به سبب تسلطی که به سبک نویسنده دارد، موفق شده است متنی را به خوانندهٔ فارسی‌زبان عرضه کند که تا حد امکان مؤلفه‌های متمایزکنندهٔ طرز داستان نویسیِ ماشادو دِ آسیس را هم شامل می‌شود. رعایت امانت در ترجمه، به کارگیریِ معادل‌های دقیق و کوششِ درخور تحسین برای حفظ یا بازآفرینی سبک متن اصلی، از جملهٔ بارزترین ویژگی‌های ممتازِ این ترجمه است.

10 شکسپیر

ویژگی اثر : ترجمه،نوشت? جرمین گریر نشر طرح نو

11 کارلوس فوئنتس

ویژگی اثر : ترجمه، نوشت? لانین. آ. گیورگو نشر نسل قلم

منابع : زندگینامه

1http://www.ibna.ir/vdcauin6.49nm015kk4.html2www.ketabesal.ir

کوزه کنانی تبریزی نجفی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1327/ 1321 ق)، عالم دینی و واعظ. اصل وی از کوزه‌کنان تبریز بود. از شاگردان شیخ حسن فاضل مامقانی و سید حسین کوه کمری و فاضل ایروانی بود. او به علامه فاضل مامقانی بسیار نزدیک بود و از وی روایت می‌کرد و دخترش را به شیخ عبداللّه، فرزند فاضل مامقانی، تزویج کرد. وی پیرو مسلک اخباری بود. در کاظمین درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی استادش، شیخ حسن مامقانی، دفن شد. کوزه کنانی در اخبار آل محمد (ع) تتبعات بسیار داشت. از آثار وی: «ایقاظ العلماء و تنبیه الامراء»؛ «روضة الامثال»؛ «هدایة الموحدین»، در اصول دین، به فارسی، در سه مجلد؛ «مباحثة النفس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (12/ 3)، دانشمندان آذربایجان (31)، الذریعه (197/ 25، 40/ 19، 288/ 11، 504/ 2)، ریحانه (102/ 5)، سخنوران آذربایجان (132)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 109/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1099/ 3)، معجم المؤلفین (298/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (449 -448/ 1).

کوشا، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1292 ش)، ادیب و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی با مدرک لیسانس فارغ‌التحصیل گردید. سپس وارد خدمت فرهنگ شد. وی در دوران خدمت عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: دبیری و بازرسی فنی، ریاست دبیرستان‌ها در شهرهای همدان و تهران و کرمانشاه، مؤسس دبستان خاقانی، معاونت دارالفنون، بازرسی وزارت فرهنگ بود. از آثار وی: «انشاء ابتدایی مصور»؛ «بدیع و قافیه و عروض»، برای دوره‌ی دوم متوسطه؛ «دستور زبان»؛ «راهنمای امتحانات نهایی»؛ «فارسی و تاریخ ادبیات»؛ «فارسی و دستور زبان»؛ «منتخب نظم و نثر فارسی». سه کتاب اخیر با مشارکت چند تن از اساتید گروه ادبیات به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3152، 2384، 1636/ 2 473، 364/ 1)، کتابشناسی موضوعی ایران (88/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (298)، مؤلفین کتب چاپی (452 -450/ 1).

کوشا، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی کوشا
محل تولد : بیجار گروس- سیرلان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
در تاریخ 1/1/1331 در یکی از روستاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از 14 روز به روستای «سیرلان» کوچ می کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرستان در شهر بیجار شدم. تا کلاس یازده نظام قدیم در بیجار و سال آخر دبیرستان را در شهرستان «سقز» به پایان رساندم و سال 1353 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مقدمات را خواندم و سپس در حلقه های دروس دیگر تا شروع لمعه شرکت کردم و سپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت کردم.
پا به پای دروس سطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصر» حدود 12 سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسی کشور از جمله «اوین» در تهران و نیز «ساحلی» در قم و همچنین در اراک و همدان برای افراد سطح عالی به تدریس عقاید پرداختم و اکنون مدت 10 سالی است که به کار تحقیق و نوشتن مشغول هستم. جمعاً 26 اثر تألیفی، تحقیقی و تصحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با استقبال خوبی مواجه بوده است و حدود 11 مجله مثل آیینه پژوهان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنده را در موضوعات کتابشناسی، نقد، ترجمه و ... چاپ کرده اند و همچنین با شماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هدف اصلی من از طلبه شدن «فهم اسلام و فهماندن آن» بوده و چیزی جز این هم از خدا نخواسته ام به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب - بی ادب محروم ماند از لطف رب). ضمناً در ایام تعطیلی برنامه های وسیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسلامی داشته ام که می توانم بگویم در تمام آنها موفق بوده ام. از جمله: در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت جام، آبادان، زابل، شیراز، فیروز آباد فارس، همدان، تویسرکان، نهاوند، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سخنرانی، کلاسهای تدریس اصول عقاید و پاسخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوشکی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا ابراهیم. عالم فاضل، و فقیه کامل [؟]، از ائمه‌ی جماعت، در ماه محرم سال 1317 در اصفهان وفات یافته، جنب فاضلان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

کوفی، ابوعصیده ابوجعفر احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 273 ق)، نحوی، ادیب و محدث. معروف به ابن بلنجر. اصل وی از مردم دیلم و از موالی بنی‌هاشم بود. از واقدی و اصمعی و ابوداوود طیالسی و زید/ یزید بن هارون حدیث نقل می‌کرد. معلم فرزندان متوکل عباسی بود و در سامره ساکن. قاسم بن محمد انباری، احمد بن حسن بن شهیر و محمد بن جعفر آدمی از او روایت می‌کردند. ابوداوود در «سنن» خود از وی حدیث نقل کرده است. از آثار وی، کتاب «المقصور و الممدود»؛ کتاب «المذکر و المؤنث»؛ کتاب «الزّیادات» در «معانی الشعر» ابن سکیت؛ کتاب «عیون الاخبار و الاشعار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 159)، ایضاح المکنون (2/ 301)، تاریخ بغداد (4/ 258- 260)، تهذیب التهذیب (1/ 55)، روضات الجنات (210- 209 1/)، ریحانه (8/ 116)، الذریعه (376 / 15)، سیر النبلاء (194- 193 13/)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (123- 122)، کشف الظنون (1461، 1458، 1184)، الکنی و الالقاب (124- 123 /1)، لسان المیزان (199 8/)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (232- 228 /3)، معجم المؤلفین (1/ 308)، الوافی بالوفیات (167- 166 /7)، هدیة العارفین (51 /1).

کوه کمره ای، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کوه کمره ای
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
الحمدلله المفیض علی الاطلاق المتّجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوة و السلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.
بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همهٔ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقدهٔ علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با 29 واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمة الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال 1340 هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیة الله العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) به حوزه مقدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مّلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیة الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورۀ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرۀ دل آرای او لذت می بردم؛ شخیصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجة بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و اردات بیشائبهای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت 12 سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).
(و اما خدمات اجتماعی): از 22 سالگی وظیفۀ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محلهای مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام.
و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.
و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال 1387

هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کوهی کرمانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/ 1337 -1276 ش)، ادیب، محقق، روزنامه‌نگار و شاعر. در اوان کودکی تحصیلات چندانی نکرد و در اداره‌ی یکی از روزنامه‌ها به شاگردی پرداخت. وی در 1302 ش اقدام به تأسیس و انتشار «نسیم صبا» کرد. کوهی بعدها از کار روزنامه‌نگاری دست کشید و به عضویت وزارت فرهنگ درآمد. وی یکی از ارادتمندان ملک‌الشعرای بهار و از طرفداران سرسخت سید حسن مدرس بود. کوهی از نخستین کسانی است که به گردآوری ادبیات عامیانه پرداخت و مدت‌ها در کار تصحیح نسخه‌ها و چاپ آثار متقدمین فعالیت داشت که در این راه، ملک‌الشعرای بهار و سعید نفیسی او را یاری می‌کردند. «ترانه‌های ملی- فهلویات» وی را پروفسور کریستین سن به آلمانی و پرفسور هنری ماسه به فرانسه ترجمه نموده‌اند. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «از شهریرور 1320 تا فاجعه‌ی آذربایجان»؛ «غوغای جمهوری»؛ «افسانه‌های روستایی ایران»؛ «خلنامه»، شعر؛ «هفتصد ترانه»؛ «سوگواریهای ادبی در ایران»؛ «راهنمای اهل ذوق یا بهترین غزلهای سعدی و حافظ»؛ گلچینی از «مثنوی»؛ اهتمام در چاپ «مزارات کرمان»؛ اهتمام در چاپ «کلمات علیه غرا»، از سلسله‌ی انتشارات روزنامه‌ی «نسیم صبا»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (467 -466، 461 -460)، تاریخ جراید (302 -301/ 4)، تذکره‌ی شاعران کرمان (417 -415)، الذریعه (235/ 25 /326، 20 /230، 18 /72، 16 /260، 12 /251، 7 /927، 9 /926-)، زندگینامه رجال و مشاهیر (316 -314/ 5)، ستارگان کرمان (315 -313)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3407، 3136 -3135، 3001، 2763، 2374، 2035، 1637/ 2، 1286، 846، 294، 173/ 1)، کتابنامه نخستین دهه‌ی انقلاب (299)، مزارات کرمان (دو- هفت)، مؤلفین کتب چاپی (850 -848/ 2)، یغما (س 22، ش 100 -97، 2).

کهنمویی پور، ژاله

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
ژاله کهنمویی پور در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همین شهر گذراند و چون شاگرد باهوش و موفقی بود، توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. کهنمویی پور دوره کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) گذراند.وی دوره دکترا را در ۱۳۵۲ در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به پایان برد. کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فرانسه گرایش : زبان و ادبیات فرانسه تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله کهنمویی پور توانست در ۱۳۴۴ در رشته زبان ادبیات فرانسه دانشگاه تهران پذیرفته شود. او در ۱۳۴۹ دوره کارشناسی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران با موفقیت به پایان برد و برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره کارشناسی ارشد را در سال 1350 با پایان نامه «تصویر زن در آثار آندره ژید» و دکترا را در رشته ادبیات معاصر فرانسه در دانشگاه هوت برتانی (رن ـ فرانسه) در سال 1352 اخذ کرد «مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان» نیز عنوان پایان نامه دکترای ژاله کهنمویی پور است که در آکادمی رن (دانشگاه هوت برتانی) به دفاع از آن پرداخت. هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران ژاله کهنمویی پور میتوان به نسرین دخت خطاط و علی افخمی، اشاره که «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» را در سال ۱۳۸۱ با همکاری آنان تدوین و تألیف کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ژاله کهنمویی پور پس از پایان تحصیلات، به ایران بازگشت و در ۱۳۶۰ مدیرگروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد. وی تا سال ۱۳۷۰ در آن سمت باقی بود و در طول این مدت توانست خدمات شایسته ای را به انجام رساند. سپس در ۱۳۸۳ به عنوان معاون پژوهشی دانشکده زبان های خارجی مشغول به کار شد و با مجلات مختلفی چون Dialogues et Cultures مجله پژوهش دانشکده زبان های خارجی، پژوهشنامه دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، مجله رشد زبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده تبریز، مجله مدرس در دانشگاه تربیت مدرس و... همکاری و مقالات با ارزش و مفیدی را تألیف یا ترجمه کرد. فعالیتهای آموزشی : ژاله کهنمویی پور در دانشگاه تهران به تدریس زبان فرانسه مشغول می باشد. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. و همچنین راهنمایی بیش از ۱۰ پایان نامه کارشناسی ارشد نیز بوده است که مواردی از آن به شرح زیر است: ـ «مضمون آب وخاک در آثار کولت» ـ «نوشتار زن در ادبیات معاصر فرانسه» ـ «نوشتار خود زندگی نامه ای در آثار آنی ارنو و ...»سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ژاله کهنمویی پور تاکنون مسئولیت سه طرح پژوهشی را به عهده داشته است که عبارتنداز:«واژه نامه توصیفی و تحلیلی نقد ادبی»، «واژه نامه تجزیه و تحلیل گفتمان و آموزش زبان کاربردی در دوره کارشناسی.»چگونگی عرضه آثار : آثار ژاله کهنمویی پور علاوه بر تالیفات و مقالات، به ترجمه آثار ادبی فرانسه نیز میتوان اشاره کرد: اصولاً فرهنگ نویسی اکنون یکی از شاخه های مهم علوم انسانی است که مورد توجه بسیار واقع شده است. اهمیت فرهنگ نویسی دوزبانه وقتی بیشتر می شود که در مورد نقد ادبی به ویژه در زبان فرانسه با آن ادبیات پربارش صورت گیرد. از این رو «فرهنگ توصیفی نقد ادبی» که با تلاش پیگیر و تحقیقات پربار مؤلفانش از جمله ژاله کهنمویی پور استاد دانشگاه و مترجم زبان فرانسه، صورت گرفته، درخور اهمیت بسیار است. ترجمه آثار همواره توانسته افکار انسان ها را به همدیگر نزدیک کرده، آن ها را با افکار، اندیشه ها و نگرش های مردمان و کشورهای دیگر آشنا سازد. زبان فرانسه با قدمت بسیار و ادبیات پربارش جایگاه ویژه ای دارد. نویسندگان و شاعران فرانسوی در طول تاریخ ادبیات جهان همواره سهم بسیاری داشته اند و چهره های شناخته شده ادبیات فرانسه از بزرگان ادبیات جهان اند. کمتر کسی را سراغ داریم که به ادبیات علاقه مند باشد و از آثار سارتر دوبووار، کامو، کلود سیمون و.... بهره نگرفته باشد. از این رو، نقش مترجمان آثار فرانسوی بسیار حائز اهمیت و قابل ستودن است. بی شک، در این مسیر مترجمان بسیاری عمر خود را صرف ترجمه و تدوین آثار ادبی کرده و هر کدام گوشه ای از این دنیای بزرگ را به تصویر کشیده اند. در زمینه ادبیات فرانسه نیز به سبب آشنایی دیرینه ایرانیان با فرهنگ ممالک فرانسه، نقش مترجم نقشی مهم در ارتباط میان دو کشور بوده است و مترجمان مهمی نیز در این فاصله ظهور یافته اند. ژاله کهنمویی پور از استادان دانشگاه تهران است که در زمینه ترجمه آثار و گسترش زبان فرانسه در

دانشگاه نقش به سزایی داشته و تلاش های بسیاری کرده است. دکتر ژاله کهنمویی پور از استادان فعال و پژوهشگری است که همگام با کار تدریس، در بسیاری از همایش های مربوط به زبان فرانسه از جمله هفتمین کنگره استادان زبان فرانسه در یونان، کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه در آسیا و اقیانوسیه در چین، هشتمین کنگره استادان زبان فرانسه در لوزان سوئیس و نهمین کنگره استادان زبان فرانسه در توکیو شرکت داشته است. و نیز شرکت در سمینارها و همایش های داخلی و خارجی: ـ کنگره بین المللی استادان زبان فرانسه / آتلانتا ـ همایش اسطوره و ادبیات / تهران ـ همایش نقد ادبی/ تبریز ـ همایش استادان زبان فرانسه / فرانسه ـ همایش ترجمه متون / آرل فرانسه و ... را در کارنامه دارد. آثار : آموزش مکالمه فرانسه ، انواع شعر و صناعات شعری در زبان فرانسه ویژگی اثر : باهمکاری دکتر ضیاءالدین دهشیری , انتشارات دانشگاه تهران ,1372 .3 انواع نوشته های منثور ، تئاتر و شقاوت ویژگی اثر : ترجمه، چاپ 1374 نشر قطره. کتاب «تئاتر و شقاوت» ترجمه ای از ژاله کهنمویی پور است که توسط نشر قطره وارد بازار نشر شده است. این اثر که مؤلف آن پیربرونل، استاد برجسته دانشکده پاریس است، نقدی بر تئاتر و شقاوت در تئاتر قدیم و جدید در آثار نمایشنامه نویسانی چون آنتون آرتو، ون کلایست و جان فورد دارد. در این اثر، کوشش شده برداشتی که آنتون آرتو در اثرش «تئاتر و همزادش» درباره زبان سحرآمیز تئاتر داشته است، مورد بررسی قرار بگیرد و در مقام مقایسه با دیدگاه های نمایشنامه نویسان دیگر نیز قضاوت شود. 5 تراژدی سیاسی، تصویر زن در آثار آندره ژید ویژگی اثر : پایان نامه کارشناسی ارشد 13507 فرهنگ توصیفی نقد ادبی ویژگی اثر : فرهنگ توصیفی نقد ادبی با همکاری نسرین دخت خطاط و علی افخمی تألیف شده است. این فرهنگ گرچه دارای عنوان نقد ادبی است، ولی همه بحث های ادبی اعم از انواع صناعات ادبی، مکتب های ادبی و تاریخ ادبیات را دربرمی گیرد. به این ترتیب در تألیف این کتاب علاوه بر مفهوم خاص نقد که مبتنی بر نظریه های ادبی است، مفهوم عام و گسترده آن که نگرش به ادبیات است، نیز مدنظر بوده است. همچنین هدف اصلی از نگارش این فرهنگ ارائه مجموعه ای از اطلاعات در زمینه ادبیات و نقد ادبی به خوانندگان، بویژه دانشجویان بوده است. از این رو، هم توصیفی و هم تطبیقی است. بدین معنی که تنها به معادل یابی کوتاه و نارسا اکتفا نشده و توصیف واژه ها با ذکر مثال های متعدد آورده شده است. از سوی دیگر، مؤلفان تا حد امکان کوشیده اند برای هر واژه نقد در ادبیات فرانسه، معادل تطبیقی آن را (اعم از صناعات ادبی، انواع ادبی و جریانات و مکتب های ادبی) در زبان و ادبیات فارسی بیابند. در «فرهنگ توصیفی نقد ادبی»

در مدخل شامل اجزای زیر است: ـ تعریف و توصیف واژه، همراه با ذکر مثال در متن فرانسوی. در برخی مدخل ها، مثال ها و بخصوص اشعار ترجمه شده است، ولی چون ترجمه بعضی از اصطلاحات یا ابیات شعری برای بیان مطلب و توضیح مدخل ضروری نبوده، تنها به اصل متن اکتفا شده است. ـ ارائه، معادل های تطبیقی در زبان و ادبیات فارسی ?ـ ارائه واژه های مترادف که بتوان با مراجعه به آن ها توضیحات بیشتری در مورد مدخل به دست آورد. ـ کتابنامه مربوط به هر مدخل 8 مقایسه میان اندیشه و سبک آندره ژید و پل والری از طریق مکاتباتشان ویژگی اثر : پایاننامه دکترا 13529 نقد ادبی فرانسه ویژگی اثر : با همکاری دکتر نسرین خطاط , انتشارات سمت ,1374 .

کی استوان تهرانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1348 ش)، نویسنده و روزنامه نگار. در بندر انزلی به دنیا آمد. در مدارس قدیمه تحصیل کرد. وی مدتی با میرزا حسن رشدیه به کار تدریس و تعلیم مشغول شد. کی استوان در نخستین مجلس مؤسسان ایران به نمایندگی مردم گیلان انتخاب شد. همچنین از دوره‌ی چهارم به بعد چند دوره نمایندگی مردم انزلی را در مجلس شورای ملی به عهده داشت. سپس از فعالیت‌های انتخاباتی چشم پوشید و به دعوت وزارت امور خارجه، راهی چین گردید. او در 1303 ش روزنامه‌ی «پرساد» را منتشر کرد و پس از بازگشت از چین به انتشار روزنامه‌ی «مظفر» در تهران پرداخت. کی استوان کتابخانه‌ی باارزشی جمع‌آوری کرد که از لحاظ مجموعه‌ی جراید و مجلات فارسی و شبنامه و فوق‌العاده‌های سیاسی واجد اهمیت بود. از آثار وی: «سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم» یا «سیر تاریخی مشروطه‌ی ایران»؛ «نژاد و زبان»؛ تدوین و چاپ «دیوان» شمس‌الشعرا سروش؛ اهتمام در انتشار کتاب «اعتقادات» شیخ صدوق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین (312)، الذریعه (132/ 24، 273/ 12)، سواد و بیاض (586)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3266، 2052/ 2، 281/ 1)، کتاب گیلان (714/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (850/ 2)، نخبگان سیاسی ایران (477/ 4).

کی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1299، تبریز.
درگذشت: 1366، پاریس.
محمود کی از خاندان قائم‌مقام و جد بزرگ او یوسف صدرالاشرف برادرزاده‌ی میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) بود. محمود کی در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تحصیل کرد و به درجه‌ی سرلشگری رسید. چهار سال وابسته‌ی نظامی ایران در فرانسه بود. مدتی به تربت حیدریه تبعید شد. سرانجام در سال 1354 بازنشسته گردید. اهل قلم بود و به شعر و ادبیات و تاریخ علاقه داشت.
ترجمه‌های او سرگذشت مرشال نی، یادداشت‌های ناپلئون جوان، هنر جنگ اثر سورن تزو است. مقاله‌ی «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه در زمان ناصرالدین شاه» در مجله «بررسی‌های تاریخی» منتشر شد. از آثار چاپ نشده‌ی او کتابی است به نام شاه مهبولستان اثر ژاک دمورگان باستان‌شناس فرانسوی. دمورگان این کتاب را با نام مستعار قره‌گوز افندی انتشار داده بود. این کتاب قرینه‌گونه‌ای است به کتاب معروف حاجی بابا اصفهانی جمیز موریه.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کیا تهرانی، صادق، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، زبان شناس، استاد دانشگاه و شاعر، متخلص به تیرا. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های ادب، ثروت و دارالفنون به پایان رساند. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و در 1320 ش به اخذ لیسانس نایل آمد و وارد خدمت وزارت فرهنگ شد. وی در 1323 ش به اخذ درجه دکترای ادبیات توفیق یافت و آن گاه در سمت دانشیاری در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در 1330 به عنوان استاد زبان و ادبیات پهلوی در آن دانشکده ارتقاء یافت. دکتر کیا در اشعارش گاهی از واژه‌های پهلوی که امروز در زبان فارسی از میان رفته استفاده می‌کرد. از آثارش: «چند نمونه از متن نوشته‌های پهلوی»؛ «داستان جم»، با همکاری دکتر مقدم؛ «گشته دبیره» یا «خط کستج»، درباره‌ی خط کتیبه‌ها و سکه‌ها و مهرهای دوره‌ی اشکانی و ساسانی؛ «گویش آشتیان»؛ «ماه فروردین روز خرداد»، متن پهلوی و ترجمه‌ی فارسی با واژه‌نامه؛ «نقطویان یا پسیخانیان»؛ «واژه‌نامه‌ی گرگانی»؛ «یادداشتی درباره‌ی آرامگاه زرتشت در بلخ»؛ «یادداشتی درباره زبان رازی و طهرانی»؛ «واژه‌نامه‌ی طبری»، با مشارکت دکتر مقدم؛ مجموعه‌ی اشعاری به نام «کابل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (489)، الذریعه (11/ 25 ،292/ 24 ،32 -31/ 19 ،253/ 18 ،37/ 8)، سخنوران نامی معاصر (952 -948/ 2)، شرح حال رجال معاصر مازندران (164 -162/ 2)، فرهنگ سخنوران (774)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3440، 3439، 3304، 2864، 2863- 2787، 2725، 2630، 2579، 2555، 1655/ 2، 1326، 1119، 417، 415- 400، 345/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (300)، مؤلفین کتب چاپی (499 -498/ 3).

کیا خانلری، زهرا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مترجم، محقق.
تولد: 1294، تهران.
درگذشت: اسفند 1369.
زهرا کیا (خانلری)، فرزند هادی نوری نواده حاج شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات دبستانی را در مدرسه ناموس به پایان رسانید و تحصیلات دبیرستانی را در دارالمعلمات مرکزی (دانشسرای مقدماتی) انجام داد و بلافاصله در سن هفده سالگی به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت و خود برای گذراندن امتحانات دوره‌ی کامل متوسطه با پسران آماده کرد و اجازه‌ی آن را نیز از معارف دریافت نمود و در سال 1314 پس از گذراندن امتحان ورودی در رشته‌ی ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات تهران که در زمان دانشسرای عالی نامیده می‌شد قبول شد و در سال 1318 به اخذ لیسانس نایل آمد و سپس ضمن خدمت دولتی در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی که تازه تأسیس شده بود ادامه تحصیل داد و در سال 1323 با گذراندن رساله خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم» به اخذ دکتری نایل آمد.
پس از چند سال تدریس در دبیرستان به ریاست دبیرستان نوربخش (رضاشاه کبیر سابق) منصوب شد و چند سال به سمت دانشیاری و پس از آن به مقام استادی دانشکده‌ی ادبیات نایل آمد.
در سال 1320 با پرویز خانلری همکلاسی رشته‌ی دکترای خود ازدواج کرد و با کمک هم مجله «سخن» را در سال 1322 منتشر کردند و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و به سمت منشی هیئت مدیره‌ی شورا منصوب شد.
زهرا خانلری پس از مرگ دردناک پسر هشت ساله‌اش از هر گونه فعالیت اجتماعی دست برداشت و تنها به کارهای ادبی خود ادامه داد.
او از هفده سالگی بنا بر ذوق شخصی به مطالعه و نوشتن مقالات در جراید روز پرداخت و در همان ایام دو داستان به نام پروین و پرویز و ژاله یا رهبر دوشیزگان (1315) نوشت و چنان که ذکر شد در مجله «سخن» به داستان‌نویسی و ترجمه‌ی مقالات پرداخت. در سال 1339 برای مطالعه درباره‌ی کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و در بازگشت در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش دست به

تغییر در کتاب‌های درسی مدارس زد و کار او از اولین کتاب دبستانی آغار نمود و به کلی سبک کتاب‌های گذشته را عوض و کتاب‌های تازه را به سبک جدید با در نظر گرفتن محیط و زبان کشور خود تألیف کرد و برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت تا با سهولت بتوانند کتاب‌های تازه را تدریس نماید و این همکاری را تا کتاب فارسی اول دبیرستان ادامه داد و کتاب‌های پنجم و ششم دبیرستان را شخصا نوشت و این کتاب‌ها از سال 1341 به تدریج به صورت کتاب‌های رسمی در سراسر کشور تدریس شد.
و چون همیشه در ضمن تدریس در دبیرستان و دانشگاه به این نکته برمی‌خورد که شاگردان از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی به کلی بی‌اطلاع‌اند و هرگز فرصت خواندن آنها را ندارند بنابراین درصدد برآمد که این داستان‌ها را خلاصه کند و به لباس نثر درآورد. این مجموعه که با شیوه‌ی خاصی نوشته شد به نام داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی (1337) منتشر و دوباره تجدید چاپ شد و برنده‌ی جایزه‌ی یونسکو در ایران شد.
از آثار دیگر اوست: پروین و پرویز (داستان)، ژاله یا رهبر دوشیزگان (داستان، 1315)، راهنمای ادبیات فارسی، فرهنگ اعلام، اصطلاحات (1341)، فرهنگ ادبیات فارسی (1348)، نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی، داستان حسنک از تاریخ بیهقی (1351)، برگزیده‌ی قابوسنامه (تصحیح از قدیمی‌ترین نسخ، 1352)، کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی، افسانه‌ی سیمرغ (از منطق الطیر عطار)، برای کودکان، ترجمه شب‌های روشن (اثر فئودر داستایوسکی، 1324)، رنج‌های جوانی ورتر (اثر آندره موروآ، 1322)، بیست داستان (از پیراندللو، 1335)، آقای رییس جمهور (اثر میگل انخل آستوریاس، 1348)، سه داستان حماسی فارسی برای گنجینیه‌ی ادبیات کودکان، نمونه‌ی غزل فارسی (1343)، دنیای خیال، (اثر آندره موروآ، 1349)، توروتومیو (1351)، پاپ سبز (1360).
(1369 -1294 ش)، نویسنده و مترجم. نسبش به حاج شیخ فضل‌اللَّه نوری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه‌ی ناموس، تحصیلات متوسطه را در دانشسرای مقدماتی، به پایان رساند و بلافاصله به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت. در 1318 ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران شد. وی، در ضمن خدمات دولتی، در رشته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی ادامه‌ی تحصیل داد و با ارائه‌ی رساله‌ی خود درباره‌ی «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام» موفق به اخذ مدرک دکترا شد. پس از چند سال تدریس در مدارس و ریاست دبیرستان نوربخش به سمت دانشیاری و سپس به مقام استادی دانشگاه ادبیات رسید. وی به اتفاق

همسرش، پرویز ناتل خانلری، در 1322 ش مجله‌ی ادبی «سخن» را منتشر کرد و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت. او برای مطالعه درباره کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و پس از بازگشت، در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش به تغییر و تحول در کتب درسی پرداخت. از آثار وی: «پروین و پرویز»، داستان؛ «ژاله یا رهبر دوشیزگان»، داستان؛ «نمونه‌ی غزل فارسی»؛ «راهنمای ادبیات فارسی»؛ «داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی»؛ برگزیده «قابوسنامه»؛ «داستان حسنک»، «از «تاریخ بیهقی»؛ «افسانه سیمرغ»، برای کودکان، از «منطق الطیر» عطار؛ ترجمه‌های: «بیست داستان»، «سه اندیشه‌ی دخترک گوژپشت»، «خانه‌ی افسون‌زده»، «انتقام سگ»، «روسری سیاه»، «شب عروسی»، «کدامیک است»، «دود»، «زن مرده و زن زنده»، «سکته ناقص»، «گل سرخ»، «سرگرمی»، «چائولا ماه را کشف می‌کند»، «نمازخانه کوچک»، «پاسخ»، «بیچاره آن مرحوم»، «دو و دو شش»، «لباس نو»، «گربه، پرنده، ستارگان»، «دنیای خیال»، «شبهای روشن»، «رنجهای جوانی ورتر»، «آقای رئیس جمهوری»، «پاپ سبز».[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :

[1] صد سال داستان نویسی (1 و 772/ 3 ،415/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (132 -131)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3335 ،3314 ،3310 -3309 ،2800 -2799 ،2757 ،2712 ،2622 ،2093 ،2091 ،2036 ،2007 ،1975 ،1778 ،1773 ،1750 ،1634/ 2 ،1484 -1483 ،1245 ،1093 ،602 ،584 ،582 ،557 ،554 ،348/ 1)، کارنامه‌ی زنان (220 -217)، مؤلفین کتب چاپی (250 -249/ 3).

کیاالحسینی، ضیاءالدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ضیاء الدین کیا الحسینی
محل تولد : گرگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/5/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال 1340 در خانواده ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال 1358 به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالیه در یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال 1359 به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.
در سال 1360 با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه مندی به این دروس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال 1367 دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیارات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت 7 سال ادامه داشت.
با اتمام دروس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال 73 با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال 1377 با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال های 75 ـ 1361 فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول

به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال 1380 در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (1384) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل کیاشمشکی
محل تولد : شمیران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال 1363 ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم.
همزمان در سال 1372 در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال 1374 پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال 1379 موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز

تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیوان سمیعی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1292 ش)، محقق، ادیب و شاعر، متخلص به کیوان. در کرمانشاه به دنیا آمد. در کنار تحصیلات جدید، صرف و نحو را نزد میرزا باقر توحیدی فراگرفت. او همچنین منطق و نحو را نزد شیخ عزیزالله واعظ خواند و علوم عربی و منطق و نحو و اصول و فقه را نزد حاج آقا میبدی ادامه داد. در نوزده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و از آیت‌الله سید محمد حجت بهره برد. او معقول را نزد آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی فراگرفت. آن گاه به مشهد رفت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری دوم تکمیل کرد. وی همچنین در محضر حکیم آقابزرگ عسکری و فرزندش میرزا مهدی عسکری بهره برد. سپس به تهران آمد و با مجامع ادبی و بزرگان و دانشمندان آشنا شد و از محضر حاج شیخ عبدالله حایری و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی استفاده برد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و چندی از محضر سردار کابلی کسب فیض نمود. در 1322 ش به تهران آمد و مقیم گشت و به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت. او مدتی امور حقوقی بانک کشاورزی را عهده‌دار بود. وی در تهران وفات یافت و در بهشت زهرا، در قطعه‌ی هنرمندان، دفن شد. از آثارش: «زندگانی سردار کابلی»؛ مقدمه‌ای بر «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز»؛ «راز دل»، مجموعه شعر؛ مقدمه‌ای بر «دیوان آزاد همدانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال طبیب اصفهانی»؛ شرح و مقدمه «دیوان» رنجی؛ مقدمه بر «دیوان» صابر همدانی؛ «تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری»؛ مقدمه بر «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر؛ مقدمه بر «قبله شناسی» سردار کابلی.[1]
محقق، شاعر.
تولد: 1292، کرمانشاه.
درگذشت: 4 مرداد 1372، تهران.
غلامرضا کیوان سمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبستانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی استادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فراگرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک و حاشیه‌ی ملا عبدالله بر

تهذیب در منطق و شرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم الاصول و جلد اول قوانین الاصول در علم اصول و اکثر شرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرستانی و علوم عربیه شب‌ها به تحصیل در رشته‌ی ریاضیات و زبان انگلیسی پرداخت. در نوزده سالگی پس از طی دوره دبیرستان به قم رفت و به فراگیری علوم اسلامی ادامه داد. رسائل را نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای و مبداء و معاد ملاصدرا را نزد آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی خواند و سپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمدتقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.
آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت علیشاه) و شیخ عباس‌علی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص الحکم را فراگرفت.
آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدرقلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی درآمد. و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال 1352 بازنشسته شد.
علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقاله وی در سال 1309 در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامه‌ی «کیهان»، از جمله آثار وی است: زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی (1361)؛ مقدمه‌ای بر شرح گلشن راز (شیخ محمد لاهیجی، 1337)؛ رساله در شرح احوال طبیب اصفهانی (1347)؛ تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری (1361)؛ کتاب چند جلدی اوراق پراکنده (مجموعه مقاله‌ها، 1366)؛ مقدمه بر قبله‌شناسی (تصنیف سردار کابلی، 1324)؛ مقدمه بر اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی (1336)؛ مقدمه بر تذکره مختصر شعرای کرمانشاه (تألیف باقر شاکری، 1337)؛ مقدمه بر خاک نشیان عشق (تألیف فرشید یوسفی، 1364)؛ مقدمه‌ای بر تحقیق در مسائل فقهی (تألیف دکتر سید حسن صفوی 1349)؛ مقدمه‌ای بر دیوان آزاد همدانی (1356)؛ تصحیح دیوان صابر همدانی در دو قسمت با مقدمه‌ی مشروح؛ مقدمه‌ای بر دیوان هادی رنجی (به اهتمام غلامحسین تهرانی، 1341)؛ مقدمه‌ای بر دیوان کی‌فر (1342)؛ راز دل (مجموعه شعر، به اهتمام محمدعلی سلطانی 1363)؛ مقدمه بر مناظرات ترجمه المراجعات (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمه سردار کابلی، 1324)؛

رساله تاریخ فلسفه؛ مقدمه تحفة الاجله سردار کابلی؛ شاهکارهای هنری؛ تاریخ و کیفیت روزه در ادیان؛ علت شهرت سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ ترجمه حال کیوان قزوینی؛ مبادی عرفان و تصوف؛ وی کتابخانه‌ی شخصی خود را به دانشگاه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.
استاد غلامرضا کیوان سمیعی در پس سرطان حنجره درگذشت و در قطعه مقبرةالشعرا، حجره‌ی 953 بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 19، ش 9 -7، ص 841 -840)، سخنوران نامی معاصر (3022 -3017/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3062/ 2)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 8، ص 9 -3)، مؤلفین کتب چاپی (710 -709/ 4).

کیوان قزوینی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1357 -1277 ق)، مفسر، واعظ، صوفی و شاعر، متخلص به کیوان. ملقب به منصور علیشاه. در قزوین به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از محضر شیخ حبیب‌اللّه رشتی استفاده کرد تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت در 1313 ق به گناباد و خراسان رفت و به فرقه‌ی دراویش گنابادی پیوست. آن گاه به تهران آمد و به وعظ و ارشاد پرداخت و به شهرت فراوانی دست یافت اما به دلایلی به فقط از سلسله‌ی گنابادیه برید بلکه بر ضد آنها به تبلیغ پرداخت. وی در رشت درگذشت و در سلیمان داراب به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنوز الفوائد»؛ «رازگشا»؛ «تفسیر کیوان»؛ «استوارنامه»؛ «بهین سخن»؛ «دیوان» شعر.[1]
عباس ابن اسماعیل بن علی بن معصوم قزوینی مشهور به حاج ملا عباسعلی کیوان، از علمای دینی و عارف و واعظ (و. قزوین 1277- ف. 1377 ه.ش). وی پس از تحصیل در نجف و کربلا و سامره اجازه‌ی اجتهاد گرفت و به خراسان رفت. در آنجا نزد حاج ملا سلطانعلی به تحصیل عرفان و تصوف پرداخت. در اواخر عمر از تصوف بیزار گردید و کتابهایی در رد آن نوشت. وی مفسر قرآن به عربی و فارسی است که چند مجلد آن بطبع رسیده، اشعار خیام را شرح کرده و از جمله تألیفات وی از: «کیوان‌نامه»، «استوار»، «راز گشا»، «حج‌نامه»، «عرفان»، «میوه‌ی زندگانی»، «فریاد بشر» را باید نام برد. کیوان معتقد است که بزرگترین عارف و صوفی خیام و بزرگترین حکیم بوعلی سیناست. وی عرفان را به عرفان علمی و عرفان عملی تقسیم نمود و سلوک و درویشی را عرفان عملی می‌داند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (174/ 18، 58/ 10، 928/ 9)، شرح حال رجال (130/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1618/ 2، 934، 546/ 1)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 8، ص 5 -4)، لغت‌نامه (ذیل/ کیوان قزوینی)، مولفین کتب چاپی (694 -693/ 3)، یادداشتهای قزوینی (227/ 8).

کیوانپور کرمانشاهی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1298 ش)، مترجم، نویسنده و شاعر، متخلص به کیوان. از خانواده‌ی مکری بابا میری کردستانی بود. وی در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در موطنش و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رساند و از دانشسرای عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی مدرک لیسانس گرفت. سپس پایان نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «بحث در لهجه‌های مغرب ایران» نوشت و سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمتهای مختلف مشغول به کار گردید. وی پس از کودتای 28 مرداد 1332 ش عازم اروپا شد و سالها در فرانسه اقامت کرد و هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مراجعت نمود و به سمت سفیر کبیر ایران در مسکو منصوب گشت. وی ضمن آشنایی با چند زبان و خط به زبان پهلوی نیز تسلط کامل داشت. لازم به ذکر است که صاحب «الذریعه» نام «دیوان» شعر وی را ذیل مکری کردستانی آورده است. از آثارش: «بغستان» یا «بیستون»؛ مجموعه‌ی «ترانه‌های کردی یا گورانی»، شعر؛ «عشایر کرد»؛ «فرهنگ فارسی»؛ «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، از قرن سوم هجری تا عصر حاضر؛ «نغمه‌های جوانی»، شعر؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (238/ 24، 209/ 16، 263/ 15، 1095/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3025 -3023/ 5)، فرهنگ سخنوران (872، 775)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3433، 3315، 3290، 2431، 2304، -2303/ 2، 1027- 1026، 846، 354- 353/ 1)، مولفین کتب چاپی (701 -700/ 5).

کیوانی، مجدالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم در سال 1340 و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه ولز انگلستان در سال 1347.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تربیت معلم تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
آموزش زبان و زبان‌شناسی نوین و کاربردی، تدریس دروس زبان انگلیسی، قرائت متون ادبی و ترجمه متون اسلامی در دانشگاههای تربیت معلم و علم و صنعت تهران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
اصول آموزش زبان و اصول یادگیری و تدریس زبان و زبان‌شناسی نوین.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 36، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
شوق یادگیری، صفات تخصیصی و صفات خبری، متدولوژی آموزش زبانهای خارجی، دوزبانگی و مسائل تربیتی و اجتماعی آن، نمای تربیت در اتحاد شوروی، آموزش و پرورش بیرون از مدرسه، دورنمای تکامل ساخت نظام‌های تربیتی، وضع تایلند، سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال رشد و بازگشت به زبان و فرهنگ ملی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کیهان، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به کیهان. در قریه سامان به دنیا آمد. نزد پدر و دیگران به تحصیل پرداخت. در 1321 ش وارد خدمت فرهنگ شد. وی در اصفهان روزنامه‌ی «تگرگ» را منتشر می‌کرد. از اوست:
به حق گرای تو را گرنه خوی اهرمن است
گذر ز خویش تو را گرنه جان اسیر تن است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (398 -397).

گاوان، عماد الدین محمود

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عماد الدین محمود گاوان درسال 808 درروستای گاوان در گیلان متولد شد . پدران وی از حاکمان گیلان بوده اند . وی پس از آموختن علوم معقول و منقول به توسعه مادر برای تجارت و نیز دیدار با علما به سفر و خراسان و عراق پرداخت تا اینکه در ادامه سفرهای خود به هند رفت و مورد توجه سلاطین بهمنی قرار گرفت . در منا سب اداری و شکری چون هزار امیر الامرا ،سپهسالار ،حاکم تا مقام وزارت و وکالت امور شاهی ترقی کرد. و همین قدرت یابی وی ونیز سخت گیری او بر نظامیان هندی و رشوه خواران موجب توطئه علیه وی و اعدام او توسط محمد شاه بهمنی در سال 886 ه .ق گردید. خواجه عماد الدین مردی ثروتمند اما صوفی مسلک ،بخشنده و صاحب ذوق بود و اشعار و نثر زیبایی را از خود در آثار ی ون ریاض الانشاء ،مناظر الانشاء و قواعد الانشاء به جا مانده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : انشای دیوانی
والدین و انساب : منشاء خاندان وی محمد گاوان از روستای گاوان یا قاوان بوده است ماید محمود نیز از خاندان مشایخ بوده است .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آبا و اجداد عماد الدین محمود گاوان از گذشته های دور ،از فرامانروایان گیلان بودند چنانکه یکی از آنان در رشت حکومت می کرد و این فرمانروایان از طریق ارث به محمود گاوان رسید .علت انتساب وی به گاوان یا قاوان انتساب وی به روستایی از گیلان به همین نام بوده است .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عماد الدین محمود گاوان علوم و کمالات در زادگاه خود گیلان فرا گرفت . امابه توصیه مادر ،از بیم مخالفان به سفر در عراق و خراسان پرداخت . با بزرگان علمی وصوفیان دوران خود دیدار کرد. چنانچه انواع علوم معقول ومنقول ،بویژه ریاضی و طب را خوب می دانست و در فن نثر و نظم و انشاء و حساب و خط سیا ق را خوب می نوشت و شعر نیز می سرود واز خود دیوانی داشت که چند قصیده ای در کتاب مشهوری ریاض الانشاء باقی مانده است
وقایع میانسالی : عماد الدین محمود گاوان پس از اتمام تحصیلاتش به سفارش مادر به سفرهایی در شهرهای عراق و خراسان پرداخت و از سال

851 در عهد سلطنت علاء الدین بهمنی (862-838)برای تجارت از راه دریا به احمد آباد بیدر ،پایتخت سلاطین بهمنی رکنی رفت و به دعوت وی جزو درباریان آنجا قرار گرفت وبه مناصب بالا یی چون هزار «منصبی نظامی » دست یافت . حتی قلعه نلکنده را از تصرف افغانان و راجپوتا ن بیرون آورد و ضمیمه متصرفات سلاطین بهمنی کرد . همایونشاه ظالم بهمنی (865-862) نیز القاب ملک التجاره و حکومت و سپهسالاری ولایت بیجانپور را به وی سپرده بود و حتی در زمان مرگ خود وزارت پسرش نظام شاه بهمنی (867-865)را به وی وا گذار کرد . محمود گاوان دو دشمن خارجی نظارت شاه بنامهای سلطان محمود خلجی و محمود شاه گجراتی را شکست داد د و تحت عنوان سپهسالار سپاه رکن اقوام بسیاری یافت . سلطان محمد شاه بهمنی (887-867) نیز القاب خواجه جهان ،منصب امیر الامراو وکالت امور شاهی را بر القاب وی افزود .زیرا محمود گاوان ولایت های سنگسیر و برخی بلاد بیجانگر را برای وی تصرف کرد. تا آنجا که غلام محمود گاوان مو سوم به «خوشی قدم » به «کشور خان » ملقب شد. اما خواجه جهان به یکباره متغیر شد و برای دوری از غروری که به سراغش آمده بود اموال خود را در میان مردم تقسیم کرد و مانند مردم عادی می زیست . با این وجود از چهار هزار سوار دررکاب داشت . سرانجام به سبب سخت گیری هایی که بر امرا به علت استیفای حقوق دولت می کرد ،امرا را ناراضی کرد و و طی تهمتی که برای براندازی نظام حکومت بهمنیان به وی زاده شد ،سلطان محمد بهمنی فرمان قتل وی را صادر کرد . خواجه جهان در اواخر عمر با سلطان حسین ؟؟؟تیموری بود و بدلیل عدم اجازه محمد شاه بهمنی نتوانست به دعوت سلطان حسین در هرات ،پاسخ مثبت بگوید و درهند ماند.
زمان و علت فوت : عماد الدین محمود گاوان در ماه صفر 886 ه. ق درسن 78 سالگی به فرمان سلطان محمد بهمنی کشته شد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عماد الدین محمود گاوان در آغاز بعنوان تجارت و کسب علم به سفر پرداخت اما در دربار سلاطین بهمنی دکن (شمال هند)به مناصبی چون «هزار» نوعی درجه نظامی ،سپهسالار ،امیر الامرا ،ملک التجاره ، حاکم ولایت بیجانپور و حتی وزارت و وکالت امور شاهی ر ابه دست یافت .
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آثار عماد الدین محمود گاوان جهان در رکن بسیار بود از آن جمله مدرسه و مسجدی که دو سال پیش از وفات خود در احمد آباد بیدر به اتمام رسانیده بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عماد الدین محمود گاوان به عبادت ،کمک مالی به مستمندان و تمرین در شعر و نثر از فعالیت های روزانه او بود.

شاگردان : ملا عبد الکریم همدانی از مریدان و شاگردان خواجه عماد الدین محمود گاوان بود که در کتابی شرح زندگانی وی را نوشته است . که مختصری از آن در کتاب « تاریخ فرشته »محفوظ مانده است . ملا سامعی مداح و ندیم خواجه و نظام الدین حسن گیلانی خزانه دار وی بوده است .
همفکران فرد : عماد الدین محمود گاوان از نظر عرفانی با مولانا عبد الرحمن جامی همفکری و دوستی داشت و در نامه هایی که به یکدیگر نوشته انند و در ریاض النشاء ثبت شده است . این مباحث عرفانی موید است.
آرا و گرایشهای خاص : عماد الدین محمود گاوان جهان مردی دیندار و سنی متعصبی بود ، اما ارادتمند شیخین و دستگیر فقیران بود . و گرچه شخصا مردی بازرگان بود در عین وزارت از بازرگانی دست نمی شست ، بخشنده و کریم بود اخلاق و صوفی مشربی داشته است .شیوه وی درانشای فارسی نیز بسیار منشیانه و مترسلانه است . و ترکیبات عربی زیادی با آرایشهای بسیار در آن به کار برده است . ----------
---
آثار :
1 ریاض الانشاء
ویژگی اثر : شامل نامه های خواجه عماد الدین محمد گاوان است که سر مشق منشیان هند است .
2 قواعد الانشاء
3 مناظر الانشاء
ویژگی اثر : درباره آیین ترسل و مبا حث مربوط به بلاغت است «موضوع و فایده انشاءرا در آن بیان می کند »
منابع زندگینامه :
1ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ج 4 ، چاپ دوم ، تهران :فردوسی 1363 ، ص 500

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی گرجیان عربی
محل تولد : عربخیل بابلسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب در 20 تیرماه 1342 در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال 1360 به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال 1364 به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال 1375 همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت 7 سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از 19 سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و 17 سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس

نموده ام).

گرگانی، امیرفریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، محقق.
تولد: 1302.
درگذشت: آذر 1358.
امیر فریدون گرگانی، مترجم و محقق، سال‌ها در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ مشترک هند و پاکستان مطالعه کرده است و از شیفتگان عرفان مشرق زمین است.
از آثار اوست: سدهرتها (هرمان هسه، 1341)، میهن من، کنگو (پاتریس لومومیا، 1342)، نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه (رابیندرانات تاگور، 1340)، میهمانی کوکتیل (1354).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گرگین

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پسر میلاد پهلوانی است ایرانی. میلاد بقول نولد که محرف مهرداد (Mithradat) (نام پادشاه اشکانی) است. در داستان جنگ بیژن با گرازان کسی که مایه‌ی رنج بیژن و افکندن او در بند تورانیان شد گرگین میلاد بود. وی از جانب پادشاه ایران حکمران خوارزم گشت و شهری به نام خود ساخت که گرگان نامیده شد:
«به طوس و به گودرز گشوادگان
به گیو و به گرگین از آزادگان»
(فردوسی)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گرم آبدشتی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا گرم آبدشتی
محل تولد : گرم آبدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/6/5
زندگینامه علمی
دوره دبستان را در روستای جیرکل که نزدیک روستای خودمان می باشد تمام کردم و بعد دوره راهنمایی را در مدرسه افجه ای و متوسطه را در دبیرستان شهید بهشتی شهرستان رودسر و بعد در سال 1363 شمسی رهسپار حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان لنگرود شدم و در درس حجت الاسلام مرحوم آقای ممجد رحمة الله شرکت کردم. در آنجا رسم بر این بود که طلبه های یک سال درس می خواندند و اگر استاد صلاح می دید برای تازه واردیها تدریس می کردند و این حقیر یکی از همان طلبه ها بودم که استاد برایم تدریس گذاشت و بعد از دو سال به استان اصفهان و در حوزه علمیه ذوالفقار و صدر رفتم. حدودا بیش از سه سال در آنجا درس خواندم و نزد اساتیدی همچون حجج اسلام آقایان: سید مصطفی ابطحی، شیخ علی اکبر فقیهی، نظری، حیدری و شهید زنده استاد محمد تقی سنایی که به حق استاد مبرز در ادبیات عرب هستند تلمذ کردم. در حوزه علمیه اصفهان تدریس هم داشتم و شرحی هم از اوایل مغنی باب اول را داشتم و بعد در سال 1368 شمسی به حوزه علمیه قم آمدم و در دروس حجج اسلام آقایان: محمدی خراسانی، اعتمادی و درس حضرت آیت الله محفوظی شرکت کردم و هم اکنون در دروس خارج حضرت آیت الله العظمی بهجت و حضرت آیت الله محفوظی شرکت می کنم.

گرم آبدشتی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد گرم آبدشتی
محل تولد : گرم آبدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد 1350 در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی وراهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم وپذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم ودرسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. درکنار تلمذ دروس خارج فقه واصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال 1379به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گروسی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیرنظام حسنعلی‌خان بن محمدصادق خان سرتیپ، سیاستمدار، ادیب، نویسنده و خوشنویس مشهور دوره‌ی قاجاریه (و. بیجار حدود 1236- ف. کرمان 1317 یا 1318 ه.ق). درجه‌ی سرتیپی فوج گروس به ارث از پدرش به وی رسیده بود و در جنگ هرات به فرماندهی حسام‌السلطنه، وی اولین کسی بود که وارد قلعه‌ی هرات شد. در مسافرت اول ناصرالدین شاه به اروپا به سال 1290 ه.ق با سمت وزارت فوائد عامه جزو ملتزمین بود. گروسی مدتی نیز پیشکار مظفرالدین شاه، به هنگام ولیعهدی وی در تبریز بود. بعدها سمت وزارت مختاری فرانسه و انگلستان را یافت و مدتی هم به حکومت کرمانشاه منصوب گردید. در 1317 به سمت والی وارد کرمان شد و در همان شهر درگذشت و او را در آرامگاه شاه نعمةاللّه ولی در ماهان دفن کردند. وی نویسنده‌ای زبردست و خوشنویس بوده و انشا و خط وی مورد توجه و تقلید بود. از آثار وی کتاب «منشات» و «پندنامه‌ی یحیویه» است که به خط بسیار زیبا برای فرزندش نوشته است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گریان اردستانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا عبدالله. واعظ صالح، و ادیب شاعر متخلص به «گریان» از نویسندگان زبردست، و شعرای عالی‌قدر، و وعاظ محترم بوده.
کتابهای زیر از اوست:
1 - انوار المجالس، دو جلد [مطبوع] 2 - تخمیس دوازده بند محتشم 3 - تذکرة الحال 4 - حمله‌ی مختاریه 5 - صومیه 6 - طریق البکاء [مطبوع] 7 - عشرة النساء؛ و غیره
در سال 1310 به مرض وبا در طهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گزی، خلیل

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منشی و رقم نویس دیوان عالی و دفترخانه صفوی قرن یازدهم هجری قمری و همسرش حلیله جلیله مکرمه علیا جناب نامدار عصمت و عفت و طهارت شعار بلقیس والا شهربانو بیگم
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

گزی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد ابراهیم بن محمّد علی بیک شیروانی. عالم فاضل معمّر، مؤلّف کتب فقهیّه، در شب 2 شنبه 26 رمضان المبارک سال 1326 وفات یافته، نزدیک فاضل هندی در تخت فولاد مدفون شده، سپس به نجف منتقل گردید.
از آثار او کتاب «مجمع الرسائل» است که عدّه‌ای از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته‌اند.
خود از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و دیگران بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلایری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی گلایری
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
در تاریخ 15 شهریور 65 وارد حوزه علمیه مازندران شدم و مدت 4 سال تا لمعتین در آنجا از محضر استاد ارجمند حضرت آیت الله فاضل دام ظله بهره بردم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله اعتمادی و حاج آقا محمدی و درس خارج حضرات آیات تبریزی، مرحوم صالحی مازندرانی و جوادی آملی استفاده کردم و در این مدت 4 سال در موسسه تخصصی کلام حضرت آیت الله سبحانی و مدت 4 سال کلاس فن خطابه در دفتر تبلیغات اسلامی گذراندم و از سال 82 همکاری خود را با مجله وزین رواق اندیشه شروع نمودم که حاصل آن چاپ دوازده مقاله بوده است.

گلپایگانی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید کاظم موسوی گلپایگانی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر است در تهران. وی در روز ششم سال 1324 قمری هجری در گلپایگان متولد شده و در سن 13 سالگی در سال 1338 قمری برای تحصیل به اراک آمده و بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه حایری به قم باتفاق بعضی از اعاظم حوزه مهاجرت به قم نموده و چون مشغول بخواندن سطح بوده و در سال اول تأسیس حوزه دروس سطحی قم مورد پسند ایشان نبوده مرحوم والدش ایشان را باصفهان فرستاده و سطوح عالیه را در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد صادق اصفهانی و مرحومین آیتین آقا سید محمد و آقا سید علی نجف‌آبادی خوانده و در سنه 1344 قمری مراجعت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی مدت هفت سال استفاده نموده و در سال 1351 قمری به اراک هجرت نموده و تا سال 1382 قمری بالغ بر سی و یکسال توقف و بخدمات دینی پرداخته تا سال مزبور که منتقل به تهران و در مختاری خیابان شاهپور سکونت و به اقامه جماعت و تفسیر قرآن مجید در مسجد (مختاری) و تدریس و مباحثات اشتغال دارد.
نگارنده گوید: معظم له عالمی منیع‌الطبع و بزرگوار می‌باشد در مدت توقفش در اراک خدمات شایانی نموده و عده زیادی از محصلین اراکی را تربیت نموده است و پرورش یافته‌گان حوزه ایشان از ائمه جماعت و نویسندگان برجسته اراک و قم و تهران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

گلچین معانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1379 -1295 ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در 1313 ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا 1338 ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از 1330 ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از 1338 ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در 1342 ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در 1356 ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسما قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در 1314 ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شهر آشوب در شعر فارسی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمانه»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانج فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[1]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال 1295 خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال 1313 در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از بهار تا شهریار (508 -496/ 2)، چشمه‌ی روشن

(706 -702)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (809)، الذریعه (218/ 18، 931/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3059 -3053/ 5)، صدف (567 -553)، فرهنگ سخنوران (779)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2808/ 2، 837، 755/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (307)، کیهان فرهنگی (س 8، ش 8، ص 9 -3)، گلزار معانی (610 -585).

گلستان شیرازی، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1274 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و صرف و نحو و منطق و مبادی فقه، در 1292 ش وارد فعالیت‌های سیاسی شد. وی در 1297 ش روزنامه‌ی «گلستان» را منتشر کرد که این روزنامه یکی از پرسابقه‌ترین مطبوعات ایران بود و حدود نیم قرن چاپ و منتشر شد. سرانجام در 1331 ق گروهی از مخالفان سیاسی وی به دفتر روزنامه حمله برده آن را آتش زدند و پس از آن دیگر منتشر نشد. محمد تقی گلستان در 1304 ش نماینده‌ی مردم فارس در مجلس مؤسسان اول بوده و مدتی نیز در انجمن شیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر فعلی) و انجمن آثار باستانی ایران و همچنین شورای عالی فرهنگ فعالیت داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین (308)، تاریخ جراید (162 -160/ 4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (266 -263/ 4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (330 -329/ 5).

گلستانه، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا محمّد مهدی. عالم فاضل، ساکن طهران. پدرش از علمای طهران و امام مسجد قنات آباد بوده و در سال 1322 وفات یافته. وی به جای پدر امامت می‌نموده. از احفاد سید علاء الدین محمد شارح نهج البلاغه می‌باشد. دارای کتابخانه آبرومندی بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گلستانه، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد باقربن حسین بن سید علاءالدین.
فاضل ادیب، در اواخر قرن سیزدهم هجری در اصفهان محترم و معزز می‌زیسته، و منصب استیفاء داشته، و در سال 1290 مسجد صفا واقع در محله‌ی شهشهان را بنا نموده، و اثر خیری از خود به یادگار نهاده.
کتیبه‌ی مسجد به خط محمدتقی بن محمد ابراهیم خطاط اصفهانی است.
ماده تاریخ بنا این است:
بنا شد چو این مسجد با صفا
به عون خداوند رکن و حطیم
ز پرتو به تاریخ آن شد سوال
بگفتا «لساعیه فوز عظیم»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گلستانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی گلستانی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/9/1

زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی
سال ورود به حوزه 1333 درشهرهمدان/ همان سال شروع به درس خارج 1350،اینجانب شیخ علی گلستانی در سال 1317 در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیّه همدان مدرسه آیه ا... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه ا... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و ازآنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدّت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گلسرخی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ رضا گلسرخی کاشانی از افاضل گویندگان و نویسندگان حوزه علمیه قم و اساتید دارالتبلیغ اسلامی می‌باشد. وی در کاشان متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات به قم مهاجرت نموده و سطوح وسطی و عالی را از مدرسین بزرگ فراگرفته آنگاه به درس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری حاضر شده و از خرمن علوم آنان استفاده شایانی نموده و در رشته‌ی منبر و تبلیغات مطالعات متنوع و مختلفی کرده تا در این سمت مهارت و تبرزی یافته و در ماه محرم و صفر و ماه رمضان و ایام مناسب دیگر بنابر دعوتهای قبلی مسافرت به بلاد و شهرستانها نموده و از طریق تبلیغ و ارشاد مردم و تنویر افکار روشنفکران خدماتی انجام داده است مقالات ارزنده‌ای در مجله مکتب اسلام و تالیفات مطبوع و مخطوطی دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

گلسرخی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1318 ش)، پزشک، روزنامه‌نگار و نویسنده. وی فارغ‌التحصیل در رشته‌ی طب و دامپزشکی و از اعضای عالی‌رتبه‌ی وزارت کشاورزی بود. در 1297 ش مجله‌ی «بیطاری» را منتشر کرد و در 1310 ش شروع به انتشار مجله‌ی «فلاحت» تحت نظارت اداره کل فلاحت در تهران نمود. نشر این مجله تا آخر 1317 ش ادامه یافت و در 1318 ش گلسرخی به شغل دیگری روی آورد. از دیگر آثارش: «امتحان گوشت»؛ «حفظ الصحه‌ی زنان و دختران»؛ «علاج الخیل» یا «فرس نامه»؛ «کتاب فلاحت»، در دو مجلد؛ «علاج الطیر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (88 -87/ 4 ،46 -43/ 2)، الذریعه (302 /171، 16)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (332 -331/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2329/ 2 ،1178 ،330/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (146/ 6).

گلشن اصفهانی، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1277 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات، در 1299 ش، وارد وزارت معارف شد و به عنوان آموزگار و معاونت دبستان‌ها و دبیرستان‌های مختلف به خدمت پرداخت. وی در 1331 ش مدیریت مجله‌ی «تعلیمات اسلامی» را بر عهده گرفت. از دیگر آثارش: «اخلاق گلشنی»؛ «بانوان واژگون بخت»؛ «پریوش ناکام»؛ «درة التاج».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (333/ 5)، الذریعه (198/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (604، 450، 137 -136/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (934 -932/ 2).

گلشن ایرانپور، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1257 ش)، روزنامه‌نگار، شاعر، متخلص به گلشن. در اردکان یزد به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. سپس به اصفهان رفت و تحصیلات ابتدایی و مقدمات عربی و «خلاصة الحساب» و «مطول» و فنون ادبی را در آنجا فراگرفت. او به امر پدرش کتاب «انوار سهیلی» را منظوم نمود که این کار بیست و پنج سال به طول انجامید. گلشن مدتی در دستگاه ظل السلطان خدمت کرد و سپس در اداره‌ی اوقاف اصفهان مشغول به کار شد. وی در 1338 ق روزنامه «اختر مسعود» را در اصفهان تأسیس و منتشر نمود و به واسطه‌ی داشتن امتیاز این روزنامه به مدیر اختر مسعود شهرت یافت. گلشن همواره در انجمن ادبی دانشکده، که عباس شیدا آن را اداره می‌کرد، حضور می‌یافت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از دیگر آثارش: «عقل و جنون»، شعر؛ «دلکش و پریوش»، شعر؛ «آلمان نامه»، شعر؛ «مشروطه نامه»، شعر؛ «نخجیرنامه»، شعر؛ «سفر پنج روزه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (71 -66/ 1)، تذکره‌ی سخنوران یزد (700 -695)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (404 -402)، تذکرة القبور (426 -425)، الذریعه (101/ 24 ،933/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3068 -3065/ 5)، فرهنگ سخنوران (780)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2326/ 2 ،1451/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (28 -27/ 4).

گلشن آزادی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1280 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به گلشن. در تربت حیدریه به دنیا آمد. وی ابتدا به تحصیل فارسی و عربی پرداخت اما به علت فوت پدر نتوانست به تحصیل ادامه دهد در نتیجه به تجارت روی آورد. پس از مدتی به علت علاقه فراوان به شعر و ادبیات و به منظور فراگرفتن رموز شعر و ادب به خدمت میرزا محمد حسین سهیلی و احمد بهمنیار رسید و از محضر آنها سود جست و « دیوان» شعری در پنج هزار بیت تنظیم کرد. در 1298 ش به مشهد رفت و در آنجا ابتدا مدیریت داخلی روزنامه‌ی «مهر منیر» و مدیریت روزنامه‌ی «شرق ایران» را بر عهده گرفت و در 1301 ش روزنامه‌ی «فکر آزاد» را- که صاحب امتیازش احمد بهمنیار کرمانی بود- بنیان نهاد. در 1304 ش امتیاز روزنامه «آزادی» را گرفت و سالهای متمادی بدون وقفه به انتشار آن پرداخت. علی اکبر گلشن پس از انتشار این روزنامه به گلشن آزادی معروف شد. وی در امور خیریه و ملی و فرهنگی مانند خدمت در هیئت مدیره‌ی شیر و خورشید سرخ مشهد، عضویت شورای عالی فرهنگ خراسان و عضویت انجمن آثار ملی سابقه خدمت داشته است. او در مشهد درگذشت. از دیگر آثار وی: «گلشن آزادی»؛ «گلشن ادب»، که شامل شرح حال شعرای خراسان می‌باشد؛ «داستان‌ها و دستان‌ها»؛ «در طهران چه دیدم و چه شنیدم»؛ مثنوی «شاهان وارون بخت»، بر وزن «مخزن الاسرار» نظامی؛ مثنوی «گلشن شوق»، بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «داستانها از باستانها»؛ «صد سال شعر خراسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (83/ 4، 148 -147/ 1)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی (812 -810)، چهره‌های آشنا (506 -505)، دویست سخنور (352 -350)، الذریعه (223/ 18، 934/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3072 -3069/ 5)، صد سال شعر خراسان (502 -481)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1574، 1552/ 1)، گلزار معانی (805، 619 -611)، مؤلفین کتب چاپی (538/ 4).

گلشن، عبدالحمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. از آثار وی: «دلکش و پریوش»؛ «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، با مشارکت احمد فردید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1752/ 2 ،1451/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (781/ 3).

گلشیری، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هوشنگ گلشیری در سال 1316در اصفهان به‌دنیا آمد. در سال 1321همراه با خانواده به آبادان رفت.
از سال 1321تا 1334در آبادان اقامت داشت که این دوره از زندگیش را باید شکل‌دهندهٔ حیات فکری و احساسی او دانست. پدرش کارگر بنا، سازندهٔ مناره‌های شرکت نفت بود، و ما مدام از خانه‌ای به خانهٔ دیگر می رفتند. از سال 1334 تا 1352 هم در اصفهان زیسته است.گلشیری اولین داستانش را در سال 1337زمانی که در دفتر اسناد رسمی کار می کرد نوشت.
پس از گرفتن دیپلم، معلم شد، در دهی دورافتاده در سرراه اصفهان به یزد. گلشیری در سال 1338 تحصیل در رشتهٔ ادبیات فارسی را در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. آشنایی با انجمن ادبی صائب در همین دوره نیز اتفاقی مهم در زندگی او بود.
شرکت در جلسات انجمن صائب زمینه‌ساز آشنایی با برخی اهل قلم آن روز اصفهان شد که در نشست‌های ادبی دیگر تداوم یافت. آشنایی با برخی فعالان سیاسی در این جلسات او را وارد عرصهٔ فعالیت سیاسی کرد که به دستگیری‌اش در اواخر سال 1340 انجامید. در پایان شهریور 1341 از زندان آزاد و در همان سال از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان فارغ‌التحصیل شد.
در این زمان دیگر چند شعر و یک داستان از او در مجلات پیام نوین، فردوسی، و کیهان هفته به چاپ رسیده بود. این نشست‌های ادبی که به دلیل حساسیت ساواک در خانه‌ها ادامه یافت، هستهٔ اصلی جنگ اصفهان شد.
از شمارهٔ دوم ابوالحسن نجفی، احمد میر علایی، ضیاء موحد و بعدتر تعدادی از نویسندگان و شاعران جوان به حلقهٔ همکاران پیوستند. جنگ اصفهان که این جمع را به عنوان قطبی در ادب معاصر شناساند کمابیش با همین ترکیب تا سال 1360 در یازده شماره منتشر شد. گلشیری تعدادی از داستان‌های کوتاه و چند شعر خود را در شماره‌های مختلف جنگ به چاپ رساند. در سال 1347، این داستان‌ها را در مجموعهٔ مثل همیشه منتشر کرد.
گلشیری و تعدادی از یاران جنگ اصفهان، در سال 1346، همراه با عده‌ای

دیگر از اهل قلم در اعتراض به تشکیل کنگره‌ای فرمایشی از جانب حکومت وقت بیانیه‌ای را امضا کردند و با تشکیل کانون نویسندگان ایران در سال 1347 به عضویت آن درآمدند. در سه دوره فعالیت کانون در جهت تحقق آزادی قلم و بیان و دفاع از حقوق صنفی نویسندگان، گلشیری همواره از اعضای فعال آن باقی ماند. در دوره‌های دوم و سوم فعالیت کانون، به عضویت هئیت دبیران نیز انتخاب شد.
رمان شازده احتجاب را در سال 1348، و رمان کریستین و کید را در سال 1350 منتشر کرد. در اواخر 1352، برای بار دوم به مدت شش ماه به زندان افتاد و به مدت پنج سال نیز از حقوق اجتماعی، از جمله تدریس محروم شد. ناچار در سال 1353 به تهران آمد. در تهران با بعضی از یاران قدیمی جنگ که ساکن تهران بودند و عده‌ای دیگر از اهل قلم جلساتی هفتگی برگزار کردند. مجموعه داستان نمازخانهٔ کوچک من (1354) ، و جلد اول رمان برهُ گمشدهُ راعی (1356) حاصل همین دوره بود. در سال 1354، نمایشنامه‌ای از او به نام سلامان و ابسال به روی صحنه آمد. این نمایشنامه هنوز منتشر نشده است.
در سال 1356، تدریس در گروه تئاتر دانشکدهُ هنرهای زیبای دانشگاه تهران را به صورت قراردادی آغاز کرد. در پائیز همین سال، گلشیری در ده شب شعری که کانون نویسندگان ایران‌با همکاری انجمن فرهنگی ایران و آلمان - انستیتو گوته - در باغ این انجمن بر پا داشت، سخنرانی‌ای با عنوان جوانمرگی در نثر معاصر فارسی ایراد کرد. در بهمن همین سال، برندهُ جایزهُ فروغ فرخزاد شد. در تابستان 1357، برای شرکت در طرح بین‌المللی نویسندگی به آیواسیتی در آمریکا سفر کرد. در چند ماه اقامت در خارج از کشور در شهرهای مختلف سخنرانی کرد و در زمستان 1357، پس از بازگشت به ایران، به اصفهان رفت و تدریس در دبیرستان را از سر گرفت.
گلشیری در بهمن 1358 معصوم پنجم را منتشر کرد. سال 1361 آغاز انتشار گاهنامهُ نقد آگاه بود. مطالب این گاهنامه را شورایی متشکل از نجف دریابندری، هوشنگ گلشیری، باقر پرهام و محسن یلفانی (بعدتر، محمدرضا باطنی) انتخاب می‌کردند. انتشار این نشریه تا سال 1363 ادامه یافت.
در اواسط سال 1362، گلشیری جلسات هفتگی داستان‌خوانی را که به جلسات پنج‌شنبه‌ها معروف شد، با شرکت نسل جوان‌تر داستان‌نویسان آغاز کرد. در این جلسات که تا اواخر سال 1367 ادامه یافت،نویسندگانی چون اکبر سردوزامی، مرتضی ثقفیان، محمود داوودی، کامران بزرگ نیا، یارعلی پورمقدم، محمدرضا صفدری، اصغر عبداللهی، قاضی ربیحاوی، محمد محمدعلی، ناصر زراعتی، رضا فرخفال، آذر نفیسی، بیژن بیجاری،

عبدالعلی عظیمی، علی موذنی، عباس معروفی، منصور کوشان، شهریار مندنی‌پور، منیرو روانی‌پور شرکت داشتند.
در این جلسات آثار منتشر شده‌ای از شهرنوش پارسی‌پور، سیمین دانشور، تقی مدرسی، محمود دولت‌آبادی، رضا جولایی، ابوالحسن نجفی، رضا براهنی، نجف دریابندری و اکبر رادی نیز با حضور خود آنها نقد و بررسی شد.
جبه‌خانه در سال 1362 و حدیث ماهیگیر و دیو در سال1363 منتشر شد.
گلشیری از اواخر سال 1364، با همکاری با مجلهٔ آدینه از اولین شمارهٔ آن، و پس از آن، دنیای سخن، و پذیرش مسئولیت صفحات ادبی مفید برای ده شماره (65 تا 66) دور تازه‌ای از کار مطبوعاتی خود را در حالی آغاز کرد که انتشار این نشریات سرآغاز فضای تازه‌ای در مطبوعات ادبی بود. سردبیری ارغوان که فقط یک شماره منتشر شد (خرداد 1370)، و سردبیری و همکاری باچند شمارهٔ نخست فصلنامهٔ زنده رود (1371 تا 1372) ادامهٔ فعالیت های مطبوعاتی او تا پیش از سردبیری کارنامه بود.
در سال 1368، در اولین سفر به خارج از کشور پس از انقلاب برای سخنرانی و داستان‌خوانی به هلند (با دعوت سازمان آیدا)، و شهرهای مختلف انگستان و سوئد رفت. در سال 1369 نیز برای شرکت در جلسات خانهٔ فرهنگ های جهان در برلین به آلمان سفر کرد. در این سفر در شهرهای مختلف آلمان، سوئد، دانمارک و فرانسه سخنرانی و داستان‌خوانی کرد. در بهار 1371 به آلمان، امریکا، سوئد، بلژیک و در بهمن 1372 هم به آلمان، هلند، بلژیک سفر کرد.
مجموعه داستان پنج‌گنج در سال 1368 (سوئد) فیلمنامهٔ دوازده رخ در سال 1369، رمان‌های در ولایت هوا در سال 1370 (سوئد)، آینه های دردار (امریکا و ایران) در سال 1371، مجموعه داستان دست تاریک،دست‌روشن در سال 1374،و در ستایش شعر سکوت (دو مقالهٔ بلند در بارهٔ شعر) در سال 1374 منتشر شد.
گلشیری تدریس ادبیات داستانی را که پس از اخراج از دانشگاه مدت کوتاهی دردفتر مجلهٔ مفید ادامه داده بود، در سال 1369 با اجارهٔ محلی در تهران و برگزاری کلاس‌های آموزشی و جلسات آزاد ماهانه از سر گرفت. در این دوره که به دورهٔ تالار کسری معروف شد، ابوالحسن نجفی،م.ع. سپانلو و رضا براهنی نیز به دعوت گلشیری کلاس‌هایی برگزار کردند.
در کنار ادبیات و نقد معاصر، ضرورت شناخت متون کهن نیز از دلمشغولی‌های گلشیری بود. او به همراه دوستانی از اهل قلم در جلساتی هفتگی، که از سال 1361 آغاز شد و پانزده سالی ادامه داشت، بسیاری از آثار کلاسیک فارسی را بازخوانی و بررسی کرد.

در فروردین 1376، اقامتی نه‌ماهه در آلمان به دعوت بنیاد هاینریش بل فرصتی شد برای به پایان رساندن رمان جن‌نامه که تحریر آن را سیزده سال پیشتر آغاز کرده بود. در همین دوره، برای داستان‌خوانی و سخنرانی به شهرهای مختلف اروپا رفت و جایزهٔ لیلیان هلمن/ دشیل همت را نیز دریافت کرد. در زمستان 1376، رمان جن‌نامه (سوئد) و جدال نقش با نقاش انتشار یافت.
گلشیری سردبیری ماهنامهٔ ادبی کارنامه را در تابستان 1377 پذیرفت و نخستین شمارهٔ آن را در دی ماه همین سال منتشر کرد. در این دوره جلسات بررسی شعر و داستان نیز به همت او در دفتر کارنامه برگزار می‌شد. یازدهمین شمارهٔ کارنامه به سردبیری او پس از مرگش در خرداد 1379 منتشر شد.
گلشیری در دوازدهم تیرماه 1378 جایزهٔ صلح اریش ماریا رمارک را در مراسمی در شهر ازنابروک آلمان دریافت کرد.این جایزه به پاس آثار ادبی و تلاش‌های او در دفاع از آزادی قلم و بیان به او اهدا شد.در مهر ماه همین سال در آخرین سفرش در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت شرکت کرد. سپس برای سخنرانی و داستان‌خوانی به انگلستان رفت.مجموعهٔ مقالات باغ در باغ در پاییز 1378 منتشر شد.
به دنبال یک دورهٔ طولانی بیماری، که نخستین نشانه‌های آن از پاییز 1378 شروع شده بود، هوشنگ گلشیری در 16 خرداد 79 در بیمارستان ایرانمهر تهران در گذشت و در امامزاده طاهر در مهر شهر کرج به خاک سپرده شد.

گل‌گلاب، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1347، تهران.
درگذشت: 22 اسفند 1363، تهران.
حسین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی‌خان مصورالملک (نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه و متوسطه را در دارالفنون به سال 1295 به پایان رسانید. از سال 1298 که تدریس علوم طبیعی مدرسه‌ی دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال 1307 دوازده جلد کتاب در رشته‌ی علوم طبیعی تألیف نمود. ضمنا در دانشکده‌ی حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت دانشنامه‌ی لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی در سال 1301 نایل آمد. به سال 1307 تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی به عهده‌ی وی محول شد و از سال 1307 تا 1313 در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهده داشت. به سال 1314 که کلاس مقدمات طب به دانشسرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسرای عالی و دانشکده‌ی علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.
دکتر گل‌گلاب در سال‌های 1324 و 1326 علاوه بر تدریس به معاونت دانشکده‌ی پزشکی منصوب شد و تا سال 1327 در این سمت خدمت کرد و از پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تشکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوسته‌ی این مؤسسه برگزیده شد و در سال 1315 سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.
علاوه بر کتاب‌های متوسطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شرح زیر است: پایان‌نامه‌ی دکتری راجع به «نباتات» ایران که خلاصه‌ی آن در سال 1313 به چاپ رسید، در این پایان‌نامه شش هزار گیاه که در ایران می‌روید توصیف شده است ؛گیا (راهنمای گیاهی)؛ گیاه‌شناسی (برای دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی)؛ فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی؛ تدوین برخی از کتاب‌های درسی گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، تشریح و فیزیولوژی حیوانی و

شیمی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (از سال 1312 الی 1326)؛ تاریخ طبیعی (در قسمت های مختلف)؛ جغرافیا (1310)؛ مشخصات جغرافیای طبیعی ایران (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسی، 1336)؛ ترجمه‌ی بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی (برخی از این نمایشنامه‌ها در مجلات به چاپ رسیده است)؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگ های اصلی است؛ ترجمه‌ی کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگ‌های‌اصلی. وی موسیقی می‌دانست و سرود هم می‌ساخت. از جمله سرودهایی که ساخته است، می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پر گهر» و «آذربایجان».

(1365/ 1363 -1274 ش)، نویسنده، مترجم، موسیقیدان و استاد دانشگاه. وی در تهران به دنیا آمد. پدرش نقاش و عکاس دوره‌ی قاجار بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی علمیه، در محضر استادانی چون: عبدالعظیم قریب، میرزا ابراهیم قمی مسعودی، غلامحسین رهنما و شمس‌العلماء قریب شروع کرد و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون به پایان برد. در دوره‌ی متوسطه، علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه، مقدمات زبان روسی را در کلاس اسکندرخان ماردیروسیان فراگرفت. پس از پایان دوره‌ی متوسطه به تدریس در مدرسه‌ی دارالفنون مشغول شد. در 1301 ش به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد و در 1307 ش به تدریس در مدارس نظام منصوب شد. وی دارای لیسانس در رشته‌ی قضایی و علوم سیاسی و دکترا در رشته‌ی علوم بود. او به تدریس فیزیولوژی گیاهی، در دانشسرای عالی و گیاه شناسی، در دانشکده‌ی پزشکی پرداخت و در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب شد. دکتر گل گلاب علاوه بر تدریس مدتی به معاونت دانشکده پزشکی منصوب گردید. وی مدتی نیز سردبیر فرهنگستان بود. او در دوره‌ی تحصیلات متوسطه در محضر درس آقا حسنقلی، استاد تار، به فراگیری این هنر نیز پرداخت و با مقدمات موسیقی ایران آشنا شد. سپس در مدرسه‌ی موسیقی کلنل علینقی وزیری ثبت نام کرد و به تشویق وزیری چندین سرود و تصنیف به عنوان نمونه تهیه کرد که مورد پسند قرار گرفت. وی همچنین با انجمن موسیقی ملی در زمینه‌ی تصنیف و سرود همکاری داشت. سرودهای «ای ایران» و «آذربایجان» از آثار هنری اوست. گل گلاب به نقاشی، عکاسی و شعر نیز علاقه‌مند بود. او در زمینه‌ی واژه‌یابی معادل در رشته‌های علمی تخصص داشت و عضو فرهنگستان ایران بود. از آثار علمی وی: «تاریخ طبیعی»، تشریح و فیزیولوژی حیوانی؛ «تاریخ طبیعی»، زمین شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، گیاه شناسی؛ «تاریخ طبیعی»، قسمت چهارم، «حفظ الصحه»؛ «پایان‌نامه

دکترا»، درباره‌ی نباتات ایران؛ «فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی»؛ «شیمی فلزات»؛ «جغرافیا»؛ ترجمه‌ی «مشخصات جغرافیای طبیعی ایران».[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ برگزیدگان (396 -394)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (313 ،236 ،235)، تاریخ موسیقی (490/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (336/ 5)، زندگینامه‌ی مشاهیر رجال پزشکی (140 -129/ 1)، سرگذشت موسیقی (324/ 1)، شرح حال رجال (302/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (722 -721/ 1)، مردان موسیقی (132 ،24 ،22/ 4 198،/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (853 -851/ 2).

گنج افروزی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محسنی‌پور از فضلاء و مروجین شهرستان بابل است که بخدمات دینی از خواندن نماز جماعت و غیره اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

گنجرودی نیشابوری، ابوسعید محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 453 -360 ق)، فقیه، مسند، نحوی، ادیب، طبیب و شاعر. اهل نیشابور و مسند خراسان بود. در بغداد بزرگان علم نحو را درک کرد. او از ابوعمرو محمد بن احمد بن حمدان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و حسینک بن علی تمیمی و شافع بن محمد اسفراینی و ابوبکر بن مهران مقری و حافظ ابواحمد حاکم نیشابوری و ابوحسین بن دهثم و محمد بن بشر بصری و ابوبکر محمد بن محمد طرازی و احمد بن محمد بالوی و احمد بن حسین مروانی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. او گذشته از علوم اسلامی در طب و سوارکاری و به کار بردن سلاح مهارت داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. اسماعیل بن عبدالغافر و ابوعبداللّه محمد بن فضل فراوی و هبة اللّه بن سهل سیدی و تمیم بن ابوسعید جرجانی و زاهر بن طاهر حامی و عبدالمنعم بن ابوالقاسم قشیری و ابوسعد بن ابوصادق متطیب و ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در نیشابور، مرو و اصفهان از وی حدیث شنیدند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (101 -100/ 5)، سیر النبلاء (102 -101/ 18)، شذرات الذهب (292 -291/ 3)، العبر (301/ 2)، معجم البلدان (394/ 5)، الوافی بالوفیات (231/ 3).

گنجه‌ای، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار، مدرس.
تولد: 1297، تبریز.
درگذشت: 15 شهریور 1374، ژنو.
رضا گنجه‌ای، فرزند علینقی گنجه‌ای از رهبرای مشروطه خواهان تبریز، پس از تحصیلات اولیه در زادگاهش تبریز در مدرسه حکمت، دوره‌ی مدرسه صنعتی را در آلمان گذراند. پس از بازگشت به ایران، به استخدام اداره‌ی راه‌آهن درآمد. وی بعدها رییس راه‌آهن شد، مدتی معاون وزارت پست و تلگراف بود و ضمن تدریس در دانشگاه، ریاست دانشکده‌ی فنی را نیز به عهده داشت.
روزنامه‌نگاری را از دوران تحصیل آغاز نمود و در مدرسه‌ی ابتدایی «حکمت» تبریز، روزنامه‌ی دستنویسی به نام «وطن» می‌نوشت و می‌پراکند. نخستین شماره‌ی «بابا شمل» در فروردین 1322 منتشر شد. انتشار این دوره تا مهر ماه 1324 که رضا گنجه‌ای به خارج سفر کرد، ادامه داشت. وی پس از بازگشت به ایران «بابا شمل» را از نو ساخت ولی این دوره نیز به درازا نکشید (پاییز- زمستان 1326). بیشتر مطالب 273 شماره‌ی «بابا شمل» را خود نوشت و در تعیین دیگر مطالب اعم از موضوع اشعار و کاریکاتورها نیز نقش مؤثری داشت. بخشی از مطالب وی با امضای «مهندس اقتصاد چاپ» می‌شد و گاهی نیز شعر می‌گفت و با نام مستعار «دنب المهندسین» چاپ می‌کرد. همکاران گنجه‌ای در سرودن اشعار فکاهی نشریه عبارت بودند از: رهی معیری (با نام مستعار زاغچه) مهندس فزونی (با نام مستعار «مهندس الشعرا»)، ابراهیم صهبا (با نام‌های مستعار «شیخ سرنا» و «ابرام سرپا») و احمد گلچین معانی. کاریکاتورهای «بابا شمل» نیز کار بهرام داوری و بنی سلیمان بود.
متولد 1280 و فرزند حاج میرزا علینقی گنجه در تبریز است. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تبریز به اتمام رسانید، به تهران آمد، داخل مدرسه صنعتی که آلمانها تأسیس کرده بودند شد. سپس از طرف دولت برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و درجه مهندسی گرفت و بعد از مراجعت به تهران به دانشیاری دانشکده فنی و سپس استادی آنجا برگزیده شد و سالها در مقام استادی در دانشگاه تهران خدمت می‌کرد.
در 1334 در کابینه حسین علاء به وزارت صنایع و معادن برگزیده شد و

قریب یک سال در آن سمت انجام وظیفه نمود. یک دوره سه ساله نیز ریاست دانشکده فنی را برعهده داشت. مهندس رضا گنجه‌ای در اواخر سال 1321 اقدام به تأسیس یک روزنامه فکاهی به نام بابا شمل نمود. این روزنامه که مطالب خود را به صورت طنز و شوخی می‌نوشت خیلی زود در محافل ایران برای خود موقعیتی پیدا کرد. مخصوصا مطالبی که گنجه‌ای می‌نوشت بسیار جالب و مطابق میل مردم بود. نوشته‌های مهندس گنجه‌ای در ردیف چرند و پرند دهخدا در روزنامه صوراسرافیل و کتاب یکی بود یکی نبود جمال‌زاده محسوب می‌شود. این روزنامه قریب 5 سال انتشار یافت و بعد تعطیل شد. مهندس رضا گنجه‌ای در سال 1374 در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

گنجی، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر گنجی (زادهٔ ۱۱ بهمن ۱۳۳۸، تهران) روزنامه‌نگار سیاسی ایرانی است.
تولد:
اکبر گنجی در روز ۱۱ بهمن ۱۳۳۸ در کوی ۱۳ آبان نازی آباد تهران به دنیا آمد.
بعد از انقلاب ۱۳۵۷تا دوم خرداد ۱۳۷۶
وی در دوران انقلاب ۱۳۵۷ایران از فعالین خیابانی بود که بعدها با تشکیل سپاه پاسداران به آن پیوست . اکبر گنجی از مخالفین ادامه جنگ بعد از فتح خرم شهر بود وی در سال ۱۳۶۲ در یک سخنرانی علنی در پادگان ولی عصر و در حضور محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه، به سیاست ادامه جنگ اعتراض کرد و آن را بیفایده دانست. وی در همان سخنرانی که باعث بحرانی در سپاه شد، فرماندهی سپاه، از جمله محسن رضایی، محسن رفیقدوست، ذوالقدرو زیبایی نژاد را متهم کرد که سپاه را آلت دست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی کرده اند و با نیروی نظامی سپاه کار سیاسی می‌کنند و خواستار برکناری فرماندهی سپاه شد. دادستانی سپاه این برخورد را تمرد در شرایط جنگی دانست و برای گنجی خواستار اشد مجازات یعنی حکم اعدام شد. اما با وساطت حسنعلی منتظری و شیخ یوسف صانعی این موضوع منتفی شد. وی در سال ۱۳۶۳ از سپاه استعفا داد و از آنجا بیرون آمد . او بعد از کنار رفتن از سپاه چند سالی رابط فرهنگی سفارت ایران در ترکیه بود و همچنین او با اعضای نهاد اطلاعات نخست وزیری مانند سعید حجاریان که بنیان گذاران اصلی وزارت اطلاعات بودند ارتباط داشت که گاهی باعث شده بعضی وی را از اعضای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بدانند. خود او هرگونه حضور و ارتباط با وزارت اطلاعات را تکذیب می‌کند . با پایان جنگ و پس از ورود به دانشگاه، از اوایل دههٔ هفتاد گنجی به حلقهٔ کیان پیوست. حلقه‌ای که پس از جدا شدن خاتمی و شمس الواعظین و اعضای چپ مذهبی گرداننده روزنامه کیهان از آن نهاد به نشریه کیان روی آوردند و عبدالکریم سروش، که در آن زمان از استادان این جریان و همچنین یکی از موثرترین اعضای نهاد انقلاب فرهنگی که هنوز با نام شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد بود آنان را به لحاظ فکری تغذیه می‌کرد.

بعد از دوم خرداد
با پیروزی محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ و در انتخابات ریاست جمهوری، یاران او که اکبر گنجی نیز در میان آن‌ها بود به نام اصلاح طلبان شهره شدند و فعالیت‌های گستردهٔ مخرب سیاسی و اجتماعی را پی گرفتند. زندانی شدن اکبر گنجی به دلیل واکاوی فاشیسم مذهبی در دانشگاه شیراز و انتشار هفته نامه راه نو از رویدادهای چشمگیر این دوران زندگی اوست. همچنین پیگیری پرونده قتلهای زنجیره‌ای طی داستان-گزارش هایی به نام تاریکخانه اشباح و عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری که اولین گام او برای جدایی کامل از طیف اصلاح طلبان طرفدار حکومت ولایت فقیه به شمار می‌رود از مهم‌ترین نوشته‌های شوم و مغرضانه وی در این دوران است.
ماجرای کنفرانس برلین
وی پس از شرکت در کنفرانس جنجالی و خیانت بار ایران پس از انتخابات که بعدها به کنفرانس برلین مشهور شد، پس از بازگشت به ایران در فرودگاه مهرآباد تهران در مورخ سوم اردیبهشت ۳۷۹ ۱دستگیر شد.
بازگشت به تهران و محاکمه
دادگاه اولیه گنجی به ریاست قاضی مرتضوی وی را به دلیل چند اتهام سنگین سیاسی به ده سال حبس و پنج سال تبعید محکوم کرد اما دو سال بعد در دادگاه تجدیدنظر حکم گنجی تنها به شش ماه حبس کاهش یافت. قاضی این دادگاه علی بخشی بود که چندی بعد بازخرید گردید. با اعتراض دادستانی تهران، حکم گنجی دوباره نقض شد و این بار به شش سال حبس بدل گردید.
گنجی پس از بازگشت به خانه در مصاحبه‌هایی با خبرگزاری‌های بین‌المللی رسماً بر سیاست تحریم انتخابات صحه گذارد و به‌شدت از جدایی کامل دین از سیاست و تأسیس یک جمهوری تمام عیار به جای جمهوری اسلامی دفاع نمود. این گفت‌وگوها او را به زندان بازگرداند و اکبر گنجی دوباره برای مدت قریب هفتاد روز دست به اعتصاب غذای نامحدود زد. در این مدت بسیاری از ایرانیان سراسر جهان و سران کشورهای غربی به حمایت از او برخاستند. رئیس جمهور شوم ایالات متحده آمریکا جرج بوش، تونی بلر نخست وزیر انگلیس و کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد از جمله شخصیت‌های بین‌المللی بودند که خواهان آزادی اکبر گنجی شدند.
مجموعه مقالات قرآن محمدی و حکم ارتداد:
اکبر گنجی به دلیل نوشتن مجموعه مقالات قرآن محمدی که در آن مقالات دلایلی بی اساس و ساخته معاندین اسلام را برای این مدعا که « قرآن یک کلام بشریست » مطرح می‌کند، توسط آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله) مرتد و کافر اعلام شد گنجی معتقد است در طول تاریخ

معتقدان به این مدعا که «قرآن کلام خداست » حتی یک دلیل منطقی برای ادعای خود نیاورده اند . وی همچنین در کتاب آسمانی یهودیان و مسیحیان تردید کرده است. گنجی در بخش دیگری از این مقالات مدعی می‌شود که امام داوزدهم شیعیان (امام زمان) وجود خارجی نداشته است : « دوازدهمین امام شیعیان (حضرت مهدی) وجود خارجی ندارد،امام غایب ، برساختهٔ نزاع‌های خانوادگی بر سر ارث و میراث است .»

آثار

کتاب های نوشته شده توسط اکبر گنجی :

- تلقی فاشیستی از دین و حکومت
- برای تمام فصول
- تاریکخانه اشباح
- عالیجناب سرخپوش و عالیجنابان خاکستری

کتاب‌های دوران زندان:

- اصلاح گری معمارانه
- کیمیای آزادی
- مجمع الجزایر زندان گونه

جزوات دوران زندان:

- مانیفست جمهوری خواهی ۱
- مانیفست جمهوری خواهی ۲
- مانیفست جمهوری خواهی ۳

گنجی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد باقر بن حسین بن ابی تراب موسوی گنجی اصفهانی، عالم فاضل، و خطیب بارع، از بنی اعمام آیت اللّه اصفهانی است. در شهر گنجه متولّد، و هم در آنجا ساکن بوده، و در سال 1335 به سنّ قریب به هشتاد سال وفات یافته.
کتب و رسائل عدیده‌ای نوشته و برخی از آنها بطبع رسیده، از آن جمله است: 1- الایقان 2- تبیان المقال (الاحوال) در رجال 3 - روض الجنان، در مواعظ شهر رمضان، مطبوع 4- عبقات الاصول، در فقه 5- مرقاة الایمان، مطبوع، و در مقدّمه ی آن تألیفاتش نامبرده شده است.
6- مزامیر الاولیاء؛ و غیره.
پدرش: آقا سید محمد حسین نیز عالمی کامل، و فقیهی محقّق بوده، در حدود سال 1330 به سنّ متجاوز از یکصد و بیست سال در گنجه وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا گندمی نصرآبادی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/10/10
زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه 1361) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال 1368 در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال 1370 در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال 1374 در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال 1382 در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمنا از سال 1379 تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گودرزی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود گودرزی
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و لعنة علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال 1347 خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العضمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضوراساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و .... اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذارندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریبا در سالهای 56 و 57 بود، امتحانات کتبی شفاهی:در سال 1350 رتبه اول و در سال 1353 رتبه دوم و در سال 56 یا 57 امتحانات رتبه سوم را با موفقیّت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال 1375 در امتحانات مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزهای شهرستانها مانند نطنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال 1377 به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد

قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گورانی، ستیته

قرن:9
جنسیت:زن
ملیت:ایران
آخر قرن نهم هجری، از زنان عالم، ادیب و محدث. وی دختر بدر محمد گورانی و خواهر فاطمه خاتونی گورانی بود و از راویان علم حدیث به شمار می‌رفت.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: تاریخ مشاهیر کرد، 135 / 1.

گوهر مدراس، محمد باقر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقرخان مدراسی از گویندگان زبان فارسی (ف. اواخر قرن 12).
وی دیوان شعری دارد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گوهرین، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1374 -1293 ش)، نویسنده، محقق، مدرس و مصحح. صرف و نحو را در مدارس قدیم آموخت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، از دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه لیسانس گرفت. وی در 1319 ش تدریس ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی در دبیرستان‌های تهران را به عهده داشت و در ضمن خدمت موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد و رساله‌ی خود را در لغات و آثار مولا جلال‌الدین رومی، به نام «فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی»، در شش مجلد تدوین کرد. از دیگر آثار وی: «حجة الحق ابوعلی سینا»؛ «پیر چنگی»، حکایاتی از مثنوی؛ مقدمه‌ای بر «شمس الحقائق»؛ تصحیح و تعلیقات «منطق الطیر» عطار نیشابوری؛ «داستان بهرام گور»؛ تصحیح و تعلیقات «اسرار نامه» عطار نیشابوری؛ «شرح اصطلاحات تصوف».[1]
ادیب، محقق.
تولد: 1293.
درگذشت: 6 آذر 1374، تهران.
سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فراگرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دوره‌ی دکترای فارسی نیز به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد.
از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: حجةالحق ابوعلی سینا (1331)؛ پیر جنگی؛ حکایاتی از مثنوی (این اثر به تفاریق میان سال‌های 1337 تا 1345 منتشر شده است)؛ تصحیح اسرارنامه شیخ عطار (1338)؛ تصحیح منطق الطیر عطار (1342)؛ داستان بهرام گور (از شاهنامه فردوسی، 1343)؛ شیخ صنعان (از منطق الطیر، 1344)؛ شرح اصطلاحات تصوف (1367). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستاره صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (3168، 3136، 2814

2439، ،2187 ،2164/ 2 ،1325 ،1152- 1151 ،640- 639 ،210/ 1)،
فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (500/ 3).

گیلانی، اشرف الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اشرف الدین گیلانی موسوم به نسیم شمال از شعرای معروف و مردمی ،نویسنده و روزنامه نگار دوره مشروطیت، در سال 1287 ه.ق در قزوین متولد شد.وی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.اقامت او در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت; سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال 1327 ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال 1333 آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت.او عاقبت دچار جنون شد و در دارالمجانین بستری شد و فوت کرد و در ابن بابویه مدفون شد
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : نویسنده ، شاعر و روزنامه نگار
والدین و انساب : سید اشرف قزوینی معروف به گیلانی فرزند سید احمد حسینی قزوینی است.
خاطرات کودکی : سید اشرف الدین گیلانی شش ماهه بود که یتیم شد، در یتیمی ملک و مال و خانه اش را غصب کرده اند و او دچار فقر و تنگدستی شده است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید اشرف الدین گیلانی پس از سپری نمودن تحصیلات مقدماتی مدت پنج سال در نجف و کربلا به تحصیل علوم دینی پرداخت و مجددا به زادگاه خود بازگشت. سید اشرف در بیست و دو سالگی به تبریز رفت و صرف و نحو، منطق ، نجوم و جغرافیا را فراگرفت و سپس به گیلان رفت.
زمان و علت فوت : در سال ???? هجری قمری شایع کردند که سید اشرف الدین گیلانی به بیماری جنون مبتلا شده است و با این دستاویز وی

را به تیمارستان بردند. و بازهم حق نا شناسی مردم را در زمان اقامتش در تیمارستان و در زمان مرگش می بینیم. سرانجام سیداشرف الدین قزوینی (گیلانی) در ?? اسفندماه سال ???? در دارالمجانین چهارراه قزوین تهران (حوالی میدان قزوین فعلی) جان به جان آفرین تسلیم کرد و در عین گمنامی در گورستان ابن بابویه تهران به خاک سپرده شد و تا سال های سال کسی نمی دانست گور او کجاست و بعدها به همت زنده یاد دکتر اسماعیل رضوانی و ابراهیم فخرایی مقبره او را یافتند و سنگی بر گورش نهادند، تا شاید روزگاری کسی کنار گور او گذشت و برایش فاتحه خواند. جالب است بدانید تا سال ،???? گور او نامعلوم بود و به راهنمایی یکی از فرزندان پخش کنندگان نسیم شمال، گور او شناسایی شد. حافظا عشق و صابری تا چند ناله عاشقان خوش است بنال

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : اقامت سید اشرف الدین گیلانی در رشت و فعالیتهای مطبوعاتی سید اشرف الدین مصادف بود با امضای فرمان مشروطیت; سید در شهر رشت روزنامه‌ای ادبی و فکاهی با نام نسیم شمال را منتشر کردکه انتشار آن تا انحلال و به توپ بستن مجلس شورای ملی ادامه یافت و در این زمان،که بشدت مورد علاقه مردم گیلان قرار گرفته بود، توقیف شد.نسیم شمال در سال 1327 ه.ق مجددا روزنامه خود را منتشر ساخت و از سال 1333 آن را در تهران انتشار داد که به شهرت و آوازه فراوانی دست یافت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. سید اشرف در روزنامه خود و در قالب شعر و طنز همواره استبداد و ظلم را مورد حمله قرار می داد و سخنان منظوم و موزون او بسیار مورد توجه مردم بود; از اینرو در سال1345 ه.ق به جرم دیوانگی وی را به تیمارستان که در واقع زندان سید بود منتقل کردند

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : نسیم شمال در اصل نام روزنامه ای چهارصفحه ای با مضامین فکاهی و طنز بود که سید اشرف الدین گیلانی در سال ???? ه. ق _ ????شمسی- در رشت تاسیس کرد

همفکران فرد : سعید نفیسی در مقدمه دیوان کامل نسیم شمال درباره وی می گوید: «یقین داشته باشید که اجر او در آزادی ایران کمتر از اجر ستارخان نبود. حتی این مرد شریف بزرگوار در قزوین تفنگ برداشته و با مجاهدان دسته محمد ولی خان تنکابن سپهدار اعظم و سپهسالار اعظم جنگ کرده و در فتح تهران جانبازی کرده بود.» با این وجود در متون و مقالاتی که درباره مشروطه نوشته می شود، می بینیم که کمتر نامی از سید اشرف الدین آمده است. علت این حق ناشناسی را می توان این دانست که سید اشرف الدین کمترین ادعایی نسبت به نقش خود در مشروطه نداشته است. باز سعید نفیسی درباره آزادگی و بزرگواری وی می گوید: «بزرگی او در اینجا است که با این همه نفوذی که در مردم

داشت هرگز درصدد برنیامد از آن سود مادی ببرد. نه هرگز در موقع انتخابات از کسی رای خواست، نه به خانه صاحب مسندی و خداوند زر و زوری رفت.»
آرا و گرایشهای خاص : سید شرف الدین گیلانی در اشعار خود بارها ظلم و استبداد محمد علی شاه ودولتهای پس از وی را به باد حمله و انتقاد گرفت و همواره حامی و پشتیبان آزادی وآزادگی بود. اشعار او به زبان مردم کوچه و بازار و فاقد انسجام لازم ادبی بود ولی ویژگی‌عمده شعر نسیم شمال گذشته از سادگی و صمیمیت زبانی، مضمون و محتوای آن بود که‌در سالهای بیداری از عمق وجود مردم مایه می‌گرفت و نظر خاص و عام را به خود جلب‌می کرد. به طور کلی بعد از انقلاب مشروطه، طنز در ادبیات ایران به جهت فضای خفقان آور حاکم بر جامعه، موقعیتی جدی یافت و مورد توجه شاعران و نویسندگان ازجمله سید اشرف الدین گیلانی قرار گرفت. به علت آزادی و آزادگی شخصیتش اشعار وی از احساسات و عواطف شدید وطن پرستی و عشق به آزادی و مردم سرشار است. به واسطه زبان ساده و عوامانه اش و همچنین عاری بودن از رکاکت کلام و هزل های بی ادبانه، اشعارش در میان مردم محبوبیت و مقبولیت زیادی پیدا کرد تا جایی که وی را به اسم آقای «نسیم شمال» می شناختند.
جوائز و نشانها : در اسفندماه سال 1384 پس از یک فراخوان، به همت «خانه کتاب ایران» همایش بزرگداشتی برای سیداشرف الدین گیلانی برپا شد و ماحصل آن کتابی است در ??? صفحه، در شش فصل و به قلم فرهیختگانی که دل در گرو آزادی دارند، از آزادمردی گفته و نوشته اند که پس از نیم قرن تلاش در راه بیداری و آزادی ملت ایران، در عین غربت و گمنامی، ظاهراً به علت اختلال مشاعر دست از دنیا شست ----------
---
آثار :
1 مجموعه اشعار (نسیم شمال و بهشت باغ)
ویژگی اثر : مهم ترین اثر ادبی سید اشرف الدین مجموعه اشعار او مشتمل بر بیست هزار بیت است که به نام نسیم شمال و بهشت باغ در دو جلد چاپ شده است

گیلانی، محمد محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقق کثیر التألیف، شاعر ادیب زاهد، در اواخر عمر ظاهرا در طهران ساکن بوده، و در آن شهر وفات یافته، در نجف مدفون گردید. نسب او به علامه محقق شیخ بهائی می‌رسد و شاید انتساب او از طرف مادر باشد.
تعداد مؤلفاتش از کتاب و رساله متجاوز از 116 مجلد می‌شود، از آن جمله است: 1- اجابة المحب 2- اربعین 3- انیس الصالحین 4- انیس العباد 5- ایقاظات 6- بحر الحکم [شرح هدایه‌ی میبدی] 7- بحر الامکان 8- بحر الامال 9- بحر المآرب 10- بحر المصائب 11- بروق اللوامع 12- بستان الجعفریة 13- بدیهیات 14- بنیان الاصول 15- تحفة الایادی 16- تحفه الاخیار 17- جامع المسائل 18- جامع المصائب، در دو جلد 19- جنات عدن 20- جنة الامان 21- خلاصة الخلاصة 22- درج الدرایج 23- درر الاقوال [فی فقه سیدنا محمد و آله الاطهار المفضال] 24- دلیل المتحیرین 25- دیوان اشعار، و در آن «عاصی» تخلص می‌کند 26- دره‌ی مضیئه 27- ذخیرة المعاد 28- ذریعة الوداد [تفسیر سوره‌ی یوسف] 29- رضوان الامال 30- روض الریاض [حاشیه‌ی معالم] 31- ریاض الارواض [شرح معالم] 32- روضة حسینیه 33- رسائل الرسائل 34- وریقات الانیقات 35- زاد السالکین 36- سبیل السبل 37- سفینة النجاة 38- سوانح 39- شد الوثیق 40- ضیاء الذاکرین 41- عوالم العوالم 42- غزوه‌ی خیبر، منظوم 43- قبلة الافاق 44- القواعد و الفوائد 45- قوانین المصائب 46- کشایف الاسرار 47- کشف الحجب 48- کشف المقال 49- کنز الاحباب 50- کنز الاخوان 51- لوایح الطرایح 52- متروک الانظار 53- مجمع الاذکار 54- مجمع المعانی [حاشیه‌ی ریاض] 55- مرجع الضمایر، در دو مجلد 56- منهاج الدین، در اصول دین 57- مثنوی شش دفتر 58- مثنوی شور و شیرین 59- مفاتیح النجاة 60- ملتمس المحبوب 61- نظم المجالس، در چندین مجلد 62- نسج النسوج 63- وقایع الصفین 64- وسیلة المراد 65- وسیلة النجاة، فارسی، در جبر و تفویض، و آن را در سال 1269 تألیف نموده 66- هدیة الاخوان 67- ینابیع الدرر؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

گیوگان

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از پهلوانان داستانی ایرانی و پدر گرازه.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

گیوه چی مفرد، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن گیوه چی مفرد
محل تولد : مشهد
شهرت : پویا
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال 55 ـ 56 به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال 59 که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایة را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایة آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال 1364 با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از

هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال1373، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا 75 ـ 76 از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال 1379 معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال 83 مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لاربن مازندرانی، قاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1293 ش)، نویسنده، نمایشنامه نویس، روزنامه‌نگار و شاعر. در بابل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران به پایان رساند. بعد در خارج به تحصیل و تکمیل زبان فرانسه پرداخت. وی مدتی مترجم فرانسه شرکت الکا بود و چندی نیز دبیر فرانسه‌ی دبیرستان شاهپور بابل شد. پس از آن در 1319 ش مترجم زبان فراسنه اداره‌ی کل دخانیات گردید. سرانجام در 1320 ش از کار دولتی کناره‌گیری کرد و به کار آزاد روی آورد. در 1326 ش وارد عرصه‌ی مطبوعات شد و در همان سال روزنامه‌ی «جهان فردا» را تأسیس و منتشر کرد. لاربن علاوه بر نویسندگی، شاعری توانا بود که در 1362 ش منظومه‌ای در حماسه و عشق به نام «ایرج و هوبره» سرود. از دیگر آثارش: «جاده‌های بریده»؛ «رازها»؛ «زن مست»؛ «عشق و سیاست» یا «سقوط یک استاد»؛ «من و تو»؛ «گره کور». او همچنین نمایشنامه‌های: «زهره و منوچهر»، «عشاق جانی» و «مرگ آزادی» را نوشت که در بابل به نمایش گزارده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (59/ 12)، شرح حال رجال معاصر مازندران (176 -175/ 2)، شعرای مازندران و گرگان (268 -266)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3172، 2989- 2988، 2795، 2311، 1870، 1619،/ 2 ،983/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (311)، مؤلفین کتب چاپی (904 -902/ 4).

لاری، فتح‌الله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید کمال‌الدین شاه فتح‌الله به هبة‌الله بن عطاءالله حسنی حسینی جعفری شیرازی.
از طایفه‌ی سادات شاهی شیراز، عالم فاضل، و ادیب منشی کامل، به دعوت شاه سلیمان از اردکان به اصفهان آمده، و سال‌ها قاضی اصفهان و شیراز و لار بوده. در سال 1098 در اصفهان وفات یافته [در حوالی مدفن آقا حسین خوانساری مدفون شد].
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- الامامة، آن را در موقع تشرف خود به مکه تألیف نموده، و مناظرات خود را با ملا عبدالرحیم مدرس مدینه‌ی طیبه بتمامه نقل نموده است. 2- بدیع در علم بدیع، در اصفهان تألیف نموده 3- تاریخ شاه فتح الله 4- ریاض الابرار و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاری، محیی‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 933 ق)، ادیب و شاعر. از شعرای عهد سلطان یعقوب میرزا آق قوینلو بود و اوایل عصر شاه طهماسب (984 -930 ق) را نیز درک کرد. از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی بوده و گذشته از علوم متداول زمان در عروض و فنون شعر هم مهارت داشته است. وی غزل را نیکو می‌سرود و از سبک بابا فغانی پیروی می کرد. به زیارت بیت‌اللّه الحرام رفت و در مراجعت مثنوی «فتوح الحرمین» را، که مثنویی دینی در مورد بقاع متبرکه و بیان مناسک حج است، در مدینه به اسم سلطان مظفر بن محمود شاه گیلانی سرود. او این مثنوی را به قولی در 911 ق و به قولی در 950 ق به اتمام رساند. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. در «فرهنگ سخنوران» محبی لاری و صاحب عنوان با هم یکی دانسته شده، ولی بیشتر تذکره‌ها آن دو را جدا ذکر کرده‌اند. همچنین صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» سال مرگ وی را 951 ق می داند. «هدیة العارفین» وی را محیی‌الدین محمد لاری حنفی متخلص به محیی بیان کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (187/ 4)، تاریخ نظم و نثر (318)، تحفه سامی (235 -234)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (378 -377/ 4)، الذریعه (120 -119/ 16 ،1017 -1016 ،971/ 9)، ریحانه (251/ 5)، صبح گلشن (390)، فارسنامه‌ی ناصری (1515/ 2)، فرهنگ سخنوران (825 -824)، منظومه‌های فارسی (522 -521)، هدیة العارفین (239/ 2)، هفت اقلیم (258/ 1).

لاریجانی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق لاریجانی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال 1339 هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.
تحصیلات اولیه: از سال 1345 تا 1356 در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبة اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Tom . Apostol و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر

تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.
تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال 56 وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال 1368، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.
مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.
آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:
1. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، 1362.
2. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این

کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، 1371.
3. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم 1372.
4. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، 1370
5. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران 1372
6. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» 1374
7. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،
کتابهای زیر در حال تدوینند:
1. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد
2. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد
3. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری
4. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری
5. زبان دین
6. براهین اثبات واجب، برهان وجودی
7. قلمرو دین
8. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی
9. فلسفه اخلاق
علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.
در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوة مسافر» به شکل شرحی بر عروة الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال 1377به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال 1380 با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...
ریاست قوه قضاییه:
آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاکانی رشتی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1331 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در نجف به دنیا آمد. در 1341 ق به همراه پدرش به ایران آمد و در رشت سکنی گزید. پس از فراگیری مقدمات و نیز تحصیلات جدید، سطوح را نزد پدرش و شیخ حسن رشاد و شیخ ابوطالب شفتی و شیخ احمد طاهری فراگرفت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه سید محمد حجت و آیت‌اللّه سید صدرالدین صدر استفاده نمود. در 1363 ق به قصد زیارت به عراق رفت و در نجف از محضر آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی بهره برد و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به قم بازگشت و به تدریس و تألیف پرداخت و خود از مباحث آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود. در 1370 ق به قصد زیارت به مکه و مدینه و عتبات رفت و در بازگشت از سفر به علت بیماری پدرش در رشت سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت، تدریس و انجام امور دینی اشتغال یافت. از آثار وی: شرح مباحث «الفاظ» و «برائت» از «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ شرح «مکاسب» شیخ انصاری؛ رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «اعتقادات»؛ رساله‌ای در «علم اخلاق»؛ رساله‌ای در «علم درایه»؛ رساله‌ای در «نفس»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی لا ضرر»؛ رساله‌ای در «قواعد فقهیه و اصولیه»؛ رساله‌ای در «اقتباسات آخوند خراسانی از دیگران»؛ رساله‌ای در «جمع بین الرأیین» (اصالة الماهیة و الوجود).[1]
سید محمود ضیابری فرزند عالم جلیل آقا سید مهدی موسوی از علماء معاصر رشت است که در سال 1307 ق در قریه ضیاءبر که در چهل و هشت کیلومتری رشت قرار دارد تولد یافته و در تحت تربیت مرحوم والدش پرورش و در سال 1314 ق در سن 7 سالگی نزد ملا کاظم مکتب‌دار محل قرائت قرآن و خواندن را آموخته و در همان محل صرف میر و تصریف را از آخوند ملاعلی فراگرفته و برای ادامه تحصیل به رشت و دو سالی در مدرسه حاج سمیع و پس از آن در مدرسه مستوفی ادبیات را نزد فضل‌اللّه در مدرسه خوانده و سطوح وسطی را در خدمت مرحوم حاج شیخ حسن کوچصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد زاهد استفاده نموده و در سال 1338 قمری به نجف اشرف مهاجرت و سطوح

عالی را از فضلاء گیلانی مقیم نجف تعلیم گرفته و از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه شیخ‌الفقهاء آقای شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی قدس اللّه اسرارهم استفاده نموده و در سال 1313 شمسی برای زیارت حضرت ثامن‌الائمه علیهم‌السلام به ایران وارد و پس از تشرف به مشهد مقدس به رشت عزیمت نموده و چند ماهی در قریه ضیابر توقف و به تبلیغ پرداخته و بعد از آن مراجعت به نجف و به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و پس از بازگشت در مدرسه قزوینی‌های نجف به تدریس سطوح وسطی پرداخته و در سال 1320 شمسی برای گذرانیدن ایام تابستان به همدان آمده و چون مصادف با جنگ جهانی دوم بود ناگزیر به گیلان عزیمت و رحل اقامت به رشت انداخته و بدواً در مسجد خمیران و مسجد چهل تن و مسجد مرحوم حاج محمدکریم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال تا در سال 1328 شمسی پس از فوت مرحوم عالم ربانی آیت‌اللّه حاج سید مهدی رودباری برای اداره امور حوزه علمیه رشت و تربیت طلاب و محصلین به مسجد جامع کاسه‌فروشان و مدرسه مهدویه منتقل و به وظائف دینی و روحی از اقامه نماز جمعه و جماعت و تدریس و قضاء حوائج و رفع خصومات و حل و فصل قضایا و توجه و دستگیری از مساکین و عجزه و تأسیس مساجد و تعمیر مدارس و ایجاد کتابخانه و ابنیه خیریه و غیره اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (191 -189/ 5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1120/ 3).

لاله‌زاری تهرانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدتقی تهرانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود 1312 قمری در سامرا متولد شده و با مرحوم والدش آیت‌اللّه آقا سید ابراهیم به تهران آمده و پس از طی دوران صبا و خواندن مقدمات در سال اول تاسیس حوزه علمیه قم 1340 قمری به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه یثربی و آیات دیگری استفاده نموده و هم از محضر مرحوم آیتین اصفهانی و نائینی در موقع توقفشان در قم بهره‌مند گردیده تا به درجه رفیعه علم و اجتهاد نائل آنگاه به تهران مراجعت و بیش از پنجاه سالست که بخدمات دینی اشتغال و چندین سالست که در مسجد (اباذر غفاری) در پل چوبی خیابان شاهرضا به اقامه جماعت و تبلیغ احکام موفق میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمدصادق بن العالم الجلیل السید ابراهیم بن السید علی‌اصغر الحسینی تهرانی عالمی فاضل و کاملی عامل و پدرش از علماء بزرگوار درکه تهران بوده.
وی در سال 1300 قمری در سامره متولد و در تحت مراقبت و تربیت والدش پرورش یافته و مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد وی و بعضی از فضلاء سامره خوانده و در حدود سال 1320 قمری باتفاق مرحوم والدش مسافرت به تهران نموده و فقه و اصول و بعضی از معقول را نزد علماء تهران تکمیل نموده و چون والدش در سال 1332 قمری وفات نمود حمل به قم و در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام دفن و به تهران مراجعت و بجای والدش در مسجدی که در خیابان لاله‌زار تهران تأسیس نموده به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و تحول عجیبی در کسبه و اصناف خیابان مزبور ایجاد کرده که اغلب آنان در مواقع نماز به مسجدش حاضر و از نماز و بیاناتش استفاده می‌کردند تا در 16 صفر 1370 قمری وفات نموده و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام بخاک سپرده شده است.
دارای فرزندان برومند و دانشمندی است که از علماء اعلام معاصر تهران و ری می‌باشند.
1- جناب آیت‌اللّه حاج سید مهدی حسینی لاله‌زاری که ترجمه‌اش را بعد از این خواهد آمد.
2- جناب حجةالاسلام و المسلمین حاج سید محمدحسین لاله‌زاری دومین فرزند آن جناب است که در تهران تولد یافته و پس از خواندن مقدمات به قم مسافرت و در مدرسه حجتیه اقامت و بتکمیل سطوح پرداخته و چند سالی از محضر مرحوم آیه اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و چندین سال از محضر آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله و دیگران استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده آنگاه مراجعت به تهران و در مسجد قائم واقع در خیابان سعدی به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و ضمناً تدریس و مباحثات اشتغال دارند.
3- جناب حجةالاسلام آقای حاج سید عبدالصاحب لاله‌زاری از فضلاء و

علماء معاصر می‌باشند که چندین سال در قم و سالها در نجف اشرف کسب علم و کمال کرده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لاله‌زاری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی بن آیت‌اللَّه حاج سید محمدصادق لاله‌زاری تهرانی از فضلاء معاصر تهران است. وی در تهران متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و به تحصیل علوم فارسی و دروس جدید پرداخته و پس از تکمیل آن مشغول به تحصیل علوم عربیه گردید. و برای همین منظور در عصر ریاست آیت‌اللَّه العظمی بروجردی به قم آمده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه آموخته و چندی از محضر آقای بروجردی و مدرسین خارج دیگر استفاده آنگاه به نجف اشرف مهاجرت و چندین سال از دراسات آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیات دیگر بهره‌مند گردیده و بعد به ایران مراجعت و در تهران به اقامه جماعت در مسجد لاله‌زار و انجام وظائف دینی و روحی دیگر مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

لاهوتی کرمانشاهی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336/ 1335 -1266/ 1264 س)، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر، متخلص به لاهوتی. در کرمانشاه به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاهش، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد. در جریان انقلاب مشروطه شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در صف فداییان قرار داشت. او در جوانی به تحصیل علوم مذهبی پرداخت و به لباس روحانیون ملبس شد. پس از چندی به تصوف روی آورد و سپس از کسوت روحانیان خارج گردید و در ژاندارمری مشغول خدمت شد. وی در حدود 1290 ش به اتهام قتل یکی از زیردستانش به عثمانی (ترکیه) گریخت و در آنجا به تدریس در مدرسه‌ی ایرانیان پرداخت و پس از چندی به ایران بازگشت و در کرمانشاه اقدام و به انتشار روزنامه‌ی «بیستون» کرد. بعد از مدتی مجددا به ترکیه رفت و مجله‌ی ادبی «پارس» را در دو قسمت، به فارسی و فرانسه، در استانبول تأسیس و منتشر کرد. در 1300 ش به ایران بازگشت و در ژاندارمری تبریز به خدمت مشغول شد. سپس زمینه‌ی کودتایی در آنجا ترتیب داد و پس از شکست خوردن کودتا به روسیه گریخت و تا پایان عمر در آنجا به فعالیت‌های هنری درباره‌ی زبان و ادبیات فارسی پرداخت. او از نظر مسلکی، شاعری مادی و معتقد به مارکسیسم بود و شعر خود را ابزاری در خدمت تحقق آرمانهای طبقه کارگر می‌دید. وی شاعری توانا بود و در غزلسرایی مهارت داشت. در عین حال او را می‌توان از پیشگامان شعر نو نیز به حساب آورد. سرانجام لاهوتی در روسیه از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «ادبیات سرخ»؛ «ایران نامه»؛ «جنگ آدمیزاد با دیو»؛ «درافشان»؛ «لالی لاهوتی»؛ «چند اثر از پوشکین»، ترجمه، منظوم؛ ترجمه‌ی «شاهنامه» فردوسی به زبان روسی؛ «دیوان» شعر.[1]
در 1269 در کرمانشاه متولد شد. پدرش الهامی شغل آزاد داشت و گاهی شعر می‌سرود. وی وارد مدرسه ژاندارمری شد و به درجه افسری رسید. خیلی شجاع و احساساتی و خوش بیان بود. وقتی به درجه سروانی رسید ریاست ژاندارمری قم و کاشان به او داده شد. وی در این شغل مأمور دستگیری نایب حسین کاشی و همدستان او بود. خیلی تند و شدید عمل کرد. نه نفر از یاران نایب حسین را اعدام نمود. لاهوتی در قم خیلی بد کار کرد، متهم به اخاذی شد. حتی گفته شد یک دزدی که در حرم حضرت

معصومه متحصن شده بود او را به زور از صحن خارج نموده تیرباران کرده است. مردم به تهران شکایت بردند، هیئتی مرکب از یک افسر سوئدی و دو افسر ایرانی برای رسیدگی به قم رفتند ولی قبل از اینکه افسران مزبور به وظیفه خود عمل نمایند مورد حمله افراد مجهولی قرار گرفته دو تن از آنان مقتول و یکی مجروح گردید. مجروح را به رباط کریم منتقل و در آنجا خفه می‌نمایند. دولت تمام این عملیات را ناشی از تحریک لاهوتی دانسته او را بازداشت و در تهران زندانی می‌نماید. وی با کمک عده‌ای از زندانیان متواری شد. ابتدا به کرمانشاه، سپس به اسلامبول می‌رود و در غیاب وی دادگاه حکم اعدام او را صادر می‌کند. در جنگ بین‌المللی اولی که جمعی از ملیون و وطن‌پرستان قوائی بوجود آورده با روس‌ها می‌جنگیدند لاهوتی با آنها همکاری نموده فرماندهی یک گروهان را عهده‌دار می‌گردد. پس از شکست مجددا به استانبول می‌رود و با کمک خان ملک ساسانی، به انتشار مجله پارس مبادرت می‌کند. چندی بعد وارد تبریز شد. به شیخ محمد خیابانی ملحق می‌گردد. پس از کشته شدن خیابانی عفو عمومی درباره افراد او صادر گردید. این عفو شامل لاهوتی نیز گردید و حاج مخبرالسلطنه هدایت والی وقت آذربایجان در شفاعت و کمک به او نقش بسیاری داشته است. و او را مجددا با درجه ماژوری (سرگردی) داخل ژاندارمری می‌نمایند و به معاونت ژاندارمری آذربایجان منصوب می‌گردد. در آن ایام اوضاع آذربایجان سخت مغشوش بود. سمیتقو در سطح وسیعی منطقه را زیرنظر داشت. چند بار قوای ژاندارم را از بین برده بود. از طرفی افسران ژاندارم در آن ایام به جهت انحلال و ضمیمه شدن به قزاقخانه ناراضی بودند و چند ماه بود که حقوقی دریافت نکرده در وضع ناگواری بسر برده و درصدد انتقام برآمده بودند. افسران ژاندارم مستقر در شرفخانه با تبانی یکدیگر و انتخاب لاهوتی به سرپرستی خود به قصد اشغال تبریز و سپس تهران دست به قیام مسلحانه زدند. ابتدا ماژور پولادین فرمانده ژاندارمری را توقیف نموده، سیم تلفن و تلگراف را قطع می‌نمایند. همچنین حاج مخبرالسلطنه هدایت والی و سرهنگ شهاب را بازداشت می‌کنند. قسمت اعظم شهر تبریز به دست آنها افتاده عده‌ای از مردم به ژاندارمها ملحق می‌گردند. قوای دولتی پس از اطلاع از قیام لاهوتی با قوائی که برای مقابله با سمیتقو آماده کرده بود متوجه شهر تبریز شد و زد و خورد بین دو قدرت درمی‌گیرد. پس از چند ساعت زد و خورد از طرفین عده زیادی کشته می‌شوند ولی به هیچوجه بیم شکست خوردن لاهوتی و همکارانش در بین نبود ولی یکمرتبه لاهوتی با چند تن از افسران از تاریکی شب استفاده کرده به روسیه فرار می‌نماید و مقادیری سلاح نیز با خود حمل می‌کنند. شهر تبریز راحت به دست قوای قزاق فتح می‌شود. باقیمانده افسران همکار لاهوتی که عده آنها ده نفر بود بازداشت

می‌شوند. در راس این عده سلطان تورج میرزا امین قرار داشت که فرمانده ستاد جنگ بود. به دستور سردار سپه دادگاه نظام به ریاست سرتیپ زاهدی که در آن هنگام مأمور حمله به قلعه چهریق بود تشکیل می‌یابد. سرهنگ متین‌الملک قریب دادستان دادگاه در کیفر خواست اعدام همه را تقاضا می‌نماید و محاکمه همدستان لاهوتی آغاز می‌گردد. دادگاه تمام عده را براساس کیفر خواست به اعدام محکوم می‌کند. پس از محاکمه و محکومیت این عده بعضی از صاحبان قدرت در مقام وساطت برآمده از جمله سید حسن مدرس در تهران شدیدا برای جلوگیری از اجرای حکم تلاش می‌کند. افسران محکوم به زندان تهران انتقال یافته پس از چندی مورد عفو قرار گرفته به شغل سابق خود باز می‌گردند.
لاهوتی سالها پس از فرار از ایران در شوروی می‌زیست. چندی در قفقاز وزیر فرهنگ تاجیکستان شد. در اواخر به بخش رادیو فارسی مسکو پیوست. وی طبع شعر داشت و قسمتی از اشعارش انتشار یافته است. وی در زمانی که در شوروی بسر می‌برد در برنامه فارسی رادیو مسکو نقشی داشت و حقوقی دریافت می‌کرد. تا اواخر عمر مردی ماجراجو، پرمدعا و شلوغ بود. در 1340 درگذشت. لاهوتی در گیرودارهای سیاسی به خارج از ایران گریخت و سرانجام به تاجیکستان شوروی رفت و در آنجا به مقامات مهم از جمله وزارت معارف رسید. هم در آنجا ازدواج کرد، دیوانش بارها به چاپ رسید از جمله در مسکو (1946). لاهوتی در شعر فارسی معاصر مقامی ارجمند دارد. از نظر مضامین در به کار بردن کلمات تازگیهای بسیاری در شعرش دیده می‌شود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (342، 108، 44 -43، 31)، از بهار تا شهریار (258 -246/ 1)، از صبا تا نیما (383 -381، 235، 172 -168/ 2)، از نیما تا روزگار ما (502 -492)، تاریخ جراید (47 -46، 42/ 2)، چون سبوی تشنه (74 -72)، دویست سخنور (357 -355)، الذریعه (940/ 9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (355 -346/ 5)، سخنوران نامی معاصر (3118 -3113/ 5)، فرهنگ سخنوران (786)، فرهنگ شاعران زبان پارسی (492 -491)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3154، 2793، 2121، 1982/ 2، 157، 1393، 1116- 1115، 1106، 1057، 417، 233، 144/ 1)، کتاب گیلان (564/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (288 -286/ 1).

لاهوتی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن لاهوتی در سال 1323 در سبزوار متولد شد.وی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد .ایشان در جوار استاد سیدجلال الدین آشتیانی توانست اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل را ترجمه کند.نامبرده مدرس دانشگاه پیام نور بوده و در حال حاضر نیز عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می باشد. کتاب "شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن لاهوتی تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را تا مقطع فوق لیسانس در مشهد طی کرد و پس از آن برای ادامه تحصیل به دانشگاه ایالتی میشیگان «MSU» رفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن لاهوتی از نخستین مترجمان و محققانی است که در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشغول به کار شد و آثاری چون «جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند»، «هند بریتانیا»، «خدمات مسلمانان به جغرافیا» همراه با تعلیقات و تحقیقات دیگر حاصل سالها همکاری او با آن بنیاد است. مطالع? آثار کهن عرفانی و اسلامی و ادب فارسی که از اوان جوانی بدان پرداخته وبهر? وافری که در طول سالیان دراز از محضر استاد سیدجلال الدین آشتیانی برده است او را به ترجم? اثار ارزشمندی چون «شکوه شمس» پروفسور شیمل توانا ساخت
جوائز و نشانها : کتاب "شرح مثنوی معنوی"ترجمه ،حسن لاهوتی ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 جنبشهای اسلامی و گرایشهای قومی در مستعمره هند

ویژگی اثر : ترجمه
2 خدمات مسلمانان به جغرافیا
ویژگی اثر : ترجمه
3 شرح مثنوی معنوی
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح مثنوی معنوی»: شرح مثنوی معنوی مولوی (شش دفتر)، رینولد ا. نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1374. درک سخنان عارفان? مولانا در مثنوی، بی نیاز از شرح نیست. در این کتاب با هم? سلاست بیان و شیوایی و سادگی، فراوان است مضامینی که فهم آن بدون اطلاع کافی از دقایق ادب فارسی و اصول معارف عالی? اسلام، دشوار، بلکه غیرممکن است. همین ضرورت، توجه دانشمندان نکته سنج را به نوشتن شروح گوناگون بر مثنوی معطوف داشته است، تا آنجا که دانشمندی به نام نیکلسون 20 سال تمام از عمر خود را صرف تهی? نسخه ای کامل از مثنوی کرد. مترجم با دقت نظر در یافتن معادلهای درست و قانونی الفاظ و تعبیرات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی، کوشیده است عین نقل قولهای مستقیم را بیابد و در متن فارسی بگنجاند. مترجم در برگردان این اثر تحقیقی- که هفت سال به طول انجامید- از راهنمایی و همکاری عالمانی چند برخوردار بوده است و با پیشگفتار محققانه و عالمان? سیدجلال الدین آشتیانی اثر خود را مزین نموده است
4 هند بریتانیا
ویژگی اثر : ترجمه
منابع زندگینامه :1www.ketabesal.ir

لاهیجانی، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. وی از شاگردان علامه محمد باقر مجلسی (م 1110 ق) است. او در اثر معروف خود «نظم اللآلی» خود را شاگرد علامه مجلسی خوانده است. «نظم اللآلی» جواب سؤالات فقهی است که علامه مجلسی از او نموده و او آنها را جواب گفته سپس بر استادش عرضه داشته و آنها را به تأیید رسانده است. او این کتاب را به اسم شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و در 1103 ق از تألیف آن فراغت یافته است. از دیگر آثارش: «فهرست الکتب المأخوذ منها البحار»، که در آن اسامی مآخذ «بحارالانوار» به ترتیب در بیست و هفت باب (غیر از حرف ظ) آمده و در 1127 ق به اتمام رسیده است؛ «صلاة الجمعة»؛ «حلیة النسوان»؛ «تحفة المصلین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تلامذة العلامه المجلسی (59 -58)، الذریعه (227 -266/ 24 ،391/ 16)، ریاض العلماء (24/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 696/ 12).

لاهیجی اصفهانی، محمد سعید

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌میرزا محمد، از علمای زمان زندیه در اصفهان است، که شیخ عبدالنبی قزوینی او را در سال 1175 ملاقات نموده، و از علم و دانش او تمجید و تحسین نموده است.
وی مؤلف شرحی است بر شاطبیه در تجوید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.
(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. 1051 یا 1072 ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: 1- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. 2- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. 3- «حدوث‌العالم». 4- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. 5- «کلمات‌الطیبة» در اصالت ماهیت وجود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، عبدالکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالکریم لاهیجی متوفی حدود 1323 قمری از اعاظم علماء و بزرگان فقهاء و دانشمندان و از آیات باهرات و مدرسین محققین و عرفاء اخیار و اصحاب رأی و مبنی بلکه به گفته صاحب (الذریعه) قدوه ارباب التدقیق و قطب فلک التحقیق و جامع معقول و منقول و مسلط و متبحر در فروع و اصول و از شاگردان اول بزرگ شیخنا الانصاری و علامه آسید حسین کوه‌کمری و غیر آنها بوده و بعد از وصول به مقام عالی علم و اجتهاد و فقه و سداد بدون تودیع و خداحافظی با استادش شیخ انصاری به تهران آمده و به طور ناشناس درب حجره یکی از تجار خیر و پرهیزگار بازار به نام مرحوم حاج ملا حاجی والد مبرور آیت‌اللّه حاج شیخ عباس حایری تهرانی رفته و به عنوان شاگردی مشغول کار می‌شود.
رفقاء وی خدمت مرحوم علامه بزرگوار شیخ مرتضی انصاری رفته و از عزیمت او به تهران خبر می‌دهند مرحوم شیخ از اینکه او بدون ملاقات با وی به ایران آمده ناراحت فوراً نامه‌ای به علامه حاج ملاعلی کنی نوشته و از مقامات علمی و ورع ایشان خبر داده و توصیه و تأکید می‌کند که حتماً او را یافته و از وجودش تقدیر و استفاده کنند
بعد از وصول نامه به مرحوم علامه کنی در انتظار آمدن او شده و در صدد یافتن او می‌شود و عده‌ای از فضلاء و غیره را مأمور می‌کند که در مدارس و یا مسافرخانه‌ها و غیره ایشان را پیدا کنند حدود شش ماه می‌گذرد و از او خبری نمی‌رسد.
پس از شش ماه روزی مرحوم حاج ملا حاجی مذکور به آقا سید عبدالکریم می‌گوید به منزل حجةالاسلام حاج ملا علی کنی رفته و می‌گوئی چند استخاره نمایند و جواب آن را فوراً می‌آوری.
آقای لاهیجی به منزل مرحوم حاج ملاعلی آمده در موقعی که حاجی بالای منبر مشغول تدریس هستند و جمع کثیری از علماء و فضلاء تهران سر تا پا گوش به بیانات حاجی می‌دهند.
پس دم در نشسته و گوش به درس حاجی می‌دهد ناگاه اشکالی به نظرش رسیده ایراد می‌کند بعضی می‌گویند آقا سید ساکت شو اینجا جای حرف زدن نیست.
مرحوم حاج ملاعلی می‌بیند اشکال وارد است می‌فرماید آقا ایرادش به موقع ما باید جوابی درست کنیم مباحثه بین حاج ملاعلی و آقا سید

عبدالکریم ادامه پیدا نموده ناچار درس را حاجی تعطیل و فکر می‌کند. این آقا باید شخص بزرگ و عالم جلیلی باشد.
پس می‌گوید: آقا اهل کجا هستی. می‌گوید: لاهیجان نام شما چیست. می‌گوید: سید عبدالکریم. مرحوم حاجی متوجه می‌شود که گم شده خود را یافته فوراً از جا برخاسته و او را در آغوش گرفته و معانقه می‌کند و به جای خود می‌نشاند. و می‌گوید. آقاجان نزدیک شش ماه است که در انتظار شمایم. و استفسار کامل از او می‌کند.
مرحوم حاج ملا حاجی می‌بیند که شاگردش آقا سید عبدالکریم نیامد تعجب می‌کند زیرا در این مدت سابقه نداشت که او کاری را زود انجام ندهد. بگمان اینکه شاید منزل حاج ملاعلی را پیدا نکرده یا اتفاق دیگر روی داده. خود به منزل مرحوم حاجی می‌آید و می‌بیند آقا سید عبدالکریم بالادست حاجی نشسته ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید عجب سید بی‌ادبی است که بالادست حاجی نشسته است پس اشاره به او می‌کند که بیا پائین آنجا جای تو نیست.
حاجی ملاعلی مرحوم متوجه شده می‌گوید حاج ملا حاجی‌چی به آقا اشاره می‌کنی. می‌گوید. چون بالادست شما نشسته است آخر این شاگرد حجره من است.
مرحوم حاجی می‌فرمایند. حاج ملا حاجی این آقا مخدوم من و سید من و آقای منست. پس حاج ملا حاجی عذرخواهی نموده و دست آقا سید عبدالکریم و حاج ملاعلی را بوسیده و عقب کار خود می‌رود.
مرحوم حاج ملاعلی دختر خود را به او ترویج نموده و تدریس (مدرسه مروی) را که آن روز مرکز حوزه علمیه تهران بود با امامت مسجد آنها را به عهده معظم له می‌گذارد مرحوم آقا سید عبدالکریم بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بودند و صدها نفر از علماء بزرگ تهران مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا تنکابنی والد خطیب شهیر جناب آقای فلسفی و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی تهرانی و آیت‌اللّه آقا شیخ آقا بزرگ (هفت تنی) و آیت‌اللّه آقا شیخ بزرگ صاحب (الذریعه) و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر معزالدوله والد آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی معزی معاصر و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) و غیرهم از محضر و دراسات استفاده و استضائه نموده‌اند.
آثار عدیده از جمله حواشی بسیاری بر متون فقهی درسی مانند (الروضة‌البهیه) شهید و ریاض و قوانین و فصول و غیرها دارد.
وی در حدود سال 1323 قمری در تهران وفات و در قبرستان شیخان معروف به چهارده معصوم واقع در اوائل خیابان (رزم‌آراء) جاده شاه عبدالعظیم که امروز (کوی شاه) می‌گویند دفن نمودند و بواسطه کرامت و

جلالت شأن و مقام او علماء بزرگ مانند آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه حاج شیخ احمد خندق‌آبادی (والد حجةالاسلام حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی واعظ معاصر) و ده‌ها نفر دیگر را بنابر وصیتشان در جنب و جوار او دفن نمودند.
بعضی از علماء و ثقات آن بزرگوار را از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف می‌دانستند.
آمدن حضرت صاحب‌الزمان (عج) بر سر قبر او
جناب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ محمود یاسری تهرانی در روز چهارشنبه بیست و سوم محرم 1394 قمری حکایت کرد برای بنده (مؤلف) که مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) فرمود: آقای آسید کریم محمودی (والد حاج سید علی محمودی مداح معروف به جورابی معاصر) که از متشرفین خدمت حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف بود گفت شب جمعه‌ای در صحن شریف حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت حضرت رسیدم فرمود سید کریم بیا برویم به زیارت جدم حضرت رضا علیه‌السلام.
پس چند قدم برداشته و خود را در صحن حضرت رضا (ع) دیدم پس به حرم مشرف و زیارت کرده و با همان کیفیت یعنی (بطی‌الارض) به تهران آمدیم حضرت فرمود بیا برویم به زیارت قبر سید عبدالکریم پس تا به قبر سید رسیدیم دیدم آقا سید عبدالکریم از قبر بیرون آمده و به استقبال حضرت ولی عصر امام زمان روحی له الفداء شتافت و پس از عرض ارادت و اخلاص به من فرمود آسید کریم سلام مرا به حاج شیخ مرتضی زاهد رسانیده و بگو شرط رفاقت همین است که مرا یاد نکنی و به دیدن من نیائی پس حضرت ولی عصر عجل اللّه تعالی فرجه فرمود: آسید عبدالکریم حاج شیخ مرتضی را معذور دار چون گرفتار و مریض احوالست و نمی‌تواند بیاید من به جای او به دیدن تو خواهم آمد.
نگارنده گوید: تعجب نکنید عزیزان من از این حکایت و استبعاد و انکار ننمائید. اولا مقام مؤمن حقیقی و متقی واقعی و عالم ربانی و سید صالح مانند آیت‌اللّه آقا سید عبدالکریم لاهیجی مزبور بالاتر از اینهاست امام صادق علیه‌السلام فرمود اگر به درختی که ریشه آن در اعماق زمین فرورفته است فرمان دهد اطاعت او می‌نماید.
و ثانیاً قدم مبارک همایونی حضرت ولی عصر حجة بن الحسن المهدی عجل اللّه فرجه الشریف این اثر و برکت را دارد که به تن مرده جان می‌دهد چنانکه گفته شده

همچون مسیح جان به تن مردگان دمد
گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو

(وف ح 1323 ق)، عالم دینی، فقیه، عارف، محقق و مدرس. در نجف از

شاگردان برجسته‌ی شیخ مرتضی انصاری بود و از محضر علامه سید حسین کوه کمری نیز استفاده نمود. پس از اینکه در فقه و اجتهاد به مقامات عالی رسید به تهران آمد. حاج ملا علی کنی با توجه به مقام علمی ایشان، منصب تدریس مدرسه‌ی مروی و امامت مسجد آنجا را به وی تفویض نمود. او بیش از بیست سال متصدی درس و امامت مسجد و مدرسه مروی بود. آیت‌اللّه شیخ محمد رضا تنکابنی و آیت‌اللّه سید محمد تقی تهرانی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ هفت تنی و آیت‌اللّه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ علی اصغر هزار جریبی و آیت‌اللّه شیخ محمد باقر معزالدوله‌ای و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین قزوینی تهرانی و آیت‌اللّه سید صادق تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ احمد خندق آبادی و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی زاهد (حمام گلشنی) از شاگردان وی بودند. فرزند ارشدش سید مهدی لاهیجی نیز از شاگردان پدر بود و در حیات پدر درگذشت. همچنین شیخ ابراهیم رشتی و شیخ عباس لاهیجی در سطوح فقه و اصول شاگرد وی بودند. سید عبدالکریم لاهیجی مابین سالهای 1313 -1310 ق به نجف رفت و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در تهران درگذشت و در قبرستان شیخان تهران، معروف به چهارده معصوم (ع)، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الروضة البهیة»؛ حاشیه بر «الریاض»؛ حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «الفصول فی علم الاصول».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (43/ 8)، الذریعه (166/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1154 -1153/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (65 -62/ 6).

لبیبی کرمانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدرضا لبیبی کرمانی از علماء خدوم و ائمه جماعت معاصر شهرستان کرمانند. ایشان در کرمان به دنیا آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را در آن سامان خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح عالی را نزد اساتید حوزه علمیه قم به پایان رسانیده و از دروس خارج آیات عظام حوزه نیز استفاده کرده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در حوزه هزار ساله نجف از محضر آیات عظام و بالاخص زعیم اعظم و مرجع اعلاء جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه خوئی و متع اللّٰه المسلمین به طول بقاه استفاده کرده و سپس به زادگاه خود مراجعت و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لبیکی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی لبیکی
محل تولد : الیگودرز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب مصطفی لبیکی در سال 1370 وارد حوزه علمیه شدم. دروس مقدمات را در حوزه علمیه الیگودرز شروع نموده و سپس برای ادامه دروس سطح و عالی وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم از سال 1375 تا کنون از محضر اساتید بزرگواری چون مرحوم وجدانی فخر، وحیدی، حسینی بوشهری، علیدوست، عندلیب همدانی ودروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی ودکتر عابدینی، استفاده نموده وهم اکنون نیز در محضر این بزرگان زانوی تلمذ را بر زمین زده و از خرمن پر فیض آنان استفاده می کنم.

لجلاج

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفرج محمد بن عبداللَّه، مقامر و شطرنج‌باز معروف. وی در شیراز نزد عضدالدوله‌ی دیلمی می‌زیست. ابن‌الندیم گوید او را بدیدم. و او در شیراز در سال سیصد و شصت و اندی درگذشت. از کتب اوست: «منصوبات شطرنج». لجلاج در پاکبازی و قمار مثل است (لغ.)
«من سخن راست نوشتم تو اگر راست بخوانی
جرم لجلاج نباشد چو تو شطرنج ندانی»
(سعدی)
ضح. 1- همین نام است که به تحریف عامه «لیلاج» شده. ضح. 2- مؤلف فرهنگ آنندراج لجلاج را به اصولی مقامر معروف (ابن خلکان. چا. تهران ج 2 ص 86) خلط کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

لسان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1304.
درگذشت: 11 دی 1369.
حسین لسان دانشیار دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود که در سن نزدیک به شصت سالگی درگذشت. برگزیده‌ی اشعار مسعود سعد سلمان را منتشر کرد و تصحیح دیوان عمادی شهریاری را به پایان برده و به چاپ نزدیک ساخته بود.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لسان‌الملک کاشی، هدایت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، شاعر، خطاط و نقاش. وی نواده‌ی دختری فتحعلی خان صبا ملک‌الشعراء بود. بعد از مرگ پدر، ملقب به لسان‌الملک شد. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و اشعار فارسی و عربی را نیکو می‌سرود. لسان‌الملک همچنین از ادبیات و انواع علوم بهره داشت و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی نیز می‌کرد. او در جوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف کتاب «ناسخ التواریخ» با پدر همکاری داشت و پس از مرگ او، تألیف بقیه‌ی مجلدات کتاب را به عهده گرفت. از دیگر آثار وی: تذکره‌ی «خوشنویسان»، مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت آنان؛ «منشآت»؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی، حدود یازده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (963 -962/ 3)، احوال و آثار نقاشان (1417/ 3)، ریحانه (131/ 5)، شرح حال رجال (319/ 3).

لسانی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1276 ش)، قاضی، نویسنده و روزنامه‌نگار. در نور مازندران به دنیا آمد. مقدمات علوم قدیمه را در آمل فراگرفت. سپس به تهران آمد و به معلمی پرداخت. وی در 1306 ش به خدمت دادگستری دعوت شد و چندی در دادگستری اصفهان و یزد و نقاط دیگر در سمتهای مختلف قضایی مشغول کار بود. او مدتی جزو هیئت تحریریه روزنامه‌ی «وطن» بود و سپس مدیر داخلی روزنامه گردید. بعد از کودتای 1299 ش، که منجر به تعطیلی جراید گردید، لسانی در روزنامه‌ی افراطی «حقیقت» سرمقاله‌های تندی نوشت که منجر به توقیف روزنامه گردید. پس از آن چندی امور داخلی روزنامه‌ی «کار» را تأسیس و منتشر نمود. از دیگر آثارش: «صحنه‌ی زندگی» یا «سرنوشت مادر گناهکار»؛ «طلای سیاه یا بلای ایران»؛ «متن دفاع لسانی».[1]
در 1280 متولد شد. تحصیلات قدیم و جدید را توأمان انجام داد و از مدرسه عالی حقوق دانشنامه گرفت. در زمان داور به دادگستری رفت. بعضی از مشاغل قضائی را در تهران و شهرستانها احراز نمود. ولی به این کار زیاد مداومت نداد، حرفه وکالت دادگستری را پیشه خود ساخت. در کار وکالت سریع پیشرفت نمود. از وکلای مبرز و سرشناس تهران شد. و وکالت‌های بزرگی به او واگذار می‌شد. چندی به دنبال وکالت مجلس رفت موفق نشد. در 1328 که مجلس سنا تشکیل یافت لسانی برای ورود به آن مجلس به تکاپو افتاد و چون یک نفر هم بایستی از جامعه وکلای دادگستری در مجلس اعیان عضو باشد قرعه به نام او اصابت کرد و سناتور شد. ولی در مجلس سنا بر خلاف سایرین به تلاش افتاد لوایح دولت را نقد می‌کرد. در تنقیح قوانین سعی بلیغ به کار می‌برد. وقتی مسئله ملی شدن صنعت نفت پیش آمد در مجلس نطق‌های خوبی ایراد کرد و بیاناتش مستدل بود که بعدها به صورت کتاب منتشر گردید. در دوره دوم سنا هم این مقام را گرفت و هنگام مذاکرات نفت در سنا داد سخن داد. همیشه مورد احترام بود. وفاتش در 57 سالگی در تهران به مرض سکته اتفاق افتاد. کتاب طلای سیاه یا بلای ایران در مورد نفت نوشته اوست.
مرگ زودرس او بدین صورت بوده است.
در 1337 تلفن مغرضانه‌ای به او می‌شود و در این مکالمات تلفنی مرگ یکی از فرزندان را به او خبر می‌دهد. لسانی در اثر شنیدن این خبر واهی

که آنرا واقعی تلقی می‌کند دچار هیجان روحی شده و سکته قلبی طومار زندگانی او را برمی‌چیند.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (116 -115/ 4 ،225/ 1)، الذریعه (14/ 15)، شرح حال رجال معاصر مازندران (91 -88/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2266 ،2208 -2207/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (214 -213/ 1).

لشکری، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا لشکری
محل تولد : بهبهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی از سال 1361 پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال 1362 به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال 1369 در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال 1373 در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال 1377 فارغ التحصیل شدم. در سالهای 77 و 78 با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال 1378 به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لطفی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ش)، نویسنده و روزنامه نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ادب و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. در 1314 ش موفق به اخذ لیسانس حقوق شد. وی علوم قدیمه از جمله فقه و اصول را فراگرفت. همچنین روان شناسی و موسیقی را در خارج از ایران تحصیل نمود. پس از اخذ دیپلم از دانشکده‌ی افسری در وزارت دادگستری مشغول کار گردید. تعدادی از خدمات اداری او عبارتند از: بازپرسی دادگستری، دادستان دادگاه و وکالت دادگستری. بعد از شهریور 1320 ش لطفی روزنامه‌ی «کبوتر» را منتشر نمود که پس از چهار شماره، به علت چاپ مقالات تندی علیه متفقین، از طرف دولت، توقف گردید. در «فهرست کتابهای چاپی فارسی» نام پدر وی ابراهیم لطفی تبریزی ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «رموز استنطاق»؛ «رموز پرده‌شناسی در موسیقی باستانی (تار)»؛ «رموز نجاری و رنگ آمیزی علمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال معاصر مازندران (122 -120/ 2).

لطفی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن لطفی تبریزی در سال 1298 شمسی در شهر تبریز متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال 1317 وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و سپس برای تحصیل در دوره ی دکترا به دانشگاه «گوتینگن» آلمان رفت و پس از ارائه ی پایان نامه اش با عنوان «نمونه ی انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ این درجه در رشته ی حقوق جزایی شد. لطفی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود. سپس به ایران بازگشت و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی پرداخت ؛ اما با وقوع کودتای 28 مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی با استفاده از تسلطش به زبان های آلمانی ، انگلیسی و فرانسه و نیز فهم دقیق متون فلسفی ، آثار شاخص فلسفه یونان و غرب را ترجمه نمود. دکتر محمدحسن لطفی در سال 1378 دارفانی را وداع گفت. کتابهای " پایدیا " و "مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس" ،ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
گرایش : حقوق جزا
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن لطفی تبریزی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش تبریز به پایان رساند. در آن ایام دروس دبیرستان به دو دوره سیکل اول و دوم تقسیم می شد. برای دوره دوم دبیرستان در تمام تبریز - بلکه در سرتاسر آذربایجان- یک مدرسه بیشتر نبود و آن مدرسه فردوسی بود. دوره دوم دبیرستان به دو بخش علمی و ادبی تقسیم می شد که لطفی از محصلان بخش ادبی بود. در دوره ادبی گذشته از تاریخ و جغرافی، مختصری معانی بیان و عروض و قافیه و منطق و مقدمات فلسفه و تاریخ آن تدریس می شد. در دوره دبیرستان وی با نهج البلاغه و مقالات عروة الوثقی و نامه های عربی سید جمال الدین اسد

آبادی نیز آشنا شد. او در سال 1317 وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در سال 1320 فارغ التحصیل شد. در سال 1322 با استفاده از بورس تحصیلی به استانبول رفت . پس از سه ماه اقامت در استانبول بطور غیر منتظره موفق به دریافت بورس از موسسه اوقاف هومبولدت آلمان شد و در اسل 1943 میلادی عازم آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن تحصیل در دوره دکترا را شروع و پس از ارائه پایان نامه اش با عنوان «نمونه انسان بزهکار از نظر مقررات جزایی مربوط به نوجوانان» موفق به اخذ درجه دکترا در رشته حقوق جزایی شد.
خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی نه تنها دو سال آخر جنگ جهانی دوم، بلکه سه سال پس از آن را نیز در آلمان در عسرت و سختی گذرانید. و از آن ایام حکایت می کرد که در سالهای کمبود و ویرانی بعد از جنگ، روزی مرحوم دکتر شهید نورایی استاد فقید دانشگاه اورا در آلمان دید و از وضعیتی که داشت متاثر شد. چون پول کافی نداشت، ساعت طلایش را بز کرد و به لطفی داد و او توانست با فروش آن شش ماه زندگی خود را بچرخاند.
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن لطفی تبریزی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت به فعالیت های سیاسی روی آورد، اما با وقوع کودتای 28 مرداد و دستگیری و محاکمه ی دکتر محمد مصدق از کار سیاسی دلسرد شد و به فعالیت های فرهنگی روی آورد. وی همزمان با محاکمه ی دکترمصدق در دادگاه نظامی تهران ، به ترجمه ی رساله ی «آپولوژی » افلاطون اقدام نمود و آن را با عنوان « محاکمه سقراط» که در واقع اعتراضی به جریان دکتر مصدق بود، منتشر کرد.
استادان و مربیان : در دبیرستان فردوسی و در بخش ادبی، معلم ادبیات فارسی سید هدایت ا... شهاب فردوسی از شاگردان ادیب نیشابوری (ادیب اول) بود. معلم صرف و نحو عربی، آقا شیخ علی اکبر قاری از افاضل تبریز بود و معلم فرانسه « موسیو نبارش»و معلم شیمی موسیو میناسیان بود که به زبان فرانسه تدریس می کرد. هچنین معلمان دانشمندی چون مرحوم جلال همایی که ادبیات فارسی را عمیقاً به او آموخت، دیگری معلم یهودی گمنامی که لطفی همیشه از او به نیکی و سپاس یاد می کرد و می فت فرانسه را چنان خوب به من یاد که تا امروز هر چه از آن زمان می دانم و به یاری آن حتما کتابهای فلسفی فرانسه را می خوانم از او دارم، سومی شخصی به نام سید هادی سینا معلم عربی و فلسفه که بعدها مانند مرحوم همایی استاد دانشگاه شد و بدیع الزمان فروزانفر از تسلط او به لغت عرب اعجاب می کرد.
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد علی موحد با سابقه دوستی بیش از شصت سال از دوستان دوره دبیرستان محمدحسن لطفی تبریزی بود.

دوستی با دکتر رضا کاویانی نیز در زندگی لطفی تاثیری ماندگار گذاشت. کاویانی تحصیل کرده آلمان و از موسسین جبهه ملی بود و درستی او با لطفی به ایامی که او در دانشکده حقوق تهران در سمی خواند بر می گشت لطفی در زمان تحصیل، در وزارت دارایی هم کار می کرد و کاویانی از صاحب منصبان نامدار آن وزارتخانه بود. کاویانی فقدان برنامه و تشکیلات سیاسی را بزرگترین عامل درماندیگ های ایران می دانست و در سال 1330 یعنی همان سال اول زمامداری دکتر مصدق، رساله ای زیر عنوان « مملکت بی نقشه و هدف» نوشت و سرخوردگی خود را ازجبهه ملی فاش ساخت . کاویانی درصدد ایجاد تشکلی به نام « جمعیت مبارز» بر آمد اما در این کار موفق نبود و به زودی جمعیت به محفلی برای « مطالعه و تحقیق»تعلیل یافت که شمار اعضای آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی نمود و او این محفل را «مکتب فلسفی جمعیت مبارز»نام نهاد، دکتر موحد و لطفی در نشست های هفتگی آن محفل شرکت می کردند. در این محفل بود که لطفی ترجمه آپولوژی و رساله های کوچک افلاطون را بر عهده گرفت. ترجمه این آثار توسط کاویانی با اصل آلمانی تطبیق داده می شد و در جایی بخارایی که مردی ادیب و فاضل بود عبارات را اصلاح و پیرایه می نمود. بر این آثار مقدمه ای توسط کاویانی نوشته می شد. همکاری لطفی با کاویانی در کار ترجمه تا سال 1347 که کاویانی زنده بود ادامه داشت . آشنایی با افلاطون دولتی بود که برای لطفی به لطف کاویانی حاصل شد اما او صحبت افلاطون را مغتنم شمرد و دامن او را تا پایان عمر از دست نگذاشت.

همسر و فرزندان : محمدحسن لطفی تبریزی درزندگی مدیون همسر کم حرف و پروقار خود خانم زیگرید بود.این دوست همدل و مشفق ایام دانشجویی که روزها مدیر دفتر وکالت او بود و شبها برایش کتاب می خواند و نظم و ترتیب و دقت و ضابطه خاص آلمانی را بر زندگی او حاکم کرد. دکتر لطفی پرورش یافته دوفرهنگ سختگیر و انعطاف ناپذیر بود(فرهنگ آذری و آلمانی) . چون در اواخر جنگ جهانی دوم در آلمان ازدواج کرده بود، با همسر آلمانی اش به توافق رسیده بودند که اگر سرنوشت بشریت آن چیزی است که آنها شخصاً شاهد آن بوده اهد، پس همان بهتر که به نوبه خودشان، موجود دیگری به جمعیت جهان نیفزایند و نیفزودند.

وقایع میانسالی : محمدحسن لطفی تبریزی در ترجمه آثار فلسفی ، منظوری فرعی نیز برای خود تامل است که آن را چنین بازگو می کند: نخستین تماس بنده با فلسفه در مدرسه متوسطه روی داد. در برنامه کلاسهای پنجم و ششم متوسطه فلسفه مشرق قرار داشت و فلسفه را از روی کتابی با عنوان «فلسفه شرق» تالیف مرحوم « ضیا الدین دری» می خواندیم و من در همان موقع سخت مجذوب فلسفه شدم و علت این امر

استعداد خود من نبود بلکه آموزگاری بسیار دانشمند و دلسوز و مهربان داشتیم که همه کوشش او بر این بود که آنچه را خود می داند به شاگردان منتقل کند. ولی من در آن موقع با این که از مباحث فلسفی خوشم می آمد دچار حیرت بودم که چرا برای فهمیدن هر جمله کتاب فلسفی باید ریاضت کشید و چرا از صحت فهمیدن یک جمله فلسفی کمتر از زحمت حل یک مساله ریاضی نیست. بعد ها که با نوشته های فلسفی بیشتر آشنا شدم و ضمناً به کتابهای فلسفی اروپایی هم دسترسی یافتم متوجه شدم که در کشور ما برای فلسفه زبان خاصی ابداع شده است و مثل این است که نویسندگان این گونه نوشته ها کتابهای خود را فقط برای عده خاصی می نویسند نه برای همه درس خواندگان و حتی امروز هم گاهی به زبان عربی می نویسند. در حالی که فلسفه مهمترین دانشهاست در زبان فلسفی کشور ما بطور کلی انحرافی از راه اعتدال روی داده است. و مخصوصاً به اصطلاحات بفرنج آن قدر اهمین داده شده است که خود مطلب در زیر کوه اصطلاحات مدفون مانده است و از یک سو انبوه اصطلاحات و از سوی دیگر زبان نعلق نثر فلسفی سبب هراس و حتی انزجار جوانان و دانشجویان از فلسفه شده است. وقتی که خودم به ترجمه کتابهای فلسفی روی آوردم با توجه به این ملاحظات تصمیم گرفتم راهی دیگر در پیش گیرم و ترجمه را به زبان هر چه ساده تر و سلیس تر آوردم و ببینم نتیجه چه می شود. »
زمان و علت فوت : محمدحسن لطفی تبریزی در سال 1378 دارفانی را وداع گفت. دکتر عزت ا... فولادوند تواضع، ادب و راستی و دوستی مرحوم لطفی را در خاطره ای چنین نقل می کند که در دیداری از خانه مرحوم لطفی و به پیشنهاد همسر آن مرحوم به اتاق کار ایشان رفتم، روی میز انبوهی از کتاب دیده می شد و در آن میان چند مجلدی که دوستان دکتر لطفی به وی هدیه داده بودند. در این میان مجموعه شعری از آقای دکتر شفیعی کدکنی بود که به رسم یادگاری نوشته بودند «به مظهر اعتدال، خرد ایرانی در عصر ما به حکیم راستین دکتر محمد حسن لطفی - فرویدن 77» دکتر لطفی بی آن که حتی به همسر خود بگوید، یک برچسب کوک روی کلمات « حکیم راستین » چسبانده بود تا خوانده نشود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن لطفی تبریزی پساز بازگشت از آلمان به ایران که مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم بود کار وکالت را آغاز نمودولی رونقی نداشت و آن را رها نمود و به دانشگاه تبریز رفت و تاریخ تدریس نمود. دکر لطفی از سال 1329 تا سال 1357 مجدداً در تهران به کار وکالت پرداخت و یکی از موفق ترین شاغلان این حرفه به شمار می رفت اما رونق کسب و کار و در آمد مطلور او را ارضا نمی کرد و او در کنار فعالیت های وکالتی اشتغال ذهنی خود را با افلاطون و ترجمه

آثار او ادامه می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی دفتر وکالت را بست و همه نیرو و حوصله خود را وقف کار ترجمه کرد و گذشته از ترجمه متون تازه به بازخوانی و اصلاح ترجمه های سابق خود نیز همت گماشت.
فعالیتهای آموزشی : محمدحسن لطفی تبریزی مدت سه سال در آلمان به عنوان دستیار استاد زبان فارسی مشغول بود و مدتی نیز در دانشگاه تبریز به تدریس تاریخ اروپا پرداخت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه کتابخوانی دکتر لطفی و همسرش با نظم و انضباط خاصی انجام می شد. هر روز ، پس از پایان کار روزانه نوشتن و صرف شامی زود هنگام، حوالی شش بعد از ظهر، از ساعت هشت تا ده شب، همسرش برای او کتاب می خواند. این کتاب خوانی عموماً شامل ادبیات جهان می شد و به این ترتیب بود که آنها طی چهل سال ادامه منظم و بی وقفه این کار، موفق شده بودند تمام ادبیات جهان را بخوانند، ادبیات روس، انگلیس، فرانسه، آمریکا و آلمان و غیره. صبح روزی که شب آن بیمار شد و روز بعد به جهان باقی شتافت در برنامه پیاده روی خود به کتابفروشی زمینه سرزده مانند همیشه سرحال و قبراق به نظر می رسید. پس از تورق چند کتاب از وی در مورد ساعاتی که در روز به کار اختصاص داده است پرسیده شد و دکتر لطفی پاسخ داد: روزی چهار ساعت، دو ساعت صبح، دو ساعت بعد از ظهر، بیشتر هم نمی توانم . جالب است درست لحظه ای که احساس می کنم نمی توانم به کار ادامه بدهم، به ساعتم نگاه می کنم، می بینم راس دو ساعت است. بالاخره در هشتاد سالگی بیشتر از این نمی توان از ذهنی فرسوده کار کشید. اما خوشحالم از این که با تمام کردن کتاب تاریخ اومانیسم در اروپا که مشغول ترجمه اش هستم، عملاًموفق شده ام تاریخ تحولات فرهنگ غرب را از زمان یونانیان تا رنسانس ترجمه کنم .
آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن لطفی تبریزی فکر مستقل داشت و به بعضی عقاید پای بند بود و اعتقاداتش ره به صراحت و با شهامت بیان می کرد، اما همواره با ادب و ملایمت و بارعایت کامل حق طرف به پاسخگویی و مخالفت. معتقد بود این ملت برای جبران عقب ماندگیها و پیمودن راه ترقی و تعالی، چاره ای جز بهره مندی از دانش و دل سپردن به کار و کوشش ندارد. معتقد بود ما غرب را درست نمی شناسیم، برای این که نیرومند شویم و بتوانیم از هویتمان دفاع کنیم، باید به تمدن و فرهنگ غربی، شناخت واقعی پیدا کنیم و برای شناختن غرب باید به ریشه های فکری آن برسیم. باید ببینیم این تمدن چیره گر چگونه و از کی آغاز شد،چه اندیشه هایی آن را بهحرکت در آورد و هنور هم جنبش و پویایی آن را حفظ می کند. او عقیده داشت که ریشه اینها همه به فکر یونانی و خصوصاً به افلاطون ِمی رسد. عشق به افلاطون ممکن است کسی را

عارف کند اما ضرورتاً فیلسوف نمی کند. دکتر لطفی به کمند عشق یا به تعبیر دیگر به افسون افلاطون گرفتا ر آمده بود. این عین کلمات اوست در گفت و گویی که چهار سال پیش از مرگش به زبان آورد «من هیچ وقت قصد این که همه نوشته های افلاطون را ترجمه کنم نداشتم، افلاطون خودش مرا به دنبال خود می کشانید، به طوری که ساعاتی که مشغول ترجمه نوشته های افلاطون بودم، لذت بخش ترین ساعات زندگی من بود. نوشته افلاطون خاصیت عجیبی دارد. نزدیک شدن به افلاطون آسان است از افلاطون جدا شدن و دور شدن مشکل است. کسی که یک دفعه دربند افلاطون افتاد،به این زودی نمی تواند خودش را خلاص کند. به این ترتیب افسون افلاطون واقعاً طوری بود که رها نمی کرد. ترجمه آثار ارسطو را به دو منظور انجام داد، اولاً هر سه کتاب را از مهمترین امهات کتاب های فلسفی می دانست و مخصوصاً «تابعه الطبیعه»و همچنین« سماع طبیعی»و هر دو کتاب پایه و مایه هر گونه فلسفه می دانست. و علاوه بر این کتابها را نخستین کتابهای درسی فلسفی می دانست که در دست است. ارسطو از یک وارث گنجینه ای پایان ناپذیر از اندیشه های فلسفی و علوم و معارفی است که تا زمان او پدید آمده بودند و از سوی دیگر رشته هایی را که تا زمان او دست کم به آن نظم و انسجام وجود نداشتند خودش پدید آورده است مانند منطق و جنین شناسی و جانور شناسی و غیره. در محور همه نوشته های ارسطو هنوز این سوال وجود دارد که آیا این کتابها نوشته های درسی است که ارسو برای تدریس خود آماده کرده بود یا یادداشتهایی که شاگردان حاضر در جلسات درس نوشته اند. ولی احتمال بیشتر بر این است که این نوشته ها، هم از طرحهای مقدماتی ارطو برای استفاده در مجلس درس و هم از یادداشتها و شنوندگان بوجود آمده باشد. این نیز ممکن است که بعضی را خود استاد با تکمیل طرح مقدماتی خود منضبط کرده و بعضی دیگر را پس از در گذشت او دیگران مرتب کرده باشند. وجود یک یا دو ترجمه از این نوع کتابها به هیچ وجه کافی نسیست بلکه باید ترجمه های متعدد بوجود آید و چه بهتر که مترجمان بدون اطلاع از کم و کیف کار یکدیگر ترجمه را با سلیقه های مختلف خودشان انجام دهند و این نکته لازم به ذکر است که ترجمه های فارسی موجود به هیچ وجه حرف آخر در ترجمه آثار ارسطو نیست بلکه باید امیدوار بود که در آینده دیگران نیز بدین کار بپردازند و ترجمه های بیشتری پدید آید تا جویندگان دانش با مقایسه این ترجمه ها که حتماً باید با تحقیق و مراجعه به تفسیرها همراه باشد، محتوای فلسفی کتابها را چنانکه براستی هست بشناسند. علت این که ترجمه های انجام پس از ده، دوازده سال منتشر گردید از آنجا که به کار ترجمه اعتماد کامل نبود و با توجه به دشواری های محتوای کتاب، ترجمه ها دوباره خوانی می شد زیر نویس ها اضافه می

شد و در فرصتهای مناسب بخشهای مختلف کتاب را با ترجمه های اروپایی مقایسه و تطبیق داده می شد و در این مورد از نظر دوستان و سایر بستگان نیز استفاده می نمود. لطفی در مقدمه مابعد الطبیعه اثر خود را فقط «کوششی» برای ترجمه آن دانسته است. در محیط فرهنگی ما هر نویسنده و هر مترجمی خودش یگانه قاضی آثار خویش است و جز حیثیت انسانی خودش، بسته به این که تا چه اندازه مقید به این حیثیت باشد، هیچ ناظری بر اعمال او وجود ندارد، و یکی از علل نازل بودن سطح فرهنگ ما همین است.» دکتر لطفی درباره آثار افلاطون معتقد است درباره چگونگی زندگی و اندیشه ها و شیوه فکر یک قوم، و حاصل اندیشه و شیوه فکر که فرهنگ قوم را تشکیل می دهد، از تاریخ چیز زیادی نمی آموزیم. بلکه به اشعار شاعران و آثار نثرنویسان و افسانه ها و داستانها و رومانها و فردشنامه های آن قوم- اگر رومان و نمایشنامه داشته باشد- رجوع کنیم. در میان آثار فلسفی که از فیلسوفان و متفکران 2500 تا 2600 سال پیش وجود دارد تنها یک نفر هست که در عین حال که بزرگترین فیلسوف دوران باستان و بزرگترین فیلسوف جهان به شمار می آید، نوشته های فلسفیش هم شعر است و هم افسانه و داستان و هم نمایشنامه و همه اینها چهارچوبی را تشکیل می دهد که هسته فلسفی نوشته را در بر می گیرد و این مزیت خارق العاده خاص افلاطون است.
جوائز و نشانها : کتابهای " پایدیا " و "مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس" ،ترجمه ،محمدحسن لطفی تبریزی به ترتیب در دوره های شانزدهم و هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، به عنوان کتاب برگزیده ی سال برگزیده شدند.
چگونگی عرضه آثار : دکتر لطفی در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده ترین مشغل؟ خود را ترجم؟ آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده و با ترجم؟ بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه های گذشته انجام داده است. فهرست آثار ترجمه شده دکتر لطفی نشان می دهد که بیشترین حیط؟ کاری ایشان فلسفه افلاطون بوده و به تعبیر خودش متون تاریخی دیگر را عمدتاً برای روشنگری اندیشه های افلاطون ترجمه کرده است. ----------
---
آثار :
1 آغاز و انجام تاریخ
ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس است که انتشارات خوارزمی در سال 1363 آن را منتشر کرد.
2 آگوستین
ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس می باشد که انتشارت خوارزمی در

سال 1363 منتشر کرد.
3 اسپینوزا
ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر کارل یا سپرس که طرح نو آن را در سال 1379 منتشر کرد.
4 افلاطون
ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل بورمان است که طرح نو در سال 1375 منتشر شد.
5 افلاطون
ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس. این کتاب توسط انتشارات خوارزمی در سال 1356 منتشر شد.
6 ترجمه ی پایدیا
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.«پایدیا» نام کتاب بزرگ « ورنریگر» است. درصدد کتاب این جمله یونانی با ترجمه فارسی آن (ظاهرآبه خط مترجم) قرار گرفته است « پایدیا، برای آدیمان فانی پناهگاه طبیعی است» دکتر لطفی در یادداشت خود بر ترجمه کتاب نوشته است: غرض اینجانب از ترجمه آن گذاشتن راهنمایی چنین گرانبها در دسترس فارسی زبانانی بوده است که مشتاق آشنایی با فلاسفه یونانی خاصه افلاطونند. در ترجمه متفکران یونانی نوشته تئودورگمپرتس نیز غرض جز این در میان نبود. آشنایی با کتاب: «پایدیا»: پایدیا/ورنر یگر؛ ترجم؟ محمد حسن لطفی. – تهران: انتشارات خوارزمی، 1376.- 3 ج. پایدیا، کتابی است دربار؟ شکلی بخشی به سیرت انسان یونانی به عنوان پالوده ای برای بررسی تمام تاریخ یونان باستان که در مجلدات سه گان؟ آن، شالوده و رشد بحران فرهنگ یونانی دوران باستان و کلاسیک تا زمان فروپاشی امپراتوری آتن و تولد دوبار؟ روح و فکر یونانی در عصر افلاطون و نبرد آن برای بازسازی دولت و تربیت و تحول فرهنگ یونانی تشریح شده است. به عقید؟ صاحبنظران تا کنون کتابی به اهمیت پایدیا دربار؟ تحول دولت و جامعه و ادبیات و دین و فلسفه یونان و فرآیند تاریخی که به سیرت یونانیان شکل بخشیده است و فرآیند فرهنگیی که یونانیان از طریق آن آرمان خود را از شخصیت انسانی پدید آورده اند، نوشته نشده است. مترجم توانا و سختکوش کتاب، جناب آقای دکتر محمد حسن لطفی که سالهاست به ترجم؟ آثار ارزشمند فلسفی به ویژه فلسف؟ یویان اشتغال دارند، با ترجم؟ ممتاز و تحسین برانگیز این کتاب مهم و ارزشمند به زبان فارسی خدمتی شایان و درخور تقدیر را به دوستداران حکمت و به ویژه پژوهندگان فرهنگ و تاریخ یونان به انجام رسانده اند.

7 جنگ پلوپونزی
ویژگی اثر : ترجمه اثر توکوریدیس که توسط انتشارت خوارزمی در سال 1377 منتشر شد.
8 خاطرات سقراطی
ویژگی اثر : نوشته کسنوفون است که ترجمه آن را انتشارات خوارزمی در سال 1374 منتشر کرد.
9 دور؟ آثار افلاطون
ویژگی اثر : (4 جلد) تهران، انتشارات خوارزمی، 1357.
10 دور؟ آثار فلوطین
ویژگی اثر : (تاسوعات) 2 جلد، تهران، انتشارات خوارزمی، 1366
11 رساله های منسوب به افلاطون
ویژگی اثر : ترجمه این آثار توسط انتشارت خوارزمی در سال 1365 منتشر شد.
12 زندگی افلاطون و آثار او
ویژگی اثر : نوشته ویلا موتیس مولندروف، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه 1355
13 زندگی و آثار افلاطون
ویژگی اثر : (جلد اول: دوره جوانی) تألیف مولندورف، تهران، انتشارات صفی علیشاه،1332.
14 سقراط
ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یا سپرس که توسط انتشارت خوارزمی در سال 1357 منتشر شد.
15 سیرا و مانیسم در اروپا
ویژگی اثر : اثر ترجمه نیمه تمامی است که به پیدایش اندیشه اومانیسم و تاریخ تحول آن از زمان رومیان قدیم تا قرن بیستم می پردازد. نویسنده کتاب آگوست بوک (1911-1998) استاد ادبیات دانشگاه ماربورگ آلمان با استناد به مدارک بر زمینه تاریخی اثر بخشی فرهنگ دورانی که اروپائیان آن را به دوران باستان (یونان و روم قدیم) می نمامند، خواننده را با کوشش متفکران اروپایی برای تربیت انسان باختر زمینی از طریق ترویج گفت و گوی انتقادی با آثار فیلسوفان و نویسندگان و هنرمندان و شاعران «دوران باستان» آشنا می سازد و بدین سان تاریخ مفصل « فرهنگ غرب»را به خواننده عرض می کند.
16 فرهنگ رنسانس در ایتالیا
ویژگی اثر : ترجمه اثر یاکوب بورکهارت است که طرح نو آن را در سال 1376 منتشر کرد.
17 فلوطین

ویژگی اثر : ترجمه اثر کارل یاسپرس که توسط انتشارات خوارزمی در سال 1363 منتشر شد.
18 فن سخنوری گرگیاس
19 کتب سه گانه ی اخلاق نیکوماخوس ، سماع طبیعی و مابعد الطبیعه
ویژگی اثر : از آثار ارسطو که توسط طرح نو در سال 1377 منتشر شد.
20 گفتارهای نیکولوماکیاولی
ویژگی اثر : چاپ اول 1377 انتشارات خوارزمی گفتارها شامل اصول اندیش های ماکیاولی بوده و بعد از نزدیک به چهار قرن به همت استاد لطفی وارد ادبیات فارسی گردیده است. ترجمه کتاب گفتار ها بر پایه ترجمه آلمانی به قلم Verly Radolf Zorn, Aifred Kroener در سال 1977 انجام گرفته است.
21 متفکران یونانی
ویژگی اثر : این کتاب اثر گمپرتس در سه مجلد ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی در سال 1376 منتشر شد.
22 مجموعه آثار ارسطو: مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره هیجدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکو ماخوس» [مجموعه آثار ارسطو:] مابعدالطبیعه (متافیزیک) سماع طبیعی، اخلاق نیکوماخوس/ ترجم؟ محمدحسن لطفی تبریزی . ــ تهران : طرح نو، 1378 . ــ 3 ج. اگر آثار کلاسیک را از حیث اهمیت، طبقه بندی و به ضرورت ترجم؟ اهمّ آنها عطف توجه کنیم، بی شک آثار ارسطو در شمار چند اثر معدودی خواهد بود که از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است. ارسطو در مدرس؟ خود در آتن برای هر یک از رشته ها مجالس درس ترتیب داد و همین درسها خاستگاه نوشته های تعلیمی او از قبیل فصلهای مختلف مابعدالطبیعه، سماع طبیعی و اخلاق نیکو ماخوس گردید. استفاد؟ مترجم محترم از ترجمه های مختلف و دقیق به سه زبان مهم آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تا حدود زیادی این اعتماد را در خواننده ایجاد می کند که هر چند این آثار از زبان یونانی ترجمه نشده ولی تا درحد قابل توجهی به متن اصلی نزدیک است و فاصل؟ چندانی با اصل ندارد. به ویژه اینکه مترجم برای توضیح متن و رفع دشواریها و ابهامها با افزودن تعلیقه های مفید و روشنگر که غالباً برگرفته از حواشی راس (مترجم معتبر انگلیسی آثار ارسطو)، تریکو(مترجم اصلی آثار ارسطو به زبان فرانسوی) و هرمان بونیتس(مترجم اصلی آلمانی آثار ارسطو) و یا افزود؟ خود مترجم است،

بر فاید؟ ترجمه بسیار افزوده است.
23 مجموعه آثار افلاطون
ویژگی اثر : این ترجمه در چهار جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال 1356 منتشر شد.
24 مجموعه آثار فلوطین
ویژگی اثر : این ترجمه در دو جلد توسط انتشارات خوارزمی در سال 1366 منتشر شد.
25 محاکمه سقراط
ویژگی اثر : این ترجمه سرآغاز ترجمه ی آثار فلسفی دکتر لطفی بود.
26 مرگ سقراط
ویژگی اثر : این کتاب ترجمه اثری از رمانو گرواردینی است و به تفسیر چهار رساله افلاطون می پردازد که توسط انتشارات طرح نو در اسل 1376 منتشر شد.
برگرفته از کتاب :بنیاد ایران شناسی
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2940، 3196، 3236 /1 /847، 941، 1344، 1371، 1477، 1488، 1489، 2 /2006، 2468)، کلک (س 5، ش 60، ص 243 -194)، کیهان فرهنگی (س 16، ش 159، ص 73 -72)، مؤلفین کتب چاپی (855 -854/ 2).

لطفی‌پور ساعدی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی کاربردی و دکترای زبان‌شناسی کاربردی از دانشگاه لانکاستر انگلستان.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مهارت خواندن، اصول ترجمه، زبان‌شناسی، ترجمه‌شناسی و سخن‌کاوی و استاد راهنمای 9 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
درآمدی بر اصول و روش ترجمه، اصول و روش ترجمه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 9، تعداد مقالات بزبان خارجی: 6
زمینه علمی مقالات:
روش‌های تدریس، سخن‌کاوی، ترجمه‌شناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

لطیف خواجویی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد شفیع بهبهانی ابرقویی طباطبایی.
عالم فاضل زاهد، در حدود سال 1285 در ابرقو متولد شده، در اصفهان خدمت: حاج میرزا بدیع درب امامی، و حاج شیخ محمدعلی مسجد شاهی، و میرزا حسین همدانی، و آقا سید محمدباقر درچه‌ای و جمعی دیگر تلمذ نموده، عالمی غیور، و در امر به معروف و نهی از منکر متعصب بود. در مسجد علی‌اکبر بیک در محله‌ی خواجو امامت می‌فرمود، و در روز اربعین (20 صفر) سال 1378 وفات یافته، در تخت فولاد در تکیه‌ی مخصوص به نام خود مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لقای تفتی، فرخ لقا

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، ادیب و شاعر. از اهالی تفت یزد بود که در اواخر سلسله‌ی صفویه زندگی می‌کرد. از اوست:
یوسف برفت و قلب زلیخا به تن نماند
یعنی چو رفت جان، رمقی در بدن نماند
باز آمد آن عزیز به دار السرور وصل
در مصر عشق، صحبت بیت‌الحزن نماند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (264 -263)، الذریعه (947/ 9)، فرهنگ سخنوران (790)، زنان سخنور (137/ 2)، مشاهیر زنان (204).

لک زایی، نجف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نجف لک زایی
محل تولد : سیستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
نجف لک زایی در سال 1348 در سیستان متولد شد. وی هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه، از سال 1360 تاکنون، موفق شده است تا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری ادامه دهد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام و سر دبیر فصلنامه علوم سیاسی است.

لکذه اصفهانی، ابوعلی حسن

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 310/ 210 ق)، نحوی، لغوی و ادیب. معروف به لکذه یا لغذه یا لذکه. از پیشوایان نحو و لغت بود. در اصفهان به دنیا آمد. در کودکی کتاب‌های ابوزید و اصمعی و ابوعبیده را حفظ کرد و سپس محفوظات خود را تتبع نمود و آنها را به اعرابی که به اصفهان می‌آمدند عرضه کرد و یافته‌های خود را در کتابی که آن را «النوادر المفیدة» نامید، نوشت. در نوجوانی به بغداد رفت. او در علم لغت و ادب شاگرد باهلی و کرمانی بود. وی با ابوحنیفه دینوری همطبقه بود و با وی معارضه و مناقضه داشت. او گرچه نزد ابواسحاق زجاج تلمذ نمود و گفته‌های استاد را املا کرد، ولی بعدها با او به مخالفت پرداخت و سخنان استادش را نقض کرد. به گفته‌ی حموی وی در فنون ادب ماهر و از پیشوایان نحو و لغت و در موارد قیاس خبیر بود و در پایان عمرش در عراق نظیری برای او نبود. سال وفات وی در 310 ق، با توجه به سال وفات زجاج (ح 310 ق) و سال وفات دینوری (ح 290 ق)، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از دیگر آثارش: «التسمیة»؛ «خلق الانسان»؛ «خلق الفرس»؛ «الرد علی ابن قتیبة فی غریب الحدیث»؛ «مختصر فی النحو»؛ «علل النحو»؛ «نقض علل النحو»؛ «الهشاشة و البشاشة»؛ «الرد علی الشعراء»؛ شرح «معانی» باهلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :روضات الجنات (57 -56/ 3)، ریحانه (127/ 5)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (137)، کشف الظنون (2043، 1980، 1631، 1204، 1160)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن لگذه)، معجم الادباء (145 -139/ 8)، معجم المؤلفین (238/ 3)، هدیة العارفین (269 -268/ 1).

لنبانی بهشتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید حسن. عالم فاضل واعظ زاهد، از ائّمه جماعت، و مورد وثوق مردم، در سال 1363 وفات یافته، جنب مسجد مصلّی مدفون گردید، و بعداً جهت او تکیه‌ای ساختند (تکیه ی زرگرها)
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، تاج الدین حسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تاج الدین حسن بن محمّد لنجانی. عالم جلیل زاهد (پدر فاضل هندی) معروف به مولا تاجا، در 1098 یا 1085 وفات یافته، قبرش در مقبره جنب مسجد بازار غاز اصفهان.
وی مؤلّف کتاب: - بحر موّاج، در تفسیر قرآن 1- تزویج النبی زینب و رقیه من عثمان 2- شرح شافیه 3- شرح کافیه 4- شرح صحیفه سجّادیّه می‌باشد.
در ریحانة الادب (381:5) نقل از مستدرک الوسائل گوید: تاج ارباب العمامه، فوتش در 1085 روی داده ظاهراً وی تاج الدین حسن مذکور در شرح حال ملا محمّد تقی مجلسی می‌باشد.
فرزندش فاضل هندی از او روایت احادیث می‌کند، و خود از مجازین از مولی حسن علی بن مولی عبداللّه تستری می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

لنجانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌ملا فتح علی، از اهالی قریه‌ی بابا شیخ علی. عالم فاضل، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر نجفی، و خود ساکن در محله‌ی خواجو، و امام جماعت مسجد خرابه در آن محل بوده، در 18 شوال 1347 وفات یافته، در بقعه‌ی امامزاده باقر مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لنکرانی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا جعفر بن العالم الجلیل حجةالاسلام مرحوم حاج ملا رجب طاب ثراه لنکرانی از علماء معاصر تهران و دارای کمالات نفسانی و متصف بعلم و تقوا می‌باشد.
وی در دوازدهم ربیع‌الاول 1322 ق تولد یافته و تا سن 15 سالگی در لنکران خدمت والد خود بوده و مقداری از ادبیات را خوانده و در ماه صفر سال 1337 ق به تهران عزیمت و حدود هشت سال خدمت اساتید فقه و اصول و معقول تهران تلمذ نمودهٔ و در سال 1345 ق به قم مهاجرت و از مرحوم میرزای همدانی و آیت‌اللّه حایری یزدی حدود سه سال استفاده آنگاه به نجف اشرف مشرف و از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه ایروانی سالها بهره‌مند شده و در اثر کسالت مزاج به تهران مراجعت و در خیابان خانی آباد اقامت و در مسجد (وزیر دفتر) بامامت و ترویج دین و نشر معارف شرع مبین و تفسیر کلام‌اللّه مجید و سایر وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: جناب آقای لنکرانی دانشمندی فاضل و دارای رشته‌های معقول و منقول و بسیار متین و بزرگوار و پرهیزکار می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنکرانی، شریف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1310، تهران.
درگذشت: 3 بهمن 1366، لندن.
شریف لنکرانی از مترجمانی است که بیشتر به ترجمه‌ی نوشته‌های فلسفی و رمان‌ها و نمایشنامه‌های آلمانی می‌پردازد. علاقه خاصی به ترجمه‌ی آثار برشت داشت. از ترجمه‌های اوست: آبروی از دست رفته کاترینا بلوم (هاینریش بل، 1357)؛ آدم آدم است (از برتولت برشت، به همراه دو نمایشنامه‌ی دیگر، 1347)؛ اپرای سه پولی و صعود و سقوط شهر ماهاگونی (برتولت برشت، 1344)؛ سال دو هزار (کتابی در زمینه‌ی اقتصادی)؛ عقاید یک دلقک (هاینریش بل، 1349)؛ عکس دسته جمعی با خانم، ننه دلاور (برشت)؛ وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ (رمارک).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

لنکرانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد بن العالم العلام حجةالاسلام آقا شیخ محمدرضا بن حسن اللنکرانی از علماء متین و با تقوای معاصر تهران مقیم خیابان خراسان میباشد.
تولدش در 1336 ق در لنکران واقع شده و در زمان انقلاب شوروی حرکت به مشهد و در آنجا مقدمات را نزد والد خود و دیگران خوانده و در سن 17 سالگی به قم مشرف و مدتی توقف و از مرحوم میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و دیگران استفاده نموده و بعد به تهران منتقل و در مسجد طوس خیابان خراسان به امامت و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخته است.
از آثار اوست تعمیر و توسعه مسجد طوس و تأسیس کتابخانه در آنجا و از نوادر توفیقات ایشانست نماز خواند بر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان که در جده فوت کرد و ایشان مطلع شد (در آن محیط تعصب وهابیت) و در تجهیز و تغسیل و نماز آن مرحوم شرکت و نگذارد بروش وهابیت و مرام باطل وی را دفن کنند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لنگرودی مرتضوی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محمدحسین مرتضوی که پس از فوت مرحوم والدشان، آیت‌الله سیدمرتضی لنگرودی بنا بر تقاضای مردم تهران عزیمت به مرکز نموده و در مسجد حاج ابوالفتح که مرحوم والدشان سالها اقامه جماعت داشتند به امامت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند حقا جوانی فاضل و دانشمند و آراسته به زیور علم و علم و تقوا و فضیلت حسبی و نسیب می‌باشند.
سید محمدحسین مرتضوی لنگرودی فرزند بزرگ آیت‌اللّه لنگرودی از ائمه جماعت تهران و فضلاء بارع معاصر و در مسجد حاج ابوالفتح میدان شاه تهران اقامه جماعت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

لواسانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم بن سید محمد بن سید ابراهیم حسینی لواسانی از علماء ابرار تهران بوده. وی در حدود 1276 قمری در تهران به دنیا آمده و در بیت علم و سیاتت پرورش یافته و تحصیلات مقدمات و سطوح را از دانشمندان و علماء آن زمان فراگرفته سپس به اعتاب عالیات و نجف اشرف مهاجرت و از محضر و ابحاث آیات عظام حوزه علمیه نجف چون حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نموده تا به درجه اجتهاد نائل و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آنان شده و ضمنا از دروس اخلاق و عرفان شاگردان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی چون حاج شیخ محمد بهاری و حاج سید احمد تهرانی کربلائی بهره‌ها برده و در این رشته نیز به مدارج عالیه اخلاقی ارتقا یافته و پس از آن به سوی ایران و وطن خود مراجعت ولی در همدان مورد توجه و استقبال مردم آن سامان شده و بنابر درخواست آنها رحل اقامت افکنده و به خدمات دینی از اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر روحی پرداخته و پس از چندی به تهران آمده و در آنجا هم قیام به وظائف دینی و روحی نموده تا در عصر جمعه بیست و هشت (28) ماه رمضان المبارک سال 1363 قمری از دنیا رفته و پس از تشییع و تجلیل فراوان حمل به نجف اشرف شده و در جوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه الصلوه والسلام مدفون گردیده است . دارای فرزندان برومندی بوده‌اند که اغلب آنها از علماء و دانشمندان معاصرند و آنان از این قرارند:
1- حاج سید احمد لواسانی که در مسجد بالاسر قم مدفون می‌باشند.
2- حاج سید محمدصادق لواسانی متوفی ربیع‌الاول 1411 قمری مدفون در مسجد بالا سر قم.
3- حاج سید علی لواسانی.
4- حاج سید زین‌العابدین لواسانی.
5- حاج سید محمود لواسانی.
6- حاج سید رضا لواسانی.
7- حاج سید یحیی لواسانی.
8- حاج سید حسین لواسانی.
9- حاج سید حسن لواسانی.

10- حاج سید محسن لواسانی.
عموی آن بزرگوار حاج سید عبدالکریم لواسانی از فضلاء و اعلامی بودند که حدود یکصد و ده سال زندگانی کرده و سرانجام در 1397 قمری از دنیا رفته و در جوار شیخ صدوق مدفون است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

لواسانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1400 -1308 ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در 1333 ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در 1344 ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در 1348 ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در 1370 ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[1]
حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللَّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال 1308 قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال 1317 قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی

بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال 1331 قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط 1333 قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان 1334 قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال 1340 قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان

رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب 1344 قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال 1370 قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.
تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.
1- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه 2- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام 3- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. 4- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش 5- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد 6- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. 7- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب 8- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (358، 292/ 24، 313/ 20، 275/ 16، 186/ 14، 144/ 8، 290/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (549 -546/ 4)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1135 -1133/ 3).

لواسانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدصادق بن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج سید ابوالقاسم بن العالم العلام حاج سید محمد لواسانی از علماء بزرگوار معاصر تهرانست.
وی در ماه صفر 1324 قمری در نجف اشرف متولد شده و در ربیع الاول 1339 قمری در خدمت مرحوم والدش به ایران و همدان آمده و در آنجا اقامت نموده وی با معیت مرحوم برادرش حجةالاسلام حاج سید احمد در ربیع‌الاول 1340 قمری به اراک آمده و شروع به مقدمات نموده و در ماه رمضان 1341 قمری مهاجرت به قم و پس از تکمیل مقدمات و مقداری از سطوح در سال 1348 قمری عزیمت به نجف نموده و سطوح را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن مشکینی خوانده و هم از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده کرده و در اثر کسالت و عدم رضایت والدش مراجعت به قم نموده و تا سال 1352 قمری از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و آیت‌اللّه حجت بهره‌مند گردیده و در سال مذکوره با مرحوم برادرش به نجف مشرف و در 1353 قمری به ایران بازگشت و به مشهد مقدس رفته و چند ماهی از محضر آیت‌اللّه العظمی قمی و آیت‌اللّه آشتیانی و آیت‌اللّه آقازاده کفائی مستفیض ولی بواسطه حوادث ناگوار مسجد گوهرشاد و تعطیل حوزه مشهد به قم مراجعت و بدرس مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت حاضر شده و در سال 1356 قمری به تهران آمده و حدود یکسال توقف تا حسب‌الامر آیات ثلاثه قم بحوزه برگشته و بتولیت و اداره مدارس فیضیه و دارالشفاء از طرف مراجع حوزه علمیه منصوب تا سال 1364 قمری که در اثر کسالت و امریه والدش به تهران منتقل و تاکنون در مسجد و مدرسه میرزا ابوالحسن معمار واقع در محله امامزاده یحیی علیه‌السلام به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برادران دانشمند و با تقوائی دارند که اجمالا آنها را مینگارم:
1- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد لواسانی که قبلا یاد نمودم.
2- حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی لواسانی که از علماء اعلام و افاضل دانشمندان تهران و سالها مقیم نجف بوده و چندین سال است که به ایران مراجعت و در تهران به وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
3- حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین لواسانی که وی نیز از علماء ابرار معاصر تهرانست و ایشان هم سالها در اعتاب عالیات

تحصیل علم و کمال نموده و بعد به ایران مراجعت و در تهران بخدمات روحی خود مشغول و مانند برادرانش وارسته و بعلم و تقوا آراسته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لواسانی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید مصطفی بن السید العلام الایه القمقام حاج سید محمد لواسانی از علماء صالحین و دانشمندان ناسکین این سلسله موصوف به تقوا و تزکیه نفس و معروف به تأثیر نفس و اجابت دعا و مقامات معنوی و مورد ابتلاء مردم بوده و همه روزه از تهران و حومه و حتی نقاط دیگر مردم بمنزلش واقع در گذر لوطی صالح آمده و طلب دعا نموده و حل مشکلات مادی و احیانا معنوی خود را می‌خواستند و بوی معتقد بودند.
شبهای پنجشبنه در منزلش مجلس تفسیر و جلسه دینی برقرار و گویندگان معروف مانند مرحوم حاج قوام و دیگران و گاهی هم این نگارنده بیان معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده و مردم را بهره‌مند می‌نمودند مجلس بسیار با حال و پر فایده و ارزنده‌ای بود در مسجد محل نامبرده اقامه جماعت و ترویج دین می‌کرد و اکنون بجای ایشان فرزند برومندش حجة‌الاسلام آقای حاج سید مهدی لواسانی امامت نموده و به خدمات دینی و روحی و اجتماعی اشتغال دارد. وی دانشمندی فعال و نیکو خصال می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م 458 ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن‌کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م 525 ق) و خازنی (م 525 ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م 539 ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (536 ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از 520 ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضمان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: 1- منطق 2- طبیعیات 3- الهیات 4- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است 5- فصول منتخب از «رسالة الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانة الادب» باید فرد دیگری باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (294 -292/ 2)، تاریخ نظم و نثر (55 -54)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (81 -80)، الذریعه (949 -948/ 9)، روضات الجنات (155/ 2)، ریحانه (140 -139/ 5).

لؤلؤی سهمی بلخی، ابوعبداللَّه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 230 ق)، حافظ، محدث و ادیب. معروف به ابن ابی‌یعقوب. اهل بلخ بود. در 222 ق وارد بغداد شد و با حفاظ نشست و برخاست نمود و با ایشان مذاکره‌ی حدیث کرد. او قبل از 230 ق به کوفه رفت و با ابوبکر بن ابی‌شیبه مجلسی داشت. وی از مالک بن انس و خارجة بن مصعب و بشر بن سری و یحیی بن یمان و خالد بن عبدالرحمان مخزومی و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی‌دنیا و فضل بن محمد زیدی و ابوعبداللَّه حسین بن ابی‌احوص ثقفی و عبید اللَّه بن احمد بن منصور کسائی رازی و دیگران از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (147 -146/ 5)، تاریخ بغداد (236 -234/ 1)، تذکرة الحفاظ (426/ 2)، سیر النبلاء (449/ 11)، لسان المیزان (696 -695/ 5)، المنتظم (520/ 6)، میزان الاعتدال (459/ 3)، الوافی بالوفیات (190 -189/ 2).

لیثی رازی، ابوحاتم احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 322 ق)، ادیب، لغوی و محدث اسماعیلی. در ناحیه‌ی پشاپویه در جنوب ری متولد شد. وی از دعوت کنندگان اسماعیلیه بود و احمد بن علی حاکم ری را به مذهب خود گرواند. پس از فتح ری، توسط سامانیان، ترک شهر کرد و به دیلم گریخت. پس از پیروی مرداویج بر اسفار، در حضور مرداویج با رازی فیلسوف مناظره کرد و آنگاه که نادرستی اظهاراتش معلوم شد، مغضوب و ناچار به فرار شد. در حین فرار، و یا در تبعید، در آذربایجان درگذشت. آثار وی: «اعلام النبوة»؛ «الجامع»، در فقه؛ «الزینة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ و عقاید اسماعیلیه (197 -193، 143 -142)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1021 -1020 /8)، ری باستان (280، 58 /2)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (354)، لسان المیزان (247 /1).

ماجیلویه قمی، ابوعبداللَّه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، عالم امامی، فقیه و ادیب. از بزرگان علمای امامیه قم و عارف به ادب و شعر و جامع کمالات بود. وی از شاگردان و داماد احمد بن ابی‌عبداللَّه محمد برقی (م ح 280 ق) است که علم و ادب را از او فراگرفت. در فنون شعر و ادب متبحر بود. شیخ صدوق با واسطه از وی روایت کرده است. از آثارش: تفسیر «حماسه‌ی ابی‌تمام»؛ «المشارب»؛ کتاب «الطب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (382/ 9)، الذریعه (30/ 21)، رجال النجاشی (251/ 2)، ریحانه (144 -143/ 5)، الکنی و الالقاب (130/ 3)، هدیة الاحباب (228).

مازندارانی، هادی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل جامع، و محقق کامل بوده، و کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، که از آن جمله است: 1 - ترجمه‌ی قرآن مجید، و شأن نزول و نیک و بد استخاره، و به مناسبت این ترجمه، او را آقا هادی مترجم گویند 2 - ترجمه‌ی صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده 3 - ترجمه‌ی شافیه 4 - ترجمه‌ی کافیه‌ی ابن حاجب 5 - ترجمه و شرح معالم الاصول 6 - حاشیه‌ی عربی بر تفسیر بیضاوی 7 - حاشیه‌ی مواریث قواعد الاحکام علامه 8 - حدود و دیات، فارسی 9 - شرح بر فروع کافی 10 - شرح کافیه 11 - شرح تلخیص المفتاح، فارسی 12 - شرح شافیه که به نام نواب حسین علی خان تألیف شده 13 - شرح نظام، به فارسی 14 - شرح شمسیه 15 - شرح صحیفه‌ی سجادیه، به فارسی 16 - شرح قواعد علامه، و ممکن است همان حاشیه باشد 17 - رساله رضاعیه، که در 1107 تألیف شده 18 - رساله‌ی رسم الخط 19 - انوار البلاغة، در معانی بیان [مطبوع] 20 - حاشیه‌ی فارسی بر تفسیر بیضاوی، 21 - العوائد، در کلام؛ و غیره.
در سال 1120 وفات یافته، در بقعه‌ی مجلسی در کنار ایوانچه مدفون گردید، و بر قبرش صندوق چوبی نصب گردید.
ماده تاریخ وفات او [که میر عبدالعال نجات گفته] این است:
از پی سال رحلتش گفت آه
هادی و رهنمای ایمان رفت
در قصص العلماء و رجال اصفهان شرحی راجع به سکته کردن و به هوش آمدنش در قبر، و نذر او جهت ترجمه‌ی قرآن نوشته، و نظیر این قضیه را جهت فضل بن حسن طبرسی و ملا فتح‌الله کاشانی نیز نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مازندرانی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمّد باقر. عالم و فاضل و واعظ بوده، در روز 5 شنبه 6 محرّم الحرام سال 1322 وفات یافته، در صحن تکیه آقا میرزا محمّد باقر چهار سوقی مدفون گردید.
مادّه تاریخ وفاتش این است:
بجویید تاریخ این خوش سرشت
محمّد حسن شد میان بهشت
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مازندرانی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید موسی بن العالم الجلیل ثقةالاسلام آسید مهدی مازندرانی از علماء ابرار معاصر تهران مقیم خیابان آبشار می‌باشند. در سال 1324 قمری در کاظمین علیهماالسلام (هنگام بازگشت مرحوم والدش از نجف اشرف) متولد شده و در بابل مازندران پرورش یافته و بعد از فراغت از دروس مقدماتی نزد علماء آن سامان مانند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه مرحوم آسید محمد باقر حجتی و والد ماجد خود بتحصیل فقه و اصول و کلام پرداخته و پس از تکمیل سطوح در سال 1342 قمری به تهران مسافرت و چند سالی نزد مرحومین آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی به حکمت و عرفان اشتغال داشته و سپس به قم مهاجرت و چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه یزدی و اعاظم دیگر کسب فیض نموده و در اواخر 1350 قمری به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه آقا ضیاء عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌ها برده و یکسال قبل از فوت آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه قمی حسب الامرشان برای تقاضای جمعی از بازرگانان تهران به ایران عزیمت و در تهران رحل اقامت افکنده و بتدریس علوم دینیه و تبلیغ احکام شرعیه مشغول و در مسجد خیابان آبشار به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارند.
دارای آثار و تألیفات ارزنده‌ای می‌باشند که فهرست آن در پشت کتاب (العقد المنیر) ایشان چاپ شده:
1- کتاب (العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر) عربی و در نجف بطبع رسیده و در موضوع خود کم نظیر است بضمیمه رساله‌ای در اوزان و مکائیل 2- رساله‌ای در طهاره 3- رساله در معاطاه و بعضی از مسائل بیع 4- رساله‌ای در مواسعه و مضایقه و اعتبار ترتیب در قضاء فائته و عدم آن 5- رساله در صوم 6- رساله‌ای در غصب 7- رساله‌ای در رضاع 8- رساله‌ای در جمله‌ای از احکام خلل و قواطع 9- تقریرات در اصول دوره کامل 10- بدیع الادب فی ودایع العرب در فنون ادبی و ترجمه عده‌ای از بزرگان ادب 11- دیوان فارسی در مدایح و مراثی 12- نامه ارشاد یا صحیفه اعتقاد دو جلد در بعضی از مذاهب باطله 13- رساله ضیائیه در لزوم حجاب در تهران بطبع رسیده 14- بیوگرافی رجال بزرگ اسلام که از محمد بن یعقوب کلینی قدس اللّه سره تا رجال قرن هشتم در نامه پرچم

اسلام منتشر شده است.
حاج سید موسی مازندرانی عالمی بزرگوار و صاحب‌نظر از علماء معاصر تهران می‌باشند تالیفات گرانقدری دارند از جمله العقد المنیر فیما یتعلق (بالدراهم والدنا ینر) در بیست مجلد که تاکنون چهار جلد آن به طبع رسیده است و در میان دانشمندان و علماء تهران مجهول‌القدر می‌باشند و مانند آنجناب باید در حوزه علمیه قم و نجف اشرف حوزه تدریس داشته باشند که فضلاء از بیانات و دراساتشان استفاده کامل ببرند. حقیر در سال 1399 قمری و اول سال 1358 شمسی که در خدمتشان در عتبات عالیات بودم ناظر تجلیل حوزه علمیه نجف اشرف مخصوصاً زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی بودم که تا چه جد از معظم له احترام و اصرار به اینکه نجف بمانید که این حوزه هزار ساله به وجود امثال شما نیازمند است و تقاضای عده‌ای از فضلاء دیگر هم اقامت ایشان بود.
(1399 -1324 ق)، عالم دینی، متکلم، مجتهد، مدرس و شاعر. در کاظمین به دنیا آمد و در بابل مازندران نشو و نما یافت. مقدمات را در محضر پدرش و آیت‌اللّه شیخ محمد صالح علامه و آیت‌اللّه سید محمد باقر حجتی فراگرفت. آن گاه به تحصیل فقه و اصول و کلام و سطوح پرداخت. در 1342 ق به تهران آمد و چندین سال حکمت و عرفان را در محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی آموخت. سپس به قم رفت و از محضر آیت‌اللّه حایری یزدی و علمای دیگر کسب فیض نمود. در اواخر 1350 ق به نجف عزیمت کرد و از محضر آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه به امر آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و به تقاضای مردم تهران، به تهران آمد و به تدریس، اقامه جماعت و انجام امور دینی پرداخت. او در اواخر عمر به قصد زیارت به نجف مسافرت کرد و در همان جا درگذشت. از آثارش: «العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدراهم و الدنانیر»؛ «نامه‌ی ارشاد» یا «صحیفه‌ی اعتقاد»، در دو مجلد؛ «بدیع الادب فی ودائع العرب»، در فنون ادبی و شرح حال عده‌ای از بزرگان ادب؛ «تقریرات» در فقه و اصول؛ رساله‌ای در «رضاع»؛ رساله‌ای در «غصب»؛ «رساله‌ی ضیائیه»؛ رساله‌ای در «طهارة»؛ رساله‌ای در «احکام خلل»؛ رساله‌ای در «صوم»؛ رساله‌ای در «معاطاة و بیع»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (299/ 15)، گنجینه‌ی دانشمندان (554 -553/ 4)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1141/ 3).

مالک، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مالک ، فرزند میرزا اسماعیل در سال 1290 در محله پامنار تهران پا به عرصه وجود گذاشت . وی پس از مدت تحصیل ، دانشسرای عالی رفت و به تحقیق در متون نثر فارسی پرداخت ، آنگاه وارد مدرسه حقوق شد . مالکی با مرگ پدر ، ناچار وارد تشکیلات ارتش وارد شد، و در دانشگاه انگلیس دانشنامه انگلیسی را اخذ کرد . وی پس از به پایان بردن دوران تحصیل به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان انگلیسی ، فرانسه و آلمانی مشغول شد . استاد مالکی همواره در انجمن های ادبی حضوری فعال داشت و تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد . او سرانجام در سال 1377 در تهران درگذشت .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : علی اکبر مالک فرزند اسماعیل مستوفی حضور و نوه میرزا کاظم مستشیر الملک تهرانی و از اعقاب مالک اشتر سردار بزرگ و شجاع حضرت علی (ع)بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مالک پس از طی دوران دبستانی در دبستان ادب، وارد دارالفنون شد. سپس به دانشسرای عالی رفت و پس از تحقیق در متون نظم و نثر فارسی وارد مدرسه حقوق شد. با مرگ پدر در سال 1312 وارد تشکیلات ارتش شد و به فرا گیری زبان انگلیسی پرداخت ، او سرانجام دریافت دانشنامه زبان انگلیسی از دانشگاه انگلیس نائل آمد .
خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل علی اکبر مالک ، درگذشت پدرش بود ، که وی را مجبور ساخت وارد تشکیلات ارتش شود .
استادان و مربیان : علی اکبر مالک از محضر استادانی همچون: استاد جلال الدین همایی، استاد عباس اقبال آشتیانی، استاد نصرالله فلسفی و استاد محمد حسین فاضل تونی بهره برد.
زمان و علت فوت : علی اکبر مالک در اثر کهولت سن و بیماری طولانی در اواسط رجب 1419 ق مطابق با آبان 1377 ش در تهران به فوت کرد .

فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مالک سالهای متمادی به شغل دبیری ادبیات فارسی و زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی اشتغال داشت و در سال 1339 ش بازنشسته گردید. شادروان مالک تا واپسین روزهای زندگی خویش، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از فعالیت های دوران زندگی علی اکبر مالک ، حضور مستمر او در مجالس ادبی بوداولین فرصتی امکان ارائه آثار وی را فراهم نمود . او تا واپسین روزهای زندگی خویش ، جلسات تفسیر قرآن کریم و آموزش اصول بدیع و قافیه را تشکیل می داد .

آثار :
1 ابا عبدالله الحسین (ع)
2 ترانه دل
ویژگی اثر : « ترانه دل » مجموعه اشعاری درباره حضرت علی (ع) می باشد .
3 ترجمه منظوم چندسوره از قرآن مجید
4 خاطرات اجتماعی و سیاسی
5 دو نامه به امضای حضرت علی (ع)
6 سفرنامه حج
7 سلطان عشق
8 سه راز مپرس
9 سیری در سه وادی
ویژگی اثر : مجموعه اشعار
10 کشکول عشق
ویژگی اثر : مجموعه اشعار
11 کشور مقتدر اسلامی
12 مجموعه ای شامل صحیفه حضرت زهرا (ع) ، حدیث کساء در 24 بند ، و فدک به صورت نثر
13 هفت شهر یا هفت وادی عرفان
14 وادی عشق
ویژگی اثر : « « وادی عشق » اشعاری دربارة مناظره و مراحل عرفانی می باشد.
15 وقایع کربلا
منابع زندگینامه :
1آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره پنجم ، شماره پیاپی 53 ، آذر و دی 1377

مالک، هایده

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز 1345 ش)، نویسنده، مترجم و طبیب. پس از اتمام تحصیلات متوسطه و نیز اخذ لیسانس در رشته‌ی مامایی، وارد وزارت بهداری شد. وی در ضمن خدمت، به تحصیل ادامه داد و در دانشکده‌ی پزشکی پس از اتمام دوره، موفق به اخذ درجه‌ی دکترای طب شد. در 1345 ش به مقام استادی نایل گردید و پس از آن به فرانسه رفت. از آثارش: «تست‌های کلیوی»؛ «اختلال متابلیسم گلوسیدها»؛ «پاستور و میکروب‌شناسی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (582/ 1)، کارنامه‌ی زنان (235- 236).

مالکی، توران دخت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
توران دخت (تمدن) مالکی در سال 1319 به دنیا آمد . تحصیلاتش را در رشته ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه تهران به پایان رسانید و از آن پس به کار ترجمه روی آورد . توران دخت (تمدن) مالکی تا کنون آثار متعددی به طبع و تالیف رسانده است .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : توران دخت مالکی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، وارد دانشگاه تهران شد و دررشته زبان انگلیسی به تحصیلات خود ادامه داد.همسر و فرزندان : توران دخت تمدن مالکی با آقای مالکی ازدواج نمود و دارای سه فرزند می باشد.آثار : آوای ناقوس ها ویژگی اثر : اثر دروتی سیزل2 با گرگها می رقصم ویژگی اثر : اثر مایکل بیکت3 بیا با هم شادی را جست و جو کنیم ویژگی اثر : اثر پنه لوپ راشپیوف4 تب درمانی یا قدرت معجزه آفرین ویژگی اثر : اثر نورنی یمپل5 جنگ علیه زنان ویژگی اثر : اثر مارلین فریچ6 زندگی با عشق چه زیباست ویژگی اثر : اثر لئو بوسکالیا7 عشق درمان و معجزه ویژگی اثر : اثر دکتر برنی اس سیکل8 قدرت زن و بچه های طلاق ویژگی اثر : اثر آن دیکینسون9 هنر مبارزه با ترس ویژگی اثر : اثر سوزان جفرسن
منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج2 ، ص 1676

مامقانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید احمد مدرس مامقانی از علماء اعلام معاصر تهرانست. وی در حدود 1326 قمری متولد شده و ادبیات و متون فقهیه را خوانده و پس از آن از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه ایروانی و آیت‌اللّه آقا میرزا ابوالحسن مشکینی و آیت‌اللّه میرزا نائینی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران مهاجرت و تاکنون در مسجد (شهاب‌الملک) واقع در سه راه خیابان ری و بوذر جمهری نو به اقامه جماعت و خدمات دینی و مباحثات کمپانی با علماء محترم تهران اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب مدرس مامقانی که افتخار قرابت سببی با ایشان را دارم سیدی جلیل و عالمی نبیل و موصوف بمتانت و مناعت و بزرگوار می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مامقانی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1290 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م 1313 ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در 1308 ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در 1309 ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروغ»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[1]
عبداللّه بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول 1290 قمری در نجف متولد و در 16 شوال 1351 قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.
تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.
1- ارشاد المستبصرین 2- تحفة الخیره 3- تحفة الصفوة فی الحیوة 4- تنقیح المقال فی احوال الرجال 5- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود 6- سراج‌الشیعه 7- السیف البتار 8- مرآت الرشاد 9- مرآت الکمال 10- مطارح الافهام 11- مقباس الهدایه 12- مناهج المتقین 13- منتهی مقاصد الانام 14- نتایج التنقیح 15- نهایة المقال و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (173/ 25 ،159/ 23 ،349 ،18/ 22 ،339 ،338، 336، 284- 283، 272، 230، 229، 27/ 20 ،36 ،12- 11 / 18 /161، 17 ،346 ،22 ،13/ 16 ،286 ،157/ 12 ،137 ،78- 77/ 8 ،149/ 6 ،216 ،215/ 5 ،467- 466/ 4 ،447 ،432/ 3 ،528 ،520 ،120 ،118/ 1)، ریحانه (159 -157/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1199 -1196/ 14)، علماء معاصرین (159 -158)، الکنی و الالقاب (134/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1146 -1145/ 3)، معجم المؤلفین (116/ 6).

مامقانی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1238 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در 1312 ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایة الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالة البرائة»؛ «الرسالة العملیة».[1]
محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد 1238 و متوفی 29 محرم 1323 قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام 1- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول 8 مجلد 2- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام 3- غایة الامال حاشیه بر مکاسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (324/ 6)، اعیان الشیعه (151 -150/ 5)، الذریعه (408/ 24، 5/ 214، 16/ 24، 11، 10 -121، 120/ 3، 114/ 2)، ریحانه (160 -159/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 411 -409/ 14)، علماء معاصرین (83 -80)، الکنی و الالقاب (134 -133/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1144/ 3)، معجم المؤلفین (198 -197/ 9)، مکارم الآثار (1058 -1056/ 4).

ماندگار، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی ماندگار
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1387/4/2
زندگینامه علمی
تولد بنده در 2 تیر ماه 1343 در خانواده ای مذهبی در مشهد مقدس، پدر روحانی مادر خانه دار، تحصیلات دبستان از سال 1348 لغایت 1354 در دبستان هروی مشهد مقدس. تحصیلات دوره راهنمایی 1354 لغایت 1357 در مدرسه راهنمایی مجلسی مشهد مقدس. تحصیلات دوره متوسطه 1357 لغایت 1361 در دبیرستان دکتر علی شریعتی مشهد مقدس. تحصیلات حوزوی غیر رسمی از سالهای 1356 لغایت 1362 در مشهد مقدس با استاد خصوصی. تحصیلات رسمی حوزوی از سال 1362 در حوزه علمیه قم: دوره ادبیات و مقدماتی در مدرسه رضویه، دوره سطح محضر اساتیدی همچون خاتمی، وجدانی، استادی، هادوی تهرانی، اعتمادی، پایانی، دوره درس خارج محضر اساتیدی همچون وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی، سید کاظم حائری، هادوی تهرانی. ازدواج سال 1363 تحصیلات دانشگاهی از سال 1372 لغایت 1379 در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم، پایان نامه ارشد «خطی مشی های سیاسی در نهج البلاغه» حضور در جبهه ها به توفیق الهی از ابتدا تا پایان مجموعا حدود 22 ماه به صورت متناوب (رزمی ـ رزمی تبلیغی) امامت جمعه موقت طبس از 1370 لغایت 1374 مسئولیتهای آموزشی و مدیریتی در دفتر تبلیغات از 1370 لغایت 1382 در مرکز آموزش خواهران، مرکز تحقیقات، مرکز آموزش مبلغین مسئولیت نهاد رهبری دانشگاه علم و صنعت از سال 1380 لغایت 1382 راه اندازی گروه تفحص سیره شهدا که کار تربیت مبلغ و راوی عرصه فرهنگ ایثار و شهادت را بعهده دارد از سال 1379 و مسئولیت این گروه از سال 1382 تاکنون می باشم.

ماه شرف

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
ز حدود 1234 ق، از زنان فاضل و ادیب. وی عمه شیخ محمدتقی برغانی (1264 ق) و شیخ محمدصالح برغانی (1275 / 1270 ق) بود که به ام‌کلثوم دختر شیخ محمدتقی برغانی فقه و اصول و ادبیات عرب آموخت. ماه شرف همچنین مورد تقرب تاج‌الدوله همسر فتحعلی شاه قاجار (1250 -1212 ق) قرار داشت و مراسلات او را تحریر و انشاء می‌کرد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات). 68 / 2؛ خیرات حسان، 142 / 2.

ماهابادی، افضل‌الدین حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم دینی، فقیه و ادیب. در ادب سرآمد بود و در فقه، صالحی مورد اعتماد و متبحر. وی از مشایخ شیخ منتجب‌الدین بود و شیخ منتجب‌الدین تمام تألیفات و تصنیفات او را روایت می‌کند و بنا بر نقلی افضل‌الدین حسن بن قادر (وفادار) قمی واسطه‌ی این روایت است. از آثارش: «الاعراب»؛ «شرح النهج»، شرح «نهج‌البلاغه»؛ «شرح الشهاب»؛ کتابی در «رد التنجیم»؛ «شرح اللمع»؛ «دیوان النثر»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (160/ 5)، الذریعه (123 ،47/ 14 ،343/ 13 ،1170 ،239/ 9 ،234 -233/ 2)، روضات الجنات (261 -260/ 2)، ریاض العلماء (222 -221/ 1)، ریحانه (162 -161/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 62 -61/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (50)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن ماهابادی).

ماهیار نوابی، یحیی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : یحیی ماهیار نوابی در دهم دی ماه سال 1291 شمسی در شیراز متولد شد. پس از گذراندن دوره ی ابتدایی ، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و توانست تا مقطع دکترا تحصیل نماید. بعد از آن در سال 1327 با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد. استاد پس از دوسال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مدرسه زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال های 1949 تا 1951 نزد پرفسور ‹‹ هنینگ›› به فراگیری زبان های قدیمی ایران مانند : پهلوی ، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در دانشگاه گوتینگی آلمان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را به عهده گرفت و نیز به تدریس زبان های کهن ایران پرداخت. او مدتی نیز جهت تحقیق به آمریکا سفر نمود و پس از بازگشت در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. استاد نوابی در سال 1352 به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و همچنین ریاست مؤسسه ی آسیایی را تا سال 1358 به عهده گرفت. او پس از انقلاب به تهران بازگشت و فعالیت های فرهنگی و ادبی خود را پی گرفت. استاد ماهیار نوابی در 11 مهر ماه سال 1379 در کشور سوئد بدرود زندگی گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
والدین و انساب : یحیی ماهیار نوابی در خانواده ای سرشناس در شیراز زاده شد. مادر وی از خاندان وصال شیرازی بود ، و بدین سبب نسب به وقار شیرازی ، ارشد اولاد وصال می رساند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : یحیی ماهیار نوابی ، دوران ابتدایی را در زادگاه خویش و دوره ی دبیرستان را در دارالفنون و کالج آمریکایی تهران گذراند. پس از اخذ درجه ی دوم لیسانس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و گذراندن خدمت نظام ، جهت تحصیل در مقطع دکترا به دانشگاه تهران رفت. استاد پس از دو سال برای فراگرفتن زبان های کهن ایرانی به مدرسه ی زبان های شرقی دانشگاه لندن (SOAS) رفت و در سال های 1949 تا 1951 نزد پروفسور ” هنینگ ” به فراگیری زبان های قدیمی ایران ، مانند پهلوی ، اوستایی و پارسی باستان پرداخت و یک سال نیز در

دانشگاه گوتینگی آلمان ، زبان های ترکی کهن را فراگرفت.
استادان و مربیان : یحیی ماهیار نوابی همواره نام پرفسور هنینگ را با احترام بر زبان می آورد و اولین تحقیقات و نوشته های خود را در زمینه ی زبان های باستانی ایران ، به وی تقدیم داشته است.
وقایع میانسالی : در بیستم خرداد ماه سال 1341 به مناسبت عزیمت یحیی ماهیار نوابی از تبریز ، مجلس وداعی تدارک دیده شد که به طور خودجوش از سوی دانشجویان و انجمن ادبی دانشکده و همکاران علمی ایشان شکل گرفت و با برنامه ریزی در روز بیست و هفتم خرداد ماه جمع دوستداران و مشتاقان استاد و جمع کثیری از دانشجویان ، مراسم باشکوهی در دانشکده ادبیات ترتیب دادند که در آن مجلس ، معاریف و دانشمندان و شاعران آذربایجان چون نخجوانی ها ، استاد شهریار ، مفتون امینی ، بی ریای گیلانی و بسیاری دیگر در آن حضور یافتند و هریک به زبانی و به طریقی از خدمات استاد یاد کرده و شاعران به یاد دوران خدمت وی و تأسف از عزیمت او ، سروده ها و اشعار زیبایی قرائت کردند. همکاران علمی استاد و تعدادی از دانشجویان هم هر یک به فراخور ، مطالبی بیان کردند و یا اشعاری خواندند که جریان این بزرگداشت به یادماندنی ، در دفتر « وداع با استاد ماهیار » از سوی انجمن ادبی دانشکده چاپ و منتشر گردید. چکامه ای که استاد شهریار در آن روز و به مناسبت سفر استاد در 12 بیت با عنوان « اشک وداع » سروده بود ، سرشار از احساسات و تعلق خاطر آن شاعر بزرگ نسبت به استاد نوابی بود. چند بیت آغازین آن چنین بود: طوطی ، غمین نشسته که قناد می رود شیرین دلش گرفته که فرهاد می رود چرخد زمانه که یاد عزیان مکن ولی عمر عزیز هم مگر از یاد می رود؟ استاد « ماهیار » ز تبریز بسته بار شاگرد دل شکسته که استاد می رود شاعر دیگری که در این باره سروده ی خود را در 20 بیت خواند ، آقای بی ریای گیلانی بود که مطلع شعر وی این است: بنگر ای دل حاصل مهر و وفای خویشتن تا نبندی رشته الفت به پای خویشتن شعر سروده شده ی آقای مفتون امینی در این مجلس بسیار شنیدنی است : دل می تپد به سینه که جانان وداع کرد خود راست گویی از تن ما جان وداع کرد... استاد ماهیار که فرزانه پیر ماست با مکتب جنون جوانان وداع کرد .... البته در روز دوشنبه بیست و یکم خرداد ماه نیز که روز عزیمت استاد از شیراز بود ، مراسمی باشکوه در فرودگاه شهر شیراز از سوی انجمن ورزشی دانشکده که استاد به آن علاقه وافری داشت و همواره در تقویت روحیه ی ورزشکاران کوشش می نمود ترتیب یافت که در آنجا هم سخنرانی هایی ایراد شد و اشعاری خوانده شد . شعر بلند استاد دکتر امیرخانی در فرودگاه با این بیت آغاز شد : دردا که از دیار وطن « ماهیار » رفت آن شهسوار مهر و وفا زین دیار رفت...

زمان و علت فوت : یحیی ماهیار نوابی در یازدهم مهر ماه سال 1379 ، به دور از وطن و هنگامی که برای دیدار دخترش « میترا » به سوئد سفر کرده بود ،در حالی که همراه فرزند عازم منزل بود ، در اثر ایست قلبی بدرود زندگی گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یحیی ماهیار نوابی جهت ادامه ی تحصیل مدتی به خارج از کشور رهسپار گردید. وی پس از بازگشت به کشور ، ریاست دانشکده ادبیات تبریز را بر عهده گرفت و پس از بازگشت از آمریکا نیز تا سال 1960 همچنان ریاست دانشکده ادبیات تبریز را عهده دار بود. پس از آن، نوابی دو سال و نیم به عنوان رایزن فرهنگی در پاکستان به فعالیت پرداخت. و با پایان یافتن مأموریت استاد در پاکستان ، کار تدریس را در گروه فرهنگ و زبان های باستانی ایران دانشگاه تهران آغاز کرد و پس از چندی به ریاست آن گروه انتخاب شد و به مدت چهار سال در این مقام بود. استاد سرانجام در سال 1352 خود را بازنشسته کرد و بعد از آن به عنوان مشاور رئیس دانشگاه شیراز رهسپار زادگاه خود شد و ریاست مؤسسه ی آسیایی را نیز تا سال 1358 عهده دار شد.
فعالیتهای آموزشی : یحیی ماهیار نوابی پس از به پایان بردن تحصیلات دانشگاهی و اخذ مدرک دکترا ، در سال 1327 با سمت دانشیاری در دانشگاه تبریز مشغول به کار شد ، و به تدریس زبان های کهن ایران پرداخت. استاد در سال 1957 جهت برخی مطالعات به آمریکا سفر نمود ، وی مدتی نیز به عنوان رایزن فرهنگی در کشور پاکستان سپری نمود و پس از بازگشت ، با سمت استادی زبان های باستانی ایران در دانشگاه تهران به کار تدریس ادامه داد. تدریس در مؤسسه ی آسیایی از دیگر فعالیت های آموزشی ایشان بود.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : یحیی ماهیار نوابی در مؤسسه ی آسیایی ، دوره ی کارشناسی ارشد زبان و تاریخ و فرهنگ ایران را تأسیس کرد. وی با حمایت دکتر مهر ، گروهی از فضلای نامدار ایران را برای تدریس تمام وقت و نیمه وقت در مؤسسه ی آسیایی به شیراز دعوت کرد که برخی چون استاد احمد افشار شیرازی ، دکتر محمود طاووسی ، دکتر علی حضوری و ریچارد فرای به طور تمام وقت و برخی چون استاد تاجبخش ، دکتر فره وش و بدرالزمان قریب به طور نیمه وقت با آن مؤسسه همکاری می کردند و از دانشگاه شیراز استادانی همچون دکتر نورانی وصال و دکتر جعفر مؤید شیرازی در آن مؤسسه به تدریس اشتغال داشتند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یحیی ماهیار نوابی در سال 1957 برای تحقیق در نحوه ی مدیریت دانشگاه های آمریکا به مدت یک سال به دانشگاه های کلمبیا و مینیاپلیس اعزام شد. وی افزون بر فعالیت های

آموزشی و پژوهشی همواره حضوری فعال و درخور در مجامع علمی گوناگون داخلی و خارجی داشت و در مراکز و انجمن های متعددی از قبیل: انجمن فرهنگ ارتش ، فرهنگستان زبان ایران (عضویت پیوسته تا انقلاب اسلامی) ، انجمن مجموعه سنگ نبشته های ایرانی ، انجمن پژوهش های مهری ، کنگره تحقیقات ایرانی و انجمن پژوهش های درسی ، مشارکتی فعال و ثمربخش داشت. از استاد علاوه بر دهها مقاله ی وزین و ارزشمند ، کتاب های متعددی نیز به صورت تألیف و ترجمه به یادگار مانده است.

آثار :

1 بند هش ایرانی

ویژگی اثر : پیش از چاپ گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی ، استاد نوابی ، چاپی عکسی نیز از نسخه ی شماره ی یک تهمورس دینشاه از دستنویس « بندهش ایرانی » که در نزد ایران شناسان به TD 1 شهرت دارد ، با مقدمه ای مفصل درباره ی آن به چاپ رسانیده بود.

2 دیوان وقار شیرازی

ویژگی اثر : استاد پس از نگارش مجموعه مقاله هایی درباره ی خاندان وصال شیرازی و نیز به سبب نسبتی که با وقار ، ارشد فرزندان وصال شیرازی داشت و چون شعرهای وقار را بیش از دیگر اعضای شاعر آن خاندان می پسندید ، از این رو به فکر تصحیح و چاپ دیوان وی برآمد و جلد اول از این دیوان را که دربردارنده ی 215 قصیده (از «الف» تا «ر») از شاعر است ، با دیباچه ای در معرفی خود شاعر و نسخه ی خطی دیوان او و توضیحاتی درباره ی اشعار وی در 430 صفحه چاپ نمود.

3 کتاب شناسی ایران

ویژگی اثر : فهرستی از مقالات و کتاب هایی که به زبان های اروپایی درباره ی ایران به چاپ رسیده است. استاد در مقدمه ی جلد اول از کتاب ده جلدی کتاب شناسی ایران نوشته اند : «... گردآوری این فهرست را در سال های 1328 - 1330 ، که در لندن و گتینگن بودم و به آموختن زبان های ایرانی میانه و کهن ، و پژوهش در فرهنگ ایران پیش از اسلام می پرداختم ، آغاز کردم ... » کتاب از ارزش ویژه ای برخوردار است ، پیش از آن هیچ منبع مؤثقی برای دست یافتن به آنچه دیگران درباره ی ایران نوشته اند ، به طور یک جا وجود نداشت. استاد نوابی تقریبا مدت پنجاه سال از عمر خود را بر سر این کار گذاشت که حاصل آن به صورت یک مجموعه ی ده جلدی درآمد. جلد اول این کتاب در بردارنده ی این موضوعات است : مطالعات در زمینه ی اوستا ، مانی و مانویت ، فارسی باستان ، پهلوی (ساسانی و اشکانی) ، پارسیان هند ، زرتشت گرایی. جلد دوم کتاب شناسی ایران ، شامل زبان ، ادبیات ، شعر و شاعران ایران

است که دیگران درباره ی آن تحقیق و قلمفرسایی کرده اند. جلد سوم کتاب شناسی ایران ، دربردارنده ی فهرست مقالات و کتاب های دیگران درباره ی : باستان شناسی ، معماری ، هنر (شامل فرش و قالی) و سکه است. جلد چهارم کتاب شناسی ایران ، شامل سفرنامه هاست. جلد پنجم کتاب شناسی ایران ، شامل : اساطیر و روابط خارجی (سیاسی نظامی) است. جلد ششم کتاب شناسی ایران ، شامل : دین و فلسفه و دانش است. جلد هفتم کتاب شناسی ایران ، شامل : زبان شناسی زبان های ایران باستان : مادی ، اوستایی ، فارسی باستان ، زبان های ایرانی میانه ، زبان های غیرایرانی رایج در ایران ، زبان های ایرانی نو و گویشهای گوناگون ایرانی دیگر است. جلد هشتم کتاب شناسی ایران ، شامل : جغرافیا ، نقشه ها ، ایالات و شهرهای ایران ، زیست شناسی ، جانور شناسی ، جامعه شناسی ... فولکور شهرهای مختلف ایران و ... است. جلد نهم کتاب شناسی ایران ، شامل : کشاورزی ، تمدن ، ارتباطات ، اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و ... است.

4 گنجینه ی دستنویس های پهلوی و پژوهش های ایرانی

ویژگی اثر : شامل 57 جلد. این مجموعه به جز شماره های 39 ، 50 و 51 که اولی و سومی (39و51) مجموعه مقالات پروفسور فرای و شماره ی 50 تعدادی از مقالات استاد نوابی است ، بقیه چاپ عکسی است از نسخ موجود در کتابخانه های هند و زبان اوستایی و پهلوی که اغلب آنها برای نخستین بار چاپ و به جامعه ی علمی جهان عرضه گردیده اند. این مجموعه که در قطع ها و اندازه های متفاوتی ـ به اندازه ی اصل نسخه ی خطی ـ عکسبرداری شده ، حدود پانزده هزار صفحه می باشد.

5 متن های پهلوی

ویژگی اثر : در راستای چاپ عکسی نسخه های پهلوی ، کتاب متن های پهلوی گردآورده ی دستور جاماسب جی ، منوچهر جی جاماسب آسا با مقدمه ی « بهرام گور انکساریا » را استاد با کسب اجازه از انکساریا و نوشتن مقاله به زبان انگلیسی به چاپ رسانید.

6 مجموعه مقالات پروفسور بیلی

ویژگی اثر : استاد نوابی اعتقادی فراوان به پرفسور « سرهارلد بیلی » زبان شناس و ایران شناس بزرگ معاصر انگلیسی داشت. در هر سفری که به اروپا می داشت ، دیداری از وی می نمود. با کسب اجازه از استاد بیلی ، قرار شد که همه ی کوته نوشته های ایشان را فراهم آورده و به چاپ برساند که دو جلد از آن مقالات ، مجموعاً شامل 73 مقاله که نوشته های بیلی تا سال 1952 م. بود ، با مقدمه ای از استاد نوابی در سال 1981 م. در شیراز منتشر شد و قرار بود که مجلدات بعدی را نیز به همین ترتیب نشر دهد که مشکلات چاپ و کاغذ و موارد دیگر این فرصت

را به استاد نداد.
7 منظومه درخت آسوریک
ویژگی اثر : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه ی فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشت ها. این کتاب دربردارنده ی موضوعات زیر می باشد: الف) مقدمه ی استاد ، درباره ی این متن پهلوی و تحقیقات و چاپ هایی که دیگران از این متن نموده اند ، با ارجاعات مربوط. ب) مقاله ی شعری به زبان پهلوی ، از پرفسور و.ب.هنینگ ، به ترجمه ی استاد نوابی. ج) منظومه ی پهلوی درخت آسوریک از روی نسخه ی جاماسب آسانا. د) متن پهلوی ،آوانویسی لاتین و ترجمه ی فارسی آن ، همراه با زیرنویس های مفصل در توضیح متن و واژگان متن.
8 یادگار زریران
ویژگی اثر : این کتاب که یکی از آثار کهن فارسی میانه است و به نظر دانشمندان ، اصلاً به زبان اشکانی بوده و سپس به فارسی میانه بازنویسی شده ، شاید اولین تعزیه و یا نمایشنامه ایرانی باشد که برای ما باقی مانده است. کتاب شامل پیشگفتاری است درباره ی متن ، پس ، متن پهلوی آن آمده و سپس ترجمه ی متن یادگار به زبان فارسی صورت پذیرفته و با آنچه در شاهنامه آمده مورد سنجش قرار گرفته و یادداشت های لازم برای آن تهیه و در پایان بخش منظوم آن آوانویسی و درج گردیده و واژه نامه کتاب به طور کامل فراهم و چاپ شده است.
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ماهیار، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس ماهیار در سال 1316 در شهر ستان عجب شیر درنزدیکی تبریز متولد گردید . وی تحصیلات عالی را در رشته زبان وادبیات فارسی تا مقطع دکتری در دانشگاه تهران دنبال کرد. وی پیش از پیروزی انقلاب به عنوان پژوهشگر و مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار بود. وهمچنین پس از پیروزی انقلاب نیز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به حدیث و در سمت مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی به فعالیت های علمی خود ادامه داد. دکتر عباس ماهیار درسال 1379 بدلیل بیماری شد و بازنشسته کرد. پس از آن به دعوت دانشگاه های تهران به تدریس پرداخت . وی حدود 13 کتاب و بیش از 30 مقاله که عمدتا درباره خاقانی شاعر است ، تالیف نموده است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس ماهیار دوران کودکی و تحصیل تا دیپلم خود را در تبریز گذراند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس ماهیار پس از گذراندن تحصیلات دوره ابتدایی و دبیرستان در تبریز در سال 1335 در رشته ادبیات فارسی وارد دانشگاه تبریز شد . وی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران دنبال کرد .
خاطرات و وقایع تحصیل : عباس ماهیار در دوره کارشناسی در دانشگاه تبریز از میان رشته فلسفه و ادبیات ، ادبیات را برگزید و بتدریج به افکار خاقانی نزدیک شد .
همسر و فرزندان : عباس ماهیار دو فرزند پسر دارد که یکی از آنها پزشک متخصص ارتوپد و دیگری مهندس مایکروسافت در شبکه می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس ماهیار همچنین پس از دریافت دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران به تدریس در مدرسه عالی پرداخت .همچنین در سال 1353 به عنوان پژوهشگر در فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول به کار شدو پس از چند سال مدیریت پژوهشگاه واژه های فارسی را بعهده گرفت . دکتر ماهیار چند سالی نیزدر پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی ،مسئول پژوهشهای اسلامی مربوط به

حدیث بود .بعد از انقلاب با شورایی شدن امور ، اعضای هیات علمی و کارکنان فرهنگستان او را به عنوان مدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب کردند.
فعالیتهای آموزشی : عباس ماهیار پس از اخذ مدرک لیسانس به سبب علاقه بسیار به شغل معلمی به تدریس در مدارس مشغول شد .در سال 1362 با بازگشایی دانشگاهها به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی وارد دانشگاه تربیت معلم شد.تا اینکه در سال 1379بازنشسته شد .اما باز هم به دعوت دانشگاه تربیت معلم به تدریس پرداخت و علاوه بر آن دانشگاه در دانشگاه کرج و دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت مشغول است.
شاگردان : اکثر دانشجویان رشته ادبیات فارسی که بین سالهای 1379-1362 در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دانشجویان این رشته درسالهای بعد از آن که در دانشگاه های کرج و دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می کردند از شاگردان عباس ماهیار به شمار می روند.
آرا و گرایشهای خاص : عباس ماهیار علاقه بسیاری به خاقانی شروانی شاعر دارد وبیشتر پژوهش های وی درباره خاقانی می باشد . ----------
---
آثار :
1 بررسی دیوان اثیر الدین اخسیکتی
ویژگی اثر : این اثر پایا ن نامه دکترای عباس ماهیار بوده است.
2 ثری تا ثریا
ویژگی اثر : کتاب هفت جلدی است که جلد اول آن منتشر شد . جلد سوم آن به نا م نسیم صبح نام دارد.
3 خار خار بند و زندان
4 سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه
5 عروض فارسی وقافیه
6 گزیده خاقانی
7 مرجع شناسی و روش تحقیق
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)
منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، گردآورنده پوران فرخزاد ،ج2 ، ص 16762ماهیار ،طبقه پژوهشگر شرمنده خانواده است، فرهنگ پژوهشی،شماره 112،سال 1382

مایل تویسرکانی، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1329 -1265 ش)، روزنامه نگار، مترجم و شاعر، متخلص به مایل. وی در تویسرکان به دنیا آمد و علوم ادبی و عربی را در همان شهر فراگرفت. در اوان مشروطیت به فراگرفتن علوم جدید پرداخت و زبان فرانسه را فراگرفت. سپس وارد خدمت فرهنگ شد و نخستین بار در تویسرکان آموزشگاهی دایر کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت و پس از چندی به مدیریت یکی از مدارس متوسطه‌ی اراک منصوب گردید. سپس به تهران آمد و به تدریس در مدرسه‌ی اقدسیه پرداخت و پس از مدتی، از طرف وزارت فرهنگ، به ریاست فرهنگ و اوقاف بابل منصوب گردید. بعد به مدت دو سال و نیم سردبیر روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» بود. سپس به مدیریت مدرسه‌ی اتحاد ایرانیان در باکو برگزیده شد. مایل در 1349 ق مدیریت و سردبیری روزنامه‌ی «شفق سرخ» را که بعد از کناره‌گیری علی دشتی در 1309 ش، به او واگذار شده بود بر عهده گرفت و این خدمت را چهار سال ادامه داد. از دیگر آثار وی: «قرارداد اجتماعی»، ترجمه؛ «میکرو میگاس»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (80 -78/ 3)، الذریعه (65 -64/ 17 ،955/ 9)، سخنوران نامی (412 -406/ 2)، سخنوران نامی معاصر (3137 -3134/ 5)، شرح حال رجال (295/ 6)، فرهنگ سخنوران (795)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3209 ،2528/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (863 -862/ 6).

مایلی کهن، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اطلاعات باشگاهی
باشگاه کنونی
پُستهافبک
باشگاه‌های حرفه‌ای
۱۹۶۹-۱۹؟؟
۱۹۷۶-۱۹؟؟
۱۹۷۶-۱۹۹۰
قصر یخ
نفت تهران
پرسپولیس تهران تیم ملی
۱۹۸۲-۱۹۸۳
ایران دوران مربیگری
پرسپولیس تهران (دستیار)
تیم ملی ایران (دستیار)
تیم ملی فوتسال ایران
تیم ملی ایران
سایپا کرج
تیم ملی زیر ۲۳ سال
سایپا کرج
پیکان
فولاد اهواز
سایپا کرج
تیم ملی ایران
محمد مایلی کهن (زاده ۱۳۳۲ در بندر انزلی) فوتبالیست پیشین و مربی فوتبال فعلی ایرانی است. او ۱۳ سال عضو تیم پرسپولیس تهران و بازیکن تیم ملی فوتبال ایران در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲ بود.
کسب مقام چهارم جام جهانی فوتسال ۱۹۹۲ و مقام سوم جام ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ مهمترین موفقیت‌های مایلی کهن در عرصه مربی‌گری هستند. وی هم‌اکنون (اردیبهشت ۱۳۸۸) مربی تیم سایپا کرج می‌باشد.
دوران مربیگری

رده ملی
او در ۱۷ فرودین ماه سال ۱۳۸۸ در پی اخراج علی دایی از سرمربی‌گیری تیم ملی ایران به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب گردید[۱].اما در پی اتفاقاتی که بعد از بازی استقلال - سایپا روی داد و بیانیهٔ توهین آمیزش [۲]، وی در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ با صدور بیانیه‌ای دیگر از ادامه مربی‌گری تیم ملی فوتبال ایران استعفا کرد.[۳] او در این بیانیه با سخره گرفتن انتقاداتی که از وی شده وضعیت فوتبال ایران را با زبان کنایه زیر سوال برد.[۴]

جستارهای وابسته

- بندر انزلی
- پرسپولیس تهران

مایلی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی مایلی در 8 آذر 1305 متولد گردید. وی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود. مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت. محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت. استاد محمدتقی مایلی در 23 مرداد سال 1372 دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات انگلیسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدتقی مایلی لیسانسیه زبان فرانسه از دانشگاه تهران و دارای فوق لیسانس در زبان انگلیسی از دانشگاه شیکاگو و گواهینامه تخصص در زبان ایتالیایی از دانشگاه فلورانس و نیز گواهینامه فراغت از تحصیل زبان روسی از خانه فرهنگ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد شوروی (وکس) بود. مایلی در رشته های زبان شناسی و کتابداری نیز سال ها در آمریکا تحصیل کرده بود.همسر و فرزندان : از محمدتقی مایلی یک دختر به نام هندو و یک پسر به نام مسیح باقی مانده که هر دو مشغول تحصیل اند.زمان و علت فوت : محمدتقی مایلی در 23 مرداد سال 1372 دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدتقی مایلی پس از آنکه از گرگان به تهران رفت در ادرات مرکزی وزارت آموزش و پرورش مصدر خدماتی گردید که بیشتر ترجمه و آماده کردن مواد درسی برای کودکان و نوآموزان بود. از

دیگر سمت های اداری مایلی که قابل ذکر است : معاونت کتابخانه دانشکده ادبیات ، مدیریت کل روابط فرهنگی در وزارت فرهنگ و هنر ، ترجمه دادخواست و لوایح حقوقی دولت ایران برای دادگاه لاهه به زبان های فرانسوی و انگلیسی و عضویت در دفتر خدمات حقوق بین الملل. وی با دائره المعارف بزرگ اسلامی و مدیران و دست اندرکاران آن نشریه نیز همکاری داشت.فعالیتهای آموزشی : محمدتقی مایلی پس از پایان دادن به تحصیلات دانشگاهی به عنوان دبیر زبان در دبیرستان های گرگان شروع به تدریس نمود. وی بعدها کار تدریس را در دانشگاه دنبال نمود و به تدریس متون فلسفی انگلیسی پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدتقی مایلی خط بسیار زیبایی داشت ، او در ایام جوانی از استاد شریفی تعلیم خط گرفته بود. آثار : اصول تربیت مربی ، بیابان های جهان ، پزشکان بزرگ

مبارکه‌ای، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا سید علی امام جمعه، فرزند محمد علی بن علی موسوی.
عالم فاضل، و واعظ کامل، از مشاهیر اهل منبر اصفهان، بلکه از مشاهیر خطبا و گویندگان ایران.
در 17 ذی حجة الحرام 1316 در مبارکه از قرای لنجان متولد شده، در اصفهان و طهران و خراسان نزد اساتید معروف تحصیل نموده، مدتی در ایران و هندوستان مسافرت‌ها نموده، و از فضلا و دانشمندان هر شهر و دیار استفاده‌ی علمی نموده، واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای فصیح زبان بود.
کتب و رسائل زیادی نوشته، از آن جمله است:
1 - اسرار حج 2 - اسرار و فلسفه‌ی احکام 3 - اسلام خالص 4 - انوار السعادة، در فضیلت بنی‌هاشم 5 - تاریخ اصفهان، در 5 مجلد 6 - تاریخ امکنه و بلدان، که سفرنامه است 7 - تاریخ زندگانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم 8 - تحصیل الثمن، در شرح حدیث حب الوطن 9 - ثمرات العلوم 10 - جامع العلوم، در چهار مجلد 11 - جنة الاداء در آداب 12 - دیوان اشعار به تخلص «صفائی» 13 - دانشوران اصفهان، در 6 مجلد 14 - راهنمای ریاضیات 15 - سرادق دوشیزگان، در حجاب [مطبوع] 16 - سفرنامه‌ی غرب 17 - سوانح العمر 18 - صراط المستقیم، در نماز، مطبوع 19 - کشف المهمات فی سموم المهلکات، در 4 مجلد 20 - کشف الغیب 21 - مرآت الغیب 22 - منهج القویم 23 - مثنوی سقراطیه، در عرفان 24 - مواعظ 25 - نورالانور، در اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، مطبوع 26 - نور القدسی، در احوال [علامه‌ی] مجلسی؛ و غیره.
مشار الیه داماد عالم جلیل حاج میرزا محمدباقر تویسرکانی بوده، و در قبل از ظهر روز جمعه 7 رجب سال 1365 به مرض سکته وفات یافته، در بقعه‌ی تکیه‌ی تویسرکانی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مبعلی، ایمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران متولد 1361
محل تولد ایذه
رده ی سنی بزرگسالان
قد 173
وزن 65
پست هافبک
از ده سالگی در حالی که سن کمی داشت به تنها زمین فوتبال ایذه می رفت و به تنهایی به تمرین شوت و ضربات ایستگاهی می پرداخت و برای اولین باردرمسابقات دانش آموزی چهره شد،در سال هفتاد و دو به عنوان قهرمان مهارت های فردی ایران دست یافت و در همان سال به عضویت تیم آموزشگاهای خوزستان در آمد وی سپس درسن شانزده سالگی با پرسپولیس ایذه فوتبال را بصورت جدی دنبال نمود و در سال هفتادوهفت به استقلال اهواز آمد و با این تیم قهرمان کشور شد، در سال هفتادوهشت توسط بگوویچ به تیم بزرگسالان فولاد دعوت شد او در تیم فولاد بازی می کرد که توسط مناجاتی به تیم ملی جوانان دعوت شد و در سال هفتاد و نه توسط برادو مربی برزیلی تیم ملی بزرگسالان نیزبه تیم ملی بزرگسالان دعوت شد او همزمان در هر سه رده ملی شروع به بازی نمودو با تیم ملی امید قهرمان بازیهای آسیایی پوسان شد وی تاکنون بیست و هشت بازی ملی انجام داده است

مبلغی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ عبدالله مبلغی یکی از گویندگان توانا و شجاع حوزه علمیه می‌باشند. وی در سال 1304 شمسی در شهر آبادان متولد و در سن 16 سالگی برای فراگرفتن مقدمات به بهبهان هجرت و در محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالهادی مجتهدی مقدمات را آموخته و با آبادان مراجعت و پس از یک سال به رامهرمز رفته و مقداری از سطوح فقه و اصول را از محضر آیت‌الله العظمی حاج سیدعلی بهبهانی آموخته و در سال 1325 شمسی به قم مشرف و بقیه سطوح را از محضر آیت‌الله صدوقی و مرحوم وحید گیلانی و کلام را از آیت‌الله فکور و حکمت را از آقای حاج سیدرضا صدر و کفایه را از آیت‌الله سلطانی آموخته آنگاه به درس خارج فقه و اصول زعیم‌الشیعه آیت‌الله العظمی آقای نجفی مرعشی مدظله حاضر شده و تا هم اکنون بالغ بر پانزده سالست که از شرکاء درس معظم‌له می‌باشد.
آقای مبلغی زبان گویا و بیان شیوائی دارند و مدت ده سال در محرم و صفر به آباان رفته و تبلیغات سودمندی نموده و اثرات جالبی از بناء مسجد بهبهانیهای مقیم آبادان و غیره از خود گذارده‌اند و اکنون بالغ بر ده سالست که در استان ساحلی شهر میناب و بندرعباس از طرف مردم، آن سامان دعوت شده و در محرم و صفر در آنجا انجام وظیفه می‌دهند و نیز به نقاط مختلف دیگر هم مسافرت تبلیغی نموده و خدمات کرده‌اند.
آثار و خدمات وی در این مناطق بسیار منجمله دو مسجد در میناب یکی به نام امام زمان علیه‌السلام و دیگری به نام فاطمه زهرا علیهاالسلام 3- تجدید بناء مسجد کوفه بندرعباس که در اثر بیانات گرم ایشان به همت اهالی انجام یافته و در آنجا بی‌نظیر است 4- مسجد پشت شهر بندرعباس به نام امام زمان 5- مسجدی در تایبند بندر که از محله‌های شهر عباسی است به نام مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام که این دو مسجد با بناء گلدسته به دستور و امر به حضرت آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی انجام گرفته است.
اما آثار قلمی ایشان از این قرار است 1- زندگانی دوازده امام 2- زندگانی امام حسین و یارانش 3- زندگانی حضرت خدیجه و فاطمه و زینب علیهم‌السلام 4- مجموعه سخنرانیهای او 5- ارشاد الواعظین از نظر آیات و

روایات
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مبینی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی مبینی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/11/2
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1361 وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متانت، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا متانت از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمانشاه می‌باشند.
ایشان در سال 1310 شمسی در (کنجد جان گلپایگان) متولد شده و تحصیلات مقدمات و ادبیات خود را نزد مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی به پایان رسانده و در کرمانشاه فقه و اصول و فلسفه را از محضر آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسن علامی استفاده نموده و از ابتداء تأسیس مدرسه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی تا به حال به تدریس سطوح عالیه مشغول بوده و در مسجد صباغ مشغول به امامت مسجد و ارشاد و تبلیغ مردم کرمانشاه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مترجم همایونی فره‌وشی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل ادیب، از فرهنگیان قدیمی، سال‌ها در اصفهان و طهران مصدر خدمات بوده، به زبان عربی و فرانسه و انگلیسی تسلط داشته، کتب زیادی ترجمه نموده، و بسیاری از آنها را به طبع رسانیده است، و از آن جمله است: 1 - ایرانی که من شناخته‌ام، تألیف نیکیتین 2 - باستان نامه، مجموعه‌ی داستان‌های تاریخی و باستانی 4 - سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری، فارسی ترجمه 5 - ترجمه‌ی سفرنامه‌ی مادام دیولافوا، مطبوع؛ و غیره.
در شعبان 1388 در طهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متطبب اصفهانی، غیاث بن محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مشهور به مجلدی، مؤلف کتاب مرآت الصحة در طب، به زبان فارسی که جهت بایزید خان عثمانی در سال 896 هجری تألیف شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

متفکر، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین متفکر
محل تولد : مرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
حسین متفکر متولد ۱۳۴۱، در روستای کشکسرای مرند آی در یک خانواده کاملا مذهبی به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در دبستان رازی و مقطع راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شیخ هلال روستای کشکسرای با رتبه اول به پایان رساند. در کنار تحصیل به دامداری و کشاورزی نیز مشغول بود. در سال ۵۷-۵۶ وارد دبیرستان شد، سال اول را با رتبه اول به پایان رساند. علاوه بر شرکت در تمامی راهپیماییها، اولین راهپیمایی کشکسرای را سازماندهی کرده و اقدام به سخنرانی علیه شاه نمود که با این فعالیتها تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. در این دوران به آموزش نیروهای جوان و انقلابی پرداخته و حدود هزار نفر از افراد کشکسرای و حومه را تحت آموزش قرار داد. در اوایل سال ۵۸ به عضویت رسمی سپاه درآمد. در این زمان و بعد از پیروزی انقلاب در مبارزه با منافقین و حزب توده، چریکهای فدایی خلق، روشنفکرمأبان، متحجرین و مقدس مأبان، شرکت نمود. با شروع مبارزات حزب خلق مسلمان علیه انقلاب متفکر که در تبریز برای مقابله با آنها در اکثر صحنه ها از جمله باز پس گیری صدا و سیما، بخشهایی از دانشگاه تبریز و تصرف مقر حزب خلق مسلمان و برخوردهای خیابانی حضور فعال داشت. در سال ۶۱ عازم جبهه شد و به عنوان مسئول آموزش پیرانشهر مشغول فعالیت شد و به صورت غیر متوالی حدود ۴۵ ماه در جبهه ها حاضر شد.

متقی راد، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا متقی راد
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
قبل از انقلاب اسلامی درسال 1355 ازتهران به قم آمدم و در شهر مقدس قم سکونت اختیار کردم. دروس حوزه علمیه را در مدرسه مبارکه رضویه شروع کردم و از سال 1358رسما در امتحانات حوزه شرکت کردم و اساتید اینجانب حضرات آیات جوادی آملی، فاضل لنکرانی، اشتهاردی، دوز دوزانی، مظاهری، مشکینی و خرازی بوده اند. مدت 8 سال در پژوهشکده حوزه و دانشگاه (موسسه) به عنوان محقق و عضو گروه مدیریت و مدت 2 سال در موسسه فرهنگی انتظار نور به عنوان محقق و کارشناس مطالعات و پژوهش همکاری داشته ام. مقالاتی را در برخی مجلات دانشگاهی و غیر دانشگاهی به چاپ رسانده ام و قبلا و عمده فعالیتهایم در بخش برنامه ریزی پژوهشی است و مقالاتی چند در دست تحقیق دارم به مدت یکسال نیز به عنوان مدرس در مدرسه های علمیه کاشان مشغول بوده ام و بخش وسیعی از فعالیتهای اینجانب در تبلیغ معارف اسلامی در دانشگاهها و سایر مراکز مردمی بوده است و در حال حاضر در دانشگاه، دروس معارف و اخلاق اسلامی را تدریس می کنم. دروس دانشگاهی را از سال 69 آغاز کردم و فعلا فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی هستم.

متقی زاده، ایرج

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ایرج متقی زاده
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1362 وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال 1369 در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود 2 سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال 1368 همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت 8 سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی ازجمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

متّقی گزی، محمّد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به حاج آخوند از مشاهیر و علمای دیگر گز برخوار است. او در زمان فتحعلی شاه قاجار (1212-1250 هجری قمری) امام جماعت مسجد جامع گز را دارا بوده است که او و اجدادش از اواخر زندیه تا اواخر قاجار به مدت تقریبی 120 سال یکی پس از دیگری به شرح زیر در مسجد جامع بزرگ (سلجوقی) گز اقامه جماعت می‌نموده‌اند.
در فواصل زمانی بعضی از علمای دیگر با آنها مشارکت داشته‌اند. و ادای مسؤولیت دینی و مذهبی را قبول کرده و علاوه بر حل و فصل مسائل شرعی و فقهی مردم، وظیفه آموزش و تحصیل علمی داوطلبین فرزندان این نواحی را به عهده می‌گرفته‌اند. در احوالات آنها آمده که اصولاً از اولاد یکی از اعضاء و بزرگان خاندان زندیه بنام میرمحمّد بوده که او در زمان درگیرهای سپاهیان و عشایر قاجار در جنگهای داخلی با خاندان زندیه به گز پناهنده شده و با کارگری و اشتغال به پارچه‌بافی و کرباس‌بافی گذران زندگی می‌کرده است. بعدها متأهل شده و ضمن همت گماشتن به تحصیلات فرزندان خویش، با جامعه و فرهنگ بومی‌منطقه در آمیخته و هماهنگ گشته است. به همین دلیل، بعدها افرادی از این خانواده با انتخاب لقب زندیان جزی در حفظ اصالت خانوادگی- اجتماعی خویش اقدام نموده‌اند که یکی از این نمونه‌ها رحمت‌اللّه ابن میرزا هیبت‌اللّه ابن رحمت‌اللّه ابن ملّا حاج آقا ابن ملّا محمّد باقر ابن ملّا محمّد تقی ابن محمّد بوده و بدین ترتیب، پدر مرحوم محمّدعلی (حاج آخوند) ابن مرحوم ملا محمد حسین متقی ابن ملا محمد باقر معروف به ابوالفقرا ابن ملا محمد تقی ابن محمد می‌باشد که از رجال زندیه بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

متکلم نیشابوری، تاج‌الدین حسن

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 741 ق)، ادیب، صوفی و شاعر. مشهور به حسن متکلم. منشأ او نیشابور و محل تربیتش هرات بود. علوم ادبی و شعر را در آن شهر نزد مولانا مظفر هروی فراگرفت. وی از شعرای معروف خاندان کرت و از شاعران مدیح‌سرای دربار ملک غیاث‌الدین (729 -707 ق) به شمار می‌رفت. او معاصر فرزندان ملک غیاث‌الدین یعنی ملک شمس‌الدین، ملک حافظ و ملک معزالدین نیز بود. چندی هم نزد شیخ زین‌الدین تایبادی بر طریق تصوف تلاش و مجاهده کرد. شیخ زین‌الدین در مورد وی گفته که مولانا حسن، موضع تجلی و محل ظهور اسم متکلم است؛ و لذا حسن به متکلم شهرت یافت. او در صنایع و بدایع شعری مهارت داشت. در نیشابور درگذشت و قبرش در حوالی مزار شیخ فریدالدین عطار است. بنا به آورده‌ی «الذریعه»، در «شاهد صادق» مرگ وی 771 ق ذکر شده است.
از آثارش: رساله در «صنایع بدیع»، به اسم ملک غیاث‌الدین؛ «دیوان شعر، در حدود چهار هزار بیت. در برخی تذکره‌ها قصایدی به وی نسبت داده شده که بیانگر انتساب او به آل سامان است، گرچه صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» این انتساب را صحیح نمی‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (851 -844/ 3)، تذکرة الشعراء (302 -301)، الذریعه (957 ،246/ 9)، فرهنگ سخنوران (260)، مجمع الفصحا (26 -25/ 4).

متین دفتری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1275 ق)، حقوقدان، نویسنده و مترجم. نام پدرش در بعضی مآخذ محمودخان و در بعضی محمدحسین ذکر شده است، در حالی که محمدحسین نام جد وی می‌باشد. متین در تهران به دنیا آمد. در شش سالگی به لقب سابق پدرش، اعتضاد لشکر، و به گفته خویش اعتضاد خاقان، ملقب شد و شغل پدر را که همان لشکرنویسی بود اختیار نمود. او بعدها ملقب به متین‌الدوله گردید. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، تحصیلات متوسطه را در مدرسه‌ی آلمانی تهران به پایان برد و زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی را آموخت. سپس به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. متین دفتری، در 1305 ش، به وزارت دادگستری وارد شد و پس از چندی به اروپا رفت و موفق به دریافت درجه‌ی دکترای حقوق گردید. وی در 1318 ش نخست وزیر شد. او چند دوره سناتور و در دوره‌ی پانزدهم مجلس شورا نماینده‌ی مردم مشکین‌شهر بود. از آثارش: «آیین دادرسی مدنی و بازرگانی»، در سه مجلد؛ «روابط بین‌المللی از قدیم‌الایام تا سازمان ملل متحد»؛ «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، ترجمه؛ «سیاست جزایی»، فارسی و فرانسه؛ «احکام تفصیلی هیئتهای عمومی دیوان کشور»؛ «انجمن آثار ملی ایران»، ترجمه؛ «دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور»؛ «رویه‌ی قضایی»، در چهار بخش؛ «کلید استقلال اقتصادی ایران».[1]
استاد ممتاز دانشگاه، حقوقدان و محقق بین‌المللی، سیاستمدار، فرزند محمود دفتری (عین‌الممالک) فرزند میرزا حسین وزیر دفتر فرزند میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر فرزند میرزا حسین آشتیانی فرزند میرزا کاظم مستوفی‌الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی است. میرزا محسن از رجال و معاریف اوایل زندیه می‌باشد اولاد و احفاد وی در یکصد و پنجاه سال اخیر از حکومتگران ایران بوده‌اند. خانواده‌های وثوق الدوله، قوام‌السلطنه، معتمدالسلطنه، مصدق‌السلطنه، متین دفتری، دفتری، معاون، فرهاد معتمد، شکوه، دادور و میکده همگی از نسل همین میرزا محسن آشتیانی هستند.
متین دفتری در 1314 ه.ق در تهران تولد یافت. هنوز به شش سالگی نرسیده بود که توارثا منصب لشکرنویسی فوجهای دماوند و فیروزکوه و پیاده سیستان و مظفر تبریز به او رسید. این شغل قبلا شغل پدرش بوده و

پس از آنکه مرحوم به مقام مستوفی ارتقاء یافت به فرمان مظفرالدین شاه با عنوان جناب و لقب اعتضاد لشکر و بعد متین‌الدوله به او واگذار گردید. او از همان اوقات تحصیلات خود را در مکتب خانه جدش وزیر دفتر شروع کرد. پس از یاد گرفتن مقدمات به آموزش زبان عربی و ادبیات فارسی و جغرافیا و حسن خط پرداخت و علوم آن روز را به حد کامل آموخت. سپس وارد مدرسه ایران و آلمان که به خرج دولت آلمان و ایران تأسیس شده بود گردید و مدت هشت سال در آنجا به تحصیل پرداخت و زبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی را به حد کامل یاد گرفت و زبان عربی و معارف اسلامی را نزد شیخ محد عبده تکمیل نمود؛ ضمنا در آموزش بعضی از دروس مدرسه حقوق جدیت تام به خرج داد. در اوایل جنگ بین‌الملل اول وارد وزارت امور خارجه گردید و در اداره تحریرات روس مشغول کار گردید؛ همزمان همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در روزنامه عصر جدید اخبار روزنامه رویتر را ترجمه می‌کرد و ضمنا مقالات مستقل هم می‌نوشت. متین دفتری هنگامی که در وزارت خارجه اشتغال داشت تحصیلات خود را ادامه داد و یک دوره کامل فقه و اصول و ادبیات عرب را نزد آقا سید اسدالله خارقانی که ملای روشنفکری بود تحصیل نمود. پس از جنگ بین‌الملل اول با مشارکت مصدق‌السلطنه و نصرت‌الدوله و نظام‌السلطنه و ذکاءالدوله غفاری مجله‌ای به نام مجله علمی دائر کردند که چند سالی انتشار آن دوام داشت. پس از تعطیل مجله علمی به روزنامه ستاره ایران و زبان آزاد پیوست و در حزب دموکرات عضو فعال گردید. از 1298 نیز دوره مدرسه عالی حقوق را گذراند. به هنگام نخست‌وزیری وثوق‌الدوله با کمک عبدالرحمن بیک قنسول عثمانی در تهران که نزد متین دفتری زبان آلمانی فرا می‌گرفت طرح سجل احوال را در ایران تهیه و تسلیم رئیس دولت کرد. برمبنای همان طرح از آن تاریخ شناسنامه در ایران بوجود آمد و بعدها جنبه‌ی قانونی پیدا کرد.
در 1301 ش با حفظ سمت در وزارت امور خارجه نماینده مصدق‌السلطنه والی آذربایجان در تهران شد. در آن هنگام هریک از ولاه یک نماینده در تهران تعیین می‌نمودند که کارهای ایالت را در دوایر دولتی مرکز تعقیب کند.
چندی هم مستشار ایرانی و مترجم سفارت آلمان بود. آخرین سمتی که در وزارت امور خارجه بدست آورد ریاست اداره عهود و جامعه ملل بود که در سازمان جدید وزارت خارجه از ادغام چند اداره تشکیل یافته بود. کتابهای کلید اقتصادی ایران و کاپیتولاسیون از تحقیقات و مطالعات دوران وزارت خارجه اوست که همان موقع چاپ و انتشار یافت.
در 1306 ش داور اختیارات اصلاح دادگستری را گرفت و در همان سال

عدلیه با سازمان و افراد جدید فعالیت خود را آغاز کرد. متین دفتری و پدرش عین‌الممالک هر دو از افرادی بودند که به دعوت داور به خدمت قضا اشتغال ورزیدند و با رتبه قضائی اولی به دادیاری و بعد به مستشاری استیناف و دومی به مستشاری دیوان جزای عمال دولت برگزیده شدند.
متین دفتری قریب دو سال در امر قضا با داور همکاری نزدیک داشت و او را در برنامه‌های سنگینی که عهده‌دار شده بود یاری می‌نمود. در 1308 ش داور را برای مطالعه در سازمان قضائی فرانسه و ادامه تحصیل به اروپا فرستاد و او ضمن کارآموزی در دادگاههای پاریس و ژنو و برلن دوره دکترای حقوق را در سویس پایان برد. پس از مراجعت از اروپا مدتی مدیر کل و معاون اداری بود تا سرانجام در 1310 به معاونت کل وزارت دادگستری منصوب گردید و در تهیه و تدوین قوانین مهمی چون قانون مدنی، قانون تجارت، آئین دادرسی حقوقی و بازرگانی و اصول محاکمات جزا نقش اساسی داشت. در 1311 مدتی در غیاب داور که به اروپا سفر کرده بود عهده‌دار کفالت وزارت دادگستری شد. در همین سمت پرونده تیمورتاش بدست او آماده طرح در دادگاه گردید. در 1312 داور به وزارت دارائی انتقال یافت و قرار بود متین دفتری به وزارت دادگستری منصوب شود ولی رضاشاه ترجیح داد یکی از قضات قدیمی عهده‌دار این سمت گردد و لاجرم صدرالاشراف دادستان کل به وزارت دادگستری منصوب شد ولی عملا کارهای مهم وزارتخانه از قبیل تهیه لوایح و دفاع از آن در کمیسیونهای دادگستری با معاون کل بود.
متین دفتری در 1313 هنگام تأسیس دانشگاه تهران برای احدی تصدی استادی کرسی حقوق جزای خصوصی به دانشکده حقوق دعوت شد و قریب چهل سال بدون وقفه در آن دانشکده تدریس می‌نمود. در همان سال بدنبال تشکیل جمعیت طرفداران سازمان ملل به دبیر کلی آن جمعیت برگزیده شد.
داور برای تعقیب اصلاحات دادگستری و تکمیل خدمات خود تلاش می‌نمود تا متین دفتری که دست پرورده او بود به مقام وزارت برسد. سرانجام در 1315 صدرالاشراف از وزارت معزول و متین دفتری جای او را گرفت.
دکتر متین دفتری در خاطرات خود درباره انتصاب به وزارت دادگستری چنین می‌نویسد: «در تابستان 1315 به مناسبت این که مدتی بود جمعیت طرفدار جامعه ملل را هم من در دانشکده حقوق ضمن تدریس در آنجا به موازات کارهای معاون وزیر دادگستری اداره می‌کردم به دعوت مسیو آونول دبیر کل جامعه ملل به اتفاق همسرم از راه زمینی بغداد و بیروت عازم ژنو شدم و صبح روزی که کشتی مرکوب، پس از یک هفته مسافرت بسیار مطبوع در آبهای مدیترانه وارد بندر تریست می‌شد به من در رستوران کشتی خبر رسید که رئیس شهربانی بندر برای ملاقات من به

سالن کشتی آمده است و در چند ثانیه با خیالات مشوش از پلکان رستوران به طرف سالن بالا می‌رفتم افسری با انیفورم پرزرق و برق دیدم که با بلند کردن دست و سلام فاشیستی استقبالم کرد و پاکتی به دست من داد. آن را گشودم تلگرافی بود به امضای آقای محمد ساعد مراغه وزیر مختار ایران در رم در یک جمله کوتاه با این عبارت تکان‌دهنده «حسب‌الامر فورا به تهران مراجعت فرمائید.» بدون هیچ توضیحی که همین ابهام انسان را همیشه دچار توهمات و حدسیات بدی می‌کند مراجعت با کشتی که زودتر از یک هفته حرکت نمی‌کرد عملی نبود ناچار با راه‌آهن حرکت کردم که پس از عبور از سویس و آلمان از راه روسیه به ایران برگردم به ژنو که رسیدم نصرالله انتظام در هتل بدیدنم آمد و از منصورالسلطنه نماینده ایران در جامعه ملل پیغام آورد به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده است من مجاز نیستم در ژنو با دبیر کل جامعه ملل تماس بگیرم و به اصطلاح در آنجا آفتابی شوم و اضافه می‌کرد منصورالسلطنه از وصول این تلگراف برای من نگران شده است اما من با اعتماد به نفس به سفر بازگشت ادامه دادم و روزهای طولانی این مسافرت را در آن اوان که هنوز هواپیمای کشوری و تجارتی بین‌المللی دائر نشده بود در راه‌آهن بطئی‌السیر روسیه طی می‌کردم و روزی که کشتی ما وارد بندر پهلوی شد و نمی‌دانستم چه سرنوشتی در انتظار من است دیدم اتومبیل وزارت دادگستری جلوی بندر حاضر است و در آنجا مطلع شدم شاه از محاکمه جزائی عده‌ای که در زمان تصدی آقای علی منصور در وزارت راه مشاغلی به عهده داشتند و متهم شده بودند ناراضی است و وزیر دادگستری از خدمت معاف شده است.»

متین دفتری مدت سه سال وزیر دادگستری بود و با همان شدت و حدت که در داور وجود داشت وضع قوانین جدید را ادامه داد. در 1317 به عضویت فرهنگستان برگزیده شد و در همان سال در رأس سازمان جدیدی به نام سازمان پرورش افکار قرار گرفت. سرانجام در آبان ماه 1318 به هنگام افتتاح مجلس دوازدهم از طرف رضاشاه نخست‌وزیر شد.

او درباره نخست‌وزیر شدن خود در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک شب در هیئت وزیران که من هنوز وزیر دادگستری بودم و تازه جنگ جهانی دوم شروع شده بود شاه یک مسئله مهم بین‌المللی را برای یک اقدامی که در نظر داشت مطرح کرد و عاقبت به همه امر فرمود مقاله‌ای بنویسند و بوسیله رئیس دفتر مخصوص هرچه زودتر به عرض برسانند، عینا مثل یک امتحان کتبی که معلم به شاگردان خود می‌دهد. روزی که من مقاله خود را تسلیم کردم مرحوم شکوه اظهار داشت شاه فرموده‌اند برای بهترین مقاله جایزه درنظر گرفته‌اند. از جایزه خبری نشد و شاه هم راجع به آن موضوع دیگر چیزی نفرمودند ولی چندی نگذشت که روز افتتاح مجلس (دوره

دوازدهم قانونگزاری) که علی‌الرسم دولت مستعفی و کابینه جدید معرفی می‌شود شاه من را مأمور تشکیل کابینه فرمودند. من چون خودم هیچ اقدامی برای احزار این مقام نکرده بودم و اصلا در آن زمان این گونه تشبث‌ها مجاز و معمول نبود حدس زدم که مقاله من در این تصمیم شاهانه شاید بی‌تأثیر نبود یا لااقل یکی از عوامل آن بوده است».
نخست‌وزیری متین دفتری زیادی طولانی نشد. در تیرماه هزار و سیصد و نوزده یعنی پس از 8 ماه زمامداری مغضوب و از کار برکنار و مدتی در بازداشت و تا شهریور بیست در منزل خود تحت‌نظر بود. در 1322 از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت شد. مدتی در اراک و مدتی در رشت در اسارت انگلیس و روس بسر برد تا سرانجام از این مخمصه جان سالم به در برد. در بهمن 1324 که وضع کشور در اثر وقایع آذربایجان رو به وخامت می‌رفت و تدابیر حکیمی بی‌ثمر ماند، مجلس چهاردهم در روزهای آخر عمر خود قوام‌السلطنه را با اکثریت بسیار ضعیفی به نخست‌وزیری انتخاب کرد. قوام برای استحکام کابینه خود دو تن از نخست‌وزیران سابق را به عضویت کابینه دعوت کرد؛ سهام‌السلطان بیات را برای وزارت دارائی و دکتر متین دفتری را برای وزارت مشاور. بعد با تعیین سایر وزیران قوام هیئت دولت را به شاه معرفی کرد ولی هنگام معرفی وزیران به مجلس از معرفی متین دفتری خودداری نمود. متین دفتری در این زمینه در یادداشت‌های خود چنین متذکر شده است. «در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در ایامی که اختلافات ایران و شوروی در آذربایجان برپا شده بود آقای قوام به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان قبل از تشکیل کابینه به این فکر افتادند که هیئت بزرگ و برجسته‌ای مرکب از بعضی رجال به مسکو اعزام دارند و آن موقع تصمیم نداشت شخصا به این مسافرت برود لذا به اینجانب مراجعه و اظهار کرد میل دارم شما که در امور بین‌المللی وارد می‌باشید و تخصص در چنین مسائل دارید ریاست این هیئت را قبول و به اتحاد جماهیر شوروی مسافرت کنید و بعد برای اینکه این هیئت به دولت انتساب نزدیکتری داشته باشد تکلیف قبول وزارت مشاور را نمود و اینجانب هم نظر به اوضاع باریک آنروز که در منتهای وخامت و تیرگی بود با این نظر موافقت و مشغول مطالعه سوابق کارهای مربوط به مأموریت مسکو گردیدم. روز 25 بهمن 1324 من و سایر اعضاء کابینه به اعلیحضرت همایونی معرفی شدیم و فرمانی دائر بر وزارت مشاور من صادر گردید. مظفر فیروز و بعضی اشخاص دیگر که نقشه‌هائی داشتند از شرکت من در کابینه نگران شده و یقین داشتند با بودن دکتر متین دفتری در کابینه عرصه بر آنها تنگ خواهد شد و نخواهند توانست قوام را هرطور بخواهند بگردانند. بدین جهت به قوام اینطور تلقین کردند که اگر دکتر متین دفتری چندی در دولت بماند

کارها را قبضه خواهد کرد و جای شما را خواهد گرفت. اما حقیقت این بود که عمال نفت جنوب میل داشتند کسانی به مسکو بروند که مورد اعتماد خودشان باشند و با دکتر متین دفتری مخالف بودند، برای این که از او در زمان نخست‌وزیری‌اش صدمه خورده و برای انتقام هنگام اشتغال ایران به زندان متفقینش انداخته بودند و این نکته روزی به ثبوت رسید که در حبس متفقین از من استنطاق کرده بودند چرا در زمان نخست‌وزیری به کمپانی فشار می‌آوردی و می‌خواستی امتیاز 1933 را ملغی کنی. دست‌نشاندگان مصطفی فاتح به قوام فشار آوردند که دکتر متین دفتری را به مجلس معرفی نکند. قوام که از هر طرف گرفتار عمال اجنبی شده بود بودن ذره‌ای استقامت از آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی خواهش کرد که دکتر متین دفتری را ملاقات و به ایشان اطلاع دهند که فراکسیون حزب توده در مجلس مخالف شرکت ایشان در کابینه است و در موقع معرفی به مجلس جنجال برپا خواهند کرد چه خوب است از وزارت استعفا دهید.»
متین دفتری با وجودی که عده‌ای چون طباطبائی و سهام‌السلطان و مظفر فیروز به او تکلیف استعفا کردند نپذیرفت و قوام نیز او را به مجلس معرفی نکرد.
در انتخابات دوره پانزدهم که کلا به دست حزب دموکرات قوام‌السلطنه انجام گرفت متین دفتری یکی از نه کاندیدای دکتر مصدق برای مجلس بود. برای جلوگیری از رویه حزب و بی‌طرفی در انتخابات متین دفتری به اتفاق عده‌ای از رجال در دربار متحصن شدند ولی این تحصن نتیجه‌ای نداد و انتخابات تهران مطابق میل قوام‌السلطنه انجام گرفت. متین دفتری با وجودی که قوام‌السلطنه و حزب دموکرات از یکطرف و رزم‌آراء رئیس ستاد ارتش از طرف دیگر مخالف انتخاب وی به نمایندگی مجلس بودند در همان دوره از صندوق مشگین شهر سر درآورده و در زمره وکلای دوره پانزدهم قرار گرفت. هنگام طرح اعتبارنامه او عباس نراقی وکیل کاشان و عضو فراکسیون دموکارت ایران که یکی از پنجاه و سه نفر محکومین توده‌ای دوره وزارت دادگستری متین دفتری بود به مخالفت پرداخت و یکی از وکلای آذربایجان از او دفاع کرد. سرانجام اعتبار نامه او به تصویب رسید. متین دفتری برای ساقط کردن کابینه قوام‌السلطنه دست به اقدامات دامنه‌داری زد، نطق مفصلی راجع به جریان انتخابات تهران نمود. باید او را یکی از عوامل سقوط قوام به حساب آورد.
در 1328 شاه تصمیم به تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر در قانون اساسی به نفع خود نمود. برای اینکه کار خود را موجه قلمداد کند عده زیادی از رجال صدر مشروطیت که در آن تاریخ حیات داشتند و همچنین تنی چند از رجال حقوقدان را به کاخ خود دعوت کرد و منظور و مقصود

خود را برای تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر مواد قانون اساسی مطرح کرد و سران قوم همه نظر شاه را تأیید کردند. تنها متین دفتری در آن جلسه به مخالفت پرداخت و شاه را از شبیخون زدن به قانون اساسی برحذر داشت و سرنوشت شاه را با عاقبت محمد علی شاه مقایسه نموده بود. سخنان متین دفتری در آن جلسه به اندازه‌ای تند و شدید بود که سرانجام شاه به او گفته بود «خفه شود فضولی نکن».
اولین انتخابات مجلس سنا که توسط طبقه باسواد و به طریق دو درجه‌ای انجام گرفت متین دفتری سناتور دوم تهران شد. در اوایل 1329 که شایعه نخست‌وزیری سپهبد رزم‌آرا در اذهان قوت گرفت او به مخالفت برخاست و روزی که شاه فرمان نخست‌وزیری او را توشیح کرد به ملاقات شاه رفت و از سوء تدبیر شاه در انتخاب رزم آرا و ظهور دیکتاتور جدید، شاه را مذمت و لعن و نفرین کرد. او به شاه گفته بود با این عمل جسد پدر خود را آتش زدی. در مجلس سنا در صف اول مخالفین رزم‌آرا قرار گرفت، با وجودی که دو برادرش از همکاران نزدیک رزم‌آرا بودند- سرتیپ دفتری ریاست شهربانی و دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد را برعهده داشتند، متین دفتری با برنامه دولت به شدت مخالفت کرد و طی سخنان طولانی از سناتورها تقاضا نموده که به او رأی اعتماد ندهند و رزم‌آرا با تلاش فراوان و برخورداری کامل از حمایت شاه رأی اعتماد ضعیفی در مجلس سنا بدست آورد.
در 1330 متین دفتری از طرف مجلس سنا به اتفاق دو سناتور دیگر مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت غاصب انگلیسی شد. احاطه وی به مسائل بین‌المللی موجب شد قانون مزبور بدون درد سر به مرحله اجرا درآید. او در معیت دکتر مصدق به سازمان ملل رفت و نفوذ وی در بین نمایندگان سازمان ملل تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. در 1331 وقتی لایحه مصادره اموال قوام‌السلطنه دشمن دیرین او را پس از تصویب مجلس شورای ملی به مجلس سنا بردند در کمیسیون دادگستری که ریاست آن با متین دفتری بود به سختی ایستادگی نمود و آن را مخالف قانون اساسی دانست. همان استقامت او موجب انحلال مجلس سنا در دوره مصدق گردید.
بعد از کودتای 28 مرداد که حکومت کشور به دست سپهبد زاهدی به راه دیکتاتوری کشیده شد، متین دفتری در مقام مقابله با دولت برآمد و از انتخابات دوره هیجدهم مجلس شورای ملی و دوم سنا انتقاد کرد و نامه سرگشاده‌ای به انجمن نظار انتخابات دوره دوم مجلس سنا نوشت و سرانجام طی نامه‌ای که به جراید فرستاد انتخابات را تحریم نمود ولی پس از انجام انتخابات متین دفتری این بار به عنوان سناتور انتصابی به سنا رفت و از این تاریخ تا به هنگام مرگ دیگر آن شور و هیجان سابق را

نداشتند، فقط در تنقیح لوایح دولت می‌کوشید، گاهی نیز در مخالفت با دولت‌ها برمی‌آمد. در حکومت منصور در 1343 که منجر به افزایش بهای نفت و بنزین شد او مردانه ایستاد ولی پس از آن سکوت اختیار کرد؛ به همین سبب تا آخر عمر شغل سناتور انتصابی را برای خود حفظ نمود. در اواخر عمر برای حفظ خویش، از مدیحه سرائی و تجلیل از مقام سلطنت خودداری نمی‌کرد و بیشتر دلخوش به ریاست کمیسیون دادگستری مجلس سنا و ریاست کمیسیون بین‌المجالس و ریاست جمعیت طرفداران سازمان ملل در ایران و مسافرتهای متعدد مجانی بود.
دکتر احمد متین دفتری در تیرماه 1350 در تهران درگذشت و در باغچه علیجان حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. متین دفتری مردی به تمام معنی دانشمند و محقق بود، در مسائل حقوقی خاصه امور بین‌المللی تبحر داشت، به طوری که دانش او در این زمینه مورد تأیید خارجیان بود. با غالب رجال بزرگ هم عصر خود در دنیادوستی و مراوده داشت، دقیقه‌ای از مطالعه غافل نبود، به تدریس در دانشگاه عشق می‌ورزید، حتی در دوران نخست‌وزیری خود هم در کلاس درس حضور می‌یافت. سه مجلد آئین دادرسی مدنی و بازرگانی نشانگر تبحر و احاطه او به درس دانشگاهیش می‌باشد. وقتی در 1349 او را بازنشسته و استاد ممتاز نمودند به اندازه‌ای متأثر و غمگین شد که مرتبا می‌گفت استاد ممتاز یعنی تشییع جنازه در زمان حیات.
متین دفتری از تمکن مالی برخوردار بود، ولی فوق‌العاده خسیس و صرفه‌جو بود و از این رو همه ساله به ثروت او اضافه می‌شد وقتی بین او و حائری‌زاده اختلاف نظر حاصل شد و از تربیون مجلس شورای ملی و از میز خطابه مجلس سنا به لجن مال کردن یکدیگر پرداختند حائری‌زاده به او نسبت سوء استفاده داد و حتی او را متهم کرد یکی از ساختمانهای او در خیابان لاله‌زار نو دستخوشی است که از کمپانی اشکودار برای ساختن کاخ دادگستری گرفته است. ولی چنین چیزی صحت ندارد، او ذاتا مردی ممسک بود و از طریق توارث نیز مال زیادی برده بود ولی از جوانی به علت سخت بودن در معامله به ثروت خود افزود. خوب به خاطر دارم او کتابهای دانشگاهی خود را برای اینکه پورسانتی به کتاب فروش ندهد شخصا در دانشکده به دانشجویان عرضه می‌نمود و در پشت کتاب نیز امضاء می‌نمود اگر دانشجوئی کتاب بدون امضای او را در دست داشت مواخذه می‌شد.
متین دفتری از زمره رجالی است که دشمنان پروپا قرصی داشت و تا آخر عمر از این دشمنیها بی‌بهره نبود، گرچه تولد و شکوفائی او در دوره دیکتاتوری رضاشاه بود ولی همیشه با دیکتاتوری و قانون‌شکنی مبارزه می‌کرد یا حداقل تظاهر به این موضوع می‌نمود. پس از شهریور 20 که

تب حمله انتقاد به رضاشاه بالا گرفت. متین دفتری هم که مدتی وزیر و نخست‌وزیر آن عصر بود از تهمت و افترا مصون نماند. مخصوصا حزب توده برای انتقام‌گیری از بازداشت 53 نفر که در دوره وزارت دادگستری او انجام یافته بود چه نسبتها که به او نداد. سازمان پرورش افکار و یا به قول متین دفتری افسانه دستنبد زدن به قاضی زنجان را آنچنان بزرگ و مهیب نمودند که هیچ کانون وکلائی قادر به دفاع از آن نبود.
رویهمرفته دکتر احمد متین دفتری مردی باسواد و حقوقدان، باهوش، با پشتکار، و در عین حال جاه طلب، پول دوست، به اقتضای زمان مطیع، متظاهر و خودپسند بود. او تصور می‌کرد همه به او دین دارند و دامنه توقعات او از مردم بسیار زیاد بود. او به سه زبان دنیا یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی تسلط داشت. زبان فارسی و عربی را بخوبی آموخته بود، بسیار شیرین و دلنشین چیز می‌نوشت، به همان میزان که در نوشتن مسلط بود در نطق و بیان عاجز و قاصر بود. او در جوانی با یکی از دختران مصدق‌السلطنه عموی پدر خود عقد نکاح بست و صاحب دو پسر و یک دختر گردید. یکی از پسرانش علم حقوق خواند، دیگری زیست‌شناسی را تعقیب کرد، یگانه دخترش هم نقاش قابلی بود.
تألیفات متعددی دارد از جمله کلید استقلال اقتصادی ایران، کاپیتولاسیون، محاکمات فوری، دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی سه جلد، حقوق جزای خصوصی، روابط بین‌المللی از قدیم‌ترین ایام. ضمنا همه ساله قمستی از خاطرات خود را نوشته با نثر خوب به عنوان پیام نوروزی تهیه و به دوستان هدیه می‌نمود. حین‌الفوت 73 سال داشت. دکتر متین دفتری سالها پروانه وکالت دادگستری داشت به همین دلیل پس از فوت مرحوم آسید هاشم وکیل، وکلای دادگستری او را به ریاست کانون انتخاب کردند، لیکن پرتو وزیر وقت دادگستری با او از در مخالفت درآمد و نگذاشت او در رأس کانون باقی بماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ بیست ساله‌ی ایران (438 -437/ 6)، خاطرات یک نخست وزیر، الذریعه (131/ 18، 271/ 12، 308/ 11، 50/ 8)، روزشمار تاریخ (253/ 2، 412، 384، 321، 320، 316- 315، 311، 304، 276، 269، 262، 215، 178/ 1)، شرح حال رجال (33 -32/ 6)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (86/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2670 2060، 2050، 1796، 1752/ 2، 1358، 748، 350، 120، 80/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (320)، مؤلفین کتب چاپی (456 -454/ 1)، نخبگان سیاسی ایران (548/ 4، 178 -177/ 3)، نخست‌وزیران (229 58، 55/ 1).

مجاهد شیرازی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370 -1287/ 1280/ 1277 ش)، روزنامه‌نگار. در شیراز به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را نزد پدر خود فراگرفت. سپس دوره‌ی ابتدایی را به پایان رساند. وی در 1309 ش امتیاز روزنامه‌ی «بهار ایران» و در 1313 ش امتیاز مجله‌ی «پارس قدیم» را گرفت. مجاهد از 1332 تا 1335 ش ریاست اتحادیه مطبوعات فارس را عهده‌دار بود. وی در شیراز درگذشت. [1]
روزنامه‌نگار.
تولد: 1277.
درگذشت: 1370، شیراز.
محمدحسین مجاهد از سال 1309 هفته‌نامه‌ی «بهار ایران» را در شیراز منتشر کرد (شماره‌ی اول آن در پانزدهم آذر 1309 منتشر شد) و تا سال 1357 به مدت چهل و هشت سال آن را به طور مداوم انتشار داد و همواره در صفحه‌ی آخر آن روزنامه اشعار شاعران عضو انجمن ادب فارس و همچنین انجمن‌های ادبی دیگر را چاپ می‌کرد. مجاهد علاوه بر امتیاز روزنامه‌ی «بهار ایران» امتیاز مجله‌ی «پارس قدیم» را نیز در سال 1313 دریافت نمود ولی گویا مجله‌ی مزبور در آن تاریخ منتشر نشده و در سال 1321 در شیراز منتشر گردید وی به سال 1370 در شیراز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] انجمنهای ادبی شیراز (364)، تاریخ جراید (48، 31 -30/ 2)، چهره‌های آشنا (525 -524)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (310 -309/ 4).

مجاهد، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد مجاهد در سال 1314 در شهر قزوین متولد شد، دوره های دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند و برای ادامه تحصیل به تهران آمد تا در رشته ای که دوست می داشت و در خویش استعدادی از آن را یافته بود،یعنی ادبیات فارسی،ادامه تحصیل دهد.مجاهد لیسانس ادبیات را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت ودوره فوق لیسانس را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به لبنان رفت و دکترا را در دانشگاه فرانسوی بیروت گذراند. مجاهد بعد از بازگشت به ایران،آموزش آنچه آموخته بود را آغاز کرد.تدریسی که مدت ?? سال در مقاطع مختلف آموزشی ادامه یافت. مجاهد گرچه از اوایل تحصیل کنجکاوی هایی در متون کهن داشت،اما فراغت بعد از بازنشستگی بود که شرایطی را برای پرداخت جدی تر به حوزه علاقه اش فراهم کرد.او سالهاست که به تصحیح متون ادبیات مشغول است و تاکنون بیش از بیست جلد کتاب از گنجینه آثار کهن ادب فارسی را تصحیح کرده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : تصحیح
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در زادگاه ـ ادامه تحصیل در دانشگاه تهران در رشته ادبیات ـ اخذ فوق لیسانس از دانشکده الهیات دانشگاه تهران ـ ادامه تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه فرانسوی بیروت
فعالیتهای آموزشی : احمد مجاهد بیش از ?? سال سابقه تدریس در مقاطع مختلف آموزشی را د رکارنامه خود دارد ----------
---
آثار :
1 التجرید فی کلمه التوحید
ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی
2 تصحیح جلد ? مثنوی که شرح مشکلات مثنوی است از محمد صالح قزوینی
3 تصحیح دیوان حافظ فریدون میرزا
ویژگی اثر : تصحیحی از دیوان حافظ نیز ارائه کرده که در نوع خود قابل

تأمل است.تصحیح او از این دیوان در همایش حامیان نسخ خطی در کنار دو اثر دیگر در حوزه ادبیات شایسته تقدیر شناخته شد. در اوایل قرن دهم هجری، یعنی چند دهه پیشتر از زمان کتابت دستنویس قونیه، فریدون میرزای بایقرا، جمعی از اهل فضل را در شهر هرات که مرکز فرهنگی ایران در آن زمان بود جمع آورد و مأمورشان کرد که نسخه منقحی از دیوان حافظ فراهم آورند. این گروه فاضل، همه نسخه های موجود تا آن زمان را گرد آوردند و مقابله کردند و در سال ??? هجری دیوان جامعی از اشعار حافظ ترتیب دادند و بر آن عبدالله مروارید کرمانی دیباچه ای نگاشت. این نسخه را احمد مجاهد تصحیح و انتشارات دانشگاه تهران سه سال پیش چاپ کرد. این نسخه پر است از غزلهای دیگران که نصیب حافظ شده است و مصحح ارجمند یکایک آنها را جسته و گوشزد کرده است. همچنین ترتیب و ضبط ابیات حافظ در این نسخه تفاوتهای کلی با نسخه های معتبر دارد. ماجرای دقیق تر تدوین این دیوان بدین قرار است که فریدون میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و نسل پنجم تیمور گورکانی که هم اهل رزم بود و دلاور، و هم اهل بزم و شاعر، «انجمنی» داشته است که در آن «انجمن که مجمع افاضل ایام» بود، اشعار شاعران بویژه شعر «شمس الدین محمد حافظ» را می خوانده اند و «غث و سمین» آن را از هم باز می کرده اند.در آن «انجمن» گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک نسخه خطی از دیوان آمده و در سایر نسخه ها نیامده است، و گاه بوده است که می دیده اند شعری از حافظ فقط در یک جنگ و سفینه های آمده است و در نسخه های دیوان دیده نمی شود. از این رو، این شاهزاده تیموری «حکم» می کند که یک بار دیگر دیوان حافظ را گردآوری و تدوین کنند. برای این کار، «جمعی کثیر از فضلای انیس و ندمای جلیس به جمع و تصحیح این کتاب» مأمور می شوند، و «قریب پانصد جلد دیوان حافظ به هم می رسانند، و بعضی سفاین و غزلیات که پیش از فوت خواجه نوشته شده بود با هم مقابله می کنند، و بسیاری از غزلهای دل فریب و جان بخش که به واسطه کاهلی و تصرف کتاب ناقص ادراک از صفحه روزگار مهجور و نامشهور مانده بود، در سلک ربط در می آورند،» و هر شعر در هر جا که به نام حافظ می بینند در مجلدی جمع می کنند، که «درواقع اکنون رشک نگارخانه چین و غیرت فردوس برین است.» مجاهد درباره این نسخه می گوید:«این نسخه مفقودی از متن حافظ بود که آن را پیدا کردم و شامل حدود???غزل و همین مقدار قطعه، رباعی و مثنوی بیشتر از متون دیگر است. و این نسخه متعلق به «فریدون میرزا» پسر «سلطان حسین بایقرا»و به ریاست «عبدالله مروارید» متخلص به «بیانی کرمانی» نوشته شده است.»(?) این کتاب نخستین بار توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد .

4 تصحیح سماع و فنون
5 تصحیح کتاب شیخ و شیوخ
ویژگی اثر : «شیخ و شوخ» نیز از جمله آثار تصحیح شده توسط مجاهد است و رساله ای است انتقادی با رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی در بعضی بخشها نظامی و اقتصادی. سبک نگارش روایی و داستان گونه و متعلق به اواخر عصر قاجاریه است.شاید «شیخ و شوخ» جزو معدود آثاری باشد که این گونه عریان، به تقابل سنت و تحول دامن زده و سعی در پاسخگویی از موضع سنت دارد؛ نویسنده این رساله که به اعتقاد احمد مجاهد نخواسته است رساله به نام او منتشر شود، نگاهی تک بعدی، ذهنی و مجرد به موضوع مورد بحث اش ندارد. در حقیقت، این رساله که بازگوکننده داستان مناظره بین یک شیخ و جمعی از معلمان و صاحب منصبان مدرسه دارالفنون است، قصد ندارد بدون نظر به واقعیات اجتماعی و فرهنگی جامعه زمان خود، به نقد بنشیند. شیخ که در حقیقت همان نویسنده است، در بعضی از فصول، اگر به فرنگی مآبی ایراد وارد می کند، تنها از جهت تشبه به کفار نیست که معترض است و تسهیل زندگی خلق الله را در رفع آن می بیند. مجاهد، در مقدمه ای که در ابتدای این رساله به چاپ رسانده، اشاره ای هم به دیگر نوشته های این مؤلف نامعلوم دارد.مناظره شیخ و شوخ را می توان به دو بخش کلّی تقسیم کرد؛ ایرادات شیخ به علوم جدیده و دفاعیات او از علوم بومی و سنتی. و دوم، فصلی در نقد مفاسد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که از مدرسه دارالفنون آغاز شده و به دولت و صاحبان مناصب در صفوف مختلف ختم می شود. البته بخش دوم مفصل تر است و عمق و نکته سنجی آن بر بخش اول می چربد. حتی بخش ابتدایی انتقادات شیخ تحت آسیب شناسی بخش دوم طرح می شود، چنانکه اگر شیخ علومی چون پولتیک، دیپلماسی و... را به سخره می گیرد، جابه جا مثالهای ملموس می آورد. با این حال اساس انتقادات بر وضعیت و تولیدات مدرسه دارالفنون ـ یا به قول مؤلّف معلّم خانه ـ قرار گرفته است. محاجه شیخ و شوخ و آن مجلس میهمانی که کل کتاب را تشکیل می دهد، با بیدار شدن راوی از خواب به پایان می رسد. درواقع، تمام این پرسش و پاسخها ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است که با سبکی داستانی نوشته شده است. با این همه نوع نگاه، آسیب شناسی اجتماعی ـ سیاسی و نقد نظام علمی سالهای پایانی عصر قاجار، از امتیازاتی است که این رساله را ممتاز می کند. رساله «شیخ و شوخ» تا سالهای انتهایی دهه پنجاه ـ که نخستین بار به صورت مقاله به چاپ رسید مورد اعتنا قرار نگرفته بود. به نظر می رسد این رساله و آثاری از این دست می توانند در روشن شدن وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در سالهای آغازین عصر حاضر، مفید باشد

6 تصحیح کتاب کدو مطبخ قلندری
ویژگی اثر : تألیف ادهم خلخالی، . اثر قابل توجه دیگر که توسط احمد مجاهد تصحیح شده، کتاب «کدو مطبخ قلندری» تألیف«ادهم خلخالی» متخلص به «عزلتی» (د.????) و معاصر «شیخ بهایی» است که در زمان صفویه تألیف و برای نخستین بار تصحیح و چاپ شده است.
7 تصحیح کتاب گلشن راز شبستری
8 توارق العلما فی رد علی من محیرم السماع
ویژگی اثر : همچنین توارق العلماء فی ردّ علی مَن یُحرمُ السِّماعَ بالاِجماع، تألیف احمد بن محمد طوسی از عارفان قرن هفتم هجری. این کتاب نخستین کتابی است به زبان فارسی که در اباحت و حلّیت موسیقی در اسلام نوشته شده است.»
9 جوحی
ویژگی اثر : احمد مجاهد کتابی، نیز با عنوان جوحی تألیف کرده که در آن به شخصیت فکاهی متون کهن یعنی جوحی پرداخته است. متن حاضر که یک متن تحقیقی است و برای نخستین بار در زبان فارسی ارائه می شود، در زمینه : فرهنگ عامه، ادبیات داستانی براصل تطبیقی و ریشه یابی، تألیف شده است. در این کتاب سعی شده است تا حق به حق دار برسد، یعنی صاحبان اصلی و اولیه حکایات جرحی معلوم شود و سهم هریک از فرهنگ های ترک ترکیایی(عثمانی) و عرب و فارس روشن باشد.
10 گلشن راز شبستری با کشف الابیات و ارجاع
ویژگی اثر : تصحیح
11 لغات مصطلحه عوام
ویژگی اثر : تصحیح
12 لمعات
ویژگی اثر : مجاهد کتاب لمعات را نیز از فخرالدین عراقی تصحیح کرده است: «کتاب «لمعات»(به فتح لام و میم ، جمع لمعه) نوشته شیخ فخرالدّین عراقی ، یکی از پر شورترین آثار منثور در زمینه ادبیات صوفیانه است. این کتاب که بر سنن کتاب «سوانح» از جناب شیخ احمد غزالی(از اقطاب بزرگوار) نگاشته شده ، به موضوع عشق صوفیانه و اطوار و ادوار سلوک عاشقانه پرداخته است. » مجاهد درباره این کتاب می گوید: «به خواست یکی از مریدان که از حقایق کتاب «لمعات» چندان نصیبی نبرده بود ، قطب الموحدین ، حضرت شاه نعمت الله ولی کرمانی ، شرحی بر کتاب «لمعات» می نویسد. این کتاب خوشبختانه قبل از انقلاب به سعی جواد نوربخش به زیور طبع آراسته گشت ، ولی متأسفانه بعد از انقلاب دیگر چاپ نشد. فقیر حقیر با زحمت فراوان توانست چاپ سال ???? را در کتابخانه دانشگاه تهران بیابد و مست فیوضات شرح حضرت شاه

شود.»
13 مجالس غزالی
ویژگی اثر : تصحیح اثر احمد غزالی با عربی و فارسی انتشارات دانشگاه تهران
14 مجموعه آثار فارسی احمد غزالی
ویژگی اثر : تصحیح و حواشی انتشارات دانشگاه تهران
15 نوادر
ویژگی اثر : ترجمه کتاب محاضرات الادبا و محاورات الشعرا و البلغاء از راغب اصفهانی، ترجمه محمدصالح قزوینی.نوادر از متون ادب عرب بوده و شامل ??هزار مطلب با موضوعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مستند است. این کتاب ?? حد دارد که هر حد چند باب و هر باب شامل چند فصل بوده و برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و تصحیح شده است.

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/ 1337 -1268 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد.
از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (27/ 5)، الذریعه (185/ 4)، ریحانه (178 -177/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 388 -387/ 14)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (276، 209 -208/ 3).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338/ 1337 -1297/ 1295 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدة الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (127 -126/ 10)، الذریعه (486/ 1)، ریحانه (179 -178/ 5)، علماء معاصرین (118 -117)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (290/ 1).

مجتهد زنجانی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم مجتهد متولد سال 1282 قمری اصلا طارمی و در ماهان طارم سفلی متولد شده و مرحوم والدش ملا محمد از فضلاء آن حدود بوده است که رساله‌ای راجع به اختیارات و خواص ایام به قلم وی موجود است.
مرحوم میرزا عبداللّه دومین فرزند ایشان در اوائل بلوغ برای تکمیل ادبیات عربی و خط بهیدج که دهی در هشت فرسخی زنجانست و آن روز عده‌ای رجال علمی و مخصوصاً ادبی داشته مسافرت نموده و پیش مرحوم آقا میرزا علی‌اصغر که از فضلاء بوده تلمذ نموده و با تکمیل رشته ادبیات و خط و متون متوسطه در سن 18 سالگی به نجف اشرف عزیمت نموده و مدتی در درس مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسن ممقانی و آیت‌اللّه حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شده
و سپس به سامره رفته و در مجلس درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرده‌اند و در واقعه توتون و تنباکو در سامرا حضور داشته.
و چون به واسطه ریاست عمومی و بی‌نظیر میرزای مرحوم حوزه درسشان نامنظم شده بود. و از طرفی آوازه و شهرت علمی مرحوم آخوند خراسانی در افواه افتاده دوباره به نجف مراجعت و تا پایان اقامتشان در نجف منحصراً به درس آن مرحوم حاضر شده و با مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و قمی و آیت‌اللّه حایری یزدی و عراقی هم‌دوره و رابطه نزدیک داشته و تقریرات درس اصول مرحوم آخوند خراسانی را پیش از تألیف کفایةالاصول نوشته و نظریات خود را نیز اضافه کرده بودند که هنگام عزیمت به طرف ایران مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی که از نظریات و افکار و منقح بودن مطالب آن اعجاب داشته گرفته و به نظر مرحوم خراسانی رسانده بود و استاد بزرگوار پس از مطالعه مباحث آن تحسین و توصیف اجازه اجتهاد بنام ایشان با خط خود نوشته و تاریخ آن که 1312 قمریست موجود می‌باشد.
معظم له در سال 1314 قمری به ایران مراجعت و در زنجان اقامت نموده و موقعیت محلی و درس و بحث و قضاوت اوقات ایشان را می‌گیرد و پس از چندی که مشروطیت پیش بیاید و آیات بزرگ حوزه مقدسه نجف حکم به لزوم انعقاد مجلس شوراء ملی و تشکیل حکومت مشروطه می‌کنند ایشان به خاطر تأیید فرمان مراجع بزرگ و جلوگیری از تعدیات و

مفاسد استبداد وارد مبارزه می‌شوند و جبهه طرفداران مشروطیت با ورود و موقعیت ایشان مستحکم می‌گردد.
و ایشان در عین حال اشتغال به درس و بحث فقه و اصول و اقامه جماعت و قضاوت شرعیه داشته و نسبت به قضاوت در زنجان تعین داشتند.
و دارای حافظه قوی و تقریری جامع و کامل بودند که در سنین هفتاد سالگی تمام قواعد ادبی از نحو و صرف را که مقارن بلوغ به آنها اشتغال داشته و بعداً متارکه شده بود همه را در صفحه ذهن و ضمیر خود حاضر داشت و محاکماتی که در زمانهای قبل اتفاق افتاده بود از اظهارات متداعیین و حکم صادره از نظرشان محو نمی‌شد.
تقریر ایشان طوری بود که وقتی مطلبی را بیان می‌کردند واقعیت آن در نظر مستمع مجسم می‌گردید از این رو موعظه ایشان بسیار بلیغ و خطابه ایشان که هر سال در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفتند بسیار رسا و گیرنده بود ایشان گاهی در نجف اشرف نیز هنگام تحصیل منبر می‌رفتند که میانه طلاب افصح فصحاء نامیده شده بودند و بالاخره مرحوم مامقانی بزرگ ایشان را از منبر فتن منع نموده و امر کرده بودند که چون امارات وصول به مراتب عالیه علم و فقاهت از شما نمایانست اشتغال شما به منبر فعلا حرام می‌باشد.
مطالب منبرشان که مخصوص ماه رمضان بود نوعاً اصول اعتقادات به مبانی کلامی بوده که عده‌ای از فضلا یادداشت می‌کردند مباحثی را از مسائل توحید و نبوت و امامت استدلالی نوشته که قسمتی باقی و برخی مفقود شده است.
آثار علمی ایشان در فقه از اینقرار است.
1- کتاب قضا و شهادات.
2- شرحی بر صلوة از منظومه مرحوم علامه بحرالعلوم.
3- تقریرات اصول مرحوم آخوند خراسانی که مشتمل بر مباحث الفاظ و ادله عقلیه.
4- حواشی بر رساله عملیه مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی تا باب خمس از آثار قلمی ایشان حاشیه مرحوم آخوند خراسانی بر رسائل که آن موقع چاپ نشده بود و تعادل و تراجیح آن را با خط خود از روی نسخه مؤلف استنساخ نموده‌اند.
آن مرحوم به واسطه تعینی که میانه فضلاء نجف داشتند عده‌ای از معاریف پیش ایشان تلمذ نموده‌اند از جمله مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مامقانی (صاحب رجال) و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین برادر کوچک آیت‌اللّه حاج آقا نجفی اصفهانی و خواب عجیبی که مرحوم شیخ محمدحسین دیده بوسیله ایشان تعبیر و بعدها تحقق پیدا کرده است.
به طوری که ایشان نقل نمودند که مرحوم شیخ محمدحسین مزبور روزی

سر درس حاضر شده و اظهار می‌دارند که دیشب من خواب عجیبی دیدم و می‌خواهم آن را تعبیر کنی.
من مدتی به مولای متقیان علی (ع) متوسل بودم که توجه فرمایند زودتر به رتبه اجتهاد به رسم دیشب آن حضرت را در خواب دیدم و باز حاجت خود را به حضورش عرضه داشتم به من فرمود (شیخ برو آدم شو) پس از بیدار شدن کلام امام (ع) مرا مأیوس ساخت و چنان پندارم که درس برایم فایده ندارد گفتم نه بلکه مطلب بعکس است اگر تو صلاحیت نداشتی امام تو را امر نمی‌فرمود به آدم شدن. معلوم می‌شود تو صلاحیت داری و حائز رتبه آدمیت خواهی شد.
حقیقت اینست اجتهاد که عبارت از تحقیق و استنباط احکام فرعیه از ادله است منهای معنویت تفاوتی با تحقیق در علوم طبیعی ندارد و احکام استنباط شده جز به خاطر عمل و کسب تقوی و معنویت نیست و مایه انسانیت حقیقی همان معنویت می‌باشد پس مقصود امام (ع) این بوده که از من مطالبه مقدمه را نموده و از ذی‌المقدمه غفلت داری.
عجب اینست که این تعبیر موافق بواقع تحقق یافت و مرحوم شیخ به طوری که در ترجمه حالش ضبط کرده‌اند به مراتب کمالات معنوی و زهد و عرفان نائل آمده و حائز مقاماتی گردیده است.
باری آن مرحوم پنجاه و یکسال در زنجان به درس و بحث و افتاو مراجعات مردم و قضاوت اشتغال داشت و نسبت به عظمت جامعه اسلام و تشیع بسیار علاقه داشت و دو دفعه از ایشان درخواست شده که رساله عملیه به چاپ دهند که عده‌ای علاقمند به تقلید ایشان می‌باشند در جواب گفته بودند که من اگر چه در نجف با مراجع زمان خود در مرتبه علمی برابر بودم و استاد آنها را به من ترجیح نمی‌داد اما بعداً آنها در حوزه باقی ماندند و من به زنجان آمده و تا حدی متارکه نمودم اضافه بر این حوزه نجف را نباید از مرکزیت انداخت.
تاریخ وفات ایشان ماه صفر سال 1365 ق است که در آن وقت آذربایجان و زنجان تحت اشغال قوای شوروی بود و حکومت توده پیشه‌وری در تبریز برقرار شده بود و قوای روس و فدائیان توده زنجان را در تصرف داشتند و با وفات ایشان که قهرا انبوه جمعیت به سوی منزل ایشان در خیابان پهلوی زنجان هجوم نمود روسها گمان کرده بودند که اهالی قصد قیام و اغتشاش دارند و می‌خواهند بر علیه فدائیان حکومت پوشالی اقداماتی نمایند لذا دستور داده بودند ستونهای موجود از ارتش در اطراف شهر مستقر شده و شهر را در محاصره گرفته بودند بعداً به آنان فهمانیده بودند که سوء قصدی در کار نیست و ازدحام جمعیت برای تشیع یک روحانی بزرگ است که وفات نموده‌اند
الحاصل ایشان در سن هشتاد و سه سالگی داعی حق را لبیک گفتند. و آن

مرحوم در بعضی از علوم غریبه از جمله جفر جامع اطلاع کامل داشتند و یکی دو مورد از اوضاع آینده استفسار و بجواب نائل که صورت عمل به طور مجمل موجود است. و نیز نسبت به امام غایب عجل‌اللّه‌فرجه اخلاص فوق‌العاده داشته و از دعاء ندبه در روزهای جمعه غفلت نمی‌کردند. در مرض موت ایشان اطرافیان که از ایشان پرستاری می‌کردند چندین دفعه حالت عجیبی مشاهده نمودند که ایشان با کبر سن و شدت بیماری که غالباً در حال بیهوشی بودند و قادر به حرکت نبودند گاهی به خود آمده و به پرستار خود دستور می‌داد که مرا بلند کنید با زحمت بلندش می‌کردند و به قبله ایستاده و لباسهای خود را مرتب می‌کرد و پس از یک دقیقه یا کمتر می‌گفتند بخوابانید و در حال قیام مثل اینکه در حضور شخص بزرگواری از اولیاء هستند.
و این حال از دو روز قبل از وفاتشان چندین دفعه تکرار شد و در سن هفتاد و سه سالگی که مبتلا به مرض تیفوئیته گردیده بودند درست ده سال پیش از وفات در حال میان خواب و بیداری شخصی را دیده بودند که از اطاق داخلی وارد اطاق ایشان گردید و نشست و خیار نوبری از جیب خود بیرون آورد و با چاقو خطی بخیار کشید و خط دوم را بر آن عمود کرد که قدری خط اولی را بریده و تجاوز نمود و گفت این عمر شماست و شما در سن 83 سالگی فوت خواهید کرد و این مکاشفه تحقق پیدا کرد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مجتهدزاده، پیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پیروز مجتهدزاده، جغرافی‌دان، محقق و کارشناس مسائل سیاسی ایرانی.
زادروز: (۲۰ بهمن ۱۳۲۴ خورشیدی) در شهرستان نور. پیروز مجتهد زاده استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس تهران، مشاور پژوهشی دانشگاه سازمان ملل متحد و مدیر عامل بنیاد پژوهشی یوروسویک (Urosevic Research Foundation) لنـدن است. از پیروز مجتهدزاده بیش از بیست عنوان کتاب به زبان‌های انگلیسی و فارسی منتشر شده.
زندگی‌نامه:
دکتر پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در شهرستان نور متولد شد، وی پس از گذراندن تحصیلات در نور و سپس در تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. وی تحصیلات ابتدایی را از مدرسه داریوش در زادگاهش شروع کرد. مدرسه‌ای که پدرش آن را افتتاح کرد و خود مدیر آن بود. پدرش تحصیل‌کرده مدرسه سپهسالار تهران در زمان مشروطیت بود. پیروز مجتهدزاده تا کلاس یازده در نور ماند و چون آنجا مقطع دیپلم نداشت، با مساعدت پدر و به همراه برادرش در سال ۱۳۴۳ راهی تهران شد. پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۴۴ در مدرسه پهلوی سابق واقع در خیابان ری در رشته ادبی با معدل یازده دیپلم گرفت. پیروز مجتهدزاده در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و دکتر عالی خانی، رییس دانشگاه برای تشویق او شرایط سفری به شیخ نشین های خلیج فارس را برایش فراهم کرد، چرا که برای او جالب بود که دانشجوی سال سوم کتاب جغرافیای تاریخی شیخ نشین‌های خلیج فارس را تألیف کند. مجتهدزاده پس از فارغ‌التصیلی از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن، دانشگاه منچستر و سپس به دانشگاه آکسفورد رفت. وی فوق لیسانس (M.A) در جغرافیای سیاسی را در دانشگاه منچستر بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ دریافت کرد. دکتری (Ph.D.) را در گرایش جغـرافیای سیاسی و ژئـوپولیتیک در دانشگاه لنـدن بین سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ دریافت کرد. همچنین دکتری دیگرش را در جغرافیای سیاسی خلیج فارس در دانشگاه آکسفورد بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ دریافت نمود. وی هم اکنون با سمت دانشیار در رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تدریس است.

مسوولیت‌ها:
مدیر عامل بنیاد پژوهشی یوروسویک Urosevic Research Foundation لنـدن – از سال 1985 تاکنون.
استاد مدعو، دانشکده حقوق دانشگاه تهران – 1378 و 1379
استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک – دانشگاه تربیت مدرس – از سال 1379تا کنون.
پژوهشگـر ارشـد – مرکـز مطالعات ژئـوپـولیتیک و مـرزهای بیـن المللی دانشگاه لنـدنGRC/SOAS University of London - از سال 1986 تا 2002.
مشاور پژوهشی دانشگاه سازمان ملل متحد - United Nations Universityاز سال 1996 تا کنون.
مشاور موسسه پـژوهشی مرزهای بیـن المللـی لنـدن = MENAS ASSOCIATION
International Boundaries Consultants - از سال 1984 تا کنون.
تدریس به جای استادان و مدرسین در گروه جغرافیای دانشگاه لندن - از سال 1983 تا 1984
پژوهشگر گروه جغرافیای دانشگاه تهران - از سال 1351 تا 1352
عضویت در مجامع علمی:
عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی – تهران – از سال 1382
عضو هیات مدیره انجمن مطالعات ایران معاصر – در دانشگاه لندن.
عضو انستیتو بریتانیایی مطالعات ایرانی – بریتانیا، از سال 1993
عضو موسسه مطالعات آفریقا – دانشگاه تربیت مدرس تهران، از سال 1381 آثار و تالیفات به فارسی:
جزایر تنب و ابوموسی، انتشارات سحاب، تهران 1385.
جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، 1384
نام خلیج فارس در درازای تاریخ، نشر سایه روشن با همکاری مرکز مطالعات سپاه پاسداران، تهران. 1383
نامه‌هایی از ایران، انتشارات عطایی، تهران. 1383
جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیای، انتشارات سمت، تهران. 1382
امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس (جغرافیای سیاسی دریایی)، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. 1380
خلیج فارس، کشورها و مرزها، انتشارات عطایی، تهران. 1379
ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی، نشر نی، تهران. 1379
امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، نشر شیرازه، تهران. 1378

جزایر تنب و ابوموسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. 1375
کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، تنظیم و ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران. 1372
جغرافیای سیاسی تنگه هرمز، ترجمه محسن صغیرا، انتشارات صغیر، اصفهان. 1370
جغرافیای تاریخی خلیج فارس، انتشار دوم، لندن. 1366
جغرافیای تاریخی خلیج فارس، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.1354
شهرستان نور، چاپخانه صبح امروز، تهران. 1352
شیخ نشین های خلیج فارس، انتشارات عطایی، تهران. 1349

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.
وی در سال نهم مهرماه سال 1302 شمسی برابر 1343 قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال 1363 قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال 1370 قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللّه ظله و مرحوم آیت‌اللّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملا محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.
آیت الله مجتهدی در سال 1362 قمری و در سن 19 سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال 1367 قمری و در سن 24 سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن 26 سالگی و در

سال 1369 قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در 21 محرم سال 1372 قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمةالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان 15 خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

1- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

2- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را

شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.
آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی سیستانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود فرزند عالم زاهد حجةالاسلام والمسلمین حاج سید محمدباقر فرزند علامه متقی آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید علی مجتهد سیستانی طاب اللّه ثراه از فضلاء معاصر مشهد مقدسند.
والد ماجدش مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمدباقر سیستانی نیز از علماء ابرار و ائمه جماعت اخیار مسجد جامعه گوهرشاد بوده و جد گرامیش مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی از شاگردان مبرز و متعصب و غیور میرزا بزرگ شیرازی و از مراجع تقلید زمان خود و مخالف سرسخت مشروطه و مشروطه‌خواهان بوده که شرح احوالش در کتاب علماء خراسان و کرام البرره و سایر تراجم می‌باشد.
مترجم محترم در سال 1351 هجری قمری در مشهد مقدس در بیت علم و تقوا متولد و پرورش یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری و سطوح را خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نموده است.
و بعد به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدهادی میلانی قدس‌اللّه سره حاضر و استفاده نموده و مدتی هم در قم از محضر برخی از آیات عظام بهره‌مند شده و سفری هم به اعتاب عالیات نموده و مدتی اقامه و از دروس خارج آقایان آنجا مستفیض گشته و پس از آن به زادگاهش مشهد مقدس مراجعت نموده و به خدمات دینی و روحی از اقامت جماعت و تبلیغ احکام و ترویج دین و نشر معارف و فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام در حسینیه منزلش و نیز مسجد و جلساتش اشتغال دارند.
سید محمود بن العالم الجلیل حاج سید محمدباقر بن العلامه الحجه آیت‌اللّه العظمی حاج سید علی مجتهد سیستانی معروف به (مجتهدی) ای افاضل علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.
وی در حدود 1354 قمری در مشهد متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس فارسی به تحصیل علوم پرداخته و ادبیات را از آقای ادیب نیشابوری معاصر فراگرفته و سطوح را از مدرسین بزرگ مانند مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی و دیگران آموخته آنگاه به درس خارج آیت‌اللّه العظمی میلانی و آیات دیگر شرکت و استفاده کامل نموده و

خود به تدریس پرداخته و هم به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج احکام اشتغال دارد.
برادر ارجمندشان آیت‌اللَّه حاج سیدعلی مجتهدی سیستانی از مدرسین و فضلاء بنام نجف اشرف‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مجتهدی شبستری، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محسن بن مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم شبستری از فضلاء و ائمه جماعت معاصر تهرانند. وی در سال 1315 شمسی در شبستر که در هشت فرسخی تبریز است متولد شده و تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات عربی را در شبستر و تبریز به پایان رسانیده و در سال 1331 قمری وارد حوزه علمیه قم گردیده و بتحصیل علوم دینیه پرداخته و پس از تمام شدن سطوح از محضر اساتید بزرگ و عالیقدری مانند مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه محقق داماد و آیت‌اللَّه شریعتمداری و آیت‌اللَّه امام خمینی و آیت‌اللَّه علامه طباطبائی ادام اللَّه ظلهم علی رؤس الانام استفاده و ضمنا تدریس سطوح از مطول و شرح لمعه و رسائل و مکاسب نموده تا در سال 1392 قمری که بنابر تقاضا و اصرار عده‌ای از مؤمنین ساکنین شمال تهران منتقل به آن سامان گردیده و در مسجد طلاچیان واقع در خیابان فرح جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر کلام مبین و سایر خدمات از تدریس علوم دینی و غیره اشتغال دارند.
مرحوم والدش آیت‌اللَّه حاج میرزا کاظم مجتهد شبستری از علماء و مراجع طراز اول و معروف آذربایجان بودند. وی در سال 1306 قمری در شبستر متولد و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح به نجف اشرف هجرت و بعد از مراجعت دوازده سال مقیم وطن (شبستر) بوده و سپس به شهرستان تبریز منتقل و ده سال در آنجا بخدمات مذهبی و مرجعیت دینی موفق و در سن شصت سالگی برحمت ایزدی پیوسته و از تبریز حمل به قم و در قبرستان مرحوم آیت‌اللَّه حایری مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله بن العلامه آیه الله حاج میرزا مصطفی مجتهدی تبریزی از علماء معاصر تبریز است. وی در هشتم ربیع الثانی 1320 در نجف اشرف متولد شده و مرحوم والدش که در سال 1317 ق مهاجرت به نجف نموده بود بعد از هشت سال توقف و استفاده از محضر علامه خراسانی و علامه طباطبائی یزدی و دیگران بواسطه کسالت در سال 1325 ق باتفاق عائله و برادر گرامش آیه الله حاج میرزا خلیل مجتهد به ایران مراجعت و در موقع ورود که مصادف با انقلاب مشروطه بود از رفتن به تبریز خودداری و در میانه و اطراف تبریز اقامت نموده و در سال 1326 ق برای معالجه در معشیت برادر بزرگش آیه الله حاج میرزا مسعود آقا و خانوادهاش به تهران آمده و مدت دو سال توقف و در سال 1328 قمری به تبریز برگشته و به وظائف دینی پرداخته است.
وی در مهد پرورش آن والد بزرگوار تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح را نزد والدش و دیگران خوانده و در سال 1337 ق که والدش فوت نموده نزد علماء تبریز مانند آیه الله حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه الله میرزا رضی تکمیل نموده و در سال 1344 ق مهاجرت به قم و از محضر آیت الله العظمی حایری و آیه الله یثربی کاشانی و آیه الله حاج شیخ محمد رضا اصفهانی استفاده نموده و در سال 1350 ق مراجعت به تبریز نموده و تا هم اکنون به اقامه جماعت و تدریس و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجتهدی، عبدالهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ عبدالهادی مجتهد بهبهانی از علماء محترم بهبهان و مراجع بزرگ آن سامان ابن‌العلامه الشیخ محمد حسین بهبهانی عسکری در سال 1300 ق در نجف متولد شده و در سن 7 سالگی با والد معظم خود بسامرا رفته و چون والدش از شاگردان آیه‌الله علی‌الاطلاق میرزا محمد حسن شیرازی قدس‌الله سره‌الشریف بوده چندین سال در آنجا اقامت و تحصیل علم نموده تا در سال وبائی والدش مرحوم و پس از مدتی در سن 20 سالگی به بهبهان آمده و بعد از دو سال مراجعت بنجف و چندین سال از محضر مرحومین علمین آیتین یزدی و خراسانی و مرحوم محقق آقا سید محسن کوهکمری که شاگرد مبرز مخصوص آیه‌الله حاج شیخ هادی تهرانی بوده استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به بهبهان نموده و در آنجا اقامه جماعت و تربیت طلاب و تدریس دروس عالی فقه و اصول و فصل دعاوی و حکومات شرعیه نموده تا در سال 1372 ق که برای خرابی اوضاع بهبهان و دودسته‌گی بین قنوات و بهبهان آنجا را ترک و بحرم اهل‌بیت علیهم‌السلام که حرم امن خداست مهاجرت و بتدریس پرداخته و پس از چند سال مراجعت بوطن و در آنجا بدرود حیات گفته و فرزند ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد حسین مجتهدی معروف به (آقا شیخ بزرگ) بجای خود گذارده که اقامه جماعت و تربیت محصلین بهبهان را نموده و بوظائف دینی و روحی ادامه دهد.
معظم‌له که چندی در قم اقامه داشتند و از محضر آیات عظام حجت کوهکمری و آیه‌الله بروجردی استفاده کامل نمودند اکنون بالغ بر بیست سال است که بجای والد مرحومش مشغول خدمات و در مدرسه علمیه شاهزاده ابراهیم که در محله قنوات است اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مجد الادبا، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، منشی و خطاط. در زمان تألیف «المآثر و الآثار» (1306 ق)، منشی‌باشی کل خراسان بود. وی از علوم ادبی و عربی و همچنین علم حساب بهره‌مند بود و در خط تحریر نیز مهارت داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1252/ 4)، المآثر و الآثار (224).

مجد الاسلام کرمانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1250- 1302 ش)، عالم دینی، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به اصفهان رفت و از محضر آخوند ملا محمدباقر فشارکی و آقا میر محمدتقی مدرس استفاده نمود و از آنها به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. در آن موقع به طبع و نشر چندین جلد کتاب از قبیل: «کشف الغطاء»، «کشف القناع» و «شرح نهج‌البلاغه» اقدام کرد و با همکاری ملک المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ و میرزا علینقی خان سرتیپ به تأسیس مدرسه‌ای برای نوجوانان در اصفهان همت گماشت. وی در آغاز مشروطیت در تهران روزنامه‌ی «ندای وطن» را تأسیس و مدتی نیز روزنامه‌ی «ادب» را مدیریت و سردبیری کرد. وی در 1325 ق روزنامه‌های «کشکول» و «محاکمات» را منتشر کرد. شیخ احمد پس از حوادث تهران، از جمله به توپ بستن مجلس و توقیف جراید به اصفهان عزیمت نمود و در 1327 ق اقدام به انتشار روزنامه‌ی «کشکول» کرد. مجدالاسلام در زمان صدارت عین‌الدوله با حاج میرزا حسن رشدیه و میرزا آقا اصفهانی به کلات نادری تبعید شد تا اینکه در زمان صدارت مشیرالدوله، میرزا نصرالله خان، به تهران بازگشت. وی در سرودن شعر توانا بود و بیشتر هنرش در سرودن قطعات تاریخی بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» مجدالاسلام را یک جا با شهرت گرگانی و در جای دیگر با نام فتح‌الله ذکر کرده است. از دیگر آثار وی: منظومه‌ی «شهر خاموشان»، یا «اوضاع عدلیه سابق»؛ «تاریخ انحلال مجلس»؛ «تاریخ انقلاب مشروطیت»؛ « دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (294 -288، 194- 192، 140- 135/ 4، 94 -89/ 1)، تذکره‌ی شاعران کرمان (436 -433)، الذریعه (260/ 14، 960/ 9)، ستارگان کرمان (327 -324)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2182/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (321)، مؤلفین کتب چاپی (185 -183/ 5).

مجد خرقانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید علی محمد بن السید الجلیل و العالم النبیل المرحوم السید رجب مجد العلماء قزوینی خرقانی از علماء محترم معاصر تهرانست. وی در سال 1324 قمری در خرقان قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و اولیات در قزوین به قم مهاجرت نموده و سطوح را از مدرسین و اعلام حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و دیگران تکمیل نموده و چندی از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری استفاده نموده و پس از آن مرحوم از آیات عظام مرحوم آقای حجت و آقای خونساری و آقای صدر رضوان اللّه علیهم بهره‌مند گردیده و در اوائل 1364 قمری به تهران منتقل و تاکنون در خیابان عباسی کوچه مجد اقامت و در مسجد آنجا به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
والد مرحومش حجةالاسلام مجدالعلماء از شاگردان مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن آشتیانی بودند و از قزوین برای ارشاد و هدایت مردم بخرقان هجرت نموده و تا آخر عمر در آن حدود ایفاء وظیفه نمودند.
آن مرحوم دارای فرزندان دانشمندی بودند که از علماء معاصر قم و تهران و دماوند می‌باشند و آنها از این قرارند:
1- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالحمید مجد
2- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید محمدعلی مجد مقیم قم
3- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی محمد مجد مترجم محترم ما
4- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی مجد مقیم قم
5- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا جمال‌الدین مجد مقیم دماوند
6- حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای آقا کمال‌الدین مجد (مشکور) مقیم تهران
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجد خوافی خراسانی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 737 ق)، واعظ، ادیب و شاعر. وی از بزرگان زمان بود که سفرهایی چند به خراسان و کرمان داشت. از جمله آثارش: دیوان «کنز الحکمه»؛ ترجه‌ی منظومی از «جواهر اللغه» زمخشری؛ «روضة الخلد»، که تقلیدی از «گلستان» سعدی است، که آن را در 733 ق به پایان رسانده و در 737 ق در آن تجدیدنظر کرده و انتشار داده است. در «آتشکده‌ی آذر»، این کتاب به قاسمی خوافی نسبت داده شده است که صحیح به نظر می رسد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (396/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1319/ 3)، تاریخ نظم و نثر (758)، الذریعه (293/ 11)، فرهنگ سخنوران (799)، لغت نامه (ذیل/ مجد خوافی)، هفت اقلیم (174 -173/ 2).

مجد دزفولی، مجدالدیین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1165 ق)، عالم دینی، قاضی، ادیب و شاعر. چون دزفول، از توابع شوشتر است او را مجد شوشتری نیز نامیده‌اند. در دزفول نشو و نما یافت و مطالب علمی را نزد علمای حویزه و شوشتر فراگرفت. وی فقه و حدیث را از محضر سید نعمت‌اللّه جزایری فراگرفت تا به مرتبه کمال رسید. قاضی مجدالدین، قاضی دزفول بود. او بارها به اصفهان سفر کرده و حزین لاهیجی با او ملاقات داشته است. وی چند سال قبل از تألیف «ذکرة المعاصرین» حزین لاهیجی (تألیف شده در 1165 ق) از دنیا رفت. از او اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (45/ 9)، تذکرة المعاصرین (261 ،138 -137)، الذریعه (960/ 9)، صبح گلشن (362)، فرهنگ سخنوران (799).

مجد، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جمال‌الدین بن مرحوم مجد العلماء مزلفانی معروف به آقای مجد عالمی برجسته و فاضلی شایسته است.
وی دارای پنج برادر روحانی میباشد که در ضمن ترجمه برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید علی محمد مجد ص... یاد نمودم. وی در بیت علم و سیادت تولد و پرورش یافته و برای تحصیل کمال به قم آمده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده آنگاه بنا بر دعوت مردم دماوند و امریه مرحوم آیت‌اللّه بروجردی عزیمت بدماوند نموده و تاکنون در آن سامان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجدالدین خوافی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، ادیب و شاعر. وی از ادیبان ساکن هندوستان بوده و به فرمان اکبرشاه (1014 -963 ق) به تقلید از «گلستان» کتابی به نام «خارستان» در 16 باب نوشته است. عده‌ای از تذکره‌نویسان همچون صاحب «تاریخ نظم و نثر» به تبعیت از «عرفات العاشقین» گفته‌اند که او «روضة الخلد» مجد خوافی، را به نام خود کرده است و صاحب تذکره‌ی «روز روشن» به وضوح کتاب «روضة الخلد» را به مجدالدین نسبت داده است یعنی او را با مجد خوافی یکی دانسته است. در حاشیه «کاروان هند» آمده که کتاب «روضة الخلد» در هند با عنوان «خارستان» چندین بار به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (383)، تذکره‌ی روز روشن (714)، فرهنگ سخنوران (799)، کاروان هند (1214 -1213/ 2)، هفت اقلیم (176 -175/ 2).

مجیدی فیاض، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبدالمجید به سال 1277 ه. ش در مشهد متولد گردید . وی پس از طی نمودن مراحل مقدماتی تحصیل ، در سال 1307 ه.ش به خدمات فرهنگی مشغول شد که ازجمله همکاری در تاسیس دانشسرای مقدماتی مشهد ، و به عهده گرفتن ریاست آن بود . دکتر مجیدی فیاض در سال 1322 درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران احراز کرد ، و به استادی دانشکده ی علوم معقول ومنقول برگزیده شد .او در دوره های دوازدهم و سیزدهم نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر ، یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت . در سال 1324 ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت تا دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند . وی قریب نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت . همچنین در پایه گذاری و تکمیل کتابخانه ی آن کوشید . چندسال نیز دانشکده علوم معقول ومنقول دانشگاه مشهد را سر پرستی کرد . از سال 1343ه.ش به دانشگاه تهران برگشت ، و در سال 1346 ه.ش بازنشسته شد . در بهمن سال1349 ه.ش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد جهت تدریس در این دانشکده از وی دعوت به عمل آورد ، اما دیری نگذشت که در روزپنجشنبه چهارم شهریور ماه 1350ه.ش دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق شتافت .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : علی اکبر مجیدی فیاض در خانواده ای از سادات و روحانیون مشهد بدنیا آمد پدرش سید عبدالمجید ثقه الاسلام از مجتهدان و فضلای روزگار خود بود و مردی محترم ،تربیت خانوادگی در پرورش وی مؤثر افتاد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علی اکبر مجید فیاض از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت.و از تعالیم پدر بهر ه ها برد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مجیدی فیاض علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت . بجای پدر بعنوان خادم باشی کشیک اول در آستان

قدس رضوی منصوب گردید. او به سال1316 ه.ش به تهران آمد و با آن که مردی پخته و درسن کمال بود و معلومات فراوان اندخته، دوره های ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران امتحان داد و وارد دانشگاه تهران شد .
زمان و علت فوت : علی اکبر مجیدی فیاض روز پنجشنبه چهارم شهریور ماه 1350 ه.ش در مشهد درگذشت .و در آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مجیدی فیاض در ایجاد «دانشسرای مقدماتی» در مشهد 1314 ه.ش ،تاثیر داشت و نخستین رئیس آن موسسه بود. درکتابخانه دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی چندی به کتابداری اشتغال داشت . در دوره های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده داشت ولی پس از دوره اخیر یکسر به مطالعه و تحقیق وتدریس پرداخت . به مدت قریب نه سال ریاست دانشکده ادبیات مشهد را برعهده داشت در ضمن پایه گذاری و تکمیل کتابخانه آن دانشکده کوشید .
فعالیتهای آموزشی : علی اکبر مجیدی فیاض در سال 1307 ه.ش به عنوان فیاض به خدمات فرهنگی مشغول شد .ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد به و ی تفویض شد . بعد ها به تدریس در دانشگاه پرداخت و استاد ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول برگزیده شد .در برخی این سالها ،در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی ،تاریخ تمدن، و تاریخ ایران بعداز اسلام را تدریس می کرد .چند سال نیز دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد را -که خوددر تاسیس آن همکاری داشت-علاوه بر دانشکده ادبیات سرپرستی می نمود . از سال 1343 ه.ش به دانشگاه تهران برگشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا این که در سال 1346 ه. ش به افتخار بازنشستگی رسید و در مشهد اقامت گزید، ،از بهمن 1349 دعوت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد را پذیرفت و در رشته فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، سیر عقاید و آراء. اسلامی متون نثر فارسی را تدریس فرمود ،با بعضی از دوستان خویش خاصه مرحوم دکتر قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تالیف تاریخ عصر حافظ مشارکت و همقدمی داشت .
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر مجیدی فیاض در سال 1334 ه.ش از طرف وزارت فرهنگ ماموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تاسیس کند .
منابع زندگینامه :رحمت الله ابریشمی ،کار نامه بزرگداشت بزرگان علم وادب ایران ، ص 248

مجیدی، غلامحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین مجیدی
محل تولد : خوانسار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/3/10
زندگینامه علمی
اینجانب غلامحسین مجیدی در سال 1346 در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال 1361 وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعیان گذرانده و درعرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال 1371 وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم و در درس خارج حضرت آیة الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال 1375 ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیة الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ 1373 کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال 1382 کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

مجیدی، فرهاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرهاد مجیدی در 13 خرداد 1355 در تهران به دنیا آمد. در یک خانواده اصیل با وضعیت مالی و اجتماعی خوب رشد کرد. کم کم به فوتبال علاقه مند شد. او در کنار دو خواهر و یک برادر بزرگ شد. برادر کوچک تر فرهاد را هم خوب می شناسید. فرزاد مجیدی که درست بسان فرهاد از بهمن به استقلال تهران پیوست. فرهاد از کودکی عاشق فوتبال بود. از تیم های پایه کار خود را آغاز کرد. گرچه مادرش به طور کلی مخالف حضور او در میادین فوتبال بود اما پدرش از همه نظر یار و پشتیبان او بود. فرهاد مجیدی این روزها دوباره پیراهن استقلال تهران را بر تن کرده است. پیراهنی که با آن به فرهاد مجیدی تبدیل شد و شاید با آن از دنیای فوتبال خداحافظی کند. آغاز یک راه طولانی اولین تیم رسمی و تقریباً مطرح او جوانان کشاورز بود. تیمی که با کمبود امکانات مواجه بود اما با این حال این مساله باعث نشد تا فرهاد مجیدی فوتبال را کنار بگذارد. پس از حضوری تقریبا کوتاه در جوانان کشاورز در همان رده سنی به تیم بهمن پیوست. وضعیت در تیم جوانان بهمن بهتر از کشاورز بود. روزی 3 بار تمرین می کرد. تمرین های سنگین و نفس گیر. برای حضور در مسابقات استانی به تیم صنایع پارچین پیوست و مدت کوتاهی به صورت بازیکن قرضی در این تیم توپ زد. درخشش او در تیم صنایع باعث شد تا مربیان تیم امید بهمن برای جذب دوباره او تلاش کنند. پس از هشت ماه بازی در صنایع پارچین وارد تیم امید بهمن بود. او می دانست که اگر در رده سنی امید موفق ظاهر شود می تواند به تیم بزرگسالان و مطرح بهمن راه پیدا کند. پس وقت تلاش بود! تلاشی برای رسیدن به یک آرزوی دیرینه! او پس از یک دوره کوتاه به آرزویش رسید و پیراهن تیم بزرگسالان بهمن را بر تن کرد. آن روزها بهمن در شرایط خوب و آرمانی قرار داشت. او حالا آرزوهای بزرگتری در سر داشت...پس از درخشش در تیم بزرگسالان بهمن به استقلال تهران پیوست. تیمی که همیشه آرزوی پوشیدن پیراهنش را در سر داشت. فرهاد مجیدی می دانست که راه سختی در پیش دارد. راهی که به قله های افتخار ختم می شد. او در استقلال به یک شاه مهره تبدیل شد! شم بالای گلزنی و هوش فوق العاده او باعث شد که به یکی از موفق ترین و محبوب ترین بازیکنان آن زمان استقلال تبدیل شود. به واقع می توان از فرهاد مجیدی به عنوان یکی از ستاره های اواخر دهه هفتاد نام برد. گل که می

زد یک دستش را روی سینه می گذاشت و دست دیگر را باز می کرد! حرکت او بعد از هر گل تکرار می شد. مجیدی سالها برای استقلال بازی کرد و در واقع همین مساله باعث شد که حتی امروز محبوبیت خاصی بین هواداران استقلال داشته باشد.او در سال 1375 برای اولین بار به تیم ملی دعوت شد. محمد مایلی کهن مربی وقت تیم ملی به توانایی های فرهاد اعتقاد داشت. فرهاد مجیدی اولین بازی ملی خود را در برابر کویت و در سال 1375 انجام داد. گرچه او همراه تیم ملی به جام جهانی 1998 فرانسه هم رفت اما از او به عنوان یک بازیکن کم فروغ در رده ملی یاد می شود. او در حالی که در اوج بود و در امارات می درخشید خیلی کم به تیم ملی دعوت می شد و زمانی هم که به اردو ها ملحق می شد به دلیل دوری طولانی از تیم ملی نمی توانست به هماهنگی لازم برسد. او در طول دوران بازیگری خود 41 بازی ملی انجام داده است و تنها موفق به ثمر رساندن 10 گل شده است.

مجیدی، فریبرز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریبرز مجیدی در تیر ماه 1319 در شهر مشهد متولد شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی از دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران،همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه 14 اثر به تنهایی و 12 ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیت های وی می توان به سرپرستی و همکاری بخش هایی از مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و فرهنگستان هنر و ... اشاره کرد. کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه" ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبرز مجیدی سه سال از دوره ابتدایی را در مشهد گذراند و در 1327 همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و بقیه تحصیلاتش را در تهران ادامه داد. او در سال 1336 دوره متوسطه را در دبیرستان علمیه در رشته ادبی به پایان رساند و در سال 1338 به دانشسرای عالی وارد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل مشغول شد. او در سال 1356 با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبرز مجیدی در سال 1356 با استفاده از بورس تحصیلی، دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه ابوریحان بیرونی تهران گذراند و از آن پس همه وقت خود را یکسره صرف تحقیق و ترجمه کرد. در کارنامه وی، ترجمه 14 اثر به تنهایی و 12 ترجمه مشترک نیز به چشم می‌خورد. علاوه بر این‌ها، ده‌ها کتاب و صدها مقاله را ویرایش کرده است و از سال 1364 تاکنون با مراکز فرهنگی متعددی همکاری داشته و در برخی از آن‌ها سرپرستی بخش‌هایی برعهده وی بوده که عبارتند از؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، شرکت دانش‌گستر، سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، فرهنگستان هنر.

مجیدید، همکاری خود را با تعدادی از این مراکز ادامه داده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبرز مجیدی در کنار کار تحریر و ترجمه به مطالعه کتابهایی همچون فلسفه هنر، رمان، شعر شاعرانی مثل نیما، شاملو، اخوان، فروغ و از شاعرای کهن هم حافظ، سعدی و... علاقه دارد.
آرا و گرایشهای خاص : فریبرز مجیدی در باره ارتباط هنر و زیبایی چنین اظهار نظر می کند: تولستوی در کتاب هنر چیست، هنر را خلق زیبایی تعریف می‌کند. زیبایی قائم به ذات نیست و برای هر جماعتی متفاوت و نسبی است. هنر هم قائم به ذات نیست و در هر دوره و عصری، معنای خاص خود را دارد. نقاشی درون غار در دوران اولیه یک هنر محسوب می‌شود اما اگر پیکاسو آن را انجام می‌داد، دیگر یک هنرمند نبود. هنر پیکاسو مثل زیبایی، وابسته به شرایط اجتماعی و محیطی در دوران تاریخی است
جوائز و نشانها : کتاب"زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه" ترجمه فریبرز مجیدی ، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثاری را که مجیدی از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده به فلسفه، مسایل مختلف اجتماعی و جامعه شناسی شناخت مربوط می‌شوند؛ البته در این میان آثاری در زمینه ادبیات (رمان، نمایشنامه و داستان‌های کوتاه) نیز ترجمه کرده، اما این کارها بیشتر جنبه تفنن داشته‌اند. تعدادی از مهم‌ترین کارهایی که فریبرز مجیدی به صورت مشترک و با همکاری مترجمان دیگر انجام داده است بدین قرارند؛ فرهنگ اندیشه نو (1369)؛ زندگینامه علمی دانشوران (از 1369 تا 1375)؛ آفرینندگان جهان نو (1372)؛ فرهنگ علوم اجتماعی (1376)؛ جهان پیش از تاریخ از دیدگاهی نو (1379)؛ دایره‌المعارف دانش بشر (1381)؛ برای قرن بیست و یکم: گفت‌وگوی دو فرزانه (1381)؛ 32 هزار سال تاریخ‌ها (1382)؛ دایره المعارف دموکراسی (3 جلد، 1381)؛ دایره المعارف ناسیونالیسم (2 جلد، 1383)؛ فرهنگ ادیان جهان (1385). ----------
---
آثار :
1 ایدئولوژی و اوتوپیا
ویژگی اثر : ترجمه،(1355؛ ویراست دوم، 1380)
2 تکامل فرهنگ
ویژگی اثر : ترجمه،1379
3 دموکراسی
ویژگی اثر : ترجمه،1374

4 روح آیین پروتستان
ویژگی اثر : ترجمه،1382
5 زندگینامه استوارت میل
ویژگی اثر : ترجمه،1380
6 زیبایی شناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه
ویژگی اثر : ترجمه،1385.این کتاب در سال 1386 ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.
7 ساخت اجتماعی واقعیت
ویژگی اثر : ترجمه،1375
8 طرحی کوتاه از تاریخ فلسفه
ویژگی اثر : ترجمه، 1349
9 فرهنگ تلفظ نام‌های خاص
ویژگی اثر : (حاوی 60 هزار مدخل) کتابی است که برای راهنمایی پژوهشگران، مترجمان به منظور تلفظ و ثبت صحیح نام‌های خاص (با تلفظ 30 ملیت) تالیف کرده که در سال 1381 به همت بنگاه انتشارات فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.
10 فلسفه در عمل
ویژگی اثر : ترجمه،1382چاپ پنجم 1385
11 مار و روباه: مقدمه‌ای بر منطق
ویژگی اثر : ترجمه،1385
12 مفهوم ایدئولوژی
ویژگی اثر : ترجمه،1380
13 مونادشناسی
ویژگی اثر : ترجمه،1370

محامدی، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمد کاظم و فرزند ارجمندش حجه‌الاسلام آقا شیخ جواد محامدی از ائمه جماعت و علماء محترم این شهرستانند که بانجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محب‌الاسلام موسوی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ثقه‌الاسلام والمحدثین و سید الخطباء والمبلغین آقای حاج سید علی‌اکبر محب الاسلام موسوی از وعاظ و گویندگان باتقوای معاصر است. وی در خراسان متولد شده و پس از گذرانیدن دوران صبا به دروس جدید پرداخته و بعد از آن شروع به تحصیل علوم عربیت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین و علماء مشهد آموخته و در دروس تحلیلی و خارج آیات عظام حاضر و استفاده کرده آنگاه وارد رشته منبر و تبلیغ گردیده و برای مهارت در این فن مطالعات بسیار در کتب مختلفه اسلامی و بالاخص احادیث و اخبار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نموده تا به مقام بلندی در این موضوع رسیده و در مشهد مقدس و تهران و بعض نقاط دیگر شهرتی پیدا کرده است.
نگارنده گوید: معظم‌له اکنون یکی از ستارگان درخشان و انجم فروزان خطباء حاضر و دارای مقام ورع و پرهیزکاری و معتقد و پایبند به گفتار خویش می‌باشد.
منبری ارزنده و بیانی آموزنده و مطالب سودمندی در ترویج دین و نشر معارف اسلامی دارد.
و زمینه منبرش اخبار و احادیث حضرات معصومین علیهم صلوات المصلین است در خاطر دارم که در شب ولادت حضرت امیرالمومنین علیه‌الصلوه والسلام در مسجد حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه الشریف مشهد مقدس بودم که معظم‌له شب آخر منبرش بود و منبری بسیار مفید و سخنانی کامل و جامع در پیرامون شخصیت آسمانی و ملکوتی مولی الموحدین و امام المتقین حضرت علی علیه‌السلام ایراد نمودند و جدا استفاده نمودم- تالیفاتی در اخبار اهل‌بیت رسالت صلوات‌الله علیهم دارد.
1- اقوال الائمه که 8 مجلد از آن به طبع رسیده است.
2- راز دلباختگان شرح دعاء کمیل
3- راز دلباختگان شرح دعاء ابی‌حمزه.
4- راز دلباختگان شرح دعاء مکارم‌الاخلاق و جناب حاج تاج واعظ لنگرودی هم یکی از منابر مفیده ایشان را در گفتار وعاظ خود نقل نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محبت، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد محبت متولد ۱۳۲۱ و در کرمانشاه است. وی از شاعران فعال پیش از ۵۷ محسوب می شود محمد جواد محبت ،از فرهیختگان معاصر ایران است . او درزمینه زبان و ادبیات فارسی فعالیت می کند . وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است . از او آثار متعددی به چاپ رسیده است که حاوی نکات عمیق ادبی می باشند .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
فعالیتهای ضمن تحصیل : مهمترین فعالیت ضمن تحصیل محمد جوادمحبت ، شعر وشاعری بود . طوری که او شعر سرودن را مهمترین فعالیت خود نموده بود . وی دراین راستا غزل عاشقانه نیز سروده است . محبت به زبان کردی نیز شعر می سراید .
وقایع میانسالی : مهمترین واقعه این دوران ، این است که کارهای محمد جواد محبت .به ویژه غزل های دهه پنجاه ایشان درمجله روشنفکر به چاپ رسیده است .
فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی محود جواد محبت ،شعر وشاعری است . طوریکه برای شاعران دهه چهل و پنجاه شعرهای اجتماعی و سیاسی او که بارگه های مشخص عاطفی زبانی خاص برای خود داشت ، آشنا می باشد . مثلا درمجله خوشه و دریچه تهران مصور نمونه هایی از کارهای وی به یادگار مانده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد محبت شعری درمورد پرسش مهردارد که مورد توجه اهل فن قرار گرفته است .
همفکران فرد : یکی از همفکران محمد جواد محبت ،جلال آل احمد بود . این دودر قصر شیرین باهم آشنا شدند .
آرا و گرایشهای خاص : محمد جواد محبت بنا به عقیده و آرایی که دارد مخالف جنگ و خونریزی است . بدان علت دربیانیه ای که از سوی روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ آمریکا و متحدانش درعراق صادر گشته است . این بیانیه راامضاء کرده وتمایل خودرا به صلح و دوستی ابراز داشت . ----------

---
آثار :
1 آن سوی چهره تو
2 ازآتش خیمه های عاشورا
3 درباغسار شعر معلم
4 گزیده ادبیات معاصر

محبوبی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید محبوبی
محل تولد : ملکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال 1352 در روستای قره‌گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال 1369 وارد حوزه علمیه‌ولیعصر(عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوایی، اسحاق راهب و همچنین نویسنده ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویقهای مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند«سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»،«ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسنده تاکنون این کتابها منتشر شده است:1. آن روز، آن مهمانی، 2. یک روز بهاری 3. کبوتر سفید، 4. هدیه، 5. تربت و دریا، 6. اولین برفی که زمین نشست، 7. آفتاب حکمت، 8. آینه اخلاص، 9. روح اخلاص، 10. گزیده‌ای از حکایات شیخ

عباس قمی، 11.ستارگان حرم (گروهی) 12. گلشن ابرار(گروهی)، 13. مهربانترین، 14. فرزند کعبه، 15. خانه در آتش، 16. ملاقات در شب مهتابی.
همچنین کتابهای 1. دیدار در خانه دوست، 2. خورشید در نخلستان، 3. دعای باران، 4. فرشته‌ای در کویر، 5. بارانی از مهر، 6. زیباترین شب، 7. همسفر با فرشته، 8 . رؤیای شیرین، 9. فرشته‌ای در قصر، 10.آن شب، آن شعر، 11.نوشتهٔ نامرئی، را در زیر چاپ دارد.
«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال 1386 و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال 1387، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محبیان، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر محبیان (-1341)روزنامه نگار شناخته شده ایرانی ؛ دبیر سیاسی وعضو شورای سردبیری روزنامه محافظه کار رسالت است که از سوی جناح اصلاح طلب در دوران پر چالش پس از دوم خرداد 76 و ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، به عنوان استراتژیست و نظریه پرداز جناح اصولگرا ملقب شد. محبیان از سال 1376 بصورت جدی در صحنه مطبوعاتی ایران از طریق خلق ادبیاتی ویژه خود که نگارش مقالات با دستمایه علمی و نقدی محترمانه نسبت به رقیب بود؛ به شهرت رسید. نخستین نبرد قلمی او با رقیبان پر قدرت اصلاح طلب در حوزه نقد مفهوم جامعه مدنی صورت گرفت که شعار محوری سید محمد خاتمی بود.
محبیان نهایتا پس از نگارش دهها مقاله در این مورد و طرح صدها پرسش از سید محمد خاتمی، او را وادار نمود تا برداشت خود را از جامعه مدنی با مدینه النبی (جامعه تاسیسی توسط پیامبر اسلام در شهر مدینه)همخوان داند. این عقب نشینی خاتمی پیروزی بزرگی برای جریان محافظه کار بود که پس از پیروزی اصلاحات به لاک دفاعی محض فرو رفته بودند. محبیان در تمام دوران 8 ساله حاکمیت اصلاح طلبان بر دولت با نگارش بیش از سه هزار مقاله در چارچوب ادبیات خاص خود در صف مقدم نبرد قلمی با آنان بود و در همان حال به چهره مطلوب نشریات اصلاح طلب تبدیل شد که بر خلاف چهره‌های شاخص جناح محافظه کار با آنان مصاحبه و گفتگو می‌کرد. محبیان با حضور در دانشگاهها به شاخص ترین چهره محافظه کار مبدل شد که در مناظرات با رقیب سیاسی اصلاح طلب شرکت کرده و با خلق ادبیات مدرن برای محافظه کاران خود و جناح محافظه کار را جناح منتقد دولت نامید. محبیان در سال 1376 حزب نواندیشان ایران اسلامی را تاسیس نمود که به گفته او قصد دارد حزب پیشگام در حوزه تئوری پردازی جناح اصولگرا باشد. این نظریه پرداز محافظه کار پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد با تاسیس خبرگزاری آریا و مرکز مطالعات استراتژیک آریابه سازماندهی توان تئوریک و رسانه‌ای برای پیشبرد ایده‌های خود پرداخت. امیر محبیان دارای دکترای فلسفه غرب از دانشگاه‌های ایران بوده و در سمینارهای متعدد علمی در غرب حضور یافته و در مراکز علمی آلمان ، فرانسه، هندوستان،مصرو افغانستان سخنرانی

داشته است. او در حال حاضر استاد فلسفه غرب در دانشگاه آزاد اسلامی است.

محجوب، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن محجوب در سال 1307 هـ .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد، و به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده اش حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد. محجوب اگرچه همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و با اصرار خانواده تحصیلات خود را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود که از آن جمله تقی زاده می باشد. این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری خاطرات کودکی : روزنامه ملا نصرالدین از روزنامه های مورد علاقه حسن محجوب در دوران کودکی، بود این روزنامه به زبان ترکی و در قفقاز به چاپ می رسید. حسن آن را ورق می زد و از تماشای کاریکاتورها و عکسهایش لذت می‌برد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسن محجوب در سال 1307 ه .ش در یک خانواده فرهنگی متولد شد. وی به مقتضای جو فرهنگی که در خانواده حاکم بود از همان ابتدا نسبت به کار کتاب و امور فرهنگی علاقمند شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات حسن محجوب دریک مقطع کوتاه سپری شد، چرا که او نتوانست همچون دیگر هم نوعان خود نتوانست دوران تحصیل خود را به پایان رساند و حتی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی علیرغم اصرار خانواده، تحصیلاتش را ناتمام نهاد ، اما با علاقه به کار فنی و کسب وارد یک کارگاه صحافی شد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسن محجوب از این دوران، محجوب با توجه به زمینه مطالعات اولیه در دوران کودکی، درس و مدرسه رها کرد و به کسب و کار پرداخت، او چنین یاد می کند: « روز اول مهرماه 1320هـ.ش که اطفال آن موقع روانه دبستانها و دبیرستانها بودند ، به همراه پدرم به یک کارگاه صحافی مراجعه نمودم و پدرم مرا به عنوان شاگرد به شخص صحاف معرفی نمود شخص صحاف

هم خیلی استقبال کرد و اینجانب را به عنوان شاگرد پذیرفت. این شغلی که من برای خودم انتخاب کرده بودم ، خواه ناخواه منجر به این شد که با مسائل کتاب که از قبل هم با آن بیگانه نبودم بیشتر آشنا و علاقمند شوم. اشخاصی که به صحافی مذکور مراجعه می کردند ، اغلب افراد فاضلی بودند. با وجود این که من در سنین طفولیت بودم ، شخصیت بزرگ آن بزرگواران به قدری برای من جالب توجه بود که هنوز خاطرة آن زمان را فراموش نکرده ام. »هم دوره ای ها و همکاران : سعید نفیسی ، عباس زریاب خویی ، سید حسن تقی زاده ، عبدالحسین زرین کوب، کیکاوس جهانداری از جمله همدروه ایها و همکاران حسن محجوب بودند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن محجوب در اوان کودکی به کار صحافی مشغول شد. سپس این شغل را تغییر داد و در یک کتابفروشی کار خود را ادامه داد. همکاری او در این کتابفروشی باعث شد تا با شخصیت های مهم علمی و ادبی آشنا شود نظیر تقی زاده این آشنایی سرانجام به استخدام او در وزارت فرهنگ انجامید. پس از آن جهت همکاری با مرحوم عباس زریاب خویی به کتابخانه سنا منتقل شد و با حسن انجام کار به ارتقا رسید و معاون کتابخانه سنای سابق شد. علاوه بر اشتغال در کتابخانه ، بخشی از اشتغالات وی در در زمینه نشر است که هم اکنون در «شرکت انتشار» این کار را دنبال می نماید.

محجوب، محمدجعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، نویسنده، مترجم.
تولد: 1303، محله سرچشمه تهران.
درگذشت: 27 بهمن 1374، کالیفرنیای آمریکا.
محمدجعفر محجوب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذرانید. سپس به دانشکده‌ی حقوق رفت و به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. در سال 1326 به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و دوره‌ی دکترای آن را به سال 1335 به پایان آورد. رساله‌ی دکترای محجوب با عنوان سبک خراسانی در شعر در سال 1345 در کتابی با همین عنوان منتشر شد. وی پس از تحصیل شروع به تدریس نمود.
محجوب خدمت مطبوعاتی را از سال 1327 آغاز کرد و با مجله «سخن» و چند نشریه علمی و ادبی دیگر همکاری داشت.
از ترجمه‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: خاطرات خانه‌ی مردگان (فئودر داستایوسکی، 1335)؛ داستان‌های دریای جنوب (جک لندن، 1330)؛ سگ سیرک؛ از خود گذشتگی زنان (جک لندن، 1335)؛ دخمه نشینان؛ انتقام مروارید (جان اشتاین، بک 1328)؛ مروارید (جان اشتاین بک، 1340)؛ جزیره وحشت (جک لندن، ترجمه با مشارکت جهانگیر بهروز، 1330)؛ پسر گرگ (جک لندن، 1330)؛ آتش (هانری باربوس، 1330).
از جمله تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: دیوان حکیم قاآنی شیرازی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، دیوان سروش اصفهانی، طرائق الحقایق تألیف نایب الصدر شیرازی، فتوت‌نامه سلطانی تألیف واعظ کاشانی سبزواری، شاهنامه فردوسی، دیوان ایرج میرزا و...
آثار وی در پژوهش و نقد و نظریات ادبی به شرح زیر است: انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، آفرین فردوسی، چند رساله درباره‌ی فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگ عامه، فن نگارش یا راهنمای انشاء (با همکای دکتر علی‌اکبر فرزام‌پور، 1333)؛ درباره‌ی کلیله و دمنه.
دکتر محمدجعفر محجوب در 27 بهمن 1374 در سن هفتاد و یک سالگی در پی ابتلا به سرطان درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محجوبی، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1315.
درگذشت: 1368، لندن.
منوچهر محجوبی روزنامه‌نگار و طنزنویس بود و از 128 مرداد 1332 به نویسندگی پرداخت. از چاپ شده‌های اوست: قدر یک لبخند؛ خانه‌ی نینو (ترجمه)؛ تا کمرگاه درخت (ترجمه). سریال «خانه‌ی قمر خانم» از کارهای اوست.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محدث ارموی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1400 -1323 ق)، عالم دینی، مدرس، محقق، مصحح و ادیب. به علت شوق بسیار به مطالعه، در جوانی، از طرف آیت‌اللّه سید حسین عرب باغی، لقب محدث گرفت. او در ارومیه به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، علوم اسلامی را در محضر شیخ علی ولدیانی آموخت. سپس به مشهد رفت و فقه و اصول و ادب و تاریخ و حدیث و رجال را در محضر علمای مشهد فراگرفت. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و عازم نجف بود که به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و برای تدریس راهی تبریز شد. با ورود روسها به آذربایجان به تهران بازگشت و به تصنیف و تألیف پرداخت و عهده‌دار سمت ریاست بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی گردید. در 1322 ش داماد آیت‌اللّه سید احمد طالقانی شد. از 1335 ش به دانشکده‌ی معقول و منقول رفت و تا 1347 ش که بازنشسته شد به تدریس اشتغال داشت. او به اخذ درجه دکترای الهیات در رشته علوم منقول نایل آمده و از علما و مراجع اجازات بسیاری کسب کرده بود که از جمله آنها اجازه‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ محمدعلی معزی دزفولی بود. وی تا آخر عمر به تألیف و تحقیق و تصحیح کتاب مشغول بود. در تهران درگذشت و در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتوح رازی، در حرم حضرت عبدالعظیم، به خاک سپرده شد. از آثارش: «تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل»؛ «عشق و محبت»؛ «ایمان و رجعت»، در چهار مجلد؛ «کشف الکربة»، در شرح «دعاء الندبة»، که حاصل تلاش شصت سال کار اوست؛ شرح بر «اصول الاصیلة» فیض کاشانی؛ تذییل «میزان الملل» علی بخش میرزا قاجار؛ تصحیح کتابهای: «الصوارم المهرقة فینقد الصواعق المحرقة» قاضی نوراللّه شوشتری، «التفضیل» ابوالفتح کراجکی، «المحاسن» برقی، «النقض» عبدالجلیل قزوینی رازی، «الغارات» ابواسحاق ثقفی، «التعریف بوجوب حق الوالدین» ابوالفتح کراجکی، «زاد السالک» فیض کاشانی، «آثار الوزراء» عقیلی، «تفسیر گازر» موسوم به «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» ابوالمحاسن جرجانی، «التنبیهات العلیة» ترجمه‌ی «اسرار الصلاة» شهید ثانی، «مفتاح التحقیق» معزی دزفولی، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار» ناصرالدین منشی کرمانی، «فهرست منتجب الدین»، «الاربعین من الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)» و «دیوان» قوامی رازی.[1]

محقق، مصحح.
تولد: 2 آذر 1283 (13 رمضان 1323 ق.)؛ ارومیه.
درگذشت: 5 آبان 1358.
سید جلال‌الدین محدث ارمی، فرزند قاسم حسینی، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فراگرفت و با آنکه پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب‌باغی با این که در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا نمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی آنجا را که به وی پیشهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضاشاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانه حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف شود بعدا به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال 1320 به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانه‌ی ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال 1322 ازدواج کرد. وی به دعوت دانشکده‌ی معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال 1347 بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشته‌ی علوم منقول را نیز گرفته بود. علامه ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.
فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیحی میزان الملل (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرفة (به زبان عربی، تألیف قاضی نورالله شوشتری)؛ تألیف فیض‌الاله فی ترجمة القاضی نورالله (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح اسرارالصلوة ترجمه التنبیهات العلیة علی وظائیف الصلوة القلبیة (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمه محمدصالح بن محمدصادق واعظ، 1368 ق.)؛ تصحیح دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح التفضیل (تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح المحاسن برقی (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح النقض (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، 1331)؛ تصحیح زادالسالک (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، 1331)؛ استخراج فهرست کتاب التدوین فی ذکر اخبار قزوین (تألیف عبدالکریم بِن محمد رافعی)؛ تصحیح دیوان قوامی رازی (1334)؛

تصحیح نجاتیه (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح دیوان سعد فضل‌الله راوندی کاشانی؛ تألیف مقدمه‌ی نقض و تعلیقات آن؛ تألیف کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب؛ همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات آن؛ تصحیح آثار الوزراء (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الاذهان و جلاء الحزان (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح مفتاح التحقیق (تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی)؛ تصحیح نقاوة الاصابة فیمن أجمعت علیه العصابة (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل تهرانی)؛ تصحیح شش رساله‌ی فارسی (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح شرح فارسی غرر الحکم و درر الکلم (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح تفسیر شریف لاهیجی (تألیف بهاءالدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی)؛ تصحیح رساله‌ی طینت (از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاخبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع رجال برقی (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی مصباح الشریعةو مفتاح الحقیقة (از عبدالرزاق گیلانی، در دو جلد)؛ تصحیح الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة (تألیف کمال الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (1. توضیح الاشتباه و الاشکال؛ 2. رسالة فی معرفة الصحابة؛ 3. رجال قاین؛ به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع الفصول الفخریه فی اصول البریة (تألیف نسابه معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمدةالمطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح الاصول الاصلیة (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیة التفقه فی الدین (تألیف مولی محمدمحسن فیض کاشانی)؛ تصحیح الایضاح (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح حکمت اسلام (تألیف محمد صالح بن محمدباقر قزوینی)؛ تصحیح الغارات (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة (تألیف علامه جمال‌الدین ابی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف تعلیقات نقض (دو جلد)؛ تألیف کشف الکربة فی شرح دعاء الندبة؛ تصحیح فهرست شیخ منتجب الدین رازی؛ تصحیح الاربعین من

الاربعین عن الاربعین شیخ منتجب‌الدین رازی.
سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان 1358 به علت سکته قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 5، ش 12 -10، ص 950 -949)، تعلیقات نقض (هفت- بیست)، الذریعه (133 -132/ 24 ،55 -54/ 18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 306/ 14)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 8، ص 37 -36).

محدث حائری همدانی، عبدالرزاق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی‌رضا بن عبدالحسین بن ابی‌طالب بن عبدالکریم بن یحیی بن محمد شفیع بن محمد رفیع بن فتح‌الله قزوینی حائری اصفهانی.
اجدادش عموما اهل فضل و کمال بوده، به طوری که مولی عبدالکریم مؤلف «نظم الغرر»؛ و محمد یحیی مؤلف «ترجمان اللغة» در شرح قاموس مطبوع می‌باشد، در سال 1117 زنده بوده؛ و محمد شفیع نویسنده کتاب «متمم ابواب الجنان» متوفی در 1104؛ و محمد رفیع مؤلف کتاب «ابواب الجنان» می‌باشد، و در سال 1089 وفات یافته است.
صاحب عهوان در 1291 در اصفهان متولد شده، و خدمت جمعی کثیر از فضلای این شهر همچون: حاج میرزا بدیع درب امامی، و آخوند کاشی، و حاج آقا منیر بروجردی، و آخوند گزی، و آقا نجفی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای؛ و در همدان از سید عبدالمجید گروسی؛ و در نجف به درس جمعی از بزرگان حاضر شده؛ سپس به همدان مهاجرت نموده، و تا آخر عمر در آنجا به ترویج دین و نشر احکام از راه تألیف و تصنیف و منبر و محراب پرداخته، سرانجام در اوایل شوال 1383 در همدان وفات یافت.
تألیفات او بالغ بر هفتاد مجلد کتاب و رساله است، از آن جمله است: 1 - ذریعة المعاد، در شرح نجاة العباد 2 - رساله در غنا 3 - رساله در درایه 4 - رساله‌ی خلافیه بین شیخیه و امامیه 5 - رساله‌ی هدایه، در رد معتقدات صوفیه 6 - سلاسل الحدید فی عنق الفرید، در رد عبدالوهاب فرید، در موضوع رجعت 7 - قرآن و حجاب، مطبوع 8 - دلایل امامت از اسلام و خلافت، مطبوع 9 - الشهب الثاقبة.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محدث، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن محدث (پسر خاله حجةالاسلام حاج میرزا محمد حقی) از فضلاء آذربایجانی حوزه علمیه قم و علماء و ائمه جماعت معاصر شهرستان گنبد می‌باشند.
ایشان سالهای متمادی در قم اشتغال به تحصیل داشته و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیات دیگر فقهاً و اصولا استفاده نموده آنگاه از طرف آیت‌اللّه شریعتمداری در سال 1387 قمری به گنبد عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محدث‌زاده، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1396 -1338 ق)، عالم دینی، نویسنده، خطیب و واعظ. پدرش خاتم المحدثین محدث قمی و مادرش دختر آیت‌اللّه حاج آقا احمد طباطبایی قمی بود. در قم به دنیا آمد و در مشهد نشو و نما یافت و مقدمات و ادبیات را در آنجا فراگرفت. در 1354 ق همراه پدر به نجف رهسپار شد و در آنجا سطح فقه و اصول را نزد آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی، از مدرسین بنام نجف، تحصیل کرد. در نوزده سالگی از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت و یک سال بعد از آن پدرش، حاج شیخ عباس قمی، نیز به وی اجازه داد. او در نجف، در تصحیح، مقابله و آماده چاپ نمودن «سفینة البحار» و کتب دیگر همچون «الکنی و الالقاب» با پدرش همکاری کرد. پس از درگذشت پدر، در 1360 ق به ایران آمد و در قم، در محضر اساتید، به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و خارج فقه و اصول را به اختصار خواند و از محضر آیت‌اللّه شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌اللّه شیخ ابوالحسن مشگینی و آیت‌اللّه حاج آقا حسن طباطبایی قمی و آیت‌اللّه سید صدرالدین جزایری بهره برد. اما بیشتر هم خویش را، بنابر توصیه پدرش، مصروف اخبار و احادیث می‌نمود. در 1367 ق، به تهران آمد و به شیوه‌ی پدر رشته وعظ و خطابه و تصحیح و تألیف کتب را برگزید. او کتابهای چاپ نشده پدرش را تصحیح، تحشیه، مقابله، چاپ و منتشر کرد، که از آن جمله می‌توان کتابهای: «فوائد الرضویه»، «تحفة الاحباب»، «بیت الاحزان»، «تتمة المنتهی»، «کحل البصر»، «فصل و وصل»، «الدر النظیم» و «فیض العلام و وقایع الایام» را نام برد. او در واقعه 15 خرداد 1342 ش به همراه حدود پنجاه تن از علما و روحانیون بازداشت شد و مدتی زندانی بود. در شب دوازدهم محرم 1396 ق در تهران درگذشت. آیت‌اللّه سید احمد خوانساری بر وی نماز گزارد و پیکرش پس از تشییع با شکوه کم‌نظیری، در تهران و قم، با حضور تمام مراجع تقلید وقت، در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: کتاب «امام صادق (ع)»، در چهار مجلد بزرگ: 1- «زندگانی امام صادق (ع)»، در احوال، شخصیت، اخلاق و کلمات امام 2- «اصحاب امام صادق (ع)»، که به عنوان کتاب برگزیده هفته کتاب سال 1375 ش، سیزدهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی، برنده جایزه بهترین کتاب مذهبی شد 3- «معاصرین امام صادق (ع)»، از خلفا و علما 4- «خویشاوندان امام صادق (ع)»؛ «کلام الملوک»،

سخنان ائمه اطهار (ع).[1]
حاج میرزا علی بن العالم الجلیل و المحدث النبیل حاج شیخ عباس محدث قمی (صاحب مفاتیح الجنان و سفینه البحار و ده‌ها کتب دیگر) از وعاظ بزرگوار و خطباء عالیقدر حاضر قم و تهرانست ولادت ایشان در سال 1338 قمری در شهرستان قم واقع شده و پس از شش ماه که از میلادش درگذشت. والدش وی را با خود به مشهد برده و در آنجا متوطن گردیده و دوران کودکی را در آنجا طی کرده و مقدمات را تا سیوطی در مشهد خوانده و در سال 1350 ق با معیت والدش مهاجرت به نجف اشرف و سطوح را از محضر مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر زنجانی تکمیل نموده و در اول ورودش به نجف که مرحوم والدش کتاب وزین سفینه‌البحار را طبع می‌نمود ایشان در تصحیح و مقابله آن به والد ماجدش کمک و مساعدت می‌نموده و نیز در تالیف و تصحیح کنی والالقاب در سفر لبنان با والدش همراهی نموده تا آن کتاب در صیدا به چاپ رسید و نیز در سایر مولفات به اندازه قدرت و استعاد با ایشان همکاری داشتند تا در سال 1359 که والدش در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر جنب قبر استادش علامه نوری مدفون گردید.
مترجم معظم ما پس از فوت مرحوم والدش در سال 1360 ق به ایران آمده و چند سالی در قم از محضر اساتید حوزه علمیه خارج فقه و اصول را به طور اختصار خوانده و به واسطه‌ی پاره‌ای از گرفتاریها به تهران مهاجرت و تا حال حاضر بیست و چهار سالست که از طریق منبر و تبلیغ شفاهی خدمات ارزنده‌ی نموده است.
نگارنده گوید: سبک منبر جناب محدث‌زاده همان سبک مرحوم والدش می‌باشد از حریم اخبار و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام خارج نمی‌شود با بیانی ملیح نشر معارف اسلامی نموده و مردم را به سوی اهل‌بیت رسالت هدایت می‌نماید.
آثار علمی و قلمی ایشان از این قرار است:
1- زندگانی امام صادق علیه‌السلام در شش جزء.
2- کلام‌الملوک سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام.
3- طبع تتمه المنتهی والدش.
4- طبع فوائد الرضویه آن مرحوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اصحاب امام صادق (ع) (مقدمه 16 -13)، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت (129 -122)، الکنی و الالقاب (1/ مقدمه 21)، گنجینه‌ی دانشمندان (399 -397/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1159 -1158/ 3)، مفاخر اسلام (ج 11/ بخش اول/ 466 -453).

محدث‌زاده، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا محسن بن العالم الجلیل و المحدث النبیل آقای حاج شیخ عباس محدث قمی از علماء معاصر تهرانست که در شهباز جنوبی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد.
وی در سال 1342 قمری در مشهد مقدس متولد شده و در سن یازده سالگی به قم آمده و پس از چند ماه توقف در بلده طیبه قم در سال 1354 قمری باتفاق مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف نموده و مقدمات را نزد آن مرحوم و علامه مرعشی و سطوح را از آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی قمی و آیت‌اللّه حاج میرزا علی تنکابنی و آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی گرگانی و بعضی اعلام دیگر فراگرفته و تا سال 1368 قمری در آنجا اشتغال بتحصیل داشته و مورد توجه خاص مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا میراز عبدالهادی شیرازی بوده و در سال مذکور به ایران مراجعت و در قم اقامت و مدت پنج سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیات دیگر استفاده نموده و در سال 1373 قمری باصرار جمعی از مؤمنین به تهران آمده و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در محل سابق الذکر تهران در مسجدی که بامر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی تأسیس شده بخدمات دینی اشتغال دارد و ضمنا از محضر درس آیت‌اللّه العظمی خونساری و آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و آیت‌اللّه آشتیانی استفاده نموده و می‌نمایند.
از خدمات ارزنده ایشانست کلاسهای درسی برای دانشجویان که در مسجد مزبور تاسیس نموده و حدود چهارصد دانشجو در آنجا شرکت می‌نمایند که صد نفر آنها به فراگرفتن دروس عربی و دینی اشتغال دارند.
از خداوند توفیق امثال معظم له را خواستارم زیرا ایشان واقعا مجسمه تقوا و اخلاق و فضیلت می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محدثی، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد محدثی
محل تولد : سراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1331 در شهرستان سراب (آذربایجان شرقی) به دنیا آمد پدر و پدر بزرگش روحانی بودند و در مکتب مرحوم میرزا جلیل واعظ سرابی به درس و تدریس اشتغال داشتند. وی به لحاظ روحانی بودن پدرش از کودکی در قم می زیست. در این شهر بزرگ شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم گذراند از سال 1344 ش وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه علیمه منتظریه معروف به حقانی به تحصیل پرداخت در این مدرسه که با مدیریت شهید آیت الله قدوسی و همکاری شهید آیت الله بهشتی، آیت الله جنتی و آیت الله مصباح یزدی اداره می شد با استفاده از محضر اساتید برجسته، انقلابی و متقی که اغلب از شاگردان امام راحل «قدس سره» بودند درسهای حوزه را از مقدمات تا خارج فقه فرا گرفت از اساتید بسیار این دوره 14 ساله می توان از شهید قدوسی، شهید مفتح، شهید شاه آبادی و آیات عظام : مشکینی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، جنتی، احمدی میانجی، مصباح یزدی، گرامی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، میر محمدی، آذری قمی، صانعی، مومن، محمدی گیلانی، حائری شیرازی، ابراهیم امینی، مقتدایی و بزرگان دیگر یاد کرد پس از انقلاب نیز در درسهای آیات عظام حضور می یافت. پیش از انقلاب به سبب مبارزات سیاسی و سخنرانی در شهرستانها دو بار دستگیر و زندانی شد یک بار در سال 54 به مدت دو هفته و بار دیگر در سال 56 به مدت 9 ماه. با پیروزی انقلاب اسلامی در کنار فعالیتهای درسی به تلاشهای فرهنگی و تبلیغی در شهرستانهای مختلف پرداخت، با صدا و سیما امور تربیتی آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، سپاه پاسداران و بخش فرهنگی بنیاد شهید و جهاد سازندگی همکاریهای فرهنگی و قلمی داشت، در عرصه مطبوعات دینی و مجلات انقلابی و مذهبی فعالانه همکاری داشت و با نگارش سلسله مقالاتی در

زمینه های هنری، اخلاقی، اجتماعی، مباحث قرآنی و تربیتی، خانوادگی، در مجلاتی همچون : عروة الوثقی، پیام انقلاب، پیام زن، حوزه، مکتب جبهه، مکتب انقلاب، امید انقلاب، کمیته، پیام هلال، میقات حج، کوثر، فرهنگ جهاد، پاسدار انقلاب، پرسمان، حدیث زندگی، افق خانواده، مسجد دانشگاه همچنین با همکاری قلمی با روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان و هفته نامه «صبح صادق» و«ری» و نشریه «زائر» در ایام حج، در طول سالیان متمادی حضور ادبی و فرهنگی داشت. چند سال در اوایل انقلاب با حضور در دانشگاههای مختلف و تدریس تاریخ اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی، منطق و موضوعات دیگر نیز حضور مکرر در مجامع دانشگاهی و جمعهای دانشجویی و اردوهای دانش آموزی و سمینارهای فرهنگی و تربیتی آموزشی و پرورش معلمان، در فضای فکری اجتماعی جوانان حضوری اثر گذار داشت. یک بار هم سفری دو ماهه به جنوب لبنان و ارتباط و همکاری با حزب الله داشت. نه سفر هم به حج رفته است. وی به دلیل بر خورداری از قریحه شعر و سابقه شاعری که به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد در بسیاری از مجامع ادبی و محافل شعری و شبهای شعر بویژه در اوایل انقلاب به عنوان یک حوزوی شاعر و خوش ذوق حضور می یافت و آثار خویش را عرضه میکرد و این حضور نقش مثبت و بسزایی داشت. از ویژگیهای خاص او بعد ادبی و قلمی است و به همین جهت در راستای انتقال تجارب قلمی و نگارشی خویش به نسل جوان حوزه از پیش از انقلاب تا حال حاضر پیوسته در مدارس مختلف حوزه علمیه (چه جامعة الزهرا و چه مدارس برادران و چه مراکز تخصصی حوزه) آموزش ادبیات فارسی و روش نگارش و تحقیق داشته است و در این زمینه کتاب (روشها ی) او به عنوان یک متن آموزشی فشرده به شمار می رود وی همچنین در مراکز مختلفی به عنوان عضو هیئت علمی، طرح و برنامه، بررسی و نظارت حضور و همکاری داشته است.

محدثی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد محدثی جامی از دانشمندان خدوم معاصر است که در تأیباد خراسان میباشد. وی در سال 1311 شمسی در تربت جام متولد شده و پس از پرورش در سن 16 سالگی بنجف اشرف مهاجرت و مدت یکسال و نیم در آنجا اقامت نموده و ادبیات و مقدمات را خوانده سپس مراجعت بمشهد نموده و در حوزه آستان قدس رضوی علیه آلاف‌التحیه والثناء با مواجه شدن با مشکلات و آشفتگی‌های زندگی ادامه بتحصیل داده و بعد از پایان دوره مقدمات سطوح را از عالم ربّانی حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و علامه جلیل معاصر آقای وحیدی خراسانی و اساتید دیگر تکمیل نموده و از محضر و درس خارج حضرت آیه‌الله العظمی میلانی مدظله‌العالی کسب فیض کرده و برای ترویج دین و تبلیغ احکام آئین مقدس اسلامی بشهر مرزی تأیباد (طیبات) مهاجرت و تاکنون در آن ناحیه بخدمات دینی اشتغال دارد بطوریکه از بعضی از ثقات دانشمندان مشهد شنیدم جناب آقای محدثی خدمات ارزنده‌ای در تأیباد و حومه آن انجام داده و بسیاری از اهل سنت آنجا را بمحبت و ولایت اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نزدیک و هدایت و از پیشرفت فرقه ضاله و مضلّه بهائی در آن نواحی جلوگیری نموده‌اند.
آثار قلمی معظم‌له یک سلسله مقالاتی بنام (بوستان دوستان) و غیره میباشد طبع سلیس و روانی دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

محرابی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محرابی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/19
زندگینامه علمی
سال 1361 پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال 1371 دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهای گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.
در کنار درس خارج، از حدود سال 1374 در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسرا، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی وحوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیاز ها و پرسش های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب های بدایه، نهایه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآاوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.
علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه ها و کلاس های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات

گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از 10 سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.
عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی ، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسرداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محرم یزدی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1294 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به محرم. در یزد به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و تخلص او را برای خود برگزید. وی پس از تکمیل علوم ادبی به عتبات سفر کرد و از آنجا به کرمانشاه رفت. سپس به تهران آمد و مداح محمد شاه گردید و شاه به او لقب ملک‌الشعرای عراقین داد. او همچنین میرزا آقا خان نوری را مدح کرده است. محرم به زبان فرانسه تسلط داشت و در مدرسه‌ی دارالفنون فرانسه تدریس می‌کرد. وی اشعاری نیز در مدح اهل‌بیت و مراثی سیدالشهداء (ع) دارد.
از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (301 -296)، حدیقة الشعراء (1554 -1551/ 3)، الذریعه (974 ،703/ 9)، طرائق الحقاق (401/ 3)، فرهنگ سخنوران (808)، المآثر و الآثار (215 -214)، مجمع الفصحا (963 -955/ 5)، مصطبه‌ی خراب (183 -182)، مؤلفین کتب چاپی (30 -29/ 4)، یغما (س 12، ش 10، ص 457 -455).

محسن بن عبدالصمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا عبدالصمد، فاضل ادیب فوت شعبان 1270.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محفوظ، حسین علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنوان :نگاهی به زندگی پر بار استاد دکتر حسین علی محفوظ
نویسنده : عبدالحسین طالعی(*)
چکیده :این گفتار به زندگی نامه و آثار علمی دکتر حسین علی محفوظ ، استاد فقید عراقی(1344-1430) هجری قمری /1926-2009 میلادی) می پردازد. برخی از بزرگان خاندان علمی او که هشت سده تاریخ درخشان دارند، شرح حال مختصر و برخی از تألیفات و تلاش های علمی او ، کوشش پی گیر او در احیای سنّت حسنه روایت حدیث ، فهرستی از مشایخ روایتی او ، در این گفتار آمده و در پایان ،منابعی برای آشنایی با شخصیت او و دو سند منتشر نشده درباره ارتباط علمی ایشان با استاد فقید سیدجلال الدین محدث ارموی آمده است.
کلید واژه : محفوظ، حسین علی /دانشگاه بغداد/ اجازه روایت حدیث/ محدث ارموی ، سیدجلال الدین /تاریخ عراق ، قرن 14 و 15 هجری قمری.
علی ابن جعفر(علیه السلام) : عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد.(1)
سرکشید از خاک ، آن دانا که داشت در جهانِ فضل و بر ملک معانی سروری
پیشوای اهل تحقیق و خداوند ادب کعبه ی معنی شناسان قبله دانشوری(2)
23 محرم سال 1430 شاهد ضایعه ی فقدان یکی از دانشمندان کم نظیر بود که بیش از هشتاد سال عمر خود را به تعلم و تعلیم و فراگرفتن و آموختن و پژوهش و نگارش گذرانده بود.
استاد دکتر حسین علی محفوظ ، پژوهشگر میدان دانش های مختلف ، که شهرها و دیارها را در پی جهاد علمی خود زیر پا نهاده و درهرجای ، آثار و برکات حضورش نمایان بود.
خاندان
آل محفوظ ، خاندان علمی است ، بس کهن وریشه دار از شهر فرهنگ خیز «حلّه»
که از قرن هفتم هجری تاکنون بزرگانی در خود پرورده و عالمانی به امّت اسلام شناسانده است.

شیخ شمس الدین محفوظ ابن وشّاح بن محمد اسدی حلّی ، جدّ اعلای این خاندان ـ در قرن هفتم ـ یکی از افتخارات خود را انتساب به «بنی اسد» می دانست که روز عاشورا ، چه با تقدیم شهیدی کهن سال به آستان مقدس ابی عبدالله (علیه السلام) جناب حبیب بن مظاهر اسدی ، و چه با خدماتی که پس از رویداد کربلا به خاندان و زائران حضرتش داشتند ، نیکوترین نام را در تاریخ به جای نهادند.
آل محفوظ ، از سوی دیگر ، بنی عمّ «آل مطهر» به شمار می آیند ، که علّامه حلی و فرزندش فخرالمحققین ، از این خاندان هستند.
صاحب کتاب «غررالدلائل» ـ که در شرح قصاید علویه هفتگانه ابن ابی الحدید نگاشته ـ در آغاز کتاب خود تصریح می کند که این قصاید را در سال 680نزد استادش شیخ شمس الدین ابومحمد محفوظ بن وشاح در خانه اش در حلّه خوانده، و استاد ، آن قصاید را از ناظم آن (ابن ابی الحدید) روایت می کرده است.
شیخ حسن بن شهید ثانی در اجازه کبیره ، شیخ حر عاملی در امل الامل ، شیخ محمد سماوی در کتاب الطلیعه و علّامه امینی در الغدیر ، مراتب علمی او را ستوده اند. وبزرگانی مانند ابن داوود حلّی در رثای او اشعاری سروده اند.
فرزندش تاج الدین ابوعلی محمدبن محفوظ نیز از بزرگان علم و ادب بود.
شیخ حر عاملی در امل الآمل ، ابن فوطی در تلخیص مجمع الآداب و صفی الدین حلّی در دیوان خود ، او را ستوده اند . و قصیده ی صفی الدین حلّی در مدح و رثای او قصائدی سروده است . وی در سال 685 جانشین عزالدین احمد زنجانی قاضی القضاه حلّه شد.
شیخ حسین محفوظ ،از تبار او بود که در سال 1171 درهرمل (لبنان) زاده شد و در سال 1182 به عراق آمد ودر کاظمیه سکنی گزید. اونزد سید عبدالله شبّر،
مراتب علمی را پیموده و در سال 1262 درگذشت.
سید حسن صدر در تکمله ی امل الآمل ، با اشاره به زهد عملی و تلاش عملی وی ، او را همراه با شیخ حسین نجف به عنوان «حسینین» نام می برد. شیخ مرتضی انصاری نیز او را «سلمان زمان و ابوذر روزگار خود» می خواند .
بیش از صد عالم در این خاندان شناخته شده اند که مجال بیان نام های آنها ، خود رساله ای مفصل می طلبد که مرحوم دکتر محفوظ در دو کتاب خطی خود «تاریخ آل محفوظ» و «تاریخ الهرمل» به تفصیل آورده و در این اجمال نمی گنجد.
علاوه بر عراق ، در جای جای لبنان و سوریه نیز ، بزرگانی از این خاندان می توان یافت . از جمله نسب پطرس بستانی(متوفی 1883 میلادی) ،

سلیمان بستانی (م1925) ، ودیع بستانی(م1954) ، و فؤاد افرام بستانی در لبنان نیز به همین خاندان می رسد.

نسب

حسین بن الشیخ علی (م1355 ق) ابن الشیخ محمد الجواد(1358ق) ابن الشیخ موسی(1320ق) ابن الشیخ حسین(1262ق) ابن الشیخ علی(1222ق) ابن الشیخ محمدابن الشیخ علی ابن الشیخ محفوظ، مشهور به دکتر حسین علی محفوظ ، در روز دوشنبه 20شوال 1344 قمری (3 دسامبر 1926) در کاظمیه ، محله الشیوخ ، شارع قریش ، در خانه ی قدیمی خانوادگی خود دیده به جهان گشود. مادرش سیده خدیجه(م1410ق) دخت سید هاشم صائغ(م1374ق) ، از کتاب دودمان جناب زیدبن علی بن الحسین(علیه السلام) بودند که ابن حزم اندلسی درکتاب «جمهره انساب العرب» ، به ریاست این خاندان در کوفه و بغداد اشاره کرده است.

زندگی نامه علمی

دکتر محفوظ در مدارس کاظمیه و بغداد درس آموخت . در سال 1948 از دارالمعلمین العالیه در بغداد لیسانس ادبیات (زبان عربی) و در 1955 ، در رشته ی ادبیات شرق (ادبیات تطبیقی) دکترا گرفت . درسال 1950 به دعوت دانشگاه تهران به تحصیل در مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی پرداخت و در سال 1957 از رساله دکترای خود تحت عنوان «المتنبّ و سعدی» دفاع کرد. در همین زمان ، در سال 1952 به عضویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

دکتر محفوظ ،در زمان کودکی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت عمویش استاد محمد محفوظ درآمد. از عموی دانشمند و مادر فاضل خود بسیار درس آموخت و از کتابخانه موروثی خانوادگی بهره فراوان برد . علاوه بر دروس رسمی دانشگاهی ، دروس حوزی را نزد علمای روزگار خود فراگرفت . در کنار آن ، دروسی همچون علم انساب ، نجوم ، ریاضیات ، طب قدیم ، منطق ، فلسفه را نیز آموخت . در طول سالهای تهران ، زبان فارسی باستان را از استاد ابراهیم پور داوود ، زبان پهلوی را از دکتر صادق کیا، زبان اوستایی را از دکتر محمد مقدم و زبان سانسکریت را از پرفسور کنعا راجا آموخت. با استاد بدیع الزمان فروزانفر که استاد راهنمای رساله اش بود ، و نیز استاد دکتر سید محمد مشکاه بسیار مأنوس بود. دکتر محفوظ می گفت: زمان عزیمت از بغداد به تهران ، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی ـ که در سال 1367 قمری به من اجازه روایت حدیث داده بود ـ طی نامه ای مرا به دکتر مشکاه معرفی کرد. و دکترمشکاه ، پس از آن ، لطف و محبت خاص خود را از من دریغ نمی داشت . دکتر محفوظ ، با وجود تبحّر در علوم مختلف ـ که بیش از 1500

اثر در موضوعات گوناگون نگاشت ـ خود را «خادم علوم القرآن و علوم الحدیث» و «سبط اهل البیت (علیه السلام)» می دانست.
سرودن شعر را از 13سالگی شروع کرد، در سال 1939 که چند بیت در وصف بهار سرود ، که به این فن تا آخر عمر مداومت داشت.
دکتر محفوظ سه سال (1961-1963) در دانشکده علوم شرقی دانشگاه لنینگراد سابق (سن پترزبورگ فعلی) در روسیه ، برکرسی شیخ محمد عیاد طنطاوی نشست و به تدریس ادبیات عرب پرداخت ، و به لقب «استاد المستشرقین» دست یافت. در سال 1969 بخش پژوهش های شرقی را در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد بنیان نهاد که تا سال 1973 در سمت ریاست آن باقی بود.
از سال 1975 به بعد، درباره ی نسخه های خطی پژوهش های مختلفی به سامان برد که آثاری همچون مصطلحات المخطوطات ، مصطلحات المکتبه العربیه ، مصطلحات المخطوطات ، مصطلاحات المکتبه العربیه، مصطلحات الخط، مصطلحات الرسم و النقش و التزویق ، علاوه بر فهرست مخطوطات کتابخانه های مختلف در عراق ، ایران ، آذربایجان و روسیه در این زمینه ،بر جای نهاد.
از سال 1978 به بعد ، چندین اثر ماندگار درعلم تقویم از او به جای ماند، که برخی ابتکاری بود ، مانند : دائره الاهلّه(1978) ، دائره التقویم (1979)،تقویم القرآن الخامس عشر الهجری(1979) ، جدول الأدوار و الکبائس ستّه آلاف سنه الهجریه (1979) ، اوائل الشهود الاثنی عشر فی القرن الخامس عشر(1981).
به آمار در پژوهش های خود بسیار بها می داد. به عنوان نمونه ، در پی یک پژوهش طولانی در مورد میزان اثرگذاری زبان عربی بر چند زبان دیگر ، به این نتایج دست یافت:
زبان اردو 41/95% ، زبان تاجیکی46/39% ، زبان ترکی 49/70%، زبان فارسی 60/67%
نیز : از یک پژوهش در آثار 1340 شاعر و 160 نویسنده ی شرقی(غیرعربی) به این نتیجه رسید که الفاظ عربی در آثار اینان ، 52% در شعر و 70% در نثر به کار رفته است .
دکتر محفوظ در نوشتن فرهنگ های تخصصی ید طولایی داشت ، از جمله : معجم الآلات و الأدوات ، معجم العلامات و الرموز، معجم الاضداد ،معجم الالوان ،
مصطلحات النقود ، معجم الصنّاع و البیّاعین و المحترفین ، معجم الموسیقی العربیه.
به تاریخ شهرهای اسلامی اهتمامی تمام داشت ، به ویژه تاریخ عتبات عالیات ، که تحقیقات او در این زمینه ، در دوره «مرسوعه العتبات

المقدسه» انتشار یافت.
در جهت برگزاری مجالس بزرگداشت بزرگان علم و ادب ، بسیار می کوشید ، مانند : هزاره ی کندی فیلسوف ، هزاره سید رضی ، هزاره ی شیخ صدوق ، هزاره ی صاحب بن عباد ، هزاره ی شیخ مفید، بزرگداشت صفی الدین ارموی وابن رحمه حویزی و ابن سینا و فارابی و فضولی بغدادی و...
در طول این سالها ، استدراک بر کتابشناسی هایی مانند کشف الظنون ومعجم المطبوعات نوشت.
عضویت در فرهنگستان زبان ایران (1952) ، جمعیت سلطنتی آسیایی لندن مجمع(1954) ، مجمع اللغه العربیه قاهره(1956) ، ممجمع علمی علیگره هند(1976)، علمی عربی دمشق(1993) و مجامع دیگر ، در کارنامه ی اوست.
و این تلاش علمی ادامه داشت تا اواخر عمر پربار خود که همراه با دو تن از یاران همراه ، به تصحیح و تحقیق کتاب پر ارج «تکلمه امل الآمل » نوشته علامه محقق سیدحسین صدر پرداخت و متن کامل آن را برای نخستین بار در شش جلد در لبنان منتشر کرد.
نگاه تقریبی او ـ در عین تصلب به مبانی شیعی ـ بسیار دیدنی بود. استاد بر اساس آماری که از احکام شرعی استخراج کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که تنها 8/3% درصد از احکام فقهی مورد اختلاف میان مذاهب اهل قبله است که در آن میان فقط 0/56% از آن ، حکم مختص شیعه امامیه است.(متن کامل این مقاله را دکتر محفوظ به نگارنده ی این سطور مرحمت فرمود که تلخیص آن در سفینه شماره 15، ص182-188 به چاپ رسید.)
در تصلب او به مبانی شیعه و بزرگان آن ، کافی است به یک نکته اشاره شود.
یکی از آثار جاودانه دکتر محفوظ ، رساله ای درباره ثقه الاسلام کلینی و کتاب شریف کافی است که در سال 1374 قمری نوشته اند و در مقدمه کتاب کافی (با تحقیق استاد فقید علی اکبر غفاری) آمده است.
استاد علی اکبر غفاری درباره ی این رساله می نویسد:«هي معربه عن مكائه الاستاذ فی الثقافه الاسلامیه و شموخه فی الادب و تضلّعه و براعته فی الدرایه و الحدیث . فزیّنا الكتاب بهمقاله تقدیراً لسعیه و إكباراً لمقامه».
و آیت الله سید محمدرضا حسینی جلالی درباره ی آن می نویسد:«از شاهکارهای ایشان مقدمه بر چاپ کتاب الکافی مرحوم کلینی است که در تهران چاپ شده که با این کار ، علاقه و عشق آقای دکتر محفوظ به حدیث و علوم آن نمایان شد».

این رساله با زبان انگلیسی ترجمه شده ودر ابتدای نخستین مجلّد ترجمه انگلیسی اصول کافی (ترجمه آیت الله شیخ محمدرضا جعفری نجفی تحت عنوان "Al-Kulayni and Al Kafi") درج شده است.
(چاپ تهران : سازمان جهانی خدمات اسلامی WoFis ، ج1، ص27 تا46)
ایشان به نگارنده ی سطور می فرمود:«وصیت کرده ام نوشته هایی را که در مورد ثقه الاسلام کلینی نوشته ام ، همراه با من دفن شود ، باشد تا از شفاعت آن بزرگوار در روز قیامت بهره مند شوم.»
روایت حدیث
از نقاط روشن و برجسته در زندگی دکتر محفوظ ، تداوم راه استادش شیخ آقا بزرگ تهرانی در بر پایِ رایتِ اجازه ی حدیث است . وی ، از زمانی که نخستین اجازه ی روایی خود را در سنّ بیست سالگی ، از شیخ آقا بزرگ گرفت ، تا آخر عمر پربار خود ، نزدیک به صد اجازه ی روایتی ، ، از محدثان شیعه امامی زیدی ، اسماعیلی ، حنفی ، حنبلی ، مالکی ، شافعی در زمینه های حدیث ، قرائت قرآن، اذکار و ادعیه ، خط ، استخاره ، علوم غریبه گرفت . و خود به صدها تن اجازه ی روایتی داد.
این اجازات در شهرهای مختلف بود، از جمله : نجف ، کاظمین ، سامرا ، صور (لبنان) ، طنجه ، فاس (مغرب) ، تهران ، قم ، زنجان ، بغداد، دمشق ، اصفهان ، سمنان ، سبزوار ، پطرزبورگ ، مدینه ، بعلبک ، بصره ، موصل ، علیگره ، إربیل (عراق) ، لندن ، صنعاء(یمن) ، تلمسان(الجزایر) ، بعقوبه (عراق) ،هرمل (لبنان)
دکتر محفوظ ، چه در خاطرات شفاهی خود و چه در نوشته های کتبی ، همواره تواضع خود را نسبت به علما و مراجع تقلید شیعه نشان می داد و استجازه ی آنها از خود را ، نشانه ی تواضع آنها می دانست . از جمله در جایی می نویسد: «مرجع اکبر اقدم سیدابوالقاسم خویی (قدس الله سره) از من خواست که به او اجازه روایت دهم ، در زمانی که به زیارتش مشرف شدم ، در حالی که من سی سال داشتم و او پیرمردی سالخورده بود. این نهایه تواضع و آخرین حدّ خفض جناح بود، که علوم حدیث ، «روایه الأکابر عن الأصاغر» نام دارد. من به راستی حیا کردم ، سکوت بر من غالب شد، در برابر هیبت چنان بزرگی...».
دکتر محفوظ در ارجوزه ای کوتاه، ازهمین مجلس چنین یاد می کند:
قال :«أجزنی أنت» ینهلّ سنامشعشعا ، لمّا استجزته انا
قال : أجزنی ، فسکتّ ادباً
وهیبه و خجلاً و رهبا
أکاد من فرط الحیا أذوب
والقلب قد قطّعه الوجیب
و مالمثلی أن یجیز مثله

و كلّ و بل لايجارى طلّه
لكنّه تواضع الكبار
اذا حنوا فضلاً على الصغار
و هو تواضع الأعزّ الأجلل
ما يخفض الجناح إلّا أمثل
و انّها روايه الأكابر
إذا روى الشيخ عن الأصاغر
و ذاک حقّاً شرف عظيم أرفع لا تناله النجوم
قد خصّنى بلطفه إحساناً
و من يضاهى ء الحيا تهتانا
پى نوشت ها:
*عضو هيئت علمى دانشگاه قم.
1-كافى،كتاب فضل العلم ؛باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء ،حديث 8.
2-بخشى از قصيده ى استاد بديع الزمان فروزانفر در رثاى ميرزا محمد خان قزوينى.
منابع زندگينامه :فصلنامه تخصصى مطالعات قرآن و حديث سفينه،شماره 21.

محقق تهرانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ رضا محقق تهرانی از علماء و مجتهدین مبرز معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1332 قمری در تهران متولد شده و پس از بلوغ و خواندن اولیات و سطوح در سال 1365 قمری عصر ریاست آیت‌اللّه العظمی بروجردی رضوان اللّه علیه به قم آمده و از محضر آن مرحوم و آیات دیگر استفاده نموده و پس از چند سال به تهران مراجعت و بتدریس سطح و خارج پرداخته و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد بازار آهنگرها و گفتن درس خارج برای عده‌ای از فضلاء تهران اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آن جناب عالمی محقق و دانشمندی مدقق است دارای آثار علمی می‌باشند که از آنها شرح بر شرایع الاسلام بنام حقایق الفقه است که قسمتی از آن بطبع رسیده است.
و ایشان عدیل و باجناق حجة‌الاسلام و قدوه العلماء الاعلام آقای آقا شیخ جواد خندق‌آبادی تهرانی که از افاضل علماء و مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم و تهرانند، می‌باشند.
آقای خندق‌آبادی مزبور از بیت علم و فضیلت و دارای مقام فضل و تقوا و ورع و موصوف بکمال و معنویت است. وی چندین سال در حوزه علمیه قم اشتغال بتدریس و کسب فیض از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بودند و ضمنا تدریس کفایه و مکاسب و غیره می‌نمودند و بسیاری از فضلاء تهرانی معاصر از شاگردان او می‌باشند. در جمع و تربیت جامع الاحادیث آیت‌اللّه بروجردی سهم بسزائی دارند و از این جهت و جهات دیگر مورد توجه مخصوص آیت‌اللّه و محسود بعضی از اقران بودند که پس از فوت آن مرحوم قم را ترک نموده و از شرکت در مجامع عمومی و اجتماعات و معاشرت خودداری و مهر سکوت بر زبان و بحال مخصوصی ایام خود را می‌گذراند و آیا مفاد فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام که می‌فرماید:
(فسدالزمان و تغیرت الاخوان و تغلبت الاعیان فرایت الانفراد اسکن للفواد) را مطالعه نموده و تغییر رژیم و روش سابق خود داده و یا امری دیگر موجب این حالت او شده چه عرض کنم (العلم عنداللّه) ای حال مردی کم‌نظیر و از جهات اخلاقی و روحی و معنویت نادره زمانست.
محمدرضا محقق تهرانی فرزند مرحوم آقاحسین کرمانی یکی از

دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران می‌باشد. ایشان در سال 1332 قمری در تهران متولد شده مقدمات و ادبیات را در قم خوانده و پس از آن به مشهد مشرف شده و دروس نهائی را از آیت‌اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم دامغانی و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده در دروس خارج آقا محمد آقازاده کفائی و آیت‌اللّه العظمی حاج‌آقا حسین قمی شرکت نموده و دروس معارف را از مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدمهدی غروی اصفهانی استفاده کرده و پس از جریان مسجد گوهرشاد در سال 1314 شمسی و تبعید آیات عظام خراسان و تعطیلی حوزه علمیه مشهد ناچار به تهران برگشته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بهره‌مند شده و سپس به قم آمده و از محضر آیات ثلاثه قم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر استفاده نموده و به تهران آمده و مدتی اقامت و پس از ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی باز به قم برگشته و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی به درس خارج معظم‌له شرکت و استفاده نمود سپس به مشهد عزیمت و به مدت دو سال توقف و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران بازگشته و در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول مشغول شده تا در سال 1358 شمسی که به علتی دروس را تعطیل و به تألیف موسوعه حقایق الفقه در شرح شرایع‌الاسلام پرداخته و تاکنون حدود پنجاه جلد از آن چاپ و حدود بیست جلد دیگر در دست تألیف و طبع می‌باشد و ضمنا آن جناب در مسجد خندق‌آباد واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق خراسانی، عباس علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم حاج شیخ عباس علی محقق واعظ خراسانی از اساتید و مشاهیر وعاظ ایران در تاریخ چهارشنبه پانزدهم ماه صفر 1310 ق در مشهد مقدس متولد گردیده و در مراحل تحصیل ادبیات را نزد والد محترمش عالم کامل و ادیب فاضل مرحوم حاج ملا بمانعلی محقق که از وعاظ عالی مقام خراسان بودند فراگرفته و فقه و اصول را از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا محمدباقر مدرس رضوی و آیت‌اللّه حاج شیخ حسن برسی اعلی اللّه مقامهما و فلسفه را از مرحوم قدوه المتألهین آقای آقا بزرگ شهیدی و اسوه الحکماء آقای حاج شیخ محمدعلی فاضل خراسانی رضوان اللّه علیهما استفاده نموده سپس از طریق وعظ و تبلیغ بارشاد و هدایت مردم پرداخته و عمر پر برکت خود را بالغ بر شصت سال صرف مطالعه کتب مختلف نموده و با ذوق سرشار مخصوص بخود در بیان مطالب متنوع الحق محقق بود.
مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب و دلها بسیار مؤثر به طوری که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار داده بالاخص اهل فضل و کمال منبر ایشان را مغتنم می‌شمردند.
استاد نکته سنج خردمندی
کاندر سخن سرآمد اقران بود
در بوستان ذوق و سخن گفتن
باغی پر از بنفشه و ریحان بود
فردی ادیب و فاضل و دانشمند
مردی سخن‌شناس و سخندان بود
سرمایه فضیلت و تقوا داشت
سرچشمه‌ی حقیقت و ایمان بود
در سایه مناعت و استغناء
وارسته از علایق دوران بود
در سال 1352 ه.ق با عتاب مقدسه مشرف در نجف اشرف شبها بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی در صحن مطهر منبر رفته و حضرت آیت‌اللّه با حضور خود در آن مجلس علاقه خود را بمنبر ایشان ابراز و به آقایان فضلاء و طلاب توصیه می‌فرمودند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند.

معظم له تا سال 1353 هجری در مشهد مقدس سکونت داشته و مسافرتهائی بنقاط مختلف و شهرهای شمال و جنوب ایران نموده و مورد توجه مردم خاصه آقایان علماء اعلام بوده و از آن سال به بعد در تهران رحل اقامت افکنده و در بسط معارف اسلامی و انجام وظیفه تبلیغ سعی کافی و جهد وافی داشته‌اند.
در سال 1363 ق مجدداً با عتاب مقدسه تشرف حاصل در کربلاء مجلسی که مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بمناسبت اربعین و دهه آخر ماه صفر منعقد نموده و سایر مجالس در نجف مسجد مرحوم شیخ انصاری قدس سره بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه آقای آقا سید عبدالهادی شیرازی بیست و پنج شب منبر رفته و آن مرحوم درس شب را تعطیل و خود در مجلس حاضر بودند و بر اثر ازدحام و کثرت جمعیت جائی در مسجد باقی نمانده و مردم در کوچه ایستاده و استماع می‌نمودند.
و مدت توقف در نجف در ضیافت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و داماد محترمشان مرحوم حجةالاسلام آقای حاج سید جواد اشکوری از ایشان پذیرائی می‌نمودند.
در سال 1364 ق طبق دعوت آقای حاج آقا محمد آقازاده برای مجلس ایام فاطمیه ایشان به قم آمده و پس از پایان آن مجلس باصرار آقایان علماء و فضلاء دو ماه در قم توقف نموده و به خواهش آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری که از علماء و شخصیت‌های بارز حوزه علمیه هستند در مجلس مدرسه فیضیه ایشان پس از علامه بزرگوار خطیب توانا مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشراقی در منبر مطالب معظم له را کاملا تعقیب و مورد قدردانی و تحسین واقع و خاطره آن منابر جامع هنوز محو نشده است.
در سال 1365 ق نیز با عتاب مقدسه مشرف و قریب دو ماه بعد از نماز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی در منبر سوره یوسف را بیان کرده تا آنجا که برادرها یوسف را در چاه انداختند سال بعد مرحوم آیت‌اللّه گلپایگانی پیغام دادند که منبر شما سال گذشته به آنجا رسید که یوسف در چاه انداخته شد امسال مشرف شوید و یوسف را از چاه بیرون آورید سال 1366 ق هم تشرف پیدا کرده و متجاوز از پنجاه شب منبر رفته و سوره یوسف را ختم نمودند.
در اواخر عمر چند سال متوالی بخواسته و امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی سه ماه ذیحجه و محرم و صفر را به قم آمده و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر میرفتند یکسال بخواهش طلاب از شب اول ذیحجه معراج پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله را شروع نموده و تا آخر ماه صفر در ایام مجالس این بحث ادامه داشت سالی دگر مبادی هجرت را بیان نموده آنهم تا پایان ماه صفر ادامه یافت و آقایان طلاب منابرشان را می‌نوشتند و

معتقد بودند که یک منبر ایشان از لحاظ مواد مطابق ده منبر است.
آن مرحوم در صبح سه‌شنبه دوم شهر ذیقعده 1383 ق ندای حق را لبیک گفته و در بلده طیبه قم در حجره قبرستان بیات در مجاورت آستان ملک پاسبان حضرت معصومه علیهاالسلام سر بخاک سپرد.
از ایشان چهار فرزند ذکور باقی مانده که ارشد آنها دانشمند معظم آقای حاج آقا هادی محقق واعظ است که چند سال در قم بتحصیل اشتغال داشته ثمری از آن شجره هستند و از جهات اخلاق و فضائل و عمل بر رویه پدر ثابت و مستمر و اکنون از فضلاء اهل منبر تهران میباشند.
و دیگر آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهرانست که سه سال مقام استادی دانشگاه مک گیل کانادا را داشته و در آنجا خدمات ارزنده‌ای بعالم تشیع نموده و در شناساندن علماء شیعه مخصوصا مرحوم حاج ملا هادی سبزواری و آثار علمی آن مرحوم سهم بسزائی داشته موسسه‌ای بنام مطالعات علوم اسلامی در تهران تشکیل داده و با تشریک مساعی دانشگاه مک گیل منظومه حاجی را با سبک نوینی چاپ و همکار ژاپونی خود پرفسور ایزستو مقدمه جامعی بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته‌اند.
دو فرزند دیگر ایشان در رشته‌ی کسب و بازار هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(940/ 938/ 937 -868 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (984 -930 ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعانی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی 945 ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعة»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «الفیه‌ی» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیة»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریة»؛ رساله‌ی «العدالة»؛ رساله‌ی «الغیبة»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیرة الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است. [1]
شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف.

نجف.940 ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاة ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (91/ 5)، اعیان الشیعه (213 -208/ 8)، حبیب السیر (610 -609/ 4)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (178 ،165 160،/ 2)، الذریعه (251 -250 ،72/ 24 ،7/ 17 ،110/ 15 ،107 ،24 16، -15/ 6 ،73 -72/ 5 ،271 ،55/ 2 ،293 ،93/ 1)، روضات الجنات (359 -346/ 4)، ریاض العلماء (460 -441/ 3)، ریحانه (249 -244/ 5)، شهیدان راه فضیلت (217 -199)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 161 -160/ 10)، عالم آرای عباسی (458 ،154 ،146 ،144/ 1)، فقهای نامدار شیعه (184 -176)، فوائد الرضویه (306 -303)، قصص العلماء (348 -346)، کارنامه‌ی بزرگان (187 -186)، الکنی و الالقاب (162 -161/ 3)، معجم المؤلفین (74/ 7)، وقایع السنین و الاعوام (462)، هدیة الاحباب (236)، هدیة العارفین (744/ 1).

محقق، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محقق رفسنجانی از فضلاء اهل منبر معاصر است
وی در سال 1301 شمسی در داوران رفسنجان متولد شده و در اوائل طفولیت که آثار روشنی و نبوغ در سیمایش ظاهر و فوق‌العاده تشنه علم و دانش بوده ولی از جهت محیط عوامل بر ایشان فراهم نشده تا اینکه والدین ایشان منتقل به رفسنجان شده و رحل اقامت افکنده و بر اساس همان معنویت و روح پاک و اخلاص به ساحت قدس ائمه علیهم‌السلام شبی در عالم رؤیا به زیارت حضرت رسول اکرم و امیر مؤمنان علی (ع) نائل شده و حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله می‌فرمایند قرآن را بردار بخوان
عرض می‌کند نمی‌توانم بخوانم فرمودند امر می‌کنم ایشان اطاعت نموده و شروع به خواندن قرآن می‌نماید
و چون از خواب بیدار می‌شود قرآن راه گشوده می‌بیند که به خوبی تمام قرآن را می‌تواند بخواند پس شوق مفرطی به تحصیل علم پیدا نموده و در طلب استاد لایقی برآمده و موفق به جماعت آیت‌اللّه غروی گردیده و راز خود را با معظم له در میان گذارده و ایشان استمداد می‌کند آنجناب هم با آغوش باز وی را پذیرفته و به تربیت او می‌پردازد.
پس شروع به تحصیل نموده و مراتب مقدمات و فقه و اصول را تا دوره خارج نزد ایشان و مرحوم آیت‌اللّه نجفی فراگرفته و در رشته وعظ و تبلیغ و ارشاد وارد شده و مدت 35 سال در رفسنجان به خدمات دینی اشتغال داشته و از سال 1350 شمسی در اثر عوامل داخلی منتقل به تهران و اکنون در مدرسه شاه‌چراغی به تدریس و در مجامع دینی به وعظ و خطابه اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

محقق، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی محقق در سال 1308 شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا سال 1339 به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال 1337 دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال 1338 دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال 1346 به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال 1348 تا 1357 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال 1347 شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از

این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال 1317 با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال 1321 وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت 4 ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال 1327 در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های 1327 و 1330 همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال 1330 برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال 1333 لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال 1334 با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال 1336 دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال 1337 دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال 1348 تا 1357 مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.
فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا 1339 به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال 1340 به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال 1344 به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال 1347 شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - 1334) ، انجمن

شعر لندن (1340) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - 1341) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - 1343) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - 1345 ، نیوهاون - 1346 و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - 1347) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - 1346) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - 1346). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .
جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: \ اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ِناصرخسرو» نیز از آثار وی

است که درباره این اثر این چنین میگوید: \تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید: \ این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود. ----------

آثار :

1 بستان الاطباء
2 بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی
3 تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو
4 تحلیل اشعار ناصر خسرو
5 ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری
ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.
6 تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »
ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)
7 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار
8 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی
9 شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی
10 شرح باب حادی عشر علامه حلی
11 شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو
12 شیعه درحدیث دیگران
13 فیلسوف ری
14 فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی
15 مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی
16 مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل
17 وجوه قرآن
18 یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- 25-12-1381 "امروز با دکترمهدی محقق"2lبرگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، 255 ـ3کیهان فرهنگی ،شماره 3 ، خرداد 13664مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی 1و 2 ، آذر 13475میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل 12 ، زمستان 1372 ، ص13

محققی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام استاد بزرگوار مرحوم حاج محمد محققی لاهیجانی از علماء ابرار و فضلاء اخیار در علوم جدیده استاد و دارای رتبه دکترا و در علوم قدیمه مجتهد و مدرس سطوح عالی معقول و منقل بوده‌اند.
در سال 1328 ق در لاهیجان متولد شده و پس از رشد و خواندن دروس جدید تا پایان متوسطه و گرفتن دیپلم به دروس قدیمه پرداخته و برای تکمیل آن به شهر مقدس مهاجرت و چندین سال در آنجا اقامت و سطوح اولیه و وسطی را خوانده و پس از آن به قم آمده و سطوح را در نزد میرزا محمد همدانی و آیت‌الله خوانساری و دیگران تکمیل نموده و به درس آیت‌الله العظمی حایری شرکت و بعد از فوت آن مرحوم در اثر فشار زندگی و دولت وقت چندی به تجارت پرداخته تا در سفری که به شهر ری آمده و در خدمتشان به دیدن مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج شیخ محمدتقی بافقی رفتیم و ایشان را شناختند بیاناتی کردند که مرحوم محقق را تحت‌تاثیر قرار داده در مراجعت به قم کار را تعطیل و مجدانه مشغول به تدریس علوم عقلی و نقلی و هیئت و تشریح شدند تا اینکه ابوالزوجه ایشان آقای مدرسی که یکی از علماء محترم یزد بودند فوت نموده و ایشان عزیمت یزد کرده و چندی در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت و ترویج دین و تربیت عده‌ای از جوانان را نموده تا در سال 1371 قمری که مهاجرت به تهران و چند سالی به تدریس در دانشکده معقول و منقول و هم وظائف دیگر روحی و دینی نموده تا در سال 1375 ق از طرف زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی اعزام به آلمان غربی و هامبورگ گشته و در آنجا مسجد بزرگ اسلامی آلمان را بنا و صدها نفر پرفسور و دکتر و مهندس را مسلمان و به آئین جعفری آشنا نموده و خدمات بزرگ دیگر انجام داده و منشوراتی به زبان آلمانی و غیره در مبانی و حقایق اسلامی منتشر و موجب توجه مردم اروپا گردیده که یکی از علماء مسیح گفته بود که اگر استاد محققی در آلمان بماند ملت اروپا را عموما و یا اکثرا به اسلام می‌کشد.
آن مرحوم تا یکسال بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در آنجا مانده ولی در سال 1383 ق به واسطه بعضی از حوادث ناچار به مراجعت گردیده و در قم سکونت گزیده و با متانت طبع و آقائی زندگی کرده تا در بیست و هشت ج 1389 1 ق که به سکته قلبی دارفانی را وداع و در

مقبره ابوحسین (بقعه علماء) مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1310 ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در 1376 ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعة»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه.[1]
حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به

ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.
تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:
1- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در 5 جلد مکرر به طبع رسیده است.
2- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
3- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
4- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
5- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
6- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
7- اختران تابناک به طبع رسیده است.
8- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
9- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
10- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.
11- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
12- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
13- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
14- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
15- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
16- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
17- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
18- کشف‌التهمه.
19- السیوف البارقه.
20- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
21- شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء.
و حدود 34 جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
فقیه، محقق.
تولد: 1271(1310 ق.)، محلات.
درگذشت: اسفند 1364.
علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین

کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال 1327 به تهران بازگشت.
از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرة المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرة العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر 303 حکایت در 576 صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرة الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل

سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (128 -127/ 25 ،6/ 19 ،122 ،44 ،42/ 18 ،165 ،152 -151 ،72/ 17 ،168/ 16 ،293 ،99/ 12 ،314 -313/ 11 ،285 ،38/ 7 ،255/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 716 -715/ 14)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 12، ص 39)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1162/ 3).

محلاتی، فضل الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید فضل الله محلاتی : نماینده حضرت امام(ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هجدهم تیر سال 1309 شاهد تولد نوزادی بود که بعدها در زمره عالمان مجاهد و خستگی‌ناپذیر درآمد. خدای کریم به پدر و مادری مؤمن و خداجو، پس از پنج فرزند دختر، پسری عطا نمود. این نوزاد را« فضل‌الله» نام نهادند. «ذلک فضل‌الله یوتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم، این است فضل خدا که به هر که بخواهد می‌دهد و خدا دارای فضلی بزرگ است.» پدر بزرگوار ش یکی از کسبه بازار بود که علاوه بر کاسبی به کشاورزی نیز اشتغال داشت. «فضل‌الله» کم‌کم دوران کودکی را در دامن پرمهر پدر و مادر پشت سر گذاشت و در شش سالگی به مکتب رفت. پس از چندی حاج «غلامحسین» که توانایی خواندن و نوشتن را نداشت، فرزند را به یاری طلبیده و از آن به بعد وی علاوه بر تحصیل به حساب و کتاب روزانه پدر نیز می‌پرداخت. پس از طی دوران مکتب که شش سال به طول انجامید، «فضل‌الله» که دیگر نوجوانی پرشور و علاقه‌مند به تحصیل بود. به سبب جو مذهبی محلات و وجود عالمان برجسته در آن شهر، به تحصیلات حوزوی روی آورد. روایت این بخش از زندگانی «فضل‌الل» از زبان خود وی شنیدنی‌تر است:
« در شهر محلات در خانواده‌ای کاسب و کشاورز متولد شدم. پدر و مادرم بی‌سواد بودند. روی جو فرهنگی‌ای که در آن موقع وجود داشت، نمی‌گذاشتند که بچه‌ها به مدارس دولتی بروند. من در شش سالگی به مدرسه‌ای به نام میرزا که در واقع مکتب بود، رفتم. از لحاظ تعلیم قرآن و معارف اسلامی و معلومات عمومی در حد همان مدارس دولتی مطالب را به ما یاد می‌دادند. پس از آنکه شش کلاس درس خواندم، پدرم میل داشت که کمکش کنم و دفتر دستکی که نیاز داشت، برایش بنویسیم. هم درس می‌خواندم و هم به پدر و مادرم کمک می‌کردم. به مغازه، باغ و صحرا می‌رفتم ولی خودم میل داشتم که درسم را ادامه دهم. لیکن به مدارس دولتی راه نداشتم. معمولاً در هر محیطی انسان وقتی چهره‌های متدین و وارسته را می‌بیند به آنها علاقه‌مند می‌شود و کشش و جاذبه آنها انسان را به آن سمت جذب می‌کند. در محلات که شهری مذهبی بود، تابستانها عده‌ای از مراجع تقلید می‌آمدند. مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، مرحوم آیت‌الله صدر و حضرت امام (ره) چند سال تابستان

تشریف می‌آوردند. در این شرائط ناگاه عشق و علاقه‌ای بر من مستولی شد که بروم طلبه شوم. پدرم مخالف بود و من در کتابهای دعا جستجو می‌کردم که ببین چه دعایی موجب می‌شود که حاجت انسان برآورده شود. یادم هست که در همان سال عمل ام داوود را به جا آوردم. سه روز روزه ماه رجب با همان اعمال خاص و حاجتم این بود که پدرم راضی شود تا من طلبه شوم. بالاخره روی همین عشق به طلبگی، یکی دو سال در همان‌جا، پیش اهل علم درس خواندم و در ضمن به پدر و مادرم کمک کردم.
مقدمات و قدری از سیوطی و حاشیه را نزد مرحوم آیت‌الله شهیدی و بعضی از علمای محلات خواندم. یک بار که آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری به آنجا تشریف آوردند، نزد ایشان رفتم و با گریه و زاری گفتم که می‌خواهم طلبه شوم ولی پدرم راضی نمی‌شود. ایشان عموی مرا خواست و به وی گفت که شما پدر ایشان را راضی کنید، من هم ایشان را سرپرستی می‌کنم. عمویم توانست پدرم را راضی کند و من در سال 1324 عازم قم شدم. تازه چند ماهی از ورود آیت‌الله بروجردی به قم نگذشته بود که من در آنجا مشغول تحصیل شدم. حاشیه و سیوطی را دوباره خواندم. حاشیه را نزد مرحوم حاج محمد آقا تهرانی و سیوطی را نزد آشیخ عباس علی خواندم. معنی را نزد آشیخ علی پناه اشتهاردی خواندم. در این ایام سرپرست واقعی من مرحوم آیت‌الله محمد تقی خوانساری بود و به منزل ایشان رفت و آمد داشتم.» در حالیکه بیش از پانزده بهار از عمر «فضل‌الله »نگذشته بود، حلاوت کسب علم و دانش وی را بر آن داشت که از کانون گرم خانواده جدا شده و عازم شهر« قم» شود. از این پس وی دیگر به صورت رسمی شروع به تحصیل دروس حوزوی نموده و به تکمیل آنچه قبلاً در« محلات» آموخته بود، پرداخت. وی با دقت، سرعت، نظم و تلاشی ستودنی به آموختن علوم اسلامی مشغول شد. مطول را نزد آیت‌الله «صدوقی»، معانی را نزد آیت‌الله «مطهری» و یک مقدار هم نزد آیت‌الله «مشکینی» فرا گرفت. بخش عمده شرح لمعه را نزد آیت‌الله« صدوقی» و مابقی را نزد حاج «اسدالله اصفهانی نورآبادی» خواند. با اتمام مقدمات و فراگیری سطح، دیگر وی را به نام شیخ فضل‌الله می‌شناختند. وی در خاطرات خود به تفصیل در مورد سایر اساتیدی که نزد آنان تلمذ نموده سخن می‌گوید: « بخشی از رسائل، مکاسب و کفایه را نزد آقای سلطانی خواندم. قدری از مکاسب را نزد آیت‌الله شیخ مرتضی حائری و مقداری از کفایه را نزد شیخ عبدالجواد اصفهانی و مرحوم مجاهدی تبریزی خواندم. این تقریباً درسهای سطح من بود، البته کمی هم نزد آشیخ محمدعلی کرمانی خواندم. منظومه منطق را خدمت اشیخ مهدی حائری بودم. تفسیر را قدری نزد حاج میرزا ابوالفضل قمی رفتم. مقداری نیز در درس تفسیر علامه طباطبایی شرکت کردم، تا

رسیدم به درس خارج.
خارج را دو سه سال به درس مرحوم آیت‌الله بروجردی رفتم، ولی اصولاً درس خارج را نزد امام خواندم. درس خارج من حدود ده سال طول کشید که عمدتاً خدمت امام رفتم و هم فقه و هم اصول را پیش امام خواندم.»
او از شاگردان، مریدان و یاران امام‌خمینی (ره) بود. او نسبت به امام شناختی عمیق و ارادتی عاشقانه داشت. مجذوب جاذبه‌های اخلاقی و عرفانی امام (ره) شده بود. از دوران نوجوانی با امام (ره) و خانواده‌اش آشنا بود و آن هنگام که به قم عزیمت نمود، منزلی در مقابل منزل امام (ره) در محله یخچال قاضی قم خرید. ایشان خود در این باره می‌گوید:
« انس من با امام (ره) زیاد بود و یکی از راههای ارتباطی من با امام (ره) مرحوم حاج آقا مصطفی بودند که با ایشان بزرگ شدم. در آن زمان ایشان هم سن و سال من و متولد 1309 بود. امام (ره) تابستان که به محلات می‌آمدند، حاج آقا مصطفی سیزده چهارده سالش بود. من هم سیزده چهارده ساله بودم. با هم به باغ و گردش می‌رفتیم و از همان زمان با آقا مصطفی آشنا شدم. قم هم که بودیم این آشنایی باعث شد که ما بتوانیم به منزل ایشان آمد و شد بیشتری داشته باشیم و انس بیشتری با ایشان پیدا کنیم. پدر زن من، مرحوم آیت‌الله شهیدی از دوستان امام بود. در محلات هم که بودند امام بیشتر می‌آمدند منزل ایشان، ارتباط خانوادگی هم داشتیم. در نتیجه انس زیاد من به ایشان، علاقه من روز به روز به ایشان بیشتر می‌شد. من در آن زمانی که به درس امام می‌رفتم، بیش از همه وجهه اخلاقی و عرفانی ایشان برای من جاذبه داشت. من سالی که به قم آمدم، ایشان درس اخلاق می‌دادند؛ اصلاً از روز اولی که به قم آمدم ایشان درس اخلاق می‌دادند. این قضیه یک سابقه‌ای داشت. ایشان به محلات که تشریف آورده بودن،د یک ماه رمضان رأس ساعت پنج بعدازظهر می‌آمدند و در مسجد جامع می‌نشستند، مؤمنین هم می‌آمدند و ایشان برای آنها درس اخلاق می‌گفتند. همان درسهای اخلاقی که در کتاب اربعین حدیث آمده است. یک مقدارش را هم استنتاخ کرده‌ام. جاذبه‌ای که مرا به سوی درسهای اخلاقی که در سن چهارده سالگی در مسجد جامع آن می‌نشستیم. در قم هم غروب روزهای جمعه به مدرسه فیضیه تشریف می‌آوردند و آن درس اخلاق را می‌گفتند. واقعاً این درس اخلاق انسان را از گناه بیمه می‌نمود.»
مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با این ویژگی شهید محلاتی می‌فرمایند:
« یکی دیگر از خصوصیات شهید محلاتی عشق و ارادت وافر به امام (ره) بود. به قدری ایشان به امام علاقه داشت و اعتقاد به نظرات امام داشت که هر موقع امام یک چیزی را بیان می‌فرمودند، مثل یک امر تعبدی برایش

لازم الاجرا بود.
اعتقاد و ارادت ایشان به امام به نظر من یکی از عوامل تحرک مستمر و خستگی‌ناپذیر ایشان بود. امام هم به ایشان علاقه داشتند و خیلی احترام قائل بودند و به او محبت داشتند و به عنوان یک فرد مورد اعتماد به وی نظر می‌کردند.» در سال 1331 با نظر خانواده تصمیم به ازدواج گرفت. در این دوران که وی مشغول فراگیری علوم اسلامی در شهر« قم» بود، عازم« محلات» شد و با دختر مرحوم آیه‌الله سید «جلال شهیدی محلاتی» ازدواج نمود. مدتی در «محلات» ماند، سپس عازم« قم» شد. دو سال اول زندگی در« قم» را به همراه همسرش در منزل استیجاری گذراند تا اینکه موفق به خرید منزلی روبروی منزل امام (ره) در محله یخچال قاضی شد. شهید محلاتی در اوایل سال 1340 به عنوان نماینده آیه‌الله بروجردی عازم «تهران» شد و برای همیشه در آنجا اقامت گزید. در «تهران» علاوه بر انجام امور تبلیغی و نشر فرهنگ و معارف اسلامی به ادامه تحصیل خود نیز پرداخت. ایشان در خاطرات خود می‌گوید:
« در سال 1339 و اوایل سال 40 بود که به تهران آمدم. البته در تهران هم، درسم را ادامه دادم. مدتی به درسهای آیه‌الله سید احمد خوانساری می رفتم. همچنین صبح زود به درس آیه‌الله آملی می‌رفتم و در مدرسه مروی هم با آقای انواری و بعضی از دوستان دیگر مباحثه داشتیم. گاهی هم به درس آقای آشتیانی می‌رفتم. البته اسفار را هم نزد آقای رفیعی خواندم. آقای رضی شیراز بود، آقای مهدوی بود، آقای جوادی بود و عده‌ای دیگر و ضمناً درس خصوصی هم در مدرسه مروی خدمت‌آقای مطهری داشتیم که بخش سفر نفس از اسفار را نزد ایشان خواندیم. در سطح نیز مدتی با شهید قدوسی مباحثه می‌کردم. با آیه‌الله محمد تقی کشفی بروجردی، آقای شیخ مهدی قاضی و آقای سید هاشم رسولی هم مباحثه می‌کردم.» مراوده و همنشینی با شخصیتهای برجسته و ظلم ستیزی چون امام‌خمینی (ره)، مرحوم آسید محمد تقی خوانساری و شهید نواب صفوی باعث گردید تا شهید محلاتی از ابتدای جوانی سری پرشور داشته و پیوسته در مقابل ستمگران ایستادگی نموده و سرتعظیم فرود نیاورد. از این جهت است که می‌بینیم اولین برگ از پرونده سیاسی او در ابتدای جوانی درمخالفت با آوردن جنازه رضاخان به« قم »رقم می‌خورد. ایشان وجود چنین روحیه‌ای را در خود نتیجه حشر و نشر و ارتباط با بزرگانی که نام آنها به قلم آمد، می‌داند. وی در خصوص آیه‌الله خوانساری چنین می‌گوید:
« مرحوم آیه‌الله محمدتقی خوانساری دارای روحیه‌ای فداکار و مبارز بود و در جنگ عراق و انگلستان به همراه مرحوم آیه‌الله کاشانی- در زمان میرزای شیرازی- شرکت کرده و مرد بسیار باتقوایی بود. به مبارزه هم معتقد بود. در نتیجه من این روح مبارزه را در درجه اول از ایشان گرفتم.»

در جای دیگر شهید نواب را نیز مؤثر می‌داند:
« اینجا باید بگویم که مرحوم نواب صفوی یک حق بزرگی به گردن من دارد و آن این است که این روحیه را او به من داد؛ یعنی او بود که با تأثیر نفسی که داشت، با هر کسی برخورد می‌کرد و با او مأنوس می‌شد، نه تنها او را شجاع‌بار می‌آورد بلکه آن چنان تحولی در آدم به وجود می‌آورد که در رابطه با انجام وظیفه از هیچ چیز وحشت نداشته باشد.» چندی پس از ورود به قم از طریق مرحوم آیه‌الله «سید محمدتقی خوانساری »با فدائیان اسلام ارتباط یافت و به طور مشخص در سال 1327 ش به جرگه آنان پیوست. ایشان در این‌باره می‌گوید:« یکی دو سال که قم بودم و منزل آسید محمدتقی خوانساری آمد و شد داشتم، با مرحوم نواب صفوی آشنا شدم. مرحوم نواب صفوی نفس عجیبی داشت که با هر کس انس پیدا می‌کرد، در او یک حالت روحی خاصی پدید می‌آمد. اشخاص را خیلی تشجیع می‌کرد و جاذبه داشت. روی همین جاذبه مرا هم به خودش جذب کرد و من چند سالی با فدائیان اسلام همکاری می‌کردم و در کنار درسی که می‌خواندم مبارزه را هم شروع کردم.
اولین برنامه مبارزه من که همگام با فدائیان اسلام بود، مبارزه با آوردن جنازه رضاخان به ایران بود. شاه نه تنها می‌خواست حکومت خودش را تثبیت کند بلکه می‌خواست افکار پدرش را هم زنده کند. بنابراین فدائیان اسلام به مبارزه برخواستند و طبق جلساتی که محرمانه داشتیم، تصمیم گرفتیم فجایع رضاشاه در مدرسه فیضیه بیان شود. قرار شد غسل شهادت بکنیم. نفرات تعیین شده به ترتیب عبارت بودند از: سید هاشم حسینی که قرار شد او اول برود روی سنگ مدرسه فیضیه بایستد و صحبت کند. یک اعلامیه مجملی هم در قم پخش شد به این مضمون که در ساعت پنج بعد از ظهر فردا خورشید روحانیت نورافشانی می‌کند. آن روز را همگی روزه گرفتیم. نفر اول سید هاشم بود، من نفر پنجم ششم بودم. سنم شاید هجده سال بود. سر ساعت پنج که شد، او رفت روی سنگ ایستاد و شروع کرد به بیان فجایع دوران رضاشاه که یک عده‌ای هم سر و صدا کردند. متولی وقت آمد جلوی ایشان را بگیرد، ولی مطلب روشن بود که چه می‌خواهند بگویند و مبارزه شروع شد. به این ترتیب هر روز در مدرسه فیضیه یک نفر صحبت می‌کرد و طلبه‌ها جمع می‌شدند. کار به جایی رسید که با تهدیدهایی که کردیم- هنگام عبور دادن جنازه از خیابانهای قم- از معممین حتی یک نفر حاضر نشد در خیابان باشد. برای رژیم خیلی آبروریزی شد. برای او که فاتحه گرفتند، از طرف دولتیها یک نفر رفت سخنرانی کرد. طلبه‌ها فوری عمامه‌اش را برداشتند و کتکش زدند و مخصوصاً از حوزه بیرونش کردند تا اینکه نیروهای شهربانی از دیوار آمدند و از دست طلبه‌ها نجاتش دادند و بعد من و رفقایم را دنبال کردند. هرجا

که می‌رفتیم مأموران آگاهی قم دنبال ما بودند و پرونده و سابقه سیاسی من اولین برگه‌اش از همانجا شروع شد.»
حجه‌الاسلام سید علی اکبر محتشمی در خاطرات خود در این باره می‌گوید:
« وقتی خبر انتقال جنازه رضاخان به گوش نواب می‌رسد، به سوی قم حرکت می‌کند. در آنجا بعد از درس آیت‌الله بروجردی در مدرسه فیضیه شروع به سخنرانی می‌کند و از مظالم و جنایات رضاخان سخن می‌گوید. او اظهار می‌کند: « ارواح شهدای ما منتظر آن روزی هستند که بتوانیم انتقام خون آنها را حداقل از بازمانده او بگیریم؛ این کار را نکردید هیچ، ناظر آوردن جنازه او هم باشیم!! و ادعا کنیم سرباز امام زمان (عج) هم هستیم... » پس از این سخنرانی به تهران بر می‌گردد. بچه‌ها هر روز کارشان این بود که علیه شاه و دودمان پهلوی سخنرانی و تظاهرات می‌کردند. سید عبدالحسین واحدی آقا سید هاشم حسینی و شیخ فضل‌الله محلاتی کارگردان این برنامه‌ها در قم بودند.» رژیم اشغالگر قدس پس از جنایات فراوان در سرزمینهای اشغالی و ماجرای دیریاسین، در سال 1949م از طرف بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شد و در همان سال به عضویت سازمان ملل متحد درآمدو پنجاه و نهمین عضو سازمان ملل شد. رژیم شاه هم که تحت سیطره آمریکا قرار داشت، به بهانه حفظ حقوق اتباع ایرانی مقیم اسرائیل در اسفند ماه 1328 رژیم صهیونیستی را به رسمت شناخت. این اقدام رژیم شاه از طرف فدائیان اسلام محکوم و به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. شهید محلاتی در توضیح این ماجرا می‌گوید:
« مرحوم نواب یک روز بعد از ظهر در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد و گفت: اگر می‌خواهیم اسرائیل را ساقط کنیم باید از تهران شروع کنیم، یعنی باید اول رژیم پهلوی را از بین ببریم تا بتوانیم با اسرائیل بجنگیم. وقتی شهید نواب ازمدرسه خارج شد او را دستگیر کردند و یارانش را هم تعقیب کردند. ولی ما با سر و صدا و تظاهرات، طلبه‌های جوان و داغ را جمع کردیم و رفتیم منزل مرحوم آیت‌الله خوانساری و گفتیم که ما می‌خواهیم برویم به کمک فلسطینیها و به جنگ اسرائیل. یادم هست که آنجا دفتری آوردم و شروع کردم به اسم‌نویسی که برویم به جنگ اسرائیلیها. ولی خوب صدایمان به جایی نرسید و ما را تعقیب کردند و دستگیر کردند و زدند.» شهید« محلاتی» به جهت ارتباط با فدائیان اسلام با آیه‌الله« کاشانی» نیز آشنا شد و پس از بازگشت آیه‌الله «کاشانی» از تبعید، خود را به ایشان معرفی نمود. رفت و آمد و ارتباط با ایشان کم کم فزونی یافته تا حدی که شهید «محلاتی» به عنوان نماینده ایشان مأموریت یافت تا به شهرهای مختلف سفر کند. از جمله این مأموریتها سفر به« آذربایجان» و انتخابات دوره هفدهم بود که شرح آن را از زبان خود ایشان

نقل کنیم:
« در جریان انتخابات دوره هفدهم که روابط آیت‌الله کاشانی با مصدق هنوز خوب بود، به آذربایجان رفتم و چهارماه در آذربایجان ماندنم و به عنوان نماینده از طرف ایشان مأمور شدم در انتخابات شرکت کنم. من مقلد مرحوم سید محمدتقی خوانساری بودم و ایشان اعلامیه دادند که در انتخابات شرکت کنید. از مرجعمان مجوز شرعی داشتم. من در آنجا هم منبر می‌رفتم و هم درباره انتخابات و مسائل مربوط به آن مبارزه می‌کردم. هفده روز یا بیشتر در مسجد جامعه تبریز من به زبان فارسی سخنرانی کردم و یکی از آقایان هم به نام سید مرتضی موسی به زبان ترکی و از رادیو پخش می‌شد. بیست و پنج روز در سراب مبارزه کردم تا بهادری را از آنجا بیرون کردیم. به اردبیل، مشکین‌شهر، مراغه و شهرهای مختلف آذربایجان رفتم و سخنرانی کردم تا انتخابات دوره هفدهم تمام شد. دو گروه در آنجا مبارزه می‌کردند. تیپ جبهه ملی و آیه الله کاشانی نقطه مقابل سلطنت‌طلبها بودند. در انتخابات تبریز نه نفر وکیل می‌خواستند که پنج نفر از ما انتخاب شد، چهار نفر از آنها. اینها ناراحت شدند و روز بعد از رأی‌گیری سلطنت‌طلبها ریختند توی مسجد جامع. رئیس شهربانی وقت سرتیپ نخعی و فرمانده لشگر سرلشکر مقبلی بود. اینها سلطنت‌طلبها را مسلح کرده بودند و ریختند توی مسجد و آنها آمدند برای کشتن من و شروع کردند به تیراندازی به طرف من. من افتادم روی زمین که تیر به من نخورد. یک عده از مردم فرار کردند، یک عده دیگر دور مرا احاطه کردند و به مقابله برخاستند. هدف آنها من بودم. الحمدلله خدا نخواست و سالم ماندم و مرا از نقطه‌ای فراری دادند.»
از میان اسناد موجود در این رابطه، تنها به سندی که حاوی گزارش سپهبد یزدانپناه، وزیر جنگ به نخست‌وزیر است، اشاره می‌کنیم:
« جناب آقای نخست‌وزیر محترماً رونوشت گزارش تلگرافی فرمانده لشگر 3 تبریز راجع به سخنرانی محلاتی نام در مسجد جامع تبریز که نسبت به مقام سلطنت و عملیات دولت بدگویی و اهانت‌هایی نموده. ضمناً نامبرده را نماینده آقای کاشانی معرفی نموده‌اند. برای مزید استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد و تصدیق افزا می‌گردد بالأخره اشخاصی که به ولایات رفته و برای اجرای مقاصد سوء، خود را نماینده و فرستاده آقای کاشانی معرفی می‌نمایند، معلوم نیست مقصود و هدفشان چیست و آیا واقعاً از طرف کاشانی فرستاده می‌شوند و یا به نام ایشان می‌خواهند جلب توجه نموده و رفتار و کردار ناپسند خود را تحمیل به اهالی نمایند و در این مقوع حساس که تمام اوقات دولت معروف به حسن جریان انتخابات می‌باشد که به صورت خوش خاتمه پذیرد، عدم جلوگیری از رفتار و گفتار این قبیل اشخاص بیشتر باعث تشنج و تهییج افکار عامه

شده و موجبات عدم امنیت را فراهم می‌نماید و عاقبت کار معلوم نیست چه خواهد شد. علیهذا مستدعی است امر فرمایند به طور کلی در این مورد تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد تا از این گونه جریانات به طور مطلوب جلوگیری به علم آید.
وزیر جنگ- سپهبد یزدان‌پناه در اواخر سال 1331 حزب توده دست به ماجراجویی جدیدی حول محور فردی به نام سید علی‌اکبر برقعی زد که نهایتاً منجر به درگیری و حمله پلیس به مردم و طلاب حوزه علمیه شد. شهید محلاتی تفصیل این ماجرا را در آخرین مصاحبه خود بیان نموده است:
« یک آقایی به نام سید علی‌اکبر برقعی بود که مشاعرش هم خوب کار نمی‌کرد. از کسانی بود که شعار صلح می‌داد و توده‌ای‌ها را تقویت می‌کرد و گروه‌های چپ‌گرا در قم دور او بودند و از طرف دولت مصدق هم آزادی داشت. این فرد به کنفرانس صلح وین رفته بود. در موقع مراجعت توده‌ای‌ها و چپی‌ها و ملی‌گراهای آن روز به استقبالش رفتند و یکسره او را به حرم آوردند. وقتی وارد حرم شدند، شروع کردند به تظاهرات و چند نفری شعار علیه اسلام، قرآن و آیه‌الله بروجردی دادند. حالا آنها مأمور بودند یا غیره، نمی‌دانیم ولی این بار باعث شد که احساسات مردم برانگیخته شود و در آن زمان من یکی از آنها بودم که رفته بودم بالای دیوار همین جلوی صحن و سخنرانی کردم. مرحوم تربتی هم سخنرانی کرد. بعد هم جلوی در فرمانداری مردم را تحریک کردیم. حرف ما این بود که برقعی باید برود بیرون، ما می‌گفتیم فرماندرا باید جواب بدهد. جواب ندادند، مردم عصبانی شدند، آنها گاز اشک‌آور انداختند که مردم را پراکنده کنند و درگیری شهربانی با مردم و طلاب آغاز شد. روز قبلش هم یک نفر کشته شده بود که بردند برای دفن و عده‌ای هم مجروح شدند، ولی شایع بود که عدة زیادی کشته شدند. البته یک نفر به نام سرتیپ مدبر از طرف دولت مصدق برای رسیدگی به این مسئله آمد و جاها را برای کشف جنازه‌ها بررسی کردند. رفتیم منزل آیت‌الله بروجردی و چند تا از مخبرین هم از تهران آمدند و یک مصاحبه‌ای هم از من در روزنامه ترقی آن موقع چاپ شد.
وقتی رفتیم پیش مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشان فرمودند: بروید پیش آقای خمینی، بروید پیش ایشان. من اینها را بردم منزل آیت‌الله خمینی و در آنجا ایشان مسائلی را مطرح کردند که این قصه باید رسیدگی شود و بعد هم من مصاحبه کردم. به هر حال چند روز تظاهرات بود و همان موقع سید علی‌اکبر برقعی را هم به یزد تبعید کردند. البته آن موقع نمی‌دانستیم بعضی‌ها به کجا و کی وابسته بودند، ولی من الان که مطالعه می‌کنم می‌فهمم الان تحلیلم غیر از درکمان در آن موقع بود، آن موقع ما یک ظاهری را می‌دیدیم، اما باطنش چیز دیگری بود. یعنی ممکن بود بسیاری

از آن افرادی که در لباس توده‌ای‌ها شعار می‌دادند، اینها واقعاً انگلیسی باشند یا آمریکایی. آن موقع ما طلبه‌های جوان و داغ بودیم، کسی به قرآن اهانت کرده، به آقای بروجردی اهانت کرده، ما هم می‌گفتیم پدر اینها را در می‌آوریم.» در تاریخ 16 مهرماه 1341 خبر تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در هیئت دولت در روزنامه منتشر شد. به موجب این لایحه قید اسلام از شرائط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان برداشته و در مراسم تحلیف به جای قرآن‌کریم، کتاب آسمانی قرار داده شده بود. پس از رسیدن روزنامه‌ها به قم، مراجع و مقامات روحانی از جمله امام‌خمینی (ره) همان شب جلسه‌ای در منزل آیت‌الله شیخ مرتضی حائری تشکیل دادند و به بحث و تبادل نظر پرداختند. در نتیجه هر یک از مراجع تلگرافی به شاه مخابره کردند. شاه در پاسخ تلگرام مراجع، موضوع را به نخست‌وزیر و دولت محول کرد. شهید محلاتی در خاطرات خود پس از نقل واقعه انجمنهای ایالتی و ولایتی به نقش خود در این ماجرا اشاره می‌کند:
« پس از ارجاع موضوع به نخست‌وزیر، امام‌خمینی (ره) یک تلگراف و یک نامه هم برای اسدالله علم نه به عنوان نخست‌وزیر، بلکه آقای اسدالله علم فرستادند و باید بگویم که آن تلگراف را به من دادند و من کارم دیگر از همان موقع شروع شد که رابط بین ایشان بودم و آقایان قم. در این مبارزه نوعاً اعلامیه‌ها را از ایشان می‌گرفتم و به تهران می‌آوردم. در تهران یک ارگان مخفی داشتیم که در رأسش مرحوم حاج حسین آقا مصدقی در بازار بود ایشان کاغذ فروش بود و با چاپخانه‌ها ارتباط داشتند. من اعلامیه‌ها را می‌آوردم و به حاج حسین آقا مصدقی می‌دادم و آقای مصدقی هم می‌برد برای چاپ. بعضی اوقات شب تا صبح در چاپخانه بودیم. یک شب هم همان اعلامیه‌های خطاب به اسدالله علم را چاپ می‌کردیم. یادم هست که پلیس آمد و چاپخانه‌چی فوراً با چکش به جان ماشین چاپ افتاد. گفتند: چکار می‌کنید؟ گفت: من بدبختم، من باید فردا کار کنم و ماشین خراب است، دارم ماشینم را درست می‌کنم. مأمور آمد نگاه کرد و در را بست و برگشت. در را باز از پشت قفل کردیم و شروع کردیم به چاپ کردن اعلامیه امام که پس از توزیع خیلی صدا کرد. ایشان می‌فرمودند: وعاظ را جمع کنید. ما هم اعلامیه‌های ایشان را چاپ می‌کردیم و هم کار من این بود که ما وعاظ را دعوت می‌کردیم و پیغامهای ایشان را به آنها می‌دادیم. گاهی که ایشان اعلامیه‌ای می‌نوشتند، می‌آوردیم که در منبر خوانده شود و خوانده می‌شد. حتی در مسجد ارک جلسه‌ای بود که اگر شما آن اعلامیه را دیده باشید، یک اعلامیه تندی بود که آخر هم الم تر کیف بود و آقای فلسفی روی منبر گفت: این را دم بدهید. همه دم دادند، به هر صورت این مبارزه اوج گرفت و پیروز شد. در قضیه انجمنهای ایالتی و ولایتی، دستگاه حاکم آنقدر وحشت کرده بودند که

وقتی دولت تصویب‌نامهٔ انجمنهای ایالتی و ولایتی را لغو کرد، متن آن اعلامیه را که در مورد الغای آن تصویب‌نامه می‌خواستند منتشر کنند، پیش ازچاپ به من دادند. من رفتم قم و آن را به امام نشان دادم. امام آنرا خواندند، در حالی که روزنامه‌ها هنوز چاپ نکرده بودند، بعد تلفنی برای آقایان دیگر هم خواندند و گفتند خوب است. دیگران هم قبول کردند، آنوقت در روزنامه‌ها چاپ شد.»

محلاتی، کاظم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1313 ق)، شیمیدان، داروساز، استاد، مترجم و شاعر، متخلص به شیوا. معروف به شیمی. برادر نصیر الاطباء و پدر دکتر محمود شیمی و جد خاندان شیمی است. میرزا کاظم از شاگردان دوره‌ی اول دارالفنون و از نخستین گروه محصلین اعزامی به اروپا در زمان ناصرالدین‌شاه بود. وی در رشته‌ی طبیعی و داروسازی تحصیل کرد و از محصلین خوب بود به طوری که در گزارش سال اول مدرسه نام او و باقرخان بن هادی خان شیرازی در روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه» درج شد. پس از بازگشت از اروپا به سمت معلم شیمی در دارالفنون انتخاب شد و حدود چهل سال در آن مدرسه به جای معلم خود تدریس کرد. وی کتاب «چرا به این جهت»، در صحبت ساده‌ی طبیعی و هیئت، نوشته‌ی یکی از زنان دانشمند فرانسوی را ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (286 -285/ 1)، شرح حال رجال (141/ 3)، فرهنگ سخنوران (532)، مؤلفین کتب چاپی (44 -43/ 5).

محلاتی، مجدالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجدالدین فرزند علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی فرزند عالم جلیل حاج شیخ جعفر محلاتی از علماء بزرگ و معروف استان فارس و بالاخص شیراز است که در سال 1304 شمسی برابر 1345 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در خدمت والد ماجدش به شیراز آمده و در بیت شریف محلاتی که سابقه سیصد ساله دارد پرورش یافته و مقدمات و دروس جدید را خوانده و در سن بیست سالگی در سال 1365 قمری سال رحلت آیت‌اللَّه العظمی اصفهان به قم عزیمت نموده و مقداری از سطوح را در خدمت مرحوم حاج شیخ مرتضی حایری یزدی و حاج آقا سلطانی بروجردی تکمیل نموده و جلد اول کفایه را از مرحوم حاج سید زین‌العابدین کاشانی و جلد دوم را از محضر مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم میرزا محمد مجاهد تبریزی آموخته و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ محمدعلی کرمانی استفاده نموده و به درس خارج آقای محقق داماد و امام راحل و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی شرکت و بهره‌مند شده و شرح تجرید را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری فراگرفته است.
در سال 1380 قمری به شیراز برگشته و به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین در مسجد مولا مسجد آبائی و اجدادی و نیز مسجد ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف واقع در خیابان داریوش شیراز که از آثار خیر خودشان می‌باشد مشغول شده و به واسطه اعتراض و روشن کردن افکار مردم بالخصوص نسل جوان به جنایات رژیم شاه از طرف دولت بازداشت و تبعید به ایرانشهر بلوچستان و زاهدان شده و پس از چندین ماه آزاد و در نهضت امام راحل و قیام پانزده خرداد با والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و خطیب توانا و واعظ برنای شیرازی حاج سید مجدالدین مصباحی دستگیر و به زندان ارتش تهران برده شدند و پس از چند ماه آزاد و به وطن بازگشت باز به خدمات دینی پرداخته تا حال تحریر این کتاب سال 1412 قمری و 1370 شمسی اشتغال دارند.
دارای آثار علمی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشند که ذیلا می‌نگارم.
آثار علمی و باقیات الصالحات ایشان
1- تفسیر بعضی از سور قرآنیه.
2- ترجمه کتاب (ثم اهتدیت) دکتر تیجانی تونسی.

3- ترجمه کتاب کونوا مع الصادقین دکتر تیجانی.
4- درس عقاید برای دانشگاهی‌ها.
5- تأسیس خیریه اسلامیه در سال 1343 شمسی.
6- تأسیس مدرسه حضرت ولی‌عصر در خیابان نمازی نو (شهید دستغیب).
7- تأسیس کتابخانه مدرسه امام عصر (ع) که بیش از بیست هزار جلد کتاب دارد.
داماد معظم ایشان فاضل ارجمند و نویسنده دانشمند جناب حاج سید حسین مدرسی است که از افاضل آقازادگان حوزه علمیه است که چندین سال است در دانشگاه واشنگتن امریکا مشغول به تدریس و خدمات دینی می‌باشند ادام‌اللّه عزهم و توفیقاتهم.
مجدالدین محلاتی بن العلامة الورع آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی از علماء فعال و موثر و خدمتگذار معاصر شیراز است.
وی در حدود سال 1346 قمری ه در شیراز متولد شده و در بیت علم و فضیلت آیت‌اللّه محلاتی پرورش یافته و دروس جدید را تا متوسطه خوانده و به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و مقدمات و سطوح وسطی را در شیراز نزد والد ماجدش و مدرسین دیگر فراگرفته و مهاجرت به قم نموده و در حوزه علمیه سطوح عالی را از اساتید بزرگ به پایان رسانیده و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی خمینی و دیگران حاضر و از دروس فقه و اصول آنان استفاده نموده است مترجم محترم ما (جناب مستطاب حاج آقا مجدالدین محلاتی) با داشتن استعداد فوق‌العاده به مدارج عالیه علم و کمال رسیده و بر بسیاری از اقران فائق و مشار بالبنان گردیده و بعد از فوت آیت‌اللّه العظمی بروجردی به شیراز مراجعت و به خدمات دینی و اجتماعی از قبیل امامت در مسجد حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف که به همت و سعی وی بنا شده و تدریس در مدرسه خان و گفتن تفسیر قرآن و تنویر افکار روشنفکران و نسل جوان پرداخته و خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده است.
آثار و باقیات الصالحات معظم له از بناء و تعمیر مساجد در شیراز و حومه آن بسیار است.
و از خدمات اجتماعی ایشان تأسیس درمانگاه بزرگ و مهمی است بنام درمانگاه «ولی عصر» که برای بینوایان و مستمندان تأسیس نموده و تاکنون هزارها نفر بیمار را به رایگان معالجه و مداوا نموده است.
نگارنده گوید: مترجم محترم که در میان روحانیون شیراز و حوزه علمیه قم و غیره معروف به فضل و دیانت و در شیراز بسیار موجه و مانند نیاکان و اسلاف گرامش مورد علاقه و توجه مردم عالم‌دوست شیراز است.
در خلال خدماتش سوانحی برای وی پیش آمده که قهراً قریب دو سال در

ایرانشهر بلوچستان و زاهدان و شهر بابک و یزد اقامت داشته و در آنجا هم اشتغال به وظائف روحی خود داشته و در حال حاضر یکی از دانشمندان و علماء نافذ و ممتاز استان فارس و شیراز محسوب می‌شود.
ایشان غیر از جزوات تقریرات درسی فقه و اصول اساتید حوزه علمیه قم تالیفات دیگری دارند که بطبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

محمد صادق (مینا)

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن محمد صالح اصفهانی در اواسط عهد صفویه به هندوستان مهاجرت نموده، فاضل و ادیب و نویسنده و شاعر بوده، کتب چندی در رجال و تاریخ نوشته که از آن جمله است: 1- رجال 2 - شاهد صادق، فارسی کبیر، در انواع علوم 3 - الشمس البازغة در حکمت، رد بر میرداماد در مبحث حدوث دهری 4 - صبح صادق، در رجال، فارسی و بزرگ، در چندین مجلد 5 - القلائد؛ و غیره.
نصرآبادی گوید که جد او بوده، و محمد صالح در هند در 1037 وفات یافته، و محمد صادق شاعر و ادیب و متخلص به «مینا» بوده، و در 1061 در هند از دنیا رفته است.
صاحب عنوان در رجال خود، خویشتن را بدین‌گونه معرفی می‌کند:
کوچه گرد دیار نادانی
صادق صالح سپاهانی
در منتظم ناصری در وقایع سال 888 گوید: وفات صدرالدین محمد طبیب زبیری اصفهانی که نسب آقا محمد صادق مؤلف کتاب «شاهد صادق» به او می‌رسد.
در مقدمه‌ی تذکره‌ی نصرآبادی وی را صدرالدین علی می‌نویسد. در هر حال، از صاحب عنوان قبلا مختصرا نام برده شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

محمدی عراقی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر محمدی عراقی مشهور (به حاج آقا بزرگ) ابن مرحوم حجةالاسلام آقا محمد عراقی (متوطن و متوفی و مدفون در کنگاور) ابن المحروم آیت‌اللّه الملک العلام آخوند ملا محمدباقر کوهرودی اراکی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری قدس ره و در کتابهای شخصیت شیخ انصاری و اعیان‌الشیعه والذریعه و نقباء البشر شرح حال و تصنیفات آن مرحوم اشاره شده است.
مترجم گرامی ما در ماه رجب 1317 قمری در قریه کرهرود اراک بدنیا آمده و در سال 1336 قمری در خدمت مرحوم پدرش به کنگاور (مدفن مرحوم جدش) آمده به تحصیل علوم دینیه از مقدمات و سطوح متوسط فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و غیره پرداخته و علوم مذکوره را از مرحوم والدش فراگرفته.
و در سال 1358 قمری که مرحوم والدش در آنجا وفات نموده با داشتن اجازات از مجتهدین و مراجع تقلید قدس اللّه اسرارهم و کثر اللّه امثالهم تصدی امور شرعی آن سامان گردیده و تاکنون که سال 1395 قمریست در آن منطقه به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج احکام و تفسیر قرآن و وظائف دیگر روحی اشتغال دارند.
از باقیات الصالحات آنجناب فرزند فاضل و برومند ایشانست جناب مستطاب حجةالاسلام و فخر الاماثل والاقران آقای حاج آقا بهاءالدین محمدی کنگاوری که سالهای متمادی مقیم حوزه علمیه قم بوده و از محضر آیات عظام و مدرسین کرام بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّه العظمی موسوی مدظله استفاده فقه و اصول نموده تا در چند سال قبل که بنابر دعوت عده‌ای از اهالی کرمانشاه رحل اقامت به آن سامان افکنده و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و خدمات روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی عراقی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود محمدی عراقی
محل تولد : کنگاور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال 1331 در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال 1360 به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام

معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی ملایری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد محمدی ملایری در سال 1306ه.ش در ملایر متولدشد. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی زادگاه خویش و عزیمت به اراک واخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی در سال 1366 و در سال 1349 و 1353 لیسانس و وفوق لیسانس و دکتری ادبیات را از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی مدتی را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشگاه آمریکایی بیروت تدریس کرد. وی کتابهایی چون ترجمه کتاب عرفان مولوی، بررسی اندیشه های عرفانی عطار، اصول و مبانی تصوف و عرفان را منتشر کرده است.گروه : علوم انسانیرشته : ادیان خارجیگرایش : ادبیات عرفانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد محمدی ملایری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاه خود ملایر و عزیمت به اراک و اخذ دیپلم ادبی در آن دیار، وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای 1336، 1349و 1353ه.ش موفق به دریافت مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری خود در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.خاطرات و وقایع تحصیل : احمد محمدی ملایری بین سالهای 1332 تا 1353 که به تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تنران مشغول بود، شاهد اواسط و اواخر سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در ایران بوده است. در آن زمان جریانهای شعر نو و شعر سنتی نیز به جدال خود اداهمه می دادند.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد محمدی ملایری در کنار تحصیل در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به مطالعه وسیع آثار عرفانی ادبیات فارسی و نیز آثار دراماتیک (نمایشنامه های اروپایی) مشغول بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد محمدی ملایری پس از دریافت دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1353به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز دانشگاه آمریکایی بیروت مشغول بود.فعالیتهای آموزشی : احمد محمدی ملایری پس از اخذ دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1353، به تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و نیز در دانشگاههای اروپایی بیروت پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد محمدی ملایری در کنار تدریس ادبیات فارسی، به ترجمه و تالیف اثاری دربارة عرفان اسلامی ایران و ادبیات فارسی مشغول بوده است و وی به فعالیت های تحقیقاتی خود ادامه می دهد.آرا و گرایشهای خاص :

احمد محمدی ملایری در رشته ادبیات فارسی بیشتر به عرفان اسلامی -ایرانی و آثار ادبی مربوط به آن (مولوی ، عطار) علاقمند است و دراین زمینه تحقیقات و تالیفاتی دارد .

آثار : 1 آیین نگارش و سخنوری 2 اصول و مبانی تصوف و عرفان 3 بررس اندیشه های عرفانی عطار 4 پایتخت های نامی ایران در دوران تاریخ 5 ترجمه کتاب عرفان مولوی

محمدی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم بن مرحوم آیت‌اللَّه محمدی از علماء محترم معاصر گلپایگانست.
وی در ربیع‌المولود 1325 ق در قریه اسفرنجان دیده بدنیا گشود و بعد از طی دوران کودکی و تحصیل مختصری از مقدمات رهسپار اصفهان شده و در خدمت اساتید آن محیط دانش مفذمات و سطح را فراگرفت و در سال 1307 شمسی به نجف اشرف مشرف و در آن محیط نورانی در خدمت مرحوم آیت‌اللّه مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی رضوان‌اللّه‌علیهم اشتغال به تحصیل داشت و بعد از هفت سال در سال 1314 شمسی با دریافت اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیتین عراقی و اصفهانی طاب اللّه ثراهما به ایران مراجعت و چند سالی در خدمت پدر به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول بود تا در سال 1320 شمسی نعمت وجود پدر را از دست داده و از آن تاریخ شخصاً با اتکال به لطف خدا او توسل به ذیل عنایت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام متصدی حفظ نظام امور دینی و خدمات اجتماعی این منطقه گردید.
و با اینکه از سال 1322 برحسب دعوت که اهالی شهر گلپایگان از او نمودند موفق شد که در محیط به اقامه جمعه و جماعت بپردازد و نماز جمعه که سالها بود از آن محیط متروک و مهجور بود زنده نموده و بپای بدارد و توانست که مسجد جامع تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مهجور و مخروبه بود افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.
مع ذلک محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می‌کرد تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر بوجود او با عوامل دیگر ایجاب نمود که به شهر منتقل شود و در چند سال قبل این اقدام را نمود و به شهر منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد و مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی معمور و مجهز نمود و آن را پایگاه برازنده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرده و آیت‌اللّه حایری گلپایگانی در مورد این موفقیت این چند شعر ذیل سرودند.
مسجد مزبور از هر جهت مجهز و دارای کتابخانه نفیسی است که در ردیف مساجد معمور درجه اول ایران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

محمدی، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نقاش، طراح، مجسمه‌ساز.
تولد: 18 شهریور 1317، بروجرد.
درگذشت: 19 اسفند 1366.
اصغر محمدی در سال 1340 به دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و تحصیل در رشته‌ی نقاشی را آغاز نمود. یک سال بعد، به مطالعه و پژوهش در زمینه‌ی آموزش و پرورش هنری کودکان و نوجوانان پرداخت و در عین حال به امر آموزش هنرهای نقاشی در مدارس رو آورد. این تلاش وی منجر به برگزاری یک سلسله نمایشگاه‌های متعدد از بهترین آثار نقاشی کودکان و نوجوانان در دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی کیهان، پارک‌ها، مدارس و کانون‌های مختلف دیگر در سال 1342 بود. در سال 1344 به عنوان هنرآموز هنرهای تجسمی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر سابق درآمد و یک سال بعد از دانشکده‌ی هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل گردید.
در سال 1346 نخست به آموزش چهار دوره معلیمن کودکستان (وابسته به اداره‌ی کل تعلیمات ابتدایی) پرداخت و آنگاه به تربیت پنجاه نفر دانش آموختگان هنرستان‌های وزارت فرهنگ و هنر سابق، برای آموزش همت گماشت. در همین سال به تدریس هنرهای تجسمی در مؤسسه‌ی (انستیتو) تربیت مربیان امور هنری که شامل یک دوره‌ی فوق دیپلم برای معلمان امور تربیتی مدارس بود، روی آورد. محمدی به سال 1347 گردآوری و تدوین بخشی از کتاب راهنمای نقاشی کودکان را به انجام رسانید و دو سال بعد تدریس رشته‌ی آموزش و پرورش هنری در مدرسه‌ی عالی پاریس را نیز بر دامنه‌ی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خویش اضافه کرد.
به سال 1350 به منظور مطالعه و پژوهش و شناخت بیشتر مسائل هنری، به ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی سفر کرد. پس از بازگشت به ایران در سال 1352 به تدریس رشته‌ی «دکوراسیون» در مؤسسه‌ی تکنولوژی تهران و همچنین تدریس رشته‌ی هنر و کاردستی در دانشگاه مکاتبه‌ای و یک سال بعد به تدریس رشته‌ی طراحی در دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و پیکره‌سازی در دانشکده‌ی هنرهای تزئینی پرداخت. در سال 1369 به دوره‌ی دکترای دانشگاه سربن در

رشته‌ی تاریخ هنر راه یافت و پس از بازگشت به ایران در سال 1358 مجددا به سرپرستی هنرستان هنرهای تجسمی پسران برگزیده شد و از سال 1362 تدریس در مجتع دانشگاهی هنر را نیز بر عهده گرفت.
آثار وی در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های زیر شرکت داشته است: چهارمین دو سالانه‌ی منطقه‌ای تهران (1343)؛ نمایشگاه «25 سال آفرینش هنری» موزه‌ی ایران باستان (1347)؛ ششمین دو سالانه‌ی پاریس (1348)؛ نمایشگاه روز جهانی حقوق بشر (1349)؛ نمایشگاه انفرادی تندیس در خانه آفتاب (1350)؛ جشنواره‌ی بین‌المللی نقاشی (کانی سورمر) فرانسه (1351)؛ نمایشگاه گروهی در اصفهان (1353)؛ نمایشگاه دهمین سال افتتاح گالری قندریز (1353)؛ اولین نمایشگاه بین‌المللی هنر تهران (1353)؛ شرکت در نمایشگاه فضا و حجم انجمن ایران و آمریکا (1354)؛ نمایشگاه «نگرش به پنجاه سال هنر ایران» (1355)؛ نمایشگاه گروهی «خانه بین‌المللی هنر» پاریس، نمایشگاه نقاشی و تندیس در گالری «ورکامر» پاریس (1356).
اصغر محمدی سرانجام در نوزدهم اسفند سال 1366 درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محمدی، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم محمدی
محل تولد : دره شهر ایلام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال1341در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در سن 4 سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال 1358 درآنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال 1359 وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال 1360 به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقاضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال 1363 وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطم با جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.
در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل‌مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام(ره) را نزد آقای

رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.
دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال 1374 به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نهایة الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنیهات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریة المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالة الفطرة و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیة الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال 1377 با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدرس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به

فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید صادق محمدی
محل تولد : خرمشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سال 1362 تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم، دروس مقدماتی و دوره سطح را در مدرسه علمیه ملامحمد جعفر مشهور به مدرسه علمیه مجتهدی تهرانی و سپس در مدرسه علمیه مروی تهران گذراندم و در طول این مدت نیز قسمتی از منظومه ملاهادی سبزواری را در محضر آیت الله سید رضی شیرازی تلمذ نمودم و پس از آن در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی تبریزی و وحید خراسانی آغاز نمودم و حدود ده سال از نظرات فقهی و اصولی این دو فقیه عالی قدر استفاده نمودم و همچنین حدود شش سال در موسسه بقیة الله الاعظم دوره تخصصی فقه و اصول را گذراندم.اینجانب از همان اوائل طلبگی مشغول تدریس بوده و تاکنون در حدود 20 سال مشغول تدریس کتب حوزوی بوده و هم اکنون مشغول تدریس دروس سطح می‌باشم.

محمدی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله محمدی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
وی در سال 1338 در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال 1369 بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .
دکتر محمدی اصفهانی در سال 1375 موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال 1350 تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی 25 سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدی، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد محمدی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1

زندگینامه علمی
بعد از دوره دبیرستان در سال 1362 مشغول دروس حوزوی شدم و تا اتمام دوره لمعتین در یزد مشغول تحصیل بودم از سال 69 وارد قم شده در درس بحث آقایان مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و آیت الله سید احمد خاتمی و آیت الله سبحانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و دیگر آقایان شرکت نمودم در کنار درس از سال 1372 وارد محیط ادبیات داستانی شدم در سال 1373 به بعد در مجلات کودکان داستان ارائه کردم. کم کم درمجلات نوجوان و جوان هم داستان و مقالات ادبی ارائه نمودم در همین سالها بود که با مجله کودک و نوجوان (سلام بچه ها پوپک) همکاری داشتم و در درسهای نادر ابراهیمی شرکت کردم.

محمدی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی محمدی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
حقیر در سال 1337 در همدان متولد شدم، پس از فراگیری قرآن مجید و برخی از کتب متداول آن روز در مکتب خانه های رایج آن زمان پرداخته سپس در دبستان تا کلاس پنجم ابتدایی را سپری کرده. در سال 1355 وارد حوزه علمیه قم شدم، ادبیات عرب، معانی بیان و منطق را از محضر اساتیدی از جمله استاد مدرس افغانی استفاده نمودم، معالم الاصول، اصول فقه مظفر، شرح لمعه نیز از اساتید دروس فقه در آن زمان فرا گرفتم، فلسفه را در حد بدایه الحکمه و نهایه الاحکمه از محضر استاد فیاضی شرح منظومه را از استاد گرامی و انصاری شیرازی، بهره گرفتم اسفار را از محضر استاد حسن زاده آملی و جوادی آملی فرا گرفتم.وسایل را از محضر استاد اعتمادی و دیگر بزرگان استفاده کردم. مکاسب و کفایه را بیشتر از محضر استاد ستوده بهره گرفتم. سپس در درس خارج در محضر اساتیدی بوده و هستم که نوشته شده است. در کنار تحصیل حوزوی تحصیلات کلاسیک را تا سوم نظری ادامه دادم سپس با پذیرش در کنکور تربیت مدرس دانشگاه قم مدرک کارشناسی ارشد را دریافت کردم. و طبق رسم رایج در حوزه ها در فرصت های مناسب تبلیغ را وظیفه خود دیده از آن غفلت و دریغ نکردم، در مواقع لزوم مناطق محروم کشور را جهت تبلیغ مسایل اسلامی برگزیدم. تدوین و نوشتن را طبق توصیه اساتید بزرگ غنیمت شمرده، در مواردی که احساس وظیفه می نمودم از همکاری با نهادهای مرتبط با نظام مقدس جمهوری اسلامی کوتاهی نمی نمودم از جمله همکاری با گروه تاریخ اسلامی مرکز تحقیقات سپاه، دفتر تبلیغاتی اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی و ... و اینک نیز در خدمت مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه می باشم.

محمدی، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسلم محمدی
محل تولد : اردل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرسه در سال 1365تا سال1370سطوح مقدماتی را د رحوزه های علمیه استان چهار محال و بختیاری گذراندم. از سال 1370تا کنون در حوزه علمیه قم هستم و دروس سطح تا خارج را گذراندم. و در سال 1379وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه سطح 4شدم و اکنون د رحال تدوین مراحل پایانی پایان نامه آن می باشم که با عنوان (نسبیت گرائی اخلاق از دیدگاه مکاتب اخلاقی غرب و روشنفکران مسلمان) نوشته شده است .مدتی در مرکز مطالعات حوزه به پرسشهای ارسالی پاسخ می دادم و در مجله صباح وابسته به آن مجموعه نیز برخی مقالات از بنده چاپ شده، همچنین مقالاتی د رحوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در نشریات و روزنامه های کشور به چاپ رساندم. از سال 1381تا سال 1383مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایلام د رحال خدمت بودم که در همان سال اول به عنوان مسئول نمونه کشوری معرفی گردیدم .
لازم به ذکر است از سال 1368تاکنون فعالیتهای تبلیغی در مدارس ،مناطق عشایری ،روستاها ،نیروهای نظامی و دانشگاههای سراسر کشور به انجام رسانده ام. الان نیز به عنوان مشاور سردبیر و دبیر تحریر مجله علمی پژوهشی نشریه اندیشه نوین دینی به فعالیت علمی مشغول هستم.
لازم به ذکر است که سطح مجله از نظر علمی ویژه اساتید دانشگاه و محققین کشور می باشد. از نظر فعالیت های علمی از سالهای اول طلبگی تا الان به تدریس دروس حوزه از صرف و نحو ،منطق وفلسفه تدریس داشته ام،هم د رحوزه های شهرستان و هم قم . و علاوه بر اینها در مرکز جهانی علوم اسلامی مدتی تدریس کردم .همچنین مدتی د رسال1372مدیر داخلی مدرسه علمیه شهر قصر شیرین بوده ام. از سال 1381تا1383 تدریس در دانشگاههای علوم پزشکی و آزاد اسلامی ایلام

را عهده دار بودم و سال1384تربیت معلم شهید رجائی تهران و ترم قبل والان دانشگاه قم ،و همچنین در ترم گذشته و همچنین جهت ترم آینده دانشگاه تهران (میدان انقلاب) تدریس به عهده گرفته ام .

محمود علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 916 ق)، طراح فلزات. طراح و نقاش و طلاکوب و اسلیمی کار بر روی فلزات سخت بود. از آثار رقم‌دار وی، طاس فلزی و مزینی با نقش‌های اسلیمی است که در بین کتیبه‌های مستطیل مانند آن، اشعاری به خط زیبا درج شده، با رقم: «عمل استاد محمود علی سنه 916».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1135 -1134/ 3).

محمود، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارزنده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در 1259 ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلک آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در 1324 پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در 1344 ش در 85 سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور 20 دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.
(1344 -1261 ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛

«جنگ نفت»، ترجمه.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دایرةالمعارف فارسی (2701/ 2)، شرح حال رجال (45 -44/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2184/ 2 ،1066 ،708/ 1)، کلک (س 5، ش 55 و 56، ص 388 -382)، مؤلفین کتب چاپی (87/ 6).

محمودی، امیرملک

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر ملک محمودی
محل تولد : الیگودرز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: 1347 متولد 1351 صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال 1368 وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.
در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال 1360 تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال 1374 با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.
اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن محمودی
محل تولد : کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
. اینجانب حسن محمودی متولد1356درمحمدشهر کرج می باشم درسال 1376بواسطه اشنایی بااقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محمودی‌نوبر، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف.
تولد: 1304، تبریز.
درگذشت: 27 دی 1372.
محمود محمودی‌نوبر، فرزند ربیع محمودی‌نوبر، از فضلا و خوشنویسان تبریز، نوه‌ی محمودخان مستوفی والی تبریز مشهور به عمادالکتاب بود. محمودی تصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز تمام کرد و سپس تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی در تهران ادامه داد. پس از دریافت مدرک لیسانس به تحصیل در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی پرداخت و تا درجه‌ی فوق لیسانس پیش رفت. پس از فراغت از تحصیل با سمت‌های مختلف در وزارت فرهنگ به تعلیم و تربیت نسل‌های جوان پرداخت. پس از انتقال به تهران، علاوه بر تدریس و تعلیم و سایر فعالیت‌های فرهنگی، معاونت اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ را به عهده گرفت. در آن زمان ماهنامه «آموزش و پرورش» و مجله‌ی «دانش‌آموز»، همراه با کتاب‌های ساده‌ای چون خواندنی‌ها و سرگرمی‌ها انتشار یافت. پس از تأسیس مرکز انتشارات آموزشی در سال 1344، سردبیر مجله‌ی «پیک معلم» و عضو شورای نویسندگان مجله‌های «پیک» شد و تا سال 1358 به کار خود ادامه داد. او در کار تهیه و تدوین دائرةالمعارف فارسی از همکاران دکتر غلامحسین مصاحب بود. کتاب درس معلم دانا که در سال 1344 انتشار یافت، نمونه‌ای از ترجمه‌های این دوران است. محمود محمودی از سال 1360 همراه ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و اسماعیل سعادت به طرح فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان که مقدمات آن را در شورای کتاب کودک فراهم آورده بود پیوست. او گام به گام در شکل دادن به کار تدوین این فرهنگنامه در شورای ویراستاران همکاری کرد. نوشتن مقاله‌های آزمایشی را به عهده گرفت و به عنوان یکی از مسئولان در ویرایش یکایک مقاله‌ها شرکت داشت. از سال 1370 محمود محمودی سر ویراستار فرهنگنامه بود. و همه جنبه‌های کار فرهنگنامه را زیر نظر گرفت و تا آخرین روز زندگی ادامه داد. او در همین مدت به چند کار اساسی دیگر نیز دست زد. همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعه نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان (نوشته‌ی آیزاک آسیموف، بیش از بیست جلد) است. کتاب‌های الکتریسته، انرژی

هسته‌ای، دینوزروها، قاره‌ی قطب جنوب، نفت و زغال سنگ ترجمه محمود محمودی است. کار دیگر او همکاری در ترجمه‌ی فرهنگ آثار بوده است، ویرایش چندین کتاب از جمله درون جهان سوم اثر پل هریسون، ترجمه‌ی کتاب بخار اثر ریچارد. ن. فرای، قاهره‌ی شهر هنر و تجارت، اثر گاستون بیت از او بوده است.
محمود محمودی‌نوبر به دنبال عارضه‌ی قلبی چشم از جهان فرو بست.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

محیط طباطبایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1371 -1281 ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در 1300 ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در 1302 ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از 1327 تا 1334 ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در 1337 ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از 1316 تا 1318 ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از 1321 ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن‌بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزام محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 18، ش 6 -1، ص 256)، ادبستان (س 3، ش 33، ص 94)، ادبیات نوین (309)، تاریخ برگزیدگان (398 -396)، الذریعه (310/ 24)، سخنوران نامی معاصر (3204 -3198/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3307، 2114/ 2، 1043/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 10، ص 9 -3)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (793 -792/ 5).

محیط قمی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1317 -1250 ق)، مترجم و شاعر، متخلص به محیط. ملقب به شمس‌الفصحا. در قم به دنیا آمد. علوم ادبی و عربی را در زادگاهش و اصفهان فراگرفت و چون دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت. محیط همچنین در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت. دوستعلی خان معیرالممالک، وزیر خزانه‌ی ناصرالدین‌شاه، محیط را به تهران فراخواند تا عهده‌دار تعلیم و تربیت فرزندش، دوست محمدخان باشد. وی هنگام جلوس مظفرالدین‌شاه، به امر صدر اعظم، قطعه‌ای برای شاه به نظم درآورد که مقبول واقع گردید و ملقب به شمس‌الفصحا شد. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از آثارش: «ترجمة الحقایق» یا ترجمه‌ی «الحقایق» ملا محسن فیض کاشانی؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1614 -1613/ 3)، الذریعه (1015/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3197 -3192/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1579 -1578، 860/ 1)، مواد التواریخ (413، 232 -231)، مؤلفین کتب چاپی (795 -793/ 5)، یغما (س 12، ش 2، ص 75).

محیطی اردکانی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد محیطی اردکانی
محل تولد : اردکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
دراردیبهشت 1335 ه.ش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقة شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال 1352 ه.ش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال 1357 و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در 22 بهمن 1357 دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال 20 روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و

اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمة الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله 3 جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرة» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارة ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

محیطی اردکانی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد محیطی اردکانی
محل تولد : اردکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
دراردیبهشت 1335 ه.ش در شهر اردکان در یک خانواده مذهبی و روحانی متولد شدم بعد از اتمام دوره سیکل به پیشنهاد پدر بزرگوارم و علاقة شدیدی که به علوم اسلامی داشتم به مدرسه علمیه اردکان وارد شدم در سال 1352 ه.ش به قم آمدم و در مدرسه حقانی (منتظریه) که زیر نظر شهید دکتر بهشتی (ره) و سید قدوسی(زه) اداره می شد به تحصیل مشغول شدم.ادبیات و معانی بیان و مقداری از شرح لعمه و منطق مظفر را در آنجا زیر نظر اساتید مجرب چون حجت الاسلام امینی، و آیت الله احمد جنتی (عضو محترم شورای نگهبان) و حجت الاسلام حائری شیرازی «امام جمعه محترم شیراز» خواندم.درمدّت چهار سال که در مدرسه حقانی بودم ، درسهای اخلاق شهید قدوسی و درس های عقائد حجت الاسلام حائری شیرازی، بسی را راهگشا و سازنده بود.در سال 1357 و اوجگیری انقلاب اسلامی چند ماهی در شهر اردکان با پخش اعلامیه ها و کمک در برپایی راهپیمائی ها و پخش نوارهای سخنرانی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضور فعال داشتم.با پیروزی انقلاب شکوهمند ایران در 22 بهمن 1357 دوباره به حوزه علمیه قم آمده و مشغول تحصیل گردیدم. و از اساتید برجسته قم در اصول و فقه و تفسیر قرآن وفلسفه بهره بردم ، بیش از سی سال است که در ایام تبلیغی (دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان) در شهرها و روستاها و بخش های مختلف به امر مهم تبلیغ پرداخته و چند سالی در ایام تعطیل تابستان در مدرسه علمیه اردکان به تدریس مقدمات و معالم و باب رابع مغنی مشغول بوده در ضمن در سپاه پاسداران اردکان و پادگاه ولی عصر(عج) به امر آموزش معارف مشغول بودم.در طول هشت سال دفاع مقدس هر سال 20 روز به جبهه ها حق علیه باطل اعزام و به امر تبلیغ پرداختم که پنج نوبت آن در دفتر تبلیغات ثبت شده است در مدت ده سال که در درس خارج فقه و

اصول استاد آیت الله صالحی مازندرانی(رحمة الله علیه) شرکت داشتم.به پیشنهاد استاد روزی دو ساعت برای تدوین درسی های خارج ایشان در فقه و اصول با استاد همکاری نموده و نوشته های استاد را بازنویسی و منبع یابی نموده که به حمد الله 3 جلد کتاب فقه به نام «مفتاح البصیرة» و چند جلد اصول به نام «مفتاح الاصول» به زیور طبع آراسته شد.در این اواخر بیش از هفت سال است که در دانشکده شهید محلاتی به اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و بین نماز مغرب و عشاء احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بیان گردید که در دو جزوه چهل حدیث به چاپ رسیدبه لطف خداوند متعال در این سال های اخیر موفق شدم همراه تحصیل چند کتاب را به رشته تحریر در آورم که سه جلد از آن ها به نام های « درارة ابن اعین» و« سبز پوشان» و «نوروز در نگاه شریعت» به زیور طبع آراسته گردید. و دو کتاب دیگر آماده چاپ است به نام«سیمای اردکان» و «سیمای یزد»و بیش از چهل مقاله در موضوعات مختلف در روزنامه و مجله و ماهنامه و فصل نامه های مختلف به چاپ رسیده است.

مخبر، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس مخبر (امام جمعه دزفول) در سال 1307 شمسی در دزفول متولد شده و در شهر خون و قیام و مقاومت در برابر دشمن پرورش یافته و مقدمات و سطوح و خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و آیات عظام زیر استفاده نموده تا به رتبه‌ای از علم و دانش و حدیث رسیده است.
1- آیت‌اللّه معزی دزفولی
2- آیت‌اللّه حاج شیخ منصور سبط شیخ انصاری
3- آیت‌اللّه نبوی دزفولی (ره)
مرحوم خبر از دانشمندان و گویندگان مجاهد و مبارز استان خوزستان به ویژه شهرستان دزفول بوده و با بیان گرم مردم را سوق به انقلاب داده و خود سنگری برای به ثمر رسیدن انقلاب بود و همواره پیش قافله و پیش آهنگ مردم مقاوم آن سامان بوده و جدا که زیر توپ و موشک عجیب استقامتی نمود.
و چندی هم امام جمعه این شهرستان بود و هرگز این سنگر را رها نکرد تا در سال 1410 قمری که از دنیا رفته و به اولیاء حق پیوست.
آثاری از تألیفات خود گذارده که از نظرتان می‌گذرانم.
1- قاموس الفقه
2- شرح دعا مکارم‌الاخلاق به اسم مدینه فاضله
3- امام سجاد (ع) سخنرانی یک ماه رمضان در جامعه اهواز
4- راهنما و فلسفه حج
5- شاگردی در مکتب استاد
6- آغاز دانش
7- روش نوین در فلسفه
8- ارمغان شهید ترجمه مسکن الفواد و غیر اینها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مخبرالسلطنه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا. از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی‌خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:
1- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. 2- تحفةالافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. 3- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. 4- مجمع‌الادوار در علم موسیقی 5- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. 6- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌اللّه. 7- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که 1334 شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است.
حاج مخبرالسلطنه در سال 1305 شمسی وزیر فوائد عامه گردید. در اردیبهشت 1306 به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد 1306 برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه 1309 مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه 22 شهریور 1334 شمسی درگذشت.
حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این‌که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.
حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مخبرالسلطنه، مهدی قلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1334 -1240 ش)، نویسنده و مترجم. معروف به خان خانان و ملقب به مخبرالسلطنه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به همراه برادرش مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله به آلمان رفت و به تکمیل معلومات پرداخت. وی به زبانهای آلمانی و فرانسه و انگلیسی آشنا بود و از علوم قدیمه نیز اطلاع داشت. او عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله: ریاست پستخانه و گمرک و تلگرافخانه آذربایجان، ریاست مدرسه‌ی نظامی، عضویت هیئت تنظیم و تدوین انتخابات مجلس شورای ملی، استانداری آذربایجان و فارس و همچنین ریاست دیوان عالی کشور و نیز وزارت عدلیه فرهنگ و نخست‌وزیری در 1312 ش بود. از آثار وی: «خاطرات و خطرات»؛ «افکار امم»؛ «فوائد الترجمان»، در تعلیم زبان فرانسه؛ «گزارش نامه‌ی ایران»؛ «راهنمای آموزگاران»؛ «مجمع الادوار»، ترجمه؛ «سفرنامه مکه»؛ «بر من چه گذشت»؛ «تحفه‌ی مخبری یا کار بیکاری».[1]
مهدی‌قلی‌خان هدایت، فرزند علیقلی‌خان مخبرالدوله (ه.م) (و. 1280 ه.ق ف. 1334 ه.ش) وزیر علوم، رئیس‌الوزرا، از تألیفات اوست: افکار امم، خاطرات و خطرات، ترجمه‌ی مجمع‌الادوار، الفبا و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] روز شمار تاریخ (58/ 2، 106، 47، 45، 43، 35، 21،/ 1)، سفرنامه‌ی مکه (پیشگفتار/ یازده- دوازده)، شرح حال رجال (187 -184/ 7)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2896، 2725، 2473، 1634،/ 2، 1238، 808، 491، 299/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (460 -458/ 6)، وزرای معارف ایران (38/ 36)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (67 -53)، یغما (س 5، ش 10، ص 467).

مختاری، روح الامین

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌شمس الدین محمد بن سید محمد رضا مختاری نائینی اصفهانی.
فاضل صالح، و واعظ کامل، مؤلف: «تأویل الآیات». وی از ائمه‌ی مسجد جامع جدید عباسی بوده است. سال وفاتش معلوم نیست. از معاصرین صاحب ریاض العلماء است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مختاری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی مختاری
محل تولد : تیران کرون اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/9/2
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری ، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و ... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود 4 سال، خوانسار، حدود 5 سال، و دو سال 1356 و 1357 فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصری (درس لمعه) بهره می بردم.با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و

فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مدبری، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود مدبری در پانزدهم شهریور سال 1335 در تهران بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش ادب حماسی ، فرهنگ نویسی، تصحیح متون و تاریخ ادبیات از دانشگاه تهران در سال 1347 می باشد.دکتر مدبری هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه کرمان است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادب حماسی ،فرهنگ نویسی ،تصحیح متون
والدین و انساب : پدر محمود مدبری،حسین مدبری استوار بازنشسته ارتش است و هم اکنون 86 سال سن دارد و مادر محترمشان خانم فاطمه بختیار است که دار فانی را وداع گفتند. خانواده دکتر مدبر هفت نفر بود.
خاطرات کودکی : دوران کودکی محمود مدبری در محلات جنوب غربی تهران سپری شده است که آن دوران خاطرات خاص به خود را دارد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمود مدبری در خانواده ای متوسط بدنیا آمد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمود مدبری به ترتیب زیر است: - دیپلم ریاضی از دبیرستان ادیب تهران در سال 1353-1354 - کارشناسی زبان و ابیات فارسی از دانشگاه ملی ایران از سال 1354-1357 - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی از سال 1357-1364 - دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران از سال 1371-1375
خاطرات و وقایع تحصیل : ازمهمترین واقعه رخداده در دوران تحصیل محمود مدبری در دانشگاه ، وقوع انقلاب اسلامی در سال 1357 می باشد.که وی از آن دوران خاطراتی بیاد دارد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای محمود مدبری در دوران تحصیل به شرح زیر است: - از سال 1356-1364 در سازمان لغتنامه دهخدا مشغول به کار پژوهشی بودند. - در طی سالهای 1362-1364 بصورت حق التدریس با دانشگاههای شهید بهشتی و دانشکده صدا و سیما در تهران همکاری داشتند. - از سال 1356-1357 در بنیاد فرهنگ ایران به کارهای پژوهشی مشغول بودند.

استادان و مربیان : دکتر سید جعفر شهیدی ،دکتر سید محمود دبیر سیاقی ،دکتر سید صادق گوهرین ،دکتر حسین کریمان ،دکتر فرزام پور ،دکتر رعدی آذرخشی ،دکتر علی فاضل ،دکتر شفیعی کدکنی ، دکتر مهدی محقق ، دکتر سادات ناصری ،دکتر آذرتاش آذرنوش ،دکتر فیروز حریرچی ،دکتر پورنامداریان ،دکتر سیروس شمیسا ،دکتر خانلری ،دکتر جعفر شعار و دکتر ابولقاسم از استادان محمود مدبری می باشند.
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مسعود قاسمی ،خانم افسانه شیفته فر ،دکتر صفاری ،دکتر صرفی ،دکتر فتوحی ،دکتر عباسی و دکتر حسنی از هم کاران محمود مدبری می باشند.
همسر و فرزندان : محمود مدبری متاهل است. همسر وی بنام سرکار خانم زهرا حلاجی غلامرضا دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی و خانه دار هستند.ایشان دارای دو فرزند پسر بنامهای میلاد مدبری(دارای مدرک کارشناسی رشته عمران از دانشگاه آزاد اسلامی کرمان) و علی مدبری (دانشجوی سال دوم رشته دندانپزشکی) می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال 1376-1379 - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات کرمان از سال 1376-1373 -مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی در طی سالهای 1366-1368 و 1369-1370 و 1374-1376 - دبیر کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرقی از سال 1380-1383 و از سال 1385 تا کنون - عضو هیئت ممیزه دانشگاههای جنوب شرق از سال 1381-1383 - یک دوره ماموریت دوساله تدریس در کشور اوکراین از سال 1383-1385 - عضو گروه علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان از سال 1383 تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان از آغاز تا کنون - عضو هیئت تحریریه نشریات فرهنگ و ادب فرهنگ ،مطالعات ایرانی ،پژوهشگران فرهنگ در کرمان - عضو شورای انتشارات دانشگاه از سال 1366 تا کنون
فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس محمود مدبری به شرح زیر است: تدریس در دانشگاههای باهنر کرمان ، آزاد اسلامی کرمان و جیرفت ،پیام نور کرمان ،پیام نور رفسنجان ،پیام نور بم و بافت، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صدا و سیمای تهران . دکتر مدبر از سال 1373 تدریس در مقطع کارشناسی ارشد و از سال 1381 در مقطه دکتری را شروع کرده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمود مدبری در کنار تدریس به مطالعه ، تحقیق ، تالیف کتب و مقالات و همچنین شرکت در سمینارها و کنفرانسها می پردازد.

همفکران فرد : محمود مدبری با همکار قدیمی خود آقای مسعود قاسمی در زمینه های رشته تخصصی خود همفکر می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : گرایش محمود مدبری بییشتر در زمینه های ادبیات حماسی و شاهنامه ،تصحیح متون ادبی فارسی ، فرهنگ نویسی فارسی ،تاریخ ادبیات ایران ، سبک شناسی و ترجمه و تفاسیر قرآنمی باشد.
جوائز و نشانها : - استاد نمونه دانشگاه های کشور در سال 1383 - دریافت جایزه حامیان نسخ در سال 1384 - کتاب سال استان کرمان سه بار در سالهای 1377 و 1380 و 1381 - پژوهشگر نمونه دانشگاه در سال1379 - پژوهشگر نمونه استان کرمان دو بار در سال 1378 و 1379
چگونگی عرضه آثار : محمود مدبری دارای 20 کتاب تالیفی و تصحیحی و 60 مقاله (چاپ و منتشر شده) است. ----------
---

آثار :
1 ایران عمار فقیه کرمانی
2 ترجمه قرآن ماهان
ویژگی اثر : از ترجمه های کهن قرآن است که در موزه آستان شاه نعمت الله ولی شهر ماهان محفوظ است و نیمه اول قرآن را در بر دارد. متن ترجمه مربوط به قرن پنجم یا ششم هجری است و کتاب نسخه قرن هشتم باز میگردد.- انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال 1383
3 حمله حیدری
4 رباعات جامی
5 سرمه سلیمانی
ویژگی اثر : لغتنامه ای از قرن یازدهم دوره صفوی نوشته تقی الدین اوحدی بلیانی - چاپ مرکز نشر دانشگاهی - 1364
6 شاعران بی دیوان
7 غازان نامه منظوم
8 فرهنگ لغات نژدهای فنی و مصنوعی
ویژگی اثر : کلیه لغات نادر و متشکل 40 نثر فنی و مصنوعی معنی شده و ماخذ و منابع آن در متون مشخص گشته است.-انتشارات خدمات فرهنگی در سال 1376

مددی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین بن آیت‌اللَّه آقا سید علی مدد قائنی مددی از دانشمندان معاصر قائن می‌باشد وی در سال 1348 ق هجری در نجف مشرف و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح از دراسات خارج آیات عظام چون آیت‌اللَّه اصفهانی و والدش و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و آیت‌اللَّه شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در خدمت والدش در سال 1375 قمری به ایران و خراسان آمده و بنابر دعوت و استدعاء مردم بندر پهلوی به آنجا (بندر امام فعلی) عزیمت و تاکنون به اقامه جماعت و انجام وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مددی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد بن العلامة الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید علی مدد قائینی مددی از علماء موصوف به تقوای معاصر مشهد مقدسند وی در دهم رجب 1339 در نجف متولد و در بیت علم و کمال پرورش یافته و مقدمات و اولیات را نزد فضلاء نجف خوانده و سطوح را از علماء و مدرسین آنجا تکمیل و از خارج ابحاث آیت‌اللَّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللَّه والدش و آیت‌اللَّه آقا سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و در مصاحبت والد مبرورش به مشهد آمده و به تدریس و مباحثات سطوح پرداخته و پس از فوت والدش به جای ایشان به اقامه جماعت در مسجد بالاسر اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مدرس افغانی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1284.
درگذشت: 1365.
از آثار اوست: تصحیح و تعلیق جامع المقدمات (قم، 1356)؛ الشواهد المنتخبه لکتاب السیوطی (با همکاری مهدی احدی امیر کلاهی، این کتاب شرح است بر البهجة المرضیه فی شرح الفیه؛ قم، 1356)؛ قواعد الادبیه فی توضیح شرح عوامل فی النحو (قم، 1368)؛ تقریر کتاب الزبده فی شرح الهدایة (تألیف مهدی احدی امیرکلاهی، دو جلد؛ قم، 1374)؛ الکلام المفید للمدرس و المستفید من شرح الصمدیه (شیخ بهایی) (قم؛ 1368)؛ متن مصحح جامع المقدمات همراه با فهرست تفصیلی مطالب (قم، 1370)؛ مکررات المدرس، شرح السیوطی (سه جلد؛ قم، 1369).
یادنامه‌ای در خصوص محمدعلی مدرس افغانی تحت عنوان یادنامه استاد ادبیات عرب مدرس افغانی به همت سید جوادی در سال 1366 به چاپ رسید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس رضوی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1280 ق)، فقیه، عالم دینی، نحوی و شاعر. پدرش خواهرزاده‌ی سید محمد رضوی سبزواری امام جمعه مشهد بود. سید میرزا محمدتقی یازده برادر داشت که با خود او همگی اهل فضل و کمال بودند. میرزا عبدعلی منجم باشی مشهدی فرزند او است. از آثارش: «المنظومه الفقهیة»؛ «المنظومة النحویة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (194/ 9)، الذریعه (140، 126/ 23)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 221/ 13)، المآثر و الآثار (172)، معجم المؤلفین (131/ 9).

مدرس گرجی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 8 ذیقعده 1313 ق.
درگذشت: 5 بهمن 1363، سنندج.
ملا عبدالله مدرس گرجی، فرزند عبدالکریم مدرس گرجی، تحصیلات مقدماتی را نزد برادرش محمد شروع و بعدها در محضر ملا عبدالعظیم مجتهد و چند تن دیگر از علمای کردستان به پایان رساند و به دریافت اجازه موفق شد که این اجازات و مداک او بعدها به تصویب و تأیید وزارت معارف و اوقاف نیز رسید. او تا پایان عمر مرتبا به تدریس و تحشیه و تألیف و مطالعه و یادداشت نکات علمی و ادبی و نیز امامت و ارشاد مردم سنندج در مجسد ملاویسی مشغول بود. وی در تصوف و عرفان نیز دارای مقام بود.
ملا عبدالله مدرس گرجی در تمام رشته‌های علمی و ادبی و دینی از صرف و نحو و منطق و کلام و تفسیر و حدیث و غیره وارد بود و آنها را تدریس می‌فرمود. فهرست آثار وی به این شرح است: رساله‌ای در ابطال جواز الصلاة فی الحضر بلا وجود عذر و المطر به عربی؛ رساله‌ای در منطق به فارسی با تفریظ ملا خالد مفتی‌زاده و ملا عبدالمجید اصولی؛ رساله‌ای در پیام به برادران دینی و خطاب به عموم مسمانان جهان به فارسی که به تفریظ سید عبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان و ادیب حبیب‌الله کاشتری رسیده است؛ کشف الغوایه در رد شبهات؛ رساله‌ای به فارسی در حساب و جبر؛ رساله‌ای به فارسی درباره وجوب حجاب در اسلام؛ رساله ای در مناسک حج؛ مولودنامه کردی؛ تحقیق النسخ در رد متعرضین نصاری؛ و چند کتاب دیگر.
(1405 -1313 ق)، عالم دین و مدرس. وی امام جماعت مسجد ملاویسی سنندج بود و به تدریس نیز می‌پرداخت. در سنندج درگذشت. از آثارش: رساله‌ای در «منطق»، به فارسی؛ «پیام به برادران دینی»؛ «کشف الغوایة»، در رد شبهات؛ رساله‌ای در «حساب و جبر»، به فارسی؛ رساله‌ای در «وجوب حجاب در اسلام»، به فارسی؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ «مولودنامه‌ی کردی»؛ «تحقیق النسخ»، در رد معترضین نصارا.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ مشاهیر کرد (480/ 2).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید علی موسوی بهبهانی در 1305 دربهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (1325) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در 1328 فارغ التحصیل شد. وی در سال 1332 تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال 1337 نیز دکتری فلسفه خودرا از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی درسال 1350 به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در 1377 ادامه داد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهگرایش : فلسفه اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسوی بهبهانی پس ازگذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (1325ه.ش) پس از فارغ التحصیلی در 1328، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ التحصیلی در 1331، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال 1337ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند.فعالیتهای ضمن تحصیل : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان درزمینه فلسفه و کلام می پرداخت.استادان و مربیان : نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری بوده است.وقایع میانسالی : دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار وکالت و تدریس در دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی درسال 1347 با پروفسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در 1350 مدتی در هلند و درسال

1377 در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال 1379 بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند 1350 استاد دانشگاه تهران در سالهای 1353تا 1379 مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال 1377 فعالیتهای آموزشی : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی درسال 1336عضو هئیت علمی دانشگاه تهرا گروه فلسفه شد و در سال 1379 بازنشسته گردید. وی در سال 1350در دانشگاه اوترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و درسال 1377در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد ، ابن هزم اندلس، صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار : 1 القبسات میرداماد 2 تصحیح صاین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی 3 حکیم استر آبادی میرداماد 4 شرح الدره الفاخره 5 عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات 6 عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی 7 کلیات معارف اسلامی 8 منطق ابن حزم 9 نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرس یزدی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1287، یزد.
درگذشت: 18 شهریور 1371.
آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجددا به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه‌ی نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محله‌ی امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار (مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و... پرداخت.
آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سید ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمدتقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.
از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به استثنای دیوان شعر شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف عروة الوثقی رسائل و مکاسب نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.
آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرس، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا میرزا محمد باقر، عالم فاضل، از ائمه جماعت در محله پاقلعه بود. در ظهر روز 4 شنبه 30 رجب سال 1388 مقارن طبع کتاب به سن متجاوز از هفتاد وفات یافته، در مقبره جد بزرگوار خویش، جنب مسجد رحیم خان مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مدرسی چهاردهی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1290، نجف.
درگذشت: اسفند 1357، تهران.
مرتضی مدرسی چهاردهی فرزند شیخ محمد مشهور به آیت‌الله چهاردهی در رشته‌ی فلسفه از دانشکده‌ی ادبیات درجه‌ی لیسانس داشت و در علوم مذهبی نیز از حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درجه‌ی اجتهاد گرفته بود. خدمت مطبوعاتی را از سال 1315 آغاز کرد و با جراید و مجلات کشور از جمله «ارمغان»، «وحید»، «بررسی‌های تاریخی»، روزنامه‌ی «پارس» و «مهر ایران» همکاری داشت و مدت‌ها رییس اداره‌ی کل مطبوعات وزارت کشور و نیز از اساتید دانشگاه تهران بود. وی همچنین به دریافت نشان درجه‌ی پنجم تاج نایل آمد. نزدیک به بیست جلد کتاب تألیف دارد که چند جلد آن درباره‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از جمله آثار وی است: آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی (1377)؛ تاریخ فلاسفه‌ی اسلام (دو جلد، 1337 -1135)؛ خاطرات سید جمال‌الدین افغانی (محمد پاشا مخزومی، 1328)؛ دانشنامه؛ مجموعه‌ی مقالات و رسالات (شرح حال و آثار شیخ احمد احسائی به قلم مدرسی، قسمتی از شرح حال صاحب ابن عباد به قلم احمد بهمنیار)؛ زندگانی و فلسفه‌ی اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی (1334)؛ زندگانی و فلسفه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (1334)؛ سیاست‌نامه (از خواجه نظام‌الملک، از روی چاپ شفر، با یادداشت‌های محمد قزوینی، 1334)؛ سیمای بزرگان (شرح حال چهارده نفر، 1335)؛ شیخ احمد احسائی، شرح حال (1334)؛ شیخیگری و بابیگری از نظر فلسفه تاریخ و اجتماع (1345)؛ صغری و کبری (از میر سید شریف جرجانی)؛ مثنوی هفت اورنگ جامی (1338)؛ ترجمه‌ی مصائب النواصب (از قاضی نورالله شوشتری)؛ تصحیح معالم الاوصل (ترجمه‌ی آقا هادی مازندرانی)؛ نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین. آخرین اثر استاد مدرسی نوشته‌ای که به عنوان مقاله برتر هشتمین اجلاس وحدت اسلامی در سنندج برگزار شد.
استاد نورالدین مدرسی چهاردهی در سن هفتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدرسی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1297 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. در قاین به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات متوسطه در مشهد و دارالفنون تهران موفق به اخذ درجه‌ی دکترای ادبیات از دانشگاه ادبیات تهران شد. او همچنین در بدو تأسیس مجله‌ی «ترقی» عنوان سردبیری آن را داشت. از آثار وی: «پنجه‌ی خونین»؛ «عشق شوم»؛ «پیک اجل»؛ «عروس مدائن»، ترجمه. [1]
فرزند دکتر سید حسین مدرسی، در 1297 در قائن متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان شاهرضای مشهد انجام داد و از دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم گرفت و وارد دانشکده ادبیات تهران شد و دوره‌ی سه ساله دانشکده‌ی مزبور را به پایان رسانید و لیسانس گرفت. چند سال بعد تحصیلات خود را در دانشکده‌ی ادبیات ادامه داد و سرانجام دکتر در ادبیات فارسی شناخته شد.
وی از نوجوانی سودای نویسندگی داشت و از اینرو بعد از شهریور 1320 نویسندگی را آغاز نمود و سرانجام سردبیر مجله‌ی ترقی شد. مجله‌ی ترقی در آن ایام از مطبوعات جنجالی و پرسروصدا و متنوع بود و طرفداران زیادی داشت. مدرسی در این مجله تلاش زیای کرد و آنرا به اوج رسانید و بزرگترین تیراژ را در آن زمان بدست آورد. داستانهائی که توسط مدرسی در مجله نوشته می‌شد، خواهان زیادی داشت و بعضی از آنها بصورت کتاب چندین بار منتشر گردید، مانند عروس مدائن، پنجه خونین، عشق و انتقام، پیک اجل.
دکتر مدرسی همزمان با کار نویسندگی به استخدام در وزارت دارائی درآمد و مشاغل مهمی را در طول خدمت خود در وزارت دارائی بدست آورد. از مشاغل وی می‌توان بازرسی دولت در بنگاه داروئی، نماینده‌ی وزارت دارائی در شورای راه‌آهن، مدیر کل نظارت بر مؤسسات اقتصادی را نام برد. عضویت شورایعالی بانک رفاه کارگران و عضو هیئت مدیره و قائم مقامی بانک رهنی ایران از دیگر مشاغل وی می‌باشد.
دکتر مدرسی در حزب مردم فعالیت داشت و از اینرو در دوره‌ی بیست و دوم مجلس از طرف حزب مزبور کاندیدای نمایندگی از تربت حیدریه گردید و سرانجام به وکالت مجلس انتخاب شد. در مجلس یکی از سخنگویان حزب مردم بود مخصوصا به هنگام طرح بودجه دولت ایراداتی

به طرز حکومت هویدا می‌گرفت. در هر حال در ادوار بعد نتوانست رضایت دولت را جلب کند و پس از انقضای مجلس بیست و دوم، به وزارت دارائی بازگشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] چهره‌های آشنا (532)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2298/ 2 ،646 ،621/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (91 -90/ 1).

مدرسی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین مدرسی یزدی فرزند مرحوم عالم ربانی حجةالاسلام حاج سید محمود مدرسی یزدی (داماد معظم آیت‌اللّه حاج آقا مجدالدین محلاتی شیرازی) یکی از چهره‌های درخشان حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل و متانت و مناعت طبع و بزرگواری آراسته است و اکنون سالیان دراز است که در آمریکا (واشنگتن) به خدمات دینی و فرهنگی در آن منطقه باختری اشتغال دارد و خدمات چشمگیری هم انجام داده است.
آقای مدرسی در سال 1314 شمسی در قم به دنیا آمده و در بیت دانش و ورع پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه و عالیه را از مدرسین و اساتید حوزه علمیه آموخته و چند سالی هم از دروس آیات عظام استفاده کرده و زبان انگلیسی و غیره را نیز فراگرفته و برای خدمت بیشتر سفر به اروپا و امریکا نموده و چندین سالست که در امریکا و در دانشگاه واشنگتن اشتغال به تدریس علوم و فنون اسلامی و تبلیغ احکام و ترویج دین مبین اسلام و تنویر افکار دانشجویان و غیره دارند.
آقای مدرسی با بیت شریف محلاتی شیراز وصلت نموده و صبیه آیت‌اللّه حاج شیخ مجدالدین محلاتی فرزند مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ بهاءالدین محلاتی شیرازی را در اختیار دارند و بسیار مورد علاقه این بیت مخصوصا پدر همسر خود می‌باشند.
آقای مدرسی دارای تألیفات ارزنده هستند که به زبان فارسی و انگلیسی به طبع رسیده است و متاسفانه تاکنون فهرست آن به دست حقیر نرسیده که در اینجا منعکس نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مدرسی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمدحسن بن العلامه سید محمد مدرسی یزدی از علماء اعلام و فقهاء عظام و دانشمندان کرام حوزه علمیه و ائمه جماعت شهرستان قم می‌باشند.
در حدود سال 1320 قمری در یزد متولد شده و پس از رشد و دیدن قسمتی از سطوح مهاجرت به قم نموده و سطوح را نزد مدرسین بزرگ قم تکمیل و به حوزه درس مرحوم آیت‌الله موسس حایری و آیت‌الله حجت رحمه‌الله حاضر شده و مدت 18 سال هم از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی انارالله برهانه استفاده نموده و در پائین شهر قم به ترویجات دینی و روحی و اقامه جماعت پرداخته و تا هم‌اکنون به خدمات مذهبی اشتغال دارند.
والد ماجدش مرحوم علامه حاج سید محمد یزدی از شیوخ علماء و اکابر دانشمندان یزد بوده و در سال 1341 قمری در یزد از دنیا رفته و در قبرستان جوی هرمر به خاک رفته است.
برادر ارجمندش جناب عالم فاضل حاج سید محمدباقر میرصالحی مدرسی از ائمه جماعت یزد بوده‌اند.
فرزندان ارجمند روحانی دارد که در سلک روحانیت به تبلیغات مسائل احکام و ترویجات دینی از طریق منبر اشتغال دارند و آنها به اسامی زیر می‌باشند.
1- حاج آقا محمد مدرسی که از وعاظ محترم قم و تهران می‌باشند.
2- حاج‌آقا علی مدرسی یزدی که با مولف طریق صداقت را دارند.
3- حاج‌آقا کاظم مدرسی.
4- حاج‌آقا احمد مدرسی یزدی 5- آقا محمود مدرسی
6- آقا رضا مدرسی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی
محل تولد : یزد
شهرت : مدرسی یزدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال 1334 هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیة الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیة الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرة علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیة الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزة علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیة الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیة الله مدرسی یزدی در حدود 5 سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از 7 سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسة معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورة مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورة مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورة سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت

می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیة الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورة مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال 1351 که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیة الله صلواتی و آیة الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیة الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیة الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیة الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیة الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیة الله شهید مطهری و نیز آیة‌الله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیة الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورة مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایة الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیة الله مدرسی از سال 1372 ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دورة دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است.

او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیة الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیة الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیة الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیة الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیة الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدرکی نهاوندی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به مدرکی. در «الذریعه» و تذکره‌ی «روز روشن» و «تاریخ نظم و نثر» صاحب عنوان تحت نام درکی آورده شده است که با توجه به آورده‌ی عبدالباقی نهاوندی، فرزند او، که دوبار وی را تحت نام و تخلص مدرکی آورده، اشتباه می‌باشد. وی ساکن قریه جولک از توابع نهاوند و پدر آقا خضر و عبدالباقی نهاوندی، صاحب «مآثر رحیمی» بود. پدر او از طرف شاه اسماعیل صفوی (930 -905 ق) به وزارت همدان رسید و خود او نیز از جمله اعیان آن ولایت بود که در زمان شاه عباس اول (1038 -996 ق) وزیر و ناظر آنجا شد. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (675)، تذکره‌ی روز روشن (258)، الذریعه (322/ 9)، فرهنگ سخنوران (830)، مآثر رحیمی (1538 -1537/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (707/ 3).

مدنی، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1293، دهخوارقان (آذرشهر)، از توابع تبریز.
شهادت: 20 شهریور 1360، تبریز.
آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقا میرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و پس از گذراندن دوره سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.
مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال 1363 ق. به زیارت خانه خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و درس خود را در آنجا شروع کرد و در درسهای آیت‌الله خویی شرکت نمود و روزانه چندین جلسه درس از کفایة، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌های و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن 1375 که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آن‌ها پرداختند و با دادان تعدای شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان 500 نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملا معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان طبق حکم بیست و یکم مهر 1358 ایشان به عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمدعلی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در اداره‌ی امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با همیاری مردم آنها را از صحنه‌ی سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوء قصد شد.
از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان، بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک، راه اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصر شیرین، اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی کمالیه‌ی خرم‌آباد، احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا، ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکست حصر سوسنگرد).
آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور 1360 بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم معصومه (س) به خاک سپردند.
حاج سید اسداللّٰه مدنی دهخوار قانی (آذر شهری) از علماء مبرز معاصر است در شهر خرم‌آباد. وی در سال 1331 قمری در آذرشهر متولد شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح اولی در محل خود به اتفاق برادر رضاعی خود جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر حکمت‌نیا در سال 1356 قمری مهاجرت به قم نموده و سطوح وسطی و نهائی را از مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّٰه العظمی مرعشی نجفی و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و بعضی دیگر به پایان رسانیده و به درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی آقای آسید محمد حجة کوه‌کمری و آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری طاب ثراهما حاضر شده و استفاده کامل نموده و خود به تدریس سطوح و اخلاق پرداخته آنگاه مهاجرت به نجف نموده و از محضر آیات بزرگ حوزه نجف بالاخص زعیم اعظم و مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت‌اللّٰه العظمی خوئی مدظله فقها و اصولا استفاده نموده و خود در آن سامان به تدریس فقه و اصول و غیره پرداخته و در فصل تابستان به همدان آمده و مورد توجه مخصوص مردم باایمان همدان و بالخصوص دانشمندان آن شهرستان قرار گرفته تا در سال 1392 قمری که مردم عالم دوست شهرستان خرم‌آباد مرکز فرمانداری منطقه لرستان برای سرپرست حوزه علمیه آنجا و مرجعیت مردم آن ناحیه تقاضا و به اصرار آنجناب را به خرم‌آباد برده و تاکنون از وجود ذیجودش استفاده و

استفاضه می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، بدرالدین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مترجم.
درگذشت: 1367، تهران.
بدرالدین مدنی در سال‌های آخر عمر درباره‌ی زندگی و آثار سعدی کار و تحقیق می‌کرد. او به زبان فرانسوی آشنایی داشت و به نوشته‌های رومن رولان علاقه‌مند بود و چندین نمایشنامه از جمله روبسپیر (1360) را به فارسی برگرداند: از آن جمله است: آیرت (رومن رولان)؛ آن زمان فراخواهد رسید (رومن رولان، 1357)؛ پیروزی عقل (نمایشنامه‌ای اثر رومن رولان، 1360)؛ تراژدی‌های ایمان (مجموعه چند نمایشنامه از رومن رولان، 1364)؛ تردستی‌های اسکاپن (مولیر، 1365)؛ گرگ‌ها (رومن رولان، 2535 1355)؛ تحقیقی مقدماتی درباره‌ی داستان‌های شاهنامه با عنوان دریچه‌ای بر کاخ بلند و گزندناپذیر شاهنامه. بدرالدین مدنی کتابی نیز درباره‌ی رومن رولان در سال 1363 تحت عنوان رومن رولان: زندگی و آثار منتشر نمود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1260، همدان.
درگذشت: 1367، همدان.
سید حسین مدنی معروف به مترجم نظام، و از مجاهدان صدر مشروطیت فرزند دقیق الاشراف کردستانی، فارغ‌التحصیل دارالفنون بود. وی نخستین دانشجوی ایرانی است که با تصویب مجلس شورای ملی و به پاس خدمات مشروطه‌خواهی به آمریکا رفت و در دانشگاه والنارزو (در ایندیانا) تحصیل نمود. راز اولین رؤسای معارف همدان و نویسنده و مترجم صاحب اثر است.
مدتی روزنامه‌ی «نجات ایران» را انتشار می‌داد و سپسی به انتشار نشریات دیگری نظیر «جمالیه»، «پایتخت»، «اکباتان» و «مدنیت» دست داد. آثار و مقالات وی در جراید مذکور و نشریات دیگر درج شده است. از وزارت علوم به دریافت نشان علمی نایل آمده و در زمانی که به ریاست دارالترجمه وزارت فرهنگ را برای مدتی طولانی عهده‌دار بود و به کار ترجمه‌ی آثار نویسندگانی چون گوستاو لوبون مشغول بود. مترجم نظام شعر هم می‌سرود و برای اغلب امور جاری و مطالب عادی و غیر عادی ماده‌ی تاریخ ساخته است (به این جهت نزد برخی به سازنده‌ی ماده‌ی تاریخ معروف است). اشعار وی بالغ به چند هزار بیت است که بیشتر به امور جاری و مسائل می‌پردازد.
از فعالیت‌های دیگر وی تأسیس یتیم‌خانه‌ای در همدان و ایجاد مدرسه و کتابخانه در یزد و تشکیل انجمن‌های دینی و تبلیغ اسلامی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مدنی، علی خان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی خان کبیر در غروب جمعه ، پانزدهم جمادی الاول 1052 ق . در مدینه پای به عرصه گیتی نهاد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر سیدعلی خان، سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگان علی بن الحسین علیه السلام جای داشت .مادر گرانقدرش دخت شیخ محمد بن احمد منوفی ، مرجع وارسته شافعیان شمرده می شد.هنوز علی خردسال بود که پدرش دعوت قطب شاه هفتم ، فرمانروای حیدرآباد را اجابت کرد و برای راهنمایی مومنان شبه قاره رهسپار هند شد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودک شیرازی تبار حجاز زیر نظر مادر ارجمندش بالید. در این سالها دایی دانشورش ، شاعر گرانمایه حضرت قاضی عبدالجواد منوفی ، پیشوای مذهبی و امام جماعت شافعیان در مسجد الحرام از وی حمایت می کرد.و نهال نورسته مدینه را از عنایات خویش برخوردار می ساخت . سید علی در روزگار کودکی بزرگان بسیار دید و یاد و نام و سیمای علمی - اجتماعی آنها را به خاطر سپرد. شیخ عبدالله بن سعید باقشیر، سید نورالدین علی بن حسن حسینی شامی ، سبط الشیخ زین بن شیخ محمد شامی عاملی ، قاضی تاج الدین احمد بن ابراهیم مالکی مکی و مولا محمد باقر خراسانی جمعی از دانشورانی بودند که برای تدریس یا نماز به مسجد الحرام می آمدند.و خاطره سبزشان در اندیشه کوچک نوباوه هوشمند حجاز ثبت شد.سید علی در چنین قضایی رشد یافت و به حدود چهارده سالگی رسید. در این سن نامه پدر که وی را به هجرت فرا می خواند، به دستش رسید. پس بار سفر بست و در ششم شعبان 1066 ق . رهسپار شبه قاره شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سفر نوجوان حجاز بیست ماه به درازا کشید. سرانجام در روزهای پایانی ربیع الاول 1068 ق . به حیدر آباد رسید. و برای نخستین بار یعقوب هند را در آغوش گرفت . او شرح تلاشهای مادر فداکارش را برای پدر باز گفت و از حوادث حجاز پرده برداشت .نظام الدین احمد مقدم فرزند را گرامی داشت و در فرصتهای گوناگون داستان شیخ الاسلامی و پذیرش دامادی سلطان را برای پور سپید بخت مدینه النبی بیان کرد.و برنامه درسی و تربیتی ویژه ای برایش در نظر گرفت .ناگفته پیداست که نظام الدین برای تربیت علمی فرزند فرصت کافی نداشت . بنابراین جوان برومند حجاز را فرمان

داد که تنها به محفل علمی پدر بسنده نکند و برای دستیابی به آرمان بلند خویش از محضر دانشمندان بزرگی که به شوق بهره گیری از فضای مناسب حیدرآباد به سمت شبه قاره می شتافتند، سود برد.سید علی پند پدر شنید و از پژوهشگران بزرگی چون محمد بن علی شامی عاملی و شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی کامیاب شد.ناگفته پیداست که آموخته های اختر فروزان حیدرآباد به آموزشهای مدون بزرگان یاد شده محدود نبود. او در نشستهای رسمی و غیر رسمی پدر شرکت می جست و از گنجینه اندوخته های دانشگرانی که به دیدار سید نظام الدین می شتافتند. برخوردار می شد. منابع موجود نشان می دهد که محفل پدر جایگاه ادیبان ، پزشکان و فقیهان بود. سرور جوانان حجاز در این نشستها با بزرگانی چون ادیب گرانمایه سید حسینعلی بن حسن شدقم حسینی و ادیب و پزشک نامور شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی آشنا شد و از تجربه های گرانبهایشان بهره برد و اندک اندک در شمار درختان پرثمر باغستان دانش حیدرآباد جای گرفتخاطرات و وقایع تحصیل : سید وارستگان حجاز در دیباچه زرین ((سلافه العصر)) از آن سالها چنین یاد کرده است :((پس پیوسته ناکامیها بر من فرو می بارید و مرا از نگارش باز می داشت . حوادث ناگواری که طومار شکیبایی را در هم می پیچید، گردش روزگاری که پیامدهای تلخش خردسالان را کهنسال و سپید موی می ساخت . رنج دوری از وطن ، بستگان و آشنایان ، انواع دشواریها و نامرادیها در کنار دشمنی پیوسته دربار چنان آتشی در زندگی ام افکند که اگر بر زبان قلم جاری شود بی تردید آن را می سوزاند. هر چند آن سالها روزگار ناکامیها و نامرادیهای سید علی شمرده شده است ، هرگز تلخ ترین روزهای زندگی اش نبود. در سالهای پایانی این دهه غمبار مرد پولادین عرصه دانش و ادب روی در نقاب خاک کشید.و صدر الدین را در برابر یورشهای مکرر سلطان ابوالحسن تنها نهاد.اینک قطب شاه هشتم برای همیشه از دغدغه نفوذ سید نظام الدین رهایی یافته بود. پس بی هیچ نگرانی سید علی را در خانه ای کوچک زندانی کرد و هر گونه دیدار با او را ممنوع ساخت . بدین ترتیب ناگوارترین روزهای زندگی سرور دانشوران حجاز با مرگ سید نظام الدین آغاز شد و تا سالها ادامه یافت . روزهایی که خود درباره آن چنین نگاشته است :((... در این روزگار از همه آشنایان دورم و جز اندوه همنشینی ندارم ... ناگزیر باید در خانه ای تنگ تر از روزن سوزن زندگی کنم ، خانه ای که هنگام ورود بدان شاهرگ قلب انسان پاره می شود. در این سرای ، همنشینی جز کتاب و دفتر ندارم ...خداوند از حوادثی که در آینده پدید می آید آگاه تر است . تا کنون بر این بحران گشایشی آشکار نشده است ... این گزیده ای از حقایقی است که در این سرزمین بر من می گذرد، شرح روزهای زندگی ام که پیاپی می گذرند و

من با حسرتی پایان ناپذیر به تماشایشان نشسته ام .استادان و مربیان : از استادان سیدعلی خان مدنی می توان به: سیدحسینعلی بن حسن شدقم حسینی، شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی شامی، شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی و محمدبن علی شامی عاملی اشاره کرد.وقایع میانسالی : دانشور نستوه در این برهه نیز پژهش دست نکشید و در روزگاری که به سن شصت نزدیک می شد به نگارش رساله ای در شرح روایتهای پنجگانه ای که پدرانش سینه به سینه برایش بازگو کرده بودند، پرداخت و در ربیع الاول 1109 ق . آن را به پایان برد.سالها شتابان می گذشتند و ادیب فرزانه هند را به سمت کهنسالی پیش می بردند. سرور اندیشمندان سده یازدهم اینک آثار گذر عمر را بر پیکرش مشاهده می کرد. بنابراین در 1114 ق . نزد محیی الدین محمد اورنگ زیب شتافت و کناره گیری اش از پستهای دولتی را به آگاهی وی رسانده ، اجازه خواست که راه حجاز پیش گیرد و در پایان عمر به زیارت بیت الله الحرام ، آرامگاه مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بستگانش در آن سامان توفیق یابد.اندکی بعد بار سفر بست و بی توجه به اندرز آشنایان ، که او را به ماندن و بهره گیری از عنایتهای ملوکانه تشویق می کردند، در مسیر سپیدترین جاده جهان به حرکت درآمد و پس از 46 سال زندگی پرفراز و فرود در شبه قاره ، سوی وطن روان شد.زمان و علت فوت : دانشوری که در روزهای سخت حیدر آباد و لاهور از پژوهش باز نایستاد در روزهای آسودگی شیراز نمی توانست از این کردار پسندیده دست بردارد. او همچنان تحقیق می کرد و می نوشت تا گرانبهاترین مجموعه لغت عرب را پدید آورد و البته در این کار نیز چون همه اقداماتش به موفقیتی سترگ دست یافت . کتاب پر ارج ((الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول)) نشانه روش پیروزی بزرگ آفتاب بی غروب شیراز در روزگار کهنسالی و ناتوانی است . ادیب گرانمایه مدرسه منصوریه در این اثر گران پایه استادی و چیرگی خیره کننده اش را هویدا ساخته ، در ذیل هر لفظ همه مسائل مربوط به آن ، حتی ترانه ها و داستانها را نیز به زیور نگارش آراسته است .بی تردید پایان این اثر شگرف می توانست پایان گسترده ترین پژوهشهای انسان در موضوع لغت عرب به شمار آید ولی دریغ چرخ چنین نمی پسندید. بیماری بر پیکرش پنجه افکند و سرانجام دیدگان پرفروغش در یکی از غمبارترین روزهای سال 1120 ق . برای همیشه بسته شد.استادان ، دانشجویان و مومنان شهر پیکر گرانبهاترین گوهر دریای ادب و هنر را تا حرم حضرت احمد بن موسی علیه السلام شاهچراغ همراهی کردند و در آن حریم پاک کنار آرامگاه سید ماجد بحرانی به خاک سپردند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تلاشهای سیدعلی خان بزرگ در تامین امنیت شهر و آسایش مردم ، محمد اورنگ زیب را بر آن داشت که وی را به حکومت لاهور و مناطق

مجاور منصوب کند. با این تدبیر سلطان نماینده ای شایسته یافت . لاهور فرمانداری دلسوز به دست آورد و ادیب بزرگ سده یازدهم پای در روزگاری سراسر تلاش نهاد.هر چند مسئولیت تازه سید دشوار و کمرشکن بود، هرگز او را از پژوهش و نگارش باز نداشت . آن بزرگمرد از فرصتهای اندک پدید آمده در نبردها و آماده باشها بهره برد و به تحقیق و نگارش پرداخت . دانشمندی چون صدر الدین سید علی همنشین با کتاب را از هر کاری زیباتر و دوست داشتنی تر می داشت ولی سیاستمداری چون اورنگ زیب هرگز نمی توانست شخصیت ارجمند دانشور وارسته روزگار خویش را نادیده گرفته ، از او در اداره امور جامعه بهره نبرد. بنابراین ضمن فرمانی وی را به ریاست دیوان ((برهانپور)) منصوب کرد. دانشور برجسته جهان اسلام که این مقام را برای خدمت و انجام دادن وظیفه الهی اش مناسب می دید، راه برهانپور پیش گرفت و در آن دیار به نجات ستمدیدگان و کوتاه کردن دست تبهکاران و متجاوزان پرداخت . آن دانشمند گرانمایه پس از چند سال داوری ، از کار در دیوان برهانپور کناره گرفت و دیگر بار به ارتش پیوست و سالیانی چند در سپاه محمد اورنگ زیب ، که تشنه حضور فقیهی پارسا بود، به خدمت پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سرنوشت همچنان با دانشمند وارسته حیدر آباد نامهربان بود. توفان دیر پای شریعت ستیزی که با مرگ قطب شاه هفتم آغاز شده ، با عروج سید نظام الدین احمد اوج گرفته بود همچنان ادامه داشت و هستی گرانبهاترین گوهر دریای دانش و هنر را تهدید می کرد. نگاهبانانی که پیرامون خانه کوچک او می گشتند، جاسوسانی که به عنوان دانشجو و ادیب به دیدارش می شتافتند هر یک خبر از آینده ای دشوارتر و تاریک تر می داد.در چنین موقعیت ادیب برجسته حجازی تبار نقشه ای هوشمندانه طرح کرد، نقشه ای که در بهترین فرصت به اجرا درآمد. سید علی از زندان گریخت و مقامهای امنیتی قطب شاه هشتم را در شگفتی فرو برد. سلطان سواران بی شمار در پی اش روان ساخت . سوارانی که بسیار تلاش کردند ولی جز نومیدی و شکست بهره ای نبردند.دانشور گریخته از زندان قطب شاهیان ، خود را به برهانپور رساند و در نخستین فرصت به دیدار محمد اورنگ زیب ، پادشاه آن سامان شتافت . اورنگ زیب دشمن دیرپای حیدرآباد نشینان شمرده می شد و پیوسته در اندیشه جذب دانشمندان و سیاستمداران آن دیار بود. بنابراین مقدم سرور ادیبان جزیره العرب را گرامی داشته ، لقب خان به وی بخشید و هزار و سیصد سوار زیر فرمانش قرار داد.بدین ترتیب فرزند دانشمند سید نظام الدین به صدر الدین سید علی خان شهرت یافت . پیشنهادهای سازنده او در شیوه کشور داری و لشگر آرایی سلطان اورنگ را بسیار تحت تاثیر قرار داد، به گونه ای که وقتی رهسپار اورنگ آباد شد وی را نیز همراه خویش

برد و چون از آنجا به سمت احمد نکر حرکت کرد او را فرمانده نگاهبانان اورنگ آباد ساخت .شاگردان : سیدعلی خان مدنی در سالهای تدریس شاگردان بسیار پرورید ولی بی دریغ که نام و یاد آن سپید بختان در گذر زمان به تاراج رخدادها رفته ، در آور فراموشی مدفون شده است . آنچه می توان در این فرصت باز گفت نام سه تن از کامروایانی است که اجازه بازگویی شنیده ها و نگاشته های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته اند:1. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمد باقر مجلسی گردآورنده مجموعه نفیس بحارالانوار2. دانشور ارجمند حضرت شیخ باقر بن موسی محمد حسین مکی ،3. دانشمند وارسته حضرت سید محمد حسین خاتون آبادی اصفهانی .آثار : اسلافه العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر ، التذکره فی الفوائد النادره ، الحدائق الندیه فی شرح الصمدیه ، الزهره فی النحو ، الطراز الاول فیما علیه من لغه العرب المعمول ، الفرائد البهیه فی شرح الفوائد الصمدیه ، الکلم الطیب و الغیث الصیب ، المخلاه ، انوار الربیع فی انواع البدیع ویژگی اثر : در سال 1093 ق . با نام کتاب نفیس انوار الربیع فی انواع البدیع در اختیار ادب دوستان قرار گرفت10 دیوان شعر ، رساله فی اغلاط الفیروز آبادی فی القاموس ، رساله فی المسلسله بالاباء ، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام ، سلوه الغریب و اسوه الادیب ، کتاب النفیس ویژگی اثر : را در جمادی الثانی 1079 ق . به جهان دانش و ادب عرضه کرد.آن بزرگمرد در سطور پایانی این اثر از دشواریهای زندگی اش پرده برداشته16 محک القریض، ملحقاه السلافه ، موضح الرشاد فی شرح الارشاد ، نعمه الاغان فی عشره الاخوان ، نفثه المصدور منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1kz - /www.hawzah.net

مدنی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مدنی
محل تولد : گیلان
شهرت : مدنی گیلانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب «محمد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال 1347 شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول 1388 هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنده رمضانی پور» فرزند«محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولد شدم. دوران کودکی را تحت الطاف الهی و کنف محبت پدر و مادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.
بر اساس فضای حاکم در روستا که معمولا کارها به صورت دسته جمعی انجام می پذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می ر فتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.
یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام خمینی رضوان الله علیه آغاز شد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگان امام صورت می گرفت و در پخش پوسترها و اعلامیه ها با عده ای از دوستان هم سن وسال شرکت می نمودیم. اولین بار که عکس دلربای حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیدم چنان مات آن چهره ملکوتی شدم، تو گویی از خود بی خود، اشک محبت از دیده ام جاری شده بود. آتش این اشتیاق روز به روز برافروخته تر می شد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین

خردی چنان در دل نشست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنان جای گرفته است که مشکل برود) لا جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشته و چراغ عشق راه روحانیت شیعی در دلم روشن گشت و خدا را شکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشکلاتی که سر راهم ایجاد شده بود، در اواخر 1363 رسما طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جامع المقدمات و سیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشیه ملا عبدالله و مغنی اللبیب که کتب مقدماتی بودند را در شهرستان رشت، مدرسه علمیه «حاج حسن» معروف به صالح آباد (که بسیاری از بزرگان از جمله مجاهد فی سبیل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السلام و المسلمین الحاج شیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسن بحر العلوم و آیت الله سید محمود ضیابری رحمت الله علیهما بود و مدیریت حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صمدیه را برای مرور در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشرف بوده، تلمذ نمودم. معالم الاصول و مختصر المعانی را در محضر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله مستقیم عربانی که اجازه اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظله فرزند آیت الله حاج سید حسین رودباری که از شاگردان بنام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعاظم و شیخ الافاخم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده

می خوانیم:«حری بان یجیز اجل شانا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم.تفسیر را از محضر علامه نحریر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم.درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.
البته ناگفته نماند به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالفنون حسن زاده آملی بهره بردم و سپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنده و به تدریس، تبلیغ، تالیف و تصنیف مشغول شدم و چند اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای« یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مدهوش گلپایگانی، محمدصادق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1237 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به مدهوش. وی ملا باشی حیدرقلی میرزا، فرزند فتحعلی‌شاه و حاکم گلپایگان بود. در نظم و نثر تبحر داشت و عربی را خوب می‌دانست. مدهوش خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» خاوری، به قلم نستعلیق و شکسته نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه العبد محمدصادق الکلبایکانی فی 1235» و «حرره العبد الاقل محمدصادق کلبایکانی، المتخلص به مدهوش... سنه 1237».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (767 -766/ 3)، حدیقة الشعراء (1628، 1627/ 3)، الذریعه (1024/ 9)، سفینة المحمود (314 -311/ 1)، فرهنگ سخنوران (830)، مجمع الفصحا (1006/ 6)، مصطبه‌ی خراب (174 -173)، نگارستان دارا (251).

مرادخانی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1323.
درگذشت: 1363.
از آثار اوست: المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار (1365)؛ بحار الانوار، فی تفسیر الماثور و القرآن (دو جلد).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مرادی، الشن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران الشن مرادی استاد بزرگ شطرنج ایران متولد ۱ خرداد ۱۳۶۴ که در سال ۱۳۸۳ و در سن ۱۹ سالگی به این درجه دست یافت. او دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف است و از قهرمانان ملی محسوب می‌گردد. تا سال ۲۰۰۵ (میلادی) در شطرنج ایران ۳ نفر دارای عنوان استاد بزرگ مردان هستند.
توانایی او در بازی چشم بسته نیز جالب توجه است
از جمله رکوردهای او مبارزهٔ هم‌زمان با ۵۵ نفر در سال ۸۴ در دانشگاه صنعتی شریف است که به تساوی با ۴ نفر و برد از بقیه بازیکنان انجامید. در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ نیز مسابقه‌ای خیریه‌ای در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد و مرادی به طور هم‌زمان با ۱۲۰ نفر به رقابت نشست که نتیجهٔ آن ۷ تساوی و برد باقی افراد بود. این مسابقه بزرگ‌ترین مسابقهٔ شطرنج هم‌زمان ایران هم بود.

مرادیان، خدامراد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی کرج
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بغداد، دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال 1349.
مرتبه علمی:
تدریس و تحقیق در دانشگاه تهران از سال 1349 تا سال 1360، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ، ادبیات، زبان و ادبیات عربی، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی به مدت 12 سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ، فرهنگ معارف اسلامی، فلسفه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 10، تعداد مقالات بزبان خارجی: 6
زمینه علمی مقالات:
فرهنگ، معارف، علوم اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغی، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نقاش و مجلد. از معاریف زمان خود و اهل مراغه بود و ساکن عثمانی. از آثار گرانقدر وی: جلد روغنی استادانه‌ای است که در کتاب «الفواید الغیاثیه» (تاریخ 1468 میلادی) قرار گرفته و به طلا آرایش شده. داخل جلد به رنگ ارغوانی و نقوش آن تحسین‌انگیز است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (58 /1).

مرتضوی اصفهانی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید محمدکاظم الموسوی الاصفهانی نورالله مرقده در سنه‌ی 1288 هجری قمری در قریه اسفید واجان یکی از قراء بلوک کرون که فاصله این قریه با شهرستان اصفهان قریب به 9 فرسنگ است متولد شده و در سن 14 سالگی به علت اشتغال به تحصیل و تعلیم علوم دینیه با موافقت والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید حسین که از بزرگترین علماء آن قریه به شمار می‌آمده به اصفهان که در آن تاریخ از بزرگترین حوزه‌های علمیه جهان تشیع محسوب می‌شده رفته و در مدرسه‌ی جده‌ی کوچک به تحصیل و فراگرفتن علوم مشغول گردید.
اساتید آن مرحوم: مقدمات و ادبیات عالیه را در نزد استاد الادباء مرحوم آقا سید محمود دهکردی (شهر کردفعلی) که در تدریس مغنی و مطول کم‌نظیر بوده است آموخته و در سطوح یکی از اساتید معظم‌له مرحوم العلامه الفهامه الفقیه المدقق آقا میر محمدتقی مدرس ابن مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین علم الاعلام المیرسید حسن مدرس بوده، دیگر شیخ الفقهاء و العماء مرحوم آقا شیخ عبدالکریم جزی (معروف به آخوند گزی) اعلی الله مقامه و اما درس خارج فقه و اصول، و قسمتی از این دو را از محضر مرحوم آسید محمدتقی مدرس فوق‌الذکر فراگرفته، ولی عمده‌ی درس خارج را از محضر سید العلماء العاملین و استاد الفقهاء و المجتهدین مرجع الخاص و العام آیت‌الله السید محمدباقر درچه‌ای که از اعاظم علماء العصر بوده است استفاده نموده و در فلسفه و حکمت اساتید ایشان مرحوم جهانگیرخان قشقائی اعلی الله مقامه و عارف ربانی مرحوم آقا ملا محمد کاشی (معروف به آخوند کاشی) بوده‌اند که هر دو از مفاخر عصر به شمار می‌آمدند و مرحوم ایشان معتقد به معنویت فوق‌العاده‌ای برای مرحوم آخوند کاشی بودند و مکرر می‌فرمودند که بسیاری از لطائف عرفانی و رقائق اخلاقی را از محضر آخوند فراگرفتم.
معظم‌له پس از طی مراحل تحصیلی و نیل به مدارج عالیه علمی به تدریس و تعلیم پرداختند و در اصفهان صدها نفر از طلاب علوم دینیه که بعضی آنها هم اکنون از شخصیتهای علمی محسوب می‌شوند در مدرسه جده کوچک و مسجد دارالشفاء و مسجد سرخی و مدرسه چهارباغ و مراکز دیگر از محضر درس ایشان استفاده می‌کردند و پس از هجرت به تهران در سالهای اخیر در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار نیز

تدریس می‌کردند.
علاوه بر تدریس نسبت به بیان معارف اسلام و حقائق دین و تفسیر قرآن مبین و امر به معروف و نهی از منکر اهتمام زیادی داشتند و در این راه مجاهدتها نموده و رنجهای فراوان متحمل شدند و در زمان سابق و روزهائی در گوشه زندان و پس از آن ماهها به اجبار دو زاویه خانه به سر می‌بردند و پس از آن در سنوات اخیر تنها به تفسیر قرآن در محافل و مجالس صالحه می‌پرداختند و عده‌ای از خواص از لطائف و دقائق تفسیری وی استفاده می‌نمودند که هنوز برخی از آنان در قید حیاتند و به عقیده کثیری از دانشمندان در عصر خود نسبت به تفسیر آیات و تحقیق در معانی آنها کم‌نظیر بوده است.
ضمنا یادآور می‌شود مرحوم معظم‌له غیر از ادبیات و فقه و اصول و حکمت و فلسفه و تحقیقات در آیات قرآن و روایات صعبه کثیری از علوم غریبه و صنعت شیمی و طب قدیم و خواص ادویه مفرده و مرکبه و کیفیت ترکیب آنها نیز اطلاعاتی وسیع داشتند به طوری که گاهی بعضی امراض صعب‌العلاج را با داروهای یونانی درمان می‌نمودند چنانکه معالجات ایشان زبانزد عده‌ای از اهالی تهران و اصفهان می‌باشد.
اولاد معظم‌له شش نفرند، پنج پسر و یک دختر که دو نفر از فرزندان ذکور ایشان در لباس روحانیت و در تهران به انجام وظائف علمی و روحانی اشتغال دارند. 1-حجه‌الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن مرتضوی 2-حجه‌الاسلام آقای حاج سید کمال مرتضوی. (نگارنده).
وفات مرحوم مغفور پس از تقریبا سی و پنج سال اقامت در تهران در ماه ذی‌القعده الحرام سنه 1366 ه. در تهران اتفاق افتاد و جنازه معظم‌له پس از تشییع کم‌نظیر از طبقات مختلف به شهرستان قم حمل و در جوار حضرت معصومه سلام‌الله علیها در قسمت جنوبی مقبره بیات مدفون گردید. و همان شب از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی آقای بروجردی در مدرسه فیضیه مجلس ترحیم باشکوهی منعقد گردید.
علاوه بر مجالس ترحیم متعدده که تا مدتها در تهران و حومه ادامه داشت در نجف اشرف و اصفهان هم مجالس فاتحه برپا گردید.
دو نفر از فرزندان ارجمند و دانشمند آن مرحوم که ذیلا می‌نگارم:
از علماء معاصر ما می‌باشند و آنها عبارتند از...
حجتی الاسلام والمسلمین و عمادی المله والدین آقای حاج سید ابوالحسن و حاج آقا کمال مرتضوی اصفهانی که هر دو در بیت فضل و دانش متولد و پرورش یافته و پس از خواندن درس جدید به مقدمات و ادبیات پرداخته و پس از تکمیل آن دروس نهائی فقه و اصول را از علماء بزرگ و آیات عظام قم و تهران و غیره فراگرفته و پس از نیل و وصول به مقام علم و دانش از طریق گفتن تفسیر و منبر و اقامه جماعت به وظائف دینی و

روحی پرداخته بالاخص جناب آقای حاج آقا کمال مرتضوی در مسجد فاطمیه واقع در خیابان ناصری شهباز به امامت و خدمات دینی و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسن مرتضوی فرزند برومند آیت‌اللّه حاج سید مرتضی لنگرودی قدس‌اللّه سره از فضلاء ابرار و مدرسین اخیار حوزه علمیه قم می‌باشند.
ایشان در بیست ونهم ماه صفر 1350 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و خواندن و نوشتن را در آن بلده طیبه فراگرفته و در سال 1360 قمری در خدمت والد مغفورش به تهران آمده و مقدمات و سطوح وسطی و عالی را در مدرسه حاج ابوالفتح نزد جمله‌ای از فضلاء و علماء مرکز فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را خدمت والد ماجدش و مرحوم حاج شیخ اسمعیل جاپلقی و برخی از علماء بزرگ دیگر آموخته و منظومه حکیم سبزواری را از مرحوم عالم ربانی و حکیم متاله و متضلع حاج میرزا ابوالحسن شعرانی خوانده است.
در سال 1372 قمری فارغ از سطوح گردیده و در خدمت والد مکرمش به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و به جلسات درس اساطین فقه و اصول و تفسیر و فلسفه حاضر و بخصوص در بحث صلوه آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا در سال 1380 قمری که رحلت آن مرحوم واقع شد شرکت و استفاده نموده و تقریرات صلوة و خمس و قضاء و طهارت او را به رشته تحریر آورده و نیز به درس خارج اصول مرحوم والدش حاضر و قریب یک دوره از اصول ایشان استفاده نموده و نیز حدود یکدوره از درس اصول آقای خمینی بهره‌مند شده و تقریر مطالب اصولی معظم‌له را مبسوطا نوشته و برای چاپ آماده نموده‌اند و نیز دوره اول اسفار را از مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس‌اللّه سره و هم شفاء بوعلی را از آن مرحوم استفاده نموده و هم به درس تفسیر ایشان شرکت و تمهید القواعد ابن قولویه و مبحث معاد بحارالانوار را از محضرشان مستفیض شده و تا آخر عمرشان این جلسات ادامه داشته و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی در درس فقه والدش شرکت و پس از فوت ایشان در سال 1384 قمری و تبعید آقای خمینی به ترکیه و پس از آن به نجف اشرف به بحث فقه آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه آملی شرکت و جزوات تقریرات دروس معظم لهم را نوشته و از 1395 قمری به تدریس خارج عروه‌الوثقی پرداخته و شرح مبسوطی بر عروه‌الوثقی نوشته و به انظار و افکار مقدسه اساطین فقه اشاره نموده است.

معظم‌له از سال 1389 قمری بنا بر تقاضای اهل محل در مسجد سلماسی به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ایراد بحثهائی در اصول دین و معارف اسلامی داشته و دارند.
تألیفات و آثار علمی ایشان
1- جواهر الاصول- تقریرات اصول آقای خمینی (ره)
2- دررالتقاط در تقلید و اجتهاد تقریر درس ایشان
3- رساله در قاعده فراغ و تجاوز
4- رساله در اصاله الصحه
5- رساله در قرعه
6- رساله در تعارض ادله
7- الدر النضید در شرح فروع تقلید عروه‌الوثقی در 2 جلد
8- شرح مبسوطی در طهارت عروه‌الوثقی در چند جلد
9- حاشیه مختصری بر کفایه الاصول
10، 11، 12- تقریرات بحثهای مرحوم آقای بروجردی
13- کتاب مبسوطی در دعا و زیارات و اعمال سنه
14- اللئالی المنوره مانند کشکول شیخ بهائی
15- اوراق یونان در مطالب متنوعه
16- وفیات اعلام در تاریخ فوت علمائیکه از نیمه قرن چهاردهم از دنیا رفته‌اند.
17- نوادر ابناء اعلام در قضایائی که از بزرگان جمع‌آوری شده.
18- گیلان و دانش درباره حالات جمله‌ای از علماء گیلان
و آثار دیگر ادام‌الله عزه و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین لنگرودی (مرتضوی) فرزند بزرگ حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مرتضی لنگرودی «قدس سره»، در حدود سال 1345 هجری قمری، در نجف اشرف متولد گردید. پس از طی دروس مقدماتی و سطوح معقول و منقول و تکمیل سطوح عالیه متعارفه و مقدار کاملی خارج فقه و اصول خدمت والد معظمشان حدود سال 1367 هجری قمری به حوزه علمیه قم عزیمت و مستقیما به درس خارج فقه و اصول و فلسفه حضرات اساتید بزرگ آن زمان همچون آیت‌اللّه العظمی مرحوم حاج‌آقا حسین طباطبائی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی نایب الامام خمینی و علامه بزرگوار طباطبائی تبریزی قدس اللّه تعالی اسرارهم و پس از چندی که والد معظمشان از تهران به قم هجرت فرمودند به درس خارج فقه و اصول ایشان (که در مسجد عشقعلی قم با شرکت فضلاء بی‌شماری داشتند) شرکت نموده و به فراگیری مبانی تحلیلی فقه و اصول از آن اساتید بزرگ همت گماشته و در همه‌ی آن دروس به حدی کوشش مجدانه داشتند که در مدتی از به مراتب عالیه و نهائیه، نائل و مخصوصا حائز رتبه اجتهاد و دریافت اجازات کتبی و شفاهی و غیره از آیات عظام شدند.
تا اینکه در سال 1380 هجری قمری بنا به اصرار اهالی محترم میدان قیام تهران به امامت و سرپرستی مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح مشغول و به وظایف شرعی مخصوصا سرپرستی مدرسه و درس و بحث تاکنون که بیش از سی سال می‌گذرد این حوزه از نوع دروس اصلی و جنبی از مقدمات و سطح الی خارج فقه برخوردار است و شخص ایشان دروس عالیه فقه و اصول را عهده دارند و همه ساله فضلاء و علمائی متعهد مستخرج شده و می‌شوند.
معظم‌له از دانشمندان باتقوا و پرکار و جدی و بسیار متواضع و مجتنب از تظاهرات و معرض از شئونات می‌باشند. تألیفات ایشان در علوم مختلفه، فقه و اصول و تفسیر و اصول عقائد و فلسفه و کلام و نظائر آن بسیار است، مخصوصا بر بسیاری از کتب درسی و غیردرسی حواشی مفید دارند.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومند و صالح جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید محمدرضا لنگرودی که پس از طی دروس مقدماتی و سطوح عالی از محضر آیات عظام، گلپایگانی و آملی و غیرهما بهره‌مند

شده و اکنون از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی لنگرودی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی فرزند حاج سید مرتضی لنگرودی از افاضل مدرسین و ائمه جماعت حوزه علمیه قم می‌باشند. معظم‌له با برادران بزرگوارش از آقازادگان موصوف به فضل و دانش می‌باشند.
ایشان بنابر آنچه که والدشان در پشت قرآن خود ضبط کرده‌اند در ماه شوال 1354 قمری برابر 1316 شمسی متولد گردیده و پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابوالفتوح و مدرسه فتحیه واقع در خیابان ری میدان قیام (میدان شاه سابق) که تحت نظارت و سرپرستی والدشان بود به تحصیل علوم دینیه پرداخته و قسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خوانده است.
در سال 1373 قمری در ملازمت والد ماجدش با عتاب عالیات مشرف و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و تمایل قلبی خود رحل اقامت به قم افکنده و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول و مترجم عزیز ما سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رسانیده سپس در درس خارج زعیم شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت و مدت سه سال استفاده نموده و همزمان آن از دروس خارج والد گرامیش بهره‌مند شده و پس از رحلت آیت‌اللّه بروجردی منحصرا از محضر والد خود مستفیض شده و نیز در بحث الهیات علامه طباطبائی بهره‌مند گردیده تا سه سال بعد از رحلت آیت‌اللّه بروجردی در شب جمعه نوزدهم ماه صفر المظفر 1383 قمری در بحبوحه حکومت نظامی و مبارزات شدید مردم بر علیه دولت والد بزرگوارشان از دنیا رفته و در روز اربعین با تشییع کم سابقه‌ای در حجره شمالی صحن عتیق حضرت معصومه علیهاسلام مدفون گردید.
پس از فوت آن مغفور له به درس آیت‌اللّه گلپایگانی و آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی شرکت حدود دوازده سال استفاده نموده و گاه‌گاهی هم از دروس آیات عظام خمینی و محقق داماد و شریعتمداری استفاده نموده و از بعضی از آیات به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر شده‌اند و در حال حاضر در مدرسه‌ای که به نام والدشان می‌باشد و حدود شصت طلبه دارد به تدریس فقه و اصول و اداره آن مدرسه اشتغال دارند و نیز در مسجد عشقعلی خیابان چهار مردان اقامه جماعت می‌نمایند و در ماه مبارک رمضان و غیر آن برای مؤمنین تفسیر و درس اخلاق گفته و به ارشاد و تهذیب اخلاق خلق‌اللّه اشتغال دارند.

آثار علمی مترجم ما
1- تقریرات درس آیت‌اللَّه بروجردی- خمس و قسمتی از طهارت و قضاء
2- تقریرات درس بعضی از آیات دیگر
3- رساله‌ای در عدالت
4- تعلیقه‌ای ناتمام بر رسائل
5- شرح مکاسب شیخ به فارسی
6- تاریخ را بررسی کنیم در امامت مناظره بدون تعصب
7- تکیه‌های تاریخی
8- مجموعه از آثار و روایات به صورت کشکول
9- شرح فارسی بر تجرید الاعتقاد
10- ترجمه الطوائف ابن طاووس
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا احمد مرتضوی بجنوردی اول عالم متنفذ عصر خود بود در بجنورد عالمی خلیق و دانشمندی کریم دارای محاسن اخلاق و ملکات فاضله بود درب خانه‌اش باز و دستانش گشاده و سفره‌اش گسترده بود.
معظم له در بجنورد متولد و پس از فرا گرفتن مقدمات و ادبیات بمشهد آمده و سطوح را خوانده و مهاجرت بنجف و از محضر آیات عظام نائینی و عراقی و اصفهانی استفاده کرده و بوطن مراجعت و باقامه و خدمات دینی و تدریس و تربیت طلاب بجنورد پرداخته تا چند سال قبل که دعوت حق را اجابت و بسرای جاوید شتافته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مرتضوی، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جمال‌الدین مرتضوی است که از افاضل خطباء و رعاظ معاصر تهران می‌باشند.
ایشان در تهران متولد شده و در بیت چنان پدر بزرگواری پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح فقه و اصول را از اساتید و مدرسین فراگرفته و از راه منبر به تبلیغ احکام و نشر معارف اسلام بالاخص اهل‌البیت علیهم‌السلام با بیانی شیوا پرداخته و شنوندگان و شیفتگان خاندان رسالت بالاخص سالار شهیدان را مستفیض و بهره‌مند می‌نمایند و واقعا مصداق حدیث شریف نبوی صلوات اللّه علیه و آله هستند. (و ولد صالح یستغفر له).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن مرتضوی ابرسجی شاهرودی از علماء ابرار و مدرسین اخیار و ائمه جماعت مشهد مقدس می‌باشد.
وی در سال 1314 شمسی برابر 1354 قمری در روستای ابرسج که در پنج فرسخی شاهرود واقع است به دنیا آمده و در بیت شریفی پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به مشهد مقدس آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و ادبیات و سطوح اولیه را در خدمت مرحوم حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی و مدرسین دیگر فراگرفته و پس از آن در حدود سال 1374 قمری مهاجرت به نجف اشرف کرده است.
سطوح عالیه را نزد اساتید و آیات عظام نجف تکمیل و پس از آن اصول را در خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسین حلی و فقه را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و دیگران استفاده نموده و پس از بیست سال اقامت در نجف اشرف در سال 1394 قمری به ایران مراجعت و اقامت در مشهد مقدس را اختیار نموده و در این شهر مقدس به تدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب علوم دینی پرداخته و در حال حاضر یکی از آیات و مدرسین پر برکات حوزه مشهد می‌باشند.
کرارا ترجمه ایشان را خواستم اجابت نفرمودند به اینکه من قابل و لایق ذکر نیستم ولی چون از چهره‌های درخشان علم و عمل بودند این چند جمله را از برخی از افاضل مشهد به دست آوردم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرتضوی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مرتضی
محل تولد : لبنان
شهرت : محمد حسین
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
سیّد محمّد مرتضی نام پدرحسین در 20 شعبان سال 1383 هـ . ق در شهر تمنین التحتا واقع در 25 کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سایه پدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ، و متوسطه را شهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سال 1403 هـ.ق وارد مدرسه علمیّه إمام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعلبک شد، دوران مقدمّات را طی 3 سال و أندی پشت سر گذاشت از محضر أساتیدی چون شهید سیّدعباس موسوی شیخ محمّد مقداد شیخ محمّد یزبک شیخ علی عفّی شیخ محمّد خاتون و شیخ علی خاتون و .... بهره ها برد. در ماه صفر سال 1407 هـ ق جهت تکمیل دروس دین کسب فیض أخلاقی وارد حوزه علمیّه قم گردید و دروس سطح را نزد أساتید بزرگی بهره برد از جمله:
ـ شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)
ـ شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)
ـ سیّد رضا حسینی نسب (أصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از إشارات)
ـ سیّد عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)
ـ سیّد کمال حیدری (فلسفه)
ـ سیّد أحمد مددی (مکاسب)
ـ آیت الله جوادی آملی 12 سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد.
پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سیّد محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد.
البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال سالها تلاش علمی

تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند:
عقاید ، نحو، بلاغت، فقه، کلام و فلسفه، تفسیر ، أصول فقه مقارن، کتاب حکومت إسلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مرتضوی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدحسین مرتضوی معروف به حاج آقا کمال مرتضوی فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل مرحوم حاج سید محمدکاظم مرتضوی انار اللّه برهانه از معاریف دانشمندان و مشاهیر علماء و گویندگان تهرانست. مرحوم والدش میلاد او را چنین یاد نموده است.
ولادت نور چشم سید محمدحسین ملقب به کمال‌الدین صانه اللّه عن آفات السموات والارضین وجعله من العلماء العاملین لشریعه جده سید المرسلین صلی اللّه علیه و آله الطاهرین خاتم النبیین و المهتدین بعده امیرالمؤمنین واحد عشر من ولده ائمه المعصومین، بعد طلوع صبح صادق من شهر جمادی‌الاولی 1336 هجری قمری واقع شده.
وی پس از پرورش در بیت و حجر چنین پدر بزرگواری دروس اولیه و مقدمات و ادبیات را در تهران خوانده سپس عزیمت به قم نموده و سطوح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه قم آموخته سپس به تهران برگشته به خدمات دینی از قبیل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه خیابان هفده شهریور (شهباز سابق) و گفتن تفسیر و معارف اسلامی و معارف اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام پرداخته و از این راه ایفاء وظیفه نموده تا در این اواخر که به واسطه کسالت اعصاب حلیف بیت و جلیس خانه‌اش گردیده است.
دارای تألیفاتی مخطوط می‌باشند که به واسطه کسالت و موانع دیگر ناتمام مانده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مردانی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله مردانی در سال 1326 هجری شمسی در شهر کازرون پا به عرصه ی حیات گذشت . وی پس از به پایان بردن تحصیلات ، تا قبل از انقلاب در استخدام بانک ملی بود. پس از پیروزی انقلاب در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و سازمان ارشاد اسلامی به کار پرداخت . مردانی در برگزاری شب های شعر و کنگره های فرهنگی و ادبی با نهاد های انقلابی همکاری می کرد و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره ی شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . کتاب "خون نام؟ خاک" ،نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : نصرالله مردانی فرزندمردی به نام عوض ،می باشد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود کازرون به پایان برد . از آن پس به مطالعه کتابهای شعرو نثر پرداخت .و از آفرینش مضامین کلامی و سخن شاعران متقدم سود جست و در کار شاعری از سرچشمه های فیاض آنان الهام گرفت . مطالعه و تتبع در دواوین شاعران قریحه و ذوق سرشار او را بارور کرد و به شعرش شکوفایی بخشید .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله مردانی قبل از انقلاب در بانک ملی ایران مشغول به کار بوده و از اولین لحظات پیروزی انقلاب تا کنون در بخش فرهنگی سپاه پاسداران و ارشاد اسلامی مأمور به خدمت می باشد. وی با شروع جنگ تحمیلی گاهی کنار رزمندگان اسلام در جبهه ها حضور یافته و گاهی در شبهای شعر و کنگره های علمی و فرهنگی شرکت کرده است. از مهمترین فعّالیّتهای فرهنگی ایشان، همکاری با سازمان پژوهش و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین کتاب ادبیات انقلاب اسلامی و همچنین همکاری جهت برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله مردانی علاوه بر حضور در جبهه در برگزاری شبهای شعر و کنگره های فرهنگی وادبی با نهادهای انقلابی همکاری کرد. و فعالیت او با سازمان پژوهش و برنامه وزارت آموزش و پرورش جهت تدوین ادبیات انقلاب اسلامی و همکاری با جهاد دانشگاهی برای برگزاری کنگره شعر دانشجویان سراسر کشور چشمگیر بود . و همچنین کوشش وی در برگزاری یادواره علامه طباطبایی به مدت نه سال در کازرون از اقدامات قابل تحسین اوست .
آرا و گرایشهای خاص : نصرالله مردانی بدنبال تحولی تازه در شعر بود او می گوید : « ... سال ها قبل از پیروزی انقلاب پیوند بین حماسه و تغزل ، که شیوه ای کاملا نو بود ، را اساس کار خود قرار دادم ... » .
جوائز و نشانها : کتاب "خون نام؟ خاک" ،نصرالله مردانی ، در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 آتش نی (1370)
2 خون نام پاک (1346)
ویژگی اثر : مجموع؟ شعر - این کتاب (در سال 65) در دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است .-آشنایی با کتاب خون نام؟ خاک کتاب مجموعه 132 قطعه شعر، سرود؟ نصر الله مردانی شاعر متعهد معاصر است که شامل سروده های پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در قالب اوزان کلاسیک (مقفّی – موزون – مردّف) می باشد. اشعار این مجموعه اغلب مشتمل بر مضامین بکر و تشبیهاتی نوین است و در حقیقت مانند معدودی از شاعران معاصر افقی تازه در بیکران احساس و اندیشه را نمودار ساخته است. مردانی از آندسته شاعرانی است که نوبودن شعر را در تازگی مضمون می داند نه قالب، و همین خصیصه بسیاری از اشعار او را در زمر؟ مطرح ترین شعر زمان ما قرار داده است
3 ستیغ سخن
ویژگی اثر : تذکره منظوم که نام بیش از دو هزار شاعر از ظهور شعر تا زمان نیما و از بیش از یکصد و پنجاه تذکره نام برده شد (1371)
4 غزل در آیینه انقلاب
5 قیام نور(1360)
ویژگی اثر : مجموع؟ شعر
6 مجموعه های الماس آب
ویژگی اثر : مجموعه غزل-(برگزیده مهمترین غزلیات شاعران انقلاب) که در دست تهیه و تحریر است

منابع زندگینامه : 1www.ketabsal.ir2سید محمد باقر برقعی ، سخنوران نامی معاصر ایران ، ج 6 ، ص 3656

مردای کرمانی، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هوشنگ مرادی کرمانی در سال 1323 در روستای سیرچ از توابع کرمان متولد شد . دیپلم متوسطه را از کرمان اخذ کرد و ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال 1353)نایل آمد.مردای کرمانی با بهره گیری از شیو؟ خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال 1347 فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل؟ خوشه آغاز کرد و تا سال 1353 کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. کتابهای "قصه های مجید"و "نه ترونه خشک" تالیف هوشنگ مرادی کرمانی ، به ترتیب در دورهای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : هوشنگ مرادی کرمانی تا کلاس پنجم ابتدایی در آن روستا درس خواند و سپس به کرمان آمده و در آن شهر به تحصیل خود ادامه داد و موفق به دریافت دیپلم دوره متوسطه گردید. وی ضمن ادامه فعالیتهای هنری و فرهنگی در تهران به مدرسه عالی ترجمه راه یافت و به دریافت لیسانس ترجمه (سال 1353)نایل آمد.
همسر و فرزندان : هوشنگ مرادی کرمانی متاهل و دارای سه فرند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کارشناسی تهیه گزارش دفتر وزارتی بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله مشاغل هوشنگ مرادی کرمانی به شمار می آید.مردای کرمانی با بهره گیری از شیو؟ خاص نویسندگان معاصر به کار نوشتن پرداخت و از سال 1347 فعالیتهای مطبوعاتی خود را با مجل؟ خوشه آغاز کرد و تا سال 1353 کار داستان نویسی در مجلات مختلف را ادامه داد. اما در این سال بکلی از کار مطبوعات دست کشید و وارد رادیو گردید و کار نوشتن در برنامه خانواده را آغاز کرد. در این زمان به فکر شخصیت سازی تیپ مجید افتاد. حاصل این تلاش هنرمندانه مجموع؟ 5 جلدی قصه های مجید است که چهارجلد آن تا کنون منتشر شده و جلد پنجم آن نیز آماد؟ چاپ است. از دیگر

سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو پیوستة فرهنگستان زبان و ادب فارسی - عضو شورای مرکز کرمان شناسی
فعالیتهای آموزشی : هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان مدرس اکابر و مدرس داستان نویسی در موسسه فرزانگان دختران و مجتمع شهید مهدوی و تدریس در ادبیات عامیانه و گزارش نویسی در موسسه عالی سوره از دیگر فعالیتهای وی می باشد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هوشنگ مرادی کرمانی در همایش های متعددی نظیر ادبیات کودکان و نوجوانان در برلین و هند شرکت داشته است و علاوه بر آن در سال 2003 در جلسه های پرسش و پاسخ کشورهای برلین، هند و لندن و در مراسم اهدای جایزه وزارت فرهنگ و هنر اتریش حضور یافت. وی همچنین با شورای کتاب کودک و کانون پرورش کودکان و نوجوانان و جشنواره فیلم رشد و جشنواره فیلم کودکان فعالیت داشته است .
جوائز و نشانها : کتاب بچه های قالی باف خانه هوشنگ مرادی کرمانی، برنده جایزه شورای کتاب کودک ـibby دردفتر بین المللی کتاب برای نسل جوان ، کتاب نخل برنده جایزه کتاب کودک برگزیده شورای کتاب کودک ـ IBBY ،کتاب خمره برنده 12جایزه داخلی وبین المللی ، کتاب مربای شیرین برگزیده کتابخانه بین المللی مونیخ و مقاله آینه قلب ها جایزه جهانی اندرسن نشان از ارزش و جایگاه قلم این نویسند دارند . همچنین کتابهای "قصه های مجید"و "نه ترونه خشک" تالیف هوشنگ مرادی کرمانی ، به ترتیب در دورهای چهارم و بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. دیگر جوایز ایشان به قرار زیر است: نویسنده برگزیده هیات داوران جایزه جهانی اندرسن 1992 نویسنده برگزیده هیئت داوران جایزه جهانی خوزه مارتی (کاستاریکا) برنده جایزه موسسه C.P.N.B کشور هلند برنده جایزه موسسه جوانان آلمان برنده جایزه از وزارت فرهنگ و هنر اتریش، برنده جایزه هیئت داوران جایزه کبرای آبی کشور سویس برنده جایزه از کتابخانه های بین المللی مونیخ (آلمان) و سوئد و یونیسف(صندق کودکان سازمان ملل متحد)
چگونگی عرضه آثار : داستان‌های مرادی کرمانی به ده زبان انگلیسی، فرانسه، هلندی، اسپانیایی، آلمانی ترجمه و انتشار یافته است و 28 فیلم سینمایی و تلویزیونی از روی داستانهای او ساخته شده است. نویسنده فیلم : مورد ? - تک درختها ? - گوشواره ? - مهمان مامان ? - کیسه برنج ? - تیک تاک ? - کاکلی طرح اولیه داستان : مورد ? - مهمان مامان - مربای شیرین ? - کیسه برنج ? - تیک تاک ? - صبح روز بعد ? - خمره ----------
---

آثار :
1 اقتباس سینمایی و تلویزیونی 22مورد
2 بچه های قالی باف خانه
ویژگی اثر : 2 قصه روستایی
3 تجربه های من درنوشتن برای کودکان
ویژگی اثر : این مجموعه درفصلنامه پویش درکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.
4 تنور و داستانهای دیگر
ویژگی اثر : چند داستان به زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است .
5 چکمه
6 چهره بچه های روستایی درادبیات کودکان و نوجوانان
ویژگی اثر : این کتاب 17 مقاله دار د که در شورای کتاب کودک به چاپ رسیده است
7 خمره
ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به انگلیسی ، آلمانی ، هلندی ، اسپانیولی ، فرانسوی که برنده 12جایزه داخلی وبین المللی می باشد .
8 قارقار کلاغ
ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران و بچه های اتریشی ـ وزرات فرهنگ و هنر اتریش است
9 قصه های مجید
ویژگی اثر : این کتاب ترجمه به زبان انگلیسی ، هلندی ، آلمانی است که کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ، شورای کتاب کودک ، کانون و ....بوده است-آشنایی با کتاب قصه های مجید قصه های مجید طنز تلخ یک نسل سرگردان است. نسلی که در یک طرفش سنتهای دیرپای زمانه و در طرف دیگرش جامعه ای دگرگون است که چهار فعل به سوی فرهنگ غربی به پیش می تازد، و مجید سمبل این نسل گمگشته و نماینده این تیپ منقلب است. او کسی است که رویدادهای پیرامونش را از صافی ذهن خود عبور می دهد و با زبانی اغراق آمیز به توصیف آن می پردازد. قصه های مجید در چهارچوب طرحی استوار با نثری شیوا و ساده ولی طنز آلود نوشته شده که فرهنگ مبتذل رژیم گذشته را به باد انتقاد می گیرد.
10 کبوتر توی کوزه
11 لبخندانار
ویژگی اثر : این چند داستان ترجمه به انگلیسی ـ درایران و هلند است
12 مثل ماه شب چهارده
13 مربای شیرین
ویژگی اثر : این کتاب برگزبده کتابخانه بین المللی مونیخ است

14 مشت بر پوست
15 مقاله آینه قلب ها
ویژگی اثر : این مقاله پیامی به هیئت داوران جایزه جهانی اندرسن است
16 مهمان مامان
ویژگی اثر : این کتاب به ترجمه انگلیسی است
17 نخل
ویژگی اثر : قصه بلند
18 نه ترونه خشک
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: نه‌تر و نه خشک نه‌تر و نه خشک / نوشتهٔ هوشنگ مرادی کرمانی. - تهران: معین، 1382. پرنده‌ای کوچک به اندازهٔ یک ملخ، عاشق دختر پادشاه می‌شود. این مسئله به غرور شاه برمی‌خورد و شاه از در مخالفت برمی‌آید؛ اما پرندهٔ کوچک با آن جثهٔ ضعیفش شکوه و عظمت شاه را به لرزه می‌اندازد... نه تر و نه خشک داستانی فانتزی است. برداشتی نو و امروزی از افسانه‌ای قدیمی. فضا، شخصیت، و روابط آنها تخیل محض است؛ اما برگرفته از واقعیتی ملموس و همیشگی. و این تخیل است که فضای داستان را با دنیای زیبای نوجوانان پیوند می‌زند. در فضای فانتزی نه تر و نه خشک جدی‌ترین مسائل بشری با ساده‌ترین شیوه بیان شده است، گوشه‌ای از زندگی آدمها با همهٔ زیبایی‌ها و خشونت‌هایش
19 هند درکرمان
ویژگی اثر : این مقاله پیامی به کنگره ادبیات کودکان و نوجوانان ـ هلند است .

مرزآبادی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات عالی و دکترای ادبیات فارسی.
مرتبه علمی:
طی مرحله استادیاری و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس در زمینه‌های تاریخ ادبیات ایران، ادبیات معاصر، نقد ادبی و روشی برای منابع ادبیات ایران به مدت 27 سال.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
زبان و ادبیات فارسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 16، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تاریخ ادبیات ایران، نقد ادبی، ادبیات معاصر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان راد، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1344.
مرتبه علمی:
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تحقیقات ادبی و تلاش پیگیر به منظور راه‌یابی قرآن گرانقدر بعنوان درس رسمی به دانشگاهها. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
خسرو انوشیروان در ادب فارسی، دستور سودمند، تألیفات درسی و دانشگاهی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 26: تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
غالباً دینی و ندرتاً ادبی و سیاسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مرزبان، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز مرزبان در سال 1296 در تهران دیده به جهان گشود.پرویز مرزبان یک دایره المعارف متحرک از هنرهای تجسمی است. حاصل 50 سال تالیف و ترجمه او چاپ و انتشار کتاب هایی است که هر یک در حوزه خود کتابی مرجع به حساب می آیند. برای اولین بار او بود که چشم ایرانیان را با گستره وسیع هنر جهان، از دوران آغازین تاریخ هنر تا مکاتب متاخر قرن بیستم روشن کرد. کتاب "هنرهای ایران" ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
والدین و انساب : پرویز مرزبان از پدر و مادر خود چنین یاد می کند:مادرم از اعیان ترک ها بود و پدرم امین الملک، در دربار قاجار چشم پزشکی می کرد و در دوره پهلوی مورد غضب شاه قرار گرفت و خانه نشین شد. معروف بود که پدرم حق ویزیت از هیچ بیماری نمی گرفت .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پرویز مرزبان در یک خانواده از اعیان قدیمی تهران به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز مرزبان تحصیلات متوسطه را در رشت? زبان و ادبیات فرانسه انجام داد و در سال 1319 از دانشسرای عالی در رشت? زبان انگلیسی موفق به اخذ لیسانس شد.
همسر و فرزندان : پرویز مرزبان در مهرماه سال 1323 ازدواج کرد. همسرش هم مثل خودش در کار ترجمه است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز مرزبان در سالهای 1340-1316 به طور مستمر در دبیرستانهای تهران به تدریس زبان و ادبیات فارسی، فرانسه و انگلیسی اشتغال داشت. همچنین در طول سالهای 1340 تا 1373 به آموزش زبان و ادبیات انگلیسی و تاریخ و نقد هنر را در دانشگاهها پرداخته است.
جوائز و نشانها : کتاب "هنرهای ایران" ترجمه ،پرویز مرزبان ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------

---
آثار :
1 تاریخ هنر جانسن (1359)
2 ترجمه و ویرایش سلسله مقالات هنری
ویژگی اثر : (از یک جلد از بریتانیکا برای دایرةالمعارف اسلامی)
3 خلاصه تاریخ هنر (1367)
4 دو مجلد از تاریخ تمدن ویل دورانت
5 فرهنگ مصور هنرهای تجسمی(1365)
6 مردانی که دنیا را عوض کرده اند
7 معلم و شاگرد (1335)
8 معنی زیبایی (1366)
9 نظری به هنر نقاشی (1334)
10 هنرهای ایران
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «هنرهای ایران»: هنرهای ایران، ر.دبلیو. فریه، ترجم? پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزان روز، 1374. در این کتاب، هم? جلوه های شگفت انگیز هنرهای ایرانی از پیش از تاریخ و ایران باستان تا عصر اسلامی، برای نخستین بار در مجلدی واحد و در نوزده بخش، به طرزی مرتبط با هم و مکمل یکدیگر، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. مقالات کتاب به قلم بیست تن از کارشناسان سرشناس بین المللی نوشته شده است که هر یک در زمین? تخصصی خود از معماری و گچبری و پیکره سازی عهد باستان گرفته تا قالی بافی و نقاشی و نساجی و فلزکاری و سفالگری و هنرهای نسخه پردازی و شیشه گری دوران بعد، اثری مستند و آموزنده و معتبر و دلپذیر با بیش از 170 لوح? رنگی، بر آثار «هنرهای زیبا» و «هنرهای کاربردی» جهان افزوده اند

مرزبانی بغدادی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(384/ 378/ 371 -297/ 296/ 287 ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویة بن ابی‌سفیان را جمع‌آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبداللّٰه بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبداللّٰه نفطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی‌داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّٰه صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد درگذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزلة»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنة»، در هزار برگ؛ «الاوائل»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرین»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاة»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبارالمتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 210)، اعیان الشیعه (33/ 10)، انساب سمعانی (257 -256/ 5)، ایضاح الکمنون (80/ 2)، تاریخ الاسلام (حوادث

87 -86/ 400 -381)، تاريخ بغداد (136 -135/ 3)، تأسيس الشيعه (95 -94)، الذريعه (162/ 25 ،147/ 24 ،290 ،218 -217/ 21 ،250/ 20 ،192/ 14 ،23/ 13 ،314/ 11 ،429/ 4 ،472 -471/ 2 ،531 ،336 -335/ 1)، روضات الجنات (323 -322/ 7)، ريحانه (283 -282/ 5)، سير النبلاء (449 -447/ 16)، شذرات الذهب (112 -111/ 3)، العبر (166 -165/ 2)، فوائد الرضوية (588)، الفهرست لابن النديم (193 -190)، الكامل (167 -166/ 7)، كشف الظنون (1734 ،1106)، الكنى و الالقاب (179 -177/ 3)، لسان الميزان (427 -426/ 6)، معجم الادباء (272 -268/ 18 ،47/ 1)، معجم المؤلفين (98 -97/ 11)، المنتظم (26/ 9)، الاعتدال (641 -640/ 3)، النجوم الزاهرة (170/ 4)، الوافى بالوفيات (237 -235/ 4)، وفيات الاعيان (356 -354/ 4)، هدية الاحباب (238)، هدية العارفين (54/ 2).

مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 421 ق)، ادیب، نحوی و شاعر. معروف به امام مرزوقی و حائک. اهل اصفهان و یکی از پیشوایان زبان و نحو و از شعرا و مداحان اهل‌بیت (ع) بود. وی «کتاب سیبویه» را نزد ابوعلی فارسی خواند. در اصفهان معلم فرزندان آل‌بویه بود. او از عبداللّه بن جعفر بن فارس حدیث روایت کرده است. سعید بقال از وی روایت کرده و در «معجم» خود به وی استناد کرده است. صاحب بن عباد برجستگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌داند. وی غیر از ابن‌المرزوق نحوی معروف (م 781 ق)، است که از شاگردان خطیب دمشقی و ابوحیان بود. از آثارش: «الازمنة و الامکنة»؛ شرح اشعار هذیل؛ شرح «الحماسة» ابی‌تمام؛ شرح «الفصیح» ثعلب؛ شرح «المفضلیات»؛ شرح «الموجز»، در نحو؛ «شرح النحو»؛ «الامالی»؛ «الفاظ العموم و الشمول».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (205/ 1)، اعیان الشیعه (94/ 3)، ایضاح المکنون (191/ 1)، الذریعه (96، 82/ 14، 386- 385، 92/ 13، 531/ 1)، روضات الجنات (255- 254/ 1)، ریحانه (285- 284/ 5)، سیر النبلاء (476- 475/ 17)، کشف الظنون (1273، 692)، الکنی و الالقاب (56- 55/ 2)، معجم الادباء (35- 34/ 5)، معجم المؤلفین (92- 91/ 2)، الوافی بالوفیات (5/ 8)، هدیة الاحباب (238)، هدیة العارفین (74- 73/ 1).

مرزوقی شمیرانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه خود نوشت:
بسمه تعالی شأنه
پدرم مرحوم کربلائی عباس، فرزند مرحوم کربلائی فرج الله، و دارای دو برادر از خود بزرگتر، به نامهای «حاج آقا» و «محمد آقا» بود، آنان یک خواهر نیز داشتند به نام «فاطمه» پدرم با صبیه مرحوم «محمد کاظم حمزه» که از اهالی تجریش بود ازدواج نمود، و در نتیجه، آفریدگار بزرگ اولین فرزند ذکور و آخرین فرزند آنان را مرا قرار داد، پیدایشم طبق شناسنامه در روز بیستم مهر ماه از سال هزار و سیصد و چهارده شمسی بود.
مرحوم عموی بزرگم که حاج آقا نام داشت مرا به «حبیب الله» نامید، که امید است در عمل نیز حبیب الله باشم.
من از کودکی نسبت به امور دینی علاقمند بودم و از دیدار علما و سادات، حتی مدیحه سرایان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله لذت می بردم.
و همراه پدرم در مجالس قرآن و روضه خوانی حضور می یافتم، تا جایی که اشعار مذهبی به من می آموخت و در برخی مجالس می خواندم و مورد تشویق قرارم می دادند.
خواندن و نوشتن را تا حدودی نزد پدر و دیگر معلمان مکتبی فراگرفتم و چون به دبستان رفتم از خیلی همدرسانم جلو بودم، امام جماعت و قاری سر صف در دوره دبستان منحصر به بنده بود.
کوتاه سخن اینکه: چون دوره دبستانی شش کلاس به پایان رسید، در ایام عیدی خدمت حضرت آیة الزّهد و التقوی مرحوم آقا سید جعفر دربندی شرفیاب شده و پدرم از وی خواست که چون فرزندم علاقه به تحصیل علوم اسلامی دارد، شما راهنمایی فرمایید.
معظم له ما را به سوی حضرت حجة الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان، در خیابان لرزاده تهران فرستاد و آن بزرگوار هم اول دستور پوشیدن لباس روحانی را داد و چون پدرم عرض کرد که پسرم سوادی ندارد تا لباس روحانی بپوشد آن مرحوم فرمود: مگر سرباز هنگام ورودش به سرباز خانه از راه و رسم سربازی چیزی می داند؟ لباس روحانی خود سنگری برای حفاظت از بسیاری انحرافات می باشد خدا رحمتش کند، که چه نیکو فرموده بود، و اگر نه چنین می کردیم همان

روزهای اول سنگر را رها می نمودم، سرانجام لباسی تهیه شد و مرحوم برهان مرا به مدرسه برهانیه که جنب حرم با صفای حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود فرستاد و در آن مدرسه مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ رضا بود. مردی که از اساتید برجسته آن خطه بود با دعای خیر عمامه به سر بنده گذارد و پس از چند ماه به قم مشرف شدم و در مدرسه «ناصریه» روبروی مسجد جامع قم حجره یی نصیبم شد و ادبیات را از محضر استاد حاج شیخ عبدالحسین وکیلی که در مدرسه حجره یی داشت و از علمای با صفای قم بود فرا گرفتم و همچنین از حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ رحمت الله فشارکی و دیگر حضرات چون حاج شیخ رضا آدینه وند و آیة الحق استاد اعتمادی بهره مند گردید و سطوح را از محضر آیاتی چون آیة الله جعفر سبحانی و آیة الله حسین نوری و نیز از آیة الله مکارم شیرازی و مرحوم آیة الله سلطانی فرا گرفتم و چندین سال هم در درس خارج حضرت آیة الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی حضور می یافتم.
در ذیل تحصیل، به سخنرانی هم توجهی خاص داشتم و نیز قلم هم به دست گرفته جزواتی جهت راهنمایی عموم مردم به ویژه جوانان به رشته تحریر درآوردم که بحمد الله مورد توجه قرار گرفت.
نوشتارم از قبیل: شعله های فساد، بحثی درباره علوم قرآن (ترجمه)، شیعه و مهدویت، چهره هایی که در جستجوی قائم پیروز شدند. اشکالات جالب و پاسخهای جالبتر (ترجمه)، حقیقتی همرنگ افسانه، از پیروزی انقلاب که به تهران آمدم، جزوهای نمی از یم، فائزون یا هنر شیعه بودن، نامحرمی در حرم، سنت سلام را فراموش نکنیم، در اختیار جامعه قرار دادم و فعلاً کتاب: ضیاء العینین من فرائد السمطین زیر چاپ است و هزار و یک حدیث هم در حال پاک نویس می باشد.
در مسافرتهای تبلیغی در شهر رامسر بنای مسجد باشکوه «مسجد حضرت صاحب الزمان در محله نارنج بن و مسجد ارشاد، در ابریشم محله و در دربند شمیران مسجد مسلمیه را احداث نموده و فعلا در مسجد حضرت صاحب الامر، واقع در خیابان (شهید زمانی، نخجوان سابق انجام وظیفه می نمایم و از خداوند متعال توفیق خدمت هر چه بیشتر را دارم، اما:
(خدا کند که نباشد «مغازه» مسجد من
وگرنه دین و دیانت به «غاز» بفروشم)
حبیب الله مرزوقی شمیرانی
1384/5/30
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1411 -1318/ 1315 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در 1342 ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛

«مصباح الهدایة فی شوارع الکفایة»، که حاشیه مختصر بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمة التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایة»، در شرح «الکفایة»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[1]
یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.
اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.
در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر 1318 قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.
شرف تتابع کابر عن کابر
کالرمح انبوب علی انبوب
نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.
ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه 11 و علماء معاصرین صفحه 217 و آثارالحجه جلد 2 صفحه 46 و معارف الرجال جلد دوم صفحه 268 و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه 108 طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه

847 و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.
علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.
و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.
در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران
بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری
بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.
اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایة حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال 1342 ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال 1343 قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال 1393 هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

1- السید حسن صدر کاظمین 2- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان 3- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار 4- السید محسن الامین الشامی 5- السید ابوالقاسم الدهکردی 6- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه 8- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء 8- الشیخ هادی آل کاشف

الغطاء 9- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء 10- الشیخ محمدجواد البلاغی 11- الشیخ محمداسماعیل محلاتی 12- السید جعفر آل بحرالعلوم 13- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی 14- المیرزا محمد العسکری التهرانی 15- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی 16- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی 17- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی 18- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری 19- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی 20- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.
آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:
1- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.
2- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.
3- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده 4- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی 5- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.
6- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) 7- المعول فی امر المطول.
8- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر 9- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.
10- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین

کتب در انساب است در چند مجلد.
11- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.
12- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند 13- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.
14- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.
15- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر 1- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند 2- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند 3- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.
مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.
تولد: 1276(20 صفر 1315 ق.)، نجف اشرف.
درگذشت: 7 شهریور 1369(7 صفر 1412 ق.) قم.
آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغار کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نمعت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و

حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.
آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.
آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم 1342 از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.
آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.
آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در 1380 ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در

اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.
آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدة المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایة فی معاضل الکفایة، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایة القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، 1374).
از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت 1500 متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای 3500 متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان 1349 با حدود 16000 جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت 2400 متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید 16000 متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از 120000 جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.
این کتابخانه (تا سال 1374) نزدیک به 500000 جلد کتاب چاپی، 35000 مجلد با 50000 عنوان نسخه خطی، بیش از 20000 جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به 5000 جلد نسخه عکسی، حدود 8000 میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.
آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و

انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر 1412 برابر با هفتم شهریور ماه 1369 در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (181 -177)، الذریعه (204/ 23 /276، 21 /376، 20 /355، 264/ 18، 186/ 16، 88/ 15، 215، 140/ 12، 378/ 6، 260/ 2)، ریحانه (134 -129/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 848 -847/ 14)، علماء معاصرین (219 -217)، گلزار معانی (702 -695)، گنجینه‌ی دانشمندان (52 -37/ 2، 215 -211، 56 -51/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1190 -1189/ 3).

مرعشی نجفی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدجواد ملقب به نجم‌الدین مرعشی نجفی سومین فرزند آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قدس‌اللّٰه سره، در فروردین 1326 شمسی دیده به جهان گشوده، و در حجر و دامن مادر عفیفه و با تقوایش صبیه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا عباس فقیه مبرقع مدفون در ایوان آئینه حضرت معصومه علیهاالسلام که نوه مرحوم آیت‌اللّٰه حاج آقا احمد طباطبائی برادر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی بوده پرورش یافته و پس از اتمام دوره ابتدائی و متوسطه و گرفتن دیپلم به تحصیل علوم دینیه پرداخته و مقدمات و سطوح را از اساتید یاد شده:
حاج شیخ مهدی بیگدلی و حاج سید محمدتقی جواهری و حاج شیخ محمدصادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و آقای صلواتی و علوی گرگانی و قسمت عمده سطح و خارج فقه و اصول را از محضر والد ماجدش استفاده نموده و در زمان حیات آن بزرگوار به امر معظم‌له در دو نوبت صبح و ظهر به جای ایشان در مسجد بالا سر و مسجد موزه آستانه مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام اقامه جماعت نموده و پس از رحلت آن بزرگوار در شبها هم به جای ایشان نماز و مانند زمان آن مرحوم مردم مجاور قم و غیره به نماز او اقبال و توجه و از جهت کثرت اول نماز جماعت قم می‌باشد.
ایشان مضافا بر فضیلت نسبی شرافت سببی هم دارند زیرا داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدعلی سبط انصاری از علماء محترم تهران و مدرس و امام مسجد و مدرسه مروی تهران می‌باشند که آن مرحوم داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمود مسجد جامعی والد آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمدحسین و مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا مصطفی و حجةالاسلام حاج میرزا مسیح مسجد جامعی بوده‌اند.
از طرف مرحوم والدش متولی و سرپرست مدرسه مؤمنیه و مدرسه مهدیه و حسینیه آن مرحوم می‌باشد.
آثار و تألیفات ایشان
مترجم محترم ما دارای تألیفات ارزنده‌ای هستند که از نظر خوانندگان می‌گذرانم .
1- چهره درخشان امام زمان عجل‌اللّٰه فرجه الشریف (در ترجمه الزام

الناصب 3 جلد).
2- نهضفت خونین حسین علیه‌السلام ترجمه مع الحسین فی نهضه سید حیدر 1 جلد.
3- مناقب امام امیرالمؤمنین (ع) ترجمه مناقب ابن مغازلی.
4- قهرمان کربلا زینب کبری (ع) ترجمه السیده زینب.
5- اخبار الزینبات یحیی عبیدلی.
6- خورشید پنهان ترجمه البیان گنجی شافعی- که همه اینها به طبع رسیده است.

آثار مخطوط

1- رساله راس الحسین علیه‌السلام.
2- تقریرات درس والدشان کتاب حدود و قصاص و دیات وارث و ودیعه.
3- شروح کتب درسی تقریر درس آقای کریمی.
4- ترجمه لالی الاخبار تویسرکانی.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مرعشی، ابومحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 358 ق)، عالم امامی، فقیه، زاهد و ادیب. موصوف به طبری و معروف به مرعشی. از سادات مرعشیه‌ی طبرستان بود که نسبشان به حسین الاصغر، فرزند امام سجاد (ع) می‌رسد و به علت جدش علی مرعش به مرعشی مشهور بود. او از فقهای بزرگ شیعه و از اکابر مشایخ امامیه می‌باشد. وی از محمد بن جعفر بن احمد بن بطه و محمد بن جعفر اسدی و احمد بن ادریس اشعری و محمد بن حسین بن درست و علی بن ابراهیم قمی و علی بن ابی‌عبداللّه محمد بن ابی‌القاسم (از پدرش ملقب به ماجیلویه) و ابوالعباس احمد بن محمد ابن‌عقده روایت کرده است. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و احمد بن عبدون در 354 ق از وی حدیث شنیدند. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری در 328 ق از وی روایت شنید و از او اجازه دریافت کرد. از آثارش: «الاشفیة»، در معانی غیبت؛ «تباشیر الشریعة»؛ «الجامع»؛ «الدر»؛ «الغیبة»؛ «المبسوط فی عمل یوم و لیلة»؛ «المرشد»؛ «المفتخر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (203/ 2)، اعیان الشیعه (61 -60/ 5)، ایضاح المکنون (327، 317، 294، 268/ 2، 220/ 1)، الذریعه (358 -357/ 21 ،304/ 20، 53/ 19، 76/ 16، 310/ 3، 111/ 2)، رجال طوسی (465)، ریحانه (289/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 87 -86/ 4)، لغت نامه (ذیل/ حسن مرعش)، معجم المؤلفین (221/ 3).

مرعشی، داود

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌میرزا عبدالله بن محمد شفیع، از اکابر سادات عالی درجات، به جلالت شأن معروف، و به اقتفای فضایل و کمالات، موصوف. به منصب رفیع تولیت روضه‌ی رضویه، و مصاهرت دودمان صفویه ممتاز گردیده.
در 1065 در اصفهان تولد، و در سال 1133 در اصفهان وفات یافته، شاعر و ادیب و نویسنده است.
کتب زیر از اوست:
1- دیوان اشعار 2- مثنوی زبور العاشقین 3- سفرنامه 4- سلطان الانساب 5- مثنوی نمکدان؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مرعشی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1280 -1198 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدة الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (382/ 9)، تذکرة القبور (488)، معجم المؤلفین (188/ 10).

مرعشی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود مرعشی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1320/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب تاکنون بیش از 60 مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه شناسی ، کتاب پژوهی ، رجال و تراجم و انساب نگاشته ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظربه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته ام و اینجانب را در بیشتر مراکز علمی و کتابخانه ها و دانشگاههای جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می شناسند.
اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است .جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تحصیح و چاپ کرده ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است . همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبیه از مراجع گذشته و حال می باشم از جمله حضرات آیا ت عظام :اراکی ، مرحوم والدم ، مکارم شیرازی ، بهجت ، فاضل لنکرانی ،سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده ام . به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره 204 که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می باشد همچنین مقاله ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمینه این برگه ها می باشد مراجعه شود .
و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زباره و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از 500 تألیف در موضوعا ت

گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده ام .اینجانب همچنین افزون بر 50 سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشم و نیز متولی 3 مدرسه علمی والدم که در قم بنیاد کرده اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده و می باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می شود همچنین کتاب عظیم : موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که 5 جلد نخست آن منتشر شده و 15 جلد دیگر تا اواخر سال جاری 1386 و 25 جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا 45 جلد خواهد بود این کتاب تاکنون 3 بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است .

مرغینانی، بهاءالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 537/ 527 ق)، منشی و شاعر. اصل وی از مرغینان، از نواحی فرغانه ترکستان، و از شعرا و منشیان معروف عصر خود بود. او مداحی سلطان قطب‌الدین انوشتگین خوارزمشاه (522 -490 ق) می‌کرد. به آورده‌ی صاحب «تاریخ نظم و نثر»، بهاءالدین از سوی پدر از خاندان شیخ‌الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان، حکمران فرغانه بوده و تا زمان ارغون خان نیز می‌زیسته است. همچنین در این کتاب تاریخ فوت او 649 ق ذکر شده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (174 -173)، الذریعه (1031/ 9)، ریحانه (293/ 1)، فرهنگ سخنوران (144 -143)، لغت نامه (ذیل/ بهاءالدین)، مجمع الفصحا (448 -447/ 1).

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر مروجی طبسی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
محمد جعفر مروجی طبسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی درسال 1335 در نجف اشرف متولد شد، دروس مقدمات حوزه را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذراند. و سطوح عالیه را نزد آقایان: مرحوم حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجدانی فخر و مرحوم حاج شیخ احمد پایانی و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود 15 سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد مروجی طبسی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی بنده در نهم ماه ذی الحجه 1372 هجری قمری مطابق با 28/12/1331 هجری شمسی در نجف اشرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی است که ظاهرا در سال 1345 هجری قمری از قم به حوزه نجف اشرف هجرت فرمود تا از محضر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نایینی و آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بهره جوید.پس از گذشت دوران کودکی به تحصیل در مدارس دولتی تا کلاس ششم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جدی و پی گیر مرحوم والد تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلک روحانیت درآورد.بدین جهت از دوران کودکی ونوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که اوداشت در من در حال شکل گرفتن است زیرا من نیز به توصیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گاهی بر اثر کم خوابی سجاده پدرم را که می بایست برای نماز جماعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب(علیه السلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم.پدرم به مناسبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشتگان زیر پای جوینده علم ودانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال 46 هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم از استادان محترم و عالیقدری بهره جسته از جمله اولین

استاد ومربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق استادی بزرگ و مربی شایسته ودلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود.او با اینکه اشتغالات علمی و تالیفی ودرسی وتدریسی ومراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را از دست نداده و شبانه روز وقت خود را در اختیار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم.او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر و مانندش را در بین آیات عظام کم دیده بودم.چنانکه عرض کردم از دوران کوکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته وهر روز صبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمومنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیات و کلمات آن که در خور فهم بود می پرداخت. ودر اولین گام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکام و مسائل آشنا ساخته وآنها را از حاشیه بر طریق النجاه که در حقیقت رساله عملیه پدرم بود از او تلقی کردم وسپس برخی کتاب¬های جامع المقدمات از قبیل امثله و شرح امثله و عوامل جرجانی و شرایع الاسلام و شرح باب حادی عشر را نزد او خواندم.و پس از مدتی که بدنبال یک استاد خصوصی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین کشمیری (ره) آشنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتاب های دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سپس مقداری از حاشیه ملا عبد الله را در نزد او خواندم.و استاد سوم و چهارم اینجانب در مقدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای حجتی بروجردی بود که جلد اول شرح ابن عقیل را نزد او خوانده و همچنین مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم.پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائنی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمذ نمودم.پس از مدتی که از تحصیلاتم گذشت ملاحظه کردم که منزل مرحوم پدرم بسیار پر رفت و آمد است.اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظرپور هم حجره شدم.پس از مدتی به علت کوچک بودن حجره به توصیه پدرم و به سفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مدرسه مرحوم آخوند بزرگ که در آن روز تازه تجدید بنا شده بود راه یافتم.اما دیری نگذشت که تصمیم جدی گرفته و با پدر ومادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصیلات ادامه داده و رفتن به

قم را به سالهای بعد موکول کنم.اما دیری نگذشت که در اوایل ماه ذی القعده سال 1350 توسط عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال 1350 به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم.از سال 1350 هجری شمسی که وارد قم شدم به ادامه تحصیل پرداخته و از محضر اساتید بزرگواری در سطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

1. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله
2. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری ازکتاب سیوطی
3. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی
4. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه
5. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه
6. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر
7. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید
8. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر
9. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل
10. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر
11. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه
12. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم
13. آقای شیخ احمد امین بخشی ازمعالم
14. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری
15. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمه و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم
16. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن
17. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید
18. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری
19. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.
20. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه
21. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول
22. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب
23. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه

24. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی
25. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی
26. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی
27. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی
28. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی
29. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی
30. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول
31. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محسن مروجی طبسی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/1/1

زندگینامه علمی
پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .
مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .
قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .
در سال 1376 اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام "خدیجه مادر امت" شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند "پیامبران ناشناخته" که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و

مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .
درسال 1381 ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان "علی امام قرنها" برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام "علی نخستین مسلمان" ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .
در سال 1382 و 1383 نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان "نهج البلاغه آشنای غریب" و "خورشید نیزه ها" برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .
در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروجی، محمدکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدکریم مروجی
محل تولد : کوهدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال 1327 در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال 42 رسما وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم آباد در سال 44 وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و در سال 47 وارد درس خارج شده و عمدتا در فقه و اصول مرحوم آقای آمیرزا هاشم آملی(ره)حدودا 12 سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریبا کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال 1371تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(572- وف بعد از 614 ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در 592 ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود 60 مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود 20 مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 308)، اعیان الشیعه (320 -319 /3)، الذریعه (252 /23، 79 /19، 67 /16، 29 /12، 26/7، 107- 106 /3)، ریحانه (112 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (150 -142 /6)، معجم المؤلفین (266 /2)، هدیة العارفین (211 /1).

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 211 ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبداللَّه بن مبارک و داوود بن ابی‌هند و عبید بن سلیم/ سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغة» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القراآت»، در قرآن است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (77)، الثقات (5/ 9)، طبقات المفسرین داودی (29 -28/ 2)، کشف الظنون (1449)، معجم الادباء (214/ 16)، معجم المؤلفین (67/ 8).

مزارعی، زهرا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
زهرا مزارعی در نوزدهم آذر1320 ه.ش در یکی از خانواده های فرهیخته ی شیراز چشم به جهان گشود . وی دیپلم خود را ازدبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز به پایان رسانید ،و بعد از ازدواج نیز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و سرانجام از دانشکده ی کمبریج انگلستان گواهی نامه گرفت . از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت.
مزارعی در سالهای 38 و 39 در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان ‹‹ خانم شعر ایران ›› در نشریات آن زمان به شهرت رسد .او که مدت ها در دانشگاه شیراز سرگرم کار بود اینک دوران بازنشستگی را به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا مزارعی دیپلم خود را از دبیرستان مهر آیین شیراز با رتبه ی ممتاز و اخذ مدال درجه دو علمی به پایان رسانید ،او بعد از ازدواج به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت و با اخذ گواهینامه از دانشکده ی کمبریج انگلستان این دوره را به پایان برد. از آن پس آموختن زبان عربی و زبان آلمانی را پی گرفت .
فعالیتهای ضمن تحصیل : زهرا مزارعی از کودکی با شعر انس یافت و با آغاز بلوغ، به سرودن شعر پرداخت.
وقایع میانسالی : زهرا مزارعی در سالهای 1338 و 1339 در برنامه ی مشاعره ی رادیو ایران شرکت کرد و با رتبه اول برگزیده شد. همین امر باعث گردید با عنوان ‹‹ خانم شعر ایران ›› در نشریات آن زمان به شهرت رسد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا مزارعی که سالها در دانشگاه شیراز اشتغال داشته است، اینک دوران بازنشستگی را سپری می کند. به مطالعه و تحقیق می گذراند و همچنان به سرودن غزل ادامه می دهد و غزلیاتش را با تخلص (ذره)می سراید .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زهرا مزارعی دوران بازنشستگی را

به تحقیق و سرودن شعر مشغول است، او آثاری نیز دراین راستا به چاپ رسانده است.
جوائز و نشانها : زهرا مزارعی مقطع دیپلم را با رتبه ممتاز و کسب مدال درجه دو علمی به پایان رساند. او همچنین در سالها 1338 و 1339 در برنامة مشاعره رادیو ایران ، با رتبه اول برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 امثال سائره و پندهای موزون
ویژگی اثر : پس از ده سال سکوت این کتاب انتشار یافت .
2 سخن عشق
ویژگی اثر : پس ازچها رده سال به همت انتشارات نوید شیراز به چاپ رسید .
3 قفس طلایی
ویژگی اثر : نخستین دفتر شعر اودر سال 1350 به چاپ رسید.
4 گلچین دعا
منابع زندگینامه :پوران فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ، ج 2 ، ص 1424

مزین‌الدوله نطنزی کاشانی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1222 ش)، مترجم، موسیقیدان و نقاش. ملقب به نقاش باشی. وی جزو اولین دانش‌آموزانی بود که در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و به سال 1275 ق برای فراگرفتن فن نقاشی به پاریس اعزام شده بود. مزین‌الدوله پس از مراجعت از اروپا، بیش از پنجاه سال، معلم فرانسه در دارالفنون و مدرسه علمیه و مدرس موسیقی و نقاشی بود که آنها را از روی اصول علمی‌آن تعلیم می‌داد و چندین کتاب نیز در مورد نقاشی به چاپ رسانده است. کمال‌الملک از شاگردان وی بود. مزین‌الدوله اولین کسی در ایران بود که با افتتاح تماشاخانه‌ی دارالفنون، دست به ترجمه هم زده و آن ترجمه‌ها را نیز در تماشاخانه به اجرا درآورده است. گذشته از آن، گفته می‌شود که «طبیب اجباری» مولیر را نیز نخستین بار ترجمه و خود هم آن را در تماشاخانه دارالفنون اجرا کرده است. نخستین کتاب موسیقی نظری جدید به نام «تعریف علم موسیقی»- که از نوشته‌های موسیو لومر فرانسوی بوده- توسط مزین‌الدوله به فارسی برگردانده شده است. از دیگر آثار او: ترجمه‌ی «صرف افعال»؛ «مزین اللغه»، لغت نامه‌ای از فرانسه به فارسی. از آثار نقاشی وی: تصویر نیم تنه‌ی شعاع‌السلطنه به سیاه قلم که نقطه‌پردازی پرمایه‌ای دارد، با رقم: «خانه زاد علی‌اکبر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (378 -377/ 1)، ادبیات نمایشی (341، 338، 312 -309/ 1)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (138)، تاریخ موسیقی (734، 589، 437/ 2)، تاریخ هنرهای ملی (616، 584/ 1)، شرح حال رجال (426/ 2)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، مؤلفین کتب چاپی (550/ 4).

مژده شیرازی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1299 ش)، شاعر، مترجم و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را به همراه فراگیری کامل قرآن و بسیاری از متون فارسی سپری کرد و در دوره‌ی اول دبیرستان توانست عربی و قواعد صرف و نحو را بیاموزد. آنگاه به دانشسرای مقدماتی آباده رفت و دوره‌ی آموزگاری را گذراند و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. پس از آن به تهران آمد و در 1328 ش موفق به اخذ لیسانس و در 1333 ش موفق به دریافت درجه‌ی دکترا در رشته‌ی ادبیات فارسی شد. او در تأسیس بخش زبان و ادبیات در شیراز سهمی به عهده داشت و از سال 1334 ش دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بود و علاوه بر سمت استادی، ریاست بخش فارسی نیز به او واگذار گردید و در ضمن مسئولیت اداره انتشارات و روابط دانشگاهی را بر عهده داشت. مژده شیرازی در شکل دادن به تدریس دانشگاهی در شیراز نقش مهمی داشت و بسیاری از استادان فعلی دانشگاه‌ها از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «تاریخ ایران بعد از اسلام»؛ «راز زندگی»؛ ترجمه‌های: «تاریخ علم و فلسفه در اسلام»، «تاریخ ملل اسلامی»، «نظرهایی بتاریخ جهان» نهرو، «صدو پنجاه سال جوان بمانید» و «منازل السائرین» خواجه عبداللّه انصاری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (3356 -3253/ 5)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (420 -414/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2215/ 2)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 12، ص 7 -2)، مؤلفین کتب چاپی (599 -598/ 4).

مساوات، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید حسن و متولد 1244 ش است. وی از اهالی برازجان فارس می‌باشد. در بدایت عمر به شیراز آمد و تحصیلات ادبی و عربی را تا سطح مدرسی نزد علمای وقت فرا گرفت. سپس عازم تهران شد و نزد حکیم معروف میرزا ابوالحسن جلوه فلسفه و حکمت آموخت. هنگامی که مردم ایران برای مشروطه قیام نمودند سید محمدرضا برازجانی با آنها همداستان شد و مرتب شبنامه انتشار می‌داد. در اوایل مشروطیت روزنامه تندروی مساوات را دائر کرد به همین جهت بعدها مساوات را نام خانوادگی خود قرار داد. در این نشریه محمد علی شاه را به شدت مورد حمله قرار داه حتی او را به محاکمه کشید. در استبداد صغیر از تهران به تبریز رفت و مدتی مخفی بود. بعد از خلع محمد علی میرزا و انجام انتخابات دوره دوم مردم تبریز او را به وکات خود برگزیدند. در دوره سوم و چهارم از طرف مردم تهران به وکالت رسید و دوره پنجم از ساوجبلاغ وکیل گردید.
مساوات از وکلای متنفذ و دانشمند و حراف بود و به آزادی و مشروطه خدمات زیادی نمود. در جنگ بین‌الملل اول که مسئله مهاجرت پیش آمد مساوات هم به کرمانشاه و بعد به استانبول رفت. ادوارد براون مستشرق معروف در کتاب انقلاب ایران از خدمات مساوات به مشروطه تجلیل می‌نماید. وفات او در سال 1306 ش اتفاق افتاد.
(وف 1304 ش)، روزنامه‌نگار. از اهال برازجان فارس بود. وی در شیراز و بعد در تهران به تحصیل پرداخت. او نزد میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم معروف، تحصیل کرد. مساوات دارای افکار آزادیخواهی بود و در مجمع آزاد مردان همراه مجدالاسلام کرمانی و معین الاسلام اصفهانی و ملک المتکلمین و دیگر آزادیخواهان به مبارزه پرداخت. او در تهران برای رساندن مطالب خود به مردم شب نامه منتشر می‌کرد. وی در 1325 ق روزنامه‌ی هفتگی «مساوات» را در تهران تأسیس و منتشر کرد و به همین دلیل خود نام مساوات گرفت. عبدالرحیم خلخالی نیز به او پیوست. پس از به توپ بستن مجلس و تعطیلی روزنامه‌ها همراه عبدالرحیم خلخالی به قفقاز و سپس به تبریز رفت و روزنامه‌ی «مساوات» را در آنجا منتشر نمود. وی در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی وکالت مردم آذربایجان و در دوره‌ی سوم و چهارم مجلس وکالت مردم تهران را به عهده داشت.[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (210 -205/ 4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (421 -420/ 4)، شرح حال رجال (404 -403/ 3)، نخبگان سیاسی ایران (492 ،483/ 4)، یغما (س 5، ش 10، ص 464 -463).

مسترحمی، هدایت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید هدایت‌اللَّه مسترحمی از فضلاء معاصر تهرانست که در کتب عدیده‌ای تعلیقه و بسیاری از کتب را هم تصحیح نموده‌اند در کتاب: مرآة‌الدهور- در- وقایع ایام و شهور، که از تألیفات ایشان است ترجمه خود را مبسوطا نوشته‌اند که نگارنده تلخیص آن را می‌نگارم:
الحاج السید محمد المشهور والملقب بالحاج السید هدایةاللَّه المسترحمی الحسینی بن العلم الاعلام الحاج السید محمد الرضا بن العلم الحجه الحاج السید الحسین المشهور بحاج آغا بزرگ بن السید محمد الشیهر بسید آقا جان بن السید ابی‌طالب بن السید سلیمان بن المیر ابوطالب بن المیر فتوح بن المیر فتاح (المدفونین بقریه بندر آباد یزد فی بقعه سلطان).
تولد خود را چنین مرقوم نموده بودند: تولد این بنده در شب شنبه سال 1351 قمری، در قریه حسن آباد جرقویه‌ی علیای اصفهان، و دروس ابتدائیه از همزه باء و قرآن و فارسی را در مسقط الرأس خوانده و در ده سالگی باصفهان آمدم برای تحصیل علوم دینیه و مدتی در مسجد نو و چندی در مدرسه صدر پا قلعه و چند سالی در مدرسه کاسه گران در خدمت عالم فاضل محقق آقای شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی صاحب تألیفات مطبوعه و غیر مطبوعه و حواشی بر کتب علمیه و رجالیه، اشتغال بکتب مقدماتی داشته و سپس در خدمت عالم لبیب حضرت آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی و غیره اشتغال به سطح داشته، و در روز جمعه 26 جمادی‌الثانیه سال 1370 پس از بازگشت از زیارت حضرت ثامن‌الحجج علیهم‌السلام در تهران اقامت گزیده و چندی در مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی و مدتی در مدرسه آقا محمود اشتغال به تحصیل و تدریس داشته.
و درباره‌ی خدمات خود چنین نوشته‌اند: تاکنون نتوانسته‌ام آنچنان که شاید و باید است خدمت به مسلمین و اسلام نمایم مگر چند مورد جزئی که از جمله تعمیر و توسعه مسجد جامع حسن‌آباد جرقویه و تعمیر و اضافات مسجد مرحوم ملا باقر و مسجد حمام یخچال در قریه مزبور، و تعمیر و توسعه مسجد جامع و تهیه برق رامشه جرقویه که آقای آسید مهدی حسینی در این باره اشعاری سروده‌اند، و تعمیر و سفید کاری مسجد حاج محمدعلی و حسینیه حسین‌آباد جرقویه در سال 1387 قمری که کربلائی رضاقلی داستانی در این موضوع اشعاری سروده‌اند و بثمر رسانیدن

هیجده نفر از آقایان طلاب در حوزه علمیه قم و اصفهان و تهران و ساختن مسجد الزهراء علیهاالسلام در بی‌سیم نجف‌آباد تهران که فعلاً در همان مسجد اقامه جماعت و تبلیغ و تدریس می‌نمایند.
و تألیفات چاپ شده خود را چنین نوشته‌اند:
1- ترجمه علل‌الشرایع جلد اول، 2- ترجمه ارشادالقلوب دیلمی جلد اول، 3- ترجمه ارشادالقلوب جلد دوم، 4- راهنمای قرائت، 5- اصول و فروع دین یا نماز فرمان خدا، 6- احکام الحج با فتاوی مراجع، 7- مناسک حج با فتاوی مراجع، 8- عیش الاخره یا وصیت نامه، 9- عیش الاخره یا وصیت نامه کامل، 10- فهرست بحارالانوار جلد اول، 11- فهرست بحارالانوار جلد دوم، 12- فهرست بحارالانوار جلد سوم، 13- کتابی جیبی حاوی 55 حدیث با ترجمه، 14- کتابی حاوی 69 حدیث با ترجمه.
و تألیفات غیر مطبوعه خود را چنین نوشته‌اند، 1- دروغ و مفاسد آن، 2- ترجمه علل‌الشرایع جلد دوم، 3- ترجمه علل‌الشرایع جلد سوم، 4- ترجمه علل الشرایع جلد چهارم، 5- ترجمه جامع الاخبار، 6- مرآة‌الدهور در وقایع أیام و شهور، 7- گفتاری از چهارده معصوم علیهم‌السلام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مستشارالدوله تبریزی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1313 ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به مستشارالدوله. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم عربی و فارسی به سمت منشی‌گری وارد کنسول‌گری انگلیس در تبریز شد. او پس از مدتی به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و به عنوان کاردار به پاریس و لندن سفر کرد. میرزا حسین خان سپهسالار با وی دوست بود، اما به دلیل کدورتی که بین این دو پیش آمد، میرزا یوسف خان را به خراسان تبعید کرد. در 1299 ق به معاونت وزارت عدلیه (دادگستری) منصوب و ملقب به مستشارالدوله گردید. وی در 1306 ق به دلیل نوشتن نامه‌ای انتقادآمیز از حکومت وقت، از تبریز به قزوین تبعید و زندانی شد. از آثارش: «کتابچه‌ی بنفش»، درباره‌ی تأسیس راه‌آهن؛ «یک کلمه»، در منابع قانون اساسی فرانسه و تطبیق آن با قانون اسلام؛ «گنجینه‌ی دانش»؛ «منهج الحساب»؛ رساله‌ی «اصلاح خط اسلام»؛ رساله‌ی «برآورد مخارج راه‌آهن از مشهد به تهران و سایر شهرهای ایران»؛ «رمز یوسفی»، در تلگراف؛ «طبقات الارض»، در زمین‌شناسی و ژئولوژی، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (286 ،280/ 1)، از نیما تا روزگار ما (42 -41)، شرح حال رجال (493 -490/ 4)، الذریعه (284/ 25 ،146/ 15)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3453 ،3175 ،2780 ،2250 ،1746/ 2 474 ،243/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (900 -899/ 6).

مستعان، حسینقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1283.
درگذشت: 1363.
از آثار اوست: ترجمه‌ی بینوایان (ویکتور هوگو، چاپ‌های متعدد)؛ رابعه، رمان تاریخی (دو جلد، تهران، 1369)؛ عشق مقدس (تهران، 1371).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مستغفری نسفی، ابوالعباس جعفر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 432 -350 ق)، فقیه، حافظ، محدث، خطیب و مصنف. محدث ماوراءالنهر در زمان خود بود. عده‌ای او را حنفی و بعضی شافعی و برخی شیعی دانسته‌اند و هر کدام برای اثبات نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند. او از زاهر بن احمد سرخسی و ابراهیم بن لقمان و ابوسعید عبداللّه بن محمد رازی و علی بن محمد سرخسی و جعفر بن محمد بخاری و ابوسهل هارون بن احمد استرآبادی و ابوعبداللّه محمد بن احمد غنجار و دیگران حدیث شنید. ابوعلی حسن بن عبدالملک نسفی قاضی و ابونصر احمد بن جعفر کاسنی و حسن بن احمد سمرقندی حافظ و اسماعیل بن محمد نوحی خطیب و ابومنصور سمعانی و جماعتی کثیر از وی حدیث شنیدند. در نسف درگذشت. از آثارش: «معرفة الصحابة»؛ «الدعوات»؛ «دلائل النبوة»؛ «فضائل القرآن»؛ «الشمائل» یا «شمایل النبی»؛ «خطیب النبی (ص)» یا «خطب النبویة»؛ «تاریخ نسف» و «تاریخ کش»؛ «الطب» یا «طب النبی» یا «طب النبوی»، که خواجه نصیر طوسی در «آداب المتعلمین» همگان را امر به آموختن این کتاب نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (183/ 4)، انساب سمعانی (286/ 5)، بحارالانوار (42/ 1)، تذکرة الحفاظ (1103 -1102/ 3)، دمیة القصر (664/ 1)، الذریعه (144/ 15 ،253/ 8 ،291/ 3)، ریاض العلماء (473/ 5 -472)، سیر النبلاء (565 -564/ 17)، شذرات الذهب (250 -249/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (215/ 2)، طبقات المفسرین داودی (126/ 1 -125)، العبر (266/ 2)، کشف الظنون (1739 ،1277 ،1095 ،760 ،715 ،308)، النجوم الزاهرة (35/ 5)، الوافی بالوفیات (150 -149/ 11)، هدیة العارفین (253/ 1).

مستغیث، نبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نبی مستغیث از ائمه جماعت و مروجین حاضر شاهرودند و در مسجد سجادیه به امامت و تبلیغات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مستقیم، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس بن المرحوم حاج حبیب‌الله تاجر (داماد معظم مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد فیض قمی) از علماء اعلام و حجج اسلام و ائمه جماعت مسجد امام علیه‌السلام قم می‌باشند.
در سال 1333 قمری تقریبا در قم متولد شده و دروس مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را خوانده مرحوم والدش که از تجار قم بودند می‌خواستند معظم‌له در سلک بازرگانان و تجار و رشته خودش را تعقیب کند ولی ایشان با شوق فراوان و تشویق آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله به تحصیل علوم دینی پرداخته و سطوح را نزد آنجناب و بعضی از مدرسین دیگر استفاده کرده و هم از محضر مرحوم آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و آیت‌الله العظمی حایری موسس حوزه و آیت‌الله حجت و بالغ بر 18 سال از دروس فقه و اصول زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده تا به مدارج عالیه علم و فقاهت و نظر ارتقاء یافته و تدریس سطوح عالی را نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی بیشتر روابط خود را با آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی قرار داده و از رفقای خالص و صمیمی معظم‌له می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

مستوفی خزانه، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند عبدالباقی نواب اصفهانی، از میرزاهای چهارسو شیرازیها.
فاضل و ادیب بوده، و در دستگاه ظل‌السلطان اهمیتی داشته، در شب 17 جمادی‌الثانیه سال 1309 به شرحی که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان و ری در وقایع سال مزبور می‌نویسد مسموما فوت شده است.
از آثارش کتاب «احسن التواریخ» در ترجمه‌ی تاریخ آل عثمان تألیف محمد فرید بیک؛ و هدیه‌ی رمضان، ترجمه از کتاب امیر ارسلان مصری به طبع رسیده است.
در شب فوت او سه نفر دیگر: 1 - میرزا حبیب‌الله مشیر انصاری 2 - حاج میرزا حسن شیخ الاسلام 3 - میرزا محمد خان امین‌الدوله نیز مسموما وفات یافتند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مستوفی شهشهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا احمد، از ادبا و فضلا، وفاتش 5 شنبه 4 صفر سال 1311، قبرش در صحن مقبره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مسجد جامعی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا مصطفی بن المرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود مسجد جامعی از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران است.
وی در حدود سال 1343 ق در تهران متولد شده و در بیت علم پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را از مدرسین تهران مانند مرحوم آقا شیخ رضا قاضی و حجةالاسلام حاج شیخ کاظم معزی دزفولی و غیره خوانده و چندین سال از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدتقی آملی و آیت‌اللّه حاج میرزا باقر آشتیانی و آیت‌اللَّه العظمی رفیعی قزوینی استفاده نموده و پس از آن در مسجد المصطفی جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تنویر افکار با بیانی شیوا و منطقی اشتغال دارد.
نگارنده گوید: مترجم محترم ما و دو برادر ارجمندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمدحسین مقیم قم و ثقةالاسلام والمسلمین آقا میرزا مسیح مقیم تهران از بیت علم و فضیلت تهرانند که آباء آنها تا چندین پشت از علماء اعلام مرکز بوده و خدمات شایسته‌ای بدین نموده‌اند.
آثار ایشان بقرار زیر است:
1- تعمیر اساسی و توسعه مسجد المصطفی
2- تأسیس کتابخانه آن مسجد و جمع کتب برای مطالعه جوانان و غیره.
3- تاسیس مجلس دعای ندبه در صبحهای جمعه و برنامه سخنرانی که از مجالس بسیار آبرومند و جالب تهران محسوب میشود که از هزارها نفر از مردم متدین فهمیده تهران تشکیل میشود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مسجدی، حیدر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حیدر مسجدی
محل تولد : کاظمین عراق
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حیدر مسجدی متولد 1346 در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه شهید صدر گذراندم. سپس دروس سطح و خارج رااز محضر اساتید بزرگوار استفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسین نجاتی، آیه الله هادی آل راضی، آیه الله احمد مددی، که بخش مهمی از علوم حدیث و نکات بسیار ظریف فقهی و اصولی را از محضر استاد بزرگوار آیه الله احمد مددی استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال 1371 تا سال 1374 در موسسه (دائره المعارف فقه اسلامی) مشغول تحقیقات اسلامی شدم، ودر تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شرکت نمودم. در سال 1375 وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسرور اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1347 -1269 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به مسرور. در قریه‌ی کوپای اصفهان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به فراگیری صرف، نحو، معانی، بیان، منطق، فقه، اصول و حکمت نزد اساتید عصر پرداخت. او سپس در مدارس جدید به تحصیل مشغول شد آنگاه به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دارالفنون و دبیرستان نظام به تدریس پرداخت. وی فنون شعر را از فرصت‌الدوله شیرازی و دهقان سامانی آموخت. او زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و از زبان پهلوی اطلاعاتی داشت. در 1352 ق که از طرف انجمن ادبی ایران به نظم آوردن مضامین الواح تخت جمشید به مسابقه گذارده شده بود، مسرور از میان پنجاه شاعر برجسته‌ی شرکت کننده حائز رتبه‌ی اول گردید و نیز در موقع افتتاح آرامگاه حکیم فردوسی شعر او مقام اول را به دست آورد. وی گذشته از استادی در زمینه‌ی شعر در نثر نیز توانا بود و از هنر موسیقی و خوشنویسی نیز بهره داشت. مقالات ادبی و تاریخی او در مجلات «ارمغان» و «یغما» چاپ شده است. او مدتی مدیریت برنامه‌های ایران در آینه‌ی زمان و شهر سخن را، در رادیو ایران، به عهده داشت. سرانجام در تهران وفات یافت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «امثال سائره»؛ «خواجو کرمانی»؛ «داستان تاریخی محمود افغان»؛ «ده نفر قزلباش»؛ «فرهنگ زبان»؛ «قران یا سرگذشت لطفعلی خان زند»؛ «نی‌زن بیابان»؛ «هنرنامه»، شعر. اثر دیگر او مجموعه اشعارش می‌باشد که نخست تحت نام «راز الهام» در 1338 ش و سپس تحت نام «یادگار سخنیار»، در 1347 ش، در سال وفات وی، منتشر شد.[1]
حسین مسرور سخنیار اصفهانی، متخلص به مسرور، فرزند حاجی محمدجواد تاجر کوپایی به سال 1308 هجری قمری در کوپای اصفهان تولد یافته و از پایان تحصیلات به خدمت وزارت فرهنگ درآمده است.
حسین مسرور که شاعری توانا و استاد بود، در نثر نویسی نیز مهارتی فوق‌العاده داشت و داستان‌های تاریخی «ده نفر قزلباش» وی که تاریخ دوران صفویه را مطرح می‌سازد، به بهترین وجهی آن عصر را نمایان می‌سازد.
این شاعر کتاب شعری دارد به نام «راز الهام» که در سال 1338

خورشیدی منتشر گردیده است.
«کرشمه‌ی پری»
بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری
من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری
تو ای نسیم سحری- ببر بجانان خبری
پیک روز جدایی
باد خزان تو بودی- که گلم را ربودی
همه گلشن بدیدم- تو ز گل‌ها نبودی
تویی ای نگار من- گل من بهار من
به سپیده‌دم رسد- شب انتظار من
ز گریبان شب چو مه سر آرد بیرون
ز غم دوریت شود دلم غرق خون
خزان چو گردد سپری- شود بهار دگری
شکوفه آید به چمن- صبا کند جلوه‌گری
بکرشمه‌ای پری- دل آشنا بری
من و یاد روی تو- تو بیاد دیگری
«عشرت دنیا»
عشرت دنیا مصیبت مردم دانا نبود
یا که خود عشرت نصیب مردم دنیا نبود
عشق هر جایی، قلم بر عقل پا برجا کشید
خاصه ما را کز ازل، خود عقل پا برجا نبود...!
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (87 -86)، ادبیات نوین (144 ،84)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (445 -443)، دویست سخنور (381 -379)، الذریعه (251/ 25 ،436/ 24 ،67/ 17 ،201/ 16 ،1035 -1034/ 9 ،285/ 8 ،268/ 7)، راهنمای کتاب (س 11، ش 7، ص 422)، سرآمدان فرهنگ (310 -309/ 1)، سخنوران نامی (434 -422/ 2)، سخنوران نامی‌معاصر (3284 -3277/ 5)، سواد و بیاض (570)، شرح حال رجال (79/ 5)، فرهنگ سخنوران (837)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3423، 3339، 2529، 2428، 1615/ 2 ،1487، 1326، 1293، 331،/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (881 -879/ 2).

مسعودی پنج دهی مروزی، تاج‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(584 -522/ 521 ق)، فقیه، محدث، لغوی و صوفی. نسبتش به پنج ده، از قرای مرورود، می‌رسد. چون نیای بزرگش مسعود بود به مسعودی مشهور شد. او ساکن خانقاه سمیساطیه دمشق بود. در مرو و هرات و سجستان و بلخ و سرخس و نیشابور و کرمان و اصفهان و همدان و تبریز و بغداد و موصل و مصر از پدرش و عبدالسلام بن احمد بکبره و مسعود بن محمد غانمی و ابونضر فامی و ابوالمظفر تریکی بغدادی و ابوالوقت عبدالاول و عبداللّه بن عمر سجزی و عمر بن محمد بسطامی و ابوبکر محمد بن علی طوسی و ابوالمعالی مقری و عبدالرحمان بن احمد طوسی و ابن‌رفاعه سعدی و مسعود ثقفی و عبدالصبور بن عبدالسلام و سلفی حافظ و جماعتی دیگر حدیث شنید. در 575 ق در مصر مجالس املای حدیث برپا کرد. او معلم ملک افضل فرزند سلطان صلاح‌الدین بود. ابن‌مفضل و ابوالقاسم بن عساکر و ابواحمد بن تاجر و ابواحمد بن سکینه و دیگران از وی روایت کردند. او شرحی کامل بر «مقامات» حریری نگاشت که به گفته‌ی ابن‌خلکان نظیر نداشت و در پنج مجلد بزرگ بود و بدین علت به مسعودی شارح «مقامات» معروف شد. او در دمشق درگذشت و در دامنه‌ی کوه قاسیون دفن شد. از آثارش: «مغانی المقامات فی معانی المقامات»، که همان شرح «مقامات حریری»، است؛ «الایضاح فی جمع المغرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (65 -64/ 7)، الاعلام بوفیات الاعلام (395/ 2)، سیر النبلاء (175 -173/ 21)، شذرات الذهب (281 -280/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (253/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (37/ 2)، العبر (88/ 3)، کشف الظنون (1790 -1789)، لسان المیزان (292 -291/ 6)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (23 -21/ 19)، معجم الادباء (216 -215/ 18)، معجم البلدان (591/ 1)، معجم المؤلفین (155/ 10)، میزان الاعتدال (600/ 3)، الوافی بالوفیات (233/ 3)، وفیات الاعیان (392 -390/ 4)، هدیة العارفین (101/ 2).

مسعودی مروزی، ابوالخیر، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 443 ق)، فقیه شافعی، نحوی، لغوی و ادیب. مروزی در بین شافعیان به مسعودی معروف بود. نزد ابوبکر قفال مروزی فقه آموخت و برآمد و از اقران شیخ خود گشت. او از قفال و ابونصر محمودی حدیث شنید. مسعودی در نحو و لغت و ادب مشهور زمان خود بود. قاضی ابومنصور سمعانی از او روایت کرد. امام غزالی در کتاب خود، «الوسیط»، از او حکایت کرده است. به گفته‌ی سمعانی وی در ابتدا از اصحاب الرای بود که چون مصاحب قفال شد جزء اصحاب الحدیث گشت. وفات او را حدود 420 ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: شرح «مختصر المزنی»، در فروع فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات الشافعیه‌ی سبکی (174 -171/ 4)، کشف الظنون (1635)، معجم الادباء (214 -213/ 18)، معجم المؤلفین (259 ،248 225، -224/ 10)، الوافی بالوفیات (322 -321/ 3)، وفیات الاعیان (214 -213/ 4).

مسعودی، عبدالهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالهادی مسعودی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 هجری شمسی به مدرسه رفتم و در 1362 هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال 1369هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و 5 سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت 8 سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و 5 سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال 1369 هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز

ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مسعودی
محل تولد : خمین
شهرت : مسعودی خمینی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1310/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال 1310 هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش ـ مرحوم غلامعلی مسعودی ـ به پیشة قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانوادة آیة الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّة سبزی کارها می‌زیسته است. آیة الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او، شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیة الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسة شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اوّل را در مکتب گذرانده بود، در پایة دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیة الله رضوانی و آیة الله جلالی خمینی بودند که تا پایة پنجم با آیة الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز بپردازد؛ امّا این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی بپردازد و به مسلک روحانیت درآید. علاقة خانوادة ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیة الله مسعودی تأثیر به

سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزهٔ ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودکِ خردسالِ آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراک رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیهٔ ملاّعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیة الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غرّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیة الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توامان سازد. آیة الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمدهٔ کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس

علامه طباطبایی شرکت نمود. وی برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیة الله گلپایگانی و آیة الله بهجت بهره برد. وی دربارة درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند. از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببینند». دربارة شیوة تدریس آیة الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوة تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن بپردازند. ایشان شیوة دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریة کدام یک از علماست». آیة الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازة ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیة الله جلالی خمینی، آیة الله رضوانی و آیة الله مصباح یزدی را نام برد. آیة الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبدالله در مسجد محمدیه قم می‌پرداخت که با استقبال فراوان طلاب روبه رو شد، به گونه‌ای که مسجد، مملوّ از جمعیت می‌شد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشغول بودند، کتاب شرح لمعه و معالم بود که ثمرة این تلاشها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمدة آن در حادثه‌ای از بین رفت و دیگر «تقریر مبحث دماء ثلاثة» امام خمینی (ره) است که به چاپ رسیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیة الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسة حضرت معصومه سلام‌اللهعلیها و خدمات فراوان به

آن است. بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام الله علیها که در روایات آشیانة آل محمد(ص) معرفی شده، یکی از مهم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمة اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شهر را به شهری عالم پرور و سرچشمه مبارزات برای تحقق جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و خدمت به این مرکز مهمّ، خدمت به شیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان راه استقلال و آزادی است. آیة الله مسعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آستانة حضرت معصومه سلام الله علیها که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشتند و با بازسازی و مرمّت بخشهایی از آن، میراث فرهنگی بزرگ شیعه را پاس داشتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آستانه را که بخشی از آن به دلیل اهمال از دست آستانه مقدسة خارج شده بود، به حرم مطهّر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانة حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختند، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شصت و پنج هزار جلد رساندند و حدود پانصد نسخة کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دویست و ده سال تعویض و با بهترین طلا بازسازی گردید همچنین صحن و مسجد جدید در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسعه حرم می‌باشد توسط ایشان بنا گردید. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعدد و نیز چاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آستانه مقدسه بود که زائران حرم مطهّر، از آن بهره می‌برند. حرمی که آشیانة آل محمد(ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام، رسیدگی به حال محرومان و مستضعفان را سرلوحة کارخویش قرار دهد و پناهگاه نیازمندان و درماندگان باشد. در این زمینه، حرم مطهر، طرحهای گسترده‌ای را به انجام رسانده است که همه حکایت از تلاش بی وقفة مسؤولین آن، بویژه آیة الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانة مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره مندی زائران از سخنان علماء و واعظان و مداحان برجسته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای ندبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهداری و بهینه سازی موزة حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشته، آن را به مرکزی دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبرگرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنده شده بود را به موزه آستانه مقدسه عودت داد. آیة الله مسعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسی فراوانی را برای تحقّق انقلاب اسلامی و تداوم آن انجام داده است که ذکر همة آنها در این مختصر نمی‌گنجد. او مانند بسیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن

اخیر، تفکر و خط مشی امام خمینی (ره) را در مبارزه سرلوحة خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقدر شیعه به اثبات رسانده است. شخصیت امام (ره) و شجاعت و صلابت او به حدّی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی دربارة شجاعت امام (ره) می‌گوید: «بنده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهده نکردم که بی دلیل و صرفاً از سرهوای نفس، عصبانی شوند. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشهای انسانی و اسلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می‌کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضات را به شاه آمریکایی نمودند؛ امّا در قبال بی مهری دوستان صبور و حلیم بودند. اگر کسی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی‌کرد یا برای مثال به ایشان آیة الله العظمی نمی‌گفت، ایشان به اندازة سرسوزنی دلگیر نمی‌شد و تغییری در رویّه شان مشاهده نمی‌گردید». همچنین دربارة ساده زیستی امام (ره) می‌گوید: «به خاطر دارم که در سنة چهل، و چهل و یک، حضرت امام مُهری در اختیار داشتند که در ذیل جواب به استفتائات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌دادند، منتها برای آغشته کردن قسمت برجستة مُهر به جوهر، به علت نداشتن استامپ همواره مشکل داشتند و این مشکل را به نحوی تحمل می‌کردند تا اینکه یک بار بنده به ایشان عرض کردم که اگر اجازه بدهید، من کاری می‌کنم که زحمت شما کمتر شود. فرمودند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم، شما اجازه بدهید. مطمئناً راضی خواهید شد. ایشان هم اجازه دادند. بنده استامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می‌کردند». آیة الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزة امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می‌کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شد و با تحمل مشقّات در نجف به دیدار امام (ره) شتافت سپس به بیان مشکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شنیدن سخنان او، فرمودند: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دستور امام خمینی (ره) عازم سیرجان شد تا به حل مشکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سیرجان، تأسیس حوزه علمیة آن شهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سخنرانی در سیرجان در ایام ماه رمضان، محرم و صفر بود.

خدمات ایشان و نیز افشاگریها و سخنرانیهای حماسی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شدن و حتی ممنوع الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانده لیکن با راهپیمائی مردم سیرجان آزاد شدند و تعهد گرفتند که در سیرجان نمانند. بخشی از فعالیت سیاسی آیة الله مسعودی در دهة پنجاه، به مبارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیة الله مسعودی با همراهی آیة الله مصباح یزدی، به افشای طرح دشمن برای تحریف جریان مبارزه و حمایت از تز اسلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیّت و روحانیّت و انقلاب صددرصد اسلامی پای می‌فشرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکت در تحصن علما در دانشگاه تهران و نیز عضویت در کمیتة استقبال از امام (ره) بود. همچنین آیة الله مسعودی، از افرادی است که در تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می‌گوید: «تاریخچة جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هستة اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عدّه‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص دربارة سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اوّل که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریة خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبّل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می‌توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دل امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیة الله مسعودی، در مدرسة رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیة

الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانة مقدسة حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمة اهل بیت می پردازد.

مسگرنژاد، جلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال 1348، کارشناسی ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز در سال 1351 و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1357.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه ابوریحان و علامه طباطبائی از سال 1357 تا سال 1369 و دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال 1369 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
اخلاق در نهج‌البلاغه، معراج‌نامه‌ها در زبان فارسی، بررسی دستور زبان فارسی و مقایسه دستورها، زندگینامه سخنران جان‌باخته، دیوان مولانا لسانی شیرازی، انیس‌الشعراء، پژوهشی در عقاید اهل حق، تدریس دروس مختلف ادبی در دانشگاههای علامه طباطبایی تربیت معلم و تهران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 8 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 6
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مختصری در شناخت عروض و قافیه، شرح خصوص‌الحکم خواجه محمد پارسا و کنزالرموز امیر حسینی تاریخ تصوف و اصطلاحات، عرفان و تصوف.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 12، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
شرح خصوص‌الحکم و شروح معتبر آن، تأمل در صحت انتساب شروح خصوص‌الحکم، مقاله‌ای در اصطلاحات صوفیه- غزالی، معرفةالنفس (خودشناسی) اقبال لاهوری، مقاله (هلال و خیال) در مثنوی مولوی، کلیت و مفهوم در غزل حافظ، رسالت بزرگ و روحی و سیر مفاهیم عرفانی در

دیوان خواجو، عرفان و تصوف، اصطلاحات عرفانی، شناخت متون، تاریخ ادبیات و تحقیق در اندیشه‌شناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله مسلم ملکوتی
محل تولد : سراب
شهرت : ملکوتی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1303/1/1
زندگینامه علمی
حضرت آیة الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال 1303 در حومة شهرستان سراب، واقع در 130 کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می‌گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیة الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت؛ به گونه‌ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیة الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامة تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیة الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیة الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیة الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش‌تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می‌کردند. با اتمام دوره سطح، در سال 1321 به منظور ادامة تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیة الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیة الله ملکوتی را در سال 1334 به سمت

نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیة الله سید ابوالقاسم خویی، آیة الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال 1346 به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما درگیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیة الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می‌پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیة الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام هر کدام، همچون ستاره‌ای در آسمان تشیع می‌درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیة الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیة الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیة الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیة الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیة الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی(ره) رفت. ایشان از امام(ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می‌کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می‌شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیة الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی‌بودند که در درسهای خارج فقه آنان شرکت می‌نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیة الله ابوالقاسم خویی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همواره با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیة الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب

شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرة سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیة الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیة الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانة افراد عضو، برگزار می‌شد. آیة الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی(ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام(ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیة الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن 1357، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام(ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام(ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیة الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال 1360، امام خمینی(ره) آیة الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیة الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیة الله ملکوتی در دورة اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم

آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیة الله ملکوتی در سال 1373، با دعوت برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفتة درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیرة علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسلمی خوازنی، عبدالرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرضا مسلمی خوزانی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1340 در آبادان متولد شدم. پدر و مادرم مذهبی بودند در کنار دروس جدید در مکتبخانه‌های قدیمی به فراگیری کتاب آسمانی و قرائت صحیح آن پرداختم در دوران دبیرستان در ایجاد و ترویج مطالعات اسلامی در میان همکلاسی‌ها موثر بودم در مساجد و کانون‌های مذهبی حضور فعال داشتم تدریس قرآن، تفسیر ساده و عقاید از اشتغالات همیشگی‌ام بود. حضور در صحنه‌های انقلاب و بحث ومناظره با مارکسیست‌ها و گروهک منافقین در برنامه‌های کاری ما بود. در سال 1359 دیپلم اقتصاد گرفتم و سریعاً به حوزه علمیه قم وارد شدم دو ماه پس از درس خواندن، جنگ تحمیلی آغاز گردید و بنده به مناطق جنگی رفت و آمد داشتم و به بیان عقاید، تفسیر، اخلاق و احکام برای رزمنده‌ها می‌پرداختم در پایان سال تحصیلی 68 ـ 67 دوره سطح حوزه را به پایان رساندم.در مدرسه حجتیه قم برای طلاب خارجی تدریس عقاید و کلام داشتم. از سال تحصیلی 70 ـ 69 در مدرسه رسول اکرم(ص) شاه ابراهیم و دیگر مدارس حوزه مانند معصومیه بلوار امین و الهادی خاکفرج و... به تدریس عقاید و کلام اسلامی اشتغال داشتم. در سال 70 ـ 69 در دوره تخصصی کلام حوزه شرکت کردم و قبول شدم و دوره از 71 ـ 70 آغاز گردید این اولین دوره تخصصی حوزه بود و آن را با موفقیت کامل در سال 74 به پایان رساندم در تاریخ 25/11/74 رسماً به صورت حق التدریس با دانشگاه شهید چمران اهواز همکاری کردم که این حق التدریس تا الان ادامه دارد فیش‌ها و یادداشت‌های زیادی در مباحث کلامی و تفسیر و منبر دارم که هیچ‌کدام منتشر نشده‌اند. اکثر اوقات بنده به تدریس، سپری شده است و ایام تبلیغی هم به منبر و سخنرانی.

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن مسیب نژاد
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 70-69 پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه ، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم.
در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال 1380 وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاة آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال 80 وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال 84 دوره کارشناسی را به پایان رساندم . با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیبی، رضوانعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضوانعلی مسیبی
محل تولد : بابلسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از 7 سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر – مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ 21/10/63 وارد حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی) شدم و به مدت 5 سال و نیم کل دروس مقدمات و سطح را تمام کردم و وارد درس خارج شدم تا الان . از همان اوایل تحصیل درحوزه علمیه قم مشغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تدریس می کنم . و چون علاقه وافر به قرآن داشتم از همان اوائل تحصیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کرده و بهره ها بردم تا الان که مشغول تلمذ در این درس هستم . از طرفی علاقه به معقولات ، اینجانب را به حضور در دروس فلسفه و عرفان کشانده و از این رهگذر حضرت آیت الله حسن زاده آملی بعضی از مجلدات اسفار و مصباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائل مبتلا به شدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم . سپس در مقالات شخصی که بر متون اهل سنت در فقه و حدیث – تاریخ داشتم کتاب دوم را تالیف نمودم . در رهگذر این تدریس و تلمذ و تدریس ، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع آوری کردم که با اندک زحمتی هر کدام به تالیف تبدیل می شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن 7 سالگی حافظ کل قرآن – صحیفه – نهج البلاغه (نامه – کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخل و خارج کشور اجرای برنامه های قرآنی –

اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شده واکثر اوقاتم در این مسیر سپری می شود.

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم مسیح شرقیان
محل تولد : سادات شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1307/4/3

زندگینامه علمی
مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال 1324 شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیةالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادة ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال 1328 هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا

چیزی دریابم در تابستان 1328 به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیة الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال 1328 با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از 3 روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: 1- معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی 2- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی 3- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی 4- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی 5- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیة الله آقا سید محمد تنکابنی 6- مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود 7- و رسائل شیخ را نزد آیة الله شیخ یحیی مفیدی خواندم 8- جلدین کفایة الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیة الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. 9- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیة الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال 1338 شمسی که مدت 10 سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال 1338 با مشورت

علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیة الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که 3 سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیة الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیة الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاة یک ماه اخیر آیةالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضرت آیة الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیة الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیة الله بروجردی فقه را نزد آیة الله العظمی گلپایگانی و آیة الله العظمی مرعشی نجفی و آیة الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیةالله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیةالله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیةالله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال 43 با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان 1-دکتر مصطفی محقق داماد 2- حجةالاسلام ناطق نوری 3- حجةالاسلام مهدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال 1348 فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از 20 واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت 30 سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و 20 سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت 8 سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده

پرستاری بودم و در سال 1382 بازنشست شدم و همزمان 52 سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و 45 سال امامت جماعت داشتم و 14 سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت 4 سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز 4 سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و 4 سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در 63 سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمةالله.

مسیحا فدشکویی، محمد مسیح

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1127 ق)، فقیه، ادیب و شاعر، متخلص به معنی. در فسا به دنیا آمد. در شیراز و اصفهان درس خواند. در سرودن شعر به دو زبان عربی و فارسی مهارت داشت. در اشعار عربی مسیح و در اشعار فارسی معنی تخلص می‌کرد. آخوند مسیحا از شاگردان آقا حسین محقق خوانساری بود که به درجه‌ی اجتهاد رسید و چندین سال منصب شیخ الاسلامی ایالت فارس را داشت. در اواخر عمر در سنین نود سالگی به فسا بازگشت و در قریه‌ی فدشکو درگذشت. در «تذکره‌ی نصرآبادی» سال مرگش 1115 ق ذکر شده است. وی به عربی قصیده‌ای در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است. از دیگر آثارش: «حواش علی الحواشی الخفریه علی شرح التجرید»؛ «اثبات الواجب تعالی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (84 -83)، اعیان الشیعه (56 /10)، تاریخ ادبیات در ایران (317 -316 /5)، تذکرة المعاصرین (111 -101)، تذکره‌ی نصرآبادی (174)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (4 -3 /1)، الذریعه (1075 -1074، 1065 /9، 109 /1)، ریحانه (385، 314 /5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 725 -723 /12)، فارسنامه‌ی ناصری (1392 /2)، فرهنگ سخنوران (862)، فوائد الرضویه (643)، لغت‌نامه (ذیل/ معنی فسایی)، مؤلفین کتب چاپی (191 -190 /5)، مرآت الفصاحه (587 -585)، معجم المؤلفین (22 /12).

مشار، خانبابا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1279، تهران.
درگذشت: 29 شهریور 1359.
خانبابا مشار پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت در وزارت دارایی در ادارات تحدید کل و کارگزینی و مالیات برآمد و کلاس مالی عهده‌دار خدمت بود. پس از بیست و یک سال خدمت دولتی به میل خود بازنشسته شد و به امور کشاورزی پرداخت.
اثر برجسته‌ی او مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون (شش جلد، 1344 -1340) نام دارد. این کتاب در واقع ترکیبی است از دو کتاب فهرست کتابهای چاپی فارسی و فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون است. وی همچنین یک متن قدیمی دینی را هم تصحیح کرد که الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف بمجالس (مجالس در مناظرات) تألیف شیخ مفید و ترجمه‌ی آقا جمال خوانساری (تهران، 1339) است. این کتاب در سال 1363 به چاپ رسید.
(1359 -1279 ش)، نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. پس از بازنشستگی به کشاورزی مشغول شد. از آثار او: «فهرست کتابهای چاپی فارسی»، از آغاز تا 1345 ش؛ «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی و عربی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «الفصول المختاره» شیخ مفید؛ «فهرست کتابهای چاپی عربی، در ایران» از آغاز چاپ تا 1344 ش و سایر کشورها از 1340 ق به بعد.[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 12 -9، ص 915 -912)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3179، 2891، 2485/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (333)، مؤلفین کتب چاپی (11 -10/ 3).

مشایخ فریدنی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1291(1333 ق.)؛ محله عودلاجان تهران.
درگذشت: 13 آذر 1369، در نزدیکی بمبئی.
محمدحسین مشایخ فریدنی، فرزند محمدباقر (از علمای معقول و منقول و از مدرسان تهران)؛ در محضر پدر خود مقدمات علوم دینی را فراگرفت و در کنار آن به تحصیل علوم جدید در دبستان ترقی و سپس دبیرستان پهلوی نیز همت گماشت. در سال 1309 بعد از اتمام دوره‌ی اول متوسطه وارد دوره‌ی ادبی دارالفنون شد. از اساتید این دوره درس وی می‌توان به افرادی چون حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، نصرالله فلسفی، شیخ محمدحسین فاضل تونی، احمد بهمنیار و علی‌اکبر سیاسی اشاره کرد. ایشان در همین دوره، تحصیلات حوزوی را تا پایان لمعتین نزد پدرشان تلمذ کرد. فریدنی در سال 1312 بعد از تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در امتحان ورودی آن دانشکده پذیرفته شد، در سال 1314 بعد از اتمام دوره گواهینامه مدرسی دریافت کرد. همزمان با تحصیل در دانشکده‌ی معقول و منقول در دانشکده‌ی ادبیات هم ثبت نام نمود و در سال 1314 به اخذ درجه لیسانس نایل آمد و در سال 1318 وارد دوره‌ی دکترای ادبیات شد. استادان وی در آن دوره ملک‌الشعرای بهار، فاضل تونی، سید محمد تدین، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی‌اصغر حکمت بودند. در پاکستان کرسی زبان فارسی دانشگاه کراچی را تأسیس کرد و در دانشگاه‌های پنجاب، پیشاور و حیدرآباد و داکا به عنوان استاد میهمان تدریس می‌کرد. در دانشگاه لاهور پاکستان موفق به اخذ درجه‌ی دکترای افتخاری و کسب مقام استادی در رشته‌ی حقوق شد.
دکتر فریدنی در طول خدمات فرهنگی خود در سمت‌های مختلفی اشتغال داشت. نظیر: دبیر دبیرستان‌های تهران بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف قم، کاشان، ساوه، محلات و گلپایگان، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، هند، عراق و عربستان سعودی، استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، مأمور تأسیس دانشگاه کردستان و غیره. آثار وی علاوه بر تحریر مقالات در مجلات کشور، عبارتند از: تألیف نوای شاعر فردا (روایت تازه‌ای از اسرار خودی و رموز بی‌خودی اقبال لاهوری، وی از جمله کسانی بود که با اندیشه‌های این متفکر آشنا بود)؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی

امیرالمؤمنین (ع)؛ گزیده‌ی أغانی (ترجمه‌ی الاغانی، در دو جلد، این کتاب برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ تألیف آفتاب در آئینه (سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) به روایت اهل سنت). وی همچنین در سال‌های آخر عمر با دایرةالمعارف تشیع و دانشنامه‌ی جهان اسلام همکاری داشت و مقاله‌هایی را برای این دو اثر تألیف کرده است. مقاله‌هایی نیز در «کیهان فرهنگی» و «نشر دانش» و «آینده» از او به چاپ رسیده است. دکتر مشایخ فریدنی به دریافت نشان‌های درجه‌ی دوم همایونی، درجه‌ی دوم سپاس، نشان ارانژناسو از هلند و نشان کوکب از اردن نایل آمده است. وی عضو آکادمی عرب نیز بود.
دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیزدهم آذر سال 1369 در سن هفتاد و هشت سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. این حادثه در حالی رخ داد که وی یک هیئت علمی بین‌المللی را در یک کشتی مطالعاتی برای بررسی راه آبی «جاده‌ی ابریشم» همراهی می‌کرد. پیکر وی در بهشت زهرا در حجره‌ی 953 به خاک سپرده شد.
در 1291 متولد شد. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در 1315 لیسانس گرفت و به شغل دبیری اشتغال ورزید. بعد از شهریور 1320 وارد دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی شد و پس ازطی دوره‌ی دکترا رساله‌ی خود را با درجه‌ی ممتاز گذرانیده و تدریس خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال 1328 که علی‌اصغر حکمت به وزارت امور خارجه منصوب شد، چند تن از فرهنگستان باسواد را مأمور خدمت در آن وزارتخانه نمود از جمله دکتر مشایخ فریدنی بود که پس از انتقال موقت به وزارت امور خارجه، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان شد و سپس رایزنی فرهنگی ایران را در هندوستان برعهده گرفت. پس از پایان مأموریت دهلی به تهران انتقال یافت و مشاور اداره اطلاعات و کتابخانه و مطبوعات و اداره فرهنگی و سرپرست امور نشریه‌ها در وزارت امور خارجه گردید. در اواخر سال 1336 به وزارت فرهنگ بازگشت و مدیر کل دفتر آن وزارتخانه شد. در سال 1337، علی‌اصغر حکمت برای بار دوم به وزارت امور خارجه منصوب شد و این بار دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی را بطور قطعی به وزارت امور خارجه منتقل کرد و به وی مقام رایزنی و تصدی اداره روابط فرهنگی را سپرد. پس از چندی سرپرست اداره اطلاعات و مطبوعات شد و بعد ریاست اداره پنجم سیاسی وزارت خارجه را عهده‌دار شد. مشایخ فریدنی در مأموریتهای فرهنگی خود در وزارت امور خارجه، جلب رضایت زعمای آن وزارتخانه را نمود و مورد توجه قرار گرفت و لذا به کادر سیاسی انتقال یافت و تدریجا سفیر کبیر ایران در پاکستان، سفیر کبیر ایران در عربستان سعودی و سفیر کبیر ایران در عراق شد. وی در این مأموریت‌ها چون فصیح و بلیغ

سخن می‌گفت و اشعار بسیاری در حافظه داشت و در هر زمینه‌ی تاریخی و ادبی مجلس آرائی می‌کرد، در آن کشورها مخصوصا در محافل فرهنگی و ادبی منزلتی پیدا کرد و مورد احترام قرار گرفت.
پس از بازنشستگی و بازگشت به ایران دنباله کارهای علمی و ادبی خود را گرفت از جمله به ترجمه‌ی کتاب اغانی پرداخت و دو جلد از آن در بنیاد فرهنک ایران چاپ شد. گزیده‌ای نیز از اغانی فراهم ساخت که آن هم انتشار پیدا کرد. هنگام مأموریت در هندوستان مقاله‌هائی در زمینه‌های ادبی در جراید فارسی زبان هند انتشار داد.
مشایخ فریدنی مردی ادیب و محقق و خطیب بود و به پنج زبان خارجی تسلط داشت. در 1369 در سن 76 سالگی درگذشت.
(1369 -1293 ش)، نویسنده و مترجم. چون نسب خاندانش به محقق ثانی، شیخ علی بن عبدالعال کرکی، می‌رسد آنان را مشایخ فریدنی خوانده‌اند. پدرش از مدرسین مدرسه‌ی سپهسالار و مدرسه‌ی معمار باشی بود. وی در محله‌ی عودلاجان تهران به دنیا آمد. در کودکی نزد پدر «الفیه» ابن‌مالک و «نصاب» ابونصر فراهی را آموخت. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی ترقی گذراند. سپس به دبیرستان رفت و دوره‌ی دوم را، در 1309 ش، در دارالفنون آغاز کرد و همزمان، «شرایع» و «معالم» و «شرح لمعه» و «قوانین» را نزد پدر خواند. در 1309 ش به دارالفنون رفت و با تأسیس دانشکده‌ی علوم معقول و منقول دانشگاه تهران در امتحان ورودی شرکت کرد و مقام نخست را از آن خود ساخت. در فرصت تحصیل در دانشگاه کتابهای «شرح هدایة» و «شرح منظومه» و «شرح تجرید» و «مکاسب» و «رسائل» و «جواهر» و «کفایة» را خواند و مدرک مدرسی گرفت. در 1314 ش، موفق به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی علوم معقول و منقول در رشته‌ی ادبیات گردید. وی پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در موضوع «تاریخ روابط سیاسی و فرهنگ ایران و هند، در عهد سلطنت شاه جهان گورکانی» نوشت. در 1324 ش با سمت بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف به مدت یک سال به قم مأمور شد. پس از بازگشت به تهران علاوه بر مقام بازرسی، ماهنامه‌ی «دانش‌آموز» را منتشر کرد. وی حدود بیست و سه سال در وزارت امور خارجه و در کشورهای پاکستان، هند، عراق و عربستان خدمت نمود. از دیگر آثارش: مقدمه و حواشی بر دو مثنوی «اسرار خودی» و «رموز بی‌خودی» اقبال لاهوری، به نام «نوای شاعر فردا»؛ ترجمه و شرح و خلاصه‌ی «الاغانی» ابوالفرج اصفهانی؛ «آفتاب در آیینه»، سیره‌ی امیرالمؤمنین (ع) و مناقب آن حضرت به روایت ائمه‌ی اهل سنت؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ «اقبال فیلسوف و شاعر شهیر اسلام».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] ادبستان (س 1، ش 12، ص 86)، چهره‌های آشنا (541 -540)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (303/ 1)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 12، ص 10 -3).

مشایخی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1284، تهران.
درگذشت: 20 بهمن 1368، تهران.
رضا مشایخی (فرهاد) پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون و گذراندن مسابقه‌ی علمی وزارت فوائد عامه در سال 1305 به منظور تحصیل در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان به بلژیک اعزام شد و دوره‌ی چهار ساله‌ی دانشگاه کان را با موفقیت گذراند. از سال 1311 تا 1315 در وزارت طرق و شوارع و از آن سال در وزارت راه و ترابری (نام جدید همان وزارتخانه) تا سال 1342 خدمت کرد و به معاونت اداری و فنی و پارلمانی وزارت راه و ریاست شورای عالی راه‌آهن رسید.
وی چندی در دانشکده‌ی فنی تدریس کرد و از سال 1326 که ساختان خطوط آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل اداره ساختمان وازرت راه منصوب شد و حدود نه سال سرمهندس این خطوط بود.
مهندس رضا مشایخی در اوقات فراغت به ترجمه آثار برگزیده بزرگان می‌پرداخت. ذوق و علاقه‌ی دیگرش کشاورزی و عمران وآبادی بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ماری آنتوانت (استفان زوایک، 1323)؛ ماری استوارت (استفان زوایک)؛ زیگموند فروید (استفان زوایک)؛ سه استاد سخن (درباره فئودر داستایوسکی، اونوه دو بالزاک و چارلز دیکنز، اثر استفان زوایک)؛ کلئوپاترا (آرتور ویگال)؛ تاریخ اکتشافات جغرافیایی (اوریان اولسن، 1443)؛ تصویر دوریان گری (اسکار وایلد)؛ اعترافات (ژان ژاک روسو)؛ جمهوریت (افلاطون، با تفسیر و حواشی، 1334)؛ حیات مردانی نامی (پلوتارک، چهار جلد، 1343 -1337)؛ جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر (ژاک پیرن، شش جلد، 1357)؛ کوروش‌نامه (گزنفون، 1342)؛ اندیشه‌ها و رسالات (بلز پاسکال با تفسیر لئون برونسویک، 1351)؛ آخرین نبرد (نلیوس راین)؛ اسلام، دین و امت (لویی گارده، 1352)؛ اخلاق نیکوماک (ارسطو، با ملحقات درباره‌ی اخلاق و غرب)؛ علم و مذهب (برتراند راسل، 1355)؛ تقریرات ناپلئون (کنت دولاسکاز، 1363).
از ایشان ترجمه‌های دیگری نیز آماده‌ی چاپ بود، مانند: سفرنامه‌ی

مارکوپولو، جهان سوم در بن بست از بروک، تحول از هانری برگسون، تاریخ و تمدن از مجموعه‌ی یونسکو، تمدن ایرانی به سرپرستی هانری ماسه.
فرزند مرحوم میرزا عبدالحسین خان، در 1284 ش در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در مدرسه‌ی علمیه و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد. در 1305 وزارت فوائد عامه و تجارت اعلانی منتشر نمود که برای تکمیل کادر فنی خود بیست و پنج محصل به اروپا اعزام خواهد کرد و کنکوری برای آن ترتیب دادند. مشایخی در این مسابقه شرکت نمود و موفق گردید در زمره سایرین برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شود. طبق برنامه‌ای که تنظیم شده بود، مشایخی به بلژیک اعزام شد و در دانشگاه کان دوره‌ی مهندسی راه و ساختمان را گذرانید و به تهران بازگشت و در وزارت طرق و شوارع که از وزارت فوائد عامه منتزع شده بود اشتغال ورزید و به کار راهسازی پرداخت. وی مدتها مدیر کل ساختمان وزارت راه بود و راه‌آهن سراسری آذربایجان و خراسان توسط او انجام و اتمام پذیرفت. قریب نه سال سر مهندس این راه بود. مشایخی به حق در ایجاد راههای شوسه و راه‌آهن در ایران سهم شایسته‌ای دارد. وی مدتی هم در دانشکده‌ی فنی استاد بود. چندی هم معاون فنی وزارت راه شد و بعد به معاونت پارلمانی رسید. سرانجام ریاست شورایعالی راه‌آهن به او سپرده شد.
مهندس رضا مشایخی علاوه بر مشاغل اداری یکی از مترجمین پرکار ایران بود و سالیانی چند به ترجمه‌ی آثار برگزیدگان پرداخت و در کار ترجمه وسواس خاصی داشت. قریب بیست جلد از ترجمه‌های او به چاپ رسیده است از جمله: کلئوپاترا، اعترافات ژان ژاک روسو، جمهوریت افلاطون، حیات مردان نامی، تقریرات ناپلئون، سفرنامه مارکوپلو و ماری آنتوانت را می‌توان نام برد. رویهمرفته از ایران دوستان و خدمتگزاران به فرهنگ کشور بود. وی در 1368 در سن 84 سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشایخی، قدرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قدرت الله مشایخی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قدرت الله مشایخی در سال 1342 بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال 1344 وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال 1345 وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی . سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسفه مدت 8 سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم . مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .
در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال 1362 بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال 1370 از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت

علمی دانشگاه الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می باشم و تقریبا اوقات درسی نیمی ازهفته را در آنجا و نیمی ازهفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالک اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .
در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشایخی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1291 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خوانسار به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اصفهان رفت. در 1315 ش در رشته‌ی فیزیک و شیمی از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس شد و سپس وارد خدمت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل مختلفی از جمله ریاست دبیرستان خاقانی شد و همچنین مدتی بازرس فنی بود. در 1329 ش برای مطالعات فرهنگی به بلژیک دعوت شد. وی دکترای خود را در علم حقوق در اروپا اخذ کرد. در مراجعت به ایران از طرف وزارت فرهنگ به ریاست اداره‌ی مطالعات و برنامه‌ها مشغول شد. وی مدتی نیز مدیر کل وزارت فرهنگ بود. او همچنین صاحب امتیاز و مدیر روزنامه‌ی «اخبار ایران» بود. از دیگر آثار وی: «نظریات اصلاحی»، درباره‌ی فرهنگ ایران؛ مقدمه‌ی کتاب «شالوده‌ی تربیت در جهان امروز» پیاژه؛ «سازمان و اداره‌ی آموزش و پرورش»، جلد اول: سازمان و اداره‌ی آموزش و پرورش در ایران، فرانسه، آمریکا و ژاپن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (541)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3284، 2074، 1897/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (814 -813/ 5).

مشتاقی نایینی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1328/ 1322 ق)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مشتاقی. ملقب به صفاء السلطنه. مشتاقی مدتی عهده‌دار مدیریت دارالطباعه‌ی دولتی بود و در آنجا به تحریر روزنامه‌ی «غرای ایران» می‌پرداخت. او چندی در وزارت خارجه سمت منشی داشت. مشتاقی «جنگی» مشتمل بر قصاید و غزلیات در مدایح ائمه (ع) از مشاهیر شعرا جمع‌آوری کرد و سه قصیده از خودش در این زمینه را به آنها افزود و تمام آن را به چاپ رساند. وی در مأموریت کنسولی کربلا درگذشت و در صحن حضرت ابوالفضل دفن شد.
از دیگر آثار وی: «کنز المعجزات ناصری»، شعر؛ « دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1645/ 3)، الذریعه (168 -167/ 18 1045،/ 9)، مؤلفین کتب چاپی (400 -399/ 4).

مشتری

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن سیزدهم هجری، از زنان هنرمند و ادیب. وی از زنان فتحعلی شاه قاجار (1250 -1212 ق) و اهل شیراز بود و در آواز، موسیقی و شعر و بدیهه‌گویی استاد بود. به نوشته تاریخ عضدی، یک شب شاه با یکی از زنانش در طبقه اول برج جهان‌نما به سر می‌برد. مشتری خانم که در طبقه دوم بود شعر زیر را با آواز بلند خواند:
بالای بام دوست چو نتوان نهاد پای
هم چاره آنکه سر بنهم زیر پای دوست
به دستور شاه، هرگاه که شاه عازم سفر می‌شد و چکمه و شلوار می‌پوشید مشتری خانم می‌بایست که مشغول خواندن آواز می‌شد. در سفر آخری که به اصفهان می‌کرد- و در همان سفر در اصفهان درگذشت- مشتری خانم به عادت همیشگی بیت زیر را خواند:
تو سفر کردی و خوبان همه گیسو کندند
از فراق تو عجب سلسله‌ها بر هم خورد
شاه مضمون این بیت را به فال بد گرفت و آیه استرجاع خواند. مشتری خانم حدود صد سال عمر کرد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: پشت پرده‌های حرمسرا، 358؛ تاریخ عضدی، 41 -40؛ ریاحین‌الشریعه، 75 / 5.

مشرف حسینی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد بن السید الجلیل السید حسن بن السید احمد بن السید محمدعلی الحسینی قمی‌الاصل والولاده از علماء ابرار معاصر است در درود، وی در قم متولد شده و در دامن تقوا و علم عالم ربانی و آیة سبحانی مرحوم مبرور آیت‌اللّه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی تربیت یافته و پس از خواندن مقدمات سطوح را از مرحوم حجة‌الاسلام آقا شیخ محمدحسین علامه‌ی قمی و مرحوم حجة‌الاسلام میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حجة‌الاسلام آقا سید مهدی تهرانی و آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم حجة‌الاسلام میرزا محمد همدانی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آیت‌اللّه صدر و مرحوم آیت‌اللّه میرزا جواد آقای ملکی تبریزی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه حجت ره و غیرهم استفاده نموده و از خرمن علوم و تقوای آنان خوشه‌ها برداشته تا در سال 1370 قمری که به امر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی بدرود منتقل و تا اکنون در آن ناحیه به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: معظم له از دانشمندان متقی و متدین و موصوف به فضل و کمال و زهد و ورع می‌باشد خداوند امثال آنجناب را زیاد و مستدام بدارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مشفق، همدانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، روزنامه‌نگار، مترجم و دانشمند معروف در 1291 در همدان تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همدان تمام کرد و وارد دانشسرایعالی شد و لیسانس فلسفه و علوم تربیتی گرفت، ضمنا از دوران کودکی به آموختن زبانهای خارجی ولعی عجیب داشت به طوری که زبانهای انگلیسی و فرانسه را به خوبی می‌دانست و مدتی دبیر زبان انگلیسی در دارالفنون تهران بود، بعد مترجم وزارت امور خارجه شد و پس از چندی به ریاست اداره خبرگزاری پاریس که در آن تاریخ ضمیمه وزارت امور خارجه بود رسید. در اداره کل تبلیغات نیز مشاغلی از قبیل ریاست اداره تبلیغات خارجی و مفسر سیاسی پیدا کرد. مشفق از جوانی کار نویسندگی و مترجمی در جراید را شروع کرد. ابتدا در روزنامه ایران عضو هیئت تحریریه بود بعد به مجلات مهرگان و مهر پیوست. در انتشار مجله آینده ایران یار و یاور عبدالرحمن فرامرزی بود. مدت پنج سال سردبیری روزنامه کیهان را داشت و سرانجام در 1329 مجله هفتگی کاویان را به مسؤولیت خویش انتشار داد. کاویان کار خود را با همکاری نویسندگان و مترجمین درجه اول آغاز نمود. در همان نخستین شماره‌های سال اول در محافل مطبوعاتی و سیاسی جای خود را باز کرد و وزنه مؤثری در سیاست داخلی کشور شد. رویه کاویان در روزنامه‌نگاری ایفای نقش اقلیت و انتقاد از اعمال دولت‌ها و ارائه طریق برای اصلاحات بود. مجله کاویان قریب هفت سال بطور منظم و مرتب انتشار یافت ولی در سالهای آخر انتشار خود مواجه با خفقان مطبوعاتی و سانسور شدید بود. مشفق در این موقع کار مطبوعاتی را که مؤثر در جامعه نبود کنار گذاشت و به کار تجارت پرداخت. پس از چندی جلای وطن کرد و ایتالیا را برای اقامت خود برگزید و به صادرات فرش از ایران و فروش آن در ایتالیا مشغول شد. او ترجمه‌های زیادی از نویسندگان معروف دنیا انتشار داده است مانند مدرسه و اجتماع، نادرشاه و چند کتاب اجتماعی و روانشناسی دیگر مانند عشق و انتقام و منیاتیسم، روانشناسی برای همه، اصول اساسی روانکاوی و حافظه روانشناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

مشکان طبسی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، شاعر دانشمند و قاضی عالیرتبه در 1258 در طبس تولد یافت. پدرش سید مهدی از دانشمندان و مالکان طبس بود. تحصیلات مقدماتی را در طبس آغاز کرد و سپس در یزد و حوزه علمیه اصفهان آن را تکمیل نمود و مدتی در اصفهان نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی فلسفه آموخت. علومی چون فقه و اصول و حساب و هندسه و جبر و اسطرلاب و طبیعیات را کامل کرد. سپس به خراسان بازگشت و در آنجا به آموختن زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبیات اروپائی اشتغال ورزید. بعد به قاهره سفر نمود و در دانشگاه الازهر چندی به تحصیل و تدریس اشتغال داشت. قریب سه سال نیز در پاریس علوم انسانی و حقوق یاد گرفت. پس از پایان جنگ بین‌الملل اول با سرمایه و بضاعت علمی کامل به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول شد و در چند مدرسه هم تدریس می‌کرد. در تشکیلات دادگستری داور به آن وزارتخانه دعوت شد و با رتبه هفت قضائی مستشار استیناف گردید. پس از چندی به دیوان عالی کشور رفت و در آنجا مستشار دادگاه انتظامی قضات شد. وی از مدرسین درجه اول مدرسه عالی سپهسالار بود و در دانشکده معقول و منقول تدریس می‌کرد. او شعر نیکو می‌سرود و اشعارش از سخن‌سرایان خراسان الهام گرفته است و در رونق انجمن‌های ادبی در تهران سهمی به سزا داشت و مدتها نایب رئیس انجمن ادبی فرهنگستان بود. وفات او در 1328 در هفتاد سالگی اتفاق افتاد. در ادبیات فرانسه نیز استادی داشت. مشکان طبسی مدتی در خراسان از 1301 تا 1306 مجله ادبی دبستان را انتشار می‌داد پس از عضویت در دادگستری امتیاز آن را به شیخ احمد بهار واگذار کرد.
(1328/ 1327 -1258 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در طبس به دنیا آمد. حساب و هیئت و نجوم را نزد پدر و علوم عرب را نزد شیخ حسن ملا سلطان محمد آموخت. وی پس از فوت پدر جهت ادامه‌ی تحصیل به یزد و اصفهانی رفت و علوم عقلی و نقلی و ریاضیات و فنون و ادب و اسطرلاب را نزد استادان وقت فراگرفت. سپس به مشهد رفت و به فراگیری زبان فرانسه و علوم طبیعی و ادبی اروپایی پرداخت. وی مسافرتهایی به مصر و پاریس داشت و در اواخر جنگ جهانی اول به خراسان بازگشت و در مشهد به خدمت وزارت معارف درآمد. وی در 1301 ش، مجله‌ی «دبستان» را در مشهد تأسیس و منتشر کرد. مشکان

بعدها به تهران منتقل و در سمت مستشار دیوان کشور مشغول خدمت شد. وی همچنین در دانشکده‌ی معقول و منقول فلسفه تدریس می‌کرد. مشکان سرانجام در تهران فوت نمود و در شهر ری در جوار بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثار وی: «ببر هژیر یا کاپیتان کرکران»، ترجمه؛ «تدبیر منزل و سیاست مدن»؛ اهتمام در انتشار «ترجمه‌ی اشارات».[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (280 -277/ 2)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (999 -998)، شرح حال رجال (79 -78/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (852 ،822 ،452/ 1)، گلزار معانی (647 -627)، مؤلفین کتب چاپی (656 -654/ 2).

مشکوة، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نسخه‌شناس.
تولد: 1319، ق.بیرجند.
درگذشت: 2 مهر 1359.
سید محمد مشکوة از مردم بیرجند و طلبه‌ی درس خوانده در بیرجند (مدرسه‌ی معصومیه) و قائن و مشهد بود. در اسفند 1299 به تهران آمد. وی توانست به استادی دانشگاه برسد و به تدریس فقه اسلامی بپردازد. از این رشته، تقریراتی از وی به چاپ رسیده است که جنبه‌ی درسی داشت. مشکوة به جز تدریس در دانشگاه در مدرسه‌ی عالی سپهسالار نیز به تدریس فلسفه اشتغال داشت.
مشکوة نزد عده‌ای از علمای زمان و اساتید حوزه‌های علمی مشهد و تهران درس خوانده و به اخذ درجه‌ی اجتهادی از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نایل شد. اما شهرت علمی او در معرفت کتابشناسی اوست. وی در سال 1339 کتب خطی کتابخانه‌ی خود را به دانشگاه تهران بخشید و پایه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی با این مجموعه گذاشته شد. فهرست کتابخانه‌ی مشکوة در هفت جلد انتشار یافت. (دو جلد توسط احمد منزوی و هفت جلد توسط محمدتقی دانش‌پژوه). از آثار اوست: کلمة التوحید لرفع التردید (1305)؛ مشکوة الاسرار فی حل عقد الاسفار (1305)؛ روان‌شناسی (ترجمه‌ی رساله‌ی عشق ابن سینا، ترجمه‌ی ضیاءالدین دری، تحصیح میرزا محمود شهابی، 1315)؛ الوجیزه (در درایة، از شیخ بهایی، 1316)؛ رگشناسی یا رساله در نبض (ابن سینا، 1317)؛ فوائد الدریة (شامل چند رساله از ابن سینا، 1318)؛ درة الاخبار و لمعة الانوار (ترجمه تتمه صوان الحکمة، ضمیمه «مهر» سال پنجم، 1318)؛ وصیت‌نامه‌ی محمدباقر مجلسی (ضمیمه‌ی سالنامه، 1332)؛ درة التاج لغرةالدباج (تألیف قطب‌الدین شیرازی، جلد اول، 1320)؛ دانشنامه‌ی (قسمت طبیعیات، از ابن سینا، 1330)؛ دانشنامه (قسمت منطق، از ابن سینا، 1331)؛ بیع (از کتاب شرایع، 1332)؛ نمونه‌ی مختصری از غزل و مثنوی و رباعی (گردآورنده اکرم مهین، به همت سید محمد مشکوة، 1336)؛ ارسطاطالیس حکیم، نسختین مقاله‌ی ما بعد الطبیعه موسوم به مقالة الالف الصغری (ترجمه‌ی اسحق

بن حنین با تفسیر یحیی بن عدی و تفسیر ابن رشد با تفسیر و تحقیق و مقدمه‌ی و ترجمه‌ی سید محمد مشکوة، 1346)؛ فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا (1356).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مشکور نجفی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نورالدین مشکور فرزند مرحوم شیخ محمدجواد بن العلامه شیخ مشکور نجفی حولاوی در حدود سال 1333 قمری در نجف اشرف متولد شده و در دامن و بیت والدش شیخ محمدجواد مشکور که از علماء نجف و شوهر خواهر عالم عابد آیت‌اللّه حاج شیخ علی زاهد قمی نجفی معروف (امام مسجد هندی نجف اشرف) که دختر عموی شیخ مشکور بود که نامزد او شده و او برای زیارت آمده بود و او را خواستگاری کرد و با او ازدواج نمود.
پس برای او دو دختر آورد یکی مادر عبدالکریم و محمدرضا و مرتضی و مجتبی مشکور شد که ساکن مشهد هستند. فرزندان شیخ تقی مشکور پسرعموهایی شیخ مشکور می‌باشند. پس شوهر او از دنیا رفت و او با برادرش شیخ علی قمی نجفی به نجف آمده و شیخ مشکور او را خواستگاری کرده و او را پذیرفت.
پس برای او فرزندی آورد موسوم به حسین و فرزندان دیگری که همه آنها از دنیا رفتند جز او حسین ماندند او هم برای این بود که قبل از ولادتش پدرش مسافرت کرده بود و او در مجلس عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بسیار گریه می‌کرده پس نذر نموده اگر فرزندش پسر بود او را حسین بنامد. پس او را حسین نامید و او سخت مریض شد پس پدر و مادرش برای او قربانی کرده و روزه گرفتند که خدا او را شفا دهد و خداوند دعای آنها را اجابت و او را شفا بخشید.
و شیخ مشکور معروف به بزرگواری و دوستار خیر و احسان به خلق خدا بوده است. روزی در وادی السلام مردی را دید که از قبر ابن ملجم مرادی اشقی‌الاولین والاخرین می‌پرسید پس به او می‌گوید بیا تا او را به تو نشان دهم پس او را به حفره‌ای برده و می‌کشد و به جهنم می‌فرستد پیش ابن ملجم مرادی ملعون و در مراجعت به یک شرطه (پلیس) برمی‌خورد.
و از او می‌پرسد: رفیق تو کو؟
می‌گوید: من تنها بودم.
می‌گوید: خیر من دیدم شما دو نفر بودید.
می‌گوید: سگی با من بود که اذیت می‌کرد پس او را کشتم.
او می‌گوید: خیر انسانی با تو بود.
پس به او می‌گوید: خیر سگ بود.

می‌گوید: برویم ببینیم.
پس چون به آن حفره می‌رسند کشته سگی را می‌نگرند، پس به او می‌گوید جریان چیست؟ من انسانی را با تو می‌دیدم حال سگ می‌بینم، می‌گوید او از خوارج و طرفداران ابن‌ملجم مرادی بود و قبر او را می‌خواست پس من او را کشتم تا به این ملجم ملحق شود و خدا او را مسخ به صورت سگ نمود پس آن شرطه (پلیس) سنی، شیعه و محب علی علیه‌السلام می‌شود.
مترجم ما از این بیت است که در نجف نشو و نما یافته و از محضر آیات عظام استفاده نموده و سالها در صحن شریف به جای والدش اقامه جماعت نموده و در سال 1392 قمری از طرف حکومت بعث به ایران آمده و در قم رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر در حسینیه نجفیها به اقامه جماعت اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مشکور، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، زبان‌شناس.
تولد: 1297، محله سنگلج تهران.
درگذشت: 25 فروردین 1374، تهران.
محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال 1318 موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی پرداخت وی از سال 1327 تا سال 1338 به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال 1332 به پاریس عزیمت کرد و در سال 1336 به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال 1344 به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال 1353 به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال 1358 پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، 1318)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (1325)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، 1326)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیة (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، 1333)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، 1233)؛ تاریخ

اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (1345)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (1347)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (1352)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (1349)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، 1337)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (1338)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیة و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (1325)؛ کارنامه اردشیر بابکان (1329)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (1325)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (1337)؛ گفتاری درباره دینکرد (1325)؛ ایران در عهد باستان (1343)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (1350)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (1355)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (1357)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (1357)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (1371)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال 1350 منتشر شد، دارای مقاله بود.
پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.
(1374 -1297 ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در 1318 ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یداللّه نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در 1327 ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی

چون حاج میرزا عبداللّه مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در 1332 ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در 1336 ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از 1340 تا 1344 ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در 1352 ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2731 ،2654/ 2)، کلک (س 4، ش 47 و 48، ص 288 -277، س 5، ش 60، ص 376 -375)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 2، ص 6 -1، س 5، ش 60، ص 376 -375)، مؤلفین کتب چاپی (425 -423/ 2)، نامه‌ی باستان (18 -11).

مشکوری، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین مشکوری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمّد حسین مشکوری طلبه قم و معمم مشغول به تحصیل می باشم اجداد بنده همگی از علماء و فضلای نجف و معروف به مشکور نجفی مشغول به تألیف و تدریس بوده اند و لذا اینجانب فوق العاده علاقه مندم در امتداد حرکت آن بزرگواران و در راستای اعتلای کلمه اسلام خدمتی هر چند اندک را به جامعه اسلامی تقدیم نمایم. در این راستا چند سالی است که به تهیه فیش های علمی می پردازم تا ان شاءالله در آینده ای نزدیک مطالبی مفید و ارزنده ارائه نمایم . ان شاءالله

مشکوه‌الدینی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد و دکترای زبانشناسی همگانی از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
عضویت در هیأت علمی گروه زبانشناسی داشگاه فردوسی مشهد از سال 1355، تدریس زبان‌شناسی و اخذ درجه استادی در سال 1367.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تحقیق و مطالعه در زمینه زبان‌آموزی کودک و نیز در دانشگاه واشنگتن در زمینه زبان‌شناسی نظری و همچنین یادگیری زبان دوم، شرکت در کنگره‌های داخلی و خارجی و ارائه مقالات گوناگون، راهنمائی مشاوره و نظارت بر 20 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
زبان‌شناسی نظری، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی، دستور زبان فارسی، زبان‌آموزی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشکینی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می گوید: " پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم." ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سخت دوران یتیمی خویش می گوید: "با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می داد." وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسرم! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی." این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس

دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیـة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیة الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: 1ـ اصطلاح الاصول 2ـ مصطلحات الفقه 3ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) 4ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) 5ـ ازدواج در اسلام 6ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) 7ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) 8ـ المواعظ العددیه 9ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) 10ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) 11ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی 12ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه 13ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) 14ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) 15ـ تفسیر سوره (ص) 16ـ بحث تکامل از نظر قرآن 17ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل 18ـ زمین و آنچه در آن است 19ـ تقلید چیست؟ 20ـ رساله خمس 21ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی 22ـ نهج البلاغه موضوعی 23ـ تحریرالمواعظ

24ـ تحریرالمعالم 25ـ الرسائل الجدیده 26ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) 27ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) 28ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است.
فعالیت‌های سیاسی :
زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا 48 ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و 15 ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه 27 نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، هدایةاللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1178- 1248 ق)، عالم امامی، فقیه، مفسر و نحوی. در محضر پدرش تلمذ نمود. پس از رسیدن به درجات عالی علمی عهده‌دار ریاست دینی مردم گردید. زمانی که شاهزاده شجاع السلطنه از خراسان رفت و آن منطقه مورد تجاوز سید محمد خان کلاتی قرار گرفت، میرزا هدایت‌اللّه مشهدی شاگرد خویش، ملا قربان نیشابوری، را به همراه نامه‌ای به کلات فرستد و خان متجاوز را از ظلم و تعدی برحذر داشت و خان مزبور فرمان او را اطاعت کرد. او در مشهد درگذشت و در صفه‌ی طهماسبی دفن شد.
از آثارش: تفسیر قرآن مجید معروف به «تفسیر میرزا هدایة اللّه»، ده جزء اول قرآن و ده جزء آخر آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 69)، اعیان الشیعه (10/ 263)، الذریعه (4/ 321)، هدیة العارفین (2/ 507).

مشیر سلیمی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مشیر سلیمی در سال 1279 ، در تهران متولد گردید. او در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد. سلیمی از سال 1299 شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال 1304 آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت. وی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی را عهده دار بود و در سال 1325خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت. علی اکبر مشیر سلیمی سرانجام در سال 1350 به درود زندگی گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : علی اکبر مشیر سلیمی فرزند علی اصغر (مشیر دربار) ، نواده میرزا سلیم تهرانی شاعر معروف قرن یازدهم می باشد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر مشیر سلیمی در دو رشته ادبیات و اقتصاد تحصیلات خود را به پایان رسانید و با زبان های عربی و فرانسه و انگلیسی آشنایی پیدا کرد.
زمان و علت فوت : علی اکبر مشیر سلیمی در سال 1350 به درود زندگی گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر مشیر سلیمی سه سال مدیر بنگاه داستان نوین و هشت سال مدیر چاپخانه بانک ملی عهده دار بود و در سال 1325خدمات فرهنگی خود را در وزارت فرهنگ دنبال نمود. او چندی نیز دبیر سازمان فرهنگی یونسکو را به عهده داشت.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدامات مهم علی اکبر مشیر سلیمی پس از نشر روزنامه اطلاعات ، تاسیس بنگاه مربی و تالیف و ترجمه و طبع و نشر کتاب در این بنگاه بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اکبر مشیر سلیمیاز سال 1299

شمسی وارد امور فرهنگی و مطبوعاتی گردید و امتیاز روزنامه اطلاعات را تحصیل کرد و به نشر آن پرداخت و در سال 1304 آن را به عباس مسعودی واگذار کرد. وی چندی نیز سردبیر روزنامه « اتحاد » و بعد از دو سال مدیر روزنامه « شفق سرخ » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و چهار سال مدیر مجله « آموزش و پرورش » و مدیریت مجله یونسکو را به عهده داشت.
جوائز و نشانها : علی اکبر مشیر سلیمی به پاس خدمات فرهنگی به دریافت سه قطعه نشان علمی نایل آمد. ----------
---
آثار :
1 اسناد محرمانه سیاسی
2 تذکره زنان سخنور
ویژگی اثر : سه جلد
3 دسته گل ادبی
4 راهنمای فرهنگ و اصلاح تعلیمات عمومی
5 کلیات مصور عشقی
6 گلهای رنگ
ویژگی اثر : 79 جلد
7 مهر جاوید
8 مهر جاوید
ویژگی اثر : مجموعه شعر
9 هفته نامه مربی
منابع زندگینامه :شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف: مجید شفق ، ج 2 ، تهران: انتشارات سنایی ، ص998

مشیرفراهی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر مشیرفراهی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/31
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزند سیّد حسن در تاریخ 31/ 1 / 40 ه. ش مطابق با 4 ذی القعده الحرام 1380 ه. ق در شهر مقدّس مشهد متولد شدم . در 5 ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال 1358 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال 56 تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شرکت فعّالانه داشتم . در سال60 به خدمت سربازی رفته و پس از 5/8 ماه از خدمت معاف شدم . حدود 7 ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال 61 وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم (3 سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح (لمعه) هستم . در سال 63 وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال 71 وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (1379) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

مشیری شیرازی، قدرت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1281 ش)، شاعر و مترجم. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. مقالاتی از وی در جراید شیراز به چاپ رسیده است. از آثارش: «دستور رستگاری»، ترجمه؛ «محمدعلی پاشا کبیر»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (448 -443/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2948/ 2 ،1418/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (914/ 4).

مصاحب تهرانی، شمس الملوک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه‌ی ناموس و تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، در رشته‌ی ادبیات فارسی، به پایان رساند. شمس‌الملوک به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت و رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «ادبیات غنایی» در 1322 ش نوشت. او مطالعات خود را رشته‌ی تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا تکمیل نمود. وی مدتی سرپرستی ماهنامه‌ی «زندگی روستایی» را به عهده داشت. مصاحب در شعر توانا بوده و پنج هزار بیت شعر سروده ولی دیوانش چاپ نشده است. در تذکره‌ها قطعه‌هایی از او آمده است از جمله: «هدیه‌ی مادر»، «چنگ گسسته» و «یار مهربان». برخی از مشاغلی که وی عهده‌دار آنها بود عبارتند از: ریاست چند دبیرستان دخترانه در تهران، مشاور وزیر آموزش و پرورش در امر مبارزه با بی‌سوادی و معاونت وزارت آموزش و پرورش. از آثار ترجمه‌ی وی: «افسانه‌های شیرین»؛ «باغ اسرارآمیز»؛ «بعد از باسوادی»؛ «در انتظار مادر شدن»؛ «ساده‌نویسی در زبان فارسی»، کلیاتی در فن سهولت کلام؛ «سرزمین و مردم اسپانیا»؛ «غرور و تعصب».[1]
ادیب، دانشمند و سیاستمدار فرزند دکتر علی محمد مصاحب در 1292 در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات تهران شد و در رشته ادبیات و زبان فارسی با احراز رتبه اول لیسانس گردید. در همان سال دوره دکترای ادبیات در دانشگاه تهران تأسیس شد و وی جزء معدود دانشجویانی بود که واجد شرایط برای ورود به دوره دکترا تشخیص داده شد و دوره دکترای ادبیات را در 1318 پایان داد و رساله دکترای او در 1322 با قید عالی به تصویب رسید. چندی نیز به امریکا و کانادا برای تکمیل تحصیلات مسافرت نمود. مصاحب خدمات اداری خود را از فرهنگ آغاز کرد، چندی دبیر بود بعد ریاست چند دبیرستان مهم تهران مانند دبیرستانهای «پروین»، «شاهدخت» و «نوربخش» به او سپرده شد. از دیگر مشاغل او در فرهنگ کشور ریاست اداره تعلیمات متوسطه و تربیت معلم و فرهنگ روستائی است. در 1342 در مغز او سودای سیاست پیش آمد و کاندیدای نمایندگی مجلس شد، ولی توفیقی نیافت. سوراخ دعا را پیدا کرد و سراغ مقام بالاتری را گرفت و داوطلب

نمایندگی مجلس سنا گردید. چون برای آن کار شرایط لازم را نداشت برای او شرط صوری درست کردند و به او ابلاغ معاون وزارت فرهنگ دادند. یک روز بعد فرمان سناتور انتصابی او صادر شد. وی مجموعا 17 سال مقام سناتوری داشت. علاوه بر آن ریاست قسمت فرهنگی بنیاد پهلوی هم با او بود و در این سمت اختیارات زیادی داشت. وی شاعر و نویسنده است و قسمتی از نوشته‌های خود را به چاپ رسانیده ولی ارزش ادبی زیادی ندارد. مصاحب چندی در وزارت فرهنگ مجله زندگی روستائی را انتشار می‌داد و در رادیوی ایران هم برنامه‌هائی تحت نظر او تهیه می‌شد. در 1376 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] زنان سخنور (203 -194/ 2)، فرهنگ سخنوران (850 -849)، کارنامه‌ی زنان (211 -210)، مؤلفین کتب چاپی (452 -451/ 3).

مصاحب نایینی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1358 -1289 ش)، استاد دانشگاه، ریاضیدان، محقق و نویسنده. در نائین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در 1306 ش به خدمت وزارت معارف درآمد و تحصیلات خود را در فرانسه و انگلستان به پایان رساند و در 1327 ش موفق به اخذ درجه‌ی دکترا در ریاضیات، از دانشکده‌ی کمبریج، شد. وی در جوانی، در 1309 ش مجله‌ی «ریاضیات عالی و مقدماتی» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. مصاحب در طول خدمت عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست کل تعلیمات عالیه و معاونت فنی وزارت آموزش و پرورش و ریاست دانشکده‌ی علوم دانشگاه ملی بود. وی نخستین کسی بود که منطق صورت به معنی جدید، یعنی منطق ریاضی را وارد فضای فکری ایران کرد. او به زبانهای عربی و فرانسوی و انگلیسی تسلط و با زبان آلمانی آشنایی کامل داشت. در علوم عربی و معقول و منقول تبحر و تحصیلات عمیق داشت به طوری که با دریافت درجه‌ی اجتهاد نیز مفتخر گردیده بود. مصاحب در رسم‌الخط فارسی و ضبط علائم و حروف صاحب رأی و نظر بود. از عمده‌ترین کارهای مصاحب تأسیس مؤسسه‌ای برای تحقیق در ریاضیات و تربیت ریاضیدان بود که توسط دانشگاه تربیت معلم به وجود آمد. یکی از کارهای اساسی مصاحب اقدام به تهیه «دایرةالمعارف فارسی»، با همکاری عده‌ی بسیاری از دانشمندان در رشته‌های گوناگون بود که در 1334 ش سرپرستی آن را بر عهده گرفت. از دیگر آثار وی: «آنالیز ریاضی، تئوری اعداد حقیقی»؛ «مدخل منطق صورت»؛ «منطق ریاضی»؛ «علوم تفریحی»؛ «جبر و مقابله خیام»؛ «توابع مستدیره»، با مشارکت احمد احسنی «هندسه‌ی مسطحه»؛ «افراد و خانواده‌های نادرستکار»؛ «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر».[1]
ریاضی‌دان، محقق و فرهنگی، فرزند دکتر علی محمد مصاحب در 1289 در تهران تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی وارد دارالمعلمین شد و دوره آن را پایان داد و سپس در دارالمعلمین عالی ثبت نام نمود و در رشته ریاضیات فارغ‌التحصیل شد و هم چنان تحصیلات خود را در رشته‌های گوناگون مانند فقه، اصول، الهیات و فلسفه ادامه داد و در هر کدام از رشته‌های یاد شده استاد مسلم شد. ریاضیات را مدتها نزد سرتیپ بغایری تکمیل کرد و بعد به انگلستان رفت و از دانشگاه کمبریج درجه دکترا در

ریاضیات دریافت نمود.
وی خدمات اداری خود را در وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی شغل دبیری و مدتی استادی دانشگاه داشت و مقامات مهمی را در وزارت فرهنگ پشت سر گذاشت، مانند ریاست تعلیمات عالیه و معاون فنی وزارت فرهنگ. ولی دلبستگی به مقامات صوری نداشت و تمام هم او صرف تألیف و تصنیف کتاب بود. نخستین کوشش فرهنگی مصاحب نشر مجله‌ای بود به نام ریاضیات عالی و مقدماتی که در 1309 تأسیس کرد و یازده شماره منتشر شد. مصاحب عالم ریاضی بود و بحق پدر ریاضیات جدید در ایران نام گرفته بود. کتابهای او بیشتر در زمینه‌هایی مانند «جبر خیام»، «مثلثات»، «رسمی فنی» و «مدخل منطق صوری» است، که بعضی از آنها در مدارس متوسطه و عالی تدریس می‌شد. کتابهای مهم مدخل آنالیز ریاضی و دوره تئوری مقدماتی اعداد از تصنیفات خوب او می‌باشد. وی چندی در 1322 به انتشار روزنامه یومیه برق مبادرت نمود. از دیگر کارهای فرهنگی او سرپرستی دائره‌المعارفی است که به اسلوب علمی جهانی آن را تنظیم و انتشار داده است.
محقق، مؤلف.
تولد: 1289، تهران.
درگذشت: 24 مهر، 1358.
غلاحسین مصاحب تحصیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال 1327 به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد.
پس از پایان تحصیلات عالی، ضمن مشاغل اداری از تألیف و تدریس نیز غافل نماند و در سال 1345 مؤسسه‌ی ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.
تألیفات مصاحب این عنوان‌ها را در برمی‌گیرد: مجله «ریاضیات عالی و مقدماتی» (1310 -1309، وی مؤسس این مجله بود و مدیریت آن را به عهده داشت، اولین شماره‌ی این مجله در تهران در اول آبان 1309 منتشر شد) جبر و مقابله‌ی خیام (مشتمل بر متن عربی و ترجمه‌ی فارسی رساله‌ی خیام در جبر و تاریخ ریاضیات، 1317)؛ یک رساله‌ی انگلیسی که در جلد چهل و ششم (مورخ سال 1950) مجله‌ی انجمن فلسفی کمبریج به طبع رسیده است، منطق صورت (انتشارات دانشگاه تهران، 1334)؛ دایرةالمعارف فارسی (جلد اول، 1345، بخش اول از جلد دوم، 1356)؛ آنالیز ریاضی (دو جلد، 1348)؛ تئوری مقدماتی اعداد (جلد اول در دو قسمت، 1353)؛ مجلد دوم تئوری مقدماتی اعداد (در سه قسمت، 1358،

کتاب برگزیده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشته‌ی ریاضیات)؛ حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر (انجمن آثار ملی، 1339)؛ علوم تفریحی (1308.(
غلامحسین مصاحب در زمینه‌ی لغت و پهنه‌ی وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصا در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و اطلاح‌های خارجی فعالیت نمود، از آن جمله می‌توان فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی را که با همکاری تعدادی از محققان و کارشناسان در سال 1338 به چاپ رسانید نام برد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 5، ش 9 -7، ص 701 -688)، تاریخ جراید (339 -338/ 2)، دایرةالمعارف فارسی (2785/ 2)، الذریعه (249/ 25 326،/ 15)، روزشمار تاریخ (219/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3421، 3969، 2343/ 2، 1355، 1205، 961، 289/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (336)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 7، ص 6 -1)، مؤلفین کتب چاپی (687، 686/ 4).

مصاحب نایینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1291 ش)، پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه. وی برادر دکتر غلامحسین مصاحب بود. در 1316 ش دوره‌ی عالی ادبیات و زبانهای خارجی را در دانشکده‌ی ادبیات (دانشسرای عالی) به پایان رسانید. وی از پایه‌گذاران جامعه مترجمان رسمی ایران بود که تا پایان عمر، ریاست این جامعه را بر عهده داشت. مؤسسه‌ی انتشارات علمی فرهنگی به پاس خدمات پنجاه ساله‌اش، اقدام به ایجاد نخستین جایزه‌ی ویراستاری نمود و نه تنها لوح تقدیر و یادبودی به او اهدا شد، بلکه وی اولین جوایز را به برگزیدگان اعطا کرد. او به همراه برادرش، دکتر غلامحسین مصاحب، در تدوین و نشر «دایرةالمعارف فارسی» تلاشی پیگیر داشت. وی ترجمه‌های بسیاری از خود بجای گذاشت، از آن جمله: «تربیت دختران»؛ «روح تعلیم و تربیت»؛ «اساتید یونان و روم»؛ «زوربای یونانی»؛ «روبنسن کروزوئه»؛ «سرزمین و مردم پرتغال»؛ «سرزمین و مردم فرانسه»؛ «سرزمین و مردم آرژانتین»؛ «نسبیت برای همگان»؛ «دایرةالمعارف علم و صنعت»؛ «ساکنان کهکشان»؛ «دانشمندان بزرگ جهان علم». از تألیفات وی: «لقمان حکیم»؛ «کتاب و کتابخانه در ایران».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کتاب ماه ادبیات و فلسفه (س 3 ،4، ص 79) مؤلفین کتب چاپی (92 -91/ 6).

مصباح زاده، اسدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسدالله مصباح زاده
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/12/5
زندگینامه علمی
اینجانب اسد الله مصباح زاده درسال 1342 درشهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم .مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی(ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم .و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت(ع) قم برگشتم و از محضر مبارک اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد .

مصباح‌زاده اوزی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و حقوقدان. در تهران به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی را در شیراز و دوره‌ی متوسطه را در تهران به پایان برد. در دانشگاه بیروت به تحصیل ادامه داد. سپس درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی حقوق و علوم اقتصادی از دانشگاه سوربن فرانسه گرفت. پس از بازگشت به ایران با سمت بازپرسی وارد خدمت دادگستری شد و بعدها مستشار دادگاههای استیناف تهران گردید. وی مدیریت کل اداره‌ی تبلیغات و استادی دانشکده‌ی حقوق را نیز به عهده داشت. در 1321 ش روزنامه‌ی «کیهان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد، که ابتدا در سمت سردبیری و سپس با سمت مدیر مسؤل و صاحب امتیاز مشغول به فعالیت شد.[1]
روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و سیاستمدار، در 1288 ش در شیراز تولد یافت. پدرش عبدالرحمن مصباح دیوان اوزی سالها حکومت عباسی و بندرلنگه را داشت، بعد وارد دستگاه قوام‌الملک شیرازی شد و از محترمین فارس بود.
مصطفی مصباح زاده بعد از انجام تحصیلات مقدماتی دوره مدرسه عالی حقوق را در تهران تمام کرد و از طرف دولت برای ادامه تحصیل عازم اروپا شد و در رشته حقوق درجه دکترا دریافت نمود. بعد از مراجعت به ایران به دانشیاری و استادی دانشکده حقوق برگزیده شد. مدتی کوتاه قضاوت و وکالت دادگستری پیشه نمود ولی میله به احراز مقامات بالا داشت. بعد از شهریور 1320 مدتی ریاست انتشارات و تبلیغات با او بود ولی این کار را مطابق میل و سلیقه خود نیافت و آن را رها نمود و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت.
در 1320 عبدالرحمن فرامرزی از دولت امتیاز روزنامه‌ای به نام کیهان را گرفت و سردبیری این نشریه را به دکتر مصباح‌زاده سپرد. روزنامه کیهان گرچه یومیه بود ولی در نخستین روزهای تولد در هفته دو یا سه شماره انتشار می‌یافت، ولی مندرجات روزنامه از سایر مطبوعات روز بهتر بود، مخصوصا مقالات فرامرزی و تندرویهای او در انتقاد از هیئت حاکمه خیلی زود روزنامه کیهان را به جامعه معرفی کرد. در آذر ماه 1321 ش که قوام‌السلطنه حکومت داشت در تهران و شهرستانها به علت کمبود و قحطی نان و مواد غذائی و فقر عمومی و بیماریهای گوناگون بلوای بزرگی به راه افتاد. سازمانهای دولتی و مجلس شورای ملی و مغازه‌ها مورد

غارت قرار گرفته حتی مردم خانه قوام‌السلطنه را به آتش کشیدند و دولت هم برای رفع بحران دست به اقداماتی زد، از جمله امتیاز تمام روزنامه‌ها را لغو نمود، مدیران و سردبیران را به زندان افکند و فقط یک نشریه به نام اخبار روز به مدیریت حسینقلی مستعان از طرف دولت انتشار می‌یافت.
بعد از سقوط قوام مدیران جراید دست به اقدام زدند و دولت مجددا امتیاز روزنامه‌ها را به صاحبان آن برگردانید. این بار امتیاز و مسؤولیت انتشار روزنامه کیهان به عهده دکتر مصباح‌زاده قرار گرفت و مدیریت و سردبیری را عبدالرحمن فرامرزی عهده‌دار شد. مصباح‌زاده با فعالیت زیاد سازمان وسیعی برای کیهان پی‌ریزی کرد و آن را به صورت یومیه انتشار می‌داد و مقالات فرامرزی هم هر روز بر رونق و نفوذ او می‌افزود. کیهان در مقابل صدها روزنامه موسمی که می‌آمدند و می‌رفتند باقی ماند و به سرعت و خیلی زود خود را به پایه روزنامه اطلاعات رسانید و بعد به سرعت زیاد از او جلو افتاد و روزنامه اول ایران شد. از لحاظ فنی و چاپ و وسائل لازم، آخرین پدیده‌های دنیا در چاپخانه کیهان دیده می‌شد. در جنب روزنامه کیهان چند نشریه دیگر به زبانهای فرانسه انگلیسی و فارسی انتشار می‌یافت که آنها نیز از کیفیت عالی برخوردار بودند. مصباح‌زاده در انتشار روزنامه نقش تأمین سرمایه داشت و مطالب آن را عده زیادی از نویسندگان تنظیم می‌نمودند و گاهی اتفاق می‌افتاد که مدیر و مؤسس کیهان مانند سایرین کیهان بدست او می‌رسید.
مصباح‌زاده برای اجرای نیت پدر خود که سالها در تلاش بود تا از بندرعباس وکیل شود در دوره پانزدهم از بندرعباس به وکالت مجلس رسید و فرامرزی سردبیر روزنامه کیهان هم وکالت یافت. بدیهی است در روزنامه اطلاعات هم چنین وضعی وجود داشت: مدیر و سردبیر آن عباس و محمد علی مسعودی که هر دو وکیل بودند در ادوار شانزدهم و هفدهم همچنان وکالت مجلس را برای خود حفظ نموده بودند. در دوره هفدهم مصباح‌زاده از پیروان مصدق بود و در استعفای دستجمعی وکلاء طرفدار مصدق شرکت کرد و همین امر او را سالها از مجلس دور ساخت. در دوره بیست و یکم از شیراز وکیل گردید و میل به ریاست مجلس در او زیاد بود ولی عشق و علاقه‌اش به مؤسسه «کیهان» او را از تعقب کار منصرف نمود. در دوره پنجم در 1346 سناتور شد و سه دوره کرسی سنا را زیرپا داشت.
مصباح‌زاده مردی زرنگ، بذال، شریف، دانشمند، ملایم و نیک نفس بود و آنچه بدست می‌آورد در راه مؤسسه «کیهان» خرج می‌کرد. یکی از اقدامات جالب توجه او تربیت کادر نویسنده و روزنامه‌نگار است. او دانشگاهی برای این کار پی‌ریزی کرد که بنام مدرسه عالی ارتباطات موسوم شد که چندین رشته داشت و بهترین استادان در آنجا تدریس می

کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (307)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (450 -448/ 4)، روز شمار تاریخ (321/ 1).

مصباحی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جواد مصباحی که نیز از علماء مشهور و روحانیون خدوم شیراز بوده و مدفن او در حرم مطهر حضرت علی بن حمزه و از فرزندان این مرحوم که روحانی هستند جناب حجةالاسلام آقای سید نورالدین مصباحی می‌باشند که در شیراز در مسجد حاج عباس به اقامه نماز و تدریس مشغولند، می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، مجدالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجدالدین فرزند سید جلیل و عالم نبیل آقا سید جمال‌الدین مصباحی فرزند آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی از دانشمندان به نام و مبلغین و خطباء سامی و وعاظ گرامی استان فارس به ویژه شیراز است.
وی در سال 1308 شمسی در شیراز به دنیا آمده و در بیت علم و دانش پرورش و از کودکی آثار نبوغ در ایشان متجلی و از بدو جوانی به تحصیلات علوم دینی و غیره اشتغال و با آیت‌اللّه مکارم و مرحوم آیت‌اللّه ربانی و غیرهما هم دوره بوده و از شاگردان مبرز مرحومین آیت‌اللّه حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّه حاج شیخ علی ارسنجانی بوده و از آنان استفاده کرده و چند سال هم در اصفهان از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین خادمی و آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی استفاده نموده است.
مدت کوتاهی هم در نجف اشرف اشتغال داشته و از بدو جوانی به علت اعتماد علماء اعلام شیراز به امامت جماعت در بقعه سید ذوالفقار مشغول شده، و چون در فن خطابه شهرت بسزائی یافت از طرف مراجع و علماء اعلام و شخصیتهای مذهبی به خارج دعوت می‌شدند تا جائیکه در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سن شباب نقش موثری داشته و در سی‌ام تیرماه با کفن‌پوشی در قیام خونین شرکت نمود که مورد تقدیر مرحوم آیت‌اللّه کاشانی قرار گرفت و بعد از 28 مرداد بازداشت و بعد از آزادی مرتبا تحت تعقیب بود تا در انقلاب اسلامی حرکت تبلیغی و تهاجمی وی به قدری شدید بود که در شب 16 خرداد ماه سال 42 بعد از سخنرانی تاریخی در مسجد نو دستگیر و به اتفاق مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و آیت‌اللّه دستغیب (شهید) از شیراز به زندان انفرادی عشرت‌آباد تهران منتقل و سپس دستجمعی محبوس و محاکمه گردیدند و بعد از آزادی در سنگر منبر و محراب با موقعیت و محبوبیت خاصی در شیراز و بنادر و کویت به خدمت اسلام و مردم مشغول و مجددا در قیام و نهضت روحانیت و انقلاب اسلامی رهبر انقلاب معظم‌له شرکت و به تصدیق علماء اعلام و تاریخ فعالیت ایشان به قدری موثر بود که بعد از جمعه سیاه تهران شبانه دستگیر و به اتفاق آیت‌اللّه شهید دستغیب در تهران در زندان کمیته بازداشت و محاکمه شده و بعد از آزادی و بازگشت به شیراز و به اتفاق مرحوم دستغیب به مشهد مشرف شده و آنجا هم نامبرده با استقبال

بی‌سابقه مردم و سخنرانی دگرگونی عجیبی ایجاد نمود و از آنجا شبانه در اوج حکومتی نظامی به شیراز وارد شده و از اول محرم سرنوشت ساز در مسجد مولا با حمایت علماء و مردم سخنرانی نموده تا به تصدیق علماء و جرائد روز در تظاهرات صد هزار نفری را آقای مصباحی اداره می‌نمود تا روز پیروزی انقلاب نقش یک سرباز نامی داشته که زبانزد روحانیون و مردم شیراز است.
نقش مشارالیه در حفظ امنیت شهر شیراز بوده که از ساعت 8 شب تا صبح با صدها اتومبیل و مردم مومن در سراسر شهر شیراز به گشت و حفظ مال و جان و ناموس مردم مشغول بوده مشارالیه به خاطر عشق به اصل انقلاب اسلامی و نخواستن پست و مقام و خدمت به دین و مستمندان و احیاء مسجد و اماکن خیریه از محبوبیت خاصی برخوردار است.
معظم‌له از بدو جوانی تاکنون در ساختن بقعه سید ذوالفقار و مسجد رمضان‌خان و مسجد شکرالله‌خان و مسجد حاج عباس و مسجد جوکار و تأسیس مسجد و کتابخانه مسجد الصادق موفق بوده است و کتاب رمز ملل اولین اثریست که از مشارالیه در اصول عقاید منتشر شده است.
مشارالیه از طرف مراجع عالیقدر شیعه 1- آیت‌اللّه حکیم 2- آیت‌اللّه میلانی 3- آیت‌اللّه شریعتمداری 4- آیت‌اللّه مرعشی نجفی دارای اجازات روایتی و امور حسبیه می‌باشند.
نگارنده گوید: بیت سادات مصباحی در شیراز از بیوتات رشیقه بوده و شخصیتهای برجسته‌ای که چون نامشان مصباح مردم فارس بوده‌اند که چند نفر از منظر دیدگان شما عزیزان می‌گذرانم.
مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس مصباحی پدربزرگ حجةالاسلام حاج سید مجدالدین مترجم ما از اکابر علماء و مجتهدین عصر خود در شیراز بوده و در نجف اشرف از محضر مرحومین علمین حاج شیخ محمد کاظم خراسانی صاحب کفایه در اصول و مرحوم حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه‌الوثقی و آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی با دریافت اجازه اجتهاد صاحب مقام علم و تقوای خاص بوده و زاهد آن بزرگوار چنان بوده که به علت خشکسالی مردم شیراز ایشان را برای نماز استسقاء و دعای باران به صحرا عبیرآمیز برده و در اثر دعا این مرحوم و متدینین باران شدیدی می‌بارد که موجب خوشحالی مردم و مزید شهرت و محبوبیت ایشان می‌گردد. مدفن این بزرگوار در حافظیه در بین علماء بزرگ است.
سید مجدالدین بن السید الجلیل والعالم النبیل سید جمال‌الدین مصباحی شیرازی از خطباء نامی و گویندگان گرامی معاصر شیراز است.
وی در سال 1308 شمسی در شیراز متولد شده و پس از خواندن تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخته و بعد از فراگرفتن

آن فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید نورالدین (نایب‌الامام) و آیت‌اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی استفاده نموده و چند مدتی هم در اصفهان از درس خارج آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا خراسانی و سایر علماء برجسته اصفهان بهره‌مند گردیده و بعد از آن به وطن برگشته و از طریق منبر و سخنرانی خدمات تبلیغی بسیار نموده است.
نگارنده گوید: جناب آقای مصباحی واعظ یکی از مفاخر وعاظ و سخنوران استان فارس می‌باشند بیانی بلیغ و زبانی صریح و نطقی فصیح و پرحرارت و مؤثر و نافذ دارند. وی را تألیفی بنام (رهبر ملل) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی مصباحی است که داماد مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید عباس مصباحی بوده و این مرد از اوتاد بوده و پدر ایشان نیز از اتقیاء زمان خود بوده که قبرشان در کازرون مزار مردم آن سامانست. و سادات حقیقت مصباحی از این سلسله‌اند و مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی‌اکبر ناصری جهرمی که از فضلاء عصر بودند در تهران و در مدرسه مروی تدریس می‌کردند و در مسجد ناصری جنوب دروازه دولاب تهران اقامه جماعت می‌کردند و از شاگردان مبرز آیت‌اللّٰه حاج میرزا باقر آشتیانی داماد این مرحوم بودند.
کتاب امامت و شفاعت و بازگشت به سوی خدا و رساله حقوق از آثار این مرحوم است. مدفن ایشان در صحن حضرت علی بن حمزه شیراز است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، نبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید نبی مصباحی که از روحانیون متقی و زاهد شیراز به شمار می‌روند و از خدمات آن مرحوم تربیت محصلین و همکاری با مرحوم برادرش حاج سید یوسف مصباحی در مدرسه سادات و حافظ شیراز بوده، فرزندان این مرحوم همه در شیراز در کار تدریس و تربیت جوانان می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصباحی، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید یوسف مصباحی که از روحانیون بنام شهر و بنیانگذار فرهنگ نوین و دینی شیراز بوده که در شهرک سعدی مدرسه‌ای بنام سید یوسف مصباحی از طرف اداره فرهنگ نامگذاری شده فرزندان این مرحوم در خدمت به جامعه معروفند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مصدرالاموری، محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمد تقی بن المرحوم العالم العلام حاج شیخ محمد جاپلقی از علماء اعلام و فضلاء کرام قم و نجف معاصر است در شهرستان صنعتی آبادان. وی در شهر مذهبی قم بدنیا آمده و پس از تحصیل مقدمات و سطوح بنجف مسافرت نموده و از محاضر مراجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیه‌الله العظمی حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیه‌الله العظمی خوئی مدظله استفاده کرده و مراجعت بایران و حدود دو سالی در قم توقف و از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی استفاده کرده و مجددا به نجف مراجعت و در سال 1337 شمسی بنا بر دعوت عده‌ای از متدینین آبادان بایران برگشته و در شهر آبادان رحل اقامت فکنده و به خدمات دینی پرداخته است.
معظم‌له عالمی فعال و در امور دینی بسیار ساعی است و از اول ورودش بآبادان اقدام بتأسیس مسجد جامع کارون نموده که از مساجد بزرگ و با شکوه این شهرستان محسوب میشود.
آثار دیگر این دانشمند در آبادان از این قرار است:
1- مسجد جامع کارون که ذکر گردید. 2- مسجد امام حسن علیه‌السلام 3- مسجد امام حسین علیه‌السلام 4- دبستان متین. 5- دبستان وحید. 6- دبستان زهره. 7- دبیرستانی که آنرا با معیت سه نفر از علماء محترم آبادان تأسیس نموده که از هر جهت مجهز و جامع از تمام جهات و دارای کتابخانه و مسجد زیبائی میباشد.
و اما آثار قلمی آنجناب بقرار زیر است:
1- بخش گهرها، یا نثراللئالی که بطبع رسیده است.
2- القران فی کل موضوع.
3- اشعه الفوائد فی قانون لاتعاد.
4- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.
5- تأسیس کانون عقاید و مذاهب که شامل برنامه‌های اعتقادی و اجتماعی و اقتصادی است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی سبزواری، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود.
رضا مصطفوی سبزواری
ـ متولد ۱۳۲۰ سبزوار
ـ استاد دانشگاه، محقق و رایزن فرهنگی ایران وپاکستان
ـ اخذ مدرک ابتدایی و دبیرستان در مدارس سبزوار
ـ اخذ مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۱ در رشته زبان و ادبیات فارسی
ـ بهره بردن از مکتب پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله، آقا شیخ قربان، علی شریعتی مزینانی و ...
ـ اخذ دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۲
ـ استخدام در وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲
ـ دفاع از پایان نامه دکترا در سال ۱۳۵۴
ـ تدریس در دانشگاه ابوریحان بیرونی
ـ عضویت در دانشگاه علامه طباطبایی در گروه زبان و ادبیات فارسی
ـ همکاری با مؤسسه لغت نامه دهخدا از سال ۱۳۴۰
ـ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام در سال ۱۳۷۵
ـ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان ۱۳۸۲ـ ۱۳۷۸
ـ تدریس در دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه
ـ تألیف فرهنگ بزرگ قدیمی ـ هندی
ـ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی
ـ ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی
ـ عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی
ـ راهنمایی و مشاوره بیش از ۱۰پایان نامه فوق لیسانس و دکترا
ـ تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل)
ـ چاپ ده ها مقاله و سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان
ـ استاد نمونه دانشگاه های ایران ۱۳۸۵ و تقدیر توسط ریاست جمهوری

ـ از تألیفات او:
ـ یادگار هندوستان
ـ همکاری در تألیف لغت نامه فارسی
ـ چاپ حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی
ـ چاپ ۱۴ کتاب علمی در زمینه زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی مانند: یادگار هندوستان، مهر و مشتری، تاریخ بیقهی، پژوهش های علی(ع) شناسی در پاکستان و ...
جست وجو در زبان و ادبیات و فرهنگ ملت ها و همچنین بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ملت ها از یکدیگر یکی از رشته های مفید و جذاب است که به همت برخی از استادان دلسوز و علاقه مند به فرهنگ و زبان فارسی پی گرفته می شود. این جست وجوها دست یافتن به اطلاعاتی در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ، محل پیدایی زبان یا فرهنگی خاص، میزان تأثیرگذاری فرهنگ های مختلف بر یکدیگر و بالاخره در نقد و بررسی آثار فرهنگی ـ هنری را امکان پذیر می کند. یکی از استادانی که با عشق و پشتکار سال های عمر عزیز خود را در راه گرامیداشت و اعتلای فرهنگ و ادبیات سرزمین ایران صرف کرده و در این راه با چاپ مقاله های معتبر علمی و کتاب های مهم و قابل تأمل کوشیده رضا مصطفوی سبزواری است.
رضا مصطفوی سبزواری به سال ۱۳۲۰ در سبزوار و در خانواده ای روحانی و فرهنگی دیده به جهان گشود.پدرش مرحوم حاج شیخ اسدالله از مدرسان حوزه علمیه سبزوار بود. این مدرس حوزه، همچنین در دبیرستان های سبزوار به تربیت و تعلیم جوانان آن شهر همت گماشته بود. مادرش بانو مرضیه، دختر آیت الله شیخ محمدحسن شریعتمداری تهرانی، مشهور به سبزواری، از علمای بنام حوزه های سبزوار و شاهرود بود.
این عالم حوزوی در هنر نیز دستی داشت و خط خوش می نوشت. در چنین خانواده ای که فضایی مملو از روح قرآن کریم و شعر و هنر بود رضا با آرامش پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در دبستان پانزدهم بهمن آن زمان به سال ۱۳۳۲ و دوره متوسطه را در دبیرستان دکتر غنی سبزوار به سال ۱۳۳۸ به پایان رساند. پس از پایان دوره متوسطه، در محضر استادانی بنام، همچون شادروان دکتر علی اکبر فیاض، دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، دکتر غلامحسین یوسفی و سیداحمد خراسانی به تحصیل در علوم دانشگاهی پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت درجه لیسانس زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی از تحصیلات حوزوی هم غافل نبود. علاوه بر تحصیلات کلاسی و مکتب خانه از محضر پدر نیز کسب علم می کرد. در مدرسه کهنه سبزوار، در محضر علمای حوزه همچون: آقا شیخ

قربان علی شریعتی مزینانی (برادر آقا شیخ محمدتقی شریعتی مزینانی و عموی دکتر علی شریعتی)، حجت الاسلام سیادتی و حاج میرزا اسدالله فاضلی از علوم عربی و دینی، خوشه ها چید. همچنین در مشهد نزد حجت الاسلام مظاهری و آیت الله علم الهدی در مدرسه سلیمان خان، از علوم حوزوی توشه ها برداشت. پس از دریافت دانشنامه دبیری از دانشسرای عالی تهران، سال ۱۳۴۲ در وزارت آموزش و پرورش استخدام شد و در دبیرستان ها و مراکز تربیت معلم سبزوار، به تعلیم و تربیت جویندگان دانش پرداخت. در سال ۱۳۴۸ تحصیلات دانشگاهی را ادامه داد و در سال ۱۳۵۴ از پایان نامه دکترای خود با عنوان «تصحیح انتقادی و شرح و تحلیل دیوان مولاناعبدالرحمن جامی» دفاع کرد. او پس از دریافت دکترا در دانشگاه ابوریحان بیرونی به تدریس پرداخت. پس از ادغام چند دانشگاه و مدرسه عالی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تأسیس دانشگاه علامه طباطبایی به عضویت گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه درآمد.
وی پس از گذراندن مراتب دانشگاهی هم اکنون با مرتبه استادی به تربیت و تعلیم دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی، اشتغال دارد. همزمان با تدریس در دانشگاه، از سال ۱۳۶۰ در مؤسسه لغت نامه دهخدا، به کار تحقیق و پژوهش پرداخت و در سال ۱۳۷۵ مدیریت بخش ادبیات در دانشنامه جهان اسلام، به او سپرده شد. در مأموریت سه ساله ای که او در هندوستان به انجام رسانید ضمن تدریس در سه دانشگاه بزرگ آن سامان؛ یعنی دانشگاه های دهلی، جواهر لعل نهرو و جامعه ملیه اسلامیه به تألیف فرهنگ بزرگ فارسی ـ هندی پرداخت. براساس تفاهمنامه منعقد شده میان دانشگاه علامه طباطبایی با وزارت ارشاد اسلامی و رایزنی فرهنگی در دهلی و با همکاری ۷ تن از بلندآوازه ترین استادان زبان هندی دانشگاه های هند و پژوهشگران زبان هندی، سه مجلد آن را انتشار داد.
مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه در دو نوبت و همچنین ریاست دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی از جمله فعالیت های اجرایی مصطفوی در کار فعالیت های علمی و فرهنگی بوده است. همچنین راهنمایی و مشاوره بیش از ده پایان نامه فوق لیسانس و دکترا را برعهده داشته است. او همچنین در کمیته های تخصصی دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی و نیز کمیته تخصصی دانشگاه فعالیت و مشارکت دارد و عضویت در هیأت تحریریه مجله دانشکده و شورای آموزشی و تحصیلات تکمیلی و ممیزی دانشگاه از دیگر فعالیت های علمی و اجرایی اوست.
مصطفوی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رایزن فرهنگی ایران و پاکستان بود. هِمزمان در دانشگاه های آن دیار نیز تحقیق و پژوهش می کرد و برای

تأسیس دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد (نمل) با آن دانشگاه همکاری مؤثری داشت و در آن مدت نیز ده ها مقاله یا سخنرانی از او در مطبوعات پاکستان به چاپ رسید.
کتاب «یادگار هندوستان» شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان که محصول سال های حضور ایشان در شبه قاره است به وسیله انتشارات الهدی در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و سپس به وسیله دانشگاه جواهر لعل نهرو (هند) مورد قدردانی و «رونمایی» قرار گرفت. سبزواری همچنین در سال جاری به عنوان استاد نمونه دانشگاه های ایران انتخاب شد و مورد تقدیر ریاست جمهوری قرار گرفت.
آثار رضا مصطفوی سبزواری در چند بخش به دوستداران زبان و ادبیات فارسی ارائه شده است. از او تاکنون حدود ۱۹۰ مقاله علمی در مجله های معتبر دانشگاهی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است که موضوع آن ها در زمینه زبان و ادب فارسی وفرهنگ و تمدن ایرانی است. برای نمونه دریکی از این مقاله ها با عنوان «ایران درشبه قاره هند و پاکستان» می نویسد: «روابط بسیار دیرینه ایران زمین با شبه قاره هند وپاکستان به درازای تاریخ مکتوب می رسد. هم ریشه بودن زبان سانسکریت (زبان قدیمی هندیان) با زبان های اوستایی و فارسی باستان، زبان های کهن ایرانی و سهم زبان فارسی در شکل گیری و پیدایی زبان اردو خود زیربنای همه پیوندهای فرهنگی میان این دو ملت کهنسال است.
... مورخان براین باورند که پیوندهای استوار بازرگانی و فرهنگی از روزگاران گذشته میان مردمان ناحیه شوش در جنوب ایران و دره سند، موجود بوده زیرا آثار به دست آمده از خرابه های موهنجودار و تکسیلا و هارپا با آثاری که از فلات ایران و دره دجله و فرات کشف گردیده است، شباهت زیادی دارد...»
همچنین چهارده عنوان کتاب تخصصی و علمی به چاپ رسانده که در آن ها به زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایران پرداخته است.
«یادگار هندوستان» از مهم ترین کتاب های مصطفوی شامل سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند و پاکستان مستند به منابع و مأخذ دست اول شبه قاره است. آن گونه که می دانیم فرهنگ ایران و بویژه زبان و ادب پارسی بر فرهنگ شبه قاره هند تأثیر زیادی گذاشته و زبان فارسی حدود ۱۰ قرن زبان رسمی این پهناور بوده است. تألیف صدها لغت نامه فارسی، تذکره و سایر کتاب های فارسی در آن دیار و همچنین وجود هزاران نسخه خطی موجود در کتابخانه های آن شواهد روشنی بر تأثیرگذاری زبان فارسی فراسوی مرزهای جغرافیایی خود و علاقه مندی مردم شبه قاره به این میراث جاودان است. اما در طول تاریخ، سرزمین هند هم به علت شگفتی های بی شمار خود مورد توجه ایرانیان بوده است

و گروه های مختلف ایرانیان همواره شوق سفر به هند و شناخت آن را داشته اند. به همین دلیل مراودات و پیوستگی تعاملات و ارتباطات فرهنگی گسترده ای بین شبه قاره هند و ایران برقرار بوده است. این پیوستگی فرهنگی بدون شک نیازمند پژوهش های گسترده برای بررسی فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است. رضا مصطفوی در کتاب «یادگار هندوستان» که مجموعه ای از مقالات و سخنرانی های وی درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند است به آن پرداخته. او به دلیل آشنایی کامل با سرزمین هند و پاکستان، در مقالات مختلف این کتاب توفیق یافته است که تصویری روشن از فرهنگ و تمدن آن دیار و تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر آن را ارائه دهد. سال های تدریس زبان فارسی به استادان دانشگاه های هند و حضور در سمت رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان تجربه های گرانقدری بوده که در غنا بخشیدن به مقالات کتاب نویسنده را یاری کرده است.
از دیگر کتاب های ارزشمند مصطفوی می توان به «مهر و مشتری» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این کتاب تألیف مولانا شمس الدین محمد عطار تبریزی شاعر و ادیب توانای قرن هشتم هجری است که به وسیله مصطفوی برای نخستین بار تصحیح شده و توضیحات و تعلیقات سودمندی برآن افزوده شده است. «مهر و مشتری» منظومه ای بسیار خواندنی و زیباست. نسخه اصلی این کتاب در دانشگاه کمبریج انگلستان نگهداری می شود و پنجاه و چهار نسخه کتاب در جهان به دست مصحح معرفی شده است.
در زمینه تألیف یکی از مهم ترین فعالیت های مصطفوی این است که او جزو مؤلفان لغت نامه فارسی در مؤسسه لغت نامه دهخدا است . این لغت نامه که توسط جمعی از استادان برجسته با دقت و وسواس علمی تألیف می شود اشتباهات و کاستی های لغت نامه دهخدا را مرتفع می سازد. در حال حاضر حرف «آ» به پایان رسیده و همچنین حرف «الف» روبه اتمام است.
مصطفوی همچنین تاریخ بیهقی را که تألیف ابوالفضل بیهقی و از متون معتبر زبان فارسی و آینه حکومت غزنویان است برای دانشجویان به چاپ رسانده است که با استقبال وسیع و گسترده مواجه شده و چاپ چهاردهم آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. از کتاب های دیگر استاد می توان به کتاب های: پژوهش های علی (ع) شناسی در پاکستان، فرهنگ فارسی ـ هندی ـ نظامی (۲ مجلد) عطار نیشابوری، فردوسی، جامی (دو مجلد) حافظ پژوهی در پاکستان و ... اشاره کرد.
او همچنین در حال حاضر تصحیح و شرح و توضیحات یکی از متون معتبر فارسی به نام راحۀ الصدور و آیۀ السرور در تاریخ آل سلجوق را در دست

انجام دارد و همچنین در بخش اجرایی هم مدیریت مرکز تحقیقات علامه اقبال لاهوری را در دانشگاه علامه طباطبایی برعهده دارد، ضمن این که با نخستین نشریه علمی ـ پژوهشی واحد رودهن با نام «فرهنگ و ادب» که زیر نظر دانشکده زبان و ادبیات فارسی رودهن منتشر می شود همکاری می کند.
مصطفوی سبزواری هم اینک در ۶۵ سالگی با انرژی و شور وصف ناشدنی به تعلیم و تربیت دانشجویان مشتاق زبان و ادبیات فارسی و بررسی متون مهم و معتبر زبان فارسی می پردازد گرد فراموشی را از فرهنگ و زبان فارسی دور می کند.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران

مصطفوی کاشانی، لیلی

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
لیلی مصطفوی کاشانی ، در سال 1322 متولد شد . وی دارای رتبه ی کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد . وی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور، همکار ی داشته، و موفق به ترجمه ی چندین کتاب ارزشمند شده است . لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر فعالیت های موثر فرهنگی، موفق به دریافت لوح تقدیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گردیده است . او همچنین با ارائه ی مقاله ای درباره ی مسایل فرهنگی زنان، تقدیر نامه ای از سوی کنگره ی دین و سیاست دانشگاه تسالوینک یونان دریافت نمود .گروه : علوم انسانیرشته : زبان و ادبیات فرانسهاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودکی لیلی مصطفوی کاشانی معاصر با نخستین سالهای سلطنت محمدرضا شاه پهلوی و بحرانهای ناشی از جنگ جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای روسی و انگلیسی بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : لیلی مصطفوی کاشانی ،دارای رتبه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران می باشد .فعالیتهای ضمن تحصیل : مطالعه درباره مسائل زنان و مسائل فرهنگی و ترجمه از زبان فرانسوی .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همکار ی با وزارت اطلاعات و جهانگردی و سپس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کارشناس و مشاور .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از جمله فعالیت های فرهنگی لیلی مصطفوی کاشانی ، ارایه چند مقاله به چند همایش و ایرا د سخنرانی درباره ی مسایل فرهنگی زنان می باشد.جوائز و نشانها : لیلی مصطفوی کاشانی ،به خاطر فعا لیت های مفید فرهنگی خود چندین بار به تحسین و تمجید گرفته شد ،و نه تنها از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لوح تقدیر دریافت کرد ،که به لیلی مصطفوی کاشانی به خاطر ارایه مقاله ای در باره مسایل فرهنگی زنان که از سوی کنگره دین و سیاست ،دانشگاه تسالوینک یونان ،بهترین شناخته شد و موفق به گرفتن تقدیر نامه گردید .چگونگی عرضه آثار : یکی از مقالات لیلی مصطفوی کاشانی درکنگره دین و سیاست در دانشگاه تالونیک یونان ارائه شده است . دیگر اما کتابهای ترجمه وی توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، انتشارات پگاه و انتشارات توس منتشر گردیده است .آثار : پایان صد سال تنهایی در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین

ویژگی اثر : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی2 زندگی در چین ویژگی اثر : ترجمه - انتشارات توس3 ماندلا ویژگی اثر : انتشارات پگاه
منابع زندگینامه :پوران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ،ج2 ، ص 1720

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1284 ش)، باستان شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره‌ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته‌ی باستان‌شناسی علاقه‌مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذراند و در حفریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ریاست اداره‌ی باستان شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره‌ی ریاستش در اداره‌ی باستان شناسی اقدام به تأسیس نشریه‌ای علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه‌ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرةالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» یا مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره‌ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»، ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آیینه‌ی امروز»، در آثار باستانی.[1]
باستان‌شناس، محقق.
تولد: 1284.
درگذشت: 23 تیر 1359.
سید محمدتقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.
از سال 1304 الی 1308 آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر 1310 تا آبان 1337 در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان

شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد.
وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (1318)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (1330)؛ الواح گلی تخت جمشید (1329)؛ امانت داری خاک (1356)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (1334)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، 1978)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، 1330)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، 1342)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (1344)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (1330)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، 1335 -1329)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (1334)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (1346)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (1332).
فرزند سید محمود، در حدود سال 1285 متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغلی را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوشهای علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیرکل باستان‌شناسی.
مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذارده است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است.
از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرشها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 5 و 6، ص 479، ش 7 و 8، ص 612

609-)، چهره‌های آشنا (546 -545)، دایرةالمعارف فارسی (2793/ 2)، الذریعه (238/ 25)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3409، 2102/ 2 852، ،820 ،376 ،309 ،38 ،12/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (336، 337)، مؤلفین کتب چاپی (257 -256/ 2).

مصطفوی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1301، روستای طرق (استان خراسان).
درگذشت: 20 اردیبهشت 1368.
سید جواد مصطفوی، فرزند سید محسن مصطفوی امام جماعت مسجد روستای «طرق»، در همان روستا راه مکتبخانه در پیش گرفت و سپس با گشایش مدرسه در آن سال تحصیل در آن مدرسه پرداخت. کلاس دوم را به پایان برده بود که با خانواده‌اش به مشهد آمد و در سال 1321 تحصیلات حوزه‌ای خود را در مدرسه «دودر» این شهر آغاز کرد. دروس سیوطی، حاشیه و مغنی را نزد محمدرضا دامغانی و سپس مطول را نزد ادیب نیشابوری آموخت و سپس در محضر سید احمد مدرس یزدی رسائل، مکاسب، و شرح لمعه را به پایان برد. در سال 1321 به تهران سفر کرد و ضمن تدریس در مدرسه‌ی مروی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، در این زمان وارد دانشکده‌ی الهیات شد و دوره‌ی لیسانس، فوق لیسانس و دکترای خود را در همین دانشگاه گذراند و پس از اخذ مدرک به سال 1348 به موطن خویش بازگشت و رسما به تدریس در دانشکده‌ی‌الهیات این شهر پرداخت. وی در طول عمر خود علاوه بر تدریس در دانشگاه کتاب‌هایی را تألیف نمود که از این میان می‌توان به آثاری همچون: رابطه‌ی نهج‌البلاغه با قرآن، ابعاد گسترده‌ی اسلام یا دوازده مقاله‌ی حقیقی، التطبیق بین السفینة و البحار، الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه فی شروحه (عربی، 1379 ق.)؛ مفتاح الوسایل و بهشت خانواده اشاره نمود. وی علاوه بر این به ترجمه و شرح اصول کافی نیز همت گماشت.
دکتر سید جواد مصطفوی روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت 1368 در سن شصت و هشت سالگی بر اثر عارضه قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مصطفوی، رحمت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در مدارس آمریکایی و دارالفنون تحصیل کرد و پس از اخذ لیسانس، از دانشگاه تهران، جهت ادامه تحصیل به پاریس رفت. پس از مراجعت با جراید تهران همکاری کرد. او همچنین مدیریت مجله‌ی «روشنفکر» را در تهران به عهده داشته است. از آثار وی: «رنگین کمان»؛ «تهران دمکرات»؛ «خطاء»؛ «انگلستان چگونه اداره می‌شود»، ترجمه؛ «غریبه»، ترجمه؛ «لندن بزرگترین شهر دنیا»، ترجمه.[1]
نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار.
تولد: 1299.
درگذشت: اردیبهشت 1364.
رحمت‌الله مصطفوی، فرزند مصطفی، در کالج آمریکایی و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق از دانشگاه تهران است و در رشته‌ی بین‌الملل و اقتصاد نیز از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال 1322 با انتشار مجله‌ی «روشنفکر» آغاز کرده ومدت‌ها نیز معاون رادیو تهران، معاون خبرگذاری پارس و رییس اداره اطلاعات ومطبوعات وزارت امور خارجه بوده است. وی همچنین به دریافت نشان‌های همایون، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی نایل آمده است: از آثار اوست: آذر (با مشارکت هاشمی)؛ انگلستان چگونه اداره می‌شود (ماک کالم)؛ رنگین کمان (1320)؛ خطاء، تهران دمکرات (1321)؛ غریبه (آلبر کامو)؛ لندن بزرگترین شهر دنیا (اثر ف. ه. لی)؛ معشوقه و دوست. (1328).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (3055، 2824، 2366، 1751/ 2، 1269، 974، 382، 28/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (110 -109/ 3).

مصطفوی، فرج‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید فرج‌الله مصطفوی بهبهانی از علماء مبرز معاصر بهبهان و داماد معظم حضرت آیه‌الله العظمی حاج میرزا سید علی بهبهانی است.
وی در بهبهان متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح نزد علماء و مدرسین بزرگ بهبهان از محضر آیه‌الله العظمی بهبهانی مذکور (ابوالزوجه) خود و دیگران استفاده نموده تا بمراتب سامیه علم رسیده و در وطن خویش بخدمات دینی از اقامه جماعت و تبلیغات و انجام سایر وظائف روحی پرداخته و ضمنا تألیفات عدیده‌ای هم از خود بیادگار گذاشته و آنها بشرح زیر است:
1- رساله قاعده لاضرر مشتمل بر 12 ذخیره که یکی از آن در باب تیمم و استدلال باخبار آن.
2- کتابی در ریاضیات و قاعده جبر و مقابله.
3- کتابی در رد شبهه فاضل جبهان سنّی که در رد دعاء شریف ندبه نوشته بنام کلمه الجواب.
4- کتابی در بیان شک در نماز جماعت و رجوع امام بمأموم و مأموم بامام در مواقع خود.
5- کتابی در نقل کلمات صاحب جواهر و اشکالات مرحوم صاحب حدائق و صاحب ریاض.
مؤلف گوید: مترجم محترم عالمی بسیار ساده و بی‌آلایش و متین و بزرگوار بوده و در شهر بهبهان بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد و در میان مردم بهبهان بفضل و تقوا معروف میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مصطفوی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدباقر مصطفوی بن مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا سید احمد بن مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد مجتهد (مدفون در شیخان قم) بن مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین کاشانی (مدفون در وادی‌السلام نجف)
معظم له در سال 1310 شمسی در کاشان متولد شده و پس از پرورش و خواندن دروس جدید در مدرسه مرحوم آیت‌اللّه آقا میر سید علی یثربی به تحصیل پرداخته و مقدمات و سیوطی و شرح جامی و شرح نظام و حاشیه و شرح شمسیه را در آنجا فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدت دو سال و نیم تقریباً در محضر اساتید حاضر شده و بعد مهاجرت به نجف اشرف نموده و بعد از تکمیل مکاسب و کفایه در محضر آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی شرکت نموده و در آن موقع که معظم له سه درس می‌فرمودند 1- صلوة 2- مکاسب 3- اصول مترجم محترم ما هر سه درس را حاضر شده و بالاخره بعد از بیست سال استفاده از محضر درس ایشان در سال 1349 شمسی برای معالجه به ایران آمده و چون برای ایرانیها مراجعت ممکن نبود به استدعاء اهالی کاشان به مسقط الرأس خود اقامت و اکنون قریب چهار سال است که در کاشان به تدریس مشغول و عده‌ای از فضلاء و طلاب علوم دینی از محضرش استفاده می‌نمایند.
خدمات ارزنده ایشان در کاشان به اهالی و معاودین عراقی بسیار و به قدریست که جز با توفیق الهی در کمتر از بیست سال جدا مشکل بزرگیست
و آنها از این قرار است
1- تجدید ساختمان مسجد معظمی در دو طبقه با دستگاه تهویه که در شهر کاشان کم‌نظیر است
2- تعمیر تمام دکاکین گذر (درب یلان) و ترتیب مغازه‌ای که مورد لزوم طلاب علوم دینی و سکنه محل است
3- واگذاری قطعه زمینی جنب مسجد مذکور و ساختن سالونی برای تبلیغات و کتابخانه مسجد.
4- تعمیر مدرسه علمیه جد اعلای خود مرحوم زعیم مجاهد آمیر محمدعلی کاشانی
5- تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در مدرسه علمیه

6- خریدن قطعه زمینی به مساحت 500 متر تقریباً در خیابان شاه‌عباس کاشان (پشت مشهد) بعنوان مهدیه که انشاءاللّه مجهز به تمام وسائل برای تبلیغ در اعیاد و سوگواریها باشد
7- تعمیر مسجد آسید شکراللّه جنب منزل مترجم.
8- کمک در ساختمانهای منازل برای معاودین و خدمات عالیه
اما آثار علمی معظم له بقرار ذیل است.
1- رساله در اجتهاد دو تقلید 2- رساله در قاعده لا ضرر 3- رساله در جبر و تفویض 4- رساله در دماء ثلاثه 5- رساله در طهارت ثلاث.
و نوشته‌های فارسی که ناتمام است.
1- رد و انتقاد بر مقاله دکتر... پیدایش خلقت 2- رد بر نوشته شیخ محمد خالصی.
3- رساله در مطهریت ارض 4- تقریرات اصول و مکاسب و طهارت و قسمتی از صلوة حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مصطفی پور
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال 1330 در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال 1343 به پایان رساندم و در آبان ماه سال 1383 به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال 1347 به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.
در سال 1347 به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایة الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.
منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و

المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال 1362 با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال 69 از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مصفا، مظاهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مظاهر مصفا در سال 1311 ، در اراک دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. دکتر مصفا در سال 1332 به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. فعالیت آموزشی خود را در سال 1345 و به دعوت دانشگاه پهلوی(سابق) شیراز آغاز نمود. او در سال 1347 با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. دکتر مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال 1343اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت.مظاهر مصفا یکی از قصیدهسرایان ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار(محمدتقی بهار) است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مظاهر مصفا در خاندانی فرهنگی به دنیا آمد ،برادر بزرگتر مظاهر مصفا، دکتر ابوالفضل مصفا و خواهر وی خانم دکتر مصفا(مادر فؤاد حجازی آهنگساز معروف) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مظاهر مصفا تحصیلات ابتدایی را در در مدرسه حکیم نظامی قم و تعلیمات ششم ادبی را در تهران با پایان رسانید و بعد از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، به اخذ درجه دکترای ادبیات نایل آمد. او پایان نامه اجتهادی خود را در موضوع : تحقیق در قصیده و تحول آن به رشته تحریر درآورد و با درجه ممتاز ، از تصویب گذرانید.
همسر و فرزندان : مظاهر مصفا در سال 1332 با خانم امیری فیروزکوهی که او نیز دکترای ادبیات و دختر استاد امیری فیروز کوهی بود ، ازدواج نمود. حاصل این پیوند زناشویی دو پسر و دو دختر می باشد. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی(استاد ادبیات دانشگاه تهران) دختر امیری فیروزکوهی(شاعر معروف معاصر) ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندانی شد که از آن جمله اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا

حاتمی)، کیمیا مصفا (عروس دکتر سید جعفر شهیدی، گلزار مصفا و اسماعیل مصفا.(امیر اسماعیل مصفا دارای مدرک دکتری فیزیک)
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مظاهر مصفا در سال 1332 به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد و چندی ریاست اداره آموزش و پرورش اراک را به عهده گرفت. او پس از آنکه به دانشگاه شیراز منتقل گردید ، در اداره انتشارات این دانشگاه به فعالیت پرداخت. وی سمت رییس مدرسه عالی قضایی قم، مدیر مجله آموزش و پرورش، رییس انتشارات تربیتی وزارت فرهنگ، معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و مدیر گروه فارسی دانشگاه تهران به فعالیت مشغول بوده اند. دکتر مظاهر مصفا همچنین در عرصه? تحقیقات ادبی از جمله در حوزه سعدی شناسی فعالیت می کند.
فعالیتهای آموزشی : دکتر مصفا فعالیت آموزشی خود را در سال 1345 و به دعوت دانشگاه شیراز آغاز نمود. او در سال 1347 با سمت دانشیاری وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و به کار تدریس پرداخت. وی 53 سال تدریس در دانشگاههای ایران، بخش دیگری از فعالیتهای فرهنگی و علمی استاد است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مظاهر مصفا علاوه بر سرودن شعر و طبع آثار متعدد ، فعالیت مطبوعاتی نیز داشته است که از جمله در سال 1343اداره مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت. از جمله فعالیت های دیگر وی 130 سخنرانی در برنامه صدای شاعر از رادیو تهران و 12 سخنرانی از رادیو ایران و سخنرانی های متعدد ، در مجامع علمی و ادبی مانند انجمن قلم ، تالار فردوسی دانشگاه تهران ، کنگره جهانی سعدی و حافظ در شیراز ، جشن صدمین سال دانشکده خاورشناسی پنجاب لاهور و سمینار دبیران ادبیات فارسی در بابلسر و مقالات و مصاحبه های متعدد می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : مظاهر مصفا از شاعرانی است که در سرودن قصیده تبحر داشته و بیشتر اشعار خود را در این زمینه سروده است.
جوائز و نشانها : از مظاهر مصفا در خانه هنرمندان ایران به واسطه شب سعدی در روز پنجم اردیبهشت ماه در تهران، تقدیر و تجلیل شد.
چگونگی عرضه آثار : مظاهر مصفا در کشورهای افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی زبان نیز دارای شهرت است. قصیده? هیچ او یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب "چشمه? روشن" به بررسی آن پرداخته و پروفسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن سنج مصری) در کتاب "العدمیه فی شعر" آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است. (ترجمه ی این کتاب مدتی است انجام شده ولی منتشر نگشته است.)
ارایه یک صد سخنرانی در کِنگرههای علمی در ایران، افغانستان و

پاکستان، انگلستان، ایتالیا و تألیف بیش از چهل مقاله تحقیقی از دیگر کارهای او می باشد. ----------
آثار :
1 با اوست حدیث من
ویژگی اثر : چند مبحث در عرفان و ادب
2 برگی از دیوان حکیم صفا
ویژگی اثر : این کتاب با مقدمه ای در شرح حال و نقد سخن و کارهای دیگر.
3 پاسداران سخن در نقد قصیده سرایان
4 تصحیح جوامع الحکایات عوفی(در چندین جلد)
5 تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی
6 تصحیح دیوان نزاری قهستانی
7 توفان خشم
8 ده فریاد
9 دیوان حکیم سنایی
10 دیوان نظیری نیشابوری
11 راهی از بن بست
ویژگی اثر : در باره خط فارسی می باشد.
12 سپید نامه
13 سی پاره
14 سی سخن
15 شب های شیراز
16 شرح حال و منتخب دیوان اشعار صفای اصفهانی
17 قند پارسی
ویژگی اثر : منتخبات نظم فارسی.
18 کلیات شیخ اجل سعدی
19 مجمع الفصحای هدایت
ویژگی اثر : تحشیه ، در یک دوره شش جلدی .
20 نسیم

مصور حجار، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حجار و نقاش. وی همکار اسماعیل جلایر و در ابتدا از شاگردان او در مدرسه‌ی دارالفنون بود . این هنرمند با کمال‌الملک به اروپا رفت و صنعت تصویر و مجسمه‌سازی را در فرانسه تکمیل کرد و به ایران بازگشت. استاد علی‌اکبر در طراحی و شیوه‌ی کلاسیک، نقاشی تیزبین دقیق بود و رنگ و روغن را بسیار خوش می‌ساخت. از آثار وی: تصویر تمام‌قد رنگ و روغنی ناصرالدین شاه قاجار که کلاه بوقی به سر نهاده و در سمت راست تصویر، نقاشی کوچکی بر روی دیوار دیده می‌شود که یکی از تصاویر اسماعیل جلایر است، با رقم: «عمل بنده درگاه علی‌اکبر مصور مشهور به حجار شاگرد استاد المصورین میرزا اسماعیل جلایر سنه 1263»؛ مجسمه‌ی برنزی ناصرالدین شاه سوار بر اسب که از کارهای عمده‌ی اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (379 -378 / 1)، تاریخ برگزیدگان (530 -529)، تاریخ هنرهای ملی (1009 -1008 / 2)، گلستان هنر (پنجاه و دو).

مطرزی خوارزمی، برهان‌الدین، ابوالفتح ناصر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(616/ 610 -538/ 536 ق)، فقیه حنفی، نحوی، لغوی، ادیب و شاعر معتزلی. در جرجانیه‌ی خوارزم به دنیا آمد. چون در سال وفات زمخشری در خوارزم به دنیا آمد به خلیفة الزمخشری معروف شد. در نحو و لغت و شعر و انواع علوم ادب متبحر بود. از محضر پدرش‌و ابوالمؤید موفق بن احمد، خطیب خوارزم، استفاده نمود و از ابوعبداللّه محمد بن علی بن ابوسعد تاجر و جماعتی دیگر حدیث شنید. او پیشوای معتزلیان بود. در خوارزم درگذشت. متجاوز از سیصد قصیده در سوک او سروده شد. از آثارش: شرح «مقامات» حریری، که در «کشف الظنون» نام آن «الایضاح» ذکر شده است؛ «الاقناع»، در لغت، و «مختصر الاقناع»؛ مختصر «اصلاح المنطق» ابن سکیت؛ «المصباح»، در نحو؛ «المطرزیه» یا «المقدمة النحویة» یا «المقدمة المطرزیة»، در نحو؛ «المغرب»، در لغت، و شرح و ترتیب آن به نام «المعرب فی شرح المغرب».[1]
ابوالفتح ناصر بن ابوالمکارم عبدالسید بن علی (و. 538 ه.ق- ف. 616) فقیه حنفی خوارزمی، نحوی، لغوی، ادیب معروف. کتاب مشهور او در لغت «المغرب فی لغةالفقه) (ه.م) و «المعرب» (ه.م) است. وی در اصول عقاید معتزلی بوده و او را جانشین زمخشری دانسته‌اند و از شاگردان جاراللّه زمخشری است. شرح مقامات حریری و کتاب مختصرالافلاح از آثار او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (311/ 8)، تاریخ ادبیات در ایران (321/ 2)، روضات الجنات (151 -150/ 8)، ریحانه (326 -325/ 5)، سیر النبلاء (28/ 22)، کشف الظنون (1789، 1748- 1747، 1708، 139)، الکنی و الالقاب (188/ 3)، لغت نامه (ذیل/ ناصر مطرزی)، معجم الادباء (213 -212/ 9)، معجم المؤلفین (72 -71/ 13)، وفیات الاعیان (371 -369/ 5)، هدیة الاحباب (241)، هدیة العارفین (488/ 2)، هفت اقلیم (328/ 3).

مطلبی، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالحسن مطلبی
محل تولد : اسفیدواجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/2
زندگینامه علمی
این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی ، فرزند سید کاظم ، دوم فروردین 1338 هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمدم . مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به حق رتبه ای بالا و والا داشت زبانزد خاص و عام بود . در آن منطقه اطلاق لفظ «آقا» به ایشان منصرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفند. هیچ یک از معاصران مرحوم آقا نیست که ایشان را نستوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشته باشد. استاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود .حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و هماره از او به نیکی و پارسایی یاد میکند حضرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرجوم پدرت قرآن نخوانم . در ده سالگی 27/3/47 با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصیلات ابتدایی را در روستایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرستان چون در روستا دبیرستان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل آمدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال 1356 پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسیار مایل بود که فرزندانش به مسلک روحانیت درآیند، و علاقه ای که خود به معارف اسلامی داشتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسپار شدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصیل ، تحقیق ، تالیف و در مقاطعی تدریس و تبلیغ ،نگارش مقالات ، تصحیح متون کهن واحیا آثار سلف ، ویرایش ، ارزیابی کتب و مقالات ودر موارد اندکی به ترجمه می‌پردازم . در تحصیلات حوزوی از محضر آیات عظام و حجج اسلام ،

اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی ، پایانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، حسینی بوشهری ، ستوده ، شب زنده دار ، صلواتی ، طالقانی ، فاضل(ره) ، فشارکی ، وجدانی فخر ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته ام.

مطوعی، ابوحفص عمر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 440 ق)، ادیب و شاعر. اهل نیشابور بود. در ایام جوانی در خدمت امیر ابوالفضل میکالی ادیب (م 436 ق) بود. از آثارش: کتاب «درج الغرر و درج الدرر»، در محاسن نظم و نثر ابوالفضل میکالی؛ «اجناس التجنیس»؛ کتاب «حمد من اسمه احمد» که در معارضه با کتاب «فضل من اسمه الفضل» ثعالبی نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (215/ 5)، معجم المؤلفین (302/ 7).

مطهری ساوجی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد مطهری (امام جمعه شهرستان ساوه) یکی از ستارگان فروزان حوزه علمیه قم و افاضل نویسندگان معاصر است.
وی در سال 1317 شمسی در ساوه متولد شده و پس از خواندن دروس ابتدائی وارد حوزه علمیه ساوه که به مدیریت آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار ساوه‌ای اداره می‌شد گردیده و دو سال از محضر معظم‌له و مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم نحوی قمی استفاده نموده سپس عزیمت به قم نموده و مدت شش سال در حوزه علمیه قم به تکمیل دروس نهائی و سطح پرداخته و پس از پایان آن یک سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی خمینی کسب فیض نموده است.
پس از رحلت آقای بروجردی در سال 1382 قمری به نجف اشرف مهاجرت و مدت یازده سال اقامت و از محاضر آیات عظام خمینی و خوئی و شاهرودی و حاج سید نصراللّه مستنبط و حاج میرزا باقر زنجانی رحمه‌اللّه علیه فقها و اصولا استفاده نموده و در سال 1393 قمری از طرف دولت شوم بعث عراق تسفیر به ایران گردیده و رحل اقامت به قم انداخته و مشغول تدریس و استفاده از محضر آیت‌اللّه گلپایگانی و حاج شیخ مرتضی حایری یزدی گردیده تا در انقلاب اسلامی ایران چند سالی مسئول دادگاه‌های انقلاب اسلامی مشهد و برخی از شهرهای دیگر شده تا در سال 1401 که به امام جمعه‌ای ساوه منصوب ولی در خلال این مسئولیت از روز شنبه تا پنجشنبه همه هفته برای تدریس به قم آمده و تدریس خارج فقه و اصول برای عده‌ای از طلاب و محصلین نموده و در روزهای جمعه اقامه نماز جمعه در ساوه فرموده و در ایام تعطیل تابستانی در ساوه به رتق و فتق امور اجتماعی و روحی اشتغال دارند و خدمات چشمگیری که ذیلا بیان می‌شود نموده است.
1- یکدوره سی جلدی به نام مستند تحریرالوسیله که یازده جلد آن به طبع رسیده است و بقیه در تحت طبع می‌باشد.
2- طرحهای رسالت در پیرامون مسئله خلاقت و زمامداری 6 جلد که پنج مجلد آن در مورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یک جلد درباره امام حسن علیه‌السلام به طبع رسیده است.
3- یکدوره روابط در جامعه اسلامی در ضمن 8 جلد که به چاپ رسیده

است به شرح زیر:
(1- رابطه اقتصادی عمومی 2- رابطه اقتصادی خانوادگی 3- تامین رابطه جنسی 4- کنترل رابطه جنسی 5- رابطه دوستی و محبت 6- رابطه وراثت و تربیت 7- رابطه ولایت و حکومت).
4- کتاب پیرامون علم پیامبر و امام صلی اللَّه علیهم در مسائل غیبی.
5- کتاب شفاعت
6- نماز جمعه و احکام آن
7- کتاب جهاد
8- کنگره اسلامی حج
9- هدف حکومت اسلامی
آثار خیر و خدمات اجتماعی
1- بناء دو مدرسه در شهرستان ساوه بنام مدرسه الزهراء و مدرسه ولی عصر (ع).
2- پانزده دستگاه منزل برای رفاه طلاب و مدرسین حوزه علمیه ساوه.
3- مسجدی بنام ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه در کنار میدان آزادی.
4- دعوت سه مدرس برای تدریس حوزه علمیه ساوه.
5- اداره و تامین شهریه صد نفر از طلاب حوزه ساوه.
6- دفتر شهریه برای سادات مستحق ساوه و حومه آن.
7- صندوق قرض‌الحسنه بنام حضرت جوادالائمه علیهم‌السلام در ساوه برای کمک به مستحقین.
8- دفتر نان برای تامین نان فقراء شهر ساوه و حومه آن.
9- تجدید بناء ساختمان مدرسه انقلاب در کنار مسجد انقلاب ساوه.
10- بناء کتابخانه حوزه علمیه ساوه در همان مدرسه در مرکز شهر.
11- تهیه زمین برای بناء خانه‌های مسکونی برای افرادی که توان تهیه منزل ندارند.
متاسفانه معظم‌له با این محاسن و اخلاق و محامد آداب و فضائل انسانی و ملکات فاضله و آثار و خدمات مبتلا به سرطان شده و در سن پنجاه و دو سالگی در روز اول ماه رمضان 1411 قمری برابر بیست و هفتم اسفند ماه 1369 شمسی از دنیا رفته و در شهرستان ساوه در کنار مزار شهداء آن به خاک رفت رحمه‌اللَّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مطهری، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حمید مطهری
محل تولد : چالوس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1345 درتهران متولد شدم وپس از گذراندن دوره دبستان وراهنمایی وقبول دراول دبیرستان(رشته علوم تجربی) درسال 1362 وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال 1364 برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازندرانی، قدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سید جعفر کریمی گذاراندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشی را آغاز کردم ومقالا تی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت 3سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت 3 سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطهری، زین العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل بزرگوار، مؤلّف کتاب «دفنیة الدرر» در امام زاده‌های اصفهان، و متوفّی در 3 رمضان المبارک سال 1360 به سنّ متجاوز از 85 سالگی و مدفون در اطاق پدر.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مطهری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی، محقق، استاد.
تولد: 1299، قریه فریمان (مشهد).
شهادت: 12 اردیبهشت 1358، تهران.
آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های 1322 و 1323 به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.
در پانزده خرداد 1342 آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.
پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال 1357 برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.
از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (1)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.
آیت‌الله مطهری در تاریخ 12 اردیبهشت 1358 در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.
1- حجة‌الاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.
وی در حدود 1338 قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال 1356 ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمي موسوی و دیگران

آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

1- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)
2- انسان و سرنوشت 3- خدمات متقابل اسلام و ایران 4- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.
5- داستان راستان 6- عدل الهی 7- علل گرایش به مادی‌گری 8- مسئله حجاب 9- نظام حقوق زن در اسلام 10- سیری در نهج‌البلاغه
و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح 1298- شهادت 1358 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در 1316 ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللَّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه صدر فراگرفت. در 1320 ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از 1325 ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در 1329 ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از 1331 ش به موازات تدریس و

تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در 1334 ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیة» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد 1342 ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[1]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجةالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی 1338 ق برابر با 1299 هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال 1356 هجری قمری برابر با 1316 ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال 1371 برابر با 1331 شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان

را اداره می‌کرد.
موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.
مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.
حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی 99 چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.
مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.
مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.
آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.
در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به

وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.
متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.
بسم اللّه الرحمن الرحیم.
انا لله و انا الیه راجعون.
این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.
تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.
تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.
من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.
در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.
و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.
من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد.
مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.
اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.
(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و

الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.
شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.
ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.
اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت 58 را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.
سلام بر شهدای راه حق و آزادی.
روح‌اللّٰه الموسوی الخمینی.
شهادت مطهری.
این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب 60 سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (58) برابر پنجم جمادی الثانی 1399 غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] پاره‌ای از خورشید (43 -17)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (24 -19)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (51 -11)، گنجینه‌ی دانشمندان (118/ 6)، مصلح بیدار (42 -23)، یادنامه (26 -9).

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مظاهری اصفهانی
محل تولد : تیران استان اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/4
زندگینامه علمی
در سال 1337 ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خوانندم. خاندانم متد ین بودند. کار پدر، نانوایی بود و کشاورزی. پدر و مادر هر دو از فامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می شوند، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.
پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم ! تمرین عالم شد نم می داد.
کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس ها و برخی از امور شاگردان یاری می کردم.ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.
اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارک لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناک درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.
چند سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود

دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازماندم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و بخشی از هزینه های زندگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خواندم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مدرسه ای ام بود. و نیز همیشه در صدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بودم این شوق و انگیزه هرگز در وجودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.
پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه عملیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.
سال 1356 بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.
درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در

حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)
نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت به خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

مظاهری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370 -1293 ش)، دانشمند، پژوهشگر، مترجم و استاد. در تهران به دنیا آمد. در دوازده سالگی کتاب «تاریخ روم» را نوشت که خود نقاشی‌های آن را انجام داده بود. در سیزده سالگی در زمره دانش‌آموزان ممتاز دیپلمه برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت کرد. وی از 1307 تا 1311 ش در دانشگه سن کلووشارتر و سپس در دانشگاه سوربن به تکمیل تحصیلات پرداخت و در 1312 ش پایان‌نامه‌ی دکترای خود را تحت عنوان «خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام» ارائه کرد. وی در طی جنگ جهانی دوم به کار تحقیق و کشاورزی پرداخت. بعد از پایان جنگ به عنوان کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در 1327 ش به عضویت فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم و در 1336 ش به عنوان مدرس مدرسه‌ی مطالعات عالیه‌ی علوم اجتماعی برگزیده شد و بنا به دعوت یونسکو نگارش بخش موسوم به «تاریخ ملل مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم «تاریخ جهانی بشریت» به عهده گرفت. وی همچنین مقالات زیادی در مجله‌های داخلی و خارجی به چاپ رسانیده است که از آن جمله: «مقام ایران در هنر جهان»، «تأثیر هجوم قوم مغول به ایران و آثار آن»، «پاسخ در مورد تمیشه»، «جمال اسدآبادی و جمالیسم»، «مان و عرفان»، «زردشت ناشناس»، «کمونیسم مزدک»، «حلاج واقعی»، «پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن» در زمینه معارف اسلامی، «زن و عشق در ایران سنتی» و «مهرهای پادشاهان ایران» می‌باشد وی سرانجام در پاریس درگذشت. از دیگر آثار وی: «مبادی ایرانی علم حساب»، رساله دکترای دیگری از وی که به دانشگاه پاریس ارائه شد؛ «جاده‌ی ابریشم»؛ «گنجینه‌های ایران»؛ «مقدمه‌ای بر تاریخ ایران»؛ «استخراج آبهای پنهانی»، ترجمه‌ی «انباط المیاه الخفیه»؛ «زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه، از سده دهم تا سیزدهم میلادی»، که در آن اوضاع اجتماعی تمامی سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران و مصر را تحت بررسی قرار داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :جاده‌ی ابریشم (1/ پیشگفتار مترجم)، یغما (س 4، ش 4، ص 175 -168، س 5، ش 4، ص 162).

مظفر، محمد علی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم زاهد جلیل، از زهاد و عباد بوده، و در مسجد علی امامت می‌نموده، و با وضع فقر، کمال مواظبت در آداب شریعت داشته، و نسبت به مردم دنیا از غنی و فقیر و شاه و وزیر، بی‌اعتنا بوده است.
وفاتش در 3 شنبه 13 شوال 1198 روی داده، قبرش در تکیه‌ی میرزا رفیعا بود، و سنگ سیاهی به خط رقاع بسیار خوب داشت، که در موقع تسطیح و توسیع فرودگاه اصفهان از بین رفت.
در طرایق گوید: (113:3) در حکمیات خصوص الهیات، ید باسطی داشته، و در زهد و عبادت، (113:3) سامان عهد بود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مظفر، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین مظفر
محل تولد : بصره عراق
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین مظفر فرزند یحیی در سال 1973 میلادی مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم، سپس وارد دانشکده «اداره و اقتصاد» دانشگاه مستنصریه بغداد و پس از آن به دانشگاه بصره منتقل شدم، و در سال 1977میلادی مدرک لیسانس مدیریت و حسابداری دریافت کردم و در همین سال در مرحله کارشناسی ارشد بیمه به عنوان نفر اول در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه بغداد و در حدود سال 1980 میلادی کامل کردم مرحله کارشناسی ارشد.و ممانعت حزب بعث از معرفی اینجانب به عنوان فارغ التحصیل سپس وارد حوزه علمیه نجف به ارشاد مرحوم شهید صدر و پایان نامه بیمه نزد ایشان ماند. در مدرسه دارالحکمه مرحوم حکیم زیر نظر شهید محمد حسین حکیم مقدمات را خواندم و نیز درس اخلاق را نزد مرحوم شهید سید صاحب حکیم و بعد از شهادت مرحوم صدر به ایران پناهنده شدم و وارد حوزه علمیه قم و به خاطر شرایط منفی سال های سال ترک درس کردم و سپس به دروس حوزوی بازگشتم. در سال 1377 در کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه رضوی قبول شدم و در سال 1382 ش فارغ التحصیل شدم و در این مدت مشغول به پژوهش و تحقیق در پژوهشگاه دانشگاه رضوی و قبل از اینکه فارغ التحصیل بشوم پیشنهاد به راه افتادن درس صحیفه سجادیه در مرحله کارشناسی را دادم و جواب از وزارت علوم مثبت آمد و صحیفه سجادیه را تدریس کردم. در همان دانشگاه به مدت چهار ترم همچنین تدریس اصول فقه و فقه اللغه و صرف ساده به حوزه علمیه قم سپس باز گشتم و وارد درس خارج شیخ وحید در اصول و فقه و در سال دوم ادامه درس اصول وحید و در فقه خدمت استاد مکارم شیرازی.

مظفری خویی، حسام‌الدین حسن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به حسام. ملقب به مظفری. از ادبا و سخنوران شهر خوی بود که در دربار چوپانیان روم می‌زیست. از تالیفات وی: «نصیب الفتیان»؛ «تشبیب البیان»؛ «تحفه حسام»، در لغت فارسی به ترکی؛ «ملتمسات»، مشتمل بر چهارصد رباعی؛ «نزهه الکتاب و تحفه الاحباب»، در امثال؛ «قواعد الرسائل و فوائد الفضائل»، در انشاء به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (285/3)، دانشمندان آذربایجان (114 -113)، الذریعه (236/9)، سر آمدان فرهنگ (302/1)، فرهنگ سخنوران (254)، کشف الظنون (1957 ،1358)، لغت نامه (ذیل/ حسام خویی).

مظفری قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مظفری قزوینی در سال 1304 در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال 1304 دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید.استادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم ، آیت الله حاج سیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود.فعالیتهای آموزشی : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نماید ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مظفری قزوینی پس از

آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.آثار : اسلام و فلسفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد2 اسلام و قانون بردگی ، اصطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد6 الفوائد الرجالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السلام ، ایضاح الحجه فی شرح العروه ویژگی اثر : در 8 جلد9 پرسش ها و پاسخ ها ویژگی اثر : دردو جلد10 حرمت بازی شطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانستنیهایی از قرآن ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد14 رساله در اثبات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

مظلومی، رجبعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین در سال 1306 شمسی در نیشابور پا به عرصه ی وجود گذاشت. دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد.دکتر مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد. او سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود. دکتر رجبعلی مظلومی سرانجام پس از سه سال در 21 مهر 1377 به لقای محبوب شتافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : رجبعلی مظلومی ، فرزند استاد محمدحسین می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رجبعلی مظلومی ، در دو سالگی پدرش را از دست داد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی مظلومی ، دوران تحصیل خود را در نیشابور ، مشهد و سپس در تهران طی کرد. در دوره ی ابتدایی و متوسطه پی به هنر نقاشی برد و کارهایی در زمینه ی هنرهای تصویری انجام داد. آنگاه به علت فقر مالی در دخانیات مشغول به کار شد و در کنار آن ، در مقطع کارشناسیِ دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. سپس به پیشنهاد دکتر معین ، دوره های کارشناسی ارشد و دکترا را پی گرفت و در رشته های فلسفه محض ، روان شناسی و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد.
رساله ی دکترای ایشان ، « تصحیح متن شرح فصوص الحکم باباركن الدین شیرازی » بود که توسط مؤسسه ی مطالعات اسلامی چاپ شد و پروفسور لندلت ، همین کتاب را به عنوان متن درسی در دانشگاه مگ گیل کانادا تدریس می کرد.

استادان و مربیان : رجبعلی مظلومی از اولین سال تحصیل خود ، معلم نقاشی داشت . او بعد ها به شاگردی استاد موید پردازی در آمد و از آنجایی که موید پردازی شاگرد کمال الملک بود بنابراین مظلومی را نیز می توان شاگرد باواسطه کمال الملک محسوب کرد
زمان و علت فوت : رجبعلی مظلومی ، در 21 اسفند 1374 در اثر سکته ی مغزی به بیمارستان منتقل و سرانجام پس از سه سال در 21 مهر 1377 به لقای محبوب شتافت.
فعالیتهای آموزشی : رجبعلی مظلومی ، سمت استادی را در دانشگاه های تهران ، شهیدبهشتی ، صنعتی شریف تهران ، صنعتی اصفهان ، تربیت مدرس و مجتمع دانشگاه هنر عهده دار بود.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رجبعلی مظلومی در دوران فعالیت های دانشگاهی اش ، دو مرکز تحقیقاتی تأسیس کرد. همچنین دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس ، توسط ایشان تأسیس و بنیاد نهاده شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی مظلومی ، به زبان های فرانسه و عربی آشنایی کامل دارد. مطالعات متنوع و گسترده ی او در زمینه های: قرآن شناسی ، حدیث شناسی ، حکمت و عرفان ، تاریخ و هنر اسلامی و به ویژه امور تربیتی منجر به نگارش بیش از یکصد جلد کتاب و پانصد مقاله در طول نزدیک به نیم قرن تلاش و پژوهش گردید.
آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی مظلومی معتقد است که عاملی که بتواند آن مادیت را به معنویت بدل کند و بالطافت حتی با اقتصاد خیلی خوب ، قسمت عمده ای از مسایل زندگانی مارا حل کند فقط هنر است . وی اعتقاد دارد که هنر فقط درزمینه آزاد و آزاده می تواند ابراز وجود کند چون اصلاآب هنر از آزادی است . وی بر این باور است که کسانی که یکسره عینبت های را به وسیله ابزارهای هنر ی طرح می کند ، گرچه زحمت می کشند ،اما کارشان را هنر صنعتی می دانیم ونه هنر هنر مندی . او معتقد است که هنر هنرمند آن است که تنها برای فرهنگ بهتر و ارتقای فهم فرهنگی یک جامعه و اصولا برای مجموعیت لایق یک جامعه و برای قدرت والاتر همین مجموعیت کار کند . ازاین جهت او هنر مند را همیشه آینده بین می داند . ----------
---
آثار :
1 آموزش فن سخن گفتن
ویژگی اثر : برداشتی از کتاب « راه و رسم سخن گفتن ».
2 ارمغان مور
3 با تربیت مکتبی آشنا شویم

4 بازنگری بر فعالیت های بدنی
5 بیایید به حرف بچه هایمان گوش کنیم
6 پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی
7 تربیت از دیگاه معصومین (ع)
8 تربیت معنایی انسان
9 تفسیر شیعه
10 جوان و دین
11 چرا امام حسن (ع) صلح را پذیرفت ؟
12 چه کسی با چه نوع شخصیتی ، کدام شغل را انتخاب می کند ؟
13 حاشیه بر هنر چیست ؟
14 در مسیر نور تا خورشید یا سیر رسالت با جوهره ی ولایت در بستر تشیع
15 درس های رمضان (تفسیر قرآن)
16 دولت عدل الهی ؛ درباره ی دولت امام زمان (عج)
17 راه و رسم سخن گفتن
18 رهبر آزادگان ؛ درباره ی امام حسین (ع)
19 روابط شایسته در ورزش تربیتی
20 روزنه ای به باغ بهشت یا هنر در راستای انقلاب اسلامی
ویژگی اثر : در دو مجلد.
21 زنانِ بافضیلت
22 سخنرانی را توانا شویم
23 سرگذشت قرآن
24 سیر تاریخی قرائت
25 سینما ، اخلاق ، تجربه
26 شورای اسلامی
27 علوم قرآن
ویژگی اثر : در پنج مجلد.
28 علی (ع) معیار کمال
29 فهم قرآن
ویژگی اثر : در دو مجلد.
30 کتابشناسی اسلامی
31 کلیدهای تربیتی و تعلیمی برای اولیای تربیتی
32 گامی در مسیر تربیت اسلامی (از کودکی تا بلوغ)
33 گامی در مسیر تربیت اسلامی (مبانی تربیتی)
34 مؤمن کیست و ایمان چیست ؟

منابع زندگینامه :
مجله ی آینه ی میراث ، سال اول ، شماره ی 2 ، سال 1377 ـ مجله ی آینه ی پژوهش ، سال نهم ، شماره ی پنجم ، شماره ی پیاپی 53 ، آذر و دی 1377

مظهر، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1304 -1232 ش)، شاعر و منشی. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی، در رشته‌ی علوم ادبی و عربی به تحصیل پرداخت و در مدرسه‌ی زنگنه به تحصیل فقه، اصول، منطق، فلسفه و عروض اشتغال ورزید و تا جایی پیش رفت که از زمره‌ی اساتید زمان به شمار آمد. وی در تدریس «منظومه‌ی سبزواری» که در زمره‌ی کتابهای فلسفه به شمار می‌رود، تسلط داشت. مظهر بعد از اتمام تحصیلات، در دستگاه امیر افخم قراگوزلو همدانی به سمت منشی‌گری به کار پرداخت و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. وی را در قم در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپردند. از آثارش: «خستوی»، که به طرز مثنوی سروده شده؛ «بضاعت مزجات»، به نثر، مشتمل بر دو قسمت یکی سؤال و جواب در موضوعات فلسفی و دیگری درباره‌ی عرفان و سیر سلوک؛ «دیوان» شعر، متجاوز از ده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سخنوران نامی معاصر (3348 -3342/ 5).

معتقدی، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس معتقدی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/10/1
زندگینامه علمی
اینجانب عباس معتقدی در سال 1340 در شهر یزد متولد شدم و در سال 1356 وارد حوزه علمیه شهر محل تولد خود شدم پس از تحصیلات دوره راهنمایی و در سال 1358 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1361 در این حوزه به تحصیل اشتغال داشتم از سال 1362 تا شهریور 1365 در نهضت سواد آموزی شهرستان مهریز یزد مشغول خدمت شدم و از مهرماه 1365 تا کنون در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال دارم- در سال 1369 دوره سطح حوزه را به اتمام رسانیده و در همان سال در دروس خارج فقه و اصول آیة الله مکارم شیرازی حضور یافتم.طی این مدت در محضر آیت عظام مکارم، سبحانی، خاتم یزدی و تبریزی بهره بردم. در سال 1369 و 1370 در دوره زبان عربی در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم شرکت نمودم و با این زبان در ابعاد مکالمه، ترجمه، سخنرانی و انشاء کاملا آشنا شدم. طی سالهای 72 و 73 در مرکز تخصصی تبلیغ شرکت نمودم که دوره چهار ساله آن را نیمه تمام به خاطر وجود مشکلاتی رها نمودم.
در سال 1373 و 1374 به مدت یک سال در معاونت امور شهرستانهای مرکز هدایت حوزه علمیه قم مشغول خدمت شدم ، و پس از یک سال همکاری، بنا به دعوت برخی از دوستان، در سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور مشغول به کار شدم که همکاری با این سازمان تا کنون استمرار دارد. طی مدت همکاری با سازمان سه نوبت به عنوان مدیر حوزه های دار التحصیل در شهر کیکو مای تا نزانیا، حوزه علمیه رسول اکرم(ص) کشور نیجر و مهد امام جعفر صادق علیه السلام سودان و چند نوبت نیز به عنوان سرپرست موقت اعزام شدم و جمعاً حدود پنج سال به صورت متناوب در آن کشورها به امر مدیریت مراکز یاد شده و نیز تدریس برخی از مواد درسی حوزوی و همچنین ترویج و تبلیغ مذهب اهل بیت(علیه السلام) اشتغال داشته ام. بیش از دو سال است که در فضای

وب اینترنت که به عقیده برخی به عنوان قاره ششم مطرح شده، به وبلاگ نویسی مشغول هستم و به رغم فرصت اندک وبلاگهایی با عناوین کشکول، شیعه و اتهامات، و الشیعه و التهم که آخری به زبان عربی است را راه اندازی نموده ام.همچنین سایت الشیعه نت www.shiahnwt.com در دست راه اندازی است که همچنان فرصت تکمیل آن به دست نیامده است اما پس از ثبت دومین و خرید فضای یکصد مگابایت آمان راه اندازی می باشد.

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1296 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (1307/ 1)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (614/ 1).

معتمدالدوله، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی. ادیب، شاعر و نویسنده‌ای توانا بود. در غزل‌های خوب خود بیشتر نظر به سعدی داشته و در نهضت ادبی ایران هم سهم بسزائی دارد، وی معاصر فتحعلی‌شاه قاجار بود. اشعار و منشات او به نام گنجینه معروف است. در سال 1244 ه.ق وفات کرد و تاریخ وفات او را (از قلب جهان نشاط رفته) گفته‌اند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

معدل، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم معدل
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (1347 ـ 1353) و راهنمایی (1353 ـ 1356) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.
در سال 1359 تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام.با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام) ، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی دررشته تاسیسات شده ام که در سال 1361 ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال 1362 با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق ، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال 1364 ادامه داشت.
در سال 1364 کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان

بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.
جهت ادامه تحصلات خود در سطوح عالیه در سال 1366 وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظله) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام.با اتمام سطوح عالیه سال 1371 در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.
همچنان در سال های 1372 ـ 1374 در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام.از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین(ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.
در سال 1372 مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهده داشته ام و از سال 1374 با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهما) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلدهای 3، 8 موسوعه الفقه السلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهده داشته ام. همچنین اینجانب در سال 1376 به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معروف، حبیب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1312.
درگذشت: 1373.
از آثار اوست: فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (با همکاری پرویز مرزبان؛ تهران، 1371؛ این کتاب در سال 1365) با عنوان واژه‌نامه‌ی مصور هنرهای تجسمی به چاپ رسید)؛ واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری انگلیسی- فارسی و فهرست الفبایی و ترکیبات فارسی با تعریفات دقیق برخی واژه‌های مشکل و نو ساخته (تهران، 1369). کتاب نقش ماندگار: یادنامه‌ی مهندس حبیب معروف به کوشش امین و نازی معروف به یاد وی در تهران در سال 1374 منتشر شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معروف، میرسعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرسعید معروف

سن:۲۴ وزن: 80 کیلو گرم قد: ۱۹۰
پاسور
باشگاه قبلی:سایپا تهران حمید موحدی (سرمربی)
باشگاه فعلی:پیکان تهران مصطفی کارخانه (سرمربی)
سوابق ملی:نوجوانان جوانان و بزرگسالان
میرسعید معروف به همراه محمد موسوی عراقی عنوان بهترین مدافع و پاسور رقابتهای والیبال انتخابی جهانی 2010 ایتالیا را به خود اختصاص دادند.

معصومی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله معصومی فرزند نامی مرحوم آیه‌الله معصومی که اکنون بجای آن مرحوم اقامه جماعت مینماید از علماء معاصر بهبهان است. وی در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات را در بهبهان خوانده و پس از پایان سطوح و استفاده از محضر آیات و مدرسین بجای مرحوم والدش بخدمات دینی اشتغال دارد.
از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه‌ای بنام حضرت حجه‌بن‌الحسن عجل‌الله فرجه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

معین العلماء، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل و از آزادی خواهان صدر مشروطیّت بوده، و روزنامه نیّر اعظم را در طهران منتشر می‌نموده.
در 1284 متولّد، و در شب جمعه 6 رمضان المبارک 1358 در اصفهان وفات یافته، در جنب پدران خویش مدفون گردید.
در روزنامه مظّفری چاپ بوشهر (ش 3 سال 11) شرح نسبتاً مفصلّی از احوالات او نوشته شده، طالبین مراجعه کنند.
وی از ابتدای تشکیلات عدلیّه وارد خدمات دولتی شده، و مدّتها ریاست عدلیّه مازندران، زنجان، گیلان، آباده، گلپایگان را داشته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

معین، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1350 -1294/ 1293/ 1291 ش)، نویسنده، مصحح، مترجم، فرهنگ نویس و شاعر. در رشت به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس از دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات فارسی و فلسفه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد. پس از آن مدتی ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز و سپس ریاست اداره‌ی دانشسراها را در وزارت فرهنگ داشت. وی اولین کسی بود که در ایران به اخذ درجه‌ی دکترا در ادبیات نایل آمد و رساله‌ی دکترای خود را با عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» ارائه نمود. او از 1318 ش به تدریس در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود. وی به جهت شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی و انجام امور تحقیقی و تدریس به کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، شوروی سابق و آلمان سفر کرد. معین همکار دهخدا بود و سرپرستی سازمان «لغت نامه» را بر عهده داشت. دکتر معین سرانجام پس از پنج سال بیماری و بیهوشی در رشت درگذشت و در آستانه‌ی اشرفیه‌ی رشت به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «فرهنگ فارسی»، معروف به «فرهنگ معین»؛ «برگزیده‌ی شعر فارسی»، قرنها چهار و پنج قمری؛ «حافظ شیرین سخن»؛ «ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و مرداد»، شعر؛ تحلیل «هفت پیکر» نظامی؛ «روانشناسی تربیتی»، ترجمه؛ «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه؛ «کتیبه‌های پهلوی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه «برهان قاطع»؛ تصحیح و تحشیه «چهار مقاله» احمد عروضی سمرقندی؛ تصحیح «جوامع الحکایات و لوامع الروایات».[1]
محمد (و. هفدهم رجب 1336 هجری قمری مطابق 9 اردیبهشت 1297 شمسی. ف. 13 تیرماه 1350 ه.ش) فرزند مرحوم شیخ ابوالقاسم. در شهر رشت در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. به هنگام طفولیت او نخست مادر و پس از 5 روز پدرش در عنفوان شباب درگذشتند. جد پدری وی شیخ محمدتقی معین‌العلما که در سلک علمای روحانی بود به تربیت وی همت گماشت. جد مادری او شیخ محمدسعید نیز از علما و مدرسان علوم قدیمه بود.
محمد معین دوره‌ی ابتدائی را در دبستان اسلامی و دوره‌ی اول متوسطه را در دبیرستان نمره‌ی 1 (که بعدها بنام دبیرستان شاهپور خوانده شد)

طی کرد. در اوان تحصیل در متوسطه صرف و نحو عربی و بخشی از علوم قدیمه را نزد جد خوش و مرحوم سید مهدی رشت‌آبادی و دیگر استادان وقت آموخت و عشق به مطالعه در نهادش ریشه دوانید. دوره‌ی دوم متوسطه (ادبی) را در دارالفنون تهران به پایان رسانید و به سال 1310 در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌ی ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی وارد گردید و در سال 1313 از این شعب لیسانسیه شد پس از طی دوره‌ی شش ماهه‌ی دانشکده‌ی افسری احتیاط، شش ماه اول سال 1314 را به خدمت افسری گذرانید و در مهرماه آن سال به دبیری دبیرستان شاهپور اهواز منصوب شد، و پس از سه ماه ریاست دانشسرای شبانه‌روزی اهواز را یافت و در عین حال عضویت تحقیق اوقاف و ریاست به عهده‌ی وی بود. در همین ایام به وسیله‌ی مکاتبه از آموزشگاه روانشناسی بروکسل (بلژیک) که تحت نظر Elmer Knowles روانشناس اداره می‌شد، روانشناسی عملی و دیگر شعب آن از قبیل خطشناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی را فراگرفت.
در 1318 به تهران منتقل گردید در حین تصدی معاونت و سپس کفالت اداره‌ی دانشسراها در وزارت فرهنگ، وارد دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی شد. پس از چندی با حفظ سمت به دبیری دانشکده‌ی ادبیات منصوب گردید. پس از به پایان رسانیدن دوره‌ی دکتری، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی دکتری وی به عنوان «مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی» در روز سه‌شنبه‌ی 17 شهریور 1321 تشکیل و پایان‌نامه‌ی او با قید «بسیار خوب» قبول گردید، و او نخستین دکتر ادبیات فارسی در ایران شناخته شد. از آن پس به سمت دانشیار و سپس به سمت استاد کرسی «تحقیق در متون ادبی» در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس مشغول شد و سه سال نیز در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. از آغاز سال 1325 شمسی که طبع لغت‌نامه‌ی علامه‌ی مرحوم علی‌اکبر دهخدا طبق قانون، در مجلس شورای ملی شروع شد، دکتر معین به همکاری وی برگزیده شد. در دی ماه 1334 با موافقت علامه‌ی مزبور، سازمان لغت‌نامه از منزل شخصی آن مرحوم به مجلس شورای ملی منتقل شد و طبق وصیت‌نامه‌های معظم له دکتر معین به ریاست امور علمی آن سازمان منصوب گردید. در اسفند 1336 سازمان مذکور به دانشکده‌ی ادبیات (دانشگاه تهران) شورای دانشگاه، ریاست سازمان لغت‌نامه به عهده‌ی وی محول گردید. وی این سمت را تا آخرین روزی که دچار سکته گردید به عهده داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (977)، دایرةالمعارف فارسی (2811/ 2)، الذریعه (217/ 16 ،233/ 6)، شرح حال رجال (203/ 6)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (523 -513)،

فهرست کتابهای چاپی فارسی (3142، 2621، 1938، 1146، 1071، 496، 488، 410/ 1)، کتاب گیلان (723 -721/ 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (340)، مؤلفین کتب چاپی (830 -826/ 5).

معین‌الاسلام، محمد علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به دبیر مازندرانی، از شاگردان آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و دیگران بوده، در 1290 متولد، و در شب جمعه 10 شوال 1384 وفات یافته، در جنب لسان‌الارض مدفون گردید.
کتب چندی تألیف فرموده از آن جمله است: 1 - رساله در سبب ارتحال جدش سید محمد از مازندران به اصفهان، مطبوع 2 - مفتاح الکنوز، در تعریف علم و عمل، مطبوع.
وی را باید از بنیان‌گزاران فرهنگ جدید در اصفهان دانست، سال‌ها نظامت دبیرستان علیه را داشته، و به همین مناسبت به ناظم مازندرانی شهرت یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معین‌الواعظین، عباس علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به معین الحسینی، فرزند ملا علی محمد گورتانی.
عالم فاضل محدث، و واعظ زاهد ادیب شاعر متخلص به «ذاکر». در اصفهان و نجف نزد فضلای این دو شهر تحصیل نموده. جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، کتب چندی تألیف نموده که از آن جمله است:
1 - تسلیة الفقراء 2 - دیوان اشعار 3 - زادالعاصین 4 - علائم الظهور 5 - فوائد الصلوات 6 - مجازاة النسوان 7 - وقایع الظهور، در دو مجلد، مطبوع 8 - هدایة الوالدین، جلد دوم علائم الظهور؛ و غیره.
در 1287 متولد، و در شب سوم ربیع الثانی 1360 وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی سید العراقین] مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

معینی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا سید حسن بن السید الجلیل مرحوم حاج سید طاهر معینی از علماء تبریز و معروف معاصر شهرستان ری میباشد.
وی در سال 1309 (هزار و سیصد و نه) قمری در زاویه مقدسه متولد شده و در بیت شرف و سیادت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را در ری خوانده و آنگاه به تهران رفته و سطوح وسطی و نهائی را از آقا شیخ آقا بزرگ ساوه‌ای و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی لواسانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدعلی شاه آبادی فراگرفته و در سال 1343 ق مهاجرت به قم نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه موسس حایری و آیت‌اللّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آیت‌اللّه حاج شیخ حسن فاضل و مرحوم آیت‌اللّه خونساری استفاده نموده و با دریافت گواهی علم و تصدیق جامعی در سال 1354 قمری مراجعت بشهر ری نموده و مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و ترویج مذهب و تبلیغ احکام پرداخته لکن چند سالی اعتزال و انزواء را اختیار نموده فقط گاهی برای جماعت اگر حالشان مقتضی باشد می‌آیند و اکنون دوران نقاهت و سالخوردگی را می‌پیماید.
نگارنده گوید: جناب آقای معینی که حق استادی و تربیت بر این حقیر دارد بسیار منیع الطبع و بزرگوار و محتاط در امور می‌باشد و ایشان داماد مرحوم حاج آقای موسی کنی حفید مرحوم آیت‌اللّه العظمی علامه کنی می‌باشد و دارای سه دختر فقط هستند که یکی از آنها همسر برادر زاده حقیر است.
مرحوم والدش از امناء و روساء آستانه مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام و با مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی نجفی که ذکرش گذشت انتساب و از یک سلسله می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مفتح، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.
وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.
و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.
استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.
تولد: 1307، همدان.
درگذشت: 27 آذر 1358، تهران.
آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال 1322 به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های 1342 -1322 نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ

درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.
آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمتع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.
ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال 1354 دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال 1354 وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغار کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.
در سال 1349 ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.
تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.
وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور 1357 دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال 1357 سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357 بود.
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود:

ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.
از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.
ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (1336، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (1361)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).
آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر 1358 توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره 23 صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفتح، محمدهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدهادی مفتح
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/20
زندگینامه علمی
از سال 1352 تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال 1364 مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل 19.5 اخذ کردم.
ورود من به دانشگاه در سال 1364 و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال 1370 مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.
در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال 1370 همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.
پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای از کتب شرح لمعه
آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه
آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید
دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه
آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)
پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)
استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)
آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)
آیت الله قدیری: کفایه
با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:
آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)
آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)
آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)
پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:
آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول
آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)
آیت الله مومن: خارج اصول
آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)
از سال 1375 و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی 19 در سال 1378 پایان یافت.
سال 1383 پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در 22 خردادماه 1387، و با کسب درجه عالی و نمره 19 بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.
در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.
و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر

موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ، تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی1 ، علوم قرآنی2 ، علوم قرآنی3 ، و ... تدریس شده اند.

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1243 -1176 ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در 1199 ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در 1241 ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا 1241 ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنة»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضة الآداب و جنة الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[1]
(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. 1176 ه.ق- ف. تبریز 1243 ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال 1276 ه.ق در شهر خوی متولد شد، از

سن ده سالگی تا 24 سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضة‌الاداب و جنة‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (470/ 7)، تاریخ تذکره‌های فارسی (401 -399/ 2 ،690 -689/ 1)، تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (مقدمه، 464 -455 ،137 -121)، حدیقة الشعراء (1693 -1690/ 3)، دانشمندان آذربایجان (357 -353)، الذریعه (343 ،317 ،288 ،5/ 19 ،92 -91/ 12 ،323 ،284/ 11 ،1083/ 9)، ریحانه (356 -355/ 5)، سبک شناسی (331 -319/ 3)، سفینة المحمود (670 -669/ 2)، شرح حال رجال (264/ 2)، فرهنگ سخنوران (866 -865)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2285/ 2)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (1008 -1007/ 6)، مکارم الآثار (1204 -1203/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (847 -846/ 3)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، 297 -282).

مفتی‌زاده، محمد صدیق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1334 ق)، نویسنده، شاعر، متخلص به محزون. در قریه‌ی دشه، از قرای اورامان، به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات صرف و نحو به عراق رفت و در مدارس کردستان عراق به تکمیل علوم دینی و ادبیات عرب پرداخت. سپس به سنندج بازگشت و از محضر برادر بزرگترش، ملا محمود مفتی، استفاده نمود و به دریافت اجازه نایل گشت. بعد به تهران آمد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و با سمت دبیری به سنندج بازگشت. وی حدود 1331 ش به تهران منتقل شد و در ضمن خدمت موفق به اخذ لیسانس و دکترای الهیات شد. مفتی‌زاده چند سالی از نویسندگان برنامه‌ی رادیو کردی تهران بود. وی در شاعری توانا بود و شعر را به لهجه‌ی اورامی و سورانی می‌سرود. از آثار وی: تصحیح و شرح «دیوان» ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، شاعر معروف کرد.[1]
استاد، محقق.
تولد: 1300(1334 ق.)، قریه دشه از توابع اورامان.
درگذشت: 6 آذر 1363، تهران.
محمدصدیق مفتی‌زاده متخلص به «محزون» فرزند ملا عبدالله دشتی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریه‌ی دشه و خانگه و شهر سنندج شروع نمود، و در 1315 شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارتند بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابا رسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملا محمود دره‌تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملا صالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه‌نامه‌ی خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازه‌ی افتاء و تدریس را به وی دادند. در

سال 1323 در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شد، و در دبیرستان‌های شهرهای مهاباد و سنندج و خرم‌آباد و تهران هر یک مدتی انجام وظیفه کرد. در سال 1327 در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دوره‌ی لیسانس و دکتری را به اتمام رسانید و به دریافت دانشنامه‌ی دکتری نایل شد و در دانشکده‌ی ادبیات نیز مدتی به مطالعه‌ی علوم تربیتی و زبان‌شناسی پرداخت و به موازات آن در دبیرستان های تهران، ادبیات عربی و فارسی را تدریس می‌نمود. در سال 1349 در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران استاد زبان کردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامه «کردستان» را نیز به عهده داشت. وی سال‌ها از نویسندگان برنامه رادیو کردی تهران بود. در 1359 که دانشگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و تألیفات خود را کامل نمود. فعالیت‌های او در دورانی که در مقام سردبیری روزنامه فعالیت داشته به این شرح است: استخراج و جمع آوری قریب 250 قطعه از اشعار سید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصر در معانی آنها، جمع‌آوری و تصحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه، مختصری تحقیق در دیوان ملا پریشان و چاپ بعضی از اشعار او، تصحیح و تحریر دیوان سید صالح کرمانشاهی، تصحیح شیرین و فریاد تألیف ملا ولدخان گوران، تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یازده رزم که قسمتی از شاهنامه تألیف سرهنگ الماس‌خان که نوله‌یی است، سلسله‌ی گفتاری در مورد دستور زبان کردی تحت عنوان چگونه بخوانیم و چگونه بنویسیم، چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقاید خرافی کردی تحت عنوان: در اجتماع چگونه زندگی کنیم، تألیف و تصحیح دیوان ملا حامد آلیجانی، تصحیح منظومه‌ی جنگ سرد و جدال و مناظره‌ی بین آسمان و زمین سروده‌ی میرزا عبدالقادر پاوه‌ای، جمع‌آوری و تصحیح آثار شعری بعضی از شعرای کرد تحت عنوان از هر گلزار گلی، چند قطعه شعر ملی و وطنی و عشقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیوه‌ی طنز به کردی سروده شده است، سلسله‌ی گفتاری در فلسفه‌ی آفرینش، تحت عنوان راه خداشناسی، تاریخچه‌ی حکومت‌های کرد، تصحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام هفت‌بند، تمام این آثار و مطالب و نوشته‌های زیر عنوان و امضای «م. ص. م.» که مختصر محمدصدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصحیح و شرح دیوان ملا عبدالرحیم معدومی مولوی (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کردی (چاپ نشده است) است.

محمدصدیق مفتی‌زاده به لهجه‌ی اورامی و سورانی شعر می‌گفت، اما به سرودن شهر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز

اشعاری سروده بود.
ایشان سرانجام در ششم آذر 1363 به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ مشاهیر کرد (478 -475/ 2).

مفلق تهرانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، منشی و شاعر، متخلص به مفلق. ملقب به صدرالشعراء و فخر الادباء. اصلش از ری بود و در تهران به دنیا آمد. وی در زمان فتحعلی‌شاه (1250 -1212 ق) از منشیان دربار بود و در همین دوره به صدرالشعراء ملقب گشت. او در زمان محمد شاه از جانب وزیر او، حاج میرزا آقاسی، لقب فخرالادبا (و به آورده‌ی «الذریعه» فخرالشعراء) گرفت. مفلق در قصیده‌سرایی مهارت داشت و علاوه بر آن به اشعار هزل نیز می‌پرداخت. صاحب «حدیقة الشعراء»، به احتمالی وی را با ادیب تهرانی یکی دانسته و در جایی دیگر آورده که مفلق ظاهرا تا زمان حکومت ناصرالدین‌شاه زنده بوده است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1701 -1695/ 3)، الذریعه (1087/ 9)، سفینة المحمود (300 -299/ 1)، فرهنگ سخنوران (868)، لغت نامه (ذیل/ مفلق)، مجمع الفصحا (1006 -989/ 6)، مصطبه‌ی خراب (168 -167)، نگارستان دارا (253 -252).

مفید نیشابوری، ابومحمد، عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 510/ 445 ق)، حافظ، محدث امامی و واعظ. ملقب به مفید. اصل وی از نیشابور و ساکن ری بود. وی شیخ و مرجع علمای امامیه ری و عموی پدر شیخ ابوالفتوح رازی بود. از هناد نسفی و ابن مهتدی و ابن النقور حدیث شنید. او مسافرتهای بسیاری نمود و احادیث بسیار شنید. او نزد سید مرتضی و سید رضی و شیخ طوسی و سلار یا سالار بن عبدالعزیز و ابن البراج و کراجکی تلمذ نمود. شیخ ابوالفتوح رازی و سید مرتضی و سید مجتبی، فرزندان داعی حسینی، و عمر بن ابراهیم زیدی و احمد بن عبدالوهاب صیرفی و دیگران از وی روایت نمودند. از آثارش: «سفینة النجاة فی مناقب اهل البیت (ع)» و «العلویات» و «الرضویات»؛ «الامالی»؛ «عیون الاخبار»؛ «مختصرات فی الزواجر و المواعظ»، که ابوالفتوح رازی از وی نقل کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (464/ 7)، الذریعه (375، 328 -327/ 15 ،199/ 12 ،240/ 11 ،311/ 2)، ریحانه (361 -360/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (104/ 5)، فهرست منتجب‌الدین (108)، الکنی و الالقاب (200 -199/ 3)، لسان المیزان (246 -245/ 4)، لغت نامه (ذیل/ مفید)، معجم المؤلفین (117/ 5)، هدیة الاحباب (245 -244)، هدیة العارفین (518/ 1).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق مفیدی فر
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال 1358 مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر 1358 وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال 1359 سطح تمام شد. از سال 1360 وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.
از سال 1362 تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال 1369 تا سال 1380 به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های 81 و 80 تصمیم به بیرون آمدن گرفتم

که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.
در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال 1366 تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

1. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.
2. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.
3. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.
4. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مفیدی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ یحیی مفیدی قزوینی از اکابر دانشمندان و افاضل علماء طراز اول قزوین می‌باشد وی در قزوین متولد شده و مقدمات و سطوح فقه و اصول را از علماء بزرگ آنجا فراگرفته و بعد به قم عزیمت و چند سالی از مرحوم آیت‌اللّه حایری استفاده سپس به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحومین علمین نائینی و عراقی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بهره‌مند گردیده و پس از آن مراجعت به قزوین و به خدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تدریس و سایر وظائف دینی و روحی پرداخته تا در حدود سال 1384 ق وفات نموده است
نگارنده گوید: غیر از مذکورین عده دیگری از دانشمندان و فضلاء حوزه علمیه قم و نجف مانند حجةالاسلام حاج سید مهدی علوی و حجةالاسلام حاج سید محمدمهدی تقوی و حجةالاسلام حاج سد علی‌اصغر علوی و امثالهم در قزوین و حومه آن به خدمات دینی اشتغال دارند ادام اللّه توفیقاتهم و زاد اللّه فی برکات وجوههم و آثارهم
و در حال حاضر از قزوین و حومه آن بیش از دویست نفر در حوزه علمیه قم به تحصیل و بعضی هم به تدریس سطوح و متون فقه و اصول و غیره اشتغال دارند که عده‌ای از آنان مانند آقای اویسی و آقای موسوی و آقای شهیدی و... مشار بالبنان و معروف همگان می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مقتدایی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی مقتدایی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1314/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله مرتضی مقتدایی در سیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال 1314 هجری شمسی در محله مسجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیةالله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشمندان مشهور اصفهان بود که از مرحوم آقاسید محمد نجف آبادی اجازه اجتهاد داشت و مدت کوتاهی از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری ـ مؤسس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیةالله محقق داماد و مرحوم آیةالله سید احمد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصر خود بود که در امامزاده اسحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصفهان مدفون است. هنگامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شد، جنازة او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیةالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیةالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادة آیةالله مقتدایی، زندگی ساده و بی آلایشی داشتند و از ویژگیهای پدرش این بود که هیچ گاه از وجوهات شرعی برای امرار معاش استفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیةالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسأله کشف حجاب و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانی، همزمان بود. البته پدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسمی آن دوره، شرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادة خود به روستای «خوراسگان محله پزوه» رفت تا ضمن آزادی بیشتر، به رتق و فتق امور مردم نیز بپردازد. آیةالله مقتدایی در همان جا تحصیلات ابتدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی، نزد پدر، شرح نصاب، جامع المقدمات، سیوطی، منطق کبری و بخشی از شرح نظام را خواند. در سال 1331

وارد حوزه علمیه اصفهان شد و ادامة دروس مقدمات و دوره سطح را نزد بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال 1338 به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرة آیةالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال 1340 نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیةالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیةالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندة آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصة الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیةالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیةاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیةالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیةالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه

اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورة سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیةالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجةابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیةالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقة زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیةالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالة عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیةالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه 1357، حضور آیةالله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین 1358 امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور

موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقتدری، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده، روزنامه‌نگار.
تولد: 18 فروردین 1291، شیراز.
درگذشت: بهار 1356.
محمدتقی مقتدری، فرزند فضل‌الله، تحصیلات خود را در دانشگاه تهران در رشته‌ی حقوق و علوم سیاسی و دانشگاه دهلی در رشته‌ی علوم بین‌المللی به پایان رسانید و به دریافت درجه‌ی دکتری نایل آمد.
وی مدت‌ها بازرس کلاس‌های آموزش سالمندان وزارت فرهنگ بود. مدتی رییس دفتر حسابداری وزارت کشور و سپس رییس دفتر معاون وزارت کشور بود. سپس به معاونت اداره‌ی دفتر وزارتی وزارت کشور رسید. پس از آن مدتی منشی مخصوص وزراتی بود. از سمت‌های دیگر او عبارتند از: بازرس ویژه‌ی وزارت پیشه و هنر، مدیر روزنامه‌ی «آیین»، مشاور اتاق بازرگانی تهران، وکیل دعاوی و مشاور حقوقی و وکیل مدافع وزارت فرهنگ و بانک صنعتی ایران، مشاور املاک اداره‌ی اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، مستشار سفارت ایران در کابل، متشار سفارت ایران در کراچی، همچنین کاردار فرهنگی در سفارت‌های ایران در هندوستان و پاکستان و کویت.
از آثار اوست: ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان، فرهنگ مقتدری، سخنان شاهانه، زندگی و آثار و عقاید تاگور، نیایش «گیتانجلی» (اثر رابیندرانات تاگور، ترجمه به فارسی، 1342)؛ بازگشت به میهن، تصوف و روش سخت کوشی (نوشته‌ی اقبال لاهوری، کابل، 1333)؛ اتحاد اسلامی از نظر علامه اقبال، اقبال شاعر و متفکر اسلام، فیتز جرالد یا خیام انگلیسی، تحقیق درباره‌ی طلاق از نظر حقوق تطبیقی، دو بیتی‌های فارسی در افغانستان، اوضاع ایران قبل از مشروطیت، قانون اساسی ایران و تحولات آن، دودمان راگو (ترجمه راگوانش اثر کالیداس نویسنده‌ی هندی)؛ شرح حال و زندگی بچه سقایی که به پادشاهی افغانستان رسید، اقتصاد ملی و رهبری دولت، تحقیق درباره‌ی احوال و آثار حکیم عمر خیام، تحقیق درباره‌ی مخلص کاشی و تصحیح دیوان او، در جستجوی برادر (سر ه. د. هاکارد، ترجمه، 1334)، فلسفه اقبال، تاریخ دانشکده‌ی علوم سیاسی و حقوق، رساله در شرح مسافرت و پناهندگی همایون‌شاه امپراتور هند به ایران، رساله در اختلاف استعمال لغات فارسی در ایران و افغانستان،

رساله در آثار و معرفی کالیداس هندی.
فرزند فضل‌الله مقتدری، در 1291 در شیراز متولد شد و پس از اخذ دیپلم متوسطه، وارد دانشکده حقوق تهران گردید و لیسانس گرفت و از دانشگاه دهلی درجه‌ی دکترای حقوق بین‌المللی دریافت کرد.
مقتدری کار اداری خود را از 1308 در وزارت کشور آغاز کرد و چندی هم در وزارت پیشه و هنر اشتغال داشت. در 1328 موقتا به وزارت امور خارجه انتقال یافت و با سمت رایزن فرهنگی به کابل رفت و بعد به وزارت امور خارجه منتقل گردید و در زمره کارمندان سیاسی قرار گرفت.
از دیگر مشاغل وی، دبیر اول سفارت ایران در دهلی نو و رایزنی سفارت ایران در کابل بود. بعد وزیر مختار در کراچی و وزیر مختار در کویت شد.
دکتر مقتدری دارای تألیفاتی در زمینه‌های مختلف ادبی و تاریخی و حقوقی می‌باشد. وی در سال 1365 در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقدادی، بهرام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان انگلیسی از دانشسرای عالی تهران با احراز رتبه اول، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال 1345، ارائه دانشنامه تخصصی در سال 1346 و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه کلمبیای آمریکا در سال 1348.
مرتبه علمی:
استادیاری دانشگاه تهران در سال 1348، استاد مرکز دانشگاهی واشنگتن در سال 1358 به مدت یکسال، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان و ادبیات انگلیسی، شعر، نمایشنامه، نقد داستان و راهنمایی مشاوره و نظارت بر 30 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
در زمینه رمان، نقد ادبی و تاریخ ادبیات.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 100، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
نقد داستان، شعر، نمایشنامه.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 486 ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرة»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (425 ،287/ 2 ،155/ 1)، تذکرة الحفاظ (1199/ 3)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (73 -68/ 3)، سیر النبلاء (53 -51/ 19)، شذرات الذهب (378/ 3)، طبقات الفقهاء الحنابلة (334 -33/ 2)، طبقات المفسرین داودی (362 -360/ 1)، العبر (352/ 2)، الکامل (169/ 8)، معجم المؤلفین (212/ 6)، هدیة العارفین (634/ 1).

مقدسیان، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1324.
درگذشت: 1365.
از آثار اوست: قوانین بین‌المللی بستکبال (ترجمه با همکاری فرخ نصرتی، تولد 1364).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مقدم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1375 -1287 ش)، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، نویسنده، روزنامه‌نگار، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. ولی تحصیلات را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت. مجددا در 1310 ش راهی آمریکا شد و در 1317 ش دکترای خود را در رشته‌ی زبان‌شناسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. وی از 1318 ش در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در 1343 ش گروه زبان‌شناسی همگانی و زبانهای باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا 1347 ش مدیریت آن را به عهده داشت. وی همزمان با تدریس در دانشگاه با همکاری چند تن از دانشمندان نشریه‌ی «ایران کوده» را منتشر کرد. از مهم‌ترین کوششهای او، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود که این تلاش را از جزوه‌ی کوچک «راهنمای فارسی باستان» آغاز و طی چند دهه ادامه داد. درباره‌ی گویش شناسی، که این واژه را نخستین بار دکتر مقدم و همکارانش به کار بردند، اولین بار بود که به زبان فارسی بررسیهایی بر پایه علمی صورت می‌گرفت و چند گویش ایرانی با هم سنجیده و نتیجه‌گیری علمی از آنها می‌شد. وی معتقد بود که ریشه‌ی نامش از زبانهای ایرانی است و باید به صورت مغدم نوشته شود. وی در زمینه‌ی تاریخ و دین و آیین مهر مطالعات و پژوهشهایی داشت. وی سرانجام بر اثر سانحه‌ی تصادف اتومبیل درگذشت. از دیگر آثارش: در زمینه‌ی زبان و زبان‌شناسی: «چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان»، با شرح لغات، «داستان جم»، متن اوستا با شرح لغات و ترجمه، «راهنمای ریشه‌ی فعلهای ایرانی»، «یک سند تاریخی از گویش آذری تبریز»، «گویشهای وفس و آشتیان و تفرش»؛ در زمینه‌ی خط: «الفبای روسی»؛ در زمینه‌ی دین: «سرود بنیاد دین زرتشت»، «جستار درباره‌ی مهر و ناهید»؛ در زمینه‌ی تاریخ: «چهارشنبه سوری»، «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی»، ترجمه، «تاریخ دریانوردی عرب در دریای هند»، ترجمه؛ در زمینه‌ی شعر و ادب: «بازگشت به الموت»، «بانگ خروس»، «راز نیمه شب».[1]
مدرس، ایرانشناس.
تولد: 1278، تهران.

درگذشت: 9 مهر 1357.
محمد مقدم پس از پایان رساندن دوره‌ی دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال 1317 از دانشگاه پرینستون در رشته‌ی زبان‌شناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال 1318 در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال 1339 سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد. یادگار این سفر ترجمه‌ی کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (1340) است. در سال 1343 گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال 1347 مدیریت آن را بر عهده داشت.
وی همزمان با تدریس در دانشکده‌ی ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات» و مجله‌ی «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه‌ی خط و خوشنویسی در مجله‌ی «فروهر» و «سالنامه‌ی کشور ایران» نوشته است.
از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوه‌ی علمی زبان‌شناسی بود. وی این کوشش را از جزوه «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: بازگشت به الموت (تهران، 1314)؛ بانگ خروس (تهران، 1313)؛ برای آینده‌ی زبان فارسی (1355)؛ جستار درباره‌ی مهر و ناهید (1356)؛ چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان (تهران، 1363)؛ در یادنامه‌ی جمشید (م. اونوالا، بمبئی 1364)؛ دریانوردی عرب در دریای هند (جوزف حورانی، تهران، 1338)؛ راز نیمه شب (تهران، 1313)؛ راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی (تهران، 1313)؛ رستم و سهراب از شاهنامه (تهران، 1313)؛ فهرست توصیفی مجموعه گرت (انگلیسی، پرینستون، 1939 م.)؛ و رساله‌ی «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی Organic alphabet (تهران، 1945 م.)؛ APersian - APrsina - Arabic Phonetic
h g (Equation)
دکتر محمد مقدم بر اثر سانحه‌ی تصادف جان خود را از دست داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (3452، 3440، 3345، 3344، 2788، 1980، 1805، 1729، 1648، 1618/ 2، 1406، 1119

717، ،450 ،437 ،417 -415 ،76/ 1)، کلک (س 7، ش 79 -76، ص 817 -808)، مؤلفین کتب چاپی (835 -832/ 5).

مقربی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی مقربی در سال 1293 در تهران به دنیا آمد. او دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پایان برد و از سال 1323 تا بهمن 1338 در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت . همکاری با دکتر غلامحسین مصاحب برای تالیف وتدوین دائر المعارف فارسی (سه جلدی) از جمله فعالیت های دیگر دکتر مقربی به شمار می آید . وی در دانشکده افسری ، دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران کار تدریس را ادامه داد . تالیفاتی که از استاد مقربی به یادگار مانده است شامل کتب و مقالات چاپ شده درمطبوعات کشورمی باشد . دکتر مصطفی مقربی سرانجام در 18 مهر سال 1377 در سن 86 سالگی درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی مقربی دوره دبستانی را در دبستان اتحادیه و دوره دبیرستانی را در دبیرستان دارالفنون در سال 1312 ش به پایان رسانید. در سال 1315 ش از دانشسرای عالی، لیسانس زبان و ادب فارسی گرفت. و از سال 1322 تا 1324 ش دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را به پایان برد.
زمان و علت فوت : مصطفی مقربی در روز شنبه 19 جمادی ثانی 1419 ق مطابق به 18 مهر 1377 ش در سن86 سالگی در گذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه تشییع ودر بهشت زهرا-قطعه هنرمندان و فرهیختگان - به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی مقربی با سازمان کتاب های درسی و در موسسه فرانکلین با دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر زهرا کیا (خانلری) و دکتر فتح الله مجتبائی همکاری داشت. وی در تالیف و تدوین دایره المعارف فارسی با دکتر غلامحسین مصاحب همکاری داشت .
فعالیتهای آموزشی : مصطفی مقربی به مدت یکسال در دبیرستان شاهپور کرمانشاه به تدریس ادبیات پرداخت. مدتی هم دردبیرستان نظام شیراز به تدریس اشتغال داشت. از سال 1323 تا بهمن 1338 ش در دانشسرای مقدماتی به تدریس متون پرداخت. استادهمچنین در دانشکده افسری و

دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نیزتدریس نموده و در سال 1348 ش رسما بازنشسته شد. البته کار تدریس وی در مراکز مزبور تا سال 1358 ش ادامه داشت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از مصطفی مقربی مقالاتی زیادی در مطبوعات کشور به جای مانده که می توان به مقالاتی که در زمینه های : دستور زبان فارسی، زبانشناسی، حافظ پژوهی و نقد کتاب در ماهنامه های: سخن، راهنمای کتاب (که مدتی سر دبیر آن بود)، یغما، آینده وزبان شناسی، اشاره کرد. حدودیک هزار و پانصد مدخل در علوم ادبی، زبان فارسی، رجال وکتاب و ترجمه هایی از مقالات خارجی برای دایره المعارف مذکور تهیه کرد. ----------
آثار :
1 ترجمه تاریخ جهان برای خردسالان
2 ترجمه سقوط قسطنطنیه
3 ترجمه سه مقاله درباره ویس و رامین
4 ترکیب در زبان فارسی
5 تصحیح دیوان حافظ
ویژگی اثر : تصحیح این کتاب با همکاری استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی صورت گرفته است.
6 عقاید تربیتی فردوسی به موجب شاهنامه
7 فرهنگ اصطلاحات جغرافیا
ویژگی اثر : این کتاب با همکاری دکتر مصاحب ، استاد آرام ، وصفی اصفیا و دکتر گل گلاب در سال 1338 به چاپ رسید.
8 فرهنگی نامه فارسی
ویژگی اثر : تالیف جلدهیجدهم این کتاب مخصوص زبان و فرهنگ فارسی با همکاری احمد آرام ، رضا اقصی ، محمود بهزاد و نجف دریا بندری صورت گرفته است.
9 مقایسه عقاید فلسفی رواقی با آراء فلسفه اپیکوری
10 هژده گفتار
منابع زندگینامه :
آینه پژوهش ، سال نهم ، شمار ه پنجم ، شماره پیاپی 53 ، آذر و دی 1377

مقیم اصفهانی، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌درویش محمد حامدی خزاعی اصفهانی غروی.
عالم فاضل، مؤلف کتاب «مشکوة البهیة فی الفرائد القرآنیة». نام او در اجازه‌ی کبیر سید عبدالله شوشتری برده شده، و او وی را ستوده است.
درویش محمد، عالم و فاضل و صالح، و از شاگردان شهید ثانی و محقق کرکی بوده، و در 939 از استاد خود [محقق کرکی] اجازه گرفته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مقیمی، غلامحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسن مقیمی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/7/9
زندگینامه علمی
اینجانب غلام حسن مقیمی دوره ابتدایی را در یک از روستاهای شهرستان بهشهر بنام زبدوان اتمام سپس مقطع راهنمایی را در شهرستان بهشتر به پایان رسانده و دبیرستان را در رشته برق از سال 58 شهرستان بابل خوانده ام. سال 65 وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در سال 75 به اتمام رساندم. از سال 68 همزمان با دروس حوزوی دروس دانشگاهی را شروع نموده ام که از سال 78 مقطع ارشد در رشته علوم سیاسی اتمام رساندم. در سال 71 کار پژوهش و تالیف را شروع نمودم. اولین مقاله را در سال 71 تحت عنوان ضرورت مباحث و مطالعات سیاسی در حوزه های علمیه را نگاشتم. تا کنون بیش از 15 مقاله را منتشر نموده ام که ضمیمه می باشد. آخرین تالیف بنده اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی است که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه سیاسی به بنده شده بزودی منتشر خواهد شد. همچنین آخرین مقاله بنده بنام رمزگشایی از یک مفهوم پر ابهام است که در شماره جدید فصلنامه علوم سیاسی چاپ خواهد شد.
کتاب نقش مردم در حکومت دینی در سال 80 به عنوان رشد برگزیده فرهنگی سال شناخته شد و از جناب رئیس جمهور محترم لوح تقدیر دریافت نمودم. هم اکنون مدرس مدرسه عالی امام خمینی و عضو هیات تحریریه فصلنامه علوم سیاسی و نیز عضو هیات تحریریه فصلنامه طلوع می باشم.آخرین اثر در دست تالیف از بنده اندیشه سیاسی امام خمینی است.

مکرم حبیب‌آبادی اصفهانی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1384 -1304 ق)، شاعر و روزنامه‌نگار. در حبیب‌آباد از دهات برخوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در موطن خود، نزد درویش علی‌اکبر، و در اصفهان در مدرسه‌ی امامزاده اسماعیل و مدرسه‌ی کاسه‌گران به پایان رسانید. وی طبع شعر روانی داشت و بر ضد خرافات اشعاری می‌سرود. او در 1326 ق، زمانی که اقبال‌الدوله حاکم اصفهان بود، کتاب «فتح المجاهدین» را به بحر متقارب به رشته‌ی نظم کشید و منتشر نمود. مکرم در 1339 ق روزنامه‌ی «صدای اصفهان» و در 1340 ق مجله‌ی «سپاهان» را در اصفهان منتشر نمود. او مدتی به شغل وکالت روزگار می‌گذراند و در اواخر عمر در کتابخانه‌ی شهرداری اصفهان خدمت نمود. وی در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش «دیوان» شعری می‌باشد مشتمل بر سه قسمت: 1- غزلیات 2- مبارزه با خرافات 3- اشعار متفرقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (119 -117 ،28 -24/ 3)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (467 -464)، تذکرة القبور (492)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (974)، الذریعه (1095/ 9)، سخنوران نامی‌معاصر (3384 -3379/ 5)، فرهنگ سخنوران (872)، مؤلفین کتب چاپی (408 -407/ 4)، یغما (س 18، ش 2، ص 108 -107).

مکرم، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی. شاعر ادیب، مدیر روزنامه‌ی صدای اصفهان، و مجله‌ی سپاهان، و صاحب دیوان مطبوع. یکشنبه 24 ذی‌قعده. متولد در 1304، مدفون در تکیه‌ی گلزار.
ماده تاریخ وفاتش را برنا گوید:
«خصم اوهام و ریا بود بدنیا مکرم»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مکی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی مکی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/7/14

زندگینامه علمی
اینجانب متولد 14 مهر 1345 آبادان مقطع ابتدایی و سالهای اول و دوم راهنمایی را در دبستان سلطانی علوی و استقلال آبادان گذراندم و سال سوم راهنمایی و چهار سال دبیرستان را در دبیرستان حافظ قم سپری نمودم. رشته تحصیلی ام تجربی بود. سال 1365 رسما وارد حوزه علمیه قم شده و مقدّمات را در مدرسه مبارکه علمیه رضویه (سلام علی شرفیها) خواندم.
از سال 1372 درس خارج خود را در محضر حضرت آیة الله العظمی فاضل لنکرانی آغاز نمودم. پس از 8 سال با کسالت معظم له به مجموع شاگردان حضرات آیات عظام: وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی پیوستم. اینجانب از سال 1368 به جرگه مبلغین پیوسته در شهرهای آبادان، خرمشهر، کرمان، شهرکرد، فارسان، قم، تهران، کرمانشاه، همدان، اصفهان، زابل و ... و روستاهای اطراف به ایراد و سخنرانی پرداختم. مجموعه سخنرانی ها در مساجد، تکایا، نهادها، دانشگاه، زندان، و ... در موضاعات مختلف و مناسب با محل بوده است.
مدتی از طرف اوقاف، ستاد مبازه با مواد مخدر ... مسئول گروه مبلغین به استانهای مختلف را بر عهده داشتم. گذشته از یادداشتهای پراکنده ای که در زمینه منبر و سخنرانی و شیوه های روضه خوانی نوشته ام؛ شرح بر خطبه حضرت زهرا (س) نوشتم که متاسفانه چون توان چاپ نبود باقی ماند، یک کتاب به دعوت مرکز پژوهشهای صدا و سیمای قم به عنوان «پژوهشی در زندگینامه آخوند خراسانی» به رشته تحریر درآوردم که چاپ شد.
چون اکثر کار اینجانب تاکنون سخنرانی بوده؛ توانستم به پیشنهادهای مرکز

پژوهشها و دیگر دوستان عمل کنم و نوشته ای را تحریر نمایم. اینجانب یک دوره به مدت سه سال تحت عنوان مهارتهای تبلیغی در دفتر تبلیغات اسلامی در سطح دکتری سپری نمودم و از اساتید مجرب استفاده نموده و نفر اول و ممتاز آن دوره شدم و الان غریب دو سال است در مسجد محل تفسیر قرآن می گویم. مدت شش سال نیز بازرس دفتر تبلیغات اسلامی در دوره های طرح هجرت در استانهای قم، همدان، کردستان، فارس، بوشهر، چهارمحال بختیاری بوده ام.

ملا باشی سرابی تبریزی، محمدکریم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1251 ق)، مدرس، ادیب و نویسنده. از ادباء معروف آذربایجان و معلم محمد میرزای ولیعهد (محمد شاه قاجار) بوده و به نام وی کتابی در لغت پارسی با عنوان «برهان جامع اللسان»، در 1251 ق، تألیف کرده است که این کتاب به «فرهنگ محمد شاهی» نیز معروف می‌باشد. در ابتدای کتاب آمده است که شاهزاده بهمن میرزا در هنگام تألیف «تذکره‌ی شاهی» ملا باشی را به تألیف «فرهنگ محمد شاهی» رهنمون شده است. در «الذریعه» آمده که این کتاب به نام فتحعلی‌شاه قاجار نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (359 -358)، الذریعه (216/ 6 ،95 -94/ 3)، شرح حال رجال (5/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (494/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (74/ 5).

ملا عصام، عبدالملک

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1037 -978 ق)، ادیب و نحوی. در مکه به دنیا آمد. وی از علمای ادبیات عرب بود که در بلاغت، عروض، منطق و اصول مهارت داشت. او در مدینه درگذشت. گفته‌اند که وی دارای شصت اثر می‌باشد که اکثر آنها شرح و حواشی بر کتب علما است. از آثارش: «بلوغ الارب من کلام العرب»، در نحو؛ «الکافی الوافی»، در عروض و قافیه؛ رساله‌ی «تحریم الدخان»؛ شرح «قطر الندی»، در نحو؛ شرح «الارشاد»، در نحو؛ شرح «تفسیر ایساغوجی»، در منطق؛ «شفاء الصدور»، در شرح «الشذور الذهب» ابن هشام، در نحو؛ شرح بر «منظومة الشمنی»، در اصول حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4 /302)، ایضاح المکنون (2 /256، 288/ 1)، کشف الظنون (404- 405)، هدیة العارفین (1 /628).

ملاحسنی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا ملا حسنی
محل تولد : کرج- اشتهارد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
از سال 57 همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه شدم. با علاقه ای که به امور فرهنگی داشتم ابتداء به کارهای فرهنگی خاصه جوانان در عرصه های فرهنگی فعالیت داشتم. پس از گذاراندن مقدمات حزوه.در مدرسه علمیه امیر المؤمنین در سال 1360 وارد حوزه علمیه قم شدم.و در سال 1369 جهت کار تفسیری با مرکز فرهنگ و معارف قرآن و دفتر تبلغات همکاری را آغاز کردم. واز آن زمان تا کنون در گرایش تفسیر (علوم قرآنی، تا حدودی با روانشناسی و جامعه شناسی، حقوق به مقتضای نیاز کار آشنا شدم) و کار گروهی تفسیر که 23 دفتر دست نوشته حضرت آیة هاشمی رفسنجانی بود جهت تصحیحات و ساماندهی اطلاعات آغاز کردم. در کنار این پروژه و کارهای دیگر تفسیر که نام فرهنگ موضوعی تفاسیر که 2 دوره تفسیر از شیعه و اهل سنت بر این مورد مطالعه و در دستور کار گروه قرار گرفت.تفسیر راهنما در 20 جلد به چاپ رسید و فاز اوّل فرهنگ موضوعی تفاسیر در سه جلد به چاپ رسید و هر دو به عنوان کتاب سال معرفی شدند. و فاز دوّم فرهنگ موضوعی تفاسیر در 14 دوره با 178 جلد تفسیر مراحل چاپ را می گذراند. با فرصتی که در خدمت قرآن دارم.بسیار علاقمند مقاله و نوشتار شخصی خویش را بیشتر ادامه دهم و لی متاسفانه وقتی نیست و تاکنون قریب به دو مقاله ارائه شده که هر دو بر گزیده بودند امیدوارم خداوند توقیق دهد تا بتوانم بیشتر در این راستا قدم بردارم والسلام

ملاذ الاسلام، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج سید جعفر بن حاج سید محمّد باقر حجة الاسلام بید آبادی. عالم فاضل، داماد آقا نجفی، و امام مسجد سیّد بوده، در سفر زیارت در 17 شعبان سال 1336 وفات یافته، در دارالحفاظ مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملاذ الاسلام، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر. امام مسجد سیّد، از محترمین علمای اصفهان، که بین الخواص و العوام محبوبیتّی داشت، و در دوایر دولتی و نزد مردم مقبول القول بود، و پشت و پناه مردم، و کوشا در رفع حوایج آنان بود.
طبع شعری داشت و «عاصی» تخلّص می‌نمود. دیوانی دارد که به طبع نرسیده.
در حدود سال 1300 متولّد، و در 21 ربیع الاول سال 1372 وفات یافته، در بقعه مسجد سیّد مدفون گردید.
مرحوم نیّر در مادّه تاریخ وفات او ضمن قطعه‌ای فرماید:
قائم اللیل یناجی بخضوعٍ و خشوع
و بکاء و رکوع و سجود و قیام
یذکر اللّه و یستغفره بالاسحار
فی صلاةٍ و دعاءٍ و اذانٍ بدوام
نیّر نقّص اثنین فصار التّاریخ
جعل القدس مکانّا لملاذ الاسلام
از اشعار اوست:
دهید مژده که بوی بهار می‌آید
هزار شکر رفیقان، که یار می‌آید
به میکده خبری بر، صبا ز روی وفا
بگو که آن صنم گل عذار می‌آید
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ملامحمدی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید ملا محمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب مجید ملامحمدی در سال 1347 هجری شمسی در خانواده ای روحانی در قم به دنیا آمدم پدرم آقای حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی اشتهاردی از نویسندگان بر جسته حوزه علمیه قم هستند و به همین خاطر با کتاب انس گرفتم در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم از سال1369 به طور جدی کار شعر و داستان را در مطبوعات کودک و نوجوان شروع کردم و عضو تحریریه مجله های سلام بچه ها و پوپک شدم از آن سال تا کنون حدود پنجاه جلد کتاب در زمینه های داستان- شعر - تحقیق از من منتشر شده است حدود بیست کتابم در جشنواره های کتاب سال کشوری برگزیده شده اند با مجلات دیگر کودک و نوجوان همچون باران، سروش، نوجوان، کیهان بچه ها، مجلات رشد، دوست و ... همکاری جدی دارم مسئول صفحه کودک و نوجوان ماهنامه (کتاب قم) هستم تا به حال چند دوره داور بعضی از جشنواره های کتاب سال کشوری بوده ام جشنواره هایی که کتابهایم را برگزیده اند عبارتند از کتاب سال ولایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سلام بچه ها، پوپک، بنیاد دفاع مقدس، مهدویت، حوزه علمیه قم و اشراق

ملامحمدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ملامحمدی
محل تولد : اشتهارد کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد ملا محمدی مشهور به محمد محمدی اشتهاردی در سال 1323 هجری شمسی در اشتهارد (واقع در 59 کیلومتری غرب کرج) در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شدم و پس از دوره ابتدائی، در حوزه علمیه اشتهارد - که در آن موقع از چند نفر محدود تشکیل می شد- به تحصیل علوم حوزوی و ادبیات پرداختم و پس از خواندن کتاب سیوطی، در سال 1338 شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس سطح را بیشتر در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار آقایان: آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار، آیت الله حاج شیخ غلامرضا صلواتی، آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله ناصر مکارم شیرازی خواندم و چند سال در درس خارج آیت الله حاج شیخ هاشم آملی، و آیت الله ناصر مکارم شیرازی و چندی در درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی شرکت نمودم.
و مقداری از منظومه سبزواری و فلسفه را در محضر استاد آیت الله جعفر سبحانی و استاد حاج آقا مهدی حائری آموختم. و بخشی از علوم روز را از محضر درس دانشمند گرانمایه، شیخ محمد محققی لاهیجی(نماینده آیت الله بروجردی در هامبورگ آلمان) یاد گرفتم.از خاطرات من در این دوره اینکه از نظر وضع معیشتی بسیار در سختی به سر می بردم. در مدرسه حجتیه قم در حجره ای با دو طلبه دیگر سکونت داشتیم، ظاهرا سال 1340 شمسی بود. یک شب در حجره را زدند، در را گشودم دیدم دو نفر از فضلا وارد حجره شدند، دفتری در دستشان بود، پرسیدند: در این حجره چند نفر هستید؟ گفتم: سه نفر. فرمودند: ما از جانب آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره) آمده ایم، ایشان مبلغی به عنوان فوق العاده (نه شهریه) به طلاب مرحمت فرموده اند. نام ما را نوشتند و به هر نفر پانزده تومان دادند و رفتند که در آن وقت مبلغ قابل ملاحظه ای

بود و برکت و نورانیت خاصی داشت و این نخستین باری بود که از طرف حضرت امام(ره) به طلبه ها پول دادند

ملک اصفهانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد ملک اصفهانی که پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت و چندین سال از محضر آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیات دیگر کسب فیض نموده سپس به قصر آمده و به خدمات دینی از قبیل امامت و تبلیغ احکام و تدریس و تنویر افکار نسل جوان در دبیرستان آنجا مشغول می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

ملک افضلی اردکانی، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا شیخ محمد کاظم بن المرحوم آقا علی ملک افضلی اردکانی از علماء معاصر است در شهر میناب استان کرمان که در سی فرسخی بندرعباس واقع است.
وی در سال 1329 قمری در اردکان یزد در خانواده اعیان و اشراف آن سامان متولد شده در سن 17 سالگی پس از فراگرفتن صرف و نحو و تجوید عازم اصفهان شد و سه سال در اصفهان اشتغال بتحصیل قسمتی از نحو و معانی بیان و اصول داشته است و اساتید مشهور آنجا مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و مرحوم محقق اصفهانی بودند و سپس به اردکان و یزد مراجعت نموده در اردکان خدمت مرحوم حاج ملا محمد حایری و در یزد خدمت آیه‌الله مرحوم حاج شیخ غلامرضا خراسانی یزدی تلمذ نموده سپس عازم قم شده و بقیه سطوح را در قم خدمت حضرت آیه‌الله آقای حاج سید احمد موسوی خونساری و مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و درس خارج را خدمت مرحومین آیتین حاج سید محمد تقی خوانساری و آقای سید محمد حجت تبریزی خوانده و پس از فترت چهار سال مراجعت باردکان نموده و بعد از فوت مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بقم مراجعت کرده و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد تقی خوانساری و آیه‌الله حجت و آیه‌الله صدر و بالاخص آیه‌الله العظمی بروجردی تا آخر عمرش استفاده نموده و قسمتی از خارج صلوه مرحوم آیه‌الله بروجردی را نوشته و بعد فوت مرحوم تا بحال قسمتی از سال در حوزه علمیه قم و قسمتی در خارج قم (در شهر میناب) بسر برده و بخدمات دینی و اقامه جماعت و تبلیغ دین و ارشاد مردم اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ملک افضلی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ملک افضلی اردکانی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 وارد حوزه علمیه یزد شدم و پس از 6 سال و گذراندن دروس سطح یک نزد اساتید مدرسه امام خمینی(ره) یزد در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید معظم بهره برده و در سال 72 دوره سطح 3 را به پایان رساندم و از آن پس در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. همزمان با تحصیلات حوزوی از سال 69 مشغول به دروس دوره دبیرستان شده و در سال 73 دیپلم متوسطه را اخذ نموده و همان سال در رشته حقوق دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شده و در سال 76 فارغ التحصیل گردیدم . و در سال 1377 در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته شده و در سال 1380 از این مقطع نیز فارغ التحصیل شدم. در سال 1386 در مقطع دکتری رشته فقه و مبانی دانشگاه فردوس مشهد مقدس پذیرفته شده و هم اکنون علاوه بر تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی به تحصیل و تحقیق نیز اشتغال دارم .

ملک المتکلمین، نصراللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1277- مقتول 1326 ق)، واعظ و از بنیان گذاران مدارس جدید. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به فراگرفتن علم حکمت الهی پرداخت و یک دوره‌ی کامل فلسفه را نزد آخوند ملا صالح فریدنی آموخت. وی در بیست و دو سالگی به مکه معظمه مشرف شد و هنگام بازگشت به هندوستان رفت. مدت دو سال در آنجا تحصیل نمود و مدرسه‌ای به سبک جدید و به نام خودش در بمبئی تأسیس کرد. او کتابی به نام «من الخلق الی الحق»، برای بیداری مسلمانان نوشت که فرقه‌ی اسماعیلیه را بر ضد خود برانگیخت و منجر به تبعیدش از هندوستان و بازگشت به ایران شد. ملک المتکلمین در بوشهر با سید جمال‌الدین اسدآبادی ملاقات کرد. سپس به اصفهان رفت و به موعظه پرداخت. وی بعد از مخالفتهایی به آذربایجان و از آنجا به تهران و سپس به بادکوبه رفت و با طالبوف دیداری داشت و به کمک تجار، مدرسه ایرانیان بادکوبه را تأسیس کرد. بعد از مدتی از رفتن وی به اروپا ممانعت شد و او از عشق‌آباد به مشهد رفت. وی از مشروطه‌خواهان و ناطقی زبردست بود. سرانجام بعد از به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی شاه او را، در باغ شاه، خفه کردند. از دیگر آثارش: «رؤیای صادقه»، با مشارکت سید جمال‌الدین واعظ اسدآبادی و حاج فاتح‌الملک و اسداللّٰه خان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (165 -156/ 1)، روز شمار تاریخ (31 ،29/ 1)، شرح حال رجال (347 -346/ 4)، فرهنگ رجال قاجار (183)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3159 -1795/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (591 -590/ 6).

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1352 -1289 ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در 1297 ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در 1326 ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب نما» و، در 1327 ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در 1323 ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومیه‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصة الاعصار فی تاریخ بختیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (57 -56/ 3، 141، 43 -41/ 1)، الذریعه (195/ 21، 298 -297/ 3)، ریحانه (395/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (764 -763/ 3)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 100 -99).

ملک زاده، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ملک زاده
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1350/2/4
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1366 پس از خاتمه پایه اول دبیرستان، رشته «علوم تجربی»، وارد حوزه علمیه قم شدم. در خلال تحصیل علوم دینی به صورت متفرقه، پایه های دوم تا چهارم دبیرستان را به اتمام رسانده و دیپلم علوم تجربی را دریافت نمودم. دروس مقدّماتی و سطح حوزه را تا سال 1376 به اتمام رسانده و در کنار گذراندن دروس اصلی و جنبی حوزه، برخی دوره ها و مهارت های تخصصی حوزه نظیر: «تربیت مربی کودکان و نوجوانان» را نیز سپری نمودم.
در سال 1376 پس از خاتمه دروس سطح حوزه، وارد دانشگاه مفید شده و در رشته «علوم سیاسی» سطح کارشناسی به تحصیل مشغول شدم. سپس در سال 1380 با اتمام دوره کارشناسی در سطح کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» با گرایش «اندیشه» وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در سال 1383 با دفاع از پایان نامه خود با عنوان: «سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت» این دوره را به اتمام رساندم.
از سال 1380 تاکنون به فعالیتهای تحقیقی و مطالعاتی خود افزودم به طوری که علاوه بر ذکر برخی موارد در صفحات گذشته، قریب به 200 مقاله چاپ شده با عناوین و موضوعات گوناگون در مطبوعات و سایتهای اینترنتی منتشر نموده ام. در کنار این امور البته هرگز از دروس حوزوی نیز غفلت ننموده و با شرکت در جلسات درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته حوزه، از چند سال گذشته مطالعات خود را در این زمینه گسترش داده ام.

ملک زاده، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین ملک زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/6/14
زندگینامه علمی
تولد و خانواده در سال 1358 در خانوادهای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسُمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از 8 سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنٌ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از 10 سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدٌیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب

اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری –با صرف نظر از عنوان و موضوعشان- کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور –به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده- سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی –سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در 12 سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در 13 سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در 14 سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی – تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ 14 سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات

در دوره کودکی و نوجوانی، از سال 1372 (در سنّ 14 سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیةالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان 1375 و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود 14- 15 سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای 1372 تا 1375) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعة الکعبه») در سال 1375 موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال 1381 به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال 1381 و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعة الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعة الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعة الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال 1381 تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول 10 سال خوانده میشود، به توفیق الهی در

ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال 1379 با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیةاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیةاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال 81 تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیةاللّه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین 1384 تا 1386) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیةالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیةاللّه شیخ عبداللّه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیةاللّه شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد.علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیةالله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان –از مقدمات تا خارج- به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداختهاند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف

–و از جمله اجازه اجتهاد- از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال 1377) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان 1381 به مدت 3 سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدّت یک سال در دوره «شبههشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام – همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوانِ تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریسِ مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات

اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال 1384 (شعبان 1426ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعة الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای 75 تا 83): از سال 1375 تا اوائل سال 1381 در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال 81 و همچنین سال 82 و 83 در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعةالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال 1387 شمسی یعنی تا پیش از 30 سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملک‌الشعراء کاشانی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1228 ق)، شاعر، ادیب، خطاط و نقاش. اصلا کاشانی بود. پدر و جدش،فتحعلی خان صبا، هر دو از شعرای نامی بودند و در دربار فتحعلی‌شاه لقب ملک‌الشعرایی داشتند. محمود خان در تهران به دنیا آمد و علوم زمان خود را نزد عمویش، محمد قاسم خان فروغ آموخت. وی از اواخر عهد محمدشاه قاجار به کارهای دیوانی پرداخت و سپس در دربار ناصرالدین شاه عهده‌دار مشاغل مختلف دولتی بود و از نزدیکان و ستایشگران او شمرده می‌شد. محمود خان از فنون ادب و تاریخ و حکمت آگاهی داشت و در شعر تابع سخنوران قرن پنجم قمری بود و اغلب خطوط، بویژه نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت. او همچنین در تصویرسازی صاحب قلم و در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، نقاشی پر ابتکار بود و در مجسمه‌سازی و منبت‌کاری بر روی چوب و عاج و نیز قلمدان‌سازی مهارت داشت و تذهیب و تشعیر و روغن‌کاری را خود انجام می‌داد. محمود خان در تهران وفات یافت و در زاویه‌ی حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد. از آثار قلمی وی: «منشآت»؛ «دیوان» شعر، حاوی پنجاه و هشت قصیده و قطعه و چند شعر پراکنده و ناتمام و چهارده بند مرثیه به سبک «دوازده بند» محتشم کاشانی. به آورده‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، وی تاریخی نیز در تراجم ارباب القاب دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نگاشته است. از آثار خطی وی: یک نسخه «گلشن راز» شبستری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... بقلم شکسته رقم اقل چاکران... محمود کاشانی... سنه‌ی یکهزار و دویست و هشتاد و یک اتمام پذیرفت»؛ یک مرقع مشتمل بر بیست و دو رقعه، به اقلام مختلف، از جمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له» و تاریخ‌های 1289، 1288 و 1290 ق؛ مرقعی مشتمل بر سی و دو رقعه به اقلام مختلف، از جمله شکسته تعلیق، کتابت خفی خوش، با رقم: «مشقه العبد الاقل محمد کاشانی غفر له فی سنة 1289» و «العبد الاقل الاثم الجانی محمود الکاشانی سنة 1288» و قطعات مختلف دیگر. از آثار نقاشی وی: آبرنگ زیبا و استادانه‌ی شمس العماره، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه 1285»؛ تصویر کاخ گلستان، در آبرنگ، با رقم: «بنده درگاه محمود سنه 1287»؛ قلمدان برازنده و شیوایی، با تصاویر مختلف، با رقم: «بنده درگاه محمود 1300»؛

تابلوی رنگ روغنی صحن مطهر حضرت امام رضا (ع)، با رقم: «بنده درگاه محمود 1303».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1278/ 4 ،888 -885/ 3)، احوال و آثار نقاشان (1133 -1123/ 3)، از صبا تا نیما (130 -127/ 1)، تاریخ برگزیدگان (492 -490)، هنرهای ملی (961 -960/ 2)، حدیقة الشعراء (1607 -1604/ 3)، دایرةالمعارف فارسی (2702/ 2)، الذریعه (1013/ 9 ،312/ 5)، شرح حال رجال (283 -281/ 5)، فرهنگ سخنوران (821)، کارنامه‌ی بزرگان (382 -380)، گلستان هنر (پنجاه و سه)، گنج سخن (239 -234/ 3)، المآثر و الآثار (197 -196)، مجمع الفصحا (919 -907/ 5)، مکارم الآثار (759 -758/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (28 -26/ 6)، هنر قلمدان (133 -132).

ملک‌زاده، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دانشمند، ادیب و روزنامه‌نگار در 1269 در مشهد تولد یافت. پدرش میرزا کاظم صبوری متخلص به ملک‌الشعراء در آستانقدس رضوی مقامی شامخ داشت. محمد تحصیلات خود را در مشهد آغاز کرد. در نوجوانی پدر خود را از دست داد لاجرم تربیت و تأمین معیشت او به عهده برادر اکبرش که شغل و مقام پدر را در آستانه گرفته بود قرار گرفت. او تا بیست سالگی به تحصیل اشتغال داشت و علم مختلفی چون ادبیات عرب کلام و فلسفه و فقه و اصول را به حد کامل آموخت. وی به اتفاق برادرش وارد حزب دموکرات خراسان شد و در کار روزنامه نوبهار و تازه‌بهار که از نشریات خوب آن روز بودند سردبیر و نویسنده شد. در حکومت وثوق‌الدوله به تهران آمد و مدیریت و سردبیری روزنامه غیر رسمی ایران که معتبرترین و مهمترین روزنامه آن روز بود به او واگذار شد. بعد از کنار رفتن وثوق از روزنامه ایران استعفا داد و به مشهد رفت و روزنامه تازه بهار را به مدیریت خویش انتشار داد و از کمک‌های مادی و معنوی قوام‌السلطنه والی مقتدر خراسان و سیستان برخوردار بود. بعد از قیام کلنل محمدتقی خان، ملک‌زاده و روزنامه‌اش توقیف شدند. چندی در زندان به سر برد تا پس از ختم غائله آزاد شد و چندی روزنامه را انتشار داد. وی در اوایل سلطنت رضاشاه به خدمت در وزارت فرهنگ درآمد، مدتها ریاست فرهنگ خراسان با او بود، چندی نیز در تهران مصدر خدماتی گردید و مقام مدیر کلی گرفت. چند سالی نیز اوقاف کشور را اداره می‌کرد و از سران وزارت معارف بود. ملک‌زاده درباره قیام کلنل و اوضاع خراسان در آن روز یادداشت‌های سودمندی تهیه نموده که قسمتی از آن در تاریخ احزاب سیاسی ملک‌الشعرای بهار گنجانیده شده است. از اقدامات با ارزش ملک‌زاده چاپ دیوان برادرش ملک‌الشعرای بهار می‌باشد. وفات او در 1352 اتفاق افتاد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ملکم خان اصفهانی، ملکم خان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1326 -1246 ق)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر. ملقب به ناظم‌الدوله. در جلفای اصفهان به دنیا آمد. اصل وی از ارامنه جلفا بود که پدرش بعدها اسلام آورده و به جدیدالاسلام مشهور شده بود. میرزا ملکم خان پس از اتمام تحصیلات مقدماتی جهت تحصیل به فرانسه رفت و در آن کشور علوم و افکار جدید را فراگرفت. پس از بازگشت به ایران در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی پرداخت. وی از مؤسسین فراموش خانه (فراماسونری) در ایران بود. او از حدود 1289 تا 1307 ق، وزیر مختار ایران در لندن بود. سرانجام به دلیل سوء استفاده‌های مالی، مانند گرفتن امتیاز لاتاری و فروش آن پس از لغو امتیاز، از مقام خود عزل شد. وی که مسبب عزل خود را امین‌السلطان می‌دانست با او از در مخالفت درآمد و در 1307 ق در لندن به انتشار روزنامه‌ی «قانون» مبادرت کرد و از مخالفین استبداد شد و ندای قانون و قانونمندی سر داد. چنان که پس از استقرار مشروطیت سفیر ایران در ایتالیا شد. ملکم خان نمونه خطی را از ترکیب حروف الفبای فارسی ابداع کرد که شرح اختراع خود را در رساله‌ای به نام «نمونه‌ی خط آدمیت» در 1303 ق در لندن انتشار داد. او در لوزان درگذشت و جنازه‌اش را به برن بردند و طبق وصیتش سوزاندند. از دیگر آثار وی: «مبدأ ترقی»؛ «شیخ و وزیر»؛ اهتمام در انتشار «کلمات قصار حضرت علی (ع)»، با خط ملکمی؛ «در باب تسخیر مرو و ترکمان». [1]
پرنس میرزا ملکم‌خان ناظم‌الملک (بعدها ناظم‌الدوله، پرنس، نظام‌الدوله) از ارامنه‌ی جلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب ارمنی جلفائی. (و. 1249 ه.ق در اصفهان- ف. 1326 ه.ق در لوزان). گویند پدرش اسلام آورد و بعنوان جدیدالاسلام به مقاماتی نیز رسید. ملکم در سن ده سالگی به پاریس فرستاده شد و در آنجا به تحصیل علوم طبیعی و فیزیک و مهندسی پرداخت و پس از فراغت از تحصیل در سال 1267 ه.ق (در سن نوزده سالگی) به ایران برگشت و در دارالفنون به شغل معلمی و مترجمی اشتغال ورزید و 5 سال بعد (در سال 1272) مترجم وزارت خارجه شد. در سال 1273 با سمت مترجم مخصوص سفارت و درجه‌ی سرهنگ اتاماژوری مأمور سفارت دولت علیه‌ی ایران در اسلامبول گردید و سال بعد که به ایران بازگشت در تهران فراموش‌خانه (فراماسون) را دایر کرد

که عده‌ای از اعیان و شاهزادگان و برخی از جوانانی که در دارالفنون تحصیل می‌کردند در آن مجمع وارد شدند. در سال 1279 فراموش‌خانه بسته شد و میرزا ملکم به عثمانی تبعید گردید ولی 9 سال بعد (سال 1288) در زمان صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به سمت مستشاری صدارت عظمی منصوب گردید. در سال 1289 به لقب ناظم‌الملکی ملقب و مفتخر به دریافت نشان تمثال همایون از درجه‌ی اول گردید و از سال 1289 تا سال 1307 ه.ق (1888 -1872 م.) (مدت 18 سال) سفیر و وزیرمختار ایران در لندن بود. ملکم به طور کلی در دوران مأموریتش در اروپا سوءاستفاده‌های زیادی کرد و از بابت واگذاری امتیازاتی به خارجیها حق دلالیهای کلان می‌گرفت. بالاخره در سال 1307 از سفارت ایران در لندن عزل گردید و دیگر تا موقعی که ناصرالدین شاه زنده بود کاری به او ارجاع نگردید. ملکم در این مدت در لندن روزنامه‌ای به نام قانون انتشار می‌داد و تا 41 شماره این روزنامه را منتشر کرد. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا (در سال 1317 ه.ق- 1900 م) ملکم در پاریس به حضور شاه رسید و به لقب نظام‌الدوله مفتخر گشت و به سمت وزیرمختاری ایران در ایتالیا منصوب شد و تا موقعی که حیات داشت در همین سمت باقی بود. در سال 1326 ه.ق در سن 77 سالگی درگذشت و برحسب وصیتش جنازه‌اش را به برن (پایتخت سویس) برده سوزاندند. از آثار او می‌توان رساله‌ی مبدأ ترقی شیخ و وزیر، نمایشنامه‌ی اشرف‌خان را نام برد. ضمناً مبتکر خط جدیدی هم بوده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (41)، تاریخ جراید (102 -96/ 4)، الذریعه (266/ 14، 57/ 8)، شرح حال رجال (154 -139/ 4)، المآثر و الآثار (197)، مکارم الآثار (1294 -1293/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (288 -284/ 6)، یادگار (س 5، ش 8 و 9، ص 156 -155).

ملکی اصفهانی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود ملکی اصفهانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.
در سال 1339 شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و باسابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پروش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتها و راهنماییهای ایشان می دانم.
تحصیلات ابتدایی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال 1358 موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.
سپس در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل

لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.
از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمد شدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال 72 با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی شمیرانی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ مصطفی ملکی شمیرانی از فضلاء متقی و ائمه جماعت معاصر تجریش است.
وی در حدود سال 1436 ق در تجریش متولد شده و دروس جدیده را خوانده آنگاه بتشویق و تصویب مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی چیذری (سابق الذکر) بتحصیل علوم دینی پرداخته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح به قم آمده و سطوح متوسط و عالی را از حضرت آیت‌اللّه مرعشی مدظله و آیات دیگر بپایان رسانیده و بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و دیگران شرکت نموده و به افتخار و مصاهرت مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی نائل و چون محصلی با تقوا و جدی بودند بمراتب عالیه علم و کمال ارتقا یافته آنگاه به زادگاه خود تجریش برگشته و بحکم (و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم) به وظائف تبلیغی و خدمات دینی از اقامه جماعت و غیره پرداخته است.
نگارنده گوید: حقیر آقای ملکی را از قبل از ورود به تحصیل علوم دینی می‌شناسم و جز تقوا و پاکی و دیانت و فضل و کمال از وی ندیده و نشنیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ملکی طسوجی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس موسوی ملکی طسوجی از اجله علماء اعلام عاملین متصف بملکات فاضله و اخلاق حمیده بوده‌اند که در سال 1280 هجری شمسی در بلده طسوج آذربایجان که در دو منزلی غرب تبریز و شمال دریاچه رضائیه قرار دارد متولد شده و در بیت سیادت و علم پرورش یافته و در خاندانی نشو و نما شده که سخاوت و کراماتشان زبانزد عام و خاص بوده و قبور آباء و اجدادشان مزار و مطاف مردم آن دیار است.
فقید سعید قدس سره دوران صباوت را تحت تکفل والد ماجدش سیدالعلماء العالمین آقای آقا سید حسین موسوی طسوجی ملکی بوده و علوم مقدماتی و متداول آن زمان را فراگرفته و برای ادامه تحصیل به شهر خوی آمده است.
و در مدرسه علمیه نمازی سکنی گزیده و مدتی تحت نظارت دائی بزرگوارش آیت‌اللّٰه حاج سید هاشم مرقاتی مؤلف کتاب (مفتاح الکلام) فی شرح شرایع‌الاسلام که چند جلد از آن به طبع رسیده کسب فیض و علوم نموده سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت و پس از چند سال اقامت و استفاده از آیات عظام آنجا رهسپار نجف اشرف شده و از محضر اساتید و مراجع بزرگ تقلید در علوم فقه و اصول و فلسفه و حکمت و اخلاق تلمذ نموده تا به مقام شامخ اجتهاد نائل گردیده.
و آیات عظام و فقهاء کرامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی رضوان‌اللّٰه تعالی علیهم اجازه اجتهاد برای ایشان مرقوم فرمودند. پس از آن به وطن مالوف خویش مراجعت نموده و در بلده طیبه قم نیز از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی و آیت‌اللّٰه العظمی حجت کوهکمری فقها و اصولا کسب فیض نموده و حدود سال 1373 قمری به تبریز آمده و چند سالی اقامت و به تدریس علوم دینی و اقامه نماز جماعت اشتغال داشته و پس از مدتی بنابر مصالح شخصی به شهر خوی آمده و در این شهر هم مرجع امور دینی مردم بوده و در مسجد ملاحسن اقامه جماعت نموده تا در اواخر عمرشان مجددا به قم برگشته و پس از چند سال در تاریخ 1361 شمسی از دنیا رفته و در باغ رضوان مدفون شده است حشره‌اللّٰه مع اجداده.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

ملکی متهور، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید ملکی متهور
محل تولد : کبوتر آهنگ همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
سال 1361 موفّق به اخذ دیپلم تجربی از دبیرستان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شدم. و پایه اوّل را در آنجا خواندم. سال 1362 وارد حوزه علمیّه قم شدم و دروس مقدّمات و ادبیّات عرب را از محضر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.
دروس لمعه و اصول را از محضر اساتیدی چون: «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله استادی»، «آیت الله وجدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... استفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضر «آیت الله ستوده» خوشه چینی کردم. سال 1368 دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.
قابل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود 10 سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود 7 سال است که در درس خارج خصوصی «آیت الله معرفت» شرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر ملکی میانجی فرزند عبدالعظیم فرزند حاج علیمرادی از علماء متقی معاصر در میانج آذربایجان می‌باشند، که در سال 1324 قمری در قصبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیات و قسمتی از قوانین و ریاض را در زادگاهش خدمت آقا سید واسع کاظمی ترکی (ره) که از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.
سپس در سال 1349 قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال 1363 قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر 1378 قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.
آثار علمی ایشان از این قرار است
1- تفسیر آیات الاحکام
2- بدایع الکلام به طبع رسیده است.
3- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).
4- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.
5- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).
(تو ح 1324 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در 1349 ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللّه شیخ

مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللّه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحة الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[1]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 41 -40).

ملکی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا باقر ترکی ملکی میانجی عالمی عامل و فاضلی کامل و مفسری بصیر و محدثی خبیر و از اوتاد و اخیار علماء حوزه علمیه قم است تولدش در میانه واقع شده و به مشهد مقدس مهاجرت نموده و سالها در حوزه علمیه خراسان به تحصیل و تکمیل مبانی علوم پرداخته آنگاه در حیات مرحوم زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه به قم آمده و رحل اقامت افکنده و چندین سال از محضر آن علامه بزرگوار و بعد آیت‌الله العظمی شریعتمداری ایده‌الله استفاده نموده و به تدریس فقه و تفسیر پرداخته و عده‌ای از فضلاء و محصلین قم را از بیانات دقیقه و اخلاق حمیده بهره‌مند می‌سازد.
از باقیات الصالحات ایشان است فرزند برومندشان جناب ثقه‌الاسلام و مصباح الظلام آقای آقا میرزا صادق ملکی داماد آیت‌الله حاج شیخ راضی نجفی تبریزی از فضلاء آراسته موصوف به فضل و تقوا است سالها در مشهد و قم از محضر بزرگان و آیات عظام استفاده کرده و برای تبلیغ به خارج کشور بحرین و قطر و غیره مسافرت و انجام وظیفه نموده و اکنون رحل اقامت به تهران افکنده و به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملکیان، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر ملکیان
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/9/24

زندگینامه علمی
اینجانب محمد باقر ملکیان متولد 1342 در شش سالگی 1348 وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان 1356 به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.
از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلای طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم . لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجةالاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجةالاسلام فیاضی خواندم. حلقات شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجةالاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.
همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی 59 - 1358 برنامه ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده

های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.
از مهر 1359 به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایةالحکمه، نهایةالحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسی و ... . این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت.
بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود 1368 به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می دادم.
در سال 1379 در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته ام و پیش دفاع هم کرده ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال 1377 هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده ام و در این موسسه درس اشارات، نهایةالحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته ام.
بعضی از رساله های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله ها را مشاوره و یا داوری کرده ام. تابستانها حدود 8 سال برای دانشجویان برنامه ای با نام «طرح ولایت» اجرا می شد که من در آن برنامه درسهای: معرفت شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می کنم.

ملیحی هروی، ابوعمر عبدالواحد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 463 ق)، محدث، مسند و ادیب. مسند هرات بود. اصلش از ملیح از قرای هرات است. از ابومحمد مخلدی و ابوحسین خفاف و عبدالرحمان بن ابوشریح و محمد بن محمد بن سمعان نیشابوری و ابوحامد احمد بن عبداللّٰه نعیمی و جماعتی دیگر حدیث شنید. او «صحیح» بخاری را زا ابوحامد نیمی روایت کرده‌اند. ابومحمد بغوی و خلف بن عطاء ماوردی و اسماعیل بن منصور مقری و محمد بن اسماعیل فضیلی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در «شذرات الذهب» نام او به اشتباه ملیجی، منتسب به ملیج مصر، ذکر شده است. از آثارش: «الرد علی ابی‌عبید فی غریب القرآن»؛ «الروضة»، شامل هزار حدیث صحیح، هزار حدیث غریب، هزار حکایت و هزار بیت شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (323/ 4)، انساب سمعانی (383/ 5)، تذکرة الحفاظ (1131/ 3)، روضات الجنات (162 -161/ 5)، ریحانه (363 -362/ 6)، سیر النبلاء (256 -255/ 18)، شذرات الذهب (314/ 3)، العبر (315/ 2)، کشف الظنون (1204، 931)، معجم البلدان (227/ 5)، معجم المؤلفین (205/ 6)، هدیة العارفین (634/ 1).

ممدوحی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ممدوحی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت : ممدوحی کرمانشاهی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
زندگینامه علمی
تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال 1318 هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله

مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد.
آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.
با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.
فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایة الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایة الحکمة و نهایة الحکمة علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالة الولایة علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالة الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره

با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است.
فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.
ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن 14 الی 15 سال درس خارج فقه و حدود 7 سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.
در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.
از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را

مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالة الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : 1318/1/1

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن[X]زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال 1318 هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار

می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایة الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایة الحکمة و نهایة الحکمة علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب

شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالة الولایة علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالة الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است.
فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.
ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن 14 الی 15 سال درس خارج فقه و حدود 7 سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.
از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآة العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالة الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

مناقبی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای دکتر حاج شیخ جواد بن العالم الجلیل و المحدث النبیل المرحوم الحاج شیخ محمد النوائی المناقبی که به چند واسطه به علامه الکبری والایه العظمی صاحب تالیفات قیمه الشیخ محمد بن ابن شهرآشوب ساروی صاحب مناقب (ابن شهرآشوب) می‌رسد و از این جهت شهرت به مناقبی یافته است
از مشاهیر وعاظ و معاریف- خطباء- معاصر تهران و از ثمرات مفیده و ارزنده حوزه علمیه قم و دارای مقام فضل و کمال و علم و جلال و صاحب حسب و نسب که شهرت و آوازه‌اش به تمام ایران و خارج رسیده و مورد غبطه و محسود بعضی از اقران گردیده است.
دکتر مناقبی در سال 1350 ق در تهران متولد شده و پس از دروس جدید مقدمات و ادبیات و فقه و اصول و فلسفه را نزد اساتید بزرگ تهران آموخته
آنگاه مهاجرت به قم نموده و در مدرسه فیضیه سکونت و از مدرسین بزرگ چون مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و دروس معقول فلسفه و حکمت و تفسیر را از علامه‌ی بزرگوار آیت‌الله طباطبائی قاضی (پدر خانواده خود) آموخته و به درس خارج زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی و بعضی از آیات دیگر شرکت کرده تا به مدارج عالیه علم و کمال رسیده آنگاه به تهران مراجعت و در دانشکده وارد و در مدت کوتاهی به دریافت دکترا نائل و برای استادی و تدریس درد در دانشکده الهیات دعوت شده است.
مولف گوید: حقیر از روزی که دکتر مناقبی واعظ را دیده و شناخته‌ام وی را مبرا از آلودگی‌های اخلاقی و واجد ملکات فاضله و اخلاق حمیده یافته‌ام.
بیانی صریح و شیرین و منبری جامع و مفید و آموزنده و همه‌پسند دارد.
بسیاری از جوانان منحرف در اثر بیانات وی به راه آمده و پایبند دین و آئین گردیده‌اند.
دارای آثار علمی در فقه و اصول و معقول از تقریرات و دراسات اساتید قم (به قرار ذیل) می‌باشد.
1- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی.
2- تقریرات درس مرحوم آیت‌الله العظمی محقق داماد.

3- جزوات تفسیر علامه طباطبائی دام ظله.
4- مقالات آموزنده انتقادی و اخلاقی توسط انجمن خدمات اسلامی به طبع رسیده و در سطح وسیعی منتشر می‌شود.
مرحوم والدش حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ محمد نوائی از محترمین اهل منبر تهران و موصوف به فضل و تقوا بوده و در خیابان مولوی تهران سکونت داشتند و عمری به پاکی خدمت به شرع مقدس نموده و به سهم خود ایفاء وظیفه نموده‌اند و کافی است در فضل و فخروی که فرزند برومند و دانشمندی چون حجه‌الاسلام و واعظ گرامی آقای حاج شیخ جواد مناقبی دارند که روحانیت و حوزه علمیه قم به او مفتخر و مباهی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

منتجب نیا، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول منتجب نیا
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/4/22
زندگینامه علمی
رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولد 22 تیرماه 1324 شمسی در شیراز در خانواده ای مذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتدایی همزمان با خواندن دروس دبیرستانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود 2/5 سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال 44 به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفاتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی 4/5 سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.
از سال 46 وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردید و حدود 9 سال شرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شد و علاوه بر شرکت در امتحان خارج مدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.
فلسفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقای یحیی انصاری شیرازی، آقای مفتح و آقای مطهری تلمذ کرد. وی در سال 70 با شرکت در امتحانات عمومی و تخصصی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد

و دکترا، در سال 82 پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خیار تبعضی صفقه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال 84 با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردید. وی از سال 74 به عضویت رسمی هیئت علمی دانشگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال 40 با افکار و اندیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شیراز چون حضرات آیات: دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم 15 خرداد 42 شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال 55 به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال 57 یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود 5 ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی فرماندرای، رژیم شاه ناچار به تسلیم در برابر مردم و موافقت با بازگشت او به خمین گردید. او تا پیروزی انقلاب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال 57 در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال 58، مسئولیت عالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهده دار بود و نماز جمعه را همچنان اقامه می کرد، و با کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دستور امام به

پایگاه وحدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مدیریت امور فرهنگی و قایی نیروهای مسلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر 58 تا اوایل سال 60 در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولیتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک 7 تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نمایندگی مردم آن منطقه در مجلس شد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام وظیفه نمایندگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسئولیتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسیون امور دفاعی، مسئولیت دفتر مشاورت حضرت امام (ره) در منطقه خلیج فارس، قائم مقام ستاد قرارگاه خاتم و ستاد کل پدافند و ... را بر عهده داشت.

سال 67 به حکم حضرت امام خمینی (ره) به نمایندگی ایشان در شهربانی کل کشور منصوب گردید که تا سال 70 یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال 68 به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمان ایران منصوب شد. و در دورا ن ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی، سمت مشاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شد و علاوه بر آن مسئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال 66 و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبارز به عضویت هیئت مؤسس و شورای مرکزی آن تشکیلات در آمد. و از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود 40 سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانان می پردازد، پایگاه فعالیت فرهنگی او عمدتا در مسجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای

کشور متمرکز می باشد.
فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:
او تاکنون کتابهای: (اصول فقه و مبانی حقوق اسلام)، (جمال شریعت) و (خاطرات انقلاب) را تالیف و منتشر نموده است و کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصی او زیر چاپ می باشد و چند کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسری کشور قرائت شده است و هم اکنون چند طرح پژوهشی کارساز و ارزشمند را در دست اجرا دارد.

منتظر قائم، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی منتظر قائم
محل تولد : فردوس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1

زندگینامه علمی
الف) دورس حوزوی
تابستان 1351 برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی 57 ـ 56 ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی 58 ـ 57 با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال 1361 به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.
از سال تحصیلی 62 ـ 1361 تا پایان سال تحصیلی 66 ـ 1365 به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی 66 ـ 1365 درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال 74 ـ 1373 ادامه دادم. از سال 71 ـ 1370 تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعة الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.
ب) دروس کلاسیک
دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رمضانی (از سال تحصیلی 44 ـ 1343 تا آخر سال تحصیلی 49 ـ 1348) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی 50 ـ 1349 تا آخر سال تحصیلی 51 ـ 1350 بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) 53 ـ 1352 تا آخر سال تحصیلی 57 ـ 1356 در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.
در سال 58 ـ 1357 در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن 1364 با معدل 3/18 فارغ التحصیل شدم. در سال 68 ـ 1367 در رشته «الهیات و معارف اسلامی»

در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور 1371 با معدل 65/17 مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره 19 پذیرفته شد. زمستان سال 1384 در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال 85 تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی 71 ـ 1370 در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال 73 ـ 1372 تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال 1374 عضوت هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعة الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظرقائم، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1332، فردوس.
درگذشت: 21 شهریور 1364.
حسن منتظرقائم در شش سالگی به ترک اجباری زادگاهش مجبور شد و به همراه خانواده به یکی از روستاهای اطراف یزد کوچید. در ده سالگی در جریان نهضت پانزده خرداد قرار گرفت و از هان زمان وارد عرصه‌ی سیاست شد. در هفده سالگی به زندان افتاد. پس از انقلاب اسلامی از سال 1363 «کیهان فرهنگی» را به صورت ضمیمه‌ی روزنامه‌ی «کیهان» منشتر کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منتظری مقدم، حامد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حامد منتظری مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال 1349؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.
در سال 1365، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.
در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).
تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .
در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال 1370 در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال 1369 وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال 1373 مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.
سپس در سال 1374 فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال 1379 از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.
هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود 20 مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان 1383 به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی 1384 ممتاز شناخته شد.
افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود منتظری مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین 1345 از پدری فاضل و دانشمند حجةالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجةالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.
در سال تحصیلی 61 – 62 وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا 7 سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجةالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.
در سال 69 با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به

شمار می آید و ایشان در سال 75 به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت 5 سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت 2 سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت 5 سال پرداخت.
لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجةالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت 4 سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.
پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا 14 سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.
لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منتظری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید منتظری در سال 1323 در خانواده گرانقدر و فقیه والا مقام آیت الله منتظری در نجف آباد اصفهان متولد شد. در سال 1337 وارد حوزه علمیه قم شد و علوم اسلامی در سطح خارج فقه و اصول و فلسفه را فرا گرفت. و در محضر اساتیدی مانند امام خمینی، آیت الله داماد، منتظری و مشکینی فرا گرفت. در سال های 41 و 42 همزمان با آغاز نهضت امام خمینی فعالیت های مبارزاتی خود را آغاز و تا پایان عمرش به حرکت در راستای ولایت فقیه ادامه داد. در سال 44 در حین انتشار اعلامیه دستگیر شد پس از 7 ماه زندان آزاد شد و در جریان یک رویارویی با ماموران رژیم گریخت و سپس به خارج رفت و تا 10 سال زندگی مخفی را در خارج از کشور گذراند. وی در خارج از کشور نیز کارشان هماهنگی و همکاری همودن با رهبران کشورهای آزادیبخش جهان اسلام بود. و اما از همه سعادتمندانه تر اینکه امام خمینی پرونده ایشان را به خط خودشان امضاء و فرموده اند که ایشان انسانی متفکر و فداکار با اخلاص و ایثارگر بود. و سرانجام در هفتم تیر ماه 1360 به دست منافقین کوردل در فاجعه حزب جمهوری به شهادت رسید.

منتظری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: بهمن 1323، نجف‌آباد.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام محمدعلی منتظری نجف‌آبادی درس و کار را توأما آغار کرد. در ابتدا، برای امرار معاش و کمک به وضع مادی خانواده، اول در کار کشاورزی و سپس به عنوان کارگری ساده در یک کارگاه کوچک ریخته‌گری قاشق و چنگال، مشغول کار شد، گاه نیز به کار کشاورزی می‌پرداخت. از طرف دیگر توانست تا سیزده سالگی کلاس پنجم را به پایان برساند. سپس راهی مدرسه علمیه شد و به فراگیری علوم اسلامی در محضر استادانی چون آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله جنتی، و بعدها امام خمینی (ره)، و دیگر اساتید حوزه علمیه قم و نجف پرداخت. وی عمده‌ی آموزش‌های خود را از آیت‌الله منتظری فراگرفت. به گونه‌ای که قسمت اعظمی از دروس خود، به ویژه دروس «سطح» و تا اندازه‌ای «خارج» را پیش پدرش آموخت. علاوه بر این علوم، همراه پدرش به مسافرت‌ها و دیدار با علما می‌رفت. وی همچنین با اقتصاد اسلامی آشنایی کامل یافت و در این رشته استاد گشت. وی در زمینه‌ی حکومت اسلامی هم مطالعاتی داشت. موضوع نخستین درسش برای طلاب در تابستان سال 1348، حکومت اسلامی بود و درس اقتصاد اسلامی را نیز در تابستان سال 1349 تا بهار سال 1350 تدریس می‌کرد.
حجت‌الاسلام منتظری از سال 1341 وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی گشت. در این سال از نوشتن اعلامیه شروع کرد و بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افراد برای مبارزه پرداخت. در پانزده خرداد 1342 به پخش اعلامیه‌های گوناگون به وسیله دستگاهی ساده که خود ساخته بود، پرداخت. اولین بار در تهران هنگام شعار علیه رژیم در مجلسی، دستگیر شد و روانه زندان گردید. این بازداشت چندان دوام نیافت و به زودی آزاد گردید. وی پس از این مسافرت‌هایی به شهرستان‌ها به منظورهای تبلیغ سیاسی داشت، دسته‌های کوچکی از افراد جوان و متدین ایجاد کرد؛ و در عین حال شروع به خواندن زبان انگلیسی و مطالعه مکتب‌ها و نهضت‌ها و تحولات کشورهای دیگر پرداخت. وی در اول فروردین سال 1345 همراه عده‌ای

از طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هنگام پخش اعلامیه‌های ضد رژیم در صحن حضرت معصومه (س) دستگیر و روانه بازداشتگاه شد. بعد از سه روز وی را تحویل زندان قزل قلعه دادند. وی تا پانزده روز به شدت شکنجه شد و مدت سه سال در زندان به سر برد. در اواخر سال 1347 از زندان آزاد شد. به وی گفته بودند حق اقامت در شهر قم را ندارد. اما وی اهمیتی نداد و به قم رفت. از جمله فعالیت‌های این دوره وی این بود که در سال‌های 1348- 1349 در با همکاری عده‌ای از جوانان نجف‌آباد کتابخانه‌ای سیار تأسیس کرد. او کلاس‌هایی برای طلاب جوان مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد ترتیب داد. اما ساواک هم مدرسه‌ی علمیه‌ی نجف‌آباد و هم کتابخانه‌ی موجود در آن را تعطیل نمود. کار کتابخانه سیار هم به تعطیلی کشید. در همان سال‌ها به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر علما مشغول بود. در این دوره همچنین به فکر فعالیت‌های تشکیلاتی و در پی انجام اقدامات مسلحانه بود. هنوز در این امر پیشرفتی نکرده بود که در سال 1350 شناسایی شد و مجبور به فرار گشت، به پاکستان و سپس به عراق و بعد کشورهای عربی و سپس به افغانستان و بعد از آن به اروپا رفت. و در این سفرها به افشاگری درباره‌ی رژیم می‌پرداخت. در پاکستان در شهر کویته بود. با شخصیت‌های پاکستانی ملاقات داشت، از جمله با مولانا ابوالاعلی مودودی در ارتباط بود. مسافرت‌هایی به افغانستان نیز داشت. پس از مدتی از کویت به کراچی رفت و با سازمان آزادی بخش فلسطین (فتح) در پاکستان آشنا شد. این آشنایی به برقراری رابطه‌ای محکم و طولانی انجامید. پس از دو سال سرگردانی در پاکستان و عراق سرانجام در سال 1352 به عراق رسید. در عراق، ضمن شرکت در درس امام خمینی (ع) به مبارزات خود ادامه داد. چون با اوضاع افغانستان آشنا بود، به جمع انقلابیون مسلمان افغانی پیوست، راهی افغانستان شد و به مبارزه خود در آنجا ادامه داد. مدتی نیز در زندان آن کشور بود.
حجت‌الاسلام محمد منتظری در عراق همراه عده‌ای از طلاب قسمتی از برنامه‌های فارسی رادیو بغداد را به دست گرفت و از آن علیه رژیم فعالیت می‌کرد. همچنین در عراق به مبارزان ایرانی تعلیمات چریکی آموزش می‌داد. با بهبود روابط ایران و عراق، راهی کشورهای دیگر عرب زبان شد. او با ابتکارات جالب به جعل گذرنامه می‌پرداخت. او در کشورهای خلیج فارس، عراق و سوریه و لبنان و افغانستان در حرکت بود و کتاب و نوار و نشریه پخش می‌نمود و به افراد آموزش‌های نظامی می‌داد. او بارها در عراق، لبنان، سوریه و کلیه کشورهای خلیج به زندان افتاد و شکنجه‌ها دید. ایشان در لبنان و سوریه در کنار رزمندگان فلسطینی قرار داشت و در دو جنگ لبنان شرکت داشت. انقلابیون منطقه به ایشان لقب «ابواحمد» داده بودند. وی همچنین تشکیلات «روحانیت مبارز خارج از

کشور» را پایه‌ریزی کرد. در سال 1356 به هنگام شهادت فرزند امام خمینی، تظاهرات گسترده‌ای را در لندن برپا نمود. ضمنا در همان سال در بیروت به مناسبت چهلم فقدان دکتر علی شریعتی مجلس ختمی در بیروت برپا کرد. در تابستان 1356 در کلیسای سنت مری پاریس به یاری روحانیت و دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی خارج از کشور سمینار و تحصن بزرگی را شکل داد که در آن خواستار آن بودند که عده‌ای از زندانیان آزاد شوند.
در سال 1357 محمد به طور ناشناس به ایران آمد. سپس در دی ماه 1357 که همراه پدرش به دیدار امام خمینی به پاریس رفته بود، از طریق سوریه و عراق به کشور بازگشت. در ایران پس از انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت. او چون معتقد به فعالیت در سطح جهان بود، از همان بدو تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌ای برای تداوم فعالیت‌هایش داشت (تأسیس واحد نهضت‌های آزادی بخش). وی همچنین تشکیلاتی برای مسلمانان جهان تأسیس نمود به نام «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری‌های اسلامی (ساتجا)» و خود رهبری آن را به عهده داشت. وی همچنین دست به انتشار نشریه‌ای به نام «شهید» زد که چهار شماره بیشتر منتشر نشد. سپس دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پیام شهید» زد که این هم چندان طولانی نکشید. سرانجام در دوم شهریور ماه 1358 دادستان انقلاب اسلامی آن زمان طی حکمی دستور توقیف این روزنامه را داد. وی دلیل این کار را کوشش در تضعیف دولت بیان کرد. وی برای کمک به مردم لبنان، دست به تشکیل سپاهی از جوانان زد و این گروه را پس از تعلیم آموزش‌های نظامی و جنگ‌های چریکی، برای جنگ با اسرائیل روانه جنوب لبنان ساخت. اعزام این افرار سر و صدای بسیاری در محافل داخل و خارج کرد. در لبنان مسئله ورود حجت‌الاسلام منتظری بسیار پر سر و صدا شد.
در جریان انتخابات اولین مجلس شورای اسلامی از نجف‌آباد نامزد انتخاباتی می‌شود و با آوردن 95 درصد آرا به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. در مجلس شورا عضو کمیسیون خارجه بود. و در هیئت بررسی شنکنجه در ایران نماینده‌ی امام بود. وی همچنین نماینده مجلس در شورای عالی دفاع بود. از وی مقاله‌هایی در نشریات و جراید به جا مانده است.
حجت‌الاسلام محمد منتظری در هفتم تیرماه 1360 به سبب انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منجم باشی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1250 ق)، ریاضیدان، منجم، استاد و ادیب. او منجم باشی مهد علیا، مادر ناصرالدین شاه، بود. از محضر پدرش، ملا علی محمد، که جامع معقول و منقول و ریاضیدانی مشهور بود، استفاده نمود و تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد و سالها در آنجا به تدریس پرداخت. از آثارش: «نجوم القرآن فی اطراف الفرقان»، که ترجمه‌ای است به فارسی از «کشف الآیات» گوستاوفلوگل، مستشرق آلمانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (131/ 8)، تذکرة القبور (416)، الذریعه (82/ 24)، شرح حال رجال (152/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 809 -808/ 13).

منذری هروی، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 329 ق)، لغوی، نحوی، ادیب و مصنف. اهل هرات بود. از ثعلب و مبرد ادبیات عرب را فراگرفت. شیخ ابومنصور محمد بن احمد ازهری از شاگردان و راویان وی است. به گفته‌ی ازهری او سالها ملازم ابوهیثم رازی بود و نوشته‌های خود را بر او عرضه می‌داشت. حموی گوید که وی نحوی و لغوی بود و در این فن تصنیفات داشت. از آثارش: کتاب «نظم الجمان»؛ کتاب «الملتقط»؛ «الفاخر» یا «مفاخر المقال فی المصادر و الافعال»؛ «الشامل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (298/ 6)، ریحانه (14/ 6)، کشف الظنون (1961، 1812، 1758، 1025)، معجم الادباء (101 -99/ 18)، معجم المؤلفین (158 -157/ 9)، الوافی بالوفیات (297/ 2)، هدیة العارفین (35/ 2).

منزوی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد منزوی ، فهرست نگار و کتاب شناس معاصر است . او در سال 1302 ش در سامره ، و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود . وی تا ده - دوازده سالگی در آنجا بود و سپس به ایران بازگشته و تحصیلات خود را ادامه داد . منزوی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به عنوان دبیر دبیرستان مشغول به فعالیت شده است . وی پس از بازنشستگی نیز به کارهای تحقیقاتی خود پرداخته است . فعالیت های وی در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به مدت 15-16 سال طول کشید .او سپس در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به فعالیت پرداخته است . منزوی از محققان پر تلاشی است که با قناعت و فروتنی ، به امید شناساندن آثار علمی و فرهنگی ایران به بررسی فهرست ها و نسخه های گوناگون پرداخته است . کتاب"فهرست وارة کتاب‌های فارسی"تالیف وی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : فهرست نگاری
والدین و انساب : نام پدر احمد منزوی ، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، نگارنده دایره المعارف بزرگ کتاب شناسی « الذریعه الی تصانیف الشیعه » و « طبقات اعلام الشیعه » است . مادرش ، مریم خانم ، دختر آقا سید احمد دماوندی (از روحانیون روزگار) بود که فرزندان ایشان با نام خانوادگی « آریان » در تهران و ایران پراکنده هستند . پدر احمد منزوی ، در کنار مشروطه خواهان بود ، لیکن پس از آن که متوجه شد مشروطیت در مسیر دلخواه قرار نگرفته است ، به کار نگارش ذریعه و طبقات پرداخت ، و شهر سامره را (که دور از هر غوغایی بود) برگزیده ، و به کار تحقیق پرداخت . احمد نقل می کند که برنامه کاری پدرش آن قدر دقیق بود ، که بیشتر آشنایان قلم زن ایشان ، خاطره ای از آن نوشته اند . او پی گیری کار پژوهش ، اختصاص دادن تمام اوقات خود به آن ، و حضور ذهن پدر نسبت به دانشمندان شیعه را شگفت آور می داند .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شرایط اجتماعی خانواده احمد منزوی چندان که باید مناسب نبود . احمد منزوی ، برادر دکتر علی نقی منزوی و

دکتر محمد رضا منزوی است . بازداشت و سپس به شهادت رسیدن محمد رضا در سال 1332 ش باعث شد که علی نقی به کارهای سیاسی کشیده شود. این امر به نوبه خود باعث برهم خوردن اوضاع اجتماعی خانواده گردد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمدمنزوی مقدمات علوم را نزد پدرش (مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی) فرا گرفت. او در دوازده سالگی به نجف اشرف سفر کرد.و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذرانید. وی در بیست سالگی ، یعنی در سال 1322 ش ، همراه پدر به ایران بازگشت و پس از اخذ دیپلم از مدرسه دارالفنون به دانشکده معقول و منقول راه یافت .منزوی در مورد تحصیلات دانشگاهی خود نقل می کند که « پدر دست مرا در دست شادروان استاد سید محمد مشکات نهاد و با معرفی و یاری ایشان به تحصیل در رشته معقول در دانشکده معقول و منقول پرداختم. » او در سال 1327 ش در رشته الهیات از آن دانشکده با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد منزوی پس از کوچ خانواده از سامره به نجف در سال 1314 ش ، در کنار تحصیلات خود ، در کارگاه دوزندگی مشغول به کار شد. او پنج سال از عمرش را در مغازه میرزا محمد شیرازی به کارگری پرداخت و دوزنده شد. علاوه بر آن ، کلاس ششم ابتدایی را نیز در دبستان علوی ایرانیان نجف به پایان رسانید.
استادان و مربیان : احمد منزوی در طول تحصیل خود در تهران از محضر استادانی همچون استاد محمد تقی دانش پژوه ، استاد سید محمد باقر سبزواری ، استاد احمد بهمنیار ، استاد ایرج افشار ، استاد سید محمد مشکات ، استاد فاضل تونی ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، دکتر غلامحسین یوسفی ، استاد محمد تقی مدرس رضوی ، دکتر علی اکبرفیاض ، استاد راشد ، دکتر علی نقی منزوی (برادرش) و دیگران بهره برده است. همچنین دکتر محمد محمدی نیز از دیگر اساتید وی بود. او ادبیات فارسی را نزد عمویش ، حاج محمد ابراهیم بهشتی پور ، و جامع المقدمات را نزد شاگردان پدر آموخت . لیکن نخستین استاد وی در زمینه کتاب شناسی ، پدرش بود.
هم دوره ای ها و همکاران : استاد دکتر محمد تقی دانش پژوه ، استاد دکتر مهدی محقق ، استاد سید کاظم موسوی بجنوردی ، استاد ایرج افشار و دکتر محمد رضا نصیری از دوستان احمد منزوی می باشند. همچنین استاد دکتر فتح الله مجتبایی و عنایت الله مجیدی ، نیز از دوستان دیگر منزوی هستند. منزوی به هنگام فعالیت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با حسین بنی آدم ، عباس مافی و خانم هارتوریان همکار بوده است.
همسر و فرزندان : احمد منزوی در سال 1327 ش که در بندرانزلی به

تدریس مشغول شده بود ، با یکی از همکارانش به نام خدیجه جاویدی ازدواج کرد. حاصل این وصلت دو دختر است که هر دو مهندس بوده ، و نسرین (زویا) و شورا نام دارند.
وقایع میانسالی : احمد منزوی برای فراهم کردن « فهرست مشترک از همه نسخه های فارسی » لازم دید که به شبه قاره هند سفر کند . بدان علت در پاییز 1356 به پاکستان ، افغانستان و هند مسافرت کرد . او سفر خود را با هزینه شخصی و از راه زمین (از زاهدان به کویته) آغاز کرد ، و از آن جا نیز به دیگر شهرهای پاکستان رفت . شایان ذکر است که وی پیش از اقامت در پاکستان سفری 45 روزه در افغانستان داشته است . در واقع ، در این سال بود که او در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کارهای تحقیقاتی پرداخته است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد منزوی در سال 1345 ش با معرفی جلال آل احمد جذب « موسسه علوم اجتماعی » شد که ریاست آن را دکتر احسان نراقی بر عهده داشت. او در سال های 1335 با ایرج افشار به فهرست نویسی از نسخه های چاپ سنگی پرداخت ، و در سالهای 1356 تا 1369 ش با معرفی دکتر سید علی اکبر جعفری در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » مشغول فعالیت شد. وی در سالهای 1372 تا 1375 ش مشاور علمی در نگارش « دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره » بود. از دی ماه 1369 تا به حال هم در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » به عنوان کارشناس ارشد بخش فهرست نویسی مشغول فعالیت می باشد. منزوی در پاییز 1356 ش به شبه قاره هند سفر کرد. او طی آن سفر در « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » به کار گمارده شد، و تحقیق در مورد نسخه های خطی فارسی را آغاز کرد. وی تا پایان سال 1369 آنجا بود و سپس به علت بیماری های پیاپی به تهران بازگشت. او در تهران در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول فعالیت شد. در زیر به برخی از فعالیت‌های استاد منزوی اشاره می‌شود: ـ فهرست‌نویسی در کتابخانه‌های مجلس و آستان قدس رضوی؛ ـ فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپ سنگی برای مرکز استاد دانشگاه تهران؛ ـ تدوین فهرست نسخ خطی و عکسی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
فعالیتهای آموزشی : احمد منزوی در سال 1327 ش به استخدام آموزش و پرورش بندرانزلی درآمد. وی در سال 1329 ش به تهران منتقل شده و به تدریس پرداخت. تا اینکه در سال 1356 ش بازنشسته شد. منزوی در بندر انزلی به عنوان دبیر دبیرستان پسرانه فردوسی و دبیرستان دخترانه شاهدخت به تدریس ادبیات فارسی و زبان عربی و دینی پرداخت. وی سپس از سال 1329 تا 1356 ش با همان سمت دبیری در دبیرستان

پانزده بهمن (بخش چهار فرهنگ تهران) مشغول شده است. منزوی از سال 1356 ش به مدت 16-15 سال در خدمت « مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان » بود. او از سال 1369 ش تا به حال به مدت 12 سال در « مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی » مشغول به فعالیت می باشد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد منزوی هرروز یک ساعت پیش از غروب آفتاب ، تا نیم ساعت پس از آن ، به راه پیمایی یا پیاده روی می پردازد. او که از مرداد 1369 ش به مدت 12 سال در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مشغول به کار است ، حتی یک روز هم از مرخصی کارمندی خود استفاده نکرده است. وی درباره برنامه روز جمعه خود چنین اظهار می دارد که « همه جمعه ها به خانه برادرم رفته و ساعت 2 بعداظهر به خانه برمی گردم .» منزوی راز بقا و طول عمر خویش را چنین بیان می کند: « ... این راز درازی عمرم بود : برنامه یکسان و دقیق ، برای انجام کار .»
شاگردان : احمد منزوی نقل می کند که « بد روزگاری است ، احساس می کنم زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای جوانان نمانده است ، نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی . » لیکن او سپاسگزار است که در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت هایی دست یافته و موفق شده است که چند تن را به ایران شناسی و بخش فهرست نویسی علاقمند نماید. همانند دکتر سید عارف نوشاهی ، که یکی از شخصیت های شناخته شده پاکستان در فهرست نگاری و کتاب شناسی است. دیگر ، سید خضر عباس نوشاهی است که چندین مجلد « فهرست » از نسخه های خطی به زبان فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده است. سومین شاگرد او ، خانم دکتر انجم حمید است که « راهنمای فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی » را در یک مجلد نگاشته است.
آرا و گرایشهای خاص : احمد منزوی درباره استفاده از کامپیوتر در کارهای تحقیقاتی معتقد است که کشور ایران تا 10-15 سال دیگر به منابع کتابی (کاغذی) نیاز دارد. او عقیده دارد که پرش از فرهنگ و پژوهش کتابی ، یعنی منابع و ماخذ کتابی ، به مرتبه بهره مندی از رسانه ها و اطلاعات جهانی به گونه شتابزده ، راه درستی نیست.
جوائز و نشانها : احمد منزوی در سال‌های 1356 تا 1368 سفرهای مطالعاتی و تحقیقاتی به کشورهای هند و پاکستان داشته است و از سوی بنیادها و مراکز مختلفی مانند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سرای اهل قلم و مجلس شورای اسلامی مورد قدردانی قرار گرفته است. همچنین در سال 83 از طرف سازمان صدا و سیما به عنوان چهره ماندگار معرفی شد. از دیگر افتخاراتی که استاد منزوی کسب کرده است، انتخاب کتاب"فهرست وارة کتاب‌های فارسی"تالیف وی، در دوره بیست و یکم

انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال است. ----------
---
آثار :
1 تحریر و ویرایش ترجمة فارسی کتاب یو.ا.برگل
ویژگی اثر : (ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری)
2 سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان
3 فهرست نسخه‌های خطی فارسی
ویژگی اثر : 6 جلد
4 فهرست نسخه‌های خطی کتابخانة مجلس شورای ملی
ویژگی اثر : (زیر نظر ایرج افشار و محمّد تقی دانش‌پژوه)
5 فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک
ویژگی اثر : 9 جلد
6 فهرست نسخه‌های خطی گنج بخش پاکستان
ویژگی اثر : 4 جلد
7 فهرست وارة کتاب‌های فارسی
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب : «فهرست وارة کتاب‌های فارسی» فهرستوارة کتاب‌های فارسی/ به کوشش احمد منزوی.ـ تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، 12 ج]8 ج تاکنون[، ج 6، 1381. فهرستواره، در واقع، یک سرشماری است از کتاب‌های فارسی، یا به تعبیری «فهرستِ فهرست‌ها» که گام نخست برای تدوین کتابنامة کتاب‌های فارسی است. این سرشماری از هر آنچه بتوان بر آن یک اثر مکتوب نام نهاد صورت گرفته است: کتاب‌های مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوان‌های مشخص و معنون، اجزای دیوان‌ها از درون مجموعه‌ها و جُنگ‌ها، مانند «ترجیع‌بند» و «رباعی» و چند «غزل» و یا «رباعی» و گنجاندن این اجزای پراکنده از یک دیوان و یا سروده‌های باقی‌مانده از یک سراینده را به زیر یک عنوان تا آسان‌تر در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار گیرد. برای این سرشماری، شماری از منابع کتابشناسی و فهرست‌ها تورّق شده و آگاهی‌های لازم برای آن سرشماری از سطر به سطر بیرون کشیده شده و می‌شود. این آگاهی‌ها بر برگه‌هایی مناسب با ذکر منبع نوشته شده و می‌شود و برگه¬ها بر حسب الفبا در نام کتاب¬ها و قفسه‌ها جای گرفته و می‌گیرد. فهرستوارة کتاب‌های فارسی حاصل ادغام این برگه‌هاست. گسترة فهرستواره از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگی است؛ دوره‌ای که زبان فارسی جزو

زبان‌هایی بوده که در بنای فرهنگ و تمدّن امروز جهان بنیادی‌ترین سنگ‌ها را بر جای گذاشته است. کتاب‌ها و نگاشته‌های این دوره است که از اصالت ایرانی بهره داشته است و بررسی دوره‌های پسین به دیگران واگذار شده است

8 ویرایش الذّریعه الی تصانیف الشیعه

ویژگی اثر : تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی

منابع زندگینامه : 1www.ketabesal.ir2زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد احمد منزوی . تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، 1381 ، صص7-263کتاب هفته ، شنبه 30 آذر ، 1381 ، ص 4

منشی باشی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌علی محمد، فرزند میرزا هادی نائینی، فاضل ادیب، منشی امین‌السلطان میرزا علی اصغر خان بوده، و معروف به مستشار خاقان است.
در رمضان 1360 به سن 75 سالگی در اصفهان وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

منشی، ابوالمعالی نصرالله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 583 -555 ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسروشاه (559 -552 ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان‌الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمان بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نثر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده‌ی عوفی در «لباب‌الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسروملک (583 -559 ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن‌مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی (552 -511 ق) در حدود (539 -536 ق) به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر.[1]
نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مکنی به ابی‌المعالی. وی در زمان بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب تام داشت و به خاطر این اختصاص ابوالمعالی پس از اتمام ترجمه‌ی کلیله کتاب را به نام بهرامشاه مزین کرد و آن را کلیله و دمنه‌ی بهرامشاهی نامید. مرگ ابوالمعالی بین سالهای 555 تا 583 ه.ق اتفاق افتاده و تاریخ ترجمه‌ی کتاب کلیله و دمنه نیز باید در حدود سالهای 536 تا 539 ه.ق باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (952 -948/ 2)، تاریخ نظم و نثر (118 -117 ،78)، تذکرةالشعراء (85)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس 667 -666/ 5)، دایرةالمعارف فارسی (3031/ 2)، الذریعه (135/ 18 ،1194/ 9)، ریحانه (271 -270/ 7)، سبک‌شناسی (296 -248/ 2)، صبح گلشن (522)، فرهنگ ادبیات فارسی (413 -412)، فرهنگ سخنوران (933)، کارنامه‌ی بزرگان (129)، کشف‌الظنون (1509 -1508)، کلیه و

دمنه (مقدمه)، لباب‌الالباب (93 -92/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرالله)، مجمع‌الفصحا (1447/ 3)، مرآت‌الفصاحه (657 -654)، مؤلفین کتب چاپی (595 -593/ 6)، هفت اقلیم (188 -187/ 1).

منشی‌زاده، داوود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1293 ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در 1310 ش با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در 1316 ش از دانشگاه دیژن موفق به اخذ لیسانس ادبیات گردید. بعد به آلمان رفت و در 1322 ش دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلن دریافت کرد. پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم و افتتاح دانشگاه مونیخ، در 1326 ش، یک قسمت از تدریس ایرانشناسی در آن دانشگاه به وی واگذار شد و در 1328 ش برای تدریس زبان فارسی به دانشگاه اسکندریه‌ی مصر رفت و در 1330 ش به ایران بازگشت. پس از مراجعت به ایران جمعیت سیاسی سومکا (مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) را تشکیل داد. از آثار وی: «دربدر در پی بهشت»؛ «پیکار با اهریمن»؛ «کمونیسم و لیبرالیسم»؛ «خط سومکا»؛ «پسر گمشده»، ترجمه؛ «داریوش یکم»، پادشاه پارسها، ترجمه؛ «دوراندیشی در تکنیک»، ترجمه؛ «طغیان توده‌ها»، ترجمه؛ «آسیا در کشمکش با اروپا»، هون‌ها با ساسانیان، ترجمه.[1]
محقق.
تولد: 6 شهریور 1293، تهران.
درگذشت: 29 تیر 1368، اوپسالا.
داود منشی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیته مجازات بود، تیرباران شد)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و در سال 1310 با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال 1316 از دانشگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجه‌ی لیسانس ادبیات (فلسفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و در سال 1322 دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شد. در موقع سقوط برلین هفت روز به خاتمه‌ی جنگ مانده مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستان‌های پستدام و برلین و مونیخ به سر برد. در سال 1326 که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسمت از تدریس ایران‌شناسی به وی واگذار شد. در سال 1328 برای یک سال و چند ماه برای تدریس زبان فارسی با رتبه‌ی استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال 1330 به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت

سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصر شده‌ی حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشگاه اوپسالا به مقام استادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال 1359 بازنشسته شد.
از آثار اوست: آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان) (از فرانتس آلتهایم، 1343)؛ انتلکتول و دیگری (خوزه اتکاای گاست، 1322)؛ پسر گمشده (آندره ژید، 1336)؛ پیکار با اهریمن (1330)؛ جهانداری پارسها (نوشته ه. ه. شدر، 1335)؛ خط سومکا (1333)؛ داریوش یکم پادشاه پارسها (پترویولیوس یونگه، 1334)؛ دربدر در پی بهشت (1332)؛ دوراندیشی در تکنیک (خوزه اتکاای گاست، 1332)؛ طغیان توده‌ها (خوزه اتکاای گاست، 1334)؛ کمونیسم و لیبرالیسم (1336)؛ گیل گمش کهنه‌ترین حماسه‌ی بشری (گئورک بورکهارت، 1334)؛ مایا دختر گریز آن‌کندو (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د. م.، 1332)؛ وهرود و ارنگ (پژوهشی از ژوزف مارکوات، 1368). از دکتر منشی‌زاده، مقاله‌های ادبی در مجله‌ی «یادگار» و مجله‌ی «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.
فرزند میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده، در 1293 در تهران متولد شد. وقتی پنج ساله بود پدرش که از اعضای برجسته و مغز متفکر کمیته مجازات بود، به قتل رسید. داود در سن هفده سالگی دیپلم متوسطه دریافت نمود و در مسابقه اعزام محصل به خارج شرکت نمود و از طرف دولت برای انجام تحصیلات عالیه به فرانسه اعزام شد. وی در پاریس درجه‌ی لیسانس در ادبیات فرانسه گرفت و بعد به آلمان عزیمت نمود و سرانجام در 1322 از دانشگاه برلن به دریافت درجه‌ی دکترای ادبیات و فلسفه نائل شد و از سال 1326 به تدریس ایرانشناسی در دانشگاه مونیخ پرداخت و چندی هم استاد مدعو در دانشگاه اسکندریه مصر بود.
منشی‌زاده پس از بیست سال توقف در اروپا که قسمت اعظم آن در آلمان سپری شده بود با افکار فاشیستی به ایران بازگشت و لدی‌الورود به تشکیل حزب سومکا (حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران) پرداخت و عده‌ی زیادی از جوانان در این حزب عضویت یافتند و با لباس و آرم مخصوصی در تظاهرات مردمی شرکت می‌کردند. بعضی وقتها تندرویهای زیادی از آنها بروز می‌نمود که طبعا پلیس از آن جلوگیری و احیانا به زدوخورد منجر می‌شد. رهبر حزب هم روی همین اصل، چند بار از طرف حکومت نظامی بازداشت شد. در سال 1331 از شکم حزب سومکا، حزب دیگری به رهبری هادی سپهر بنام آریا با همان برنامه طرفداری از آلمان متولد شد. حزب سومکا روزنامه‌ای به همین نام منتشر می‌کرد. از جوانان تند و تیزی که در آن ایام در آن حزب فعالیت می‌کردند، یکی دکتر داریوش

همایون و دیگری دکتر امیر شاپور زندنیا بودند. منشی‌زاده بعد از کودتای 1332 ایران را ترک کرد و در دانشگاه اوپسالا به استادی رسید و فرهنگ ایران زمین را تدریس می‌کرد. در 1368 در 75 سالگی درگذشت. از وی آثار زیادی به زبان آلمانی و فرانسه و فارسی باقی مانده است که از بیست جلد متجاوز است. در سال 1342 که تیمور بختیار علیه شاه مشغول فعالیت شد، دکتر منشی‌زاده همکاری بختیار را پذیرفت و در زمره مخالفان شاه شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2792، 2680، 2265/ 2، 1464، 1373، 1324، 1273، 1086، 647، 610، 350- 349، 39/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (61 -58/ 3).

منصور شیرازی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1341 -1281 ق)، صوفی، عارف، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به منصور. ملقب به معروف علیشاه. از مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهی صفی علیشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. پدرش تاجر بود ولی منصور به شغل پدر تمایل نداشت و چندی عمرش را با کتابت و تألیف و سرودن شعر سپری کرد سپس به تهران آمد و در خانقاه صفی علیشاه سکونت گزید و در سلک سرسپردگان و مریدان او درآمد. بعد از فوت حاج میرزا محمود خان نائینی، به دستور صفی علیشاه، جانشنی او شد و به شیراز روانه گردید و در خانقاهی در محله‌ی سردزک مشغول دستگیری و راهنمایی فقرا گشت. در اوایل مشروطه انجمن اخوت را تأسیس نمود و در 1326 ق روزنامه‌ی «اخوت شیراز» را منتشر کرد. اما از چهل سالگی دست از کارهای اجتماعی کشید و منحصرا با فقرا و مریدان خود معاشرت داشت. وی یکی از افرادی بود که بعد از مرگ شیخ صفی ادعای جانشینی او نمود. سرانجام در شیراز درگذشت و در زیرزمین خانقاه سردزک دفن گردید. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، در حدود ده هزار بیت. از اوست:
ز کرم بجان عاشق بفکن شرار دیگر
بتنور دل برافروز ز عشق نار دیگر
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (80/ 1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (521 -516/ 4)، سیری در تصوف (148 -147).

منصوری رشتی، ذبیح‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1288 ش)، نویسنده و مترجم. در رشت به دنیا آمد. نام اصلیش ذبیح‌اللّٰه حکیم الهی رشتی است. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدر، برای ادامه‌ی تحصیل، به فرانسه رفت و زبان فرانسه را به طور کامل آموخت. پس از بازگشت به ایران، به کار تألیف و ترجمه پرداخت و آثار فراوانی از زبانهای انگلیسی و فرانسه و عربی ترجمه کرد. دامنه‌ی فعالیت وی در زمینه‌های رمان پلیسی، رمان تاریخی، زندگینامه و آثار تاریخی می‌باشد. منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینگ، نویسنده و متفکر بلژیکی، را به فارسی ترجمه کرد. از دیگر ترجمه‌های وی: «محمد (ص) پیغمبری که باید از نو شناخت»؛ «مغز متفکر جهان شیعه»؛ «امام حسین (ع) و ایران»؛ «آوارگی من»؛ «اسرار هفت گانه»؛ «افکار کوچک و دنیای بزرگ»، جلد چهارم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «یکسالی در میان ایرانیان»؛ «ناپلئون و حمله به انگلستان»؛ «خداوند بزرگ و من»، جلد دوم «اندیشه‌های یک مغز بزرگ»؛ «دنیای دیگر» یا «صحنه‌ی ستارگان»؛ «زنبور عسل»؛ «سقوط پاریس»؛ «سقوط فرانسه»؛ «سه سال در ایران» یا «سیاحت نامه‌ی کنت دوگوبینو»؛ «عجایب آمریکا»؛ «قلب پاک»؛ «قهرمان تمدن»؛ «کاشف مانیتیسم»، (مسمر).[1]
دانشمند، محقق و مترجم چیره دست و پرکار اهل خراسان، متولد 1275 در مشهد است. پدرش تجارت پیشه بود و تجارتخانه‌ای در مشهد و قفقازیه داشت، از این لحاظ فرزند خود را در کودکی به قفقازیه برد و تحت تعلیم معارف جدید قرار داد. گذشته از معلومات زمان، به زبان‌های فرانسه و روسی مسلط شد و در جوانی به مشهد بازگشت. چون طبعی علم‌آموز و دانش پژوه داشت تحصیلات خود را در رشته‌های مختلف مانند ادبیات فارسی، ادبیات عربی، فلسفه و حکمت، علم کلام و منطق ادامه داد و از محضر دانشمندان آنروز مشهد که شهره آفاق بودند بهره‌ها گرفت و زبان انگلیسی را نیز به خوبی تحصیل کرد. مقارن با تغییر سلطنت قارجاریه به تهران آمد و کار مطبوعاتی را آغاز کرد و غالبا مقالات و تفسیرهای مطبوعات خارجی را ترجمه می‌کرد و در خیلی از جراید آنروز مانند شفق سرخ، اقدام، کوشش، و نوبهار ترجمه‌های محکم و پرمغز او به چشم می‌خورد. وی به طور کلی از استخدام در دستگاه‌های دولتی صرفنظر نمود

و همچنین تا سنین کهولت به کار ترجمه و تألیف پرداخت.
از 1320 به بعد ترجمه‌های او که به صورت مسلسل در روزنامه‌ها چاپ شده بود شکل گرفت و به صورت کتابی منتشر شد. برای اولین بار آثار موریس مترلینگ را ادیبانه ترجمه کرد و بنگاه مطبوعاتی علمی آنرا انتشار داد. به قدری از این ترجمه‌ها استقبال شد که حدی نداشت. مترجم معتقد بود که منبع ثروت برادران علمی از همین ترجمه‌ها تأمین گردید. از 1330 به بعد بطور ثابت در چند مجله از جمله خواندنیها استخدام شد و ماهیانه مبلغی دریافت می‌کرد ولی بایستی چندین صفحه ترجمه حداقل در دو مطلب تهیه تا در مجله چاپ شود در حقیقت با این ترتیب چند مجله و نشریه او را استثمار کردند. ولی او نیز برای تأمین زندگانی خود با نام‌های مستعار و یا بدون نام مطالبی ترجمه و به سایر مطبوعات می‌داد.
مطالعات مداوم و حرص و ولع در دانش‌اندوزی روزبروز اطلاعات او را در رشته‌های مختلف وسیع‌تر کرد و واقعا دانشمندی کم‌نظیر شد و در هر علمی سررشته پیدا نمود، مخصوصا در مسائل مذهبی، تاریخی و فلسفی در مرحله عالی قرار گرفت. روش او در ترجمه بدین صورت بود که ابتدا کتاب مورد نظر را دقیقا مطالعه می‌کرد سپس به ترجمه می‌پرداخت ولی عین متن را ترجمه نمی‌کرد و اطلاعات و تحقیقات شخصی را ضمیمه می‌نمود. غالبا یک کتاب صد صفحه فرانسه وقتی به وسیله او ترجمه می‌شد حتما از پانصد صفحه تجاوز می‌نمود و گذشته از آن زیرنویس مترجم هم خود قابل ملاحظه و توجه بود. او در ترجمه‌های خود همیشه با اطلاعاتی که از طریق کتب دیگر کسب کرده بود به نوشته صاحب ترجمه رونق داده و شیرینی خاصی به نوشته‌اش می‌داد.
او در نیم قرن دوم عمر خود مردی پرکار بود. حداقل در سال 6 تا 10 جلد کتاب ترجمه و تألیف می‌نمود و بعضی از ترجمه‌ها جنبه فلسفی و تاریخی داشت و مترجم با زیرنویس اشتباهات او را برطرف می‌نمود. منصوری آنچنان بی‌سروصدا و بدون تظاهر زندگی می‌کرد که اغلب تصور می‌کردند نامش مستعار است. با حداقل زندگی سازش داشت و با احدی رفت و آمد نداشت. اساسا کمتر کسی بود از حال و زندگی او باخبر باشد. صبر و حوصله زیادی داشت ولی در موقع عصبانیت که بندرت اتفاق می‌افتاد گوئی کوه آتشفشان است. انتقادات به جا را با جان و دل می‌پذیرفت و در شماره بعد مجله یا تجدید چاپ کتاب مؤدبانه اصلاح می‌کرد ولی از انتقادات بی‌جا و غیرمنطقی سخت به تلاش و استدلال متوسل می‌شد. به خاطر دارم زمانی استاد مجتبی مینوی به یکی از ترجمه‌های او خرده گرفت و او را جاعل قلمداد کرد. منصوری در مقام دفاع برآمد و چنان بحث علمی و ادبی بین آن دو کوبنده بود که دیگران میانجی‌گری کردند و حق را به منصوری دادند.

ذبیح‌الله منصوری به طور متوسط 60 سال در مطبوعات ایران مقاله نوشته و ترجمه کرده است و با برخورداری از حافظه قوی خود تاریخ 60 ساله‌ی مطبوعات ایران بود. داستان‌هائی از دوران ریاست شهربانی مختار و اداره راهنمای نامه‌نگاری که مدتی آقایان علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی آن را اداره می‌کردند در خاطر داشت.
وقتی سندیکای نویسندگان و مترجمین تشکیل شد به اتفاق آراء او را به ریاست انجمن برگماردند و به مناسبت هفتاد و پنجمین سال تولدش مجلس جشن و سرور شایسته‌ای که در خور مقام علمیش بود برپا ساختند.
منصوری در آستانه هشتاد سالگی خود معتقد بود که مجموعا متجاوز از یک هزار و پانصد جلد کتاب ترجمه کرده است. ولی آنچه مسلم است این رقم اغراق به نظر می‌رسد و شاید تعداد ترجمه‌های او از چهارصد کتاب تجاوز کند ولی اگر مقالات و مطالب کوتاه را به آن اضافه کنیم خیلی بیشتر خواهد شد. بیشتر آثار او ترجمه از زبان‌های فرانسه و انگلیسی است و از زبان عربی و روسی ترجمه‌ای از او دیده نشده است. وی علاوه بر ترجمه‌هائی که به نام وی به صورت کتاب انتشار یافته است تعدادی ترجمه هم دارد که به نام اشخاص دیگر ثبت گردیده است که مهمترین آنها کتاب روح‌القوانین منتسکیو است که علی اکبر مهتدی نام خود را زینت‌بخش این ترجمه نموده و چندین بار تجدید چاپ شد. منصوری برای نگارنده حکایت کرد که از لحاظ مالی سخت در مضیقه بودم. شخصی به من مراجعه و ترجمه منتسکیو را از من درخواست نمود. چهارده هزار تومان حق‌الترجمه مطالبه کردم، فورا قسط اول را پرداخت و من دست به کار ترجمه زدم و هشت ماه طول کشید. نظیر اینگونه ترجمه‌ها زیاد است اگر دیگران ندانند تنی چند از خواص از آن اطلاع دارند.
منصوری در حقیقت علم و دانش خود را برای ارتزاق در اختیار چند مدیر روزنامه و مجله قرار داد. شخصا ترجمه‌ای انتشار نداده است که از فروش مجلات سهمی به او بدهند. بعضی از آثار او تا بیست بار تجدید چاپ شده و طبعا درآینده نیز خواهد شد. از مهمترین آثار انتشار یافته او می‌توان ترجمه‌های زیر را نام برد: محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، خواجه تاجدار، امام حسین و ایران، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان، سه سال در ایران، کنت دوگوبینو، ملاصدرا، امام محمد غزالی، خداوندالموت، منم تیمور جهانگشا.
وی در 1367 درگذشت.
مترجم، روزنامه‌نگار.
تولد: 1288، رشت.
درگذشت: 18 خرداد 1365.
ذبیح‌الله حکیم الهی رشتی مشهور به ذبیح‌الله منصوری، فرزند

انتخاب‌الدوله از رجال رشت، بود. پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی به همراه پدرش برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد و زبان فرانسوی را در آنجا فراگرفت و پس از مراجعت به ایران به کار ترجمه پرداخت.
منصوری نویسنده و مترجمی فعال بود و بیش از صد و پنجاه کتاب و قریب به هزار مقاله- که اغلب آنها در مجله «خواندنیها» منتشر می‌شد- از خود به یادگار گذاشت. او در مدت شصت سال فعالیت قلمی خود آثار فراوانی از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی ترجمه کرد. بعضی از آثار او نه ترجمه مستقیم بلکه اقتباس و تحریر تازه و مفصل‌تری از متن اصلی بود. وی در دوران روزنامه‌نویسی خویش با مجلاتی نظیر «کوشش»، «ایران ما»، «داد»، «ترقی»، «تهران مصور»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» همکاری داشت.
دامنه‌ی فعالیت منصوری گسترده بود و شامل زمینه‌های گوناگونی از جمله رمان پلیسی (بیشتر آثار آگاتا کریستی)، رمان تاریخی (بیشتر از آثار الکساندر دوما و موریس دو کبرا) و زندگینامه (خدواند علم و شمشیر، محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، امام حسین (ع) و ایران، آثار و احوال ملاصدرا،...) و آثار تاریخی (خداوند الموت: حسن صباح (نوشته‌ی پل آمیر)؛ خواجه‌ی تاجدار، سلیمان خانی قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران (اثر اشتن متز و جون باک، چاپ‌های متعدد: 1355، 1357، 1368) و مفصل‌تر از همه خاطرات چرچیل در هفت مجلد) می‌گردید.
از جمله آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: آخرین گانگستر (دیوید لاین)؛ آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید (رالف گولدمان)؛ آوارگی من (موریس دوکبرا، 1320)؛ آواره‌ها (موریس دوکبرا)؛ ابن سینا، نابغه‌ای از شرق (اقتباس، 1374)؛ ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی، استالین تزار سرخ (ایزاک دوتشر)؛ اسرار هفت گانه (لسلی شارتریس)؛ امام حسین (ع) و ایران (کورت فریشلر)؛ امشب نوع بشر محو می‌شود (کریستف پولنی)؛ انتقام گربه (آرتور شنیت زللر، 1328)؛ انسان (آرتور شنیت زللر)؛ ایران و بابر (ویلیام ارسکین)؛ بازرس دلباخته (جی درتیلر، 1336)؛ بازرسی من (رالف گولدمان)؛ بازی با آتش (لسلی شارتریس)؛ پلیس بیدار است (رالف گولدمان)؛ پلیس چه می‌کند (لسلی شارتریس)؛ پنج و ده دقیقه (آگاتا کریستی)؛ تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی (1331)؛ تازه مسلمان، تولستوی (استفان زوایک، 1327)؛ توطئه در آسمان (شارل بروک)؛ جدال تبه‌کاران در پاریس به انضمام خانه‌ی مرموز (روبر دوما، 1373)؛ جراح دیوانه (ژارگن توروالد)؛ جنایتکاران لندن (آگاتا کریستی)؛ جنگ پنهانی سهمگین (سرد جینالدهالد، 1331)؛ چگونه یک تبهکار آمریکایی

شدم (جیمز هادلی چیز، 1339)؛ خاطراتی از یک امپراتور، خدا در آسمان، دختر فقیر (واندر مرش 1334)؛ در پیشگاه امام صادق (ع) (محمد صحفی)؛ در صحنه زندگی و تأثیر (موریس دوکبرا)؛ دزد جوانمرد (لسلی شارتریس)؛ دست‌های قاتل (چهار داستان پلیسی)؛ دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه (ژان یونیر)؛ دوشیزه متهم (لیونگستن)؛ دون کیشوت (سروانتس، 1335)؛ ده تبهکار بهت‌آور (آگاتا کریستی)؛ رابین هود (الکساندر دوما)؛ زندگی و سرانجام ماری آنتوانت (پیر نزلف، 1337)؛ ژان والژان (ویکتور هوگو)؛ ژوزف بالامو (الکساندر دوما)؛ سارق نامرئی (ویلی فرانتز 1373)؛ سرانجام شوم یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سرزمین جاوید (ماژیران موله، هرتزفلد، گریشمن، چهار جلد)؛ سرنوشت یک امپراتور (پیر نزلف)؛ سقوط پاریس (ایلیا ارنبورک)؛ سقوط قسطنطنیه (میکا والتاری، دو جلد)؛ سه تفنگدار (الکساندر دوما)؛ سه سال در ایران، سیاحت‌نامه؛ کنت دوگوبینو؛ سینوهه پزشک مخصوص فرعون (میکا والتاری)؛ شعاع زرد (هرمان لاندن)؛ شعاع وحشت (هرمان لاندن)؛ شهر وحشی (موریس دوکبرا)؛ صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا (هانری کربن)؛ عبور قدغن است (بارینگتون)؛ عجایب آمریکا (موریس دوکبرا)؛ عجایب سرزمین طلا و الماس (ژوزف لتر)؛ عشق بازی‌های کازانو (ژاک کازانووا دو سیتالت، 1334)؛ عشق ننگین در نظر قضات (سوزان نرمان)؛ عشق یک جاسوسه (ژان بومار)؛ غرش طوفان (الکساندر دوما)؛ غزالی در بغداد (ادوارد توماس)؛ فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست ؟)؛ فرزند نیل (هاوارد فاوست، دو جلد)؛ فرمانده بعد از خدا (پیر لافون)؛ فتنه (رمان تاریخی اثر لانتیاک)؛ قبل از طوفان (السکاندر دوما)؛ قتل در باشگاه (دورتی ساترس، 1323)؛ قتل در ساحل دجله (آگاتا کریستی)؛ قلب پاک (واندر مرش، 1337)؛ قهرمان هندوچین؛ قهرمان تمدن (ژوزف کاتلر (و) هیم جاف، 1334)؛ کاشف مانیتیسم (استفان زوایک، 1327)؛ کشتی بالدار (آگاتا کریستی)؛ کفش‌های سربازی سنگین است (فونبور)؛ کنت مونت کریستو (السکاندر دوما)؛ کنیز ملکه‌ی مصر (میکل پیرامو، دو جلد)؛ گاز نو ظهور (فرانک کینگ)؛ گاو صندوق مرگ (فرانک کینگ، 1322)؛ گروه آهنین (الکساندر دوما)؛ گریز (لسلی شارتریس)؛ گلوله کوچک (دورتی ساتریس 1331)؛ لب‌های ناشناس (هوچین سون)؛ مأموریت ضد جاسوسی من (پریستلی)؛ ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم (الکساندر دوما)؛ ماری آنتوانت (پیرنزلف)؛ ماژلان (استفان زوایک)؛ ماشین خواندن افکار (آندره موروآ)؛ ماکسیم گروکی (استفان زوایک، 1326)؛ محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون (اوکتاو اوبری)؛ مردی بالای دار مرگ آرام (جمیز هاردلی چیز)؛ مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا (موریس دوکبرا، 1319)؛

ملکه باکره (لانتیاک، 1333)؛ منم تیمور جهانگشا (مارسل بریون)؛ موئیگان دوپاری (السکاندر دوما)؛ ناپلئون و حمله به انگلستان (پل شاک، 1315)؛ نامه‌های روزولت به چرچیل، نخستین مردی که دور کره‌ی زمین گردش کرد (استفان زوایک، 1323)؛ نورنبورک (ایلیا ارنبورک)؛ نوسترادااموس و اهرام مصر: جادوگر مرموز (میشل زواگو)؛ هفت خواهران تنی (آنتونی سسمون)؛ هنگامی که از حوادث آینده باخبر هستیم (ژاک اسپیتز)؛ یک خانم نجیب (موریس دوکبرا)؛ یک راز شگفت‌انگیز (شارل بروک)؛ یک سال در میان ایرانیان (ادوارد براون، دو جلد، 1330)؛ یوسف در آیینه‌ی تاریخ (توماس مان) ذبیح‌الله منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینک نویسنده و متفکر بلژیکی را به فارسی ترجمه کرد که ماحصل این فعالیت، کتابهای زیر بود، افکار مترلینک، افکار کوچک و دنیای بزرگ، اندیشه‌های یک مغز بزرگ، جهان بزرگ و انسان، خداوند بزرگ و من، دروازه بزرگ، دنیای دیگر، راز بزرگ، موریانه، زندگانی مورچگان، زنبور عسل.
وی روز هیجدهم خردادماه 1365 بر اثر ناراحتی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (283/ 25 ،2/ 24 ،239 ،219 ،165/ 17 ،269/ 15 ،262 ،205 ،49/ 12 ،266/ 8 ،142 ،141/ 7)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3451 ،3215 ،2947 ،2589 ،2555 ،2289 ،2041 ،2007 ،2006 ،1839/ 2 ،1459 ،1252 ،1250 ،359 ،301 ،212 ،68/ 1)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 3، ص 37)، مؤلفین کتب چاپی (95 -88/ 3).

منصوری، ذبیح الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ذبیح الله حکیم الهی دشتی فرزند اسماعیل معروف به ذبیح الله منصوری در سال 1276 شمسی در شهر سنندج متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در آن شهر و کرمانشاه انجام داد و زبان فرانسه و انگلیسی را فرا گرفت. پدرش علاقه ای به تحصیل او نداشت ولی مادرش از خانواده علماء و روحانیون بود.
ذبیح الله حکیم الهی دشتی در سال 1299 وقتی به تهران آمد می خواست در رشته دریا نوردی تحصیل کند ولی در روزنامه کوشش به ترجمه چند کتاب پرداخت و از آن به بعد به نوشتن اشتغال یافت. گفته می شود حدود ر1400 کتاب و نشریه منتشر کرده که از پرفروش ترین کتابها به زبان فارسی می باشند.
ذبیح الله منصوری بسیار ساده می زیست و به همسر و دو فرزند خود علاقه فراوانی داشت همواره از خودکشی برادرش که جزو 53 نفر همراهان ارانی به زندان افتاده بود و سه سال محکومیت یافت و بعداً خود را از بین برد ناراحت بود.
ذبیح الله منصوری که نوشته ها و ترجمه هایش خوانندگان فراوان یافت، نویسنده ای بود بسیار متواضع و دیر جوش و گوشه گیر؛ وقتی بعد از شهریور 20 او را شناختم و کراراً برای ترجمه و نوشتن مقاله در چاپخانه او را می دیدم گفتگو با او فقط در چند جمله خلاصه می شد. ر
ذبیح الله منصوری در سال 1365 در سن 89 سالگی در تهران در گذشت.
یادش گرامی باد

منصوریان، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا منصوریان در دی ماه 1350 در خیابان بلورسازی در محله ای در جنوب تهران بدنیا آمد.از همان زمان کودکی به فوتبال علاقه داشت و به همراه دو دوست صمیمی خود (علی اکبریان و رضا شاهرودی) پا به عرصه باشگاهی گذاشت! فوتبال را بصورت رسمی و از سال 1366 در تیم بنیاد شهید تهران آغاز کرد و بعد از 2-3سال بازی در این تیم برای خدمت مقدس سربازی در سال 1370 به تیم فجرسپاه تهران پیوست! علی‌رضا منصوریان بازیکن سابق تیم فوتبال باشگاه استقلال و تیم ملی فوتبال ایران است. وی برای باشگاه‌های مختلفی از جمله پارس خودرو، استقلال، آپولون اسمیرنیس و سن پائولی بازی کرده است. وی سرانجام در ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ پس از بازی پایانی و قهرمانی در جام حذفی به همراه تیم استقلال، از دنیای بازی در فوتبال کناره گیری کرد. لقب او در میان هواداران استقلال «علی منصور» است . منصوریان پس از کناره‌گیری از بازی، از سوی علی فتح‌الله‌زاده مدیر عامل وقت باشگاه، به‌عنوان رییس آکادمی فوتبال باشگاه استقلال منصوب شد. در بهمن ماه ۱۳۸۷ پس از بازی تیم فوتبال زنان استقلال با تیم نوجوانان این باشگاه که زیر نظر آکادمی اداره می‌شود، از سوی کمیته انضباطی باشگاه استقلال به پنج میلیون تومان جریمه نقدی و توبیخ کتبی محکوم شد. در پی این ماجرا تیم فوتبال زنان استقلال منحل شد.
منصوریان در کارنامه افتخاراتش غیر از چند مقام قهرمانی در لیگ و جام حذفی با استقلال حضور در فوتبال اروپا با تیمهای آپولون یونان و سن پائولی آلمان نیز به چشم می آید. او همچنین عنوان بهترین گل زن مسابقات سالنی را نیز به خود اختصاص داده و تجربه شیرین حضور در جام جهانی، کسب عنوان سومی آسیا با تیم ملی و دهها عنوان رنگارنگ دیگر را نیز در کارنامه اش دارد.

منطقی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن منطقی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محسن منطقی سعادتی فرزند محمد ابراهیم متولد 1343 در شهر تهران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را گذراندم. دوره متوسطه را نیز در شهر کرج در رشته «اتومکانیک» ادامه دادم. همزمان با شروع انقلاب اسلامی در فعالیت های انقلاب به تناسب سن و سالم شرکت کرده و یک بار نیز به دست ساواک دستگیر شدم. پس از دو ماه از شروع جنگ تحمیلی در جبهه جنوب افتخار حضور پیدا کردم.
از سال 1360 به جهت علاقه به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در سال 1366 در کنار تحصیل حوزوی مشغول به تحصیل در رشته کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» شدم و آن را در سال 1370 به پایان رساندم. سپس همزمان با تحصیل در دروس خارج حوزه در همان سال وارد رشته کارشناسی ارشد «مدیریت» شده و در سال 1374 این مقطع را به پایان رساندم.
پس ازفارغ التحصیلی به عضویت هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در آمده و هم زمان به تدریس دروس رشته «مدیریت» پرداختم و در سال 1386 در مقطع دکترای مدیریت با گرایش «رفتار سازمانی» به ادامه تحصیل پرداختم.

منظم کازرونی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1366 -1316 ق)، واعظ و شاعر، متخلص به منظم. در کازرون به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدر آموخت. از اوان کودکی شعر می‌سرود و به دلیل داشتن صدای رسا و به تشویق پدر در مجالس سوگواری سیدالشهداء به مرثیه خوانی می‌پرداخت. او در نتیجه‌ی مرور کتب و مطالعه‌ی زیاد کم‌کم رسم وعظ و خطابه را آموخت و بر منبر موعظه نیز می‌گفت. در عین حال از تحصیل علوم قدیمه و جدید هم بازنماند و زبان انگلیسی و عربی را آموخت. سپس سفری به بوشهر کرد و در یکی از تجارتخانه‌های آنجا منشی شد و به منبر هم می‌رفت. پس از چند سال به کازرون بازگشت و در اداره‌ی ثبت به عنوان مدیر بازرگانی استخدام گردید. در 1302 ش به شیراز رفت و با رکن‌زاده‌ی آدمیت، صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس»، آشنا گشت و در 1314 ش به خدمت وزارت دارایی درآمد. در 1325 ش به ریاست دایره‌ی مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم دارایی لار منصوب گشت. سال بعد عازم شیراز شد ولی در گردنه‌ی چاه تیز منصورآباد، به طور ناگهانی، از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «نصاب الشبان»، به سبک «نصاب الصبیان» فراهی، در معانی کلمات رایج در جنوب ایران بویژه کازرون. از اوست:

گویند چرخ دون طلب و سفله پرور است
عیش و خوشی برای سفیهان میسر است
این دوره برخلاف طبیعت در این جهان
بینم که چشم سفله هم از خون دل‌تر است

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (537 -523/ 4).

منعم شیرازی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، شاعر و حکاک. اهل شیراز و ساکن هندوستان بود. به شغل حکاکی اشتغال داشت. به گفته‌ی «الذریعه»، محمد افضل سرخوش، مولف «کلمات الشعراء»، در خردسالی نزد وی مشق می‌کرد. منعم در اوایل جلوس شاه اورنگ زیب (1119 -1069 ق) در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «مثنوی»، در وصف اکبرآباد یا اکبرشاه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (773)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (545/ 4)، الذریعه (1112، 260/ 9)، فرهنگ سخنوران (884)، کاروان هند (1369/ 2)، کلمات الشعراء (176)، مرآت الفصاحه (615).

منفرد، نقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نقی منفرد
محل تولد : محمود آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب نقی منفرد در سال 1350 وارد حوزه علمیه شهرستان آمل شدم و پس از دو سال فراگیری علوم حوزوی برای ادامه تحصیل در سال 1352 به حوزه علمیه قم عزیمت و نزد اساتید برجسته حوزه به ادامه تحصیل پرداختم. در کنار تحصیل به تدریس در مدارس علمیه حوزه قم و تدریس سطوح عالی مشغول می باشم. نتیجه بیش از 15 سال تدریس ادبیات عرب، تحقیق و اصلاح متن کتاب البهجة المرضیه (شرح سیوطی) و شرح فارسی آن در پنج جلد می باشد.

موحد، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله موحد در زمانی به شهرت رسید که بزرگانی همچون شادروان غلامرضا تختی، منصور مهدی زاده، ابراهیم سیف پور، محمد علی صنعتکاران و امامعلی حبیبی به مقام قهرمانی در کشتی آزاد دست یافته بودند. موحد از جمله ورزشکاران نخبه و همه فن حریف بود که قبل از ورود به جرگه کشتی گیران، در شهرستان بابلسر در رشته های قایقرانی و والیبال تبحر و در آن شهرستان به عنوان ورزشکاری کاردان مشهور بود. گر چه موحد در آغاز دوران پیشرفت نتوانست در برابر محمد علی صنعتکاران، خودی نشان دهد، اما روش کشتی گیری وی ثابت کرد که میتواند در آینده ای نه چندان دور در صحنه کشتی ایران و جهان کاملاً خود نمایی کند. در اسفند ماه 1340 تیم ملی کشتی آزاد شوروی سابق برای انجام چند دیدار دوستانه، با همه توان و در اختیار داشتن قهرمانان شناخته شده خود به تهران آمد. در آن تیم شوروی، کشتی گیرانی همچون الکساندر مدوید و الکساندر ایوانیسکی هنوز ناشناخته بودند. روسها در وزن چهارم، چهره ای به نام "زاربک بریاشویلی" را همراه خود داشتند. موحد، نه در تیم ملی، بلکه در تیم دوم یا منتخب شهرستانهای ایران با این کشتی گیر روس روبرو شد و با پیروزی درخشانی که بر "بریاشویلی" به دست آورد، به عنوان بهترین کشتی گیر ایرانی شناخته شد و برای اولین بار نامش در کشتی ایران بر سر زبانها افتاد. روس ها نیز از پدیده ای به نام "موحد" یاد کردند و رادیو مسکو در آن زمان گفت که موحد موفق ترین کشتی گیر ایرانی بود. این موفقیت در وزن 67 کیلو گرم آن زمان به دست آمد که صنعتکاران نفر اول تیم ملی در این وزن بود . صنعتکاران که در مسابقات جهانی 1961 یوکوهاما (1340خورشیدی) مدال طلا را گرفته بود، برای آنکه به مسابقات جهانی سال بعد "1962 تولیدو"، برود در سد موحد متوقف شد. یعنی کشتی صنعتکارن - موحد به تساوی انجامید. لیکن با صلاحدید زنده یاد حبیب الله بلور (سر مربی وقت تیم ملی) چون صنعتکاران قهرمان جهان بود، انتخاب و موحد نیز به عنوان نفر ذخیره به تولیدو اعزام شد. موحد کشتی گیری نبود که تنها به سفر بیندیشد، بلکه او به تولیدو رفت تا با مشاهده کشتی بهترین های جهان کسب تجربه کند. حاصل این مشاهدات و تجربه اندوزی را در سالهای بعدی از موحد شاهد بودیم. کارنامه عبدالله موحد: 1962 - جهانی تولیدو (ذخیره صنعتکاران) -

70 کیلو گرم 1963 - جهانی صوفیه (نفر ششم مشترک با اینوولچف از بلغارستان) - 70 کیلو گرم 1964 - المپیک توکیو (نفر پنجم مشترک با کشتی گیرانی از آمریکا، کره جنوبی و شوروی) 1965 - جهانی منچستر، 70 کیلو گرم، طلا (نفر دوم، آتالای از ترکیه و سوم زاربک بریاشویلی از شوروی) 1966 - جهانی تولیدو، 70 کیلو گرم، طلا (نفر دوم ایوائو هوریوچی از ژاپن و سوم آکرالی از ترکیه) 1967 - جهانی دهلی، 70 کیلو گرم، طلا (نفر دوم بریاشویلی از شوروی و سوم ولچف) 1968 - المپیک مکزیکو، 70 کیلو گرم، طلا (نفر دوم ولچف از شوروی و سوم سری تر دانزان داریا از مغولستان) 1969 - جهانی مارادل پلاتا، 68 کیلو گرم، طلا (نفر دوم ولچف و نفر سوم نودار خوخا شویلی از شوروی) 1970 - جهانی ادمونتون، 68 کیلو گرم، طلا (نفر دوم یوسینف از بلغارستان و نفر سوم داگلاس از آمریکا) 1971 - جهانی صوفیه، 68 کیلو گرم، چهارم (نفر اول دال گیبل از آمریکا) 1972 - المپیک مونیخ، موحد آغازی خوب داشت اما به دلیل آسیب دیدگی ادامه نداد. (نفر اول گیبل از آمریکا) عبدالله موحد با دریافت 6 مدال طلا از مسابقه های قهرمانی جهان و المپیک (70-69-68-67-66-1965) برای همیشه از صحنه قهرمانی کناره گیری کرد. وی با در اختیار داشتن شش مدال طلا، طلایی ترین کشتی گیر تاریخ ایران محسوب می شود و تصور نمی شود تا چند دهه دیگر نیز کشتی گیری از ایران بتواند به این حد نصاب برسد. موحد دو بار نیز در بازی های آسیایی شرکت فعال داشت که در سال 1966، بانکوک در وزن 70 کیلو گرم، علی رغم تساوی با "توبیدا" از ژاپن، به دلیل امتیاز منفی کمتر، مدال طلا گرفت و در بازی های آسیایی 1970 بانکوک با "کیکو وادا" از ژاپن مساوی شد که چون هر دو کشتی گیر - طبق مقررات آن زمان - از هر جهت با هم برابر بودند، مشترکاً اول شدند.

موحدی قمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمد بن العلامه آخوند ملاعبدالله موحدی قمی عالمی جلیل و فاضلی نبیل و عدلی کم‌بدیل است که در سال 1314 ق متولد شده و پس از رشد مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی و عالیه را نزد اساتید قم خوانده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیات عظام دیگر استفاده نموده و مدت 18 سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرده و در منزل آن مرحوم متصدی امور استفتاء و جمع و تالیف فتاوی و مسائل و رسائل علمیه معظم‌له از جمله کتاب جامع الفروع و مصابیح الفروع و فرائض المناسک و مناهج الفروع از طرف آن مرحوم گردیده و پس از فوت آن مرحوم بلادرنگ بزعیم الشیعه و محی الشریعه و مرجع الاعلی الادینی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله پیوسته و همان سمتی را که در دستگاه مرحوم آیت‌الله بروجردی داشت در منزل آیه‌اللهی مرعشی هم متعهد شده و حاشیه عروه‌الوثقی معظم‌له را که تاکنون چنین حاشیه‌ای بر آن نشده بنام دغایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی) در دو مجلد بزرگ تنظیم نموده که اکنون منتشر و در دسترس همه اهل علم است و توضیح‌المسائل و مناسک حج معظم‌له را ترتیب داده است.
در مسجد امام علیه‌السلام در ظهر و شب اقامه جماعت می‌نمایند ادام‌الله برکاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موحدی محب، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله موحدی محب
محل تولد : بیدگل کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/2/3
زندگینامه علمی
ورود به حوزه علمیه قم 1/7/1347، شروع به تدریس متون حوزوی 1354: سیوطی، مغنی، معالم، مختصر، شرح لمعه، اصول فقه و ...، بازگشت به کاشان پس از تعطیلات تحمیلی بر حوزه متعاقب شهادت شهید غفاری (ره) و شروع به تدریس و تبلیغ و امامت جماعت در کاشان 1355 (مواد تدریس در حوزه کاشان همان درسهای یاد شده)، نماینده ولی فقیه در اوقاف کاشان 1358، قاضی در دادگستری کاشان و عضو کمیسیون 5 نفری حل اختلافات 1358، تدریس در دبیرستانهای کاشان در 1358، فعالیتهای سیاسی اجتماعی، عضویت در کمیسیونهای مختلف در فرمانداری کاشان 1358.
بازگشت به قم و شروع فعالیت تحصیلی و تدریس 1359 (مواد درسی همان درسهای یاد شده در بالا)، شروع به تدریس در دانشگاه کاشان (مدرسه عالی علوم) نیمسال اول تحصیلی 1362، هم زمان تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کاشان 67 - 1366 (مواد درسی دروس معارف اسلامی)، راهیابی به دوره فوق لیسانس «مدرسه عالی دارالشفای قم» 1367، دفاع از رساله کارشناسی ارشد 1371 فروردین با درجه عالی نمره 20 و استاد راهنما جناب استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دنیانی - استاد مشاور جناب حجةالاسلام حسین توفیقی - استاد داور حضرت آیت الله انصاری شیرازی (دامت توفیقاتهم)، استخدام در دانشگاه کاشان 1371 اردیبهشت، تدریس در دانشگاه قم از سال 71 تا 75 (موارد درسی علوم بلاغت، عربی، بدیع فارسی، علم کلام اسلامی).
راهیابی به دوره دکترای «علوم قرآن و حدیث» بهمن ماه 1375، دفاع از رساله دکترای با درجه عالی و نمره 20 (13/6/1381) استاد راهنما جناب حجةالاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی - استاد مشاور حجةالاسلام دکتر احمد بهشتی و حجه الاسلام محمد علی مهدوی راد - اساتید داور حضرت

آیت الله داوری اصفهانی و حضرت آیت الله فاضل گلپایگانی (دامت برکاتهم).
اساتید: صرف و نحو حجةالاسلام «حاج آقا رضا رضوی» در حوزه علمیه کاشان سال 45 و 46، معانی و بیان: استاد «احمد امین شیرازی» سال 47 در قم، فقه: لمعهٔ «آیت الله موسوی تبریزی»، مکاسب: «مرحوم آیت الله ستوده»، اصول قوانین: «حضرت آیت الله دوزدوزانی» رسائل: آیات بزرگوار «مرحوم حرم پناهی (ره)»، «استاد آیت الله اعتمادی ، آیت الله خزعلی (دامت برکاتهم) کفایه مرحوم آیت الله ستوده و حضرت آیت الله مظاهری درس خارج اصول: حضرت آیت الله مظاهری «تقریبا یک دوره کامل اصول» فقه: حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی (دامت برکاتهم)»، هم اکنون هم عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان استادیار پایه 15 و در قم: مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، مرکز تخصصی نهج البلاغه قم، فی الجمله فعالیت آموزشی و ... دارد، مقالات چاپ نشده از قبیل تحقیقات دانشگاهی و تقریرات دروس حضرات آیات: «فاضل لنکرانی» و «مظاهری» (دامت برکاتهم) مقداری نوشته چاپ نشده.

موحدی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی محمد موحدی از علماء اعلام و دانشمندان کرام و مدرسین والامقام و مروجین احکام حوزه علمیه قم است که در سال 1322 قمری در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا تربیت و تحصیل مقدمات و سطوح نموده و پس از پایان آن از محضر مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله خونساری مرحوم و بعضی دیگر استفاده کرده و چند سال هم به درس آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و در خلال آن تدریس ادبیات و سطوح را کرده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد مراجع عظام و زعماء حوزه علمیه قم بوده و از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی چندی اعزام به آباده شیراز و چندی هم به چالوس و در سال 1370 قمری به مسجد سلیمان خوزستان رفته و چندین سال در آنجا به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و مسجد بزرگ و آبرومندی که خود این نگارنده دیده‌ام در آنجا بنا و خدمات ارزنده‌ای انجام داده ولی چند سالی است که به وطن خود مراجعت و از شرکاء درس حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی است و هم در یکی از مساجد قم اقامه جماعت می‌نماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی احمدآبادی اصفهانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1301 ق)، عالم دینی، خطیب و شاعر. در شعر تقی و گاهی شرعی تخلص می‌کرد. در محضر پدرش و علامه میرزا بدیع و آخوند ملا محمد کاشانی و آقا سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم گزی تلمذ نمود و به درجات علمی بالا و اجتهاد نایل شد. او از ملا عبدالکریم گزی و سدی ابوالقاسم دهکردی روایت کرده است. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد، در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: «نورالابصار»، در فضیلت انتظار؛ «سراج القبور»؛ «وظیفة الانام»، در زمان غیبت امام (ع)؛ «تذکره الطالبین»، که ترجمه‌ای است از «آداب المتعلمین»، به نظم فارسی؛ «مکیال المکارم» و «کنز الغنائم»، در فوائد دعا برای حضرت قائم (ع)؛ «ابواب الجنات»؛ «بساتین الجنان»، در معانی و بیان؛ «محاسن الادیب»؛ «ترغیب الطلاب الی علم الاعراب»؛ « دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (218 -217)، الذریعه (115/ 25، 357/ 24 /182، 22/ 125، 20/ 160، 18/ 159، 12/ 170، 39/ 4، 103/ 3، 74/ 1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 258/ 14)، معجم المؤلفین (131/ 9).

موسوی احمدآبادی، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امام جمعه [جماعت مسجد امام زاده اسماعیل]، عالم فاضل، متوفی به سال 1319، قبرش نزدیک به لسان الارض.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی برزکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی برزکی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.
دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.
همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایة الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی برهان، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبداللّه موسوی معروف به برهان از علماء و مدرسین محترم سبزوار بوده‌اند. در سال 1370 ق که حقیر به سبزوار رفتم ایشان را ملاقات و کرارا به دیدن حقیر آمده و متقابلا به منزل ایشان رفته و درک صحبتشان را نمودم.
آن مرحوم عالمی بصیر و دانشمندی روشن‌ضمیر و از بیت علم و تقوای سبزوار بوده است. وی در سبزوار متولد و مقدمات و سطوح را در آنجا از علماء بزرگ فراگرفته و مدتی هم در مشهد مقدس از اعلام ارض اقدس کسب فیض نموده و سفری هم به نجف و از مراجع و آیات عظام استفاده و پس از آن مراجعت به وطن و به خدمات دینی و روحی پرداخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی بفروئی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید یحیی موسوی برادر ارجمند حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عبدالوهاب موسوی مقیم قم میباشند.
وی از فضلاء تلامذه و شاگردان بزرگوار مرحوم آیه‌الله حایری یزدیست که پس از پایان تحصیلات و وصول بمقامات عالیه علمی بوطن خویش مراجعت و تاکنون باقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارد.
دارای مقام فضل و تقوا و فضل و سیادت و حسب و نسب عالی میباشد.
از اردکان و حومه آن بفرو و غیره حدود سی طلبه در قم اشتغال بتحصیل دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی تهرانی، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علینقی الموسوی التهرانی از علماء بنام و دانشمندان عظام معاصر تهرانست.
تولد آنجناب در حدود سال 1325 قمری در تهران واقع شده و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و از محضر اساتید بزرگ قم چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده نموده و در سال 1353 قمری بر حسب تقاضای عده‌ای از اهالی تهران از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری قدس اللّه سره به تهران آمده و تا حال حاضر که حدود چهل سال است، به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات مذهبی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: مترجم معظم ما از دانشمندان موصوف بتقوی و فضیلت و معروف بکمال و متانت و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و مورد توجه مردم تهران و وثوق تمام مراجع گذشته و معاصر می‌باشند و از آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه العظمی نائینی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و آیت‌اللّه العظمی شریعتمداری و دیگران دارای اجازات جامع و مطلق می‌باشند و با این صفات از تظاهرات بر کنار و بوظائف دینی کوشا و ساعی میباشند.
دارای خاطرات عجیب و نوادر غریب میباشند از جمله صداقت تام و ارادت تمام به مرحوم عالم ربانی و آیه سبحانی حجة‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی رحمه اللّه علیه داشتند و حکایات شگفت‌انگیزی از آن مجاهد حقیقی بخاطر دارند. و دیگر با مرحوم ثقة‌الاسلام و المحدثین حاج شیخ ابراهیم ترک (صاحب الزمانی) رفاقت خالصی داشتند و قصه عنایت وصله حضرت رضا علیه‌السلام را که مشهور میان علماء صالحین است از ایشان بلا واسطه نقل می‌نمایند.
صله حضرت رضا علیه‌السلام بمرحوم شیخ ابراهیم ترک
فرمودند مرحوم شیخ ابراهیم مقیم قم (که قبل از تدریس مرحوم آیت‌اللّه حایری همه روزه منبر رفته و حدیث می‌خواندند و مرثیه) حکایت کرد برای ما که به مشهد مشرف شدم و مدتی اقامت کردم تا پولم تمام شد. قصیده‌ای در مدح حضرت رضا علیه‌السلام سرودم و خواستم بروم برای تولیت بخوانم وصله بگیرم با خود گفتم چرا برای خود حضرت نخوانم پس استغفار کرده و بحرم مطهر مشرف و مدیحه را خواندم و تقاضای صله

نمودم و نزدیک ضریح مطهر رفتم دستی با من مصافحه نمود و یک برگه ده تومانی در دست من گذارد فورا عرض کردم آقا جان کم است ده تومان دیگر رسید باز گفتم کم است تا شش یا هفت مرتبه ده تومان در دست من گذارده شد دیگر خجالت کشیده و تشکر نمودم و از حرم شریف بیرون آمدم نزدیک کفشداری دیدم مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی (جد آیت‌اللّه مروارید معاصر در مشهد) با عجله می‌آید تا بمن نزدیک شد فرمود شیخ ابراهیم خوب با آقایم حضرت رضا علیه‌السلام روهم ریخته برایش مدیحه خوانده و صله می‌گیری. بده بمن صله حضرت را، من فوراً آن پولها را تقدیم داشتم ایشان گرفت و پاکتی بمن داد و برگشت و من پاکت را گشودم دیدم دو برابر آن پولست که حضرت مرحمت فرمودند.
آری و اللّه عادتهم الاحسان و سجیتهم الکرم. (کس بدین درگه نیامد بازگردد ناامید).
لم یخب الان من رجاه و من
حرک من دون بایه الحلقه
قضایای دیگری از آن مرحوم منقولست که برای اختصار از ذکر آن خودداری نمودم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خادم، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید مرتضی بن السید الجلیل السید محمد بن العالم التقی السید مراد (امام جمعه) آمل از سادات بزرگوار شهر ری و دارای نفس قدسی و از خدام والا مقام حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بوده‌اند، وی تولدش در حدود 1280 ق در شهر ری واقع شده و در بیت عزت پرورش یافته و مانند مرحوم والدش افتخار خدمت سید الکریم را داشته و از جهت تقوا و پاکی مورد توجه و علاقه شدید مردم ری بوده و مردم بدعاء و تأثیر نفس او توجه مخصوصی داشتند (حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی فقیه) و نسابه عصر میفرمودند ایشان از سادات مرعشی آمل هستند که بموسوی شهرت یافته‌اند) وی بیش از هشتاد سال با مجد و عزت زندگی و در سال 1363 قمری رحلت نموده و در بین‌الحرمین در پای درب مقبره (ناصرالدین شاه) مدفون گردید.
دارای فرزندان متعددی میباشد که دو نفر آنها در سلک لباس روحانیت بوده‌اند: 1- مرحوم ثقه‌الذاکرین آقا سید تقی موسوی 2- جناب سید الاطیاب حاج سید حسن موسوی، و از احفاد آن مرحوم است دانشمند و خطیب شهیر حاج سید محمد موسوی واعظ.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خلخالی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محسن موسوی خلخالی از علماء و خدمتگذاران دینی شمیرانست. وی در نجف متولد و سالها در حوزه علمیه آن سامان کسب فیض و کمال نموده و از محاضر آیات عظام حکیم و خوئی و شیرازی و شاهرودی و غیرهم فقها و اصولا استفاده نموده آنگاه به تهران منتقل و رحل اقامت به تجریش انداخته و در مسجد گیاهی اول خیابان سعدآباد (سر پل تجریش) به اقامه جماعت و وظائف دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی خواجوئی، محمد نجم‌الواعظین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل ادیب، و واعظ شاعر، امام جماعت مسجد تلواسکان، و از مؤلفین و مصنفین بوده.
از آثارش: 1 - مرآت الاسرار، در مصائب، منظوم، به طبع رسیده، و در آنجا گوید: 2 - مثنوی در تفسیر قرآن در سی مجلد دارد.
در اوایل محرم 1347 وفات یافته، جنب خواجوئی مدفون گردیده.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی رکنی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اصغر موسوی رکنی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
خاطره پیشنهاد پدر بزرگوارم مبنی بر انتخاب تحصیلات حوزوی را هیچگاه از یاد نمی برم به ویژه آنکه پیشنهاد ایشان توام با روشنگری خاصی بود. بر اساس این پیشنهاد در سال 1354 برای شرکت در مدارس شبانه روزی و حوزه علمیه ای به سبک کلاسیک که در آن زمان در کشور لبنان دایر شده بود، به این کشور سفر کردم و مدرسه علمیه امام مهدی (عج) در لبنان با پذیرفتن طلاب جوان و آموزش زبان های عربی، فرانسوی، انگلیسی و نیز دروس جنبی جدیدی نظیر آشنایی با ادیان الهی (مسحیت و آیین یهود) سعی بر آن داشت تا طلبه های فارغ التحصیل آن مرکز با تکیه بر اندوخته ها و آموخته های همگام با زمان، به عرضه آیین پر بار اسلام بپردازند و به تمام معنا روحانیون اندیشمند، آگاه به شرایط عصر و نیز مجتهد در رشته های علوم حوزوی به جامعه عرضه کنند.
با گذشت یکسال از تحصیل در آن مدرسه و برداشتن گام های اولیه در علوم حوزوی، به خاطر شدت یافتن جنگ داخلی لبنان و عدم امکان ادامه تحصیل به کشورم ایران بازگشتم. طبیعی بود که در آن شرایط تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه دهم. به خاطر علاقه وافری که به ویژه در سال های قبل از انقلاب به علوم حوزوی وجود داشت؛ سعی کردم که هنگام تابستان و تعطیلی حوزه علمیه قم نیز وقت را غنیمت بشمرم و از حوزه علمیه اصفهان که به صورت چهار فصل در ایام تابستان نیز دایر بود، استفاده کنم. مدرسه علمیه «ذوالفقار» اصفهان پایگاه اصلی حضور در کلاسهای درس بود.
با شروع حوادث تاریخ ساز انقلاب اسلامی ایران در سال 1356 و سپس پیروزی آن در سال 1357 درس های حوزه های علمیه نیز تحت تاثیر این حادثه بزرگ قرار گرفت. حوزه های علمیه پس از وقفه ای کوتاه مجدداً با حال و هوای تازه به کار خود ادامه داد. بنده نیز همگام با شرایط آن ایام به

تحصیل ادامه دادم و به تفصیل و اجمال از محضر اساتید بزرگوار خارج درس های حوزه علمیه قم بهره بردم. حضرات آیات «شیخ مرتضی حائری یزدی»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «وحید خراسانی»، «میرزا هاشم آملی»، «شبیری زنجانی» و «سید محمد روحانی» اساتید عمده فقه و اصول بنده بوده اند که افتخار اجازه اجتهاد را نیز از برخی از آنان دارم.
در کنار درس های پر بار حوزه علمیه قم، با توفیق الهی مدارک درس های کلاسیک مدارس را نیز به دست آوردم و با گرفتن مدرک دیپلم اقتصاد به دروس دانشگاهی روی آوردم که با طی مدارج کارشناسی و کارشناسی ارشد موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته «فقه و مبانی حقوق اسلامی» شدم. در طی این سال ها یکی از افتخار آمیزترین عنوانی را که با خود همراه داشتم، شغل شریف معلمی بوده است که علاوه بر دروس حوزوی، از سال 1367 نیز به صورت حق التدریسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران مشغول به کار شدم تا اینکه بالاخره در سال 1373 به صورت رسمی به عضویت هیئت علمی گروه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» دانشگاه قم در آمدم. از آن سال تاکنون همواره دل گرمی اینجانب اظهار لطف و علاقه دانشجویان و بدست آوردن نمرات خوب از ارزیابی های دانشجویی بوده است (بر اساس صورت جلسه ارزیابی ها در کارگزینی دانشگاه قم) تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. انشاء الله

موسوی زنجانی، قوام‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید قوام‌الدین موسوی زنجانی از علماء زنجانی مقیم قم می‌باشند. ایشان در یکی از مضافات استان زنجان متولد شده و پس از خواندن مقدمات مهاجرت به دارالعلم قم نموده و سطوح را از مدرسین سطح فراگرفته و پس از آن به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای حجت و آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و بعد از ایشان آیت‌اللَّه العظمی شریعتمداری حاضر شده و استفاده‌ها نموده و تا هم‌اکنون از مباحث زعماء حوزه بهره‌مند می‌باشد.
نگارنده گوید: مترجم محترم از فضلاء متقی حوزه و سیدی جلیل‌القدر و متصف به ملکات فاضله و صفات حسنه می‌باشد و حقیر در ماه صفر سال 1362 ق در معیت ایشان و جناب حجةالاسلام حاج شیخ ابوالفضل زنجانی مقیم صحنه کرمانشاه مسافرتی به عتبات عالیات از طریق صلوات نمودم که هرگز خاطره‌های شیرین و عجیب آن سفر را فراموش نخواهم نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

موسوی سدهی، حسن علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد، از فضلا و مؤلّفین، و از شاگردان آقا شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ ابوالقاسم (صاحب تقریرات درس شیخ مرتضی انصاری) بوده، و در سال 1324 به سنّ قریب به هشتاد وفات یافته، در مقبره درب سیّد قریه فروشان سده مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

موسوی شاهرودی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی شاهرودی فرزند سید جلیل و عالم نبیل آیت‌اللَّه حاج‌آقا حسین موسوی شاهرودی فرزند آقاسید محمد فرزند عالم ربانی حاج سید علی موسوی ابرسجی (شاه چراغی) (صاحب مزار معروف در ابرسج شاهرود) از افاضل و مدرسین سطوح عالی و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدس می‌باشند.
وی در سال 1312 شمسی برابر 1354 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و تا چهار سالگی را در آنجا بوده و در سال 1358 قمری در معیت والد ماجدش به ایران و مشهد مقدس آمده و در تحت پرورش پدر بزرگوارش تربیت یافته و بعد از خواندن دروس ابتدائی و مقدماتی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال 1366 قمری پس از رحلت آیت‌اللَّه العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف عزیمت نموده و سطوح را نزد اساتید حوزه نجف تکمیل سپس به درس خارج مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن حکیم و آیت‌اللَّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی حاضر و استفاده کافی نموده و آنگاه به ایران مراجعت و در حوزه مشهد مقدس به تدریس سطوح عالی و سایر و وظایف روحی خود بالخصوص اقامه جماعت در مسجد (حوض لقمان میدان شهداء) که مرحوم والدش اقامه جماعت می‌نمود پرداخته و تا حال تحریر (سال 1412 قمری برابر 1370 شمسی) اشتغال دارند.
دارای فرزندانی فاضل می‌باشند که دو نفر آنان 1- سید محمود موسوی 2- آقا سید مرتضی در قم مشغول به تحصیل و تکمیل مبانی علمی می‌باشند و آقا مرتضی داماد حجةالاسلام حاج سید کاظم لواسانی فرزند آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن لواسانی است. برادران بزرگوار ایشان نیز آقایان حاج سید باقر و حاج سید هادی موسوی از فضلای معاصرند که در مشهد مقدس و قم اشتغال به وظائف روحی و دینی دارند.
دامادهای ارجمندی دارند به نامهای زیر:
1- حاج شیخ حسن عامری شاهرودی
2- حاج شیخ علی صدیق شاهرودی
3- حاج شیخ مهدی بخارائی مشهدی
4- آقا حاج سید مصطفی حسینی شاهرودی فرزند آیت‌اللَّه حاج سید محمد شاهرودی از افاضل و دانشمندان معاصرند که در مشهد و شاهرود و قم و

تهران به خدمات روحی و اجتماعی اشتغال دارند.
خواهرزاده ایشان جناب حاج شیخ محسن کافی فرزند مرحوم حجةالاسلام و واعظ شهیر حاج شیخ احمد کافی داماد گرامی نگارنده است که نعم‌الخلف مرحوم کافی دارای مقام فضل و کمال خصوص از سخنوران و خطیبان معاصر در حوزه علمیه قم می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

موسوی عراقی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی عراقی
متولد: سال ۳۱ مرداد 1366 – دزفول
قد: 2 مترو 2 سانتیمتر
نام پدر:سید حمید
وزن: 92 کیلوگرم
شماره شناسنامه:3127
باشگاههای قبلی: لوله سازی اهواز، پتروشیمی
افتخارات کسب شده: قهرمانی نوجوانان آسیا، قهرمانی جوانان آسیا، پنجمی نوجوانان
جهان، سومی جوانان جهان
مربیان: آقایان: ابراهیم وادی، علیزاده، ایوان بوگاینکف، پورکاشیان
سابقه ملی: عضو تیم های ملی نوجوانان، جوانان، بزرگسالان

موسوی فضیلت، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید مهدی بن المرحوم الحاج السید جواد موسوی از فضلاء مروجین و ائمه‌ی جماعت معاصر شهر ری می‌باشند. وی در سال 1345 قمری در جوار سید الکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام متولد و پس از خواندن دروس جدید تا ششم ابتدائی بتشویق و ترغیب نگارنده برای تحصیل علوم عربی و ادبی به قم مهاجرت نموده و مقدمات و سطوح را از مدرسین حوزه فراگرفته و متون فقه و اصول نهائی را آموخته و چندی از درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده کرده و در سال 1370 قمری در شهر ری بخدمات دینی و روحی و اجتماعی از قبیل تربیت و تعلیم اطفال به اشاره و تصویب مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حجت-ره- پرداخته و برای این منظور تاسیس دبستان ملی (موسوی فضیلت) و از این راه خدمتی به فرزندان مسلیمن نموده و ضمنا در مسجد حضرت (مسلم بن عقیل علیه‌السلام) به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آقای موسوی فضیلت از روحانیون اخیار و علماء ابرار و مروجین عالی مقدار شهر ری و مورد علاقه مردم ری می‌باشند و حقیر که نزدیک چهل سال است با وی دوستی و اخوت دارم مکروهی از او ندیده و وی را یه تقوا و ورع یافته و اهل توسل و ولایت دیده‌ام.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد هادی موسوی قافله باشی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی را از سال 1349 ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود 2 سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیّه امام هادی (ع) در اسفرورین قزوین برای برادران و مدرسه علمیّه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعّالیّت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصلای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است.

که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی کرمانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالقاسم موسوی کرمانی از علماء و ائمه جماعت معاصر کرمان می‌باشند وی در کرمان متولد و در بیت سیادت پرورش و پس از خواندن دروس جدید در مدرسه معصومیه به تحصیل علوم دینی پرداخته سپس مهاجرت به قم و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ آموخته و به درس خارج آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه گلپایگانی و دیگران شرکت و استفاده سرشار نموده و بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به وطن خویش مراجعت و به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تدریس در مدرسه معصومیه پرداخته است.
نگارنده گوید: جناب آقای موسوی کرمانی از دانشمندان متقی و پارسا و موصوف به ورع و متانت و فضائل اخلاقی و دور از تظاهرات می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی گرگانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن موسوی گرگانی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1346 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس 6 دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.
سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت 10 سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی گرمارودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی موسوی گرمارودی در سال 1320 در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشـــمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خودر را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .
او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچـــرخ
نمونه ای از تلاش های اوست.
کارنامه شـعری گرمــارودی مشتمل بر 9 کتـاب شـعر با نامهای: عبور ، در سایه ســـار نخل ولایت ، ســرود رگبار
،چمن لاله، خط خون ، دســتچین ، باران اخــم ، گزیده شـــعر نیســـتان ، تا ناکجــا آبــاد و گزیـــنه شــعر به انتــخاب

بهاءالدین خرمشــاهی است و همــچنین 4 اثر زیر چــاپ او عبارتــند از : صدای سبــز زندگی و شعر ادیب المـمالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.
والدین و انساب : خانواده های گرما رودی ازنظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه های قروچی بیگی ،اورس بیک و باقری و صادقی و اندجی و خانوا ده های غربال بند و موسوی و چند خانواده دیگر می باشند . خانوار موسوی از خانواده های مهاجر روستای میغ سازه کجوربه به مناطق «اوانک » و «گرمارود» می باشند. سید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی » و مادر «تنکابنی» درمحله «چهارمردان » قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید علی موسوی گرمارودی وی

ابتدا در مسجد جامع «گرمارود » مردم را راهنمایی می کرد ، پس دردوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی موسوی گرمارودی نخست نزد پدرش مقدمات را فراگرفت و پس از آن دبستان ملی «باقریه » رفت .او دوره دبیرستان را مدرسه شهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و درنزد علمای آن سامان ، به فراگیری علوم دینی پرداخت . درسال 1345 وارد دانشکده حقوق شد و کارشناسی آن رشته را در رشته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .
خاطرات و وقایع تحصیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را دردبستان «باقریه » طی نمود ، او ازاین دوره چنین یاد می کند :« از آن دبستان ترکه های اناری که درحوض بزرگ مدرسه پیوسته درآن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیده شود ، همیشه چون کابوسی ، درذهن من مانده است . گرچه دستهای کوچک من هرگز با آن چوبها تماس نیافت اما سالیانی دراز بعد از آن روزها ،وقتی درزندان شاه ستمگر ،زیر کابلهای سیمی ساواک ، به خوداز درد می پیچیدم ،چهره شکنجه گرخودرا شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم . »
استادان و مربیان : سید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون : فردوسی پور ، واعظ طبسی و ابب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت .
هم دوره ای ها و همکاران : سید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشنایی و رفت و آمد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی اختصاص داد که به وسیله انتشارات کتابسرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.
وقایع میانسالی : اولین رویداد سیاسی بوقوع پیوسته درزندگی سید علی موسوی گرمارودی ، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بودکه وی درمدرسه فیضیه حضور داشت. او تاآستانه دستگیری و زندانی شدن نیز رفت که با کوشش آیت لالله ربانی شیرازی نجات یافت . باورود به دانشگاه با برخی فعالان سیاسی آشنا شد و باشدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی ، درسال 1352 به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانهای اوینو قصرحبس گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به

سرپرستی سازمان آموزشی نومرز منصوب کرد. همان مؤسسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد. علاوه بر این گرمارودی مدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مدت اقامتش در تاجیکستان به جد جریان شعر معاصر آن کشور فارسی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.
فعالیتهای آموزشی : سید علی موسوی گرمارودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید . وی پس از واقعه پانزده خرداد و دستگیری امام ،درتهران مستقیم گردید . او ابتدا در دبستان و سپس دردبیرستان علوی مشغول کار شد . او پس از انقلاب به تدریس دردانشگاه پرداخت.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با پیروزی انقلاب اسلامی ،موسوی گرمارودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی » را بنیاد نهاد . موسوی گرمارودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجییکستان را نیز برعهده داشته است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید علی موسوی گرمارودی علاوه بر سرودن شعرو شرکت درانجمنهای ادبی ، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت . انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» راباید به دو دوره تقسیم کرد : دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه 12 شهریور 1365 لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیتهای روزنامه نگاری درقلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین ،آثار چندی ازوی منتشر شده است .
آرا و گرایشهای خاص : «من آنچه را برزبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش... می تواند در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب برکاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر برآن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می تواند بکند؟او هرچه می کند با بخش بیرونی شعر

می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرمارودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران ودفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده وهم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیسم در کاربرد لغات به دست می آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرنگ از غزلسرایان فقید

معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر پرنگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرنگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من درجلسه نقد و بررسی شعر پرنگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرنگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل های پرنگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرنگ با توجه به مضمون این شعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های/! دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد» !

جوائز و نشانها : سید علی موسوی گرمارودی امسال (1385) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثار : بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان ومشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست.کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه برگذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر

نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عرآثار استاد گرمارودی به بخش کاملاً متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه ? کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

1 ??شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

2 بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

3 پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

4 تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

5 ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزارو??? صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز ازسوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

6 داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن درکتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد .(جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)).گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر(ع) تا حضرت ختمی مرتبت(ص) با این نثر روایت کرده است
7 داستان پیامبران
ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم
8 در مسلخ عشق
ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.
9 درباره هنر وادبیات امروز
ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی
10 درمسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،
11 دستچین (مجموعه شعر)
12 زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،
13 سرود آسمانی
ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»
14 صدای سبز
ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشرشده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.
15 قلم انداز
ویژگی اثر : مجموعه مقالات و سفر نامه ها از 1348
16 گزیده شعر نیستان
17 گزینه شعر گرمارودی
ویژگی اثر : به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی
18 مجموعه تا کجا
19 مجموعه شعر باران اخم
ویژگی اثر : گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت درسال 1373 تهران منتشر شده است
20 مجموعه شعر چمن لاله
21 مجموعه شعر خط خون
ویژگی اثر : از انتشارات زوار به سال 1363 می باشد
22 مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت
ویژگی اثر : این اثر چاپ دوم و دفترنشر فرهنگ اسلامی به سال 1358 می باشد .
23 مجموعه شعر درفصل مردن سرخ
ویژگی اثر : این اثر از انتشارات راه امام به سال 1357 می باشد .
24 مجموعه شعر سرود رگبار

ویژگی اثر : این اثر درسال 1357 رواق و چاپ دوم می باشد .
25 مجموعه شعر عبور
ویژگی اثر : این اثر وی از آثار شعری اوست که درسال 1356 چاپ دوم می باشد .
26 نهج البلاغه
ویژگی اثر : ترجمه ای
27 نوح پیامبر (داستان کوتاه)،
28 یونس (داستان کوتاه)،

موسوی مطلق، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعباس موسوی مطلق
محل تولد : لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/10/30
زندگینامه علمی
به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال 71 - 70 وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال 76 آغاز کرده ام.

موسوی نسب، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر موسوی نسب
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1362 وارد حوزه علمیه و در مشهد مقدس سطح را به پایان رساندم. در محضر اساتیدی همچون: «آیت الله صالحی»، «آیت الله مرحوم سبزواری»، «آیت الله رضا زاده»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «سبحانی» و «فاضل لنکرانی» تلمذ نموده ام.
گذراندن دوره مرکز ادیان و مذهب اسلامی و دوره مهدویت در مرکز تخصصی مهدویت و دارای تالیفات، تدریس، مقالات متعدد، تحقیق و تدوین در حوزه و دانشگاه از دیگر فعالیتهای بنده بوده است. در حال حاضر نیز مسئول مرکز تخصصی امامت و مهدویت خراسان رضوی هستم.

موسوی نسب، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد صادق موسوی نسب
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ دیپلم، در سال 1361 وارد حوزه علمیّه شدم. در سال 1366 همراه با دروس حوزه در دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق نیز شرکت کردم. این دوره آموزشی شامل مباحث فلسفی، معارف قرآن و منتخبی از مباحث و دستاوردهای بعضی از علوم انسانی، به خصوص اقتصاد و جامعه شناسی بود. پس از این دوره که به عنوان کارشناسی الهیّات و معارف اسلامی ارزیابی شد؛ وارد رشته تعلیم و تربیت شده و در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم. پایان نامه اینجانب: «مقایسه ای است میان دیدگاه شهید مطهری و یکی از فلاسفه تعلیم و تربیت (شفلر) در باب فطرت و استعداد آدمی».
پس از دوران مذکور به عضویت در هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) در قم پذیرفته شده و فعّالیّت های سه گانه ای را، همزمان آغاز کردم؛ (بخش اول کارهای تحقیقی بود که حاصل آن چند مقاله و یک ترجمه مشترک است. بخش دوم تدریس مواد مختلف درسی در رشته علوم تربیتی است و قسمت سوّم اداره امور کارورزی، تحقیق و برنامه ریزی آموزشی برای دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم تربیتی می باشد که در مؤسسه امام خمینی (ره) برگزار می شود) و هم اکنون دانشجوی دکتری در گرایش روان شناسی تربیتی هستم.

موسوی واعظ، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خطیب شهیر و واعظ روشن ضمیر آقای حاج سید محمد بن السید الجلیل السید تقی بن السید العابد الزاهد صاحب انفاس القدسیه الحاج السید مرتضی ابن السید الزکی و الشریف الورع السید محمد المرعشی نسبا و الموسوی شهرتا واعظ نامی و خطیب سامی معاصر از مشاهیر وعاظ عصر و سخنوران حاضر است.
آوازه و شهرتش به تمام کشور بلکه خاورمیانه رسیده و در ایران و عراق و پاکستان و هندوستان و غیره اشتهار دارد درب خانه‌اش به روی عالی و دانی روحانی و عامی باز و دستانش برای دستگیری افتادگان و قضاء حوائج اخوان گشاده است.
همه روزه از اول وقت ارباب حاجت از عموم طبقات از داخل و خارج به وی مراجعه و ایشان از هر کس با آغوش باز استقبال نموده و حتی المیسور از انجام حوائج آنان کوتاهی نمی‌کند و از راه انداختن کار آنها لذت می‌برد و سپاس خدا می‌گوید که گره و مشکل بنده‌ای از بندگان خدا به دست او باز شده و راه افتاده است.
بسیار خوش مجلس و خوش محاوره و مزاح و صاحب لطائف و طرائف و مورد توجه عموم مراجع بزرگ حاضر و بالاخص آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در قم و آیت‌الله العظمی شاهرودی نجف می‌باشد.
مسافرتهائی به دور دنیا نموده و از کشورهای راقیه و متمدنه آمریکا و اروپا و آفریقا و حجاز و سوریا و ترکیه و هند و پاکستان و افغانستان دیدن کرده و با رجال بزرگ سیاسی دنیا و سران مذاهب ملاقات و با بعضی از علماء و مفتیان اهل سنت مناظرات نموده و آنها را مغلوب و مجاب ساخته است.
بیانی شیرین و نطقی گویا دارد و طرف را هر کس باشد با لطایف الحیل محکوم می‌سازد در محاوره کمتر شکست می‌خورد و این یکی از موهبتهای الهی است نسبت به او.
تولد وی در روز بیست و یکم جمادی‌الاولی سال 1341 ق در زاویه مقدسه شهر ری در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام واقع شده و تحصیلات جدید را تا متوسطه خوانده آنگاه به تشویق و هدایت نگارنده برای تحصیل علوم دین به قم آمده و اولا با مخالفت صریح خاندانش مواجه شده ولی از آنجائیکه نسبت به حقیر علاقه و محبتی تام

داشت در مقابل انکار و منع آنان استقامت ورزیده و در سال 1359 ق مهاجرت بدارالعلم قم و ادبیات و سطوح را از مدرسین حوزه خوانده و سطوح عالی را از حجه‌الاسلام حاج شیخ جواد خندق‌آبادی و مرحوم آیت‌الله مجاهدی و حجه‌الاسلام مصطفوی و دیگران استفاده نموده و در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی مرعشی مدظله و بعضی از آیات دیگر شرکت و در سال 1370 ق به تهران مراجعت و وارد امور اجتماعی از قبیل ملی کردن صنایع نفت و انتخابات آزاد گردیده و کم‌کم کسب شهرت کرده و چندین بار از رادیو تهران و رادیو بحرین سخنرانی در پیرامون حقایق اسلام و رسالات نبی صلی الله علیه و آله و سلم نموده و اکنون نیز به خدمات و وظائف مذکور اشتغال دارد ادام‌الله ظله و کثر الله مثله آمین یا رب‌العالمین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

موسوی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعلی موسوی
محل تولد : خدا بنده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سّید علی موسوی فرزند سیّد آقا در سال 1326 در شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال 1341 وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدایی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال 1344 احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدوزانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.
در سال ظاهراً 68 در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال 71 ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائرة المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلاً یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلاً در دائرة المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن موسوی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/3/12
زندگینامه علمی
در دوازدهمین روز خرداد ماه 1355 مطابق با سوّم جمادی الثانی 1396 و مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) دیده به جهان گشود. زادگاهش شهر علم و دین «آمل» است. او در خانواده ای متوسط از نظر مذهبی و مالی رشد یافت. دوران کودکی را در محلّه ای گذراند که فضای دینی مذهبی بر آن حاکم بود و بعدها به علّت 57 شهیدی که به انقلاب و نظام اسلامی هدیه کرد؛ «شهید محله» نامیده شد. دوران آموزش ابتدایی را در دبستان «جواد الائمه» طی کرد. او همواره از شاگردان ممتاز در این دبستان بود و بارها شاگرد اوّل کل شاگردهای یک پایه شد. قرائت قرآن را نیز از سال سوّم ابتدایی در این دبستان آغاز کرد و چند روز در هفته در صبحگاه مدرسه قرائت قرآن می کرد. با تشویق های خانواده به ویژه مادر بزرگ سعی زیادی برای انس با قرآن داشت. در دوران ابتدایی در فوق برنامه های سرود و تئاتر نیز شرکت فعّال داشت.
تابستان سال 1366 یک دوره تجوید را نزد استاد سیّد عباس ساداتی گذراند. پایان همان دوره مسابقات قرائت قرآن منطقه لاریجان آمل در بین نوجوانان مقام اوّل را کسب کرد. دوره آموزش راهنمایی را در مدرسه «شهید سقا علیزاده» گذراند. در این مدرسه نیز به فعالیت های دینی مذهبی می پرداخت. یکی از قاریان ثابت برای مراسم صبحگاه مدرسه بود و در سال دوّم و سوّم راهنمایی نیز امام جماعت مدرسه بود و برای برگزاری نماز جماعت بسیار فعّالیّت می کرد. اجرای سرودهای مذهبی و بازیگری در تئاتر و کارگردانی بعضی تئاترها و ساماندهی کتابخانه مدرسه از دیگر فعّالیّت های او در مدرسه بود. در سه سال دوره راهنمایی نیز دو بار در مسابقات علمی و درسی مقام اوّل مدرسه را کسب کرد. دو بار نیز در مسابقات قرآن دارالقرآن الکریم و مسابقات قرآن بسیج مقام اوّل را در سطح سنّی خود کسب کرد.

سال اوّل دبیرستان را در مدرسه طبری در رشته تجربی گذرانده و درکنار درس به فعّالیّت های مذهبی در انجمن اسلامی و بسیج مدرسه می پرداخت. آذر ماه 1369 بود که وارد هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) شهید محلّه شد. هدایت این جمع قرآنی را استاد «ماشاءالله شفیق» برعهده داشت که با درس ها و راهنمایی هایی خود مسیر تازه ای به زندگی او بخشید. در سال 1370 با تغییر رشته درسی به رشته ریاضی فیزیک به دبیرستان شهید باهنر رفت و تا پایان دوره دبیرستان در سال 1373 در این رشته تحصیل کرد. در سالهای دبیرستان او همواره سعی می کرد بر دانش دینی خود بیفزاید. علاوه بر حضور در جلسات مذهبی و هیئت های درس قرآن و ... به مطالعه جدّی در مسایل دینی پرداخت. از سال 1370 تدریس تجوید و قرائت قرآن را در هیئت درس قرآن علی بن موسی الرضا (ع) آغاز کرد و از سال 1371 مسئولیت هیئت نوجوانان قاسم بن الحسن (ع) را بر عهده گرفت و به آموزش قرآن و احکام و ... پرداخت.
در سال 1372 در مسابقات مفاهیم دانش آموزی قرآن مقام اوّل را در استان مازندران کسب کرد و در سال 1373 در مسابقات اذان در استان خود اوّل شد. در پی مطالعات مذهبی و دوستی با چند تن از طلاب علوم دینی به ادامه تحصیل در حوزه علمیه علاقه مند شد و در مهرماه سال 1373 پس از قبولی در آزمون وارد حوزه علمیه قم شد. سه سال اوّل را در مدرسه علمیّه شهیدین و سه سال بعد (از پایه چهارم تا ششم) را در مدرسه علمیه معصومیه طی کرد. در کنار درسهای رسمی حوزه آموختن دروس فلسفی را آغاز کرده و چند سالی در این رشته به مطالعه پرداخت.
در سال 1378 همکاری خود را با مؤسسّه علمی فرهنگی دارالحدیث را آغاز کرد که تا کنون این همکاری ادامه دارد. در کنار کارهای جاری محوله از سال 1380 همکاری خود را با گروه تدوین سالنامه حدیثی نور آغاز کرد که از سال 1380 تا 1385 در انتخاب حدیث و گلشن حدیث این مجموعه همکاری داشته است.
در سال 1381 اوّلین کتاب خود با نام: «آینه یادها» را با همکاری آقای هادی ربّانی منتشر ساخت. دیری نگذشت که این کتاب در 4 چاپ پنج هزار جلدی به چاپ رسید. در سال 1382 دوّمین کتابش را به عنوان: «نام نمای نیکان» منتشر کرد و در مجموعه گزیده های متون حدیثی نیز به همکاری پرداخته و کارهای انتخاب حدیث، استخراج منابع، تدوین کتابنامه را در گزیده های مختلف به عهده داشت. گزیده های کتاب های «غررالحکم و الخصال» را نیز ترجمه کرد. در سال 1383 کتاب «ماه در آب»: مثل های فارسی در آینه حدیث را به چاپ رساند. نوشتن مقاله در مجله حدیث زندگی را نیز در سال 1382 آغاز کرد. در ادامه برای مجلّات گلستان قرآن

و بشارت نیز مقالاتی نوشت. تعداد مقالات چاپ شده او به بیش از 25 مقاله می رسد. در سال 1383 پس از اتمام سطح دو حوزه، در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش کلام شرکت کرده و در این رشته پذیرفته شد.

موسوی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد محمّد موسوی در سال 1333 در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال 47 جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی بیان و مقداری از اصول فقه تا شرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.
پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعدادی از آیات اعظام مانند: «تبریزی (ره)» و «حضرت آیت الله وحید خراسانی» شرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (70 - 64) به عنوان امامت جمعه در استان کرمان اشتغال داشته و در سال 1370 شمسی مجدّداً به قم آمدم و حدود دو سال اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزهٔ علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمد حسین بن السید الجلیل آقا سید محمد باقر موسوی از علماء معاصر شهرستان بهبهان است. وی در سال 1307 شمسی در بهبهان متولد شده و پس از طی دوران دروس جدید مدت سه سال در بهبهان مقدمات و ادبیات و سطوح متوسط را خوانده آنگاه بقم مسافرت و مدت هشت سال از محضر اساتید عظام حوزه علمیه قم چون حضرت آیه‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله و آیه‌الله العظمی آقای... و زعیم اعظم آیه‌الله العظمی بروجرودی استفاده نموده و بعد از آن مهاجرت بنجف اشرف نموده و مدت چهار سال اقامت و از محضر دروس حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و آیه‌الله العظمی مرحوم حاج سید محسن حکیم بهره‌مند شده سپس بمنظور انجام وظیفه در سال 1374 ق به بهبهان مراجعت و مدت بیست سال است که در این شهرستان در مسجد (مصلی) باقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارند.
از آثار ایشانست:
1- تأسیس کتابخانه عمومی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در مسجد مصلی.
2- مدرسه علمیه موسوی که مجهز بتمام وسائل آسایش برای طلاب علوم دینی و واردین از اهل علم و منبر میباشد.
3- کتابخانه مدرسه علمیه مزبور برای محصلین این مدرسه.
جناب آقای موسوی، از حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله حکیم و آیه‌الله العظمی خوئی و آیه‌الله العظمی شاهرودی مجاز باجازه امور حسبیه و وکالت در امور شرعیه دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

موسوی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : سید مصطفی موسوی در سال 1325 در روستای صومعه بر بخش طارم علیای زنجان به دنیا آمد.وی یکی از مصححان کتاب «جامع التواریخ» می باشد. کتاب مذکور ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید مصطفی موسوی در شش سالگی آموزش روخوانی و قرائت قرآن مجید را آغاز کرد و نزد روحانیون بومی مقدمات علوم قدیم را فراگرفت. پس از گذشت شش سال فراگیری دروس جدید را نیز آغاز کرد. دورۀ دبستان و دبیرستان را در شهر رشت گذراند .وی از هنگامی که همکاری اش را با آقای محمد روشن برای فراهم آوردن متن جامع التواریخ آغاز کرد، مقدماتی از زبان مغولی را نیز آموخت.
فعالیتهای ضمن تحصیل : سید مصطفی موسوی در کنار تحصیل در دبیرستان به مطالعه در زمینۀ تاریخ و سپس زبان شناسی و ریشه شناسی واژگان فارسی علاقه مند شد و در سالهای بعد زبانهای ترکی غرب (ترکیه) و ترکی شرق را به طور شخصی آموخت و در همین دوران با کتیبۀ اورخون و متون کهن ترکی نیز آشنا شد.
فعالیتهای آموزشی : سید مصطفی موسوی به غیر از تصحیح کتاب جامع التواریخ، مقالاتی هم در زمینۀ نقد کتاب، تاریخ، زبان شناسی در مجلات راهنمای کتاب، آینده، فرهنگ و زندگی، نشر دانش و جُنگ ها و نشریات محلی نوشته است. همچنین آماده سازی جلد دوم جامع التواریخ (با همکاری آقای روشن) و فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدی خان استرآبادی (منشی نادرشاه) را در دست اقدام دارد
جوائز و نشانها : کتاب "جامع التواریخ" تصحیح سید مصطفی موسوی(یکی از محصصین)، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
آثار :
1 جامع التواریخ

ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب:«جامع التواریخ»: جامع التواریخ (4 جلد)؛ رشیدالدین فضل الله همدانی؛ تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، 1373. یکی از آثار گرانبها و ارجمند زبان فارسی در زمینه تاریخ که خوشبختانه از چنگال حوادث روزگار مصون مانده و به دست ما رسیده جامع التواریخ است. بخش بزرگی از این کار سترگ، بی مانند و بخشهای دیگری از آن نادر و کم نظیر به شمار می آید. مانند قسمتهایی از جلد اول که مؤلف به شرح وقایعی که خود در دوران اقامت در دربار مغولان شاهد آن بوده پرداخته. همچنین بخشهای مهمی از جلد دوم مانند تاریخ اغوزان، چین، هند و بودا، فرنگ و پایان، اسماعیلیان و نزاریان که در جای خود از نظر شیو؟ تاریخ نگاری در جهان اسلام بدیع و بی نظیر است. مجلد اول و دوم کتاب به اصل متن جامع التواریخ و تمامی مجلد سوم به انعکاس نسخه بدلها اختصاص یافته است. فهرست آیه های قرآن، عبارتها و اشعارعربی و فارسی، واژه ها و ترکیبات و نام کسان و مکانها نیز در مجلد چهارم منعکس شده است. از ویژگیهای این کتاب این است که مصححان، با اعراب گذاری روی نامها و واژه های ترکی، مغولی، عربی و فارسی تاریکیها و ابهامات را برای خوانندگان کتاب از میان برده اند. همچنین ارائ؟ تصاویری ازنسخه های قدیمی «جامع التواریخ رشیدی» و نیز وجوه مختلف زندگی اجتماعی و هنری مغولان، بر اعتبار و گیرایی کتاب افزوده است.

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

موسوی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مصطفی موسوی
محل تولد : اصفهان
شهرت : موسوی اصفهانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1

زندگینامه علمی
حجةالاسلام و المسلمین موسوی در سال 1323 در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر هوایی از کسبهٔ اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می‌گذرانید. او به دلیل علاقهٔ فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می‌کرد. حجةالاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.
او در سال 1340 به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجةالاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دورهٔ مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد حجةالاسلام و المسلمین «فاضل هرندی»، مختصرالمعانی را نزد «آیت‌الله صالحی»، معالم را نزد «آیةالله اشکوری»، قوانین را نزد «آیةالله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد «آیةالله صلواتی» و «مؤمن» به پایان برد. او رسائل را نزد «آیةالله اعتمادی» و مکاسب را نزد حضرات آیات: «ستوده، فاضل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیةالله سلطانی طباطبایی» آموخت.
با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیةالله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیةالله العظمی مکارم شیرازی»، «آیةالله

العظمی گلپایگانی»، «آیةالله العظمی وحید خراسانی» و «آیةالله العظمی شیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوستان و هم مباحثه‌ای های او (حجةالاسلام و المسلمین شهید حسن بهشتی، حجةالاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجةالاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.
حجةالاسلام و المسلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حوزه علمیه برادران به تدریس دروس دورهٔ سطح پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج استادان خود را نگاشته است. حجةالاسلام و المسلمین موسوی، همگام با نهضت اسلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.
او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصنی که علماء و طلاب اصفهان در منزل «آیةالله خادمی اصفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاب نیز مدتی به همراه «آیةالله محمد مؤمن» در قوهٔ قضائیه به رتق و فتق امور دادگاهها اشتغال داشته است. حجةالاسلام و المسلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میرمحمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر محمود موسوی
محل تولد : زاویه سفلی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال 1344 شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال 1361 در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال 1362 تا 1365 در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال 1365 تا 1370 در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.
سال 1370 شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال 1372 وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمائی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.
سپس از محضر حجة الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (28 - 32) و دو جلد آن (33 - 37) با همکاری حجة الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های

خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسوی، نعیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1333، اهواز.
درگذشت: بهمن 1375، اهواز.
سید نعیم موسوی مترجم اشعار شاعران عرب زبان بود. در جلسات شب شعر با شاعران اهوازی شرکت می‌جست. ترجمه‌های او در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند. از جمله آثارش می‌توان به کتاب فانوس رابطه اشاره کرد که اوایل انقلاب اسلامی به چاپ رسید. وی چند سالی به کار کتابفروشی روزگار می‌گذرانید.
سید نعیم موسوی، با بیماری قند خون روبرو بود و در اواخر عمر 90 درصد بینایی خود را از دست داده بود. پیکر وی در اهواز در منطقه‌ی شبیشه در بهشت شهدا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسویان، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالفضل موسویان
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال 1334 در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.
از اوائل سال 1352 درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیة الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیة الله معرفت، اخلاق را از آیة الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.
اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسانده ام.

موفق، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا موفق
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/12
زندگینامه علمی
1. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی 2. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس 3. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی 4. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) 5. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) 6. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه 7. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال 8. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته « فلسفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی 9. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال 78 و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتاب « نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به

حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. 10. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه (بداية الحكمة) 11. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم 12. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی 13. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال 14. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل 15. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

موقر بوشهری، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1320 ق)، روزنامه‌نگار. ملقب به مترجم الممالک. در بوشهر به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی در زادگاهش به بندر کراچی رفت و دوره‌ی متوسطه را در مدرسة الاسلام سند خواند و زبان انگلیسی را آموخت. سپس به تهران آمد و در کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. او سه دوره از طرف اهالی خوزستان نماینده‌ی مجلس شورای ملی شد. بعد از آن در راه تصوف قدم نهاد و از سر سپردگان شمس‌العرفاء گردید. وی در 1304 ش روزنامه‌ی «خوزستان» را در اهواز و در 1312 ش مجله‌ی «مهر» و در 1314 ش مجله‌ی «مهرگان» را در تهران تأسیس و منتشر کرد. موقر همچنین در 1316 ش به عنوان مدیر روزنامه‌ی «ایران» منصوب شد و بعد از آن روزنامه‌ی «مهر ایران» را انتشار داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (243 -242/ 4 ،259 -258/ 2 ،314/ 1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (563 -562/ 5).

موگهی، عبدالرحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الرحیم موگهی
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/10/1
زندگینامه علمی
عبدالرحیم موگهی در اول دی ماه 1338 هجری شمسی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات کلاسیک خود را تا سال سوم رشته «مهندسی طراحی» در دانشگاه صنعتی اصفهان ادامه داد. در سال 1358 وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم»، «جوادی» و ... بهره برد. وی دارای تألیفات متعددی می باشند که تعدادی از مقالاتشان در نشریاتی همچون: یاس، فرهنگ جهاد، رشد، ره توشه، مبلغان، مبین، حجره، پیام حوزه، کوثر، مربیان، سلام بچه ها و ... به چاپ رسیده است.

مولانا، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد آقا مولانا قدس سره و سلسله‌ی نسب‌شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می‌رسد شب شانزدهم ربیع الاول سال 1320 هجری قمری در بلده‌ی طیبه‌ی نجف اشرف (ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) متولد تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداوله و سطوح را در تبریز به اتمام رسانده در سال 1340 جهت ادامه‌ی تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم و از محضر استادان عالیقدر آیات الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء- آقا سید محمد حجت کوه کمری (موقع اقامت معظم له در نجف)- آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء- آقا ضیاء عراقی- آقا شیخ محمد حسین کمپانی (اصفهانی) و سایر فقهاء عصر استفاده و پس از فراغت از تحصیل در سال 1346 به وطن عزیز خود تبریز مراجعت- از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال داشته- روز چهارشنبه 22 شوال المکرم سال 1392 در تهران (جهت معالجه به آن شهر تشریف فرما شده بود) داعی حق را لبیک گفته.
آفتاب دین غرا کرد از عالم افول
بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب
در شهر مذهبی قم و جوار حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها مدفون گردید.
عمر شریفش و 72 سال 7 ماه و 6 روز بوده.
چون تراب تیره شد آرامگاه و مضجعش
عرش گفتا آن زمان یالیتنی کنت تراب
اولاد ذکور آن بزرگوار: جنابان حجه الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن و حاج سید ابوالقاسم آقا که هر دو به نوبه‌ی خود از جمله علمای اعلام و فضلای تبریز به شمار می‌روند و در دریای علم و تقوای آن فقید می‌باشند.
و نیز آقای حاج سید ابوالفضل جوان فعال پرهیزکار فرزند آن مرحوم و نور دیده‌ی مردم است.
تألیفات فقید سعید آنچه در حال حیاتش به زبان فارسی به چاپ رسیده 18 جلد بشرح زیر:
1- صحت و سعادت- اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.
2- آثار المعاصی- در بیان اثرات دنیوی گناهان.

3- نصایح المعصومین- اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم‌السلام
4- الملاحم- پیشگوئی‌های واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام
5- لطائف الاخبار- برگزیده‌ی اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم‌السلام
6- مرآة الحج- بیان احکام و مناسک حج.
7- شرط و جزاء- بیان احادیث وارده در نتیجه‌ی بعضی اعمال.
8- الفروق- بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.
9- البرکات- اخباری که کلمه‌ی برکت در آنها ذکر شده.
10- سیره‌ی حسنه- ذکر فوائدی در موضوعات مختلفه.
11- حکایات المعصومین- قسمتی از حکایات گذشتگان خدائی.
12- کیف اصبحت- اخبار و احادیث.
13- چهل حدیث- احادیث و بحث اجمالی در امامت.
14- خدا نه طبیعت- منظوم در اثبات صانع.
15- حج نامه- منظوم در اعمال حج و سفرنامه.
16 و 17- بخش اول و دوم در منظوم- در حالات پنج تن آل عبا (ع).
18- تعدیل المیزان- بیان اوزان و اندازه‌های معمول دنیا.
علاوه بیشتر از ده جلد کتب علمی و فقهی من جمله (منجزات المریض) یک بحث مهم که هنوز به چاپ نرسیده و از آثار باقیه‌ی آن فقیه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

مولوی کتابفروش، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا محمد بن ملا علی خوانساری. از فضلای اصفهان، و از شاگردان حاج میرزا یحیی مستوفی و آقا نجفی و جمعی دیگر بوده، و شغل کتابفروشی داشت، و از راه طبع کتب دینی خدمت شایسته‌ای به علم و دین فرموده.
تألیفاتی دارد، از آن جمله است: 1 - تفسیر مولوی، در حاشیه‌ی قرآن به طبع رسیده، و خلاصه‌ی چندین کتاب تفسیر است 2 - حواشی بر قرآن 3 - کشف الایات، که در آخر جنات الخلود به طبع رسیده است.
در سلخ شعبان سال 1366 وفات یافته، در تخت فولاد حوالی قبر فاضل هندی در بقعه‌ای مخصوص جنب پدر مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
از پی تاریخ او گفت خرد با یکی
جا بجنان می‌کناد شیخ محمد حسین
پدرش: آقا ملا محمد نیز فاضل و دانشمند بوده، و شغل کتابفروشی داشته، و در 10 ذی قعده 1307 وفات یافته، در تخت فولاد مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

مومن، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی مومن
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام و المسلمین علی مؤمن در سال 1332 در قم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و برادرش (حضرت آیةالله محمد مؤمن) از استادان حوزه علمیه قم بود. حجةالاسلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دورهٔ دبستان، در خرداد ماه 1345، به حوزه علمیه قم وارد شد.
او جامع المقدمات را نزد حجةالاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجةالاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقای طالقانی، معالم را نزد «آیةالله مقتدایی» و مختصرالمعانی را نزد «آیةالله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجةالاسلام والمسلمین امینیان، شرح لمعه را نزد حضرات آیات: «تهرانی، شب زنده‌دار، صلواتی، تقوی اشتهاردی، فاضلی اشتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیةالله طاهری» و برادرش (آیةالله مؤمن) رفت. ضمن اینکه بخشهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می‌آموخت به درس مکاسب آیةالله ستوده و درس کفایه آیةالله سلطانی طباطبایی نیز می‌رفت.
با پایان یافتن دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحید خراسانی» و «محمد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره‌های بسیار اندوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیةالله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیةالله حسینی کاشانی» فرا گرفت.
از دوستان و هم مباحثه‌های او می‌توان حجج اسلام رجبی، شب‌زنده‌دار و عندلیب را نام برد. حجةالاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس همت گماشت و تا به امروز بیشتر کتب دوره سطح را تدریس کرده و از این رهگذر، شاگردانی را به عالم اسلام تقدیم داشته

است. او به همراه برخی از استادان حوزه، به امر بررسی و تدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسیاری را به انجام رسانده است. حجةالاسلام و المسلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مومن
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/10/23
زندگینامه علمی
آیةالله محمد مؤمن، در روز پنج شنبه، دهم ذی‌القعدهٔ سال 1356 هجری قمری برابر با 23 دی 1316 هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسلام (ص) در شهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشناس و مورد اعتماد مردم بود، با پیشهٔ کشاورزی روزگار می‌گذراند و نزدیک به صد سال زیست و سرانجام در سال 1377 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال 1373 در گذشته بود. پدر و مادر ایشان نیز متولد قم بوده‌اند و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خاندانش حدود 200 سال است در قم سکونت دارند.
کودکی آیةالله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محلهٔ «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشغول شد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مدتی با سفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصیلات خود را در مدارس اسلامی، ملی آن زمان، به تحصیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس ششم ابتدائی تحصیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.
در سال 1332 به تحصیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطوّل» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هم زمان، به دلیل تنگی معیشت خانواده، به آموزگاری نیز می‌پرداخت. پس از آن، با توسل به حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) و امام عصر (عج)

توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صرفاً به تحصیل علوم دینی بپردازد. «شرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در ششمین سال تحصیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شرکت جُست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.
در اواخر سال 1342 برای تحصیل، عازم نجف اشرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بازگشت و تا سال 1353 به تحصیل خود ادامه داد. حضرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره برده است؛ از جمله شرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشکینی»، «آیت الله شاه آبادی»، «شیخ ابوالفضل خوانساری» و دیگر اساتید آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شیخ انصاری را نزد «آیةالله حاج شیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایة الاصول را نزد مرحوم «آیةالله سلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیةالله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.
وی در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیةالله بروجردی» حاضر شد و سپس به درس خارج فقه امام (ره) که درباره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های استنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مستحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال 1342، به درس فقه و اصول «آیة الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیةالله حاج آقا مرتضی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.
ایشان عمده استادان خود را در حوزه: مرحوم امام، مرحوم محقق داماد و مرحوم شیخ مرتضی حائری می‌داند و در باره آنها می‌گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می‌کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می‌کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می‌کردند و نقض و ابرام می‌کردند و طلبه را اجتهادی بار می‌آوردند».
از هم مباحثه‌ای های آیةالله مؤمن، می‌توان از «آیةالله حاج میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی» (فرزند آیةالله اراکی)، «آیةالله طاهری خرم

آبادی»، «آیةالله حاج سید محمد حسینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشی»، «شهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجةالاسلام و المسلمین فیاضی»، «حجةالاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجةالاسلام و المسلمین برهانی» و «حجةالاسلام و المسلمین اختری»: سفیر ایران در سوریه نام برد. اینان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضلای متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.
زندگی آیةالله محمد مؤمن با تلاشهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعهٔ علمی و سیاسی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دورهٔ کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایةالحکمه» و «نهایةالحکمه» و بخشی از «اسفار و عرشیه» نائل آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال 1362 به تدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تدریس دورهٔ سوم آن اشتغال دارد. تدریس بحث معاملات «تحریرالوسیله» حضرت امام خمینی(ره)، کتاب قضا و شهادات و عمدة حدود و مسائل مستحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تدریس مبحث حکومت اسلامی نیز مشغول است. از آیةالله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جامعه علمی کشور تقدیم نموده است؛ از دیگر فعالیتهای علمی و فرهنگی ایشان می‌توان از تدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی خویش را می‌پیماید.
دفتر زندگانی آیةالله محمد مومن، پیش و پس از انقلاب، سرشار از مبارزه و هدایتهای سیاسی است. در حدود سال 1343 در مجلس آن روز، لایحهٔ کاپیتولاسیون مطرح شد. به دنبال این قضیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همهٔ مسلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛ ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن

بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می‌کند. در اواخر سال 1342 به قصد زیارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشرف به عراق مشرف شد و نزدیک 6 ماه این سفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه 1343 به ایران مراجعت می‌کردند.
به دنبال دستگیری مجدد حضرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سفر زیارتی قصد تشرف به نجف اشرف را داشت که مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیةالله سید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیةالله مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلخالی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیةالله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.
از فعالیتهای دیگر که در کارنامهٔ مبارزاتی آیةالله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامهٔ تعدادی از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیةالله مومن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می‌کند. آیةالله مومن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می‌کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرتعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرتعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.
حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی‌گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال 1353 منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهداد کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهداد، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می‌کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می‌کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران،

فعالیتهای آیةالله مؤمن در قالب مسؤولیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیةالله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزهٔ علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقهاهت، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می دارد.

مومنی، ستار

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ستار مومنی
محل تولد : مرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1322/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1338 وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسهٔ «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مونس علیشاه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1252 ش)، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به مونس. پس از فراگیری علوم مقدماتی به آموختن فقه و اصول و حکمت پرداخت. در سال 1317 ش به اتفاق پدر به مکه رفت و پس از فوت پدرش، تبلیغ و ارشاد مریدان او را به عهده گرفت و قطب سلسله‌ی نعمت‌اللهی گردید. در شروع نهضت مشروطه، به تاسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت. سپس به تاسیس مدرسه‌ی مسعودیه و چاپخانه‌ی پارس و انتشار روزنامه «احیا» اقدام کرد. در سال 1340 ق مجددا به مکه رفت و سپس به تهران برگشت و تا پایان عمر در این شهر بود. مدفن او در خانقاه کرمانشاه است. از آثار او: «مونس السالکین»؛ «دلیل السالکین»؛ «برهان السالکین»؛ «جبر و تفویض»؛ «کفایه التجوید»؛ «نجات از شبهات»؛ «تاریخ حب الوطن»، در سه جلد؛ «رساله‌ی ادریسیه»؛ «انیس المهاجرین و مونس المسافرین»؛ «دیوان اشعار»، در شش جلد.[1]
عبدالحسین (حاج میرزا) ملقب به مونسعلی شاه و متخلص به مونس بن علی ذوالریاستین وفا علی شاه بن آقا محمد منور علی شاه، پیشوای فرقه‌ای از سلسله نعمة اللهیه (و. 1290 ه.ق./ 1252 ه.ش.- ف. 1332 ه.ش.) وی در 7 سالگی به مدرسه رفت و در 9 سالگی نزد سید محمد نبی کرمانی به تحصیل پرداخت. مقدمات فارسی و عربی و صرف و نحو و فقه و اصول را از شخص اخیر فراگرفت، و بیان و منطق را از حکیم نصرالله در مدرسه منصوریه، حکمت ریاضی و بخشی از هیئت، حساب، فیزیک و شیمی و جبر را نزد میرزا عبدالله رحمت نواده وصال، و حکمت الهی را از میرزای آقای جهرمی و محمد هادی شاگرد حکیم مزبور و شرح فصوص‌الحکم و غیره را از حسین سبزواری شاگرد حاج ملاهادی سبزواری و شیخ المحققین اصطهباناتی و مکاسب و طهارت و ریاضی را از شیخ محمدباقر اصطهباناتی و حاج میرزا عبدالباقی و علم تجوید را از حاج شیخ عبدالنبی شیرازی و علم تفسیر و لمعه و بیشتر تعلیمات دینی را نزد علی وفا علی شاه و شیخ جعفر محلاتی آموخت. مدتی نزد پدر به مجاهده و سیر و سلوک پرداخت.وی در بدو نهضت مشروطه به تأسیس انجمنهای اسلامی و انصار پرداخت و سپس به تأسیس مدرسه مسعودیه (1325 ه.ق.) و ایجاد مطبعه پارس و انتشار روزنامه احیا (1330 ه.ق.) اقدام کرد. ذوالریاستین پس از فوت سید اسماعیل اجاق صادق علی شاه

کرمانشاهی که جانشین پدرش بود به پیشوائی سلسله رسید. سلسله طریقت او از این قرار است:1- سید اسماعیل اجاق صادقعلی شاه. 2- حاج علی آقا ذوالریاستین وفا علی شاه. 3- حاج آقا محمد منور علی شاه 4- حاج زین‌العابدین رحمتعلی شاه. 5- حاج زین‌العابدین شیروانی مستعلی شاه. 6- حاج محمد جعفر همدانی مجذوبعلی شاه. 7- حسینعلی شاه اصفهانی. 8- نورعلی شاه اصفهانی 9- معصومعلی شاه (معصومعلی شاه). در سال 1317 ه.ق. همراه پدر و بار دیگر به سال 1340 ه.ق. به تنهائی به مکه شد. حدود سال 1308 ه.ش. در تهران رحل اقامت افکند. تألیفات او از این قرار است: مونس السالکین، دلیل السالکین، برهان السالکین جبر و تفویض، کشفیه، نجات از شبهات، حواشی بر مثنوی ملای رومی، رساله اردیسیه، تاریخ حب الوطن منظومه در 3 جلد، رساله روحیه، رساله طول عمر، انیس المهاجرین. و مونس المسافرین، دیوان مونس در 2 جلد. مدفن او در خانقاه کرمنشاه است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (59 -57 /1)، حدیقه الشعراء (1749 -1748 /3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (580 -574 /5)، الذریعه (1127، 339 /9)، سخنوران نامی معاصر (3467 -3464 /5)، سرآمدان فرهنگ (366 -364 /1)، شرح حال رجال (137/6)، شرح حال رجال (137/6)، فرهنگ سخنوران (898 -897)، مؤلفین کتب چاپی (730 -729 /3)، مرآت الفصاحه (623 -622).

مهاجر شجاعی، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال ۱۳۶۲/۱/۱ در بروجرد به دنیا آمد. 16 ساله بود که شروع به دویدن کرد. یکی- دو ماهی از استارتش می گذشت که در نوجوانان کشور که در سنندج برگزار شد، سوم شد. اولین بار که پایش را آن طرف مرز گذاشت به تایلند رفت آن هم برای مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا، گویا قرار بود هر اولین حضوری به برنز ختم شود، چون در این مسابقه هم، برنز گرفت، اما انگیزه خوبی شد تا احسان ادامه دهد.
پسر بروجردی دو ومیدانی ایران خصوصیات ویژه ای دارد، رک حرف می زند، خیلی هم تمرین می کند، خیلی ها می گویند اگر بقیه دونده ها هم به اندازه او تمرین می کردند، شاید وضعیت ایران در دوهای نیمه استقامت خیلی فرق می کرد. این روزها برای پکن آماده می شود، بدون اینکه در چند ماه گذشته استراحت کرده باشد نمی خواهد پشیمان شود.
نگاه ویژه
پسر پرانگیزه ۸۰۰ متر احسان مهاجر شجاعی درست مثل تمام ورزشکاران ایرانی محصول یک سیستم پرورش استعداد نیست. او نیز به واسطه علاقه شخصی جذب دوومیدانی شده است، با عشق به این رشته با کمی ها ساخته و ادامه داده. امثال احسان مهاجر شجاعی بسیار است.
اما از ویژگی های احسان باید به سخت کوشی او اشاره کرد .پسر ریزنقش دوهای نیمه استقامت ایران آنقدر بر دویدن اصرار کرد تا سرانجام بزرگی خود را ثابت کرد.
قهرمانی او در بازی های دانشجویان جهان و کسب رکورد ورودی A المپیک از او دونده ای با اعتماد به نفس ساخت هر چند شرایط تمرین او در حد عالی نبوده و مشکلات کم و بیش او را آزرده اما او سرحال و آماده می دود.
نتایج اخیر احسان نشان می دهد او توانایی خودنمایی در المپیک را دارد. حضور احسان مهاجر در نیمه نهایی دو ۸۰۰ متر برای دوومیدانی ایران یک پیروزی به حساب می آید.
احسان توان حضور در نیمه نهایی را دارد به شرط آنکه رکورد خودش را تکرار کند و برای رسیدن به رکورد خودش یعنی زمانی کمتر از ۴۵/۱ دقیقه باید علاوه بر آمادگی جسمانی از نظر روحی نیز آماده باشد. خوشبختانه احسان در آستانه اعزام به المپیک در چنین شرایطی به سر می برد و از

آمادگی ذهنی خوبی برخوردار است. همین که او فینال المپیک را هدف گرفته است نشان از انگیزه او برای موفقیت دارد. فراموش نکنیم که احسان یک بار در عین ناباوری در بازیهای آسیایی ۲۰۰۶ روی سکو ایستاد پس می توان به او اعتماد کرد.
اما قبول کنیم که انتظار کسب مدال از او بی انصافی است. برای کسب مدال باید در المپیک کمتر ۴۴/۱ دقیقه دوید و این از توان احسان مهاجر شجاعی خارج است.
کسب سهمیه
پایان کابوس در تایلند
تنها ۶ صدم فاصله داشت تا رکورد ورودی المپیک آتن، فاصله ای که اجازه نداد که احسان دویدن روی پیست ورزشگاه اصلی المپیک آتن را تجربه کند.کابوسی که تا مسابقه های دانشجویان جهان رهایش نکرد. وقتی به تایلند رفت، به این فکر می کرد که رکورد ورودی را بگیرد. انصافا خوب هم کار کرد با رکورد ۹۰ /۴۵/۱ هم طلا گرفت هم بلیت پکن. این بار مستقیم به رکورد ورودی ۸۰۰ A متر رسید تا فرصت کافی داشته باشد که بخواهد خود را برای المپیک آماده کند. رکوردی که کار سجاد را سخت کرد چون او برای دویدن در ۸۰۰ متر المپیک مجبور شد به رکورد A برسد، چون رقیب اش به A رسیده بود.
برنامه مسابقات ۸۰۰ متر
۳۰ مرداد ماه ساعت ۱۹ مرحله مقدماتی
۳۱ مردادماه ساعت 19:30 مرحله نیمه نهایی
۲ شهریورماه ساعت ۱۸ فینال

مهاجر شجاعی، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال ۱۳۶۲/۱/۱ در بروجرد به دنیا آمد. 16 ساله بود که شروع به دویدن کرد. یکی- دو ماهی از استارتش می گذشت که در نوجوانان کشور که در سنندج برگزار شد، سوم شد. اولین بار که پایش را آن طرف مرز گذاشت به تایلند رفت آن هم برای مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا، گویا قرار بود هر اولین حضوری به برنز ختم شود، چون در این مسابقه هم، برنز گرفت، اما انگیزه خوبی شد تا احسان ادامه دهد.
پسر بروجردی دو ومیدانی ایران خصوصیات ویژه ای دارد، رک حرف می زند، خیلی هم تمرین می کند، خیلی ها می گویند اگر بقیه دونده ها هم به اندازه او تمرین می کردند، شاید وضعیت ایران در دوهای نیمه استقامت خیلی فرق می کرد. این روزها برای پکن آماده می شود، بدون اینکه در چند ماه گذشته استراحت کرده باشد نمی خواهد پشیمان شود.
نگاه ویژه
پسر پرانگیزه ۸۰۰ متر احسان مهاجر شجاعی درست مثل تمام ورزشکاران ایرانی محصول یک سیستم پرورش استعداد نیست. او نیز به واسطه علاقه شخصی جذب دوومیدانی شده است، با عشق به این رشته با کمی ها ساخته و ادامه داده. امثال احسان مهاجر شجاعی بسیار است.
اما از ویژگی های احسان باید به سخت کوشی او اشاره کرد .پسر ریزنقش دوهای نیمه استقامت ایران آنقدر بر دویدن اصرار کرد تا سرانجام بزرگی خود را ثابت کرد.
قهرمانی او در بازی های دانشجویان جهان و کسب رکورد ورودی A المپیک از او دونده ای با اعتماد به نفس ساخت هر چند شرایط تمرین او در حد عالی نبوده و مشکلات کم و بیش او را آزرده اما او سرحال و آماده می دود.
نتایج اخیر احسان نشان می دهد او توانایی خودنمایی در المپیک را دارد. حضور احسان مهاجر در نیمه نهایی دو ۸۰۰ متر برای دوومیدانی ایران یک پیروزی به حساب می آید.
احسان توان حضور در نیمه نهایی را دارد به شرط آنکه رکورد خودش را تکرار کند و برای رسیدن به رکورد خودش یعنی زمانی کمتر از ۴۵/۱ دقیقه باید علاوه بر آمادگی جسمانی از نظر روحی نیز آماده باشد. خوشبختانه احسان در آستانه اعزام به المپیک در چنین شرایطی به سر می برد و از

آمادگی ذهنی خوبی برخوردار است. همین که او فینال المپیک را هدف گرفته است نشان از انگیزه او برای موفقیت دارد. فراموش نکنیم که احسان یک بار در عین ناباوری در بازیهای آسیایی ۲۰۰۶ روی سکو ایستاد پس می توان به او اعتماد کرد.
اما قبول کنیم که انتظار کسب مدال از او بی انصافی است. برای کسب مدال باید در المپیک کمتر ۴۴/۱ دقیقه دوید و این از توان احسان مهاجر شجاعی خارج است.
کسب سهمیه
پایان کابوس در تایلند
تنها ۶ صدم فاصله داشت تا رکورد ورودی المپیک آتن، فاصله ای که اجازه نداد که احسان دویدن روی پیست ورزشگاه اصلی المپیک آتن را تجربه کند.کابوسی که تا مسابقه های دانشجویان جهان رهایش نکرد. وقتی به تایلند رفت، به این فکر می کرد که رکورد ورودی را بگیرد. انصافا خوب هم کار کرد با رکورد ۹۰ /۴۵/۱ هم طلا گرفت هم بلیت پکن. این بار مستقیم به رکورد ورودی ۸۰۰ A متر رسید تا فرصت کافی داشته باشد که بخواهد خود را برای المپیک آماده کند. رکوردی که کار سجاد را سخت کرد چون او برای دویدن در ۸۰۰ متر المپیک مجبور شد به رکورد A برسد، چون رقیب اش به A رسیده بود.

مهاجرنیا، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن مهاجرنیا
محل تولد : اندیمشک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
حقیر در سال 1359 دروس حوزوی را شروع کردم و با مدرک اول دبیرستان وارد حوزه علمیه شدم در سال 1368 دوره مقدمات و سطح عالی حوزه را به پایان رسانده و در ضمن آن دیپلم را هم اخذ کردم.در کنار دروس حوزوی در سال 1367 دروس دانشگاهی را هم شروع کردم در سال 1374 کارشناسی را به پایان رساندم وبا شرکت در کارشناسی ارشد در سال 1379پایان نامه خود را با عنوان دولت در اندیشه سیاسی فارابی دفاع کردم و در سال 1381 در مقطع دکتری در رشته علوم سیاسی پذیرفته شدم و هم اکنون در حال گذراندن پایان نامه هستم. تاکنون 5 جلد کتاب تالیفی و بیش از 60 مقاله تخصصی از حقیر چاپ شده است عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است با برخی از مراکز پژوهشی قم همکاری دارم (ویرایش 1386 .) ت

مهدوی اردبیلی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1376 -1288 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. پس از خاتمه‌ی دوره‌ی ابتدایی و متوسطه به تهران آمد و وارد رشته ریاضی دارالمعلمین عالی شد. پس از اخذ لیسانس ریاضی، در 1312 ش، جزء آخرین کاروان دانشجویان اعزامی، به فرانسه و در 1313 ش به سوئیس رفت و دوره دکترا را در آنجا گذراند. وی در دوران جنگ بین‌الملل دوم در فرانسه ماند و تدریس کرد. پس از جنگ به ایران بازگشت و پس از مدتی به درخواست دکتر هشترودی داوطلب کرسی ریاضیات دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و تا 1349 ش تدریس کرد. وی از 1332 تا 1334 ش در آن دانشکده کفیل بود و تا 1342 ش سه مرتبه توسط شورا به ریاست دانشکده انتخاب شد که مرتبه‌ی سوم به طور اجبار استعفا داد و تا 1349 ش در کرج ماند. در آن سال به دانشگاه اهواز منتقل شد و به سمت معاونت آموزشی آن دانشگاه رسید. از آثار وی: «موارد استعمال احتمالات در انتگرالهای چندگانه»، به زبان فرانسه؛ «احتمالات و آمار ریاضی»، دو مجلد؛ «هیدرولژی»، چهار مجلد، ترجمه؛ «مکانیک استدلالی»؛ «معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی»؛ «حل المسائل معادلات دیفرانسیل و مشتقات جزئی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3430/ 2 ،116/ 1)، کلک (س 8، ش 88 -85، ص 643 -641)، مؤلفین کتب چاپی (890/ 2).

مهدوی راد، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی مهدوی راد
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
«محمد علی مهدوی راد (غلامی اسخارزوگاران)» به سال 1334 در روستایی به نام (ینگجه) از بخش سر ولایت نیشابور دیده به جهان گشود. مدرسه ابتدایی را در همان دیار گذراند پس از آنکه با مقدماتی از ادب عربی نیز در همان دیار آشنا شد. آنگاه به سال 1348 وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مدرسه «آیت الله العظمی میلانی» که به شیوه ای نو و با برنامه ای منظم اداره می شد؛ تحصیل علوم دینی را آغاز کرد.
وی در 7 سال اقامت در حوزه علمیه مشهد، دروس: مقدمات، ادبیات عرب، و سطوح عالی حوزوی را در محضر استادان آن دیار بیاموخت. از استادان آن روز می توان: «حجت هاشمی خراسانی، امینی نیشابوری، صالحی نیشابوری و روانشاد سید علی اکبر بنی هاشمی و محقق ذاکری اختری (عباس علی)» را برشمرد. وی در جنب درس های حوزوی سه سال به درس تفسیر روانشاد «آیت الله حاج میرزا جواد تهرانی» و جلساتی بسیار نیز «حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی» و روشنگر و مهم مقام معظم رهبری «آیت الله خامنه ای» که پنجشنبه و جمعه تشکیل می شد و نیز دیگر بحثهای فکری و ایدوئولوژی وی حاضر شد و این دروس اولین بذرهای علاقه و کشش به معارف قرآنی را در جان وی پاشید.
مهدوی راد پس از 7 سال اقامت در مشهد به لحاظ تلاشهای سیاسی و تعقیب ساواک خراسان با صلاحدید خطیب بلند آوازه روزگار و مجاهد نستوه و شجاع «شهید هاشمی نژاد»، مشهد را ترک نمود و به قم هجرت کرد و در قم بود که برای ایمنی از جستجوی ساواک، نام خانوادگی اش را از غلامی به مهدوی راد تغییر داد. در قم درسهای حوزوی را پی گرفت. در قم: رسائل، مکاسب، کفایه و آنگاه دوره عالی اجتهادی فقه و اصول را از محضر استادان ارجمند آن حوزه ارجمند فرا گرفت. برخی از استادان وی در این حوزه عبارتند از حضرات آیات: «اعتمادی»، «موسوی»، «تبریزی

(سید ابوالفضل)»، «پایانی»، «فاضل لنکرانی»، «ستوده»،« بهشتی»، «احمد فاضل هرندی»، «صانعی»، «حاج شیخ جواد تبریزی»، «وحید خراسانی» و «منتظری» که بیشترین بهره را در فقه از محضر آیت الله منتظری برد که به طور مستمر بیش از ده سال در درس وی شرکت کرد و بیشتر این بهره در اصول از درس آیت الله فاضل لنکرانی که تقریبا تمام اصول دوره اول خارج وی را شرکت کرد. مهدوی راد فلسفه را در محضر حضرات آیات: «انصاری شیرازی»، «محمدی گیلانی» و «مصباح» فرا گرفت.

اولین اثر قلمی وی به سال 1355 با عنوان: «اسلام و شعر» در قالب مقاله ای بلند در مجله نسل نو نشر یافت. وی پس از انقلاب اسلامی ایران مدتی را در مسئولیتهای اجرایی گذراند از جمله: مسئولیت عقیدتی و سیاسی پایگاه نهم شکاری و آنگاه به حوزه بازگشت و به سال 62 و پس از مقدماتی با جمعی از دوستان و همراهان، مجله حوزه را بنیاد نهاد و از شماره 16 تا 36 سردبیری آن را بر عهده داشت و مقالات بسیاری در نقد و معرفی کتابهای درسی حوزه، مسائل معرفتی دین و نقد و معرفی تفاسیر شیعه و سنی و تحلیل گرایشهای تفسیری در آن مجله نگاشت.

پس از آن با همکاری برخی از همراهانش مجله بینات را بنیاد نهادند که از آغازین شماره آن مدیر مسئولی مجله را به عهده گرفت. این مجله نخستین مجله قرآنی است که مهدوی راد تا شماره 12 مدیر مسئول آن بوده است و پس از آن در جایگاه عضویت هیئت تحریریه آن ماند اما از مدیر مسئولی آن کناره گرفت. در راه اندازی مجله های میقات و علوم حدیث مورد مشورت بود که در هیئت تحریریه های آنها نیز حضور می یافت و مقالات بسیاری در هر دو مجله یاد شده رقم زد.

وی به سال 1369 پیشنهاد مجله ای را در نقد کتابهای حوزه دین به انگیزه بهسازی آثار مکتوب دینی به دفتر تبلیغات اسلامی داد و خود سردبیری آن را به عهده گرفت که اکنون 17 سال است نشر می یابد و ادامه دارد و مهمترین مجله «نقد کتاب در حوزه دین» است که در این مجله نیز مقالات بسیاری نگاشته است.

مهدوی راد به سال 1369 وارد دانشگاه شد و از همان آغاز، تدریس مقاطع تحصیلات تکمیلی را در علوم قرآن و حدیث به عهده گرفت، اکنون بیش از 15 سال حضور در دانشگاه تربیت مدرس حضور دارد و چهار سال مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث را به عهده داشت.

مهدوی شاهرودی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1321 ق. شاهرود.
درگذشت: 1358.
آیت‌الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال 1340 ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال 1350 بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال 1337 ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامه‌ی جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید. آثار ایشان در مقدمه‌ی کتاب راهنمای دین پدر گرامیشان آمده است.
حاج شیخ عبداللّٰه بن آیت‌اللّٰه والعلامه الکبیر حاج شیخ احمد بن العلامه حاج شیخ محمدعلی بن العلامه الکبری حاج شیخ محمد کاظم (شهید خراسانی) شاهرودی از علماء مهذب و بارع معاصر تهرانست. وی در سال 1321 قمری در شاهرود تولد یافته و پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردیده و در محضر اساتید فن و مدرسین به سطوح اشتغال ورزیدند و در سال 1340 ق بشاهرود مراجعت و در مدت یکسال توقف خود در شاهرود از بحث والد عالیمقامش استفاده کرده و پس از آن به ارض طیبه قم مشرف و از محضر آیات بزرگ نجف اشرف بالاخص آیتین اصفهانی و نائینی (که در آن موقع تبعید به قم بودند) استفاده نموده و مدت دو سال هم از محضر آیت‌اللّٰه العظمی حایری یزدی بهره‌مند شده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّٰه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه محقق نائینی بهره‌مند گردیده و در سال 1350 قمری بعد از ارتحال والدش بشاهرود مراجعت نموده و بتدریس فقه و اصول و انجام وظائف روحانیت اشتغال ورزیده و کم‌کم مرجعیت مهم روحانی و سیاسی و اجتماعی پیدا نموده تا در سال 1377

قمری که بواسطه ضعف و کسالت و خستگی هجرت به تهران نموده و اکنون در مسجد (مشیر السلطنه) خیابان مولوی به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه مهدی شاهرودی از دانشمندان با صفا و معنویت و دارای محاسن اخلاق و خلیق و مهربان و در خانه بازو با ارباب حوائج با خوشروئی برخورد نموده و حتی‌الامکان رفع حوائج آنان را مینماید و این نویسنده در محرم 1374 قمری که سفری بشاهرودی نمودم از نزدیک به سجایای اخلاقی و وارستگی ایشان آشنا شده‌ام.
خدمات و آثار ارزنده ایشان بسیار است هر کس طالب باشد به مقدمه کتاب راهنمای دین مرحوم والدش مراجعه نماید.
فرزندان ارجمندی دارد که از آنهاست فاضل دانشمند و ادیب خردمند جناب آقای دکتر محمد شریف مهدوی که در تهران به تدریس علوم جدید و قدیم و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مهدوی شهرضایی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج ملا محمد مهدی. عالم فاضل فقیه مجتهد، در حدود سال 1302 متولد، و در شب 4 شنبه 14 ربیع الثانی سال 1388 وفات یافته، در امام زاده شاهرضا مدفون گردید.
در اصفهان به درس: آخوند کاشی، و جهانگیر خان قشقائی، آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی، و در نجف از محضر: آقا شیخ مرتضی طالقانی، و آقا سید حسین بادکوبه ای، و آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده، به موطن خویش مراجعت کرده، و مقبولیت تامه یافته، در علم و عمل بی نظیر، و تا آخر عمر در انجام وظایف شرعیه از نشر و تبلیغ احکام، و تدریس و اقامه جماعت و اغاثه ملهوفین و کمک به ضعفا دقیقه ای اهمال نفرموده.
از تألیفاتش: 1- رساله ای در اخلاق 2- رسائل متعددی در فقه و اصول و تفسیر می باشد که هیچ یک به طبع نرسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی فرد، میرزا عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عباس مهدوی فرد
محل تولد : کوهدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1362 وارد حوزه علمیه «کوهدشت» شدم. در سال 1366 برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه «خوانسار» رفتم و در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم. بعد از اتمام سطح، در سال 1373 در درس خارج شرکت نمودم و حدود ده سال در دروس فقه حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «میرزا جواد تبریزی (ره)» و «مکارم شیرازی» شرکت و یک دوره خارج اصول را نزد «حضرت آیت الله جعفر سبحانی» گذراندم.
مدت چهار سال 80 ـ 75 دوره تخصصی کلام اسلامی در موسسه تبلیغات تحقیقاتی امام صادق (ع) را گذرانده و در سال 1380 با معدل کل 14/19 فارغ التحصیل دوره هفتم این موسسه شدم. در تابستان 85 موفق به دفاع از رساله علمی سطح چهار با موضوع «بهائیت» و با نمره 5/17 شدم.
حدود هشت سال است که با مرکز پژوهشهای حوزه به صورت متناوب در زمینه پاسخگویی به سوالات کلامی همکاری داشته و دو طرح را نیز برای این مرکز به پایان رسانده و در دست چاپ می‌باشند. کتابی با عنوان: «فلسفه انتظار» با همکاری دوستان و کتابی با عنوان: «بهائیت».
مدت چهار سال است که در دانشگاه‌های ملایر، در مجتمع آموزش عالی ملایر وابسته به «دانشگاه بوعلی سینای همدان»، «دانشگاه آزاد اسلامی اراک» و «دانشگاه اراک» به تدریس دروس (اندیشه اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن) اشتغال دارم.

مهدوی قزوینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود شریعت مهدوی فرزند عالم ربانی و سالک سبحانی مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس‌اللّه سره.
وی در حدود 1335 قمری هجری در قزوین متولد شده و مقدمات را در مدرسه التفاتیه قزوین خوانده و سپس عزیمت به مشهد نموده و ادبیات را در خدمت مرحوم ادیب نیشابوری استفاده نموده و بعد به قم آمده و سطوح را در قم تکمیل نموده و در فتنه کشف حجاب به توفیقات الهی در معیت والد ماجدش هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی بهره‌مند و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از آن دو بزرگوار شده است.
دوره کامل اصول و معظم فقه استدلالی را از محضر حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده و مورد عنایت مخصوص معظم‌له قرار گرفته و پس از چهارده سال اقامت در آستان باب مدینه علم حضرت علی علیه‌الصلوه والسلام در خدمت والد ماجدش برای تشرف به زیارت ارض اقدس به ایران آمده و پس از رحلت والدشان در قم باز به نجف اشرف مشرف ولی کمتر از دو سال اقامت و به واسطه جهاتی مراجعت به قزوین نموده و به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و تدریس و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اسلامی پرداخته و بحمداللّه تاکنون اشتغال دارند ادام‌اللّه عزه و توفیقه.
شرح احوال والد ماجدش را در جلد دوم معجم القبور و وفیات الاعلام مذکور می‌باشد. در چند صفحه قبل در بخش ق یادآور شدم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کنی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مهدوی کنی از علماء معاصر جمهوری اسلامی می‌باشند. در سال 1310 در قصبه کن که اکنون منطقه غربی تهران را در جنب شهر زیبا تشکیل می‌دهد به دنیا آمده و پس از خواندن دروس ابتدائی عزیمت به قم نموده است.
مقدمات و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مدرسین حوزه به پایان رسانیده آنگاه به درس خارج فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی و فقه و اصول امام راحل آیت‌اللّه العظمی خمینی و نیز تفسیر مرحوم علامه طباطبائی شرکت و استفاده نموده و پس از فوت آیت‌اللّه العظمی بروجردی و تبعید امام به تهران آمده و در مسجد جلیلی به اقامه جماعت و تبلیغ پرداخته و مظالم و بدع رژیم طاغوتی را بازگو نموده و از طرف ساواک و رژیم ستمشاهی بازداشت و راهی زندان گردیده و چند سالی را در زندانهای طاغوتی گذراند و پس از بازگشت امام و آزادی و انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی از طرف امام سرپرستی و مدیریت مدرسه علمیه مروی را متعهد شده و نیز مدرسه امام جعفر صادق علیه‌السلام را با بعضی از همگنان اداره و مدتی نیز مسئولیت وزارت کشور را داشته و در حال حاضر نیز در مدرسه مروی اشتغال به تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینیه را دارند.
پدر همسر ایشان مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌ای که در جلد چهار گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و طهران چاپ شده می‌باشند.
برادر بزرگوار ایشان آقای حاج شیخ مهدی حاج باقری از ائمه جماعت و علماء معاصر قصبه کن می‌باشند.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته:-، دانشکده:-، دانشگاه: امام صادق (ع)
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیل در حوزه علمیه قم در علوم دینی به مدت 13 سال و 2 سال در تهران، شاگرد اساتیدی چون آیت‌اللّه بروجردی، آیت‌اللّه العظمی امام خمینی قدس سره، آیت‌اللّه العظمی علامه طباطبائی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی.

مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه امام صادق.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
علوم دینی، اصول فقه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه، کلام و استاد راهنمای یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
تفسیر، فقه، عقائد، اصول، اقتصاد اسلامی و اخلاق.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی:-، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی کیا، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی مهدوی‌کیا اول مرداد سال 1356 در شهر ری به دنیا آمد.
وی از بچگی علاقه زیادی به فوتبال داشت و در دوران نوجوانی از زمین‌های خاکی جذب باشگاه بانک ملی شد و با پشتکار به باشگاه پرسپولیس پیوست. وضعیت مهدی در پرسپولیس، اوایل چندان جالب نبود اما با آمدن استانکو وضعیت به کلی تغییر کرد تا او ضمن تثبیت موقعیت خود در باشگاه محبوبش به تیم ملی امید ایران راه پیدا کند. افتخارات و موفقیت‌های مهم ورزشی وی از سال 75 شروع شد، پس از محرومیت نعیم سعداوی وی در پیستون راست تیم ملی بازی کرد. مهدی با زدن 2 گل به چین شایستگی‌های خود را اثبات کرد. وی در باشگاه‌های بانک ملی، پرسپولیس تهران، بوخوم، هامبورگ و اینتراخت فرانکفورت آلمان سابقه بازی دارد. مهدوی‌کیا در سال 2003 از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن برتر فوتبال آسیا شناخته شد. هواداران هامبورگ به او لقب موشک ایرانی داده بودند. وی از باتجربه‌های فوتبال و تیم ملی فوتبال ایران است و در سال 1387 از سوی علی دایی؛ سرمربی وقت تیم ملی بازوبند کاپیتانی تیم ملی را به بازو بست. او با حضور در دو جام جهانی 98 و 2006 خود را در سطح بین‌المللی مطرح کرد. مهدوی‌کیا در سال 1998 به باشگاه بوخوم پیوست و در سال 1999 به هامبورگ رفت و تا سال 2007 در این تیم عضویت داشت که با تمام شدن قرارداد خود به تیم اینتراخت فرانکفورت پیوست. وی در مجموع 223 بازی در بوندس‌لیگا، 29 گل به ثمر رساند. وی پس از یک غیبت 9 ماهه در سال 1387 برای بازی با کره شمالی از سوی علی دایی به تیم ملی دعوت شد. این اولین مرتبه‌ای بود که مهدوی‌کیا برای تیمی که هدایت آن بر عهده علی دایی است به میدان می‌رفت. مهدوی‌کیا همان زمان اعلام کرد اگر تیم ملی به جام جهانی صعود کند بعد از حضور در جام جهانی از تیم ملی خداحافظی می‌کنم. وی تا سال 2010 با فرانکفورت قرارداد.

مهدوی نیا، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی مهدوی نیا
محل تولد : زرین شهر اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

زندگینامه علمی
بعد از گذراندن دوره ابتدائی و دبیرستان در «زرین شهر اصفهان» وارد حوزه علمیه زرین شهر شدم و تا سال 1350 بخشی از مقدمات را گذراندم. سپس برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1357 دروس سطح را گذراندم. سپس به خارج فقه و اصول مشغول شدم و به مدت 15 سال دروس خارج فقه و اصول را نزد اساتید مختلفی مانند: «آقای فاضل لنکرانی»، «مرحوم آقای شیخ جواد تبریزی»، «آقای وحید خراسانی» و ... فرا گرفتم.
همزمان با تحصیل در حوزه، در موسسه امام خمینی (ره) از سال 1360 تا 1378 دوره عمومی و تخصصی را گذرانده و در رشته «علوم قرآنی» فارغ التحصیل شدم. ضمنا در این مدت به تحقیق و پژوهش در موضوعات گوناگون «تفسیری و علوم قرآنی» پرداختم و مقالات گوناگونی در زمینه «مصونیت قرآن از تحریف»، «مصاحف منسوب به اصحاب»، «روش تفسیر اهل بیت ع»، «معیارهای تمدن» و «وجوه اعجاز قرآن» به صورت فردی یا گروهی نوشتم. تدریس در حوزه های علمیه، ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی و دانشگاه، همچنین مدیریت حوزه علمیه جزء برنامه هایی از این سنوات بوده است. از سال 1354 تاکنون در مناسبت های گوناگون در شهرهای مختلف و روستاها به تبلیغ دین اسلام نیز اشتغال داشتم.

مهدوی هرستانی، هدایت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد موسوی. فاضل صالح، از علمای سده‌ی اصفهان. در اصفهان تحصیل نموده، در روز 5 شنبه 8 ربیع الاول سال 1380 به سن متجاوز از شصت سال وفات یافته، در تکیه‌ی سید العراقین مدفون گردید.
دانشمند محترم و ادیب کامل، آقا میرزا محمد راجی شاعر معاصر، در مرثیه و ماده تاریخ وفات او قطعه‌ای سرود بدین مطلع:
چون در جهان هستی قانون مرگ دم زد
نقاش، نقش حکمت در دفتر حکم زد
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، بحر اعطاء

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فاضل، از علمای سده‌ی ماربین، در یکشنبه 29 ربیع الثانی 1371 وفات یافته، در این تکیه مدفون گردید.
مشارالیه در اصفهان خدمت جمعی از افاضل همچون: آقا سید ابوالقاسم دهکردی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی، و آقا سید مهدی درچه‌ای تلمذ نموده، و از ائمه‌ی جماعت و موثقین به شمار می‌رفت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مهدوی، رضاعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضاعلی مهدوی
محل تولد : دامنه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.
اول سال تحصیلی 1357 ـ 1358 برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم.
حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محامی»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معززم جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.
سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، فریده

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : فریده مهدوی ،در 28 تیرماه‌سال1342 در تهران به دنیا آمد. دکتر مهدوی دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود 70 درصد پرتغالی‌مسلط است.وی در شهر راونا واقع در ایالت امیلیارمانیا و با حضور جمعی از مسئولان سیاسی و فرهنگی ایتالیا ،از دست استاندار این ایالت به نمایندگی از ریاست جمهوری ایتالیا، نشان کمن داتره ، که بالاترین نشان لیاقت در این کشور است را دریافت کند. دکتر فریده مهدوی دامغانی را باید به حق یکی از پر کارترین مترجمان حال حاضر دانست ، آن هم مترجم اثاری که نه تنها خود اثاری بزرگ و جاودانه بوده اند بلکه دارای خالقانی بزرگ چون دانته آلیگیری بوده اند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات اروپا
گرایش : ادبیات قرون وسطی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر فریده مهدوی درخانواده‌ای تحصیلکرده رشد نمود تا جایی که‌پدرش استاد دانشگاه «هاروارد» آمریکا است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر مهدوی دارای دکترای ادبیات اروپا است وتخصص ویژه‌ای در ادبیات قرون وسطی دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی،اسپانیولی، لاتین و حدود 70 درصد پرتغالی‌مسلط است.
همسر و فرزندان : دکتر مهدوی دامغانی ازدواج کرده اند و دارای فرزند می‌باشند.
آرا و گرایشهای خاص : دکتر مهدوی در خصوص اینکه چرا مترجمی را انتخاب کرده اینگونه میگوید: "چون دوست می داشت نویسنده یا شاعر شود، لذا به اشتباه پنداشت که کار ترجمه آسان‌تر از آن دو کار پیشین است. حال آن که کار ترجمه، از بسیاری جهات، بسیار دشوارتر از نویسندگی یا سرودن شعر است؛ زیرا مترجم ناگزیر است بنا به وظیفه اخلاقی‌ای که دارد، دقیقا بنا به خط سیر نویسنده یا شاعری که اثر وی را در دست ترجمه دارد و با همان سبک و استیل و گزینش واژگان و لحن و حال و هوای مورد نظر صاحب اثر، پیش برود، از این رو، ناگزیر است که

ماهیت «من» خود را در راهروی ورودی سرای اندیشه ، بر جای گذارد، و به درون روح و جان آن نویسنده یا شاعر جلوه کند. او وظیفه دارد نماینده اخلاقی و معنوی صاحب اثر باشد. از این روست که معتقدم ترجمه، سخت‌تر از نویسندگی است. زیرا در هنگام تالیف، شما خود، صاحب اثر خود و صاحب قلم و اندیشه و روح و جانی هستید که دوست دارید بر روی کاغذ بدمید... "
جوائز و نشانها : دکتر فریده مهدوی، بارها و بارها به خاطر ترجمه های شیرین و مقتدرش جوایز گوناگونی را از آن خود کرده است. در روز دوم مردادماه سال 85 مصادف با 24 ژوئیه 2006، در شهر راونا واقع در ایالت امیلیارمانیا و با حضور جمعی از مسئولان سیاسی و فرهنگی ایتالیا ،از دست استاندار این ایالت به نمایندگی از ریاست جمهوری ایتالیا، نشان کمن داتره ، که بالاترین نشان لیاقت در این کشور است را دریافت کند. نماینده رئیس جمهوری ایتالیا در این آیین با تاکید بر این نکته که نشان لیاقت کمن داتره برای نخستین بار به یک فرد غیرایتالیایی اعطا می شود، گفت: فریده مهدوی دامغانی، نخستین بانوی ایرانی و مسلمان است که این نشان را از آن خود ساخته است.
چگونگی عرضه آثار : وی طول این شش سال اخیر، بیش از بیست جلد از مهم‌ترین آثار منظوم و منثور ادبیات کلاسیک و معاصر ایتالیا را به زبان فارسی ترجمه کرده. همین طور به خاطر ترجمه چهار اثر از مهم‌ترین آثار دانته از جمله کمدی الهی و سه کتاب دیگر او" زندگانی نو"، "میهمانی" و "پیرامون سلطنت" که هرگز تاکنون در کشورهای خاورمیانه و یا حتی در کشورهای آسیایی ترجمه نشده بود و این کار را ایرانیان، برای نخستین بار به انجام رساندند. دکتر فریده مهدوی به ترجمه کتب دینی یه زبانهای اروپایی نیز پرداخته است که در این باره اینچنین میگوید: "توفیقی برای من بود که از سوی عالم هستی برای ترجمه کتاب زبور آل محمد (ص) به زبان فرانسوی برگزیده شدم. آن هم از طریق خوابی که بیش از ده سال پیش دیدم. ممکن است تعجب کنید اما حقیقت این است که دستور ترجمه بسیاری از کتب دینی را از طریق خواب دریافت کرده ام. میل داشتم نخست، مرا به عنوان یک مترجم جدی آثار کلاسیک اروپا بشناسند، و بعد به عنوان مترجم آثار دینی، بدین شکل، امید داشتم و دارم که با شناختی که از کارهایم دارند، دریابند که ترجمه متون دینی را نیز با نهایت دقت و وسواس به انجام خواهم رساند. برای مثال، تا پیش از پارسال، هرگز حتی روحم نیز خبر نداشت که کتابی تحت عنوان "نفس‌المهموم" اثر محدث قمی (ره) وجود دارد و درباره واقعه کربلا است. اما پس از خوابی که دیدم، آن کتاب را از میان کتبی که در کتابخانه اتاق کار همسرم بود، یافتم. همین طور هم خطبه فدک حضرت زهرا (س) را." وی همچنین به عنوان

یک مترجم فعال در دنیای کتاب،سخنرانی‌های زیادی در فرانسه، ایتالیا و برزیل‌انجام داده است.
آثار :
1 پیرامون سلطنت
ویژگی اثر : از دانته، ترجمه
2 خطبه غدیر خم
3 خطبه فدک حضرت زهرا (س)
4 در آغوش نور
ویژگی اثر : ترجمه
5 دعای عرفه حضرت سیدالشهدا (ع)
6 زندگانی نو
ویژگی اثر : از دانته، ترجمه
7 زندگی حضرت زهرا (س)
ویژگی اثر : ترجمه به زبان انگلیسی
8 شازده کوچولو
ویژگی اثر : اثر سنت اگزوپری ،ترجمه
9 صحیفه سجادیه
ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه
10 کتاب زبور آل محمد (ص)
ویژگی اثر : ترجمه به زبان فرانسه
11 کمدی الهی
ویژگی اثر : از دانته، ترجمه
12 میهمانی
ویژگی اثر : از دانته، ترجمه
13 نفس المهموم
ویژگی اثر : از محدث قمی (ره)

مهدوی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن مهدوی از علماء فعال و خدمتگذار معاصر رشت می‌باشد وی در رشت متولد شده و پس از خواندن فارسی و مقدمات سطوح و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین شهرستان رشت فراگرفته و پس از آن به خدمات دینی از قبیل امامت در مسجد صالح‌آباد و تربیت محصلین رشت در مدرسه صالح‌آباد پرداخته و آثار ارزنده‌ای از خود گذاشته است.
مضافاً بر این دانشمندان در حال حاضر خطباء و گویندگان فعال در رشت و حومه آن بسیارند که در میان آنان جنابان آقای حاج حسام و آقای حاج سید جواد نیاکوئی و آقای حاج قوام و آقای حاج سید میر آقای موسوی در استان گیلان شهرت تمام دارند.
و اکنون از رشت و حومه آن بیش از پنجاه نفر طلبه و محصل در حوه علمیه اشتغال به تحصیل سطح و خارج دارد که در میان آنان جنابان حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمد محمدی و حجةالاسلام آقای شیخ زین‌العابدین عسگری و حجةالاسلام آقای حاج شیخ علی‌اکبر رقیب معروف و مورد توجه زعماء حوزه و آیات عظام و مدرسین و محصلین گیلانی و غیره حوزه می‌باشند. نامبردگان فوق سالیات متمادیست که در حوزه علمیه قم به تدریس متون فقه و اصول و استفاده از محضر مراجع بزرگوار اشتغال دارند ادام اللَّه توفیقاتهم و برکاتهم آمین یا رب العالمین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1374 -1294 ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلبهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمدکاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکرة القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در 1369 ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل‌تر نمود مجددا تحت نام «تذکرة القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفاخر»، در باب احوال سید حجةالاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهماالسلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (مقدمه)، الذریعه (97 -96/ 10)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 557 -556/ 14)، کیهان فرهنگی (س 12، ش 126، ص 65)، مؤلفین کتب چاپی (246/ 6).

مهدوی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد 1288 ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.
(1379 -1287 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میراز عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در 1310 ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسما از 1320 تا 1352 ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبوی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون

وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی میراث (س 3، ش 9، ص 83 -82)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3029، 2969، 2967، 2677 -2676، 2490، 2455، 2294، 2171، 1898، 1797، 1696/ 2، 1442، 1008، 1003، 922، 884، 875/ 1)، کیان (س 10، ش 53، ص 79)، مؤلفین کتب چاپی (858 -856/ 6)، مهدوی نامه (10 -3).

مهدی پور، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مهدی پور
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه 13 رجب سال 1364 هجری قمری مصادف با 1324 هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوکبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل 1331 شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی 1331 شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه الصرف. ترک تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی 1335 هجری شمسی.
اساتید سطوح عالیه در قم، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «شهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شیرازی»، «مرحوم آیت الله سید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحوم آیت الله سید حسن الهی»: (برادر علامه طباطبایی)، «مرحوم آیت الله سید مرتضی شبستری»: (برادر مرحوم آیت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ... .
بر اساس دعوت شیعیان استانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان 1395 هجری قمری برابر با 24 شهریور 1354 هجری شمسی از طرف حوزه علمیه قم راهی استانبول شده، به مدت 5 سال تمام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسجد ایرانیان مقیم استانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سرای بیوک والده خان که بیش از 200 سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از

حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.
با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حدود 60 مجلد کتاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشر نمودم. در طول اقامت در استانبول با 84 روزنامه و مجله مصاحبه مطبوعاتی انجام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسته تفکر شیعی توجه می دادم و گروه بسیاری از روشنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.
علاوه بر استانبول به دهها شهر دیگر برای سخنرانی و کنفرانس دعوت می شدم و منحصرا روزهای یکشنبه به این دعوتها پاسخ مثبت می دادم که روز تعطیل رسمی و کثرت شرکت کنندگان در مساجد و مجالس بود که به تعدادی از این شهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شهر بورسا که تعداد شرکت کننده ها را روزنامه ها 40000 نفر ذکر کردند. «مسجد امام جعفر صادق (علیه السلام)» در ازمیر که مکرر انجام شد. بزرگترین سینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحام بیش از حد و عدم گنجایش مساجد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود مهدی پور
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
در یکی از روستاهای شهرستان طبس پا به عرصه عالم گذاشتم و شش کلاس ابتدایی را گذراندم. کودکی حدود چهارده ساله بودم که ادبیات عرب را در مشهد مقدس حدود سال 46 ش آغاز کردم، از محضر اساتیدی همچون: «استاد حجت هاشمی خراسانی»، «مهاجریان طبسی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.
در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرستان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضر آیات و بزرگان: «شهید قدوسی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سید حسن ربانی و مرحوم محمدی نجات همکاری داشتم. از سال 61 در حوزه قم درس را ادامه دادم و تا سال 65 یکسره به تحصیل مشغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضل لنکرانی» شرکت کردم. همچنین مدتی در درس «آیت الله صانعی» حضور یافته و استفاده کردم. زندگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.
تاریخ اسلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده

ام. معارف اسلامی 1 و 2، متون و ریشه های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام را هم در برخی مدارس دانشگاهی در سالهای 62 الی سال 64 درس گفته ام. علاقه ام بیشتر به تاریخ و سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.
حقیر بیش از پژوهش شخصی به مدیریت پژوهشی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، ستارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را غفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مهدی زاده
محل تولد : فارسیان گنبدکاووس
شهرت : مهدی زاده
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 (ه . ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.
تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی (حفظه الله تعالی) ادامه دادم. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایة الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».
مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال 1370 (ه . ش) طول کشید و از سال 1370 به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».
- بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».
- بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی

حائری».
• بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».
• بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».
• بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».
• بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».
علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های1373 و 1374 در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود 10 مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.
همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».
در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال 1377 از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال 1383 با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهدی زاده، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسلم مهدی زاده چافی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/5/2

زندگینامه علمی
به تاریخ دوم تیرماه 1355 در روستای «چاف» بالاتر از شهرستان لنگرود، استان گیلان به دنیا آمده و دروس دوره ابتدائی را در همان روستا گذراندم. دوره راهنمایی را در روستای مجاور با فاصله دو کیلومتری در سرما و گرما با موفقیت طی نموده و بعد از آن در سال 1369 جهت کسب علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به مدت دو سال در مدرسه علمیه «حقانی» و بعد از آن یک سال هم در مدرسه «الهادی (ع)» دوره مقدمات (ادبیات عرب) را پشت سر گذاشتم. در مدرسه «رضویه» از محضر اساتید بزرگواری سود برده تا از لمعه و کتب مربوطه به پایه های چهارم، پنجم و ششم خوشه چینی نمایم.
اندوخته های علمی سالهای 69 به بعد کمک کرد تا دوره سطح را با موفقیت از محضر اساتید بزرگواری در مدرسه های علمیه «گلپایگانی» و «فیضیه» به پایان برسانم. در کنار مطالعه و درس، تحقیق علوم حدیث و تفسیر سبب شد تا در سال 79 در گروه تفسیر در موسسه علوم حدیث مشغول به همکاری شدم. بعد از دو سال و اندی به گروه احیاء پیوسته و تاکنون در گروه احیاء، جهت کار بر کتاب شریف الکافی با گروه احیاء مشغول همکاری هستم.

مهدی زاده، میرستار

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرستار مهدی زاده
محل تولد : مرند – روستای النق
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1353 در آذربایجان شرقی، شهرستان مرند، روستای «اَلِنجَق» به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه یاسر و راهنمائی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد همان روستا تحصیل کردم و در کنار تحصیل، به کشاورزی و دامپروری مشغول بودیم. بعد از اتمام راهنمائی به حوزه علمیه شهر مرند «صاحب الزمان (عج)» وارد شده و بعد از سه ماه به حوزه علمیه «ولی عصر(عج)» شهر تبریز رفتم و دوباره از اول شروع به تحصیل علوم دینی کردم و تا مقداری از سیوطی را در طول دو سال خواندم.
در سال 71 - 72 به قم آمده و در امتحانات ورودی حوزه شرکت کرده و در مدرسه «معصومیه (س)» پذیرش شدم و دوباره دروس را از ابتدا شروع کردم، چون مدارس به این شرط قبول می کردند و انتقالی نمی پذیرفتند. مدت سه سال در مدرسه معصومیه (س) و یک سال در مدرسه امام صادق (ع) درس خواندم که در سال آخر تحصیل در مدرسه معصومیه(س) نامزد شده و در سال 73 عروسی کردیم. در مدرسه امام صادق (ع) «1 سال» و در مدرسه امام باقر(ع) «4 سال» در درسها شرکت کردم و مقدمات را به پایان رسانده و در سطح مشغول شدیم.
در مدرسه «آیة الله گلپایگانی» مشغول به درس رسائل و در مدرسه فیضیه مشغول درس مکاسب شدم امّا همزمان با این، در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (از سال 78) به عنوان نقد و ارزیابی کننده و پژوهشگر مشغول فعالیت شدم و این کارهای پژوهشی به اضافه برخی کارهای پژوهشی مستقل مثل تالیف کتاب «سفرهای شگفت انگیز ائمه (ع)» و «چرا زلزله» باعث شد که از درس فاصله حدود 5 - 6 سال از تدریس در حوزه فاصله بگیرم اگرچه در این سال در همه امتحانات حوزه

شرکت می کردم امّا در هیچ کلاسی شرکت نمی کردم و تا پایه 8 نیز درس را ادامه دادم.
در آکادمی فرهنگستان علوم اسلامی نیز برای آموزش در دوره آموزشی 5 و در گروه ششم شرکت کردم و با این مرکز و اندیشه هایش تا حدودی آشنا شدم که برایم بسیار جالب و مطلوب بود چرا که به برخی از این نتایج فکری آنان دست یافته بودم و آنجا را به عنوان افقی دریائی از اندیشه های مطلوب خود می دیدم. برای کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) نیز دو مقاله ارائه کردم که در کتاب مجموعه مقالات جلد اول مجموعاً در 150 صفحه چاپ شد. در این مدت طرح ها، اشعار زیادی نوشتم که اثراً موجود است.
مبانی تفسیر قرآن در 37 مبنا، طرحهای گوناگون در مورد ولایت اهل بیت (ع)، مسائل تربیتی و اخلاقی و عرفانی، مسائل هنری و فلسفه هنر از جمله موضوعاتی است در مورد آنها طرحهائی دارم که مضبوط است. طبع و قلمی روان، استعداد فهم در گرو بیان مطلوب معارف روانی و به روز نویسی مطالب از جمله الطاف و نعمت های الهی است که به این گنهکار بی لیاقت ارزانی داشته است. امیدوارم با بازگشت به تحصیل عمیق و استدلال علوم حوزوی و ادامه کار پژوهش و تربیت عمر اخلاقی، خداوند نعمتهای خود را در حق ما به اتمام رساند، و ما را به هدف غایی که از خلقت ما داشته به لطف خود برساند.

مهذب، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید احمد مهذب، ملقب به مهذب‌الدوله، فرزند حاج میرزا حسن حسنی فسائی در 1262 ش در فسا تولد یافت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه منصوریه شیراز پایان برد، سپس فقه و اصول و ادبیات عرب و علوم جدید را فرا گرفت و در شیراز به کار تدریس پرداخت و متولی چند موقوفه شد. در دوره سوم از شیراز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید پس از پایان دوره مزبور به شیراز بازگشت و در حوزه‌های عملیه آن شهر به تدریس پرداخت. در 1318 در دوره دوازدهم مجلس شورای ملی به وکالت انتخاب شد و ضمنا در دانشکده علوم معقول و منقول استاد شد. در دوره سیزدهم نیز کرسی نمایندگی را حفظ کرد. از 1322 در شیراز مجددا به شغل اصلیش که زراعت و تدریس بود مشغول گردید.
صاحب تألیفات متعددی اعم از تألیف و ترجمه می‌باشد. وی در 1336 در 76 سالگی در شیراز درگذشت. فرزندان وی تماما رشد علمی یافتند و چهار تن از پسران او از دانشگاه‌های معروف دنیا درجه دکترا دریافت نمودند.
(1336 -1262 ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به مهذب‌الدوله. در شیرزا به دنیا آمد و در مدرسه منصوریه، که از بناهای اجداد اوست، تحصیل نمود و سپس در آنجا به تدریس فقه و اصول مشغول شد و در ضمن در خارج از مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. وی در برقراری مشروطه زحمات زیادی کشید. او در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نماینده‌ی مردم شیراز، در مجلس شورای ملی، شد و به تهران آمد. مهذب در دانشکده معقول و منقول تهران تدریس می‌کرد. از آثارش: «امروز مسلمین» و «عالم نو اسلام»، ترجمه؛ «زن جدید»، ترجمه؛ «زن و آزادی»، ترجمه. او همچنین تاریخی در ادامه گفتار اول «فارسنامه‌ی ناصری» گماشت و وقایع و اتفاقات 1304 ق به بعد را در رابطه با اوضاع فارس و ایران با مدارک و اسناد به رشته‌ی تحریر درآورد.[1]
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (584 -583/ 5)، الذریعه (59/ 12)، فارسنامه‌ی ناصری (18/ 1)، فهرست کتابهای چاپی

فارسی (1870/ 2 ،335/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (471/ 1)، نخبگان سیاسی ایران (525/ 4).

مهرابی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی آقای مهرابی فرزند مرحوم ناظم‌التجار از علماء مبرز استان کرمان بوده‌اند مرحوم والدش ناظم‌التجار از شخصیتهای ناسی گذشته بوده و ما در ج 2 ص 336 کتاب آثارالحجه قسمتی از ترجمه و سوانح زندگی وی را یاد نمودیم بدانجا مراجعه شود.
وی در سال 1319 قمری به دنیا آمده و بعد از گذرانیدن دوره صبا و کودکی به تحصیل علم پرداخته و با معیت رفیق شفیق و دوست گرامیش آیت‌اللّه صالحی معاصر به مقدمات و ادبیات و سطوح اشتغال یافته و پس از تکمیل آن به اصفهان عزیمت و حدود سه سال از محاضر مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدصادق و آیت‌اللّه آقا سید محمد مدرس نجف‌آبادی و دیگران استفاده و پس از آن به اتفاق آقای صالحی به قم مهاجرت و حدود شش سال از بحث فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه یثربی کاشانی بهره‌مند شده و با اصرار دوست عزیزش آقای صالحی به کرمان مراجعت و به تدریس فقه و اصول سطحا و خارجاً و اقامه نماز جماعت و سایر خدمات دینی پرداخته تا حدود 1385 قمری که به رحمت حق واصل گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

مهراد، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1325، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: کتابداری، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد و علوم کتابداری از دانشگاه تهران در سال 1353، دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه کیس وسترن (ریزرو) آمریکا در سال 1358.
مرتبه علمی:
استادیار بخش علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال 1358 تا سال 1364، دانشیار علوم کتابداری دانشگاه شیراز از سال 1367.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
استفاده از فرصت مطالعاتی در سالهای 1368 تا 1369 پیرامون پایگاههای اطلاعاتی کتاب شناختی در دانشگاه لوس‌آنجلس، انجام طرح پژوهشی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و اتوماسیون، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 22 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، روش تحقیق.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
علوم کتابداری و اطلاع رسانی، تکنولوژی اطلاعات.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مهری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله مهری در سال 1333 هجری قمری در شهر مهر واقع در جنوب استان فارس، و در خانواده‌ای روحانی از سلاله رسول الله (ص) قدم به عرصه وجود گذاشت. او را عباس نامیدند شاید تقدیر الهی چنین بود زیرا که او در همان اوان کودکی روحیه ظلم ستیزی در نهادش نهفته بود و بعدها خود الگویی برای مبارزان طریق حقیقت و مراد پویندگان راه رفع ظلم و ستم شد.
دوران کودکی
هنوز دوازده سال از عمر مبارکش نگذشته بود که سایه پر مهر پدراز او گرفته شد و برای همیشه از پدر محرم گردید. پس از آن تحت تکفل برادر ارجمندش عالم عاضل حاج سید هاشم مهری قرار گرفت و براستی چون پدری مهربان و دلسوز به تعلیم و تربیت او پرداخت با اینکه سالهای سخت تنگدستی را می‌گذارندند. هرگز نگذاشتت برادر عزیزش احساس فقر سختی کند. از همین ور بود که ایشان همیشه از برادرش به خیر و خوبی یاد می‌کرد و می‌گفت: من نمی‌توانم آن همه محبت و مهربانی را پاسخگو باشم.(1)
نسب شریف
نام مبارکش سید عباس حسینی و مشهور به مهری فرزند سید حسن حسینی از سادات بزرگ و معروف مهر موسوم به سید هاشمی(منسوب به جد اعلای ایشان مرحوم سید هاشم) است. و از طریق مارد نسب وی به محدث و مفسر عالیقدر، علامه سید هاشم بحرانی(مؤف تفسیر برهان) می‌رسد. نام مارد دانشمندش خدیجه، دختر سید حسن علامه مهری از سادات جلیل القدر مهر و از نوادگان علامه بزرگوار بحرانی می‌باشد.(2)
یادکردی از مهر
مهر از شهرهای مرکزی و حنوبی استان فارس و دارای تاریخی عمیق و درخشان است. تاریخ مهر همواره با نام دانشمندان و سادات و الامقام آن دیار گره خورده است. این شهر با همه کوچکی آن زادگاه بسیاری از علامان، نویسندگان، و صاحب منصبان سیاسی و احتماعی بوده و هست. این شهر علاوه بر موقعیت علمی که همچون گوهر تابناک می‌درخششیده، به لخاظ حضور مبارک سادات که جمعیت غالب شهر را تشکیل می‌داده‌اند و نیز به داشتن مردمی خوب دارای موقعیت اجتماعی ویژه‌ای در منطقه

بوده است که ملجأ مهاجران زیادی شده که به این شهر پناهنده گردیده‌اند. اجداد آیة الله مهری از نخستین گروه سادات این ناحیه هستند که از منطقه احصاء به این محل هجرت نموده‌اند.(3) نوشی از جام نور
ایشان پس از گذراندن دوره مقدمات در زادگاهش مهر برای تحصیل علوم و معارف دینی و استفاده از انوار قدسی بارگاه ملکوتی جد بزرگوارش با مشقتی فراوان و عشقی زایدالوصف راهی نجف اشرف گردید با جدیت به کسب معارف مشغول گردید، به گونه‌ای که خود می‌گوید: به قدری درسهایم فشرده بود که بعضی از روزها سه درس می‌گرفتم و دو درس می‌دادم و سه درس را نیز به مباحثه می‌گذراندم، غذایم معمولا نان و ماست و هنوانه بود.(4) وی با آنکه مدت زیادی نتوانست در نجف اشرف بماند و به درخواست جمعی از مؤمنان برای امر تبلیغ به کویت عظیمت کرد منتهی در همین مدت کم توانست با جدیت تمام مدارج علمی را پشت سر بگذارد و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیة الله سید محمود شاهرودی(ره) و آیة الله سید باقر محلاتی (ره) و آیة الله سید محمد تقی بحرالعلوم (ره) بهره کافی ببرد.(5)
هجرت به کویت
در نجف اشرف، پس از چند سال بحث و درس فشرده، مردم مسلمان کویت با اصرار و تقاضای فراوان از برخی عالمان آن زمان از ایشان می‌خواهند که برای راهنمایی و ارشاد آنها به کویت بروند.(6) آقای مهری در آغاز رازی نمی‌شود، زیرا می‌خواسته است درس خود را ادامه دهد ولی، به درخواست بیش‌تر از حد مردم و اصرار برخی از علماء ناچار به آن دیار مهاجرت می‌نماید. او در این باره می‌گوید: وقتی به کویت آمدم مردم حتی نمی‌توانستند درست وضو یا تیمم کنند و از مسائل معمول شرعی خود بی خبر بودند.(7) استاد عالیقدر حضرت آیة الله وحید خراسانی که بهترین گواه بر زحمات و فعالیتهای آن مهری می‌باشد چنین تعبیر آورده‌اند:چ مرحوم آقای مهری احیای موات کردند.(8) فعالیتهای علمی و اجتماعی در کویت
در کویت ضمن هدایت و ارشاد و پرداخن به مسائل شرعی و حل مشکلات اجتماعی مردم،به‌مباحثه کتابهی علمی با برخی از علما ادامه می‌دهد و هر چند یکبار که به نجف اشرف مشرف می‌شود در آنجا برای همان چند روز نیز دست از درس و بحث نمی‌کشد. آن بزرگوار افزون بر انجام تکلیف نسبت به اسلام و مسلمین که - به بهترین وجه ادا می‌شد- به تدریس علوم دینی می‌پرداخت و از همه اقشار مردم میخواست که اوقات فراغت خود را به درس و بحث بپردازد و عمر خود بیهوده صرف نکنند و خود مجالس درس را اداره می‌کرد. همه شب پس از اداء نماز جماعت در مسجد شعبان - که اکنون به صورت بارزترین پایگاه انقلاب اسلامی در کویت در

آمده است- به منبر می‌رفت و پس از گفتن چند مسئله، به موعظه می‌پرداخت و مشکلات اجتماعی مردم را گوش زد می‌نمود و هر چند برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود که فردی روحانی پیرامون مسائل سیاسی با مردم سخن گوید، او از گفتن آنها باکی نداشت و اوضاع جهان اسلام را تا آنجا که برایش ممکن بود بیان می‌کرد و مردم را از خطر استعمار و استعمار زدگی بر حذر می‌داشت.(9) گفتار امام راحل(ره) خطاب به آن بزرگوار تا اندکی از این امر پرده بر میدارد. ایشان در ضمن نامه به آیة الله مهری می‌نویسد: مساعی جمیله جنابعالی در ترویج شریعت مقدس اسلام در آن حدود مورد کمال، تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد توجه خاصه حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- واقع گردیده و مأجور باشید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلاء کلمه طیبة الاسلام از خدای متعال خواستارم.(10) مبارزات سیاسی

آنچه بیشتر از هر خصوصیت دیگر، آیة الله مهری را ممتاز کرده بود، روح ظلم ستیزی و مبارزه همیشگی او بر ضد ستم در شکلهای گوناگونش بوده در این باره می‌فرمود: هنوز بالغ نبودم و عمرم از سیزده سال تجاوز نکرده بود ولی نسبت به شاه احساس دیگری - جدای از مردم آن زمان - داشتند. من او را ظالم و غاصب حق می‌دانستنم و از اینکه برخی از روحانیون از او تجلیل می‌کردند سخت منزجر می‌شدم. من معتقد بودم باید قدرت در دست مرجع تقلید باشد و اگر کسی را او تعیین کند واجب الاطاعه است و الا فلا.(11) ناگفته نماند که همواره ظلم ستیزی وی مشکلات زیادی برایش به وجود می‌آورد. خود در این باره طی مصاحبه‌ای می‌گوید بنده قبل از اینکه به نجف بروم و سپس در کویت اقامت گزینم در ایران حبس رفتم، شکنجه شدم، پای برهنه مرا در پشت اسبها می‌دواندند و برادرم نیز در این مصائب با من شریک بود. ما هرگز ساکت نبوده‌ایم و فکر کردیم وقتی به کویت می‌رویم آقایان مراجع پشتیبان ما خواهند بود و با حمایت آنان بنده می‌توانم علیه ظلم مبارزه کنم. ولی هیچ کس در آن زمان حاضر نشد علیه ظلم حرفی بزند تا اینکه آقای خمینی(ره)، این بزرگوار سر بلندکرده و از ابتدایی که امام شروع به مبارزه علیه ظلم نمود امیدی خاص در من ظاهر شد، زیرا یک راهنما و پیشوا پیدا شده بود، پس می‌توانستیم به احکام و نظریات این بزرگوار عمل کنیم.(12) در راه مبارزه مستمر و بی امان با دستگاه طاغوت در آغاز نهضت حرکت همه جانبه را علیه دستگاه ظلم پهلوی شروع کرد و با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبتهای گوناگون و با ارسال تلگراف و نامه به محضر علماء و مراجع و با اجتماع با شخصیتهای گوناگون مذهبی و سیاسی و با پخش اعلامیه‌ها و پیام‌ها و نوارهای حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاده و در مقابل، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه او

شروع کرد و مردم را با تهدید و تخویف و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود، از سوی دیگر کمتر روزی بود که تلفنهای تهدیدآمیز و اینکه اگر ساکت نشوی تو را می‌کشیم و در امشب پس از نماز در وسط سخنرانی تو را ترور می‌کینم و خانه ات را آتش می‌زنیم و بچه هایت را از بین می‌بریم و ... به او زده نمی‌شد، ولی او همچنان پابرجا و استوار و بی اعتنا به آن همه تهدیدات، پیش می‌رفت و وظیفه خود را قاطعانه دنبال می‌کرد و هرگز اهمیت نمی‌داد که روزانه از عدد نمازگزاران مسجد یا ملاقات کنندگانش در منزل - بر اثر تهدیدهای دشمنان - کاسته می‌شود.(13)

در خواست قیام علی طاقوت

فرزند با اخلاص سرزمین مهر - همانگونه که اشاره شد- همواره با ارسال نامه و تلگراف از علماء و مراجع دعوت به مبارزه علیه طاغوت و پشتیبانی از حرکت امام می‌کرد، منتهی هیچ وقت منتظر پاسخ آقایان نمی‌نشست و فقط به وظیفه عمل می‌کرد. در آغاز نهضت تلگراف شدید لحنی به مراجع وقت در نجف اشرف و قم مخابره کرد و آنان را به قیام دعوت نمود. در آن تلگراف چنین آمده است: مصیبتهایی که این روزها بر سر مسلمین در ایران فرود می‌آید دل هر آزاده‌ای را آزرده ساخته است و سکوت شما در برابر این فجایع، بر این درد افزوده است ما منتظر اقدام سریع شما برای تسکین دردها و جلب رضایت حضرت ولی عصر(عج) می‌باشیم. سه نفر از مراجع وقت نجف آیة الله حکیم رحمة الله، آیة الله شاهرودی رحمة الله و آیة الله خویی رحمة الله پاسخ‌هایی دادند و ایشان دستور داد همان پاسخ‌ها را تکثیر و در دسترس عموم مردم قرار دادند و به همین پاسخ برای تأیید نهضت اکتفا می‌کرد و می‌فرمود ! ما در حد توانمان به قیام دست زدیم. ما مردم را هدایت می‌کردیم تا کمک به ظلم و جور نکنند و با اشخاصی که علیه دین اسلام قدم بر می‌داشتند، هم قدم نشوند. در آن زمان حضرت امام به همه نماینده هایش دستور داده بودند که به این گونه مسائل توجه گردد و بنده یکی از نمایندگان ایشان بودم که به این امر عمل نمودم. حتی از دیگران نیز درخواست دعوت کردم تا همزمان با ما، در دیگر بلاد اسلامی، جلوی ظلم ظالمین را بگیرند و در این خصوص بعضی از آقایان متأسفانه با بنده هم زبان نشدند و بعضی‌ها نیز بنده را سرزنش و توبیخ می‌نمودند که چرا علیه حکومت شاه به پا خواسته‌ام. و بنده تمام جوانب را تحمل نمودم. و به اعمال و رفتار آن آقایان نیز اعتنا نکردم و مطالبمان را هرچه بود بر زبان آوردیم ... . تلگرام آتشین

به جرأت می‌توان گفت که اولین مرید و مؤید امام از علماء خارج از کشور آقای مهری بود. و اولین حرکتش تلگرام تند و آتشینی در سال 1342 هجری شمسی پس از سخنرانی سرنوشت ساز امام به شخص محمد

رضای خائن بود. و به این ترتیب او لب به سخنی گشود که می‌بایست در نهایت گفته می‌شد(زیرا که انقلاب اسلامی سخن آخرش را اول می‌گوید) (14) و پس از این تلگرام، از ورود ایشان به ایران جلوگیری شد تا اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. کانون اندیشه ها
منزل آیة الله مهری در دوران نهضت همواره کانون اندیشه‌های انقلابیون و مبارزان مسلمان به ویژه روحانیون بود که در آنجا جلسات زیادی پیرامون شیوه‌های مبارزه از سوی مبارزانی همچون شهید آیة الله سعیدی، آیة الله خزعلی و شهید حجة الاسلام محمد منتظری و سایر عزیزان پیرو امام از ابتدا شروع نهضت تا پیروزی انقلاب برپا می‌شد و برای پیش برد نهضت در داخل و خارج کشور، تبادل نظر صورت می‌گرفت و آن بزرگوار واسطه‌ای بین حضرت امام در نجف اشرف و پیروان و ادامه دهندگان راهشان در ایران، اروپا، آمریکا و سایرکشورها بود. او در این را نه تنها از مال دنیا و جان خود و فرزندانش مایه می‌گذاشت که از عزت و آبروی خویش نیز می‌گذشت و در راه مرادش از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کرد به گونه‌ای که منزل ایشان خانه دوم امام شده بود و انقلابیون به طور دایم در آن خانه به نشر انقلاب اسلامی و فرامین امام، می‌پرداختند، به طور مثال همه کتابهای امام و اعلامیه‌ها و فتاوی ایشان در کویت با همت و نظارت مستقیم ایشان چاپ و نشر و به طور رایگان در اختیار مردم مسلمان مخصوصا ملت ایران قرار می‌گرفت.(15) یک خاطره
روزی یکی از مراجع می‌خواست به کویت بیاید تا از آنجا به مکه مشرف شود. چون در اتاق پذیرایی آقا فقط عکس حضرت امام بود، به او عرض کردیم یا موقتا این عکس را برداریم یا اجازه دهید چند روزی عکس آن آقا را نیز در این جا نصب کنیم! ایشان با ناراحتی پاسخ داد مگر من عکس پرست هستم یا با عکس می‌خواهم خودشیرینی کنم؟ عکس امام برای من یک شعار است. من با نصب کردن این عکس، راه و روش خود را به مردم نشان می‌دهم، و می‌خواهم از راه امام تبلیغ کنم و گرنه خوب بود عکس دهها مرجع تقلید، که طی چندین سال همه با من ارتباط داشته‌اند و بدون درخواست من، مرا نماینده خویش در کویت قرار داده بودند، بر در و دیوار بیرونی من نصب شده باشد!(16)
عشق مرید به مراد
آیة الله مهری با تمام اخلاص عاشق امام خیمنی بود. از روزی که توسط آیة الله ابوالقاسم خز علی و شهید آیة الله سید محمد رضا سعیدی با امام آشنا گشته و به هنگام سفر به ایران در قم به جلسه‌ای در درس ایشان مشرف شده بود(17) تا پسین دم حیات دست از امام و راه او برنداشت. علاقه او به امام برای کسب شهرت و مقام نبود بلکه امام را واجد جمیع شرایط دیده و مرید او شده بود. هر وقت از او درخواست می‌کردم عکس

از او با امام برای یادگاری بگیرم ممانعت می‌کرد و می‌گفت: من نیاز به عکس ندارم، من اگر با خمینی از روز اول پیمان بسته‌ام برای خدا بوده است نه برای کسب شخصیت.(18) آری، او به خوبی از عهده این پیمان بر آمد و همه هستی اش را فدای امام کرد ولی دست از او برنداشت. مرید و مراد

همانگونه که مهری امام را خوب درک کرده و به او عشق می‌ورزید امام نیز در مقابل به او محبت و علاقه خاصی داشت. وقتی که امام از عراق به طرف کویت هجرت کرده و با همراهان قصد منزل ایشان را داشت، خفاشان زمان به محض شناخت امام وحشت زده از ورود امام به کویت ممانعت کردند، آقای مهری می‌خواست با رئیس آنها صحبت کند تا شاید در قلب سخت آنها اثری کند، امام فرمود:ابدا! حیف نیست وجه خود را پیش این ناکس بفروشی؟! ما بر می‌گردیم، ما با خدا هستیم.(19) امام که ناراحتی آقای مهری را می‌دانست بعد از برگشت به عراق و هجرت به فرانسه به محض رسیدن به آقای فردوسی پور امر کرده بود که: به فلانی تلفن بکنید که او خیلی ناراحت است. (20) ایشان هم امتثال امر کرده و برای رفع ناراحتی ایشان به کویت تلفن زده بودند. آری، امام نیز مرید خود را خوب شناخته بود. انتصاب به امامت جمعه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن آرزوی دیرینه امام و یاران باوفایش برای ارتقاع رشد فکری جامعه اسلامی و بیداری هرچه بیشتر مسلمانان جهان و صدور انقلاب و جامه عمل پوشاندن و به یکی از آرزوهای شیعیان کویت یعنی برپایی نماز دشمن‌شکن عبادی، سیاسی جمعه حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - حضرت آیة الله مهری را طی حکمی در مورخ 58/7/2 به امامت جمعه در کشور کویت منصوب نمودند(21) ولیکن با تبعید ایشان از طرف حکام کویت همراه با تمامی اعضای خانواده به ایران اسلامی نماز جمعه در این کشور برگزار نگردید. تبعید به ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر رسیدن زحمات چندین ساله امام و یارانش آیة الله مهری نه تنها از حرکت نایستاد بلکه برای استحکام بخشیدن به پایه‌های حکومت اسلامی بر شدت تلاشهایش افزود. و او سربلند و مفتخر از اینکه توانسته است، در راه حاکمیت الله قدمهای بردارد سر از پا نشناخته، لذا تمام وقت خود را صرف سامان بخشیدن به مسائل انقلاب و پاکسازی محیط جامعه اسلامی از تفاله‌های طاغوت نمود که از آن جمله پاکسازی سفارت ایران در کویت می‌باشد و باز به این حد بسنده ننمود و فعالیتهای زیادی متکفل شد، تا آنجایی که شیخ دستنشانده کویت به الهام از اربابان انگلیسی و آمریکایی اش تاب تحمل وجود او را ننمود و بر خلاف تمام موازین و مقررات بین المللی تابعیت مسلم درجه

یک وی را از اعتبار ساقط و بی درنگ وی و تمام اعضاء خانواده‌اش را از خانه و کاشانه خود اخراج و به ایران تبعید نمود.(22)

مبارزه بزرگ

آن بزرگوار نه تنها با طاغوتهای خارجی مبارزه‌ای بی امان داشت ولی بیش از هر چیز با طاغوت نفس مبارزه می‌کرد و برای کوبیدن طاغوت سرکش نفس آنقدر نسبت به مؤمنین تواضع و محبت ورزید که در کمتر کس چنین روحیه‌ای می‌توان یافت. او نه تنها خود را از همه علماء و خدمتگزاران دین کوچک‌تر می‌دانست که در برابر مردم عادی نیز متواضع بود. هر کس بر او وارد می‌شد، حتی اگر نوجوان کم سن و سالی بود، تمام قد از جا برمی خواست و به او احترام می‌گذاشت و احوالپرسی می‌کرد. یکی از روزهای بیماری، سائلی وارد شد، ما اعتنایی چندانی نکردیم ولی او با آن حال بد، از جا برخواست و مانند دیگران احترام کرد. پس از رفتن با ناراحتی به او عرض کردم: شما با این کار خودتان را اذیت می‌کنید. تازه او کسی نبود که برایش تا این حد احترام قائل شوید! با نگرانی به من پاسخ داد: تو از کجا علم داری که مقام من نزد خدا، از او بالاتر باشد؟! او در تواضع و تجلیل از مؤمنان به قدری افراط می‌کرد که ما ناراحت می‌شدیم و گاهی به او اعتراض می‌کردیم. در پاسخ می‌گفت: من هنوز نتوانسته‌ام به این فراز از آیه ... اذلة علی المؤمنین(23) عمل کرده باشیم.(24) آقا با رفتار خود به اطرافیان درس می‌داد که مؤمن واقعی به همان مقدار که در برابر دشمنان خدا و ظالمان ستمگر، با خشونت رفتار می‌کند و حاضر نیست کوچکترین نرمش از خود نشان بدهد، در برابر یاران خدا و مؤمنان متواضع و فروتن است اشداء علی الکفار رحماء بینهم(25). برخی از ویژگی‌های اخلاقی

همیشه با وضو بود، به مستحبات با دقت عمل می‌کرد و از مکروهات مانند حرامها گریزان بود. نماز با طمأنینه کامل و مستحبات و تعقیبات انجام می‌داد و مقید بود که هرگز نوافل را ترک نکند. دو ساعت قبل از طلوع فجر از خواب بیدار و مشغول نماز شب و تهجد و دعا خواندن و استغفار می‌شد، و هیچ گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. شبها قبل از خواب درست در همان لحظه‌ای که همه اهل منزل به خواب رفته بودند، زیر آسمان می‌رفت و دستها را به آسمان بلند می‌کرد و با گریه و زاری، استغفار می‌نمود. هرگز سؤال کننده را محروم نمی‌کرد، حتی اگر به مقداری غذا یا لباس باشد. اگر روزی لباس نو یا عمامه نویی می‌پوشید و کسی از آن لباس تعریف می‌کرد، فوری آن را به او می‌بخشید و خودش به لباس کهنه اکتفا می‌کرد. گاهی که همسرشان به ایشان اعتراض می‌کرد که چرا نمی‌توانی لباس نو را لااقل برای چند ماه نگهداری، بالبخند می‌گفت: مگر آن لباسها چه عیبی دارد؟ با اینکه خود سید بود نسبت به سادات احترام

شدید و تجلیل کامل می‌نمود. بسیار مهمان نواز بود و حتی اگر بعضی روزها مهمان نداشت یک نفر از مسجدیان را با خود می‌آورد تا بی مهمان غذا نخورد. علاقه عجیبی به اهل بیت(ع) داشت. هرگاه نام مبارک امام حسین(ع) را می‌شنید بی اختیار اشکش جاری می‌شد و روزهای عاشورا مانند کسی که تازه پدرش را از دست داده، با صدای بلند گریه می‌کرد تا جایی که بی حال می‌شد از این رو همه ساله دو ماه محرم و سفر و هر شب دوشنبه جلسه روضه و عزاداری برگزار می‌شد و بعد از اینکه به ایران تبعید شدند در طول نه سال زندگی در ایران صبحهای جمعه همان مجلس، با شکوه تمام برگزار می‌شد. و در مراسم مولودی یا اعیاد اسلامی ضمن برقراری مجالس جشن و سرور، با شیرینی و شربت و گاهی هم با پول از حاضرین پذیرایی می‌کرد. کارهای منزل را تا حد توان خودش انجام میداد حتی بعضی از کارهای بنایی خانه. و با این کارش به فرزندانش می‌فهماند که نباید در همه کارها به دیگران متکی بود. از اسراف و زیاده روی خیلی متنفر بود و اگر می‌دید چراغی بدون سبب در اطاقی روشن مانده است با عصبانیت بازخواست می‌کرد و این کار را نکوهش می‌نمود. با اینکه انواع کاغذ و دفترها در منزل یافت می‌شد از یک کاغذ پاره هم استفاده می‌کرد و کمتر روزی بود که در مذمت اسراف با افراد خانواده سخن نگوید. از افراد سخن چین بیش از همه کس متنفر بود. و کمتر سخنرانی ای داشت که در آن، نمام را نکوهش نکند. در روحیه‌اش ذره‌ای خود خواهی یافت نمی‌شد و برای اینکه با این روحیه مبارزه کند ریاضتهای عجیبی داشت گاهی در گاری سه چرخ سوار می‌شد و به مسجد می‌رفت. محال بود هر کسی بگذرد و به او سلام نکند، حتی اگر بچه خردسالی بود در مجلسی که وارد می‌شد هر جا که خالی بود می‌نشست و هیچ گاه مقید نبود که در صدر مجلس یا اطراف آن بنشیند، اگر در بحث با بعضی از روحانیون، احساس می‌کرد طرف از ادامه بحث یا پاسخ به سؤال درمانده شده است، خود بحث را عوض می‌کرد و نمی‌گذاشت حاضران متوجه ضعف طرف مقابل شوند. همیشه در کارهای اساسی با دیگران مشورت می‌کرد و برای اینکه به فرزندانش احترام بگذارد چه در جمع و چه خصوصی با آنها به مشورت می‌پرداخت و اگر رأی آنها مورد قبول قرار نمی‌گرفت با استدلال آنها را قانع می‌نمود. همیشه در پی استدلال و برهان بود لذا به فرزندانش توصیه می‌فرمود: شما فکر نکنید که چون پدر و مادرتان شیعه‌اند، باید شیعه باشید. بروید کتاب بخوانید و خود تان با دلیل و برهان، حق را دریابید ... . به مظاهر اسلامی خیلی اهمیت می‌داد، حتی در لباس، مسکن و غذا مسائل اسلامی را مراعات می‌نمود. فعالیتهای اجتماعی

ایشان در امر بازسازی و تجدید بنای مدارس علمیه از جمله مدرسه

قزوینی و مدرسه بخارایی در نجف اشرف سعی و تلاش فراوان کرد. برای شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس (از جمله کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده) مساجدی را تأسیس کرد و تأسیس و تعمیر مساجد زیادی در گوشه و کنار ایران اسلامی را بر عهده گرفت. در کویت اولین مدرسه دخترانه به نام مدرسه جعفری برای دوران ابتدایی تا دبیرستان به همت عالی او تأسیس شد. جذب مبلغان از حوزه‌های علمیه نجف اشرف و قم و مشهد برای تبلیغ در مناطق کویت و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس از دیگر تلاشهای آیة الله اخلاص آیة الله مهری بود که این امر تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت. چاپ و نشر و ترجمه کتب امام و غیر آن در سطح بسیار وسیع و توزیع رایگان در میان مردم. تشکیل جلسات شورای فقهی و سیاسی با روحانیان مقیم کویت به منظور حل معضلات و مشکلات، از فعالیتهای ارزشمند او محسوب می‌شود. بسیج عده‌ای از اهالی منطقه فارس و شهرستان لامرد(26)، برای توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم در زمان قحطی پس از جنگ جهانی دوم. تأسیس و راه اندزی اولین درمانگاه در شهرستان لامرد. تأسیس بیمارستان و زایشگاه مجهز و گسترده در شهر مهر. رهبری مدبرانه نهضت اسلامی ملت کویت پس از اخراج از کویت و حمایت حرکتهای اسلامی و انقلابی جوانان مسلمان. کمکهای مستمر به مراکز مذهبی، فرهنگی (مدارس، مساجد، حسینیه‌ها) در قم و سایر نقاط. بازسازی مراکز خدماتی (آب انبارها و راهها و ...) مناطقی از ایران. تأسیس بنیاد معارف اسلامی قم به منظور تحقیق و تدوین تاریخ جامعی برای تشیع از آغاز تاکنون، که این یکی از ارزنده‌ترین آثار جاودانه آن بزرگمرد است.

سفر به کوی دوست

سر انجام پس از عمری کوشش، مبارزه و تلاش همه جانبه، و نیل به اهداف عالیش که رفع ظلم ستم شاهی و استقرار نظام عدل الهی بود در جوار مشوق واقعی اش که همه دوران زندگی را بر آستانش چهره ساییده بود آرمید، آیة الله حاج سید عباس مهری پس از 75 سال زندگی پرخیر در تاریخ 1366/11/26 هجری شمسی، در تهران، ستاره درخشان وجودش از آسمان علم و فضیلت برخاک فروغلتید و در جوار حضرت فاطمه معصومه(س) در خاک نهان شد. وتمام خویشان و دوستداران و ارادتمندان را به سوگ نشانید.(27)

در سنگر علم

مرحوم آیة الله مهری با همه اشتغالات سیاسی و اجتماعی در بیان معارف اسلامی و دفاع از کیان اسلام و تشیع نیز غافل نماند و در این زمینه آثاری به یاد ماندنی از خویش به جای گذاشت که برخی از آن آثار چاپ شده بدین قرار است:

1- شعاع من التاریخ این کتاب ارزشمند در پاسخ به هتاکی‌های ابراهیم جبهان در مجله رأیة الاسلام چاپ ریاض به مذهب تشیع و ائمه اطهار(ع) در سال 1381 هجری / 1961 میلادی به رشته تحریر در آورده است. مرحوم مهری علاوه بر مبارزه با این فرد که منجر به تبعید شبانه وی از سوی دولت کویت به عربستان صعودی گردید به مبارزه علمی نیز با وی پرداخته و در ضمن کتابی به گفته‌های سرا پا کذب وی پاسخ می‌گفت. این کتاب را به موجب نامساعد بودن جو سیاسی آن زمان کویت به نام برادر ارجمندشان عالم فاضل سید هاشم مهری به طبع رسانده‌اند و اکنون در کتابخانه عمومی مرحوم آیة الله نجفی به شماره 7530 ردیف 5 و قفسه 23 موجود می‌باشد. 2- شعاع من سیرتنا سنتنا این کتاب اگر چه در بعضی نوشته‌ها از جمله آثار قلمی مرحوم آقای مهری شمرده شده است ولی از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌گردد که شخصی از ایشان در موضوع صحت سجده بر خاک مطالبی طلب می‌کند و ایشان پس از پاسخ به خواسته ایشان به پیشنهاد یکی از مؤمنان اهل اطلاع به سخنرانی علامه امینی پیرامون موضوع سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است که در سال 1384 هجری در سوریه ایراد فرموده‌اند دست می‌یابد و با تمام خلوص به جای چاپ مقاله خود به انتشار سخنرانی علامه امینی مبادرت می‌ورزند. این کتاب به شماره 54478 در کتابخانه عمومی مرحوم آیة الله نجفی مرعشی موجود می‌باشد. 3- تفسیر سوره والعصر. 4- اهل الکتاب. 5- دروس فی الدین. 6- رساله‌ای در بیان حرمت گوشت خوک. از دیگر آثار قلمی این دانشور پرتلاش است. یادش گرامی و راهش جاوید پاورقی:
1- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. 2- برای آشنایی بیشتر با حیات علامه بحرانی به کتابهای زیر مراجعه فرمایید: علامه بحرینی، سید محمد براتی، العلامه السید هاشم البحرانی، فارسی تبریزیان، علامه بحرانی آیینه ابرار، تألیف نگارنده. 3- برای آشنایی بیشتر با این شهر و عالمان آن می‌تونید به کتاب سیمای مهر تألیف نگارنده مراجعه نمایید. 4- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 5- خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص2. 6- شایان ذکر است که در آن زمان هنوز نفت در کویت کشف نشده بود و مردم با سادگی، زندگی متواضعانه‌ای می‌گذراندند. 7- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 8- کنایه از اینکه کویت مانند یک زمین مرده‌ای بود که وی با زحمات خویش آن را زنده و آباد کرد. 9- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 10- 11- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 12- روزنامه ابرار 1366/3/31. 13- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 14- خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید عباس مهری، ص3. 15- با استفاده از خلاصه زندگی نامه آیت الله مهری، ص3 و 4. 16- از

خاطرات فرزند ارجمندشان سید محمد جواد مهری. 17- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج6، ص157 و 158. 18- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 19- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام، ج6، ص164 و 165. 20- همان. 21- صحیفه نور، ج9، ص197. 22- خلاصه زندگینامه آیت الله مهری، ص4. 23- مائده/ آیه 54. 24- با استفاده از یادداشتهای فرزند ارجمندشان. 25- فتح/ آیه 29. 26- از شهرهای جنوبی استان فارس می‌باشد. 27- از آیت الله مهری 11 فرزند (7 پسر و 4 دختر) به یادگار ماند. 1- حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد مهری. 2- حجة الاسلام و المسلمین حاج سید مرتضی مهری، از محققان و اساتید حوزه علمیه قم. 3- جناب آقای سید احمد مهری. 4- جناب آقای سید علی اصغر مهری. 5- دانشمند محترم جناب آقای سید محمد جواد مهری. 6- سید محسن مهری. 7- سید محمد رضا مهری.

مهریزی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی مهریزی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
مهدی مهریزی در سال 1341 در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال 1355 وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال 1358 وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.
اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».
وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تا رسائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال 1364 تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

مهندسی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی مهندسی
محل تولد : آباده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
در زمستان سال 1354 رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درسهای از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تطعیل شد تا نیمههایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال 1358، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایةالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.
در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی میشد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایةالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشتهام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایةالحکمه را چندین دوره و نیز نهایةالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح

اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثهای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفتهای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه 48 سوره بقره) دارم.
فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفتهای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان میباشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایة الحدیث اشتغال دارم.
در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود 100 ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون 400 (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در 143 برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون 150 بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبتهای مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

مهنه‌ای، مؤید

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، واعظ و شاعر. اهل مهنه، از اعمال تربت حیدریه، و از احفاد شیخ ابوسعید ابوالخیر (440 -357 ق) بود. در علوم ظاهری و باطنی تبحر داشت و اوقات را به موعظه و ارشاد می‌گذرانید. در زمینه سرودن شعر نیز توانا بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است. مزار خواجه در گنبد جدش می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (323 -322)، الذریعه (1130/ 9)، طرائق الحقائق (107/ 3)، فرهنگ سخنوران (898)، لغت نامه (ذیل/ مؤید)، مجالس النفائس (209 -208 ،35)، هفت اقلیم (29 -28/ 2).

مهیار

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پهلوان ایرانی که نام او دو بار در گرشاسب‌نامه‌ی اسدی طوسی آمده.
اول در جنگ اول گرشاسب با لشکر بهو:
«پس صف به مهیار و سنبان سپرد
کمینگه به کشواد و گرداب گرد»
دوم در جنگ دوم گرشاسب با سالاران بهو:
«سوی راست لشکر به مهیار داد
سوی چپ به بهپور سالار داد»
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مهیار دیلمی، ابوحسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 428 ق)، کاتب و شاعر. اصلا ایرانی و اهل بغداد بود، لذا به او کاتب فارسی می‌گفتند. وی ابتدا دین زرتشتی داشت سپس به دست سید شریف رضی ابوالحسن محمد موسوی اسلام آورد و به تشیع گروید و در خدمت او به تحصیل فنون شعر و ادب پرداخت. در «ریحانة الادب» آمده که او به دست شریف مرتضی ایمان آورده ولی در خدمت شریف رضی به تحصل علم و ادب پرداخته است. وی مدتی متصدی امر کتابت آل‌بویه بود و در بغداد برای ترجمه‌ی مطالب از فارسی به عربی استخدام شد. وی شاعری بزرگ بود و مقدم شاعران همعصر خود به حساب می‌آمد. او را جامع فصاحت عرب و بیان ادب فارسی می‌دانند و در بسیاری از جهات شعری از استادش، شریف رضی، برتر بود. او اشعار بسیاری در مدح اهل‌بیت و مراثی امام حسین (ع) گفته است. از ممدوحان وی می‌توان به ابوطالب محمد بن ایوب، از وزیران خلفای عباسی، و ابونصر سابور و ابومنصور بن مزرع و غیره اشاره کرد. فرزندش حسن یا حسین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که «قصیده‌ی حائیه»اش معروف است. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل چهار مجلد؛ «قصیده‌ی لامیه»، که ابن طاووس حلی شرحی به نام «الازهار» بر آن نگاشته است.[1]
ابوالحسن یا ابوالحسین ابن مرزویه‌ی دیلمی (ف. 426 یا 428 ه.ق) از کاتبان و شاعران لطیف طبع ایرانی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. وی نخست زردشتی بود و بعد به دست سید رضی اسلام آورد و نزد او به تحصیل شعر و ادب پرداخت و به زودی بزرگترین شاعر عهد خود گردید. مهیار دارای احساسات شدید ایرانی و طرفدار عقاید ملی بود و اشعاری در هجو قوم عرب سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (264/ 8)، اعیان الشیعه (172 -170/ 10)، تاریخ ادبیات در ایران (645 -644/ 1)، تاریخ بغداد (276/ 13)، دمیة القصر (309 -303/ 1)، الذریعه (1138/ 9 ،532/ 1)، ریحانه (47 -46/ 6)، سیر النبلاء (472/ 17)، شذرات الذهب (243 -242/ 3)، فوائد الرضویه (689 -688)، الکامل (14/ 8)، کشف الظنون (816)، الکنی و الالقاب (274/ 2)، لغت نامه (ذیل/ مهیار)، معجم المؤلفین (33 -32/ 13)،

المنتظم (285 -284/ 9)، النجوم الزاهرة (29/ 5)، وفيات الاعيان (363 -359/ 5)، هدية العارفين (486 -485/ 2).

مؤدب نفیسی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(دکتر علی‌اصغر فرزند علی‌اکبر). (و. 1253 ه.ش ف. 1328 ه.ش) پس از پایان تحصیلات در رشته‌ی طب، به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی علمیه و دارالفنون به تدریس پرداخت. مجله‌ی حفظالصحه از انتشارات اوست. در دوره‌ی دوم به وکالت مجلس انتخاب شد.
معروف به مؤدب‌الدوله از اطباء و رجال دانشمند و درجه اول ایران و فرزند ناظم‌الاطباء نفیسی که از رجال و دانشمندان عصر ناصری است می‌باشد. تولد او در 1251 ش در تهران اتفاق افتاد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی و آموختن ادبیات فارسی و عربی و حکمت وارد دارالفنون شد و تحصیلات خود را در رشته طبابت به اتمام رسانید و مدتی نیز در اروپا به تکمیل تحصیلات پرداخت. بعد از مراجعت به ایران در دارالفنون استاد طب شد. در 1299 که سید ضیاءالدین طباطبائی به نخست‌وزیری ایران رسید وزارتخانه جدیدی به نام وزارتخانه صحیه و امور خیریه تأسیس نمود و مؤدب‌الدوله نفیسی را وزیر آن وزارتخانه معرفی کرد. در حقیقت باید گفت مرحوم مؤدب نفیسی اولین وزیر بهداری ایران است. در دوران سلطنت رضاشاه به پیشکاری ولیعهد تعیین شد. وفات او در 1328 در 77 سالگی در تهران اتفاق افتاد.
مؤدب‌الدوله نفیسی از اطباء درجه اول و حاذق ایران بود. او در تربیت سایر برادران خود از جمله استاد سعید نفیسی سعی جمیل به کار برد. محمدرضا پهلوی نسبت به او بسیار بدبین و عصبانی بود به همین دلیل در دوران سلطنت خود کاری به او ارجاع ننمود. علت این بی‌مهری سختگیری‌هائی بود که مؤدب‌الدوله در سویس نسبت به او اعمال می‌کرد و کوچکترین خطای ولیعهد را به رضاشاه گزارش می‌داد. قسمتی از تحصیلات شاه مخلوع نتیجه تلاش و سختگیری نفیسی بود. از مؤدب‌الدوله سه پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: مهندس حبیب نفیسی، دکتر عباس نفیسی و دکتر ابوالقاسم نفیسی، دختران وی به ترتیب به همسری نظام‌السلطان، دکتر شمس‌الدین جزایری، وحید سعد و عظیمی درآمدند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مؤذن هروی، ابوسهل محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(433 -372 ق)، عالم، ادیب، نحوی و لغوی. معروف به مؤذن. او رییس الموذنین در جامع عمرو بن عاص در مصر بود. نزد ابوعبید احمد بن محمد هروی مؤذن، صاحب کتاب «الغریبین»، تلمذ نمود و از وی و از ابویعقوب نجیرمی و ابواسامه جنادة بن محمد نحوی روایت کرد. در مصر درگذشت. از آثار وی: «الاسفار»، در شرح «الفصیح» ثعلب نحوی و مختصر آن «التلویح فی شرح الفصیح»، در لغت؛ «اسماء الاسد»؛ «اسماء السیف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (16/ 17)، ایضاح المکنون (320/ 1)، روضات الجنات (29/ 8)، ریحانه (23/ 6)، کشف الظنون (1273، 88، 86)، معجم الادباء (263/ 18)، معجم المؤلفین (61 -60/ 11)، الوافی بالوفیات (121 -120/ 4)، هدیة العارفین (69/ 2).

مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 559 ق)، ادیب و شاعر. با یاقوت حموی (م 626 ق) معاصر بود و در فقه، حدیث، تفسیر و اصول تبحر داشت. از آثار وی: «اساس نامه»، در مواعظ، به فارسی؛ «نمودارنامه»، در شرح ابیات عجیبه‌ی «کلیله و دمنه»؛ «الخطب»، در دعوات ختم قرآن، که «یتیمة الیتیمة» نام دارد؛ «دیوان الانبیاء»؛ «گفتار نامه»؛ «مرتع الوسائل و مربع الرسائل»؛ «الوسائل الی الرسائل»؛ «الطرفة فی التحفة»، به فارسی؛ «تعریف شواهد التصریف»؛ «دیوان» شعر، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (207/ 6)، لغت نامه (ذیل/ نظام‌الدین مؤذی)، معجم الادباء (16 -15/ 2)، معجم المؤلفین (92/ 1).

مؤید الاسلام، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1280 ق)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در کاشان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه‌ی تحصیل به اصفهان رفت و مدت پنج سال در آنجا تحصیل کرد و در مدرسه حکیم در خدمت حجة‌الاسلام عبدالمعالی به یادگیری سطوح پرداخت و سپس در مدرسه‌ی صدر در محضر درس آخوند ملا محمد کاشی و آیت‌اللّه شریعت حاضر شد. بعد به کاشان بازگشت و آنگاه به تهران و مشهد سفر کرد و سپس به عراق عزیمت نمود و در سامرا به حوزه‌ی درس خارج میرزا محمدحسن شیرازی پیوست. پس از آن به بندرعباس رفت و بعد از مدتی به همراه سید جمال‌الدین اسد آبادی به تهران آمد. وی در 1308 ق به بمبئی و از آنجا به کلکته رفت و مشغول تجارت شد. او در 1311 ق روزنامه‌ی «حبل المتین» را در کلکته منتشر نمود. در 1317 ق نیز روزنامه‌ی «مفتاح الظفر» را، شامل مطالب علمی و مقالات ریاضی با مدیر کلی برادرش سید حسن کاشانی در آنجا منتشر کرد. او همچنین روزنامه‌ی «آزاد» شامل مطالب سیاسی را در 1317 ق در کلکته چاپ و منتشر نمود که این روزنامه به صورت ضمیمه‌ی روزنامه «مفتاح الظفر» توزیع می‌شد و برای مشترکین «مفتاح الظفر» رایگان بود. وی در کلکته درگذشت و بعد از یک سال جنازه‌ی او به مشهد برده و در ایوان عباسی، در صحن کهنه، به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (229 -228/ 4، 208 -200/ 2، 140 -139/ 1)، شرح حال رجال (72 -71/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (356 -355/ 2).

مؤید الممالک فکری، مرتضی قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1250 ش)، نمایشنامه‌نویس و روزنامه‌نگار. وی تحصیلات خود را در مدرسه‌ی دارالفنون فراگرفت و با زبان فرانسه آشنا شد و بعد از آن به خدمت دولت درآمد و چندی نیز حکومت مازندران، عراق و گلپایگان را به عهده داشت. او در 1325 ق روزنامه‌ی «صبح صادق» را در تهران منتشر کرد. مؤید الممالک از آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان به شمار می‌رفت و روزنامه‌اش بعد از بمباران مجلس شورای ملی مورد غارت قرار گرفت. وی پس از آن مدتی در بادکوبه و بخارا و سمرقند و مصر متواری بود. فکری پس از بازگشت به ایران روزنامه‌های «پلیس ایران» و «ارشاد» را منتشر نمود. او در تهران درگذشت. از آثار وی نمایشنامه‌های: «سیروس کبیر»، «سرگذشت یک روزنامه‌نگار»، «عشق پیری»، «حکام قدیم و حکام جدید» و «سه روز در مالیه» است که آنها را برای کمک به روزنامه‌ی «ارشاد» و با همکاری شرکت نمایش عالی ارشاد به نمایش گذاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نمایشی (182 -155، 154، 153/ 2)، از صبا تا نیما (110/ 2)، تاریخ جراید (105 -102/ 3، 79 -75/ 2، 118، 117/ 1).

مؤید، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال 1343، کارشناسی ارشد ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترای ادبیات عربی از دانشگاه تهران در سال 1347.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه شیراز از سال 1348 تا 1356، دانشیار دانشگاه شیراز از سال 1356 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس گوناگون ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی در دانشگاه شیراز، برنده کتاب سال از وزارت ارشاد در سال 1364، دریافت جایزه کتاب آموزشی سال از رادیو تلویزیون در سال 1355.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 3
زمینه علمی تألیفات:
فارسی امروز در زمینه زبان‌آموزی، شعر فارسی معاصر، شناختی از سعدی، اشعار عربی سعدی، قند و پند در زمینه ادبیات.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تأثر سعدی از ادبیات عربی مثلثات سعدی، اقتراء در اسلام.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میانچی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابراهیم مرتضوی میانجی از افاضل معاصرین تهرانست. وی در ماه صفر 1332 قمری در یکی از مضافات میانه متولد شده و تحصیل مقدمات را در قم انجام داده و در سال 1355 قمری مشرف به نجف اشرف شده و از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه العظمی خوئی استفاده نموده و در حدود سال 1369 قمری به ایران مراجعت و رحل اقامت در تهران افکنده و در یکی از مساجد مرکز به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و انجام وظیفه اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده میباشند که بعضی بطبع رسیده است و از آنها کتب زیر است:
1- کتاب «العیون العبری» در مقتل سیدالشهداء علیه‌السلام.
2- کتاب «اطائب الکلام من مهابط الوحی و الالهام» در حالات چهارده معصوم علیهم‌السلام.
3- تصحیح چاپی کتاب وسائل‌الشیعه در بیست مجلد.
4- تصحیح چاپی کتاب شرح نهج‌البلاغه خوئی در بیست و یک جلد.
5- تصحیح چاپی کتاب احقاق الحق آیت‌اللّه مرعشی که تاکنون 11 جلد آن بطبع رسیده است.
6- تصحیح چاپی کتاب بحارالانوار چاپ جدید (60) مجلد.
7- مقدمه و پاورقی به کتاب حقایق علامه فیض کاشانی و غیر از اینها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میبدی یزدی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1313 ق)، عالم دینی، فقیه، لغوی و شاعر. او در کربلا از محضر شیخ العراقین شیخ عبدالحسین تهرانی و فاضل اردکانی استفاده نمود و از استادش، فاضل اردکانی، به دریافت اجازه نایل شد. وی پس از رسیدن به مراتب علمی بالا در کرمانشاه ساکن گردید و مرجعیت دینی را عهده‌دار شد. از آثار وی: «عصمة الحجج»، در عصمت ائمه (ع)؛ «بدیع اللغة»، در لغات جدید؛ «کشکول»؛ «هدایة النصیریة»، که برای ارشاد اکراد نصیریه نگاشت؛ «مفتاح السلامة»، در حفظ سلامتی و اصول پیشگیری قبل از درمان؛ شرح «المنظومة البطیخیة»؛ کتابی در «الاستخارات»؛ رساله «حلق اللحیة»؛ «رساله‌ی عملیه»؛ «السؤال و الجواب»، در عبادات، با ذکر دلیل.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (307/ 8)، الذریعه (199/ 25، 295- 294/ 24، 333/ 21، 76/ 18، 274/ 15، 90/ 14، 247/ 12، 63/ 7، 73/ 3، 20، -19/ 2)، ریحانه (50/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1486/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (355/ 6)، لغت نامه (ذیل/ علی یزدی)، معجم المؤلفین (217/ 7)، مؤلفین کتب چاپی (326 -325/ 4).

میبدی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا میبدی یزدی از علماء محترم و دانشمندان بزرگ شمال و شهرستان گرگان می‌باشند.
ایشان در سال 1338 قمری در میبد یزد به دنیا آمده و دروس فارسی را در آنجا خوانده و برای ادامه به تحصیل به قم مسافرت ولی چون اواخر عمر مرحوم آیت‌اللّه حایری اوضاع حوزه مشوش بود به شهر ری (زادگاه نگارنده) آمده و به خدمت مرحوم آیت‌اللّه عالم ربانی حاج شیخ محمدتقی بافقی رسیده و در حجره آن مرحوم در مدرسه امینیه اقامت و به تحصیل مقدمات پرداخته و بعد از چندی به تشویق و توصیه آن بزرگوار به قم آمده و مدتی هم حجره حقیر در مدرسه دارالشفا بودند و با سعی بلیغ اشتغال داشتند تا در سال 1358 قمری که روی بعضی جهات مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند سکونت و مدت ده سال با جدیت تمام به تحصیل پرداخته و از محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی یزدی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله استفاده نموده و از خرمن علوم آنان فقها و اصولا خوشه‌ها چیده و توشه‌ها برده تا در سال 1368 قمری که به ایران آمده و بنابر تقدیر و مشیت الهی در گرگان و استرآباد اقامت و بنابر دعوت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ رضا مدرس در جای ایشان در مسجد جامع به اقامه جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال دارند.
نگارنده گوید: آیت‌اللّه میبدی که از دوستان چهل ساله حقیر است از دانشمندان متین و روشنفکر و منیع‌الطبع معاصر و دارای محاسن اخلاق و محامد آداب می‌باشد از آثار ایشانست تأسیس کتابخانه مسجد جامع گرگان و اداره و سرپرستی طلاب و محصلین مدرسه دارالشفاء گرگان
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میبدی، محمدفاکر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فاکر میبدی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/10/20
زندگینامه علمی
محمد فاکر میبدی، فرزند علی اکبر در تاریخ 20/10/ 1338 خورشیدی، برابر با 13 رجب 1379 قمری، در شهرستان میبد دیده به جهان گشود، در سه سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمن و متدین خویش قرار گرفت. وی دوران کودکی خود را به دلیل محرومیت از نعمت پدر، با سختی و مشکلات پشت سر گذاشت. و دوران تحصیلات کلاسیک را با کار و فعالیت سپری نمود. سالهای 1356 و 1357 شمسی که مقارن بود با مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و منتهی به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران شد. وی در این زمان همراه با دیگر اقشار مختلف مردم میبد در راهپیماییها و تظاهرات علیه رژیم شاه شرکت داشت و به پخش عکس، اطلاعیه و قرائت آن مبادرت می کرد، به همین دلیل یک بار توسط عوامل رژیم احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. به دلیل علاقه زیاد نامبرده به مسائل انقلاب نسخه ای از اعلامیه ها و بیانیه های انقلابیون کشور و به ویژه پیشگامان انقلاب در استان یزد و به خصوص شهید محراب حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، آیت الله حاج سید روح الله خاتمی، و آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم اعرافی، « قدس الله انفاسهم الزکیه» که از ارکان انقلاب در منطقه بودند در کتابخانه وی نگه داری می شود. نامبرده تحصیلات کلاسیک خود را تا ششم در مدرسه امام میبد به انجام رسانید و در سال 1355 جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه میبد شد و مقدمات، ادبیات، منطق و بخشی از دروس سطح را در آن حوزه فرا گرفت. لازم به یاد آوری است که در رشته فقه و اصول بیشترین بهره را از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن بیشترین استفاده را از حضرت آیت الله معرفت برده است.

میخائیل، پائول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام اصلی:Paul Michael LeVesque لقب:Triple H تاریخ تولد:۲۷جولای۱۹۶۹ محل تولد:New York City وضعیت:او مدتی شوهر زینا بود و بد طلاق گرفت و الان شوهر دختر مک من هست دارای یک بچه وزن:270 lbs قد:6'4" مربی او:Killer Kowalski تاریخ ورود به کشتی کچ:مارچ۱۹۹۲(۲۳سالگی) لقبهای دیگر او:Hunter Hearst Helmsley (WCW).....Jean Paul LeVesque (WCW)...Terra Ryzin (WCW)...(WWF)) حرکت پایانی:The Pedigree حرکتهای مورد علاقه که استفاده میکنه: Inverted Indian Deathlock Knee to Face Running neckbreaker Running Knee Smash DDT Spinning Spinebuster Sleeper Hold Abdominal Stretch Knee Drop Figure Four Leg Lock Mounted Punches Hooking Clothesline Blatant Choke
دشمن زیاد داشته فقط چنتاشو مینویسم Rob Van Dam Bubba Dudley Kane Booker T Bill Goldberg Shawn Michaels Chris Benoit Randy Orton Batista Ric Flair Big Show John Cena Vince McMahon The Undertaker The Rock Stone Cold افتخارات: او یک بار با شکست دادنTony Royتوانست کمربندIWF Heavyweight title رو بگیره در۲۶اکتبر۱۹۹۶توانست با شکست دادنMarc Mero کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره او همچنین در جون۱۹۹۷ نفر اول مسابقهWWF King of the Ring شد. او۲۲دسامبر۱۹۹۷با شکست دادنShawn Michaels توانست کمربندWWF European title رو ببگیره. در۱۷مارچ۱۹۹۸با شکست دادنOwen Hart توانست کمربندWWF European title رو بگیره. ۳۰آگوست۱۹۹۸در سامراسلم با شکست دادنThe Rock توانست کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره در۲۳آگوست۱۹۹۹با شکست دادنMankind توانست کمربندWWF Federation title رو بگیره. در آنفورگیون۱۹۹۹ توانست کمربندWWF Federation title رو بگیره. در سال ۲۰۰۰توانست با شکست دادنBig Show کمربندWWF Federation title رو حفظ کنه. در جاجمندی ۲۰۰۰ با شکست دادنThe Rock کمربندWWF Federation title رو نگه داشت در۵آپریل ۲۰۰۱با

شکست دادنChris Jericho توانست کمربندWWF Intercontinental title رو بگیره. در۱۶آپریل ۲۰۰۱با شکست دادنJeff Hardy کمربندWWF Intercontinental title رو حفظ کرد. او به همراه یارش استون کلددر ۳۰ آپریل ۲۰۰۱در بکلش با شکست دادنUndertaker & Kane کمربندWWE Tag Team titles رو گرفتند. او همچنین نفر اولWWE Royal Rumble ۲۰۰۲شد. در رسمنیا8-Xبا شکست دادنChris Jericho توانست کمربندWWF Undisputed title رو بگیره. درسبتامبر۲۰۰۲ او توانست برای اولین بار کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. در۱۵دسامبر۲۰۰۲با شکست دادنShawn Michaels توانست کمربند WWE World Heavyweight title رو حفظ کنه. در۱۴دسامبر۲۰۰۳توانست با شکست دادنBill Goldberg & Kane کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. درآنفورگیون۲۰۰۴توانست با شکست دادنRandy Orton کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. و در سال ۲۰۰۵ با شکست دادنBatista & Orton & Benoit & Jericho & Edge توانست کمربندWWE World Heavyweight title رو بگیره. او یکی از پرافتخارترین کشتی کچ کارای دنیا هست همونطور هم که خودتون افتخاراتش دیدید. و الان هم به همراه شان مایکلز گروه دی ایکس رو تشکیل دادند و دارن آبروی مک من را تو کل دنیا میبرن.

_____

میدانی نیشابوری، ابوالفضل احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 518 ق)، لغوی، نحوی، ادیب و شاعر. او را پیشگام ادبا نام نهاده‌اند. در نیشابور به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. چون ساکن محله‌ی میدان زیاد نیشابور بود، به میدانی مشهور شد. او از شاگردان ابوالحسن علی بن احمد واحدی مفسر و یعقوب بن احمد نیشابوری بود. فرزندش، سعید بن احمد، و ابوجعفر احمد بن علی مقری بیهقی از شاگردان او بودند. در نیشابور درگذشت و در گورستان میدان زیاد دفن شد. از آثارش: «مجمع الامثال» یا «جامع الامثال»، که گفته‌اند در نوع خود بی‌نظیر بوده است؛ «السامی فی الاسامی»، در لغت؛ «الهادی للشادی»، در نحو فارسی؛ «نزهة الطرف»، در علم صرف؛ «شرح المفضلیات» یا «اسماء التفضیل»؛ «الانموذج»، در نحو؛ کتاب «النحو المیدانی»؛ «المصادر»؛ «منیة الراضی فی رسائل القاضی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (208/ 1)، انساب سمعانی (429/ 5)، تاریخ ادبیات در ایران (318/ 2)، روضات الجنات (302 -300/ 1)، ریحانه (53 -52/ 6)، سیر النبلاء (490 -489/ 19)، شذرات الذهب (58/ 4)، فرهنگ ادبیات فارسی (494)، کشف الظنون (2026، 1943، 1703، 1576، 1043، 974، 185)، الکنی و الالقاب (220 -218/ 3)، معجم الادباء (51 -45/ 5)، معجم البلدان (279/ 5)، معجم المؤلفین (64 -63/ 2)، الوافی بالوفیات (328 -326/ 7)، وفیات الاعیان (148/ 1)، هدیة الاحباب (251)، هدیة العارفین (82/ 1).

میر خواند بلخی، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 903 -837 ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (906 -844 ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضة الصفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانة الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دایرةالمعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالدین خاوند شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند. از آثار وی: «روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفا»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حبیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا 929 ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضة الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (625 -621)، اعیان الشیعه (402/ 9)، تاریخ ادبیات در ایران (523 -519/ 4)، تاریخ در ایران (152 -151)، تاریخ

مغول (491)، تاریخ نظم و نثر (240 -239)، تعلیقات مزارات هرات (51)، حبیب السیر (342 -341/ 4)، دایرةالمعارف فارسی (2953/ 2)، الذریعه (297 -296/ 11 ،1140 ،307/ 9)، روضة الصفا (مقدمه/ ک- ع)، ریحانه (56 -54/ 6)، سبک شناسی (205 -204/ 3)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (234 -233)، فرهنگ ادبیات فارسی (495 -494)، فرهنگ سخنوران (900 -899)، کشف الظنون (927 -926)، الکنی و الالقاب (220/ 3)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (270 ،94)، مزارات هرات (118)، مؤلفین کتب چاپی (458 -455/ 5)، هدیة الاحباب (252).

میر سپاسی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1286 ش)، روان پزشک، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تفرش به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در مشهد و دارالفنون گذراند و در 1315 ش تحصیلات پزشکی خود را در دانشکده پزشکی لیون فرانسه به پایان رساند. اما به علت علاقه شخصی، به تحصیل در رشته‌ی روان پزشکی و پزشکی قانونی و همکاری با پروفسور باروک پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بیمارستان روزبه تحت عنوان پزشک بیماری‌های روانی مشغول خدمت شد. او همچنین بیمارستان میمنت را تأسیس کرد و تا پایان عمر به مداوای بیماران پرداخت. از آثارش: «تاریخ تکامل مراکز دماغی»؛ «تاریخ تکامل هیستری یا بیماری حمله‌ی از دیرگاهان تا امروز»؛ «جنون جوانی»؛ «روانشناسی پزشکی»؛ «قانون و جنون»؛ «روانپزشکی اجتماعی»، ترجمه‌ی حواشی؛ «خلاصه روانپزشکی»، با همکاری حسن بطحائی و مسعود میربهاء.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سالنامه‌ی تفرش (50 -49 ،1377)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2520 ،1906 ،1758 ،1754/ 2 ،1068 ،685 ،478/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (358)، مؤلفین کتب چاپی (757 -756/ 3).

میر عظیمی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید جواد میر عظیمی مراغه‌ای از علمای معاصر تهرانند. ایشان در ماه رجب 1340 ه. ق، در مراغه بدنیا آمدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همانجا طی و بعد مقدمات را نزد جناب آقای شیخ حسین پیشنماز بالوقیه مراغه و آقای حاج شیخ ابراهیم بادکوبه‌ای و عالم ربانی حاج شیخ محمد تقوی خوانده و از کمالات روحی آنان رضوان اللّه علیهم شمه‌ای بهره بردند.
سپس بعزم تکمیل مقدمات سه سال در شهر تبریز متوطن شده و در حوزه‌ی تدریس اساطین فقها و اصولا حاضر شدند. سپس بامر و توصیه یکی از اساتید عظام نوراللّه مرقده بقصد تکمیل سطح و اخذ معقول به مشهد تشرف حاصل نموده و سه سال در حوزه تدریس حضرت الاستاد الحاج سید احمد یزدی معروف باستاد و آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی عطراللّه مرافدهم فقه و اصول و معقول را آموختند و تفسیر و اخلاق و مقداری از خارج متاجر را محضر مرحوم آیت‌اللّه ربانی میرزا مهدی الاصفهانی آموخته بودند.
در سنه‌ی 1367 ه.ق در قم متوطن گردیده در مجلس تدریس بعضی از اعاظم حوزه مبارکه حاضر شدند. معظم له در مدت اقامت خود در قم به تدریس و اقامه جماعت حسب‌الامر مرحوم آیت‌اللّه حجت در مسجد حاج میرزا عبداللّه کیهانی در محله‌ی در بهشت اشتغال داشتند.
آثار علمی و قلمی عدیده‌ای دارند که ذیلاً بعضی از آنها از نظرتان می‌گذرد.
1- تلخیص الفرايد للشيخ الانصاری قده
2- تلخیص التقریرات قسمت اصول علمیه للنائینی قده.
3- کتاب کفارات در اسلام فارسی استدلالی.
4- ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر الصادق علیه‌السلام و آن اولین حدیث کتاب روضه کافی است.
5- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت سجاد علیه‌السلام.
6- ترجمه و شرح خطبه‌ی حضرت زینب علیهاالسلام.
7- دو نشریه بنام جریمه‌ی روزه خواران.
8- جریمه‌ی مرتکبین محرمات حج.
9- مجموعه‌هایی در فنون مختلفه.

از باقیات‌الصالحات ایشان فرزند برومند و مؤدب ایشان آقای سید میر حسین میر عظیمی حسینی است که از محصلین متدین و جدی حوزه علمیه قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میر کیانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد میرکیانی نویسنده کودک و نوجوان در سال 1337 در شهر تهران به دنیا آمد .تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در این شهر به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.وی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است .ایشان در سال 1361 وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. مجموعه قصه "روز تنهایی من" محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد میرکیانی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید.او در کنار تحصیل به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.میرکیانی دارای مدرک دکتری هنر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد میرکیانی از همان دوران کودکی، همزمان با تحصیل به کار و کوشش پرداخت. در دوران نوجوانی، زمانی که کارگر حروفچین یکی از چاپخانه‌های تهران بود به مطالعهٔ آثار ادبی و هنری روی آورد و با بسیاری از آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد. روزی که اولین قصه‌اش را نوشت دقیقاً پانزده شغل مختلف را تجربه کرده، درس زیادی آموخته بود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد میرکیانی در سال 1361 وارد گروه کودک صدای جمهوری اسلامی ایران شد و به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی و قصّه‌های ظهر جمعه پرداخت. بعضی از مسوولیت های اجرایی که میرکیانی برعهده داشته یا دارد: - سردبیری برنامه‌های از سرزمین نور و گفته‌ها و ناگفته‌ها (رادیو) - عضویت در طرح و برنامه مرکز فرهنگی صبا - عضویت در شورای کتاب کودک انتشارات سروش - عضویت در گروه مولفان کتب درسی آموزش و پرورش - در حال حاضر مدیر گروه کودک و

نوجوان شبکه اول سیما
فعالیتهای آموزشی : محمد میرکیانی در چند دوره مختلف آموزش ضمن خدمت، به تدریس ادبیات کودکان و قصه‌گویی در آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته است.
آرا و گرایشهای خاص : بیشتر مطالعات و گرایش های میرکیانی در زمینه ادبیات، به خصوص ادبیات کهن، تاریخ، روان شناسی و شعر می باشد.
جوائز و نشانها : مجموعه قصه "روز تنهایی من" محمد میرکیانی ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.میرکیانی همچنین برنده کتاب سال نوجوان در 1365 و جشنواره‌های دیگر داخلی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از نویسندگان برگزیده بیست سال ادبیات کودکان توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است. ترجمه مجموعه پنج جلدی «قصه ما همین بود» میر کیانی، در سال 73 به زبان اردو و در پاکستان منتشر شد. در سال 1990 و 2000 میلادی مرکز بین‌المللی مونیخ آلمان کتاب های «پاپر» و «روزی بود و روزی نبود» ایشان را از در فهرست کتاب های مناسب خود قرار داد. کتاب "قصه ما مثل شد"تالیف وی ، در سال1386 از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : محمد میرکیانی تاکنون حدود دویست نمایشنامه کوتاه و بلند برای کودکان نوشته و یا تنظیم کرده است.آثار منتشر شده او بیش از 60 کتاب برای کودکان و نوجوانان است و مجموع قصه‌های چاپ شده‌اش برای همه گروه‌های سنی در قالب های داستان کوتاه بلند و رمان، نزدیک به پانصد عنوان می‌رسد. میرکیانی بیش از بیست و پنج کتاب درباره ادبیات کهن و عامیانه برای گروه سنی کودک و نوجوان تالیف کرده است. آخرین کتاب او در این زمینه کتابی پژوهشی برای نوجوانان با موضوع ادبیات عامیانه است با عنوان «راز مثل‌های ما». بعضی از آثار میرکیانی به تولیدات تصویری و تلویزیونی تبدیل شده‌اند، مثل فیلم (شاید فردا نباشد) برای گروه کودک شبکه دو و مجموعه‌های «قصه ما همین بود» با عنوان «افسانه‌های کهن» برای مرکز فرهنگی صبا و در حال حاضر مجموعه هشتاد قسمتی «قصه ما مثل شد» که این کتاب در قالب پویانمایی برای گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما در حال تولید و پخش است. ---------
---
آثار :
1 افسانة خوشبختی
ویژگی اثر : مجموعة قصه
2 پنج سنگ

ویژگی اثر : مجموعة قصه
3 پند و قند (چهار جلد)
4 پهلوان حیدر
5 روز تنهایی من
ویژگی اثر : مجموعة قصه-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب :«روز تنهایی من» این کتاب مجموعة سه قصه به نامهای «روز تنهایی من»، «این کوچه و آن کوچه» و «آن روز پائیزی» است. قصّة «روز تنهایی من»، سرگذشت نوجوانی کارگر و زحمتکش است که در چاپخانه کار می‌کند و دشمنانش سعی دارند با ایجاد موانع بسیار، شخصیت او را لگدکوب و غرور او را خرد کنند؛ اما او با ایمان و تلاش در مقابل آنان می‌ایستد و سرانجام موفق می‌شود. در قصه «این کوچه و آن کوچه»، بچه‌های محله، کسی را که مانع عزاداری آنان بود از میان برمی‌دارند و «آن روز پائیزی» حکایت پیروزی سربازان مصری در جنگ رمضان 1973 با اسراییل غاصب است.
6 روزی بود و روزگاری
ویژگی اثر : مجموعه قصه
7 روزی بود و روزی نبود (سه جلد) قصه ما مثل شد (پنج جلد)
8 شاید فردا نباشد.
9 قصة خانه ما
ویژگی اثر : مجموعة قصه
10 قصّه شاه مال منه
ویژگی اثر : مجموعة قصه
11 قصه ما مثل شد (پنج جلد)
ویژگی اثر : تالیف محمد میرکیانی با تصویرگری محمدحسین صلاتین-مشهد: شرکت به نشر، کتاب‌های پروانه‌ها این کتاب در سال 1386 ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است.
12 قصه ما همین بود (پنج جلد)
13 قصه های شب چله (دو جلد)

میراحمدی، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور میراحمدی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب منصور میر احمدی فرزند امیر در بیست و پنجم دی ماه 1347 در روستای «چناروئیه» از توابع شهرستان کرمان به دنیا آمدم. دوران تحصیلی ابتدایی را در روستای مذکور و راهنمایی را در روستاهای مجاور به پایان رساندم. سپس در سال 1363 جهت ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم گردیده تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در کنار گذراندن دروس مذکور به دلیل علاقه وافر به علوم جدید و اعتقاد به ضرورت کسب این علوم در دوران کنونی، دوران تحصیلی متوسطه را به صورت داوطلب آزاد در سال 1378 پشت سر گذراندم. علاقه مذکور، تلاش و کوشش جهت حضور در دانشگاه و تحصیل در یکی از رشته های علوم انسانی را به دنبال داشت. در سال 1370 در رشته «علوم سیاسی» موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السلام) پذیرفته شده و دکتری «علوم سیاسی» خود را در دانشگاه تهران اخذ نموده و از آن پس در دو زمینه علوم حوزوی و دانشگاهی مشغول به تحصیل و تحقیق و تدریس هستم.

میرباقری، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم میرباقری فرزند مرحوم حاج سید حسن میرباقی (خیاط) شاهرودی برادرزاده حاج سید علی میرباقری واعظ معروف تهران از فضلاء و نویسندگان و خطباء و اساتید معاصر دانشگاه است.
تولد ایشان در سال 1326 شمسی در شاهرود واقع شده و در یک خانواده با دیانت و تقوا پرورش یافته و دروس ابتدائی را در زادگاه خود خوانده و پس از آن در خدمت والد ماجدش در سال 1327 شمسی به شهرستان قم مهاجرت نموده و دوران دبیرستان را در مدرسه حکیم نظامی (که امروز به نام دبیرستان امام صادق علیه‌السلام است) گذرانیده است.
در سال 1336 شمسی وارد حوزه علمیه و به تحصیل علوم عربی و ادبی و منطق و فقه و اصول پرداخته و دروس یاد شده را از محضر آیاتی چون آقای سلطانی بروجردی و مشکینی و مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی فراگرفته و بعد به درس خارج آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و محقق داماد شرکت و استفاده نموده و علوم عقلی و فلسفی را از محضر آیت‌اللّه طباطبائی قاضی آموخته و در سال 1347 شمسی به تهران عزیمت نموده و دوره الهیات را در دانشگاه به پایان رسانیده و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات نائل شده و در حال حاضر به تدریس در آنجا و نیز تبلیغ و ترویج از طریق منبر و خطابه‌خوانی اشتغال دارند.
دارای آثار گرانقدری می‌باشند که از آنها ترجمه کتاب احتجاج طبرسی در دو مجلد به طبع رسیده است.
والد ماجد جناب آقای دکتر میرباقی مرحوم حاج سید حسن که از بیت مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسین موسوی شاهرودی ابرسجی بودند از اخیار و ابرار شهرستان قم و اشتغال به خیاطی و دوختن لباس روحانیت داشتند که در سال 1411 قمری در اثر تصادف به رحمت حق پیوسته و به لقاء اجداد خویش شتافتند.
دارای دو برادر روحانی بزرگوارند.
1- جناب آقای حاج سید محمد میرباقری که در شاهرود از طریق وعظ و خطابه به خدمات دینی اشتغال دارند.
2- جناب آقای حاج سید علی میرباقری امام مسجد قنات‌آباد تهران که از خطباء و وعاظ محترم تهران به شمار می‌روند بیانی آموزنده و منبری سازنده دارند و ایشان تحصیلات خود را در شاهرود و بعد قم به پایان

رسانیده و در تهران رحل اقامت افکنده و به خدمات روحی و دینی خود از اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج اسلام اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

میرباقری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد میرباقری از فضلاء و وعاظ و خدمتگذاران محترم شاهرود می‌باشند.
وی در شاهرود به دنیا آمده و پس از فراگرفتن مقدمات چندی در مشهد و چندی هم در قم به تحصیل پرداخته و اکنون چند سالیست که در شاهرود به خدمات دینی اشتغال دارد برادر ارجمند ایشان جناب مستطاب حجةالاسلام و مبلغ‌الاحکام آقای حاج سید علی میر باقری که در شاهرود و قم تحصیلات خود را تکمیل و مهاجرت به تهران نموده و در مسجد قنات‌آباد به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرجلیلی، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد میر جلیلی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/3/10

زندگینامه علمی
اینجانب علی محمد میرجلیلی فرزند حاج میرزا یدالله در تاریخ 10/3/1344 ه.ش در شهر یزد ـ شاهدیه متولد گشتم. پدرم از مؤمنین و عاشقان خاندان رسالت بود و همواره در مجالسی که به نام اهل بیت تشکیل می شد؛ شرکت می کرد. او در سنین نوجوانی به بیماری سختی مبتلا شده بود. و با توسل به اهل بیت (ع) شفا یافته بود. از این رو با شنیدن نام آن بزرگواران اشکش جاری می شد. و چون دو فرزند پسرش را از دست داده بود. نذر کرد چنانچه خداوند به او پسری دیگری عنایت کند او را به حوزه علمیّه، برای فراگیری علوم اسلامی بفرستد. او به نذر خود عمل و مرا رهسپار حوزه کرد. پدرم از نظر مالی در مضیقه بود و زندگی خود را از درآمد ناچیز کارگری تامین می کرد و بسیار قانع و زاهد بود.
مادرم مرحومه حاجیه بی بی مرضیه حاج امام از سادات و خاندان حاج امامی ابرند آباد بود که به تقوی معروف بودند. جد سوم ایشان مرحوم امیر اکبر از سادات دارای کرامت بود. همچنین پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حاج امام از روحانیون دارای فضل و تقوی در یزد بود که به سال 1336 ه.ش از دنیا رحلت کرده است و آرامگاه این بزرگواران در یزد «شاهدیه» ابرند آباد زیارتگاه می باشد که بسیاری از مردم منطقه با توسل به ارواح پاکشان از خداوند طلب حاجت می کنند.
پدرم مرا در کودکی با خود به مجالس وعظ و خطابه می برد و دوست داشت من را ذاکر حضرت سیّد الشهداء (ع) تربیت نماید. در شش سالگی به دبستان عنصری در شاهدیه رفتم. در سال چهارم دبستان بر اثر تشویق استاد بزرگوارم جناب آقای سید علی بمان میرجلیلی تمام سعی خود را در راه تحصیل به کار گرفتم و از آن به بعد همواره از دانش آموزان ممتاز استان یزد شمرده شدم. در مقطع اول راهنمایی به عنوان ممتازترین

دانش آموز استان یزد انتخاب شدم و مورد تشویق قرار گرفتم.
پس از گذراندن اول دبیرستان با توجه به علاقه شخصی خود و تشویق های مرحوم پدرم و حضرت آیت الله حاج سیّد جواد مدرسی و استاد دکتر عباس برهانی در مهرماه 1359 ه.ش وارد حوزه علمیّه یزد شدم و از محضر اساتید بزرگواری چون حجج اسلام آقایان: شیخ کمالی زارچی، شیخ محمّد رضا فلاح تفتی و شیخ علی مفیدی فر به فراگیری ادبیّات عرب پرداختم و با شرکت در کلاس منطق آیت الله علاقه بند یزدی، خوشه چین کمالات علمی وی گشتم. از خاطرات جالب آن دوره حفظ اشعار الفیة بن مالک در حوزه یزد بود که از طرف حضرت آیت الله حاج محمود علومی مسئول حوزه خان یزد، مورد تشویق قرار گرفتم و مفتخر به اخذ دوره تفسیر منهج الصادقین از محضر مبارک ایشان شدم.
در سال 1361 ه.ش جهت استفاده از محضر اساتید حوزه علمیه قم به این شهر رفتم. شرط ورود به حوزه علمیّه قم، اتمام لمعتین بود ولی من آن را نخوانده بودم. طی نامه ای به محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی از ایشان درخواست کردم مرا در مدرسه امام حسن مجتبی (ع) که تازه شروع به کار می کرد؛ بپذیرد. در آن نامه خود را حافظ الفیة بن مالک معرفی کردم. ایشان حقیر را به حضور طلبید و پس از امتحان و سئوال از سوابق خانوادگی و تحصیلیم، با ورود اینجانب به حوزه قم موافقت کرد. برای تکمیل ادبیات عرب به درس استاد بزرگ ادب مرحوم مدرس افغانی که در نحو و سایر علوم ادبی تسلط داشت؛ رفتم. او دارای بیانی شیوا بود و سخت ترین مباحث علمی را با مثال هایی ساده تفهیم می کرد و دارای تالیفاتی از قبیل المدرس الافضل (شرح مطول تفتازانی) و مکررات (شرح کتاب سیوطی در نحو) بود. نزد ایشان مغنی اللبیب از ابن هشام و مطول تفتازانی را فرا گرفتم.
همچنین کشف المراد علامه حلی را نزد آیت الله مکارم شیرازی، بخشی از تفسیر مجمع البیان را نزد آقای امامی از نویسندگان تفسیر نمونه؛ فرا گرفتم. آنگاه برای فراگیری فقه نزد استاد آیت الله وجدانی فخر (ره) شتافتم. ایشان دارای زبانی گویا، تسلط کامل بر مباحث فقهی و اخلاصی کم نظیر بود. فراموش نمی کنم که همواره قبل از نشستن بر کرسی تدریس، دعا می کرد. هم زمان اصول مظفر را نزد استاد صالحی افغانی فرا گرفتم. در این دوره بود که به جهت الطاف الهی و تلاش فراوان، رتبه اول حوزه قم را در پایه ششم بدست آوردم و به دریافت یک دوره کامل بحارالانوار از مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) مفتخر گشتم.
آنگاه برای فراگیری بهتر اصول به نزد استاد بزرگ حوزه قم، حضرت آیت الله مصطفی اعتمادی شتافتم. زبان گویا و تسلط والای او در تبیین مباحث اصول، از او استاد زبردستی ساخته بود که حدود هزار نفر در کلاس

درسش حاضر می شدند. رسائل شیخ انصاری را از ایشان فرا گرفتم. مکاسب را نزد استاد بزرگ مرحوم حاج شیخ احمد پایانی آموختم و باز برای آموزش بیشتر اصول، در درس کفایهٔ استاد اعتمادی حاضر شدم.
همزمان با فراگیری مکاسب و کفایه به حفظ قرآن همت گماردم و نزدیک به نصف قرآن را حفظ کردم. از الطاف الهی بر اینجانب در این دوره توفیق حضور در کلاس تفسیر مفسر بزرگ، عارف ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (روحی فداه) بود، استادی بی نظیر در قدرت کلام، جامع علوم مختلف و از همه مهمتر دارای منش اخلاقی بسیار والا. درطی حدود ده سال که از حضور پرفیض تفسیر ثلث اول قرآن را فرا گرفتم؛ هرگز ندیدم به شاگردی توهین نماید. سوال های طلاب را با حوصله پاسخ می داد و همواره برای پاسخ دهی به اشکال های حاضرالذهن بود. اکنون پس از بازگشت به وطن از اینکه نمی توانم از محضر پرفیضش استفاده کنم؛ همواره تاسف می خورم.
از سال 1371 ه.ش همزمان با شرکت در کلاس تفسیر استاد جوادی، به فراگیری خارج فقه و اصول پرداختم و از محضر بزرگانی چون آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، آمیرزا جواد تبریزی بهره بردم. در سال 1374 از دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس در رشته الهیات و معارف اسلامی (کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل شدم و در سال بعد در آزمون دکتری علوم قرآن و حدیث شرکت کردم که سرانجام در سال 1381ه.ش از دانشگاه فارغ التحصیل شدم. حضرت آیت الله هادی معرفت، آیت الله مسلم داوری، استاد محمّد علی مهدوی راد و دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر سیّد محمّد رضا حجتی از اساتید برجسته دوره دانشگاهیم می باشند.

میرجهانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: ذی‌القعده 1319، روستای محمدآباد اصفهان.
درگذشت: 25 آذر 1371(21 جمادی‌الثانی 1413)، اصفهان.
آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الاثار) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجدشاهی (صاحب نقد فلسفه داروین) و آخوند ملا محمدحسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فراگرفت.
آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال 1346 به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقا ضیاء عراقی سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت و در سلک خاص اصحاب آیت‌الله اصفهانی درآمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.
برخی از آثارش عبارتند از: مصباح البلاغه (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ کنوز الحکم و فنون الکلم (خطبه‌ها وسخنان امام مجتبی (ع))؛ روایح النسمات (شرح دعای سمات)؛ نوائب الدهور (در علایم ظهور درچهار جلد)؛ ولایت کلیه (در دو جلد)؛ الوامع التور فی علایم الظهور(به عربی)؛ دیوان اشعار؛ گنجینه سرور؛ گنج رایگان (در علوم غریبه)؛ سعادت ابدی؛ الدر المکنون (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ احکام رضاع؛ رساله در نجوم و فلکیات؛ شهاب ثاقب؛ الجنة العاصمة (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ مقامات الکبریه (زندگانی حضرت علی‌اکبر)؛ مقلاد الجنان (ادعیه و زیارات)؛ ذخیرة المعاد (ادعیه و آداب ساعات)؛ انساب سادات؛ تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن؛ البکاء علی الحسین؛ سبیکة الذهب.
آیت‌الله محمدحسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر 1371 (بیست و یکم

جمادی‌الثانی 1413 ق.) بدرود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبره‌ی علامه‌ی مجلسی، به خاک خفت.
(1413 -1319 ق)، عالم دینی، مجتهد، محدث، خطیب و شاعر. در قریه‌ی محمدآباد جرقویه اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری صرف و نحو و قسمتی از «سیوطی» به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی صدر ساکن گردید. سطوح اولیه را در محضر شیخ محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و شیخ علی یزدی و سطوح وسطی و عالیه را در محضر سید محمد رضا رضوی خراسانی و میرزا احمد اصفهانی و شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و سید ابوالقاسم دهکردی فراگرفت. وی در درس خارج از شاگردان میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی بود و از درس ملا حسین فشارکی نیز استفاده نمود. در 1346 ق به نجف رفت و از محضر شیخ عبداللّه مامقانی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجات علمی بالا به اصرار پدرش به اصفهان بازگشت و به امور دینی پرداخت. پس از درگذشت پدرش به مشهد مهاجرت نمود و بعدها در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و خطابه و تألیف کتب عربی و فارسی مشغول شد. وی در علوم غریبه اطلاعی عمیق داشت. طبع روانش او را قادر ساخته بود تا به عربی و فارسی در مدح معصومین (ع) به نیکویی شعر بسراید. او در 1402 ق به دلیل مسائل سیاسی به اصفهان رفت. در آنجا درگذشت و در جوار مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مقلاد الجنان»، در ادعیه و زیارات؛ «ذخیرة المعاد»؛ «روائح النسمات»، در شرح دعای «سمات»؛ «مصباح البلاغة»، در مستدرک «نهج‌البلاغة»، در چهار جزء در دو مجلد؛ «نوائب الدهور»، در علائم ظهور؛ « الدر المکنون» یا «الدرر المکنونة»، در امامت؛ «ولایت کلیه»؛ جزواتی در تفسیر قرآن؛ مختصر «ابصار المستبصرین»، در کلام؛ «الجنة العاصمة»، در تاریخ حضرت فاطمه زهرا (س)؛ «گنج رایگان»؛ «کنوز الحکم و فنون الکلم»، در خطب و کلمات امام حسن مجتبی (ع)؛ «دیوان» شعر.[1]
سید الخطباء والمحدثین حجه‌الاسلام والمسلمین علامه الورع حاج میرزا محمدحسن میرجهانی طباطبائی ابن السید الجلیل و العالم النبیل میر سید علی محمدآبادی جرقویه‌ای اصفهانی از علماء و خطباء معاصر تهرانست.
تولدش در روز دوشنبه 22 ماه ذی‌القعده الحرام سال 1319 قمری در قریه محمدآباد جرقویه سفلی از توابع اصفهان واقع شده و در مهد علم و فضیلت پرورش یافته و در سن پنج‌سالگی به مکتب رفته و در هفت سالگی تمام قرآن و بعضی از کتب فارسی را تعلیم گرفته و به مقدمات عربی از صرف و نحو نزدیکی از اهل فضل ساکن محمدآباد مشغول شده و پس از تکمیل صرف و نحو تا قسمتی از سیوطی برای ادامه تحصیل به اصفهان

آمده و در مدرسه صدر ساکن و بقیه سیوطی را نزدیکی از فضلاء مدرسه مزبور خوانده و بقیه سطوح اولیه را نزد عالم جلیل آقا شیخ محمدعلی حبیب‌آبادی و آقا شیخ علی یزدی فراگرفته و سطوح وسطی و عالیه را در خدمت مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید محمد رضای رضوی خونساری و مرحوم میرزا احمد اصفهانی و مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی فتحی دزفولی و آیت‌الله زاهد ورع حاج سید ابوالقاسم دهکردی به پایان رسانیده و در درس خارج (نجاه العباد) آیت‌الله حاج میرزا محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی حاضر شده و هم از محضر درس آیت‌الله الفقیه آخوند ملا حسین فشارکی در مدرسه صدر استفاده نموده تا سال 1346 قمری که به اجازه مرحوم والدش مهاجرت به نجف اشرف و چندی از محضر مرحوم آیت‌الله رجالی حاج شیخ عبدالله مامقانی صاحب رجال و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی بهره‌مند شده و از خواص اصحاب فقیه اهل‌البیت فی عصره و المرجع الاعلی آیت‌الله العظمی آقای آقاسید ابوالحسن اصفهانی گردیده و در مسجد شیخ طوسی از محضر آن بزرگوار استفاده کامل نموده و بعد به اصرار مرحوم والدش به اصفهان مراجعت و به نشر معارف اسلامی و فضائل اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرداخته و پس از فوت مرحوم والدش مدت هفت سال مجاورت ارض اقدس رضوی را اختیار و پس از آن به واسطه نامساعد بودن هوای مشهد با مزاج ایشان منتقل به تهران گردیده و تاکنون در مرکز و حومه آن به انجام وظائف دینی و روحی و بالاخص تبلیغ از طریق منبر و تالیف کتب اشتغال دارد.
نگارنده گوید: علامه میرجهانی از نوادر دانشمندانی است که با او برخورد کرده‌ام عالمی ادیب و فاضلی اریب و محدثی حسیب می‌باشد دارای ملکات فاضله و محاسن اخلاق و محامد آداب مجامع معقول و منقول حاوی فروع و اصول و صاحب علوم و فنون مخصوص در علوم غریبه و عجیبه (جفر و رمل و اسطرلاب و ریاضیات) ید طولا و اطلاعی عمیق دارد و در فن منبر و بیان احادیث و فضائل و ولایت حضرات ائمه علیهم‌السلام بصارت کامل و از اساتید منبر محسوب می‌گردد طبعی روان و ذوقی فراوان دارد در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بالاخص حضرت بقیه‌الله فرجه‌الشریف اشعار بسیاری به عربی و فارسی سروده‌اند.
آثار علمی مطبوع ایشان از این قرار است:
1- مقلاد الجنان که مشتمل است بر برخی از ادعیه و زیارات معتبره که در اصفهان به طبع رسیده است.
2- ذخیره المعاد راجع به ادعیه و آداب ساعات که در تهران چاپ شده است.
3- رساله سعادت ابدی در آداب تشکیل مجالس مذهبی نیز در اصفهان

طبع شده است.
4- روایح النسمات در شرح دعاء سمات در مشهد تالیف و طبع شده است.
5- مستدرک نهج‌البلاغه موسوم به مصباح‌البلاغه چهار جزو در دو جلد در تهران به طبع رسیده.
6- نوائب الدهور در علائم ظهور چهار جلد که یک جلد آن به طبع رسیده است.
7- الدر المکنون دو هزار بیت عربی در امامت و صفات جامعه امام و تواریخ ائمه علیهم‌السلام که به طبع رسیده است.
8- ولایت کلیه در دو جلد که جزو اول آن طبع شده است.
9- رساله‌ای در احکام رضاع استدلالی فارسی بالغ بر یکهزار و کسری فرع.
10- رساله‌ای در اخبار راجعه به نجوم و کواکب و فلکیات.
11- گنج رایگان کشکول مانند مشتمل بر بعضی از علوم غریبه و اخبار و آثار ولایتی.
12- جنه‌الفاطمه در تاریخ حالات حضرت فاطمه سلام‌الله علیها.
13- کتاب مقامات اکبریه مربوط به تاریخ حضرت علی‌اکبر شهید علیه‌السلام.
14- جزواتی در تفسیر قرآن.
15- جزواتی در انساب سادات عالی درجات.
16- جزواتی در اشعار فارسی از قصیده و غزل و مثنویات و مقطعات و رباعیات.
17- مختصر ابصار المستبصرین در بیان محاجه شیعه و سنی در مشهد مقدس تالیف در تهران به طبع رسیده است.
18- شهاب ثاقب در رد طایفه ضاله مضله و طریقه محاجه با آنها.
19- لوامع النور در علائم الظهور عربی.
20- گنجینه سرور نیز به عربی و فارسی ملفق.
21- کنوز الحکم و فنون الکلم در خطب و کلمات حضرت مجتبی علیه‌السلام نظیر نهج‌البلاغه.
ناگفته نماند که علامه میرجهانی تا زمان حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بزی غیر سادات بودند (عمامه سفید داشتند) با اینکه از سادات رفیع‌الدرجات طباطبائی و نسبش با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم و آیت‌الله مرعشی نجفی مدظله نسابه عصر حکم فرمودند که معظم‌له بزی سادات و شرفاء درآیند و خود آیت‌الله بروجردی عمامه سفید را از سر ایشان برداشته و عمامه سیاه که امروز مظهر سیادت است در میان شیعه بر سر ایشان گذارده و جشن مفصلی در مدرسه فیضیه قم گرفتند.

آقای میرجهانی رساله‌ای در نسب خویش که تمام مراجع نجف و اران تائید کردند نوشته و شرح کیفیت و علت اخفاء نسب سلسله میرجهانی را تا آن روز داده و به طبع رسانیدند.

خاطرات عجیب معظم‌له

علامه میرجهانی قضایا و نوادر غریب و خاطرات عجیب آموزنده و ارزنده دارند و ما دو قضیه آن را می‌نگاریم:

اول می‌فرمودند در عصر ریاست مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی (ره) که بسیار مورد وثوق و توجه آن مرحوم بودم به امر ایشان پول زیادی به سامراء برده و بین طلاب سامراء و خدام عسکریین تقسیم کردم و خدام امامین همامین عسکریین که دینشان پول است مرا زیاد احترام می‌نمودند مخصوص کلیددار که از وی خواستم اجازه دهد من شبها در حرم شریف بیتوته کنم پس موافقت نموده ده شب تا به صبح در کنار قبر آن دو امام معصوم علیهماالسلام احیاء نموده و تضرع کردم روز دهم که جمعه بود اول فجر که درب حرم را گشودند با شوقی وافر به سرداب مقدس مشرف شدم وقتی از پله‌ها پائین رفتم با اینکه آن موقع هنوز برق نیامده بود دیدم فضاء سرداب روشن مانند مهتابست و سیدی نشسته و مشغول به ذکر و عبادتست .

از مقابل او گذشته و درب صفه ایستاده و زیارت حضرت ولی‌عصر عجل‌الله فرجه‌الشریف را خوانده و آمدم در جلوی آن آقا مشغول نماز شدم و بعد از نماز شروع کردم به خواندن دعاء ندبه و رسیدم به این جمله (و عرجت بروحه الی سمائک) آن آقا فرمودند این جمله از ما نرسیده (و عرجت به الی سمائک) و چرا رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید.

من غفلت از این دو آیت بزرگ نموده و دعاء را تمام و به سجده رفتم و در سجده متوجه شدم که آن آقا کیست که فرمود این جمله از ما نرسیده و چرا جلوی امام ایستادی بسیار مرعوب شده و سر از سجده برداشتم که دامن مطلوب را بگیرم دیدم سرداب تاریک و کسی نیست فهمیدم به چه دولتی رسیدم و به رایگان از دست دادم.

مولف گوید: آری.

باید که دمی غافل از آن شاه نباشی
شاید که نظر افکند آگاه نباشی

خاطره دوم

معظم‌له مبتلا به کسالت نقرس و سیاتیک که آن را (عرق النساء) هم گویند شده و چندین سال در اصفهان و تهران و خراسان معالجه قدیمی و جدید نموده و ابدا افاقه‌ای حاصل نشد تا اینکه فرمود بعضی از دوستان آمدند مرا به شیروان برده و در مراجعت در قوچان توقف و روزی به زیارت

امامزاده‌ای که در خارج شهر قوچان فعلی و معروف به امامزاده ابراهیم است رفته و چون هوای لطیف و منظره جالبی داشت رفقا گفتند نهار را در اینجا بمانیم جای خوبیست گفتم عیبی ندارد پس آنها مشغول تهیه غذا شدند و من گفتم برای تطهیر به رودخانه می‌روم گفتند راه قدری دور است و برای درد پای شما مشکل گفتم آهسته آهسته می‌روم و رفتم تا برود خانه رسیده و تجدید وضو نمودم و در کنار رودخانه نشسته و نگاه به مناظر طبیعی می‌کردم که دیدم شخصی که لباس نمدی چوپانی در برداشت آمد و سلام کرد و گفت آقای میرجهانی شما با اینکه اهل دعا و دوا هستی هنوز پای خود را معالجه نکرده‌اید گفتم تاکنون که نشده گفت آیا دوست داری (یا مایل هستی) من درد پایت را علاج کنم گفتم البته پس آمد کنار من نشست و از جیب خود چاقوی کوچکی درآورد و اسم مادر مرا پرسید (یا برد) و سر چاقو را بر اول درد گذارد و به پائین کشید تا به پشت پا آورد و فشاری داد که بسیار متالم شده آخ گفتم پس چاقو را برداشت و گفت برخیز خوب شدی خواستم مانند همیشه با کمک عصا برخیزم عصا را از دست من گرفت و به آن طرف رودخانه انداخت. پس دیدم پایم سالم است برخاستم ایستادم و دیگر ابدا پایم درد نداشت.
پس به او گفتم شما کجا هستید. گفت من در همین قلعه‌ها هستم و دست خود را به اطراف گردانید.
گفتم پس من کجا خدمت شما برسم. فرمود تو آدرس مرا نخواهی دانست ولی من منزل شما را می‌دانم کجاست و آدرس مرا گفت: و فرمود هر وقت مقتضی باشد خودم نزد تو خواهم آمد و رفت و در همین موقع رفقا رسیدند و گفتند آقا عصا کو من گفتم آقای نمدی را دریابید پس هر چه تفحص کردند اثری از او نیافتند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (119/ 22 ،104/ 21 ،255/ 11)، گنجینه‌ی دانشمندان (417 -410/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1255/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (609 -608/ 2).

میرحسینی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد میر حسینی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1349 وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1290(1335 ق.)، تهران.
درگذشت: 2 آبان 1372(9 جمادی‌الاولی 1414 ق.).
آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزه‌ی علمیه‌ی قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامه‌ی جماعت در مسجد ولی‌عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمه برخی از مجلات بحارالانوار از جمله آنهاست)، ساخت مساجد و حوزه‌ی علمیه، اقامه‌ی مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: آیات الاحکام (در دو جلد)؛ سیر حدیث در اسلام؛ شرح زیارت عاشورا (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ تاریخ اجتهاد و تقلید (تهران، 1372)؛ قرآن کریم با ترجمه فارسی (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی، تهران، 1374)؛ کلیات مفاتیح الجنان (به خط احمد میرخانی)؛ سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض (مترجم مهدی الهی قمشه‌ی با خط احمد میرخانی).
حاج میر سید احمد میرخانی از علماء مبرز و مروج معاصر تهرانست.
وی در حدود سال 1335 قمری در تهران متولد شده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و متون فقه و اصول به قم مهاجرت نموده و سطح کفایه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن از درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه خونساری و بالاخص آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم بهره‌مند گردیده آنگاه مراجعت به تهران و بخدمات دینی از اقامه

جماعت و ترویج احکام و تعظیم شعائر مذهبی در مسجد (حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه) واقع در خیابان (حشمت‌الدوله) پرداخته است.
نگارنده گوید: آقای میرخانی از علماء خدوم و مروجین متین و مورد توجه مردم تهرانست. خدمات بسیاری در تهران و حومه آن نموده که از آنها اعزام مبلغ بقراء و دهات اطراف تهران میباشد.
چند سالی در شبهای جمعه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام احیاء و دعاء کمیل و غیره داشتند و صدها نفر را بدین وسیله بسوی خدا و استغفار رهبری می‌نمودند. و اکنون در عصرهای جمعه در مسجد خود مجلس باشکوهی دارند و جمع کثیری از جوانان و غیره را بوسیله دعاء ندبه و سمات و غیره بخداوند متعال جلت عظمته و ولی اللّه اعظم حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء هدایت و ارشاد می‌نمایند.
از آثار و خدمات دینی و اجتماعی ایشان تعمیر و بناء مساجد و غیره در حومه تهران می‌باشد که بوسیله گویندگان و فضلاء و مبلغینی که به آنجاها فرستاده انجام داده است.
(ح 1414 -1335 ق)، عالم دینی. در تهران به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات به قم رفت و سطوح «کفایه» و «مکاسب» را از محضر آیت‌اللّه مرعشی فراگرفت. سپس در درس خارج آیت‌اللّه حجت کوه کمری و آیت‌اللّه سید محمدتقی خوانساری حاضر شد و استفاده‌ها نمود. پس از ورود آیت‌اللّه بروجردی به قم، وی از درس و بحثهای فقهی و اصولی ایشان بهره برد. پس از درگذشت استادش، آیت‌اللّه بروجردی، به تهران آمد و به اقامه‌ی جماعت، تألیف و نشر کتب دینی، ترویج احکام، اقامه مجالس وعظ و ارشاد و سایر امور دینی پرداخت. در تهران درگذشت. از آثارش: «آیات الاحکام»، در دو مجلد؛ «سیر حدیث در اسلام».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] کلک (س 4، ش 45 و 46، ص 314)، گنجینه‌ی دانشمندان (576 -575/ 4).

میرخانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1291 ش)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به بنده. ملقب به سراج الکتاب. در تهران به دنیا آمد. اصول خوشنویسی را نزد پدر خود آموخت و همه‌ی اقلام تداول، از قبیل نسخ و ثلث و تعلیق و شکسته و به ویژه نستعلیق، را از خفی و جلی نیکو می‌نوشت. استاد میرخانی از علوم ادبی بهره‌مند بود، شعر می‌سرود و مجموعه اشعارش موسوم به «دیوان بنده» منتشر شده است. او در تهران درگذشت. از آثار خطی وی: «کلیات» سعدی؛ «مثنوی» مولوی؛ «خمسه‌ی» نظامی؛ «دیوان» حافظ؛ «دیوان» بنده؛ گزیده‌ی «دیوان» شمس تبریزی؛ «ترانه»های بابا طاهر؛ «ترجیع‌بند» هاتف اصفهانی؛ «ترجمه‌ی نفس المهموم»؛ «داستان ملک جمشید»؛ «مجموعه هنر خط»؛ «نگارستان خط».[1]
خوشنویس، ادیب، شاعر.
تولد: 1291، تهران.
درگذشت: 5 آذر 1369، تهران.
سید حسن میرخانی ملقب به «سراج‌الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمه‌ی نفس المهموم، زبدةالاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمةاللهی چاپ سنگی، پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده شمس تبریزی مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب‌اللغه، مجموعه هنر خط، نگارستان خط.
سید حسن میرخانی روز 5 آذر 1369 پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اطلس خط (596)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (241 -238)، تذکره‌ی خوشنویسان معاصر (175 -174)، کیهان فرهنگی (س 8، ش 4، ص 54).

میرخلیلی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد میر خلیلی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم.
در سال 1366 در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم.
در سال 1369 در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال 1372 با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال 73 در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.
در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، 3 جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال 1378 در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان

شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.
در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است.
درسال 1379 دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال 80 در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال 1381 در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.
در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشته ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میرخندان، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حمید میر خندان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
بنده تحصیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرستان را در دبیرستان خوارزمی شماره 1 (مقابل دانشگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال 1359 پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.
مقدمات را تا پایه سوم در مدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسرو شاهی. اصول فقه را خدمت آقای صالحی افغانی و لمعه را نزد آقایان علی پناه اشتهاردی، جدانی فخر و ... خواندم. رسائل را خدمت آقای اعتمادی و مکاسب را خدمت آقایان: قدیری، طاهری خرم آبادی و ستوده تحصیل کردم و کفایه را خدمت آقای ستوده خواندم.
درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شیرازی (2 سال)»، «وحید خراسانی (4 سال)»، «شبیری زنجانی (1 سال)» تحصل نمودم. و پس از آن در جلسه ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می دهم. در کنار درس های رسمی حوزه به مدت حدودا چهار سال علوم قرآنی و سپس تفسیر (در جلسه ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی پرداختم. نیز به تحصیل فلسفه (بدایه، نهایه و جلد اول اسفار) پرداختم و در کنار آن کتاب های فلسفی از فلاسفه مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.
حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (12 ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت

کردم. حدودا چهار سال (2 سال در جلسه حزب الله و 2 سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شش سال در زمینه فیلم و سینما (2 سال درحوزه هنری تهران و 4 سال در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعالیت های پژوهشی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شده است. اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میردامادی سدهی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا محمد حسن. عالم زاهد جلیل، از شاگردان: آقا سید محمدباقر درچه‌ای و آخوند کاشی و آخوند گزی بوده، سال‌ها در مولد خود به نشر احکام دین و وعظ و ارشاد مسلمین و امامت جماعت گذرانیده، در سال 1352 وفات یافته، در آنجا مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میردامادی سدهی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از اعقاب میر محمّد اشرف. از مبرّزین شاگردان حاج شیخ محمّد علی نجفی و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای بوده، پس از تکمیل تحصیلات در مدرسه نیم آورد ساکن شده، و به درس و افاده علوم اشتغال جسته، ایّام تعطیل به سده می‌رفته و مسجد و محرابش رونقی داشته است.
در سال 1332 وفات یافته، در مقبره شاهزاده ابراهیم در قریه ورنوسفادران (بن اصفهان) مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا عبدالحسین در تمام مراتب وارث پدر بوده، و از شاگردان: آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و ملاّ عبدالکریم گزی بوده، و در مسجد پدر امامت می‌نمود. در 1364 وفات یافته، جنب پدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

میردامادی، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مجتبی میر دامادی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/2/13
زندگینامه علمی
اینجانب متولد 14/2/1347 در مشهد مقدّس در خانواده مذهبی و روحانی می باشم. پدرم و جدم (سیّد حسن، سیّد هاشم) میردامادی معروف به «نجف آبادی» از علماء مشهور مشهد بودند، در مسجد جامع گوهرشاد سالیان متمادی تفسیر قرآن داشتند و مردم مشهد و خصوصاً اقشار تحصیل کرده از جلسات تفسیر آن دو استفاده می نمودند. نسل اینجانب به میرداماد فیلسوف بزرگ اسلامی می رسد (به 9 واسطه).
همراه اتمام دوره متوسطه در رشته علوم تجربی در سال 1366 و چندی قبل از آن، مقدمات ادبیّات عرب را نیز شروع نمودم. ابتداء نزد برادر بزرگتر و گاهی نزد فضلاء حوزه و چندی بعد در حوزه درس ادبیّات مشهد، ادیب نامور جناب آقای «حجت هاشمی خراسانی» (حفظه الله): سیوطی، مغنی، مطول، حاشیه ملاعبدالله و معالم را فرا گرفتم. در همان زمان در امتحانات حوزه علمیه مشهد با نمره خوب پذیرفته گردیدم.
اصول فقه و رسائل را نزد «آیت الله شیخ مصطفی شاهرودی» و لمعتین را نزد آیات عظام: «سبزواری» و «صالحی» از اساتید به نام مشهد آموختم. مکاسب را نزد «آیت الله مرتضوی» و «سید محمد شاهرودی» فرا گرفتم. کفایتین را از استاد رضا زاده و بعد از ده سال، درس خارج (فقه و اصول) را نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» (حفظه الله) و «آیت الله شیخ مصطفی اشرفی شاهرودی» تلمذ نمودم و بعد از حدود 5 سال در مهر ماه 1378 به قم مهاجرت کردم.
در ابتداء ورود دروس فقه «آیت الله سبحانی» و بعد فقه «آیت الله شیخ جواد تبریزی» به مدت 2 سال (ایشان بحث اذان و اقامه و بعداً صلاة را شروع کردند). همزمان دروس فقه و اصول استاد «آیت الله وحید خراسانی» شرکت کردم. بحث برائت و استصحاب از اصول و بیع و خیاراتشان تاکنون مورد استفاده اینجانب می باشد. در علوم عقلی در

مشهد ابتداء بدایه را نزد یکی از اساتید و بعد منطق و بخشی از فلسفه منظومه و نهایه را نزد استاد صالحی و مدّتی هم در درس اسفار ج 8 مرحوم علامه سیّد جلال الدین آشتیانی بهره بردم. شرح تجرید و مقداری از کلام به صورت محاضرات را نزد «آیت الله شیخ عبد النبی کجوری» بهره بردم.
تفسیر قرآن را که هنوز زمزمه دلنواز آن در گوش طنین انداز است را از نوجوانی شروع نمودم. مرحوم پدر همه شب سال در مسجد جامع گوهر شاد تفسیر قرآن بیان می نمود. تدریس کتب حوزوی از اوائل طلبگی شروع شد و تقریباً کتب سطح را از مقدّمات تا سطوح عالیه یک دوره تدریس نموده ام و بعضی از آنها را چند دوره و فعلاً در مدرسه آیت الله گلپایگانی رسائل تدریس می نمایم.

میرزا اصفهانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل ثقه‌ی صالح زاهد، متوفی در 1312 در سامرا. کتابخانه‌ی او در نجف از معتبرترین کتابخانه‌ها بوده، و مشارالیه حرص و ولعی غریب در جمع کتب و انتشار و ترویج آنها داشته، و کتاب‌های نفیس و نسخه‌های اصلی آن بر چندین صد مجلد بالغ می‌شده، مثلا نسخه‌ی اصل ریاض العلماء و جامع الرواة و چندین کتاب دیگر را داشته، و از بسیاری از آنها نسخه نوشته است.
[تحت عنوان سید کاظم اصفهانی گذشت.]
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرزاپور، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن میرزاپور
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1379 در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیة الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال 1371 بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم
و در سال 1376 به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از 5 ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال 1377 به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.
کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال 77 را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیة الله جوادی آملی داشتم. سال 1380 به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیة الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و

اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.
سال 1380 سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیة الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح 3 خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرزائی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوطالب بن العلامة حاج میرزا مهدی بن حاج سید ابوعبداللَّه بن العالم الجلیل الحاج السید ابوالقاسم میرزائی زنجانی از علماء معاصر (مقیم رشت) می‌باشند.
وی در تاریخ 1330 قمری در زنجان متولد شده و در بیت علم و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زنجان خوانده و به تهران آمده و معقول را از مرحوم میرزا طاهر تنکابنی (فیلسوف معروف) و مرحوم علامه میرزا مهدی آشتیانی (فیلسوف شرق) و اصول را از مرحوم حجةالاسلام حاج سید محمد تنکابنی استفاده نموده و مدت کوتاهی هم در مشهد مقدس از اساتید آنجا بهره‌مند شده.
سپس به قم مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللَّه حایری ره و آیت‌اللَّه آقا سید محمد حجت و آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی آیت‌اللَّه العظمی بروجردی طاب ثراه استفاده نموده و پس از آن برای انجام وظیفه دینی و روحی خود به شهرستان رشت عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت در مسجد (حضرت صاحب‌الزمان عجل‌اللَّه‌فرجه) و خدمات دینی اشتغال دارد.
و در علماء معاصر رشت هم اجمالا گذشت. و سرپرستی و اداره مدرسه جامع رشت به عهده ایشانست.
دارنده آثار قلمی و علمی عدیده بنامهای زیر می‌باشد.
1- حقائق التوحید دو جلد استدلالی فارسی.
2- برهان الولایه دو جلد عربی.
3- فروغ تجلی در امامت.
4- راه ترقی. فارسی در امور اجتماعی.
5- نفس و راه تکامل آن- روانشناسی.
6- رساله‌ای در لباس مشکوک عربی.
7- رساله‌ای در صلوة عربی.
8- رساله‌ای در جبر و تفویض به عربی بنام العبر فی مسئلة الجبر والقدر.
9- رساله‌ای در التحلی در حقیقة التحلی.
10- رساله‌ای در در قاعده لاضرر عربی.
11- حواشی بر اسفار صدرالمتألهین عربی.

12- النور الساطع در نبوت به عربی.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرزائی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین بن العالم الجلیل حاج میرزا مهدی نجفی میرزائی (برادر محترم حاج سید ابوطالب) از علماء بزرگوار معاصر زنجانست.
آنجناب در سال 1322 قمری در زنجان متولد شده و مقدمات و سطوح را در آنجا خوانده سپس به قم مشرف و از محضر محروم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری رحمهم‌اللّه استفاده نموده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه حایری و قبل از حادثه شهریور بیست به زنجان برگشته و تا اکنون به اقامه جماعت و تدریس و خدمات دینی اشتغال دارد ادام اللّه عمره و توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

میرشمسی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید ابوالحسن بن ابراهیم بن عبدالصمد حسینی.
فاضل زاهد، و واعظ متقی، متوفی در 24 ربیع‌الثانی 1368 مدفون در بقعه‌ی میر سید محمد شهشهانی
ماده تاریخ وفاتش را ادیب معاصر میرزا عبدالکریم بصیر گوید:
سال تاریخ فوت او بگفت بصیر
رفت پیش حسین، محسن من
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

میرصانع، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد علی میرصانع
محل تولد : الیگودرز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال 1357 وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال 1363 در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوزانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرعلایی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1321، اصفهان.
درگذشت: 2 آبان 1374، اصفهان.
احمد میرعلائی، فرزند علی میرعلایی، در سال 1342 از دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته‌ی زبان انگلیسی لیسانس و در سال 1346 از دانشگاه لیذر انگلستان فوق لیسانس گرفت. سپس به تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، هنرهای دراماتیک، صنعتی اصفهان، هنر، آزاد و کراچی به صورت متناوب از 1346 پرداخت. از جمله مشاغل وی می‌توان به ویراستاری ادبیات انگلیسی در مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین (1351 -1348)؛ سردبیری «کتاب امروز»، «فرهنگ و زندگی»، «آیندگان ادبی» و «جنگ اصفهان» (1355 -1346) و سرپرستی خانه‌ی فرهنگ ایران در دهلی نو (1357 -1355) و کراچی (1359 -1357) اشاره نمود.
احمد میرعلایی آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرد. از آن جمله است: شیاطین (نمایشنامه، اثر جان وایتینگ، 1348)؛ ویرانه‌های مدور (خورخه لوئیس بورخس، 1349)؛ سنگ آفتاب (شعر، اثر اکتاویوپاز، 1350)؛ چیتی چیتی بنگ بنگ (کودکان، یان فلمینگ، 1350)؛ فارستر (نقد آثار، اثر مور، 1350)؛ الف و داستان‌های دیگر (خورخه لوئیس بورخس، 1351)؛ عرفان مولوی (اثر عبدالحکیم خلیفه، ترجمه با همکاری دکتر احمد محمدی، 1352)؛ اسب عالی (اثر جین مریل، 1352)؛ درباره‌ی ادبیات (اکتاویوپاز و دیگران، 1353)؛ هزار توها (خورخه لوئیس بورخس، 1355)؛ خدای عقرب (ویلیام گلندینگ، 1355)؛ ژان پل سارتر (اثر هانری، ترجمه با همکاری ابوالحسن نجفی، 1355)؛ کنسول افتخاری (گراهام گرین، 1356)؛ طوق طلا (مجموعه داستان، اثر فارستر، 1356)؛ کودکان آب و گل (نقد ادبی، اثر اکتاویوپاز 1361)؛ تمدن مجروح (وی. اس. نایپول، 1362)؛ کلاه کلمنتیس (میلان کوندرا، 1362)؛ از چشم غربی (جوزف کنراد، 1363)؛ عامل انسانی (گراهام گرین، 1365)؛ باغ گذرگاه‌های هزار پیچ (خورخه لوئیس بورخس، 1368)؛ بیلی باد ملوان (هرمان ملویل، 1369). از وی همچنین ترجمه‌ی مقالات، داستان‌ها، اشعاری مجلات دیگری چون «سخن»، «نگین»، «الفبا»، «رودکی»، «کتاب جمعه»، «آدینه»، «دنیای سخن»،

«گردون»، «کلک» و «لیتررری ریویوو» چاپ شده است. آثار منتشر نشده‌ی وی به این شرح هستند: ملکوت (بهرام صادقی، ترجمه به انگلیسی) پشت شیشه، پشت مه (علی خدایی، ترجمه به انگلیسی)؛ باران‌های عیش ما (رضا فرخفال، ترجمه به انگلیسی)؛ ژوستین، جی، (اثر دارل لارنس)؛ بالتازار (اثر دارل لارنس)؛ شور (جانت وینترسون)؛ دیر راهبان (فررایرا دوکاسترو)؛ حضورهای واقعی (جرج استانیر).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرعمادی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1321، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال 1342، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان انگلیسی از دانشگاه تربیت معلم در سال 1343، کارشناسی ارشد TEFL از دانشگاه UWIST انگلستان در سال 1351، کارشناسی ارشد روش تدریس زبان از دانشگاه تهران در سال 1354، دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه میشیگان آمریکا در سال 1360.
مرتبه علمی:
مربی دانشگاه ابوریحان بیرونی از سال 1354 تا سال 1360، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال 1361 تا سال 1369، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی از سال 1369.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی ترجمه کتاب جاذبه و دافعه علی (ع)
Competemce in L and English . stress and Reading 1 and L 2
Coherence in Persia Comprehension wowel Changes
تدریس دروس زبان‌شناسی عمومی، تجزیه و تحلیل کلام، واژه‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی، دروس مربوط به ترجمه تخصصی و اصول و روشهای ترجمه (نظری و عملی) در دانشگاههای علامه طباطبایی و تربیت مدرس.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
تئوریهای ترجمه، ترجمه نظری و عملی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 4، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
علامات کلامی- ربطی در ارتباطات تلفنی، تفاوت ترجمه مکتوب و شفاهی، چهار ترجمه از یک غزل حافظ، Error Analysis، آشنایی با زبان‌شناسی

لایه‌ای، مشکلات درک آگاهی زبانی، کتاب‌شناسی ترجمه.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرفخرایی، حمیده

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی دارای مدرک دکتری رشته زبانشناسی می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حمیده (مهشید)میرفخرایی عضو هیئت علمی و استاد پژوهشکده گروه زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.
چگونگی عرضه آثار : از دکتر حمیده(مهشید) میرفخرایی تا کنون 8 کتاب و بیش از 42 مقاله نشر یافته است. طرح‌های پژوهشی دکتر میرفخرایی به قرار زیر است: - فرهنگ فارسی میانه، فارسی نو، (کارگروهی) - اصل خلاء یا تهیگی بنابر آموزه ی بودا (1384)
آثار :
1 آفرینش در ادیان
ویژگی اثر : 1366
2 بررسی بغان یسن
ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - 1382
3 بررسی دخت نسک
ویژگی اثر : 1371
4 بررسی هفت‌ها
ویژگی اثر : 1382(انتشارات فروهر)
5 درآمدی بر زبان ختنی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - 10 اردیبهشت، 1384
6 روایت پهلوی
ویژگی اثر : 1367
7 فرشته‌ی روشنی، مانی و آموزه‌های او
ویژگی اثر : 1383(انتشارات ققنوس)
8 فرهنگ کوچک زبان پهلوی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: دیویدنیل مکنزی، مهشید میرفخرایی ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - 1383.چاپ اول، 1373، چاپ دوم،1379، چاپ سوم 1383 منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میرفخرایی، مجد الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجدالدین میرفخرایی ، معروف به گلچین گیلانی ، در سال 1289 ، در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید. اقامت و تحصیل گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود و او در این زمان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد. او در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد اشعار گلچین گیلانی برای اولین بار در سال 1307 در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت. گلچین گیلانی ، در آذرماه سال 1351 چشم از جهان فروبست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : پدر مجدالدین ، سیدمهدی میرفخرایی متولد تفرش بود.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمهدی میرفخرایی ، پدر مجدالدین به روزگار جوانی در خدمت وزیر و مستوفی حاکم تبریز بود و از سوی صدراعظم وقت ملقب به « دبیر دفتر » گردید. چندی بعد با سمت معاونت مالیه گیلان در رشت مشغول کار شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجدالدین میرفخرایی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش رشت و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالمعلمین (دانشسرای عالی) ، در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل ادامه داد و به دریافت لیسانس توفیق یافت. سپس در امتحانات اعزام دانشجو به خارج شرکت

کرد و به انگلستان عزیمت نمود. او ابتدا در یکی از شهرهای انگلستان ، در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ، اما طولی نکشید وارد دانشگاه لندن شد و به دریافت درجه دکترا در رشته پزشکی نائل گردید.
خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پزشکی گلچین در انگلستان مقارن با جنگ جهانی دوم بود. اغلب دانشجویان ایرانی ناچار به وطن مراجعت کردند اما میر فخرایی با تحمل تمام مشکلات و مصائب دوران جنگ ، را در این کشور سپری کرد. او برای امرار معاش به کارهای گوناگون تن و از هیچ کوششی در راه تحصیل علم را فرونگذاشت.
فعالیتهای ضمن تحصیل : مجدالدین میرفخرایی در نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد ؛ در آن زمان به شیوه کهن شعر می سرود . هنوز دبیرستان را به پایان نبرده بود که دو شعر از وی در مجله فروغ رشت به چاپ رسید. هنگان تحصیل در تهران به سرودن شعر و فعالیت های ادبی ادامه داد و در انجمن ادبی ایران که ریاست آن به عهده شیخ الرییس افسر بود ، شرکت می کرد. او با آنکه دانشجوی پزشکی بود در لندن نیز اشعاری نغز و زیبا می سرود. مجدالدین میرفخرایی (گلچین) در طول تحصیل در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.
همسر و فرزندان : گلچین بیش از سیزده سال نداشت که با دختری از بستگان خود ازدواج کرد. هنگام اقامت و تحصیل در انگلستان همسر و خانواده او در ایران زندگی می کردند که سرانجام این فاصله منجر به جدایی گردید. وی بار دیگر با یک پرستار ایرانی در لندن ازدواج کرد که حاصل آن دختری به نام «ژیزل » بود ، ولی این ازدواج نیز دوامی نیافت و به جدایی انجامید. او سومین بار نیز یک همسر ایرانی انتخاب کرد.
زمان و علت فوت : مجدالدین میرفخرایی در آذرماه سال 1351 چشم از جهان فروبست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجدالدین میرفخرایی (گلچین) با وقوع جنگ جهانی دوم در انگلستان از راه نویسندگی و سخنگویی در رادیو لندن امرار معاش می کرد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اشعار مجدالدین میرفخرایی برای اولین بار در سال 1307 در مجله « ارمغان » و بعدها در مجله های « روزگار نو » ، « فروغ » و « سخن » انتشار یافت. شعر باران او یکی از معروفترین شعرهایی است که قسمتی از آن در کتاب های ابتدایی کودکان به چاپ رسید. در واقع او اولین شاعر نوپردازی است که شعرش به کتاب های ابتدایی راه یافت.
آرا و گرایشهای خاص : نادر نادر پور شاعر معاصر ایران در تجزیه و تحلیل سبک و شیوه مجدالدین میرفخرایی می نویسد: « طبع گلچین گیلانی ، به رغم اقامت چهل ساله اش در مغرب زمین ، تاثیر مستقیم شعر اروپایی (

خاصه انگلیسی) را نپذیرفت و همچنان ایرانی ماند ، اما از میراث سخن قدیم پارسی بهره ای نیافت و حسن و عیب شعرش نیز در همین است. کلام ساده او از لحن ادیبانه دور و به زبان محاوره امروزی نزدیک است و گاهی هم از لغزش های لفظی خالی نیست ؛ واژه هایش بی آن که همیشه خوش تراش و سنجیده باشد ، سرشار از رنگ و تصویر است و مجموعه سخنش همچون سرور جاوید کودکی و جوانی ، آهنگی شاد و سبکبار دارد... امام مگر من ، تاثیر مستقیم شعر فرنگی را در طبع گلچین انکار می کنم ، تاثیر نا مستقیم همان شعر را در شیوه بیان و شکل سخنش می پذیرم : گلچین گیلانی شاعری است که در کار نو آوری ، نه از بدعت نیمایی ، بلکه از تحولات شهر اروپایی الهام گرفته است. » ----------
---
آثار :
1 دیوان شعر
2 گلی برای تو
3 مهر و کین
ویژگی اثر : این دفتر شعر ، منظومه ای ضد جنگ است. مضمون شعر گویای آن است که در فاصله سال های 1320-1325 سروده شده است.
4 نهفته (نهضت)
منابع زندگینامه :1کتاب گیلان ، تالیف: گروه پژوهشگران ، به سرپرستی : ابراهیم اصلاح عربانی ، تهران: انتشارات گروه پژهشگران ایران ، ص 715 ـ سخنوران نامی معاصر ایران ، تالیف سیدمحمد باقر برقعی ، ج 5 ، قم: انتشارات خرم ، ص 3049 ـ اثرآفرینان ، زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران ،

میرفندرسکی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1305، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1342، دکترای ادبیات تطبیقی از دانشگاه استراسبورگ در سال 1347.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
شعرای رومانتیک و توصیف طبیعت در اشعار آنها، دیدگاه انسانیت در آثار مونتین و سعید، انعکاس زیبایی‌ها و فرهنگ کشور ایتالیا در آثار استادان، تدریس درس مارسل پروست، نویسندگان قرن بیستم، نویسندگان بزرگ واقع‌نگر در قرن 19 فرانسه در دانشگاه تهران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
شش مقاله ادبی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 3، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
خوشبختی واهی، زندگینامه یک کارمند و داستان یک جدایی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرلوحی فلاورجانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: زبان و ادبیات خارجی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال 1345، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال 1348، دکترای تخصصی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال 1353.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه مشهد از سال 1352 تا سال 1356، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال 1356.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس صرف و نحو و متون عربی، تفسیر قرآن کریم و معانی بیان، متون علمی اسلامی در دانشگاههای مشهد، الهیات، اصفهان، مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرب و استاد راهنمای 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ترجمه کتب عربی نظیر بدیع‌القرآن، ذکری استشهاد الامام‌الصدر، الحجان فی تشبیهات القرآن و تصحیح الدریقه الی مکارم الشیعه راغب اصفهانی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 7، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
نگاهی به تاریخ تشیع در رشته شیعه‌شناسی، احوال و آثار شیخ کاظم ازری، احوال و آثار راغب اصفهانی، معرفی نسخه‌ای از احوال عودات، تکمله التحقیق بدیع‌القرآن.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرم چلبی، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 931 ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (926 -918 ق) قاضی عسکر آناطولی شد. او سپس به زیارت بیت‌اللّه الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در 904 ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رسالة فی معرفة سمت القبلة»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیة الصیادین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (472/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (103/ 4)، تاریخ نظم و نثر (271)، ریحانه (78/ 6)، کشف الظنون (1886، 1434، 1236، 966، 872، 866)، لغت نامه (ذیل/ میرم)، معجم المؤلفین (196 -195/ 12).

میرمحمدی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالفضل میر محمدی
محل تولد : ساوه
شهرت : میر محمدی زرندی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1302/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله سید ابوالفضل میرمحمدی زرندی در سال 1302 هجری شمسی در بخش «زاویه زرند» از توابع شهرستان ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید. در سال 1320 ایامی که کیان حوزه‌های علمیه در خطر بود و کمتر کسی رغبت به تحصیل علوم حوزوی داشت، روحیه و علاقهٔ وافرش به تحصیل علوم دینی او را به حوزه مقدس علمیهٔ قم رهنمون ساخت.
وی پس از فراگیری علوم اولیه صرف، نحو، معانی بیان و منطق در سال 1325 جهت زیارت عتبات عالیات و ادامهٔ تحصیل عازم عراق شده و توسط دایی مرحوم والدش «آیةالله آقای حاج میرزا یحیی زرندی (ره)» که از مجتهدین مقیم آن دیار بود؛ در شهر کربلا حجره‌ای اختیار کرد ولی با اصرار پدر بازگشت، بواسطهٔ وابستگی عاطفی که به ایشان داشت، به ناچار امر ادامهٔ تحصیل را در قم پیگیری نمود.
از همان ابتدای تحصیل به حداقل امکانات معیشتی فراهم شده توسط پدرش که به امر کشاورزی و کسب اشتغال داشت؛ بسنده کرده و از دریافت شهریه و وجوه شرعی امتناع نمود و تا به حال نیز بدین امر مقید بوده است. ایشان داماد فقیه وارسته «آیةالله العظمی مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی (ره)» می‌باشند که همواره این وصلت را از جمله توفیقات خود می‌دانند.
پس از گذراندن دروس مقدماتی در سطوح عالیهٔ حوزه، رسائل را از محضر مرحوم «آیةالله حاج شیخ موسی زنجانی (ره)»، مکاسب را از محضر مرحوم «آیةالله سید حسین قاضی (ره)»، کفایه را از محضر حضرات آیات: «سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی» و «علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» و شرح تجرید را از محضر مرحوم «آیةالله حاج میرزا اسحاق آستارایی (ره)» تلمذ نمود.

حدود سال 1328 از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «حجت کوه کمره‌ای» و «بروجردی (رضوان الله علیهما)» حدود دو سال بهره برد. سپس حضرت «آیةالله العظمی آقای حاج سید محمد محقق داماد (ره)» را به عنوان استاد درس خارج به نحو مستمر اختیار نموده و طی 15 سال یک دورهٔ کامل اصول و چندین کتاب فقهی را از محضرشان استفاده نمود.
ایشان در مقاطع مختلف تحصیل حوزوی، تدریس مقطع پایین‌تر را به عهده گرفته و بیش از 20 سال به تدریس دروس سطح عالیه حوزه از قبیل رسائل، مکاسب و کفایتین پرداخته است. بیش از 10 سال نیز در دانشگاه اقدام به تدریس فقه و علوم قرآنی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد نموده و پیوسته نیز استاد راهنمای رساله‌های مختلف دوره دکتری در دانشگاه و حوزه بوده است. شایان ذکر است رتبهٔ دانشگاهی ایشان در بدو ورود به فعالیت‌های دانشگاهی دانشیار اعلام شده و سپس به جهت تألیف، تدریس، مدیریت و سایر خدمات دانشگاهی رتبهٔ استادی که بالاترین رتبهٔ علمی دانشگاهی است به وی اعطا شده است.
مباحثه تفسیر قرآن را از حدود سال 1326 در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته با دوستان صمیمی و هم دوره‌ای خود همچون حضرات آیات: (مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی، مرحوم حاج شیخ محمد حقی، حاج شیخ احمد پایانی، مرحوم حاج میرزا محمد امین رضوی و ...) آغاز نمود که به مرور مورد توجه واقع شده و بر اعضای آن افزوده گردید. این جلسهٔ وزین که بیش از پنجاه سال سابقه دارد با نوساناتی در ترکیب اعضا کماکان به قوت خود باقی است.
ایشان از همان ایام حضور در درس خارج فقه و اصول در جلسه بحث فقهی که حضرات آیات: «آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی، مرحوم آقای حاج سید مهدی روحانی، مرحوم آقای حاج شیخ علی احمدی میانجی، مرحوم حاج شیخ احمد آذری قمی، آقای حاج سید جلال‌الدین طاهری اصفهانی، آقای حاج شیخ عبدالرحیم جودی» داشتند، حضور پیدا می‌کرد. این جلسه نیز اکنون با تغییر برخی اعضای آن ادامه دارد.
آقای میر محمدی به همراه سایر فضلا و روحانیون از مدافعین نهضت اسلامی بوده و در امضاء برخی از اعلامیه‌ها علیه رژیم ستم شاهی و حمایت از حضرت امام نقش داشته است که از جمله آن می‌توان به ارسال نامه‌ای سرگشاده با عنوان «نامه جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم به هویدا نخست وزیر وقت در خصوص اعتراض به اقدامات خلاف قوانین اسلام و قانون اساسی، جو خفقان و سانسور، دستگیری حضرت امام خمینی و ...» اشاره نمود.

در سال 1364 با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که پس از شهادت آیةالله دکتر مفتح توسط سرپرست اداره می‌شد، منصوب گشت. وی در مدت یازده سال مسؤولیت ضمن تلاش مؤثر جهت راه‌اندازی مجدد دوره دکتری و کارشناسی ارشد و نیز افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان مقاطع مذکور، از آنجایی که اهتمام جدی به وحدت حوزه و دانشگاه داشته و خود نیز با ورود به فعالیت‌های مستمر دانشگاهی از قبیل: (مدیریت، تدریس و تألیف) از مصادیق این وحدت به شمار می‌رفت از فضلاء شاخص حوزه با هدف ارتقاء کیفی سطح تحصیلات دانشجویان جهت تدریس دعوت می‌نمود.
شایان ذکر است این توسعه دانشکده که به همت ایشان و با عنایت بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب حضرت آیةالله خامنه‌ای و مساعدت رئیس جمهور وقت جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و ... در مساحتی حدود 7000 متر صورت گرفت، دانشکده را از تنگنای شدید فضای آموزشی و رفاهی خارج ساخت.

میرمحمدی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مصطفی میر محمودی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
سال 1342 به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان را در شهرستان بابل گذراندم. پس از اخذ دیپلم به سال 1360 مدّتی به جهاد سازندگی رفتم. در همین سال به تشویق پدر که در سلک روحانیت بود؛ جهت تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیّه قم شدم. تا سال 1369 به دروس سطح حوزه علمیه مشغول بودم. سال های 1369 و 1370 با سازمان تبلیغات قم در بخش فرهنگی همکاری داشتم.
همزمان با ادامه تحصیلات در حوزه به سال 1370 وارد دانشگاه شدم و در سال 1374 دوره کارشناسی رشته «حقوق» را به پایان رساندم. در همین سال موفق به ادامه تحصیل در رشته «حقوق بین الملل» شدم. سال 1377 کارشناسی ارشد این دوره را به پایان رساندم. از سال 1374 تدریس در دانشگاه های آزاد و مفید قم در دروس مختلف معارف، فقه، اصول، و حقوق را آغاز نمودم و همزمان به فعالیت های علمی و پژوهشی نیز پرداختم. نزدیک شصت سفر تبلیغی، فرهنگی و علمی به مناسبت های گوناگون اعم از ماه محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، هفته وحدت، دهه فجر و ایام رحلت امام (ره) به داخل و خارج کشور سفر نموده ام.

میرمسیب، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی میر مسیب
محل تولد : شهرضا
شهرت : میر مسیب
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/25
زندگینامه علمی
بسم الله الرحمن الرحیم حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) در بزرگداشت قلم فرموده است «...و القلم من الله نعمة عظیمة و لولا القلم لم یستقم الملک و الدین و لم یکن عیش صالح» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج13، ص258، ح2، باب12استحباب تعلم الکتابه).
سال 1343 در شهرضا به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوره راهنمایی نزد معلمانی نوعاً ارزشمند چون سردار رشید سپاه اسلام شهید همت، جهت تحصیل علوم حوزوی به مدرسه علمیه صاحب الزمان (علیه السلام) شهرضا رفتم و پس از چهار سال تحصیل در این مدرسه به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم و پس از یکسال استفاده آزاد از دروس حوزه علمیه قم، خدمت حجج اسلام و المسلمین سید هاشم حسینی بوشهری و سید عبدالعظیم حسینی به مدرسه مرحوم آیةالله العظمی گلپایگانی رفتم و به تحصیل ادامه دادم و پس از دو سال تلمذ در محضر مبارک اساتید آن مدرسه، محضر برخی از اساتید دوره سطح و عالی از جمله حجج اسلام و المسلمین: «موسوی تهرانی»، «طاهری خرم آبادی» و آیات عظام: «صالحی مازندرانی»، «مظاهری»، و ... را درک نمودم که اکنون نیز ادامه دارد.
تقریبا از سال 1370 دست به قلم شده و تألیف و تحقیق را آغاز نمودم ولی بیشتر آنها به دلیلهای مختلفی به چاپ نرسیده است ازجمله آنهاست:
1. سعادةالطالبین (توضیحی برآداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی)
2. طریق العیش (نکاتی از زندگانی یکی از اصدقاء)
3. الحجرات (گذری برسوره مبارکه حجرات)
4. تحقیق و تصحیح کتاب داستان فکاهی، علامه فقید آیةالله میرجهانی)
5. آیین عشق (جمع و توضیح اشعار حکیم اسدالله قمشه ای همراه مطالبی سودمند): در همان هنگام از کلیه شعرای شهرضا نمونه شعرهایی

گرفتم و آماده سازی کردم ولی در ترتیب قرار دادن نام آنها با مشکل روبرو شدم لذا به چاپ نرسید البته چکیده ای از این اشعار را در کتاب آئین عشق به کار برده ام.
6. تحقیق، تصحیح، آماده سازی و چاپ مطالبی دست نویس در موضوع عقیدتی، اخلاقی و سیر و سلوک از دانشمند متأله شهرمان «حضرت آیة الله نجفی قمشه ای» که با عنوان: «با سالکان وادی نور» به چاپ رسید.
کتابهای دیگری نیز از معظم له آماده سازی نموده ام که از آن جمله است:
الف- اخلاق نظری (ویژه طلاب علوم دینی پایه های 1تا 3).
ب- مرد فریاد و سکوت (زندگینامه معظم له).
ج- رهیافتهای ویژه (درسهایی ازمعظم له در سیر و سلوک).
د- قطره ای ازدریای معارف که در حال آماده سازی است و امیدوارم به لطف الهی به زودی به زیور طبع آراسته گردد انشاء الله.
7. تحقیق و تصحیح کتاب: «جذبه حقیقت یا ایدئولوژی ولایت» از دانشمند معظم و خطیب توانای شهرمان آقای حاج شیخ قدرت الله صالحپورکه به نام: «خورشید امامت و ولایت» به چاپ رسیده است.
8. مرغ باغ ملکوت (1): یادنامه استاد فقید حجت الاسلام و المسلمین سید رضا محسنی همزمان با ارتحال آن مرحوم (خرداد 1372).
9. مرغ باغ ملکوت (2): گذری به زندگانی و وصیتنامه استاد معظم، خدوم و فقید، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی عظیمی به مناسبت ارتحال آن بزرگوار (خرداد 1387) و ...
کتابهای دیگری نیز تحقیق و تصحیح نموده ام که برخی از آنها آماده چاپ و برخی در دست آماده سازی است. ضمنا برخی از دوستان اهل قلم در تدوین کتابهای خویش از اینجانب کمک گرفته‌اند که در ابتدا یا انتهای کتابشان به این مسئله اشاره کرده‌اند مثل کتاب: «سیمای شهرضا» و کتاب: «مجالس توحید فطری». ویرایش و مقابله مطالب برخی از نشریات مثل نشریه اطلاع رسانی معارف ویژه اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاههای کشور و ره توشه تبلیغ، ویژه ماه مبارک رمضان سال 1427 که توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر گردیده است را عهده دار بوده‌ام.
در برخی مساجد شهرضا امامت جماعت و وعظ و سخنرانی داشته ام مثل مسجد امیرالمؤمنین (ع)، مسجد الرسول (ص)، مسجد نو و ... . در سعادت آباد جرقویه و عباس آباد پاکدشت نیز فعالیت تبلیغی و در جبهه های جنگ به عنوان نیروی رزمی تبلیغی حضورداشته ام. امیدوارم خداوند رحمان و رحیم از همگی قبول بفرماید آمین رب العالمین. در پایان، موفقیت و سرافرازی همه عزیزان و بزرگواران علم و قلم را از خداوند قلم به دستان، همان خدائی که به قلم ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده

است خواهان و خواستارم. و السلام

میریونسی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام آقای حاج آقا عباس میریونسی عراقی (داماد معظم آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ مذکور) از فضلاء عراقی حوزه علمیه قم و ائمه جماعت معاصر کنگاور می‌باشند.
تولد ایشان در یکی از مضافات اراک واقع شده و پس از رشد برای تحصیل علوم دینی به قم مهاجرت و متون فقه و اصول را از مدرسین فراگرفته و پس از آن از درس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی و دیگران استفاده نموده.
آنگاه بنابر درخواست ابوالزوجه خود به کنگاور مهاجرت و رحل اقامت افکنده و در یکی از مساجد آن به اقامه جماعت و ارشاد مردم و خدمات دینی اشتغال دارند.
و قبل از ایشان چند سالی جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا باقر رفیعی عراقی (خواهرزاده آیت‌اللَّه حاج شیخ آقا بزرگ محمدی) مقیم کنونی شهر ری در کنگاور اقامت و به انجام وظائف دینی اشتغال داشته‌اند.
چنانچه قبل از ایشان جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مجتبی محمدی عراقی (برادر معظم له) در آنجا سکونت و خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند و خود حقیر در محرم 1368 ق چند شبی در ضیافت آنجناب در کنگاور بوده و ناظر آثارشان بوده‌ام.
و مخفی نباشد که بیت جلیل محمدی عراقی بیش از یکصد سال است که در کنگاور به وظائف شرعی و خدمات دینی اشتغال دارند زیرا مرحوم مبرور علامه بزرگوار آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدباقر فرزند آقا محمد کرهرودی سلطان‌آبادی متولد 1257 ق که عالمی فقیه و پارسائی متقی از شاگردان شیخنا الانصاری بوده پس از وصول به مقامات عالیه علم و کمال و استفاده از محضر شیخ و علامه سید حسین کوهکمری و دیگران به ایران مراجعت و در کنگاور سکونت نموده و به خدمات دینی پرداخته تا در 17 ربیع‌الاول 1315 ق به رحمت حق پیوسته و در آنجا مدفون و قبرش مزار عموم و معروف (به قبر آقا) می‌باشد.
دارای آثار علمی چندی در فقه و اصولست که ذیلا به آن اشاره می‌گردد.
1- رساله در قسامه و احکام آن 2- رساله عملیه فارسی در عبادات 3-

شرح دره سید بحرالعلوم 4- شرح قصیده میمیه ابن‌فارض موسوم به (کشف‌الرموز) 5- الاشارات 6- فرائدالدرر در علم لوح و قدر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

میقانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا میقانی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/5/1
زندگینامه علمی
اینجانب رضا میقانی از سال 1350 وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال 56 به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال 58 دردرس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود 20 سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال 54 به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال 59 وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .
و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود 15 سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به

طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده داردم .

میکالی، ابوالعباس اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(362 -270 ق)، محدث و ادیب. شیخ خراسان و مورد احترام همگان بود. نسبش به یزدگرد به بهرام گور می‌رسد. پدرش در روزگار مقتدر عباسی حکومت اهواز را داشت. او در نیشابور به دنیا آمد. وی کاتب بود و عهده‌دار مسئولیت کتابتهای دیوانی. در نیشابور از ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و ابوالعباس ماسرجسی و در اهواز از عبدان اهوازی و حسین بن بهار و علی بن سعید عسکری حدیث شنید. از عبدان اهوازی کتابی را روایت کرده و او تنها کسی است که این کتاب را روایت کرد. ابوعلی نیشابوری حافظ و ابوحسین حجاجی و ابوعبداللّه حاکم و عبدالغافر فارسی از او حدیث شنیدند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (315 -314/ 1)، سیر النبلاء (157 -156/ 16)، شذرات الذهب (41/ 3)، العبر (114 -113/ 2)، معجم الادباء (12 -5 / 7).

میکالی، ابوالفضل عبیدالله

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 436 ق)، ادیب، کاتب و شاعر. نسبش را به یزدگرد ساسانی می‌رسانند. وی اهل خراسان و از مشاهیر ادبای آن دیار بود. در خراسان از ابواحمد حافظ حاکم و ابی‌عمرو بن حمدان حدیث شنیده است. او در نظم و نثر عربی ماهر بود. از آثارش: «مخزون البلاغة» یا «مخزن البلاغة»، «المنتحل»، «ملح الخواطر و منح الجواهر»، «دیوان الرسائل»، «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 344)، ریحانه (6/ 80- 81)، فوات الوفیات (2/ 428- 433)، کشف الظنون (1817، 1639)، لغت نامه (ذیل/ عبدالرحمان)، معجم المؤلفین (5/ 120)، هدیة العارفین (1/ 648).

میلاد

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام یکی از پهلوانان ایران است که چون کیکاوس به مازندران رفت ایران را به او سپرد و پسرش گرگین هم از پهلوانان بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میلانی، نورالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید نورالدین (آیت‌اللَّه زاده میلانی) بن العلامه الورع آیت‌اللَّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی (مقیم مشهد) از علماء معاصر شهر ری می‌باشد. وی در 14 شوال 1336 ق در نجف اشرف متولد و در 1355 ق منتقل بکربلاء معلی و در سال 1393 روی جریانات اخیر عراق کوچ نموده و مقیم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام شهر ری شده‌اند معظم له پس از ختم قرآن مجید خط و ادبیات فارسی را در مکبت خانه جناب و مرحوم شیخ علی‌اکبر که از مشاهیر بودند فراگرفته و با استفاده از موقعیت والد بزرگوارشان نزد اساتید عظام تلمذ نموده و پس از فراغ از مقدمات کفایه را در محضر آقای والد شروع نموده و رسائل را از مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید زین‌العابدین کاشانی که از معاریف کربلا و عضو استفتاء آیتین قمی و بروجردی بودند آموخته و مکاسب را از آیت‌اللَّه حاج آقا حسن طباطبائی قمی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی اردبیلی و فلسفه را از وحید عصر آقا میرزا غلامحسین تبریزی که از شاگردان بنام مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) و مدتی هم از آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی (که اکنون مرجع عالیقدر مقیم بروجرد میباشند) استفاده نموده سپس خارج فقه را از محضر آیت‌اللَّه العظمی والدشان و خارج اصول را از محضر آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله بهره‌مند گردیده است، پس از هجرت والد بزرگوارشان در سال 1374 ق از کربلاء معلی به مشهد مقدس رضوی باصرار جمعی از محترمین کربلاء بجای والدشان در جنب ضریح مطهر حضرت سیدالشهداء ارواحنا له الفداء امام جماعت شده و روی سوابق خاندان و اهتمام بمسائل اجتماعی و رسیدگی به احتیاجات مردم از رجال بنام و محبوب غالب طبقات گردیده بطوری که منزلش مرکز رفت و آمد مردم و در ایام محرم دسته‌جات و مواکب زنجیر زن و غیره به خانه ایشان آمده و عزاداری می‌نمودند.
لذا آن جناب از این موقعیت استفاده کرده و در امور عامه دخالت و اقدامات اساسی و مهمی از قبیل استقلال کشمیر را مکررا به سازمان ملل مخابره کرده و مخصوصا با چهار زبان بر علیه اسرائیل ایراد نطق نموده که نظر محافل سیاسی و همگانی معطوف به وی میگردد.
اجمالا این که معظم له هم از نظر مراجع بزرگوار گذشته و هم حاضرین محترم و در نزد غالب مردم عراق و مسلمین هند و پاکستان و آفریقا و

ایران و خلیج‌نشین‌ها و غیره معزز و محبوب می‌باشد.
آقای میلانی درباره زندانیهای مذهبی در هر نقطه بسیار حساس و اقدامات لازمه برای استخلاص آنها نموده چنانچه دو واعظ لاهور را که به ششماه زندان محکوم شده بودند توسط سفیر پاکستان در بغداد سجاد حیدر حنفی آزاد و نیز سی و سه نفر از رجال نامی شیعه همان کشور را که در اثر نزاع با اهل تسنن زندانی شده بودند توسط سید محمدحسن سفیر دیگر پاکستان آزاد می‌نماید.
آقای میلانی دو سفر مذهبی به هندوستان نموده و قدمهای مؤثری برداشته و خدماتی انجام داده‌اند که شرحش مفصل و در روزنامه‌های هندوستان به زبان اردو و انگلیسی و سانسکریت از ایشان تجلیل شده و عکسهای مجالس جشن بنام ایشان در آگره و لکهنو و بمبئی و غیره موجود می‌باشد.
و نیز مسافرتهای جالبی بافغانستان و لبنان و سوریا و کویت و مکه معظمه نموده و خدماتی انجام داده که از ذکر آن خودداری می‌نمایم.
در کربلاء معلی آثار ارزنده‌ای دارند که از همه مهمتر تأسیس کتابخانه بنام حضرت سیدالشهداء الحسین علیه‌السلام است.
این کتابخاه خود دار الارشادی بود که جوانان را بدین وسیله و بتوسط حجة‌الاسلام آقای حاج شیخ فرج‌اللّه اصفهانی مدیر کتابخانه و احیانا شخصا تربیت دینی می‌نمود مخصوصاً محصلین جدید را بیشتر مورد علاقه و اهتمام مطالعه قرار می‌داد.
کتابخانه مزبور مرکز نشر معارف بود زیرا جلسه هفتگی برای مسابقه سخنرانی و کتابت و مسائل مذهبی و سؤال و جواب دبیرستانی‌ها و دانشگاهی‌ها بود.
کتابی بنام (لحظه‌ای با امام عصر عجل اللّه فرجه) و ارواحنا فداه دارد که سالها در جمع و تنظیم آن زحمت کشیده و بیش از بیست فصل می‌باشد و در آن تشرف جماعتی از بزرگان علم و غیره را یاد کرده ولی هنوز باتمام نرسیده است و تألیف این سفر جمیل اوقاتشان را مستغرق نموده که نوشتجاتی که در مرور عمر و تحصیل دارند مهجور مانده است و در اثر عشق و علاقه شدید بناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه بهیچ کدام عنایتی نشان نمی‌دهند فقط همت را گماشته‌اند که توجه افراد را بسوی آقای عالم معطوف بنمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

میلانیان، هرمز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : هرمز میلانیان در سال 1316 در تهران متولد شد . وی تحصیلات عالی خود را در رشته زبان شناسی با گرایش های زبان شناسی ساختگر ا و نقشگرا در دانشکده ادبیا ت و علوم انسانی دانشگاه پاریس ادامه داد و موفق به اخذ درجه دکتر ا شد . از فعالیت های تخصصی دکتر میلانیان می توان به تدریس در دانشگاه تهرا ن و دانشگاه های خارج از کشور اشاره کرد. همچنین سرپرستی پژوهشهای زبان شناسی در داخل و خارج از کشور بر عهده داشته است . وی عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است و تالیفات متعددی منتشر کرد ه است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
گرایش : زبان شناسی عمومی
والدین و انساب : هرمز میلانیان، در سال 1316 شمسی در تهران متولد شد. پدر هرمز ناخدا حسن میلانیان فرمانده ناو «پلنگ» بود که در جمله متخلفین به ایران (روسها از شمال و انگلیسی ها از جنوب) هنگام دفاع از آبادان زخمی و پس از انتقال به تهران در 38 سالگی به درجه شهادت نائل آمد. مادرش درخشنده شیمی مسئولیت بزرگ کردن و تربیت هرمز و برادر کوچکتر هومان را بر عهده گرفت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : هرمز میلانیان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در دبیرستانهای شرف و دارالفنون سپری نمود. علاقه ای که به ادبیات به ویژه ادبیات فارسی داشت موجب گردید که پس از دریافت دیپلم متوسطه در رشته ادبی و موفقیت در امتحان ورودی دانشکده ادبیات تهران به سال 1334، در رشته ادبیات فارسی ادامه تحصیل دهد. در سال 1337 پس از اخذ درجه لیسانس در رشته ادبیات فارسی، علاقه ای که به بهر زبان فارسی و آموختن زبانهای بیگانه داشت وی را مصمم کرد که به تحصیل در رشته «زبان شناسی» بپردازد با این که تصویر چندان روشنی از این دانش کما بیش نوین نداشت. در شهریور ماه 1339 (1960) شرایط ادامه تحصل در این رضشته برای او پیش آمد و به پاریس رفت . در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پاریس (سربن) نام نویسی کرد و با زبانشناسی ساختگرا و به ویژه نقش گرا آشنایی نزدیک پیدا کرد. در

مدت پنج سالی که در پاریس اقامت داشت به اخذ دو «گواهینامه عالی»در «زبان شناسی عمومی»و «آوا شناسی» و درجه دکتری در « زبانشناسی عمومی»(با قید «بسیار مفتخر»)نائل شد.[از زبان میلانیان ،کتاب ماه ادبیات و فلسفه ،شهریور 1379]
استادان و مربیان : هرمز میلانیان در دانشگاه تهران از استادانی چون استاد فروزانفر، استاد همایی، استاد مدرس رضوی، دکتر معین، دکتر خانلری، دکتر مقدم، دکتر صفا، دکتر کیا، دکتر خطیبی و بانو نفیسی بهره مند شود. در فرانسه به عئوان نخستین دانشجوی ایرانی «آندره مارتینه» زبان شناس برجسته فرانسوی با زبانشناسی ساختگرا و نقشگرا آشنا شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هرمز میلانیان، پس از مراجعت از فرانسه به ایران در سال 1344 ،در «بنیاد فرهنگ ایران «مسئولیت پژوهش در زمینه تاریخ زبان فارسی را زیر نظر دکتر پرویز خانلری ،بر عهده گرفت .در نیمه دوم سال تحصیلی 45-1344 پس از موفقیت در امتحان استاد یاری به عنوان استاد یار زبان شناسی در گروه «زبان شناسی همگانی و زبان های باستانی »دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران -که بنیانگذار آن مرحوم دکتر مقدم بود -به استخدام رسمی در آمد. در شهریور ماه 1349 به عنوان استادیار مهمان، به مدت یکسال تحصیلی به دنشگاه ایلینوی در شهر اوربانا برای تدریس زبان فارسی اعزام شد. پس از مراجعت به ایران در سال 1350، بار دیگر به تدریس در دانشگاه تهران ادامه داد و چند سال بعد به رتبه دانشیاری ارتقا یافت. در طول سالهای 50 شمسی با «فرهنگستان زبان ایران» نیز همکاری داشت و در جلساتی از کمیسیون واژه گزینی آن شرکت داشت. دکتر میلانیان قبل از پیروزی انقلاب به مدت یک سال و نیم به عنوان مدیر گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران انتخاب شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هرمز میلانیان سرپرستی پژوهشهایی را در زمینه دستور ،تلفظ و املای فارسی بر اساس آزمونهای میان پاسخگویا نفارسی زبان برخوردار از تحصیلات لااقل دبیرستانی را برعهده داشت .همچنین وی در چندین کنگره و همایش تحقیقات ایرانی و نیز زبان شناسی عمومی در ایران و خارجه از کشور شرکت کرده است. استاد میلانیان شش ماه پس از انقلاب باری استفاده از فرصت مطالعاتی که پرونده دانشگاهی آن از مدتها پیش آماده شد، عازم فرانسه گردید و کمی بعد از سوی دانشگاه (سوربن)جدید (پاریس 3) «به عنوان استاد مهمان » برای تدریس زبان ،ادبیا ت و زبان شناسی فارسی در آن دانشگاه دعوت شد ،این دوره فعالیت از سال 1979 تا سال 1985 بمدت شش سال به طول انجامید .و از سال دوم سرپرستی بخش فارسی آن دانشگاه به ایشان واگذار گردید. دکتر میلانیان در شهریور ماه 1378 (1996)پس از

17 سال به ایران باز گشت و از آن زمان اشتغال عهده ایشان تالیف ،ترجمه و تحقیق در زمینه زبان شناسی عمومی و فارسی می باشدو در این زمینه با« موسسه فرهنگی شهید رواقی» انتشارات «هرمس» و نیز انتشارات «فرهنگ معاصر» افتخار همکاری دارد. دکتر میلانیان عضو انجمن زبان شناسی پاریس و انجمن جهانی زبان شناسی نقشگرا است .
آرا و گرایشهای خاص : هرمز میلانیان در تالیفات خود ،اعمال معیارهایی از زبان شناسی نوین بر زبان فارسی را دنبال کرده است که آن ر ادر کارایی و پیشبرد آگاهی در مورد نظام زبان شناسی و نیز خط فارسی موثری می داند . همچنین وی کوشیده است برای اصطلاحات زبان شناسی نوین معادلهای فارسی مناسبی را پیشنهاد دهد که بسیاری از آنها پذیرفته شده اند . دکتر میلانیان هدف خود را در فعالیتهای علمی ،توجه به کار برد فرهنگی و اجتماعی زبان فارسی و تقویت و گسترش آن و کم کردن فاصله میا ن زبان گفتار و نوشتار و مخالفت با دستور العملهای تصنعی در زمینه تلفظ و املا. _____
آثار :
1 les monemes et les procedes de passage en person :de la categorie verbale a la cate gorie nomiale et vice versa
ویژگی اثر : این مقاله به زبان فرانسه به عنوان «تکواژه هاو روند های گذر در زبان فارسی ،از مقوله فصل به مقوله اسم و بالعکس».در سال 1968 در نشریه نیویورک شماره 25 ،منتشر شد.
2 Peut- on dire qu une langue est plus difficile qu une autre
ویژگی اثر : عنوان این مقاله «آیا می توان گفت زبانی از زبان دیگر مشکلتر است ؟»که در نشریه زیر با مشخصات آمده منتشر شده است. Actes clu 8e Colloque de la societe internationale de la linguistique fonctionnelle , grece ,1978.
3 آزادی و بند درزبان
ویژگی اثر : این مقاله درجشن نامه دکتر محمد مقدم ،نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،شمار ه 24 و درسال 1355 منتشر شد.
4 چند نکته درباره کلمه های فارسی در گذشته و حال
ویژگی اثر : مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ،دانشگاه تهران که در سال 1350 منتشر شد.
5 چند نکته درباره وابسته های ملکی و زبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله سخن ،سال 20 ،شماره 3 ، سال 1349 منتشر شده است.
6 خنثی شدن تقابلهای دستوری در گروه اسمی زبان فارسی

ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال 17 ،شماره 2 ، 1348 منتشر شده است.
7 درست و غلط در زبان از دیدگاه زبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره 22-21 در سال 1355 منتشر شد.
8 دستگاه عدد و زبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه خطابه های سومین کنگره تحقیقات ایرانی توسط بنیاد فرهنگ ایران در سال 1351 منتشر شد .
9 زبان شناسی و تعریف زبان
ویژگی اثر : این مقاله در نشریه فرهنگ و زندگی ،شماره 2 ،سال 1349 منتشر شده است.
10 کاربرد زبان فارسی درزمینه علوم و فنون
ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه سخنرانی ها در نخستین سمینار آموزش زبان و ادبیا ت فارسی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی وزارت علوم و آموزش عالی در سال 1350 منتشر شده است .
11 کلمه و رمز های آن در زبان و خط فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ،سال18 ،شماره 3 ،سال 1350 منتشر شده است .
12 کهنه و نو در زبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در نشریه کتاب امروز ،شماره 5 و درسال 1352منتشر شد.
13 کوتاه ترین جمله و ساختمان آن در زبان فارسی
ویژگی اثر : این مقاله در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران ،شماره 1 در سال 1354 منتشر شد .
14 گسترش و تقویت فرهنگی زبان فارسی
ویژگی اثر : این کتاب توسط انتشارات کاویا ن در سال 1351 منتشر شد.
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

میناگر، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا میناگر
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
غلامرضا میناگر در سال 1340 هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داست تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.
پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.
از سال 72 تا 76 جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال 82 به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال 79 تا به کنون (86)، ضممن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

مینو شیرازی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1299 ش)، روزنامه‌نگار و نویسنده. در شیراز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی در تهران شد. سپس وارد وزارت فرهنگ گردید و به شیراز بازگشت. از جمله مشاغل وی: ریاست فرهنگ شهرستان آباده، ریاست اداره‌ی کارگزینی فرهنگ فارس، ریاست هنرستان پسران شیراز، ریاست اداره‌ی آموزش حرفه‌ای فرهنگ فارس و ریاست دبیرستان نمازی شیراز می‌باشد. او در 1330 ش امتیاز انتشار روزنامه‌ی «مشعل فارس» را گرفت. از آثار وی: «اخلاق»، «روانشناسی پرورشی»، «تاریخ و جغرافی و تعلیمات مدنی»، با همکاری هیئت مؤلفان فارس.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (601 -600/ 5).

مینوی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از محققین و اندیشمندان و دانشمندان معاصر ایران در 1282 در سامره متولد شد. پدرش آقاشیخ عیسی شریعتمداری، در سامره از شاگردان ملا محمد تقی شیرازی بود. مینوی تا نه سالگی در سامره بسر برد و مقدمات فارسی و عربی را در همانجا فرا گرفت و چون به ایران بازگشت وارد مدارس جدید شد و در مدارس امانت و اسلام و سپهر دوره‌ی ابتدائی را فرا گرفت و سپس به دارالفنون وارد شد و در 1300 در دارالمعلمین مرکزی مشغول تحصیل گردید و ضمنا در مجلس شورای ملی تندنویس شد و بعد در وزارت معارف به استخدام درآمد و کتابخانه وزارت معارف را اداره می‌کرد. پس از فراغت از تحصیل در دارالمعلمین مرکزی در معیت اسمعیل مرات به فرانسه رفت و کار اداری به او سپردند. وقتی سید حسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن شد او را بعنوان سرپرست محصلین به انگلستان برد. این مأموریت بیش از نه ماه طول نکشید و به تهران احضار شد ولی ثمره‌ی این دو مأموریت یاد گرفتن زبان فرانسه و انگلیسی بود. وی قریب پنج سال در ایران بسر برد و حاصل کارش کتاب ویس ورامین و جلد اول شاهنامه فردوسی و ترجمه‌ی کتاب شاهنشاهی ساسانیان اثر کریستن سن بود. البته تنظیم شاهنامه با هدایت و سرپرستی ذکاءالملک فروغی انجام گرفت. مینوی مجددا به انگلستان رفت و تحصیلات عالی خود را در دانشگاه گینگز کالج لندن و مدرسه مطالعات آسیائی و آفریقائی دانشگاه لندن به اتمام رسانید و در همانجا مشغول کار شد و چندی با رادیوی بی.بی.سی همکاری داشت. در سال 1325 بعد از پایان جنگ جهانی دوم سیدحسن تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در انگلستان نامه‌ای به وزیر فرهنگ وقت نوشته و ضمن معرفی مراتب فضل و دانش او، درخواست کرده بود که از وی دعوت شد تا خدمات فرهنگی خود را در ایران عرضه بدارد. از این رو وزارت فرهنگ این پیشنهاد را پذیرفت و رسما از او دعوت نمود که به خاک وطن برگردد.
مجتبی مینوی در 1328 به ایران بازگشت و طبق قانون خاصی به استادی دانشگاه برگزیده شد و در وزارت فرهنگ نیز به ریاست تعلیمات عالیه منصوب گردید و بعد رایزن فرهنگی ایران در ترکیه شد. این مأموریت قریب چهار سال بطول انجامید. پس از بازگشت از ترکیه عضو پیوسته فرهنگستان ادب و هنر شد. آخرین سمت استاد مینوی مسؤولیت علمی

بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی بود و سرانجام در سن 74 سالگی درگذشت.
مجتبی مینوی در زمان حیات کتابخانه‌ی غنی و پربار خود را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. تألیفات و تصنیفات و تصحیحات مینوی بسیار زیاد است، از جمله از تألیفات وی کتابهای پانزده گفتار، داستانها و قصه‌ها، فردوسی و شعرا و نقد حال، تاریخ و فرهنگ، مجموعه گفتارها و نوشته‌ها در سه مجلد. علاوه بر تألیفات فارسی، تألیفاتی اعم از کتاب و مقاله تحقیقی به زبان انگلیس دارد.
پس از درگذشت استاد مجتبی مینوی، گرانمایه مرد فرهنگ ایران آقای ایرج افشار در بزرگداشت این مرد بزرگ حق مطلب را ادا نموده و یک شماره از نشریه راهنمای کتاب را اختصاص به محامد و مناقب و شناخت واقعی ایشان اختصاص داد و خود نیز سرلوحه این کار را در دست گرفته آنچه در دل داشت بر روی کاغذ آورد. بهتر آن دیدم که از اظهارنظرهائی که درباره‌ی این مرد کم‌نظیر شده است تکه‌هائی را نقل نمایم. استاد ایرج افشار می‌نویسد:
مینوی در چندین زمینه از معارف و علوم مربوط به ایران و اسلام کار کرد و آثاری دست اول و ماندگار برجای گذاشت. شاید در مقام سنجش بتوان خدماتی را که در زمینه‌ی تصحیح متون مهم زبان فارسی انجام داده است در صف مقدم قرار داد. کلیله و دمنه، ویس و رامین، نامه تفسیر، دویان ناصرخسرو، سیرت جلال‌الدین، نوروزنامه، عیون‌الحکمه، السعاده والاسعاد، تحریمه القلم سنائی، نورالعلوم ابوالحسن خرقانی، نصایح‌الملوک سعدی، مصنفات بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری یحیی مهدوی)، اخلاق ناصری، و بالاخره شاهنامه‌ی فردوسی که داستان رستم و سهراب آن را بعنوان نمونه منتشر ساخت، از متونی است که هریک به جهتی و مناسبتی در درجه‌ی اول اهمیت و از امهات نوشته‌های ایرانی است. مینوی در تصحیح هریک از انها سعی کاملی بکار برده است، هم از این حیث که نسخ معتبر را در تصحیح اختیار کرده و روش علمی و انتقادی مرسوم میان غربیان و نقدشناسان را در آنها بکار گرفته است، و هم از این حیث که تنظیم عبارات، صفحه‌بندی و نوع حروف و دقت در غلط گیری آنها پسندیده باشد ناگزیر همه‌ی آثارش نمونه است و از جهات متعدد شاخص شده است. از حق نباید گذشت که هنوز متنی به نفاست و صحت و آراستگی کلیله و دمنه مینوی در ایران نشر نشده است و تردید نباید داشت که روش علمی متخذ و مختار مینوی در تحصیح متون مایه آموزش دیگران نیز قرار خواهد گرفت...
شادروان دکتر عباس زریاب خوئی که خود در صف اول پاسداران زبان و ادبیات فارسی قرار داشت، درباره‌ی استاد مینوی می‌نویسد:... مینوی عاشق زبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران بود و این عشق با آب و گل او

آمیخته بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های با اشخاص بر سر همین معشوق بود و من به یاد ندارم که مینوی با کسی بر سر اسباب دنیوی نزاعی داشته باشد. هدف حملات او کسانی بودند که بزعم او با نداشتن صلاحیت لغت‌سازی و اشتقاق بازی می‌کردند و یا متون قدیم را با بی‌دقتی بچاپ می‌رساندند و یا فلان کلمه را در جای خود بکار نمی‌بردند.
این امر شاید در نظر بسیاری از مردم جهان صنعتی عصر ما غریب و خنده‌آور جلوه کند اما او فارسی و ادب آن را تا حد عشق ستایش می‌کرد و کدام عاشقی است که ننگ حمله و بی‌احترامی به معشوق را تحمل کند؟ روانش شاد که عاشقی صادق و پاکباز بود و نقد عمر عزیز و جان گرامی را در راه معشوق معنوی خود نهاد.
سید محمدعلی جمال‌زاده محقق و نویسنده‌ی کهنسال چنین نوشته است:
وفات استاد مجتبی مینوی بلا تردید برای ما و کشور ما ضایعه‌ی بزرگی است. مردی بود از خاندان فضل و تقوی و به تمام معنی کلمه اهل علم و تقوی و در این رشته کاملا به سبک و شیوه‌ی علمی و فنی شادروان علامه محمد قزوینی عمل می‌کرد و از مؤسسین دست اول این طریقه یا باصطلاح امروز (مکتب) بشمار می‌آمد. مینوی گذشته از دانش و بینش پهناور و عمیق دارای مکارم اخلاقی چنانی هم بود، الحق سزاوار است پیشوا و سرمشق و مربی و مرشد بسیاری از جوانان دانش‌پژوه که عشق و شور و تتبع دارند واقع گردد. مینوی حرفی را می‌زد که حرف راست بود و حرف راست را بی‌پیرایه و دلیرانه بر زبان و قلم جاری می‌ساخت و تا جائی که بر راقم این سطور معلوم است هیچگاه دیده نشد که در راه علم و حقیقت‌گوئی مداهنه و مجامله و خوش‌آمد گوئی و ملاحظه‌کاری را جایز شمارد، چنانکه گاهی بنظر می‌رسید که در رنجانیدن جمع تعمدی دارد، اما می‌دانیم که بلااختیار همواره درصدد بود به ما بنماید که از گفتن حقیقت تلخ هم نباید رو تابید و آنچه به گفتن می‌ارزد همانا حقاق تلخ است.
مجتبی مینوی وجود ذیجود و پرفیض و برکتی بود و بیم آن می‌رود که ما دیگر به این آسانی‌ها نظیر و عدیل او را بدست نیاوریم. اما در دیار ما باب فیض هیچگاه مسدود نبوده است و باید امیدوار بود که از برکت نفس گرم و دم مسیحا اثر استاد مینوی و در اثر زندگی و کار و کوشش و عمل مستدامی که نیم قرن تمام ادامه بلاانقطاع داشت و امروز می‌توان آنرا به «رسالت» تعبیر نمود در میان جوانان، پیروان با ایمان و حواریون با اعتقاد راسخ و استواری پیدا کند که راضی نشوند مشعلی که او روشن ساخته است به آسانی خاموشی پذیرد و با ایقان هرچه تمامتر مطمئن باشند که ترقی و پیشرفت اگر با روح و معرفت توأم نباشد ارزش واقعی نخواهد داشت.
سید حسن تقی‌زاده در مقام سفارت کبرای ایران در انگلستان، مرحوم

مجتبی مینوی را به وزارت فرهنگ چنین معرفی می‌کند:
وزارت فرهنگ، البته اطلاع دارید که آقای مجتبی مینوی از فضلاء معروف مدتی است در لندن است... مشارالیه که مسلما یکی از اشخاص فاضل و ادیب درجه اول ایران است و از حیث عمق معلومات اسلامی و احاطه بر تاریخ اسلام و ایران دوره اسلامی و زبان فارسی و عربی و ادبیات آنها، و مخصوصا آشنائی خیلی وسیع و کامل به تحقیقات علمای مغرب در این رشته‌ها و طریقه انتقادی اروپائی و تبحر کامل در کتب اسلامی از عربی و فارسی و وقوف از کتب شرقی و غربی در این رشته مخصوصا آشنائی به کتابخانه‌های بزرگ اروپا شاید بدون ادنی مبالغه پنج نفر نظیر در بین فضلای ایران ندارد و فعلا تقریبا بیکار است و عایدی صحیحی برای معیشت ندارد. قبل از جنگ فرنگستان مشارالیه بواسطه‌ی بعضی ناملایمات به فرنگستان آمد و با زحمت شخصی خود از کمک به کارهای علمی به بعضی فرنگیها به عسرت زیاد و ضیق معیشت زندگی کرده و به زحمت سد رمق می‌توانست بکند. در موقع جنگ بکلی تنگدست شد و ناچار در اداره رادیوی انگلیس خدمتی برای نشر اخبار فارسی قبول نمود.
جای کمال تأسف است که چنین شخصی که منبع فیض و منشأ خدمت مفید به معارف ایران تواند شد بی‌استفاده (یا باصطلاح عربی غیرمستفادبه) بماند و مجبور شود به کارهائی که مطابق ذوق و طبع او نیست و فایده‌ای هم برای ملتش ندارد مشغول شود. اگر از فضل و علم او قدردانی شده بود حتی در زمان جنگ هم به کار تبلیغات نمی‌پرداخت و راضی‌تر بود که نصف عایدی آن شغل از ممر دیگر خدمت به علم به او برسد و از آن کار کناره گیرد.
تصور کردم که حالات معارف ایران نهضتی دارد و ارباب ذوق و شوق برای معارف ملی و تاریخی و زبان و ادبیات خودمان در تزاید است مخصوصا وزیر معارف فعلی خودشان از اهل این رشته از معرفت و از فضلای مملکت ما هستند، روا نیست که توجهی به آقای مینوی نشود و تذکر را مجاز شمردم و یقین دارم وقتی خاطر شریف جناب آقای وزیر متوجه این مطلب بشود بذل عنایتی که در خور آنست فرموده، دستور اقدامی برای استفاده از کمالات این شخص مغتنم خواهند داد و در ضمن کمکی به معیشت آقای مینوی خواهند فرمود که بسیار حیف است که چنین مرد فاضلی که باید تمام اوقات وی صرف تألیف و نشر و تصحیح و تلیق بر کتب نفیسه تاریخی بشود، مجبور گردد به کارهای غیرمتناسب، محض سد رمق، مشغول گردد و شب چو عقد نماز بندد در فکر خوراک بامداد فرزند باشد. بدیهی است که مقصود اینجانب فقط کمک مالی تبرعی مانند وظیفه مستمری نیست که نه برای خزانه دولت مناسب است و نه بالطبع خود مینوی چنین چیزی را البته قبول نخواهد کرد. بلکه منظور آنست که از این

همه کارهای علمی و ادبی و معارفی که در حیطه فعالیت وزارت فرهنگ است و شاید به صد نوع از آنها وجوهی صرف می‌شود، چیزی هم به ایشان محول و خدمتی رجوع شود که در اینجا انجام بدهند و به تناسب خدمات انجام شده حقوقی مقرر فرمائید که به او برسد. مثلا تصور می‌کنم اگر عکس گرفتن از نسخه‌های قدیم فارسی و عربی و مراقبت به تصحیح و طبع آنها، و جمع اسناد تاریخی و تدوین رساله‌هائی راجع به کتابخانه‌های فرنگستان و قسمت شرقی آنها و همچنین کتب و مقالات علمای مستشرق اروپا و شاید مخصوصا تهیه مجموعه‌ی خیلی کاملی از فهرست کتبی شرقی که در اروپا موجود است و کتبی که فرنگیها در باب ایران نوشته‌اند، همچنین خرید و تهیه کتب مفیده در این رشته‌ها برای کتابخانه‌های دولتی و ملی ایران و کتابخانه مجلس و غیره شاید نوشته مقالات علمی در مجلات علمی ایران مانند مجله آموزش و پرورش و نیز راهنمائی به محصلین ایرانی که برای تکمیل موقت در رشته‌های زبان و تاریخ شرقی به فرنگستان می‌آیند و سعی منظم در ارسال کلیه اخبار علمی جدید و کتب و مقالات منتشره در اروپا و آمریکا در باب ایران و اسلام به وزارت فرهنگ و نظیر اینها به او رجوع شود، مناسب است و اگر خواسته شود ممکن است تألیف یا ترجمه‌ی بعضی از کتب مخصوصا به ایشان رجوع شود و هکذا. و نیز مشارالیه می‌تواند اگر صلاح بدانند راپورتهای جامع و عمیقی از معارف این سامان و ترتیب مدارس و مخصوصا دارالفنون‌ها مانند آکسفورد، کمبریج و پروگرام آنها و غیره به وزارت متبوعه منظما ارسال دارند. اینها که ذکر شد و کارهای بسیاری نظیر آنها از عهده آقای مینوی ساخته است و بنظر اینجانب بهترین خدمتی که می‌توان به ایشان رجوع کرد، بکار انداختن مایه خود اوست در رشته علوم اسلامی یعنی تاریخ و ادبیات و زبان فارسی و عربی و کتب قدیمه شرقی که رشته‌ی اختصاصی خود اوست و باصطلاح جدید وی متخصص در این رشته است...

سفیرکبیر- سیدحسن تقی‌زاده

(1355 -1282 ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد و همراه پدر به سامرا رفت. تحصیلات ابتدایی را در سامرا و تهران و تحصیلات عالی را در دارالفنون و دارالمعلمین مرکزی تهران و کالج سلطنتی و مدرسه‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی لندن گذراند. در حدود 1305 ش در مجلس شورای ملی سمت تندنویسی داشت و پس از آن به ریاست کتابخانه‌ی ملی رسید. او ابتدا به پاریس و سپس همراه سید حسن تقی‌زاده به لندن رفت و در 1309 ش سرپرست محصلین آنجا شد. پس از بازگشت به ایران در تهران با صادق هدایت، بزرگ علوی، عبدالحسین نوشین، مسعود فرزاد و مین باشیان آشنا شد و اسم ربعه را برای گروه خود برگزیدند. مینوی پس از مدتی به انگلستان رفت و به کار

تألیف و تدریس و تعلیم پرداخت. او مدت ده سال برای بنگاه سخن پراکنی انگلستان (بی بی سی) گفتار فرهنگی تهیه می‌کرد. پس از بازگشت به ایران در دانشگاه ادبیات و الهیات تدریس می‌کرد. او بر اثر پافشاری برای عکس‌برداری از کتابهای کتابخانه‌های ترکیه به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شد. او بیشتر عمر خود را به تحقیق در متون قدیم ادبی و تاریخی زبان فارسی گذراند و در اواخر عمر سرپرستی بنیاد شاهنامه، که وزرات فرهنگ و هنر برای نشر درست‌ترین متن «شاهنامه» تأسیس کرده بود، را به عهده داشت. از استاد مینوی نزدیک به چهل کتاب از تألیف و ترجمه و تصحیح و حدود یکصد و شصت مقاله‌ی ادبی و انتقادی در مجلات ایرانی و خارجی به قلم او منتشر شده است. او همچنین در تهیه‌ی «فهرستی از نسخه‌های فارسی و مینیاتورهای ایرانی» کتابخانه‌ی چستربیتی ایرلند همکاری داشته است. از آثار وی: «پانزده گفتار»، درباره‌ی چند تن از رجال ادب اروپا از اومیروس تا برناردشاو؛ «شیر و خورشید»، «اطلال شهر پارسه تخت جمشید»، ترجمه؛ «داستان هزار دستان»، ترجمه؛ «شاهنشاهی ساسانیان»، ترجمه؛ «کشف دو لوح تاریخی در همدان»، ترجمه؛ تصحیح و توضیح «ترجمه‌ی کلیله و دمنه» نصرالله منشی؛ تصحیح «راحة الصدور و آیة السرور»، در تاریخ سلجوقیه ایران و عثمانی، نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی؛ تصحیح «داستان ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی؛ تصحیح دو سوم «سیاست نامه»، تصحیح «عیون الحکمة» ابن‌سینا؛ تصحیح «السعادة و الاسعاد» ابوالحسن العامری؛ تصحیح و تعلیقات «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» شهاب‌الدین محمد خرندزی؛ تصحیح و توضیح «دیوان» ناصر خسرو، با همکاری دکتر مهدی محقق؛ تصحیح «نوروزنامه» خیام؛ مقدمه‌هایی بر کتب مختلف از جمله کتاب «مازیار» صادق هدایت و «تفسیر قرآن پاک».[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (132، 88، 77)، از نیما تا روزگار ما (220 -179)، شخصیتهای نامی (466)، دایرةالمعارف فارسی (2974/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3458، 3377، 3366، 3233، 3029، 2854، 2676، 2638، 2294، 2189، 2087، 2058، 1797، 1694، 1612/، 2 /1340، 932، 895، 875، 575، 586، 302، 277، 244، 34/ 1)، لغت نامه (ذیل/ مینوی)، مؤلفین کتب چاپی (182 -179/ 5).

ناتل خانلری، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1292 ش)، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، زبانشناس و محقق. در تهران متولد شد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به دانشکده‌ی ادبیات راه یافت و موفق به دریافت لیسانس ادبیات فارسی شد و در ضمن تدریس، در مدارس تهران، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. وی با نگارش رساله‌ی «تحقیق در عروض فارسی»، موفق به دریافت درجه‌ی دکتری شد و پس از آن سمتهای مختلفی چون: کارمند اداره‌ی آموزش وزارت فرهنگ، ریاست انتشارات و روابط عمومی داتنشگاه دانشیاری زبان فارسی را بر عهده گرفت. در سال 1327 ش برای تکمیل تحصیلات خود به اروپا رفت و دوره‌ی انستیتو دوفونتیک زبان‌شناسی پاریس را گذراند و دو سال بعد به ایران بازگشت و با سمت استادی به تدریس تاریخ زبان فارسی مشغول شد. وی از دوران تحصیل در دبیرستان، همکاری خود را با نشریه‌ی «مهر» شروع کرد و از سال 1322 ش خود به انتشار مجله‌ی «سخن» پرداخت. از دیگر اقدامات او طرح سپاه دانش، تاسیس بنیاد و فرهنگ، و تاسیس یازده موسسه‌ی مختلف فرهنگی از قبیل: فرهنگستان ادب و هنر، فرهنگستان زبان، بنیاد شاهنامه، انجمن فلسفه و حکمت، استاد فرهنگی آسیا، که پس از پیروزی انقلاب همه‌ی این موسسات درهم ادغام، و به نام موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی درآمد. دکتر خانلری، شاعری توانا بود و انواع شعر را با مهارت و زیبایی می‌سرود. معروفترین شعر بلندی که سبب شهرت او شد، منظومه‌ی «عقاب» است. دکتر خانلری در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: 1- تالیفات: «تاریخ زبان فارسی»، در سه مجلد؛ «وزن شعر فارسی»؛ «زبان شناسی»؛ «دستور زبان فارسی»؛ «شهر سمک»؛ 2- تصحیح: «دیوان حافظ»؛ «سمک عیار»؛ «داستانهای بید پای»؛ 3- ترجمه: «شاهکارهای هنر ایرانی»؛ «تریستان و ایزوت»؛ 4- شعر: «ماه در مرداب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از بهار تا شهریار (469 -462)، چون سبوی تشنه (103 -102)، سخنوران نامی معاصر (1262 -1254 /2)، شخصیتهای نامی (175 -174)، صدف (260 -247)، فرهنگ سخنوران (299)، مولفین کتب چاپی (170 -167 /2).

نادرپور، نادر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نادر نادرپور، به روز شانزدهم خردادماه 1308 هجری خورشیدی در تهران زاده شد. وی پس از گرفتن لیسانس زبان فرانسه از دانشگاه سوربن، به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. سپس در سال 1343، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجا و رم به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، از سال 1351 تا 1357، سمت سرپرستی گروه ادب امروز را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار بود و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت. در مرداد ماه ماه 1359 از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت ماه 1365 در آن شهر اقامت داشت. در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال 1365 به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت و پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، آغاز کرد. نادر پور در بهار سال 1379 در آمریکا از دنیا رفت.گروه : علوم انسانیرشته : زبان خارجیتحصیلات رسمی و حرفه ای : نادر پور دوره های دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند سپس برای تحصیل در رشته ادبیات فرانسه به دانشگاه سوربن پاریس رفت. او همچنین در سال 1343، برای تکمیل مطالعات خود در زبان و ادبیات ایتالیایی به آن سرزمین رفت و در شهرهای پروجا و رم به تحصیل پرداخت.زمان و علت فوت : نادر نادر پور در بهار سال 1379 در آمریکا از دنیا رفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نادرپور پس از گرفتن لیسانس به تهران بازگشت و در طول سالیان متمادی، نخست در بخش خصوصی و سپس به عنوان کارشناس پیمانی در وزارت فرهنگ و هنر، به انتشار ماهنامه های " هنر و مردم " و " نقش و نگار " ادامه داد و مدتی مسئولیت سردبیری آنها را بر عهده داشت. از سال 1351 تا 1357، سمت سرپرستی گروه ادب امروز

را در رادیو تلویزیون ملی ایران عهده دار شد و برنامه هایی درباره زندگی و آثار نوآوران ادب معاصر ساخت.فعالیتهای آموزشی : نادر پور پاره ای از برنامه های ادبی و فرهنگی خود را،چه از طریق تدریس در کلاسها و چه از راه سخن گفتن در رادیو و تلویزیون، ارائه می کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نادر پور در مرداد 1359 از تهران به پاریس رفت و تا اردیبهشت 1365 در آن شهر اقامت داشت. او در همانجا، به عضویت افتخاری اتحادیه نویسندگان فرانسه برگزیده شد و در مجامع و گردهمایی های گوناگون شرکت جست و سخن راند. در بهار سال 1365 به دعوت بنیاد فرهنگ ایران در بوستون، عازم آمریکا شد و از آن پس، به سخنرانی های متعدد در دانشگاه های هاروارد، جرج تاون، یو.سی.ال.ای، برکلی و اروین پرداخت.چگونگی عرضه آثار : 1367 هفت جلد از این مجموعه ها با چاپ های متعدد در تهران و هشتمین آن، نخست در پاریس و سپس همراه جلد نهم توسط شرکت کتاب در لوس آنجلس منتشر شده است. علاوه بر این مجموعه ها، دو جلد برگزیده اشعار نادر نادرپور نیز در تهران، بارها به طبع رسیده است. از این اشعار، ترجمه های گوناگون به زبانهای فرانسه، انگلیسی، روسی، آلمانی، و ایتالیایی انتشار یافته است. نادر پور، اشعار بسیاری از شاعران بزرگ فرانسوی و ایتالیایی را به فارسی ترجمه کرد و مجموعه ای از آثار گروه اخیر را زیر عنوان " هفت چهره از شاعران معاصر ایتالیایی " به همراهی " بیژن اوشیدری " انتشار داد.

نادم، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن نادم
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و 2 سال از مقطع راهنمائی، در سال 1356 در سن 14 سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیة الله گلپایگانی (ره)»، در سال 1359 در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایة، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیة الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.
در سال 1365 موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت 7 سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیة الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال 1372 وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.
بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم.

پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.
با گذشت این دورانها در سال 1376 تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال 1381 به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناشر الاسلام، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدحسین ابن السید محمد بن السید نعمه‌الله بن السید محمدحسین بن السید حسن‌علی بن السید علی‌اکبر بن السید عبدالله بن السید نورالدین بن السید نعمت‌الله الجزایری بن السید عبدالله بن السید محمد بن السید حسین بن السید احمد بن السید محمود بن السید غیاث‌الدین بن السید مجدالدین بن السید نورالدین بن السید سعیدالدین ابن السید عیسی بن السید موسی بن السید عبدالله بن الامام الهمام موسی الکاظم علیه‌السلام.
مترجم محترم ما از علماء اعلام و آیات عظام و حجج اسلام معاصر ما می باشند که اکثر عمر خویش را در راه تبلیغ دین و ترویج مذهب گذرانیده و تحمل مشاق و شدایدی نموده و خدماتی بنانا و بیانا انجام داده و برای انجام وظائف دینی و روحی مسافرتهای خطرناکی نموده است.
در سال 1305 قمری یعنی 88 سال قبل در شهر شوشتر متولد شده و در مهد علم و شرافت و مجد و سیادت نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را نزد علماء آن سامان خوانده در سال 1377 قمری مهاجرت به عراق کرده و مدتی در سامرا اقامت و از آنجا به نجف اشرف عزیمت کرده و از محضر آیات عظام میرزا علی ایروانی و شیخ محمدتقی قمشه‌ای و آیت‌الله العظمی السید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرده است و پس از آن سفری به هند نموده برای معالجه چشم و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفته و یکسال توقف آنگاه به نجف برگشته و بعد از مدتی باز مسافرت به آفریقا کرده و بعد از اطلاع آیت‌الله العظمی اصفهانی از سفر ایشان به وسیله ارسال نامه‌ای امر به توقف در آن سامان نموده برای ارشاد و به سرپرستی شیعیان آفریقا در جزیره (ماداگاسگار) توقف نموده تا موقع جنگ جهانی که 7 سال اقامت کرده و از آنجا به زنگبار رفته و یکسال توقف و در مسجد (قوه الاسلام) آنجا امامت نموده و از آنجا به مکه مشرف و پس از اداء مناسک به نجف اشرف مراجعت کرده و در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی هم به امر معظم‌له مسافرت سوم به آفریقا نموده و دو سال تمام توقف و انجام وظائف کرده و در آنجا به تالیف کتب دینیه در فقه و عقاید و اخلاق به زبان کجراتی کرده و چون آثار ضعف و انکسار در وی بارز گشته از افریقا مراجعت به نجف اشرف نموده تا سال 1391 قمری که مانند ده‌ها هزار

نفر ایرانی دیگر اخراج به ایران و رحل اقامت در قم افکنده است.
آثار علمی و تالیفات ارزنده و مفیده ایشان از این قرار است:
1- بستان اسلام در اخلاق بلغت کجراتی که دو بار در سال 1364 و 1366 به طبع رسیده 2- نورالهدایه در فقه بلغت کجراتی در سال 1366 طبع شده است.
3- وسیله الناشریه در عقاید بلغت کجراتی در سال 1366 منتشر شده 4- کشکول الناشریه در لغت فارسی.
5- اسلام و دانش در اجتماع فارسی 6- عشرات ناشریه در مواعظ 7- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه فقد عرف ربه) 9- طلب الثار فی احوال المختار مع ذکر تاریخ میثم 10- حدیقه عاطره در مطالب دینیه اخلاقیه و حکمیه و غیرها.
و آثار مخطوط دیگری دارند که هنوز به طبع نرسیده است.
(1305- ز 1391 ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در 1337 ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشه‌ای و آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یک سال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره‌ی ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یک سال در مسجد قوةالاسلام آنجا اقامه‌ی جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت‌اللّه بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آنگاه به نجف مراجعت نمود و در 1391 ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق، به زبان گجراتی؛ «نورالهدایة»، در فقه، به زبان گجراتی، «وسیلة الناشریة»، در اصول، به زبان گجراتی، «کشکول الناشریة»، فارسی؛ «العشرات الناشریة»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره»، در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی، «طلب الثار»، در احوال مختار با ذکر تاریخ میثم.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (485)، الذریعه (85/ 25، 385/ 24، 264/ 15)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 652/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (281 -280/ 2).

ناصح تهرانی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1277 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب‌اللّٰه مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی یافت. او در 1300 ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه‌ی اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را برعهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی، صاحب تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»، مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی: «اندرز ابن‌سعید»، ترجمه؛ «سیره‌ی جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی، شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانی»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (496 -494)، الذریعه (1153 -1152/ 9)، سخنوران نامی (445 -437/ 2)، سخنوران نامی معاصر (3564 -3559/ 6)، فرهنگ سخنوران (910 -909)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1580، 1499، 1498، 866، 353/ 1)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 58 -57)، گلزار جاویدان (1283/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (428 -427/ 4).

ناصح، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد مهدی ناصح در آذر ماه 1318 در زهان قاینات پا به عرصة وجود نهاد.ایشان دارای دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال1361 است. وی پس از طی مراتب و مدارج علمی استادیاری ،دانشیاری از سال 1374 تا 1382 به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد نائل آمد .دکتر ناصح پس از 44 سال خدمت آموزشی به افتخار بازنشستگی نایل گشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات فارسی
والدین و انساب : محمد مهدی ناصح فرزند شیخ محمد حسین چهکندوکی است که پدرش به شغل معلمی اشتغال داشت.همه نسل های گذشته دکتر ناصح (10 الی 12 نسل) همگی اهل علم بودند.اجداد قدیمی او از کرمانشاه بودند که در عهد صفوی به ناطق خراسان آمدند.خاندان ناصح در منطقه بیرجند ،خاندان بزرگی بود که به تحصیل و علم آموزی معروف بودند.
خاطرات کودکی : محمد مهدی ناصح از مدتها پیش برای نوشتن شرح حال خود به نظم ونثر اقدام کرده که بخشی از آن با عنوان “فرشتة یاد” در کتاب پاژ 15 به چاپ رسانیده است.دکتر ناصح این دوران را به بازی کودکانه و بازیگوشی گذراند و همین امر باعث می شد که از طرف پدر مورد تنبیه قرار گیرد.تحصیلات ابتدایی را در روستاهای مختلف بیرجند به تحصیل پرداخت.با گویشهای محلی آن مناطق آشنا شد او از اول دبیرستان یادداشتهایی در این زمینه دارد که بعد آنها را بصورت آثاری درآورده و به چاپ رسانید. در این آثار می توان دوبیتی های عامیانه مردم خراسان جنوبی و شعر غم شامل رباعیهای بیرجندی و پاره ای از امثال و حکم بود (که در حال تدوین است) اشاره کرد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد مهدی ناصح در خانواده ای فرهنگی و مذهبی بدنیا آمد. از لحاظ اقتصادی در شرایط متوسطی بودند. ولی در سالهای 1324 که سالهای قحطی بود و مادر دکتر ناصح مجبور بود که غذای خانواده را جیره بندی کند.دکتر ناصح از آن دوران چنین به خاطر می آورد:" در عین کودکی به این امر واقف بودیم که راه زندگی قناعت

است. به ما گفته بودند که هرکس بخواهد دارای عقل و هوش باشد باید به اندازه گوشش نان بخورد و من سعی می کردم در همین حد به نان ساده قناعت کنم."
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی ناصح دوران مدرسه را از سال 1324 دریکی از روستای بیرجند آغاز کرد. پس از آن دوران تحصیل در دبستان را در روستای بورنگ و بجد ادامه داد وسرانجام در دبستان شوکتیة بیرجند به پایان برد. دوران دبیرستان را در بیرجند بین سالهای 1331تا 1335 ادامه داد. در این سال بود که در آزمون دانشسرای مقدماتی بیرجند پذیرفته شد و دوسال بعد از مهرماه 1337 به خدمت درادارة فرهنگ(آموزش وپرورش) بیرجند درآمد و دوران معلمی را آغاز کرد. وی در سال 1344در دورةکارشناسی زبان وادبیات فارسی دانشگاه مشهد پذیرفته شد و این دوره را در سال 1349 به پایان برد و همان سال بلافاصله در دورة کارشناسی ارشد همان دانشگاه که به تازگی آغاز شده بود، به تحصیل پرداخت و دوسال بعد به عنوان اولین فارغ التحصیل دورة کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد این دوره را با رتبة ممتاز به پایان رسانید. در سال 1353 به پیشنهاد زنده یاد دکتر یوسفی به دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و به عنوان مربی کار آموزشی خود را در دانشگاه آغاز کرد. در سال 1355 که دورة دکتری دراین دانشگاه تأسیس شد به عنوان نخستین داو طلب برای تحصیل دراین دوره پذیرفته شد. 6 سال بعد که وی به سال 1361 از پایان نامة دکتری خود با رتبة ممتاز دراین دانشگاه دفاع کرد، در واقع او نخستین فارغ التحصیل این دوره از دانشگاه فردوسی مشهد نیز به شمار می آمد.
خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مهدی ناصح در دوران تحصیل به دروس بحث و کلام بیش از همه چیز اهمیت می داد. دکتر ناصح در این باره می گوید: "قلم و کاغذ در زمان ما کمتر بود و بیشتر نوشته هایم روی لوح انجام می گرفت،لوح چوبی که بعد آن را می شستیم و خشک می کردیم و بار دیگر از آن استفاده می کردیم."
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد مهدی ناصح در حین تحصیل به جزء مطالعه کتاب و تهیه یادداشت و همچنین تهیه مقالات و رساله به کار دیگری اشتغال نداشتند.
استادان و مربیان : مرحوم احمد احمدی (از استادان در بیرجند) ، مرحوم یوسفی ،دکتر فاضل ،دکتر مقینی ،دکتر شهابی و غیره (از دوره دانشکده) از اساتید محمد مهدی ناصح بودند.
هم دوره ای ها و همکاران : دکتر محمد رضا راشد ،دکتر محمد تقی راشد ، مرتضی ناصح (برادرش) ،دکتر سلیمی ، دکتر رفیعی و آقای باقرپور و جمعی دیگر از همدوره ایهای دکتر محمد مهدی ماصح بودند.

همسر و فرزندان : محمد مهدی ناصح متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم آیت اللهی ،دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در رشته جغرافیا است. ایشان دارای یک فرزند پسر بنام علی ناصح و دو فرزند دختر بنام های الهه ناصح و دیگری هایده ناصح.خانم الهه ناصح دارای مدرک پزشکی بود که بر اثر یک بیماری ناشناخته ای درگذشت و دومی خانه دار است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - 1353 تا 1361 مربی دانشگاه فردوسی مشهد - 1361 تا 1367 استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد - 1367 تا 1374 دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد - 1374 تا مهر 1382 استاد دانشگاه فردوسی مشهد
فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی ناصح در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد به امر تدریس می پرداختند.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد مهدی ناصح بانی یک مدرسه و همچنین دوره تحصیلات تکمیلی چند دانشگاه بوده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی ناصح در کنار تدریس به کارهای تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به راهنمایی رساله های دانشجویی می پردازد
جوائز و نشانها : محمد مهدی ناصح یک جایزه مشترک با همکاری دیگر همکاران در باب تصحیح تفسیر ابوالفتوح رازی دریافت کرده است.
چگونگی عرضه آثار : محمد مهدی ناصح بیشتر از 70 مقاله در نشریات علمی کشور بچاپ رسانیده است. او همچنین در 33 کنگره، کنفرانس ونشست علمی در داخل وخارج از کشور با ارائة مقاله شرکت داشته است.ایشان همچنین بیش از 100 رساله در دوره های کاردانی ،کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی کرده است. ----------
---
آثار :
1 راهنمای نگارش و ویرایش
ویژگی اثر : انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، سال 1363، با همکاری آقای دکتر محمدجعفر یاحقی. چاپ شانزدهم، بهنشر مشهد، سال 1379.
2 روض‌الجنان و روح‌الجنان
ویژگی اثر : مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، در 20 جلد، ؟ آقای دکتر یاحقی جلداول و دوم سال 1371، جلد سوم سال 1370، جلد چهارم و پنجم سال 1372، جلد ششم سال 1374، جلد هفتم سال 1375، جلد هشتم و جلد نهم سال 1366، جلد دهم سال 1368، جلد یازدهم و دوازدهم سال 1367، جلد

سیزدهم سال 1368، جلد چهاردهم و پانزدهم سال 1369، جلد شانزدهم سال 1365، جلد هفدهم سال 1366، جلد هیجدهم، نوزدهم و بیستم یال 1375.

3 شعر دلبر، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی دفتر اول

ویژگی اثر : انتشارات محقق، مشهد، سال 1373.

4 شعر دلدار

ویژگی اثر : در دست چاپ

5 شعر غم

ویژگی اثر : انتشارات مرکز خراسان‌شناسی، مشهد سال 1379 شامل 292 صفحه

6 شعر نگار، دوبیتی‌های عامیانهٔ بیرجندی

ویژگی اثر : دفتر دوم انتشارات محق، مشهد سال 1377.

7 گزیدهٔ «مرصادالعباد»

ویژگی اثر : انتشارات جامی، تهران سال 1373

8 گنج شایگاهان

ویژگی اثر : انتشارات شورای گسترش زبان وادبیات فارسی، تهران سال 1374.

ناصح، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی ناصح
محل تولد : قایات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/9/1

زندگینامه علمی
محمد مهدی ناصح فرزند مرحوم شیخ محمد حسین ناصح چهکندوک است. وی در آذرماه سال 1318 خورشیدی در روستای زهان (از محلات معتبر و آباد قاین و بیرجند) پا به عرصه‌ی هستی نهاد. خانواده، اجداد و در گذشتگاه ناصح همه اهل علم و ادب و دیانت بوده‌اند. محمد مهدی ناصح دوران کودکی و نوجوانی را به دلایلی چند «از جمله: اشتغال پدرش به کار معلمی»، در بیرجند و توابع این شهرستان سپری کرده است. این دوره از زندگی ناصح مصادف است با دوران تحول فرهنگی در شهرستانها و افتتاح پیاپی مدارس جدید در روستاها و شهرها و رواج نسبی تحصیلات و تعلیمات عمومی به شیوه‌ی جدید.
نام برده به سال 1324 شمسی در کلاس اول دبستان «گز یک» پای به مدرسه نهاد و تا سال دوم دبستان در همان محل سپری کرد. پس از آن جا به «بورنگ»: (محلات بیرجند) آمد و کلاس سوم و چهارم دبستان را در آن جا گذراند. پس از آن به «قصبه‌ی بجد» در نزدیکی بیرجمند انتقال یافت و سال پنجم را در آن جا تحصیل کرد و پس از آن به بیرجند نقل مکان نمود و در کلاس ششم دبستان شوکی بیرجند، ادامه تحصیل داد.
ناصح در سال 1331 وارد دبیرستان شد و پس از گذراندن سه ساله‌ی اول دبیرستان (سیکل اول) در دبیرستان شوکی آن زمان از سال 1335 در کنکور مربوط به پذیرش محصل در دوره «دانش سرای مقدماتی» شرکت کرد و در این دوره قبول شد و پس از گذراندن دوران دو ساله‌ی دانش‌سرا، در مهر ماه سال 1337 در شهرستان «قاین» به خدمت اداره فرهنگ (سازمان آموزش و پرورش فعلی) درآمد و تا سال 1344 در مدارس این شهر به تدریس در دوره‌ی ابتدایی اشتغال داشت.
ناصح به سال 1344 در دانشکده‌ی «ادبیات و علوم انسانی» دانشگاه

فردوسی مشهد، دوره‌ی لیسانس پذیرفته شد و پس از گذشت مدت 4 سال، از این دوره فارغ التحصیل شد. در تمام این مدت نیز به خدمت فرهنگی در مدارس شهر مشهد اشتغال داشته است. نیز وی در سال 1350 شمسی در کنکور دوره‌ی فوق لیسانس «زبان و ادبیات فارسی» دانشکده‌ی ادبیات مشهد شرکت کرد و در سال 1352 این دوره را به عنوان اولین دانشجوی فارغ التحصیل دوره‌ی فوق لیسانس با درجه‌ی عالی به پایان رساند. همچنین وی به سال 1355 در دوره‌ی دکتری «زبان و ادبیات فارسی» در دانشگاه فردوسی مشهد شرکت کرد و پذیرفته شد و سرانجام در سال 1361 شمسی، به عنوان نخستین فارغ التحصیل دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی این دوره را با درجه‌ی ممتاز گذرانید.

ناصح‌الممالک بروجردی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1310 -1248 ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصح‌الممالک. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در 1282 ش کودکستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح‌الاطفال»؛ «دیوان» شعر.[1]
حاجی اسماعیل‌خان متخلص به ناصح (و. بروجرد 1248. ف. تهران 1310 ه.ش) وی در 16 سالگی با پدر به مکه رفت و مدتی در باکو، تفلیس، گنجه سیاحت کرد و در آن نقاط ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد، سپس در تهران در خدمت معارف داخل شد و عمر خود را در تربیت اطفال و اداره‌ی کودکستان می‌گذراند. شعر نیز به حد متوسط می‌سرود. در حیاط امامزاده حمزه، جنب زاویه‌ی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (1126)، الذریعه (168/ 24)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3277/ 2)، گلزار جاویدان (1586/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (616 -615/ 1).

ناصر ترک یزدی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 -1274 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ناصر. وی نواده‌ی میرزا علی‌اکبر ترک، از دودمان جوانشیر و از مهاجران قفقاز بود. در یزد به دنیا آمد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت و علوم فارسی و عربی را فراگرفت و از کودکی به سرودن شعر روی آورد. وی در بیست سالگی به علت نامعلومی از نعمت بینایی محروم گردید و به همین دلیل اغلب اشعار خود را حفظ می‌کرد. او در 1328 ش روزنامه‌ی «ناصر» را در یزد تأسیس و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (757 -750)، الذریعه (1158/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3569 -3565/ 6)، فرهنگ سخنوران (913 -912).

ناصر خسرو

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(485/ 481 -394 ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانة‌الادب» و «تذکرة‌الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من 425 ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در 432 ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در 437 ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار

بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرةالعرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاة شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر باللّه ابوتمیم معد بن علی (487 -427 ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرةالنعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین 453 تا 456 ق و به گفته‌ی بعضی در 461 ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (485 ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[1]
حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (394 ه.ق- 481 ه.ق) ملقب

به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال 437 ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاة سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در 444 ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1032 -1009/ 3)، اعیان‌الشیعه (204 -202/ 10)، با کاروان حله (101 -85)، بهشت سخن (223 -193)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ صفحات متعدد، 898 -893، 469 -443/ 2)، تاریخ ادبی ایران (581 -580، 578، 441، 406، 133/ 1)، تاریخ گزیده (753)، تاریخ نظم و نثر (60 -58)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (251 -248 169،)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرة‌الشعراء (73 -69)، تقویم‌التواریخ (93)، چشمه‌ی روشن (90 -76)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (1054 -1048)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (457 -456/ 2)، دایرة‌المعارف فارسی (2993 -2992/ 2)، دویست سخنور (420 -417) الذریعه (108/ 18، 191 -190، 181، 11 -10 / 12، 272/ 11، 1154/ 9، 361 -360، (151/ 8، 274/ 7)، روضات الجنات (150 -149/ 8)، ریاض‌العارفین (234 -232)، ریحانه (103 -100/ 6)، سبک‌شناسی (158 -155، 153 -151، 52/ 2، 424، 401/ 1)،

سخن و سخنوران (198 -154)، شرح سی قصیده (17 -8)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (87 -83)، صبح گلشن (119 -118)، طرائق‌الحقائق (557 -556/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (499 -497)، فرهنگ سخنوران (912 -911)، کارنامه‌ی بزرگان (128 -127)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (991 ،990 ،143)، گنج و گنجینه (575 -567)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (349 -348)، مجمع‌الفصحا (1405 -1359/ 3)، مرآة‌الخیال (28 -27)، مؤلفین کتب چاپی (508 -503/ 6)، هدیة‌العارفین (487/ 1)، هزار سال شعر فارسی (70 -64)، هفت اقلیم (358 -348/ 2)، هفت گنج کومش (133 -130)، یغما (س 11، ش 1، ص 23 ،19).

ناصرالسلطنه تبریزی، نصراللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1240- ح 1312 ق)، خطاط. ملقب به دبیرالسلطنه و ناصرالسلطنه. وی مدتها عهده‌دار امور خالصه‌ی تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصرالسلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (940/ 3)، شرح حال رجال (349 -348/ 4).

ناصرالشعرای شیرازی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1329 ق)، روزنامه‌نگار. ملقب به ناصرالشعراء. در 1329 ق هفته‌نامه‌ی «زمان وصال» را در رشت تأسیس و منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (11/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (283/ 1)، کتاب گیلان (667/ 3).

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّةالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیة الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجفاشرف، حضرت آیة الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجفاشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفتجوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجفاشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت

کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، میسپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان میپرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا میشوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز

می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو’ از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

ناصری کلهر کرمانشاهی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به ناصری. پدرش در جریان درگیری بین محمدحسین میرزای حشمت‌الدوله با محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه در 1246 ق کشته شد. ناصری طبعی موزون داشت و شعر می‌سرود و در اشعار خود اختر تخلص می‌کرد. وی به عتبات عالیات رفت و مدتی در آنجا تحصیل نمود تا در زمره‌ی فضلا قرار گرفت و با دریافت اجازه از علمای بزرگ به کرمانشاهان رفت و به تدریس و وعظ پرداخت و به اصرار دوستان و آشنایان تخصلش را به ناصری تغییر داد. از اوست:
شاه دین‌پرور علی امیدگاه خسروان
داور دولت نگهبان پادشاه خسروان
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (1814 -1810/ 3)، فرهنگ سخنوران (913).

ناطق تبریزی، ناصح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1284/ 1280 ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه‌خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیر کل سازمان راه‌آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکو را، که از کارهای مهم آن ساختمان سد کرج و سد سپیدرود بود، به عهده داشت. وی همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او». از ترجمه‌های وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلوستر بونارد»، «شاهزاده خانم»، «آنژلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (638 -635/ 3)، سخنوران نامی معاصر (3591 -3589/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3209 ،2077 ،1992 :1935 ،1886/ 2 ،1364- 1363 ،1053 ،26/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (498 -497/ 6).

ناطق، ناصح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، محقق، مترجم.
تولد: 1284، تبریز.
درگذشت: 25 مهر 1364، تهران.
ناصح ناطق فرزند جواد (از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشروطیت) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رسانید. سپس به عزم ادامه‌ی تحصیل در خارج از کشور، در امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد، پذیرفته شد و به فرانسه رفت و در آنجا به اخذ درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی راه و ساختمان نایل آمد. پس از بازگشت به ایران مدتی در وزارت راه خدمت کرد و متجاوز از هشت سال مدیریت کل ساختمان راه‌آهن و یک چند نیز عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود. وی از اعضای مؤسس شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود و از سال 1356 تا پایان عمر ریاست هیئت شرکت را بر عهده داشت .وی در زمینه‌ی زبان فارسی و معادل‌یابی برای واژه‌های فنی و علمی فعالیت بسیار داشت و در این راه با غلامحسین مصاحب و دیگران همکاری داشت. وی یکی از مؤسسین جمعیت آذربایجان بود.
ناصح ناطق پس از شهریور 1320 به همراه گروهی از ایرانی‌ها، به عنوان دوستدار آلمان‌ها به زندان متفقین گرفتار شد و مدت‌ها در اراک زندانی بود.
فهرست آثار وی به شرح زیر است: بحثی درباره‌ی زندگی مانی و پیام او (تهران، 1357)؛ ترجمه‌ی کتاب آدمک حصیری (اثر آناتول فرانس، 1351)؛ ترجمه‌ی بخش اول جلد چهارم تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر (1353)؛ «درباره‌ی زبان آذربایجان» (بخشی از کتاب مجموعه سخنرانی‌های کانون فرهنگی ایران جوان، 1351)؛ ترجمه نمایشنامه‌ی آنژلیکا؛ ترجمه‌ی جنایت سیلوستربونارد (آناتول فرانس، 1330)؛ شاهزاده خانم بابل (ولتر، 1339)؛ ایران از نگاه گوبینو. مقالاتی از وی در مجلات و روزنامه‌های مختلف و از جمله در «راهنمای کتاب» و «یغما» به چاپ رسیده است.
فرزند جواد ناطق یکی از آزادیخواهان تبریز در دوره‌ی مشروطیت بود که خدمات وی در غالب کتبی که درباره‌ی نهضت مشروطیت منتشر گردیده بود بوضوح و روشنی درج شده است. علاوه بر آن یکی از شیفتگان زبان و

ادب فارسی بود.
ناصح در 1284 در شهر تبریز پا به عرصه وجود گذاشت و در شش سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد و در مدرسه‌ای درس خواند که اسمعیل امیرخیزی ادیب مشهور رئیس آن مدرسه بود. پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی به اروپا رفت و در رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان درجه‌ی علمی عالی گرفت و به ایران بازگشت و در وزارت راه اشتغال ورزید. پس از مدت کوتاهی رئیس اداره و مدیر کل شد و زمانی نیز رئیس راه‌آهن بود. مدتی هم عضویت شورای عالی سازمان برنامه را داشت. وی در راه‌سازی در ایران خدمات برجسته‌ای انجام داد و در احیاء ساختمانهای قدیمی و نوسازی آنها زحمات زیادی متحمل شد.
مهندس ناطق گذشته از رشته‌ی تخصصی خود یک مترجم عالیمقام و ادیب پرمایه و فرهنگی پرتوان بود. بنا به نوشته‌ی آقای ایرج افشار «ناطق به زبان فارسی با نگاهی علمی، فرهنگی و ملی می‌نگریست و بدان اهمیت بسیار می‌داد و کوششهای باارزشی در این راه کرد از آن جمله است همراهی و همکاری با مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب و مهندس صفی اصفیا، احمد آرام، دکتر گل‌گلاب و مصطفی مقربی برای یافتن و گزینش معادلهای فارسی برای واژه‌ها علمی و فنی مورد نیاز دائره‌المعارف. حاصل کار آنها فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی شامل حدود هفتصد و پنجاه واژه است.»
از ناطق آثار ادبی زیادی باقی مانده است. از ترجمه‌های او می‌توان جنایت سیلوستر بونارد، دختر کلمانتین و آدمک حصیری آناتول فرانس را نام برد. پنج نمایشنامه ولتر را هم ترجمه کرد. کتاب ایران از نگاه گوینو از دیگر آثار اوست. وی در 1364 در تهران درگذشت.
ناصح مردی خیر بود. همه سال مبلغی اعتبار درنظر گرفته بود و صرف خرید کتاب برای کتابخانه‌ی ملی تبریز اختصاص می‌داد. همچنین مقدار زیادی کتاب برای محققین ایرانی فرانسه که مورد لزوم بود به مؤسسه‌ی مطالعات ایرانی دانشگاه پاریس می‌فرستاد. همچنین مبلغ قابل توجهی برای ساختن بیمارستانی در تبریز پرداخت. او یکی از پایه‌گذاران شرکت مؤلفان و مترجمان بود.
مرحوم ناصح در سال 1322 به اتفاق عده‌ای از رجال و افسران ارتش و مدیران و مهندسین راه‌آهن از طرف متفقین به جرم ژرمانوفیلی بازداشت و در اراک زندانی شد. این دوره اسارت قریب یک سال بطول انجامید.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

ناطقی، غلامحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلام حسین ناطقی
محل تولد : بامیان
شهرت
تابعیت : افغانستان
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب غلام حسین ناطقی تبعه افغانستان در سال 1354 شمسی در خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم و پس از دوران کودکی به دلیل تعطیل بودن مدارس دولتی به خاطر انقلاب به مکتب خانه رفتم و در مدت 4 - 5 ماه حضور در آن، افزون بر آموزش روخوانی قرآن کریم، بر خواندن متون فارسی نیز تسلط پیدا کردم به گونه ای که به راحتی می توانستم هر متن فارسی را بخوانم به همین دلیل مورد تشویق معلم و بستگان به ویژه خانواده ام قرار گرفتم و آنان تشویق نمودند که طلبه بشوم ولی به خاطر تعطیل بودن مدرسه علمیه ای که در محل سکونت ما بود و نیز کم بودن سنم که مانع رفتنم در جای دیگر می شد؛ چند سالی نتوانستم به مدرسه علمیه بروم.
در سال 68 شمسی مدرسه علمیه «محمدیه» در نزدیک محل منطقه سکونت ما احیاء شد و من از فرصت استفاده نموده و به این مدرسه رفتم و به آموزش صرف و برخی از کتابهای جامع المقدمات مثل: (عوامل فی النحو و ملامحسن) مشغول شدم ولی به دلیل نبود امکانات به ویژه در دسترس نبودن استاد، اکثر ایام این مدرسه تعطیل بود. لذا در سال 1369 تصمیم گرفتم که به مدرسه علمیه «بلخاب» بروم و در آنجا ادامه تحصیل بدهم. پس از مسافرت به این مدرسه و مدتی تحصیل دریافتم که متاسفانه وضعیت این مدرسه نیز بهتر از مدرسه محل سکونت من نیست لذا بر آن شدم که به جمهوری اسلامی ایران بروم و در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم اسلامی بپردازم .
به همین منظور در اواخر پاییز 1370 شمسی عازم جمهوری اسلامی ایران شده و پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران و حضور در مرقد مطهر ثامن الائمه حضرت امام رضا به قم آمده و در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم. مدت دو سال به صورت آزاد درس خواندم و در سال 1373

در آزمون پذیرشی مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از قبولی دراین مرکز، مدت دو سال به همان شیوه سنتی (یعنی تمرکز دوره فقه و اصول) تنها و غافل از سایر علوم مورد نیاز یک روحانی و مبلغ تعالیم عالیه اسلام، ادامه تحصیل دادم ولی به این نتیجه رسیدم که این شیوه کارآیی کمتری دارد و نمی تواند پاسخگوی تمام نیازهای جامعه امروزی مسلمانان بوده باشد.
لذا در سال 1375 با توجه به سامان یابی آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی و هدایت بخشی از طلاب به مدارس علمیه، به مدرسه علمیه مومنیه رفته و سطح دوم حوزه را تا سال 1378 به پایان رساندم. در همین سال آزمون کارشناسی ارشد در رشته «علوم قرآن و حدیث» از سوی مرکز جهانی برگذار شد و در آن شرکت کرده و پذیرفته شدم. پس از این، به مدرسه عالی امام خمینی انتقال یافتم و در آنجا ادامه تحصیل دادم و سطح سه را در این مدرسه به پایان رسانده و در سال 1384 از پایان نامه خود تحت عنوان: «بررسی آرای شرق شناسان پیرامون گزارشات تاریخی قرآن» با درجه عالی دفاع نمودم و اکنون در سطح چهار حوزه مشغول به تحصیل می باشم.
ضمن اشتغال در دروس حوزه، در امتحانات دروس کلاسیک شرکت و به صورت جهشی امتحان داده و دیپلم خود را در رشته معارف اسلامی گرفتم. مدتی است که دست به قلم نیز هستم و در برخی از همایش های علمی پژوهشی شرکت کرده ام از جمله: اولین همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه که مقاله «واقع نمایی زبان قرآن در گزاره ها تاریخی» را ارائه دادم و از مقالات برتر شناخته شد و حق ارائه یافتم و آن را در کمیسیون تخصصی «قرآن و جامعه شناسی» ارائه و به سوالات اساتید پیرامون آن پاسخ دادم.

ناظرزاده کرمانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا محمد ناظر در 1296 تولد یافت و از دانشکده ادبیات تهران لیسانس گرفت. مدتی در وزارت کشور شاغل بود و آخرین سمتش در آن وزراتخانه معاونت فرمانداری تهران بود. از اهم مشاغل او شهرداری کرمان می‌باشد.
در انتخابات دوره شانزدهم که در 1328 انجام یافت ناظرزاده از طرف سیرجان وکیل شد و در دوره هفدهم نیز این سمت را احراز کرد و با جبهه ملی نزدیک شد و جزو فراکسیون جبه ملی در مجلس بود و قلما و قدما حکومت مصدق‌السلطنه را تأیید می‌کرد. بعد از مرداد 1332 از وکالت عزل و تحت تعقیب فرمانداری نظامی وقت قرار گرفت و به قلعه فلک‌الافلاک تبعید شد. یک قسمت از این تبعید مولود اختلافی بود که بین او و فرماندار نظامی تهران که در آن تاریخ سرتیپ فرهاد دادستان بود وجود داشت و گویا مورد هتک و حرمت هم شده و در حضور جمع او را مضروب ساخته بودند. سرتیپ مزبور با تلاش فراوان فرماندهی لشکر کرمان را برای خود دست و پا کرده بود، ولی چون وجهه زیادی نداشت و قوم و خویش نزدیک شاه بود ناظرزاده از این انتصاب جلوگیری و ابلاغ فرماندهی لشکر او را لغو ساخته، همین موضوع بعدا دردسر شدیدی پیش آورد.
دکتر ناظرزاده در 1331 درجه دکترای زبان و ادبیات از دانشگاه تهران گرفت و در دانشکده ادبیات و دانشکده معقول و منقول تدریس می‌نمود. وی نویسنده و شاعر بود و غیر از روزنامه شهرآشوب که مدتی در تهران انتشار می‌داد در روزنامه‌های مختلف مقاله می‌نوشت. ابتدا بیشتر مقالاتش جنبه سیاسی داشت بعد سلسله مقالاتی در ادبیات و عرفان و مسائل تحقیقی تاریخی به رشته تحریر درآورد. سبک و انشاء روان و ذوق ادبی و تاریخی به نوشته‌های او شیرینی خاصی می‌داد و گاهی با طنز و مطایبه همراه بود و خواننده را به تحسین وامی‌داشت. ناظرزاده کرمانی در آخر عمر از حلیه بینایی محروم شد و بیماری‌های مختلف گریبان او را گرفت و در حدود 60 سالگی وفات یافت. مردی خوش خلق، خوش طینت، فاضل و محقق ساده دل، نیک فطرت و خوش محضر بود. گاهی شعر می‌سرود و اشعارش هم دلنشین و مضامین شیرین در برداشتند.
(1355 -1296/ 1292 ش)، نویسنده، شاعر، استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار. در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و

تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تهران به پایان برد و از دارالفنون در رشته‌ی ادبی فارغ‌التحصیل شد و به موازات علوم جدید، علوم قدیم و فقه و عربی و فلسفه را نیز آموخت. ناظرزاده رشته‌ی علوم سیاسی را در دانشکده‌ی حقوق گذراند و سپس موفق به اخذ لیسانس عالی گردید. وی درجه‌ی دکترای خود را در رشته‌ی ادبیات فارسی اخذ نمود و رساله‌اش را در «شرح حال و آثار عمادالدین علی فقیه کرمانی» نوشت. سپس از طرف دانشگاه تهران به پاریس مأمور شد و توانست در این مأموریت، دوره‌ی دکترای جامعه‌شناسی ادیان را نیز در دانشگاه سوربن به پایان برساند و رساله‌ی خود را در «تحقیق درباره‌ی مذهب جعفری» زیر نظر پروفسور هانری درش بنویسد. وی از 1335 ق تدریس در دانشگاه تهران را آغاز کرد و در 1341 ش با سمت نمایندگی ایران در کنگره مؤتمر اسلامی شرکت کرد. ناظرزاده در کار مطبوعاتی نیز دست داشت و مقالات متعددی در روزنامه‌ها و مجله‌های داخلی و خارجی چاپ می‌کرد و مدتی معاون مجله‌ی «ایران امروز» و چندی هم سردبیر مجله‌ی «سلامت فکر» بود و زمانی نیز روزنامه‌ی «شهر آشوب» را شخصاً منتشر کرد. وی در طول خدمات دولتی عهده‌دار مشاغلی چون: شهردار تهران، پیشکار دارایی کرمان، بازرس استانداری کرمان و کفیل استانداری تهران بود. وی بر اثر بیماری قند نابینا شد و سرانجام بر اثر سکته درگذشت. از دیگر آثار وی: «آوازهای جوانی»؛ «اختر»؛ «برفراز سیحون»؛ «دختر شامگاه»؛ «رقص به سه خنجر»؛ «شام شوم»؛ «آفات قرن»، شعر؛ «دیوان» شعر. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (265)، بنیاد نمایش در ایران (78)، تذکره‌ی شاعران کرمان (515 -510)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (1131)، دیوان اشعار مذهبی (مقدمه/ نه- چهارده)، الذریعه (1161/ 9)، روزشمار تاریخ ایران (17/ 2)، ستارگان کرمان (388 -382)، سخنوران نامی معاصر (3596 -3592/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2189، 2075، 1737/ 2، 1362، 1337، 1047، 484، 264، 129، 69، 43/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (475 -474/ 1).

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1337 -1280 ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم‌الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد، فقه و اصول و از محضر میرزا آقا خان کرمانی، منطق و شرح «اشارات» را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب‌الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه‌ی درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم‌آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه‌خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه‌ی اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد در آن مدرسه ناظم شد و به همین دلیل به ناظم‌الاسلام ملقب گردید. ناظم‌الاسلام در 1325 ق روزنامه‌ی «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره‌ی سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»؛ «تاریخ بیداری ایرانیان»، در سه جلد؛ «خلاصة‌العوامل»؛ «شمس‌التصاریف»؛ «مقامات حریری»، ترجمه؛ «علائم الظهور المهدی الموعود».[1]
محمد بن علی (و. 1280 ه.ق- 1337 ه.ق)، از فضلا و مؤلفین معروف کرمان و صاحب تاریخ بیداری ایرانیان. در کرمان متولد شد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم ادبی پارسی و عربی و فقه و اصول در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و به تحصیل حکمت پرداخت و با واقعه‌ی «رژی» و انحصار تنباکو و برخاستن زمزمه‌ی آزادیخواهی در ردیف طلاب تجددخواه درآمد و تاریخ خود را تألیف کرد. بعد از استقرار مشروطیت در کرمان در عدلیه مشغول خدمت شد و در سال 1337 ه.ق در کرمان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (119 -118/ 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (295 ،266/ 4)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده- بیست و چهار، 10 -9)، تاریخ جراید (151 -150/ 4)، الذریعه (308/ 15 ،220/ 14 ،242/ 3)، شرح حال رجال (196 -195/ 6 ،278/ 3)، فهرست کتابهای

چاپی فارسی (2328 ،2163/ 2 ،1281 ،679 ،260/ 1) لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (604 -602/ 5).

ناظم‌العلوم، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1317 ق)، نویسنده و مترجم. ملقب به ناظم‌العلوم. وقتی در 1290 ق ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، علیقلی خان مخبرالدوله، که از ملازمان شاه در آن سفر بود به پاریس رفت و در مدرسه نظامی سن سیر در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران از معلمین نظام سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان، که برای خود ارتشی تشکیل داده بود، شد. او مدتی نیز به علت اختلاف سر حدی با روسها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین شاه به تهران بازگشت و مدتی رئیس مدرسه‌ی علمیه و از معلمین دارالفنون شد. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»؛ «اصول علم حساب»؛ «انموذجی از جبر و مقابله»؛ «تاریخ عمومی»؛ «حکمت ریاضی»، در اصول علم حساب تا لگاریتم؛ «تلماک»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (385 -384/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1202، 1170، 947، 729، 384، 263، 251/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (429/ 4).

ناظم‌المهام، جبار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1267 ق)، مدیر روزنامه. وی مدتی مأمور صدور گذرنامه آذربایجان و چندی ژنرال کنسول ایران در بغداد بود و مدتی هم ریاست کل اداره‌ی گذرنامه را به عهده داشت. نامبرده چون مورد توجه امرکبیر بود در موقع تأسیس روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، در 1267 ق، اداره آن، به او که صاحب چاپخانه بود، واگذار شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (333 -330/ 4)، دانشمندان آذربایجان (93)، سبک‌شناسی (343/ 3)، شرح حال رجال (233/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم‌المهام).

ناقور تویسرکانی، مسیح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1351 ق)، روزنامه‌نگار. وی از شاگردان آخوند کاشی (م 1333 ق) و چندی سرپرست اوقاف اصفهان بود و از 1325 ق به بعد مدتی ریاست معارف و اوقاف یزد را به عهده داشت. میرزا مسیح در 1326 ق روزنامه‌ی «ناقور» را در اصفهان تأسیس و منتشر کرد. وی در اصفهان درگذشت و در کنار استاد خود، آخوند کاشی، دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (253 -252/ 4)، تذکرةالقبور (499).

نامدار جویباری، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس نامدار جویباری
محل تولد : جویبار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب عباس نامدار جویباری در سال 1346 هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال 1350 هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.
پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام .
از سال 1363 هجری شمسی عملا و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

ناهج قزوینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناهج قزوینی در سال 1295 خورشیدی در قزوین متولد گردید. پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت. پس از آن به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد. ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است. او سرانجام در دی ماه سال 1370 چشم از جهان فروبست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر ناهج قزوینی ، شیخ عیسی مجتهد مناهجی و مادرش از سادات شیرخورشیدی قزوین بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ناهج قزوینی پس از طی تحصیلات مقدماتی ، به فراگیری علوم معقول و منقول پرداخت.
زمان و علت فوت : ناهج قزوینی در دی ماه سال 1370 چشم از جهان فروبست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناهج قزوینی پس از تحصیل علوم معقول و منقول به تهران رفت و سردفتر اسناد رسمی شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ناهج قزوینی شاعری توانا بوده و آثاری نیز از خود به جای گذاشته است.
آرا و گرایشهای خاص : شعر ناهج قزوینی سراسر مدح ائمه ، زهد و اندرز است و از چاشنی تصوف و عرفان بهره دارد. ----------
---
آثار :
1 دیوان ناهج
ویژگی اثر : مجموعه هیچ نامه ، عشق عریان ، پیاله ، منظومه فلسفی در دیوان وی به چاپ رسیده است.
منابع زندگینامه : 1ستایش امیر المومنین (در سروده های سخنوران قزوین) ، پژوهش: محمدعلی حضرتی ، قزوین: بحرالعلوم ، ص 377

ناهید شیرازی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333 ش)، روزنامه‌نگار. وی در 1300 ش روزنامه‌ی «ناهید» را در تهران تأسیس و منتشر کرد که اولین روزنامه‌ی کاریکاتوریستی و انتقادی-اجتماعی بود و چون مقالات آن به زبان ساده عوام‌فهم نوشته می‌شد، مورد استقبال عموم مردم قرار می‌گرفت. این روزنامه چند بار توقیف شد و سرانجام در سال نهم انتشار در اثر حریق ناگهانی اداره‌ی روزنامه، دیگر انتشار نیافت. میرزا ابراهیم سرانجام در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ادبیات نوین (315 -314)، تاریخ جراید (259 -255/ 4)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (649 -648/ 5).

ناهید شیرازی، مریم

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، دندان‌پزشک، رونامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به ناهید. در شیراز به دنیا آمد. وی علوم ابتدایی و متوسطه را در تهران به انجام رساند و در 1310 ش برای تحصیل زبان و ادبیات فرانسه رهسپار پاریس گردید و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران در 1313 ش وارد دانشکده‌ی طب شد و تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رساند و در 1320 ش رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی «سیفیلیس دهان» نوشت و با درجه‌ی عالی قبول شد. دکتر ناهید به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی و ترکی تسلط داشت. وی از 1315 ش وارد خدمات فرهنگی- اجتماعی گردید و به نشر آثار نظمی و نثری خود در جراید و مجلات پرداخت و پس از چندی امتیاز روزنامه‌ای به نام «ندای زنان» را گرفت و مدتی آن را منتشر کرد. او همچنین انجمن ادبی ناهید را تأسیس نمود. در 1331 ش از طرف سندیکای دندان پزشکان ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان پزشکان در لندن شرکت کرد. در 1334 ش از طرف وزارت فرهنگ به دانشگاه پاریس اعزام شد و ضمناً در رشته‌ی بیماری‌های دهان و دندان از این دانشگاه و در رشته‌ی امراض کودکان از دانشگاه لندن تخصص گرفت. سپس به عضویت کنگره‌ی انجمن سلطنتی بهداشت لندن پذیرفته شد. از دیگر آثار وی: «تاریخ نویسندگان پاریس»؛ «خاطرات لندن» یا «مشاهدات ناهید»؛ «زندگانی من»؛ «سرطان فک»؛ «آماس گوشت دندان» یا «التهاب لثه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (648 -645/ 5)، الذریعه (1167/ 9)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (189)، سخنوران نامی معاصر (3617 -3613/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2002 ،1850/ 2 ،1237 ،763 ،55/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (164/ 6).

نایب الصدر، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میر محمد صادق بن میرزا محمد رضا فرزند میرزا ابوالقاسم مدرس عالم بزرگوار، و فاضل ارجمند و ادیب بوده، از آثارش کتابی است در دو مجلد در شجره‌نامه‌ی سادات خاتون‌آبادی فامیل خود.
از شاگردان شیخ انصاری و حاج ملا علی کنی بوده، در ربیع الاخر سال 1326 وفات یافته، قبرش در زیرزمین تکیه‌ی خاتون‌آبادی در تخت فولاد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نایینی، نصیر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، واعظ و شاعر. اهل نایین و از نوادگان ملا سلمان (کمال) اعظ نایینی بود. نصیرا به شیراز و تبریز مسافرت کرد و در تبریز مدتی در خدمت میرزا صالح شیخ الاسلام تبریزی به سر برد. سپس به اصفهان بازگشت و در آنجا سکنی گزید. با نصرآبادی (ز 1083 ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:
دل در طلب وعده خلافی دارم
در هر قدم از کعبه طوافی دارم
از دیدن روی او ندارم سیری
چون آینه اشتهای صافی دارم
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (406 -405)، الذریعه (1199/ 9)، صبح گلشن (522 -521)، فرهنگ سخنوران (938)، گلزار جاویدان (1633/ 3).

نائینی، حیدرعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الأصل، اصفهانی المولد، طهرانی المسکن، از علمای معقول و منقول، و تارک دنیا بوده، و در بازارچه‌ی نایب السلطنه پاره‌دوزی می‌کرده، و به مشهدی حیدر معروف بوده. حاشیه بر شرح چغمینی در هیئت نوشته که به طبع رسیده است.
در 1344 به سن 78 سالگی وفات یافته، نزدیک سر قبر آقا مدفون شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نبوی، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید حسینعلی نبوی بن العلامه الورع آیه‌الله مرحوم آقا سید محسن نبوی اشرفی بهشهری عالم معاصر بندر گز است و در مسجد جامع آن اقامت جماعت مینمایند.
وی در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و سیادت نشو و نما و دروس مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه سطوح را از محضر مدرسین بزرگ آیه‌الله آقای آقا میرزا هاشم آملی داماد والد ماجدش و مرحوم والد و دیگران خوانده و بدروس خارج بعضی از آیات شرکت نموده و بعد از فوت مرحوم والد بایران مراجعت و چندی در بهشهر وطن پدری خود اقامت نموده آنگاه بنابر تقدیر و امر بعضی از آیات و استدعاء مردم بندر گز بآنجا عزیمت و رحل اقامت افکنده و تاکنون بوظائف دینی و روحی اشتغال دارد.
از آثار ایشانست توسعه مسجد جامعه بندرگز و تأسیس کتابخانه آنجا و خدمات ارزنده‌ی دیگر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نجاتی، محمدسعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سعید نجاتی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/8/13
زندگینامه علمی
با دیپلم تجربی با معدل 5/17 در سال 1374 فارغ التحصیل شدم و با رتبه 13 وارد حوزه علمیّه و مدرسه علمیّه شهیدین گشتم. از سال اول تا آخر دوره سطح، در مدرسه شهیدین مشغول بوده ام و علاوه بر دروس متداول حوزه، دوره مکالمه عربی را تکمیل نموده و مکالمه انگلیسی را شروع نمودم. همچنین در برنامه تحقیق مدرسه شرکت نموده و تحقیقاتی را با موضوعات: «سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله)» و «مقارنه کتب صرفی»، «اصول»، «تاریخ امیر المؤمنین»، «تاریخچه و کتابنامه صحیفه سجادیّه» نوشته ام که برخی چاپ و منتشر شده است. همچنین دوره مقدّماتی فیلم نامه نویسی را در خانه هنر و اندیشه صدا و سیمای قم گذرانده ام.
الان در ترم 6 رشته کلام اسلامی، دوره غیر حضوری مؤسسه امام خمینی (ره) و دوره عالی خارج فقه و اصول مدرسه شهیدین مشغول تحصیلم. در این دوران به صورت پراکنده و انفرادی کتابهای حلقه اولی شهید صدر، هدایه، صمدیه، مکالمه عربی، الموجز، لمعه و مغنی را تدریس کرده ام. همچنین در این مدت در کلاس های آموزش سخنرانی، مداحی و تبلیغ شرکت کرده و در مناطقی چون شهر یاسوج، شهرستان سی سخت، شهر بم، شهر بندرعباس، روستاهای منطقه هلیلان ایلام، شهر قزوین و روستاهای منطقه نوشان، تبلیغ برای عموم مردم و دانش آموزان در ایام تبلیغی مشغول بوده ام.

نجاتی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، شاعر.
تولد: 1281.
درگذشت: 6 آذر 1373.
محمدعلی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن‌های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی درآمد. وی مدتی مدیریت مجله‌ی ادبی «ارمغان» را به عهده داشت. بعدها که به خدمت ارتش درآمد، مدت ده سال سردبیری مجله‌ی «ژاندارمری» را بر عهده داشت.
آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است.
نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است.
شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.
(1373 -1284 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاه‌های اسلام و ثروت به پایان رساند. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضر وحید دستگردی مایه‌های ادبی اخذ کرد و قریب ده سال به عنوان مدیر داخلی مجله‌ی «ارمغان» با وی همکاری نمود و در تصحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چند سال نیز به عنوان معاون کتابخانه‌ی ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه‌ی «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عربشاه، به نام «زندگی شگفت‌آور تیمور»؛ «دیوان» شعر؛ اهتمام در انتشار «دیوان» شعر ملک‌الشعراء فتحعلی خان صبا.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (1172/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3623-3618/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1502/ 1)، کشف الظنون (1128)، کلک (س 5، ش 55 و 56، ص 410)، گلزار جاویدان (1607/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (430/ 4).

نجار زادگان، فتح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فتح الله نجار زادگان
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1337 در شهر اصفهان به دنیا آمد و در سال 1356 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شد. در سال 1358 به حوزه علمیه اصفهان رفت و تا سال 1364 دروس مقدمات، اصول، شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزه علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال 1372 موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته «الهیات و معارف اسلامی» شد.
در سال 1373 در دانشگاه تهران در رشته «علوم قرآن و حدیث»، مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در رشته «فقه و اصول» در همان مقطع، پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشته علوم قرآن به دانشگاه تهران رفت و در سال 1378 رساله خود را دفاع کرد. در طی این مدت به دروس حوزوی نیز کم و بیش مشغول بود. آنگاه در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی ازگروههای دانشکده الهیات است، به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که هم اکنون نیز ادامه دارد.
تدریس در موضوعات: اصول، فلسفه، علوم قرآن، حدیث، تفسیر (به ویژه تفسیر تطبیقی) در حوزه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکده اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و تدریس اخلاق، متون اسلامی، معارف در دانشگاهها بخشی از فعالیتهای علمی ایشان محسوب می شود که هم اکنون نیز ادامه دارد. مدتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه و نیز شورای برنامه ریزی مرکز جهانی همکاری داشته و هم اکنون نیز در رتبه دانشیاری با پایه 12 عضو گروه معارف اسلامی

دانشگاه تهران می باشد.

نجار شوشتری، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1141/ 1140 ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره‌ی عبداللّه جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمةاللّه جزایری است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. و آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است، رساله‌ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف‌الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایةالمرام»؛ تدوین «عقود المرجان فی حواشی القرآن» استادش، سید نعمت‌اللّه جزایری، در سه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (9/ 10)، الذریعه (24/ 20 ،17/ 18 ،19/ 16 ،18- 305/ 15 ،249/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 707 -706/ 12)، معجم‌المؤلفین (67 -66/ 11).

نجار، ابوالحسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، عارف. از عرفای بنام زمان خود بود و با خواجه عبداللَّه انصاری معاصر. در قُهندوز که محلی میان هرات و بخارا بوده، درودگری می‌کرد. جامی از قول خواجه عبداللَّه سخنان بسیاری از او نقل کرده است.[1]
اسکافی، فقیه و دانشمند مشهور معاصر ابوالفضل بیقهی و سلطان ابراهیم غزنوی (جل. 451 ه.ق.) بوده و از او نیکویی و احسان دیده است. وی مسند تدریس نیز داشت و بی‌اجری و مشاهره درس ادب و علم می‌داد. اشعاری فارسی از او در کتب ادب آمده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن نجار)، نامه‌ی دانشوران (7/ 137- 145)، نفحات الانس (355 -350).

نجارزادگان، فتح الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام دکتر فتح الله نجار زادگان در سال 1337 ش. در شهر اصفهان به دنیا آمد .وی تحصیلات خود را در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع تا مقطع دکتری ادامه داد و تؤام با تحصیل در رشته مذبور تحصیلات حوزوی را نیز کم بیش ادامه داد.فتح الله نجار زادگان در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکدة الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد. کتاب " سلامه القرآن من التحریف " تالیف فتح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فتح الله نجار زادگان در سال 1356 موفق به اخذ دیپلم در رشتة ریاضی شد. در سال 1358 به حوزة علمیه اصفهان رفت و تا سال 1364 دروس مقدمات و اصول و شرح لمعه و متون دیگر عمومی را خواند. در این سال با ورود به حوزة علمیه قم و شروع رسائل و مکاسب از واحد آموزش عالی دفتر تبلیغات، لیسانس گرفت و سپس به تربیت مدرس دانشگاه قم راه یافت و همزمان با دروس حوزه در سال 1372 موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشتة الهیات و معارف اسلامی شد. در سال 1373 در دانشگاه تهران در رشته علوم قرآن و حدیث مقطع دکتری و در دانشگاه امام صادق (ع) در رشتة فقه و اصول در همان مقطع پذیرفته شد اما به دلیل علاقه به رشتة علوم قرآنی به دانشگاه تهران رفت و در سال 1378 رسالة خود را دفاع کرد و در طی این مدت دروس حوزوی را نیز کم و بیش ادامه داد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فتح الله نجار زادگان در سال 1379 در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران که هم اکنون یکی از گروه‌های دانشکدة الهیات است به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به کار شد که این همکاری هم اکنون نیز ادامه دارد.فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی فتح الله نجار زادگان به قرار زیر است: تدریس در موضوعات اصول، فقه، فلسفه، و حدیث در حوزة علمیه و نیز تدریس علوم قرآنی، حدیث و تفسیر در دانشکدة اصول الدین و مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی بخشی از فعالیت‌های ایشان محسوب می‌شود. 1. تدریس و پژوهش / مرکز جهانی

علوم اسلامی/ 1377 تا 1383 2. عضو شورای علمی گروه علوم قرآن / پژوهشکده حوزه ودانشگاه / 1379 – 1382 3. تدریس و پژوهش / دانشگاه تهران / 1378 ادامه دارد 4. عضو هیئت مدیره مجمع احیاء فرهنگ اسلامی / پژوهش و برنامه ریزی / 1380 ادامه دارد. جوائز و نشانها : کتاب " سلامه القرآن من التحریف " تالیف فتح الله نجار زادگان ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : فتح الله نجار زادگان بیش از 21 مقاله در زمینه رشته تخصصی خود دارد.

آثار : 1 التوسل و التبرک و الصلح مع العدو الصهیونی فی رسالتین بین واعظ زاده و بن باز ویژگی اثر : نشر مشعر/ 1383 2 پژوهش نامه در س اخلاق و تربیت اسلامی دانشگاهها ویژگی اثر : مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی/ 1383 3 تحریف ناپذیری قرآن ویژگی اثر : مرکزتحقیقات حج با همکاری مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم/ 1384 4 تراث الشیعه القرآن ج 1 ویژگی اثر : یکی از مدیران علمی طرح / 13845 تراث الشیعه القرآن ج 2 ویژگی اثر : یکی از مدیران علمی طرح / 13856 تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین) ویژگی اثر : مرکز جهانی علوم اسلامی/ 1383 7 درسنامه متون اسلامی ویژگی اثر : مجمع احیای فرهنگ اسلامی/ 1383 8 سلامه القرآن من التحریف ویژگی اثر : تهران ، چاپ اول 1378 ، چاپ دوم با اضافات فراوان/ 1382 / کتاب سال جمهوری اسلامی در سال 1383 و رتبه نخست دوازدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن 1383 . آشنایی با کتاب: سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعة الامامیة سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافترأات علی الشیعة الامامیة/ فتح الله المحمدی (نجارزادگان). - تهران: مشعر، 1382. 758 ص. کتابنامه 1. قرآن - تحریف 2. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها 3. شیعه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها اهمیت قرآن کریم به عنوان یکی از دو ثقل اکبر بازمانده از آورندة عظیم الشأن آن و نقش بارز و محوری این کتاب کریم الهی در ایجاد و ابقأ اتحاد امت مسلمان از مسائل بارز و قابل توجه در خصوص این متن و حیانی الهی است. به اعتقاد عموم مسلمانان قرآن از هرگونه تحریف و تغییر مصون بوده، دست تحولات و تغییران زمان را به دامن مطهر آن راهی نیست و این تحقق وعدة الهی است، چنان که به صراحت در متن قرآن کریم ذکر شده است. یکی از اتهاماتی که به ناروا بر شیعه وارد شده و گاه بر آن اصرار شده است، اتهام اعتقاد به تعریف قرآن است که این امر بویژه در کتابی با عنوان اصول مذهب الشیعة الامامیة الاثنی عشریة تألیف

ناصر علی قفاری بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف با عنایت به این کتاب و برخی کتب دیگر که قبل از آن تألیف شده و در آنها این اتهام به شیعه مطرح گردیده است، اقدام به تألیف کتاب سلامة القرآن من التحریف نموده است. کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است: بخش اول به مسألة سلامت قرآن از تحریف در نظر فریقین، با قطع نظر از آرأ و افترأات برخی افراد، پرادخته است. در بخش دوم به مسألة اتهاماتی که در خصوص تحریف قرآن بر شیعه وارد شده پرداخته شده است. بررسی ادلة مصونیت قرآن از تحریف از نظر شیعة امامیه، بررسی روایات تحریف قرآن در کتب شیعه، بررسی کتاب فصل الخطاب محدث نوری، شهادت علمای امامیه به مصونیت قرآن از تحریف، بررسی احادیث تحریف قرآن در کتب اهل سنت، و پاسخگویی به شبهات دکتر ناصر بن علی قفاری در کتاب اصول مذهب الشیعة، احسان الهی ظهیر در کتاب الشیعة والقرآن و محمد مال الله در کتاب الشیعة و تحریف القرآن، از مهم‌ترین مباحث کتاب است. 9 مصاف بی پایان با شیطان ویژگی اثر : قم بوستان کتاب/ چاپ اول 79 – چاپ دوم 138210 معانی بیان الفاظ القرآن ویژگی اثر : تحقیق نسخه خطی/1384 11 ویژگی های امام علی ترجمه خصائص امام علی(ع) ویژگی اثر : ترجمه/ بوستان کتاب / 1382 /کتاب سال حوزه علمیه در سال 1383 در بخش ترجمه منابع زندگینامه /http://www.iranologyfo.com:

نجف‌آبادی، غلام حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد صادق نجفی روضه‌خوان. در کربلا متولد گردید، و در نجف ساکن، و در کتابخانه‌ی مولی علی محمد نجف‌آبادی بوده است.
کتب و رسائل عدیده تألیف نموده، از آن جمله است: 1 - سفن النجاة، در 14 مجلد به عدد معصومین 2- سفینة النجاة، در شرح حال حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، در دو مجلد 3- الشمس الطالعه فی ظهور صاحب الانوار الساطعة، در احوالات حضرت ولی عصر علیه‌السلام 4- مختصر «روضات الجنات»؛ و غیره.
صاحب عنوان در 22 محرم سال 1345 به سن تقریبی 50 سال وفات یافته، در نجف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجفی اسداللهی، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1318، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فارسی.
مرتبه علمی:
مدرس در دارالعلوم العربیه، مدرسه عالی ترجمه، دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز بین‌المللی گسترش زبان فارسی، دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
عضویت در هیأت مؤلفین لغت‌نامه فارسی، عضویت در هیأت علمی بخش زبان عربی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، عضویت در کمیته برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (عربی) وزارت آموزش و پرورش.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 32
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
لغت عربی و فارسی، زبان و ادبیات فارسی و عربی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تدوین لغت و لغت‌نامه، رابطه زبان عربی و فارسی، نکات دستوری بین دو زبان فارسی و عربی، آموزش زبان عربی در ایران.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجفی اصفهانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد نجفی اصفهانی از علماء اعلام استان کرمانشاه و مقیم شهرستان هرسین می‌باشند.
معظم له در حدود 1325 قمری در یکی از مضافات اصفهان متولد شده و پس از دوران مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در آن سامان مهاجرت به نجف اشرف نموده و از ابحاث مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه نائینی و دیگران بهره‌مند شده آنگاه به تشویق مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت و رحل اقامت افکنده و تا حال حاضر به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی عاملی، ضیاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ضیاءالدین نجفی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین نجفی عاملی از آقازادگان فاضل و ائمه جماعت محترم معاصر تهرانند.
ایشان در پنجم فروردین 1325 شمسی برابر سال 1365 قمری در نجف اشرف در سال رحلت مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی در بیت شریف آیت‌اللّه حاج شیخ جواد معروف به (علیکم‌السلام) به دنیا آمده و در حجر والدش علامه نجفی عاملی پرورش یافته است.
و دو سال پس از درگذشت مرجعیت عامه آیت‌اللّه اصفهانی (ره) در اوائل زعامت آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس‌اللّه سره در معیت والدش به ایران آمده و با اقامت آن مرحوم در تهران به تحصیل علوم جدید پرداخته و پس از آن به فراگرفتن علوم عربیه و سطوح اولیه (معالم و لمعه و مقداری از قوانین) در خدمت مرحوم پدرش و دیگران در مدرسه مروی خوانده و سپس با اجازه آن مرحوم عزیمت به قم نموده و سطوح عالیه فقه و اصول رسال و مکاسب و کفایه و منظومه حاجی سبزواری و اشارات بوعلی سینا و قسمتی از اسفار اربعه ملاصدرا و نیز شرح تجرید و هیئت و منطق تخصصی و تفسیر و اخلاق را از محضر اساتید معروف حوزه علمیه قم استفاده نموده سپس به درس خارج آیات عظام 1- آیت‌اللّه گلپایگانی 2- آیت‌اللّه اراکی 3- آیت‌اللّه میرزا هاشم آملی 3- آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری 5- آیت‌اللّه مرعشی نجفی و سایر مراجع شرکت و بهره‌های فراوانی برده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و همواره در ضمن تحصیل علوم و فنون در حوزه علمیه قم و تهران تدریس دروس اولیه عربیه و سطوح متوسطه و عالی را داشته و اکنون چند سالی است از طرف آیت‌اللّه گلپایگانی در تهران در مسجد (خاتم النبیین) خیابان شیوا که قبلا مرحوم حجةالاسلام حاج سید علی بطحائی گلپایگانی رحمه‌اللّه علیه اقامه جماعت می‌نمودند امامت نموده و به تبلیغ احکام و ترویج اسلام و گفتن تفسیر در آن اشتغال دارند.
آثار علمی ایشان
چنانچه مرقوم داشته‌اند از این قرار است:
1- دوره تقریرات اصول در دو جلد.
2- تقریرات مبحث طهاره در دو جلد.
3- تقریرات مبحث بیع (خارج مکاسب) 1 جلد.

4- مباحث مختلفه فقه و اصول و کلام و تفسیر و غیره که برخی از آن به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نجفی عاملی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: حدود 1321 ق.، نجف اشرف.
درگذشت: 23 فروردین 1368(3 رمضان 1409 ق.).
آیت‌الله علامه شیخ محمدحسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.
آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجه‌ی اجتهاد مفتخر گردید.
ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمدحسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.
آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.
از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به صورت مخطوط باقی مانده است.
ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال 1409 مطابق با بیست و سوم فروردین سال 1386 با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آقای شیخ محمدحسین نجفی از مجتهدین و بزرگان علماء عصر حاضر و در بین سلسله روحانیت شخصیتی عالیقدر و واجد مقام و زهد و تقوا و از مجاهدین زمان و مبارزین با اباطیل بشمار می‌آیند.
معظم له در حدود سال 1323 قمری در نجف اشرف متولد شده و دوران تحصیلی خود را ابتداء در خدمت والد ماجد خود که از اکابر عصر خود بوده شروع و بعد هجرت به تهران و مختصر زمانی از خدمت آیت‌اللّه مجاهد مرحوم سید حسن مدرس استفاده نموده و آنگاه عزیمت بحوزه علمیه نجف اشرف و از محضر اعاظم مراجع آن زمان مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد حسین کمپانی بهره‌های علمی فراوانی برده و به مرتبه رفیعه اجتهاد نائل و چهار استاد بزرگ مذکورش اجازه اجتهاد معظم له را که در آن تجلیل از مقام علمی و تقوائی ایشان شده بود مرقوم فرمودند که اکنون نزد ایشان موجود میباشد.
و ایشان گذشته از رشته معقول و منقول در راه تهذیب نفس و تخلص روح و مقامات معنوی از محضر عالم ربانی و عارف سبحانی سید السالکین آیت‌اللّه آقا سید علی قاضی تبریزی و مرحوم حاج شیخ علی زاهد قمی تلمذ نموده و مقامی را از تقوا و فضیلت و معنویت حائز شده‌اند.
آنجناب اکنون مقیم تهران و بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و عده‌ای از فضلاء از مجلس درس ایشان استفاده مینمایند.
از آثار ایشان است جزوات دراسات و تقریرات اساتید بزرگ نجف که آماده برای طبع می‌باشد معظم له از خاندان علم و تقوا و از بیوتات اصیله و هر یک از پدران گرامش ستاره درخشانی از انجم الهی در عصر خود بوده و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محسن عاملی در کتاب اعیان الشیعه ج (48) از آنان یاد نموده است.
والد ماجدش آیت‌اللّه حاج شیخ محمدجواد که تبحر فوق‌العاده‌ای در فقه و اصول داشته و تألیفاتی که از آنهاست شرح بر کفایه آخوند از خود گذاشته از بزرگان شاگردان حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی (صاحب عروه) بوده است.
جد بزرگوار ایشان مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ علی از تلامذه مبرز آیت‌اللّه العظمی مجدد شیرازی و جد دیگرش آیت‌اللّه فقیه مرحوم آقا شیخ مرتضی کاظمی نزیل کاظمین وحید عصر خود و از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری بشمار می‌رفته و جد اعلایش مرحوم حاج ملا هادی عاملی معروف به شیخ‌الاسلام از اعاظم صحابه صاحب جواهر و زادگاه وی جبل عامل بوده است.

از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند صالح و دانشمندش جناب ثقةالاسلام والمسلمین آقای آقا شیخ ضیاءالدین نجفی که از محصلین بارع و بافضل حوزه علمیه قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قدرت الله نجفی قمشه ای
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم. شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل منتبر می شنید برای ما بازگو می کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.
این انگیزه ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشته باشد او را ببرید. ایشان به بنده گفت: می آیی طلبه شوی؟ بنده که جانم منتظر جرقه ا ی بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.
تحصیل در حوزه علمیه شهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسلام حاج سید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی،

معراج السعادة، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابستان ها که مفسر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محی الدین الهی قمشه ای» به شهرضا می آمد؛ بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.
حدود پنج سال در شهرضا و در حجره ای از مدرسه علمیه «حسینیه سادات» به سر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه اندک اندک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمیِ سن و تنگدستی مادی قدری مردّدَم کرده بود تا آنکه روزی به پیشگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجید استخاره گرفتم که خوب آمد و عزمم جزم شد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضر مقدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصفهان شرفیاب شدم و استشاره و استجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد.
اما تحصیل در قم: در حدود هفده سالگی به مدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشهور بود؛ رفتم و حدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی کاشانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، عالم دینی.
تولد: 1300(11 شعبان 1339 ق.)، محله محتشم کاشان.
درگذشت: 23 مرداد 2356، کاشان.
آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دوره‌ی سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطه‌ی کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایه‌ی سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسه‌ی بزرگ آخوند» حجره داشت و همان جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر قرآن را به عنوان وظیفه اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکنده اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتن (یعنی تا سال 1364) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دوره‌ی دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.
تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: برداشتی از نماز؛ پیرامون شراب؛ لنگرهای زمین مولودی اندر خانه کعبه؛ بعثت محمد

(ص) و قرآن در بحران جاهلیت؛ زمان چیست و چگونه می‌گذرد؛ صدق؛ بزرگترین فضیلت؛ سرانجام کافر؛ یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ؛ اشتباه عمدی؛ افسانه ها یا کرامت‌های خیالی (سه جلد). اما نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: فضایل ثلثه (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ملتقطات (یادداشت‌های پراکنده ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ رساله‌ای در فضیلت نماز؛ رساله‌ای در فضیلت علم؛ رساله‌ای در فضل قرآن (قرآن چه کتابی است)؛ رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)؛ رساله‌ای تحت عنوان حق کاوی؛ رساله‌ای تحت عنوان اینجا و آنجا؛ رساله‌ای تحت عنوان دین راست؛ آسان؛ هموار؛ تفسیر سوره کهف (به عربی)؛ تفسیر سوره مریم (به عربی)؛ تفسیر سوره طه (به عربی)؛ تفسیر سوره انبیاء (به عربی)؛ تفسیر سوره حج (به عربی)؛ تفسیر سوره عم (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظمیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و...، از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به جا مانده است.
آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد 1356 مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.
(1407 -1339) ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما یافت. در 1361 ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را در محضر آیت‌اللّه میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول را در محضر آیت‌اللّه خوئی آموخت و نیز از درس فقه آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت‌اللّه بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛ «مولودی اندرخانه‌ی کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی»؛ «ملتقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».[1]
شیخ مهدی نجفی کاشانی از افاضل دانشمندان معاصر کاشانست. وی در تاریخ یازدهم شعبان 1339 ق در دارالمؤمنین کاشان محله محتشم متولد

شده و در دامن مادر عفیفه و صالحه خود که نمونه‌ای از عفت و تقوا بود و ظل توجهات والد ماجدشان که عالم ربانی و آیت سبحانی بود پرورش یافته و در سال 1361 قمری برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت نموده و علوم مقدماتی را نزد عده‌ای از فضلاء نجف که همه از اوتاد و ابرار و اخیار حوزه علمیه نجف بودند خوانده و سطوح عالی مانند مکاسب مرحوم شیخ و کفایه مرحوم آخوند را پیش مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسن یزدی به پایان رسانیده و سپس به درس خارج آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله حاضر شده و مقداری از اصول و فقه معظم له استفاده نموده و نیز از محضر درس فقه مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی بهره‌مند شده و تا مدت ده سال با پشت کار فراوان و کوشش عجیب به درس و بحث و تدریس اشتغال داشته و به قول بعضی به اندازه سی سال در این ده سال زحمت کشیده و در تمام ایام حتی پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیلی دیگر مسامحه در کار درس و بحث ننموده تا پس از این مدت بر اثر خستگی زیاد و کسالت مزاج مجبور به مراجعت به ایران شده و به کاشان آمده و سفری به مشهد مقدس و بعد به اصفهان و آنگاه در کاشان تأمل و باز به نجف اشرف مسافرت و مدت دو سال توقف و از محضر بزرگان مراجع استفاده نموده تا اینکه به واسطه کسالت مزاج و حوادث دیگری به ایران آمده و مدت سه سال در قم مانده و از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده و در آن هنگام بر اثر ضعف فراوان و بیحالی و کسالت والدش با اصرار مردم کاشان به وطن برگشته و تا حال حاضر که سال 1395 قمریست به وظائف شرعی از اقامه جماعت و تدریس و جلسه‌های مختلف اشتغال دارند.
و ضمناً جزوه‌هائی در موضوعات متنوع نگاشته و به طبع رسانیده که ذیلا می‌نگارم.
1- پیروان شراب 2- لنگرهای زمین 3- علی بن ابیطالب در خانه خدا بدنیا آمد.
5- بعثت محمد و قرآن در بحران جاهلیت 5- زمان چیست و چگونه می‌گذرد.
6- اشتباه عمدی 7- صدق بزرگترین فضیلت 8- سرانجام کافر 9 و 10 و 11- یک سلسله افسانه‌ها یا کرامتهای خیالی 12- یک خرق عادت شگفت یا فضیلت و منقبتی بزرگ و تألیفات دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.
معظم له از همان اول ورود به کاشان شروع به بحث و تفسیر قرآن نموده که تاکنون ادامه دارد و هر شب گروهی از مؤمنین و بالاخص عده‌ای از جوانان استفاده می‌کنند و نیز در جمعه‌ها جلسه تبلیغی وعظ و ارشاد منظم دارند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 56، س 4، ش 6، ص 34 -33)، گنجینه‌ی دانشمندان (276 -275/ 6).

نجفی کاشانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مهدی نجفی کاشانی اعلی اللَّه مقامه یکی از علماء بزرگ معاصر کاشان بودند.
وی در ماه رمضان 1293 قمری متولد شده و مقدمات و سطوح را در کاشان و اصفهان و مدتی هم در قزوین خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر درس بزرگان حوزه نجف مخصوصاً محضر درس مرحوم آیت‌اللَّه آخوند خراسانی صاحب کفایه استفاده و پس از چهار سال اقامت در نجف بر اثر عوارضی به کاشان آمده و مجدداً به نجف اشرف مراجعت نموده و مدت هفت سال دیگر اقامت داشته و در محضر درس بزرگان مخصوصاً آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی حاضر و استفاده می‌نمود سپس به خواهش و اصرار جمعی از مؤمنین به کاشان آمده و در محله محتشم اقامت نموده‌اند.
ایشان گذشته از اقامه نماز جماعت اشتغال به تدریس و ارشاد مردم داشته‌اند در زهد و تقوی و قناعت نفس و در عفت و ورع و مناعت ضرب‌المثل بوده و در میان عام و خاص مشهور به نفسی مطمئن و دلی آرام با خضوع و خشوع و مهابتی عظیم داشت و فوق‌العاده مقید به آداب و رسوم دینی بود و حتی‌الامکان مستحبات را ترک نمی‌کرد و از مکروهات اجتناب می‌نمود و در امور دینی عجیب متعصب و متصلب بود.
در امر به معروف و نهی از منکر جدی و در مبارزه با خرافات و موهومات و روشن کردن مردم کوشا بود و ملامت لائمین او را از این کار بازنمی‌داشت (لا تأخذه فی اللَّه لومة لائم) در وعظ و ارشاد مردم کمتر مسامحه نمی‌کرد شب و روز و در هر موقع مناسب و در هر مجلس و محفل مردم را ارشاد می‌کرد و موعظه می‌فرمود و در این موضوع اصرار و پافشاری زیادی داشت به طوری که امکان نداشت در مجلسی که ایشان بود سخنان بیهوده و حرفهای متفرقه مجلس بزرگوار شود وقت را غنیمت شمرده و از فرصت حداکثر استفاده را می‌نمود.
در احیاء امر اهل‌بیت علیهم‌السلام جدیت و کوشش خاصی داشت و در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام ید طولا و اطلاع وسیعی داشت زندگیش از هر جهت بسیط و ساده و در زهد و قناعت و ورع و تقوا و مناعت در زمان خود کم‌نظیر بود. مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محمود شاهرودی می‌فرمود هنگامی که آن مرحوم در نجف در مدرسه بزرگ

مرحوم آخوند حجره داشت و ما عده‌ای بودیم که کاملا مراقب و مواظب احوال ایشان بودیم و بالاخره طوری ایشان را شناختیم که با وجود نماز جماعتهای مهم در نجف با اصرار زیادی ایشان را می‌بردیم بالای بام مدرسه و وادار به نماز می‌کردیم و به ایشان اقتدا می‌نمودیم و گاهی در مواقع مناسب ما را با بیانی شافی و جذاب و مهیج موعظه می‌کرد.
و آن مرحوم در اثر تجربه و شناخت مزاج خویش از خصوصیات و عوارض مزاج خود کاملا اطلاع داشت که در طول عمر خود به طبیب و دکتر مراجعه نکرد و ابداً دوا و دارو نخورد به هیچوجه و این از عجایب احوال ایشان بود گاهی که عوارضی بر ایشان طاری می‌شد چون کاملا آشنای به مزاج و عوارض مزاج خود بود عوارض طاریه را به وسیله غذای مناسب و پرهیز از غذای نامناسب علاج می‌کرد تا در سن هشتاد و یک سالگی در سال 1374 قمری در ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت و به جوار رحمت واسعه خدای متعال رفت خدا او را رحمت فرماید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی هزار جریبی، محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برادرش مرحوم شیخ محمّد حسین از علمای کاملین بوده، و رساله‌ای در شرح حال پدر و جدّ خویش نوشته، و کتابی به نام «البوارق لکشف معضلات الحقایق» دارد.
در سال 1225 متولّد شده، و مقدّمات را نزد پدر خود آموخته، و چون پدرش مدّت پانزده سال به مرض سل مبتلا بوده و نتوانسته بود کتاب‌های خود را پاکنویس کند، فرزندش پس از سال ها از مرگ پدر این مهم را انجام داده، و گرنه تمام تألیفات پدرش از بین می‌رفت.
سال وفاتش معلوم نیست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج شیخ محمّد باقر مسجد شاهی. عالم فاضل، به درس حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی، و آخوند خراسانی حاضر شده، و سالها در اعتاب مقدّسه ساکن بوده، و در اواخر عمر به عللی به اصفهان مراجعت نموده، و قطع مراوده با مردم کرده، منزوی می‌زیست و فقط جهت اقامه ی جماعت ظهرها به مسجد شاه حاضر می‌شد.
در 1287 متولّد، و در 8 ذی حجة الحرام 1370 در اصفهان وفات یافته، جنازه به کربلا نقل شده، در یکی از حجرات صحن حضرت اباالفضل علیه السلام مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجفی، شمس‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالمجید شمس‌الدین نجفی نجل مرحوم حجةالاسلام آسید عبدالعظیم الحسینی کابلی از دانشمندان معاصر خراسان و عالم خدمتگذار و مروج فریمانست. وی در سال 1302 شمسی متولد شده و بعد از خواندن دروس مقدماتی و ادبیات مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین حوزه علمیه نجف تکمیل و به درس خارج زعیم اعظم و مرجع اعلی آیت‌اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی و مرحوم آیت‌اللّه حکیم و آقا سید محمود شاهرودی و حلی شیرازی و حاج سید جواد تبریزی کسب فیض نموده آنگاه به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ مسائل احکام در یکی از مساجد نجف اشرف پرداخته تا در سال 1382 قمری که به قصد زیارت حضرت ثامن‌الحجج (ع) به مشهد مقدس عزیمت و بنابر پیشنهاد و اصرار حجةالإسلام آقای حاج سید نورالدین میلانی و حسب‌الاراده حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمد هادی میلانی مدظله برای ارشاد و هدایت مردم فریمان و حومه آن به فریمان رحل اقامت افکنده و تا حال تحریر به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نجفی، محمد جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمدجواد نجفی از دانشمندان و نویسندگان عالی مقام معاصر تهرانست.
وی در دیماه هزار و سیصد و چهل و دو (1342) قمری در یکی از قراء خمین متولد شده و در سن هیجده سالگی شروع بتحصیل نموده و مقدمات و ادبیات را در اراک در تحت سرپرستی آیت‌اللّه حاج سید کاظم گلپایگانی از اساتید آنجا خوانده و بعد به تهران آمده و علوم مختلفه را از علماء مبرز تهران تحصیل نموده و برای تکمیل نمودن تحصیلات عالیه خود چند سالی سفر باعتاب عالیات نموده آنگاه در تهران اقامت و بوظائف روحی و تألیفات پرداخته است.
دارای تألیفات و آثار عدیده و ارزنده‌ای میباشد که مشروح آنرا می‌نگارم:
1- لطائف الصلوه.
2- مصابح الشیعه.
3- فلسفه احکام اسلام.
4- بهداشت اسلام.
5- خواص خوراکیها و گیاهان از نظر اسلام و علوم جدید.
6- ترجمه کتاب ملاحم و فتن- تألیف سید بن طاوس.
7- ترجمه دیوان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.
8- ترجمه کتاب اثبات الوصیه تألیف مسعودی صاحب کتاب مروج الذهب.
9- ستارگان درخشان در شرح احوالات چهارده معصوم علیهم‌السلام- 16 جلد.
10- مصلح جهان. مهدی صاحب الزمان علیه‌السلام.
11- ترجمه کتاب المهدی تألیف مرحوم آیت‌اللّه صدر.
12- تلخیص و تحریر کتاب اختران تابناک.
13- ترجمه جلد اول کنی و الالقاب محدث قمی در دو جلد.
14- زندگانی حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام.
15- خوراکی‌های شفابخش از نظر امام جعفر صادق علیه‌السلام.
16- جزوه‌ای درباره‌ی اصول و فروع و احکام دین.
17- معالجات طبیعی بوسیله‌ی گیاهان.
18- کتب دیگری که در مد نظر و آماده‌ی چاپ می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نجفی، محمد حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالمی بزرگ، و فقیهی نامور، و در غایت زهد و تقوی بوده، در دیانت و محکمی امر مرافعات، و امتناع از چیزی که بوی رشوه در او باشد، و عدم ملاحظه از اکابر و ارحام در این مقام، عندالخواص و العوام مسلّم بود، و مرحوم میرزای شیرازی اعتماد تامّی به او داشته، که اهل اصفهان هر وقت از ایشان سئوال کرده‌اند که به چه کسی رجوع کنند؟ می‌فرمودند: به میرزا محمّد حسن نجفی. و جمعی از خوّاص از ایشان تقلید می‌کردند، و ایشان امام جماعت مسجد ذوالفقار بودند، و عمر گرامی را صرف تحصیل و تدریس و تألیف و تصنیف و جواب استفتاءات می‌فرمودند.
در حدود سال 1237 متولّد، و در روز 5 شنبه 11 ربیع الاول سال 1317 در اصفهان وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید، سپس به نجف منتقل گردید.
کتب زیر از ایشان است:
1- اجزایی دراصول 2- اجزایی در فقه 3- حاشیه بر فصول 4- حاشیه بر قوانین 5- رساله در زیارت عاشورا 6- کتابی در طهارت 7- کتابی در تقوی، ناتمام، و غیره.
مشارالیه در نجف از زمره شاگردان: آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط، و شیخ مرتضی انصاری، و میرزای شیرازی بوده، و در اصفهان عدّه زیادی در عداد شاگردانش محسوب می‌شوند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نجم الدوله، عبدالغفار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند ملا علی محمدبن محمد حسین اصفهانی.
ادیب فاضل ریاضی دان معروف، از مفاخر علمی و ادبی ایران، و به خصوص در ریاضیات، شهرت و عنوان داشته، و سال‌ها در مدرسه‌ی دارالفنون تدریس می‌نموده.
در ذی قعده سال 1259 متولد، و در 14 جمادی‌الاولی سال 1326 وفات یافته، در طهران مدفون گردید.
کتب و رسائل زیادی نوشته و عموما به طبع رسیده، از آن جمله است: 1 - آسمان، در هیئت [استدلالی جدید] 2 - اصول علم جغرافیا 3 - اصول هندسه 4 - بداية الجبر 5 - بداية الحساب 6 - بداية النجوم 7 - بداية الهندسه 8 - تطبیقیه، در تطبیق سال‌های قمری و شمسی و میلادی 9 - الرحلة الخوزية، در سفرنامه‌ی خوزستان 10 - كفاية الحساب 11 - كفاية الهندسه 12 - المثلثات البسيطة 13 - مثلثات مستقيمة الخطوط] 14 - قانون ناصری در هیئت استدلالی]؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نجم آبادی، میرزا ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه دانا و مجتهد توانا ومدرس فقه مکتب اهل البیت(ع) مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال 1317 ق در یک خانواده مذهبی تولد یافت.وی پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) آموخت. .وی در سال 1342 ق(86سا"ل قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال 1342ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال 1349 ق به تهران آمده و در محله سنگلج و حسن آباد در مدرسه مسجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبادی - رحمه الله علیه- به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد.نامبرده در سن 65 سالگی به علت ابتلابه سرطان در شب جمعه 24 ماه شعبان 1385ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شیخ کریم حائری در قم به خاک سپرده شد. گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فقه و اصولوالدین و انساب : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی فرزند برومند مرحوم شیخ محمدتقی وجد بزرگوارش حاج شیخ هادی نجم آبادی از علمای مبارز این خاندان است. دکتر محمدعلی نجم آ بادی فرزند

آیت الله نجم آبادی درباره شجره نامه وزندگینامه فقیه دانا چنین اشاراتی دارد: جد ما استاد باقر آهنگری در نجم آباد بود. به یمن همنامی او با باقر العلوم(ع) خدا به او دوپسر به نام های ابراهیم و مهدی باهوش وافر عطا می کند. پس از فوت پدر این دو به قزوین وسپس به اصفهان رفته و هر یک در زمان خود عالمی کامل و بالغ می شود. پس از اتمام تحصیلات برادر بزرگتر ملاابراهیم به قزوین برمی گردد و برادر کوچکتر حاج ملامهدی راهی مکه معظمه می شود. در سفری که فتحعلی شاه قاجار به قزوین می نموده و رسمش بر آن بود که جلساتی از علمای محل برای بحث تشکیل می داد.در این جلسه آخوند ملاابراهیم هم شرکت داشته است .شاه که او را از همه برتر شناخته بود از وزیرش راجع به این جوان سوال می کند و او در جواب می گوید: او از رعایای من است. شاه به تندی به او می گوید از امروز تو رعیت او هستی و برای او مدرسه و مسجدی در همان نجم آباد بنا نمود.میرزا عبدالکریم اطاعت امر نموده و حوزه علمیه نجم آباد برپا می شود و اخوند ملا ابراهیم مشغول تدریس و تربیت افراد منطقه می شود. در جنوب راه کرج به قزوین در ناحیه ساوجبلاغ روستایی به نام نجم آباد قرار دارد که در قرون اخیر نقش بسزایی در پروراندن شماری از فقیهان فاضل و عالمان عامل داشته است. از تبارنامه خاندان نجم آبادی برمی آید که دو برادر به نام آخوند ملاابراهیم و آ خوند ملامهدی نخستین حلقه های روحانی این خانواده بوده اند که این دو فرزندان استاد باقر نجم آبادی آهنگر بوده اند.سومین فرد از این خاندان شریف مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در سال 1317 ق در یک خانواده مذهبی چشم برجهان گشوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی در خاطراتش آورده است:" پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو و غیره در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی (میرزا عیسی وزیر) ،بطوری که متاسفانه بیش از قسمت های تخریب شده است ،شروع به خواندن سطح نموده ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی (از بزرگان مدرسین تهران و مدرسه مروی بود) و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی می آموزد. بعد از فراغت به قدر معمول از سطوح شروع به خواندن خارج کرده و در محضر آسید محمد تنکابنی که مردی فاضل و متقی و از محققین و مدرسین علمای عصر بود تا سال 1342 ق ادامه داد".وی در سال 1342 ق(86سال قبل) در سوگ پدر می نشیند و پس از آ ن سفری به بلاد عربی از جمله سوریه، لبنان و مصر نموده که در آن سفرها مجاورات علمی با اهل تسنن داشته است .آنچه از سفرنامه ایشان برمی آید مبین آن است

که علاقه وافری به تقریب مذاهب داشته است.اما خیلی زود متوجه می شوند که اهل تسنن به قدری از شیعه و تفکرات شیعی دور نگه داشته شده اند که اصولا شیعه را غیر مسلمان می دانند.و به جرات می توان گفت دید آنها نسبت به شیعه چه در اصول و چه در فروع بدبینانه و گاهی مغرضانه است ،که هرگز نسبت به یهود و نصاری چنین نگاهی را نداند.ایشان پس از آموختن و انجام مقدمات علوم عربیه از صرف و نحو در مدرسه مرحوم حاج شیخ هادی شروع به خواندن سطح نموده و منقول ومعقول را خدمت مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و مرحوم حاج فاضل عراقی فرا می گیرد و سپس در سال 1342ق از تهران خارج می شود و به سوی مکه معظمه و عتبات عالیات رهسپار می گردد و در نجف اشرف به ادامه تحصیل می پردازد .وی در آنجا ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنند . وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی بیش تر دروس های فقه و اصول آنان را از عبادات تا سیاسات به خانه تحریر در می اورد و مرحوم نائینی در اجازه مفصلی از وی اظهارات رضایت می نماید آن گاه با کسب اجتهاد در سال 1349 ق به تهران آمده و در محله سنگلج و حسن آباد در مدرسه مسجد جد بزرگوارش شیخ هادی نجم آبادی - رحمه الله علە- به تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم می پردازد. فعالیتهای ضمن تحصیل : وی در طول اقانتش در نجف اشرف ترجمه کتاب گران سنگ المراجعات مرحوم سید شریف الدین عاملی را شروع می کنندااستادان و مربیان : مرحوم نجم آبادی ،منقول را خدمت والد و نیز مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی و معقول را خدمت مرحوم حاج فاظل عراقی در مدرسه سید نصرالدین و مرحوم حاج میرزا سید محمد فاطمی قمی تلمذ نمود. وی در مدت اقامت شان در حوزه علمیه نجف اشرف و شرکت در دروس فقه و اصول اساتید بزرگواری چون آیت الله حاج میرزا حسن نائینی و ضیاء الدین عراقی شرکت می کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از اساتید هم دوره ای ایشان می توان به اختصار از مرحومیت آقای راشد ،استاد اعصار،آقای علامه وحیدی،میرزا حسن شیرازی،آقای لواسانی،شیخ محمد علی طالقانی،سید حسین کاشانی ،ابن الدین،سید محمود طالقانی و غیره نام برد.همسر و فرزندان : مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی پس از بازگشت از عتبات عالیات در سن 35 سالگی با دختر عمه شان که از طرف مادری نوه حاج شیخ هادی و از طرف پدری نوه حاج شیخ باقر (برادر حاج شیخ هادی) بودند ازدواج می فرماید. حاصل این ازدواج پنج فرزند بود که سه پسر و دو دختر که فرزند دوم پسر در 40 روزگی فوت نموده و بقیه در قید حیاتند.وقایع میانسالی :

مرحوم نجم آبادی در مدت اقامتش در نجف اشرف از دو خواهر ش هم نگهداری می کرد.مادرشان در نجف فوت نموده و در وادی السلام نجف به خاک سپرده شده است.وی پس از کسب درجه اجتهاد و همین طور از مرحوم آیت الله آقا سیدابوالحسن اصفهانی به نوشته خودشان در سال 1349 ق به حکم اجبار به ایران مراجعت می فرماید.حکم اجبار این بود که چون تا آن زمان مدرسه و مسجد مرحوم حاج شیخ هادی در تهران توسط عموی شان مرحوم حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی نجم آبادی (ره) اداره می شد و ایشان به علت مشغله های دیگر و نیز امامت مسجد منشور السلطان قادر به ادامه نبود،به همین خاطر به مرحوم نجم ابادی مرقوم می دارد حال که تحصیل شما پایان یافته ،بهتر است به ایران بازگشته و وظایف شرعی خود در این جا و به خصوص در مدرسه و مسجد پدری ادامه دهید.وی پس از بازگشت از عتبات عالیات مدتی در شهر قم سکنی گزیده و در درس و بحث مرحوم ایت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر و با علمای زمان بیشتر آشنا گردید در هیمن زمان بود که با حضرت امام دوست شده و این دوستی تا پایان عمر وی ادامه داشت.زمان و علت فوت : آیت حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی در سن 65 سالگی به علت ابتلابه سرطان در شب جمعه 24 ماه شعبان 1385ق به رحمت ایزدی پیوست و کالبد ایشان در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه (س) و در پایین پای آیت الله العظمی حاج شیخ کریم حائری در قم به خاک سپرده شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیت الله نج آبادی در سال 1335 به مناسبت ولادت با سعادت حضرت علی(ع)، از طرف حضرت العظمی بروجردی (ره) به دعوت شیعیان پاکستان همراه هیئتی از جمله آیات شهیدی،فرید گلپایگانی،سید احمد شهرستانی،و خطیب شهیر محمد تقی فلسفی (ره) عازم آن کشور شدند.فعالیتهای آموزشی : در سال 1327 (یعنی 59 سال قبل) که مرسه عالی سپهسالار پس از مدتی رکود به صورت اصلی خود در آمده و آغوش خود را برای تربیت طلاب باز کرده بود ایشان به موجب وقفنامه آن مدرسه و هم چنین به اشارت حضرت آیت الله بروجردی تدریس فقه و اصول به ویژه مکاسب و رسائل شیخ عظم انصاری و شرح منظومه حکیم سبزواری را در آن مدرسه آغاز می کنند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : کتابخانه مرحوم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی به مدرسه مروی اهدا گردیده است.همفکران فرد : دکتر ناظرزاده کرمانی در باره مرحوم نجم آبادی چنین اظهار می دارد: مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آ بادی ، ابوذروارزیست، اما فیلسوفانه اندیشید ، زندگی او ساده وقناعت مندانه اما اندیشه اش سخت خرد ورزانه و پیچیده بود. استاد محمد شریفی شعری را در رثای مجتهد توانا آیت الله نجم آبادی سروده اند که به ابیاتی

از آن اشاره می شود؛ کای بزرگان جهان هر که علی را بشناخت از زبان حق این مرد ولایت بشنود و آنکه بر عید غدیر از دل وجان ایمان داشت او به رضوان خداوند به راحت بغنود آرا و گرایشهای خاص : همان گونه که در طالیعه سخن آمد ،آن مرحوم علاقه وافری به تقریب مذاهب داشتند. در سال 1335 ش در معیت اجلا از علما من جمله خطیب توانا مرحوم فلسفی-رحمه الله علیه- و به دستور آیت الله العظمی بروجردی سفری به پاکستان داشته و در کنفرانسی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت علی (ع) شرکت می کنند. سخران جلسه از طرف هیئت ایرانی آقای فلسفی بوده اند. در آن مجلس با شکوه قطعا فضایل مولا و اهداف عالیه اسلام و وحدت مسلمانان دنبال شده است. آن چه از مطالعه در متون تحریر آن مرحوم به دست می آید تمایل وافری از خدمت به مردم در زندگی ایشان به چشم می خورد. مرحوم نجم آبادی دارای ملکات روحی الهی بودند و برای ایشان در اشاعه فرهنگ اسلامی فرقی بین زن و مرد نبوده است. شاهد کلام نامه تاییدیه ای است به کتاب خانم فاطمه بهرامی ،مهور به عالم تاج که درمجموعه مقالات فارسی (ص 461) موجود است. شمه ای از نصایح اخلاقی ماج میرزا ابوالفضل نجم آبادی تقدیم حضور می شود: « بدان که اول شرط برای مجاهده در این مقام و مقامات دیگر که می توان منشاء غلبه بر شیطان و جنودش شود حفظ طایر خیال است.... گرچه این امر در اول قدری مشکل به نظر می رسد و شیطان و جنودش آن را بزرگ جلوه می دهند ،ولی با قدری مراقبت و مواطبت ،(به استعانت حق) امر سهل (و آسان) می شود... پس ای عزیز!فکر کن و چاره ای بنما و راه نجاتی و وسیله خلاص ازبرای خود پیدا کن و به خدای ارحم الراحمین پناه ببر و در شب های تاریک با تضرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تو را اعانت کند و در این جهاد با نفس تا انشاء الله شوی و مملکت را رحمانی گردانی و جنود شیطان را از آن بیرون کنی و خانه را به دست صاحبش دهی ..» به دیدگاه آیت الله نجم آبادی ،بشر در فهم جهان پیرامونی ممکن است دچار چندگونه خطا شود. عواملی که ایشان به عنوان منشاء خطاهای اپیستمولوژیک می شمارند ،ما را به یاد "بت های چهارگانه" فرانسیس بیکن ،مهمترین فیلسوف دوران قرون وسطی می اندازد. این عوامل عبارت اند از : 1-بسندگی به جهان محسوسات به جای رجوع به جهان معقولات 2- توجه به ظواهر و آثار و غفلت از بواطن و اسباب پدید آمدن پدیده ها 3- عدم رجوع به عقل و اصول و مبانی عقلانی در تجزیه و تحلیل منطقی رویدادها 4- دخالت نفسانیات و عوامل فردی در ادراک امور و داوری درباره پدیده ها بر مبنای دو عامل عشق و کینچگونگی عرضه آثار : آثاری که از وی برجای مانده هشت جلد کتاب که شامل سه جلد در اصول و سه جلد در فقه و تقریرات و یک جلد مجموعه مقالات

فارسی یا توحید نجم آبادی و جلد هشتم کتاب کشکول است. دو جلد کتاب المراجعات که یکی از کتب مرجع می باشد به تازگی از زیرچاپ در آمده وعلاوه برچاپ ده جلد کتاب، مقالاتی از وی نیز در مجله نور دانش به چاپ رسیده است. آثار : الاصول 1 ویژگی اثر : کباحث الالفاظ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1423 ق2 الاصول 2 ویژگی اثر : مباحث العقلیه ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1423 ق3 الاصول 3 ویژگی اثر : لاستحصاب ،قریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1423 ق4 الرسائل الفقهیه ویژگی اثر : جلد 3،تقریر آیات اعظام آیت الله محمد حسین نائینی و آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1421 ق5 المراجعات ویژگی اثر : جلد 1،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،1428 ق6 المراجعات ویژگی اثر : جلد 2،تالیف آیت اللله علامه سید شرف الدین عاملی ،ترجمه آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیت العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت،قم ،1428 ق7 حاشیه المکاسب ویژگی اثر : جلد1،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1421 ق8 کتاب القضاء ویژگی اثر : جلد2،تقریر آیت الله آقاضیاالدین عراقی ،گردآوری : آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشر معارف اهل البیت قم ،1421 ق9 کشکول ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت،قم 1423 ق10 مجموعه مقالات فارسی (تفسیری،اعتقادی،تاریخی،اخلاقی و اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف آیت الله میرزا ابوالفضل نجم آبادی ،موسسه آیه الله العظمی البروجردی لنشرمعرف اهل البیت،قم 1421 ق

منابع زندگینامه :زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیه الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران ،فروردین ماه سال 1387

نجم‌الدین کبری، ابوالجناب احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 619 -617 ق)، عارف، صوفی، محدث و شاعر. ملقب به کبری و شیخ ولی تراش. کنیه‌ی او را ابوالجناب و ابوالخباب نیز ذکر کرده‌اند. او مؤسس سلسله کبرویه بود. روایات مختلفی در زمینه لقب وی در بین مؤلفان وجود دارد. بعضی معتقدند به سبب زیرکی‌اش، او را طامةالکبری (بلای بزرگ) نامیده‌اند و بنابر قولی دیگر چون در جوانی قدرت فوق‌العاده‌ای در بحث و احتجاج داشت، به این لقب معروف گشت. بعضی از پیروانش از باب تکریم، وی را آیةالکبری خوانده‌اند که کم‌کم با حذف کلمه اول او را کبری نامیدند. اما از آن جهت به او شیخ ولی‌تراش می‌گفتند که بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه از تربیت یافتگان وی بودند. نجم‌الدین در خوارزم در شهر خیوه به دنیا آمد. از جوانی برای کسب علم حدیث به مسافرت در بلاد پرداخت. از جمله در نیشابور از ابوالمعالی فراوی (م 587 ق)، در همدان از حافظ ابوالعلاء عطار (م 568 ق)، در تبریز از ابومنصور حفده (م 571 ق)، در مکه از ابومحمد طباخ و در اسکندریه از ابوطاهر سلفی (م 576) استماع حدیث کرد. درباره‌ی گرایش وی به تصوف و انصرافش از اشتغال به حدیث اختلاف بسیاری در روایات است و ملاقاتش با مشایخ صوفیه هرگز منجر به قطع علاقه‌ی وی از اشتغال به علم نشد. وی بعد از خروج از خوارزم مدتی در نیشابور، اصفهان و همدان به استماع حدیث نزد مشایخ وقت اشتغال داشت. در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و ظاهراً تبحر او در طب به خاطر توجه عطار به او بوده است. اصول طریقت و تصوف را در تبریز نزد بابا فرج تبریزی و سپس در دزفول نزد شیخ اسماعیل قصری و شیخ شطاح (روزبهان بقلی شیرازی) و دیگر مشایخ عصر فراگرفت و شیخ روزبهان دختر خود را به وی داد. دکتر زرین کوب در «دنباله‌ی جستجو در تصوف» آورده که سید محمدباقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، خط وی را بر پشت نسخه‌ای از «رساله‌ی قشیریه» دیده است که وی این رساله را در 568 ق در همدان از ابوالفضل محمد ابن یوسف همدانی استماع نموده است. نجم‌الدین کبری در راه عزیمت به عراق و مصر از محضر عمار یاسر بدلیسی (م 582 ق) کسب فیض کرد و مشهور است که نجم‌الدین از شیخ اسماعیل قصری و عمار یاسر خرقه پوشید. او به پیشنهاد عمار یاسر برای نشر طریقت و ارشاد طالبان به خوارزم رفت. قبل از عزیمت به

خوارزم سفری به مکه کرد و مدتی در حلب به سر برد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» نجم‌الدین در «فوایح» به اقامتش در شونیزیه‌ی بغداد و مسافرتش به کربلا نیز اشاره کرده است. وی حدود 580 ق به خوارزم رفت و بنابر بعضی از روایات بین او و امام فخر رازی (م 606 ق) که در این زمان در خوارزم به سر می‌برد، ملاقاتی صورت گرفته است. مریدان وی در خوارزم تنها محدود به صوفیه و زهاد نمی‌شدند و در رجال دولت نیز معتقدان و دوستانی داشت. اهل سنت نجم‌الدین را با وجود علاقه‌ای که در آثار و اقوال خویش به آل علی (ع) نشان می‌دهد و با وجود مسافرت به کربلا، به تشیع منسوب نداشته‌اند و امثال یافعی، ذهبی و سبکی او را یک شیخ شافعی تلقی کرده‌اند. از شاگردان مشهور او شیخ مجدالدین بغدادی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ رضی‌الدین لالا (م 642 ق)، شیخ سیف‌الدین باخرزی (م 659 ق) و دیگران بودند. برخی بهاءالدین ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، و شیخ نجم‌الدین دایه رازی (م 654 ق) را نیز از شاگردان وی دانسته‌اند. ناصر بن منصور عرضی و سیف‌الدین باخرزی از وی حدیث روایت کرده‌اند. درباره‌ی وفات وی روایات مختلفی وجود دارد، اما آنچه به حقیقت نزدیکتر است، این است که شیخ نجم‌الدین در فتنه‌ی مغول همراه با سایر مردم به دفاع از خوارزم پرداخت و توسط مغولان به قتل رسید. درباره‌ی مقبره‌ی شیخ، اختلاف وجود دارد. به آورده‌ی «دنباله‌ی جستجو در تصوف» ابن‌بطوطه مدتی بعد از تألیف «تاریخ گزیده»، در سفری که به خوارزم داشته به وجود قبر او در خارج از خوارزم اشاره کرده است. برخی منابع نام پدر وی را محمد نوشته‌اند. از آثارش: «عین‌الحیات»، تفسیر قرآن در دوازده مجلد؛ «فوایح الجمال و فواتح الجلال»، که این کتاب را به صورت «فواتح الجمال» نیز ذکر کرده‌اند، «رسالة فی الخلوة»؛ «رسالة الی الهایم الخایف من لومة اللائم»؛ «رسالة السایر الحایر الی الساتر الواحد الماجد»، به فارسی؛ «رسالة الاصول العشرة»؛ «آداب المریدین»، به فارسی؛ «سکینة الصالحین»، به فارسی. اشعاری نیز بدو منسوب است.[1]

احمد بن عمر بن محمد خوفی خوارزمی مکنی به ابوالجناب و ملقب به نجم‌الدین و طامة‌الکبری و معروف به شیخ نجم‌الدین کبری مؤسس سلسله‌ی کبرویه (مقت. 618 ه.ق) از مشاهیر عرفا و اکابر صوفیان قرن ششم و هفتم است؛ نجم‌الدین رازی، مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، سیف‌الدین باخزری و غیره از شاگردان او بودند و او را ولی‌تراش گفته‌اند زیرا در مدت عمر دوازده کس را به مریدی قبول کرد که تماماً از مشایخ و اولیا شدند و در حمله‌ی مغول در خوارزم به قتل رسید. مزارش ناپیداست. از تألیفات اوست: رسالة الخائف الهائم عن لومة اللائم. فوائح‌الجمال و فواتح‌الجلال به فارسی. رباعیاتی چند هم بدو منسوب است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1019، 1015- 1013، 860، 856،/ 2) تاریخ تصوف در اسلام (496- 495)، تاریخ گزیده (669- 668)، تاریخ مغول (531، 514، 42، 13)، تذکرةالشعراء (245، 151، 149)، حبیب‌السیر (37- 35/ 3)، دایرةالمعارف فارسی (3012/ 2)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (118- 81)، الذریعه (1175/ 9)، ریاض‌العارفین (144- 143)، ریحانه (144- 143/ 6)، سیرالنبلاء (114- 111/ 22)، شذرات الذهب (80- 79/ 5)، صبح گلشن (509- 507)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (26- 25/ 8)، طرائق‌الحقائق (336- 334/ 2)، العبر (177/ 3)، فرهنگ ادبیات فارسی (502- 501)، فرهنگ سخنوران (924)، کشف‌الظنون (1293- 1292، 900، 876)، لغت‌نامه (ذیل/ نجم‌الدین کبری)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (459- 455)، مجالس‌العشاق (125- 120)، مجالس المؤمنین (75- 72/ 2)، مجالس‌النفائس (320- 319)، مجمع‌الفصحا (1406/ 3)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 617)، مرصادالعباد (مقدمه/ 46- 45، 37- 35)، معجم‌البلدان (474/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (480- 479/ 1)، نفحات‌الانس (427- 422)، هدیةالاحباب (254- 253)، هدیةالعارفین (90/ 1)، هفت اقلیم (320- 316/ 3)، یادگار (س 4، ش 1 و 2، ص 101- 96، ش 9 و 10، ص 94- 93).

نجم‌آبادی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1282 ش)، طبیب، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. نسبش از طرف مادر به شیخ هادی نجم‌آبادی و از طرف پدر به حاج محمد نجم‌آبادی، اولین متولی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه‌ی شرکت گلستان و مدرسه‌ی قدیم ایران و آلمان و سپس در دارالفنون و دارالمعلمین به اتمام رساند و از آنجا به مدرسه‌ی طب رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل نمود. در 1309 ش در قوچان و در 1312 ش در سبزوار طبابت کرد و پس از آن به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. وی ریاست بیمارستان‌های نجات و لقمان‌الدوله (لقمان حکیم) را به عهده داشت. دکتر نجم‌آبادی در اکثر کنگره‌ها درباره ابن‌سینا و رازی سخنرانی داشت و سالها نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس بود. وی به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و عربی تسلط داشت و تحقیقاتی در زمینه‌ی تاریخ طب و طب سنتی انجام داد و آثاری در این زمینه نوشت. او همچنین ماهنامه‌ی «جهان پزشکی» را تأسیس و منتشر نمود. او دیگر آثار وی: «محمد زکریای رازی»؛ «اصول بهداشت»؛ «بلای عظیم نسل بشر، سیفیلیس و سوزاک»؛ «تاریخ طب ایران»؛ «تعالیم پزشکی صد ساله‌ی فرانسویان در ایران»؛ «راهنمای پزشکان»؛ «مختصری از طب اسلامی بخصوص خدمات ایرانیان»؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی»؛ «آبله و سرخک»، ترجمه؛ «آیین پزشکی یا پندنامه‌ی اهوازی»، ترجمه؛ تصحیح «رساله‌ی جودیه»؛ مقدمه بر «طب اسلامی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی دکتر محمود نجم‌آبادی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2959، 2486، 2116، 1691، 1639، 910، 811، 720، 625، 513، 408، 248، 78، 4 -3 / 1)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 4، ص 14 -3)، مؤلفین کتب چاپی (102 -99/ 6).

نجمی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق نجمی
محل تولد : براین- شبستر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1315/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد صادق نجمی به سال 1315 شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود 15 سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقهمند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقهمند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.
دوران کودکیام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابوابالجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.
پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز»

برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال 1332 شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال 1372 قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.
دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال 1359 شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد.
در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت

می نمودیم.
در دوران تحصیل از اساتید متعددّی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهرهمند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام:
1- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.
2- قسمتی از مطوّل را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدّس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از «سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «جاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.
3- بخش مهم مکاسب را از «آیت الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیة الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیة الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیة الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیة الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایة الاصول را از «آیة الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیة الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیة الله مشکینی» و «آیة الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیّه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم.
در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران

طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و ...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.
من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أمّا بنعمة ربّک فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:
1- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همانگونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.
2- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).
به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیة الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیّه و به دستور «آیة الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده

بود. در ایامی که هوا مساعد بود؛ شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم. تقریبا در همان سال های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.
حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر اندز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژبر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب، فراموش نشدنی، شور انگیز و حرکت آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروة الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است.
این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی، علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخنرانی ها و اعلامیه های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند،

حرکت کنیم.

نجومیان، امیرعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر امیرعلی نجومیان پس از اتمام دوره متوسطه و اخذ دیپلم ،تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه شهید بهشتی دررشته زبان و ادبیات انگلیسی آغاز کرد.او جهت تکمیل معلومات دانشگاهی عازم انگلستان شد و در رشته ادبیات انگلیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه لستر انگلستان به تحصیل پرداخت.نامبرده هم امنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است.گروه : علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات انگلیسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی : دیپلم: ریاضی و فیزیک / 1361 / مشهد کارشناسی: زبان و ادبیات انگلیسی / 1369 / تهران / دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد: ادبیات انگلیسی / 1373 / لستر / دانشگاه لستر دکتری: ادبیات انگلیسی / 1378 / لستر / دانشگاه لستر مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی امیرعلی نجومیان به ترتیب زیر است: مدیر گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی (آبان ماه 1381 – بهمن ماه 1385) معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه 1385-تا حال حاضر). دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه 1383). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (1382 – تا حال حاضر) دبیر علمی «هم‌اندیشی ژاک دریدا: از فلسفه تا هنر»، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و فرهنگستان هنر (چهاردهم دی ماه 1383). عضو گروه تخصصی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر (1382 – تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (1382 – تا حال حاضر). معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی (تیر ماه 1385-تا حال حاضر). مدیر گروه پژوهشی ادبیات انگلیسی، انتشارات سمت: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - 1382 تا حال حاضر داور بخش نقد و پژوهش ادبی، ششمین جشنواره دوسالانه ادبی دانشجویان کشور (19 تا 21 اردیبهشت ماه 1385). برگزاری کلاسهای تخصصی شهر کتاب: «پساساختگرایی: نظریه و

نقد» (تهران: ساختمان مرکزی شهرکتاب) (تیر تا شهریور ماه 1385). آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی ادبیات قرن بیستم / رابطه ادبیات و فلسفه / نقد ادبی معاصر / مطالعات بین رشته‌ای / روش‌های آموزش ادبیات تحقیقات و فعالیتها : نقد ادبی معاصر - ادبیات قرن بیستم رابطه ادبیات و فلسفه جوائز و نشانها : دانشنامه زیباشناسی (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، 1384). (برگزیده کتاب سال 1385) چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر امیرعلی نجومیان به قرار زیر است: مصاحبه:7 مورد سخنرانی (به زبان فارسی):21 مورد مقالات ارائه شده :بیش از 30 موردآثار : ترجمه: زوال یا بقای متن اصلی؟»، خیال پردازی زوال: مفهوم زوال در فرهنگ اروپا ویژگی اثر : آلدرشات: اشگیت، 13782 دانشنامه زیباشناسی ویژگی اثر : (به همراه گروه مترجمان) (تهران: فرهنگستان هنر، 1384). (برگزیده کتاب سال 1385) 3 درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، 13854 درآمدی بر مدرنیسم در ادبیات ویژگی اثر : اهواز: انتشارات رسش، 13835 کتاب و کتاب خوانی در برنامه های تلویزیونی ویژگی اثر : به کوشش دکتر بهمن نامور مطلق (همکاری در ترجمه) (تهران: اداره کل پژوهشهای سیما، 1381).

نحوی هروی، ابوالمظفر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 414 ق)، ادیب، نحوی و عالم. از پیشوایان علوم ادبی و از شاگردان خوارزمی بود. از طبری، قاضی ابی‌الهیثم و ابوالعلاء صاعد فقه آموخت و در تفسیر و حدیث نیز دستی داشت. در اصول عقاید پیرو عدلیّه بود. شرح «اصلاح المنطق» ابن‌السکیت و شرح «امثال» ابوعبید و شرح «حماسه» و شرح «دیوان» متنبی از تألیفات اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 180)، اعیان الشیعه (9/ 58)، الذریعه (277 93، /13)، ریحانه (7/ 267)، کشف الظنون (811، 691، 167)، لغت‌نامه (ذیل/ محمد)، معجم الادباء (17/ 116- 117)، معجم المؤلفین (9/ 35)، الوافی بالوفیات (1/ 333).

نحوی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین مرحوم مبرور شیخ ابوالقاسم نحوی از مدرسین نامی و علماء سامی حوزه علمیه و دانشمندان و ادباء معروف و عالیقدر قم که حق عظیمی بر هزاران نفر از طلاب دارد می‌باشد، تولدش در سال 1300 ق در قم واقع شده و پس از رشد و طی مقدمات از خدمت مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و آیت‌الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا میرزا علی‌اکبر حکیم یزدی رضوان‌الله علیهم درس خوانده و با کمال متانت و سادگی و بی‌بضاعتی زندگانی نموده و وارد هیچ دسته و سر و صدائی نشده و سالها از مرحوم آیت‌الله حایری و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خونساری و آیت‌الله بروجردی استفاده نموده و صدها طلبه فاضل و عالم از ادبیات مطول و مغنی و کتب دیگر وی استفاده کرده و چند سالی هم به امر آیت‌الله العظمی بروجردی- ره- برای اداره حوزه علمیه شهرستان ساوه با آن سامان توقف نموده آنگاه به قم وطن مالوف خود برگشته و به خدمات دینی و روحی پرداخته تا در ماه رجب سال 1385 قمری که بدرود زندگی گفته و در صحن جدید اتابکی در محل نماز حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله مدفون گردید.
مرحوم حجه‌الاسلام نحوی از رفقای بسیار نزدیک مرحوم آیت‌الله مجاهد بافقی بود و به حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بسیار ابراز علاقه و ارادت می‌ورزید فرزند برومندش ثقه‌المحدثین شیخ تقی نحوی از افاضل اهل منبر و وعاظ قم می‌باشند که در این شهرستان و بلاد دیگر در راه منبر به ترویج و خدمت به دین و معارف اسلامی می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نحوی، شهاب الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد تقی معروف به شهاب الدین فرزند علامه‌ی فقیه سید محمد حسن. عالم فاضل زاهد. در شب غره‌ی ماه رجب سال 1263 متولد، و در نیمه شب چهارشنبه غره‌ی رجب سال 1340 وفات یافته، در تخت فولاد جنب پدر خویش مدفون گردید.
مقدمات و سطوح را نزد برادر خود: حاج سید مهدی نحوی، و برادر دیگرش: سید محمد (که در جوانی به سال 1275 وفات یافته است) فراگرفته؛ سپس جهت تکمیل در محضر مرحومین حجتین: ملا حسین علی تویسرکانی، و آقا میر سید محمد شهشهانی حاضر شده، سال‌ها از محضر آنان مستفید گشته، ضمنا به درس آخوند ملا عبدالجواد خراسانی حکیم، و میرزا محمد علی قاینی حاضر شد؛ سپس به مجلس حاج سید اسدالله بیدآبادی اختصاص یافته، و از خواص اصحاب ایشان گردید؛ ضمنا مدتی نیز از درس مرحوم میر محمد صادق کتابفروش استفاده برده، و مدت دو سال به درس حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی حاضر شده، تا در اغلب علوم از ریاضی و طبیعی و حکمت و فقه و اصول و ادب تبحری یافت.
سپس تا آخر عمر به خدمت خلق، و عبادت خالق پرداخته، مورد احترام خاص و عامه قرار گرفته، در نزد عموم طبقات، محترم و مقبول القول بود.
از آثارش کتابی است جنگ مانند، در دو قسمت 1- در فواید متفرقه، از نظم و نثر عربی و فارسی و فقه و حدیث و تفسیر
2- مجموعه‌ای از مراسلات استادش حاج سید اسدالله بید آبادی که به علما و غیره نوشته، و این قسمت شایسته‌ی کمال توجه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نحوی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا عبدالجواد. ادیب و فاضل بوده، و از بنیان گزاران فرهنگ جدید در اصفهان به شمار می‌رود.
مدرسه دیانت به مدیری او، از اوّلین مدارس جدید اصفهان است. سالها مدیر دبستان نظامی، و سپس دبیر ادبیّات دبیرستان های اصفهان بوده، و جمعی کثیر از دانش آموزان از محضر او استفاده نمودند.
کتابی در صرف و نحو، و کتابی در شرعیّات جهت محصّلین مدارس تألیف نموده که به طبع رسیده و سال ها در اصفهان تدریس می‌شده.
در سال 1300 متولّد، و در شب 2 جمادی الثانیه سال 1371 وفات یافته، در تکیه مجاور تکیه ملک مدفون گردید.
دیگر از آثار او رساله مختصری است در شرح حال نحویهای هرندی خانواده خود.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نخجوانی، هندوشاه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 724 ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه‌ی مستنصریه‌ی بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در 674 ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی بر کاشان حکمرانی نمود و در آنجا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصرة‌الدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب‌السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در 724 -723 ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب‌السلف» از «منیة الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده با این تفاوت که قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح العجم» یا«صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح‌المکنون» تاریخ فوت او 730 ق ذکر شده در صورتی که در «هدیة‌العارفین» 730 ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گریده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (598/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (1244 -1243/ 3)، تاریخ مغول (526)، تاریخ نظم و نثر (184)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (399)، دایرة‌المعارف فارسی (3298/ 2)، الذریعه (216/ 23 ،12 -11 / 15 ،1302/ 9 ،348/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (784/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (794 -793/ 6)، هدیة‌العارفین (511/ 2).

نخعی گلپایگانی، ریحان‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آقا ریحان‌اللَّه نخعی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا زین‌العابدین مجتهد گلپایگانی از علماء و دانشمندان با فضل و تقوای معاصر تهرانست.
که در سال 1318 قمری در گلپایگان متولد شده و پس از خواندن مقدمات در سال 1338 قمری به شهرستان عراق آمده و از محضر علماء حوزه عراق چون میرزا ابوالحسن عراقی و حاج میرزا محمدعلی خان و آخوند ملا محمدعلی گلپایگانی استفاده نموده و در سال 1340 قمری سال تأسیس حوزه به قم مشرف و تا آخر عمر آیت‌اللّه المؤسس حایری حدود 15 سال از محضرش فقها و اصولا کامیاب و بهره‌مند شده و پنج سال بعد از فوت آن مرحوم به نجف مشرف و از محضر آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده و بعد از چند سال به قم مراجعت و از موقع ورود آیت‌اللّه العظمی بروجردی تا آخر عمر آنجناب از محضر و دروسش بهره‌برداری کرده و ضمنا بتدریس فقه و اصول پرداخته تا در اواخر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که بنابر تقاضای عده‌ای از مردم تهران عزیمت بمرکز نموده و در آن عاصمه رحل اقامت افکنده و در مسجد قلعه وزیر واقع در خیابان امیریه امامت و به ترویج دین و انجام وظائف روحی و علمی اشتغال دارد.
نگارنده گوید جناب آقای نخعی از علماء اصیل و ریشه‌دار و از دودمان سردار لشگر مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام جناب مالک اشتر صحابی جلیل‌القدر می‌باشد و بر این نویسنده هم حقی دارد زیرا مقداری از خیارات مکاسب را در نجف اشرف خدمت معظم له خوانده‌ام.
دارای طبع شعر و ذوق سرشاری می‌باشند و اشعاری در مدایح دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

ندیم الملک، حیدر علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌میرزا مهدی بن ملا هاشم ندیم باشی، مصاحب محمد حسین میرزا ولی‌عهد بوده، و لقب ندیم الملک به وی داده بودند.
مردی فاضل و ادیب و سخندان، و بلند طبع و کریم النفس بوده، خط تحریری را خوب می‌نوشته، و زبان فرانسه را نیز خوب می‌دانسته.
کتب چندی تألف و از فرانسه ترجمه کرده است که نسخ آن در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است.
1- تاریخ اصفهان [مطبوع] 2- ترجمه‌ی اقوم المسالک 3- ترجمه‌ی مروج الذهب.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ندیم، حسن

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شیخ استاد) در تدریس علوم ادبیه مخصوصاً مطول یدطولائی داشته و چون ندیم و استاد مرحوم حاج سید حسین متولی‌باشی بزرگ بوده معروف به استاد ندیم شده در علوم ریاضیه نیز دست داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

نراقی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1245/ 1244 -1186/ 1185 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملة»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[1]
حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. 1245 ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: 1- اجتماع الامر والنهی. 2- اساس الاحکام در اصول فقه. 3- اسرارالحج. 4- حجیة المظنة. 5- خزائن. 6- دیوان شعر فارسی. 7- سیف‌الامة 8- شرح تجریدالاصول. 9- طاقدیس شامل مثنویات او. 10- عین‌الاصول. 11- معراج‌السعاده. 12- مفتاح‌الاحکام. 13- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (245/ 1)، اعیان‌الشیعه (184 -183/ 3)، ایضاح المکنون (563، 523، 478، 130، 35/ 2، 331/ 1) حدیقةالشعراء (1031 -1027/ 2) الذریعه (178 -177، 85/ 25، 16/ 23، 350، 341، 354، 367، 17/ 140، 21/ 14- 15، 229- 230، 315، 317، 22/ 340- 7/ 152، 9/ 610، 1181، 11/ 12، 12/ 286، 13/ 138، 195، 15/، 134 43، ،4/ 2، 267/ 1)، روضات الجنات (107 -103/ 1)، ریحانه (163 -160/ 6)، سفینةالمحمود (423 -419/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 117 -116/ 13)، فرهنگ سخنوران (560)، فوائد الرضویه (41)، قصص العلماء (132 -129)، مجمع‌الفصحا (705 -700/ 5)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1288 -1287/ 3)، معجم‌المؤلفین (163 -162/ 2)، مکارم‌الآثار (1242 -1235/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (484 -481/ 1)، نگارستان دارا (106 -104)، هدیةالاحباب (180)، هدیةالعارفین (186 -185/ 1).

نریمان

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام نریمان از صفت نئیرمنو Nairemanu، یعنی نیرومند پیدا شده که بعدها او را به صورت پهلوانی درآوردند. و این صفت را در اوستا به گرشاسب دادند، و همین نام نریمان است که در شاهنامه گاهی به صورت نیرم دیده می‌شود. از نریمان به عنوان پهلوان معروف خاندان سام در شاهنامه سخن رفته و این پهلوان در دژ سپند کشته شد، و رستم انتقام او را بگرفت.
نیرم. در اوستا صفت جهان پهلوان است و نیز نریمان پدر سام جد رستم بوده است.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 537 -461 ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش، ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم تورپشتی از وی روایت کرده‌اند. حدود صد اثر را به وی نسبت می‌دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده، به وی منسوب است. البته در صحت انتساب این کتاب به وی تردید می‌باشد، چنان که بعضی آن را به برهان‌الدین محمد بن محمد نسفی منسوب کرده‌اند. در سمرقند درگذشت. از دیگر آثارش: «الاکمل الاطول»، در تفسیر؛ «التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدرایة»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة الخلافیات» یا «منظومة فی الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغیر» امام محمد شیبانی، در فروع.[1]
عمر بن محمد ابن احمد نسفی سمرقندی حنفی (461 ه.ق- ف. 537 ه.ق) ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابی‌حفص عالمی متکلم، اصولی، فقیه، مفسر و محدث بود. قریب یکصد رساله در مباحث فقهی و جز آن تصنیف کرده است. از اوست: «اکمل الاطول» (ه.م) «والتیسیر فی التفسیر» و «العقائد النسفیه» و «طلبة الطلبه» و «تاریخ سمرقند» و جز آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (222/ 5)، ایضاح‌المکنون (117 ،25/ 1)، ریحانه (173 -172/ 6)، سیرالنبلاء (127 -126/ 20)، شذرات الذهب (115/ 4)، طبقات المفسرین داودی (7 -5 / 2)، العبر (453 -452/ 2)،

كشف‌الظنون (2054، 2048، 1929، 1871، 1867، 1731، 1686، 1602، 1356، 1230، 1145، 1125، 1114، 756، 706، 668، 602، 564، 553، 519، 418، 415، 296، 247)، لسان‌الميزان (230 -229/ 5)، معجم‌الادباء (71 -70/ 16)، معجم‌المؤلفين (306 -305/ 7)، هدية‌الاحباب (255)، هدية‌العارفين (783/ 1).

نسوی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن احمد بن علی بن محمد ملقب به نورالدین. منشی مخصوص جلال‌الدین منکبرنی و مصنف کتاب سیرة جلال‌الدین و نفثة‌المصدور. تاریخ تولد و مرگ او به درستی معلوم نیست ولی در قرن ششم و هفتم از هجرت می‌زیسته است. به سال 621 از جانب والی نسا (1- نسا) به دربار سلطان جلال‌الدین رفت و تا سال 628 که سال مرگ جلال‌الدین است در خدمت او بود. در سال 629 در میافارقین اقامت کرد، و نفثة‌المصدور را در آنجا نوشت. در سال 639 کتاب سیرة جلال‌الدین را تألیف کرد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نسیم دستگردی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1358 -1286/ 1285 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به نسیم. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در 1311 ش در رشته فلسفه و ادبیات از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. نسیم از 1313 ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد در دبیرستان‌های تهران و دانشکده‌ی افسری به تدریس پرداخت. وی پس از فوت پدر، صاحب امتیاز مجله‌ی «ارمغان» شد و مجله را با همان سبک تا پایان 1357 ش انتشار داد. نسیم انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز دایر و پا برجا نگاه داشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (509 -507)، الذریعه (1186/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3632 -3629/ 6)، فرهنگ سخنوران (930).

نسیم شمال

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نام روزنامه‌ای است که سید اشرف‌الدین گیلانی در 1325 ه.ق مطابق با 1907 م. تأسیس کرد و تا سال 1911 میلادی گاهی مرتب و گاهی نامرتب به چاپ می‌رسید.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نشأت، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1347/ 1346 -1275 ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبان و ادبیات فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبان‌های ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه‌های تهران، دانشکده‌ی معقول و منقول و مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. نشأت در مدت سرپرستی و تدریس خود، چندین کتاب از فارسی به عربی و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»؛ «سلسله فلاسفه‌ی ایران در اسلام»، شرح حال غزالی؛ «تاریخ سیاسی خلیج‌فارس»؛ «توحید اهل توحید»، ترجمه؛ «دستور کامیابی»، ترجمه؛ «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله‌ی خدیویه‌ی مصر»، ترجمه؛ «فن معاشرت»، ترجمه؛ «المعلم الجدید»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (216/ 12 ،165/ 8)، سواد و بیاض (552 -551)، شرح حال رجال (121/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3056 ،2471 /،2016 2 ،1429 ،964 ،715 ،61/ 1).

نصر، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1270 ش)، نمایشنامه‌نویس، نویسنده، مترجم و مؤسس. از سادات کاشان بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعد به سمت معلمی زبان فرانسه و ریاضیات همان مدرسه رسید. او همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام و اقدسیه نیز مشغول به کار شد و سپس به وزارت مالیه رفت. نصر سالها مشاغل مختلف دیگری را نیز بر عهده داشت از جمله، معاونت وزارت پیشه و هنر، وزیر پست و تلگراف، سفیر کبیر ایران در چین و هندوستان و نماینده‌ی ایران در سازمان ملل متحد. وی در آغاز مشروطیت به کار نمایش و تئاتر روی آورد و اقدام به تأسیس تئاتر ملی کرد. نصر برای آموختن فن تئاتر به اروپا رفت و پس از بازگشت، کمدی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. او ریاست کمیسیون نمایش را در سازمان پرورش افکار (تأسیس 1318 ش) برعهده داشت. همچنین وی هنرستان هنر پیشگی را بنا نهاد و خود به تدریس تاریخ هنر پرداخت. وی را پدر تئاتر ایران می‌دانند. سید علی نصر در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از آثار وی: الف- تألیفات: «تاریخ ایران و دنیا»؛ «فیزیک گاز»؛ «حفظ الصحه»؛ «علم الاشیاء»، در شش مجلد؛ «هنرآموز دوشیزگان»، در شش مجلد؛ «تاریخ عمومی»، مصور؛ «تاریخ مختصر ایران». ب- نمایشنامه‌ها: «سیروس»؛ «اشتباه لپی»؛ «نتیجه تعدد زوجات»؛ «زن بی‌وفا»؛ «قمارخانه» و غیره. ج- ترجمه‌ها: «عوامفریب سالوس»؛ «سه عروسی در یک شب»؛ «تاریخ یونان»؛ «انقلاب فرانسه».[1]
فرزند نصرالاطباء کاشانی، در 1274 در تهران تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدارس علمیه و آلیانس فرانسه شد و دوره مدارس مزبور را طی کرد، آنگاه به شغل معلمی پرداخت و چندی در مدارس علمیه، اقدسیه، قاجار و مدرسه سیاسی تدریس می‌کرد. سپس وارد وزارت دارایی شد و قریب بیست سال در آن وزارتخانه بود. اهم مشاغل وی در وزارت مالیه عبارتند از: ریاست کل خالصجات، رئیس انحصار تریاک، ریاست اداره دخانیات، پیشکار مالیه اصفهان، رئیس دارایی خراسان و ریاست اداره برق تهران.
نصر در 1315 به حکمرانی مازندران منصوب شد و قریب سه سال

استاندار آنجا بود. در 1318 علی منصور وزیر پیشه و هنر او را به معاونت خود برگزید و وقتی منصور به نخست‌وزیری رسید کفالت وزارت پیشه و هنر با علی نصر شد. پس از شهریور 1320 مدتی هم معاونت وزارت کشور را عهده‌دار گردید و در 1325 در یکی از کابینه‌های احمد قوام به وزارت پست و تلگراف معرفی شد، ولی دوران وزارتش طولانی نشد و از آنجا با سمت سفیر کبیر عازم پاکستان گردید و بعد سفیر کبیر ایران در چین ملی شد و سرانجام در 1340 درگذشت.
سید علی نصر مردی دانشمند و صاحب تألیفات متعدد بود و در حقیقت بنیانگذار هنر تأتر در ایران می‌باشد. تعداد زیادی نمایشنامه به وسیله او تحریر و اجرا گردید و کتبی نیز در تأتر دارد. از دیگر کارهای او تأسیس هنرستان هنرپیشگی است. چند تأتر هم در ایران تأسیس نمود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (291/ 2 ،342 ،327/ 1)، بنیاد نمایش در ایران (256 -231 ،81)، سیمای هنرمندان (298 -296/ 1)، شخصیتهای نامی (480 -479)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3422 ،2497 ،2333/ 2 ،1177 ،1167 ،769 ،747 ،730 ،642/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (431 -430/ 4).

نصراللهی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا نصراللهی
محل تولد : دهاقان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/3/14

زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.
با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت 30 هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال 57 به حوزه علمیه قم آمدم تا سال 1359. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال 1373 باز به قم مراجعت نموده و تا 1387 افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال 59 با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر 77 خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر 5 نصر و همچنین لشکرهای 27 رسول الله و لشکر 8 نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصرآبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 376/ 372 ق)، محدث، واعظ، صوفی و زاهد. اهل نیشابور بود و نسبتش به نصرآباد، محله‌ای در نیشابور می‌رسد. از بزرگان تصوف و عرفان و در انواع علوم متبحر بود. وی مرید شبلی و شاگرد ابوعلی رودباری و ابراهیم شیبان بود و با مرتعش و بوبکر طاهر ابهری و شبلی مصاحبت داشته است. از ابوالعباس سراج و ابن‌خزیمه و احمد بن عبدالوارث عسال و یحیی بن صاعد و محمد بن عبدالله مکحول بیروتی و ابن‌جوضاء و جماعتی دیگر در خراسان و شام و عراق و حجاز و مصر حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمان سلمی و ابوحازم عبدوی و ابوالعلاء محمد بن علی واسطی و ابوعلی دقاق و جماعتی از وی روایت نموده‌اند. در 366 ق به مکه رفت و مجاور شد و همان جا درگذشت و در جوار فضیل بن عیاض به خاک سپرده شد. به آورده‌ی «ریحانة‌الادب» وی در قریه‌ی نصرآباد اصفهان، خانقاهی داشته که به تکیه‌ی میان ده نصرآباد معروف است و ظاهراً مدفنش نیز در همان جا می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (170 -169/ 6)، تذکرة‌الاولیاء (319 -311/ 2)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه/ ه)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (صفحات متعدد)، ریحانه (177/ 6)، سیرالنبلاء (267 -263/ 16)، شذرات‌الذهب (59 -58/ 3)، طبقات الصوفیه سلمی (488 -484)، طبقات الصوفیه هروی (525 -524)، طرائق‌الحقائق (541/ 2)، العبر (125/ 2)، کشف المحجوب (200)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، المنتظم (412/ 8)، النجوم الزاهرة (133/ 4)، نفحات‌الانس (235 -234)، الوافی الوفیات (118 -117/ 6).

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1027- ز 1083 ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماربین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م 1099/ 1098 ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (1105 -1077 ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره‌ی نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در 1083 ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در 1090 یا 1091 یا 1115 به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.[1]
محمدطاهر (و. 1027 ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال 1082 هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد 1082 تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از

شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1787 -1784/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (406 -397/ 1)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، 491 -487 ،468 -457)، الذریعه (226/ 18 ،1191 ،643/ 9 ،37 -36/ 4)، ریحانه (183 -176/ 6)، فرهنگ ادبیات فارسی (506)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (102/ 10)، یادگار (س 2 ش 4، ص 50 -47).

نصرتی، علی اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر نصرتی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
متولد 1339 در روستای «حسین‌آباد پشت بسطام» از توابع شاهرود و در خانواده‌ای مذهبی، کشاورز و دامدار. قبل از آغاز تحصیلات کلاسیک در 5 سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روستا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذراندم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشتم. دوره تحصیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.
در جلسات مذهبی شرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شریعتی آشنا شدم. در این زمان به مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای 56 و 57 در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.
در سال 57 در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)
در سال 1361 به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت

آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال 1363 به حوزه درس مرحوم «سید منیر الدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت 12 سال گذراندم و در سال 1383 در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصیرالدوله بدر، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1309 -1248 ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نصیرالدوله. در رشت به دنیا آمد. وی برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی به تحصیل فقه، اصول، حکمت الهی و همچنین زبان فرانسه و علوم ریاضی پرداخت. در زمان ناصرالدین شاه به عنوان منشی دربار برگزیده شد و پس از قتل شاه به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و چندی به سفیری ایران در بلژیک انتخاب گردید. وی در 1297 ش در کابینه‌ی دوم حسن وثوق‌الدوله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده گرفت. در زمان وزارت وی مدارس دولتی رایگان و همچنین دانشسرای مقدماتی پسران و دختران تأسیس گردید. او همچنین مدرسه موزیک را که تا آن زمان وجود نداشت تأسیس کرد. وی سرانجام در تهران وفات یافت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: رساله در «خواص اعداد»؛ رساله در «هندسه»؛ «شرح حال حسین بن منصور حلاج»؛ «تاریخ نادر شاه افشار»، ترجمه؛ «زمین یا معرفت الارض»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (671 -669/ 5)، وزرای معارف ایران (71 -70)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (187 -176).

نصیری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نصیری
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
ایشان در سال 1344 هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال 1361 از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال 1376 در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میرزاجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.
وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال 1378 در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال 1382 در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظام الدوله، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مادرش دختر فتحعلیشاه قاجار بوده، در نجف می‌زیسته، و در نزد عموم طبقات، معزّز و محترم بوده.
تألیفاتی دارد: 1- کتابی در نحو 2- مجموعه‌ای کشکول مانند.
سرانجام در سال 1330 در نجف وفات یافته، در مقبره خانوادگی خود مدفون شد. در کتاب الذریعة (جلد 11 صفحه 90) وفاتش را حدود 1319 می‌نویسد
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، علی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1222 در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال 1247 به اتفّاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب 18 مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: 1- البرهان 2- تقریرات 3- دیوان شعر، به عربی و فارسی 4- رسال در اصول فقه 5- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده 6- رساله در امامت 7- سلافة الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیّة 8- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر 9- کشف الابهام، در فقه. 10 و 11 - دو کتاب در رجال 12- کتابی در نحو و صرف 13- کتابی در ترجمه 19 نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت 14- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل 15- نور الابصار؛ و غیره.
مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملاّ احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است
(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)
سرانجام در 8 ذی حجّه سال 1276 در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام الدوله، مرتضی قلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل و ادیب، در نزد علما و فضلا تحصیل نموده، تألیفاتی دارد، از آن جمله است: 1- اشعة القدسیّة، فارسی 2- تتمّه طراز اللغة تألیف علی خان مدنی که به دستور میرزا سلیمان خان نایب الحکومه اصفهان تألیف نموده 3- جمرات 4- دیوان اشعار عربی و فارسی 5- مکاتبات او با اعیان زمان خود 6- نامه‌ای در جواب اعتراضات آخوندزاده و غیره.
وفاتش در 15 ذی قعده سال 1306 در طهران اتفّاق افتاده، و در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلماء، اسد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل صالح، در 1324 در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون شده.
تاریخ وفاتش را سید محمّد نجف آبادی، شاعر و ادیب چنین گفته است:
اسد ثلو بأعتاب حمی
اسداللّه و خیر الاوصیاء
فبأعتاب علیٍّ ارّخوا
فاز واللّه نظام العلماء
پس از مرگ، شش پسر داشته که از آن جمله است:
اوّل: احمد خان، متوفّی در 20 شعبان 1363.
دوّم: حمید خان، در 26 ذی حجه 1363 وفات یافته، در صحن کربلا مدفون گردید از مردان سیاسی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نظام العلمای تبریزی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1272/ 1270 ق)، نویسنده و ادیب. ملقب به نظام‌العلماء. وی معلم ناصرالدین میرزا ولیعهد (ناصرالدین شاه) و از علمای شیخیه آذربایجان بود. او در مجلسی که در 1263 ق در حضور ولیعهد برای مناظره و مباحثه و محاکمه‌ی سید علی‌محمد باب در تبریز انعقاد یافت شرکت داشت و بعدها صورت محاکمات این مجلس را به ضمیمه‌ی مطالبی دیگر در رساله‌ای مرتب و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «الشهاب الثاقب»، در رد نواصب؛ «اخلاق نظام‌العلماء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (381)، الذریعه (253/ 14 ،381/ 1)، ریحانه (209 -208/ 6)، شرح حال رجال (60 -59/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (84/ 6).

نظام بندگیر تبریزی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، نقاش. گچ‌بر و نگارگر و رسمی‌ساز محراب مسجد جامع مرند است که آن را در کمال استواری بنا نهاده و در فاصله دو سر ستون آن نام سازنده آن چنین درج شده: «عمل عبدالفقیر نظام بندگیر تبریزی». این بنا، به امر ابوسعید بهادر خان در 731 ق فرجام پذیرفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1392/ 3).

نظام‌الدوله اصفهانی، علی‌محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از معاریف دربار فتحعلی شاه قاجار (1250 -1212 ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در 1250 ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمدشاه، چون نظام‌الدوله از مخالفین سلطنت محمدشاه بود، از ترس او به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری پیوست و تا پایان عمر در همان جا به سر برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (485 -484/ 2)، تاریخ عضدی (66 -60)، شرح حال رجال (484 -483/ 2).

نظام‌العلمای تبریزی، محمد رفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327/ 1326 -1250 ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبا می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه‌ی باسمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمیر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفة الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات منثوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویة»؛ «آداب الملوک»، در شرح «عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقویم»؛ «حقیقة الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهرالاخبار»؛ «مصابیح‌الانوار»؛ «مجمع‌الفضائل»، «دستور الحکمة»؛ «مقالات النظامیة»؛ «مجالس النظامیة»؛ «فتوحات نظامیه»، به فارسی؛ «وسیلة الزائرین»؛ «کافیة العروض»؛ «دیوان» شعر، در مدایح و مراثی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (33/ 7)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (5 -1 / 3)، دانشمندان آذربایجان (390 -380)، الذریعه (78/ 25، 393، 80/ 21 /39، 20 /372، 19 /1203 -1202/ 9 ،48 -47/ 7 ،259/ 5 ،187/ 4 ،486 ،421/ 3 ،452 -451 /46 ،2 ،30 -29/ 1)، ریحانه (208 -207/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 788 -787/ 14)، علماء معاصرین (93 -92)، الماثر والآثار (183)، معجم‌المؤلفین (169/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (227 -224/ 3).

نظام‌زاده فسائی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر فرزند عالم جلیل و فقیه نبیل حاج شیخ محمود نظام‌زاده سبط علامه کبیر حاج میرزا محمود شیرازی عسکری و حفید عالم بزرگوار حاج میرزا محمد اسمعیل نظام‌العلماء فسائی می‌باشند.
در سال 1325 شمسی در سامری به دنیا آمده و دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذارده و در خدمت والد ماجدش عزیمت به نجف اشرف نموده و دروس مقدماتی و ادبیات را در آن سامان به پایان رسانیده سپس در خدمت پدرش در سال 1346 شمسی به شیراز آمده و مدت شش سال اقامت و سطوح را در این شهرستان نزد اساتید و مدرسین خوانده و در سال 1352 شمسی مهاجرت به قم نموده است.
و در درس خارج مرحوم علامه نسابه فقیه اهل‌البیت آیت‌اللَّه العظمی مرعشی‌نجفی قدس‌اللَّه سره و نیز آیت‌اللَّه العظمی گلپایگانی عافاه اللَّه و ادام اللَّه ظله شرکت و استفاده نموده و در سال 1364 شمسی که والد بزرگوارش آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود نظام‌زاده رحلت نمودند و به فساء برگشته و به جای معظم‌له به خدمات دینی از اقامه جماعت و ترویج دین‌و تبلیغ احکام اسلامی و قضاء حوائج برادران دینی اشتغال دارند. ادام‌اللَّه توفیقاته.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نظری منفرد، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نظری منفرد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
سال 1326 در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال 1346 و 1347 رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.
در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظمی تهرانی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1384 -1340 ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف به پایان رساند و تحصلات متوسطه را در رشته‌ی ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن‌لوئی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سردبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله‌ی هنری و سیاسی «عقیده» را در 1365 ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «اطاق کبود»؛ «شب مهتابی»؛ «معشوقه‌ی بی‌گناه»؛ «یادبودهای جوانی»؛ «تاتیانا»؛ «اسرار بغداد»؛ «گربه‌ی سیاه»؛ «طلا در کوه»؛ «این تو بودی»؛ «شبهای هند»؛ «پدری که پسر خود را می‌کشد»؛ «روح گمشده»، ترجمه؛ «طوفان زندگی»، ترجمه؛ «نگاه»، مجموعه‌ی شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (205/ 18، 1212، 1157/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3666 -3662/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3435، 3308، 3054، 2917، 2713، 2445، 2398، 2270، 2265، 2094، 1767، 1749/، 2 /1490، 1132، 1064، 1050، 652، 589، 426، 196/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (523 -521/ 6).

نفیسی، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1274 ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در 1297 ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در 1301 ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در 1340 ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛

«فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[1]
سعید فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. 1274 ه.ش- ف. 23 آبان 1345) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آئینه‌ی میراث (س 3، ش 2 و 3، ص 69 -64)، از نیما تا روزگار ما (271 -258)، تاریخ جراید (71 -66/ 3 ،50 -49/ 2)، چهره‌های آشنا (624 -623)، الذریه (32/ 19 ،218 ،212 ،184/ 16 ،141/ 12 ،1218/ 9)، ستارگان کرمان (408 -396)، سخنوران نامی معاصر (3672 -3667/ 6)، سواد و بیاض (533 -518)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3341 ،2864 ،2441 ،2434 ،2409 ،1936/ 2 ،762 ،729، 695، 688، 664، 659، 629، 461، 431، 424، 414، 295، 126، 31، 91/ 1)، کلک (س 1، ش 9، ص 107 -102)، مؤلفین کتب چاپی (338 -332/ 3)، یغما (س 19، ش 9، ص 495 -493).

نفیسی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناظم‌الاطباء میرزا علی‌اکبرخان (و. کرمان 1263 ه.ق- ف. 1342 ه.ق) فرزند محمدحسن بن علی‌اکبر بن محمد بن محمدکاظم بن ابی‌القاسم بن محمدکاظم بن سعید شریف نفیسی. پزشک، ادیب و لغوی، تحصیلات مقدماتی را در کرمان فراگرفت، سپس به سال 1282 ه.ق به تهران آمد و به مدرسه‌ی دارالفنون رفت و در سال 1289 ه.ق فارغ‌التحصیل شد. سپس به ریاست مریضخانه‌ی دولتی منصوب شد و تا سال 1298 در این سمت باقی بود. در سال 1303 ه.ق به دعوت ظل‌السلطان به اصفهان رفت و دو سال بدانجا بود. در سال 1310 جزو اطبای حضور ناصرالدین شاه درآمد. او را تألیفات متعددی در طب و تشریح و لغت است. اثر معروف او فرنودسار (فرهنگ نفیسی) است.
لقب میرزا علی‌اکبرخان نفیسی (1263 ه.ق- 1342)، از اطبای معروف و دانشمند قرن چهاردهم و مؤلف فرهنگ نفیسی یا «فرنودسار». در کرمان تولد یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به پایان رساند سپس به فراگرفتن حکمت الهی و فلسفه پرداخت و در دارالفنون تهران که تازه تأسیس شده بود به تحصیل طب پرداخت. در سال 1289 از آن مدرسه فارغ‌التحصیل شد و به تأسیس بیمارستان دولتی به سبک بیمارستانهای اروپا از طرف ناصرالدین شاه مأمور شد. تألیفات وی در طب شامل یک سلسله کتابهای سودمند است که یا خود مستقیماً نوشته و یا از کتب فرانسه ترجمه کرده است بدین قرار: 1- کتابی در پاتولوژی و کلینیک جراحی. 2- رساله‌ای در فیزیک. 3- رساله‌ای در جراحی، 4- رساله‌ای در تراپوتیک. 5- دو رساله در سوء هضم. 6- کتابی بنام مذاکرات. علی‌اکبر نفیسی در نهضتهای فرهنگی نیز پیشقدم بود. به «عضویت انجمن معارف» درآمد و مدرسه‌ی شرف را به روش مدارس اروپائی تأسیس کرد. مهمترین تألیف او کتاب فرهنگ نفیسی یا فرنودسار می‌باشد که بیست و پنج سال عمر خود را صرف آن کرد. نسخه‌ی اصلی این کتاب شامل چهار مجلد بزرگ است در 3317 صفحه و شامل 99552 لغت تازی و 58879 لغت فارسی است.
(1343/ 1342 -1263 ق)، پزشک، نویسنده و مؤسس. ملقب به ناظم‌الاطباء. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش با مساعدت وکیل‌الملک، حاکم کرمان، جهت ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و

در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت. در 1285 ق قبل از اتمام دوره‌ی طب، طبابت هنگ مهندسی در تهران به او سپرده شد. وی بعد از فراغت از تحصیل به پیشنهاد میرزا حسین خان مشیرالدوله، نخستین بیمارستان جدید را به روش اروپایی در ایران که همان مریضخانه‌ی دولتی (بیمارستان سینا) است، تأسیس کرد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. وی رد مجلس حفظ الصحه (متشکل از پزشکان نامی شهر) که نخستین بار در تهران تشکیل شد، حضور داشت. او پس از کناره‌گیری از ریاست بیمارستان دولتی در 1298 ق با میرزا حسین خان مشیرالدوله به مشهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را، از موقوفات آستان قدس رضوی، بنیان نهاد و آن دومین بیمارستان به روش اروپایی در ایران بود. از 1310 ق جزو اطبای ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شد و به طبابت در دربار اشتغال ورزید. وی کتاب‌هایی در «پاتولوژی و کلینیک جراحی»، «فیزیک»، «جراحی»، «تراپوتیک»، «تشریح» و دو رساله در «سوء هضم» تألیف کرده است. از دیگر آثارش: «پزشکی‌نامه»، نامه داروهای طب قدیم در برابر نامهای اروپایی؛ «تعلیمات ابتدایی»؛ «فرهنگ نفیسی»، در لغت، «نامه‌ی زبان آموز».[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ 219 -215)، دایرةالمعارف فارسی (2994/ 2)، روز شمار تاریخ (133/ 1)، ریحانه (123 -121/ 6)، شرح حال رجال (435/ 2)، فرهنگ نفیسی (1/ مقدمه)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2442/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ناظم الاطباء)، مکارم‌الآثار (1702 -1701/ 5) مؤلفین کتب چاپی (549 -547/ 4)، یادگار (س 3، ش 4، ص 65 -52).

نقاشباشی مزین‌الدوله، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی (مزین‌الدوله) در بیستم ربیع‌الثانی 1263 ق. در نطنز کاشان به دنیا آمد. به سن دوزاده سالگی، در زمان ناصرالدین شاه، جزو نخستین دسته‌ی محصلین اعزامی، به پاریس رفت و از مدرسه‌ی هنرهای زیبا موفق به اخذ دیپلم شد. پس از پایان تحصیلات، مدتی نزد «انگر» به تکمیل هنر نقاشی پرداخت.
مزین‌الدوله پس از بازگشت به ایران، از طرف ناصرالدین شاه قاجار مأمور تدریس زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی در دارالفنون شد. کمال‌الملک غفاری و مصورالملک از جمله شاگردان وی در این زمان بودند.
مزین‌الدوله بنا به دستور ناصرالدین شاه مأموریت یافت تا برای نخستین بار تئاتری به شیوه‌ی اروپایی در ایران دایر کند. او برای این منظور تالار دارالفنون را انتخاب کرد. در همین دوره «مزین‌الدوله» نمایشنامه‌ی «مردم گریز» از مولیر را به روی صحنه آورد. ناصرالدین شاه در شب‌های نمایش برای تماشا به تالار نمایش می‌آمد.
مزین‌الدوله به ادبیات فرانسه آشنایی کامل داشت و در آکادمی فرانسه عضو بود. وی به دستور ناصرالدین شاه مأمور به ترجمه‌ی کتاب لغت فرانسه موسوم به «دیامان» به فارسی شد. این فرهنگ دارای پنجاه هزار لغت بود و پس از سی سال زحمت، در زمان سلطنت احمدشاه قاجار به پایان رسید، ولی به سبب فقر مالی ایران، موفق به چاپ آن نشدند. سفیر فرانسه در ایران تقاضا کرد تا فرهنگ را برای چاپ و استفاده در مدرسه‌ی زبان‌های شرقی، به فرانسه فرستند. این کتاب لغت به «مزین‌اللغة» موسوم است.
مزین‌الدوله به سال 1312 شمسی در سن 89 سالگی در تهران درگذشت. از آثار نقاشی مرحوم مزین‌الدوله در موزه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. بعضی از نشان‌های وی که از کشورهای خارج دریافت کرده، در زیر می‌آید: نشان درجه یک لژیون دونور، نشان بزرگ زیتون فرانسه از ناپلئون سوم، صلیب آبی از ویلهلم پادشاه آلمان، «سنت استانیلاس» از تزار روسیه، نشان ویکتوریا از پادشاه انگلستان، نشان درجه یک علمی از فرانسوا ژوزف پادشاه اتریش.
مزین‌الدوله را باید نخستین معلم زبان فرانسه، موسیقی با نت و نقاشی با

اصول اروپایی و بنیانگذار تئاتر به شیوه‌ی غربی در ایران دانست.
میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، تعداد دو جلد کتاب مربوط به هارمونی و تئوری موسیقی که نوشته‌ی لومر فرانسوی است به فارسی ترجمه کرد که در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید، و این نخستین کتاب تئوری موسیقی است که به فارسی برگردانده شده است.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 -706 ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانة‌الادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیة» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (272 -271/ 4)، ریحانه (230 -229/ 6)، شذرات الذهب (242/ 6)، کشف‌الظنون (1544، 1330، 1300، 1021، 649، 499، 477)، معجم‌المؤلفین (108/ 6)، هدیة‌العارفین (467/ 1).

نقوی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدتقی فرزند حاج سید باقر نقوی از افاضل دانشمندان و گویندگان معاصر تهران است. وی در سال 1348 قمری در شهر قائن به دنیا آمده و در بیت سیادت پرورش یافته و مقدمات را در قائن خوانده، سپس در سن 16 سالگی در سال 1364 قمری به مشهد عزیمت نموده و در مدرسه ابدال خان اقامت و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری با تمام رسانیده و سطوح وسطی و نهائی را در خدمت مرحوم حاج سید احمد مدرس یزدی و کفایه و مکاسب را از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج میرزا حسین فقیه سبزواری آموخته و رسائل را از مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی فراگرفته و پس از آن به قم آمده و مدت یکسال اقامت و از محضر آیات استفاده نموده و در سال 1368 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت هشت سال اقامت و از محضر آیات عظام مرحوم حاج سید محمود شاهرودی و حاج میرزا باقر زنجانی استفاده نموده و عمده فقه را از مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم استفاده نموده و عمده اصول را از آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله آموخته و در سال 1376 قمری به ایران مراجعت و به زادگان خود قائنات رفته و مدت دوازده سال در آن سامان به خدمات دینی اشتغال داشته و در سال 1388 قمری مهاجرت به تهران نموده و به خدمات دینی و تبلیغ اسلام و ترویج مذهب و نشر معارف اسلامی از طریق منبر و جلسات مذهبی پرداخته است دارای تألیفات و آثار ارزشمندی هستند که از نظر عزیزان می‌گذرانم.
1- شرح نهج‌البلاغه در 25 جلد که هفت جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط می‌باشد.
2- شرح دعاء کمیل فارسی مطبوع.
3- شرح خطبه فدک مخطوط.
4- شرح دعاء عرفه فارسی.
5- شرح خطبه غدیریه فارسی مخطوط.
6- تفسیر قرآن که در دست تألیف دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نقیب‌الممالک

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین شاه، که داستان امیرارسلان ساخته‌ی فکر او است و دو داستان دیگر به نام ملک‌جمشید و زرین‌ملک دارد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نکونام، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نکونام
محل تولد : گلپایگان
شهرت : نکونام گلپایگانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
حجة الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال 1323 هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلّط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهده و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدرِ مادرش در شکل‌گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دورهٔ دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال 1340) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزانگان آن دیار عالم خیز بود.
او به سرعت دروس مقدمات و دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دورهٔ خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعهٔ استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیة الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه

«آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومهٔ استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.
ایشان در طی سالیان تحصیل با فضلای بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسؤول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد.
استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ، خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دورهٔ سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.
وی از سال 1367 تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نمازی شادمان، فرنگیس

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مترجم.
درگذشت: شهریور 1362.
فرنگیس نمازی همسر دکتر فخرالدین شادمان، خواندن و نوشتن را در شیراز و هندوستان از معلم خانگی آموخت. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان مهرآیین شیراز و دبیرستان بهشت‌آیین اصفهان به پایان آورد و در امتحانات نهایی متوسطه به دریافت نشان درجه‌ی دوم علمی از وزارت فرهنگ نایل شد.
پس از آن به انگلستان رفت و یک سال در مدرسه‌ی متوسطه سنت مارتین این ذفیلد و سه سال در وستفیلد کالج آکسفورد به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه پرداخت و پس از ده سال به ایران بازگشت از آثار اوست: تحقیقات و مطالعات انگلیس‌ها در باب فارسی (دکتر آرتور ج. آربری، لندن، 1943، م.، رساله‌ی ایشان) تراژدی قیصر (ویلیام شکسپیر، 1334)؛ تراژدی مکبث (ویلیام شکسپیر 1340)؛ انحطاط و سقوط امپراتوری روم (نوشته‌ی ادوارد گیبون، 1354، سه جلد)؛ از وی داستان «مادر» اثر سامرست موآم نیز در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسید. وی همچنین مقاله‌ها و ترجمه‌هایی را در مجله‌ی «روزگار نو»- طبع انگلستان- انتشار می‌داد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نمازی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن فرزند عالم ربانی و محدث خبیر و نویسنده بصیر حاج شیخ علی نمازی شاهرودی طاب‌اللّه ثراه. از ائمه جماعت تهران و افاضل عصر و زمان در عاصمه تشیع تهران می‌باشند.
در سال 1319 هجری شمسی در مشهد مقدس متولد شده و پس از رشد و پرورش در حجر چنان پدر بزرگواری مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه مشهد در محضر والدش و مدرسین دیگر خوانده و دروس جدید را هم در خلال دروس علمی دینی ادامه داده. آنگاه عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر اساتید آنجا چون آیت‌اللّه حاج میرزا باقر زنجانی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شاهرودی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی خوئی مدظله العالی فقها و اصولا استفاده نموده است.
و پس از ده سال اقامت از طرف دولت بعث عراق مانند صدها هزار نفر دیگر به ایران اخراج شده و مدتی در قم توقف و بعد به دعوت جمعی از مؤمنین تهران عزیمت به سوی آن شهر نموده و در ناحیه غرب تهران به وظائف دینی از اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و مضافا بر این وظائف اقدام به طبع و نشر پنج جلد مستدرک سفینه البحار (ج 6 و 7 و 8 و 9 و 10) تألیف والد ماجدش نموده و منتشر ساخته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

نمازی، عبدالنبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالنبی نمازی
محل تولد : بوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله عبدالنبی نمازی در سال 1324 در شهر بوشهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیةالله حاج شیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیةالله نمازی، برای تبلیغ به آبادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیةالله نمازی پس از طی دوره دبستان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال 1341 به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.
آیة الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شهر مبارک و از استادان وارستهٔ آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شرکت در دروس فلسفه و اخلاق نیز باز نماند. آیةالله نمازی در سالهای تحصیل خود به محضر علمای بسیاری شرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیةالله حاج شیخ محمد حسین موحد نجف آبادی (ره)»، «آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیةالله حاج شیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیةالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیةالله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خارج فقه و اصول: «آیةالله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی (ره)»، «آیةالله العظمی حاج میرزا هاشم آملی (ره)»، «آیةالله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیةالله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیةالله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیةالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.
آیةالله نمازی درسالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به

انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مستعد تدریس نموده و از این رهگذر، شاگردان بسیاری به مکتب امام صادق (ع) تقدیم کرده است. ایشان همچنین با تشکیل جلسات تفسیر، به مباحثه و مداقه آیات قرآن پرداخت که این جلسات حدود پنج سال به طول انجامید. او در طی آن سالها، تألیفات بسیاری نگاشته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.
در کارنامهٔ زندگانی آیةالله نمازی، فعالیتهای سیاسی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابل بیوت مراجع بود که خواستار اقدام جدی علماء، برای آزادی امام (ره) بوده‌اند. در دورهٔ تبعید امام (ره) به عراق، جزء استقبال کنندگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقیّد بود در نجف نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع عظیم‌الشأن اقامه کند. در ایران نیز در طی سالهای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سفر کرد و به افشاگری دربارهٔ مفاسد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چندین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشید که اسناد تاریخی نهضت را نگهداری کند تا در بعدها، مورد استفاده نسل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.
آیةالله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، نیز برای استقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار یافت. سپس برای همکاری با اعضای ستاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن ستاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سپس به جمع آوری و تحویل سلاح ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوهٔ قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دستگاه قضایی با قبول سمت «حاکم شرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشمه خدمات بسیاری شد. آیةالله نمازی بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگین شیمیایی، از ناحیه چشم و سینه مجروح شد. چندی بعد نیز درعملیات مرصاد بر اثر اصابت ترکش به سختی مجروح می‌گردد. او پس از آن نیز

در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نواب صفوی، مجتبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد و تکاپو
در 17 مهر ماه سال 1303 در محلة خانی آباد تهران به دنیا آمد. پدرش از سادات میر لوحی و مادرش از دودمان صفوی بود.شهید سید مجتبی نواب صفوی، ب سال (1303 ه.ش) هنگامی که رضا خان قزاق، رضاشاه می‌شد در جنوبی‌ترین منطقه‌ی تهران در محله‌ی خانی‌آباد، کوچه‌ی مسجد قندی، در یک خانواده‌ی روحانی دیده بر جهان گشود. نام اصلی او، سید مجتبی میرلوحی (فداییان اسلام، تاریخ عملکرد و اندیشه؛ خسروشاهی، سید هادی؛ تهران: انتشارات اطلاعات، 1375 ص 38. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند 1360.) بود. نواب، از طرف مادر به سادات شهر درچه‌ی اصفهان و از طرف پدر، به سادات میرلوحی منتسب بود.
پدر او مرحوم سید جواد میرلوحی، دانشمند و روحانی بود؛ ولی در اثر فشار حکومت رضاخان، مجبور به ترک باس روحانی شد؛ از طریق وکالت دادگستری، هم چنان به داد محرومان می‌رسید. پدر مرحوم نواب، در سال 1314 یا 1315 ه.ش، در اثر مشاجره‌ی لفظی با «داور»، وزیر عدلیه‌ی رضاخان، غیرت علوی‌اش به جوش آمد و یک سیلی نثار او کرد. در اثر این برخورد، سه سال از عمر شریفش را در زندان به سر برد. (نشریه‌ی 15 خرداد؛ آذر و اسفند 1370، ش 5 و 6. سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها و مبارزات، ناشر: منشور برادری، نویسنده سید حسین خوش نیت، چاپ زندگی، اسفند 1360.).
شهید نواب صفوی، در نوجوانی پدر خویش را از دست می‌دهد و در منزل دایی‌اش، پرورش می‌یابد. دایی او، فردی به نام صفوی بود که در دادگستری کار می‌کرد؛ (ناگفته‌ها؛ خاطرات شهید حاج مهدی عراقی؛ تهران: انتشارت رسا، 1370، ص 17.) لذا نام سید مجتبی میرلوحی، به سید مجتبی نواب صفوی مشهور می‌شود.
او، دبستان را در مدرسه‌ی حکیم نظامی طی می‌کند. دوران دبیرستان را هم در دبیرستان صنعتی که آن موقع مال آلمانها بود می‌گذراند؛ ولی همراه با علوم هنرستان، دروس حوزه را نیز در مسجدی در همان خانی‌آباد درس می‌گرفت. سرعت او در آموختن سطوح و پایه‌های علمی حوزه، بسیار

سریع و عالی بود. در سال (1321 ه. ش) که درس او تمام می‌شود. از آن جا که رشته‌اش صنعتی بود، در شرکت نفت استخدام می‌شود. بعد از مدتی از تهران به آبادان نقل مکان کرده (همان، ص 18.) و سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف عزیمت می‌نماید. در حدود 5 سال در آن حوزه تا پایان کفایة الاصول را نزد عالمان آن دیار فرا می‌گیرد. (مجله‌ی تاریخ و فرهنگ معاصر؛ خاطرات حجةالاسلام گلسرخی؛ زمستان 1370 سال اول، ش دوم.).

«... در سفر اول در اوایل جنگ شهریور 20 جهت تحصیل به نجف اشرف مشرف شدم که حدود 4 الی 5 سال مشرف بودم و در این فاطمه یک مرتبه مادرم را آوردم و 10 روز به زیارت بردم.

... یک روز هم بعد از قضیه مرکزی در زمانی که مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی رحلت کردند. به نجف مشرف شدم و مشغول تحصیل گشتم. یک سال تقریبا در نجف بودم و تقریبا 7 الی 8 ماه پس از فوت آقای «حاج میرزا ابوالحسن اصفهانی به تهران بازگشتم». (جمعیت فداییان اسلام و نقش آن در تحول سیاسی اجتماعی ایران، داوود امینی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران 1381، ص 51.).

با توجه به این که نواب در تهران همزمان با تحصیلات کلاسیک در مسجد قندی و مدرسه‌ی مروی درس می‌خواند و سپس به نجف اشرف رفت و نیز بنابر اظهارات دوستان وی که گفته‌اند او دارای نبوغ خاصی بود، می‌توان حدس زد که مایه‌ی علمی آن شهید سعید بسیار خوب بوده است، ضمن این که خواهیم گفت کسروی که اطلاعات فراوانی در زمینه‌های گوناگون داشت در مناظره با نواب مغلوب شد. مرحوم نواب پس از بازگشت از نجف به ایران، حدود 10 سال در راه استقرار حکومت اسلامی به مبارزه پرداخت. سپس در سال (1334 ه. ق) به دست حکومت پهلوی، به درجه‌ی آرمانی شهادت نایل شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

نواب، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میرزا محمّد باقر بن محمد بن محمّد باقر نوّاب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدّرس، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اوّل صفر 1366 وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نواب، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالحسن نواب
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال 1337 در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعة الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.
ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» می‌باشد.
جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذاهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و

مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از 21 هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار 27 شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می باشد.

نواب‌پور، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: مشهد.
درگذشت: دی 1374، دورهام انگلستان.
رضا نواب‌پور دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه منچستر بود. در مزمزه‌ی خاطرات (مجموعه‌ی داستان، 1340) به انتقاد از خرافه‌پرستی پرداخت. از همکاران مجتبی مینوی در بنیاد شاهنامه بود، بیشتر آثار مکتوب وی به زبان انگلیسی است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوایی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
درگذشت: 1362.
محمود نوایی دارای درجه‌ی تحصیلی مهندسی و مترجم زبان فرانسوی و نخستین مترجم آثار زیگموند فروید بود.
از آثار اوست: آینده‌ی یک توهم (زیگموند فروید)؛ ارزش علمی و عملی نظریات فروید، بیگانگان در خانه (اثر ژرژ سیمنون)؛ بیولوژی و فلسفه‌ی زندگی؛ پنج درس پسیک آنالیز (زیگموند فروید، 1324)؛ خندان و گشاده‌رو باشید (پروفسور پل بنینسن فرانسوی، 1328)؛ روانکاوی و زندگی من (زیگموند فروید، 1324)؛ روش علمی تلقین بنفس (پل ب. ژاگو، 1325)؛ کاپیتال (تلخیص ازکتاب ارل مارکس، 1323)؛ گرادیوا (اثر یوهانس ویلهلم ینسن که هذیان و رؤیا اثر زیگموند فروید به ضمیمه‌ی آن آمده است، 1340، ظاهرا هذیان و رؤیا به صورت مجزا هم به چاپ رسیده است)؛ مزد ترس (ژرژ آرنو، 1334 نظریات فروید. وی مشغول به تألیف کتابی به فرانسه درباره‌ی خیام بود که نیمه کاره ماند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوبخت شیرازی، حبیباللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1274/ 1273 ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر سید محمد مفتی هندی آموخت و ادبیات عرب را نزد شیخ عبدالرحمان کویتی تکمیل کرد و در حوزه‌ی درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. وی پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در 1298 ش در شیراز مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه‌ی «بهارستان» در 1299 ش مجله‌ی «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نوبخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله‌ی نظامی «قشون» که در 1340 ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه‌ی سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»؛ «علم تربیت یا پداگوژی»؛ «علم روح علم طبایع»؛ «ماوراء مدرسه»؛ «فلسفه فازیسم»؛ «قانون فکر»، در علم منطق؛ «تاج جاحظ»، ترجمه؛ «کارنامه»، ترجمه؛ رساله‌ی «سفرای محمد»؛ «پندنامه»، شعر؛ «دیوان» شعر.[1]
فرزند میرزا محمد حسن شیرازی، در 1272 ش در شیراز تولد یافت. تحصیلات مقدماتی و ابتدائی را در موطن خود فراگرفت و در 12 سالگی برای ادامه تحصیل به عتبات رفت و علاوه بر ادبیات عرب، حکمت الهی و فلسفه و فنون و صناعات ادبی را به خوبی فرا گرفته و به زبان عربی تسلط کامل یافت و از همان هنگام تحصیل، همکاری با مطبوعات را شروع کرد و غالبا در روزنامه‌های مصر مقالاتی به زبان عربی می‌نوشت و یا قصائدی به صورت انتقاد از اوضاع جهان سروده به مطبوعات می‌داد. مسافرت نوبخت برای ادامه تحصیل در نجف و کشورهای عربی قریب دوازده سال طول کشید و پس از پایان جنگ اول به ایران برگشت. چندی در دارالمعلمین فارس معلم طبیعیات بود، بعد به فکر روزنامه‌نگاری افتاد. ابتدا مجله‌ای به نام زندگانی تأسیس نموده، آنرا انتشار داد و پس از آن مجله‌ی فکر آزاد را تأسیس کرد ولی دوام زیادی نداشت تا اینکه در 1298

در شیراز روزنامه بهارستان را انتشار داد. بهارستان در جهت کودتا و ضرورت آن مقالات متعددی می‌نوشت و هر قدمی که کودتاگران برمی‌داشتند تحسین و تمجید می‌نمود. در حقیقت این روزنامه ارگان کودتا بود. پس از عزل سید ضیاءالدین از رئیس‌الوزرائی نوبخت مورد حمله شدید مخالفین واقع شد که ناچار روزنامه را تعطیل و شیراز را ترک نمود.
در 1301 در تهران روزنامه بهارستان مجددا دائر شد و هفته‌ای سه شماره انتشار پیدا می‌کرد و ضمن تجلیل و تأیید سردار سپه بقیه رجال را مورد انتقاد قرار می‌داد. پس از چندی روزنامه بهارستان در حقیقت مدافع رضاخان سردار سپه شد ولی به عللی در 1303 تعطیل گردید و نوبخت سردبیر و رئیس هیئت تحریریه مجله قشون شد و در همان موقع کتابی تحت عنوان سردار پهلوی نوشت. این کتاب شامل وقایع از سوم حوت 1299 تا جلوس رضاشاه به سلطنت می‌باشد که دارای تصاویر و گراورهای زیادی است. نوبخت به علت نزدیکی به رضاخان سردار سپه، داوطلب وکالت مجلس شورای ملی شد و در دوره ششم از بهبهان به وکالت رسید و در دوره هفتم هم وکیل همانجا بود. از دوره هشتم حوزه انتخابیه او عوض شد و در هر دوره از فسا انتخاب می‌گردید که مجموعا هفت دوره نماینده مجلس شورای ملی بود. نوبخت در دوره رضاشاه از وکلای مورد علاقه دستگاه بود و به همین علت نمایندگی مجلس را در تمام دوره رضاشاه حفظ کرد. در دوره سیزدهم که انتخابات آن در تابستان 1320 انجام یافته بود پس از استعفا و خروج رضاشاه شروع به کار کرد و در این مجلس نوبخت وکیلی حراف و جنجالی شد و با دولتها به جنگ پرداخت. به هنگام طرح لایحه اتحاد سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی در زمره مخالفان بود و چندین نطق طولانی ایراد نمود و سرانجام رأی کبود داد. نوبخت در آن ایام از طرفداران جدی آلمان و هیتلر بود و حزبی نیز به نام حزب کبود تأسیس کرد. در اواسط 1322 نیروهای بیگانه در ایران عده‌ای را به جرم ژرمانوفیلی بازداشت کردند که از جمله حبیب‌الله نوبخت وکیل مجلس بازداشت گردید. سایر بازداشتیها در اراک توقیف بودند ولی نوبخت به خارج از ایران انتقال یافت و تا پایان جنگ در اسارت بیگانگان بود. در 1324 از زندان رهایی یافت، کار سیاست را رها کرد و به تألیفات و ترجمه پرداخت تا در 1352 درگذشت. در طول زندگانی خود آثار زیادی نوشته و انتشار داد از جمله شاهنامه نوبخت است. فرزند ارشد وی دانش نوبخت سالها روزنامه سیاست ما را انتشار می‌داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید 156 -155، 82/ 4، 111 -110/ 4، 298 -297، 36 -32/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (734 -727/ 5)، الذریعه (31/ 19، 230 -229، 24/ 17، 321/ 15، 21/ 13، 1227/ 9)،

فرهنگ سخنوران (954)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3198، 2863، 2862، 2584، 2518، 2461، 2337، 2335، 2087/ 2، 1528، 854، 628/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (482 -480/ 2).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 185 ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (412 -410/ 8)، خاندان نوبختی (20، 14، 3)، دایرةالمعارف فارسی (3060/ 2)، ریحانه (250/ 6)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (277، 236، 200، 14)، لغت‌نامه (ذیل/ نوبختی).

نوبختی، ابومحمد حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(402 -320 ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبداللّه واسطی روایت نموده است. ابوبکر احمد بن محمد برقانی و ابوالقاسم عبداللّه بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طناجیری و ابوالقاسم بن خلال از وی روایت کرده‌اند. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راستگو دانسته‌اند. در «میزان الاعتدال» ذهبی وفات وی 452 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (56/ 5)، انساب سمعانی (530 -529/ 5)، تاریخ بغداد (299/ 7)، ریحانه (248 -247/ 6)، لسان‌المیزان (377/ 2)، میزان الاعتدال (481/ 1)، الوافی بالوفیات (427/ 11).

نوبری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جعفر نوبری از علماء معاصر تبریز و فضلاء حوزه مرحوم آیه الله العظمی و العلامه الکبری سیدنا الاستاد آقای آقا سید محمد حجت کوه کمری رحمه الله می‌باشد.
وی در محله نوبر تبریز در روز 17 ربیع المولود 1334 ق که مصادف با روز میلاد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام است تولد یافته و بدین مناسبت موسوم به (محمد جعفر) گردیده و پس از تکمیل مقدمات در تبریز در آخر جمادی الاول 1353 ق به قم مهاجرت نموده و از محضر اعلام قم چون آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم علامه ادیب تهرانی سطوح را استفاده و به پایان رسانیده و در درس خارج آیت الله العظمی حجت قدس الله سره و آیت الله محقق خونساری و مدت کوتاهی مرحوم آیت الله صدر و آیت الله آقا میرزا رضی مجتهد تبریزی بهره‌مند شده و به مراتب عالیه رسیده است.
آقای نوبری تا سال 1375 ق در قم به تدریس و تکمیل مبانی علمی اشتغال داشتند و پس آز آن مراجعت به تبریز نموده و تاکنون به اقامه جماعت و ایفاء وظایف و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

نوذریان

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از خاندانهای بزرگ پهلوانی در شاهنامه، خاندان نوذری است که از تخمه‌ی نوذر پسر منوچهر بودند. و بزرگترین پهلوانان آن طایفه طوس و گستهم و زراسپ بوده‌اند. در اوستا از این خاندان سخن رفته است، و طوس و گستهم فرزند نوذر بودند چون فر نداشتند به شاهی ننشستند. طوس همواره سپهسالار ایران بوده و او از کسانی است که به اتفاق فریبرز و گیو همراه کی‌خسرو به کوه رفته ناپدید شده‌اند.
و در ادبیات زرتشتی از جاودانیهاست. پسر طوس در شاهنامه نام زراسپ دارد. و در حقیقت از شاهان اشکانی است که در روایات ملی داخل شده است. از او در اوستا اصلا سخنی نرفته است. اما گستهم پسر دیگر نوذر است که در ادبیات زرتشتی از جاویدانها به شمار می‌رود.
برگرفته از کتاب :ایران در عهد باستان

نورانی وصال، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالوهاب نورانی وصال ، در سال 1302 شمسی در شیراز به دنیا آمد. دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز گذرانید. آنگاه در سال 1321 به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه 1324 به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه 1324 به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدرِ عبدالوهاب ، میرزاعلی متخلص به روحانی و فرزند میرزا عبدالوهاب متخَلص به یزدانی ، و او نیز فرزند میرزا محمدشفیع معروف به میرزاکوچک متخلص به وصال شیرازی شاعر بزرگ عصر قاجاری بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالوهاب نورانی وصال ، دوره های دبستان و دبیرستان را در شیراز سپری کرد. آنگاه در سال 1321 به تهران آمد و در رشته ی ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه ی تحصیل پرداخت و در خردادماه 1324 به اخذ دانشنامه ی لیسانس نائل آمد. او پس از انجام خدمت وظیفه ی عمومی ، به ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای زبان و ادبیات فارسی و تحقیق و تکمیل پایان نامه ی دکترای خود تحت عنوان « طرز شعر در نیمه ی اول قرن دهم » به راهنمایی استاد بدیع الزمان فروزانفر پرداخت و در خردادماه 1324 به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.
استادان و مربیان : عبدالوهاب نورانی وصال ، سالها مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیرازی را برعهده داشت.
همسر و فرزندان : خانم دکتر طاهره صفارزاده ، نویسنده و شاعر توانمند معاصر ، همسر عبدالوهاب نورانی وصال می باشد.
زمان و علت فوت : دکتر عبدالوهاب نورانی وصال ، در دی ماه 1373 چشم از جهان فروبست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالوهاب نورانی وصال ، چندین سال ، مدیریت گروه ادبیات فارسی دانشگاه شیراز را بر عهده داشت.
فعالیتهای آموزشی : عبدالوهاب نورانی وصال ، پس از اخذ درجه ی لیسانس به تدریس در دبیرستان های تهران پرداخت. آنگاه در سال 1324 پس از دریافت مدرک دکترا ، به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز برگزیده شد و اندکی بعد به مقام استادی رسید.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالوهاب نورانی وصال ، مدت ها سلسله برنامه هایی را با عنوان « سوگنامه سرایی در ادبیات فارسی » در مرکز رادیو تلویزیون شیراز اجرا کرد که از یک طرف نمودار تسلط کم نظیر او بر ادوار شعر فارسی بود و از طرف دیگر ، شور و ایمان پاک مذهبی او را که موروثیِ خاندان او بود ، نشان می داد. او در انجمن ها و مجامع ادبی و کنگره های علمی با ایراد سخنرانی و خواندن شعر حضوری فعال داشت. ضمن انجام این فعالیته او به نشر کتاب و مقالات و تحقیقات علمی خود پرداخت.
آرا و گرایشهای خاص : عبدالوهاب نورانی وصال ، از آخرین شاعران بزرگی بود که شعرش استواریِ سخنِ استادان گذشته را داشت و در عین حال ، سرشار از مضامین و اندیشه های لطیف نو بود. ----------
---
آثار :
1 تحقیق و تصحیح دیوان حافظ
ویژگی اثر : با همکاری دکتر محمدرضا جلال نائینی.
2 تصحیح و چاپ دیوان داوری شیرازی
ویژگی اثر : با کمک مؤسسه ی اطلاعات.
3 نقد و تصحیح فرائدالساوک
ویژگی اثر : متن منثور اخلاقی از شمس الدین سجاسی ، با همکاری دکتر غلامرضا افراسیابی.
4 نقد و تصحیح مصیبت نامه ی عطار
5 هزارمزار در ترجمه ی شدالازار (در شرح مشاهد شیراز)
ویژگی اثر : تألیف: عیسی بن جنید شیرازی. منابع زندگینامه :مجله ی نامه ی فرهنگ ، شماره ی 16 ، زمستان 1373

نورمحمدی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا علی نورمحمدی تهرانی از علماء مبرز معاصر تهرانست که در مسجد انصار واقع در خیابان هدایت به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
ایشان در شب بیست و هشتم ماه مبارک رمضان سال 1328 ق در قریه حصار بوعلی نیاوران شمیران بدنیا آمده و پس از پرورش و گذراندن دوران کودکی مدتی در مدرسه نیاوران بتحصیل پرداخته و بعد مدتی در مدارس تهران دروس جدید را خوانده آنگاه در سال 1344 ق به قم مشرف و شروع بتحصیل علوم دینیه نموده در عصر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری و بعد از یکسال سطوح مکاسب و کفایه را از محضر آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و نیز مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی و مرحوم آیت‌اللّه فیض استفاده نموده و بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت دو دوره و نیم از خارج اصول را در خدمت آن مرحوم باضافه خارج مکاسب و خارج صلوه تلمذ نموده و هم نصفی از دررالاصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری بهره‌مند شده و در سال 1362 ق از قم به تهران برگشته و مدت سه سال در قریه حصار بوعلی شمیران اشتغال بنشر احکام و امامت داشته و بعد از آن مدتی در سه راه سپهسالار مسجدی مسجد بی‌بی اشتغال داشته و بعد از مدتی مقداری توسعه به آن مسجد داده و هم اقدام بساختمان مسجد دیگری در خیابان هدایت چهارراه صفی علیشاه بنام مسجد انصار با همت و مساعدت بعضی از اهل محل نموده و آن مسجد بی‌بی را بجناب حجةالاسلام آقای حاج سید ابراهیم علوی خوئی نموده و خود در مسجد مزبور (انصار) به خدمات دینی و ترویجات مذهبی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/18

زندگینامه علمی
در هیجدهم فروردین سال 1333 در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال 1348 جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال 1372 موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.
تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:
1- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.
2- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.
3- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.
4- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.
5- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.
6- عدالت در قرآن و روایات.

7- جایگاه عترت در قرآن و روایات.
8- توکل در قرآن و روایات.
9- تنها راه وحدت عملی مسلمین.
10- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.
11- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.
12- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.
13- هدایت در قرآن.
14- موضوع بندی 18 جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.
15- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.
16- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.
در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:
1- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.
2- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.
3- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
4- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه 2 کشور مفتخر گردیدم.
اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:
1- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.
2- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.
3- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.
4- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.
5- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

6- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
7- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.
8- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.
9- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.
10- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.
11- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوری فرد، نورعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نورعلی نوری فرد
محل تولد : روستای طرزم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1311/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب نور علی نوری فر فرزند لطف الله در سال 1311 در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال 1328 وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور 33 وارد حوزه علمیه قم شده و شروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل نوری
محل تولد : کهریز زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال 1329 هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال 1344 وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایة الاصول و ...» مشغول گردید.
در سال 1354 پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال 60 به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.
استاد نوری در سال 1371 جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال 1377 موفق به اخذ مدرک سطح 4 (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال 1377 پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال 79 نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر دریافت نموده و در حال حاضر به عنوان مدیر گروه آموزشی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1343 ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخلص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله‌ی دروازه‌ی نو اصفهان به اقامه‌ی جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیه‌ی باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری است که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرةالقبور (206 -205)، الذریعه (802/ 9)، ریحانه (261 -259/ 6).

نوری، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقّق، و عارف و زاهد کامل، از شاگردان آقا میر محمّد شهشهانی، و خود داماد حاجی کلباسی بوده، در شب بیستم شوال سال 1323 به سنّ قریب به یکصد سال وفات یافته، در داخل بقعه تکیه بابا رکن الدین در ایوان قرینه قبر بابا مدفون گردید.
کتب و رسائلی تألیف نموده که از آن جمله است: 1- رساله در فقه استدلالی 2- رساله در نمازهای مستحبّی 3- رساله عملیّه 4- رساله در نماز شب، مطبوع 5- رساله در صلات 6- رساله در نکاح 7- رساله در تجارت 9- کتابی در اصول؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا حسن بن العالم العلام و ملاذالانام مرحوم حاج شیخ ابراهیم نوری از افاضل دانشمندان حوزه‌ی علمیه و اصحاب مخصوص آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌باشد.
در سال 1302 شمسی در شهر همدان در خانواده علم و کمال تولد و در مهد فضیلت پرورش و پس از رشد دروس مقدماتی و ادبیات را خدمت والد بزرگوارش خوانده و قسمتی از سطوح اولیه را در مدرسه آخوند همدان آموخته آنگاه به قم مهاجرت و سطوح متوسط و عالی را از محضر مدرسین حوزه فراگرفته و در درس خارج مرحوم آیت‌الله حجت کوه‌کمری حاضر شده و نیز از محضر مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق یزدی معروف به آقای داماد استفاده کرده و پس از ورود حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی تا آخر حیات آن جناب بالغ بر 18 سال درک فیض از ابحاث فقه و اصول معظم نموده و نیز سالهای متمادی از دروس و تحقیقات آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی اطال‌الله بقاه بهره‌مند و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخته مخصوصا در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در ایام مناسب وفیات و سوگواریها افاده می‌فرمایند بیانی شیوا و تحقیقاتی دقیق در تواریخ و اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند.
استاد نوری آثار و خدمات ارزنده‌ای دارند که از آنهاست:
1- مکتب ولی عصر عجل‌الله فرجه که تحت برنامه‌ای تربیت جوانان و روشنفکران می‌نمایند.
2- تنظیم فهرست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله.
3- تالیفات و تصنیفات در رشته‌های مختلف که متاسفانه از تعداد و اسامی آنها بی‌اطلاع هستم زیرا ده‌ها بار مراجعه کردم و پیام دادم و وعده هم فرمودند که مرقوم دارند ولی در اثر گرفتاریها مرقوم ننمودند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوری، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا ابوالقاسم، فاضل و واعظ کامل، در 10 رجب 1335 وفات یافته، در تخت فولاد [تکیه‌ی شهشهانی] مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

نوری، عبدالنبی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عبدالنبی نوری- ره- عالمی بزرگوار و مجتهدی عالی مقدار و نابغه‌ی در فقه و اصول و محققی در معقول و منقول و متبحری در فنون مختلف و از مراجع بزرگ زمان خود گردیده است.
وی در نور که از مضافات آمل است دیده بجهان گشوده و بعد از بلوغ به تهران مهاجرت و اولیات و سطوح را معقولا و منقولا تکمیل نموده و مهاجرت بعتبات عالیات کرده و از محضر علماء و بزرگان آن سامان استفاده نموده آنگاه بسامرا مشرف و ملازم ابحاث آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مدت پنج سال گردیده و پس از آن به تهران مراجعت و در محله‌ی (عودلاجان) رحل اقامت افکنده و به مراسم ارشاد و تدریس و اقامه جماعت در مسجد (پیره زن) اشتغال یافته و پس از آن منتقل بسرچشمه شده و مومنین مسجدی در اواسط خیابان سیروس نزدیک سرچشمه برای او بنا نموده (که اکنون بنام آن مرحوم معروف است) و در آنجا به اقامه جماعت و تدرس خارج فقه و اصول برای فضلاء و علماء تهران و موعظه مردم پرداخته تا در بیستم محرم‌الحرام 1344 قمری که برحمت حق واصل و جنازه‌اش از نیاوران شمیران که در دو فرسخی تهرانست بر دوش مردم بشهر ری و در مقبره ناصرالدین شاه در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام محازات قبر مرحوم علامه کنی مدفون گردید.
از مراجع بزرگواری که بدرس ایشان شرکت نموده است سید استاد ما حضرت آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مد ظله العالی میباشند که حدود یکسال بدرس فقه و اصول ایشان شرکت و از جامعیت و مقام علمی و تبحر در فقه و اصولشان فوق‌العاده تمجید و تعریف می‌نمایند.
پس از فوت آن مرحوم فرزند ارجمندش جناب حجةالاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج شیخ بهاءالدین نوری بجای ایشان قرار گرفته و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت نموده و بخدمات دینی اشتغال دارند و ایشان داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محد بهبهانی سابق‌الذکر و یکی از مشاهیر و محترمین علماء معاصر تهران و محترمین دانشمندان مرکزند، غالب تحصیلات ایشان در تهران در خدمت مرحوم والدشان و مدرسین بزرگ دیگر بوده و خود سالها بتدریس فقه و اصول و اصلاح امور مردم و

قضاء حوائج آنان اشتغال داشته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نوری، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یحیی بن الزکی الصالح مرحوم حاج میرزا اسماعیل نوری از افاضل دانشمندان معاصر و مشهور به علامه نوری می‌باشند.
وی در حدود 1345 قمری متولد و در بیت تقوا و دیانت تحت تربیت صحیح پرورش یافته و بعد از خواندن دروس جدید به تحصیل علوم عربی و قدیمه پرداخته و متون فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکمت را از مدرسین بزرگ تهران فراگرفته و علوم نظری و تحلیلی را از آیات عظام و فقهاء کرام استفاده نموده تا به مدارج عالیه و مقام استادی رسیده و خود به تدریس علوم پرداخته است.
استاد علامه نوری امروز یکی از مفاخر دانشمندان تهران محسوب می‌شود دارای تألیفات عدیده در علوم مختلف می‌باشد که قسمتی از آن به طبع رسیده و قسمت دیگر آماده برای طبع و نشر می‌باشد.
از تألیفات و آثار ارزنده و گرانقدر معظم له که کراراً به طبع رسیده کتب زیر است.
1- اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام چهار مرتبه چاپ و منتشر شده
2- حقوق زن در سالام و جهان در 420 صفحه به قطع معمولی شش بار چاپ شده است.
3- فلسفه انقلاب حسین علیه‌السلام با متن عربی آن به قلم ایشان در 280 صفحه
4- خداشناسی و افکار روز سه بار چاپ و منتشر شده است.
5- تحقیق در آئین یهود و مسیحیت چاپ سوم با تصرفات جدید به قلم معظم له
6- تحقیقی کوتاه درباره شیعه چاپ دوم
7- سیستم حکومت اسلامی چاپ سوم
8- ستارگان فروزان به قطع وزیری در تاریخ علوم ادبی و منطق و تراجم ادباء چاپ اول.
9- متونی از معارف اسلام به قطع معمولی.
10- مضافاً بر کتب یاد شده رسالات و حواشی و مقدمه‌هائی بر آثار مختلف علمی به طبع رسیده است.
11- تفسیر کامل و جامع قرآن در دو زبان آماده طبع می‌باشد.

نگارنده گوید: علامه نوری گذشته از مقامات علمی و اطلاعات وسیع در علوم مختلف دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و ملکات فاضله و سجایای حمیده می‌باشد و علاوه بر کرسی تدریس جلسات عدیده سخنرانی در بعضی از هیآت مذهبی مانند هیئت محترم محبان الائمه علیهم‌السلام در شبهای شنبه در خیابان زیبا دارند که پس از اقامه جماعت با بیانی رسا و منطقی سودمند برای صدها نفر از همه طبقات مخصوص نسل جوان و روشنفکران بیان معارف اسلام و مبانی اخلاق می‌نمایند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

نوغانی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ محمدرضا نوغانی خراسانی از وعاظ نامی و خطباء سامی و افضال سلسله اهل منبر و مبرزین گویندگان خراسانست و در مشهد و تهران و کاشان و گیلان و بالاخص کویت از راه منبر و سخنرانی خدماتی انجام داده و منشاء آثار بزرگی گردیده است. استاد نوغانی در مشهد متولد شده و پس از رشد و دروس جدیده به تحصیل دروس قدیمه پرداخته و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح را نزد مدرسین بزرگ تکمیل نموده و به درس خارج آیت‌الله العظمی میلانی شرکت کرده و از محضر مرحوم آیت‌الله فقیه سبزواری و آیت‌الله کفائی و دیگران استفاده نموده و چند سالی برای تبلیغ و ترویج دین به کاشمر اقامت نموده و در آنجا با آیت‌الله امامی کاشمری وصلت کرده و بعد از چندی به مشهد مراجعت و به افاده و افاضه پرداخته است در سفری که حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در سال 1383 به مشهد نمودند و بنده در خدمتشان بودم و آن استقبال عجیبی که با آن شرایط سخت و ممانعت شدیدی که از معظم‌له شد در تاریخ مشهد کم‌سابقه بوده و استاد و نوغانی خطابه‌ای در موقع ورود آیت‌الله به منزل حضرت آیت‌الله العظمی میلانی مدظله خوانده و تبریک ورود بالحن بسیار داغ و پرحرارت و مهیجی گفته که عموم مردم را به گریه درآورد و تحریک احساسات و عواطف مردم نمود راستی چنین خطابه و سخنرانی کمتر شنیده بودم
استاد نوغانی چند سالی متوالیا بنابر دعوت شیعیان و ایرانیان مقیم کویت به آن سامان مسافرت کرده و حقایق اسلام را با منطقی بلیغ بیان می‌کرده ولی چند سالی است که به واسطه کثرت مشاغل کمتر به خارج مسافرت می‌کند ادام‌الله توفیقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نوغانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1305، مشهد.
درگذشت: 15 آبان 1371، مشهد.
آیت‌الله مهدی نوغانی، فرزند میرزا علی‌اکبر نوغانی مؤلف «سه مقاله‌ی نوغانی» و «دو مقاله‌ی نوغانی»، پس از تحصیل دوره‌ی ابتدایی، به حوزه‌ی علمیه‌ی خراسان پیوست و در مدرسه نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی‌اکبر نوغانی، آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)، آیت‌الله محمدتقی ادیب ثانی، آیت‌الله احمد مدرس، آیت‌الله هاشم قزوینی، آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی.
در تابستان سال 1333 آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشغال ورزید و کتاب‌های المعالم الاصول و مکاسب شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام قرآن تدریس شد و بار دوم تا آیه‌ی دهم از سوره «انبیاء» تفسیر شد، از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس نهج‌البلاغه، اقامه‌ی مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسه علمیه و از جمله مدرسه‌ی باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنه «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسه‌ی خیریه‌ی حضرت ولی‌عصر (ع) (انصار الحجة) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی که صادر می‌شد، امضاء می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد 1342 وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نوقاتی سجستانی، ابوعمر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 382 ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات، از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابوعبداللّٰه محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابوعبداللّٰه نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیو بن حامد ترمذی و ابی‌حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمان بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لیثی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرابیسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده‌اند. از آثارش: «آداب المسافرین»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظة»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنة الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشرةالاهلین»؛ المسلسلات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (145 -144/ 17)، لغت‌نامه (ذیل/ نوقاتی)، معجم‌الادباء (208 -205/ 17)، معجم‌البلدان (360/ 5)، معجم‌المؤلفین (7/ 9، 266 -265/ 8)، الوافی بالوفیات (91 -90/ 2)، هدیةالعارفین (53/ 2).

نوقانی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1370 -1300 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله‌ی نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌اللّه سید عباس شاهرودی فراگرفت. در 1327 ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چو آخوند خراسانی و آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه میرزا عبداللّه مازندرانی و آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی نایل گشت. در 1330 ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌اللّه حاج آقاحسین قمی عهده‌دار تولیت مدرسه‌ی نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام بود. نوقانی در اثر عارضه‌ی سکته قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه‌ی نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می‌باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله‌ی نوقانی»؛ «دو مقاله‌ی نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج‌البلاغه» ابن ابی‌الحدید معتزلی.[1]
علی‌اکبر نوقانی رضوان‌اللّه علیه اصلا از ایل جلابر و از احفاد مرحومه گوهرشاد صاحب مسجد معروف مشهد می‌باشد اجداد ایشان سالها در کلات نادری ساکن بوده‌اند. پدر ایشان مرحوم حاج میرزا موسی از بزرگان اخبار و صلحاء مشهد مقدس رضویت و مرحوم حاج میرزا موسی فرزند حاج میرزا حسن بن کلبعلی‌خان بن محمدزمان خان بن کلیعلی‌خان جلابر طاب ثراهم بوده‌اند.
غالب افراد خاندان جلیل نوغانی مخصوصا اجداد فقیه سعید به زیور فضل و کمال آراسته و حاج محمد زمان خان بن کلعلی خان جلایر طبیبی حاذق و فاضلی کامل بوده است و طبع شعری شیوا داشته و اشعار عرفانی میسروده است.
مرحوم میرزا نوقانی در سال 1300 قمری در مشهد مقدس رضوی متولد شده و تا سن بیست سالگی در مشهد مقدس به تحصیل علوم پرداخته و

ادبیات را از مرحوم میرزا عبدالجواد ادیب بزرگ نیشابوری فراگرفته و فقه و اصول را در محضر مرحوم میرزا آیت‌اللّه حاج شیخ حسنعلی تهرانی با معیت مرحوم حجه‌السلام میرزا علی آقا فرزند آن مرحوم خوانده و پس از فوت آن مرحوم قسمتی از دروس فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید عباس شاهرودی که از بزرگان علماء مشهد بودند آموخته آنگاه در سال 1327 قمری با اجازه مرحوم والدش به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر و درس خارج دو نابغه علمی آیت‌اللّه العظمی سید کاظم یزدی و مرحوم آیت‌اللّه شریعت اصفهانی استفاده کامل نموده و پس از فوت مرحوم آخوند با دریافت اجازه از مرحوم آیه اللّه میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبداللّه مازندرانی در سال 1330 قمری به وطن مالوف خود مراجعت کرده و به ارشاد مردم و تعلیم طلاب علوم دینیه مشغول شده و تا پایان عمر که بالغ بر چهل سال بوده و در مشهد سکونت و همواره به تدریس اشتغال ورزیده و بسیاری از فضلاء طلاب مشهد مقدس رضوی از محضر درس آن مرحوم تعلیم گرفته و استفاده نموده‌اند.
مرحوم آیت‌اللّه نوقانی یکی از علماء عاملین و روشندل و بسیار خوش‌قریحه و در مناظرات دستی توانا داشته و مکرر به انصاری و یهود و گمراه‌شدگان مسالک جدید مناظره فرموده و بر تمام آنها فائق آمده و عده زیادی که به واسطه شبهات منحرفین در پرتگاه لغزش افتاده و راه حق را گم کرده بودند با ادله متقنه و بیان شیوای خود آنها را از انحراف نجات و سعادتمند نموده است.
مرحوم میرزا نوغانی عالمی ناطق و خطیبی بلیغ بود منابر وعظ و ارشاد آن مرحوم علاوه بر بیان اصول عقاید و ترویج دین مقدس اسلام و رسانیدن احکام شریعت مطهر به مردم مشحون به اطلاعات عمیقه تاریخی و اخبار اسلاف و شامل نکات ادبی و امثال و حکم و مواعظ و پند و اندرز بود و بطور کلی قاطبه و مردم را با بیانی از هر جهت جامع بطریق حق ارشاد می‌فرمود و در واقع منبر ایشان یک حوزه درس قابل فهم عموم بیشتر شبیه بود تا به یک سخنرانی عادی لذا هر کس از بیانات ایشان به قدر استعداد و فهم خود بهره‌مند می‌شد.
آثار قلمی ارزنده و آموزنده عدیده دارد که به آن اشاره می‌شود.
1- تعلیمات برجلدین شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید 2- سه مقاله نوغانی 3- دو مقاله نوغانی رد مایون 4- اشعار بسیاری از قصاید و غزلیات و مدایح و مراثی که برای نمونه بعضی از آن را می‌نگارم تخلص آن مرحوم فقیر بود.
دیگر از آثار آن مرحوم تعمیر و تنظیم مدرسه نواب مشهد و موقوفات آن که از مدارس مهمه آن سامانست و نگارنده هم حدود یک سال در آنجا

اقامت و اشتغال بتحصیل داشته‌ام.
مرحوم میرزای نوقانی در شب دهم جمادی‌الاول 1370 قمری به عارضه سکته از دنیا رفته و در پایین پای مبارک حضرت سلطان سریر ارتضی علی بن موسی‌الرضا ارواحنا فداه در دارالسعاده آستان قدس سر به خاک فرو برده و یک جهان علم و ادب را در زیر زمین پنهان نموده و به آرزوی خود نائل آمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (264/ 12)، سخنوران نامی معاصر (3553-3543/ 6)، کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 38)، گنجینه‌ی دانشمندان (188 -184/ 7).

نویدکیا، محرم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محرم نویدکیا متولد اصفهان بازیکن فوتبال و عضو تیم ملی فوتبال ایران است. وی اکنون در باشگاه سپاهان و در خط میانی توپ می‌زند
تاریخ تولد: 10 آبان 1360
محل تولد: اصفهان
قد: 181 سانتی متر
وزن: 72 کیلو گرم
پست : هافبک
باشگاهها: از سال 79 تا 83 ، سپاهان اصفهان
از سال 83 تا 85 ، بوخوم آلمان
از سال 85 تا کنون سپاهان اصفهان
افتخارات ملی: قهرمانی در رقابت های امید ایران به مربیگری برانکو ایوانکوویچ
حضور در جام جهانی 2006 آلمان
افتخارات باشگاهی: قهرمانی دومین دوره لیگ برتر به همراه سپاهان.
2 مرتبه حضور در جام باشگاههای اسیا و شکست الاتحاد (قهرمان ان دوره) در اصفهان
قهرمانی جام حذفی برای 2 دوره ی متوالی

نهاوندی اصفهانی، جهانبخش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نامش محمّد جواد، و معروف به میرزا جهانبخش است.
عالم و ادیب و منجّم بوده، و در اصفهان سکونت داشته، رساله در استخراج خطّ نصف النهار جهت شاگردش سید عباس بن سید علی موسوی شاهرودی متوفّی در سال 1345 در مشهد تألیف نموده است.
صاحب عنوان در سال 1334 وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نهاوندی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ جعفر نهاوندی از علماء معاصر گذشته تهران بوده که مدت بیست و سه سال در نجف اشرف اقامت داشته و از محضر علامه خراسانی صاحب کفایه و علامه‌ی یزدی صاحب عروةالوثقی و دیگران استفاده نموده تا بدرجه‌ی علم و اجتهاد رسیده و پس از آن به تهران منتقل و اول در مسجد فاضل خلخالی و بعد در مسجد سپهسالار ناصری امامت نموده و ضمنا تدریس فقه و اصول داشته تا در سال 1365 ق که در تهران وفات و حمل به قم و در قبرستان حاج شیخ در مقبره دربندی مدفون شده‌اند.
از آثار ایشانست: 1- اضاعه الشبهه فی صلوه الجمعه. 2- شرح بر رساله نجات العباد در دو جلد. 3- اشعاری در مراثی آل عصمت علیهم‌السلام که از آنست ابیات زیر:
زبان حال حضرت زینب (ع)
آفتابا بر زمین جای تو نیست
خار و خاشاک است مأوای تو نیست
از چه سر بر نیزه و تن بر زمین
ای عزیز من چه کرده این چنین
دست تو بوسم روم سوی سفر
من بپا این راه پویم تو بسر
خواست تا دستش بوسد آن پری
دید نه انگشت و نه انگشتری
گفت عزیز من بمیرت خواهرت
ای سلیمانم چه شد انگشترت
از ثمرات اوست فرزند فاضل و برومندش آقای حاج شیخ باقر واعظ نهاوندی که در تهران تولد و در مهد تربیت چنین پدری پرورش یافته و دروس جدید را تا سیکل اول خوانده و به دروس قدیم اشتغال و در سال 1325 شمسی با درجه‌ی لیسانسیه در رشته‌ی منقول موفق و فعلا در رشته‌ی تدریس و تبلیغ اشتغال دارند.
تألیفات عدیده‌ی دارد که از آنها است:
1- بزرگترین مدرک شیعه (مکالمات مامون با علماء سنت).
2- فرستاده خدا در نبوت پیغمبر آخر زمان.

3- قائم بحق بقیةاللّه در حالات امام زمان عجل اللّه فرجه.
برادران ارجمندی دارد که از اعاظم علماء اکابر و مدرسین بوده‌اند به اسامی زیر:
1- مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی مدرس نهاوندی
2- مرحوم مبرور حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی مدرس نهاوندی معروف بچین ری.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1304 -1237 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در 1289 ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[1]
میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی 1304 در سن 67 وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (470/ 7)، الذریعه (687/ 9 ،157/ 6)، ریحانه (268 -266/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1109 -1108/ 14)، فوائد الرضویه (229 -228)، المآثر والآثار (143)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1312/ 3).

نهاوندی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1322 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «الدماء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».[1]
علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی 1322 در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (301/ 8)، الذریعه (186/ 15 ،185/ 4)، ریحانه (269 -268/ 6)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1313 -1312/ 3)، معجم‌المؤلفین (165/ 7).

نیازی حجازی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی صاحب منظومه‌ی «جامع اللغات»، در لغت فارسی است. او پیش از قرن یازدهم قمری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در 1008 ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شده در 1005 تا 1017 ق، از «جامع اللغات» شواهدی نقل گردیده است. همچنین در این کتاب از سال درگذشت میر علی هروی (951 ق) نیز نشانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین 951 ق و 1008 ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (100/ 23، 1240/ 9، 69/ 5)، ریحانه (275/ 6)، فرهنگهای فارسی (124 -117، 110 -106)، لغت‌نامه (ذیل/ حجازی).

نیازی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1269 ش)، مترجم، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و برای تحصیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت و اشعاری به زبان فرانسه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود 1300 ش در اداره تجارتی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشی‌گری مشغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستان‌های دولتی ادبیات فرانسه تدریس می‌کرد.پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران»، امتیاز آن روزنامه به وی واگذار شد و او در 1303 ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره‌ی ایران» منتشر کرد. سپس در 1307 ش این روزنامه را تحت عنوان «ستاره‌ی جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلور و فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در 1311 ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده». از آثار ترجمه‌ی وی: «تاریخ بیزانس»؛ «تاریخ پلیس»؛ «کشمیر یا باغ نشاط»؛ «یک دروغ چه کرد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (22 -20/ 3)، الذریعه (283، 220/ 25، 83/ 18)، سخنوران نامی (477 -472/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3450، 3398، 3397، 2643، 1676، 1672/ 2، 682، 679/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (228 -227/ 1).

نیرومند، حسین علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : حسین علی نیرومند در سال 1326 در شهر باجگیران از توابع قوچان متولد شد دوران ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد. پس از کسب دیپلم ریاضی از دبیرستان نادرشاه مشهد، وارد دانشگاه علوم دانشگاه مشهد شد و در سال 1350 در رشته ریاضی فارغ التحصیل گردید سپس به انگلستان عزیمت کرد و مدرک فوق لیسانس و دکترای خود را در سال 1368 در آنجا به پایان برد. وی هم اکنون به سمت استادی در دانشگاه علوم ریاضی دانشگاه مشهد مشغول به خدمت است.
گروه : علوم پایه
رشته : آمار
گرایش : سریهای زمانی
والدین و انساب : مرحوم پدرشان علی فخمند در باجگیران به شغل کشاورزی مشغول بودند و مرحوم مادر محترمشان درنا کوثری بودند و دارای پنج خواهر همگی بازنشسته آموزش و پرورش هستند و پنج برادر به نام های نوروز محمد شغل کشاورزی، براقعلی دبیر بازنشسته ریاضی ، عباسعلی دبیر بازنشستهفیزیک، و حسن نیرومن سرهنگ نیروی هوایی هستند
خاطرات کودکی : وی دوران کودکی خود را اینچنین به یاد دارد : در دوران کودکی در باجگیران همراه پدر کار میکردم و حتی در دوران ابتدایی نیز هم درس میخواندم و هم به پدر در امور کشاورزی کمک میکردم.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : دوران متوسطه دبرستان نادرشاه افشار در مشهد دوران کارشناسی رشته ریاضی از دانشگاه مشهد سال 1350 کارشناسی راشد رشته آمار از دانشگاه برونل انگلیس دکتری در رشته آمار - سریهای زمانی از دانشگاه شیفیلد سال 1368
خاطرات و وقایع تحصیل : در بیشتر ایام تحصیل از دوران ابتدایی تا کارشناسی ارشد درس میخواندم و در تابستان نیز کار میکردم
استادان و مربیان : دکتر بزرگ نیا،دکتر عبدالله، دکتر هنری، مرحوم پروفسور تقی فاطمی و ... از استادان وی در دوره کارشناسی بودند.
هم دوره ای ها و همکاران : و هم اکنون که در دانشگاه مشهد مشغول به کار میباشد با استادان دوران تحصیل خود مانند دکتر بزرگ نیا و دکتر هنری همکار شده اند.

همسر و فرزندان : همسر دکتر نیرومند بازنشسته آموزش و پرورش هستند و فرزندانشان احسان تحصیلات خود را به اتمام رسانیده و مشغول به کار هستند و دخترشان لونا ازدواج کرده و فرزند کوچکشان ایمان مشغول به تحصیل در دانشگاه در رشته مدیریت بازرگانی است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی دانشگاه علوم دانشگاه مشهد 74-1368
فعالیتهای آموزشی : دکتر نیرومند تدریس اکثر دروس دانشگاهی رشته آمار در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را برعهده دارد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر نیرومند بعد از فارغ شدن ارکار روزانه قدری ورزش و پیاده روی را در برنامه دارد.
چگونگی عرضه آثار : چاپ و تالیف دو کتاب و چاپ و ترجمه بیش از 15 جلد کتاب و بیش از ده مقاله علمی و پژوهشی د رمجلات معتبر

آثار :
1 آمار پایه
ویژگی اثر : تالیف
2 آمار کاربردی
ویژگی اثر : تالیف
3 اگر سیول با مثال
ویژگی اثر : ترجمه
4 اگرسیول خط کاربردی
ویژگی اثر : ترجمه
5 الگوهای خطی تعمیم یافته
ویژگی اثر : نوشته داپسن، ترجمه
6 الگوهای خطی تعمیم یافته
ویژگی اثر : نوشته موشگری، ترجمه
7 تجزیه و تحلیل سریهای زمانی
ویژگی اثر : نوشته کرامر، ترجمه
8 روشهای چند متغیره کاربردی
ویژگی اثر : نوشته جانسون، ترجمه
9 سریهای زمانی و روشهای یک متغیری و چند متغیری
ویژگی اثر : نوشته ویلیام دبلیودی، ترجمه
10 مقدمه ای بر سریهای زمانی
ویژگی اثر : نوشته هتپفیلد، ترجمه
11 نخستین درس احتمال
ویژگی اثر : نوشته راس ، ترجمه

12 نمونه گیری
ویژگی اثر : ترجمه
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

نیری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نیری
محل تولد : همدان
شهرت : نیّری همدانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1309/1/1
زندگینامه علمی
آیت الله علی نیّری همدانی در سال 1309 هجری شمسی در منطقه‌ای در 12 فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت بود، به کشاورزی اشتغال داشت. او از بزرگان به شمار می‌آمد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسزایی در تربیت فرزند خود و تشویق او به تحصیل علوم دینی ایفا کرد. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و در آن مرحله ضمن فراگیری قرآن مجید، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلستان سعدی» بهره برد و «زبان و ادبیات» خویش را انسجام بخشید. سپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضر استادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دورهٔ سطح در زمان اندک رو آورد.
با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به دروس خارج فقه و اصول استادان مشهور حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد و در ضمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافل نماند. او در طی این سالها همواره درسهای اخلاق استادان خود شرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهدهٔ عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.
آیت الله نیّری در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیّری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعهٔ آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری»

شرکت جست. با ورود به قم به درس مطوّل «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی(ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیة الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.
با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمدهٔ مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.
او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و موسوی همدانی» اشاره کرد. او بسیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد.
آیت الله نیّری در عرصه فرهنگی حضور مؤثر و مستمری داشته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته، شاگردان بسیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.
از جمله فعالیتهای او در این عرصه، تدوین دورهٔ پنج جلدی «مجمع المسائل؛ حاوی استفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» است که از آثار شگفت و در خور تحسین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از استادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسخ می‌گوید. آیت الله نیّری که از شاگردان امام (ره) محسوب می‌شود، سالها در راه نهضت پیر مراد خود «امام خمینی (ره)» به مبارزه پرداخت که از جمله آنها می‌توان به سخنرانیهای او در اطراف رفسنجان اشاره کرد. این سخنرانیها خشم ساواک را برانگیخته بود. او به همراه استاد «ثابتی» و با دستور آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به دیدار تبعیدشدگان در رژیم طاغوت شتافت که از جمله آن دیدارها: دیدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله نیّری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم است.

نیریزی، ارشدالدین، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 604 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. در «مجمل فصیحی» و «فارسنامه‌ی ناصری» نام وی محمد بن علی ذکر شده است. او جامع علوم شرعیه و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتاء بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناور بن فرکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج‌الدین مکرم قاضی‌القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین‌الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در رباطی که خود در نزدیکی مصلای شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع‌البحرین»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصابیح»، در شرح «المصابیح»، در حدیث؛ «باکورة الطلب لاهل الادب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شد الازار (376 -372)، شیرازنامه (170 -169)، فارسنامه ناصری (1567/ 2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 604)، معجم‌المؤلفین (224/ 7).

نیساری، سلیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سلیم نیساری در 21 آذر ماه 1299 درتبریز متولد شد. وی داری دکترای فلسفه از دانشگاه ایندیانای آمریکا ست. دکتر نیساری پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال1359 پس از 38 سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .گروه : علوم انسانیرشته : علوم تربیتیوالدین و انساب : سلیم نیساری فرزند عبد الله که وی نیز فرزند میرزا سلیم، حاکم محال قره داغ آذربایجان بود، در 21 آذر ماه 1299 درتبریز متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سلیم نیساری پس از گذراندن دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و توفیق در امتحان نهایی دانشسرای تبریز با رتبه اول برای ادامه تحصیل به تهران آمد و موفق به اخذ درجه لیسانس در سال 1321 دررشته ادبیات فارسی و علوم تربیتی شد . ضمنا به تحصیل دردوره دکتری ادبیات فارسی ادامه داد . درسال 1329 برای ادامه تحصیل به اروپا و سپس به آمریکا رفت. وی موفق به دریافت درجه فوق لیسانس ازدانشگاه لندن و نیز درجه دکتری دررشته علوم تربیتی و زبان شناسی از دانشگاه ایندیانا آمریکا شد.همسر و فرزندان : سلیم نیساری با ایران میرتقوی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج سه فرزند به نامهای نیلوفر، سیروس و نادر می باشد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل سلیم نیساری در وزارت فرهنگ عبارتند از : منشی مخصوص وزیر فرهنگ ،رئیس اداره دفتر وزارتی در دوره وزارت نفت وزیر فرهنگ و بازرس وزارتی و مشاور وزارت فرهنگ . درسال 1334 به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال 1336 به استخدام دبیرخانه مرکزی یونسکو در پاریس درآمد و به سمت رئیس اداره کمکهای فنی یونسکو منصوب شد . دراین سمت از طرف مدیر کل یونسکو برای سرکشی به نحوه پیشرفت برنامه کمکهای علمی و فرهنگی یونسکو به کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه و کشورهای جنوب غربی آسیا سفرکرد . پس از پایان ماموریت و مراجعت به ایرا ن به سمت مدیر کل روابط فرهنگی دروزارت آموزش و پرورش منصوب گردید . ضمنا درهیات مدیره موسسه فرهنگی منطقه ای نیز عضویت داشت و سردبیری یک مجله انگلیسی درموسسه فرهنگی منطقه ای را نیز به عهده داشت . درسال1356 با ماموریت از طرف دانشگاه تهران ووزارت فرهنگ و هنر باسمت رایزن فرهنگی به کشورترکیه رفت . پس از پایان ماموریت درسال1358 به

ایران مراجعت کرد .فعالیتهای آموزشی : سلیم نیساری در سال 1321 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد . درسال 1333 ضمن تدریس، معاونت دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز را به عهده گرفت . تاریخ فرهنگ ایران ، کلیات روش تدریس و روش آموزش زبان فارسی دردبستان از جمله عناوینی بودکه تدریس آنها را به عهده داشت . دکتر نیساری به غیراز تدریس در رشته ها ومقاطع مختلف، درسال 1334 به عنوان دانشیار عالی برگزیده شد . درسال 1344 به مرتبه استادی ارتقا یافت و به دانشگاه تهران منتقل شد . دردانشکده علوم تربیتی تدریس چند درس ازجمله فلسفه، آموزش و پرورش ،مبانی آموزش و پرورش ،کلیات روش تدریس ، آموزش مقدمات خواندن و نوشتن ، آئین بررسی و گزارش نویسی و روش تحقیق را عهده دار بود . پس از بازگشت به ایران به تدریس دردانشکده علوم تربیتی ادامه داد و درسال1359 پس از 38 سال خدمت به تقاضای خود بازنشسته شد .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سلیم نیساری در اسفند 1333 مامورتاسیس دانشکده ادبیات شیراز گردید .جوائز و نشانها : از دکتر سلیم نیساری به خاطر کتاب «نسخه های خطی حافظ» (قرن نهم) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : سلیم نیساری چندین مقاله به فارسی و انگلیسی و فرانسه و ترکی درمجلات ایران و خارج از ایران منتشرساخته و از 1339 تا 1342 مدیریت مجله بنیاد فرهنگ را به عهده داشته است . عنوان یکی ازنوشته های او دراین مجله «دستورخط فارسی » می باشد . از میان مقالاتی که درروزنامه ها انتشار یافته است تنها به یک سری شامل 17 مقاله از شماره 7371تا 7392 از 2اسفند ماه تا 28 همان ماه درروزنامه کیهان زیر عنوان «خط فارسی باید اصلاح شود » اشاره می شود .آثار : Le but humain de 1 Education 1 ویژگی اثر : سخنرانی در ششمین کنگره بین المللی علوم تربیتی ، دانشگاه دوفین پاریس ، درسال19732 Mevlana nin Mesnevi sinde Pragmatic Egitimle lgiili Bir ornek ویژگی اثر : این سخنرانی در کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا درشهر قونیه در نوامبر 1978 به زبان ترکی ایراد شده است و عنوان آن به فارسی «تمثیلی در مثنوی مولانا درارتباط با فلسفه پراگماتیسم درآموزش »است . متن سخنرانی در کتاب : Mevli[ann ve yasama Sevinic 3. نشریه اداره جهانگردی قونیه چاپ شده است ویژگی Persian An Element Of The Regional Common Culture اثر : این مقاله در سمینار منطقه ای میراث فرهنگی (ایران ،پاکستان ، ترکیه) Seminar on common cultuaral H eritage march 1965 درمجموعة]چاپ شده است4 The Campaign Against Illteracy in Iran and the Role of Radio and Television In this campaign

ویژگی اثر : این سخنرانی درسمیناربین المللی نقش رادیو و تلویزیون درپیکاربا بیسوادی درشهر آنکارا ایراد شده ومتن آن درنشریه زیر به چاپ رسیده است . Conference of Executives From Radio and TV Organizations، Ankara19785 The Emergence of a New Nation with an old culture ویژگی اثر : در نشریه بین المللی بزرگداشت محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان ، اسلام آباد ـدرنشریه Joutnal of the Regional cultural institute volume به چاپ رسیده است .6 آموزش زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه ویژگی اثر : متن این سخنرانی در مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین مجلس علمی استادان زبان و ادبیات فارسی وزار ت علوم .آذرماه 1350 ص 240تا235 منتشر شده است7 آموزش شعر فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی از گزارش کنگره دبیران زبان و ادبیات فارسی و همچنین در نشریه دانشکده علوم تربیتی دوره اول ، شماره 238 استفاده از شاهنامه فردوسی در پژوهشهای زبان شناسی ویژگی اثر : کنگره بزرگداشت جهانی فردوسی ،دانشگاه تهران آذرماه 13699 بررسی پندهای فردوسی از دید فرهنگ ایرانی ویژگی اثر : متن این خطابه در مجموعه سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی وبحث درباره شاهنامه فردوسی ، همچنین در مجله هنرومردم شماره 102و 103 فروردین و اردیبهشت 1351 به چاپ رسیده است10 پیوستگی هدف ، برنامه وروش آموزش زبان وادبیات فارسی ویژگی اثر : این متن درنشریه دومین کنگره انجمن دبیران زبان وادبیات فارسی درمرداد ماه 1347 ، ص 90-84 به چاپ رسیده است11 تدریس زبان فارسی دردبستان یا آموزش هنر های زبان(1344) می باشد. توضیحی درباب خط کتاب اول دبستان ویژگی اثر : در مجموعه مقالات همایش بررسی و تبین علل بدخطی دانش آموزان زیر عنوان خط خوش ،نشریه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی ، اسفند 137813 خاطراتی از کلاس درس استاد ملک الشعرا بهار ویژگی اثر : دررابطه با همایش یاد بود پنجاهمین سال در گذشت ملک الشعرا بهار درآوریل 2001 دردانشگاه سوربن پاریس ایراد شده است .14 دستور خط فارسی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پیوستگی با زبان فارسی ، تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،137415 دفتر دیگر سانیها درغزلهای حافظ ویژگی اثر : جلد اول ، تهران ،سروش 137316 دیوان حافظ ویژگی اثر : مستند برنسخه های خطی سده نهم ،به خط استاد امیر احمد فلسفی ،همراه بامینیاتور هایی از استاد فرشچیان ،تهران ،انتشارات یساولی ،138217 دیوان حافظ ویژگی اثر : براساس 48 نسخه خطی سده نهم ، تهران . انتشارات سینا نگار. و اسرار دانش ،1377-دکتر نیساری در خصوص این اثر می گوید: | اول بار پیش علامه قزوینی عنوان

کرد، برای تصحیح دیوان حافظ باید متونی را که به زمان حافظ نزدیک تر است، یافته و براساس چنین نسخه ای دیوان حافظ را تنظیم و تصحیح کرد. قزوینی یک نسخه خطی بیشتر به دست نیاورد. من این جست وجوها را در حد توان ادامه دادم و مرحوم خانلری و مرحوم مجتبی مینوی که باهم کار می کردند، توانستند نسخه خطی پیدا کنند. روی جلد نوشتم براساس نسخه خطی دیوان حافظ.18 غزلهای حافظ ویژگی اثر : براساس نسخه خطی سده نهم ، به خط استاد محمد سلحشور ، چاپ اول اردیبهشت 1371 ،چاپ دوم الهدی آذرماه 137119 غزلهای حافظ ویژگی اثر : نشریه موسسه فرهنگی منطقه ای 135320 کلیات روش تدریس ویژگی اثر : چاپ اول این اثر در سال 1344و چاپ دوم این اثر 135521 گروه بندی افعال فارسی ویژگی اثر : متن این سخنرانی درجلد دوم سومین کنگره تحقیقات ایرانی ، بنیاد فرهنگ ایران ، شهریور 1351 درج شده است22 مقدمه ای بر تدوین غزلهای حافظ(1367) ، ملاحظاتی درباب نسخه خطی مشتمل بر 152 غزل حافظ و چاپ تک نسخه ای آن ویژگی اثر : در نخستین همایش ایران شناسی ، 138124 نسخه های خطی حافظ ویژگی اثر : شیراز سده نهم ، مرکز حافظ شناسی، 138025 نقش معلم در برابرارزشهای اخلاقی ویژگی اثر : متن این سخنرانی در نشریه دانشکده علوم تربیتی ، دوره پنجم شماره 1و2 درسال1354 به چاپ رسیده است26 نمونه هایی از آثار جاویدان شعر فارسی(1350) ، نوآوری درترکیبات واژگان فارسی در خمسه نظامی گنجوی ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی ، دانشگاه تبریز ، جلد سوم .1372 ص440-42828 یکسان کردن املای فارسی ویژگی اثر : درمجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ، دانشگاه تهران : شهریورماه 1349 ، جلد اول ص 312-299

نیشابوری، ابوالقاسم فضل

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 473 ق)، مسند، محدث و واعظ. از ابوحسین خفاف و ابوحسین علوی و عبداللّٰه بن یوسف اصفهانی و ابن‌محمش و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن‌طاهر و زاهر شحامی و محمد بن اسماعیل شاماتی و ابوطالب محمد بن عبدالرحمان کنجرودی و سعید بن حسین جوهری و حسین بن علی شحامی و محمد بن اسماعیل بن احمد مقری و ابواسعد بن قشیری و ملیکه بنت ابی‌الحسن فندورجی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی گوید وی صاحب کتابی در وعظ می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (380 -378/ 18)، شذرات‌الذهب (343/ 3)، العبر (233 -331/ 2)، معجم‌المؤلفین (70/ 8).

نیشابوری، ابوسعد، ابوسعید عبدالملک

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 407/ 406 ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، وعظ و زاهد. معروف به ابوسعد یا ابوسعید خرگوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن به سوی حجاز رهسپار گشت. و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رفاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراییینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمرو بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزیز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مؤذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت نموده‌اند. مرتبه‌ی وی را در فقاهت و زهد ستوده‌اند. و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه‌ی خیریه‌ای تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ اللوامع»؛ «سیر العباد والزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ کتاب «التفسیر»؛ کتاب «الزهد»؛ «البشارة والنذارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (351 -350/ 2)، تاریخ بغداد (432/ 10)، تاریخ نیشابور (169)، تذکرة الحفاظ (1067 -1066/ 3)، سیرالنبلاء (257 -256/ 17)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (229 -228/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (223 -222/ 5)، العبر (214/ 2)، کشف‌الظنون (1569 ،1047 ،1045 ،514 ،245)، لب‌اللباب (281/ 1)، معجم‌البلدان (413 -412/ 2)، معجم‌المؤلفین (189 -188 ،108/ 6)، المنتظم (146/ 9)، هدیةالعارفین (625/ 1).

نیشابوری، ابوعبدالرحمان عبداللّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 236 ق)، محدث، نحوی و ادیب. اهل نیشابور بود. علم نحو را از اخفش فراگرفت. خطیب بغدادی او را در این فن صاحب بصیرت می‌داند. وی همچنین در ادبیات متبحر بود. از محمد بن جعفر غندر و محمد بن ابی‌عدی و عبدالاعلی بن عبدالاعلی و یوسف بن عطیه صفار و معلی بن سلیمان و یحیی بن سعید قطان و عبدالعزیز عطار و عبدالوهاب ثقفی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی الدنیا و عبداللّه بن محمد بن ناجیه از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «نوادر العرب و غریب الفاظها» یا «نوادر العرب و غرائب الفاظها والمعانی والامثال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (681/ 2)، تاریخ بغداد (73 -72/ 10)، الثقات (364/ 8)، الجرح والتعدیل (ج 2، ق 195/ 2)، لسان‌المیزان (183 -182/ 4)، معجم‌المؤلفین (143/ 6)، هدیة‌العارفین (440/ 1).

نیشابوری، ابوعبداللَّه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 245 ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌داند وی از ابن‌عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبداللَّه بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سریج بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمان بلخی و ابوقتیبه و شبابة بن سوار و عبداللَّه بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبداللَّه بن ادریس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداوود و نسائی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی‌طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن‌خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویة بن محمد و ابن‌شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (359/ 6)، التاریخ الکبیر (82 -81/ 1)، تاریخ نیشابور (97)، تذکرة الحفاظ (510 -509/ 2)، تهذیب التهذیب (138 -136/ 9)، تهذیب الکمال (270 -267/ 16)، الثقات (102/ 9)، الجرح والتعدیل (ج 3، ق 254/ 2)، سیرالنبلاء (218 -214/ 12)، شذرات الذهب (109/ 2)، طبقات الحفاظ (246 -245)، العبر (350/ 1)، النجوم الزاهرة (385/ 2)، الوافی بالوفیات (68/ 3).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(474 ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده‌ی «کشف‌الظنون» صاحب تألیفاتی در این فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغة فی اللغة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (253)، معجم‌المؤلفین (241/ 13)، هدیةالعارفین (544/ 2).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 784 ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در 721 ق وارد مصر شد و از حجار حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن‌عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات‌الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شذرات‌الذهب (285/ 6)، کشف‌الظنون (418)، معجم‌المؤلفین (253/ 11).

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م 573 ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبة» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[1]
محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (251/ 23، 356/ 19، 221/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 272/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (158 -157)، فوائد الرضویه (559)، معجم‌المؤلفین (318 -317/ 10).

نیشابوری، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی مروی نیشابوری عالمی جلیل و بزرگوار از شاگردان آخوند خراسانی و علامه یزدی و عدیل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری صفائی قمی بوده که پس از پایان تحصیل به وطن برگشته و به وظائف دینی از اقامت جماعت و ارشاد مردم و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته.
و چند نفری از مبلغین فرقه ضاله اسماعیلیه را که در اطراف نیشابور اضلال مردم نموده و تبلیغ مرام باطل آقاخانی‌ها را می‌نمودند.
پس از نصیحت و موعظه فراوان که متنبه نشدند خود شخصا به قتل رسانیده و مجازات نموده است.
وی پس از 1360 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نیشابوری، نجم‌الدین، ابوالقاسم محمود

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 550 ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم‌الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم‌نظیر دانسته‌اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق الانسان»؛ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة والتبصرة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (43/ 8)، کشف‌الظنون (1205، 722، 602- 601، 393، 205)، معجم‌الادباء (125- 124/ 19)، معجم‌المؤلفین (158- 157/ 12).

نیکبخت واحدی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا نیکبخت واحدی 9 تیر سال 1359 در مشهد به دنیا آمد.
پدرش خیاط بود و مادرش، خانه‌دار. وی در رشته فنی و حرفه‌ای دیپلم گرفت. بازی‌های خوب و فیزیک مناسب، موجب درخشش نیکبخت در مسابقات آموزشگاهی شد و سر از تیم باشگاهی راوند درآورد و بعد از 2 ماه تمرین، در اولین مسابقه باشگاهی در سطح جوانان مقابل ابومسلم، معتبرترین تیم فوتبال خراسان، به میدان رفت. پیروزی 3-1 در آن مسابقه دعوت شدن به پوشیدن پیراهن راه راه مشکی و قرمز ابومسلم را برایش به ارمغان آورد. در تیم ابومسلم، در همان اولین مسابقه در لیگ سال 1377، درخشید و به تیم ملی جوانان دعوت شد.
بعد از اتمام مسابقات جوانان، به تیم ملی امید دعوت شد. بازی درخشان در ورزشگاه آزادی تهران مقابل استقلال تهران، باعث شد امیرقلعه نویی که مربی تیم امید در کنار حمید درخشان بود، او را به استقلال دعوت کند.
علیرضا در سال 1378 قراردادی 5 ساله با استقلال بست و در فصل 86-85 از سری مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران’ از تیم استقلال تهران جدا شد و به باشگاه پرسپولیس پیوست. او بعد از مهرزاد معدنچی در فصل 86-85 بهترین گلزن پرسپولیس بود. همچنین به همراه پرسپولیس به مقام قهرمانی مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران در فصل 87-86 دست پیدا کرد.

نیکخواه بهرامی، آیدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد علی نیکخواه بهرامی و فرزانه ابراهیمی فخار
فرزند ارشد خانواده و برادر صمد نیکخواه بهرامی
در 16 بهمن 1360 در تهران بدنیا آمد دوران دبستان خود را تا کلاس سوم در دبستان ایران خیابان دولت و کلاس چهارم و پنجم در دبستان بعثت در منطقه الهیه تحصیل نمود. کلاس اول راهنمایی در مدرسه مهدی در باغ فردوس و کلاس دوم و سوم راهنمایی را در مدرسه همت واقع در چهارراه حسابی تحصیل نمود
دوران دبیرستان و پیش دانشگاهی در مدرسه اما موسی صدر
دانشجو رشته تربیت بدنی با رتبه 100 وارد دانشگاه شدو دانشجو ترم پنجم در دانشگاه آزاد
بسکتبال خود را از سن 10 سالگی یعنی تابستان سال چهارم دبستان ، در مجموعه فرهنگی ورزشی چمران ، زیر نظر آقای سعید طاعتی شروع کرد . تمامی مدارج سنین پایه را گذراند و در تیم های شهید چمران ، نصر ، چکاد در رده سنی مینی بسکتبال و نوجوانان بازی کرد.
در رده جوانان عضو باشگاه الکترا شد در رده سنی امید نیز در این باشگاه بازی کرد و چندین قهرمانی و نائب قهرمانی باشگاههای تهران در همان تیمهای نوجوانان ، جوانان و امید بدست آورد.و از رده سنی جوانان عضو تیم منتخب تهران شد که مقام اول مسابقات قهرمانی کشور را کسب کرد و در سن 15 سالگی به اردوی جوان اندعوت شد و زیر نظر سعید فتحی پیراهن تیم ملی جوانان را به تن کرد و از همان ابتدا جزو شاخص ترین بازیکنان تیم ملی جوانان و رده سنی خود بود که به گفته مربیان ، منتقدان و روزنامه نگاران وقت نشان می داد آینده روشنی پیش روی دارد .
به همراه تیم ملی جوانان زیر نظر خورخه کابررا در لبنان قهرمان شد.
در سال 2000 به همراه تیم ملی جوانان مقام نهم مسابقات آسیایی مالزی را بدست آورد و بعد از آن به باشگاه ایران نارا پیوست و اولین حضور حرفه ای خود را در سوپر لیگ از آنجا شروع کرد و همزمان زیر نظر محمود پور شرفی و هادی آمیق عضو تیم امید ایران نیز بود.
در مسابقات غرب آسیا در عراق مقام اول را کسب کرد و همچنین بهترین بازیکن و بهترین سه امتیازی زن
مسابقات شد که همه اینها نشانگر آینده درخشان آیدین بود.

در سال 1381 عضو ایران نارا بود که به همراه این تیم به مقام نائب قهرمانی لیگ کشور دست پیداکرد
در سال 1382 به تیم صبا باطری پیوست و تا زمان فوت آن مرحوم در آن باشگاه زیر نظر آقای مهران شاهین طبع ، محمود پور شرفی حسین قره گوزلو و محسن شاه علی
در سال 1382 مقام قهرمانی لیگ برتر را و همچنین مقام قهرمانی باشگاههای تهران را نیز کسب کرد.
در سال 8313 نائب قهرمان لیگ برتر شد.
در سال 1384 قهرمان لیگ برتر شد
در سال 1386 قبل از به اتمام رسیدن مسابقات لیگ دارفانی را وداع گفت و موفق اتمام لیگ نشد ولی همراه ولی همراه تیم صبا باطری مدال و مقام نائب قهرمانی ایشان به خانواده ایشان اهدا شد.
آیدین از سال 1383 عضو تیم بزرگسالان ایران بود و می توان به جرات گفت یکی از موثرترین بازیکنان این تیم در کسب موفقیت های بی نظیر اخیر بسکتبال بود.
در سال 2005 در جام ملت های آسیا مقام ششم را در قطر کسب کرد(زیر نظر محمد ایزد پناه و مهران حاتمی)
در سال 2006 در بازیهای آسیایی دوحه قطر مدال برنز این بازیها را کسب کرد که این اتفاق برای دومین بار بعد از 55 سال در تاریخ بسکتبال کشور رخ داد (زیر نظر اونیکا ، مهران حاتمی و عباس آقا کوچکی)
در سا 2007 موفق به قهرمانی آسیا و کسب مجوز حضور در بازیهای المپیک پکن به عنوانتنها نماینده آسیا شد که این مقام برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور اتفاق افتاد و تیم ملی بسکتبال ایران موفق به حضور در المپیک شدکه بازی ایران مقابل قطر که یکی از حساس ترین مسابقات آن تورنمنت بود ، آیدین ناجی تیم بسکتبال ایران شدو بازی به یاد ماندنی از خود به جای گذاشت و سهم به سزایی در کسب این موفقیت ایفا کرد 0زیر نظر رایکو ترومن و مهران حاتمی)
از جمله مقام های باشگاهی در سال 1386 قهرمان باشگاههای آسیا در تهران موفق به کسب مدال قهرمانی که آن هم برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور بود.
از خصوصیات بازی آیدین شوت سه امتیازی خیلی خوب و یکی از امتیاز آور ترین بازیکنان تیمش بود 203 سانتیمتر بلندای قامت و 91 کیلوگرم وزنش بود ریباند دفاع و حمله و روحیه جنگندگی ، تسلیم نشدن ، غیرت و از جان مایه گذاشتن برای تیمش بود. آیدین قابلیت بازی در پست های 2 ، 3 و4 را داشت

آیدین در سن 26 سالگی در سانحه دلخراش رانندگی در مسیر کمربندی چالوس دار فانی را وداع گفت.

نیکخواه، خیرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خیرالله نیک خواه
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب خیرالله نیک خواه متولد سال 52 شهرستان رودسر در سال 59 وارد دبستان شدم تا سیکل را ادامه دادم بعد وارد حوزه علمیه شهرستان لنگرود شدم. بعد از یک سال (68 - 67) به عنوان مبتدی در امتحان ورودی شرکت و قبول شدم. در حین تحصیل حوزه، دروس کلاسیک را به صورت متفرقه خواندم و دیپلم را اخذ نمودم. بعد از گذراندن دوره سطح، در دانشگاه «تربیت مدرس قم» قبول شدم اما به خاطر مشکلات و مریضی نتوانستم در مصاحبه شرکت کنم و لذا ادامه ندادم و موفق به ورود در دانشگاه نشدم. در حین تحصیل و شرکت در درس خارج، در سال 83 - 82 در رشته تخصصی «مذاهب اسلامی» شرکت کردم و دوره سطح 3 را به پایان رساندم.
در حین تحصیل در دروس تخصصی در امتحان و مصاحبه گزینش و مجوز تدریس دروس معارف (گرایش تاریخ اسلام و امامت) در امور اساتید و معارف اسلامی در دانشگاه ها شرکت کردم و موفق به اخذ مجوز شدم و اکنون 2 سال است که به صورت پاره وقت و حق التدریس در بعضی مراکز دانشگاهی که در برگه های قبل ذکر شده مشغول تدریس می باشم. و هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان نامه سطح 3 حوزه می باشم.
در برنامه های گفتمان های دینی با موضوعات مختلف که از طرف سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شده شرکت می نمایم. در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی، جلسات پرسش و پاسخ در مسائل دینی انجام وظیفه می نمایم.

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر نیکزاد تهرانی
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال 1352 در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال 56 توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.
در سال 57 مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه 70، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.
از سال 76 در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.
بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:
1. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.
2. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

3. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.
4. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).
5. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.
6. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.
7. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.
8. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیکنام، مهرداد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهرداد نیکنام در سال 1326 ش در شهر تهران به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی ،در سال 1355 ش رشته کتابداری را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران اخذ کرد.وی در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانة ملی ایران است. کتاب "کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیکنام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : کتابداری تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهرداد نیکنام دورة دبیرستان را در سال 1345 ش به پایان رسانید. سپس در دانشکدة علوم ارتباطات اجتماعی به تحصیل پرداخت و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی را در سال 1350 ش از آن دانشکده دریافت کرد و در سال 1355 ش از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران در رشتة کتابداری موفق به اخذ درجة فوق‌لیسانس شدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهرداد نیکنام در حال حاضر عضو هیأت علمی و کتابخانة ملی ایران است.جوائز و نشانها : کتاب "کتابشناسی حافظ " تالیف مهرداد نیک نام ، در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : آفتها و آسیبهای کتاب ، احیای نسخة خطی کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه» ویژگی اثر : با همکاری آقای عین‌الله کیانفر3 کتابشناسی حافظ ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است-آشنایی با کتاب: «کتابشناسی حافظ» این کتاب الگوی مناسبی برای تدوین «کتابشناسی مشاهیر» یا «کتابشناسی پدیدآورنده» است و نیز منبع سودمندی برای آگاهی حافظشناسان و حافظ دوستان. کتاب در دو بخش اصلی سامان یافته است. بخش اوّل، آثار فارسی، عربی، ترکی قدیم، اردو، پنجابی و سندی را در بر دارد و بخش دوم شامل آثار به بیست و پنج زبان دیگر است. چاپهای مختلف دیوان حافظ و نیز برگزیده‌های آن، شرحها، کتابهای مستقل و نیز بخشی از یک کتاب دربارة حافظ، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌های دکترا، نسخ خطی (تا پایان قرن دهم)، تنظیم شعرهای حافظ برای آواز و حافظ در ادبیات کودکان دامنة گستردة تتبّع گردآورنده را می‌نمایاند. گردآورنده در تنظیم مشخصات آثار، اصول کتابشناسی را

رعایت کرده و فهرستهای پایان کتاب دستیابی به مدخلها را بخوبی فراهم می‌کند. 4 ویرایش فنی و مقابله کامل کتاب «حفاظت و نگهداری اسناد و کتب». ویژگی اثر : ویرایش

نیلچی، رحمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحمت الله نیلچی
محل تولد : روستای حصار خنداب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1324/1/1

زندگینامه علمی
پر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد
پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان
آن طور که به یاد دارم در روستائی که متولّد شدم یک سال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بود فرا گرفتم و بعد از آن، وارد مدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.
از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمیّت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عالم محلّ و مرحوم والده و علاقه به مطلق تحصیل در خودم در سال 1340 همراه پدر به شهر اراک آمده و در مدرسه مرحوم «حاج محمّد ابراهیم» که یکی از 3 مدرسه علمی دینی شهرستان بود؛ پذیرفته شده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.
خیلی دوست داشتم در قم ادامه تحصیل دهم. نظر به این که به مجرّد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمائی یکی از دوستان روحانی عازم حضرت عبد العظیم (علیه السلام) شده و در مدرسه مرحوم «سید مهدی لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از

شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّذ نموده، با مقداری تحول و بحران فکری دوباره به اراک مراجعت نمودم و در کل با اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.
در سال 45 به قم آمدم. در مدرسه فیضیه حجره گرفتم، اتفاقاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضی از دوستان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شرط شرکت در سطح 3 سابقه اقامت مثلاً چند ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیلم این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.
بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایة الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیة الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می فرمود، گاهی هم با بی توجهی خاصی می گذشت.
در حدود سال 1360 یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیّه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فواید اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد 3 و 4 به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ

شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فوایدالمدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهدالمکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارک) در نقد فوائدالمدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.
کم کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمک هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سئوال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می شوند فنی نیستند، به شوخی می گفتم: بعضی گمان می کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگک می پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع هایی صورت می گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلا نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید، صرف اینکه می داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.
در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته ام، آن هم در سطح مقدور، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرک آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می انجامد.
«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»
چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح 3 و 4 با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده ام، و در این محور نیز تجربه های دارم.
در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده

است، اما متاسفم برای جامعه ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته ها داده هایم صفر است.
در دلم آید که گنه کرده ام چون ورقی چند سیه کرده ام
دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی
باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان
(والسلام)

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(420 -353 ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150/ 3)، تاریخ طب (679 -678/ 2)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (314)، کشف‌الظنون (1668)، معجم‌الادباء (218/ 11)، معجم‌المؤلفین (225/ 4)، الوافی بالوفیات (240/ 15).

نیلی‌پور، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام نور
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال 1344، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران در سال 1346، کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه ایلینویز در سال 1351، دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال 1355، فوق تخصص عصب‌شناسی زبان و اختلالهای زبان از دانشگاه برکلی و ایلینویز آمریکا در سال 1357.
مرتبه علمی:
استادیار و دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز از سال 1351 تا سال 1362، دانشیار دانشکده علوم توانبخشی از سال 1359 تا سال 1367، دانشیار و استاد دانشگاه پیام نور از سال 1367.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسیهای زبانی کودکان عقب‌مانده ذهنی، زبان پرسشی و ارزیابی دوزبانگی، نقش زایمانی فرآینده‌های فولوژیکی، آفازی بزرگسالان، ارزیابی و درمان، تأثیر دو زبانگی همپایه در یادگیری زبان دیگر، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 6 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
توانائیهای دوزبانه شدن در کودکان و بزرگسالان، فیلم آموزش صداها و الفبای فارسی به خارجیان، فیلم آموزش زبان انگلیسی از تلویزیون، زبان‌شناسی نوین، اثرات انقلاب چامکی، در زمینه‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 12، تعداد مقالات بزبان خارجی: 8
زمینه علمی مقالات:

توصیف ساختمان فعل لهجه‌داران، سنجش معنی در روان‌شناسی زبان، دو زبانگی و زبان پرسشی، سازمان‌بندی دو زبان در قشر مخ، دستور پرسشی و نمود آن در زبان‌شناسی، خودآموزی و آماده‌سازی دو اصل آموزشی در رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان و آموزش از راه دور.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واثقی نیا، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین واثقی نیا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1336 شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال 1352 ش)
مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.
خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .
در سالهای 54 تا 57 همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در

مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای 58 تا 60 دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (1376) تا اول تابستان 1383 «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحدی اعظ، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد واحدی اعظ
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
در سال 62 - 61 پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را ازمحضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم.
درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی، مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 468 ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث، نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور به دنیا آمد و برخلاف پیشه‌ی اجدادش که تجارت بود، او و برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام و استاد بی‌نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو دانسته‌اند. او نزد خواجه نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقیان، تقربی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر قهندزی و ابوعمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی 469 ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه‌گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمیع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات والمحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» متنبی؛ «الاغراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحبیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء اللّه الحسنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (60 -59/ 5)، ایضاح‌المکنون (674 -673/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (260/ 2)، دمیة القصر (1020 -1017/ 2)، الذریعه (42/ 25، 188/ 20، 319/ 4)، روضات‌الجنات (236 -234/ 5)، ریحانه (286 -285/ 6)، سیرالنبلاء (342 -339/ 18)، شذرات‌الذهب (330/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 118/ 5)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (258 -256/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (243 -240/ 5)، طبقات المفسرین داودی (390 -387/ 1)، العبر (324/ 2)، الکامل (123/ 8)، کشف‌الظنون (245، 355، 809، 1277، 1417، 1460، 1747، 2002

125، ،76)، الكنى والالقاب (277/ 3)، معجم‌الادباء (270 -257/ 12)، معجم‌المؤلفين (27 -26/ 7)، النجوم الزاهرة (105/ 5)، وفيات الاعيان (304 -303/ 3)، هدية‌الاحباب (260)، هدية‌العارفين (692/ 1).

واحدی، شفیع

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شفیع واحدی رشتی ابن السید الجلیل السید علی لاهیجانی از علماء مبرز و متقی معاصر رشت می‌باشند.
معظم له در تاریخ 1279 شمسی در لاهیجان متولد شده و چند سالی در آنجا تحصیلات مقدمات نموده و آنگاه به رشت آمده و چند سالی به تحصیل سطوح و ادبیات پرداخته سپس مهاجرت به نجف اشرف کرده و حدود هشت سال توقف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالحسین رشتی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن عزیمت به قم نموده و در حدود 16 سال اقامت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (مؤسس حوزه) و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خوانساری و هم چند سالی مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه اسرارهم استفاده نموده و در حدود سال 1370 قمری برای خدمات دینی به رشت وطن مألوف خود برگشته و تا اکنون که از عمر شریفش 74 سال می‌گذرد به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند.
از باقیات الصالحات ایشانست فرزند فاضل و برومندش جناب حجةالاسلام آقای حاج سید حسین واحدی که در حجر تربیت چنین پدر بزرگواری پرورش یافته و سالهای متمادی در حوزه علمیه قم اشتغال به تحصیل علم و کمال داشته و از محضر آیات عظام قم استفاده سرشار نموده آنگاه چند سالی در تهران و اکنون در رشت و گیلان به خدمات دینی و تربیتی و وظائف روحی اشتغال و مانند والد ماجدش دارای مبادی آداب و مکارم اخلاق و محسن افعال می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

واحدی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید محمدتقی بن العالم الجلیل والفقیه النبیل آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا واحدی القمی الکرمانشاهی از علماء محترم معاصر تهران است.
وی در سال 1324 ق متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم والدش و علماء دیگر کرمانشاه خوانده، سپس مهاجرت به نجف اشرف نموده و پس از تکمیل سطوح از محضر آیات عظام نجف مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و دیگران استفاده نموده آنگاه مراجعت به کرمانشاه و از راه قلم و نوشتن مقالات و مجله دینی و بیان بخدمات دینی پرداخته تا سال 1375 ق که بواسطه بعضی از جهات به تهران منتقل و بنا بر اصرار عده‌ای از تجار و مومنین و امریه بعضی از آیات عظام در سمنگان نارمک ساکن و در مسجد جامعه آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و تبلیغ دین و نشر مبانی اخلاق سید المرسیلین علیه و آله صلوات المصلین تاکنون اشتغال دارند و مسجد جامعه نارمک یکی از پایگاهها و سنگرهای بزرگ اسلامی تهرانست که در دوره سال خصوصا ماه رمضان و ماه محرم و صفر و جمعه‌ها و اعیاد مذهبی در آن مجالس دینی منعقد و صدها نفر از مردم آن منطقه و نقاط دیگر اجتماع کرده و از بیانات سودمند وعاظ نامی و خطباء اسلامی بهره‌مند میشوند، و بالاخص روزهای جمعه که در آن دعاء شریفه و مأثوره ندبه با سوز و گدازی خوانده شده و اقامه نماز جمعه با شکوه خاصی میگردد و شاید اول نماز جمعه تهران باشد از حیث جمعیت و شخصیت‌های برجسته اقتصادی و اجتماعی و غیره.
جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مودب میباشند دارای آثار ارزنده‌ای هستند که از آنست: ترجمه کتاب مستطاب (الغدیر) که چند جلد آن بطبع رسیده است. و در تاسیس کتابخانه مسجد جامع نارمک و توسعه و تزیینات مسجد گامهای مؤثری برداشته و خدمات ارزنده‌ای نموده‌اند.
جناب آقای واحدی دارای سه برادر برومند میباشند: 1- مرحوم آقا سید عبدالحسین واحدی 2- مرحوم آقا سید محمد واحدی که در سنین جوانی در حادثه‌ای بدرود حیات گفتند. 3- ثقةالاسلام آقای حاج سید جواد واحدی که اکنون از راه تبلیغ بخدمات دینی اشتغال دارند.

خاندان واحدی مذکور از بیوتات اصیله و ریشه‌دار و روحانیت و از احفاد و ذراری امامزاده شاه بدلا که در جاپلق مدفون و مورد توجه عموم مردم آن ناحیه هستند می‌باشند.
آقای واحدی با جناب حجةالاسلام والمسلمین حاج سید حسین بدلاء قمی پسر عمو و قرابت نزدیک دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واردی، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید تقی واردی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/12/4
زندگینامه علمی
سید تقی واردی کولایی در چهارم اسفند 1338 شمسی، در روستای پایین کولا، واقع در پنج کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سید علی فرزند آیت الله حاج سید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولایی، از عالمان و روحانیون معروف شهرستان ساری و به زهد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال 1331 شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال 1371 هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنازه با شکوه در شهر مقدس قم و اقامه نماز به امامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرستان نو» دفن گردید).
سابقه تحصیلی :
1- در شش سالگی وارد مکتب خانه روستای پایین کولا شده وعلاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسی و ادبی را نزد مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.
2- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصطفی خان ساری شد وعلاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شرح امثله، صرف میر، تصریف، النموذج، صمد یه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشیه، معالم و مختصر را نزد حجت الاسلام والمسلین حاج سید رضی شفیعی (رئیس جامعه رو حانیت ساری) وعالمان دیگری چون شیخ عبدالله دارابی و شهید اکبری (از شهدای هفتم تیر) تلمذ نمود ودر یازدهم ذی قعده سال 1395 قمری، مطابق با بیست و چهارم آبان 1354 شمسی مزین به لباس روحانیت شد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسما معمم گرد ید.

3- در پنجم مهر 1355 شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از سه ماه اجاره نشینی، به مدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال 1360 در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگواری چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزند آیت الله العظمی وحید خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره مند گردید و در کنار دروس حوزه به کلاس شبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.
دوره جوانی وی مصاد ف بود با وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری ابر مرد عصر حاضر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضد نظام ستم شاهی و او نیز بسان ملت رشید و متدین ایران، در آن واقعه سترگ بسیار کوشا و جدی بود و در بیشتر تظاهرات و راهپیمایی های شهر مقدس قم و در برخی از راهپیمایی های شهر ساری حضور فعال داشت و تا چند سال درگیر این ماجرا بود و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردید. به ویژه در روستای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) وانقلاب اسلامی را نهادینه کرد.
درچند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:
1- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسیاری از روستاهای اطراف آن (مانند: پایین کولا، آبندانکش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام وعقاید اسلامی.
2- طی کردن آموزش رزمی و دفاعی در قم و تهران و اعزام به جبهه های جنگ تحمیلی در مناطق اهواز، هفت تپه، شلمچه، دهلران، قصر شیرین، مریوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام .
3- تشکیل چند انجمن اسلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسلامی هشت روستا، مسئولیت پایگاه بسیج، مسئولیت آموزشی و عقیدتی بسیج شهرستان، نشر جزوه های آموزشی و انقلابی، تشکیل صندق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا
4. از ابتدای پیروزی انقلاب، کلاس هایی در شهر مقدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)، شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی،

آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.
پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال 1364 شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال 1368 از آن فارغ التحصیل گردید.
علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

واسعی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد واسعی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1360 هجری شمسی همزمان با سال آخر دبیرستان، تحصیل در حوزه علمیّه «مرحوم آیة الله مدنی کاشانی» را شروع نموده و کتبی مانند: (صرف ساده، هدایه، مبادی العربیه جلد 2، منطق کبری و آداب المتعلمین) را فرا گرفتم و در سال 1361 با ورود به حوزه علمیّه قم در مدرسه «قدیریه» وابسته به مدرسه کرمانیها، کتبی مانند: (مبادی العربیه جلد 4، منطق المظفر و تحریر الوسیله) را فرا گرفتم و سپس با عزیمت به حوزه علمیّه مشهد از سال 1362، کتبی مانند: (لمعتین، اصول فقه مظفر، رسائل و ادبیات عرب) را خدمت اساتید آن حوزه و نیز مکاسب را از نوارهای درسی استاد «پایانی» ازحوزه علمیّه قم و نیز کفایه را از نوارهای درسی «آیة الله فاضل لنکرانی» فرا گرفتم.
سپس در درس خارج فقه و اصول: «آیة الله میرزا علی فلسفی خراسانی» به مدّت یکسال بهره مند شدم و سپس در شهریور سال 1366 به قم بازگشتم و در دروس خارج فقه و اصول: «آیة الله وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» و «بهجت» (ادام الله ظلهم) شرکت نموده و می نمایم و نیز در سال 1377 تا 1380 در دوره مهارتهای تخصصی «تبلیغ» دفتر تبلیغات اسلامی قم شرکت نموده ام و نیز از سال 1379 تا 1384 با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری تألیفی داشته و مقاله «فقه و عرف» در سال 1379در مجله قبسات و کتاب «علم و عالم از چشم انداز امام علی (ع)» در سال 1381 به چاپ رسیده و نیز کتاب «جایگاه عرف در فقه» در سال 1385 به چاپ رسیده است.

واسعی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین بن العالم الجلیل آخوند ملا عبدالواسع قائینی از علماء محترم معاصر شهر ری بودند، وی در قائن متولد شده و تحصیلات خود را در زادگاه خود نزد دائی مرحوم قاضی که یکی از دانشمندان پارسا و زهاد بودند شروع نموده و در سن 17 سالگی بدرس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید حسین فقیه معروف به (امام) که از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی صاحب (کفایه الاصول) حاضر شده و استفاده نموده آنگاه به مشهد مقدس آمده و از محضر مدرسین و آیات آن سامان بهره‌مند شده آنگاه به نجف مشرف شده و بعد از مدتی به قم آمده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و دیگران کسب فیض نموده، و مورد لطف مخصوص آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفته و در سال 1328 شمسی بشهر ری اعزام و در محله حسین آباد (بی‌بی زبیده) در مسجد ملک افضلی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته و ضمنا در مدرسه برهانیه شهر ری بتدریس فقه پرداخته تا در روز عید قربان 1389 ق که بدرود زندگی گفته، و با تشییع جنازه با شکوهی به قم و در دارالسلام مدفون گردیدند.
نگارنده گوید: مرحوم آقای واسعی از علماء متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند و از بیت‌المال و سهم مبارک امام علیه‌السلام کمتر مصرف می‌نمودند.
از باقیات‌الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقةالاسلام حاج شیخ محمدعلی واسعی که در مسجد ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

واعظ اصفهانی حائری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد، متوفی حدود سال 1320، مولف کتاب «طریق الجنة» مقتل فارسی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوالبرکات

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ ابوالبرکات، [عالم فاضل محدث] واعظ صالح معمّر، در مسجد جامع اصفهان منصب وعظ و خطابت داشته، و قریب یکصد سال عمر نموده، و از شیخ علی محقّق کرکی متوفّی به سال 940 روایت احادیث می‌کند، و جمعی از دانشمندان از او اخذ حدیث نموده و از ایشان روایت می‌کنند که از آن جمله است: ملاّ محمّد تقی مجلسی، و شیخ عبداللّه واعظ، فرزندش.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

واعظ اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 579 ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعد احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است. از آثارش گردآوری کتابی به نام «معجم» از مشایخ خود بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (169/ 22)، معجم‌المؤلفین (315/ 11)، الوافی بالوفیات (393 -392/ 4).

واعظ اصفهانی، جمال‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1279- مقتول 1326 ق)، عالم و واعظ. ملقب به صدرالواعظین و صدرالمحققین. در همدان به دنیا آمد. در «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران»، تولد وی 1289 ق در اصفهان ذکر شده است. او برادرزاده‌ی آیت‌اللّه سید اسماعیل صدرعاملی اصفهانی است. در کودکی پدرش را از دست داد و به همراه مادر به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به فراگیری مقدمات عربی و فلسفه و عرفان پرداخت. او در اصفهان مشغول وعظ و تبلیغ گشت و در اندک زمانی از وعاظ مشهور شد. به علت جو استبدادی که ظل‌السلطان در اصفهان برقرار کرده بود، سید جمال در 1319 ق به تبریز رفت و در مورد اهمیت قانون و مزایای حکومت قانونی خطابه‌هایی ایراد نمود. در بازگشت به اصفهان پس از انتشار کتاب «رویای صادقه» با همکاری شیخ احمد مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصراللّه ملک المتکلمین، مورد کینه‌ی ظل‌السلطان قرار گرفت. بار دیگر به تبریز رفت و در آنجا مورد توجه محمدعلی شاه ولیعهد قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به تشویق محافل آزادیخواهان شبها در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به وعظ و خطابه پرداخت. وی در اوایل مشروطیت در مساجد و انجمن‌ها به طرفداری از مشروطه سخنرانی می‌کرد و به همین جهت مورد توجه مردم واقع شده بود. پاره‌اش از سخنرانی‌های او به صورت روزنامه‌ای به نام «الجمال» چاپ شد. در زمان به توپ بستن مجلس، به شاه عبدالعظیم رفت و از آنجا به قصد عتبات عازم همدان شد. وی به واسطه سابق دوستی، ورود خود را به میرزا محسن خان مظفرالملک، حاکم همدان، ابلاغ کرد. او نیز این مساله را به دربار تهران گزارش داد. لذا امیر افخم همدانی، حاکم بروجرد، از طرف دربار مأمور شد تا سید جمال‌الدین را به بروجرد ببرد. سید جمال مدتی در بروجرد زندانی بود و عاقبت توسط عمال محمدعلی شاه قاجار مسموم و خفه گردید و در قبرستان یخچال این شهر دفن شد. بعدها این قبرستان به جمالیه معروف گردید. در «کارنامه‌ی بزرگان» سال درگذشت وی 1336 ق ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «لباس التقوی»؛ مقالاتی که در روزنامه «حبل‌المتین» کلکته و جراید عصر چاپ می‌شد.[1]
واعظ اصفهانی (سید)، واعظ معروف و از رهبران مشروطیت (و. همدان

حدود 1297- مقت. بروجرد 1362 ه.ق.). وی قریب بیست سال در شهرهای مختلف مانند اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد و تهران به وعظ می‌پرداخت و در تنویر افکار مردم می‌کوشید. دو رساله از او به نام «لباس التقوی» و «رؤیای صادقه» باقی است و صورت نطقها و مجالس وی به اسم «الجمال» به چاپ رسیده. به دستور عمال محمدعلی شاه در بروجرد زندانی و مسموم گشت و آرامگاه وی در همان شهر است.
سال تولد: 1279 ق.
فوت: 1326 ق.
القاب: صدرالواعظین- صدرالمحققین-.
آثار: لباس التقوی- رویای صادقه (با همکاری مجدالاسلام کرمانی و میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین)
سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی پسر سید یحیی در سال 1297 هجری قمری در همدان متولد شد وی از کوشندگان و سخنرانان بنام جنبش مشروطه‌خواهی بود و با سیاهکارینهای ظل‌السلطان پیکار می‌کرد. سید جمال پس از بمباران مجلس، با لباسی ناشناس به سوی عتبات رفت و در همدان دستگیر، و به امر محمد علیشاه او را به بروجرد بردند و به زندان انداختند و در سال 1326 هجری قمری وی را به قتل رساندند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (168 -165/ 1)، تاریخ برگزیدگان (141 -140)، سرآمدان فرهنگ (502 -501)، شرح حال رجال (257 -255/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2799 ،1795/ 2)، کارنامه‌ی بزرگان (337 -335)، یغما (س 30، ش 7، ص 414 -405، ش 8، ص 487 -480).

واعظ پایین خیابانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن (پایین خیابانی) متوفی 1342 ق ابن شیخ اسماعیل بن حاج ملاجواد بن حاج ملاصالح خراسانی از وعاظ بزرگ و منبریهای معروف آستان مقدس رضوی بوده منبر پرشور منحصر به فرد برای او نقل می‌کنند و او را مرد وارسته معرفی کرده که بمالیه دنیا به تمام معنی بی‌اعتنا بوده و در ادبیات و مقامات علمی دست توانای داشته و کتبی به صورت رساله‌هایی مختلف از او باقی مانده است.
وی فرزندان دانشمند و واعظ و محدث از خود به یادگار گذارده که مورد توجه مردم مشهد و تهران می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ تهرانی، باقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1255 ق)، عالم دینی و واعظ. در تهران به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. وی از وعاظ مشهور دوران ناصرالدین شاه قاجار است که منبر او به جهت بیان مطالب تازه و اجتناب از مبالغه و اغراق‌گویی در بیان مصائب، مورد توجه عامه‌ی مردم بود. او در مشهد در حین زیارت درگذشت و در مقبره‌ی شیخ‌بهائی دفن شد. در «طبقات اعلام‌الشیعة» وفات وی 1323 ق ذکر شده است. از آثارش: «جنة النعیم والعیش السلیم»، در احوال سید عبدالعظیم (ع)؛ «الاسرار فی کیفیة الاسفار»؛ «الاصرار فی الاستغفار»؛ «الخصایص الفاطمیة»؛ «برهان التجارة فی تبیان الزیارة»؛ «برهان العباد فی اثبات المعاد»؛ «ارائة الطریق»؛ «ایقاظ القوم فی آداب الصوم»؛ «الثمرات الجنیة من الحدیقة الحسینیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (530/ 3)، الذریعه (174 -173/ 7 ،161 -160 ،12/ 5 ،98 ،94/ 3 ،504 ،121 ،38/ 2 ،407 -406/ 1)، ریحانه (291/ 6)، شرح حال رجال (184/ 1)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 14/ 196)، علماء معاصرین (367 -359)، المآثر والآثار (201 -200)، معجم‌المؤلفین (35/ 3).

واعظ خراسانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی فرزند کربلائی حسینعلی (والد ماجد حاج شیخ عبدالحسین واعظ معاصر خراسانی نجفی) از اکابر علماء و محدثین و اعاظم وعاظ و خطباء عصر خود در نجف اشرف و از مصادیق واقعی یکی از قوام الدنیا (عالم ناطق مستعمل لعلمه) بوده است.
تولدش در سال 1275 قمری در یکی از روستاهای نیشابور به نام سیمان بوده و مادرش قبل از ولادتش در خواب می‌بیند که درختی از پشت او روئیده و سر به طرف آسمان کشیده و بلند و بارو گشته است. پس با وحشت از خواب برخاسته و به مشهد نزد بعضی از علماء رفته و خواب خود را می‌گوید آن عالم می‌فرماید: ناراحت مباش خدا به تو پسری مرحمت می‌کند که از علماء و دانشمندان خدمتگزار به اسلام خواهد بود.
ایشان در قریه سیمان مذکور نشو و نما یافته و به خواندن قرآن مشغول و پس از خواندن دروس مکتبی قدیم در اوائل بلوغ به تحصیل علوم عربیه دینیه پرداخته و برای ادامه به آن به سبزوار عزیمت و در آنجا مقدمات را خوانده و ضمنا از همان اوان به روستاهای سبزوار برای تبلیغ و ذکر مصائب سالار شهیدان به منبر رفته و ترویج دین نموده تا در سال 1311 قمری در سن 36 سالگی مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست میرزای بزرگ به سامرا عزیمت و به محضر آن بزرگوار رسیده و مورد تفقد و عنایت خاص ایشان قرار گرفته و سپس به نجف اشرف برگشته و مشغول به تحصیل شده تا به درجه عالیه علم رسیده و همواره منبر رفته و با مواعظ حسنه خود مستعمین و بالاخص روحانیون را مستفیض و بهره‌مند می‌نمود.
اساتید ایشان چنانچه فرزند اکبرش حجةالاسلام حاج شیخ محمدتقی واعظزاده فرمودند علامه کبیر حاج شیخ محمدحسن مامقانی و آیت‌اللّه آقا سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه و آخوند خراسانی صاحب کفایه قبل از پیدایش مشروطه بوده است.
ایشان مجالس آیات عظام در ایام عاشورا و غیره را اداره می‌نمود و منبر می‌رفت و عموما از بیاناتش مستفیض می‌شدند اهل حال و معنویت بود.
نگارنده شبی موقع سحر که مشرف به حرم مطهر می‌شوم از درب مسجد هندی که از مساجد معروف نجف و محل نماز جماعت بزرگانی چون حاج شیخ علی زاهد قمی و حاج سید عبدالغفار مازندرانی و امثالهم بود و

مجتمع کلیه آیات عظام گذشته و معاصر بود می‌گذشتم که صدای مناجات و ذکری مرا از رفتن متوقف نمود پس به مسجد هندی آمدم و دیدم گویا تمام مسجد در ذکر و مناجات است و همه با گوینده و ذاکری هماهنگ و می‌گویند ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم. پس وارد مسجد شدم در اثر صدا پیش رفتم در انتهای مسجد پشت ستونی آن مرحوم را دیدم مشغول نماز و با تمام وجودش آیات مذکور را تکرار می‌کند و آن محیط با او هماهنگی دارد. پیرمردان و معاصرین او از دانشمندان و غیره و بالاخص فرزند برومندش خاطرات عجیبی از او دارند.

باقیات الصالحات ایشان

از باقیات الصالحات ایشان دو فرزند ارجمندشان می‌باشند:

1- حاج شیخ محمدتقی واعظزاده مقیم نجف.

2- حاج شیخ عبدالحسین واعظ نجفی است که از معاودین نجف اشرف و گاهی در قم و اکثرا در مشهد مقدس اقامت و مردم را عموما و علماء را خصوصا از بیانات و مواعظ حسنه خود بهره‌مند می‌سازد، آن مرحوم در سال 1383 قمری در نجف اشرف از دنیا رفته و در جوار حضرت علی (علیه‌السلام) در صحن مطهر مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

واعظ شیرازی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج علی اکبر بن حاج قاسم. عالم فاضل زاهد عابد، ادیب کامل، و طبیب ماهر، از نوادر زمان، و مفاخر علمی و عملی اصفهان به شمار می‌رفت. در زد و تقوا وحید و یگانه بود.
در شعبان 1294 متولد، و در نزد جمعی کثیر از فضلاء تحصیل نمود که از آن جمله است: شیخ عبدالحسین محلاتی، و حاج آقا حسین بروجردی (در موقع تحصیل در اصفهان) و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آخوند کاشی، و حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی؛ و در نجف از محضر: شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، و آقا سید محمدکاظم یزدی، و آخوند خراسانی و غیره استفاده برده، پس از مراجعت به اصفهان سال‌ها به شغل تجارت مشغول بوده، سپس مدتی طبابت می‌فرموده، پس از آن ترک تجارت و طب گفته، جهت ارشاد و هدایت مردم منبر رفته، به مداوای روحی مردم پرداخته.
واعظی بود شیرین بیان، و متکلمی فصیح اللسان، منابرش شام مواعظ شافیه، و نصایح کافیه، از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود.
در مدرسه‌ی صدر ادبیات و نهج‌البلاغه و تفسیر می‌فرمود، و عده‌ای از طلاب از محضرش مستفید می‌شدند.
در شب 24 جمادی‌الاولی سال 1357 وفات یافته، جنازه با احترامات لازم به قم منتقل گردیده، و در مقبره‌ی شیخان مدفون گردید.
از آثارش تصحیح و مقابله‌ی قسمتی از تفسیر «تبیان» شیخ طوسی است که به طبع رسیده است.
پدرش از تجار و فضلا بوده، و در نجف نزد مولی محمد حسین کاظمینی تحصیل نموده، و کتابی در شرح چهل حدیث در فضیلت صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام نوشته، و در سال 135 در آنجا وفات یافته است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

واعظ فراهی، معین‌الدین، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 907 ق)، عالم، زاهد و واعظ. به مسکین یا ملا مسکین فراهی یا هروی و معین و یا ملا معین فراهی یا هروی معروف و از علمای عهد سلطان حسین میرزای بایقرا بود. وی برادر قاضی نظام‌الدین محمد، قاضی هرات، است که پس از درگذشت برادرش به درخواست سلطان مدت یک سال مسند قضاوت هرات را عهده‌دار شد. آنگاه ترک منصب نمود و هرچند اصرار نمودند از کثرت ورع و تقوا قبول نکرد. او به مدت چهل سال در روزهای جمعه در مسجد جامع هرات درگذشت و در کنار قبر برادرش، قاضی نظام‌الدین محمد، در مقبره‌ی خواجه عبداللّه انصاری دفن شد. از آثار وی: «بحر الدرر»، در تفسیر؛ «حدائق الحقائق فی کشف اسرار الدقائق»، تفسیر فارسی؛ «روضة الواعظین» در شرح احادیث سید المرسلین (ص)؛ «معارج النبوة فی مدارج الفتوة»؛ «الواضحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر «آیات قصص موسی»؛ تفسیر «سوره‌ی یوسف» که به نام «احس القصص»، در ایران چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ روضة الصفا (269/ 7)، حبیب السیر (340/ 4)، الذریعه (12/ 25، 184/ 21، 305/ 11، 285/ 6، 346- 345/ 4، 38- 37/ 3)، ریحانه (351- 350/ 5)، کشف الظنون (1723، 933، 224).

واعظ قاینی، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده‌ی نهم قمری می‌باشد. در وعظ و خطابه او را از اقران و امثال ممتاز دانسته‌اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا است و مشهور است که چون سلطان، در 873 ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به امیر سید علی که شیعه‌ی امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم اهل تسنن و عوام هرات به مرتبه‌ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه‌ای قوی دانسته‌اند تا آنجا که می‌گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده‌ای همه آن را به خاطر می‌سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (246 -244)، بهارستان (211 -208)، تاریخ نظم و نثر (329)، الذریعه (1251/ 9)، مجالس المؤمنین (526 -523/ 1).

واعظ قاینی، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم/ سیزدهم ق)، واعظ و عالم دینی. او فاضلی مشهور و سخنوری مسلط به شیوه تبلیغ و ارشاد و همچنین نویسنده و اهل قلم بود. از آثارش کتاب «نجاة الخافقین» درباره‌ی وعظ و ارشاد است که این اثر با تکیه بر منابعی چون «بحارالانوار» و «عوالم‌العلوم» نگارش یافته و در احوالات ائمه هدی (ع) می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (346)، الذریعه (57/ 24).

واعظ قزوینی، رفیع‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1089 ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیعا. موصوف به ملا رفیع‌الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلای قرن یازدهم قمری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می‌گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده‌ی ملا فتح‌اللّه ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظة»، در دو مجلد؛ «الحملة الحیدریة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (1210 -1204/ 3)، ایضاح‌المکنون (422 /12، 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1306 -1301/ 5)، تذکره‌ی نصرآبادی (172 -171)، الذریعه (1252/ 9) ،77 -76/ 1)، ریاض‌العارفین (237)، ریحانه (294 -293/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 228/ 11)، فرهنگ سخنوران (970 -969)، الکنی والالقاب (279/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ واعظ قزوینی)، معجم‌المؤلفین (117/ 11)، هدیة‌الاحباب (260)، هدیة‌العارفین (296/ 2).

واعظ موسوی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدعلی واعظ موسوی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد علی واعظ موسوی فرزند سید محسن در تاریخ بهمن ماه 1349 در خانواده مذهبی و روحانی در مشهد مقدّس متولد شدم. بعد از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی به علّت گرایش به علوم اسلامی، تحصیل در حوزه علمیّه را انتخاب نمودم و دروس مقدّمات، متوسطه و خارج را در حوزه علمیّه مشهد گذراندم و از محضر اساتیدی مانند: «حضرت آیت الله شاهرودی»، «مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری»، «آیت الله سیدان»، «آیت الله فلسفی» و ... استفاده نمودم.
در حال حاضر حدود هشت سال است که به عنوان مشاور تبلیغ، مسئول ستاد پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی (از یک سال قبل) در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی مشغول خدمت می باشم. همچنین حدود پانزده سال است که در مناطق مختلف کشور به امر مقدّس وعظ و خطابه و تبلیغ اشتغال دارم.

واعظ هروی، عطاءاللّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 981 ق)، واعظ و شاعر. از وعاظ شیعه ساکن هرات بود. او صاحب مثنوی مشهور «مختارنامه»، در شرح وقایع قیام مختار ثقفی در خونخواهی شهدای کربلا می‌باشد. وی در 981 ق در هرات این مثنوی را به صورت کتابی مستقل تحت عنوان «روضةالمجاهدین» به نشر درآورد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (396)، الذریعه (288/ 19 ،728/ 9 ،303/ 11).

واعظ یزدی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا بن حاج ابراهیم یزدی خراسانی عالمی کامل و فاضلی بارع از مفاخر دانشمندان و گویندگان و معاصر شهرستان یزد بوده‌اند.
تولد آن جناب در سال 1295 قمری در خراسان واقع شده و بعد از آموختن اولیات در سال 1314 مهاجرت به اصفهان نموده و مقدمات علوم را از بعض از افاضل آنجا آموخته و در سال 1319 به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی و مرحوم آخوند خراسانی و علامه یزدی صاحب عروه و حاج شیخ هادی تهرانی و بعد به علامه میرزا محمدباقر اصطهباناتی پیوسته و در معیت آن مرحوم به شیراز مسافرت و در سال 1325 قمری به یزد برگشته و به وظائف شرعی از اقامه جماعت و ارشاد مردم از طریق منبر و غیره پرداخته و مسافرتهای عدیده‌ای به طبس و مشهد مقدس نموده و در همه جا مردم را از مواعظ حسنه خود بهره‌مند ساخته تا در روز 26 ذی‌الحجة سال 1378 قمری در قریه طزرجان یزد بدرود حیات گفته و مردم علاقمند یزد و حومه آن جنازه وی را از طزرجان که در پنجاه کیلومتری یزد است با دوش خود به شهر یزد آورده و در امامزاده جعفر در مقبره شخصی دفن نمودند.
دارای آثار خالده‌ای مانند کتاب (مفتاح علوم القرآن) که در سال 1361 شروع و در سال 1365 ق تکمیل نموده و در آن تاریخ ولادت و بعضی حالات و اسفار خود را ذکر کرده است می‌باشد.
نگارنده گوید: به خاطر دارم که آن مرحوم در اوائل سال 1363 قمری با فرزند فاضل و برومندش از مکه مراجعت و در قم مورد استقبال گرم و توجه مخصوص مراجع بزرگ و فضلا عالیقدر فراگرفته.
و بنابر اصرار آیات عظام و دانشمندان حوزه چند ماهی اقامت و در مدرسه فیضیه اقامه جماعت و درس تفسیر گذارده و اکابر وقت مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و غیره شرکت می‌نمودند.
و در همان سال فرزند مذکورش مریض و بدرود حیات گفتند و آقایان دروس را با احترام آن پدر تعطیل و برای تشییع حاضر ولی آن مرحوم درس خود را تعطیل نکرد و فرمود ما برای مرگ فرزندمان درس را تعطیل نمی‌کنیم و بعد از اتمام درس تشییع باشکوهی نمودند و خود آن مرحوم با دلی قرص و بدون اضطراب بر جنازه فرزندش نماز خوانده و پیوسته شکر و ذکر خدا بر زبانش جاری بود و تمام بزرگان از صبر و طاقت او تعجب

می‌کردند رحمه‌اللّه علیه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظ، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجةالاسلام والمسلمین آقا میرزا محمدرضا واعظ متولد 1261 و متوفی 318 بن میرزا علی‌نقی بن محمدرضا بن محمدامین همدانی مقیم تهران عالمی کبیر و خطیبی جلیل و بحاثی متتبع بوده است.
(جدش آقامیرزا محمدرضا از اعاظم علماء عصر سلطان فتحعلی شاه قاجار و دارای آثار ارزنده‌ای که از آنهاست 1- الدر النظیم فی تفسیر القرآن العظیم 2- مفتاح‌النبوة بوده است.
حفید او مترجم ما که از نوادر خطباء و وعاظ بوده دارای تألیفات بسیاری است که از آنها کتب زیر است.
1- الاشارات در معارف 2- فصوص‌الحکم 3- انارق‌الناسق 4- انوارالقدسیه در حکمت الهیه و... 5- تثنیه الثلاثة 6- تربیع الشیخین 7- السیف المسلول 8- التوحید الرضوی 9- سراج الغیب 10- سیف‌اللّه المسلول 11- کشف الحجة 12- بخبة الصوارم 13- هدیة الخملة و غیر اینها.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

واعظی، فرج‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ فرج‌اللَّه واعظی زنجانی از فضلاء و وعاظ و محدثین بزرگوار معاصر تهران است.
وی در یکی از مضافات زنجان متولد شده و مقدمات و ادبیات را تا حدودی در آن سامان خوانده، آنگاه به قم مهاجرت و سطوح وسطی و عالی را از حضرت آیت‌اللَّه العظیم نجفی مرعشی مد ظله و مدرسین دیگر بپایان رسانیده و شرکت در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و آیات دیگر نموده و پس از ورود آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی نیز از محضر و دروس معظم له بهره‌مند شده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت قدس اللّٰه سره منتقل به تهران گردیده و تاکنون بوظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و تدریس علوم دینی و بالاخص از طریق منبر و موعظه ارشاد مردم مینماید.
نگارنده گوید: جناب آقای واعظی از علماء با فضل و موصوف بکمال و تقوی و دارای مقام قدس و ورع و خالص در ولاء اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام می‌باشد و با منکرین و مخالفین ولایت تکوینی حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و ائمه‌ی معصومین علیهم صلوات المصلین و وهابی‌ها وطنی و سنی مآب‌ها مبارز و مخالف و مجادله حسنه نموده و مینمایند و حقیر که قریب چهل سال است ایشان را میشناسم جز متانت و پرهیزکاری و صفات حمیده از وی ندیده و ما رایت منه مذ عرفته الا جمیلا کثر اللّٰه امثاله فرزند برومندی دارد که در سلک محصلین حوزه علمیه قم و از مشتغلین جدی حوزه میباشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

وافی، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم وافی
محل تولد : یزد
شهرت : وافی یزدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1314/1/1
زندگینامه علمی
حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه 1314 در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فراگرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجة الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.
حجة الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن به حوزه علمیه یزد رفت و دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را در آن حوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سال 1336 برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دورهٔ سطح استادان برجستهٔ دورهٔ خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجة الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فراگرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیة الله مکارم شیرازی» و «آیة الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیة الله مشکینی» و «آیة الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دورۀ سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمة الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیة الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیةالله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیةالله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.
حجة الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجةالاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

واله، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1346، مشهد.
درگذشت: 1370.
حسن واله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، راهی حوزه‌های علمیه مشهد و قم شد تا به آموختن علوم قدیمه بپردازد. پس از آن به تهران آمد و با گشایش فضای موسیقی در سال‌های 1366 و 1367 به آموختن این هنر پرداخت. به همراه فراگیری موسیقی، به خواندن فلسفه و تحقیق در متون کهن و بررسی موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران مشغول شد و به کار نسخه‌شناسی و مقابله‌ی آنها می‌پرداخت.
حسن واله در بخش موسیقی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی به کار مشغول شد. از او کار مستقلی به طبع نرسیده است، اما مقاله‌هایی برای «کیهان فرهنگی» نوشته است. وی قرار بود از مشهد به تهران بیاید و ناگهان مفقود گردید تا این که پیکر درهم شکسته‌اش را در ارتفاعات شمال تهران یافتند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وثوقی، افضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1314، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تبریز در سال 1334 و دکترای زبانشناسی از دانشگاه پاریس 7 در سال 1357.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زبان‌شناسی و ادبیات کشورهای مختلف، تدریس درس ادبیات و زبان فرانسه و زبان‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 9
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تأثر و اضطراب بشر، ادبیات نو آفریقائی، ادبیات ژاپن، ادبیات چین، گسترش انقلاب اسلامی در ایالات متحده آمریکا.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
نظام آوایی در زبان کردی لهجه سقز، ساختمان فعل در زبان کردی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وثوقی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1321، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در سال 1431، Diploma Postgraduate زبان‌شناسی تطبیقی فارسی واژه از دانشگاه کراچی در سال 1348، کارشناسی ارشد پیوسته TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال 1351، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال 1345، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال 1354، تحقیق بعد از دوره دکترا در روان‌شناسی زبان دانشگاه کالیفرنیا در سال 1357.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تربیت معلم از سال 1354 تا سال 1366 و دانشیار دانشگاه تربیت معلم از سال 1366
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس ساخت زبان فارسی 1 و 2، ساخت زبان انگلیسی، زبان تخصصی، زبان‌شناسی در دانشگاههای تربیت مدرس، تربیت معلم و ایلینویز آمریکا، تحقیق در زمینه زبان‌شناسی و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
دستور و سنجش، عوامل مؤثر در یادگیری زبان دیگر، ساخت زبان فارسی به شیوه گفتاری Vocabulary Enrich You، نظریه ترجمه از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان‌شناسی همگانی، طرح پرسشهای چند گزینه‌ای و فرهنگ اصطلاحات و کاربرد آنها.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 4، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:

نقش قوم موازنه زبان، جمله‌های مرکب و حذف معادلها، چگونگی تحقیق دانشگاهی، زبان آذری
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وجیه‌اللهی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1298، تهران.
درگذشت: 28 دی 1366.
ابوالقاسم وجیه‌اللهی پس از اتمام تحصیلات خود در وزارت راه مشغول به کار شد. وجیه‌اللهی یکی از بنیانگذاران جامعه‌ی تعلیمات اسلامی است، جامعه‌ای که تعلیم و تربیت نسل جوان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بود. تأسیس و توسعه‌ی مدارس اسلامی،- به ویژه مدارس اسلامی دخترانه- در تهران و شهرستان‌ها، تشکیل سمینارهای مختلف در مدارس اسلامی سراسر کشور، دعوت از کسانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر سید محمدحسین بهشتی، آیت‌الله محمد مفتح و آیت‌الله محمدجواد باهنر برای تدریس و سخنرانی، تأسیس دوره‌ی فوق دیپلم، و تربیت معلم برای مدارس اسلامی، چاپ و نشر کتب اسلامی و ترجمه و نشر کتاب الغدیر و غیره... از جمله خدمات وجیه‌اللهی است.
وجیه‌اللهی در غروب روز دوشنبه 28 دی 1366 بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحدت، اختر

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
تولد: 1301، بجنورد.
درگذشت: 1360.
اختر وحدت فرزند محمد، در خانواده‌ی اهل ادب تربیت یافت و همچون پدرش طبع روانی داشت. وی در زمره‌ی اولین زنانی بود که به استخدام اداره‌ی فرهنگ بجنورد درآمد. در سال 1339 به مشهد منتقل گردید. اهل شعر و شاعری بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وحید تهرانی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ علی‌اصغر وحید تهرانی یکی از علماء و مدرسین و محدثین معاصر تهران است معظم له در حدود 1334 ق در عاصمه تشیع تهران دیده به جهان گشود، و پس از پرورش به تحصیل ادبیات و علوم معموله پرداخته و متون فقه و اصول را از علماء و مدرسین تهران آموخته آنگاه به درس خارج مراجع و آیات حاضر شده و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و به مدارج کمال رسیده و به تدریس فقه و اصول پرداخته و هم از طریق منبر و جلسات مذهبی نشر معارف دین و حقایق شرع مبین نموده و تاکنون شاغل این پست خطیر و مسئولیت سنگین می‌باشد.
مدرسه حاج ابوالفتح میدان شاه نیز در تحت سرپرستی و تدبیر نظر آنجناب اداره می‌شود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید تهرانی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی‌اکبر وحید یکی از اهل منبر و ارشاد تهرانست و سالها در عصر ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی در قم اشتغال به تحصیل داشتند و متون فقه چون شرح لمعه و مکاسب را از محضر آیت‌اللّه العظمی آقای مرعشی نجفی مدظلله و دیگران استفاده و هم از محضر آیت‌اللّه بروجردی کسب فیض نموده و پس از آن به تهران مراجعت و تا حال حاضر افتخار خدمت و نوکری آستان ولایت و حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام را دارند. و حقاً این دو برادر در تواضع و پاکدامنی و متانت و مناعت طبع وحید و اسم با مسمی می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

وحید دامغانی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر بن آشیخ نور محمد وحید دامغانی از گویندگان دینی و مروجین اسلامی معاصر دامغان است. وی در سال 1332 قمری در یکی از مضافات دامغان متولد شده و سالها در دامغان و شاهرود مشهد و نجف به تحصیل علوم اشتغال داشته و اکنون در زادگاه خود به تبلیغ احکام اسلام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

وحید دستگردی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1321 -1258 ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در 1338 ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در 1338 ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: 1- «مخزن‌الاسرار» 2- «خسرو و شیرین» 3- «لیلی و مجنون» 4- «هفت پیکر» 5- و 6- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است 7- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان.[1]
حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- 1298 ه.ق- ف. دی‌ماه 1321). وی تا سال 1312 ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی،

حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (347 ،340 ،76 ،51 ،45 ،43)، از صبا تا نیما (325 -322/ 2)، تاریخ جراید (284 ،52 ،51/ 2 ،136 -121/ 1)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (529 -526)، تذکرةالقبور (273)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (1143)، دایرةالمعارف فارسی (3149/ 2)، الذریعه (309/ 11 ،1266 -1265/ 9)، سخنوران نامی (514 -498/ 2)، سخنوران نامی معاصر (3847 -3842/ 6)، شخصیت‌های نامی (506)، شرح حال رجال (66/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3405 ،3396 ،3170 ،2961 ،2833 ،2781 ،2668 ،2143 ،1965 ،1796 ،1669 ،1668 ،1667/ 2 ،1595 ،1589 ،1565 ،1562 ،1512 ،1505 ،1504 ،1289 -1288 ،1266 ،1046 ،986 ،838 ،801 ،377 ،303 ،213/ 1)، گلزار معانی (737 -729)، مؤلفین کتب چاپی (624 -623/ 2).

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (1077 -1052 ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (1135 -1105 ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت 1105، 1107، 1110، 1112، 1120 ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر. [1]
عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (1105 -1078 ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1220 -1211/ 3)، احوال و آثار خوشنویسان 784/ 3)، ایضاح‌المکنون (537/ 1)، تاریخ ادبیات ایران،

براون (175/ 4)، تاریخ ادبیات در ایران (1351 -1346/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (655 -654/ 1)، تذکره‌ی روز روشن (905 -901)، تذکرة المعاصرین (274 -262)، تذکره‌ی نصرآبادی (20 -17)، دانشمندان آذربایجان (80)، دایرةالمعارف فارسی (3149/ 2)، الذریعه (185/ 19 1267، -1266/ 9 ،20/ 1)، ریحانه (311 -310/ 6)، سبک‌شناسی (276 259،/ 3)، سرو آزاد (135 -132)، فرهنگ سخنوران (980 -979)، کتابشناسی نظامی گنجوی (416)، کلمات الشعراء (190 -178)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (105/ 4)، منظومه‌های فارسی (616 -608)، مؤلفین کتب چاپی (591/ 3)، مینودر (874 -872/ 2)، نتایج‌الافکار (743 -740)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 120 -118).

وحید مازندرانی، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مورخ.
تولد: 1291، ساری.
درگذشت: 15 فروردین 1369.
غلامعلی وحید، فرزند مصطفی، در اوایل کودکی پدرش را از دست داد و پس از پایان دوره‌ی شش ساله‌ی ابتدایی در ساری به تهران رفت و متوسطه را در دارالنون خواند و پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. شش سال در لندن در سفارت ایران کار می‌کرد. پس از آن در تهران نخست به معاونت و پس از آن به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه دست اندر کار شد. آنگاه در کشورهای آمریکا و هندوستان و انگلستان ریاست اداره‌ی پنجم سیاسی و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختار ایران در لندن را عهده داشت و سپس در هندوستان و بعد از آن، اندونزی به سفارت ایران مشغول شد.
تألیفات عهده وی به این شرح است: اقتصاد ملی (1316)؛ ایران و قضیه ایران (لرد کرزن)؛ بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر (اثر هرولد ج. لسکی، 1331)؛ تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر (هربرت فیشر، 1324 -1319)؛ تاریخ ایران از ابتدای قرن 19 تا سال 1858 م. (رابرت کرنت والس، 1341)؛ تاریخ هردوت (1324)؛ تمدن غرب در شرق نزدیک (هانس کن، 1316)؛ خواستن توانستن است (امیل پش، 1313)؛ دیپلمات (ژول کامبون، 1324)؛ راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران (1341)؛ رستاخیز (لئون تولستوی، 1312)؛ قرارداد 1907 م. بین روس و انگلیس (1328)؛ مازندران و استرآباد (ه. ل. رابینو، 1327)؛ ممالک متحده آمریکا (1324)؛ موسولینی (1317)؛ هند یا سرزمین اشراق (1335)؛ هیتلر (1316).
از فضلا و دانشمندان و محققین تاریخ، در 1290 ش متولد شد. تحصیلات ابتدائی متوسطه و عالی را در تهران باتمام رسانید و درجه‌ی لیسانس در علم حقوق و علوم سیاسی گرفت و در 1315 در وزارت امور خارجه استخدام شد.
پس از طی مقدمات اداری دبیر سوم سفارت ایران در لندن گردید و سپس به معاونت اداره عهود و حقوقی منصوب شد. چندی هم کفالت و ریاست اداره ششم وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود تا به رایزنی

سفارت ایران در امریکا برگزیده شد. سایر مشاغل وی به ترتیب عبارتند از: رئیس اداره پنجم سیاسی، رئیس اداره تابعیت، سرکنسول در بمبئی، رئیس اداره چهارم سیاسی، وزیر مختار در لندن، عضو شورای عالی سیاسی، ریاست اداره عهود و حقوقی. آنگاه به سفیر کبیری ایران در اندونزی منصوب شد و مدتی هم سفارت ایران را در هندوستان عهده‌دار بود. پس از بازگشت از هندوستان بازنشسته شد و به کار نویسندگی و ترجمه پرداخت. قسمتی از آثار چاپ شده‌ی ایشان بشرح زیر است: اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران، قرارداد 1907 روس و انگلیس راجع به ایران، هند یا سرزمین اشراق، نامه‌های تاریخی ایران.
از ترجمه‌های ایشان می‌توان کتب زیر را نام برد: تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف ه.ل. فیشر، تاریخ هرودوت، کتاب مازندران و استرآباد رابینو، تاریخ ایران در قرن نوزدهم تألیف واتسن.
دکتر غلامعلی وحید مازندرانی در 1366 درگذشت.
(1369 -1291 ش)، نویسنده و مترجم. در ساری به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در 1314 ش از دانشکده حقوق تهران فارغ‌التحصیل شد و سپس به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. وی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او در تهران ابتدا به معاونت و بعد به کفالت اداره‌ی عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از آن در واشنگتن، بمبئی، لندن، هندوستان و اندونزی عهده‌دار مشاغلی گردید. از آثار وی: «اقتصاد ملی»؛ «راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران»؛ «ممالک متحده‌ی آمریکا»؛ «موسولینی»؛ «هند یا سرزمین اشراق». از آثار ترجمه‌ی وی: «بحثی چند درباره‌ی انقلابیون این عصر»؛ «تاریخ هردوت»؛ «تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر»؛ «تاریخ ایران در قرن نوزدهم»؛ «تمدن غرب در شرق نزدیک»؛ «خواستن توانستن است».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] چهره‌های آشنا (647 -646)، الذریعه (250/ 25)، شرح حال رجال معاصر مازندران (158 -156)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2854، 2513، 1997، 1653/ 2، 1293، 950، 520، 308/ 1)، کتاب گیلان (545، 360، 143/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (730 -728/ 4).

وحیدالملک شیبانی کاشانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1342 -1252 ق)، نویسنده، مدرس و خبرنگار. در کاشان به دنیا آمد. علوم مقدماتی و ادبیات فارسی و ادبی را در زادگاهش فراگرفت و پس از آن به هندوستان رفت و در آنجا زبان انگلیسی را فراگرفت. سپس جهت ادامه تحصیلات عالی، راهی انگلستان شد و در دانشگاه کمبریج به آموختن تاریخ جهان و ادبیات انگلیسی پرداخت. شیبانی با ادوارد براون، مستشرق معروف، آشنا و با معرفی او در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی مشغول شد. او در 1327 ق به ایران مراجعت کرد. در مدرسه دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و همچنین مدتی ریاست مدرسه سیاسی را که مشیرالدوله بنیان نهاده بود، به عهده گرفت. وحیدالملک حدود 1322 ق خبرنگار روزنامه‌ی «تایمز» انگلیس بود و مقالات و خبرهایی درباره‌ی جنبش مشروطیت به آن روزنامه می‌فرستاد. شیبانی نمایندگی مجلس شورای ملی را از طرف مردم تهران در چند دوره عهده‌دار بود. همچنین وی مدتی وزارت پست و تلگراف، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را برعهده داشت. او پس از کناره‌گیری از سیاست در دانشسرای عالی به تدریس رشته‌ی تاریخ پرداخت. وحیدالملک در تهران درگذشت. از آثار وی «تاریخ عمومی قرون وسطی» در سه مجلد می‌باشد. خانبابا مشار، در «مؤلفین کتب چاپی»، سال تولد وی را 1294 ق آورده است.[1]
میرزا عبدالحسین‌خان شیبانی وحیدالملک از رجال دوره‌ی رضاشاه پهلوی و استاد تاریخ دانشگاه تهران (ف. 1342 ه.ش 1964 م.) چند بار به نمایندگی مجلس شورا و نیز به وزارت پست و تلگراف و وزارت فرهنگ منصوب شد. از آثار او تاریخ عمومی است در سه جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (730/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (738/ 3)، نخبگان سیاسی ایران (492/ 4)، وزرای معارف ایران (74 -73)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (195 -189)، یغما (س 5، ش 12، ص 542 -541).

وحیدی تبریزی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 942 ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانة‌الادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا «مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهرانگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (629 ،402/ 5)، تاریخ نظم و نثر (707)، تحفه سامی (228 -227)، دانشمندان آذربایجان (394 -393)، الذریعه (320/ 21 ،1265/ 9 ،139/ 5)، ریحانه (310/ 6)، صبح گلشن (589)، فرهنگ سخنوران (980)، مجالس‌النفائس (161)، هفت اقلیم (505 -504/ 2).

وحیدیان کامیار، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1313، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید چمران اهواز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد در سال 1339، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران، دکترای زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه تهران در سال 1351.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی منشاء وزن شعر فارسی، گردآوری واژگان قافیه شعر فارسی، گردآوری و تدوین وزنهای شعر فارسی و استاد راهنمای 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
وزن و قافیه شعر فارسی، وزن شعر فارسی (عروضی فارسی) نوای گفتار در فارسی، دستور زبان عامیانه فارسی، بررسی وزن شعر عامیانه فارسی، دستور فارسی، فرهنگ نام آوایی، موسیقی حرف، کلمه و کلام (مربوط به نام آواها).
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 43، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
نقشهای تکیه در زبان فارسی، تکیه و وزن شعر فارسی، قافیه در شعر فارسی، افسانه چیست؟- فارسی مؤدبانه، اسمهای خاص و نظریه اطلاع، فعل مرکب در فارسی نیست، نقدی بر تاریخ زبان دکتر خانلری، وزن فهلویات عروضی است نه هجایی، اوزان ایقاعی، اندیشیدن در قافیه، نقد عروض، عروض فارسی، مدارس قدیم مشهد، و مقالاتی دیگر در زمینه‌های

دستور زبان، عروض، شعر و شاعری و زبان‌شناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وخشی بلخی، ابوعلی حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(471 -385 ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش، قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نشابور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تنیس، رمله، قدس، عکا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابوعمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابومحمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابوالفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. خواجه نظام‌الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام‌الملک برای وی مدرسه‌ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده‌ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وخشیات» نگاشت. در «کشف‌الظنون» و به تبع آن در «هدیة‌العارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شمرده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (312/ 1)، انساب سمعانی (579/ 5)، ایضاح‌المکنون (340/ 1)، تذکرة‌الحفاظ (1174 -1171/ 3)، توضیح المشتبه (176/ 9)، سیرالنبلاء (367 -365/ 18)، شذرات‌الذهب (339/ 3)، طبقات الحفاظ (459)، العبر (329/ 2)، کشف‌الظنون (508، 163)، لسان‌المیزان (446 -445/ 2)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (103 -102/ 19)، معجم‌البلدان (419/ 5)، معجم‌المؤلفین (260/ 3)، الوافی بالوفیات (163/ 12)، هدیة‌العارفین (277/ 1).

وراق کرمانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 329 ق)، ادیب، نحوی، لغوی و منجم. از علمای نحو و لغت و از شاگردان ثعلب نحوی بود. به حسن خط شهرت داشت و از طریق وراقی و کاغذسازی امرار معاش می‌نمود. او صاحب تألیفاتی در زمینه‌ی علم لغت و علم نحو می‌باشد. از آثارش: «الموجز»، در نحو؛ «الجامع فی اللغة»، لغاتی که خلیل فراهیدی در کتاب «العین» آن را فراموش کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (96/ 7)، روضات‌الجنات (281/ 3)، ریحانه (313/ 6)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (134)، کشف‌الظنون (1899، 576)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعبداللّٰه)، معجم‌الادباء (213/ 18)، معجم‌المؤلفین (247 -246/ 10)، الوافی بالوفیات (329/ 3)، هدیة‌العارفین (35، 24/ 2).

ورزگر، مینو

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده: زبانهای خارجی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دیپلم از دبیرستان هالیوود شمالی لوس آنجلس آمریکا، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، کارشناسی ارشد در آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت معلم (در طی یک سال)، کارشناسی ارشد روانشناسی از دانشگاه تهران (در طی دو سال)، M.A در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو یک سال)، دکترا در آموزش زبان انگلیسی TESL از دانشگاه ایلینویز آمریکا (در طی دو سال).
مرتبه علمی:
مدیر گروه و دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران از سال 1365 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
واژه‌نامه آموزش زبان، زبانشناسی و آزمون‌سازی، اثر عوامل روانی بر روی خواندن، عضویت در انجمن‌های بین‌المللی و چندین کمیته و مرکز آموزشی و تحقیقی داخلی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 23 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 17
زمینه علمی تألیفات:
آموزش خواندن از طریق خواندن، آموزش و سنجش زبان انگلیسی، انگلیسی برای دانشجویان پزشکی، انگلیسی برای دانشجویان مامائی، انگلیسی برای دانشجویان بهداشت، مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران، گرامر کامل زبان انگلیسی، انگلیسی برای کودکان، واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 6، تعداد مقالات بزبان خارجی: 12

زمینه علمی مقالات:
فراگیری زبان در کودکان، آموزش خواندن، جنبه‌های روانی زبان خواندن، خواندن و تفکر، مراحل ادراکی خواندن، فرآیندهای شناختی خواندن، ابعاد مهارتهای شنیداری، گفتاری، جنبه‌های عصبی روانی مرحله بحرانی در زبان آموزی، مراحل ادراکی خواندن.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ورزی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1293 ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در 1315 ش به اخذ لیسانس از دانشکده‌ی حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمن‌های ادبی تهران راه یافت و با شعرای همعصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق، در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملا هادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در 1320 ش در کابینه‌ی اول قوام‌السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست‌وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده‌دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیرکل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح‌اللّٰه خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع‌آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسیهای ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه‌پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».[1]
شاعر.
تولد: دی 1293، تهران.
درگذشت: مهر 1368، تهران.
ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره‌ی اول دبیرستان را در شهرستان ساری و دوره‌ی دوم دبیرستان را در

مدرسه‌ی امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق قضایی از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه حقوق دانشگاه تهران در سال 1315 بود. پس از گذراندن دوره‌ی افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجددا از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامه‌ی روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده‌ی معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه‌ی سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت در تهران وی را دعوت به همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید. رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری، از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.
از کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال 1315 در انجن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او را تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعه‌ی غزلیات او در سال 1358 به نام سخن عشق منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال 1368 منتشر شد). کتاب دیگر او پرتو راز نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده

شده است.
آثاری که از وی ترجمه شده است از این قرار است: دو کتاب از آندره موروآ به نام‌های: بررسی‌های ادبی و هفت صورت عشق و کتاب دیگری به نام نغمه‌پرداز نامرد (اثر فئودر داستایوسکی) که در روزنامه «ایران ما» به چاپ رسید.
ابوالحسن ورزی، شاعر بلند آوازه معاصر، فرزند مرحوم حسین ورزی است که سالها مصدر مشاغل بزرگ علمی، هنری و دولتی بوده که با اکثر رجال علم و هنر و سیاست حشر و نشر داشت است. ابوالحسن ورزی، از اوایل تأسیس رادیو، کم و بیش اشعارش وسیله هنرمندان در رادیو اجرا می‌شد، ولی در سال 1338 رسماً به رادیو رفت و اولین شعری که وی در این سال ساخت توسط مرحوم غلامحسین بنان در «بیات اصفهان» که آهنگ آن را مهندس همایون خرم ساخته بود، خوانده شد چنین بود: «آمد اما در نگاهش آن نوازش‌ها نبود» که بعدها چند خواننده دیگر، این شعر را در رادیو اجرا کردند.
ابوالحسن ورزی، از دوستان صمیمی و نزدیک شادروان داود پیرنیا بود و سال‌ها در بازرسی نخست وزیری، همکار یکدیگر بوده‌اند. این صمیمیت به حدی بود که روزی به عیادت داود پیرنیا که به واسطه بیماری قلبی چند روزی در منزل بستری بود به بالین پیرنیا حاضر می‌شود بلافاصله این دو بیت را برای وی می‌سازد:
گویند برنج تن فزوده است دلت
آرام و قرار ز نور بوده است دلت
ابوالحسن ورزی را باید به حق یکی از شعرای باارزش دوران اخیر به حساب آورد و این ادعا نیست بکله اشعار وی نمایانگر این مدعا است، به طوری که روزی در رادیو با مرحوم علی دشتی درباره شادروان رهی معیری مصاحبه بود، وقتی مصاحبه‌گر رادیو از ایشان پرسید «آقای دشتی شما بهترین غزلسرای امروز را چه کسی می‌دانید؟»
پاسخ داد: «ابوالحسن ورزی را کنار بگذارید، راجع به بقیه بفرمایید.»
وقتی از وی سؤال شد که: چرا ورزی را کنار بگذاریم؟»
پاسخ داد: «اگر تکفیرم ننکند، ابوالحسن ورزی سعدی و حافظ و مولانای زمان است.»
نگارنده وقتی در نشستی که با این شاعر گرانمایه داشتم و درباره زندگی‌نامه ایشان جویا گردیدم؟
از روی نوشته‌ای که قبلا آماده کرده بودند چنین بیان داشتند:
«من در سال 1293 خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم مرحوم حسین ورزی که صدای خوشی داشت، در روز اول دی‌ماه 1325 در تهران درگذشت و چند سال بعد از مرگ پدرم، مادرم شادروان بتول ورزی نیز

برحمت ایزدی پیوست. دوران تحصیلی من، تا کلاس پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب بود، ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دوره اول دبیرستان را در شهر ساری و دور دوم دبیرستان را در مدرسه امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساندم. در آن زمان در دارالفنون دانشمندان برجسته‌ای مانند شادروانان فاضل تونی، بهمنیار، همایی، نصرالله فلسفی، دکتر سیاسی، حبیب یغمایی به تدریس اشتغال داشتند. در سال 1315 خورشیدی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران با رتبه شاگرد اولی موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته قضایی شدم و تا آنجا که حافظه‌ام یاری می‌کند اساتیدی نظیر شادروانان: بروجردی (محمد عبده) رئیس محکمه انتظامی وزارت دادگستری، دکتر سیدعلی شایگان، دکتر زنگنه، آقا محمد شریعت سنگلجی، دکتر امامی، دکتر کریم سنجابی تدریس می‌کردند. اساتید خارجی من عبارت بودند از: موسیو فونتانا معلم حقوق رم و حقوق مدنی فرانسه و موسیو لافن معلم ادبیات.
پس از گذراندن دوره افسری وظیفه که خوشبختانه محل مأموریتم در شهر شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشتم. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بودم، گذشته از برنامه روزانه مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی مرحوم شیخ ضیاءالدین دری و مدرس دیگر فراگرفتم. هنگام تحصیل در دانشکده حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کردم و در خارج از محیط دانشکده هم نزد استادان این فنون به تحصیل پرداختم. در شیراز هم جامع‌المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومه سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد حکیم محقق و دانشمندی چون میرزا علی حکیم ادامه دادم. از استاد حکیم تا آن زمان خبر داشتم که در دانشکده معقول و منقول مشغول تدریس بودند و بعد گویا به شیراز سفر می‌نمایند، که بازگشتی نداشته است و هنوز خبری از ایشان ندارم که آیا در قید حیات هستند یا نه، به هر صورت اگر زنده هستند خداوند به ایشان سعادت و سلامت عطا فرماید و اگر رحلت کرده‌اند برای ایشان آمرزش می‌طلبم.
اشتغال در دادگستری و شاهد گرفتاریهای مردم بودن و احکام شدید صادر کردن مغایر با روحیه من بود به همین دلیل از این شغل استعفا نموده و به تهران بازگشتم. در تهران مرا دعوت به همکاری در نخست‌وزیری کردند، که در آنجا مشغول به کار شدم و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردیدم:
رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان، مدیر کل مالی

شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت چای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان شادروان دکتر محمد مصدق، عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران، بازرس بازرسی کل کشور و از آن پس بنا به تقاضای خود بازنشسته شدم.

آشنایی من با شعر و ادب و موسیقی:

همان‌طوری که در مقدمه کتاب، (سخن عشق) نوشته‌ام، این آشنایی برای من از دوران کودکی آغاز شد. پدربزرگم مرحوم کاظم کمپانی مردی بسیار هوشمند و روشنفکر و آزاده بود و از مجتهد آزاداندیشی به نام مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی تقلید می‌کرد و در زمان قحطی از ثروت شخصی و محصولات املاکش کمک مؤثری به بینوایان می‌نمود، و ای کاش تمام افراد متمکن و ثروتمند از این شیوه پیروی می‌کردند و بنا به فرموده شیخ اجل سعدی بزرگوار:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

با وجود آنکه پدربزرگم مردی متدین بود هرگز مانع معاشرت پدر من با استادان موسیقی نظیر شادروان درویش خان و جناب دماوندی، حاج قربان‌خان و قراب نگردید. من از زمان کودکی با تار و ویولن و سه‌تار آشنایی داشتم، اساتیدی چون موسی نی‌داود و مرتضی نی‌داود به من تعلیم می‌دادند. از دوران جوانی با چهره‌های شاخص موسیقی ایرانی نظیر شادروانان: ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، ارسلان درگاهی، هرمزی، روح‌اللّه خالقی، کلنل علینقی وزیری، زاهدی، حاج علی‌اکبرخان شهنازی، حسین یاحقی، مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، غلامحسین بنان، لطف‌اللّه مجد، پروانه، قمرالملوک وزیری، روح‌انگیز، رضاقلی میرزا ظلی، رضا ورزنده، محمود کریمی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری و محمودی خوانساری آشنایی و دوستی نزدیک داشتم، که بدبختانه همه آنها چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، روحشان شاد باد!

شعر و شاعری:

همان‌طوری که قبلاً متذکر شدم مرحوم پدرم صدای بسیار دلنشینی داشت و در انتخاب و شناخت شعر بسیار با ذوق بود، پیوسته کوشش می‌کرد که بهترین غزلیات شعرای برجسته میهن‌مان نظیر: سعدی، حافظ، مولانا، جامی، عطار، سنائی و صائب را یادداشت نماید و به همین دلیل من از آغاز طفولیت که قلم به دست گرفتم و خواندن و نوشتن را آموختم با این غزلیات زیبا آشنا شدم و هر زمان که تنها بودم با خود زمزمه می‌کرد، تا هنگامی که تعطیلات تابستانی مدارس فرا رسید و من که سال پنجم دبستان ادب را تمام کرده بودم، با پدرم که مأموریت گرگان را داشت به مسافرت رفتم. این نخستین بار بود که دور از محیط گرم خانواده به جایی

ناشناس و بیگانه می‌رفتم. با اینکه دیدن دریا و طبیعت و کوهستانهای سرسبز و جنگلهای با عظمت برایم بسیار جالب بود ولی غم غربت و تنهایی و دوری از خانواده و دوستان به خصوص اوقاتی که پدرم به مأموریت می‌رفت مرا بسیار ملول و افسرده می‌ساخت تا آنجا که به کنجی می‌نشستم و به یاد دوستان به خصوص مادرم که به حد پرستش او را دوست داشتم اشک می‌ریختم. این افسردگی و غم و درد مرا بر آن که احساسات خود را بوسیله شعر بیان کنم، در کتاب (سخن عشق) داستان برخورد پدرم را مفصلا بیان کرده‌ام، من گفتن شعر را از سن پانزده سالگی شروع کرده‌ام و هدایت و تشویق پدرم موجب پیشرفت من در شعر شد. خوب به یاد دارم شبی یکی از دوستان پدرم شعری از فرخی سیستانی را خواند که چنین بود:

خواستم از دلبری دو بوسه و گفتم
تربیتی کن ز آب لطف خسی را
گفت یکی بس بود اگر دو ستانی
خیره شوی کازموده‌ایم بسی را
عمر دوباره است بوسه من و هرگز
عمر دوباره نداده‌اند کسی را

و من در جواب چنین گفتم:

ای که ندادی به من دو بوسه و گفتی
«عمر دوباره نداده‌اند کسی را»
غافل از آنی که عیسی مریم
داد پس از مرگ جان تازه بسی را
بوسه تو کرده کار معجز عیسی
مرده عشقیم تازه کن نفسی را

یکی از محفل‌نشینان که از مالکان ثروتمند شمال بود وعده کرده بود که در مقابل این حاضر جوابی به من یک ساعت با زنجیر طلا بدهد که خوشبختاه به عهد خود وفا نکرد و مرا از زیر بار منت خود خلاص نمود، روانش شاد باد. در حقیقت چه کار نیکویی کرد وگرنه ممکن بود مرا به گرفتن هدیه از دیگران عادت دهد و به وارستگی و بی‌نیازی که مایه سرافرازی من است خللی وارد کند.

میدمد نور صفا از خانه‌ام
عشق چون شمعی است در کاشانه‌ام
فخر من این بس که با صدها نیاز
خم نشد از بار منت شانه‌ام...

بنابراین بهترین مشوق و نخستین آموزگار شعر من پدرم بود و از اینکه فرزندی شاعر به جامعه ادب ایران تحویل داده است به خود می‌بالید و

شاید اگر من به عالیترین مقامات اداری و اجتماعی رسیده بودم آنقدرها مسرت و سرافرازی احساس نمی‌کرد.
تصور می‌کنم که در سال 1315 خورشیدی پای من به انجمن‌های ادبی باز شد در آن زمان تهران دارای سه یا چهار انجمن ادبی بیشتر نبود که یکی را شاهزاده محمدهاشم میرزا افسر و دومی را مرحوم ترجمان‌الممالک فرهنگ و سومی را وحید دستگردی اداره می‌کردند و بر اثر شرکت در مجالس فوق با ارکستر شعرای هم عصر خود آشنا و دوست شدم که مرگ آنها برایم بسیار دردناک و جانگداز بوده و هست، در یکی از جلسات ادبی با مرحوم فصیح‌الزمان رضوانی شاعر و واعظ و ادیب شیرازی گوینده غزل:
همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی
چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی
آشنا شدم و او تخلص (طالع) را برایم انتخاب نمود ولی من که هیچوقت خود را مقید به قید تخلص نکرده‌ام که مجبور شدم برای آوردن تخلص یک بیت اضافی و با تکلف بسازم، غزلهای خود را مانند گذشته بدون ذکر تخلص ساخته و می‌سازم.
من از دوران جوانی شروع به خواندن و تتبع در آثار شعرا و ادبای برجسته وطنم نمودم و به دقت آثار اساتید بزرگ را با بررسی، مطالعه و کسب فیض و معرفت کرده نهال ضعیف شعر خود را بارور ساختم.
در مورد شعرای معاصر خود:
با همه آنها دوستی نزدیک داشته‌ام و در حقیقت باید متذکر شوم که زمان ما یکی از ادوار بسیار درخشان و پربار ادب فارسی است و پس از مشروطه شعرا و ادبا و سخن‌شناسان بزرگی ظهور کرده‌اند که بدون تردید از مفاخر این سرزمین مقدس می‌باشند. چون تعداد شعرای معاصر که همه از دوستان نزدیک من هستند بسیار زیاد می باشند و به خاطر آنکه مبادا نام یکی از آنان از قلم شکسته این ضعیف بیافتند با عرض معذرت و پوزش نامی ذکر نمی‌کنم تنها از خدای یگانه طول عمر و عزت و کامرانی همه آنها را آرزو می‌نمایم و اظهارنظر در مورد شعرای معاصر را به آیندگان می‌سپارم و خود را در صلاحیت این امر نمی‌دانم.
نخستین مجموعه غزلیات من در سال 1358 به نام (سخن عشق) توسط انتشارات امیرکبیر منتشر گردید و پس از مدتی به کلی نایاب شد. مابقی غزلهای من امروز از نظر کمیت به 5 برابر مجموعه فوق می‌رسد. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیت‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی، دو بیتی، پیوسته طبع آزمایی کرده‌ام.
منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه‌اطهار علیهم‌السلام دارم. صدای آشنا و ترانه‌های درد دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است.

در مورد شعر و شاعری و قواعد و اصول و اساس و مبانی و مبادی آن من هم به همان تعریفی که از زمان ارسطاطالیس و بعد به وسیله حکمای بزرگ ایران چون: حکیم‌ابونصر فارابی، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، علامه قطب‌الدین شیرازی و حکیم صدرالمتالهین شیرازی شده است اعتقاد دارم. در هنگام نوشتن این مقدمه خوشبختانه اثری منظوم بنام «پرتو راز» که در مورد زندگانی پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبداله صلی اللّه علیه و آله که به اتفاق دوست نازنین و شاعر شیرین سخن آقای غلامحسین جواهری وجدی سروده بودیم منتشر گردید که لطف این کتاب در دو تقریظ زیبا و پرمغزی است که وسیله دو تن از شعرای توانا و فحل زمان جناب آقای ابوتراب جلی استاد سخن شناس بزرگ و جناب آقای سعید نیاز کرمانی شاعر خوش قریحه زمان سروده شده است.

آشنایی با زبانهای بیگانه:

از زبانهای خارجی انگلیسی را باندازه رفع احتیاجات می‌دانم ولی زبان فرانسه را در زمان کودکی نزد معلمین فرانسوی آموختم. زیرا در سال 1359 که پدرم مأمور در استان مازندران بود و من در کلاس دوم دبیرستان به تحصیل اشتغال داشتم. یک روز به مادرم اطلاع دادند که یک خانم فرانسوی به نام مادام ژاکولت که وسیله فرمانفرما برای آموختن زبان فرانسه به فرزندانش به ایران آمده بود و دیگر نیازی به او نداشتند با فقر و پریشانی در ساری زندگی می‌کند. مادرم که بانویی مهربان و پر از رحم و شفقت بود آن خانم را به خانه ما آورد و برای اینکه احساس غربت و تنهایی نکند همانند یک عضو خانواده غذای روزانه را با ما صرف می‌کرد و در عوض زبان فرانسه را به من آموخت و در نتیجه پیشرفت زیادی در این زبان کردم و پس از اینکه به تهران آمدم زبان فرانسه را در خارج از مدرسه نزد یک بانوی فرانسوی دیگر به نام مادام توماسن و بعد نزد معلم دیگری که یک مرد فرانسوی بود ادامه دادم و بعدها بر اثر خواندن متون داستاهای ادبی و تاریخی از نویسندگان برجسته فرانسه به این زبان تسلط کامل پیدا کردم و به ترجمه آثاری از این زبان پرداختم:

دو کتاب از نویسنده نامدار فرانسه آندره موروا بنامهای: «بررسی‌های ادبی» و «هفت صورت عشق» ترجمه کردم که عشقهای مختلف را در ادبیات فرانسه نشان می‌داد. نظیر: «عشق افلاطونی»، «عشقهای شوالیه‌ها» و عشقهای هوس‌انگیز مانند: «ژولی ژان‌ژاک روسو» و انواع دیگر عشقها که از مادام لافایت نویسنده معروف بود و عشقی را که شرح می‌داد اول بیوگرافی کوتاهی از نویسنده داستان می‌نوشت و سپس خلاصه داستانی را که منظور نظر او بود با قلم سحار خود شرح می‌داد.

کتاب دیگری نیز از نویسنده برجسته و نامدار روس یعنی فئودور

داستایوسکی که به زبان فرانسه برگردانده شده بود به نام «نیه‌تو چکانبتروانف» که نام قهرمان داستان است. به نام «نغمه‌پرداز نامرد» ترجمه کردم که در روزنامه ایران ما به چاپ رسیده است.
تعدادی شعر هم به زبان فرانسه سروده‌ام و بیشتر شاهکارهای ادبی شعرای بزرگ فرانسه را نیز خوانده‌ام. از نویسندگان و شعرای فرانسه به آثار ویکتورهوگو، بالزاک، آلفرد دووینی، آلفرد دوموسه، لامارتین، پل ورلن، رمبو، بودلر، مارسل پروست، راسین، مولیر ژرژسان، کرنی، آندره موروآ، آندره ژید، آندره مالرو و آناتول فرانس و برخی دیگر بسیار علاقمندم و از مطالعه آنها لذتی عمیق در خود احساس می‌کنم:
سیر و سیاحت:
از دوارن جوانی علاقه فراوان به سیر و سیاحت داشتم که به منظور دیدن آثار تاریخی و باستانی جهان سفری به دور دنیا کردم که بسیار جالب توجه بود. ضمنا چندین بار به آمریکا و یک‌بار به روسیه و سوئد و سوئیس و بارها به لندن سفر کرده‌ام ولی هر بار عاشق بازگشت به وطنم بودم. یکی از آرزوهای بزرگم سفر به کربلا و نجف اشرف است که امیدوارم خدای بزرگ نصیبم نماید.
در خاتمه از دوست هنرمند و موسیقی‌دان و هنرشناسم آقای رضاقلی میرزای سالور قاجار متخلص به شهرام و دوست شاعرم آقای رضا تفقدراد که در جمع‌آوری اشعار با من یاریهای فراوان کرده‌اند نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.
از جهان هرکس رود از خود گذارد یادگاری
از من این اوراق رنگین است تنها یادگارم
ابوالحسن ورزی، دارای همسر و دو پسر به نام‌های مهدی و حمید ورزی و یک دختر به نام فریناز ورزی می‌باشد که هر سه نفر ازدواج کرده‌اند و آقای ابوالحسن ورزی و خانم فرح ورزی همسر ایشان صاحب هفت نوه می‌باشند که خداوند این خانواده باتقوا و فرهنگ را حفظ فرماید.
ابوالحسن ورزی به شعر «با پیرهن سبز» خود که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد بسیار علاقمند می‌باشد.
«با پیرهن سبز»
زیبا چمنی بود پر از لاله و نسرین
با پیرهن سبز که آن روز به تن داشت
صد خرمن گل ریخت بدامان خیالم
آن غنچه خاموش که آهنگ سخن داشت
آغوش گشودم که چو جان در برم آید
بگریخت چو مرغی که گریزنده ز دام است
چون دید تب‌آلوده نگاه هوسم را

دانست ز پا تا سر من تشنه کام است
میراند مرا از خود و می‌گفت که حیف است
آلوده شود عشق من و تو بگناهی
گفتم ز تو ای چشمه جوشان هوس‌ها !
قانع نتوان بود به اشکی و نگاهی
هرچند که می‌راند مرا با سخن سرد
خود سوخته از آتش سودا چو شرر بود
می‌گفت اگر طالب عشقی مطلب کام
اما بزبان نگهش حرف دگر بود
پرخاش بلب داشت ولی عشق و تمنا
می‌تافت چو برق از نگه‌گاه بگاهش
می خواست بپوشد ز من این راز ولیکن
لبریز هوس بود گریزنده نگاهش
یک بوسه به من داد و لیکن بدو صد ناز
یک بوسه که می‌سوخت دهانرا و نفس را
در وسوسه افتاد و شنیدم ز نگاهش
فریاد پشیمانی و غوغای هوس را
زان شربت نوشین که از آن بوسه چشیدم
افروخته‌تر گشت شرار هوس ما
پرهیز ز من داشت ولی گرمی آغوش
چو شعله سوزنده عیان از نفسش بود
هنگامه بپا کرد در آن چشم هوسنامک
جنگی که میان دل او با هوسش بود
پیروزی از آن دل من شد که در این جنگ
مغلوب هوس گشت و بآغوش من افتاد
زد حلقه به پشتم چو یکی مار غضبناک
آن بازوی بی‌تاب که بر دوش من افتاد
چهارشنبه 25 آذرماه 1336

«مستی رؤیا»

آمد اما در نگاهش آن نوازشها نبود
چشم خواب آلوده‌اش را مستی رویا نبود
نقش عشق و آرزو از چهره دل شسته بود
عکس شیدایی در آن آئینه سیما نبود
لب همان لب بود اما بوسه‌اش گرمی نداشت
دل همان دل بود اما مست و بی‌پروا نبود
در دل بیزار من جز بیم رسوایی نداشت

گرچه روزی هم‌نشین جز با من رسوا نبود
دیدم آن چشم درخشان را ولی در آن صدف
گوهر اشکی که من می‌خواستم پیدا نبود
در نگاه سرد او غوغای دل خاموش بود
برق چشمش را نشان از آتش سودا نبود
هر لب لرزان من فریاد دل خاموش شد
آخر تنها امید جان من تنها نبود
جز من و او دیگری هم بود اما ای دریغ
آگه از حال دلم زان درد جانفرسا نبود
ای نداده خوشه‌ای زان خرمن زیباییم
تا نبودی در کنارم زندگی زیبا نبود
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از بهار تا شهریار (495 -492/ 2)، تاریخ موسیقی (586/ 2)، چشمه‌ی روشن (701 -690)، سخنوران نامی معاصر (3858 -3852/ 6)، سیمای هنرمندان (235 ،234 ،159 ،130/ 1)، فرهنگ سخنوران (980)، مردان موسیقی (557 -547/ 3).

ورعی، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جواد ورعی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1342 در تهران متولد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسلامی آشنا شده و پس از دروس متوسطه در سال 1361 رسماً وارد حوزه علمیه شرق تهران شدم. همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را گذراندم. در سال 1365 برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیّه قم شدم و سطوح عالی را در حضور حضرات آیات استادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال 1369 وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، سید کاظم حائری، و صانعی و بیش از همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسیر، فلسفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی نیز شرکت جستم. در ده سال اخیر برای فعّالیّت علمی و پژوهشی خود رشته فقه را با گرایش اجتماعی سیاسی، انتخاب نموده و در کنار تدریس سطوح عالی رشته فقه و اصول، به تحقیق و تالیف پرداختم. اینک بیشترین فعّالیّتم در تدریس، تحقیق و تالیف متمرکز شده است. تبیین و تدریس اندیشه های فقهی و سیاسی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعّالیّت های اینجانب است.

ورنو سفادرانی سدهی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد کاظم ورنوسفادرانی. عالم فاضل متبحّر، مؤلّف تفسیر مختصری است بر قرآن کریم، و در اوّل آن گوید: تفسیر بعضی از کلمات قرآن است و قرائت و صیغه و عدد آیات و حروف آن، تاریخ فراغت: سلخ ذی قعده 1241.
فرزندش محمّد مهدی نام داشته، و او این تفسیر را وقف نموده است در سال 1263.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

وزیرنیا، سیما

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلاصه : سیما وزیر نیا در حیطه زبان آموزی و زبان شناسی فعالیت می کند . او آثار متعددی در آن موارد دارد که حائز اهمیت می باشند . وی در آثارخود از دیدگاه روان شناسی به ادبیات می نگرد ، بدان علت آثار او درمیان اصحاب قلم و دانشمندان مورد توجه قرار گرفته است .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان شناسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیما وزیرنیا در رشته روانشناسی و ادبیات فارسی تحصیل کرده است.
فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سیما وزیر نیا را می توان در حیطه زبان شناسی خلاصه کرد . و صراحت دراصطلاح یابی نیست . وی در حوزه نگاه به ذهن انسان بوده است . وزیرنیا درحیطه ای فعالیت دارد که معتقد است اگر رابطه نماینده ونموده نوعی مشابهت باشد ،نماد است . اگر تنها قرار داد باشد ،نشانه است . پس ازنظر وی نماد درواقع نوعی نشانه است . وزیرنیا درباره آموزش زبان کتاب های فارسی دوره راهنمایی را تالیف کرده است که درآنها ازاطلاعا ت نظری مربوط به زبان آموزی که مبتنی بر اصول زبان شناسی و روان شناسی آموزش می باشد استفاده کرده است .اودرزمینه آموزش مهارت های زبان نیز فعالیت هایی انجام داده است . وی درمورد آموزش زبان دستگاهی ارائه داده که دارای نظم و اصول علمی است . این شیوه آموزش مبتنی است بر رویکرد کل نگر،که در آن باید آموزش زبان دربافت آموزش مواد دیگری همانند هنر ،مطالعات اجتماعی دیده می شود و از سوی دیگر آغاز آموزش با کلمه و جمله باشد و سپس به صداهای زبان برسد . در این شیوه پیش از آموزش صداها بر تامین مواد خواندنی و پرورش مهارت خواندنی تاکید می شود . ویژگی دیگراین روش ادغام روش کارکرد ی یا روش مهارتی است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیما وزیرنیا ابتدا زبان شناسی را به عنوان پدیده ای جذاب و نیز وسیله ای برای نوشتن می دانست و بدین گونه فعالیت روزمره اش شکل می گرفت ،اما بعد از مدتی که به عنوان پژوهشگر وارد عرصه زبان شناسی گردید به مباحث مختلف مربوط به رشد زبان پرداخت وبه نقش کودکان درآن موارد اشاره مفیدی داشته است .

آرا و گرایشهای خاص : سیما وزیر نیا درباره زبان شناسی معتقد است که در زبان شناخت ،زبان دربافت آن یعنی مباحث مرتبط با آن مطالعه شده و از این رو بخشی از پیچیدگی موضوع نمایانده شده است اما خیلی به کنه مسئله خود زبان توجه نشده است . او بر این نظر است که ادبیات همچون زبان کار کرد ارتباطی دارد ،چون برای مخاطب یا مخاطبانی نوشته می شود ،این درحالی است که بعضی اشکال زبان ماتتد زبان خود محور زبان درونی کارکرد ارتباطی ندارند . ازسوی دیگر ، یکسره فاقد عناصر زیبایی نیست . عناصری از نوع کنایات و استعاره های زبانی مانند :درد دل ، دردهن ، سر کوه و پاشنه در در زبان فراوان اند . ادبیات تنها این عناصر را پر رنگ ترو هنری تر می کند . اصولا جدا کردن این دو مقوله ،یعنی ادبیات و زبان از هم بااستفاده از نشانه های ویژه ، محصول ساده گری و نوعی کاهش گرایی است . چون ساده گری همیشه عناصری عمده از موضوع را نا دیده می گیرد و با حذف می کند .
چگونگی عرضه آثار : بیش از هجده عنوان کتاب در سه حوزه ادبیات و آموزش، روانشناسی، زبانشناسی و نقد ادبی از سیما وزیر نیا چاپ و منتشر شده است. وی در خصوص کتاب زیبا شناخت می گوید: در کتاب «زبانشناخت» زبان از ابعاد گوناگون مورد بررسی واقع شده و اساساً سبک کار این نیست که از نظریه خاصی در زبانشناسی پیروی بکند. این کتاب زبانشناسی تخصصی صرف نیست، بلکه ارتباط زبان را با مسائل گوناگونی (مثل روانشناسی، ارتباط و رویکردهای متفاوت در آموزش زبان و رشد زبان از جنبه های مختلف) مورد بررسی قرار داده است. \ در زمینه کتاب روانشناسی تحلیلی یونگ نیز اینگونه میگیود: * عنوان دقیق کتاب «کیمیاگر برج بولینگن» است. این نام از برجی که یونگ در محله سکونت اش ساخت، گرفته شده است. این برج، یک برج سنگی بود که هر بخش آن نمادی از ناخود آگاه جمعی بود و سال های آخر عمرش را یونگ در آن برج با شیوه ای ابتدایی و خاص خودش گذراند. یونگ روانکاو بزرگی است و دیدگاههایش علاوه بر این که در زمینه روانشناسی و روانکاوی مورد توجه بود، در حوزه نقد ادبی و هنری و نماد شناسی هم تأثیر گذار بود. بطوری که در سالهای خاص، شاخه ای از نقد ادبی که متأثر از دیدگاه او بود، پدید آمد. زبان یونگ بسیار دشوار و تفکرش بسیار سخت است چون در حوزه های متعددی مثل اسطوره شناسی، ادبیات دینی، کیمیاگری و... تأثیر گذار بوده، ترجمه آثارش نیز بسیار دشوار است، هرچند ترجمه های خوبی هم از برخی آثارش عرضه شده است. اما هدف من از تألیف این کتاب این بود که یونگ را برای خواننده ای که شاید نخواهد همه آثار او را چندبار مطالعه کند تا پی به افکار ودیدگاههایش ببرد، معرفی کنم. \ وی مورد «تاریخ بیهقی» نیز کتابی نوشته اند که درباره آن اینچنین توضیح

میدهند: * عنوان اصلی این کتاب در واقع این است، «اوضاع اجتماعی عصر غزنوی در آیینه تاریخ بیهقی». اما با توجه به بحث هایی که در این کتاب شده، اوضاع اجتماعی دوران بیهقی بررسی می شود و مسائل حاشیه ای اثر، مثل ویژگی های زبانی، لحن طنز آمیز بیهقی و جنبه های دیگر آن مورد کالبد شکافی قرار می گیرد. کتاب «داستان یک سفر عجیب» کتاب داستان بلندی برای نوجوانان است که به شیوه علمی ـ تخیلی است و در پس زمینه کتاب به شیوه ای خاص اطلاعات نجومی در اختیار خواننده قرار می گیرد. این کتاب، داستان نوجوانی است که در عالم خیال دست به سفر به سیارات گوناگون می زند. آثار :

1 خود آموز هدفدار فارسی

ویژگی اثر : این کتاب درسه جلد و توسط وزیر نیا و همکارانش تهیه و تدوین یافت است .

2 خود باوری بر اساس مکتب عقلی ـ عاطفی

ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکاران و توسط انتشارات سهند به چاپ رسانده است .

3 داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد و به همت نشر معیار به چاپ رسیده است

4 داستان یک سفر عجیب

ویژگی اثر : در دست چاپ

5 در آینه تاریخ بیهقی

ویژگی اثر : این کتاب وزیر نیا توسط نشر سهند به چاپ رسیده است

6 دیداری دیگر با شازده کوچولو

ویژگی اثر : این کتاب داستانی برای نوجوانان می باشد وتوسط نشر شورا به چاپ رسیده است .

7 روان شناسی اعماق (تحلیلی)

ویژگی اثر : این کتاب به بررسی روان شناسی یونگ بسیار پیچیده و دشوار است . بیان تمیثیلی و ادیبانه همراه با مباحث اسطوره شناسی ، کیمیا گری و صبغه فلسفی دشواری آن را دو چندان کرده است . به علاوه تکرار و اطناب که محصول اضافه شدن شیوه های مشهودی برنظام تجربی یونگ است بر این دشواریها می افزاید . انگیزه وزیر نیا درتالیف این کتاب آن بوده که برای علاقمندان به نظام اندیشه یونگ که امروزه دنیای روا ن شناسی متوجه آن است دستیابی به آن افکار را ممکن می سازد .

8 روانشناسی تحلیلی یونگ

ویژگی اثر : در دست چاپ

9 روانشناسی خود باوری (در مکتب عقلی و عاطفی)
10 زبان شناخت
ویژگی اثر : این کتاب شناختی است چندوجهی اززبان ، که به مباحث مربوط به روان شناسی تربیتی و تجربی،روان شناسی آموزش ،روان شناسی بالینی ،زیست شناسی ،ارتباط شناسی ومواردی از این دست می پردازد .
11 زیر سپهر آب سهراب
ویژگی اثر : در این کتاب فصلی مربوط به تحلیل روانکاوانه شعر سهراب از دید و روان شناختی تحلیلی بوده است . وزیر نیا در این کتاب نشانه های فرآیند کمال شخصیت را باتوجه به الگوی «فردانیت » یونگ را در شعر سهراب سپهری پی گرفته است .
12 فارسی اول تا سوم راهنمایی
ویژگی اثر : وزیر نیا این کتاب را با همکاری همکارانش و توسط سازمان کتابهای درسی منتشر ساخته است .
13 نقاشی کودک
ویژگی اثر : مخاطبان این کتاب اولیا ءو مربیان هستند. نقاشی کودک بیشتراز این جهت که یک نوع شیوه بیان است ودرضمن از جهاتی با زبان سنخیت دارد و درمراحل رشد شناخت و همراه با رشد کارکردهای نمادین ظاهرمی شود ، قابل توجه است . وزیرنیا بیان می دارد که نقاشی زبان کودک است . گاه موازی با آن است و گاه امتداد آن رشد زبان کودک از شیرین ترین و شگفت ترین پدیده ها می باشد .
14 نوشتن و سخن گفتن
ویژگی اثر : این کتاب ترجمه وتالیف وزیر نیا بوده وتوسط انتشارات مدرسه به چاپ رسیده است . منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

وزیری یزدی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی محمد وزیری یزدی از خطباء نامی و ادباء سامی و محدثین بزرگ معاصر استان یزد می‌باشند.
وی در سال 1370 شمسی هجری در یزد متولد شده و در بیت فضل و شرف و تقوا و ورع پرورش یافته و در سنین صبا به تحصیل علوم فارسی و ادبی و پس از آن علوم عربی و ادبیات تازی پرداخته و از محضر بزرگان دانشمندان استفاده علم و کمال نموده و از خرمن دانش آنان خوشه‌ها اندوخته و خلاصه از هر باغ گلی و از هر بلبل نوائی آموخته و مسافرتهای عدیده به شیراز و کرمان و تهران و خراسان و قم و اصفهان و اعتاب عالیات نموده و در همه جا به محضر بزرگان علم و مراجع بزرگ و آیات عظام و دانشمندان عالی‌مقام رسیده و از هر کدام اثر مخطوطی با عکسشان به یادگار گرفته و آن را به صورت کتابی درآورده که این نگارنده در مدت یک هفته فهرست و مقدمه‌ای بر آن نوشته و بعد هم جناب دانشمند ارجمند آقای حاج سید احمد اشکوری نجفی آن را مرتب و منظم و به شکل کتاب نفیسی درآورده که اکنون از مخطوطات نفیسه و گرانقدر آقای وزیری می‌باشد و بناء دارند آن را به طبع رسانند معظم‌له از غالب مراجع و بزرگان حدیث اجازه روایتی و حدیث دارند و از راه منبر و تبلیغ خدمات بسیار ارزنده‌ای به دین اسلام و مذهب حقه جعفری نموده و در هر حال در رفع نیازمندیها و حل مشکلات مردم آنی غافل نبوده و هم‌اکنون نیز با وجود کبر سن که حدود هشتاد و پنجسال از عمر وی می‌گذرد روحش با نشاط و فکرش پرمایه و تحرک و سازندگی از وجناتش نمودار است.
عادتش بر این است که پاسخ دوستان و نزدیکان را با کلام منظوم و سخن موزون ادا کند گویا طبع نازک او را با مایه اشعار مناسب حال آفریده‌اند همواره با زبان حال گویای این دو واقعیت است.
1- عبادت به جز خدمت خلق نیست.
2- دو فرزند دلبندم که بدانها عشق می‌ورزم یکی کتابخانه و دیگر مدارس است که خودم آنها را پایه‌گذاری کردم زبان حالش نیز موید و ترجمان او است.
زیرا عزیزترین و نفیس‌ترین سرمایه مادی و معنوی خود را به قصد خدمت به همشهریان خود در اختیار همگان گذارده یعنی در سال 1324 شمسی نزدیک به هزار جلد از کتبی که به منزله نور دیدگان او بودند در حجره‌ای

داخل مسجد جامع که مقبره والد ماجدش نیز در آنجا بود می‌سپارد و بنام (کتابخانه وزیری) با دستیاری چند تن از دوستان خود آن را اداره می‌کند اما برای جمع و تکثیر کتاب لحظه‌ای از پای نمی‌نشینید و در برخورد با دوستان و آشنایان و اشراف و احیانا صاحب کتب خطی با زبانی خوش و سخنانی دلفریب برای نفع عموم کتاب از آنها می‌گیرد. کتابداران نیز به قصد قربت گاهی کتب نفیسه خود را به این کتابخانه هدیه می‌کنند.
کتابخانه وزیری که از آثار این روحانی خدمتگذار است در حال تحریر این ترجمه دارای بالغ بر بیست و شش هزار کتاب چاپی و چهارهزار کتب نفیس خطی می‌باشد.
3- از آثار خیر و باقیات الصالحات دیگر آن جناب احیاء و تعمیر و مرمت مسجد جامع یزد است.
این مسجد باعظمت و کم‌نظیر در قرن هشتم هجری به دست شخص نیکوکار و بزرگواری به نام سید رکن‌الدین پایه‌گذاری شد ولی به واسطه مرور زمان و نرسیدن متولیان آن اخیرا به وضع نابسامانی درآمده بود و آثار فرسودگی و ویرانی از همه جای آن نمودار بود.
آقای وزیری از این وضع تاسف‌انگیز رنج می‌برد زیرا این مسجد نه تنها چشم و چراغ یزد بلکه ایران بود عاقبت در سال 1327 شمسی جمعی از یاران و نیکان را گرد هم آورده و انجمنی بنام (هیئت حامیان مسجد جامع یزد) تشکیل داد و در اندک زمانی با راهنمائیهای ایشان این هیئت توانست مسجد جامع را که از شکل افتاده بود به صورت اولیه بیرون بیاورد و با همان کاشیهای ظریف و نقش و نگارهای بدیع جلوه خود را از سر گیرد و مرجع مشتاقان آثار باستانی و جهانگردان گردد.
از این‌رو باید معظم‌له را (محیی و مجدد این بنای افتخارآفرین نامید)
4- از کارهای خیر دیگر مترجم گرامی ما ایجاد و سرپرستی دبستانها و مدارس راهنمائی و دبیرستانست که با نظارت وی به دست مدیران لایق و معلمان فاضل اداره می‌شود.
جناب آقای وزیری همه ساله مبالغی به عنوان پاداش و هدیه به دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ممتاز و معلمانی که به واسطه کمبود و ذخیره مالی در تهیه مقدمات و وسائل ازدواج قادر نباشند به دست خود عطا می‌کند و هر ساله به هر یک از معلمان و محصلان مدارس خود کتابی سودمند همراه با سکه‌هائی عیدی می‌دهند.
5- اقدام به طبع و نشر کتب مفیده مخطوطه که به همت و تشریک مساعی جمیله او به طبع رسیده و در اختیار همگان قرار گرفته است و از آنهائی که به اطلاع نگارند رسیده کتب زیر است.
1- معادن‌الحکمه فی مکاتیب‌الائمه در دو مجلد تألیف علامه بزرگوار و محدث عالی مقدار جناب محمد بن ملامحسن فیض معروف (یه

علم‌الهدی) فیض که نسخه خطی آن از مخطوطات نفیسه کتابخانه آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله بود و آقای وزیری که عاشق این گونه کتاب می‌باشند بعد از اطلاع آن برای کتابخانه خود استنساخ سپس به تشویق و تشریک مساعی جمیله آیت‌اللّه مرعشی اقدام به طبع آن نمود که با تعلیقات و (استخراج مصادر) نگارنده و جناب دانشمند گرامی آقای مصباح یزدی و جناب فاضل متبحر آقای علی‌اکبر غفاری و مقدمه نفیسه حضرت آیت‌اللّه العظمی مرعشی مطبوع و منتشر می‌باشد.
2- محضرالشهود فی ردالیهود تألیف حاج بابای قزوینی یزدی جدیدالاسلام (دومین نشریه‌ای) که ایشان در نجف اشرف به طبع رسانیده‌اند.
3- مجموعه وزیری که در تحت طبع می‌باشد و از آثار شعری و طبع موزون معظم‌له می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

وزین‌پور، نادر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب.
تولد: 11 فروردین 1305.
درگذشت: 26 خرداد 1375.
نادر وزین‌پور در جوانی با چاپ مقاله‌های ادبی ادر نشریان آن زمان به عرصه فرهنگ وارد شد. نخستین کتاب وی سایه امید مجموعه‌ای از داستان است که در سال 1332 منتشر شد. پس از اخذ لیسانس برای شرکت در دوره‌ی آموزش زبان انگلیسی به آمریکا سفر کرد و گواهی تدریس زبان انگلیسی را ازمراجع علمی آمریکا دریافت کرد. وی موفق شد که در سال 1345 دکترای خود را از دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اخذ نماید. پایان‌نامه دکترای وی «بررسی صرف افعال در زبان ترکی» و مقایسه با افعال فارسی نام داشت.
ترجمه‌ی کتاب انفجار جمعیت از جمله آثاری است که ایشان به فارسی برگردانده‌اند. دکتر وزین‌پور مدتی در مدیریت گروه ادبی دانشگاه تربیت مدرس به خدمت مشغول بود. دو کتاب برگزیده‌ی قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی و شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی را در مجموعه شاهکارهای ادبی فارسی منتشر کرد. در سال 1356 کتاب دستور زبان فارسی را برای دانشجویان تألیف نمود. از آثار دیگر ایشان می توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: آفتاب معنوی (گزیده چهل داستان از مثنوی)؛ بر سمند سخن؛ مدح؛ داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی؛ برگزیده و شرح ناصر خسرو؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو (1350)؛ عشق‌های نافرجام (توضیح و تفسیر منظومه‌های عاشقانه کهن ادب فارسی مانند لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد،... که ناتمام مانده است)، ساختمان فعل در زبان ترکی از دیدگاه زبان شناسی (1348)؛ مقاله هایی نیز از وی در مجله‌های ادبی در سال‌های 1352 تا 1360 منتشر شده است.
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای زبان و ادبیات فارسی.
مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شمال تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
دستور زبان فارسی، سفرنامه ناصرخسرو، ادبی، تحقیقی، تدریس در دانشگاههای ایران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 13
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبی، تحقیقی، آفتاب معنوی، برسمند سخن، سفرنامه ناصرخسرو، دستور زبان فارسی، یوسف و زلیخا، 16 قصیده از ناصرخسرو، دستور زبان ترکی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 26، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
دستور زبان فارسی، ادبی، تحقیقی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وشمگیر دیلمی، شمس‌المعالی، ابوالحسن قابوس

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(403 -366 ق)، ادیب، دانشمند، خطاط و شاعر. از سلسله‌ی آل زیار و از پادشاهان ادب‌پرور زمان خود بود که بسیاری از شاعران فارسی و عربی زبان، حکما و دانشمدان تحت حمایت او به سر می‌بردند. پایتخت او از مراکز علم و ادب آن روزگار به حساب می‌آمد و شعرایی چون: خسروی سرخسی و قمری گرگانی و دانشمندانی چون: ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به درباش رفت و آمد داشتند. ابوریحان بیرونی کتاب معروف خود «آثار الباقیه» را در 390 ق به نام قابوس تألیف کرد. قابوس به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در فن انشاء نثر عربی مهارت داشت. در زمینه‌ی خط نیز ماهر بود و خط ثلث و نسخ او در نهایت خوبی بود.گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید به بال و پر طاوس تشبیه می‌کرد و می‌گفت: «هذا خط قابوس امجناح طاوس». قابوس به نثر عربی رسائلی دارد که ابوالحسن علی بن محمد یزدادی آن را جمع‌آوری کرده و نام آن را «کمال البلاغه»گذاشته است. ابن‌اسفندیار در «تاریخ طبرستان» خود قطعاتی از آن را آورده است.وی عاقبت بر اثر شورش لشکریان خود به زندان افتاد و چندی بعد به قتل رسید. از شعر فارسی او تنها ابیاتی شامل: قطعه و رباعی در تذکره‌ها باقی است. در «ریحانه» کتاب «قابوس‌نامه»، که از آثار عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس برای فرزندش گیلان‌شاه می‌باشد، به نام قابوس ذکر شده است.[1]
(مقتول 403 ق)، نویسنده، شاعر و خطاط. چهارمین امیر گرگان و طبرستان و گیلان و دیلمان و مردی ادیب و ادیب‌پرور بود. بزرگانی چون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی و ابن‌هندو به دربار او راه یافتند، و ابوریحان کتاب «آثار الباقیه» را به نام او نوشت. گروه بسیاری از شعرا و سخنوران نیز او را ستوده‌اند. وی پس از پناه دادن به فخرالدوله‌ی دیلمی که از خویشان نزدیکش بود، مورد تهاجم برادران فخرالدوله، عضدالدوله و مؤیدالدوله قرار گرفت و شکست خورد و از سال 371 تا سال 388 ق به خراسان پناه برد، و با وجود مساعدت نوح بن منصور سامانی موفقیتی به دست نیاورد. در سال 388 ق مجدداً بر گرگان و طبرستان و گیلان مسلط گشت و در سال 403 ق به توطئه‌ی بعضی از سردارانش اسیر و مقتول شد و در اطراف گرگان به خاک سپرده شد. بعد از او پسرش، فلک المعالی منوچهر، جای او را گرفت. امیر قابوس از نویسندگان بزرگ عهد

خود بود و رسائلی از او به عربی و اشعاری به عربی و فارسی باقی مانده است. مجموعه‌ی رسائل او را ابوالحسن علی بن محمد یزدادی گردآوری کرده است که به «کمال البلاغه» موسوم است و به چاپ رسیده است. خط نسخ را نیکو می‌نوشت و می‌گویند هرگاه صاحب بن عباد خط او را می‌دید می‌گفت: «هذا خط قابوس أم جناح طاووس».[2]
(معمر. کاوس (ه.م)) ابن وشمگیر بن زیار مکنی به ابوالحسن و ملقب به شمس‌المعالی، از پادشاهان آل‌زیار (جل. 366 ه.ق- عزل 371 ه.ق جل. مجدد 388 ه.ق- مقت. 433 ه.ق). وی پس از برادر خود بیستون ابن وشمگیر بر تخت جلوس کرد. در همین سال رکن‌الدوله درگذشت و قلمرو او میان سه پسرش: عضدالدوله، مؤیدالدوله و فخرالدوله تقسیم شد. عضدالدوله و مؤیدالدوله در ملک فخرالدوله طمع کردند و جنگی درگرفت و سرانجام فخرالدوله به طبرستان گریخت و به قابوس- که شوهرخاله‌ی او بود- پناه برد. عضدالدوله و مؤیدالدوله به قابوس پیغام دادند که فخرالدوله را به ایشان تحویل دهد، ولی او نپذیرفت، در نتیجه بهانه‌ای برای لشکرکشی عضدالدوله به طبرستان و گرگان فراهم آمد، و چون قابوس تاب مقاومت نداشت، پس از مختصر جنگی در نزدیکی استراباد منهزم شد و با فخرالدوله به خراسان گریخت (سال 371 ه.ق). حکومت خراسان از طرف سامانیان در این تاریخ به حسام‌الدوله تاش بود. وی از جانب نوح بن منصور سامانی مأموریت یافت که قابوس و فخرالدوله را مدد کند. حسام‌الدوله و امیر فائق گرگان را محاصره کردند، ولی مؤیدالدوله با دادن رشوه‌ی بسیار به فائق او را بفریفت تا در اثنای جنگ فرار کرد، و دیگران نیز تاب پایداری نیاورده شکست خوردند و لشکریان سامانی کاری از پیش نبردند. قابوس پس از چهار سال سلطنت، در حدود 18 سال (388 -371 ه.ق) از امارت محروم بود و در این مدت در خراسان در پناه سامانیان می‌زیست. اما فخرالدوله چون برادرش عضدالدوله به سال 371 ه.ق و برادر دیگرش مؤیدالدوله به سال 373 مردند، به دعوت صاحب بن عباد وزیر مؤیدالدوله از خراسان به ری آمد و به جای برادر نشست، ولی گرگان را به جای آنکه به قابوس واگذار کند، به ابوالعباس حسام‌الدوله تاش واگذاشت، و آن ولایت همچنان تا سال 388 در دست عمال آل‌بویه بماند. پس از مرگ صاحب بن عباد (385) و وفات فخرالدوله (387) در احوال دیلمیان عراق ضعف و ناتوانی ظهور کرد و جانشینی فخرالدوله به پسر خردسالش رسید. قابوس از فرصت استفاده کرد، و چون دیگر از یاری سامانیان- که خود گرفتار هرج و مرج بودند- مأیوس شد، درصدد برآمد که به یاران دیلمی و طبری خود متوسل شود و مستقیماً گرگان را از عمال آل‌بویه بازگیرد. نخستین کسی که به یاری او برخاست، اسپهبد شهریار بن شروین از اسپهبدان طبرستان بود، و او به

سهولت بر برادران فخرالدوله پیروز شد و در قسمتی از طبرستان که تحت فرمان او بود بنام شمس‌المعالی خطبه خواند. آمل را هم دو تن دیگر از طرفداران قابوس تسخیر کردند و بر استرآباد دست یافتند و سرانجام گرگان را هم تسخیر نمودند. قابوس در شعبان 388 به پایتخت خود برگشت و در دوره‌ی دوم سلطنت از طرف مغرب دامنه‌ی متصرفات خود را وسعت داد. وی مردی درشت‌خو، بیرحم، پرخشم و غضب بود و به آسانی حکم به کشتن می‌داد و به اندک سوءظنی دست به قتل بیگناهان می‌زد. به همین سبب جمعی بسیار به دست او کشته شدند و کینه‌ی او در سینه‌ی غالب سران لشکری جا گرفت، تا وقتی که حاجب مخصوص خویش را که مردی بی‌آزار و محبوب لشکر بود کشت، لشکریان شورش کردند و او را به زندان انداختند و پسرش فلک‌المعالی منوچهر به جای او جلوس کرد، و سپس قابوس را کشتند. قابوس مشهورترین فرد از خاندان آل‌زیار است. مردی فاضل و ادیب و فضل‌دوست و خوش‌خط بود. گویند صاحب بن عباد هرگاه خط او را می‌دید می‌گفت: «اهذا خط قابوس او جناح طاوس». وی در نثر عربی با بهترین بلیغان زمان دم برابری می‌زد و در شعر پارسی و تازی دست داشت. بیرونی کتاب آثارالباقیه را به نام او تألیف کرده. ترسلات وی را ابوالحسن علی ابن محمد یزدادی جمع کرده و «کمال‌البلاغه» نامیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (83 -82 / 1)، الاعلام (4 -3 / 6)، از سعدی تا جامی (301 -300)، اعیان الشیعه (434 -432 / 8)، تاریخ ادبیات در ایران (641 -640 / 1)، تاریخ برگزیدگان (71 -70)، تاریخ گزیده (420، 415 -414)، تذکره‌ی روز روشن (643)، تذکره الشعراء (57 -55)، حبیب السیر (442 -440 / 2)، الذریعه (859 / 9)، ریحانه (252 -251 / 3)، شاعران بی‌دیوان (380 -378)، شخصیت‌های نامی (387 -386)، فرهنگ سخنوران (728)، الکامل (267 -266 / 7)، کشف الظنون (1509)، لباب الالباب (30 -29 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس)، مجمع الفصحا (108 -107 / 1)، معجم الادباء (333 -219 / 16)، معجم المؤلفین (91 / 8)، النجوم الزاهره (233 / 4)، وفیات الاعیان (82 -79 / 4)، هدیه العارفین (825 / 1)، هفت اقلیم (97 -96 / 3).
[2] آتشکده‌ی آذر (83 -82/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (641 -640، 302 /212، 1)، تاریخ گزیده (420، 415 -414، 388)، تذکرة الشعراء (57 -55)، حبیب السیر (443 -440/ 2)، الکنی والالقاب (369 -368/ 2)، لباب الالباب (31 -30/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ قابوس).

وشنوه ای قمی، قوام الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، عالم امامی، فقیه، خطیب و مدرس. در روستای وشنوه قم به دنیا آمد، و دوران کودکی را در آنجا گذراند. در 1345 ق به قم سفر کرد و پس از طی مقدمات و ادبیات، از اول سطوح تا دروس نهایی، خارج فقه و اصول، را از محضر آیت‌الله مرعشی نجفی به مدت چهل سال استفاده نمود. وی با همکاری دیگر از عملا، در منزل آیت‌الله مرعشی، تعلیقات و محلقات «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری شهید را تنظیم نمود. از آثارش: «حدیث الثقلین»؛ «رساله الحجاب»؛ «رساله»، در لباس خز و سنجاب و سمور؛ کتاب «هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع)»، با ترجمه فارسی «اربعین»، در احادیث صادره از اهل بیت (ع)؛ «مکارم الاخلاق»؛ «مباهله»؛ کتاب «تاریخ اسلام»، در سه جلد؛ کتابی در «مقتل»؛ کتاب «احادیث نبویه (ص)».[1]
حجه‌المسلمین والاسلام و زبده المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین و شنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است.
در سال 1329 ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از ییلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال 1345 ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج فقه و اصول را از علامه متتبع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آنجنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی

بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلا نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید.
آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:
1- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.
2- رساله الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.
3- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.
4- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.
5- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علیه‌السلام با ترجمه فارسی.
8- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.
7- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.
8- کتاب مباهله.
9- کتاب تاریخ اسلام در 3 جلد.
10- کتابی در مقتل.
11- کتاب احادیث نبویه
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (234 -233 / 2).

وشنوی، قوام‌الدین محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1325 ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.
درگذشت: 17 خرداد 1376، قم.
آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال 1347 ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطول نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال 1348 ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمدعلی حایری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری شرکت کرد.
با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم در سال 1324 یک سره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقه درس آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.
آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامه‌ی جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.
برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از:
حیاة النبی و سیرته (سه جلد)؛ حدیث الثقلین؛ اهل‌البیت و آیة المباهلة؛ النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع) (این کتاب به نام نور درخشان به فارسی ترجمه شده است)؛ الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر؛ اصحاب رسول الثلقین فی حرب الصفین؛ فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) من کتاب المسند (احمد بن حنبل)؛ الحجاب فی الاسلام (به فارسی ترجمه شده است). کتباهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر درآمده است، نظیر تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)؛ تحلیلی از

زندگی امام علی النقی (ع)؛ تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)؛ وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)؛ شناخت هلاک کننده‌ها و نجات دهنده‌ها از قرآن؛ رسالة فی لباس المصلی؛ رساله پیرامون حجاب؛ کلمات امیرالمؤمنین (ع) (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)، مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل؛ مصابح الغیة الکتاب اسد الغابة (عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری)؛ مصباح الاستیعاب والاصابة؛ نخبة المقال فی تهذیب کتاب الاموال (ابی‌عبید)؛ تلخیص ریاض النضرة (محب‌الدین طبری)؛ تلخیص کنوز الحقایق؛ تهذیب کتاب الخراج (ابویوسف قاضی)، الفضایل المستخرجة من المعجم الصغیر (حافظ طبرانی)؛ مکارم الاخلاق (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ الاربعین حدیثا من الائمة الاطهار (ع)؛ مقتل الحسین (ع) (ناتمام)؛ تفسیر القرآن الکریم (ناتمام)؛ رسالة فی ذکریا بن آدم الاشعرای، رسالة فی حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم،، رسالة فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاة عند العامة؛ حاشیه بر احقاق الحق؛ الاحادیث النبویه (ص)؛ کتب النبی (ص) الی الملوک؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد 1376 چشم از جهان فروبست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وصاف، شرف الدین عبدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شرف‌الدین عبداللَّه بن فضل‌اللَّه بن عبداللَّه شیرازی ملقب به «وصاف‌الحضرة» از ادباء بزرگ قرن هشتم هجری و مورد عنایت سلطان غیاث‌الدین هشتمین حکمران مغول بود. اثر معروف وی کتاب تجزیة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار است که به تاریخ وصاف موصوف است و ذیلی است بر جهانگشای جوینی. قبر وصاف در قبرستان کم‌وسعتی که میان حافظیه و هفت‌تنان در شیراز می‌باشد واقع شده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللّٰه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 730/ 719 -663 ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصّاف‌الحضره. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (94 -92)، الاعلام (252/ 4)، اعیان‌الشیعه (65/ 8)، تاریخ ادبیات در ایران (1262 -1259/ 3)، تاریخ نظم و نثر (144 -143) حبیب‌السیر (197/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (803 -799/ 5)، دایرةالمعارف فارسی (3170 -3169/ 2)، الذریعه (1268/ 9 ،358/ 3)، ریحانه (320 -318/ 6)، سبک‌شناسی (103 -99/ 3)، صبح گلشن (591)، فارسنامه‌ی ناصری (1145/ 2)، فرهنگ سخنوران (499)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضرة)، مجمع‌الفصحا (1448/ 3)، مرآت‌الفصاحه (687 -685)، معجم‌المؤلفین (102/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (982 -981/ 3)، هدیةالعارفین (464/ 1).

وصال شیرازی، محمد شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1262 -1197 ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابواحمد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره‌ی صفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره‌ی فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. او در آغاز جوانی به تحصیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصر خویش بهره‌ی کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سپرد. میرزا محمد شفیع در نوشتن خطوط سبعه استاد بوده و به ویژه، در نسخ و نستعلیق مهارت به سزایی داشته اشت. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است. در شعر، عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشانی سروده است. همچنین قصایدی نیز در مدح شاهان قاجار و بزرگان شیراز دارد. وی در نخستین اشعار خود مهجور تخلص می‌کرد، اما پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم سکوت تخلص وصال را برگزید. وصال علاوه بر این فضایل، صدایی خوش داشت و مشهور است که سه تار نیز می‌نواخته است. وی گویا در نقاشی و تذهیب و صحافی متبحر بوده و آورده‌اند هنگامی که فتحعلی شاه برای بازدید خطه‌ی فارس به شیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و فتحعلی شاه نیز کمالات وی را ستود. از مصاحبان و معاشران او قاآنی شیرازی است. وصال در طول حیاتش، یک بار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سفر خود منصرف شد و دوباره به شیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سپس در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی شاهچراغ به خاک سپرده شد. از آثار او: مثنوی «بزم وصال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی؛ ترجمه‌ی «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر. از خطوط او: یک نسخه «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه 1239»؛ ادعیه‌ی نیم ربعی، نسخ

کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسمی بمحمد شفیع متخلص بالوصال... 1243)؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسماعیل الشیرازی... سنه‌ی 1245»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز 1246»؛ یک نسخه «حدیقةالحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی... سنه‌ی هزار و دویست و پنجاه و پنج»؛ چند نسخه از کلام‌اللّه مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخ‌های 1255 ،1254 ،1236 و 1259 ق و قطعات مختلف دیگر.[1]

میرزا محمدشفیع بن محمد اسماعیل شیرازی معروف به میرزا کوچک شاعر اوایل دوره‌ی قاجاریه (و. 1197 ه.ق- 1782 م- ف. 1262 ه.ق- 1845 م) خاندانش در دوره‌ی صفویان، افشاریان، زندیان به اعمال دیوانی مشغول بودند. وصال در دوره‌ی جوانی مدتی سرگرم تحصیل ادب، خط و هنرهای زیبا، موسیقی و سیر در مقامات عرفانی بود. دیوان اشعارش شامل قصاید، غزلیات و مثنویهای «بزم وصال» و تکمله‌ی فرهاد و شیرین وحشی بافقی است و نیز کتابی در ترجمه و شرح و نظم «اطواق‌الذهب» زمخشری دارد. پسران وصال یعنی وقار، حکیم، داوری، فرهنگ، توحید، یزدانی، همه از شاعران و هنرمندان عهد خود بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (358)، احوال و آثار خوشنویسان (1177 -1175/ 4 ،762 -755/ 3)، از صبا تا نیما (44 -40/ 1)، اطلس خط (359 -358)، تاریخ ادبیات ایران، براون (205 -203/ 4)، تاریخ موسیقی (421 -420، 383 -382/ 1)، تاریخ هنرهای ملی (959 -958/ 2)، حدیقةالشعراء (2000 -1987/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (813 -803/ 5)، دایرةالمعارف فارسی (3170/ 2)، الذریعه (190/ 16 ،1268/ 9)، روضةالصفا (132/ 10)، ریاض‌العارفین (350 -337)، ریحانه (330 -321/ 6)، سفینةالمحمود (521 -514/ 2)، شرح حال رجال (239 -238/ 6)، صبح گلشن (592 -591)، طرائق‌الحقائق (370 -365/ 3)، فارسنامه‌ی ناصری (997 -990/ 2)، فرهنگ سخنوران (981)، کارنامه‌ی بزرگان (353 -352)، گنج سخن (200 -197/ 3)، مجمع‌الفصحا (1131 -1091/ 6)، مرآت‌الفصاحه (691 -687)، مصطبه‌ی خراب (206 -202)، مکارم‌الآثار (1669/ 5 ،66 -61/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (434 -433/ 3)، نگارستان دارا (275 -273)، یادگار (س 1، ش 3، ص 71 -67).

وصلی تهرانی، محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه بود. وی به همراه پسر خود، میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (1037 -1014 ق) و شاه جهان (1069 -1037 ق) منصب دیوان داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در 1024 ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی طهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند، در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1688، 1098، 479/ 5)، الذریعه (1270/ 9)، صبح گلشن (593)، فرهنگ سخنوران (983 -982)، کاروان هند (1524 -1522/ 2)، هفت اقلیم (71 -70/ 3).

وصلی شیرازی، نعمت‌اللّٰه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1028 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده‌ی مرشد بروجردی بود و هنگامی که مرشد در هند می‌زیست به دیدار او رفت و در سند به او پیوست و در جرگه‌ی ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان درآمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م 1021 ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد اللّٰه دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره‌ی «میخانه» آورده که از 1028 ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود. از آثار وی: «ساقی‌نامه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی میخانه (673 -669)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (815 -814/ 5)، الذریعه (1270/ 9)، کاروان هند (1525 -1524/ 2).

وطواط، رشیدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 578/573 ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وطواط. در بلخ ولادت یافت و عمری او را از آن جهت گفتند که وی از اعقاب عمر بن خطاب است. در مدرسه نظامیه زادگاه خود قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی به انجام رسایند و بعد از اتمام تحصیلات خود و کسب مهارت در فاسی و عربی به خوارزم رفت و در اوائل عهد ابوالمظفر علاءالدوله اتسز خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانید و سمت صاحب دیوانی رسائل داشت. بر اثر رشک حاسدان و تهمت مبنی بر اینکه وی با کمال‌الدین محمود بن ارسلان، خواهرزاده سنجر، ارتباط دارد، به سال 547 ق از خدمت شاه رانده شد ولی به خاطر قصایدسرایی که در رد تهمت خود سرود، دوباره مورد لطف شاه قرار گرفت. میان رشید و جاراللّه زمخشری ادیب و متکلم بزرگ قرن ششم نیز دوستی و مباحث و مکاتبه بود. بعد از وفات اتسز چندی در خدمت پسر اتسر، ایل ارسلان، بود و به خاطر کهولت از خدمت کناره گرفت. از دیگر سلاطین و امرای معاصر رشید می‌توان به تکش بن ارسلان، سنجر بن ملکشاه، سپهبد غازی نصرةالدوله اشاره کرد و از شاعران معاصر وی انوری، معزی، سنائی، ادیب صابر، سوزنی سمرقندی، خاقانی، مختاری و سید حسن غزنوی را باید نام برد. آثار وطواط: «دیوان اشعار پارسی»؛ «رسائل عربی»؛ «حدائق السحر فی دقایق الشعر»؛ «منشات فارسی»؛ «فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب»؛ «تحفه الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق»؛ «انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان»؛ «نثر اللالی من کلام امیرالمومنین علی (ع)»؛ «منظومه»ای در عروض؛ «غرائب الکلم فی رغایب الحکم»؛ «منیه المتکلمین و غنیه المتعلمین»؛ «غرر الاقوال و درر الامثال»؛ «مفاتیح الکلم و مصابیح الظلم»؛ «جواهر القلاید و زواهر الفراید»؛ «الفوائد العمائیه»؛ «ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار»؛ «مطلوب کل طالب».[1]
(بخش 1) وطواط، امیر امام رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب و شاعر ایرانی از اعقاب عبداللّه بن عمر بن خطاب (ف. 573 ه.ق.). وی در بلخ متولد شد و در مدرسه نظامیه آن شهر قسمتی از تحصیلات خود را نزد امام ابوسعد هروی انجام داد و سپس برای ادامه تحصیل به خوارزم رفت و در اوایل عهد اتسز بن محمد

خوارزمشاه به خدمت او پیوست و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان روزگار گذرانیده و سمت صاحب دیوانی رسایل داشته. تخلص وی به وطواط از بابت کوچکی جثه او بود (بخش 1: وطواط). در سال 542 سنجر برای سرکوب کردن اتسز قصد خوارزم کرد و قصبه هزارسف را دو ماه در حصار گرفت. در این سفر انوری ملازم خدمت سنجر بود، دو بیتی که مبتنی بر فتح هزارسف و خوارزم به دست سنجر بود، سرود و آن را بر تیری نوشته به هزارسف انداختند. رشید در جواب این رباعی بر تیر نوشت و بینداخت:

گر خصم تو ای شاه بود رستم گرد
یک خر ز هزارسف تو نتواند برد

سنجر که به سبب این بیت و اشعار دیگر وی، از او آزرده بود، سوگند خورد که او را هفت پاره کند. پس از فتح هزارسف به دست سنجر وطواط متواری می‌زیست تا عاقبت به شفاعت منتخب‌الدین که گفت وطواط مرغکی ضعیف است و طاقت آن ندارد که به هفت پاره کنند، اگر فرمان شود او را بدو پاره کنند، سلطان او را ببخشید.از آن پس رشید همچنان در دربار اتسز به سر می‌برد تا در 547 حاسدان وی را به داشتن روابط با کمال‌الدین حاکم جند متهم کردند. اتسز بر وی خشم گرفت و او را براند. رشید قصاید بسیار در برائت ساحت خود ساخت تا استز بر سر لطف آمد و شغل او را به وی باز گردانید. پس از وفات اتسز گویا رشید چندی در خدمت ایل ارسلان بسر می‌برد، ولی از این پس به سبب کثرت سن از خدمت تقاعد ورزید. رشید علاوه بر دیوان شعر که به طبع رسیده آثاری منثور داشته: منشآت فارسی شامل رسائل سلطانی و اخوانی که قسمتی از آنها به طبع رسیده، حدائق السحر (ه. م.)، فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفة الصدیق الی الصدیق من کلام ابی‌بکر الصدیق، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان، نثر اللآلی (ه.م.) مجموعه رسائل عربی که در مصر به طبع رسیده، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل 16 بحر عروضی که معمول شاعران پارسی‌گوی است. وی در نظم و ثنر فارسی سرآمد زمان بود. شعر پارسی او استادانه و در کمال انسجام است. وی در انتخاب کلمات و قوت ترکیب و ایراد صنایع مختلف لفظی مهارت داشته.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (252 -251 /7)، ایضاح المکنون (120 ،97 2/ ،378/1)، بهارستان (106)، تاریخ ادبیات در ایران (636 -628 /2)، تاریخ برگزیدگان (295 -294)، تاریخ گزیده (757 -756)، تاریخ نظم و نثر (93 -92)، تذکره‌ی روز روشن (297 -295)، تذکره الشعراء (103 -98)، دایرةالمعارف فارسی (1586/1)، الذریعه (160 -159 /21 ،1271

-1270 /9 ،287 -286 /6)، ریحانه (312 -310 /2)، سخن و سخنوران (332 -322) سرآمدان فرهنگ (379 -378 /1)، سیری در شعر فارسی (69)، طرائق الحقائق (597 -596 /2)، فرهنگ سخنوران (378 -377)، کارنامه‌ی بزرگان (184 -183)، کشف الظنون (1243 ،1200 ،368 178، ،177 ،4)، الکنی و الالقاب (272 -271 /2)، فرهنگ ادبیات فارسی (232 -231)، لباب الالباب (86 -80 /1)، لغت نامه (ذیل/ وطواط)، مؤلفین کتب چاپی (757 -756 /5)، مجمع الفصحا (671 -655 /2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 535 و 574)، معجم الادباء (36 -29 /19)، معجم المؤلفین (229/11)، هفت اقلیم (76 -68 /2).

وفا، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر وفا
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/4/9
زندگینامه علمی
جعفر وفا در سال 1334 در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال 1348 در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال 1352 راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .
او از سال 1362 با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم
ایشان درسال 1383 از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال 1360 با همفکری

برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال 69 تا سال 82 عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفا، نظام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نظام وفا، فرزند مرحوم میرزا محمود، امام جمعه کاشان است که از شعرای معتبر و صاحب نام معاصر ملک‌الشعراء بهار می‌باشد. وی به سال 1305 هجری قمری در کاشان متولد شد و پس از تحصیلات خود، به جمع آزادیخواهان و مبارزان وقت پیوست و در تهران مقیم گردید و با مطبوعات به همکاری پرداخت که خود سال‌ها بعد مجله وفا را منتشر کرد.
وی سال‌ها، دبیر دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه تهران بود و به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت. آثار وی بارها توسط خوانندگان رادیو استفاده شده و از آن بهره گرفته‌اند، به روایت منوچهر همایون‌پور: تصینف «موسم گل» از این شاعر و تصنیف‌ساز که در مایه دشتی است، توسط روانشاد قمرالملوک وزیری خوانده شده است.
«موسم گل»
موسم گل دوره حسن یک دو روز است در زمانه
ای بدل آرایی به عالم فسانه- به تو که ز تو ماند نکویی نشانه
خاطر عاشقان را میازار- خوش نباشد ز معشوقه آزار
گر بسوزد شمع پروانه را با زبانه
چون شود روز شمع شب را نبینی نشانه
«آزاده»
آزاده ز بیگانه و افسرده ز خویشم
مردم همه سیر از من و من سیر ز خویشم
بر دیده خونبار من ای دوست چه خندی
خون گریه کند هر که ببیند دل ریشم
با خیل مصیبت زدگانی که فلک داشت
سنجید مرا روزی و دید از همه بیشم
هرگز نکشم منت نوش از فلک دون
هر چند که دانم بکشد زحمت نیشم
با این همه آزردگی از مرگ چه ترسم؟
بگذار ز کار اوفتد این قلب پریشم
جز عشق سزاوار پرستش دگری نیست
پرسند «نظاما» اگر از مذهب و کیشم
«قبله دل‌ها»

ای که مأیوس از همه‌سوئی، بسوی عشق رو کن
قبله دل هاست اینجا، هرچه خواهی آرزو کن
تا دلی آتش نگیرد، حرف جانسوزی نگوید
حال ما خواهی اگر، از گفته ما جستجو کن
زردرویی در میان گلرخان عیب است بر من
روی زردم را بخوان دیده گاهی شستشو کن
چرخ کجرو نیست تو کج‌بینی ای دور از حقیقت
گر همه کس را نکو خواهی برو خود را نکو کن
کشت تنهایی مرا ای دوست بر من رحمت آور
مردم از خاموشی ای دل، با من آخر گفتگو کن
چون خیال دوست، من چیزی نشاطآور ندیدم
هر زمان فرسوده دل گشتی نظاما یاد او کن
«عاقبت بینایی»
ای خوشا عاشقی و مستی و بی‌پروایی
ای خوش از خون دل خویش قدح پیمایی
از دل من بکجا می‌روی ای غم دیگر
تو که هرجا روی آخر بر من بازآیی
شستم از اشک و ز خون رنگ و جلایش دادم
صورت عشق بنه ورنه بدین زیبایی
چشم از خواب عدم باز نکردم هرگز
دیدم اینست اگر عاقبت بینایی
پای در خانه بدنام نظاما از چه نهی
نیستت گر بسر ایدل هوس رسوایی
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

وفای فراهانی، محمدحسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وفا. وی عموی قائم‌مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. وی با عبدالرزاق دنبلی، مؤلف «نگارستان دارا»، معاصر و معاشر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه‌ی نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه‌ی میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می‌کرد. بعضی از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (1209 -1203 ق) به زیارت خانه‌ی خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت. در «شرح حال رجال ایران» آمده که وی در زمان آقامحمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا 1212 ق زنده بوده است. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن «هفت پیکر» نظامی؛ «دیوان» شعر، قریب به چهار یا پنج هزار بیت. مؤلف «طرائق‌الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم‌مقام ذکر می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (2015 -2013/ 2)، الذریعه (1272/ 9)، ریحانه (333 -332/ 6)، سفینةالمحمود (229 -228/ 1)، شرح حال رجال (228 -227/ 6)، صبح گلشن (596 -595)، طرائق‌الحقائق (251 -250/ 3)، فرهنگ سخنوران (984)، گلزار جاویدان (1712/ 3)، مجمع‌الفصحا (1090 -1089/ 6)، نگارستان دارا (147 -145).

وفایی شوشتری، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال 1304 شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والا و تبارش علامه حاج ملا جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی

وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .2 ترجمه جلد اول تفسیر فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان 4 رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.5 عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .6 مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص 1

وفایی، عباسعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباسعلی وفائی به سال 1344 در شهر ساوه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در آن منطقه به اتمام رساند سپس وارد دانشگاه تربیت معلم گردید و در رشته زبان و ادبیات فارسی تا مقطع کارشناسی ارشد در آن دانشگاه گذراند. وی در سال 1376 موق به اخذ دکتری با موضوع تصحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی از دانشگاه تهران گردید و هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه تهران میباشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
خاطرات کودکی : دکتر وفائی از آن دوران میگوید: «کلاس اول ابتدایی در روستای مجاور به مدرسه میرفتیم و مسافتی یک کیلومتری را پیاده طی میکردیم روزهای برفی زمستان محبت کلاس بالاتر ها را به همراه داشتیم به طوریکه در یک روز برفی که آمد و رفت به جهت کثرت برف سخت بود بر دوش آنها مسیر را طی میکردیم.»
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر وفایی در یک خانواده کشاورز و متعهد و متقی بطوریکه پدر و مادر آنها را به تحصیل و طی درجات بالا در کنار کمک در امور کشاورزی رهنمود میکرد و مشوق آنان بود.تا جایی که همه فرزندان خانواده تحصیلات عالی داشتند و دبیر و استاد دانشگاه شدند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت معلم تهران در سال 1371، و اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی با موضوع پایاننامه صحیح انتقادی دیوان مسلمان ساوجی در سال 1376 از دانشگاه تهران
خاطرات و وقایع تحصیل : وقع انقلاب اسلامی در دوره راهنمایی و شرکت در راهپیمایی ها، شروع جنگ تحمیلی و شرکت هفت دوره ای در جنگ از خاطرات دوران تحصیل دکتر وقایی استا.
فعالیتهای ضمن تحصیل : کار کشاورزی ، مطالعه دروس غیر درسی و کار در کوره های آجر پزی از فعالیتهای دوره تحصیل وی است.
استادان و مربیان : دکتر جلیل تجلیل، دکتر اسماعیل حاکمی، دکتر شفیعی کدکنی، دکتر عباس ماهیاد، دکتر محمود عابدی، دکتر حین ابخوری، مرحوم دکتر سادات ناصری، دکتر عباس زریاب خویی، مرحود دکتر ضیائ الدین سجادی، دکتر علی شیخ الاسلامی و ... از استادان دکتر وفایی هستند.

هم دوره ای ها و همکاران : دکتر حسن ذوالفقاری،دکتر محمود فتوحی، خانم دکتر شیخ مونسی، دکتر تاجبخش، دکتر اسپرهم، دمتر حبیب ارعباسی و .. از همدوره ایهای دکتر عباسعلی وفایی است و از همکاران ایشان در گروه ادبیات میتوان به دکتر شیما ،دکتر کزازی،دکتر ترابی، دکتر مسگر نژاد، دکتر حائری ، دکتر حسن زاده و بیات اشاره کرد.
همسر و فرزندان : دکتر وفایی دارای همسر و دو فرزند دختر میباشند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاون اداری و مالی و دانشجویی دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی 79-1375، معاون اداری و مالی و قائم مقام دانشگاه الزهرا (س) تهارن 82-1379، رایزن فرهنگی ایران در ازبکستان 85-1382، رئیس شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی 1385 تا کنون.
فعالیتهای آموزشی : دبیر آموزش و پرورش به مدت هفت سال و تدریس درد دانشگاه های پیام نور - آزاد و دانشگاه های دولتی تهران از فعالیت های آموزسی دکتر وفایی هستند.
شاگردان : دکتر مهدی صفری،دکتر بهمن نزهت، دکتر شعبانلو، دکتر برجساز،دکتر طاهر، مهندس آزاد، مهندس خدادادی و ... از شاگردان استاد وفائی هستند. ----------
---
آثار :
1 تاثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی
ویژگی اثر : انتشارات الهدی
2 تصحیح دیوان مسلمان ساوجی
ویژگی اثر : انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
3 تصحیح شرح سه دفتر نخست مثنوی مولوی
ویژگی اثر : تالیف شیخ محمد آدینه خوارزمی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
4 تصحیح کتاب مرادالعارفین
ویژگی اثر : شیخ صوفی
5 دانشنامه زبان و ادبیات فارسی قرن 20 ازبکستان
ویژگی اثر : انتشارات الهدی
6 سیمای فرهنگی ازبکستان
ویژگی اثر : انتشارات الهدی
7 فرهنگ لغت نامه واژگان مخفف در زبان فارسی
ویژگی اثر : در دست چاپ
8 قصاید مضوع در زبان و ادبیات فارسی
ویژگی اثر : انتشارات روزنه

9 واژه های فارسی در زبان ازبکی
ویژگی اثر : انتشارات ماورائ النهر تاشکند
منابع زندگینامه : تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر وفائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - اسفند 1385

وقار شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298 -1232 ق)، شاعر،ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشاء مهارت داشت. وقار در 1266 ق با برادر خود میرزا محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در 1290 ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و به ویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الامارة»، ترجمه و شرح نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه‌ی خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارة»؛ «مزغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنة و محافل الازمنة»، به سبک «کشکول» شیخ‌بهائی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسر آیه‌ی «لیغفر لک اللّه ما تقدم من ذنبک و ما تأخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله‌ی کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... 1281»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... 1278»؛ یک نسخه «صحیفه‌ی سجادیه»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنة 1285»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی

فی سنة 1274»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنة 1281».[1]
نامش میرزا احمد، تخلصش وقار و نخستین پسر وصال شیرازی است (و. 1232 ه.ق- ف. شیرتز 1298 ه.ق) پدرش از هشت سالگی تربیت و تعلیم و ارشاد او را به عهده گرفت تا در فن خوشنویسی، شعر، معانی، بیان و فلسفه استاد گشت. پس از مرگ پدر در سال 1265 ه.ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نوشتن و تصحیح کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی همت گماشت و آن کتاب را به خط نسخ در 116 صفحه نوشت و تحشیه کرد و به چاپ رساند و هم در این سفر مثنوی «بهرام و بهروز» را سرایید و آن را در ربیع‌الثانی 1266 به پایان رساند. پس از بازگشت از هند مدت 8 سال در شیراز ماند و پس از آن به تهران آمد. در سال 1274 گویا به وسیله‌ی صدراعظم به ناصرالدین شاه معرفی شد و پس از چند مسافرت به شیراز و تهران و کرمانشاه در سال 1298 پس از 66 سال زندگی جهان را بدرود گفت. وقار از خاندان وصال دانشمندی بنام است و تألیفات فراوان دارد و از آن جمله است: اطواق‌الذهب که از نثر و نظم مرکب است- انجمن دانش در آداب و اخلاق. کتاب «شرح و ترجمه نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر» و «مثنوی بهرام و بهروز» و «مثنوی خضر و موسی» و «قانون الصداره» و «مرغزار» و «کتاب مجالس السنة و محافل الازمنه» و «عشره کامله» و «ترجمه‌ی منظومه‌ی عربی حاجی ملا هادی سبزواری» و «سیاحت‌نامه از شیراز تا بندر ابوشهر» و «اهبة‌الادیب» و «ریحانة‌الادب» و «تاریخ چهارده معصوم» و «رساله در علم بدیع» و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (358 -356)، احوال و آثار خوشنویسان (1043 -1041/ 4 ،56 -55/ 1)، اطلس خط (564)، تاریخ ادبیات ایران، براون (205/ 4)، تاریخ هنرهای ملی (986 -985/ 2)، حدیقة‌الشعراء (2040 -2028/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (833 -821/ 5)، الذریعه (311 -310/ 20 ،1277 -1276/ 9 ،165/ 3 -365/ 2)، ریحانه (338 -336/ 6)، شرح حال رجال (26 -25/ 6)، صبح گلشن (599)، طرائق‌الحقائق (374 -372/ 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1005 -997/ 2)، فرهنگ سخنوران (986)، الماثر والآثار (215)، مجمع‌الفصحا (1153 -1132/ 6)، مرآت‌الفصاحه (701 -697)، مکارم‌الآثار (950 -949/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (494 -493/ 1)، هدیة‌العارفین (189/ 1).

ولیانی، فاطمه

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فاطمه ولیانی نویسنده و مترجم معاصر ،در سال 1338 در تهران متولد شد.ایشان تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است. کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ترجمه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه ولیانی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. در سال 1358 در رشتة علوم سیاسی از دانشگاه تهران و در سال 1370 در همان رشته از دانشگاه سوربن فارغ‌التحصیل شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فاطمه والیانی تاکنون با مراکز مختلفی از جمله بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، نشریه تحقیقات اسلامی و دفتر پژوهش‌های فرهنگی همکاری داشته است.
جوائز و نشانها : کتاب " تاریخ جنون"ترجمه فاطمه ولیانی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : مقالات زیر از آثار ترجمه شده فاطمه ولیانی می‌باشد: ـ مردم‌شناسی و انتشار (دیدیه‌گز نیدو) ـ درهم شکستن زمان، فضا و جامعه (دانیل بل) ـ مفهوم فرهنگ در نظریه‌های روابط بین‌الملل (آر.بی.جی واکر) ـ معنای نور در حکمت معنوی سهروردی (هانری کربن) ـ خرد، حکمت و جنون در تصوف شبلی (پی یرلوری) ----------
---
آثار :
1 افسون زدگی جدید
ویژگی اثر : ترجمه
2 تاریخ جنون
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان

کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:تاریخ جنون میشل فوکو، ترجمة فاطمه ولیانی.ـ تهران: انتشارات هرمس، 1381. این کتاب، کوتاه شدة نسخة جامع تاریخ جنون (انتشارات پلون، 1961) است که مؤلف آن را در سال 1964 برای انتشارات پلون تنظیم کرد. این نسخه، در عین حفظ ساختمان کلّی کتاب، عمدتاً شامل بخش‌هایی از آن است که به جنبه‌های جامعه شناختی و تاریخی موضوع می‌پردازد. دربارة فوکو و آرای او تاکنون بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، امّا، به استثنای دو متن کوتاه، کتابی از خودِ او هنوز به فارسی درنیامده است و این کتاب اولین اثر از آثار اصلی فوکو است که به فارسی ترجمه شده است. تاریخ جنون پایان نامة دکتری فوکو بوده است و استادش پس از مطالعة آن گفته بود که این پایان نامه فقط یک اثر فلسفی یا تاریخی نیست، شعر است. مترجم ترجمه‌ای استوار و بسیار دقیق و خواندنی از این کتاب عرضه کرده است. با به کارگیری اصطلاحات و لغات جا افتاده و تعبیرات متداول فارسی، منویّات نویسنده را به خوبی و روشنی منتقل کرده است. یکدستی شیوة نگارش در سراسر ترجمه رعایت شده است. مؤلف کتاب نویسنده‌ای آسان‌نویس نیست؛ سبکی خاص خود دارد و اساساً فهم آثار او دشوار است. کوشش مترجم در ترجمة روشن افکار مؤلف به فارسی حکایت از اِشراف او به شیوة نگارش ویژة نویسنده است. از نکات درخور توجه در این ترجمه توضیح اَعلام و اشارات تاریخی است. این توضیح، به هیچ وجه، ترجمة مطالبی نیست که در دایرةالمعارف‌ها می‌آید، بلکه مترجم کوشیده طوری توضیح دهد که مطلب مورد اشارة متن روشن‌تر شود. پیداست که این کار با جستجوی وسیع در منابع صورت گرفته است.

3 هویت چهل تکه و تفکر سیّار

ویژگی اثر : ترجمه

وهابی املش، امید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امید وهابی املش یکی از نویسندگان معاصری است که در زمینه نجوم و فلسفه مقالاتی را چاپ کرده است.او همچنین برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار وی بوده است. کتاب"ماجراهای حسابی" تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : امید وهابی املش در تابستان سال 1352 ش در رشت ، همزمان با آغاز تحصیلات ابتدایی مقدمات علوم حوزوی را در مدرسه حاج ابوالفتح شروع کرد. از دبیرستان باهنر منطقة 12 تهران دیپلم ریاضی گرفت. در مدارس علمیة تهران مشغول گذراندن دورة سطح شد و همزمان تحصیل در رشته کارشناسی حقوق مدرسه عالی شهید مطهری را آغاز کرد. از اساتید هبةالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی را نباید از نظر دور داشت.
استادان و مربیان : هبةالله ذوالفنون در نجوم و آیت‌الله محمود امجد در عرفان و علوم اسلامی از اساتید امید وهابی املش بوده اند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سوابق علمی پژوهشی و آموزشی امید وهابی املش موارد زیر به چشم می‌آید: 1. تدریس در دبیرستانهای تهران 2. انتشار مقالات متعدد نجومی در مجلات تخصصی و عمومی حاصل دو دهه فعالیت 3. انتشار مقالات فلسفی و مذهبی برای نوجوانان 4. نقد کتابهای علمی کودک و نوجوان او برای مخاطبان جوان کتابهایی نگاشته است که از میان آنها ماجراهای حسابی نخستین انتشار بوده است.
جوائز و نشانها : کتاب"ماجراهای حسابی" تالیف امید وهابی املش ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. --------
---
آثار :
1 ماجراهای حسابی

ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب ماجراهای حسابی ماجراهای حسابی (سرگذشت پیدایش اعداد) / تألیف امید وهابی املش؛ تصویرگر فرهاد پورمحمدخان. - تهران: نشر کتاب مرجع، کتاب طاووس، 1383، 104 ص، مصور، نمودار. یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به تجربه‌های جدید در علوم مختلف، واکاوی تاریخ آنهاست. تاریخ علوم از یک سو فراز و نشیب‌های مسیر طی شده را یادآوری می‌کند و از سوی دیگر ذهن مخاطب را برای رسیدن به تجربه‌های نو و جدید آماده می‌کند. ماجراهای حسابی داستان پیدایش و پیشرفت ریاضیات است. نویسنده در این اثر سعی و همت خود را بر آن گذاشته که با بررسی تاریخ ریاضیات مخاطب نوجوان را از رموز شیرین اعداد و ارتباط آنها با یکدیگر آگاه کند. نویسنده مخاطب خود را از مخاطب منفعل به سطح مخاطب فعال کشانده و به جای تشویق و ترغیب او به حفظ داده‌های اولیه، داستان شکل‌گیری این داده‌ها را بازگو کرده است. او مخاطب را به سویی کشانده است که به جای استفاده از ماحصل تربیت دیگران به عنوان یک محصول در فرآیند تولید و بازتولید نقش و جایگاه داشته و در تحصیل آن شرکت کند. نویسنده در این اثر به تجربه‌ای نو دست زده و به جای استفاده از زوایه‌ای فراتر از زاویة دید مخاطب، در کنار او نشسته و یادآوری کرده است که اگر چه این بحث‌ها لذت بخش نیستند و مخاطب حق دارد که به آنها بی علاقه باشد اما لازم است که یک بار آنها را دوره کند تا از مشقت ندانستن آنها رهایی یابد.

ویشگاهی، جاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جاسم ویشگاهی، متولد ، ۱۳۶۱ زمان آغاز کاراته: ۱۳۶۶ نزد استاد سیدگر، حضور در تیم ملی ایران از سال ۱۳۷۶ ، بهترین عناوین: ۳ مدال طلا از قهرمانی جوانان آسیا۳، طلا، ۲ نقره و یک برنز از رقابت های امیدهای جهان، ۲ طلا، ۲ نقره و ۲ برنز از رقابت های قهرمانی آسیا. طلای کاپ آزاد بزرگسالان جهان، طلا، نقره و برنز قهرمانی جهان، طلا و نقره بازی های آسیایی بوسان و دوحه و بیش از ۱۰ مدال رنگارنگ از تورنمنت های معتبر دنیا.

ویلیامز، استیو

قرن:19
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کشتی گیر: Stone Cold Steve Austin
اسم واقعی: Steve Williams
تاریخ تولد: December 18, 1964
محل تولد: Victoria, Texas
وضعیت ازدواج: ازدواج اول مشخص نیست با چه کسی.(از هم جدا شدن)
ازدواج دوم با Jeanie (در سال 1999 از هم جدا شدن)....(از این ازدواج دو دوختر دارد)
ازدواج سوم با Debra (در سال2003 از هم جدا شدن)
در سال 2004 از دوست دخترش Tess Broussard جدا شده.
قد: 6.2"
وزن: 255 lbs
مربی ها: Chris Adams
Bronko Lubich
Skandor Akbar
تاریخ ورود به کشتی کج: 1990 با Frogman LeBlanc
لقب های قبلی:
"Stunning" Steve Austin (WCW)
"Superstar" Steve Austin (ECW)
"Ringmaster" Steve Austin (WWF)
"Stone Cold" Steve Austin (WWF)
ضربه ی نهایی: "The Rattlesnake"
Million Dollar Dream
Stone Cold Stunner
ضربه های موردعلاقه:
Driving Elbow Drop from Middle Rope
Driving Elbow Drop
Mudhole stomping
The Spinebuster
Lou Thez Press
The Clothesline

Back Body Drop
Stungun
دشمن هاش: Hollywood Invine
(USWA (Chris Adams)
(ECW (Sandman)
Dustin Rhodes
Ricky Steamboat
Shane Douglas
Bobby Eaton
Savio Vega
Bret Hart
Brian Pillman
Owen Hart
Shawn Michaels
Vince McMahon
The Rock
Mick Foley
Undertaker
Triple H
Kane
Kurt Angle
Rob Van Dam
Booker T
Eddie Guerrero
Chris Jericho
Chris Benoit
Ric Flair
Scott Hall
Eric Bischoff
افتخارات:
WCW World Television Title با غلبه بر Bobby Eaton در تاریخ June 3, 1991
WCW World Television Title با غلبه بر Barry Windham در تاریخ May 23, 1992
قهرمانی تیمی جهان(WCW World Tag Team) به همراه Brian Pillman با غلبه بر Ricky Steamboat & Shane Douglas در تاریخ

March 2, 1993
قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Dustin Rhodes در تاریخ
December 27, 1993
قهرمانی WCW سنگین وزن امریکا با غلبه بر Ricky Steamboat در
تاریخ September 18, 1994
WWF King of the Ring با غلبه بر Marc Mero & Jake Roberts در
تاریخ June 23, 1996
برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Bret Hart در تاریخ January
19, 1997
قهرمانی WWF Tag Team به همراه Shawn Michaels با غلبه بر
Owen Hart وBritish Bulldog در تاریخ May 26, 1997
قهرمانی WWF Tag Team به همراه Dude Love با غلبه بر Owen Hart
و وBritish Bulldog در تاریخ July 14, 1997
قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ August 3,
1997 در سالن Summerslam
قهرمانی بین قاره یی WWF با غلبه بر Owen Hart در تاریخ November
9, 1997 در سالن Survivor Series
برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن The Rock در تاریخ January
1998
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Shawn Michaels در تاریخ March
29, 1998 در Wrestlemania 14
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kane در تاریخ June 29, 1998
قهرمانی WWF Tag Team به همراه Undertaker با غلبه بر Mankind
و Kane در تاریخ July 26, 1998
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ March 28,
1999 در Wrestlemania 15
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Undertaker در تاریخ June 28,
1999
برنده ی Royal Rumble با بیرون انداختن Kane در تاریخ January 21,
2001
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر The Rock در تاریخ April 1, 2001
در Wrestlemania 17
قهرمانی WWF Tag Team به همراه Triple H با غلبه بر Undertaker و
Kane در تاریخ April 30, 2001
قهرمانی فدراسیون WWF با غلبه بر Kurt Angle در تاریخ October 8,
2001

هاتفی قهفرخی، قدرت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در قصبه‌ی قهفرخ به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل علوم و فضائل پرداخت و در 1331 ش رونامه «هاتف اصفهان» را منتشر نمود. او همچنین از اعضای انجمن ادبی پروانه و کمال می‌باشد. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (531 -530)، الذریعه (1285 -1284/ 9)، گلزار جاویدان (1725/ 3).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی هادوی تهرانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
استاد مهدی هادوی در سال 1340 در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال 1359 در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال 1369 به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با

حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین هادی
محل تولد : اشتهارد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/4/2
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین هادی فرزند علی اکبر در سال 1343 تیرماه در شهر «اشتهارد» از توابع شهرستان کرج در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم با مبادی اعتقادی، اخلاقی و دینی که ریشه در اصالت خانوادگی محیط، اجتماع و شهر مذهبی اشتهارد دارد. دوران تحصیل ابتدایی و راهنمایی را در محل و زادگاه خود گذراندم. به لحاظ علاقه شدیدی که به تحصیل علوم دینی داشتم؛ تحصیل را در کلاس سوم راهنمایی رها و در سال 1357 و بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه علمیه «امیرالمومنین» اشتهارد به تحصیل مشغول و دروس مقدمات و ادبیات عرب را به پایان رساندم.
در سال 61 برای ادامه تحصیل و جهت اینکه از نظر پیشرفت درسی در اشتهارد ادامه تحصیل موجود نبود؛ به قم عزیمت و دروس لمعه و اصول فقه را در محضر اساتیدی چون: مرحوم مغفور حجة الاسلام «وجدانی فخر» و «نکونام» گذراندم. با امتحان ورودی به مدرسه علمیه «امام حسن مجتبی» زیر نظر حضرت آیة الله مکارم شیرازی وارد و به مدت یکسال به تحصیل ادامه دادم و با ازدواج در سال 62 به دروس آزاد اساتید همچون: «آیة الله وجدانی فخر»، «استاد اعتمادی» و «استاد پایانی» شرکت جستم.
در سال 1365 جهت تدریس به مدت یک سال به شهر آشتیان عزیمت و دروس ادبیات عرب را تدریس کردم. جهت ادامه تحصیل در سال 66 به قم مراجعه و تا ابتدای سال 68 به تحصیل مشغول و سال 68 تا 71 به مدت سه سال در شهر «فارسان» از توابع شهرکرد، مدیریت حوزه علمیه فارسان، تدریس و امور مربوط به مراجعات مردمی را در حد مقدور عهده دار بود و از سال 1374 تا کنون؛ 1385، مشغول تحقیق در مرکز پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی هستیم و این همکاری همچنان ادامه دارد.

هاشم‌پور سبحانی، توفیق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر توفیق سبحانی از فرهیختگان معاصر درزمینه زبان وادبیات فارسی درسال 1317 شمسی در تبریز به دنیا آمد.ایشان پس از اخذ فوق لیسانس دبیری از دانشگاه تهران به ترکیه سفر کرد و با شرکت در امتحان ورودی دور? دکتری دانشگاه استانبول در رشت? عربی – فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال 1974 به دریافت درجه دکترا نایل آمد.او نایب رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بوده و دردانشگاه ها نیز تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول می باشد. کتاب "مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : توفیق سبحانی دور? ابتدایی را دردبستان رودکی، متوسطه را در دبیرستانهای رشدیه و لقمان تبریز و رشت? زبان و ادبیات فارسی را متوسطه را در دانشکد? ادبیات تبریز و دور? فوق لیسانس دبیری را در تهران به پایان رسانید. عنوان رساله دوره لیسانس وی "تأثیر حافظ از سعدی وعراقی بود.ایشان در سال 1348 – 1969 – به استانبول رفت و از کتب خطی کابخانه های بسیار غنی استانبول استفاده کرد. با شرکت در امتحان ورودی دور? دکتری دانشگاه استانبول در رشت? عربی – فارسی آن دانشگاه پذیرفته شد و در سال 1974 به دریافت درجه دکترا نایل آمد
استادان و مربیان : توفیق سبحانی در دور? دبستان و دبیرستان از تعلیمات و راهنمائیهای مرحوم میرزا محمد ترقی، آقای عبدالله واعظ، مرحوم علی اکبر صبا و آقای عبدالامیر سلیم بهره مند شد و در دوران دانشگاه از محضر استادانی چون مرحوم احمد ترجانی زاده، مرحوم سید حسن قاضی طباطبایی، دکتر منوچهر و دکتر محمد جعفر محجوب و مرحوم دکتر محمود صناعی بهره گرفت. وی در ترکیه در دانشگاه استانبول از وجود استادانی چون دکتر تحسین یازیجی و مرحوم عبدالباقی گولپینارلی بهره برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : توفیق سبحانی دردانشگاه ها ،تدریس می نماید. او در دانشگاههای خارج از کشورنیز به تدریس مشغول بوده است .

به عنوان نمونه وی ازسال 1374 تا 1376 شمسی دردانشگاه دهلی به تدریس زبان وادبیات فارسی اشتغال داشته است . دکتر سبحانی دردانشگاه پیام نور نیز به تدریس مشغول می باشند.
همفکران فرد : دکترمهدی خواجه پیری ،استاد دانشگاه اسلامی علیگره ، یکی ازهمفکران توفیق سبحانی است . این دو در تهیه فهرست نسخ دانشگاه علیگره با هم همکاری داشتند .
جوائز و نشانها : کتاب "مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها"ترجمه توفیق سبحانی ، در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 الهائم الخائف من لومة اللائم، شیخ نجم الدین کبری، تصحیح متن عربی و فارسی
ویژگی اثر : تهران، انتشارات کیهان، 1364.
2 تدوین فهرستهای تجارب السلف هندو شاه نخجوانی
ویژگی اثر : کتابفروشی طهوری، تهران، 1350
3 ترجمه شرح مثنوی شریف
ویژگی اثر : این تالیف عبدالباقی گولینارلی است و درشش جلد به همت دکتر سبحانی به فارسی ترجمه شده است .
4 ترجمه عبد القادر دربیدل دهلوی
ویژگی اثر : این کتاب نوشته پروفسور بنی هادی است و توسط دکتر سبحانی و دیگران ترجمه شده است
5 ترجمه ملامتیه و ملامتیان
ویژگی اثر : این کتاب تالیف عبد الباقی گولینارلی است که توسط سبحانی ترجمه شده است
6 حاجی بکتاش ولی وطریقت بکتاشیه
ویژگی اثر : نشری؟ دانشکد؟ ادبیات تبریز، 1356.
7 دربار؟ قلندرنامه خطیب فارسی
ویژگی اثر : مقال؟ کوچک، در یکی از شماره های نشر دانش
8 ره آورد های سفر
ویژگی اثر : این کتاب سفر دوساله سبحانی به دهلی راشامل می شود که درآن به توضیح مسائل مختلفی پرداخته است .
9 فهرست آرشیو ملی هند
10 فهرست کتابخانه بمبئی
11 فهرست کتابهای فارسی انستیتوغالب

12 فهرست کتب خطی فارسی دانشگاه دهلی
13 فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی دانشگاه اسلامی علیگره
14 فهرست میکرو فیلم های نسخ خطی درگاه پیرمحمد شاه احمد آباد گجراتی
15 فهرست نسخ خطی مرکز میکرو فیلم خانه فرهنگ دهلی نو
16 مختصری دربار؟ زندگانی و آثار استاد عبدالباقی
ویژگی اثر : نشریه دانشکد؟ ادبیات تبریز، سال 31، شماره 129 – 128.
17 مولانا جلال الدین
ویژگی اثر : ترجمه،تألیف عبدالباقی گولپینارلی، موسس؟ مطالعات، تهران، 1363.این کتاب در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «مولانا جلال الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده ای از آنها»: این کتاب ضمن بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و علمی آناطولی در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) و ذکر اطلاعاتی مختصر و مفید دربار؟ مآخذ عمده ای که برای تحقیق در زندگانی مادی و معنوی شاعر و عارف بزرگ خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته، به زندگانی مولانا و دوره های مختلف حیات وی توجه داشته، در نهایت به فلسفه، دیدگاهها، آثار مولانا نیز گزیده ای از آنها می پردازد .
18 نگاهی به تاریخ ادب فارسی درهند

منابع :
1www.ketabesal.ir2زین قند پارسی /گفتگو با دکتر توفیق سبحانی ،کتاب ماه و ادبیات ، سال اول ، شماره چهارم و پنجم ،20 اسفند 1376، ص18
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

هاشمی رفسنجانی، اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد
به سال 313 هجری شمسی، در جلگه‌ی نوق - از جلگه‌های رفسنجان - در خانواده‌ای متدین، پسری چشم بر جهان گشود؛ با نام اکبر هاشمی، فرزند حاج میرزا علی و ماه بی‌بی.
روزگار کودکی
کسی نمی‌دانست که نوزاد امروز شخصیت سیاسی - فرهنگی پر آوازه‌ی فردای کشور خواهد بود، تا همه‌ی جزئیات زندگی‌اش را ثبت کند. از بایگانی خاطره‌ها نیز چندان نکته‌ای نمی‌توان برکشید؛ جز این که او در کودکی نیز - در مقایسه با هم سالانش - ویژگی‌های برجسته داشت، چنان که مدرسه را از پنج سالگی همراه برادری که از او دو سال بزرگ‌تر بود آغاز کرد.
دو راهی مکتب و مدرسه
در دو راهی مکتب و مدرسه، دست سرنوشت او را به مکتب خانه سپرد. پدر مکتب خانه را انتخاب کرد؛ چرا که مدرسه از روستا چندان دور بود که دشواری‌های آن را کمتر خانواده‌ای پذیرا می‌شد. گذشته از این برای خانواده‌های مذهبی - به دلایلی که شرح آن در این فرصت نمی‌گنجد - مدرسه چندان جاذبه‌ای نداشت.
شکل‌گیری شخصیت
شرایط دشوار زندگی، از هفت تا چهارده سالگی تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت مقاوم، صبور و چند بعدی او داشت. مشارکت و کمک به خانواده در امور باغ و دام و طیور و کوشش در حفظ دستمایه‌ی معیشت روستایی، معاشرت و تفریح و ورزش‌های سالم و تحمل مشقات زندگی در روستای دورافتاده‌ی نیم قرن پیش برای او زمینه‌ی آشنایی با واقعیت‌های زندگی بود و از این همه تلاش و تقلا تجربه‌های گران اندوخت. از پدری متدین و آگاه، اخلاق و معرفت آموخت، و در چند مکتب خانه از چند معلم مقدمات علم را فراگرفت.
وسوسه‌ی هجرت و دل کندن از زادگاه
روستای بهرمان روح پرتکاپوی نوجوانی مانند او را گنجا نبود. ناگزیر باید فضایی دیگر و میدانی پنهاور او را آغوش می‌گشود. آن روزها، آوازه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم را در خانواده‌های مذهبی طنینی پرجاذبه بود که

رفته‌رفته چنان او و پسرعمویش را اثرپذیر ساخت که هجرت به شهر مقدس قم آن هر دو را وسوسه‌ای روزافزون شد. از سویی، دل کندن از خاک زادگاه هم چندان آسان نبود، چنان که یک بار گفت و گو با پدر برای گرفتن رضایت و رخصت هجرت، با انفجار غم در گلو و فرو غلتیدن دانه‌های اشک بر گونه‌ها، همراه بود. با این همه، سرانجام پدر رضایت داد و زمینه‌ی سفر فراهم شد.

با کاروان عشق

هر چند اکنون نیز، چون همیشه، عشق زیارت کربلا عشقی است زنده و چنگ انداخته بر دل‌های بی‌شمار، اما زیارت قدیم را حکایت دیگری است. از همان روز که مشتاقان برای ماه‌ها بعد تدارک سفر می‌دیدند، خدا می‌داند که چند و چندین بار با زمزمه و یاد سفر، چشمان‌شان در اشک شوق غوطه می‌خورد. تا فرا رسیدن روز موعود و حرکت کاروان، که طنین صدای چاووشی خوان آه از نهاد همه برمی‌آورد؛ گریه‌ی شوق بدرقه شوندگان و اشک حسرت بدرقه کنندگان، خاطره‌ای بر جای می‌نهاد که با یاد آن بارها و بارها دل‌ها می‌شکست و دیده‌ها تر می‌شد.

این بار سخن از کاروانیانی است که بر آن شده‌اند تا دو فرزند دلبندشان را در میان راه به شهر قم بسپارند؛ شهری که خود زیارتگاه است و هم در آن روزگار، گذرگاهی بر سر راه زایرانی بسیار که مشهد رضوی، یا کربلای حسینی را آهنگ زیارت داشتند، با ویژگی و امتیازی که تأسیس حوزه‌ی علمیه در آن روزها به این شهر داده بود.

تجربه‌های تلخ و شیرین

از همان روز که سفر آغاز شد، تجربه‌هایی تلخ و شیرین به بار آورد که هر یک را به نوبه‌ی خود در سازندگی و زمینه‌سازی بالندگی‌اش، بیش یا کم، نقش و اثری بود که در این فرصت باید از آن یادی کرد:

تجربه‌ی سفر

بی‌تردید، سفر برای نوجوانی که برای نخستین بار پا از روستا بیرون می‌گذارد تجربه‌ای است یگانه، شیرین و به یاد ماندنی. در این تجربه‌ی تاریخی، به فراوانی فرصت تجربه‌ی پدیده‌هایی نو فراهم می‌شود که همه از مقوله‌ی اولین‌هاست: دیدن و سوار شدن اتوبوس، برای اولین بار؛ حضور در شهر و رویارویی با همه‌ی آنچه ویژگی شهر است، برای اولین بار...؛

بی‌شک دشواری و رنج در سفرهای دور آن روزگار نیز بسیار بوده است؛ هر چند لذتی که از آن همه مشاهدات نو به نو، نوجوانی رسته از قفس روستا را پیش می‌آید، تلخی‌ها و سختی‌ها را نیز شیرین می‌کند.

تجربه‌ی غربت

با این همه، رنج غربت چنان تلخ و جانکاه است که به هر حال فرصتی برای

خودنمایی می‌یابد؛ هر چند که از نخستین روز شرایط بهتری - در مقایسه با همگنانی که در حجره‌ی مدرسه‌ها زندگی می‌کردند - برای او فراهم است و حضرات اخوان مرعشی، که آن روز از فضلای حوزه به شمار بوده‌اند، بر حسب پیوند خویشاوندی و با قراردادی مسؤولیتی را در این زمینه می‌پذیرند؛ مسؤولیتی که بی‌اجر هم نبوده است. بدین‌سان زندگی در قم از خانه‌ی اخوان
مرعشی آغاز می‌شود؛ در سوز سرمای زمستان. هر چند سرمای کویر کرمان نیز بی‌سوز نبوده است، اما سوز سرمای قم را در آن ایام حکایتی دیگر است!
تجربه‌ی آشنایی
از دست‌آوردهای ارزشمند روزگار طلبگی، آشنایی‌هاست. بهانه‌ی این آشنایی‌ها، پیش از هر چیز، نیاز طلبه به کسی است که درس را با او مباحثه کند. رفته رفته، دامنه‌ی این آشنایی گسترده و گسترده‌تر می‌شود: بحث مشترک، گرایش مشترک، اندیشه و آرمان مشترک.... آشنایی‌هایی از این دست احساس غربت را چندان مجال نمی‌دهد که طلبه‌ای مصمم را از پا در آورد. چنین است که پدر و مادرش در بازگشت از زیارت - حدود سه ماه بعد از مهاجرت فرزند - جای نگرانی نمی‌بینند؛ پس از چند روز، آسوده خاطر، آهنگ دیار می‌کنند و او آموختن را پی می‌گیرد، با اندوخته‌ای ناشناخته و عزیز: نیایش مادری دل سوخته در حایر حسینی!
تجربه‌ی ارادت
در حوزه‌های علوم اسلامی، تحصیل، تهذیب، تعلم و تزکیه را پیوندی تنگانگ بوده است. نقش تعیین کننده در سیر و سلوک معنوی، دل بستن است و دل سپردن به مرادی که چونان اسوه‌ای، در تسخیر قله‌ی کمال معنوی، در باور و دل ارادتمند، جایگاهی بیابد؛ در این نگاه، بسا میان امروز و دیروز تفاوتی باشد. به هر حال، در آن روز، حضور آیت‌الله العظمی بروجردی در قم نه تنها برای او، که برای خیل طلاب، چنین نقشی داشت؛ چنان، که دیدنش برای‌شان راستی را که آرزو بود. هر روز می‌کوشیدند یک یا چند بار زیارتش کنند. او نیز چونان پدری مهربان طلبه‌ها را دوست می‌داشت و برای تشویق افرادی که بتوانند استواری و درخشندگی را به نمایش بگذارند بخشی از وقت خویش را آزاد می‌گذاشت: طلبه‌ای که شعرهای الفیه‌ی ابن مالک را - که یک دوره‌ی کامل نحو است - و متن منطق تفتازانی یا بخشی از قرآن را حفظ می‌کرد با دریافت جایزه‌ای از دست مرجع تقلید شیعیان نواخته می‌شد و برایش دلگرمی و امتیازی بود. برای او چنین فرصتی دست داد و خاطره‌ای شیرین به یادگار گذاشت؛ هر چند شیرینی‌های این زندگی فروردین همیشه با تلخی‌هایی آمیخته است و در این مورد نیز چنین بود.

تجربه‌ی تبلیغ

آمیختگی تحصیل و تبلیغ، ویژگی مهمی است و تفاوتی عمده و اساسی میان حوزه‌ی قم و نجف. ریشه‌یابی این تفاوت در فرصت کنونی نمی‌گنجد؛ تنها به اشاره‌ای بسنده می‌شود: در حالی که حوزه‌ی نجف وعظ و خطابه را برای کسی که جایگاهی معتبر و مقامی عالی در فقاهت را آهنگ کند کاستی می‌شمرده است، در حوزه‌ی قم، آشایی با فن خطابه را چونان هنری ارزشمند - برای هر کس و در هر مقام - ارج می‌نهاده‌اند. فرزندان این حوزه بر آن بوده‌اند که از همه‌ی فرصت‌ها و مناسبت‌های دینی برای تبلیغ سود برند. افزون بر این، سفر تبلیغی برای طلاب قم راه گذران معاش هم بوده است. چنین بود که او نیز در فاصله‌ای کوتاه سفر تبلیغی را بال گشود، نخست به زادگاه و سپس به دیگر جاها، در سرتاسر ایران.

تجربه‌ی شکست

اگر نیازهای زندگی نبود، بسا زندگی از فراز و فرود خالی بود. نیاز را با انگیزه‌ی جدی پیوندی است تنگاتنگ، چنان که بی‌آن مشکل بتوان از انگیزه تصور روشنی داشت. بی‌تردید انگیزه‌هایی که ما می‌شناسیم بی‌پیوند با نیازی نیستند. در این میان، نیازهای مادی را نقشی است بسیار مهم و سودمند.

چنین است که تن دادن به سفرهای تبلیغی سخت از آن زمان آغاز می‌شود که زندگی مستقل، دشواری‌هایی را - که بهای آزادی و استقلال است - در نگاه می‌نشاند، یا از آن نیز فراتر می‌رود! به ویژه که رفته‌رفته دیگر برادرها را نیز وسوسه‌ی هجرت برانگیخته است و در منزل برادر اطراق کرده‌اند. درآمدی در کار نیست، جز آنچه پدر حواله می‌کند که نسبت به هزینه‌ی زندگی ناچیز است. ناگزیر باید چون دیگران سفرهای تبلیغی را - در تعطیلی‌های حوزه -باربرست، هم فال است و هم تماشا، هم انجام وظیفه است و هم ادای مسؤولیت تبلیغ، و هم امداد غیر غیبی زندگی. اما نخستین تجربه در این راه شکستی است تلخ که غرور این فرزند کویر را جریحه‌دار می‌کند. از این پس، هر چند مسؤولیت تبلیغ فراموش نمی‌شود، ولی این اندیشه قوت می‌گیرد که باید حساب تبلیغ و امرار معاش را از یکدیگر جدا کرد. در این راه نیز تجربه‌های نخست موفقیت‌آمیز نیست، هر چند سرانجام تلاش و همت به بار می‌نشیند. در راه همین تلاش، از حجره‌ای در مدرسه‌ی حاج ملاصادق، پایگاهی پدید می‌آید که چون یک مرکز تجمع، جمعی هم‌اندیش، هم دل و هم باور را در عرصه‌ی تلاش فرهنگی فراهم می‌آورد و رفته‌رفته مکتب تشیع با هم کاری شهید دکتر باهنر پایه‌گذاری می‌شود، با پی‌آمدهایی ارزشمند و زمینه‌ساز آشنایی گسترده و گسترده‌تر با افراد و جمعیت‌های تلاشگر و خواستار گسترش اندیشه‌ی اسلامی و هواداران آرمان‌های مترقی، در سراسر کشور. به تعبیری دیگر

می‌توان گفت: انتشار مکتب تشیع سرمایه‌ی ارتباطی گسترده در اختیار او گذاشت تا ببینیم که در حفظ و بهره‌برداری از این ارتباط ارزشمند چه خواهد کرد. در این میان، زمینه‌ی ازدواج و پایه‌گذاری زندگی مشترک فراهم می‌شود که در آن روزها خالی از دشواری‌هایی نبوده است، به ویژه فراهم کردن هزینه‌ها؛ به هر حال، گردنه‌ای است در روند زندگی که باید آن را پشت سر گذاشت. در این میان، آنچه ماندگار است خاطراتی است روشنگر چگونگی برخورد با سختی‌ها که در آن تجربه‌هایی آموزنده و سازنده موج می‌زند.

آشنایی با حضرت امام قدس سره

در بازی سرنوشت، او را از نخستین روزهای هجرت به قم فرصت طلایی فراهم شد که زمینه‌ساز آشنایی با شخصیتی بود که در شکوفایی استعداهایش بهترین و بیشترین نقش را داشت. منزل اخوان مرعشی در نزدیکی بیت حضرت امام بود، چنان که او را هر روز فرصت چشم دوختن به چهره‌ی جذاب و پرابهت او دست می‌داد؛ چهره‌ای که با نخستین نگاه دل او را با عشقی روزافزون تسخیر کرد. گاه می‌کوشید که بهانه‌ی پرسشی، مسافتی را با امام هم‌گام شود، بی‌خبر که در سرنوشتش هم گامی دیگری رقم خورده است تاریخی و تاریخ ساز....

تجربه‌های سیاسی

از منظری دیگر، حوزه‌ی قم در آن روزها دستخوش التهاب‌های سیاسی تکان دهنده‌ای بود. هر چند موضع مرجع تقلید وقت، کناره‌گیری از سیاسیت - از موضع تقیه - بود؛ با این همه پی‌آمدهای آزادی‌های پس از شهویور 20 افراد و گروه‌هایی را فرصت تحرک فراهم کرد و پیدایش حرکت‌هایی را زمینه‌ساز شد. جبهه‌ی ملی، حزب توده و از همه نزدیک‌تر به حوزه، جمعیت فداییان اسلام و هواداران آیت‌الله کاشانی، که در قم نیز بی‌پایگاه نبودند و از پشتیبانی یکی از علمای برجسته‌ی قم که زهد و تقوای او نیز زبانزد همگان بود، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، برخوردار بودند. چنین بود که پیش از اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی، نهضت ملی نیز - به خصوص در جریان مبارزه با استعمار انگلیس - از حمایت جدی آیت‌الله خوانساری برخوردار بود. اگر موضع‌گیری الحادی حزب توده، تنش میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و پاره‌ای حرکت‌های تند و ناپخته نبود، به عوامل دربار کمتر فرصت جوسازی و بهره‌برداری داده می‌شد و در نتیجه، حرکت‌های ملی -مذهبی از حمایت آیت‌الله العظمی بروجردی نیز نصیب می‌بردند.

به هر حال، در آن روزگار، در آماده‌سازی و رشد سیاسی نسل جوان حوزه موج این حرکت‌ها بی‌تردید اثرگذار بود؛ به ویژه که در مواردی مانند آوردن جنازه‌ی رضاشاه به قم و تظاهرات در مخالفت با آن، ماجرای سید

علی‌اکبر برقعی، سفر آیت‌الله کاشانی به قم و جلوس در بیت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، این نسل به صحنه می‌آمد و به رغم تعبدی که در برابر مرجع تقلید خود داشت، در عمل نسبت به حرکت سیاسی احساسی مثبت نشان می‌داد.
برآیند این همه، محبوبیت ممتاز حضرت امام بود در دل نسل جوان و بالنده‌ی حوزه، که رفته‌رفته او، در شمار یکی از نمایندگان برجسته‌اش، جایگاه معتبری یافت او با شماری از هم فکران، بیت ایشان را - پیش از آغاز نهضت - پایگاه خود ساختند؛ گویی در جهان آرمان‌ها، جانشین آیت‌الله العظمی بروجردی را در مقام مرجعیت شیعه انتخاب کرده بودند. هر چند در ارزیابی‌های ظاهری - با توجه به مشی حضرت امام و پرهیز جدی از شائبه هرگونه حضور در میدان رقابت‌ها - چنین آرزویی را زمینه‌ی تحقق نبود.
رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی
ناگهان انتشار خبر درگذشت مرجع تقلید شیعیان جهان مانند زلزله سهمگین، ایران را به لرزه در افکند و انبوه مردم را فرصت حضوری پرهیجان فراهم کرد. حضور گسترده‌ی مردم در جریان تشییع جنازه و مراسم بی‌شمار یادبود در سراسر کشور، نمایشی بود از قدرت مردمی روحانیت و مرجعیت. هر چند که دربار نیز خود را مصیبت‌زده وانمود کرد و فراتر از آن، در گرفتن ژست صاحب عزا بازی‌ها در آورد. هر چند ساده‌اندیشانی در هر کسوت بودند که به ریاکاری‌های دربار فریفته می‌شدند. اما واقعیت این بود که چنین نمایشی با شکوه، دربار و درباریان را سخت نگران می‌کرد؛ بگذریم که برای شخص شاه این نمایش مفهومی دیگر داشت، اگر فراموش نکرده باشیم که چندی پیش با جنازه‌ی پدرش در همین شهر قم چگونه برخورد شد!
چنین بود که در بطون سیاست دربار پیش گیری از تمرکز مرجعیت اصلی بود خدشه‌ناپذیر؛ با اندکی ژرف‌بینی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تلگراف تسلیت به نجف ترفندی بود برای تجزیه‌ی مرجعیت و انتقال آن به نجف. نگاهی گذرا به مطبوعات آن روزها روشنگر دوگانگی کامل سیاست دربار است که به ظاهر در جهت انتقال مرجعیت به نجف تلاش کرد، در حالی که مطبوعات می‌کوشند تا هر شخصیتی که بیش یا کم هوادارنی دارد، مطرح شود. در چنین فضایی بود که او و دیگر شاگردان ارادتمند حضرت امام فرصت یافتند که از یک سو نامزد مورد قبول خود برای مقام مرجعیت را در مطبوعات مطرح کنند و از سوی دیگر، از فرصت مراسم یادبود آیت‌الله بروجردی در روشنگری و در میان گذاشتن آرمان‌ها و ایده‌های خود با توده‌ی مردم و روحانیت بهره‌برداری کنند. سخنرانی او در مسجد اعظم مانند سخنرانی شماری از هم فکرانش نموداری است از چنان تکاپویی؛ با

این همه، همه‌ی شواهد بیانگر ناکامی آنان در این تلاش بود، چنان که پس از فرونشستن موج سوگواری در نگاه سطحی، همه با افسوس باور کردند که حضرت امام همچنان منزوی خواهند ماند.

طنین فریادی در سکوت

ناگهان با طنین فریادی در سکوت، خطای دوست و دشمن در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری افشا شد: در میان تلگراف‌هایی که به نخست‌وزیر وقت - در اعتراض به تصویبنامه‌ی دولت -در نگاه‌ها نشست، تلگراف حضرت امام را آهنگی دیگر بود؛ آهنگی که دل دوستان را با خیزآبی از شادی نواخت، و دربار و درباریان را با موجی از وحشت هراسان ساخت. شاید بیش و پیش از همه، شخص شاه پریشان شد. هر چند حجاب قدرت مانع ژرف‌بینی بود و ساده‌اندیشانه چنین پنداشتند که با بی‌پاسخ گذاشتن تلگراف حضرت امام، او حذف خواهد شد؛ بی‌خبر که پیام این سکوت برای نسل جوان و هوشیار حوزه از هر روشنگری روشنی بخش‌تر بود. نسل بالنده، و هوشیار حوزه پیش از همه دریافت که در انتخاب خود به خطا نرفته است، و او نماینده‌ی همین نسل بود.

چنین بود که او و همه‌ی هم باورانش در این باور بیش از پیش هم داستان شدند که اگر مرجعیت دچار تجزیه شد، رهبری را دریابند، با آن که باید در مورد مرجعیت حضرت امام نیز تلاش کنند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

با آن که در نهضت ده ماهه‌ی روحانیت و درگیری با دولت علم به بهانه‌ی تصویبنامه‌ای در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همه‌ی مراجع قم -با بهره‌مندی از حمایت مراجع نجف - هم گام بودند، ولی رهبری حرکت با حضرت امام بود و با همین رهبری مبارزه در گام نخست به پیروزی رسید؛ پیروزی امیدآفرینی که می‌توان آن را از جهاتی با پیروزی مسلمانان در بدر مقایسه کرد: روحانیت، مراجع و مردم به رهبری حضرت امام بی‌هیچ تلفاتی به پیروزی بزرگی دست یافتند؛ دولت علم رسما عقب‌نشینی کرد و با فشار و اصرار حضرت امام مطبوعات لغو تصویبنامه را اعلام کردند. شرح این بخش از داستان مبارزه و انقلاب را فرصتی دیگر باید؛ پس به اشاره‌ای باید بسنده کرد که حضور او و هم کوشان و هم باورانش در این عرصه‌ی تاریخی چنان بود که گویی ماهیانی تشنه‌اند که اینک خود را به برکه‌ای لبریز از آب زلال رسانده‌اند.

شکستی پس از پیروزی

با آن که حماسه‌ی 15 خرداد را، با پی‌آمدهای سیاسی و فرهنگی آن، نباید شکست ارزیابی کرد، چرا که رمز و راز پیروزی انقلاب در همین حماسه‌ی تاریخی نهفته است؛ با این همه، بر حسب مفهوم متعارف پیروزی و شکست - در فراز و فرود راه مبارزه - می‌توان چونان شکستی از آن یاد

کرد، شکستی بس همانند با شکست مسلمانان در احد! دشمن در پی شکستی که ناگزیر بدان تن داده بود نیروهای خود را بسیج کرد و این بار شخص شاه به میدان آمد، با شعار انقلاب سفید و با حربه‌ی رفراندم؛ شعاری دنیاپسند و حربه‌ای کارآمد که مخالفان را - که در مبارزه‌ی گذشته با استناد به اصولی از متمم قانون اساسی پایگاهی قانونی داشتند - در نخستین برخورد خلع سلاح کند. در برابر، دلگرمی پیروزی گذشته - که هیچ کامی شیرینی آن را از یاد نبرده بود - مراجع، علما، روحانیت و انبوهی از مردم را به صحنه آورد و بدین‌سان صف‌آرایی جدی‌تری از گذشته شکل گرفت. اگر پاره‌ای خواص چونان نسل جوان و بالنده‌ی حوزه و انبوه مردم رهبری حضرت امام را گردن می‌نهادند، بسا درگیری این دو صف به گونه‌ای دیگر رخ می‌داد. به هر حال، درگیری خیلی زود پیش آمد، در آستانه‌ی رفراندم 6 بهمن 41، یک روز پیش از آمدن شاه به قم؛ در قم با بهانه‌ای و در تهران با بهانه‌ای دیگر. بدین‌سان نهضت زمستان سرد و سوزانی را پشت سر گذاشت؛ زمستانی که در آن، اختناق رژیم بر همه‌ی پایگاه‌های روحانیت و مردم سایه‌ای سنگین گسترده بود، چنان که در رمضان نیز فریادها در گلو - مگر در پاره‌ای موارد استثنایی - حبس می‌نمود.

در طلیعه‌ی بهار طبیعت، با پیام تحریم مراجع، جنبش جان گرفت. به ویژه پیام امام در تحریم عید و نیز پاسخ به درخواست حضرت آیت‌الله سید محسن حکیم مبنی بر مهاجرت مراجع به نجف، جهت اتخاذ تصمیمی مشترک، و از همه اثر گذارتر، سخنرانی امام در عصر چهارشنبه‌ی پایان سال 41، که روح قیام را در قم دمید. زایرانی که از جای جای ایران - برای حضور در حرم حضرت معصومه (ع) در لحظات تحویل سال نو - همه ساله به قم مشرف می‌شدند، در نوروز 42، قم را دگرگون یافتند و از نهضت روحانیت در برابر رژیم آگاه شدند و از نزدیک یورش نیروهای سرکوبگر شاه به فیضیه را یا تماشاگر بودند یا آثار آن را همان روز و روزهای بعد به چشم دیدند. موج این خبر سراسر ایران را فراگرفت و زمینه را برای آنچه حضرت امام و یاران آگاهش سال‌ها آرزو داشتند فراهم کرد.

هر چند حضرت امام، یورش عمال رژیم به فیضیه را بی‌پاسخ نگذاشت و از همان روز رویداد هرازگاه به بهانه‌ای سوگ فیضیه را فریاد زد؛ اما در واقع فریاد را در گلو بیش از هفتاد روز حبس کرد، تا به هنگام، در واپسین ساعت عاشورا، در حضور ده‌ها هزار عزادار آماده‌ی شهادت آن را بر سر شخص شاه فرود آورد و شکوه دروغینش را در هم بشکند. گویی فریاد عصر عاشورای حضرت امام فریاد مظلومان تاریخ اسلام و ایران است که قرن‌ها در گلوی زمان زندانی زورگویی و اختناق بوده است و اینک به

هنگام، با زمینه‌سازی بسیار خردپذیر و سنجیده، آزاد می‌شود و موج می‌افکند و مردمی قرن‌ها چشم به راه، هم اکنون عزیز زندانی خویش را پذیرا می‌شوند و به گرمی آغوش می‌گشایند.
محرم و عاشورای 42، محرم و عاشورایی بود پرشور، که در زمینه‌سازی آن کمتر شهری یافت می‌شد که پیک و پیام حضرت امام را دریافت نکرده باشد. پیامی که دستور زنده کردن عاشورا و تجدید عهد با پیام عاشورا بود. پی‌آمد آن فریاد تاریخی و پرطنین، دستگیری فریادگر بود، با فاصله‌ای اندک، و در پی آن، حماسه‌ی 15 خرداد، با قربانیان بسیار.
خورشید روز دوازدهم محرم سال 1342، بر انبوه پیکرهای به خون خفته تابید و غروب آن، نه تنها سیاهی شب را در پی داشت که گویی حاکمیت ظلم و ظلمت را در برهه‌ای دیگر از زمان، همراه خشونت و خفقان، مهر تأیید می‌نهاد.
هر چند با دستگیری حضرت امام و تنی چند از عالمان و سخنوران، دیگر مراجع، علما و به ویژه نسل بالنده و جوان حوزه‌ها از پای ننشتند، ولی به هر حال چندی آهنگ نهضت شتاب گذشته را از دست داد.
حضور نهضت در پادگان‌های نظامی!
گویی سرنوشت در حماسه‌ی 15 خرداد سهم او را انجام مأموریتی در فضایی دیگر رقم زده بود: فضای پادگان‌های نظامی که در حصار دژی آهنین با مردم بیگانه بود. داستان سربازگیری از حوزه‌ی قم -در پی یورش به فیضیه - را در تاریخ انقلاب جایگاهی است با اهمیت که در این فرصت، ناگزیر باید به اشاره‌ای بسنده کرد و از آن گذشت، با یادآوری این نکته که حضور او را در جمع طلبه‌هایی که در فروردین سال 42 - از حوزه‌ی قم - به سربازخانه اعزام شدند، در مجموع می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد، با آثاری از این دست: تقویت روحیه‌ی جمع، رسیدن پیام نهضت به اختناق زده‌ترین قشر جامعه؛ چنان که در عاشورای سال 42 شعار مبارزه در جای جای پادگان نظامی عشرت‌آباد نیز در نگاه می‌نشست از این همه ارزشمندتر، اندوخته شدن یکی از نیروهای فعال نهضت برای روزگار غربت انقلاب که در نخستین غیبت رهبری بتواند اثرگذار باشد. نمی‌دانیم، شاید اگر او در نیمه‌ی فروردین تا نیمه‌ی خرداد سال 42 در در سربازخانه نبود، از دستگیرشدگان آن روزها بود و در این صورت، بسا مسائل که دستخوش تغییراتی می‌شد که پس گویی آن بسیار دشوار است. به هر حال، تا نیمه‌ی خرداد در پادگان حضور داشت و بیم آن می‌رفت که برایش پرونده‌سازی سنگینی شود که به هنگام، از سربازخانه گریخت و به جمع علمای مهاجر در تهران پیوست و با شماری از هم‌اندیشان به بهره‌برداری هر چه بیشتر از آن هجرت تاریخی پرداخت. در همین احوال حساس و در حالی که همراه و هم‌گام به شهید دکتر محمدجواد باهنر می‌کوشید تا از

حضور و نفوذ مهاجرین بیشترین بهره‌برداری - در جهت اهداف نهضت شود، ناگهان گام در دامی نهاد که در راهش گسترده شده بود و می‌رفت که با عنوان سرباز فراری، متهم به فعالیت‌هایی در بیرون و درون پادگان، به مراجع قضایی نیروهای مسلح سپرده شود و در آن فضای آکنده از خشونت، احیانا محکومیت سنگینی پیدا کند، که با چابکی و هوشیاری از این دام نیز گریخت و از این پس، چندی به صورت سربازی فراری روزگار را کرانه کرد.
بدین‌سان فرصتی پیش آمد که کار ترجمه‌ی کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار را به انجام رساند، کاری کارستان و کارساز و اثرگذار بر بینش سیاسی حوزه از یک سو، و بر برداشت دیگران از فرزندان فیضیه از سویی دیگر. پرونده‌ی او با انتشار این کتاب - پس از چندی که از روزگار تألیف می‌گذشت - شکل گرفت و نخستین احضار و بازجویی به آن راجع است. (سندهای شماره 0001 تا 15/2)
به هر حال، در اختناق سال 42، او به عنوان سربازی گریخته از پادگان که دارای پرونده‌ی سیاسی نیز بود، فرصت خوبی برای اندیشه‌ی بیشتر یافت و اوقات فراغت را با تلاش فرهنگی و سیاسی ثمربخشی پر کرد.
حضوری دوباره در قم
رفته‌رفته، جو اختناق شکسته شد و رژیم - که اعدام حضرت امام را در مقام مرجعی مقتدر، محبوب و بهره‌مند از پشتیبانی بی‌دریغ اقشار میلیونی مردم، با مصالح سیاسی خود ناسازگار ارزیابی کرده بود - پی‌آمدهای زندانی نگه داشتن، محاکمه و محکومیت وی را نیز ناصواب شناخت و بر آن شد که در جست و جوی راهی برای تحمل و کنار آمدن بکوشد. از آنجا که آزادی ناگهانی نیز چنان موجی از احساسات مردم را می‌توانست برانگیزد که مهار آن بیرون از توان نیروهای رژیم ارزیابی می‌شد، ناگزیر برنامه‌ریزی به گونه‌ای انجام شد که نخست حضرت امام از حبس به حصر منتقل شدند و پس از چندی، شهر قم دیگر بار حضورش را آغوش گشود. در این میان، کابینه‌ی علم نیز سقوط کرد و حسنعلی منصور تشکیل کابینه را مأموریت یافت. در نرمشی که در سیاست رژیم ضمن اجرای این برنامه پیش آمد، فضای سیاسی دیگری پدید آمد که او با احساس امنیت، در قم حضور یافت و در چنین فضایی مقدمات انتشار سرگذشت فلسطین یا کارنامه‌ی سیاه استعمار فراهم شد. در همین فضای جدید، هم‌اندیشان را فرصتی پیش آمد تا به بحث‌های جدی‌تری بپردازند. چنین بود که زمینه‌ای برای شکل‌گیری تشکلی با نام «جمعیت اصلاح حوزه» فراهم شد که هدف اصلی آن بررسی اصلاح جامعه از طریق ایجاد حکومت اسلامی بود.
جشن‌های آزادی امام
ناگهان موج خبر آزادی حضرت امام همه را غافلگیر و هیجان‌زده کرد.

رهبری فرزندان فیضیه را در ابراز عواطف و برگزاری جشن‌های آزادی در راستای هدف‌های نهضت، جمعی از بهترین یاران و شاگردان حضرت امام عهده‌دار بودند که او، چونان شمع جمع، روشنی می‌بخشید، هر چند که در آن جمع کوچک، شخصیت‌های برجسته‌ی بزرگ‌تری نیز حضور داشتند.
می‌توان گفت که در پی آزادی حضرت امام، در شیفتگان و هواداران برگزیده‌اش، دو گرایش و دو خط سیاسی و فکری پدید آمد:
1- گروهی به شخص حضرت امام می‌اندیشیدند و استقرارش را در مقام مرجعیت شیعه هدف اصلی می‌پنداشتند، تا آنجا که ناخودآگاه گرایشی به سازش داشتند.
2. گروهی دیگر، که نهضت اسلامی را اصالت می‌دادند و مسائلی چونان مرجعیت را در جنب آن ارجی - قیاس‌پذیر با نهضت - نمی‌شناختند. در جشن فیضیه، نمودی از این دوگانگی نمودار شد، هر چند که جز شماری اندک از خواص کمتر توجهی به آن داشتند. ابتکار عمل در برگزاری جشن‌ها، به ویژه جشن فیضیه - که از آن به مثابه تمرین تلاش جمعی طلاب و فعالیت تشکیلاتی آنان می‌توان یاد کرد - با گروه دوم بود.
در این میان، ساواک او و شماری از عناصر فعال را شناسایی کرده بود و می‌کوشید اطلاعات خود را درباره‌ی آنان کامل و کامل‌تر کند. (سند شماره 0007)

شور و هیجان و نشاط تاریخی حوزه‌ی قم

سال 43، در تاریخ حوزه‌ی قم، سالی استثنایی است. در فروردین این سال، حوزه با شوری وصف‌ناپذیر حضرت امام را آغوش گشود و جشن‌هایی پرشکوه را در سرتاسر شاهد بود. با فاصله‌ای بسیار کوتاه، درس آغاز شد، با سخنرانی تاریخی و طولانی پر نکته‌ای که در آن، ضمن جمع‌بندی مسائل مبارزه، خط مشی آینده نیز ترسیم گردید. هر چند آن درس پرشکوه را در نگاه دل‌باختگان حضرت امام ارجی فراوان بود، اما هر نضهت، انقلابی در ارزش‌هاست و با نهضت اسلامی نیز ارزش‌هایی نمایش یافت که در برابر آن ارزش‌های گذشته رنگ می‌باخت؛ چنین بود که برای عناصری چونان او ارزش‌های نوین را جاذبه‌ای دیگر بود: نشست‌های خصوصی و ضمن آن، آشنایی‌ها، پیوندها و شناخت‌هایی کارساز برای آینده‌ی نهضت، در هشت ماه اول سال 43 و در نشست‌های خصوصی بیت حضرت امام، چنین پیوندها و آشنایی‌ها را ارزشی کارساز بود، به ویژه پیوند قم با تهران و شناخت‌های بیشتر و بیشتر یاران از همدیگر.
با فرا رسیدن تابستان، درس تعطیل شد، امام حضرت امام که گویی احساس می‌کرد اقامتش در قم چندان نمی‌یابد، از فرصت تابستان نیز بهره‌ای دیگر گرفت و درسی را در منزل عهده‌دار شد، با عنوان «مسائل مستحدثه» که هرچند محتوای آن را با درس‌های متعارف حوزه فاصله‌ی

چندان زیادی نبود. اما عنوان آن را پیامی دیگر بود. در این میان تاریخ انقلاب اسلامی، رمضانی خاطره‌انگیز در گذرگاه خود داشت؛ بگذریم که در سراسر ایامی که حضرت امام در قم اقامت داشتند، مسجد امام به صورت پایگاه تبلیغی نهضت، همه شب آکنده از انبوه شنوندگانی بود که گویی نمادی بودند از نیازهای نو جامعه و تحول در تبلیغ. سالگرد 15 خرداد نیز فرصتی پیش آورد برای تلاش و تکاپویی دیگر.

مبارزه با آهنگی دیگر

ناگهان موج خبری تازه همه چیز را دگرگون کرد؛ خبر سخنرانی حضرت امام بر ضد لایحه‌ای که موضوع آن را اعطای امتیازی بود به مستشاران آمریکا در ایران. پیش از هرگونه موضع‌گیری، تحقیقات در این زمینه به او واگذار شده بود که در انجام این مهم بعضی از شخصیت‌های سیاسی روز هم‌کاری‌هایی کردند.

پی‌آمد این سخنرانی که هم زمان با آن مفصل‌ترین اعلامیه‌ی حضرت امام در گسترده‌ترین سطح در همه جای کشور پخش شد، دستگیری بود و تبعید به ترکیه و استقرار حکومت نظامی و فرورفتن کشور در اختناقی بسیار سنگین.

عملکرد رژیم این بار چنان بود که هیچ واکنش فراگیری را فرصت نداد. خشم مردم امکان بروز نیافت و هر فریاد اعتراضی در سینه‌ها حبس شد. از سویی دیگر، در مدت اقامت حضرت امام در قم، برای پاره‌ای بیوت، رنجش‌هایی پیش‌آمد که پی‌آمد آن عدم حضور متحد آنان در صحنه‌ی مبارزه بود. در نتیجه، مسؤولیت رهبری حرکت بر دوش جمعی از عالمان جوان‌تر و فضلای حوزه سنگینی می‌کرد که او را در میان جمع آنان درخششی چشمگیر بود. چنین بود که کانون‌های مقاومت در قم، تهران و شماری شهرهای دیگر - به گونه‌ای متفاوت با گذشته - شکل گرفت. در قم، شماری از فضلای برجسته و مدرسان سطح عالی گرد می‌آمدند و نیروهای جوان و بالنده‌ی هوادار و شیفته‌ی حضرت امام را رهبری می‌کردند. نمودی از این جنبش هدایت شده به صورت سخنرانی‌های پی‌درپی، درس‌ها، تشکیل جلسه‌ی دعای توسل در مسجد بالاسر - در حرم حضرت معصومه (ع) - و سر دادن شعار صلوات در مجالس پرجمعیتی که به هر بهانه تشکیل می شد، در خاطره‌ها ثبت است. در نیمه‌ی شعبان سال 43 هجری شمسی نیز مجلسی با شکوه در مسجد اعظم قم برگزار شد که نمایشی از حضور نسل جوان و انقلابی حوزه‌ی قم در صحنه‌ی مبارزه بود. از این همه با اهمیت‌تر، بهره‌برداری گسترده‌ی تبلیغاتی از نخستین ماه رمضان پس از تبعید حضرت امام را باید به شمار آورد، به ویژه در تهران و مسجد جامع بازار که به وضوح از فعالیت متشکل گروهی حکایت داشت که با برخورداری از پایگاه مردمی رهبری نهضت را در غیبت رهبر تبعیدی

خود توانا بودند. او به رغم نقشی که در پشت پرده عهده‌دار آن بود، در جلساتی نیز حضور آشکار داشت و در سخنرانی‌های نه چندان عمومی به روشنگری می‌پرداخت. (سندهای شماره‌ی 0017 تا 0026/2)

صفیر گلوله‌ی بخارایی

در این میان، موج خبر قتل نخست‌وزیر رژیم، حسنعلی منصور، فضای سیاسی کشور را دگرگون ساخت و جوی تازه پدید آورد که گویی آمیزه‌ای بود از شادی، غرور، بهت، نگرانی، ابهام و نیز خشم و خشونتی جنون‌آسا؛ در همین فضای نوین، بر حسب تصادفی، نیروهای وفادار نهضت را فرصت نمایشی باشکوه فراهم شد، با بهانه‌ی تجلیل از عالمی کهن‌سال و شیفته‌ی نهضت و حضرت امام. خیل عظیم هواداران نهضت در تهران، در حالی که به مراسم تشییع جنازه‌ی آیت‌الله فومنی شتافتند که زخم نخست‌وزیر تیرخورده‌ی رژیم، دل‌های جریحه‌دارشان را مرهمی شده بود و در جرقه‌ای آشنا روزنه‌ای را چشم دوخته بودند که آینده‌ای روشن را در نگاه می‌نشاند. پی‌آمد قتل منصور، تهاجمی گسترده بود به نیروهای نهضت و موجی فزاینده از دستیگری؛ در همین شرایط او که خطرهایی تهدیدش می‌کرد - با همکاری شماری از هم‌رزمان - در تدارک فراهم کردن نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر جدید که از سوی رژیم هدایت کشور در بحران به او سپرده شده بود) بودند و برگزاری سالگرد یورش به مدرسه‌ی فیضیه، با چنان شور و هیجانی که حساسیت مأموران اطلاعاتی رژیم را بیش از پیش جلب می‌کرد (سندهای شماره‌ی 0027/1 تا 0037) و هر روز برگی به پرونده‌اش می‌افزود.

دستگیری نگران کننده!

خبر دستگیری او - به تاریخ 43/12/11 - موجی از نگرانی هواداران نهضت را در شعاعی گسترده در پی داشت. هیچ کس باور نداشت که به فرض رهیدن او از خطر اعدام، به این زودی‌ها، حضورش در صحنه‌ی مبارزه و بیرون از زندان تجدید شود. همه بر این باور بودند که - در خوشبینانه‌ترین فرض - سالیانی دراز، جای هاشمی رفسنجانی را در محافل خود خالی ببینند. پی‌آمد دستگیری او، آمیزه‌ای بود از نگرانی، اندوه و نیایش، همراه با هرگونه تلاش که از آن امید نتیجه‌ای می‌رفت. در همین حال، بازجویی با سخت‌ترین شکنجه‌های رایج آن روزگار آغاز شده بود و جلسات آن پی‌درپی ادامه داشت.

هر چند تلاشی گسترده برای فشار بر رژیم - با بهره‌گیری از اهرم‌هایی که هواداران نهضت در اختیار داشتند - برای رهایی او انجام می‌شد، اما اگر دو عامل اساسی نبود، اثرگذاری این تلاش‌ها بسیار اندک بود:

1. هوشیاری او در همه‌ی مراحل بازجویی.
2. فشار شخصیت‌های ذی نفوذ بر رژیم.

این دو عامل بیش از هر چیز در رهایی او نقش داشتند. (سندهای شماره‌ی 0038 تا 0077) به ویژه شادروان آیت‌الله حکیم را نباید در تسریع آزادی او بدون محکومیت نادیده گرفت. با این همه، دو عامل پیش گفته نقش اصلی و درجه‌ی اول داشتند. (سندهای شماره‌ی 0069/1 و 0069/2)

آزادی از زندان

خبر آزادی او از زندان -به تاریخ 44/4/14 موجی از شادی برای هواداران نهضت، به ویژه در قم و تهران، به ارمغان آورد و حضور مجددش در صحنه‌ی مبارزه - در مقطعی بسیار حساس چنان نشاط‌آور و دلگرم کننده بود که قلم از تصویر آن ناتوان است.

پس از آزادی

گزارش‌های گزارشگران ساواک، به وضوح بیانگر واقعیت است که دستگیری، شکنجه و زندان، او را جز تجربه، هوشیاری و پایمردی نیفزود. از همان دم که گام از زندان بیرون نهاد، چونان پولادی آبدیده، با عزمی استوارتر از گذشته، راه مبارزه را پی گرفت. (سندهای شماره‌ی 0077 تا 0086) نه تنها در محافل خصوصی، که در مجامع عمومی نیز -در سخت‌ترین شرایط اختناق - با گفتار و رفتار، ضربه‌هایی بس کوبنده بر هیولای بیم فرود می‌آورد و به هواداران نهضت روحیه و نشاط می‌داد. (سند شماره‌ی 0084)

نگاهی به فضای جامعه در سال 45

اینک فرصتی است مناسب برای بررسی فضای سیاسی ایران، در سال 45. رژیم در سیاست خارجی، بیش و کم از مشکلاتی رنج می‌برد، هر چند که چندان انعکاسی نداشت:

از یک سو، به نظر می‌رسید که هویدا در برقراری موازنه و جلب رضایت شوروی - با خریدهایی تسلیحاتی - اندکی زیاده‌روی کرده است. از سوی دیگر، در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، موضع آمریکا پسند رژیم عواطف مذهبی مردم را سخت جریحه‌دار کرده بود. در همین حال، تشنج در روابط سیاسی ایران و عراق به اوج رسیده بود، که نمودی روشن از امداهای غیبی برای نهضت ارزیابی می‌شد. چه، با نبودن چنین تشنجی فشارهای بیشتری بر حضرت امام و حواریونش در نجف سنگینی می‌کرد. کودتاها و ضد کودتاهای عراق را نیز اگر با چنین دیدگاهی بررسی کنیم، خالی از لطف نیست.

در همین حال، سرکوبی نهضت آهنگ بسیار تندی داشت و در همان روزهای اول سال، قم شاهد یورشی سخت و دستگیری‌هایی گسترده بود که پی‌آمد پاره‌ای واکنش‌ها تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی بود، در ساعت 9 صبح روز 45/2/3 و امضای حکم تبعید

شماری از عناصر پی‌گیر و فعال، و دستور مراقبت بیشتر، بر اعمال

شماری دیگر. (سند 0089/1 و 0089/2)
کشف جمعیت سری اصلاح حوزه
در چنین فضایی اساسنامه‌ی جمعیتی در قم به دست رژیم افتاد که حساسیت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی را بیش از پیش برانگیخت و متواری شدن او را در پی داشت.
(برای آشنایی با جزییات بیشتری در این زمینه، ر.ک به نشریه‌ی یاد، شماره‌ی 20، صفحات 10 تا 19) شگفتا که در همان شرایط نیز از هر فرصتی برای روشنگری به سود نهضت بهره‌برداری می‌کرده است. (سند شماره 0098)
به هر حال، بخش عمده‌ای از سال 45 را به دلیل کشف اساسنامه‌ی جمعیت سری - که از پایگاه‌های مهم نهضت به شمار می‌رفت - متواری بود، که سرانجام بر آن شد رحل اقامت از قم به تهران افکند. (سندهای شماره‌ی 0087 تا 0103). تألیف کتاب امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار ثمره‌ی درخشانی است از نخستین ماه‌های اقامت در تهران با یک زندگی نیمه مخفی.
ارزشمندترین دست‌آورد این زمان تحکیم بیش از پیش دوستی و صمیمیت اوست با مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ هرچند که این دوستی بر سابقه‌ای دور استوار بود، با این همه زندگی مشترک چند ماهه، به صورت نیمه مخفی، در تحکیم پایه‌هایش نقشی ماندگار داشت.
نیمه‌ی اول سال 46
رفته‌رفته، تداوم زندگی نیمه مخفی در تهران کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر و تبدیل به زندگی عادی می‌شد. چنان که از 46/4/10، سخنرانی‌های هفتگی او در مسجد موسی بن جعفر - که از پایگاه‌های پرآوازه و مهم نهضت در جنوب تهران بود - موجی گسترده پدید آورد و آن پایگاه را بیش از پیش رونق بخشید. مکبت حسین نیز از نخستین محافلی است که سخنرانی‌هایش را - در این احوال - آغوش گشود. (سند شماره‌ی 106/1 تا 117). گویی ساواک نیز در دستگیری مجدد او در آن روزها از شتاب‌زدگی پرهیز داشت؛ نمی‌دانیم، چه بسا ساواک امید داشت که با تعقیب و مراقب به سر نخ‌هایی دست یابد. این در شرایطی بود که نهضت به حضور او در تهران سخت نیازمند بود، هم از نظر فرهنگی و هم فراتر از آن، از نظر سیاسی. چنان که می‌توان پیدایش کانون‌ها و پایگاه‌هایی مانند مدرسه‌ی رفاه و جلسات متشکل روحانیت مبارز را از ثمرات آن برشمرد. ساواک نیز با حساسیت در تعقیب و مراقبت از او فعال بود و هرازگاه برگی به پرونده‌اش افزوده می‌شد. (سند شماره‌ی 0118 تا 0128) بگذریم که در شرایط پنهان کاری گامجای تلاش‌ها بیشتر گم می‌شود و کمتر سرنخی از آن به دست رژیم می‌افتاد.

جشن‌های تاجگذاری
در نیمه‌ی دوم سال 46، برگزاری جشن‌ها تاجگذاری بهانه‌ی دیگری شد برای سرکوبی و خشونت بیشتر، هم در واکنش نسبت به تحرکات تازه‌ی نهضت و موضع‌گیریهای حضرت امام در نجف، و هم به عنوان پیش یری از فعالیت‌های قابل پیش‌بینی. چنین بود که نمایندگان حضرت امام در قم تبعید شدند و کتابخانه‌ی معظم له نیز غارت شد.
در چنین فضایی، اعلامیه‌ای با عنوان عزایی به نام جشن منتشر شد که در پی‌گیری آن گامجایی از او کشف شد و به دستگیری مجددش به تاریخ 46/8/20 انجامید و بار دیگر بازجویی‌ها آغاز شد، هر چند نه به خشونت بازجویی‌های گذشته. این بار نیز پایداری و هوشیاری او کارسازی بسیار داشت، گرچه محکومیتی نه چندان زیاد پی‌آمد این دستگیری بود. (سند شماره‌ی 0129 تا 0163).
اینک فرصتی است مناسب تا از نقش شخصیتی چون شادروان آیت‌الله سید احمد خوانساری در چنین رویدادهایی یاد شود. (سند شماره 0139) تا فراموش نکنیم که هر چند خط مشی سیاسی چهره‌هایی چون او با مشی سیاسی روحانیت مبارز متفاوت بوده است، اما پیوندی مشترک و مستحکم را در این میان، باید مانع گسستگی این مجموعه ارزیابی کرد.
سال 1347، در یک نگاه
فشار روزافزون رژیم، هر چند نیروهای مبارز را در تنگنایی سخت قرار می‌داد، با این همه، در همین تنگنا نیروها پالایش می‌شدند. در این پالایش طبیعی، همچنان تنها عناصری به نهضت وفادار می‌ماندند که شخصیتی استوار داشتند. چه جای تردید که باید یک مبارز را با چنین ویژگی، از هزاران تماشاچی متزلزل ارزشمندتر داشت. چنین بود که در سخت‌ترین شرایط اختناق که نمایندگان حضرت امام در قم، چونان دیگر استوانه‌های نهضت، تبعید و زندانی بودند و مدارس علوم دینی - از جمله مدرسه‌ی حاج ابوالفتح تهران - با دسیسه‌ی سازمان اوقاف آلت دست ساواک به حال تعطیل در آمده بود، آری در فضایی چنین، عناصر وفادار به نهضت، هیچ فرصتی را در تعقیب هدف‌های مبارزه نادیده نمی‌گرفتند. از درج آگهی تسلیت و برگزاری مراسم یادبود، تا مجالس سوگ و سرور اهل بیت (سندهای شماره‌ی 180، 0175، 0165، و نیز سند 0164) از ورزشگاه امجدیه (دو سال بعد مسابقه‌ی فوتبال بین ایران و اسرائیل بهانه‌ای برای ابراز احساسات شدید بر ضد اسرائیل شد.)، تا مراسم مذهبی باشکوه و جهان شمول حج (همه سال پیام حضرت امام در حج پخش می شد. سال 47 با توجه به سفر شاه و حضورش در مراسم حج، این اقدام مفهوم دیگری داشت.)، از کمک به زلزله‌زدگان خراسان، تا امداد مبارزان فلسطین - که بدین منظور حسابی با امضای حضرات آیات علامه‌ی

طباطبایی، شهید مطهری و سید ابوالفضل موسوی زنجانی افتتاح و رسما اعلام شده بود. در همین زمان، کودتای حزب بعث را در عراق که طی آن حسن البکر رییس جمهور شد، در مجموع باید - در آن شرایط - به سود نهضت ارزیابی کرد.

تبدیل جلسات مذهبی به پایگاه مبارزه

هر چند که سیاسی شدن مساجد و حسینیه‌ها را از پی‌آمدهای حماسه‌ی 15 خرداد - در همه جای کشور - باید به حساب آورد، اما حضور او در تهران فصل دیگری است از این داستان:

از مسجد قائمیه در پل سیمان و جلسه‌ی قرائت قرآن در حسین‌آباد بی‌بی زبیده - جنوبی‌ترین نقطه‌ی تهران - تا جلسات پی‌درپی و پرشور هیئت انصار الحسین (سندهای شماره 0167 تا 0260/1، 0255/2 تا 0353.) و مسجد هدایت (سند 0305/1 تا 0317) - در مرکز شهر - تا حسینه‌ی ارشاد در شمال تهران، (سندهای شماره‌ی 0257/1 تا 0258 و 0295/1 تا 0295/2، 0331/1 تا 0331/2)، همه جا مردم با عشق و عطش از سخنرانی‌هایش استقبال می‌کردند و امید می‌گرفتند. این جلسات لبریز از شور و نشاط تا چندی، به رغم ممنوع المنبر بودن او پی‌گیری‌های ساواک (سند شماره 0333-0338)، ادامه داشت.

گفتنی است این سخنرانی‌ها از دو نظر - در آن سال - مهم و ارزشمند بود:

1. از نظر سیاسی، که نقش آن در فروزان داشتن آتش مبارزه، بی‌نیاز از هر توضیح است.

2. از نظر فرهنگی، با توجه به حضور جدی‌تر سازمان‌های مخفی و متشکل وابسته به مارکسیست‌ها و جریان کمونیستی در صحنه، و ترویج ایدئولوژی الحادی در میان نسل جوان.

پیوند با دانشجویان مبارز خارج کشور

تلاش در تحکیم و تعمیق پیوند با نهادها و نیروهای مبارز در فراسوی مرزها - که فراهم شدن زمینه‌ی آن از ارزشمندترین دست‌آوردهای حماسه‌ی 15 خرداد است - فصلی دیگر از کارنامه‌ی اوست، هر چند انعکاس آن در گزارش‌های ساواک بسیار کم‌رنگ است (سندهای شماره‌ی 0320 تا 0321/5 و نیز 0343 تا 0344)، و از آن کم‌رنگ‌تر - که بسا ردیابی آن جز در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نباشد - پیوند اوست با نهادها و سازمان‌هایی که در آن روزگار پرچمدار مبارزه با اسرائیل بودند.

جمع‌بندی مسائل عمده‌ی نهضت در سال 48

با هوشیاری و متانت حضرت امام از یک سو، و روند تحولات ایران و عراق از دیگر سو، پیش‌بینی‌های کارشناسان ساواک تحقق نیافت و سرنوشت، رهبر نهضت اسلامی را بر بلندای مرجعیت جای داد. آنچه در این سال بر

ابهت و شکوه حضرت امام می‌افزود، موضع‌گیری‌های بهت‌آورش در دفاع از آیت‌الله حکیم و ایرانیان مقیم عراق بود که از سوی حزب بعث مورد اهانت و آزار بودند. آتش‌سوزی مسجدالاقصی در این سال احساسات هواداران نهضت اسلامی را شعله‌ور ساخت. در همین حال، جدایی روحانیت سنتی از نهضت و راه امام، که هر روز نمایان و نمایان‌تر می‌شد، به جریاناتی دیگر فرصت حضور بیشتر و بیشتر در صحنه‌ی مبارزه می‌داد؛ جریاناتی که در براندازی رژیم با نهضت اسلامی هم سویی داشتند، در حالی که برای آینده‌ی کشور خواب و خیال‌هایی دیگر می‌پروراندند. در این میان، عالم نمایانی که ترس خود را از رژیم با توجیهاتی چونان دفاع از ولایت سرپوش می‌نهادند، روحانیت مبارز را تخطئه و تضعیف می‌کردند؛ این همه در حالی بود که نشانه‌های ظاهری بیانگر استواری رژیم بود، با موقعیت بسیار مطلوبی از نظر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل.

طرح شعار حکومت اسلامی

در جمع‌بندی آنچه اشارتی رفت، تصویری از مسائل سال 48 در نگاه می‌نشیند که مواضع و عملکرد حضرت امام را جلوه و درخششی ویژه می‌دهد:

حضرت امام از یک سو با فرود آوردن نهیب فریاد بر سر عالم نمایان مخالف مبارزه - با عنوان روحانیون درباری - به تقویت روحانیت مبارز می‌پردازند، از سوی دیگر، با طرح شعار حکومت اسلامی - با عنوان ولایت فقیه - بر سینه‌ی خیل نامحرمانی که بیم آن می‌رفت که در صفوف مبارزان رخنه کنند دست رد می‌زنند و همچنان با طرح بحث‌های اخلاقی، معنویت مبارزه را مورد تأکید قرار می‌دهند و در تضعیف گرایش به مادیگری - که در آن روزها آفت نهضت بود - می‌کوشند. و او سخت می‌کوشید که با آنچه در آن روزها بر ایران می‌گذشت، کاستی‌ها را جبران کند، جای خالی رفیق‌های نیمه راه را پر کند، نسل جوان را یاری دهد و آتش مبارزه را با کمک در پخش پیام‌های رهبر، فروزان نگه دارد. این همه، در شرایطی بود که عوامل اطلاعاتی رژیم با همه‌ی امکانات، او را در منظر خود داشتند و می‌کوشیدند هر گامجایش را با صد نگاه پی گیرند. (سند شماره‌ی 0353 تا 0377).

او نیز از یک سو در هدایت نیروها و پیش‌گیری از سوءاستفاده‌ها، به هر بهانه و با هر شعار، می‌کوشید (سند شماره 0378/1 تا 0381/2)، و از سوی دیگر با حضور در جلسه‌های تشکل یافته‌ی روحانیت مبارز در جهت گسترش و تقویت جبهه‌ی هوادار نهضت و امام تلاش می‌کرد. (سند شماره‌ی 0382 تا 0426/2) هم زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی در مسجد هدایت، هیئت انصارالحسین، جلسه‌های خصوصی و مسجد همت تجریش - که رفته‌رفته، به صورت پایگاه دیگری برای نهضت در آمده بود - حضور

نسلی نو و بالنده را در فرازی حساس از تاریخ پاسداری می‌کرد. (سندهای شماره‌ی 0428/1 تا 0490) به این همه، باید تلاش‌های ظریف‌تری را افزود که نیازهای نو به نو مبارزه زمینه‌سازشان بود و می‌بایست چنان انجام شود که نه تنها از چشم و گوش دشمن و عناصر مشکوک، که حتی از چشم و گوش بسیاری از دوستان، پنهان باشند؛ در این مورد به نمونه‌ای بسنده می‌شود که از آن انعکاسی کم‌رنگ در اسناد به جای مانده است، و بیش از این را تنها باید از بایگانی خاطره‌ها فرا کشید:
در پی طرح بحث ولایت فقیه در نجف، نخستین گامی که برای تکثیر جزوه‌های آن برداشته شد، با اطلاع و حمایت بی‌دریغ او بود. با این همه، واکنش او در جلسه‌ی دوستان صمیمی چنان بود که گویی کمترین اطلاعی در این زمینه ندارد. (سندهای 0472/1 و 0472/2).
نگاهی به فضای سیاسی کشور در سال 49
سال 1349 هجری شمسی، شاهد رویدادهایی است که هر یک بیش یا کم، بر روند و سرنوشت نهضت اسلامی در کشورمان اثر گذاشته‌اند. اهم این رویدادها را می‌توان چنین برشمرد:
1. درگذشت جمال عبدالناصر و انتخاب انور سادات به ریاست جمهوری مصر.
2. برقراری مجدد روابط سیاسی مصر با ایران، اندکی پیش از درگذشت ناصر.
3. زمامداری حافظ اسد در سوریه، در پی کودتای بی‌خونریزی.
4. حضور گسترده‌ی سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران که شهادت آیت‌الله سعیدی را به دنبال داشت.
5. رحلت آیت‌الله العظمی حکیم در عراق که هواداران حضرت امام را بر آن داشت تا بی‌پرواتر از گذشته، در جهت ترویج مرجعیت حضرت امام تلاش کنند و واکنش رژیم و تبعید تنی چند از مدرسین قم را در پی داشت و حساسیت بیشتر نسبت به پایگاه‌های نهضت در تهران و تبعید و دستگیری شماری از چهره‌های برجسته‌ی روحانیت مبارز.
نقش مهم جلسه‌ی روحانیت مبارز
از اولین سال‌های حضور او در تهران تشکلی در میان شماری از روحانیون هوادار نهضت شکل گرفت که کانون مقاومتی بود در بدترین روزهای اختناق، با جلسه‌های هفتگی. می‌توان گفت که نقش این جلسه‌ها در بهره‌برداری از مجالس یادبود آیت‌العظمی حکیم و رودروریی با جبهه‌ای از روحانیت سنتی که خواهان انزوای حضرت امام بودند، بر روند و سرنوشت نهضت بسیار مهم و اثرگذار بوده است. (سندهای شماره‌ی 0498/1 تا 0504/2) از این پس رژیم با حساسیت بیشتری، حضور او را در پایگاه‌های چونان هیئت انصارالحسین پی‌گیری می‌کرد. (سندهای شماره 0507 و

0509) با این همه، نه تنها او فعالیت گذشته را ادامه می‌داد، حتی در سنگرها و پایگاه‌هایی جدید حضور می‌یافت که در این میان، نقش وی را در محال دانشگاهی و نیز حسینیه‌ی ارشاد، با دقت بیشتری باید بررسی و تحلیل کرد. (سندهای شماره‌ی 0524/1 تا 0572/2).

موج مبارزه‌ی مسلحانه

سال 1350، نقطه‌ی عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران. با نگاه به گذشته و بر پایه‌ی جمع‌بندی پی‌آمدهای حماسه‌ی 15 خرداد، اینک می‌توان گفت:

گروه‌های مسلح و متشکل، با محوریت دو سازمان نیرومند به نام سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، و - در غیاب حضرت امام - با داعیه‌هایی، ناگهان در صحنه حضور یافتند، با گزینش سنجیده‌ی زمانی مناسب؛ زمانی که رژیم، برگزاری جشن‌های 2500 ساله را در سطحی گسترده تدارک می‌دید. هر چند که این حرکت در روند انقلاب به سرنوشتی اسف‌بار دچار شد؛ اما در تلحیل آن باید پژوهشی گسترده صورت گیرد که در حوصله‌ی این دفتر نیست؛ با این همه، جنبش مسلحانه در آن جو خشونت و اختناق، چنان جاذبه‌ی نیرومندی داشت که از نسل جوان دل می‌ربود و چشم و گوشش را بر هر نغمه‌ی مخالف فرومی‌بست. به ویژه که در غیاب حضرت امام و با فشارهای رژیم، میدان برای مقابله‌ی با آن خالی مانده بود. شمار شخصیت‌های روحانی که به مبارزه وفادار مانده بودند اندک می‌نمود، هر چند که خیل فرزندان فیضیه را دل در گرو عشق امام بود. بگذریم که کسانی هم از پشت یاران را خنجر می‌زدند. اگر بخواهیم تصویر روشن‌تری از فضای آن روزها ارائه کنیم، می‌توان اشاره‌ای کرد به داستان بازگشت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی و جوسازی وحشتناکی که به بهانه‌ی برخی اظهارنظرهای وی - هم سو با کتاب مسأله‌ی حجاب آیت‌الله شهید مطهری - در حسینه‌ی ارشاد، ترتیب یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. مثال دیگری که فضای آن روزها را تا حدودی در نگاه می‌نشاند، دشوارهایی است که در برگزاری مراسم یادبود مهندس پسندیده - فرزند آیت‌الله پسندیده - برای هواداران نهضت پیش آمد.

اما و اگرهای تاریخ

واقعیت این است که در تاریخ، پس‌بینی آسان‌تر از پیش‌بینی نیست. به راستی اگر در آن روزها پایگاه‌هایی چونان هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجدالجواد، حسینیه‌ی ارشاد...نسل جوان و شیفته‌ی انقلاب را پذیرا نمی‌بودند، یا شماری انگشت‌شمار چونان او به نهضت وفادار نمی‌ماندند، چه پیش می‌آمد؟ پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، بسیار دشوار است.

به هر حال او می‌بایست بار سنگینی را - که بسیاری از برداشتن آن شانه

خالی کرده بودند - به دوش می کشید. چنین بود که هم زمان، دو گونه تلاش ناسازگار را تن می‌داد.
1. تلاش‌های پشت پرده که ردیابی آن جز در لابلای اسناد و - بیش از آن - در پرده‌ی خاطرات، امکان‌پذیر نیست. (سندهای شماره‌ی 0575/1 تا 0603/1، 0597، 0581، 0576 و 0607/1، 0306/2 و 0610/1، 0607/2 و 0627/1، 0620، 0613، 0610/2 و 0635/1، 0627/2 و 0637/1، 0635/2 و 0647/1: 0637/2 و 0652، 0647/2).
2. تلاش‌های آشکار که در این سال بیش از پیش در اوج بود، چنان که بهار این سال با سخنرانی در رفسنجان - با بهره‌گیری از فرصت تعطیلات عید - آغاز می‌شود. (سندهای شماره‌ی 0574/1 و 0574/2) و به رغم حساسیت رژیم - به خاطر برگزاری جشن‌های 2500 ساله و پیش‌بینی کارشکنی‌هایی از سوی انگشت‌شمار عناصری چونان او، (سندهای شماره‌ی 0630/1، 0622، 0616 و 0630/2). و به رغم، ممنوع المنبر شدن وی (سندهای شماره‌ی 0594 و 0595 و 0602) همچنان در مجالسی چون هیئت انصارالحسین، مسجد هدایت، مسجد الجواد و غیره حضور می‌یابد و علاوه بر آن به شهرهای همدان (سندهای شماره‌ی 0600/1 و 0600/2)، قزوین (سندهای شماره‌ی 0631/1 تا
0634/2) و اصفهان (سندهای شماره‌ی 0614 تا 0615 و 0619) نیز سفر می‌کند و خشم رژیم را بیش از پیش برمی‌انگیزد. هر یک از این سخنرانی‌ها را مزاحت‌هایی چون احضار و بازداشت پی‌آمد بود. هر چند به زندان نینجامید. در این میان، تنها در اصفهان با خشونت بیشتری برخورد شد، که چند روزی زندان آن شهر را هم تجربه کرده است.

دستگیری مجدد

سرانجام، بار دیگر به تاریخ 50/7/14 دستگیر و به زندان قزل قلعه سپرده می‌شود که دیگر بار، موجی از نگرانی دوستان را در پی دارد و هر هفته، خیل هواداران نهضت در پایگاهی چند - به ویژه هیئت انصارالحسین - جای او را با حسرت و تأسف خالی می‌دیدند.
برای، بازجویی، شکنجه و تهدید، به هیچ وجه تازگی ندارد، و با هوشیاری این مرحله را نیز می‌گذراند. (سندهایشماره 0653 تا 0685/2).

روند مبارزه در سال 51

در سال 51 که رژیم شاه به ظاهر موقعیت مطلوبی از نظر سیاست خارجی داشت، چنان که می‌توان گفت - صرف‌نظر از تشنج در روابط ایران و عراق و برخی کشورهای عربی هم جوار - مشکل عمده‌ای دیده نمی‌شد، در همین حال، مشکلات حادی در کشور نمودار بود. در این سال، 130 مورد انفجار مهم، 12 زد و خورد خیابانی، 8 مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری سیاسی، فضای سیاسی کشور را دگرگون

کرده بود. دانشگاه‌ها ناآرام بود، به ویژه شورش در دانشگاه تبریز، رژیم را با موجی از نگرانی در تنگنا گذاشته بود. فیضیه نیز صحنه‌ی تظاهرات مکرر و چشمگیرتر از گذشته بود که در پی‌آمد آن - گذشته از دستگیری شماری از فضلا و طلاب - می‌توان به سربازگیری طلاب اشاره کرد. ترور سرتیپ طاهری و مرگ سرهنگ مولوی در ساحنه‌ی هوایی، موجی از شادی - به ویژه در تهران - به دنبال داشت انفجارهای پی‌درپی در جریان سفر نیکسون به تهران خشم رژیم را برانگیخته بود.
برای کسانی مانند او که مبارزه با رژیم را جدی گرفته بودند، چنین تحولی، بسیار مهم ارزیابی می‌شد و طبیعی بود که از پاره‌ای کاستی‌ها - در سازمانی که در این تحول نقش عمده را داشت، هر چند که زمینه‌ی اصلی آن را حماسه‌ی 15 خرداد فراهم کرده بود - با اغماض بگذرند و به حل و جبران آن بکوشند و امیدوار باشند. از سوی دیگر، انحراف‌های فکری سازمان، در آغاز چندان آشکار نبود و شماری از سران، در ظاهرسازی و ریاکاری، بسیار چیره‌دست بودند. چنین بود که با پیش زمینه‌هایی از گذشته، زندان قزل قلعه در واپسین ماه‌های سال 50 و نخستین ماه‌های سال 51، زمینه‌ای برای ارزیابی او از موج نوین و مبارزه‌ی مسلحانه شد، با نگاهی در مجموع مثبت که حمایت مشروط وی از این جریان را در پی داشت؛ هر چند که از این حمایت سوءاستفاده‌های ناجوانمردانه‌ای شد، ولی نمی‌توان این واقعیت آشکار را منکر شد که در تقویت نهضت اسلامی نیز، این جریان بی‌تأثیر نبوده است که ارزیابی آن، موضوع پژوهش و تحلیلی است پیچیده و ظریف، به دور از تنگ‌نظری و تعصب.
او بار دیگر به زندان افتاد، مدت این زندان، چیزی کمتر از یک سال بود: دو ماه در اوین قدیم، دو ماه در قزل قلعه و چند ماه در زندان عشرت‌آباد. هر یک از این مراحل دست‌آوردی داشت، در اولین و در سلول انفرادی که فرصت هیچ کاری نبود، حدود نیمی از قرآن را حفظ کرد.
ماه‌های نخستین از سال 51 را در زندان قزل قلعه پشت سر گذاشت و پس از آزادی، از همان لحظه‌ی نخست (سندهای شماره 0686 تا 0687) با احساس مسئولیت سنگین در شرایط حساس جدید - بی‌پروا به تلاشی جدی‌تر از گذشته پرداخت، چنان که حساسیت رژیم را بیش از پیش برانگیخت. و بار دیگر دستگیری او را آهنگ کردند. (سندهای شماره‌ی 0688 تا 0738/2) و چند هفته پس از آزادی در رفسنجان بازداشت و پس از چند روز تحمل زندان در کرمان به قزل قلعه در تهران منتقل شد و چهل و پنج روز دیگر در زندان انفرادی ماند. در همین دوره‌ی کوتاه زندان، یادداشت‌های ارزشمندی در موضوع «اشرافیت در قرآن» با استفاده از قرآن که تنها مونس او در زندان بود تهیه می‌کرد. پس از رهایی، در حالی که نامش در ردیف اول لیس ممنوع المنبرها بود، (سند شماره 0740)،

تلاش می‌کرد تا از فرصت رمضان به سود مبارزه بهره‌برداری شود (سند شماره‌ی 0748)، و خود نیز از مجامعی برای سخنرانی استفاده می‌کرد (سندهای شماره‌ی 0757 و 0764/1 تا 0797/2)، علاوه بر حضور مستمر در جلسه‌های هم‌اندیشان، پس از تعطیل جلسه‌ی گذشته، به دلیل اطلاع از رخنه کردن عوامل ساواک در آن. (سندهای شماره‌ی 0765/1 و 0765/2).سرانجام، ناگزیر سخنرانی در مجامع عمومی - به ویژه هیئت انصار الحسین -را به دیگران وانهاد (سند شماره‌ی 0798/1 و 0798/2)، و خود تلاش‌های اساسی‌تری را عهده‌دار شد.
موج گسترده‌ی تبعید مدرسین قم، در پی تعطیل پایگاه‌های نهضت در تهران هرچند موقعیت رژیم در سیاست بین‌المللی بیش از پیش تثبیت شده ارزیابی می‌شد و تلاش وزارت خارجه در ایجاد موازنه در سیاست خارجی موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید، با این همه، موج فزاینده‌ی نارضایتی در نسل جوان دانشگاهی و پیوند معنوی نسل نو حوزه با دانشگاه و اتحادشان در گرایش به براندازی رژیم، به صورت مشکلی سیاسی و اساسی نمایان شد. در این میان، جنگ اعراب و اسرائیل و پی‌آمدهای آن، این مشکل را بغرنج‌تر و پیچیده‌تر کرد؛ چرا که، با همه‌ی تلاش تبلیغاتی رژیم در جهت القای این باور که شاه را نقشی است میانجی‌گرانه و اصلاح‌گرایانه، تبلیغات نهضت، شاه و اسرائیل را در یک جبهه قلمداد می‌کرد و موج عواطف اسلامی را بر ضد آن برمی‌انگیخت. در همین شرایط، موضع‌گیری مردم در حمایت از مبارزان فلسطین، موجی شکننده را به سوی رژیم گسیل می‌کرد. افزون بر این همه، آنچه در این سال افغانستان پیش آمد و پی‌آمدهای قابل پیش‌بینی آن نیز برای رژیم خالی از نگرانی نبود. افزایش نرخ نفت هم در این سال واکنش‌ها و پی‌آمدهای داشت که در تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایران در آن زمان نباید نادیده گرفت.
شاید بتوان با جمع‌بندی نکته‌های بالا و ترسیم فضای سیاسی کشور در سال 52، تا حدودی ریشه‌یابی و زمینه‌شناسی خشونت رژیم را در سرکوبی نهضت، توفیق یافت. به هر حال ساواک با خشونت به قلع و قمع هواداران نهضت پرداخت و علاوه بر دستگیری گسترده‌ی دانشجویان و طلاب، و در پی تهاجم به مسجد هدایت، مسجد الجواد و حسینه‌ی ارشاد و پایگاه‌های نهضت در تهران در سال 51، حوزه‌ی قم را در این سال مورد یورش قرار داد و شماری در خور ملاحظه از فضلا و مدرسین را به سرتاسر کشور تبعید کرد. اینگونه تلاش‌های رژیم، هر چند که موجی از ترس و وحشت را در کوتاه مدت در پی داشت، در بلند مدت به سود نهضت انجامید. حضور هر تبعیدی در هر منطقه، شعاع مبارزه را گسترده و گسترده‌تر می‌کرد، چنان که تعطیل شماری از پایگاه‌های نهضت، پیدایش پایگاهی جدید را به دنبال داشت. در مثل، اگر مسجد هدایت، مسجد الجواد

و حسینیه‌ی ارشاد بسته می‌شد، نام پایگاهی دیگر چون مسجد جاوید بر سر زبان‌ها می‌افتاد...
در فضایی با این ویژگی‌ها، و در حالی که ساواک از همه سو در مراقبت او نیروهایش را بسیج کرده بود (سندهای شماره‌ی 0806 تا 0814) او از یک سو در جهت هدایت موج عواطف ضد صهیونیستی تلاش می‌کرد، (سندهای شماره‌ی 0827 تا 0851)، و از دیگر سو با پیوندهای ناشی از امدادرسانی به فلسطینی‌ها از رهگذر سفارتخانه‌های کشورهای عربی، در جهت دامن زدن به موج مبارزه بر ضد رژیم و گسترش دامنه‌ی آن به فراسوی مرزها می‌کوشید. نمونه‌ای از این تلاش، سبب سازی ظریفی است در وادار کردن سفارت مصر، تا عراق را تحت فشار قرار دهد و از همکاری با رژیم، در انتقال حضرت امام از نجف، که آن روزها شایعه‌های نگران کننده‌ای در این زمینه پخش شده بود. (سندهای شماره‌ی 0818/1 و 0818/2)، باز دارد.
سال 51-53
خشونت روز افزون رژیم او را در این مقطع به پنهان کاری هر چه بیشتر کشاند؛ چنان که هر چه عوامل اطلاعاتی رژیم بیشتر می‌کوشیدند، کمتر سرنخی نصیب می‌بردند. (سندهای شماره‌ی 0828/1 تا 0847) پاره‌ای اسناد بیانگر این واقعیت است که اگر در رویدادی - چونان دستگیری بعضی دوستان - نیاز به خبرگیری از سرنوشت آنان بود، از روابط خانم‌ها - که به هر حال انعکاسی طبیعی‌تر داشت -استفاده می‌شد. (سند شماره‌ی 0844).
یکبار هم حضور همسر او در جمع بانوان متحصن در قم براپیش پی‌آمدی داشت، چنانچه دیگر بار، در سفری به نوق، در رفسنجان دستگیر و پس از حدود پنجاه روز آزاد شد. هوشیاری‌اش در این دستگیری، ساواک را به موضع انفعال کشانید که زمینه‌ای شد برای فراهم کردن ملاقاتی با مقدم. او کوشید که از این ملاقات در جهت حل مشکلی اساسی و برداشتن سدی از راه مبارزه سود جوید و مقدم را قانع کند که شکنجه‌ها و اهانت‌های بی‌حساب نه تنها مجاهدان را از میدان به در نمی‌کند که مصمم‌تر نیز می‌کند.
در ترسیم فضای سال 53 یادآوری نکته‌هایی سودمند است:
با درگذشت آیت‌الله شاهرودی که - به ویژه در استان خراسان - مقلدان فراوانی داشت، زمینه‌ی دیگری در ترویج مرجعیت حضرت امام فراهم شد. شاید به همین دلیل، مشهد شاهد خشونت سخت‌تری بود که دستگیری مقام معظم رهبری را که - در آن استان محور اصلی نهضت بود - در پی داشت. درگذشت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین غفاری در زندان قصر نیز در قم بازتابی بسیار گسترده داشت، با شایعاتی فراگیر به

عنوان شکنجه و شهادت وی. موضع‌گیری حزب مردم در مجلس نیز در این سال پرسش برانگیز و زمینه‌ی پژوهشی جدی است.
از مسائل داخلی که بگذریم، در سیاست خارجی نیز رویدادهایی مهم اثرگذار بود که عمده‌ی آن، حل اختلاف ایران و عراق است و انعقاد قراردادی میان دو کشور در الجزایر به عنوان کشور میزبان، که پیروزی قابل توجهی برای ایران ثبت کرد. شرکت در عرفات به عنوان نماینده‌ی فلسطین در سازمان ملل نیز آغاز حرکتی بود در جهت حل یکی از مشکلاتی که همواره برای رژیم شاه نیز مسئله آفرین بود. بدین‌سان می‌توان گفت که رژیم به چشم‌انداز روشن‌تری در موقعیت جهانی خود چشم دوخته بود. در همین حال در پیوند با افزایش نرخ نفت، امکانات مالی بیشتری در اختیار رژیم قرار گرفت.
سال 53-54
با تنگ شدن عرصه بر مبارزان، هر جریانی می‌کوشید ضلعی از میدان مبارزه را به فراسوی مرزها بکشاند و بیرون از کشور، هسته‌ها و پایگاه‌هایی ایجاد کند. با حضور امام در عراق، زمینه‌سازی مطلوبی در این میدان برای نهضت اسلامی شده بود که نیاز به تقویت، بهره‌برداری و رسیدگی داشت.
چنین بود که سفرهایی بیرون از مرزها و در دو نوبت، بخشی عمده از کارنامه‌ی مبارزاتی او را در این مقطع به خود اختصاص داد، با دست آوردهایی فراوان و ارزشمند، به ویژه دیدار و گفت و گو با امام پس از سال‌های سنگین فراق و نیز بازدید اردوگاه‌های فلسطین، همراه امام موسی صدر، و ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز اسلامی ایرانی با امکانات مطلوب شیعیان لبنانی و مجاهدان فلسطین.
سوریه و لبنان، عراق، فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند و ایالت‌هایی از آمریکا را با این انگیزه در نوردید. ژاپن، ترکیه، پاکستان، ایتالیا، یوگسلاوی و کشورهای اسکاندیناوی - هر یک به دلیلی - به این مجموعه اضافه شدند. کمک به نیروهای همراه در خارج و تلاش برای رفع اختلافات و ابهامات‌شان بخشی از ثمرات آشکار این سفرهاست.
از سوی دیگر، آشنایی با دو رویه‌ی تمدن غرب از ضرورت‌هایی بود که هر کس انگیزه و فکری اصلاحی داشت نیاز به آن را احساس می‌کرد. در این سفرها برای او هم فرصتی پیش آمد که چنین نیازی را پاسخگو باشد. از دیوار برلن تا موزه‌ی بمباران هیروشیما، از آسمان خراش‌های شیکاگو تا موزه‌ها و مراکز فرهنگی لندن و از جنگل‌های ردوود تا محله‌های هالیوود... همه در این قلمرو قرار گرفتند.
سال 54-55
گویی تقدیر الهی چنین است که رژیم‌های خودکامه، در اوج موفقیت، با

بازی هنرمندانه‌ی سرنوشت به روند واژگونی کشانده شوند. در داستان انقلاب اسلامی ایران نیز یک بار دیگر ایران و جهان تماشای چنین هنری را در بازی سرنوشت فرصت یافتند:
سال 54 - در پی قرارداد الجزایر - هویدا به عراق سفر کرد. گویی رژیم در ایجاد موازنه در سیاست خارجی به جایگاه دلخواه رسیده است؛ چنان که این جایگاه، ستایش مقامات رسمی چین کمونیست را - که در آن روزها قبله‌ی جریانات چپ در این مرز و بوم بود - نیز برانگیخت. اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونیست مشکلی جز با فیدل کاسترو اظهارات شاه هم بیانگر این نکته بود که در میان رهبران کمونسیت مشکلی جز با فیدل کاسترو برجای نمانده است. پیوند تنگاتنگ ایران و غرب به ویژه آمریکا نیز بیش از پیش مستحکم می‌نمود، چنان که خشم و حسادت شیوخ جنوب خلیج‌فارس به ویژه عربستان را برانگیخته بود.
در سیاست داخلی نیز، اعلام مواضع مارکسیستی سازمان مجاهدین خلق - به رغم اندرزهای عالمان مبارز - موجی از شادی رژیم و نومیدی قشرهای مبارز را در پی داشت، و در پی آن دستگیری حضرات آیات طالقانی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی و.... هرچند که با فاصله‌ای کوتاه موج تندی از ترور و انفجار در تهران و سرتاسر کشور گزارش می‌شد، ولی برای ساواک بیش از دیگران روشن بود که این، نه از قدرت سازمان، که از متلاشی شدن آن حکایت می‌کند، چیزی همانند انتحار.
اعلام تأسیس حزب فراگیر رستاخیز، تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی و پاره‌ای الدرم بلدرهم‌های شاه در برابر غرب - در پیوند با افزایش نرخ نفت - همه ناشی از غرور و شاه و رژیم بود....
ناگهان گویی ورق برگشته است و نشانه‌هایی از دوگانگی مهمی در سیاست آمریکا نسبت به شاه و رژیمش نمایان شد که ملاقات شاه و راکفلر در جزیره‌ی خارک را می‌توان از واکنش‌های مربوط به این دوگانگی دانست. در همین حال، در پاره‌ای مصاحبه‌های شاه، اشاره به وصیتنامه‌ای شد که شایعه‌ی بیماری وی را دامن می‌زد. نمی‌دانیم، شاید همین بیماری، در دوگانگی سیاست آمریکا بی‌اثر نبود. به هر حال، پیروزی کارتر در انتخاب آمریکا، شاه و رژیم را نگران کرد. کارتر نیز که ارزیابی درستی از قدرت مذهبیون و حضرت امام در ایران نداشت، با فشار بر شاه برای باز کردن فضای سیاسی کشور، دست به اقداماتی زد که به زودی پشیمانی او و حزبش را در پی داشت، هر چند که دیگر دیر شده بود.
سال 56-57
شگفتا: او که در اوج اختناق رژیم و غربت انقلاب، همیشه در صحنه حضور داشت و عشق به مبارزه در راه آزادی و عدالت، لحظه‌ای آرامش

نمی‌گذاشت و با همه‌ی هوشیاری و فطانت و به رغم نیازی که همگان در حراست از وی احساس می‌کردند، هرازگاه دل به دریا می‌زد و در استقبال خطر آغوش می‌گشود، آری، با این همه، بازی سرنوشت چنین پیش آورد که در پرهیجان‌ترین شرایط از مبارزه و مردم دور باشد! در محرم و عاشورای 42 و در آستانه‌ی حماسه‌ی 15 خرداد، دست سرنوشت او را به بندان پادگان‌های نظامی کشانید. اینک نیز که به هر حال، فضای باز سیاسی پیش آمده است و هر روز خبری هیجان‌انگیز موج می‌افکند، خبرهایی چونان لغو محکامه‌ی سری نظامی، عفو پی در پی زندانیان سیاسی، برداشته شدن شکنجه، بهبود وضع زندان‌ها، برداشته شدن گارد دانشگاه، بیانیه‌های پی‌درپی احزاب، نامه‌های سر گشاده از چپ و راست، درج خبرهای تظاهرات در روزنامه‌ها، بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها، استعفای مهره‌های پرآوازه‌ی رژیم، تغییر کابینه، تظاهرات فراگیر دانشگاه‌ها، اعلام موجودیت جمعیت‌های سیاسی، برپایی مجالس پرشکوه سیاسی، موج فزاینده‌ی تظاهرات در خارج از کشور، در گذشت دکتر شریعتی و پی‌آمدهای آن، و از همه مهم‌تر، رحلت آیت‌الله سید مصطفی خمینی - که در آن فضا مشکوک تلقی می‌شد - ناگهان چونان زلزله‌ای سیاسی کشور را تکان داد و همه‌ی محاسبات و معادلات را در هم ریخت....
اینک که آتش انقلاب شعله‌ور شده است، سرنوشت، به او مجال جوشیدن در این آتش شعله‌ور را نمی‌دهد! با شماری هم‌اندیشان در گوشه‌ی زندان اوین از دور دستی بر آتش دارند. هرچند که او و هم بندانش، زندان اوین را نیز به کانونی فعال بدل کرده بودند و در پاسخ به یکی از نیازهای حساس و مبرم انقلاب نقشی بسیار مؤثر داشتند. (سند شماره‌ی 0879) او، با آن که پرونده‌ای بسیار سنگین داشت، به ویژه با تک‌نویسی کینه‌توزانه‌ی وحید افراخته که کوشیده بود بدترین ذهنیت را در مورد وی شکل دهد، (سندهای شماره‌ی 0890/1 و
0890/2 و نیز سند شماره 0906/1 و 0906/2)، با این همه، قبل از آنکه به سرنوشت خویش بیندیشد، به سرنوشت انقلاب می‌اندیشد. هر چند هوشیاری و زیرکی وی در پنبه کردن رشته‌های عناصری ناجوانمرد و چند چهره، در نگاه انقلاب آشنایان برگ‌هایی است زرین در کارنامه‌ی سیاسی او، اما از آن زرین‌تر و افتخار آفرین‌تر، برگ‌هایی است نانبشته که از نگاه دشمن پنهان مانده و در اسناد از آن انعکاسی نمی‌توان یافت و ردیابی این همه جز با جست و جو در بایگانی خاطره‌ها امکان‌پذیر نیست.
افزون بر این همه، تلاش فرهنگی اوست، بیرون و درون زندان که این فرصت می‌توان به دو کار اساسی اشاره کرد:
1. تلاش در نگارش زندگی نامه‌ی امامان معصوم که در سال‌های 53-54

آغاز شد و ناتمام ماند و اینک شماری از فضلای حوزه‌ی قم در تلاش تکمیل و پرداش آن هستند. 2. فراهم کردن بانک اطلاعات قرآنی که کارهای زیربنایی آن در زندان اوین به انجام رسید و اینک در جهت تکمیل و پردازش آن نهادی در قم پدید آمده است و مجلداتی از آن آثار منتشر شده است.

آزادی از زندان

سرانجام در پاییز سال 57، در طلیعه‌ی بهار آزادی، با انقلاب مردم به پاخاسته درهای زندان گشوده شد و مردم انقلابی ایران، حضرات آیات طالقانی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و دیگران را در آغوش گرفتند و در پیوند با رهبری اسلامی در نوفل لوشاتو، کانونی نیرومند در ایران هدایت انقلاب را عهده‌دار شد. از این پس، هر روز رویداد و رویدادهایی عظیم را شاهد بود که در روز شمارهای انقلاب اسلامی به بسیاری از آن رویدادها اشاره شده است. در میان این رویدادهای بی‌شمار، دو مورد ویژگی خاصی دارد:

1. پیدایش شورای انقلاب در ایران که او از محورهای تعیین کننده در آن بود.

2. نخستین اقدام رسمی حضرت امام و اعزام هیئتی به خوزستان با مأموریت رسیدگی به مسایل نفت با عضویت و نقش تعیین کننده‌ی او در آن هیئت (کیهان، شماره‌ی 16، 10605 دی ماه 1357).

بدین سان موج توفنده‌ی انقلاب اسلامی به سوی پیروزی تاریخی ایران و اسلام راه می‌پیمود و در واپسین روزهای نابودی رژیم خودکامه‌ی پهلوی، در محضر حضرت امام، او بود که فرمان نخست‌وزیری انقلاب را قرائت کرد. (کیهان، شماره‌ی 17، 10631 بهمن ماه 1357.) ما را در سر فصلی مهم و در روزهایی سراسر هیجان گویی این آیه در گوش‌ها طنین می‌افکند که: عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون. (قرآن کریم، سوره‌ی اعراف آیه‌ی 126).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

هاشمی کروبی، سیف الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سیف الله هاشمی کروبی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشته بود که پدر با این بشارت که برای مدرسه‌ی روستای ما معلمی آمد به خانه برگشت و مرا به مدرسه برد و بدین ترتیب از سال 1347 زندگی را در خانه‌ی دوم (مدرسه) آغاز کردم و بدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از 8 سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.
بعد از گرفتن مدرک سوم راهنمایی (سیکل) در مدرسه راهنمایی «صبح امید» واقع در روستایی که با دِهِ ما دو کیلومتر فاصله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخواندن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می‌گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمد و ابوی گرامی باز مرا به تحصیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی‌توجهی می‌کردم که ایشان به پدربزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.
چون جد پدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می‌کرد که مرا وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من با سکوت ایشان فهمیدم که نه تنها تاثیر نگرفتم بلکه اثر گذاشتم و بر تصمیم خود پافشاری کردم چون پدر راضی نمی‌شدند؛ در این هنگام بدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکت کردم و شب 25 آبان 1355 که ساعت 21/10 را نشان می‌داد؛ برای اولین بار به حرم بی‌بی فاطمه معصومه (س) مشرف

شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشیانه‌ی اهل بیت (ع) بیتوته کرده و صبح جمعه‌ای که باز منتظر و عدالت گستر حقیقی، جان تشنه منتظران فرج را با جام ظهور سیراب نفرموده به دیدار دوستی که سرنوشتی مثل من داشت به نام «سید مهدی حسینی» شتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.
بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمة الله علیه)، در سال 68 به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تاسف به دلیل نداشتن یک راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطرم را فراهم نمی‌کند.

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هاشم هاشمی گلپایگانی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1328/1/1
زندگینامه علمی
سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال 1328 هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال 1340 هجری شمسی در سن 12 سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال 1350 هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیة الله خویی» و «آیة الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).
ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال 1359 هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی نژاد، عبدالکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهید حجه اسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی نژاد در سال ۱۳۱۱ شمسی (۱۳۵۱ ق) در خانواده ای متدّین در « بهشهر» مازندران دیده به جهان گشود و از ۱۴ سالگی در محضر آیت الله کوهستانی و سپس در قم به مدت چهارده سال نزد آیات عظام: سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در دوران مبارزات اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) با خطبه ها و سخنرانی های حماسی و آتشین خویش، در نشر افکار انقلابی اسلام و افشای ماهیّت رژیم پهلوی، تمامی توان خود را به کار برد و در این راه متحمّل سختی ها و شکنجه های ایادی رژیم گردید. وی از ابتدای مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چندین بار دستگیر و به زندان های طولانی مدت محکوم گردید. این مجاهد انقلابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده استان مازندران در مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد، در تدوین قانون اساسی و به خصوص در جهت تثبیت اصل ولایت فقیه، زحمات بسیاری کشید. حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از پایان دوره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی مقام دبیری حزب جمهوری اسلامی مشهد را به عهده گرفت و از این پایگاه، حملات مداوم خود را متوجه نفاق حاکم بر بعضی مکان های دولتی و ارتجاع کرد و با ضد انقلاب به مبارزه سختی پرداخت. وی با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه های غرب و جنوب حضور یافت و با سخنرانی های پرشور خود، در بالا بردن روحیه رزمندگان نقش بسزایی ایفا کرد. آن شهید بزرگوار، پشتوانه محکمی برای انقلاب بود، از این رو نقشه ترور وی طرح شد و در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر ۱۳٦۰ در چهل و نه سالگی به دست یکی از منافقان کوردل، بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید. بدن پاره پاره این شهید عالی مقام پس از تشییع باشکوه مردم، در جوار مرقد منور امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

هاشمی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رضا هاشمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب سید رضا هاشمی در سال 1361 دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل 14/19 در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال 1362 همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.
در سال 1367 در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال 1368 در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال 1373 فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرة المعارف اسلامی» در تهران که دائرة المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال 1381 مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.
لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال 1367 تا 1380 در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال 1379 دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

هاشمی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید علی اکبرین مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسن موسوی طالحونچه‌ای طاب ثرا هما از علماء محترم اصفهان بوده و در سال 1318 ق در قریه مذکور متولد شد و دروس فارسی و مقداری مقدمات را خدمت مرحوم والدش و مرحوم حجه‌الاسلام آقا سید محمد حسین (جد مادری خود) فرا گرفته و مخصوصا در سه خط (1) نسخ قرآنی (2) شکسته (3) نستعلیق که از جد مادری خود تعلیم گرفته خیلی ممتاز بودند سپس برای تکمیل مقدمات عربی و سطح باصفهان حرکت و در مدسه جده بزرگ و مدرسه ناصریه به مسجد شاه و مدرسه‌ی مرحوم ثقه‌الاسلام آقا شیخ محمد علی نجفی اقامت و نزد اساتید بزرگ مرحوم حاج شیخ محمد علی یزدی و مرحوم حجه‌الاسلام آقا میرزا احمد مدرس و مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالقاسم دهکردی و دیگران تلمذ نموده تا در سال 1346 ق که مرحوم والدشان مریض سخت گردیدند ناچار برای عیادت ایشان بمحل معاودت نموده و بالاخره بعد از چند روز هم وفات نمودند بواسطه‌ی مراجعات و احتیاجات مردم و تقاضای اهالی وظیفه شرعی خود را تشخیص در توقف در محل داده و با جدیت تمام مشغول ترویج و انجام رتق و فتق امور محل گردیده تا زمانیکه اختناق اهل علم و طلاب پیش آمده و مسئله جواز عمامه و اتحاد شکل پیش آمده و این موضوع سبب شد که خانوادگی از محل مهاجرت و بعزم اقامت در اعتاب مقدسه به بلاد نجف حرکت نموده و موقعیکه وارد بشهر مذهبی قم شدند زمان ریاست و مرجعیت مرحوم آیه‌الله حایری قدس‌الله سره بود پس از اقامت چندی حوزه قم را مجهز برای تحصیل دیده از رفتن بعتبات عالیات منصرف و در قم توقف نموده و با برادر ارجمند خود جناب حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی مشغول خواند سطوح گردیده و دو برادر دیگرش آقای آقا طاها هاشمی و مرحوم ثقه‌الاسلام آقا حسین هاشمی نیز بتکمیل مقدمات پرداخته و مرحوم آقا حسین که در استعداد و ذکاوت بر همه فائق بود در شب عاشورا 1355 ق در اصفهان بدرود حیات گفته و برادر بزرگوارش حجه‌الاسلام حاج اسمعیل هاشمی در ماده تاریخ فوت او بفارسی گوید:
(بعاشورا حسین آسوده مأوی در جنان دارد)
مرحوم آقای هاشمی ثانیا بر حسب تقاضای اهالی از مرحوم آیه‌الله حایری -ره- بوطن برگشته و بخدمات دینی پرداخته و از خود آثاری بیادگار

گذاشتند.
از قبیل تعمیر مساجد و تربیت جوانها و غیره. آثار قلمی ایشان منشأت است که هرگاه جمع‌آوری شود مورد استفاده خواهد بود، در اواخر عمر چند سالی مقیم اصفهان شدند تا در شب 14 ماه رمضان موقع سحر بمرض سکته از دنیا رفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

هاشمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین هاشمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین هاشمی سال 1349 طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.
سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).
همزمان با این دروس در سال 59 وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد 9، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.
تدریس در دانشگاه را از سال 61 شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس

معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم 70% درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.
در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.
ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1316.
درگذشت: 1364.
از آثار اوست: بهداشت گاوهای شیری (ترجمه با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، 1368)؛ بیوسنتز شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، ادم پستان (ترجمه و تألیف با همکاری علیرضا محمودزاده، تهران، 1366)؛ پرورش علمی اسب به انضمام تغذیه، خوراک دادن و بیماریهای تغذیه‌ای اسب (تهران، 1374)؛ پرورش عملی بز (ریچارد باتاگلیا، تهران، 1374)؛ پرورش عملی گوسفند به انضمام تغذیه، خوراک دادن گوسفند (تألیف و ترجمه، تهران، 1374)؛ تغذیه دام، طیور و آبزیان (تهران، 1374)؛ تغذیه دام: کاربرد فضولات حیوانی در تغذیه دام، طیور و آبزیان (تألیف و ترجمه، تهران، 1375 ،1368)؛ تلقیح مصنوعی در گاو (تهران، 1375)؛ تلقیح مصنوعی: کاربرد روشهای آزمایشگاهی و علمی در تولید مثل دام (آنتون مارینوس سورنس، تهران، 1356)؛ راهنمای ارزیابی و انتخاب گاوهای شیری (ترجمه و تألیف، تهران، 1374)؛ روشهای عملی در پروش طیور (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، 1373)؛ فرهنگ تغذیه دام: شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و آبزیان، انگلیسی- فارسی (تهران، 1375 ،1369)؛ فرهنگ جامع کشاورزی و منابع طبیعی: انگلیسی- فارسی (تهران، 1372)؛ فیزیولوژی تولید مثل (تولید مثل کاربردری در حیوانات اهلی) (نوشته‌ی اچ. جو بیرون، جان دبیلو. فوکویی، ترجمه با همکاری سعید حسنی؛ تهران، 1374)؛ کتیبی راپه رین به انضمام دو قصیده محمدیه و غوثیه بر وزن قصیده بردیه (اثر مسعود هاشمی، خط محمدطاهر هاشمی، شعر کردی، 1368، مواد معدنی و ویتامینها در تغذیه حیوانات اهلی و انسان (تألیف و ترجمه، تهران، 1370).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هاشمیان، وحید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وحید هاشمیان : ویژگی ها و مشخصات

متولد: تهران
تاریخ تولد: 30 / 4 / 1355 (21.7.1976)
قد: 82/1
وزن: 79
شماره کفش: 42
وضعیت: مجرد
تحصیلات: دیپلم تجربی
وضعیت خانوادگی: 2 خواهر و 2 برادر
ورزش های مورد علاقه: فوتبال، شنا، یوگا
تفریحات و سرگرمی ها: مطالعه کتاب، اینترنت، قدم زدن، مسافرت
فیلم های مورد علاقه: پاپیون، گلادیاتور زمانی که در دقایق ابتدایی دیدار تیم های ایران و قزاقستان در چارچوب بازی های آسیایی بانکوک یک جوان جویای نام ایرانی با ضربه ای استادانه توپ را به قعر دروازه حریف فرستاد، تلویزیون تایلند نام "وحید هاشمیان" را روی تصویر به نمایش درآورد تا زننده نخستین گل ایران در این رقابت ها را نشان دهد.
همانجا بود که بسیاری از مردم با نام او به عنوان یک مهاجم آشنا شدند.
وحید مثل بسیاری دیگر از فوتبالیست های تهرانی بازی خود را از محله های جنوب شهر آغاز کرد. در سال 1373 او به همراه تیم جوانان فتح تهران از دسته دوم به دسته اول صعود کرد و یک سال بعد به همراه این تیم عنوان سوم جوانان باشگاه های تهران را به دست آورد.
در سال 1975، هاشمیان به همراه تیم بزرگسالان فتح نایب قهرمان باشگاه های تهران شد و پس از آن به تیم فوتبال پاس که از تیم های صاحبنام ایران است، پیوست.
وی در سال 1377 با سبزپوشان پاس به عنوان نایب قهرمانی لیگ کشور دست یافت و از همین تیم نیز در جمع ملی پوشان کشورمان حاضر شد و توانست مدال طلای بازی های آسیایی بانکوک را برگردن بیاویزد.
بازی های خوب وحید باعث شد که مدیران استعداد یابی هامبورگ با مسوولان وقت پاس تماس حاصل کنند.

گفت و گوها بین مقامات هامبورگ و پاس نتیجه مثبت داد و هاشمیان به عنوان پنجمین بازیکن ایرانی به بوندس لیگا راه یافت.
هاشمیان در فصل نخست حضورش در هامبورگ فرصت چندانی برای عرضه اندام نیافت، اما در همان دقایقی که به میدان رفت موفق شد یک گل برابر ترابوزان اسپور ترکیه در رقابت های مقدماتی جام باشگاه های اروپا به ثمر برساند.
وحید در فصل 2000-1999 به همراه هامبورگ عنوان سوم بوندس لیگا را به دست آورد. او به همراه تیم ملی کشورمان در سال 2000 نیز موفق شد قهرمانی مسابقات غرب آسیا را در اردن به چنگ آورد.
اما جو حاکم بر اردوی تیم ملی و همچنین اختلاف با فدراسیون فوتبال وقت باعث شد وحید به مدت 5/3 سال از تیم ملی فاصله بگیرد.
در ادامه یک مصدومیت اجازه هنرنمایی را از وحید گرفت و پس از یک دوره بسیار سخت، ستاره فوتبال ایران سر از تیم فوتبال بوخوم در دسته دوم بوندس لیگا درآورد.
هاشمیان در دسته دوم بوندس لیگا نیز بسیار خوش درخشید و توانست با مربیگری پیتر نویرورر در فصل 2003-2002 به دسته اول بوندس لیگا بازگردد.
در این فصل هاشمیان بیشتر به عنوان یار جانشین به میدان می آمد و موفق شد 10 گل حساس نیز برای بوخوم به ثمر برساند.
اما اوج هنرنمایی هلی کوپتر به فصل 2004-2003 بازمی گردد که توانست با زدن 16 گل رکورد خوبی را از خود برجای بگذارد. بوخوم به لطف گل های او توانست به رقابت های جام یوفا راه یابد.
هاشمیان فصل 2005-2004 را در بایرن موینخ سپری کرد، اما اعتقادات فلیکس ماگات باعث شد تا فوتبال آلمان از هنرنمایی های هاشمیان بی نصیب بماند، اما در نهایت او به همراه سرخ پوشان باواریایی به مقام قهرمانی بوندس لیگا و لیگاپوکال رسید.
هاشمیان در ابزگشت مجدد به تیم ملی نیز بسیار خوش درخشید و با گل های حساسش مقابل قطر و ژاپن راه صعود ایران به رقابت های جام جهانی 2006 را هموار کرد.
او حتی در رقابت های مقدماتی جام ملت های آسیا نیز با زدن یک گل حساس به کره جنوبی روحیه فوق العاده به ایران پس از نتیجه ناامیدکننده مساوی مقابل سوریه در تهران داد. افتخارات :
تعداد بازیهای ملی: 33
گلهای ملی: 13
نایب قهرمانی آموزشگاه های تهران در مقطع دبیرستان سال 1373
صعود از دسته دوم جوانان تهران به دسته اول با تیم فتح سال 1373

مقام سوم جوانان تهران با تیم فتح سال 1374
نایب قهرمان باشگاهی تهران با بزرگسالان فتح سال 1375
نایب قهرمان لیگ آزادگان با تیم پاس تهران سال 1377
قهرمانی بازی های آسیایی بانکوک 1998
مقام سوم بوندسلیگا با تیم هامبورگ سال 2000-1999
قهرمانی بازی های غرب آسیا «جام ملک حسین اردن» سال 2000
صعود از دسته دوم لیگ آلمان به دسته اول با تیم بوخوم سال 2002-2001
صعود به جام یوفاکاپ با تیم بوخوم سال 2004-2003
قهرمانی باشگاهی آلمان با تیم بایرن مونیخ سال 2005-2004
قهرمانی لیگا پوکال با بایرن مونیخ سال 2005-2004
صعود به جام جهانی 2006 آلمان

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1311، بهشهر.
شهادت: 7 تیر 1360، مشهد.
حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال 1311 در بهشهر مازندران در فراش محله (از پدرش سید حسن و مادرش ساره) دیده به جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال 1325، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزه‌ی آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت مقدمات را در آنجا فراگرفت. در سال 1329 وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال 1337 اولین اثر قلمی خود را به نام مناظره‌ی دکتر و پیر به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسنده در لابه‌لای آن به بیان ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. وی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم به سطح اجتهد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فرید الاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های 1340 -1339 به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی می‌کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی ایشان همکاری با مجله «مکتب اسلام» بوده است.
در نهضت پانزده خرداد 1342 دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد، در حادثه مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانه شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر 1342، به مدت سه ماه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر 77 خراسان محکوم شد، سپس از سخنرانی در شهر مشهد ممنوع شد. لذا با

خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شیراز رفت. اما مأموران ساواک وی را برای سومین بار دستگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اتاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد، وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال 1343 لغایت 1350 نمود. در سال 1350 هم در جلسه‌ای که جمعه شب هر هفته در شهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت، در ایام شهادت فاطمه زهرا در سال 1353 علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خود، زمینه‌سازی نمود و با رضایت اساتید دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، فردای آن روز یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد 1353 با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک برای چهارمین بار وی را دستگیر و روانه زندان ساخت. وی تا اوایل سال 1356 در زندان به سر برد. در همین زمان به سبب امضای اطلاعیه‌ای، وی به همراه آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد اما تظاهرات مردم به سوی منزل حضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشان پس از بیست و چهار ساعت آزاد شوند.
حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بهمن 1357 به تهران آمد. سپس به قائمشهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصرف رادیو و تلویزون و تصرف پادگان‌ها به وی رسید او به مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انقلاب اسلامی، در خرداد 1358 با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اولین سفر خارجی به سه کشور لیبی و سوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد، در بهمن 1359 همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد، وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.
تألیفات ایشان علاوه بر مقالات و سخنرانی‌هایشان، عبارتند از: اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانان؛ تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عربی (چاپ نشده است)؛ درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهرا (س)؛ ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب

در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چاره آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظره دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.
حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهرماه 1360، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان، در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.
آقای حاج سید عبدالکریم بن السید الزکی السید حسن بهشهری از فضلاء بنام و خطباء گرام و نویسندگان والامقام و مشاهیر وعاظ و گویندگان معاصر است از جهت نطق و بیان و قم و بنان‌گوی سبقت از همگنان ربوده و شهرت تام یافته و در هر کجا که برای تبلیغ دین و ترویج آئین و تنویر افکار نسل جوان مدعوا رفته مانند مشهد و تهران و قم و اصفهان و یزد و همدان و بابل و رفسنجان و ری و کاشان و خرم‌آباد و آبادان با استقبال گرم مردم مواجه شده و ده‌ها هزار نفر برای استماع از بیانات مستدل و منطقیش گرد آمده و ابراز احساسات نموده‌اند در بیست روز که در محرم و صفر 1393 قمری خود این نویسنده شاهد اجتماع عموم طبقات مخصوص افاضل حوزه علمیه و نسل جوان قم بودم که برای استفاده از منبر وی در شهر علمی و مذهبی قم گرد آمده و گفته می‌شد که بیش از بیست هزار نفر شرکت کرده‌اند و ایشان با بیانی گرم و پرحرارت ایراد سخن نموده و افکار مردم را به مطالبی متوجه می‌نمود.
معظم‌له در شهرستان بهشهر در سال 1348 قمری تولد یافته و پس از رشد و خواندن دروس فارسی به کوهستان رفته و در تحت تربیت و تعلیمات عالم ربانی آیت‌الله کوهستانی مرحوم مقدمات و ادبیات را خوانده آنگاه مهاجرت به قم نموده و در نزد فاضل ربانی طاب‌نژاد آقا شیخ علی فریده الاسلامی کاشانی که از اوتاد فضلاء و مدرسین حوزه بود سطوح وسطی را خوانده و سطوح عالی را از مدرسین بزرگ استفاده نموده و به درس خارج فقه و اصول آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیات دیگر شرکت نموده تا به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و دراسات و تقریرات استاد مجاهد خود را به رشته تحریر آورده و به نظر معظم‌له به وسیله این نگارنده رسانیده و مورد تائید و قبول استاد مزبور قرار گرفته است.
استاد هاشمی‌نژاد به واسطه جهات داخلی در سال 1382 قمری با معیت داماد و شریک گرامش حجه‌الاسلام حاج آقا حسن ابطحی خراسانی به مشهد مراجعت نموده و رحل اقامت افکنده و در حوزه مشهد به تدریس

سطوح عالی کفایه و مکاسب و وظائف دینی و روحی دیگر پرداخته و خدمات ارزنده‌ای نموده است. آثار علمی و خدمات روحی معظم‌له از این قرار است:
1- همکاری تاسیس کانون بحث و انتقاد دینی مشهد مقدس (که با معیت صدیق و رحم گرانی خود آقای ابطحی) نموده‌اند:
2- کتاب مناظره دکتر وپیر که تاکنون بیش از ده‌ها بار به طبع رسیده و مورد استقبال عموم طبقات قرار گرفته است.
3- درسی که حسین علیه‌السلام به انسانها آموخت مکرر چاپ شده است.
4- قرآن و کتابهای آسمانی دیگر.
5- مشکلات بزرگ نسل ما. 6- راه سوم بین کمونیسم و سرمایه‌داری.
7- اصول پنج‌گانه اسلام 8- مشکلات مذهبی روز 9- جلد اول پاسخ ما به مشکلات جوانان 10- بسیاری از جوابها و مقالات پاسخ ما.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هبةالله اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین بن علی. ادیب ماهر، و حکیم حاذق، و طبیب متبحر، از محاسن روزگار، و افاضل زمان خود بوده، و در جمیع فضایل بی‌نظیر می‌نموده است.
در 534 به عارضه‌ی سکته وفات یافته، در سرداب منزل خود دفن گردیده، و پس از چند ماه از فوت و دفنش درب سرداب را که باز کردند مرده‌ی او را نشسته در پای پله‌ها یافتند.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1180 ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است.[1]
میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. 1180 ه.ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] سفینةالمحمود (443 -441/ 2)، فرهنگ سخنوران (997)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، نگارستان دارا (220 -219)، یادگار (س 5، ش 6 و 7، ص 100 -92).

هجیم آملی طبرستانی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف «فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان می‌داند. او در ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره‌دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد. او به پیروی از دقیقی در یکی از قصایدش، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (89)، الذریعه (873/ 9)، شعرای مازندران و گرگان (348 -347)، فرهنگ سخنوران (997)، مجمع‌الفصحا (1103/ 3).

هدایت نیا، فرج الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرج الله هدایت نیا
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/3/1
زندگینامه علمی
اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال 1347 هجری شمسی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مدرسه شدم و تا سال سوم راهنمایی را در مدارس زادگاه خویش گذراندم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.
تحت تأثیر شرایط پس از انقلاب در خودم علاقه به فراگیری علوم دینی احساس کردم و در سال 1361 وارد حوزه علمیه «خاتم الانبیاء (ص)» بابل شدم. به مدت سه سال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصیل کردم و از سال 1366 وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتید بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.
در سال 1368 به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال 1373 شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.
با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به

فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.
در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال 1381 به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هدایت، جعفرقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفرقلی معروف به نیرالملک، فرزند رضا قلیخان هدایت متولد 1247 ق در تهران است. او تحصیلات خود را نزد پدرش در ادبیات فارسی و مقدمات زبان عربی آموخت. پس از تأسیس دارالفنون بدانجا رفت و به آموختن زبان فرانسه، حساب، هندسه، علوم طبیعی و نظام پرداخت. پس از 6 سال تحصیل در دارالفنون با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد و به معلمی دارالفنون درآمد. چند سال بعد ناظم آنجا شد و تدریجا رتبه سرهنگی گرفت. در 1278 ریاست دارالفنون را به او دادند و قریب چهل سال ریاست داشت و در همین سمت لقب نیرالملک و منصب سرداری گرفت. در 1316 ق به وزارت علوم منصوب شد و هفت سال در آن سمت باقی بود. بعد از مشروطیت در کابینه مشیرالسلطنه مجددا وزارت علوم را عهده‌دار شد ولی چون مدتش کوتاه بود کاری از پیش نبرد. وفات او در 1333 ق در 86 سالگی اتفاق افتاد.
نیرالملک یکی از فضلاء و دانشمندان قرن اخیر ایران است که به توسعه فرهنگ کمک‌های زیادی کرده است. آثاری نیز دارد و اصولا خانواده هدایت در کار نشر معارف و فرهنگ خدماتی انجام داده‌اند. از وی چهار پسر و چهار دختر باقی ماند. پسران وی عبارت بودند از: رضاقلی، هدایت قلی، کریم و سلیمان. رضاقلی پس از فوت پدر نیرالملک گرفت. هدایت قلی لقب اعتضادالملک داشت و فرزندانش عبارتند از محمود هدایت، صادق هدایت و سرلشکر عیسی هدایت. کریم طبیب شد و درجه سرلشکری در ارتش یافت. سلیمان دانشکده سن‌سیر فرانسه را طی کرد و در جوانی از اسب به زیر افتاد و درگذشت.
(1284 -1209/ 1206 ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد. مقدمات علوم زمان را نزد پدر آموخت و در دارالفنون به تحصیل زبان فرانسه و حساب و هندسه و علوم طبیعی و نظامی پرداخت. پس از طی این دوره چند کتاب و جزوه برای استفاده‌ی شاگردان دارالفنون ترجمه و تألیف کرد و در 1276 ش به منصب آجودانی مدرسه رسید و سال بعد ناظم مدرسه شد. وی در حدود 1240 ش به جای پدر ریاست مدرسه‌ی دارالفنون را به عهده گرفت و پس از فعالیتهای زیاد آموزشی و اداری، از ناصرالدین شاه لقب نیرالملک دریافت نمود و حدود چهل سال ریاست دارالفنون را عهده‌دار بود. او در حدود 1275 ش به

وزارت علوم منصوب شد و در زمان صدارت اتابک اعظم و امین‌الدوله، وزارت معارف را به عهده داشت. وی در دوره‌ی وزارتش توانست دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعیین کند. او همچنین به پاس خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم کشور فرانسه را دریافت کرد. وی در تهران درگذشت. از آثارش: رساله‌ی «مفتاح العلوم»، در مورد فیزیک و شیمی.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] روز شمار تاریخ (58/ 2)، فرهنگ رجال قاجار (207). وزرای معارف ایران (32 -31)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (39 -29).

هدایت، رضاقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معروف به نیرالملک فرزند اکبر و ارشد محمد جعفرخان نیرالملک رئیس دارالفنون، متولد 1250 ش است. تحصیلات خود را در دارالفنون به اتمام رسانید و پس از چندی به استادی در دارالفنون ارتقاء مقام یافت. بعد از مرگ پدرش در 1333 ه.ق به ریاست دارالفنون رسید و لقب نیرالملک گرفت و سالها در آن سمت بود و مدتی نیز با حفظ سمت معاونت وزارت معارف را داشت. در 1299 در کابینه مشیرالدوله به وزارت پست و تلگراف معرفی گردید. بعد از کودتای 1299 که سید ضیاءالدین به ریاست وزراء انتخاب گردید نیرالملک را به وزارت معارف و اوقاف معرفی کرد و مادام که سید ضیاء بر سر کار بود و او هم وزارت داشت در اسفند 1300 ش در کابینه مشیرالدوله مجددا به وزارت معارف معرفی شد. در 1306 که داور عدلیه جدید را بنیاد نهاد حاج مخبرالسلطنه هدایت وزیر فوائد عامه را به ریاست دیوان عالی کشور معرفی کرد. حاج مخبرالسلطنه ریاست شعبه اول دیوانعالی کشور را به عمو زاده خود نیرالملک هدایت داد. مخبرالسلطنه بعد از چند ماه به نخست‌وزیری منصوب شد و نیرالملک به کفالت دیوانعالی کشور برگزیده شد و تا سال 1315 در آن سمت باقی بود که جای خود را به حاج سید نصرالله تقوی داد.
نیرالملک در علوم ریاضی، فلسفه، ادبیات فارسی و عربی استاد بود و زبانهای انگلیسی و فرانسه را به حد کافی می‌دانست. یکی از فرزندان او در ارتش به نام شکرالله هدایت درجه سرتیپی یافت. بعد از شهریور 1320 مجددا فعالیت سیاسی را آغاز کرد و در تشکیل حزب اراده ملی با سید ضیاءالدین همکاری نزدیک داشت و ریاست شورایعالی حزب با او بود. وفات او در 1324 ش اتفاق افتاد.
(1324 -1250/ 1249 ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به فراگیری علوم عالی پرداخت. او به زبان‌های انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به تدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفرالدین شاه به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان لیاقت نایل شد. در 1289 ش در دوران پادشاهی احمد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و

صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در 1288 ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردید. نیرالملک در تهران درگذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه؛ «سیاحت‌نامه‌ی استانله به افریقا»، ترجمه.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] روز شمار تاریخ (272 ،213 ،102 ،97/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2047/ 2)، وزرای معارف ایران (80 -79)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (206 -203).

هدایت، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1281 ش)، نویسنده، مترجم و محقق. وی از خاندان رضاقلی خان هدایت است. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان سن‌لوئی تهران به پایان رساند و در حدود 1307 ش با کاروان دانش‌آموزان اعزامی به اروپا به بلژیک رفت و در رشته مهندسی راه و ساختمان نام‌نویسی کرد، اما در آنجا نماند و یک سال بعد با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا برای تحصیل در رشته‌ی معماری به فرانسه رفت. وی در اقامت چهار ساله خود در فرانسه بیشتر به سیر و گشت گذراند و داستان‌های معروفی در آنجا نوشت، سپس به وطن بازگشت و در 1315 ش به دعوت دکتر شیرازپور پرتو، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام نایب کنسول ایران در بمبئی بود، به عنوان متخصص تنظیم دیالوگ فیلم فارسی به هندوستان رفت و زبان پهلوی را آموخت و دو داستان که در آنجا فراگرفته بود به فرانسه نوشت و به وطن بازگشت. هدایت در این سفر بیشتر اوقات خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌گذراند. وی با بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد گروهی موسوم به ربعه را که هدفش ایجاد روحی تازه در ادبیات ایران بود در مقابل ادیبان محافظه‌کار که آنان را سبعه نامیده بودند، تشکیل داد. هدایت مدتی نیز با مجله «موسیقی» به مدیریت سرگرد مین‌باشی، تا تعطیل شدن آن در 1320 ش همکاری داشت. وی در همان سال مدتی نیز در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران به عنوان مترجم مشغول بود. هدایت با مجله‌های «سخن» و «پیام نو» همکاری داشت و مقالات و داستان‌هایی را در آنها منتشر می‌کرد. وی در 1324 ش همراه یک هیئت فرهنگی به دعوت دانشگاه تاشکند عازم ازبکستان شد و حدود دو ماه در آنجا ماند و در این مدت درباره‌ی اوضاع و احوال مردم آنجا تحقیق و مطالعه کرد. سپس در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران در 1325 ش که، تحت شعار ادبیات نوین و مترقی ایران، با ریاست ملک‌الشعراء بهار تشکیل شده بود، شرکت کرد. وی در 1329 ش به پاریس رفت و پس از مدتی اقامت، در فروردین سال بعد، در گرمابه‌ی پانسیون خویش با گشودن شیر گاز به زندگی خود پایان داد. هدایت را در قبرستان پرلاشز پاریس به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «زنده به گور»، شامل نه داستان؛ «سه قطره خون»، شامل یازده داستان؛ «سگ و ولگرد»، شامل هشت

داستان؛ «بوف کور»؛ «حاجی آقا»؛ «پروین دختر ساسان»، نمایشنامه؛ «فواید گیاه‌خواری»؛ تصحیح «ترانه‌های خیام»؛ سفرنامه‌ی «اصفهان نصف جهان»؛ «گجستک ابالیش»، ترجمه از پهلوی؛ «دیوار»، ترجمه؛ «مسخ»، ترجمه.[1]
صادق فرزند اعتضادالملک (و. تهران 28 بهمن 1281- ف. پاریس 1330) در تهران متولد شد و برای تحصیل به فرانسه رفت. ابتدا در پاریس اقامت نمود و سپس به بزانسون رفت. داستانهای معروف: زنده به گور، سه قطره خون، نمایشنامه‌ی پروین، افسانه‌ی آفرینش، فوائد گیاه‌خواری را در پاریس نوشت. سپس به ایران بازگشت و در 1315 به بمبئی رفت و زبان پهلوی را آنجا فراگرفت و سفرهای چندی به تاشکند و سایر شهرهای ازبکستان کرد و بالاخره در سال 1329 به پاریس رفت و پس از چهار ماه توقف در آن شهر خودکشی کرد. صادق به زبانهای انگلیسی و فرانسه آشنائی داشت. گذشته از مقالات و داستانها و سفرنامه‌ها، چند کتاب را از متون پهلوی به فارسی برگردانده است مانند: گجسته ابالش. کارنامه‌ی اردشیر بابکان. یادگار جاماسب. شهرستانهای ایران، و داستان‌هایی نیز از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است چون دیوار، مسخ و غیره. هدایت از نویسندگان بنامی است که در ادبیات فارسی عصر حاضر اثری عمیق گذاشته است. و کتابهای او بارها به چاپ رسیده و بعضی به زبانهای بیگانه ترجمه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (367، 361، 360، 212، 158، 157، 148، 141، 140، 139، 138، 134، 131، 113، 112، 93، 89، 88، 87، 85، 76، 73، 67، 51، 50)، از نیما تا روزگار ما (429 -333)، تاریخ برگزیدگان (357 -355)، چون سبوی تشنه (200 -198)، دایرةالمعارف فارسی (1549/ 2)، روز شمار تاریخ (321، 279/ 1)، شخصیتهای نامی (516 -514)، شناخت نامه‌ی صادق هدایت، صد سال داستان‌نویسی (119 -91/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3426، 3375، 3367، 3328، 3016، 2999، 2985، 2855- 2854، 2709، 2707، 2697، 2648، 2584، 2544، 2475، 2344، 2183، 2094، 2042، 2010، 1929، 1926، 1866، 1614/ 2، 1478، 1462، 1383، 1372، 1200، 1137، 845، 635، 602، 527، 403، 394، 362، 242، 3/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (392)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، مؤلفین کتب چاپی (513 -508/ 3).

هدایت، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1314 ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان‌نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال‌الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده‌دار مشاغلی از جمله: مترجمی موسیوپرنی مستشاری وزارت دادگستری، بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»، در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه‌ی پهلوی»، تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»، در سه مجلد؛ تذکره‌ی «بذر سخن»؛ «آینه‌ی زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه‌ی عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»، ترجمه؛ «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»، ترجمه؛ «مردم گریز»، ترجمه؛ «آب حیات»، شعر؛ «حقایق عریان»، شعر.[1]
قاضی عالیرتبه، مترجم، نقاش، شاعر و موسیقی‌دان فرزند هدایت قلی هدایت (اعتضادالملک) در 1276 در تهران تولد یافت. تحصیلات خود را پس از فرا گرفتن مقدمات در ادبیات زبان پارسی، عربی و فرانسه آغاز کرد و مدتی مدید نزد کمال‌الملک هنر نقاشی آموخت. فن موسیقی را نیز به طریق علمی نزد تنی چند از هنرمندان معروف یاد گرفت. در 1302 وارد خدمات قضایی شد و تمام مراحل قضایی را در وزارت دادگستری طی کرد. مدتی رئیس دیوان دادرسی دارایی و زمانی مدیر کل ثبت اسناد و املاک شد. در دیوانعالی کشور مستشاری و ریاست شعبه داشت. آخرین سمت قضایی او ریاست دادگاه تجدیدنظر انتظامی قضات بود. در وزارت کشور نیز سمت‌هایی از قبیل ریاست کارگزینی و فرمانداری تبریز با او بود. وی در 1329 زمانی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید به معاونت نخست‌وزیر منصوب شد. در کابینه بعدی که ریاست آن با علاء بود همان سمت را حفظ کرد. در حکومت دکتر مصدق به دادگستری بازگشت و به

مستشاری دیوانعالی کشور مشغول شد. در 1334 مجددا به معاونت نخست‌وزیری برگزیده شد و چند سالی آن سمت را داشت.
محمود هدایت اشعار زیادی سرود که بخشی از آن به چاپ رسید. اشعارش از استحکام شعری برخوردار می‌باشد و تابلوهای نقاشی او که بین خواص معروفیت دارد معرف ذوق و هنر او در این فن می‌باشد. تعداد کتبی که تاکنون ترجمه و به چاپ رسانده است زیاد است و بیشتر ترجمه‌های او کتب تاریخی است. خواهر وی همسر سپهبد رزم‌آرا بود. صادق هدایت نویسنده معروف و بزرگ معاصر برادر کهتر اوست. برادر دیگر به نام عیسی هدایت داشت که در ارتش درجه سرلشکری گرفت. وی در جوانی با دختر فتح‌الله خان سردار مؤید مراغه‌ای پیوند زناشوئی بست. صاحب دو پسر شد و همسر وی در میانسالی درگذشت. سرانجام در سال 1368 درگذشت.
شاعر، نقاش.
تولد: 18 اردیبهشت 1276(4 ذی الحجة 1314 ق.)، تهران.
درگذشت: 1368.
محمود هدایت، فرزند هدایت‌قلی‌خان هدایت اعتضادالملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون شاعری و موسیقی رغبت داشت، نزد کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوره‌ی تحصیل، در سال 1302، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبه‌ی دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادسرای تهران و بازپرسی و مستشاری شعبه‌ی اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبه‌ی پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان 1334 نیز یک قطعه درجه‌ی اول حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که 1351 است یک قطعه نشان درجه‌ی اول عدالت دریافت کرد. ضمنا در سال 1331 نیز به دعوت سازمان ملل متحدد چند ماهی در نخست وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.
آثار ترجمه وی به این شرح هستند: مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران. (1365)؛ مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه (موریس فون دوکتزبوئه، 1348)؛ مسافرت به ارمنستان و ایران (پی‌یر آمده امیلین پروب ژوبر، منشی السنه شرقی ناپلئون بناپارت)؛ سفرنامه‌ی عبدالکریم در رکاب نادرشاه؛ کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا (ارنست

لاویس)، مردم گریز (مولیر)؛ شاهنامه‌ی ثعالبی نیشابوری (ترجمه از عربی)، گلزار جاویدان (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی گوی از ایرانی و غیر ایرانی، 1353)؛ دو رساله مختصر درباره‌ی «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومه به نام آب حیات و درفش ایران و حقایق عریان از اشعار اوست.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (1184-1180)، روز شمار تاریخ (313/ 1)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (171، 867، 1386- 1387، 2/ 1736، 1969، 2660، 2717، 3006/ 1)، گلزار جاویدان (1789 -1780/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (109 -107/ 6).

هدی‌نیا، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 11 آبان 1329.
درگذشت: 12 آبان 1375، تهران.
حمید هدی‌نیا فرزند عباس، مدرس، نویسنده، مترجم، منتقد سینمایی بود. از آثار اوست: فرانسوا تروفو: زندگی و آثار (ترجمه و تألیف، با همکاری رحیم قاسمیان، پروین دوامی، 13365). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

هراتی، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 577 ق)، حکاک. وی از نگارگران و حکاکان زبردست هرات بود. از آثارش: ابریق نفیسی، که به تصریع نقره و مس و در شیوه‌ی خراسانی عمل آمده و در بدنه‌ی آن نقوش مختلف طراحی و نقش بسته، با رقم: «محمود بن محمد هراتی» 577 ق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1135/ 3).

هراسی کاثی خوارزمی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 425 ق)، ادیب، لغوی، صرفی و نحوی. وی از بزرگان ادبا و لغویون خوارزم بود. اصلش از کاث، از قرای خوارزم است. در «الاعلام» تحت عنوان هراشی و در «روضات‌الجنات»، «هدیة‌العارفین» و «کشف‌الظنون» تحت عنوان هراس آمده است. از آثارش: شرح «دیوان» متنبی؛ کتابی در «تصریف»؛ «رسائل البلاغة والبراعة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (161/ 7)، روضات‌الجنات (231/ 1)، کشف‌الظنون (812 -811)، معجم‌المؤلفین (301/ 10)، الوافی بالوفیات (122 -121/ 4)، هدیة‌العارفین (65/ 6).

هرسینی کرمانشاهی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدرضا هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و دانشمندان عظام معاصر کرمانشاه برادر ارجمند مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فرج‌اللّه هرسینی مذکور می‌باشند.
وی حدود سال 1326 ق در محیط عشایری و خوانین لرستان بدنیا آمده و پس از طی دوران صباوت در حدود سال 1337 قمری در خدمت برادر معظم خود به عتبات عالیات مشرف و از محضر مرحوم آقا شیخ محمد رشتی و حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن و تا حدود چهار سال در آن محیط تیره و تار به تبلیغات و ارشاد الوار آن سامان و بخصوص علویون و غلات پرداخته و در سال 1354 مهاجرت به قم نموده و تا حدود 6 سال از محضر و درس آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صدر و بعضی دیگر استفاده نموده و در حدود 1360 ق مهاجرت به کرمانشاه و تا اکنون که 1395 قمریست بالغ بر سی و پنج سال به خدمات دینی از اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

هرسینی کرمانشاهی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن هرسینی کرمانشاهی از علماء اعلام و فقهاء کرام معاصر کرمانشاه می‌باشند.
در سال 1315 ق در یک فرسخی هرسین متولد شده و از روز نخست طالب دین و دیانت و علم و شرافت بوده و در خانواده متدین و متعصب و میهمان دوستی تربیت گردیده و خود از کوچکی مقدس و متقی و از هر صغیره و حتی مکروهات فرار و اجتناب نموده به طوری که اهالی محل ایشان عقاید عجیبی در استجابت دعا و تقوای ایشان داشته‌اند وی در سن 17 سالگی در زمان ریاست مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی به سامرا مشرف و اشتغال به تحصیل ورزیده و پس از انتقال (معظم له) به کربلا ایشان هم عزیمت به کربلا و مورد نظر و مهر مرحوم میرزا قرار گرفته و بواسطه احتیاط از وجوهات کمتر مصرف و غالباً با صوم و صلوة استیجاری اعاشه می‌نمود تا پس از فوت و رحلت میرزاء به نجف اشرف و از محضر مرحومین آیتین اصفهانی و نائینی و نیز مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نموده و در سال 1342 ق به ایران مراجعت و در هرسین و کرمانشاه به تبلیغات و خدمات دینی پرداخته و جمعی از علات و علویون آنجا را هدایت و ارشاد و هم مدتی با بهائی‌های نراق مبارزه و بعضی از آنها را از انحراف و ارتداد به راه مستقیم در آورده و در سال 1347 قمری به قم مشرف و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حایری و آیت‌اللّه حجت و آقای خونساری و آقای صدر و بعد آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده و پس از آن به کرمانشاه مراجعت و در مسجد جامعه کرمانشاه تا حال تحریر اشتغال به اقامه جماعت و ترویج دین و ارشاد و هدایت مردم دارد.
خاطره عجیب معظم له از مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی
آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی فرمودند آقای هرسینی گفتند پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی وضع معیشت بر من استوار شد و چند روزی گرسنه و در مضیقه سخت قرار گرفتم پس به نجف مشرف و در حرم صورت به ضریح مطهر علوی گذارده و اظهار حاجت نمودم.
پس از حرم بیرون و در صحن شریف شخصی آمد و مبلغی داد و مدتی گذران کردم و چون تمام شد باز به حضرت امیر (ع) عرض کردم و در

صحن شخصی وجهی داد که چند روز مرا کفایت کرد و در بار سوم همین طور تا در مرتبه چهارم که دیگر پولی برای مخارج خود نداشتم مشرف شده و عرض مطلب کردم و چون آمدم از حرم بیرون روم دیدم مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی اصفهانی که در پشت سر مطهر نشسته تا مرا دید صدا زد خدمتشان رفتم فرمود شیخ محمدحسن هر وقت بی‌پول شدی و مخارجت تمام شد لازم نیست به حضرت امیر علیه‌السلام عرض کنی بیا به من بگو و تأکید کرد و من تعجب کردم که ایشان از کجا متوجه شده که حاجت من چیست. پس از حرم بیرون رفتم و روز بعد حسب‌التأکید ایشان درب منزل آن مرحوم رفتم که اوائل ریاست ایشان بود تا در زدم خود ایشان آمد و درب را باز کرد و فرمود هان بی‌پول شده‌ای بیا داخل و در اندرون منزل رفت و مدت یک ساعت طول کشید که من از آمدن پشیمان و خواستم بروم که دیدم آمد در حالی که غبارآلود است و اول عذرخواهی بسیار نمود و دامن خود را گشود و مبلغ زیادی از دراهم و پولهای عراقی جلوی من ریخت (که مدتها مرا اداره و تأمین نمود).
و فرمود از اینکه دیر کردم مرا ببخش زیرا رفتم دخل و قلک بچه‌هایم را خالی کردم و برای شما آوردم که ضرورت داشت.
(نگارنده گوید: بقول آیت‌اللّٰه اراکی معلوم می‌شود که مرحوم سید غیر از پول یومیه بچه‌ها و نوه‌های خود پول دیگری نداشته چون اوائل ریاست و مرجعیت ایشان بوده)

هرندی، شمس الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج ملاّ عبداللَّه (حاج آقا) هرندی، فاضل و عالم، و امام یکی از مساجد محلّه شهشهان، و از شاگردان پدر خود و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای و دیگران بوده، در حدود سال 1360 در طهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هرندی، نعمت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج ملا محمّد جعفر هرندی. معروف به لسان الواعظین، از فضلای اهل منبر اصفهان.
در جمعه 20 شعبان سال 1355 وفات یافته، در تکیه ملک مدفون گردید.
مادّه تاریخ وفاتش این است:
قدوه اصحاب منبر زبده اهل یقین
واعظ اندر دین احمد رهنمای مؤمنین
بیست از شعبان گذشته روز جمعه چاشتگاه
شد روان سوی جنان شادان لسان الواعظین
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی بغدادی، ابوعبید قاسم

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(224/ 223/ 222 -157 ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابوعمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابوعبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر آموخت. وی در قرآآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبداللّه و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینه و اسماعیل بن علیه و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابومعاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمان بن مهدی و حماد بن مسعده و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمان جمحی و عبیداللّه اشجعی و وکیع بن جراح و عبداللّه بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبداللّه بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داوود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنیا و حارث بن ابی‌اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبداللّه بن عبدالرحمان دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبداللّه طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القرآآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصور والممدود»؛ «الطهارة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (10/ 6)، تاریخ بغداد (416 -403/ 12)، التاریخ

الكبير (172/ 7)، تذكرةالحفاظ (418 -417/ 1)، تهذيبالتهذيب (276 -274/ 8)، تهذيبالكمال (154 -145/ 15)، الجرح والتعديل (ج 3، ق 111/ 2)، سيرالنبلاء (509 -490/ 10)، شذرات الذهب (55 -54/ 2)، صفة الصفوة (328 -327/ 2)، طبقات ابن‌سعد (254 -253/ 7)، طبقات الشافعيه‌ى سبكى (160 -153/ 2)، طبقات الفقهاء الحنابله (364 -360/ 1)، طبقات المفسرين داودى (37 -32/ 2)، العبر (308/ 1)، الفهرست ابن النديم، ترجمه (121 -120)، الكامل (259/ 5)، معجم‌الادباء (261 -254/ 16)، المنتظم (336 -334/ 6)، ميزان‌الاعتدال (359/ 3)، النجوم الزاهرة (294/ 2)، وفيات الاعيان (63 -60/ 4).

هروی، ابوسعد آدم

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 536 ق)، ادیب، لغوی و محدث. اصلاً از هرات بود و ساکن بلخ.
در 520 ق پس از سفر حج به بغداد وارد شد و در همان جا درگذشت.
استاد رشید وطواط بود و میان او و شیخ ابومنصور جوالیقی مناظراتی واقع شد. در حدیث و فنون ادب یکی از مراجع عصر خویش بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (2/ 240)، روضات الجنات (59 2/)، ریحانه (7/ 125)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسعد)، معجم الادباء (107 -101 1/).

هروی، ابوعبید احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 401 ق)، محدث، ادیب و لغوی. معروف به صاحب «الغریبین». اصلش از فاشان، از قرای هرات است. از بزرگان علما و ادبا و لغویون و از شاگردان نفطویه و ابن‌سراج و ابومنصور ازهری بود. وی از احمد بن محمد بن یاسین و ابواسحاق احمد بن محمد بن یونس بزاز حافظ روایت کرده است. شیخ‌الاسلام ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی و ابوعمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و ابوبکر اردستانی از وی روایت کرده‌اند. او را پیشوای اهل ادب در زمان خود می‌دانستند. وی به سرزمینهای مختلف سفر کرد و مدتی نیز اسیر قرامطه شد. در «ریحانة‌الادب» و «روضات‌الجنات» کنیه‌ی وی ابوعبداللّه یا ابوالقاسم ذکر شده است. از آثارش: «الغریبین»، که جمعی است بین تفسیر «غریب القرآن» و «غریب الحدیث»؛ «ولاة هرات» یا «تفصیل ولاة هرات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (203/ 1)، روضات‌الجنات (252 -251/ 1)، ریحانه (361/ 6)، سیرالنبلاء (147 -146/ 17)، شذرات‌الذهب (161/ 3)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (292 -291/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (85 -84/ 4)، العبر (199/ 2)، الکامل (256/ 7)، کشف‌الظنون (1209 ،1206)، معجم‌الادباء (261 -260/ 4)، معجم‌المؤلفین (150/ 2)، النجوم الزاهره (229/ 4)، الوافی بالوفیات (115 -114/ 8)، وفیات الاعیان (96 -95/ 1)، هدیة‌الاحباب (262)، هدیة‌العارفین (70/ 1).

هروی، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1297 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره‌ی لیسانس زبان‌های خارجی را در دانشسرای عالی گذراند و از دانشکده‌ی الهیات دکترا گرفت و سرانجام بعد از سالها که عهده‌دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت‌اللّه مجیدی به چاپ رسیده است. وی در تهران درگذشت و در گرگان، در کنار افراد خاندان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه‌ی داستایوفسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه‌ی جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی»، ترجمه. [1]
محقق، مترجم، مدرس.
تولد: 1297.
درگذشت: 6 اردیبهشت 1372، تهران.
حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دوره‌یر لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجه‌ی دکتری شد. وی در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمه‌ی فرهنگ البسه (به قلم «دزی»)؛ زندگینامه‌ی داستایوسکی (اثر هانری تروا)؛ ترجمه‌ی تاریخ بزرگ جهان (یکی از مجلدهای آن)، زندگی پوشیکن، حافظ پژوهی (چهار جلد)، مقاله‌های ادبی و نقدهایی درباره‌ی آثار دیگران درباره‌ی حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.
دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گرگان در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2417/ 2 ،1391/ 1)، کلک (س 4، ش 38، ص 153 -151).

هروی، عبدالملک

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 489 ق)، ادیب و لغوی. معروف به مؤدب. در هرات به دنیا آمد.از بزرگان اهل سنت در سده‌ی پنجم قمری در این شهر می‌باشد. وی در هرات معلم و مرجع استفاده اکثر فضلا بود. صاحب «کشف‌الظنون» و «ریحانة‌الادب» وی را تحت عنوان عبدالملک بن علی مؤذن هروی آورده‌اند. از آثارش: «الصفات والذوات» یا «الصفات والادوات التی یبتدی بها الاحداث»؛ «المحیط»، در لغت؛ «المنتخب من تفسیر الرمانی» یا «مختصر» تفسیر قرآن رمانی (علی بن عیسی وراق).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :روضات‌الجنات (161/ 5)، ریحانه (362/ 6)، کشف‌الظنون (1621، 1433، 448 -447)، معجم‌المؤلفین (186/ 6)، هدیة‌العارفین (626/ 1).

هروی، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 951 ق)، خطاط، ادیب و شاعر، متخلص به کاتب. از معروفترین استادان خوشنویس خط نستعلیق است. وی از سادات حسینی هرات بود و به واسطه‌ی کثرت اقامت در مشهد، بعضی او را مشهدی نیز خوانده‌اند. اینکه بعضی وی را اهل جام دانسته‌اند، اشتباه و خلطی است که با پیر علی جامی، شاگرد سلطانعلی مشهدی کرده‌اند. میرعلی در هرات به تحصیل دانش و کسب هنر پرداخت و سپس در دارالانشاء حکام هرات، به امر کتابت مشغول شد. پس از آن، به دربار سلطان حسین میرزا بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی گردید و به عنوان سلطانی و کاتب السلطانی مفتخر شد. وی تا 911 ق، زمان مرگ سلطان حسین بایقرا، در هرات می‌زیست و پس از آن، گاهی در مشهد و گاهی در هرات به سر می‌برد. در 919 ق نزد کریم‌الدین حبیب‌اللّه ساوجی رفت و پس از قتل او، مدت سه سال در هرات بود. در 935 ق، وقتی عبیداللّه خان ازبک به خراسان هجوم آورد و به شهر مسلط شد، جمعی از امرا و بزرگان و هنرمندان آن دیار، از جمله میرعلی را به بخارا کوچ داد و او را به معلمی عبدالعزیز خان، فرزند خود، و امر کتابت سرکاری گماشت. درباره‌ی استاد میر علی در خط نستعلیق، بین تذکره‌نویسان اختلاف است و آنچه مسلم است اینکه، وی به هنگام جوانی در هرات، شاگرد زین‌الدین محمود، شاگرد بی واسطه‌ی سلطانعلی مشهدی، بوده است. میرعلی در اقلام مختلف نستعلیق دست داشته و کتیبه‌نویسی نیز می‌کرده است. او را به حسن محاوره و شیرین سخنی نیز ستوده‌اند و گویند عبدالرحمان جامی به وی عشق می‌ورزیده است. میرعلی در نظم و نثر هم تبحر داشت و شعر فارسی و ترکی را نیکو می‌سرود و به آورده‌ی «احوال و آثار خوشنویسان»، از قول صاحب «ریاض الشعراء»، کاتب تخلص می‌کرد و «دیوان» شعری از او به جای مانده است. وی نثر را شیوا می‌نوشت و رساله‌ی «مداد الخطوط» او در آداب خوشنویسی، از معروفترین آثار خوشنویسی است که به چاپ نیز رسیده است. میر علی حدود شانزده سال در بخارا روزگار گذرانید و همان جا درگذشت و در صفه‌ی مولانا صالح، در جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی، به خاک سپرده شد. از شاگردان معروف وی: میر محمدباقر، خواجه محمد شهابی سیاوشانی، سید احمد مشهدی، مالک دیلمی، سلطان محمود بخاری و میر دوری

هستند. بعضی از آثار خطی او: یک نسخه «بوستان» سعدی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «تمت علی ید العبد... علی الحسینی الکاتب... سنة 919»؛ یک نسخه «هفت اورنگ» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «خدم بکتابتها العبد المذنب علی الحسینی الهروی... سنة ثمان عشرین و تسعمائة...»؛ یک نسخه «جام جم» اوحدی، به قلم کتابت ممتاز، با رقم: «کتبه العبد... علی الحسینی الکاتب... سنة ثلثین و تسعمائة، بدار السلطنة هراة»؛ «مناجات» خواجه عبداللّٰه انصاری، به قلم دو دانگ عالی، با رقم: «کتبه العبد... علی الکاتب، فی سنه 935، بلدة بخارا»؛ «گلستان» سعدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب میرعلی الکاتب»؛ یک ورق از یک بیاض کوچک، به قلم غبار ممتاز، با رقم: «تمت علی ید احقر الکاتبین علی الحسینی الکاتب، فی شهور سنة خمس و ثلثین و تسعمائة...»؛ قریب سیصد قطعه، به قلم‌های گوناگون، با تاریخ‌های 925 تا 951 ق، در کتابخانه‌ها و موزه‌های مختلف.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (516 -493/ 2)، اطلس خط (478 -473)، پیدایش خط و خطاطان (125 -123)، پیدایش و سیر تحول هنر خط (139)، تاریخ ادبیات در ایران (172/ 4)، تاریخ هنرهای ملی (882 ،878/ 2)، تحفه سامی (74)، تذکره‌ی روز روشن (669 -668)، تذکره‌ی نصرآبادی (525)، حبیب السیر (618 -617/ 4)، خوشنویسان و هنرمندان (40 -38)، دایرةالمعارف فارسی (1766/ 2)، الذریعه (235/ 20 ،765 -764/ 9)، ریحانه (365 -364/ 6)، صبح گلشن (481)، طرائق الحقائق (683 -682 ،120/ 3)، عالم آرای عباسی (170/ 1)، فرهنگ سخنوران (650)، کارنامه‌ی بزرگان (86 -84)، گلستان هنر (84 -78)، لغت نامه (ذیل/ علی هروی)، مجالس المؤمنین (491 -490/ 2)، مجالس النفائس (262 ،88)، مجمع الخواص (90 -89)، مطلع الشمس (447 -446/ 2)، مناقب هنروران (114 ،79 -72)، هنر عهد تیموریان (742 -331 ،352 ،392 ،485- 486 ،535- 537 ،617 ،646 ،701 ،713 ،738- 300 ،299- ،298)، یادگار (س 1، ش 3، ص 31 -17).

هروی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حسین علی بن رضا ابن اسماعیل حائری اصفهانی.
عالم فاضل محقّق کثیر التألیف و التصنیف، در رمضان المبارک سال 1217 در شهر هرات متولّد شده، و مقدّمات علوم را در آنجا آموخته، در 1235 به اصفهان مهاجرت نموده و نزد شیخ محمّد تقی رازی، و حاج محمّد ابراهیم کلباسی، و سید محمّد باقر حجّة الاسلام بید آبادی تحصیلات خود را تکمیل نموده، و در نجف به درس شیخ محمد حسین صاحب فصول، و شیخ محمّد حسن صاحب جواهر، و در کربلا به درس حاج سید کاظم رشتی، و میرزا علی نقی طباطبائی حاضر شده، سپس به اصفهان مراجعت نموده، و ریاست کلّی و مرجعیّت تام یافته، و در اواخر عمر به مناسباتی از اصفهان به کربلا مهاجرت فرموده، و در آن ارض اقدس مجاورگردیده، و در 17 ربیع الاول سال 1299 وفات یافته، در مقبره صاحب ضوابط در صحن کوچک حسینی مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
1- الاربعین، در اخبار اصول دین 2- توضیح الحساب 3- تلخیص تحفة الابرار استادش سیّد شفتی 4- تنبیه الغافلین، ردّ بر باب 5- التعاد و التراجیح 6- تعلقه بر حواشی شیروانی بر معالم 7- الحدیقة النجفیّة حاشیه بر شرح لمعه 8- حجّیّت مظنّه مطلق 9- حاشیه بر خلاصة الحساب شیخ بهائی 10- حاشیه بر قوانین 11- خلاصة البیان، در تفسیر مشکلات قرآن 12- الدرر المنثوره 13- رساله در بطلان طلاق به عوض 14- رساله در عدالت 15- رساله در عرق جنب از حرام 16- رسالة فی العصیر بأنواعها 17- رساله در زوال، و آن شرح بر مبحث زوال روضة البهیّه است 18- السبع المثانی، در احوال معصومین چهارده گانه 19- سوال و جواب، در مسائل روزه و زکات، به عربی و فارسی 20- شرح خطبه همّام 21- شرح دعای ابوحمزه - شرح روضة البهیّة 22- طریق النجاة 23- عیون الاحکام 24- کاشف الاستار [در شرح تلخیص تحفة الابرار] 25- لوامع الفصول = [شرح مبادی الوصول] 26- لطائف الفوائد 27- مقاصد العلّیّة 28- مبادی الاصول 29- مشارع 30- مناسک حج 31- المطلق و المقیّد 32- ملخّص تفسیر آیة الکرسی [سید کاظم رشتی] 33- الموت و البرزخ 34- المناقب الحسینیّة 35- مجالس المواعظ 36- نتایج الافکار، در اصول فقه 37- نهایة الامال، معروفترین تألیف او 38- دو کتاب در ردّ باب و بابیّه.

نقل شده است که در اصفهان متهّم به بابیّت و میل به طریقه ایشان داشته، و به همین دلیل سه جلد کتاب در ردّ آنها نوشته، و بالاخره مجبور به مهاجرت از این شهر گردیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، مقصود علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1011 ق)، مترجم. اصل وی از تبریز است. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید به همین علت به مقصود علی هندی نیز مشهور است. از آثارش «تاریخ الحکما»، درباره‌ی سرگذشت حکیمان و عالمان است که ترجمه‌ی «نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکما المتقدمین والمتأخرین»، تألیف محمد بن محمود شهرزوری می‌باشد. مقصود علی این کتاب را در 1011 ق، در عهد اکبر شاه و به دستور شاهزاده سلیم (جهانگیر شاه)، از عربی به فارسی ترجمه نمود و بعدها میر سید صدرالدین بن میر محمد صادق، گزیده‌ای از این کتاب را به نام «قول الحکما» یا «انتخاب تاریخ الحکما» تحریر نمود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (214/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1587-1586/ 5)، تاریخ نظم و نثر (808، 401).

هزار جریبی، محمد علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم جلیل القدر، از تلامذه محقّق قمی، و آقا سید جواد عاملی، و حاج سید مهدی بحر العلوم، و حاج ملا احمد نراقی، و آقا شیخ جعفر نجفی می‌باشد.
مدّتها در ارومیه و تبریز بوده و در آنجا تدریس می‌فرموده، اخیراً به اصفهان آمده و داماد میرزا محمّد باقر نوّاب شده، و به فقیه مطلق شهرت یافته، و در مسجد ذوالفقار امامت می‌نموده.
و تألیفات و تصنیفات زیاد دارد، از آن جمله است:
1- انیس المشتغلین 2- البحر الزاخر 3- جوابات المسائل 4- حاشیه بر قواعد شهید 5- حاشیه بر قواعد علاّمه 6- حاشیه بر طهارت مدرک 7- حاشیه بر شرح لمعه [=مخرن الاسرار الفقهیة] 8- حاشیه بر نکاح شرایع 9- حاشیه بر شوارق و تجرید 10- حاشیه بر قوانین - حاشیه بر معالم (= مجمع العراش الوجیهة) 12- رساله در نماز 13- رساله در امامت 14- رساله در رجال 15- رساله در نکاح عدّه ذّمیّه 16- سراج المنیر، در فوائد رجالیّه، (شاید شماره 14 باشد) 17- شرح احادیث مشکله - شرح روضة البهیّه (= حاشیه بر شرح لمعه) 18- کتابی در اصول 19- کتابی در قصاید و شرح آنها 20- کتابی در فقه: در نماز مسافر و نکاح و طلاق و دیات [=البحر الزخر]، پر فایده و کثیر الفروع 21- مجمع العرائس [=حاشیه بر معالم]؛ و غیره.
در اواخر عمر به شهرضا منتقل گردیده و این مهاجرت سبب گمنامی او شده است. در هر صورت، از مجتهدین بزرگ است، و از او کرامات و استجابت دعا و ترویجات و زهد و تقوی معروف است.
در 12 رجب 1188 متولّد، و در شب شنبه 18 ربیع الثانی 1245 در شاه سید علی اکبر در نزدیکی شاهرضا به مرض وبا وفات یافته و در همانجا مدفون گردید. قبرش داخل بقعه امام زاده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هزار شیرازی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شیراز برای تکمیل تحصلاتش به هندوستان رفت و در کراچی علوم جدید و زبان انگلیسی را آموخت و دوره کالج اسلامی آن شهر را به پایان رساند و سپس به شیراز بازگشت. وی در جنگ بین‌الملل اول (1337-1333 ق) وارد خدمت قشون انگلیسی جنوب ایران شد. پس از انحلال قشون، وی انتشارات هزار را تأسیس کرد و به تألیف و نشر کتاب روی آورد. رکن‌زاده‌ی آدمیت صاحب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» با وی دوستی داشته و صاحب عنوان را زنده‌ی 1352 ق آورده است. از آثار وی: «حیات مالک اشتر»؛ «دوران پهلوی نماینده‌ی عملیات رضا شاه از 1304 تا 1314 ش»؛ «عارف‌نامه»؛ «بقاء روح»، در چگونگی عالم پس از مرگ جسمانی، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (849 -848/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2279/ 2 ،1463 ،1227/ 1)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (208 -207/ 3).

هژار، عبدالرحمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1300 ش)، محقق، مترجم، فرهنگ‌نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هژار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فراگرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه‌ی شدید عبدالرحمان به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. آنگاه بود که شعر و شاعری را از سر گرفت و اشعاری را سرود و از طرف قاضی محمد (مقتول 1326 ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» شعرش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم کُرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم کُرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه‌اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجله‌ی کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در 1353 ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه‌ی کتاب «قانون در طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه‌ی این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه‌ی ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره‌ی هژار در قبرستان بداغ‌السلطان در مهاباد می‌باشد. از دیگر آثار وی ترجمه‌ی از فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرف‌نامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی‌نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه‌ی قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ادبستان (س 2، ش 10، ص 33 -31)، تاریخ مشاهیر کرد (691 -678/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد مرحوم عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، کلک (س 2، ش 13، ص 255 -252)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 5، ص 6 -1، س 8، ش 4، ص 54).

هژیر، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(و. 1281 ه.ش مقت. 13 آبان 1328 ه.ش) فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی علوم سیاسی قدیم بود و در 1268 وارد خدمات دولتی شد و سمت‌های مختلف پیدا کرد. از طرف دولت 9 ماه به آلمان و 3 ماه به انگلستان مأموریت یافت و پس از بازگشت عهده‌دار بانک کشاورزی و مدیر کل وزارت دارائی شد و در 1320 وزی بازرگانی و پیشه و هنر و در کابینه‌ی «سهیلی» وزیر راه گردید و در 23 خرداد 1327 در سن 46 سالگی مأمور تشکیل دولت شد و در آبان ماه 1327 از نخست‌وزیری استعفا داد و در سال 1328 به سمت وزیر دربار شاهنشاهی منصوب گردید. در 13 آبان ماه 1328 که در مجلس روضه‌ی دربار شاهنشاهی در مجسد سهپسالار شرکت نمود به ضرب گلوله از پا درآمد و در بیمارستان در سن 47 سالگی درگذشت.
(ح 1280- مقتول 1328 ش)، نویسنده و مترجم. از تحصیل کرده‌های مدرسه علوم سیاسی بود که ابتدا کارمند وزارت خارجه شد و سپس در سمت منشی‌گری و مترجمی سفارت روس به کار مشغول گردید. وی زبان‌های روسی، فرانسوی و انگلیسی را می‌دانست. هژیر وزارت‌های پیشه و هنر، بازرگانی، راه، کشور و دارایی را به ترتیب در کابینه‌های علی سهیلی، احمد قوام، ساعد و حکیمی بر عهده داشت. او همچنین در 1327 ش سمت نخست‌وزیری را برعهده گرفت. هژیر در مدرسه عالی سپهسالار به دست سید حسین امامی با ضرب گلوله به قتل رسید. وی را در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از آثارش: «پطراز بورگ تا قسطنطنیه»، تاریخ روابط دربار ایران با دو دربار مزبور از ظهور صفویه تا مرگ نادرشاه، ترجمه؛ «تاریخ قرون وسطی» تا جنگ صد ساله»، ترجمه؛ «تاریخ ملل شرق و یونان»، ترجمه؛ «حافظ تشریح».[1]
فرزند محمد هژیر (وثوق همایون)، در سال 1281 در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه‌ی مظفری و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون پایان داد و زبان فرانسه را بخوبی فراگرفت و برای ادامه‌ی تحصیل وارد مدرسه‌ی علوم سیاسی شد و چون دارای مدرک دیپلم بود، دوره‌ی دو ساله‌ی مؤخراتی را طی کرد و در 1298 فارغ‌التحصیل گردید و به استخدام در وزارت امور خارجه درآمد و مترجم زبان‌های روسی و فرانسه بود. در 1301 بعنوان مترجم روسی در سفارت شوروی در تهران استخدام شد و قریب 6 سال در آن سفارتخانه اشتغال به کار داشت. در

1307 به خدمت کلیه ایرانیان که در سفارت شوروی کار می‌کردند خاتمه داده شد و هژیر مدتی بیکار بود تا اینکه در 1308 در وزارت راه استخدام شد و سمت وی بازرسی بود. در کابینه‌ی مخبرالسلطنه هدایت، تقی‌زاده به وزارت دارائی تعیین شد و هژیر را به آن وزارتخانه انتقال داد و در اداره‌ی امور اقتصادی که ریاست آن با دکتر محمود افشار بود، به کار مشغول گردید. وی در این سمت از طرف تقی‌زاده مأموریت یافت که کلیه پرونده‌های مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس را مطالعه و گزارش جامعی تهیه نماید. هژیر در وزارت مالیه ظاهرا کارمند عادی بود ولی بیش از همه وزیر دارائی را ملاقات می‌نمود. در حقیقت عملا مشاور وزیر بود. در جریان تجدیدنظر در قرارداد دارسی (1933) هژیر از دست‌اندرکاران درجه دوم بود و قسمت اعظم مدارکی را که داور همراه خود در دادگاه لاهه ارائه داد همه اسناد و مدارکی بود که هژیر با مطالعه‌ی دقیق پرونده‌هایی به ارزش آنها برده بود. در سال 1313 هژیر رئیس اداره حقوقی وزارت دارائی شد و یک سال بعد مفتش دولت در بانک ملی ایران که در آن تاریخ بانک ناشر اسکناس بود گردید. در آن تاریخ اسکناس‌های منتشره دارای دو امضاء بود، یکی امضای مدیر کل بانک و دیگری امضای مفتش دولت. از سری دوم اسکناس‌های منتشره بانک ملی امضای هژیر در روی اسکناس‌ها قرار گرفت و چون امضای وی واضح و خوانا بود تمام مردم با نام او آشنا شدند.
در سال 1314 داور وزیر وقت مالیه دو قرارداد پایاپای با دولت آلمان و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد نمود، برای پیشبرد امور اقتصادی شرکتهای دولتی تشکیل داد و هژیر در سمت‌های مختلف قرار گرفت، مانند مدیر عامل شرکت قماش، عضو هیئت مدیره شرکت بیمه، عضو هیئت مدیره شرکت ساختمان بازرسی بانک فلاحت و رئیس کمیسیون اسعار.
عبدالحسین هژیر در 1318 مدیر کل وزارت دارائی شد و پس از مدت کوتاهی به معاونت بانک ملی ایران برگزیده شد.
پس از شهریور 1320 هژیر وارد میدان سیاست و برای ورود به کابینه‌ها شدیدا فعالیت می‌کرد تا اینکه در اسفندماه 1320 در آخرین ترمیم کابینه محمد علی فروغی به وزارت پیشه و هنر منصوب گردید. این کابینه در مجلس سیزدهم با رأی ضعیفی تأیید گردید ولی فروغی آن رأی را برای ادامه‌ی کار خود کافی ندانست و استعفا داد. اصرار نمایندگان و صدور قطعنامه نمایندگان طرفدار فروغی برای ادامه‌ی کار او ثمربخش نشد ولی نمایندگان به توصیه‌ی او به علی سهیلی رأی دادند. سهیلی در کابینه‌ی خود عبدالحسین هژیر را در سمت وزارت پیشه و هنر تثبیت کرد. سهیلی بیش از چهار ماه در نخست‌وزیری دوام نکرد و جای خود را به احمد قوام

داد. هژیر در کابینه‌ی جدید همچنان در وزارت پیشه و هنر باقی ماند. در کابینه‌ی دوم سهیلی، هژیر وزیر راه شد. در کابینه‌ی محمد ساعد مقام وزارت کشور گرفت و در ترمیم کابینه همچنان وزیر کشور بود. در کابینه‌ی اول و دوم حکیمی به وزارت دارائی منصوب شد.
در 1325 در ترمیم دوم کابینه‌ی احمد قوام او به وزارت دارائی انتخاب گردید و متوالیا در چهار ترمیم کابینه، وزارت دارائی را حفظ کرد. در 1326 در کابینه‌ی حکیمی سمت وزارت مشاور یافت. در حقیقت گرداننده‌ی دولت حکیمی بود.
بعد از سقوط کابینه‌ی حکیمی، علی سهیلی و عبدالسحین هژیر وزرای مشاور کاندیدای نخست‌وزیری بودند ولی علاقه‌ی شدید اشرف پهلوی به هژیر، محمدرضا پهلوی را مجبور کرد به نمایندگان توصیه‌ی نخست‌وزیری هژیر را بکند و در نتیجه هژیر با اکثریت 66 رأی به نخست‌وزیری انتخاب شد.
پس از انتشار خبر نخست‌وزیری هژیر، جمع کثیری از طبقات مختلف مردم و مخصوصا دانشجویان دانشکده‌های حقوق و فنی با صفوف منظم در میدان بهارستان حضور یافتند و خواستار ملاقات با نمایندگان شدند. ضمن این ملاقات اعتراض خود را نسبت به ابراز تمایل مجلس به نخست‌وزیری هژیر بیان نمودند و وی را برای این خدمت صالح ندانستند. در همان موقع خبر نخست‌وزیری هژیر به بازار تهران رسید. کسبه و اصناف با صلاحدید و راهنمائی آیت‌الله کاشانی، مغازه‌های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند و ضمن ایراد سخن، نمایندگان مجلس را به باد ناسزا گرفتند و برای تصمیمی که اتخاذ نموده بودند آنها را مورد سرزنش و اهانت قرار دادند. دامنه اجتماع و تظاهرات علیه مجلس بالا گرفت و به دستور دولت و رئیس مجلس، پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد، تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوپ و چاقو به پلیس حمله کردند. در این زدوخورد عده‌ی زیادی مجروح و زخمی شدند. پس از ختم زدوخورد سردار فاخر رئیس مجلس، آیت‌الله کاشانی را مسبب این تظاهرات دانست و اضافه کرد اگر ایشان با نخست‌وزیری هژیر مخالفت دارند بهتر این بود با نمایندگان مجلس صحبت می‌کردند نه اینکه متوسل به جار و جنجال می‌شدند. به دنبال تظاهرات دانشجویان و اصناف علیه هژیر، روز بعد در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و قزوین تظاهرات پرشوری صورت گرفت.
هژیر ناگزیر در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی به مخالفین خود پاسخ داد و افزوده مبارزه‌ی سیاسی بین جمعی نباید از حدود نزاکت خارج شود و نظم عمومی را بر هم زند و هشدار داد کسانی که موجبات اختلال در نظم عمومی و امنیت شهرها را فراهم نمایند به موجب قانون سرکوب خواهند

شد.
روز چهارم نخست‌وزیری هژیر، تهران شاهد تظاهرات گسترده‌ای از طرف روحانیون بود. چندین هزار روحانی و بازاری در حالی که قرآن بر سر داشتند، به رهبری سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و ضمن ایراد سخنرانی، نمایندگان مجلس را که به انتخاب هژیر رأی داده بودند مذمّت کردند و خواستار عزل او شدند. در این موقع که بیم حمله‌ی تظاهرکنندگان به صحن بهارستان می‌رفت، گارد مجلس و مأمورین انتظامی بسوی فدائیان اسلام آتش گشودند. عده‌ی زیادی در این حمله و تیراندازی زخمی شدند و در همان موقع اعلامیه شدیداللحن آیت‌الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم پخش شد و هژیر نیز متقابلا اعلامیه‌ای داد و تظاهرکنندگان را به جلب به دادگاه و محاکمه تهدید نمود.
عبدالحسین هژیر روز سوم تیر ماه 1327 وزیران کابینه را به مجلس معرفی نمود و برنامه‌ی کار خود را نیز اعلام نمود. به هنگام نطق نخست‌وزیر در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او برپا بود. صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی‌دین در فضای تالار علنی مجلس طنین‌انداز گردید. در همین جلسه حسین مکّی، ابوالحسن حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زدوخوردهای چند روزه گذشته علیه او اعلام جرم نمودند ولی با تمام تظاهرات و مخالفت‌هائی که به رهبری آیت‌الله کاشانی در خارج و داخل مجلس به عمل آمد، برنامه و وزیران هژیر با 88 رأی موافق از 96 رأی دهنده‌ی حاضر در مجلس به تصویب رسید.
هژیر برای جلب توجّه عامه و رد اتهاماتی که از نظر مذهبی به وی وارد می‌کردند در اولین جلسه هیئت وزیران تصویبنامه‌ای صادر کرد که بموجب آن تهیه و فروش انواع مشروبات الکلی در شهرهای مشهد، قم و شهر ری ممنوع گردید. این تصویبنامه نه تنها دردی دوا نکرد، بلکه مستمسکی به دست مخالفین داد که منظور دولت را اغفال جامعه‌ی روحانیت قلمداد کنند و در مجلس نیز چند مخالف، هژیر را متهم به ظاهرسازی و خلاف کاری نمودند.
شاه در اواخر تیر ماه 1327 برای یک بازدید رسمی به انگلستان رفت و قبل از حرکت نمایندگان را در کاخ خود پذیرفت و ضمن ایراد سخنرانی از نمایندگان خواست دولت را تقویت کنند و لوایحی را که به مجلس تقدیم می‌شود تصویب نمایند.
در مدتی که شاه در اروپا اقامت داشت، حوادث مهمی در ایران رخ داد. عباس اسکندری نماینده‌ی مجلس، دولت هژیر را به علت سوء سیاست داخلی و خارجی و مسئله‌ی بحرین استیضاح کرد و افزود که نباید مجال داد

تا حکومت پلیسی مجددا در ایران برقرار شود. متعاقب استیضاح اسکندری، ناصرقلی اردلان نیز دولت را استیضاح کرد ولی هژیر به استیضاح کنندگان پاسخی دندان‌شکن داد و گفت این دولت بیش از دو ماه نیست که عهده‌دار امور شده است، چگونه تمام مشکلات گذشته را به او نسبت می‌دهید. سرانجام تقاضای رأی اعتماد کرد و مجلس با 93 رأی او و دولتش را تأیید نمود.
هژیر در مجلس شورای ملی از اکثریتی قریب به اتفاق برخوردار بود ولی در عوض مطبوعات تهران و شهرستانها از حمله و هتاکی به او کوتاهی نمی‌کردند و همه روزه اتهامات زیادی به وی وارد می‌ساختند. او ناچار تصویبنامه‌ی زیر را در هیئت وزیران به تصویب رسانید:
«هئیت وزیران در جلسه‌ی مورخ هشتم شهریور ماه تصویب نمودند که چون در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و بنگاههائی که با سرمایه دولت اداره می‌شود یا شهرداری‌ها، کسانی که به نحوی از انحاء از آنجا حقوق می‌گیرند، نمی‌توانند با داشتن شغل دیگری از قبیل ریاست یا عضو هیئت مدیره شرکتهای خصوصی و یا داشتن هرگونه شغل آزاد دیگری از قبیل شرکت کردن در اداره‌ی روزنامه خواه به عنوان صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر یا عضو هیئت تحریریه و امثال آنها، به انجام وظایف خود بطوری که لازم است اقدام نمایند، لذا کلیه این قبیل اشخاص به عنوان این اقتضای اداری از خدمت برکنار شوند.»
وقتی که این تصویبنامه صادر و منتشر شد، در مطبوعات غوغائی برخاست و عده‌ی زیادی از مدیران و سردبیران و نویسندگان جراید در مجلس شورای ملی حضور یافته نسبت به تصویبنامه اعتراض نمودند و نخست‌وزیر نیز مصرا در پاسخ آنها ایستادگی کرد و افزود استعفا می‌دهم ولی تصویبنامه را لغو نخواهم کرد. عبدالقدیر آزاد، دولت را نسبت به توقیف جراید و اختناق آزادی و نقض قانون اساسی و مشروطیت استیضاح کرد.
روز 26 شهریور در جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی به هنگام طرح لایحه عفو مرتکبین قضایای آذربایجان و زنجان، بین هژیر و چند تن از نمایندگان مشاجره‌ی شدید لفظی درگرفت، به طوری که نمایندگان میزهای جلو خود را شکستند. هژیر نیز در اوج عصبانیت فریاد برآورد شما تیشه برداشته‌اید و به ریشه این مملکت می‌زنید. در این گفتگو نمایندگان اقلیت از نثار هیچ‌گونه ناسزا و کلمات زشت خودداری نکردند. بالاخره هژیر در مقابل جوّی که مخالفین برای او درست کرده بودند تاب مقاومت نیاورد و با وجودی که در مجلس از حمایت اکثریت برخوردار بود، چاره را در کناره‌گیری دید و سرانجام روز پنجم آبان ماه 1327 پس از پنج ماه زدوخورد و مبارزه از کار کناره گرفت.

یکی از اقدامات هژیر در دوران زمامداری، برقراری روابط سیاسی بین ایران و عربستان سعودی بود که زیارت بیت‌الله‌الحرام آزاد شد.
عبدالحسین هژیر پس از کناره‌گیری، چند ماهی بیکار بود. در انتخابات مؤسسان دوم که در اردیبهشت ماه 1328 تشکیل یافت از تهران به نمایندگی انتخاب شد و سرانجام در 28 تیر ماه 1328 به سمت وزیر دربار تعیین گردید و بالاخره در روز 13 آبان ماه 1328 در مجلس عزاداری و روضه خوانی دربار در مسجد سپهسالار هدف گلوله‌ی سید حسین امامی عضو جمعیت فدائیان اسلام قرار گرفت و روز بعد درگذشت و در ایوان کفش‌کن ناصرالدین شاه مدفون شد.
به دنبال قتل هژیر در تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرلشکر هوائی احمد خسراوانی معاون ستاد ارتش به حکومت نظامی منصوب شد و از همان روز بگیر و ببند شروع شد و آقایان دکتر مظفر بقائی، سید ابوالحسن حائری‌زاده، سید مصطفی کاشانی، سید علی بشارت، علی جواهر کلام، دانش نوبخت، عبدالقدیر آزاد و خلیل طهماسبی طبق ماده‌ی پنج حکومت نظامی بازداشت شدند. سه روز بعد هم حسن مکی بازداشت شد و دکتر محم مصدق هم به احمدآباد تبعید گردید.
بازپرسی از حسین امامی در روز چهاردهم آبان ماه آغاز شد. امامی در اولین بازپرسی به قتل هژیر اعتراف کرد و اظهار نمود بر من مسلم شد وجود هژیر برای مملکت ضرر و زیان دارد لذا درصدد کشتن او برآمدم و قریب دو ماه بود که اسلحه شبانه روز با من بود و بالاخره روز سوم عاشورا توانستم برنامه‌ی خود را اجرا کنم.
روز پانزدهم آبان دادگاه نظامی به ریاست سرهنگ جهانشاهی قاجار و دادستانی سرهنگ جهانگیری، محاکمه‌ی حسین امامی را آغاز و سرانجام حکم اعدام را صادر کردند. امامی از تقاضای تجدیدنظر خودداری نمود و اظهار کرد تجدیدنظر باعث اتلاف وقت است و حکم اعدام در سحرگاه هجدهم آبان به مرحله‌ی اجرا درآمد.
عبدالحسین هژیر از طبقه سوم برخاست. تحصیلات او منحصرا در ایران و مدرسه‌ی علوم سیاسی انجام گرفت ولی به علت هوش و استعداد زیاد، مطالعات خود را در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ و آموزش زبانهای خارجه ادامه داد و به زبان‌های فرانسه، روسی و انگلیسی تسلط داشت.
در سن 20 سالی روزنامه‌ی پیکان را به صاحب امتیازی پدرش به مدت دو سال، هفته‌ای دو شماره انتشار می‌داد. مرحوم محمد صدر هاشمی در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: پیکان یکی از روزنامه‌های خوب و مفید بوده و از لحاظ مرام و مسلک طرفدار اکثریت مجلس و مخالف اقلیت و از دشمنان سرسخت سید ضیاءالدین است.
مندرجات روزنامه‌ی پیکان بخوبی روشن می‌سازد که نویسنده‌ی آن دارای

اندیشه‌ی سیاسی بوده و به ادب و فلسفه وقوف داشته است. در سنین جوانی کتابی تحت عنوان حافظ تشریح انتشار داد که گلچینی از غزلیات حافظ است اما با نظم و ترتیب موضوعی. مقدمه‌ای در حدود هشتاد صفحه بر این کتاب نوشته است که نشانه‌ی بصیرت و اطلاعات وسیع او در ادبیات مخصوصا حافظشناسی است. چند ترجمه‌ی خوب هم از او باقی مانده است از جمله قسمتی از تاریخ آلبر ماله را به فارسی برگردانده است. هژیر نثر فارسی را محکم و استوار می‌نوشت و فوق‌العاده مورد علاقه دربار پهلوی بود.
اشرف پهلوی در کتاب خاطرات خود چنین می‌نویسد: «هژیر در سال 1327 به نخست‌وزیری منصوب شد. هژیر یکی از دوستان خوب من بود (و باید بگویم که من تا حدی در انتصاب او مؤثر بوده‌ام) او در سمت‌های وزیر دارائی و وزیر دربار نیز خدمت کرده بود. عبدالحسین هژیر یک بوروکرات باهوش، قابل و وفادار بود و بخوبی می‌توانست مسائل داخلی و بین‌المللی را درک کند و با آنها روبرو شود. با وصف این، انتصاب او بلافاصله مورد حمله و انتقاد آیت‌الله کاشانی قرار گرفت که یکی از مقامات مهم مذهبی زمان خود بود...»
رویهمرفته مردی بلند پرواز، زدوبندچی، قدرت طلب، باسواد، ادیب، شعرشناس و سخندان، ناطق و به مال دنیا بی‌اعتنا بود. پس از مرگ کلیه ما ترک او شبیه یک کارمند دولت بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دولتهای ایران در عصر مشروطیت (317 -316/ 1)، روز شمار تاریخ (305 ،304 ،297 ،296 ،288 ،280 ،272 ،268 ،259 ،256 ،252 ،248 ،246 ،244 ،222 ،185 ،123/ 1)، شرح حال رجال (260 -258/ 2)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (755 -738 ،657 -656 /612، 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه انقلاب (393)، مؤلفین کتب چاپی (766 -764/ 3)، نخست وزیران (219 -195/ 1)، یادگار (س 1، ش 9، ص 79)، یغما (س 2، ش 8، ص 392 ،391).

هسته‌ای، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمد رضا، از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خوانساری.
عالم فاضل، و واعظ کامل، از معمرین اهل علم و فضل، سال‌ها در نجف خدمت علمای آن سامان تلمذ فرموده، و در حدود سال 1325 به اصفهان مراجعت کرده، و سال‌ها در این شهر امامت و تدریس نموده، سپس به طهران مسافرت کرده، و در دستگاه مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری شهید وارد شده، و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده.
پس از وقعه‌ی شهادت او به اصفهان آمده، و تا آخر عمر گاهی در اصفهان، و زمانی در طهران ساکن، و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه مواعظ پرداخته، و الحق واعظی شیرین بیان، و گوینده‌ای طلیق اللسان بوده.
در دوشنبه 16 ربیع الثانی سال 1387 در طهران وفات یافته، در قم مدفون گردید.
از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه‌ی مجلسی به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هسته‌ای، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الشیخ محمدرضا واعظ هسته‌ای اصفهانی از اعقاب شیخ زین‌الدین بن عین علی خونساری عالمی فاضل و واعظی کامل از معمرین اهل علم و فضل اصفهان بود. وی در حدود سال 1295 قمری در اصفهان متولد و پس از خواندن مقدمات و سطوح به نجف مشرف شده و سالها از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم یزدی و مرحوم آیت‌الله آقای شریعت اصفهانی استفاده نموده و در حدود سال 1325 قمری به اصفهان مراجعت کرده و سالها در آنجا امامت و تدریس نموده سپس به تهران منتقل و به مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله شهید نوری پیوسته و از خواص آن عالم جلیل‌القدر واقع شده و پس از واقعه شهادت آن بزرگوار به اصفهان مراجهت و تا آخر عمر گاهی در اصفهان و زمانی در تهران ساکن و به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه منبر و ایراد مواعظ پرداخته والحق واعظی شیرین بیان و گوینده‌ای طلیق‌اللسان بوده و از گویندگان واجد مقام اجتهاد و فقاهت بود و در مجالس خوش محاوره و ظریف و حاضر جواب بود در عصر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی زیاد در قم مانده و منبر می‌رفت و عموم مراجع و علماء برای استفاده از بیاناتش شرکت می‌کردند.
آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی مدظله می‌فرمودند مرحوم هسته‌ای در مدرسه رضویه قم منبر می‌رفت و مرحوم آیت‌الله حایری و سایر علماء می‌آمدند. روزی در پیرامون فلسفه تعدد زوجات در اسلام صحبت می‌کرد و آثار و فواید آن و شرایطش را ذکر می‌نمود که زنی گفت آقای هسته‌ای اگر هوو خوب بود حضرت فاطمه‌زهرا علیهاالسلام قبول می‌کرد. مرحوم هسته‌ای فریاد زد ساکت ای زن حضرت زهراء علیهاالسلام در 9 سالگی به خانه حضرت علی علیه‌السلام آمده و در هجده سالگی هم از دنیا رفت با آن همه کمالات نفسانی و جمال و زیبائی که داشت اما شما در سن سی‌سالگی به خانه شوهر آمده و در سن نود سالگی هم نمی‌روید (مردان بیچاره با شما ام‌الحلیسها چه کنند) که عموم علماء و مردم زدند به خنده.
آن مرحوم در شب دوشنبه 16 ربیع‌الثانی سال 1387 قمری در سن نودسالگی در تهران وفات یافته و بعد از تشییع مفصل منتقل به قم و در این زمین پاک مدفون گردید. از آثار قلمی او حواشی بر اعتقادات علامه مجلسی به طبع رسیده است. و از باقیات الصالحات ایشان است فرزندی

فاضل و برومندش جناب حجه‌الاسلام و واعظ انام آقای حاج میرزا مهدی هسته‌ای که سالها در قم تحصیل کرده و پس از وصول به مقام رفیع فضل و کمال به تهران رحل اقامت افکنده و به اقامه جماعت و ارشاد مردم و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

هشترودی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1315، تبریز.
درگذشت: 1372.
حجت‌الاسلام سید جواد هشترودی در دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید و در مدرسه طالبیه تبریز و سپس در قم از محضر برخی اساتید بنام آن زمان کسب فیض نمود.
حجت‌الاسلام هشترودی در ایام تحصیل به علت فشار مالی، روزها کارگری می‌کرد و شبه‌ها به تحصیل می‌پرداخت و به علت بیماری پدر و فقر مالی پس از چندین سال تحصیل به تبریز برگشت و در سال 1342 پس از واقعه پانزده خرداد به تهران آمد و به عنوان یکی از سخنرانان برجسته‌ی محافل علمی و مذهبی شناخته شد و نیز به دلیل فعالیتهای انقلابی و سخنرانیهای سیاسی چندین بار به زندان افتاد.
از آثار ایشان است: برانگیخته؛ امام علی (ع) پیشوا و پشتیبان مرزهای عقیده؛ استعمار در سرزمینهای توحید؛ زن مسلمان و خودآرایی؛ تاریخ انقلاب داغستان و شخصیت شامل؛ ترجمه یک جلد از محجة البیضاء (اثر فیض کاشانی).
حجت‌الاسلام هشترودی پس از بازگشت از سفر حج در پنجاه و هفت سالگی به سبب ناراحتی قلبی دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

همای شیرازی، محمدرضا قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1290 -1212 ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکره‌ها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه‌ی فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزای وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع‌الفصحا»، و قاآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات عالیات رفت و بین 1250 -1230 ق، در محضر شیخ محمدحسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م 1266 ق)، صاحب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه‌ی اجتهاد و مقام قضاء و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م 1263 ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمدباقر شفتی بیدآبادی، در 1259 ق به اصفهان رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که در خواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در 1285 ق، ناصرالدین شاه منصب ملک‌الشعرایی و ملازمت را به وی تکلیف کرد لذا او به تهران آمد و چندی در این سمت ماند، اما پس از مدتی بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه‌ی امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقة‌الشعراء» سال مرگ وی 1288 و 1289 ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی‌اکبر ذکر شده‌اند که به آورده‌ی آقای دکتر نوایی، در حاشیه‌ی کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هجده هزار بیت، که یک سال پس از فوت او، به امر ظل‌السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع‌آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (2090 -2082/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (859 -852/ 5)، دایرةالمعارف فارسی (3283/ 2)، دیوان طرب (مقدمه/ 34 -4)، الذریعه (1297 -1296/ 9)، ریحانه (370/ 6)، شرح حال رجال (108 -107/ 6)، طرائق‌الحقائق (469 -468/ 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1090/ 2)، گلزار جاویدان (1749 -1748/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ همای شیرازی)، مجمع‌الفصحا (1175 -1172/ 6)، مرآت‌الفصاحه (713 -710)، مصطبه‌ی خراب (217 -216)، مکارم‌الآثار (436 -433/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (217 -216/ 3).

همایون فرخ، رکن‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1297 ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظمی خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از 1320 ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه‌ی «رخ» را منتشر می‌کرد و مدتی نیز سردبیری روزنامه‌های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»؛ «خوئین خونین»؛ «عاشق بی‌نوا»؛ «عروس گورستان»؛ «شهریار»؛ تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه‌ی «ابومسلم خراسانی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (665)، سخنوران نامی معاصر (1517-1513/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2619، 2279، 2184، 2033، 1981/، 2 /1579، 1504، 1498، 1296، 698، 447، 330، 215 -103/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (228 -227/ 3).

همایون فرخ، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1262 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود، مجیرالدوله شیبانی، به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره‌ی آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده‌ی حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده‌دار بود. وی به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می‌باشد، نشان درجه‌ی یک از وزارت فرهنگ را دریافت کرد. از دیگر ثارش: «آیین نگارش»؛ « اتم»، کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی؛ «داستان تاریخی بابک و افشین»؛ «هیئت جدید»؛ «فاجعه‌ی کربلا»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :چهره‌های آشنا (665)، الذریعه (92/ 16 ،164 ،158/ 8)، شرح حال رجال (139/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3428 ،2381 ،2348/ 2 ،1429 ،1417 ،1325 ،107 ،88/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (834 -833/ 3).

همایونفرخ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (1250 تا 1253 ف. تهران، تیرماه 1338 ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دائی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال 1317 ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

همت اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1337/ 1333 ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمه را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می‌کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال‌الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «به سوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در دین اسلام»؛ «تأثیر موسیقی بر اعصاب»؛ «عقاید و افکار»؛ «موسیقی و اسلام»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (537 -536)، الذریعه (1300/ 9)، فرهنگ سخنوران (1004)، مؤلفین کتب چاپی (802 -800/ 2).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(569 -488/ 483 ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرآآت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابوعبداللّه بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابوعبداللّه فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالمواهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی 599 ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایة‌الاختصار»، در قرآآت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (195/ 2)، اعیان‌الشیعه (634/ 4)، ایضاح‌المکنون (715/ 2 ،606/ 1)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (128 -126/ 1)، تذکرة‌الحفاظ (1328 -1324/ 4)، الذریعه (151 -150/ 25 ،8/ 12)، روضات‌الجنات (87 -86/ 3)، ریحانه (206/ 7)، سیرالنبلاء (47 -40/ 21 ،304/ 19)، شذرات‌الذهب (232 -231/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن

54 -53/ 6)، طبقات الحفاظ (498 -497)، طبقات المفسرين داودى (131 -128/ 1)، العبر (56/ 3)، فهرست منتجب‌الدين (66 -65)، الكامل (129/ 9)، كشف‌الظنون (2026، 1773، 1387، 1189، 1106، 946، 114)، معجم‌الادباء (52 -5 / 8)، معجم رجال الحديث (284 -283/ 4)، معجم‌المؤلفين (198 -197/ 3)، المنتظم (518/ 10)، هدية‌العارفين (280/ 1).

همدانی، ابوالفضل احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل احمد بن حسین ملقب به بدیع‌الزمان در حافظه و احاطه بر لغت، شعر و ادب اعجوبه‌ی زمان خود بود. گویند حافظه‌ی او به قدری قوی بود که قصائد 60 بیتی را به یک بار شنیدن حفظ می‌کرد. وی در نظم و نثر عربی هر دو استاد بود و دیوان اشعار و مجموعه‌ی رسائل و مقامات او باقی است و مهمترین تألیف او همان «مقامات» است که در فن مقامه‌نویس قدیمترین کتاب می‌باشد. تولد بدیع‌الزمان در سال 358 در همدان و وفات او در سال 398 ه.ق در هرات واقع شده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همدانی، صفرعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن شیخ غلام علی، عالم فاضل معمر، از شاگردان حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، و مجاز از ایشان است.
در همدان متولد گردیده، و جهت کسب علم به اصفهان مهاجرت نموده، خدمت اساتید این شهر تحصیل نموده، در محله‌ی دردشت ساکن، و در مسجد کوچه‌ی باغ دردشت امامت می‌نمود.
در سال 1350 به سن متجاوز از نود سال وفات یافته، در تکیه‌ی ملک بالای سر قبر مرحوم آخوند کاشی استاد خود مدفون گردید.
مشارالیه برخی از تقریرات اساتید خود را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، عبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 320 ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیةالعارفین» وفات وی 327 ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الکتابیة» یا کتاب «الکلام» چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الفهرست ابن الندیم، ترجمه (286)، معجم‌المؤلفین (164 -163/ 5)، الوافی بالوفیات (216 -215/ 18)، هدیةالعارفین (513/ 1).

همدانی، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1383 -1291 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود 1300 ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در 1313 ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعةالمعاد»، در شرح «نجاةالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایة الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافیة»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایة»، در رد صوفیه؛ «المقالة الاسلامیة»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریة»؛ «الاسلام و الخلافة»؛ «مواکب حسینیه».[1]
شیخ عبدالرزاق بن علی‌رضا بن عبدالحسین ابن ابی‌طالب بن عبدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمد شفیع متمم کتاب والده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.
جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصفهان گردیده و وی در آنجا در سال 1291 ق متولد شده و والدش در حدود 1300 ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خدمت آن مرحوم در کربلا به مقدمات علوم پرداخته و در سال 1313 ق مادر علویه‌اش وی را به همدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافته تا بعد از 1381 قمری که به رحمت حق پیوسته است.
تألیفات وی از این قرار است.
ذریعه‌المعاد فی شرح نجاه العباد در طهاره 2- السیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه 3- هدایه الطالبین در اصول الدین 4- الخلافیه 5- السوال و الجواب الدینی رد شیخیه 6- الهدایه. در رد صوفیه 7- المقاله الاسلامیه در رد نصاری 8- الجواب عن سوال زید و زینب 9- مختصر المقاله الجوابیه 10- بدایه المنطقیه 11- الوجیزه الرجالیه 12- الکشکول 13- مناظرات و مقالات 14- المواعظ المنبریه 15- رساله جواز نقل الموتی 16- رساله فروع‌الدین 17- الفیصل 18- الغدیریه 19- رساله اصول‌الدین 20- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (182 -181 /166، 25 /232، 23 /395، 21 /59، 17 /384، 16 /288، 245، 210/ ،12 ،32 -31/ 10)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 114 -113/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (379 -378/ 7)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1341/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (844 -843/ 3).

همدانی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آقا شیخ محمد حسن همدانی، عالم زاهد ورع، از اخیار روزگار بود. در اصفهان متولد، و نزد: پدر، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا سید مهدی (درچه‌ای) و آقا سید محمد نجف‌آبادی، و آقا شیخ محمدرضا نجفی تحصیل نموده، در مسجد پدر امامت می‌نمود.
در شب جمعه 21 شوال سال 1380 به سن متجاوز از هشتاد وفات یافتند در یکی از اطاق‌های تکیه‌ی متصل به تکیه‌ی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

همدانی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا همدانی در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولائی دارد در این اوقات غالبا متوقف تهران می‌باشد و مردم به مجلس موعظت و تذکر وی میلی عجیب دارند.
مشارالیه از بیت حکمت و عرفان است پدرش حاج میرزا علینقی از اجله علماء و حکماء بود و جد امجدش حاج ملارضا صاحب مفتاح النبوه در اثبات نبوت خاصه و درالنظیم در تفسیر قرآن‌العظیم که هر دو مطبوع افتاده از فحول اساتید فنون معقولست.
و شهرت حاج ملارضا از بابت رد هنری مارتن پادری تا به ممالک اروپا رفته است .
و میرزا محمدرضا از طرفی نیز با میرزا محمد اخباری شهید صاحب تصانیف بدیعه و منامات عجیبه می‌باشند پس اگر مشارالیه را اوحدی عصر و نادره دوران بدانیم بعید نیست که سلاله این بزرگانست و نتیجه این چنین دانشمندان آثار ارزنده او از این قرار است.
1- نخبه الصوارم در فقه و اصول 2- منظومه تجوید مع الشرح 3- تربیع شیخین 4- تثنیه الثلاثه 5- رساله‌ای در احوال حضرت حجة عجل‌الله فرجه 6- دیوان اشعار.
مولف گوید آن مرحوم در تاثیر و نفوذ بیان عجیب بوده و کمتر مثلش دیده شده کسی در پای منبر او بدون اشک و انقلاب نمی‌ماند در غالب مجالسش ده‌ها نفر مدهوش می‌شدند حکایت کرد برای این حقیر مرحوم آیت‌الله یثربی کاشانی از مرحوم والدش آیت‌الله حاج سیدمحمدرضا پشت مشهدی کاشانی و آیت‌الله حایری یزدی که مرحوم حاج میرزا محمدرضا همدانی به کربلا آمده و در صحن حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بعد از نماز مرحوم عالم ربانی آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی منبر رفت و علماء فضلاء و طبقات دیگر برای استفاده شرکت می‌کردند و هیچکس نبود که گریه نکند و تحت تاثیر سخنان و مواعظ او قرار نگیرد بالاخره یک شب من به اتفاق آقای حاج شیخ عبدالکریم یزدی نذر (یا عهد) کردیم که ضبط نفس کنیم و گریه نکنیم و اگر چنانچه گریه کردیم سه روز روزه بگیریم با این تصمیم رفتیم پای منبر او و چون او بر منبر صعود کرد و ما گوش به بیان او داشتیم و توجهی به نذر خود که ایشان پس از خطبه این آیه را تلاوت کرد (و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعه ابواب کل باب منها جزء مقسوم)

که بی‌اختیار سیل اشک از چشمان ما جاری و جماعت بسیاری غش کردند و ما آن شب از همه وقت بیشتر گریستیم و سه روز روزه را هم گرفتیم.
آن بزرگوار با این نفوذ بیان و تاثیر نفس در سال 1318 در تهران وفات نمود و جنازه او را با تجلیل فراوان به شهر ری و در جنب کفش‌کن مردانه حرم مطهر سیدنا عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام دفن کردند.
فرزند آن جنابست واعظ معاصر ما مرحوم حاج میرزا محمد همدانی که در تقریر و بیان نادره عصر و زمان و در سجاعی و قافیه پردازی و حماسه‌سرائی نابغه دهر و دوران بود.
نگارنده گوید در عمر خویش وعاظ و گویندگان بسیاری دیدم ولکن مانند وی در ایراد سخن کمتر به خاطر دارم بیش از یک ساعت مسلسل‌وار مسجاع و مقفی بدون لکنت و وقفه‌ای می‌بافت و می‌گفت و ابدا خسته نمی‌شد و مستمعین خود را همچنان مسحور و مجذوب می‌کرد و بسیار می‌شد که منبرش از دو ساعت هم می‌گذشت ولی مردم ملول و خسته نمی‌شدند دوست داشتند که باز ادامه دهد.
اکثر مطالب منبریش عرفان و فلسفه باقی بود که شاید بسیاری از مردم عوام و گاهی بعضی از خواص هم درک بیانات او را نمی‌نمودند و نمی‌فهمیدند چه می‌گوید ولی شیفته و دلباخته بیان شیرین و جذاب او بودند.
حکایت کرد برای این نویسنده مرحوم آیت‌الله آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی که مرحوم واعظ همدانی در زمان مرحوم آیت‌الله حایری به قم آمد و منبرهای عجیبی در مدرسه فیضیه برای علماء و طبقات دیگر رفت که همه را به اعجاب آورد بسیار تند صحبت می‌کرد و عبارات غریبی استخدام نموده و استعمال می‌کرد کمتر کسی ملتفت می‌شد چه می‌گوید و مقصودش چیست یکی از روزها در کنار مرحوم آیت‌الله حایری در ایوان مدرس مدرسه فیضیه نشسته و گوش به منبر و سخنان او داشتیم ولکن هیچ مقصود وی را نفهمیدیم مرحوم آیت‌الله حایری فرمودند میرزا سید علی می‌فهمی همدانی چه می‌گوید گفتم نه فرمودند من هم نفهمیدم منبرش خاتمه یافت مردم متفرق شدند آقای حایری به منزل رفتند من هم آمدم به منزلم بروم سرگذر خان رسیدم به چند نفر که در پیرامون منبر آقای همدانی صحبت می‌کردند و یک نفر به دیگران می‌گفت جای شما خالی ببینید آقای همدانی چه منبری در مدرسه فیضیه رفت و تعریف زیاد کرد یکی از آنها گفت آنقدر تعریف می‌کنی چه می‌گفت گفت بسیار شیرین و جذاب و ملیح و فصیح و بلیغ می‌گفت گفت آخر چه می‌گفت بگو گفت والله نفهمیدم گفت این اندازه تعریف برای نفهمیدن منبر و گفت چه می‌گی بابا من که سهل است حاج شیخ عبدالکریم هم نفهمید منبر او را.
خدایش با مولایمان حضرت حسین علیه‌السلام محشورش گرداند در توحید

خدا و ولایت اهل‌بیت مصطفی علیهم‌السلام عجیب بود که برخی وی را غالی می‌گفتند ولی غالی نبود عارف مقام آنان بود به خاطر دارم که کودک بودم پای منبر او می‌رفتم در شهر ری مردم قبلا جا می‌گرفتند روزی در پیرامون امراض و بیماریها و داروها صحبت می‌کرد و می‌گفت من ایمان ندارم به خدائی که درد را ایرانی بدهد و دوایش اروپائی و فرنگی در هر کجا خدا درد بدهد دوایش را هم همانجا می‌دهد.
مرحوم همدانی بعد از 1350 قمری وفات نمود و با اولیاء گرامش ملحق گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

همدانی، منتجب‌الدین، ابویوسف

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 643 ق)، مقری و نحوی. شیخ القراء زنجیلیه‌ی دمشق بود. از ابن طبرزد و کندی روایت نمود و قرآن را بر ابی‌الجود غیاث بن فارس نحوی قرائت کرد و در فراگیری «شاطبیه» از سخاوی بهره گرفت. صائن واسطی و نظام تبریزی قرآن را بر او قرائت نمودند. از آثارش: شرح «المفصل» از زمخشری، در نحو؛ شرح قصیده‌ی «حرز الامانی و وجه التهانی»، مشهور به «الشاطبیة»، در قرآآت که آن را «الدرة الفریدة» نامید؛ «الفرید» یا «المفید»، در اعراب قرآن کریم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (222/ 8)، سیر النبلاء (220 -219/ 23، 473/ 21)، شذرات الذهب (227/ 5)، کشف الظنون (1776، 1259، 1258، 648)، معجم المؤلفین (7/ 13)، هدیة العارفین (472/ 2).

هوشمند بوشهری، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1278- 1336 ش)، روزنامه‌گار، نویسنده و شاعر، متخلص به هوشمند. در بوشهر به دنیا آمد. وی در مدرسه سعادت زادگاهش تحصیل نمود. آنگاه به کراچی رفت و در آنجا زبان انگلیسی را آموخت و سپس به بوشهر بازگشت. در 1308 ش روزنامه‌ی «سعادت بشر» را منتشر کرد که این روزنامه تا 1314 ش غیر مرتب منتشر می‌شد، تا اینکه هوشمند در 1315 ش بعد از توقیف روزنامه به زندان افتاد. او پس از رهایی از زندان روزنامه را مجدداً منتشر کرد، ولی دوباره زندانی شد. سرانجام در 1320 ش به کاشان تبعید شد و در همان سال، چون اوضاع ایران تغییر یافت، به تهران آمد و تا زمان فوتش در 1336 ش روزنامه را منتشر می‌کرد. از دیگر آثار وی: «دوره‌ی تمدن»؛ «تاریخ پرنس ارفع دانش»؛ «جنبش بانوان»؛ «جنبشهای دهقانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (42 -40/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (873 -872/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1469، 1055، 1054، 681/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (436/ 2).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1309 ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبان‌های عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسول‌گری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله‌ی «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت‌اللّه دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی الی‌اللّه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»؛ «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (876 -873/ 5).

هوشمند راد شیرازی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به هوشمند. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شریعت گذراند و خارج از مدرسه علوم متداوله عصر را فراگرفت. در 1330 ش هفته‌نامه «سروش نجات» را منتشر کرد و این هفته‌نامه پس از سه سال تعطیل شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (878 -877/ 5).

هوشمند راد شیرازی، نجم‌الحاجیه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در دوران کودکی تحصیلات فارسی و عربی را آموخت و در اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی در شیراز جمعیت نهضت نسوان را تأسیس کرد و در بیداری و حمایت زنان کوششهای بسیار نمود. وی همسر عبدالحسین هوشمند راد بود. او در 1329 ش روزنامه‌ی «جهان زنان» را به مدت سه سال در تهران منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (877 -876)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (184).

هوشیار شیرازی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1283 ش)، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی شعاعیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه‌ی عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاحت و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در 1308 ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده‌ی ادبیات برلن و سپس در دانشگاه تویین گن و دانشگاه مونیخ در رشته‌ی تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکترا در فلسفه شد. او پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»؛ «انقلاب مشروطیت ایران». از آثار ترجمه‌ی وی: «اگمنت»؛ «اراده معطوف به قدرت»؛ «خرده بورژاواها»؛ «روانشناسی علمی سنجش هوش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (880 -878/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3395، 1925، 1761/ 2، 816، 313، 294، 245، 149/ 1)، کلک (س 1، ش 5، ص 131)، مؤلفین کتب چاپی (71 -69/ 2).

هیربد، خدایار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1318 ش)، نویسنده، مترجم و زبانشناس. وی برادر کوچکتر موبدان موبد یزد بود. او در کودکی به بمبئی رفت و در زبانهای اوستا و پهلوی و انگلیسی و گجراتی، موفق به اخذ لیسانس شد و به استادی داشنگاه بمبئی رسید. پس از بازگشت به ایران، مدتی رییس انجمن ناصری زرتشتیان بود و مدتی نیز در دبستان دین یاری و آموزشگاه موبدان به تدریس اوستا و انگلیسی پرداخت. سپس به خاطر مخالفتهای شدید و ناسازگاری با دستگاه روحانیت زرتشتی دلتنگ شد و دوباره به هندوستان برگشت و تا پایان عمر به سمت استادی در دانشگاه کراچی به خدمت فرهنگ پرداخت. از آثار وی: ترجمه‌ی کتابهای «کارنامه‌ی اردشیر بابکان»؛ «اندرز آذرباد ماراسپند»؛ «اندرز و هزاد ترخو فیروز»؛ «اندرز خسرو قبادیان»؛ «مادیگان چترنگ» از پهلوی به انگلیسی که در سال 1287 ش منتشر کرد؛ نیز کتاب «خوبی نمای دین رزتشتی» را برای اطلاع زرتشتیان از اصول و آیین آن تدوین کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (142/3).

هیمن شیخ‌الاسلامی، محمد امین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1300 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. وی در روستای لاچین، از توابع مهاباد، به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدرسه‌ی سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش، شیخ یوسف برهانی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمان شرفکندی متخلص به هژار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و مدت چند سالی نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه‌ی «نیشتمان» درآمد. وی پس از انقلاب اسلامی خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله‌ی «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. هیمن بر اثر سکته قلبی درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»؛ بازنویسی «تحفه‌ی مظفریه» از رسم‌الخط لاتینی به کردی، ترجمه؛ «ناله‌ی جدایی»، شعر؛ «پاشه روک»، مجموعه‌ی مقالات و اشعار؛ «قلعه‌ی دمدم»، ترجمه؛ «شاهزاده و گدا»، ترجمه؛ «دیوان» شعر، با نام «تاریک ورووِن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مشاهیر کرد (489 -482/ 2)، کیهان فرهنگی (س 3، ش 2، ص 39).

یاحقی، محمدجعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1326، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1350، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1354، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1359.
مرتبه علمی:
مربی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1354 تا سال 1362، استادیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1362 تا سال 1365، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1367 تا سال 1372، تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه توکیو ژاپن از سال 1369 تا سال 1370.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ادبیات فارسی، ایرانشناسی، (شاخه ادبیات فارسی)، مطالعه و تحقیق در دانشگاه کمبریج انگلستان به مدت یکسال، همکاری با بنیاد پژوهشهای اسلامی و مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی در زمینه طرح‌های پژوهشی، شرکت و ارائه مقاله در دو کنگره بین‌المللی و چند کنگره و سمینار داخلی، تألیف 17 عنوان کتاب در 37 جلد. راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 7 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه ادبیات فارسی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 17
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات فارسی، تفسیر قرآن، فرهنگنامه قرآنی و مطالعات ایرانی و اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 81، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:

زبان و ادبیات فارسی، پژوهشهای اسلامی و تفسیر قرآن.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یادگاری، عبدالمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1308، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات عربی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال 1342، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب از دانشگاه آمریکایی بیروت در سال 1346، دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران در سال 1352.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس زبان عربی، ترجمه و تاریخ ادبیات و دروس مختلف عربی در دانشگاههای تهران و مشهد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 8
زمینه علمی تألیفات:
بحوث و مقالات، النظم والنثر، مکالمه، اندرز به جوانان، دین، فرهنگ اصطلاحات روانشناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
درباره یاقوت، درباره سیبویه، تحقیق در نسب طاهریان خراسان، انتقال علوم اسلامی از بغداد به خراسان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یارمحمدی، لطف‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشسرای عالی در سال 1337، کارشناسی ارشد و دکترای زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه ایندیانا در سال 1343.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس و تحقیق در دانشگاههای داخل و خارج از کشور، زبان‌شناسی مقابله‌ای (در جهات مختلف صوت، واژگان، نحو، منظورشناسی و گفتمان)، اصول و کلیات ترجمه، سوادآموزی، فرهنگ‌نگاری، ساخت زبان فارسی، طرح در زمینه‌های فرهنگ‌نگاری، تجزیه و تحلیل اغلاط، ترفندهای ارتباطی و گفتمان. ابداع سیستم سوادآموزی به بزرگسالان بی‌سواد در کتابی به نام >آموزش سواد به بزرگسالان در چهل درس< راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 70 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 9
زمینه علمی تألیفات:
آموزش زبان انگلیسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای و سوادآموزی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 22
زمینه علمی مقالات:
زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه، سوادآموزی، آموزش زبان، فرهنگ‌نگاری.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یاسری، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ محمود بن حجةالاسلام حاج ملا عباس یاسری از علماء با تقوی و فضیلت و وثوق تهران و مورد توجه مردم مرکز و در مسجد اراک که از مساجد بنام و بزرگ تهرانست اقامه جماعت می‌نمایند.
وی در حدود سال 1306 قمری در تهران متولد گردیده و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و سطوح عالی در خدمت مرحوم آیت‌اللّٰه حاج شیخ باقر معزالدوله از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ عبدالنبی نوری استفاده معقول و منقول نموده وی از صحبت و تقلید مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّٰه سبحانی حاج سید عبدالکریم لاهیجانی (صاحب کرامات باهره) برخوردار شده است. آقای یاسری منتسب به دو صحابی جلیل‌القدر و شهید راه ولایت جناب عمار بن یاسر شهید صفین است که حضرت امیر علی در شهادت او طلب مرگ نموده و فرمود:
الا یا ایها الموت الذی لست تار کی
ارحنی فقد افنیت کل خلیل
اراک بصیرا بالذین احبهم
کانک تنحو نحوهم بدلیل
ای آنچنان مرگی که مرا رها نمیکنی مرا راحت نمای زیرا که تو تمام دوستان مرا از بین برده‌ای می‌بینم تو را بینا به افرادی که ایشان را دوست دارم که گویا قصد ایشان مینمائی بوسیله راهنمائی و فرمود انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت که هر که از شهادت عمارد لتنک نشود او را از مسلمانی نصیب و بهره‌ای نباشد خداوند متعال بر او رحمت کند در آن ساعت که از نیک و بد او سوال می‌کند هرگاه که در خدمت حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله سه کس را دیدم چهارم ایشان عمار بود و اگر چهار نفر را دیدم پنجم آنان عمار بود نه یک بار بهشت بر او واجب شد بلکه بارها استحقاق آن را پیدا کرده جنات عدن او را گوارا باشد که او را بکشتند و او یار حق بود چنانکه حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم در شأن او فرمود الحق مع عمار یدور مع عمار حیث دار و بعد فرمود که کشنده عمار و دشنام دهنده و رباینده سلاح او به آتش دوزخ معذب خواهد شد.
آیت‌اللّٰه یاسری عالمی متقی و دانشمندی با ورع و سالهای متمادیست که رهبری هیئت محترم پیر عطا که از هیات قدیمه تهرانست می‌نماید.

از بعضی از ثقات که از ایشانست حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سید نورالدین آیت‌اللّه زاده میلانی از ایشان شنیدم که آقای یاسری فرمود روزی در ورقه‌ای دیدم یک نوع ختم و آداب او را درج و از قول شیخ‌بهائی قدس سره نوشته است.
هر کس این عمل را در ظرف ده روز انجام دهد بدین ترتیب که از چهارشنبه شروع و در روز جمعه دوم خاتمه یابد مطلب و حاجتش برآورده نشود مرا لعن کند.
لذا بجهت مطلب مهم خودم آن ختم را انجام دادم و بعداً ثمر نبخشیده و اثری ندیدم آنگاه شیخ بهائی قدس سره را مخاطب قرار دادم و بدون آنکه سخنی بگویم فقط در دل گفتم آقای شیخ شما شخصی بزرگ هستید زبان من لال گردد نسبت بذات مقدس شما جسارت نمیکنم ولی چرا چیزی مرقوم شود که اگر بدست اشخاص غیر مؤدب افتد به آنجناب توهین کنند.
این معنی در دلم بود و هرگز به احدی اظهار نداشتم.
پسرم با مرحوم جنانی (آقای جنانی همدانی مقیم تهران دارای علوم غریبه تسخیر ارواح و غیره بود) معاشرت داشت روزی بمنزل آمده و گفت شیخ‌بهائی بشما پیامی دارند و شما را طلبیده‌اند حاضر شوید با شما سخن بگویند.
چون این سخن را از پسرم شنیدم لرزه بر بدنم رخ داده و مبهوت شدم.
سپس پسرم اضافه نموده جنانی میگوید من تاکنون نتوانسته‌ام موفق شوم شیخ را حاضر کنم تا چه رسد که با من سخنی بفرمایند. و اینک خوشحالست که چون شما بخانه او بروید از حضور شما برای او فرصتی دست بدهد بدین وسیله بتواند با شیخ‌بهائی تماس گرفته و استفاده کند.
آنگاه مطلب دیگری پسرم از قول جنانی راجع به آیت‌اللّه آقای حجت (کوهکمری) گفت امروز ارواح را احضار کردم گفتند امروز برای مصاحبه آمادگی نداریم. ما امروز مأمور شده‌ایم از روح مطهر آقای حجت استقبال کنیم.
جنانی: کدام حجت.
گفتند آن آقا که هفته‌ی یکبار بملاقات حضرت ولی عصر بقیه اللّه ارواحنا له الفداء مشرف میشد آقای یاسری گفتند چون مدتی بود آقای حجت بستری بودند از شنیدن این سخن غمین شدم و ناراحت گشتم: مختصری گذشت از قم خبر رسید حضرت آیت‌اللّه العظمی حجت رحلت فرموده‌اند و بعلاوه رادیو تهران سخن را قطع و این خبر را بعنوان خارج از برنامه پخش نمود.
جنانی اسرار داشت زودتر بخانه‌اش بروم تا این که او هم بهره‌برداری کند.
و لذا پسرم را مأمور کرده بود روزانه مرا تعقیب می‌کرد و من هم امروز و فردا می‌نمودم بالاخره در یکی از روزها بمنزلش رفتم بخور و غیره را

فراهم نمود شروع کرد بخواندن اوراد و اذکار لازمه طبق برنامه خودش و آنچه را که من مشاهده کردم ترتیب استفاده او بتوسط آئینه بود و هر کس هر نوع مطلبی داشت بایستی بنویسد و نوشته را در دست بگیرد جواب بر روی آئینه نوشته میشد.
چون در صدد احضار شیخ‌بهائی قدس سره برآمد با من گفت هر چه سؤالاتی دارید بنویسد و در کف خود پنهان بنمائید قلمهای متعدد و کاغذ و مرکب در جلوی من نهاد و گفت من هرچه را از روی آینه بخوانم شما فوراً ثبت کنید من نمی‌توانم همه را ضبط کنم و بذهن خود بسپارم.
یکی از ارواح حاضر شد جنانی پرسید شما کیستید گفت سید محمد طباطبائی جنانی گفت من شما را نخواستم فرمود من از طرف شیخ بهائی آمده‌ام شما را خبر کنم. یک دقیقه بعد شیخ حاضر می‌شود.
جنانی آئینه را برگردانیده و تنفس داد سیگاری مصرف نمودیم سپس آماده شدیم.
شیخ تشریف آوردند و آنچه بر روی آئینه نوشته میشد جنانی میخواند. گفت آقای شیخ بشما سلام می‌دهند عرض کردم علیک السلام و رحمه اللّه و برکاته بعدا گفت احوال شما را می‌پرسند گفتم اگر عنایت شما شامل من باشد خوشوقت میشوم. فرمودند اگر عنایتی شامل شما نبود هر آینه در صدد تصحیح آن ختم نمیشدم در نقل آن تحریف وقوع یافته است (ختامه یوم الاحد) است نه یوم الجمعه شما میدانید در هفته ایام طاق را آثاریست یکشنبه سه شنبه پنجشنبه و روز جمعه برای دعاء ندبه است.
آقای یاسری گفتند از شنیدن خبر تشرف مرحوم آقای حجت تعجب داشتم. مرحوم شیخ‌بهائی از دل من آگاه بوده و فرمودند آقای شیخ شما در عهد ما نبودید. بسیاری از مردم آن عهد بملاقات حضرت بقیةاللّه (ارواحنا فداه) نائل می‌شدند. مردم این زمان مشغول بمعاصی هستند به مردم بگوئید دست از معصیت بردارند و الا بلا نازل میشود.
بعدا یکایک سؤالاتی را که داشتم و نوشته بودم جواب دادند تا این که خداحافظی بعمل آورده و جنانی استفاده ننمود.
واما دعاء و ختم مذکور از جناب شیخ‌بهائی علیه‌الرحمه اینست.
ختم شیخ‌بهائی قدس سره
از روز جمعه شروع و تا ده روز که پایان آن روز یکشنبه میشود روزی صد بار بگوید: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی و اکف مهمی و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یاقوت حموی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهاب‌الدین ابوعبداللَّه یاقوت بن عبداللَّه حموی بغدادی از ادبا و لغویان اوایل قرن هفتم هجری و مؤلف کتاب معجم‌البلدان است. صفی‌الدین ابن عبدالحق (و 539 ه.ق- ف. 626 ه.ق) معجم‌البلدان را مختصر کرد و آن را مراصدالاطلاع نامید. تألیف دیگر او معجم‌الادباء است. یاقوت در جوانی اسیر شد و در بغداد تاجری به نام عسکر حموی او را خرید و پس از مدتی او را آزاد کرد (595 ه.) وی پس از آزاد شدن مسافرتها کرد. ابتدا بر اثر خواندن کتب خوارج متمایل به مذهب آنان شد، و در دمشق نزدیک بود کشته شود و از آنجا گریخت و به خراسان و خوارزم رفت. در حمله‌ی چنگیز یاقوت به موصل و از آنجا به حلب فرار کرد و در همان جا درگذشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

یاقوتی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل یاقوتی کلوانق
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابوالفضل یاقوتی در شهر «کلوانق» که در آن زمان روستا بود؛ متوّلد شده ام. دوران ابتدائی، راهنمائی و مقداری از دبیرستان را در زادگاهم سپری نمودم و بعد از فوت مادر عزیزم در سال 1372 از درس خواندن مأیوس گشته و سه سال از عمرم را در راه کسب و کار (کارگری) در رشته قالب بندی ساختمان گذراندم.
با توجه به علاقه شدیدی که به مقام عظمای روحانیت داشتم سر انجام در سال 1376 وارد حوزه علمیّه شهرستان «مشکین شهر» شدم و سطح یک حوزه را در مدّت شش سال با موفقیّت گذرانده و علاوه بر شرکت در دروس حوزه و ارج نهادن به مقررات حوزه، به تبلیغ دین مبین اسلام در مدارس، مساجد شهر و روستا مشغول بودم.
در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان «مشکین شهر» به عنوان مربی در خدمت بسیجیان عزیز بودم و نهایتاً در سال 1382 به شهر مقدس قم جهت ادامه تحصیل عازم شدم و مدّت سه سال که در این شهر به تحصیل و تحقیق اشتغال دارم از خداوند متعال برای همه مؤمنین آرزوی توفیق دارم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد یاوری سرتختی
محل تولد : کامیاران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/9/20
زندگینامه علمی
اینجانب در آذرماه سال 1354 در خانواده ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال 1370 در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیة الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیة الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال 1379 جهت تکمیل سطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.
با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال 1382 - 1383 با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت 2 سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یثربی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابوالحسن یثربی ابن آیت‌اللَّه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی از فضلاء این بیت است.
وی در کاشان متولد و از محضر مرحوم برادر ارجمندش آیت‌اللَّه العظمی آقا میر سید علی یثربی استفاده کرده آنگاه به قم مهاجرت و پس از تکمیل سطوح از دروس خارج آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و دیگران استفاده نموده و از طرف آن مرحوم برای ارشاد مردم (ایوان کیف) تهران به آنجا عزیمت و چند سالی انجام وظیفه دینی و روحی داده تا در سال 1386 در قم بدرود حیات گفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سید زین‌العابدین یثربی قمی از علماء و ائمه جماعت محترم قم می‌باشد که در حدود 18 سال 1323 ق در قم متولد شده و دروس مقدماتی و سطوح را نزد مدرسین قم خوانده و به درس آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت الله فیض و آیت‌الله حجت و حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده استفاده کرده و تاکنون هم از شرکاء درس معظم‌له می‌باشند و در مسجد حضرت شاحمزه قم هم به اقامه جماعت و خدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
فرزندان برومندی دارند که در سلک روحانیت و از وعاظ می‌باشند که از آنها جناب آقای حاج سید ابوالفضل یثربی واعظی متین و خطیبی بلیغ می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

یثربی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
52- در اوائل ماه ذی‌القعده 1365 ق بود که ستاره رخشنده‌ای از دارالمؤمنین کاشان در آسمان قم طلوع نموده و حوزه علمیه قم و نجف و قاطبه فضلاء را به خود متوجه ساخت این ستاره رخشان و ماه فروزان مجسمه علم و تقوا و عنصر زهد و ورع علامه قمقام و فهامه علام آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی فرزند آیت‌اللّه آقا سید محمدرضا پشت مشهدی بود که آسیاء تحقیق را قطب و دائره بیان و تدریس را نقطه پرگار که زبان و قلم نویسنده عاجز و قاصر از تعریف و توصیف آنجنابست شخصیت و آثارش معرف مقام فضل اوست.
و اگر از این نگارنده از آن حضرت سؤال شود که درباره وی چه خواهی گفت در پاسخ شعری را که ابوالعلاء معری درباره سید شریف علم‌الهدی گفته مناسب می‌دانم
یا سائلا عنه لما جئت تسئله
الا هو الرجل العاری عن العاری
لو جئته لرأیت الناس فی رجل
والدهر فی ساعة والارض فی دار
این مرد عظیم‌القدر که مراجع امروز قم و زعماء حوزه علمیه از تلامذه اویند و ارباب فضل و دانش او را آقا ضیاء ثانی می‌گویند به قصد زیارت وارد قم شده و مورد تجلیل و تبجیل مراجع و زعماء و فضلاء واقع شد و بنابر اصرار و ابراز حضرات آیات عظام حوزه تدریس تشکیل و تشنگان علم و بیان خویش را سیراب و از هر گوشه طالبان تحقیق را به دور خود جمع نمود و این بنده هم به درس ایشان حاضر شده و از تحقیقات رشیقه و بیانات دقیقه آنجناب در اطراف علم برائت استفاده می‌نمودم ولکن افسوس فراوان که بیش از یک ماه طول نکشیده و تصادف با رحلت مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی نموده و حوزه علمیه عزادار و تا چهل روز دروس تعطیل گردید و آنجناب به قصد زیارت عتبات عالیات مسافرت به عراق نموده و دارالعلم نجف اشرف توجه مخصوصی به ورودش نموده زیرا مباحثاتی میان ایشان و مدرسین و زعماء حوزه نجف شده که مشهور فضلاء می‌باشد
ولادتش در کربلاء معلی در سال 1311 واقع شده و در مهد تربیت پدر بزرگوارش نشو و نما نموده و مقدمات و سطوح را از پدر خود و اساتید

دیگر نجف فراگرفته و در سال 1331 به حوزه درس مرحوم علامه یزدی صاحب عروه و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه نائینی حاضر شده و در اندک زمانی در میان شاگردان آقا ضیاء شاخص و مشار بالبنان گردید تا در سال 1339 که والد ماجدش او را به کاشان طلبید.
و مرحوم آقا ضیاء و فضلاء نجف او را با اشک دیده بدرقه و مشایعت نموده و حتی آقای آقا ضیاء می‌فرمایند در میان تلامذه و شاگردان استاد ما آخوند خراسانی یک میرزا سید علی یزدی لب خندقی بود که در موقع حرکتش استاد او را با اشک دیده مشایعت نمود و از جدائی او آه کشید و در میان رفقا و شاگردان من شما که می‌روی مرا به فراق و حسرت خود می‌گذاری خلاصه پس از ورود به کاشان و مسبوق شدن آیت‌اللّه حایری که تازه حوزه علمیه را تأسیس نموده بودند از والد ماجد ایشان حاج سید محمدرضا یثربی تقاضا می‌کند که ایشان را به قم فرستد و در سال 1341 قمری اجابت نموده و به قم مشرف و حوزه درس رسمی از تقریر مباحث مرحوم حایری و نیز درس مستقله‌ای تشکیل و صدها نفر فاضل برجسته چون آیت‌اللّه آقای نجفی مرعشی و آیت‌اللّه موسوی و آیت‌اللّه شریعتمداری و مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و دیگران را دو رخود جمع و تا هفت سال تمام حوزه گردان علمی فقه و اصول قم بودند تا سال 1347 که والدشان داعی حق را اجابت گفته حرکت به کاشان نموده و از روی ضرورت برای سرپرستی عائله پدر خود و مردم پشت مشهد کاشان توقف در آن شهر را اختیار و هر چند از فضلاء و علماء قم دعوت کردند اجابت ننمود تا در سال 1365 قمری که مذکور شد به قصد زیارت آمده.
و بنابر اصرار آیت‌اللّه بروجردی و علماء و فضلاء دیگر دو ماهی را توقف و حوزه تشکیل داد تا فوت مرحوم اصفهانی که مشرف به عتبات شده و بعد از چند ماه مراجعت به کاشان نموده تا در سال 1379 قمری یک سال قبل از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی که دار فانی را وداع گفته و شهر کاشان و حوزه علمیه قم و نجف را غریق بحر ماتم نمود و با تشییعی که کاشان هرگز به خود ندیده بود در جوار قبر پدرش در صحن امامزاده حبیب موسی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی یثربی فرزند آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی ابن سید اسماعیل بن سید عبدالرزواق (برادر سید محمدتقی پشت مشهدی) ابن سید عبدالحی الحسینی برادر بزرگوار استاد الاساتید مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا سید علی یثربی کاشانی (پشت مهدی) از علماء نامی و دانشمندان گرامی و امام جمعه انقلاب و جمهوری اسلامی معاصر در دارالمؤمنین کاشان می‌باشند.
وی در حدود سال 1347 قمری در شهرستان کاشان به دنیا آمده و در سنین کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و سرپرستی و تربیتی برادر بزرگوار پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر برادر نامبرده‌اش به قم هجرت نموده و چندین سال از فقه و اصول آیات عظام حوزه علمیه قم چون مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه گلپایگانی و بالاخص رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه العظمی بروجردی استفاده نموده است.
در سال 1379 قمری پس از رحلت برادر عزیزش و اصرار مردم عالم دوست کاشان و امریه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی به کاشان برگشته و به جای برادر گرامیش به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ اسلام و نشر معارف اهل‌البیت و گفتن تفسیر و سایر خدمات از تأسیس حوزه علمیه یثربی و تربیت محصلین و طلاب و سایر خدمات پرداخته و در به ثمر رساندن انقلاب ایران و تبدیل حکومت ستمشاهی به جمهوری اسلامی نقش بسزائی در کاشان و حومه آن داشته و لذا ایشان را برای امام جمعه‌ای و نمایندگی ولایت فقیه کاشان انتخاب شده و خدمات بسیار ارزنده‌ای از تأسیس مساجد و مدارس علمی در کاشان و حومه آن نموده است.
در قمصر کاشان حوزه علمیه‌ای تأسیس که در آن حدود یکصد طلبه به تحصیل علوم دینی اشتغال دارند و نگارنده از نزدیک آن را دیده و شاهد گفتن درس اخلاق معظم‌له برای آنان بوده‌ام و نیز در نیاسر کاشان آثار چشمگیری از خود گذارده‌اند.
جناب آقای یثربی با بیت جلیل و رفیع وحید بهبهانی که معروف به آل آقا هستند وصلت نموده و صبیه محترمه مرحوم آیت‌اللّه حاج‌آقا عبداللّه آل

آقای بهبهانی را در اختیار دارند که از آن مخدره فرزندان فاضل و برومندی دارند که در قم و کاشان به تحصیل علم و کمال اشتغال دارند.
سید مهدی یثربی (سومین فرزند) مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید محمدرضا پشت مشهدی کاشانی از ستارگان پرفروغ و دانشمندان پراثر و خدوم معاصر کاشانست.
وی در حدود 1347 قمری در کاشان متولد شده و در کودکی پدر را از دست داده و در تحت کفالت و تربیت برادر علامه‌اش آیت‌اللّٰه العظمی یثربی پرورش یافته و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح و استفاده از محضر معظم له به قم عزیمت نموده و سطوح را از مدرسین حوزه تکمیل و در درس خارج مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّٰه محقق داماد و آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّٰه العظمی شریعتمداری و آیت‌اللّٰه العظمی گلپایگانی و آیت‌اللّٰه العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی و دیگران شرکت و از خرمن علوم آنان خوشه‌ها چیده و بهره‌ها برده تا در سال 1379 قمری که برادر علامه‌اش وفات نمود بنابر درخواست و اصرار مردم کاشان و امر مرحوم آیت‌اللّٰه بروجردی به کاشان برگشته و به جای مرحوم آیت‌اللّٰه یثربی به اقامه جماعت و خدمات دینی و تربیت عده زیادی از محصلین کاشانی پرداخته است.
نگارنده گوید: مترجم عزیز ما که از بیوتات اصیله و ریشه‌دار روحانیت شهرستان کاشانست و آباء و نیاکانش همگی از مفاخر عالم تشیع و مراجع عالیقدر شیعه بودند.
دانشمندی فاضل و عالمی بارع و در خدمت به دین و روحانیت بسیار ساعی و جدی و در مبارزه با منکرات و اماکن فساد و فحشاء از نوادر معاصرین است.
بیانی صریح و منبری ملیح و ارزنده و آموزنده دارد. در مسجد خویش بعد از اداء فریضه تفسیر قرآن و بیان احکام و معارف دینی نموده و مردم را کاملا مستفیض می‌فرمایند. در ایام عاشوراء که در صحن مطهر جناب (حبیب موسی) اقامه عزاداری و سوگواری برای سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّٰه الحسین (ع) می‌شود در تاسوعا و عاشوراء خود منبر رفته و علت نهضت و قیام حسینی (ع) و فلسفه شهادت آن بزرگوار و آثار آن را ذکر نموده و شور عجیبی برپا می‌کند.
از سال 1380 قمری که رسماً به جای مرحوم برادر فقید سعیدش قرار گرفته تاکنون خدمات بسیاری در کاشان و حومه آن از بناء مساجد و مدارس علمی و تربیت محصلین نموده‌اند.
دارای محاسن اخلاق و محامد آداب و سجایای کریمانه می‌باشد.
از آثار و باقیات الصالحات ایشانست مدرسه علمیه که در خیابان شاه

عباس کبیر بنا نموده و از هرگونه مجهز و بالغ بر یکصد و هشتاد طلبه و محصل جدی دارد که در آن چندین نفر از فضلاء اخیار حوزه علمیه قم مانند جناب ثقةالاسلام و زبدةالفضلاء الاعلام آقایان آقا شیخ احمد اسلامی و حجةالاسلام آقای حاج سید اسدالله خراسانی و حجةالاسلام آقای آقا سید رضا علم‌الهدی و بعضی دیگر به تدریس ادبیات و فقه و اصول اشتغال دارند.
و دیگر بانک قرض‌الحسنه بنام (بانک آقا) و دیگر تعمیر و بناء مساجد و حمامات و بیمارستان در شهرستان کاشان و حومه آن می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یثربی، میرمحمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی-ادام الله ظله العالی- از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال 1333 هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه-سلام الله علیها-) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی-قدس سره- ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدااه آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی-رضوان الله تعالی علیه-)می باشد. ایشان قبل از پایان 5سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی- قدس سره- بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال 1339مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی –رحمه الله علیه – که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال 1351در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نموند وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی - دام ظله- مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری - ره – خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می

فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی - مدظله العالی – (یک دوره اصول به مدت 17سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی – قدس سره – حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی – قدس سره – شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال 1348 تا1353در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال 1354 تا 1359تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه – سلام الله علیها – شرکت می کردند. از سال 1360 تا 1367 به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال 1365 تا 1374 به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از 70نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال 1378 مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای 60تا 63یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال 1369یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی – رضوان الله علیه - »تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: 1- رساله فی تطور الاصول (عربی) 2- رساله فی تطور علم الفقه(عربی) 3- رساله فی الکلام (عربی) 4- رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) 5- شرح رساله حقوق

امام سجاد – علیه السلام – (فارسی) در 3جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف 6- تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در 2جلد 7- مباحث رجالی در 1جلد 8- تقریرات خمس (فقه) در 1جلد 9- تقریرات صوم در 2جلد 10- تقریرات اصول در 8جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله درآینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 -1252 ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. وی در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می‌گفت و از موسیقی نیز بهره‌ی تمام داشت و رباب را خوب می‌نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و از شیوه‌ی میرعماد پیروی می‌کرد و کتیبه‌های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه‌های قسمتی از رواق مطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می‌دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه‌ی سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «... حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنة 1275»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قل دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال... فی شهر شعبان المعظم 1282»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه‌ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».[1]
میرزا عبدالوهاب متخلص به یزدانی ششمین پسر وصال شیرازی (و. 1252 ه.ق- ف. 1328 ه.ق) وی یکی از خوش‌نویسان و نقاشان و ادبای عصر خود به شمار می‌آمد، و آنچه از اشعار او در دست است 7 قصیده و 14 غزل می‌باشد و ضمناً کتیبه‌های دور حرم شاه‌چراغ و سید محمد به خط اوست و چند نسخه از کلیات سعدی و دیوان حافظ نوشته و از موسیقی نیز بهره‌ی کافی داشته و رباب خوب می‌نواخته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (362 -361)، احوال و آثار خوشنویسان (420 -419/ 2)، احوال و آثار نقاشان (353 -352/ 1)، اطلس خط (567)، حدیقةالشعراء (2116 -2113/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (892 -888/ 5)، الذریعه (1311/ 9)، ریحانه (389 -387/ 6)،

طرائق‌الحقائق (384/ 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1019 -1016/ 2)، فرهنگ سخنوران (1013)، مرآت‌الفصاحه (724 -720)، مکارم‌الآثار (1413 -1412/ 4).

یزدگردی، امیر حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر امیر حسین یزدگردی درسال 1306 در تهران زاده شد.ایشان دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال 1336 می باشد.وی از سال 1329 تا 1334 در آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال 1359، در دانشکد? الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت.دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال 1365 درگذشت. کتاب "حواصل و بوتیمار" تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب "دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : زنده‌یاد استاد دکتر امیرحسن یزدگردی در خانواده‌ای فرهیخته و اهل ادب در تهران متولد شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : امیر حسین یزدگردی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادیب و دبیرستان مروی به سر آورد. در سال 1329 از دانشسرای عالی لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت و در سال 1336 به اخذ درجة دکترا در همان رشته از دانشگاه تهران نائل آمد
استادان و مربیان : اساتید دکتر یزدگردی در دوران دانشگاهی، بزرگ‌مردانی مانند استاد بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، ملک‌الشعرای بهار، بهمنیار، عبدالعظیم قریب، سیدهادی سینا و سید محمّد فرزان بودند.
زمان و علت فوت : دکتر امیر حسین یزدگردی در شامگاه روز دوشنبه چهارم فروردین سال 1365 درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : امیر حسین یزدگردی در خلال گذراندن دورة دکترا به مدت پنج سال (1334 ـ 1329) در آموزش و پرورش شهرستان قم در دبیرستان حکیم نظامی به تدریس پرداخت و پس از آن به دانشکدة الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران انتقال یافت و تا سال 1359 بیش از سی سال، بدون وقفه به تدریس اشتغال داشت .

شاگردان : استاد یزدگردی خود معلمی بود مسلّط، دلسوز، عاشق، متین و باوقار که نه تنها درس و بحثش بلکه گفتار و کردار و رفتارش نیز، سخت بر شاگردان تأثیر می‌گذاشت و محققی بود سخت‌کوش، پرحوصله و بردبار، دقیق و نکته‌یاب. شاگردان وی امروز در شمار موفق‌ترین معلمان به حساب می‌آیند؛ افرادی چون استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی.
جوائز و نشانها : کتاب "حواصل و بوتیمار" تالیف امیر حسین یزدگردی ، در دوره یازدهم انتحاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین کتاب "دیوان ظهیر فاریابی " تصحیح وی ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. ----------
---
آثار :
1 تصحیح دیوان کبیر (غزلیات شمس)
ویژگی اثر : با همکاری مرحوم دکتر کریمان
2 تصحیح کلیله و دمنه
ویژگی اثر : با همکاری استاد فقید مجتبی مینوی
3 تصحیح و تعلیق «نفثة المصدور» شهاب الدین محمد خرندزی
ویژگی اثر : 1343، ادار? کل نگارش وزارت آموزش و پرورش
4 حواشی بر دیوان حافظ، مرزبان‌نامه، جهانگشای جوینی و راحة‌الصدور
5 حواصل و بوتیمار
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنائی با کتاب: «حواصل و بوتیمار»: حواصل و بوتیمار؛ امیر حسین یزدگردی؛ به کوشش اصغر دادبه، تهران: مؤسس? انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1371. تألیف کتاب «حواص و بوتیمار»، از شهریور 1349 آغاز شده و تا زمستان سال 1364 (15 سال) ادامه یافته است. دکتر یزدگردی در باب اختیار نام «حواصل» بیشتر به منابع کهن و در خور اهمیت اقوال گروهی از حیوانشناسان، اوصاف جوارح و اطوار خاص این پرنده در کتب شعر و ادب، آراء جمعی از فرهنگ نویسان و دانشمندان قدیم و بالاخره تصاویر روشن و واضح استناد کرده است. در باب اختیار نام «بوتیمار» برای برخی از «گونه»ها و «زیرگونه»های «خانواد? بوتیمار»، نیز به تقریب به مآخذی از همان دست، اعتماد کرده است. موضوع کتاب بسیار بدیع است و پژوهش به طور مبسوط انجام یافته. امتیاز خاص این کتاب ما وسعت تتبع و پهنای گسترد? کار پیرامون این دو واژه است. زبان پژوهش، استوار و عالمانه است. کتاب دارای مقدمه ای جامع و فصول و بخشهای آن پیوسته و هماهنگ است. شاید فراهم آوردن 13 گونه از

فهرست تقریباً در تاریخ و تحقیق پارسی، برای یک کتاب _ با این تفصیل _ بی سابقه بوده باشد. اما فقدان فهرستی از مندرجات در آغاز محسوس بوده و پرداخت فنی کتاب نیز ضعیف و نامطلوب است.
6 دیوان ظهیر فاریابی
ویژگی اثر : تصحیح ،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دیوان ظهیرالدّین فاریابی تصحیح و تحقیق و توضیح]مرحوم[امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه.ـتهران: نشر قطره، 1381. «تتبع در دیوان ظهیر» موضوع رسالهٔ دکترای مرحوم استاد یزدگردی، به راهنمایی مرحوم استاد فروزانفر بوده که در تاریخ 1/8/1336 از آن دفاع شده است. حاصل این تتبّع و تحقیق، تصحیح انتقادی دیوان ظهیر است. برای نخستین بار و بر مبنای کهن‌ترین نسخه‌های موجود و نوشتن کتابی با مجلّدی مستقل در شش بخش در معرفی ظهیر و حل مشکلات اشعار او؛ حاصلی، بی‌گمان، بی‌مانند و چونان نفثةالمصدور و حواصل و بوتیمار ارجمند و سودمند و تحسین برانگیز.اما کمال طلبی استاد یزدگردی در کارهای علمی و دقّت وسواس‌آمیز او موجب شد تا نزدیک به سی‌سال، از زمان دفاع رساله (1336) تا گاه مرگ (1365)، همواره چنان احساس کند که کاری بدین تمامی ناتمام است و به از آنچه هست باید ! و چنین بود که در کنار کارهای تحقیقی خود تا پایان عمر در تکمیل آن کوشید. حاصل کار استاد یزدگردی، بی‌گمان، بی‌مانند است، چرا که اولاً توضیحات و تعلیقات و تحقیقات او دربارهٔ ظهیر و شعر او کامل‌ترین و دقیق‌ترین و محققانه‌ترین تحقیقاتی است که تاکنون در زمینهٔ ظهیرشناسی صورت گرفته است، ثانیاً، متن مصحح استاد، یگانه متن مصححی است که تاکنون از دیوان استاد فاریاب به چاپ رسیده است
منابع زندگینامه :منابع :
1www.ketabesal.ir

یزدی خراسانی، عبدالخالق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1268 ق)، عالم دینی، واعظ و مدرس. وی در ابتدا از شاگردان شیخ احمد احسائی بود. فقه و اصول را در محضر شریف‌العلماء مازندرانی فراگرفت. سپس به یزد بازگشت و از آنجا به مشهد مقدس رفت. او از بزرگان علما و از مدرسین مشهور مشهد بود، در توحید خانه‌ی حرم رضوی تدریس می‌کرد و علما و فضلاء در مجلس درسش شرکت می‌جستند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» تألیفات او را دلیل بر وسعت اطلاعات و کثرت دانش وی می‌داند. ظاهراً صاحب عنوان متأثر از عقاید شیخ احمد احسائی بوده، چنان که در «مطلع الشمس» آمده است: "ما بین او که بر مسلک شیخیه می‌رفت با علماء مشهد مجلس مناظرت مکرر منعقد شد." او در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار او: «مصائب الائمة (ع)» معروف به «مصائب المعصومین (ع)»؛ «بیت‌الاحزان»؛ «معین الطالبین»؛ «معین المجتهدین»، در اصول فیه؛ رساله‌ی «صلاة الجمعة»؛ «مناقب المعصومین (ع)»؛ رساله‌ی «علم الماسة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (518، 491/ 2)، الذریعه (335 -334/ 22 ،287 ،285 ،73/ 21 ،73/ 15 ،185/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 13/ 723)، فوائد الرضویه (226)، مطلع الشمس (399)، معجم‌المؤلفین (110/ 5)، هدیة‌العارفین (510/ 1).

یزدی فیروزآبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد بن سید محمدباقر حسینی یزدی فیروزآبادی که از مراجع بزرگ و آیات عظام گذشته بوده است.
معظم له در سال 1265 ق در فیروزآباد یزد متولد شده و پس از رشد و پرورش به یزد آمده و مقدمات را در آنجا فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه آسید یحیی یزدی استفاده نموده.
پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از آنجا در عهد ریاست و مرجعیت آیت‌اللّه علی‌الاطلاق میرزا محمدحسن مجدد شیرازی به سامرا رفته و از آنجناب در حالی که سی سال از عمرش می‌گذشت بهره‌مند شده.
و قبل از فوت آن بزرگوار به کربلا آمده و از محضر علامه فاضل اردکانی کسب فیض نموده و بعد از فوت مرحوم علامه یزدی صاحب (عروةالوثقی) بسیاری از مردم عراق و ایران در تقلید به وی رجوع نموده و نماز جماعتش در صحن مطهر علوی مورد توجه قرار گرفته و محبوبیت خاصی در بین عامه مردم پیدا نمود.
علامه خونساری در احسن الودیعه ج 2 ص 97 گوید: آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود. مرا به خدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جنابشان الاسکون و وقار. آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود.
عمده تلمذش خدمت علامتین متعاصرتین آقا سید محمدکاظم یزدی و محقق خراسانی بود و اخیراً ملازم حضور سید مرحوم گردید.
آن بزرگوار صبح جمعه آخر ماه ربیع‌الاول سال 1345 ق در سامره به رحمت حق پیوسته و فوراً حمل به نجف اشرف و با تشییع عظیمی در هه مشاهد مشرفه از عراق به نجف و اردو در یکی از حجرات صحن شریف مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

یزدی مشهدی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1310 ق)، عالم دینی و خطیب. او از ائمه‌ی جماعت و اهل منبر در مشهد رضوی بود. کتاب «بحارالانوار» رابه خط خود نوشت و آن را وقف کتابخانه آستان رضوی نمود. از طرف آیت‌اللّه سید محمود مرعشی تبریزی، پدر آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، هنگام تشرف به آستانه‌ی مقدسه‌ی حضرت رضا (ع)، به جهت صاحب عنوان، اجازه‌ای صادر شده است. او در مشهد درگذشت. از آثار او: «نوامیس العجب»، در شرح زیارت رجب؛ «نوامیس العرفان»، در شرح صلوات شعبان؛ «الباقیات الصالحات»؛ «بحر الدموع»، مقتل فارسی؛ «سماء الغزوات»؛ «الشموس المضیئة»؛ «المعضلات»؛ «خزائن الانوار»؛ «الحجج»؛ «الحائق»؛ تفسیر «سوره‌ی الفجر»؛ «مغناطیس الابرار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (505/ 2)، الذریعه (352/ 24، 266/ 21، 235/ 14، 229/ 12، 153/ 7، 341/ 4، 39، 11/ 3)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 96 -95/ 14)، معجم‌المؤلفین (198/ 1).

یزدی، حیدرعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ حیدرعلی یزدی از علماء محترم این شهرستانست.
وی از یزد مهاجرت به نجف اشرف نموده و سالها از محضر آیات عظام آنجا چون مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا حسن یزدی و آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و حکیم و شاهرودی و دیگران کسب علم و کمال نموده آنگاه به ایران برگشته و بنابر دعوت یزدیهای مقیم کرج رحل اقامت باین شهر انداخته و در مسجد یزدیها واقع در خیابان قزوین به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و خدمات دینی اشتغال دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

یزدی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1287 ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده‌ی سیزدهم هجری می‌باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبة المیزان» یا «نخبة اللغات»، در لغت که در 1287 ق آن را تألیف نمود و در 1288 ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سوره‌ی نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبة الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبة الشقشقیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (171/ 8)، الذریعه (100 -99 ،98/ 24)، معجم‌المؤلفین (40/ 7).

یزدی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد یزدی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1310/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله محمد یزدی در سال 1310 هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنهٔ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.
پدر آیة الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.
مادر آیة الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.
آیة الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورهٔ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می‌کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.
تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسهٔ «کاسه‌گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل

شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.
با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیة الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیة الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.
وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.
دوران تحصیل آیة الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیة الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را در محضر «آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیة الله مرعشی» و «آیة الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیة الله بروجردی (ره)»، «آیة الله اراکی»، «آیة الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیة الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.
آیة الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:
«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».
همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می‌گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن ! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان ! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».
از دوستان و معاشران آیة الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیة الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.
زندگی آیة الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیة الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیة الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.
زندگی سیاسی حضرت آیة الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با

رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیة الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی‌گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.
در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیة الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیة الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.
سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیة الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می‌کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می‌گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می‌کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیة الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از 21 رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیة الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیة الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار

می‌گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.
از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیة الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیة الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می‌گوید:
«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی‌کنند.
آیة الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، محمد مقیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1057 ق)، حکاک فلزات. او نگارگری استاد و هنرمندی نازک قلم به شمار می‌آمد که در تصویر و ترسیم نقوش هندسی بر روی فلزات قوی دست و پر مهارت بود. وی پیچش و تزیینات دقیق دوایر و هلالی‌های صفحات اسطرلاب را به زیبایی می‌ساخت. از آثار وی: اسطرلاب نفیسی که جهت شاه عباس ثانی تهیه کرده، با رقم: «قد امر السلطان... ابوالمظفر شاه عباس الثانی... و قد صنعه محمد مقیم یزدی فی سنه غنز الهجریه 1057»؛ اسطرلاب کوچک و کم‌کاری که رقم محمد مقیم یزدی را دارد و سال اجرای آن 1052 ق می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1086/ 3).

یزگردی، امیرحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق، مدرس.
تولد: 1306، تهران.
درگذشت: 4 فروردین 1356، تهران.
امیر حسین یزدگردی در سال 1329 از دانشسرای عالی درجه‌ی لیسانس و سال 1336 از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی دریافت داشت. از سال 1329 تا 1334 در وزارت آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال 1359، در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. او در عین حال آثار چندی را برای چاپ آماده کرد که از آن جمله است: مقاله و تصحیح دیوان ظهیر فاریابی و حواشی بر دیوان حافظ و مرزبان‌نامه و جهانگشای جوینی و راحة الصدور راوندی (که به چاپ نرسیده است)؛ تصحیح و تعلیق نقثة المصدور (شهاب الدین محمد زیدری، 1343)؛ حواصیل و بوتیمار (این کتاب در یازدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برنده‌ی رشته‌ی تاریخ و نقد در بخش ادبیات شده است)؛ مساعدت در زمینه‌ی تحشیه به مجتبی مینوی برای تصحیح کلیله و دمنه، همچنین بدیع‌الزمان فروزانفر از همکاری او در تصحیح بعضی از مجلدات دیوان کبیر مولانا یاد کرده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یشیل کایا، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رضا یشیل کایا
محل تولد : ترکیه- استانبول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
علیرضا یشل کایا 172 در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ 1984 به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خواننده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان 2 رسیده ام در ترکیه 64 کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه 18 ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته 4 ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از 4 ماه در سال 1373 به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ 25/1/1386 است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و

اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست ، 18 گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و 4 امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1301، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران در سال 1326، کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تبریز در سال 1336، دکترای زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس در سال 1347، کارشناسی ارشد علوم کتابداری از دانشگاه ایلینویز آمریکا در سال 1356.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح فهرست گواه‌آوری در معارف اسلامی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
گرامر larive of fleury، گرامر Maurice Grevisse و راهنمای املاء فرانسه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی: 8
زمینه علمی مقالات:
زبان و ادبیات فرانسه، طیف و طبیعت پایان‌نامه دانشگاهی، دیدگاه عرفانی ویکتور هوگو.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یغمای جندقی، ابوالحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به علت حادثه‌ای مورد توجه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت قرار می‌گبرد . وی در دستگاه خان به سرودن شعر می‌پردازد و به سمت منشی گری خان می‌رسد. پس از مدتی مورد توجه میرزا آقاسی قرار گرفته و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : شعر
والدین و انساب : نام اولیه ای یغمای جندقی رحیم و نام پدرش حاج ابراهیم قلی است. رحیم در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری نام خود را به ابوالحسن تغییر می‌دهد و به مجنون تخلص می‌کرد و به نام ابوالحسن مجنون معروف شد. پس از پناهنده شدن او به شاه عبدالعظیم و انزجاری که از سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان پیدا می کند تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد: به من از مال دنیا یک تخلص مانده «مجنون » است به کار آید گر ای لیلی وش آن را نیز «یغما» کن
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در دستگاه امیر اسماعیل خان عامری حاکم ولایت پرورش می یابد و به سرودن شعر می‌پردازد.
خاطرات و وقایع تحصیل : در دستگاه اسماعیل خان نام خود را از رحیم به ابوالحسن تغییر می دهد و تخلص مجنون را برای خود انتخاب می کند.
همسر و فرزندان : از فرزندان وی احمد صفایی است که نسخه‌ای از برهان قاطع را کتابت نموده به وی تقدیم کرده است.
وقایع میانسالی : ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی پس از آن که به حکومت کاشان می رسد،در آنجا با ملا احمد نراقی دوستی ای بسیار می‌یابد.
زمان و علت فوت : فوت ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی در سال 1276 هجری قمری در سن هشتاد سالگی در زادگاهش خور اتفاق افتاده است و در بقعه امامزاده داوود خور به خاک سپرده می‌شود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالحسن مجنون در دستگاه اسماعیل خان سمت منشی گری خان را پیدا می کند. و در سال 1233 هجری قمری در جنگ سردار ذوالفقار خان حاکم سمنان و افاغنه به زور شرکت

داده می شود. اما از آنجا که مردی هنرمند بود در دستگاه سردار به منشی گری می‌پردازد. بعدها تحت حوادثی مورد حسد اطافیان قرار می‌گیرد و دسیسه ای علیه او می پردازند که به دنبال آن سردار دستور می‌دهد چوب مفصلی به او بزنند. ابوالحسن(رحیم) یغمای جندقی به شاه عبدالعظیم پناه می‌برد و تخلص خود را از مجنون به یغما تغییر می‌دهد. یغما بعداً مورد توجه میرزا آقاسی قرار می‌گیرد و به حکومت کاشان می‌رسد. یغما مردی شوخ طبع و هزال بود . علاوه بر آن شاعر و ادیب بلند پایه دوران فتحعلی شاه و محمد شاه به شمار می‌رود. یغما خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته را بسیار خوش می‌نوشته و کتابهای مختلفی را کتابت کرده است.
چگونگی عرضه آثار : بسیاری از آثار یغمای جندقی جای مشخصی ندارند و در مقدمه دیوانش از آنها یاد کرده‌اند. ----------
---
آثار :
1 المعجم فی معاییر اشعار العجم
2 دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی
3 دیوان ظهیر فاریابی به خط نستعلیق
ویژگی اثر : این اثر نزد خانواده یغماست.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.1380]
4 دیوان کمال الدین اسماعیل
5 کتابت برهان قاطع
ویژگی اثر : برهان قاطع را در سال 1240 هجری قمری نوشته و در سال 1265 به فرزندش احمد صفایی بخشیده است. این نسخه که یغما خود تصحیح کرده و بر آن مقدمه نوشته در کتابخانه حبیب یغمایی بوده است. [سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.1380]
6 کلیات شیخ سعدی
ویژگی اثر : این اثر برای شاهزاده بهاالدوله کتابت شده است.[سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.1380]
7 مقامات حمیدی

منابع زندگینامه :1سرمدی، عباس. دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام. تهران،هیرمند.1380

یغمایی، اقبال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1376 -1295 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مترجم و مصحح. در روستای مسکین خور و بیابانک به دنیا آمد. وی برادر حبیب یغمایی، صاحب مجله‌ی «یغما» بود. اقبال پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدارس تهران و متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند. او سپس وارد دانشسرای مقدماتی شد و بعد از پایان تحصیلات دانشسرای عالی به شاهرود رفت و در ضمن تدریس ریاست دبیرستان ایرانشهر آنجا را نیز به عهده گرفت. یغمایی در 1324 ش به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول خدمت شد و از 1327 ش در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به مدت سه سال به تدریس پرداخت. وی مدتی سرپرستی مجله «آموزش و پرورش» را به عهده گرفت و بعد از چندی خود مستقلا اقدام به نشر مجله «دانش‌آموز» نمود. یغمایی مدت طولانی با بنیاد فرهنگ ایران به سرپرستی دکتر پرویز خانلری و اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت. او در تهران درگذشت و در قطعه‌ی هنرندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «طرفه‌ها»، سه مجلد؛ «داستان پیامران»؛ «مدرسه‌ی دارالفنون»؛ «شهید راه آزادی»، سرگذشت سید جمال‌الدین اصفهانی، پدر محمدعلی جمال‌زاده؛ «جغرافیای تاریخی دامغان»؛ «داستانهای عاشقانه ادبیات فارسی»؛ «داستانهای عیاری و پهلوانی در ادبیات فارسی»؛ تصحیح «حماسه ابومسلم نامه»؛ تصحیح «هوسنامه خسرو و شیرین»؛ «سفرنامه شاردن»، ترجمه؛ «پتی شز»، ترجمه؛ «رابینسون کروزوئه»، ترجمه؛ «تشبیهات شاعرانه»، شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2309 ،1743 ،1677/ 2 ،1034 ،897 ،588 ،504/ 1)، کلک (س 8، ش 93 -89، ص 811 -808)، مدرسه‌ی دارالفنون (پشت جلد)، مؤلفین کتب چاپی (642/ 1).

یکتا اصفهانی، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1290 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به یکتا. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آموزشگاه‌های زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمدکاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نیک می‌سرود و ابتدا فردی تخلص می‌کرد. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و در علم حساب و دفترداری و موسیقی نیز اطلاعاتی داشت. او در انجمن‌های شیدا، فرهمند و کمال شرکت داشت. از آثارش: «رساله در موسیقی»؛ «تاریخ سلجوقی»، ترجمه؛ «تذکره‌ی شعرای ایران»، از اوایل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوین و تحشیه «دیوان» غمگین؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (549 -546)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (1198)، الذریعه (1315 -1314/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3986 -3982/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1597/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (197/ 5).

یمینی شریف، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1368 -1298 ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره‌ی متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان رساند. وی در 1319 ش وارد دانشسرای عالی و سپس وارد دانشکده‌ی ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته‌ی مورد علاقه‌ی یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش و پرورش به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت. شعرهایش در 1323 ش در اولین شماره‌ی مجله‌ی «بازی کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به چاپ رسید و در 1324 ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها چاپ شد. او در 1328 ش مدیریت مجله‌ی «دانش‌آموز» و از 1335 ش تا 1358 ش مدیریت مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» را به عهده داشت. در 1334 ش امتیاز مدرسه‌ی روش نو را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره‌ی آن را عهده‌دار بود. در 1341 ش با همکاری عده‌ای از دوستان مؤسسه فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد، که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه‌مند به آثار کودکان و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیاگردی جمشید و مهشید»؛ «فری به آسمان می‌رود»؛ «قصه‌های شیرین»؛ «دو کدخدا»؛ «داستان عروسک»؛ «بازی با الفبا»؛ «روی زمین و زیر زمین» گیاه‌شناسی برای کودکان، ترجمه؛ «بیژن و شیر»، ترجمه؛ «جزیره‌ی مرجان»، ترجمه؛ «آواز فرشتگان»، شعر؛ «قصه‌های شیرین»، شعر؛ «گربه‌های شیپور زن»، شعر؛ «دیوان» شعر.[1]
شاعر، داستان‌پرداز.
تولد: 1298 تهران.
درگذشت: 28 آذر 1368، تهران.
عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های 1317 و 1318 در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال 1319 که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او

بیشتر شد. در سال 1322 دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجله «سخن» به طبع رسید. در سال 1323 در اولین شماره مجله‌ی «بازی کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال 1324 برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اول و دوم و سوم کلیه‌ی دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال 1328 به مدیریت مجلات «دانش‌آموز» و «شیر وخورشید» که دو نشریه‌ی وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در ششم دی 1335 اولین شماره‌ی مجله‌ی «کیهان بچه‌ها» منشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال 1358 به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس 1336 و ضمنا اشعار ایشان در چند مجله‌ی دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ می‌رسید.
عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکده‌ی ادبیات و چه تیچرز کلمبیا رشته‌ی تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشته‌ی آموزش و پرورش، به تحصیل در رشته‌ی ادبیات کودکان نیز پرداخت.
بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال 1334 امتیاز مدرسه‌ی «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت اداره‌ی مدرسه را به عهده داشت. در سال 1336 باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال 1341 با همکاری عده‌ای از فرهنگیان باسابقه به تأسیس مؤسسه‌ی فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد، در سال 1350 به همت وی جایزه‌ی نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله با بهترین اثر چاپ شده در حوزه‌ی ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال 1357 با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.
یمینی شریف در زمینه‌ی ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگون است که از میان این می توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: آواز فرشتگان یا شعر کودکان (1325)؛ قصه‌های شیرین (مجموعه شعر، 1326)؛ گربه‌های شیپورزن (مجموعه شعر، 1344)؛ دو کدخدا (1329)؛ برق و حریق (ترجمه)، روی زمین و زیر زمین (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریاوبر. ا.، 1336)؛ دنیاگردی جمشید و مهشید (1322)؛ بازی با الفبا، جزیره‌ی مرجان (اثر پلنتین، 1337)؛ داستان عروسک (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، 1337)؛ بیژن و شیرین (ترجمه با همکاری دیگران)، کتاب اول دبستان؛ فری به آسمان می‌رود؛ آوای نوگلان؛ پرویز و آیینه؛ در میان ابرها گل‌های

گویا (1350)؛ پوری و لباس‌های او؛ همسایه‌ی عجیب، باغ نغمه‌ها (1352)؛ آه ایران عزیز؛ دستمال گلدار و گنج بی صاحب؛ داستان خر و خرکچی؛ کتاب توکا؛ خانه بابا علی؛ شعر با الفبا (1363)؛ سیاهک و سفیدک؛ نیم قرن در باغ شعر کودکان؛ فارسی زبان ایرانی؛ پلنگ یکه تاز (1373).
عباس یمینی شریف در سال‌های 1333 و 1345 موفق به دریافت جایزه‌ی سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال 1346 نیز نایل به دریافت جایزه‌ی بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبستان (س 1، ش 1، ص 57)، الذریعه (1316/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3992 -3987/ 6)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3414، 2714 -2713، 2547، 2445، 1796 -1795/ 2 ،1480، 1458، 1330، 1026، 556، 439، 69، 68/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (404 -403)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 9، ص 44)، مؤلفین کتب چاپی (689 -688/ 3).

یوسف پور، محمد کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاظم یوسف پور ،رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان است . او مسئول پژوهشکده گیلان شناس نیز می باشد . وی در این پژوهشکده به امور تحقیقی ،پژوهشی و اجرایی می پردازد و با دعوت از گیلان شناسان کشور درراستای بارور کردن فرهنگ گیلان تلاشی می نماید .
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد کاظم یوسف پور رییس دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان و همچنین مسئول پژوهشکده گیلان شناسی را برعهده دارد .
فعالیتهای آموزشی : بخشی از فعالیت های آموزشی یوسف پور ، به گیلان شناسی مربوط می شود . وی براین نظر است که خرده فرهنگها ، چکیده قرنها زندگی ما هستند . یعنی هر ملتی در زندگی تاریخی خود ذخیره های فراوانی اندوخته و آنها را در صندوقچه های خرده فرهنگها به یادگار گذاشته است . بنابراین تاکار از کارنگذشته ودامنه گسترش صنعت ارتباطات ، حافظه تاریخی ما را به فراموشی دچار نساخته است باید درثبت و ضبط باقی مانده فرهنگ این منطقه بکوشیم .
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پژوهشکده گیلان شناسی از جمله مرکزی است که دکتر یوسف پور درتشکیل آن نقش داشت . این نخستین پژوهشکده استان شناسی بود که براساس ضوابط دانشگاهی و منطبق با موازین وزارتخانه متبوع مورد تایید قرار گرفت .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت روزمره یوسف پور ، تحقیق ومطالعه درمورد گیلان و گیلان شناسی است . او درمورد تحققیق براین باور است که جزء اولین آموزه های هر پژوهش علمی این است که محقق باید خودرا از دایره موضوع پژوهش بیرون بکشد و از منظر اشراف وبی طرفانه به موضوع بنگرد . او معتقد است که گرایشهای تعصب آمیز نه تنها خود شان راهی به دهی نمی برد . بلکه حتی می توانند فضای تحقیق را آلوده کنند .
همفکران فرد : مهندس حمیدی ، مهندس دهقان ، دکتر ابوالفضل درویزه ، دکتر رضا فتوحی و فریدون نوزاد از جمله همفکران یوسف پور می باشند که در امور تحقیقی و پژوهشی با هم همکاری و همفکری دارند .

آرا و گرایشهای خاص : محمد کاظم یوسف پور معتقد است که درقبال سرعت شتابان علم امروزی ما باید تسلیم شویم و یا باید مقاومت کنیم . او در این موردبا مثال آوردن کسانی همچون فرانتس فانون ، امد سزر، اقبال، شریعتی و دیگران معتقد است که ما باید به خویشتن خود باز گردیم و در پی ایستادگی دربرابر استماله فرهنگی قرار گیریم .

منابع زندگینامه :مصاحبه با رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، فصلنامه فرهنگ گیلان ، شماره 5و6، بهار وتابستان 1379، ص8

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینعلی یوسف زاده
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/5/8
زندگینامه علمی
بنده در یک خانواده متوسط روستائی در 8/5/1349 چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال 1362 در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.
ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».
در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل 30 سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در

این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن 14 سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.
در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال 1365 به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیة الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال 1366 در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.
درسال 1372 وارد دانشگاه رضوی و سال 1377 فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال 1380 از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال 1376 تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیة الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی مقدم، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق یوسفی مقدم
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال 1347 وارد حوزه علمیه شهرستان «تربت حیدریه» شدم و پس از اتمام سطح ابتدائی در سال 1353 به قم هجرت کردم و با شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه و قبولی، در مدرسه حجتیه اسکان یافتم. به طور مختصر تحصیلات خودم را در محورهای (فلسفه، فقه، اصول و تفسیر) به شرح ذیل ارائه می نمایم:
نهایة الحکمه را از محضر آیت الله «مصباح یزدی»، شرح منظومه را از محضر آیت الله «انصاری شیرازی»، مجلدات اشارات را از محضر آیت الله «حسن زاده آملی» و مجلدات اسفار را از محضر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. مدتی از تفسیر آیت الله «مشکینی» و پس از آن مدتی از درسهای تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. (لازم به ذکر است که در سابق به مدت کوتاهی در مشهد مقدس از تفسیر آیت الله «خامنه‌ای» نیز بهره برده ام.)، لمعتین را از محضر مرحوم آیت الله «فاضل هرندی»، قوانین الاصول را از محضر مرحوم آیت الله «مدرس افغانی»، وسائل شیخ انصاری را از محضر آیت الله «موسوی تهرانی»، مکاسب را از محضر حضرات آیات: «ستوده، محقق داماد و صانعی»، کفایة الاصول را از محضر حضرات آیات: «مظاهری، پایانی و محقق داماد» استفاده کرده ام.
از درس خارج اساتید زیادی بهره برده ام از جمله: یک دوره کامل خارج اصول به مدت 9 سال و چندین سال خارج فقه آیت الله «فاضل لنکرانی»، حدود 9 سال خارج فقه و اصول آیت الله «وحید خراسانی»، مدت قابل توجهی از درس رجال آیت الله «شبیری زنجانی» و آیت الله «حسین نوری» استفاده کرده ام. تقریباً تمام کتب سطح متوسط و سطح عالی را تدریس کرده ام. همچنین مقدمات را نیز تدریس کرده ام.
لازم به ذکر است که برای بررسی رشد فکری شیعیان مناطق مرزی،

نشریه ای تحت عنوان «نشانه» منتشر می کردم که 9 شماره آن منشر شده است. و همچنین برای رشد سطح علمی و توانمندی روحانیون مناطق مرزی، مجله ای تحت عنوان «بشیر» منتشر کرده ام که 5 شماره آن منتشر شده است.

یوسفی، احمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمدعلی یوسفی
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1358 در رشته (فیزیک و ریاضی) با معدل 14/19 قبول و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه شدم. در سال 1359 مقارن با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل مشغول بودم. در سال 1367 دروس حوزوی را به پایان رساندم و دروس خارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.
بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز نمودم و در سال 1375 در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم. هم اکنون ضمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس حوزه و اشتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سجاد یوسفی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
در سال 1376 وارد حوزه علمیه شدم. در سال 1381 سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح 3 حوزه می باشم.

یوسفی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، محقق، ادیب.
تولد: 1306، مشهد.
درگذشت: 14 آذر 1369، تهران.
غلامحسن یوسفی دوره‌ی تحصیلات دبستان و دبیرستان را در مشهد به پایان برد و در سال 1325 وارد دانشگاه شد و از سال 1328 در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل گردید. وی در سال 1330 همزمان با دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، به دریافت درجه‌ی لیسانس در رشته‌ی حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.
دکتر یوسفی ابتدا به عنوان دبیر دبیرستان‌های مشهد و سپس به عنوان دانشیار و بعدها در سمت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد به تدریس اشتغال داشته است. وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و مدت چندین سال نیز سرپرست گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی بوده است. مطالعه و تحقیق در کشورهای فرانسه و انگلستان و تحقیق و تدریس در آمریکا و کوشش در ایجاد چاپخانه‌ی دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نامبرده است. از جمله آثار تألیف، تصحیح و ترجمه وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: تألیف: تمرین فارسی برای کلاس اول دبستان (با همکاری عبدالحسین پازوکی، اکبر قندهاریان، غلامرضا، قهرمان، 1333)؛ فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، روزگار و شعر او (1341، کتاب برگزیده‌ی سال 1341، انجمن کتاب)، ابومسلم، سردار خراسان (1345)؛ نامه اهل خراسان (مجموعه مقالات، 1347)؛ دیداری با اهل قلم (دو جلد، 1357 ،1355)؛ برگ‌هایی در آغوش باد (مجموعه مقالات، دو جلد، 1356)؛ کاغذ زر (یادداشت‌هایی ادبی و تاریخی، 1363)؛ روان‌های روشن (1363)؛ چشمه‌ی روشن (1369)؛ تصحیح و ترجمه: قابوس‌نامه (1345)؛ قابوس‌نامه‌ی درسی (1345)؛ التصفیه فی احوال المتصوفه (1347)؛ ترجمه‌ی تقویم الصحه ابن بطلان (1350)؛ لطائف الحکمه ارموی (1351)؛ گزیده‌ی قابوس‌نامه (1353، این کتاب با نام درس زندگی: گزیده قابوس‌نامه نیز منتشر شده است)؛ بوستان سعدی (1359)؛ ملخص اللغات خطیب کرمانی (با همکای دکتر محمد دبیرسیاقی، 1362)؛ گلستان سعدی (1368)؛ داستان من و شعر (نزار قبانی، با همکای دکتر یوسف آبکار، 1356)؛ هدف ادبیات، اسلوب

عالی و فضایل ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی)، اما من شما را دوست می‌داشتم (ژیلبر سبرون، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، 1362)؛ انسان دوستی در اسلام (مارسل بوازار، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، 1362)؛ شیوه‌های نقد ادبی (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی، 1366، برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر (اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار، تهران، 1369)؛ چشم اندازی از ادبیات و هنر (ره ولک و دیگران، ترجمه از زبان انگلیسی، با همکاری محمدتقی امیر صدقیانی، 1369).

دکتر یوسفی در چهاردهم آذر 1369 درگذشت، پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حرم حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

یوسفی، محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا یوسفی در سال 1332 در همدان متولد شد.وی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال 1357 با نام « سال تحویل» منتشر کرد. کتاب " افسان؟ بلیناس جادوگر" تالیف محمد رضا یوسفی ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
گرایش : ادبیات کودکان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا یوسفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد و در سال 1352 به دانشکده ادبیات تهران راه یافت و در سال 1356 موق به اخذ لیسانس ادبیات شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا یوسفی نوشتن را با شعر و نمایشنامه آغاز کرد و پس از آن با داستان و فیلمنامه ادامه داد و اولین کار خود را در سال 1357 با نام « سال تحویل» منتشر کرد. در سال 1996 م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر? جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت.
جوائز و نشانها : محمد رضا یوسفی در سال 1996 م. با کتاب «حسنی به مکتب نمی رفت» دیپلم افتخار کنگر? جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت. در سال 1998م. نیز همان جایزه را برای رمان « ستاره ای بنام غول» اخذ نمود. دیگر تالیف ایشان کتاب"افسان? بلیناس جادوگر" است که این کتاب،، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : از محمد رضا یوسفی بیش از 85 کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. ----------
---
آثار :
1 افسان? بلیناس جادوگر
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«افسان؟ بلیناس جادوگر» افسان؟ بلیناس جادوگر/ محمدرضا یوسفی . – تهران: نشر پیدایش، 1377. این کتاب روایتی است نو از افسانه کهن که به زبانی شیوا و امروزی به تحریر در آمده است. افسان؟ بلیناس جادوگر ، هم به لحاظ مضمون و هم به اعتبار شیو؟ پردازش و نگارش، اثری ارزشمند است. نوآوری نویسنده در انتخاب موضوع و عطف توجه به تاریخ کهن و پردازش گیرا وانتخاب زبان مناسب از مهمترین ویزگیهای این اثر به شمار می روند.

2 حسنی به مکتب نمی رفت

ویژگی اثر : تالیف،در سال 1996 م. کتاب مذکور،دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

3 سال تحویل

ویژگی اثر : تالیف،1357

4 ستاره ای بنام غول

ویژگی اثر : تالیف،. در سال 1998 م. کتاب فوق ،دیپلم افتخار کنگر؟ جهانی کتاب کودک و نوجوان به نام IBBY را از هلند دریافت داشت

منابع زندگینامه : 1www.ketabesal.ir

یوسفی، محمدهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدهادی یوسفی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1 زندگینامه علمی
در سال 1327 هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال 1341 هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیة الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال 1350 به بحث خارج فقه (عبادات - صلاة الجماعه) مرحوم آیة الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال 1352 به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیة الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال 66.
پس از 70 هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیة الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام.
در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبة المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و أصول حلقات 3 در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان، نعمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نعمت الله یوسفیان
محل تولد : خلخال
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/4/15
]زندگینامه علمی
اینجانب نعمت الله یوسفیان در روستای گیلوان از توابع شهرستان خلخال در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودم. پدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمد آن زندگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بستگان مادری ام از خاندان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشخص هستند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متدین، باصفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روستا خواندم و پس از آن به شهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادم و دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم.
در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سر انجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم در سال 1359، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال 1365 اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیة الله گلپایگانی و ... قرار گرفتم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادم.
در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال 1373 در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره

(قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ 29/1/1375 به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.
دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایه را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.
هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و ....

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹